

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۱۸

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۱۸

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰

عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.

یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].

عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها

رده بندی کنگره : CT۲۰۳ /ف‌۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

روزنامه نگاری

اباذری، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم اباذری

محل تولد : میانه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۷

زندگینامه علمی

فروردین سال ۱۳۳۹ برابر رمضان ۱۳۷۹ در شهر میانه به دنیا آمد. در آذر ماه ۱۳۶۰ پس از پایان خدمت مقدس سربازی به حوزه علمیه تبریز (مدرسه حضرت ولی عصر عج) وارد شد. مقدمات و سطح را در آن حوزه نزد اساتید معظم فرا گرفت. در نیمه شعبان ۱۴۰۴ برابر ۲۷/۲/۱۳۶۳ در حالی که در انتهای شرح لمعتین بود توسط حضرت آیه الله ملکوتی (امام جمعه وقت تبریز) ملبس و مفتخر به لباس روحانیت گردید.

در آغاز سال تحصیلی ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و در جوار حرم نورانی حضرت معصومه سلام الله علیها تحصیلات سطح عالی را از محضر حضرات آیات: محمد ستوده، مصطفی اعتمادی، عباس محفوظی، احمد پایانی بهره برد و درس خارج فقه، اصول، تفسیر و فلسفه را مجموعاً به مدت بیش از ۱۲ سال از محضر حضرات آیات عظام: محمد ابراهیم جناتی، عبد الله جوادی آملی، حسن زاده آملی، حسینعلی منتظری، یوسف صانعی، مسلم ملکوتی، سید محمد مفتی شیعه و زین العابدین عسگری گیلانی استفاده نمود. و در ضمن آن به طور پراکنده به تدریس بعضی کتب درسی و تحقیق پیرامون موضوعات علمی پرداخت.

در طول هشت سال دفاع مقدس در چند مرحله به عنوان رزمی، تبلیغی مجموعا "به مدت بیست ماه در جبهه ها و عملیات مختلف از جمله در جبهه های پاوه، مهران، میمک، موسیان، خرمشهر، پاسگاه زید، فاو، سرپل ذهاب، بازی دراز، پادگان ابوذر، استان سلیمانیه حضور یافت و در نهایت پس از عملیات بیت المقدس ۳ و آزاد سازی قله گوجار و تپه اولاغلو به همراه بچه های گردان محمد رسول الله از لشکر ۵ نصر خراسان، مجروح شیمیایی شده و به مدت یک هفته در سنندج ساختمان استانداری بستری گردید.

در سال ۱۳۷۰ به طور جدی کار پژوهشی، تحقیقاتی خود را با پژوهشکده باقر العلوم (ع) به مدیریت اندیشمند با اخلاص استاد محمود مهدی پور و با کاروان سالاری و هدایت ادیب و شاعر فرزانه استاد جواد محدثی آغاز کرد و در قالب مجموعه های: دیدار با ابرار، دیار ابرار، راویان نور، بانوان نمونه، گلشن ابرار و... به این همکاری ادامه داد که این کارها با فعالیت های تحت عناوین: عضو شورای نویسندگان، بررسی کتب و مقالات مجموعه مدیر گروه مجموعه «بانوان نمونه» و مسؤول بررسی و بازنگری مجدد مجموعه «دیدار با ابرار» به مرحله رشد و بالندگی رسید که هنوز هم بعضی از این همکاری ها ادامه دارد.

همچنین با مؤسسات فرهنگی، پژوهشی دیگر مانند: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دار الحدیث، معاونت فرهنگی آستان مقدس حرم حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه و حضرت معصومه سلام الله علیها، ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر در مجموعه هایی مثل: خاطرات انقلاب، تاریخ انقلاب، تاریخ منطقه ای انقلاب، شورای ستارگان حرم، ماهنامه کوثر، هفته نامه ری، آیینه رشد مدیران و ... همکاری می کند و به عنوان کارشناس در خدمت واحد اندیشمندان صدا و سیمای مرکز قم نیز هست. تا کنون حدود ۲۵ جلد کتاب و بیش از ۸۰ مقاله در موضوعات مختلف از وی در روزنامه ها، مجلات و مجموعه های دیگر از جمله روزنامه های: ایران، جام جم، جمهوری اسلامی، همشهری، پرتو و مجلات فرهنگ کوثر و پگاه و... به چاپ رسیده است. هم اکنون خاطرات انقلاب چند نفر از شخصیت های بارز حوزوی را در دست مصاحبه، بازنویسی تنظیم و تدوین دارد و تحقیقات خود را در برخی موضوعات دیگر پیگیری می کند.

اباذری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود اباذری

محل تولد : نائین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۲۲

ابجدیان، امراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۴۷، دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه سنت لوئیس آمریکا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش و تحقیق در زمینه تاریخ ادبیات انگلیس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ادبیات انگلیس، نمایشنامه مکبث، نمایشنامه دکتر فاکتوس.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

ادبیات انگلیس.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابراهیم پور لیالستانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ابراهیم پور لیالستانی

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

ابراهیم پور، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ابراهیم پور

محل تولد : گنبد کاووس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی خویش را از مشهد آغاز نمودم و همزمان در ایام تعطیل مکتب خانه‌ها به آموزش قرآن و مفاتیح و... پرداختم. دوره راهنمایی و یک سال از مقطع دبیرستان را نیز پشت سر گذاشته و وارد حوزه علمیه مشهد شدم.

از سال ۱۳۶۵ دروس حوزه را آغاز نموده و بخشی از مقدمات را در مدرسه المهدی و مابقی آن تا اصول فقه را در مدرسه امام باقر(ع) پشت سر گذاشتم و پس از آن از درس لمعه مرحوم فقیه سبزواری درک نموده و بهره بردم و همزمان خود را برای شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم آماده می‌نمودم. در سال ۱۳۷۰ در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم شرکت نموده و پس از قبولی و پذیرفته شدن در امتحانات شفاهی و مصاحبه، رسماً طلبه حوزه علمیه قم شده و به ادامه تحصیل پرداختم.

دروس رسائل را نزد استاد حسینی خراسانی و مکاسب محرمه را نزد استاد دوزدوزانی و بیع استاد پایانی، خیارات استاد بیگدلی و کفایه را نزد استاد اعتمادی گذرانده و دروس حوزه از قبیل، تفسیر، فلسفه، تاریخ و... را همزمان از اساتید حوزه در آن دوره فراگرفتم. ضمناً در این مدت دوره تخصصی تربیت مربی کودک و نوجوان را نیز سپری نمودم.

از سال ۱۳۷۵ با به پایان رساندن دوره سطح و قبولی در امتحانات کتبی، دروس خارج فقه و اصول را آغاز نمودم و با شرکت در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی و اصول استاد سبحانی، به نحوه استنباط احکام از لابلای آیات و روایات پی برده و آشنا شدم. در این مدت حدود دو سال نیز در درس تفسیر استاد فرزانه آیت الله جوادی آملی نیز شرکت جسته و بهره بردم.

همزمان با حضور در درس خارج اساتید فوق در دوره‌ها و رشته‌های تخصصی گوناگون نیز شرکت می‌نمودم تا از تجربیات و علوم مختلف مورد نیاز بهره‌مند گردم. در این مدت دوره مدیریت مساجد و رشته تخصصی مذاهب اسلامی و رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی، دوره تقریب مذاهب اسلامی، دوره شناخت وهابیت و دوره کارورزی تفسیر را طی نموده و بهره‌های لازم را کسب نمودم. در این میان مدتی را نیز به کارهای تحقیقاتی پرداخته و با نقدهای مختلف با روشها و شیوه‌های مختلف تحقیق آشنا شدم، به طور مثال دو سال در واحد اخلاق بخش تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات همکاری داشته و با قالبها و روش‌های کار کودک آشنا شدم و پس از آن با پاسخ به شبهات در بخش تحقیقات موسسه مذاهب اسلامی به چگونگی پاسخ‌ها و تحقیقات لازمه در این زمینه پی برده و پس از حدود یک سال فعالیت در آنجا بعضی از پاسخها به همراه تحقیقات دیگران ظاهراً به چاپ رسید. و هم اکنون سال دومی است که با واحد تفسیر دوره کارورزی تفسیر همکاری می‌نمایم که در این مدت تلاش دوستان به ثمر نشسته و دو جلد تفسیر همراه آیه‌های نور در قطع پالتویی آماده چاپ شده و مابقی نیز در دست انجام می‌باشد. طرح دیگری که در دست اقدام است تهیه درسنامه روشها و قالب‌های تفسیر است که کارهای مقدماتی آن در شرف اتمام است.

ابراهیم زاده، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ابراهیم زاده

محل تولد : بغداد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حسن ابراهیم زاده در سال ۱۳۴۴ در شهر بغداد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی تا مقطع دوم دبیرستان را در شهر ایلام سپری و آنگاه در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه آشتیان و سپس حوزه علمیه قم شد.

در کنار تحصیل، فعالیت های نگارشی خود را آغاز کرد. مخاطب نوشتارهای وی اغلب قشر جوان است. وی زمینه مطالعاتی و نگارش خود را در حوزه های سیره و حیات علمای شیعه، جریان شناسی نهضت روحانیت و نقد مسائل سیاسی اجتماعی و رسانه ای روز جهت داده است.

ایشان بنامهای مستعار حسن ملکشاهی و ... نیز در برخی از مجلات و روزنامه ها قلم می زند. وی که در کنار بهره گیری از اساتید فقه و اصول، تفسیر و اخلاق حوزه، به مدت ده سال در جلسات نقد و بررسی مرکز ادبی حوزه شرکت کرده است، به مناسبت های مختلف، نگارش متون کوتاه و بلند ادبی را نیز در برنامه نگارشی خود دارد.

ابراهیم زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله ابراهیم زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در حومه آمل به دنیا آمدم. دوران تحصیلی شش ساله ابتدایی و سه سال تحصیلی در دبیرستان را در شهرستان آمل گذرانیدم و در سال تحصیلی ۱۳۵۲ برای شروع تحصیلات علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به استثنای چند سالی که در خلال مدت تحصیل در قم به خاطر مبارزات سیاسی پیش از انقلاب (حدود دو سال و اندی) تبعید به ارتش و در زندان گذرانیدم. و پس از انقلاب نیز چند سالی به ماموریت های تبلیغی، رزمی در پشت جبهه و ارگان ها و نهادها به ویژه در مراکز سپاه عزیمت کردم، بقیه ایام و سال ها را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تحقیق، تدریس و نگارش آثار علمی مشغول بوده و هستم .

تا سال ۱۳۶۸ سطوح مقدماتی، متوسط و عالی دروس حوزوی را به پایان بردم و از این سال در دروس خارج فقه اصول و دروس معقول از منطق، کلام، فلسفه و عرفان شرکت کردم و در مجموع، علاوه بر اینکه حدود یک دوره دروس خارج فقه و اصول فرا گرفتم، در رشته معقول نیز کتاب های زیادی نظیر : شرح تجرید، بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، المنطق مرحوم مظفر، بخش هایی از شرح منظومه سبزواری، الهیات، شفا و شرح اشارات شیخ الرئیس ابن سینا، اسفار اربعه ملاصدرا (به ویژه جلدهای اول تا سوم و ششم و هفتم) و غیر آن را نزد اساتید عالیقدر فرا گرفتم. اساتید مهم دروس منقول و معقول اینجانب عبارتند از آیات عظام : صالحی مازندرانی، اعتمادی، ستوده، جعفر سبحانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، دوزدوزانی، پایانی و وجدانی فخر. دوره چهار ساله تخصصی علم کلام و عقاید را (از سال ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۷۷) طی کردم. تبلیغات منبری را از سال های اول انقلاب آغاز کردم و همچنان ادامه دارد. تدریس در برخی از مراکز آموزش عالی، مراکز سپاه، بعضا حوزه و دانشگاه، را از سال های حدود ۱۳۶۰ و پس از آن آغاز کردم و به طور متناوب ادامه دارد .

به دلیل اشتیاق زیاد به نوشتن و نویسندگی و نیز پژوهش، از سال های آغازین طلبگی نگارش و نویسندگی را شروع کردم و از سال ۱۳۷۱ با ورود به پژوهشکده تحقیقات اسلامی در قم، کار نوشتن به طور رسمی و جدی شروع شد و تاکنون بیش از ۵۰ کتاب و مقاله به چاپ رسانیدم. برخی از کتاب ها و مقالاتی را که در کتاب سال حوزه و همایش های علمی و ... برگزیده شده است، از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱. کتاب حاکمیت دینی، که به عنوان یکی از کتب برگزیده کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۸) انتخاب گردید .

۲. مجموعه آثار اینجانب در همایش پاسداران اهل قلم در سال ۱۳۸۳ در تهران از میان حدود ۷۵ کتاب و مقاله علمی در رشته های مختلف، برگزیده شد . (البته در رشته فلسفه و کلام) و در ردیف آثار برگزیده و ممتاز مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی اهدا کردند .

ابراهیم نژاد، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا ابراهیم نژاد

محل تولد : سبزوار بخش دیوانخوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا ابراهیم‌نژاد در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و ادبیات عرب را مطابق برنامه‌های موجود آغاز و ادامه دادم که تا سال ۱۳۵۱ ادامه داشت به موازات آن درس‌های کلاسیک را نیز تا دوره دبیرستان سپری نمودم.

در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه تهران شدم و تا سال ۱۳۵۴ دروس حوزوی (ادبیات، فقه و اصول) و دبیرستان را ادامه دادم و در اواخر سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم دوره سطح و پس از آن دوره خارج فقه و اصول و فلسفه اسلامی را گذراندم، این برنامه پیش از انقلاب، دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت و در نتیجه ادبیات، منطق، معانی بیان، فلسفه اسلامی، فقه و اصول (دوره سطح و خارج) را تحصیل و قسمتی از اینها را تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۰ ضمن ادامه دروس حوزه تدریس در دانشگاه (دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی و...) را نیز آغاز نمودم که تاکنون ادامه دارد.

ابراهیمی راد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیمی راد

محل تولد : قوچان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قوچان شدم و در سال ۱۳۵۵ در حوزه علمیه فاروج ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۵۶ در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل شدم و در مدسه آیت الله گلپایگانی مغنی، المنطق، اصول فقه و شرح لمعه را به اتمام رساندم. پس از آن در درس اساتید حوزه شرکت کرده و سطح را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۶۳ دروس خارج اساتیدی همچون آیت الله وحید خراسانی و سید عباس خاتم یزدی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. البته عمده درس های فقه و اصول را در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت کرده ام و استفاده نموده ام. در فلسفه از اساتیدی همچون استاد فیاضی، انصاری شیرازی، جوادی آملی، و مصباح یزدی بهره برده ام و کتاب های فلسفی بدایه و نهایه و شرح منظومه و اسفار را خوانده ام.

از سال ۱۳۶۵ مشغول تدریس در دانشگاه اراک بوده ام که تاکنون ادامه دارد و حدود ۴ سال است که عضو هیأت علمی آن دانشگاه در گروه معارف اسلامی شده ام و به عنوان استاد یار مشغول تدریس هستم. در ضمن حدود ۸ سال در حوزه علمیه قم مشغول تدریس دروس حوزوی بودم و دروسی از قبیل اصول فقه، شرح لمعه، بدایه، رسائل و مکاسب را تدریس کرده ام.

ابراهیمی فر، عبدالجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالجواد ابراهیمی فر

محل تولد : گنبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد عبدالجواد ابراهیمی‌فرد در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای روحانی و در روستای نظام‌آباد از توابع شهرستان گنبد دیده به جهان گشود. سال اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، آنگاه با هجرت به شهرستان گنبد ادامه تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در آنجا سپری نمود. پس از آن، دوران مقدماتی تحصیلات حوزوی خود را به مدت دو سال در مدرسه‌ای که توسط والد معظم ایشان مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر ابراهیمی (طاب ثراه) در شهرستان گنبد (مدرسه علمیه منتظریه) تأسیس شده بود، در محضر اساتید بزرگواری همچون مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ حسن محدثی و مرحوم شهید آیت الله مدنی (ره) در آن زمان دوران تبعید خود را در آن سامان می‌گذراند به پایان برد.

آنگاه در سال ۵۶ ـ ۵۷ با عزیمت به شهر قیام و اجتهاد (قم) نخستین گام‌های آشنایی با دروس متوسطه حوزه را در مدرسه رسالت برداشت؛ و نزد اساتیدی همچون آقایان: حجهٔالاسلام حسینی بوشهری (منطق را) و حجهٔ الاسلام حاجیانی (تبصرهٔ المتعلمین را) و حجهٔ الاسلام محمدی امام جمعه فعلی همدان (بخشی از شرح لمعه را)، حجهٔ الاسلام باکوئی و مرحوم آیت الله سید محمد جواد ذهنی (بخشی از شرح لمعه را) و آیت الله استادی و آیت الله سیدعلی حائری (حلقات اصول شهید صدر را)، تلمذ نمود. در کنار منطق و فقه و اصول، مرحله مقدماتی آشنایی با فلسفه و روش نقد و بررسی تفسیر را آغاز نمود. کتاب بدایهٔ الحکمه را نزد اساتیدی همچون آیت الله محمد یزدی و آیت الله ممدوحی آموخت. کتاب درایهٔ الحدیث را همراه با دروس شیوه نقد تفسیر، در محضر آیت الله استادی فرا گرفت. دروس فقه و اصول پیشرفته مرحله سطح حوزه را در محضر اساتید بزرگواری همچون: آیت الله اعتمادی، (بخش‌های عمده رسائل شیخ انصاری)، مرحوم آیت الله وجدانی فخر (بخشی از رسائل شیخ انصاری) آیت الله پایانی و دوزدوزانی (مکاسب شیخ انصاری) را آموخت. کتاب کفایهٔ الاصول را از دروس مضبوط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرا گرفت.

همزمان با فراگیری دروس فقه و اصول، اقدام به فراگیری دروس فلسفه و معارف نمود. و از سال ۵۸ با اساتید بزرگواری همچون آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی، آشنا شد.

در همان سال با عضویت در بخش آموزش موسسه در راه حق و شرکت در درسهای استاد مصباح فصل دیگری در مراحل تحصیل

ایشان گشوده شد؛ و ادامه این فصل در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) رقم خورد؛ پرونده این فصل نورانی همچنان مفتوح مانده است. کتاب‌های نهایهٔ الحکمه، دروس فلسفه، فلسفه اخلاق، برهان شفا، الهیات شفا مجلداتی از اسفار اربعه و یک دوره معارف قرآن را همراه با درس‌های اخلاق نزد استاد بزرگوار آیت الله محمدتقی مصباح یزدی فراگرفت. از ویژگی‌های این فصل از تحصیل، فراگیری برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز فراگیری زبان انگلیسی و آشنایی با فلسفه غرب بود که توسط اساتید مجرب دانشگاهی انجام می‌گرفت. کتابهای تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم که از کتاب‌های معتبر عرفان اسلامی است و جلد ششم اسفار اربعه را از دروس مضبوط آیت الله جوادی آملی استفاده کرد (فراگیری این کتب جزء برنامه‌های موظفی گروه فلسفه موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) بود که ایشان نیز عضو آن گروه بود).

در محضر آیت الله حسن‌زاده آملی در جلسات درس هیئت و نجوم شرکت نمود و از لطایف سخن و پندهای حکیمانه و عارفانه ایشان در شرح و تفسیر برخی احادیث، در محافل خصوصی بهره برد.

سال تحصیلی ۶۲ ـ ۶۳ با شرکت در دروس خارج حوزه روند دیگری در مراحل تحصیل ایشان آغاز گردید. این روند تا سال ۱۳۷۵ ادامه یافت. هر چند طی این مرحله با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. شرکت در درس خارج آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی مظاهری ساختار بنیه فقهی و اصولی ایشان را در این مرحله شکل داده است. شرکت در دو دوره اصول آقای مظاهری و شرکت در درس فقه ایشان همچنین شرکت در درس‌های اصول و فقه آقای وحید خراسانی از ویژگی‌های این مرحله از تحصیل ایشان به شمار می‌آید.

از همان آغاز دوران تحصیل، به تدریس کتابهایی که خود فراگرفته بود پرداخت و تدریس را مکمل تحصیل خود قرار داد. کتابهای جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، حاشیه، شرح لمعه، حلقات اصول شهید صدر، اصول فقه و کفایهٔ الاصول را به طور پراکنده و خصوصی در حوزه تدریس نمود. علاوه بر آن، از سال ۷۳ در مراکز علمی، فرهنگی و حوزوی به طور رسمی به تدریس علوم و معارف اسلامی پرداخت. از جمله:

الف) در مرکز جهانی علوم اسلامی: (مدرسه حجتیه، مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه مومنیه و مدرسه مرعشیه) به تدریس قواعد فقهیه، فقه مقارن، اصول مقارن و علوم سیاسی، فلسفه و کلام (کتاب‌های تحریر بدایهٔ الحکمه و درآمدی بر آموزش عقاید تألیف خود ایشان) و حلقات اصول شهید صدر (حلقه ثانیه و دو جزء حلقه ثالثه) پرداخت.

ب) در دانشکده تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه (دانشکده شهید محلاتی قم) از سال ۷۳ تا سال تحصیلی ۷۹ ـ ۸۰ به تدریس فلسفه و کلام، کتابهای: تحریر بدایهٔ الحکمه (تألیف خود ایشان) و درآمدی بر آموزش عقاید (تألیف خود ایشان) و نیز تدریس فلسفه اخلاق پرداخت.

ج) در اردوهای بسیج دانشجویی (طرح ولایت) از سال ۷۶ تا ۸۳ در زمینه‌های مختلف علوم سیاسی، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق تدریس کرد.

د) در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، در زمینه‌های فلسفه و کلام، فلسفه اخلاق و اخلاق تدریس نموده و هم‌اکنون عضو هیئت علمی آن مؤسسه می‌باشد.

در سال ۱۳۶۹ با ارائه دو مقاله به کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی نخستین بار به تماشای تفسیر آیه شریفه «ن والقلم و ما یسطرون» نشست. مقاله «امام خمینی (ره) و احیاء حکومت اسلامی» و مقاله «امام خمینی (ره) و اسلام ناب محمدی (ره)» نخستین مقالاتی بود که نگاشت و از سوی کنفرانس اندیشه اسلامی در سال ۱۳۶۹ انتشار یافت و روح خودباوری و اعتماد به نفس را بیش از پیش در ایشان زنده کرد.

از آن پس فراخوان مجامع علمی و فرهنگی را در ارائه مقاله، بی‌پاسخ نگذاشت. مقاله «پژوهشی پیرامون حدوث و قدم جهان» را در سال ۱۳۷۲ به کنگره بین‌المللی شیخ مفید (ره) ارائه کرد که در مجموعه منشورات آن کنگره جهانی چاپ و منتشر گردید. همچنین مقاله «اجتهاد و تقلید از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره)» را در سال ۱۳۷۳ به کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری عرضه نمود که در کمیته ویژه علمی با حضور آیات بزرگوار: آیت الله استادی، و آیت الله حاج شیخ محسن اراکی و جمعی دیگر از اساتید فن بررسی و با دفاعیات نویسنده، برای چاپ و نشر توسط آن کنگره جهانی تصویب گردید که انتشار آن، نمایه‌ای از استعداد فقهی و اصولی ایشان قرار گرفت؛ و آغاز مبارکی از یک دوران گردید. نیز مقاله «تبیین فقهی ثابت و متغیر» را در سال ۷۴ به کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد عرضه داشت که در جلد چهارم از مجموعه مقالات کمیته علمی کنگره مذکور به چاپ رسید. و مقاله «منشاء مشروعیت حکومت اسلامی» را در سال ۱۳۷۸ به کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی عرضه نمود که در مجموعه آثار (۲) آن کنگره در مجلد فلسفه سیاسی (۱) به چاپ رسیده است.

ابراهیمی فر، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا ابراهیمی فر

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۳/۷/۱

ابراهیمی ورکیانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیمی ورکیانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ابراهیم ورکیانی متولّد ۱۳۲۳ در روستای ورکیان از توابع شهرستان دامغان هستم. پدر و مادر و اجدادم هم دامغانی بوده اند. در سال ۱۳۳۵ پس از دوره شش ساله ابتدائی وارد حوزه علمیه دامغان شدم. برادرم هم قبل از من به حوزه علمیه وارد شده بود، مقدمات تا سیوطی و بخشی از مغنی و حاشیه ملاعبدالله و منطق کبری را در دامغان خواندم ولی سخت نگران بودم، چون روحانیت حرمت اجتماعی نداشت و سرانجام در سال ۱۳۴۳ با آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی (ره) در جلسه ای روبرو شدم و سخت مورد تشویق معظم له قرار گرفتم و از تردید درآمدم و پس از یکسال عازم مشهد مقدس شدم و معظم له نیز من را پذیرفتند و بمدت شش سال مورد عنایت ایشان بودم. مطول را در درس ادیب نیشابوری شرکت نمودم و لمعه را با استاد صالحی و فائقی گذراندم و با تأسیس بخش آموزش مدرسه آیت الله میلانی (ره) وارد این مدرسه شدم و مکرر مورد تشویق قرار گرفتم.

سرانجام عازم حوزه علمیه قم شدم و در بخش آموزشی مدرسه آیت الله میلانی از اساتید بزرگواری مانند حجةالاسلام آهنیان و حضرت آیت الله شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی کتابهای رسائل و مکاسب و بخشی از کفایه را استفاده نمودم و در عین حال که آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی علاقه مند بودند که من در مشهد بمانم و آیت الله شیخ محمدرضا نیز سخت مخالف رفتن من به قم بودند من حوزه مشهد را پاسخگوی روحیه تنوع طلبی خود نمی دیدم و لذا به قم آمدم. در بدو ورود در درس خارج عروه آیت الله فاضل لنکرانی شرکت نمودم و درس کفایه را در خدمت استاد سبحانی ادامه دادم. یکسال و نیم هم در دارالتبلیغ آیت الله شریعتمدار حضور داشتم و از اساتید بزرگواری مثل دکتر شهابی، صدر بلاغی و آقای رضوانی بهره بردم و ضمناً در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت داشتم.

در موسسه در راه حق زیر نظر دکتر سید علی گرمارودی تمرین نویسندگی مقاله داشتیم و سرانجام با تأسیس بخش آموزش مؤسسه در راه حق به دعوت آیت الله خرازی وارد این مؤسسه شدم و در خدمت استاد بزرگوار حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره های فراوانی به مدت هشت سال بردم، در این دوره ۸ ساله اساتید دیگر ما آیت الله سید محمد کاظم حائری، آیت الله حسین مظاهری، استاد احمد احدی، استاد علی قائمی و آیت الله تسخیری و..... بوده اند.

سرانجام پس از پایان دوره هشت ساله مؤسسه و تحقق انقلاب اسلامی به دنبال فرمان تاریخی امام (ه) در مورد تدوین کتب مبنائی علوم انسانی و واگذاری این مسئولیت از ناحیه جامعه مدرسین به حضرت استاد مصباح یزدی به دعوت معظم له در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه به تحقیق و تألیف در رشته حقوق پرداختم و به مدت چهارده سال چهار جلد کتاب درآمدی بر حقوق اسلام ج ۱ و۲، اسلام و حقوق بین الملل ج ۱ و۲ فراهم آمد.

ناگفته نماند که که در کنار تحقیق و تحصیل و احیاناً تدریس و تبلیغ از سال ۱۳۶۰ به دعوت استاد بزرگوار دکتر احمد احمدی به دانشگاه دعوت شدم و تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی با رتبه و پایه ۱۴ استاد یاری هستم و مدرک دکتری در فقه و مبانی حقوق اسلام را در سال ۱۳۷۱ از خبرگان وزارت علوم گرفتم و پایان نامه اینجانب برای رساله دکتری، ازدواج با بیگانگان در ادیان الهی و مکاتب فقهی اسلام بوده است که با راهنمایی استاد بزرگوار محقق داماد و آیت الله مرعشی شوشتری فراهم آمده و مکرر در انتشارات دفتر تبلیغات به چاپ رسیده و در انتشارات الغدیریه معرفی و ترجمه شده و در لبنان به چاپ رسیده است.

موضوعاتی را که اینجانب در حوزه و دانشگاه تدریس داشته ام، عبارتند از: مبانی حقوق، حقوق و سیاست در قرآن، فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلامی، حقوق عمومی در اسلام، قواعد فقه، معارف تشیع، تاریخ تشیع، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی، حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام، تاریخ امامت، فقه مقارن آیات الاحکام و .... که معمولاً در هر یک از موضوعات فوق جزوه درسی و یا کتاب درسی ارائه داده ام و به این مناسبت کتاب" تاریخ صدر اسلام ("بعثت نبوی تا حکومت علوی) تألیف کرده ام که در مرکز تهیه متون درسی وابسته به دفتر رهبری در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و اکنون چاپ دوم آن آماده چاپ است و در سال ۱۳۸۴ کتاب "انقلاب اسلامی در تئوری "به چاپ رسید و مقالات متعّددی پیرامون معارف تشیع در مجله گام چهارم انقلاب اسلامی و پیرامون حقوق اهل ذمه در مجله نور علم و حقوق بشر در ادیان در مجله آئینه معرفت و احکام ثابت و متغیر در کنفرانس بین الملل تقریب مذاهب و ... منتشر نموده ام و جزوه ای تحت عنوان" اسلام و آزادی "در دفتر تحقیقات وابسته به دفتر رهبری فراهم نموده ام و در حال حاضر سرگرم تدوین جلد دوم تاریخ اسلامی در رابطه با زندگی سیاسی امامان اهلبیت (ع) و کتابی در زمینه" حقوق بین الملل اسلامی و تاریخ امامت و حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام "بر اساس جزوه های درسی که از قبل فراهم آمده می باشم «و ما توفیقی الابالله علیه توکلت و الیه انیب. »

البته بناست که پاره ای از موضوعات فوق بصورت طرح تحقیقاتی در مرکز متون درسی وابسته به نهاد معظم رهبری در دانشگاهها و یا جائی دیگر مثل دانشگاه شهید بهشتی انجام شود که پاره ای از محققان نیز در انجام آن مشارکت داشته باشند. مقالاتی نیز در دست انجام است مثل": پیامبر اعظم(ص) تنها روح آئین جهانی "و" مبانی فقهی و حقوقی مردم سالاری دینی "و" نگاهی نو به ارتداد و مجازات مرتد در اسلام "که امیدوارم با یاری خدا و عنایت معصومین علهیم السلام بخوبی فراهم آید و عرضه گردد و نیز مقاله ای تحت عنوان" بلوغ دختران "را تقریبا آماده چاپ دارم.

ابراهیمی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم ابراهیمی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۳ در رشته علوم تجربی از دبیرستان فارغ التحصیل شدم. درسال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه امام صادق علیه السلام شدم و در رشته فلسفه و کلام اسلامی تحصیلات دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته ادامه دادم. در سال۱۳۸۲ از آنجا فارغ التحصل شدم.

پس از فارغ التحصیلی مدت ۶ماه با دانشنامه بزرگ جهان اسلام همکاری داشتم که به خاطر اقامت گزیدن در قم از همکاری با آن مرکز بی نصیب ماندم و از همان سال تاکنون با شورای سیاستگذاری ائمه جمعه واقع در تهران مشغول همکاری علمی می باشم.

در سال ۱۳۸۳پایه اول تا ششم حوزه را (حدودا۶۰ امتحان) در ظرف حدوداً یک ماه امتحان دادم که بحمدالله موفق به گذراندن ۶پایه اول حوزه شده و در پایه هفتم در همان سال تحصیلی ۸۳-۸۴ شرکت نموده و در نهایت و به شکر خدا پایه هفتم را همچون پایه های شش گانه قبل با درجه ممتازی گذراندم.

هم اکنون که در سال ۱۳۸۶می باشم در پایه دهم مشغول به تحصیل می باشم. لازم به توضیح است که در همان سال فارغ التحصیلی از دانشگاه یعنی سال ۱۳۸۳ دو سال پی درپی در مرحله علمی پذیرفته شدم، ولی با خواست خداوند و به مصلحت، جزو پذیرفته شدگان محسوب نشدم. در این مدت پس از فارغ التحصلی از دانشگاه با مؤسسات مختلف، عمر گذرانیدم و هم اکنون که درسن ۳۰سالگی به سر می برم، اکثر کارهایم را حول موضوع «فهم دین و ترمیم نظام فکری دین» منسجم و یکپارچه شده است که امید است پس از تلاش سالیان متمادی اثری گرانبها را در این مهم عرضه نمایم.

ابراهیمی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر ابراهیمی در سال ۱۳۳۰ش در یکی از روستاهای شهرستان اردبیل به دنیا آمد .میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات کودکان موجب شد که در سال ۱۳۶۰ش. بنا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از وزارت دارایی به آن کانون منتقل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائهٔ خدمات فرهنگی اشتغال دارد. کتاب" یک سنگ و یک دوست " تالیف جعفر ابراهیمی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر ابراهیمی تحصیلات مقدماتی خود را در تهران به پایان رسانده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جعفر ابراهیمی پس از انجام خدمت سربازی به استخدام وزارت دارائی درآمد. امّا میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات کودکان موجب شد که در سال ۱۳۶۰ش. بنا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به آن کانون منتقل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائهٔ خدمات فرهنگی اشتغال دارد.

جوائز و نشانها : کتاب" یک سنگ و یک دوست " تالیف جعفر ابراهیمی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. شاعر، نازک خیال کودکان را گاه در «باران» و گاه در «گنجشک» گاه در «گیسوان سبز» یا که در «بقچ ?گلدار» به مدد تصویرگران به روی کاغذ آورده است.کتابهای «آب مثل سلام»،

«آواز پوپک» ، «قالی رنگین کمان» و «لبخند شبنمها» توانسته اند توأماً امتیاز بهترین کتاب سال کودکان (در دوره دوازدهم کتاب سال)در بخش شعر را به خود اختصاص بدهند.

چگونگی عرضه آثار : سالهاست که کودکان سرزمین ما، با سروده های جعفر ابراهیمی که همگون با روح لطیف آنهاست آشنایند. کودکان این بار شاهـد اشـعاری چند از این شاعر، در چهار کتاب: آب، مثل سـلام؛ آواز پوپک؛ قالی رنگین کمان و لبخند شـبنمها هستند که برای گروههای سنی «ج» و «د» مناسب می باشد. --

آثار :

۱ آب مثل سلام

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: ساعد مشگی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۲.

۲ آواز پوپک

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: مریم رحمتی اوینی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۳ دوستی کلاغ و کبوتر

۴ شکوفه‌های شعر

۵ غنچه‌های شعر

۶ قالی رنگین کمان

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: کارگاه شریف؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۲.

۷ کبوتر

۸ گل باغ آشنایی

۹ لبخند شبنمها

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: غلامعلی مکتبی؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۲

۱۰ مادر بزرگ

۱۱ یک سنگ و یک دوست

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسـلامی معرفی و برگزیده شده است.قابل ذکر است که کتاب مذکور برای گروه سـنی «ج» و «د» (سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی) نوشته شده است.

ابراهیمی، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت الله ابراهیمی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر متولد ۱۳۴۹ در شـهر آمل اسـتان مازنـدران در روسـتای شاه کتی در خانواده ای کشاورز به دنیا آمدم. دوران راهنمایی و سال اول دبیرستان را در شهر آمل گذراندم. پس از آن وارد حوزه علمیه آمل شدم که در سال ۱۳۶۷ بوده است.

این حقیر مقدمات و سیوطی را در شهر آمل طی دو سال گذراندم و پس از آن یکسال را در شهر ساری ادامه تحصیل دادم. پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در محضـر اساتیدی چون حضـرت آیت الله اشتهاردی (دامت برکاته) و حضـرت آیت الله وجـدانی فخر(رحمت الله علیه) و حضـرت آیت الله سـبحانی و حضـرت آیت الله دریابـاری افـاضه نمودم، که دروس سـطح را به اتمام رساندم و فی الحال در درس خارج آیت الله دریاباری و دروس فلسـفه و منظومه آقای دریاباری و خارج اصول آقای سـبحانی مشغول تحصیل می باشم.

این حقیر تالیفات خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز کردم که تاکنون ۵ اثر حقیر به چاپ رسیده و بعضی از آثار چاپ مجدد شده است که امید است خداوند قبول فرماید.

ابراهیمی، لیلا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران ابراهیمی: ۲۵ سـال سن دارد، فرزنـد سوم خانواده‌ای هست که ۴ فرزنـد دارند. پدر از اهالی شـمال و مادر اهل عشق‌آباد

ترکمنستان هستند، رشته تحصیلی تربیت بدنی است ضمن این‌که عضو کمیسیون ورزشی ایران هم هست، همچنین باید اشاره کرد، برادرش «آرش ابراهیمی»، دونده بود، اما در سال ۱۳۸۳ در اثر ایست قلبی فوت کردند که جا دارد یادش را گرامی بداریم.
سال قبل بود که در پرش ارتفاع، خانم «صدارتی» برنز آسیا را کسب کرد و پس از آن دیگر هیچ. دیگر از دو میدانی بانوان خبری نبود، تا این‌که در تابستان ۸۶ یک بانوی ایرانی با اعتماد به نفس بالا و تمرینات مستمر و امید به آینده ورزشی خوب، مدال برنز ۳۰۰۰ متر با مانع را کسب کرد، که اگر کمی شانس با او بود و در زمان پرش و افتادن در چاله آب لباس‌هایش سنگین نمی‌شد، به طور حتم طلا را از دست نمی‌داد. او تنها هشت صدم ثانیه با ورودی المپیک پکن فاصله دارد. آنقدر اعتماد به نفس بالایی دارد که می‌گوید: تمام سعیم را می‌کنم تا در این مسابقات مهم شرکت کنم. او عامل موفقیت خود را تنها تمرین می‌داند... از شرایط گذشته دو و میدانی بانوان راضی نیست، می‌گوید: یادم است یک‌بار در نیمه ماراتن، اول شدم. ۲۲ کیلومتر دویدم و یک پارچ و لیوان به من جایزه دادند، حالا شرایط خیلی بهتر شده، مسئولان به فکر دو میدانی – این ورزش مادر– افتاده‌اند. او انواع و اقسام رکوردهای ایران را در رشته های مختلف دو ومیدانی جابه جا کرده و بیشتر در دوهای استقامت فعالیت می‌کند.
برای اولین بار که بانوان آسیایی در رده ۳۰۰۰ متر با مانع می‌دویدند، او هم در این رشته شرکت کرد و مقام آورد. او مسابقات اردن را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کند. با این‌که ۲۵ سال سن بیشتر ندارد، اما به‌خاطر سال‌ها حضور در مسابقات داخلی و برون مرزی، هم‌اکنون در باشگاه ملاصدرا مربیگری هم می‌کند. شاید برای‌تان جالب باشد تمامی رکوردهای ایران در رده بانوان و استقامت داخل سالن از ۸۰۰ تا ۵۰۰۰ متر در اختیار اوست و در فضای باز تنها رکورد ۸۰۰ متر ایران را جابه‌جا نکرده، اما تا ۵۰۰۰ متر تمامی رکوردها در اختیار اوست، یعنی ۱۵۰۰ متر و ۳۰۰۰ متر ...

ابراهیمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین ابراهیمی

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

ابراهیمی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی ابراهیمی

محل تولد : افغانستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی ابراهیمی فرزند غلامحسین، فرزند ابراهیم، متولد ۱۳۴۶ اهل افغانستان ولایت دایکندی (ارزگان شمالی) از توابع شهرستان کیساب هستم. از سال ۱۳۵۲ به مدرسه دولتی رفته و تا سال ۱۳۵۷ (که همراه بود با کودتای کمونیستی در افغانستان) درس خوانده و ششم ابتدائی را به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۹ به پاکستان مهاجرت کردم. در سوم خرداد سال ۶۰ (روز آزادی خرمشهر) وارد بیرجند ایران شدم، پس از آن به تهران آمدم و در نواحی اطراف کرج (گرم دره و احمدآباد) به کار کشاورزی و باغبانی مشغول شدم.
در سال ۱۳۶۳ به قم مسافرت کردم و با تشویق یکی از بستگان درس طلبگی را شروع نمودم. در سال ۱۳۶۴ به طور رسمی در مدرسه الجواد قم پذیرفته شدم و تا سال ۱۳۶۸ ادامه دادم. در سال بعد وارد حوزه گشته و سطوح عالیه را آغاز نمودم.
از سال ۱۳۷۶ درس خارج را ادامه دادم و در سال ۱۳۸۲ وارد دوره تخصصی در رشته حقوق شدم و در مقطع کارشناسی پذیرفته گشتم و در مدرسه مرعشیه از طرف مرکز جهانی مورد حمایت قرار گرفتم. که ادامه آن در مقطع کارشناسی ارشد هنوز برقرار است. چندین مرتبه در طول دوره تحصیل به افغانستان مسافرت تبلیغی داشتم. هر مرتبه بین چهار ماه الی یکسال سفرم به درازا می کشید.
در جهاد علیه روسیه و سربازان آن در افغانستان شرکت کردم و نیز در میان مجاهدین به تدریس احکام، عقاید و برپایی نماز جماعت اقدام نمودم و در ایجاد وحدت بین گروه های جهادی به قدر توان خود تلاش کردم.
آخرین مسافرتم به افغانستان برمی گردد به سال های ۷۹ الی ۸۰ که همراه بود با برقراری دولت موقت و انتقالی بعد از کنفرانس بن آلمان؛ و در این مسافرت من با نیازمندی مبرم کشور آشنا شدم تا در برنامه های بعدی در اولویت کاری ام قرار گیرد که از جمله

آن آموختن رشته های تخصصی کامپیوتر، بدست آوردن مدرک رسمی دولتی تا در افغانستان با شرایط روز مطابقت داشته باشیم و فعلا تلاشم در این راستا ادامه دارد.

آشنایی با فنون نویسندگی از دیگر ضرورت های روز افغانستان است که یک طلبه باید آن را فرا بگیرد. بنابراین سعی کردم تا در این راستا توفیقاتی بدست آورم که شکر خدا این آرزو برآورده شد و من اینک می توانم در این حوزه کم و بیش توانایی خود را آزمایش کنم و از سه سال به این طرف رشد تکاملی داشته ام و مقالاتی را در موضوعات مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تحریر کرده ام که در نشریات مختلف به نشر رسیده است.

آشنایی با رایانه و اینترنت نیز از اهداف دیگر حقیر بود که در طول دوره تحصیلی در این اواخر موفق شدم با خرید یک دستگاه رایانه، با تایپ، صفحه آرائی و تحقیق به وسیله آن با استفاده از نرم افزارهای تولید شده و کتابخانه های دیجیتالی به سرعت کار خود افزایش بدهم.

ابراهیمی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی ابراهیمی

محل تولد : قائمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

ابراهیمی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی ابراهیمی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی ابراهیمی متولد ۱۳۴۲ در مشهد از خانواده ای روحانی هستم. دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه جوادیه که یکی از مدارس حاج آقای عابدزاده بود گذراندم و پس از تعطیلی آن مدارس توسط رژیم پهلوی به مدارس دولتی رفتم و تا پایان دوره راهنمایی تحصیل کردم. بعد از اتمام دوره راهنمایی که مصادف با سال ۵۷ شروع انقلاب اسلامی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه علمیه حاج آقای موسوی نژاد به تحصیل پرداختم و همزمان دروس دبیرستان را نیز تا مقطع دیپلم ادامه دادم.

دروس سطح اول و عالی حوزه علمیه و ۲ سال درس خارج را در مشهد گذراندم و از سال سوم ورود به حوزه به تدریس ادبیات، منطق و معانی بیان و اصول نیز پرداختم. در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۲ در درسهای خارج فقه و اصول استادان محترم آن حوزه بنام آیت الله تبریزی، فاضل، وحید خراسانی و ... شرکت کردم و درسهای فلسفه را نیز در مشهد و قم نزد استاد آقای آشتیانی و آیت الله حسن زاده آملی گذراندم.

در ایام تحصیل در قم در امتحانات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در مقطع فوق لیسانس ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ فوق لیسانس شدم و مجددا به مشهد مراجعت کردم و در گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی مشهد مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۷۶ به استخدام دانشگاه علوم پزشکی مشهد درآمدم و به عنوان عضو هیئت علمی و مدیر گروه فعالیت خود را ادامه دادم. در بهمن سال ۱۳۷۷ در گرایش علوم قرآن و حدیث در دانشگاه قم در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شدم و هم اکنون در رتبه استادیاری پایه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گروه معارف اسلامی مشغول به کار هستم و بعضی از واحدهای درسی مرتبط با علوم انسانی مثل اصول و فلسفه تعلیم و تربیت را در این دانشگاه نیز تدریس می کنم.

ابراهیمی، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر ابراهیمی در [چهاردهم] فروردین‌ماه سال ۱۳۱۵ در تهران به‌دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون، به دانشکده‌ی حقوق وارد شد. اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی به درجه‌ی لیسانس رسید. او از ۱۳ سالگی به یک سازمان سیاسی پیوست که بارها دستگیری، بازجویی و زندان رفتن را برایش درپی داشت. ارایه‌ی فهرست کاملی از شغل‌های ابراهیمی، کار دشواری است. او خود در دو کتاب "ابن مشغله" و "ابوالمشاغل" ضمن شرح وقایع زندگی، به فعالیت‌های گوناگون خود نیز پرداخته است. ازجمله شغل‌های او بوده است: کمک‌کارگری تعمیرگاه سیار در ترکمن‌صحرا، کارگری چاپخانه، حسابداری و تحویلداری بانک، صفحه‌بندی روزنامه و مجله و کارهای چاپ دیگر، میرزایی یک حجره‌ی فرش در بازار، مترجمی و ویراستاری، ایران‌شناسی عملی و چاپ مقاله‌های ایران‌شناختی، فیلمسازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب‌های کودکان، مدیریت یک کتاب‌فروشی، خطاطی، نقاشی و نقاشی روی روسری و لباس، تدریس در دانشگاه‌ها و ... در تمام سال‌های پرکار و بی‌کار یا وقت‌هایی که در زندان به‌سر می‌برد، نوشتن را ـ که از ۱۶ سالگی آغاز کرده بود ـ کنار نگذاشت. در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان " خانه‌یی برای شب" به‌چاپ رسانید که داستان "دشنام" در آن با استقبالی چشمگیر مواجه شد. تا سال ۱۳۸۰ علاوه بر صدها مقاله‌ی تحقیقی و نقد، بیش از صد کتاب از او چاپ و منتشر شده است که دربرگیرنده‌ی داستان بلند (رمان) و کوتاه، کتاب کودک و نوجوان، نمایشنامه، فیلمنامه و پژوهش در زمینه‌های گوناگون است. ضمن آن‌که چند اثرش به زبان‌های مختلف دنیا برگردانده شده است. نادر ابراهیمی چندین فیلم مستند و سینمایی و همچنین دو مجموعه‌ی تلویزیونی را نوشته و کارگردانی کرده، و آهنگ‌ها و ترانه‌هایی برای آن‌ها ساخته است. او همچنین توانسته است نخستین مؤسسه‌ی غیرانتفاعی ـ غیردولتی ایران‌شناسی را تاسیس کند؛ که هزینه و زحمت‌های فراوانی برای سفر، تهیه‌ی فیلم و عکس و اسلاید از سراسر ایران و بایگانی کردن آن‌ها صرف کرد؛ ولی چنان‌که باید، شناخته و به‌کار گرفته نشد و با فرارسیدن انقلاب و جنگ، متوقف شد. او فعالیت حرفه‌یی خود را در زمینه‌ی ادبیات کودکان، با تاسیس "مؤسسه‌ی همگام با کودکان و نوجوانان" ـ با همکاری همسرش ـ در آن مؤسسه متمرکز کرد. این مؤسسه، به‌منظور مطالعه در زمینه‌ی مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان برپا شد و فعالیتش را در حیطه‌ی نوشتن، چاپ و پخش کتاب، نقاشی، عکاسی، و پژوهش درباره‌ی خلق‌وخو، رفتار و زبان کودکان و نیز بررسی شیوه‌های یادگیری آنان دنبال کرد. "همگام" عنوان "ناشر برگزیده‌ی آسیا" و "ناشر برگزیده‌ی نخست جهان" را از جشنواره‌های آسیایی و جهانی تصویرگری کتاب کودک دریافت کرد. ابراهیمی در زمینه‌ی ادبیات کودکان، جایزه‌ی نخست براتیلاوا، جایزه‌ی نخست تعلیم و تربیت یونسکو، جایزه‌ی کتاب برگزیده‌ی سال ایران و چندین جایزه‌ی دیگر را هم دریافت کرده است. او همچنین عنوان "نویسنده‌ی برگزیده‌ی ادبیات داستانی ۲۰ سال بعد از انقلاب" را به‌خاطر داستان بلند و هفت‌جلدی "آتش بدون دود" به‌دست آورده است. نادر ابراهیمی در زندگی پرفرازونشیب خود، جایگاه خاصی برای ورزش نگهداشته است. او رشته‌های مختلف ورزشی را تجربه کرده، یکی از قدیم‌ترین گروه‌های کوهنوردی به‌نام "اَبَرمرد" را بنیان نهاده و در توسعه‌ی کوهنوردی و اخلاق کوهنوردی، تاثیرگذار بوده است. نادر ابراهیمی در حال حاضر که ۷۰ سال دارد، به علت بیماری در منزل استراحت می کند، بیماری اش آرام آرام در حال بهبود است. امید که بتواند انبوه کارهای ناتمامش را که شامل تحقیقات، داستانهای بلند و کوتاه و فیلمنامه می شود، به پایان برساند.

ابرزی فارسی، عمیدالدین، ابونصر اسعد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۴ ق)، شاعر و ادیب. وی اهل ابرج فارس بود و وزیر اتابک سعد بن زنگی و معاصر امام فخر رازی بود. پس از مرگ سعد بن زنگی به اتهام مکاتبه‌ی پنهانی با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به وسیله‌ی ابوبکر سعد زنگی در قلعه‌ی اشکنوان زندانی شد و پس از چند ماه درگذشت. وی قصیده‌ای غرا در یکصد و یازده بیت به زبان عربی سروده که به قصیده‌ی «اشکنوانیه» معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۲۰ –۷۱۶ /۳)، دستور الوزراء (۲۳۹ –۲۳۷)، ریحانه (۷۰ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونصر)، مرآت الفصاحه (۵۷ –۵۵).

ابرقوهی، عبدالسلام

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مترجم. وی کتاب «سیره‌ی رسول» تألیف سعدالدین محمد کازرونی را تحت نام «نهایهٔ المسؤول فی درایهٔ الرسول» به نام یکی از اعیان زمان خود، ابوالشرف محمد، ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۳۶).

ابطحی سدهی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید مهدی حسینی. از سلسله سادات معروف به سادات حکیمی. در ماه صفر سال ۱۲۹۴ در سده متولّد، و در ماه رجب ۱۳۷۱ در سفر زیارت مشهد در آنجا وفات یافته، در صحن دارالضیافه مدفون گردید.

در خدمت آقای شیخ مرتضی ریزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و شیخ عبدالحسین محلّاتی، و جهانگیر خان قشقائی، و میرزا هدایت اللَّه چهار سوقی تحصیل نموده، و در حدود پنجاه مجلّد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است:

۱- تعلیقه بر فرائد ۲- ختام الغرر [مطبوع] ۳- رساله در تعارض ادلّه ۴- رساله در تعادل و تراجیح ۵- رساله استدلالی در توحید ۶- رساله در حجّیّت مظنّه ۷- رساله در رضاع ۸- رساله در صلات ۹- رساله در طهارت ۱۰- رساله در قضا و شهادات ۱۱- رساله در معاملات ۱۲- رساله استدلالی در معاد ۱۳- رساله استدلالی در امامت ۱۴- رساله در نبوّت ۱۵- رساله در ولایت حاکم ۱۶- شرح فارسی بر کفایه آخوند خراسانی؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابطحی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابطحی

محل تولد : کاشان

شهرت : ابطحی کاشانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیةالله ابطحی کاشانی در سال ۱۳۰۹ در کاشان به دنیا آمد. خانواده او خانواده‌ای مذهبی و از دوستداران خاندان پاک پیامبر (ص) بود و پدرش نیز در کسوت مقدس روحانیت بود که دو سال پس از تولد ایشان دارفانی را وداع گفت.

آیةالله ابطحی با به پایان رساندن دوره دبستان، در ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه کاشان شد. او بخشی از دروس دوره مقدمات را در کاشان فرا گرفت و سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. ادامه مقدمات را نزد اساتید این حوزه به پایان رسانید. او معالم را نزد امام موسی صدر فرا گرفت بعد از چندی به علت نداشتن شهریه به کاشان مراجعت نمود و از جلسات درس علمای کاشان بهره‌مند گردید. مطول و شرح لمعه را نزد شیخ عبدالله مدنی آموخت پس از آن مجدداً به قم آمد و رسائل و مکاسب را نزد استادان سلطانی، طباطبایی، شهید صدوقی، فکور یزدی و سید محمد صادق روحانی آموخت. برای فراگیری کفایه نیز به درس حضرات آیات مجاهدی، تبریزی، شیخ عبدالجواد اصفهانی و سلطانی طباطبایی رفت. او با به پایان بردن دوره سطح، به درس خارج حضرات آیات عظام بروجردی (ره)، محقق داماد (ره) و امام خمینی (ره) راه یافت.

آیةالله ابطحی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلای روزگار خود رابطه دوستی داشت که از جمله آنها، آیةالله شهید سید مصطفی خمینی (ره) را می‌توان نام برد. آیت‌الله ابطحی در عرصه علم و فرهنگ، فعالیت‌های بسیاری از خود بر جا نهاده است. او بسیاری از دروس حوزه را تدریس نموده و از این رهگذر طلاب بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات درس استادان خود را نگاشته و در مجله نور علم، مقالات بسیاری تألیف کرده است.

آیةالله ابطحی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در بسیاری از فعالیتهای جمعی آن شرکت داشته است. او مدتی در معیّت حضرات آیات سید جعفر کریمی و محمدی گیلانی و حجةالاسلام والمسلمین قاضی خرم آبادی به نمایندگی از امام (ره) به امور زندانها در قوه قضائیه می‌پرداخته است.

ابن ابی‌الخیر حمدانی، برهان‌الدین، ابوالحارث محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم، مفسر و واعظ شیعی. شیخ منتجب‌الدین از او به صفتهای عالم، مفسر، صالح و واعظ یاد کرده است. از آثار وی: «مفتاح التفسیر» یا «تفسیر ابن ابی‌الخیر»؛ «دلائل القرآن»؛ «عین الاصول»؛ «شرح الشهاب».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۳ /۲۱، ۳۶۷ /۱۵، ۳۴۴ /۱۳، ۲۵۲ /۸، ۲۴۰ /۴). ریاض العلماء (۱۲۸ /۵)، فوائد الرضویه (۵۷۱)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۱).

ابن ابی‌طاهر مروزی، ابوالفضل احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۰ -۲۰۴ ق)، ادیب و مورخ. از فرزنـدان خراسان بود که در بغـداد به دنیا آمـد. در ابتدا آموزگار نوجوانان بود. پس از چندی به بازار کتابفروشان راه یافت و به اسـتنساخ کتب پرداخت و از این رهگذر با بسیاری از عالمان و ادیبان بغداد آشنا شد. وی از عمر بن شبه و احمـد بن هیثم سامی و عبـداللّه وراق حـدیث روایت کرده، و از وی فرزندش، عبیداللّه، و محمد بن خلف مرزبان نقل حدیث کرده‌انـد. شـهرت عمـده‌ی وی برای نگـارش «تاریـخ بغـداد» است. از او در حـدود پنجاه اثر به جای مانـده که از آن جمله: «تاریخ بغـداد»، که جلـد شـشم آن چاپ شـده؛ «المنثور والمنظوم»، در ۱۴ جزء کـه فقـط دو جزء آن بـاقی مانـده کـه یکی از این دو به نـام «بلاغات النساء» است که مجموعه‌ای از خطبه‌ها، گفته‌ها و شـعرهای زنان عهد اسـلامی است و دومین خطبه این کتاب گفتار آتشین حضـرت زهرا (ع) پیرامون دفـاع از حریم ولایت و بازگردانـدن فـدک است. از دیگر آثارش: «سـرقات الشـعراء»؛ «کتاب المؤلفین»؛ «اخبار بشار بن برد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۸ /۱)، تاریخ بغداد (۲۱۲ -۲۱۱ /۴)، دانشـنامه‌ی ایران و اسلام (۴۰۳ -۴۰۱ /۲)، کشف الظنون (۲۸۸)، مروج الذهب، ترجمه (۶۶۵ /۲)، هدیهٔ العارفین (۵۲ -۵۱ /۱).

ابن ابی‌مریم شیرازی، ابوعبداللّه نصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۶۵ ق)، مفسر، خطیب، دانشـمند و ادیب. اهل فسا بود. در تفسیر، قرائت و نحو مهارت داشت و خطیب شیراز بود. از برهان‌الدین محمود کرمانی روایت می‌کرد. قاضـی مجدالدین اسـماعیل و قاضـی سراج‌الدین مکرم از شاگردان او بودند. از آثارش: «الکشف والبیان»، در تفسیر قرآن، در هشت جلد، مشهور به «تفسیر ابن ابی‌مریم»؛ «الموضح»، در قرآآت هشتگانه یا دهگانه، که آن را شـاگردان از گفته‌های اسـتاد تقریر کرده‌انـد؛ «الارفاد فی شـرح الارشاد»؛ «الافصاح فی شـرح الایضاح»، در شـرح «ایضاح» ابوعلی فارسی؛ «عیون التصریف»؛ «المنتقی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۸ -۳۴۷ /۸)، تذکره‌ی هزار مزار (۴۳۰ -۴۲۹)، ریحانه (۳۶۷ -۳۶۶ /۷)، کشف الظنون (۱۹۰۵ -۱۹۰۴ ، ۴۳۷، ۲۱۲)، معجم الادباء (۲۲۵ -۲۲۴ /۱۹)، معجم المؤلفین (۹۱ -۹۰ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۴۹۱ /۲).

ابن ابی‌منصور منجم فارسی، ابوعلی یحیی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۰ ق)، ادیـب و اخترشـناس. او بزرگ خانـدان آل‌منجـم است. نوادگـان وی همگی اخترشـناس بودنـد. ابن‌خلکـان آنهـا را زرتشتیانی می‌داند که به دست مأمون اسـلام آوردند. یحیی با فضل بن سهل ذوالریاستین دوستی داشت و برا او اختر می‌دید. پس از وی به مأمون عباسی پیوست و به دستور او به اخترشناسی پرداخت اما موفق به ادامه‌ی آن نشد. محمد، علی، سعید و حسن چهار پسر وی نیز در ادب، فصاحت زبان و اخترشناسی آوازه داشتند. در سفرش به طرسوس درگذشت و در حلب در مقابر قریش دفن شد. از آثـارش: «الاغـانی»؛ «کتـاب الطبیـخ»؛ «کتاب العود والملاهی»؛ «کتاب المعاریض»؛ «الزیـج الممتحن»؛ «مقالـهٔ فی ارتفاع سـدس ساعهٔ لعرض مدینه السلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ علوم عقلی (۵۰ ،۴۶)، ریحانه (۳۷۰ -۳۶۹ /۷)، الفهرست ابن‌نـدیم، ترجمه (۲۴۷)، کشف الظنون (۱۴۴۱ ، ۱۴۳۵ ،۱۳۰)، معجم المؤلفین (۲۳۳ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۵۱۷ /۲).

ابن ابی‌یمان بندنیجی، ابوبشر، یمان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۴ -۲۰۰ ق)، ادیب و لغوی. از دهقان‌زادگان ایرانی بود که در شهر بندنیج، نزدیک بغداد در حالی که نابینا بود به دنیا آمد. وی از ثروتمنـدان و ملاکین عجم بود که تمامی املاک و بستانهای خود را که از پدرش به ارث رسیده بود، فروخت و صـرف هزینه‌ی علما و تحصـیل علم کرد. او نزد ابن‌سـکیت و ریاشی و دیگری علمای بصره و کوفه به تحصیل پرداخت. ابوبشر شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «التقفیه»؛ «العروض»؛ «معانی الشعر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۶ /۹)، ایضاح المکنون (۵۰۶ ،۳۱۳ ،۲۸۳ /۲)، روضات الجنات (۲۰۰ /۸)، ریحانه (۲۸۳ /۱)، الفهرست لابن الندیم (۲۸۵ ،۱۳۱)، معجم الادباء (۵۷ -۵۶ /۲۰)، معجم المؤلفین (۲۵۷ -۲۵۶ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۵۴۸ /۲).

ابن احمد عجمی، حافظ الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۷ ق)، محقق. نیاکانش از مردم بردعه بودند. در تبریز درس خواند. از آثار وی: ترجمه‌ی «ظفرنامه‌ی تیموری»، به ترکی؛ «حاشیه‌ی شرح وقایهٔ الروایهٔ» برهان الشریعه‌ی حنفی، «السبعهٔ السیارهٔ»؛ «نقطهٔ العلم»؛ «محاکمات الفرید فی حاشیه تجرید»، وی در این کتاب شروح تجرید خواجه نصیرالدین طوسی را به ذوق و سلیقه‌ی خود به محک نقد زده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۹۷۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن احمد عجمی)، هدیهٔ العارفین (۲۴۳ /۲).

ابن اخوه بغدادی، جمال‌الدین، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، شاعر، ادیب و محدث شیعی. از بزرگان دودمان آل‌اخوه بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. نزد ابوالسعادات هبهٔ اللّه بن شجری، ابوشجاع صابر بن حسین، ابوالفوارس زینبی، ابوالخطاب نصر بن احمد، ابوعبداللّه نعالی و ابوغانم هروی درس خواند و حدیث شنید. بانوی دانشمند، دختر سید مرتضی، که کتاب «نهج‌البلاغه» را از عمویش سید رضی نقل کرده نیز از مشایخ اوست. وی در طلب حدیث به ایران آمد و در کاشان و خراسان و ری و طبرستان حدیث شنید و چندی در اصفهان مسکن گزید و سالهای واپسین عمر خود را در شیراز گذراند و در همان جا درگذشت. ضیاءالدین راوندی، قطب‌الدین راوندی و عمادالدین راوندی و سدیدالدین طوسی از شاگردان وی بودند. وی به خاطر خط خوبی که داشت حدود یکهزار مجلد کتاب را استنساخ کرد. او شعر را نیز خوب می‌گفت و اشعاری از او باقی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۵ /۴)، اعیان الشیعه (۴۶۹ -۴۶۶ /۷)، ریاض العلماء (۴۰۹ /۵، ۱۰۷ /۳)، ریحانه (۳۷۷ /۷).

ابن اشته اصفهانی، ابوبکر، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۰ ق)، نحوی و ادیب. اهل اصفهان بود. به مصر مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آن سرزمین زیست. نزد ابوبکر بن مجاهد، محمد بن احمد بن حسن کسایی، محمد بن یعقوب المعدل، ابوبکر نقاش، ابوبکر ادمی، ابراهیم بن جعفر باطرقانی، محمد بن احمد بن عبدالوهاب و عبداللّه بن باذان و یوسف بن جعفر بن معروف، درس خواند. خلف بن ابراهیم، عبداللّه بن محمد بن اسداندلسی، عبدالمنعم بن غلبون، محمد بن عبداللّه المؤدب از شاگردان وی بودند. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «المحبر»؛ «المفید فی الشاذ» یا «شواذ القرآآت»؛ «المصاحف».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۷ /۷)، کشف الظنون (۱۴۵۹)، معجم المؤلفین (۲۳۷ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۴۷ /۳).

ابن الاسود

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن علویه کرانی کرمانی (کوانی) کاتب اصفهانی، شاعر محدّث ادیب لغوی شیعی، از مجاهرین شعرای اهل بیت است.

ابوحاتم سجستانی که خود از بزرگان شعر و ادب است خطاب به اهل بصره گوید: قسم به خدا این شاعر اصفهانی در محکم بودن اشعار، و کثرت فوائد آن، بر همه تفوّق یافته است.

بیشتر از یک صد سال عمر کرده، و در ۳۱۲ (و به قولی ۳۲۰) وفات یافته است.

کتب زیر از اوست: ۱- الاعتقاد، یا دعاء الاعتقاد ۲- الفیه، و آن قصیده‌ای است در هزار بیات در مدح حضرت علی علیه‌السلام ۳- الرسائل المختاره، در ادعیه ۴- الشیب و الخضاب، و غیره.

نجاشی در رجال خود (:۶۴) و عموم مؤلّفین شیعه در کتب خود او را به احترام نام برده‌اند.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن الرسول، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا ابن الرسول

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در خانواده ای روحانی در اصفهان چشم به جهان گشوده ام. در شش ماهگی همراه پدر و مادرم به قم هجرت کرده و تا بیست و چند سالگی همواره در میان قم و اصفهان در تردد بوده ایم. بخشی از تحصیلات دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را هم در قم گذرانده ام.

همه قبیله من عالمان دین بوده اند. پدربزرگم مجتهد و مدرس حوزه علمیه اصفهان، پدرم مدرس خارج حوزه علمیه اصفهان و ممتحن دروس سطح عالی است. خود نیز از سال ۱۳۶۴ رسماً وارد حوزه علمیه قم مدرسه علمیه رضویه شدم و در سال ۱۳۶۵ با قبولی در دانشگاه اصفهان همزمان به حوزه اصفهان منتقل شدم و دروس حوزوی را در کنار دانشگاه ادامه دادم. تاکنون این مقارنت به لطف خداوند ادامه یافته است. و اکنون مدرس دانشگاه مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان بوده و گاه گاه در موسسات آموزشی دیگر و نیز مدارس علمیه به تدریس ادبیات عرب اشتغال داشته ام.

ابن الفتی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعبداللّه سلیمان بن عبداللّه، ادیب نحوی لغوی، از فضلای قرن ششم، در ۵۷۵ در اصفهان وفات یافته است.

فرزندش ابوعلی حسن نیز به این لقب معروف بوده، منصب قضاوت خوزستان، و سپس تدریس نظامیّه بغداد را یافته، در آنجا روز ۲ شنبه ۵ شوال ۵۲۵ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. ۳۸۱. ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن‌الولید ادب و فقه را فراگرفت.

وی با سلاطین و اعاظم شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضمار فقاهت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.

نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.

در سنه‌ی ۳۵۵ وارد بغداد شد و با حداثت سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمیین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه‌ی ۳۸۱ بوده.

وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمهٔ‌اللّه‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن

بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌اللّه الملک الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.

این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللّه‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان اللّه جاری شده.

بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رابعهٔ النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نوراللّه شوشتری نوراللّه مرقده الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.

قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلا با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفونند در کتاب «تذکرهٔ المقابر» فی «احوال المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.

مرحوم حاج شیخ عبداللّه مامقانی در رجال خود (تنقیح المقال) می‌گوید و از چیزهائی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (۱۳۰۰) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.

نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل البیت علیهم‌السلام آیهٔ‌اللّه نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).

و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:

۱- سید ابراهیم لواسانی ۲- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر ۳- سید محمود مرعشی ۴- حاج آقا محمد آل آقا سبط وحید بهبهانی ۵- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.

از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه ۲- کتاب علل‌الشرایع ۳- کتاب معانی‌الاخبار ۴- کتاب الامالی ۵- کتاب التوحید ۶- کتاب خصال ۷- کتاب المقنع ۸- کتاب ثواب الاعمال ۹- کتاب عقاب الاعمال ۱۰- کتاب عیون اخبارالرضا ۱۱- کتاب الاعتقادات ۱۲- کتاب حقوق الاخوان ۱۳- کتاب صفات الشیعه ۱۴- کتاب اکمال‌الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینهٔ‌العلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.

این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرتهای طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرتها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال ۳۵۲ هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال ۳۵۴ در کوفه بوده سپس در ۳۵۵ به بغداد مراجعت کرده و در ۳۶۷ به خراسان سفر کرد و تا سال ۳۶۸ در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال ۳۷۲ کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.

رجال و دانشمندانی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.

۱- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)

۲- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.

۳- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.

۴- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسه مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه) است

۵- مرحوم حجهٔ‌الاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیهٔ‌اللّه آملی معاصر ما.

۶- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق‌آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی معاصر.

۷- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندق‌آبادی فرزند آن مرحوم.

و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکرهٔ‌المقابر نویسنده کنند.

(وف ۳۸۱ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن

ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین اثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینهٔ العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» «اثبات الخلافهٔ»؛ «فضائل الشیعهٔ»؛.«علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیهٔ»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعهٔ»؛ «نصوص الائمهٔ».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۵۹ / ۷)، اعیان الشیعه (۲۵ –۲۴ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۸۴، ۵۰۵، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۵۶، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۶، ۳۱۵، ۲۹۷، ۲۶۱، ۱۹۶، ۱۰۳ / ۲، ۴۷۷، ۴۷۳، ۳۴۸، ۱۲۳ / ۱)، تاریخ ادبی ایران (۵۴۸ –۵۴۷ / ۱)، تاریخ بغداد (۸۹ / ۳)، خاتمهٔ مستدرک الوسائل (۲۶۵ –۲۵۷، ۲۴۰ / ۳)، دانشنامه (۴۳۲ –۴۳۱ / ۳)، دایرهٔ المعارف فارسی (۱۷ –۱۶ / ۱)، الذریعه (۱۷۹ / ۲۴، ۲۳۲ / ۲۲، ۲۰۴ / ۲۱، ۲۶۰ / ۱۶، ۳۷۵، ۳۱۳، ۴۵ / ۱۵، ۱۶۲ / ۷، ۴۸۲ / ۴، ۳۱۵، ۲۲۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۹۵)، رجال النجاشی (۳۱۶ – ۳۱۱ / ۲)، روضات الجنات (۱۳۵ –۱۲۳ / ۶)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۲۵ –۳۲۴ / ۱)، ریاض العلماء (۱۲۲ –۱۱۹ / ۵)، ری باستان (۴۲۲ / ۲، ۴۲۶ –۴۲۴ / ۱)، ریحانه (۴۳۹ –۴۳۴ / ۳)، سیر النبلاء (۳۰۴ –۳۰۳ / ۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۳)، الفهرست للطوسی (۳۰۵ –۳۰۴)، فوائد الرضویه (۵۶۴ –۵۶۰)، کشف الظنون (۱۱۷۴)، الکنی والالقاب (۲۲۳ –۲۲۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۷ –۶۱۲ / ۵)، مجالس المؤمنین (۴۶۳ –۴۵۴ / ۱)، معجم المؤلفین (۳ / ۱۱)، معجم رجال الحدیث (۳۲۶ – ۳۱۶ / ۱۶)، هدیهٔ الاحباب (۵۰ –۴۹)، هدیهٔ العارفین (۵۳ –۵۲ / ۲).

ابن حاجب، جمال‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال‌الدین ابوعمر و عثمان بن عمر نحوی معروف (و. ۵۷۰– ف.۶۴۶ ه.ق.) وی اصلا از کردان ایرانی بود و در مصر متولد شد و در قاهره به تحصیل علوم ادبی و فقه پرداخت و چندی نیز در دمشق تدریس کرد. از تألیفات او: کافیه (نحو)، شافیه (صرف)، مختصرالمنتهی (تلخیص کتاب دیگر او به نام منتهی السؤال و الامل)، الامالی و غیره است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن خطیب گنجوی، تاج‌الدین امیراحمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر و ادیب. مشهور به پسر خطیب گنجه یا پورخطیب گنجه. وی معاصر محمود غزنوی بود و با همسرش مهستی گنجوی به دربار غزنوی پیوستگی داشت. همسرش از سرایندگان شهرآشوب بود و میان او و مهستی مناظره در می‌گرفت. در سده‌ی هفتم قمری داستان امیراحمد و مهستی درباره‌ی شوخ‌طبعیهای وی و همسرش به نثر نوشته شد. از وی اشعاری در تذکره‌ها باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۱۸)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۹، ۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸)، دانشمندان آذربایجان (۷۶)، الذریعه (۲۱ /۹)، مجالس النفائس (۳۲۷).

ابن شهرآشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۸۸ –۴۸۸ ق)، عالم، متکلم، محدث، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شیعی. در ساری متولد شد. نیای وی شهرآشوب از شاگردان شیخ طوسی بود و ابن شهرآشوب به واسطه‌ی پدر خود از او روایت می‌کرد. در هشت سالگی قرآن را حفظ می‌خواند. از زمخشری و احمد و محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه‌ی روایت داشت. بنا به دلایل مذهبی به حلب که در آن زمان در پرتو حمایت حمدانیها پیشرفته‌ترین مرکز علمی تشیع و پناهگاه شیعیان بود، رفت. مدتی نیز در بغداد اقامت داشت. به دلیل اینکه بلاغتش در خطبه مورد پسند مقتفی، خلیفه‌ی عباسی، واقع شد و مواعظش در وی مؤثر افتاد، منصب تدریس در بغداد و لقب رشیدالدین گرفت. پدرش شیخ علی بن شهرآشوب، ابومنصور احمد طبرسی، امین‌الدین طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب راوندی، وفتال

نیشابوری، از جمله‌ی استادان وی بودند. شاگردان زیادی نزد وی تربیت شدند. محقق حلی خود را به یک واسطه شاگرد او می‌دانسته است. شهرت و مقبولیت وی چندان بود که علی‌رغم اعتقادات شیعی، مورد احترام و قبول اهل تسنن نیز بود و وی را از محدثین ثقه می‌دانند. مقبره‌ی ابن شهرآشوب در جبل‌جوشن نزدیک مشهد حسینی قرار دارد. از آثار وی: «معالم العلما»، که فصلی از آن درباره‌ی شعرای شیعه است؛ «مناقب آل ابی‌طالب»؛ «متشابه القرآن»؛ «بیان التنزیل»؛ «اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق»؛ «انساب آل‌ابیطالب»؛ «الاسباب والنزول علی مذهب آل‌رسول (ص)»؛ «الحاوی»؛ «الاوصاف»؛ «المنهاج»؛ «المخزون المکنون فی عیون الفنون».[۱]

ساری قدیم‌الایام معدن رجال و دانشمندان بزرگ علمی بوده و بزرگان از قبیل علامه جلیل‌القدر جناب محمد بن علی بن شهرآشوب ساروی مازندرانی منسوب به آن می‌باشد.

این بزرگوار از علماء قرن ششم هجری و صاحب تألیفات عدیده مانند مناقب آل ابیطالب و متشابهات القرآن و معالم‌العلماء و غیره می‌باشد.

علماء علم رجال وی را چنین ستوده‌اند.

محمد بن علی بن آشوب السروی نوراللّه مرقده السنی فخر الشیعه و تاج‌الشریعه محی آثار المناقب والفضائل والبحر المتلاطم الزخار الذی لیس له ساحل قطب المحدثین و شیخ مشایخهم رئیس‌العلماء و فقیههم رشید الملة والدین شمس‌الاسلام والمسلمین فقیه وجیه و محدث مفسر محقق ادیب اریب شاعر منشی بلیغ جامع فنون فضائل و محاسن عالم ربانی شیخ رشید بن ابن شهر آشوب المازندرانی صاحب ۱- مناقب آل ابیطالب ۲- والمعالم ۳- و مثالب النواصب ۴- والمخزون المکنون فی عیون الفنون ۵- و اعلام الطرائق فی الحدود ۶- والحقایق ۷- والاوصاف ۸- و مائدة الفایده ۹- والمثال فی الامثال والاسباب ۱۰- والنزول علی مذهب آل الرسول ۱۱- والحاوی ۱۲- والانصاف ۱۳- والمنهاج الی غیر ذلک مما ذکره فی رجاله المسمی بمعالم العلماء.

وی در شب جمعه ۲۲ شعبان سنه ۵۸۸ ق ه وفات یافته و در بیرون حلب در بالای کوه معروف به جبل جوشن در جوار مشهدالسقط (محسن بن حسین الشهید (ع)) و قبر احمد بن منیر و ابن‌زهره.

و ما به خواست خدا عده‌ای از رجال گذشته و معاصر این شهر را به نظر ارباب فضل و دانش می‌آوریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۶۷ /۷)، اعیان الشیعه (۱۷ /۱۰)، ایضاح المکنون (۴۵۲، ۴۲۷، ۴۲۱ /۲ ،۱۰۳، ۶۹ /۱)، خاتمة مستدرک الوسائل (۶۰ -۵۶ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۶۳ -۶۶۲ /۵)، الذریعه (۲۳۳، ۱۵۴ /۲۳ ،۳۱۹ ،۳۱۸- ۲۲ /۲۰۱، ۹۹ ،۹۸- ۲۱ /۲۳۱، ۲۰ /۷۶، ۷۳، ۶۳ -۶۲ ،۱۱ -۱۰ /۱۹ ،۱۷۸ -۱۷۷ /۳ ،۴۷۷، ۴۷۶، ۳۷۸، ۲۳۹، ۱۲ /۲)، روضات الجنات (۲۷۲ -۲۶۹ /۶)، ریاض العلماء (۱۲۸ -۱۲۴ /۵)، ریحانه (۶۰ -۵۸ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴ -۲۷۳ /۶)، فوائد الرضویه (۵۷۱ -۵۶۸)، قصص العلماء (۴۲۹ -۴۲۸)، کشف الظنون (۱۵۸۴ ،۱۲۶۹ ،۷۷)، الکنی والالقاب (۳۳۳ -۳۳۲ /۱)، لسان المیزان (۳۹۵ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شهرآشوب)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۵ -۶۲۴ /۵)، معجم المؤلفین (۱۷ -۱۶ /۱۱)، نامه‌ی دانشوران (۴۶ -۴۵ /۵)، الوافی بالوفیات (۱۶۴ /۴)، هدیة الاحباب (۶۹)، هدیة العارفین (۱۰۲ /۲).

ابن عبدالباقی بخاری مکی، علاءالدین، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۱ ق)، قاضی، خطیب و ادیب. معروف به خطیب مدینه. وی در ۹۹۱ ق در مدینه به ایراد خطبه می‌پرداخت. از آثار وی: «الطراز المنقوش فی فضائل الحبوش»، تألیف ۹۹۱ ق، موسوم به «نزهة الناظر و سلوة الخاطر»؛ «عقد الفرائد فیما نظم من الفوائد»، در ادب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۵ -۵۴ /۷)، ایضاح المکنون (۱۰۹ /۲)، کشف الظنون (۱۱۰۹)، معجم المؤلفین (۱۲۳ /۱۰)، هدیة العارفین (۲/ ۲۵۶).

ابن فورک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوبکر محمد بن حسن بن فورک (بر وزن دوزخ) ادیب متکلم اسولی، واعظ نحوی مدتی در عراق به مذهب اشعری تدریس می‌نموده سپس به ری مهاجرت کرده و بر حسب خواهش مردم نیشابور بدانجا رفته و ساکن شده و جهت او مدرسه و خانقاهی بنا کردند.

بالاخره به سال ۴۰۶ وفات یافته، و علت آن را مسموم شدن در مراجعت از غزنه نوشته‌اند و پس از فوت در حیره مدفون گردیده و قبرش معروف است.

تعداد تألیفاتش را در اصول دین و اصول فقه و معانی قرآن حدود یکصد جلد نوشته‌اند.

از کلمات اوست که گوید: گرفتاری عیال نتیجه متابعت شهوات حلال است پس چه گمان می‌کنی در پیروی از شهوات حرام؟

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن لزه کرخی اصفهانی، ابوعمرو بندار

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، لغوی. در کرخ بغداد درس خواند و سپس به اصفهان سفر کرد. در آن شهر شهرت بسیار کسب کرد. حافظه‌ای قوی داشت، حدود هفتصد یا نهصد قصیده حفظ بود. ابوعبید هروی استادش بود و ابن‌کیسان بغدادی شاگرد وی. در شعر، خبر و انساب سرآمد همروزگاران خود بود. برخی منابع از او به ابن‌لره یاد کرده‌اند. در زمان خلافت متوکل عباسی، مبرد را در سامرا ملاقات و او را به خلیفه معرفی کرد. از آثار وی: «معانی الشعرا»؛ «جامع اللغه»؛«شرح معانی الباهلی» (الانصاری)؛ «الوحوش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۱۴ -۸۱۳ /۶)، روضات الجنات (۱۴۱ -۱۳۹ /۲)، ریحانه (۱۸۱ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۹)، الکنی والالقاب (۳۹۷ /۱)، معجم الادباء (۱۳۴ -۱۲۸ /۷).

ابن لنکک، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۶۰ ق)، نحوی. شاعر. از مردم بصره و معاصر متنبی بود. به بغداد رفت و به خدمت مهلبی وزیر درآمد. احتمالاً به اشاره‌ی مهلبی، در ۳۵۱ ق که متنبی از وزیر دیدن کرد، ابن‌لنکک در اشاری وی را هجو کرد. «دیوان» اشعار او را گرد آورده بودند و شعر او پسند خاطر صاحب بن عباد افتاده بود، اما اکنون از سروده‌های وی مگر اندکی به جا نمانده است. از شهرت او به ابن‌لنکک (پسر مرد لنگ) چنین برمی‌آید که تبار ایرانی داشته است. وی قصیده‌ی تائیه‌ی دعبل را که در مدح اهل‌بیت سروده روایت می‌کرد. از این روی می‌توان حدس زد که وی با شیعیان همدلی داشته است. پسرش ابراهیم نیز شاعر بود و به ابن‌لنکک شهرت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۳ /۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۱۵ -۸۱۴ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۶۷۱ /۱)، ریحانه (۱۸۱ /۸)، معجم الادباء (۱۱ -۶ /۱۹)، الوافی بالوفیات (۱۵۷ -۱۵۶ /۱).

ابن مقفع، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن مقفع: روزبه پسر دادویه معروف به ابومحمد عبدالله ابن مقفع (کشته شده در سال ۱۴۲ قمری / ۷۶۰ میلادی) نویسنده و مترجم ایرانی و ساکن بصره بود. کنیت وی: (أبی محمد) بود . زندگی

ابو محمد عبد اللّه ابن المقفّع (۱۰۶– ۱۴۲ ق) نویسنده و مترجم آثار پهلوی به عربی است. ابن مقفع تا زمانی که اسلام نیاورده بود. همچنان به روزبه نامور بود و ابو عمرو کنیه داشت. پس از تشرف به اسلام، نام عبد اللّه و کنیه ابو محمد برگزید. ولادتش در حدود ۱۰۶ ق، ظاهرا در جورد گور (فیروز آباد فارس) رخ داده است. در کودکی با پدر به بصره رفت و چنان با «تازی شیوا» و «شیوایی تازی» آشنا و مأنوس شد و آموزش دید که خود در رده شیوایان زبان تازی جای گرفت. ابن مقفع هم با امویان و هم با عباسیان ارتباط داشته و در هر دو روزگار به دبیری پرداخته است. نام پدر ابن مقفع در واقع داذویه بوده، هر چند که گاه، داذویه به داذبه تحریف شده است. ابن ندیم نام اسلامی پدر او را مبارک ذکر کرده که گویی ترجمه عربی روزبه است، اما زبیدی در تاج العروس او را داذ جشنش (داد گشنسب) خوانده، با این همه منیوی معتقد است که نام عبد اللّه، پیش از مسلمان شدن، داذبه بوده که به روزبه تصحیف گشته است. داذویه که از اعیان و اصیل زادگان فارس بود، زمانی که حجاج بن یوسف بر عراق حکم می‌راند، از جانب وی مأمور خراج فارس شد، اما در کار اموال، ناروایی کرد و حجاج او را چندان شکنجه داد تا دستش مقفع (ناقص و ترنجیده) گشت. کلمه «مقفع» لقبی برای داذویه شد و فرزندش روزبه، ابن مقفع خوانده شد. پدر او یعنی دادویه از مردم شهر گور (فیروزآباد) پارس بود که در شهر بصره نشیمن گزیده بود.

عقاید:

پوردادویه نخستین کس از خاندان خود بود که مسلمان شد و پس از آن توانست پیشهٔ دبیری امور کرمان را برای استاندار پارس و کرمان یعنی عیسی بن علی، عموی منصور خلیفه عباسی بر عهده گیرد. ابن مقفع سرانجام به دستور ابوجعفر المنصور ، خلیفه عباسی، در سن ۳۶ سالگی به اتهام زندقه بودن در بغداد کشته شد. بعضی ادعا می‌کنند که ابن مقفع فقط ظاهراً مسلمان شده بوده‌است و یکی از دلایلی که برای داشتن گرایش زرتشتی از سوی او می‌آورند این است که می‌گویند روزی که روزبه از برابر یک آتشکده می‌گذشت این شعر را خوانده‌است: ای خانهٔ دلدار که از بیم بداندیش روی از تو همی تافته و دل بتو دارم

رو تافتنم را منگر زانکه به هر حال جان بهر تو می‌بازم و منزل بتو دارم

بعضـی نیز ادعا می‌کنند که عقاید زندیقی داشـته‌است. از مهدی خلیفه نقل است (به مضـمون) که «کتابی در زندقه ندیدم که با ابن مقفع ارتباطی نداشته باشد».

:آثار و فعالیت ها

روزبه کتاب‌هـای زیادی از پارسـی میانه به عربی برگردانـد. از میان کتابهایی که روزبه ترجمه کرد می‌توان از کلیله و دمنه، تاجنامه انوشیروان، آیین‌نامه ، سخنوری بزرگ (الأدب الکبیر) و سخنوری خُرد (الأدب الصغیر) نام برد. نثر عربی ابن مقفع بسیار شیوا بوده و نثر وی سرمشق سخندانان و نویسندگان عربی‌نویس و عربی زبان بوده‌است. ترجمه‌های او از بهترین آثار ادبی و اخلاقی زبان عربی شمرده می‌شونـد. روزبه نخسـتین کسـی است که رسـماً آثـاری به نثر عربی نوشت[نیازمنـد منبع]. آثـار وی در بعضـی دانشگاه‌های جهان، از جمله دانشگاه‌های کشورهای عرب مانند دانشگاه قاهره، به عنوان نمونه‌های خوب و شیوایی از نثر عربی بررسی می‌شوند. آثار وی عبارتنـد از: کلیلـهٔ و دمنه، الأدب الکبیر، الأدب الصـغیر و المنطق،سیرالملوک (ترجمه عربی خداینامه) , نامهٔ تنسر،عجائب سجستان (ترجمهٔ ریکیهـای سگسـتان) که عمـدتا از فارسـی میـانه به عربی ترجمه کرده است. : سیمای فرهنگی ابن مقفـع سیمای فرهنگی ابن مقفع با همه آوازه‌مندی، در هاله‌ای از ابهام است. ظاهرا نمی‌توان گفت او مسلمان نبوده، اما از دیگر سوی نیز نمی‌توان چهره دین ورزی مصـمّم از وی به نمـایش گـذاشت. به هر روی، از مکـارم اخلاق خـالی نبوده است. انسان دوستی، اخلاق، آداب دانی، خوش زبـانی و زیبـارویی همه در زنـدگی کاملاـ مرفه او جمع آمـده بود. ابن مقفع مردی آزاده و آزاده انـدیش بود. فضـایل اخلاقی و ارزشـهای شخصـی او در حـدی بوده که کار پژوهشـگران را دشوار ساخته است و باعث شده آنان درباره وی به اختلاف دچار گشـته و او را در دو قطب متضاد، دین‌داری کامل و الحاد مطلق جای دهند. برای زندگی اخلاقی او و وقار و احتشام عباداتش آنچنان است که محققاً مسلمان به دشواری می‌تواند وی را از دین خویش خارج بداند. با این همه تهی بودن آثار او از دفاع مستقیم از اسـلام و شـریعت، شوخ چشمی‌های گاه به گاه او و به خصوص هم نشینی با متهمان به زندقه، باعث می‌شود که گروهی دیگر به زنـدقه او حکم کننـد. شایـد پس از ترجمانی و زباندانی و ادبیّت، بحث انگیزترین موضوع پیرامون ابن مقفع، طرح «زندقه» در مورد اوسـت. وی همچنیـن از بزرگـترین راهـبران «نهضـت ترجمـانی» در سـده‌های نخسـتین اسـلامی است و از این حیث تـأثیری ژرف و بی‌مانند بر تمدن مسلمانان نهاده است.

ابن واضح یعقوبی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمـد بن ابی یعقوب اسـحق بن جعفر بن وهب بن واضـح کاتب عباسـی معروف به ابن واضح، و ابن یعقوبی، و گاهی او را یعقوبی گویند، اصـفهانی شـیعی، از قدمای مشاهیر مورخین و جغرافی دانان شیعه است مردی جهانگرد بوده که مسافرت را دوست می‌داشته و شـرق و غرب بلاد اسـلام را سیاحت کرده، در سال ۲۶۰ به ارمنسـتان رفته سپس به هند و از آنجا به مصر و بلاد مغرب بعد از آن کتب تاریخی و جغرافیائی خود را به رشته تحریر در آورده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اخبار الامم السالفهٔ ۲- الاسماء ۳- البلدان در جغرافیا ۴- التاریخ که به تاریخ یعقوبی معروف است و در دو مجلد به طبع رسـیده است ۵- المسالک و الممالک ۶- مشاکلهٔ الناس لزمانهم؛ و غیرهُ.

صاحب عنوان در سال ۲۸۴ وفات یافته است.

مخفی نماند که صاحب عنوان غیر از شـیخ ابوبکر احمد بن یعقوب ابن ناصح نحوی ادیب، شاگرد ابن منده اصـفهانی است. وی در سال ۳۴۰ و انـدی وفات یافته و برادرش ابی الحسن محمّـد بن یعقوب بن ناصح ادیب نحوی متوفی بسال ۳۵۴ می‌باشد. هر دو برادر در نیشابور ساکن بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن‌بُطه قمی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، ادیب، محـدث، نحوی، لغوی و رجال‌شـناس امامی. در روزگار غیبت صـغری در قم و بغداد می‌زیست. وی معاصـر شیخ کلینی بود. محدثان و رجال‌نویسان شیعی وی را محدث دارای مسامحه می‌دانند و می‌گویند که در روایتهایش احادیث سستی یـافت می‌شـود. وی از احمـد بـن محمـد بـن خالـد برقی و حسین بـه حسـن قمی و محمـد بـن حسن صـفّار و محمـد بن حسـین بن ابی‌الخطاب حدیث شـنید. علی بن حاتم از وی روایت کرده است. از آثار وی: «تفسیر اسـماء اللّه تعالی و ما یدعی به»، «کتاب قرب الاسناد»، «فهرست ابن‌بطه». نجاشی در کتاب خود آثار دیگری از وی را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۱ /۲)، الذریعه (۷۰ /۱۷، ۳۷۵ -۳۷۴ /۱۶)، رجال النجاشـی (۲۸۳ -۲۸۲ /۲)، ریحانه (۴۱۷ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۴ -۲۵۳ /۴)، الفهرست للطوسی (۳۹)، معجم المؤلفین (۱۴۸ /۹).

ابن‌بَوّاب، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۳ /۴۱۳ ق)، خطاط مذهّب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن‌بواب یا ابن‌ستری و ملقّب به علاءالدین و قبلهٔالکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل‌بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله‌ی دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن‌اسد کاتب آموخت، برخی او را شاگرد حسن بن مقله و بعضی شاگرد محمد بن مقله دانسته‌اند. خط نسخ را به شیوه‌ی خود می‌نوشت و اصولی نیز برای آن وضع کرد. وی را پایه‌گذار شیوه‌ی ریحانی و محقق نیز دانسته‌اند. آموزشگاهی برای تعلیم خط تأسیس کرد که تا ۶۹۸ ق برجا بود. شصت و چهار نسخه قرآن به خط خود نوشته بود. ابن‌بواب به خدمت فخرالملک، ابوغالب محمد بن علی بن خلف واسطی، والی عراق، از جانب بهاءالدوله، درآمد و ندیم وی شد. در بغداد درگذشت و در جوار امام احمد حنبل به خاک سپرده شد. آثاری از وی در مجموعه‌ی چستربیتی لندن و کتابخانه لاله لی استانبول باقی است. نسخه قرآن کتابخانه چستربیتی به امضای او و به تاریخ ۳۹۱ ق است که هم از نظر خط و هم از تذهیب مجلل است. اشعاری نیز در فن خط و لوازم آن سروده که ادیبان «القصیدهٔ الرائیهٔ» او را در نهایت بلاغت دانسته‌اند. شهرت او در تکمیل و تنقیح شیوه‌ی ابن‌مقله است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۳۰۸ -۳۰۰)، الاعلام (۱۸۳ /۵)، پیدایش خط و خطاطان (۷۵ ،۷۴ -۷۰)، تاریخ گزیده (۶۹۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۴ -۷۳۹ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵۴ /۳)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۱۱ -۴۱۰ /۱)، ریحانه (۴۲۴ -۴۲۲ /۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۶ -۳۵ /۱)، سیر النبلاء (۳۲۰ -۳۱۵ /۱۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۴)، کشف الظنون (۱۳۳۹)، الکنی والالقاب (۲۳۴ /۱)، گلستان هنر (۱۹ ،۱۸ ،۱۲)، مجالس المؤمنین (۴۸۸ /۲)، معجم الادباء (۱۳۴ -۱۲۰ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۸ /۷)، مناقب هنرمندان (۱۱۳ ،۴۲ ،۳۸ -۳۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۰۵ -۹۱ /۵)، وفیات الاعیان (۳۴۴ -۳۴۲ /۳)، هدیهٔ الاحباب (۵۱).

ابن‌بی‌بی جعفری رُغَدی، امیر ناصرالدین حسین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۸۴ ق)، ادیب و مورخ. معروف به ابن‌بی‌بی منجّمه. پدرش مجدالدین محمد ترجمان از مردم گرگان، مدتها منشی دستگاه جلال‌الدین خوارزمشاه و سمنانی، رییس شافعیان نیشابور بود و چون به اخترگویی می‌پرداخت به بی‌بی منجّمه شهرت داشت. ابن‌بی‌بی از طریق پدر وارد دستگاه سلجوقیان گردید. در روزگار جانشینان علاءالدین کیقباد فرمان‌نویس و مهردار پادشاه بود. تنها اثر بازمانده او کتاب «الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه» است مشهور به «تاریخ ابن‌بی‌بی»، درباره‌ی تاریخ سلاجقه‌ی روم که وقایع میان سالهای ۵۸۸ و ۶۷۹ ق را در بر می‌گیرد. مؤلف این کتاب را پس از استیلای مغولان بر آسیا، به علاءالدین عَطاء مَلکِ جوینی اهدا کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۷ -۱۲۱۳ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵۶ -۴۵۵ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بی‌بی).

ابن‌جبّان، ابومنصور محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۱۶ ق)، لغوی و ادیب. وی اهل ری و ساکن اصفهان بود. در ۳۹۱ ق رهسپار بغداد شد. او سرآمد اقران در لغت و از معاشران ابوعلی فارسی و از ندیمان صاحب بن عباد بود. در اواخر عمر به حج رفت. از وی اشعار پراکنده‌ای به جا مانده است. ازآثارش: «انتهاز الفُرَص فی تبیین المقلوب من کلام العرب»؛ «ابنیهٔ الافعال»؛ «الشامل»، در لغت؛ «شرح الفصیح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۳۳)، لسان المیزان (۳۶۵ /۶)، معجم الادباء (۲۶۲ -۲۶۰ /۱۸)، معجم المؤلفین (۳۱ -۳۰ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۸۰ /۴).

ابن‌جراح بغدادی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۴ -۲۴۵ ق)، ادیب، نویسنده، محدث، مفسر و مورخ. از خاندانی ایرانی‌تبار بود. از احمد بن بُدیل قاضی و حسن بن محمد زعفرانی و دیگران حدیث شنید. فرزندش عیسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوطاهر ذهلی از او حدیث روایت کرده‌اند. وی وزیر مقتدر و

قاهر عباسی بود که امور مالی دولت را سامان داد. مدتی خلیفه او را برکنار کرد و به زندان انداخت و پس از آزادی به ریاست دیوانها منصوب شد. در ۳۱۱ ق او را به مکه، سپس به صنعا تبعید کرد. در ۳۱۲ ق بخشوده و ریاست دیوان اشراف مصر و شام به او سپرده شد. پس از آن در ۳۱۵ ق مجدداً به وزارت رسید، ولی باز بر اثر حسد درباریان خشم خلیفه بر وی نازل شد و او را دستگیر و زندانی کردند. ابن‌جراح از وزرای ایرانی دربار خلفای عباسی بود، که زندگی پر فراز و نشیبی را گذراند، اما در پایان زندگی، در بغداد، محتشم زیست. او را به نیک رفتاری و نیک خلقی ستوده‌اند. هارولدباون خاورشناس انگلیسی کتابی درباره‌ی زندگی وی به نام «زندگی علی بن عیسی و عصر او» به انگلیسی نوشته است. از آثارش: «دیوان رسائل»؛ «معانی القرآن» و تفسیر آن که با همکاری ابوالحسن واسطی و ابن‌مجاهد مقری تألیف شد، «جامع الدعاء»؛ «کتاب الکتّاب و سیاسهٔ المملکهٔ و سیرهٔ الخلفاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الوزراء (۱۳۱ -۱۲۶) الاعلام (۱۳۳ /۵)، تاریخ بغداد (۱۶ -۱۴ /۱۲)، روضات الجنات (۲۰۷ -۲۰۶ /۵)، سیر النبلاء (۳۰۱ -۲۹۸ /۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۱۲ -۲۱۱ ،۶۰)، معجم الادباء (۷۳ -۶۸ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۲ -۱۶۱ /۷).

ابن‌جراح، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۹۶ -۲۴۳ ق)، ادیب و دبیر دیوان خلفای عباسی. از خانواده‌ای ایرانی‌نژاد مسیحی در شهر بغداد متولد شد و در دربار خلفای عباسی به کار دیوانی پرداخت. ابتدا ریاست دیوان خراج ولایت شرقی را به عهده داشت. در ۲۸۵ ق همراه وزیر به ایالت جبال رفت و پس از بازگشت از سفر، دیوان خود را که تا آن هنگام زیر نظر احمد بن فرات بود مستقل ساخت. در ایامی که قرامطه به کاروان حج حمله کردند، به ریاست دیوان جیش منصوب شد. وی پس از مرگ مکتفی از خلافت ابن‌معتز هواداری کرد و چند ماه بعد در شمار یکی از اعضای اصلی توطئه علیه مقتدر خلیفه‌ی جوان قرار گرفت و در زمان ابن‌معتز ۲۴ ساعت مقام وزارت داشت. ابن‌فرات که دشمن دیرینه‌ی وی بود پس از مدتی تقیب ابن‌جراح را دستگیر و اعدام کرد. از آثار وی: «الشعر والشعراء»؛ «الورقه فی اخبار الشعراء»؛ «کتاب الوزراء» «کتاب الاربعه علی مثال کتاب ابن‌هفان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۵ /۶)، تاریخ بغداد (۲۵۵ /۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۷۴ /۳)، ریحانه (۴۳۹ -۴۳۸ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۱۱)، معجم المؤلفین (۲۹۵ /۹)، هدیهٔ العارفین (۶۹۵ /۳) ،(۲۲ /۲).

ابن‌جنگ سجزی، ابوسعید، خلیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۸ -۲۸۹ ق)، فقیه و ادیب حنفی مذهب. در سیستان به دنیا آمد. به شهرهای بسیاری سفر کرد و در دمشق و نیشابور از ابوالقاسم بغوی و یحیی بن صاعد و ابوالعباس سراج حدیث شنید و الحاکم و ابوذر هروی و عبدالوهاب بن محمد خطابی از وی روایت کرده‌اند. او معاصر ملک مظفر صالح بن نوح سامانی، و در فقه بی‌نظیر بود. در ۳۲۰ ق امیر ابوجعفر، فرمانروای صفاری سیستان وی را به قضاوت سیستان گماشت. چندی نیز قاضی سمرقند بود. در فرغانه درگذشت. ابوبکر خوارزمی در رثای او شعر گفته است. از آثار وی: «الدعوات والآداب والمواعظ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۳ /۲)، ایضاح المکنون (۲۹۵ /۲)، تاریخ سیستان (۳۲۷،۳۱۳ ،۲۰)، سیر النبلاء (۴۳۹ -۴۳۷ /۱۶)، معجم الادباء (۸۰ -۷۷ /۱۱)، معجم المؤلفین (۱۱۳ /۴).

ابن‌حازم، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فرهنگ‌نویس. معروف به لحیانی. وی غلام کسایی مروزی و معاصر محمود غزنوی و فراء بود. در لغت عرب استاد بود و با دانشمندان و سخنوران عرب دیدار و گفتگو می‌کرد. نزد اصمعی و ابوعبیده و ابوعمرو شیبانی درس خواند. ابوعبید قاسم بن سلام شاگرد وی بود. تنها اثرش: «کتاب النوادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۳۴۵ /۲)، ریحانه (۱۲۵ /۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۸۴)، معجم الادباء (۱۰۸ -۱۰۶ /۱۴)، معجم المؤلفین (۵۶ /۷).

ابن‌حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۶ ق)، مفسر، قاری، واعظ، مورخ، ادیب و نحوی. از اصم و ابوالحسن کارزی و ابوحاتم بن حِبّان و ابوزکریا عنبری حدیث شنید. ابوالقاسم ثعلبی از خواص شاگردان وی بود. نخست مذهب کرامی داشت، اما بعدها به مذهب شافعی گروید. در علوم و معانی قراآت مختلف امام عصر خود بود و در نیشابور سرچشمه علم به حساب می‌آمد. وی در آنجا به تدریس مشغول بود و گروه فراوانی از مجلس درس او بهره‌مند گردیدند. ابوبکر حیری واعظ و محمد فرغانی و حسین سکّاکی از وی روایت کرده‌اند. ابن‌حبیب در مغازی، قصص و سیر نیز پیشگام بود. از آثار وی: «تفسیر النیسابوری‌القدیم» یا «تفسیر قرآن مجید»؛ «عقلاء المجانین». از وی آثاری در آداب و مواعظ و نیز اشعاری پراکنده بر جای ماند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۷۸ /۶)، سیر النبلاء (۲۳۸ -۲۳۷ /۱۷)، کشف الظنون (۴۶۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۸ /۳)، الوافی بالوفیات (۲۴۰ -۲۳۹ /۱۲)، هدیهٔ العارفین (۲۷۴ /۱).

ابن‌حسول رازی، صفی‌الملک، ابوالعلاء محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، ادیب و خوشنویس شیعی. از مردم همدان بود، اما در ری نشو و نما یافت. پدرش نیز ادیب و کاتب بود. وی از صاحب بن عباد و ابن‌فارس ادب آموخت. ابتدا در دستگاه آل‌بویه‌ی ری عهده‌دار دیوان رسایل بود، سپس به وزارت ابوطالب مجدالدوله رسید و با تسلط محمود غزنوی بر ری، به غزنویات پیوست و به دبیری گمارده شد. در ۴۳۴ ق به هنگام تسلط ترکان سلجوقی بر ری به خدمت آنها درآمد و منشی عمیدالملک کندری شد. از آثار وی: «تفضیل الاتراک علی سائر الاجناد»؛ «مناقب الحضرهٔ السلطانیه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۲ /۷)، اعیان الشیعه (۳۸۳ /۲)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۳۴ -۳۱ /۱)، تاریخ بیهق (۱۱۱)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۴۵ /۱)، راحهٔ الصدور (۴۸۲ -۴۸۰)، کشف الظنون (۴۶۲)، معجم المؤلفین (۳۱۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۳۵ -۱۳۲ /۴).

ابن‌حمزه‌ی طوسی، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۶۰ ق)، فقیه، متلکم و واعظ شیعی. مشهور به صاحب «وسیله»، عماد طوسی، ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر. از مردم طوس بود. به دلیل تأخر وی از شیخ طوسی که در اسم و کنیه و نسبت با او مشترک است، وی را ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر نام نهادند. وی معاصر شیخ منتجب‌الدین رازی و از مشایخ ابن شهرآشوب بود. ابن‌حمزه در کربلا وفات یافت و همان جا در بیرون دروازه نجف دفن شد. از آثار وی: «الرایع فی الشرایع»؛ «ثاقب المناقب»، در ذکر معجزات پیغمبر (ص)، و ائمه (ع)؛ «الوسیلهٔ الی نیل الفضیلهٔ» و «الواسطهٔ»، که هر دو از متون فقهی‌اند. برخی از رجال‌شناسان، همچون نظام‌الدین ساوجی و به تبع او سید صدرالدین عاملی، ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه‌ی جعفری را به اشتباه مؤلف «الوسیلهٔ» دانسته‌اند، در حالی که نجاشی در شرح حالی ابویعلی نامی از «الوسیلهٔ» نمی‌برد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۴ -۲۶۳ /۲)، ایضاح المکنون (۳۴۹، ۳۳۱ /۲)، بحارالانوار (۳۸، ۱۹ /۱)، تنقیح المقال (۱۵۶ -۱۵۵ ، ۱۰۱ /۳)، الذریعه (۷۶ -۷۵، ۱۱ /۲۵، ۶۶ /۱۰، ۵ /۵)، رجال النجاشی (۳۳۴ -۳۳۳ /۲)، روضات الجنات (۲۵۴ -۲۴۳ /۶)، ریاض العلماء (۱۷ -۱۶ /۶، ۱۲۴ -۱۲۲ /۵)، ریحانه (۲۰۳ -۲۰۲ /۴)، فقهای نامدار شیعه (۱۰۶ -۱۰۳)، فوائد الرضویه (۵۶۶ -۵۶۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۴)، الکنی والالقاب (۲۶۸ -۲۶۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حمزه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۰ -۶۱۹ /۵)، معجم رجال الحدیث (۳۲۷ /۱۶)، معجم المؤلفین (۴ /۱۱).

ابن‌حمّویه جوینی، صاحب، فخرالدین، ابوالمظفر یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۷ -۵۸۲ ق)، ادیب، شاعر و محدث. اصل وی از جوین نیشابور بود. در دمشق به دنیا آمد و در آنجا و مصر حدیث شنید. از ۶۲۴ ق به خدمت محمد بن محمد، فرمانروای ایوبی دمشق، درآمد و تا زمان مرگ او با وی همکاری داشت. در ۶۴۰ ق سلطان

نجم‌الـدین ایوب او را زندانی کرد. ابن‌حمویه تا ۶۴۳ ق در زندان به سر برد. سلطان در این سال وی را از بند رها کرد و فرماندهی سپاه خود را به او داد. پس از درگذشت نجم‌الـدین، اروپائیان بر «دمیاط» دست یافتنـد که ابن‌حمویه در جنگ با آنها کشته شـد و جنازه‌ی وی به مصر برده شد. از آثارش: «تقویم الندیم و عقبی النعیم المقیم»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵ /۱۰ ،۳۲۹ -۳۲۸ /۹)، کشف الظنون (۴۷۰)، معجم المولفین (۳۳۱ /۱۳).

ابن‌خاتون طوسی، شمس‌الدین، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۰۵۵ ق)، فقیه امـامی و ادیب. از پیشوایـان و برجستگان علمـای امامیه و شاگرد شیخ‌بهایی و در علوم و فنون مختلف سرآمـد بود. پس از فراغت از تحصیل مـدتی در حیدرآباد دکن مسکن گزید، و از آنجا به مشـهد مقدس رفت و پس از چندی به هندوسـتان بازگشت و در آن دیار وزارت سـلاطین قطب شاهیه را در حیدرآباد عهده‌دار شد. در ۱۰۳۸ ق سلطان عبداللّه قطب شاه که به جای سـلطان محمـد قطب شاه نشسـته بود، منصب صـدارت عظمی را به وی داد و او را به لقب پیشوا ملقب ساخت. وی شـیخ اجازه سید حسین فرزند حیدر کرکی است. در حیدرآباد دکن از دنیا رفت. از آثار وی: ترجمه‌ی «اربعین» استادش شیخ‌بهایی که به امر سـلطان محمد قطب شاه از سلاطین قطب شاهیه‌ی هند نوشت و به نام ترجمه‌ی «قطب شاهی» نامید و در سفری که به عنوان سفیر حیـدرآباد به ایران آمد ترجمه‌ی قطب شاهی را به اسـتادش شیخ‌بهائی نشان داد، و شـیخ در ۱۰۲۸ ق تقریظی لطیـف بر آن نوشت؛ «شـرح الارشاد» علامه‌ی حلی؛ «شـرح جامع عباسـی» شیخ بهائی؛ «توضیـح اخلاق عبداللّه شاهی»، به فارسی، در شرح کتاب «اخلاق ناصری» خواجه نصیر طوسی، به درخواست عبداللّه قطب شاه؛ کتابی در «امامت»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱ -۱۰ /۱۰)، الذریعه (۱۷۲ ،۸۰ -۷۹ /۱۳ ،۷۶ /۴)، روضات الجنات (۸۷ /۱)، ریاض العلماء (۱۳۵ - ۱۳۴ /۵)، ریحانه (۴۹۰ -۴۸۹ /۷)، طبقـات اعلام الشـیعه (قرن ۵۱۳ -۵۱۲ /۱۱)، فوائـد الرضویه (۵۶۷)، الکنی والالقـاب (۲۷۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خاتون)، معجم المؤلفین (۶ /۱۱)، هدیة الاحباب (۵۶).

ابن‌خالویه، ابوعبداللّه حسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۰ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر امامی. اصلش از همدان بود. در ۳۱۴ ق وارد بغداد شد و در محضر بزرگان علم و ادب حضور یافت. قرآن را از ابن‌مجاهـد، نحو و ادب را از ابن‌دُرَیـد و ابن انباری و نِفْطویه، و لغت را از ابوعمر زاهد آموخت و از محمد بن مخلـد عطار حـدیث شـنید. پس از آن ساکن حلب و ادب‌آموز فرزنـدان سیف‌الدوله حمدانی شد. ابن‌عدی معروف به ابن‌قطان، ابن‌غلبون، معـافی بن زکریا و حسـین بن سـلیمان انطاکی از شاگردان وی بودنـد. او با متنبی در محضر سـیف‌الدوله مباحثات بسـیار داشـته است. زجـاجی نحوی و ابوعلی فارسـی معاصـر او بودنـد. وی در حلب وفـات یـافت. از آثـارش: «الآل»؛ «الاشـتقاق»؛ «شـرح مقصورهٔ ابن‌درید»؛ «اعراب ثلاثین سورهٔ من القرآن العزیز»؛ «لیس»، در ادب؛ «الجمل»، در نحو؛ «شرح المقصور والممدود»؛ «الاسماء الاسد»؛ «الفصیح»؛ «شرح قصیده‌ی نفطویّه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۹ -۲۴۸ /۲)، اعیان الشیعه (۴۲۳ -۴۱۹ /۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۲۸ -۵۲۷ /۴)، الذریعه (۳۷ /۱)، رجال النجاشی (۱۸۸ /۱)، روضات الجنات (۱۴۵ -۱۴۱ /۳)، ریاض العلماء (۲۸ -۲۳ /۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۴۱)، کشف الظنون (۱۳۹۱ ،۱۳۴۳ ،۱۲۷۲ ،۶۰۲ ،۱۲۳ ،۸۶)، الکنی والالقاب (۲۷۵ -۲۷۴ /۱)، لسان المیزان (۴۹۰ -۴۸۹ /۲)، معجم الادباء (۲۰۵ -۲۰۰ /۹)، معجم المؤلفین (۳۱۰ /۳)، الوافی بالوفیات (۳۲۵ -۳۲۳ /۱۲)، وفیات الاعیان (۱۷۹ -۱۷۸ /۲).

ابن‌خراسانی، ابوالعزّ محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۶ -۴۹۴ ق)، شاعر، نحوی، عروضـی و محدث. وی نزد ابومنصور جوالیقی به تحصیل پرداخت. از ابوالحسین طیوری و ابوسعد بن خشیش حدیث شنید و ابن‌الاخضر و ابوالفتوح بن حصری از وی روایت کرده‌اند. وی علاقه‌ی وافری به علم عروض داشت و در سرودن شعر بسیار توانا و استاد بود. در پایان عرم دچار پریشانی حواس شـد. از آثار وی: «دیوان» اشعار، در پنـج مجلد؛ «النوادر»؛ «العروض» و چندین اثر دیگر در فنون ادبی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۵۲ /۷)، ایضـاح المکنون (۱۰۰ /۲)، ریحانه (۴۹۷ -۴۹۶ /۷)، سیر النبلاء (۸۳ -۸۲ /۲۱)، کشف الظنون

(۷۶۵)، لسان المیزان (۵۱۰ /۶)، معجم الادباء (۴۷ -۴۶ /۱۹)، معجم المؤلفین (۳۰۴/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۵۰ /۱)، هدیهٔ العارفین (۲/ ۹۸).

ابن‌خمّار، ابوالخیر حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۱- ح ۴۲۱ ق)، طبیب، فیلسوف و مترجم. از نصرانیان ایرانی و یکی از مترجمان بزرگ، از زبان سریانی به عربی بود. وی کتب زیادی را از آن زبان به عربی ترجمه کرد. در فلسفه شاگرد یحیی بن عَدِی بود. ابن‌ندیم او را ملاقات کرده و از او به عنوان منطقی بزرگی یاد می‌کند. ابوالفرج بن طیّب مسیحی و ابوالفرج بن هندوی مسلمان احتمالاً در زمان اقامت او در بغداد از شاگردان وی بوده‌اند. او را در طب ثالث بقراط و جالینوس می‌دانستند. از جراحان بیمارستان بزرگ عضدالدوله در بغداد بود. ابن‌سینا او را تحسین کرده، ولی با تمام اشتیاقی که به دیدار وی داشت، به این امر نائل نشد. مدتی در زمان مجدالدوله‌ی دیلمی در ری، چندی در دستگاه ابوالعباس مأمون خوارزمشاه در خوارزم بود. پس از فتح خوارزم بـه دست سلطان محمود غزنوی وی را به همراه ابوریحان بیرونی و چند تن از دانشمندان به غزنه بردند. در اواخر عمر به سبب شنیدن آیه‌ای از قرآن و دیدن پیامبر اسلام (ص) در خواب، مسلمان شد. در زمان سلطان محمود، در راه رفتن به دربار او از اسب بر زمین افتاد و کشته شد. از جمله آثار باقی مانده از وی: «کتاب الوفاق بین آراء الفلاسفهٔ والنصاری»؛ «مقالهٔ فی التوحید والتثلیث»؛ «مقالهٔ فی الصدیق والصداقهٔ»؛ «مقاله فی السعادهٔ»؛ «مقالهٔ فی الاخلاق»؛ «مقالهٔ فی الصرع»؛ «کتاب دیابطا» یعنی تقطیر؛ «الآثار المخیلهٔ فی الجو الحادثه عن البخار المائی و هی الهالهٔ والقوس والضباب»؛ «کتاب الهیولی»؛ «مقالهٔ فی امتحان الاطباء»؛ که آن را به خوارزمشاه اهدا کرد؛ «کتاب الآثار العلویه»؛ «کتاب اللبس فی الکتب الاربعهٔ فی المنطق» که این از ترجمه‌های او از سریانی به عربی است؛ «کتاب تفسیر ایساغوجی»، هم به صورت مشروح و هم به صورت مختصر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۲ -۲۸۱ /۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۲۲۶)، تاریخ طب (۷۰۱ -۶۹۹ /۲)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۱۶ -۱۴)، چهار مقاله (۱۱۹، ۱۱۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۵۶ -۹۵۵ /۷)، ریحانه (۵۰۹ -۵۰۸ /۷)، عیون الانباء (۳۲۳ -۳۲۲ /۱)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۷۷ -۴۷۶، ۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خمار)، معجم المؤلفین (۲۲۹ /۳)، الملل والنحل (۳۶۹)، نامه‌ی دانشوران (۸۸ -۸۵ /۱)، الوافی بالوفیات (۴۲ -۴۱ /۱۲)، هدیهٔ العارفین (۲۷۷ /۱).

ابن‌خَیّاط، ابوبکر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۰ ق) نحوی و لغوی. از مردم سمرقند بود، در بغداد زیست و در بصره از دنیا رفت. ابوعلی فارسی و ابوالقاسم زجاجی از شاگردان او بودند. با ابراهیم بن سری زجّاج مشاجرات نحوی داشت. به ظاهر در دوره‌ای از زندگی دچار کری کامل شده بود. به گفته‌ی یاقوت حموی او مردی خوش‌اندام، خوش‌اخلاق و خوش برخورد بود. او شیوه‌ی نحویان کوفه و بصره را در نحو به هم می‌آمیخت، در پاره‌ای از موارد از لحاظ روش، بصری بود ولی بعضی از نظرات کوفیان را نیز می‌پذیرفت. آثار وی: کتاب «المعانی القرآن»؛ «النحو الکبیر»؛ کتاب «الموجز» و کتاب «المقنع» هردو در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۹ -۱۹۸ /۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۵۴ -۵۵۳ /۴)، ریحانه (۵۱۲ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۷)، کشف الظنون (۱۹۳۵، ۱۸۹۹، ۱۸۱۰، ۱۷۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خیاط)، معجم الادباء (۱۴۲ -۱۴۱ /۱۷)، معجم‌المؤلفین (۲۳ /۹)، الوافی بالوفیات (۸۸ /۲)، هدیهٔ العارفین (۳۱ /۲).

ابن‌دُرُستُوَیه فسوی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۷ -۲۵۸ ق)، نحوی، لغوی و عالم دینی. پدرش از محدثین بزرگ بود. وی از مردم فسای فارس بود که در نوجوانی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد. در بسیاری از علوم، از جمله در علم حدیث، سرآمد زمان خویش بود. مجموعه‌هایی گرد آورده بود که حداقل تا زمان خطیب بغدادی باقی بود. در بغداد درس خواند و از محضر استادانی چون ابن‌قتیبه‌ی دینوری و ابوالعباس مبرد بهره گرفت. ابن‌درستویه مفسر قرآن نیز بود و در تفسیر دو دیدگاه اخفش بصری و ثعلب کوفی را تلفیق می‌کرد. ابن‌درستویه در آثار نحوی، طرفدار مکتب بصره بود. گویا کتبی نیز در رد افکار نحویون کوفی نیز نوشته بوده است. اما در تفسیر قرآن و حدیث روشی مختلط داشته است. دارقطنی، ابن‌شاهین و ابوعبیداللّه مرزبانی از شاگردان وی بودند. از آثار وی: «کتاب الکتّاب المتمم» یا «ادب الکاتب المتمم»، در بررسی جزئیات خط و املا- برای دبیران؛ کتاب «الارشاد»، در نحو؛ «معانی الشعر»؛ «اخبار النحویین»؛ «نقض

کتاب العین»؛ «التوسط بین الاخفش و ثعلب»، در تفسیر قرآن؛ شرح «کتاب الجرمی»؛ «کتاب الهجاء»؛ کتاب «غریب الحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۴ /۴)، ایضاح المکنون (۵۵۸، ۳۷۴، ۳۴۳، ۳۳۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۸۲، ۲/ ۵۵۶، ۵۵۳، ۳۷۴ /۱)، تاریخ بغداد (۴۲۹ -۴۲۸ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۶۴ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۷۵ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۸ /۱)، روضات الجنات (۱۰۵ -۱۰۴ /۵)، ریحانه (۵۱۷ /۷)، سیر النبلاء (۵۳۲ -۵۳۱ /۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۰۷ -۱۰۶)، کشف الظنون (۲۰۴۱، ۱۷۳۰، ۱۷۲۹، ۱۴۷۲، ۱۴۶۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۱ -۱۴۱۵، ۱۲۷۲، ۱۲۰۵، ۱۱۰۸، ۸۳۹، ۷۰۰، ۵۰۶، ۱۱۶، ۱۱۵ -۶۸)، الکنی والالقاب (۲۸۴ /۱)، لسان المیزان (۷۴۴ -۷۴۲ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌درستویه)، معجم المؤلفین (۴۰ /۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۲۶ - ۱۲۵ /۳)، وفیات الاعیان (۴۵ -۴۴ /۳)، هدیةالعارفین (۴۴۶ /۱).

ابن‌دوست، ابوسعید، ابوسعد عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۱ -۳۵۷ ق)، عالم، ادیب و شاعر. جدش ملقب به دوست بود. عبدالرحمان از مردم نیشابور و ناشنوا بود. نزد ابونصر جوهری لغت و ادب آموخت. ابوالحسن واحدی مفسیر از شاگردان اوست. از آثار او: «ردّ علی الزجاجی»، در استدارکش بر «اصلاح منطق» ابن‌سکیت؛ «دیوان» شعر. در «الاعلام» زرکلی نام او را به استناد «جواهر المضیئه» ابن‌درست نوشته است، اما با توجه به آنکه اغلب منابع او را ابن‌دوست ذکر کرده‌اند، بنا را بر ضبط ابن‌دوست می‌گذاریم. همین ضبط را «دائرةالمعارف البستانی» به صورت ابن‌دُوَست [dowast] آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۲ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۸۲ /۱)، ریحانه (۵۲۰ /۷)، سیر النبلاء (۵۱۰ -۵۰۹ /۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌دوست)، معجم المؤلفین (۱۸۸ /۵).

ابن‌رزین رازی اصفهانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۳ ق)، قاری، نحوی و محدث. اصل وی از اصفهان بود. در ری متولد شد. نزد نُصیر و خلّادبن خالد قرآن آموخت. در عربیت و قرآت استاد و راوی حدیث بود. از آثار وی: «الجامع»، در قرائت، «رسم القرآن»؛ «العدد»؛ کتابی در «جواز قراءة القرآن علی طریق المخاطبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۳ /۷)، ری باستان (۳۷۸ /۲)، معجم المؤلفین (۱۰۳ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۲۹۴ /۴).

ابن‌ساعاتی، فخرالدین رضوان، رمضان

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۷ -۶۱۷ ق)، پزشک و ادیب. در دمشق متولد شد. وی با اینکه پزشک بود، در ادب و منطق و سایر موضوعات فلسفی و نیز در ساعت‌سازی مهارت داشت. در ابتدا وزیر محمد بن ایوب، برادرزاده‌ی صلاح‌الدین بود، سپس وزیر و طبیب خاص برادر وی شد. در دمشق درگذشت. از آثار وی: «رسالة فی عمل الساعات و استعمالها»، درباره‌ی ساختن ساعت؛ «حاشیه‌ی قانون ابن‌سینا»؛ «المختارات فی الاشعار»؛ «تکمیل کتاب القولنج ابن‌سینا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۳ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۱۹ /۴)، ریحانه (۵۵۸ -۵۵۷ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌ساعاتی)، معجم الادباء (۱۴۳، ۱۴۱ /۱۱)، هدیة العارفین (۳۶۹ /۱).

ابن‌ساوجی، ابوالمحاسن محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۳۲ ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از مردم نخجوان بود. از وی اشعاری در تذکره‌ها به جای مانده است. از آثار او: منظومه‌ای است به نام «درّة المعانی»، در ترجمه و شرح «لآلی المنثوره»، که ابن‌ساوجی آن را در ۷۳۲ ق سروده است؛ نسخه‌ای از ترجمه‌ی کتاب «مسالک و ممالک» ابواسحاق ابراهیم اصطخری به خط ابن‌ساوجی به تاریخ ۷۲۶ ق؛ کتاب «السامی فی الاسلامی»، به خط نسخ و

رقـاع و عنـاوین ثلث دودانـگ، بـا رقم: «ابوالمحاسن محمـد بن سـعد بن محمـد یعرف ابن الساوجی... سـنهٔ احـدی عشـر و سـبعمائهٔ الهجریهٔ، بالسلطانیهٔ» (۷۱۱).کاتب این نسـخه را برای فرزنـدش، ابوطاهر محمد، کتابت کرده است و اکنون این کتاب در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۰ /۴)، تاریخ نظم ونثر (۷۷۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹).

ابن‌سِکّیت، ابویوسف یعقوب

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۴۴ -۱۸۶ ق)، لغوی، نحوی، شاعر و زبان‌شـناس شیعی. پدرش سکیت، شاعر و از مردم دورق خوزستان بود. نخست نزد پدر، که در شـعر و لغت صاحب‌نظر بود، و سـپس نزد ابوعمرو شـیبانی، فرّاء و ابن اعرابی و دیگران، درس خواند. ابن‌سکیت گوید: پدرم در شعر بر من مقـدم است و من در نحو بر وی. از اصـحاب خاص امام محمدتقی (ع) و امام علی‌النقی (ع)، و محدثی ثقه و صادق بود. در درب القنطره‌ی بغـداد مقیم و همراه پدرش به تدریس مشغول بود. ابن‌سـکیت معلم فرزندان متوکل خلیفه عباسـی بود و در ابراز شیعیگری خود زبـانی بی‌پروا داشت، چنـدان که جان خود را نیز به خاطر آن از دست داد. روزی متوکل که با اهل‌بیت (ع) دشـمنی داشت، از او پرسـید که آیا فرزندان من بهترند یا پسـران علی (ع)، ابن‌سـکیت در جواب گفت: من، تو و فرزندان تو را با قنبر، خادم علی (ع)، برابر ندارم. متوکل برآشفت و فرمان داد زبان وی را از قفا بیرون کشند. غلامان او را به بدترین صورت کشتند. ابن‌سکیت در نحو از پیروان مکتب کوفه بود. و سـبب اشتهار وی آثار لغوی اوست کهبه مکتب بصره تعلق دارد، بدین سبب نیز او را نماینده‌ی مکتب تلفیقی کوفه و بصـره دانسـته‌اند. ابن‌سکیت متخصص لغت و شعر عرب بود و بیش از بیست اثر از خود بر جای گذاشته است که برخی از آنها عبارت‌اند از: «اصـلاح المنطق» که به گفته مبرد کتابی در لغت همسنگ آن در بغداد دیده نشده؛ کتاب «الالفاظ»؛ کتاب «القلب والابـدال»؛ کتاب «الاضـداد». علاوه بر اینها، ابن‌نـدیم از سـی شاعر قـدیم نام می‌برد که ابن‌سـکیت دواوین ایشان را با دقت تحسـین برانگیزی جمع‌آوری و شـرح کرده است که از این تعـداد تنها چنـد اثر باقی مانـده است. از دیگر آثار او: «الاصوات»؛ «الامثال»؛ «معانی الشعر الکبیر»؛ «معانی الشعر الصغیر»؛ «المقصور والممدود»؛ «المذکر والمؤنث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵ /۹)، اعیان الشیعه (۳۰۶ -۳۰۵ /۱۰)، ایضاح المکنون (۵۰۷، ۳۴۸، ۳۴۵، ۳۴۲، ۳۳۵، ۳۳۰، ۳۲۸، ۳۲۰، ۳۱۸، ۳۰۲، ۲۹۰، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۳، ۲۶۲، ۲۶۱ /۲، ۹۴ /۱)، تاریخ بغداد (۲۷۴ -۲۷۳ /۱۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۳۲ -۶۳۱ /۴)، دائرهٔالمعارف البستانی (۵۲۵ -۵۲۳ /۱)، الذریعه (۱۷۳ /۲)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۷۹ /۱)، رجال النجاشی (۴۲۶ -۴۲۵ /۲)، روضات الجنات (۲۰۰ -۱۹۸ /۸)، ریـاض العلماء (۲۱ /۶، ۳۸۷ -۳۸۱ /۵)، ریحـانه (۵۷۱ -۵۶۹ /۷)، سـیر النبلاء (۱۹ -۱۶ /۱۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۳ -۲۶۰، ۱۲۲ -۱۲۱)، کشف الظنون (۲۰۰۹، ۱۴۰۶، ۱۳۵۸، ۱۳۵۵، ۵۰۷، ۲۶۴، ۱۰۸)، الکنی والالقاب (۳۱۶ -۳۱۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌سـکیت)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۹ -۸۶۸ /۶)، مجالس المؤمنین (۵۵۶ -۵۵۵ /۱)، معجم الادباء (۵۲ -۵۰ /۲۰)، معجم رجـال الحـدیث (۱۳۰ -۱۲۹ /۲۰)، معجم المـؤلفین (۲۴۴ -۲۴۳ /۱۳)، نـامه‌ی دانشوران (۲۶۰ -۲۵۲ /۲)، وفیات الاعیان (۴۰۱ -۳۹۵ /۶)، هدیهٔ الاحباب (۶۴ -۶۳)، هدیهٔ العارفین (۵۳۷ -۵۳۶ /۲).

ابن‌سمکه قمی، ابوعلی احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، حکیم، ادیب و نویسنده. اهل قم و از استادان ابن‌عمید بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۸ /۱)، تاریخ قم (۲۱۷).

ابن‌شاذان، ابوعلی احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، ادیب. در دوران فرمانروایی چغری بیک و آلب ارسـلان در دسـتگاه سـلجوقیان در بلخ و شـمال افغانسـتان به کار دیوانی مشـغول بود. ابن‌شادان از ابوالعباس محمـد بن احمـد نقاش کلام آموخت. از شاگردان او می‌توان، ابوالمعالی ثابت بن بُنـدار بقّال و ابوعلی محمـد بن سـعد کاتب را نام برد. خواجه نظام‌الملک نیز مـدتی در شـهر بلخ نزد وی، که در آن زمان از طرف چغری بیک حاکم آن شـهر بود، به دبیری اشـتغال داشت و این یکی از دلایل اشتهار ابوعلی شد، چه از طریق او بود که خواجه نظام‌الملک به خدمت آلب ارسلان درآمد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از فردوسی تا سعدی (۲۵۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۵۳ /۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان و احمد)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (۴۷).

ابن‌شاه، ابوبکر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۶ -۳۱۳ ق)، شاعر، ادیب، صوفی و فقیه حنفی. اصل وی از خوارزم بود و خود از اهالی بخارا. ابن‌سینا از شاگردان او بود. به گفته‌ی ذهبی او از پیشگامان بود و تصانیف زیبائی داشت. از آثارش: «دیوان» اشعار، که ابن‌ماکولا آن را دیده که اکثرش به خط ابن‌سینا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۲ /۱)، ایضاح المکنون (۴۸۵ /۱)، معجم المؤلفین (۷۷ /۲).

ابن‌شاه‌مردان ابهری، عبیداللَّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۶۰۰ ق)، ادیب و زبان‌شناس. در «الذریعه» نام وی عبداللَّه ذکر شده است. از آثار وی: «حدائق الآداب» یا «خلائق الادب»، در لغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۰ /۶)، کشف الظنون (۶۳۲)، معجم الادباء (۷۲ /۱۲)، معجم المؤلفین (۲۴۵ /۶)، هدیهٔ العارفین (۶۵۰ /۱).

ابن‌شاهین، ابوجعفر عمر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۵ -۲۹۷ ق)، محدث، حافظ، واعظ و مفسر. از محدثین ثقه و مورد اعتماد است که در بغداد متولد شد و در شام، عراق، بصره و فارس حدیث شنید. ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی از جمله‌ی محدثانی بودند که وی از آنان حدیث شنید. و ابوبکر برقانی، ابوسعد مالینی و ابوبکر محمد بن اسماعیل وراق از او روایت حدیث کردند. بیش از سیصد تصنیف داشته است از جمله‌ی آنها: «تفسیر قرآن»، حدود سی مجلد با اسناد مفصل؛ «المسند» یا «السنهٔ»، در حدیث؛ «معجم الشیوخ»؛ «کشف الممالک»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه»؛ «تاریخ اسماء الثقات»؛ «الافراد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۶ /۵)، تاریخ بغداد (۲۶۸ -۲۶۵ /۱۱)، دائرهٔالمعارف البستانی (۵۴۰ -۵۳۹ /۱)، سیر النبلاء (۴۳۵ -۴۳۱ /۱۶)، کشف الظنون (۱۹۲۰، ۱۴۲۶، ۱۴۲۵- ۱۳۹۴)، معجم المؤلفین (۲۷۴ -۲۷۳ /۷)، هدیهٔ العارفین (۷۸۱ /۱).

ابن‌طباطبایی اصفهانی، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۲ ق)، عالم، ادیب، شاعر، و محقق. در اصفهان متولد شد. در همان جا تحصیل کرد و تا پایان عمر در همان شهر زیست، از این رو به ابن طباطبای اصفهانی شهرت یافت. گرچه در عصری می‌زیست که بازار سیاست گرم بود، اما او یکسره به کارهای علمی و ادبی و شعر و شاعری پرداخت و عمری را به آسودگی گذراند. بیشترین شهرت او از رهگذر توجه به شعر و شاعری به زبان عربی است. شعرهای او را متوسط دانسته‌اند، اما در نقد ادبی توانا بود. در شرح واقعه‌ی غدیر خم اشعاری سروده است. عبداللَّه بن معتز، شاعر معروف بغدادی را بسیار دوست می‌داشت، اما هرگز با او ملاقات نکرد. برخی از آثار او: «المدخل فی معرفهٔ المعمی من الشعر»؛ «الشعر والشعرا»؛ «تهذیب الطبع»؛ «دیوان» شعر؛ «تقریظ الدفاتر»؛ «عیار الشعر». ظاهراً ابن‌خلکان در «وفیات» وجه تفاوتی میان او و احمد بن محمد بن اسماعیل الدیباج، ابن‌طباطبای مصری نیافته و به همین جهت در ضبط اشعارشان به اشتباه افتاده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۹ /۶)، اعیان الشیعه (۸۰ -۷۲ /۹)، الذریعه (۱۳۶۳ /۱۵، ۲۶ /۹، ۵۱۱، ۳۸۷ /۴)، ریحانه (۸۲ -۸۱ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۲۵)، معجم الادباء (۱۵۶ -۱۴۳ /۱۷)، معجم المؤلفین (۳۱۲ /۸)، وفیات الاعیان (۱۳۰ /۱)، الوافی بالوفیات (۸۰ -۷۹ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۶۹ -۶۸).

ابن‌طلیق، اسحاق

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم ق)، کاتب و مترجم. وی نخستین کسی بود که در خراسان نگارشها را از فارسی به عربی گزارش کرد و عربی‌نویسی را در دیوانها رواج داد. وی از بنی‌نهشل و از نزدیکان و همراهان نصر بن سیار ولایتدار خراسان و از دبیران وی بود. در ۱۲۴ ق یوسف بن عمر فرمانروای عراق به نصرنامه نوشت که در نگارش دیوانی به هیچ وجه از زرتشتیان یاری نخواهد کرد. اسحاق از آن پس فرمان یافت تا دفاتر دیوانی را از فارسی به عربی برگرداند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لغت‌نامه (ذیل/ اسحاق).

ابن‌طیفور، ابوالحسن، ابوالحسین عبیداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۱۳ ق)، ادیب و مورخ. اصل وی از مرورود خراسان بود. در بغداد متولد شد. او همچون پدر به تاریخ‌نگاری روی آورد و بر کتاب تاریخ بغداد پدرش که درباره‌ی اخبار بغداد و شرح حال پادشاهان و حوادث مربوط به آنان بود ذیلی به نام «تتمه کتاب اخبار بغداد» نوشت و تاریخ روزگار معتمد تا نیمه‌ی خلافت مقتدر را بر آن افزود. از دیگر آثار وی: «المستظرفات والمستظرفین»؛ «کتاب السکباج و فضائلها».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۳ /۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۰۲ /۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۴۳)، معجم المؤلفین (۲۳۶ /۶)، هدیهٔ العارفین (۶۴۶ /۱).

ابن‌عبدک گرگانی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۳۴۰ ق)، مفسر، ادیب، فقیه و متکلم امامی. معروف به عبدکی. عبدك اختصار عبدالکریم است. اهل گرگان بود و پیشوای شیعیان آنجا. مدتی در نیشابور توطن کرد. از عمران بن موسی جرجانی و همطبقه او حدیث شنید. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. او سرانجام در گرگان درگذشت. از آثار وی: «التفسیر» یا «تفسیر ابن‌عبدك»؛ «شرح الجامع الصغیر» و «شرح الجامع الکبیر» محمد بن حسن شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «الاقتداء بعلی»؛ «الرد علی الاسماعیلیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۹ /۷)، اعیان الشیعه (۴۳۸ -۴۳۷ /۹)، الذریعه (۱۸۳ /۱۰، ۲۴۴ /۴)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۲۵ /۱)، رجال النجاشی (۳۰۱ -۳۰۰ /۲)، ریحانه (۱۰۳ /۸)، الفهرست للطوسی (۳۶۸، ۳۰۶)، کشف الظنون (۵۶۸، ۵۶۲)، معجم رجال الحدیث (۳۳۱ /۱۶)، معجم المؤلفین (۲۶ /۱۱).

ابن‌عُجیم فارسی، ابوالحسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۴۲۰ ق)، طبیب، ادیب و منجم. در فارسی متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و تحصیلات طبی را نزد پزشکان زمان آموخت و در همان سرزمین سالیان دراز به طبابت اشتغال ورزید. ابن‌عجیم در خدمت بهاءالدوله دیلمی مقامی بس ارجمند داشت و ابتدا در زمره‌ی اطباء مخصوص وی بود. او علاوه بر طب در ادب و کتابت نیز دستی بسزا داشت تا آنجا که امر کتابت بصره ب وی تفویض شد. از تاریخ تولد و وفات وی اطلاع دقیقی در دست نیست. زمان وفاتش در حدود زمان درگذشت ابن‌سینا است و از خلال بعضی کتب چنین برمی‌آید که تا حدود ۴۳۰ ق زنده بوده است. فیلسوف‌الدوله در «مطرح الانظار» می‌نویسد که وی کتابی در کلیات طب داشته که ظاهراً به اتمام آن توفیق نیافته است. از آثارش: «نقل اقوال حکمای قبل از اسلام در حرکت و کروی بودن زمین»؛ «جواب سؤالهای ابوریحان بیرونی درباره‌ی افلاک و ثوابت و سیارات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان نامی پارس (۲۰۶ -۲۰۵ /۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۸۹)، تاریخ طب (۶۸۸ -۶۸۷ /۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارسی (۵۷ /۱)، ریحانه (۱۰۷ /۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسین فارسی)، نامه‌ی دانشوران (۳۸۵ -۳۸۴ /۴).

ابن‌عربشاه اسفراینی، عصام‌الدین، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۸۷۳ وف ۹۴۵ -۹۴۳ ق)، ادیب و منطقی. اصل وی از سمرقند بود. در اسفراین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. نیا و پدر او قاضی اسفراین بودند. ابن‌عربشاه از شاگردان نورالدین عبدالرحمان جامی بود و در بخارا سکونت داشت. در اواخر عمر به قصد زیارت مرقد خواجه عبیداللّه احرار نقشبندی به سمرقند رفت، اما در آن شهر بیمار شد و درگذشت و در کنار بارگاه خواجه عبیداللّه دفن شد. از آثار وی: «اطول» که شرح «تلخیص المفتاح» خطیب دمشقی است و آن را در برابر «مطول» تفتازانی نوشته است؛ «بیان النسب بین القضایا»؛ «الاستعارات البدیعهٔ»؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی شمسیه‌ی» میر سید شریف جرجانی؛ حاشیه‌ی «شرح عقاید نسفیه‌ی» تفتازانی؛ حاشیه‌ی «کبرای» میر سید شریف جرجانی؛ «میزان الادب»، در صرف و نحو و بیان؛ شرح «الرسالهٔ الترشیحیهٔ»، در اقسام استعارات؛ شرح «المشائل النبویهٔ» ترمذی؛ شرح «طوالع الانوار» بیضاوی؛ شرح «الرسالهٔ العضدیهٔ»؛ «الفرید» در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۲ -۳۳۱ /۶)، ایضاح المکنون (۴۴ /۲)، ریحانه (۱۴۱ -۱۴۰ /۳)، کشف الظنون (۲۰۲۲، ۱۹۱۶، ۱۶۱۴، ۱۳۷۲، ۱۲۵۹، ۱۱۴۶، ۱۱۴۴، ۱۱۱۶، ۱۰۶۰، ۸۷۸، ۸۵۳، ۴۷۷، ۱۹۰، ۴۱، ۳۹)، الکنی والالقاب (۴۶۸ /۲)، معجم المؤلفین (۱۰۲ -۱۰۱ /۱)، هدیهٔالاحباب (۱۹۸).

ابن‌عربشاه اسفراینی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۷ ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به عصامی و همچنین حفید یا حفید عصام. در مکه‌ی معظمه به دنیا آمد. و در همان جا نشو و نما یافت. از رجال بلاغت محسوب می‌شد. وی در زادگاه خویش منصب قضاوت داشت و سرانجام در همان شهر درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «شرح الاستعارات» جدش عصام‌الدین بر «سمرقندیه»، در بلاغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷۰ /۵)، معجم المؤلفین (۳۴ /۷)، هدیهٔ العارفین (۷۵۱ /۱).

ابن‌عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۵۴ -۷۹۱ ق)، مورخ، ادیب، لغوی، فقیه و محدث حنفی. معروف به عربی و گاهی به عجمی. در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما کرد. در لشکرکشی تیمور، در ۸۰۳ ق به همراه او به سمرقند انتقال یافت و نزد جرجانی، جزری و بسیاری دیگر، به تحصیل علم پرداخت و زبانهای فارسی، ترکی و مغولی را فراگرفت. در مغولستان، نزد بِتْرامی حدیث آموخت. از سفرهایی به خوارزم، کریمه و ادرنه داشت و در ادرنه معتمد سلطان عثمان محمد اول شد و برای او کتابهای بسیاری به ترکی ترجمه کرد و به عنوان کاتب السر مسؤول نامه‌نگاریهای سلان به زبانهای عربی، ترکی، فارسی و مغولی شد. در ۸۲۴ ق به حلب و سال بعد به دمشق رفت و نزد دوست خود، ابوعبداللّه محمد بخاری به تحصیل حدیث پرداخت. درطی سفر حج در قاهره با ابوالمحاسن ابن‌تغری بردی و دیگران روابط دوستی ایجاد کرد. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «عجائب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور»؛ «فاکههٔ الخلفاء و مفاکههٔ الظرفاء» که تقلیدی است از «مرزبان‌نامه»؛ «الترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغهٔ الترک والعجم»؛ «برهان الفارض بقول المعارض»؛ «العقد الفرید فی علم التوحید»؛ «عنقود النصیحهٔ»؛ «غرهٔ السیر فی دول الترک والتتر»؛ ترجمه «جامع الحکایات»؛ «مرآت الادب فی المعانی والبیان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۸ /۱)، ایضاح المکنون (۲۲۸ /۲، ۱۷۸ /۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۶۳۵)، دائرهٔالمعارف اسلامیه (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۰۷ -۷۰۶ /۵)، الذریعه (۲۲۰ /۱۵)، ریحانه (۱۱۱ -۱۱۰ /۸)، کشف الظنون (۱۶۴۶، ۱۲۱۶، ۱۱۹۸، ۱۱۷۴، ۱۱۵۲، ۱۱۲۸، ۷۱۴، ۳۹۷)، الکنی والالقاب (۳۵۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، معجم المؤلفین (۱۲۲ /۲)، هدیهٔ العارفین (۱۳۰ /۱).

ابن‌عمید قمی، ابوالفضل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۰ ق)، شاعر، ادیب، کاتب، حکیم معتزلی، لغوی، فیلسوف و منجم. از مردم قم بود. در همان جا نزد ابن‌سمکه تلمذ کرد. و پس از پدر در دربار آل‌بویه خدمت می‌کرد. در ری وزارت وشمگیر را داشت و مدتی هم وزیر رکن‌الدوله‌ی دیلمی بود. چندی در خدمت عضدالدوله در شیراز به سر برد. صاحب بن عباد از شاگردان او بود و به دلیل مصاحبت بیش از حد با وی به صاحب شهرت یافت. در طول عمر به بیماری نقرس و قولنج دچار بود. ابن‌عمید در اغلب علوم عصر خود تبحر داشت. شعرای بسیاری او را مدح کردند از آن جمله متنبی، شاعر معروف در ارجان به خدمت او رسید و به سبب قصیده‌ای که در محدح او گفت، صله دریافت کرد. ابن‌عمید کتابخانه‌ی بزرگی حاوی صد بار کتاب در علوم مختلف داشت که خازن آن ابوعلی بن مسکویه بود. اهمیت ابن‌عمید در آن است که صنایع لفظیه را با معانی دقیق گرد آورد و در بلاغت به درجه‌ای رساند که او را تالی عبدالحمید دانستند. وی در بغداد و به قولی در همدان یا ری درگذشت. پس از وی، پسرش نیز به وزارت رکن‌الدوله رسید که به سبب حسادت به شهادت رسید. در ادب و ترسل او را «جاحظ ثانی» می‌نامیدند. از آثار او: «تاریخ ابن‌عمید»؛ «دیوان رسائل» یا «رسائل ابن‌عمید». ابن‌ندیم، کتاب «المذهب فی بلاغة» را از آثار وی می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۸ /۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۹ -۶۳۸ /۱)، تاریخ گزیده (۷۹۲، ۷۹۱، ۴۱۷، ۴۱۶، ۴۱۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۴۰ -۷۳۹ /۵)، الذریعه (۲۴۱ ،۲۴۰ ،۱۰ /۲۲۴، ۳/)، رساله‌ی شرح احوال و آثار ابن‌عمید، روضةالصفا (۵۰ /۴)، ریحانه (۱۲۸ -۱۲۵ /۸)، سیر النبلاء (۱۳۸ -۱۳۷ /۱۶)، فوائد الرضویه (۵۲۸ -۵۲۱)، مجالس المؤمنین (۴۴۵ -۴۴۳ /۲)، معجم المؤلفین (۲۵۸ -۲۵۷ /۹)، الوافی بالوفیات (۳۸۳ -۳۸۱ /۲)، وفیات الاعیان (۱۱۳ -۱۰۳ /۵)، هدیة الاحباب (۷۸ -۷۷)، هدیة العارفین (۴۶ /۲).

ابن‌فارس رازی، ابوالحسن، ابوالحسین احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۹۵ /۳۷۵ -۳۲۹ ق)، ادیب، لغوی و محدث. در قزوین به دنیا آمد، سپس به همدان رفت و پس از چندی به ری مهاجرت کرد. در نحو شیوه‌ی کوفیان را اختیار کرد. بدیع الزمان همدانی و صاحب بن عباد از مشهورترین شاگردانش بودند. خطیب تبریزی، صاحب بن عباد و شیخ صدوق از وی روایت کرده‌اند. چندی در ری معلم ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی بود و همین، سبب نزدیکی بیشتر صاحب بن عباد به وی شد. در مذهب وی اختلاف نظر بسیار است، برخی او را مالکی یا شافعی و برخی دیگر او را شیعی می‌دانند؛ علت این امر را شاید بتوان در گستردگی اندیشه‌اش یافت. برخی از آثار او: «الاتباع والمُزاوجه»؛ «اختلاف النحاة»؛ «اخلاق النبی»؛ «اصول الفقه»؛ «امثلة الاسجاع»؛ «اللامات»؛ «انتصار لثعلب»؛ «تفسیر اسماء النبی»؛ «حلیة الفقهاء»؛ «دارات العرب»؛ «دیوان» شعر؛ «ذخائر الکلمات»؛ «ذم الخطاء فی الشعر»؛ «الصاحبی»؛ کتاب «المجمل»؛ در لغت؛ «النیروز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۴ /۱)، اعیان الشیعه (۶۳ -۶۰ /۳)، ایضاح المکنون (۴۲۱ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۵۴ -۷۵۱ /۵)، الذریعه (۴۳۵ /۲۴، ۱۶ -۱۵ /۲۲، ۲۹۶، ۲۱،۲۶۹/ ۱۸، ۲۹۶ /۱۶، ۹ /۵، ۳۴۸، ۳۴۷- /۲، ۳۶۱، ۸۱ /۱)، روضات الجنات (۲۴۴ -۲۴۲ /۱)، ریحانه (۱۳۵ -۱۳۴ /۸)، سیر النبلاء (۱۰۶ -۱۰۳ /۱۷)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۶۷ -۶۵)، معجم الادباء (۹۸ -۸۰ /۴)، معجم المؤلفین (۴۱ -۴۰ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۷۲ -۶۵ /۶)، الوافی بالوفیات (۲۸۰ -۲۷۸ /۷)، وفیات الاعیان (۱۲۰ -۱۱۸ /۱)، هدیة العارفین (۶۹ -۶۸ /۱).

ابن‌فتی، ابوعبداللّه سلمان، سلیمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۳ ق)، لغوی، نحوی و مفسر. متولد نهروان بود. یاقوت حموی گوید که نشو و نمای او در ری بوده است. وی در بغداد نحو را نزد ثمانینی و لغت را نزد حسن بن دهّان و حدیث را از قاضی ابوطیّب طبری فراگرفت، و به شهرهای عراق سفر کرد و به تعلیم پرداخت. سرانجام در اصفهان مقیم شد و در همان جا درگذشت. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الایضاح» ابوعلی فارسی، در نحو؛ «شرح دیوان المتنبی»؛ «شرح الامالی»؛ «علل القراآت»؛ «القانون»، در زبان شناسی، ده مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۹ /۳)، روضات الجنات (۸۴ -۸۲ /۴)، ریحانه (۱۳۸ -۱۳۷ /۸)، کشف الظنون (۱۳۱۳ ،۱۱۶۰، ۸۱۲، ۴۴۶، ۲۱۲، ۱۶۳)، معجم الادباء (۲۵۳ -۲۵۱ /۱۱)، معجم المؤلفین (۲۳۹ /۴)، الوافی بالوفیات (۳۱۳ -۳۱۱ /۱۵).

ابن‌فقیه همدانی، ابوبکر، ابوعبداللّه احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۴۰ ق)، جغرافیدان و ادیب. از مردم همدان بود. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. برخی از جغرافی‌نویسان مسلمان در آثار خود از او یاد می‌کنند و با نسبت دادن تألیفاتی مرکب از پنج کتاب به وی، بر آثار او خرده می‌گیرند و او را به نداشتن دقت متهم می‌سازد. از آثارش: «البلدان»؛ «مختصر البلدان».[۱]

ابوبکر شهاب‌الدین احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. از جغرافی‌دانان مشهور بود. وی در سال ۲۹۰ ه.ق. کتاب البلدان را تألیف کرد. این کتاب به گفته ابن‌الندیم نزدیک هزار ورق است که بیشتر آن را ابن فقیه از جیهانی گرفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احسن التقّاسیم (۷-۶ /۱)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۳۸ /۱)، ریحانه (۱۴۱-۱۴۰ /۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵ و ۷۶۷-۷۶۶ /۶)، مقدمه بر تاریخ علم (۷۳۴ /۱).

ابن‌فورجه بروجردی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۵-۳۳۰ ق)، ادیب، شاعر، مؤلف و محقق. اهل نهاوند بود. برخی منابع، وی را از مردم اصفهان می‌دانند. در بغداد از محضر سید مرتضی بهره برد و مناظراتی نیز با وی داشت، از ابوالعلاء معری بهره جست و در ری اقامت گزید و صدارت و ریاست علمی داشت. گویند بیش از یک صد و سی و دو سال عمر کرد. در سال تولد و وفات وی اختلاف است. ابن‌فورجه در نظم و نثر مبرّز بوده است. از آثار وی: «التجنی علی بن جنی»؛ «الفتح علی ابن الفتح»، که هر دو اثر در رد ابن‌جنی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۱ /۶)، تاریخ بروجرد (۴۸-۴۲ /۲)، دائرةالمعارف البستانی (۶۴۱ /۱)، ریحانه (۱۴۲-۱۴۱ /۸)، معجم الادباء (۱۸۸ /۱۸)، معجم المؤلفین (۲۶۹ /۹)، الوافی بالوفیات (۲۵-۲۴ /۳).

ابن‌قتلمش، ابومنصور محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۲۰-۵۴۳ /۵۴۲ ق)، ادیب، نحوی، شاعر و ریاضیدان. از امیرزادگان سمرقند بود ولی در بغداد به دنیا آمد. در ریاضی و در حل مشکلات هندسه‌ی اقلیدسی تبحر داشت. گویند شوق بسیار به قمار داشت و مدتی حاجب خلیفه بود. در بغداد درگذشت و درشو نیزیه دفن شد. اشعار پراکنده‌ای از وی در تذکره‌ها به جا مانده است. از آثارش: «التبر المسبوک والوشی المحبوک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (۶۴۵-۶۴۴ /۱)، ریحانه (۱۵۹ /۸)، معجم الادباء (۲۰۶-۲۰۵ /۱۸)، معجم المؤلفین (۵۲ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۲۷-۱۲۵ /۳).

ابن‌قتیبه‌ی دینوری، ابومحمد عبداللّه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۷۶-۲۱۳ ق)، فرهنگ‌نویس، زبان‌شناس، نویسنده، محدث و مفسر. از مردم مرو بود. نزد استادانی چون اسحاق بن راهویه، ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی و عباس بن فرج ریاشی درس خواند. بیشترین تأثیر را از ابن‌مقفع و ارسطو پذیرفت. آثار جاحظ را خوب می‌شناخت. شکوفایی او با جنبش سنت‌گرایی متوکل همزمان بود. وی توانست با پاره‌ای از نوشته‌های خود از اصلاحات متوکل پشتیبانی کند، و در اندک زمانی سخنگوی این مذهب شود. در ۲۳۶ ق قاضی دینور شد و بعد از آن همین سمت را در بصره داشت تا زنگیان، شهر را تاراج کردند. ابن‌قتیبه پس از آن تمام همّ خود را بر سر تدریس گذاشت. وی علاوه بر پایگاه بلندی که در میان اهل سنت داشت، پایه‌گذار مکتب زبان‌شناسی بغداد بود که مکتبی آمیخته از مکاتب نحوی کوفه و بصره به شمار می‌رفت. وی سومین نثرنویس بزرگ عرب پس از ابن‌مقفع و جاحظ است. آوازه‌ی او در عرب به خاطر توانایی وی در نگارش آثار ادبی است که گونه‌ای انسان‌گرایی را در جریانهای فکری آن زمان نشان می‌دهد. پسرش، احمد، و قاسم بن اصنع و عبدالرحمان شکری از شاگردان او بودند. آثار او تا مصر نیز رفت. از آثارش: «ادب الکاتب»، کتابی واژگانی است برای دبیران که پیشگفتار پرآوازه‌ی آن بیانیه‌ای فرنگی- سیاسی است؛ «کتاب الانواء» درباره‌ی گاهنامه اخترشناسی با اطلاعاتی درباره‌ی برجهای دوازده‌گانه، کهکشان راه شیری و پیکره‌های آسمانی که تمام متن کتاب باقی مانده است؛ «المعارف»، در شناخت و شرح رجال؛ «الشعر والشعراء» برگزیده‌ی شعر عرب به ترتیب زمان حیات شاعران که پیشگفتار آن بیانیه‌ی مکتب نئوکلاسیک شمرده می‌شود؛ «تفسیر غریب قرآن»، تفسیر واژگانی بر آیه‌های دشوار؛ «تأویل مختلف الحدیث»، بزرگ‌ترین اثر کلامی ابن‌قتیبه که در آن شرح اندیشه‌های دینی و سیاسی و باورهای وی آمده است؛ «تأویل القرآن»، در معانی و بیان و اعجاز قرآن؛ «عیون الاخبار»، مجموعه‌ی بزرگ ادبی؛ «غریب الحدیث»، شرحی لغوی بر حدیث از پیامبر (ص) تا معاویه؛ «اعلام النبوة»؛ «الامامة والسیاسة»؛ «جامع النحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۰ /۴)، ایضـاح المکنون (۵۰۶، ۱۴۶، ۱۳۴ /۲ ،۳۵۶ /۱)، تاریخ مشاهیر کرد (۷ /۱)، تاریخ بغداد (۱۷۰ /۱۰)، دائرةالمعارف البستانی (۶۴۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۸۱ -۷۷۵ /۶)، روضات الجنات (۱۰۳ -۱۰۰ /۵)، ریحانه (۱۵۲ /۸)، سیر النبلاء (۲۹۷ -۲۹۶ /۷ ،۱۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۰)، کشف الظنون (۱۷۲۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۴، ۱۴۱۵، ۱۳۹۹، ۱۳۹۲، ۱۲۰۴، ۱۱۸۴، ۱۱۰۲، ۸۰۷، ۷۶۰، ۷۲۲، ۶۰۹، ۵۷۵، ۴۶۳، ۳۳۵، ۱۰۸، ۴۷، ۳۲)، الکنی والالقاب (۳۸۷ -۳۸۳ /۱)، لسان المیزان (۱۶۱ -۱۵۸ /۴)، معجم المؤلفین (۴۰۲ /۱۳ ،۱۵۰ /۶)، وفیات الاعیان (۴۳ -۴۲ /۳)، هدیة العارفین (۴۴۲ -۴۴۱ /۱).

ابن‌مبارک، ابوعثمان سعدان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۲۰ ق)، ادیب، نحوی و محدث. وی برده و از اسیرانی بود که در طخارستان به دست مسلمانان افتاد. ابن‌مبارک نابینا بود و در نحو از مکتب کوفیان پیروی می‌کرد. از ابوعبیـد معمر بن مثنی روایت می‌کرده و ابن‌دینا هاشـمی نیز از او روایت کرده است. از آثار وی: «خلق الانسان»؛ «کتاب الوحوش»؛ «الارض والمیاه والبحار والجبال»؛ «النقائص والامثال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۰ /۳)، تاریخ بغداد (۲۰۳ /۹)، ریحانه (۱۸۹ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۱۹)، معجم الادباء (۱۹۰ -۱۸۹ /۱۱)، معجم المؤلفین (۲۱۴ /۴).

ابن‌مجاور شیرازی، نجم‌الدین ابوالفتح یوسف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۱ ق)، ادیب و شاعر. پـدر وی از صوفیان شیراز بود که در دمشق خانقاه بنا کرده بود. یوسف در دمشق متولـد شـد و همان جـا نشو و نمـا یافت و در همان شـهر مکتب خانه‌ای بنا کرد و به تعلیم پرداخت. صـلاح‌الدین او را به عنوان مربی پسـرش برگزیـد و پس از آن هم مدتی وزارت مصر را عهده‌دار بود. وی در سرودن شعر نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲ -۳۰۱ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۱ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۶۷۶ /۱).

ابن‌مجاور، جمال‌الدین، نجم‌الدین، ابوالفتح یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۰ -۶۰۱ ق)، مورخ، محـدث و کاتب ایرانی‌تبار. از کندی و ابن‌مندویه حدیث شـنید. بنا به علت نامعلومی به هند رفت و از آنجا به عدن. سه بار به زبید سفر کرد. در سال ۶۲۱ ق در مکه بود و از آنجا به جده رفت. در غلافقه، یکی از شهرهای یمن، مدتی مقیم شد. ابن مجاور با جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی شهرها، قبایل غرب و جنوب عربستان کتاب مشهور خود «تاریخ المستبصر/ مستنصر» را نوشت. ارزش این کتـاب بیشتر به لحـاظ معرفی جغرافیـایی و اجتمـاعی عربسـتان آن زمان است. راه‌شناسـی کتاب نیز بسـیار مفید است و مسافتهـا به فرسـنگ نوشـته شـده. ابن‌مجـاور توصـیف جغرافیایی خود را از مـدینه شـروع کرده و اطلاعاتی که وی درباره‌ی قلهـات، مسـقط و صـحار در خلیـج عمان به دست می‌دهـد از دیگر جغرافیـدانان عرب پربارتر است. در این کتاب از خلیـج فارس و جزیره‌ی کیش (قیس) نیز سـخن رفته است. گزارش او دربـاره‌ی فرق اسـلامی، آداب زنـاشویی، برده‌داری، لباس، اوزان و مقیاسـها، سکه‌ها، کشاورزی، دریانوردی و حقوق گمرکی بسیار دقیق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۱ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۱ -۸۲۹ /۶)، معجم المؤلفین (۳۴۵ /۱۳).

ابن‌مدبر، ابوالحسن احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۰ ق)، کاتب و شاعر. در روزگار خلافت واثق عباسـی سرپرست دیوان سپاه و از دولتمردان بود. در سالهای نخست خلافت متوکل سـرپرستی هفت دیوان را داشت. متوکل اشعار او را می‌پسندید و آنها را ارج می‌نهاد. نفوذ ابن‌مدبر در دربار باعث بدگمانی وزیر خلیفه عبیـداللّه بن خاقان شـد و گویا ابن‌مدبر و برادرش به زندان افتادند. اما پس از چندی کارگزار خراج دمشق و اردن شد و به دمشق رهسپار شد. پس از آن وی کارگزار مصـر شد و به علت مالیاتهای تازه که وضع کرده بود از منفورترین کارگزاران خراج

شد. وی با ابن‌طولون کشمکشهایی پیدا کرد که درگیری آنها به سامرا نیز کشید و احمد بن طولون ابن‌مدبر را به زندان افکند و دارایی وی را مصادره کرد. برخی منابع گفته‌اند به اشاره ابن‌طولون در زندان کشته شد و برخی دیگر می‌گویند در ۲۵۸ ق آزاد شد و پیشکار دارایی شام و اردن و فلسطین شد و به دمشق رفت. ابن‌طولون که دمشق را تسخیر کرد بار دیگر ابن‌مدبر را بازداشت نمود و به پرداخت ۶۰۰ هزار درهم محکوم کرد. وی را به مصر بردند و در آنجا تا پایان عمر زندانی بود. وی هر کسی که شعرش را می‌پسندید صله می‌داد و به هر کسی که شعرش را نمی‌پذیرفت دستور می‌داد ۱۰۰ رکعت نماز بخواند. از آثارش: کتاب «المجالسه والمذاکره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۳ /۶)، ریحانه (۱۹۸ -۱۹۷ /۸)، سیر النبلاء (۱۲۶ -۱۲۵ /۱۳)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۰۳)، الکنی والالقاب (۴۰۴ /۱)، معجم‌الادباء (۲۲۸ /۱)، الوافی بالوفیات (۴۰۳۸ /۸)، وفیات الاعیان (۵۷ -۵۶ /۷).

ابن‌مراغی همدانی، ابوالفتح محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۱ ق)، ادیب، نحوی و محدث شیعی. در بغداد ساکن شد و از ابن‌قتیبه حدیث شنید. آموزگار عزالدوله بویهی بود. ابوالحسین محاملی از وی روایت می‌کرد. حافظه‌ای نیکو داشت و در نحو و لغت زبانزد بغدادیان بود. برخی وی را منسوب به قبیله هَمْدان و گروهی او را همدانی دانسته‌اند. از آثارش: «استدراک لما اغفلهٔ الخلیل»؛ «البهجهٔ»، نظیر کتاب «الکامل للمبرد»؛ «مختار الاخبار»؛ «کتاب الخلیلی فی الامامهٔ»؛ «ذکر المجاز فی القرآن»؛ «اسماء البلدان»، و جلد دوم آن به نام «اخبار البلدان»؛ «کتاب الجزء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۸ /۶)، اعیان الشیعه (۲۰۱ /۹)، ایضاح المکنون (۴۴۷، ۲۹۳ /۲)، تاریخ بغداد (۱۵۴ -۱۵۲ /۲)، الذریعه (۱۶۹ /۲۰، ۱۵۹ /۳، ۶۵، ۲۳ -۲۲ /۲)، رجال النجاشی (۳۱۹ -۳۱۸ /۲)، ریحانه (۱۹۹ /۸ -۲۷۹ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۸ /۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۴۴)، کشف الظنون (۸۷، ۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌مراغی)، معجم الادباء (۱۰۳ -۱۰۱ /۱۸)، معجم رجال الحدیث (۱۶۰ -۱۵۹ /۱۵)، معجم المؤلفین (۱۵۷ /۹)، هدیهٔ العارفین (۵۰ /۲).

ابن‌مردان، ابوموسی عیسی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، نحوی. وی از یاران فرّاء نحوی بود. از آثار او: «القیاس علی اصول النحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۰۰ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۱۹ -۱۱۸)، کشف الظنون (۱۳۶۶).

ابن‌مرزبان، ابونصر سهل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۲۰ ق)، ادیب و شاعر. از مردم اصفهان بود که در قاین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در نیشابور مسکن گزید و چند بار در جستجوی کتاب به بغداد سفر کرد و کتابهایی نفیس گرد آورد. ابن‌مرزبان معاصر ثعالبی بود و با او مکاتبه داشت. از آثار وی: «اخبار ابی‌العیناء»؛ «اخبار ابن‌الرومی»؛ «اخبار جحظهٔ البرمکی»؛ «الآداب فی الطعام والشراب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰ /۳)، معجم المؤلفین (۲۸۶ /۴).

ابن‌مسکویه، ابوعلی، ابوعبداللّه احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۱ ق)، فیلسوف ادیب، نویسنده، و منشی آل‌بویه. ملقب به خازن. در خانواده‌ای زردشتی در ری متولد شد. در فن دبیری چندان مهارت داشت که به عنوان کاتب و ندیم به خدمت ابومحمد حسن مهلبی، وزیر امیر معزالدوله‌ی دیلمی درآمد و تا زمان مرگ با وی بود. مدت هفت سال نیز در خدمت ابن‌عمید در دربار رکن‌الدوله در ری بود و سمت کتابداری و نگاهداری اسناد و مدارک را داشت. در ۳۵۵ ق که غازیان آشوبگر خراسان بر سر راه خود به روم شرقی از ری می‌گذشتند، کتابخانه‌ی عظیم ابن‌عمید را از غارت و ویرانی مصون داشت. پس از عزل ابوالفتح ابن‌عمید، همکاری با دستگاه صاحب بن عباد را نپذیرفت. چه

خود را همپایه‌ی وی می‌دانست و مستقیماً به خدمت یکی از فرمانروایان آل‌بویه درآمد. پس از مرگ عضدالدوله به خدمت پسرش، صمصام‌الدوله رسید. از معاصران بوعلی سینا بود و با ابوحیان توحیدی و بدیع‌الزمان همدانی مکاتبه داشت. از احوال ابن‌مسکویه پس از اعدام ابن‌سعدان، وزیر صمصام‌الدوله (۳۷۵ ق)، اطلاع چندانی در دست نیست. ابن‌مسکویه چهره‌ی برجسته‌ای در حیات عقلی و فرهنگی زمان خود بود. در رشته‌های گوناگون تاریخ، علم کلام، فلسفه و پزشکی تبحر داشت. به کیمیاگری و علوم غریبه سخت علاقه‌مند بود. برداشت وی از دین بیشتر فلسفی و تا حدی عقلانی بود. رنگ فلسفی آثار ابن‌مسکویه سبب شده است که شیعیان بیش از اهل تسنن آنها را بپذیرند. خود وی مانند فارابی و اخوان الصفا از معتقدان به تشیع فلسفی بود. از دیگر علوم مورد علاقه‌ی وی پزشکی بود و بسیار محتمل است که دو کتاب داروشناسی که ابن‌قفطی در «تاریخ الحکماء» از وی نام برده است برای عضدالدوله تألیف کرده باشد. از آثار مهم او «تجارب الامم و عواقب الهمم» در تاریخ است از آغاز تا مرگ عضدالدوله ۳۷۲ ق. از دیگر آثار بزرگ وی: «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق»، در فلسفه اخلاق است. هدف از تألیف این کتاب آن بوده است که برای دانشجویان فلسفه و اخلاق، کتابی ساده و روان مشتمل بر بیان اصول فلسفه فراهم آورد. پس از آن کتب زیادی را به این سبک نوشتند از آن جمله، «اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی که ترجمه و تألیفی از آن کتاب؛ کتاب «حکمهٔ الخالده»، ترجمه‌ی کتاب «جاویدان خرد»، که یکی از نسخه‌های آن عنوان «کتاب آداب العرب والفرس» دارد.[۱]

(مسکویه معر.) ابوعلی خازن احمد بن محمد بن یعقوب (ف. ۴۲۱ ه.ق.) بنا به نقل مورخان و یا پدر او در آغاز امر زردشتی بود و سپس اسلام آورد. ابوعلی نخست در خدمت ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله (ف. ۳۵۲) به سر می‌برد و بعد از آن نزد ابن‌العمید رفت و خازن کتب او بود. پس از وفات ابن‌العمید چندی در خدمت عضدالدله دیلمی و صمصام‌الدوله گذراند. ابو علی به علوم اوایل معرفت بسیار داشت و از آن جمله به فلسفه و طب و کیمیا بیش از همه مایل بود. وی از نویسندگان و مورخان مشهور اسلامی محسوب می‌شود. از جمله آثار فسلفی او که در دست است کتب ذیل را نام می‌بریم: الطهارهٔ فی علم الاخلاق، کتاب فی جواب المسائل الثلاث (در سه مسأله: اول در اثبات صانع، دوم در نفس و احوال آن، سوم در نبوات)، تهذیب الاخلاق، آداب العرب و الفرس (ه.م.)، جاویدان خرد، کتاب العادهٔ تجارب الامم (ه.م.) ابن مسکویه در ما بعدالطبیعه سه مسأله اثبات وجود صانع و نفس و نبوت را با روش تازه‌ای مورد مطالعه قرار داده است.

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه (ف. ۴۲۱ ه.ق) از بزرگان فلاسفه و حکما و مشاهیر دانشمندان اسلامی است. در لغت، منطق، فنون شعر، ریاضیات، فلسفه و حکمت استاد بود، به خدمت عضدالدوله رسید و سمت ندیم و خازنی او را یافت. تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است «تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم» و «تهذیب‌الاخلاق و تطهیرالاعراق» و کتاب «جاویدان خرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۵ -۲۰۴ /۱)، اعیان الشیعه (۱۷۲ -۱۵۸ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۲ -۳۰۰ /۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۹۵ -۱۷۳)، تاریخ فلسفه در اسلام (۶۸۲ -۶۶۵ /۱)، تازیخ گزیده (۶۸۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۵۴ -۸۵۲ /۶)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۴ /۱)، الذّریعه (۶۶ /۴، ۱۰۵ /۲، ۳۸۷ /۱)، روضات الجنات (۲۶۶ -۲۶۴ /۱)، ری باستان (۲۸۷، ۲۸۶ /۲)، ریحانه (۲۰۸ -۲۰۶ /۸)، کشف الظنون (۱۹۳۷، ۱۴۳۶، ۱۳۰۳، ۵۱۴، ۴۳)، الکنی والالقاب (۴۰۹ -۴۰۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۷ -۳۳۶ /۱)، مجالس المؤمنین (۱۹۰ -۱۸۹ /۲)، معجم الادباء (۱۹ -۵ /۵)، معجم المؤلفین (۱۶۹ -۱۶۸ /۲)، هدیهٔ العارفین (۷۳ /۱).

ابن‌مظفر شیرازی، جلال‌الدین، ابوالمیامن مسعود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۲۵ ق)، مفسر، واعظ، عارف و دانشور. وی نیای مادری ابوالعباس زرکوب شیرازی، نویسنده‌ی «شیرازنامه» و نیای سوم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شد الازار» بود. دوبار حج گزارد اما سعی کرد که مردم بر آن مطلع نشوند. او در مسجد آدینه‌ی سنقری وعظ می‌کرد و در بقعه‌ی شیخ کبیر درس حکمت می‌گفت. در شیراز سپرده شد. از تألیفات وی: «کتاب مفتاح الروایات و مصباح الحکایات»، کتابی در فضائل اهل‌بیت- علیهم‌السلام- در چهار مجلد، مشتمل بر دوازده باب. بعلاوه وی دارای تألیفات و مجموعات و اجازات و اسانید معتبر است که اکثر آنها از شیوخ پدرش بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۷)، بزرگان نامی پارس (۴۰۷ -۴۰۶ /۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۱۳۲ -۱۳۱)، شیرازنامه (۱۷۹)، معجم المؤلفین (۲۳۱ /۱۲).

ابن‌مظفر شیرازی، رکن‌الدین، ابومحمد منصور

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۰ /۷۳۳ ق)، عارف، عالم دینی و سخنور. مشهور به راست‌گوی. نزد پدر به تحصیل پرداخت و مصنفات پدر را خواند. آنگاه به سلک مریدان شیخ یوسف سروستانی درآمد و بر دست او خرقه پوشید. حج گزارد و از علما و مشایخ حجاز بهره گرفت. در راه بازگشت چندی در بصره ماند و به فراگیری علوم پرداخت. پس از مرگ پدرش به کرمان و سیرجان و کرانه‌های خلیج‌فارس

و دریای عمان رفت و از راه دریا خود را به عدن و یمن رسانید و به دربار شمس‌الدین مظفر ابومنصور یوسف بن عمر رسولی، سلطان یمن راه یافت و کتاب «الاربعین العوالی» تألیف سلطان را، جهت اطمینان از صحت آن، بر سلطان خواند. از آنجا به مکه رفت و بار دیگر حج گزارد و به زادگاهش بازگشت. رکن‌الدین در مسجد عتیق وعظ می‌کرد و ضمن گفتار خود بی‌پروا به حکام و کار بدستان دولتی می‌تاخت و از آنان بسختی انتقاد می‌کرد. از شاگردان وی ابوالعباس زرکوب شیرازی، مؤلف «شیرازنامه» است. زرکوب قسمتی از «صحیح» بخاری را نزد وی خواند و از او به دریافت اجازه نیز نائل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۶ –۲۴۳، ۲۳ –۲۲)، شیرازنامه (مقدمه/ شانزده ۱۹۰، ۱۷۹).

ابن‌مظفر شیرازی، رکن‌الدین، یحیی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۶۹ ق)، خطیب و واعظ. سخنوری زبان‌آور و مردم دوست بود. آوازه‌ای خوش داشت و در سخن گفتن چون پدرش سخت بی‌پروا بود. در جامع سنقری به جای پدران خود وعظ می‌کرد و شیخ ابواسحاق اینجو خطابت مسجد عتیق را به او سپرد. وی در علم اصوات و ایقاعات دست داشت. او در شیراز از دنیا رفت و در کنار پدر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزار مزار (۲۵۵ –۲۵۴، ۲۳).

ابن‌مظفر شیرازی، سعدالدین، ابوالیمن اسعد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۷۰ ق)، واعظ و ادیب. پسر مهتر مظفر بود. به مدد حافظه‌ی توانا بسیاری از کتابها و آیات و احادیث و احکام را در خاطر داشت و آنها را درس می‌داد، و در مسجد عتیق و مسجد بغدادی وعظ می‌کرد. در وعظ بسیار خوش‌بیان بود. هنوز جوان بود که در پی‌ریزش سقف خانه‌اش در زیر آوار از پای درآمد. وی پیش از پدر وفات کرد. و در مقبره خانوادگی دفن شد. پدرش در سوک او بسی ابیات سرود که تمامی حاکی از سوزش و احتراق بود. در «شیرازنامه» این مشخصات با سعدالدین محمد انطباق داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۳ –۲۴۲، ۲۵)، شیرازنامه (۱۷۹).

ابن‌مظفر شیرازی، سعدالدین، ابومنصور محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۴ ق)، عالم دینی، زاهد و واعظ. نزد پدرش و شمس‌الدین عمر ترکی و محمود بن حسن کازرونی– از شاگردان برجسته شیخ ابواسحاق مرشد کازرونی– درس خواند. در سفری دور و دراز که دوازده سال طول کشید تا هند را سیاحت کرد. در مدرسه‌ی اتابکیه و منکو برزیه‌ی شیراز استاد شد. سعدالدین حافظه‌ای پرتوان داشت و بخش بزرگی از کتابهای علمی را از بر درس می‌گفت. در علوم حدیث اجازه وی را معتبر می‌شناختند. او از عبدالرحیم سروستانی و ابوالفتوح عجلی و شیخ عبدالوهاب ابن سکینه بغدادی و دیگران روایت کرده است. در جامع عتیق و جامع سنقری وعظ می‌کرد و بسیاری شیفته‌ی سخنانش بودند. توجه مردم به شیخ باعث شد که امیر فخرالدین، وزیر اتابک سعد پس از اتمام بنای مسجد جامع فخریه از او درخواست کند تا در آنجا به موعظه بپردازد. وی بسیار متعصب بود و سعی داشت تا مردم را نیز با چنان خصلتی بار آورد. او نیای چهارم جُنید شیرازی، نویسنده «شدالازار» است. مدفن او در کنار پدرش در مقبره‌ی باغ نو است. مؤلفات و خطبه‌ها و اشعار عربی از او مانده که برخی از آنها در «شد الازار» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۱ –۲۰۹)، بزرگان نامی پارس (۲۷۱ –۲۷۰ /۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۸۴ –۲۷۸، ۱۹ –۱۸)، شیرازنامه (۱۸۰ –۱۷۹).

ابن‌مظفر شیرازی، شمس‌الدین، ابوالمؤید عمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۷۰۰ ق)، واعظ و محدث. مردی پارسا بود و در اخبار و حدیث استادی داشت. در رباط شیخ ابراهیم کرخی وعظ می‌کرد. منصور راستگو برادر او بود. وی با خط بسیار حدیث نوشت و اجازه‌ها داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزارمزار (۲۵۰ ،۲۴)، شیرازنامه (۱۷۹).

ابن‌مظفر شیرازی، ظهیرالدین، ابوالفضایل اسماعیل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۳۰ ق)، واعظ و عالم اهل سنت. وی نیز مانند برادرش منصور راستگو سخنوری پرآوازه بود. هنگامی که سلطان محمد خدابنده فرمان داد تا نام خلفای سه‌گانه را از خطبه و سکه بیندازند و بر نام حضرت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین-علیهم‌السلام- اقتصار نمایند، این فرمان در تمام بلاد قلمرو اولجایتو به موقع اجرا گذارده شد جز در قزوین و شیراز و اصفهان و بغداد که پاره‌ای از مردم سر از اطاعت این حکم باز زدند، و بعضی فتنه‌ها روی داد؛ اسماعیل نیز چنان مخالفتی نشان داد که باعث فتنه‌ها شد، و خواستند وی را از شهر بیرون کنند. در شیراز از دنیا رفت و نزد پدر و برادر دفن شد. از آثارش: «فضائل الصلوات» در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۷)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۷ -۲۴۶ ،۲۲).

ابن‌مظفر شیرازی، نجم‌الدین، ابوالفتح محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۰ ق)، زاهد، واعظ و نساخ. نزد شهاب‌الدین زنجانی و نورالدین خراسانی درس خواند. زبان‌آور بود و در رباط ضیائیه و گاه مسجد عتیق وعظ می‌کرد. در حفظ قرآن و ضبط وجوه قراآت و بیان متشابهات نیز دست داشت. از طریقه‌ی پدر و عم خود پیروی کرد و به انزوا گرایید و به در خانه حاکمی نرفت. وی در مقبره‌ی پدرانش مدفون است. معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شدالازار» پسر او بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان نامی پارس (۳۹۷ -۳۹۶)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۵۴ -۲۵۱ ،۱۶).

ابن‌معروف، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، ادیب و فرهنگ نویس. وی مؤلف فرهنگی است به نام «کنزاللغات» یا «کنز اللغه» که این کتاب را به نام سلطان محمد کارکیا و پسرش کارکیا میرزا علی تدوین کرد. این کتاب از بدو تألیف مورد استفاده‌ی طالبان علم بود. مؤلف در گردآوری این کتاب از قرآن و اکثر کتابهای لغت عربی و تفسیر، حدیث فقه و طب بهره برده است. وی در آغاز هر باب به ذکر مصادر مبادرت کرده و از بیان مشتقات آنها خودداری کرده و بعد از ذکر مصادر به لغات غیر مشتقه پرداخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۰/ ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۲/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۰)، الذریعه (۱۶۴/ ۱۸)، ریحانه (۲۱۴/ ۸)، کشف الظنون (۱۵۱۸).

ابن‌مقفع، عبداللّه

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲- ح ۱۳۹ ق)، مترجم و عالم. وی یکی از نخستین مترجمان آثار ادبی تمدنهای هند و ایرانی به زبان عربی و یکی از آفرینندگان نثر ادبی عربی است. در خاندانی نجیب‌زاده در جور فارس، فیروزآباد کنونی، متولد شد. پدرش، دادویه که با نام اسلامی مبارک، معروف بود در زمان حجاج تحصیلدار مالیات بود و چون به جرم اختلاس شکنجه شد، وی را به تمسخر مقفع خواندند. عبداللّه نام اسلامی روزبه بود. در آغاز در کرمان منشی حکام و صاحب منصبان اموی بود. در آنجا ثروتی هنگفت به دست آورد. پس از آن به خدمت عیسی بن علی، عموی منصور، خلیفه‌ی عباسی، درآمد. بهترین سالهای عمر وی در کوفه و بصره طی شد. در محفل ادیبان و ظریفان رفت و آمد داشت. مرگ وی عللی سیاسی داشت. ابن‌مقفع با دست بردن در متن دستخط امان

نامه‌ی منصور خلیفه سبب برآشفتگی و بدگمانی خلیفه در حق خود شد. خلیفه فرمان داد تا دست کاتب گستاخ را قطع کنند. حاکم بصره که از مدتها پیش کینه‌ی وی را در دل داشت از این پیشامد برای گرفتن انتقام شدید بهره برد و ابن‌مقفع را زیر شکنجه‌های سهمناک به قتل رساند. ابن‌مقفع، با وجود کمی عمر خود آثار گرانبهایی را تألیف و ترجمه کرد، از آن جمله‌اند: ترجمه‌ی «کلیله و دمنه»، که قدیمی‌ترین ترجمه از این اثر هندی است؛ «ادب الصغیر» و «ادب الکبیر»؛ «الیتیمهٔ»؛ «خدای نامه» که ترجمه‌ای است از «آیین نامه‌ی» عهد ساسانیان؛ «کتاب مزدک»؛ «کتاب التاج».[۱]

عبداللّه روزبه (مقت. ۱۴۲ یا ۱۴۳ یا ۱۴۵ ه.ق.) اصل وی از فارس است و او در آغاز کاتب عیسی بن علی بود و یکی از ناقلان بزرگ کتب از فارسی به عربی است. از تألیفات اوست: التاج در سیرت انوشروان، آیین‌نامه، کلیله و دمنه، الیتیمهٔ (در رسائل). ابن مقفع به تحریک سفیان بن معاویه و موافقت منصور خلیفه در ۳۶ سالگی کشته شده و در کیفیت مرگ او روایات مختلف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۸۴ -۲۸۳ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷ -۱۸۵)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۵۲ -۳۴۶، ۳۳۸ - ۳۲۹)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۰۷ -۳۰۶)، تاریخ گزیده (۶۸۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۶۸ -۸۶۴ /۶)، دائرةالمعارف اسلامی (۱۶۷۴ /۲)، روضات الجنات (۲۱۹ /۳)، ریحانه (۲۲۶ -۲۲۲ /۸)، سیر النبلاء (۲۰۹ -۲۰۸ /۶)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۹۶ - ۱۹۵)، کشف الظنون (۷۴۵، ۲۱۷)، الکنی والالقاب (۴۲۵ -۴۲۱ /۱)، لسان المیزان (۱۷۵ -۱۷۳ /۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌المقفع)، معجم المؤلفین (۴۰۲ /۱۳، ۱۵۶ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰۱ -۹۹۹ /۳)، الوافی بالوفیات (۶۳۹ -۶۳۳ /۱۷)، وفیات الاعیان (۱۵۵ - ۱۵۱ /۲)، هدیهٔ العارفین (۴۳۸ /۱).

ابن‌منتجب مروزی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، کاتب، ادیب و شاعر. از مردم مرو بود. پدرش محمد نیز ادیب و شاعری فاضل بود و خطی نیکو داشت و لقب منتجب‌الملک داشت و زمخشری وی را مدح و مرثیه گفته بود. وی به عراق سفر کرد و شهرهای این سرزمین را سیاحت کرد. در مرو از ابوعلی اسماعیل بن احمد بن حسین بیهقی حدیث شنید. سرانجام در یورش خوارزمشاهیان به مرو کشته شد. از آثار وی: «تعلهٔ المشتاق الی ساکنی العراق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۹ /۵)، ایضاح المکنون (۲۹۷ /۱)، معجم الادباء (۶۱ -۵۸ /۱۵)، معجم المؤلفین (۱۸۳ /۷).

ابن‌منجّم، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۲ -۲۷۷ /۲۷۶ ق)، ادیب، شاعر، منجم، متکلم و نسب‌شناس. وی در بغداد متولد شد. با صاحب بن عباد نیز مدتی معاشر بود.، ندیمی گروهی از خلفاء را کرد گویا به وزارت نیز رسید. از آثارش؛ کتاب «القوافی»؛ فضائل «شهر رمضان»؛ «الرّد علی الخلیل»، در عروض؛ کتاب «النیروز النوروز والمهرجان»؛ «الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء» و «اللفظ المحیط بنقض مالفظ به اللقیط»، در معارضه‌ی کتاب «الفرق والمعیار» ابوالفرج اصفهانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۳ /۵)، ریحانه (۲۶۷ /۸، ۳۶۹ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۳۸)، کشف الظنون (۱۵۵۹، ۱۴۶۸ ، ۱۲۵۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۱۲۰ -۱۱۲ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۶ /۷)، وفیات الاعیان (۳۷۶ -۳۷۵ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۸۰ /۱).

ابن‌منجّم، ابوعبداللّه هارون

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۸ -۲۵۱ ق)، ادیب، اخباری و شاعر. معروف به ابن ابی‌منصور منجم. وی در بغداد متولد شد. با ادیبان و خلفای هم روزگارش مجالست داشت. در جوانی در شهر بغداد درگذشت. از آثارش. «البارع»، در اخبار شعراء مولدین؛ «المختار»، در اغانی؛ کتاب «النساء و ماجاء فیهن من الخبر و محاسن ماقیل فیهن من الشعر والکلام الحسن» یا «اخبار النساء»؛ «اختیار الشعراء کبیر»، که ناتمام ماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۳ -۴۲ /۹)، ریحانه (۳۶۸ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۳۸)، کشف الظنون (۲۱۷)، الکنی والالقاب (۲۱۰ /۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعبداللّه). سیر النبلاء (۴۰۵ -۴۰۴ /۱۳)، معجم الادباء (۲۶۳ -۲۶۲ /۱۹)، معجم المولفین (۱۲۹ /۱۳)،

وفیات الاعیان (۷۹ -۷۸ /۶)، هدیه العارفین (۵۰۳ /۲).

ابن‌مهریزد اصفهانی، ابومسلم محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۹ /۴۵۷ -۳۶۶ ق)، ادیب، مفسر و محدث معتزلی. معروف به ابومسلم اصفهانی. وی محدث اصفهانی و از بزرگان معتزله‌ی عصر خویش است. ابومسلم آشنای به عربیت و به گفته یحیی بن منده آشنای به نحو بود. او از شاگردان ابوبکر بن مُقْری بود و سعید بن ابی‌رجاء صیرفی و حسین خلّال و محمد بن حَمد کبریتی از وی روایت کرده‌اند. او شیخ و استاد اسماعیل بن علی حمامی است. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «جامع التأویل لمحکم التنزیل» یا «تفسیر قرآن»، تفسیر بزرگی در بیست مجلد؛ «جامع الرسائل»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۳ /۷)، سیر النبلاء (۱۴۷ -۱۴۶ /۱۸)، لسان المیزان (۳۷۴ -۳۷۳ /۶)، معجم المؤلفین (۵۰ -۴۹ /۱۱)، میزان الاعتدال (۶۵۵ /۳)، الوافی بالوفیات (۱۳۱ -۱۳۰ /۴)، هدیهٔ العارفین (۷۱ /۲).

ابن‌هارون توزی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۰۳ ق)، ادیب و نحوی. نسبت وی به توز، شهری نزدیک اهواز، می‌رسد. نخست برده‌ی قریشیان بود. شاگرد اصمعی بود و «الکتاب» سیبویه رانزد ابوعمر جرمی خواند از آثارش «کتاب الاضداد»؛ «کتاب الامثال»؛ «کتاب الخیل»؛ «کتاب فعلت و افعلت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۹۴، ۱۷۳ /۲، ۹۴ /۱)، روضات الجنات (۳ /۶)، ریحانه (۲۶۷ -۲۶۶ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۹۹ -۹۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ثوری)، معجم المؤلفین (۱۴۳ /۶).

ابن‌هارون دشت میشانی، ابوعمرو سهل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۵ ق)، حکیم، شاعر، نحوی و لغوی. معروف به بزرگمهر اسلام. وی از مردم دشت میشان بود که به بصره نقل مکان کرد و در آنجا شهره گشت. و به خدمت هارون‌الرشید درآمد و تا آنجا اوج گرفت که به جای یحیی برمکی برگزیده شد. او همچنین از خادمان خاص مأمون گردید و متصدی خزانهٔالحکمهٔ و کتابدار مأمون شد. ابن‌هارون از شعوبیان بود و عجم را بر عرب برتری می‌داد. و در این باره کتابها و رسایل مختلفی نگاشته است. جاحظ شیفته اوست و در وصفش گوید که او خطیب، شاعر و نویسنده قطعات بلند و کوتاه و کتب بزرگ است. گویند که وی بخیل و خسیس بود، به طوری که رساله‌ای در «بخل» نوشت و در آن خساست و بخل را ستود، و آن را به نام حسن بن سهل وزیر کرد. از جمله آثارش: کتاب «ادب اسل بن اسل»؛ کتاب «اسباسیوس فی اتحاد الاخوان»؛ «تدبیر الملک والسیاسهٔ»؛ کتاب «دیوان الرسائل»؛ «ثعلهٔ و عفراء»، که بر اساس «کلیله و دمنه» برای مأمون نوشت؛ «المسائل»؛ «ندود و ودود و لدود»؛ «النّمر والثعلب»؛ «الوامق والعذراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۱ /۳)، اعیان الشیعه (۳۲۳ /۷)، ایضاح المکنون (۴۱ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷ /۱)، ریحانه (۲۶۶ /۸)، الفهرست لابن‌الندیم (۱۷۴)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم الادباء (۲۶۷ -۲۶۶ /۱)، معجم المؤلفین (۲۸۶ /۴).

ابن‌هارون عسکری، ابوالحسین احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۶۹ ق)، نحوی و لغوی. از مردم شهر عسکر مکرم خوزستان بود. از آثار او: «شرح التلقین فی النحو لابن‌جنی» که آن را در ۳۶۹ ق به پایان برد؛ «شرح العیون»؛ «شرح المجاری»؛ «شرح مختصر ابن‌اسماعیل مبرمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روضات الجنات (۲۴۲ -۲۴۱ /۱)، ریحانه (۲۶۶ /۸)، کشف الظنون (۴۸۱)، معجم الادباء (۲۳۲ -۲۳۱ /۴)، معجم المؤلفین (۱۲۴ /۲).

ابن‌هندو، ابوالفرج علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۰ / ۴۱۰ ق)، ادیب، شاعر، طبیب و منجم. از مردم ری بود. در نیشابور تحصیل کرد و هم در آنجا با دانش یونانی آشنا شد. از شاگردان ابوالحسن دائلی بود. پزشکی را نزد ابن‌خمار آموخت. مدتی در گرگان در خدمت قابوس وشمگیر بود. در اشعارش قابوس و فرزند وی، منوچهر، را ستود. پس از آن به خدمت عضدالدوله‌ی دیلمی درآمد و تا پایان زندگی دبیر وی بود. از آثارش: «مفتاح الطب»؛ «الکلم الروحانیة من الحکم الیونانیه»؛ «کتاب النفس»؛ «المقالة المشوقة فی المدخل الی العلم الفلسفه»؛ «الرسالة المشرقیه»؛ «انموذج الحکمة»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۹ -۸۸ /۵)، ایضاح المکنون (۷۰۴ -۳۷۹ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۲ /۱)، تاریخ طب (۶۷۸ /۲)، تاریخ طبرستان (۱۲۵ -۱۳۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۲۰ /۷)، دائرةالمعارف البستانی (۷۳۲ /۱)، الذریعه (۳۶ /۹)، ریحانه (۲۸۰ - ۲۷۹ /۸)، روضات الجنات (۲۱۶ -۲۱۵ /۵)، کشف الظنون (۱۷۶۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌هندو)، معجم الادباء (۱۴۶ -۱۳۶ /۱۳)، معجم المؤلفین (۸۳ -۸۲ /۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۳۴ -۱۲۷ /۳).

ابن‌هیصم هروی، صدرالاسلام، مجدالدین، علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(زنده قبل از ۲۸۰ ق)، ادیب، شاعر و محدث. در هرات متولد شد، از آنجا به بغداد رفت و از عثمان بن سعید دارمی (م ح ۲۸۰ ق)، حدیث شنید. ابواحمد غطریفی گرگانی از او حدیث شنید. ابن‌هیصم در سرودن شعر به زبان عربی توانا بد. از آثار وی: «مفتاح البلاغة»؛ «کتاب البَسملة»؛ «نهج الرشاد»؛ «عقود الجواهر»؛ «لطائف النُکَت»؛ «تصفیة القلوب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۶ /۸)، تاریخ بغداد (۵ /۱۲)، ریحانه (۳۶۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۲۸۰ -۲۷۷ /۱۳)، معجم المؤلفین (۱۴۱ /۷)، هدیة العارفین (۶۹۸ -۶۹۷ /۱).

ابن‌یمین فریومدی، امیر فخرالدین، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۷۲ /۷۶۹ ق)، شاعر و ادیب. پدرش از ترکانی بود که از ماوراءالنهر به خراسان آمده بودند. با دربار ابوسعید و طغاتیمور مراوده داشت. ابن‌یمین نخست در دیوان استیفا مشغول به کار شد. سپس به تبریز رفت و در دستگاه غیاث‌الدین محمد فرزند رشیدالدین فضل‌اللّه به خدمت مشغول شد. از آنجا عازم عراق عجم شد و سپس به زادگاهش بازگشت. وی علاءالدین محمد فریومدی را می‌ستود و با سربداران دوست بود. در ۷۴۳ ق در نبرد میان وجیه‌الدین مسعود سربداری با ابوالحسین محمد بن غیاث‌الدین کرت «دیوان» اشعارش گم شد و گویا به سارت آل‌کرت درآمد. در دربار آل‌کرت به گردآوری مجدد «دیوان» اشعارش همت گماشت. سپس به سبزوار رفت و انزوا گزید. شعر وی برخلاف گویندگان معاصر وی ساده و دوراز تکلّف است. در سرودن قطعه بیش از دیگر قالبها تبحر داشت. به جز «دیوان» شعر، مثنوی «مجلس افروز» از جمله آثار باقی مانده از اوست. وی از نخستین شاعرانی است که در مناقب امامان و درباره‌ی فاجعه کربلا شعر سروده است. از شاگردان برجسته‌ی وی می‌توان به ابوعلی فارسی اشاره کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹ -۳۷ /۱)، از سعدی تا جامی (۳۰۱ -۲۹۱)، ایضاح المکنون (۴۸۸ /۱)، با کاروان حله (۲۷۴ - ۲۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۲ -۹۵۱ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۱ -۲۰۰)، تذکرة الشعراء (۳۱۴ -۳۰۶)، حبیب السیر (۳۸۶ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۲۶ -۹۲۴ /۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۳ /۱)، الذریعه (۳۴ /۹)، ریحانه (۲۸۴ -۲۸۲ /۸)، سرآمدان فرهنگ (۵۳ /۱)، سیری در شعر فارسی (۸۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸ -۱۷)، الکنی والالقاب (۴۵۴ /۱)، فهرست کتب چاپی (۴ -۲ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌یمین)، مجالس المؤمنین (۶۷۲ -۶۷۱ /۲)، مجمع الفصحا (۸ -۱ /۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۷۶۹، ۷۴۳)، هدیة العارفین (۴۰۸ /۲)، هفت اقلیم (۲۸۶ -۲۸۵ /۲).

ابوالفتح بستی، نظام الدین عمید

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بستی، علی بن محمد بن حسین بن یوسف بن محمد بن عبدالعزیز (ف. بخارا ۴۰۰ یا ۴۰۱ ه.ق.). از مشاهیر مترسلان و شاعران

پارسی و تازی در آغاز عهد غزنویان و اواخر قرن چهارم است. وی نخست در خدمت «بایتوز» امیر بست به سر می‌برد و دبیر او بود و پس از غلبه سبکیگین بر بایتوز به دبیری سبکتیگین منصوب شد و تا پایان حیات آن امیر و اوایل پادشاهی محمود صاحب دیوان رسائل بود، تا عاقبت به عللی سلطان بر او متغییر شد و بستی به دیار ترک افتاد و در آن غربت فروشده. عوفی گفته که خود و دیوان پارسی و تازی او را دیده.

(وف ۴۰۱ / ۴۰۰ ق)، شاعر و کاتب. ابتدا در دربار سامانیان به شغل دبیری اشتغال داشت و بعد از آن به خدمت امیر بست پیوست و تا هنگامی که ناصرالدین سبکتکین بر امیر بست غلبه یافت، سمت دبیری داشت ابوالفتح از بیم او متواری شد، لیکن سبکتکین که بر مرتبه‌ی او در دانش وقوف داشت وی را به خدمت خواند و به دبیری برگزید. ابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود و در اوایل سلطنت محمود نیز همچنان در شغل خود باقی ماند تا عاقبت به جهاتی سلطان بر او متغیر شد. وی در شعر و نثر عربی مهارت بسیار و در هر دو شهرت داشت و دارای دو «دیوان» بود، یکی تازی و دیگری فارسی. در بخارا درگذشت. ابوالفتح چند رساله‌ی در انشاء نیز نوشته است.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۴۴ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۸ –۴۵۷ / ۱)، تاریخ گزیده (۶۹۰)، تاریخ نظم و نثر (۴۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۶ / ۱)، لباب الالباب (۶۴ / ۱)، مجمع الفصحا (۱۵۰ / ۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۰۰)، نامه‌ی دانشوران (۱۹۷ –۱۷۳ / ۴)، وفیات الاعیان (۳۷۸ –۳۷۶ / ۳).

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هیثم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۶ –۲۸۴ ق)، مورخ، محدث، ادیب شاعر و موسیقیدان. در اصفهان متولد شد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابن درید و ابن‌انباری و محمد بن جریر طبری تحصیل کرد. وی از علی بن عباس بجلی و محمد بن جعفر قتّات و ابوبکر بن درید و نفطویه حدیث شنید. دارقطنی و ابراهیم بن احمد طبری و ابوالفتح بن ابی‌الفوارس از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالفرج در ادبیات، نحو، لغت، تاریخ، سیر، انساب، طب، نجوم و حدیث متبحر بود و شعر را نیکو می‌گفت. با اینکه نسب اموی داشت، شیعی زیدی بود و این را از عجایب شمرده‌اند. وی در بغداد درگذشت و همان جا دفن شد. مهمترین اثرش که او را جاودانه ساخته، کتاب «الاغانی» است که رجال قرن چهارم، مانند صاحب بن عباد و عضدالدوله‌ی دیلمی به آن توجه بسیار داشتند و گفته‌اند که عضدالدوله این کتاب را از خود در سفر و حضر دور نمی‌داشت. از دیگر آثار وی: «الاماء الشواعر»؛ «الدیارات»؛ «مقاتل الطالبین»؛ «اعیان الفرس»؛ «آداب الغرباء من اهل الفضل و الادب»؛ «اخبار جحظهٔ البرمکی»، «اخبار الطفیلیین»؛ «اشعار الاماء و الممالیک»؛ «جمهرهٔ النسب»؛ «دعوهٔ التجار»؛ «کتاب التنزیل فی امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الخمارین و الخمارات»؛ «کتاب الغلمان المغنین»؛ «مجرد الاغانی » و « دیوان» شعر.[۱]

اصفهانی علی بن حسین (و. ۲۸۴ ه.ق./ ۸۹۷ م.– ف. ۳۵۶ ه.ق./ ۹۶۷ م.) نویسنده و ادیب قرن چهارم. وی در ادب عرب شاگرد ابن درید و ابن‌الانباری و محمد– ابن جریر طبری بود و کتاب مشهورش الاغانی (اغانی) است، دیگر از آثار او «مقاتل الطالبین»، «الاماء الشواعر» و «الدیارات» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۳۱)، الاعلام (۸۸/ ۵)، اعیان الشیعه (۲۰۱ –۱۹۸/ ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۲/ ۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۴۵ –۱۴۳/ ۳۸۰ –۳۵۱)، تاریخ برگزیدگان (۲۷۴ –۲۷۲)، تاریخ بغداد (۴۰۰ –۳۹۸/ ۱۱)، تاریخ در ایران (۲۴ – ۲۳)، تاریخ هنرهای ملی (۷۳۶ –۷۳۵/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۸ –۹۷۷/ ۷)، دائرةالمعارف البستانی (۳۰۴ –۳۰۳/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۶/ ۱)، الذریعه (۳۷۷ –۳۷۶/ ۲۱، ۷۴۲/ ۹، ۲۸۷/ ۸، ۲۵۰ –۲۴۹/ ۲)، سرآمدان فرهنگ (۸۲ –۸۱/ ۱)، سیر النبلاء (۲۰۳ –۲۰۱ –۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۴ –۱۸۳/ ۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۸۹)، الفهرست للطوسی (۳۷۹)، فوائد الرضویه (۲۸۰ –۲۷۸)، الکامل (۲۵/ ۷)، کشف الظنون (۱۹۵۱، ۱۹۴۷، ۱۴۴۴، ۱۲۵۶، ۷۵۶، ۶۰۵، ۴۱۹، ۳۶۰، ۱۶۱، ۱۲۹، ۱۲۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۹ –۱۳۸/ ۱)، لسان المیزان (۱۵ –۱۳/ ۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفرج)، معجم الادباء (۱۳۶ –۹۴/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۷۹ –۷۸/ ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۳ –۲۱۲/ ۴)، نامه‌ی دانشوران (۵۸ –۴۴/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۶ –۲۰/ ۲۱)، وفیات الاعیان (۳۰۹ –۳۰۷/ ۳)، هدیهٔ العارفین (۶۸۱/ ۱).

ابوالقاسمی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابوترابی علوی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابوترابی علوی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر بن العالم الجلیل آسید ابوتراب قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین بودند

تولد ایشان در سال ۱۳۱۶ قمری در دارالسلطنه قزوین واقع شده و پس از دو سال در خدمت والد خود به عتبات عالیات مشرف و مدت ۱۵ سال در تحت مراقبت چنان پدری که مظهر قدس و ورع و تقوا بودند تربیت و در سال ۱۳۳۱ ق مراجعت به ایران و قزوین نموده و در آنجا شروع به مقدمات و سطوح را خدمت والد خود و سایر علماء خوانده و در سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به قم و خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللَّه آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و مراتب دانش و اجتهادشان مورد تصدیق آن مرحوم و مشحون به دست خط مبارکشان گردیده و از مرحوم محدث قمی و والدشان هم اجازه روایتی داشته و بعد به امر مرحوم آیت‌اللَّه حایری به قزوین آمده و تا آخر عمر به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین اشتغال داشته تا بعد از ۱۳۸۰ وفات و به صالحین نیاکانش ملحق گردیده است چنانچه در ذیل ترجمه والدشان اشاره نمودم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ابوترابی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۰/۳

ابوترابی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در شهر مقدس قم متولد شد. پدر بزرگوارش آیت الله سید عباس ابوترابی، فرزند آیت الله سید ابوتراب و مادرش دختر آیت الله سید محمد باقر علوی قزوینی است. حجت الاسلام ابوترابی تحصیلات ابتدایی تا پایان دوره دبیرستان را با موفقیت سپری کرد و در سال ۱۳۳۶، موفق به اخذ دیپلم ریاضی شد. پس از اخذ دیپلم با توصیه پدر بزرگوارش به تحصیل دروس دینی علاقمند شد و در سال ۱۳۳۷ به مشهد مقدس عزیمت نمود و در مدرسه نواب اقامت گزید. دروس مقدماتی و دوره سطح را با جدیت و تلاش شبانه روزی و استعدادی شگرف در حوزه علمیه مشهد گذراند و از اساتید بزرگی چون ادیب نیشابوری و مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی بهره های فراوانی برد. با آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال ۴۲، همراه با حاج آقا مصطفی وارد جریانات سیاسی شد و در تظاهرات مردم قم در ۱۵ خرداد سال ۴۲، حضوری فعال داشت. در هجوم عوامل رژیم ستمشاهی به مدرسه فیضیه، مورد ضرب و شتم مأمورین شاه قرار گرفت. در پی تبعید حضرت امام (ره) به نجف اشرف، ایشان نیز به نجف مشرف و مشغول تحصیل شد و در محضر امام راحل(ره) از درس خارج فقه و اصول معظم له بهره مند شد. پس از حدود شش سال تحصیل در نجف، هنگامی که اعلامیه های امام خمینی (ره) را در کیف خود جاسازی کرده بود تا به ایران بیاورد، در مرز خسروی باز داشت شد و ساواک ایشان را به زندان قصر شیرین، سپس به زندان کرمانشاه و زندان کمیته مشترک و پس از آن به زندان اوین منتقل کرد و او را مورد شکنجه و بازجویی قرار داد. پس از آزادی از زندان، فصل جدیدی در فعالیتهای سیاسی ایشان آغاز شد و همراه با شهید مجاهد، سید علی اندرزگو علاوه برمبارزات سیاسی، به سازماندهی جهاد مسلحانه همت گماشتند و در این دوره بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفتند. مرحوم ابوترابی به واسطه حشر و نشر فراوان با شهید اندرزگو، عمیقاً با خصوصیات اخلاقی و صفات حسنه آن مجاهد فی سبیل الله آشنا شده بود و خاطرات بسیاری از او به یاد داشت. در توصیف شهید اندرزگو فرموده است که: "شهید سید علی اندرزگو، از یک اخلاق اسلامی در سطح بسیار بالا برخوردار بود و آن گونه بود که قرآن می فرماید: "... اشداء علی الکفار و رحماء بینهم". مرحوم ابوترابی، با افرادی چون شهید رجایی ارتباط نزدیک و همکاری تنگاتنگی داشت و در جلسات ماهانه شهید آیت الله بهشتی شرکت می کرد و از نزدیک با آن شهید عزیز در زمینه جذب نیروهای فعال و تحصیلکرده همکاری داشت. وی همچنین با سایر مبارزان و علمای مجاهد دوران ستمشاهی، از جمله رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای همکاری و ارتباط داشت. با آغاز مبارزات انقلابی مردم ایران، او سر از پا نمی شناخت و خواب را بر خویش حرام کرده بود به طوری که خود ایشان می گفت: "در آن روزهای پر التهاب، کار ما سنگین بود و بسیار اتفاق می افتاد که در طول شبانه روز کمتر از یک ساعت می خوابیدیم". در جریان پیروزی انقلاب، فرماندهی گروهی از مردم که کاخ سعدآباد را به تصرف در آوردند به عهده داشت و امکانات و وسایل موجود در کاخ را مورد حفاظت قرار

داده و تحویل مقامات ذی صلاح داد. ایشان همچنین با همکاری برادرشان حجت الاسلام سید محمد حسن ابوترابی، در تصرف پادگان لشکر قزوین نقش کلیدی داشتند و از خروج اسلحه و ادوات و تجهیزات جنگی ممانعت کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان رئیس کمیته انقلاب اسلامی قزوین به خدمت محرومان و مستضعفان پرداخت و پس از آن با رأی مردم، به عضویت شورای شهر قزوین انتخاب و رئیس شورا شد. همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، با لباس رزم به سوی جبهه رفت و در کنار شهید دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگهای نا منظم به سازماندهی نیروهای مردمی پرداخت و شخصاً به ماموریت های شناسایی رزمی و دشوار می رفت. آزادی منطقه پر حادثه و خطرناک ((دب حردان)) به فرماندهی وی و در رأس یک گروه متشکل از یکصد رزمنده فداکار، یکی از اقدامات ایشان است. مرحوم ابوترابی سرانجام در روز ۲۶ آذر ماه سال ۵۹ در جریان یکی از مأموریتهای شناسایی که برای تکمیل شناسایی قبلی خویش انجام داد تا نیروهای ستاد جنگهای نامنظم آماده یک عملیات گسترده شوند، بر اثر اشتباه یکی از همراهان خود، در حالی که هفت کیلومتر از نیروهای خودی دور شده و تا ۲۰۰ متری دشمن پیشروی کرده بود، هنگام بازگشت مورد شناسایی دشمن بعثی قرار گرفت و گرچه می توانست خود را از دام دشمن برهاند، اما چون قصد داشت همراهان خود را نجات دهد، با تانک و نفربر به تعقیب وی پرداختند و نهایتاً به اسارت دشمن در آمد. مرحوم ابوترابی پانزده ماه اول اسارت را در سلولهای زندانهای بغداد و تحت شدید ترین شکنجه ها گذراند و در اراده پولادین این مرد خدا خللی ایجاد نشد تا پس از سپری کردن سختی های فراوان و دو بار تا پای چوبه دار رفتن با لطف و رحمت الهی و امدادهای غیبی، ایشان به اردوگاه و جمع اسیران ایرانی منتقل شد. حجت الاسلام ابوترابی پس از حضور در جمع سایر اسیران، با رهبری حکیمانه خود و با تمسک به ائمه معصومین (ع) و با معنویت و سعه صدر و حلم و بردباری فوق العاده مکر و حیله دشمنان بعثی را بی تأثیر نمود و شمع محفل ایران شد و در جهت تقویت روحیه مقاومت و ایمان آنان از هیچ اقدام و ایثاری دریغ نورزید. هدف و راه را به آنان نشان می داد و چون ابری فیاض، امید و ایمان را بر آنان می بارید. اردوگاههای عنبر، موصل ۱، ۳، ۴ و رمادیه و تکریت ۵، ۱۷، ۱۸، و نیز سلولهای زندانهای بغداد شاهد خوبیها و مجاهدتهای خستگی ناپذیر آن عارف حکیم هستند. این عارف مجاهد، پس از ده سال اسارت سرانجام در سال ۱۳۶۹، همراه با خیل آزادگان سرافراز به میهن اسلامی بازگشت و به جای آنکه پس از سی سال مبارزه و تلاش طاقت فرسا به استراحت بپردازد، راهی دشوارتر را در پیش گرفت و همراهی آزادگان و پی گیری مشکلات آنان را وظیفه خود می دانست و در این راه تمام تلاش و توان خود را صرف کرد و در تاریخ ۷/۷/۶۹ با حکم رهبر معظم انقلاب در جایگاه نماینده ولی فقیه در امور آزادگان قرار گرفت و تمام سعی خویش را به کار بست تا آزادگان، مایه عزت و تقویت نظام جمهوری اسلامی باشند. در دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، با رأی بالای مردم قدرشناس تهران به عنوان نفر دوم و سوم مجلس راه یافت و در خانه ملت، با نطق های خود، مسئولین و کارگزاران نظام را به رعایت عدالت، توجه به توده مردم و حفظ ارزشهای دینی نمود. مرحوم ابوترابی، تقویت و دفاع از نظام اسلامی و ولایت فقیه را واجب می دانست و نسبت به شخص مقام معظم رهبری ارادت و اعتقاد ویژه ای داشت و اطاعت از ایشان و تقویت معظم له را در هر مجلس و محفلی متذکر می شد. آن مجاهد خستگی ناپذیر، سرانجام در تاریخ دوازدهم خرداد ۷۹ در حالی که همراه پدر بزرگوارشان عازم مشهد مقدس و زیارت حضرت ثامن الحجج (ع) بودند، در جاده بین سبزوار و نیشابور، براثر تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد و ارواح آن عالمان وارسته از خاک به افلاک پر کشیده و به لقاء الله پیوستند. این بزرگوار در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع) غرفه ۲۴ به خاک سپرده شد.

ابونراس اهوازی، حسن

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران معروف دوره‌ی بنی‌عباس است که بین ۱۳۰ و ۱۴۵ ق در اهواز از مادری ایرانی متولد شد و در بصره و کوفه پرورش یافت و سپس به بغداد رفت و به خدمت برامکه پیوست و بعد از افول دولت آنها به مصر گریخت، ولی دگر بار به بغداد بازگشت و از مقربان خلیفه، امین، شد. ابونراس به قولی در زندان و به ۲ قولی دیگر در میخانه‌ای در بغداد بین ۱۹۸ و ۲۰۰ ق وفات یافت. اشعار وی بیشتر در وصف می و معشوق و بعضی در مدح هارون الرشید وامین است. «دیوان» اشعار او بعد از مرگش توسط ادبا تدوین گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۱ -۲۴۰ /۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۱۵ -۲۹۶)، تاریخ بغداد (۴۵۰ -۴۳۶ /۷)، خاندان نوبختی (۲۳ -۲۱)، دائرةالمعارف البستانی (۳۷۱ -۳۶۸ /۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶ /۱)، روضات الجنات (۵۱ -۳۶ /۳)، ریاض العلماء (۵۲۶ - ۵۲۵ /۵)، ریحانه (۲۹۰ -۲۸۷ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه، (۲۶۷ -۲۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۶۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونواس)، مجالس المومنین (۵۸۳ -۵۸۲ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۸۶ -۲۸۳ /۱۲)، وفیات الاعیان (۱۰۴ -۹۵ /۲).

ابونصر (ابومضر)

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نجم‌الدین محمود بن جریر ضبی اصفهانی، ادیب نحوی معتزلی لغوی معروف به «فرید العصر»، در نحو و لغت و طب، بلکه در جمیع

علوم و فنون سرآمد اهل زمان بوده و بدو مثال می‌زدند. در خوارزم سکونت داشته و مذهب معتزله را ترویج می‌کرده و جمعی کثیر از علما که از آن جمله است زمخشری از محضر او مستفید شده‌اند. در سال ۵۰۷ در مرو وفات یافته کتاب: ۱- زاد الراکب، در متفرقات ادب و اشعار و حکایات ۲- مسالک العباد، در تصوف به فارسی ۳- مناهج الطالبین از اوست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ابونصر قاینی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. معروف به مناح. وی از ادبای معروف عصر خود بود که شعر عربی را نیکو می‌سرود و در حکمت نیز دست داشت. در بعضی منابع کتاب «قراضه‌ی طبیعیات» را به وی نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۵۲)، بهارستان (۱۶۹ -۱۶۷)، تاریخ نظم و نثر (۶۳)، الذریعه (۶۵ /۱۷).

ابونصر قباوی بخاری، احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، مترجم. وی از مردم قبای بخارا بود. در سال ۵۲۳ ق کتاب «تاریخ بخارا» را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی در سال ۳۳۲ ق برای نوح بن نصر سامانی نوشته بود، با جرح و تعدیل‌هایی ازعربی به فارسی بسیار فصیح ترجمه کرد که از شاهکارهای نثر فارسی است. این کتاب در سال ۵۷۰ توسط محمد بن زفر بن عمر، خلاص شد و اینک همان خلاصه در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۸ -۹۷۷ /۲)، تاریخ بخارا (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (۷۰ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۵۹۴ /۱).

ابونصر مشکان، منصور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۱ ق)، نویسنده و منشی معروف به شیخ عمید. صاحب دیوان رسالت محمود غزنوی و پسرش مسعود بود. از منشیان زبردست زمان خود که در نثر عربی و فارسی استاد بود. ابوالفضل بیهقی مورخ معروف که دستیار و دست پرورده‌ی او در دیوان رسالت بود، از استاد خود به نیکی یاد می‌کند و سبک نگارش خود را متأثر از وی می‌داند و چندین مکتوب وی را در تاریخ خود آورده است که آثار قلمی وی همین مکاتیبی است که بیهقی در اثر خود نقل کرده است.[۱]

شیخ العمید ابونصر بن مشکان (ف. ۴۳۱ ه.ق.). وی در ادب فارسی و تازی دست داشت و صاحب دیوان رسایل محمود ومسعود غزنوی بود (تا پایان حیات) نمونه‌هایی از انشای او در تاریخ بیهقی موجود است و ابوالفضل بیهقی خود شاگرد او بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۴ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۶۷)، تاریخ گزیده (۳۹۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶ /۱)، سبک شناسی (۶۹ -۶۶ /۲)، الکامل (۲۱ /۸)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۳۱).

ابهری، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید شمس‌الدین بن السید الجلیل السید اسدالله موسوی ابهری که از ذراری حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام و از علماء مبرز معاصرین بوده است در تهران وی در سال ۱۳۲۴ قمری در ابهر متولد شده پس از تحصیل سطوح در قزوین در سال ۱۳۴۹ قمری ببلده طیبه قم عزیمت نموده و در حوزه درس اساتید بزرگ بالاخص مرحوم آیه‌الله حایری و مرحومین آیتین آقای حجت و آقای حاج سید محمد تقی خونساری قدس‌الله انفسهم استفاده نموده و از آن بزرگواران مفتخر به اخذ تصدیق اجتهاد شده و پس از فوت مرحوم آیه‌الله حایری بنجف اشرف مشرف گردیده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله اصفهانی حاضر و از آن بزرگوار هم به اخذ تصدیق اجتهاد نائل و در اثر تأکید و تقاضای اهالی ابهر بامر مرحوم آیه‌الله اصفهانی به ابهر مراجعت نموده و در مسجد جامع ابهر باقامه جماعت و وظائف دینی پرداخته و مورد توجه عموم قرار گرفته و بواسطه حسن عمل و اخلاق حسنه محبوبیت بسزائی

تحصیل کرده تا در سال ۱۳۶۲ قمری و غائله توده‌ای‌های آذربایجان که مجبور بمهاجرت به تهران گردیده و مورد اقبال و توجه جمعی از علاقمندان گشته و آنان از مقام فضل و دانش و محامد آداب ایشان استفاده نموده و چند سالی در مسجد سلیمی خیابان ناصر خسرو اقامه جماعت و بعد در مسجد باب‌الحوائج خیابان صفا شهباز به اداء وظیفه دینی و روحی اشتغال یافته تا در ایام فاطمیه که در سال ۱۳۹۲ قمری که در منزلش مجلس سوگواری منعقد بود بسکته قلبی بدرود حیات گفته و با تشییع مجلّلی حمل بقم و در جنب وادی‌السلام قم مدفون گردیده است.

از آثار ایشانست تعمیر ماسجد خاصه تجدید بناء مسجد جامع ابهر که از آثار قدیمه میباشد که توسط آنمرحوم آباد گردیده و نیز مدرسه برای طلّاب علوم دینی احداث و بنا نموده و چندین طلبه را تکفل و تشویق بتحصیل علوم دینی نموده که از فضلاء امروز ابهر و حومیه آن در قم میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابهری، کمال الدین ابوعمرو، ابوعمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، ادیب، شاعر. از وزیران سلجوقیان بزرگ بود. پیش از وزارت، در دستگاه سلطنت کارهای خطیر و مشاغل مهم دیوانی داشت وی زمان هرج و مرج سلطنت طغرل از بیم دشمنان در جامه‌ی اهل تصوف به حجاز رفت و از آن جا، رباعیی در وصف حال خود سرود و به ابهر فرستاد. همان رباعی در تذکره‌ها به عنوان شاهد شعری وی ثبت شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۷۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۳ -۱۴۲ /۹)، دستورالوزراء (۲۲۰ -۲۱۹)، نسائم الاسحار (۹۱ -۹۰).

ابهری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن آیه‌الله الحاج السید شمس‌الدین موسوی ابهری مزبور از علماء معاصر و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم است. وی در ابهر متولد شده و با معیت والدش بتهران آمده و پس از خواندن مقدمات بقم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ به پایان رسانیده آنگاه در درس خارج آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی شریعتمداری و آیه‌الله العظمی امام خمینی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و نیز آیه‌الله العظمی گلپایگانی شرکت و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا معقولا و منقولا استفاده‌ی کامل نموده و هم از فلسفه و تفسیر علامه طباطبائی بهره‌مند و بنابر دعوت مردم شهر آراء تهران و امریه حضرت آیه‌الله العظمی شریعتمداری بتهران منتقل و در مسجد شهر آراء باقامه‌ی جماعت و ترویج دین پرداخته تا فوت مرحوم والدش در جمادی الاولی ۱۳۹۲ قمری که در مسجد آن مرحوم نیز بانجام وظیفه مشغول میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابیوردی کوفنی، ابوالمظفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۷ ق)، ادیب، شاعر، نسب شناس و محدث شیعی. در بعضی کتب شهرت او را کوفنی نوشته‌اند. در کوفن، دهی میان ابیورد و نسا، متولد شد. به بغداد رفت و به خدمت مؤید الملک بن نظام الملک درآمد. و به درخواست او عمیدالدوله را هجو کرد و عمیدالدوله شکایت به نزد خلیفه برد که ابیوردی شعر در هجای خلیفه عباسی و مدح خلیفه فاطمی مصر سروده است. خلیفه خون او را مباح کرد. ابیوردی به همدان گریخت و نسبت مجعول منسوب به معاویهٔ بن محمد بن عثمان را برای خود ساخت. وی پس از فرار از بغداد، مدتها در اصفهان به پریشانی زیست، و از رهگذر تعلیم فرزندان زین الملک برسق گذران زندگی می‌کرد، ولی بعد به دربار سلطان محمد سلجوقی راه یافت و سلطان او را مشرف مملکت خود کرد. گویند بعد از قاضی ابویوسف اسفراین متصدی دارالکتب نظامیه‌ی بغداد شد. و در اصفهان مسموم شد و از دنیا رفت. ابیوردی از اسماعیل بن مسعده‌ی جرجانی، عبدالوهاب بن محمد بن الشهید و ابوبکر بن خلف شیرازی حدیث شنید و از ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و عبدالقاهر جرجانی، روایت کرد. محمد بن طاهر مقدسی در کتاب «انساب» خویش از ابیوردی بسیار روایت کرده است. از آثار وی: «قبسهٔ العجلان فی نسب آل ابی‌سفیان»؛ «المجتبی من المجتنی»؛ «المختلف و المؤتلف»؛ «طبقات العلم»؛ «تعلهٔ المشتاق»؛ «کوکب المتأمل»؛ «کتاب فی انساب»؛ «الدرهٔ الثمینهٔ»؛ «تاریخ ابیورد و نسا». وی صاحب «دیوان» شعری است در سه بخش: «عراقیات»، «نجدیات» و «جدیات». او را در مرثیه امام حسین (ع) قصیده‌ای است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۹ /۶)، اعیان الشیعه (۱۰۲ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۹ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۶ /۹)، الذریعه (۳۵ /۱۷، ۹۶ /۸، ۲۱۹ /۴)، روضات الجنات (۱۹ /۸)، ریاض العلماء (۲۹ -۳۰ /۵)، ریحانه (۷۲ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۷ /۶)، الکامل (۲۶۸ -۲۶۷ /۸)، کشف الظنون (۱۹۴۲، ۱۹۳۰، ۱۶۳۷، ۱۱۰۵، ۹۴۵، ۷۷۴، ۳۹۸، ۲۸۱)، الکنی و الالقاب (۱۱ -۱۰ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابیوردی)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۳۴ /۱۷)، معجم المؤلفین (۳۱۴ /۸)، الوافی بالوفیات (۹۳ -۹۱ /۲)، وفیات الاعیان (۴۴۹ -۴۴۴ /۴)، هدیهٔ العارفین (۸۲ -۸۱ /۲).

ابیوردی، حسام الدین، ابومحمد حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۶ -۷۶۱ ق)، دانشمند، فقیه و خطیب شافعی. اصل وی از سرخس بود ولی در ابیورد تولد یافت و همان جا نشو و نما کرد. وی شاگرد ملا سعدالدین تفتازانی بود. به بغداد رفت و بعد از ان به اصفهان، و در این شهر به تحصیل علوم ریاضی پرداخت. ابیوردی در مکه سکومت گزید و در آخر عمر راهی یمن شد و در آنجا مجلس درس دایر کرد. وی از زاهدان زمان، و بر مذهب غلاهٔ و اهل تفویض بود. از آثار وی: «ربیع الجنان فی المعانی و البیان»؛ حاشیه بر شرح قطب الدین رازی بر «مطالع الانوار» سراج الدین ارموی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۷ -۱۱۴۶ /۹)، روضات الجنات (۳۸ -۳۷ /۴)، ریحانه (۴۲ /۲)، کشف الظنون (۱۷۱۶ ،۸۳۳)، معجم المؤلفین (۲۵۱ -۲۵۰ /۳)، هدیهٔ العارفین (۲۸۷ /۱).

اثناعشری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند حاج ولی‌اللّٰه اثناعشری از دانشمندان خدوم و مروجین دین و مبلغین احکام و ناشرین معارف اهل بیت و دلسوخته‌گان خاندان رسالت علیهم‌السلام و سالار شهیدان علیه الصلوه والسلام است، که در منزل خود به خدمات دینی و روحی و تبلیغ اسلام و تهذیب نفس و اخلاق داوطلبان و شیفته‌گان اهل‌بیت عصمت و طهارت و بالاخص منتظرین ظهور حضرت مهدی فاطمه سلام‌اللّٰه علیها و علیه اشتغال دارند.

وی در تاریخ ۱۳۱۲ شمسی در تهران متولد شده و در دامن پدری باایمان و تقوا و ولایت آل اللّٰه پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و از محضر و درس عالم ربانی و سالک سبحانی ثقهٔ‌الاسلام حاج شیخ حسین زاهد امام جماعت مسجد امین‌الدوله طهران استفاده نموده و نیز قسمتی از سطوح را از مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر قزوینی فراگرفته و در ماه ذیقعده سال ۱۳۷۰ قمری به قم آمده و از محضر و دروس مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مقداری آیت‌اللّٰه حجت رحمه‌اللّٰه و حاج شیخ عبدالنبی عراقی و بالاخص آیت‌اللّٰه بروجردی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۴ شمسی به نجف اشرف مشرف شده و حدود سه سال اقامت و از محضر و ابحاث حاج شیخ محمدحسین تهرانی معروف به قاجار که از اعاظم علماء و فقهاء نجف بوده استفاده کرده و در سال ۱۳۴۷ شمسی مراجعت به تهران نموده و تا حال تحریر ۱۴۱۱ قمری به خدمات یاد شده اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اثنی عشری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا حسن اثنی عشری برادر مرحوم حسین اثنی عشری که پس از وی در مساجد او در شهر ری به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته تا در هفتم ماه صفر ۱۳۹۱ وفات نموده و در کشیکخانه آستانه مقدسه مدفون گردیده است وی نیز مقدمات را در ری خوانده و به قم مهاجرت کرده و سطوح و نهائی را از اساتید حوزه آموخته آنگاه به ری برگشته و بخدمات دینی پرداخته تا در سال مذکور دعوت حق را اجابت نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اثنی عشری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا حسین بن السید الجلیل المرحوم الحاج السید حاج آقا اثنی عشری اعتمادی از علماء ابرار و اتقیاء اخیار شهرستان ری (زاویه

مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) است که به تقوا و پارسائی و تعصب در دین معروف و موصوف بوده‌اند.
وی در سال ۱۳۱۸ قمری در شهر ری متولد و در مهد تربیت مرحوم والدش که از روساء آستانه مقدسه و محترمین زاویه مقدسه بوده نشو و نما یافته و دروس جدید را به پایان رسانیده آنگاه بتحصیل مقدمات و ادبیات در مدرسه محمدیه تهران پرداخته و بعد از تکمیل آن در سال ۱۳۴۹ قمری به قم مهاجرت و سطوح را از اساتید حوزه چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مد ظله فراگرفته و در دروس خارج مرحوم آیت‌اللّه حایری مقداری و پس از ایشان از محضر مرحومین علمین آیتین حجت و خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری بوطن مذکور خود برگشته و بوظائف دینی پرداخته و در آستانه مقدسه اقامه جماعت و همه شب تبلیغ دین و تفسیر کتاب مبین نموده و در امر بمعروف و نهی از منکر بسیار ساعی و جدی و در این موضوع (لاـ یخافه لومه لائم) بوده تا در شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان ۱۳۸۴ قمری که در هنگام انجام وظیفه در بالای منبر بسکته قلبی بدرود حیات گفته و در رواق مطهر نزدیک درب حرم شریف مدفون گردیده است.
از آثار اوست تفسیر اثنی عشری در ۱۴ جلد که در حیات آن مرحوم طبع و نشر گردیده و دیگری رساله‌ای در اخبار و احادیث و رساله‌ای در اصول عقاید که بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اجلالی، امین‌پاشا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه مسائل دستوری، دروس حماسی و عرفانی، فرهنگ شاهنامه، راهنمائی ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و مشاوره ۳ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تحقیقی و تدریسی بیشتر برای کمک درس دانشجویان و استفاده آنان در درک بهتر مطالب ادبی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبی، عرفانی، دستوری، فرهنگی و لغوی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

احترامی، منوچهر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منوچهر احترامی متولد سال ۱۳۲۰ است. در مدارس مروی و دارالفنون دوران تحصیل را طی کرد و از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التّحصیل شد.

وی سال‌ها به عنوان طنزنویس با نشریات مختلف همکاری داشت و طی چندسال گذشته اغلب آثارش را در مجله گل‌آقا چاپ می‌کرد.

طنزنویسی را به طور جدّی از سال ۱۳۳۷ با مجله توفیق آغاز کرد و با مطبوعات دیگر و نیز رادیو و تلویزیون هم همکاری داشت. امضاهای مستعار، «م.پسرخاله»، «الف ـ اینکاره» و ... از امضاهای اوست .

احترامی مجموعه‌ای از این آثار را درکتاب «جامع الحکایات» منتشر کرد و چاپ بخشی از داستان‌های طنزش را در مجموعه «بچه ها، من هم بازی» تدارک دید.

منوچهر احترامی تاکنون بیش از پنجاه عنوان کتاب برای کودکان نوشته و منتشر کرده که «حسنی نگو یه دسته گل» و «خروس نگو یه ساعت» و «خرس وکوزه عسل» و «دزده و مرغ فلفلی» و... از آن جمله‌اند.

خودش دربارهٔ تحصیلش می گوید:«چند ماهی رشتهٔ ریاضی خواندم. چون شیطان بودم، بیرونم کردند. جایی اسمم را ننوشتند و مجبور شدم بروم مدرسهٔ مروی در محلّهٔ ناصرخسرو. چهارم و پنجم را آن‌جا خواندم و ششم را دارالفنون. انصافاً هم سطح این دو مدرسه بالا بود. ما بیست و پنج نفر بودیم که بیست و چهار نفرمان برای دورهٔ لیسانس پذیرفته شدیم. سال سی و نه دانشکدهٔ حقوق قبول شدم. بچه‌ی درس‌نخوان شاگرد اوّلی بودم!» و ایضاً بخوانید خاطره‌ای از دوران تحصیل ایشان:«یادم هست یک‌بار چون بچّهٔ زرنگ کلاس بودم، همه امتحان ریاضی را از روی دست من نوشتند. معلّممان دید که برگه‌ام را آویزان کرده‌ام که بقیه ببینند، با خودکار قرمز بالای برگه نمرهٔ یک گذاشت و رفت. همه آن امتحان را هجده شدند و من، یک! جالب این‌جاست که رفقا هنوز هم این خاطرهٔ بد من را به عنوان خاطرهٔ شیرین دورهٔ تحصیلشان همه‌جا تعریف می کنند»

احترامی در عرصهٔ طنز به خاطر تسلّط بر ادبیات فارسی از سبک‌ها و قالب‌های گوناگون استفاده می کند.

وی در روز چهارشنبه، ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ بر اثر نارسایی قلبی، در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت.

احدی نسب، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی احدی نسب

محل تولد : شمیران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ همزمان با اتمام سطح حوزه وارد دانشگاه شدم و رشته فلسفه را از دانشگاه شهید بهشتی و در مقطع کارشناسی به اتمام رساندم و همزمان به تدریس در حوزه پرداختم. بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه مفید به تحصیل پرداخته و همزمان در درس خارج شرکت کردم و در طی تحصیل در مراکز مختلف به تدریس مشغول بودم.

احدی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی احدی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب" الزبده "را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:

۱- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.

۲- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیقه فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایهٔ الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.

خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیهٔ الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.

مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.

منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احسانبخش، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق احسانبخش از علماء و ائمه جماعت و مروجین ارزنده‌ی معاصر رشت می‌باشد.

وی در شهر رشت متولد شده و دروس جدید و مقدمات را در محل خود خوانده سپس مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ قم به پایان رسانیده و پس از آن از محضر آیات عظام حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه موسوی و دیگران استفاده نموده و بعد به وطن خویش شهر رشت برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت در مسجد (چینی‌چیان) و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

احسانی فر، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد احسانی فر

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

با اخذ سوم نظری در دبیرستان، در اوّل پاییز سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه لنگرود شدم. به رغم نشاط و رونق علمی کم نظیر این حوزه کوچک شهرستانی در زمان ریاست مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاجّ شیخ علیرضا ممجّد لنگرودی (قدس) برای تحصیل فراغت بال و فرار از آمد و شدها، در سال تحصیلی بعد به حوزه مشهد و در سال سوّم به حوزه کاشان عزیمت نمودم. پاییز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم و پیوسته در اینجا مشغول به تحصیل و وظایف طلبگی هستم.

جامع المقدمات، منطق، حاشیه و بخشی از سیوطی را نزد مرحوم آقای ممجّد (قدس) در حوزه لنگرود خواندم. بقیه سیوطی، مغنی و بخشی از معالم را در مشهد و بقیه معالم را در تابستان در لنگرود و مختصر و جلد اوّل اصول مظفّر و کتب عبادات شرح لمعه را در حوزه کاشان و بقیه دروس را در قم گذرانده، از پاییز سال ۱۳۶۷ حضور در خارج فقه و اصول را آغاز نمودم.

احسائی، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. دومین فرزند شیخ احمد احسائی. که در حساهجر مرکز شیعی نشین ساحل شبه جزیره‌ی عرب متولد شد. شاگرد و پیرو مکتب تند پدرش در تشیع بود و در سفرهای ایران و عراق او را همراهی می‌کرد. بیش از ده تألیف در کلام و تفسیر، نزدیک به شیوه‌ی فلسفی پدرش، دارد که برخی از آنها چاپ شده است. علینقی در کرمانشاه درگذشت و چون انتقال جنازه را حرام می‌دانست، در همان جا به خاکش سپردند. وی شعر نیز می‌سرود و «دیوان» اشعارش به چاپ رسیده است. از آثارش: «نهج المحجهٔ»، در امامت؛ «منهج السالکین» یا «منهاج السالکین»، در اخلاق؛ «المعاد»؛ «واضح المنار فی علم الاسرار»؛ «رسالهٔ فی القصهٔ الموسی و الخضر»؛ «رسالهٔ العلم»؛ «الرد علی رسالهٔ بعض العرفا»؛ «مشرق الانوار» در حکمت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۰۴/ ۹)، الذریعه (۱۲ -۱۱ /۲۵ ،۴۲۴ /۲۴ ،۱۸۹ ،۱۶۱ /۲۳ ،۱۷۳ /۲۱ ،۱۹۵ /۲۰ ،۹۸ /۱۷ ،۳۱۶ /۱۵ ،۱۹۷ /۱۰ ،۷۶۳ /۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۲ /۴)، معجم المؤلفین (۲۵۵ -۲۵۴ /۷).

احمدپناهی، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال احمد پناهی

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا احمد خان بیگی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۵۸ – ۵۷ با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال ۵۹ دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم.

در سال ۷۸ با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال ۷۸ برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال ۸۱ به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم.

در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدزاده بزاز، عبدالمطلب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمطلب احمدزاده بزاز

محل تولد : خرمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) اهواز شدم. در زمان ورود به حوزه مدرک سال دوم تجربی را داشتم، تا سال ۱۳۶۵ در این حوزه درس خواندم. ادبیات را به طور کامل، معالم الاصول، شرح لمعه، اصول مظفر و قسمت قطع و ظن رسائل را در اهواز به پایان بردم. از سال ۱۳۶۵ به حوزه قم آمدم و تا سال ۶۹– ۶۸ باقیمانده سطح یعنی برائت و استصحاب، رسائل، مکاسب و کفایه را گذراندم. پس از آن همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی، باقیمانده دوره متوسطه را به صورت متفرقه خواندم.

درس خارج اصول از ابتدا بر اساس کفایهٔ الاصول از سال ۱۳۶۹ شروع و در سال ۱۳۸۶ به پایان رسیده است. درس خارج فقه در سالهای ۶۹ و ۷۰ مباحث صلاهٔ بوده است و پس از آن مباحث فقه المعاملات (از ابتدای بیع) بر اساس مکاسب شروع شده که تاکنون ادامه دارد.حدوداً ده سال همزمان با درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی از محضر درس خارج مباحث طهارت تا خمس (بر اساس عروه) حضرت حجهٔالاسلام حاج شیخ محسن وحید خراسانی نیز استفاده برده ام.

از سال ۱۳۷۱ جهت تحصیل در رشته حقوق وارد دانشگاه مفید شده ام که اکنون در حال تدوین رساله در مقطع دکتری می باشم. امتحان جامع نیز سپری شده است.

در زمان تحصیل دروس حوزوی، به صورت پراکنده از مباحث ادبیات گرفته تا فقه و اصول تدریس داشته ام که بیشتر آنها را در خاطر ندارم. پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد نیز دروس تخصصی رشته حقوق را از جمله در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز تدریس کرده ام.

احمدسلطانی، منیره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

خلاصه : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۳۱در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان «کسایی» گذراند بعد به دبیرستان « عطار» رفت و در ادامه در دبیرستان « اسدی» دوره متوسطه را به اتمام رسانید. خانم باوندی (همسر محمد زهری) نیز یکی از معلمان منیره احمد سلطانی بود که دراین راه او را بسیار تشویق کرد و در واقع جرقه شوقی را که معلمان ابتدایی او زده بودند به آتش اشتیاقی برای مطالعه بدل کرد. در سال ۱۳۴۷ دررشته حقوق دانشگاه پذیرفته شد که به احترام پدر وارد دانش سرای عالی شد و در سال ۱۳۵۱ مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه علامه طباطبایی گرفت و بعد از یک وقفه طولانی به دلیل حوادث انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۴ مدرک کارشناسی ارشد خود را نیز اخذ کرد و در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج تحصیلات خود را ادامه داد و از پایان نامه دکتری خود دفاع کرد. منیره احمد سلطانی نیز یکی از همان استادان برجسته و با پشتکاری است که نکات پیچیده در ادبیات را بیان می کند و با این اندیشه آثار برجسته ای از خود به جا گذاشته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شد. پدرش مردی آگاه و روشن بین بود و در آن ایام به همان اندازه که تحصیلات پسرانش اهمیت داشت، تحصیل دخترش نیز حائز اهمیت بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ گذراندن دوره ابتدایی و راهنمایی در تهران ـ دریافت مدرک کارشناسی از دانشسرای عالی، سال ۱۳۵۱ ـ دریافت مدرک کارشناسی ارشد سال ۱۳۶۴ از دانشگاه علامه طباطبایی ـ دریافت مدرک دکتری ۱۳۷۰ دانشگاه آزاد واحد کرج – گذرادن دوره بهداشت و پزشکیاری در دانشگاه تهران

خاطرات و وقایع تحصیل : منیره احمد سلطانی بین سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ در دانشسرای عالی سرگرم تحصیل بود و کارشناسی خود را گرفت. در همین ایام به خاطر کار مجبور شد به لنگرود برود و همسرش عبدالحسین فرزاد (مترجم و استاد دانشگاه) هم با او به آنجا رفت. یک سال بعد مأموران ساواک عبدالحسین فرزاد را دستگیر کردند و در این روزها منیره احمدسلطانی ایام سختی را سپری کرد چون مجبور بود ـ با این که شاغل بود ـ بدون همسرش زندگی و فرزندان را اداره کند. یک سال و اندی بعد وقتی فرزاد از زندان آزاد شد، از آموزش و پرورش اخراج شده بود و همین امر موجب شد که فرزاد هم بتواند به تحصیلاتش ادامه دهد. در این ایام منیره احمدسلطانی در لنگرود زندگی می کرد. در سال ۱۳۵۶ به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه ـ در منطقه سیزده ـ سرگرم تدریس شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۵۶ از لنگرود به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه سرگرم تدریس شدو بعد از دوره کارشناسی ارشد مدتی به عنوان مدرس تربیت معلم درس" ادبیات کودکان و نوجوانان "تدریس میکرد

استادان و مربیان : در زمان سپری کردن دوره آموزش عالی و کارشناسی ارشد و دکتری توانست از محضر استادان بسیار برجسته استفاده کند، استادانی چون دکتر تفضلی، دکتر سادات ناصری، دکتر زرین کوب، دکتر مشکور، دکتر ضیاءالدین سجادی، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر جعفر شعار، دکتر استعلامی، دکتر شمیسا، دکتر شهیدی، دکتر پورنامداریان، دکتر ابوالقاسمی و دیگر استادان...

همسر و فرزندان : همسر وی عبدالحسین فرزاد ـ مترجم و استاد دانشگاه است.

فعالیتهای آموزشی : از فعالیتهای آموزشی منیره احمد سلطانی میتوان به : تدریس در دانشگاه هایشهید بهشتی، آزاد اسلامی، مراکز تربیت معلم، پیام نور منیره احمدسلطانی در دوره کارشناسی تاکنون استاد راهنمای بیش از ۵۰ پایان نامه بوده که موضوع بیشتر آن ها ادبیات بوده و همچنین بخشی از آنها ادبیات کهن و تعدادی دیگر به ادبیات معاصر و حتی ادبیات کودکان و نوجوانان ازجمله «نقد انوری و تأثیر او بر سعدی و حافظ» ، «نقد و بررسی اشعار منوچهری»، «صور خیال و صنایع لفظی در مخزن الاسرار نظامی»، «بازتاب تضاد دراندیشه انوری»، «بررسی اصطلاح عشق در آثار عین القضات» و... اختصاص داشته است. او در دوره کارشناسی ارشد نیز استاد راهنمای رساله های بسیاری بوده است. استاد راهنمای پایان نامه های کارشناسی ارشد

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ـ همکاری با مطبوعات از سال ۱۳۷۰ از قبیل: فصلنامه پژوهش ادبی، اطلاعات شوکران، کیهان فرهنگی، رشد زبان و ادب فارسی، رودکی و سروش، انتخاب، فرهنگ منیره احمد سلطانی از دهه ۷۰ نیز با نوشتن نقد و مقالات ادبی وارد عرصه مطبوعات شد. این فعالیت نخست در کیهان فرهنگی و سپس در مجله رشد زبان و ادب فارسی و ادبیات معاصر شکل گرفت. هرچند در سال ۱۳۷۸ با ۲۵ سال سابقه تدریس از آموزش و پرورش کناره گیری کرد، اما تاکنون هیچ گاه تدریس را رها نکرده و تنها محل خدمتش را از آموزش و پرورش به دانشگاه منتقل کرده است.

آرا و گرایشهای خاص : منیره احمد سلطانی معتقد است، اگرچه به تازگی درباره نقد علمی و کاربردی در ایران حرکت هایی صورت گرفته، اما «پیری» نوع خاصی از نقد علمی را در کتاب خود مطرح می کند و معتقد است که سخن گفتن و بررسی یک اثر باید با مدارک و استنادهایی علمی و نه به شکل احساسی صورت بگیرد. در نقدی که «پیری» مطرح می کند باید همه جوانب اثر مورد بررسی قرار گیرد. منیره احمد سلطانی به دانشجویان توصیه می کند که بیشتر مطالعه کنند زیرا شرایط تحقیق و پژوهش مهیا است و دانشجویان می توانند از این شرایط استفاده بهینه کنند و در مسیر افزایش سطح علمی خود، کوشا باشند. محققان و پژوهشگران نیز با توجه به تجربیاتشان می توانند به نسل جوان کمک کنند تا بتوانند آینده کشورمان را بسازند. این یعنی همیاری و سازندگی آینده و کشور.

جوائز و نشانها : پژوهشگر نمونه سال ۱۳۷۵

آثار :

۱ «قصیده فنی و تصویرآفرینی خاقانی»

ویژگی اثر : چاپ ۱۳۷۱

۲ اساطیر شاخه طلایی اثر سرجیمز فریزر

ویژگی اثر : در دست چاپ

۳ ترجمه چگونه نقد بنویسیم اثر ب. پیری

۴ ترجمه زنان در سلامت وبیماری

۵ ترجمه فرهنگ فولکلور جهان ?? (جلد)

۶ کتاب «واژگان فارسی در زبان فارسی»

۷ کتاب خاقانی شروانی؛ نقد و پژوهش با نمونه اشعار

ویژگی اثر : چاپ ۱۳۷۶

۸ کتاب دستور گشتاری بر مبنای زبان شناسی و معناشناسی

۹ کتاب گزینه اشعار انوری ابیوردی

۱۰ کتاب معانی و بیان در شعر معاصر

۱۱ هزار واژه اشتقاقی در زبان انگلیسی، اسطوره بریتانیا اثر (چارلز اسکوا)، ستاره شناسی و مسائل الهی

ویژگی اثر : در دست چاپ منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

احمدوند، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن احمدوند

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۸ رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه کرمانیها شروع به خواندن مقدمات نمودم، بعد از یک سال به مدرسه شهیدین رفتم و به دلیل عدم تطابق با برنامه های مدرسه از آنجا اخراج گردیدم، پس از آن به صورت آزاد به ادامه تحصیل علوم دینی پرداختم و به صورت متفرقه امتحان پایه های چهارم و پنجم حوزه را با موفقیت گذراندم و دو مرتبه به صورت رسمی طلبه حوزه علمیه شدم و در سال ۷۸ وارد درس خارج و به مدت هشت سال در درس خارج اساتیدی همچون مرحوم آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، آیت الله مددی، آیت الله شبیری زنجانی و آیت الله صانعی شرکت نمودم و همزمان با شرکت در دروس خارج به تحقیق و ترجمه و تالیف روی آوردم که ثمره آن تالیف چندین کتاب و ترجمه چندین اثر و تحریر مقالات متعددی است که برخی به زیور چاپ آراسته و برخی نیز در شرف چاپ و نشر است.

احمدوند، معروف علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف علی احمدوند

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معروف علی احمدوند در سال ۱۳۴۲ در روستای دهلق از توابع شهرستان ملایر به دنیا آمدم. دوران تحصیل ابتدائی را در زادگاه خود آموختم و برای تحصیل در دوره راهنمائی به دهستان آورزمان با فاصله ۸ کیلومتر از روستای خودمان رفتم. دوران دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان رساندم.

در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم. و همزمان با تحصیل در حوزه در جبهه های جنگ نیز شرکت می نمودم. از سال ۱۳۶۵ در کنار دروس حوزوی وارد مؤسسه در راه حق شدم و مدت ۵ سال دوره عمومی آن مرکز را آموزش دیدم.

در سال ۱۳۷۳ در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته شدم. تا سال ۱۳۷۶ تحصیلات آن مقطع را با نگارش پایان نامه به اتمام رساندم و از مهر همان سال در دانشگاه تربیت معلم آذربایجان به عنوان عضو هیات علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و از آبان ماه همان سال به مدت ۴ سال ریاست دانشکده الهیات آن دانشگاه را به عهده داشتم و در کنار آن به تدریس نیز اشتغال داشتم. در سال ۱۳۸۲ به عنوان دانشجوی دکترا در رشته کلام در دانشگاه قم

پذیرفته شدم که در حال حاضر پس از گذراندن دوره آموزشی به نگارش پایان نامه اشتغال دارم و در بعضی از مراکز دانشگاهی اشتغال به تدریس نیز دارم.

احمدی ابهری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی احمدی ابهری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۵در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سیّد نورالدین ابهری از شاگردان امام خمینی (ره) و جد او مرحوم آیهٔالله سیّد شمس الدین ابهری از شاگردان مرحوم آیهٔالله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیّه قم بود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قم و تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ لیسانس حقوق قضائی در مجتمع آموزش عالی قم (وابسته به دانشگاه تهران) گردید.

در ابتدای تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان عضو شورای قضائی خدمت کرد. در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیّه قم وارد شده و از محضر اساتید بزرگواری چون آیات عظام محقق داماد، محفوظی، مکارم شیرازی، صالحی مازندرانی و دیگر بزرگان کسب فیض نمود.

همراه با تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران موفق به اخذ کارشناسی ارشد در حقوق جزا و جرم شناسی گردید. وی اینک در مرحله دکترای حقوق جزا و جرم شناسی مشغول به تحصیل است.

احمدی جلفایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید احمدی جلفایی

محل تولد : هادی شهر جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب حمیداحمدی فرزند یدالله، متولد ۱۵/ ۰۱/ ۱۳۵۷ در هادی شهر در شهرستان جلفا. پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در سال ۱۳۵۷ همزمان در امتحان ورودی حوزه و دانشگاه شرکت کرده و در همان سال به همراه تحصیل علوم حوزوی در مدرسه رضوی قم به گذراندن دوره کارشناسی اقتصاد نظری در دانشگاه مفید نیز مشغول شدم. همزمان با اخذ مدرک کارشناسی دانشگاه در علوم حوزوی نیز مدارج آن را تا دوره سطح نخست طی نمودم و پس از آن نیز به همراه ادامه تحصیلات حوزوی در مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث قم بعنوان محقق مشغول تحقیق شدم و علاوه بر آن در کنار تحقیقات گروهی در دارالحدیث در موضوعات مختلف دست به تألیف و تحقیق کتاب یا مقاله پرداختم. در سال ۱۳۷۹ ملبس به لباس روحانیت شده و پس از آن در همه مناسبتهای تبلیغی در همه سنین به مکانهای مختلف اعم از مساجد و دانشگاهها چه در قم و چه در تهران و چه در تبریز جهت تبلیغ ارزشهای اسلامی فعالیت نموده ام.

در حال حاضر در سطح خارج در دروس برخی از آقایان شرکت دارم و علاوه بر آن با برخی از اساتید مشهور حوزه بصورت اختصاصی در زمینه موضوعات فقهی و اصولی و همچنین در مؤسسه دارالحدیث در مباحث رجال و درایه ای و غیره در حال تحقیق و پژوهش می باشم.

بطور کلی در موضوعات مختلف کتب فقهی و اصولی در دروس خارج برخی از آقایان و اساتید عظام (البته در برخی کم و در برخی بصورت طولانی) همچون: حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی، حضرت آیهٔ الله شیخ جعفر سبحانی، حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی، حضرت آیهٔ الله سید احمد مودی، حضرت آیهٔ الله کریمی، حضرت آیهٔ الله سید موسی بشیری زنجانی، حجهٔالاسلام والمسلمین محسن فقیهی، و غیره شرکت نموده و از خرمن معارف این اساتید بهره جسته ام.

احمدی راد، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی احمدی راد

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از آن که دروس مقدماتی در حوزه شهرستان نیشابور را فرا گرفتم، به حوزه مشهد رفتم. در آن حوزه ضمن فراگیری درسهای حوزوی در جلسات سخنرانی بزرگان حوزه شرکت می کردم از جمله برنامه های بسیار آموزنده، رهگشا و عالمانه مقام معظم رهبری در مسجد کرامت، مسجد امام حسن مجتبی، درسهای اعتقادی شهید هاشمی نژاد و گاه درسهای تفسیری عارف بزرگوار آقا میرزا جواد آقا تهرانی.

در حوزه قم افزون به شرکت در درسهای بزرگان که از آنها در بخش اساتید نام بردم و کارهای تبلیغی معمولی از آغاز آبان ۱۳۶۲ تاکنون با مجله حوزه بوده ام در پی ریزی بنای آن ادامه حیات و... ؛ و نیز در مجله فقه از آغاز تاکنون به اندازه توانایی نقش داشته ام پی ریزی و ادامه حیات؛ در ضمن در مجله حوزه علاوه بر ویراستاری محتوا و بازنویسی عضو هیات تحریریه و سیاست گذاری مجله نیز هستم.

در مجله فقه نیز افزون بر عضویت در هیات تحریریه و سیاست گذاری از آغاز بهمن ۷۲ تا سال ۱۳۸۳ تمامی شماره ها را بنده ویراستاری و بازنویسی کرده ام.

احمدی شاهرودی، احمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۰۵(۱۳۴۶ ق.)، میامی (در نزدیکی شاهرود).

درگذشت: ۲۵ شعبان ۱۴۱۷ ق.

آیت‌الله احمدعلی احمدی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمدحسن احمدی، یکی از علمای بنام و مشهور منطقه و جدش آیت‌الله آقا شیخ احمد نیز از علما و زهاد بود. ایشان به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر بزرگوارش فراگرفت. پس از چند سالی، به حوزه علمیه مشهد شتافت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات حاج هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا کاظم محقق دامغانی و حاج میرزا احمد مدرس یزدی آموخت. سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دوره عالی دورس فقه واصول به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و در محضر آیات عظام بروجردی، سید محمدتقی خوانساری، حجت کوه کمره‌ای، صدرالدین صدر و امام خمینی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن فیض آنان توشه‌ها برگرفت. آنگاه برای مدت کوتاهی به نجف اشرف کوچید و در درسهای آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی، حکیم و خویی حاضر شد. سپس به قم بازگشت و برای تبلیغ دین و راهنمایی مردم مسلمان به نمایندگی آیت‌الله العظمی بروجردی به شهرهای آباده، فیروزکوه، چهارمحال بختیاری و کاشان رفت و مبارزه‌ای پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا بسیاری از آنان را توبه داد و به اسلام بازگردانید.

ایشان پس از مدتی به قم بازگشت و به تدریس سطوح عالیه، ترویج شعائر دینی، اقامه جماعت، ارشاد و راهنمایی مؤمنان و تألیف کتابهای علمی دست یازید. او همزمان به تدریس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی اشتغال ورزید و در سالهای نبرد علیه متجاوزین بعثی، ماهها در کنار رزمندگان اسلام به سر برد و در تقویت روحیه آنان، سخنرانی‌های فراوان ایراد کرد.

برخی از تألیفات چاپ شده آن فقید عبارت است از:

تقلید الاعلم؛ سیری درعقاید (بررسی آراء و نظریات صوفیه)؛ به سوی خدا بروید؛ مجموعه مقالات در پیرامون باب و بهاء؛ انگیزه حق (درباره مناقب امیرالمومنین–ع)، جنگ خیبر؛ تفسیر موضوعی. تألیفات چاپ نشده ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله بروجردی (درباره لباس مشکوک)، رساله در مسئله‌ی بداء؛ ترجمه جامع السعادات ملا مهدی نراقی؛ روحانیت در عصر انقلاب.

آیت‌الله احمدی شاهرودی در تاریخ بیست و پنجم شعبان ۱۴۱۷ ق.، در هفتاد سالگی در جوار بیت‌الله بدرود حیات گفت.

احمدعلی احمدی فرزند آقا شیخ محمدحسن احمدی میامئی شاهرودی در ساله ۱۳۰۵ شمسی در میامی که در ده فرسنگی شاهرود در طریق خراسان واقع شده به دنیا آمده و در مهد پرورش والدش که از علماء برجسته آن منطقه بوده نشو و نما نموده است.

مرحوم شیخ محمدحسن پدر مترجم ما در علوم مختلفه بالاخص علم طب اطلاعاتی داشتند و مردم آن بخش از وجودش استفاده می‌کردند. و پدر ایشان آقا شیخ احمد نیز از اوتاد و زهاد زمان خود و دارای تألیفات بوده‌اند و همینطور پدران او تا چند پشت روحانی بوده‌اند.

وی پس از پایان تحصیلات ابتدائی برای تحصیلات مذهبی خود به مشهد مشرف شده و تحت سرپرستی رئیس حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللَّه احمد کفائی قرار و دوره مقدمات و ادبیات را خدمت ادیب نیشابوری به پایان رسانیده سپس دوره سطح را از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی تکمیل و اصول و معارف الهی را در خدمت حاج شیخ مجتبی قزوینی که از شاگردان بزرگ میرزا مهدی غروی اصفهانی بوده و نیز مقداری از فلسفه و کلام را از آن مرحوم استفاده کرده و بعد از پایان دوره سطح در حوزه مشهد به اتفاق بعضی از فضلاء مشهد هجرت به قم نموده و از درس خارج مکاسب و اسفار آقای خمینی و آقای حجت کوهکمری و حاج سیدمحمدتقی خونساری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و بالاخص حاج آقا حسین بروجردی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در نجف اشرف از اساتید بزرگ حوزه نجف چون آقای حکیم و آقای شاهرودی و حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده سپس به قم مراجعت و از طرف آقای بروجردی اعزام به حومه فارس شهر آباده گردیده و حدود دو سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و کتاب اسلام و عقاید را بر رد مذاهب باطله مخصوصا صوفیه در آنجا تألیف نموده و پس از برگشت از استان فارس اعزام به فیروز کوه شده و مدتی هم در آنجا مشغول ارشاد بوده و پس از چندی که مبارزه با فرقه ضاله بهائیه آغاز گردید به اتفاق چند نفر دیگر به امر معظم له به منطقه فریدون و چهار محال رفته و با آنان مبارزه نموده که به نابودی برخی از رهبران گمراه آنها منتهی شده و پس از آن از طرف آن مرحوم به قراء اطراف کاشان که مرکز بهائیه بوده رفته تا عده‌ای از آنها توبه نموده و به دامن اسلام برگشتند و برخی هم مانند دکتر برجیس که مبلغ آنها بود در کاشان کشته شده و آن گروهک تضعیف و نابود شدند.

و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از طرف حوزه علمیه قم در تهران انجام وظیفه نمود سپس به قم مراجعت و تا حال تحریر این کتاب اشتغال به تدریس سطوح عالی و اقامه جماعت در مسجد امام رضا علیه‌السلام در سالاریه اشتغال دارند.

دارای تألیفات چندی می‌باشند.

۱- اسلام و عقاید که مکرر به طبع رسیده.

۲- رساله تقلید اعلم عربی.

۳- کتاب سوی خدا بروید.

۴- انگیزه حق در مناقب امیرالمؤمنین.

۵- رساله در بداء و روحانیت در عصر انقلاب و قبل از انقلاب.

۶- کتابی در احکام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی طالشیان، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا احمدی طالشیان

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا احمدی طالشیان متولد ۱۳۴۵پس از گذراندن سال اول دبیرستان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه بابل مدرسه صدر سابق و خاتم الانبیاء فعلی شدم. پس ازآن درتهران درمدرسه های شهید بهشتی و مدرسه حاج آقا مجتهدی درس خوانده و در سال ۱۳۶۵ وارد مدرسه رسول اکرم (ص) قم شدم.

از سال ۱۳۷۵ در درس خارج شرکت کردم که بیشتر آن در کلاس حاج شیخ صادق لاریجانی بوده است در این مدت به صورت متفرقه درسهای دبیرستان را گذراندم.

در سال ۱۳۷۵ از موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) در مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی فارغ التحصیل شده و هم اکنون مشغول نوشتن پایان نامه ارشد با عنوان تحول مفهوم حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه می باشم.

در طول سالهای گذشته همکاری های متعدد علمی و اجرائی با نهادهای مختلف بخصوص کنگره های علمی مانند: شیخ انصاری، کنفرانس وحدت، شهید صدر، نقش اجتهاد در زمان و مکان داشتم. همکاری های تحقیقاتی و علمی با مرکز اسناد انقلاب اسلامی داشته و چند عنوان کتاب نیز تدوین نموده ام.

در نمایشگاه های سراسری نرم افزاری علوم اسلامی مرکز تحقیقات کامپیوتری مسئولیت تهیه و انتشار خبرنامه را نیز داشتم .

احمدی فراز، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی احمدی فراز

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی احمدی فراز در سال ۱۳۵۰متولد و در سال ۱۳۶۵مشغول تحصیل شدم و سال ۱۳۶۸موفق به اخذ دیپلم شدم. بعد از آن به خدمت سربازی اعزام و یک سال از سربازی را گذراندم. دانشگاه قبول شدم و از خدمت معاف شدم و مشغول به تحصیل شدم. بعد از اخذ مدرک کارشناسی دو مرتبه به خدمت سربازی رفتم و در سال ۱۳۷۰مشغول به تحصیل در حوزه و دانشگاه شدم.

سال ۱۳۷۸مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم و در سالهای بعد آن دروس حوزوی را تا پایه ۸ خواندم و فعالیت های جنبی داشته ام که بطور خلاصه عبارتند از:

۱- حفظ قرآن کریم ۲- حفظ کلمات قصار نهج البلاغه ۳- شرکت در کلاسهای مکالمه عربی دفتر تبلیغات حوزه علمیه و اخذ مدرک از موسسه باقرالعلوم قم ۴- در حال حاضر کلاسهای ترجمه انگلیسی بصورت کارگاه شرکت دارم که متون را از عربی به انگلیسی برمی گردانیم.

احمدی گیوی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : حسن احمدی گیوی متولد اول بهمن۱۳۰۶ در گیوی خلخال چشم به جهان گشود وی بعد از تحصیل در مدرسه ناصری خلخال گرچه مدارج دانشگاهی اش را تا اخذ مدرک فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی پی می گیرد،اما قریحه ادبی و ذوق شعر و شاعری که از عنفوان جوانی در او متبلور بوده است،حسن احمدی گیوی را ترغیب به تحصیل در زبان و ادب فارسی می کند،آنچنان که دکترای خویش را با موضوع «دستور تاریخی فعل» و با راهنمایی دکتر محمد معین و بعد دکتر محمد مقدم به نگارش در می آورد و در سال ۱۳۴۴ از رساله دکترای خود دفاع می کند. او اکنون استاد بلند مرتبه ادبیات و چهره شناخته شده نزد ادیبان و مؤلفان و محققان زبان فارسی امروز است. و مؤلف بیش از پنجاه جلد کتاب در زمینه ادبیات فارسی است

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : - تحصیل در مدرسه ناصری خلخال - فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی - دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران

استادان و مربیان : از استادان وی میتوان به آقایان دکتر معین ، دکتر محمد مقدم و دکتر خیام پور اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران حسن احمدی گیوی میتوان دکتر محمد استعلامی و دکتر نجفی اسداللهی را نام برد.

فعالیتهای آموزشی : حسن احمدی گیوی بیش از چهارده فعالیت پژوهشی در موسسه لغت نامه دهخدا داشته و در دانشگاههای متعدد زبان و ادب فارسی تدریس کرده است.

آرا و گرایشهای خاص : او درباره زبان فارسی دیدگاه های نو و تازه ای دارد.او معتقد است: «زبان فارسی یکی از زبان های مهم خانواده زبان های هند و اروپایی است، با وجود پژوهش های دامنه داری که در زمینه تاریخ زبان فارسی و زبان های ایرانی میانه و باستان انجام گرفته است، هنوز به درستی نمی دانیم زبان فارسی دنباله مستقیم کدام یک از زبان های ایرانی میانه است. او به محتوای سخن ایمان دارد تا قالبی که با آن شعری سروده شده باشد. «از حضرت محمد(ص) پرسیدند عقیده شما درباره شعر چیست. ایشان فرمودند: «شعر سخن است و سخن، خوب و بد دارد». اگر در شعر سعدی یک سخن سست دیدید، نمی توانید بگویید چون این سخن را سعدی گفته پس خوب است. حتی گمنام ترین شاعر هم می تواند سخن تازه و دلنشینی را بگوید. من از معدود معلمان ایران هستم که شعرهای سپید بسیاری را در حافظه ام دارم . من همانطور که به فردوسی و مولانا و حافظ عشق می ورزم به نیما، شاملو، فروغ، سهراب، دکتر شفیعی کدکنی و... هم احترام می گذارم. برای من قالب ها و الفاظ به منزله لباس است. اینها شخصیت مستقلی ندارند.» خطر تحریف آن نگاه قابل توجهی دارد: «من خطری که برای زبان فارسی احساس می کنم، خیلی مربوط به صدا و سیما و نهادهای مشابه نیست. اصل خطر به دلیل زبان های علمی دنیا است که با اختراعات فراوانی که صورت می گیرد و وارد مملکت می شود، این زبان علمی به سرعت با فارسی در آمیخته می شود. متأسفانه ما به دلیل کمبود بودجه تحقیقاتی برای اهل فرهنگ و تحقیق تاب مقاومت در برابر این هجوم گسترده نداریم. در نتیجه ما اینطور بی رحمانه تهدید می شویم. احمدی گیوی معتقد است که ادبیات معاصر ما نیز نخبگان بسیاری پرورانده، اما در کوران آثار بی محتوا گم شده است. «مردم آنقدر کتاب بد خوانده اند که طعم کتاب خوب را حس نمی کنند. در گذشته پدید آورندگان آثار جدی قوی تر بودند و با نویسندگان عامه پسند مبارزه می کردند. اما حالا کفه ترازو به نفع باری به هر جهت نویس ها سنگین شده است...

جوائز و نشانها : – سه شنبه اول بهمن ماه دو سه سال پیش بود، مراسم بزرگداشتی به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تولد «دکتر حسن احمدی گیوی » استاد برجسته ادبیات فارسی در تالار بعثت باشگاه دانشگاه تهران برگزار شد. دوتن از برجسته ترین ادیبان ایرانی «دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی» و «دکتر حسن انوری» بانی این بزرگداشت در روز تولد دوست و همکار خود بودند، حرکتی زیبا و بدیع که نشان از صافی و صفای باطن آن دو استاد و ارزش و اعتبار « حسن احمدی گیوی » داشت. – انتخاب به عنوان نویسنده کتاب برتر سال ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد برای «دستور تاریخی فعل»

چگونگی عرضه آثار : حسن احمدی گیوی در خلال سالهایی که در موسسه دهخدا مشغول بوده است زیر نظر استاد محمد معین مشغول به کار بوده و تحقیق و تفحص در زبان و ادب فارسی را به جد دنبال می کرد: «از سال چهل تا امروز یعنی حدود ۴۵ سال است که من در مؤسسه لغت نامه دهخدا کارمی کنم و ۲۴ جلد از ۲۲۲ جلد مجموعه لغت نامه دهخدا را من نوشتم. یعنی بیش از دیگر همکاران این مؤسسه، مجلدات لغت نامه را تألیف کرده ام.» با این حال احمدی گیوی مهمترین اثر خویش را همان دستور تاریخی فعل می داند.این کتاب مشتمل بر ۱۹۶۴ صفحه است.از دیگر آثار مهم احمدی گیوی کتاب «آیین پژوهش و مرجع شناسی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده ام. زمانی که من در دانشگاه رشته ادبیات فارسی تدریس می کردم. شیوه تحقیق و مرجع شناسی را درچندین فصل برای دانشجویان تشریح کرده ام. شیوه مراجعه به منابع و مآخذ چیست؟ پیداکردن کتاب ها، آیین کتابداری، آیین نقطه گذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضمن مطالعه جزو مباحثی بودند که دراین کتاب توضیح داده شده است.» حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسی نیز نگاشته و هدف از تدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه مندان به زبان فارسی می داند که با قواعد نگارش و خط فارسی و انواع نوشته ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و ...بیشتر آشنا شوند. کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی» نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است.این کتاب بیشتر اثری درسی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته های غیراز ادبیات تحصیل می کنند، نوشتن و شیوه نگارش را توضیح می دهد. حسن احمدی گیوی شاعر نیز هست: «شعرهای من بیشتردر قالب کلاسیک سروده شده، البته شعر آزاد هم دارم اما شعر سپید اصلاً نگفتم و نمی توانم بگویم. اشعار من عموماً در قالب غزل نیست. درمجموعه دو – سه غزل دارم که این غزل ها هم به یاد عزیزانم سروده شده است. شعرهای من بیشتر یا قطعه هستند و یا قصیده. عموماً شعرهایم ملی و میهنی، سیاسی و اجتماعی و انتقادی و مبارزاتی و انقلابی اند. چه قبل ازانقلاب و چه در جریان انقلاب و چه بعد ازانقلاب اشعاری که سروده ام، همه را در یک جلد گردآوری کرده ام.» با این حال او به همه قالب ها ی شعری معتقد است و بر خلاف بسیاری از همنسلانش که در عرصه پژوهش ادب فارسی، سخن از شعر نو گفتن را بر نمی تابند.

آثار :

۱ آیین پژوهش و مرجع شناسی

ویژگی اثر : از دیگر آثار مهم احمدی گیوی کتاب «آیین پژوهش و مرجع شناسی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده ام. زمانی که من در دانشگاه رشته ادبیات فارسی تدریس می کردم. شیوه تحقیق و مرجع شناسی را درچندین فصل برای دانشجویان تشریح کرده ام. شیوه مراجعه به منابع و مآخذ چیست؟ پیداکردن کتاب ها، آیین کتابداری، آیین نقطه گذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضمن مطالعه جزو مباحثی بودند که دراین کتاب توضیح داده شده است.»

۲ ادب و نگارش

۳ از فن نگارش تا هنر نویسندگی

۴ دستور تاریخی فعل

ویژگی اثر : اما موضوع «فعل» بعد از آن احمدی گیوی را رها نکرد و به مهمترین دغدغه پژوهشی او بدل شد: «تمام مباحث فعل را از دوران رودکی و بلعمی و بیهقی مرور کردم و تا آثار جلال آل احمد و اسلامی ندوشن و دکتر ناتل خانلری و آثار دیگر نویسندگان معاصر را فیش کردم. حدود ????? فیش تهیه کردم. منابع تحقیق من متون نثر بودند، از متون نظم فقط سه کتاب موردنظر من قرار گرفت که فردوسی و سعدی و ملک الشعرای بهار بودند. حداقل چند نکته جدید که درهیچ یک از کتاب های دستور زبان مطرح نشده بود ، دراین تحقیق چهل ساله کشف و ضبط کردم. بنده در تبریز شاگرد دکتر خیام پور بودم و از آنجا که سخت شیفته دستور نویسی ایشان بودم، علاقه ای خاص به دستور زبان پیدا کردم. وقتی به تهران آمدم و در دوره دکتری قبول شدم، آقای دکتر معین، من و آقای دکتر محمد استعلامی ودکتر نجفی اسداللهی را به لغت نامه دعوت کرد و از من پرسید که برای رساله دکتری فکری کرده ای؟ گفتم می خواهم با شما مشورت کنم. گفت روی فعل کار نشده، شما درباره فعل رساله بگیرید. اقسام فعل به اعتبار زمان. خودایشان ? جلد کتاب درباره اسم نوشته بودند. بعد از دوسه سال که با ایشان کار کردم دکتر معین سکته کردند و من با آقای مقدم ? سال دیگر کار کردم تا این کتاب تمام شد. این اثر به دلایلی چاپ نشد و من تصمیم گرفتم در همه مسائل فعل تحقیق کنم. اینگونه بود که در مجموع ?? سال طول کشید و این کتاب دوجلدی حاصل تلاش ? دهه من است. چهل سال تلاش و هفتاد و پنج هزار فیش.»این کتاب مشتمل بر ???? صفحه است و برخی از فصول مهم آن به این شرح است: «تعریف فعل و کلیات»، «اقسام فعل به اعتبار زمان» (که یکی از فصول اصلی کتاب است)، «اقسام فعل به اعتبار مفعول»، «اقسام فعل به اعتبار فاعل»، «اقسام فعل به اعتبار ساختار»، «اقسام فعل به اعتبار نقش»، «اقسام فعل به اعتبار صرف»، «اقسام فعل به اعتبار وجه»، «اقسام فعل از جهات گوناگون» «مفردات فعل »، «فعل و گفتنی های ناگفته». احمدی گیوی در پیشگفتار کتاب نوشته است: «...فعل، کار دستور نویسی و استخراج قواعد زبان را با دشواریهایی همراه می کند.و علت عمده آن این است که مرز دقیقی میان زبان نوشتاری روز با زبان کهن، با همه وجوه افتراق آنها دیده نمی شود و کاربردهای نحوی و صرفی دیرین، چه در نثر و چه در شعر امروز فراوان به چشم می خورد...لازمه پژوهش جامع در دستور زبان فارسی این است که برای هر واحد جغرافیایی ـ تاریخی

دستور زبانی جداگانه نوشته شود و علاوه بر این، هر یک از مقولات دستوری از آغاز تا امروز جداگانه بررسی شود.» و به راستی که حسن احمدی گیوی در نگارش این اثر ماندگار،چنین کرده است.

۵ دستور تطبیقی زبان ترکی به فارسی

ویژگی اثر : حسن احمدی گیوی به زبان و فرهنگ آذری نیز توجه ویژه دارد و در این زمینه نیز پژوهش های مهمی را به ثمر رسانده است.کتاب دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی از آن جمله است.زبان ترکی آذربایجانی، زبان بخش بزرگی از شمال غرب ایران، شامل استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، و نیز بخشی از مناطق مرکزی ایران از جمله قزوین، ساوه، همدان و شهرهای استان مرکزی است.کتاب احمدی گیوی، یک دوره کامل دستور زبان ترکی است که جزء به جزء با دستور زبان فارسی سنجیده شده و در آخر نیز فصلی با عنوان «رهنمود آموزش زبان ترکی به فارسی زبانان» به آن افزوده شده است

۶ دستور زبان فارسی

ویژگی اثر : . دستور زبان فارسی نیز عنوان اثر دیگری از حسن احمدی گیوی است که به همراه دکترحسن انوری، در خرداد???? در دو جلد انتشار یافت و به سرعت به یکی از منابع مهم درسی و پژوهشی بدل گشت. این کتاب، مجموعه ای جامع و مفید از اصول و قواعد دستور زبان نوشتاری امروز است که شاهدها و مثال های بسیار از این زبان را دربر دارد.در آخر هر بخش، تمرین ها و پرسش های مناسبی آورده شده و در آخر کتاب نیز جمله ها و عبارت های گوناگونی تجزیه و ترکیب شده است.احمدی گیوی درباره نگارش دستور زبان های فارسی در صد سال گذشته اطلاعات جالبی را بازگو می کند.او می گوید: «دستور زبان فارسی برای نخستین بار یکصد و بیست سال پیش توسط حاج میرزا حبیب اصفهانی به نگارش در آمد. قبل از این تاریخ ما دستور تدوین شده ای نداشتیم. البته آنچه عالم بزرگوار حبیب اصفهانی نوشته بود، چندان کامل نبود و بعد بزرگانی با دانش و بینش خیره کننده ای در یک کارگروهی پنج استاد را نوشتند. البته نباید از حق گذشت که استاد ارجمند دکتر پرویز ناتل خانلری که خدایش رحمت کند در این وادی رنج بسیاری برد و گنج شایسته ای نیز برجا نهاد. اما کار ارزشمندی که در این باب صورت گرفته اثر فناناپذیر دکتر خیام پور تبریزی است. ایشان دستور را به نحو حیرت آوری کامل کرد و به آنچه که دیگران به آن بی توجه بودند، به درستی پرداخت. به عقیده من صحیح ترین، سازنده ترین و کارساز ترین قدمی که در دستور زبان فارسی به صورت علمی و تحقیقی نوشته شده، اثر دکتر خیام پور است که دستور زبان فارسی من و دکترحسن انوری هم ملهم از همین اثر است. با این تفاوت که ما از کمک زبان شناسان استفاده کردیم. چون دستور بدون زبان شناسی امروز می لنگد. به همین دلیل دستور زبان فارسی که ما نوشتیم، بین زبان شناسی و دستور سنتی است. به همین دلیل کتاب های ما در تیراژهای وسیع منتشر می شود. گذشته از دستور زبان فارسی که برای آموزش و پرورش در تیراژ میلیونی چاپ می شود کتاب دستور زبانی به چاپ رسانده ایم که در عرض ?? سال ?? بار تجدید چاپ شد. آن هم در تیراژ بالاـ این به خاطر اعتدال ماست. هم به ساخت گرایی توجه داشتیم و هم به معنا وفادار ماندیم. همین است که سخت مورد استقبال ادب دوستان قرار گرفته ایم.»

۷ زبان و نگارش فارسی

ویژگی اثر : .» حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسی نیز نگاشته و هدف از تدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه مندان به زبان فارسی می داند که با قواعد نگارش و خط فارسی و انواع نوشته ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و ...بیشتر آشنا شوند.احمدی گیوی در این کتاب از طرح بحث های طولانی و مطالب کاملاً تخصصی خودداری کرده و نمونه هایی از نوشته های ادبی، اجتماعی، اخلاقی و حکایات و داستان ها را نقل کرده است، به گونه ای که مخاطبان کتاب، طیف گسترده ای از علاقه مندان غیر حرفه ای باشند.

۸ شوریده و بی قرار

۹ گزیده از فن نگارش تا هنر نویسندگی

ویژگی اثر : کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی» نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است.این کتاب بیشتر اثری درسی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته های غیراز ادبیات تحصیل می کنند، نوشتن و شیوه نگارش را توضیح می دهد.

۱۰ گزیده اشعار و مقالات دهخدا

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

احمدی میانجی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیةا... حاج شیخ علی احمدی میانجی در چهار محرم ۱۳۴۵ قمری (۱۳۰۴ شمسی) در روستای پورسخلو میانه به دینا آمد و در سال ۱۳۵۸ قمری برای تحصیل علوم اسلامی به میانه رفت و تا آخر شرح لمعه را نزد اساتید آن شهر آموخت سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم منتقل و سطوح را نزد مرحوم آیةا... حاج سید حسین قاضی و مرحوم آیةا... علامه طباطبائی آموخت و سپس خارج فقه و اصول را از محاضر آیات عظام بروجردی و داماد گلپایگانی استفاضه نمود. ایشان هم اکنون از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم هستند. کتاب "الاسیر فی اسلام"تالیف علی احمدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : علی احمدی میانجیدوران کودکی و نوجوانی را در چنین محیط خانوادگی، که سرشار از تلاش و کوشش، صفا و صمیمیت و عبودیت و معنویت بود، سپری کرد و در دامن مادری از سلاله رسول اکرم (ص) کاملًا تربیت اسلامی یافت.

خاطرات کودکی : علی احمدی میانجی، مرحوم حضرت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی، یکی از دوستان صمیمی و قدیمی پدر و از شاگردان حضرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم به شمار می‌رفت که به تازگی از آن شهر به میانه بازگشته و به جای مرحوم پدرش آیت اللّه آقا میرزا محمد حجتی، رهبری مذهبی مردم میانه را بر عهده گرفته بود.(۳) او با مشورت و هدایت آیت اللّه حائری، تصمیم داشت، حوزه علمیه میانه را که از مدت‌ها پیش به تعطیلی گراییده بود، دوباره فعال کند. لذا ورود این طلبه جوان و پرشور، به عملی کردن تصمیم وی سرعت و عینیت بیشتر بخشید و آیت اللّه احمدی اولین شاگرد حوزه درسی ایشان شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی احمدی میانجی آموزش کتاب‌های «نصاب الصبیان»، «گلستان سعدی»، «منشأت امیر نظام»، «ابواب الجنان»، «تاریخ نادر» و مقدمات عربی را نزد پدر گذرانیده و با پشتکار خود توانست حدود دویست بیت از «نصاب» را حفظ کند و تا حدودی به زبان فارسی مسلط شود. سال ۱۳۵۸ ه . ق (بهار ۱۳۱۸) در سن دوازده سالگی، پدر او را به شهر میانه آورد و فرزندش را به دست عالمی فداکار و دلسوز سپرد تا به صورتی که خود مصلحت می‌داند، تعلیم و تربیت کند. آیت اللّه احمدی میانجی نخست آموزش نحو را به تنهایی پیش استاد آغاز کرد. بدین جهت او روزها و گاه شب‌ها در منزل استاد به سر می‌برد. بعدها نیز چند نفر دیگر به شاگردان استاد، اضافه شدند و بدین ترتیب عملًا قسمتی از منزل آیت اللّه حجتی برای تعلیم و تربیت طلاب اختصاص یافت.استاد با مشاهده تلاش و استعداد و علاقه و خلوص اولین شاگردش، حتی بیش از فرزندان خود زمینه‌های رشد و شکوفایی او را فراهم آورد. بنا به نوشته آیت اللّه احمدی، استاد هر روز مقداری تلاوت قرآن توصیه می‌کرد. بعد چند حدیث یاد می‌داد و سپس درس روز گذشته را می‌پرسید. اگر او خوب آموخته بود، آن گاه درس جدید را شروع می‌کرد.او علاوه بر کتب علم نحو، کتاب حاشیه در منطق، معالم در اصول، مطول در معانی و بیان و بخش‌های عمده شرح لمعه و قوانین الاصول را هم در خدمت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی فرا گرفت. سپس قسمت باقیمانده از کتاب شرح لمعه و قوانین را نیز در محضر حضرت آیت اللّه حاج شیخ لطفعلی زنوزی که به تازگی به میانه وارد شده بود و حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج میرزا مهدی جدیدی آموخت. در مجموع، تحصیلات و توقف وی در این شهرستان، حدود پنج یا شش سال طول کشید. وی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد. آیت اللّه احمدی، درمدت کوتاهی که در حوزه تبریز بود، از محضر اساتید بزرگ از جمله آیت اللّه میرزا رضی زنوزی کسب فیض نمود؛ اما بنا به دلایلی در همان سال به میانه برگشت و از آنجا به سوی شهر مقدس قم روانه شد. آیت اللّه احمدی چون وارد شهر مقدس قم شد، نخست به زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) بار یافت. بعد در یکی از حجره‌های مدرسه دارالشفاء ساکن شد. او در این شهر، سطوح عالی را نزد مرحوم آیت اللّه سید حسین قاضی آموخت.(۶) و بخش دیگری از آن را هم در محضر حضرت علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان) که به تازگی از تبریز به قم مشرف شده بود، فرا گرفت.آیت اللّه احمدی پس از اتمام سطوح عالی فقه و اصول، درس خارج اصول را در خدمت مرحوم آیت اللّه آقا میرزا احمد کافی الملک یاد گرفت.(۷) همزمان با این درس، دروس خارج فقه را در ابواب مختلف، از محضر بزرگانی چون: بروجردی، گلپایگانی، محقق داماد(۸) و علامه طباطبایی (ره) بهره می‌جست و حتی در درس خصوصی مرحوم محقق داماد و علامه طباطبایی نیز شرکت می‌کرد. البته با مرحوم علامه طباطبایی انس بیشتری داشت و به طور خصوصی در زمینه فقه، اصول و اخلاق بهره‌ها برد.

خاطرات و وقایع تحصیل : علی احمدی میانجی در کنار تحصیل، با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان فاضل خود، همچون آیات: سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، اقدام به برگزاری بحث تفسیر هفتگی کردند و پس از ایشان نیز آیات دیگری مثل: آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی و... به جمع آنان پیوستند. این محفل علمی، به طور مرتب در هر هفته برگزار می‌شد. اعضای جلسه هر کدام به تفاسیر مختلف مراجعه می‌کردند و پیرامون آیات مباحث مفیدی را مطرح می‌نمودند که اغلب ظریف و دقیق و پربار بود. چنان که این اواخر آیت اللّه احمدی تأسف می‌خورد که چرا مذاکرات این جلسات از اول یادداشت و ضبط نشد و می‌فرمود:به خصوص آقای سید مهدی روحانی، پیرامون هر آیه‌ای از قران، یک برداشت و حرف جدیدی داشت.گاهی بحث و گفتگو در میان اعضا به قدری طولانی می‌شد و آقایان مبانی همدیگر را مورد مناقشه و نقض قرار می‌دادند که در نهایت جمع‌بندی بحث‌ها را مشکل می‌کرد. اگر چه برخی اعضای این محفل قرآنی با گذشت زمان و به علت مسافرت به مناطق مختلف یا مسئولیت‌های اجرایی در تمام جلسات حضور نمی‌یافتند و شخصیت‌های دیگری می‌آمدند، با این حال اعضای اصلی و بنیانگذار آن، از جمله آیت اللّه احمدی، همچنان با حضور قوی و فعال خود مانع از تعطیلی آن می‌شدند. این محفل تفسیری تا همین اواخر نیز ادامه یافت و نزدیک به نیم قرن به فعالیت خود ادامه داد. از آیت اللّه احمدی، یادداشت‌هایی از این جلسات به جای مانده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : علی احمدی میانجی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد

استادان و مربیان : از استادان علی احمدی میانجی می توان به اساتید زیر اشاره کرد: آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی هدایت آیت الله حائری مرحوم آیةا... حاج سید حسین قاضی نابینی ایروانی کاشف الغطا آیت الله میرزا رضی زنوزی حضرت علامه طباطبایی آیت الله آقا میرزا احمد کافی الملک بروجردی گلپایگانی محقق داماد

هم دوره ای ها و همکاران : علی احمدی میانجی و با آیات عظام: میلانی، خویی و مرعشی نجفی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی نیز هم‌بحث و هم‌درس شد.

وقایع میانسالی : علی احمدی میانجی با توجه به شصت سال تجربه علمی و عملی در حوزه علمیه قم، به نقاط ضعف و قوت و جنبه‌های افراط و تفریط در بعد اخلاق و عرفان آشنایی کامل داشت. لذا توصیه‌هایی که در این رابطه به طلاب و فضلای جوان

می‌کرد، نشأت گرفته از همین تجارب شصت ساله ایشان بود. از این رو، آیت اللّه احمدی هنگامی که می‌دید بعضی طلاب جوان و مقدمات خوان، خیلی زود و بدون فراهم ساختن زمینه لازم، وارد برخی مسائل عمیق اخلاقی و عرفانی می‌شوند و به قول معروف، می‌خواستند ره صد ساله را یک روزه طی کنند و در مدتی کوتاه همانند حضرت امام خمینی (ره) و آیت اللّه بهاء الدینی و یا آیت اللّه بهجت گردند، سخت نگران می‌شد و تأسف می‌خورد و با تذکرات و توصیه‌های کارشناسانه و دقیق خود، در صدد اصلاح چنین افرادی بر می‌آمد. لذا چنانچه این قبیل طلاب جوان به حضور ایشان می‌رسیدند و با یک دنیا توقع از ایشان می‌خواستند تا آنها را ارشاد و نصیحت بکند و ذکری و وردی بر ایشان بیاموزد، آیت اللّه احمدی همچون پدری مهربان و طبیبی حاذق اینان را به اشتباه و بیراهگی خود آگاه می‌ساخت و با توصیه‌هایی به ظاهر ساده، اما در واقع دقیق و ظریف به رعایت این امور سفارش می‌کرد:۱ – سعی کنید واجبات خود را خوب انجام دهید؛ ۲ – از محرّمات دوری کنید و خود را به گناه آلوده نسازید؛ ۳ – از خوراک خود کم نگذارید، به قدر لازم و کافی غذا بخورید؛ ۴ – خوابتان هم به قدر کافی باشد؛ ۵ – خوب درس بخوانید و بعد درس‌هایتان را خوب بحث کنید؛ ۶ – در مرحله آخر اگر وقت اضافی آوردید، می‌توانید به برخی از مستحبات هم بپردازید.

زمان و علت فوت : علی احمدی میانجی پس از هفتاد و سه سال زندگی توأم با تلاش، تحقیق و پژوهش، بامداد روز دوشنبه، بیست و یکم شهریور ۱۳۷۹ چشم از جهان فرو بست و روح بلندش به سوی معبود متعال پرواز کرد. پیکر این فقیه خستگی‌ناپذیر، با حضور مراجع معظّم تقلید، علمای اعلام، طلاب و فضلا و انبوهی از مردم قم، میانه، تهران و... از مسجد امام قم به حرم حضرت معصومه (س) تشییع شد و با تجلیل فراوان، در جوار کریمه‌اهل‌بیت (ع) جنب مرقد علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : علی احمدی میانجی از همان دوران طلبگی ضمن تحصیل، به تدریس نیز اهتمام داشت و درس‌های پیشین را به طلاب و فضلای پایین‌تر از خود می‌آموخت. آیت اللّه احمدی در حوزه علمیه قم جزو اساتید شناخته شده در سطوح عالی به شمار می‌رفت. به فقه و بخصوص به کتاب ارزشمند مکاسب شیخ انصاری، عنایت و علاقه خاصی داشت و هر سال آن را برای عده‌ای تدریس می‌نمود. او در امر آموزش طلاب، با شهید آیت اللّه قدّوسی در مدرسه حقّانی همکاری داشت و از اساتید سرشناس این مرکز علمی و انقلابی محسوب می‌شد.علاوه، درس اخلاق ایشان نیز در سطح حوزه علاقمندان زیادی داشت. لذا از مدارس مختلف، مانند مدرسه شهیدین، مدرسه معصومیه و مدرسه کرمانی‌ها، دعوت می‌شد و برای طلاب و فضلا در سطح‌های گوناگون درس اخلاق، که با جذابیت ویژه‌ای توأم بود، ارائه می‌داد. او که یک عمر فقه را با اخلاق به هم آمیخته بود، تبلور عینی یک «فقیه اخلاقی» بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عمده خدمات فرهنگی – اجتماعی مرحوم علی احمدی میانجی در دو شهر میانه و قم بوده است:الف) میانه:در اواسط دهه سی که نهضت «مدارس ملی» با ابتکار شخصیت‌های روحانی مانند آیت اللّه شهید دکتر بهشتی و امام موسی صدر در شهر قم آغاز شد، آن دو بزرگوار در این شهر اقدام به تأسیس مدارسی به نام‌های «مدرسه ملی صدر» و «دین و دانش» کردند. در شهر میانه نیز آیت اللّه احمدی، با پیروی از این دو شهید، اوایل دهه چهل، با همکاری چند تن از افراد نیکوکار «مدرسه رضوی» را راه اندازی کرد. این مرکز آموزشی، در تربیت دینی و مذهبی کودکان و نوجوانان میانه بسیار مؤثر بود.در سال ۱۳۴۸ آیت اللّه احمدی در یک اقدام دیگر، مرکز فرهنگی – مذهبی مهمی را تحت عنوان «انجمن دین و دانش» بنا نهاد که در آن مقطع در رشد و تعالی فکری، عقیدتی و اخلاقی جوانانِ دبیرستانی و دانشگاهی نقش اساسی و تاریخی داشت به طوری که اغلب تربیت یافتگان این مرکز، به نیروهای بالقوه انقلاب اسلامی تبدیل شدند و هنگامی که انقلاب در سال ۱۳۵۶ به مرحله بحرانی خود رسید، همه در خدمت آن قرار گرفتند و از جان خود برای پیشبرد نهضت اسلامی مایه گذاشتند.مؤسسه قالیبافی و صندوق قرض الحسنه مهدیه، دو خدمت دیگری بود که تقریباً همزمان با تأسیس انجمن دین و دانش، به همّت آیت اللّه احمدی و با همیاری تنی چند از معتمدین میانه انجام پذیرفت.مؤسسه قالیبافی اگر چه بعد از چند سالی به علت مشکلات و موانعی به تعطیلی گرایید، امّا صندوق قرض الحسنه هنوز هم فعال است و بیش از ۳۰ سال است که بخشی از نیازهای قشر محروم را آبرومندانه تأمین می‌کند.ب) قم:صندوق ذخیره علوی، مؤسسه خیریه الزهراء (س) و جامعه ناصحین قم از جمله مراکز مهم و مؤثر در قم به شمار می‌آیند که آیت اللّه احمدی جزء مؤسسین پرتلاش آن بود. اهمیت هر کدام در جهت رفع مشکل مادی و معنوی مردم و احیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح شهرستان قم بر کسی پوشیده نیست.اشتیاق آیت اللّه احمدی برای خدمت به مردم، بدان حد بودکه محل اقامه نماز جماعت ایشان (مسجد عبداللهی واقع در سه راه بازار قم)، به عنوان محلی جهت رفع نیاز نیازمندان شناخته شده بود و در طول سال‌ها امامت ایشان در آن مسجد، گره از مشکل صدها انسان آبرومند و حاجتمند گشوده می‌شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی احمدی میانجی سال ۱۳۴۱، که قیام مراجع معظم تقلید به رهبری حضرت امام خمینی بر ضد لایحه «انجمن‌های ایالتی ولایتی» آغاز شد، آیت اللّه احمدی حضور متعهدانه خود را در این نهضت بزرگ اسلامی به خوبی نشان داد. او در هر رخداد مهمی، در صورت لزوم، نخست به خدمت حاج آقا روح اللّه خمینی و سایر مراجع معظم می‌رسید. بعد از کسب رهنمودهای لازم عازم میانه می‌شد و پیام آنان را به روحانیت و مردم آن سامان می‌رساند و با سازماندهی روحانیت و روشنگری مردم، در جهت آرمان‌های نهضت اسلامی گام‌های مؤثر و بلندی برداشت.آیت اللّه احمدی، روش خاص خود را داشت: سعی می‌کرد به دور از احساسات و افراط کاری‌ها، بیشتر با منطق و استدلال قوی، منشأ اختلاف میان روحانیت و رژیم شاه را برای مردم بازگو کند و آنها را از ماهیت ضد اسلامی رژیم آگاه سازد. به همین علت جلسات سخنرانی ایشان، در مراحل حساس و سرنوشت ساز آن دوران بسیار سودمند و پربار جلوه می‌نمود.عید نوروز و خرداد سال ۱۳۴۲، که به فرمان حضرت امام خمینی، در سرتاسر کشور عزای عموی اعلام شد و روحانیت مأموریت یافت، مردم را در این ایام روشنگری کرده به افشای جنایت‌های رژیم بپردازد، آیت اللّه احمدی نیز به منظور اجرای امر مقتدای خود، وارد شهرستان میانه شد و با ایجاد هماهنگی بین روحانیت آنجا، در مجالس و محافل متعدد به وجه مقتضی به ایفای نقش پرداخت. ین عالم فداکار پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، بـا درک موقعیت حساس زمانی، تمام وقت خود را وقف انقلاب، اسلام، رهبری و مردم کرد و با حضور خستگی‌ناپذیر خود در

عرصه‌های مختلف، به دفاع از حریم نهضت برخاست.

همفکران فرد : با توجه به نگرش پویای علی احمدی میانجی در فقه و سایر مسائل اسلامی، حضرت آیت اللّه خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، طی حکمی ایشان را همراه با حضرات آیات سید مهدی روحانی، شیخ محمد ابراهیم جنّاتی، سید محمود هاشمی شاهرودی و... جهت بررسی موضوعات جدید و پاسخگویی به مسائل روز جهان اسلام منصوب کردند.

آرا و گرایشهای خاص : نوع فعالیت‌های اجتماعی علی احمدی میانجی به خوبی نشان می‌دهد که وی در طول زندگی، همیشه به فکر قشر محروم و مستضعف جامعه بود. کسانی که از نزدیک با وی ارتباط و همکاری داشتند این اخلاق پیامبرگونه، برایشان ملموس و عیان بود. با توجه به فضای رایج در حوزه، که اغلب فضلا و محققان را به تحقیق پیرامون فقه و اصول سوق می‌دهد و بیشتر محققین در این موضوعات تحقیق و تدریس می‌کنند؛ اما آیت اللّه احمدی از نادر شخصیت‌هایی است که هرگز تحت تأثیر این فضا قرار نگرفت و بر خلاف آن، نیروی تحقیقی خود را با ژرف‌نگری خاصی در موضوع اهم دیگر مثل آثار مکتوب و نامه‌های پیامبر متمرکز ساخت؛ موضوع با ارزشی که در طول چهارده قرن گذشته به ورطه فراموشی سپرده شده و چندان عمیق بدان پرداخته نشده بود.کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود ۲۳ سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت اللّه احمدی است.آیت اللّه احمدی وظیفه اصلی طلاب جوان را تحصیل علوم اسلامی به نحو احسن می‌دانست و همواره اظهار می‌داشت که طلاب باید خوب درس بخوانند و مبانی اسلام و تشیّع را خوب بفهمند. تا بتوانند در برابر انواع و اقسام شبهات بااستدلال و برهان از حریم اسلام و تشیّع دفاع کنند.

جوائز و نشانها : کتاب "الاسیر فی اسلام" تالیف علی احمدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : او با این بینش و تفکر وارد میدان تحقیق و پژوهش شد و از آیات، احادیث و روایاتی که تا دیروز تنها در ابعاد فردی استفاده می‌شد، در ابعاد حکومتی از آنها بهره برداری کرد و کتابی را تحت عنوان «اطلاعات و امنیت در حکومت اسلامی» به رشته تألیف درآورد که از این نظر در نوع خود، کم نظیر و بدیع می‌باشد. بر اساس همین بینش، ایشان به «احکام حکومتی» که زیر نظر ولایت ولی‌فقیه جامع الشرایط اداره شود، به جدّ اعتقاد داشت و از این رو، حتی مقررات و قوانین معمولی را هم لازم‌الاجراء می‌دانست؛ به طوری که اظهار می‌داشت: اگر کسی در نیمه شب مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکرد و پلیس هم حضور نداشت، واجب است خود، جریمه خلافش را به صندوق حکومت واریز کند؛ در غیر این صورت ذمه‌اش مشغول خواهد شد.ایشان در باب اخذ وجوه شرعیه (خمس، زکات و...) نیز نظر خاصی داشت که از همان نظریه حکومتی ایشان نشأت می‌گرفت. او اخذ وجوه شرعی و مصرف آن را، ابتدائاً یکی از شئون اساسی ولی فقیه می‌دانست. به همین سبب با این که ایشان مجتهد مسلم بودند؛ اما در این باب خود را ملزم کرده بودند تا از مقام معظم رهبری اجازه بگیرند. --

آثار :

۱ احادیث اهل البیت عن طرق اهل السنهٔ

ویژگی اثر : این کتاب ارزشمند اثر مشترک آیت اللّه احمدی و مرحوم آیت اللّه حاج سید مهدی روحانی است. همان طوری که از نام آن پیداست، در این مجموعه، احادیث و روایات اهل‌بیت (ع) در موضوعات مختلف که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب‌های روایی و تاریخی معتبر آنان موجود است، گردآوری شده است و در نوع خود یک تحقیق بدیع و ابتکاری به شمار می‌آید.این مجموعه نفیس در ابواب و موضوعات گوناگون مانند: تفسیر، عقاید، فضایل، تاریخ اهل بیت (ع) و تاریخ صحابه پیامبر و... به بحث پرداخته است و البته غالب مباحث آن در موضوعات فقهی و احکام عملی است. تعداد کتاب‌ها و منابعی که این احادیث و روایات از آنها جمع آوری شده، نزدیک به دویست عنوان واثر معتبر می‌باشد. جلد اول این اثر، بیست جلدی در سال ۱۳۷۹ ش، زیور طبع پوشید و به موضوع طهارت و جنائز می‌پردازد. مجلدات بعدی را نیز مؤسسه نشر اسلامی به تدریج چاپ و منتشر خواهد کرد.

۲ اصول مالکیت در سالام

ویژگی اثر : تالیف

۳ الاسیر فی الاسلام

ویژگی اثر : این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «الاسیر فی اسلام»: یکی از مسائلی که جامعه بشری گاه بدان دچار می‌شده و خواهد شد جنگ و یکی از مسائل اجتناب ناپذیر هر جنگ اسارت است، هر یک از ادیان الهی و یا مرام و مسلک بشری در این مورد قوانین و مقرارتی دارد، لیکن دین مقدس اسلام مانند سایر موضوعات، در این مورد نیز بهترین و جامعترین قوانین را آورده است. مؤلف محترم کتاب با تتبع ژرف و تحقیق عمیق این مساله را از نظر اسلام به طور دقیق بررسی نموده و احکام اسلام را در این باره بازگو نموده و برتری آن را به اثبات رسانده است. کتاب مقدمه‌ای نسبتاً طولانی و بسیار پربار درباره چگونگی جنگ و اسارتهایی که در طول جنگ‌های صلیبی، مغول، و تاتار، جنگ جهانی دوم و ... رخ داده و جنایتهایی که به اسیران روا داشته‌اند، دارد؛ متن کتاب سه بخش است ۱۰ـ علل بروز جنگ‌ها و نتایج و آثار آن، ۲ـ توضیح و تشریح اسیر گرفتن از کفار و شورشیان (بغات)، ۳ـ تبیین و ترسیم حقوق در اسلام. مولف محقق کتاب، موضوع اسارات را، هم از دیدگاه فقهی شیعه و سنی بررسی نموده و هم از نظر گاه تاریخی، و با تتبع گسترده، سیره رسول خدا(ص) و امیر المومنین (ع) با سایران را ترسیم نموده است. مقایسه قوانین اسارت و اسیر در اسلام با دیگر قوانین بشری دنیا، و اثبات جامعیت و برتری آن عصر فضا از دیگر ویژگیهای کتاب است

۴ التبرک

ویژگی اثر : در سال‌های پیش از انقلاب با توجه به شبهاتی که ایادی وهابیت در جامعه اسلامی و اذهان مسلمانان ایجاد می کردند و هر روز دامنه آن در سطح عمیقی گسترش می‌یافت، آیت اللّه احمدی با درک ضرورت موضوع به نگارش این اثر مفید پرداخت و بدین ترتیب به مقابله با این تهاجم فرهنگی برخاست. او دراین اثر گرانسنگ، اولاً در مقدمه کتاب، بیشتر اختلاف موجود در میان فرق اسلامی را غیر واقعی و نتیجه سوء تفاهم‌ها و دسیسه‌های دشمنان قلمداد می‌کند. سپس در فصل اول، موضوع تبرک را در موارد متعدد، از دیدگاه احادیث پیامبر و تاریخ و سیره صحابه مورد بررسی و موشکافی قرار می‌دهد. در فصل دوم نیز به همان شیوه، موضوع بوسیدن را بررسی می‌کند. استناد او به روایات و شواهد تاریخی به صورتی است که هیچ یک از فرق اسلامی قادر بر انکار و ایجاد شبهه در آن نیستند.این کتاب در سال ۱۳۵۶ ش به زیور چاپ مزین گردید و هم اکنون نیز از طریق حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت تنظیم و تدوین یافته به صورت مطلوبی چاپ شده و در دست علاقمندان قرار گرفته است.

۵ السجود علی الارض

ویژگی اثر : در این اثر نفیس که شامل بحث‌های قرآنی، حدیثی، فقهی، اصولی و تاریخی پیرامون موضوع «سجده» می‌باشد، مؤلف، قدرت اجتهادی و فقاهتی خویش را به روشنی به اثبات می‌رساند. وی در این کتاب ابتدا، سیر تاریخی سجده را به چهار دوره متفاوت تقسیم می‌کند. سپس هر کدام آنها را همراه با اقوال، آرا و اجتهادات صحابه، تابعین و تابعین آنان، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در بخش آخر، بحث مبسوطی را درباره فضیلت سجده بر تربت امام حسین (ع) با استناد به احادیث مطرح می‌نماید.اولین چاپ این کتاب، پیش از انقلاب از سوی مؤسسه در راه حق در چند نوبت و در هر بار با تیراژ پنج هزار به چاپ رسید. بعد از آن نیز یک بار در بیروت چاپ شد. همچنین به طور متفرقه از طریق ناشران مختلف به چاپ رسید که نام و مشخصات ناشر در آن منعکس نشده است.

۶ حاشیه و تعلیقه بر کتاب «معادن الحکمه»

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

۷ حاشیه و تعلیقه بر کتاب شیعه در اسلام

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

۸ لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی

ویژگی اثر : در این کتاب، مؤلف فرزانه نخست با استناد به ادله عقلی و نقلی به ضرورت وجود تشکیلات اطلاعاتی در حکومت اسلامی می‌پردازد و بحث مبسوطی در این زمینه ارائه می‌دهد. سپس مباحث متنوعی را نیز در موضوعات مختلف؛ از جمله: معنای نصیحت، بحث عریف و نقیب، معنای تجسس و سوء ظن و موارد جواز این دو و وجوب حسن ظن را از دیدگاه قرآن و احادیث مطرح می‌سازد.چاپ اول این کتاب را دفتر نشر برگزیده در قم، در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسانده است.

۹ مالکیت خصوصی

ویژگی اثر : در اوایل انقلاب، از سوی برخی گروهک‌ها شبهاتی در جامعه ترویج و القا می‌شد مبنی بر این که: در اسلام مالکیت خصوصی وجود ندارد و اگر هم باشد، بسیار محدود است؛ یا در اسلام سرمایه و ثروت جایگاهی ندارد و اجاره یک نوع استثمار و بهره کشی از ضعیفان است و... . آیت اللّه احمدی جهت پاسخ به این شبهات، سلسله مباحثی را پیراموی مالکیت خصوصی در رمضان سال ۱۳۵۹، در انجمن دین و دانش میانه آغاز می‌کند و با استفاده از آیات و روایات در صدد رفع شبهه برمی‌آید و نظر اسلام را در این خصوص روشن می‌سازد. یادداشت‌های این مباحث، با تصحیح و اضافاتی به صورت کتاب مذکور، در پاییز سال ۱۳۶۱ از سوی مؤسسه نشر اسلامی به چاپ رسید و تا کنون چندین نوبت تجدید چاپ شده است.

۱۰ مکاتیب الامام الرضا(ع)

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ مکاتیب الرسول

ویژگی اثر : کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود ۲۳ سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت اللّه احمدی است.: این کتاب نفیس در پانزده فصل مهم، تنظیم و تدوین یافته است که در آن موضوعاتی از قبیل نامه‌های پیامبر به پادشاهان، کارگزاران و رهبران سایر ادیان، قراردادهای آن حضرت، نوشته‌های پیامبر در نزد امامان معصوم (ع) ، مکتوبات آن حضرت در موضوعات متفرق، مکتوبات منسوب به آن حضرت، کاتبان وحی، ویژگی‌های آنها از حیث فصاحت و بلاغت، غرائب موجود در آنها، چگونگی آغاز و انجام آنها و سایر موضوعات تحقیقی و علمی مفید که به مناسبت‌هایی در لابه‌لای فصول مطرح شده است.استفاده از منابع و مآخذ مهم اهل سنت از حیث کمی و کیفی از امتیازات بارز این اثر کم‌نظیر می‌باشد.این کتاب به جهت اهمیت ویژه‌ای که دارد، بی‌درنگ مورد استقبال کم نظیر اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفت و تا کنون چندین بار با مجلدات و اندازه‌های مختلف در بیروت، تهران و قم به چاپ رسیده است. اولین چاپ آن در سال ۱۳۳۹، با همکاری حجج الاسلام و المسلمین: محمد مهدی حجتی و میرزا قدرت اسکندری از طریق چاپخانه علمیه قم انجام پذیرفت و آخرین آن را که همراه با تصحیح، تنقیح و اضافات مؤلف بود، در سال ۱۳۷۷ ش، انتشارات

دارالحدیث در چهار جلد با کیفیت مطلوب چاپ کرد و در اختیار علاقمندان قرار داد.

۱۲ مواقف الشیعه

ویژگی اثر : این کتاب، شامل نزدیک به یک هزار مناظره و احتجاج از صحابه پیامبر (ص) ، اصحاب امامان معصوم (ع) ، راویان، محدثان، عالمان و شخصیت‌های بزرگ شیعه در طول تاریخ می‌باشد و از منابع معتبر شیعه و اهل سنت جمع‌آوری شده و در سه مجلد، تدوین یافته است. مؤلف فرزانه در مقدمه این کتاب، ضمن توضیح درباره جدال و اقسام آن، انگیزه نگارش خود را به طور اجمال این چنین بیان می‌دارد:«هر کس در محتوای مناظرات این کتاب دقت و تأمل کند، به وضوح قدرت تفکر، رشد عقلی و دقت نظر علمای شیعه را مشاهده می‌کند و اهتمام آنان را به امور دینی به خوبی درمی‌یابد و برایش روشن می‌شود که دانشمندان شیعی در طول تاریخ، اهل منطق و برهان بوده و هرگز به نیرنگ پناه نبرده‌اند. علاوه بر مبانی خود، به کتب و عقاید مخالفان خویش آگاهی کامل داشتند و در بحث و مناظره جانب انصاف و متانت را کاملاً مراعات می‌کردند و همه این امتیازات را هم از اهل‌بیت (ع) گرفته‌اند. نیز می‌فهمد، به خلاف شیعه، آنهایی که با شیعه به مقابله و مخالفت برخاستند، هیچ یک این مزایا را نداشتند، بلکه حتی فاقد آن بودند و...»این کتاب اگر چه از ترتیب منطقی خاصی برخوردار نیست – به همین سبب بعضاً پراکندگی و تکرار در آن به چشم می‌خورد و امید است در چاپ‌های بعدی توسط ناشر برطرف گردد، اما از حیث محتوا در نوع خود کم‌نظیر و بدیع می‌باشد. برای اولین بار سال ۱۳۷۵ ش توسط مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به زیور چاپ مزین شده ویک سال بعد نیز به عنوان کتاب سال اعلام گردید.

احمدی نژاد، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم احمدی نژاد

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۸/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم احمدی نژاد در سال ۱۳۳۹ در آبادان متولد شدم. دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در آبادان گذراندم. در زمان اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی به همراه بچه های مسجد مهدی موعود (عج) در پخش اعلامیه و تظاهرات فعالیت می کردم. سال آخر دبیرستان مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی شد و در اولین انجمن اسلامی دبیرستان به عضویت شورا بر گزیده شدم.

در سال ۱۳۵۸ در انستیتو تکنولوژی بروجرد در رشته برق پذیرفته شدم ودر آنجا نیز به عنوان نماینده انجمن اسلامی انتخاب شدم.

در سال ۱۳۵۹ بعد ازانصراف از انستیتو تکنولوژی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رسول اکرم (ص) وامام باقر (ع) دروس مقدماتی و سطح را خواندم و از سال ۱۳۷۳ تا کنون مشغول به تحصیل درس خارج می باشم.

در این مدت از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات خسرو شاهی، فتوحی، مرحوم آیت وجدانی، مرحوم آیت الله پایانی و همچنین آیت الله اعتمادی، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مکارم شیرازی بهره وافر برده ام.

از قبل از دوران انقلاب به ادبیات کودک و نوجوان علاقمند بودم و در این زمینه مطالعه می کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با ورود به حوزهٔ علمیه قم در مرکز تحقیقات جهاد سازندگی که شعبه ای در قم داشت به نقد و برسی کتابهای کودک و نوجوان مشغول شدم. پس از کسب تجربه و تخصص در واحد کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی قم به عنوان مسئول نقد و بررسی کتاب سالهای متمادی مشغول به فعالیت بودم.

در کنار تحقیق تاکنون بارها به تدریس، نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان در حوزه علمیه قم و نهادهای دیگر اشتغال داشته ام که بخش خواهران دفتر تبلیغات، طرح هجرت، حوزه علمیه گچساران و... از این قبیل است. در پی این همکاریها، چندین سال عضو هیئت طرح و برنامه مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات بوده ام. مدت کوتاهی نیز با مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای قم در زمینه نقد سریالهای تلویزیونی کودک و نوجوان همکاری داشته ام. به غیر از سفرهای ایام دفاع مقدس همه سفرهای تبلیغی بنده تخصصی بوده و فقط شامل کار با کودک و نوجوان بوده است و به شهرهای: سنندج، شیراز، اهواز، گچساران، بندرعباس، آبادان، تهران، گرمسار، شوشتر، زاهدان، اصفهان، کرمان، همدان و... جهت تبلیغ صاحب نظر و رای می باشم.

در سال ۱۳۷۵ به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی وارد شدم و سالها به عنوان معاونت شبکه جهانی نور انجام وظیفه نموده و در به ثمر رساندن بانک اطلاعات شبکه جهانی نور، نرم افزار پایگاه های قرآنی، پایگاه امام علی (ع) همکاری عملی و اجرایی داشته ام.

هم اکنون نیز به عنوان مدیر سازمان آموزش کامپیوتر نور، مدیر گروه آموزش از راه دور دانشکده باقرالعلوم (ع) و عضو طرح و برنامه مدرسه اسلامی هنر مشغول به فعالیت می باشم.

احمدی نیشابوری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن احمدی نیشابوری فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نوراللّه نیشابوری داماد بزرگ مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری رحمه‌اللّه علیهم اجمعین می‌باشد. آن مرحوم در نیشابور شهر تاریخی استان خراسان به دنیا آمده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن اولیات به تحصیل علوم عربی پرداخته و مقدمات و سطوح اولیه را در نیشابور و مشهد خوانده سپس هجرت به اعتاب عالیات نموده و سالها در اعتاب مقدسه نجف اشرف و کربلاء معلی اقامت و از محضر آیات عظام بهره‌مند شده و پس از آن به ایران برگشته و در مشهد مقدس متوطن و به وظائف دینی و روحی تا حد خود اشتغال داشته و آنچه را که داشته به آن عمل نموده و در دوران اقامتش در مشهد مقدس مانند اقامتش در نجف اشرف در ظهر و شام موفق به نماز در حرم مطهر و به گفتن اذان بلند اعلام وقت فریضه می‌نمود.

نگارنده گوید: گرچه در اوساط علمی به علم مشهور نبود ولی نزد همگان به داشتن تقوی و ورع و اعمال صالحه معروف و موصوف بود و هر کس او را می‌شناخت به پاکی و بزرگواری می‌شناخت و پس از رحلتش هم او را به خوبی یاد و برای او طلب مغفرت می‌نماید.

در قضاء حوائج مؤمنین سعی بلیغ داشت و از بعضی ثقات و وابستگانش شنیدم دارای تألیفات متشتت و مخطوط بود و با بیت مرحوم آی اللّه العظمی حاج سیدمحمود حسینی شاهرودی نسبت سببی داشت و از محضر آن بزرگوار هم در نجف استفاده نموده بود. وی در حدود هفتاد سالگی در روز میلاد مادرش حضرت فاطمه زهرا علیهاسلام روز بیستم جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ قمری در مشهد مقدس درگذشت و در مشهد و قم و نیشابور مجالس بسیاری برای بزرگداشت او برگزار شد و عموما برای ارتحال او ابراز تاثر می‌نمودند.

فرزندان صالح و دانشمندی دارد که در مشهد و حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند و خاطره آن پدر را زنده می‌دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدرضا احمدی در سال ۱۳۱۹ در کرمان بدنیا آمد.در کارنامه ادبی چهل و چندساله‌اش، آثار مختلفی در حوزه‌های داستان، شعر کودک، شعر بزرگسال، دکلمه شعر و... ثبت شده‌اند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر و نویسندگی

والدین و انساب : جد پدری احمدرضا احمدی ،ثقه‌الاسلام کرمانی، و جد مادری‌اش آقا شیخ محمود کرمانی است. حاج محمدرضا کرمانی از فعالان نهضت مشروطیت در کرمان، دایی مادری احمدی است. پدر وی مصطفی از کارمندان وزارت دارایی و نیز از درویشان حلقه ذوالریاتین بود. خاندان او در این شهر از اعقاب حاج احمد فقیه کرمانی بودند که احوال‌شان در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» اثر ناظم‌الاسلام کرمانی آمده است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمدرضا احمدی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدرضا احمدی تحصیلات ابتدایی را در دبستان کاویانی کرمان و بعد از کوچیدن خانواده‌اش به تهران در سال ۱۳۲۶ در مدرسه‌های ادبی و صفوی تهران و دورهٔ متوسطه را در دبیرستان دارالفنون ناصرخسرو و هدف شماره ۳ طی کرد و در سال ۱۳۴۵ با اخذ دیپلم ادبی از دارالفنون فارغ‌التحصیل شد و دورهٔ سربازی را با عنوان سپاهی دانش در روستای ماهونک کرمان گذراند

هم دوره ای ها و همکاران : نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری از همکاران احمدی می باشند.

همسر و فرزندان : احمدرضا احمدی تنها یک دختر ۲۱ ساله به نام ماهور دارد که در رشته موسیقی از هنرستان ملی موسیقی در تهران فارغ التحصیل شده است

وقایع میانسالی : احمدرضا احمدی در سال ۴۶ راهی آمریکا شد و مدت یک سال در این کشور مقیم شد. تجربه سفر، شناخت جهان و افقهای تازهتر سبب شد که شاعر در بازگشت یعنی در سال ۴۷ مجموعه «وقت خوب مصائب» را به بازار بفرستد. ناشر این اثر، کتاب زمان بود ;ناشری که آثار روشنفکرانی چون حقوقی، رحمانی، ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی و... را منتشر میکرد. احمدی با انتشار این شعرهای سهل و ممتنع جایگاه خود را در شعر ایران تثبیت کرد. احمدی پس از یک سال اقامت در آمریکا به ایران بازگشت و از سال ۴۹ کار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را انتخاب کرد و تا سال ۷۳ که بازنشسته شد، در همین مؤسسه فعالیت داشت. قابل ذکر است او در سال ۱۳۵۵ همکاری با برنامه رادیویی ظهر روز هفتم را با تهیه‌کنندگی مسعود بهنود در نگارش و قرائت متن پذیرفت. «طرح» نام نخستین دفتر شعر احمدی است. این دفتر زمینه پدید آمدن جریانی را در شعر نو

فارسی فراهم کرد که بعدها موج نو نام گرفت

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمدضا احمدی اولین مجموعه شعرش را با عنوان « طرح» در سال ۱۳۴۱ چاپ و منتشر کرد. وی پس از پایان خدمت در گروه صنعتی بهشهر، گروه تبلیغات استخدام شد. مدتی بعد با انتشارات روزن به همکاری پرداخت و سردبیری مجله روزن را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۴۹ برای گذراندن دوره‌ای یک ماهه در رشته انیمیشن کودکان راهی آمریکا شد. از مهر همان سال تا ۱۳۵۸ مدیریت تولید صفحه و نوار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را داشت و از سال ۱۳۵۸ با سمت ویراستاری در مرکز انتشارات کانون به کار پرداخت و در سال ۱۳۷۳ بازنشسته شد. هم‌کاری با مجله‌های رودکی، فیلم، گزارش فیلم، جنگ روزن، کلک و نگاه نو از دیگر فعالیت‌های او به‌شمار می‌روند. احمدی هم‌چنین در فیلم‌های «نار و نی» اثر سعید ابراهیمی‌فر و « بانوی اردیبهشت» رخشان بنی‌اعتماد گویندگی و در فیلم «پستچی» داریوش مهرجویی در سال ۱۳۵۱ بازی کرده است. در سال ۱۳۷۸ داور نخستین جشنواره موسیقی پاپ در ایران می‌شود و در سال ۱۳۷۹ داور جشنواره ۲۰ سال شعر و قصه کودک در ایران. در مدتی که مدیر تولید مرکز تهیه صفحه و نوار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : احمدی در سال ۱۳۴۳ به همراه نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری گروه ادبی طرفه را با هدف دفاع از هنر موج نو تأسیس کرد. انتشار دو شماره مجله طرفه و تعدادی کتاب در زمینه شعر و داستان از فعالیتهای این گروه است.

آرا و گرایشهای خاص : به عقیده ی احمدرضا احمدی ،شعر چندصد سال پیش، به اعتلای روحی آدم‌ها کمک می‌کرد، ولی الان نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد. به طور کلی فعالیتهای احمدی را می‌توان به ۵ بخش زیر تقسیم کرد: ۱ـ شعر ۲ـ نثر ۳ـ ادبیات کودک ۴ـ نوار کاست و اشعار صدای او ۵ـ سینما: بازیگری.

جوائز و نشانها : در سال ۱۳۸۶ در دومین جشنواره شعر فجر از احمدرضا احمدی به عنوان شاعر برگزیده بخش آزاد تقدیر شد. در سال ۱۳۸۱ ناصر صفاریان در فیلمی با عنوان «وقت خوب مصائب»، به زندگی و آثار این شاعر پرداخت. در بهار خرگوش سفیدم را یافتم، با نقاشی نفیسه ریاحی۷۰(این کتاب ازسوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.) «اسب و سیب و بهار» با نقاشی کریم نصر ۸۰ (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد) از طرف دیگر احمدی شیوه تازهای در شعر نو پیشنهاد میکرد و با چاپ «روزنامه شیشهای» در سال ۴۲ توسط نشر طرفه بهعنوان شاعری آوانگارد شناخته شد

چگونگی عرضه آثار : آثاری ازجمله مجموعه «صدای شاعر» که معرفی شعر معاصر و شعر کلاسیک فارسی بود، مجموعه زندگی و آثار موسیقی‌دانان ایران و جهان، مجموعه آوازهای فولکلور ایران، مجموعه کل ردیف موسیقی ایران، مجموعه بازسازی تصنیف‌های کلاسیک موسیقی ایران و مجموعه قصه برای کودکان را تولید کرده است. احمدرضا احمدی کتاب‌های «پسرک تنها روی برف»، «برف هفت گل بنفشه را پوشانده بود»، «همه‌ی این قایق‌های کاغذی»، «شب دوازدهم»، «خواب دوازدهم»، «چهار مهمان»، «باز هم نوشتم صبح، صبح شد»، «قاصدک و قاصدک‌ها»، «در یک صبح مه‌آلود» و «دیگر شب کامل بود» را نیز برای انتشار نزد ناشران مختلف دارد. --
----

آثار :

۱ ساعت ۱۰ صبح بود(۱۳۸۵)

۲ از نگاه تو زیر آسمان لاجوردی(۱۳۷۶)

۳ اسب و سیب و بهار

ویژگی اثر : با نقاشی کریم نصر ۸۰ (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد)

۴ تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری

ویژگی اثر : با نقاشی فردوس ابراهیمی‌فر و مینا ضرابی ۶۸

۵ چای در غروب جمعه روی میز سرد می‌شود(۱۳۸۶)

۶ در بهار پرنده را صدا کردیم، جواب داد

ویژگی اثر : با نقاشی فرح اصولی ۶۹

۷ در بهار خرگوش سفیدم را یافتم

ویژگی اثر : با نقاشی نفیسه ریاحی ۷۰، (این کتاب ازسوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.)

۸ در قلمرو ادبیات کودکان: من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید

ویژگی اثر : با نقاشی عباس کیارستمی ۱۳۴۸

۹ در قلمرو نثر: حکایت آشنایی من(۱۳۷۷)

۱۰ روزنامه شیشه‌ای

ویژگی اثر : ۱۳۴۳

۱۱ روزهای آخر پاییز بود

ویژگی اثر : با نقاشی فرح اصولی ۶۹

۱۲ عاشقی بود که صبحگاه دیر به مسافرخانه آمده بود(۱۳۷۸)

۱۳ عزیزمن(۱۳۸۴)

۱۴ عکاس در حیاط خانه ما منتظر بود

ویژگی اثر : با نقاشی نسرین خسروی ۶۹

۱۵ قافیه در باد گم می‌شود(۱۳۶۹)

۱۶ کتاب منتخبات(۱۳۸۱)

۱۷ گزیده ادبیات معاصر(۱۳۷۸)

۱۸ لکه‌ای از عمر بر دیوار بود(۱۳۷۲)

۱۹ ما روی زمین هستیم(۱۳۵۲)،

۲۰ من فقط سپیدی اسب را گریستم (۱۳۵۰)،

۲۱ نثرهای یومیه(تجدید چاپ ۸۲)

۲۲ نوشتم باران، باران بارید

ویژگی اثر : با نقاشی فردوس ابراهیمی‌فر ۶۸

۲۳ هزار اقاقیا در چشمان تو هیچ بود (۱۳۷۹)

۲۴ هزار پله به دریا مانده (۱۳۴۶)

۲۵ هفت روز هفته دارم

ویژگی اثر : با نقاشی محمدرضا دادگر ۱۳۶۴

۲۶ هفت کمان هفت‌رنگ

ویژگی اثر : با نقاشی هوشنگ محمدیان ۱۳۶۴

۲۷ همه آن سال‌ها (۱۳۷۱)

۲۸ وقت خوب مصائب(۱۳۴۷)،

۲۹ ویرانه‌های دل را به باد می‌سپارم(۱۳۷۳)

۳۰ یادگاری(۱۳۷۷)

۳۱ یک منظومه دیریاب در برف و باران یافت شد(۱۳۸۰)

احمدی، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله احمدی

محل تولد : فریدن اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بعد از طی مراحل دبستان تا پنجم ابتدایی، در سال ۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و بعد از طی مقدمات در حوزه به مدت چهار سال، دروس سطح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) را تا سال ۵۹ و ۶۰ به اتمام رساندم. از سال ۶۱ به مدت ۷ سال در درس خارج اصول و ۱۴ سال در درس خارج فقه شرکت نمودم. همزمان با فقه و اصول حدود دوازده سال در دروس تفسیر و به مدت ده سال نیز در فلسفه از منظومه و اشارات و اسفار شرکت نمودم.

همزمان با شرکت در دروس سطح عالی و خارج، در مدارس حوزه و نیز

مرکز جهانی علوم اسلامی حدود هفت سال تدریس نمودم. موضوعات تدریس شده عبارتند از: فقه، اصول، تاریخ، علوم قرآنی و تفسیر بوده است. از سال ۷۷ شروع به تدریس سطح عالی حوزه یعنی رسائل و مکاسب نمودم و اکنون هم مکاسب و کفایه تدریس می نمایم.

در همین سال شروع به نوشتن نمودم که برخی آثار به صورت مقاله در روزنامه ها و مجله های عمومی و تخصصی منتشر شده اند و برخی دیگر نیز به صورت کتاب منتشر شده اند و برخی هم به صورت دست نوشته باقی مانده اند.

احمدی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن احمدی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مشهد مقدس رضوی به عشق علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارد مدرسه حاج آقای موسوی نژاد (حفظه الله) تعالی شدم و طبق برنامه بسیار جالبی که در این مدرسه حاکم بود، درس صرف را مستقیماً از خود ایشان آموختم، ایشان با طرحی بسیار جالب مطالب صرف را دسته بندی و روی تخته آموزش می داد و ما هم می نوشتیم. بدون هیچ کتابی در مدت کوتاهی در صرف مهارت خوبی پیدا کردیم. بعد از تمام شدن فقط صرف ساده و بعضی کتب جامع المقدمات را مرور نمودیم، و بعد وارد درس هدایه شدیم و بعد صمدیه و سایر کتب ادبیات. بعد از مدت چهار سال دروس ابتدایی و متوسط را اعم از ادبیات، منطق، معانی بیان، اصول الاستنباط، اصول فقه و لمعه را تمام کردم.

در سال پنجم وارد دروس سطح عالی شدم. قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در مشهد درس گرفتم. بعد از آن رهسپار قم مقدسه شدم و بیع به بعد را از خدمت حضرت آیت الله استاد احمد پایانی (رحمهٔ الله علیه) و حضرت استاد شیخ مصطفی اعتمادی استفاده نمودم و کفایتین را خدمت استاد گنجعلی خراسانی که خود از شاگردان اسبق همان مدرسه حاج آقای موسوی نژاد در مشهد بوده اند، فرا گرفتم و با مشورت و تشویق خود ایشان و به توفیق الهی با شوق فراوان وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی (از اول اصول) و اصول حضرت آیت الله تبریزی (از استصحاب تا آخر دوره بعد) شدم. همزمان در درس فقه حضرت آیت الله تبریزی (از بحث اوانی در طهارهٔ) شرکت نمودم و هر روز بعد از درس در جلسات خصوصی سوال و جواب در منزل حضرت آیت الله تبریزی شرکت نموده و از آن مباحثات و سوال و جوابها استفاده ها نمودم.

بعد از اینکه چند سال درس خارج رفتم به اتفاق چند نفر از دوستان که از فضلا می باشند از یکی از شاگردان اسبق حضرت آیت الله تبریزی جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی شهیدی (حفظه الله) خواهش نموده و یک درس با محوریت کتاب بحوث فی علم الاصول شهید آیت الله صدر، درس خارج خصوصی که بیشتر صبغه مباحثه و جواب و اشکال داشته باشد را شروع نمودیم که تا سال ۸۳ ادامه داشت و پایان یافت. در خلال بحث های اصول و فقه از تحصیل فلسفه هم بی بهره نبودم و کتاب منظومه سبزواری را خدمت استاد نکونام آموختم. کتابهای نهایه، بدایه و اسفار، اشارات، شوارق و حتی بعضی بحثهای شفا را مطالعه نموده ام.

حدود ۱۰ سال است که تدریس در بعضی از مدارس و به صورت منظم در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی را شروع کرده ام. در این خلال اصول فقه، روضه، حلقات شهید صدر و خصوصا حلقه ثالثه رسائل اعم از قطع و ظن، برائت و استصحاب و مکاسب را تدریس نموده ام و هم اکنون نیز مشغول تدریس قطع و ظن در مدرسه مبارکه آیت الله گلپایگانی و حلقه ثالثه در مدرسه مبارکه حجتیه برای طلاب خارج از کشور می باشم.

از سال ۷۵ وارد موسسه دائرهٔ المعارف فقه شیعه شده و تاکنون به همکاری با آنان ادامه داده ام و در این راستا زیر نظر حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی مقالات فقهی زیادی را به رشته تحریر در آورده ام. در آن موسسه به عنوان های سر گروه، مدیر مجله، عضو شورای سرپرستی تحقیقات، دبیر شورای سرپرستی تحقیقات و اخیراً عضو هیئت علمی آن موسسه مشغول انجام وظیفه علمی و حوزوی می باشم.

با بخش مرکز مدیریت خواهران حوزه علمیه به عنوان مصاحبه سطح ۲ و ۳ نیز همکاری دارم. با مراکز مختلف تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات قوه قضاییه، مرکز جهانی تقریب المذاهب و... همکاری داشته و گاهگاهی مقالات فقهی و اصولی می نویسم .

احمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین احمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۳۶۹ بعد از اتمام دفاع مقدس و بازگشت از منطقه کردستان در مدرسه علمیه مبارکه جانبازان مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و دوره سطح را تمام و یا بعضاً در درس خارج شرکت میکنم. در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی هم بعضا شرکت می کنم. یک دوره کامل عروهٔ الوثقی را با مطابقت فتواهای مراجع حاضر درس گرفته ام و مدت اندکی به تدریس المنطق مشغول بوده ام و مدتی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) (حدود ۲سال) دوره عمومی را خوانده ام.

پژوهش و ترجمه عربی به فارسی را تجربه کرده ام و آثاری اندک دارم که بعضاً به چاپ رسیده اند. در خصوص برگزاری کنگره های بین المللی و همایش ها تجربه های زیادی داشته ام و حدودا ۱۰ کنگره و همایش را به عنوان دبیر اجرایی برگزار نموده ام. در مجمع جهانی اهل بیت (ع) مدتی مدیر امور بین الملل و مدتی مدیر امور اجرایی بوده ام و... .

احمدی، ذکرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذکر الله احمدی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذکرالله احمدی در سال ۱۳۵۳وارد حوزه علمیه آیهٔ الله بروجردی کرمانشاه شده و پس از آشنائی با ادبیات، صرف و نحو در حد جامع المقدمات، سیوطی، مغنی و حاشیه ملاعبدالله در منطق به حوزه علمیه قم هجرت کرده و به تحصیل ادامه داده و سطوح عالیه را از محضر اساتید گرانقدر به پایان رسانده، سپس در دروس خارج فقه و اصول مراجع و اساتید بزرگ شرکت جسته و فلسفه را در حد شرح منظومه از محضر آیهٔ الله محمدی گیلانی و آیهٔ الله انصاری شیرازی تلمذ نمودم.

در دور سوم مجلس خبرگان رهبری از سوی مردم استان کرمان به عنوان نماینده انتخاب و به مدت هشت سال ادامه داشته است.

احمدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی احمدی

محل تولد : قصر شیرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی احمدی فرزند محمد به شناسنامه ۵۱۷ به سال ۱۳۵۵در قصر شیرین استان کرمانشاه متولد شدم. پس از گذراندن دوران ابتدایی و راهنمایی و دو سال از دبیرستان نظام قدیم در سال ۱۳۷۲وارد حوزه علمیه قم شدم.

پس از اتمام تحصیلات سطح ۱ حوزه در سال ۱۳۷۸به کارهای پژوهشی روی آوردم. نگارش ۴ کتاب مستقل و بیش از ۴ کتاب به صورت گروهی حاصل این سالها می باشد. البته در زمینه های دیگر هم که با نویسندگی مرتبط است فعالیت داشته ام از جمله تصحیح و مقابله، ویرایش و آموزش، هم اکنون هم چندین طرح پژوهشی در دست کار دارم که برخی در مرحله تدوین و برخی در مرحله تایپ است.

احمدی، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم احمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قاسم احمدی دوران تحصیلات ابتدایی را در قم سپری نمودم در رشته اقتصاد و علوم اجتماعی در دبیرستان صدوق قم ادامه تحصیل دادم.

در سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیه قم گزینش شدم و در سال ۱۳۶۹ کنار درس حوزوی دوره کارشناسی علوم سیاسی را در دانشکده باقرالعلوم (ع) قم شروع و در سال ۱۳۷۴ به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۵ در گزینش اساتید معارف خبرگان بدون مدرک شرکت کردم و از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران شروع به تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس داشتم، در حالیکه در دو دانشگاه فوق به صورت حق التدریس همکاری داشته به درخواست گروه معارف اسلامی وقت دانشگاه آشتیان و معاونت محترم امور اساتید به

عنوان مـدیر گروه معارف اسـلامی دانشـگاه آشتیان انتخاب شـدم و هم اکنون در این واحـد مشـغول تـدریس و اداره گروه معارف اسـلامی می‌باشم و از معـاونت محـترم امـور اساتیـد و دروس معـارف اسـلامی دارای مجوز تـدریس در دروس انقلاب اسـلامی و ریشه‌های آن اخلاق و تربیت اسلامی هستم.

هم اکنون به عنوان مـدیر گروه معارف اسـلامی دانشـگاه آشتیان مشـغول خـدمت می‌باشم که در سال جاری از طرف معاونت امور اساتید معارف به عنوان مدیر گروه نمونه معرفی شدم.

احمدی، محمد رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۲ در مقطع لیسانس وارد دانشگاه شدم و در رشته الهیات مشغول به تحصیل شدم. همزمان به صورت آزاد در دروس حوزه مبارکه علمیه قم نیز شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۶ در مقطع فوق لیسانس رشته علوم قرآن و حدیث ادامه تحصیل دادم. سپس در سال ۱۳۶۸ وارد دانشگاه آزاد اسـلامی واحـد مرکز تهران شـدم و در سال ۱۳۷۱ موفق به اخـذ فوق لیسـانس در رشـته الهیات و معارف اسلامی شدم.

در سال ۱۳۷۲ به عنوان پژوهشـگر در مرکز تحقیقات اسـلامی به کار مشـغول شدم و به عنوان مدیر مسئول فصلنامه مربیان و ماهنامه های مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی، به فعالیت علمی و تحقیقی ادامه دادم. در سال ۱۳۷۶ به عنوان معاون پژوهشی مرکز یاد شده گمارده شدم و تا سال ۱۳۷۹ به کار ادامه دادم.

در سال ۱۳۷۹ در مقطع دکتری مـدیریت استراتژیک در دانشگاه عالی دفاع ملی پـذیرفته شدم و پس از اتمام دروس نظری در سال ۱۳۸۲ به عنوان مدیر گروه پژوهشـهای فرهنگی، رفتاری و اجتماعی در پژوهشـکده تحقیقات اسلامی مشغول گردیدم. در طی مدت یاد شده علاوه بر سـردبیری و مدیر مسـئولی نشریات یاد شده، تدوین فیلمنامه های آموزشی در موضوع نماز، ویژه نامه های مختلف و کتابهای متعدد در موضوعات مختلف با اشراف، هدایت علمی و زیر نظر حقیر تهیه شده است.

همچنین پروژه های تحقیقی متعـددی زیر نظر حقیر اجرا و نتیجه آن برای اسـتفاده کاربران مربوط گزارش شـده. چندین جلد کتاب نیز به طور مسـتقل تـالیف نموده ام و مقالات و جزوات متعـددی در موضوعـات متنوع بـا قلم حقیر منتشـر شـده و اخیراً نیز مجموعه شعری با نام «سلاله هابیل» منتشر نموده ام.

در کنار فعالیت های پژوهشی و تالیفی فوق، در مراکز متعدد آموزش عالی نیز به صورت مدعو تدریس نموده و یا به ایراد سخنرانی علمی و تحلیلی مسائـل راهـبردی داخلی، منطقـه ای و بیـن المللی پرداختـه ام، ماننــد تـدریس در دانشــگاه امـام حســین(ع)، جهـاد دانشـگاهی واحد اسـتان قم، تحلیل مسائل راهبردی در شـبکه استانی سیمای قم، سخنرانی در دانشگاه شهرکرد، دانشکده آب و برق مشـهد مقدس، دوره های طرح ولایت دانشـجویان بسـیجی، دوره های طرح بصـیرت مسئولان و فرماندهان سپاه طرح معرفت هادیان سیاسی بسیج و... . در ضمن بنده در حال حاضر عضو هیات علمی پژوهشی پژوهشکده تحقیقات اسلامی هستم .

احمدی، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مهدی احمدی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سـیدمحمدمهدی احمدی، فرزند سـیدابوالفضل، متولد ۱۳۳۲ شمسـی، محل تولد: خمینی شـهر اصـفهان. پدرم از روحانیون موجه و معنون آن خطه بودنـد و اجـداد ما همگی روحانی عالم و مورد اعتماد مردم بودنـد. حقیر در این خانواده رشـد نموده و طبق معمول وارد دبستان شدم.

در آن زمان در بعضـی از مدارس صـبحها سر صف قرآن قرائت می شد و بعد مراسم دعا انجام می گرفت. معمولا بنده را مامور این کار می کردنـد و با تلاوت چنـد آیه از قرآن و خوانـدن سـرود مراسم پایان می یافت. بعد از ظهرها مجدداً کلاس درس برگزار می گردیـد. یکی از نقـاط قوت آن مـدرسه این بود که مـدیر مـدرسه به جهت مـذهبی بودن، مراسم نماز جماعت ظهر و عصـر را بر پا نموده و همه را مکلف به انجام آن می نمود. حقیر چون از خانواده روحانی بودم به عنوان امام جماعت انتخاب شدم و نماز جماعت را در مسجد نزدیک مدرسه اقامه می نمودم.

بعـد از تمـام نمودن دوران ابتـدایی به جهت علاقـه شخصـی و نیز محیـط خانواده به مـدارس علوم دینی و به اصـطلاح طلبگی روی آوردم. آغاز تحصـیل حدوداً سال ۴۵ ـ ۴۴ بود. ابتـدا در همان شـهر به مـدت یک سال ماندم و بعد به اصـفهان آمده و در مدرسـه صدر بازار حجره گرفته و مشغول تحصیل شدم. در ضمن دروس جدید مقطع دبیرستان را به صورت شبانه خواندم و دیپلم گرفتم.

هجرت به قم: در حوزه علمیه اصـفهان دروس مقـدمات سـیوطی و شـرایع و حاشـیه را خوانـدم. ولی احساس نمودم دروس اصـفهان شتاب خاص خود را ندارد و بسـیار کند حرکت می کند. اساتید معمولاً جدیت خاصی ندارند و بسیار کم درس می دهند. از طرفی تشـنگی و نیاز درونی من متناسب با داده ها نمی باشـد. لذا بعد از مشورت با چند نفر از اساتید دلسوز تصـمیم گرفتم به حوزه علمیه قم هجرت نمایم. لکن موانع زیادی در سـر راهم وجود داشت و تقریبا مشوقی در این کار نیافتم بلکه به عکس مخالفت های زیادی می شد.

سال تحصیلی ۴۹ ـ ۴۸ بود که به قم مشرف شدم. در آن زمان مدرسه حقانی از مدارس بسیار منظم و معروفی بود و از طریق امتحان ورودی طلاب را جـذب می نمود. من در امتحان شـرکت کردم و بعـد از قبولی وارد آن مـدرسه شـدم. اساتیـد آن مـدرسه نوعا از اساتیـد بزرگ حوزه علمیه قم بودنـد که اکنون بعضـی از آنـان از مراجع تقلیـد می باشـند. مـدتی در آن مـدرسه بودم و بعـد از آن مـدرسه بیرون آمدم و در مدرسه دارالشـفاء حجره ای گرفتم و تا سال ۵۴ در آن مدرسه بودم. اساتید مقطع تحصـیل سطح: هر چند حقیر اساتید متعددی در این مقطع داشتم لکن نام بعضی از آنان را اشاره می کنم:

۱. مرحوم آیت الله ستوده که مکاسب را نوعا خدمت ایشان خواندم.

۲. حضرت آیت الله مظاهری اصفهانی که اکنون ریاست حوزه علمیه اصفهان را دارند.

۳. مرحوم آیت الله سلطانی که استاد کفایه بودند و نزد ایشان بخشی از کفایه را تلمذ نمودم.

در سال ۱۳۵۴ به درس خـارج راه یافتم و دروس فقه و اصول را نزد اساتیـد بزرگوار فرا گرفتم. همزمان با آن به جهت علاقه شـدید به علوم عقلی دروس فلسفه را نزد اساتید بزرگوار تلمذ نمودم. لازم به ذکر است تا حدود سال ۱۳۷۴ به درس خارج اشتغال داشتم.

اساتیـد خارج فقه و اصول حضـرات آیات: فانی اصـفهانی، حائری یزدی، سـیدمحمدرضا گلپایگانی، (رحمت الله علیهم) حاج شـیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی (دامت برکاتهم). قبلًا اشاره کردم که همزمان با دروس فقه و اصول، فلسـفه را نیز فرا گرفتم و دروس بدایـهٔ الحکمه، نهایـهٔ الحکمه، منظومه، شـفا و اسـفار را نزد اساتیـد آموختم. اساتیـد فلسـفه آیـات عظام: حسن زاده آملی، جوادی، امینی، انصاری. ضـمناً حقیر کتاب فصوص الحکم ابن عربی و بخشی از مصباح الانس را نزد حضرت آیت الله حسن زاده تلمذ نمودم.

احمدی، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم احمدی

محل تولد : روستای یام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۵

زندگینامه علمی

در نیمه دوم سال ۱۳۶۲ در تهران، دروس طلبگی را شروع کردم. بحمدالله تعالی ۷ – ۹ نفر از بستگانم (ازجمله پدر بزرگ ها، دایی و پسردایی ام) روحانی بوده و هستند. در اسفند ۱۳۶۷ معمم شدم و در نیمه دوم ۱۳۶۸ متأهل گردیدم.

از همـان دوران نوجوانی به مطـالعه کتاب به ویژه داسـتان و شـعر علاقه داشـتم که بحمـدالله تعالی با ورود به حوزه علمیه، به مطالعه کتاب و گوش دادن به نوارهای سـخنرانی، بیشتر اهمیت می دادم، چنان که در برخی از کتابخانه های تهران عضو شـده و در اوقات فراغت، به کتابخـانه هـای چهل سـتون، ملک، پارک شـهر، مجلس شورای اسـلامی بهارسـتان و غیره می رفتم. از سال ۱۳۶۵ به این نتیجه رسـیدم که علاوه بر مطالعه و نگارش مطالب مهم کتابها، مجلات، روزنامه ها و سـخنرانی ها (نوار و زنده) می باید به خریدن کتـاب هم بپردازم، لـذا از آن سال تاکنون بخشـی از شـهریه و درآمـدم را به خریـد کتاب اختصاص داده ام و کتابخانه شخصـی ام، حدود سه هزار کتاب در موضوعات گوناگون دارد.

از آذرماه ۱۳۶۹ به نگارش مقاله روی آوردم که نخستین مقاله ام با عنوان" کعبه می‌گرید ".در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شد و از سـوی مـدیر مـدرسه شـهید بهشـتی و برخی از اسـتادان و دوسـتان طلبه، مـورد تشویـق قرار گرفتم. از این روی، هر مـاه مقـاله یا مقالاـتی به روزنـامه هـای جمهوری اسـلامی، کار و کارگر، کیهان، اطلاعات، سـلام، جهان اسـلام، رسالت و ابرار می فرسـتادم که بحمد الله برخی از آنها چاپ شده است.

در تاریخ ۳ / ۷ / ۱۳۷۲ همراه خانواده ام (همسر و پسر هشت ماهه ام) به شهر مقدس قم مهاجرت کردیم که تا سال جاری، سکونت ما (حقیر، همسر، دو پسر و یک دختر) استمرار داشته است. مهاجرت به قم، غربت، عدم اشتغال، مستأجری و نداشتن شهریه تا سیزده مـاه، همگی بـاعث شـد که به پیشـنهاد یکی از دوسـتان طلبه ام، به جمع پژوهشـگران پژوهشـکده بـاقر العلوم (ع) وابسـته به سازمان تبلیغـات اسـلامی ملحق شوم، که این همکاری آزاد و پروژه ای، از آذرماه ۱۳۷۳ تـاکنون کم و بیش در قالب های نگارش کتاب و مقاله، تصحیح، ویرایش، ارزیابی و جلسات نقد و بررسی اهل قلم، ادامه دارد.

از خرداد ۱۳۷۸ تاکنون نیز در نشریه فرهنگ کوثر وابسته به آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) به عنوان مصحح همکاری داشته ام و معمولا- مقالا-تی از حقیر هم در نشریه چاپ می شود و گاهی هم به ویرایش و ارزیابی برخی از مقالات کوثر هم می پردازم. البته تصحیح کتاب ستارگان حرم از جلد ۶- ۸ و ۱۰- ۱۶ به عهده حقیر بود و حدود دو سال (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳) هم در آستانه مقدسه به کتابداری نیز اشتغال داشتم.

شایان توجه است علاوه بر همکاری با پژوهشکده باقر العلوم (ع) و نشریه فرهنگ کوثر، برای برخی از نهادها، مثل: سازمان تبلیغات اسلامی قم و نیز عده ای از نویسندگان، کارهای علمی (نگارش بروشور، داوری مسابقات، ویرایش، تصحیح و ارزیابی کتاب و مقاله) انجام داده ام.

در ضمن، حقیر:

الف) از نه سالگی تاکنون در زمینهٔ برق و الکترونیک، فعالیت و تجارب گوناگونی دارم.

ب) از سال ۱۳۶۲ نیز تا الآن در خصوص مداحی و تعزیه خوانی، فعالیت و ...

ج) از سال ۱۳۶۰ تا کنون، در قالب های مختلف به «سرودن اشعار» پرداخته ام.

د) از سال ۱۳۶۸ تا الان نیز به «طراحی» می پردازم که کاربر آن در امور: تذهیب، قالی، گچبری و غیره است. می توان تعداد این طرح ها، اشکال و نقوش را تا هزار مورد تخمین زد.

ه) در اربیهشت ۱۳۷۲ به مناسبت برپایی نمایشگاه بین المللی کتاب و اختصاص یافتن غرفه ای به نام «سلمان رشدی» از عموم مردم دعوت شده بود که در صورت تمایل و توانایی هنری، در مسابقه حضوری طراحی کاریکاتور شرکت کنند که بحمد الله شرکت کرده و دو طرح کشیدم که در مردادماه ۱۳۷۲دعوتنامه ای برای حقیر نیز ارسال شد تا هیئت داوران از بین کاریکاتوریست های داخلی و خارجی، که امتیاز مناسب را به دست آورده اند نفرات برتر و ممتاز (ظاهراً ۵۳ نفر) را انتخاب کنند و لکن نام حقیر در لیست برگزیدگان نبود.

و) در سال های ۱۳۶۷- ۱۳۷۳ پنج «نمایشنامه و فیلمنامه» نوشته ام که البته نیاز به اصلاحات علمی، هنری و فنی دارد.

احمدی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر احمدی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

احمدی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی احمدی (برادر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اصغر شهید حکومت بعث) فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی شاهرودی است. در سال هزار و سیصد و هفت (۱۳۰۷) هجری شمسی در روستای مغز شاهرود به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات در شاهرود در سال ۱۳۲۲ شمسی در سن پانزده سالگی هجرت به قم نموده و در مدرسه فیضه در حجره مرحوم برادر شهیدش مدت چهار سال اقامت و بعد از رفتن ایشان در سال ۱۳۲۴ شمسی به نجف اشرف تا سال ۱۳۲۷ در قم مانده، و بقیه مقدمات و ادبیات را در محضر اساتید متعدد مانند آیت‌اللّه حاج آقا رضا صدر و حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و آیت‌اللّه مجاهدی و حاج شیخ یوسف شاهرودی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری و نیز آیت‌اللّه سلطانی فراگرفته و در سال ۱۳۲۶ شمسی به اتفاق برادر شهیدش که به ایران آمده بودند به نجف اشرف عزیمت نموده و جلد اول کفایه الاصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و جلد دوم را در خدمت آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری خوانده و مکاسب را از محضر مرحوم حاج میرزا احمد اهری و حاج سید محمود مرعشی استفاده نموده و بعدا یک دوره کامل اصول را از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی بهره‌مند گردیده و مقداری از بحث الفاظ را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر زنجانی و نیز مبحث ظن را از آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی آموخته و نیز از ابحاث فقه مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی (ره) و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی استفاده کرده و بعد از ده سال اقامت به واسطه بروز کسالت به ایران مراجعت و بعد از عمل جراحی در تهران اقامت و حدود بیست سالست که در مدرسه مروی به بحث و تدریس اشتغال دارند و ضمنا چند سالی هم در تهران از محضر مرحومین آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی آملی مستفیض شدند و در حال حاضر در یکی از مساجد مرکز شهر اقامه جماعت دارند و گروهی از نماز و تبلیغات ایشان استفاده می‌کنند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی احمدی

محل تولد : عشق آباد طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۶/۳۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ پس از اخذ مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم. سه سال در مدرسه علمیه رسالت تحصیل کرده و سپس به مدرسه امام باقر (ع) رفتم و تا پایه ۶ را در آن مدرسه تحصیل نمودم.تاثیر گذارترین اساتید من در این دوره حجةالاسلام والمسلمین قائمی، طاهری، ربانی و قوامی بودند. رسائل و مکاسب را از محضر حجةالاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مدنی فراگرفتم. همزمان با تحصیل به تحقیق روی آوردم. تحقیقات خود را از سال ۱۳۷۹ آغاز کردم. محورهای تحقیقاتی اینجانب تا کنون موارد زیر است:

۱- بیوگرافی، بررسی افکار و اندیشه های بزرگان دینی. ۲- سیره اهل بیت (ع). ۳- حقوق زنان در اسلام. ۴- شهید شناسی در حوزه دین.

احمدیان، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم احمدیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم احمدیان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. نخست در مدرسه مرحوم آقای خلخالی (امام صادق علیه السلام) و سپس مدرسه امام خمینی (ره) و آن گاه در مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مشغول شدم.

دوره ادبیات را زیر نظر آقایان طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و نیز آقای آدینه وند و علیدوست گذراندم. همزمان در جبهه های جنگ نیز حضور داشتم و این موجب شد تا دوره ادبیات برایم اندکی طولانی شود. استادانم در فقه و اصول عبارت بودند از: آقایان اشتهاردی، پایانی و نامدار .

در سال ۱۳۷۰ به دانشگاه مشهد رفتم و در رشته ادیان و عرفان دوره کارشناسی را طی کردم. سپس در دانشگاه تهران با رتبه یک پذیرفته شدم و دوره را طی کردم. همزمان در درس خارج آقایان مرحوم خاتم یزدی و نیز آیت الله وحیدی شرکت جستم.

احمدیان، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول احمدیان

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۷/۱

احمدیان، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی احمدیان

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی احمدیان متولد ۱۳۲۳ شمسی در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۳۹ گواهینامه پایان تحصیلاتی خود را از دبستان شیخ بهائی گرفتم.

در سال ۱۳۴۱ ش طلبه شدم و در مدرسه الحجهٔ نجف‌آباد مشغول تحصیلات دروس حوزوی شدم. جامع المقدمات را که در نجف آباد خواندم راهی حوزه علمیه قم شدم و به مدرسه حقانی وارد شدم. در آنجا مشغول خواندن کتاب سیوطی شدم. کتاب سیوطی، مغنی، مختصر، معالم، اصول الفقه رسائل، مکاسب و کفایه را در مدرسه حقانی خواندم. به اضافه دروس جنبی مانند: تاریخ اسلام، معارف، دروس عقائد، طبیعی (یک دوره فشرده طب) زبان، مکالمه عربی، المحاورات العربیه، زبان انگلیسی، شامل کتاب‌های دایرکت متد ۱ و ۲ و ۳، اکسفورد و... تفسیر قرآن، تعلیم خط نستعلیق، ریاضیات، ادبیات فارسی و... و حدود سال ۵۱ یا ۱۳۵۲ بود که پس از کفایه از مدرسه حقانی بیرون آمدم و به درس خارج مراجع آن وقت مانند آیت الله حاج آقا مرتضی حائری و آیت الله العظمی فانی اصفهانی و آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی گلپایگانی تلمذ کردم.

البته به درس آیت الله العظمی تبریزی و غیره نیز رفتم و در نجف اشرف که رفتم در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ به قسمتی از درس ولایت فقیه امام خمینی (ره) هم رفتم البته در آن موقع اینجانب مشغول دروس سطح بودم اما پس از اینکه از نجف اشرف آمدم و ازدواج نمودم در مضیقه مالی بسیار شدیدی قرار گرفتم به طوری که نه کرایه منزل را می‌توانستم بپردازم و نه هزینه روزمره زندگی را، لذا مدتی مشغول روزه و نماز استیجاری شدم اما چون بسیار مشکل بود، رفتم به چاپخانه علمیه نبش کوچه آبشار قم و در آنجا خط خود را ارائه دادم و مشغول خطاطی کتب علمی مانند آیات الاحکام آیت الله سلطانی و فقه الحج، و الشواهد المنتخبه مدرس افغانی و غیره شدم و در برابر هر صفحه سی خطی که به صورت رحلی بود فقط ۳ تومان دریافت می‌کردم و تقریباً در آن موقع ماهی هزار تومان خطاطی می‌نمودم و با همین پول ناچیز توانستم منزلی هم در نیروگاه قم بسازیم و یادم هست یکماه کار کردم تا توانستم پرده کرکره اطاق را بخرم و بابت یک کتاب که نیاز داشتم سه روز روزه استیجاری گرفتم تا کتاب معراج السعادهٔ نراقی را بخرم حالا چون اصل بر این بود که زندگینامه علمی به نگارش درآید لذا از زندگینامه سیاسی و غیره و بنده و کارهای سیاسی قبل از انقلاب و دستگیر شدن و زندانی شدن و... خودداری می‌شود. اینجانب در سال ۱۳۴۷ در نجف اشرف اولین کتاب خود را به زبان عربی نگاشتم و آن را به نام" دلیل الزائر "نام‌گذاری کردم .

دومین کتاب خود را به نام" زندگی زناشوئی "نوشتم که متأسفانه اولین کتاب در نقل و انتقال به ایران مفقود شد و کتاب دوم را طلبه‌ای که عازم کویت بود از من گرفت که بخواند و برگرداند ولی برد و دیگر آن را برنگرداند، و چون طبع شعر مختصری داشتم از این رو شهید محمد منتظری مجله فردوسی آن زمان را آورد که بخوانم و در شعر و ادبیات فارسی از آن بهره گیرم و علت توفیق یافتن به نوشتن این بود که روزی به اتفاق حجهٔالاسلام سید محمود دعائی از نجف اشرف راهی کربلا شدیم و در آنجا خدمت آیت الله العظمی سیدمحمد شیرازی رسیدیم ایشان هم ما را تشویق به نوشتن کتاب کرد، که اینجانب خدمت ایشان عرض کردم که ما طلبه‌ای مبتدی هستیم چه بنویسیم؟ ایشان فرمودند: «شما لازم نیست کتاب‌های علمی بنویسید بلکه می‌توانید از کتاب‌های مختصری که معارف اسلامی را به زبان ساده برای عوام بیان نماید شروع کنید و بنده کتاب‌های کوچک چند صفحه‌ای مانند: "اعرف الشیعه، من هم الشیعه "و... نوشته‌ام تا کتاب‌های بزرگ اینجانب هم با تشویق ایشان شروع به نوشتن کتاب کردم.

در نجف اشرف مقالات عربی می‌نوشتم و به مناسبت‌های مختلف در احتفالات می‌خواندم. یادم هست در آن زمان مقاله‌ای نوشتم به نام «مَن هُوَ الامام جعفر بن محمد الصادق (ع)» و داستان حمله نظامیان شاه به مدرسه فیضیه و قتل و غارت و دستگیری طلاب را هم در آن مقاله نوشتم و در جشن تولد آن حضرت خواندم، و چون علاقه به اشعار هم داشتم سه دفترچه ۲۰۰ برگی از اشعار عربی و فارسی و مطالب متفرقه یادداشت کردم که دو جلد کتاب کشکول قسمتی از آنهاست، و از شدت علاقه به نوشتن صبح که شروع به کار می‌نمودم ناگاه می‌دیدم ظهر شده و هیچ احساس خستگی نمی‌کردم.

اکثر کتاب‌هایی که نوشته‌ام به سفارش ناشرین و غیره بوده است، مخصوصاً ترجمه‌ها و خطاطی‌ها تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. و شاید این به خاطر توجه و گوشه چشمی است که حضرت به اینجانب نموده باشد

اوائل طلبگی نمی‌دانم حالا خواب دیدم یا حالت شهود بود که در پشت بام منزل دیدم حضرت ولی عصر(عج) نشسته و شمشیر دو دم «ذوالفقار» را بر زانوی خود نهاده و کاغذی پیچیده شده به صورت لوله‌ای در دست دارد و ما چند طلبه بودیم دو زانو حلقه‌وار در جلو ایشان نشسته بودیم و هرگاه با هم صحبتی می‌کردیم ایشان چیزی بر روی آن طومار و کاغذ می‌نوشت و ما طلاب از وحشت دیگر قادر بر سخن گفتن نبودیم، و خانم بنده نقل می‌نماید که قبل از اینکه من شوهر کنم در نجف‌آباد بودم و چون در آن زمان منازل، آب لوله‌کشی نداشت ما می‌رفتیم از قنات آب می‌آوردیم، قناتی در نجف‌آباد است به نام شیر بچه که با سطح زمین تقریباً چهار متر و خورده‌ای فاصله داشت که هم‌اکنون هم هست و از آبش مردم استفاده می‌کنند، خلاصه می‌گوید رفتم آب بیاورم دیدم سیدی نورانی بر روی آب نشسته و جا نماز خود را پهن نموده و بر روی قبله نشسته است تا من نگاه کردم او به من نظر فرمود، من هم چون به حد بلوغ نرسیده بودم از دیدن منظره دلهره و اضطراب مرا گرفت و رفتم به مادر خود و دیگران گفتم، آنها نگاه کردند و چیزی ندیدند، باز من نگاه کردم و حضرت را دیدم و به آنها گفتم، آنها باز نگاه کردند و چیزی ندیدند، من به همسرم گفتم، حضرت به تو توجه نموده است.

اخباری، عنایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۴۵ قمری مرحوم میرزا عنایت‌اللّه اخباری فرزنـد مرحوم میرزا محمد اخباری مقتول ساکن حوالی بصـره که از مراجع مهم عرب بود به قم آمده و پس از مدتی به وطن خود برگشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

اخترشهر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اخترشهر

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

علی اخترشـهر متولد ۱۳۴۸ از شهرسـتان لاهیجان دیـده به جهان گشود. دوران تحصـیلات ابتـدایی، راهنمایی و متوسـطه خود را در همان شهرستان گذراند و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۷ برای کسب تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شد.

وی در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل علوم دانشگاهی پرداخت. بعد از اتمام سطح مدت ۷ سـال در درس خارج فقه و اصول اساتید: چون آیت الله جوادی آملی و آیت الله شبیری زنجانی به کسب علم پرداخت و تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد با رتبه اول پشت سرگذاشت. در سال ۱۳۸۴ در رشته انقلاب اسلامی مقطع دکتری در مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل می‌باشد.

در کنار تحصـیل به تدریس در دانشـگاههای قم، اراک، آشتیان، تفرش، لاهیجان و سـمنان پرداخت و از طرف معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری موفق به اخذ درجه اسـتادیاری شد و اسـتاد نمونه سال ۸۲ در اراک و سال ۸۵ در دانشگاه سمنان گردید.

در کنار تحصیل و تدریس به امر پژوهش پرداخت و تا به امروز بالغ بر ۳۰ مقاله و چندین کتاب به رشته تحریر درآورد. در سال ۸۵ دو پژوهش وی با عنوان" اسـلام و توسـعه "و" جامعه پـذیری سیاسـی در حکومت دینی "در کنگره دین پژوهان، پژوهش برگزیده گردید و کتاب" جامعه پذیری سیاسـی "در سال ۸۶ رتبه اول کتابهای فصل جمهوری اسـلامی ایران که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌گردد، را اخذ نمود.

از مسـئولیت اجرائی معـاون پژوهشـکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشـگاه فرهنگ و انـدیشه اسـلامی تا سال ۸۳ و کارشناس مسئول امور حلقات در کانون انـدیشه جوان تا سال ۸۴ و کارشـناس امور ارزیابی اساتیـد تاکنون در معاونت امور اساتیـد قم، مدیر گروه معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه دولتی سمنان تاکنون می‌باشد.

اختیارالدین حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۸ ق)، شـاعر، ادیب و خطـاط. وی اهل تربت حیـدریه بود. در جوانی از ولایت زاوه به هرات رفت و به تحصـیل علوم دینی پرداخت و پس از آن به فن انشاء و شـعر و معما نیز آگاهی یافت. در ابتدا کاتب محکمه‌ی قضاوت نظام‌الدین امیر علیشیر بود و در زمـان سـلطان حسـین بـایقرا به منصب قضـاوت رسـید و به دلیل دانش و کمالاتش سـرآمد قضات زمان خود شـد. در عهـد ابوالفتح محمـد خان شیبانی نیز در کار قضاوت بود، ولی پس از کشـته شدن آن پادشاه به تربت رفت و به امر کشاورزی پرداخت. در همان قصبه بـدرود زنـدگانی گفت. از آثـار وی: «اسـاس الاقتبـاس»؛ «مجالس الملوک»؛ «مختار اختیار الاخبار در میان فضـلای روزگار»؛ «مقالات حسینی»؛ «قیاسات»؛ مثنوی «عدل و جود».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۷۸)، تاریخ هنرهای ملی (۹۱۷ /۲)، تحفه‌ی سامی (۴۹)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴ -۴۳)، حبیب السیر (۳۵۶ -۳۵۵ /۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۸۰)، الذریعه (۲۴۶ -۲۴۵ /۱۹، ۶۲ /۹)، روضهٔ الصفا (۲۹۳ -۲۹۲ /۷)، طبقات اعلام

الشیعه (قرن ۱۸ /۱۰)، فرهنگ سخنوران (۴۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۳)،لغت‌نامه (ذیل/ اختیارالـدین) مجالس النفائس (۲۷۱ ،۹۵)، هدیهٔ العارفین (۳۱۷ /۱).

اخسیکثی، ابوالوفاء محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۲۰ ق)، لغوی و مورخ. معروف به ابن ابی‌المناقب. وی برادر ابورشاد اخسیکثی است. در اخسیکث فرغانه ماوراءالنهر متولد شد، همراه برادر به مرو رفت و در آن شهر تحصیل کمال کرد و از ادیبان به نام روزگار خود شد. پایان عمر را در همان شهر زیست تا درگذشت. از آثار وی: «التاریخ»، که به «تاریخ ابی‌الوفاء الاخسیکثی» معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۱۲ /۱)، ریحانه (۳۶۷ /۷)، کشف الظنون (۲۸۱)، معجم الادباء (۵۵ –۵۲ /۵)، معجم البلدان (۱۴۸ /۱)، معجم المؤلفین (۲۵۹ /۱۱).

اخسیکثی، ابورشاد احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۸ /۵۲۶ –۴۶۶ ق)، ادیب، شاعر، نویسـنده و مورّخ. ملقب به ذوالفضائل، و منسوب به اخسکیث ماوراءالنهر در نظم و نثر و نحو و لغت دسـتی توانـا داشت و مرجـع اسـتفاده‌ی اکـثر فضـلا و کاتبـان دیـوان سـلاطین بود. در مرو وفـات یـافت. از تألیفـات او: «تـاریخ ابی‌رشاد»؛ «الزوائد»، شرح «سقط الزند» ابوالعلاء معرّی؛ « کتاب فی قولهم کذب علیک کذا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۰۸ /۱)، ایضاح المکنون (۲۱۲ /۱)، روضات الجنات (۲۶۹ –۲۶۸ /۱)، ریحانه (۱۱۰ /۷)، کشف الظنون (۹۳۳ –۲۸۰)،لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۵۵ –۵۲ /۵)، معجم المؤلفین (۱۴۴ /۲).

اخضری، حجت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الله اخضری

محل تولد : نجف آباد اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنـده در سال ۱۳۴۱ در شهرسـتان نجف آباد اصـفهان متولـد و در سال ۱۳۶۰ در رشـته حسابداری از دبیرسـتان فارغ التحصیل شدم. سپس حدود یک سال در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی نجف آباد در روستاهای توابع مشغول بودم.

بعـد از آن وارد حوزه علمیه نجف آباد شـدم و از مقـدمات و سـیوطی و حاشـیه ملاعبـدالله را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شـدم و ابتـدا در مـدرسه امام محمـد باقر (ع) تا پایان لمعتین و اصول مظفر تحت برنامه مـدرسه به اتمام رسانـدم و با تشکیل خانواده از مدرسه خارج و به طور آزاد دروس حوزه را ادامه دادم.

حدود سال ۱۳۷۰ دوره سطح حوزه را به اتمام رساندم و از سال ۱۳۷۱ با حضور در درس خارج فقه آیهٔ الله منتظری و اصول آیهٔ الله مکـارم شـیرازی خـارج فقه و اصول را شـروع کردم. در همین ایـام بود که ضـمن تحصـیل در مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسـلامی روزانه حدود سه ساعت شروع به کار کردم که این ورود در کارهای تحقیقاتی شد.

اخفش اوسط خوارزمی بلخی، ابوالحسن سعید

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۲۱ /۲۱۵ ق)، نحوی، لغوی و عروضـی. ملقب به اخفش. در خوارزم متولـد شـد و در بصـره رشـد و نمود کرد. وی از موالی بنی‌مجاشع بن دارم از نحویین بصـره و از شاگردان سـیبویه در نحو بود. صاحب کتاب «البغیهٔ» او را معتزلی می‌داند اخفش از کلبی و

نخعی و هشام بن عروهٔ حدیث شنید و ابوحاتم سجستانی از وی روایت می‌کرد. اخفش دچار ضعف بینایی بود، چشمان ریزی نیز داشت و اجلع هم بود یعنی دو لب او بر هم بسته نمی‌شد. در ابتدا به اخفش اصغر معروف بود، اما پس از آنکه علی بن سلیمان نحوی به اخفش معروف شد او را اخفش اوسط و علی بن سلیمان را اخفش اصغر خواندند. چون از لحاظ سنی از سیبویه بزرگتر بود نه تنها از سیبویه بلکه از محضر استادان سیبویه نیز استفاده کرد. وی راوی و شارح «الکتاب» سیبویه نیز آن را برای کسی نخوانده بود، به همین جهت ابوعمر جرمی و ابوعثمان مازنی دو تن از شاگردان سیبویه پس از مرگ وی بیم آن داشتند که اخفش آن را به نام خود کند، از این رو با بذل مال «الکتاب» را نزد اخفش خواندند و آن را به نام سیبویه منتشر کردند. اخفش معتقد بود که سیبویه هر چه را می‌خواست وارد «الکتاب» کند بر وی عرضه می‌کرد و نیز ادعا می‌کرده است که او به مضامین «الکتاب» داناتر از سیبویه بود، گرچه در آغاز سیبویه داناتر از او بوده است. اخفش پس از شکست سیبویه از کسائی، در مناظره مشهور، به بغداد رفت و در مسجد کسائی دو رکعت نماز صبح را به او اقتدا کرد و سپس در حضور شاگردانش سؤالاتی از وی نمود و جوابهای او را رد کرد تا جایی که شاگردان کسائی قصد حمله به او را کردند ولی کسائی مانع شد، و هنگامی که شناختش به او احترام گذاشت و او را معلم فرزندانش کرد. کسائی «الکتاب» سیبویه را نزد او خواند و هفتاد هزار دینار در ازای آن به وی بخشید. وی شعر می‌گفت و استخراج بحر خبب را در علم عروض که به عبارت دیگر همان بحر المتدارک است به او نسبت می‌دهند. وی صاحب آثار بسیاری است که عبارت‌اند از: «کتاب الاوسط»، در نحو؛ «تفسیر معانی القرآن»؛ «کتاب المقاییس»، در نحو؛ «کتاب الاشتقاق»؛ «کتاب الاربعه»؛ «کتاب العروض»؛ «کتاب المسائل الکبیر»؛ «کتاب المسائل الصغیر»؛ «کتاب القوافی»؛ «کتاب الملوک»؛ «کتاب معانی الشعر»؛ «کتاب وقف التمام»؛ «کتاب الاصوات»؛ «کتاب اللامات»، در قرآن؛ «کتاب الوقف التام»؛ «المعایاة»، که در خزانه الادب تألیف عبدالقادر بغدادی از آن نام برده شده است؛ «کتاب صفات الغنم و الوانها و علاجها و اسبابها»؛ «غریب القرآن».[۱]

(بخش ۱) سعید بن مسعده مجاشعی بالولاء خوارزمی بلخی، مکنی به ابوالحسن و ملقب به اخفش اوسط (ف. ۲۲۱ ه.ق./ ۸۳۶ م. و به قولی ۲۱۵ ه.ق./ ۸۳۰ م.). عالم نحو و ایرانی و از موالی بنی مجاشع بن دارم و از بصریان است. او شاگرد سیبویه و یکی از اصحاب اوست. اخفش از حماد بن زبرقان روایت دارد. از مؤلفات اوست: کتاب الاوسط فی النحو، کتاب تفسیر معانی القرآن، کتاب المقاییس فی النحو، کتاب الاشتاق، کتاب العروض. او را در اول اخفش اصغر می‌نامیدند و پس از ظهور علی بن سلیمان اخفش، ابوالحسن سعید را اخفش اوسط گفتند و علی را اخفش صغیر. چون اخفش مطلق گویند مراد همین اخفش است بز اخفش.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۵۵ -۱۵۴ /۳)، اعیان الشیعه (۲۴۹ -۲۴۸ /۷)، ایضاح المکنون (۲۶۵ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۹ ،۱۲۶، ۷۱ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۲۶۵ /۲۶۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۳۳۳ -۱۳۳۲ /۱۰)، روضات الجنات (۵۳ -۵۰ /۴)، ریحانه (۹۱ -۹۰ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۵ -۱۵۴ /۱)، سیر النبلاء (۲۰۸ -۲۰۶ /۱۰)، کشف الظنون (۱۷۹۲ ،۱۷۳۰ ،۱۶۷۰ ،۱۴۶۳ ،۱۴۵۱ ،۱۴۳۸ ،۱۳۹۲ ،۱۳۹۱ ،۱۲۰۷ ،۲۰۱)، الکنی و الالقاب (۱۷ -۱۶ /۲)،لغت‌نامه (ذیل/ اخفش)، معجم الادباء (۲۳۰ -۲۲۴ /۱۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۳۵ -۳۴)، معجم المؤلفین (۲۳۲ -۲۳۱ /۴)، نام‌آوران فرهنگ (۱۰ -۱۰۹)، الوافی بالوفیات (۲۶۰ - ۲۵۸ /۱۵)، وفیات الاعیان (۳۸۱ -۳۸۰ /۲)، هدیهٔ العارفین (۳۸۸ /۱).

اخگر، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۶۷ ش در تهران متولد شد. پدرش حاج میرزا ابراهیم معروف به ملاباشی از روحانیون مطلع و متنفذ بود. احمد تحصیلات خود را از مکتب‌خانه آغاز کرد و در مدارس ادب و دارالفنون تهران ادامه تحصیل داد، چندی هم علوم حوزه‌ای آموخت.

بعد از استبداد صغیر با رتبه‌ی ملازم سومی در ژاندارمری استخدام شد. پس از شش ماه از خدمت استعفا نمود و در اداره باغات دولتی استخدام شد. پس از چندی با درجه‌ی وکیلی در وزارت جنگ وارد شد و چندی در آنجا بود تا در ژاندارمری خزانه با درجه‌ی نایب دومی استخدام گردید. سپس وارد مدرسه‌ی صاحب منصبی ژاندارمری شد. پس از فراغت از تحصیل با درجه‌ی سروانی مأمور خدمت در شیراز شد. چندی فرماندار نظامی کازرون بود و بعد به فرماندهی گروهان ژاندارمری بوشهر منصوب گردید. در جریان جنگ بین‌المللی اول با سربازان تحت فرماندهی خود به اقدامات نظامی علیه انگلیس‌ها پرداخت. پس از شکست به کرمانشاه رفته و خود را به دولت موقت معرفی نمود. چندی در موصل و چندی در بصره و استانبول بسر برد و پس از پایان چنگ به ایران بازگشت. در دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی از دشتستان وکیل شد و در آن مجلس از یاران و همکاران مدرس گردید و اقلیت چند نفری را تشکیل دادند. در استیضاحی که مدرس از سردار سپه به عمل آورد، احمد اخگر هم یکی از امضاکنندگان بود ولی این استیضاح صورت عمل نیافت. اخگر وقتی درخشیدن ستاره بخت سردار سپه را احساس کرد، از مدرس جدا شد و به دار و دسته‌ی داور پیوست و در مجلس پنجم بـه انقراض قاجـاریه رأی داد. پس از اتمام دوره‌ی پنجم، اخگر به ارتش بازگشت و با درجه‌ی سرهنگی در بازرسی ارتش مشغول خدمت شد. در ۱۳۲۲ از طرف قوای نظامی انگلیس بازداشت و قریب یک سال در اراک زندانی بود. در انتخابات دوره‌ی هفدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و تا پایان دوره‌ی مزبور از نزدیکان مصدق بود. بعد از ۲۸ مرداد چندی زندانی شد و سرانجام در ۱۳۴۸ درگذشت.

اخگر هم شاعر بود، هم نویسنده و مترجم. در عمر نسبتاً طولانی خود با غالب مطبوعات همکاری داشت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ شخصاً روزنامه‌ی اخگر را انتشار داد که جنبه‌ی ادبی آن بیشتر به چشم می‌خورد. دو سال هم سالنامه‌ی اخگر را انتشار داد. وی تا

آخر عمر در انجمن‌های ادبی فعالیت چشمگیری داشت.

(۱۳۴۸ –۱۲۶۷ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به اخگر. معروف به ملاباشی. در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس ادب، دارالفنون و نظامی به پایان رسید و چندی در رشته‌ی علوم دینی در مدرسه‌ی سپهسالار به تحصیل پرداخت. آن گاه وارد خدمت نظام شد و تا درجه‌ی سرهنگی ارتقا یافت. اخگر همزمان با نهضت مشروطه خواهی در صف ملیون قرار گرفت و به مبارزه با استبداد پرداخت. در سال ۱۳۰۳ ش از طرف مردم دشتستان و اصطهبانات به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و از آن پس، بار دیگر به خدمت نظام اشتغال ورزید تا بازنشسته گردید. وی در راه ترویج فرهنگ و شعر و ادب کوشید و به نشر مجله‌ی ادبی «اخگر» و طبع سالنامه همت گماشت. از آثار منظوم او: مثنوی «بیچون‌نامه»؛ کتاب «اسرار خلقت»؛ چند اثر دیگر به نام «علم عروض» و «علم قافیه» که در مجله‌ی «اخگر به چاپ رسیده است؛ «امثال منظوم»، «چراغ برق».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۴۵۸)، الذریعه (۱۸۶ / ۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۲ –۹۹ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۸ –۱۹۴ / ۱)، شعرای مازندران و گرگان (۲۶ –۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۱ –۳۴۹ / ۱).

اخوان طبسی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمداخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان طبسی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمداخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان کاظمی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود اخوان کاظمی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای مسعود اخوان کاظمی در سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود.

نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد دانشگاه امام صادق (ع) گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر دروس اساتیدی همچون آیت الله باقری کنی، آیت الله مهدوی کنی و دیگر اساتید برجسته دانشگاه بهره ها برد.

استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام برای ادامه تحصیل به کشور فرانسه عزیمت نمود و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای علوم سیاسی از دانشگاه رن فرانسه فارغ التحصیل گردید.

ایشان سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه رازی کرمانشاه و پژوهش در وزارت کشور مشغول می باشد و هم اکنون ریاست دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کرمانشاه را بر عهده دارد. وی هیچوقت از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نمانده و برخی از آثار آن را با عنوان" توسعه سیاسی و جامعه مدنی "و" سازمان همکاری شانگهای "می توان نام برد.

اخوت، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران احمد اخوت (زاده ۱۳۳۰ در اصفهان) داستان نویس، داستان شناس، مترجم و منتقد ادبی است. وی دارای مدرک دکترای زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی است.

وی از یاران حلقه ادبی جنگ اصفهان بوده است.

همچنین وی عضو نویسندگان فصلنامه هنری ادبی زنده رود است.

آثار:

تالیفات و نقد ادبی

- دستور زبان داستان – تالیف
- مستعار نویسی و شبه ترجمه – تالیف
- من و برشت – ترجمه و تالیف
- نشانه‌شناسی مطایبه – تالیف
- لطیفه‌ها از کجا می‌آیند؟ – تالیف
- پروست و من – تالیف

ترجمه‌ها:

- کار نویسنده – ترجمه
- سپتامبر بی باران – نوشته ویلیام فاکنر
- اطلس – نوشته خورخه لوئیس بورخس
- واژه‌نگاری چینی، رسانه شعر – نوشته ارنست فنولوزا
- قصیده کافه غم – نوشته کارسون مک کولرز
- آوارگان – نوشته فلانری اوکانر
- اسب های خالدار – ویلیام فاکنر

- کار نویسنده – ترجمه
- سپتامبر بی باران – نوشته ویلیام فاکنر
- اطلس – نوشته خورخه لوئیس بورخس
- واژه‌نگاری چینی، رسانه شعر – نوشته ارنست فنولوزا
- قصیده کافه غم – نوشته کارسون مک کولرز
- آوارگان – نوشته فلانری اوکانر
- اسب های خالدار – ویلیام فاکنر

برادران جمال زاده – مجموعه داستان

اخوت، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۵ ق)، روزنامه‌نگار. از اهالی بوشهر بود. وی ابتدا در مکتب خانه و سپس نزد استادان وقت به تحصیل مشغول بود. ابتدا به شغل خرازی و پس از آن به تجارت پرداخت. در سال ۱۳۲۴ ق به جرگه‌ی اصلاح طلبان پیوست. پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش انجمنی به نام انجمن اخوت بوشهر تأسیس کرد که از اقدامات این انجمن تأسیس دبستان اخوت در هشت کیلومتری بوشهر بود. این انجمن در سال ۱۳۰۴ ش منحل شد. اخوت در سال ۱۳۰۸ ش موفق به دریافت امتیاز روزنامه‌ی «خلیج ایران» نایل گردید که آن را در ابتدا هفتگی و بعد به صورت روزانه انتشار می‌داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۵۱ -۲۵۰ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۲ /۱).

اخوی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم اخوی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

اخوی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اخوی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

اخویان، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اخویان

محل تولد : کوهدشت لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی اخویان در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام از موسسه امام صادق (ع) فارغ التحصیل شدم و حدود یک دوره اصول حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم و بیش از ۸ سال در درس خارج آیت الله فاضل و آیت الله نوری همدانی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور تهران اخذ کردم و کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان را از دانشگاه واحد مرکز تهران گرفتم. همچنین در دانشگاههای مختلف از جمله هنر، آزاد اسلامی تهران، دانشگاه قم، باقرالعلوم (ع)، دانشگاه اراک، حوزه علمیه شهید صدوقی فاز ۴ و ۵ تدریس داشته و دارم.

ادب کرمانشاهی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، خطاط، شاعر و ادیب. وی از سلسله‌ی سادات کرمانشاه بود. از بیشتر علوم متداول زمان خود بهره‌ی کافی داشت. مردی ادیب و دانشمند بود. کتابی به سبک «گلستان» سعدی پرداخته و در آن حکایات خوبی همراه با شعر آورده است. وی در خط شکسته مهارت داشت. ادب در کرمانشاه بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۰۸ –۱۰۲ /۱)، الذریعه (۱۷۳ –۱۷۲ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۵۰).

ادهم خلخالی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، واعظ و شاعر، متخلص به عزلتی. وی از واعظان معروف زمان خود بود که «باب حادی عشر» علامه حلّی را به نام «لوازم الدین» به شعر فارسی در وزن «لیلی و مجنون» نظامی ترجمه و تفسیر کرده است. دیگر آثار وی: «دیوان عزلتی»؛ «مشرق التوحید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۴ –۲۷۳)، الذریعه (۳۵۷ /۱۸ ،۷۱۷ /۹)،لغت‌نامه (ذیل/ ادهم).

ادهم نژاد، بهمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهمن ادهم نژاد اطاق وری

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۴/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب بهمن ادهم نژاد لنگرودی مشهور به محمد تقی در تاریخ ۳۰/ ۴۴/ ۱۳۴۴شمسی در روستای کردسراکوه از توابع بخش "اتاق ور "شهرستان لنگرود در خانواده متدین و کشاورز متولد شدم. تحصیلات را تا سیکل در همان منطقه ادامه داده و آن گاه بخاطر مشکلات مالی به کمک خانواده شتافتم.

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه لاهیجان شدم و تا سال ۱۳۶۶ شمسی موفق به تکمیل مقدمات و مقداری از سطح شدم و آن گاه در سال ۱۳۶۶ شمسی به تهران آمدم و در مدرسه علمیه قائم چیذر به مدت ۳ سال به ادامه تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۶۹ شمسی تاکنون در حوزه علمیه مبارکه قم مشغول بوده و از محضر اساتید بزرگواری همانند حضرات آیات عظام آقایان: سید محمد علی مرتضوی لنگرودی، فاضل هرندی، محامی خراسانی، مجتهدی خراسانی، مرحوم پایانی، محفوظی، استادی، ذوالقدری، زنجانی، سید احمد خاتمی، علوی گرگانی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم وجدانی فخر و... بهره مند بوده و هستم که خداوند سایه همه اساتید بزرگوارمان را بر سر ما مستدام بدارد و عزیزان از دست رفته مان را غریق دریای رحمت خویش فرماید.

از بدو ورود به حوزه علمیه از آنجایی که علاقه و ذوق نویسندگی را در خود احساس کردم مدتی را در مجله «نور علم» نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مجله «پیام حوزه» اشتغال داشتم و کار نویسندگی را از روزنامه جمهوری اسلامی و مجله حوزه نشریه دفتر تبلیغات اسلامی آغاز کردم که تاکنون دهها جلد تألیف مستقل دارم که ۴ جلد آن به زیور طبع آراسته شده است و بیش از ۲۰۰ مقاله داشته ام که بیش از نیمی از آنان چاپ شده است و برخی از آنان به مرور به چاپ خواهد رسید. اغلب و بلکه تمام مقالات و تألیفاتم در رشته رجال و تراجم شیعه بوده است و بیشترین مطالعات روزانه حقیر را همین موضوع تشکیل می دهد و البته از مطالعات فقه و تاریخ و اخلاق بی بهره نیستم.

ادیب السلطنه سمیعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ –۱۲۹۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به عطا. در رشت متولد شد و تحصیلات خود را در تهران و کرمانشاه به پایان رسانید. از محضر ابوالفقراء اصفهانی و میرزا سالک کرمانشاهی کسب فیض کرد. به استانبول رفت و پس از پنج سال به تهران بازگشت،

آنگاه به مشاغل دولتی پرداخت و به مقاماتی رسید. وی چند سال ریاست انجمن ادبی فرهنگستان را عهده‌دار بود و مطالعه‌ی کتاب و معاشرت با ادبا و سرودن شعر از سرگرمی‌های او بود. از آثارش: «رساله‌ی جان کلام»؛ «رساله‌ی دستور زبان فارسی»؛ «آرزوی بشر»؛ «آیین نگارش»؛ «جامعهٔ الحیوانات»؛ «خواهران»؛ ترجمه‌ی «تاریخ افغانستان» به قلم سید جمال‌الدین اسدآبادی از عربی به فارسی؛ «دیوان» اشعار؛ «منظومه‌ی سیاست»، به عربی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۷۵ –۷۳)، تاریخ برگزیدگان (۳۶۱)، چهار صد شاعر برگزیده پارسی گوی (۸۶ –۸۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۰۳ /۴)، سرآمدان فرهنگ (۴۸۴ –۴۸۳ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۶ –۷۵۵ /۲).

ادیب آل علی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ادیب آل علی

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد ادیب آل علی در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای مذهبی در شهرستان شوشتر متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات دیپلم در سال ۱۳۶۴ راهی قم شد.

در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) طی ۵ سال دروس مقدمات و سطح را گذراند و در سال ۱۳۶۹ درس خارج را با بهره گیری از محاضرات عملی آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی دامت برکاتهما آغاز نمود که همچنان ادامه دارد.

نیاز به پاسخگویی معقول و متداول به پرسش های نسل جوان و به ویژه دانشجویان او را به تحصیل در رشته های تخصصی کلام کشاند و طی ۵ سال از مباحثات علمی آیت الله سبحانی، حجت الاسلام والمسلمین ربانی گلپایگانی و فیاضی و هادوی و دیگر اساتید استفاده نمود. رساله علمی سطح چهار وی تحت عنوان (زبان قرآن) با راهنمایی استاد حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی فعالی و مشاوره حجهٔالاسلام و المسلمین محسن غرویان، در آستانه دفاع می باشد.

علاقه وی به مطالعه در ادیان و کتب آسمانی باعث شد که در این زمینه مطالعات و پژوهش هایی داشته باشد که حاصل آن، کتابی است با عنوان (پرسش ها و پاسخ هایی درباره مسیحیت)، انتشار یافته توسط شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۵، و مقاله ای با عنوان (مقایسه دکترین منجی گرایی اسلام و مسیحیت)، منتشر شده در کتاب مقالات برگزیده دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت می باشد. نامبرده مقالات دیگری در زمینه زبان شناسی قرآن و مسحیت صهیونیستی دارد که هنوز منتشر نشده اند.

وی دوره آموزش زبان انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را که گذرانده در حال تکمیل آن است.

در حال حاضر به تدریس (آشنایی با متون مقدس) و (رهبران الهی در ادیان توحیدی) در مرکز تخصصی مهدویت و ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران و چند پروژه پژوهشی اشتغال دارد.

ادیب بهروز، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ادیب بهروز

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۹

ادیب پیشاوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ –۱۲۶۰ ق)، عالم و شاعر. معروف به ادیب. در سرحد بین پیشاور و افغانستان متولد شد. علوم ادبی و عربی را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به افغانستان رفت و طی اقامت دو ساله‌ی خود در کابل، نزد آخوند ملاـ محمد مشهور به آل‌ناصر دانش

آموخت. بعد به غزنین رفت و در باغ فیروزه، آرامگاه حکیم سنایی غزنوی، اقامت گزید و آنجا نزد سعدالدین غزنوی تلمّذ نمود. وی در بیست و دو سالگی به مشهد آمد و در آن شهر ریاضی را نزد میرزا عبدالرحمان و علوم عقلی را در محضر آخوند ملا غلامحسین شیخ‌الاسلام آموخت. سپس به سبزوار رفت و دو سال از محضر حاج ملا هادی سبزواری و آخوند ملا محمد، فرزند وی، و آخوند ملا اسماعیل استفاده کرد. بعد به مشهد بازگشت و در مدرسه‌ی میرزا جعفر ساکن و به ادیب پیشاوری یا ادیب هندی مشهور شد. در مشهد مورد توجه میرزا سعیدخان گرمرودی، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، قرار گرفت و بنا به تقاضای وی به تهران آمد و میهمان محمد خان قوام‌الدوله شد. و به تعلیم و نشر ادب پرداخت. وی علاوه بر فنون ادبی و عربی و حفظ اشعار و نحو و لغت و حکمت و ریاضیات در حسن خط نیز استاد بود. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و سرانجام، در منزل یحیی‌خان قراگوزلو، وزیر معارف، درگذشت و در امامزاده عبدالله تهران دفن شد. آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر چهار هزار و دویست بیت قصیده و غزل فارسی و سیصد و هفتاد بیت قصاید و قطعات عربی به انضمام دو رساله در بدیهیات اولیه و تصحیح «دیوان ناصر خسرو»؛ «قیصر نامه»؛ حواشی و تعلیقات بر «تاریخ بیهقی»؛ ترجمه‌ی فارسی «اشارات» شیخ الرییس که ناتمام ماند؛ حاشه بر «شرح ابن ابی‌الحدید» بر نهج‌البلاغه.[۱]

(سید) احمد بن (سید) شهاب‌الدین پیشاوری، ادیب و شاعر (و. ۱۲۶۰ ه.ق./ ۱۸۴۴ م. ف. ۱۳۴۹ ه.ق./ ۱۹۳۰ م.). وی از سلسله سادات معروف به «اجاق» بود که در پیشاور به سر میبردند، و نسبت آنان در سیر و سلوک به سلسله سهرو دیده می‌رسد. پدر ادیب در حوادث سیاسی هندوستان تباه شد، و ادیب مدتی در شهرهای افغانستان و خراسان به تحصیل علوم معقول و منقول اشتغال داشت و در غالب علوم سرآمد عصر خود گردید. در سال ۱۳۰۰ ه.ق./ ۱۸۸۲ م. به تهران هجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر اقامت داشت. ادیب در شعر سبک استادان قدیم را با موفقیت اقتفا میکرد. کثرت اطلاع او از فرهنگ اسلامی و علوم مختلف قدیم و تبحرش در لغات فارسی و عربی باعث شد که شعرش بیش از حد عادت مشحون از اطلاعات و معلومات مختلف گردیده، و به همان نسبت از لطافت و حال و اشتمال بر عواطف رقیق شاعران دور افتاده است. دیوان وی به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۲۲ -۳۱۷ /۲)، اعیان الشیعه (۶۰۳ /۲)، حماسه سرایی در ایران (۳۷۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۷۷ /۱)، الذریعه (۱۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۵ -۱۰۳ /۱)، سخنوران نامی (۹ -۳ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۴ - ۲۰۸ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۶ /۱)، شرح حال رجال (۷۸ -۷۷ /۱)،لغت‌نامه (ذیل/ ادیب پیشاوری)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲ - ۳۵۱ /۱)، معجم المؤلفین (۲۴۶ /۱)، مکارم الآثار (۱۶۲۴ -۱۶۲۳ /۵)، یادداشتهای قزوینی (۱۴۹ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۴ - ۳۳).

ادیب شیبانی کاشانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. وی پدربزرگ حاج میرزا ابراهیمخان صدیق‌الممالک شیبانی کاشانی بود. درباره‌ی ادیب در «تاریخ شیبانی» آمده است که وی از علمای بزرگ و فضلای بی‌نظیر بود و گذشته از علوم عقلی و نقلی و فنون ادبی و عربی، در تاریخ و امثال و حکم و ریاضیات و نجوم و فن نگارش و نظم شعر و برخی علوم غربی حتی زبان عبری نیز مهارت تام داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۸۹ /۱)، یغما (س ۱۳، ش ۷، ص ۳۶۲ -۳۶۱).

ادیب شیرازی، محمود مصطفوی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ش)، خطاط و ادیب. در خط نستعلیق شیوه شیرینی داشت و بسیار خوش می‌نوشت. در شیراز وفات یافت. از آثار وی: کتابهای «دبستان الفرصه»، «بحور الالحان» که از مؤلفات میرزا نصیرالدین فرصت شیرازی است و در بمبئی چاپ شده؛ همچنین «کلیات سعدی» تصحیح شوریده به قلم او کتابت شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۴۵، ۲۴۴ /۱).

ادیب طالقانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و فاضل. وی از مؤلفین جلد اول «نامه‌ی دانشوران» بود و یکی از چهار نفر فضلای درجه اول که اعتضاد السلطنه، وزیر علوم وقت آنها را مأمور نگارش «نامه‌ی دانشوران» کرد. و چون به فرقه‌ی بابیه گروید، به این جهت او را

از دارالتألیف به کلی اخراج کرد. مدفن او در غرب تهران است. تألیف دیگرش «لسان العجم» در صرف و نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۷/ ۱۸)، شرح حال رجال (۸۰ /۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۲ /۱).

ادیب طوسی، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۳ ش)، دانشمند، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب طوسی. وی در مشهد متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب گذرانید. سپس، به تحصیل علوم دینی در مدارس قدیم پرداخت. علوم ادبی را نزد ادیب نیشابوری و حکمت را نزد حاج میرزا عباسعلی معروف به فاضل و آقا بزرگ حکیم و فقه را نزد پدر خود آموخت. ادیب طوسی با سفرهایی که به هند، ترکستان، عربستان، مصر، شام و آسیای صغیر کرد، به زبانهای رایج عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، سانسکریت، اوستایی، پهلوی و کلدانی آشنایی کامل پیدا کرد. وی در تبریز اقامت نمود و مجله‌ی «ماهتاب» را در سال ۱۳۱۶ ش آنجا به مدت یک سال انتشار داد. در دانشکده‌ی ادبیات تبریز تدریس کرد و مدیریت مجله‌ی آن دانشکده را نیز عهده‌دار شد. او کتب زیادی به رشته‌ی تحریر درآورد. از جمله آثار وی: «تاریخ دینی ایران» در دو دوره؛ «دستور زبان فارسی» در سه دوره؛ «بودا در هند»؛ «تخت سلیمان»؛ «پیام فردوسی»؛ به نظم؛ «لغات آذری»؛ «لهجه‌های محلی»؛ «تعلیم و تربیت از نظر غزالی».[۱]

مدرس، ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۳، مشهد (محله نوغان).

درگذشت: ۵ خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمدحسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حمکت و فسلفه را از آقا بزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزوار نزد حاج ملا هادی سبزواری به فراگیری اصول فسلفه اشراق پرداخت. وی در سال ۱۳۴۲ ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.

ادیب طوسی سفرهایی به ندوتسان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوره و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.

از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آموزش و پروش از نظر غزالی (تبریز، ۱۳۲۰)؛ ایام کودکی (نظم، تهران، ۱۳۱۲)؛ بودا در هند؛ پیام فردوسی (نظم، تهران، ۱۳۱۳)؛ تاریخ دینی ایران قدیم (در دو دوره)؛ تخت سلیمان؛ دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی؛ رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران (تبریز، ۱۳۳۲)؛ فرهنگ لغات ادبی تبریز (دو جلد، ۱۳۴۹)؛ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع) (تبریز، دو جلد، ۱۳۴۳)؛ فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران؛ فقه الغهٔ فارسی؛ لغات آذری؛ تلخیص مثنوی؛ مهرشاه و میهن (نظم، تبریز ۱۳۲۰)؛ نقد الادب (بغداد). وی همچنین مجله‌ی «ماهتاب» (نشریه‌ی انجمن ادبی آذربایجان) و نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جمله این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: انتقام عشق (سه جلد، تبریز، ۱۳۱۹ - ۱۳۱۷)، مرد عجیب، جوکی در جنگل، دخمه‌های سیاه یا کلبه بدبختان (تبریز ۱۳۲۰)، شبح مخوف، درویش گمنام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۸۱ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷ -۱۰۶ /۱)، سخنوران نامی (۵۴ -۴۶ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۰ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷ -۶۸۵ /۱).

ادیب فراهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیرالشعراء ادیب‌الممالک محمدصادق بن (حاجی میرزا) حسین فراهانی، شاعر (و. ۱۲۷۷ ه.ق./ ۱۸۶۰ م.- ف. ۱۳۳۶ ه.ق./ ۱۹۱۷ م.) نسب وی به میرزا عیسی قائم‌مقام می‌رسد. ادیب از کودکی به آموختن علوم و ادبیات فارسی و تازی و زبانهای اروپایی اشتغال یافت و هم از خردی به سرودن شعر پرداخت. از سال ۱۳۱۶ ه.ق./ ۱۸۹۸ م. نویسندگی و اداره روزنامه‌های ادب، مجلس، عراق عجم و آفتاب را بر عهده داشت. چندی نیز در سفرهای خارج و داخل ایران گذراند. وی در انواع شعر مخصوصا در قصیده و قطعه استاد بود و سبک استادان قدیم را نیک پیروی می‌کرد. غالب شعر او نماینده زندگانی اجتماعی و مبارزات سیاسی وی است. او در وطنیات، سیاسیات، اجتماعیات و آوردن تمثیلات و حکایاتی که مبتنی بر نظرهای انتقادی و اصلاحی باشد از نخستین گویندگان استاد عهد اخیر است. آشنایی ادیب با ادب اروپایی موجب ورود بعضی افکار و مضامین و قصص و کلمات فرنگی دراشعارش شده است، و نیز اطلاع او از ادب و لغت و تاریخ عرب و اسلام باعث گردیده که بسیار بیشتر از معاصران خود کلمات و ترکیبات غیر

ضرور عربی ر در سخنان خود به کار برد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ادیب فرهمند، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۳۱۷ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به دبیر. مشهور به ادیب‌الممالک. وی در بروجن متولد شد. در سال ۱۳۴۱ ق از طرف احمدشاه ملقب به ادیب الممالک گردید. ادیب دارای ذوق سرشار بود و به ادبیات علاقه‌ی تام داشت. انجمن ادبی اصفهان در منزل او برگزار می‌شد. اشعارش دارای حلاوت مخصوص بود و به سبک قدیم و جدید شعر و تصنیف می‌سرود. وی پس از یک کسالت ممتد در اصفهان وفات یافت و در تخت فولاد مدفون گردید. آثار به جای مانده از او: مجله‌ی «تحفهٔ الادبا»؛ روزنامه‌ی «گیتی نما»؛ رساله‌ی «جشن جغدها».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۱۲ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۲ -۷۲۱ /۳).

ادیب کرمانی، غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ح ۱۳۳۰ ق)، مؤرخ، مترجم نویسنده و شاعر، متخلص به ادیب. معروف به ادیب کرمانی. از کرمان به خراسان رفت، سپس به تهران آمد. شغل دیوانی داشته و در اوقات فراغت به مطالعه و تألیف کتب در تاریخ، جغرافیا و سفرنامه می‌پرداخت. او مترجم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و وقایع نگار ایشان در سفرهایشان بود. وی صاحب دو «دیوان» بوده یکی به فارسی و دیگری به عربی. از آثار اوست: «سفرنامه‌ی خراسان»؛ «سفرنامه‌ی عراق عرب»؛ «تاریخ و جغرافیای مازندران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۴)، الذریعه (۶۶ /۹)، ستارگان کرمان (۱۵)، فرهنگ سخنوران (۵۳)،لغت‌نامه (ذیل/ غلامحسین‌خان).

ادیب نیشابوری، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۸۱ ق)، شاعر، متخلص به ادیب. در نیشابور دیده به جهان گشود و در چهار سالگی بر اثر بیماری آبله بینایی چشم راست و قسمتی از چشم چپ خود را از دست داد. علوم مقدماتی را در همان شهر آموخت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت و در آنجا علوم ادبی و شعر و لغت عربی را آموخت. پس از احاطه بر ادبیات و شعر عرب، به مدت چهل و سه سال در مشهد در مدارس خیرات‌خان، فاضل‌خان و نواب به تدریس پرداخت. از شاگردان برجسته‌ی وی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر بود. وی علاوه بر فنون ادبی از علوم ریاضی و نجوم و فقه و اصول نیز بهره داشت. در شعر ابتدا پیرو قاآنی بود و سپس شیوه‌ی خراسانی را برگزید. به دو زبان عربی و فارسی شعر می‌گفت. در مشهد درگذشت و در دارالسیاده دفن شد. «دیوان» اشعارش به نام «لئالی مکنون» به چاپ رسیده است. همچنین رساله‌ای در «جمع بین عروض فارسی و عربی»؛ رساله‌ای در «شرح معلقات سبعه» و چند جزوه در تلخیص «شرح خطیب تبریزی بر حماسه‌ی ابوتمام» نوشته است.[۱]

عبدالجواد بن (ملا) عباس (و. نیشابور ۱۲۸۱ ه.ق./ ۱۲۴۲ ه.ش.- ف. ۱۳۴۴ ه.ق./ ۱۳۰۵ ه.ش.) یک چشم وی به چهار سالگی بر اثر آبله کور شد. وی تا ۱۶ سالگی در نیشابور به خواندن مقدمات مشغول بود، سپس به مشهد رهسپار شد و نخست در مدرسه خیرات خانی و بعد در مدرسه فاضل‌خان و مدرسه نواب منزل اختیار کرد و فنون و ادبی را فراگرفت و بیشتر اوقات را در مطالعه کتب ادبی عرب می‌گذرانید. از آثار او چیزی به طبع نرسیده. رساله‌ای در جمع بین عروض فارسی و عربی و رساله‌ای در شرح معلقات سبع و چند جزوه در تلخیص شرح خطیب تبریزی بر حماسه ابوتمام نوشته. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و مالی نیندوخت و گروهی از ادبای معاصر تربیت یافته اویند. در شعر نخست پیرو قاآنی بود و بعد شیوه خراسانی را اختیار کرد.

به فارسی و عربی شعر می‌گفت. قریب ۶۰۰۰ بیت از اشعارش را جمع کرده‌اند.

عبدالجواد از معاریف ادبای عصر حاضر بوده شرح حال او را در آغاز دیوانش که مطبوع است و در برخی از کتب و مجلات دیگر چاپ شده است .

وی در سال ۱۲۸۱ ق در نیشابور متولد شده مقدمات عربی را همانجا تکمیل و در سال ۱۲۹۷ ق به مشهد آمده و در مدرسه نواب مشغول به تحصیل و تدریس گردیده و با اینکه یک چشمش در اثر بیماری آبله از دست رفته و از چشم دیگر هم به زحمت استفاده می‌کرده و مطالعات عمیق داشته و دقیقه‌ای بیکار نبوده و جز با معدودی از آشنایان با دیگری مراوده نداشته و با مناعت طبع

زندگی می‌کرد و متجاوز از چهل سال به تدریس اشتغال داشت تا در ۱۵ ذیقعده که خود مکرر می‌گفت در ذیقعده وفات خواهم یافت در سال ۱۳۴۴ ق درگذشت و در دارالسیاده مدفون شد شیخ احمد بهار متوفی ۱۳۶۶ در تاریخش به دو مصرع گفت.

دور ادب نپرورد بهر ادیب تالی

جای ادیب خالی جای ادیب خالی

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۱۵ –۱۴)، از صبا تا نیما (۲۰ –۱۹ /۲)، تاریخ برگزیدگان (۳۳۳)، دایرةالمعارف فارسی (۷۸ /۱)، دویست سخنور (۱۶ –۱۵)، زندگینامه‌ی رجال ومشاهیر (۱۰۷ /۱)، سخنوران نامی (۱۵ –۱۰ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۹ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۷ –۱۵۶ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۸ –۹۷ /۷)،لغت‌نامه (ذیل/ ادیب نیشابوری)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۰ /۸).

ادیب نیشابوری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ –۱۲۷۷ ق)، دانشمند، عالم و ادیب. در روستای خیرآباد بلوک عشق‌آباد نیشابور به دنیا آمد. او تا هیجده سالگی در نزد پدرش درس خواند. سپس پدرش وی را به مشهد فرستاد. پس از اندک زمانی نزد دائی خود حاج شیخ محمد کدکنی به تحصیل پرداخت. در ۱۲۹۴ ش به محضر شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری اول راه یافت. ادیب نزد بسیاری از مدرسان و عالمان آن عصر درس خواند. او در رشته‌های ادبیات عرب، منطق، فلسفه، ریاضیات، اصول، فقه، رجال حدیث و تفسیر متبحر بود و طب قدیم را نیز می‌دانست. او نزدیک به شصت سال صاحب حوزه‌ی تدریس بود و شاگردان بسیاری تربت کرد. از آثار وی: «گوهر دانش»؛ «تاریخ ادبیات عرب»؛ «البدایة و النهایة»؛ «تابش جان و بینش روان»؛ «حدیث جان و جانان»؛ «تاریخ ادبیات ایران».[۱]

محمدتقی معروف به (ادیب نیشابوری) از ادباء و اساتید ادبیات و دانشمندان عالیمقام معاصر و در فنون ادبیه تالی و ثانی استادش مرحوم عبدالجواد ادیب نیشابوری بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۸۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۶ –۱۹۵ /۲)، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (زمستان ۱۳۵۷).

ادیب هروی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۲ ق)، ادیب و نویسنده. وی در مشهد متولد شد. بعد از فراگیری مقدمات عربی و ادبی به حوزه‌ی درس میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری وارد شد و به مدت چهار الی پنج سال از محضر وی بهره گرفت. همچنین در محضر آخوند ملاعلی تونی علم فقه و اصول را نیز آموخت. ادیب هروی پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۲۵ ق با سمت معلمی در مدارس مشهد به کار پرداخت. آثار به جای مانده از او: «احسن القصص»؛ «تاریخ انقلاب طوس»؛ «حدیقة الرضویه» «دستور حسن»؛ «صرف متوسط»؛ «نحو مقدماتی»؛ «تاریخ پیدایش مشروطیت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۰ –۱۰۹ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۲ –۵۳۱ /۲).

ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ /۱۳۳۵ –۱۲۷۷ ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوایل پروانه تخلص می‌کرد، چون به امیرالشعرا ملقب گردید، تخلص خود را امیری قرار داد. وی در قریه‌ی گازران، از توابع فراهان اراک، متولد شد. در نوجوانی پدرش را از دست داد و به همین علت به تهران آمد. در تهران، پس از طی مدارج معمول آن زمان، فنون ادبیات ایران و عرب را از استادان فن آموخت و سرآمد سخنوران عصر گشت و مورد اکرام و توجه شاهزاده طهماسب میرزای مویدالدوله قرار گرفت. دوره‌ی فعال زندگانی وی مقارن با جنبش مشروطه‌خواهی در ایران بود. در سال ۱۳۰۹ ق که امیر نظام گروسی به حکومت کرمانشاه منصوب شد، با او بدان جا رفت و تا سال ۱۳۱۳ ق در کرمانشاه بود. در سال ۱۳۱۴ ق از طرف مظفرالدین شاه به ادیب‌الممالک ملقب گردید. در همین سال بود که امیر نظام به پیشکاری کل آذربایجان منصوب شد و با او به تبریز رفت. «روزنامه ادب» را در سال ۱۳۱۶ ق در تبریز منتشر کرد. در سال ۱۳۱۸ ق از تبریز به قفقاز رفت و در آنجا با کمک احمد بیک آقایف قراباغی «روزنامه‌ی ارشاد» را به زبان ترکی و فارسی منتشر کرد. از آنجا به خوارزم و پس از چندی به مشهد رفت و «روزنامه‌ی ادب» را در آن شهر انتشار داد. سپس به تهران آمد و در

سال ۱۳۲۴ ق «روزنامه‌ی عراق عجم» را در تهران تأسیس کرد اما دیری نپایید. سپس سردبیر «روزنامه‌ی ایران» دولتی شد و در سال ۱۳۲۲ ق از طرف وزارت کشور مدیر روزنامه‌ی نیمه رسمی «آفتاب» شد و در این ایام در وزارت دادگستری خدمت کرد. در سال ۱۳۳۵ ق مأمور عدلیه‌ی یزد شد. در تهران بدرود حیات گفت و در امامزاده عبدالعظیم شهر ری. به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی مشتمل بر بیست و دو هزار بیت، به همت وحید دستگردی، در سال ۱۳۱۲ ش در تهران چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۲۲ -۲۰)، از صبا تا نیما (۱۴۶ -۱۳۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۲۶ -۲۲۳، ۱۹۶ /۴)، تاریخ جراید (۹۸ -۸۰)، چشمه‌ی روشن (۳۵۶ -۳۴۸)، الذریعه (۶۶ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴ -۳۷۶ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۵ /۱)، شخصیت‌های نامی (۴۱ -۴۰)، شرح حال رجال (۱۶۱ -۱۵۹ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ادیب فراهانی)، مکارم الآثار (۲۱۳۲ -۲۱۳۱ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۹ -۴۷۷ /۳)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۰ -۱۴۹ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳ ص ۳۴).

ارانی، دکتر تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یک خانواده‌ی متوسط در تبریز به سال ۱۲۸۲ تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در ایران انجام داد و از مدرسه‌ی دارالفنون دیپلم گرفت. پس از چندی با هزینه‌ی شخصی به اروپا رفت و در برلن وارد دانشگاه شد. پس از زحمات زیاد در علم فیزکوشیمی (علم واسط میان شیمی و فیزیک) درجه‌ی دکترا دریافت کرد. پس از پایان دکترای خود در این رشته، یک دوره‌ی تخصصی نیز در شیمی تسلیحات دید. در ریاضیات عالی، فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی و مکتب‌های سیاسی مطالعاتی کرد و از نظر افکار تحت تأثیر عقاید سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها قرار گرفت. هنگام تحصیل در برلن با چند نفر از رفقای خود روزنامه‌ای به نام پیکار دائر کرد و از رژیم رضاشاه انتقاد می‌نمود. سرانجام دولت آلمان این روزنامه را تعطیل کرد. ارانی پس از مراجعت به ایران در مدرسه‌ی فنی تهران به سمت استادی فیزیک و در وزارت صناعت به عضویت انتخاب شد و ضمناً نشریه‌ای به نام دنیا منتشر ساخت. دنیا مجله‌ای مارکسیستی بود و دو سال انتشار یافت. تدریجاً مصادر امور فهمیدند که ماهیت این نشریه چیست و چرا منتشر می‌شود. به دنبال توقیف آن، ارانی را به اتفاق ۵۲ نفر دیگر که همه از روشنفکران آن روز و از هم مسلکان وی بودند و به ۵۳ نفر مشهور شده‌اند توقیف کردند. همه‌ی متهمین خود را بی‌تقصیر خواندند و استرحام کردند جز ارانی که اساس عقاید خود را به صورت علمی و با شهامت در دادگاه تشریح نمود. دادگاه رأی خود را صادر کرد و او را به ده سال زندان محکوم نمود. دو سال در زندان بود و ظاهراً بر اثر ابتلا به بیماری تیفوس درگذشت. به زبان‌های آلمانی، فرانسه، انگلیسی، و عربی آشنائی داشت. وی در واقع پایه‌گذار حزب توده‌ی ایران و نخستین مروج اندیشه‌ی مارکسیستی در ایران به عنوان اندیشه‌ای علمی است. پسیکولوژی و ماتریالیسم دیالکتیک مهمترین کتاب‌های تألیفی اوست.

(۱۳۱۸ -۱۲۸۱ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس شرف و دارالفنون گذراند و وارد مدرسه عالی پزشکی تهران شد. پس از مدتی برای ادامه‌ی تحصیل به آلمان رفت و موفق به گذراندن دوره‌ی دکترای فیزیک و شیمی شد و از دانشکده‌ی فلسفه نیز گواهینامه لیسانس گرفت. سپس به عنوان استاد ادبیات شرق، در برلین به تدریس پرداخت. در برلین روزنامه‌ی «پیکار» را تأسیس کرد که در لایپزیک چاپ و مخفیانه در ایران منتشر می‌شد. در سال ۱۳۰۹ ش به ایران بازگشت، نخست در وزارت معارف استخدام و به تدریس پرداخت و سپس عنوان رییس تعلیمات یافت. در تهران با انتشار مجله‌ی «دنیا» و بعضی کتب دیگر به نشر مرام اشتراکی پرداخت. در بین پاره‌ای از جوانان نفوذ زیادی یافت. وی در سالهای پس از مراجعت خود از اروپا، در دبیرستانهای پایتخت فیزیک و شیمی تدریس می‌کرد. ارانی در زندان درگذشت. او شعر نیز می‌سرود و چندین کتاب تألیف کرد که بری از آنها عبارت‌اند از: «اصول علم روح»؛ «اصول علم شیمی»؛ «اصول علم فیزیک»؛ «بشر از نظر مادی»؛ «پسیکولوژی علم الروح»؛ «تئوریهای علم»؛ «عرفان و اصول مادی»؛ «فرضیه‌ی نسبی»؛ «گلهای سفید».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۷۱ -۶۹)، تاریخ جراید (۲۹۶ -۲۹۳ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۹ -۱۱۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۴ -۱۹۱ / ۲).

ارباب شیرانی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سعید ارباب شیرانی در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد.وی پس از دریافت کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران ،در سال ۱۳۴۰ برای ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و موفق شد از دانشگاه پرینستن درجهٔ فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی را دریافت کند.ایشان در حال حاضر در دانشگاه علامهٔ طباطبایی به تدریس اشتغال دارد. کتاب "تاریخ نقد جدید" ترجمه،سعید ارباب شیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سعید ارباب شیرانی پس از طی دوران دبستان و دبیرستان در اصفهان، در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۰ برای

ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و ضمن تدریس فارسی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستن، از دانشگاه راتگرز (دانشگاه ایالتی نیوجرزی) درجهٔ فوق لیسانس ادبیات انگلیسی و از دانشگاه پرینستن درجهٔ فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی دریافت داشتمشاغل و سمتهای مورد تصدی : سعید ارباب شیرانی در سال ۱۳۴۰ برای ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و در کنار تحصیل به تدریس زبان و ادبیات فارسی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستن پرداخت.ایشان در حال حاضر در دانشگاه علامهٔ طباطبایی به تدریس اشتغال دارد.جوائز و نشانها : کتاب"تاریخ نقد جدید "ترجمه،سعید ارباب شیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : ۱" -Creative use of convention in Herrick's Corinna's going a-Maying" -"Theoretical Backgrounds of French Prose Poetry: Fenelon to Baudelaire accepted for publication in the forthcoming issue of Humanities ویژگی اثر : تالیف۲ تاریخ نقد جدید ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «تاریخ نقد جدید»: تاریخ نقد جدید (جلد ۱، ۲، ۳و...)؛ رنه ولک؛ ترجمه سعید ارباب شیرانی؛ تهران: انتشارات نیلوفر، جلد سوم، ۱۳۷۵. نقد ادبی و اطلاع از آراء و مکاتب آن، اهمیت بنیادی در شناخت و ارزیابی آثار ادبی- هنری دارد. رنه ولک- مورخ و منتقد برجسته که او را «منتقد والای منتقدان» خوانده اند- دارای آثاری باارزش در این زمینه است. یکی از این آثار، کتاب هشت جلدی تاریخ و نقد است که تألیف آن قریب چهل سال زمان برده است. کتاب حاضر از امّهات کتب نقد ادبی در همه زبانهای مغرب زمین به شمار می رود و تفصیل و دامنه شمول آن چشمگیر است. ترجمه این اثر، همتی والا- را می طلبید که مترجم محترم از عهده این کار دشوار به شایستگی برآمده است و تاکنون سه جلد آن- با رعایت امانت در ترجمه- به خوانندگان عرضه شده است. این کتاب راهنمای مناسبی برای همه محققان، دانشجویان دوره های کارشناسی ارشد و دکترا وعلاقه مندان به نقد ادبی است. تعلیقات پایانی هریک از مجلدات، نه تنها یاری رسان خواننده است؛ بلکه می توان آن را در حکم تحقیق ارزنده ای به شمار آورد ۳ تاریخچه نقد در ادبیات قدیم عرب ویژگی اثر : ترجمه،فان گلدر، ؛ تحقیقات اسلامی، سال سوم، شماره۱ و ۲(۱۳۶۷)۴ تخیل فرهیخته ویژگی اثر : ترجمه،نورتروپ فرای؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۶۳، چاپ دوم ۱۳۷۲.۵ مضمون سازی در شعر سبک هندی و شعر متافیزیکی انگلیس ویژگی اثر : تالیف،صائب و سبک هندی، به کوشش محمدرسول دریاگشت

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ارباب کیخسرو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۵۳ ش)، نویسنده و شاعر. وی در کرمان متولد شد. در طفولیت از داشتن پدر محروم گردید. تحصیلات مقدماتی را تحت توجه مادر خود در دبستان کرمان به پایان برد و در نه سالگی به تهران آمد و به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. سپس به بمبئی رفت و تحت حمایت و سرپرستی دینشاه به تحصیل مشغول شد. پس از پایان تحصیلات، از طرف انجمن اکابر صاحبان پارسی، به آموزگاری در کرمان منصوب شد. در این مدت به اصلاحات فرهنگی اقدام کرد. پس از مدتی از طریق مشهد و عشق‌آباد به روسیه رفت و بیش از یکسال در ادسا ماند، سپس به تهران آمد و جزو مدیران اداره‌ی ارباب جمشید بهمن درآمد. در دوره‌ی دوّم، از طرف همکیشان خود به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و جمعا یازده دوره نماینده‌ی زردتشتیان در مجلس بود. در سال ۱۳۱۰ ش، تنی چند از رجال دانشمند، به منظور تجلیل از بزرگان علم و ادب ایران و حفظ آثار باستانی و ابنیه‌ی تاریخی، انجمنی به نام «انجمن آثار ملی» تأسیس کردند که وی نیز با آنان همکاری داشت. نخستین اقدام انجمن مذکور، ساختن آرامگاه فردوسی در طوس بود. وی مردی امین و صدیق و میهن دوست بود. به زبان انگلیسی تسلط داشت. در تهران به طرز مشکوک و اسرارآمیزی کشته شد. او طبع شعر داشت و دارای تألیفاتی است از جمله: «آئین پارسیان»، ترجمه از انگلیسی؛ «آئینه‌ی آئین مزدیسنی»؛ «فروغ مزدیسنی».

ارباب کیخسرو شاهرخ ۷ تیرماه ۱۲۵۴ در کرمان زاده شد.وی معلم ، نویسنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از ۲۰ مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... بود.ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخانه در نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورد توجه قرار گرفت.نانبرده سرانجام پس از شصت و شش سال زندگی نیک ، آفتاب عمرش در نیمه شب یازدهم تیرماه ۱۳۱۹ غروب کرد و نامش را در تاریخ ایران جاودان ساخت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده

تحصیلات رسمی و حرفه ای : . تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراند و سپس به هند رفت. سال ۱۲۸۴ به تهران آمد

هم دوره ای ها و همکاران : اسناد موجود و اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که ارباب کیخسرو شاهرخ با همکاری جمعی از نمایندگان پیشگام مجلس مانند دکتر رضا افشار، شیخ ابراهیم‌زنجانی و سید نصرالله تقوی در فراهم آوردن مقدمات تأسیس کتابخانه مجلس از این طرح پیشنهاد و تا استقرار و پا گرفتن آن، کوشش‌های فراوانی کردند.

وقایع میانسالی : این مرد نیک اندیش از همان بدو کودکی با تمامی مشکلاتی که برایش پیش می آمد از کمک به همنوع دریغ نمی نمود و در دوران زندگی اش منشاء خدمات ارزنده ای به جامعه زرتشتی و کشورش ایران شد

زمان و علت فوت : ارباب کیخسرو شاهرخ در یازدهم تیر سال ۱۳۱۹ دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ارباب کیخسرو شاهرخ سال ۱۲۸۸ از طرف همکیشان خود به نمایندگی مجلس برگزیده شد. همان سال نیز به ریاست انجمن زرتشتیان تهران منصوب شد. وی در سال ۱۲۸۹ کتاب «فروغ مزدیسنی» را به رشته تحریر درآورد. او ۳۱ سال نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی بود. ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخانه در نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورد توجه قرار گرفت. خلاصه ای از فعالیت های ایشان به قرار زیر است: معلم ، نویسنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از ۲۰ مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... نگارش و چاپ کتابهای آینه آیین مزدیسنی و فروغ مزدیسنی ۳۱ سال نماینده ایرانیان زرتشتی در مجلس شورای ملی از سال ۱۲۸۸ تا ۱۳۱۹ خورشیدی تغییر مراسم تدفین از دخمه به خاکسپاری و خرید و احیای آرامگاه قصر فیروزه تهران و پیگیری این مراسم در سایر شهرها پافشاری در تصویب به رسمیت شمردن احوال شخصیه اقلیتهای مذهبی و پیگیری و تدوین مفاد آن دریافت حکم تولیت موقوفات زرتشتی به نام انجمن های زرتشتیان هر شهرستان . مسئول ساخت راه آهن ایران مدیرعامل شرکت سهامی تلفن به سال ۱۲۹۵ خورشیدی مسئول خرید گندم و غلات در زمان قحطی سال ۱۲۹۷ خورشیدی مسئول شناسایی و بازسازی آرامگاه فردوسی و سرپرستی جشن هزاره آن شاعر نامور به سال ۱۳۱۳ خورشیدی تاسیس کتابخانه مجلس و رئیس اداره مباشرت و سرپرست چاپخانه مجلس مسئولیت و سرپرستی جشن تاج گذاری احمد شاه قاجار نظارت بر جشن تاج گذاری رضا شاه پهلوی

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ارباب کیخسرو در انجام مراحل مقدماتی تاسیس، گردآوری کتاب و تعیین مکانی برای نگهداری کتاب‌ها و ایجاد کتابخانه موقت، سهم به‌سزایی داشته است.که از وی به عوان بنیانگذار کتابخانه مجلس یاد می شود. وی علاوه بر این، بنیانگذار انجمن آثار ملی است. این انجمن بعد از انقلاب به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تغییر نام داد. همچنین مسؤلیت ساخت بنای فعلی آرامگاه فردوسی در طوس نیز بر عهده ارباب کیخسرو بوده است. ساخت بنای آرامگاه فردوسی در کمیسیونی پیگیری می‌شده که محمدعلی فروغی نخست وزیر، ارباب کیخسرو، هرتسفلد آلمانی و گدار فرانسوی اعضای آن بوده‌اند. ---

آثار :

۱ فروغ مزدیسنی

ویژگی اثر : تالیف

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۴ -۱۲۰ /۱)، شرح حال رجال (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲ -۱۰۱ /۵).

اربابی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اربابی

محل تولد : بجنورد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله محمدتقی اربابی در خانواده ای مذهبی در روستای درغ جاجر از توابع بجنورد متولد شد. ایشان مقدمات علوم دینی را در حوزه علمیه مشهد در سال ۱۳۴۷ شروع کرد و مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تکمیل دروس حوزه به قم عزیمت کرد. سطح عالی فقه و اصول را در قم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، شیخ مرتضی حائری، شیخ کاظم تبریزی و مرحوم شیخ جواد تبریزی فرا گرفت.

ایشان علاوه بر فقه و اصول به فعالیت های علمی در زمینه تفسیر و علوم قرآن، فلسفه، تاریخ و سیره نهج‌البلاغه، ادیان و مذاهب، اقتصاد و حقوق پرداخت تا هر چه بیشتر بر غنای علمی خویش بیفزاید. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جهت رسیدگی به مشکلات قضایی مردم به امر قضاوت در دادگاههای استان خراسان پرداخت و هنوز هم جهت خدمت به مردم این مسئولیت سنگین را بر دوش می‌کشد.

ارجمند، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمشید ارجمند، مترجم و منتقد سینمایی.

زندگی‌نامه:

جمشید ارجمند در خیابان لاله‌زار، کوچهٔ پیرنیا ۲، روبه‌روی سینما کریستال به دنیا آمد. خیلی زود در ۱۲ سالگی در آغاز دهه سی و دولت دکتر مصدق به عضویت حزب پان ایرانیست درآمد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد با وسایل ابتدایی به چاپ اعلامیه می‌پرداخت اما فعالیت‌های سیاسی او را خیلی زود به فعالیت‌های فرهنگی کشاند و در تابستان ۱۳۳۳ کار در مجله فردوسی زیر نظر ناصر نیرمحمدی آغاز کرد. در همین سال چاپ چند شعر نو در مجله فردوسی و راهنمایی‌های اسماعیل شاهرودی و نصرت رحمانی او را با ادبیات نوین فارسی آشنا کرد. مرگ مادرش در ۱۳۳۷ طی حادثه‌ای در جلوی چشمان‌اش و مرگ پدر در دو سال بعد زندگی مشقت‌باری را به او تحمیل کرد اما وی توانست با سخت‌کوشی بر مشکلات فایق آید و به دانشگاه برود و هم‌زمان در مجلهٔ فردوسی به مدیریت نعمت‌الله جهانبانویی و ستارهٔ سینما به سردبیری پرویز نوری به کار ترجمه و انتشار مقاله بپردازد. در ۱۳۴۰ به دلیل فعالیت‌های سیاسی در چارچوب جبهه ملی دو بار دستگیر و در زندان قزل‌قلعه زندانی شد. در سال ۱۳۴۱ در تظاهرات دانشجویی مورد ضرب و جرح شدیدی قرار گرفت. سال ۱۳۴۲ سال پرباری برای ارجمند بود در این سال از دانشکدهٔ حقوق فارغ‌التحصیل شد و با روشنک کشاورز، فرزند سید محمدعلی کشاورز سخنگوی جبهه ملی دوم، ازدواج کرد. تحصیل فوق‌لیسانس مدیریت اداری را آغاز کرد که البته ناتمام ماند. در همین سال در موسسهٔ تحقیقات اقتصادی با سمت محقق استخدادم شد که امکان تحقیق و سفر به مناطق مختلف ایران و انتشار پژوهش‌های‌اش در فصلنامه تحقیقات اقتصادی را برای‌اش فراهم آورد. نخستین فرزندش در سال بعد ۵ مرداد ۱۳۴۳ به دنیا آمد که به یاد دکتر محمد مصدق نام او را" محمد "گذاشت. چهار سال بعد در آذر ۱۳۴۶ دخترش لیلا به دنیا آمد. در این سال‌ها هر چند دو سال را در سربازی گذراند اما به فعالیت‌های مطبوعاتی و ترجمه و تالیف و نقد سینمایی نیز پرداخت و در سال ۱۳۴۵ مجمع منتقدان فیلم در بنیانگذاری کرد و در همین سال به عنوان عضو هیئت داوران منتقدان سینمایی در جشنوارهٔ فیلم کودک و نوجوان انتخاب شد. در ۱۳۴۸ به فرانسه رفت تا مطالعات تخصصی در دورهٔ دکترای سیکل سوم دانشگاه اکس–مارسی، رشته اقتصاد و تبلیغات جهانگردی را پی بگیرد. در همین سال ترجمه نخستین کتاب‌اش را به پایان برد و با بازگشت به کشور در سال بعد، به فعالیت‌های گسترده و مداوم به ترجمه و تالیف پرداخت. بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در سال ۱۳۵۸ کار در هیئت تحریریه روزنامه هفتگی طنز" آهنگر "به سردبیری منوچهر محجوبی را آغاز کرد و با تعطیلی این هفته‌نامه در سرویس خارجی روزنامه بامداد شروع به کار کرد که این روزنامه هم تعطیل شد و او در روزنامه میزان مشغول کار شد و این روزنامه هم به سرنوشت آن دو نشریه دچار شد و به کام تعطیلی رفت. جمشید ارجمند هر چند تا کنون دو بار عمل جراحی قلب انجام داده است اما هم‌اکنون ضمن تحقیق و پژوهش و ترجمه، سردبیری و انتشار فصلنامه بیمه و کشاورزی برای صندوق بیمه محصولات کشاورزی را به عهده دارد. :تالیف

– ۱۳۵۱ دربارهٔ چند سینماگر(۲و۱)، نشر و پژوهش کتاب جار.

– ۱۳۵۱ در بارهٔ سینما، نشر و پخش کتاب جار.

– ۱۳۵۲فیلم ساختن، انتشارات مروارید.

– ۱۳۵۳ سینماگر، نشر و پخش کتاب جار.

– ۱۳۷۲ دستور خط و نگارش، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

– دست‌نامهٔ شیوهٔ نگارش، سازمان مدیریت صنعتی.

– ۱۳۷۷ گربه روی شیروانی داغ و ۲۱ فیلم–قصهٔ دیگر، انتشارات روزنه‌کار.

– ۱۳۷۹ میان پرده، گل‌آقا.

ترجمه:

– ۱۳۵۱ حقوق نویسنده، آلکساندر سولژنیتسین، انتشارات مروارید

– ۱۳۵۲ جامعه‌شناسی رادیو و تلویزیون، ژان کازنو، انتشارات سروش

– ۱۳۵۴ چهرهٔ عریان آمریکا، روژه کان، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.

– ۱۳۶۲ جنبش مقاومت ایرلند، روژه خالیگو، انتشارات خوارزمی.

– ۱۳۶۳ نیکلا کوچولو، سامپه(تصویرگر)، گوسینی (نویسنده)، نشر شینلام.

– ۱۳۶۳ دنیای کوچک دن کامیلو، جووانی گوارسکی، نشر تهران فاریاب، چاپ‌های بعد نشر پرواز.

– ۱۳۶۸ تاریخچهٔ رادیو و تلویزیون، پیر آلبر، آندره ژان تودسک، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

– ۱۳۷۷ سنگ قیصر، جستجوی خط مبارزه در آثار مسعود کیمیایی، پیر بالدوکی، بهرام شیراوژن، فرهنگ کاوش.

– ۱۳۷۷ اصفهان، تصویر بهشت، هانری استیرلن (با مقدمهٔ هانری کربن)، نشر و پژوهش فرزان روز.

– ۱۳۷۸ نقد فیلم , (نمونه‌هایی از نقدهای دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰، انتشارات فانوس خیال

– ۱۳۷۹ مینیاتور ایرانی، رنگ‌های نور: آینه و باغ، یوسف اسحاق‌پور، نشر و پژوهش فرزان روز.

– ۱۳۸۰ شوهر مدرسه‌ای، جووانی گوارسکی، نشر کتاب پرواز.

– ۱۳۸۲ آیین هندو و عرفان اسلامی، داریوش شایگان، نشر و پژوهش فرزان روز.

– ۱۳۸۸ ایرانیان، یونانیان و رومیان، یوزف ویسهوفر، نشر و پژوهش فرزان روز.

ارجی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ارجی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱۲

زندگینامه علمی

علی اکبر ارجی فرزند غلامرضا در ۱۲ فروردین سال ۱۳۳۴ در یک روستای دور افتاده خراسان رضوی از توابع نیشابور و در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشوده‌ام. در پنج سالگی با نماز و قرائت قرآن آشنا شده، بخشی از دوره دبستان را در روستا و بخش دیگر آن و دوره راهنمایی و دبیرستان را در مشهد مقدس گذرانده‌ام.

از سال ۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۴ نخست به مدت یک سال وارد حوزه علمیه قوچان و سپس وارد حوزه علمیه مشهد شده و ادبیات عرب، منطق و مقداری از اصول و فقه را در نزد اساتید آن حوزه مانند آقای حجت هاشمی خراسانی، آقای صالحی نیشابوری، آقای عباسی واعظ طبسی فراگرفته‌ام. سپس در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم هجرت کرده و در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی خود ادامه دادم.

دروس سطوح عالی را در نزد اساتیدی همچون آقای اشتهاردی، اعتمادی، مرحوم ستوده، محقق داماد و مرحوم فاضل لنکرانی به اتمام رسانیدم. همراه با درس‌های فقه و اصول به سراغ علوم عقلی و تفسیر قرآن رفته علم کلام، فلسفه و بخشی از عرفان نظری و بخشی از علم هیئت را در نزد اساتید بزرگ همچون آیات عظام انصاری شیرازی، حسن‌زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی مشغول شدم و تفسیر قرآن را در نزد مرحوم آیت الله مشکینی شروع و در خدمت آیت الله جوادی ادامه دادم.

از سال ۱۳۶۲ در دروس خارج فقه و اصول شرکت کردم و یک دوره کامل خارج فقه و اصول را نزد مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی فراگرفتم و نزد اساتیدی بزرگ همچون مرحوم آیت الله جواد تبریزی خارج فقه، آیت الله وحید خراسانی خارج فقه و بخشی از اصول فقه، آیت الله یوسف صانعی بخشی از خارج اصول، آیت الله نوری همدانی بخشی از خارج فقه، آیت الله مکارم شیرازی بخشی از خارج فقه و از آیت الله جوادی بخشی از خارج فقه را فراگرفتم. البته به طور مقطعی از محضر آیت الله گلپایگانی و نجفی مرعشی و بعضی مراجع عظام دیگر نیز استفاده کرده‌ام.

از همان سال‌های ۵۴ ـ ۵۵ تبلیغ را در مشهد مقدس از تعلیم قرآن شروع کرده و سپس در ماههای محرم، صفر و رمضان برای تبلیغ دین و بیان احکام و ابلاغ پیام انقلاب اسلامی به شهرهای مختلف و در دوران جنگ تحمیلی به جبهه‌های دفاع مقدس، مسافرت کردم. و چیزی که در این دوره برای من جالب توجه و شیرین است، این است که معمولاً سوژه‌ها و نکته‌ها و پیام‌های تبلیغی را، از نوشته‌های مرحوم آیت الله مطهری و پیام‌های حضرت امام خمینی (ره) و از بیانات مرحوم شهید هاشمی‌نژاد، و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای دریافت کرده و در ابلاغ آن به مردم جدی و کوشا بوده‌ام.

تدریس را به طور رسمی از سال ۱۳۵۹ شروع و دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم در رشته‌های مختلف مانند: ادبیات عرب، منطق، اصول، فقه، کلام، فلسفه و تفسیر قرآن تدریس کرده‌ام و کماکان پاره‌ای از دروس حوزوی را در فقه و اصول و فلسفه و تفسیر قرآن تدریس می کنم.

این بنده همواره امر تحصیل، تبلیغ، تدریس، تألیف، تدوین و تحقیق را دنبال کرده‌ام. و پیوسته اشتغال داشته و دارد و بنابر علاقه درونی تألیفاتی در زمینه‌های مختلف، منطق، کلام، اصول و علوم قرآنی را شروع کرده و هنوز هم ادامه دارد. از سال ۷۰ ـ ۷۱ در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، در زمینه‌های مختلف، تفسیر قرآن و علوم قرآنی در کنار محققین گرانمایه دیگر، به امر تحقیق اشتغال داشته و این امر تا سال ۱۳۸۵ ادامه داشته است و تاکنون تا بخش‌های مختلفی، همچون تفسیر قرآن (تفسیر راهنما) نمایه‌سازی کتاب‌های علوم قرآنی، تدوین اصطلاح نامه معارف قرآن، فرهنگ موضوعی قرآن (کلید قرآن) و دایرهٔ المعارف موضوعات و مفاهیم قرآن، همکاری داشته‌ام.

در سال ۱۳۷۶ به رادیو معارف اسلامی پخش سراسری، دعوت شدم و در برنامه‌ای با عنوان «عارفانه» درباره نماز و اهمیت و آثار، آداب و اسرار آن به مدت (۱۰ ـ ۱۵ دقیقه) نزدیک به صد جلسه برنامه سخنرانی داشتم. در سال ۱۳۷۷ از سوی صدای جمهوری اسلامی ایران مرکز چهارمحال بختیاری شهرکرد دعوت به همکاری شده و در آنجا چهل و پنج جلسه سخنرانی‌های کوتاه با عنوان کلی «آداب» داشته‌ام که هر هفته تنها یک جلسه از آن از رادیو پخش می‌شد. برخی از زیر مجموعه عنوان مذکور عبارتند از: آداب عبادت، آداب نماز، آداب روزه، آداب تلاوت قرآن، آداب استماع قرآن، آداب سخن گفتن، آداب سلام و پاسخ آن، آداب دعا، آداب مساجد، آداب پرسش، آداب ازدواج، آداب اطعام، آداب قرض دادن، آداب برخورد با سختی‌ها، آداب تجارت و ده‌ها عنوان دیگر .

برای بار سوم از طرف رادیو معارف مرکز قم، در سال ۱۳۸۲ دعوت به همکاری شدم این بار سخنرانی‌های این بنده در برنامه‌های «مشکات هدایت» و «بر آستانه ارادت» ضبط و پخش می‌شد. مباحث مطرح شده، مناسبت‌های ایام و مباحث دعا و ذکر و نماز بوده، این برنامه‌ها بیش از یک سال ادامه داشت.

اردبیلی، اسمعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقاسید اسمعیل از فضلاء باتقوای حوزه آیت‌الله حجت دارای مقام قدس و تقوی و معنویت بودند که از اردبیل مهاجرت به قم نموده و در دروس مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر حوزه چون آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت الله شریعتمداری استفاده و تا آخر عمر به صفا و سادگی زندگی و در اطراف تهران ترویجات دینی نموده تا در دو سال قبل که دار فانی را وداع و در مقبره ابوحسین مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اردبیلی، جمال‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۷ ق)، مفسر، فقیه و نحوی. از اهالی اردبیل بود. وی مؤلف کتاب «شرح انموذج» زمخشری است که از قرن هفتم تاکنون از کتب درسی حوزوی بوده و در مجموعه‌ی «جامع المقدمات» برای تعلیم مبتدیان علوم عربی آمده است. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر؛ «الانوار»، در فقه شافعی. صاحب «هدیهٔ العارفین» اردبیلی را با نادری رومی، معروف به غنی‌زاده، شاعر ترک زبان قرن دهم و یازدهم، اشتباه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۰ /۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۰ /۳)، ریحانه (۴۲۵ /۱)، کشف الظنون (۱۸۵)، معجم المؤلفین (۱۷۸ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۲۷۵ /۲).

اردبیلی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۶ -۱۲۶۹ ق)، عالم، متکلم و ادیب. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح، در سال ۱۲۹۴ ق به عتبات رفت و مدتی نزد میرزا حبیب‌اللّه رشتی، فاضل ایروانی و دیگران شاگردی کرد. سپس به اردبیل بازگشت. در جریان نهضت مشروطیت، وی نخست از طرفداران آن بود، ولی بعدا از در مخالفت درآمد. در ۱۳۳۸ ق که لشکریان روسیه وارد انزلی شدند، علیه آنان فرمان جهاد داد. آقا میرزا علی‌اکبر مشرب کلامی داشت، بدان پایه که تحصیل آن را واجب می‌شمرد. وی عالم و کامل و عارف به حکمت و کلام و حدیث و فقه و اصول بود. وی در اردبیل وفات یافت. از آثار اوست: «اصول‌الدین مسلمین»؛ «البعث و النشور»، در اثبات معاد جسمانی؛ «جواب السؤال عن وقعهٔ زید و زینب»؛ «رسالهٔ فی تقلید المیت»؛ «عمود النور»، در رد شیخیه و بابیه و صوفیه. وی چند کتاب نیز به زبان ترکی نوشته که به طبع رسیده است، از جمله: «اصول‌الدین عوامی»؛ «رساله‌ی عوام الناس»، در رد بابیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشروطه (۴۰۲ -۴۰۰، ۱۹۷)، الذریعه (۱۲۹ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۲ /۱)، طبقت اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰۶ -۱۶۰۵ /۱۴)، علماء معاصرین (۳۹۵ -۳۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۰ /۴)، مکارم الآثار (۱۹۳۳ /۶).

اردستانی، ابوالفتح

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالجبارین عبداللّه بن برره اردستانی اصفهانی، در شهر ربیع الاول سال ۳۷۸ متولّد، و در محرّم سال ۴۶۸ در اصفهان وفات یافته، از ثقات محدّثین و بزرگان روات به شمار می‌رود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اردستانی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ ق)، ادیب. ملقب به ابوجعفر. وی به ناحیه‌ی اردستان اصفهان منسوب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۰۴ /۱).

اردشی، مهرداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تاریخ تولد:۱۱/۱۰/ ۱۳۵۷

سال آغاز هنر شطرنج:۱۳۷۴

رنگ مورد علاقه:آبی روشن

آرزوی طلایی: سعادتمندی فرزندم.

مشوق اصلی:من در شرایط سختی شطرنج را آغاز کردم چون پدرم شدیداً مخالف بود و اعتقاد داشت به درسم لطمه می زند (افسوس که اکنون نمی تونه نتیجه تلاشهایم را ببیند ایشون در سال ۱۳۷۷ فوت کردند) ولی با وجود حمایتهای بی دریغ مادر و همسرم (بعد از ازدواج پیشرفت کردم.)

مهره ی مورد علاقه:اسب

مدرک تحصیلی:دانشجوی رشته تربیت بدنی

به جز شطرنج علاقه دارم به : در ورزشها به تنیس روی میز و نقاشی (همسرم یک نقاش حرفه ای است)دارم.

تاثیر شطرنج بر روی زندگی: در دیدن افقهای دوردست زندگی کمک بزرگی است.

مربیان: اساتید هرندی، گولیف و در مقاطعی رائوسیس، ماگراموف و نایجل شورت

شطرنج را چه رنگی میبینید:به رنگ دلم.

فصل مورد علاقه:بهار

مقام های کسب شده: مهمترین هایش کسب عنوان استاد بین المللی و ریتینگ ۲۴۲۱، سابقه عضویت در تیم ملی، حضور در مسابقات المپیاد جهانی (آخرین سالی که کاسپاروف حضور داشت)، قهرمان مسابقات انتخابی غرب آسیا، نفر اول مشترک مسابقات بین المللی دهه فجر، دو سال قهرمان لیگ برتر کشور به همراه تیمهای بهمن و راه آهن، ۴ سال قهرمان انفرادی لیگ برتر کشور، ۴ بار قهرمانی در مسابقات بزرگسالان استان تهران (احتمالاً یک رکورد محسوب می شود)، قهرمان مسابقات آزاد داخلی متعدد از قبیل جام رمضان (۲ بار)، جام خرمشهر، اوپن لاهیجان، اوپن لنگرود و...

حرف آخر: آرزوی سلامتی برای همه.

اردکانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اردکانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مذهبی و متدیّن در سال ۱۳۲۴ شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریاانات سال های ۴۱ ، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال ۱۳۵۳ شمسی ـ همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر به ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السیّد الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، این جانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تا کنون در شهر مقدس قم ساکن هستم. تا کنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه

السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

اردکانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مرتضی بن العلامه میرزا محمد مجتهدبن العالم العابد الحاج علی‌رضا و سبط العلامه الکبری الحاج الشیخ محمدرضا المجتهد الاردکانی از علماء اعلام و آیات عظام معاصر اصفهان میباشند. در روز دوشنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری در اردکان متولد شده و در سن ۱۵ سالگی مهاجرت باصفهان نموده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد مدرسین بزرگ دروس تحلیلی خارج فقه و اصول را از آیات عظام مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی و مرحوم آیه‌الله سید علی نجف‌آبادی و آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی اصفهانی استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفه را از مرحوم شیخ المتألّهین آشیخ محمد خراسانی فرا گرفته و از همان اوان بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول اشتغال داشته است.

دارای تألیفات ارزنده علمی میباشد که ذیلا مینگارم:

۱- غنیه‌الطالب تعلیقه بر مکاسب شیخنا الانصاری ره در پنج مجلد که دو جلد آن در قم بطبع رسیده و سه مجلد آماده طبع میباشد.
۲- رساله فی‌الکر ۳- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی ۴- شرح خلاصه الاصول مرحوم آیه‌الله صدرالدین صدر ره ۵- رساله فی الجماعه ۶- رساله قول فصل در ردسی فصل میرزا محمد کریم خان کرمانی فارسی. ۷- داور داوری یا کسر کسروی در رد کسروی ۸- حاشیه بر عروه‌الوثقی علامه یزدی.

معظم‌له دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ چون: ۱- آیت‌الله العظمی اصفهانی ۲- آیه‌الله الکبری آقا ضیاءالدین عراقی ۳- مرحوم آیه‌الله السید محمد نجف‌آبادی ۴- آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردوبادی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۰ -۱۳۱۲ ق)، محدث، ادیب و شاعر. در تبریز متولد شد. در حدود ۱۴ سالگی به همراه پدر به نجف رفت و ادبیات را از افاضل آن شهر فراگرفت و پس از آن در حوزه‌ی درس استدلالی پدر خود حاضر شد. پس از فوت پدر، در حوزه‌ی درس میرزا علی‌آقا شیرازی، شریعت اصفهانی، حاج شیخ محمدحسین اصفهانی حاضر شد و بیش از همه از محضر نابغه‌ی عصر، آقا شیخ جواد بلاغی بهره برد. وی از مشایخ بسیاری که شمار آنها به بیش از سی تن می‌رسد روایت کرده است. اردوباری به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و مضمون بیشتر اشعار عربی وی در منقبت اهل بیت و مقاصد و امور دینی بود. از آثار وی: «الانوار الساطعهٔ فی تسمیهٔ حجهٔاللّه القاطعهٔ»؛ «سبک النضار فی شرح حال المختار»؛ «منظومه‌ای در وقایع روز عاشورا»؛ منظومه‌ای در استقبال «الفیه‌ی» میرزا محمدتقی نیر تبریزی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۸ /۹)، الذریعه (۴۲۸ /۲)، ریحانه (۲۰۵ /۱)، الکنی و الالقاب (۲۱ -۲۰ /۲).

ارزانی، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله ارزانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۹/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حبیب الله ارزانی به سال ۱۳۵۰ در تهران دیده به جهان گشودم. خانواده ما، خانواده‌ای خداترس و پرهیزگار بودند و از آرزوهای دیرین آنها وجود یک روحانی در میان آنان بود، چرا که جدّ بزرگ ما مرحوم شیخ رضا (ره) از روحانیون پارسا در زمان حضرت آیت الله بروجردی در شهر بروجرد بودند.

با رسیدن به سن تحصیل، تحصیل در مدرسه ابتدایی معرفت در میدان شهدای تهران را آغاز کردم. پس از اتمام دوران ابتدایی، دوره راهنمایی را در مدرسه مرحوم علامه طباطبایی (ره) در خیابان ۱۷ شهریور تهران ادامه داده و سپس برای شروع دوره متوسطه به دبیرستان سپاه مستقر در لانه جاسوسی آمریکا در خیابان طالقانی رفته و سپس به دبیرستان موسوی خیابان ۱۷ شهریور تهران منتقل شده و دوره متوسطه را در آنجا به پایان رساندم.

از سال اول دبیرستان سال ۶۴ همزمان با دروس دبیرستان کتاب‌های عربی آسان و صرف و نحو حوزوی را نیز آغاز کردم. پس از پایان سال ۱۳۶۷ ـ ۱۳۶۸ با اخذ مدرک دیپلم تجربی و با وجود قبولی در دانشگاه، وارد حوزه علمیه مکتب القائم در خیابان زیبای تهران شده و دروس حوزوی را با عشق و علاقه سرشار به صورت تمام وقت آغاز کردم. کلاس‌های ما از آغازین ساعات روز آغاز می‌شد و تا آخرین ساعات شب، مباحثه و مطالعاتم ادامه داشت.

در سال ۷۱ به علت رحلت خانواده به شهر اصفهان و به جهت علاقه شخصی، به اصفهان سفر کردم و در درس آقایان آیات عظام: حاج احمد فقیه امامی، حاج حسن فقیه امامی، و سپس در درس خارج آیت الله مظاهری به طور مستمر شرکت داشتم. پس از اتمام دوران سطح و قبولی در امتحانات تا پایه دهم و پس از چند سال حضور در درس خارج برای اخذ مدرک سطح ۳ حوزوی اقدام کرده و پس از نوشتن پایان‌نامه به عنوان" بررسی شیوه‌های تبلیغی، مسلمانان و مسیحیان در جنوب آفریقا "در سال ۱۳۸۴ موفق به اخذ مدرک سطح ۳ از مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شدم. پس از ارایه ۸ مصاحبه فقه و اصول در درس خارج و ثبت نام برای سطح ۴، در پایان سال ۸۵ گزینش شده و طرح تفصیلی و اساتید راهنما و مشاور نیز مورد تایید قرار گرفتند.

در حال حاضر نوشتن پایان‌نامه در موضوع " نقد و بررسی نظریه کفاره در مسیحیت "پایان یافته و منتظر دفاع می باشم. در سال ۲۰۰۳ میلادی با ترجمه مدرک سطح ۳ حوزوی در ارایه آن به دانشگاه نامیبا، در جنوب آفریقا و همجوار کشور آفریقای جنوبی، پس از گذراندن برخی واحدهای پیش نیاز به عنوان دانشجوی دکترا در رشته الهیات تطبیقی پذیرفته شدم. سال گذشته پایان‌نامه را با موضوع «زن در ادیان، مطالعه تطبیقی میان جایگاه زن در نامه‌های پولس رسول و قرآن» به پایان رساندم و پس از بررسی اساتید داخلی آقای پروفسور اسحاق و آقای پروفسور هانتر اصلاحاتی را انجام داده و مورد تایید اساتید داخلی قرار گرفت. در حال حاضر طبق آیین نامه دانشگاه یک استاد خارجی نیز باید پایان‌نامه را مورد بررسی قرار دهد و پس از تصویب و تایید او، دکترای الهیات تطبیقی را از نامیبیا خواهم گرفت انشاء الله.

در میان سفرهای خارجی خویش که از سال ۹۸ میلادی حدود ۱۱ سال قبل آغاز کردم به مطالعات بین ادیانی علاقه پیدا کردم و به دنبال مکانی برای تحقیق و پژوهش در این حوزه بودم که پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی قم جهت تأسیس گروه ادیان در دفتر اصفهان مبادرت به گزینش هیات علمی نمود و من نیز به عنوان مدیر گروه ادیان و عضو هیات علمی از ابتدای سال ۸۶ مشغول به فعالیت شدم. در حال حاضر نیز در همین حوزه و به طور ویژه در حوزه مسیحیت اشتغال به فعالیت‌های پژوهشی دارم. مقالات و کتبی را نیز در این حوزه و در دیگر حوزه‌های مورد علاقه به رشته تحریر درآورده‌ام که فهرست آنها در قسمت مربوطه ضمیمه گردید.

در کنار فعالیت‌های پژوهشی به جهت علاقه به تدریس و تبلیغ از دیرباز تاکنون همواره در محافل حوزوی و دانشجویی اشتغال به تبلیغ و تدریس داشته و دارم. اگر چه غالباً به زبان فارسی سخنرانی می‌کنم ولی در ایران بر اساس نیاز مراکز علمی و در خارج از کشور غالباً به زبان انگلیسی سخنرانی می‌نمایم.

ارسباران پور حسینی، ناهید

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

تولد: ۱۲ مهر ۱۳۲۶.

درگذشت: ۳ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

ناهید ارسباران (پور حسینی) فرزند مولانا بود. وی سردبیر یکی از بخشهای خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ارسطا، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد ارسطا

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جواد ارسطا سال ۱۳۴۴در کرمانشاه به دنیا آمدم تا پایان دیپلم در کرمانشاه بودم. سال ۱۳۶۲دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. معمولاـ هم در سالهای راهنمایی و دبیرستان نفر اول و یا بعضاً نفر دوم کلاس بودم و الحمدلله معدل دیپلم من هم معدل خوبی بود.

سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات را در آنجا خواندم، قسمتی از مطول را هم در آنجا خواندم، دنباله مطول را در قم خواندم تا سال ۱۳۶۸ فقه و اصول و کفایه را تمام کردم و همزمان با اتمام کفایه در درس خارج آیهٔ الله مکارم شیرازی شرکت کردم. در دروس خارج سعی کردم از محضر اساتیدی همچون آیهٔ الله فاضل، آیهٔ الله وحید، آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله هاشمی شاهرودی و آیهٔ الله حائری (حفظهم الله) استفاده کنم ولی بیشترین استفاده را از درس آیهٔ الله مکارم شیرازی داشتم.

در سال ۱۳۶۵ همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه شدم در رشته حقوق مجتمع آموزش عالی قم در سال ۱۳۶۹ لیسانس گرفتم، بعد بلافاصله در رشته حقوق عمومی دانشگاه تهران برای فوق لیسانس قبول شدم و سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ فوق لیسانس شدم. چند سالی بین فوق لیسانس و دکترای ما فاصله افتاد. سال ۱۳۷۷ مقطع دکتری رشته حقوق خصوصی قبول شدم و سال ۱۳۸۳ از پایان نامه خود در همین مقطع دفاع کردم و الحمدلله در طی دروس دانشگاهی هم نفر اول یا دوم بودم.

در کنار فعالیتهای حوزوی و دانشگاهی سعی داشته ام که تدریس هم داشته باشم چه در حوزه و چه در دانشگاه، در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی درسهای فقه و اصول و بعضاً فلسفه را دارم و در دانشگاه هم از سال ۱۳۷۱ درسهای حقوقی و علوم سیاسی را مشغول هستم.

ارسنجانی، علی عسکر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، ادیب، عارف، خطاط، نقاش و شاعر. از اهالی قصبه‌ی ارسنجان شیراز و مردی درویش مسلک بود که به ملااحمد ارسنجانی دست ارادت داده بود. از علوم رسمی و کمالات بهره داشت و خط نسخ را خوب می‌نوشت و در نقاشی و چهره‌سازی نیز دست داشت. وی در زادگاه خود بدرود حیات گفت. از آثار او: دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهّب عالی نسخ و آخر رقاع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی عالی، حواشی شکسته خفی خوش، با رقم: «علی عسکر الارسنجانی الشیرازی ۱۲۹۲»؛ قرآن جلد روغنی، به خط نسخ و آخر رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «علی عسکر بن محمد شفیع الارسنجانی سنه ۱۲۵۳»؛ یک قطعه نسخ و رقاع کتابت عالی، با رقم: «وانا العبد الاقل علی عسکر الارسنجانی ۱۲۸۱».[۱]

علی عسکر ارسنجانی مشهور به میرزا آقا در هنر خطاطی و شعر از نوابغ بود. علی عسکر در شعر «الحان» تخلص می‌کرده است. قطعات بسیاری از مرحوم میرزا آقا به جای مانده است که از ذوق و ابتکار وی حکایت می‌کند.

علی عسکر در اوان جوانی چنان در هنر خط و نقاشی درخشید که شهرت جهانی یافت و از طرف دولت هندوستان به آن کشور دعوت شد. سپس از آن کشور بازگشت و در شیراز بدرود حیات گفت و در حرم مطهر امامزاده سید حاج غریب شیراز مدفون گردید.

دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهب عالی نسخ و آخر رقاع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی عالی، حواشی شکسته خفی خوش با رقم:

«کتبه فی شهر ربیع‌الاول سنهٔ اثنی و تسعین و مأتین بعد الالف من الهجرهٔ علی عسکر الارسنجانی الشیرازی» «۱۲۹۲» در مجموعه‌ی آقای سلطان القرائی.

– قرآن جلد روغنی رقم «یا امیرالمؤمنین» نسخ و آخر رقاع کتابت خی عالی با رفم: «حسب‌الخواهش... میرزا عابد مستوفی شیرازی له الاعز... میرزا محمدرضا من شهور سنهٔ ثلث و خمسین و مأتین بعد الاف من الهجرهٔ... سمت اختتام پذیرفت. و انا العبد الاثم الخاطی الجانی العاصی الفانی علی عسکر ابن محمد شفیع الارسنجانی سنهٔ ۱۲۵۳».

– یک قطعه نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم: «کتبه فی شهر ذی‌القعدهٔ‌الحرام سنهٔ احدی و ثمان و مأتین بعد الف من الهجرهٔ النبویهٔ المصطفویهٔ و انا العبد الاقل علی عسکر الارسنجانی ۱۲۸۱» در مجموعه‌ی بیانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۲۴۹ –۲۴۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۱ –۱۱۲۰ /۴)، حدیقهٔ الشعراء (۲۰ /۱)، ریحانه (۱۰۶ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۷۰۷)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۵۱ /۲).

ارشاد، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی ارشاد

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی ارشاد فرزند امین در سال ۱۳۴۴ در گرگان متولد شدم و در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه امام خمینی (ره) گرگان شروع نمودم.

تا سال ۱۳۷۰ در گرگان به تحصیل پرداختم. این دروس تا اواسط رسائل و مکاسب ادامه داشت و همزمان برای امتحان به قم و در امتحانات مرکز مدیریت شرکت می‌نمودم. در سال ۱۳۶۸ تمام امتحانات شرح لمعه را به پایان بردم و در مراحل بعدی امتحان می‌دادم.

در هنگامی که در گرگان بودم دروس ادبیات و منطق را مکرراً تدریس می‌نمودم و در اداره آن مدرسه همکاری می کردم. در مهرماه سال ۷۰ به قم منتقل شدم و ادامه رسائل و مکاسب و همچنین شروع کفایه را تا سال ۱۳۷۲ ادامه دادم. در مهر سال ۱۳۷۲ دروس خارج فقه و اصول را نزد مراجع عظام شروع کردم که عمدتاً از محضر حضرت آیت الله تبریزی، فاضل لنکرانی و وحید خراسانی بود و هم‌اکنون از محضر فقه آیت الله وحید استفاده می‌کنم.

در مهر سال ۱۳۷۲ دروس تخصصی کلام را آغاز نمودم و در خرداد سال ۱۳۷۶ به پایان برده‌ام که اکنون با اتمام نوشتن رساله آن در نوبت دفاع از آن هستم.

پس از اتمام دروس تخصصی در موسسه دایرهٔ المعارف فقه اسلامی به مدت چهار سال در بخش موسوعه و بخش فرهنگ فقه همکاری داشتم و همزمان در چند واحد دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس معارف اسلامی و همچنین دروس تخصصی فقهی مشغول می‌باشم که تاکنون ادامه دارد. از دیگر فعالیت فرهنگی اینجانب همکاری با موسسه میرداماد در شهرستان گرگان بوده که در قسمت پاسخ به سوالات از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و به صورت مکتوب چاپ شده است.

ارشادی نیا، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق ارشادی نیا

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد صادق ارشادی نیا در سال ۱۳۴۲هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید.

پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله مرتضوی و... بهره ها برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۷ به حلقه دروس خارج راه یافت.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه اسلامی در مقطع دکترا در سال۱۳۸۱ از دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان" نقد و بررسی نظریه تفکیک "دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه فردوسی، و... مشغول است.

لازم به ذکر است که نامبرده به مدت سه سال ریاست دانشگاه آزاد واحد سبزوار را به عهده داشته است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های" کتاب نقد و بررسی نظریه تفکیک "و" از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک "و... از جمله آثار ایشان است.

ارفع، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم ارفع ، فرزند سید ناصر الدین ارفع ، در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد . دوران تحصیلی دبیرستان را ناتمام رها کرد و به تشویق پدر و شوق خود ، روی به آموزش حوزوی آورد . او در حوزه ی علمیه ای در تهران (خیابان ری ، بازارچه ی نایب السلطنه) به درس و بحث طلبگی اشتغال یافت . پس از چهار سال طلبگی در آن مدرسه ی علوم اسلامی که برجسته ترین استادش حاج آقا مجتهدی بود ، در سال ۱۳۴۲ به حوزه ی علمیه ی قم مهاجرت کرد . استادان بزرگ او در این حوزه عبارت بودند از: آیت الله فاضل لنکرانی ، مرحوم آیت الله سلطانی ، آیت الله نوری همدانی و مرحوم دکتر مفتح .

پس از درگـذشت پـدر گرانمایه اش ، ناچار شـد برای سرپرستی خانواده ، از قم به تهران بازگردد و باز همچنان به آموختن علوم و معارف اسـلامی ، این بار نزد استادان : آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسـفه در مسجد لرزاده و آیت الله میرزا باقر آشتیانی در مدرسه ی مروی پرداخت . در عین حال ، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ، به وعظ و تبلیغ متعهدانه ی انقلابی روی آورد .
مـترجم گرامی صـاحب بیش از پنجـاه کتـاب اعم از تـالیف و ترجمه است و اغلب و بلکه همه ی آنهـا در زمینه ی علـوم و معـارف اسـلامی و نشـر و ترویج فرهنگ اهل بیت عصـمت و طهارت (علیهم السـلام) است . ایشان بر وفق سـنتی مرضیه به ترجمه ی قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه توفیق یافته است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

ارقامی، ناصررضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاـصه : دکتر ناصـررضا ارقـامی در سال ۱۳۲۸ خورشـیدی در نیشاپور بـدنیا آمد.وی دارای دکترای رشـته آمار از دانشگاه ایالتی فلوریدا (FSU) است.نامبردههم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجه استادی می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : استنباط

والدین و انساب : پدر ناصر رضا ارقامی کارمند اداره دارایی نیشابور و مادرشان خانه دار بود.ایشان فرزند چهارم خانواده (دو پسر و سه دختر)است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ناصر رضا ارقامی در یکم خرداد ماه ۱۳۲۸ در خانواده ای متوسط و نسبتا مرفه بدنیا آمد.
تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : تحصـیلات ابتدایی در دبستان کمال الملک نیشابور در سال ۱۳۴۰ تحصیلات متوسطه در دبیرستان خیـام نیشابور (رشـته ریاضـی) در سال ۱۳۴۶ کارشناسـی اقتصاد از دانشگاه لنـدن ،کالـج کوئین مری (QMC) درسـال ۱۳۵۰(با اسـتفاده از بورس بانک مرکزی ایران) کارشناسـی ارشـد آمار دانشگاه لندن ،مدرسه عالی اقتصاد و علوم سیاسـی(L SE)در سال ۱۳۵۱ (با اسـتفاده از بورس بانک مرکزی ایران) دکتری آمار از دانشگاه ایالتی فلوریـدا (FSU) در سال ۱۳۶۰(با استفاده از بورس دانشگاه فردوسی مشهد)
همسر و فرزندان : ناصر رضا ارقامی متاهل است .اونیز دو فرزند پسر و سه فرزند دختر دارد.
وقایع میانسالی : ناصـر رضا ارقامی پس از اخـذ مدرک دکتری در رشـته آمار به عضویت هیئت علمی گروه آماردر دانشـکده علوم پایه دردانشگاه فردوسی مشهد درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل ناصر رضا ارقامی : -عضوهیئت علمی و استاد گروه آمار در دانشکده علوم پایه در دانشگاه فردوسی مشهد - رئیس دانشکده علوم ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ - معاون اداری و مالی دانشکده علوم پایه دانشـگاه فردوسـی مشـهد از سال ۱۳۶۵ تـا ۱۳۶۷ -عضـو شـورای اجرایی انجمـن آمـار ایران از سـال ۱۳۷۱ تـا ۱۳۷۷ -معاون آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵ - عضو شورای اجرایی انجمن سیستمهای فازی ایران از سال ۱۳۸۱ تا کنون - رئیس انجمن آمار ایران از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ - عضو هیئت تحریریه مجله انجمن آمار ایران به زبان انگلیسی از ۱۳۸۰ تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله انجمن سیسـتمهای فازی ایران به زبان انگلیسی از ۱۳۸۱ تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله انجمن علوم ریاضی مشهد به زبان انگلیسی از ۱۳۷۸ تا کنون
فعالیتهـای آموزشـی : سوابق تـدریس ناصـر رضا ارقامی: در دانشگاه جورجیای آمریکا در سال تحصـیلی ۶۹-۱۳۶۸ و تـدریس در دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۱ تا کنون. عنوان دروس تدریس شده توسط دکتر ارقامی : آمـار -۲ استنباط آماری پیشرفته - ۲ شبیه سازی مباحثی پیشرفته درآمار بیز نظریه تصمیم جبرخطی - ۱ جبرخطی - ۱ برای آمار
مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : انجمن آمار ایران در سال ۱۳۷۱ انجمن سیستمهای فازی در سال ۱۳۸۱ مرکز مفاخر اسناد دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۲
سـایر فعالیتهـا و برنـامه هـای روزمره : ناصـر رضـا ارقـامی در کنـار تـدریس بـه مطـالعه تحقیـق در پیرامـون on the fisher information in record values ، جبر خطی و استنباط آماری مشغول است.
شاگردان : ناصر رضا ارقامی تاکنون ۵ دانشجوی دکتری آمار را تحت راهنمایی و مشاوره خود داشته است.
جوائز و نشانهـا : برنـده جـایزه بهـترین مقـاله ارائه شـده در بیست و دومین کنفرانس بین المللی ریاضـی کشور در سـال ۱۳۶۹ برنده جایزه بهترین استاد نمونه کشور در سال ۱۳۸۲ و دریافت لوح و جایزه از رئیس جمهور وقت استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۲
چگونگی عرضه آثـار : ناصـر رضا ارقامی دارای ۳۰ مقـاله پژوهشـی در آمار نظری دارد. که از این تعـداد ۱۰ مورد از مقالاـتش در مجلات معتبر خارجی (به عنوان مثال ISI) به چاپ رسیده است.

آثار :

۱ comparing the fisher informatiln in record values and iid observations

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی – ۱۹۷۰-۰۱-۰۱

۲ nonparametric confidence and tolerance intervals from record values data

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی – ۲۰۰۲-۱۲-۳۱

۳ on the fisher information in record values

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی –۲۰۰۰-۱۲-۳۱

۴ some univariate stochastic orders on record values

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی –۱۹۷۰-۰۱-۰۱

۵ جبر خطی برای آمار

ویژگی اثر : تالیف

۶ روشهای آماری چند متغیری پیوسته

ویژگی اثر : ترجمه

۷ روشهای نمونه گیری

ویژگی اثر : ترجمه

۸ نظریه اطلاع و کد گذاری

ویژگی اثر : ترجمه

ازهری هروی، ابومنصور محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۱ / ۳۷۰ -۲۸۲ ق)، ادیب، نحوی، لغوی، فقیه و محدث شافعی. در هرات به دنیا آمد. از شاگردان نفطویه و ابن‌السراج و ربیع بن سلیمان بود و با زجاج و ابن‌الانباری نیز ملاقات کرد و از محمد بن ابی‌جعفر منذری و به یک واسطه از ابوالعباس ثعلب روایت می‌کرد و از شاگردان وی بود. ابن‌درید را درک کرده اما از وی روایت ننموده است. وی در فنون علم حدیث نیز مهارت داشت. مدتی در عراق و جزیرةالعرب به جمع لغت مشغول بود. چندی هم به دست قرامطه بادیه‌نشین اسیر شد، و در آنجا بر اثر معاشرت با اعراب هوازن بسیاری از لغات و اصطلاحات حقیقی زبان عرب را فراگرفت. ابوعبید هروی مولف «غریبین» و ابویعقوب قراب و حسین بن محمد باشانی و دیگران از شاگردان ازهری هستند. ابومنصور در هرات درگذشت. از آثار وی: «تهذیب اللغة» در ده مجلد که ابن‌منظور صاحب کتاب « لسان العرب» در مقدمه‌ی کتاب خود آن را از مهمترین کتاب لغت شمرده است؛ «الادوات»؛ «تفسیر اصلاح المنطق»؛ «تفسیر الفاظ مختصر» مزنی؛ «تفسیر السبع الطوال»؛ «التقریب فی التفسیر»؛ «تفسیر شعر ابی‌تّمام»؛ «شرح غرائب الفاظ مستعمل فقها» یا «الزاهر فی غرائب الالفاظ»؛ «معرفة الصبح»؛ «کتاب علل القراءات»؛ «تفسیر القرآن»؛ «معانی شواهد غریب الحدیث»؛ «ردّ علی اللیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۲ /۶)، ایضاح المکنون (۶۰۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۴ /۱)، روضات الجنات (۳۲۲ -۳۲۰ /۷)، ریحانه (۱۱۳ -۱۱۲ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۸ /۱)، سیر النبلاء (۳۱۷ -۳۱۵ /۱۶)، کشف الظنون (۱۶۳۶، ۱۴۱۴، ۱۲۰۷، ۱۱۷، ۵۱۵، ۴۶۵، ۴۴۸، ۲۸۹، ۱۰۸، ۳۱)، الکنی و الالقاب (۲۵ -۲۴ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۳۷۰، ۲۸۲)، معجم الادباء (۱۶۷ -۱۶۴ /۱۷)، معجم المؤلفین (۲۳۱ -۲۳۰ /۸)، الوافی بالوفیات (۴۶ -۴۵ /۲)، وفیات الاعیان (۳۳۶ -۳۳۴ /۴)، هدیة العارفین (۴۹ /۱).

اژدری زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین اژدری زاده

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حدود سال ۶۱ و در حالیکه تازه به سوم راهنمایی رفته بودم وارد حوزه شوشتر شدم. مقدمات را در همان مدرسه آغاز کردم. پس از یکی دو سال به حوزه مسجد سلیمان که تازه تاسیس شده بود و اساتید خود را از قم می آوردند، منتقل شدم. حدود دو سال در آنجا بودم و تا مغنی را در همان جا خواندم.

تابستان سال ۶۳ به توصیه یکی از اساتید قمشه ای به همراه یکی از دوستان به قمشه (شهرضا) رفتم. حدود چهار ماهی در آنجا بودیم و معالم و معانی بیان و ... را در آنجا گذراندیم. همان سال به همراه تعدادی دیگر از طلبه های مسجد سلیمان به قم رفتیم.

لمعه و اصول را در قم و با شرکت در درسهای آیت الله استادی (لمعه) و حاج آقای خاتمی (اصول) و نیز اساتیدی مانند وجدانی فخر (ره)، محمدی، محامی، اشتهاردی، کوثری و... خواندیم.
پس از خواندن لمعه و اصول، درس های موسسه در راه حق را نیز در سال ۶۶- ۶۷ آغاز کردیم. در همان سالها بود که رسائل و مکاسب را آغاز کردم. این دو کتاب را نزد اساتید معظمی چون: استادی، پایانی، محمدی، اعتمادی، شهیدی و ... گذراندم.
گذراندن رسائل و مکاسب همزمان بود با گذراندن درس های موسسه در راه حق. این درس ها را حدود سال ۱۳۷۱تمام کردم. در اتمام دوره موسسه امام خمینی (ره) به عنوان شاگرد دوم دوره معرفی شده و جایزه ای به همین مناسبت از دست آیت الله جوادی در مراسمی که در موسسه برگزار شده بود دریافت کردم. در حالیکه در پذیرش دوره تخصصی (روانشناسی) موسسه قبول شده بودم در دوره تخصصی جامعه شناسی دفتر همکاری شرکت جسته و پذیرفته شدم.
(حدود سال ۷۱) دوره تخصصی جامعه شناسی دفتر همکاری را نیز با موفقیت و با معدل بالای ۱۷ (همچون دوره قبل) در حدود سال ۷۶ به اتمام رساندم. در این دوره نیز شاگرد دوم دوره شناخته شدم. از حدود سال ۷۴ کم کم کارهای پژوهشی را نیز در دفتر همکاری که تبدیل به موسسه و سپس پژوهشکده و همچنین پژوهشگاه شد، آغاز کردم و تا هم اکنون یعنی حدود ۱۰ سال است که همکار پژوهشی این مرکز هستم.
حاصل کارهای پژوهشی ام آثاری است که در صفحات آینده متذکر خواهم شد. از جمله دوره های خاص دیگر که در دفتر همکاری گذراندیم می توان به موارد زیر اشاره کرد: یک دوره فشرده تاریخ فلسفه غرب، کلاس ترجمه و زبان تخصصی توسط استاد ملکیان، کارگاه آموزشی روش تحقیق توسط استاد قراملکی.
از حدود سال ۷۰ نیز در درس های خارج فقه و اصول زیر شرکت جسته ام: آیت الله سبحانی (اصول) یک سال، آیت الله فاضل (فقه) یک سال، آیت الله تبریزی (فقه) چهار سال، آیت الله وحید (اصول) سه سال، آیت الله جوادی (فقه) یک سال، آیت الله سید جعفر کریمی (فقه) یک سال.

استاد زاده، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسن بن السید الاعلام... از علماء بزرگوار معاصر بابل است در آن شهرستان متولد شده و پس از تربیت در حجر سیادت و علم و فرا گرفتن مقدمات و سطوح بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و آیه‌الله خونساری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت ببابل و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

استادی مقدم، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا استادی مقدم

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ‌الله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال ۱۳۱۶ در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که همواره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی‌السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.
آیهٔ‌الله استادی در سن هفت سالگی به دبستان رفت و در دوازده سالگی تحصیلات دوره ابتدایی را به پایان رساند. پس از آن تا شانزده سالگی به کار و کسب مشغول بود. در شانزده سالگی به وساطت دو نفر از مؤمنان، به مسجد امین الدوله بازار تهران و مدرسه علمیه مروی رفت و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سپس به حوزه علمیه قم شرفیاب شد و در دروس دوره سطح شرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضر استادان برجسته روزگار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشرف شده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چند ماه به طول انجامید که در طی این چند ماه در درس خارج برخی از استادان آن دیار نیز حاضر شد.
آیهٔ‌الله استادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.

آیهٔالله رضا استادی در سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیاری را درک کرد. او در حدود چهار سال در تهران، از محضر آقایان حاج شیخ عبدالکریم حق شناس امام جماعت مسجد امین الدوله، حاج شیخ احمد مجتهدی امام جماعت مسجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازهای تهران و... استفاده کرد. در قم نیز در چند سالی که دروس دوره سطح را می‌خواند به درس آیهٔالله ستوده، آیهٔالله میرزا حسین نوری، آیهٔالله خزعلی، آیهٔالله محمدی شاه‌آبادی، آیهٔالله جعفر سبحانی، آیهٔالله منتظری، آیهٔالله مکارم شیرازی، آیهٔالله سلطانی بروجردی، آیهٔالله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.

در ضمن در درس اخلاق و توسل مرحوم آیهٔالله حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسین فاطمی شرکت کرد. با پایان یافتن دوره سطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمدرضا گلپایگانی، مرحوم سید کاظم شریعتمداری، مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و آیهٔالله حاج سید موسی شبیری زنجانی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیهٔاللهالعظمی خویی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) شرکت جست. او در سالهای تحصیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضلا و بیش از همه با آیهٔالله سید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشان از باب تیمّن و تبرک از مرحوم آیهٔالله سید مصطفی صفایی خوانساری و مرحوم آیهٔالله شیخ محمد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیهٔالله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.

آقای استادی تا به امروز فعالیتهای فرهنگی بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او در طول سالهای متمادی به تدریس کتابهای شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقاید و تفسیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورانده است.

از آغازین سالهای تحصیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشهای علمی، مانند کنگره شیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبدی، سید حسن مدرس، میرزاکوچک خان، سید شرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسلامی به ایراد سخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شیخ مفید، مقدس اردبیلی و آقاحسین خوانساری است که حدود ۵ سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.

آیهٔالله استادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سرپرست کتابخانه مسجداعظم بود و چند سال است که عضو شورای عالی حوزه علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرهٔالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیهٔالله خرازی، در هیأت مدیرهٔ مؤسسهٔ در راه حق می‌باشد. وی از سال ۱۳۵۰ تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.

آیهٔالله استادی تاکنون حدود ۱۵۰ مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلّات به صورت کتابهایی با نام‌های مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلک محقق حلّی، ۹ رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.

همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیهٔالله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.

آیت‌الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی(ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته و همواره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

استادی مقدم، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم استادی مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۵

استادی مقدم، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن استادی مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۵ بعد از گذراندن دوره دبستان و راهنمایی وارد دروس حوزوی (مدرسه رسالت) شدم. از سال ۵۵ تا ۷۵ جسته و گریخته درس خوانده و خارج را به پایان رسانده و در نظام حوزه تمامی پایه‌ها را امتحان داده و قبول شدم.

در ضمن سالیانی که در مناسب مختلف اجتماعی و نظامی اشتغال داشته موفق به ادامه دروس جدید شدم. پس از گرفتن دیپلم، در دانشگاه آزاد قبول و تا لیسانس الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق) تحصیل نمودم. در سال ۶۹ تا ۷۳ در مؤسسه در راه حق مشغول بوده که با تألیف و تحقیق آشنا شدم و کار نشر را شروع نمودم.

در سال ۷۴ تا ۷۸ در دانشگاه امام حسین (ع) مشغول تدریس و تحقیق بودم. در این دوره سردبیر مجله دانش نظامی و موفق به چاپ ۴ فصل شدم. در سال ۷۸ از مناسب اجتماعی و نظامی و دانشگاهی فارغ التحصیل شده و شروع به تحقیق نمودم که در این سالها موفق به تدوین و تنظیم و ویراستاری و چاپ و نشر حدود ۴۰ کتاب و جزوه برای وزارت کار شدم.

در این مدت پروژه‌ای از سازمان تبلیغات گرفته که عنوان پروژه آسیب‌شناسی فرهنگ امام حسین (ع) بود. دارای ۶ فصل: ۱- تاریخ عزاداری ۲- عزاداری (مبانی فقهی) ۳- فتاوی علماء ۴- واژه شناسی ۵- روایات ۶- عزاداری نمونه، که حدوداً هزار صفحه در ۴ عنوان اولیه و حدوداً صد صفحه در عنوان پنجم آماده نمودند که برای کارشناسان سازمان تبلیغات کاربری داشته و چاپ شده است.

در سالهای جدید هم تحقیقاتی داشته ام که هنوز فیش برداری آنها در دست اقدام است و در آینده آماده چاپ خواهد شد.

در ضمن کار نشر هم شاید بالغ بر صد کتاب که آماده چاپ نموده‌ام ویراستاری و در بسیاری اضافات و تدوین کتابها را انجام داده‌ام ولی به اسم خود مؤلفین چاپ شده است.

استادی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا استادی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم است. که در سال ۱۳۱۶ شمسی در تهران به دنیا آمده و در دامان والدشان حاج خداداد استادی که از مردان نیک و خیر تهران است پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در خدمت حاج شیخ عبدالکریم حقشناسی و حاج شیخ احمد مجتهدی و حاج شیخ هادی مقدس واعظ و مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و دیگران مقدمات و سطوح را خوانده و سپس عزیمت به قم نموده و سطوح وسطحی و نهائی را از اساتید بزرگ آیات حوزه چون حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج میرزا حسین نوری و حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و حاج میرزا محمدشاه آبادی و حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای منتظری و حاج آقای مکارم و آقای آذری و حاج سید محمدباقر سلطانی و جوادی آملی استفاده نموده سپس حدود ۱۲ سال از دروس خارج فقه و اصول آقایان مراجع و اساتید بزرگ چون حاج آقا حسن فرید محسنی اراکی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم تبریزی و حاج آقا موسی شبیری زنجانی استفاده کرده و در خلال این سالها عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات آنجا چون آیت‌اللّه خوئی و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر شهید استفاده نموده و در طول بیست سال غالبا شریک بحث آیت‌اللّه سید محسن خرازی بوده.

آقای استادی در خلال تحصیل اشتغال به تدریس سطوح فقه و اصول شرح لمعه و اصول مظفر و رسائل و مکاسب و کفایه و اصول عقاید داشته و دارند.

آثار و تألیفات استادی

آقای استادی در طول پانزده سال است که در کنار تدریس اشتغال به تألیف و تصنیف و ترجمه و تصحیح دارند و از خود آثار به جای گذارده که اغلب به طبع رسیده است و آنها از این قرار است:

۱- فهرست کتابهای خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم در دو مجلد که به چاپ رسیده است- چاپ قم.

۲- فهرست کتابهای خطی کتابخانه عمومی آیت‌اللّه گلپایگانی جلد دوم و سوم.

۳- فهرست کتب خطی مدرسه حجتیه.

۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع چهل ستون تهران.

۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیه شوشتریهای نجف اشرف ج ۱۲ -۱۱.

۶- فهرست صد و شصت نسخه خطی چاپ قم.

۷- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه حجت (ره).

۸- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه طبسی حایری.

۹- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حاج شیخ علی خونساری.

۱۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم.

۱۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه زنجانی.

۱۲- کتابنامه نهج‌البلاغه چاپ بنیاد نهج‌البلاغه.

۱۳- کتابنامه امام صادق علیه‌السلام چاپ موسسه راه حق قم.

۱۴- کتابنامه امام حسین علیه‌السلام.

۱۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سید مهدی روحانی.

۱۶- اصول دین برای همه چاپ دارالفکر.

۱۷- شوری در قرآن و حدیث.

۱۸- مدارک نهج‌البلاغه.

۱۹- تحقیق در یک مسئله فقهی.

۲۰- بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید.

۲۱- خاتمیت از دیدگاه عقل و قرآن و حدیث.

۲۲- شفاعت در قرآن و حدیث.

۲۳- چهل داستان چاپ کتابفروشی علامه.

۲۴- تحقیق درباره دعاء ندبه.

۲۵- توضیحی در پیرامون آیه خمس.

۲۶- امامت در چند درس.

۲۷- تحقیق در پیرامون فقه الرضا و چندین مقاله و جزوه‌های دیگر که به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

استپانیان، سروژ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم سروژ استپانیان در آذرماه ۱۳۰۸ در شهر باکو به دنیا آمد.وی از فرهیختگان معاصر ایران بود . او درزمینه ترجمه آثار روسی تبحر داشت . وی آثار بسیاری ارا ززبان روسی ترجمه کرده است . سروژ فارسی را خوب و روان می نوشت و به زبان فرانسه و انگلیسی هم تسلط داشت . کتاب"مجموعه آثار چخوف"ترجمه ،ایشان ، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

والدین و انساب : سروژ استپانیان در خانواده ای ارمنی و از مادری روس تبار به دنیا آمد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سروژ استپانیان ده ساله بود که با خانواده اش به ایران کوچ کرد و در شهر رشت مقیم شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سروژ استپانیان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را دررشت سپری کرد .

همسر و فرزندان : از سروژ استپانیان یک پسرو یک دختر به جامانده است که دخترش دبیرریاضی و پسرش دکتر دارو ساز می باشد

.

وقایع میانسالی : سروژ استپانیان دراین دوران به ترجمه روی آورد . وی همچنین بانشریه ها نیز همکاری می کرد .

زمان و علت فوت : سروژ استپانیان براثر ابتلاء به بیماری سرطان فوت کرد .

فعالیتهای آموزشی : سروژ استپانیان از سال ۱۳۴۱ فعالیتهای فرهنگی خود را با ترجم ?داستانهایی از نویسندگان روس یا روسی نویس در «کتاب هفته» آغاز کرد که اخیراً آنها را در مجموعه ای با عنوان «فیل در پرونده» برای انتشار آماده ساخت. کتابهای «زندگی درگور» اثر ستراتیس می ری ویلیس، «سراب» و رمان سه جلدی «گذر از رنجها» اثر الکسی تولستوی و «ماجراهای حیرت انگیز بارون مونهاورن» اثر بورگ آثار دیگری بودند که وی به ترجم ?آنها پرداخت. مرحوم استپانیان سپس به چخوف روی آورد و گزینه ای از داستانهای کوتاه او را در سه جلد و نمایشنامه هایش را در دو جلد ترجمه کرد. اخیراً جزیر ?ساخالین و چند داستان کوتاه دیگر از همین نویسنده نیز بر آنها افزوده شده، چنانکه چاپ بعدی آثار چخوف مشتمل بر هفت جلد خواهد بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سروژ استپانیان درنظر داشت که آثار نثر پوشکین ،نویسنده روسی ،را به فارسی ترجمه کند و آن را برای مراسم دویستمین سالگرد تولد پوشکین حاضر کند که اجل مهلت نداد .

جوائز و نشانها : درپانزدهمین دوره معرفی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران(از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) درده فجر ۱۳۷۶ درحوزه ادبیات ،یکی از آثاری که به عنوان اثر ممتاز معرفی شد، مجموعه آثار چخوف ،ترجمه سروژاستپانیان بود. ------

----

آثار :

۱ ترجمه بچه های آربات

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ریباکف است

۲ ترجمه جزیره ساخاری

۳ ترجمه داستانهای چخوف

۴ ترجمه زندگی درگور

ویژگی اثر : اثر ستراتیس می ری ویلیس

۵ ترجمه سراب

ویژگی اثر : این اثر تالیف تولستوی است

۶ ترجمه فیل درپرونده

۷ ترجمه کتاب شطرنج

۸ ترجمه گذر از رنجها

ویژگی اثر : این کتاب سه جلد بوده و تالیف الکسی تولستوی می باشد که به جریان انقلاب اکتبر و جنگهای داخلی شورروی سابق می پردازد .

۹ ترجمه ماجرای حیرت انگیز بارون مونها وزن

ویژگی اثر : این کتاب اثر بورگ می باشد که یک اثر کاملا طنز آمیز است .

۱۰ ترجمه مجموعه آثار چخوف

ویژگی اثر : این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«مجموعه آثار چخوف»: مجموعه آثار چخوف (جلدهای ۴ و ۵)؛ آنتوان چخوف؛ ترجم؟ سروژاستپانیان؛ تهران: توس، ۱۳۷۵. دوران فعالیت ادبی چخوف سالهای آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. معاصران او، این دوران را «قرن درام نویسی» و درام نویسی او را «درام نوین» می نامند. درام نوین در حدود سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰ در اروپا نضج گرفت و به سرعت از فرانسه تا روسیه و از نروژ تا ایتالیا گسترش یافت. تولد تئاتر چخوف، در شرایط تاریخی زمان او امری اجتناب ناپذیر می نمود. با اینکه خلاقیت هنری او بیشتر با درام نویسی آغاز می شود و با آن خاتمه می یابد، نثر او مشحون از موضوعات بکر نمایشی است. چخوف به تئاتر زمان خود با نگرش انتقادی می نگریست و از عنفوان جوانی، در مقاله های طنزآمیز و در نامه های خود، آن را شدیداً مورد انتقاد قرار می داد. او بارها سعی کرده بود با تئاتر وداع کند اما باز به آغوش آن بازگشته بود و این حقیقتی بود که نوسینده خود آن را تجربه کرده و به زبان آورده است. به طور کلی باید گفت که چخوف به قرن طلایی ادبیات روس تعلق دارد. نمایشنامه های او بیانگر اوضاع اجتماعی قرن نوزدهم و از بسیاری جهات با واقعیتهای جامعه قابل قیاس است. از ویژگیهای کتاب این است که مترجم به زبان روسی تسلط کامل دارد و برای ترجمه، زبان راحت و مناسبی اختیار کرده است

۱۱ ترجمه مجموعه آثار ناس (لانس) لاوکیج

۱۲ کتاب هفته

ویژگی اثر : ترجمه از زبان روسی

استخر، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشروطه‌خواه، روزنامه‌نگار، قاضی، نماینده‌ی مجلس. در ۱۲۶۶ در یکی از دهات آباده متولد شد. پدرش شیخ اسداللّه واعظ از روحانیون منطقه و منبری بود. تا شانزده سالگی در زادگاه خود به تحصیل اشتغال داشت. سپس به شیراز رفت و تحصیلات خود را در ادبیات فارسی و ادبیات عرب و معارف اسلامی ادامه داد و صاحب فضل و دانش نسبی گردید. در مشروطیت فعالیت داشت و وارد حزب دموکرات فارس شد. در این حزب فعالیتی شایسته از خود بروز داد و مورد توجه آزادیخواهان فارس قرار گرفت. برای استفاده از اطلاعات و معلوماتش به شغل معلمی دعوت شد و به مدیریت مدارس جدید ارتقاء یافت. در ۱۲۹۷ امتیاز روزنامه‌ی استخر را گرفت و به انتشار آن در فارس همت گمارد و طرفدارانی پیدا کرد. در ۱۳۰۶ از وزارت معارف به عدلیه انتقال پیدا نمود و شغل قضائی به او ارجاع شد. سال‌ها در سمت بازپرس و دادستان و رئیس دادگاه در شهرهای مختلف خدمت می‌کرد. در سال ۱۳۲۰ از خدمت قضا کناره‌گیری کرد و مجدداً به وزارت معارف رفت. به امور مطبوعاتی و علمی پرداخت و نشریه‌ی استخر را با وضع مناسب‌تری انتشار داد. در سیاست کلی فارس صاحب نظر گردید. در دوره‌ی هیجدهم از شیراز وکیل شد. در دوره‌ی نوزدهم نیز وکیل بود، ولی به علت کبر سن به ادوار بعدی مجلس راه نیافت. مردی ادیب و دانشمند و در مسائل مختلف صاحب نظر بود. روزنامه‌اش قریب چهل سال در شیراز انتشار یافت. غالب مردم فارس به نیکی از او یاد می‌کنند. در ۱۳۴۸ درگذشت. آثار و تحقیقات تاریخی و ادبی از وی به یادگار مانده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط داشت و به آن زبان شعر می‌سرود.

(۱۳۸۷ –۱۳۰۶ ق)، نویسنده، دانشمند و روزنامه‌نگار. در بوانات فارس متولد شد. تحصیلات اولیه را نزد پدر و در زادگاه خود فراگرفت. به شیراز رفت و در آغاز علوم متداول زمان مانند ادبیات عرب و فارسی را آموخت و به آموزگاری پرداخت. با مطالعه و پشتکار بسیار در امور اجتماعی و تاریخ و فلسفه تبحر یافت و در آغاز مشروطیت وارد امور سیاسی شد و روزنامه‌ی سیاسی و

اجتماعی و ادبی «استخر» را از سال ۱۳۳۶ ش به مدت چهل سال منتشر ساخت و در ضمن آن به کارهای دولتی نیز مشغول بود. وی در دوره‌ی هجدهم و نوزدهم از طرف اهالی فارس به نمایندگی مجلس شورا انتخاب شد. آثار وی: ترجمه‌ی «پیشوایان فکر»، طه حسین؛ «فرهنگ اسلام»؛ «چهل مقاله تاریخ تصوف»؛ ترجمه‌ی «مظاهر محمدی»، توفیق الحکیم؛ «مهمانیها و پذیرائیهای شاهانه»؛ ترجمه‌ی «مجموعه‌ی یادداشتهای رضاشاه»، علی بصری؛ «چند صفحه از تاریخ بزرگترین تحولات علمی»؛ «روابط ایران و عرب قبل از اسلام و بعد از اسلام»، ترجمه‌ی «الصلاهٔ بین العرب و الفرس».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۵۷ -۱۵۵ / ۱)، دانشمندان فارس (۲۶۱ -۲۵۷ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۶ -۱۴۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۸ -۶۹۷ / ۲).

استرآبادی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال‌الدین استرآبادی بن آیت‌اللَّه حاج آقا ضیاءالدین از فضلاء دانشمندان معاصر شمیران تهران است.

وی در حدود ۱۳۵۰ قمری در تهران متولد شده و دروس جدید و مقدمات را در تهران خوانده آنگاه به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و پس از آن مهاجرت به نجف و در مدرسه آیت‌اللَّه بروجردی نجف اقامت و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از دروس و ابحاث آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد بواسطه کسالت مزاج به تهران مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف مشغول و اکنون در تجریش شمیران به انجام وظائف دینی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست حسینیه استرآبادی که در اوائل خیابان پهلوی تجریش قرار دارد و در آن برنامه‌های دینی اجراء می‌گردد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، فقیه و اصولی. پس از طی مقدمات و سطوح نزد پدرش و آقا سید محمد وحید در تهران، به قم رفت و در حوزه‌ی درس حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه حائری‌یزدی حاضر شد تا مقام اجتهاد یافت و به دریافت اجازه از آیات عظام حائری و اصفهانی و خوانساری و حکیم نایل شد. پس از درگذشت آیت‌اللَّه حائری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردید و پس از فوت پدرش به تهران آمد و به جای او به ترویج دین پرداخت و مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و به سرپرستی طلاب اشتغال یافت. از آثار وی: «تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی» استادانش؛ «رسالهٔ العقائد الامامیهٔ»؛ «رساله‌ای در خمس»؛ «رساله‌ای در زکوهٔ»؛ «رساله‌ای در تجرّد بقاء روح»؛ «حواشی بر عروه الوثقی».[۱]

سید ضیاءالدین فرزند مرحوم مغفور حاج سید محمد استرآبادی عالمی جامع و دانشمندی کامل و فقیهی ورع محلی بلباس تقوا و قدس میباشد. معظم له از احفاد امام زاده عظیم‌الشان سید عمادالدین حسینی علوی که به چند واسطه بحضرت سیدالساجدین و زین العابدین علی ابن الحسین علیهماالسلام از فرزندش جناب عبداللَّه الاصغر منتهی میشود. جناب سید عمادالدین در یکی از مضافات هزار جریب مدفون و زیارتگاه مردم آن سامان میباشد.

مترجم عزیز ما در حدود سال ۱۳۲۳ ق متولد و پس از طی مقدمات و سطوح نزد مرحوم والد و آقا سید محمد وحید در تهران به قم مشرف و بحوزه تدریس مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و بعد آیه‌اللَّه حاج سید محمد تقی خونساری و مرحوم آیت‌اللَّه موسس حاج شیخ عبدالکریم حایری- ره- حاضر تا بمقام منیع اجتهاد و اصل و مجاز از آیات عظام حایری و اصفهانی و خونساری و حکیم و دیگران گردیده و در آن اجازات که بنظر حقیر رسیده تصریح باجتهاد آن جناب نموده‌اند. پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حایری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردیده تا سال ۱۳۶۵ ق بعد از فوت مرحوم والدش به تهران آمده و بجای مرحوم پدر در مسجد جمعه باقامت جماعت و ترویج دین و تفسیر آیات مبین و نیز مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و در آنجا بتدریس و سرپرستی چهل نفر از طلاب و محصلین اشتغال دارد.

آثار علمی آن جناب از این قرار است:

۱- تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی اساتید قم. ۲- رساله العقائد الامامیه. ۳- رساله‌ای در خمس. ۴- رساله‌ای در زکوه. ۵- رساله‌ای در صلوه اللیل. ۶- رساله‌ای در تجرد بقاء روح. ۷- سؤال و جواب عروه الحج در مناسک حج مطبوع. ۸- حواشی توضیح المسائل مرحوم بروجردی. ۹- حواشی بر عروه الوثقی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۴ -۳۷۳ /۴).

استرآبادی، فاضل

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن الحسن رضی‌الدین الاسترآبادی عالمی محقق صاحب شرح کافیه و شرح شافیه و شرح قصاید سبع ابن ابی‌الحدید می‌باشد.

علماء عامه و خاصه این بزرگوار ستوده و کتاب شرح کافیه او را تعریف نموده‌اند قاضی شهید شوشتری در مجالس المؤمنین فرموده که شرح کافیه او بهترین کتابست در نحو و متاخرین او همگی خود را عیال آن می‌دانند و آن را دست بدست می گردانند و آن را بر وجهی که در خطبه آن ذکر نموده در آستانه مقدسه علوی و مشهد مقدس مرتضوی نوشته و گفته که اگر مقبول طبع اهل روزگار خواهد بود از برکات وقوع آن در این جوار است و الا از قصور طبع این خاکسار وفات آن بزرگوار در سال ۶۸۶ قمری واقع شده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، محمدمهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۸۰ -۱۱۰۰ ق)، منشی و مورخ. ملقب به میرزا مهدی‌خان. در اصفهان تحصیل کرد. و منشی دربار صفوی شد سمت فرمان صدر و لقب کوکب، عنوان باغبان باشی یا ناظر قصور یافت. پس از پیروزی نادر بر افاغنه در اصفهان، مهدی نامه‌ای، به عنوان تبریک مردم مازندران به نادر فرستاد و از سال ۱۱۴۲ ق به مدت هجده سال مشاور خاص او شد و از او لقب منشی‌الممالک یافت و بعد از تاج‌گذاری نادر در سال ۱۱۴۸ ق لقب میرزا مهدی‌خان را گرفت و تنها سمت ضبط وقایع داشت. در جنگها و سفرهای نادر از داغستان تا دهلی و از هرات تا بغداد و نجف همراه وی و یکی از سه شخصیت اصلی دربار بود. در اوایل سال ۱۱۵۸ ق که عثمانیان در جنگ ایروان از نادر شکست خوردند و درخواست مصالحه نمودند، مذاکراتی صورت گرفت میزامهدی به عنوان سفیر نادر به دربار عثمان رفت و در راه بازگشت در بغداد بود که نادر درگذشت. به مشهد آمد و از کارهای دیوانی کناره گرفت و دور از مردم در مدرسه‌ای که بعضی از نسخه‌های نوشته‌ی وی هم اکنون در آنجا یافت می‌شود و وقف فرزندان وی است، به تکمیل تألیفاتش در تاریخ حوادث حکومت نادر پرداخت. سبک نگارش وی شیوه‌ی مترسلان قرن هفتم و هشتم قمری چون وصاف الحضره است. آثار وی: «جهانگشای نادری»؛ «درّه‌ی نادره»، با نثر مسجع؛ «سنگلاخ»، در ترجمه‌ی لغات ترکی جغتایی، این کتاب سه جلد است جلد اول در مبانی لغت ترکی جلد دوم سنگلاخ است که قسمت اعظم کتاب است و جلد سوم در شرح و تفسیر لغات مشکل فارسی و عربی؛ «مبانی اللغه»، مقدمه‌ی «سنگلاخ»؛ «انشاء الدرر»، که همان «منشآت» است که با انشای دشواری نوشته شده و گواهی روشن بر بلاغت اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۱۰ -۱۰۸۵ /۵)، شرح حال رجال (۱۷۲ -۱۷۱ /۴)، صبح گلشن (۴۷۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۶ -۶۵۳ /۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ مهدی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸ -۴۴۷ /۶).

استعلامی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد استعلامی در سال ۱۳۱۵ ، در اراک متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نائل آمد. اما او به این حد کفایت ننمود و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا (سال ۱۳۴۵) ، در دانشگاه تهران ادامه داد. او در سال ۱۳۴۳ در گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به عنوان مدرس استخدام شد و در سال ۱۳۵۶ بازنشسته گردید. دکتر استعلامی در تابستان ۱۳۶۱ برای تکمیل مطالعات و تحقیقات خود به سفرهای طولانی درهند، آمریکا و کانادا پرداخت و هم اکنون به تدریس در مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه «مک گیل» مشغول است. کتاب هشت جلدی « تصحیح ، توضیح ، مقدمه و فهرست های مثنوی مولانا جلال الدین در سال ۱۳۶۴ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد استعلامی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نائل آمد. اما او به این حد کفایت ننمود و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا (سال ۱۳۴۵) ، در دانشگاه تهران ادامه داد. از آن پس دوره های مطالعاتی گوناگونی را در دانشگاههای هند ، کانادا و آمریکا گذراند.

استادان و مربیان : مرحوم دکتر محمد معین و مرحوم دکتر بدیع الزمان فروزانفر

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد استعلامی به مدت هفت سال عضو هیئت مولفین دهخدا بوده ، و بعد از آن به سمت معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه الزهرا انتخاب شد.

فعالیتهای آموزشی : محمد استعلامی به مدت چندسال در دبیرستان های تهران به کار معلمی پرداخت. او در سال ۱۳۴۳ در گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به عنوان مدرس استخدام شد و در سال ۱۳۵۶ بازنشسته گردید. وی در تابستان ۱۳۶۱ برای تکمیل مطالعات و تحقیقات خود به سفرهای طولانی در هند ، آمریکا و کانادا پرداخت و تا سال ۱۳۷۴ به تدریس در مرکز مطالعات اسلامی و دانشگاه مک گیل مشغول بوده است.

شاگردان : فارغ التحصیلان رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و دانشسرای عالی تهران در بین سالهای ۱۳۵۶ – ۱۳۴۳ شاگردان محمد استعلامی به شمار می روند.

آرا و گرایشهای خاص : محمد استعلامی به دلیل سابقهٔ شاگردی در محضر استاد معین و نیز فعالیت در لغت نامه دهخدا ، به لغت شناسی و تمثیل و کلمات قصار در ادبیات فارسی توجهی خاص دارد که در تصحیحات وی آشکار است.

جوائز و نشانها : کتاب هشت جلدی « تصحیح ، توضیح ، مقدمه و فهرست های مثنوی مولانا جلال الدین در سال ۱۳۶۴ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : آثار محمد استعلامی توسط نشر دانشگاه تهران ، انتشارات لغت نامه دهخدا و مجلات معتبر منتشر شده است. ایشان پس از مدرک دکتری (از آن زمان به بعد)در دوره های مطالعاتی گوناگون در دانشگاههای هند، کانادا و آمریکا و اجرای پروژه های مختلف تحقیقی شرکت نمود که نتیج ?آنها غالباً به صورت کتب و مقالات متعدد به چاپ رسیده است. ------
----

آثار :

۱ بررسی شاهکارهای زبان فارسی

۲ تصحیح و توضیح و مقدمه و فهرستهای مثنوی مولانا جلال الدین

ویژگی اثر : این کتاب الدین در هشت مجلد که سه جلد از آنها به چاپ رسیده است و باقی مجلدات در آینده به چاپ خواهد رسید.دفتر سوم مثنوی ،در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«مثنوی» (دفتر سوم): این کتاب در هشت جلد به چاپ خواهد رسید که چاپ سه جلد از آنها به اتمام رسیده است. تصحیح این اثر بر اساس نسخه معتبری است که از سال ۶۶۸ (چهار سال پیش از فوت مولانا) باقی مانده و نیز نسخه های معتبری که اندکی پس از درگذشت مولانا تحریر شده و از جمله نسخه بسیار دقیق مورّخ ۶۷۷ محفوظ در مقبره مولانا و نسخ ?دقیق بی تاریخ موجود در مقبره مورخ ۷۱۵ محفوظ در کتابخانه ملی تهران، صورت گرفته و با نسخ ?چاپی معروف نیکلسن و نسخه علاءالدوله مطابقت داده شده است. احادیث نبوی، مثل ها، مواردی که بیان مولانا پیچیده است و نیاز به توضیح دارد، رابط ?مطالب با کتب صوفیان ?پیش از مولانا و ... با اشاره به شمار ?ابیات توضیح داده شده است . نسخه های مورد استفاده و همه منابع کار و کیفیت مقابله و تصحیح و معرفی مولانا و اندیشه ها و آثار دیگر او، موضاعاتی است که در مقدمه جامع این اثر مورد گفتگو خواهد بود و این قسمت هنوز به تدوین نهایی نرسیده است. به غیر از متن و تعلیقات ۶ دفتر مثنوی و مقدمه جامع آن، هشتمین جلد به فهرست های گوناگون و کشف ابیات اختصاص خواهد داشت که این فهرستها حاوی راهنمای یافتن قصه ها، موضوعات، اصطلاحات، آیات قرآن، احادیث نبوی، امثال، کلمات مشایخ صوفیه و عبارات و اشعار تضمین شده در مثنوی به ترتیب حروف الفبا خواهد بود. .

۳ سه جلد از مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی

ویژگی اثر : (برای تدریس در دانشگاهها)

۴ گزیده تذکرهٔ الاولیا

۵ متن کامل تذکرهٔ الاولیا با تعلیقات و فهرستها

۶ مطالب و مقالات تمام حرف «ف» و قسمتهایی از حروف «هـ»، «کاف» در لغت نامه دهخدا.

اسداللهی، الله شکر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الله شکر اسدالهی در سال ۱۳۳۹ در شهر اردبیل بدنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۷۵مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : الله شکر اسدالهی ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان بزمی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۸از دبیرستان صفوی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان فرانسه را از دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه را در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۵مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننامه: الف – کارشناسی ارشد: Cellule familiale dans les ceuvres principales de Balzac ب– دکتری: Absence et

ses mecanismes langagiers chez N. Sarraute وقایع میانسالی : الله شکر اسدالهی از سال ۱۳۷۶ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی الله شکر اسدالهی به قرار زیر است: – معاون دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی – رئیس دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی – عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز – عضو کمیته برنامه ریزی رشته های علوم انسانی دانشگاه تبریز – نماینده دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی در کمیته تخصصی علوم انسانی دانشگاه تبریز چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی الله شکر اسدالهی به قرار زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده : ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۳ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۸ مورد

اسدی اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌عبدالرحیم، ادیب لغوی نحوی، در سال ۲۹۶ در بغداد وفات یافته، و او امام و پیشوای قراء زمان خود، و استاد در قراءت ورش بوده، و مردم عراق قرائت ورش را از او اخذ نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اسدی لاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۵، لار.

درگذشت: ۲۸ فروردین ۱۳۶۸، تهران، هنگام ورود به کلاس درس دانشگاه.

حسن اسدی لاری از مؤسسان انجمن اسلامی معلمان و نیز زمانی معاون وزیر آموزش و پرورش بود. وی دارای درجه‌ی دکترای ادبیات عرب از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اسدی نسب، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اسدی نسب

محل تولد : بروجرد

شهرت : اسدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تا کلاس اول علوم تجربی (دبیرستان) را به صورت شبانه خواندم. در سال ۵۶ وارد حوزه علمیه بروجرد شدم و در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم گردیدم، تا سال ۶۷ دروس سطح را به اتمام رساندم و وارد دروس خارج شدم.

از سال ۷۰ تا ۷۳ (به مدت چهار سال) در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شرکت نمودم و از اساتیدی چون آیهٔ الله معرفت، مکارم، خزعلی، شب زنده دار و دیگران بهره مند شدم و رساله سطح چهار را با موضوع قرآن و سکولاریسم با راهنمایی آیهٔ الله غروی و مشاوره حجهٔ الاسلام غرویان انجام دادم و دفاع کردم.

از آن زمان تاکنون مشغول تدریس و تحقیق می باشم که به آنها اشاره می کنم:

الف: فلسفه، تدریس بدایه و نهایه ب: ادبیات عرب، تدریس سیوطی و جامع المقدمات ج: تفسیر، تدریس المیزان مجمع البیان و علوم قرآن در حوزه و دانشگاه علامه طباطبائی د: اصول، رسائل و کفایه ه: فقه، مکاسب و لمعه.

در زمینه تحقیقاتی:

الف: نوشتن کتبی در زمینه علوم قرآن مثل جامع البیان فی الاحادیث المشترکه حول القرآن حدود ۶۵۰ صفحه ب: مناهج التفسیر از دیدگاه شیعه و سنی به میزان ۵۵۰ صفحه ج: قرآن و سکولاریسم برای دانشجویان د: اشتغال به تفسیری روان برای جوان در یک جلد که هم اکنون مشغول آن هستم. ه: نوشتن مقالات مختلف در زمینه علوم قرآن که به برخی از آنها اشاره شد. و: ترجمه برخی از آثار و مقالات از جمله ترجمه جلد اول تفسیر " المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید " به میزان ۶۰۰صفحه و هم اکنون نیز با سمت عضو هیات علمی گروه قرآن پژوهی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی 'مشغول نوشتن تفسیر کامل فارسی روان و تک جلدی می باشم که امید است در سال ۱۳۹۰ به اتمام برسد. این تفسیر طوری طراحی شده است که بتواند حدود هفتصد هزار کلمه

در خود جای دهد.

اسدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسدی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسدی در سال ۱۳۴۸در یکی از روستاهای اطراف زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی راهنمایی و دبیرستان را در زنجان گذراندم. سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شده و سطح یک حوزه را در زنجان و تهران به پایان رساندم. در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم.

همراه با درسهای حوزه تا مقطع خارج فقه و اصول در مقطع کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان" مواجهه آیات و روایات با جنبه های منفی فرهنگ پذیری "دفاع کردم. پایان نامه یاد شده در سال ۱۳۸۲ از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور به عنوان پژوهش برتر دینی سال انتخاب و در پنجمین همایش تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه شد و هم اکنون در دست پاره ای اصلاحات است تا از سوی موسسه امام خمینی (ره) منتشر شود.

از سال ۱۳۷۹ در زمینه تالیف و ارزیابی با دایرهٔ المعارف قرآن کریم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) همکاری دارم، بیش از ۲۰ مقاله برای دایرهٔ المعارف مزبور نوشته ام. از سال ۱۳۸۲ تاکنون مدیر گروه ادیان دایرهٔ المعارف هستم، همچنین عضو هیات علمی و عضو شورای علمی گروه دایرهٔ المعارف ها در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی می باشم .

اسدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسدی نام پدر عزیز متولد سال ۱۳۲۳ از سال ۳۹ و ۴۰ وارد حوزه علمیه قزوین شده و مقدمات را در قزوین خدمت اساتیدی همچون حجهٔالاسلام والمسلمین مرحوم رفیعی قزوینی و آقای صامت تلمذ نموده و در سال ۴۵ و ۴۶ به حوزه علمیه نجف مشرف شدم و در محضر اساتیدی همچون حجهٔالاسلام والمسلمین شیخ هادی معرفت حفظه الله و آقا میرزا جواد تبریزی و همچنین شیخ صدرا باد کوبه رحمهٔ الله علیه و به مدت یکی دو سال در درس آیت الله خوئی رحمهٔ الله علیه شرکت نموده و در سال ۵۳ به ایران آمده و درحوزه علمیه قم، درس خارج آقای تبریزی و وحید حفظهما الله شرکت نمودم.

در اوائل جنگ تحمیلی از طرف نمایندگی ولی فقیه در جنوب و غرب در سپاه در جبهات جنگ انجام وظیفه نمودم و از سال ۶۷ تاکنون در دفتر تبلیغات اسلامی در واحد احیاء تراث اسلامی با آقایانی همچون فاضل محترم شیخ محمد باقری اصفهانی نجفی و فاضل محترم رضا مختاری همکاری می نمایم.

اسدی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن اسدی ملامحله

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ درس مقدمات حوزوی را از تهران مدرسه امام القائم (علم الهدی) شروع و بعد از اتمام شرح لمعه و اصول مظفر در سال ۱۳۶۸ به قم آمده و از محضر آقایان شب زنده دار، شیخ علی پناه، ستوده، محفوظی، استادی، امین شیرازی استفاده کرده ام و دروس خارج فقه و اصول را از آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی بهره مند هستم.

از سال ۱۳۷۰در موسسه (در راه حق) اشتغالات فرهنگی را کنار درس داشته ام و روش تحقیق و تفحص را از آقایان آیت الله نورانی، امین زاده، ادیانی، توفیقی، مسعودی، عبداللهی کمک گرفته و مشغول به کارهای تحقیقاتی در کتابخانه (موسسه در راه حق) که مسئولیتش بر عهده حقیر است، پیش برده ام و الحمد الله چند جلد چاپ و بقیه را در توان حقیر نبوده و آماده چاپ هستند که بعدا نام می برم.

دروس کلاسیک را تا پنجم ابتدایی در روستای محل تولد (ملا محله) از توابع دیلمان لاهیجان و دروس راهنمایی را در شهرستان رودسر و دروس دبیرستان را در قزوین فرا گرفتم و بعد از ترک تحصیل دروس کلاسیک به دروس حوزوی روی آوردم آن هم همانگونه که قبلا گفتم از تهران شروع کردم و الان هم قریب ۲۰ سال را سپری نموده ام.

اسدی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم اسدی

محل تولد : بصره

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

نشات احب الشعر و الرسم و الخط و قراءت القرآن الکریم و الکتب الدینیه خاصه التی فیها ذکر مولانا الحجه بن الحسن المهدی (علیه الصلاه و السلام) و حفظت المزید من القصائد الشعریه و الفت العرید من القصائد الشعریه و کذلک فی مجال الرسم، و کان لی شغف بتعلم علوم اهل البیت (ع) منذ الصغر و حاولت منذ البدایه و تمنیت ذلک کثیرا ان اکون طالبا طیله حیاتی و قد رزقنی الله ذلک بعد عناء کبیر. و کنت اعشق المنبر و قراءت العزاء الحسینی و قد رزقنی الله عز وجل ذلک بعد جهد جهید.- درست الابتدائیه و المتوسطه والثانویه فی محافظه البصره بتفوق وکنت اعظی من الامتحانات النهائیه بسبب التفوق. - درست معهد الکترونیک و تخرجت من الاوائل. - تم ایفاوی الی ایطالیا — روما و فلورنسا و اکملت فیها دراسه الالکترونیک و تخرجت بتفوق و بدرجه ممتاز. - درست اللغه الایطالیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الایطالیه لمده سنتین فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده سنتین فی البصره. - بدات بدراسه الحوزه المبارکه فی سنه ۱۹۸۵ م فی عهد السید الخوئی (رض) و لکن بصوره سریه. - ارتبطت بالسید ابوالقاسم الخوئی و کنت احمل الخمس الیه من البصره و الاحکام الشرعیه و غیرها. - درست فی معهد الامامین الحسنین (ع) للخطابه لمده (۴ سنوات). - درست فی حوزه دائره العلوم الاسلامیه المقدمات و السطوح. - درست فی جامعه آل البیت العالمیه لاکمال الماجستیر(کارشناسی ارشد) لمده ثلاث سنوات. - درست البحث الخارج فقها و اصولا فی مدرسه الحجتیه. - درست البحث الخارج فقها و اصولا فی منتدی جبل عامل(حوزه لبنانیها). - درست الفلسفه و الاصول و العرفان النظری علی ید آیت الله السیدکمال الحیدری(حفظه الله). - درست الاصول (بحث خارج) علی ید السید علی رضا الحائری. - درست الفقه و الاصول (بحث خارج) علی ید آیت الله الشیخ فاضل المالکی من ۱۳۸۴-۱۳۸۲ . - توجهت للکتابه و التالیف و خاصه فی مجال الادیان و القصائد و لی بحوث و کتب و مقالات فی القرآن الکریم و العهدین (الکتاب المقدس) و السیره و التاریخ و القصائد و عقائد الادیان السماویه. - تم طبع ثلاث کتب لحد الان و لکن طبع محدود علی حسابی الخاص. - لی عشره کتب جاهزه للطبع مبتکره. - تم تکلیفی شخصیا بکتابه کتب خاصه فی مواضیع خاصه و مهمه و تلائم روح العصر و ذلک من قبل بعض العلماء و الاساتیذه الکبار فی قم المقدسه و لازالت هذه الکتب تحت الید اسال الله عز و جل التوفیق بانجازها. و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین.

اسعدالدوله، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و خطاط. رییس ذخیره‌ی توپخانه بود و مدتی در شیراز می‌زیست. وی در علوم ادبی فارسی و عربی ماهر بود و نستعلیق را استرار می‌نوشت. هنگام تألیف «آثار عجم»، سال ۱۳۱۳ ق، در قید حیات بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۳۴ -۵۳۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۳۴).

اسعدی، محمد حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن اسعدی

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن اسعدی در سال ۱۳۵۱ در شهرستان کاشمر دروس مقدماتی خود را شروع کردم. دوره ادبیات و مقدمات را که شامل (نصاب الصبیان، جامع المقدمات، شرح قطر، مغنی، مختصر، حاشیه ملاعبدالله، سیوطی و معالم الاصول) می باشد، در محضر اساتید آن دیار کامل نمودم و در کنار اینها گلستان سعدی، کلیله و دمنه و همچنین عروهٔ الوثقی را نیز خواندم و نوشتم. در ضمن تحصیل تدریس نصاب الصبیان و مقدمات و شرح قطر و گلستان سعدی را نیز داشتم.

در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوران انقلاب و مبارزه بود درسها به کندی پیش می رفت. لمعتین را در محضر آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران خواندم، اصول فقه را خدمت مرحوم آقای عرفانیان بودم.

بعد از انقلاب نیز تا مدتی درسها به کندی پیش می رفت، زیرا در خدمات انقلاب خود را سهیم می دانستم. مدتی که از وجود طلاب برای حراست بیت امام خمینی (ره) استفاده می شد شرکت داشتم. مکاسب را خدمت آقای ستوده و رسائل را خدمت آقای اعتمادی به پایان بردم. در ضمن در کلاسهای معارف دفتر تبلیغات و موسسه در راه حق شرکت می کردم. مسافرت های خدماتی نیز داشته ام و نیز مسافرت های تبلیغاتی نیز به شهرهای مختلف داشته ام.

کفایتین را خدمت آیت الله ستوده خواندم. در سال ۱۳۶۳ برای تدریس به شهرستان ایذه رفتم. در سال ۱۳۶۵ خارج فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۳ در محضر ایشان بودم. در سال ۱۳۶۸ برای بار دوم به شهرستان ایذه برای تدریس رفتم، هر بار یکسال آنجا بودم.

در سال ۱۳۷۱ خارج اصول را در خدمت آیت الله وحید خراسانی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۷ از محضر ایشان استفاده می کردم. در مدتی که در قم بودم قبل از مسافرت به ایذه تدریس ادبیات، منطق، معالم و غیره داشتم. البته به صورت خصوصی و در ایذه از ادبیات تا لمعه و اصول تدریس می کردم و بعد از بازگشت نیز مدتی تدریس کفایه برای یکی از دوستان داشتم. از سال ۱۳۷۴ تا کنون از محضر آیت الله تبریزی استفاده می کنم.

اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، و از ممدوحان فرخی سیستانی بود که پدرش از وزیران مشهور محمود بود. وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» او را به فضل و کمال ستوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۸ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۶۴ /۱)، فرخی سیستانی (۱۱۸ -۱۱۷).

اسفراینی، تاج‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۴ ق)، نحوی. آثار وی: «فاتحه الاعراب باعراب الفاتحه»؛ «الضوء علی المصباح» که در شرح کتاب «مصباح» تألیف مطرزی است در نحو که در سال ۱۸۵۰ م در هند به چاپ رسیده است؛ «الجملهٔ الخبریهٔ»؛ «لباب الاعراب»؛ «لباب العلم و الادب».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۹ /۷)، ایضاح المکنون (۱۵۳ /۲)، ریحانه (۱۲۰ /۱)، کشف الظنون (۱۷۰۸ ،۱۵۴۵ ،۱۵۴۴ -۱۵۴۳)،

لغت‌نامه (ذیل/اسفرائینی)، معجم المؤلفین (۱۸۰ /۱۱)، هدیة العارفین (۱۳۴ /۲).

اسفراینی، خواجه نصیرالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : ملک الشعرا خواجه نصیر الدین اسفراینی معروف به احول ازشاعران و استاد معروف قرن ۷ه.ق است وی شاعر دربارهای ممالیک دهلی، آل صاعد دراصفهان و اتابکان سلغری فارسی و مداح خواجه شمس الدین محمدجوینی بوده است. و قصیده سرایی مداح و ماهر در وصف طبیعت بوده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

گرایش : شعرسنتی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ملک الشعرا خواجه فریدالدین اسفراینی ازشاعران معروف قرن ۷ه.ق است. وی را به سبب اقامت ممتد در اصفهان فرید اصفهانی و به علت زاده شدن دراسفراین، فرید اسفراینی گفته اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریدالدین احول پس از کسب معلومات از خراسان درطب درگاه پادشاهان مداح بیرون رفت.

خاطرات و وقایع تحصیل : فریدالدین احول از خراسانی سفری به هندوستان رفت و به خدمت ناصر الدین قباجه از سلاطین غوری مملوک رسید که تاسال۶۲۴ه.ش درناحیه سند فرمانروایی داشت . وی عین الملک حسین بن ابوبکر انسوی وزیرناصرالدین را در قصیده ای مدح گفت

فعالیتهای ضمن تحصیل : فریدالدین احول در کنار تحصیل علم به مطالعه دورانهای شاعران پیش از خود می پرداخت.

هم دوره ای ها و همکاران : تذکره نویسان فریدالدین احول را از اوان و مصاحبان امامی هروی دانسته اند.

وقایع میانسالی : فریدالدین احول سالها در اصفهان زیسته و درآنجا به ملازمت آل صاعد (صاعدیه) که ریاست حنیفیان اصفهان داشتند درآمد آنان را مدح گفت. بعضی محققان تصور کرده اند که فرید از خراسان نخست به شیراز نزد اتابکان سلغری پس از چندگانی از آنجا به اصفهان رفت و در خدمت آل صاعد درآمد و تا زمان مرگ در آنجاماند

زمان و علت فوت : به نظر نمی رسد که فریدالدین احول دیرگاهی پس از سال۶۶۳ه.ق زیسته باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریدالدین احول از شاعران دربارهای آل صاعد دراصفهان، اتابکان سلغری فارسی و همچنین ناصر الدین قباجه سلطان ملوک دهلی بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدالدین احول درکنار شاعری به مطالعه دیوانهای شاعران بزرگ پیش ازخود و جواب گویی شعر آنان می پرداخته است.

همفکران فرد : فریدالدین احول از معاصران امامی هروی وسعدی شیرازی بوده است.

آرا و گرایشهای خاص : فریدالدین احول به شیوه غالب شاعران پایان قرن ششم و هفتم هجری به سرودن قصاید مصنوع علاقه خاصی داشت و سخن او جامع جمیع شرایطی است که در نزد شعرای مشابه وی می بینیم ومخصوصا در وصف طبیعت مهارت خاصی دارد.

چگونگی عرضه آثار : فریدالدین احول قصاید و مدایح خود رابه کسانی چون ناصرالدین قباجه سلطان مملوک خاصی و وزیرش عین الملک حسین بن ابوبکر اشعری، سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی و جانشینانش تا ابش خاتون و همچنین شمس الدین محمدصاحب دیوان جوینی را مدح گفته است____ .

آثار :

۱ دیوان فرید احول(اسفراینی)

ویژگی اثر : دیوان فرید احول موجود و شامل بیش از سه هزار بیت است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

اسفراینی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۰ ق)، ادیب. در جوانی به تحصیل علوم و فنون پرداخت و مدتی در مدرسه‌ی سلطانی هرات به تدریس مشغول بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۴۰ /۴).

اسفندیار

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(است. مقدس آفریده یا آفریده (خرد) پاک؛ په.) جهان پهلوان ایرانی، در روایات ملی پسرکی گشتاسپ پادشاه کیانی. وی به دست زردشت رویین تن گردید و پیروزیها یافت و عاقبت در جنگ با رستم بر اثر تیر دو شاخه گزین که به چشم او اصابت کرد، درگذشت.

(په.) اسفندیار، پسر گشتاسپ پادشاه داستانی ایران باستان. این نام در فارسی تحریف شده و به صورت اسفندیار درآمده است اسفندیار.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

اسفندیاری، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اسفندیاری

محل تولد : تهران

شهرت : اسلامی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی (سال ۶۱-۶۰)

* شروع دروس حوزوی (سال ۶۲-۶۱) در مدرسه مجتهدی تهران و همزمان مربی تربیتی در برخی مدارس تهران

* انتقال به مدرسه چیذر تهران (سال ۶۳-۶۲) وتدریس مکرر کتب درسی حوزه در رشته ادبیات عرب و منطق در خلال سالهای ۶۵-۶۲

* افتخار پوشیدن لباس روحانیت (سال ۶۴)

* انتقال به حوزه علمیه قم همزمان با اتمام دروس سطح ۱ (سال ۶۶) یعنی پایان لمعتین و اصول مظفر

* اتمام دروس سطح ۲ حوزه در قم (سال ۶۹) ورود به درس خارج آیت الله مکارم شیرازی

* پذیرش مسئولیت امور اساتید مدرسه علمیه معصومیه در قم (سال ۷۳-۶۹) و همزمان تدریس برخی کتب درسی چون معالم الاصول , لمعه , تحریر الوسیله , منطق و ادبیات عرب

* سفرهای مکرر تبلیغی به جبهه های دفاع مقدس و مراکز ارتش و سپاه و برخی روستاها (سال ۶۹-۶۴) و ایراد سخنرانی و برپایی منابر حسینی در برخی مساجد قم پس از این سالها تا کنون

* تدریس مکرر کتاب حلقات الاصول و نگارش شرح بر این کتاب از سال ۷۳ تا کنون , در مراکز مختلف علمی

* ارائه اولین اثر مکتوب به نام منطق اجتهاد در شرح" معالم الدین "درسال ۷۲ و شروع به کار تحقیق و تالیف

* دفاع از پایان نامه سطح ۳ حوزه , تحت عنوان " الجمع بین الحکم الظاهری و الواقعی " با نمره ۱۹ در سال ۱۳۸۰

* ارتباط علمی با مرکز ادیان و مذاهب (سال ۷۶ تا ۷۸)

* ارتباط علمی با پژوهشکده فقه و حقوق , وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی و پذیرش مدیریت گروه علوم وابسته به فقه (سال ۷۹ تا ۸۲)

* دفاع از پایان نامه سطح ۴ حوزه با عنوان" نظریه حق الطاعه "با نمره ۱۷ درسال ۸۳ و پس از ۶ مصاحبه علمی مربوط به شرکت در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله سید کاظم حائری

* شرکت در همایش های علمی و ایراد سخنرانیهای علمی و نیز دریافت جایزه و لوح تشویق از کنگره دین پژوهان در سالهای ۸۰ و ۸۲ به مناسبت ارائه دو اثر پژوهشی

* همکاری با معاونت پژوهشی حوزه در تدوین درسنامه مقدماتی علم فقه

اسفندیاری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج ، در سال ۱۲۷۴ شمسی در یوش مازندران به دنیا آمد. وی آموزش های ابتدایی را در یوش آغاز کرد و در سن دوازده سالگی (۱۲۸۸) با خانواده اش به تهران رفت و در آنجا مسکن گزید. او ابتدا به دبستان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشیج به سال ۱۲۹۶ در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد. نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود، او تا سال ۱۲۹۸ در این کار دوام آورد. از سال ۱۳۰۶ در کنار همسرش عالیه ،در آموزشگاه های کوچک شهرهای شمال ایران : بارفروش (بابل کنونی) ، لاهیجان ، رشت ، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. از فروردین ماه

سال ۱۳۱۲ نیما و همسرش به تهران آمدند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال ۱۳۱۶ به تدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت. پس از آن به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ نیما یوشیج تا سال ۱۳۲۶ شغل ثابتی نداشت و پس از آن به خدمت در اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت . او تا پایان زندگیش در این شغل اداری باقی ماند. نیما در روز پنج شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری ذات الریه در گذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نیما یوشیج فرزند ابراهیم نوری و طوبی مفتاح بود. در یادداشت کوچک بی تاریخی نسب خود را چنین نوشته است: « علی بن ابراهیم علی (معروف به ناظم الایاله) بن محمدرضا (معروف به باباخان بیک) بن محمد هاشم بن محمدرضا » .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : نیما آنگونه که خود می گوید، کودکی اش در میان شبانان و ایلخی بانان سپری شده است، اینان به هوای چراگاه به نقاط دور ییلاق قشلاق می کردند و شب بالای کوهها ساعات طولانی باهم به دور آتش جمع می شدند ،او می گوید: «از تمام دوره بچگی خود،به زدو خوردهای و حشیانه و چیزهای مربوط به زندگی کوچ نشینی و تفریحات ساده آنها در آرامش یکنواخت و کور و بی خبر ازهمه جا چیزی به خاطر ندارم».

تحصیلات رسمی و حرفه ای : نیما خواندن و نوشتن را در یوش که بود آموخت. در زندگینامه ی خود چنین می نویسد: «در همان دهکده که متولد شدم خواندن و نوشتن را نزد آخوند ده یاد گرفتم. او مرا در کوچه باغهای دنبال می کرد و به باد شکنجه می گرفت. پاهای نازک مرا به درختهای ریشه و گزنه دار می بست. با ترکه های بلند مرا مجبور می کرد به از بر کردن نامه هایی که معمولا ـ" اهل خانواده ای دهاتی به هم می نویسند و خودش آنها را بهم چسبانیده و برای من طومار درست کرده بود». در سن دوازده سالگی (۱۲۸۸) نیما با خانواده اش در تهران مسکن گزید و در این شهر ،ابتدا به دبستان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشیج به سال ۱۲۹۶ در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد و این پایان تحصیلات رسمی اوست. پس از آن مدتی به اتفاق لاربن در مدرسه ی خان مروی نزد مرحوم آقا شیخ هادی یوشی، زبان عربی آموخت . در سال ۱۳۰۷ نیز در بار فروش (بابل) در محضر علامه ی حائری به درسهای فلسفه و منطق و فقه این عالم بزرگ دل سپرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : نیما یوشیج از دوران تحصیل خود چنین تعریف می کند : «سالهای اول زندگی مدرسه من به زد وخورد بچه ها گذشت ،وضع رفتار و سکنات من کناره گیری و حجبی که مخصوص بچه ها ی بربیت شده در بیرون شهر است . موضوعی بود که در مدرسه مسخره برانداز بود. هنر من خوب پریدن و با رفیقم پژمان (حین) فرار از محوطه مدرسه بود. من در مدرسه خوب کار نمی کردم فقط نمرات نقاشی به داد من می رسید. اما بعدها مراقبت و تشویق یک معلم خوش رفتار که نظام وفا شاعر امروز باشد مرا به خط شعر گفتن انداخت. این تاریخ مقارن بود با سالها یا که جنگها ی بین المللی ادامه داشت. من در آن وقت اخبار جنگ را به زبان فرانسه می توانستم بخوانم». او در ادامه می گوید : «به منزل خاله ام ، مادر تقی کیانی کاردار، می گریختم. با پای برهنه از بازارها و کوچه های یخ بسته و مرطوب که آثار قدیم در آنجا هنوز بجا بود (می گذشتم). در سر راه من دالان دولتسرای عضدالملک نائب السلطنه بود. با چراغ کم روشن توی دالان و قراول دم در با لباس مخصوص قدیم قراول های زمان پیش از مشروطه . همه چیز قدیم. من درست به یادم می آید حیدر علی کمالی و تقی کاردار کیانی در بالاخانه شعر می خواندند تا صبح. و احتشام الملک ، پدر همین خانلری ، در زاویه به حساب خود زندگی می کرد. آنها تا صبح نظامی می خواندند. تاثیر نظامی از آن وقت در من پیدا شد که من اصلاً در خصوص شعر فکر نمی کردم. تقی کیاین کاردار (معتصم الملک) در من تاثیر مهمی دارد ، بدون اینکه خودش بداند» .

استادان و مربیان : نیما به تشویق نظام وفا که استاد او بود ،به نظم شعر پرداخت. از استادان وی می توان به مرحوم آقا شیخ هادی یوشیجی و علامه حائری اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : یکی از همدو ره ایها ی دوران تحصیل نیما یوشیج ،حسین پژمان بود.

همسر و فرزندان : در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۵ نیما یوشیج ، در سن ۲۹ سالگی ،با خانم عا لیه ی جهانگیر ،فرزند میرزا اسماعیل شیرازی ،خواهر زاده ی انقلابی و نویسنده ی مشهور میرزا جهانگیر صور اسرافیل ازدواج کرد.حاصل این ازدواج فرزندی به نام شراگیم بود.

وقایع میانسالی : نیما در یکی از طوفانی ترین و پر آشوب ترین ایام تاریخ کشور را درک نموده است.وی در این زمان رضا خان با توطئه چینی و حمایت بیگانگان در پی تغییر حکومت قاجار و انتقال سلطنت به خود و خاندان خود بود. در سال ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی لایحه ای عزل احمد شاه قاجار و جانشینی سردار سپه را به مقام سلطنت تصویب می کند و در ۱۵ آذر ماه ۱۳۰۴ مجلس موسسان برای تغییر مواردی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است ،در یاد داشتی با عنوان (مجلس مؤسسان)برای تغییر موادی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است، در یاد داشتی با عنوان (مجلس موسسان) به تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۰۴ چنین می نویسد:(مجلس موسسان به اصطلاح شیطان می خواهد آتیه ی مملکت ،یعنی سرنوشت یک مست بچه های یتیم و مادرهای فقیر را معین کند. جوانها اغلب آنهایی که چند جلد از کتب ادبیات غربی را ترجمه کرده اند و به این جهت مشهور به نویسندگان هستند، در این مجلس شرکت دارند. می خواهند آنها را برای این مجلس انتخاب کنند. به من هم تکلیف کرده اند،ولی من تاکنون نه پا به مجلس آنها گذاشته ام نه بازی قرعه و انتخاب و کلا را شناخته ام . من از این بازی چیزی نمی فهمم . یک نفر را روی کار کشیده اند یک

استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد. جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تو را معدوم نکنند و تو بتوانی روزی که نطفه های پاک پیدا شدند ،به آنها اتحاد را تبلیغ کنی .این نقشه ها برای این است که متفکرین و مخالفین شناخته شوند و آنها را در موقع جلسه ،نیست کنند؛ ولی بالاخره شیطان مغلوب می شود.) نیما یوشیج که به هنگام نوشتن یادداشت ۲۸ ساله است، در این عبارت (جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تورا معدوم نکنند)بی گمان به شهادت دوست ناکام خود میرزاده عشقی نظر دارد و جملات (من از این بازیها چیزی نمی فهمم .یک نفر را روی کار کشیده اند . یک استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد .سخت هوشیارانه ،قابل توجه، تاریخی و عبرت آور است. در بهمن ماه ۱۳۰۶ حادثه سیاسی مهمی روی داد : کشف کتیبه ی سری و اعلام سرهنگ احمد پولادین. سرهنگ احمد خان پولادین که افسری حساس و چو ن رئیس گارد رضا شاه و از نزدیک شاهد اعمال او بود با عده ای از افسران و اشخاص می دانست آنها هم با رژیم پهلوی موافق نیستند وارد مذاکره و متحد شده کمیته ای سری تشکیل دادند که او را از میان بردارند و رژیم پهلوی را سرنگون سازند. نزدیک بود که موفق هم بشوند . اما یکی از افراد این کمیته از بیم نافرجام ماندن این اقدام محرمانه مراتب را به اطلاع پهلوی رسانید . همگی اعضاء کمیته دستگیر و تسلیم دادگاه نظامی شدند محاکمات آنها چند روز به طول انجامید در نتیجه سرهنگ احمدخان پولادین محکوم به اعدام شد. این واقعه نیما یوشیج را که اندیشه انتقام همیشه با او بود سر شوق می آورد و در اسفند ماه ۱۳۰۶ شعر بلند و حماسی (سرباز فولادین) را سرود تا این تاریخ بعد از (افسانه) مهم ترین شعر اوست.

زمان و علت فوت : نیما در روز پنج شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری ذات الریه در گذشت و در قبرستان امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود و ی تا سال ۱۲۹۸ در این کار دوام آورد. از فروردین ماه سال ۱۳۱۲ نیما و همسرش در تهران بودند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال ۱۳۱۶ به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به تمایل خودش با همان حقوق به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ این کار جدی ترین و مناسب ترین شغل اداری نیما یوشیج درتما م طول زندگیش است که تا پایان عمر این مجله ،تا بهمن ۱۳۲۰ ادامه یافت. نیما یوشیج تا سال ۱۳۲۶ شغل ثابتی نداشت و پس از آن به خدمت در اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت . کار او بررسی و اظهار نظر در باره ی نمایشنامه ها و فیلمنامه هایی بود که به این اداره می رسید. تا پایان زندگیش این شغل اداری او بود و حقوقش سیصد و سی تومان در ماه بود.

فعالیتهای آموزشی : از سال ۱۳۰۶ ، نیما در کنار همسرش عالیه ،در آموزشگاه های کوچک شهرهای شمال ایران : بارفروش (بابل کنونی) ، لاهیجان ، رشت ، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. او در سال ۱۳۱۶ در تهران به تدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : نیما یوشیج در سال ۱۳۱۶ موفق به کشف شکل تازه ای در شعر فارسی شد که این شیوه به کلی با شعر قدیم فرق دارد و با نگرشی که در شیوه شکل آن پدید آورد به پدر شعر نو لقب گرفت. نظرنیما در خصوص شعر، یک نگاه جدید است که بعضاً شیوه های قدیم را به چالش کشیده و از منظری جدید غالب شعر را تعریف می نماید. او می گوید: « ادبیات ما باید از هر حیث عوض شود. موضوع تازه کافی نیست و نه این کافی است که مضمونی را بسط داده و به طرز تازه بیان کنیم. نه این کافی است که با پس و پیش کردن قافیه و افزایش و کاهش مصراع ها یا وسایل دیگر ، دست به فرم تازه زده باشیم . عمده کار این است که طرز کار عوض شود و مدل وصفی و روائی ، که در دنیای با شعور آدم هاست ، به شعر بدهیم. »او در ادامه می گوید:« شعر وزن و قافیه نیست ، بلکه وزن و قافیه هم از ابزار کار یک نفر شاعر هستند. همچنین شعر ردیف ساختن مصطلحات و فهرست کلی دادن از مطالب معلوم که در سر زبان ها افتاده است نیست. این جور کار به درد دفتر حساب بندی یک تجارتخانه می خورد. شعر واسطه تشریح و تاثیر دادن و کوچک کردن معنویات و شکافتن و نمودن درونیهای دقیق و نهفته آنهاست. و تمام کوشش و کاوش شاعر برای آن است که « مخصوصاً شعر را از حیث بیان آن به طبیعت نزدیک کرده و به آن اثر دلپذیر نثر را دهد » . زیاد رغبت دارد و دلباخته رغبت خود است که « شعر را از مصراعبازیهای ابتدایی ـ که در طبیعت این طور یکدست و یکنواخت و ساده لوح پسندانه وجود ندارد و لباس متحد الشکل نپوشیده است آزاد کرده باشد» .نیما فقط در ابداع شعر نو جسارت به خرج نداد بلکه همین آوردن واژه های روستایی و بومی در شعر فارسی و ملی در نوع خود بدعت و نوآوری محسوب می شود ، تا جاییکه که بعد از او بسیاری خواستند از این شیوه بهره بگیرند که راه به جایی نبردند. --

----

آثار :

۱ پادشاه فتح

۲ خواب زمستانی

۳ قصه رنگ پریده ،خون سرد

ویژگی اثر : این قصه مثنوی حزن انگیزی است که برای دلهای خونین سروده شده است و به بیان مصائب شاعر اختصاص یافته که میخواهد قصه ا ی از یاران و ببخت و دوران خویش باز گو کند.

۴ کار شب پا

۵ منظومه افسانه

ویژگی اثر : افسانه منظومه مفصلی است. در یکی از مفترعات بحر رمل(فاعلاتن فعولن فعولن) که محتوی آشفتگی و خیالهای پریشان شاعر است. نیما نخستین انحراف خود را از اسلوب تفکر وبیان دیرینه شعر فارسی در این منظومه نشان می دهد.

۶ وای بر من

منابع زندگینامه :۱آریـان پورم یحیی- از نیمـا تـا روزگار ما- ج۳, تهران: انتشـارات زوار, ص ۵۹۷۲پیـام نوین- سال ۳- شماره ۶, اسفند ۱۳۳۹۳صوفیم لیلا- زنـدگی نـامه شاعران ایران- انتشارات جاجرمی, ص ۲۱۶۴طاهباز, سیروس- زندگی و هنر نیما یوشـیج پردرد کوهستان- تهران: انتشارات زریاب, ص ۱۱

اسکافی، ابوجعفر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۴۰ ق)، متکلم معتزلی، ادیب و شاعر. اصلی وی از سـمرقند بود. در بغـداد متولـد شد و در همان شـهر نشو و نما یافت. ابتدا پیشه خیاطی داشت اما به تحصیل دانش روی آورد و علم کلام را از جعفر بن حرب فراگرفت و از پیشوایان بنام معتزلیان بغداد شد. طایفه اسکافیه بـدو منسوبند. وی مناظراتی با حسین بن علی کرابیسی داشـته است. معتصم عباسی او را بر همه مقدم می‌داشت. در مآخذ مختلف او را صاحب تصانیف بسیار دانسته‌اند. از آثارش: کتاب «المقامات فی تفضیل علی- علیه‌السلام»؛ کتاب «فضائل علی- علیه‌السلام»؛ کتاب «ابطال قول من قال بتعذیب الاطفال»؛ کتاب. «البدل»؛ کتاب «الرد علی المشبهۀ»؛ کتاب «اللطیف»؛ کتاب «النقض».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۹۲ /۷)، تاریـخ بغداد (۴۱۶ /۵)، خانـدان نوبختی (۸۵ ،۸۱)، ریحانه (۱۲۲ /۱)، الکنی والالقـاب (۲۷ /۲)، لسان المیزان (۲۲۷ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ اسکافی)، مروج الذهب ترجمه (۵۱۲ /۲)، معجم المؤلفین (۲۰۰ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۳۷ -۳۳۶ /۳)، هدیۀ الاحباب (۹۸).

اسکندرلو، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد اسکندر لو

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۲

زندگینامه علمی

بنـده در سال ۱۳۴۰ در شهرسـتان همـدان در یـک خانواده مـذهبی متولـد شـدم. در سال ۱۳۵۶ به منظـور فراگیری معـارف و علـوم اسـلامی به حوزه علمیه قم آمدم. ادبیات عرب، منطق و علوم بلاغی را (۶۰ ـ ۱۳۵۶) در مدرسه مبارکه رضویه خواندم. لمعتین (۶۳ ـ ۶۱) را نزد آیت الله اشـتهاردی و اسـتاد شـماعی همـدانی، رسائـل و مکاسب (۶۷ ـ ۶۴) را نزد آیـت الله اعتمـادی و آیت الله علـوی گرگانی، کفایتین (۶۹ ـ ۶۷) را نزد آیت الله اعتمادی، خارج فقه (۸۰ ـ ۷۰) را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله نوری همـدانی خارج اصول (۷۸ ـ ۷۰) را نزد آیت الله فاضل و آیت الله مکارم شیرازی.

تحصیلات دانشگاهی:

مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (۷۴ ـ ۷۱) موسسه در راه حق.

مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی (۷۸ ـ ۷۴) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث (۸۳ ـ ۷۹) تربیت مدرس دانشگاه قم.

ملاحظـات: در مهر ماه ۱۳۷۸ از پایـان نامه کارشناسـی ارشـد خود تحت عنوان" نقـد و ترجمه مـدخل قرآن از دایرۀ المعارف دین" دفـاع نموده و امتیاز ۲۰ را احراز کردم و در سـال ۱۳۷۹ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم شـرکت کرده و با کسب رتبه اول پـذیرفته شـدم. در تاریخ ۲۲/ ۳/ ۸۲ موضوع پایان نامه دکتری بنـده تحت عنوان" نقد و بررسـی تحقیقات خـاور شـناسان در زمینه تاریـخ گـذاری آیات و سور قرآن "به تصویب رسـید و در تاریـخ ۱۵/ ۱۰/ ۸۳ مـورد دفـاع قرار گرفت و با درجه عالی و امتیاز ۵ /۱۸ پذیرفته شد.

فراگیری زبان انگلیسی:

الف) دوره عـالی زبـان انگلیسـی مرکز زبـان هـای خـارجی دفتر تبلیغـات اسـلامی حوزه علمیه قم در سـال ۱۳۶۵ (طی ۷۰۰ ساعت آموزش) که در تاریخ ۳۱/ ۴ / ۶۶ گواهینامه آن را (ممهور به مهر مرکز زبان های خارجی دانشگاه تهران، مرکز زبان های خارجی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) است، دریافت نمودم.

ب) در سال ۱۳۶۹ جهت تقویت مکالمه زبان انلگیسی، کلاس های آن را در زبانکده انگلیسی (ای. اچ. پ) پشت سر نهاده و موفق به اخذ دیپلم زبان (با امتیاز ۲۰) گردیدم.

ت) اخذ گواهینامه مترجمی زبان از نیروی دریایی پاکستان (۱۳۷۰)

ملاحظه: در سال ۱۳۷۰ از سوی نماینـدگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسـلامی عازم بندر کراچی پاکسـتان شدم و در طی

مدت شش ماه در جمع برادران سپاهی که جهت گذراندن دوره تخصصی زیر دریایی به نیروی دریایی پاکستان اعزام شده بودند، به عنوان مبلغ و مترجم زبان انگلیسی حضور داشته و در پایان دوره موفق به اخذ گواهینامه مزبور شدم.

اسکندری، سلیمان محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در تهران متولد شد. پدرش شاهزاده محسن میرزا کفیل‌الدوله از مالکین و کارمندان عالیرتبه‌ی دولت بود. وی پس از انجام تحصیلات مقدماتی و معمول زمان و یاد گرفتن زبان فرانسه در دستگاه دولتی استخدام شد. چندی در اداره‌ی شهربانی و مدتی در اداره کل گمرک اشتغال به کار داشت. امتیاز روزنامه هفتگی حقوق را گرفته، به انتشار آن مبادرت نمود. در دوره‌ی دوم مجلس پس از فوت برادرش که نماینده‌ی مجلس بود، به جای او از طرف نمایندگان مجلس به وکالت انتخاب گردید و جزو حزب دموکرات شد. و پس از چندی از لیدران حزب مزبور در مجلس شد. در ۱۲۹۰ مجلس دوم در اثر اولتیماتوم دولت روسیه تزاری منحل گردید و به دستور ناصرالملک نایب‌السلطنه ایران سلیمان محسن دستگیر و به قم تبعید شد و چند ماهی در تبعید به سر برد و آنگاه به تهران آمد و مدیرکل امور مرکزی وزارت کشور گردید.

سلیمان محسن در انتخابات دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی از اصفهان به نمایندگی انتخاب شد و لیدر حزب دموکرات در مجلس بود و مدتی نیز نایب رئیس مجلس شد. دموکرات‌ها در مجلس در اقلیت قرار داشتند و با غالب دولت‌ها مخالف بودند. هنگامی که در این دوره سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله به نخست‌وزیری انتخاب شد، سلیمان محسن به لیدری حزب دموکرات، فرمانفرما وزیر کشور کابینه را استیضاح کرد و عزل او را از وزارت خواستار شد ولی عین‌الدوله بر اساس مسئولیت مشترک وزیران از وزیر داخله خود دفاع کرد و از کار کناره‌گیری نمود. مجلس سوم با تلاش سید حسن مدرس او را به رئیس‌الوزرائی انتخاب نمود. عین‌الدوله قبول نخست‌وزیری را موکول به عضویت فرمانفرما در کابینه کرد. سلیمان محسن در رد نظریه عین‌الدوله سخنان تندی در مجلس ایراد کرد و کلمات ناسزا و موهن بر زبان جاری ساخت و عین‌الدوله ناگزیر مجدداً استعفا کرد.

در جنگ بین‌الملل اول و اشغال ایران از طرف قوای نظامی روس و انگلیس و عثمانی، احمد شاه تصمیم به تغییر پایتخت گرفت و این نیت را با نمایندگان در میان نهاد و سلیمان محسن و حزب دموکرات در این کار پیشقدم شدند و فوراً به قم حرکت نمود. کمیته‌ای به نام «کمیته‌ی دفاع ملی» تشکیل دادند و ریاست آن کمیته با سلیمان محسن بود. کمیته در قم به جمع‌آوری اعانه و خرید اسلحه پرداخت. کمیته‌ی دفاع ملی از قم به اصفهان و اصفهان به کرمانشاه حرکت کرد و تا این تاریخ لیدری و رهبری قیام‌کنندگان به عهده سلیمان محسن بود. در همان هنگام رضاقلی خان نظام‌السلطنه با عده‌ای قوا و وزیرمختار آلمان به کرمانشاه رسیدند و به ریاست حکومت موقتی انتخاب شد و کابینه‌ای تشکیل داد و عده‌ای را به وزارت انتخاب نمود از جمله سلیمان محسن وزیر داخله شد ولی میل و رغبتی به این سمت نشان نداد زیرا خود کاندیدای ریاست حکومت بود.

اساساً اجتماع عده‌ای در کرمانشاه برای دفاع از ایران با حمایت آلمان و عثمانی در نتیجه‌ی اقدامات سلیمان محسن و حزب دموکرات بود و از این رو بین نظام‌السلطنه و سلیمان محسن اختلاف نظر شدید پیدا شد و ضمناً سلیمان محسن متهم به سوء استفاده‌ی مالی گردید. سلیمان محسن چندی در بغداد و سپس در استانبول اقامت گزید و پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی به ایران بازگشت. در انتخابات دوره‌ی چهارم از تهران به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب شد و به اتفاق سید محمدصادق طباطبائی حزب سوسیالیست ایران را بنیاد نهاد و در نقش اقلیت در مجلس دست به اقدامات تندی زدند. سلیمان محسن در آن مجلس با اعتبارنامه‌ی مهدیقلی مخبرالسلطنه به شدت مخالفت نمود و صریحاً او را قاتل شیخ محمد خیابانی معرفی کرد.

در ۱۳۰۰ به هنگام نخست‌وزیری احمد خان قوام‌السلطنه، دکتر محمد مصدق‌السلطنه وزیر مالیه ماده‌ی واحده‌ای به مجلس داد و اختیاراتی برای اصلاح وضع مالی ایران خواست. سلیمان محسن وزیر مالیه را مورد حملات شدید قرار داده و حمله‌ی سختی به او نمود. مصدق از خود دفاع کرد و سپس غش کرد و بدین ترتیب کابینه‌ی قوام‌السلطنه ساقط شد. در ۱۳۰۱ در دور دوم نخست‌وزیری قوام‌السلطنه، سلیمان محسن او را استیضاح کرد و با جلب عده‌ای از اعضاء اکثریت مجلس و نمایندگان بیطرف، اقلیت خود را تبدیل به اکثریت نمود. در نتیجه برای بار دوم کابینه‌ی قوام‌السلطنه را ساقط کرد. قبل از قوام‌السلطنه نیز مشیرالدوله در اثر حمله‌ی شدید سلیمان محسن از کار کناره‌گیری کرده بود.

سلیمان محسن در ۱۳۰۱ پس از ساقط کردن قوام، مستوفی‌الممالک را به رئیس‌الوزرائی رسانید و خود لیدر اکثریت بود و دفاع از پروگرام دولت را برعهده گرفت. در عوض سید حسن مدرس که در حکومت قبل لیدر اکثریت بود، این بار لیدر اقلیت گردید و با کابینه‌ی مستوفی به مخالفت برخاست و کابینه را استیضاح نمود. در تمام دوران زمامداری مستوفی، جدالی سنگین بین مدرس و سلیمان محسن در مجلس در جریان بود.

در اواخر دوره‌ی چهارم، سلیمان محسن و سید محمدصادق طباطبائی لیدران حزب سوسیالیست که جمعاً در مجلس پانزده نفر بودند روابط نزدیک و صمیمانه‌ای با سردار سپه وزیر جنگ برقرار نمودند و او را مورد حمایت قرار دادند، و سرانجام پیمان‌نامه‌ای بین سردار سپه، میرزا کریم خان رشتی، سلیمان محسن، سید محمدصادق، و خدایارخان امضاء و مبادله شد. به موجب این پیمان‌نامه، قرار شد حزب سوسیالیست سردار سپه را به نخست‌وزیری برساند و سردار سپه در عوض وزیران خود را از اعضاء حزب سوسیالیست انتخاب نماید. یک ماه پس از این پیمان، سردار سپه با حمایت سوسیالیست‌ها از طرف سلطان احمد شاه به نخست‌وزیری برگزیده شد و در کابینه‌ی خود سلیمان محسن را وزیر فرهنگ نمود. حاج عزالممالک اردلان و میرزا قاسم خان

صوراسرافیل دو تن از اعضای سوسیالیست نیز در این کابینه عضویت یافتند.
سلیمان محسن در انتخابات دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی از تهران به وکالت مجلس انتخاب شد و طبعاً از وزارت اعراض نموده به پارلمان رفت. او در مجلس پنجم یکی از طرفداران جمهوری بود و طرح تبدیل رژیم سلطنتی را به جمهوری امضاء نموده و از آن دفاع نمود. در جریان تعرض و قهر سردار سپه و عزیمت وی به بومهن، سلیمان محسن تلاش بسیار کرد و اکثریت مجلس را به طرفداری سردار سپه بسیج نموده او را به شهر بازگردانید.
در تمام مدت مجلس پنجم، سلیمان محسن لیدر سوسیالیست‌ها بود و غالباً در مقابل مدرس قرار می‌گرفت. در استیضاح مدرس از سردار سپه که منجر به نطق ملک‌الشعرای بهار شد، سلیمان محسن نطق مهمی ایراد کرده اقلیت را سخت مورد نکوهش قرار داد. در جریان انقراض قاجاریه و تفویض سلطنت به سردار سپه کوشش و فعالیت سلیمان محسن چشمگیر بود.
پس از ختم دوره‌ی پنجم، سلیمان محسن که نام خانوادگی «اسکندری» را برای خود انتخاب نموده بود با وجود نزدیکی و همکاری با سردار سپه وکیل مجلس نشد و به هیچ کار دولتی هم دعوت نگردید و به صورت عزلت و انزوا ایام را می‌گذرانید. پس از سال ۱۳۲۰ فعالیت‌های سیاسی او آغاز شد. از جمله او از مؤسسین اولیه‌ی حزب توده ایران بود و لیدری حزب مزبور به او واگذار شد ولی به علت کهولت نه حوصله و نه توانائی کار داشت و امور حزب اغلب توسط برادرزاده‌ی او ایرج اسکندری انجام می‌گرفت.
سلیمان محسن اسکندری در ۱۳۲۲ در سن ۷۷ سالگی درگذشت. تشییع جنازه‌ی او با شکوه کامل از طرف حزب توده ایران در تهران برگزار شد و در تمام شهرهای ایران مجالس ختم مجلل از طرف حزب توده تشکیل شد. اسکندری مردی سخنور، جدی، صادق، جاه‌طلب و پارلمانتر قوی بود. شاید در طول تاریخ مشروطیت، سخنوری به پای او نرسیده باشد.
(۱۳۲۲ -۱۲۵۵ ش)، روزنامه‌نگار. تحصیلات خود را در تهران انجام داد و سپس وارد اداره‌ی نظمیه شد. پس از آن سمت‌های مختلفی را عهده‌دار بود و چند مرتبه نیز وکیل مجلس شد. مدتی هم سمت وزارت فرهنگ را داشت. پس از کودتای رضاخان، مدتی رییس‌الوزرایی وی را عهده‌دار شد. اسکندری از اعضای حزب دموکرات بود. او بعد از سال ۱۳۲۰ ق حزب توده را با مرام سوسیالیستی به همراه ۵۳ نفر بنیاد گذاشت. در سال ۱۳۲۵ ق روزنامه «حقوق» را منتشر ساخت.[۱]
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)
منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۲۴ -۲۲۳/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۹ -۱۷۲/ ۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۲/ ۸).

اسکندری، محمدحسین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: ۱۳۷۱.
دکتر محمدحسین اسکندی استاد رشته‌ی ادبیات بود که چندی در دانشگاه شیراز تدریس می‌کرد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اسکندری، محمدحسین

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین اسکندری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱
زندگینامه علمی
حقیر محمد حسین اسکندری حسب الامر، جریان تحصیل، تدریس و تحقیق خود را در چند بند بطور خلاصه در این صفحات می نویسم: در آغاز باید از سال ۴۲- ۴۱ سال آغاز انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، که برای تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم به عنوان نقطه عطفی در جریان زندگی خودم نام ببرم. البته حقیر قبل از این تاریخ نیز ـ چون پدرم روحانی و از شاگردان مراجع بزرگواری چون آیت الله بروجردی و آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی و آیت الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و ...بودند ـ در قم بودم و دوران ابتدائی را در مدرسه خدیوی و دوره دبیرستان را در دبیرستان صدوق مشغول تحصیل بودم که به توصیه پدرم آن را نیمه تمام گذاشته و برای ورود به حوزه و اشتغال به تحصیلات دینی و حوزوی، دبیرستان را ترک کردم.
در سال تحصیلی ۴۲- ۴۱ سال شروع انقلاب وارد حوزه علمیه قم و در مدارس حضرت آیت الله گلپایگانی که برنامه تحصیلی خاص خود را داشت، مشغول تحصیل شدم با این تفاوت که هر سه سال از این برنامه ها را حقیر در دو سال گذراندم و کتابهای سیوطی، مغنی، شرح نظام، مختصر، حاشیه ملا عبدالله، شمسیّه، معالم و قوانین و جلدین شرح لمعه را همراه با برنامه های جنبی در این مدارس خواندم. در این مدارس نوشتن جزوه درسها و ارزیابی آنها توسط اساتید در فواصل مختلف و نیز شرکت در امتحانات فصلی اجباری بود.

رسائل را در درس خصوصی آیت الله شاه آبادی، کفایتین را در درس عمومی آیت الله سلطانی، مکاسب را در درس عمومی آیت الله ستوده، منظومه را در درس خصوصی آیت الله محمد مؤمن و درس عمومی آیت الله انصاری شیرازی و بخشهائی از اسفار را در درس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده (و بعد که وارد موسسه در راه حق شدم) منطق، شفا، نهایه، فلسفتنا و روش رئالیسم را در درس آیت الله مصباح یزدی و کتاب" ژیلسون "را که آن هم یک کتاب فلسفه غربی بود در درس استاد ارجمند آقای دکتر احمدی و یک دوره فلسفه علم و نیز یک دوره کوتاه تاریخ فلسفه غرب را در درس دو نفر از اساتید محترم دانشگاه که در فن خود قوی بودند شرکت کردم. ضمناً در همین سالها روزهای تعطیلی همراه تعدادی از دوستان که سعی می کردند از همه فرصتها استفاده شود، بخشهائی از عقائد و معارف قرآن و روایات را نزد آیت الله جوادی آملی، آیت الله ابطحی اصفهانی و آیت الله مرحوم ابوترابی قزوینی شرکت کردم.

از اواخر دهه پنجاه به بعد در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیت الله وحید خراسانی و در مقاطعی آیت الله اراکی و آیت الله سید کاظم حائری و ...شرکت کردم. در همین حال، یک دوره امر به معروف و نهی از منکر را همراه یکی از دوستان ارجمند در درس آیت الله صدیقیان اصفهانی خصوصی در روزهای تعطیلی و یک دوره فقه اقتصادی را در درس آیت الله مظاهری اصفهانی به پایان رساندم.

در سال ۱۳۵۱ در ضمن درسهای خارج حوزه وارد برنامه آموزشی تحقیقی موسسه در راه حق شدم و در گروه" الف "این موسسه ثبت نام کرده و پذیرفته شدم که در مجموع ترکیبی بود از :

۱. فلسفه اسلامی و غیر اسلامی

۲. معارف قرآن

۳. دو زبان خارجی (عربی جدید و انگلیسی)

۴. علم و فلسفه اخلاق

۵. اقتصاد اسلامی

۶. دوره های عمومی و کوتاهی در زمینه جامعه شناسی عمومی، روانشناسی عمومی، حقوق و علوم سیاسی، روش تحقیق و نویسندگی و علوم ریاضی و...

زمان این برنامه ها ۸ سال بود که در آن، حقیر درسها را بصورت جزوه می نوشتم و شرکت در امتحانات فصلی الزامی بود.

آموزش و تدریس:

از همان سالهای نخست طلبگی از نیمه دهه پنجاه در مدارس آیت الله گلپایگانی و سپس مدارس کرمانیها و رسالت به موازات تحصیل، درسهائی را که خوانده بودم تدریس می کردم. سپس در سالهای بعد چندین سال در موسسه در راه حق به تدریس فلسفه، فلسفه حقوق، عقائد و اخلاق در قرآن و در مدرسه شهیدین فلسفه، در جامعهٔ الزهراء فلسفه و اصول، در مدرسه حقانی عقائد و معارف قرآن و در دانشکده شهید محلاتی فلسفه اخلاق و قبل از جامعهٔ الزهرا در مکاتب خواهران نیز تدریس داشته ام و خلاصه آنکه از ادبیات گرفته تا مکاسب شیخ را بطور عمومی یا خصوصی در حوزه قم تدریس کردم و علاوه بر درسهای رائج حوزه مواد درسی فوق را در مراکز آموزشی مختلف چه آنها که نام بردم و غیر آنها تدریس نمودم.

پس از پیروزی انقلاب، در سالهای آغازین پیروزی انقلاب، به توصیه علماء و بزرگان حوزه بمنظور انجام کارهای فرهنگی تبلیغی و پاسخ به سؤالات و شبهات و یا برای تدریس در اردوهائی که بمنظور آموزش ضمن خدمت برای اساتید و دبیران و معلمان از سوی تربیت معلم و اداره آموزش ضمن خدمت تشکیل می شد به استانها و شهرهای مختلف آبادان و خرمشهر و رشت و بندر انزلی و حومه (از جمله دانشگاه گیلان و دانشگاه لاکان) و کرمانشاه و یزد و چندین نوبت در تهران (دانشگاه امام صادق (ع)، تربیت معلم، دانشگاه تهران و) ...سفر کرده، به تدریس عقائد و معارف و ایدئولوژی و اقتصاد اسلامی پرداختم که در هر یک از آنها از ۸- ۷ ماه گرفته تا دو ماه و یا حتی بیست روز سفر و برنامه ما طول می کشید و کار ما بصورت تشکیل کلاس یا پاسخ به سؤالات در دانشگاهها و دبیرستانها و یا بصورت مصاحبه و پاسخ و پرسش در مراکز تلویزیونی رشت و کرمانشاه و آبادان و گاهی سخنرانی انجام می گرفت که تا آنجا که بیاد دارم در رشت در کل یک ماه رمضان یک شب در میان و همچنین در کرمانشاه در مدت مشابه این مصاحبه منتشر می شد و موضوع و محور مصاحبه مسائل اقتصادی اسلام بود.

از سال اول بازگشائی دانشگاهها پس از انقلاب ظاهراً سال ۶۲- ۶۱ بنا به دعوت بعضی از مسئولان و معاونین دانشگاه شهید بهشتی و با توجه به وضع بحرانی دانشگاه ها در آن زمان که جولانگاه گروهکها بود، در این دانشگاه به تدریس دروس مختلف پرداختم که بطور عمده عبارت بود از: عقائد و معارف و اخلاق و نیز در مقاطعی نظام سیاسی و دولت در اسلام را در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی و حقوق بین الملل اسلام را نیز در همین دانشکده و بخشهائی از فقه را در دانشکده حقوق و تاکنون نیز که بیش از بیست سال از آن تاریخ می گذرد تدریس و همکاری حقیر با این دانشگاه ادامه دارد. همچنین، بنا به دعوت آیت الله میر محمدی که در آن تاریخ رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران بودند و به توصیه آیت الله مصباح یزدی از سال ۶۴ در دانشکده الهیات بطور متناوب به تدریس فلسفه و کلام و فقه و اصول و فقه الحدیث و تفسیر و درایه پرداختم که تا بعد از دهه هفتاد ادامه یافت و سپس هم با یکی دو سال فاصله در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران به تدریس دروس فقه و ادوار فقه و فقه تطبیقی مشغول شدم که تقریباً تا حدود سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. علاوه بر این چند سالی هم در دانشگاه تربیت مدرس تهران به تدریس فلسفه (روش رئالیسم) و فقه (مکاسب) و اصول (مظفر) اشتغال داشته، در دانشگاه آزاد قم نیز فقه و اصول و ...را در چند سال و در دانشگاه آزاد شهر ری از چند سال پیش تاکنون به تدریس فقه، اصول، آیات الاحکام، قواعد فقهیه، حقوق جزای خصوصی و حقوق بین الملل اسلامی اشتغال دارم.

البته اشتغال حقیر به تدریس در دانشگاهها بنا به نیاز جامعه پس از انقلاب بوده که حتی در سالهای اوّلیه و جو بحرانی جامعه بویژه دانشگاهها که محل تاخت و تاز گروهکها بود خطر جانی هم برای ما داشت؛ ولی حقیر با اشتیاق تمام این کار را ادامه دادم و

علیرغم آنکه درحدود ده سال قبل وزارت علوم با گرفتن دو امتحان مفصل و نوشتن پایان نامه ای در موضوع قاعده" مقابله به مثل در حقوق بین الملل از دید اسلام مدرک دکتری (استاد یاری) در فقه و مبانی حقوق به اینجانب داده است. حقیر تاکنون به همان شکل ساده و بدون رسمیت به کار تدریس خود در دانشگاه ادامه داده ام و بین راه قم و تهران در رفت و آمد بوده ام.

پژوهش و تحقیق:

اوّلین کار تحقیق، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و در دورانی که تبلیغات دو ابر قدرت بویژه، تبلیغات گروهکهای کمونیستی بالا گرفته بود، مطالعاتی بود که همراه یکی دیگر از برادران عزیز (حجةالاسلام والمسلمین شیخ حسین ایرانی) در مورد وضعیت نظامهای سوسیالیستی و کمونیستی بویژه شوروی شروع کردیم و یادداشتهائی برداشتیم که بصورت دو کتابچه با نامهای: ۱- "برادری برابری حکومت کارگری "

۲"- بهشت سوسیالیسم "در آن تاریخ به چاپ رسید و در مراکز حساس فرهنگی و دانشگاهی در دسترس مردم بویژه قشر فرهنگی و دانشجویان قرار داده شد و در آن روزها نیاز زیادی به آن احساس می شد.

ولی، کار عمده تحقیقی اینجانب با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که امروز بنام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نامیده می شود و پس از پیروزی انقلاب در حول و حوش سال ۱۳۶۰ تأسیس گردید شروع شد. حقیر به عنوان محقق و مسئول گروه حقوق و علوم سیاسی در این موسسه پژوهشی که بمنظور تحقیق در رشته های مهم علوم انسانی اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، جامعه شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی و ...به وجود آمده بود تا کتابهای مادر و مبنائی مربوط به رشته های نامبرده در دانشگاهها را با توجه به اصول و مبانی اسلامی در این گونه رشته ها تهیه و تدوین کند، مشغول به کار شدم که هر چند از آن تاریخ تاکنون نوسانات و شدت و ضعفهائی داشته است، ولی بیش و کم تاکنون این کار ادامه پیدا کرده است و ثمرات این کار کتابها و مقالاتی است که در سطور بعد بعضی از آنها را نام خواهم برد .

علاوه بر این، اینجانب در کار تحقیق و پژوهش با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) نیز همکاری داشته ام و کار عمده تحقیقی که در رابطه با این موسسه انجام داده ام پژوهش، تحقیق و تدوین کتاب اخلاق در قرآن بوده است که اصل آن سخنرانیها و درسهای آیت الله مصباح یزدی بود و مسئولیت پژوهش و تحقیق و تدوین آن به عهده اینجانب قرار داده شد و الحمدالله امروز در سه جلد و در بیش از هزار صفحه به چاپ رسیده و بعضی از مجلدات آن قریب ده بار به چاپ رسیده است. علاوه بر این از ۸- ۷ سال قبل تاکنون با پژوهشگاه علوم انسانی در خیابان کردستان تهران در ارتباط با گروه علوم سیاسی و نقد کتابهای سیاسی و آموزشی دانشگاهها همکاری داشته ام که بصورت مقالات انتقادی نوشته می شود و چند سالی است که مجله (فصلنامه) به نام" نامه علوم انسانی "بمنظور نشر اینگونه آثار و مقالات بطور عمده انتقادی گروه های مختلف، تأسیس شده که حقیر نیز جزء هیئت تحریریه آن هستم .

اسلامبولچی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی (اسلامبولچی) از علماء و دانشمندان مبرز معاصر تهرانست وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده و در بیت تقوا و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن فارسی و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت نموده و مکاسب و کفایه را از مرحوم آقا میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی و مدرسین دیگر حوزه به پایان رسانیده و درس خارج را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران برگشته و در خیابان عین‌الدوله به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد (سادات اخوی) واقع در اول (کوی سقاباشی) و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین و غیره تا حال تحریر اشتغال دارند نگارنده. گوید: آقای اسلامبولچی دانشمندی متین و بزرگوار و دارای محاسن اخلاق و مبادی آداب و با سلسله سادات اصیله و ریشه‌دار تهران که منتهی به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) می‌شوند پیوند مصاهرت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسلامپور کریمی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن اسلام پور کریمی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۵

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ شمسی در بابل متولد شدم و بعد از اتمام دوره های ابتدائی و راهنمائی با معدل۲۰ یا بالای ۱۹ بر اساس علاقه ام به

قرآن و معارف اسلامی در مسابقات قرآن و تجوید و مفاهیم شرکت می کردم.
در سال ۶۴ در حوزه علمیه فیضیه مازندران در بابل نزد استاد گرانقدر حاج آقای فاضل به تحصیل صرف و نحو و فقه مشغول شدم.
در سال ۶۵ بر اساس وظیفه و لبیک به ندای ولایت فقیه در جبهه حق علیه باطل حضور یافتم. در تاریخ ۱۴/ ۱۲/ ۶۵ در منطقه شلمچه به اسارت نیروهای بعثی در آمدم و تا سال ۶۶ که در تکریت، بعقوبه و رمادیه عراق در اسارت به یادگیری و یاددهی نحو و صرف و تجوید و عربی جدید صرف کردم.
بعد از آزادی (۳۰/ ۸/ ۶۹) و بعد از ۹ روز از آزادی در مدرسه رضویه قم به تحصیل حوزوی ام ادامه دادم. با توجه به نیاز و آمادگی برای خدمت به قشر جوان دانشگاهی، دوران دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب در سال ۷۳ به اتمام رسانده و سال ۷۴ وارد دانشگاه تهران (مجتمع آموزشی عالی قم) شدم. مقطع کارشناسی در سال ۷۷ به اتمام رسد . همزمان در مقطع کارشناسی فعالیتهای چشم گیری در مسجد امام رضا (ع) منطقه علی آباد سعدگان و پایگاه بسیج مربوط به آن (پایگاه ۴ شهید امینی بیات) انجام دادم که به طور عمده روی قرآن، عقیدتی و امر به معروف و نهی از منکر، مفاهیم قرآن و روخوانی و تجوید متمرکز بود و در سال ۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم.
در سال ۸۱ از پایان نامه ام با موضوع" ادراکات فطری "در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دفاع نمودم.
از سال ۸۱ تاکنون که در مقطع دکتری همان رشته (فلسفه) و همان دانشگاه مشغولم به تدریس در موضوعات فلسفه، کلام، منطق و عرفان و متون انگلیسی می‌پردازم و همزمان مشاورات نویسندگی و پژوهشی ارائه می‌دهم. از سال ۸۱ تاکنون در واحد کتابشناسی دائرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشتغال دارم.
در زمینه ویراستاری و نگارش قطعات کوتاه ادبی کارهایی انجام دادم و چاپ شده است. از سال ۸۲ تاکنون در تاسیس و اداره نشریه های عمومی برای جوانان منطقه‌های بابل تحت عنوان‌های نشریه لاله آباد و نشریه شهدای کریمکلا فعالیت دارم.

اسلامی اردکانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین اسلامی اردکانی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده ای روحانی مقیم در کربلا زاده شدم. در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشتم. هر چند از کودکی به گونه پراکنده ای صرف و نحو می خواندم، اما در سال ۵۶ رسما وارد حوزه علمیه شیراز شدم و به تحصیل پرداختم. پس از تسلط بر ادبیات عرب و دروس میانی حوزوی، سطوح عالی و خارج را در قم گذراندم. در کنار دروس حوزوی و ادامه تحصیل دانشگاهی، به فعالیت های فرهنگی و برخی مشاغل علمی اجرایی اشتغال داشتم. در زیرفعالیت های علمی بنده به تفکیک آمده است:

۱. سوابق آموزشی:

الف) حوزوی: پس از به پایان بردن مرحله سطح حوزه، هشت سال نیز در درس های خارج فقه و اصول اساتید مبارز حوزه شرکت کرده ام. در ین مدت درس های اصلی (فقه و اصول) و درس های جانبی حوزه مانند فلسفه، کلام، تفسیر را نیز گذرانده ام.
ب) دانشگاهی: در کنار درس های حوزوی به ادامه تحصیل در دانشگاه مشغول بوده، کارشناسی ارشد خود را در رشته مدرسی معارف اسلامی (گرایش فلسفه و کلام) دانشگاه قم در سال ۱۳۷۹ دریافت داشته ام. در همان سال نیز در مقطع دکتری کلام (گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی) همان دانشگاه پذیرفته و در سال ۱۳۸۴ با دفاع از پایان نامه دکتری خود با عنوان" شبیه سازی انسان از دیدگاه دین کاتولیک و اسلام "با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم.
ج) دوره های آموزشی مختلف: در کنار فعالیت های اصلی آموزشی، همواره در پی کسب صلاحیت های لازم برای تخصص در تعلیم و تحقیق بوده ام. از این رو در دروه های آموزشی مختلف مانند کارگاه ترجمه، اصول کتابداری، آشنایی با منابع مرجع، نمایه سازی، اصطلاح نامه نویسی، ویرایش، مبانی کامپیوتری، اینترنت، تکنولوژی اطلاعات، زبان انگلیسی و فرانسه شرکت کرده و دوره های گوناگونی از این دست را گذرانده ام.

۲. توانایی های علمی:

الف) اینجانب به زبان های انگلیسی و عربی، در حد مکالمه و ترجمه متون تخصصی مسلط هستم و نوشته های متعددی از این زبان ها ترجمه کرده ام. یک دوره شش ماهه زبان فرانسه را گذرانده ام. همچنین اندکی با زبان آلمانی در حد خواندن پاره ا ی از متون ابتدایی آشنایی دارم.
ب) ترجمه: بیش از یک دهه است که مستمرا به کار ترجمه مشغول بوده ام. محصول این مدت فعالیت ترجمه ای، ترجمه ده مقاله علمی از زبان انگلیسی و بیست مقاله و هشت عنوان کتاب از عربی بوده است که منتشر شده اند.
ج) تحقیق: عمده فعالیت علمی بنده، مصروف تحقیق و تالیف بوده است که نتیجه آن تاکنون تالیف بیش از هشتاد مقاله و یازده

عنوان کتاب بوده است.

د) عضویت در شوراهـای علمی: اینجانب به عنوان عضو هیئت تحریریه فصلنامه نقـد و نظر، میقات حـج و حـدیث زنـدگی، فعالیت مطبوعاتی داشته ام. همچنین به عنوان عضو شوراهای مختلف مراکز تحقیقی قم همچون موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و عضو شورای دائرة المعارف امام خمینی (ره) مشغول فعالیت بوده ام. و نیز در سـمینارهای علمی کشوری مانند" همایش بین المللی حقوق بشـر و گفتگوی تمدن ها"، "سـمینار بررسـی سـقط جنین در ایران"، "همایش ترجمانی متون مقدس"، "همایش بین المللی مردم سالاـری دینی"، "همایش سراسـری اسـتادان، محققان و مترجمان حوزه های فلسـفه، کلام، ادیان، عرفان"، "سومین کنفرانس بین المللی حقوق بشر"، "همایش گفتگوی علم و دین، "شرکت کرده و مقالات خود را ارائه کرده ام.

ضمنا فعالیت های مدیریت پژوهشـی مانند معاونت پژوهشـی مراکز علمی و مسـئولیت ترجمه نیز داشته ام. هم اینک نیز عضو انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه علمیه هستم.

ه) تـدریس: اینجانب در موسـسات آموزش عالی مانند دانشـگاه قم، دانشـگاه مفید، دانشـگاه شـهید بهشتی، موسـسه آموزش ضـمن خدمت وزارت ارشاد، موسـسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و دانشکده علوم قرآنی تدریس داشته ام. موضوعات تدریس بنده عمدتاً عبارت بوده اند از: منطق، متون فلسـفی معاصـر، اخلاق، روش تحقیق، قواعد فقه، اصول فقه، متون فقه و شـناخت منابع مرجع اسلامی.

۳. حوزه های مورد علاقه:

اینجـانب بیشتر به حوزه هـای فلسـفه و کلاـم جدیـد، فلسـفه اخلاـق (اخلاق کاربردی با تاکیـد بر اخلاق زیستی)، دین شناسـی، نقد اندیشه ها و مسائل اجتماعی، اسـلامی توجه خاص دارم و به کاوش در مسائل موردی و کم سابقه می پردازم و مورد پژوهشـی را بر بحث کلیات ترجیح می دهم.

۴. کارنامه علمی:

کارنامه علمی بنده در دو عرصه تالیف و ترجمه حدود ۲۰ عنوان کتاب و ۹۰ مقاله است.

۵. جوایز علمی:

درسال ۱۳۸۰ تحقیق بنـده بـا عنوان «امـام، اخلاـق، سـیاست» از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیـده شـد و به آن جایزه ویژه ریـاست جمهوری تعلق گرفت. در همـان سـال مقـاله بنـده بـا عنوان «امر به معروف و نهی از منکر از دیـدگاه امـام علی ع» که برای دانشـنامه امام علی علیه السلام نوشته شده بود به عنوان مقاله برتر شناخته شد و به آن لوح تقدیری تعلق یافت. در سال ۸۲ نیز تحقیق اینجـانب بـا عنوان «اخلاـق نقـد» از سوی دبیرخانه دین پژوهان برگزیـده شـد. همچنین تحقیق (دروغ مصـلحت آمیز) از سوی همین دبیرخانه رتبه آورد، اما به دلیل تعلق آن به سال های قبل، از جریان داوری خارج و در بیانیه نهایی از آن تقدیر شد.

در همین سـال نیز کتـاب «امـام، اخلاـق، سـیاست» از سوی دهمین سـال کتـاب دانشـجویی برگزیـده شـد. در سـال ۱۳۸۳ نیز جـایزه یـازدهمین کتـاب سال دانشـجویی به علت کثرت تالیف به بنـده تعلق گرفت. همچنین در آن سال، مقاله بنـده با عنوان «گرایش های تفسیری در میان مسلمانان؛ بررسی یک ترجمه» به عنوان نقد برتر در حوزه علوم قرآنی برگزیده شد و جایزه و لوح تقدیری از سوی ریاست محترم مجلس به آن تعلق گرفت.

در اردیبهشت سال ۱۳۸۴ نیز مقـاله بنـده بـا عنوان «چالش علم و دین در مسئله شبیه سازی انسانی» که در نخستین همایش کشوری گفتگوی علم و دین ارائه شده بود، از سوی مسئولین همایش به عنوان مقاله برگزیده انتخاب و به آن لوح تقدیری تعلق گرفت.

اسلامی پناه، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی اسلامی پناه

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی اسـلامی پناه در سال ۱۳۳۷ در شـهر کربلا و در یک خانواده روحانی بـدنیا آمدم . تحصـیلات ابتدائی را در مدارس عراقی گذرانده ، از همان زمان با حوزه کربلا و نجف آشـنا شدم . در سال ۱۳۵۱ از کربلا اخراج شده و در قم سـکونت کردم . در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شده ، در مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس مقدمات را طی نمودم . از دروس سطح ، رسائل را نزد اسـتاد اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان رساندم. در همان زمان در سال ۱۳۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم و دوره چهار ساله را طی نمودم . بیشتر درسـها را نزد اسـتاد مصـباح یزدی و آیت الله معرفت و اسـتاد فیاضی گذراندم . در سال ۱۳۷۳ پایان نامه خود را به راهنمائی استاد اعرافی دفاع کردم . از همان زمان در بخش تاریخ و سیره اهل بیت (ع) ، با دفتر تبلیغات اسلامی همکاری خوبی داشـتم و عضو گروه زن در اندیشه اسـلامی موسسه امام خمینی (ره) شدم و این دو کار تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت .

از سال ۱۳۸۰ در مدارس وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس علوم قرآن ، تفسیر و فقه پرداخته و هم اکنون نیز ادامه دارد

.

اسلامی ندوشن، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، در سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت ، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اسلامی ندوشن در خانواده ای با بضاعت متوسط به دنیا آمد ، پدرش خیلی زود وفات یافت و او ناگزیر شد که روی پای خود بایستد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اسلامی ندوشن ، تحصیلات ابتدایی را نخست در مدرسه ی ناصرخسرو ندوشن ، سپس مدرسه ی خان یزد ، پس از آن به دبستان دینیاری رفت و دبیرستان را تا سوم متوسطه در دبیرستان ایرانشهر یزد گذراند ، آنگاه برای ادامه ی تحصیل در سال ۱۳۲۳ به تهران عزیمت کرد و بقیه ی دوره ی متوسطه را در دبیرستان البرز به پایان رساند. سپس برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. پس از آن به منظور تکمیل تحصیلات به اروپا عزیمت نمود .مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و با گذراندن پایان نامه ی دکترای خود به نام « کشور هند و کامنولث » به دریافت دکترای حقوق بین الملل از دانشکده حقوق دانشگاه پاریس نائل آمد فعالیتهای ضمن تحصیل : اسلامی از ده دوازده سالگی شاعری را آغاز کرد و پس از آمدن به تهران در دوران دبیرستان ، حرفه ای تر شعر می گفت. وی در این زمان بعضی از قطعه شعرها را در مجله ی سخن منتشر می نمود. فعالیت های اسلامی ندوشن در دوران تحصیلات در اروپا ، بیشتر آشنایی با زبان فرانسه و شرکت در سخنرانی های دانشگاه سوربن بود و به جز چند داستان کوتاه و چند قطعه شعر و پایان نامه ی دکترایش چیز دیگری ننوشت همسر و فرزندان : دکتر شیرین بیانی استاد تاریخ دانشگاه تهران و نویسنده ی چندین کتاب تاریخی ، همسر دکتر اسلامی ندوشن می باشد مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر اسلامی ندوشن در سال ۱۳۳۴ پس از بازگشت به ایران ، چند سال در شغل قاضی دادگستری خدمت کرد فعالیتهای آموزشی : دکتر اسلامی ندوشن پس از ترک خدمت در دادگستری ، به تدریس حقوق و ادبیات در برخی دانشگاه ها و آموزشگاه های عالی ، از جمله : دانشگاه ملی ، مدرسه ی عالی ادبیات ، مدرسه ی عالی بازرگانی و مؤسسه ی علوم بانکی پرداخت. در سال ۱۳۴۸ به دعوت پروفسور فضل الله رضا (رئیس وقت دانشگاه تهران) به همکاری با دانشگاه تهران دعوت گردید و براساس تألیفاتی که در زمینه ی ادبیات انتشار داده بود ، جزء هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران قرار گرفت و تدریس نقد ادبی و سخن سنجی ، ادبیات تطبیقی ، فردوسی و شاهنامه ، شاهکارهای ادبیات جهان در دانشکده ادبیات و تدریس تاریخ تمدن و فرهنگ ایران را در دانشکده حقوق برعهده گرفت و تا سال ۱۳۵۹ که به انتخاب خود از دانشگاه تهران بازنشسته شد ، ادامه داشت. وی اکنون در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و در مقطع دکترای ادبیات به تدریس مکتب های ادبی جهان می پردازد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، در سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت ، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی از مجلات دیگر انتشار یافت و مورد توجه قرارگرفت. وی در کنار فعالیت های علمی و تحقیقی خود ، از زبان شعر کمتر استفاده کرده است ، اما آنچه از او چاپ و در دسترس قرار گرفته است ، بسیار خوب و نمودار استعداد و ذوق سرشار و قریحت تابناک او در شعر می باشد. استاد بیشتر اوقات خود را صرف در تحقیق آثار علمی و ادبی ایران و ترجمه ی آثار نویسندگان جهان کرده و آثارش در مجلات پیام نو ، سخن ، یغما ، راهنمای کتاب و نگین چاپ شده است. آرا و گرایشهای خاص : دکتر اسلامی ندوشن ، برخی از آثار خود را با امضای مستعار « م. دیده ور » چاپ و منتشر ساخته است. جوائز و نشانها : کتاب « ابر زمانه و ابر زلف » در سال ۱۳۴۲ به عنوان کتاب برگزیده ی سال از سوی انجمن کتاب انتخاب گردید آثار : مجموعه شعر « چشمه »– مجموعه شعر « گناه »– ترجمه و مؤخره ی پیروزی آینده ی دموکراسی– ترجمه ی جهاد در اروپا– ترجمه ی قطعاتی از رومئو و ژولیت– در کشور شوراها– آزادی مجسمه– ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم– گفت و گوها– افسانه و افسون– زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه– ایران را از یاد نبریم– به دنبال سایه ی همای– فرهنگ و شبه فرهنگ– درباره ی آموزش– گفته ها و ناگفته ها– صفیر سیمرغ– داستان داستان ها– نوشت های بی سرنوشت– کارنامه ی سفر چین– جام جهان بین– آواها و ایماها– دیدن دگر آموز ، شنیدن دگر آموز– داستان کوتاه پنجره های بسته– ترجمه ی آنتونیوس و کلئوپاترا– ابرزمانه و ابر زلف– شور زندگی– ترجمه ی ملال پاریس و برگزیده ای از گل های بدی– ترجمه ی بهترین اشعار هِنری لانگ فلو– روزها ، سرگذشت– تحقیق در منظومه ی ویس و رامین گرگانی–

آویزه ی سخن ها- ایران لوک پیر- ایران و تنهایی اش- باران نه رگبار- باغ سبز عشق- سخن ها را بشنویم- سرو سایه فکن- ترجمه ی عمر خیام- کشور هند و کامنولث- گفتیم و نگفتیم- ماجرای پایان ناپذیر حافظ- مسئله ی عقب ماندگی- نامه ی نامور- منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

اسلامی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی اسلامی در سال ۱۲۷۵هجری شمسی در شهرستان مذهبی سبزوار از خاندان اصیل و رفیع اسلامی، فرزندی بس بابرکت و مسعود دیده به جهان گشود. خاندان ولایی اسلامی نام این کودک را به یاد فرزند رشید امام علی(ع) عباسعلی» نامیدند. وی پس از اینکه تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاه خویش(سبزوار) فرا گرفت، پس از طی مقدمات علمی عازم شهر مقدس مشهد رضوی گردید و پس از مدتی برای ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی از مشهد به نجف مشرف گردید و در جوار با کرامت امیرالمومنین (ع) از محضر علمای بزرگ آن روز به حد اعلا کسب فیض نمود سپس به کربلای معلی مشرف شده و در جوار حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) مجاورت اختیار کند. از کربلا روانه سامرا می گردد ودرکنار حرم با شکوه و روحانی عسکریین ماوی می گیرد و از برکات معنوی آن دو بزرگوار هر چه بیشتر به فیض عنایات ربانی نایل می‌گردد و در موقعیت و زمان مناسب - که حدوداً هفت سال تمام در سامراء بوده‌اند. - از محضر علمای بزرگ همچون آقا میرزا محمد تهرانی(ره)، علم کلام و از محضر آیت اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی، علم اصول و از محضر حاج شیخ محمد تقی شوشتری، علم فقه تحصیل نموده و به مقام والای معنوی و درجات علمی نایل می‌گردد. گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : «پدر عباسعلی شیرازی الاصل و از قبیله قشقایی و جد مادریم از بزرگان بختیاری بودند. در حال حاضر (زمان تهیه کتاب «طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق») آن گروه از اقوام که در سبزوار به سر می‌برند، شناسنامه بختیاری دارند، سلسله اجداد شان به حسینقلی خان ابوقّداره که مزار وی در اصفهان است، می‌رسد.حسینقلی خان و دو برادر وی، علی و حسین از رؤسای بختیار بودند ظاهراً در زمان فتحعلی شاه قاجار طی اختلافی که میان بختیاری‌ها و دستگاه حاکم پیش می‌آید، دولت وقت این سه تن را دستگیر و به سبزوار تبعید می‌نماید. در سبزوار بـا آنکه از وطن و قبیله و عشیره خود مطرود شده بودند، از موقعیت اجتماعی و منزلت و سیاست محروم نگشتند و مردم سبزوار حرمت ایشان را نگاه می‌داشتند و از ایشان اطاعت می‌کردند جد مادریش هر گاه عملی را بر خلاف عدالت و انسانیت از فرماندار مشاهده می‌کرد، بـا تنی چند از زنان محله به مقرّ فرمانداری می‌رفت و نسبت به آنچه واقع شده بود، اعتراض می‌نمود. اعتبار این خاندان هنوز در میان مردم آن دیار پابرجاست و خاطره نیکشان هنوز در اذهان برقرار است...»تحصیلات رسمی و حرفه ای : گرچه مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی تنها فرزند خانواده و عزیزدردانه آن دودمان به حساب می‌آمد، مع الاسف در اوان کودکی او، اختلاف تلخ خانوادگی منجر به جدایی پدر ایشان از مادر می‌گردد، به گونه‌ای که ناچار از اول طفولیت تحت سرپرستی مادر و جد پدری و دایی خویش قرار می‌گیرد. آقای اسلامی، حقاً از استعداد فوق العاده و از حافظه بسیار قوی و بالایی برخوردار بوده است؛ تا آنجایی که در سن چهار سالگی کتب و نشریات را با علاقه خاصی به تقلید از بزرگان می‌خواند. و از سن پنج سالگی به مکتب رفته و شروع به یادگیری قرآن کریم می‌نماید و در شش سالگی به یادگیری کتاب گلستان سعدی می‌پردازد و در مدرسه بزرگ سبزوار زیر نظر عالمی به نام حاج شیخ محمد سبزواری به تحصیل خود ادامه می‌دهد و کتاب جامع المقدمات را نزد حاج آقا شیخ گل حسن، امام جماعت سبزوار فرا می‌گیرد.آقای اسلامی پس از اینکه تحصیلات ابتدایی خود را که شامل آشنایی با ادبیات، قرآن و سطح ابتدایی و فقه و احکام بود، در زادگاه خویش (سبزوار) فرا گرفت، - پس از طی مقدمات علمی - عازم شهر مقدس مشهد رضوی گردید. و از محضر علمای بزرگ مشهد به ویژه مرحوم آیت اللّه حاج میرزا احمدی اصفهانی و آیت اللّه حاج آقا حسین قمی و آیت اللّه کفایی (پسر مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب کفایهٔ الاصول) بهره‌های علمی فراوانی کسب نمود. و پس از مدتی برای ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی از مشهد به نجف اشرف - که در آن روز مهد علم و از بزرگترین حوزه‌های علمی، اسلامی به شمار می‌آمد. - مشرف گردید و در جوار باکرامت امیر المؤمنین علی(ع)از محضر علمای بزرگ آن روز به حد اعلاـ کسب فیض نمود و تا حد توان بر مدارج علمی خود افزود؛ که متأسفانه در اثر کثرت مطالعات و اشتغال، دچار عارضه ضعف چشم گردید، به طوری که اطبا اکیداً او را از مطالعه و نگاه به کتاب منع نموده و برحذر داشتند که به هیچ وجه به کتاب نگاه نکند!! لذا بنا به پیشنهاد دوستان تصمیم گرفت که تا به دست آمدن بهبودی نسبی چشم خود، به کربلای معلّی مشرف شده و در جوار حضرت ابا عبداللّه الحسین(ع)مجاورت اختیار کند. و ظاهراً مدت یکسال در کنار تربت پاک سید الشهدا(ع)از محضر علمای بزرگ همچون حضرت آیت الّه خویی(ره) و آیت اللّه حاج شیخ جعفر رشتی(ره) به کسب علم و دانش می‌پردازد و به قدر توان بهره‌مند می‌گردد. در این روزها است که بار دیگر در اثر هوای گرم کربلای معلی ضعف چشم و عارضه آن شدت می‌گیرد که ناچار باز هم باید تغییر مکان دهد و از هوای مطلوبتری استفاده کند ؛ لذا با توفیقات الهی از کربلا روانه سامرا می‌گردد و در کنار حرم باشکوه و روحانی عسکریین(ع)مأوی می‌گیرد و از برکات معنوی آن دو بزرگوار هر چه بیشتر به فیض عنایات ربانی نایل می‌گردد و در موقعیت و زمان مناسب - که حدوداً هفت سال تمام در سامراء بوده‌اند. - از محضر علمای بزرگ همچون آقا میرزا محمد تهرانی(ره)، علم کلام و از محضر آیت اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی، علم اصول و از محضر حاج شیخ محمد تقی شوشتری، علم فقه تحصیل نموده و به مقام والای معنوی و درجات علمی نایل می‌گردد.خاطرات و وقایع تحصیل : «... هفت سال در سامرا مجاورت کردم، در این هنگام در مقام تحقیق برآمدم که قبور خلفای عباسی را - که ده سال استقرار حکومتشان در سامرا بود. - بیابم، اما هر چه بیشتر تفحص کردم، کمتر به نتیجه رسیدم. سرانجام خانه متروکه و مخروبه‌ای را یافتم که شهرت داشت:

گور خلفا در آن مکان است!با آنکه اکثریت ساکنان سامرا را اهل سنت تشکیل می‌دهد و بر اساس بینش اینان، هر کس با هر پیشه و کرداری و منزلت و رفتاری – هر چند منحط و پست – بر اریکه حکومت تکیه زند، به حکم قرآن کریم «اولوالامر» است و باید از او فرمان برد!! ولی به رغم این باور عمومی، نام و یاد این حاکمان جائر تاریخ در مقر حکومتشان نیز فراموش شده است! در برابر، شکوه و عظمت امامان پاك سیرت روز به روز افزوده می‌شود و بارگاه ملکوتی حضرت عسکریین(ع) در قلب سامرا چشم آشنا و بیگانه را می‌نوازد!گنبد رفیع این بارگاه ملکوتی در طول اعصار متمادی نشانه شرافت و آزادگی بوده است و ضریح مزار آن امامان همام – که به همت والای ایرانیان و در عهد مرجعیت مرحوم آیت اللّه العظمی سید محسن حکیم ساخته شده – بوسه گاه عاشقان مشتاق است. آیینه این تجربه تاریخی، ترجمان همان آیه کریمه است که: «ای دارنده ملك هستی! تو هر کس را که می‌خواهی، عزت و حشمت بخشی و هر که را خواهی، پست و فرومایه گردانی.»هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای عباسعلی اسلامی مرحوم نواب صفوی و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و امام خمینی را می توان نام برد.وقایع میانسالی : مرحوم عباسعلی اسلامی در اواخر عمر خود با کهولت سن می‌کوشید به هر کیفیت خود را به جبهه‌های حق علیه باطل برساند و وظیفه دینی خود را نسبت به اسلام ایفا نماید.او در سنگرهای بسیجیان، دوشادوش جوانان رزمنده و دلاوران ایران اسلامی به پیش می‌رفت. او در جبهه حق با جان و دل از حریم اسلام دفاع می‌نمود. ایشان در بازگشت از جبهه، قطعات کوچك خمپاره‌های دشمن را به عنوان سوغات با خود می‌آورد و بارها می‌گفت: «مدتها در انتظار بودم که قطعه‌ای از اینها نیز نصیب من می‌گشت تا فوز عظیم شهادت در راه خدا را در آغوش گیرم ولی نصیبم نگشت!!»او با روحیه دشمن ستیزی که داشت تا حد امکان از حریم اسلام و قرآن دفاع نمودزمان و علت فوت : عباسعلی اسلامی در اواخر عمر در میدانهای حق علیه باطل در کنار بسیجیان جان برکف و در صف حزب اللّه و جنداللّه به عنوان مجاهد فی سبیل اللّه حضور یافت و از قرآن و اسلام حمایت نمود.مرحوم اسلامی، در آخرین لحظات روزهای زندگی با قلبی مالامال از نعمت پرفیض ولایت و با دلی از استقرار جمهوری اسلامی، در فروردین ماه ۱۳۶۴شمسی (مطابق با بیست و پنجم رجب شهادت حضرت موسی بن جعفر(ع)) جان به جان آفرین تسلیم و در جوار کریمه اهل بیت، فاطمه معصومه(س)در شهر مقدس قم، (عشق آل محمد(ص)) در آرامگاه ابدی خویش بیارمید. محل دفن: گوشه صحن بزرگ دست چپ اولین حجره. از خداوند منّان علوّ درجات مرحوم اسلامی و همه علمای راستین اسلامی را خواستاریم.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباسعلی اسلامی از راه نوشتار و قلم نیز آثار پربرکتی از خود به یادگار گذاشت. ایشان علاوه بر تأسیسات مهم عام المنفعه از قبیل مساجد، کتابخانه، حسینیه، دارالایتام و... با دور اندیشی خاصی موفق شد بیش از ۱۸۰باب مدرسه دخترانه، پسرانه، دبستان و راهنمائی و دبیرستان در تهران و در اکثر شهرهای بزرگ و کوچك تأسیس نماید و بیش از ۵۰هزار دانش‌آموز، در هر دوره تحصیلی از مدارس ایشان به کسب علم و دانش با تربیت اسلامی مشغول باشند و جامعه تعلیمات اسلامی عنوان همه مدارس ایشان است.او در مواقع حساس و خطرناك با شهامت در مقابل دشمنان اسلام و قرآن ایستاد. ایشان در راه دین با فدائیان اسلام و با مرحوم آیت اللّه کاشانی(ره) همکاری نزدیك داشت و در دوران انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری بزرگ مرد تاریخ اسلام و جهان، نایب الامام حضرت آیت اللّه العظمی امام خمینی:؛ با اطاعت کامل در کنار امام امت ایستاد و از اسلام و قرآن دفاع نمود.فعالیتهای آموزشی : پس از سالها اقامت در کشور عراق و بعد از تحمل زحمات طاقت فرسا همچون همه طلاب و علمای دین، جهت به دست آوردن مدارج علمی و معارف مذهبی، به حکم آیه مبارکه:(فلو لا نفر من کلّ فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فی الدّین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون)و حسب الامر حضرت آیت اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی(ره) – که زعامت علمی و مرجعیت دینی آن زمان را بر عهده داشتند. – اسلامی عزیز با کوله باری از اندوخته‌های علمی و معارف مذهبی به ایران مراجعت می‌کند.و بعد از چندی که در کنار تربت پاك امام هشتم(ع)در مشهد مقدس رضوی رحل اقامت می‌افکند، پس از مدتها تدبر و تفکر جهت انجام وظیفه خود، سرانجام تصمیم می‌گیرد که به تهران رفته و پایگاه تبلیغی و خدمات معنوی خویش را در آنجا قرار دهد، که این تصمیم به جا و مناسب به مرحله عمل می‌رسد و رسماً تهران را محل فعالیت برنامه‌های تربیتی و مذهبی خود قرار می‌دهد و برای نجات نسل جوان از طوفان ویرانگر فرهنگ منحط غرب – که سر تا سر ممالك اسلامی جهان و مخصوصاً کشور ایران را فرا گرفته بود. – جداً وارد میدان عمل می‌گردد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عباسعلی اسلامی برای نجات نسل جوان، خانه دو اتاقی خود را به مدرسه شبانه تبدیل می‌کند که روزها خود در آن زندگی می‌کند و شبها مدرسه است و آرام، آرام برنامه‌های تربیتی و مذهبی خویش را آغاز می‌کند و عده‌ای انگشت شمار از آشنایان و همسایگان به عنوان شاگردان اولیه این مؤسسه کوچك درآمده و مشغول فراگیری احکام الهی و مسائل اخلاقی می‌گردند.و از آنجایی که هدف، لله و قصد، یاری دین خدا بوده، طولی نکشید که این مؤسسه به ظاهر کوچك و ناچیز در سراسر ایران گسترش پیدا کرده تا جایی که به صورت جامعه تعلیمات اسلامی با تعداد بیش از ۱۸۰مدرسه و دبیرستان دخترانه و پسرانه با بیش از پنجاه هزار دانش‌آموز باایمان جلوه‌گر می‌گردد.از دیگر آثار فرهنگی آقای اسلامی، علاوه بر تأسیس چندین باب دارالایتام و حسینیه، قریب ۸۰مسجد و پایگاه مهم دینی است که با جدیت و کوشش فراوان تأسیس نموده و مورد بهره برداری همنوعان مسلمان او قرار گرفته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در عصر اختناق و روزهای استبداد و در زمانی که دشمن سر سپرده اسلام، رضا شاه خائن صریحاً فرمان کشف حجاب را صادر کرد! و در روزهایی که دختران و زنان مسلمان به حکم پهلوی مزدور حق نداشتند با حجاب اسلامی از خانه‌های خود بیرون بیایند! و به گفته پسر پست‌تر از پدر (محمد رضا پهلوی):«پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد ؛ به موجب این دستور هیچ زن و یا دوشیزه‌ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت، و اگر زنی با روبند و چادر در کوچه پیدا می‌شد، پاسبان از وی تقاضا می‌کرد که روبند خود را بردارد و اگر امتناع می‌کرد، جبراً چادر او را بر می‌داشتند! تا زمانی که پدرم سلطنت می‌کرد، در سراسر کشور این منع برقرار بود.»اسلامی شجاع و عالم به زمان، اوضاع و شرایط سیاسی، پس از ایستادن و استقامت در مقابل این فرمان ننگین و خلاف قرآن و بعد از رنجها و شکنجه‌ها و زندانها، از همان راهی که دشمن پیش گرفته و ریشه‌های دینی را یکی پس از دیگری قطع می‌کرد و پیش می‌رفت! از همان راه وارد میدان عمل می‌شود و برای دفاع از حریم دینی و قرآن به پیش می‌رود.جالب آنکه اسلامی بزرگ در مقابل قدرت دژخیمی و قلدری جاهلانه پهلوی و اربابانش، با دلی قوی و روحیه‌ای قویتر و استوار

ایستاد.آرا و گرایشهای خاص : پیرو راستین امیرالمؤمنین علی (ع) مرحوم اسلامی در دوران زندگی خویش شعاری داشت که نه تنها در زبان بلکه از اعماق قلب او سرچشمه می‌گرفت و به مرحله عمل می‌رسید. او بارها در برخورد با علمای بزرگ و مراجع دینی می‌گفت:«روحانیت پاسدار اسلام و نوکران امام زمان(ع)هستند و باید با تمام وجود به دفاع از حریم اسلام و ارزشهای دینی به پا خیزند.»او با صراحت می‌گفت:«وظیفه روحانی بسیار سنگین است و روحانی وظیفه دارد، مساجد و محافل مذهبی را به پایگاه نشر معارف اسلامی مبدل سازد و رسالت روحانی در این خصوص دشوارتر از دیگران است. روحانی به لباس سرباز دینی درآمده است و باید راهدار طریق شرع باشد.»او می‌گفت: «امر به معروف و نهی از منکر بر همگان فرض و واجب است، ولی مسئولیت سنگین آن بر عهده روحانیت است. وظیفه روحانی است در سامان بخشیدن به نابسامانی‌های مسلمانان بکوشد و در اخلاقیات و اقتصادیات، اجتماعات و حتی مسائل شخصی و خانوادگی اعم از کلی و جزئی یار و مددکار آنان باشد. و از روحانی راستین جز این انتظار نمی‌رود. اعاظم روحانیون عالم تشیع می‌کوشیدند که گام در جای پای ائمه خویش(ع) بنهند و جز این سان عمل ننمودند.»آثار : ۱ جهاد ۲ راه حسین و دوازیا رفته ۳ طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق ویژگی اثر : خاطرات آن مرحوم می باشد که پس از مرگ نشر یافت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

اسلامی، عبدالستار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستاراسلامی از مشاهیر علماء و دانشمندان آبادان است که بفضل و تقوا موصوف و بتعصب و غیرت در امور دینی معروف میباشند، بنابر اصرار و مراسلات عدیده اینجانب شمه‌ای از بیوگرافی و ترجمه خویش را مکتوبا ارسال داشته‌اند که عینا می‌نگارم:

بسمه تعالی الذی خلق الانسان و علمه مالم یعلم و رفع مقامه بما شرفه من الکتابه بالقلم و جعل منهم انبیاء لهدایه الامم فکانوا کمصابیح لاناره الطرق من الظلم و مفاتیح لکشف المعضلات وایضاح البهم و صلی‌الله علی سیدهم و خاتمهم محمد اشرف من وطیء الثری بالقدم باعث ایجاد الخلق من العدم و علی آله الطاهرین المیامین ساده العرب والعجم.

و بعد بر خاطر عاطر پوشیده نماناد که بر حسب خواهش و امر سر کار که شرح حال این فقیر درگاه الهی و گوشه‌نشین خانه تنهائی را خواستار شدید برای اجابت و امتثال بیان حال را بمقدار خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول آن جناب باشد اگر چه خود مرا قابل این معنی نمی‌دانم که شرح حالم با شرح علماء درج و ثبت گردد. چون من نوکری برای علم و اهلش بیش نیستم (وافتخر بان اکون خادما للعلم و اهله و ما- نحن واهلم العلم اتهم جزاهم‌الله خیرا اتعبوا انفسهم و افادوا واسهروا اعینهم و کتبوا و اجادوا فقامت عمادالدین بافاداتهم و تعلم الناس بکتبهم و رسالاتهم و نحن لانلحق شأوحهم علی مضمار و لانصل الیهم فی حبار و لامعیار ولکن ما لایدرک کله لایترک کله اوجلّه فکتبت المیسور اذهو لایسقط بالمعسور و علی‌الله المعول فیما کتبت و شرح الصدور.

حقیر در سن ۱۲ سالگی وارد نجف اشرف شدم و مرحوم والد ماجد ممجد سمی خاتم‌الانبیاء محمد قدس‌اللهسره که از شاگردان بنام مرحوم رئیس‌المله والدین السید محمد کاظم یزدی انارالله برهانه بودند مرا برای کسب معارف الهیه بنجف برد و بمقدار وسع در آن محل امن و امان مستمدا من برکات صاحب البقعه المبارکه العلویه کسب فیض نموده و از اساتید محترم که شمارشان از بیست متجاوز است اخذ و استفاده نمودم بحمدالله و منه که حضرت مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین اعجوبه لنکران آقای شیخ مجتبی طرید عراقیها که الآن در سن پیری در اصفهان است یکی از اساتید است و اجازات علمیه و امور حسبیه و اجازات حدیث از بسیاری از مراجع اموات و احیاء در دست دارم که صلاح در نشر و پخش آنها نیست یکی از آن اجازات حدیثیه از مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی است و یکی از جرثومه فضل و تقوا آیه‌الله المرعشی النجفی اطال‌الله عمره و نفع المسلمین بوجوده می‌باشد که بسیار مفصل و محتوی مطالب ارزنده که میرسد بمعصوم علیه‌السلام و یکی از مرحوم استاد علم الحدیث نابغه زمان خود آیه‌الله آقا بزرگ تهرانی قدس سره میباشد.

و پس از فوت مرحوم والد طیب‌الله و مسه مرحوم خلد آشیان پدر یتیمان علامه ثانی آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهبهانی مرا فرستادند برای رتق و فتق امور شرعیه در عشایر آبادن هشت فرسنگی که قریب پنجاه هزار یا بیشتر که بیش از چهار فرسنگ طول منازل آن عشایر است عرب و عجم شیعه و سنی اصولی و اخباری هستند و بفضل حق تعالی (قمت فیهم ثلاثین سنه احسن قیام) و ترویج شرع نمودم با حسن الترویج و دفع و رفع خرافات کردم که بحمدالله مشهور شدم بین عشایر علی اطلاقها (بانه لاتأخذه فی‌الله لومه لائم و صرفت ما حصلته من الحقوق باقامها بین الفقراء والارامل والایتام والله المنه علی فی ذلک حتی خرجت من العشایر بعله ضعف المزاج) و مرضهای پی در پی برای بدی آب و هوای آنمحل و ساکن آبادان شدم در حالیکه مالک چیزی از مال نیستم نه دیناری و نه درهی نه ملکی و نه منزلی سپاس خدائی را که مرا چنین قرار داد و مرا از دینش اینطور تعلیم نمود و اکنون دوازده سال است که در آبادان بامور دینی و اقامه جماعت اشتغال دارم و میان اقران مشهور بزهد و تقوایم زیرا با هیچ اداری و ثروتمندی و شیخ عشیره‌ای معاشرت و آمیزش ننمودم و دندان طمع را از اموال مردم کندم و روی این جهت عزیزتر از دیگران شدم بجهت اینکه هرکس قناعت کند عزیز است و هر کس طمع در اموال مردم نماید موهونست و کسیکه از مردم عزلت گزیند از ایشان بسلامت خواهد بود.

و در هر شب بعد از نماز احکام خدا را بیان کرده و در منبر برای مردم اخلاق می‌گویم.

و جماعت و منابرم از فضل خدا مشهور و درب کتابخانه‌ام برای واردین و میهمانان و نیازمندان و ارباب سئوال باز است.
آثار قلمی از اینقرار است.
۱- نظریاتم را بر کتب مطالعه شده از سنی و شیعه نوشته‌ام.
۲- دفتری متوسط محتوی مطالب ارزنده و اشعاری مطلوب کامل است.
۳- کشکول اسلامی که در آن همه چیز موجود است.
۴- کتابی بنام المهدی و صفاته در دو جزء اولی تمام دومی ناتمام بعربی و فارسی.
۵- کتابی در تلخیص (بیان و تبیین) بنام الدرالثمین فی المنتخب من البیان و التبین جاحظ عثمانی.
۶- کتابی باز در کشکول بطرزی بدیع ناتمام.
۷- اربعین حدیث از کافی شریف و کتابها و رساله‌های دیگر در امور مختلفه.
۸- ایقاظ الانام عن خرافات العوام.
واما باقیات الصالحات ایشان.
۱- مسجد محمدی در نهر اردشیر- قصبه. (بضم قاف نام حومه آبادان)
۲- مسجدی محمدی در نهر حد- قصبه.
۳- حسینیه در نهر اردشیر- قصبه.
۴- حسینیه حاج یونس در سنافی.
۵- حسینیه ملا ابراهیم در نهر فجری- قصبه.
۶- ترمیم و اصلاح ساختمان مساجد منطقه مذکوره و فرش آنها.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اسلامی، قاسم

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ قاسم واعظ تهرانی از وعاظ مجاهد و مبلغین مبارز و فداکار معاصر است تولدش در تهران واقع و پس از خواندن مقدمات مهاجرت به قم نموده و سطوح عالی را نزد اساتید و مدرسین بزرگ خوانده و به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی خونساری و بعضی از آیات دیگر حاضر شده و استفاده‌ها نموده آنگاه به تهران مراجعت و به ترویج دین و به تبلیغ اسلام و پیکار با منحرفین و فرقه ضاله از راه منبر پرداخته و حوادث ناگواری را تحمل کرده و تا هم اکنون به این سمت و پست حساس مفتخر و موفق به خدمات دینی و روحی می‌باشد.
مولف گوید: آقای اسلامی مزبور واعظی غیور و عالمی متعصب و از خود گذشته است آثار علمی و قلمی چندی دارد که از آنها کتاب پاسخ به دکتر علی شریعتی در دو جلد به طبع رسیده است.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اسلامی، محمد تقی

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی اسلامی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱
زندگینامه علمی
اینجانب پس از پایان تحصیلات در مقطع راهنمایی تحصیل در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) گذراندم. دروس سطح حوزه را نیز از سال ۱۳۶۶ آغاز کردم و در درس حضرات اساتید علی محمدی خراسانی، آقارسول موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی و شیخ حسین توتونچی تهرانی (ره) شرکت جسته، این دروس را در حدود سال تحصیلی ۷۲ ـ ۷۱ به پایان بردم.
از سال ۱۳۷۰ به صورت موقت و آزمایشی در برخی کلاس‌های درس خارج شرکت می‌کردم. تا این که رسماً از سال ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات سبحانی، وحید خراسانی و جوادی آملی شرکت جستم. در ضمن دروس و مباحثات حوزوی به پیشنهاد برخی از دوستان هم بحث، در دوره عمومی دروس موسسه در راه حق شرکت نمودم.
سال ورود من به موسسه در راه حق (که بعداً با نام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در ساختمان جدید فعالیت خود را ادامه داد) سال ۱۳۷۱ (سال تحصیلی ۷۲ ـ ۷۱) بود. پس از گذراندن دروس عمومی طی چهار سال، در سال تحصیلی ۷۶ ـ۷۵ در

آزمون ورودی دوره کارشناسی ارشد در رشته تخصصی دین‌شناسی پذیرفته شدم. و پس از طی دوره تحصیلی در سال ۱۳۸۰ با دفاع از پایان‌نامه‌ای تحت عنوان" نقد و بررسی نظریه جان مارتین فیشر در باب مسئولیت اخلاقی "فارغ التحصیل شدم. البته ضمن تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود را با پذیرفتن پروژه‌هایی از مراکز تحقیقاتی مختلف و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی، از سال ۱۳۷۸ آغاز نمودم و تاکنون فعالیت‌ها ادامه دارد.

پس از فارغ التحصیلی ابتدا حدود ۸ ماه با معاونت تدوین متون درسی معارف اسلامی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به عنوان کارشناس گروه اخلاق همکاری علمی پژوهشی داشتم. پس از آن از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برای تأسیس و تشکیل یک گروه علمی پژوهشی کارآمد در حوزه اخلاق اسلامی دعوت شدم و کار اصلی پژوهش خود را در این رشته ابتدا در قالب هسته‌ای علمی، پژوهشی آغاز نمودم و با رسمیت یافتن گروهی با نام گروه اخلاق و تربیت در این پژوهشگاه به عنوان عضو هیئت علمی به فعالیت خود ادامه می‌دهم.

اسلامی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا اسلامی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد رضا اسلامی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بهشهر دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۵۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، آیت الله جوادی آملی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته معارف اسلامی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۶۱ از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید .

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، در این دانشگاه و دانشگاه آزاد گرگان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" حج "و "نبوت برآمدی بر فلسفه "و غیره را به رشته تحریر در آورده است و به زیور طبع آراسته است.

اسلامی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی اسلامی نجفی فرزند ارشد حجهْالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستار اسلامی بهبهانی که در این منطقه سکونت دارد و مورد احترام تمام‌بخش و رهبر دینی ساکنین بخش مزبور می‌باشد. معظم له در نجف اشرف به سال ۱۳۱۳ شمسی متولد شده و پس از فوت جدش مرحوم حجهْالاسلام والمسلمین آقا شیخ محمد بهبهانی که وکیل مطلق مرحوم آیت‌اللّه آقا سید کاظم یزدی در بخش قصبه بوده والد ماجدش که از طرف مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی به عشایر بخش قصبه اعزام گردیده وی را به قصبه آورده و در سن هفت سالگی قرآن کریم و خواندن و نوشتن را در مکتب آموخته و در سن ۱۰ سالگی به شهر آبادان رفته و علوم جدیده را فراگرفته و در سن شانزده سالگی جهت تحصیل علوم دینیه و معارف الهیه به نجف اشرف عزیمت نموده و در مدرسه مرحوم شر بیانی و بعد در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند به تحصیل پرداخته و دروس مقدماتی و متوسطه و عالی اعم از علوم صرف و نحو و معانی بیان و فقه و اصول و اخلاق و تفسیر و حدیث و منطق و کلام را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید شکراللّه بهبهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم حجهْالاسلام آقا شیخ محمد رشتی و حجهْالاسلام حاج شیخ محی‌الدین مامقانی و حجهْالاسلام آقا میرزا علی آقا فلسفی و حجهْالاسلام آقا شیخ محمدعلی سرابی و حجهْالاسلام میرزا کاظم تبریزی و حجهْالاسلام آقای آقا شیخ صدرا و حجهْالاسلام آقا شیخ محمدعلی افغانی فراگرفتند و در همان اوان تدریس علوم ادبی را برای جمع کثیری از طلاب نموده سپس درس خارج اصول را از محضر آیت‌اللّه

خوئی و خارج فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حکیم و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت‌اللّه شاهرودی استفاده نموده و در اثر حافظه قوی و جدیت شدید در تحصیل (به حدی که بیمار و مبتلا به عارضه چشم گردیده) و در سن ۲۶ سالگی پس از ده سال علوم مختلفه به سال ۱۳۸۰ قمری فارغ‌التحصیل گردیده و به مقامات عالیه علمی رسیده است چنانچه آیات عظام نجف مراتب فضل او را تصدیق و تأیید نموده‌اند.

جناب آقای اسلامی در سال ۱۳۸۰ قمری بنابر توصیه پزشکان و دستور مرحوم آیت‌اللّه حکیم جهت معالجه به کشورهای لبنان، سوریه، مصر، اردن، ایران مسافرت نموده و پس از مراجعت به نجف اشرف و مسافرت به کویت و ایران از طریق بحرین به مکه مشرف و پس از سفر حج و تشرف به عتبات عالیات عراق در سال ۱۳۸۱ ق حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه حکیم و سائر مراجع تقلید نجف اشرف با وکالت مطلقه و توثیق آنان بوطن خود قصبه آبادان برگشته و ساکن شدند و از بدو عودت ایشان به قصبه و انتقال والد ماجدشان به شهر آبادان معظم له به ترویج مبانی مذهبی و تعظیم شعائر دینی و بیان احکام شرعی و رسیدگی به حال مستمندان و اصلاح بین مسلمین و حل و فصل اختلافات محلی و سایر وظائف شرعیه اشتغال دارند و در مسجد جامع محمدی در نهر علیشیر (معروف به مسجد الشیخ که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد می‌باشد و والدشان تجدید بناء نمودند) اقامه نماز جماعت می‌نمایند معظم له مضافاً بر انجام وظائف شرعیه از اول اقامتشان در قصبه منشأ خدمات ارزنده مذهبی از قبیل تأسیس مساجد و حسینیه‌ها و تجدید بناء آنها و همچنین منشأ خدمات ملی و عام‌المنفعه بوده و هستند

آثار وی از مساجدی که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس گردیده بدین قرار است

۱- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر علیشیر به تصدی آقای حاج عباس و شیخ ابراهیم بهبهانی

۲- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر حاج علی (به چاچره) به تصدی آقای حاج صالح بهبهانی

۳- مسجد نهر قائمیه به تصدی حاج علی جاسی ۴- مسجد نهر مچری معمره به تصدی حاج ملا ابراهیم فاضلی

۵- مسجد نهر بوچمپه به تصدی آقای سید قاسم ۶- مسجد نهر علیشیر که در شرف ساختمان است بوسیله آقای حاج جواد بهبهانی

اما حسینیه‌ها که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس یا تجدید بنا گردیده و از ساختمان گلی به ساختمان آجری و امروزی تبدیل شده زیاد است و از آنجمله است

۱- تأسیس حسینیه در نهر ابوالفلوس به تصدی سبهان حاج جابر

۲- تأسیس حسینیه زنانه در نهر عوفی به تصدی زایر جمد شلوان

۳- تجدید بناء حسینیه محمدی در نهر علیشیر (که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد بوده) که هر ساله طبق طریقه‌ی والد واجدشان دهه اول محرم مجلس سوگواری در آن برگذار می‌شود.

۴- تجدید بناء حسینیه حاج زباری در نهر علیشیر

۵- تجدید بناء حسینیه حویجی در نهر بلامه

۶- تجدید بناء حسینیه شعبان در نهر بلامه

۷- تجدید بناء حسینیه علویه در نهر مچری

۸- تجدید بناء حسینیه سلطانی در نهر قصر و غیر ذلک از آثار خیر و خدماتی که ذکر آنها موجب اطنابست و معظم له از غالب مراجع تقلید نجف اشرف و قم دارای اجازات و وکالت مطلقه در امور حسبیه و روایتی و شهادات آنان بر توثیق و مقام علمی می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسلامیان، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا اسلامیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ‌الاسلام والمسلمین اسلامیان در سال ۱۳۷۲ هجری قمری در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دلباخته خاندان پاک پیامبر اسلام (ص) چشم به جهان گشود. پدرش از کسبه شهر قم و از ارادتمندان به علما و مجتهدان این شهر عالم‌پرور بود که از راه چینی و بلورفروشی روزگار می‌گذرانید. حجهٔ‌الاسلام والمسلمین اسلامیان تحصیلات دبستانی خود را در مدرسه محمدیه قم به پایان رسانید. سپس به سفارش پدر، به نزد دایی خود که از فضلای حوزه علمیه قم بود، رفت و دروس حوزوی را نزد او آغاز کرد. پس از او خدمت چند استاد دیگر در زمینه ادبیات عرب مشرف شد، ضمن اینکه روابط علمی خود را با دایی خود قطع نکرد. پس از اتمام بخشی از دروس دوره مقدمات به مدرسه علمیه حقانی رفت. مدرسه علمیه حقانی در آن روزگار از مدارس مهم حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد که با روشی جدید به آموزش دروس حوزوی همت گماشته بود. در این مدرسه که مسؤول آن شهید آیت‌الله قدوسی (ره) بود، علاوه بر دروس حوزوی، دروسی که هر طلبه در امور تبلیغی خود بدان نیاز داشت، آموزش داده می‌شد، از جمله

زبان انگلیسی، ادبیات فارسی و... .

حجهٔالاسلام والمسلمین اسلامیان در آن مدرسه، دروس مقدمات را پی گرفت و سپس دروس دوره سطح را در آنجا به اتمام رسانید و به درس خارج عالمان و استادان مشهور دوره خود راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد، ضمن اینکه در طی این سالها در دروس اخلاق نیز شرکت جدی داشت تا همواره علم خود را با عمل توام سازد.

حجهٔالاسلام والمسلمین اسلامیان در سالیان تحصیل خود به محضر استادان بسیاری راه یافت. او که دروس جامع‌المقدمات و سیوطی را نزد دایی خود و حجج اسلام علی طیبی و صدیقیان فرا گرفته بود، در درس مغنی حجهٔالاسلام والمسلمین فیاضی یزدی قمی و درس معانی و بیان آیت‌الله خزعلی و آیت‌الله گرامی شرکت کرد. او اصول فقه را نزد حضرات آیات خزعلی، جنتی و استادی، معالم الاصول را نزد استادان تقوی اشتهاردی، و شرح لمعه را نزد حضرات آیات حرم پناهی، گرامی، محمدی گیلانی، مظاهری، مصلحی اراکی، طاهری خرم‌آبادی، فاضلی اشتهاردی، شهید قدوسی و شهید سلطانی اشتهاردی آموخت و در درس رسائل حضرات آیات محمدی گیلانی، صانعی، آذری و درس مکاسب حضرات آیات خزعلی و احمدی میانجی حاضر شد. بخشی از کفایهٔ الاصول را نیز نزد آیت‌الله صانعی و تفسیر را نزد آیت‌الله مصباح یزدی فرا گرفت، ضمن اینکه در طی این سالها، دروسی همچون ادبیات فارسی، املاء و انشاء و زبان انگلیسی را نیز آموخته بود.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ کاظم تبریزی (ره)، آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی (ره)، آیت‌الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، آیهٔ‌الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیهٔ‌الله شاه‌آبادی رفت و سالها از خرمن دانش و معرفت آنان خوشه چید. در بخش فلسفه نیز از محضر آیات عظام جوادی آملی، مؤمن قمی، امینی و صدر بهره برد. او در سالهای تحصیل خود با فضلا و عالمان بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان از حجج اسلام آقایان شب‌زنده‌دار، عندلیب، علی مؤمن و محمود رجبی نام برد.

حجهٔالاسلام والمسلمین اسلامیان در سالهای مختلف زندگی خود فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. که از جمله آنها شرکت در مجمع الفقه است که در آن به تألیف رساله‌ها و نوشته‌های گوناگون فقهی پرداخته می‌شود.

وی در طول سالهای تحصیل و پس از آن به مناطق گوناگونی سفر نموده و به تبلیغ عقاید شیعه پرداخته است که از جمله آنها می‌توان به سفر او به شهر مهران و دره‌شهر در سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد. همچنین وی مدتی در دفتر امام (ره) به بررسی نامه‌های رسیده و اقدام مقتضی آن می‌پرداخته است.

حجهٔالاسلام و المسلمین اسلامیان در طول سالهای رژیم طاغوت و پس از آن، همواره چون مردم ایران اسلامی، زندگی توام با مبارزه را طی نموده است. از فعالیتهای سیاسی وی در زمان رژیم شاه می‌توان به افشاگریهای او اشاره کرد که در سال ۱۳۵۱ به مدت دو ماه به زندان افتادند.

اسماعیل پور نیازی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن اسماعیل پور نیازی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تابستان سال ۱۳۶۶ پس از طی مقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم. در گام اول قدم در مدرسه مبارکه فیضه مازندران (شهرستان بابل) تحت نظارت مدیریت و اشراف حضرت آیت الله فاضل استر آبادی نهادم.

پس از طی مراحل اولیه تحصیل در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در قم در دروس سطح از دروس استاد آیت الله سید علی محقق داماد و دیگر اساتید استفاده کردم. در درس خارج نیز در فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار آیت الله سیدعلی محقق داماد، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله لاریجانی حاضر شدم.

همزمان با تحصیل در مقطع خارج در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز طی یک دوره چهار ساله در مقطع سطح چهار از محضر اساتید بزرگوار آیت الله معرفت، آیت الله خزعلی، آیت الله دکتر احمد بهشتی، حجت الاسلام دکتر نقی پورفر و اساتید دیگر بهره مند شدم. پس از اتمام دوره تحصیل رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن به دلیل احساس نیاز به مباحث عقلی و فلسفی در رشته فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل شدم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.

در بهار سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن را تحت عنوان «آزادی و ارتداد از دیدگاه قرآن» با راهنمایی و مشاورت استاد آیت الله معرفت و استاد دکتر نقی پورفر دفاع کردم و با درجه عالی داوران همراه بود. پیش از آن در سال ۱۳۸۳ پایان نامه فوق به عنوان پژوهش برگزیده سال در حوزه دین پژوهی از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور انتخاب و معرفی شد.

در بخش تحقیقات علمی نیز با مرکز جهانی علوم اسلامی در تدوین درسنامه، مرکز پژوهشهای صدا و سیما در تألیف کتاب و

پژوهشکده فرهنگ و اندیشه (کانون اندیشه جوان) برای تدوین کتاب همکاری داشته و دارم.

اسماعیل پور، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، نویسنده، محقق، مترجم، اسطوره‌شناس، مانی‌شناس، استاد تمام دانشگاه شهید بهشتی در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی است. [۱] [۲] او همچنین از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶، رئیس مرکز تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای بوده‌است.

زندگی:

ابوالقاسم اسماعیل پور در سال ۱۳۳۳ در شهرستان بابل به دنیا آمد و دیپلم متوسطه اش را در همین شهر گرفت. در سال ۱۳۵۱ به تهران مهاجرت کرد و در سال ۱۳۵۱ از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. او دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دارد.

زندگی حرفه‌ای:

ابوالقاسم اسماعیل پور مدیر گروه زبانشناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، استاد مدعو در دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای (۲۰۰۴–۲۰۰۶)، رئیس مرکز تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای (۲۰۰۴–۲۰۰۶)، رئیس مرکز ایران‌شناسی انستیتو مطالعات خاورمیانه شانگهای (۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶)، عضو انجمن انسانشناسان ایران، عضو هیات تحریریه مجله انسان شناسی دانشگاه تهران، عضو هیات تحریریه پژوهشنامهٔ علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، عضو هیات تحریریه مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، عضو انجمن ایران‌شناسی اروپا (SIE)، عضو انجمن بین المللی مطالعات مانوی (IAMS)، عضو هیات تحریریهٔ پژوهشنامهٔ علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، سردبیر نامهٔ پژوهشگاه، مجلهٔ علمی پژوهشی پژوهشگاه میراث فرهنگی است

تألیفات:

- اسطوره آفرینش در آیین مانی، انتشارات کاروان
- اسطوره، بیان نمادین، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۷.
- زیر آسمانه‌های نور (جستارهای ایران شناسی و اسطوره شناسی)، انتشارات میراث فرهنگی / نشر افکار، ۱۳۸۳.
- ادبیات مانوی (با دکتر مهرداد بهار)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۵ (در دست انتشار).
- سرودهای روشنایی (جستاری در شعر ایران باستان و میانه و سرودهای مانوی)، تهران: نشر اسطوره

ترجمه‌ها:

- ف. ژیران، اساطیر آشور و بابل، انتشارات کاروان
- ف. ژیران، اساطیر مصر، انتشارات کاروان
- ف. ژیران، بهشت و دوزخ در اساطیر بین النهرین، انتشارات کاروان
- ف. ژیرو، اساطیر یونان، انتشارات کاروان
- کارل گوستاو یونگ، رؤیاها، انتشارات کاروان
- کارل گوستاو یونگ، ضمیر پنهان / نفس نامکشوف، انتشارات کاروان
- آیین گنوسی و مانوی، گروه مولفان، ویراسته میرچا الیاده، تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۳.
- هنر مانوی، هانس یواخیم کلیم کایت، نشر اسطوره، ۱۳۸۴.
- زبور مانوی، س. ر. س. آلبری، تهران: انتشارات فکر روز ۱۳۷۵.
- مجموعهٔ ۶ جلدی اساطیر جهان، گروه مولفان، تهران: انتشارات کاروان– نشر مرکز–چشمه، ۱۳۸۵–۱۳۸۲.
- دانشنامه اساطیر جهان، گروه مولفان زیر نظر رکس وارنر، تهران: نشر اسطوره، ۱۳۸۶
- اساطیر جهان، گروه مولفان زیر نظر ویلیام داتی، تهران: نشر اسطوره، در دست انتشار.
- ادبیات گنوسی، گروه مولفان، تهران: نشر اسطوره، در دست انتشار.

مقالات:

- «میتره در باستانشناسی ایران»، مجله باستان شناسی و تاریخ، س ۲، ش ۷۲، بهار/تابستان ۱۳۶۷.
- «زبور مانوی: گفتاری در شعر ایران باستان»، زنده رود: فصل نامه فرهنگ، ادب و تاریخ، ش ۲و۳و زمستان۱۳۷۱–بهار ۱۳۷۲.
- "میتره در اوستا، مجله باستان شناسی و تاریخ، س ۹، ش ۱، آبان ۱۳۷۴.
- «ویژگی‌های کلی شعر ایرانی در دوره میانه»، ایران شناخت: نامه انجمن ایران شناسان کشورهای مشترک المنافع و قفقاز، ش ۷، زمستان ۱۳۷۶.
- «مهرنامگ، سرودنامه‌ای مانوی» یاد بهار: یادنامه دکتر مهرداد بهار، تهران: انتشارات آگاه، زمستان ۱۳۷۶.
- «بررسی تطبیقی ترانه‌های امیر پازواری و اشعار هجایی پهلوی اشکانی و فارسی میانه»، ایران شناخت، ش ۹، تابستان ۱۳۷۷. تجدید چاپ با عنوان «ترانه‌های طبری امیر پازواری و اشعار هجایی ایرانی» در پژوهش نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۲، زمستان ۱۳۸۰.
- «بازسازی ارژنگ مانی»، مجله باستان شناسی و تاریخ، ش۱و۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، بهار و تابستان ۱۳۷۷.
- «بررسی تطبیقی دیباچه مثنوی معنوی و اشعار گنوسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س۳۵،

ش ۱و۲، ش.م. ۱۳۶–۱۳۷، ۱۳۸۱.

«●بررسی شعر پارتی و فارسی میانه»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، س ۱، ش ۲، پاییز ۱۳۸۰.

«●بررسی اوزان اشعار ودایی– سنسکریت و اشعار ایرانی»، تک درخت: جشن نامه محمدعلی اسلامی ندوشن، تهران: انتشارات آثار / یزدان، بهار ۱۳۸۰.

«●بازتاب فرهنگی کیش مانوی»، پژوهش نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۳، بهار ۱۳۸۱.

«●تیرماه سیزه (جشن تیرگان) و اسطوره تیشتر»، نامه انسان شناسی: فصل نامه انجمن انسان شناسی ایران، س ۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۱

«●کیش گنوسی و عرفان مانوی»، نامه مفید: مجله علمی پژوهشی دانشگاه مفید، س ۸، ش ۲، ش. پ. ۳۰، تابستان ۱۳۸۱.

«●سروده‌های گاهانی»، اباختر: فصل نامه علمی پژوهشی، س ۱، ش ۱و۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.

«●درونمایه‌های اساطیری نوروز»، مجله مطالعات ایرانی، مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۲، ش ۴، پاییز ۱۳۸۲.

«●مانی و مانویت در روایات کهن پارسی تا سده پنجم هجری»، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۲.

«●افسانه سفر مانی به چین بر پایه فارسنامه ابن بلخی و شرفنامه نظامی»، نامه ایران باستان: مجله بین المللی مطالعات ایرانی، س ۳، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲(تاریخ انتشار دی ۱۳۸۳)

«●جستاری در شعر ایرانی میانه غربی»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهرا، س ۱۳و ۱۴، ش ۴۸و۴۹، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳

اسماعیل پور، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اسماعیل پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

شروع به علوم قدیمه از سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضا و بعد از طی مقدمات و قسمتی از سطوح عالی و فراگیری فلسفه و کلام و مقداری طب قدیم و مقداری هیئت در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه قم شدم.

بعد از تکمیل سطح عالی حوزه در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث فلسفی را نیز تکمیل و در طول خواندن درس خارج به مباحثات علمی و تدریس سطح عالی و علوم اعتقادی مشغول بوده ام و بعد از دوره هائی از تدریس کفایهٔ الاصول از سال ۱۳۵۷ شمسی به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بوده که هم اکنون هم ادامه دارد و فعلاً دوره سوم تدریس خارج اصول برقرار می باشد.

در سخنرانی بعد از نماز جماعت چه در قم و چه در شهرضا (قمشه) در ایام مناسب و تعطیلات حوزه مثل ماه مبارک رمضان و تابستان با توفیق الهی یکدوره تفسیر کامل قرآن برای مردم گفته شده است و دوره دوم نیز تاکنون به سوره یونس رسیده است.

اسماعیلی ایولی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسماعیلی ایولی

محل تولد : ساری

شهرت : اسماعیلی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در روستای ایول از توابع بخش چهاردانگه (کیاس) شهرستان ساری مرکز استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در ساری و پس از دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم.

دو سال در حوزه علمیه سعادتیه ساری و سپس در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه قم شد. حدود هشت سال در مدرسه علمیه امام باقر (ع) که از مدارس تحت برنامه مرکز مدیریت بود مشغول تحصیل بودم. همراه با تحصیلات این دوره به صورت متفرقه دیپلم علوم انسانی را گرفتم و در دروس مکاسب، رسائل و کفایه از اساتید محترم سروش محلاتی، حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، نکونام، وحید خراسانی فیض بردم. سه سال در درس خارج اصول استاد صادق لاریجانی و سه سال در خارج فقه استاد مکارم شیرازی و سه سال از خارج اصول استاد جعفر سبحانی بهره بردم.

همراه با تحصیلات سطوح عالیه حوزوی در رشته فلسفه (غرب) دانشگاه مفید دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ به اتمام رساندم. همراه با تحصیلات دانشگاهی در حوزه علمیه در بخش علوم اسلامی عقلی (کلام ـ فلسفه اسلامی ـ عرفان) در درس اسفار استاد دهقانی و درس اسفار و اشارات استاد فیاضی و نهایهٔ الحکمه استاد معلمی شرکت نمودم.

هم اکنون با جامعهٔ الزهرا و گروه معارف دانشگاه سمنان همکاری تحقیقی و تدریس دارم. همچنین به مدت پنج سال با دایرهٔ المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی (ره) از سال ۷۹ تا ۸۴ همکاری داشته‌ام. در ایام تبلیغ و فصل تابستان به تبلیغ و سخنرانی می‌پردازم.

اسماعیلی دهاقانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن اسماعیلی دهاقانی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

اسماعیلی مبارکه، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اسماعیلی مبارکه

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اسماعیلی مبارکه در سال ۱۳۴۱ در روستای مبارکه از توابع جرقویه اصفهان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در روستای پیله وران جنوبی، و ادامه تحصیل را در شهر اصفهان گذراندم.

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پایه اول تا سوم را در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، و سپس در سال ۱۳۶۶پایه های چهارم و پنجم را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) اصفهان گذراندم. در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۵ سطح را در قم یعنی پایه‌های ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم را به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۶ وارد دروس خارج آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله آقا موسی شبیری زنجانی شدم.

بعد از دو سال همراه با ادامه درس خارج فقه و اصول، تخصصی تبلیغ را در مدرسه عالی دارالشفاء شروع کردم و بعد از چهار سال موفق به گذراندن دوره تخصصی تبلیغ با گرایش ارشاد نوجوانان و جوانان تألیف کودک و نوجوان شدم و جزء ممتازین دوره سوم تخصصی تبلیغ، در سال ۱۳۸۰ از مرکز تخصصی تبلیغ مدرسه عالی دارالشفاء فارغ التحصیل شدم و همزمان با طی کردن ۶سال درس خارج فقه و اصول موفق به دریافت سطح چهار حوزه (دکتری) شدم.

در سال ۱۳۸۰ رسماً تدریس خود را در مراکز تخصصی حوزه:

۱- تخصصی تبلیغ تحت عنوان روش تدریس و کلاسداری و روانشناسی تبلیغ و تدریس مفاهیم دینی و تدریس دینی و قرآن، شروع کردم. ۲- تخصصی علوم حدیث، روش تبلیغ حدیث ۳- در تخصصی مهدویت، روش تفسیر برای جوانان را مشغول هستم. ۴- در دانشگاه باقر العلوم (ع) عناوینی مانند: الف) روش تبلیغ ب) روش ارائه مفاهیم دینی، عقاید، تفسیر، احکام، روانشناسی تبلیغ، روش تدریس و کلاس داری را تدریس می‌کنم. ۵- در مجموعه سفیران هدایت قم هم به تدریس مبانی اصول، روشهای تربیتی، روش تدریس، کلاس داری کودک و نوجوانان و روش تدریس و کلاسداری عمومی مشغول هستم. ۶ - در کارشناسی ارشد تخصصی تبلیغ، تدریس کلاسداری کودکان و نوجوانان مشغول می‌باشم. ۷ - در معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی نیز مشغول آموزش ۲۰۰۰ نفر از طلاب طرح هجرت بلند مدت می باشم.

اسماعیلی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل اسماعیلی

محل تولد : کریز کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از فراگیری قرآن در مکتب خانه روستای زادگاهم کریز و پایان تحصیلات ابتدایی کلاس ششم نظام قدیم در سال ۱۳۴۸ وارد مدرسه مرحوم حاج سلطان العلما حوزه علمیه شهرستان کاشمر گردیدم و طلبه شدم.

حوزه کاشمر در آن سالها بسیار پر رونق بود و از شهرهای گناباد، قاین، فردوس، بجستان و تربت حیدریه طلبه ها برای درس خواندن به کاشمر می آمدند. هر سه مدرسه کاشمر، مدرسه مرحوم حاج شیخ، مدرسه عتیق و مدرسه حاج سلطان پر از طلبه بود و با مدیریت مرحوم آیت الله سعیدی برنامه های آموزشی منظم و خوبی در جریان بود، امتحانات به طور مرتب برگزار می شد. در آن زمان تقریبا همه سطوح از ابتدایی و مقدماتی گرفته تا خارج فقه و اصول تدریس می شد. مرحوم آیت الله امامی که از شاگردان میرزای نائینی و هم مباحثه آیت الله خویی بوده است در مدرسه حاج شیخ خارج فقه می گفت. خود آیت الله سعیدی هم علاوه بر مدیریت حوزه و فعالیت های متعدد اجتماعی، مذهبی در چند مقطع تدریس می کرد.

بعد از انقلاب متاسفانه برخلاف بسیاری از شهرستانها حوزه کاشمر دچار رکود شد و اخیراً پس از تقریبا دو دهه بی نظمی و بی رونقی دوباره با همت حجت الاسلام عربی سامان گرفته است و کم کم رونق گذشته خود را باز می یابد. در سال ۱۳۵۲ به اتفاق پسر عمویم حجت الاسلام حاج شیخ علی اسماعیلی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفتم.

در حوزه کاشمر دروس مقدماتی و ادبیات عرب مثل نصاب الصبیان، جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، شرح قطر، حاشیه ملاعبدالله در منطق و برخی دروس دیگر را از محضر استادان مرحوم آیت الله سعیدی، مرحوم حاج شیخ جواد آقا مدرسی، مرحوم حاج آقای فرقانی، مرحوم آقای شریعتی محولاتی، مرحوم آقا ضیاء اولیائی فرا گرفتم و در قم پس از چند ماه سرگردانی و نهایتاً استقرار در مدرسه حجتیه (پارک چهارم حجره ۷۵) و با استفاده از راهنمایی حاج آقای جراسیمی و حاج آقای عرب در برنامه های درسی حوزه شرکت کردم.

معانی بیان را از محضر استاد عرفانی استفاده کردم، شرح لمعه را از محضر آیت الله فاضل هرندی و بخشی از مکاسب را از محضر آیت الله صانعی و بیشتر آن را از آیت الله حاج سید علی محقق داماد و کفایه را از محضر آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. در همان زمان در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی و درس نهج البلاغه آیت الله حسین نوری همدانی نیز شرکت می کردم. قوانین الاصول میرزای قمی را نزد استاد آیت الله دوزدوزانی خواندم. معالم را از استاد فیاضی فرا گرفتم و رسائل شیخ را از محضر آیت الله فاضل هرندی استفاده کردم، مدت کمی نیز در درس آیت الله فانی و مرحوم آیت الله نجفی مرعشی و مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی شرکت می کردم.

در همین سالها فعالیتهای تبلیغی و سیاسی نیز داشتم و در برخی جلسات و فعالیتهای انقلابی شرکت می کردم. جلسه طلاب کاشمر که در آن سالها در منزل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم جلالی کاشمری در جوی شور به صورت هفتگی برگزار می شد و هنوز هم کم و بیش به صورت غیر منظم ادامه دارد، محور فعالیتهای سیاسی بود. در سال ۱۳۵۴ جلسه لو رفت مرحوم جلالی و حاج آقای عربی و آقای موسوی زیرک آبادی توسط ساواک دستگیر شدند و به زندان افتادند. جلسه را فردی که مدت کمی در جلسه شرکت می کرد و در ارتباط با جریان دیگری دستگیر شده بود لو داده بود، به لطف خدا من و پسر عمو و حاج آقای رضایی، احمدی، موسوی نژاد، یوسفی گنابادی، یعقوبی و ... با اینکه تحت تعقیب بودیم ولی دستگیر نشدیم.

دو بار برای دستگیری من و پسر عمویم نیمه شب ساواکیها به مدرسه حجتیه آمدند ولی من قبل از وارد شدن به حجره از آمدن آنها مطلع شدم و به حیاط مدرسه آمدم و تا آنها نرفتند با جمع زیادی از طلاب عبا به سر و مهر به دست در حیاط مدرسه و کنار حوض ماندیم و ماموران ساواک را دسته جمعی هو می کردیم. آنها بخشی از کتابها، نوار مرا از حجره بردند و از هم حجره مان آقای کاظمی پرسیده بودند که فلانی کجاست و او اظهار بی اطلاعی می کرده است. در هر صورت در جریان تظاهرات مفصل ۱۷ خرداد سال ۵۴ در فیضیه که ماموران ساواک ریختند و عده ای را ضرب و شتم کردند و بردند و مدرسه را بستند، شرکت داشتم ولی قبل از بسته شدن درهای مدرسه از آنجا خارج شدم. روزنامه های آن زمان با عنوان مارکسیست های اسلامی تیتر کرده بودند. باز در فعالیتهای سالهای ۵۶ و ۵۷ جریان مجالس مرحوم حاج آقا مصطفی، جریان ۱۹ دی حضور داشتم.

بعد از انقلاب از دانشگاه قم مدرک کارشناسی گرفتم. در برنامه مرکز آموزشی زبانهای خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در رشته زبان انگلیسی فارغ التحصیل شدم و مدرک سطح عالی گرفتم.

همچنین یک دوره درس خارجی فقه و اصول از محضر استادان حضرات آیات منتظری، وحید خراسانی، صانعی، تبریزی و فاضل لنکرانی استفاده کردم. بدایه و نهایه علامه را از استاد فیاضی درس گرفتم. مقداری از منظومه را نزد آیت الله انصاری شیرازی خواندم و از سالهای ۶۵ در ضمن درس کارهای پژوهشی و نوشتاری نیز می کردم. در تصحیح و تحقیق مفصل و ده جلدی مختلف علامه که بطور بسیار خوب چاپ شده و کتاب سال هم شد و جایزه دریافت کرد شرکت داشتم و بخش اعلام و تراجم و رجال آن را به اتفاق دوستم حاج شیخ علی اکبر ذاکری انجام دادم. از آن زمان تا به حال حدود یکصد مقاله مفصل علمی که بخش از آنها در مجله های فقه حوزه و برخی روزنامه ها و مجلات دیگر چاپ شده است نوشته ام و الان نیز جانشین مدیر مسئول مجله حوزه و عضو هیات تحریریه آن و دبیر شورای مطبوعات دفتر هستم.

اسماعیلی، توکل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پیکره‌ساز.

تولد: ۱۳۰۲، قزوین.

درگذشت: ۸ آبان ۱۳۷۳، تهران.

توکل اسماعیلی مشهور به «مش اسماعیل» با مستخدمی در کارگاه مجسمه‌سازی دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران (از سن بیست و پنج سالگی) توانست تجربه‌های مفیدی بیاندوزد. در مدت کوتاهی به درجه‌ای از مهارت رسید که بدون گواهینامه‌ی رسمی دانشگاهی به تعلیم دانشجویان در دانشگاه تهران مشغول شد. تندیس‌های ساخت اسماعیل در پارک‌های بزرگ تهران دیده می‌شوند.

او در رده‌ی نخستین هنرمندانی است که آهن را در مجسمه‌سازی جانشین گل و رس و سنگ نمود. آثار مش اسماعیل در نمایشگاه‌های متعدد گالری‌های داخل کشور، گالری‌های سیحون، لیو، خانه آفتاب، قندریز، مهرشاه، تهران، کلاسیک و... به نمایش درآمده است. از جمله آثار وی مجسمه‌ی رستم و دیو سفید است که در ورزشگاه بزرگ آزادی نصب شده و تندیس فلزی سه ایرانی که پرچم جمهوری اسلامی را به دوش دارند (نصب شده در پارک آل‌احمد). وی بیش از صد و پنجاه اثر از خود به جای گذاشته است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اشتری اصفهانی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در اصفهان و در یک خانواده‌ی روحانی متولد شد. پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی در اصفهان، به تهران آمد و در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد. او ضمن نوشتن مقالات ادبی و اجتماعی برای جراید و سرودن شعر، به تألیف و ترجمه هم می‌پرداخت و از آن جمله است: «تاریخ عشق»؛ «طوفان روح»؛ «نامه‌هائی اسیران جنگ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۱ -۳۷)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۸/۱).

اشتری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمّد علی اشتری فرزند حاج شیخ محمّد بن شیخ محمّد حسن صاحب عنوان، واعظ فاضل، و زاهد متّقی، از موثّقین اهل منبر اصفهان، در شب جمعه ۱۸ رجب سال ۱۳۷۵ به سنّ متجاوز از نود سال وفات یافته، در بقعه آباده‌ای مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اشراقی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا سعید بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد ارباب از گویندگان بنام و وعاظ گرام حوزه علمیه شهرستان قم است.

در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در قم متولد و در دامان فضل و تقوی تربیت یافته و مقدمات را نزد مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ ابوالحسن فقیهی و آقا شیخ احمد فقیهی خوانده و ادبیات را از مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید میرزا آقا نراقی دامغانی استفاده کرده و سطوح عالی را از حجج اسلامی چون مرحوم حاج شیخ محمدعلی کرمانی و آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله حاج آقا روح‌الله کمالوند استفاده نموده و چندی از درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی و بعضی از آیات دیگر که در نجف اشرف به سر می‌برند بهره‌مند شده و به تبلیغ دین و ترویج احکام و وظائف روحی و دینی از اقامه جماعت در مسجد سیدون پرداخته و هم از راه منبر و مواعظ حسنه مردم قم و سایر نقاط را بمبانی دینی و قرآن و اخلاقی آشنا می‌سازد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشراقی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۳۱۳ ق)، عالم، مفسر، خطیب و شاعر. حجت‌الاسلام اشراقی در قم متولد شد. مقدمات و سطوح را نزد پدرش و سایر مدرسین مانند حاج شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفت و عمده‌ی تحصیلات خود را نزد آیت‌اللَّه حائری به پایان برد و از برجسته‌ترین شاگردان وی بود. او سرانجام به مقام اجتهاد نایل آمد و در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان صاحب‌نظر گردید. در حیات آیت‌اللَّه حائری به تدریس فقه و اصول و حکمت و کلام پرداخت. اشراقی طبع شاعری نیز داشت. در تهران درگذشت و در قم در مسجد بالا سر دفن شد. از آثار وی: «تفسیر سوره‌ی یوسف» و «تفسیر سوره‌ی اعلی و ن والقلم». آثار دیگری از او بجا مانده که به چاپ نرسیده از جمله: «اربعین»؛ تقریرات فقه «مکاسب» آیت‌اللَّه حائری؛ و تعلیقاتی برکتب فقهی و اصولی.[۱]

میرزا شهاب‌الدین بن العالم الجلیل و الخطیب الجمیل میرزا محمدتقی اشراقی یکی از افاضل حوزه و حفید مرحوم آیت‌الله ارباب می‌باشد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر مذهبی قم به دنیا آمده و اوان کودکی را در مهد تربیت والد ماجد خود گذرانیده و تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم موفق شده و به زبان فرانسه مسلط گردیده و ضمنا علوم قدیمه ادبیات و منطق را نزد والد خود خوانده و پس از آن در سال ۱۳۲۱ شمسی رسما در سلک روحانیت درآمده و در مدت سه سال سطوح فقه و اصول را نزد اساتید حوزه تمام نموده و درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی شروع کرده و در سن بیست و پنج سالگی پدر را از دست داده و یکسال پس از آن با وصلت کردن با مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی... پدر روحانی بزرگی خداوند تعالی نصیبش فرموده که از محضر درس و جلسات خصوصی وی بهره‌های وافری برده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و مدت دوازده سال تمام از محضر آیت‌الله... (ابوالزوجه) خود خوشه‌چینی کرده و در ضمن در رشته معقول از اساتید فن استفاده نموده و در فن تفسیر از محضر درس پدر و زحمات فراوانی که خود متحمل گشته مهارت تامی پیدا نموده و هم به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد از تالیفات ارزنده مطبوع ایشان کتب زیر می‌باشد:

۱- پاسداران وحی که در بحث امامت کتاب کم نظیریست که با معیت آقای محمد فاضل نوشته است.

۲- چهره‌های درخشان بحث در آیه تطهیر ۳- سخن حق در تفسیر در ۲۰ مجلد که دو مجلد آن به چاپ رسیده است اما کتب چاپ نشده ایشان ۱- دانستنیهائی از اسلام ۲- شرح بر عروةالوثقی که کتاب طهارت آن تکمیل است و در نظر دارد دماء ثلاثه را که کتاب مستدل نفیسی است علیحده چاپ نماید ۳- فی الاحوط والاقوی که فتاوی مراجع را بر حاشیه عروه مورد بحث قرار داده است.

میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد ارباب یکی از علماء و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سال ۱۳۱۳ ق در قم متولد شده و در مهد تربیت پدری چون مرحوم علامه ارباب نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از والد خود و سایر اساتید و آیات عظام قم مثل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگران آموخته تا در سلک شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله حایری درآمده و عمده تحصیلات را از آن بزرگوار تحصیل نموده و از برجسته‌ترین شاگردان آن مرحوم به شمار می‌رفته است

مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد و حقا در هر علم و فنی از فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان حایز آن مقام منیع بود و از زمان مرحوم آیت‌الله حایری تدریس فقه و اصول و کلام و حکمت و تفسیر را با بیانی شیرین می‌نمود و مخصوص در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب در عصر خود کم‌نظیر بود علم خود را به زیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود به قدری مهارت و استادی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را اداء کرده و داد سخن می‌داد که عقول مات و خردها حیران می‌ماند، در ۲۵ ماه رمضان ۱۳۶۸ در تهران سکته قلبی نموده و جنازه‌اش با احترام فوق‌العاده‌ای حمل به قم و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردید.

تالیفات ایشان که مطبوع شده تفسیر سوره یوسف و سوره ن والقلم و غیر مطبوع اربعین در حدوث و تقریرات فقه مکاسب مرحوم آیت‌الله حایری و تعلیقاتی بر کتب فقیه و اصولیه و حکمت و فلسفه می‌باشد مانند مرحوم والدش دارای طبع روان و ذوق فراوان بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۱۹/۲۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۴ -۱۸۳ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۸ -۳۳۷ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶ -۲۴۵ /۲).

اشرف اصفهانی، محمداشرف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۳۳ ق)، ادیب، محدث و شاعر. از علمای عهد صفویه و از شاگردان علامه‌ی مجلسی و نوه‌ی دختری میرداماد بود. به همین خاطر به وی میرزااشرف میردامادی هم گفته‌اند. در بیشتر علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. در قریه‌ی ورنوسفادران از قراء سده‌ی ماربین اصفهان مدفون است. ازآثار وی: «اشرف المناقب»، که آن را در ۱۱۰۲ ق به نام شاه سلیمان صفوی تألیف کرد و بعدها مطالبی بر آن افزود و نام آن را «فضائل السادات» گذاشت و به نام شاه سلطان حسین صفوی کرد. این کتاب حاکی از وسعت

اطلاعات سید محمداشرف در انساب و حدیث است؛ حاشیه بر «قبسات»؛ حاشیه بر «شرح مختصر» عضدی؛ شرح «مشیخه تهذیب الحدیث»؛ معروف به «رجال سید محمداشرف»؛ ترجمه‌ی «الفیه» ابن مالک، به نظم؛ «علاقهٔ التجرید»، شرح فارسی بر «تجرید العقاید» خواجه طوسی؛ «المنهاج الصفوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۵/۹)، تذکرهٔ القبور (۱۴۷)، تذکرهٔ المعاصرین (۲۸۲ -۲۸۱)، الذریعه (۲۵۹/۱۶، ۳۱۰/۱۵، ۳۵۵/۳، ۱۰۷/۲)، ریحانه (۳۸۱ -۳۸۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۶۵)، فوائد الرضویه (۳۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۱/۱)، معجم المؤلفین (۶۴/۹).

اشرف الواعظین یزدی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۷۸ ش)، محدث و واعظ. وی از حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و شیخ مرتضی آشتیانی و حاج شیخعباس محدث قمی روایت می‌کرد. در سالهای آخر عمر به تهران مهاجرت کرد و در تهران درگذشت. از آثار وی: «جواهر الکلام فی سوانح الایام»؛«جواهر العدیدیه» یا «گنج جواهر دانش»؛ «الدرر السنیه فی المواعظ العددیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۶ /۱۸، ۱۲۷ -۱۲۶ /۸، ۲۷۷ /۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۱ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۹ - ۶۲۸ /۲).

اشرف زاده، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رضا اشرف زاده در سال ۱۳۲۱ در شهر بم بدنیا آمد ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۶۳ می باشد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد زبان و ادبیات فارسی و قائم مقام و معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر رضا اشرف زاده ماشا الله است که به شغل مسگری اشتغال داشت و دارای سواد اندک خواندن و نوشتن بود و خود را از نسل دختر عمرولیث صفاری بنام اشرف می خواند و مدعی بود که فامیل " اشرف زاده " به همین سبب است. نام مادر محترمشان سیده صغری از نسل پیغبر خدا(ص) و زنی خانه دار بود.دکتر اشرف زاده کلا ۲ برادر و ۴ خواهر بودند.

خاطرات کودکی : رضا اشرف زاده از خاطرات دوران کودکی خود چنین می گوید": یکی از خاطرات تلخ آن دوران این بود که در سال سوم دبستان مدیر دبستان ،عالم اما سختگیری داشتیم-در دبستان فردوسی بم -بنام آقای رشاد- برای تعمیرات مدرسه مبلغ ۵۰ ریال از هر دانش آموز طلب کرده بود و پدرم این مقدار پول را نداشت ،مدیر دبستان نیز مرا تهدید به اخراج می کرد و پدرم نیز از انان نبود که داشته باشد ! بالاخره بر این شد که بنده از رفتن به مدرسه بازدارند. گریه و ضجه من ناراحتی پدرو مادرم و سختگیری جناب رشاد ... بالاخره پدرم را وادار به قرض کردن کرد و غائله خوابید و من - خوشحال- به تحصیل ادامه دادم. شاید یکی از اسرار موفقیت من در طول تحصیل همن موضع باشد".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا اشرف زاده در خانواده ای با وضع مالی مناسبی بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا اشرف زاده ،دوران ابتدایی، سیکل اوّل و چهارم ریاضی را در بم گذراند و در سال ۱۳۳۸ به دانشسرای مقدّماتی کرمان رفته و با درجهٔ ممتاز و شاگرد اوّلی، فارغ‌التحصیل شدند، به علّلی ادامهٔ تحصیل نداد وبه استخدام آموزش و پرورش (فعلی) در آمد. در سال ۱۳۴۹ برای ادامهٔ تحصیل وارد دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد شد و دورهٔ کارشناسی را در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشدرا در سال ۱۳۵۶، و دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۶۳ گذرانید، ایشان در تمام دوران تحصیل شاگرد ممتاز و دانشجوی اوّل بودند. رسالهٔ کارشناسی ارشد ، با راهنمایی استاد فرزانه و فقید زنده‌یاد آقای دکتر یوسفی، با درجهٔ ممتاز و رسالهٔ دورهٔ دکتری را در ۷ جلد و با ۴۲۰۰ صفحه و با درجهٔ ممتاز در سال ۱۳۶۳ دفاع کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : رضا اشرف زاده از خاطرات دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد" : از خاطرات خوب دوران تحصیل دانشگاهیم آشنایی با دو استاد خوب و برجسته بود: مرحوم دکتر حمید زرین کوب و مرحوم زنده یاد غلامحسین یوسفی و از خاطرات دوران دبستان وجود معلمی بسیار دلسوز -آقای اصفهانی - معلم سال ششم ابتدایی که با شوری و صف ناپذیر و با تمام وجود درس می گفت و دانش آموزان را شوق یادگرفتن می آموخت".

فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا اشرف زاده در حین تحصیل در هفته ای ۲۴ ساعت به تدریس می پرداخت.

استادان و مربیان : از مربیان و استادان رضا اشرف زاده می توان به چند تن از آنها اشاره کرد: دوران دبستان : سرکار خانم تهمتنی -

معلـم کلاس اول ابتـدایی- ،آقـای اصـفهانی_ معلـم کلاس ششم ابتـدایی دوران متوسطه : آقـای پرورشـی- دبیر ریاضـی دوران دانشگاهی : دکتر حمید زرین کوب ،دکتر متینی ،دکتر شهابی ،دکتر عبدالشکور احسن و زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی

هم دوره ای هـا و همکـاران : دکتر دهقان ،دکتر فاطمی و دکتر حمیـدی از همـدوره ایها و دکتر علوی مقـدم ،دکتر محمـد فاضـلی ،دکتر تقی وحیدیان کامیار و دکتر محمود مهدوی دامغانی و غیره از همکارن رضا اشرف زاده می باشند.

همسر و فرزندان : رضا اشرف زاده متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم طاهره سیف الدینی (دارای مدرک دیپلم ادبیات فارسی - خـانه دار)می باشـد ایشـان همچنیـن دارای چهـار فرزنـد بنامهـای زیر می باشـد: - انیس اشـرف زاده ،دارای مـدرک کارشناسـی کتابـداری- شاغـل - انوش اشـرف زاده ،دوره کارشناسـی مـدیریت دولتی را به اتمام نرسانـدو خانه دار شدنـد - آرزو اشـرف زاده ،دارای مدرک کارشناسی زیست شناسی -خانه دار - نونا اشرف زاده دانشجوی سال آخر رشته کامپیوتر نرم افزار

وقـایع میانسـالی : از وقـایع تلـخ رخ داده برای رضا اشـرف زاده فوت پسـر ۲۴ سـاله اش بنـام امیـد اشـرف زاده و فوت دامادش بنام سرهنگ دکتر مجید کردعلی در سال ۱۳۸۵ می باشد.

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : مدیر گروه زبان و ادبیات فارسـی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسـلامی واحد مشـهد (استاد زبان و ادبیات فارسی) بمدت ۲۰ سال و هم اکنون ادامه دارد قائم مقام ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد بمدت ۸ سال که اکنون هم ادامه دارد مدیر گروه زبان و ادبیات فارسـی و عضو هیئت علمی دانشگاه نیشابور بمدت ۸ سال معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد بمدت ۱۷ سال هم اکنون ادامه دارد عضو انجمن آثار و مفاخر خراسان مشاور فرهنگی و ادبی ادارهٔ کلّ فرهنگ و ارشاد اسلامی عضو شورای نشر کتاب عضو هیأت رئیسهٔ مرکز خراسان‌شناسی، از تأسیس تا انحلال

فعالیتهای آموزشی : رضا اشرف زاده ۴۶ سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف تحصیل از سال اول ابتدایی گرفته تا دکتری را دارد.

جوائز و نشانهـا : رضا اشـرف زاده در باره جوایز و نشان های خود چنین می گویـد": با صـدا و سیمای مرکز خراسان نیز گاهگاهی برنامه داشته‌ام (حدود ۵۰ برنامه) در برنامهٔ تلویزیونی چهره‌های ماندگار ۵۰ دقیقه، زنـدگی و آثارم نمایش داده شد و مصاحبه‌های گونـاگون علمی و ادبی داشـته‌ام چه در مجلاّت و روزنامه‌ها و چه در صـدا و سـیما. ۲بار به عنوان نمونه استـاد نمونه مشـهد، یکبار استاد نمونهٔ کشور در دانشـگاه آزاد اسـلامی برگزیده شدم. محقق نمونهٔ جشنوارهٔ فردوسی و محقّق نمونهٔ دانشگاه آزاد اسلامی و شهروند نمونهٔ منطقه ۹در سال ۱۳۸۲ بودم در روز بزرگداشت عطّار نیشابوری، به عنوان عطّار شناس، از من تجلیل به عمل آمد ".

چگونگی عرضه آثار : رضا اشرف زاده تاکنون حدود ۴۵ کتاب و ۵۰ مقالهٔ علمی و ادبی منتشر کرده‌است. ----------------

----

آثار :

۱ آب آتش‌فروز (گزید ?حدیقه الحقیقه) (چاپ هفتم)

ویژگی اثر : انتشارات جامی ۱۳۸۵

۲ المستخلص فی ترجمان القرآن از محمدبن محمد بخاری

ویژگی اثر : انتشارات رجا ۱۳۶۵

۳ برگزید ?اخلاق ناصری

ویژگی اثر : انتشارات پیام نور ۱۳۷۱

۴ بهار زنده‌دلان (گزید ?اشعار صائب)

ویژگی اثر : انتشارات جامی ۱۳۸۴

۵ پیغام اهل راز (دو جلد)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۱

۶ تجلی رمز و روایت در شعر عطّار نیشابوری

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۳

۷ جلوه‌گریهای سحرگاهی (شرح گزید ?مخزن‌الاسرار)

ویژگی اثر : انتشارات جامی ۱۳۸۵

۸ چهل حکایت (چاپ دوم)

ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۴

۹ حق‌الیقین فی معرف ?ربّ العالمین شیخ محمود شبستری

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۰

۱۰ حکایت شیخ صنعان (چاپ دوم) عطّار نیشابوری

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۰

۱۱ خزان و بهار قاضی محمد شریف شیرازی

ویژگی اثر : انتشارات به نشر ۱۳۸۲

۱۲ داستان شیخ صنعان

ویژگی اثر : انتشارات کلهر ۱۳۷۴

۱۳ داستان‌های دیوانگان در آثار عطار

ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۵

۱۴ رابعه (زندگی و آثار رابعه بنت کعب)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۳

۱۵ راز خلوتیان (شرح ۱۱۰ غزل حافظ)
ویژگی اثر : انتشارات کلهر ۱۳۷۹
۱۶ رنجنام ?زندانی نای و مرنج (گزید ?مسعود سعد)
ویژگی اثر : انتشارات صالح ۱۳۷۸
۱۷ سرود خورشید (شرح ۱۱۴ غزل دیوان شمس)
ویژگی اثر : انتشارات روزگار ۱۳۷۹
۱۸ شرح گزید ?منطق‌الطیر (چاپ سوم)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۹
۱۹ صد کلم ?امیرالمؤمنین عادل بن علی بن عادل
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ۱۳۸۰
۲۰ فارسی عمومی (چاپ یازدهم)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۵ چاپ سیزدهم ۱۳۸۶
۲۱ فارسی عمومی (چاپ یازدهم) سیزدهم
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۵
۲۲ فرهنگ بازیافته‌های ادبی از متون پیشین
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی ـ سخن گستر ۱۳۸۶
۲۳ فرهنگ کاربرد آیات و روایات در شعر عطّار
ویژگی اثر : انتشارات انجمن مفاخر خراسان ۱۳۷۳
۲۴ فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات آثار عطّار نیشابوری
ویژگی اثر : انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم ۱۳۷۴
۲۵ کلاه بی‌سران (شرح گزید ?مصیبت‌نامه)
ویژگی اثر : انتشارات صالح ۱۳۷۶
۲۶ گزید ?اخلاق ناصری (چاپ ششم)
ویژگی اثر : انتشارات توس ۱۳۷۸
۲۷ گزید ?اشعار (ناصرخسرو ـ مسعود سعد)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۲
۲۸ گزید ?اشعار خاقانی
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۵
۲۹ گزید ?شعر دو شاعر برجسته (فرخی ـ کسایی)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۹
۳۰ گزید ?متون تفسیری فارسی
ویژگی اثر : انتشارات جامی- زیر چاپ
۳۱ گزید ?مختارنامه (رباعیات عطار)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۷
۳۲ گلشن توحید (شرح منظوم مفردات مثنوی) مغلوی دده
ویژگی اثر : جهان اندیشه ۱۳۷۲
۳۳ مرج‌البحرین (شرح غزلیات حافظ) از ختمی لاهوری (تصحیح و تعلیق)
ویژگی اثر : اساطیر - زیر چاپ
۳۴ مضمار دانش (فرسنامه) میرازا احمد نظام‌الدین گیلانی
ویژگی اثر : انتشارات اندیشه ۱۳۷۳
۳۵ معانی و بیان (چاپ پنجم)
ویژگی اثر : انتشارات سمت ۱۳۸۳
۳۶ نشان تیش ?فرهاد (شیرین و فرهاد وحشی بافقی) (نقد و تحلیل)
ویژگی اثر : انتشارات صالح ۱۳۷۶
۳۷ نوبت زن کوی ساقی (ساقی‌نامه‌های راجی کرمانی)
ویژگی اثر : انتشارات آیین ?اندیشه ۱۳۷۸
۳۸ هفت حکایت (چاپ سوم)
ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۳

اشرف سمرقندی، معین‌الدین حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۵ ق)، ادیب و شاعر. معروف به اشرف ثانی. از مردم ماوراءالنهر بوده و در سمرقند می‌زیسته است. متصدی کارهای شرعی بود. وی از علما و فضلای عهد خود و مجمع کمالات و مداح پادشاهان سلسله‌ی ترکستان از جمله الغ قدرخان و علاءالدین پیغوملک بود و با او از خراسان به عراق رفت و مدت زیادی در اصفهان ماند. از آثارش: «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۱۹، ۸۷)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴ -۵۳)، ریاض العارفین (۱۶۸)،الذریعه (۱۰۷۶، ۲۶۱، ۷۹، ۷۸- ۹/)، ریحانه (۱۲۹ /۱)، صبح گلشن (۲۵)، فرنگ سخنوران (۶۶)، لباب الالباب (۳۹۲ -۳۹۰ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اشرفی)، مجمع الفصحا (۲۶۵ /۱)، هفت اقلیم (۳۶۸ -۳۶۲ /۳).

اشرف طسوجی، علی اشرف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، ادیب و عالم و شاعر. وی نبیره‌ی آخوند ملا عبدالنبی طسوجی و از شعرا و علمای دوران خود و در الهیات و حدیث و کلام سرآمد بود. تصحیلات خود را در اصفهان و عتبات عالیه به انجام رساند در طسوج وفات یافت. جسدش به کربلا منتقل و همان جا دفن شد. «دیوان» مولانا اشرف حاوی غزل، قصیده و مخمس و اثر دیگری به نام «شعله» نیز از او باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۷۳ -۴۶۸ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۴۲)، الذریعه (۷۷ /۹)، سخنوران آذربایجان (۱۳۸ -۱۳۲)، نگارستان دارا (۶۰ -۵۹).

اشرفی استرآبادی، نظام‌الدین، عبدالحی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۹ ق)، فقیه، متکلم و ادیب. در استرآباد متولد شد ولی، اصل وی از جرجان بود. او از شاگردان محقق کرکی بود و همواره پی‌گیر تحصیل معقول و منقول. از استرآباد به هرات رفت و به خاطر مهارتش در علوم مختلف مورد توجه سلطان حسین بایقرا قرار گرفت و از سوی وی به تدریس در مدرسه‌ی گوهرشادبیگم اشتغال یافت. پس از تسلط شاه اسماعیل صفوی بر خراسان، امیر غیاث‌الدین محمد بن یوسف به قضاوت خراسان منصوب گشت و پس از استعفای او عبدالحی استرآبادی به جای او نشست و تا سال ۹۳۰ ق در کمال احترام در هرات قضاوت کرد و به نشر علوم دینی و معارف اسلامی مشغول بود. سرانجام وی از ترس دشمنان به قصبه‌ی کوهبنان کرمان پناه برد و در آنجا به تألیف پاره‌ای از کتب خویش به درخواست عده‌ای از شاگردانش پرداخت. از جمله شاگردان وی ابن‌قمر شجاع‌الدین محمود کرکی است. وی در کرمان درگذشت. از جمله آثار وی: شرح کبیر «الفیه» شهید اول و شرح متوسط «الفیه» که در کرمان تألیف کرده است؛ ترجمه‌ی «الفیه‌ی شهید»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه»؛ حاشیه بر حاشیه‌ی سید شریف بر «شرح شمسیه»؛ «الخطب»؛ حاشیه بر «شرح الهدایه الاثیریه» میبدی؛ حاشیه بر «فرائض النصیریه»؛ رساله‌ای در علوم مختلف مانند منطق و کلام و فقه که در ۹۵۹ ق تألیف نموده است؛ «لسان الالهام»؛ «معراج الخیال»، منظومه‌ی فارسی؛ «المعضلات»، در مشکلات علوم فقهی و حکمی که در عهد شاه‌طهماسب صفوی به سال ۹۵۹ ق تألیف شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۶۱۵ -۶۱۴ /۴)، الذریعه (۱۳۹، ۸۹ /۶، ۸۱ /۴، ۱۸۹ /۲)، روضات الجنات (۱۸۹ -۱۸۷ /۴)، ریاض العلماء (۹۰ -۸۷ /۳)، ریحانه (۲۰۲ -۲۰۱ /۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰ -۱۱۹ /۱۰)، معجم المؤلفین (۱۰۸ /۵)، هدیه العارفین (۵۰۸ /۱).

اشرفی اصفهانی، عطاالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه، مجتهد.

تولد: ۱۲۷۹، سده اصفهان (خمینی شهر).

شهادت: ۲۳ مهر ۱۳۶۱، کرمانشاه.

آیت‌الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسه‌ی نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزه‌ی علمیه اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقطه و

اصول، برای ادامه تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزه علمیه قم گردید و در سال ۱۳۵۰ ق. در آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی ، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، کسب علم نمود. پس از فوت آیت‌الله العظمی حائری، نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه کمره‌ای آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت‌الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومه حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فراگرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حورزه‌ی علمیه‌ی قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت کرد. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه کمره‌ای، صدر بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبیه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازه اجتهاد صادر شد. در سال ۱۳۴۲ نیز از حضرت امام خمینی (ره) وکالت مطلق و نمایندگی در سال ۱۳۴۲ برای وی صادر شد. ایشان وکالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.

از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی شهر، ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر، ساختمان مکتب‌الزهرا، تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی امام خمینی در کرمانشاه، مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهده ایشان واگذار شده بود).

پس از تأسیس مدرسه‌ی علمیه در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۳۴ توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های دیگر از قم به کرمانشاه رفتند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیه‌ی چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت اما به واسطه نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاءالدین عراقی به تهران برده و در کمیته‌ی شهربانی در سلولی بازداشت کردند.ولی وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیه‌ی راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اولین راهپیمایی که همزمان با راهپیمایی تهران بود و درعید فطر سال ۱۳۵۷ رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مجسد آیت‌الله جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقده ۱۳۹۱ ق. (۱۳۸۵) از سوی بنیانگذار انقلاب، به امامت جمعه شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعه همین شهر بودند.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر ۱۳۶۱ در کرمانشاه به شهادت رسید.

عطاء اصفهانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر کرمانشاه است.

معظم له در حدود ۱۳۳۸ قمری در سه‌ده (خمینی‌شهر) اصفهان متولد شده و پس از رشد و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح در اصفهان به قم مهاجرت نموده و پس از پایان و تکمیل سطوح عالی از مدرسین بزرگ حوزه چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و بعد مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه صدر و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی از محضر و ابحاث آنجناب استفاده وافی و کافی و ضمناً تدریس سطح فقه و اصول نموده تا هنگام تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و بناء مدرسه آن مرحوم به امر معظم له به اتفاق چند نفر از علماء و مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و بعضی از اعلام دیگر به کرمانشاه عزیمت و تا حال بیش از بیست سالست که در مسجد مدرسه مزبور به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج آقا عطاء اصفهانی از دانشمندان موصوف به فضل و کمال و تقوا و متانت و بیش از سی سالست که افتخار شناسائی معظم له را دارم عالمی متقی و متصف به اوصاف جمیله و محامد اخلاق و ملکات فاضله می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اشرفی، امیررضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیررضا اشرفی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حول و قوه الهی و با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء وارد حوزه مقدسه علمیه قم شدم. دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین علی عطایی اصفهانی گذراندم. در آن زمان تدریس دروس ادبیات عرب و منطق را در آن مدرسه استاد تهرانی، طالقانی و مظهر علی (پاکستانی) به عهده داشتند، لذا دروس مذکور را

در محضر این سه استاد گذراندم. در درس معالم الاصول از محضر آیت الله شیخ یحیی انواری استفاده بردم. دروس اصول فقه و لمعه را نزد حجج اسلام علی حسینی بوشهری و سید احمد خاتمی و علی محمدی خراسانی گذراندم.

بین سالهای ۱۳۶۷تا ۱۳۷۰ در درس رسائل استاد علی محمدی خراسانی و مکاسب محرمه آیت الله عراقچی حاضر شدم. جلد اول و دوم کفایهٔ الاصول را نزد استاد سید محمد رضا یزدی (عضو فعلی فقهای شورای نگهبان) گذراندم. و پس از آن حدود ۵ سال در درس خارج اصول ایشان در مدرسه علمیه آیت الله العظمی گلپایگانی (روبروی شیخان قم) تلمذ نمودم. ضمناً حدود ۴ سال از محضر درس خارج فقه آیت الله العظمی میرزا جواد آقا تبریزی (ره) و خارج فقه آیت الله عبدالله جوادی آملی استفاده بردم.

همزمان با اشتغال به دروس فقه و اصول بین سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ دوره پنج ساله الهیات و معارف اسلامی موسسه در راه حق را گذراندم و در سال ۱۳۷۴ از آن موسسه با مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در همان سالها گروه های آموزشی و پژوهشی موسسه مزبور به ریاست آیت الله مصباح یزدی فعالیت خود را در قالب موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه دادند، بنده نیز دوره آموزشی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قرآنی آن موسسه را بین سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۸ از رساله ام با عنوان نقد و بررسی دیدگاههای علوم قرآنی علامه بلاغی (ره) دفاع نموده و با مدرک کارشناسی ارشد علوم قرآنی از آن موسسه فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ در دوره دکتری علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و در خرداد ۱۳۸۵ از رساله ام با عنوان مبانی و قواعد تفسیری علامه طباطبائی (ره) دفاع نمودم و با مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.

ضمناً از سال ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیئت علمی و عضو شورای علمی گروه علوم قرآنی و از بهمن ۱۳۸۵ به عنوان قائم مقام مدیر گروه علوم قرآنی با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) همکاری می کنم. والحمد لله رب العالمین.

اشرفی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین اشرفی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای متوسط و کارگر دیده به جهان گشودم و در سن هفت سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و دوره راهنمایی و متوسطه را تا سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۲ پس از اتمام دوران سربازی وارد حوزه علمیه دامغان شده و پس از شش ماه با پایان رساندن سال اول حوزه به شهر مقدس قم عزیمت کردم و در مدرسه رضویه که تحت پوشش مرکز مدیریت بود، قبول شدم و دوره مقدمات و سطح را ۸ ساله به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۲ در درس خارج آیهٔ الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کردم و درس خارج فقه را به پایان رسانده و پس از آن در درس خارج اصول آیهٔ الله سبحانی شرکت نموده و همزمان درس خارج فقه آیهٔ الله نوری همدانی نیز شرکت کردم. در سال ۱۳۷۲ با آزمون، وارد درس تخصصی تفسیر شدم و پس از چهار سال موفق شدم که دوره را به پایان رسانم. ضمناً در کنار درس فقه و اصول حوزه حدوداً ۲۰ سال است در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی شرکت می نمایم و مدت ۷ سال از درس خارج فقه ایشان نیز بهره جسته ام.

در سال ۱۳۷۶ وارد دوره تخصصی فقه شده و پس از ۴ سال آن را به پایان رساندم. ضمناً در زمینه های حدیث، رجال، فلسفه و عرفان بصورت ناپیوسته آموزش دیده ام. در سالهای ۸۰ الی ۸۳ توفیق تدریس فقه را در مدرسه صدوقی فاز ۴ داشتم و قبل از آن کتاب منطق مظفر را دو دوره تدریس نمودم.

نام اسا تید اصلی در حوزه:

۱. جوادی آملی/ تفسیر/ قرآن/ ۲۰ سال

۲. جوادی آملی/ خارج فقه/ مکاسب/ ۷ سال

۳. فاضل/ خارج فقه/ حج/ ۶ سال

۴. نوری همدانی/ خارج فقه/ مسائل مستحدثه/ ۴ سال

۵. سبحانی/ خارج اصول/ خارج کفایه/ ۶ سال

۶. مکارم/ فقه و اصول/ طهارت/ ۲ سال

۷. محقق داماد/ مکاسب بیع/ ۴ سال

۸. اعتمادی/ اصول/ کفایتین/ ۲ سال

اشرفی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی بن العلامهٔ الفقیه حاج شیخ آقا بزرگ اشرفی مزبور از علماء و افاضل معاصر شاهرود می‌باشند.

ایشان در حدود ۱۳۵۴ قمری در شاهرود متولد شده و در دامن والد عالیمقامش آیت‌اللّٰه اشرفی تربیت یافته و مقدمات و اولیات و سطوح وسطی را در تحت نظر آن بزرگوار خوانده و بعد به ارض اقدس مشرف و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ مشهد مخصوصاً مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا هاشم قزوینی و آیت‌اللّٰه دامغانی و دیگران استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف عزیمت. و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّٰه حلی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده و به تدریس سطوح عالی کفایه و مکاسب پرداخته و بیش از پنجاه نفر طلبه به درسش شرکت و به گفتن دروس نهائی سطح مشار بالبنان گردیده تا قبل از فوت والد مبرورش که مراجعت به ایران کرده و اکنون در شاهرود به جای آن مرحوم به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشعری، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین اشعری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در شرائطی که سالهای ۱۳۳۶ تحصیلات ابتدائی و ششم را به اتمام رساندم ۲ سال هم تا کلاس ۸ دبیرستان را شبانه خواندم ولی مشکلات مادی خانواده مرا به بازار و شاگردی و شغل آزاد کشانید و در کنارش با تشویق پدر دروس حوزوی را از نصاب الصبیان و جامع المقدمات آغاز کردم و در حالی که هنوز وارد حوزه نشده بودم، بالاخره با ادامه دروس مقدماتی حوزه در مسجد امام حسن عسگری (ع) و مسجد بالاسر در حالی که تازه ازدواج کرده بودم.

در اوایل سال ۱۳۵۰ قدم به حوزه علمیه گذاشتم و ادامه تحصیل با شرکت در دروس حوزوی سیوطی آقای فشارکی در مسجد امام و شرکت در تفسیر آقای مشکینی و حاشیه ملاعبدالله و بالاخره در درس مغنی و مختصر اساتید بزرگ حوزه و لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایه و فراموش نمی کنم که در اولین سالهای شرکت در درس خارج گلپایگانی مباحث فقهی امام خمینی (رضوان الله) در مسجد اعظم و آیات عظام گلپایگانی و گاهی درس خارج آقای منتظری هم می رفتم و حتی در امتحانات سراسری که از طرف آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری انجام می شد با رتبه بالا و قبولی در رتبه سوم کتبی و شفاهی حضور پیدا کردم.

در حاشیه مباحث حوزوی از شرکت در همه صحنه های انقلاب کوتاهی نکردم بخصوص در سرودن اشعار حماسی چه در تقویت بنیه شعری مداحان و چه در پرشور کردن نوحه سرائی برای محرم و صفر و دسته جات و هیات که از استثنایی ترین سروده های شعر که جنبه حماسی و انقلابی داشت بصورت جزوه هایی چاپ شد، بنام نهضت کربلا و از عاشورا تا عاشوراها و سرودهای اسلامی و فلسطین کلاس انقلاب در اولین سالهای پیروزی چاپ شد و با تشویق بعضی از ناشران مانند آقای مصطفی زمانی و آقای حق جو به ترجمه دیوان حضرت علی (ع) در ۴۰۰۰ شعر و تألیف بعضی از کتب تاریخی و مراثی مانند: ۷۲ مجلس در عزای مظلوم و فاطمه زهرا (س) از دیدگاه قرآن و عترت و آموزش جوان و چاپ اشعار دوران بحرانی انقلاب و دفاع مقدس بنام شعر مسئول و شهید در آغوش مهدی، بسوی کربلا، شهید و شهادت و در ادامه ترجمه بعضی از دعاهای معروف که بیشتر در جلسات عمومی خوانده می شود اقدام کردم از قبیل ترجمه منظوم دعای کمیل و دعای ندبه و زیارت عاشورا و دعای توسل و زیارت ناحیه در حالی که به ترجمه منظوم نهج البلاغه حضرت علی (ع) در حاشیه درسهای حوزوی که درس فقه آقای مکارم و درس تفسیر آقای جوادی آملی کوشا بودم و هستم.

سرانجام آخرین سروده های منظوم که به پایان رساندم ترجمه منظوم قرآن مجید ولی متأسفانه موفق به چاپ سروده های نظمی نهج البلاغه و قرآن نشدم ضمناً با شرکت در هیات مذهبی مثل مجله مجمع عاشقان محسن علیه السلام با این مجمع در تألیف جزوه های فصلی و ماهانه این هیئت همراهی کردم و بیش از ده مورد مقالات و جزوه ها به چاپ رسانده شد و خلاصه در نیمه مناسبتهای دوره های سال حداقل چند شعری می سرودم و درباره اهل بیت علیهم السلام و مناسبتهای ارگانها و نهادها و شخصیتهای مذهبی و علما و مراجع و شخصیتهای رزمی و حماسی سروده های چاپ نشده دارم.

ممکن است سوال کنید که چرا در ارگانها و نهادهای مذهبی و انقلابی حضور فرهنگی و اجتماعی نداشم که شاید عمده چیزی که مانع بود و این توفیق را از من سلب کرد، فرزند مریضی بود که بیماری مادر زادی داشت و تا سن ۲۵ سالگی که فوت کرد خودم در کنار مادرش به سرپرستی او و جابجائی کردن و حتی حدود ۱۶ سال بود که هرگز از جا حرکت نمی کرد و خودم او را می خواباندم و برای قضاء حاجت بغل می کردم و... و ۲۵ سال بحرانی ترین دوره زندگی اینجانب به مساعدت و کمک و سرپرستی از

این فرزند گذاشت ولی سر انجام حدود ۱۰ سال قبل این امانت الهی را خداوند از من گرفت و در خاتمه با کمال عذر خواهی از آنجایی که «تزکیهٔ المرء لنفسه قبیح» ولی از طرفی هم خداوند می فرماید: «و اما بنعمه ربک فحدث» به این مختصر بسنده می کنم خداوند شما و این حقیر را در انجام تکالیف موفق گرداند.

اصالت، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله اصالت

محل تولد : ساوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱۲/۱۰

اصطهباناتی، ابوتراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱/۱۳۶۰ -۱۳۰۵ ق)، شاعر و نحوی. وی دخترزاده‌ی سید جعفر کشفی و از شاگردان میرزا ابوالحسن محقق اصطهباناتی بود که در شعر عربی و فارسی دست داشت. از او اشعاری بر جای مانده است. آثار وی: منظومه‌های «حدائق الاعراب»، به سبک الفیه‌ی ابن مالک در و نحو؛ «درهالتالیف و درهالتصریف»، در صرف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۱۴ -۹۱۳ /۵، ۱۲۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰).

اصطهباناتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۹۱ ق)، عالم، عارف و ادیب. ملقب به شیخ المحققین و معروف به شیخ‌الاسلام. در اصطهبانات به دنیا آمد و سالهای بسیار در شیراز در محضر پدرش و هم در خدمت حاج سید علی حکیم کازرونی تحصیل علم و کمال کرد. وی در علوم غریبه مانند جفر نیز دست داشت. او با سید عبدالحسین مجتهد لاری که از آزادی‌خواهان مشهور بود، محاصر و دوست بوده و به خواهش او «رساله‌ای در وجوب نماز جمعه» نوشته است. وی در امامزاده عبدالله شهر ری مدفون است. آثار وی عبارت‌اند از: «بیان الحق»، در مهدویت شخصیه و شخصیت مهدویه با تقریظ آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بر آن؛ «کشکول الادباء» و «کشکول العرفاء»؛ «تنبیهات عشر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۳۰۲ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۰ -۱۹۷ /۱)، الذریعه (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۹ -۱۸۸ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۹ /۳).

اصطهباناتی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین بن محمد یوسف اصطهباناتی عالمی فاضل بوده و بعد از ۱۲۹۲ ق وفات نموده است. وی دارای خط زیبائی بوده و کتاب (الشواهد) عینی را بخط خود نوشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصغری تبریزی، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فرانسه در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه سوربن پاریس.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فرانسه با تخصص در ادبیات قرن نوزدهم، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

مذهبی، تاریخی، اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فلسفه و عرفان در مقیاس جهانی، ادبیات، دانستنیهایی از علوم پزشکی، ادبیات فرانسه در قرن ۱۹.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اصغری نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اصغری نژاد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اصغری نژاد فرزند یوسف متولد ۱۳۴۲ از پیش از سال ۱۳۶۰ به طلبگی رو آورده، حدود یک سال در قم به علوم حوزوی مشغول شدم. سپس وقفه ای در آن ایجاد گردید و مجدداً در سال ۱۳۶۱ در تهران و سپس در قم به ادامه تحصیل در این دروس مشغول شدم.

خدمت اساتیدی چون آیت الله ستوده و آیات عظام: محامی، بهجت، انصاری، ممدوحی و... به تحصیل پرداختم. البته آنچنان که باید به کسب علم مشغول نشدم و این به علت گرفتاریهای مالی و غیر آن بود. حدوداً از سال ۱۳۶۹و یا ۱۳۷۰ به کارهای نوشتنی رو آوردم و از آن زمان تاکنون مطالبی را گرد آوری و تالیف نموده ام.

اصغری، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالله اصغری

محل تولد : تربت جام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سالهای ۱۳۴۵– ۱۳۴۶در حالی که فقر در منطقه مسکونی و روستای ما بیداد می کرد بنده به خاطر عشق و علاقه ای که به فراگیری معارف اسلامی و دینی داشتم با هزینه ناچیز در یک مدرسه علمیه ای مشغول تحصیل شدم.

در مدت سه سال تا قسمتی از جلد اول لمعه را خواندم و به مشهد مقدس در مدرسه عباسقلی خان و در مدرسه جعفریه که زیر نظر مرحوم غلامحسین تبریزی بود تا بخش اول کتاب مکاسب را خواندم.

با مشکلات فراوان به نجف اشرف منتقل شدم و بخشی از رسائل و مکاسب و کفایتین را در نجف نزد مرحوم صدر و استاد فیاض و خارج اصول را نزد شیخ جواد تبریزی گذراندم و درسال ۱۳۵۴به قم عزیمت کردم. خارج اصول و فقه را خدمت وحید خراسانی و آقای مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی تلمذ کردم.

در ضمن تدریس کتاب رسائل شیخ انصاری را در کاشان، دو جلد شرح رسائل را (اوضح الشروح فی فرائد الاصول) نوشتم و دو جلد شرح فارسی به اصول فقه مظفر (ره) به چاپ رساندم و درحوزه مورد استفاده است. بهرحال امید چنان است که خداوند راضی و امام زمان (علیه السلام)خشنود باشد جهت هر گونه همکاری علمی حاضر و آماده هستم.

اصفهانی ابوالفتح، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۱۳ ق)، مترجم و ریاضیدان. وی معاصر ابوکالیجار گرشاسف بن فرامرز، پنجمین پادشاه کاکویه اصفهان و همدان بود. و کتاب «المخروطات» ابولونیوس را که هلال بن ابی‌هلال الحمصی و ثابت بن قرّه آن را ترجمه کرده بودند، تکمیل کرد و سه کتاب اخیر آن را به عربی درآورد و تفسیر گرانبهایی بر آن کتاب نوشت که از آن چند ترجمه به زبانهای لاتینی و انگلیسی صورت گرفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۴/ ۱)، دایرة المعارف فارسی (۲۶ /۱)، زندگینامه ریاضیدان (۹۲).

اصفهانی کمال الدین، ابوالفضل اسماعیل

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۶۳۵ ق)، ادیب و شاعر. معروف به خلاق المعانی، به دلیل آوردن معانی دقیق شعری. در اصفهان به دنیا آمد و از جوانی به سرودن شعر پرداخت. وی علاوه بر باریک‌اندیشی و دقت در خلق معانی در التزامات دشوار و تقید به آوردن ردیف‌های مشکل نیز مشهور بود. او آخرین قصیده‌سرای بزرگ ایران در دوره‌ی مغول است. او خاندان آل صاعد، اتابکان فارس و امرای طبرستان و همچنین جلال‌الدین منکبرنی را مدح گفته است. کمال‌الدین در فقه، اصول و ادبیات عرب تبحر داشت و از اغلب علوم عصر خود آگاه و در حکمت، طب، ریاضیات به ویژه هندسه ماهر بود، و در اشعار خود اصطلاحات علمی به کار می‌برد. وی همچون پدرش شاهان معاصر و بزرگان بسیاری را مدح گفت. کمال‌الدین در قصاید عرفانی پیشرو سعدی بود و قصاید عرفانی سعدی مکمل قصاید وی می‌باشد. در پایان عمر به عرفان روی آورد و مرید شیخ شهاب‌الدین سهروردی گردید و خانقاهی برای خویش اختیار کرد. وی شاهد حمله‌ی مغولان به اصفهان و کشته شدن انسانهای بسیار بود و خود نیز سرانجام به دست مغولی کشته شد یا به قول «مجمل فصیحی» به دست رندان و اوباش در ۶۲۶ ق به قتل رسید. از آثارش: «رسله‌ی القوسیة»؛ «دیوان» شعر، شامل قصائد، مقطعات، غزلیات، رباعیات و چند مثنوی، که نسخه‌ای از آن در هند به چاپ رسید.[۱]

اسماعیل بن جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، ملقب به خلاق‌المعانی، شاعر قصیده‌سرای ایرانی (ف. ۶۳۵ ه.ق). پدر وی جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق (ه.م) شاعر معروف است. سبب شهرت او را به خلاق‌المعانی آن دانسته‌اند که: «در شعر او معانی دقیقه مضمر است که بعد از چند نوبت که مطالعه کنند، ظاهر می‌شود.» از جمله‌ی ممدوحان او رکن‌الدین مسعود از آل صاعد اصفهان، جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه، حسام‌الدین اردشیر از آل باوند و اتابک سعد بن زنگی هستند. وی دوره‌ی وحشتناک حمله‌ی مغول را درک کرد و به چشم خویش قتل‌عام مردم اصفهان را به دست مغولان به سال ۶۳۳ دید و خود نیز دو سال بعد، در ۶۳۵ به دست مغولی به قتل رسید. کمال‌الدین در آوردن معانی دقیق و باریک‌اندیشی مهارت دارد و در التزامات صعب و تقیید به آوردن مفاهیم مشکل چیره‌دست است و دیوان او بطبع رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۰۷ -۹۸۰/ ۳)، ارمغان (س ۷، ش ۱، ص ۲۳ -۱۹ ش ۳ -۲ ص ۱۱۷ -۱۰۴ ش ۵، ص ۳۱۲ - ۳۰۱)، از سعدی تا جامی (۴۶۸، ۳۴۶)، بهارستان جامی (۱۱۵ -۱۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۷۷ -۸۷۱/ ۲)، تاریخ گزیده (۷۴۶)، تاریخ مغول (۵۳۳ -۵۳۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۰ -۷۳۹، ۱۵۸ -۱۵۷)، تذکرة الشعراء (۱۷۰ -۱۶۴)، تذکرة القبور (۱۴۱ -۱۴۰)، حبیب السیر (۶۶۵/ ۲)، دایرة المعارف فارسی (۲۲۶۰/ ۲)، الذریعه (۲۰۷/ ۱۷، ۲۵۹/ ۱۲، ۹۱۷ -۹۱۶/ ۹)، راحة الصدور و آیة السرور (۴۶۹)، ریاض العارفین (۲۳۰ -۲۲۹)، ریحانه (۸۴ -۸۳/ ۵)، سبک شناسی (۸۸/ ۳)، شعر العجم (۱۸ -۱۱ / ۲)، طرائق الحقائق (۶۴۹ -۶۴۸ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۶ -۴۱۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۷ -۷۶۶)، گنج سخن (۱۴۱ -۱۲۶/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ کمال‌الدین اسماعیل)، مجالس النفائس (۳۴۸)، مجمع الفصحا (۱۱۵۳ -۱۱۴۴/ ۳)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۲۶)، مرآة الخیال (۳۸ -۳۶)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۴۷۲، ۳۶۷، ۳۴۹ -۳۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۰ -۶۰۹/ ۱)، نتایج الافکار (۵۹۳ - ۵۹۰)، هفت اقلیم (۳۸۳ -۳۷۳/ ۲)، یغما (س ۴، ش ۵، ص ۲۰۵).

اصفهانی مازندرانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌رضا بن علی بن محمد حسینی اصفهانی مازندرانی.

عـالم فاضل جلیل، در ۱۱ ذی حجه سـال ۱۲۸۷ در نجف متولـد شـده، و در ۵ شـنبه دوم جمادی الاولی سال ۱۳۴۴ در سامرا وفات یافته، در صحن شریف مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی نجفی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، متوفی در ۱۲۹۰ و انـدی. وی مؤلف کتابی است در سه مجلـد در اعمال روز و شب و هفته و ماه و سال، و خاتمه‌ی آن در آداب و سنن و اخلاق.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۹ ق)، شـاعر، ادیب و خطـاط. از هنرمنـدان عصـر صـفوی بود. پس از قتل پـدرش (۹۲۸ ق)، روزگـار او و برادرش، میرزا اسـماعیل، دگرگون شـد. میرزا ابراهیم به قزوین رفت و چون خوش قریحه و با ذوق بود، منزلش محفل دانشـمندان و شـعرا گردیـد. وی خط نسـتعلیق را خوش می‌نوشت و شـعر نیز می‌سـرود. خـط او را در ردیف حسـنعلی مشـهدی و سـید احمـد مشـهدی و میرمعز کاشانی دانسـته‌اند. به گفته‌ی صاحب «عالم آرای عباسـی»، وی فرهنگی تـدوین کرده بود که در آن لغات متداول در اشـعار قدما و معانی آنها، گاه به تتبع و گاه به تصرف قریحه، جمع‌آوری شده بود. در قزوین درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشـنویسان (۱۶ -۱۵ /۱)، تاریـخ نظم و نثر (۵۰۱)، الذریعه (۱۵ /۹)، عالم آرای عباسـی (۱۷۲ /۱)، مجمع الخواص (۷۰)، هفت اقلیم (۴۰۱ /۲).

اصفهانی، باقر، محمد باقر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر و منشـی. وی از سادات نطنز بود و در اصـفهان نشو و نما یافت. جـد اعلای او از مریدان صـفی اردبیلی بود و پـدرش نیز در دربـار شاه عباس وزیر سـرکار قوچیان بود که این منصب بعـد از مرگش به وی ارجاع داده شـد. میرزا محمـد باقر در سرودن قصیده، غزل و سایر اقسام شعر قدرت تمام داشت. از وی «دیوان» اشعاری به جای مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۲۶/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۷۰ -۶۹)، الذریعه (۱۲۲/۹)، صبح گلشن (۵۳ -۵۲).

اصفهانی، بهرام بن فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلّف شارسـتان فارسـی، در بیـان مراتب دانش، و عقایـد و آداب ایرانیان باسـتانی. مؤلّف از شـیراز به تته رفته، و از شاگردان جمال الدین محمود تبریزی و آذر کیوان است. در ۱۳۰۴ در لاهور فوت شده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، جمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ جمال‌الدین بن حاج شیخ محمدباقر اصفهانی برادر مرحوم حاج آقا نوراللّه که پس از فوت برادرش به قم آمده و منبرهـای داغ و بـا حرارت و پرسوز و گـدازی رفت و سر و صـدائی بلنـد کرد آن عالم جلیل از رؤساء علمای اصـفهان بود در سال ۱۲۸۴ متولد شده در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرده آنگاه مهاجرت به نجف و در درس مرحوم میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی تلمذ نموده و سپس به اصـفهان مراجعت کرده در جنگ بین‌الملل اول در سال ۱۳۳۲ روسها به تهرانش بردند و تا آخر عمر در آنجا ساکن و از مراجع عالیقـدر به شـمار می‌رفت یکی دو سال قبل از فوتش تبعید به اصـفهان شده و در شب یکشـنبه ۲۵ جمادی‌الاـولی ۱۳۵۴ وفـات یـافته و در بقعـه تکیـه مـادر شـاهزاده مــدفون گردیـد معظـم لـه از علمـاء متنفـذ و محبوب‌القلوب عندالخواص والعوام بود شـبهای جمعه در جوار حضـرت عبدالعظیم علیه‌السلام و هم در موقعی که در اصفهان بود در تخت‌فولاد در تکیه میرزا رفیعا احیاء می‌گرفت و جمع کثیری در آن شـرکت می‌نمودند در اصفهان در مسجد شیخ لطف‌اللّه و در تهران در مسجد حاج سید عزیزاللّه بازار امامت می‌فرمود.

ماده تاریخ وفاتش را دانشمند بزرگوار آقای معلم حبیب‌آبادی ضمن قطعه‌ای گفته است:

بماه و سال و تاریخ وفاتش

بگفت این شعر با حالی مرفه

جمادای یکم در بیست و پنجم

(جمال‌الدین بجنت رفت ناگه)

والـده ماجـده‌اش از سادات اخوی تهران دختر عموی داماد گرامی نگارنده آقای سـید حسـین تقوی تهرانی (سادات اخوی) و زوجه اولیه‌اش دختر مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسن عراقی متولد ۱۳۲۵ و متوفی ۱۳۴۷ می‌باشد.

(۱۳۵۴ –۱۲۸۴ ق)، فقیـه و امـام جمعه. در خـدمت پـدر خـود در اصـفهان تحصـیل کرد. آن‌گـاه به نجـف رفت و در محضـر میرزا حبیب‌الله رشتی و آخونـد خراسانی تلمذ کرد، سپس به اصـفهان بازگشت. در اوایل جنگ جهانی اول به علت مخالفت با روسـیه‌ی تزاری از اصـفهان به تهران تبعیـد شـد. وی از علمـای طراز اول تهران و یـاران مـدرس و مـدتی نیز امام جمعه‌ی تهران بود. حاج آقا جمال از هنگامی که رضاخان می‌خواست جمهوریت را پی‌ریزی کند با او به مخالفت برخاست و سرانجام به اصفهان تبعید شد. وی در همان جا درگذشت و شایع شد که توسط عوامل رضاخان مسموم شد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره القبور (۲۳۷ –۲۳۶)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۱ –۱۸۹ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۶ –۲۳۵ / ۱).

اصفهانی، حبیب الله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا عبداللّه. عالم و فاضل و ادیب و نویسـنده بوده، در سال ۱۱۰۶ وفات یافته. وی مؤلّف کتاب: «توصـیف الوزراء» است که آن را رجال میرزا حبیب اللّه نیز گویند، در احوال وزاری دولت صفویّه.

ظاهراً وی سید نور الدین حبیب اللّه نسّابه اصفهانی است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، سمیع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضـلای سـاکنین نجف اشـرف، عالم متقی، و فاضل صالـح، در نهایت زهـد و تقوا بوده، و در جمع کتب، مولع، و آنها را یا خود وقف نموده، و یا وصیت به وقف کرده.

در ۱۳۲۷ وفات یافته، در وادی السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، شمس الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمود بن محمّد بن عبدالکافی.

در ۶۱۶ متولّد، و در رجب سال ۶۸۰ در مصر وفات یافته، در قرافه مدفون گردید.

در اصفهان و بغداد تحصیل علوم نموده، و در منطق و کلام و اصول از اساتید به شمار می‌رود.

کتب زیر از اوست:

۱- قواعد ۲- غایهٔ المطب، در منطق ۳- الکاشف عن الحصول، در شرح کتاب محصول، معروف‌ترین تألیفات اوست و در بین مؤلّفین به همین جهت او را اصفهانی شارح محصول گویند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۹ -۶۷۴ ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین‌شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیه فی تفسیر الآیات القرآنیه»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۲ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۰ ،۲۲۹ /۳)، حبیب السیر (۲۳۲ /۳)، الذریعه (۱۴۰ /۱۳)، روضات الجنات (۱۱۷ /۸)، ریحانه (۲۴۹ -۲۴۸ /۳)، کشف الظنون (۱۹۹۱ ،۱۹۲۱ ،۱۸۷۹، ۱۸۵۵، ۱۷۱۷، ۱۳۷۱، ۱۱۴۸، ۱۱۳۷، ۱۱۱۶، ۴۴۳، ۴۴۲ ،۳۴۶ ،۲۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)، معجم المؤلفین (۱۷۳ /۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۹ /۲).

اصفهانی، طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به دیباچه نگار. فاضل ادیب و شاعر مترسل از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی می‌پیوندد می‌باشد.

در ۱۰ ذی حجه ۱۲۲۴ در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، به طهران رفته، و مورد نظر بزرگان واقع شده.

کتاب «گنج شایگان» را در تراجم شعرای مادح میرزا آقا خان نوری جمع‌آوری نموده، و در آن از ۴۸ شاعر نام می‌برد.

تاریخ اتمام آن (آکنده شده به درج گهر گنج شایگان ۱۲۷۳) می‌باشد. وی را دیوان اشعار است به عربی و فارسی، و در آن «شعری» تخلص می‌کند.

وفاتش را در ۱۲۷۰ نوشته‌اند و یقینا اشتباه است، لیکن دانشمند محقق آقای آقامیرزا محمد علی معلم در کتاب «نمونه‌ی مختصر المکارم» آن را در ۱۲۷۵ نوشته‌اند، و این تاریخ به یقین نزدیکتر است.

جد اعلای ایشان شیخ محمد حسن [بن شیخ عبدالله گیلانی] عالم و عارف بوده و او را محمد حسن خان قاجار به اصفهان آورده، و منصب قضاوت بدو داده، که تا این اواخر قضاوت اصفهان در سلسله‌ی ایشان باقی بود.

برادرش: شیخ محمد صالح، عالم و فاضل بوده، در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، و در طهران فوت شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از شاگردان آخوند خراسانی بوده، و [شرح] خطبه‌ی «اول الدین معرفته» را از تقریرات استاد خویش تألیف نموه است، و در حدود سال ۱۳۵۶ در نجف وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالله اصفهانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید عبدالله اصفهانی در سال ۱۳۳۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در ساری دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۵ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه مازندران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی، اخلاقی فراوان برد.

وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۵ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله مازندرانی، شیخ مهدی زمانی و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد.

استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد قائم شهر مشغول است و علاوه بر تدریس هم اکنون مدیر گروه معارف شبکه تلویزیونی طبرستان می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که آثار متعددی از جمله "تفسیر موضوعی قرآن کریم "، "اخلاق اسلامی کلیات و مفاهیم" و... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

اصفهانی، عبدالمطلب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد حسن کاظمینی، معروف به عباس‌آبادی. عالم فاضل، از شاگردان شیخ احمد احسائی و پیروان او بوده، و در کتب خویش طعن زیاد به مخالفین شیخیه دارد.

کتب زیر از آثار اوست:

۱ – الحجهٔ البالغهٔ ۲ – رساله در حجیت مظنه (عنوان هفتم کتاب الحجهٔ البالغه است) ۳ – رساله رد بداء، در ۱۲۷۷ تألیف شده ۴ – نجاهٔ الدارین (عنوان پنجم الحجهٔ البالغه است).

وفاتش پس از ۱۲۷۷ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید احمد، عالم فاضل جلیل. پدرش از اهل علم و صلاح بوده، و برادرش سید محمد صادق در قریه‌ی دولت‌آباد ساکن، و به ترویج دین مشغول بوده، و در سال ۱۳۴۵ وفات یافته.

پس از آن صاحب عنوان بنا به تقاضای اهل محل بدانجا رفته، و به ارشاد و هدایت مردم پرداخته، در ۱۳۷۴ وفات یافته، در مقبره‌ی امامزاده نرمی مدفون گردید، و تألیفاتی دارد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عماد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعبدالله محمدبن صفی‌الدین ابی الفرج محمدبن حامدبن محمد [بن عبدالله] بن علی بن محمود کاتب اصفهانی.

ادیب کاتب، و فقیه شافعی، معروف به [کاتب اصفهانی، عماد کاتب و] ابن اخی عزیز، در شعبان ۵۱۹ در اصفهان متولد، و در اصفهان و بغداد تحصیل نموده، سال‌ها در نظامیه‌ی بغداد به کسب علوم پرداخته، در شام به وزارت صلاح‌الدین ایوبی رسیده، سرانجام در دوشنبه غره‌ی رمضان سال ۵۹۷ وفات یافته، در دمشق مدفون گردیده.

کتب زیر از اوست:

۱ – البرق الشامی، در تاریخ، در ۷ مجلد ۲ – خریدة القصر و جریدة اهل العصر، معروف‌ترین تألیفات او در ۱۰ مجلد ۳ – دیوان رباعی ۴ – دیوان الرسائل ۵ – دیوان شعر، در چهار مجلد ۶ – زبدة النصرة، در پاریس و لندن چاپ شده است ۷ – السیل علی الذیل، شرح تاریخ بداد ۸ – عتبی الزمان ۹ – الفتح القسی فی الفتح القدسی، دو جلد ۱۰ – نحلة الرحلة ۱۱ – نصرة العترة، در تاریخ سلجوقی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عیسی بن محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلای قرن ۱۳، و مؤلف کتاب «اسرار الانوار» فارسی، در حکایات اخلاقی و مواعظ، در بیست باب. تاریخ تألیف یا کتابت ۱۲۱۵ می‌باشد. از مطالعه‌ی کتاب معلوم می‌شود که مؤلف را از علم و دانش بهره‌ی زیادی نبوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد بن حسن بن محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از علمای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری در اصفهان است. مجموعه‌ای از کتب مربوط به نماز جمعه را که تاریخ برخی از آنها ۱۰۱۰ می‌باشد جمع‌آوری نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد، از شاگردان وحید بهبهانی است. در سال ۱۲۱۶ به ایران مهاجرت نموده، و چندین سال در کرمانشاه ساکن، و سپس به اصفهان منتقل شده، و در این شهر از جمله اعلام به شمار می‌رفته.

کتب زیر از اوست:

۱– انوار البصائر، در انواع علوم، در ۱۲ مجلّد ۲– الرسالة المعادیّه، به فارسی ۳– زبدة الرجال؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، ناصر الدین خسرو

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب شاعر، مؤلف سعادتنامه‌ی منظوم، متوفی به سال ۷۳۱. به طوری که در کشف الظنون گفته، و ظاهر عبارت آن است که او غیر از ناصر خسرو علوی قبادیانی متوفی به سال ۴۸۱ باشد، و این غلط است، و کتاب نامبرده از ناصر خسرو علوی است، و وی اصفهانی نمی‌باشد، و برخی از تذکره‌نویسان مانند آذر و دیگران که وی را اصفهانی نوشته‌اند اشتباه نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفیانی شندآبادی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ربانی، آیت‌اللّه حاج سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در روستای «شندآباد» از توابع شهرستان «شبستر» استان آذربایجان شرقی در خانواده‌ای مؤمن و متدین دیده به جهان گشود. وی پس از طی دوره های مقدماتی عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم ایت الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله حاج سیدمرتضی خسرو شاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبر دست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر سید اسماعیل اصفیانی شند آبادی

«میرعبداللّه» از سادات محترم و معروف و در خوبی و صفا زبانزد عام و خاص بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از آن که قرآن و ادبیات فارسی از قبیل ابواب‌الجنان، گلستان سعدی، تاریخ معجم، تنبیه‌الغافلین، و نصاب‌الصبیان که از اهم کتب مقدماتی در ادبیات فارسی و تدارک ورود به رشته ادبیات عرب بود، را در مکتب‌خانه‌های قدیمی شندآباد فراگرفت. سپس عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت‌اللّه حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حاج سیدمرتضی خسروشاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبردست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خویشاوندان سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی تعریف می‌کند که ایشان دایی خانواده ما بودند و بدین جهت نامحرمی در خانه ما برای او وجود نداشت. از این گذشته از کودکی لطف دیگری به ما داشت و خانه ما را مثل خانه خود می‌دانست و هر وقت از قم به «شندآباد» می‌آمد، اولی به خانه ما می‌آمد، بعد سراغ دیگران می‌رفت.وقتی من از مسافرت برگشتم، نصف شب به خانه رسیدم، دیدم ایشان مثل همیشه به نماز شب ایستاده و گریه و زاری می‌کند و با خدای خود مناجات می‌نماید. سعی کردم طوری داخل شوم که ایشان متوجه من نشوند و مشغول عبادت باشند، ولی ایشان متوجه شدند و مرا مورد لطف و تفقد قرار دادند. نشستیم و کمی از اینجا و آنجا صحبت کردیم. بعد ایشان فرمود: شما از مسافرت آمده‌اید، بروید استراحت کنید. خودشان دوباره برخاستند و مشغول عبادت شدند. باز با آن گریه‌های جگرسوزشان به مناجات پرداختند. من هم طبق معمول رفتم و مقدمات خواب را فراهم کردم. دیدم همسرم سرزنش کنان به سراغم آمد و گفت:«ایشان هم ملّا هست تو هم ملّائی! بابا تو هم نماز شبی، مناجاتی، چیزی!!»که من خندیدم و گفتم:«تو از هیچ چیز خبر نداری! نمی‌دانی ایشان چقدر گناه کرده است! باید هم گریه کند! باید هم از خدا طلب عفو کند! امّا ما چی؟!»بالاخره با این حرفها از دست خانم خلاصی یافتم. امّا صبح که بیدار شدیم و سر صبحانه حاضر شدیم، مرحوم آقای شندآبادی لبخندی زد و گفت. «دیشب چه گفتی راستش را بگو!» گفتم: «ما که چیزی نگفتیم» دوباره گفتند: «تو راست گفتی، باز هم بگو!» دیدم یکباره منقلب شد و باز در حالی که آه می‌کشید، فرمود: «تو راست گفتی من خیلی گناهکارم!!»فعالیتهای ضمن تحصیل : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از عمری تلاش و کوشش و فعالیتهای مذهبی و اجتماعی در تبریز و خدمت به مردم آن شهر، ترجیح داد اواخر عمرش را در کنار حرم کریمه اهل‌بیت (ع) بگذراند و با استفاده از انفاس قدسی عارفان آن تربت پاك تزکیه نفس خویش را به اکمال برساند. با این حال از تدریس، تألیف تفسیر نیز غافل نماند و از بدو ورود به قم، با عشقی سرشار به فقه آل محمد (ص) تلاش خود را در این زمینه‌ها دوچندان کرد و با بهره‌گیری از مباحثه و همنشینی بزرگان حوزه قم، خود به حدّی از مراتب کمال رسید که مورد علاقه خاص بزرگان و عارفان واقع شد.همسر و فرزندان : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی اصفیائی شندآبادی چهارفرزند دختر و چهارفرزند پسر دارد؛ فرزندان پسر عبارتنداز:۱ – سیدعبداللّه فاطمی‌نیا وعظ شهیر و توانا و از روحانیان متعهد تهران۲ – سیدمحمد اصفیائی کارمند کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی(ره)۳ – سیدعلی اصفیائی طلبه و کاردار سفارت ایران در عربستان۴ – سیدمحسن اصفیائی پیشه‌وروقایع میانسالی : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی رقیق‌القلب و از «بکائون» زمان خود بود. وقتی به منبر می‌رفت در آغاز گفتارش آیه‌ای را ذکر می‌کرد و گریه می‌نمود و همه را به گریه می‌انداخت. مخصوصا آیاتی را که عتاب آمیز بود با همان لحن عتاب‌آمیز بلند قرائت می‌کرد و حال همه را منقلب می‌نمود. وقتی جهت اقامه نماز در مسجد حاضر می‌شد، مدتی قبل از شروع نماز به نوافل می‌ایستاد و گریه و زاریشان مسجد را پر می‌کرد.آقا سید محمد فرزند گرامی‌اش در این باره می‌گوید:«مرحوم پدرم دائم‌الذکر و اهل مراقبت بود و در عین حال هیچگونه دعوی نداشت بلکه رفتار او به گونه‌ای بود که کسی متوجه عوالم او نمی‌شد. او با ادعیه عالیه اهل بیت (ع) انس زیادی داشت و بسیاری از آنها را از حفظ داشت و قسمتهای مختلفی را گاهی در قنوت و سجده ذکر می‌نمود. به یاد دارم، روزی در منزل خلوتی از او در مورد دعای کمیل سئوال کردم و پرسیدم، آیا هرکس می‌تواند دعای کمیل را بخواند؟ ایشان جواب داد: اگر خداوند به کسی توفیق عنامت کند امر خطیری است، مگر نمی‌بینی می‌فرماید: «وینادیک بلسان اهل توحیدک و یتوسل الیک بربوبیتک» اینجا منقلب شد و مرا نیز منقلب کرد و من دیگر نتوانستم به سئوالات خودم ادامه دهم.»زمان و علت فوت : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی سرانجام پس از سالها تلاش و کوشش در جهت ترویج و تبلیغ دین و تزکیه و تهذیب نفس خویش در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۶۸، مطابق ۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۱۰ هجری قمری قریب به نیمه شب با حالات عجیب روحی و اشتغال به مناجات الهی دار فانی را وداع گفت و در جوار اجداد طاهرین خود آرام گرفت. پیکر پاك و شریفش پس از تشییع با شکوهی با همت مردم و روحانیون در قم در مقبره علماء در باغ بهشت به خاك سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در اوایل انقلاب بنا به احساس مسؤلیتی که در قبال انقلاب داشت، جهت ارشاد مردم و خدمت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی امامت جمعه شهرستان مراغه را قبول کرد و رهسپار آن شهرستان شد، ولی مدت کمی در آنجا ماند و بنا به مصالحی دوباره به قم برگشت.فعالیتهای آموزشی : روح و ذهن مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی از معارف قرآن کریم سیراب شده بود و در مقام تفسیر قرآن نکاتی را یادآوری می‌کرد که شاید بعضی از آنها در هیچ تفسیری وجود نداشت. مرحوم اصفیائی در بخش ادبی تفسیر قرآن نیز نظرهای (به اصطلاح علماء، شم تفسیری خاص) داشت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مجموعه مسجد و مدرسه سیدحمزه، از آثار فرهنگی اسلامی اوائل سده هشتم هجری قمری است که همزمان با تأسیس مدرسه و شهر علمی رشیدالدین فضل‌اللّه بوسیله «سید حمزه» که از سادات محترم و متمول دوران «اولجاتیو» بوده تاسیس و موقوفات بسیار مفصل بدانجا اختصاص داده شده بود. ولی با گذشت زمان اگرچه این مکان از سرنوشت ربع رشیدی مستثنی مانده ولی از دست چپاول عمله مولّی به نام «متولی» در امان نمانده و حجره‌ها و مدرسهایی مدرسه تبدیل به گورستان شده بود و مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی با یک دهه تلاش پیگیر توانست مدرسه را از عمله مولی خارج نموده و پس از بازسازی حجره‌ها، در حدود سال ۱۳۳۸ شمسی اولین طلاب علوم دینی را در آنجا اسکان دهد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در کنار درس و بحث برای ارشاد مردم امامت مسجد سید حمزه تبریز که به کلی مخروبه و غیرقابل استفاده گردیده بود، پذیرفت و پس از چند سال تعمیر و بازسازی تدریجی آن به وسیله احیای

موقوفات مسجد به اقامه نماز جماعت، ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه مشغول شد. او چنان از محبوبیت و استقبال گرمی برخوردار شد که بعد از سالهای سال هنوز کسبه اهل بازار و محله با حرمت از آن دوران یاد می‌کنند و می‌گویند ما در عمرمان و در تاریخ مسجد سید حمزه تنها کسی را که دیدیم در دل و جان ما نفوذ کند و محبت خدا را در دلهای ما رخنه دهد، آیت‌اللّه شندآبادی بود.آرا و گرایشهای خاص : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی دارای ملکات فاضله و سجایای جمیله بود. بسیار کریم‌النفس، منیع‌الطبع، سخی و صبور و شجاع بود و در قضاء حوائج مؤمنین و رسیدگی به مستمندان و مریضان همت عجیبی داشت.آثار : ۱ تحقیق و چاپ «محاسبهٔ‌النفس» سیدبن طاووس ۲ کشف‌الریبه ویژگی اثر : شهید ثانی که این مجموعه مکرر در ایران و لبنان به چاپ رسیده است۳ محاسبه‌النفس و پشتکار حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

اصلاح دریسی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۹ ق)، روزنامه‌نگار. وی روزنامه‌ی «اصلاح» را در سال ۱۳۲۷ ق تأسیس کرد و هشت شماره از آن را در بمبئی منتشر کرد. سپس به تهران آمد و به نشر آن ادامه داد. او از آزادیخواهان بود و بیشتر در بوشهر اقامت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۸۴ -۱۸۲ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۴ /۱).

اصلانی، مختار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار اصلانی

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مختار اصلانی در سال ۱۳۵۲ در یکی از روستاهای شهرستان مراغه در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و تحصیلات راهنمائی را در بخش خراجو به پایان رسانده و جهت ادامه تحصیل در دوره دبیرستان مجبور به ترک خانواده شده و در شهر مراغه و دبیرستان خواجه نصیر به ادامه تحصیل پرداختم.

روحیات مذهبی و فطرت پاک روستائی با محیط شهر و دبیرستان خیلی سازگار نبود، از این رو همیشه دنبال گمشده ای می گشتم که در محیطی سالم و مطابق با روحیات مذهبی و انقلابی بتوانم ادامه تحصیل بدهم که با راهنمائی یکی از دوستان، حوزه علمیه را مناسبترین جا تشخیص داده و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه شهرستان بناب شدم و بعد از اتمام سطح یک برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۵ به شهر قم مهاجرت کرده و بعد از اتمام سطح در درس خارج اصول و فقه حضرات آیات: مکارم شیرازی و سبحانی شرکت نمودم.

در کنار دروس حوزه در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام به مدت دو سال دوره دیده و در گروه تاریخ مرکز مطالعات حوزه مشغول به تحقیق شدم که حاصل کارهای تحقیقی بنده چاپ ده ها مقاله در مجلات و روزنامه ها و چاپ کتابی به نام" تاریخ پیدایش شیعه "بوده است.

اصولی، احسان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احسان اصولی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهرماه ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه کاشان، مدرسه علمیه حضرت ولی عصر علیه السلام قمصر وابسته به مدرسه علمیه حضرت آیهٔ الله یثربی قدس سره شدم. همزمان با تحصیلات حوزوی در قمصر و کاشان دروس دوره متوسطه را نیز به صورت متفرقه امتحان داده و در سال ۱۳۷۱ دیپلم رشته فرهنگ و ادب را اخذ نمودم.

همزمان با پایان سطح ۱ حوزه، در دانشگاه کاشان به صورت شبانه در رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی قبول شده و البته به دلیل آن که دروس حوزوی را نیز مشغول بودم از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱ دوره کارشناسی را به پایان رساندم. از سال دوم حوزه ارتباط با برخی مراکز فرهنگی شهرستان برقرار نموده و در برنامه ریزی و تدریس در آن مراکز فعال بودم. از سال ۱۳۷۴ همکاری با جناب آقای بنی هاشمی در تدوین رساله توضیح المسائل مراجع را آغاز نمودم و پس از آن نیز فعالیتهای علمی و تألیفی مشترک ادامه داشته است.

در سال ۱۳۷۹ برای رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) پذیرفته شده و همزمان با حضور در درس خارج فقه واصول، در دوره کارشناسی موسسه نیز شرکت کردم. در سال ۱۳۸۵ نیز دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی موسسه مزبور را شروع کرده و هم اکنون در آستانه نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد می باشم.

از سال ۱۳۷۵ تاکنون تدریس دروس مختلف مدیریت فرهنگی، روش تدریس، نظام سیاسی اسلام، نظام حقوق زن در اسلام و ... را در حوزه علمیه خواهران کاشان بر عهده داشته و بیش از بیست پایان نامه را راهنمایی نموده و یا در موارد بیشتر از این، مشاوره ارائه کرده ام. از سال ۱۳۸۲ تاکنون داوری و ارزیابی پایان نامه های حوزه های خواهران در استان اصفهان را با حکم مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران عهده دار بوده ام.

همچنین از سال ۱۳۷۷ تاکنون توفیق مدیریت برنامه ریزی و اجرایی مرکز فرهنگی تبلیغی قرآن و عترت علیهم السلام وابسته به حوزه علمیه حضرت آیت الله یثربی کاشان را داشته ام. از سال ۱۳۸۴ تاکنون نیز تدریس دروس انقلاب اسلامی ایران، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، آشنایی با قانون اساسی ج.ا.ا را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان و دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام داده ام.

در قم نیز از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ در مدرسه علمیه فاطمی به تدریس صرف و نحو و عقائد پایه ۱ تا ۳ و در مدرسه اهل البیت (ع) عقائد پایه ۷ (الهیات آیهٔ الله سبحانی) مشغول بوده ام. خداوند مهربان توفیق روزافزون عطا فرماید.

اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۴/۳۰۲ –۲۳۰/۲۲۵ ق)، مفسر، متکلم، فقیه، محدث، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ناصر کبیر. جد مادری شریف رضی و شریف مرتضی است. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام هادی (ع) آورده است. حاکم طبرستان بود و از این رو که بر اثر اصابت شمشیری در نبردگاه کر شده بود به اطروش خوانده می‌شد. وی در فقه و دین علامه بود و در شعر توانا. ابن ابی‌الحدید گوید که او صاحب سیف و قلم و از بزرگان فقهای امامیه و شیخ طالبیین و عالم و زاهد و ادیب و شاعر ایشان بود. او اسلام را در میان ساکنان ساحل دریای خزر نشر داد و در حدود دویست هزار دیلمی و گیلانی به دست وی ایمان آوردند، و او را در شهرهای آنان مساجدی بنا کرد. به گفته‌ی طبری و ابن‌اثیر او حاکمی عادل و نیک سیرت بود و مردم همانند او را در عدل و برپایی حق و حسن روش ندیدند. وی سرانجام در آمل طبرستان درگذشت و مزارش در همان شهر زیارتگاه عموم است. تالیفات و آثار وی بیش از سیصد کتاب بوده است. از جمله آثارش: «اصول الدین»؛ «الامالی»؛ «الامامه الصغیر»؛ «الامامه الکبیر»؛ «امهات الاولاد»؛ «البساط»، در علم کلام؛ «تفسیر الاطروش»، در دو مجلد که در آن به ۱۰۰۰ بیت از ۱۰۰۰ قصیده احتجاج کرده؛ «الفقه الناصریه» که شریف مرتضی علم‌الهدی آن را شرح و تصحیح کرد و «المسائل الناصریات» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۶/۲)، اعیان الشیعه (۱۸۴ –۱۷۹ /۵)، الذریعه (۲۹۹/۱۶، ۲۶۱/۴، ۳۱۵، ۳۰۸، ۳۰ /۲)، رجال الطوسی (۴۱۲)، رجال النجاشی (۱۷۱ –۱۷۰ /۱)، روضات الجنات (۲۵۳ –۲۵۱ /۲)، ریحانه (۹۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۲/۴)، الکامل (۱۴۸/۶)، الکنی و الالقاب (۲۳۲/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اطروش)، مروج الذهب، ترجمه (۶۹۰/۲)، معجم المولفین (۲۵۲/۳).

اعتصامی، پروین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پروین اعتصامی ، دختر یوسف اعتصامی آشتیانی (اعتصام الملک) ، در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز از مادر زاده شد. او تحصیلات خود را در کالج آمریکایی به پایان رساند و به اخذ گواهینامه ی دوره ی متوسطه نائل آمد و در جشن فارغ التحصیلی خود خطابه ی « زن و تاریخ » را ایراد کرد. پروین ، ادبیات فارسی و عربی را در نزد پدرش آموخت . پروین در شعر ، سبک اساتید خراسان و عراقی را پسندید و در قصیده ، را ه آنان را دنبال نمود . او سرانجام در شب ۱۶ فروردین ماه سال ۱۳۲۰ در حالی که پروین داشت شوط جوانی را می پیمود ، جهان را ترک گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : پروین دخت اعتصامی دختر مرحوم یوسف اعتصامی (اعتصام الملک آشتیانی) یکی از گویندگان توانای معاصر در شعر فارسی است.اعتصام الملک از نویسندگان ایران معاصر مدیر مجله معروف« بهار» بود و به شعر و ادب عشق می ورزید.دهخدا درمورد او می نویسد:« یوسف اعتصامی در زبان ترکی اسلامبولی دبیری شیرین سخن و در فرانسه مترجمی توانا و در لسان و ادب عرب بالخصوص یکی از ائمه و ارکان به شمار میرود چنانکه در احاطه به این لغت در ایران بی همال و در مصر و عراق و شام کم نظیر بود.در خطوط اربعه نستعلیق و نسخ و شکسته وسیاق از بسیاری از استادان سلف گوی سبقت ربود. همچنین وی کتابهای بینوایان و خدعه و عشق (شیلر) را ترجمه کرده است.» [پیام نوین– سال دوم, شماره ۶, اسفند ۱۳۳۸ .]

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پروین اعتصامی از زمان کودکی با شعر و ادب آشنا شد ، چرا که خانه ی آنها محفل شاعران و فرزانگان آن روزگار بود و پروین با ادبیات و شعر بزرگ شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین اعتصامی در کودکی به همراه خانواده به تهران آمدو مقدمات عربی و برخی متون فارسی را در خانه نزد پدر فرا گرفت. بعد از آموختن ادب فارسی و عربی به مدرسه دخترانه (ایران نبل) که از سوی آمریکاییان اداره می شد رفت و در سال ۱۳۰۳ شمسی دوره تحصیلی آن مدرسه را به پایان رساند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : پروین اعتصامی سرودن شعر را از کودکی آغاز کرد. وبا تکامل فکری اشعارش آب و رنگی یافت و آنها را در حضور ادبا و شعرایی که در مجلس پدرش حاضر می شدند می خواندچنانکه مورد تعجب و درعین حال تحسین حاضرین واقع می شد.

همسر و فرزندان : پروین اعتصامی در ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۳ با پسرعموی خود به نام فضل الله که رئیس شهربانی بود در کرمانشاه ازدواج کرد.

وقایع میانسالی : پروین اعتصامی چهار ماه پس از عقد با همسر خود به کرمانشاه رفت ، اما از همان آغاز پیدا بود که دیگر با دل و جان به شعر و شاعری نمی پردازد چرا که روح خشن و نظامی شوهرش با روح لطیف پروین هم خوانی نداشت ، پروین نمی توانست برخوردهای او را تحمل کند پس با برادرش راهی تهران شد و سرانجام در ۱۱ مرداد ۱۳۱۴ با چشم پوشی از مهریه از وی جدا شد. این تجربه ی تلخ از زندگانی مشترک ، پروین را در دنیایی از غم و اندوه و انزوا فرو برد و باز هم متوسل به روحیه ی آرام خود شد و از کم وکیف آن با هیچ کس صحبت نکرد فقط چند بیت سرود : ای گل تو زجمعیت گلزار چه دیدی جز سرزنش و بد سری خار چه دیدی ای لعل دل افروز تا با این همه پرتو جز مشتری سفله به بازار چه دیدی رفتی به چمن ، لیکن قفس شد نصیبت غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی زندگی نامه شاعران ایران ، تالیف : لیلا صوفی ، ص ۲۲۴]

زمان و علت فوت : پروین اعتصامی در سوم فروردین ۱۳۲۰ بی هیچ سابقه ای بیمار شد و حصبه گرفت. در لحظات آخر عمر از دایی خود که هر روز بر سر بالین او می آمد خواست تا برای مادر تسکینی باشد و بعد بیهوش شد و در نیمه شب جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در آغوش مادر جان داد. جنازه پرورین در صحن حضرت معصومه در قم در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : پروین اعتصامی در همان مدرسه ای که دوره ی تحصیلی خود را در آن سپری کرد (ایران نوبل) ، بعد از اتمام تحصیل به تعلیم پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : استاد بهار در مورد اشعار پروین اعتصامی چنین می گوید : «پروین در قصاید خود پس از بیانات حکیمانه و عارفانه روح انسان را به سوی سعی و عمل امید ، حیات , اغتنام وقت ، کسب کمال ، همت ، اقدام نیکبختی و فضیلت سوق می دهد .»او همچنین می گوید :« ... خانم پروین در سروده هایش مهر مادری و لطافت روح خویش را از زبان پرندگان ، از زبان مادران فقیر ، و از زبان بیچارگان بیان می کند.» [چیستا – سال شانزدهم ، شماره ی ۱۵۱ ، مهر ۱۳۷۷] پروین درزیستن و سرودنش به تک تک عناصر هستی ، دگرگونه می نگرد . در ورای پرده های پوشاننده ظاهری ، درون و باطن مخلوقات را می نگر د،خود را در هم جوهری روحی با عناصر جهان می بیند وبرای هر یک از اعضا ء وجوارح به ظاهر بی جان آن ، جانی تازه و حالتی ذی شعور متصور می شود . ازنظر گاه او ، جهان و عناصر آن از روح فعال زندگی و خصایص شعور مند برخوردار هستند . دراین نگرش که از نوعی بینش اساطیری و برداشت ازلی انسان باستان از جهان نشات می گیرد ، هر جزیی ازعالم دارای حیاتی پویا ، مستقل ، زنده و زایا است . در شعر او بد نشانه ها و ویژگی ها ی بینش اساطیری می توان اشاره کرد . در جهان شعر پروین همه مخلوقات جهان دارای جان هستند و تک تک عناصر طبیعت را روانی جادویی است . وی در این جهان با عناصر و حوادث طبیعی همانندموجود است از نعمت تفکر و تکلم برخوردار می شوند . در این نوع نگرش و گویش ، شاعر قصه پرداز ، آرمان هاو آوازه های خویش را از زبان عناصر جهان و حتی اشیا ء بی جان و جامدی چون سنگ و چوب می گوید . [احمدی ملکی رحمان . بینش اساطیری درشعر پروین اعتصامی،فصلنامه هنر . دوره جدید ،زمستان ۱۳۷۷ ،پیاپی ۳۸، ص۲۳۴] --

آثار :

۱ دیوان اشعار

ویژگی اثر : دیوان وی مجموعا ۶۵۰۰ بیت را شامل می شود . حاوی سه قسمت می باشد ؤ قصاید , مثنویات , تمثیلات.درباره سبک اشعار, نظر بهار این است ؛؛ این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی – آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه شعراء خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو و دیگر شیوه شعراء عراق و فارس بویژه مصلح الدین سعدی ؛؛ میتوان گفت در قصائد ,طرز گفتارش طوری است و در قطعات طور دیگر. بیشتر قطعات بطرز سئوال و جواب یا ؛؛ مناظره؛؛ بسته شده . در سرودن قطعات , شاعر استقلال طبع نشان داده و ضمن سرودن قطعات که ؛؛ قدیمی ترین اسلوب حسن اداء مقصود ؛؛ است این

شیوه پسندیده را احیا کرده است. در قطعات پروین و در کلیه اشعارش چیزی که آنها را مشخص می کند هما هنگی فکر و احساس است.در ببعضی از قطعات و بخصوص در قصاید او اندیشه هایی از تصوف و عرفان دیده میشود. او در اشعارش در قالب یک منتقد اجتما عی می رود وتباهی ها را نابود می کند. [پیام نوین- سال دوم , شماره ۶, اسفند ۱۳۳۸] ---

منابع :

۱پیام نوین–سال دوم,شماره ۶, اسفند ۱۳۳۸ .۲چیستا – سال شانزدهم ، شماره ی ۱۵۱ ، مهر ۱۳۷۷۳صوفی, لیلا- زند گینامه شاعران ایران–انتشارات جاجرمی,۱۳۷۸ .

اعتضادالسلطنه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌قلی میرزا (و. ۱۲۳۴– ف. ۱۲۹۸ ه.ق.). پسر فتحعلی شاه. وی پس از فوت محمد شاه قاجار (۱۲۵۰) در تهران تا ورود ناصرالدین شاه پیشکار مهدعلیا مادر او بود. در ۱۲۷۲ لقب اعتضادالسلطنه گرفت. در ۱۲۷۴ ریاست دارالفنون را داشت. در ۱۲۷۵ اولین خط تلگراف بین تهران و سلطانیه را به اتمام رسانید و وزیر علوم شد و بعدها ریاست مدرسه دارالفنون و اداره تلگرافخانه‌ها و معادن و روزنامه دولتی و علمی و مدیریت چاپخانه را به عهده گرفت، و حکومت ملایر و تویسرکان هم ضمیمه مشاغل او گردید. قبرش در جنب مزار حضرت عبدالعظیم است. از تألیفات اوست: تاریخ وقایع و سوانح افغانستان (تهران ۱۲۷۳)، فلک السعاده، در رد اقوال اختر شناسان و کهنه (تهران ۱۲۷۸)، ترجمه کتاب الآثار الباقیه و اکسیر التواریخ، کتابی در تاریخ متنبئین (همه خطی).

(۱۲۹۸ -۱۲۳۴ ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فخری. وی سمت پیشکار مهدعلیا را داشت و در دوره‌ی صدارت امیرکبیر سمت خود را حفظ کرد و با مهدعلیا و میرزا آقاخان نوری علیه امیرکبیر همکاری می‌کرد. در این مدت فنون شعر و ادب و حکمت و ریاضی را فراگرفت و به مطالعه‌ی کتاب و معاشرت با اهل فضل و ادب مشغول بود. کتابخانه‌ی مهم و معتبری فراهم آورد که بعدها تمام آن را برای مدرسه‌ی سپهسالار جدید خریداری و وقف آن مدرسه کردند. در سال ۱۲۷۲ ق به اعتضادالسلطنه ملقب شد. سمتهایی چون ریاست مدرسه‌ی دارالفنون و وزارت علوم و صنایع و تجارت و اداره‌ی تلگرافخانه و معادن و روزنامه‌های دولتی و علمی و چاپخانه‌های تهران، ولایات و حکومت ملایر و تویسرکان همه بر عهده‌ی او بود. در سال ۱۲۸۳ ق روزنامه «ملت سنیه ایران» را انتشار داد و پس از انتشار دو شماره، نام آن به روزنامه‌ی «ملتی» تبدیل شد. در زمان وزارت علوم چندین نشریه تحت‌نظر وی دایر گردید: روزنامه‌ی «ملت علیه ایران» در دو شماره، روزنامه‌ی «ملت سنیه ایران» سابق‌الذکر در دو شماره، «روزنامه‌ی ملتی» ۳۴ شماره، روزنامه‌ی «علمیه‌ی دولت علیه ایران» ۵۳ شماره به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه. در شب عاشورا در شصت و چهار سالگی درگذشت و در یکی از حجرات جنب مزار حضرت عبدالعظیم دفن شد. آثار وی علاوه بر انتشار روزنامه‌ها: «تاریخ وقایع و سوانح افغانستان»؛ «فلک السعاده» در ابطال ستاره‌شناسی؛ «اکسیر التواریخ»؛ «تاریخ متنبئین»، که قسمتی از آن به نام «فتنه‌ی باب» در تهران چاپ شده است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۹۶/ ۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۳۵ -۶۳۳/ ۲)، تاریخ جراید (۲۴۰ -۲۳۷، ۴۸ -۴۵/ ۴، ۳۰۷ -۳۰۵/ ۲)، تاریخ در ایران (۸۱)، حدیقه الشعراء (۱۲۹۶ -۱۲۹۱/ ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۷)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۷ -۱۶۶/ ۱)، شرح حال رجال (۴۴۷ -۴۴۲/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۹۲)، المآثر و الآثار (۱۹۴ -۱۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۱ -۵۶۹/ ۴).

اعتماد السلطنه صنیع الملک، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ -۱۲۵۹ ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به صنیع‌الدوله و موتمن‌السلطنه. از شاگردان دوره‌ی اول رشته‌ی نظام مدرسه‌ی دارالفنون بود و در سن شانزده سالگی به منصب سرهنگی ارتقاء یافت و به ریاست قشون و نیابت حکومتهای خوزستان و لرستان منصوب و پس از آن معاون وزارت عدلیه شد. اعتمادالسلطنه ضمن این که نایب دوم سفارت ایران در پاریس بود، به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و بعد از بازگشت به ایران، علاوه بر مترجمی مخصوص شاه، موضوعاتی را از کتب فرانسه، برای «روزنامه‌ی دولتی» ترجمه می‌کرد. وی در ۱۲۸۸ ق ریاست دارالطباعه‌ی دولتی را بر عهده داشت و وزیر انطباعات شد و زیر نظر او روزنامه‌ی «ایران سلطانی» و «مریخ» و روزنامه‌ی «نظامی» و ماهنامه‌ی «علمی» و روزنامه مصور «شرف» منتشر می‌شد. وی با سید جمال‌الدین اسدآبادی مکاتبه و مراوده داشت. در تهران سکته کرد و در نجف اشرف دفن شد. آثار وی: «وقایع یومیه» شانزده سال اواخر عمر او که تمام مجلدات خطی آن در هشت جلد در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است؛ «منتظم ناصری»، در سه جلد، به صورت تاریخ عمومی از صدر اسلام تا زمان مولف؛ «مطلع الشمس»، در جغرافیا و تاریخ خراسان؛ «مرآت البلدان» در جغرافیای ایران که ناتمام مانده؛ «المآثر و الآثار»؛ «دررالتیجان فی تاریخ بن الاشکان»؛ «التدوین فی جبال شروین»؛ «خیرات حسان»، تاریخ

مشاهیر زنان؛ «خلسه» یا «خوابنامه»؛ «تاریخ فرانسه». از معروف‌ترین ترجمه‌های اوست: «خاطرات مادموازل دومونت پانسیه»؛ «شرح احوال کریستف کلمب»؛ «سرگذشت خانم انگلیسی»؛ «طبیب اجباری».[۱]

(ع. مورد اعتماد پادشاهی) محمدحسن خان مقلب به صنیع‌الدوله که بعدها معروف و ملقب به اعتمادالسلطنه گردید (ف. ۱۳۱۳ ه.ق.). از مقربان دربار ناصرالدین شاه و وزیر انطباعات، وی دارای تألیفات متعددی است از جمله مرآة البلدان (ه. م)، مطلع‌الشمس (ه. م.) خیرات‌الحسان (ه. م.) والمآثر و الآثار، و منظم ناصری در تاریخ و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۷۱ –۲۶۴ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۱۶ –۶۱۱ /۱)، تاریخ جراید (۲۰۴ –۲۰۳ /۴، ۶۱ –۵۹ /۳، ۳۱۲ –۳۰۵ /۱)، تاریخ در ایران (۸۳ –۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۸/۱)، الذریعه (۱۲۰/۲۵، ۱۲۲/۸، ۲۶۷/۷، ۲۷۲/۳)، ریحانه (۱۵۱/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۷/۱)، شرح حال رجال (۳۴۸ –۳۳۰ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اعتمادالسلطنه)، معجم المولفین (۲۰۰/۹)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۲ –۱۵۱ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۶)، یغما (س ۱۷، ش ۸ ص ۳۹۰ –۳۸۳).

اعتماد کربلائی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی اعتماد کربلائی فرزند آیت‌اللّٰه آقا سید محسن فرزند آقا سید محمد فرزند علامه شهیر آقا سید حسین بهبهانی حایری فرزند عالم بزرگ آقا سید سعید از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست وی در ماه شعبان ۱۳۴۶ ق در کربلای معلی متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات خدمت اساتید بزرگ مقداری از علم بلاغت و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّٰه حاج شیخ یوسف بیاری شاهرودی استفاده نموده آنگاه به درس خارج اساطین علم چون مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌اللّٰه آقا میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّٰه میرزا هادی خراسانی و بیشتر حضرت آیت‌اللّٰه العظمی حج سید محمدهادی میلانی فقهاً و اصولاً بهره‌مند شده و علم کلام و معقول را از مرحوم آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمدرضا اصفهانی فراگرفته و جدیت و کوشش در تحصیل نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد نائل و موفق به اخذ اجازات اجتهاد از علماء اعلام گردیده و در موقع اقامتشان در کربلا در حرم مطهر حسینی اقامه جماعت و در صحن مقدس اشتغال به تدریس داشته و جمعی از طلاب از درس و محضر و فقه و اصولش استفاده می‌نمودند.

معظم له دارای آثار و تألیفات عدیده به اسامی زیر می‌باشند

۱– کتاب بلاغة‌الحسین (ع) که تاکنون هفت مرتبه به طبع رسیده است.

۲– کتاب وحی الفطره در اصول دین ۳– وحی الاخلاق.

۴– سیدالشهداء ۵– کتاب روائع در کلمات امام حسن (ع)

۶– شرح بر قصائد مثیرالاخوان ۷– شرح مزجی بر کفایه.

۸– شرح استدلالی بر بعضی از کتابهای تبصره ۹– شرح استدلالی بر مناسک آیت‌اللّٰه خوئی.

۱۰– شرح استدلالی بر عروة‌الوثقی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتماد کریمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد کریمی اعتماد فرزند حاج میرزا عباس کریمی ذاکر الحسین علیه‌السلام در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در حومه اراک به دنیا آمد و در مهد دانش و ورع پرورش و پس از خواندن دروس ابتدائی اشتغال به تحصیل علوم دینی نمود.

و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء اعلام اراک آموخته و بعد مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از محضر مدرسین بزرگ قم فراگرفته سپس به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی و بالاخص آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی و دیگران شرکت و استفاده نموده و برای تبلیغ و ارشاد مردم مسافرت به بنادر دوردست چون بندرعباس و بندرلنگه و به ویژه شهرستان میناب نموده و در آن منطقه خدمات چشمگیر و ارزنده‌ای انجام داده و تا حال تحریر که سال ۱۴۱۱ قمریست اکثر سال را در آن منطقه گرمسیری و حرارت بیش از پنجاه درجه به سر برده و ایفاء وظیفه می‌نماید و چند مرتبه هم مشرف به حج بیت‌اللّٰه الحرام شده و در سال ۱۳۵۴ شمسی در حج بودند که مرحوم والدشان حاج میرزا عباس پس از سخنرانی و گفتن مسائل حج و احکام اسلامی و بیان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام دنیا را وداع گفته و در شب عید غدیر سال ۱۳۹۴ قمری به رحمت حق پیوسته و به لقاءاللّٰه رسیدند.

آقای کریمی یاد شده دارای اجازات روائی و امور حسبیه و غیره از آیات عظام زیر می‌باشند:

۱– آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محسن حکیم

۲– آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالنبی عراقی

۳– آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی

۴– آیت‌اللّٰه میرزا عبدالهادی شیرازی

۵- آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری
۶- آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی قدس سره
۷- آیت‌اللّٰه میلانی طاب‌اللّٰه ثراه
۸- آیت اللّٰه مدرس تبریزی
دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.
۱- الشیعه و ولید الکعبه تحقیقی در پیرامون سنت
۲- نخبه المواعظ در خصوص صله رحم و حقوق والدین
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اعتماد، علی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی اعتماد الواعظین شمس گیلانی رشتی از خطباء و دانشمندان مبرز و مشهور شهرستان رشت بوده‌اند.
وی در سال ۱۳۲۳ قمری در رشت متولد و پس از نشو و نما و خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری فقهاً و اصولا و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا مهدی آشتیانی معقولا و دیگران استفاده نموده آنگاه به گیلان و وطن خویش باز گشت.
و از راه منبر به ارشاد و هدایت مردم و نشر احکام و معارف اسلام پرداخته و شهرت بسزائی یافته و هزارها مردم غافل و منحرف را به سوی حق رهبری نموده وصیت و شهرتش به تمام گیلان و مازندران و آذربایجان و غیره رسیده و مورد استقبال مردم قرار گرفته که در ماه مبارک رمضان و محرم و صفر و غیر آن با دعوت قبلی از بیاناتش استفاده می‌نمودند.
و حقا مردی دانشمند و محقق و استاد در فن منبر و دارای معقول و منقول و مورد توجه علماء و مراجع گیلان و ایران و عراق بود در سال ۱۳۸۲ قمری پیامی از طرف حضرت آیت‌اللّٰه العظمی میلانی مدظله برای دو نفر از زعماء و مراجع بزرگ قم آورده بود که نگارنده هم با مصاحبت ایشان در یک روز چندین مرتبه خدمت علمین رفت و آمد نمودیم مرحوم اعتماد بعد از مراجعت به قم در سال ۱۳۸۷ ق در رشت وفات نمود.
از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمندش زبدهٔ الخطباء المعاصرین و عمدهٔ الوعاظ والمحدثین آقای حاج شیخ حسن شمس گیلانی واعظ که از گویندگان مشهور معاصر تهرانست.
وی در رشت متولد و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات به نجف مهاجرت و پس از استفاده از محاضر آیات عظام نجف به قم آمده و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و دیگران بهره‌مند شده و به تهران رحل اقامت افکنده و تاکنون به خدمات دینی از راه منبر اشتغال دارد
وی دارای آثار ارزنده‌ای هستند که از نظرتان جلوه می‌دهم
۱- تاریخ علماء و شعراء گیلان طبع: تهران
۲- ترجمه مکالمات حضرت رضا (ع) با ملل و مذاهب مختلفه طبع: تهران
۳- باغ‌وحش یا دورنمای دنیای روز طبع: قم
۴- کشکول شمس طبع: تهران
۵- اوراق سیاه یا گوشه‌ای از جنایات بنی‌امیه طبع: تهران
۶- شعله‌های آتش یا پاره‌ای از سخنان حسین و یارانش طبع: تهران
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اعتمادزاده، علی‌اصغر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی‌اصغر بن مرحوم ثقهٔ‌المحدثین حاج شیخ علی‌اکبر اعتمادالواعظین تهرانی از افاضل دانشمندان و وعاظ معاصر تهرانست، وی در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران چشم به دنیا گشوده و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و مقدمات و ادبیات در عصر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مدرسین دیگر متون فقه و اصول را به پایان رسانیده و پس از آن مراجعت به تهران و از محضر بعضی اعلام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّٰه شاه‌آبادی و غیره استفاده و تا حال حاضر از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج احکام و مبانی اخلاق و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج اعتمادزاده از وعاظ نامی و محدثین گرامی حاضر است و در میان مردم تهران و بالاخص متدینین محبوبیت و موقعیت خاصی دارد، و جدا دانشمندی متین و واعظی با کمال و موصوف به تقوا و متانت است.
مرحوم والدش حاج شیخ علی‌اکبر اعتمادالواعظین از بزرگان اهل منبر تهران بودند که به عللی تهران را ترک و به عتبات عالیات مهاجرت و تا آخر عمر مجاورت کاظمین علیهاالسلام را اختیار و در همانجا بدرود حیات گفته و در جوار آن بزرگواران مدفون

شده است.

وی دانشمندی ظریف و خوش‌مجلس و مزاح و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب بودند از باقیات الصالحات مترجم گرامی فرزند ارجمند و فاضل او ثقهٔالاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا نجم اعتمادزاده است که از وعاظ جوان و خطباء خوش‌بیان معاصر است.

ایشان در حدود ۱۳۵۴ ق در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و عمل پرورش و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه برای تحصیل علوم عربی و دینی به قم مهاجرت و چندین سال اشتغال به تحصیل داشته و متون فقه و اصول را از مدرسین معروف حوزه آموخته و چند سالی به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و بعضی دیگر شرکت نموده و پس از فوت مرحوم بروجردی به تهران برگشته و تا هم‌اکنون به تبلیغ دین و وعظ و خطابه اشتغال دارد. و مانند والد گرام وجد عالیمقامش واعظ شیرین و متین و اخلاقی و واجد مقام فضل و دانش می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس اعتمادی بن حجهٔالاسلام عالم فاضل آقا سید محمود بن حجهٔالاسلام آقا سید رضی بن العالم الجلیل آقا سید مهدی کاشانی از علماء و فضلاء معاصر کاشانست پدرانش همگی از سلسله سادات و علماء کاشان بوده‌اند- وی در ۲۹ ماه ذی‌الحجه ۱۳۴۸ قمری در کاشان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به ارشاد والدش به تحصیل علوم عربی پرداخته و مدت دو سال ابتداءاً در حوزه مرحوم آیت‌اللّٰه یثربی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمود نجفی اشتغال داشته.

و در سال ۱۳۲۶ شمسی به قم مهاجرت نموده و تا سال ۱۳۳۴ شمسی اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه مجاهدی و آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی مدظله و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه محقق داماد استفاده نموده و نیز از ابحاث مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالنبی اراکی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدعلی عراقی بهره‌مند شده و مدت چهار سال از دروس خارج آیات عظام مذکور کامیاب گردیده آنگاه به مشهد مقدس رضوی مشرف و دروس حکمت و فلسفه را در آنجا از مرحوم کلباسی و استاد فیض استفاده کرده سپس مشرف به نجف و در مدرسه آیت‌اللّٰه بروجردی اقامت و از اول ورود به حوزه درس آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله حاضر و نزدیک دو دوره از اصول آن بزرگوار و نیز در بحث فقه آن استاد بزرگ تا پایان توقف در نجف شرکت نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه سبحانی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمود شاهرودی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید یحیی مدرس یزدی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی و بالاخص بحث خصوصی مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید جواد طباطبائی تبریزی (قالب مثالی آیت‌اللّٰه بروجردی در شباهت) استفاده نموده تا در ماه شعبان ۱۳۸۱ قمری از نجف مراجعت و به امر والده‌اش به کاشان رحل اقامت افکنده و تاکنون به وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد اعظم (کرسی) و ارشاد انام و تبلیغ احکام و خدمات دیگر اشتغال دارند

از آثار ایشانست در این شهرستان ساختمان (دارالعلم اسلامی) که مرکز مطالعه عمومی و دارای کتابخانه معظم و مدرسه علمیه است و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد خدمات معظم له گشته‌ام

دیگر از آثار خالده معظم له- از این قرار است ۱- مسجد اعظم کرسی با سقف آئینه که در ایران کم‌نظیر است ۲- مسجد النبی (ص) که از مساجد آبرومند کاشانست ۳- مسجد خاتم‌الانبیاء که بهترین مسجد مدرن شهر است ۴- مسجد جامع حضرت امیرالمؤمنین (ع) که بسیار مجلل است ۵- مسجد مهدیه که در خارج شهر بنا نموده‌اند ۶- مسجد الحسین (ع) در همان محل ۷- مدرسه علمیه و کتابخانه عمومی که در مرکز شهر بنام (دارالعلم) اسلامی کاشان که اشاره نمودم- و اما آثار قلمی ۱- دیوان اشعار در دو جلد ۲- کتاب کشکول اعتمادی به نام (ویترین) ۳- حقیقت مرام در اجتماع یا یک ایده‌لوژی صحیح- معظم له دارای اجازه عدیده از مراجع نجف و قم می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، محمد هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هادی اعتمادی بلیانی

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم. تا کتاب شریف معالم را نزد اساتید در مدرسه مبارکه امام مهدی (عج) زیر

نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) تلمذ نمودم. آنگاه در حوزه، اکثر ابواب لمعتین را نزد مرحوم آیت الله وجدانی فخر و حضرات آیات محقق داماد، شیخ علی پناه اشتهاردی، و... فرا گرفتم.

رسائل را در محضر آیهٔ الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی و مکاسب محرمه را در محضر آیت الله دوزدوزانی، بیع را در نزد آیت الله بنی فضل، خیارات و جلدین کفابه را در محضر استاد عالی قدر آیت الله ستوده فرا گرفتم. پس از اتمام سطح، اصول (درس خارج) را به مدت ۶سال در درس آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت داشتم. چند سالی هم در درس خارج یکی از اساتید و همچنین در محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده بردم. بدایه را از محضر آیت الله مدرسی یزدی که بعداً عضو شورای نگهبان شدند استفاده و از نوارهای استاد فیاضی هم بهره مند شدم. این بود اجمالی از مراحل تحصیلی در حوزه مقدسه علمیه قم.

اعرافی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا اعرافی

محل تولد : میبد- محله شهیدیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی در سال ۱۳۳۸ در شهر میبد (محله شهیدیه) واقع در استان یزد در میان خانواده‌ای اهل علم و با تقوا به دنیا آمد. پدرش آیت الله محمد ابراهیم اعرافی از علمای مشهور آن دیار و از دوستان نزدیک امام خمینی (ره) بود که نقش بسزایی در بیداری مردم میبد و یزد ایفا کرد. آن عالم وارسته سالها قبل از انقلاب اسلامی نماز جمعه بر پا می‌کرد و خود، با سلاح در آن خطبه می‌خواند. مادر استاد اعرافی نیز از زنان پاکدامن و مؤمن روزگار بود و از فرزندان آیت الله شیخ کاظم افضلی اردکانی (ره) به شمار می‌آمد.

استاد اعرافی تحصیلات کلاسیک خود را در دیار خود آغاز کرد. او پس از خواندن مقداری از دروس ادبیات، در سال ۱۳۴۹ به قم آمد و همان جا تحصیلات دوره ابتدایی خود را تکمیل کرد و همزمان دروس حوزه خود را آغاز نمود، و به سرعت دروس دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانید؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۶ به درس خارج بزرگان قم راه یافت. او در طی این سالها از شرکت در دروس فلسفی نیز باز نماند و آن دروس را نیز به حد کمال فرا گرفت و نیز در درس اخلاق استادان خود حضور جدّی داشت.

او در ضمن تحصیل دروس حوزوی زبانهای عربی و انگلیسی را فرا گرفت و از مطالعات در رشته‌های ریاضی و فلسفه غرب نیز باز نماند و بسیاری از کتب را که در آن روزگار در حوزه متداول نبود، فرا گرفت و در دوره تعلیم و تربیت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) شرکت کرد و در تعطیلات به مباحثه تفسیر المیزان و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید پرداخت.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیار شرفیاب شد. او که در تفسیر شاگرد آیت الله مشکینی (ره) و در هیئت شاگرد استاد حسن زاده آملی بود، کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا نوشته شهید صدر (ره) را نزد آیت الله سید کاظم حائری فرا گرفت. در درس خارج فقه و اصول شاگرد استادانی چون آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی جواد تبریزی (ره)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی بود. او دروس اسفار اربعه، برهان شفا، فصوص الحکم و تمهید القواعد را نزد آیت الله جوادی آملی و بخشی از اسفار را نزد آیت الله شهید مطهری (ره) آموخته و در زمینه فلسفه از آیت الله مصباح یزدی بهره‌های بسیار برد.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیار رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجهٔالاسلام والمسلمین محمدعلی مدرسی یزدی، حجهٔالاسلام والمسلمین محمدکاظم بهرامی، حجهٔالاسلام والمسلمین علی نقی فقیهی، حجهٔالاسلام والمسلمین محمد بهشتی را می‌توان نام برد.

حجهٔالاسلام والمسلمین اعرافی، در سالهای عمر خود فعالیتهای بسیاری را در زمینه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و سالها به تدریس اسفار اربعه و خارج فقه قضا و تربیت (فقه التربیهٔ) اشتغال داشته است. ویژگی تدریس او نوآوری و تطبیق مباحث موجود در کتب قدما با مبانی امروزین علوم است.

او کتابهای بسیاری در زمینه علوم تربیتی به چاپ رسانده است که از جمله آنان می‌توان به کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» اشاره کرد.

استاد اعرافی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در مسؤولیتهای مهمی ایفای نقش کرده است. استاد اعرافی سالها در دانشگاههای سراسر کشور و مؤسسات وابسته به آموزش عالی تدریس داشته و از این رهگذر شاگردان خوبی را تربیت کرده است. در سالهای عمر خود تا به امروز در عرصه سیاست فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است. او که فرزند پدری عالم و مجاهد بود همواره با نهضت امام(ره) همراه بود فعالیتهای سیاسی نیز داشته و به تحقق آرمانهای انقلاب کمک شایانی نموده است.

او در سال ۱۳۷۱ با حکم مقام معظم رهبری به امامت جمعه شهر میبد برگزیده شد. استاد اعرافی در سالهای دفاع مقدس، بارها در

جبهه‌ها حضور یافت و مشوق رزمندگان اسلام بود او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس اشتغال دارد.

اعرج نیشابوری، نظام‌الدین حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عالم دینی، مفسر، عارف و ادیب. معروف به نظام نیشابوری و نظام اعرج. او را از علمای عامه دانسته‌اند و بعضی به او نسبت تشیع داده‌اند. اصلش از قم و ساکن نیشابور و به آورده‌ی برخی از مآخذ اصلش از نیشابور و ساکن قم بود. وی از شاگردان قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی به شمار می‌آمد. در پاره‌ای از منابع وی جزو علمای سده‌ی نهم قمری آورده شده چون تاریخ اتمام بعضی از مجلدات «تفسیر» مشهور او را در حدود ۸۵۰ ق ذکر کرده‌اند، در حالی که برخی از منابع ۷۲۸ ق را تاریخ صحیح اتمام می‌دانند. از آثارش: «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، در تفسیر که به «تفسیر نیشابوری» معروف است و آن را به اشاره استادش، قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی، تألیف کرد؛ «لب التأویل»، در تفسیر قرآن؛ «اوقاف القرآن»، که به امر قطب‌الدین شیرازی به اسم خواجه سعدالدین ساوجی وزیر الجایتو (م ۷۱۱ ق) نوشته است، «توضیح التذکرهٔ»، شرح «تذکرهٔ النصیریهٔ» خواجه نصیر طوسی، در هیئت که در ۷۱۱ ق تألیف نموده است؛ شرح «الشافیهٔ» ابن‌حاجب، در علم صرف که به «شرح نظام» معروف است؛ شرح «مفتاح‌العلوم» سکاکی؛ «الربع المقنطر»؛ رساله‌ای در «علم الحساب».[۱]

نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری (ف. ۹۰۰ ه.ق). از علمای قرن نهم است. آثارش: کتاب «شرح تذکره‌ی طوسی» در هیأت، کتاب «شرح مجسطی»، کتاب «شرح نظام» در صرف، کتاب «تفسیر» معروف به تفسیر نیشابوری و شرحی بر کتب زیج.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۳۴، ۲۳۳/ ۲)، اعیان‌الشیعه (۲۴۹ -۲۴۸/ ۵)، الذریعه (۲۸۴/ ۱۸، ۳۲ -۳۱/ ۱۶، ۱۴۲/ ۱۳، ۷۲/ ۱۰، ۴۹۲، ۲۰۶، / ۴، ۱۲۱ / ۳، ۴۸۰ / ۲)، روضات‌الجنات (۱۰۱ -۹۶ / ۳)، ریحانه (۱۹۹ -۱۹۷ / ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۷ -۴۶ / ۸)، کشف‌الظنون (۱۷۶۳، ۱۵۹۵، ۱۱۹۵، ۱۰۶۲، ۱۰۲۱، ۳۹۲ -۳۹۱)، الکنی والالقاب (۲۵۶/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۲۹۱، ۲۸۲ -۲۸۱/ ۳)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۵۷)، هدیهٔ‌العارفین (۲۸۳/ ۱).

اعرجی، محمد اسماعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر ابو صالح حسینی سبزواری اصفهانی. امام جماعت و واعظ مسجد شاه، و صاحب تألیف و تصنیف بوده، از آن جمله است:

۱- رساله‌ای در اصول دین ۲- رساله‌ای در تجوید ۳- کتابی در ادعیه.

وفات او در اواخر قرن دوازدهم بوده، و ایشان را سه پسر است:

۱- میر محمّد رفیع ۲- میر محمّد تقی، شیخ الاسلام ماربین ۳- میر محمّد باقر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اعلایی بنابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اعلایی بنابی

محل تولد : بناب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از همان دوران تحصیل ابتدایی نزد مرحوم والد که خود اهل علم بودند کتابهای ابتدایی طلبگی را از جمله نصاب الصبیان، جامع المقدمات و ... را خواندم. البته معمولاً فقط تابستان ها مشغول این درسها بودم.

در سال ۱۳۷۵ پدرم از دنیا رفتند و بنده در همان سال رسماً طلبه حوزه حضرت ولی عصر (عج) بناب شدم و طی سه سال دوره مقدمات تا پایه هفتم را گذراندم و در ضمن تحصیل برخی دروس پایه های پایین را نیز تدریس می کردم، همچون صرف ساده، عوامل، صمدیه، منطق مظفر، مغنی، اصول فقه مظفر و... . از اساتیدی که در آن مدرسه از وجود آنها بسیار بهره بردم می توان جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای شیخ عبدالمجید باقری بنابی، جناب حاج علی آتش زر، جناب آقای سیدی جناب آقای

اسدپور و ... را نام برد.

در سال ۱۳۷۸ به قم مقدسه آمدم و در جوار کریمه اهل بیت (س)، در فیضیه مبارکه حجره گرفتم. با چهار پنج نفر از طلبه های با استعداد گروهی تشکیل دادیم و از محضر حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای رحیقی و حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای زمانی قمشه ای مدت شش هفت سال برخی کتاب های فلسفی همچون نهایهٔ الحکمه، شرح منظومه، قسمتی از اسفار، تمهید القواعد ابن ترکه، شرح فصوص قیصری و بخشی از مصباح الانس ابن فناری را در همان حجره گذراندیم. در ضمن تحصیل علوم عقلی، از محضر حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای مقیمی نیز در مبانی رجال و سند شناسی و از محضر آیات عظام مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی (ره) و حاج آقای وحید خراسانی (دام ظله) در خارج فقه و اصول بهره ها بردیم.

بنده در ضمن تحصیل به تدریس کتابهای بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه و قسمت هایی از کتاب رسائل، مکاسب، کفایه و اسفار نیز مشغول بودم.

هم اکنون نیز از درس حضرت آیت الله حاج آقای بهبهانی در خارج اصول بهره می برم و به تدریس نهایهٔ الحکمه، مکاسب محرمه و رجال و سند شناسی مشغولم.

اعلمی حائری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین اعلمی حائری در سال ۱۳۲۰ ق. در خطّه کویری نائین در روستای مهرجان، که در حوزه جغرافیایی جندق از توابع شهرستان نائین قرار دارد، دیده به جهان گشود.در حالی که بیست بهار از عمر محمدحسین اعلمی می گذشت، به سال ه.ق روانه حوزه نجف شد و درمدت اقامت خود دراین شهر، شب و روز درس می خواند، پژوهش و مطالعه می کرد و از محضر بزرگان ومجتهدان معروف کسب فیض می نموده تا این که پس از هفده سال تلاش به درجه اجتهاد نایل شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : محمد حسین در خاندانی به دنیا آمد که فضای آن، به نور دانش دینی و ارزش‌های متعالی مذهبی، روشن بود. او در سایه پر مهر و محبت پدرش، دوران کودکی را پشت سر نهاد و کتاب‌های دینی، بویژه قرائت قرآن مجید، را از پدر دانشمند خود فراگرفت. پدر محمدحسین اعلمی، به شیخ سلیمان مهرجانی، شهرت دارد. با پژوهش و مطالعه در زندگی فرزندش، بر می‌آید که او یکی از عالمان آن دیار و از شأن و منزلت والایی برخوردار بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : هنگامی که محمدحسین اعلمی حائری ، به سن ده سالگی می‌رسد، درسال ۱۳۳۰ ق، همراه پدر، روانه مشهد مقدّس و حوزه پربار طوس گردید. از قرائن برمی آید در مدّتی که او در مشهد به تحصیل اشتغال داشته، پدرش نیز با او بوده است.محمدحسین در جوار بارگاه حضرت رضا (ع) به فراگیری دانش‌های رسمی دینی پرداخت و مقدّمات دروس حوزه، همانند صرف و نحو و منطق و مقداری از اصول فقه، را نزد استادان حوزه مشهد، فراگرفت. در این که استادان او در مشهد چه کسانی بودند و چند بهار از عمر خویش را در این شهر سپری کرد و دقیقاً چه درس‌هایی را آموخت، چندان روشن نیست؛ ولی گویا چهار پنج سال در مشهد به ادامه تحصیل پرداخت. در نجف، تحصیل جدّی این طلبه جوان برای آموختن علوم دینی و مبانی اجتهاد آغاز می‌شود. در مدت اقامت خود در این شهر، شب و روز درس می‌خواند، پژوهش و مطالعه می‌کرد و از محضر بزرگان و مجتهدان معروف کسب فیض نموده تا این که پس از هفده سال تلاش به درجه اجتهاد نایل شد.او ضمن این که در درس بزرگان علوم فقه و اصول شرکت می‌جست، خود نیز کتاب‌های سطوح حوزه مانند مکاسب و رسائل و کفایه را تدریس می‌کرد و جمعی از طلاب و فضلا در حوزه درس او حاضر می‌شدند. این بزرگوار از دو تن از استادان برجسته نجف؛ مرحوم میرزا حسین نائینی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی، اجازه اجتهاد گرفت و نیز اجازه‌های روایتی فراوانی از بزرگان حدیث و رجال، دریافت کرد.محمدحسین اعلمی، وقتی که از مکّه به نجف برگشت، چندان در نجف باقی نماند؛ بلکه بلافاصله از آنجا به سوی کربلا حرکت نمود و در جوار قبر مقدس حضرت امام حسین (ع) اقامت گزید. او در حوزه کربلا نیز از تحصیل دانش باز نایستاد و از محضر فقیهانی چون: آیهٔاللّه آقاحسین قمی، آیهٔاللّه سیدمهدی شیرازی و آیهٔاللّه شیخ هادی، بهره جست. وی در سال ۱۳۷۴ ق. کربلا را ترک گفت و برای سومین بار، جهت زیارت مرقد نورانی حضرت علی بن موسی (ع) رهسپار خراسان شد. او در مشهد علاوه بر زیارت، از تحقیق غافل نبود و برای تکمیل دائرهٔالمعارف، که یکی از آرزوهای این مرد دانش‌پژوه بود، از کتابخانه پرمایه رضوی بهره‌های فراوانی برده، مطالعات دامنه‌داری را انجام داد و اندوخته‌های علمی خود را در فیش‌هایی یادداشت می‌کرد. مدت اقامت ایشان در مشهد، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ ولی گویا بیشتر از سه چهار ماه در آنجا مقیم نبوده است.باری، وی بعد از تکمیل پژوهش، عازم تهران شد و از بیشتر کتابخانه‌های معروف آن زمانِ تهران نیز بهره گرفت؛ از جمله: کتابخانه مجلس شورای ملّی و مَلِک.خاطرات و وقایع تحصیل : محقّق بزرگوار محمدحسین اعلمی حائری ، در دورانی که در حوزه نجف اشتغال به درس و تدریس داشت، برای اوّلین بار روانه مکه شد. او ابتدا، به شهر مدینه رفت، بعد از زیارت تربت پاک رسول اکرم (ص) و امامان معصوم شیعی و شهدای مدفون در قبرستان اُحد، راهی مکه شد و ضمن انجام مناسک حج، با شخصیت‌های برجسته اسلامی ملاقات و درباره مسائل علمی، با آنان به مباحثه و مناظره پرداخت و از مکتب شیعه و اندیشه‌های تابناک عالمان شیعی، جانانه دفاع کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسین اعلمی حائری در مقطع نوجوانی دل و جانش همچنان تشنه کسب معارف دینی بود و گویا حوزه مشهد، عطش علمی او را فرو ننشانده، از این رو، مترصد فرصتی بود تا به حوزه پرآوازه شیعه، نجف‌اشرف، هجرت کند.در حدود سال ۱۳۳۵ ق. همراه پدرش از مشهد به زادگاهش مهرجان، برگشت و برهه‌ای از عمر خود را در آنجا سپری کرد. در این ایام که محمدحسین به سن بیست سالگی رسیده بود، برابر مقرّرات آن زمان، به خدمت سربازی فراخوانده شد. حدود هشت ماه از خدمت را گذرانده بود که بنابر عللی از ادامه خدمت معاف

شد. از این پس، عزم خویش را جزم کرد و راهی کعبه دل‌ها، نجف‌اشرف، شد. در حالی که بیست بهار از عمر محمدحسین اعلمی می‌گذشت، به سال ۱۳۴۰ ق. روانه حوزه نجف شد. او راه طولانی نایین تا بارگاه ملکوتی حضرت علی (ع) را گاه پیاده و گاه سوار بر مرکب، طی می‌کرد. وی پس از ورود به عراق، ابتدا به زیارت قبر حضرت سیدالشهداء (ع) و سایر شهدای نینوا شتافت و سپس راهی شهری شد که از سال‌ها پیش، قلب او برای رسیدن به آن، می‌تپید. از آنجا که محمدحسین اعلمی شیفته فهم و حفظ احادیث امامان شیعه بود و زحمات فراوانی در این راه کشید، مفتخر به دریافت اجازه نقل روایت از مشایخ حدیث شد. آن زمان، که عصر مرجعیت آیهٔ‌اللّه بروجردی بود، حوزه علمیه قم به تازگی به وسیله حضرت آیهٔ‌اللّه حائری یزدی بنیان‌گذاری شده بود و از رونق خاصی برخوردار بود. مرحوم اعلمی برای غنا بخشیدن به مطالعات و پژوهش‌های خود، آهنگ قم کرد و بعد از ورود به این شهر، خانه‌ای برای سکونت خانواده‌اش خرید؛ ولی او که برای انجام تحقیقات و تکمیل دائرهٔ‌المعارف خود، بیشتر اوقات در حجره‌ای در مدرسه فیضیّه قم سکونت داشت تا هم بتواند بیشتر به حرم حضرت معصومه (س) مشرّف شود و هم از کتابخانه مدرسه فیضیّه بهره گیرد. زمان ورود او به حوزه علمیه قم اواخر سال ۱۳۷۴ ق. است. محمدحسین اعلمی با این که از آیهٔ‌اللّه نائینی و بعضی دیگر از مراجع نجف، اجازه اجتهاد داشت، ولی باز وجود آیهٔ‌اللّه بروجردی را غنیمت شمرد و چندی در حوزه تدریس آن بزرگوار در حرم مطهّر و مسجد اعظم قم حاضر می‌شد.به هر حال در مدرسه فیضیه و حوزه علمیه قم، زحمات چندین ساله او نتیجه داد و برخی از مُجلّدات دائرهٔ‌المعارف اعلمی را به مرحله چاپ رسانید.استادان و مربیان : از استادان محمد حسین اعلمی حائری می توان به موارد زیر اشاره کرد: میرزا حسین نائینی مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی در روزگاری که محمدحسین اعلمی در نجف درس می‌خواند، این حوزه در بهترین موقعیت علمی خود قرار داشت و استوانه‌های بزرگ علم در این حوزه زندگی می‌کردند. آقای اعلمی، نزد تعدادی از برجسته‌ترین آنان حاضر می‌شد و از دانش آنان، بهره می‌برد. در این جا به نام چند نفر آن‌ها بسنده می‌کنیم:.۱ مرجع بزرگ شیعه، آیهٔ‌اللّه سیدابوالحسن اصفهانی؛.۲ مرجع عالی شیعه و بزرگ‌ترین اصولی عصر خود، آیهٔ‌اللّه محمدحسین نائینی؛.۳ فقیه و اصولی نامور، آیهٔ‌اللّه ضیاءالدین عراقی؛.۴ آیهٔ‌اللّه محمدحسین اصفهانی؛.۵ زاهد و عارف مشهور، مرحوم شیخ علی قم؛.۶ سید محمد یزدی فرزند آیهٔ‌اللّه سید محمدکاظم یزدی؛آقای اعلمی بعد از اقامت ۱۷ ساله در نجف، به قصد زیارت مرقد امام رضا (ع) به سوی مشهد مقدس حرکت کرد و بعد از زیارت قبر آن حضرت مجدداً به نجف بازگشت و سه سال دیگر در این شهر اقامت کرد. در همین زمان بود که مرجع بزرگ شیعه، آیهٔ‌اللّه سیدابوالحسن اصفهانی دستور داد که جمعی از نخبگان دور هم گرد آیند و به تحقیق، تنظیم و ترتیب احادیث کتاب وسائل‌الشیعه بپردازند. از جمله اعضای این گروه، محمدحسین اعلمی و دیگری آیهٔ‌اللّه سیدمحمدهادی میلانی بودند. این گروه روی چند نسخه از آن کتاب پژوهش و تحقیق می‌کردند. نوشته‌اند یکی از معتبرترین نسخه‌های وسائل‌الشیعه نزد محمدحسین اعلمی بوده است. از استادان کربلا می توان به موارد زیر اشاره کرد: آیهٔ‌اللّه آقاحسین قمی آیهٔ‌اللّه سیدمهدی شیرازی آیهٔ‌اللّه شیخ هادیهمسر و فرزندان : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری صاحب چند فرزند بود که اکثر آنان، از کسانی بودند که راه پدر بزرگوار خود را ادامه دادند و در نشر و گسترش آموزه‌های دینی و نشر کتاب‌های علمی و دینی، نقش برجسته‌ای داشتند. مناسب است شرح حال کوتاهی از آنان را بیاوریم:.۱ محمدحسن اعلمی؛ در نجف به دنیا آمد. او سالیان درازی در حوزه علمیه نجف به فراگیری علوم دینی مشغول بود و به موقعیّت بالای علمی دست یافت. آن گاه از عراق به ایران آمد و در تهران اقامت گزید و برای نشر کتاب‌های دینی «مؤسسه طبع و نشر اعلمی» را بنیان نهاد..۲ محمدحسین اعلمی؛ او نیز، که همنام پدرش بود، در نجف دیده به جهان گشود و نزد پدر خود به تحصیل علوم دینی رایج در حوزه نجف پرداخت. وی نیز علاقه و شوق فراوانی به امور فرهنگی نشر آثار دینی داشت.وی بعد از حاکمیّت حزب بعث عراق، تبعید شد و روانه سوریه و لبنان گردید. وی «بیروت» را بهترین شهر برای تحقّق بخشیدن به اهدافِ بلند خود برگزید و از این رو، در آنجا مؤسسه انتشارات اعلمی را بنیان نهاد. این مؤسسه که یکی از پر رونق‌ترین و پرتلاش‌ترین بنگاه‌های انتشاراتی بیروت است، از گذشته تاکنون کتاب‌های زیادی را چاپ و منتشر کرده است.ایشان بخصوص شیفته نشر آثار امامان شیعی و عالمان بزرگ شیعه بود و مسافرت‌های فراوانی انجام داد؛ به مصر، هندوستان و چند کشور دیگر عزیمت کرد و با عالمان معروف این ممالک ملاقات‌ها و مباحثاتی داشت؛ از جمله در قاهره با شیخ شلتوت، عالم برجسته و مفتی اعظم مصر، ملاقات و مذاکراتی انجام داد..۳ شیخ محسن اعلمی؛ که گویا در کربلا پا به عرصه وجود نهاد. وی بعد از این که چند سال از عمر خود را در کربلاـ سپری کرد، به ایران آمد و در قم اقامت گزید و در قم رحلت کرد..۴ علی محمداعلمی؛ او هم از عراق به ایران آمد و در مشهد مقدس ساکن شد.مرحوم محمدحسین اعلمی یک فرزند دختر هم داشت که شوهرش مرحوم سیدحسین شهرستانی بود.زمان و علت فوت : علامه بزرگوار محمدحسین اعلمی حائری بعد از عمری زندگی، زهد و تقوا و تحصیل و تحقیق، از این دنیا رخت بربست. او در سال ۱۳۹۳ ق(۱۳۵۱ ش) در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه (س) چشم از جهان فرو بست. برای تشییع بدن پاک او، جمعیت زیادی حضور یافتند و از او به خوبی تجلیل شد.(۲۳) سپس پیکر او را در جوار حضرت معصومه (س) در آستانه درب ورودی به صحن بزرگ، به خاک سپردند. نوشته لوح قبر او چنین است: «محمدحسین اعلمی حائری. عاش سعیداً و مات سعیداً».فعالیتهای آموزشی : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری در حوزه کربلا هم، از تدریس غافل نبود. هر چند به طور مشخص معلوم نیست چه کتاب‌هایی را درس می‌داد، می‌توان حدس زد که او به تدریس کتاب‌هایی چون: مکاسب و کفایه اشتغال داشته است. گفته شده که او در مدرسه هندی، یک ساعت بعد از طلوع آفتاب تا یک ساعت به ظهر، چند کتاب را برای طلّاب کربلا درس می‌گفته است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل کتابخانه بزرگ و ارزشمند محمدحسین اعلمی حائری در کربلا بود؛ حتی پاره‌ای از محقّقان، برای استفاده از نسخه‌های نفیس و کمیاب، به این مرکز فرهنگی مراجعه می‌کردند. در همین شهر بود که بنیاد تألیف دائرهٔ‌المعارف بزرگ شیعی تأسیس و مطالب اساسی آن گردآوری شد.آرا و گرایشهای خاص : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری ، دانشوری فرزانه بود که خود را به صفات ارزشمندی چون زهد، قناعت، پشتکار، عشق به عبادت و راز و نیاز به درگاه معبود زینت داده بود. در حالات او نوشته‌اند که همیشه ساعتی پیش از طلوع فجر، بیدار می‌شد و به عبادت می‌پرداخت. در مدت اقامت در نجف و کربلا و قم، نماز شب خود را در حرم امامان معصوم (ع) و حضرت فاطمه معصومه (س) به جا می‌آورد و سپس نماز صبح و مستحبّات و تعقیبات نماز را انجام

می‌داد.ایشـان فردی بسیار فروتن بود. به کوچک و بزرگ سـلام می‌کرد و کمتر رخ می‌داد که کسـی در سـلام کردن، بر او پیشـی گیرد.نمازهای واجب را غالباً با جماعت می‌خوانـد و تفاوت نـداشت که خود، امام جماعت باشـد یا در ردیف مأمومین قرار گیرد.او فردی بسیار قانع بود. از مال و منال دنیا به اندک بسـنده می‌کرد و هرگز فریفته زرق و برق و ریاست‌های ظاهری دنیا نشد. او علاوه بر دوری از محرّمات، بیشتر مکروهات را نیز انجام نمی‌داد و بیشتر روزها، روزه می‌گرفت. او در زهد و پرواپیشـگی به مقامی رسـید که در میـان عالمان حوزه علمیّه حتی مردم کوچه و بازار، به «ابوذر زمان» شـهرت یافت.آثار : ۱ اعلام النساء ویژگی اثر : اثر دیگر ایشـان کتاب تراجم «اعلام النساء» است که در کتابخانه آیهٔاللّه مرعشـی نجفی در قم موجود است.۲ مقتبس الاـثر فیما دُثر من الخبر ویژگی اثر : کتـاب عظیمی به نـام مقتبس الاثر فیما دُثر من الخبر تألیف کرد که بعـداً به «دائرهٔالمعارف اعلمی» اشـتهار یافت.این اثر ارزشمند و جامع، حدود ۳۰ جلد است که تمامی آن‌ها به زیور طبع آراسـته شده است و در دسترس پژوهشگران جهان اسلام، بلکه سـایر ملل، قرار دارد. آغاز این کتاب ارزشـمند با چنـد تقریظ از بزرگان حوزه نجف، آورده شـده است که از مجموع این تقریظها، قدر و منزلت این کتاب بیشتر رُخ می‌نماید.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

افتخار الحکما، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میرزا موسـی خـان نـاظم الاطباء، ادیب کامل، و شاعر فاضل، و طبیب حاذق، از خانـدان علم و حکمت، در ۲۰ ماه صفر سال ۱۳۲۰ در طهران وفات یافته، در ایوان مقبره‌ی ناصرالدین شاه مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

پوشید سیه چه شارق اندر تاریخ

سوسن ز عزای میرزا عیسی خان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

افجه‌ای، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۵ ش)، نویسـنده و روزنامه‌نگار. وی از مبارزان مشـروطیت ایران بود. پس از تبعیـد محمدامین رسول‌زاده سـردبیر روزنامه «ایران نو» در سـال ۱۳۲۹ ق، این روزنـامه از طرف حزب دموکرات منتشـر می‌شـد تـا این که در شـعبان همـان سـال از سوی دولت توقیف شد.او بلافاصله روزنامه‌ی «ایران نوین» را منتشر کرد که آن نیز پس از یک شماره توقیف شد. بعد از آن در تلاشی نافرجام، روزنامه‌ی «رهبر ایران نو» را منتشر ساخت که آن هم پس از دو شماره توقیف گشت. پس از آن سید مهدی وارد دستگاه عدلیه شد و از قضاوت عالی رتبه کشور گردید و تا هنگام فوت مستشار استیناف بود. در کابینه‌ی مشیرالدوله همراه دو تن دیگر مامور مذاکره با سران نهضت جنگل بود. در تهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۴۹، ۳۴۷/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۳۶ –۲۳۵ /۱).

افراشته رشتی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ –۱۲۸۷ ش)، شـاعر و روزنامه‌نگـار. متولـد بـازقلعه از توابع کهـدم رشت بود. در همـان جـا به تحصـیل پرداخت. برای تامین زنـدگی ناچـار شـد خیلی زود دنبـال کسب و کـار برود. شـاگردی عطاری، تحصـیل‌دار تجارتخانه، معلم، هنرپیشه، راننـده، کارمند شهرداری، مقاطعه‌کار، روزنامه‌نویس، معمار و مجسـمه‌ساز شد. با همه طبقات دوست بود و می‌دانست مردم در سر چه می‌پرورانند. آشـنایی بـا احوال مردم به اشـعار افراشـته لحن خاصـی می‌داد، ساده شـعر می‌سـرود و حرف می‌زد. روزنامه‌ی فکاهی «چلنگر» را در سالهای ۱۳۳۲ –۱۳۲۹ ش منتشـر کرد. این روزنامه مشحون از گفتارهای سیاسی و انتقادی منظوم و فولکورهای اقوام مختلف کشور بود. در بین دهقانـان و کـارگران نفوذ فراوان یـافت و به علت انتقادهای تنـد مکررا توقیف شـد. وی در بلغارسـتان درگـذشت و در صوفیه به خاک سپرده شد. آثار وی: «مجموعه‌ی شـعر»؛ «چهل داستان طنزنویس»؛ «آی گفتی»؛ «طبابت من درآوردی»؛ «مکتب نو»؛ «تعزیه‌ها، نمایشنامه‌ها و سفرنامه‌ی طنزگونه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۳/۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۴ –۲۹۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۰ –۱۲۹ /۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۳۱ –۵۱۷).

افسر اصفهانی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۳۰۵ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به افسر. وی پزشکی نیز می‌دانسته اما به این حرفه اشتغال نداشته است. بنا به گفته‌ی جلال‌الدین همایی در مقدمه‌ی «دیوان» طرب: طرب در خط، ارشد شاگردان میرزا عبدالرحیم افسر شاعر خوشنویس معروف است که وفاتش علی‌التحقیق بعد از سنه‌ی ۱۳۰۸ و به بعض احتمالات در سال ۱۳۱۵ قمری است». کتابت خفی نزدیک به غبار را بسیار شیرین و استوار می‌نوشت. از استواری خط میرعماد و ملاحت کتابت میرعلی هروی در خطوط او اثری است. از آثار وی: قسمت اول روزنامه‌ی «فرهنگ» است که در زمان حکومت ظل‌السلطان در اصفهان چاپ سنگی شده و قسمتهای بعدی آن به خط پسر او میرزا فتح‌الله جلالی است که از شاگردان وی نیز بود؛ خط و شعر کتیبه‌ی کاشیکاری سر در تکیه‌ی حاج محمد جعفرآباده‌ای، جنب مسجد رکن‌الملک تخت فولاد اصفهان؛ یک نسخه «جهانگشای» جوینی، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه العبد المذنب المستکین ابن مسکین الحقیر الفقیر الاثیم، عبدالرحیم المتخلص به افسر ۱۲۸۳»؛ یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خفی عالی، در سنه‌ی ۱۲۷۹. شش اثر دیگر وی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر گردیده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳۸۴-۳۸۱ /۲)، اطلس خط (۵۷۶)، تذکره القبور (۱۸۰)، حدیقه الشعراء (۱۴۱-۱۴۰ /۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۷۳۶).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

افسر کرمانی، مهدی‌قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۰-۱۲۵۹ ق)، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به افسر. ملقب به افسر الشعراء. وی در کرمان به دنیا آمد و در این شهر تحصیل کرد. در حکمت و منطق سرآمد سخنوران عصر خود گشت بطوری که ناصرالدین شاه وی را به حضور پذیرفت و او را به افسرالشعرا ملقب ساخت. افسر در حسن خط ممتاز بود و نثر را به شیوه‌ی قایم‌مقام نیکو می‌نوشت. ظاهرا نخستین انجمن ادبی را در کرمان وی بنیاد نهاد. او دارای دو «دیوان» شعر از انواع قصاید، غزلیات، مثنویات و رباعیات بوده که به وسیله‌ی یکی از احفادش گردآوری و چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۷۳-۷۰)، الذریعه (۸۴/۹)، ستارگان کرمان (۵۳-۴۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳).

افشار شیرازی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

درگذشت: ۱۳۶۳.

احمد افشار شیرازی در انجمن ادبی که در دبیرستان فیروز بهرام تشکیل می‌شد، حضور می‌یافت. همچنین در جلسات انجمن ایران شناسی که ابراهیم پوردود تأسیس کرده بود، نیز حاضر می‌شد. وی کتاب‌شناس بود و چندین بار برای گذراندن زندگی مجبور شد که بخش‌هایی از کتابخانه‌ی خود را به کتابخانه‌های مجلس شورای ملی، مجلس سنا و دانشگاه تهران و کتابخانه‌ی دانشگاه شیراز بفروشد. از او دو اثر به یادگار مانده است: یکی از آنها گردآوری و چاپ نوشته‌هایش راجع به مانی و مانویت است که به تشویق و راهنمایی سید حسن تقی‌زاده از میان متون فارسی و عربی جمع کرد. دیگری تجدید طبع از پرویز تا چنگیز (تألیف سید حسن تقی‌زاده، تهران، ۱۳۳۵) است، چاپ این کتاب از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۹ به طول کشید زیرا افشار شیرازی اصرار داشت که کتاب معرب به چاپ برسد.

دروه‌ی خدمت دولتی افشار شیرازی به مدرس ادبیات و زبان فارسی و عربی در دبیرستان‌ها (شیراز و تهران) و سپس در دانشگاه‌های کشور «تهران و شیراز» گذشت. وی به زبان عربی تسلط داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

افشار یزدی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق، ادیب.

تولد: ۱۳۱۳ (۱۲۷۲ ق.)، یزد.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۲، تهران.

دکتر محمود افشار یزدی، فرزند محمدصادق، در سن سیزده سالگی مادر خود را از دست داد و به این سبب برای تصحیل به نزد عمویش در هند اعزام شد و این شخص که سالیان دراز ریاست انجمن ایرانیان مقیم بمبئی با او بود در آن شهر به ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در هندوستان مشغول بود. محمود افشار یزدی در هند مقدمات علوم جدید و زبان انگلیسی را فراگرفت. و پس از سه سال به تهران آمد و در مدرسه علوم سیاسی به تصحیل پرداخت. اما به قصد ادامه‌ی تحصیل در نوزده سالگی راهی اروپا شد و در سوییس از دانشکده‌ی علوم سیاسی دانشگاه لوزان درجه دکترای دریافت کرد. چون ایام اقامت وی در اروپا مقارن با ختم جنگ بین‌الملل اول بود و موضوع قرارداد ۱۹۱۹ مطرح بود در جراید سوییس مقالاتی در دفاع از حقوق ایران نوشت، همچنین مقالاتی درباره‌ی زبان فارسی و ایران در جراید سوییس از وی به یادگار مانده است. وی پس از به پایان رساندن دوره دکترای در سال ۱۳۴۰ ق. به ایران بازگشت. چندی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تدریس تاریخ اشتغال داشت. سپ به ریاست مدرسه‌ی عالی تجارت که تازه تأسیس شده بود انتخاب شد و اساس مدرسه‌ی مزبور را پی‌ریزی کرد. مدتی نیز در وزارت مالیه و عدلیه به خدمت اشتغال داشت با به سمت مستشاری دیوان کشور رسید. آخرین موقعیت اداری او معاونت وزارت فرهنگ بود. از آن پس از خدمت دولتی کناره گرفت.

دکتر محمود افشار یزدی از سال ۱۳۰۰ وارد عرصه‌ی مطبوعات شد. در سال ۱۳۰۴ مجله «آینده» را تأسیس کرد که ابتدا دو سال (۲۴ شماره) و سپس از سال ۱۳۲۲، شانزده شماره‌ی آن طبع گردید و سپس پسرش ایرج افشار به نشر آن ادامه داد. از کارهای دیگر وی ایجاد موقوفه دکتر محمود افشار در شمیران تهران است که مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در همان جا مستقر شد. دفتر اشعار دکتر محمود افشار در سال ۱۳۶۲ از طرف موقوفه فوق چاپ شده است. فهرست آثار او به شرح زیر است: مجله «آینده»، چهار دوره؛ روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه (۱۳۴۵)؛ گفتار ادبی (در دو جلد)؛ گنجینه مقالات (مقالات سیاسی یا سیاستنامه‌ی جدید، جلد یک ۱۳۶۸)؛ سیاست اروپا در ایران (۱۹۲۱، آلمان، گفته شده که این کتاب را به زبان فرانسوی نوشته است)؛ افغان‌نامه (درسه جلد)؛ تاریخچه‌ی سیاست روسیه در ایران. مقاله‌های وی در جراید «آفتاب»، «رعد»، «ایران»، «ستاره‌ی جهان»، «شفق سرخ»، «شیرکوه» و «کوشش» و روزنامه‌های دیگر سال‌های ۱۳۰۶ –۱۳۰۳ منتشر شده است. مقاله‌هایی نیز برای روزنامه‌های «حبل المتین» (کلکته) و «شمس» (استانبول) نوشته است. به مناسبت یادبود دومین سال درگذشتش، چهار مجلد کتاب به نام ناموارهٔ دکتر محمود افشار شامل مقاله‌های تحقیق منتشر شد.

حقوقدان، قاضی، مدیر، مدبر، میهن‌خواه، مروج علم و فرهنگ، نیکوکار. در ۱۲۶۷ در یزد متولد شد. پدرش حاج محمدصادق افشار یزدی بازرگانی روشنفکر و طالب علم و ادب بود. به همین دلیل در تربیت فرزندان خود که مستعد بودند سعی بلیغ مبذول داشت. محمود افشار تحصیلات مقدماتی و متوسطه و مقدمات زبان و ادبیات عربی و فرانسه را در تهران و هندوستان فراگرفت و در ۱۲۹۰ برای ادامه‌ی تحصیلات و کسب علوم جدید اروپائی عازم سویس شد و دوره‌ی لیسانس و دکترای حقوق را پایان برد. از محصلینی که در آن تاریخ در سویس ادامه تحصیل می‌دادند یکی دکتر محمد مصدق‌السلطنه و دیگری علی‌اکبر داور بودند که بین افشار و آن دو دوستی و نزدیکی زیادی ایجاد شد و در تمام مدت عمر ادامه داشت.

پس از مراجعت به ایران به کارهای علمی و تحقیقاتی پرداخت و با کمک دکتر محمد مصدق و چند نفر دیگر مجله‌ی علمی را انتشار دادند. در ۱۳۰۴ مجله‌ی آینده را بنیاد نهاد و چند سالی مرتباً آن را انتشار داد. داور وقتی وزیر فوائد عامه شد او را به همکاری دعوت نمود و ریاست مدرسه‌ی تجارت را به عهده‌ی وی سپرد. افشار بر اساس مدارس اروپائی سر و صورتی شایسته به آنجا داد. در ۱۳۰۶ بنا به دعوت داور وارد تشکیلات نوین قضائی شد و به مستشاری استیناف تهران منصوب گردید. چند سالی این همکاری ادامه داشت. بین وی و داور اختلاف سلیقه بوجود آمد ناگزیر افشار عدلیه را ترک کرد و در زمان وزارت دارائی تقی‌زاده به آن وزارتخانه منتقل گردید. ریاست اداره‌ی اقتصادی و حقوقی را که از اهم ادارات بود بدو سپردند. تا سال ۱۳۱۲ در آنجا خدمت می‌کرد. وقتی داور به وزارت مالیه رفت او به دادگستری بازگشت. ابتدا به مقام دادیاری دیوان عالی کشور رسید، چندی بعد مقام مستشاری یافت. بعد از ۱۳۲۰ به معاونت وزارت فرهنگ منصوب گردید و مجله‌ی آینده را مجدداً انتشار داد.

افشار مردی دانشمند، محقق، ادیب، شاعر و ثروتمند بود. عشق میهن‌خواهی داشت. برای ترویج علم و فرهنگ چه از لحاظ مادی و چه معنوی دریغی نداشت، کما اینکه قسمتی از مستغلات خود را در باغ فردوس شمیران وقف سازمان لغت‌نامه دهخدا نمود. در ۱۳۶۳ درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

افشار، ایرج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه: در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد فرزند برومند «دکتر محمود افشار» تربیت‌یافته خاندان ادب و سیاست است. تحصیلات خود را در رشته حقوق به پایان رسانید و دورهٔ دکتری را نیز دیده است.

افشار از ذخایر ادبی و علمی کشور شمرده می‌شود و در فن کتاب‌شناسی و کتابداری بی‌مانند است.

زبان انگلیسی را خوب می‌داند و زبان فرانسه را از آن بهتر. ده سال کتابدار دانشکده حقوق بود و سپس رئیس کتابخانه دانش‌سرای عالی شد. یک سال نیز ریاست کتابخانه ملی را بر عهده داشت و چهار سال هم رئیس اداره کل انتشارات دانشگاه بود.

افشار به سال ۱۳۳۱ با همکاری چهار تن از دوستان خود، انتشار نشریه گرانقدر «فرهنگ ایران زمین» را آغاز کرد و از سال ۱۳۲۷ مدیریت مجله راهنمای کتاب را به عهده داشت.

وی به دعوت دانشگاه هاروارد آمریکا یک سال در آن کشور مقیم بوده و به کار مرتب کردن کتابهای السنه شرقی آن دانشگاه معتبر اشتغال داشته است و نیز برای امور مربوط به کتاب و کتابداری سفرهایی به کشورهای مختلف داشته است. آثار: ۱ـ فردوس المرشدید ۲ـ تاریخ کاشان ۳ـ تاریخ یزد ۴ـ جامع مفیدی ۵ـ مالک و ممالک ۶ـ قندیه ۷ـ حالت و سخنان ابوسعید ۸ ـ آغاز و انجام از نصرالدین طوسی ۹ـ رساله عشق از صفی‌الدین نجاری ۱۰ـ عرض سپاه ۱۱ـ بیان الصناعت ۱۲– تاریخ کبیر از جعفری ۱۳–یادداشت قزوینی در ۶ ج، ۱۴ـ نثر فارسی معاصر ۱۵ـ میرزا تقی خان امیرکبیر ۱۶ـ فرهنگ ایران زمین در ۹ جلد ۱۷ـ راهنمای کتاب در ۵ جلد ۱۸ـ مهر جلد هشتم ۱۹ ـ کتابهای ماه در ۳ ج.

افشار، خداوردی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد قاسم. از اجلای شاگردان مولی عبدالله تستر، و معاصر با مجلسی بوده، کتابی در رجال به نام «زبدهٔ الرجال» تألیف نموده، و در آن اسامی مجهولان را اسقاط نموده است.

و در فضل و کمال او کافی است که در خانواده‌ای به مقام سامی علم و کمال رسیده که در بین آنها اهل فضلی وجود نداشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

افشار، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا افشار

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۳۴۱ هستم. در شهرستان کرج مدت ۲۰ سال زندگی کردم و تا دیپلم تحصیل می‌کردم که مصادف با جنگ تحمیلی شد و عازم جبهه شدم و مجروح گردیدم و از ساق پا قطع گردیده که به علت علاقه شدید به دروس حوزوی نسبت به تحصیل کلاسیک بی‌میل شده و در چهارم نظری تجدید آورده و دیگر ادامه ندادم و وارد حوزه علمیه شهرستان کرج شدم.

در سال ۱۳۶۲ که تا سال ۱۳۷۴ در حوزه علمیه کرج مشغول تحصیل و تدریس بودم. البته نه به طور رسمی. از سال ۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مشغول تحصیل در درس خارج شدم که مدت ۱۲ سال است که مشغول تحصیل در دروس خارج فقه و اصول هستم. اساتید درس خارج عبارتند از آیت الله فاضل لنکرانی (فقه) آیت الله مکارم شیرازی (فقه) آیت الله صالحی مازندرانی (اصول) آیت الله شیخ جواد تبریزی (فقه) آیت الله جوادی آملی (تفسیر) آیت الله فاضل لنکرانی (اصول) و هم اکنون مشغول تحصیل در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله مکارم شیرازی هستم.

مدت ۲ سال نیز هر پنج‌شنبه به اتفاق دوستان طلبه عازم کرج می‌شدم و در هر پنج‌شنبه مدت چهار ساعت در دو مدرسه جلسه پرسش و پاسخ برای مقاطع مختلف دانش‌آموزان تشکیل می‌دادیم که حدود ۹۰ مدرسه رفته‌ام و جلسه پرسش و پاسخ تشکیل داده‌ام که امام جمعه محترم سابق کرج آقای رمضانی مقدمات حضور ما را در مدارس فراهم می‌کردند که دفتری به نام دفتر فرج طلوع تشکیل داده بودند. و چندین دوره کلاس کامپیوتر رفته‌ام از جمله مبانی، ویندوز، سخت‌افزار. چهار سال دوره تخصصی تبلیغ را گذرانده‌ام ک این چهار سال را در مدت ۳ سال گذراندم. مدت دو سال نیز مشغول حفظ قرآن با دوستان بودیم که یک بار از اول تا آخر قرآن حفظ کردم اما به علت عدم تکرار فراموش کرده‌ام.

از سال ۸۴ نیز مشغول تدریس در دانشگاه تهران، ورامین، پیشوا و ساوه می‌باشم. هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان‌نامه سطح چهار می‌باشم. در بدو ورود به حوزه در طرح هجرت تابستان نیز شرکت کردم و امتیاز نیز آورده‌ام که جایزه نیز به بنده تعلق گرفته چندین بار از طرف دفتر تبلیغات قم، و چندین بار نیز از جانب سازمان تبلیغات تهران جایزه گرفتم به علت مربی نمونه در تبلیغات تابستانی.

منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

افصح المتکلمین، ابوالقاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار. معروف به ملاباشی. از مردم اَمْلَش گیلان و از روزنامه‌نویسان با شهامت و صریح بود. در آغاز مشروطیت اولین روزنامه‌ی چاپ سربی را در رشت به نام «خیرالکلام» منتشر کرد و با عوامل استبداد به مبارزه پرداخت. چند بار روزنامه‌اش توقیف شد و یک بار حاکم وقت، امیر اعظم، پای او را به فلک بست و چوب زد. وی به مبارزات خود و اقامه‌ی دعوی ادامه داد. سرانجام روزنامه‌اش در سال ۱۳۲۸ ق تعطیل شد. ولی وی با نشر روزنامه‌هایی مانند «ساحل نجات» در انزلی و روزنامه‌های «خیال» و «راه خیال» در رشت به مبارزه ادامه داد. در ادب فارسی، عربی، ریاضی، هیئت، دست داشت. از او یک «تذکره» به جا مانده که چاپ نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۵ -۱۴ /۳، ۳۱۱، ۲۶۱ -۲۵۹ /۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۷ -۱۶).

افضلی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی افضلی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد علی افضلی در سال ۱۳۳۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی بر کشور و حوزه های علمیه، وارد حوزه علمیه مشهد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد.

پس از مدتها تحصیل و کوشش در مشهد، این بار به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام علیها) و ادامه تحصیل در قم رهسپار قم و وارد حوزه علمیه گردید. پس از ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. با اتمام سطوح عالی در سال ۱۳۵۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله وحید، آیت الله صالحی مازندرانی، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه در مقطع کارشناسی ارشد از خبرگان رهبری فارغ التحصیل گردید.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی مازندران، در این دانشگاه و دیگر دانشگاههای استان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد.

وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" ترجمه تاریخ شیعه در هند "و مجموعه مقالات" تبیین اندیشه های سیاسی امام خمینی "را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

افضلی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مهدی افضلی

محل تولد : غزنی

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ در سن یازده سالگی وارد حوزه علمیه و تحصیل علوم دینی شدم و سه سال در مدارس علمیه استان غزنی افغانستان سپری شد. در سال ۱۳۷۲ وارد جمهوری اسلامی ایران شدم و در جامعه علمیه امیرالمومنین شهرری تهران به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۷۳ از طریق آزمون وارد مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و با توافق مسئولان مربوطه تا سال تحصیلی ۷۶ – ۷۵ در تهران

ماندم و از محضر اساتید بزرگوار مرحوم حاج شیخ حسنعلی کرمانی، استاد لطفی کاشانی، استاد مرتضی شجاری و ... بهره بردم. در سال ۱۳۷۶ با سکونت در قم از محضر حضرات آیات و حجج اسلام حسینی خراسانی، موسوی تهرانی رسائل، مکاسب و کفایه را استفاده کردم.

همزمان در درس شرح اشارات استاد حاج شیخ غلامرضا فیاضی و استاد جناب آقای دکتر محمد حسین حشمت پور نیز شرکت می کردم. دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیات عظام و حجج اسلام مکارم شیرازی، حاج شیخ صادق لاریجانی و حاج شیخ جواد مروی ادامه دادم. از سال ۱۳۷۷ از طریق آزمون وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در سال ۱۳۸۱ مقطع کارشناسی ارشد را به پایان رساندم و در سال ۱۳۸۲ وارد مقطع ارشد شدم و در سال تحصیلی ۸۶ – ۸۵ از تحصیل فراغت یافتم.

افقی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول افقی

محل تولد : ---

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی در یکی از روستاهای شهرستان هشترود شروع به تحصیل ابتدایی نمودم و در سال ۱۳۶۴ تحصیلات دبیرستان را به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه رسول اکرم (ص) شروع به تحصیل نمودم.

مهمترین استادان اینجانب در سه سال اول حوزه عبارتند از: استاد صفائی بوشهری برای درس مغنی، استاد علیزاده برای سیوطی و... بعد از سال سوم حوزه ازدواج کرده و درسها را بیرون از مدرسه ادامه دادم که از محضر اساتید بزرگوار استفاده کرده ام. شرح لمعه استاد محامی، استاد طالقانی، شب زنده دار، اصول فقه استاد صالحی، سید احمد خاتمی، رسائل استاد استادی و مکاسب استاد علی کریمی جهرمی، کفایهٔ الاصول متفرقه استفاده کرده ام. درس خارج استاد علی کریمی جهرمی، استاد ابوطالب تجلیل تبریزی، درس خارج اصول استاد سبحانی.

در کنار تحصیل تدریس متون ادبیات حوزه را شروع کردم و کتابهای سیوطی، ابن عقیل، صرف ساده و آموزش صرف را تدریس کرده ام. ضمناً پنج سال در مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس داشته ام. اینک در پژوهشکده دارالحدیث فعالیت می کنم و در تألیف نزدیک به ده عنوان کتاب با حضرت آیت الله ری شهری همکاری کرده ام.

اقبال آشتیانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ –۱۲۷۷ ش)، ادیب، مورخ و روزنامه‌نگار. در خانواده‌ای پیشه‌ور و تهیدست به دنیا آمد. در کودکی شاگرد درودگر بود اما میل به تحصیل سبب شد که در ضمن کار به مکتب رفته، مقدمات علوم را در زادگاه خود فراگیرد. در سال ۱۳۲۸ ق به تهران آمد. ابتدا به مدرسه‌ی شرکت گلستان رفت سپس در دارالفنون به فراگیری ادب فارسی پرداخت و معاونت کتابخانه‌ی معارف را که در دارالفنون دایر شده بود به عهده گرفت. علاوه بر آن تدریس ادبیات و جغرافیا در مدارس نظام و علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی نیز سالها با وی بود. کار نویسندگی اقبال از همکاری با «مجله‌ی دانشکده» و انتشار مقالاتی در آن مجله از سال ۱۲۹۷ ش آغاز شد. در سال ۱۳۰۴ ش از سوی وزارت جنگ با سمت منشی به همراه هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن لیسانس ادبیات گرفت. در سال ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت. در این هنگام وزارت فرهنگ از وی خواست که در تألیف کتابهای درسی تاریخ و جغرافیای اقتصادی ایران برای دبیرستانها و شعب علوم انسانی مدارس عالیه که در کشور تأسیس شده بود شرکت کند. با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ش به سمت استادی در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ ش مجله‌ی «یادگار» را در تهران منتشر کرد. در اواخر عمر مدتی رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا و در رم درگذشت. پس از یک سال پیکرش را به ایران آوردند و در مرقد شیخ ابوالفتوح رازی در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از وی آثار زیادی بر جای مانده است از جمله: «تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا»؛ «تاریخ ایران از صدراسلام تا استیلای مغول»؛ «تاریخ ایران از بدو خروج چنگیز تا ظهور امیر تیمور»؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «جغرافیای ایران در خارجه»؛ «خاندان نوبختی»؛ «خدمات ایرانیان به تمدن عالم»؛ ترجمه‌ها: «تاریخ مختصر ایران» تألیف پاول هرن؛ «طبقات سلاطین اسلام»؛ «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»؛ «ناپلئون و اسلام»؛ «یادداشتهای ژنرال ترهزل»؛ تصحیح متون: «دیوان معزی»؛ «حدائق السحر»؛ «بیان الادیان»؛ «تجارب السلف».[۱]

(بخش ۱) عباس اقبال آشتیانی، محقق و مورخ ایرانی (و. ۱۳۱۴ ه.ق./ ۱۲۷۵ ه.ش.- ف. رم. ۱۳۷۵ ه.ق./ ۱۳۳۴ ه.ش.). وی در آغاز جوانی شاگرد درودگر بود و سپس به تحصیل پرداخت و دوره دارالفنون را به پایان رسانید و به معاونت کتابخانه معارف انتخاب گردید. آنگاه در دارالفنون به تدریس، پرداخت و بعدها به معلمی مدارس نظام، مدرسه علوم سیاسی و دارالمعلین عالی منصوب شد. در سال ۱۳۰۴ ه.ش. به منشی گری هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد و با اخذ درجه لیسانس از سربن نائل آمد و در آن شهر با علامه محمد قزوینی آشنایی یافت و از محضر وی استفاده کرد. پس از بازگشت به ایران به سمت استادی دانشگاه و عضویت فرهنگستان انتخاب شد و سپس به سمت نماینده فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا به شهر رم رفت و در آنجا اقامت گزید و هم در آنجا در سن ۵۹ سالگی درگذشت.

جنازه او را به تهران حمل کردند. وی در ۱۳۲۴ مجله «یادگار» را تأسیس کرد که پنج دوره از آن منتشر شده. از آثار وی «تاریخ مغول»، «وزراء سلاجقه»، «خاندان نوبختی»، تصحیح «عتبهٔ الکتبه»، تصحیح «سمط العلی»، تصحیح «مجمع التواریخ» تألیف دکتر فوریه، ترجمه «یادداشتهای ژنرال ترهزل»، ترجمه «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»، تصحیح «ترجمه فارسی محاسن اصفهان»، تصحیح «بیان‌الادیان»، و تصحیح «تبصرهٔ‌العوام» را باید نام برد. وی در تحقیقات تاریخی و ادبی روش عالمانه‌ای دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما(۸۹ -۸۵)، تاریخ در ایران(۲۰۰ -۱۹۷)، دایرهٔ‌المعارف فارسی(۱۸۳ -۱۸۲ /۱)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر(۲۴۵ -۲۴۳ /۱)، سرآمدان فرهنگ(۱۷۲ -۱۷۱ /۱)، شخصیتهای نامی(۱۷ -۱۶)، شرح حال رجال(۱۳۱ /۵)، فرهنگ ادبیات فارسی(۶۴ -۶۳)، کارنامه‌ی بزرگان(۴۱۸ -۴۱۶)، گلزار معانی(۹۲ -۸۴)، مؤلفین کتب چاپی(۶۴۰ -۶۳۳ /۳)، یغما(س ۹، ش ۱، ص ۴۵ -۴۴).

اقبال مازندرانی، علیقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی چلاو مازندران بود. در نظم و نثر عربی و فارسی دست داشت. مدتی در خدمت محمدقلی میرزا ملک‌آرا، والی مازندارن بود. سپس به خدمت شاهزاده محمدعلی میرزا درآمد و در زمان وی نزد طهماسب میراز منصب دبیری یافت. در زادگاه خود کشته و به چاهی انداخته شد. قاتل و علت قتل نیز معلوم نشد. اثر وی: «ملک آرا» در ذکر سلسله‌ی قاجاریه و وقایع دوران محمدحسنخان قاجار و جهانسوز شاه است که به دستور محمدقلی میرزا ملک‌آرا والی مازندران نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء(۱۵۱ -۱۵۰ /۱)، سفینهٔ المحمود(۶۱۹ /۲)، فرهنگ سخنوران(۷۸)، مجمع الفصحا(۱۴۶ -۱۴۵ /۴).

اقبال یغمایی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم اقبال یغمایی نویسنده و مترجم دانشمند معاصر بود . او دانش آموخته دانشسرای سابق بوده وبه امر معلمی اشتغال داشت . وی همچنین دربنیاد فرهنگ ایران نیز فعالیت داشت . یغمایی آثار بسیاری به یادگار گذاشته است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : اقبال یغمایی فرزند شادروان اسد الله منتخب السادات جندقی (آل داود) و برادر کوچکتر مرحوم حبیب یغمایی (مدیر مجله یغما) بود .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اقبال یغمایی کوچکترین پسر خانواده بود . او درروزگاری زاده شد که پدرو سایر افراد خاندان به تازه گی از رنج دربه دری های ناشی از تهاجم نایب حسین کاشی و دیگر باغبان رسته بودند . ردرروستای خور به طور دائم ماواگزیدند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اقبال یغمایی تحصیلات نخستین را نزد پدر دانشمندش فرا گرفت و درحالی که بیش از هفت سال نداشت ازراه کویر به شاهرود آد و از آنجا روانه تهران شد . درتهران درجوار برادرش ، حبیب یغمایی ،دریکی از حجره های مدرسه دارالشفاء که برروی مسجد شاه بود سکنی گزیده و به کار تحصیل پرداخت . پس از آن دردوره اول دانشسرای مقدماتی پسران به تحصیل پرداخت و درسال ۱۳۱۵ شمسی دوره آن را به انجام رسانید .

همسر و فرزندان : مرحوم اقبال یغمایی چهارفرزند پسر و دختر دارد که دو تن از آنان پزشکان برجسته و ناموربد .

وقایع میانسالی : اقبال یغمایی دردوران میانسالی ابتدابا نشریات و مجلات گوناگون همکاری داشت . نشریاتی همچون مهر ، ارمغان ، یغما ، آموزش و پرورش و دانش آموز می باشند .

زمان و علت فوت : اقبال یغمایی در۱۵شهریور ۱۳۷۶ شمسی دربیمارستانی درغرب تهران و در حالی که بیش از هشتاد سال سن داشت درگذشت و روز بعد درقطعه ویژه دانشمندان و اهل قلم دربهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقبال یغمایی درنیمه دوم سال ۱۳۱۵ شمسی به خدمت وزارت معارف درآمد و با سمت دبیری به شاهرود رفت . وی درسال ۱۳۲۵ به تهران منتقل شدو پس از دو سال تدریس درمدارس تهران به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ منتقل شد . وی درتاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۷۴ازوزارت آموزش و پرورش بازنشسته شد .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت های آموزشی اقبال یغمایی ،نویسندگی بود . در آن راستا وی مدتی مجله آموزش و پرورش را منتشر کرد . سپس در دوره ۲۵ مجله (سال تحصیلی ۳۱-۱۳۳۰) رسما مدیریت مجله را برعهده گرفت . سالهایی که تصدی این مجله را یغمایی برعهده داشت از جمله ادوار خوب این مجله بود . از آن پس مجله مستقلی به راه انداخت . این مجله که دانش آموز نام داشت مخصوص کودکان و نوجوانان بوده و یکی از بهترین و نخستین نشریاتی بود که درایران برای نوجوانان منتشرگردید .او همچنین مجله رایزن را نیز برای کودکان چاپ می کرد .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اقبال یغمایی درزمان بازنشستگی به طور غیر رسمی و بنا به دعوت دکتر پرویز خانلری دربنیاد فرهنگ ایران به کار پرداخت و مدتی از ساعات ظهر به بعد دراداره نگارش وزارت فرهنگ وهنر به انجام خدمت متفرقه فرهنگی اشتغال داشت . تا آنکه دراواخر سال ۱۳۵۷ شمسی به کلی خدمات فرهنگی و اداری را رها کرده و درمنزل کارهای تحقیقی خودرا ادامه داد . وی تاروزها پایانی عمر دست ازمطالعه و تحقیق و ترجمه برنداشت .

آرا و گرایشهای خاص : اقبال یغمایی به مطالعه و تحقیق و پژوهش علاقه خاصی داشت .طوری که تاروزهای واپسین عمر دست ازنوشتن برنداشت . با آنکه دیگانش کم نورشده و دستانش می لرزید باز هرهنگام که رمقی می یافت کتابی بردست می گرفت و یا خطوطی برصفحه کاغذ نقش می کرد . --
----

آثار :

۱ افرند

ویژگی اثر : این اثر مجموعه داستانهای آموزش است

۲ بزرگمهر

۳ تاریخچه اداره کل نگارش وزارت معارف

۴ تاریخچه اعزام محصل به اروپا اززمان ناصرالدین شاه تا ۱۳۱۲شمسی

۵ ترجمه پتی شنر

ویژگی اثر : این کتاب تالیف آلیفونس دوده بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است .

۶ ترجمه پل وویرژینی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف برناردن دوسن پیر است که توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۷ ترجمه تلماک

ویژگی اثر : این کتاب نوشته فنلون است و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۸ ترجمه حکایت های آسیایی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کنت گوبینو است

۹ ترجمه ربنسن کروزئه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف دانیل دفو بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۱۰ ترجمه سفر نامه شاردن

ویژگی اثر : این کتاب تالیف شاردن است که در۵جلد به فارسی ترجمه گشت

۱۱ تشبیهات شاعرانه

۱۲ تصحیح ابومسلم نامه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ابو طاهر بن علی بن حسین طرطوسی و توسط یغمایی تصحیح شده است

۱۳ جغرافیای تاریخی دامغان

۱۴ خلیج فارس

۱۵ خمسه نظامی به نثر

۱۶ داستان های عاشقانه ادبیات فارسی

۱۷ داستانهای پهلوانی ادبیات فارسی

۱۸ دانستنی های علمی

۱۹ زگفتار دهقان

ویژگی اثر : این اثر شاهنامه فردوسی به نثر است

۲۰ سیستان و بلوچستان

۲۱ شرح احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی

۲۲ شهید راه آزادی سید جمال اصفهانی

۲۳ طرفه ها

۲۴ عارف نامی بایزید بسطامی

۲۵ عشق و پادشاهی یاداستان تاریخی نورجهان و جهانگیر

۲۶ مختصر رامایان (کهن ترین اثر حماسی هندوان)

۲۷ مدرسه دارالفنون

۲۸ هوس نامه خسرو و شیرین

۲۹ وزیران علوم و معارف وفرهنگ ایران

منابع زندگینامه :

۱آل داود ، سید علی، ۶۰سال با کتاب /نگاهی به زندگی وآثار اقبال یغمایی ،کتاب ماه زبان وادبیات ، بهمن و اسفند ماه ۱۳۷۶، شماره چهاردم و پنجم ، ص۳۰

اکبرپور، سیاوش

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه :

نام کامل : سیاوش اکبرپور – متولد : ۱ بهمن ۱۳۶۳ – سن : ۲۴ سال – زادگاه : شیراز ، ایران – قد : ۱٫۸۱ متر اطلاعات باشگاهی : باشگاه کنونی استقلال تهران – شماره پیراهن : ۱۰ – پُست مهاجم باشگاه های حرفه ای :

۱۳۷۹ – ۱۳۸۳ فجر سپاسی شیراز

۱۳۸۳ – ۱۳۸۶ استقلال تهران

۱۳۸۶ – ۱۳۸۷ الفجیره امارات

۱۳۸۷ – تا کنون استقلال تهران تیم ملی :

۱۳۸۱ – ۱۳۸۳ زیر ۲۱ سال

۱۳۸۴ تا کنون بزرگسالان ۵ بازی سیاوش اکبرپور (زاده ۱ بهمن ۱۳۶۳ در شیراز) یک بازیکن فوتبال ایرانی است. او فوتبال را به صورت حرفه‌ای از تیم فجر سپاسی شیراز آغاز نمود. وی در سال ۱۳۸۳ از تیم فجر سپاسی به تیم استقلال تهران نقل مکان کرد و بعد از سه سال به تیم الفجیره امارت پیوست. بعد از یک فصل بازی در این تیم اماراتی دوباره به تیم استقلال تهران پیوست.

تیم ملی زیر ۲۳ سال

اکبرپور در سال ۱۳۸۱ و در جریان مسابقات آسیایی به عنوان تکنیکی‌ترین بازیکن تیم ملی فوتبال زیر ۲۳ سال ایران انتخاب گردید.وی همچنین عضو تیم ملی المپیک ایران در بازی‌های مقدماتی المپیک آتن بود.

تیم ملی بزرگسالان ایران

بعد از آنکه سیاوش اکبرپور با تیم استقلال تهران در مسابقات لیگ برتر ایران در فصل ۸۶–۸۵ به مقام قهرمانی رسید، توسط مربی ایران امیر قلعه‌نویی برای بازی‌های جام ملتهای آسیا در تایوان دعوت شد.

افتخارات

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵–۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸–۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

اکبرنژاد، محمد تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اکبر نژاد

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی اکبر نژاد متولد تبریز هستم. دوره های تحصیلی را با موفقیت به پایان بردم و نهایتاً در دبیرستان سپاه مشغول به تحصیل شدم. بعد از شروع سال تحصیلی سوم نظری رشته ریاضی فیزیک، علاقه وافر به حوزه مانع از ادامه تحصیل شد و به حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) بناب رفته و در خدمت حضرت حجهٔالاسلام والمسلمین حاج آقای باقری بنابی مشغول به تحصیل شدم. دوره شش ساله را در دو سال به اتمام رساندم و به قم رفتم.

در قم از خدمت اساتیدی مانند حضرات آقایان عابدی، حسن تهرانی، ایزدی، الهی زاده بهره مند شدم. تا این که در سال ۸۱ به توصیه یکی از اساتید برای تدریس به شهرستان برگشتم. یک سال در شهرستان هادی شهر و سه سال در مراغه مشغول به تدریس ادبیات، منطق و فقه و اصول بودم. در کنار تدریس به کار پژوهش پرداختم و آثار متنوعی را ارائه دادم که اکثراً یا به چاپ رسیده اند و یا در شرف چاپ هستند که البته در ادامه ذکر خواهند شد.

علاقه شخصی بنده بیشتر به فقه و اصول میباشد و شاید حدود یک سال است که به نظرات فقهی خودم عمل می کنم. در سال ۸۵ قصد عزیمت به قم را داشتم که بنا به اصرار یکی از دوستان و وجود برخی از مشکلات مالی منصرف شدم و مدیریت حوزه علمیه کنگاور را به عهده گرفتم و هم اکنون مشغول به خدمت در این حوزه می باشم. آن چه که مهم است این که، اشتغال به هیچ یک از این کارها مرا از تحقیق و پژوهش جدا نکرده است و تحقیق به عنوان مهم ترین شاخصه فعالیت های من حضور دارد.

اکبرنژاد، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی اکبر نژاد

محل تولد : شیروان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی اکبر نژاد در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه ایلام شدم و برخی دروس مقدماتی را در آنجا گذراندم. با شروع تظاهرات و راهپیمایی های دوران انقلاب عملاً دروس حوزوی تعطیل شد و با پیروزی انقلاب، در اسفند ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد درس خارج شدم همزمان با دوره سطح برخی دروس مانند بعضی از کتابهای فلسفی از جمله بدایه و نهایه را خواندم و در زمان تحصیل در دوره خارج، مدتی در درس اسفار آیت الله حسن زاده و آیت الله جوادی آملی نیز شرکت کردم. درس خارج را نزد آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی و مومن قمی گذراندم.

در سال ۱۳۷۰ بعنوان عضو تحقیقاتی تفسیر راهنما، به اعضای نویسنده آن تفسیر ملحق و بعد از چند ماه کار در گروه برداشتهای اولیه روائی، وارد گروه کنترل نهایی فیش های حدیثی تفسیر شدم و این همکاری تا سال ۱۳۷۴ ادامه داشت و بدلیل رفتن به شهرستان در سال ۱۳۷۴ پایان یافت.

در سال ۱۳۷۱ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم. در پاییز سال ۱۳۷۴ از رساله این دوره با عنوان" جدال در قرآن "دفاع کردم.

در زمستان ۱۳۷۴ بعنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه های ایلام و علوم پزشکی ایلام منصوب شدم و همزمان دروس دانشگاهی را تدریس می کردم. در سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیئت علمی دانشگاه در آمدم تا سال ۱۳۸۰ که با قبولی در دوره دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم، به قم منتقل شدم و عملاً مشغول تحصیل حوزوی و دانشگاهی و نیز انجام کارهای تحقیقی شدم که اکنون رساله دکترا آماده دفاع می باشد.

در سال ۱۳۸۱ با دعوت مرکز فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم به گروه حدیث این موسسه پیوسته و با همکاری چند تن از دوستان، اکنون مجموعه احادیث مهدویت دسته بندی و آماده چاپ و ارائه نرم افزاری می باشد.

اکبری کارمزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اکبری کارمزدی

محل تولد : سواد کوه (عباس آباد)

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اکبری کارمزدی فرزند هادی در تاریخ ۱۰/۱/۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی و قرآنی متولد شدم. دوران ابتدائی را در محل و راهنمائی را در آلاشت به پایان رساندم و به پیشنهاد ابوی مرحوم و به خاطر علاقه ای که در درون خود نسبت به دروس حوزوی می دیدم راهی حوزه علمیه رستم کلاه در یکی از شهرهای استان مازندران به سرپرستی مرحوم آیهٔ الله ایازی شدم و جامع المقدمات را همگام با قیام عمومی مردم در سال ۱۳۵۷ شروع نمودم که با تهدیدات طاغوت حوزه علمیه تعطیل شد به نا چار در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۰ مشغول تحصیل در مدرسه مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی شدم. با اتمام لمعتین در

درس های آزاد حوزه شرکت نمودم که اصول فقه را در خدمت استاد حسینی بوشهری و صالحی افغانی بودم. مکاسب را در محضر اساتیدی چون استاد بنی فضل، مرحوم پایانی و استاد قدبری تلمذ بودم و رسائل را محضر آیهٔ الله فاضل استفاده بردم و پنج سال متوالی خارج اصول را در محضر آیهٔ الله سبحانی به پایان رساندم . همگام با خارج اصول به مدت ۸سال خارج فقه را در محضر آیهٔ الله مکارم تلمذ نمودم. ضمنا سالیان سال در درس تفسیر قرآن محضر آیهٔ الله جوادی آملی بودم .حدود سال ۱۳۷۲ به خاطر علاقه ای که به قرآن و تفسیر قرآن پیدا کردم وارد رشته علوم قرآ نی و تفسیر شدم. بعد از اتمام ۴سال مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که بخاطر مشکلاتی، کار ناتمام و مهلت آن به سر آمد که برای بار دوم مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که تا به حال ادامه دارد. بعد از پایان دوره تخصصی برای انجام کار تحقیقات قرآنی در مرکز فرهنگ معارف قرآن مشغول و با تشکیل پرونده ها و سپس ارزیابی مقاله ها و نهائی کردن مقاله ها در بخش مقابله، نزدیک به ۹ سال است که دنبال می کنم نتیجه کارهائی که انجام گرفت انتشار پنج جلد از دایرهٔ المعارف قرآنی و دو جلد اعلام قرآن گروهی می باشد و چند مقاله که به نام اینجانب در دایرهٔ المعارف چاپ شده است. د رحال حاضر در درس فقه آیهٔ الله جوادی آملی مشغول می باشم.

اکبری معلم، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبری معلم

محل تولد : معلم کلد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبری معلم دوره تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در بابل (از شهرستان های مازندران) گذراندم. سیر مطالعات مذهبی و سیاسی را از دوره راهنمایی آغاز و در دوره دبیرستان و بعد از آن ادامه دادم. با تشکیل گروه مطالعاتی در دوره راهنمایی و دبیرستان سعی در تقویت مبانی فکری و اعتقادی کردیم. با استفاده از زمینه مذکور به مناسبت های مختلف، مقالاتی را تهیه و در مدرسه (سر صبحگاهها) و مراسم های مذهبی ارائه می دادم.

در سال ۱۳۶۳ وارد قم شدم و پس از اخذ دیپلم به تحصیلات حوزوی پرداختم. دروس حوزه را به طور منظم و مستمر ادامه دادم و پس از گذراندن سطح حوزه، دروس سطح خارج را تا شش سال به طور مستمر فرا گرفتم. از سال ۱۳۶۸ در کنار دروس حوزه وارد تحصیلات دانشگاهی شدم. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی به پایان رساندم.

از سال ۱۳۷۶ تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه ها شروع کردم و البته از سال ۱۳۶۶ تدریس دروس حوزوی را آغاز کرده بودم. کتاب و مقالاتی را در دوره تحصیل نوشته ام که تعدادی منتشر و تعدادی دیگر منتشر نشده است.

از سال ۱۳۷۴ تاکنون با نشریات علمی متعددی در زمینه علوم اسلامی و سیاسی و با سمینارهای متعدد همکاری علمی داشتم. در سال ۱۳۸۳ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهری و در سال ۱۳۸۵ به عنوان استاد ممتاز منطقه استان مرکزی برگزیده شدم.

همکاری با سمینار انقلاب اسلامی و ریشه های آن و سر ویراستار سه کتاب مأخذ شناسی توصیفی (۱)، مجموعه مقالات جلد (۱) و (۲) که توسط معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

همکاری علمی در ارزیابی مقالات مجله رواق اندیشه وابسته به مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما قم، فصلنامه علوم سیاسی و تاریخ اسلام (وابسته به دانشگاه باقر االعلوم علیه السلام قم)، همکاری با مرکز آموزش خواهران و دانشگاه باقر العلوم علیه السلام در تهیه و تدوین الگوهای ارزیابی آموزشی، طرح نگرش سنجی مراکز آموزشها و ارزیابی و تجزیه و تحلیل برنامه درسی و عملکرد استادان از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵.

با گذراندن هفتصد ساعت دوره زبان انگلیسی دارای گواهی نامه پایان دوره مربوط هستم و از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری مدرک استاد یاری دارم.

هم چنین شرکت در کارگاه های آموزشی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، روش تحقیق، ارزیابی آموزشی و.... از فعالیت ها علمی ام به حساب می آید.

اکبری، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد اکبری

محل تولد : بوانات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۶/۱۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ در بوانات از شهرهای استان فارس متولد شدم. تحصیلات خود را تا پایان دوره راهنمایی در همان جا به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شدم و در مدرسه ولی عصر شهرستان بوانات تحصیلات خود را شروع نمودم. بعد از مدت ۲ سال در سال ۱۳۶۷ راهی قم شدم و باقیمانده مقدمات و دروس سطح خود را تا پایان کفایه در مدرسه شهیدین بهشتی و قدوسی (ره) قم گذراندم. در سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه و اصول اساتید برجسته قم شرکت جستم. در اصول از محضر آیت الله جعفر سبحانی و در فقه از خرمن دانش اساتبد بزرگی چون آیت الله مکارم شیرازی و استاد سید احمد خاتمی بهره بردم. همزمان با تحصیلات خارج، در رشته تخصصی تبلیغ در حوزه علیمیه قم مشغول تحصیل شدم. از آن پس در کنار دروس حوزوی خود، به فعالیت های رایانه ای و اینترنتی در زمینه علوم اسلامی و پایگاههای اسلامی نیز پرداختم و در این رابطه فعالیت‌ها و طرح‌های تحقیقاتی و اجرایی در زمینه طراحی و راه اندازی پایگاههای اسلامی و استفاده از قابلیت های اینترنت در پایگاه های اسلامی و نحوه عرضه اطلاعات در اینترنت نیز برنامه هایی داشته ام. علاوه بر فعالیت‌های مذکور، به تحصیل در دانشکده علوم حدیث قم پرداختم و هم اکنون در حال تدوین پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.

اکبری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود اکبری

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود اکبری در سال ۱۳۵۱ در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل علوم دینی پرداختم و پس از هفت سال تحصیل نزد اساتید بزرگی چون آیت الله حسین تهرانی، مدرس افغانی، آیت الله صلواتی، آیت الله مقتدایی و یک دوره خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و پانزده سال در دروس فقه آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و مدت سه سال دروس موسسه ادیان و مذاهب حوزه را طی کردم.

بدایه و نهایه علامه طباطبایی را نزد استاد فیاضی و منظومه سبزواری را نزد آیت الله یحیی انصاری به اتمام رساندم و از سال ۵۹ برنامه های تبلیغی در قالب کلاسداری و منبر و پاسخ به سوالات از مدارس و دبیرستان ها پرداختم و از سال ۷۴ شروع به تالیف و نشر کتاب های متناسب با نسل جوان پرداختم و هم اکنون ۴۰ اثر چاپ شده و ۱۰ اثر آماده چاپ دارم. بدان امید که مورد توجه خداوند متعال واقع شود.

اکبریان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد اکبریان

محل تولد : جویبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه مشهد شده و در سال ۱۳۶۴به شهر قم آمدم سال ۱۳۶۸در دانشگاه تهران الهیات و معارف اسلامی فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۲در دانشگاه تربیت مدرس تهران فلسفه و حکمت اسلامی قبول شدم و در سال ۱۳۷۶از پایان نامه با عنوان تحلیل آراءفلسفی عرفانی سید حیدر آملی را دفاع نمودم این پایان نامه در سال ۱۳۸۰در کنگره سید حیدر آملی منتشر گردید با عنوان عرفان شیعی در اندیشه حیدر آملی.

در سال ۱۳۷۴در آزمون کتبی و شفاهی پایه پذیرفته شدم قبل از آن در سال ۱۳۷۳ سطح را به پایان رساندم و چند سال در درس

خارج حضرات آیات صالحی مازندرانی فاضل لنکرانی جوادی آملی شرکت داشت در سال ۱۳۷۳با پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی همکاری را آغاز نمودم؛ طی این مدت در تألیف معجم بحارالانوار گروه تصحیح حضور داشتم هم چنین مدتی با پژوهشکده کلام همکاری داشتم سپس در اصطلاح نامه علوم اسلامی که در طی این مدت در تألیف فرهنگ اصطلاحات فلسفی با عنوان مستندات اصطلاحات فلسفی شرکت داشتم.سپس از سال ۱۳۸۲ تاکنون به عنوان مدیر واحد پاسخ به سوالات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی اشتغال دارم که تاکنون در تألیف گروهی دو کتاب مجموعه پاسخ های برگزیده ویژه رمضان و ویژه محرم جهت استفاده مبلغان دینی اعزامی از دفتر تبلیغات حضور داشتم. از سا ل۱۳۷۶ تاکنون در دانشگاههای مختلف تهران از جمله دانشگاه شهید بهشتی و به مدت ۸سال در دانشگاه تهران در گروه معارف اسلامی به تدریس اشتغال دارم.

اکرمی ابرقویی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد اکرمی ابرقویی

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۴؛ اتمام دوره‌ی سطح در سال ۱۳۷۲؛ آغاز درس خارج از سال ۱۳۷۳ تاکنون. ورود به دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در دوره‌ی کارشناسی (رشته حقوق) سال ۱۳۷۱، اخذ مدرک لیسانس در سال ۱۳۷۵. قبولی در دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در سال ۱۳۷۵ و اخذ مدرک کارشناسی ارشد با دفاع از پایان نامه (با موضوع: مطالعه تطبیقی مسئولین پرداخت دیه در فقه شیعه و اهل سنت و حقوق موضوعی با نمره‌ی عالی (۱۹) در سال ۱۳۷۸. همکاری با واحد اصطلاح نامه دفتر تبلیغات (نام کنونی: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی) از سال ۷۸ تاکنون با تدوین اصطلاح نامه بزرگ فقه (اتمام) و اصطلاح نامه حقوق (در حال انجام) همکاری علمی با مرکز تحقیقات قوه قضائیه – همکاری علمی با مرکز تحقیقات زنان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات شورای نگهبان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات اداره تعزیرات حکومتی و...

هم چنین همکاری با مراکزی همچون مجمع تقریب مذاهب اسلامی، صدا و سیمای قم، مؤسسه باقرالعلوم(ع)، مجتمع آموزش عالی قم، مرکز احیاء و نشر آثار حضرت امام، دفتر تبلیغات اسلامی قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و... در ویرایش مجلات علمی آنها.

اکرمی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کاظم اکرمی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب به لطف و عنایت الهی از دوره دبیرستان به مطالعه در زمینه علوم اسلامی و تربیتی و اجتماعی علاقمند بودم . استاد مشوقم در دوره دبیرستان جناب میر خلیل سید نقوی بودند که خداوند عمرشان را دراز کند و موفق تر شنان بگرداند . در دوره کارشناسی که رشته روانشناسی را برگزیده و در دانشسرای عالی تحصیل می کردم (سال های ۳۹ ـ ۴۲) از دانشمندانی چون مجاهد نستوه آیت الله طالقانی ، استاد علامه محمد تقی جعفری ، استاد شهید مرتضی مطهری در حد استعداد خویش بهره برده ام . پس از شروع به کار معلمی در مدرسه آیت الله العظمی آخوند ملا علی همدانی به تحصل ادبیات عرب روی آورده و از استادانی مانند مرحوم حاج شیخ صمد سلیمیان و آقای سید عزت الله مرتضوی استفاده بردم . منطق و فلسفه را با خواندن منظومه مرحوم سبزواری خدمت آقای محقق واعظ معروف همدانی آموختم . در دوره کارشناسی ارشد که تحصیل خود را دررشته مشاوره و راهنمایی به پایان رساندم مدتی از درس منظومه آیت الله سید رضا صدر بهره بردم .

در سال های ۴۷ تا ۴۸ با مرحوم شهید حجت الاسلام سید محمد رضا سعیدی آشنا شدم و آن بزرگ مرد مرا به خواندن علم اصول تشویق کرد و دو سه درس از اصول الفقه مرحوم مظفر را خدمت وی خواندم . بعد از برگشت از همدان ، تمام اصول الفقه را از

درس حجت السلام و المسلمین حاج آقا رضا فاضلیان امام جمعه محترم ملایر بهره مند شدم . مقداری هم از کتاب رسائل الجدیده آیت الله مشکینی را خدمت آقای فاضلیان خوانده ام . در فقه ، تبصره علامه حلی را در زندان از آقای محمد علی گرامی فرا گرفتم . بعد از اتمام دوره وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم منتقل شدم و بحمد الله موفق به اخذ درجه دکترا در رشته برنامه درسی که یکی از رشته های علوم تربیتی است گردیدم و اکنون حدود هفده سال است که در این دانشگاه تدریس می کنم . درسهایی که دراین دانشگاه ارائه کرده و می کنم غیر از برنامه درسی، تعلیم و تربیت در قرآن کریم ، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه ، تعلیم و تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت در روایات است .

اکرمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

وی در آبان ماه سال ۱۳۳۸ش در شهر گوگد گلپایگان در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همانجا سپری کرد و در سن چهار سالگی جهت فراگیری قرآن مجید و احکام اسلامی به مکتب خانه رفت و در سن شش سالگی قرآن و احکام اسلامی را فرا گرفت سپس برای فراگیری تحصیلات کلاسیک به دبستان رفت و مقطع ابتدائی را در یکی از مدارس شهر به پایان رسانید.

سال آخر دوره ابتدائی یعنی پنجم دبستان را طی می کرد که ابوی ایشان به حج مشرف شد. هنگام بازگشت پدر، وی جهت استقبال همراه عده ای از آشنایان به قم آمده و به حسن اتفاق همراه یکی از طلاب ساکن مدرسه حاج ملا محمد صادق به آن مدرسه رفت و شب را در آنجا سپری کرد. روحیه لطیف و سادگی طلاب وی را جذب خود کرد و از همانجا تصمیم گرفت جهت آموزش و فراگیری علوم دینی به این شهر عزیمت کند. با اصرار او و موافقت والدین در سال ۱۳۵۰ ش به قم آمد و در همان مدرسه ساکن شد. ادبیات و دوره مقدمات را نزد اساتید بزرگوار مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفت. همزمان با تحصیل علوم دینی دروس جدید و کلاسیک را نیز ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم اقتصاد گردید.

پس از پایان مقدمات سطح را نیز ادامه داده و در این هنگام از محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات محسن دوزدوزانی، محمد تقی ستوده، محی الدین فاضل هرندی، و ... تلمذ نموده و در نهایت در سال ۱۳۶۳ش امتحانات پایان سطح را با موفقیت پشت سر گذاشته و در درس های خارج فقه و اصول همچنین فلسفه و تفسیر شرکت کرد. در این مقطع نیز که ۱۶ سال ادامه داشت و هم اکنون نیز ادامه دارد، از محضر اساتید معظم و مراجع تقلید حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی، حسینعلی منتظری، جوادی آملی، مکارم شیرازی و محمد علی گرامی بهره مند شده و تقریراتی که وی از این دروس نوشته به حدود سی دفتر می رسد که به صورت دست نویس نزد ایشان موجود است.

همزمان و در کنار آموزش و فراگیری علوم دینی در مبارزات حق طلبانه ای که در حوزه علمیه قم وجود داشت شرکت می کرد. در سال ۱۳۵۴ همراه طلاب و فضلا در جلسه ای که در مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ برپا شده بود حضوری فعال داشت و یکی از رهبران آن جنبش به شمار می آمد. در سال ۱۳۵۶ به اتفاق جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد علی نکونام سفری تبلیغی سیاسی به گلپایگان داشته و به دنبال سخنرانیهای افشاگرانه و پخش اعلامیه های حضرات آیات عظام امام خمینی(ره) و گلپایگانی و ... دستگیر، بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. در شهربانی شهر پس از بازجویی گسترده و تحمل حدود یک ماه زندان بدون ملاقات به اصفهان اعزام شد و در دادگاه نظامی و فرمایشی شاهنشاهی محاکمه و به دو سال حبس محکوم گردید.

دوران محکومیت را در زندان شهربانی اصفهان سپری می کرد که همزمان با اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم ایران رژیم استبدادی تسلیم خواسته مردم شد و زندانیان سیاسی را آزاد کرد، وی نیز در پاییز سال ۱۳۵۷ پس از تحمل حدود یک سال اسارت و زندان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت.

پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نامبرده پس از طی مراحل مختلف آموزش نظامی به جبهه های جنگ عزیمت کرده و در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه پرداخت.

یکی از وظایف و مسئولیتهای مهم طلاب و فضلای حوزه علمیه تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم است، برای ادای این وظیفه الهی، مردمی اولین سفر تبلیغی خود را در سال ۱۳۵۴ به اطراف شیراز اعزام شد و از همان سال به طور مرتب در ایام تبلیغ به مناطق و شهرهای مختلف کشور سفر می کرد.

الحلو، مشتاق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشتاق الحلو

محل تولد : -

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با تحصیل در مدرسه به طور غیررسمی مشغول تحصیلات حوزوی بوده ام و پس از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی به تحصیلات حوزوی توجه بیشتری نمودم. در سال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه مفید در رشته علوم سیاسی شدم و همزمان تحصیلات رسمی خود را در حوزه آغاز کردم. در خرداد ۷۷ موفق به اخذ مدرك لیسانس در رشته علوم و معارف اسلامی حوزه شدم و در سال ۷۸ لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه اخذ نمودم.

از دی ماه سال ۸۰ حضور در درس بحث خارج را آغاز کردم و در سال ۸۱ فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه اخذ کردم. در سال ۸۳ مدرك کارشناسی ارشد حوزه را در رشته فقه و اصول اخذ کردم. از سال ۷۳ کار در برخی موسسات تحقیقاتی را در قم آغاز نمودم. و در ابتدا ترجمه از عربی به فارسی را آغاز کردم و از سال ۷۵ به نوشتن تحقیقات در همایش های مختلف مبادرت نمودم.

همزمان با تحصیلات، کار تدریس را در مراکز مختلف انجام می دادم که از مهمترین آنها دو سال و نیم تدریس در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) از مهر ۸۰ بوده است. و همچنان به عنوان محقق با موسسات مختلف به همکاری ادامه می دهم. کار ترجمه به زبان عربی را در زمینه تخصصی (فلسفه دین و کلام جدید) برای برخی مجلات عربی ادامه می دهم و کار راهنمایی و مشاوره پایان نامه های حوزه را نیز انجام می دهم.

العلی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی العلی

محل تولد : کویت

شهرت

تابعیت : کویت

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

الفت اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۶۲ ش)، عالم، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به الفت. در اصفهان متولد شد. پس از فراگیری فلسفه و حدیث و عرفان، به آموختن ریاضیات قدیم و جدید و سپس زبان فرانسه روی آورد. در فرقه‌شناسی و فلسفه و تاریخ نیز استاد بود. به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و آقا شیخ باقر اصطهباناتی و آقاضیاء عراقی به فراگیری علوم مذهبی پرداخت و اجازه‌ی روایت را از حاج میرزا خلیل و آقا سید حسن صدر اخذ کرد. در انقلاب مشروطه در صف آزادیخواهان قرار گرفت و مجله‌ی «آفتاب» را دایر کرد و به نشر آن پرداخت و در بیداری مردم نقش مؤثری ایفا نمود. وی در سفر به شهرهای مختلف ایران با آزادیخواهان همکاری کرد. عضو مجلس مؤسسان و نماینده‌ی مجلس شوارى ملی بود. الفت در انواع شعر مهارت داشت اما بیشتر غزل می‌سرود. کتابخانه بزرگ او به دانشکده‌ی ادبیات اصفهان اهدا گردید. وی در اصفهان وفات یافت و در مقبره‌ی پدرش جنب امامزاده احمد دفن شد.از آثارش: «ابواب الروضات»، فهرست کتاب «رضوات الجنات»؛ «داستان هفت برادر»؛ «دانش‌نامه»؛ «دیوان» اشعار؛ «کشف الحجب»، در اسامی کتب، که تألیف آن به مناسبت آن که مرحوم ثقة الاسلام تبریزی نیز در همین موضوع تألیفی را شروع کرده بود ناتمام ماند؛ «مجله‌ی آفتاب»؛ «مجمع الاجازات و منبع الافادات»، در دو مجلد؛ «سفرنامه»، در شرح حالات خودش در دو مجلد؛ «نسب‌نامه‌ی الفت»، در شرح وابستگان سببی و نسبی خودش؛ «تاریخ مداخله علمای شیعه در امور سیاسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان(۵۸ -۵۵)، تذکرة القبور(۱۶۲ -۱۶۰)، الذریعه(۱۵ /۲۰، ۲۷ /۱۸، ۳۸۳ /۱۶، ۹۰ /۹، ۱۲۴ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر(۲۵۱ -۲۴۹ /۱)، سخنوران نامی معاصر(۳۳۰ -۳۲۶ /۱)، فرهنگ سخنوران(۸۲ -۸۱)، لغت‌نامه(ذیل/ الفت اصفهانی)، مکارم الآثار(۱۶۶۴ /۵).

الله اکبری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد الله اکبری

محل تولد : بند قراء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مهر سال ۱۳۵۹به حوزه علمیه یزد رفتم و پس از سه سال تحصیل در آنجا و خواندن دروس مقدمات و معالم و مختصر المعانی، سال ۱۳۶۲ در مهرماه وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه الهادی مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم و به ترتیب دروس فقه و اصول را در حوزه قم خواندم.

در سال ۱۳۶۷درس خارج را شروع کردم. درس های فقه و اصول را نزد آقایان نکونام، مدنی، کریمی، نظری، میانجی، عندلیب شیرازی، اعتمادی و بنی فضل و ستوده خواندم. درس خارج اصول را نخست در درس خارج اصول آیهٔ الله صانعی حاضر شدم و سپس درس خارج اصول آیهٔ الله سبحانی و درس خارج فقه را نزد آیهٔ الله مکارم شیرازی حاضر می شدم.

در سال ۱۳۶۸ از طریق کنکور سراسری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران قبول شدم و هر هفته دو روز به تهران می رفتم تا در سال ۱۳۷۲لیسانس تاریخ تمدن ملل اسلامی را گرفتم و همان سال فوق لیسانس همان رشته را قبول شدم و در شهریور ۱۳۷۵از این سطح فارغ التحصیل شدم و همان سال در همان رشته و همان دانشکده دکتری قبول شدم که مع الاسف هنوز رساله دکتری را دفاع نکرده ام. از سال ۱۳۷۴ همزمان با تحصیل در معاونت فرهنگی دفتر تبلیغات واحد پژوهش به پژوهش مشغول شدم و مدت دو سال هم مدیر این واحد بودم از سال ۱۳۷۸ با قسمت دائرهٔ المعارف قرآن کریم دفتر تبلیغات همکاری می کردم تا سال۱۳۸۲.

از سال ۱۳۸۰در واحد سیره و تاریخ اهل بیت سیره دفتر تبلیغات همکاری را شروع کردم و دو سال مدیر گروه سیره اهل بیت (ع) بودم تا سال ۱۳۸۲.و تاکنون هم عضو شورای پژوهش این واحد هستم.

از سال ۱۳۷۹ تدریس در مرکز جهانی علوم را آغاز کردم و سال ۱۳۸۱ جزء هیأت علمی آن مرکز شدم و از اسفند سال ۱۳۸۲ تا کنون معاون پژوهش مدرسه عالی امام خمینی (ره) از مدارس تحت پوشش این مرکز هستم و فعالیتم ادامه دارد. در مراکزی مانند مرکز جهانی، مرکز مهدویت، مؤسسه امام خمینی(ره)، باقر العلوم(ع)، مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تدریس داشته‌ام.

الله بداشتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی الله بداشتی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی: ۱۳۵۶

اخذ فوق دیپلم ریاضی: خرداد ۱۳۵۸

شروع به تدریس ریاضی: مهرماه ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: نیمه دوم ۱۳۶۳

فراغت از تحصیل در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: خرداد ۱۳۶۸

شروع به تحصیل در رشته کارشناسی ارشد فلسفه: مهر ماه ۱۳۶۸

فراغت از تحصیل کارشناسی ارشد: ۱۳۷۱

شروع به فعالیت علمی در دانشگاه قم: ۱۳۷۱ تاکنون

شروع به تحصیل دوره دکتری ۱۳۷۸.

فراغت از دوره دکتری ۱۳۸۲.

مدیر گروه فلسفه: ۱۳۸۱ تاکنون

شروع به تحصیلات حوزوی آزاد: ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در حوزه همزمان با تحصیلات دانشگاهی: ۱۳۶۴ (که تاکنون گاه پیوسته و گاه گسسته ادامه دارد.)

النور، حلیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حلیم النور

محل تولد : عراق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حلیم النور طلبه عراقی در سال ۱۳۷۱ به ایران آمده و در حوزه مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. فعالیت تبلیغی خود را از سال ۱۳۷۳ شروع و ابتدا به مناطق فقیر و مستضعف خوزستان عازم شدم.

در سال ۱۳۷۷ اولین سفر تبلیغی خود را به خارج از کشور شروع نموده و به سوریه عازم شدم و به مدت ۳ سال هم به لبنان برای تبلیغ دین در ایام محرم و صفر و رمضان عزیمت نمودم. در سال ۱۳۸۱ به مدت ۴ سال به لطف خداوند و نظر بقیه الله الاعظم و ائمه اطهار علیهم السلام به آفریقا (کنگو) رفتم. و در این سالها تجارب خوبی کسب نمودم و مثمر ثمر برای آن کشورها بودم.

ناگفته نماند که به همت و یاری دوستان و محبان اهلبیت علیهم السلام توانستم مدرسه ای برای ترویج و تبلیغ اسلام و اصول اعتقادی و اخلاقی و دینی پایه ریزی نمایم که فعلا در دست اجرا می باشد و هم اکنون مشغول تحقیق در کتب تاریخ اسلام می باشم.

الهی خراسانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر الهی خراسانی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

حجت الاسلام علی اکبر الهی خراسانی درسال ۱۳۲۱ در نیشابور به دنیا آمد.وی تحصیلات خود را در حوزه علمیه نیشابور آغاز کرد و پس از عزیمت به مشهد و کسب معلومات حوزوی ،د رسال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامهٔ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود.نامبرده در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی می باشد. کتاب" منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۳۵ برای تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ علمیه گلشن نیشابور شد. و سال بعد برای ادامهٔ تحصیل به مشهد عزیمت کرد و پس از چند سال موفق به اخذ اجازهٔ کتبی نقل حدیث از بزرگان علما نظیر مرحوم آیت ا... مرعشی نجفی شد و اجازهٔ تصدی امور حسبیه از ناحیهٔ برخی از مراجع به وی اعطا گردید. د رسال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامهٔ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر الهی خراسانی در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی، عضو هیأت تحریریه و هیأت مدیره مجله مشکوهٔ، عضو شورای فرهنگ عمومی استان و در عین حال مدرّس حوزه و دانشگاه می باشد.فعالیتهای آموزشی : حجت الاسلام الهی خراسانی از سال ۱۳۶۴ به مدت هفت سال دروس علوم قرآنی، فقه و اصول، آیات الاحکام و تفسیر تخصصی را در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد تدریس کرده است. اکنون چهار سال است که به تدریس علوم قرآنی و تفسیر برای طلّاب خارجی دانشگاه علوم اسلامی رضوی اشتغال دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۴۲ نخستین صندوق قرض الحسنهٔ ایران را در حوزهٔ علمیه مشهد و پس از آن کتابخانهٔ مجهز رضوی و فروشگاه تعاونی طلّاب را تأسیس کرد. در سال ۱۳۶۳ در پی ریزی و راه اندازی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی با مسؤولان آستان قدس و اساتید حوزه و دانشگاه مشهد، همفکری و همکاری داشت و از بدو تأسیس این بنیاد، به عنوان عضو هیأت مدیره و مدیر عامل آن منصوب شد.جوائز و نشانها : کتاب" منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال

جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین وی مصحح کتاب «سفینهٔالبحار و مدینهٔالحکم والآثار» بود که این کتاب هم در دوره پانزدهم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب شد.چگونگی عرضه آثار : الهی خراسانی علاوه بر نگارش مقالات و کتابهای متعدد در تعدادی از کنگره ها و سمینارهای علمی بین المللی، از جمله کنگرهٔ بزرگداشت سعدی در هندوستان، کنگرهٔ هزارهٔ شریف رضی، کنگرهٔ شیخ مفید، کنفرانس اندیشه اسلامی، کنگرهٔ جهانی امام جعفر صادق علیه السلام در دمشق، کنگرهٔ نهج البلاغه، مجمع جهانی اهل البیت(ع)، مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی، مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی و کنگرهٔ جهانی امام رضا علیه السلام و ... شرکت جسته وبعضاً سخنانی ایراد کرده است. به چند عنوان از مقالات و سخنرانی های وی اشاره می شود: ۱. کتابنامهٔ امام رضا علیه السلام، کنگرهٔ جهانی امام رضا (ع)، ۱۳۶۳. ۲. المسائل العکبریهٔ، للشیخ المفید (تصحیح و تحقیق)، کنگرهٔ هزارهٔ شیخ مفید، ۱۳۷۱؛ دارالمفید، بیروت۱۳۷۳. ۳. مکانهٔ السنهٔ المطهرهٔ فی التشریع الاسلامی، مجلهٔ الارشاد، شماره های ۱ تا ۶، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ ق. ۴. حجهٔالحق شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، ویژگیها و خاطرات، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹، آذر ماه ۱۳۶۳؛ یادنامهٔ ادیب نیشابوری، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا، ۱۳۶۵. ۵. شناخت و پرورش تحقیق در نهج البلاغه ، کنگرهٔ نهج البلاغه، ۱۳۷۱. آثار : ۱ الدروس الشرعیه، تألیف شهید ثانی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشهای اسلامی، در دست انتشار.۲ الرسالهٔ العزیزهٔ فی الوجیزهٔ، تألیف مرحوم محدّث قمی، (تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : در دست انتشار.۳ المسائل العکربهٔ، شیخ المفید ویژگی اثر : (تصحیح و تحقیق)، کنگره هزار ?شیخ مفید، ۱۳۷۱؛ دارالمفید، بیروت ۱۳۷۳۴ تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تألیف شهفورالفراینی، (تصحیح و تحقیق، با همکاری) ویژگی اثر : در دست انتشار۵ سفینهٔالبحار، تألیف مرحوم شیخ عباس قمی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشهای اسلامی، تصحیح،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «سفینهٔالبحار و مدینهٔالحکم والآثار»: بحارالانوار مهمترین دایرهٔالمعارف علوم شیعی است، و از زمان تألیف تاکنون همیشه مورد توجه و استقبال دانش پژوهان بوده است. نیاز این کتاب ۱۱۰ جلدی به فهرست بر کسی پوشیده نیست. مهمترین فهرست موضوعی این کتاب، اثر حاضر است. مرحوم حاج شیخ عباس قمی، کتاب را برحسب حروف تهجّی مرتب ساخته است. وی در مقدم ?کتاب، روش خود را توضیح داده، ذیل هرعنوان به آیات و روایات و گاهی توضیح و تفسیر پرداخته است و هم ?آنها را با حروف ابجد به مجلدات مختلف بحار ارجاع داده است و در موارد بسیاری نیز خود، افزون بر مطالب علام ?مجلسی نکات بدیعی ذکر کرده است. تصحیح جدید کتاب براساس نسخ ?خطی مؤلّف انجام شده است و چون مرحوم محدث قمی همیشه با حروف ابجد و به مجلدات چاپ کمپانی ارجاع می دهد که استفاده از آن مشکل است و این امر با هدف اصلی فهرست نویسی منافات دارد، محققان محترم کتاب با حفظ رمزهایی که از طرف مؤلّف نوشته شده، تمام آنها را با عدد به مجلدات چاپ جدید بحارالانوار ارجاع داده اند. ضمناً با پانوشتهای سودمند آنچه را مؤلّف از کتابهای مختلف نقل کرده است به همان منابع ارجاع داده اند. مقدم ?مفصل کتاب نیز بر امتیاز این تصحیح افزوده است. ۶ منتهی المطلب، تألیف علامه حلّی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : سه جلد این کتاب از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی انتشار یافته، سایر مجلات در دست چاپ است.این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب»: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ علام ?حلّی؛ تحقیق گروه فقه بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ هـ . ق. ۲ج. کتاب « منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» یکی از منابع مهم فقه شیعه در زمین ?فقه مقارن (فقه تطبیقی) است. امروزه، پرداختن به این زمین ?فقهی در بین مذاهب اسلامی یک ضرورت است که تدریس آن در حوزه ها و دانشگاهها نیز هرچه بیشتر، حس می شود. از امتیازات این کتاب: مقدم ?تحلیلی خوب؛ آیات، احادیث، اقوال و آراء استخراج شده؛ توضیح لغات و واژه های دشوار؛ شرح حال موجز اعلام و روات کتاب در پا نوشتها، و توضیح هرچند مختصر در مورد برخی فرِق است.

الهی خراسانی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی الهی خراسانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مجتبی الهی خراسانی در سال ۱۳۵۰هجری شمسی در خانواده ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید.

از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون شیخ مهدی مروارید تلمذ کرد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ و کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که مقالات" بداء "و تصحیح" اسوه

تقوی "و... از جمله آثار ایشان است.

الهی دوست، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید الهی دوست

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حمید الهی دوست دروس ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را تا سال ۱۳۶۰ هجری شمسی گذراندم و در همین سال موفق به اخذ دیپلم ریاضی از دبیرستان ادب اصفهان شدم. روز نیمه شعبان همین سال که برای شرکت در مجالس جشن میلاد حضرت بقیهٔالله اعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خانه خارج شدم به مدرسه میرزا حسین اصفهانی واقع در خیابان مسجد سید برای شرکت در جشن وارد شدم و با برخی از طلاب حوزه علمیه آشنا شدم و همان جا جرقه طلبه شدن و ورود به سلک روحانیت به ذهنم زد و برخی دروس مقدماتی حوزه را به صورت آزاد با یکی از اساتید همان مدرسه شروع نمودم و سپس بعد از ایام ماه مبارك رمضان در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی به صورت رسمی در مدرسه علمیه ذوالفقار ثبت نام نموده تا سال ۱۳۶۹ هجری شمسی تا سطح رسائل و مکاسب را از اساتید آن مدرسه استفاده نمودم.

سپس در شهریور ماه ۱۳۶۹ به اتفاق هم مباحث ارجمندم صدیق گرامی و متقی جناب حجهٔالاسلام و المسلمین حاج شیخ حیدر بهرمن (حفظه الله تعالی) به شهر مقدس قم و به جوار کریمه اهل بیت (ع) هجرت نمودم و باقیمانده رسائل و مکاسب و سپس کفایه از سطوح عالی حوزوی را تا حدود سال ۱۳۷۱ هجری شمسی در حضور اساتید برجسته قم به پایان بردم.

شرح منظومه مرحوم حاجی سبزواری را در محضر استاد برجسته فلسفه آیت الله حاج شیخ حسین عشانیان (دامت برکاته) تلمذ نمودم و سپس از درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی (دامت برکاته) و درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی تبریزی قدس سره و خارج فقه آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی (دامت برکاته) تا سال ۱۳۸۳ هجری شمسی بهره بردم.

از حدود سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۵ نیز دوره تخصصی فقه و اصول را در مدرسه آموزشی و تحقیقاتی حضرت بقیهٔالله عجل الله تعالی فرجه الشریف که به ریاست استاد معظم و بزرگوار آیت الله شیخ محمد مهدی شب زنده دار (دامت برکاته العالیه) اداره می شود گذراندم و از اساتید برجسته آن مرکز علمی نیز بهره فراوان بردم.

از همان اوائل طلبگی علاقه به مباحث کلامی و تفسیری داشتم علاقه من به این دو رشته همزمان با تلمذ در محضر آیت الله سید حسن امامی (دام ظله) شروع و سپس در قم مقدسه با شرکت در درس تفسیر حضرت آیت الله شیخ عبدالله جوادی آملی (دامت برکاته العالیه) و سپس مباحثه و مطالعه و تحقیق درباره این دو موضوع ادامه یافت. سپس در سال ۱۳۸۵ به وطن خود اصفهان برگشتم و اکنون در حوزه علمیه اصفهان به تدریس تفسیر، فقه، اصول و رجال اشتغال دارم و خداوند متعال را بر همه نعمتهای ظاهر و باطنه و معنوی و مادی اش شاکر و سپاسگزارم.

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسن الهی طباطبایی

ولادت:۱۳۲۵ق.

محل ولادت: تبریز

وفات:۱۳۸۸ق

محل دفن :قم

محل تحصیل: تبریز ، نجف

اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی ، سید حسین بادکوبه ای و ....

شاگردان: حسن حسن زاده آملی ، میرزا محمد علی ارتقایی، میرزا موسی تبریزی و ....

تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).

او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوك را یك دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب

می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.

ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی ، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداک " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است . استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید : با اینکه خود آقا به علامه و برادرش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.

زمانی که آیت الله الهی در قم بود ، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد ، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آورند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد . سینی تبدیل به طلا شد . بعد فرمود ": ما طلا را می خواهیم چه کنیم؟ "دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت ! با وجود چنین قدرت روحی ، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کردو چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!

این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است : از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید ، تا چه رسد به معاصی!

سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان درکتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است .

الهی قمشه ای، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین محی الدین الهی قمشه ای فرزند چهارم استاد فقید مهدی الهی قمشه ای و خانم طیبه تربتی در دی ماه ۱۳۱۸ (ژانویه ۱۹۴۰) در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی، متوسطه و دانشگاهی را به ترتیب در دبستان دانش، دبیرستان مروی و دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران تا درجه دکتری (Ph.D. In Islamic Philosophy & Theology) به پایان برد و نیز تحصیلات حوزوی و سنتی را نزد پدر، و استادان دیگر دنبال کرد. پدر ایشان فیلسوف، مجتهد، شاعر و مترجم برجسته ای بودند و اولین و معتبر ترین ترجمه فارسی قرآن از کارهای ایشان میباشد. دکتر قمشه ای پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به کار تدریس در دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزش عالی در داخل و بعد ها خارج از کشور پرداخت و در کنار آن به تالیف و ترجمه در زمینه عرفان و ادبیات و زیبائی شناسی مشغول شد. ایشان دارای همسر و دو فرزند، یک پسر و یک دختر بنامهای شاهد و شادی می باشند. وی همه آموزش های او در ایران صورت گرفته و زبان انگلیسی، عربی، فرانسه و غیره را نیز در ایران آموخته است. استاد قمشه ای، با خستگی ناپذیری تحسین بر انگیزش همواره پیک آشنایی ایرانی و غیر ایرانی با فلسفه و ادبیات غنی عرفانی ایران بوده و در این راستا در دانشگاههاو مراکز علمی فرهنگی بیشماری در ایران و خارج از ایران تدریس و سخنرانی داشته که از آن میان میتوان تدریس فلسفه، عرفان، ادبیات، و هنر در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای ایران و همچنین دانشگاههای لندن، آکسفورد، هاروارد، پرینستن، و برکلی کالیفرنیا را نام برد. دکتر قمشه ای همچنین با هنر هایی چون نقاشی و موسیقی و خوشنویسی از نزدیک آشنایی دارد و گاهگاهی در زمینه خوش نویسی آثاری از او به نمایش گذاشته شده است. ایشان به موسیقی ارادت خاص دارد و آنرا بیش از سایر هنر ها در سخنرانیهای خود ستوده و همگان را به آموختن آن تشویق نموده است. به قول یکی از موسیقیدانان هیچیک از سخنرانیهای دکتر قمشه ای نیست که در آن نکته ای در باره موسیقی نباشد. دکتر قمشه ای از حافظه درخشانی برخوردار است و به نظر می رسد که قرآن را تقریبا از حفظ دارد و با مثنوی و حافظ و نظامی و فردوسی چنان است که گویی دیوان آنها در پیش روی او گشاده است و بخصوص گلشن راز شیخ محمود شبستری تماما در خاطر اوست. وی همچنین در ادبیات انگلیس و عرب نیز می تواند ساعتها از حفظ ، اشعار و قطعاتی را بازگو کند.

الهی منش، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا الهی منش

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۸ دیپلم ریاضی و فیزیک گرفتم و بلافاصله وارد حوزه علمیه قم شدم. تمام تحصیلات سطح و بخشی از درس خارج من در مدرسه حقانی (و شهیدین) بوده است.

اساتید اینجانب جناب آقای شب زنده‌دار در منطق، جناب علی آقای قمی و آقای طباطبایی در اصول فقه و معالم و مرحوم آیت الله مصلحی در رسائل و مکاسب و کفایه و بخشی از خارج. اعشاقی، رحمانی، فیاضی و آیت الله مصباح در فلسفه، مرحوم آیت الله تبریزی در فقه خارج و آقای حاج سیدکاظم حائری در فقه و اصول خارج و جناب آیت الله خرازی و استادی و عندلیب در تحقیقات فقهی و اصولی به مدت پنج سال.

در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته کلام جدید (دین‌شناسی) در کارشناسی ارشد مشغول شدم و در ۱۳۵۸ از پایان‌نامه حوزه با عنوان" نقد و ترجمه بخش اسماء و صفات کتاب فلسفه دین پویمن "دفاع نمودم.

در سال ۱۳۸۲ برای ادامه تحصیلات در دکتری کلام جدید (گرایش فلسفه دین) در تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه خود تحت عنوان" ساحات وجودی انسان و تأثیرات آنها بر یکدیگر از نگاه قرآن و عرفان شیعی" می‌باشم. اساتید راهنمای مشاور: جناب آقای دکتر محسن جهانگیری و دکتر پازوکی. همچنین به وسیله دکتری و هیئت علمی مرکز عالی ادیان و مذاهب در رشته عرفان و تصوف (گرایش عرفان تطبیقی بین الادیان) می‌باشم.

الهی نژاد، واحد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

واحد الهی نژاد

محل تولد : خرم آباد (بخش پاپی)

شهرت

تابعیت : ایران زندگینامه علمی

واحد الهی نژاد فرزند شمس الله متولد پاپی خرم آباد .وی پس از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در زادگاهش برای ادامه تحصیل به درود لرستان رفت و مدرک دیپلم را گرفت .درسال ۱۳۶۹ ش وارد حوزه علمیه مهدیه علی گودرز شد.پس از دو سال به مدرسه مروی در تهران رفت و در ۱۳۷۵وارد حوزه علمیه قم شد و پس از پایان سطح به مدت ۲سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات .محمد فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی شرکت کرد .همچنین مدرک کارشناسی فلسفه غرب را از دانشگاه مفید قم دریافت کرد .او همزمان تحصیل در تهران به تدریس در حوزه اشتغال یافت .همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد و خرم آباد به تدریس پرداخت .وی از آیت الله سید علی خامنه ای اجازه تصدی امور حسبیه را دارد

الهی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس الهی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۱۳۸۳ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل شدم و پس از مدت کمی تحصیل در حوزه علمیه روحیه وارد حوزه علمیه قم گردیده و در مدرسه الهادی (ع) شروع به تحصیل کردم و پس از گذراندن دوران مقدماتی و سپس در خارج از مدرسه موفق به گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه قم شدم.

حدود ۶ سال در مدارس علمیه قم مانند الهادی (ع) و رضویه و علوی به تدریس ادبیات عرب، تفسیر و علوم قرآنی پرداختم و امتحانات سطوح عالی را با موفقیت گذرانده و ۴ بار مصاحبه خارج فقه و اصول شرکت کردم و پایان نامه ای را تحت عنوان علوم قرآنی در تفسیر المیزان برای اخذ سطح سه یا کارشناسی ارشد نوشته و دو سال و خرده ای پیش دفاع کرده و اصلاحات آن پس از اخذ نمره ۱۷ رو به پایان است.

و برای نوشتن دوره دکتری آماده ام البته پس از تحویل مدرک فوق لیسانس هم اکنون در مدرسه امام (ع) با سابقه سه سال تدریس و در دانشکده علوم قرآنی با سابقه دو سال تدریس و در دانشکده اصول دین و مدرسه عالی بنت الهدی در خدمت طلاب خارجی و دانشجویان ایرانی هستم. و مشغول مطالعه و تحقیق و آماده کردن مقالاتی با عناوین و موضوعات مختلف هستم.

الهی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر الهی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم به جای تحصیل در دانشگاه، حوزه علمیه قم را انتخاب کردم. دروس مقدماتی را در مدرسه رسالت، رسائل را نزد جناب آقای راستی، مکاسب را خدمت آقای پایانی و بنی فضل و کفایه را خدمت آقای محقق داماد خواندم. از سال ۱۳۶۹ به بعد محضر آیات عظام موسوی اردبیلی و منتظری، وحید و جواد تبریزی به خارج فقه و اصول مشغول شدم.

در سال ۱۳۶۹ همراه با تحصیل در خارج فقه و اصول، به دانشگاه مفید برای تحصیل اقتصاد نظری راه یافتم. تحصیلات در سال تحصیلی ۷۳ ـ ۱۳۷۲ با موفقیت کامل سپری شد و به مقطع کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تهران راه یافتم. در بهمن سال ۱۳۷۵ پایان نامه کارشناسی ارشد را تحت عنوان" بررسی مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد از دیدگاه مکاتب مختلف با تاکید بر مکتب اسلام "دفاع نمودم. پس از آن به دوره دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام راه یافتم و اقتصاد پولی و بین المللی را گذراندم و از رساله خود تحت عنوان تاثیر جهانی شدن بر همگرایی و یکپارچه سازی حوزه تجاری کشورهای اسلامی (MENA) در اردیبهشت ۸۴ دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۶ به عنوان عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید به تدریس اشتغال دارم. تاکنون مواد درسی زیادی از جمله: ۱. اقتصاد کلان ۱ و ۲ مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۲. تجارت بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۳. مالیه بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۴. اقتصاد منابع طبیعی کارشناسی ۵. اقتصاد سنجی کارشناسی ۶. تفسیر آیات اقتصادی ۷. زبان تخصصی را تدریس کرده ام.

سال ۱۳۷۵ مدیریت دفتر برنامه ریزی و خدمات پژوهشی دانشگاه مفید را بر عهده داشتم و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ معاون پژوهشی و از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ قائم مقام رئیس دانشگاه بودم و اکنون مدیر مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه هستم.

الهیان، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی الهیان

محل تولد : رامسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام الهیان در سال ۱۳۲۸ در شهرستان رامسر متولد شد. پدر ایشان محمد تقی به کشاورزی اشتغال داشته و همچنین مرجع حل و فصل مشکلات مردم آن سامان به حساب می آمده است. ایشان دوره ابتدایی و دروس مرسوم آن زمان را در رامسر به پایان رساند.

در ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه قم شد و قبل از آن یعنی در سال ۱۳۴۲ همزمان با شروع نهضت امام خمینی (ره) مدت ۳ ماه را در باغ شاه سابق تحت نظر بود .

پس از ورود به حوزه دوره سطح را زیر نظر آیات عظام: فاضل و سبحانی گذراند. دروس خارج را نیز در محضر آیات: میرزا هاشم آملی، داماد، نجفی مرعشی و گلپایگانی شاگردی نمود.

همزمان با تحصیل حوزوی دیپلم را اخذ نمود و سپس وارد دانشگاه فردوسی مشهد در رشته فقه و مبانی حقوق شد که به دلیل شناخته شدن نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بلافاصله به رامسر آمد و سپس به قم جهت ادامه تحصیل نقل مکان نمود. سال ۱۳۵۹ در دانشکده الهیات تهران قبول شد اما پس از یک ترم تحصیل، تحصیلات خود را در مدرسه عالی قضائی و اداری قم (دانشگاه قم) ادامه داد و موفق به اخذ مدرک تحصیلی لیسانس علوم تربیتی گردید. ایشان دارای درجه اجتهاد (نقل حدیث) از آیت الله مرعشی نجفی است .

امام الحرمین، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۵ -۱۳۰۲ ق)، عالم شیعی، فقیه، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. دارای حافظه‌ای قوی و خط نیکو بود. در کاظمین ادبیات را آموخت و در علوم مختلف کامل شد. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. و از بزرگان علمای اعلام همچون شیخ انصاری و میر سید علی شوشتری دارای اجازه بود. میرزامحمد در کاظمین به قضاوت منصوب و از جانب ناصرالدین شاه ملقب به امام‌الحرمین شد ولی به روایت آقاشیخ آقابزرگ تهرانی این لقب از طرف سلطان روم (ترک) به وی داده شد. وی در کاظمین درگذشت. از آثار وی: «فصوص الیواقیت فی علم المواقیت»، شعر عربی؛ «عصمهٔ الاذهان فی علم المیزان»، منظومه‌ای در منطق؛ «غنیمهٔ السفر»، در شرح حال شیخ جعفر شوشتری؛ «المحاسن»، در انشاآت و مراسلات؛ «المشکاهٔ فی مسائل الخمس والزکاهٔ»؛ «کتاب الاجازات»؛ «المجلهٔ الزاهرهٔ فی امر الخلافهٔ والمشاورهٔ فی جواب دعوت العلماء القاهرهٔ من منشآت العاجله والمؤلفات الباجلهٔ»؛ «الأسنهٔ»؛ «المواعظ البالغه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۵ -۳۹۴ /۹)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۵۰ -۴۹ /۲)، الذریعه (۲۲۶ -۲۲۵ /۲۳، ۵۲ /۲۱، ۱۲۴ /۲۰، ۲۳۶، ۷۰ /۱۶، ۲۷۴ -۲۷۳ /۱۵، ۱۸۶ /۱۳، ۷۰ /۲، ۱۳۰ -۱۲۹ /۱)، ریحانه (۱۷۱ /۱)، فوائد الرضویه (۵۵۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۰ -۵۸۹ /۵)، معجم المؤلفین (۲۶۸ /۱۰).

امام جمعه، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: آبان ۱۳۵۶.

جلال‌الدین امام جمعه محقق لهجه‌های خوزستان بود. از جمله آثار اوست: مثل‌های شوشتری و برخی زبانزدها (بنیاد نیشابور، ۱۳۶۳). این کتاب بخشی از «فرهنگ خوزی» است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امام جمعه، قاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید قاسم (امام جمعه) فریدن از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی و آقای آشیخ محمدعلی برادر آقا نجفی بوده که پس از طی مراحل تحصیل به امر علماء بزرگ اصفهان به محل خود فریدن مراجعت کرده و تا آخر عمر به ترویج احکام و اقامه نماز جمعه و حل و فسخ امور دینی اشتغال داشته و حکومت شرعی به امر مراجع بزرگ آن وقت در تمام بلوک فریدن به عهده ایشان بوده تا در تاریخ ۱۱ ذی‌قعده ۱۳۳۹ قمری بدورد حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امام جمعه، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی خاتون آبادی.

از رؤسای علمای اصفهان، ملجأ و پناه مردم، و امام جمعه اصفهان بوده، در مسجد شاه اقامه جمعه می‌نموده، و می‌نویسند: تا سیزده صف این طرف میل‌های میدان شاه صف نماز از او می‌رسیده.

در دوّم محرّم سال ۱۲۴۸ وفات یافته، قبرش در بقعه سرقبر آقا است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امام جمعه، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد علی بن میرزا جعفر خاتون‌آبادی.

پس از فوت حاج میرزا هاشم، امام جمعه‌ی اصفهان شده، در اصفهان متولد، و هم در این شهر تحصیل نموده، در مسجد جامع امامت می‌نمود.

در ۳ رمضان‌المبارک ۱۳۴۸ وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی مدفون گردید. وی آخرین امام جمعه اصفهان است که بعد از او تا بیست سال عنوان امام جمعگی منسوخ بود، تا در سال ۱۳۶۸ مجددا فرمان امام جمعگی اصفهان به نام آقای آقا میر محمد مهدی

[خاتون‌آبادی] صادر شده و به لقب سلطان العلماء معروف گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امام جمعه، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله آقای حاج سید محمد مهدی امام جمعه شهرستان اصفهان از احفاد و اسباط علامه مجلسی اول رضوان‌الله علیه و دانشمندان بنام و متنفذ آن سامان میباشد و منصب امام جمعه‌ای از صدها سال قبل در خاندان این سلسله بوده که در مسجد جامع اصفهان و مسجد شاه تهران اقامه نماز جمعه نموده و مینمایند.

مرحوم فتحعلی شاه قاجار بعد از بناء مسجد سلطانی تهران از یکی از اعمام معظم‌له دعوت نمود که بتهران آمده در مسجد شاه مزبور اقامه نماز جمعه و جماعت نمایند و منصب مزبور در خاندان وی تاکنون باقی و امام جمعه تهران با امام جمعه اصفهان پسر عمو و از یک سلسله و بیت میباشند.

معظم‌له در بیت علم و سیادت در حدود سال ۱۳۱۰ قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح بدرس مرحومین علمین آیتین آیه‌الله حاج سید ابوالقاسم ده کردی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی حاضر شده آقا بمدارج عالیه علم رسیده و از آن بزرگوار بدریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایتی مفتخر گردیده است.

و ایشان حدود بیست و پنج سال است که امام جمعه و جماعت مسجد جامع شهرستان اصفهان میباشند.

از آثار ایشان است رساله‌ای در میراث زوجه که مستدلا مرقوم داشته و مورد تحسین و تجلیل استادش مرحوم آیه‌الله دهکری قرار گرفته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امام جمعه، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر سید محمد. آخرین امام جمعه‌ی مقتدر اصفهان، از رؤسا و متنفذین بوده، و در اوایل، زاهد و عابد و مورد وثوق مردم بوده، و مردم از محلات مختلفه جهت درک نماز ایشان به مسجد جمعه می‌رفته‌اند، لکن در اواخر در اثر حرکات ناشایسته برخی از اطرافیان ایشان، آن توجه و اعتماد از بین رفته، و دیگر بعد از ایشان امام جمعگی رونقی نیافت.

مشارالیه در ۱۲۵۰ متولد، و در شب ۴ شنبه ۱۶ رمضان المبارک سال ۱۳۲۱ وفات یافته، در مقبره‌ی سر قبر آقا مدفون گردید. قبرش در شاه‌نشین غربی بقعه قرار دارد.

یک نمونه از نفوذ و قدرت مرحوم حاج میرزا هاشم: در سال ۱۳۰۷ به شرحی که در کتب تاریخ مفصلا نگاشته شده است در اصفهان پیش آمدهایی روی داد که منجر به کشته شدن دو نفر از بهائیان گردید. ظل السلطان به دستور ناصرالدین شاه جهت ارعاب و تهدید علما جلسه‌ای تشکیل داده، و ضمن بیاناتی، از سیاست خارجی دول و قدرت شاه و خودش و این که چنین و چنان خواهم کرد صحبت می‌کند، و نسبت به جمع علما و بالاخص آقا نجفی، که شهرت داشت عمل به دستور ایشان و یا لااقل اطلاع ایشان انجام گردیده توهین نموده، و از کشتن و زندان کردن و تبعید سخن می‌گوید. با مقدمه چینی که قبلا نموده بود طوری سخن می‌گوید که حاضرین عموما ساکت و مرعوب شده، رنگ‌ها از صورت می‌پرد. همگی متحیر که چه باید گفت، و چه باید کرد؟ در این موقع ناگهان حاج میرزا هاشم در حالت عصبانی از جای برمی‌خیزد، و رو به ظل السلطان که عوام او را زلزله سلطان می‌گفتند نموده و می‌گوید: به چه قدرت به خودت حق می‌دهی به نایب امام زمان علیه‌السلام جسارت کنی؟ و از مجلس خارج می‌شود. علما نیز به یک مرتبه از جای برمی‌خیزند. ظل السلطان وحشت‌زده به یک یک علما متوسل می‌شود که امام را برگردانید و از او عذرخواهی کنید. بالاخره آقامیرزا محمد هاشم چهارسوقی واسطه شده، امام را برمی‌گرداند، و ظل السلطان از او و دیگران عذرخواهی می‌کند، و مخالفین امام جمعه پی به عظمت روحی و قدرت و نفوذ کلام او می‌برند [!] و وی را برای این عملش ستایش می کنند.

ضمنا باید دانست که اختلاف سلیقه و دو دستگی ما بین آقایان مسجد شاه و امام جمعه زیاد بوده، و از همین اختلاف، ظل السلطان چندین مرتبه حد اعلای استفاده را برده بود.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امام، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال امام

محل تولد : رشکوئیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۷۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) یزد شدم. در سال ۷۵ به مدرسه علمیه مصلی یزد رفته و فقه و اصول را گذراندم و همزمان در کلاسهای زبان جهاد دانشگاهی به مدت دو سال به مکالمه زبان پرداختم. در سال ۷۸ امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) داده و مهر ۷۹ به قم آمدم و در کنار دروس حوزه در رشته تاریخ موسسه مشغول به تحصیل شدم.

پس از اتمام دوره کارشناسی در بهار سال ۸۴ در امتحان ورودی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع موسسه پذیرفته شدم و از بهمن ماه ۸۴ در مقطع ارشد مشغول به تحصیلم.

همزمان سطح دو حوزه را از شورای مدیریت اخذ کردم. از فروردین ۸۶ به عنوان کارشناس اجرایی گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) مشغول به کار شدم و از مهر ماه ۸۶ در این مدرسه مشغول به تدریس می باشم. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد بنده هنوز تصویب نشده است.

امامت، عزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عزاللّه بن آیت‌اللّه حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از دانشمندان و ائمه‌ی جماعت معاصر کاشانست.

وی در سال ۱۳۰۹ شمسی در کاشان متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح و متون فقه و اصول را از مرحوم والدش آیت‌اللّه امامت و مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمود نجفی فراگرفته و آنگاه به مشهد عزیمت و چندی از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله استفاده نموده و بعد از آن به کاشان برگشته و به وظائف دینی از قبیل امامت و تبلیغ مسائل احکام و تألیفات تاکنون اشتغال دارند.

تألیفاتی که از معظم له به طبع رسیده است از این قرار است.

۱- کشکول امامت دو جلد.

۲- زندگانی سلطان علی و هلال بن علی.

۳- فضائل السادات.

نگارنده گوید: از همین سلسله جلیله است جناب آیت‌اللّه حاج سید عباس بن مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید علی‌اکبر کاشانی حایری که اکنون در شهرستان دینی و علمی قم اقامت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامت، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فخرالدین بن العلامهٔ الزاهد السید محمدمهدی امامت حسینی کاشانی از آیات عظام و علماء بزرگ معاصر کاشان (داماد مرحوم آیت‌اللّه ملا حبیب‌اللّه کاشانی) بودند.

وی در حدود ۱۲۹۲ قمری در کاشان متولد شده و در بیت علم و عمل پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات متون فقه و اصول را از دو عموی گرامش آیت‌اللّه آقا سید محمدحسین امام (متوفی حدود ۱۳۱۱) و آیت‌اللّه آقا سید محمدحسن امام (متوفی حدود ۱۳۳۰) و مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمدحسین نطنزی و میرزا محمدحسین نراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین نراقی (متوفی ۱۳۲۵ قمری) و حاج میرزا ابوالقاسم نراقی سبط فاضل نراقی و پس از آن مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا حبیب‌اللّه کاشانی (متوفی ۱۳۴۰) صاحب مقامات عالیه و تألیفات کثیره استفاده نموده و در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری بهره‌مند شته و پس از مدتی به کاشان مراجعت و اشتغال به تدریس و تألیف و ارشاد مردم و اقامه جماعت در مدرسه سلطانیه نموده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که در سن صد سالگی بدرود حیات گفته و در جنب میدان و فلکه بزرگ کاشان (کامل‌الملک) در مقبره شخصی مدفون گردید.

نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّه امامت از برکات شهرستان کاشان و مفاخر علمی و قدسی این شهرستان و از مشایخ اجازه عصر ما بودند و جماعتی از اعلام و آیات عظام که ذکرشان موجب اطنابست از ایشان اجازه روایتی داشتند و برای این حقیر هم در اواخر عمرشان اجازه مبسوطی صادر فرمودند تألیفات و آثار عدیده دارند که ذیلا می‌نگارم.

تألیفات مرحوم امامت

۱- هدایةالعوام فی مهمات الاحکام (رساله عملیه) مطبوع

۲- راه نجات او تنبیهات الغافلین منظومات بالفارسیه مطبوع

۳- راه خداشناسی فی اصول العقاید بالفارسی مطبوع

۴- وسیلة النجاة فی فضائل السادات بالفارسی مطبوع

۵- ثواب الزیارات بالفارسی مطبوع

۶- رسالة فی احکام الارث فارسی

۷- رسالة فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین عربی.

۸- رسالة فی منجزات المریض عربی

۹- رساله در حکم آب قلیل متنجس متمم

۱۰- رسالة فی عقد الفضولی عربی

۱۱- شرح بر منظومه استادش در اصول موسوم (به منیةالاصول).

۱۲- مرآت الحقیقه در حالات صوفیه فارسی

۱۳- کشکول در مواعظ در چند جلد فارسی.

۱۴- حاشیه بر شوایع

۱۵- حاشیه بر مکاسب

۱۶- رساله در مصرف سهم الامام (ع)

۱۷- در متفرقات از حواشی و غیره.

ادباء و بعضی از دانشمندان کاشان اشعاری بسیار در رثاء آن مرحوم سروده‌اند از جمله آیت‌اللّه العلام آقای حاج آقا رضا مدنی دام ظله در ماده تاریخ وفاتش سروده.

سید اهل العلم فخرالدین

نجم الامامه و بدرالدین

یا لهف قد مضی فقل مورخا

(الی الجنان رام فخرالدین)

و در روز وفاتش گفته‌اند.

یا لهف مات سید جلیل

فخرالهدی مجتهد نبیل

للدین فخر کامل لبیب

عدل زکی عالم ادیب

(۱۳۹۲ -۱۲۹۲ ق)، عالم، فقیه و مدرس. در کاشان متولد شد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، متون فقه و اصول را از دو عموی خود، آیت‌اللّه آقاسید محمدحسین امام و آیت‌اللّه آقاسید محمدحسن امام، فراگرفت. وی همچنین از حوزه‌های درس آیت‌اللّه حاج ملاـ محمدحسین نظنزی، میرزا محمدحسین نراقی، آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین نراقی، حاج میرزا ابوالقاسم نراقی و آخوند ملا حبیب‌اللّه کاشانی، پدر همسرش، استفاده کرد. در اوایل تأسیس حوزه‌ی علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره‌مند شد. پس از مدتی به کاشان بازگشت و به تدریس و تألیف و وعظ و اقامه‌ی جماعت در مدرسه‌ی سلطانیه اشتغال ورزید. وی از مشایخ اجازه عصر حاضر بود و بسیاری از علما از ایشان اجازه روایتی داشتند. او در کاشان درگذشت. از آثار وی: «هدایة العوام فی مهمات الاحکام»، رساله‌ی علمیه؛ «راه نجات»؛ «تنبیه الغافلین»، شعر فارسی؛ «راه خداشناسی»، در اصول عقاید، به فارسی؛ «ثواب الزیارات»، به فارسی؛ «رسالة فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین»، به عربی؛ «رسالة فی منجزات المریض»، به عربی؛ «رسالة فی عقد الفضولی»، به عربی؛ «وسیلة النجاة»، در فضائل سادات.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۲ -۲۵۱ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۴ -۲۶۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴ / ۷۸۴).

امامت، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فضل‌اللّه بن العلامة المرحوم حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از علماء محترم معاصر کاشانست. وی در سال ۱۳۳۳ قمری در بیت فضل و فضیلت به دنیا آمده و در کودکی ادبیات را خوانده و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از محضر والدش وجدامی خود مرحوم آیت‌اللّه ملا حبیب‌اللّه شریف کاشانی و آیت‌اللّه آقا سید محمد علوی بروجردی استفاده نموده آنگاه به قم مهاجرت و از درس و محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللّه صدر و غیرهم بهره‌مند شده آنگاه در شهر خود به امامت و انجام وظائف دینی پرداخته و تاکنون اشتغال دارد.

دارای آثاریست که از آنها تحفةالطالبین به طبع رسیده است و تألیفات دیگر ایشان در صرف و نحو و فقه و اصول تاکنون مخطوط

مانده است.

(تو ۱۳۳۳ ق)، فقیه اصولی. در نوجوانی ادبیات را آموخت و در محضر پدر و جد مادری‌اش آخوند ملا حبیب‌اللَّه کاشانی و نیز آقاسید محمدعلوی بروجردی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. سپس به قم مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌اللَّه حائری و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه سید محمد حجت و آیت‌اللَّه صدر بهره‌مند شد. در بازگشت به کاشان به ترویج مذهب و تألیف کتاب پرداخت و آثاری در صرف و نحو و فقه نگاشت. از آثار وی: «تحفة الطالبین».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۴ / ۶).

امامی اصفهانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۱۲، اصفهان.

درگذشت: ۴ آذر ۱۳۷۲(۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله سید احمد امامی اصفهانی، فرزند آیت‌الله حاج آقا عطاءالله امامی نیز از علمای مشهور اصفهان، بود. او پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی در نزد پدرش و حضرات آیات معلم حبیب‌آبادی، فیاض و فقیه قودجانی پرداخت و پس از تکمیل ادبیات و سطح جهت استفاده از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم بدانجا رفت و کفایه را از آیت‌الله مجاهدی و آیت‌الله سلطانی طباطبائی فراگرفت. سپس خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله العظمی بروجردی و امام خمینی (ره) و فلسفه را هم نزد علامه‌ی طباطبائی تحصیل نمود. از خدمات وی کتابخانه عظیم‌الزهرا با بیش از شصت هزار جلد کتاب و توسعه و نوسازی مسجد سقا در اصفهان را می‌توان نام برد.

از تألیفات چاپ شده‌اش چرا جمهوری اسلامی و روش رهبران انقلابی ما و از کتابهای چاپ نشده‌اش می‌توان از اینها نام برد: تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ تقریرات درس اصول امام خمینی؛ تقریرات درس فقه (مکاسب) امام خمینی؛ اجتهاد و تقلید؛ جغرافیای کشورهای اسلامی؛ شرح دعای عرفه؛ جنگ در نظام کل اسلام؛ قواعد درایه و رجال؛ مبارزه و راه آن در قرآن؛ آیات معجزه‌آسای قرآن؛ انسان در قرآن؛ ولایت و امامت از دیدگاه قرآن؛ اخلاق در قرآن؛ تمثیلات و تشبیهات قرآن؛ قرآن و تعهدات اسلامی؛ تفسیر جزء سی قرآن؛ تفسیر قرآن (از سوره بقره تا انفال) اسرار حج؛ سنت تغییر؛ راه مستقیم؛ بشر و رسالت او؛ قدرت و نیرو؛ جاسوسی در اسلام؛ انقلاب در پرتو وحی؛ جهاد؛ روحانیت و تبلیغ در اسلام؛ انحرافات و مبارزه با استعمار؛ وظایف مردم در زمان غیبت؛ شیطان در خانه ما؛ چگونه باید زیست؛ راهنمایی‌های حضرت علی (ع) (هفت جلد)؛ قیامت (سه جلد)، اسلام تنها راه مبارزه با استعمار؛ جامعه اسلامی؛ خدمات اهل‌بیت پیامبر؛ فرهنگ واژه‌های علمی؛ فرازهای عالی صحیفه سجادیه؛ اقتصاد؛ شناخت خط انقلابی حضرت مهدی (عج)؛ شرح نامه علی (ع) به مالک اشتر.

آیت‌الله امامی اصفهانی روز پنجشنبه چهارم آذر ۱۳۷۲ (برابر یازدهم جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.) در شصت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش در امامزاده ابوالعباس خوراسگان به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امامی پور، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امامی پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد امامی پور فرزند محمد علی متولد ۱۳۴۲ مقطع دبستان و راهنمایی را در مشهد گذراندم و پس از پایان دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تا مقطع دیپلم به طور آزاد ادامه تحصیل دادم.

سال های ۶۴ تا ۶۹ در دانشگاه علوم اسلامی رضوی به فراگیری زبان انگلیسی و دروس حوزوی تا سطح عالی مشغول بودم و پس از اعزام ۳ ماهه به زامبیا جهت تبلیغ و مراجعت به کشور، راهی قم شدم و تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را تا مقطع لیسانس از سال ۱۳۷۰ در آنجا ادامه دادم. در سال ۷۴ با احراز رتبه هشتم وارد دانشگاه تهران شدم و کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در سال ۷۶ به پایان رساندم و ازنیمه ۷۷ به عضویت هیئت علمی دانشگاه مفید در آمدم. سال ۸۲ وارد مقطع دکتری شدم و اکنون با پایان یافتن واحدهای آموزشی و امتحان جامع در مرحله پایان نامه هستم. چندین طرح پژوهشی مانند بررسی قانون بیمه شخص

ثالث و درآمدی به متون اسلامی و... را نیز به سامان رسانده ام.

امامی تربتی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله بن حجه الاسلام حاج شیخ ذبیح الله بن العالم العلام حاج ملا عبدالله (امام جمعه تربت) ابن العلامه حاج حسینعلی (امام جمعه) از علماء مبرز معاصر خراسان و تربت حیدریه می‌باشد.

مرحوم حاج ملا حسینعلی و حاج ملا اسحق تربتی که در عصر خود اعلم علماء خراسان معرفی شده‌اند نسبشان منتهی می‌شود به مرحوم حاج ملا خداداد تربتی که معاصر با اوائل صفویه بوده‌اند.

جناب آقای امامی در محرم ۱۳۲۰ ق در تربت حیدریه متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و قرآن و اولیات را در مکتب خانه مرحوم آقا سید محمود مشلول خوانده و قسمتی از مقدمات را فراگرفته و ضمنا از نماز جماعت و مجالس وعظ مرحوم حجت الاسلام آخوند حاج ملا عباس تربتی (والد جناب آقای راشد) که از نظر زهد و تقوا و فضیلت کم نظیر بود استفاده نموده و در ماه ربیع الاول ۱۳۴۷ ق به حوزه علمیه مشهد مقدس منتقل و ادبیات را از جناب حاج شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و اساتید دیگر استفاده کرده و پس از آن سطوح فقه و اصول را از مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی و آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ شاهرودی و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد کفائی و آیت الله عالم ربانی حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاضه نموده و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم یزدی و آیت الله خونساری بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۷ ق مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام آن سامان چون آیت الله حاج شیخ موسی خونساری و آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت الله حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۶۴ ق به تربت برگشته و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام نموده و تاکنون اشتغال دارند. از آثار ایشان است:

۱- استرداد مدرسه اسحاقیه و تعمیر آن به همت مرحوم حاج ابوالقاسم هراتی (که اکنون به مدرسه هراتی شهرت دارد)

۲- رسیدگی به وضع طلاب و محصلین مدرسه مزبور.

۳- اعزام مبلغین دینی بقراء اطراف تربت.

۴- تهیه زمین برای ساختمان کتابخانه امامیه و تهیه مقداری کتاب برای آن.

۵- اقدام به تجدید ساختمان مسجد مرحوم حاج شیخ علی اکبر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی حجتی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر امامی حجتی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر امامی حجتی دوران کودکی و نوجوانی را در نجف اشرف گذراندم و در خانواده ای روحانی نشو و نما کردم. دروس مقدماتی را در حوزه علمیه نجف گذارندم و درسال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و نزد حضرات آیات شیخ علی پناه اشتهاردی، شیخ محمد تقی ستوده و شیخ احمد پایانی، کرباسی، محمد هادی معرفت و فاضل سطح را به پایان بردم. در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی و فاضل، سال های متمادی شرکت کردم و بحمدالله موفق بوده ام که سطح را از مقدمات تا نهایه تدریس کنم و به مدت پنج سال در واحد آموزشی خواهران دفتر تبلیغات نیز تدریس کرده ام و علاوه بر تقریرات دروس اساتیدم با همکاری برخی از موسسات پژوهشی آثاری از خود به یادگار گذاشته ام.

از سال ۱۳۷۰ با بخش مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کردم. نتیجه آن با همکاری دیگر برادران چهارده جلد "المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار "و سه جلد" المعجم المفهرس لاعلام احادیث بحار الانوار، "و نقد و پاورقی بر ترجمه کتاب" احداث التاریخ الاسلامی "و فیش برداری از مکتب های تاریخی زیر نظر دکتر آدینه وند و مقاله" تعداد یاران امام حسین علیه السلام "که در کتاب نگاهی نو به جریان عاشورا به چاپ رسیده است. ضمناً در برخی از موسسات دیگر نیز همکاری داشته ام که کتاب" مجمع الفوائد فی شرح الفرائد "با همکاری دیگران نوشته ام که به چاپ رسیده است.

از کارهای شخصی خودم نیز می توان اشاره کنم که تعلیقه توضیحی بر خیارات مکاسب نوشته ام و مقاله ای تحت عنوان مصرف

سهم امام علیه السلام در زمان غیبت.

امامی کاشانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین امام کاشانی فرزند عالم جلیل آقا حسام‌الدین امامی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در بیت دانش پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده پس از آن به قم آمده و در دوره اول امتحان طلاب که شرکت نموده با نمره ممتاز و رتبه اول پذیرفته شده و در درس و مباحثه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی که صحبت و اشکال می‌کرد و مورد توجه آیت‌اللّه قرار گرفته و با عنایات مخصوص به ایشان نگریسته و تعبیر به عالم عصر من می‌فرمودند و پس از دیدن یک دوره خارج و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه مرحوم علامه یزدی معروف به مدرسه سید سکنی گزیده و به مباحثات ادامه داده و حاشیه کامل بر عروه‌الوثقی زده سپس مراجعت به کاشان نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد بازار کاشان و تدریس فقه و اصول اشتغال دارند و جمع کثیری از محصلین و صلاب کاشان از محضرشان استفاده می‌نمایند دارای تألیفاتی در فقه و اصول می‌باشند. و در چند سال قبل کتابی به نام اصول‌الامامیه تألیف نمودند که با آنکه مختصرترین کتب اصولی است بسیار ساده و آسان و قابل استفاده است و با این ابتکارشان زحمات طلاب را برای فهم کفایه الاصول علامه خراسانی کم نموده است.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ حسین امامی کاشانی سلمه‌اللّه از افاضل مجتهدین معاصر است که اجتهادش از حدود سی و پنج سال قبل مورد تایید و تصدیق آیات عظام نجف اشرف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم قدس‌اللّه سره و دیگران و نیز مراجع بزرگ و زعماء حوزه علمیه قم مانند آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب اللّه ثراه و دیگران بوده.

آثار علمی ایشان مطبوعا و مخطوطا

۱- اصل اصول الامامیه یکدوره اصول که به طبع رسیده است.

۲- دراسات الاصول آماده طبع است.

۳- فقه الامامیه- سه جلد که آماده طبع است.

۴- حاشیه کامل بر عروه که در سال ۱۳۷۵ هجری قمری شروع و در سال ۱۴۱۰ هجری قمری پایان یافته.

۵- متفردات الامامیه مانند تقیه یا خبرئیت بسیم اللّه از سور قرآنیه.

۶- قاعده- لاضرر چاپ شده.

۷- قاعده- تقیه چاپ شده.

۸- قاعده- اعلمیت چاپ شده.

۹- ترجمه عروه که رساله عملیه فارسی است.

و ایشان داماد گرامی حضرت آیت‌اللّه حاج آقا رضا مدنی کاشانیست که سبط مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا حبیب‌اللّه شریف کاشانی صاحب تألیفات و تصنیفات کثیره مطبوع و غیره می‌باشند.

از آثار خیر معظم‌له تعمیر برخی از مساجد است که از آنهاست تعمیر اساسی مسجد میرعماد کاشان و بنیاد مدرسه امامیه برای طلاب خودشان.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

امامی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا امامی نیا

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴به حوزه علمیه زنجان وارد شدم و با علاقه فراوان دروس حوزوی را تا پایان سطح در شهر زنجان گذرانده و در سال ۱۳۷۴به حوزه علمیه قم تشرف یافته و تا سا ل ۷۶ در دروس خارج اصول و فقه اساتید محترم همچون حضرات آیات سبحانی، مکارم و وحید خراسانی شرکت کردم.

در سال ۷۶ در دوره تخصصی کلام اسلام در سطح ۴ پذیرفته شده و به مدت ۴ سال این دوره را با معدل ۶۱/۱۹گذراندم.

از سال ۸۰ به مدت ۲ سال در مدارس علمیه الهادی، حقانی، معصومیه، کلام اسلامی را تدریس کردم. از سال ۸۱ تاکنون در دو سطح ۲ و ۳ فلسفه و کلام اسلامی را در مرکز تخصصی کلام اسلامی تدریس می کنم. در موسسه مذاهب اسلامی سطح ۳ چند

دوره فلسفه تدریس کرده ام. در مدرسه بقیهٔ الله (ویژه طلاب محترم پاکستانی) به مدت ۳سال فلسفه اسلامی تدریس کرده ام. ازسال ۸۵ تاکنون در مرکز تخصصی تربیت مدرس کلام و فلسفه اسلامی تدریس می کنم.

از سال ۸۲ تاکنون در مرکز پژوهشی دایرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی (موسسه امام خمینی) در کمیته علمی کلام عضویت دارم و چند مقاله برای آن مرکز تالیف کرده ام. از سال ۸۲ در شورای علمی دانشنامه کلام اسلامی (موسسه امام صادق) عضویت داشته و در ارزیابی مقالات، نظارت بر پرونده های علمی و تالیف مقاله فعالیت می کنم. به سفارش داانشنامه جهان اسلام مقاله" ذمیه "را تالیف کرده ام به طور خلاصه فعالیت این جانب در دو بخش تدریس و پژوهش در فلسفه و کلام اسلامی تمرکز دارد. از سال ۸۵ نیز راهنمائی، مشاوره و داوری چند رساله علمی را عهده دار بوده ام.

امامی هروی، رضی‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۶ ق)، ادیب، شاعر. وی ملک‌الشعراء و مداح اتابکان فارس و معاصر سعدی و مجدالدین همگر بود. ابتدا مداح ملوک کرت بود. سپس به کرمان رفت و به مدح پادشاهان آن دیار یعنی سلاطین قراختایی پرداخت. در یزد مصاحب شمس‌الدین محمد تازی‌گوی، کارگزار شمس‌الدین محمد صاحب دیوان شد. به سبب فضل و دانش وافر و تسلط بر زبان و ادب عربی و فارسی و اطلاع از علوم مختلف معقول و منقول شهرت بسیار داشت، تا آنجایی که برخی از معاصران در مقام مقایسه او با سعدی بر آمده و او را بر بسیاری از شاعران ترجیح داده‌اند. مجدالدین همگر او را بر سعدی ترجیح داه است. در قصیده‌سرایی به سبک عراقی شهرت داشت. وی به اصفهان رفت و باقی عمر را در آنجا گذرانید. و در قصبه‌ی لنجان درگذشت. آثار وی «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت؛ شرحی بر قصیده‌ی «بائیه» ذوالُرمّه شاعر معروف عرب به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۵۹ -۷۵۲ /۲)، از سعدی تا جامی (۱۶۵ -۱۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۷ -۵۴۶ /۳)، تاریخ گزیده (۷۱۷ -۷۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۲ -۱۶۱)، تذکرهٔ الشعراء (۱۸۸ -۱۸۳)، تذکرهٔ القبور (۱۹۸)، حبیب السیر (۳۸۷، ۱۱۸ /۳)، الذریعه (۹۴/۹)، ریحانه (۱۷۲/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۸۸ -۱۸۷ /۱)، صبح گلشن (۳۶)، گنج سخن (۱۴۶ -۱۴۲ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ امامی)، مجمع الفصحا (۲۶۵ -۲۵۹ /۱).

امامی هروی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و منشی. از زبر دست‌ترین کاتبان قرن خویش بود که ظاهراً در دربار سلطان یعقوب و رستم آق قویونلو به کار کتابت مشغول بود و به همین جهت یعقوبی و رستمی رقم می‌کرد. از خطوط نستعلیق او: یک نسخه «انیس العاشقین»، به قلم نستعلیق کتابت عالی، با رقم: «تمت... به انیس العاشقین فی تاریخ سنهٔ سبع و ثمانین و ثمانمائهٔ... شیخ محمد الامامی»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الفقیر الحقیر شیخ محمد بن شیخ احمد الهروی فی تاریخ سنهٔ تسع و تسعین و ثمانمائهٔ»؛ یک نسخه مثنوی «اشترنامه»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمام شد کتاب اشترنامه‌ی شیخ فریدالدین عطار... شیخ محد بن احمد... سنه‌ی احمد عشرین و ثمانمائهٔ...» و قطعات و مرقعات دیگر که در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۴۴ -۶۴۲ /۳).

امامی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنوان : دکتر ابوالقاسم امامی

آقای دکتر ابوالقاسم امامی از فضلای کم کار اما گزیده کار و دقیق النظر امروز ایران است و در ادبیت و عربیت و اغلب دانش ها و معارف اسلامی ، هم در حوزه و هم در دانشگاه ، به مدارج والای علمی دست یافته است . او متولد بیست و سوم دی ماه ۱۳۱۳ ش در روستای گز (وابسته به بندر گز ، جزو استان گلستان امروز) است . پدرش اهل علم و از شاگردان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بود . تا سال ۱۳۲۸ تحصیلات ابتدایی را در گز و بندر گز به پایان رساند . سپس بر وفق علاقه و ارشاد پدر ، به تحصیلات حوزوی (در بهشهر ، گرگان ، و سرانجام و بیش از همه در مشهد) روی آورد ، و استادان فرزانه ای داشت از جمله ادیب نیشابوری ، و میرزا جواد آقا تهرانی . مدتی کوتاه نیز به حوزه ی علمیه ی قم رفت و سپس به تهران آمد . در سال ۱۳۳۹ از

کسوت روحانی بیرون آمد و تحصیلات دانشگاهی جدید را در پیش گرفت . یک چند با مجله ی عربی الاخاء همکاری داشت . پس از طی دوره ی لیسانس حقوق سیاسی (۱۳۴۸) در دانشگاه تهران ، دوره ی فوق لیسانس زبان و ادبیات عربی را با احراز رتبه ی اول گذراند (۱۳۵۱) و دوره ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی را با نگارش رساله ای به نام تصحیح و تحقیق در متن تجارب الامم ، نیز تالیف رساله ای در زندگینامه و کارنامه ی ابوعلی مسکویه در دانشکده ی ادبیات و از سال ۱۳۶۰ در دانشکده ی الهیات همان دانشگاه به تدریس پرداخت . از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۹ (که بازنشسته شد) ، از سر ویراستاران و صاحب نظران مسائل کتاب و نشر در انتشارات صدا و سیما (سروش) بود . از سال ۱۳۷۱ به عضویت هیئت علمی دانشکده ی الهیات و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد کرج ، در گروه علوم قرآن و حدیث درآمد . همچنین با بعضی نهادهای علمی ـ انتشاراتی نظیر دفتر نشر میراث مکتوب و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، همچنان ، و به موازت کار تدریس و مسئولیت دانشگاهی همکاری دارد . مقالات علمی بسیاری به عربی و فارسی نوشته است . آثار کتابی چاپ شده یا در دست چاپ ایشان از این قرار است :

۱ ـ ترجمه ی قرآن کریم که به توصیف اجمالی آن می پردازیم (چاپ اول ، نگار ، ۱۳۷۰ ؛ چاپ دوم ، اسوه ، ۱۳۷۸)

۲ ـ تصحیح متن عربی تجارب الامم اثر هفت جلدی ابوعلی مسکویه (مشکویه رازی) که دو جلد آن (سروش ، ۱۳۶۶) منتشر شده و کار بر روی باقی مجلدات ادامه دارد .

۳ ـ ترجمه ی تجارب الامم پیش گفته (جلد اول ، سروش ، ۱۳۶۹)

۴ ـ تصحیح ترتیب السعادات ، اثر مسکویه (آماده ی چاپ)

۵ ـ رسائل پراکنده ی مسکویه (نزدیک به پایان)

۶ ـ رساله فیماهیه العدل (آماده ی چاپ)

۷ ـ تصحیح متن الفوز الاصغر (آماده ی چاپ)

۸ ـ تصحیح کیمیای سعادت (که ترجمه ای است از طهاره الاعراق / تهذیب الاخلاق اثر ابوعلی مسکویه ، به قلم میرزا ابوطالب زنجانی . چاپ تهران ، انتشارات نقطه با همکاری « میراث مکتوب » ، ۱۳۷۵)

۹ ـ تصحیح و ترجمه ی دیوان امام علی (تهران ، اسوه ، ۱۳۷۰ ، ۱۳۷۳) .

بر گرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

امامی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تقی امامی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۴ وارد مدرسه حقانی شدم. با گذراندن سالهای اولیه در آن مدرسه و تکمیل دروس در حوزه از محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات وجدانی، عندلیب، محقق داماد، اعتمادی، ستوده، نبوی، محفوظی و پایانی برای دوره های بعدی تا پایان سطح عالی بهره جستم. سپس از محضر اساتیدی چون حضرات آیات تبریزی و وحید خراسانی از سال ۱۳۷۰ به بعد استفاده نمودم.

همزمان از سال ۱۳۶۸ به تدریس سطح اول و سپس سطح عالی پرداختم که هم اکنون سالهاست به تدریس مکاسب و رسائل اشتغال دارم. (مدرسه حضرت آیة الله بروجردی حجره ۱۵) در سال ۱۳۶۸ مقاله ای پیرامون کنکاشی پیرامون تورم به سمینار اقتصادی کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع) ارائه دادم که در جلسه مطرح نمودم و توسط مرکز پژوهشهای آستان قدس رضوی منتشر گردید.

از سال ۱۳۷۹ مقالات و مطالب فراوانی به صورت سلسله ای و ادامه دار در مجلات فاطیما و میثاق با کوثر ارائه دادم که عناوین برخی از آنها عبارتند از": سخنی با نیکان ۲۴ شماره"، "سخنی با ایرانیان ۱۳ شماره"، "مشاوره روانشناسی ۱۷ شماره"، "تحلیل مسائل سیاسی روز تحت عنوان (چرا ؟) ۱۵ شماره"، "النکاح فی الاسلام ۱۵ شماره، "همچنین مدیر مسئولی مجلات فاطیما و میثاق با کوثر را عهده دار بوده ام که در مورد میثاق ادامه دارد.

امامی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: مرداد ۱۳۵۸، اروپا.

سید حسن امامی، فرزند ابوالقاسم تحصیلات خود را در سوییس به پایان رسانید و به درجه‌ی دکتری حقوق نایل گردید. پس از مراجعت به ایران وارد وزارت دادگستری شد و به ریاست دادگاه‌ها منصوب گردید و در ضمن در دانشکده‌ی حقوق به سمت استاد تاریخ عمومی و ثبت اسناد اشتغال داشت. بعد از وفات عموی خود که امام جمعه‌ی تهران بود، به جای وی به این سمت تعیین شد و به اقامه‌ی نماز جماعت و وظایف این شغل اشتغال داشت. بعدا به ریاست مجلس شورای ملی نایل آمد و پس از چندی بالاجبار از شغل نمایندگی مستعفی و به اروپا مسافرت نمود.

از آثار اوست: حقوق مدنی ایران (در شش مجلد)؛ شرح قانون ثبت اسناد و املاک (۱۳۲۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امامی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین بن العالم الجلیل آقا حسام‌الدین امامی کاشانی از دانشمندان نامی و علماء سامی معاصر کاشانست وی در کاشان متولد شده و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده و پس از آن به قم آمده و در امتحانات حوزه شرکت و رتبه اول و نمره عالی را دریافت و مکرر مکالمات علمیه با حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی نموده و مورد توجه معظم له واقع شده به طوری که بعضی از اوقات از ایشان تعبیر به عالم هم‌عصر می‌فرمودند و هر یک از طلاب و محصلین کاشانی و غیره را که توصیه و توثیق می‌نمودند آن مرحوم پذیرفته و بر ایشان حقوق و شهریه برقرار می‌کردند

آقای امامی پس از یک دوره تحصیلات و دیدن دروس خارج قم به نجف اشرف عزیمت نموده در حالی که در آن موقع بر عروۀالوثقی علامه یزدی حاشیه شروع نموده و در اقامتشان در (باب مدینه علم) تا باب خمس به اتمام رسانیدند

معظم له پس از چندی توقف در نجف و شرکت در دروس آیات عظام آنجا بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و دیگران مراجعت به کاشان نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی باز به قم آمده و به تدریس خارج پرداخته و صدها نفر از طلاب در درسشان شرکت می‌نمودند. ولی متأسفانه روی بعضی از جهات دوباره به کاشان برگشته او تا حال تحریر و تألیف این کتاب (سال ۱۳۹۵ قمری) به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال دارند از آثار گرانقدر آنجناب کتاب (اصول الامامیه) است که زحمات فضلاء را آسان و راهی را که باید سالها در مبانی اصول فقه طی نمایند به چند ماه رسانیده است

نگارنده گوید مترجم محترم ما از مجتهدین جوان عصر حاضر است آثار نبوغ و بزرگی در چهره و سیمایش نمایان است و امید است که بخواست خدا و عنایت صاحب ولایت در آینده از مراجع عالیقدر بوده باشند زیرا از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام همواره چه در قم و چه در کاشان و چه در نجف اشرف با کمال سادگی و دور از تظاهرات مجدانه اشتغال به تحصیل و تدریس و تصنیف داشتند و بحمد اللّه آثار علمی ارزنده‌ای مانند (اصول الامامیه) و حواشی بر عروۀالوثقی و غیره دارند و ایشان داماد ارجمند حضرت آیت‌اللّه والعالم العلام آقای حاج آقا رضای مدنی کاشانی که از مجتهدین و مراجع عصر حاضرند در کاشان می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالله امامی اول عالم معاصر شهرستان تربت است که اکنون باقامه جماعت و خدمات دینی و تدریس و سرپرستی محصلین و طلاب مدرسه تربت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصغر امامی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۰ پس از اتمام دوره ابتدایی وارد حوزه شدم و به موازات تحصیل در حوزه علمیه اصفهان دیپلم متوسطه را نیز اخذ نمودم. تحصیلات اینجانب از اوائل در حوزه به صورت مستمر با تدریس دروس حوزوی همراه بوده است. در سال ۱۳۵۸ پس از اتمام سطح در دوره‌های مختلف خارج فقه و اصول و همچنین فلسفه در حد اسفار نزد اساتید متعدد شرکت نمودم. یک دوره اصول در خدمت مرحوم آیت الله صافی اصفهانی شرکت کرده و در محضر مرحوم آیت الله صادقی و مجلسی اصفهانی مباحث فقه را شرکت کرده‌ام. تدریس اینجانب در مدارس صدر و امام صادق (ع) و دارالحکمه و جدّه بزرگ اصفهان تا سال قبل (۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۶) ادامه داشته است.

امامی، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی امامی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی امامی در بهار سال ۴۷ در یک خانواده روحانی و اهل علم متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در محل تولد که یکی از روستاهای بخش بهار همدان می باشد گذراندم. پایان دوران راهنمائی همزمان شد با شروع جنگ تحمیلی، بخشی از دوران راهنمائی (سوم) در جبهه و بخشی از آن را در مجتمع رزمندگان به اتمام رساندم.

همزمان با جنگ و دوران تحصیل در مدرسه در سال ۶۴– ۶۵وارد حوزه علمیه قم شدم، البته قبل از آن پایه اول حوزه را در مدرسه شهید مصطفی خمینی (ره) تهران گذراندم. و به جهت این که شهر قم شهر علم و اجتهاد بود و حرم حضرت معصومه (س) در آنجا بود، در امتحانات حوزه شرکت و قبول شدم. از سال اول تا سال سوم را در مدرسه الهادی واقع در خاکفرج قم سپری کردم و همزمان با دروس حوزه دروس مقطع دبیرستان را در مجمع ایثارگران شهید زین الدین قم به اتمام رساندم.

در سال ۷۳ وارد دانشگاه شدم در رشته علوم سیاسی و همزمان با دروس حوزه و دانشگاه، در سال ۷۵ موفق به اتمام سطح دو حوزه و کارشناسی در دانشگاه شدم. در سال ۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قبول شدم. و همزمان تا سال ۸۲ دروس دانشگاه و مصاحبه های خارج فقه و اصول را در شش نوبت به پایان رساندم.

از سال ۸۰ همزمان با دروس دیگر و تحقیقات مشغول به تدریس در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبائی تهران شدم. و در حال حاضر هم با اشتغال به کار آموزشی مشغول تدوین و نگارش کتاب و مقالات و تدریس در دانشگاههای یاد شده و اراک و پیام نور هستم.

امامی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر امامی

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام والمسلمین محمد جعفر امامی در سال ۱۳۲۲ و در شب عید فطر در روستای لایزنگان (خشم علیا) از توابع شهرستان داراب استان فارس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش روحانی نبود ولی پدر بزرگش در کسوت روحانیت بود اما از راه باغ داری و کشاورزی زندگی خویش را اداره می کردند. وی دوران ابتدائی را در مسقط الراس خود، ابتدا در مکتب خانه و پس از آن در مدرسه ابتدایی آن روز به تحصیل گذراند.

در ۱۳۳۷/۷/۲۷ به حوزه علمیه داراب که تحت قیمومیت مرحوم آیت الله نسابه اداره می شد وارد شد و تا سال ۱۳۴۱ در آنجا بود. در طی این سالها دروس دوره مقدمات و بخشی از دروس دوره سطح را آموخت و سپس به حوزه علمیه قم آمد و در قم نخست به مدرسه رضویه رفت و دروس دوره سطح را پی گرفت و در مدتی کوتاه آن را به پایان برد. سپس به درس خارج استادان مشهور

آن روزگار رفت و از محضر بسیاری از آنان بهره مند شد. اما استاد اصلی او در این بخش آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.
حجهٔالاسـلام والمسلمین امامی، در پیش و پس از (انقلاب اسلامی) در عرصه های گوناگون سیاسی حضور فعال داشته است. او در سالهـای حکومت (پهلوی) برای تبلیغ به نقاط مختلف کشور سفر می کرده و در آنجا ماهیت رژیم پهلوی را افشا می نموده است تا آنجـا کـه رژیـم پهلـوی او را ممنـوع المنبر کرد و تـا پیروزی انقلاب این ممنـوعیت ادامه داشت از آغـاز ورود او به قم که مبـارزه مرجعیت و روحـانیت بـا تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی بر ضـد رژیم پهلوی شروع شـد همواره در تمام صحنه‌های این مبارزه شرکت داشت.
وی در جریان رفرانـدوم و لوایح ششگانه در سخنرانی جلسه مهم مدرسین حوزه که پس از لغو مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی در مسجد اعظم قم که در آن آیهٔ الله العظمی مکارم و مرحوم حجهٔالاسـلام حاج شیخ مرتضـی انصاری سـخنرانی کردند و موضع مدرسین حوزه را اعلام داشتند و در کلیه سخنرانی های امام راحل چه آنها که در مسجد اعظم ایراد فرمودند و چه سخنرانی معروف مـدرسه فیضـیه در عصر عاشورا شـرکت داشت. و نیز در صحنه پانزده خرداد در قم که ملت ایران به خاک و خون کشیده شدنـد، حضور داشت.
در شب و روز آزادی امـام قـدس سـره از حبس و حصـر و حضـور مردم قـم در بیت ایشـان و ورود هیئت هـای دیـدار کننـده از شهرستانهای کشور و سخنرانی آن حضرت در مسجد اعظم و در جشن باز گشت امام که در فیضیه منعقد گردید و نیز در سخنرانی ضد کاپیتولاسیون که در بیت خود حضرت امام (ره) در محله یخچال قاضی قم انجام گرفت در تمامی این مراحل حضور داشت.
او پس از انقلاب نیز در صحنه هـای گونـا گون همواره پشتیبـان انقلاب و امـام (ره) بوده است. در آغـاز به نماینـدگی از امام در آمادگـاه منظریه قم و در سـتاد انقلاب مـدتی در سازمـان برنـامه و بودجه و مـدتی در وزارت بازرگـانی انجام وظیفه نمود. در طی سالهـای دفـاع مقـدس نیز با تنظیم کتاب (نظام دفاعی اسـلامی) و بحث های عقائـد و اطلاعات رزمنـدگان اسـلام را با مبانی دفاع و دیدگاه اسلام درباره آن آشنا می ساخته است.
حجهٔ الاسلام و المسلمین امامی هم اکنون از اعضاء جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می باشد و در شهر قم حضور دارد .

امامی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود امامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام سال دوم دبیرسـتان به علت علاقه شدیـد به دروس حوزوی، دبیرسـتان را رها کردم و به مـدرسه علمیه ملا محمد جعفر (حاج آقا مجتهـدی تهرانی) وارد شـدم. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ تحصـیل دروس مقـدمات (تا پایان لمعتین) را در این مـدرسه سپری کردم. سـپس مدت یکسال بطور آزاد در دروس مدرسه عالی شهید مطهری شرکت نمودم و آنگاه در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه قم آمدم و تا کنون در این حوزه به تحصیل و تحقیق مشغول هستم.
شرایع و دروس جنبی مانند تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و اخلاق را به مدت ۵ سال از محضر استاد بزرگوار آیت الله مجتهدی تهرانی بهره گرفتم. لمعتین و اصول فقه را خدمت حاج سید محمد ضیاء آبادی خواندم. مدت یکسال که در مدرسه شهید مطهری بودم، الهیات شـرح منظومه را نزد اسـتاد سید مصطفی محقق داماد و رسائل را نزد آیت الله سید حسن مرعشی درس گرفتم. ادامه درس رسائـل را در قم در درس آیت الله سـید رسول تهرانی شـرکت کردم. در تهران بدایـهٔ الحکمه را در درس آیت الله سـید رضـی شـیرازی و نهایهٔ الحکمه را در درس استاد سـید حسین حسینی حاضر شدم. در قم، درس مکاسب را در محضر آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی شـرکت کردم. جلـد نخست کفایه را نیز خـدمت آیت الله شـیخ حسن قدیری و جلد دوم را خدمت استاد شیخ صادق لاریجانی خواندم.
سال ۱۳۷۱ به مـدت ۴ سـال در درس خـارج فقه (مبحث بیع) آیت الله وحیـد خراسـانی حاضـر شـدم و در کنار آن به دروس خارج اصول حضـرات سـید احمد مددی و اسـتاد گنجی حاضر می شدم. مدت ۲ سـال خـارج فقه (خمس) آیت الله شـیخ جواد تبریزی را درس گرفتم و در نهایت مدت ۶ سال از خارج فقه (خمس و نکاح) استاد معظم حضرت آیت الله شبیری زنجانی را بهره مند شدم. همچنین ۴ سال در درس خارج اصول حضـرت اسـتاد وحیـد خراسانی حاضـر شـده ام. نهایتا مدت ۱۲ سـال در دروس خـارج فقه و اصول شـرکت کرده ام و از سـال گذشـته از حضور در دروس خـارج منصرف شـده ام. و بیشتر وقت خود را به کارهـای پژوهشـی سپری میکنم.
در مـدت اقامت در قم، مدت ۷ سال در درس کلام یکی از اساتیـد بزرگوار شـرکت کردم (به علت عدم رضایت اسـتاد، از ذکر نام ایشان معذورم) مدت ۲ سال در درس اشارات حضـرت آیت الله حسن زاده آملی و مدتی در درس اسـفار حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.
مدت ۵ سال که در مـدرسه مجتهدی در تهران بودم، دروس مختلف ادبیات و منطق را کراراً تدریس کردم و مدت ۸ سال است که

هفته ای یک روز به تهران می روم و به تـدریس دروس معارف اسـلامی و مباحث اعتقادی در دانشگاه های تهران (۳ سال نخست در دانشگاه خواجه نصیر و ۵ سال بعدی در دانشگاه تهران) مشغول هستم و همچنان ادامه دارد.

از آغاز تحصـیل در حوزه، علاقه وافری به تحقیق و پژوهش داشتم و نخستین کار پژوهشی ام را در سال دوم دبیرستان (۱۶ سالگی) شروع کردم که بحثی پیرامون عصمت بود و یکسال بعد از تحصیل در حوزه آن را با مطالعه متون عربی تکمیل کردم و در نهایت با ۱۲۰ منبـع به پایـان رسانـدم. در مـدتی که در تهران و قم بودم کارهـای پژوهشـی مختلفی انجـام دادم، در دوران اقـامت در تهران و مـدتی پس از ورود به قم به کارهـای تحقیقی پیرامـون متـون روایی و ترجمه آنهـا (ترجمه و تحقیـق فضائـل الخمسه و تحقیق نفس الرحمن فی فضائل سلمان، (تالیف محدث نوری، اللوامع النورانیه تالیف محدث بحرانی، الهدایه حسین بن حمدان) اشتغال داشتم.

مدت ۷ سال است که با موسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی (زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی) در بخش فرهنگ فقه و مجله فقه اهل بیت (ع) همکاری پژوهشی دارم و مدت ۶ سال است که در کارهای پژوهشـی و تحقیقی مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه همکاری می کنم و با موسسه هایی چون فرهنگ و اندیشه اسلامی، همایش دو سالانه مهدویت همکاری پراکنده داشته ام.

امامی، منیرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد منیرالـدین امامی متولد ۱۳۵۲ قمری کـه از محصـلین حـوزه علمیـه قـم می‌باشـد. وی پس از رشـد و خوانـدن دروس فارسـی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی آقای نجفی مرعشـی مدظله و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه روحانی دامت برکاتهم شـرکت نموده و از خرمن علوم آنـان خوشه‌ها چیـده و تا حال حاضـر نیز اسـتفاده می‌نمایـد و در ایام تعطیل ماه رمضان و محرم و صـفر برای نشـر احکام به منطقه و محل خود و غیره مسافرت نموده و می‌نماید. برادر ارجمند ایشان آقای حاج سید باقر امامی از فضلاء مهذب حوزه می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، نصراللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسـی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۲، دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۲.

مرتبه علمی:

عضویت در هیـأت علمی دانشـگاه شـهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۵ تاکنون، اسـتاد دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشـگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبـان و ادبیـات فارسـی و عربی، شـرکت و سـخنرانی در کنگره‌هـای جهـانی حافـظ، سـعدی، فردوسـی، نظامی، خواجوی کرمانی و تدریس در دروس تخصصی ادبیات فارسی و عربی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی، پرنیان هفت رنگ (بررسی اشعار فرخی سیستانی) در دست چاپ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نقد ادبی، اسطوره‌شناسی، شعر شناسی، سبک‌شناسی شعر، زندگینامه‌نویسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

امانت، رشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، نویسنده و مترجم. در یزد متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاهش به تهران آمد و دو سال در مدرسه‌ی صنعتی آلمان و سه ماه در کالج تحصیل نمود، بعد به خدمت سربازی پرداخت. پس آن به شغل آزاد مشغول شد. زبان انگلیسی را در مدت پنج سال و زبان آلمانی را در مدرسه‌ی صنعتی و فرانسوی را خود آموخت. از آثار وی: ترجمه‌ی «از اسرار جنگ گذشته»؛ «اسرار سیرک»؛ «اسرار عشق»؛ ترجمه‌ی «پسر کاپیتان» یا «شوالیه شاه»؛ ترجمه‌ی «تریبوله» یا «مقلد دربار شاهی»؛ «خودآموز انگلیسی به فارسی»؛ ترجمه‌ی «ژان دولارج»؛ «سرگذشتهای آرسن لوپن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۵ -۲۶۴ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۵ -۱۲۲ /۳).

امانی، محمدصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صالح امانی

محل تولد : جنت رودبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد هشتم ربیع الثانی سنه ۱۳۹۱ ه.ق مطابق خرداد ماه ۱۳۴۹ خورشیدی در یکی از روستاهای خوش آب و هوای منطقه تنکابن به نام جنت رودبار از حوالی بخش مرکزی شهرستان رامسر بدنیا آمدم. در خانواده ای که دینداری، نوعدوستی، اصالت، تقوا، پاکدامنی مشهور و زبانزد خاص و عام بودند. از همان زمان طفولیت عشق و علاقه وافری که به مکتب اهل بیت (ع) داشتم، همواره شوق و اشتیاق را در اینجانب زیاد می کرد، تا اینکه پس از طی مراحل تحصیلی مدارس ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خودم با موفقیت به پایان رسانیدم و دوره آموزش متوسطه و دبیرستان را در شهرستان آمل مازندران گذرانیدم و در خلال این مدت قریب یک سال نیز در جبهه های جنگ علیه باطل شرکت کردم. و سرانجام وارد حوزه علمیه شهر شدم و با قبولی در آزمون و مصاحبه به پذیرش آن حوزه مقدسه درآمدم.

پس از ورود به حوزه نیز با برنامه ریزی دقیق و نظم و سلیقه خاص که از صفات لاینفک وجودم می باشد در کنار گذراندن دروس اصلی و فرعی به مطالعات و تحقیقات نیز پرداختم و عهد اینکه در کنار مطالعات همواره مطالب مورد نیاز و علاقه را بصورت فیش برداری یادداشت می نمودم که همچنان نیز ادامه دارد.

یکی دیگر از کارهایی که در کنار تحصیل داشتم و دارم تبلیغ و ترویج مکتب دین مبین اسلام بوده و هست که در ایام تبلیغ هر ساله با شور و شوق فراوان به آن پرداختم. و از کارهای دیگر تدریسی است که از همان اوایل خود را مقید به آن کردم که تاکنون اکثر کتب مقدماتی اعم از صرف، نحو، ادبیات، منطق، تجوید قرآن، حاشیه ابن عقیل، معانی، فقه و اصول، لمعه، تحریر الوسیله، مختصر النافع، مکاسب و رسائل، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را تدریس نمودم.

از بدو ورود به حوزه مقدسه علمیه یعنی سال ۱۳۷۷ خورشیدی تاکنون بطور مستمر و مداوم مرتباً در دروس سطح عالی و خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال و حدیث و غیر آن از محضر پر برکت اساتید معظم و مراجع عظام تقلید (دامت تأئیداتهم) بهره بردم که بخشی از آن بزرگواران در صفحه ۲ همین فرم ذکر گردیده اند و از اکثر آن بزرگواران نیز به اخذ اجازات علمی، حدیثی و امور حسبیه نائل شدم.

امجد، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله شیخ محمود امجد به سال ۱۳۱۸ هـش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. ، و جدّشان از عالمان ذی فنون ملقّب به «افصح المتکلّمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود ۱۸ سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدّس قم مشرّف شد و در مدّت کوتاهی دوره مقدّمات و سطح را به پایان رسانده و به دروس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی ، بهاءالدینی و بهجت ـ قدّس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم ـ و در فلسفه و عرفان عملی از محضر

پربـار علاّمه طباطبایی قـدّس سرّه اسـتفاده فراوان برد. و در حـدود ۲۰ سـال پایـان عمر گهربـار معظّم له بـا ایشـان انس داشت و در جلسـات عمومی و خصوصـی ایشـان شـرکت می کرد ارادت علامـه نیز به ایشان مشـهود بوده است بطوری که می فرموده انـد به او امجـد کرمانشاهی نگوییـد بلکه امجـد کربلایی بگوییـد. بزرگترین اسـتاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاءالـدینی است که از سـال ۱۳۵۱ هـش. بـا آیت الله العظمی بهاء الـدینی مأنوس و اسـتفاده فراوان برد. و نیز در حـدود سال ۱۳۵۰ با آیت اللّه العظمی بهجت ـ دامت برکاته ـ مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از دروس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظّم له داشت و اینـک حـدود یـک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشـجویان و جوانان از جلساتش بهره های اخلاقی می برنـد و علامـه طباطبـایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهـد بی نظیر ایشان باعث شـده، جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسـمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شـبهای قدر، همه عاشـقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی اعتنایی او به دنیاست به طوری که بسیار دیده اند که مجالس بسیار کوچک و در ظـاهر کم اهمیت و افراد بی نـام و نشـان را بر مجـالس بسـیار بزرگ ترجیـح داده انـد. آنچه در نظر ایشـان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدرانه ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه ای صمیمی داشته باشند.

امیدی فرد، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الله امیدی فرد

محل تولد : فارمد مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالله امیدی فرد در سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای نزدیک به مشهد مقدس به نام فارمد که مردم محل آنرا پژمه هم می خوانند دیده به جهان گشودم. در همان روسـتا دوره ابتدائی را که آن زمان شـش سال طول می کشـید به پایان رساندم و به پیشنهاد پدرم که از شاگردان و دوسـتان نزدیک آیات حضرت آیهٔ الله حاج آقای مروارید و حضرت آیهٔ الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی بود وارد حوزه علمیه مشـهد شدم و تحصـیلات حوزوی را در مدرسه علمیه بعثت زیر نظر آیهٔ الله مروارید شروع کردم این زمان مهر ماه ۱۳۵۰ بود پس از سه سال با موافقت پدرم با مرحوم حاج شیخ عباسعلی سبزی عازم حوزه علمیه قم شدم.

در سال هزار سیصد و پنجاه و چهار به درس مکاسب حضرت آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و رسایل حضرت آیت الله اعتمادی و برخی از مباحث مکاسب را هم نزد آیت الله ستوده شرکت نموده و تلمذ نمودم. در ادامه دروس سطح توفیق یافتم کفایتین را نزد آیهٔ الله العظمی فاضل و شرح تجرید را نزد استاد شهید خلیلی و منظومه را نزد آقایان دکتر بهشتی و آیهٔ الله یحیی انصاری و برخی از مبـاحث اشـارات را نزد آیت الله حسن زاده و برخی از قسـمت هـای اسـفار را نزد آیـهٔ الله جوادی آملی فرا بگیرم. در سال ۵۸ رسماً حضـور در دروس خـارج را بـا شـرکت در فقه آیـهٔ الله صـانعی و آقایـان دیگر شـروع کردم بیشترین تـاثیر را از آیـات عظـام فاضل، صانعی، منتظری و تا اندازه ای هم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، آیهٔ الله حاج شیخ جواد تبریزی داشته ام.

باید یاد آور شوم که همزمان با دروس حوزه به تحصیلات جدید هم ادامه دادم نخست دوره راهنمایی را و سپس دوره دبیرستان را با اخـذ دیپلم اقتصاد به پایان رسانـدم و در اولین دوره مـدرسه عالی طلاب موفق به اخذ مدرک آن دوره که ارزش لیسانس معارف اسـلامی را داشت گردیدم و در اولین دوره تربیت مدرس هم موفق به اخذ کارشناسـی ارشد شدم و از سال ۱۳۷۱ ضمن تدریس در دانشـگاه به عنوان هیات علمی، توفیق دریافت درجه دکتری در رشـته فقه و مباحث حقوق اسـلامی از دانشکده الهیات تهران را پیدا کردم.

از توفیقـات بزرگ که خداونـد به اینجانب عطا فرموده آن است که از آغاز انقلاب شـکوهمند اسـلامی همواره در خـدمت انقلاب بوده هر چند سـمت های مهم و حساس را نداشته ام اما در حد توان از سویی در خدمت نظام مقدس بوده و هستم و... و از سویی از خدمت در دانشـگاه به قشـر جوان در راسـتای اهداف نظام اسلامی خدمت نموده ام و از همه بهتر در حوزه همواره با تدریس تلاش کرده ام انـدوخته های انـدکم را به دیگران انتقال دهم در همین راسـتا مـدتی را به عنوان مـدیر یکی از مـدارس علمیه قم سپری می کرده ام غیر از تـدریس در مـدارس تحت برنامه مدیریت حوزه تدریس خصوصـی ادبیات و دروس سـطح از سال ۱۳۷۴ با تدریس صفات اصول شهید صدر سپس کفایه و مکاسب و... را در حجرات و سپس مدرسه حضرت آیهٔ الله العظمی گلپایگانی را داشته ام.

امیر همایون

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، طبیب، ادیب، منجم و شاعر. ظاهراً وی غیر از همایون اسفراینی شاعر معروف قرن نهم و همایون عراقی است. در ماوراءالنهر می‌زیست و در زمان خود بسیار معروف بود. علاوه بر فنون مذکور در ادبیات عرب و عروض نیز دست داشت و غزل و معما بسیار خوب می‌گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۵).

امیرخانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی امیرخانی

محل تولد : گونبان بخش دینور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی امیرخانی فرزند امام قلی در سال ۱۳۵۱در روستای گونبان از توابع بخش دینور استان کرمانشاه به دنیا آمده و تحصیلات مقطع ابتدائی را در همان روستا گذرانده و در سال ۱۳۶۳ تحصیلات دوره راهنمائی را در کرمانشاه آغاز کردم.

در سال ۱۳۶۷به سبب علاقه به معارف و علوم اسلامی و حوزوی وارد حوزه علمیه آیت الله بروجردی (ره) شدم و پس از یک سال به خاطر فقدان امکانات علمی و آموزشی در آزمون سراسری حوزه علمیه قم شرکت و موفق به کسب رتبه قبولی شدم.

دروس مقدمات را در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) خواندم و در سال ۱۳۷۱برای ادامه تحصیل و تکمیل دروس سطح وارد مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) شدم و از محضر اساتید بزرگوار و توانا بهره بردم. درسال ۱۳۸۰موفق شدم که دروس سطح (کفایتین و مکاسب) را به اتمام برسانم و به درس خارج راه پیدا کردم. از سال ۱۳۸۰ تاکنون در درس خارج فقه استاد بزرگوارم حضرت آیت الله جوادی آملی بهره می برم. از سال ۱۳۷۲شروع به نوشتن کردم و در سمیناری که بانی آن دانشگاه تهران بود مقاله ارائه کردم که عنوان رتبه سوم را به خود اختصاص داد. در سال ۱۳۷۳ همکاری خود را با چاپ مقاله به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه در روزنامه اطلاعا ت با روزنامه و مجلات آغاز کردم سپس با مراکز پژوهشی و تحقیقاتی همکاری خود را آغاز کردم.

امیرنظام گروسی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۳۷/۱۲۳۶ ق)، ادیب و خطاط. ملقب به سالار عسکر و امیرنظام. یکی از رجال جلیل‌القدر دوره قاجار و از خاندان قدیمی ایل کرد کبودوند ساکن گروس بود. نیاکان وی در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه مصدر خدمات مهم دولتی بوده‌اند امیرنظام همواره مشاغل سیاسی و اداری مهمی در داخل و خارج از کشور برعهده داشت. از جمله اقدامات سیاسی وی پایان دادن به ماجرای عبیداللّه خان نقشبندی، رییس صوفی مسلک کرد بوده است. امیرنظام گهگاهی از روی تفنن به نظم هم می‌پرداخته است. از آثار وی: «منشآت امیرنظام» و «پندنامه» که به خط خود برای فرزندش یحیی نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۶ -۱۲۵۴ /۴)، از صبا تا نیما (۱۷۲ -۱۶۵ /۱)، اطلس خط (۶۳۱ -۶۳۰)، تاریخ برگزیدگان (۱۹۰ -۱۸۸)، تذکره خوشنویسان معاصر (۵۶ -۵۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۱ -۲۰۰ /۱)، شرح حال رجال (۳۶۷ -۳۵۹ /۱).

امیری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد علی بن آقا جعفر بن حاج سیف‌الله امیری پاشا از علماء معاصر شمال و اکنون در بند پی بابل سکونت دارد. وی در قریه پادشاه امیر بند پی متولد شده و پس از پایان دوره تحصیلات مقدماتی مقداری از سطوح را در آن قریه در محضر آیه‌الله آقا شیخ محمد فیروز جاهی که از تلامذه مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله عراقی بوده‌اند خوانده و در سال ۱۳۲۵ شمسی بقم مهاجرت و پس از پایان دوره سطح خارجی را در محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و مراجع بزرگ معاصر قم تلمذ فرموده و

چون جد نامبرده‌اش که از متمکنین متدین و خیر آن سامان بوده‌اند، مدرسه علیمه‌ایکه دارای چندین حجرات فوقانی و تحتانی در جنب بارگاه حضرت سید نظام‌الدین که مزار اهالی است که واقع در قریه نامبرده میباشد ساخته و پنج هکتار زمین شلتوت کاری از بهترین املاک شخصی خود را وقف معاش طلاب ساکنین مدرسه مزبوره بضمیمه ربع یک مرتع بنام یک برای تعمیر بنای آن مدرسه میباشد و کلیه علماء و مروجین معاصر آن سامان چه آنانی که مقیم آنجا میباشند و چه آنانیکه در حوزه‌های مختلف قم و مشهد و غیره مشغول بتحصیلند برای فرا گرفتن دوره مقدماتی و سطوح اولیه و وسطی در این مدرسه تلمذ نموده‌اند، تا پیش از سال ۱۳۴۶ شمسی پس از فوت جد نامبرده‌اش و فوت آیه‌الله فیروز جاهی مدرسه علمیه بصورت مخروبه درآمده و نزدیک بود بتصرف اجنبی درآید و آثارش بکلی محو شود که معظم‌له با تحمل زحمات فراوان و کمی بودجه از قم ببخش بند پی و قریه نامبرده رفت و آمد نموده تا آنکه مدرسه مزبوره را مجددا احیاء و مرمت و تأسیس و تشکیل حوزه علمیه در بخش بند پی با همکاری و تشریک مساعی مراجع بزرگ تقلید قم نموده بالنتیجه جمعیت زیادی از طلاب محترم آن سامان و سواد کوه باین بخش و این مدرسه اجتماع نموده و در تحت برنامه خاص مطابق برنامه مدرسه حضرت آیه‌الله العظمی گلپایگانی مدظله العالی اجراء می‌شود و با آنکه هر چند سال یکبار چندین نفر از طلاب آنحوزه پس از فرا گرفتن دوره مقدماتی و مقداری از سطوح بحوزه‌های علمیه قم و مشهد منتقل می‌شوند در حال حاضر در حدود چهل نفر از طلاب آن سامان و سواد کوه در آنجا سکونت دارند و جناب مترجم محترم ما بتدریس و تربیت آنان و اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امیری، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی نواده‌ی حاج محمدتقی امیرالامراء بود. در کرمانشاه متولد شد. در کودکی به تهران آمد، سپس به تبریز رفت و در آنجا تحصیلات ابتدایی خود را به پایان رساند. در سال ۱۳۱۴ ش به تهران بازگشت و دوره‌ی متوسطه را تمام کرد، سپس از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در سال ۱۳۲۲ ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. در خلال این مدت موفق به اخذ دکتری ادبیات فارسی شد. از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸ ش نماینده‌ی فرهنگ و هنر در آمریکا بود و پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی ارتباطات اجتماعی و مدرسه‌ی عالی ادبیات به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۵۰ ش به دعوت دانشگاه یوتا به امریکا رفت و در سال در آنجا به تدریس پرداخت. در بازگشت، به استادی دانشگاه شیراز منصوب شد و سرانجام در سال ۱۳۶۴ ش بازنشسته گردید. برخی از آثار وی: فرهنگ کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی سهراب و رستم»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی فردوسی در تبعید»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی گالیور»؛ «آشنایی با شکسپیر»؛ ترجمه‌ی «مالک و زارع در ایران»؛ ترجمه‌ی «بازگشت ده هزار یونانی»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی فریزر»؛ ترجمه‌ی «روس و انگلیس در ایران»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی جکسن» یا «ایران در گذشته و حال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۹۰ -۱/ ۳۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴ -۶/ ۳۰۳).

امین الدوله، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۵۹ ق)، نویسنده و منشی. وی از رجال دوران قاجاریه و مردی مطلع بود. در جوانی در اداره یا وزارت رسائل به خدمت پذیرفته شد. در سال ۱۲۷۵ ق با سمت منشیگری وارد وزارت خارجه و به واسطه‌ی خط خوشی که داشت ملتزم ناصرالدین شاه شد. در سال ۱۲۷۹ ق به سمت نیابت اول وزارت خارجه منصوب شد و در سال ۱۲۸۳ ق لقب منشی یافت. در اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ همراه او بود اما بر اثر سعایت امین‌السلطان، رقیبش، از مرز آلمان بازگشت. وی سمت‌های مختلفی چون وزارت رسائل، نظامت مجلس شورا، تصدی امور ضرابخانه، وزارت اوقاف را داشت و در نهایت، بعد از امین‌السلطان، صدراعظم ایران شد. در سال ۱۳۱۶ ق از صدارت معزول و به ملک خود در لشت نشاء گیلان رفت. از کارهای امین‌الدوله تأسیس کارخانه‌ی آخرین سیستم قند کهریزک با سرمایه‌ی داخلی و خارجی به وسیله‌ی مهندسین بلژیکی، تأسیس کارخانه‌ی کبریت‌سازی در الهیه‌ی شمیران ملک خود و تأسیس مدرسه‌ی رشدیه در تهران است. امین‌الدوله از مؤسسان اداره‌ی پست به سبک جدید بود. وی زبان فرانسه را به خوبی می‌دانست. در گیان درگذشت. از آثار وی: «سفرنامه‌ی مکه»؛ «خاطرات امین الدوله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۲۸۰ -۲۷۲ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۹۴ -۱۹۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۵۴/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۲ -۲۰۱ /۱)، شرح حال رجال (۳۶۶ -۳۵۴ /۲)، طرائق الحقائق (۶۳۹/۳)، المآثر والآثار (۱۹۳)، مکارم الآثار (۱۵۹۶ -۱۵۹۵ /۵)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۸ -۳۷).

امین الواعظین، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد حاج محمّـد علی تاجر اصـفهانی، عالم و فاضل، و واعظ کامل بوده، در سال ۱۲۷۵ در اصـفهان متولّد شده، و در نزد فضلا و علمای این شـهر ماننـد: حاج میرزا بـدیع درب امامی، و حاج سـید مهدی نحوی، و آقا سـید محمّد باقر درچه‌ای تلمّذ نموده، چندین سال نیز در اعتاب مقدّسه نزد اساتید آنجا تحصیل کرده، واعظی بلیغ بود.

در حدود ۱۳۲۵ به ایران مراجعت نموده، مدّتی در اصـفهان، و گاهی در یزد ساکن شده، و سـرانجام در قریه سده ماربین که اکنون به نام همایون شهر معروف است در سال ۱۳۵۸ وفات یافته، در قبرستان خوزان مدفون گردید.

وی را تألیفات عدیده است که از آن جمله است:

۱– امان الخائفین، در امامت ۲– البراهین الباهرهٔ، در مذّمت دنیا و مدح آخرت ۳– تحفهٔ المعاد للعباد ۴– روح العالمین، در توحید ۵– شهـاب الثاقب در مـدح امام غائب علیه‌السـلام ۶– طریقـهٔ الحق، در نبوّت ۷– کهـف العـارفین، در اخلاـق و غیره از نظـم و نـثر ۸– قصیده‌ای در مرثیه استادش میرزای شیرازی گفته، و در آن نام عدّه‌ای از علما را مذکور داشته است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امین زارع، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا امین زارع

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ در خانواده ای مذهبی و متوسط در سبزوار متولد شدم. تحصـیلات ابتدائی و راهنمائی را در همان شـهر سپری کردم. در میان اساتید آن دوره اسـتاد محمود کیانی دبیر ادبیات بیشترین تاثیر مثبت را بر من داشتند. در بحبوحه انقلاب با حضرت آیت الله سیـد محمـد حسن علوی آشـنا شـدم و ارتبـاط خوبی بـا محضـر ایشـان پیـدا کردم. ارتباط با ایشان درس تقوی، معنویت، خلوص و سـادگی بود و هم اکنون نیز از این جهت بهره هـای وافری از ایشان می برم. همچنین ادامه فعالیت درسـی ام تاکنون نتیجه سـفارش، تاکید و تشویق ایشان و استادم آیت الله سبحانی می باشد.

حدود سال ۱۳۶۱ به واسـطه استادم حجهٔ الاسلام سید سلیمان علوی وارد حوزه علمیه شدم و تا پایه سوم را در مدرسه رسالت و امام خمینی (ره) گذرانـدم. بعـد از آن به صورت آزاد سـطح را به پایـان رسانـدم. پس از پایان سـطح حـدود پنـج سال در مبحث خارج نکاح استاد آیت الله شبیری زنجانی و خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت کردم. تقریرات نیم دوره اصول و بخشی از کتاب نکاح به زبان عربی مکتوبات این دوره است.

هم اکنون در درس فقه آیت الله مکارم شـیرازی شـرکت می نمایم. سایر فعالیتهای بنـده به ترتیب: در سالهای ۶۶ و ۶۷ دوبار افتخار حضور در جبهه داشـتم و در سـال ۷۱ به عنوان نماینـده سازمـان تبلیغات در مقـدونیه به آن کشور مسافرت کردم و در مسـیر راه در کشور آلبانی توقفی داشـتم. ماموریت بنـده در مقدونیه با تظاهرات خیابانی و اعتراضات مسـلمانان مقدونیه مصادف شد و همین امر باعث شد دولت مرکزی و مسیحی مقدونیه تقریبا همه مجموعه ها و هیئت های خارجی مسلمان را از مقدونیه اخراج کند و مجموعه بنده نیز مشمول همین قاعده شده و به ایران بازگشتیم.

گذراندن یک دوره کامل زبان انگلیسـی در دانشکده باقرالعلوم علیه السلام دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نیز از فعالیتهای سالهای ۷۳ و ۷۴ اینجـانب بوده است از سال ۷۸ تـاکنون در بخش های مختلف پایگاه حوزه نت (تحقیقات، پاسـخ به سوالات، بخش انگلیسـی و...) مشغول به همکاری هستم. همچنین در سال ۷۹ به مناسبت پاسخگویی به چند پرسش راجع به جناب ذوالقرنین و اقوام یاجوج و ماجوج، کتابچه ای در مورد ایشان با نام «ذوالقرنین در قرآن» تحریر و چاپ نمودم که بحمدالله مورد استقبال خوبی هم قرار گرفت.

امین، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد امین

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در خانواده ای معتقد و متدین زاده شدم. بعد از دوران تحصیلات جدید در مشهد مقدس وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه نواب حجره گرفتم و مدت هفت سال بطور منظم به درس های حضرت حجت الحق استاد ادیب نیشابوری (محمد تقی) رحمهٔ الله علیه شدم و هر آنچه را معظم له تدریس فرمودند آموختم و نوشتم و از همان سال ها نیز به تدریس اشتغال ورزیدم.

شرح لمعتین و خلاصه الحساب مرحوم شیخ بهایی را به مناسبت کتاب ارث در خدمت استاد بزرگوار مرحوم حاج میرزا احمد قدوسی یزدی آموختم. پس از آن به شهر مقدس قم آمدم و از طرف حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس در مدرسه علوی که آن وقت جنب کوچه حاج زینل در خیابان تهران (امام) بود پرداختم.

ضمناً رسائل را خدمت حضرت آیت الله نوری همدانی، مکاسب و کفایه را خدمت حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، قوانین را خدمت حضرت استاد اعتمادی، هیئت تشریح الافلاک و هیئت چغمنی را خدمت حضرت استاد حسن زاده آملی و منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری را خدمت مرحوم شهید دکتر محمد مفتح و منطق منظومه را خدمت استاد بزرگوار آیت الله گرامی قمی آموختم. مدت هفت سال در مدرسه مبارکه منتظریه (حقانی) به دعوت شهید حضرت آیت الله قدوسی به تدریس در آن مدرسه اشتغال داشتم و نیز درس هایی به صورت آزاد در حوزه علمیه که بیشتر در مسجد فاطمیه و مدرسه فیضیه و مسجد امام بود داشتم.

در این مدت به دروس خارج حضرات آیت الله مرحوم داماد، حاج آقا مرتضی حائری، آیت الله اراکی و آیت الله گلپایگانی، حضرت آیت الله آقا میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی می رفتم که نوشته های دروس این بزرگواران موجود می باشد و کتاب های اشعار را محضر حضرت آیت الله جوادی آملی آموختم.

در زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ مدتی قبل و مدتی بعد از آن حدود دو سال تا سه سال در شهر خوانسار که از طرف حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی ابن الرضا (زید عزه) دعوت شده بودم تدریس در مدرسه مهدیه و نیز فعالیت های فرهنگی و انقلابی در دبیرستان های آن شهر داشتم و مدت سه سال بعد از آن به دعوت حضرت آیت الله طاهری خرم آبادی (دام عزه) در حوزه علمیه خرم آباد (فاطمیه) و ارگان های مختلف آن شهر به تدریس و کارهای فرهنگی و انقلابی اشتغال داشتم.

از این مدت به تالیف کتاب هایی همچون «البیع فی المعانی و البیان و البدیع» به زبان عربی و «اسلام پزشک بی دارو» به زبان فارسی که رشته غذا شناسی اسلامی است پرداختم سال ۱۳۶۲ مجدداً از جانب حوزه علمیه قم برای تدریس دعوت شدم و در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در ابتدای خیابان شهدا (صفائیه) به تدریس «مختصر المعانی» پرداختم که نوارهای آن ضبط شده و فعلاً به صورت نوار و سی دی موجود است. از این زمان به تدریس فقه و اصول و فلسفه در مدرسه دار الشفاء و فیضیه و بعضی کلاس های خصوصی مثل مدرسه معصومیه پرداختم و ضمناً به کار تبلیغ در شهرستان های مختلف مثل گیلان (انزلی، رشت) و مازندران، اهواز، آبادان و شهرهای مختلف شیراز مثل مرودشت و غیره (البته ایام تعطیل) مثل محرم و ماه مبارک رمضان پرداختم و به کار تحقیق نیز ادامه دادم.

در کارهای تحقیقی شروع به استخراج قواعد ادبی از کتب پیچیده و مغلق علمی صرف و نحو و آمیختن آنها با آیات و روایات به جای مثال های مستهجن و اشعار نامربوط نمودم که مجموعه آنها در شش مجلد سه جلدی در علم صرف و سه جلد در علم نحو برای سه دوره مقدماتی، متوسط و عالی نمودم و شرحی بر کتاب (مختصر المعانی) در چهار مجلد نمودم و اینک نیز به کار تدریس ادامه داده و اشتغال دارم.

امین‌احمد رازی، محمد مؤمن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۲ ق)، تذکره‌نویس و ادیب. در ری متولد شد، پدرش از جانب شاه طهماسب صفوی به کلانتری ری مأمور بود، امین‌احمد نیز از اعیان دربار صفوی بود و به روزگار شاه‌عباس کبیر به هندوستان رفت و به دربار جهانگیر شاه راه یافت و طی مدت شش سال تذکره نفیس خود، «هفت اقلیم» را به رشته‌ی تحریر درآورد. امین احمد در هندوستان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۲۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۹۱ -۱۶۸۸ /۵)، تاریخ تذکره های فارسی (۴۱۴ -۴۱۰ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۲)، الذریعه (۲۳۰ -۲۲۹ /۲۵ ،۵۲/۴)، طرائق الحقائق (۱۵۹/۳)، کاروان هند (۱۱۶ -۱۱۵ /۱)، کشف الظنون (۲۰۴۴).

امینی پور، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله امینی پور

محل تولد : شوش دانیال

شهرت : عبدالله (امیر) امینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۶/۳

زندگینامه علمی

زندگی نامه علمی

نگارش و ترجمه:

کودکان و نوجوانان (۱۳۷۱– ۱۳۸۳)

آغاز نگارش و ترجمه از ۱۳۷۳ با مجله سلام بجه ها و در ادامه (۱۳۷۲ – ۱۳۸۳) با پوپک و دوچرخه و حدیث زندگی و در ده ها شماره و در حدود ۱۰۰صفحه، برای کودکان و نوجوانان نوشته شد.

سردبیری(۱۳۷۴ — ۱۳۷۶)

کار با سردبیری مجله میراث شهاب (نشریه کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی) ادامه یافت . چاپ و انتشار آن در دو سال و نیمی که با کتابخانه همکاری وجود داشت، ادامه یافت، سپس در ۱۳۷۴ و ۷۵ با مجله تبیان همکاری (ترجمه).

همکاری با مجلات و روزنامه ها (۱۳۷۵ تا کنون)

از ۱۳۷۵ همکاری با روزنامه ها آغاز می شود. در ابتدا روزنامه کیهان با درج مقاله « فرهنگبان بزرگ میراث اسلامی» و چاپ دوباره آن در روزنامه رسالت (خرداد ۷۶).

نخستین معرفی و نقد کتاب (کتاب شناسی) در مجله فقه (بهار ۷۶) سپس در مجلات زیر ادامه می یابد: حوزه ، آینه پژوهش، کتاب ماه دین، پژوهش و حوزه ، حکومت اسلامی، میقات حج، روزنامه جمهوری اسلامی (ضمیمه صحیفه) ، کوثر، پیام زن و ...

در کتاب «برگزیده مقالات» چاپ ۱۳۸۴شرحی درباره نهج البلاغه به چاپ رسیده است.

زن پژوهی:

از ۱۳۷۹ به بعد نگارش و ترجمه مقالات زن پژوهی در مجلات : پیام زن ، زنان و پگاه حوزه شروع می شود، که برآیند چاپ و انتشار مقالاتی در این نشریه است:

پیام زن ، شماره ۹۹ و ۱۱۵ و ۱۱۸ و۱۱۶ و ۱۲۲ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۳۱ و ۱۳۵ و ۱۳۶

و پگاه حوزه ، شماره ۷۰ و ۷۱ و ۷۵ و ۹۳ و زنان ، شماره ۱۱۶

شرح حال: از ۱۳۷۶ به بعد کتب و مقالاتی در شرح حال نوشته شده ، از جمله در : روزنامه کیهان و رسالت،

مجلات: میراث شهاب، تبیان، کوثر، یاد ایام (شهریور ۷۶) بینات و پیام زن.

کتابها : شکوه فقاهت (۱۳۷۹) فرزانه ناشناخته (۱۳۸۱) مزربان وحی و خرد (۱۳۸۱)

قرآن پژوهی : نخستین کتاب در این باره «مصحف فاطمی» است که ۱۳۸۲ (چاپ اول) و ۱۳۸۷ (چاپ دوم) توسط «دلیل ما» به چاپ رسید . نیز در کتاب «زندگی شخصی امام علی» مصحف امام علی (ع) (۱۳۸۰) چاپ شد. کتاب دیگر «تحقیق و حاشیه بر تفسیر سوره حمد» مرحوم محمد تقی فلسفی است که آذر ۷۸ مرکز فرهنگ و معارف قرآن با عنوان « تفسیر بیان» بدون ذکر نام محقق چاپ کرده است.

سپس مقالاتی در نشریات:

تبیان، کوثر (ش ۳۳) پیام زن (۱۱۶ و۱۳۵ و۱۳۶ و۸۷ و۸۸) کتاب ماه دین ، روزنامه جام جم (ش ۹۲۵) بینات(ش ۳۳) و میراث شهاب (ش ۱۴)

مهدی پژوهی:

افزون بر ترجمه کتاب چند جلدی «معجم احادیث الامام المهدی» و «غیبت امام مهدی » (چ موعود عصر، ۱۳۷۸) مقالاتی در مجلات: موعود و انتظار

تدریس:

از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۲ در جامعه الزهرا (بخش غیر ایرانی ها و بخش روزانه) تدریس ادبیات عرب و تاریخ اسلام به مدت ده سال .

تبلغ: در جبهه جنگ (۱۳۶۲) و نیز زادگاه محقق .

مدیریت: مدیریت روابط عمومی و اموربین الملل کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، مدیر آموزش کتابخانه، (۱۳۷۳ — ۱۳۷۶)

مدیر اجرایی مجله فقه اهل بیت (۱۳۷۸ — ۱۳۸۳) نیز همکاری با مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور (۱۳۷۰ — ۱۳۷۳)

نوآوری:

تأسیس انجمن علمی مترجمان که شرح آن در مصاحبه با نشریات زیر آمده

روزنامه جام جم/ ۲۰ اردیبهشت ۸۳

روزنامه کیهان/ ۱۹ خرداد ۸۳

نشریه کتاب هفته / ۲۳ شهریور ۸۱ و ۶ تیر ۸۳

نشریه پگاه حوزه/ ۲۸ فروردین ۸۱

نشریه نصوص معاصره / کشور بحرین / محرم ۱۴۱۶ (مارس ۲۰۰۵)

نشریه پژوهش و حوزه / بهار ۸۱

کسب نشان و جوایز علمی:

تقدیر از نگارش مقالات در کنگره بین المللی شرف الدین

تقدیر از نگارش مقاله برای همایش سیره حکومتی امام علی ، مشهد (دانشگاه فردوسی)

تقدیر از نگارش مقاله مصحف فاطمی ، همایش بانوی آفتاب ، گرگان

تقدیر از نگارش مقاله مهدی موعود از دیدگاه آیات ، تهران (دانشگاه رودهن)

تقدیر از نگارش مقاله برای دومین کنگره عاشورا پژوهشی ، قم

نیز تقدیر از همکاری با دفتر تبلیغات اسلامی ، همچنین مجله پیام زن

امینی تبریزی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ –۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه و محدث. در تبریز متولد و چون جدّ او ملا نجف علی امین شرع بوده، به امینی شهرت یافته است. ابتدا تحت تربیت پدرش که از علمای بزرگ تبریز بود پرورش یافت و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فراگرفت. سپس از محضر حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی صاحب کتاب «اهداء الحقیر در معنی حدیث الغدیر» و آقا شیخ حسین مؤلف کتاب «هدایهٔ الانام» سطوح عالیه را آموخت. بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر حاج سید ابوتراب خوانساری، آقا سید محمد فیروزآبادی، تلمذ کرد و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، علامه نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی‌آقا شیرازی و دیگران استفاده نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل گردید. او بعد از فراغت از تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به وظائف شرعی پرداخت. سرانجام به قصد اقامت دائم به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ و مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود و از ابتدا بزرگان نجف او را امید اسلام و تشیع پیش‌بینی می‌کردند. وی در تألیف اثر گرانقدرش «الغدیر» کتابخانه‌های ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را جستجو کرد. و بیش از چند هزار کتاب را دید. وی با سفر به شهرهای حیدرآباد دکن و علیگره و بمبئی و لکهنو و کانپور و پتنه و رامپور و جلالی هند و نیز بیروت و دمشق و معره و نبل و حلب و مکه و مدینه و شهرهای بسیار دیگر همگام با تهیه مآخذ و مطالعه و استنساخ کتب در ملاقات با استادان و دانش پژوهان و شرکت در محافل عمومی به نشر مفاهیم اصیل و صحیح ولایت می‌پرداخت. کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) در نجف با همت وی تأسیس شده که از نفایس جهان علم و ادب به شمار می‌رود و حدود ۴۰۰۰۰ کتاب از جمله صدها کتاب خطی در آن گردآوری شده است. وی در تهران درگذشت؛ پیکر او را به نجف بردند و در کتابخانه‌اش دفن کردند. از وی آثاری بر جای مانده است که عبارت‌اند از: «الغدیر فی الکتاب والسنهٔ والادب»، دایرهٔالمعارف شیعه که در آن احادیث و اشعار مربوط به روز عید غدیر را آورده است؛ «اعلام الانام فی معرفهٔ الملک العلام»؛ «ثمرات الاسفار»، در دو جلد که شرح سفرهای اوست؛ «شهداء الفضیله»؛ «ریاض الانس»، در دو جلد؛ «سیرتنا و سنّتنا سیرهٔ نبیّنا و سنته»؛ «حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری»؛ «حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری»؛ «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ «تفسیر آیاتی از قرآن»؛ «ادب الزائر»؛ «العترهٔ الطاهرهٔ فی الکتاب».[۱]

حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ابن عالم الجلیل میرزا احمد بن المولی نجفعلی مشهور به امین الشرع تبریزی از اعاظم علماء و اکابر دانشمندان معاصر و دارای معنویت و مقامات عالیه بودند.

در سال ۱۳۲۰ ق در تبریز متولد شده و در تحت تربیت و رعایت مرحوم والدش که از علماء بزرگ تبریز بودند پرورش یافته و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و از همان اوان صغر آثار نبوغ و کثرت حافظه و سرعت انتقال از وی ظاهر و بارز بوده است. پس از پایان اولیات، سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیهٔاللّه حاج سید محمد مولانا و آیهٔاللّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی و آیه اللّه آقا شیخ حسین مولف کتاب (هدایه الانام) استفاده نموده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیهٔاللّه حاج سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ ق و آیهٔاللّه آقا سید محمد فیروز آبادی متوفی ۱۳۴۵ ق و مرحوم آیهٔاللّه نائینی و آیهٔاللّه میرزا علی آقا شیرازی و بعضی دیگر بهره‌مند شده تا بمدارج علم و کمال رسیده و مبادرت بتألیف و تصنیف کتب مفید نموده و از این راه خدمات بسیار ارزنده‌ای بعالم اسلام مخصوصا تشیع نموده است.

نگارنده گوید: مرحوم علامه مجاهد امینی حقا از نوادر علماء معاصر ما بودند که در راه خدمت بدین و ولایت تحمل شدائدی نموده و به کشورهای هند و پاکستان و سوریا و حلب و غیره مسافرتها کرده و کتابخانه‌های مهم آنجا را با دقت مطالعه و بررسی و بیش از چند هزار کتاب را دیده و دائره المعارفی بنام (الغدیر) در موضوع ولایت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مثالب غاصبین حقش از کتب اهل سنت نوشته که در فن خود بی نظیر و موجب استبصار بسیاری از اهل سنت که تقلید کورکورانه ستمکاران به اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌نمودند گرویده‌اند.

علامه امینی چندین سال بود که در تهران رحل اقامت افکنده، و در آخر ماه ربیع‌الاول ۱۳۹۰ ق در تهران وفات و پس از تشییع و تجلیل با شکوهی حمل به نجف و در کتابخانه‌اش مدفون گردیده است.

آثار خالده‌ی او که بزرگترین اثر جاودانی او می‌باشد تاسیس کتابخانه وزین امیرالمومنین علیه‌السلام نجف اشرف است که بیش از چهل هزار جلد کتاب مطبوع و محفوظ دارد و از نفایس جهان علم و ادب بشمار می‌رود.

و آثار علمی او از این قرار است:

۱– دائره‌المعارف شیعه بنام الغدیر که بیست و دو مجلد است یازده جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط است و مطبوع آن مکرر در نجف و بیروت و تهران بطبع رسیده است.

۲- شهداء الفضیله که در نجف چاپ شده. ۳- کتاب سیرتنا و سنتنا که بچاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حماسه‌ی غدیر (احوال و آثار علامه امین)، الذریعه (۲۶/۱۶، ۲۵۹/۱۴۸۲/۲)، الغدیر، ترجمه (۱۶۳ -۱۵۴ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۷ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۳ -۷۲۲ /۳)، مستدرکات اعیان (۸۲/۱).

امینی گلستانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امینی گلستانی

محل تولد : اردبیل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۱ شمسی از زادگاهم قریه گلستان در ۳۰ کیلومتری اردبیل به مدرسه علمیه ملاـ ابراهیم وارد و پس از گذراندن مقدماتی صرف و نحو در سال ۱۳۳۳ به حوزه علمیه قم وارد شده و نزد اساتید آنجا که بعداً ذکر خواهد شد، استفاده و در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ به نجف اشرف وارد شده و از اساتید آنجا که بعداً ذکر خواهد شد، استفاده نمودم در تاریخ ۱۳۳۴ از نجف اشرف مراجعت نموده و در شهر توریستی سرعین اردبیل به مدت یازده سال اقامت نمودم. در طول این مدت مشغول کارهای علمی و فرهنگی شده و بناهای مفید و مجلل از خود به یادگار گذاشتم.

۱- مسجد مجلل و بزرگ حضرت بقیهٔ الله الأعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مساحت ۸۰۰ متر به اضافه کتابخانه و شبستان زنانه و سایر متعلقات مسجد.

۲- احداث چشمه های آب شرب چندین روستای اطراف سرعین.

۳- بنا و تأسیس مسجد امیرالمومنین (علیه السلام) در زادگاهم روستای گلستان، بعداً در زلزله ویرانگر سال ۱۳۷۵ شمسی اردبیل که تعداد یک صد و ده روستا را از ۲۵ درصد تا صد در صد ویران و گروه زیادی را به کام مرگ فرستاد که در این باره کتاب شعر آغلار ساوالان(یعنی سبلان می گرید) را سرودم. و یکایک کشته شدگان زادگاهم را در آن کتاب نام بردم.

۴- تأسیس صندوق های خیریه بنام حضرت باب الحوائج ابوالفضل (علیه السلام) که اول از ۱۷ صندوق شروع و فعلاً بیشتر مناطق استان اردبیل را فراگرفته است.

۵- در سال ۱۳۸۱ مسجد امام زمان (علیه السلام) که در اثر زلزله مقاومت خود را از دست داده بود بازسازی و توسعه دادم.

۶- در سال ۱۳۸۲ مسجد مجلل در روستای (جن قشلاقی) از دهستان های یورقچی احداث و در سال ۱۳۸۴ تقریباً به اتمام رسید.

در سال ۱۳۵۱ شمسی از سرعین به اردبیل مهاجرت نمودم و مقیم گشتم و در خلال مدت ۱۴ سال اقامت در اردبیل به کارهای تبلیغاتی اسلامی و سرپرستی حجاج بیت الله الحرام ادامه دادم.

در سال ۱۳۶۱ شمسی از اردبیل به تهران مهاجرت کرده و مشغول کارهای روحانیت خود شدم و به تدریس و تفسیر قرآن مجید اشتغال داشتم تا اینکه در سال ۱۳۷۵ شمسی به شهر مقدس قم مهاجرت کرده و مقیم گشتم، در این شهر مقدس نیز به کارهای علمی و فرهنگی خود استمرار بخشیده و ثمره مهاجرت اخیر تألیفاتی است که بعداً شرح خواهم داد.

امینی، امیرقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۷ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. در اصفهان متولد شد. پدرش را در طفولیت از دست داد و تعلیم و تربیت او به مادرش که دختر میرزااحمد صادقی، برادر آیت‌اللّه شریعت نجفی شیرازی بود، منحصر شد. وی تحصیل را از پنج سالگی نزد معلمه‌ای که مادرش به خدمت گرفته بود، آغاز کرد. پس از چندی مدرسه‌ای که به طرز جدید در پشت باغ چهل ستون اصفهان تأسیس شده بود به تحصیل پرداخت و بعد از آن به مدرسه‌ی اسلامیه رفت. از سنین کودکی به بیماری فلج‌اطفال دچار و نیمی از بدنش بی‌حس شد. با این حال، از حرکت و تلاش باز نایستاد. نخستین فعالیتش را از روزنامه‌نگاری آغاز کرد و در سال ۱۳۰۷ ش روزنامه‌ی «اخگر» را از میرزا فتح‌اللّه خان وزیرزاده تحویل گرفت. مدتی نیز مدیریت روزنامه‌ی «باختر» را عهده‌دار شد و روزنامه‌ی «اصفهان» را نیز جایگزین روزنامه «اخگر» کرد. وی به کارهای عام‌المنفعه می‌پرداخت از جمله تأسیس پرورشگاه کودکان بی‌سرپرست اصفهان، احداث قنات و غرس درختان بی‌شمار و آبرسانی به اراضی بایر، و نسبت به تأمین کار و درآمد برای روستاییان اصفهان کمک شایانی کرد. امیرقلی زبانهای عربی، فرانسه و اسپرانتو را به خوبی می‌دانست. از آثارش: ترجمه‌ی «عروس فرغانه»، اثر جرجی زیدان؛ «غلبه بر ترس و گرسنگی»، ترجمه از عربی؛ «داستانهای امثال»؛ «فرهنگ عوام»؛ «عبدالرحمن ناصر»، اثر

جرجی زیدان؛ «کودک»، اثر ویکتور پوشه؛ «داستانهای کوچک»، از اسپرانتو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲ -۱ /۲ ،۱۸۲ -۱۷۷ ،۷۴ -۷۱ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۵ -۲۹۴ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۱ -۶۷۹ /۱).

امینی، حسین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین امینی شاهرودی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است.
وی در یکی از مضافات شاهرود بـدنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسـمتی از سـطوح در شاهرود و غیره مهاجرت به نجف اشـرف نموده و پس از تکمیل سـطوح چندین سال از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سـید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مـدظله و آیات دیگر فقهاً و اصولا اسـتفاده نموده و بنابر تقاضای بعضـی از مؤمنین کرمانشاه و امریه بعضـی از مراجع بزرگ نجف برای خـدمت و ارشـاد مردم به کرمانشـاه عزیمت و رحـل اقـامت افکنـده و به اقـامه جماعت و ترویـج دین و تـدریس پرداخته.
و ضـمناً مبتلا به سوانحی گردیـده و مدتی در تهران و نقاط دیگر به طور اضـطرار و اجبار و اکراه اقامت نموده و مجدداً به کرمانشاه بـازگشت و به خـدمات روحی و دینی اشـتغال دارد از آثـار ایشـانست تأسیس درمانگـاهی که بـا همکـاری جمعی از مؤمنین برای مستمندان نموده‌اند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

انتظاری، علیرضا

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا انتظاری
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱
زندگینامه علمی
اینجـانب علیرضا انتظاری در سال ۱۳۴۰ در نجف آباد اصـفهان متولد شده و پس از گذراندن دوران دبسـتان، راهنمایی و دبیرسـتان در سال ۱۳۵۹ موفق به اخذ دیپلم در رشـته ریاضـی فیزیک شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های انقلابی در جلسات و تظاهرات شرکت می نمودم و در سال ۵۷-۵۶ در حادثه زلزله طبس به این شـهر رفته و همراه با دانشجویان به کمک مردم زلزله زده شتافتم و در همین دوران عشق به تحصیل در حوزه و علوم حوزوی در من شکل گرفت.
لـذا پس از گرفتن دیپلم به حوزه علمیه نجف آباد وارد شدم ولی به علت شـرایط آن زمان و شـروع جنگ تحمیلی قادر به تحصـیل کامل نبودم حتی ضـرورتاً در صدا و سیمای زاهدان در بخش تولید برای کشورهای همجوار مدتی مشغول بودم. به هر حال در سال ۱۳۶۵ به دانشگاه تهران رشته الهیات وارد شدم. ولی پس از آن تغییر رشته داده و رشته حقوق را دنبال کردم و در سال ۶۶ همکاری با سپاه را شـروع کرده که مدت بیش از بیست سال به این نهاد خدمت نمودم ولی در ضـمن خدمت تحصیل در حوزه و دانشگاه را کم و بیش دنبال می کردم. البته قبل از آن بصورت نیروی بسیجی خدمت می کردم.
در مـدت تحصـیل در حوزه از اساتیـد بزرگواری همچون آیت الله اشـتهاردی، وجدانی فخر، مکارم شـیرازی، و.... دیگران اسـتفاده نمودم و در دانشـگاه هم از اساتیدی همچون دکتر گرجی، دکتر شهیدی، محقق داماد و..... بهره بردم در این دوران مقالات مختلفی را نیز به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها منتشر شده است.

انتظام، محمد

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد انتظام
محل تولد : چناران
شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ در روستای فریزی از توابع مشهد مقدس متولد شدم. دوران ابتدایی را در همان روستا تحصیل نمودم و در سال ۱۳۵۲ جهت تحصیل دروس حوزوی به مشهد مقدس آمدم. دروس مقدماتی را در مدرسه حاج آقای موسی نژاد، رسائل را در محضر استاد عباسپور و مکاسب را در محضر آیت الله فلسفی و کفایه را محضر استاد رضا زاده فرا گرفتم.

از سال ۱۳۵۸ در درس خارج فقه آیت الله فلسفی و پس از آن درس خارج اصول مرحوم آیت الله علم الهدی شرکت کردم که تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت. از سال ۱۳۶۰ از محضر آیت الله سید عزالدین زنجانی خارج فقه «جواهر الکلام» را همراه با دروس فلسفه و عرفان فرا گرفتم. حدود شش سال نیز در محضر استاد بزرگ فلسفه و عرفان مرحوم سید جلال الدین آشتیانی فلسفه و عرفان اسلامی را آموختم. به دلیل علاقه به فلسفه اسلامی، در این مدت با استفاده از نوارهای درسی آیت الله انصاری شیرازی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی از دروس فلسفه این بزرگان «شرح منظومه، نهایهٔ الحکمه، الهیات، شفا و اسفار» بهره بردم.

در سال ۱۳۷۲ پس از شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم و پس از آن، دوره دکتری فلسفه تطبیقی را نیز در همین مرکز گذراندم.

در قم نیز با شرکت در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و خارج فقه آیت الله تبریزی از محضر این بزرگان بهره مند بودم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی در مشهد و قم به تدریس دروس مختلف در دانشگاه و حوزه نیز اشتغال داشته ام.

انجوی شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در سال ۱۳۰۰ ش. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس علمیه تهران و مشهد آغاز کرد ، سپس به تهران رفت و در دبیرستان دارایی تحصیلات خود را پی گرفت. او تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل داد ، سپس در سال ۱۳۲۹ به سوییس رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل نمود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضا شاه ، استاد انجوی به فعالیت های سیاسی روی آورد و از حدود سال ۱۳۲۲ نیز فعالیت های مطبوعاتی خود را آغاز کرد. استاد انجوی شیرازی از چهل سالگی به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگهداری روایات و میراث فرهنگی مردم پرداخت. در سال ۱۳۴۰ با همکاری علی دشتی و محیط طباطبایی به رادیو راه یافت و برنامه ای درباره فرهنگ مردم پی افکند. استاد انجوی شیرازی در شهریور ۱۳۷۲ ، در تهران درگذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : سید ابوالقاسم انجوی شیرازی فرزند سیدخلیل صدرالعلماء ، در سال ۱۳۰۰ش ، در شیراز به دنیا آمد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در واقعه گوهرشاد حضور داشت ،او بعد از وقوع حادثه به همراه خانواده مخفیانه به تهران عزیمت نمود و در این شهر اقامت کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس علمیه تهران و مشهد آغاز کرد ، سپس به تهران رفت و در دبیرستان دارایی تحصیلات خود را پی گرفت. او تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل داد ، سپس در سال ۱۳۲۹ به سوییس رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل نمود.

هم دوره ای ها و همکاران : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در سال ۱۳۱۸ ، با صادق هدایت آشنا شد. او همچنین در تاسیس یک مرکز پژوهشی ، از همکاری کسانی چون نصرالله یگانی ، محمود ظریفیان ، حسن پناهیان ، احمد وکیلیان ، ولی الله درودیان ، علی اکبر جباری و علی اکبر عبدالرشیدی ، برخوردار بود.

وقایع میانسالی : بعد از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضا شاه ، سیدابوالقاسم انجوی شیرازی به فعالیت های سیاسی روی آورد ؛ وی در سال ۱۳۲۴ به جرم سخنرانی های ضد دولتی در تهران و گرگان ، تحت تعقیب فرماندار نظامی تهران قرار گرفت. در زمستان سال ۱۳۲۷ ، ترور نافرجام محمدرضا شاه باعث گردید ، به اروپا رفته و فعالیت های روزنامه نگاری خود را در آنجا پی گیرد. انجوی پس از بازگشت به ایران ، با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مواجه گردید او به همراه ۶۰ نفر دیگر دستگیر و به جزیره خارک تبعید شدند ، که تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۴ در آنجا باقی ماند.

زمان و علت فوت : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در شهریور ۱۳۷۲ ، در تهران درگذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی از چهل سالگی به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگهداری روایات و میراث فرهنگی مردم پرداخت. در سال ۱۳۴۰ با همکاری علی دشتی و محیط طباطبایی به رادیو راه یافت و برنامه ای درباره فرهنگ مردم پی افکند. ابتدا این برنامه به مدت یک ربع ساعت در هفته و تحت نام « احساس و اندیشه پخش می شد. پس از تغییر عنوان های مکرر ، سرانجام این برنامه « سفینه فرهنگ مردم » نام گرفت و در اواخر سه ساعت تمام به آن اختصاص داده شده بود. این برنامه تا بهار ۱۳۵۸ ادامه داشت تا سرانجام انجوی بازنشسته شد.

مراکزی کـه فرد از بانیـان آن بـه شـمار می آیـد : یکی از اقـدامات مهـم سـیدابوالقاسم انجـوی شـیرازی ، گشـایش مرکزی برای گردآوری و پژوهش فرهنگ مردم بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی از حدود سال ۱۳۲۲ فعالیت های مطبوعاتی خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۲۳ ، سردبیری روزنامه « نبرد امروز » را عهده دار شد که تا سال توقیف این روزنامه (آبان ۱۳۲۵) ، همچنان این مسئولیت بر عهـده او بود. در سـال ۱۳۲۴ مـدتی به انتشـار روزنـامه « افق » پرداخت. در آبـان ۱۳۲۵ پس از توقیـف روزنـامه « نـبرد امروز » به سوییس رفت و از آنجا به قصـد دیدار هدایت راهی پاریس شد. انجوی در سال ۱۳۲۶ به تهران بازگشت و این بار سردبیری مجله « آتشـبار » را که به مـدیریت ایرج زندپور منتشـر می شد ، عهده دار شد. او پس از کودتای ۲۸ مرداد و سپری نمودن دوره تبعیـد ، به کـار تالیف روی آورد. ---

-----

آثار :

۱ بازی نمایشی

۲ تمثیل و مثل

۳ جشن ها و آداب و معتقدات زمستان

۴ دیوان حافظ

۵ سفینه ی غزل

ویژگی اثر : با مقدمه ی دکتر محسن هشترودی.

۶ فرهنگ مردم و طرز گردآوری و نوشتن آن

۷ قصه های ایرانی

۸ گذری و نظری در فرهنگ مردم

۹ مردم و شاهنامه

۱۰ مردم و فردوسی

۱۱ مردم و قهرمانان شاهنامه

۱۲ مکتب شمس

منابع :

۱مشاهیر ادب معاصر ایران ، گردآوری و پژوهش: علی میر انصاری ، دفتر اول ، تهران: سازمان اسناد مدارک ملی ایران ، ص ۴۸۸

اندرزگو، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد علی انـدرزگو : بـه علت تقـارن ولادتش بـا ایـام شـهادت امیر مؤمنـان(علی)(ع) این مولـود را «علی »نامیدنـد. فرزنـدی که در هیجـدهم ماه رمضان سال ۱۳۱۶ هجری شمسـی، به دنیا آمـد نام خانوادهٔ «انـدرزگو »را نه تنها در تاریخ ایران، بلکه در تاریخ جهان جاودانه ساخت. پسری که در بازی سرنوشت سال ها از این نام استفاده نکرد و در غربت و تنهائی به سر برد و حتی در داخل خانه نیز در استفاده از نام «سید علی»، محذور و معذور بود. پدرش سید اسدالله، در ابتدا شغل بنائی داشت و سپس به خرده فروشی ابزار در میـدان شـوش تهران روی آورد و به علت ورشکسـتگی،از وضـع زنـدگی خـوبی برخـوردار نبـود. او مردی بـود محب اهـل بیت عصـمت و طهـارت و خانوادهٔ او نیز بر این طریق اسـتوار بود. سـید اسـدالله دارای ۷ فرزنـد، چهار پسـر و سه دختر بود که سـید علی آخرینشان بود. او همانند تمامی همسالان پس از رسیدن به سن هفت سالگی، برای فراگیری علم و دانش، قدم به مدرسه گذاشت و در دبسـتان فرخی که در نزدیکی محله‌شـان بود، ثبت نـام کرد. پس از طی دوران ابتـدائی، به علت فقر خـانوادگی و برای کمک به معیشت خـانواده، ترک تحصـیل کرد و وارد بـازار کار شـد. سـید علی که خود را برای مبارزه‌ای همه جانبه به وسعت ایران و انجام رسـالتی بزرگ آمـاده می کرد و تحصـیلات کلاسـیک با شـرایط آن روز را برای این منظور کافی نیافته بود، برای فراگیری دروس حوزوی به مسجد محل شـتافت و در نزد اساتیـدی چون حجج اسـلام آقایان بروجردی و میرزا علی اصـغر هرندی به یادگیری علوم اسـلامی پرداخت . در طی این مـدت، جامع المقـدمات، تحف العقول، نهج البلاغه، فقه و اصول و ... را فرا گرفت. پس از آن بنابر شرایطی که بعـد از اعـدام انقلابـی حسـنعلی منصور برای او فراهم شـد، ابتـدا مـدتی به قم رفت و پس از مـدت زمـانی، راهی نجف اشـرف شـد . پس از بـازگشت از عراق، مجدداً در حوزه علمیه قم، مشـغول به تحصـیل گردیـد. در این مـدت از محضـر آیـات الله مشـکینی و مکارم شـیرازی از درس تفسیر و اخلاق بهره‌ها برد و از محضـر آقای دوزدوزانی، قوانین و لمعه را فرا گرفت. سـید علی انـدرزگو که با نام شـیخ عباس تهران در حوزه علمیه قم رحل اقامت افکنده بود، به علت فعالیت‌هائی که داشت مورد شـناسائی قرار گرفت و از لباس روحانیت خارج شـد.ا و به چیذر آمد و در مدرسه ای که توسط حجت الاسـلام سید علی اصـغر هاشـمی تأسیس شـده بود،پناه گرفت و در آنجا به دروس حوزوی، ادامه داد. ولی دست تقـدیر، پس از چند صباحی، مجدداً او را آوارهٔ دیار غربت کرد، تا پس از رفت و آمدهای طاقت فرسا به افغانسـتان و ... در کنار حریم رضوی سـکنی گزید. شـهید اندرزگو در مشـهد نیز در

درس مرحوم ادیب نیشابوری حاضر شد و بنابر نقل همسر، در مدت ۵ سال از محضر ایشان استفاده ها برد و در حسینیه اصفهانی ها در بازار سرشور نیز در درس آقای موسوی شرکت کرد. همانگونه که گفته شد شهید اندرزگو، پس از به پایان بردن دوران تحصیلات ابتدائی، چون شاهد زحمات طاقت فرسای پدر، برای تأمین معاش بود، برای یاری رساندن به پدر و کمک به اقتصاد خانواده، درس را رها کرد و در نزد برادرش، سید حسن که در بازار تهران،دارای نجاری بود، مشغول به کار شد و در حدود ده سال در این شغل ماند و با وارد شدن به شاخه نظامی هیئت های مؤتلفه، از شغل خود دست کشید و تا پایان عمر، مهمترین اشتغال او مبارزه و فعالیت برای سرنگونی رژیم ستمشاهی بود. به علت اینکه درمیان مردم و با مردم بود به ناچار هر از گاهی، به فراخور محیط و مرتبطین، پوشش شغلی خاصی را انتخاب می کرد که از آن جمله بود: روضه خوانی، تسبیح و انگشتر فروشی، فروش دواجات، طبابت سنتی، ساختمان سازی ،فرش فروشی و ... پوشش های شغلی او به حدی است که گاهی نزدیکان او را نیز به اشتباه می انداخت، تا جائیکه یکی از مرتبطین، در مصاحبهٔ با مجله سروش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی او را از تجّار بازار و چای فروش معرفی کرده است. در اوایل سال ۱۳۴۳، در حالیکه ۲۷ بهار را پشت سر گذارده بود، با معرفی شهید حاج مهدی عراقی، برای خواستگاری به منزل حاج رضا محمد علی رفت و بنیان زندگی او شکل گرفت. عروس برای شروع زندگی مشترک، به خانهٔ پدری داماد آمد، ولی این وصلت، بیشتر از چند ماهی دوام نیافت چرا که طرح اعدام انقلابی حسنعلی منصور، عملی شد و داماد بالاجبار زندگی مخفی را آغاز کرد. عروس و پدر عروس را با بدترین اهانت ها، به بازجوئی کشاندند و داماد را از آنان طلب کردند. تقدیر بر این تعلّق گرفته بود که یا این زندگی نوپا از هم بپاشد و سید علی، در زندگی مخفی، راه همرزمان شهیدش را ادامه دهد و یا با علنی ساختن خود، دستگیر و به جوخهٔ اعدام سپرده شود. بدیهی است که همسر سید علی، هرگز راضی نمی شد سنگر مبارزه خالی بماند چرا که او هم در دامان خانواده ای اهل مبارزه رشد یافته بود، هر چند فراق برای او مشکل بود ولی حال که تقدیر چنین خواسته بود. او هم بر این خواسته سر سپرد و در نهایت، این وصلت به جدائی انجامید. طلاق نامه ای که از طریق پست برایش ارسال داشت با خون دل پذیرا گشت. سید علی اندرزگو که سامانش در بی سامانی رقم خورده بود و در این بی سامانی، خانواده و منسوبین خویش را نیز دستخوش ناملایمات زندان، مراقبت دائم و ... کرده بود. پس از هفت سال سرگردانی، این بار با وساطت حجت الاسلام موسوی امام جماعت مسجد چیذربانام مستعار شیخ عباس تهرانی، برای ازدواجی مجدد، راهی خانه آقای عزت الله سیل سپور شد تا با خواستگاری از دختر وی، برای ادامه راه مبارزاتی خود، یاری همراه اختیار کند. بنابر نقل همسر شهید اندرزگو، چون در خواستگاری، رسم بر حضور خانوادهٔ داماد است، سید علی، تنی چند از زنان با ایمان محله چیذر را، به جای خانواده خود، برای صحبت های مقدماتی و تهیه امکانات اولیه به خانهٔ دختر فرستاد. سرانجام این ازدواج در کمال سادگی و بی آلایشی، انجام شد. ثمرهٔ این وصلت، چهار پسر است. بنامهای: سید مهدی، سید محمود، سید محسن و سید مرتضی. سید علی، نسبت به فدائیان اسلام و شهید سید مجتبی نواب صفوی، ارادتی خاص داشت و در جریان مبارزات آنان قرار گرفته بود و از طرفی دارای روحیهٔ شدید مذهبی و ظلم ستیزی بود. بر این اساس، پس از شهادت نواب صفوی، بر سر مزار او حاضر شد و با روح او پیمان بست تا از ادامه دهندگان راهش باشد. شهادت مرحوم نواب صفوی، روح او را آزرده و قلبش را جریحه دار کرد و کینهٔ شاه و وابستگان او را در دلش، دو چندان کرد . از آن روز مترصد فرصت بود تا در راه اسلام عزیز، از انتقام گیرندگان و خونخواهان او باشد. با شکل گیری جمعیت های مؤتلفه اسلامی که خاستگاه آن، هیئت های مذهبی و بازار تهران بود و متولیان آن از مبارزین سال های دور مبارزه و بعضاً با شهید نواب صفوی و جمعیت فدائیان اسلام در مبارزات، سهیم بودند و با اخذ نظر موافق از حضرت امام خمینی «ره» فعالیت را شروع کرده بودند، سید علی نیز، که در بازار تهران، در مغازه برادرش، به صندوق سازی، اشتغال داشت به هیئت شهید حاج صادق امان همدانی که یکی از هیئت های تشکیل دهندهٔ مؤتلفه بود، راه یافت و در پخش اعلامیه های امام خمینی «ره» و روحانیت به فعالیت پرداخت. شخصیت معنوی و مبارزاتی شهید امانی، تأثیری به سزا در ادامهٔراه او داشت و سید علی را به فعالیت‌های پنهانی سوق داد. در این دوران سید علی که در درس میرزا علی اصغر هرندی، با شهید صفار هرندی و شهید بخارائی آشنا شده بود، با آنان ارتباطی تشکیلاتی برقرار کرد و به عنوان رابط شهیدان، بخارائی، صفار هرندی و نیک نژاد با شهید صادق امانی وارد عمل شد و در شاخه نظامی به فعالیت پرداخت. اعدام انقلابی حسنعلی منصور در کمیته مرکزی، پس از اخذ فتوی از آیت الله میلانی تصمیم بر اعدام انقلابی حسنعلی منصور ـ نخست وزیر وقت ـ گرفته شد. چرا که او طراح لایحه ننگین کاپیتولاسیون و عنصر خود فروخته‌ای بود که از حمایت انگلیس و آمریکا، هر دو برخوردار و مجری سیاست غرب بود و می بایست دست جنایتکارش از صحنهٔ کشور کوتاه گردد تا درس عبرتی باشد برای دیگر کسانی که سند عبودیت و بندگی ایران را امضا می کردند. مسئولیت ها، تقسیم شد. گروهی، مسئولیت شناسائی را به عهده گرفتند و عده ای دست اندرکار تهیه ابزار لازم شدند و تعدادی نیز به عنوان مجری حکم الهی تعیین گردیدند. نقش شهید اندرزگو در این میان، به عنوان ناظر و تمام کننده، تعیین شد تا اگر گلوله های شهید بخارائی به منصور اصابت نکرد، او کار را تمام کند. . در شب قبل از عملیات، مجریان طرح در منزل شهید صفار هرندی جمع شدند و برای آخرین بار، طرح عملیات را مرور کردند و بعد از بررسی وسایل و ابزار و اسلحه ها و انتخاب بهترین شیوه و راه‌های فرار و احتمالات موجود به دعا و نیایش پرداختند، چرا که شب هفدهم ماه رمضان، از لیالی قدر است و برای اینکه رژیم فاسد و یا گروه های ملی گرا، چپی‌ها، التقاطیون و... نتوانند از این حرکت سوء استفاده کرده، این حرکت را به بیگانگان و یا بخود نسبت دهند، قطعنامه ای تهیه کردند و نوارهائی را به عنوان انگیزه عمل و وصیت نامه پر کردند که متأسفانه، این اسناد پس از دستگیری، به دست مأمورین شهربانی افتاد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اثری از آن به دست نیامد. شب گذشت، روز موعود فرا رسید، نخست وزیر در ساعت ۱۰ صبح به میدان بهارستان وارد شد و برای رفتن به مجلس شورای ملی، از ماشین پیاده شد. همرزمان شهدای این واقعه، کیفیت عمل را چنین نقل کرده اند: شهید بخارائی یک گلوله به طرف منصور شلیک می کند که به شکم منصور می خورد و او خم می‌شود و گلوله دوم را به گلوی منصور می زند و حنجره پلیدش را می درد و گلوله سوم را که می‌آید به مغز او بزند اسلحه گیر می کند و شهید بخارائی فرار می کند. مأمورین در تعقیب خود موفق می شوند شهید بخارائی را که هنگام فرار، بر روی زمین یخ زده می لغزد دستگیر کنند. شهید اندرزگو و نیک نژاد و هرندی، پس از مشاهده

اوضاع طبق قرار با شهید امانی، به میدان شوش رفته و اسلحه ها را تحویل می دهند و مقرر می شود تا یک هفته هیچ یک از افراد به خانه نروند و زندگی مخفی داشته باشند. با دستگیری محمد بخارائی، تمامی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی اعم از شهربانی و ساواک به صحنه می‌آیند و نصیری که در آن زمان، ریاست شهربانی کل کشور را به عهده داشت شخصاً برای بازجوئی از وی، به کلانتری می آید. اولین برگ خبری که در این مورد منتشر می شود، بخارائی را نوجوانی ظاهراً لال معرفی می کند،چرا که او قصد بازگو کردن اسرار را نداشت و خود را برای وصال معشوق آماده کرده بود. از طریق پدر و مادر شهید بخارائی، دوستان نزدیک او شناسائی و سرانجام شهید نیک‌نژاد و صفار هرندی، نیز دستگیر می شوند و در بازجوئی های فنی و در زیر شکنجه های ددمنشانه، نام حاج صادق امانی و شهید سید علی اندرزگو نیز مطرح می گردد. دستور دستگیری شهید امانی و شهید اندرزگو را شاه، شخصاً صادر می کند و پیگیری های جدی تر ادامه می یابد. پس از مدتی، همسنگران و همرزمان سید علی، بعد از دستگیری به بیدادگاههای دادرسی ارتش سپرده می شوند که حاج صادق امانی، محمد بخارائی، مرتضی نیک نژاد و رضا صفار هرندی به اعدام، تعدادی حبس ابد و بعضی دیگر به حبس های طویل المدت و کوتاه مدت و سید علی نیز غیاباً به اعدام محکوم می‌گردند و در روزی به بلندای عاشورا، هم پیمانان سید علی را در کربلای ایران به جوخهٔاعدام می‌سپارند تا با خلعت زیبای شهادت به ملاقات معبود بشتابند. دستور مستقیم شاه، نیروهای اطلاعاتی ساواک و شهربانی را بر آن داشت تا با هر آنچه در چنته داشتند به میدان آیند و همهٔ ترفندهای معمول و غیر معمول را به کار گیرند تا شاید به موفقیتی نائل گردند. به طور طبیعی، ابتدا به سراغ خانواده او رفتند. پدر، برادرها، همسر و پدرهمسر او را دستگیر کردند تا شاید از طریق آنان، راهی به دستگیری سید علی، بیابند. عکس سید علی را از طریق ثبت احوال و برادر وی، بدست آوردند. با تکثیر بسیار زیاد، آن را به همهٔ ساواک‌ها و شهربانی‌ها و مرزبانی‌ها ارسال کردند. سپس سید حسین اندرزگو را ـ برای اینکه سید علی موقع خداحافظی گفته بود به مشهد می روم ـ به همراه یک مأمور به مدت یک هفته به مشهد فرستادند تا سید علی را پیدا کند و برادر دیگر او سید محمد را به خاطر سکونت یکی از شوهر خاله های او در اصفهان به همراه یک مأمور دیگر به اصفهان اعزام کردند. شدت پیگیری ها در این مرحله به حدی بود که در یک روز چندین مکاتبه با مراجع مختلف اطلاعاتی و انتظامی صورت می گرفت تا شاید ردی از اندرزگو بیابند و عطش شناسائی و دستگیری خود را فرو نشانند. ولی از مراقبت های مکرر از محل سکونت پدر، برادر، پدر همسر، دائی و ... بازرسی همزمان منازل تعداد بسیاری از اقوام و بستگان و اخذ تعهدهای مکرر از آنان، نیز نتیجه ای نگرفتند؛ که «و مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین» در این بین بودند افرادی که شباهتی با عکس ارسالی به شهرستان‌ها داشتند و به همین علت دستگیر و مورد بازجوئی قرار گرفتند که از آن جمله می توان به دستگیری محمد رضا شریف و محمد رضا قربانی اشاره کرد. جالب اینجاست که علت دستگیری محمد رضا شریف نشستن در کنار یک مغازه نجاری در شهرستان گلپایگان ذکر شده است! این پیگیری های مکرر ادامه می یابد و هر از گاهی تعداد کثیری عکس، چاپ و به مبادی ذیربط ارسال می شود ولی پاسخهای ارسالی اعم از شهربانی-ژاندارمری-مرزبانی و ساواک‌حکایت از عجز آنان در شناسائی سوژه دارد. غافل از اینکه مرغ عشق از قفس پریده است. سید علی چون حلقه محاصره را تنگ دید و تمامی یاران و همرزمان را در چنگال رژیم ستمشاهی در سیاهچالها اسیر یافت، پس از مدتی که بطور مخفی زندگی کرد به شوق دیدار جانان، با هوش و ذکاوت بالای خود، طرحی ماهرانه اندیشید و جلای وطن گفت و به عراق رفت. او که کمر همت به مبارزه ای جانانه با عمّال رژیم طاغوت بسته بود، پس از توقفی چند ماهه به ایران باز می گردد. در تیرماه سال ۱۳۴۶ یکی از همکاران افتخاری ساواک ـ که منافقانه در صف مبارزین قرار داشتند و با خیانت‌های خویش، بسیاری از مبارزین را به مسلخ می کشاندند ـ گزارش می دهد که سید علی اندرزگو به تازگی از عراق به ایران آمده و حامل پیش نویس اعلامیه امام «ره» در خصوص وقایع خاورمیانه است. ضمناً در خیابان غیاثی رؤیت شده است. به دنبال این گزارش منازل مسکونی برادر و دائی سید علی که در این آدرس قرار دارد، مورد بازرسی ناگهانی قرار می گیرد و از رفت و آمدهای آنان، مراقبت به عمل می آید، تا جائیکه شماره های دوچرخه و موتور برای پیگیری ساکنین استعلام می گردد. ولی باز هم گزارشهائی از سرعجز و ناامیدی در شناسایی و دستگیری وی تهیه و به سلسله مراتب ارسال می گردد. شهید علی اندرزگو که مقدمات دروس حوزوی را قبل از اعدام انقلابی منصور در نزد حجت الاسلام میرزا علی اصغر هرندی و ... فرا گرفته بود، بهترین راه را تغییر لباس تشخیص می دهد و از این رو عازم شهرستان قم می گردد و در حوزه علمیه مشغول به تحصیل می شود و با نام مستعار شیخ عباس تهرانی به زندگی مخفی خود ادامه می دهد و از آن روی که عکس های تکثیر شده و ارسالی به مرکز ساواک‌و شهربانی، عکس های شناسنامه ای او بوده اند، شناسائی او در لباس روحانی برای مأمورین، به مراتب سخت‌تر می شود. در سال ۱۳۴۷ که فردی به نام بشارتین، با حمایت رژیم برای درهم شکستن روحیه مبارزین مذهبی و وارد ساختن ضربه ای بر پیکرهٔ حوزهٔ علمیه قم، تصمیم به ساختن سینما در شهرستان مذهبی قم می گیرد، شیخ عباس تهرانی وارد عمل شده و با جمع کردن عده‌ای از طلّاب، حرکت اعتراض آمیزی را شروع می نماید و برای اعلام انزجار از ساخت سینما و یاری طلبیدن به صورت جمعی به بیت مراجع تقلید حضرت آیت اله العظمی گلپایگانی و مراجع دیگر می روند که شیخ عباس ضمن سخنرانی های داغ مورد تشویق آنان واقع می گردد. علی رغم اعتراضات و تلاش های انجام شده، این سینما ساخته می شود تا اینکه گروهی که به نام گروه عباس آباد مشهور می شود با کمک سید علی اندرزگو، سینمای قم را منفجر می کنند. با ارسال گزارشهای منابع ساواک از حرکت های اعتراض آمیز به تحریک شیخ عباس پرونده ای بنام وی در قم گشوده و این گزارشها به مرکز ارسال می‌گردد. شهید اندرزگو، از حساسیت ساواک و تحت نظر بودن شیخ عباس تهرانی اطلاع می یابد و به کمک یکی از دوستان به مدرسه علمیه چیذر که تازه افتتاح شده بود، نقل مکان می کند. البته با لباس معمولی. سید علی اندرزگو، پس از مدتی که در مدرسه علمیه چیذر اقامت کرد، مجدداً طی مراسمی در روز نیمه شعبان ملبس به لباس روحانیت شد و در ظاهر مانند یک طلبه معمولی به فعالیت های تبلیغی پرداخت. در درس‌ها شرکت کرد، به تدریس پرداخت، روضه های خانگی قبول کرد، به منبر رفت و امام جماعت مسجد رستم آباد شد و در مدرسه چیذر با دعوت شخصیت های روحانی حوزهٔ علمیه قم از قبیل حضرت آیت الله مشکینی، به عنوان طلبه ای فعال شهرت یافت. ولی در پوشش فعالیت های ظاهری در نهایت پنهانکاری به فعالیت های تشکیلاتی خود نیز ادامه داد. شهید اندرزگو در این دوران با محمد مفیدی، ارتباط گرفت و با

تأمین اسـلحه و طرح هـای اطلاعـاتی، در سازمانـدهی تشـکیلات حزب الله شـرکت کرد و در راسـتای ضـربه زدن بر پیکرهٔ نظام ستمشاهی، وارد عمل شـد. این فعالیت ها، ادامه داشت تا اینکه محمـد مفیـدی، بعـد از اعـدام انقلابی تیمسار طاهری، دسـتگیر شـد. دسـتگیری محمـد مفیدی، باعث شد در یک روز، سـید علی با ترفندی خاص، تعدادی از اسباب و اثاثیه خانه را جمع کرده و به قم نقل مکان نمایـد و مـدتی در رفت و آمد به چیذر با احتیاط عمل کرد، تا اینکه متوجه شد محمد مفیدی، اعترافاتی علیه وی نداشـته است، پس با خیالی راحت به ادامهٔ فعالیت پرداخت. سید علی اندرزگو که نجات ایران را از چنگال استعمارگران و دست نشاندگان آنان، در برقراری حکومت اسلامی می دانست و برای این منظور، وارد مبارزه شده بود، از هیچ کوششی در راستای این هدف والا دریغ نکرد. مجاهـدین خلق (منافقین)در این سال‌ها از حمایت مالی و فکری مـذهبیون و روحانیت، برخوردار بود و هنوز زمزمه های پذیرش مارکسیسم به صورت آشکار در تشکیلات آنان شـنیده نمی شد. سید علی که از ایام گذشـته، در جلسات مذهبی مسجد هـدایت و مکتب توحید و ... با احمد رضائی آشـنائی داشت، با برقراری ارتباط با تشکیلات مجاهدین، با تأمین اسلحه و مهمات و کمک‌هـای مـالی به آنان، در تسریع حرکت مسلحانه کمک های شایانی داشت. در یک تلاش برای واگـذاری مقادیری سلاح به مجاهـدین خلق، از سـید مجیـد فیاضـی کـه از شـاگردان درس عربی او در مـدرسه چیـذر بـود و ارتباطـاتی بـا او برقرار کرده و آموزش‌هائی به او داده بود، استفاده کرد ـ واگذاری سلاح قبل از این مرحله توسط محمد مفیدی انجام شده بود ـ فیاض در برقراری تماس، موفق نشـد و با دسـتگیری اسـدالله تأملی که فیاض برای تحویل اسلحه به سراغ او رفته بود، فیاض نیز دسـتگیر شد و به علت تـاب نیاوردن، در زیر شـکنجه‌ها، شیخ عباس تهرانی را به ساواک معرفی کرد و محل اختفای اسلحه‌ها را به ساواک گزارش نمود. پس از اعترافات مجید فیاض، ساواک به سراغ خانوادهٔ همسر شهید اندرزگو آمده و با دستگیری عزت اله سیل سپور ـ پدر همسر ـ به همراه او، جهت دسـتگیری شـیخ عبـاس تهرانی، عازم قم می گردنـد. سید علی در این زمان، به سفر تبلیغی رفته است و ساواک برای بازگشت او، در انتظار می مانـد ولی شـیخ عباس، دو روز زودتر از سـفر تبلیغی باز می‌گردد و با شامـهٔ قوی متوجه کنترل خانه می شود و با ترفنـدی وارد منزل شده، دست همسـر و فرزند ششـماهه‌اش را می گیرد و به تهران می آید و در منزل یکی از دوسـتان قدیمی‌اش که از سال‌های ۱۳۴۳–۴۲۱۳ با هم ارتباط داشته اند سکنی می گزیند. ساواک با یورش به منزل وی در چیذر و قم تمامی اثـاثیه منزل وی را اعم از جهیزیه همسـر و ... به یغما می برد تا عمق خشم خود را به نمایش گـذارد. همراه بودن خواهر همسـرش ـ که برای تنهـا نبودن خـانواده در سـفر تبلیغی به قم برده بود ـ در این مرحله بر مشـکلات سـید علی افزوده بود . در زمان فرار، خواهر همسـرش را نیز به همراه خود به منزل اسدالله اوسـطی می برد. ساواک با مراقبت از منزل عزت الله سـیل سپور و اطلاع از اینکه دختر کوچکتر وی همراه سـید علی است، برای دستیابی به انـدرزگو به تلاشـی مضاعف دست می زنـد. سـید علی پس از سه روز با تغییر لبـاس و تراشـیدن صورت، به قصـد خروج از کشور به همراه خـانواده از منزل اوسـطی خـارج و عازم مشـهد الرضا «ع» می شود و با دسـتوری احتیاطی خواهر همسـرش را توسط اسدالله اوسـطی، به نشانی منزل عمویش در ورامین می فرستد. پس از ورود به مشهد با مساعدت دوسـتان و همرزمان و با کمک حجت الاسـلام و المسـلمین واعظ طبسـی، برای رفتن به افغانستان به زاهدان رفته و پس از رفت و برگشتی که به داخل افغانسـتان داشـته، آنجا را برای اقامت مناسب تشخیص نمی دهد. بنابراین با توکل به حضرت حق جوار امن ثامن الحجج«ع» را برای سـکنی انتخاب می نمایـد. با دسـتگیری چنـد تن از مرتبطین سـید علی اندرزگو، توسط کمیته مشترک ضد خرابکاری در تهران، سـید علی اندرزگو مجدداً شناسائی و تلفن یکی از مرتبطین، در اختیار ساواک قرار داده شد. با کنترل این تلفن بود که ساواک به آدرس وی در مشـهد نیز دست می یابد و متوجه می شود این بار، سـید علی با نام مستعار جوادی، به فعالیت پرداخته است. کمیتـهٔ اوین در این مرحله بـا اسـتفاده از تمـامی شـیوه هـای اطلاعاتی و با به کارگیری خود فروختگانی ذلیل، تا کنار دست شهید اندرزگو نفوذ کرده و از چگونگی فعالیت های او مطلع گردید.دستور داده می شود: تحقیقات کافی است او را دستگیر کنید و از طریق او بقیه افراد را شـناسائی کنید. شـهید سـید علی اندرزگو شب نوزدهم ماه رمضان را در منزل دوستش رجبعلی طاهر افشـار احیـاء گرفت و در لیلةالقـدر از صـمیم دل دعـای اللهم اجعـل قتلاً فی سبیلك را زمزمه کرد. نزدیکی های افطار روز نوزدهم عـازم منزل حـاج اکبر می شود، تیم هـای عملیـاتی سـاواک در مسیر کمین کرده انـد، مگر سید علی را می‌توان دسـتگیر کرد او به دوسـتان و همرزمانش بارها گفته بود که من زنده به دست ساواک نخواهم افتاد با حرکتی موجبات تیراندازی مأمورین را فراهم می کند، صدها تیر به طرف او شـلیک می شود تا عمق خشم و غضب مأموران تیره دل را به نمایش بگذارد.تعداد زیادی گلوله در بدن او می نشـیند تا با زبان روزه به ملاقات خدای خویش بشتابد و از دست ساقی کوثر علی (ع) جام گوارای وصال بنوشد. سرانجام در آخرین شنود تلفن منزل اکبر صالحی تماس دختر وی با مغازه پدر چنین منعکس است: بابا نزدیکیهای خانه صدای تیراندازی آمد و یک نفر را کشـتند و آقای جوادی هم هنوز به منزل نیامده. منابع زندگینامه :نرم افزار چند رسانه ای منتشـر شده از سوی بنیاد شـهید وامور ایثارگران انقلاب اسلامی

اندرزیان، امرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امرالله اندرزیان

محل تولد : کهگیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

اندرمانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمود انـدرمانی از علمـاء پرهیزکار ری بود و تحصیلاتش در تهران نزد آیات و دانشـمندان بزرگ تکمیل نموده و در زاویه مقـدسه ری در مسـجد سـر تخت به اقامه جماعت و خـدمات دینی اشـتغال داشـته تا بعـد از سال ۱۳۰۰ قمری از دنیـا رفته و مرحـوم آخوند ملا رضا قلی مذکور بامامت و خدمات دینی بجای آن مرحوم اشتغال یافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اندروافر، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اندر وافر

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۷در مـدرسه ولیعصـر (عـج) تبریز شـروع به طلبگی کردم. سال ۱۳۶۰به حـوزه مقـدسه قم مهـاجرت کردم. و ادبیـات را از محضـر مرحوم آیت الله مـدرس افغـانی تلمـذ نمودم. بقیه دروس سـطح را از محضـر آیـات و حجـج الاسـلام آقایـان: خسـروشاهی، وجدانی، اشتهاردی، صالحی افغانی، اعتمادی و پایانی (ره) بهره مند شدم.

از سال ۱۳۷۰درس خارج را با شرکت در بحث فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شروع کردم. در سالهای بعد از درس خارج آیت الله بهجت، ملکوتی، محقق و بیش از همه از محضـر آیت الله معرفت در بحث فقه خصوصـی اسـتفاده بردم. (بیش ازده سال) در کنار تحصیل غالباً تدریس هم داشتم. و دو سال به عنوان استاد به مدارس دینی جمهوری آذربایجان اعزام شدم.

انزابی‌نژاد، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

انصاری استرآبادی، نصیرالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشـمند شـیعی و مترجم. وی سـاکن هرات و معاصـر شـاه طهمـاسب اول صـفوی بود. کتاب «مکارم الاخلاق» تألیف رضـی‌الدین ابونصـر حسن بن فضـل طبرسـی را که از کتابهای مشـهور است، به دسـتور محمـدخان شـرف‌الدین اوغلی تکلو، حاکم هرات و امیرالامرای خراسان در عهد شاه طهماسب، به نام او به فارسـی ترجمه کرد و «محاسن الآداب» نامید. از دیگر آثار او ترجمه کتاب «عدة الداعی» ابن فهدحلّی است که آن را به درخواست امیر قزان خان فرزند محمدخان به فارسی ترجمه کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۴۸۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۳)، الذریعه (۱۲۴/۲۰، ۱۱۶/۴).

انصاری گرمرودی، موتمن الملک، سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۱ –۱۲۳۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر. وی خود را از اولاد خواجه عبداللّٰه انصاری می‌دانست و در انشاء و حسن خط و احاطه بر اشـعار عربی و فارسـی در عهد خود کم‌نظیر بوده است. نستعلیق و شکسته را استوار و درست می‌نوشت. سعید خان به خاطر دیداری

که با میرزا محمدتقی خان امیرکبیر کرد و میرزا محمدتقی خان حسن خطش را دید، او را از تبریز به تهران آورد و مسؤول نامه‌های محرمانه خود قرار داد. او پس از مدتی ملقب به موتمن‌الملک شد و در سال ۱۲۶۹ ق رسما به وزارت خارجه منصوب گردید و مدتها بر آن سمت بود. در پایان عمر نیز افتخار تولیت آستان قدس رضوی را داشت. او سرانجام در هفتاد سالگی در تهران درگذشت و در دارالسعاده‌ی مشهد دفن شد. از آثار وی: مرقعی به قلم سه دانگ و کتابت متوسط از اشعار مختلف، با رقم: «لمحرره سعید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، شرح حال رجال (۷۰ -۶۶ /۲).

انصاری واعظ، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری ابن العالم التقی شیخ محمدحسین واعظ قمی رحمه‌الله از وعاظ نامی و مبلغین سامی حوزه علمیه قم است که در وعظ و تبلیغات دینی و ترویج و نشر احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام گوی سبقت از اقران ربوده وصیت و صوت منبر و مواعظ حسنه‌اش به سراسر ایران رسیده و در غالب مسافرتهای تبلیغی خود به شهرستان‌های کرمان و رفسنجان و یزد و کاشان و تهران و همدان و گیلان و خوزستان و خراسان و مبارزاتش بر علیه شیخیها و صوفیها و فرق ضاله دیگر اثرهای نیکوئی از خود به جای گذاشته و بسیاری از مردم را به راه دین کشیده و از انحراف نجات داده است.

در شهرستان قم و گرگان و آشتیان خدمات شایانی از تعمیر مساجد و غیره نموده است.

تولد وی در سال ۱۳۲۳ قمری در بلده طیبه قم واقع شده و سطوح را نزد اساتید بزرگ قم چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی رحمهماالله و آیت‌الله آقای آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و مرحوم آیت‌الله حایری فقها و اصولا استفاده کرده و مدتی حسب‌الامر آن مرحوم برای اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغات مذهبی به قصبه گرگان که در دو فرسخی آشتیانست سکونت نموده و پس از آن مراجعت به قم و به خدمات دینی همت گماشته تا در آخر ماه جمادی‌الاخره سال ۱۳۹۱ ق که در سن ۶۸ سالگی بدرود حیات گفته و در مقبره شیخان جنب قبر زکریا بن آدم اشعری قمی که یکی از اسلاف و نیاکان بزرگوار اوست مدفون گردیده است.

برادران ارجمندی دارد که اول آنها جناب حاج میرزا محمدعلی انصاری صاحب تالیفات عدیده مطبوعه می‌باشد که ذیلا آن را می‌نگاریم.

۱- و ۲- محمد پیغمبر شناخته شده رد بر کتاب پیغمبری که از نو باید شناخت.

۳- پاسخ به بداندیشان یا حمایت از اسلام.

۴- رد بر دکتر علی شریعتی.

۵- دفاع از حسین شهید رد بر کتاب شهید جاوید.

۶- آئینه دل دو جلد در اخلاق.

۷- اختران ادب دو مجلد.

۸- غررالحکم. ۱- و ۲- و ۹- دیوان اشعار.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر انصاری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱۸

زندگینامه علمی

بنده خداوند متعال را شاکرم که بنا به توصیه حضرت امام راحل (ره) مبنی بر اهتمام جدی به صیانت از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تکمیل آن همواره در صدد غنا بخشی به این نظام الهی به ویژه در بخش علوم انسانی و بالاخص اقتصاد در حد توان خود بوده ام و توفیق داشته ام در ظل عنایات آن امام عظیم الشان (ره) و خلف صالح ایشان، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) و نیز اساتید معظم و مکرم حضرت آیت الله مصباح (دام ظله العالی) و حضرت آیهٔ‌الله خرازی (دام ظله العالی) گام های موثری در این زمینه بردارم که اختصاراً به برخی موارد اشاره می کنم.

۱. در سال ۱۳۷۹ با نوشتن مقاله «اساسی ترین اقدام برای رشد پایدار و فزاینده اقتصاد ایران» سعی کردم توجه سیاستگذاران،

قانونگذران و مسئولان اجرائی کشور را به اهمیت زاید الوصف بخش کشاورزی و دامداری و اتخاذ تصمیمات مقتضی جلب نمایم و خوشبختانه پس از انتشار این مقاله اقدامات بسیار چشمگیری نسبت به گذشته صورت گرفت امروز فضای حاکم بر کشور در قبل و پس از انتشار مقاله موید ادعای بنده است و بحمدالله ما امروز شاهد خود کفایی بسی در بخش کشاورزی و صادرات قابل ملاحظه در این بخش می باشیم و این افتخار بسیار بزرگی است.

۲. ابتکار در تنظیم و تالیف معارف اقتصادی قرآن کریم از دیگر توفیقات مهم اینجانب است. بنده توفیق شرکت در درس های معارف قرآن حضرت استاد مصباح (دام ظله العالی) را داشتم و اما متاسفانه نوبت به معارف اقتصادی که رسید درس ایشان تعطیل شد. از آنجا که علاقه وافری به انجام تحقیق در این زمینه داشتم با توشه ای که از درس های معظم له داشتم و تحت اشراف حضرت آیت الله خرازی (مدظله العالی) در ایام تعطیلات حوزه قدم های اولیه برای تدوین معارف اقتصادی قرآن کریم را برداشتم هر چند بیش از دو یا سه جلسه در حضور معظم له برگزار نشد ولی شروع کار با برکتی بود. پس از مدتی با همکاری دوستانی که بنا به توجه حضرت آیت الله مصباح (دام ظله العالی) در صدد تنظیم معارف اقتصادی قرآن کریم بود. مجموعه ای تحت عنوان «معجم موضوعی آیات اقتصادی» با پی گیری و مدیریت حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای سید کاظم رجائی (دام عزه) تدوین و چاپ شد. نکته شایان ذکر این است که به ویژه مطالب فصل اول این کتاب عمدتاً توسط بنده تدوین و نگارش یافت که از نوآوری خاصی برخوردار بوده و در جهت بخشیدن به دیگران در ورود به این حوزه از تحقیقات تاثیر بیشتری داشت. البته پس از مدتی مطالب فصل اول کتاب به صورت مقاله ای مستقل تحت عنوان «مبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم» توسط اینجانب نگارش یافت و در مجله معرفت به چاپ رسید.

۳. اینجانب سالیان متمادی در زمینه بانکداری سنتی در غرب و ایران و ارائه جایگزین مناسب مبتنی بر آموزه های اسلامی، تحقیق و تامل فراوان داشته ام که حاصل آنها کتابی است تحت عنوان «مبانی نظام مالی با نگرش اسلامی» که در پاییز ۱۳۸۶ چاپ شد. اینجانب از معدود کسانی (و چه بسا اولین کسی) هستم که به نقد جدی نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران پرداختم و ضرورت تحول ساختاری در آن را مطرح نمودم که البته خوشبختانه در دولت نهم این ایده به صورت قابل ملاحظه ای پی گیری شد. هر چند بنده در نوشته های خود تصریح کرده ام که نباید شالوده نظام تامین مالی و سرمایه گذاری در جامعه اسلامی بر واسطه گری در مشارکت در سود (بانکداری بدون ربا) مبتنی باشد بلکه باید تامین مالی مستقیم و عمدتاً بازار بورس و شرکت های سرمایه گذاری تولیدی به صورت گسترده رواج داشته باشند. اینگونه شرکتهای سرمایه گذاری در کشور مصر تجربه بسیار موفقی داشته اند.

۴. یکی از بزرگترین عنایات خداوند متعال به اینجانب حساسیت و اهتمام شدید بنده نسبت به حفظ ارزش های اسلامی به ویژه در عرصه علوم انسانی از جمله اقتصاد، در طول بیش از پانزده سال فعالیتهای تحقیقاتی است. متأسفانه در سالهای پس از دوران دفاع مقدس رفته رفته فرهنگ و ارزش های غربی در عرصه های مختلف جامعه ما رسوخ روز افزون کردند و ارزش های اسلامی و انقلابی هر روز کم رنگ تر شدند و ایستادگی در برابر این امواج بسیار شکننده و طاقت فرسا بود تا جائی که کسی حتی در جمع محققان اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم به راحتی نمی توانست از ارزشهای اسلامی به ویژه از عدالت سخن بگوید.

انصاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ میرزا حسن بن العلامه آیه‌الله حاج میرزا محمد جعفر انصاری از علماء و مدرسین مبرز حوزه علمیه اهواز میباشند و در مسجد نور که یکی از مساجد مرکز شهر اهواز است اقامه جماعت مینمایند در ترویج دین بالاخص نقل تفسیر و اخبار و احادیث کوشش خاصی دارند و مورد احترام عامه مردمند. دارای تألیفاتی میباشند که نامهای آنها را می‌نگارم:

۱- خلاصه مناسک حج مطبوع ۲- کتاب سراج المؤمنین ۳- شرح صرف و نحو ۴- کتاب محمدیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاری، عبدالرحمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمن انصاری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۶ در روستای نوایگان از توابع داراب متولد و پس از تحصیلات ابتدایی جهت تحصیل علوم اسلامی به حوزه علمیه

داراب رفتم و از اساتیدی چون آیت الله سید محمد علی نسابه و حجج اسلام حاج شیخ محمد علی عندلیبی و حاج میرزا محمد حسن عندلیبی شاگردی کردم. سپس جهت ادامه تحصیل به مدرسه آقا بابا خان شیراز رفتم و از محضر آیت الله حاج شیخ محمد علی موحد بهره بردم در آنجا ضمن تحصیل، صرف را برای عده ای تدریس می کردم.

در سال ۱۳۴۲ به حوزه علمیه قم آمدم و از درس لمعه و قوانین آیات عظام: صلواتی و شیخ مصطفی اعتمادی، سپس مکاسب و رسائل و کفایه را از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و نوری همدانی و شرح منظومه سبزواری و اشارات را از محضر آیت الله انصاری شیرازی و اسفار و فصوص الحکم از محضر آیت الله حسن زاده آملی بهره ها بردم. سپس در خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری، میرزا هاشم آملی، وحیدی خراسانی و حسینعلی منتظری استفاده نمودم. مدت یک سال در حوزه علمیه کاشان (سال فتح خرمشهر) مشغول تدریس سیوطی، حاشیه، معالم و شرح لمعه و... بودم.

بعد در واحد خواهران دفتر تبلیغات مشغول فعالیت شدم و ضمن برنامه ریزی برای خواهران کتاب های شرح لمعه و مکاسب را تدریس می کردم و با مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات نیز همکاری نموده و در نوشتن معجم بحارالانوار با سایر محققان همکاری داشتم همچنین در تهیه مطالب مربوط به سیره معصومان (چهارده معصوم) حدود پانزده سال مشغول جمع آوری مطالب مناسب بودم. این کار عظیم نیز توسط تحقیقات دفتر انجام می شد.

از سالهای گذشته و هم اکنون نیز با برخی از دوستان مشغول نوشتن کتاب و مقاله هستم. چند مقاله در مجله پیام زن نوشتم، مقاله ای درباره رهبری از دیدگاه مذاهب اسلامی برای کنفرانس وحدت اسلامی در حدود ۱۰ سال قبل فرستادم که در برخی روزنامه های کثیرالانتشار مانند اطلاعات و ... به چاپ رسید. در حال حاضر کتابی راجع به تاریخ حادثه عاشورا با یکی از دوستان در حال نوشتن هستیم که سعی شده از منابع تاریخی پیش از قرن دهم استفاده شود که کتابی به صورت مذکور تا آن اندازه که بررسی کرده ام درسده های اخیر نوشته نشده است.

علاوه بر نوشتن کتاب در دفتر آیت الله العظمی نوری همدانی، قسمت استفتاء با عده ای از دوستان مشغول پاسخگویی کتبی به سوالات فقهی می باشیم و در دفتر تبلیغات واحد تاریخ و سیره نیز کار تحقیقاتی انجام می دهم.

انصاری، عطاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عطاء انصاری بن المرحوم العلامه حاج شیخ عباس انصاری از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در تهران متولد شده و پس از دوران صبا و خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیةاللّه محقق داماد و آیت‌اللّه شریعتمداری و بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش به تهران برگشته و بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

نگارنده گوید: اقای انصاری از افاضل با تقوی و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب و اکنون در مدرسه عبداللّه خان بازار بتدریس مشغول و در مسجد مرحوم والدش بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انصاری، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم انصاری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مراحل ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را تا سال اول دانشگاه رشته مهندسی برق در کشور عراق طی کردم. سپس در سال ۱۳۵۹ به جمهوری اسلامی ایران تبعید شدم.

در سال ۱۳۶۱ تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم. مقدمات را پیش عمده ای از اساتید مشهد خواندم. سپس دروس لمعتین را نزد استاد مهدوی و مکاسب و رسائل را نزد اساتید: تبریزیان و اعتمادی (نوار کاست) خواندم. کفایتین را نزد استاد رضا زاده و خارج فقه و اصول تا پنج سال نزد آیت الله مرحوم حاج آقای فلسفی (قدس سره) خواندم.

سال ۱۳۷۵ به شهر مقدس قم منتقل شدم. بلافاصله در درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقه آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی شرکت نمودم. در سال ۱۳۸۰ ـ ۱۳۸۱ دوره کامل اصول را به اتمام رسانیدم و هم اکنون درس خارج فقه شرکت می کنم. به مدت کوتاهی، اشتغال به تدریس داشتم که حدوداً سه الی چهار سال ادامه داشت. به علت اشتغال به تحقیقات علوم

اسلامی و نوشته های مختلف، تدریس را رها کردم.
سال ۱۳۶۵ شروع به فعالیت تحقیقات اسلامی نمودم و نزدیک به تحقیق شصت جلد کتاب شرکت نمودم. از سال ۱۳۶۸ به عنوان مدیر تحقیقات موسسه آل البیت (ع) شعبه مشهد منصوب شدم. از سال ۱۳۷۵ که به شهر قم منتقل شدم، در شعبه مرکز موسسه آل البیت (ع) به عنوان مسئول کل تحقیقات موسسه منصوب شده و عضو هیئت مدیره آن موسسه گردیدم و این سمت تا به حال ادامه دارد.

انصاری، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید انصاری

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

مجید انصاری در سال ۱۳۳۳ در روستای خانوک از توابع زرند کرمان به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان زادگاهش به پایان رساند. مقدمات دینی را در حوزه علمیه حضرت معصومه کرمان فرا گرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات دینی عازم قم شد و تحصیلات دینی خود را در این شهر ادامه داد.
فرا گرفتن علوم دینی و حوزه مبارزات سیاسی انصاری از همین هنگام آغاز شد و با نهضت امام اوج گرفت. او که در طی تظاهرات ۱۹ دی شهر قم مجروح شده بود، بعد از بهبودی مبارزات خود را ادامه داد و ابعاد آن را در سال های نزدیک انقلاب به تمام شهرستان های استان کرمان توسعه داد. او در سالهای پس از انقلاب در کنار برخی دیگر از همرزمان خود به تشکیل و سازماندهی کمیته های انقلاب اسلامی پرداخت.
وی در سال ۱۳۵۹ و در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زرند وارد مجلس شورای اسلامی شد. تجربه نمایندگی مجلس انصاری در ادوار بعدی هم ادامه یافت و او در مجلس دوم نیز به نمایندگی از مردم زرند و در مجلس پنجم و ششم به نمایندگی از مردم تهران در مجلس شورای اسلامی حاضر بود و به جز دوره اول که عضو کمیسیون اقتصادی و معاون بود در تمام ادوار بعدی به عضویت کمیسیون های آیین نامه داخلی و برنامه و بودجه پیوست و با توجه به توانایی های خود نقش ویژه در تحرکات مجلس ایفا کرد.
او در کنار مسئولیت های تقنینی معاون پارلمانی وزارت کشور، معاونت برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور را عهده دار بود. انصاری عنوان معاون حقوقی و پارلمانی خاتمی را در دو سال آخر ریاست جمهوی همراهی کرد. او همچنین عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو کمیسیون های زیر بنایی، اقتصاددانان و کمیسیون خاص تدوین چشم انداز ۲ ساله این مجمع بوده و ریاست پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی و همچنین معاونت برنامه ریزی را بر عهده دارد. انصاری، عضو مجمع روحانیون مبارز و کمیسیون سیاسی این تشکل سیاسی روحانی بود و از زمان حضرت امام تاکنون افتخار عضویت در مجلس خبرگان رهبری را داراست.
وی، با توجه به توانایی های متنوع خود یکی از برجسته ترین و شاخص ترین سیاستمداران مورد اعتماد جناح های سیاسی مختلف بوده که با توجه به تخصص خود در برنامه ریزی اقتصادی همواره نقشی ویژه در تدوین و سامان دادن به حرکت اقتصادی کشور ایفا کرد و در شرایط فعلی نیز می تواند همین نقش را در تنظیم سیاست های کلان کشور بر اساس متدهای علمی و تخصصی بر عهده گیرد. مجید انصاری سابقه مسئولیت های دولتی خود را از سن ۲۶ سالگی با نمایندگی در دوره اول مجلس شورای اسلامی آغاز کرد.

انصاری، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن العالم الجلیل الشیخ مرتضی معروف بشیخ آقا بزرگ بن العلامه شیخ محمد حسن انصاری سابق الذکر برادر ارجمند آیه‌الله شیخ علی انصاری مذکور. عالمی جلیل‌القدر فاضل پارسا و پرهیزکار میباشد.
وی صاحب ملکات فاضله و اخلاق حمیده و خصال و صفات جمیله و بارزی است که او را از همگنان ممتاز میسازد.
تولدش در سال ۱۳۲۲ قمری پس از فوت مرحوم والدش اتفاق افتاد و در دامن جد والا تبارش نشو و نما نمود و بعد از وفات او نزد برادر برومندش آقا شیخ میرزا محمد جعفر تربیت یافت و تحصیلاتش را بپایان رسانید.

معظم‌له فعلا- از مدرسین حوزه علمیه اهواز و از جبینش اثار بزرگی و متانت و تقوی و ورع آشکار و هویداست و بدین جهت از موثقین ائمه جماعت شهرستان اهواز و مردم با او عقیدتی کامل دارند و کتابی در اخبار ائمه معصومین علیهم‌السلام تألیف نموده‌اند. برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاری، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد انصاری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۳

انصاری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا انصاری

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا انصاری در سال ۱۳۲۷ ش در شهرستان محلات متولد شدم. در دوران کودکی مدت سه سال در مکتبی که قرآن و خط و کتاب فارسی آموزش می دادند درس خواندم و همزمان با هجرت اعضای خانواده به قم، تحصیلات ابتدایی را تا سال ششم به پایان رساندم. پس از آن با تشویق پدرم مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن انصاری، تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم و بخش عمده ادبیات را نزد استاد بزرگوار حاج شیخ رحمت الله فشارکی آموختم و فقه و اصول را در مرحله سطح نزد آیات عظام فاضل لنکرانی و حسین نوری، و فلسفه و منطق را نزد حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفتم.

پس از ورود به مرحله دروس خارج، چندین سال به طور مداوم در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت جستم و برای خارج فقه، از آغاز، درس مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) را انتخاب نمودم که تا پایان عمر ایشان، قریب بیست سال در آن شرکت کردم.

از سال ۱۳۵۰ نویسندگی را آغاز نمودم و نخستین اثری که به عنوان ترجمه از من منتشر شد، کتاب" اسلام بر فراز اجتماع "نوشته استاد محمد جواد مغنیه بود که در سال ۱۳۵۲ توسط انتشارات پیام اسلام در قم به چاپ رسید. از آن پس به تدریج کتابهایی را از عربی به فارسی ترجمه نمودم و در مجلات و سالنامه هایی که در آن دوران منتشر می شد مقالاتی گوناگون ارائه دادم.

در سال ۱۳۶۷ به پیشنهاد هیئت علمی دارالقرآن الکریم آیت الله العظمی گلپایگانی به منظور همکاری علمی در این موسسه، تحقیقات قرآنی را آغاز نمودم. استخراج آیات اجتماعی قرآن و تنظیم و دسته بندی آنها برای تدوین" الکشاف الموضوعی لآیات القرآن الکریم "و نیز نگارش مقالات قرآنی در مجله" پیام قرآن ("نخستین نشریه فارسی قرآنی) و اقدام به ترجمه گروهی قرآن کریم به پیشنهاد هیئت نامبرده، از جمله تلاشهای قرآنی این جانب بود. قابل ذکر است که ترجمه قرآن کریم هرچند پس از گذشت چهار سال به پایان رسید، لکن با رحلت آیت الله العظمی گلپایگانی و متوقف شدن فعالیتهای علمی دارالقرآن، چاپ این ترجمه نیز متوقف ماند. با پایان یافتن کار در دارالقرآن الکریم، از سال ۱۳۷۵ به دعوت سرپرست" مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی "در این مرکز به تحقیقات قرآنی به ویژه در زمینه ترجمه های فارسی قرآن کریم پرداختم که تاکنون نیز در آنجا به این رشته اشتغال دارم.

در خلال یک دهه اخیر پنج ترجمه از قرآن مجید را به صورت گروهی یا انفرادی تصحیح و ویرایش کرده ام که نام آنها در جدول آثار خواهد آمد. در مجله تخصصی" ترجمان وحی "که مرکز ترجمه قرآن مجید آن را منتشر می سازد، نیز مقالاتی پیرامون مباحث قرآنی از این جانب به چاپ رسیده است. در مرکز فرهنگ و معارف قرآن نیز در دو پروژه قرآنی شرکت داشتم. این دو پروژه که هر دو به انجام رسید، یکی" تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن مجید "برای درج در تفسیر راهنما و دیگری" تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان "بود.

انصاری، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران استاد مسعود انصاری خوشابر ، یکی از اسلام شناسان و محققان عالی مقام و سختکوش و پرکار و صاحب نظر و صاحب اثر در اغلب زمینه ها و رشته های علوم اسلامی ، به ویژه علوم قرآنی و فقه (همراه با حقوق) و حدیث و نیز مترجمی تواناست که به شمه ای از آثار ایشان اشاره خواهد شد .

او در سال ۱۳۴۵ در شهرستان تالش / طالش به دنیا آمد . تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند ، و همزمان به آموزش مقدمات علوم دینی پرداخت . پس از به پایان رساندن تحصیلات دوره ی متوسطه ، برای تکمیل آموخته های دینی به حوزه ی علمیه ی دارالعلوم زاهدان رفت . پس از طی مراحل لازم ، در تهران به تحصیل در دانشکده ی حقوق (در دانشگاه شهید بهشتی) پرداخت ، و با شور و شوقی بیکران تحصیلات حوزوی را پی گرفت و نزد استاد محمد شیخ الاسلامی ، فقه ، کلام ، تفسیر ، علوم قرآنی ، نحو و علوم بلاغی را تا مدارج عالی فرا گرفت و در سال ۱۳۷۰ ش در محضر این استاد عالیقدر و از دست ایشان ـ در ۲۵ سالگی ـ اجازه ی مکتوب « افتاء » به شیوه ی مرسوم در مذهب شافعی ، دریافت داشت و دو سال بعد از دانشکده ی حقوق فارغ التحصیل شد و پس از آن قرآن پژوهی و اسلام شناسی و تالیف و ترجمه و تحقیق را پیشه ی خود ساخت و تاکنون آثار معتنابهی ، هم از نظر ارزشمندی خود اثر ، و هم از نظر کیفیت عالی پژوهش ، پدید آورده که مایه ی اعجاب اهل فن و ارباب نظر است . مهم ترین و طبعاً شریف ترین اثر ایشان ترجمه ی قرآن کریم به شیوه ای شیوا در کمال صحت و دقت است که بخشهای بعدی این مقاله ، تماماً به بحث درباره ی آن و معرفی آن اختصاص دارد . بعضی از آثار دیگر ایشان عبارت است از :

ـ تالیف بیش از چهارصد مقاله برای دو اثر مرجع : دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی و فرهنگ آثار (بخش معرفی کتابهای عربی و فارسی ، به سرپرستی جناب رضا سید حسینی و سه محقق برجسته ی دیگر)

ـ ترجمه ی کتاب واقعه ی کربلا، اثر عباس محمود عقاد

ـ ترجمه ی مجموعه ای از حدوداً چهار هزار حدیث و خطبه و نامه و عهدنامه ، و وصایا و کلمات قصار ، و احادیث موضوعی ، با ذکر اسناد هر حدیث از کتب ششگانه (صحاح سته) اهل سنت و کتب اربعه ی شیعه ، با همکاری بهاء الدین خرمشاهی . نام این مجموعه که تدوین فرهنگ وار و انواع فهارس را در بر دارد ، پیام پیامبر (ص) است .

ـ هدیه ی معراج (احکام نماز در فقه شافعی)

ـ اهمیت نماز جماعت (ترجمه)

ـ پدیده ی افراط در تکفیر (ترجمه از اثر دکتر قرضاوی)

ـ زن در اسلام و نقش زن در فعالیتهای اجتماعی (ترجمه از اثر فیصل مولوی)

ـ ترجمه ی مجموعه ای از آثار جبران خلیل جبران (از جمله اشکی و لبخندی ، تندبادها ، موسیقی ، عروسان مرغزار ، بالهای شکسته ، عیسی فرزند انسان ، تازه و طرفه ها ، و ارواح سرکش)

ـ ترجمه ی کتاب خاتم النبیین اثر سمیح عاطف الزین که ممکن است عنوان فارسی آن « حضرت محمد در مکه / حضرت محمد در مدینه » باشد .

ـ قاموس شگرفیهای قرآن (در دست تدوین)

ـ پژوهشهای تاریخی در قرآن (ترجمه ی اثر بیومی مهران ، زیر چاپ)

ـ دانشنامه ی حقوق خصوصی این اثر مرجع ۳ جلدی ، در مرحله ی حروف نگاری است . و یکی از آثار و کوششهای قرآن پژوهی دیگر ایشان تصحیحی علمی و هر چه دقیق تر ترجمه ی شاه ولی الله دهلوی از مهم ترین و دقیق ترین ترجمه های قرآن مجید به زبان فارسی است ، که متاسفانه چاپ آن در حدود یک دهه به درازا کشیده و هنوز هم منتشر نشده است .

بر گرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

انصاریان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین فرزند حاج شیخ محمدباقر انصاریان خونساری از گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست. در ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۲۳ شمسی در خونسار متولد شده و در تحت تربیت پدری متدین و اهل حال پرورش یافته نشو و نما یافته و هفتمین جد ایشان عارف بزرگ شیخ عرفان بوده که در حمله افاغنه از اصفهان به خونسار آمده و قبرش در سرچشمه خونسار مزار و دارای صحن و سرا و گنبد و بارگاه است و اصلا از طایفه انصار مدینه است.

والده ماجده‌اش علویه از سادات مصطفوی است که به عفت و پرهیزگاری و پاکدامنی موصوفه می‌باشد. و این توفیقات ایشان در راه تبلیغ اسلام و معارف اهل‌بیت و تألیفات عدیده از اثر دعاء مادرشان و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری رحمه‌اللّه علیه می‌باشد که از خدای متعال خواستند او روحانی و خدمتگذار آستان ولایت و خاندان رسالت و بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام باشند.

ایشان در اوائل عمر با خاندانش مهاجرت به طهران نموده و در خیابان خراسان ساکن و در مدرسه ابتدائی و دبیرستان مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر برهان انار اللّه برهانه دروس جدید را فراگرفته و به تشویق حکیم الهی میرزا مهدی الهی قمشه‌ای درسال ۱۳۴۱ شمسی به قم آمده و به دروس دیگر پرداخته و از محضر حاج شیخ محمد وحید و مرحوم حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی و

آقای ناطق نوری و حاج شیخ رحمت‌اللّه فشارکی و حاج آقا جمال مرتضوی و آقای جوادی استفاده و مقدمات و سطوح وسطی را خوانده و پس از آن سطوح عالیه را در طهران از حاج میرزا ابوالقاسم فلسفی و حاج میرزا علی آقای فلسفی آموخته و باز به قم آمده و از محضر و دروس آقای فاضل لنکرانی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و آقای خزعلی و حاج شیخ یوسف صانعی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی و حاج شیخ ابوالفضل خونساری و آقای منتظری و مشکینی و یزدی شرکت و استفاده نموده و دروس اخلاق و عرفان را از محضر و بیانات آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان و میرزا مهدی الهی قمشه‌ای و آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه العظمی میلانی در مشهد مقدس آموخته و در تهران و سایر نقاط کشور به ترویج احکام اسلامی و نشر معارف اشتغال داشته و دارند و برای صراحت لهجه و انتقادات از رژیم طاغوتی گذشته کرارا بازداشت و زندانی شده و پس از مدتی آزاد و به خدمات خود تداوم بخشیده است.

دارای تألیفات سودمندیست که به طبع رسیده است.

۱- اسلام و کار و کوشش

۲- اسلام و علم و دانش

۳- از اسلام چه می‌خواهید

۴- معنویت اساسی‌ترین نیاز عصر

۵- حج وادی ایمن

۶- لقمان حکیم چاپ چهارم

۷- مناجات عارفان طبع ششم

۸- عرفان اسلام حدود ۱۴ مجلد

۹- به سوی قرآن و اسلام

۱۰- مقدمه بر دیوان وحدت

۱۱- مقدمه حقوق کیفری

۱۲- مقدمه‌ای بر معاد

۱۳- مقدمه‌ای بر قضاء در اسلام

۱۴- چهره‌های محبوب و منفور در قرآن

۱۵- سیری در اخلاق اسلامی

۱۶- مرز روشنائی

۱۷- شرح دیوان و کلمات باباطاهر

۱۸- فروغی از تربیت اسلامی

۱۹- حسینیه انصاریان (انصار الحسین) در خیابان باغ حاج محمدحسن خیابان ری- که بسیار مجلل و مکمل آماده برای تبلیغ احکام اسلامی و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام و تدریس و تعلیم و تعلم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انصاریپور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی انصاری پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خرداد سال ۱۳۶۰ دیپلم تجربی ـ تهران ـ خ جمهوری اسلامی، دبیرستان بامداد.

ورود به حوزه: مهرماه ۱۳۶۰، مدرسه حقانی و سپس مدرسه شهیدین.

اتمام دروس سطح: ۱۳۶۹ شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله سیدکاظم حائری تا سال ۱۳۷۵ و ضمن درس خارج ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بنیاد باقرالعلوم (ع) در سال ۱۳۷۰ اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته دین‌شناسی در ۱۳۷۸ ورود به مرکز تربیت مدرس، دوره دکتری فلسفه دین در سال ۱۳۷۹ در حال حاضر در حال تدوین پایان‌نامه دکتری و در عین حال مشغول به کار در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب هستم.

در ضمن دروس حوزوی با شرکت در دوره‌های متعدد آشنایی با مکالمه و گرامر زبان انگلیسی و نیز مکالمه عربی و متون جدید عربی را نیز گذراندم. دوره‌های زبان تخصصی مربوط به فلسفه دین و کلاس‌های ترجمه، توانایی مکالمه به زبان انگلیسی و عربی و ترجمه از این دو زبان را نیز کسب کردم.

انگجی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بزرگترین فرزند مرحوم آیه الله حاج سید ابوالحسن انگجی ره و از علماء اعلام و دانشمندان کرام تبریز است که در مهد علم و مجد تربیت شده و مقدمات و سطوح را از علماء تبریز مخصوصا والد ماجد خود و مرحوم آیه الله حاج میرزا صادق آقا و دیگران خوانده و مسافرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیه الله حایری و آیه الله حجت کوهکمری استفاده کرده آنگاه به تبریز مراجعت و به وظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد مدرسه طالبیه و مباحثات پرداخته است ادام الله توفیقاته.

از تألیفات ایشان است رساله‌ای در کر که به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انگجی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا مهدی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام آیت‌اللّه الملک العلام السید المیرزا ابوالحسن انگجی تبریزی از علماء بنام طهران بودند و در مسجد ملک آباد اقامه جماعت می‌نمودند.

ولادت آن مرحوم در تبریز واقع شده و در مهد تربیت آیت‌اللّه والد پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه در سال ۱۳۴۰ قمری مهاجرت به قم فرموده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی فراگرفته و بدرس خارج علامه بزرگوار آیت‌اللّه العظمی حجت و مدتی هم بدرس خارج آیهٔ‌اللّه حایری موسس حوزه حاضر شده و پس از آن به تبریز مراجعت و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و پس از آن مهاجرت به تهران نموده و در مسجد مذکور به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و ارشاد مردم مشغول شده تا در سال ۱۳۸۳ که وفات نموده و با تشییع عظیمی جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد موزه مدفون گردیده است. دارای تألیفات عدیده می‌باشند: ۱- رساله‌ای در تنجیس متنجس و عدمه ۲- تقریرات اساتید در فقه و اصول. از باقیات الصالحات ایشانست ۱- جناب حجه‌الاسلام آقا سید علی انگجی که سالها در قم اقامت و از محضر آیات عظام بالاخص آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیهٔ‌اللّه علامه طباطبائی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و بمدارج فضل و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

از آثار و تألیفات اوست:

۱- تفسیر سوره‌ی نور که جامع جهات مختلفه فقهیه و اخلاقیه و غیره می‌باشد.

۲- تقریرات دراسات آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی.

۳- تقریرات درس آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری.

۲- دومین فرزند معظم له است دکتر سید هادی انگجی که سیدی شریف و طبیبی معروف است در تبریز که از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده و تخصصی در جراحی دارد و اکنون رئیس بیمارستان (شیر و خورشید) تبریز است.

۳- سومین فرزند ایشان آقای مهندس سید رضا انگجی است که متصدی امور کارخانه برق و آب است در استان آذربایجان، خداوند توفیق آنان را در خدمات دینی و اجتماعی زیاد فرماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انوار، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات حوزوی، علوم قدیمه و ادبیات عرب، کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا در رشته ادبیات عرب از دانشکده ادبیات و الهیات و معارف اسلامی تهران با رتبه ممتاز.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای مختلف ایران، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران، دریافت سه مدال درجه اول فرهنگ، سراینده اشعار فارسی و عربی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تفسیر و عرفان، لغت، شرح نظم و نثر عربی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی تألیفات:

تفسیر، عرفان، ادب، لغت، شعر فارسی، شعر عربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادب، عرفان، تفسیر، شعر و هنر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

انواری، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر انواری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر انواری در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را به پایان رساندم و دروس سطح (رسائل، مکاسب و کفایه) را در حوزه، بصورت آزاد خواندم.

در کنار تحصیل فقه و اصول در دیگر دروس حوزه مانند نهج البلاغه، عقائد، تفسیر و... شرکت داشتم. در سال ۱۳۵۶ پس از پایان دروس سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و در دوران شرکت در درس خارج که حدود بیست سال بطول انجامید از محضر حضرات آیات عظام وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره مند شدم.

در سال ۱۳۶۰ وارد موسسه در راه حق شدم و از دروس آن موسسه که افزون بر رشته های مختلف اقتصادی و فلسفی، در قالب اقتصاد و فلسفه شهید صدر، از دروس فلسفه (فلسفه، نهایه، برهان، شفا و اسفار) و معارف قرآن استاد مصباح یزدی کسب فیض نمودم.

در سال ۱۳۶۳ در گروههای تحقیقاتی تفسیر و علوم قرآن، به کاوش و پژوهش پرداختم و در همان سال ها تدریس مباحث معارف قرآن استاد مصباح یزدی را نیز عهده دار شدم. از سال ۱۳۶۱ تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه آغاز کردم که ۱۸ سال تدریس این دروس در دانشگاه تهران بطول انجامید.

با تاسیس موسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره)، در رشته علوم قرآنی به پژوهش و همکاری با بخش آموزش ادامه دادم و در سال ۱۳۸۰ بعنوان عضو هیئت علمی آن موسسه پذیرفته شدم که هم اکنون با بخش آموزش در تدریس دروس قرآنی و با پژوهش در تحقیقات قرآنی ادامه همکاری دارم.

انواری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد انواری یزدی در سال ۱۳۲۲ ق در یزد متولد و پس از گذرانیدن دوران کودکی بتحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و منطق و قسمتی از شرح لمعه و قوانین و رسائل را خدمت مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقای شیخ محمد باقر انواری در یزد خوانده و قسمتی از رسائل و مکاسب و کفایه را خدمت سایر علماء و دانشمندان یزد آموخته و مقداری هم در مشهد مقدس از محضر مرحوم آیه‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی استفاده کرده و آنگاه بقم آمده و از محضر مرحوم آیه‌الله حجت کوه کمری و آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده آنگاه به یزد برگشته و بخدمات دینی پرداخته و در خلال آن بنابر دعوت همشهریهای مقیم بمبئی بهندوستان برای تبلیغ مسافرت و در پونه و نقاط دیگر خدمات ترویجی نموده و پس از آن مراجعت بوطن و بنابر دعوت جمعی از مؤمنین بندرعباس عزیمت بآنسامان نموده و تا حال تحریر شش سال است که در بندر مزبور و حومه آن بانجام وظائف دینی اشتغال دارد ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انواری، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر ادیب فاضل، متخلص به «لمعه» از خدمت گزاران صدیق فرهنگ. در ۱۳۲۱ قمری در دستگرد متولد، و تحصیلات خویش را در مدارس قدیم و جدید این شهر به پایان رسانیده، مدتی به محراب و منبر سرگرم بوده، سپس ترک نموده به خدمت فرهنگ اشتغال جسته، سال‌ها مدیریت دبستان حسین‌آباد را داشت. در انجمن شعرا شرکت می‌کرد، و از آثارش: «نامه‌های دهقان» به چاپ رسیده. صاحب دیوان اشعار است.

در یکشنبه ۱۴ محرم ۱۳۸۵ وفات یافته، در تکیه‌ی شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

انوری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن انوری در سال ۱۳۱۲ در شهرستان تکاب به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ درجه دکترا در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های مختلف طی سالیان متمادی با سازمان کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش و مؤسسهٔ لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه پیام‌نور و... همکاری داشته است و چندین سفر مطالعاتی به کشورهای آلمان و آمریکا نموده است. دکتر حسن انوری سرپرست گروه تدوین کتاب"فرهنگ بزرگ سخنگ می باشد. کتاب فوق، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن انوری بعد از تحصیلات ابتدایی ، از سال ۴۰ـ ۱۳۳۷در مقطع کارشناسی رشته زبان وادبیات فارسی دانشگاه تبریز ادامه تحصیل داد و همچنین کارشناسی ارشد در همین رشته را از دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۴تا۱۳۴۶ ادامه داد. وی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران ازسال۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ ادامه گذراند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیت در تالیف بخشی از لغت نامه دهخدا در موسسه لغت نامه دهخدا و نوشتن مقاله در دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی از جمله فعالیتهای حسن انوری به شمار می آید.

فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی که حسن انوری تا کنون بر عهده داشته است عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تکاب ، ۱۳۳۷ـ۱۳۳۲ تدریس دردبیرستانهای تبریز ۱۳۴۰–۱۳۳۷ تدریس در دبیرستانهای تهران ۱۳۴۶–۱۳۴۰ تدریس در دانشگاه علم وصنعت ۱۳۵۱–۱۳۴۸ همکاری با سازمان کتابهای درسی ۱۳۵۸–۱۳۴۳ همکاری با سازمان لغت نامه دهخدا و تالیف بخشی از مجلدات لغت نامه دهخدا،۱۳۵۹–۱۳۴۰ تدریس نقد ادبی در رشته روزنامه نگاری دانشکده علوم ارتباطات و علوم اجتماعی ۱۳۵۸–۱۳۵۱ تدریس ادبیات فارسی و سرپرستی گروه زبان وادبیات فارسی دانشکده علوم ورزشی۱۳۵۸–۱۳۵۱ تدریس نقد ادبی ،متون قدیم فارسی (شاهنامه ، حافظ ، سعدی) و دستورزبان فارسی تربیت معلم ۱۳۵۸–۱۳۶۵ همکاری بادانشگاه پیام نور و تالیف ۹ جلد کتاب درسی برای آن دانشگاه تاسیس مجموعه ادب فارسی با همکاری دکترجعفر شعار ، تاکنون ۲۵ جلد از این مجموعه به وسیله چند ناشر چاپ شده است(۱۳۶۲) تاسیس مجموعه گنج ادب ، تاکنون ۲۵ مجلد در نشر قطره چاپ شده است(۱۳۷۱) تاسیس سازمان فرهنگ برای تدوین چند روزه فرهنگ(۱۳۷۳)

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حسن انوری موسس مجموعه ادب فارسی، مجموعه گنج ادب (در سال ۱۳۷۱) و سازمان فرهنگ (۱۳۷۱)بوده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسن انوری بغیر از تدریس در مجامع علمی درسال ۱۳۵۳ به دعوت دانشگاه کن راهی آلمان و برای گذراندن فرصت مطالعاتی دردانشگاه پرنیستون درسال های ۸ ـ ۱۳۵۷ به آمریکا سفرکرده است.

جوائز و نشانها : دکتر حسن انوری سرپرست گروه تدوین کتاب"فرهنگ بزرگ سخنگ می باشد. کتاب فوق، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. حسن انوری در هفتمین همایش چهره های ماندگار در ابان ماه ۱۳۸۷ بعنوان چهره برگزیده در رشته ادبیات فارسی انتخاب گردید.

چگونگی عرضه آثار : از دکتر انوری مقالات و تألیفات متعددی به چاپ رسیده است و در زمینهٔ تحقیق و تصحیح نیز دارای آثار مختلفی می‌باشد . ———————————————————————————————

—

آثار :

۱ آتشکده آذر گشسب

۲ آغاجی ـ ترخان

ویژگی اثر : این مقاله در مجله آینده سال هشتم شماره ۱۰ دی ماه ۱۳۶۱ به چاپ رسیده است

۳ آمیختگی عرفان با ورزش باستانی

ویژگی اثر : نشریه دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی در شماره دوم زمستان ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است

۴ آی بی کلاه ،آی با کلاه

ویژگی اثر : این مقاله در مجله راهنمای کتاب شماره ۴ سال یازدهم تیرماه ۱۳۴۷ به چاپ رسیده است

۵ آیین نگارش

ویژگی اثر : برای سال اول ودوم و سوم دبیرستان و همچنین آیین نگارش مقدماتی و پیشرفته و برای تحصیلات مکاتبه ای از انتشارات رسا و پیام نور و آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۳تا ۱۳۶۸ چاپ شده است

۶ اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی

ویژگی اثر : تهران ، سال۱۳۵۵

۷ ایران درشاهنامه

ویژگی اثر : این مقاله در مجله خاوران شماره ۳و۴ دربهمن و اسفند ۱۳۶۹ و مقالات کنگره بزرگداشت فردوسی دردانشگاه تهران ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است

۸ تحقیق در احوال مشایخ نقشبندیه

۹ تحقیق در افعال فارسی

۱۰ تحلیل داستان شاه و کنیزک و زرگر

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه دانشکده علوم انسانی در دانشگاه تربیت معلم در اسفند ماه ۱۳۵۶به چاپ رسیده است

۱۱ تساهل

ویژگی اثر : این مقاله در مجله یغما سال پانزدهم دی ماه ۱۳۴۱ به چاپ رسیده است

۱۲ تصحیح انتقادی دیوان حافظ

ویژگی اثر : این مقاله درمجله آینده سال سیزدهم شماره۱۲ـ ۸ درسال ۱۳۶۶به چاپ رسیده است

۱۳ تصحیح انتقادی گلستان سعدی

۱۴ تصحیح انتقادی نصاب الصبیان فراهی

۱۵ تعمیم سواد دردهکده ها

ویژگی اثر : این مقاله در مجله یغما سال شانزدهم آبان ماه ۱۳۴۲ به چاپ رسیده است

۱۶ تنظیم مجلدات از لغت نامه دهخدا (حروف الف ، ب ، ر، ک، ی)

۱۷ خاندان نوبختی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله راهنمای کتاب شماره ۳و ۴ سال دوازدهم تیر ماه ۱۳۴۸ به چاپ رسیده است

۱۸ دستور زبان فارسی

ویژگی اثر : ایـن کتـاب بعنـوان دسـتورزبان فارسـی برای سالهـای اول و دوم و سـوم راهنمـایی و دانشسـرای راهنمـایی در تهران و دانشسـرای مقـدماتی توسـط انتشـارات فـاطمی وبرای تحصـیلات مکاتبه ای در دانشگاه پیام نوراز سالهای ۱۳۵۰ تـا ۱۳۶۸ به چـاپ رسیده است .

۱۹ دستورزبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله یغما درسال ۱۳۴۱ شماره ۴ ، تیرماه ،سال پانزدهم به چاپ رسیده است

۲۰ دیوان استیفا در حکومت غزنویان وسلجوقیان

ویژگی اثر : این مقاله در مجله بررسیهای تاریخی درشماره ۶ سال هشتم بهمن واسفند ماه ۱۳۵۲ در چاپ رسیده است .

۲۱ راهنمای تدریس فارسی

ویژگی اثر : این کتاب بعنوان راهنمای تـدریس آموزگاران برای سالهای چهارم و پنجم و اول و دوم و سوم راهنمایی از سال ۱۳۲۸ تاسال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است .

۲۲ رزمنامه رستم و سهراب

ویژگی اثر : این کتاب با همکاری جعفر شعار در تهران ،درسال ۱۳۶۳به چاپ رسیده است

۲۳ سخن و اندیشه

ویژگی اثر : این کتاب در تهران و در انتشارات توس باهمکاری علی اصغر خبره زاده به چاپ رسیده است

۲۴ صدای سخن عشق

ویژگی اثر : تهران ، انتشارات سخن، ۱۳۷۴

۲۵ غمنامه رستم و سهراب

ویژگی اثر : این کتاب در تهران و انتشارات توس درسال ۱۳۶۳ به چاپ رسیده است

۲۶ فارسی

ویژگی اثر : این کتاب برای دانشسرای مقدماتی درسال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است

۲۷ فرهنگ بزرگ سخن

ویژگی اثر : این کتـاب حاوی ۸ جلد است که در انتشارات سـخن درسال ۱۳۸۱ به چاپ رسـید ه است.دکتر انوری سرپرست گروه تدوین این کتاب می باشد. این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشـنایی با کتاب: فرهنگ بزرگ سخن به سرپرستی حسن انوری.ـتهران: انتشارات سخن، ۸ ج، ۱۳۸۱. این فرهنگ، به گفتهٔ سرویراستار آن، گامی است کوچک در راه تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی.

تهیه‌کننـدگان این فرهنگ خواسته‌اند به نیاز طبقهٔ متوسط کتابخوان و مراجعان فارسی¬زبان پاسخ گویند، هم نیازهای آنان را که در متون و در گفتارهای روز به واژه‌ای ناآشنا برمی‌خورنـد و هم نیاز آنان را که متون کهن را در مطالعه می‌گیرنـد برآورده کننـد. برای تهیهٔ این فرهنگ بیش از هشت سال وقت صرف شده و ده‌ها تن از کارشناسان درجهٔ اوّل تحت نظارت و سرپرستی دکتر حسن انوری، اســتاد زبـان و ادب فارسـی، بـه کـار پرداختـه انـد. اگر چـه مبنـای کـار تهیه‌کننـدگان بر اسـتخراج معـانی از شواهـد بـوده، فرهنگ‌های مهم فارسـی را پیوسته پیش چشم داشته‌اند . از آن میان، فرهنگ‌های برهان قاطع، جهانگیری، آنندراج، فرهنگ فارسی امروز، و به ویژه لغت‌نامهٔ دهخدا و فرهنگ معین، پیوسته مورد مراجعهٔ آنان بوده است

۲۸ فرهنگ دو جلدی سخن

۲۹ کتاب فارسی و تاریخ ادبیات

ویژگی اثر : این کتاب برای سالهای۲ ـ ۱۳۵۱ در وزارت آموزش وپرورش به چاپ رسیده است

۳۰ کتاب قرائت فارسی برای مدارس

ویژگی اثر : این کتـاب برای سالهـای چهـارم و پنجم دبسـتان و اول و دوم و سوم راهنمایی از آموزش و پرورش درسالهای ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است

۳۱ کتاب لغت برای کودکان

ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب شماره ۱ سال دهم اردیبهشت ۱۳۴۶ به چاپ رسیده است

۳۲ کشتی از دیدگاه اهل تصوف

ویژگی اثر : این مقاله درنشریه تربیت بدنی و علوم ورزشی شماره اول آذر ماه ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است

۳۳ گزیده اشعار رودکی

ویژگی اثر : این کتاب در تهران درانتشارات امیرکبیر درسال ۱۳۶۵ با همکاری جعفر شعار به چاپ رسیده است

۳۴ گزیده اشعار صائب

ویژگی اثر : این کتاب در نشر بنیاد در تهران با همکاری دکتر جعفر شعار و زین العابدین موتمن به چاپ رسیده است

۳۵ گزیده بوستان سعدی

ویژگی اثر : ۱۳۷۱ تهران ،انتشارات علمی،

۳۶ گزیده غزلیات سعدی

ویژگی اثر : این کتاب در تهران در انتشارات سعدی و درسال ۱۳۶۹به چاپ رسیده است

۳۷ گزیده گلستان سعدی

ویژگی اثر : تهران ، انتشارات علمی، ۱۳۷۱.

۳۸ هدف تدریس از ادبیات

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه انجمن دبیران ادبیات فارسی در تهران ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است

۳۹ یادداشتهای قزوینی بر حافظ

ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب درسال ۱۳۴۰ شماره ۵و ۶ به چاپ رسیده است

۴۰ یک قصه بیش نیست

ویژگی اثر : تهران ، مقاله علمی ، ۱۳۶۸–بررسی محتوایی و ساختاری شعر حافظ --

منابع :

۱http://www.aftab.ir/lifestyle/view.php?id=۱۰۰۲۲۹۲www.ketabesal.ir

اوجاقی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین اوجاقی قهرمان ارزنده‌ای است که بارها پرچم کشورش را در جای جای جهان به اهتزاز درآورده وی فرزند ارشد خانواده‌ای ۶ نفره می‌باشد، پدرش کارمند صـنایع دفاع بوده و در خانواده او علاوه بر وی امیر اوجاقی برادرش نیز توانسته چند عنوان جهانی در سن‌شو و مهدی اوجاقی دیگر برادر او نیز در بوکس‌های داخلی مقام‌آور باشد. وی دارای مدرک فوق‌لیسانس رشته مدیریت تربیت بدنی و مجرد می‌باشد. حسین اوجاقی نیمه شب هشتم شهریور یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار در بیمارستان فیروزگر تهران دیده به جهان گشوده، زندگیش را در جنوب شهر تهران منطقه شهر ری ادامه داده، ورزش را در سن هشت سالگی با ژیمناستیک آن هم بطـور هفتـه‌ای سه جلسه آغـاز نمـوده سـپس در دوازده سـالگی (۱۳۶۶) بـه کـان‌ذن‌ریو روی آورد و نزد اولیـن اسـتاد رزمی خـود، نیـک‌روش ورزشـهای رزمی را با هفته‌ای سه جلسه آغاز نمود. دوران نوجوانی او با کلنجارها و سـرشاخ‌شدن با هم سن و سالهایش سپری شد. وی به تمرینات مستمر و کلاسیک خود زیر نظر مربیش با نظم، خاصی ادامه داد. پس از چند سال با افتتاح کلاس کیک بوکس در منطقه شـهری توسـط همـان مربی وی به سوی رشته‌های کیـک بوکس روی آورد این روش تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت،

پس از آن با مرحوم فریدون مالکی (یکی از نام‌آوران رشته‌های رزمی ایران) آشنا شد و در لباس شاگردی به تمرین پرداخت به زعم وی شخصیت رزمی‌اش نزد ایشان شکل گرفت و احساس تکامل در هنر رزمی به او دست داد وی معتقد است از لحاظ تکنیک و مسائل مربوط به هنر رزمی هر آنچه دارد را مدعون مرحوم مالکی می‌باشد در کنار اینها بوکس را نزد حاج آقا محمدی باز هم در همان محله تهران ادامه داد، پس از چند سال نگاه وی به ورزش حرفه‌ای جلب شد چرا که او بصورت حرفه‌ای تمرین می‌کرد، اما او احساس کرد در مسابقات حرفه‌ای جای خالی پرچم ایران احساس می‌شود هر چند در برخی از رشته‌ها و در قسمت آماتور پرچم کشورش به اهتزاز در می آمد، اما حسی درونی او را به حضور در میادینی بزرگتر فراخواند این حس باعث شد تا برای ارضای نیاز درونی خود به مسابقات حرفه‌ای روی آورد * تکنیک برتر مبارزاتی اوجاقی بیشتر سعی می‌کند از تمام ضربات دست و پا استفاده کند و فنون درگیری را هم داشته باشد اما ضربه پا بالا (های کیک) وی چیزی دیگر است و او را راضی می‌کند. * به آنچه که خواسته رسیده یا نه پاسخ وی در این خصوص منفی بود چرا که اعتقاد دارد هر گاه به آنچه که می‌خواهی برسی این درست زمانی است که انگیزه اصلی که همان ادامه روند پیشرفت است را از دست خواهید داد. * آخرین برنامه حرفه‌ای که حسین در پیش رو دارد بنا به دعوتی از طرف یکی از باشگای ژاپنی به توکیو (ژاپن) رفتم و نزد کوبوسان رفتم وی با هماهنگی با مسئولین سازمان K-۱ ژاپن آقای کانی گاوا و ایشی کای‌چو و توافق انجام شده به عضویت تیم K-۱ جهت حضور در رقابتهای ۱۱ ژوئن ۲۰۰۶ (مسابقات آزاد بین سازمان K-۱ و سانداچین) تیم سانداچین با قهرمانان نامی ساندا و در تیم K-۱ نیز قهرمانان نامی این سازمان از جمله آلن کرایف (روسیه) و ...تیم را همراهی می‌کند در وزن ۸۰ کیلو افتخار همراهی این تیم را دارم یکی از حسن‌های K-۱ این است که از هر فرد از تیم K-۱ با پرچم کشورش وارد مسابقات می‌شود و این یکی از شرط‌های من بوده. * بهترین برد بازیهای آسیایی بوسان و کسب مدال طلای این دوره برای من شیرین بود چرا که توانستیم با این طلا چند پله کشورم در بین کشورهای آسیایی صعود کند. عناوین مدال محل مسابقات سال رشته عنوان مسابقات نقره چین ۲۰۰۷ سن شو جهانی طلا ایتالیا ۱۹۹۷ سن‌شو جهانی طلا هنگ‌کنگ ۱۹۹۹ سن‌شو جهانی نقره ارمنستان ۲۰۰۱ سن‌شو جهانی برنز ماکائو ۲۰۰۳ سن‌شو جهانی طلا ایتالیا ۲۰۰۱ ساندا جام‌جهانی طلا شانگهای (چین) ۲۰۰۲ سن‌شو جام‌جهانی طلا-ایتالیا ۲۰۰۵ ساندا جام‌جهانی نقره تایلند ۱۹۹۸ سن‌شو بازیهای آسیایی طلا بوسان (کره‌جنوبی) ۲۰۰۲ سن‌شو بازیهای آسیایی طلا ویتنام ۲۰۰۰ سن‌شو قهرمانی آسیا طلا میانمار ۲۰۰۴ سن‌شو قهرمانی آسیا طلا ترکیه ۱۹۹۸ سن‌شو بین‌المللی طلا ارمنستان ۱۹۹۹ سن‌شو بین‌المللی

اوجاقی، ناصرالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصرالدین اوجاقی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم در مدرسه علمیه معصومیه تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم و در سال ۱۳۷۴ وارد موسسه امام خمینی (ره) شدم.

در کنار دروس حوزوی دوره عمومی این موسسه را نیز گذراندم و نیز در سال ۱۳۸۰ مدرک کارشناسی ارشد پیوسته الهیات و معارف اسلامی را از این موسسه اخذ کردم در همین سال نیز موفق به اتمام پایه ۱۰ حوزه شدم. در ادامه به خاطر علاقه ای که به رشته دین شناسی داشتم با شرکت در آزمون به تحصیل در این رشته در مقطع کارشناسی ارشد در موسسه امام خمینی (ره) اشتغال یافتم. در همین دوره حین تحصیل دوره کارورزی تحقیق را نیز گذراندم و موفق به اخذ مدرک این دوره شدم و در بهار سال ۱۳۸۶ مدرک کارشناسی ارشد دین شناسی را نیز اخذ کردم.

اکنون نیز در قسمت پژوهشی موسسه مذکور اشتغال به امر پژوهش دارم و علاوه بر آن با بخش دایرهٔ المعارف علوم عقلی نیز همکاری دارم.

اوحد سبزواری، خواجه فخرالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۸ ق)، منجم، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به اوحد. از اعیان سبزوار و از خاندان مستوفی آن سامان و از معاصران امیرعلیشیر نوایی، شیخ آذری، مولانا یحیی سیبک و مولانا حسن سلیمی تونی و امیرشاهی سبزواری بود. با وجود فضل و حکمت مشرب فقر و درویشی داشت و همیشه جمعی از وی استفاده می‌بردند. بنا به گفته‌ی دولتشاه یک هزار جلد کتاب فارسی و عربی جمع کرد و آن را به خط خود تصحیح و مقابله نمود، وی در سبزوار درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات

و مقطعات است و قصاید غرّا در مدایح ائمه (ع) گفته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۸ -۳۹۷ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۴ -۳۰۳)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱)، الذریعه (۱۱۱/۹)، ریحانه (۲۰۰/۱)، الکنی والالقاب (۲۰۰/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اوحد)، مجالس المؤمنین (۶۶۸ -۶۶۷ /۲)، مجالس النفائس (۲۰۰، ۲۶).

اورعی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی اورعی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان دوره ابتدائی در سال ۵۱ وارد حوزه علمیه خوانسار و در سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را در مدرسه مرحوم آیهٔالله گلپایگانی خواندم و درس خارج را در محضر مرحوم آیهٔالله فاضل و حضرت آیهٔالله مکارم شیرازی شرکت کردم. زبان انگلیسی را در دفتر تبلیغات فرا گرفتم. سفرهای تبلیغی به زبان انگلیسی در کشورهای یاد شده داشتم. ۱۴ سال است که در نگارش دائرهٔ المعارف قرآن کریم و فرهنگ قرآن در مرکز فرهنگ و معارف قرآن مشارکت دارم.

اورنگ شیرازی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۸۶ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به اورنگ. مشهور به وقارالسلطنه. وی نواده‌ی وصال شیرازی بود و علوم ادبی و فارسی و عربی را در محضر پدر آموخت. سفری به عراق رفت و چندی در اصفهان و تهران اقامت کرد. در یکی از دوره‌ها از سوی مردم فارس به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و از آن پس در تهران ساکن شد و ریاست دفتر رییس الوزراء ایران را قبول کرد. پس از مرگ پدر به عتبات سفر کرد و بعد از شش ماه در سال ۱۳۱۳ ق به تهران بازگشت و با مؤلف «طرائق الحقائق» معاشر شد و مورد نوازش صدراعظم قرار گرفت. وفات وی در تهران اتفاق افتاد و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. اثر وی: دیوان «اشعار»، و از خطوط او: یک نسخه «لوایح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، که چنین تمام می‌شود، «به انجام رسید... در چهارم شهر ربیع‌الاول من شهور سنه ۱۳۱۳ صلاث عشر و ثلاثمائهٔ بعدالالف، علی ید تراب اقدام العارفین محمودالمتخلص به اورنگ ابن الفرهنگ ابن الوصال». اثر دیگر وی، «نصاب الرجال» است که منظومه‌ای فکاهی است و در آن از اوضاع ایران و فساد اخلاق مردمش به اسلوب زیبایی انتقاد کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۶۴ -۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۸۶۷ -۸۶۶ /۳)، حدیقهٔ الشعراء (۲۰۲ -۲۰۰ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۷۶ -۳۷۱ /۱)، الذریعه (۱۱۲/۹)، ریحانه (۳۲۸/۶، ۲۰۶/۱)، شرح حال رجال (۲۵۹/۶)، طرائق الحقائق (۳۸۱/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اورنگ شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰ -۹ /۶)، مرآت الفصاحه (۷۶ -۷۵).

اورنگ، مراد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق زبان‌های باستان.

تولد: ۱۲۸۳، تکاب آذربایجان.

درگذشت: آذر ۱۳۶۱.

مراد اورنگ، فرزند علی‌اکبر، بازنشسته‌ی ارتش بود. از وی آثاری درباره‌ی فرهنگ ایران باستان به یادگار مانده است که از آن جمله است: بررسی یسنا (ترجمه و تفسیر اوستا، بخش یکم، تهران. ۱۳۳۹؛ بخش دوم- هات ۹- تهران، ۱۳۴۰؛ بخش سوم- هات ۱۰- تهران)؛ جشن‌های ایران باستان (تهران، ۱۳۳۶)؛ سددر (منتخبی از گفتارهای زند و پازند، تهران، ۱۳۳۷)؛ سوشیانت (داستان هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانت، تهران، ۱۳۴۲)، فرهنگ اورنگ (تهران، ۱۳۳۷)؛ گزارش گاتاها (سرودهای زرتشت، تهران، ۱۳۴۱)؛ همبستگی در اوستا (ترجمه و گزارش واژه اوستانی: خوات و دته، تهران ۱۳۴۱)؛ یکتاپرستی در ایران باستان (تهران،

۱۳۳۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اهورهوش شیرازی، نصراللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۱۹ ش)، روزنامه‌نگار. وی روزنامه «جوشن» را در شیراز منتشر می‌ساخت و چون توقیف شد، به انتشار روزنامه‌ی «کوروش» پرداخت و صد شماره از آن منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۸۰ -۳۷۹ /۱).

ایازی، علی نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی نقی ایازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی نقی ایازی در خانواده ای روحانی متولد شدم . پس از گذراندن مقطع ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه مشهد مقدس شدم و بطور همزمان در سال ۱۳۶۶ دروس جدید را بصورت متفرقه ادامه دادم وتا پایان ادبیّات در حوزه علمیّه مشهد بودم . از ابتدای سطح به قم هجرت کرده و در مدرسه شهابیه قم ادامه تحصیل دادم ، تا اینکه پس از اتمام مقطع متوسطه در سال ۱۳۶۹ در کنکور سراسری دانشگاه پذیرفته شدم و به ناچار برای ادامه تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی به وطن خود مشهد مقدّس عزیمت نموده و همزمان با دروس سطح عالی حوزه ، در دانشگاه فردوسی رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم . از سال ۱۳۷۳ دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرتضوی ، حجج الاسلام آقایان رضا زاده و اشرفی شاهرودی آغاز کرده و قریب به ده سال دروس خارج فقه و اصول را تلمذ کردم و همچنین تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد به اتمام رساندم .

ایازی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی ایازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد سیّد محمّد علی ایازی متولد ۱۳۳۳ شمسی یکی از قرآن پژوهان معاصر است که تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۴۷ از حوزه علمیه مشهد آغاز کرد. پس از گذراندن دوره ادبیات و مقداری از سطح به حوزه علمیه قم وارد شد و از استادان سطح آقایان: محقق داماد، فاضل ، ستوده، صلواتی و سلطانی از درس خارج اصول آیات عظام: وحید خراسانی ، آقا موسی زنجانی و فاضل لنکرانی یک دوره را تمام کرد. همچنین از درس فقه آیات عظام: منتظری و شیخ جواد تبریزی (به مدّت ۱۵ سال) و نیز اندکی از درس حاج شیخ مرتضی حائری و اراکی استفاده برد. درس فلسفه را گرچه در آغاز با درس آیت الله حسن زاده آملی شروع کرد، اما مدت ۱۰ سال در خدمت آیت الله جوادی آملی اسفار و تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم را تلمذ کرد و نیز از محضر سید جلال الدین آشتیانی در فلسفه و عرفان بهره برد. در کنار تحصیلات و از همان سال های نخست ورود به حوزه، به درس تحقیق و پژوهشهای تحقیقی در زمینه قرآن توجه بسیار داشت و مدت ۳ سال در درس تفسیر آیةُ الله خزعلی و درس فلسفه جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن شهید مطهری و در کارهای تحقیقاتی با این شهید در سال ۵۵ تا ۵۷ شرکت داشت. او در کنار تحصیل و تحقیق از کارهای فرهنگی و تالیف نیز غافل نبود و به ویژه پس از دوره های متمادی تحصیل فقه و اصول و فلسفه ، بیشتر

وقت خود را به تحقیقات قرآنی اختصاص داده است و در این زمینه افزون بر مقالات گوناگون در مجلات و همایش ها، کتاب های بسیاری را تالیف کرده است.

ایجی، قاضی عضدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۰۸/۷۰۱- ح ۷۵۶ ق)، متکلم، اصولی، فقیه شافعی و نحوی. از معاصران حافظ است که در ایج از توابع اصطهبانات متولد شد. صوفی مشرب بود و شاگردان بسیاری داشت، شمس‌الدین کرمانی و سیف‌الدین ابهری و سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند. در زمان سلطنت آل‌مظفر در شیراز به قضاوت اشتغال داشت. حافظ او را در زمره‌ی یکی از مفاخر علمی پنجگانه‌ی فارس ستایش کرده است. کتب بسیاری در فلسفه و کلام و اصول دین و اخلاق به زبان عربی دارد. آنگاه که از سوی شیخ ابواسحاق نزد امیر مبارزالدین برای انصراف وی از حمله به شیراز رفت مورد احترام فوق‌العاده وی قرار گرفت و امیر از او درخواست کرد که کتاب «المفصل» زمخشری را که در نحو است به فرزندش شاه شجاع تعلیم دهد. در مذهب خود بسیار متعصب و با امامیه شدیداً مخالفت می‌ورزید. کار او به سختی رسید و توسط والی کرمان زندانی شد و در زندان قلعه دریمیان کرمان درگذشت. از تألیفات او: «المواقف»، در علم کلام، که به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین وزیر تألیف کرده و میرشریف جرجانی نیز شرحی بر آن نوشته است؛ شرح «مختصر الاصول» ابن حاجب؛ «الفوائد الغیاثیه»، که اختصاری است از قسمت سوم «مفتاح العلوم»؛ «تحقیق التفسیر فی تکثیر التنویر»؛ «الرسالهٔ العضدیهٔ»، در وضع؛ «المدخل فی علم المعانی والبیان والبدیع»؛ «العقائد العضدیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۸۲ -۴۸۰)، الاعلام (۶۶/۴)، ایضاح المکنون (۵۶۵، ۳۷۸ /۱)، بزرگان شیراز (۲۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۵/۳)، تاریخ گزیده (۶۹۹)، حبیب السیر (۲۲۱/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۳/۱)، روضات الجنات (۵۱ -۴۷ /۵)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۲ /۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۶/۲)، کشف الظنون (۱۸۹۱، ۱۷۶۴، ۱۲۹۹، ۱۱۴۴، ۸۹۸، ۱۰۴، ۴۱، ۳۷)، الکنی والالقاب (۴۷۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرحمن)، معجم المؤلفین (۱۱۹/۵)، هدیهٔ العارفین (۵۲۷/۱)، هفت اقلیم (۱۶۹ -۱۶۸ /۱).

ایدرم، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ایدرم

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ مدرک سال دوم ریاضی فیزیک راهی حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق علیه السلام مشهور به خلخالی شدم. در مدت چهار سال مقدمات را در آن جا فرا گرفتم. بنام ترین استادمان دراین مرحله جناب حجه الاسلام جراثیمی بود. البته، بیشتر دروس این مرحله را پیش خودم خواندم؛ همچنین فراگیری را محدود به درسهای ارایه شده نکردم .در مرحله سطح ۱ و ۲ هم بیشتر دروس را بجز بخشهایی از آن ، پیش خود خواندم از اساتید این مرحله می توانم آیات و حجج اسلام: وجدانی، اعتمادی، محفوظی و محقق داماد را نام ببرم که مدتی بخشهایی از سطح را پیش ایشان فراگرفتم. در مرحله خارج که از سال ۶۷ شروع شد، بخشهایی از فقه و اصول را نزد آیات عظام: منتظری، صانعی، موسوی اردبیلی، صالحی مازندرانی، احمدی فقیه یزدی فرا گرفتم. از سال ۶۹ هم تحقیق و پژوهش را در جلسه حزب الله در مباحث تاریخی شروع نمودم. کمی بعد به پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام رفتم و مدت چهارسال با آنجا به همکاری پژوهشی پرداختم. سپس در سال ۷۵ به همکاری با پژوهشکده فرهنگ و اندیشه پرداخته و تا چهار سال این همکاری ادامه داشت. از سال ۷۸ تا کنون نیز با موسسه فرهنگی و هنری عصر سبز همکاری دارم. در ضمن، سال ۷۶ تا ۷۹ هم با حوزه هنری همکاری داشته ام.

ایران‌پرست، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۹، اصفهان.

نورالله ایران‌پرست مؤسس و مدیر کتابفروشی دانش و صاحب امتیاز و ناشر «دانش» (سه سال منتشر شد) فرزند مرحوم محمدعلی داعی‌السلام در ۱۲۸۹ در اصفهان متولد شد. سال‌های نوجوانی را در هند گذرانید و تحصیل کرد. سپس به ایران آمد و کتابفروشی دانش را در خیابان سعدی ایجاد کرد. از جمله آثار او تصحیح گلستان سعدی است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ایرانپور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم ایران پور مبارکه

محل تولد : مبارکه اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۳۶در روستائی بنام مبارکه در میان یک خانواده مذهبی که به تدین معروف اند متولد شدم و تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همان روستا به پایان رساندم و به خاطر علاقه ای که به علوم اسلامی داشتم و در زادگاه ام این مکان فراهم نبود و از طرفی وضع اقتصادی پدر بزرگوارم که یک کشاورز و کارگری بیش نبود اقتضای رفتن به شهر نبود آن هم با سخت گیری ساواک آن زمان برای رفتن به حوزه علمیه و مشکلات دیگر ، تا اینکه با توسلات و دست تقدیر و عنایات پروردگار و تمایلات باطنی خدادادی به شناسایی عمیق معارف و حقایق اسلام این توفیق حاصل گردید و به حوزه علمیه اصفهان رهسپار شدیم و مقدار اندکی از نیاز علوم صرف و نحو- منطق معانی و بیان و بدیع تامین نمودم و برای تکمیل آن در رشته فقه و اصول و تفسیر توفیق تشرف به حوزه مبارکه علمیه قم و همجواری حضرت معصومه (س) حاصل گردید.امید است که در آن مهد علم بتوانیم کمال استفاده علمی و عملی را ببریم و پایان کار ختم به خیر و ترویج و نشر علوم آل محمد علیهم السلام باشد واخرالامر حشر با این خاندان را داشته باشیم و به شفاعتشان نائل گردیم

ایراندوست تبریزی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه مونپلیه فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات تطبیقی (ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه)، ویراستاری ۵ کتاب از دانشگاههای تبریز و سهند.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ادبیات تطبیقی (ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ایرانی، عبدالمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۵۰ ق)، شاعر، نویسنده، مورخ و روزنامه‌نگار. ملقب به مؤدب السلطان. در اصفهان متولد شد. در هفت سالگی پدرش را از دست داد و در حجره‌ی تجارتی برادران خود به کار مشغول شد و همزمان در مدارس قدیم اصفهان نیز به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی به شیراز و بوشهر سفر کرد و پس از یک سال اقامت به عتبات رفت. پس از بازگشت به اصفهان، به نمایندگی شرکت اسلامیه، که برای ترویج صنایع وطنی در اصفهان تأسیس شده بود، به بادکوبه رفت و چند سال در آنجا ماند. در سال ۱۳۳۲ ق که به مصر رفته بود، ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره به انتشار روزنامه‌ی «چهره‌نما» پرداخت. به همین سبب به چهره‌نما مشهور شد. در سال ۱۳۲۷ ق به اروپا رفت و در سال ۱۳۰۹ ش به ایران مراجعت نمود. پس از مرگش روزنامه‌ی «چهره‌نما» به مدیریت فرزندش منوچهر مؤدب‌زاده ایرانی چاپ می‌شد. ایرانی سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی احقاق الحق»؛ «زرتشت باستانی و فلسفه‌ی او»؛ «تاریخ مفصل افغان»؛ «پیدایش خط و خطاطان»؛ «امان التواریخ»؛ «فوائد التواریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۹۳ -۴۹۲ /۲)، تاریخ جراید (۱۹۹ -۱۹۰ /۲)، تذکرهٔ القبور (۲۴۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۱۸ -۳۱۷ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹ -۷ /۴).

ایرانی، مصیب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصیب ایرانی

محل تولد : سنقر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۳/۹

زندگینامه علمی

اینجانب مصیب ایرانی تحصیلات ابتدائی وراهنمائی را در شهرستان سنقر به اتمام رسانده ودر سال۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره)شهر کرمانشاه شده،همزمان با دروس حوزه مدر ک دیپلم متوسطه اخذ نموده و بعد از پایان مقدمات در سال ۱۳۷۵وارد حوزه علمیه قم شدم ودر دروس آقایان حجت الاسلام احدی واستاددریاباری شروع به ادامه دروس حوزه نمودم.همزمان در قم وحضور در دروس اساتید مذکور دوره تربیت مربی (دفتر تبلیغات)وآموزش مبلغین این مرکزوحضور در موسسه تنظیم ونشرآثار امام خمینی (ره)دوره امام شناسی با گرایش اندیشه سیاسی(کارشناسی ارشد) به پایان رساندم .در حال حاضر نیز دروس خارج فقه استاد قاضی زاده وشرح منظومه استاد دریاباری را تلمذ می نمایم.

وسلام توفیقات روز افزون را از ایزدمنان خواهانم خداوند مارا از الطاف خود و اولیائش محروم نکند..

ایروانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی ایروانی از علماء برجسته معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۲۴ ق در تبریز متولد گردیده و مقدمات را در تبریز خوانده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شید محمد مولانا و آیت‌اللّه حاج میرزا علی اصغر ملکی تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۸ ق به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّه حجت کوهکمری استفاده فقه و اصول نموده و علوم عقلی و حکمت را از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد علی شاه آبادی بهره‌مند و در سال ۱۳۵۵ قمری منتقل به تهران و در خیابان مولوی ابتداء و بعد مختاری (خیابان امیریه) سکونت و تاکنون بالغ بر چهل سال است که در مسجد چهار راه مختاری به اقامه جماعت و ترویج دین و خدمات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای ایروانی عالمی با متانت و دانشمندی با کیاست و فضیلت و موصوف بفضل و تقوی و اهل ولاء و محبت و مواظب زیارت حضرت امام زاده عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و همه روزهای پنجشنبه مرتب با توجه مخصوصی موفق می‌باشند ادام اللّه توفیقه و انار اللّه برهانه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایروانی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ یوسف ایروانی از افاضـل علماء معاصـر تهران، در سال ۱۳۲۹ ق در نجـف متولـد شـده و در بیـت علم پرورش یـافته و پس از خوانـدن مقـدمات و سـطوح از محضـر بزرگان نجف مرحوم آیـهٔاللّه آقا ضـیاءالدین عراقی و آیهٔاللّه حاج شـیخ محمدحسین غروی اصـفهانی و آیت‌اللّه العظمی اصـفهانی و آیهٔاللّه العظمی خوئی و مقداری از آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصـفهانی در سـال ۱۳۶۶ ق به تهران مهـاجرت و در مسـجد (قنـدی) خیابان خانی آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

آثـار معظم له از این قرار است: ۱– مسـتند الفتوی فی شرح عروهٔالوثقی ۲– تقریرات و دراسات اساتید نجف اشـرف مرحوم والدش علامه ایروانی و اساتید دیگر.

دارای اجازات اجتهاد و روایاتی از آیات عظام نجف آیـهٔاللّه میرزا عبدالهادی شـیرازی و مرحوم علامه کاشف‌الغطاء و علامه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایزد پناه، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس ایزد پناه

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه قم شدم. تا سال ۱۳۶۴ دروس سطح را همراه با فلسفه و کلام و تفسیر به پایـان رسانـده و وارد دوره اشـارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شـدم. در سال ۱۳۶۴ کتاب اصول سیاسـتها و احزاب را انتشـار دادم و در سال ۱۳۶۷ وارد فوق لیسانس فلسـفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت ۲ سال در دانشـگاه تربیت معلم تبریز تـدریس فلسـفه و کلام و در سال ۱۳۷۲ وارد دانشـگاه قم شـدم. ابتـدا عضو هیأت علمی– پژوهشـی شـدم و پس از آن به تـدریس پرداختم.از سال ۱۳۷۲ مقالات علمی من از کنگرهٔ علامهٔ طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله درکیهان در دو شـماره به چاپ رسـید. در سال ۱۳۷۳ مقاله ام در دانشـگاه امام حسین(ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود ۸ سـال مقالات علمی ام در روزنـامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسـید که به حـدود ۹۰ مقاله می رسد. در سال ۱۳۸۰ وارد دوره دکتری فلسـفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشـگاه قم فلسـفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می کنیم و در ضمن در سال ۱۳۸۳ طی ۶۰ برنامهٔ علمی رادیو معارف به بررسـی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشـی دفتر تبلیغات حـدود ۱۰ کارگـاه علمی برگزار کرده ام.این فعـالیت هم اکنـون به یـاری حضـرت حق ادامه دارد.هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجـانب فلسـفهٔ علم، هنر و ادبیـات و علوم دین است. آنچه که دغدغـهٔ اصـل من در تحقیقـات تألیفـات است اصـل جـامع نگری به مسائل و تحقیق همه جانبه است. منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

ایزد گشسب گلپایگانی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ –۱۲۶۲ ش)، عالم، صوفی، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شـمس. در گلپایگان متولد شد. تا سن هجده سالگی در زادگاه خویش به تحصـیل علوم ادبی، صـرف و نحو، منطق و معـانی و بیـان پرداخت. پس از آن به اصـفهان رفت و حکمت و کلام را نزد استادان آن شـهر فراگرفت. سپس در ۱۲۸۰ ش بـه نجـف رفـت و چنـد سالی به تحصـیل فقه و اصـول و حکمت پرداخت. پس از بازگشت به ایران، به تهران و مشـهد سـفرهایی کرد و به خدمت بعضـی از مشایخ صوفیه رسید و دست ارادت به حاج ملا سلطانعلی گنابادی داد و پس از او به فرزندش پیوست و از طرف صالح علیشاه، شـیخ طایفه در اصفهان گردید و اجازه‌ی ارشاد و دستگیری به او داده شـد و به ناصر علیشاه شـهرت یافت. مدتی در فرهنگ اصـفهان مدیر دبسـتان حکمت و چندی دبیر دبیرسـتانها بود. در سال ۱۳۰۵ ش روزنامه‌ی «عنقا» را منتشـر ساخت و مدت یک سال به نشر آن همت گماشت. سرانجام در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، جنب تکیه‌ی کازرونی دفن شد. آثار وی: «نور الابصار»؛ «اسـرار عشق»؛ «تفسیر سوره‌ی یوسف»، به شعر؛ «شـمس التواریخ»؛

«جذوات الهیه»، به شعر؛ «نامه‌ی سخنوران»؛ «هدایهٔ الامم»؛ «معرفهٔ الروح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۵۴ -۵۲ /۴)، تذکرهٔ القبور (۱۳۱ -۱۳۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲۱ -۳۲۰ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۰۰۹ -۲۰۰۵ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۰ -۵۳۹ /۱).

ایزدپور، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا ایزد پور

محل تولد : قم

شهرت : ایزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ با رها نمودن تحصیلات متوسطه در سطح دوم دبیرستان و در رشته علوم تجربی، به حوزه علمیه قم وارد شده و تا سال ۱۳۷۰ شمسی علوم مقدماتی و سطوح حوزوی را به پایان رسانده و از همان سال به تحصیلات خارج فقه و اصول مبادرت ورزیدم، تحصیلات عالی فقه و اصول را برای مدت ۱۶- ۱۵ سال ادامه داده و اکنون نیز در حلقه اصول استاد معظم حضرت آیت الله وحید مشارکت دارم. همزمان با تحصیلات فوق، سالها در حوزه علمیه به تدریس کتابهایی همانند، الموجز، اصول الفقه، لمعه، رسائل و مکاسب و عقاید و در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و تهران به تدریس مبانی نظری اسلامی و اخلاق کاربردی اشتغال داشته ام.

ایزدجو، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی ایزدجو

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶ در آشتیان هستم سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه آشتیان شدم پس از دروس مقدماتی (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، منطق مظفر، مختصر، مختصر المعانی، شرح لمعه و اصول فقه) و شرکت در دروس جنبی عقاید و تاریخ اسلام و نهج البلاغه که توسط حضرات حجج الاسلام محمدرضا آشتیانی و محمدجعفر امامی عصر روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد در سال ۱۳۶۵ راهی حوزه علمیه قم شدم. و در امتحانات کتبی شورای مدیریت (که گویا اولین سال برگزاری آن بود) شرکت کردم و با نمره عالی قبول شدم و در امتحانات شفاهی که از سیوطی، مختصر و مغنی تا لمعتین و وصولین برگزار شد قبول شدم. و در مدرسه رسول اکرم(ص) واقع در خیابان شاه ابراهیم ساکن شدم. اولیه دورس لمعه و اصول را در قم در محضر استاد وجدانی فخر و صالحی اطفالی به پایان بردم.کفایه را پای درس استاد اعتمادی ششم و مکاسب را در حضور مرحوم پایانی تلمذ کردم و رسایل را از حضور استاد تهرانی بهره بردم.در طی سال‌های ۶۵ تا ۶۹ پای درس تفسیر آیت الله جوادی که آغاز دوره تفسیر ایشان بود حاضر می‌شدم. سال ۶۵ سطح ۴ و ۵ و ۶ را امتحان دادم سال ۶۶ تا سال ۱۳۶۹ پایه‌های ۷ و ۸ و ۹ قدیم را گذراندم و فقط امتحان شفاهی پایه آخر مانده بود که به علت سفر به شهرستان ایذه از طرف مرکز مدیریت حوزه علمیه برای تدریس دروس حوزوی در سال ۷۳ انجام شد.در سال ۱۳۷۰ به دعوت مسئول حوزه علمیه شهرستان ایذه از شهرستانهای استان خوزستان به این شهرستان هجرت کردم که با هماهنگی حوزه علمیه قم (شورای مدیریت) بود و در شهرستان ایذه به تدریس مقدمات از سیوطی، مغنی اللبیب، حاشیه، مختصر المعانی و قسمت متاجر عصر پرداختم و پس از گذشت سه سال از تدریس در این شهرستان در سال ۱۳۷۳ به علت قبولی در دانشگاه (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی به قم بازگشتم. و طی چند سال در این مقطع مدرک تحصیلی آن را به دست آوردم. در سال ۷۳ پس از بازگشت از ایذه و در کنار تحصیل در دانشگاه پای درس اصول آیت الله سبحانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می‌شدم (البته نه به طور کامل).و به علاوه در قسمت تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم در بخش معجم بحارالانوار مشغول به کار شدم که حاصل آن همکاری‌ها در چند جلد چاپ شده و در سال ۷۵ به عنوان کتاب سال برگزیده شد با پایان یافتن کار تدوین معجم بحارالانوار با ستاد منطقه ۲ سازمان تبلیغات شروع به همکاری کردم و به عنوان مسئول بخش نقد و بررسی کتاب برای مناطق اهل سنت به مدت دو سال به انجام وظیفه پرداختم و هنگامی که به بی‌فایده بودن این کار

پی بردم از این نهاد جدا شم.و در سال ۱۳۷۶ با هدف تعلیم و تربیت نسل جوان و جویای حقیقت به استخدام آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران درآمدم که هنوز هم همکاری با این نهاد ادامه دارد. در سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و پس از پایان دروس تئوری و در حالیکه پایان‌نامه را رو به پایان داشتم به علت برخی مشکلات از ادامه تحصیل دست کشیدم و در سال ۱۳۸۲ تدریس در دانشگاه را آغاز کردم. و هم اینک نیز تدریس دروس معارف ۱ و ۲ اخلاق اسلامی و متون را هر ترم تدریس می‌نمایم.تحصیلات حوزوی سال ۷۶ برای ارائه به آموزش و پرورش مدرک سطح ۲ را اخذ کردم و برای سطح ۳ نیز در سال ۱۳۸۰ موضوع گرفته بودم ولی پیگیری نکردم.در سال ۱۳۶۹ در بخش گزینش قضات فیضیه مدرکم را کامل کردم و در سال ۷۰ دعوت به دوره شدم ولی نرفتم اما اکنون طی سال‌های اخیر این مدرک را دوباره ارائه داده و به احتمال زیاد امسال (۱۳۸۶) جذب قوضه قضائیه شوم برای اشتغال به امیر خطیر قضا.

ایزدهی، سجاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد ایزدهی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

ساکن شهر بابل متولد سال ۱۳۴۹

ایزدی المشیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ایزدی المشیری

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

این حقیر متولد ۱۳۵۳ هستم که در استان مازندران شهرستان قائم شهر روستای المشیر بدنیا آمدم و زمان هفت سالگی به مدرسه ابتدائی الهام المشیر رفتم و دوره راهنمایی را در مدرسه نهضت المشیر به پایان رساندم و در سال تحصیلی ۷۱-۷۰ در حوزه علمیّه امام صادق(ع)،کوننا که یکی از روستاهای قائم شهر است و مسئول آن حاج آقا سلیمانی می باشد مشغول تحصیل علوم دینی شدم. و در سال تحصیلی ۷۲ به قم آمدم و بطور آزاد در مدرسه آیت الله گلپایگانی { مدرسه المهدی(عج)}مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از دو سال چون به عنوان طلبه آزاد بودم از آنجا بیرون آمدم و در مسجد بازار عربها در محضر استاد بزرگوار حاج آقا ایزدی که از همشهریان این حقیر بود مشغول تحصیل شدم تا سال ۷۸ و در این مدّت از محضر استاد بزرگوار حاج آقا سیّد مجتبی نور مفیدی و حاج آقا باقر شاهرودی و از اساتید دیگر درس گرفتم تا سال ۸۰ که در محضر استاد بزرگوار حاج آقا دریا باری مشغول خواندن کفایه الاصول شدم و در محضر استاد بزرگوار رحمانی سبزواری مشغول تحصیل فقه شدم تا اینکه الان در محضر این دو استاد بزرگواربه درس خارج مشغول هستم.البته لازم بذکر است که من تحت برنامه های شورای مدیریت نیستم و به شکل طلبه آزاد درس می خوانم و شهریه ای از آیات عظام دریافت نمی کنم و تحت امکانات حوزه هم نیستم و از مزایای حوزه هم استفاده نمی کنم.

انشاالله که خداوند متعال بر توفیقات شما بیفزاید.

ایزدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ایزدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

ایمانی مقدم، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب رحمت الله ایمانی فرزند حیدر علی سال ۱۳۴۱ در خمینی شهر(هما یون شهر- سده-) به دنیا آمده، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس پرتو، کورش کبیر و صائب به پایان برده و سال ۱۳۵۷ سال سوم دبیرستان در برنامه های ضد رژیم و تظاهرات و... شرکت نموده، سال چهارم دبیرستان(رشتهٔ فرهنگ و ادب) با پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی به پایان رسانده و سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمّیه قم شده و با اسکان در مدرسه مهدیّه- خ باجک- در مدرسه وثوق«المهدی(عج)» -صفائیه- شروع به درس نموده و پس از چهار سال وارد دروس آزاد حوزه علمّیه قم شده و در دروس آزاد حوزه- مدرسه فیضیّه و مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی- شرکت کرده و در سال ۱۳۷۰ سطح عالی را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مدّت چهار سال به درس خارج اصول استاد بزرگوار فاضل لنکرانی دام عزه شرکت نموده و پس از آن در درس فقه استاد بزرگوار حضرت آیت الله تبریزی قدس سره شرکت نموده(این درس ۱۵ سال به طول انجامید و چه استفاده های مهمّ فقهی، علمی، رجالی و... که از این استاد بهره مند شدیم خداوند درجات او را متعالی گرداند و با اولیاء و اوصیایش مخصوصا امیرالمومنین علی ابن ابی طالب(ع) محشور گرداند که او در دفاع از حریم ذات احدیت و ولایت سخت کوشا بود.) و در اصول وحید خراسانی «دام عزه» شرکت نموده (این درس از سال ۶۹ شروع و هم اکنون ادامه دارد) در دروس اساتید اخلاق مانند استاد مظاهری، استاد اشتهاردی و استاد مصباح شرکت نموده و از سال ۱۳۷۶ به اصرار یکی از دوستان در مدرسه علمیه معصومیّه مشغول تدریس شدم(این درس چهار سال ادامه داشت) در سال ۱۳۷۷ با راهنمایی یکی از دوستان وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن شده(که این مرحله شروع تحقیقات علمی ماست) و با آموزش کوتاه مدّت –دو هفته ای –با بخش تشکیل پرونده علمی دائرهٔ المعارف قرآن کریم شروع به همکاری کرده این بخش(بعد از تعیین مدخلها و موضوعات دائرهٔ المعارف) مهمترین کار علمی دائرهٔ المعارف است که با تحقیق و بررسی کامل موضوع و مدخل خاص از کتب لغات، تفسیر،روایات، تاریخ و دیگر کتب مربوط به موضوع و گرفتن کپی، عکس، مطالب و جمع آوری آن در یک پرونده علمی و تهیّهٔ گزارش از کار علمی،فهرست منابع و مدارک پرونده آماده ارزیابی و بررسی می شود و بعد از آن،ارزیابی و اشکالات و ایرادات وارده را رفع یا جواب داده پرونده برای نوشتن مقاله تحویل بخش تدوین مقالات می شود. بنده در بخش تشکیل پرونده نزدیک به بیست پرونده علمی تشکیل داده و در بخش ارزیابی نزدیک به بیست پرونده را ارزیابی و پس از سه سال فعالیّت در آن بخش وارد بخش مقابله و باز بینی علمی شده و الآن در آن بخش به فعّالیت مشغول هستم که علاوه بر مقابله و باز بینی علمی و غنی سازی مقالات به کتاب شناسی جلد دوّم تا ششم دائرهٔ المعارف قرآن کریم هم مشغول بوده(هر جلد بیش از هشتصد منبع دارد) و همزمان کار یکسان سازی منابع و پانوشتها را انجام داده که نام بنده در ردیف همکاران علمی دائرهٔ المعارف قرآن کریم که اکنون پنج جلد آن چاپ و جلد ششم آماده چاپ می باشد آمده است در کنار کار تحقیقاتی قرآن از سال ۶۴ تا حال هر سال ماه مبارک رمضان و محرّم و صفر به تبلیغ احکام و معارف اشتغال دارم و از سال ۷۰ تا به حال بعنوان روحانی کاروانهای سوریّه،عمره و حج با سازمان حج و زیارت همکاری می کنم به حول وقوه الهی تا به حال ۱۴ سفر حج و عمره سه سفر سوریّه مشرف شده ام.

در طول سالهای جنگ تحمیلی(۵۹-۶۷) هر سال یکی دو بار بصورت رزمی و تبلیغی به جمع رزمندگان اسلام پیوسته و در عملیّات محرم مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفته و مجروح شده و الآن افتخار جانبازی جنگ تحمیلی را دارم.

ایمانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ایمانی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

اینجو، عضدالدوله، جمال‌الدین حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۵ ق)، فرهنگ‌نویس. از علویان شیراز بود که ظاهراً نسب خود را به شیخ ابواحسق اینجو پادشاه معروف فارس در سده‌ی هشتم قمری می‌رساند. پدرش از ارکان دولت دکن بود. علوم متداوله را در خدمت اساتید عصر آموخت و از مقربان درگاه حسین نظام شاه صاحب احمدنگر شد، و نظام‌شاه دختر او خدیجه را به عقد خود درآورد و مقام پدرزن خود را بالا برد. تا حیات نظام‌شاه با احترام زیست. پس از وفات او پسرش مرتضی بن حسین بحری جانشین وی شد و چون مادر شاه بر امور مسلط بود جمال‌الدین را به زندان انداخت. اما بعداً امور به دست مرتضی افتاد، او را از زندان بیرون آورد و کارهای مهم را به او سپرد. پس از مدتی از او رنجید و او را با دخترش خدیجه به رامپور تبعید کرد. وی به آگره نزد جلال‌الدین اکبر بن همایون تیموری رفت و از مقربان درگاه او شد. زمانی که جهانگیر پسر اکبر به تخت سلطنت نشست او را والی بهار کرد و لقب عضدالدوله به او داد. در سال ۱۰۳۰ ق به علت کهولت سن از کار کناره گرفت و در اکبرآباد ساکن شد. اثر وی: «فرهنگ جهانگیری» در لغت فارسی است که آن را در سال ۱۰۳۲ ق تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۰ -۳۷۶ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۷)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۲۳ -۱۲۲ /۲).

آبادانی، فرهاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

درگذشت: ۱ فروردین ۱۳۵۹.

فرهاد آبادانی تحصیلات خود را در دانشگاه‌های هند به پایان رسانید و پس از آن استاد زبان‌های ایرانی و فرهنگ پیش از اسلام در دانشگاه اصفهان گشت. مقاله‌های او در زمینه‌ی فرهنگ پیش از اسلام و تاریخ ایران باستان در مجله‌های تحقیقی و بیشتر در مجله‌های «هوخت»، «مهر»، «نامه‌ی سخنوران سپاهان»، «باستان‌شناسی» و «فرهنگ و هنر» چاپ شده است. وی در کتاب گوشه‌ای از فرهنگ ایران باستان مقاله‌ای درباره کتیبه‌ی داریوش دارد.

فرهاد آبادانی همچنین برای دومین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی مقاله‌ای را به رشته‌ی تحریر درآورد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آبادیان، خدارحم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۱ ش)، روزنامه‌نگار. وی مدیر و مؤسس روزنامه‌ی «فروهر» است که در سال ۱۳۰۱ ش در تهران منتشر شد. این روزنامه از انتشارات زرتشتیان بود که در عنوان آن، بالای اسم روزنامه تصویر «فروهر» چاپ می‌شد و مندرجات روزنامه بیشتر مطالب مربوط به زرتشتیان بود. و ظاهراً روزنامه بیش از یکسال منتشر نشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۷۸ -۷۷ /۴).

آبی، ابوسعد، ابوسعید منصور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۲ /۴۲۲ /۴۲۱ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ امامی. در آبه یا آوه از توابع ساوه متولد شد. و پس از کسب معلومات متداول زمان در ری به وزارت ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی رسید، و با صاحب بن عباد دوستی داشت. به گفته‌ی منتجب الدین از شاگردان شیخ طوسی بود. عبدالرحمان نیشابوری از او روایت می‌کرد. برادر او، ابومنصور محمد بن حسن آبی، نیز از ادیبان و دانشمندان قرن پنجم است که در خدمت ملوک طبرستان دارای منصب وزارت بود. آثار ابوسعد عبارت‌اند از: «نزهة الادب»؛ «نثر الدرر»؛ «تاریخ ری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۷ /۸)، اعیان الشیعه (۲۵۲ /۹ ،۸۵ /۲)، دائرةالمعارف البستانی (۲۶ -۲۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲ /۱)، الذریعه (۱۰۸ ،۵۲ -۵۱ /۲۴ ،۲۵۴ /۳)، ری باستان (۳۹۴ /۲)، ریاض العلماء (۲۱۹ /۵)، ریحانه (۱۳۶ -۱۳۵ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶ -۱۹۵ /۵)، فهرست منتجب الدین (۱۶۱)، فوائد الرضویه (۶۶۸ -۶۶۷)، کشف الظنون (۱۹۳۹، ۱۹۲۷، ۲۹۵)، الکنی والالقاب (۴ /۲)، معجم الادباء (۲۳۸ /۶)، معجم البلدان (۶۹ /۱)، معجم المؤلفین (۱۲ /۱۳)، نشر دانش (س ۱۳، ش ۶، ص ۲۸)، هدیة الاحباب (۹۶)، هدیة العارفین (۴۷۳ /۲).

آبی، سید حسین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۹ ق)، مترجم. از احوالات وی اطلاع چندانی در دست نیست، فقط از اشاراتی که خود در کتابش به احوال خویش نموده است معلوم می‌شود که اصلًا از سادات به (بین قزوین و همدان) بوده و در جوانی به کاشان و سپس به اصفهان رفته است و در همان جا مقیم و با حکّام آنجا محشور شده است. اثر وی ترجمه‌ی آزادی است از «محاسن اصفهان» نوشته‌ی مفضل مافروخی، از عربی به فارسی، در ۷۲۹ ق که آن را به خواجه غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه تقدیم کرده است. عباس اقبال آشتیانی آن را تصحیح و منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ در ایران (۵۴)، تاریخ نگاران ایران (۳۶۸ /۱)، الذریعه (۱۲۶ /۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۸ /۸)، مولفین کتب چاپی (۸۶۰ -۸۵۹ /۲).

آبی، مجدالدین، صاعد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، فقیه و واعظ. وی از فقیهان و واعظان شیعی قرن ششم ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷ /۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۰).

آبی، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، ادیب و محدث. مشهور به ادیب آبی. وی استاد منتجب‌الدین است و منتجب‌الدین در «فهرست» گوید که از محضرش استفاده روایی برده‌ام. از آثارش: «المنتخب»؛ «ندبهٔ‌الوالد علی المولود».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۴ -۱۰۳ /۲۴، ۳۶۶ /۲۲)، ریاض العلماء (۸۷ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۰ /۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۷۰).

آپاسای منشی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س سوم م)، منشی دربار ساسانی. در شهر قدیمی شاپور، در بیست و چهار کیلومتری شمال غربی کازرون دو ستون مربوط به یک آتشکده‌ی کوچک ضمن ویرانه‌ها پیدا شد که روی آن ۱۶ سطر به پهلوی ساسانی و اشکانی از بهرام اول (۲۷۲ تا ۲۷۵ م) نوشته شده بود بدین مضمون: «در فروردین ماه از سال ۴۸ از تاریخ آتش اردشیر و سال سی از آتش شاپورشاه مؤبدان سال ۲۴. این است پیکر مزداپرست خداوندگار شاه شاهان ایران و غیر ایران... اردشیر.. نوه‌ی پابک. این آثار توسط «آپاسای» منشی از شهر حران.. برای پادشاه خود... شاپور... ساخته است. وقتی که شاهنشاه این پیکر را دید به آپاسای منشی خلعت بخشید از طلا و نقره و یک باغ و یک معبد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تمدن ساسانی (۶۶ -۶۵ /۱).

آتسز خوارزمشاه، علاء الدین، علاء الدوله، ابوالمظفر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۱ ق)، شاعر. خانواده‌ی اتسز در اصل از غلامان ترک بودند و جدش از طرف سلطان ملکشاه سلجوقی به امارت رسید. اتسز گرچه دست نشانده دولت سلجوقی بود امّا چون در امر حکومت استقلال داشت، شاید بتوان او را بنیانگذار سلسله‌ی خوارزمشاهیان به شمار آورد که از آن پس مستقل بودند و در آغاز سده‌ی هفتم قمری توانستند در مدت کوتاهی خود را به صورت بزرگترین قدرت در جهان خاوری اسلام پیش از فتنه‌ی مغول درآوردند. اتسز پادشاهی فاضل و خوش طبع و به وفور علم و دانش سرآمد

پادشاه زمان خود بود. جوینی و عوفی فضل و مهارت اتسز را در سرودن شعر فارسی می‌ستایند و ظاهرا دربار وی محفلی برای ادیبان برجسته بود. شعرای سلجوقی مانند ادیب صابر قصیده‌هایی در مدح او سروده‌اند؛ ولی از جمله کسانی که با اتسز ارتباط خاصی داشت رشیدالدین و طواط شاعر و منشی معروف بود که وظیفه‌ی شاعر و مبلغ دربار را انجام می‌داد. زمخشری نیز فرهنگ خود «مقدمهٔ الادب» را به همین شاه اهدا کرد.[۱]

(تر.: آت: آد، نام + سز، ادات سلب، بی‌نام) ابن محمد بن انوشتگین، از سلسله خوارزمشاهیان. وی پس از پدر فرمانروائی یافت (۵۵۱ -۵۲۱ ه.ق)، و او تا سال ۵۳۰ تابع سنجر بود، و از آن پس استقلال یافت، و چند بار میان او و سنجر جنگ درگرفت، و در ۵۵۳ مغوب سنجر گردید، ولی سه سال بعد زمانی که سنجر از ترکان شکست یافت، آتسز فرصت را غنیمت شمرد، و در حدود مرو و خراسان بتاخت و تاز پرداخت. عاقبت در ۵۳۸ با سنجر از در آشتی درآمد، و فرمانروایی خوارزم یافت.آتسز پادشاهی ادب‌دوست و دانش‌پرور بود. رشید وطواط، زمخشری و زین‌الدین گرگانی طبیب به دربار او اختصاص داشتند. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۴۰ /۱)، حبیب السیر (۶۳۰ -۶۲۹ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۶۹ -۱۱۶۸ /۹)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۹ -۴۸ /۱)، سیر النبلاء (۳۲۳ -۳۲۲ /۲۰)، لباب الالباب (۳۸ -۳۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ اتسز)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۵۱)، الوافی بالوفیات (۱۹۵ /۶).

آتشی مراغه‌ای

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در عهد فتحعلی شاه شیخ‌الاسلام مراغه و از شعرای معروف آن شهر و متخلص به آتشی بوده است. وی کتب زیادی تألیف کرده است، دیوانی هم دارد که اکثر اشعار آن به زبان ترکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲)، الذریعه (۲ /۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹ /۱۳)، فرهنگ سخنوران (۲)، مستدرکات اعیان (۳ /۳).

آجودان باشی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۳ ق)، مترجم. ملقب به امیر تومان فرزند میرزا علی اکبرخان آجودانباشی. وی «تیاتر ضحاک» نوشته‌ی سامی‌بیک عثمانی را که یکی از نمایشنامه‌های ضداستعماری است به فارسی ترجمه کرد. اهمیت این نمایشنامه از جهت داشتن محتوای ضداستبدادی و انتشار آن مقارن با شکل‌گیری نخستین حرکتهای مشروطه‌طلبانه است. از این گذشته، انتخاب یک داستان اساطیری- تاریخی برای تنظیم یک نمایش ابعاد نمایشی اساطیر ایرانی را هم برای ایجاد «نمایش ملی» به ایرانیان نشان می‌داد. میرزا ابراهیم‌خان آجودان‌باشی ترجمه‌ی نسبتاً خوبی از این اثر به دست داده است به طوری که ذکاءالملک فروغی از آن بسیار تعریف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (۲۷۴ -۲۷۳ /۲)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت (۳۴۲).

آخری، ابوالفضل خُزیمهٔ

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه و متکلم معتزلی، ادیب و لغوی. نامش محمد و به خزیمه معروف بود. اهل آخُر، قصبه‌ای در دهستان، میان گرگان و خوارزم، بود. در ناحیه‌ی دهستان از کسانی چون ابوالفتیان عمر بن عبدالکریم روّاسی و بندار بن عبدالواحد دهستانی و دیگران حدیث شنید. در مرو به روایت حدیث اشتغال داشت و در همان جا نیز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۱ /۱)، دانشنامه‌ی ایران اسلام (۳۸ /۱)، معجم البلدان (۵۵۹ /۲، ۷۰ /۱).

آخوند زاده

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزای فتحلی بن میرزا محمد تقی. پدر وی کدخدای ده خانه از حوالی شبستر بود. فتحعلی در ده سالگی (۱۲۳۶ ه.ق.) از تبریز با

مادر خود به ارسباران و از آنجا به قفقاز رفت، و بعد نزد پدر زن خود حاج‌علی اصغر قرجه‌داغی در دفترخانه مترجم زبانهای اسلامی گردید. آخوندزاده مردی دانشمند بود و در غالب مباحث علمی و فلسفی و دینی اظهار نظر و موجبات جهالت شرقیان و بدبختی آنان را گوشزد کرده است. وی بیشتر آثار خود را درباره انتقاد از اوضاع اجتماعی و اصول اداره استبدادی ایران نگاشته، و با آنکه در خدمت دولت تزاری بوده، و از شاگرد مترجمی به مترجمی و از درجه سلطانی (سروانی) تا سرهنگی ارتقا یافته بود، تا پایان عمر محبت صادقانه‌ای به ایران داشت. از جمله آثار وی مرثیه منظوم درباره مرگ پوشکین شاعر روسی، درامها، داستان ستارگان فریب خورده (از سال ۱۲۷۴ -۱۲۶۷) به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و روسی ترجمه شده است. رساله «خواب شگفت» او در انتقاد اوضاع اجتماعی در برلین چاپ شده. نامه‌های کمال‌الدوله نیز بدو منسوب است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آخوندی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن احمد آخوندی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن آخوندی در سال ۱۳۴۱ در نجف اشرف در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمدم. پدرم مرحوم شیخ علی آخوندی بنیانگذار یکی از کهن‌ترین مؤسسه‌های نشر آثار اسلامی یعنی دارالکتب الاسلامیه در نجف اشرف بود و عمر خویش را در کنار تحصیل علوم دینی، به نشر آثار اهلبیت (ع) و میراث غنی فقه اسلام پرداخت. او کتب اربعه و کتاب‌های ارزشمند جواهر الکلام و حدائق الفاخره را همراه با کتاب‌های مرجع دیگر به چاپ رسانید. وی که داماد مرحوم علامه امینی (ره) صاحب کتاب گران‌سنگ «الغدیر» بود، همچون آن بزرگوار تمام تلاش خود را در احیاء شیعه و آثار آنان به کار برد.

به هر حال پس از گذراندن دوران تحصیل کلاسیک و اخذ دیپلم ریاضی و فیزیک در سال ۱۳۵۹ در مدرسه حکیم نظامی آن روز (دبیرستان امام صادق (ع) فعلی) وارد حوزه علمیه شدم و از آن زمان تاکنون به طور مستمر در حوزه به تحصیل اشتغال دارم. دروس مقدماتی حوزه را به سرعت گذراندم و در سال ۱۳۶۵ در پایه ششم حائز رتبه دوم شدم و از سوی مراجع تقلید وقت، جوایزی دریافت کردم. درس شرح لمعه را خدمت آقای وجدانی فخر، اصول فقه مظفر را نزد استاد محقق افغانی خواندم، رسائل را نزد مرحوم شیخ مصطفی اعتمادی، بخش استصحاب آن را نزد استاد راستی کاشانی و مکاسب را از محضر آقایان صلواتی و محقق‌داماد فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۷ در پایه هفتم در امتحانات سراسری حوزه علمیه قم مقام اول را کسب کردم. درس کفایه را نزد مرحوم ستوده فراگرفتم.

در سال ۱۳۷۰ در امتحانات ورودی جهت اخذ کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم شرکت کردم و موفق شدم که در سال ۱۳۷۴ کارشناسی ارشد را دریافت کنم. در کنار دروس فقه و اصول، دروس نهایهٔ الحکمه و اسفار را از محضر آقایان ممدوحی و فیاضی آموختم. از سال ۱۳۷۴ تدریس در دانشگاه را آغاز کردم و از آن سال تاکنون به تدریس معارف اسلامی و متون اسلامی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران اشتغال دارم. چندین سال نیز در دانشگاه آزاد واحد جنوب دروس قواعد فقه و آیات الاحکام و فقه و اصول را نیز تدریس کرده‌ام.

در خلال این اشتغالات، کتاب تاریخ مکه را که به دنبال حادثه جمعه خونین مکه نگارش یافته بود و به قلم دایی اینجانب دکتر محمد هادی امینی به زبان عربی بود به فارسی ترجمه کردم و این کتاب دو بار در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ گردید و چندین مقاله از این کتاب اقتباس و در فصل‌نامه میقات حج، نشر گردیده است.

از سال ۸۰ تدریس در جامعهٔ الزهراء را آغاز کردم و تاکنون دروس رسائل و مکاسب شیخ انصاری و حلقات شهید صدر و کتاب فقه استدلالی مرحوم ایروانی و فلسفه را در این مرکز تدریس نمودم. دروس اصول فقه مظفر و رسائل را در مدرسه شهیدین تدریس کرده‌ام.

در زمینه فعالیتهای پژوهشی، اینجانب استاد راهنما و مشاور چندین پایان‌نامه در سطح ۳ حوزه علمیه بخش خواهران بوده‌ام. و به عنون استاد راهنما در مدرسه حجتیه در خدمت برخی از طلاب خارجی که درس خارج را می‌گذرانند، جهت استفاده هر چه بهتر و بیشتر از دروس خارج بوده‌ام. در سال ۱۳۸۵ در مقطع دکتری در دانشکده علوم حدیث پذیرفته شدم و هم اکنون این مقطع را در کنار تدریس خود دنبال می‌کنم.

آدم بن اسحق

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بـن آدم بن عبـداللّه بن سعدالاشـعری که قبرش در قبرسـتان شـیخان قم نزدیـک قبر جنـاب ذکریـا بن آدم است از رواهٔ و محـدثین بزرگوار قم است که علامه حلی و نجاشی و شیخ‌الطائفه طوسی او را در کتب رجالی خود تعدیل و توثیق نموده‌اند. احمد بن محمد بن خالـد برقی صاحب کتاب محاسن و محمد بن عبدالجبار و دیگران از وی روایت نموده و شـیخ در فهرست گوید او را کتابیست که خبر دادند ما را جماعتی از اصحاب ما از ابی‌المفضل شیبانی از ابن‌بطه از احمد بن ابی‌عبداللّه برقی از مؤلف.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

آدمی خوارزمی، ابوالفضل محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۲ /۵۶۱ ق)، مفسـر، نحوی، لغوی و محـدث. ملقب به زین‌المشایـخ. او در ادبیات از پیشـگامان و در زبان عرب خحجت به حسـاب می‌آیـد. لغت و علم اِعراب را از زمخشـری آموخت و پس از او بر جایش نشست. او حـدیث را نیز از زمخشـری و دیگران شنیـد. در ترسل و نقد شـعر دست داشت. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «شـرح الاسـماء الحُسـنی»؛ «مفتاح التنزیل»؛ «تقویم اللسان»، در نحو؛ «الاعجاب فی علم الاعراب»؛ «الهدایه فی المعانی والبیان»؛ «اعجاز القرآن»؛ «اسرار الادب و افتخار العرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۲۷ /۷)، کشـف الظنون (۲۰۴۰، ۱۸۲۹، ۱۷۶۰، ۵۹۵، ۴۸۸، ۴۶۹، ۴۰۰، ۱۳۲، ۱۲۰، ۹۱، ۸۴، ۵۱)، معجم الادباء (۵ /۱۹)، معجم المؤلفین (۱۳۸ –۱۳۷ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۳۴۰ /۴)، هدیهٔ العارفین (۹۸ /۲).

آذر تبریزی مرتضوی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ –۱۲۵۰ ش)، ادیب و شـاعر، متخلص بـه آذر. مردی میهن‌دوسـت بـود. مـدتی به اسـتانبول مسـافرت کرد. در آنجـا بـا سـید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقت کرد و از او چیزها در زمینه سیاست آموخت. چنان که در انقلاب مشـروطه‌ی ایران از مؤسسین جدّی انجمن آذربایجان در تهران شد و در ۱۳۱۱ ش به عضویت انجمن ادبی آذربایجان درآمد. آذر مردی وارسـته و آزادیخواه بود. وی در مقبرهٔالشـعراء مدفون است. «دیوان» اشعارش شامل بیش از یکهزار بیت می‌باشد. «اوراق پریشان» از آثار او است که در ۱۳۳۴ ش در تبریز چاپ شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۰ /۲۶)، سخنوران آذربایجان (۱۸۸ –۱۸۷)، فرهنگ سخنوران (۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۳ /۱).

آذر یزدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهـدی آذر یزدی ، در روز دوم خمسه مسترقه ی سال ۱۳۰۰ شمسـی در خرمشاه از توابع یزد در یک خانواده ی جدید الاسلام دیده به جهان گشود. مختصرخواندن و نوشتن را در خانه از پدر و قرآن را از مادربزرگ فراگرفت. در سن چهارده پانزده سالگی ، همراه بـا کار رعیتی و یا شاگرد بنایی ، مـدت یک سال و نیم ، صبح های تاریک به مـدرسه ی خان می رفت و تا طلوع آفتاب نزد یک « آشـیخ » که او هم روزها در گیوه فروشـی کار می کرد ، با سه شاگرد دیگر یادگرفتن عربی را با اصرار پدر شروع کرد ، « نصاب » را حفظ نمود و تا « انموزج و الفیه » خواند که بعد آن را رها کرد.آذر یزدی ، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی ، چندی در رشته ی علوم قدیمه به تحصیل پرداخت و با زبان عربی و انگلیسی آشنایی یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انسـاب : پـدر مهـدی آذریزدی ، حاج علی اکبر رشـید ، به شـغل زراعت اشـتغال داشت و به امور دینی و مـذهبی سـخت متعصب بود و چون از ذوق و قریحه ی شاعری برخوردار بود ، دیوانی از اشعار در مدایح و مراثی ائمه اطهار از خود به جا گذاشت.

خاطرات کودکی : مهدی آذر یزدی ، با ذکر خاطراتی از دوران کودکی خود می گوید : « –اولین بار که حسـرت را تجربه کردم ، موقعی بود که دیدم پسـرخاله ی پدرم که روی پشت بام با هم بازی می کردیم و هردو هشت سال بودیم ، چندتا کتاب دارد که من هم می خواسـتم و نداشتم. به نظرم ظلمی از این بزرگتر نمی آمد که آن بچه که سواد نداشت ، آن کتاب ها را داشته باشد و من که سواد داشـتم ، نداشـته باشم. کتاب ها ، گلستان و بوستان سعدی ، سیدالانشاء ، نوظهور و تاریخ معجم چاپ بمبئی بود که پدرش از زرتشتی هـای مقیم بمبئی هـدیه گرفته بود. شب قضـیه را به پـدرم گفتم. پـدرم گفت ، اینهـا به درد ما نمی خورد ، اینها کتاب های دنیـایی انـد. مـا بایـد به فکر آخرتمـان باشـیم. شب رفتم توی زیرزمین و ساعت ها گریه کردم و از همان زمان عقـده ی کتاب پیـدا

کردم ، که هنوز هم دارم. - یک وقتی کار کوچه و صحرا کم شد ، قرار شد من بروم سر کار بنایی و گلکاری کار کنم. این کارها هم اغلب توی شهر بود و به این ترتیب من با شهر یزد آشنا شدم. در یزد با اینکه بچه ها و بزرگ ها ما را دهاتی حساب می کردند و لهجه و لحن حرف زدن ما را مسخره می کردند ، ناراحت نبودم ، چون راست می گفتند : ما دهاتی بودیم و خیلی چیزها را نمی دانستیم. اما رفت و آمد توی شهر برای من تازگی داشت. نان نازک بازاری و پالوده یزدی و بعضی میوه ها که قبلاً هرگز ندیده بودم و زندگی شسته رفته ی شهری ها مرا به شهر جذب می کرد. به خاطر همین یک روز گفتم : دیگر به صحرا نمی روم. پدرم اوقاتش تلخ شد ، ولی مادرم با کار در شهر موافق بود. از کار بنایی به کار در کارگاه جوراب بافی کشیده شدم. صاحب کارگاه با « گلباری ها » ، صاحبان یگانه کتابفروشی شهر ، خویشی داشت و او هم جداگانه یک کتابفروشی تأسیس کرد و مرا از میان شاگردهای جوراب بافی جدا کرد و به کتابفروشی برد. دیگر گمان می کردم به بهشت رسیده ام ، تولد دوباره و کتاب خواندن من شروع شد. در این کتابفروشی بود که فهمیدم چقدر بی سوادم و بچه هایی که به دبستان و دبیرستان می روند ، چقدر چیزها می دانند که من نمی دانم. برای رسیدن به دانایی بیشتر ، یگانه راهی که جلو پایم بود خواندن کتاب بود. سه چهار سال کار در این کتابفروشی ، هوس نوشتن و شعرگفتن و با بچه های درس خوانده همرنگ شدن را در من به وجود آورد ».

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده ی مهدی آذر یزدی ، جزء خانواده ی جدیدالاسلام ها بودند ؛ یعنی قبلاً زرتشتی بودند و سه چهار نسل پیش مسلمان شدند ، خانواده ای کم جمعیت با مردمی فقیر. پدر او جز کار و رعیتی و باغبانی ، درآمد دیگری نداشت ، کم سواد بود و خیلی خشک و وسواسی و متعصب.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پدرمهدی آذر یزدی ، کم سواد و خیلی متعصب بود و مدرسه ی دولتی و کار دولتی و لباس کت و شلوار را حرام می دانست ، به همین علت او را به مدرسه نگذاشت. مختصرخواندن و نوشتن را در خانه از پدر و قرآن را از مادربزرگ فراگرفت. در منزل هم قرآن ، مفاتیح الجنان ، حلیه المتقین ، عین الحیات ، معراج السعاده ، نصاب الصبیان و جامع المقدمات را خواند. در سن چهارده پانزده سالگی ، همراه با کار رعیتی و یا شاگرد بنایی ، مدت یک سال و نیم ، صبح های تاریک به مدرسه ی خان می رفت و تا طلوع آفتاب نزد یک « آشیخ » که او هم روزها در گیوه فروشی کار می کرد ، با سه شاگرد دیگر یادگرفتن عربی را با اصرار پدر شروع کرد ، « نصاب » را حفظ نمود و تا « انموزج و الفیه » خواند که بعد آن را رها کرد. آذر یزدی ، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی ، چندی در رشته ی علوم قدیمه به تحصیل پرداخت و با زبان عربی و انگلیسی آشنایی یافت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی آذر یزدی ، با ذکر خاطراتی از فعالیت های گوناگون خود می گوید : « - در بحبوبه ی جنگ دوم و یکی دو سال از شهریور ۱۳۲۰ گذشته بود که ناگهان آمدم تهران ، حال ناگزیر می بایست کاری پیدا می کردم تا بتوانم با آن زندگی کنم و این کار حتماً می بایست کاری مطبوعاتی می بود. در تهران با چند کتابفروشی از راه مکاتبه آشنا بودم ، ولی نمی خواستم بروم و بگویم کار می خواهم ناشناسانه تقاضای کار کردن را سهل تر می یافتم. پیشتر با مقالات « هاشمی حائری » انسی پیدا کرده بودم. با خودم گفتم ، یک روزنامه نویس مشهور با همه ارتباط دارد. نامه ای به ایشان نوشتم و گفتم که کار مطبوعاتی می خواهم. آقای هاشمی قدری توپ و تشر زد و ملامت کرد که به تهران می آیید چه کنید ؟! ما خودمان از این شهر در عذابیم و از این حرف ها. بعد کم کم آرام شد و گفت ، شما سه شنبه ی آینده بیا یک فکری برایت می کنم. سه شنبه ی بعد ، آقای حسین مکی را در همان اداره (ظاهراً روزنامه ایران) صدا کرد و گفت ، بیا ، این همشهری ات آمده. با آقای مکی در یزد آشنا شده بودم. آقای مکی گفت ، در خیابان ناصرخسرو با چاپخانه ی حاج محمدعلی علمی صحبت کرده ام ، برو آنجا و بگو مکی مرا فرستاده. همان روز رفتم و در چاپخانه ی علمی مشغول به کار شدم و تا امروز همچنان در کتابفروشی های متعددی مشغول کار هستم (حالا در هشتادسالگی ، کارم بیشتر تصحیح نمونه های چاپی کتاب است). - با اینکه در این مدت چهل و هفت سال اقامت در تهران ، از کتاب دور نشده ام ، ولی به کارهای مختلفی دست زده ام و هروقت از هرجا بد می آوردم ، چاپخانه ی علمی دوباره پناهگاه من بود. دو بار کتابفروشی دایر کردم و هر دوبار ورشکست شدم. دوبار با یکی از کسانی که در چاپخانه آشنا شده بودم شریک شدم و به کار عکاسی حرفه ای پرداختم و هر دوبار مغبون و پشیمان شدم. یک بار یک عکاسخانه را خریدم ، ولی بعد از یک سال واگذار کردم ، چون با وضع من جور نمی آمد. در کتابفروشی های خاور ، ابن سینا ، امیرکبیر (دوبار) ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، روزنامه ی های آشفته و اطلاعات و چاپخانه ی علمی (سه چهار نوبت و هر نوبت به مدت شش ماه تا چندسال) کار کردم. هر وقت نمی توانستم با جایی جور بیاییم ، از کار موظف و مستمری گرفتن دست برمی داشتم و فقط کار فردی غلط گیری و فهرست اعلام نویسی و ... را انجام می دادم (کاری که همچنان به آن مشغولم). - اولین بار که به فکر تدارک کتاب برای کودکان افتادم ، سال ۱۳۳۵ یعنی در سن ۳۵ سالگی ام بود. در این سال ، در عکاسی یادگار یا بنگاه ترجمه و نشر کتاب کار می کردم و ضمناً کار غلط گیری نمونه های چاپی را هم از انتشارات امیرکبیر گرفته بودم و شب ها آن را انجام می دادم. قصه ای از « انوار سهیلی » را در چاپخانه می خواندم که خیلی جالب بود ، فکر کردم اگر ساده تر نوشته شود ، برای بچه ها خیلی مناسب است. جلد اول « قصه های خوب برای بچه های خوب » خود به خود از اینجا پیدا شد. آن را شب ها در حالی می نوشتم که توی یک اتاق ۲ × ۳ متری زیر شیروانی ، با یک لامپای نمره ده دیوارکوب زندگی می کردم. نگران بودم کتاب خوبی نشود و مرا مسخره کنند. آن را اول بار به کتابخانه ی ابن سینا (سر چهار راه مخبرالدوله) دادم. آن را بعد از مدتی پس دادند و رد کردند. گریه کنان آن را پیش آقای جعفری ، مدیر انتشارات امیرکبیر بردم. ایشان حاضر شد آن را چاپ کند. وقتی یک سال بعد کتاب از چاپ درآمد ، دیگران که اهل مطبوعات و کار کتاب بودند ، گفته بودند که خوب است. به همین خاطر ، آقای جعفری پیوسته جلد دوم آن را مطالبه می کرد. کم کم این کتاب ها به هشت جلد رسید ، البته قرار بود ده جلد شود ، ولی من مجال نوشتن آن را پیدا نکردم ».

جوائز و نشانها : مهدی آذر یزدی ، در سال ۱۳۴۳ از سازمان یونسکو جایزه ای دریافت کرد و در سال ۱۳۴۵ دو اثر وی به عنوان اثر برگزیده ی « کتاب کودک » انتخاب شد --

----

آثار :

۱ تصحیح مثنوی معنوی مولوی

۲ چهل حدیث

۳ خاله گوهر

۴ خودآموز شطرنج

۵ خودآموز شطرنج

۶ خودآموز عکاسی

۷ خودآموز عکاسی

۸ دستور طباخی و خانه داری

۹ شعر قند و عسل

۱۰ فرهنگ لغات و اصطلاحات محلی یزد

۱۱ قصه های پیامبران

۱۲ قصه های تازه از کتاب های کهن

ویژگی اثر : دوره ی ده جلدی.

۱۳ قصه های خوب برای بچه های خوب

ویژگی اثر : دوره ی هشت جلدی.

۱۴ قصه های ساده

۱۵ گربه ی تنبل

۱۶ گربه ی ناقلا

۱۷ لبخند

۱۸ لبخنـد

۱۹ مثنوی بچه خوب

۲۰ منظومه ی بابای من

۲۱ منظومه ی نوروزنامه

۲۲ یاد عاشورا

منابع :

۱اذر یزدی بـه روایـت آذر یزدی ، روزنـامه ی پیمـان یزد ، سـال هفتـم ، شـماره ی ۶۲۸۲سخنوران نـامی معاصـر ایران ، تـألیف : سیدمحمدباقر برقعی ، ج ۱ ، قم : نشر خرم ، ص ۴۴

آذربایجانی، گوهر بیگم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز پیش از ۱۳۰۷ ق)، ادیب و شاعر. وی در فضل و عفت مشهور بود. از آثارش: «دیوان» شعر است. از اشعار او است:

اگر به باد دهم زلف عنبر آسا را

به دام خویش کشم آهوان صحرا را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاحین الشریعه (۴۲ /۵)، ریحانه (۴۴ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۰)، الذریعه (۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۲)، مشاهیر زنان (۱۹۹).

آذربرزین

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام پسر فرامرز پسر رستم است که دلاوریهای او در بهمن‌نامه (ه.م) و آذر برزین‌نامه (ه.م) آمده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آذرخشی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۰ ش)، مترجم. از اهـالی مشـهد. در اواخر قرن سـیزدهم افرادی در مشـهد به فکر ایجـاد سالنها و گروههای نمایشـی افتادنـد. اعتبارالسـلطنه غفـاری سالنی در سال ۱۲۹۰ ش تأسـیس کرد که جایگـاه اجرای نمـایش شـد. در همین سالهـا رضا آذرخشـی که در اداره‌ی نظمیه‌ی مشـهد کار می‌کرد، به ترجمه‌ی چند نمایشـنامه دست زد و آنها را شخصاً به روی صحنه آورد. برخی از ترجمه‌های او عبارت‌انـد از: «الهـه»؛ «از دریچـه‌ی سـفارت»؛ «ایـالت چهـل و نهم»؛ «تصـویر»؛ «در زنـدان و در آزادی»؛ «سرگـشـتگی جانگـداز»؛ «توفان»؛ «عدالت»؛ «فضول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (۶۸ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۸ -۱۲۷ /۳).

آذرمهر، فاطمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فاطمه آذرمهر در سال ۱۳۳۳ در تهران به دنیا آمـد. در سال ۱۳۵۸ در رشـتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. از سال ۱۳۶۴ فعالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسسهٔ انتشارات «فرهنگ معاصر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ های دو زبانهٔ انگلیسی ـ فارسی و فارسی ـ انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هستند. کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسـی ـ فارسـی "تـالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشـته : زبان و ادبیات انگلیسـی تحصیلات رسمی و حرفه ای : فـاطمه آذر مهر در سـال ۱۳۵۸ در رشـتهٔ زبان و ادبیات انگلیسـی از دانشـگاه تهران فارغ التحصـیل شد.مشاغل و سمتهای مورد تصـدی : فـاطمه آذر مهر از سال ۱۳۶۴ فعـالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسـسهٔ انتشـارات «فرهنگ معاصـر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ های دو زبانهٔ انگلیسـی ـ فارسـی و فارسـی ـ انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هسـتند.جوائز و نشانها : کتاب" فرهنگ معاصـر انگلیسی ـ فارسی "تالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سـال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیـده شـد. آثار : فرهنگ معاصـر انگلیسـی ـ فارسـی ویژگی اثر : تالیف،با همکاری محمد رضا باطنی،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی معرفی و برگزیـده شـده است.آشـنائی بـا کتاب:«فرهنگ معاصـر انگلیسـی ـ فارسـی» : فرهنگ معاصر انگلیسی ـ فارسی؛ محمدرضا باطنی، با دستیاری فاطمه آذرمهر؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱. از جمله اهمیت های «فرهنگ معاصـر انگلیسـی ـ فارسـی» این است که مـدخلهای انگلیسـی و معادلهای فارسـی آن با تکیه بر پنج فرهنگ معتبر از زبان زنـده روز گرفته شـده است. توجه این فرهنگ بیشتر بر برشـها ظریف معنایی است و برای دستیابی این هـدف، سـعی شـده است که معانی واژه های انگلیسـی از متن مثالهای واقعی که در فرهنگهای مـذکور ضـبط شـده، اسـتخراج و طبقه بندی شود. نکته قابل توجه دیگر در ارتباط با «فرهنگ معاصـر انگلیسـی ـ فارسی» این است که این فرهنگ بر اصل برابریابی پایه گذاری شده است و چون در فرهنگهای دوزبانه، بر خلاف فرهنگهای یک زبانه، تعریف واژه به تنهایی مشـکل چنـدانی را برای مراجعه کننـده حل نمی کند، لذا نهـایت تلاش به عمـل آمـده تـا بـا بهره گیری از فرهنگهای دیگر، برابرهای دقیق فارسـی برای معانی گوناگون واژه های انگلیسـی انتخـاب و ثبت شود. این موارد، در کنـار همـاهنگی در ارائه مطالب و شـیوایی نگارش موجب شـده تا کارایی فرهنگ مورد نظر در ترجمه از انگلیسی به فارسی، افزایش یابد.

آذرنوش، آذرتاش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آذری، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قـدرت الله آذری مؤسـس و مـدیر بنگاه مطبوعاتی آذری درگـذشت (۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۲). من نزدیـک به سـی سال با او آشـنا و دوست بودم. حـدود پانزده سال ازین مدت کتابدار انجمن کتاب بود. نوجوانی بود که با شور و شوق در آنجا به کار آغاز کرد و با دلسوزی و علاقه منـدی امور مربوط به مشترکان و پخش مجله راهنمای کتاب را انجام می داد. مرحوم تقی زاده معرف او بود. ابتدا

در بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران و سپس در مؤسسه فرانکلین در تبریز کار می کرد و چون به تهران آمد به یاری و همکاری ما شتافت. جوانی دلسوز و صدیق و کاردان بود. تصدی کتابداری در انجمن کتاب موجب علاقه مندی او به گردآوری و مجموعه سازی مجله ها و روزنامه های قدیمی شد. درین رشته تبحر و ممارستی به دست آورد. چون انجمن کتاب و مجله راهنمای کتاب در پایان سال ۱۳۵۷ بی سرانجام ماند و کتابخانه اش را به بنگاه ترجمه و نشر کتاب بردند، آذری هم چند صباحی به آنجا کشانیده شد. ولی دوران خدمت او درآن مؤسسه مدتی دراز نپایید و سرنوشت او" ما را از مدرسه بیرون کردند " شد. زیرا معلوم نشد که آن کتابخانه را از انجمن به کجا فرستادند. او برای اعاشه خانواده خویش مغازه کوچکی در اول خیابان امیرآباد گرفت و به مجله فروشی ـکاری که در آن استادی و مهارت پیدا کرده بود ـپرداخت. البته آغاز این دوره از زندگی او با سختی روبه رو شد. در آن روزها هیچ قدرت و بنیه مالی نداشت و با قرض توانست در آن دکه کار را شروع کند. بی تردید بسیاری از مجموعه هایی که کتابخانه های کشور از نشریات ادواری دارند نتیجه رنجها و کوششهایی است که آذری در راه جور کردن آنها متحمل شده بود. بنابراین همه استفاده کنندگان از نشریه ها باید آمرزش آن مرد فرهنگ دوست را بخواهند. مدیر مجله با تأسف بسیار، به فرزندان و همسرش تسلیت می گوید و اظهار شادمانی می کند که فرزندان برومندش دنباله کار پدر را از دست نمی گذارند و آن مرکز را سرپا نگاه خواهند داشت.۱ محمد امین ادیب طوسی (۱۲۸۳ – ۱۳۶۱ش) به تازگی از دوستم مصطفی مقربی شنیدم که محمد امین ادیب طوسی استاد بازنشسته دانشگاه تبریز دو سه سال پیش درگذشته است(۵ خرداد ۱۳۶۱). آن مرحوم سال های دراز رشته ادبیات را در دبیرستان ها و پس از آن حدود پانزده سال در دانشگاه تبریز تدریس می کرد. چند سال هم در بغداد درس گفته بود. از خدمات فرهنگی او همکاری در انتشار مجله ماهتاب است. این مجله تقریباً نشریه انجمن ادبی آذربایجان محسوب می شد. آن انجمن را مرحوم ادیب السلطنه سمیعی به هنگامی که استاندار آذربایجان بود تشکیل داده بود. مجله ماهتاب که به صاحب امتیازی جواد ناطق (پدر مهندس ناصح ناطق) منتشر می شد، بیش از دوازده شماره انتشار نیافت؛ مجله ای بود ادبی و تحقیقی و دارای مقاله های خوب. ادیب طوسی مخصوصاً علاقه ای مخصوص به تحقیق در متون ادبی و لهجه های فارسی داشت و مقاله هایی چند در این زمینه دارد که همه در نشریه دانشکده ادبیات تبریز به چاپ رسیده است. کتابهایی که از آثار ادیب طوسی طبع شده است عبارتند از : ۱۳۱۲ دستور نوین، تهران ۱۳۱۲ ایام کودکی (شعر)، تهران . ۱۳۱۳ پیام فردوسی (شعر). ۱۳۱۷ – ۱۹ انتقام عشق؛ تبریز (سه جلد) ۱۳۲۰ آموزش و پرورش از نظر غزالی ، تبریز ۱۳۲۱ دخمه های سیاه یا کلبه بدبختان، تبریز. ۱۳۳۲ رابطه اوزان شعر فارسی با اوزان ترانه های محلی ایران، تبریز. ۱۳۴۱ دیوان ادیب طوسی ، تبریز. ۱۳۴۲ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع)، تبریز(دوجلد). ۱۳۴۹ فرهنگ لغات ادبی، تبریز دوجلد. بی تاریخ بودا در هند بی تاریخ تخت سلیمان ادیب طوسی شعر می سرود و نمونه اشعارش در تذکره های معاصران نقد شده است.۱ ۱ – آینده ، سال ۱۳، شماره ۱– ۳ (فروردین – خرداد ۱۳۶۶)، صص ۱۹۸ –۱۹۹

آرام، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد آرام (۱۲۸۱–۱۳۷۸ش)، مترجم و نویسنده .در محله چاله میدان تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه از دارالفنون، در سال ۱۳۰۴ احمد آرام به تدریس فیزیک و شیمی پرداخت. او متوجه شد که درس‌های تجربی بصورت نظری و بدون فعالیت آزمایشگاهی تدریس می‌شود. ایشان به ابتکار جدیدی دست زد و کتابی با عنوان هدیه سال نو «مجموعه تجربیات فیزیکی و شیمیایی» منتشر کرد. «هدیه سال نو» نخستین کتاب آموزشی در کارهای آزمایشگاهی شامل آزمایش های فیزیک و شیمی است که استاد احمد آرام آن را در بهمن سال ۱۳۰۴ تألیف کرده است. احمد آرام سپس به رشته حقوق روی آورد ولی پس از چندی آن را رها کرد وبه پزشکی تمایل یافت، ولی این یک نیز چندان پای بندش نکرد ودر آخرین سال آن را نیز رها کرد و به فعالیتهای فرهنگی و ترجمه روی آورد. وی به همراه دکتر نصیری از بنیانگذاران تالیف کتاب‌های درسی در ایران است و مدتی به عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش در دهه ۲۰ هجری شمسی فعالیت داشته‌است.

استاد آرام یکی از نخستین مؤلفان کتاب‌های درسی و آموزشی بود که هم به تنهایی و هم با کمک دیگران کتاب‌های فیزیک و شیمی دبیرستان را تألیف کرد. علاقه‌ای که به امیرکبیر داشت نام مجموعه‌ای از کتاب‌های خود را به نام «مجموعه امیر» نامگذاری کرد. احمد آرام تا حدود سال ۱۳۳۰ نزدیک به چهل جلد کتاب درسی و آموزشی نوشت.

احمد آرام یکی از پرکارترین مترجمین معاصر است که بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده‌است. وی در ترجمه کتاب ها، دقت می کرد تا معادل های فارسی مناسب برای واژه های خارجی بیابد و از اصطلاحات و واژه های فرنگی استفاده نکند. خود وی در این باره می گوید: من در زمینه طب کتابی ترجمه کرده ام که حدود ۱۲۰۰ صفحه دارد. در این کتاب سعی کرده ام حتی یک کلمه فرنگی نیاورم. البته کار بسیار مشکلی است، ولی من این کار را انجام دادم.

مرحوم احمد آرام روز ۱۴ فروردین سال ۱۳۷۸ در آمریکا درگذشت و طی مراسمی در روز ۲۲ فروردین و پس از انتقال به تهران تدفین شد. وی در سال ۱۳۸۲ به عنوان یکی از چهره های ماندگار برگزیده شد. آثار :

وی بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده‌است . برخی از آثار ترجمه ایشان شامل: اثبات وجود خدا ؛ سه حکیم مسلمان (نوشته حسین نصر) ؛ علم و تمدن در اسلام (نوشته حسین نصر) ؛پیدایش و مرگ خورشید ؛ تکامل فیزیک (تألیف آلبرت اینشتین)؛ تاریخ تمدن (نوشته ویل دورانت)، انتقال علوم یونانی بعالم اسلامی (تالیف دلیسی اولیوی)؛ مشرق زمین گاهواره تمدن هگل و مبانی اندیشه معاصر تاریخ علم (تالیف جرج سارتن)؛ شش بال علم؛ متفکران اسلام (نوشته بارون کاراد)؛

حدس ها و ابطل ها(نوشته کارل پوپر) ؛ هگل و مبانی اندیشه معاصر (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ یونانیان و بربرها (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ هیئت ؛ لغتهای قرآن؛ معلم نمونه؛ اندیشه‌های کلامی شیعه (نوشته مارتین مکدرموت) می باشد.

آرزومندی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم آرزومندی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم آرزومندی تحصیلات خود را تا سوم دبیرستان خوانده ام. از سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه شدم و دروس سطح خود را به جز سه درس به پایان رسانده ام.

از سال ۱۳۷۷ قدم به عرصه مطبوعات گذاشتم و مقالات متعددی را در هفته نامه پرتو به چاپ رساندم، که متاسفانه تاریخ چاپ آنها را در دست ندارم. تعدادی مقاله نیز در شرح حال عالمان بزرگوار تشیع نگاشته ام که در کتاب گلشن ابرار، جلدهای سوم، چهارم، و پنجم به چاپ رسیده است.

علاوه بر اینها، فعالیت عمده حقیر در ویراستاری بوده است و در حال حاضر ویراستار مجلات (آیینه پژوهش) و (فقه) هستم. مدتی هم مجله وابسته به جامعهٔ القرآن را ویرایش کرده ام. افزون بر اینها، کتابهای بسیاری را هم ویراسته ام. مانند: جمع پریشان، اخلاق ایزدی، اعتکاف، شورا در فتوا، ماهیت حکم ظاهری و.....ضمنا بنده تاکنون مدیریت چندین کتابخانه را بر عهده داشته ام و دروس خوشنویسی و قرآن را هم تدریس کرده ام.

آریان پور، امیرحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیرحسین آریان‌پور (زاده تهران ۸ اسفند ۱۳۰۳ – درگذشته تهران ۸ مرداد ۱۳۸۰)، نویسنده، فرهنگ‌نویس، مترجم و استاد دانشگاه ایرانی بود. زندگینامه:

امیرحسین آریان پور، جامعه شناس، پژوهشگر و نویسنده و مترجم توانمند کشورمان، هشتم اسفند ۱۳۰۳ در خانواده‌ای اهل علم و شجاعت، در تهران به دنیا آمد. او از اخلاف عصیانگران نایبی کاشان بود و از طرفی نسبتی هم با خاندان ملک المورخین سپهر نویسنده ناسخ التواریخ داشته‌است. او از نظریه پردازان بزرگ در زمینه علم جامعه شناسی و علوم اجتماعی نیز به شمار می‌آید و در گسترش آن بیشترین تلاشها و خدمات را در حوزه پژوهش و تحقیق به عمل آورد. همچنین از بزرگان علم و فلسفه و هنر کشورمان به شمار می‌رفت و هنوز هم به عنوان یک چهره دانشگاهی و روشنفکری ایران از محبوبیت بسزایی برخوردار است. او که در کنار ویژگی‌های علمی خود، انسانی آرمانخواه و دارای افکار انساندوستانه و مترقیانه بود، هیچگاه دست از حقیقت پژوهی برنداشت و به دنبال کشف حقیقت تاریخ بشری بود و به همین جهت در سه زمینه، انسان شناسی، جامعه شناسی و حقیقت شناسی گامهای ارزنده‌ای برداشته و خلاقیت علمی را با درونمایه جنبه‌های اخلاقی دانش و پژوهش به عنوان وجه مشخصه تلاشهایی همراه داشت. مناعت طبع و قناعت وارگی و دوری از ثروت اندوزی، مقید بودن به راستگویی و درستکاری همراه با شجاعت و صداقت در گفتار و کردار، وجه غالب شخصیت آریان پور بود. کار عظیم او تدوین فرهنگ تفصیلی علوم اجتماعی [در حوزه فرهنگ فلسفه و جامعه شناسی] به چهار زبان فارسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی است که در مدت زمانی بیش از چهل سال به طول انجامیده و بی شک، یکی از مهمترین آثار فرهنگ تفصیلی علوم در زبان پارسی و یکی از گرانبهاترین و بزرگترین آثار امیرحسین آریان پور است که حاوی سیصدهزار فیش بوده و تاکنون انتشار نیافته‌است. امیرحسین آریان پور در روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۰ در تهران درگذشت. پیکر وی در بهشت زهرای تهران ور در آرامگاه خانوادگی آریانپور به خاک سپرده شد . امیر حسین در جامعه شناسی دیدگاهی ماتریالیستی داشت . وی تمام دارایی اش را در زندگی وقف مستمندان نمود. امیر حسین آریانپور پسر خاله سهراب سپهری شاعر بزرگ معاصر ونوه نایب حسین کاشی است . کتاب‌ها:

آیین پژوهش

ایبسن آشوب گرای

بزرگ مردان تاریخ

تاریخ تمدن ویل دورانت(جلد سوم، ترجمه)

جامعه شناسی هنر

دو منطق: ایستا و پویا

در آستانه رستاخیز رسالهای در باب دینامیسم تاریخ

روانشناسی از دیدگاه واقع گرایی۷ مقاله در مجله روانشناسی دانشگاه تهران

زمینه جامعه شناسی

سیر فلسفه در ایران(ترجمه)

فرویدیسم: با اشاراتی به ادبیات و عرفان

فرهنگ چهار زبانه (فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی) در دست انتشار

طبیعت، حیات، منشأ و تکامل آن (چاپ امیرکبیر ۱۳۵۰ ه.ش.)

آریان، قمر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قمر آریـان ، در سال ۱۳۰۱ شمسـی در شـهر مشـهد قدم به عرصه ی هستی نهاد. لات ابتدایی و متوسـطه را در شـهر مشـهد به پایان رسانید. سـپس به تهران رهسپار گردید و به دانشکده ادبیات راه یافت و در رشته ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و پس از طی مراحـل مربوطه به دریـافت لیسـانس توفیق حاصـل کرد. پس از آن در خلال خـدمات آموزشـی ، دوره ی دکترای ادبیات را گذرانـد و در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصـیل گردیـد. خانم دکتر آریان ، پس از اخـذ مدرك لیسانس ، با عنوان دبیر در دبیرسـتان ها به تـدریس اشـتغال ورزیـد. وی سال ها از عمر خویش را صـرف تدریس در دانشگاه ها کرد. علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله های سخن ، راهنمای کتاب ، یغما ، مروارید و مهرگان به چاپ رسانیده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : قمر آریان ، تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه را در شهر مشهد به پایان رسانید. سپس به تهران رهسپار گردیـد و به دانشـکده ادبیـات راه یـافت و در رشـته ی زبـان و ادبیـات فارسـی به تحصـیل پرداخت و پس از طی مراحـل مربوطه به دریـافت لیسـانس توفیق حاصـل کرد. پس از آن در خلال خـدمات آموزشـی ، دوره ی دکترای ادبیات را گذرانـد و در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل گردید.

همسر و فرزندان : قمر آریان ، همسر نویسنده ی توانا دکتر عبدالحسین زرین کوب می باشد.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : قمر آریـان ، مـدت هـا ریـاست هنرسـتان هنرهای زیبای دختران را بر عهـده داشـته و هم زمان به فعالیت های فرهنگی خود ادامه می دهد.

فعالیتهای آموزشـی : قمر آریان ، پس از اخذ مدرك لیسانس ، با عنوان دبیر در دبیرسـتان ها به تدریس اشـتغال ورزید. وی سال ها از عمر خویش را صرف تدریس در دانشگاه ها کرد.

سـایر فعالیتهـا و برنـامه هـای روزمره : قمر آریان ، علاوه بر تألیف چنـدین کتاب ، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله های سـخن ، راهنمای کتاب ، یغما ، مروارید و مهرگان به چاپ رسانده است. وی دانشـمندی محقق و مترجمی توانا و شاعری خوش قریحه و در شعر و شاعری از اسـتعداد و توانایی کافی برخوردار است و اشـعارش بیشتر در قالب دوبیتی به نظم درآمده و در قالب قصیده و غزل کمتر از او شعری مشاهده گردیده است. او به زبان های فرانسه ، انگلیسی و عربی آشنایی دارد.

آرا و گرایشـهای خاص : رساله ی دکترای قمرآریان ، درباره ی مسـیحیت و آیین مسـیح و تأثیر آن در ادبیات و شـعر فارسی است. وی دربـاره ی نقش زن در قصه ها و افسانه های تورات و قرآن نیز به پژوهش پرداخته و آثاری را در این زمینه خلق کرده است. --

---

آثار :

۱ ترجمه ی جهان اسلام

ویژگی اثر : تألیف : برتولد اشپولر.

۲ ترجمه ی شرق نزدیک در تاریخ

ویژگی اثر : تألیف : فیلیپ حتی.

۳ چهره ی مسیح در ادبیات فارسی

ویژگی اثر : تحقیق درباره ی تأثیر مسیحیت در ادبیات ایران.

۴ کمال الدین بهزاد

ویژگی اثر : تحقیق در احوال و آثار بهزاد و محیط هرات عهد شاهرخ. ---

---

منابع :

۱دانشـنامه ی زنـان فرهنگسـاز ایران و جهـان (زن از کتیبه تا تاریـخ) ، تألیف : پوران فرخزاد ، ج ۱ ، تهران انتشـارات زریاب ، ص ۶۷۲سخنوران نامی معاصر ایران ، تألیف : سیدمحمدباقر برقعی ، ج ۱ ، قم : نشر خرم ، ص ۸۹

آرین‌پور، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۴ -۱۲۸۶ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به دانش. در تبریز متولد شد. نیای پدریش عباس‌میرزا بود و از طرف مادر سلسله نسبش به خواجه نصیرالدین طوسی می‌رسد. آرین‌پور در شرح حال خود در «کتاب امروز» می‌گوید: روز و ماه و حتی سال تولدم را به درستی نمی‌دانم، آنچه از این بابت در شناسنامه‌ام آمده راه به جایی نمی‌برد زیرا مستند به بیاض و یادداشت پشت جلد کتابی نیست. وی در مدرسه‌ای در تبریز که اسماعیل امیر حیزی مدیریت و تعلیمات آن را بر عهده داشت، تحصیل کرد. از همدرسان وی، دکتر رعدی آذرخشی، دکتر علی‌اصغر حریری، محمد حسین شهریار و دیگران بودند. از معلمان وی ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت و سید احمد کسروی. تقی رفعت نخستین شخصی بود که وی را با ادبیات نو آشنا ساخت. وی هنگامی که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد شش شماره از «مجله ادب» را انتشار داد. او سی سال در دارائی خدمت کرد. از آثار وی: ترجمه‌ی «ناصرخسرو و اسماعیلیان» برتلس؛ «از صبا تا نیما»؛ «از نیما تا روزگار ما».[۱]

محقق، مترجم، مورخ.

تولد: ۱۲۹۷، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۴، تهران.

یحیی آرین‌پور تحصیلات خود را از مکتبخانه و سپس در دبستان تمدن تبریز آغاز نمود. علوم متوسطه را در دبیرستان محمدیه همان شهر ادامه داد. آموزگاران وی در دبیرستان محمدیه ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت، سید احمد کسروی بودند. از همان زمان قصیده‌گویی و غزل‌گویی را با تخلص «دانش» آغاز کرد. بعدها برخی از قطعه‌ها و ترجمه‌های شعری او در مجله‌های «سخن» و «یغما» به شکل پراکنده به چاپ رسید.

در اواسط سال ۱۲۹۸ که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد، شش شماره از مجله‌ی «ادب» را انتشار داد، شش شماره‌ی دیگر آن مجله تحت نظر اسماعیل امیر خیزی منتشر شد. در اواسط سال ۱۲۹۹ وارد خدمت وزارت دارایی در تبریز شد و تا مرداد ۱۳۳۲، یعنی مدت سی و سه سال پیاپی را در آن وزارتخانه مشاغلی داشت. زبان روسی را در آموزشگاهی در تبریز فراگرفت و با زبان‌های انگلیسی و فرانسوی نیز آشنا بود. پس از بازنشستگی به عنوان مترجم در راه‌آهن دولتی ایران مشغول به کار شد و همزمان به تحقیقات علمی خود ادامه داد. در سال ۱۳۴۶، کتاب ناصر خسرو و اسماعیلیان تألیف ایرانشناس روس (برتلس) را ترجمه کرد. کتاب دیگر او خاطرات سیمونیچ، وزیر مختار روس بود. اما اثر دیگر او از صبا تا نیما نام دارد (۱۳۵۰) که تاریخ یک قرن و نیم (سده‌ی سیزدهم و نیمه‌ی اول سده‌ی چهاردهم هجری) ادب ایران است. وی سرانجام پس از یک سال بیماری جانکاه جان سپرد و در بهشت زهرا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آدینه (ش ۱، ص ۱۱)، آینده (س ۱۲، ص ۱۱۶ -۱۱۵)، چیستا (س ۳، ص ۳۲۲).

آزاد اصفهانی نوربخش، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۸ /۱۲۶۷ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به آزاد. وی در اصفهان متولد شد و در همان شهر به کسب دانش پرداخت. پس از گذراندن تحصیلات متداول زمان خود و آموختن زبان فرانسه، در دبیرستانهای اصفهان و تهران به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۵ ش مجله‌ی هفتگی «نوربخش» را به مدت یک سال انتشار داد. وی ابتدا عضو انجمن ادبی اصفهان بود و سپس از اعضای انجمن حکیم نظامی در تهران گردید که وحید دستگردی مدیر «مجله‌ی ارمغان» مؤسس آن بود. از آثارش: «جوان سلحشور»؛ «منتخبات آزاد»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۷ -۱۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۳ -۱۰۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۱۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۸ -۴۳۷ /۴).

آزاد مراغه‌ای، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۶۱ ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. وی در مراغه متولد شد. پدرش از مجتهدین آذربایجان بود و ابوالقسم نیز پس از اتمام تحصیلات مقدماتی علوم عربی به نجف رفت و در آنجا در حوزه‌های درس آخوند ملا کاظم خراسانی و شیخ حسن ممقانی و فاضل شربیانی حضور پیدا کرد. در پایان تحصیلات حوزوی خود به ایران آمد و برای ادامه‌ی تحصیل راهی اروپا شد و مدت یازده سال در روسیه، ترکیه، یونان، فرانسه، انگلستان، بلژیک، هلند، مصر، حجاز و هندوستان به سر برد و پس از بازگشت به ایران، در اواسط جنگ جهانی اول، در تهران به روزنامه‌نگاری پرداخت. ابتدا مجله‌ی «نامه‌ی پارسی» را که به فارسی سره و بدون واژه‌های

عربی بود منتشر کرد و سپس روزنامه‌ی «آسایش» را در تهران و روزنامه‌ی «آزاد» را در تبریز و بعد مجله‌ی «نامه‌ی بانوان» را در تهران انتشار داد. در ۱۳۲۴ ش نیز جمعیتی به نام «گروه الفبای آسان» تشکیل داد که خود دبیر آن گروه بود. از آثار وی: «الفبای آسان شاهراه رستگاری ایران است»؛ «فرهنگ آزاد»؛ «رهنمای نوعروسان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۴۸)، تاریخ جراید (۱۵۲ -۱۵۱، ۱۴۳ -۱۴۱ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲ -۳۱ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۵ -۲۲۴ /۱).

آزاد همدانی، علی‌محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۴ -۱۲۶۳ ش)، شاعر، متخلص به آزاد. در همدان متولد شد. پدرش حسین از اهالی ناحیه‌ی خوانسار اصفهان بود. وی از پانزده سالگی به تحصیل ادبیات فارسی و عربی پرداخت. منطق را بدون معلم و فقه و اصول و فلسفه را از اساتید فن آموخت و با زبان انگلیسی، فرانس و اسپرانتو آشنا شد. وی تحصیلات خود را در همدان و تهران گذراند و به خدمت وزارت فرهنگ و آموزش و پرورش درآمد و متجاوز از چهل سال به خدمت مشغول بود. وی سالها رییس انجمن ادبی همدان بود. آزاد خط شکسته را خوب می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. ابتدا اسیر و سپس آزاد تخلص می‌کرد و از مریدان سید محمد یوسف‌زاده معروف به غمام همدانی بود که بدین سبب به غمامی نیز شهرت داشت. از آثار او: کتاب «عشق و ادب»، در دو جلد در شرح داستان فردوسی که ناتمام مانده است، جلد اول آن در ۱۳۱۳ ش در تهران به چاپ رسید.[۱]

شیخ علی‌محمد غمامی آزاد همدانی (و. ۱۳۰۲ ه.ق.) وی به فنون ادب فارسی و طبعی سرشار و بیانی جذاب و شیرین داشت. آزاد یکی از با ذوق‌ترین نویسندگان هم عصر خویش بود و سراسر عمر را در خدمت فرهنگ کشور گذراند و مردی نیک نام و درستکار بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۲۳۸ -۲۳۷)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۷۶ -۲۷۲ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۹ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۹۹ -۹۴ /۱)، شرح حال رجال (۱۷۱ /۶)، فرهنگ سخنوران (۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۷ /۴).

آزاد، افراسیاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۳ ق)، وکیل دعاوی، نمایشنامه نویس و روزنامه‌نگار. وی از نویسندگان پرکار اواخر دوره‌ی مشروطیت و یکی از آغازگران مکتب نمایشی اخلاقی در ایران بود. او که به کار وکالت عدلیه مشغول بود تعداد بسیاری نمایشنامه نوشته است که بیشتر آنها به معرض نمایش هم گذاشته شده‌اند. آزاد در دوره‌ی ۱۲۹۵ تا ۱۳۲۰ ش نیز نمایشنامه‌های زیادی نوشته است. او همچنین روزنامه‌ای به نام «نامه‌ی آزاد» منتشر کرد که در این زمینه با موفقیتی روبرو نشد. یکی از نمایشنامه‌های وی «احساسات جوانان ایرانی» است که در تیاتر ملی در سل ۱۳۳۳ ق به معرض تماشا گذارده شد. آزاد در حدود سی الی چهل نمایشنامه نوشته است که بیشتر آنها درباره‌ی ماسئل اخلاقی، از قبیل: مضرات الکل، تریاک، قماربازی و غیره است. از جمله آثار نمایشی وی: «تا به کی خود را نشناسیم»؛ «مالیخولیای قماربازی»؛ «گدای معقول»؛ قضا و قدر»؛ «دسته گل»؛ «گل و بلبل». تنها اثر به چاپ رسیده‌ی او «نامه‌ی آذربان یا سربازی وطن افتخار است» که در سال ۱۲۹۲ ش منتشر شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (۲۳۱ -۲۲۵ /۲)، تاریخ جراید (۲۵۹ /۴).

آزاد، شهناز

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۹ ش)، روزنامه‌نگار. وی مؤسس، مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «نامه‌ی بانوان» بود که در سال ۱۲۹۹ ش در تهران منتشر شد. او به کمک همسرش ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای به انتشار «نامه‌ی بانوان» پرداخت. در عنوان روزنامه بالای اسم آن جمله «زنان نخستین آموزگار مردانند» به عنوان شعار چاپ شده بود. در «نامه‌ی بانوان» بیشتر مندرجات مخصوص بانوان بود و در صفحه‌ی عنوان آن مقصود از انتشار روزنامه این طور نوشته شده بود: «این روزنامه برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستمکش ایران است».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۹)، اندیشه نگاران زن (۹۰)، تاریخ جراید (۲۶۳ -۲۶۱ /۴، ۱۴۳ /۱)، زنان روزنامه‌نگار (۱۰۱ -۹۹).

آزادواری جوینی، ابوموسی هارون

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، ادیب و فقیه. در نیشابور از ابوعبداللّٰه محمد بن ابراهیم پوشَنجی و ابراهیم بن عبدالرحمان بن سهل آزادواری حدیث شنید. حاکم ابوعبداللّٰه حافظ از او روایت کرده و او را فقیه و ادیب شمرده و گفت است که وی پیش از سال ۳۱۰ ق در ری و بغداد به جمع‌آوری احادیث اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۳ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۵ /۱).

آزاده گیلانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۴ ش)، روزنامه‌نگار. فرزند شیخ علی‌اکبر مجتهد از علمای گیلان بود. وی در نجف اشرف متولد شد و تحصیلات مقدماتی خود را در گیلان گذراند و در انقلاب مشروطیت به آزادیخواهان گروید و با همین روحیه در سال ۱۳۰۲ ش امتیاز روزنامه «قرن ۱۴» را گرفت ولی پس از دو سال انتشار، روزنامه‌ی مذکور توقیف شد. پس از مدتی در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۰۵ ش موفق به دریافت امتیاز روزنامه‌ی «فکر جوان» شد. پس از چهار سال این روزنامه نیز متوقف و آزاده نیز مدتی در بند و سالیانی تبعید گردید. بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش بار دیگر به انتشار روزنامه «فکر جوان» پرداخت تا آن که به موجب قانون مطبوعات احمد قوام، روزنامه مجدداً توقیف شد. آزاده‌ی گیلانی با تلاش زیاد در سال ۱۳۲۲ ش پس از کسب امتیاز مجدد روزنامه‌ی «فکر جوان» به نشر دوباره‌ی آن پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۰۹ –۱۰۸، ۸۷ –۸۵ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲ /۱).

آزادی، جواد، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ –۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به آزادی. فرزند شیخ محمد حسین حیات مدیر روزنامه‌ی «حیات» و از اهالی شیراز بود. پس از به پایان رسانیدن تحصیلات قدیم و جدید خود، مدیریت دبیرستان حیات را که پدرش تأسیس کرده بود برعهده گرفت و به تدریس نیز پرداخت. در سال ۱۲۹۹ ش، اقدام به تأسیس روزنامه‌ی «عصر آزادی» در شیراز نمود و با انتشار آن وارد عرصه‌ی سیاست شد. جواد آزادی چند دوره‌ی متوالی (از دوره‌ی نهم تا چهاردهم) نماینده‌ی مردم لار در مجلس شورای ملی و غالباً عضو هیئت رئیسه‌ی مجلس بود. وی در تهران وفات یافت.[۱]

متولد ۱۲۷۵ در شیراز، فرزند شیخ محمدحسین حیات شیرازی روحانی و ناشر روزنامه‌ی حیات شیراز. تحصیلات مقدماتی و عالی خود را در شیراز مطابق معمول زمان انجام داد و به شغل فرهنگی پرداخت. چندی مدیریت مدارس شریعت، حیات و هنرستان فارس را داشت. در ۱۲۹۹ ش امتیاز روزنامه‌ی عصر آزادی را گرفت و به انتشار آن مبادرت نمود. از دوره‌ی دهم از لار به وکالت رسید. مجموعاً ۵ دوره وکیل مجلس بود. در ۱۳۲۳ در ۴۸ سالگی بر اثر سکته درگذشت. نویسنده‌ای توانا و خطیبی پرمایه بود. زبانهای عربی و انگلیسی را می‌دانست. در زبان و ادبیات فارسی بصیرت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۵ –۲۱ /۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵ –۲۴ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳ –۳۲ /۱).

آسوده شیرازی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۰ –۱۲۶۵ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به آسوده. از اهالی شیراز و پدرش بازرگان بود، اما خود او به حکم ذوق و گرایش فکری، به شاعری روی آورد و به تحصیل علوم ادبی و حکمت و ریاضیات پرداخت و در فنون شاعری چون عروض و بدیع و قافیه و نقدالشعر مهارت یافت. در اواسط عمر به عزلت گرایید و به مصاحبت اهل ذوق و عرفان روی آورد. وی در تمام قلبهای شعری اعم از قصیده، غزل، قطعه، رباعی، مثنوی و مسمط طبع آزمایی کرده است و مثنویی به نام «عرفان الحکم» و مثنویی در تقریظ «سالارنامه» دارد. «دیوان آسوده» اثر دیگر او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۵۴ -۳۵۳)، حدیقهٔ الشعراء (۳۷ -۳۲ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰ -۲۵ /۱)، الذریعه (۲۴۶ /۱۴۳، ۱۹ /۲۴۷، ۱۵ /۶، ۹/)، ریحانه (۴۸ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۴، ۱۱۳۵، ۹۸۰ /۲)، فرنگ سخنوران (۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۸ -۳۵۷ /۶)، مرآت الفصاحهٔ (۲۶ -۲۵).

آشتیانی اعتصام‌الملک، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۵۳ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. اصلا آشتیانی بود و در تبریز متولد شد. پس از فوت پدرش، که از مستوفیان آذربایجان بود، به اعتصام‌الملک ملقب گردید. در تبریز ادبیات فارسی و عربی و قدری از فقه و اصول و حکمت قدیم و زبان فرانسه و عربی را آموخت. در ترجمه از عربی و فرانسه توانا بود. در جوانی مطبعه‌ی سربی را در تبریز دایر کرد. وی در دوره‌ی دوم مجلس وکیل بود و مدتی ریاست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی را داشت. از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۱ ق مجله‌ی ادبی علمی و اخلاقی و سیاسی «بهار» را انتشار داد. در تهران درگذشت و در آرامگاه خانوادگی در قم دفن شد. بعضی از تالیفاتش که به زبان عربی است ظاهر در مصر چاپ شده است. از عربی و فرانسه نیز چند کتاب به فارسی ترجمه کرده است. از آثار وی: «تربیت نسوان» که ترجمه‌ای است از «تحریر المراه»؛ «تیره‌بختان»، اثر ویکتور هوگو؛ ترجمه «خدعه و عشق»، اثر شیلر شاعر آلمانی برگردان از ترجمه فرانسوی؛ ترجمه‌ی «سفینه غواصه» اثر ژول ورن؛ ترجمه‌ی «حال تولستوی»؛ «سیاحتنامه‌ی فیثاغورث در ایران»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی»؛ «قلائد الادب»، در شرح «اطواق الذهب» زمخشری، به عربی؛ «الثوره الهندیه»، ترجمه به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۱۱۷ -۱۱۳ /۲)، ایضاح المکنون (۲۳۷/۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۷/۱)، الذریعه (۱۶۱/۱۷ ، ۳۸۹/۱۶)، ریحانه (۸۵۰/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۵ -۲۰۳ /۱)، شرح حال رجال (۴۹۴ -۴۹۳ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۱ -۸۸۰ /۶)، معجم المولفین (۲۷۷/۱۳)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۵)، یادداشتهای قزوینی (۲۶۴/۸).

آشتیانی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۰ ق)، خطاط و منشی. در علم انشاء مهارت داشت و نستعلیق را نیکو و استوار می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۲۰ /۳).

آشتیانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا آشتیانی

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در آشتیان به دنیا آمد. خانواده او خانواده ای مذهبی و دوستدار اهل بیت پاک پیامبر(ص) بود و پدرش با پیشه کشاورزی روزگار می‌گذراند. دوران تحصیل حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی، نخست به مکتبخانه رفت و پس از حدود ۲ سال که آن را به آموختن قرآن و ادبیات فارسی گذرانده بود، به دبستان رفت و پس از چند سال آن را به پایان رسانید.

موقعیت خانواده او به گونه‌ای بود که باید به کمک پدر می‌رفت و به او خدمت می‌کرد. از این رو همچون پدر پیشه کشاورزی را پیش گرفت و چند سال هم بدین عنوان گذرانید، تا اینکه بر حسب اتفاق یکی از وعاظ مشهور به نام آقای منتظری گلپایگانی به آشتیان آمد و با مشاهده استعداد او، از پدرش درخواست کرد که فرزند خود را به تحصیل علوم دینی بگمارد.

این امر مورد موافقت پدر او واقع شد. از این رو حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی در حدود ۲۰ سالگی دروس مقدمات را در حوزه علمیه آشتیان آغاز کرد. او با به پایان رساندن مقدمات، عازم حوزه علمیه قم شد تا از مواهب معنوی و علمی استادان آن دیار عالم‌خیز بهره ببرد. او در مدتی کوتاه دروس دوره سطح را در نزد بهترین استادان آن روزگار به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول عالمان آن دوره راه یافت. البته مهم‌ترین استاد او در این بخش، آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.

او در طی این سالها ضمن تحصیل دروس رسمی، به تحقیق و پژوهش درباره مسائل گوناگون اسلامی نیز می‌پرداخت. حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی در طول دوران تحصیل خود از محضر عالمان بسیاری بهره‌مند شد.

او که مقدمات را در حوزه علمیه آشتیان به پایان برده بود، شرح لمعه را نزد آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و آقای شب زنده دار و نیز قوانین را نزد آیت الله ستوده فرا گرفت و برای آموختن رسائل به درس آیت الله العظمی نوری همدانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی رفت. کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی طباطبائی(ره) و آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آموخت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی رفت و یک دوره اصول که حدود ۶ سال به طول انجامید و حدود ۱۵ سال درس فقه را نزد ایشان فرا گرفت. او در طی این سالها به درس امام خمینی(ره) و نیز درس آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری(ره) می‌رفت. و در ایام تعطیل و روزهای پنج شنبه و جمعه در جلسات تفسیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی حاضر می‌شد.

حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی در طول سالیان تحصیل با فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از میان آنها از حجهٔالاسلام والمسلمین امامی ـ از اعضای جامعه مدرسین ـ می‌توان نام برد.

حجهٔ الاسلام والمسلمین آشتیانی تا به امروز فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری از خود بر جای نهاده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصه، شرکت در تدوین تفسیر نمونه است. کار تدوین و نگارش تفسیر نمونه از سال ۱۳۵۱ آغاز شد. این کار به پیشنهاد آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود. ایشان بر این باور بودند که خلا وجود یک تفسیر فارسی که همگان بتوانند آن را بخوانند و از آن استفاده کنند، محسوس است. از این رو حجهٔالاسلام و المسلمین آشتیانی به همراه گروهی از فضلای آن روزگار تحت اشراف آیت الله العظمی مکارم، کار نگارش این اثر عظیم را آغاز کردند که با عنایت پروردگار در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید و در ۲۷ جلد در اختیار همگان قرار گرفت. از فعالتیهای مهم دیگر ایشان، شرکت در تدوین تفسیر موضوعی قرآن به نام «پیام قرآن» و نیز شرکت در نگارش تفسیر نهج البلاغه است که هر دو اثر هم اکنون منتشر شده و در اختیار عموم مردم قرار گرفته است. حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در اسفند ۱۳۸۲ به نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی انتخاب شده است.

آصفی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی آصفی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

محمد مهدی آصفی در سال ۱۳۱۶ ه.ش در یک خانواده روحانی در نجف اشرف متولد شد، پدر او، مرحوم آیت الله شیخ علی محمد آصفی بروجردی (ره) از علماء و فقهای نجف بود. مادر او دختر فقیه بزرگوار مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی بروجردی است.

ایشان از دوران نوجوانی با حوزه علمیه ارتباط پیدا کرد و پس از گذراندن مقدمات دروس علوم دینی، وارد مقطع سطح حوزه علمیه شد و از استادان بنامی استفاده برد، همچون آیات عظام شیخ مجتبی لنکرانی (درس فقه) شیخ صدرا بادکوبی (درس اصول)، سرابی (تفسیر)، شیخ محمد رضا مظفر(منطق)، شیخ عبدالمنعم فرتوسی (بلاغت و معانی و بیان).

او همگام با دروس حوزوی، درس‌های دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس دانشگاه بغداد در رشته معارف اسلامی ادامه داد. استادان گرانقدری که او در مرحله عالی حوزه یعنی درس خارج از آنها بهره جست عبارتند از: آیات عظام میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، حکیم، امام خمینی و ابوالقاسم خویی (رحمهٔ الله علیهم.)

وی دارای تألیفات زیادی از جمله «ملکیهٔ الارض فی الاسلام» است که در نجف نوشت و سی سال پیش آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین و آیت الله میرزا هاشم آملی با استناد به این کتاب، به وی اجازه اجتهاد دادند.

وی که در فقه و قرآن صاحب نظر می باشند، فعلاـ به تدریس خارج فقه (تخریج فقهی مسائل بانکداری) و تکمیل کتابهای فی رحاب القرآن (که در حکم یک تفسیر موضوعی است در ۱۲ جلد) اشتغال دارند.

از خدمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی او عبارتند از: تا چندی پیش حدود سی سال در کادر رهبری حزب الدعوه عراق بود و مدتی است که از این حزب به دلائلی بیرون آمده. مؤسسه خیریه امام باقر (ع) را تأسیس کرد که تقریباً ۶۷۰۰ خانواده پناهنده عراقی و افغانی را در بیش از ۳۳ نقطه از جمهوری اسلامی ایران، سرویس دهی می کند. ایجاد مجتمع های مسکونی (حدود ۱۱۰ واحد مسکونی) برای ایتام در قم و ۲۲۰ واحد مسکونی برای کمک های مادی و معنوی به مؤمنین در داخل عراق و داخل کشور افغانستان.

آغنه دوست، فاطمه خاتون

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(قبل از ۹۶۲ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به دوستی. وی دختر درویش قیام سبزواری بود. آغادوست در ادبیات و علم عروض وقوف و بصیرت کافی داشت و دارای طبعی سرشار بود. در تذکره‌ها با نامهای آقا یا آغادوست نیز آمده است بیت زیر از او است:

ز آشنایی تو عاقبت جدایی بود

فغان که با تو مرا این چه آشنایی بود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱)، الذریعه (۹ /۹)، ریاحین الشریعه (۳۲۲ /۳)، زنان سخنور (۱۹۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰)، مرآت الخیال (۳۳۷)، مستدرکات اعیان (۴ /۳)، مشاهیر زنان (۵).

آفتابی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد آفتابی

محل تولد : سرپل ذهاب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۳/۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد آفتابی فرزند علیجان متولد روستای نقاره کوب از توابع شهرستان سر پل ذهاب استان کرمانشاه در تاریخ۴/ ۳/ ۱۳۵۶متولد. کلاس اول تا پنجم ابتدائی در روستای فوق الذکر مشغول تحصیل بودم. دوران راهنمائی را در شهرستان سر پل ذهاب (مدرسه ابوذر) به اتمام رساندم. مقطع متوسطه را در دبیرستان معلم سرپل ذهاب طی کردم.

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه باقرالعلوم (ع) شهرستان سرپل ذهاب که در همان سال هم تاسیس شده بود، مشغول تحصیل علوم حوزوی شدم. در ادامه لمعتین و اصول فقه را در حوزه علمیه امام خمینی (ره) کرمانشاه در مسجد حاج شهبازخان که زیر نظر مرحوم حضرت آیت الله حاج آخوند کرمانشاهی بود سپری نمودم و در سال ۱۳۷۸ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم که فصل جدیدی در زندگی و تحصیلم آغاز گردید.

بعد از دو سال که در قم بودم، شروع به فعالیتهای علمی و تحقیقی نمودم که چند مقاله به نگارش درآورده ام و در حال حاضر هم مشغول تحقیقات علمی و پژوهشی در ابواب دیگر نیز می باشم و از محضر حضرات آیات مراجع معظم تقلید نیز بهره مند هستم و از وجود این عزیزان استفاده های علمی لازم را می برم که در بخش اساتید به آن اشاره کرده ام. انشاء الله خداوند سبحان به همه ما توفیق عنایت بفرماید که از سربازان واقعی امام عصر (عج) باشیم.

آفُرانی نسفی، ابوموسی، وُثَیر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، واعظ. او سخنان بزرگان و پارسایان گذشته را نقل می‌کرد و از حاتم بن عُنوان اَصَم بلخی داستانهایی حکایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۵ -۶۴ /۱)، دائرة المعارف البستانی (۱۱۴ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۰ /۱)، معجم البلدان (۷۴ /۱).

آفُرانی، ابوالطیب، عبدالملک

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. ابوالطیب از مردم آفُران، قریه‌ای در نزدیکی نسف، بود. از احمد بن حامد مقری نسفی و ابوالفوارس احمد بن محمد بن جمعه و لیث بن نصر کاجَری نَسفَی حدیث شنید و به مرو رفت و در آنجا فقه آموخت و از ابوالعباس معدانی و ابوالحسن محمودی و ابوزید فقیه مروزی حدیث شنید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۹ /۱).

آفرانی، ابوتَمام، عبدالسلام

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۰ ق)، ادیب، شاعر و فقیه. برادر ابوالطیب آفُرانی و از مردم آفُران، دهی در نزدیکی نَسَف بود. در فقه پیرو مذهب شافعی بود و از اصحاب شافعی نیز آموخته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۹ /۱).

آقا پیروز، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقا پیروز

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۶ در شهرستان سمنان متولد شدم . تحصلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در شهر تهران به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۲ به دلیل علاقه زیاد به علوم اسلامی جذب حوزه علمیه ولی عصر علیه السلام تحت سرپرستی استاد گرانقدر و فرزانه حاج آقا بنابی (دام عزه) شده ، دروس مقدماتی (ادبیات عرب، منطق، اصول فقه، و معالم) را در آن حوزه به پایان رساندم . سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم عزیمت کردم و درسال ۱۳۷۰ با اتمام دوره سطح، وارد دروس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتید بزرگوار : حضرات آقایان مکارم شیرازی (۴ سال)، میرزا جواد آقا تبریزی (۷ سال)، وحید خراسانی (۱ سال)، محقق داماد (۱ سال)، و جوادی آملی (۲ سال تفسیر قرآن و ۲ سال خارج فقه و مکاسب) بهره مند گشتم ؛ شرح منظومه ملا هادی سبزواری را در محضر استاد گرانقدر جناب آقای احمد بهشتی تلمذ کرده ، از محضر حضرت استاد انصاری شیرازی نیز استفاده کردم.در عرفان اسلامی نیز به مدت ۵ سال از محضر استاد فرزانه حضرت آیت الله احمد حجتی بهره بردم.تحصلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه سپری کردم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. پیش از اتمام این دوره تحقیقات نسبتا گسترده ای را در موضوع مدیریت اسلامی آغاز کرده و در طرح های متعددی به صورت مجری و یا همکار حضور داشته ام . در زمینه تدریس نیز در حدود ۷ سال مدرس جامعه الزهراء سلام الله علیها بوده و درس های معارف اسلامی، عقاید، و فقه را ارائه کرده ام در موضوع مدیریت اسلامی نیز در مراکز : دانشگاه آزادنراق، سفیران هدایت ، تربیت راهنما تدریس داشته ام . و چندین کارگاه آموزشی را با موضوع سازمان و مدیریت برای مدیران روحانی دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی برگزار کرده ام (به طور مشترک با جناب آقای منطقی) در زمینه تفسیر قرآن کریم مدت ۳ سال در سازمان بهسازی و زیبا سازی اطراف حرم مطهر، به تفسیر ترتیبی آیات نورانی هر هفته یک جلسه اشتغال داشته ام.

آقا خان کرمانی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۰- مقتول ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. وی نوه‌ی دختری مظفر علیشاه کرمانی بود و در کرمان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و معانی و بیان به تکمیل ادبیات، ریاضیات و حکمت الهی کوشید. میرزا عبدالحسین در حدود ۱۳۰۲ ق همراه شیخ احمد روحی به اصفهان مهاجرت کرد و از آنجا به تهران آمد و به تدریس و تفسیر قرآن اشتغال ورزید. وی مدتی با حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و شیخ مهدی شریف کاشانی مصاحبت داشت. سپس به همراه روحی به رشت رفت و از آنجا رهسپار استانبول شد. او در استانبول با روزنامه‌ی «اختر» با مدیریت آقا محمدطاهر تبریزی، همکاری کرد و مقالاتی در آن روزنامه نوشت. میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی و میرزا حسن خان خبیرالملک نامه‌های بسیاری از قول سید جمال‌الدین اسدآبادی به علمای نجف و سامرا و ایران نوشتند و خواستار همبستگی و مبارزه با استبداد ناصرالدین شاه شدند و همچنین از اعمال میرزا علی‌اصغر خان صد اعظم انتقاد کردند. به همین دلیل صدر اعظم در صدد دستگیری آنان برآمد و با متهم کردن آنان به دست داشتن در شورش ارمنیان، دولت عثمانی آنان را تحت‌الحفظ به طرابوزن تبعد و زندانی کرد. با پیش آمدن واقعه‌ی قتل ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ ق، سوءظن دولت ایران نسبت به این افراد بیشتر شد و عاقبت بر اثر اصرار میرزا محمود خان علاءالملک دیبا، سفیر کبیر ایران در عثمان، به ایران فرستاده شدند و سرانجام به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز به قتل رسیدند. از آثار وی: «آیینه سکندری»، در تاریخ ایران، از ماقبل تاریخ تا رحلت پیغمبر (ص)؛ «جنگ هفتاد و دو ملت»؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر و دستور حکومت»، شرح و ترجمه؛ «نامه‌ی باستان»، منظوم، بر وزن «شاهنامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اختر (ج ۱، س ۳ -۱، مقدمه ص ۱۱)، ادبیات نوین (۳۰)، از صبا تا نیما (۳۹۴ -۳۹۰/ ۱)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۹۷ -۴۹۳)، ستارگان کرمان (۳۷۲ -۳۶۸)، شرح حال رجال (۲۵۷ -۲۵۳/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۲/ ۲ ،۱۵۸۶ ، ۱۰۶۷ ،۸۷۰ ،۹۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۶ -۷۵۴/ ۳)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۵۴)، یغما (س ۲، ش ۶، ص ۲۵۹ -۲۵۵).

آقابابایی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل آقابابایی بنی

محل تولد : شهرکرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد سال ۱۳۴۷ در شهر بن از توابع شهرکرد هستم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و سالهای اول و دوم دبیرستان را در بن به انجام رسانده و سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شهرکرد شدم. تدریس را در کنار تحصیل از سال دوم حوزه آغاز کردم و تا درس لمعه ادامه یافت.

سال ۱۳۶۷ به قم منتقل شدم و دوره سطح را به پایان رسانده و در دوره درس خارج همزمان تحصیلات دانشگاهی و حوزوی را ادامه دادم. در درس خارج اصول آیهٔ الله تبریزی به مدت ۶ سال شرکت و سعی کردم پس از مباحثه درسهای ایشان را به طور کامل تقریر کنم. در دروس فقه اساتید دیگر همچون آیات عظام مکارم شیرازی، جوادی آملی و فقیهی نیز شرکت کرده و مجموعاً به مدت ۸ سال کامل به تحصیلات خارج اشتغال داشتم. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در سطح کارشناسی ارشد پژوهش را به عنوان شغل مورد علاقه خود در کنار تدریس در دانشگاه برگزیدم.

همچنین بخشی از فعالیت های من به ویرایش علمی و نگارش نوشته های حقوقی اختصاص یافته که تاکنون بیش از چهل کتاب و صد مقاله و گفتگو را ویرایش کرده ام و این آثار در مراکز متفاوت به چاپ رسیده اند. از نظر تالیف اولین نوشته من پایان نامه دانشگاهی بود که از طرف جهاد دانشگاهی از میان پایان نامه های سال دانشجویی شایسته تقدیر شناخته شد. پس از آن کتابی به عنوان بازداشت موقت به چاپ رسانده و کار بعدی به کتابی در زمینه پیوند اعضا اختصاص داشت که حائز رتبه دوم کشوری در جشنواره دین پژوهان گردید و از طرف وزیر محترم فرهنگ از این اثر تقدیر شد. و همچنین ارائه مقاله و سخنرانی علمی در دانشگاههای مازندران، اصفهان و مفید قم از دیگر فعالیتهای علمی اینجانب است. نگارش یک مقاله علمی، پژوهشی و دو مقاله در همایش های کشوری و مقالات از آثار دیگر است که تا کنون به چاپ رسیده اند. نقش جنسیت در میزان دیه و قانون گرائی و نقش اجتهاد در قضا، از طرح های در دست تدوین در دانشگاه مفید است و آخرین نوشته ای که در قالب کتاب امیدوارم به زودی به بازار نشر راه یابد، نوشته ای است تحت عنوان بررسی مسائل فقهی و حقوقی شرکت های هرمی که پژوهشگاه اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات طرف قرارداد طرح است. بطور کلی مسائل جدید در حوزه حقوق کیفری محور تحقیقات علمی اینجانب است و امیدوارم به یاری حق همچنان ادامه یابد.

آقابابایی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین آقابابایی

محل تولد : دلیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۹۳ ق)، کتاب شناس، محقق، فقیه و محدث شیعی. آقا بزرگ تحصیلات مقدماتی خود را در تهران در مدارس دانگی و

پامنار و فخریه آغاز کرد و ادبیات و فقه و اصول و منطق آموخت و در ۱۳۱۵ ق عازم نجف شد و نزد حاج میرزا حسین محدث نوری تحصیل علم حدیث کرد. و در حوزه درس آخوند ملا کاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، سید محمدکاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی به تکمیل فقه و اصول پرداخت. در سال ۱۳۲۹ ق به کاظمین رفت تا مقدمات تدوین بزرگ‌ترین دایرةالمعارف کتاب شناسی شیعه، یعنی«الذریعهٔ الی تصانیف الشیعهٔ» را آماده سازد. این دایرةالمعارف در واقع جوابی به جرجی زیدان، ادیب مسیحی عرب بود که مدعی شده وبد که نقش شیعه در فرهنگ اسلامی بسیار اندک است. آقابزرگ برای تهیه‌ی «فهرست الذریعه» در نجف چاپخانه‌ای به نام مطبعهٔالسعادهٔ دایر کرد. ولی دولت عراق مانع کار وی شد. وی برای تکمیل «الذریعه» سفرهای بسیار کرد و از بیشتر کتابخانه‌های عمومی عراق و ایران و سوریه و فلسطین و مصر و حجاز و بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی بازدید کرد. حاج‌آقا بزرگ از بسیاری از محدثین فرق و مذاهب گوناگون اجازه‌ی نقل حدیث داشت، از جمله: میرزا حسین نوری، سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی، شیخ علی خاقانی، شیخ علی کاشف الغطاء، سید حسن صدر، شیخ محمدعلی ازهری مالکی، شیخ عبدالوهاب شافعی، شیخ ابراهیم الاحمدی، شیخ عبدالقادر طرابلسی، شیخ عبدالرحمن حنفی. بسیاری از بزرگان نیز از او اجازه‌ی نقل حدیث گرفته‌اند، مانند: حاج‌آقا حسین بروجردی، سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، شیخ عبدالحسین امینی، سید عبدالهادی شیرازی، شیخ محمدرضا آل‌یاسین، سید محمدصادق بحرالعلوم، سید شهاب‌الدین مرعشی. وی پس از یک بیماری طولانی در نجف درگذشت و طبق وصیتش، در کتابخانه خود که آن را وقف علما کرده بود به خاک سپرده شد. مهمترین آثار وی عبارت‌اند از: «الذریعهٔ الی تصانیف الشیعهٔ» در ۲۶ جلد؛ «طبقات اعلام الشیعه»، از سده‌ی چهارم تا چهاردهم ق. در یازده جزء که ادامه کتاب «وفیات الاعلام» سید حسن صدر در سه قرن اول بود؛ «مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال»؛ «هدیهٔ الرازی الی المجدد شیرازی»؛ «النقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «توضیح الرشاد فی تاریخ حصر الاجتهاد»؛ «المشیخهٔ»؛ «ضیاء المفازات فی طریق مشایخ الاجازات»؛ «مستدرک کشف الظنون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۶، ش ۴ –۳، ص ۲۵۳ –۲۴۷ و ش ۸ –۷، ص ۵۹۶ –۵۸۸)، الذریعه (۱/ مقدمه و ۲۰/ مقدمه)، ریحانه (۵۴ –۵۲ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۹ –۱۸ /۱)، سواد و بیاض (۵۸۹ –۵۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۰ –۲۷۹ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۵ –۲۳۲ /۵)، نام‌آوران فرهنگ (۳۵۳).

آقاتهرانی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی آقا تهرانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقا تهرانی در سال ۱۳۳۶ در اصفهان متولد شد. تحصیلات مقدماتی علوم حوزوی را در مدرسه حقانی قم و زیر نظر شهیدان گرانقدر، قدوسی و بهشتی به اتمام رسانید.

ایشان از رزمندگان پر تلاش دوران دفاع مقدس بوده و همزمان دروس متوسطه و عالی فقه و اصول، فلسفه و تفسیر را در مکتب بزرگانی چون حضرات آیات بهجت، مظاهری و مصباح یزدی(دامت برکاتهم) فرا گرفته است. تحصیل در مؤسسات باقرالعلوم، در راه حق، امام خمینی(ره) و اخذ فوق‌لیسانس روانشناسی در قم، فوق‌لیسانس فلسفه غرب و دکترای فلسفه عرفان از دانشگاه بینگ همتون آمریکا، کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی از دانشگاه لگ گیل کانادا بخش دیگری از کارنامه درخشان علمی ایشان است.

حجت‌الاسلام والمسلمین تهرانی، ۵ سال به عنوان امام جمعه شهر نیویورک و مسئول مؤسسه اسلامی این شهر فعالیت نمودند و پس از بازگشت از آمریکا تا به امروز به تدریس و تبلیغ در حوزه و دانشگاه و تحقیق و پژوهش در گستره فقه، اصول، اخلاق، عرفان و علوم تربیتی پرداخته است.

منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی

آقاجانی قناد، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقاجانی قناد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

آقاجانی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر آقاجانی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از دروس ابتدائی، در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شهر آستانه اشرفیه استان گیلان شدم. قریب به ۲ سال مقدمات علوم حوزوی را نزد حجهٔالاسلام مرحوم عسگری و مرحوم آیت الله دکتر ضیائی گذراندم.

حدود سال ۵۵ – ۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب را محضر استاد بنی فضل و استاد پایانی فرا گرفتم و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان بردم. دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگ حوزه : حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله وحید خراسانی و حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی (حفظهم الله) خواندم .

از نظر مدارک حوزوی پایه دهم، کتبی و شفاهی را تمام کردم و گواهینامه ۸ سال خارج فقه و ۳ سال خارج اصول را از آیت الله مکارم شیرازی دارم و نیز مدارج علمی و معادل خارج یک را از دفتر تبلیغات اسلامی قم اخذ نمودم. از نظر مدارک کلاسیک دیپلم اقتصاد را در سال ۱۳۶۱ در قم از دبیرستان صدوق (ره) فرا گرفتم.

در سال ۱۳۶۸ بصورت قراردادی فعالیتهای تحقیقی معجم نگاری بحار الانوار مجلسی را در واحد تحقیقات دفتر تبلیغات شروع نمودم و به کارهای پژوهشی از قبیل فیش برداری، تصحیح و مقابله مربوط به کتب بحار الانوار اشتغال داشتم. مسئولیت تحقیقات کل را مرحوم عبائی خراسانی و مدتی آقای درایتی و بعد دیگران به نوبت بر عهده داشتند. مسئولیت بخش معجم بحار الانوار را هم حجهٔالاسلام حاج آقای مهدوی امام جمعه فعلی سرخه سمنان بر عهده داشتند. نتیجه این فعالیت تحقیقی، علمی و گروهی ۱۴ جلد بزرگ معجم بحار الانوار و ۳ جلد اعلام بحار می باشد، که در کتاب شناسی سال از جناب آقای هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور وقت)، کتاب سال معرفی گردید. حدود فعالیت ما در واحد تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳ سال بطول انجامید. ۱۰سال را در معجم بحار گذراندم و قریب به ۳ سال را هم در واحد سیره اهل بیت (ع) به فعالیت مشغول بودم. بخشی از فعالیت تحقیقی را در مکاتب تاریخی بصورت فیش برداری اشتغال داشتم که نظارت آنرا دکتر آئینه وند بعهده داشت و ریاست واحد را آقایان مدرسی و زمانی و آقای سلطانی و دوره پایانی آنرا آقای واسعی بعهده داشتند .

آقاجانی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله آقاجانی

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۴ در شهرستان بابلسر، برای تحصیل در علوم دینی در همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه امام صادق(ع) به اتمام رساندم.

بعد از اتمام لمعتین، همزمان با ادامه درس سطح، در موسسه در راه حق تحت اشراف حضرت استاد آیت الله مصباح یزدی شرکت نموده به مدت پنج سال دروس معارف اسلامی آن را گذراندم. و بعد جهت ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس در رشته جامعه‌شناسی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) شرکت کردم و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس رشته فوق شدم (در سال ۱۳۸۱) همزمان با تحصیل قریب ده سال به تدریس و تحقیق مشغول هستم. تدریس دروس معارف اسلامی، تدریس درس جامعه‌شناسی در دانشگاه و مراکز آموزشی از جمله آنها است. مقالات مختلف در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به رشته تحریر درآمده است که برخی هم چاپ شده است. با تاسیس رشته اندیشه معاصر مسلمین در معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی، اکنون سطح ۴ حوزه علمیه را در این رشته در حال گذراندن هستم.

مدتی در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای مرکز قم، مدیریت علمی گروه مطالعات اجتماعی و فرهنگی آن را به عهده داشتم. اکنون هم مدیر گروه تربیت مبلغ معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی قم هستم.

آقاسردار، نجف قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۳ ق)، مورخ و مترجم. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و مقدمات برای ادامه‌ی تحصیلات به بیروت رفته و از آنجا به فرانسه رهسپار شد. مدتی برای تکمیل انگلیسی در لندن صرف وقت کرده در بازگشت وارد خدمت وزارت دارایی شده و یک دوره نیز به وکالت مجلس انتخاب شد. وی از شاگردان فرصت‌الدوله شیرازی صاحب «آثار عجم» است. از آثارش: ترجمه‌ی «تاریخ انگلستان»؛ ترجمه‌ی «تاریخ روسیه»؛ «تاریخ سیاسی نفت»، «دره‌ی نجفی»، در عروض و بدیع و قافیه؛ «راه‌آهن ایران»؛ ترجمه‌ی «شناسایی دام و دد»؛ «عالم حیوانات»؛ «فراماسیون در انقلاب فرانسه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۵ /۱۴، ۱۱۴ /۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶ –۵۴۴ /۶).

آقاسی خویی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ /۱۲۹۵ ش)، سخنران و شاعر، متخلص به دانش. در شهر خوی متولد شد. وی از نواده‌های حاج میرزا آقاسی نوری وزیر دوره‌ی قاجار است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس مشغول شد وی در شعر توانا و به سرودن غزل و قطعه و رباعی بیشتر راغب است. اثر او: «منتخب اشعار دانش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۳۴۷ –۱۳۴۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۷ –۴۶۶ /۵).

آقاسی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمّدرضا آقاسی هستم. فرزند ششم یک خانواده ی مذهبی.۲۴ فروردین سال ۱۳۳۸ در منزل پدری مان، واقع در تهران، خیابان خیّام، پشت امامزاده سیّد نصرالدین، به دنیا آمدم. مرحوم پدرم، با آنکه سوادی به آن صورت نداشت، امّا قاری قرآن بود و از مریدان مرحوم آیت الله« حاج سید احمد طالقانی آل احمد» که روحانی سرشناس محل ما بود و پدر جوانمرد فاضل؛ زنده یاد« جلال آل احمد». از طرفی، مادرم حدود چهل سال است افتخار مدّاحی حضرت قمر بنی هاشم (علیه السلام) را دارد.

دو.

از زمان بچگی کلمات را به هم می بافتم. مشخصاً از سنین سیزده چهارده سالگی. تقریباً بیست ساله بودم که انقلاب شروع شد. قبل از انقلاب، دو سالی هنرجوی «هنرستان هنرهای زیبا»ی شهر تهران بودم. منتها، از آنجا که به نحوه ی آموزش متون درسی و مدیریت خشک و بی بهره از ظرافت های تعلیم و تعلّم هنری اولیاء امور هنرستان اعتراض داشتم، با مدیر، ناظم و بعضی از اساتید آنجا برخورد پیدا کردم. روی همین حساب هم، دو سال پیاپی مرا مردود کردند و دست آخر سال سوم؛ اخراج ام کردند. بعد از آن ماجرا، مدتی در تسلیحات ارتش کار می کردم. این وضع ادامه داشت تا حوالی تابستان ۱۳۵۷ که با اوج گیری مسائل انقلاب، از تسلیحات هم زدم بیرون.

سه.

از همان شب اول پیروزی انقلاب در بیست و دو بهمن ۵۷، در کمیته ی انقلاب؛ مستقر در مسجد امامزاده سیّد نصرالدین تفنگ به دوش کشیدم و شدم یکی از صدها هزار جوان پاسدار انقلاب.

چهار.

شعار محوری آن روزهای انقلابیون این بود؛ «امروز ایران– فردا، فلسطین». بر مبنای همین باور، دوره های مقدّماتی جنگ چریکی را در تهران آموزش دیدم. در آذرماه ۵۸ بود که به جمهوری عربی سوریه رفتیم. آنجا در یکی از پادگان های متعلّق به جناح نظامی «سازمان آزادی بخش فلسطین»– معروف به قوای العاصفه– مستقر شدیم و مربیان زبده ی فلسطینی، یک دوره ی تخصصی از رزم پارتیزانی را به ما آموزش دادند. در پایان آن دوره ی آموزشی، روزی که می خواستیم به سمت مرز حرکت کنیم، نیروهای مسیحی لبنانی طرفدار ارتش اسرائیل؛ معروف به فالانژها، مستقر در مرز مشترک سوریه– لبنان، راه عبور را به روی ما بستند و از ورود اکیپ ما به خاک لبنان جلوگیری شد. به ناچار، من به اتّفاق تعدادی از دوستان به تهران برگشتیم تا دستکم خودمان را به جبهه های نبرد افغانستان برسانیم؛ که تازه چند ماهی بود توسّط یکصد و چهل هزار چکمه پوش سپاه چهلم ارتش سرخ اتّحاد شوروی اشغال شده بود.

پنج.

پاییز سال ۱۳۶۵ بود که یکی از رفقای ما، در ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی، سر وقت ام آمد با این پیشنهاد که؛« اگر آمادگی داری، بیا با هم برویم برای دوره ی آموزشی کار با بلدوزر و ماشین آلات سنگین. جبهه بلدوزرچی لازم دارد». خب، ما هم رفتیم در واحد مهندسی- رزمی ستاد پشتیبانی جنگ جهاد تهران اسم نوشتیم. مدتی در کهریزک، دوره ی کار با ماشین آلات سنگین را دیدیم. بعد هم اعزام شدیم به جبهه ی جنوب. مدتی در شوش دانیال مستقر بودیم. بعد هم رفتیم سمت جزایر مجنون و دست آخر هم دشت شلمچه.

شش.

انتخاب قالب شعری برای بیان ادراکات و احساسات شاعرانه ام، یحتمل مثنوی به این خاطر بود که در این قالب، برای فَوَرانِ شور درونی شاعر، به نسبت دیگر قالب های شعری، میدان به مراتب وسیع تری وجود دارد. مثنوی دریاست، مثنوی اقیانوس است. وقتی بخواهی بیایی توی چنین وادی هایی،« شرط اول قدم آن است که مجنون باشی». باید ایمان داشته باشی که ذاتاً فقیری و غنی مطلق خداست و باب جود و عطای خدا، آل محمّد (علیهم السلام) هستند. باید کاسه ی گدایی برداری، بروی درِ خانه ی اهل بیت (علیهم السلام) را بزنی. احساس استغنا و بی نیازی هم نباید داشته باشی. در چنین صورتی؛ مطمئن باش اهل بیت (علیهم السلام) تو را دست خالی از در خانه شان بر نمی گردانند. هر چه شکسته تر و زارتر درِ خانه شان بروی، کاسه ی گدایی تو را پُرتَر می کنند. حالا- در رابطه با معروف ترین شعری که خلایق در این ملک مرا به آن می شناسند؛ یعنی شیعه نامه، فقط می توانم بگویم که من شیعه نامه را از کرم اهل بیت (علیهم السلام) دارم، نه از خودم؛ که هیچ ام و هیچ.

هفت.

بیشتر سرمایه ها و ردیف بودجه های مصوّب برای شعر اصیل انقلاب، به سمینارها و سمپوزیوم ها و کنگره ها و کنفرانس ها و- به قولی امروزی ها همایش ها- ی پر از اسراف و تبذیر و بی حاصلِ مثلاً فرهنگی- هنری و چاپ کاتالوگ ها و بولتن های لوکس و چهار رنگ بی خاصیت و یک بار مصرف اختصاص داده شد. بعضی دستگاه ها هم که بعد از انقلاب به وجود آمدند و خود، به عنوان نهاد های هنری- تبلیغاتی این انقلاب مطرح شدند، زدند به بی راهه ی فرو رفتن در مسائلی، که بیشتر در حوزه ی مسؤولیت وزارت بازرگانی و وزارت مسکن و شهرسازی است، تا یک نهاد مدّعی ترویج اندیشه و هنر اسلامی! من از بیان حرف حق پروایی ندارم و خوفی هم ندارم که اگر به خوشایند این حضرات حرف نزنم، نان نداشته ام آجر شود! همین قدر گفته باشم، یکی از همین قماش دستگاه های متولّی اندیشه و هنر اسلامی، یک بار عکس العمل تندی را نسبت به من نشان داد... حقوق ام را قطع کردند و ضمن ارسال یک دستورالعمل اکید، مرا به صحن و سرای دستگاه شان ممنوع الورود فرمودند! یک بیت نثارشان کردم و سپردم شان به قهر مولا علی (علیه السلام). که:

از آن روزی که در خون پر گشودم به دار الکفر ممنوع الورودم آثار استاد محمّدرضا آقاسی در حوزه ی شعر به حدود ۶-۷ هزار بیت می رسد، که یکی از مشهور ترین آنها مثنوی بلند شیعه نامه است.

محمدرضا آقاسی، شاعر و مثنوی‌سرای اهل بیت عصمت و طهارت،در سن ۴۶ سالگی،بامداد سه شنبه سوم خرداد ماه ۸۴ به علت عارضه قلبی در مرکز تخصصی قلب تهران دار فانی را وداع گفت. پیکر وی ۵ خردادماه از مقابل معراج الشهدای تهران تشییع و در قطعه ۴۴ شهیدان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

آقاگلزاده، فردوس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فردوس آقاگلزاده در سال ۱۳۳۵ به دنیا آمد. وی پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. وی پس از اتمام تحصیلات خود، به عنوان عضو هیات علمی گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد. او همچنین با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی، مقالات بسیار ارزشمندی را ارائه داده است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : زبانشناسی همگانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فردوس آقاگلزاده پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. موضوع رساله وی " مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل انتقادی در تولید و درک متن "می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فردوس آقاگلزاده از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱سرپرست کتابخانه دانشکده، از سال ۱۳۷۶ جانشین معاونت پژوهشی دانشکده و از سال ۱۳۷۵ تا کنون سرپرستی آزمایشگاههای زبان را به عهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : فردوس آقاگلزاده عضو هیات علمی گروه زبان شناسی و استادیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد. از جمله دروسی که وی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می نماید عبارتند از: تجزیه و تحلیل کلام و کاربرد شناسی، تطور زبان فارسی، مقدمات زبانشناسی، زبان انگلیسی (مقطع کارشناسی ارشد و دکتری).سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فردوس آقاگلزاده با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی نیز شرکت کرده است.آرا و گرایشهای خاص : تخصص اصلی فردوس آقاگلزاده تجزیه و تحلیل کلام و کاربردشناسی بوده اما به صورت جنبی بر روی جامعه شناسی

زبان، ادبیات و زبانشناسی، گویش شناسی مطالعات و پژوهشهای خود را نیز متمرکز نموده است.آثار " : نقش جامعه شناسی زبان و راهبردهای آن در تدریس زبان "مجله رشد زبان، شماره ۱۴، تهران ۱۳۷۹ ، تقویت مهارت شنیداری به روش نوین تحلیل متن، نخستین همایش بررسی روش های نوین آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، چاپ شده در مجموعه مقالات، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰. دوزبانگی و چند زبانگی از دیدگاه روانشناسی زبان (به زبان انگلیسی، ") دومین کنفرانس بین المللی علوم شناختی، تهران ۱۳۸۱ ، سازگاری صورت و محتوا در آیات قرآن مجید از نگاه زبانشناسی، "همایش قرآن و علوم روز دانشگاه بیرجند، ۱۳۷۹ ، مفاهیم فرهنگ و زبان "کنفرانس تعاملات علمی و فرهنگی ایران و غرب، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ۱۳۷۹ ، نقش عوامل زبانشناختی و فرازبانی در گفتگو و تفاهم فرهنگی ایران و آفریقا، "کنفرانس ایران و آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس ، ویژگیهای متون ادبی از دیدگاه زبانشناسی "مجله آموزش زبان، شماره ۲، مشهد، ۱۳۷۹ ، ویژگیهای متون ادبی از دیدگاه زبانشناسی، "همایش ترجمه ادبی در ایران دانشگاه فردوسی مشهد، بهمن ماه ۱۳۷۸

آقامیری دزفولی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید اسدالله معروف بامام بن سید نورالله بن سید اسدالله بن سید محمد حسین بن العلامه سید عبدالباقی مشهور بسید آقا میر دزفولی یکی از فضلاء نامدار خوزستان و فقهاء عظام اهواز بوده است.

وی در دزفول متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم مهاجرت بنجف اشرف نموده و از محضر علمین آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده کامل نموده و چند سالی هم در تهران بتحصیل پرداخته و از درس علماء آن سامان بهره‌مند شده آنگاه باهواز منتقل و رحل اقامت افکنده و بوظائف دینی قیام و مورد احترام و تجلیل قرار گرفت و در مسجد جامع آن شهر باقامه جماعت و تدریس پرداخت تا در سال ۱۳۵۷ ق وفات نموده و جنازه‌اش حمل بنجف و در وادی‌السلام مدفون گردید.

فرزند ارشدش حجه‌الاسلام آقای حاج سید هبه‌الله امام از علماء محترم و متصف بفضائل الاخلاق و تا هم‌اکنون در مسجد جامع اهواز بجای والدش بامامت اشتغال دارد.

(وف ۱۳۵۷ ق)، فقیه. معروف به امام. وی از نوادگان سید عبدالباقی معروف به سید آقا میر است. در دزفول به دنیا آمد. پس از فراغت از خواندن علوم مقدماتی عازم نجف اشرف شد و در حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی شرکت کرد و از آنان استفاده کامل برد. چند سالی هم در تهران به تحصیل پرداخت. سپس به اهواز منتقل شد و در آنجا عهده‌دار وظایف دینی گشت. در همان‌جا درگذشت. پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۱ / ۳).

آقانجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۵ ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاور از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاهت و رتق و فتق امو مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی را برعهده داشت. وی در قوچان درگذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»؛ «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقا نجفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوهٔ الاسلام فی احوال آیهٔاللّٰه الملک‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایهٔ‌الاصول».[۱]

حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال ۱۲۹۵ قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به دروس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان مقدمات را کاملا خوانده و بعد در سن ۲۰ سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم کزی و حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقائی و فقه را از مرحوم آقا نجفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال ۱۳۱۸ قمری در سن ۲۳ سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند خراسانی و حاج سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا

در سن سی سالگی به مقام فقاهت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال ۱۳۳۸ قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رتق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۶۳ قمری در سن ۶۸ سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- سفر غرب (سیاحت غرب) ۲- سیاحت شرق ۳- شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو ۴- کتاب عذر بدتر از گناه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۱ -۲۲۰ /۶)، نشر دانش (س ۴، ش ۲، ص ۲۷ -۱۸).

آقانظری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن آقانظری

محل تولد : شاهرود

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

آقایی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا آقایی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

آگاه جهرمی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به آگاه. وی فرزند محمدرضا کاویان متخلص به عطارد بود. آگاه پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در جهرم و شیراز و اصفهان، به فراگرفتن فن دندانسازی پرداخت و تا سال ۱۳۱۲ ش در جهرم به این شغل و کارهای کشاورزی اشتغال ورزید. پس از آن به عنوان مأمور صلح در اداره‌ی حکومتی به خدمت مشغول شد. مدتی هم در دادسرای شیراز اشتغال به کار داشت و پس از گذراندن امتحانات قضایی چندین سال هم در دادگستریهای کرمان و لار و فسا و بوشهر انجام وظیفه نمود. سپس چندی به کار وکالت دادگستری پرداخت، تا این که برای بار سوم به خدمت قضایی دعوت و به کرمانشاه منتقل گردید. آگاه در ۲۲ شهریور ۱۳۳۱ اولین شماره روزنامه‌ی (چاره‌ی مردم) را در جهرم، برای مدتی، منتشر ساخت. وی پشتیبان حق و با عناصر مفسد در جدال و مبارزه بود. اشعارش بیشتر جنبه‌ی اجتماعی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان جهرم (۲۳۴ پانوشت. ۳۷۷ -۳۷۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰ -۳۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲).

آل احمد، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل آل احمد

محل تولد : نظر آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۷/۲۹

آل احمد، جلال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال الدین سادات آل احمد، معروف به جلال آل احمد، فرزند سید احمد حسینی طالقانی در محله سید نصرالدین از محله های قدیمی شهر تهران به دنیا آمد، او در سال ۱۳۰۲ پس از هفت دختر متولد شد و نهمین فرزند پدر و دومین پسر خانواده بود. پدرش در کسوت روحانیت بود و از این رو جلال دوران کودکی را در محیطی مذهبی گذراند. تمام سعی پدر این بود که از جلال، برای مسجد و منبرش جانشینی بپرورد. جلال پس از اتمام دوره دبستان، تحصیل در دبیرستان را آغاز کرد، اما پدر که تحصیل فرزند را در مدارس دولتی نمی پسندید و پیش بینی می کرد که آن درسها، فرزندش را از راه دین و حقیقت منحرف می کند، با او مخالفت کرد: « دبستان را که تمام کردم، دیگر نگذاشت درس بخوانم که: «برو بازار کار کن» تا بعد ازم جانشینی بسازد. و من رفتم بازار. اما دارالفنون هم کلاسهای شبانه باز کرده بود که پنهان از پدر اسم نوشتم. » پس از ختم تحصیل دبیرستانی، پدر او را به نجف نزد برادر بزرگش سید محمد تقی فرستاد تا در آنجا به تحصیل در علوم دینی بپردازد، البته او خود به قصد تحصیل در بیروت به این سفر رفت، اما در نجف ماندگار شد. این سفر چند ماه بیشتر دوام نیاورد و جلال به ایران بازگشت. در «کارنامه سه ساله» ماجرای رفتن به عراق را این گونه شرح می دهد: «تابستان ۱۳۲۲ بود، در بحبوحه جنگ، با حضور سربازان بیگانه و رفت و آمد وحشت انگیز U.K.C.C و قرقی که در تمام جاده ها کرده بودند تا مهمات جنگی از خرمشهر به استالینگراد برسد. به قصد تحصیل به بیروت می رفتم که آخرین حد نوک دماغ ذهن جوانی ام بود و از راه خرمشهر به بصره و نجف می رفتم که سپس به بغداد والخ .... اما در نجف ماندگار شدم. میهمان سفره برادرم. تا سه ماه بعد به چیزی در حدود گریزی، از راه خانقین و کرمانشاه برگردم. کله خورده و کلافه و از برادر و پدر.» پس از بازگشت از سفر، آثار شک و تردید و بی اعتقادی به مذهب در او مشاهده می شود که بازتابهای منفی خانواده را به دنبال داشت. «شخص من که نویسنده این کلمات است، در خانواده روحانی خود همان وقت لامذهب اعلام شد ه دیگر مهر نماز زیرپیشانی نمی گذاشت. در نظر خود من که چنین می کردم، بر مهر گلی نماز خواندن نوعی بت پرستی بود که اسلام هر نوعش را نهی کرده، ولی در نظر پدرم آغاز لا مذهبی بود. و تصدیق می کنید که وقتی لا مذهبی به این آسانی به چنگ آمد، به خاطر آزمایش هم شده، آدمیزاد به خود حق می دهد که تا به آخر براندش.» آل احمد در سال ۱۳۲۳ به حزب توده ایران پیوست و عملاً از تفکرات مذهبی دست شست. دوران پر حرارت بلوغ که شک و تردید لازمه آن دوره از زندگی بود، اوج گیری حرکت های چپ گرایانه حزب توده ایران و توجه جوانان پرشور آن زمان به شعارهای تند وانقلابی آن حزب و درگیری جنگ جهانی دوم عواملی بودند که باعث تغییر مسیر فکری آن احد شدند. همه این عوامل دست به دست هم داد تا جوانکی با انگشتری عقیق با دست و سر تراشیده، تبدیل شد به جوانی مرتب و منظم با یک کراوات و یکدست لباس نیمدار آمریکایی شود. در سال ۱۳۲۴ با چاپ داستان «زیارت» در مجله سخن به دنیای نویسندگی قدم گذاشت و در همان سال، این داستان در کنار چند دیگر در مجموعه" دید و بازدید "به چاپ رسید. آل احمد در نوروز سال ۱۳۲۴ برای افتتاح حزب توده و اتحادیه کارگران وابسته به حزب به آبادان سفر کرد: «در آبادان اطراق کردم. پانزده روزی. سال ۱۳۲۴ بود، ایام نوروز و من به مأموریتی برای افتتاح حزب توده و اتحادیه کارگران وابسته اش به آن ولایت می رفتم و اولین میتینگ در اهواز از بالای بالکونی کنار خیابان. "آل احمد که از دانشسرای عالی در رشته ادبیات فارسی فارغ التحصیل شده بود، و تحصیل را در دوره دکترای ادبیات فارسی نیز ادامه داد، اما در اواخر تحصیل از ادامه آن دوری جست و به قول خودش «از آن بیماری (دکتر شدن) شفا یافت». به علت فعالیت مداومش در حزب توده، مسؤولیتهای چندی را پذیرفت. خود در این باره می گوید: «در حزب توده در عرض چهار سال از صورت یک عضو ساده به عضویت کمیته حزبی تهران رسیدم و نمایندگی کنگره.... و از اوایل ۲۵ مأمور شدم زیر نظر طبری «ماهنامه مردم» را راه بیندازم که تا هنگام انشعاب ۱۸ شماره اش را درآوردم حتی شش ماهی مدیر چاپخانه حزب بودم.»

در سال ۱۳۲۶ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در همان سال، به رهبری خلیل ملکی و ۱۰ تن دیگر از حزب توده جدا شد. آنها از رهبری حزب و مشی آن انتقاد می کردند و نمی توانستند بپذیرند که یک حزب ایرانی، آلت دست کشور بیگانه باشد. در این سال با همراهی گروهی از همفکرانش طرح استعفای دسته جمعی خود را نوشتند. آل احمد با نثر عصیانگرش اینگونه می گوید: «روزگاری بود و حزب توده ای بود و حرف و سخنی داشت و انقلابی می نمود و ضد استعمار حرف می زد و مدافع کارگران و دهقانان بود و چه دعویهای دیگر و چه شوری که انگیخته بود و ما جوان بودیم و عضو آن حزب بودیم و نمی دانستیم سر نخ دست کیست و جوانی مان را می فرسودیم و تجربه می آموختیم. برای خود من «اما» روزی شروع شد که مأمور انتظامات یکی از تظاهرات حزبی بودیم (سال ۲۳ یا ۲۴؟) از در حزب خیابان فردوسی تا چهارراه مخبرالدوله با بازوبند انتظامات چه فخرها که به خلق نفروختم، اما اول شاه آباد چشمم افتاد به کامیون های روسی پر از سرباز که ناظر و حامی تظاهرات ما کنار خیابان صف کشیده بودند که یک مرتبه جا خوردم و چنان خجالت کشیدم که تپیدم توی کوچه سید هاشم و " .....در سال ۱۳۲۶ کتاب «از رنجی که می بریم» چاپ شد که مجموعه ۱۰ قصه کوتاه بود و در سال بعد «سه تار» به چاپ رسید. پس از این سالها آل احمد به ترجمه روی آورد. در این دوره، به ترجمه آثار «ژید» و«کامو»، «سارتر» و «داستایوسکی» پرداخت و در همین دوره با دکتر سیمین دانشور ازدواج کرد. «زن زیادی» نیز به این سال تعلق دارد. در طی سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ «اورازان»، «تات نشینهای بلوک زهرا»، «هفت مقاله» و ترجمه مائده های زمینی را منتشر کرد و در سال ۱۳۳۷ «مدیر مدرسه» «سرگذشت کندوها» را به چاپ سپرد. دو سال بعد «جزیره خارک- در یتیم خلیج» را چاپ کرد. سپس از سال ۴۰ تا ۴۳ «نون و القلم»، «سه مقاله دیگر»، «کارنامه سه ساله»، «غرب زدگی» «سفر روس»، «سنگی بر گوری» را نوشت و در سال ۴۵ «خسی در میقات» را چاپ کرد و هم «کرگدن» نمایشنامه ای از اوژان یونسکورا. «در خدمت و خیانت روشنفکران» و «نفرین زمین» و ترجمه «عبور از خط» از آخرین آثار اوست. آل احمد در

صحنه مطبوعات نیز حضور فعالانه مستمری داشت و در این مجلات و روزنامه ها فعالیت می کرد. نکته ای که در زندگی آل احمد جالب توجه است، زندگی مستمر ادبی او است. اگر حیات ادبی این نویسنده با دیگر نویسندگان همعصرش مقایسه شود این موضوع به خوبی مشخص می شود. جلال در سالهای فرجامین زندگی، با روحی خسته و دلزده از تفکرات مادی به تعمق در خویشتن خویش پرداخت تا آنجا که در نهایت، پلی روحانی و معنوی بین او و خدایش ارتباط برقرار کرد. او در کتاب" خسی در میقات "که سفرنامه ی حج اوست به این تحول روحی اشاره می کند و می گوید": دیدم که کسی نیستم که به میعاد آمده باشد که خسی به میقات آمده است ". . .این نویسنده پر توان که همواره به حقیقت می اندیشید و از مصلحت اندیشی می گریخت، در اواخر عمر پر بارش، به کلبه ای در میان جنگلهای اسالم کوچ کرد. جلال آل احمد، نویسنده توانا و هنرمند دلیر به ناگاه در غروب روز هفدهم شهریور ماه سال ۱۳۴۸ در چهل و شش سالگی زندگی را بدرود گفت. ویژگی های آثار

به طور کلی نثر آل احمد نثری است شتابزده، کوتاه، تاثیر گذار و در نهایت کوتاهی و ایجاز . آل احمد در شکستن برخی از سنت های ادبی و قواعد دستور زبان فارسی شجاعتی کم نظیر داشت و این ویژگی در نامه های او به اوج می رسد. اغلب نوشته هایش به گونه ای است که خواننده می تواند بپندارد نویسنده هم اکنون در برابرش نشسته و سخنان خود را بیان می کند و خواننده، اگر با نثر او آشنا نباشد و نتواند به کمک آهنگ عبارات ، آغاز و انجام آنها را دریابد، سر در گم خواهد شد.

از این رو ناآشنایان با سبک آل احمد گاهی ناگریز می شوند عباراتی را بیش از چند بار بخوانند.

آثار

آثار جلال آل احمد را به طور کلی می توان در پنج مقوله یا موضوع طبقه بندی کرد: الف- قصه و داستان. ب- مشاهدات و سفرنامه. ج- مقالات. د- ترجمه. هـ- خاطرات و نامه ها. الف- قصه و داستان ۱- دید و بازدید ۱۳۲۴:

نخست شامل ده بود، در چاپ هفتم دوازده داستان کوتاه را در بردارد. جلال جوان در این مجموعه با دیدی سطحی و نثری طنز آلود اما خام که آن هم سطحی است، زبان به انتقاد از مسایل اجتماعی و باورهای قومی می گشاید. ۲- از رنجی کـه می بریم ۱۳۲۶:

مجموعه هفت است که در این دو سال زبان و نثر داستانهای جلال به انسجام و پختگی می گراید. در این مجموعه تشبیهات تازه، زبان آل احمد را تصویری کرده است. ۳- سه تار ۱۳۲۷:

مجموعه سیزده است. فضای داستانهای سه تار لبریز از شکست و ناکامی قشرهای فرو دست جامعه است. ۴- زن زیادی ۱۳۳۱:

حاوی یک مقدمه و نه داستان کوتاه است. قبل از جلال، صادق چوبک و به تصویر شخصیت زنان در داستانهای خود پرداخته اند.

زنان مجموعه زن زیادی را قشرهای مختلف و متضاد مرفه، سنت زده و تباه شده تشکیل می دهند. ۵- سرگذشت کندوها ۱۳۳۷:

نخستین داستان نسبتاً بلند جلال است با شروعی به سبک قصه های سنتی ایرانی"، یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود"

این داستان به بیان شکست مبارزات سیاسی سالهای ۲۹ تا ۳۱ حزبی پرداخته است. ۶- مدیر مدرسه ۱۳۳۷:

این داستان نسبتاً بلند به نوعی میان خاطرات فرهنگی آل احمد است. خود او در این مورد گفته است": حاصل اندیشه های خصوصی و برداشت های سریع عاطفی از حوزه بسیار کوچک اما بسیار موثر فرهنگ و مدرسه "مدیر مدرسه، گزارش گونه ای است از روابط افراد یک مدرسه با هم و روابط مدرسه با جامعه ". آل احمد در مدیر مدرسه به نثر خود اعتماد کامل دارد. قلم دیگر در دستش نمی لرزد و چنین می نماید که اندیشه هایش نیز، در چارچوبی خاص، شکل نهایی خود را یافته است. به رغم این تکوین اندیشه، جلال شکست را باور کرده است، لذا به دنبال گوشه ای خلوت می گردد. ۷- نون والقلم ۱۳۴۰:

یک داستان بلند تاریخی که حوادث آن مربوط به اویل حکومت صفویان است. زبان نون والقلم به اقتضای زمان آن نسبتاً کهنه است. ۸- نفرین زمین ۱۳۴۶:

رمانی روستایی است که بازتابی از جریانهای مربوط به" اصلاحات ارضی "در آن بیان شده است. ۹- پنج داستان ۱۳۵۰:

دو سال پس از مرگ آل احمد چاپ شده است. ۱۰- چهل طوطی اصل (با سیمین دانشور) ۱۳۵۱:

مجموعه شش قصه کوتاه قدیمی از" طوطی نامه "که با تحریری نو نگاشته شده است. آل احمد در نامه ای خطاب به حبیب یغمایی، مدیر مجله ادبی یغما می نویسد ": و من که جلال باشم وقتی خیال دکتر شدن و ادبیات را در سر داشتم به اینها دسترسی یافتم. قرار بود درباره" هزار و یک شب "و ریشه های هندی و ایرانی قصه هایش چیزی درست کنم به رسم رساله، که نشد". . .

۱۱- سنگی بر گوری ۱۳۶۰:

رمانی است کوتاه و آخرین اثر داستانی آل احمد محسوب می شود. موضوع آن فرزند نداشتن اوست.

ب- مشاهدات و سفرنامه ها اورازان ۱۳۳۳، تات نشینهای بلوک زهرا ۱۳۳۷، جزیره خارک، درّ یتیم خلیج فارس ۱۳۳۹، خسی در میقات ۱۳۴۵، سفر به ولایت عزرائیل چاپ ۱۳۶۳، سفر روس ۱۳۶۹ ، سفر آمریکا و سفر اروپا که هنوز چاپ نشده اند. ج- مقالات و کتابهای تحقیقی گزارشها ۱۳۲۵، حزب توده سر دو راه ۱۳۲۶، هفت مقاله ۱۳۳۳، سه مقاله دیگر ۱۳۴۱، غرب زدگی به صورت کتاب ۱۳۴۱، کارنامه سه ساله ۱۳۴۱، ارزیابی شتابزده ۱۳۴۲، یک چاه و دو چاله ۱۳۵۶، در خدمت و خیانت روشنفکران ۱۳۵۶، گفتگوها ۱۳۴۶. د- ترجمه عزاداریهای نامشروع ۱۳۲۲ از عربی، محمد آخرالزمان نوشته بل کازانوا نویسنده فرانسوی ۱۳۲۶، قمارباز ۱۳۲۷ از داستایوسکی، بیگانه ۱۳۲۸ اثر آلبرکامو (با علی اصغر خبرزاده)، سوء تفاهم ۱۳۲۹ از آلبرکامو، دستهای آلوده ۱۳۳۱ از ژان پل سارتر، بازگشت از شوروی ۱۳۳۳ از آندره ژید، مائده های زمینی ۱۳۳۴ اثر ژید (با پرویز داریوش)، کرگدن ۱۳۴۵ از اوژن یونسکو، عبور از خط ۱۳۴۶ از یونگر (با دکتر محمود هومن)، تشنگی و گشنگی ۱۳۵۱ نمایشنامه ای از اوژن یونسکو؛ در حدود پنجاه صفحه این کتاب را جلال آل احمد ترجمه کرده بود که مرگ زودرس باعث شد نتواند آن را به پایان ببرد؛ پس از آل احمد دکتر منوچهر هزارخانی بقیه کتاب را ترجمه کرد. هـ- خاطرات و نامه ها نامه های جلال آل احمد (جلد اول ۱۳۶۴) به کوشش علی دهباشی، چاپ شده است که حاوی نامه های او به دوستان دور و نزدیک است.

آل آقا، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوتراب بن العالم الجلیل آقای آقا شمس‌الدین بن العلامه آقا محمدهادی بن آقا محمدصالح آل آقا (حفید آیت‌اللّه العظمی وحید بهبهانی) از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه است

معظم له در حدود سال ۱۳۱۹ قمری در کرمانشاه متولد شده و در بیت اصیل آل آقا پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالیان دراز در باب مدینه علم اقامت و از محاضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و اعلام دیگر استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در این اواخر به حکم ضرورت به کرمانشاه وطن خود مراجعت و به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل آقا، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبداللّه بن العلامه الجلیل حاج آقا احمد آل آقا از علماء مبرز معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۱۷ ق در تهران متولد شده و در تحت تربیت والد ماجدش پرورش یافته و اولیات و سطوح را در تهران خوانده و در سال ۱۳۴۴ ق به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مرحوم ادیب تهرانی و مرحوم آیهٔ‌اللّه میرزا همدانی فراگرفته و دروس خارج فقه و اصول تحلیلی را از محضر مرحوم آیهٔ‌اللّه العظمی حایری و پس از رحلت ایشان از آیهٔ‌اللّه حجت و نیز از موقع ورود آیهٔ‌اللّه العظمی بروجردی تا اواخر سال ۱۳۷۳ ق از محضر آن زعیم اعظم استفاده نموده تا سال مزبور که مرحوم والدش برحمت حق پیوست بالضروره به تهران عزیمت و به اقامه جماعت در مسجد آقا محمود و خدمات دیگر دینی پرداخته است.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان اصیل و ریشه‌دار ایران و تهرانست زیرا آن جناب از احفاد نابغه بزرگ و علامه سترک وحید علی الاطارق آقای آقا محمد باقر بهبهانی قدس سره مجدد مذهب و دین در صده دوازدهم هجری بوده چنانچه حقیر در فوائد البهبهانیه گفتم:

قد قام منها علماء الاهل

کآیه اللّه وحید الفحل

مجدد دین بعون الاکبری

فی مائه الثانیه و العشری

و شرح احوال این بیت عالیه و سلسله جلیله (آل آقا) در کتب تراجم بخصوص در کتاب زندگانی وحید بهبهانی تألیف دانشمند معظم استاد مکرم حجه‌الاسلام حاج شیخ علی دوانی مفصلا و مبسوطا مسطور است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آل بحرالعلوم، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۰ /۱۳۱۹ -۱۲۴۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. تفسیر و فقه و اصول و کلام و ادبیات را از پدر آموخت. از او به عنوان شاعر کبیر آل بحرالعلوم یاد شده است. مناعت طبع او مورد ستایش همگان بود. شیخ محمد سماوی نجفی صاحب کتاب «الطلیعهٔ» و شیخ عبدالمحسن کاظمی و شیخ عبدالحسین خیاط نجفی از شاگردان وی در ادبیات و شعر می‌باشند. از آثارش «دیوان» شعری است که با اجازه در فرزندش سید حسن و سید محمد در صیداء به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹ /۱)، اعیان الشیعه (۱۳۳ -۱۲۹ /۲)، الذریعه (۶۴۴ /۹)، معجم المؤلفین (۲۴ -۲۳ /۱)، مکارم الآثار (۴/ ۱۳۳۳).

آل بحرالعلوم، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۲ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. ادبیات و مقدمات علوم را نزد پدر آموخت. فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و شیخ الشریعهٔ اصفهانی و شیخ عبداللّه مازندرانی فراگرفت. بیشترین شهرت او در شعر و ادب و تاریخ

است. او همچون پدرش شاعری توانمند بود. از آثارش: «التاریخ المنظوم»، حدود ۱۰۰۰ بیت، در تاریخ وفیات مشاهیر علما و پاره‌ای از حوادث مهم و تاریخی و مدائح ائمه– علیهم‌السلام؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۲۶ /۴)، الذریعه (۲۸۹ /۳)، معجم المؤلفین (۱۹۵ –۱۹۴ /۳).

آل بحرالعلوم، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ –۱۲۲۱ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. در نجف‌زاده شد و همان جا نشو و نما یافت و مراحل علمی را پیمود. فقه و اصول و کلام را نزد شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و شریف العلماء مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» آموخت. وی از صاحب «جواهر» به دریافت اجازه نایل شد. کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» محصول همکاری وی با استادش می‌باشد. عالمانی چون سید میرزا جعفر حایری و سید محمد موسوی ساروی و شیخ فضل‌اللّه مازندرانی و میرزا صادق تبریزی و میرزا محمد همدانی از شاگردان وی هستند. در سفری که برای مداوای چشم به ایران آمد پس از زیارت مشهد حدود دو سال در بروجرد نزد اقوامش ماند. پس از وفات برادرش، سید علی، از سوی خاص و عام به ریاست حوزه‌ی نجف و مرجعیت شیعه برگزیده شد. سید حسین در شعر و ادب نیز شهرت بسزایی دارد، و «دیوان» اشعاری از او باقی مانده که به ترتیب حروف تهجی است و در آن اشعار جدش سید بحرالعلوم را نیز تخمیس کرده است. در فقه و اصول نیز کتابهائی از وی به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰ –۱۸ /۶)، الذریعه (۱۲۶ /۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، فوائد الرضویه (۱۵۶ –۱۵۵)، معجم المؤلفین (۵۰ /۴)، مکارم الآثار (۷۲۵ –۷۲۳ /۳).

آل بحرالعلوم، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۱۸ –۱۲۴۷ ق)، فقیه، اصولی و ادیب. نزد پدرش و عمویش، سید علی صاحب «البرهان القاطع»، و شیخ مرتضی انصاری و میرزا حسن شیرازی فقه و اصول خواند. او دارای دقت نظر بود. او را آثاری در فقه و اصول است و چندین رساله تصنیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۷ /۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، علماء معاصرین (۷۰ –۶۹)، فوائد الرضویه (۳۷۴)، معجم المؤلفین (۱۸۳ /۸).

آل بحرالعلوم، محمدصادق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد. تحت نظارت پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و سطوح عالی فقه و اصول را نزد میرزای نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و سید محسن قزوینی، و تفسیر را نزد بلاغی و علم حدیث و درایه را نزد شیخ ابوتراب خوانساری آموخت. و از نایینی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین و سید حسن صدر اجازه روایت گرفت. وی کتابخانه‌ای بنیاد نهاد که در آن کتابهای خطی نفیسی گردآوری شد. او آثار بسیاری در فقه و اصول و شعر و ادب پدید آورد. از جمله: «دلیل القضاء الشرعی، اصول و فروعه»؛ «السلاسل الذهبیهٔ»، کشکولی ادبی و تاریخی و رجالی؛ «المجموع الرائق من ازهار الحداق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۵ /۲۰، ۲۱۱ /۱۲، ۲۵۹ /۸).

آل بحرالعلوم، میرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، فقیه و نحوی. در علم و تقوا به درجه کمال رسید. در زمان حیات پدرش از دنیا رفت. پدرش در آخر رساله ولایت

در کتاب «بلغهٔ الفقیه» از او تمجید نموده و او را غواص دریای فقه خوانده است. از آثارش: کتاب «کشف الاسرار فی شرح الاظهار»، درنحو.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۱۳ -۳۱۲ /۸)، الذریعه (۱۷ /۱۸)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳۰ - ۱۵۲۹ /۱۴).

آل بویه، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا آل بویه

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۳/۱

زندگینامه علمی

علیرضا آل بویه در اول خرداد ۱۳۳۹ در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن دروس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در این شهر همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک شد و در سال ۱۳۵۸ در حوزه علمیه شروع به تحصیل علوم دینی کرد.

پس از گذراندن دروس مقدماتی و سطح و استفاده از محضر اساتیدی چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی، راستی کاشانی، پایانی و ستوده از سال ۱۳۶۷ با حضور در دروس خارج فقه (کتاب الحج) و اصول (جلد اول کفایه) آیت الله فاضل لنکرانی، از دروس تفسیر قرآن و خارج فقه (کتاب الاجارهٔ) آیت الله جوادی آملی و خارج فقه و اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی بهره های علمی فراوان برد. در کنار دروس مرسوم حوزه به دلیل علاقه به مباحث فلسفی، کتاب نهایهٔ الحکمه و منظومه سبزواری را فرا گرفت و این در حالی بود که برخی از دروس از جمله ادبیات عرب، منطق، کلام، فلسفه و اصول فقه را تدریس می کرد.

در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی از مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شد. همزمان با این دوره، در گروه عقاید (دین شناسی) بنیاد باقرالعلوم علیه السلام (مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی«ره») مشغول به تحصیل شده و سالهای متمادی خوشه چین اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام والمسلمین فیاضی، استاد مصطفی ملکیان، حجت الاسلام والمسلمین صادق لاریجانی، دکتر محمد لگنهاوسن و... بود و در سال ۱۳۷۸ در رشته دین شناسی فارغ التحصیل شد.

از سال ۱۳۷۴در کنار تحصیل در مراکز تحقیقاتی مشغول به کار شد و در پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، مدیریت گروه تاریخ و فلسفه فقه و حقوق را به عهده گرفت.

از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۷۹ در سمت معاونت پژوهشی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در آن مرکز فعالیت داشت. در سال ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به عهده ایشان گذاشته شد که هم اکنون نیز در آنجا مشغول به فعالیت می باشد. در سال ۱۳۷۸تا ۱۳۸۲ همکاری به عنوان عضو هیات علمی با مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) را آغاز کرد. ایشان از اوائل سال ۱۳۸۲ سردبیری مجله نقد و نظر را برعهده دارد.

آل داوود، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سیدعلی آل داوود در سال ۱۳۳۱ در شهر خور بیابانک به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه تا سال پنجم دبیرستان را در زادگاهش سپری کرد و سال آخر را در شهر اصفهان به پایان رسانید، به تهران آمد و در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران مدرک لیسانس گرفت. سپس تحصیل در مقطع فوق لیسانس رشته جامعه شناسی را در دانشگاه تهران آغاز کرد ولی آن را نا تمام گذاشت. آل داوود مصحح دیوان شعرای قدیم، نسخه شناسی، مقاله نویس و ویراستار ، شاید کارنامه پر بار وی ، امروزه مایه رشک و غبطه افرادی است که راه کوبیده شده و هموار « تحصیلات رسمی» را تا آخر رفتند. و دست آخر، تبدیل به کارمندان پشت میز نویس شدند. بدون تحقیق و تالیف و بدون جای پای در تاریخ و ادب و فرهنگ ایران . وی هم اکنون عضو هیات علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی است.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

گرایش : ادیب، محقق و نسخ شناس و ویراستار

والدین و انساب : پدر سید علی آل داوود زنده نام سید عبدالحسین آل داوود از کارکنان وزارت معارف (سابق) و پدر بزرگش ، اسدالله منتخب السادات یغمایی، شاعر نامدار آن اقلیم (خور) بوده است. منتخب السادات نواده دختری یغمایی جندقی شاعر بزرگ عصر قاجار بود و بدین طریق نسب سیدعلی ال داوود ، هم از طریق پدر و هم از طریق مادر به یغمایی جندقی می رسد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعلی آل داوود، تحصیلات متوسطه را تا سال پنجم دبیرستان در زادگاهش (خور) و سال آخر را در دبیرستان ادب در شهر اصفهان به پایان رسانید. به تهران آمد و در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت و موفق به اخذ درجه لیسانس شد. بعد از آن، راغب شد تا در رشته جامعه شناسی تحصیل را ادامه بدهد، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، و چند قدم مانده به اخذ درجه فوق لیسانس، به قول خودش: «از آن منصرف شده و تا امروز دیگر پیگیر تحصیلات رسمی نبوده ام».

فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدعلی آل داوود از همان زمان تحصیل در دبیرستان بنیاد فرهنگ ایران کار می کرد. نخستین مقاله سیدعلی آل داوود جوان در «کتاب طوس» – نشریه وزین و سنگین – چاپ شد و پایه و مایه علمی او را به همگنانش نشان داد. با این حال، محقق جوان ما، صلاح ندید بنای معیشت خود را بر کار سنگین و کم برکت تحقیق (از لحاظ مادی) بگذارد. از این رو، کار در وزارت فرهنگ و هنر (سابق) را نیز رها کرد و بر آن شد که از تحصیلات خود در رشته وکالت دعاوی استفاده کند. هرچند که بخش اعظم عمر او عملاً در کتاب و قلم و دایرهٔ المعارف ها سپری شد نه در دفتر وکالت و دادگاه ها.

استادان و مربیان : سیدعلی آل داوود زیرنظر استادی بزرگ: پرویز ناتل خانلری که استعدادپرور بود و وسعت مشرب داشت. استادانی مثل محمدپروین گنابادی، حسین فریدجم و دکتر مهرداد بهار بنای فکری و علمی او را شکل دادند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدعلی آل داوود از ۱۳۶۵ به سمت مؤلف و ویراستار در دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی (زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی) به کار مشغول شد و در عرض کمتر از بیست سال، بیش از یکصد مقاله علمی سنگین در موضوعات مختلف برای آن دایرهٔ المعارف نوشت و چند برابر این تعداد مقالات را ویرایش کرد. اوقاتی از هفته را نیز در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به کار پرداخت. «دانشنامه زبان وا دب فارسی در شبه قاره هند» را تدوین و ویرایش کرد: نخستین کتاب های او نیز در همین سال ها از چاپ درآمد

فعالیتهای آموزشی : سیدعلی آل داوود اکنون عضو هیات علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از کارهای تحقیقی سیدعلی آل داوود در سه سال گذشته باید به این موارد اشاره کرد: «برگزیده اعجوبه و محجوبه»، از جمله داستان های کهن عامیانه و از زمره داستان های خواندنی و مفید در ادب قدیم فارسی است. آل داوود این «برگزیده» را از متن خطی آن (موجود در کتابخانه مجلس) استخراج و همراه با مقدمه مفصل و شرح لغات و اصطلاحات چاپ کرده است.

آرا و گرایشهای خاص : وی در مورد پژوهش در نسخههای خطی میگوید: «در انتشار نسخه های خطی، طبیعتاً باید نسخه های مختلف آن اثر، با هم مقابله و تصحیح و سپس منتشر شوند. این نقدها را بر آثاری می نویسم که مقابله شده اند و جزو آثار مطرح محسوب می شوند. هر کتاب مطرحی را باید یک منتقد که به آن حوزه مسلط است، نقادی و بررسی کند و ببیند که چاپ تازه این کتاب تا چه حد توانسته به اهداف خودش نزدیک باشد، اگر متن است، منتقد باید ببیند این متن درست تصحیح شده یا نه؟ اگر در حوزه تحقیقاتی است باید دید محقق آخرین حرف ها و تازه ترین حرف ها را در مورد یک اثر زده یا نه، مهم این است کتابی که در حوزه تاریخ و یا ادب منتشر می شود آخرین مباحث این موضوع را مطرح کرده باشد، اگر تکراری و مثل حرف های گذشتگان باشد، طبعاً آن اثر تحقیقی واجد ارزشی نیست». زندگی در میان متون و اشتغال مداوم به کار تصحیح و بازشناسی، نسخ قدیم، سیدعلی آل داوود را بدل به مسافر خستگی ناپذیر نسخه های کهن ساخته است.

جوائز و نشانها : بزرگداشت حامیان نسخه های خطی در کتابخانه مجلس، از بسیاری مصححان و پژوهشگران نسخه های خطی تقدیر شد که نام سیدعلی آل داوود نیز در آن فهرست بود. خود او با فروتنی در این مورد می گوید: «این تقدیر در واقع بابت نقدنویسی در مجله نشر دانش (وابسته به مرکز نشر دانشگاهی) است. یکی از کارهای اصلی این نشریه، نقد و بررسی نسخه های خطی است که توسط مصححان منتشر می شوند. در این نشریه یکی از کارهای من نوشتن نقد و بررسی روی آثار خطی است که منتشر شده اند. من در این چند سال بیش از شصت نقد در مورد این آثار نوشته ام. آنچه موجب این تقدیر شد در واقع سلسله نقدهای من بود».

چگونگی عرضه آثار : مقالات فراوان سیدعلی آل داوود را می توان در نشریات و کتاب های وزینی چون نشر دانش، نامه فرهنگستان، تحقیقات اسلامی، کتاب طوس (توس)، ارج نامه ایرج (با استخراج و فهرست نویسی درخشان سیدفرید قاسمی از آثار استاد ایرج افشار)، نامه بهارستان ... و مجله کانون وکلای دادگستری سراغ کرد. این آخری، مجله ای ویژه در زمینه تاریخ و مطالعات حقوقی است. سیدعلی آل داوود، رشته و حرفه معیشتی خود را نیز مثل کاردل، بسیار جدی دانسته و در آن مسیر نیز فکر و قلم خود را به کار گرفته است. از جمله: مجموعه آثار یغمای جندقی (جلد اول: دیوان اشعار غیر از فکاهیات؛ در سال ،۱۳۵۷ و جلد دوم شامل مکاتیب، در سال ۱۳۶۲)، شرح احوال و آثار یغمای جندقی (در سال ۱۳۶۲)، شرح احوال و اشعار حریف جندقی (در سال ۱۳۶۶)، دو سفرنامه از جنوب ایران (به سال ۱۳۶۷). او این آزمودگی در نسخه های قدیم و کارورزی با ادبیات کهن ایران را در فضای ماهنامه وزین «یغما» (۱۳۲۷–۱۳۵۷) آموخته بود و از ۱۳۵۲ تا چند سال بعد، مدیر داخلی آن مجله و یار و یاور عمومی دانشمندش حبیب یغمایی بود. آل داوود جوان در محیط آن نشریه، با غنایی از ادب و فرهنگ ایران آشنا شد که در نوع خود منحصربه فرد بود____

آثار :

۱ احوال و اشعار حریف جندقی

ویژگی اثر : تهران، انتشارات فتحی، ۱۳۶۶

۲ اسرار الشهود، اثر شمس الدین اسیری لاهیجی

ویژگی اثر : موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸

۳ برگزیده اشعار یغمای جندقی

ویژگی اثر : تهران ، امیر کبیر، ۱۳۶۵، چاپ دوم ۱۳۶۹

۴ تاریخ الفی،تاریخ ایران و کشورهای همسایه در بین سالهای ۸۵۰ تا ۹۸۴ هـ‌ق

ویژگی اثر : تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۸

۵ دو سفرنامه از جنوب ایران

ویژگی اثر : تهران، امیر کبیر، سال ۱۳۶۸، چاپ اول و چاپ دوم ۱۳۷۸

۶ دیوان اشعار صفایی جندقی

ویژگی اثر : تهران، انتشارات افرینش، ۱۳۷۰

۷ دیوان حافظ با مقدمه

ویژگی اثر : تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۶۷

۸ دیوان هنر جندقی

ویژگی اثر : انتشارات تالار کتاب، ۱۳۶۶، تهران

۹ مثنوی شمس و قمر، اثر خواجه مسعود قمی

ویژگی اثر : اسلام آباد پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۷

۱۰ مجموعه آثار یغمای جندقی جلد اول و دوم

ویژگی اثر : انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۵۷، چاپ دوم ۱۳۶۷ تهران ، جلد دوم این کتاب در تاریخ ۱۳۶۲ منتشر شد.

۱۱ نامه اقبال (۴۵ گفتار در زمینه مطالعات و تحقیقات ایرانی)

ویژگی اثر : تهران ، انتشارات هیرمند،۱۳۷۷

۱۲ نامه های امیر کبیر و انضمام رساله نوادرالامیر

ویژگی اثر : تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۱

۱۳ یوسف و زلیخا و شمس و قمر، اثر خواجه مسعود قمی

ویژگی اثر : تهران، انتشارات آفرین، ۱۳۶۹ منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

آل رسول، محمد ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، امام مسجد شمس‌آباد، متوفی در ۱۳۵۶، مدفون در تکیه‌ی ملك، و سپس در ۱۳۶۳ به نجف منتقل گردیده، در جنب پدر و جد خود مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

آل طالقانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۴۸ ق)، ادیب، فقیه و عارف. در نجف به دنیا آمد. مقدمات را در خدمت برادر خویش، سید هاشم، فراگرفت و ادبیات را در محضر شیخ احمد قفطان خواند. سپس به مجالس درس شیخ انصاری و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و میرزای شیرازی حاضر شد، تا در فقه و اصول به اجتهاد رسید. در اخلاق نیز مدتی نزد ملا حسینقلی همدانی رفت و از محضرش بهره‌ها گرفت. بیشترین شهرت وی در زمینه ادبیات است بدان پایه که او را سیبویه ملقب کردند. جماعتی از ادباء از شاگردان وی به حساب می‌آیند، از جمله: شیخ جعفر بدیری. در نجف وفات کرد و در صحن علوی دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مکارم الآثار (۱۳۴۰ -۱۳۳۹ /۴).

آل طاها، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای سید محمد آل طاها از گویندگان نامی و وعاظ گرامی شهرستان مذهبی و دینی قم می‌باشد.

تولدش در قم واقع شده و در این شهر ایمانی در بیت مجد و عزت پرورش یافته و پس از دوران دروس جدید به تحصیل عربی

صرف و نحو و منطق پرداخته و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید و مدرسین حوزه و علماء شهر آموخته و در رشته منبر و وعظ و خطابه زحمت فراوان و مطالعات بسیار نموده تا یکی از مبلغین شهیر گردیده است.

نگارنده گوید: جناب آل طاها منبری مفید و آموزنده و بیانی ملیح و جامع و ولایتی دارد نمونه‌ای از بیانات و سخنرانی ایشان راجع به فلسفه شهادت و قیام حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام جناب آقای تاج واعظ لنگرودی در گفتار وعاظش نقل نموده است...

معظم‌له مورد احترام و وثوق مراجع و آیات عظام و حوزه علمیه و مردم قم و بسیاری از شهرستانها که برای تبلیغ رفته است می‌باشد.

آثار ارزنده من جمله کتابی در رد کتاب شهید جاوید نجف‌آبادی دارند که به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

آل طبیب، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۳۹ قمری در شوشتر به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات مسافرت به قم نموده و از محضر آیات قم مرحوم ادیب تهرانی و آیت العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه حجت استفاده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و چند سالی از محضر آیتین اصفهانی و حاج شیخ کاظم شیرازی استفاده کرده سپس به واسطه ضعف و کسالت والدش به اهواز آمده و در مسجد آن مرحوم که در خیابان وکیلی واقع است (خیابان کاشانی) تاکنون به امامت و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارد و از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به فضل و دانش می‌باشند و عده‌ای از محصلین اهواز دراسات ایشان استفاده می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل طه، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن آل طه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دو ساله بودم، پدرم که از وعاظ معروف شهر بودند، بواسطه برخورد پلیس رضاخان قبول وکالت می شود و دارفانی را وداع می گوید و سرپرستی اینجانب را مرحومه مادرم و برادر بزرگوار حجهٔ‌الاسلام سیدمحمد آل طه که خود از وعاظ مشهور است به عهده گرفته و بعد از گماردن در مدرسه فرهنگی و گذراندن دوره تحصیلی تا کلاس ششم، به دروس حوزوی راهنمایی نمودند و ابتدا در مدرسه رضویه و منزل، قسمتی از جامع المقدمات از محضر برادرم بهره مند شدم تا اینکه تحصیل را همانطور که ذکر شد، پیش اساتید دیگر ادامه داده تا در ماه رجب یا شعبان سال ۱۳۸۰ قمری موفق به شرکت در امتحانات شفاهی حوزه که از طرف مرحوم آیهٔ الله بروجردی برگزار می شد، شدم و در شوال همان سال که معظم له فوت نمودند و امتحان کتبی که از طرف مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی برگزار شد.

جهت امتحان کفایه و مکاسب شرکت نموده و بحمدالله نمره قبولی را بدست آوردم و تاکنون از محضر علماء و بزرگان حوزه بهره مند بودم و هم اکنون اشتغال به تحقیق و تدریس داشته و امید است خدای بزرگ سرمایه بخشد و یا دانش بزرگ به همه زعماء و اساتید مرحمت فرماید.

از خدای منان می خواهم بنده را شکر گذار آن همه الطاف و نعمتهای خود قرار دهد.

آل طیب شوشتری، عبدالسلام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در شوشتر به دنیا آمد. در خدمت برادرش آقا سید محمد مهدی آل‌طیب و آقا شیخ محمد کاظم ابن‌الشیخ تلمذ نمود تا به درجه اجتهاد رسید و از این دو عالم بزرگ اجازه اجتهاد گرفت. او از دیگر آیات نیز بهره گرفت. چون حاوی کمالات نفسانی بود و در پارسایی و تقوا پیشتاز، مواعظ و نصایح وی بسیار مؤثر بود.او را تألیفات و تصنیفات چندی در فقه است، از جمله: حاشیه استدلالی بر «عروهٔ الوثقی» طباطبائی یزدی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۵ /۵).

آل طیب شوشتری، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ –۱۳۱۱ ق)، فقیه، محقق، واعظ و زاهد. از خاندان سید نعمت‌اللّٰه جزایری است. در شوشتر به دنیا آمد. تحصیلات سطوح نهایی را نزد عم خویش آقا سید بزرگ آل طیب و حاج شیخ محمدکاظم شوشتری به پایان رساند و از محضر حاج شیخ محمد رضای دزفولی نیز بهره برد و از او اجازه اجتهاد دریافت کرد. وی در زهد و پارسایی و موعظه و خطابه یگانه دوران خود بود. او عهده‌دار مرجعیت اهالی شوشتر بود. در شوشتر از دنیا رفت و همان جا دفن شد. آثار بسیاری از او به یادگار ماند که از جمله آنها: شرحی بر «کفایهٔ الاصول»؛ شرحی بر «معالم الاصول»؛ «معالی الاخلاق»؛ «الوسیلهٔ الکبری فیما یعم به البلوی»، فارسی، در اصول دین و فروع از طهارت تا آخر عبادات و نیز معاملات؛ شرحی بر وصیت‌نامه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۲ /۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۵ –۴۱۴ /۵).

آل طیب، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی فرزند سید جلیل و عالم زاهد آقا سید علی محمد آل طیب جزایری شوشتری از افاضل سادات و احفاد علامه بزرگوار و محدث عالی‌مقدار سید نعمت‌اللّٰه جزایری است.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری در شوشتر متولد شده و در بیت فضل و دانش پرورش یافته و مقدمات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و قسمتی از سطوح را نزد علامه آقا سید بزرگ آل طیب خوانده و از اساتید دیگر آن زمان استفاده کرده و پس از آن به دزفول عزیمت نموده و از محضر علامه بزرگوار حاج شیخ محمدرضا معزی بهره‌مند شده و از شاگردان خاص آن مرحوم گردیدند و ایشان علاقه مخصوص به ایشان داشتند و اجازه اجتهاد بر ایشان نوشتند که عین آن نزد برادر عزیزش حاج سید کاظم آل طیب موجود است و در ایام تابستان که شیخ به بروجرد می‌رفتند برای گرمی هوای دزفول ایشان را همراه خود می‌بردند و ایشان هم از این فرصت استفاده کرده از محضر و درس آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی (ره) که در آن موقع در بروجرد بودند استفاده کرده و کسب فیض می‌نمودند و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حجت بهره‌مند شده و بعد از وفات شیخ به شوشتر آمده و بعد از چندی به اهواز رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی پرداخته تا در روز پنجشنبه دهم ماه رمضان هزار و سیصد و شصت و پنج قمری سال فوت آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام در جوار جدش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌الصلوه والسلام مدفون شده است.

خدایش رحمت کند که در استقامت رای و بودن فهم از ابناء ممتاز و در بیت شریف آل طیب مشار بالبنان بوده ولی متاسفانه که عمرش کوتاه و در سن ۳۶ سالگی از دنیا رفته ولی خوشبختانه به مضمون آیه شریفه «ما ننسخ من آیه او ننسها ناتی بخیر منها او مثلها» ما هیچ آیه را منسوخ نکرده یا واپس نکردیم مگر اینکه بهتر از آن یا مانند آن را آوردیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل علی شاهرودی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد حسینی آل علی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید حسین حسینی آل علی شاهرودی طاب ثراه.

داماد بزرگ آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی در بیست و هفتم جمادی‌الاولی ۱۳۴۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و به تحصیلات اولیات و ادبیات و سطوح عالیه پرداخته و پس از آن دروس خارج فقه و اصول و غیره را از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی قدس‌اللّٰه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارك علمی از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی قدس‌اللّٰه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارك علمی از آیات عظام گردیده و خود در نجف و چند سالی در مسجد یکی از محلات نجف به نام خوان مخضر (میدان میوه فروشان) اقامه جماعت و ارشاد مؤمنین می‌نمود و سفرهای متعددی هم به عنوان بعثه دینیه آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی به حج مشرف و رسیدگی به امور حجاج مقلدین آن مرحوم را می‌نمود.

در سال ۱۳۹۵ شمسی به واسطه فشار و مزاحمت حکومت بعث عراق به ایرانیهای مقیم عراق ناچار به مهاجرت به کویت شده و تا سال ۱۳۷۰ قمری اقامت و به خدمات دینی و روحی و علمی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و بخصوص نشر معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام داشته و خدمات چشمگیری نموده است.

خدمات معظم‌له در کویت

۱- تأسیس مدرسه علمی از طرف حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله الوارف.

۲- تدریس در آن و سرپرستی و رسیدگی به امور طلاب آن.

تألیفات و آثار علمی ایشان در کویت

در مدت اقامتشان در کویت در مواقع فراغت تألیفات سودمندی نموده که فهرست آنها را از نظر کاوشگران می گذرانم.

۱- الامام المهدی و ظهوره.

۲- الانسان فی مراحل الست که چندین بار به عربی به چاپ رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده و بار دوم به وسیله حجهْالاسلام آقای نفسی در کراچی ترجمه باردو چاپ شده.

۳- کتاب آداب الحرمین که تا این تاریخ هفت نوبت طبع و منتشر شده است و ترجمه آن به فارسی دو مرتبه و هر بار در تیراژ بیست هزار چاپ و نشر گردیده.

۴- شخصیه المسلم.

۵- الارث فی الجداول- مخطوط و بعضی مخطوطات دیگر.

و نیز از این بزرگوار خدمات دیگری در عراق و نجف اشرف و برخی از شهرستانی ایران (از قبیل کمک به بناء مسجد و حسینیه و خیریه‌های دیگر) شده که شایان تقدیر می‌باشد.

بیمارستان چشم پزشکی پیامبران

اخیرا آنجناب موفق شدند که در تهران فلکه دوم صادقیه خیابان باغ فیض- خیابان پیامبران- خیابان ابوذر، بیمارستانی به خیریه اختصاصی چشم پزشکی پیامبران به مساحت ۲۷ هزار متر مربع که زیربنای آن ۲۰۴۰۰ متر مربع و دارای پنج بلوک که بعضی در شش طبقه است و در آن عملیات و جراحی‌های چشم در سطح بالا انجام می گیرد که در واقع بیمارستان بی‌نظیریست در ایران بلکه در خاورمیانه.

ایشان پس از مدت پانزده سال اقامت در کویت در سال ۱۳۷۰ شمسی برابر ۱۴۱۰ قمری هجرت به قم نموده و به تتمیم طبع مولفات خودشان و رسیدگی بیمارستان مذکور مشغول می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل غفور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی آل غفور

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۳/۱

زندگینامه علمی

سید محمد تقی آل غفور در خرداد ماه ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای روحانی در شهرستان شوشتر متولد شد. در سال ۱۳۵۷ در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی از دانشگاه تهران دانشکده ادبیات و علوم انسانی و در سال ۱۳۷۳ در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد و اکنون ضمن اشتغال به تحصیل علوم اسلامی در حوزه علمیه قم، در مقطع دکترای جامعه شناسی سیاسی در دانشگاه امام صادق (ع) اشتغال به تحصیل دارد، وی هم اکنون به تحقیق، تدریس و تالیف مشغول است.

در دوره اول نمایندگی مجلس شورای اسلامی از شهرستان شوشتر به عنوان نماینده به مجلس شورای اسلامی راه یافت. مدتی در مؤسسه آموزشی عالی باقر العلوم علیه السلام عضو هیئت امنای آن مرکز بود. مدتی نیز ریاست آن مرکز را نیز بر عهده داشت. مدیر مسئولی فصلنامه های علوم سیاسی و تاریخ اسلام و مدیریت گروه رشته علوم سیاسی دانشگاه مفید نیز از دیگر فعالیتهای نامبرده است.

آل‌طاهر، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال آل‌طاهر فرزند آقا شیخ حسین (نواده مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ احمد) از ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.

تولد ایشان در سال ۱۳۰۷ شمسی در خمین واقع شده و تحصیلات مقدماتی خود را در نزد جدش تکمیل و چندین سال از محضر اساتید قم استفاده نموده و سپس در کرمانشاه متوطن گردیده و از محضر درس آقای اسلامی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی که مدتی به امر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی در کرمانشاه اقامت داشتند استفاده نموده فعلا در مسجد اشجاری به امامت و ارشاد خلق مشغول می‌باشد

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل‌طیب شوشتری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در شوشتر متولد شد. در محضر عموی خود سید محمدباقر آل‌طیب علوم مقدماتی را خواند، و نزد پدرش و شیخ محمدکاظم ابن الشیخ سطوح عالی فراگرفت. سپس به دزفول مهاجرت کرد و از محضر شیخ محمدرضا دزفولی در زمینه فقه و اصول و حدیث بهره برد. آنگاه بـه قـم رفت و چنـد سـال در محضر آیت‌اللَّه حـائری و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری تلمذ کرد و پس از دریافت درجه اجتهاد به زادگاهش بازگشت و به ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی پرداخت. وی از آیت‌اللَّه اصـفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضـیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی نیز دارای اجازه بود. او در علم هیئت و علوم عقلی مهـارت داشت و در فلسـفه از شـاگردان مبرز میرزا مهـدی آشتیـانی بود. از او آثـار زیادی در فقه و اصول و حکمت و ادبیات باقی مانده، از جمله آثار وی: منظومه «ریاض المرضیه» که متضمن «الفیه» ابن مالک نحوی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۷ -۳۰۶/ ۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۴ -۴۱۲/ ۵).

آل‌عصفور، یوسف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۶ -۱۱۰۷ ق)، فقیـه، متکلـم، محـدث، محقـق، نویسـنده و رجـال شـناس. از فرزنـدان احمـد بن ابراهیم از شخصـیتهای معروف روحانی و علمی این خاندان بود. وی در شاخوره‌ی بحرین زاده شد و در مکتب خانه و نزد پدر خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را آموخت. هنگـام فتنه خوارج در بحرین، و مهـاجرت پـدرش احمـد به قطیف، در شاخوره مانـد و پس از چنـدی به آنان پیوست. در آنجا نزد شـیخ حسـین ماحوزی و شـیخ احمد بن عبداللَّه بلادی و شـیخ‌احمد بن علی به آموختن علوم دینی مشغول شد. فوت پدر و سنگینی معیشت خانواده مانع ادامه‌ی تحصیل وی شد. پس به بحرین و سـپس به مکه رفت و یکبار دیگر نزد شـیخ حسـین ماحوزی بازگشت. از آنجا به بحرین، کرمان و شـیراز رفت. و چون شیراز دچار خشم و غضب نادرشاه گشت به فسا رفت. در فسا برای تأمین نیازهای زندگی به کشاورزی پرداخت و با فراغت نسبی به کار تدریس و تحقیق مشـغول گشت و تألیف مشهورترین اثر فقهی خود «حـدائق» را آغـاز کرد. امـا پس از آشوب خونینی که در فسـا رخ داد و میرزا محمـدعلی، حاکم وقت فسا، که به وی التفات داشت کشـته شـد و دارایی و کتابهـای خود وی نیز به غارت رفت به اصـطهبانات و سـپس به عراق رفت و در کربلا اقامت گزیـد و در این شهر به آرامش و امنیت و رفـاه دست یـافت و کتاب «حـدائق» و چنـدین کتاب دیگر را تمام کرد. وی تا پایان عمر در آنجا زنـدگی کرد و حیـات خود را صـرف تـدریس و تعلیم و تحقیق و تـألیف کتابـای فقهی، روایی و کلامی و عبـادی کرد. او اسـتاد سـید علی طباطبـائی صـاحب «ریاض» و از مشایـخ روائی علامه بحرالعلوم است. در کربلا بر اثر طاعون درگـذشت. بنابر وصـیتش اسـتاد وحید بهبهـانی بر وی نمـاز گزارد و در کنـار تربت امـام حسـین (ع) به خـاک سپرده شـد. از جمله آثار وی: «اعلام القاصـدین»؛ «الحـدائق الناضـرهٔ فی احکـام العـترهٔ الطـاهرهٔ»، در فقـه اسـتدلالی؛ «سـلاسل الحدیـد فی تقییـد ابن ابی‌الحدیـد»؛ «الدررالنجفیـهٔ من الملتقطـات الیوسفیهٔ»؛ «انیس المسافر و جلیس الخواطر»؛ «لؤلؤهٔ البحرین فی الاجازهٔ لقرتی العین».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۶/ ۹) ایضاح المکنون (۲۰ /۲، ۱۰۳ /۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۲۹ /۴)، الذریعه (۳۸۰ -۳۷۹/ ۱۸، ۲۱۱ -۲۱۰ /۱۲، ۱۴۰ /۸، ۲۹۰ -۲۸۹ /۶، ۴۶۶ -۴۶۵، ۲۳۹ /۲)، روضات الجنات (۱۹۰ -۱۸۶ /۸)، ریحانه، (۴۷۲ /۸)، (۳۶۱ -۳۶۰ /۳)، (۲۳۴ /۱)، شـهیدان راه فضیلت (۴۶۶)، طرائق الحقائق (۱۸۶ -۱۸۰ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۰۷ -۱۴۰۶ /۲)، فوائد الرضویه (۷۱۶ -۷۱۳)، گنجینه‌ی دانشـمندان (۳۲۴ /۶)، مؤلفین کتب چـاپی (۸۷۹ -۸۷۶ /۶)، مصفی المقال (۵۰۵)، معجم المؤلفین (۲۶۹ - ۲۶۸ /۱۳)، هدیهٔ الاحباب (۱۷۲)، هدیهٔ العارفین (۵۶۹ /۲).

آملی طبری، ابوعبداللَّه احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۵ ق)، محدث و واعظ. معروف به غلام خلیل. اصل وی از طبرسـتان است. در بصره متولد شد و در بغداد سکونت داشت و شیخ بغداد بود. از دینار و قُرَّهٔ بن حبیب و سهل بن عثمان و شیبان حدیث شنید، و محمد بن مخلد و عثمان سمّاک و احمد بن کامل و گروهی از او حـدیث روایت کرده‌انـد. محمـد بن محمـد کنـدی از راویان او است. ابن غضائری و نجاشـی او را محـدثی ضـعیف شمرده‌انـد. در بغـداد درگـذشت، در فقـدش بازارهـا بسـته شـد و زن و مرد و کودک از منازل خارج شدنـد تا بر وی نماز گزارنـد. جنازه‌اش به بصره حمل و در آنجا دفن و بنایی بر آن افراشته شد. از آثارش: کتاب «الوصول الی معرفهٔ الاصول»؛ کتاب «الکشف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۸ /۳)، تاریخ بغداد (۸۰ -۷۸ /۵)، تنقیح المقال (۷۷ /۱)، الجرح والتعدیل (ج ۱، ق ۷۳ /۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۴۲۳ /۲)، رجال النجاشی (۲۴۳ /۱)، سیر النبلاء (۲۸۵ -۲۸۲ /۱۳)، لسان المیزان (۴۱۴ -۴۱۲ /۱)، معجم رجال الحدیث (۲۲۴ /۲)، معجم المؤلفین (۱۱۳ /۲).

آملی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، کاتب. ملقب به صدرالکتاب. یک نسخه‌ی دیوان رودکی به قلم کتابت جلی متوسط به خط وی موجود است که در تهران چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۴ /۱).

آملی، ابوالحسین احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۱ -۳۳۳ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و محدث. در آمل به دنیا آمد. وی برادر یحیی ملقب به ناطق بالحق و از پیشوایان زیدیه‌ی طبرستان و معاصر صاحب بن عباد بود. و با برادر کوچک‌تر خود به برادران هارونی معروف بودند. پدر وی شیعه‌ی اثنی‌عشری بود و خود او و برادرش نیز نخست دارای این مذهب بودند و بعد از فرقه‌ی زیدیه‌ی پیوستند. آملی در پی کسب دانش به بغداد رفت و نزد دایی خود ابوالعباس احمد بن ابراهیم درس خواند. بعد به همدان رفت و نزد قاضی‌القضاة عبدالجبار همدانی درس خود را به پایان رساند و در فقه و اصول و نحو و لغت عربی و حدیث و درایت تبحر یافت و آراء فقهی او از سوی زیدیان ایران و کوفه و حجاز و یمن پذیرفته شد. وی در فصاحت شهره بود، چنانکه نثر وی را در کتابی که در پاسخ قابوس وشمگیر درباره‌ی فضایل امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) نوشت معجزه مانند دانسته‌اند. در دیلمستان با او به خلافت بیعت کردند و مدت حکومتش بیست سال طول کشید. آثار او عبارتند از: «التجرید»، و شرح آن؛ «دیوان» اشعار؛ «سیاسة المریدین»؛ «کتاب الافادة»؛ «کتاب البلغه»؛ «کتاب النصرة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۲ /۱)، اعیان الشیعه (۵۷۰ /۲)، تاریخ طبرستان (۱۰۱ ،۹۸)، تاریخ گیلان و دیلمستان (۲۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶ -۱۵ /۵)، معجم المؤلفین (۲۰۹ /۱).

آملی، محمدسلیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شارح و مترجم. وی «دعای مشلول» را شرح و ترجمه کرده است. این کتاب همراه «ترجمهٔ دعاء السمات» علامه مجلسی که در حدود ۱۰۰۰ سطر است با خط یک نویسنده گردآوری شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۱ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۸ /۱۲).

آموزگار یگانه، ژاله

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و زبانهای باستان، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی از مدرسه مطالعات عالی سوربن پاریس در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و اساطیر ایران باستان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و زبانهای باستانی، تاریخ و فرهنگ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

زبان، تاریخ، فرهنگ و اساطیر ایران باستان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آموزگار، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ق)، نویسنده و مترجم. پسر حبیب‌اللّه آموزگار در اصطهبانات فارس متولد شد. در رشته‌ی اقتصاد و ادبیات به اخذ مدرک کارشناسی نایل شد. برای تکمیل تحصیل به آمریکا رفت و دکترای خود را در هر دو رشته گرفت. پس از بازگشت به ایران مشاور اقتصادی شد. ولی مجدداً به آمریکا رفت و به تدریس در دانشگاه مشغول شد. وی مدتی نماینده‌ی اصطهبانات در مجلس بود و یک چند نیز وزیر بازرگانی شد. از آثار او است: «کلیما یا سایه‌ی خوبان»، ترجمه‌ای از کتاب آندره مورُوا.[۱]

(۱۳۵۹ -۱۲۶۹ ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در اصطهبانات فارس متولد شد. به شیراز رفت و مقدمات فقه و اصول و منطق را فراگرفت. در ۱۲۹۰ ش به تهران آمد و به جرگه‌ی مطبوعات وارد شد و سردبیر روزنامه‌های «آفتاب»، «صدای ایران»، و مدیر مجله «رهنما» و صاحب امتیاز مجله «علم و اخلاق» شد. سپس به ریاست مدرسه‌ی دولتی ادب منصوب گردید مدتی هم ریاست فرهنگ شیراز را بر عهده داشت. در وزارت دادگستری نیز یک چند مشاغل گوناگونی عهده‌دار شد. در سال ۱۳۳۰ ش وزیر فرهنگ و پس از آن چند دوره سناتور شد. از همکاران مجله‌ی «آینده» و جزء مؤسسان و شریکان دوره‌ی چهارم آن مجله بود از جمله‌ی آثار وی: «آموزش و پرورش»؛ «ابومسلم خراسانی»، ترجمه از عربی؛ «اصلاحات اجتماعی»؛ «تاریخ اسلام»؛ «رهنمای تربیت»، ترجمه از عربی؛ «زن در جامعه»؛ «فرهنگ آموزگار».[۲]

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۰، تهران.

درگذشت: فروردین ۱۳۵۹.

حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی، فرزند محمدحسین اصطهباناتی، تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس تهران پشت سر گذاشت و سپس به دارالفنون وارد شد و پس از فراغت از تحصیل به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی مدتی ریاست مدرسه‌ی دولتی ادب و پس از آن ریاست معارف فارس و ریاست تعلیمات ولایات را به عهده داشت. در زمان داور به وزارت عدلیه منتقل شد و به مشاغل مختلفی از عضویت استیناف و ثبت کل و بازرسی قضایی دست یافت. وی همچنین مدتی مستشار دیوان کشور بود. حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی، مدتی نیز در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تدریس نمود. مدتی در وزارت دادگستری در سمت‌های مختلف مشغول به کار بود. سال‌ها در مجلس سنا به عنوان نماینده‌ی منصوب شده بود و در کابینه‌ی حسین علاء که در ۲۹ اسفند سال ۱۳۳۰ تشکیل شد به عنوان وزیر فرهنگ معرفی گردید. این کابینه بر اثر تظاهرات مردم و اعتصابات ادارات و بازار به منظور ملی شدن صنعت نفت دیری نپایید و در دهم اردیبهشت سال ۱۳۳۱ سقوط کرد. حبیب‌الله آموزگار در دوره‌ی چهارم مجلس شورای ملی نیز نماینده بود.

آموزگار در تهران به عرصه مطبوعاتی وارد شد و به سردبیری روزنامه‌ی «آفتاب» و روزنامه‌ی «صدای ایران» و همچنین به مدیریت مجله‌های «رهنما» و «علم و اخلاق» رسید. آموزگار مدتی نیز صاحب امتیاز روزنامه «جهان آینده» بود.

علاوه بر تألیف برخی از کتب درسی، از آثار وی که قسمتی به صورت تألیف و قسمتی دیگر به صورت ترجمه است، می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: آموزش و پرورش (۱۳۱۶)؛ ابومسلم خراسانی (جرجی زیدان، ترجمه با همکاری عبدالحسین میرزا، سه جلد)؛ اصطلاحات اجتماعی (۱۳۰۷)؛ تاریخ اسلام (۱۳۳۴)؛ جهان و روح آفرینش (۱۳۳۳)؛ رهنمای تربیت یا اصول تعلیم (اثر عمر بیک مصری، ترجمه‌ی کتاب هدایهٔ المدرس، تألیف و ترجه، ۱۳۰۱)؛ زن در جامعه (۱۳۱۱)؛ عالم ارواح (تلخیص و ترجمه از کتاب الارواح طنطاوی، ۱۳۰۷)؛ صرف عربی، عمدهٔ النحو (نحو عربی)، فرهنگ فارسی آموزگار (چاپ اول: ۱۳۳۶)؛ منطق آموزگار (۱۳۰۱)؛ لغت عربی به فارسی آموزگار، فلسفه‌ی روحی (۱۳۰۸)؛ ملکه اسلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۴، ش ۵، ص ۳۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۴ -۴۴۳ /۲).

[۲] آینده (س ۴، ش ۱، ص ۲۳۷)، تاریخ جراید (۳۹ -۳۸ /۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۴ -۴۳ /۱)، الذریعه (۲۳ /۷۶)،

زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۲ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۴ -۴۸۲ /۲).

آوانسی ماسئیان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۲ ش)، مترجم. آوانسی یا هوانس خان ماسئیان ملقب به عمادالوزاره و بعد ملقب به مساعدالسلطنه از ارامنه‌ی ایران بود که در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات در تهران و پاریس در اداره‌ی انطباعات و دارالترجمه‌ی دولتی به عنوان مترجم زبان انگلیسی و فرانسه مشغول به کار شد. مدتی نائب اول سفارت ایران در برلین بود، ولی با شروع جنگ جهانی اول به ایران آمد. در دوره‌ی ششم نماینده‌ی ارامنه‌ی جنوب در مجلس شد. پس از آن نیز مدتی وزیرمختار ایران در لندن و سفیر ایران در توکیو شد. در سال ۱۳۱۰ ش از توکیو احضار شد، ولی در راه بازگشت در منچوری درگذشت. آوانس‌خان احاطه‌ی کاملی به زبانهای ارمنی، انگلیسی، فارسی، فرانسه و آلمانی داشت. آثار وی عبارت‌اند از: ترجمه‌ی آثار شکسپیر به ارمنی؛ «سفرنامه‌ی آنتوان و روبرت شرلی»، ترجمه‌ی منظوم بخشی از «شاهنامه» به ارمنی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۷۴ -۱۷۳ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰ /۱).

آوی، ابوالفتوح، احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۰۵ ق)، فقیه، محدث و کاتب. وی از شاگردان علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین بود و از هر دوی آنان اجازه داشت. علامه حلی در اجازه‌نامه‌اش از او تمجید بسیار کرده است. از آثارش استنساخ از نسخه «نهج‌البلاغه» سید ابوالرضا فضل‌اللّه راوندی و نگارش حواشی بر آن است. از دیگر آثارش شرح «قصیدهٔ العینیهٔ السینائیهٔ» است. او مجموعه‌ای از «نهج المسترشدین» و «مبادیء الاصول» حلی را نوشت و نوشته‌ها را بر فخرالمحققین خواند و از او اجازه گرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶ /۷، قرن ۵ /۸).

آوی، تاج الدین، ابوالفضل محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۷۱۱ ق)، ادیب، عالم و پیشوای مذهبی. اصل او از آوه و محل تولدش کوفه و محل نشو و نمای او نجف است. در آغاز کار واعظ بود. سلطان محمد اولجاتیو به او عقیده بست و مقام ریاست نقیبان همه بلاد اسلامی را به وی سپرد. رشیدالدین وزیر به دشمنی وی برخاست و با گرد کردن مخالفین و تطمیع سید جلال‌الدین ابراهیم بن مختار، سید تاج‌الدین و دو پسرش شمس‌الدین حسین و شرف‌الدین علی را تسلیم جلال‌الدین کرد و او به فرمان رشید وزیر ناجوانمردانه دو پسرش را پیش از وی کشت و سپس تاج‌الدین را به شهادت رساند. در این واقعه آثار تعصب بسیار به ظهور رسید. آستانه وی در کنار دجله بین عزیزیه و صویره در راه کوت و بغداد است، و یکی از زیارتگاه‌های شیعیان در اطراف بغداد به حساب می‌آید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۶۰۸)، روضهٔ‌الصفا (۴۳۹ -۴۳۸ /۵)، ریاض العلماء (۳۹ /۷)، شهیدان راه فضیلت (۱۳۴ -۱۲۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۷ -۱۸۶ /۸)، مجالس المؤمنین (۵۱۸ /۱)، یادداشتهای قزوینی (۳ /۲).

آوی، حسین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۹ ق)، مترجم. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست اما از اشاره‌ای که به زندگی خود در کتاب ترجمه‌ی «محاسن اصفهان» کرده معلوم می‌شود که در اصل از سادات آوه- آبه کنونی بین قزوین و همدان- بوده است. در جوانی به کاشان و از آنجا به اصفهان سفر کرد در آن شهر مقیم شد و با بزرگان و متنفذین آن شهر همچون افراد خاندان صاعدی و خواجه شمس‌الدین محمد بن نظام‌الدین یزدی و امیر مظفرالدین شیخ علی و حکام آن دیار جلیس و همنشین بود. از آثارش: ترجمه‌ی «محاسن اصفهان» ما فروخی که به نام غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه همدانی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۸۷۷ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۰ –۸۵۹ /۲).

آهی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میرزا ابوالقاسم خان در ۱۲۶۵ متولد شد. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به کمک عموی خود که منشـی سفارت روسـیه در تهران بود، برای ادامه‌ی تحصیلات به پطرزبورگ رفت و در آنجا مجدداً دوره‌ی متوسطه و عالی را در رشته‌ی حقوق به پایـان رسانیـد. پس از مراجعت به ایران چنـدی در وزارت امور خـارجه مصـدر خـدماتی شـد و تـا ریاست اداره ترقی کرد و بعـد به ریاست شیلات شمال منصوب شد. در ۱۳۰۱ بـا علی‌اکبر داور محشور و نزدیک شـد و از پایه‌گـذاران حزب رادیکال و دنباله‌روی خط سیاسی داور بود. در ۱۳۰۱ با کمک و مساعدت حزب رادیکال، به معاونت وزارت معارف منصوب گردید و ضمناً در مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی تدریس می‌نمود.

در ۱۳۰۶ در تشکیلات نوین دادگستری بـا تربه‌ی ۹ قضـائی به مسـتشاری دیوان عالی تمیز منصوب گردیـد و قریب ۶ سـال در آن سمت باقی مانـد. در ۱۳۱۲ اسـتانداری فارس به عهـده‌ی او قرار گرفت و در احیاء آثار باسـتانی فارس جـد و جهدی از خود معمول داشت. در ۱۳۱۴ وقتی علی منصور ظاهراً به اتهام اخذ رشوه از شـرکت کامپاکس برکنار و بازداشت شد، آهی به جای او به وزارت طرق منصور گردیـد و قریب سه سـال در آن شـغل مسـتقر بود و اتصـال خطوط راه‌آهن شـمال و جنوب در دوران تصـدی او انجـام گرفت. در نیمه‌ی دوم سـال ۱۳۱۷ برکنار و زنـدانی شـد. علت برکناریش سوءظنی بود که رضاشاه به او داشت چون تحصـیلکرده‌ی روسیه بود و با سفیرکبیر شوروی حشر و نشر زیادی داشت، شاه به او ظنین شده بود. در یکی از ملاقات‌ها به رضاشاه گفته بود مردم از حکومت رضایت ندارند. همین جلسه موجب عصـبانیت فوق‌العاده‌ی شاه شد و دسـتور داد شـهربانی او را توقیف کند و پرونده‌ای در دادگستری برایش درست کردند تا سـرانجام بر اثر مجاهدت دکتر احمد متین دفتری وزیر دادگستری محاکمه‌ی او سر نگرفت و از وی رفع اتهـام گردیـد و مـدتی بیکـار مانـد تا اینکه در تیر ماه ۱۳۱۹ در کـابینه‌ی علی منصور به سـمت وزیر دادگسـتری تعیین و معرفی شد. در شـهریور ۱۳۲۰ پس از حمله‌ی شـوروی و انگلیس به مرزهـای ایران، علی منصـور از نخست‌وزیری کنـاره‌گیری کرد. رضاشـاه ریـاست دولت را به آهی تکلیف نمود ولی او زیر بار نرفت و به لطائف‌الحیل او را راضـی کرد که بایـد در این موقع خطیر یکی از رجال باتجربه و پرسابقه در رأس دولت قرار بگیرد و شاه این پیشـنهاد را پذیرفت و ریاست دولت را به فروغی واگذار کرد. شغل آهی در کابینه‌ی جدیـد همچنان وزارت دادگستری بود. دولت فروغی از نخستین روزهای تشکیل با مشـکلات بسـیار بزرگی مواجه بود که از همه مهمتر ترک مخاصـمه و تعیین تکلیف رضاشـاه و بالاـخره انعقاد پیمان‌نامه‌ای با دولتین شوروی و انگلیس بود. آهی در حل مشـکلات نقش مهمی داشت. در حقیقت قائم‌مقام نخست‌وزیر و کارگردان دولت بود. در مذاکرات با سـفراء شوروی و انگلیس آهی نقش‌آفرین شد. پس از اسـتعفا و خروج رضاشاه از ایران، فروغی مجدداً با رأی تمایل نماینـدگان مجلس به ریاسـت دولت رسید و آهی همچنان در کابینه با سمت وزیر دادگستری باقی ماند.

فروغی بعلت کسـالت و کهولت غالباً قادر به حضور در مجلس شورای ملی نبود و تمام وظایف او را در مجلس، آهی انجام می‌داد. در سومین ترمیم کابینه باز هم شغل او محفوظ ماند و به هنگام طرح پیمان سه‌جانبه‌ی بین ایران و متفقین، دفاع اصلی از آن به دوش او قرار گرفت. در اوایل اسفند ۱۳۲۰ در چهارمین ترمیم کابینه، فروغی شغل آهی را تغییر داد و او را به وزارت اقتصاد و خواروبار و کشاورزی منصوب نمود. پس از معرفی هیئت دولت جدید، مجلس با اکثریت ضـعیفی دولت را تأیید کرد ولیکن رأی مجلس مورد قبول فروغی واقع نشد و طبعاً خود و وزیران اسـتعفا دادند. علی سـهیلی جانشین فروغی در هیئت وزیران خود، آهی را به سمت وزیر دادگستری معرفی نمود و ضـمناً برای سفارتش در مسکو از دولت شوروی تقاضای آگرمان کرد و در اوایل ۱۳۲۱ به مسکو رفت و قریب چهار سال در آنجا سفارت داشت. در ۱۳۲۵ در اثر بیماری به تهران بازگشت و سـرانجام در همان سال در اثر بیماری سرطان درگذشت.

(۱۳۲۵ –۱۲۶۵ ق)، مترجم. پسـر میرزاابوالقاسم آهی سـفیر ایران در مسـکو بود. در تهران متولد شد. تحصـیلات خود را در رشـته‌ی حقوق و اقتصاد در مسـکو به پایان رسانیـد. مشاغل گوناگونی را عهـده‌دار شـد. اسـتاد مدرسه‌ی علوم سیاسـی تهران، معاون وزارت معـارف، وزیر راه و دادگسـتری، سـفیر ایران در مسکو از ۱۳۲۱ ش تـا پایـان عمر در اواخر عمر بـه علت کسـالت شدیـد به تهران بازگشت و در تهران درگذشت.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] یادگار (س ۳، ش ۳،ص ۲۸).

آهی، مهری

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مدرس، ادیب.

تولد تهران.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۶.

مهری آهی، فرزند مجید، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ژاندارک تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۰ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۱۱ پدرش به سفارت کبیر ایران در اتحاد حماهیر شوروی منصوب گردید و مهری آهی همراه پدر عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسوف مسکو به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۲۷ برای ادامه تحصیل خود در این رشته به انگلستان و فرانسه رفت و مدت هفت سال به تحصیل پرداخت و به اخذ دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات روسی نایل آمد. پس از مراجعت به ایران به تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکده ادبیات تهران و ادبیات تطبیقی مشغول شد و به ریاست مرکز زبان‌های خارجی دانشگاه تهران منصوب گردید. وی همچنین با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و ادبیات این زبان‌ها آشنایی داشت.

مهری آهی، علاوه بر تدریس به فعالیت‌های دیگری نیز می‌پرداخت. وی از اعضای مؤسس جمعیت راه نو، شورای کتاب کودک، انجمن کتاب و شورای عالی جمعیت زنان ایران بود و از همین رو در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی به نمایندگی از ایران حضور داشت. در سال ۱۳۳۶ در کنفرانسی که در مسکو از طرف سازمان ملل متحد تشکیل شد شرکت جست.

در سال ۱۳۳۸، از طرف کمیته ارتباطات برای شرکت در سمینار زنان و کودکان به نیویورک دعوت شد و سپس بنا به دعوت سازمان ملل در کنفرانس جمعیت‌های غیر دولتی شرکت نمود و نیز چهار دوره به عنوان نماینده‌ی ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد منصوب گردید و همچنین به نمایندگی ایران در دو همایش مربوط به حقوق بشر به مغولستان و مانیل اعزام شد. در سال ۱۳۴۳ جزو هیئت نمایندگی ایران برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نمایندگی ایران در کمیسیون سوم (کمیسیون امور اجتماعی و اقتصادی) انتخاب شد و انجام وظیفه نمود. در همین سال بنا بر دعوت دانشگاه هاروارد در سمینار تابستانی آن شرکت کرد.

از ترجمه‌های وی می‌توان به این آثار اشاره نمود: مجموعه‌ای از قصه‌های آندرسن (مجموعه قصه، ۱۳۲۰)، پدران و پسران (اثر ایوان تورگنیف)، جنایت و مکافات (اثر فئودر داستایوسکی)، قهرمان کوچک (اثر نویسندگان خارجی، ۱۳۴۱). وی همچنین کتاب داستان کودکان هرکس خانه‌ای دارد را به رشته‌ی تحریر درآورد.

(وف ۱۳۶۷ ش)، مترجم. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه‌ی ژاندارک تهران به پایان آورد و در سال ۱۳۲۰ ش در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۲۱ ش همراه پدر که به سفارت ایران در شوروی (سابق) منصور شده بود عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسوف مسکو به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۲۷ ش برای ادامه تحصیل خود در این رشته با انگلستان و فرانسه مسافرت نمود پس از بازگشت به تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکده ادبیات تهران پرداخت. از جمله آثارش: ترجمه‌ی «آندرسن»؛ ترجمه «پدران و پسران» تورگنیف؛ ترجمه «قهرمان عصر ما» لرمانتف؛ ترجمه «قهرمان کوچک».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۴۷۱ – ۴۷۰ / ۶).

آیت اللهی، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا آیت اللهی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

دکتر حمیدرضا آیت اللهی در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای متدین و متعهد متولد شد. پس از سپری کردن تحصیلات مقدماتی در سالهای خفقان و سرکوب رژیم پهلوی به خاطر علاقه شدید به علوم اهل بیت (ع) و حمایت و تشویق خانواده از سوی دیگر به قم هجرت و وارد حوزه علمیه قم گردید.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به تحصیل در دانشگاه روی آورد. و تا مقطع دکترا ادامه تحصیل داد. دکتر حمیدرضا آیت اللهی در طی سالهای عمر خود تا به امروز خدمات علمی فراوانی انجام داده است. کتابها و مقالات فراوانی تألیف و شاگردان بسیاری تربیت و تقدیم عالم اسلام کرده است.

آیت قزوینی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به آیت. سلسله نسب وی منسوب به علمای مسجد جامع قزوین بود. از علوم ادبی و عربی و

حکمت بهره داشت. مدتی در عراق و خراسان و فارس مسافرت کرد و با محمدخان دشتی مصاحبت داشت و در ۱۲۸۶ ق دیباچه‌ای بر «دیوان» دشتی نوشت. مدتی نیز در خدمت اسداللّه میرزا، از نوادگان ظل‌السلطان، بود و بعد از وفات وی جزو شعرا و ادبای دارالخلافه تهران شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۶۴ -۶۳ /۱)، الذریعه (۱۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۴)، مینو در (۳۵۸ -۳۵۷ /۲).

آیت، سیدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۱۷، نجف‌آباد.

درگذشت: ۱۴ مرداد ۱۳۶۰ تهران.

سید حسن آیت، فرزند سید محمدرضا، تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت. وی همچنین لیسانس حقوق، ادبیات و روزنامه‌نگاری داشت، و درجه‌ی فوق لیسانس علوم اجتماعی نیز را کسب کرده بود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در دبیرستان‌ها و برخی از مراکز دانشگاهی به تدریس مشغول بود. وی پس از پیروزی انقلاب به نمایندگی مجلس خبرگان رسید. وی سپس به نمایندگی اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی از شهر تهران رسید. مقالاتی از وی در موضوعات تاریخی، سیاسی و اعتقادی در مجله‌ها و روزنامه‌ها به چاپ رسید.

سید حسن آیت در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ به دست منافقین در جلوی درب منزلش شهید شد. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

از آثار وی است: چهره‌ی حقیقی مصدق‌السلطنه (۱۳۶۰). درسهایی از تاریخ سیاسی ایران (۱۳۶۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آیت‌اللّه زاده اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن السید العلام آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد حسین بن آیت‌اللّه السید علی بروجنی اصفهانی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است وی در سال ۱۳۴۵ ق در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و شرف و دامن والده ماجده‌اش صبیه‌ی آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللّه سره تربیت یافته و از محضر مرحوم والدش و مرحوم آیه‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید یحیی یزدی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۱ شمسی مهاجرت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و از محضر و ابحاث آیه‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و ضمنا بتدریس متون فقه و اصول و تفسیر و اقامه نماز جماعت در مسجد بازار و اول کوچه‌ی غریبان و چند سالی است که در مسجد ارباب محمدتقی واقع در خیابان دلگشا به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

و معظم له سبط مرحوم زعیم‌الشیعه فی عصره آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ موسی خونساری طاب ثراهما میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آیت‌اللّه‌زاده، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آیتی بیرجندی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم آیتی در سال ۱۳۳۳هجری قمری در قریه گازار از توابع بیرجند در خانواده‌ای روحانی و شیعه متولد شد و اهل خانه را از قدوم خویش شاد کرد این فرزند محمدابراهیم نام گرفت. وی از هفت سالگی برای فراگیری از قرآن مجید و خواندن کتابهای

فارسی مذهبی و اخلاقی و از قبیل اینها وارد جلسات استادان آن زمان در شهر خود گردید. در سیزده سالگی به شهر بیرجند رفت و ادامه تحصیل خود را در کنار اساتید بیرجند گذراند. در هیجده سالگی در مدرسه باقریه شهر مشهد به قسمتی از فصول و منطق تحت نظر استادان مجرب بودند. وی به درجه دکترا نایل گردید و در تمام طول تحصیل به تحصیلات حوزوی بسنده نشد. وی در سن ۵۱ سالگی در اثر سانحه تصادف در سال ۱۳۸۴ قمری جان خویش را از دست دادند.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر محمد ابراهیم آیتی شیخ محمد قائنی پیشنماز روستای گازار بود که به امور شرعی مردم رسیدگی می‌کرد. او در سلک روحانیت و در امور دینی خود و مردم کوشا بود. وی که توفیق تربیت در دامن مادر متدین پیدا نموده بود رشد کرد و به سن تحصیل رسید.

خاطرات کودکی : محمد ابراهیم آیتی مقدمات عربی از پدرش شیخ محمد قائنی یاد گرفت تا اینکه به نه سالگی که رسیدند پدر در سوم ماه رمضان ۱۳۴۲ مرحوم شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : هفت ساله بودم که پدرم مرحوم شیخ محمد قائنی مرا برای فراگیری قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی از قبیل عین الحیات و جلاء العیون و حلیهٔ المتقین مرحوم مجلسی نزد « آخوند ملا عبداللّه گازاری» برد و به وی سپرد. مقدمات عربی را از مرحوم پدرم فرا گرفتم، نه ساله بودم که پدرم در سوم ماه رمضان سال ۱۳۴۲قمری مرحوم شد. پس از آن شرح « قطرالندی» و « الفیه» ابن مالک « سیوطی» و « شرح جامی» را نزد همان ملا عبداللّه و « محمد ابراهیم بویکی» خواندم. سیزده ساله بودم که با اجازه مادرم برای ادامه تحصیل به شهر بیرجند رفتم و مدت پنج سال در مدرسه معصومیه کتابهای « حاشیه» ملاعبداللّه یزدی و « شرح شمسیه» در منطق، « شرح نظام» « مغنی البیب» در صرف و نحو و قسمتی از « مطوّل» در معانی و بیان و بدیع و « معالم» و قسمتی از « قوانین الاصول» میرزای قمی در اصول، « تبصرهٔ» علامه حلّی و « شرح لمعه» شهید ثانی در فقه و مختصری حساب و هیأت و مقداری از شرح « سبعهٔ معلّقه» را خواندم. در این مدت پنج سال در شهر بیرجند از محضر مرحوم حاج شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی و آیهٔاللّه حاج شیخ محمد حسین آیتی و مرحوم شیخ غلامرضا فاضل و آقای حاج شیخ محمد علی ربّانی و مرحوم حاج ملا محمد دهکی استفاده بردم و شاگردی آنها را نمودم.هیجده ساله بودم که برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرّف و در مدرسه باقریه ساکن شدم و بقیه شرح لمعه و مطول و قسمتی از فصول و قسمت منطق شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری و آنگاه تمام سطح مکاسب، رسائل شیخ انصاری و کفایه آخوند خراسانی را در محضر استادان فرا گرفتم. ضمنا هیئت قدیم را نزد مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و آقا شیخ مجتبی قزوینی و آیهٔاللّه میرزا حسین فقیه سبزواری و آیهٔاللّه ادیب نیشابوری و مرحوم حاج شیخ حسن پایین خیابانی و برخی اساتید دیگر خواندم. در همان حال با درس خارج فقه و معارف مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی آشنا شدم و با شوق فراوان در حدود دو سال به درس پر بهره ایشان می‌رفتم و در همین اوقات به درس شرح منظومه آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم می‌رفتم و از این راه با فلسفه قدیم آشنا شدم. آشنایی من با متون عالی فلسفه قدیم از قبیل شرح اشارات، شفای بوعلی و اسفار مرحوم آخوند ملاصدرا در خارج از محیط طلبگی بود.» آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و او در همان دانشکده معقول و منقول تهران تحصیل کرده بود و موفق به اخذ درجه دکتری شده بود. ایشان علاوه بر علوم اسلامی و ادبیات عرب به زبان انگلیسی نیز احاطه کامل داشت و از این راه با اندیشه‌های غربی و متون و روش تحقیق آنان آشنا گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : حوزه‌های درس هرگاه محدود به چند نفر و کم جمعیت بود غالبا در اطاقهای مسکونی مدارس و درسهای سطوح عالی و خارج که جمعیت بیشتری در آن شرکت می‌داشت بیشتر در مدرس‌های نسبتا وسیع مدارس که فرش آن در تابستان و زمستان منحصر به حصیر بود و یا در شبستان‌های مساجد که نیز در تابستان و زمستان حصیر فرش و بسیار سرد بود و هرگز بخاری نمی‌دید، تشکیل می‌گردید.کسانی که اهل کار و تحصیل بودند تقریبا تمام وقتشان به درس خواندن و مطالعه کردن و مباحثه کردن همان درسها و (اگر خود از فضلای حوزه بودند) به درس گفتن برگزار می‌شد و فقط در هفته‌ای دو روز پنجشنبه و جمعه تعطیل بود، که آن هم احیانا با درسهای تعطیلی از قبیل ریاضیات و هیئت و تفسیر و حدیث و جز اینها می‌گذشت.زندگی طلبگی بسیار ساده و در عین حال پرنشاط برگزار می‌شد. در آن تاریخ کمتر افکار اجتماعی به محیط طلبگی راه داشت و گیر و داری هم اگر پیش می‌آمد از حدود حجره‌های مدارس تجاوز نمی‌کرد. تا در بیرجند بودم با اینکه مدرسه معصومیه اوقاف زیادی داشت، به طلبه مدرسه چیزی نمی‌رسید و متصدّیان اوقاف تمام درآمد موقوفه را می‌خوردند و زندگانی ساده طلاب منحصرا از کمکهای پدران و مادرانشان می‌گذشت.اما در مشهد مقدس چون از طرفی موقوفات مدارس سرشارتر بود و از طرف دیگر متصدیان اوقاف آنجا مانند متصدیان اوقاف بیرجند نبودند مختصر حق السکوت و قوت لا یموتی به طلاب داده می‌شد و روزی که وارد مشهد شدم متصدی اوقاف مدرسه باقریه آقا شیخ جواد شیخ الاسلامی اصفهانی به دیدن من آمد و از همان روز مبلغ سی ریال (که شهریه کامل آن مدرسه بود) حقوق ماهیانه برای من قرار ساخت و این مبلغ در آن تاریخ برای زندگی طلبگی متوسط یک نفر به خوبی کفایت می‌کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : از امتیازات بسیار ارزنده حیات علمی محمد ابراهیم آیتی این است که او هرگز خود را در علوم متداول حوزه‌ها و مجامع علمی محدود نساخت. گو اینکه راز موفقیت هر اندیشه‌ورِ دلسوز و تلاشگر و کاوشگر پر توفیق این است که خودجوش و زیرکانه بیابد چه چیزی را باید بخواند و کدام راه را برود. بدینسان او در تاریخ دوره اسلامی و تاریخ پیامبر و اهل بیت نیز تلاش فراوان کرد و یکی از متخصصان این رشته در آمد و از تألیفات ایشان نیز این نکته آشکار خواهد شد.

استادان و مربیان : از استادان محمد ابراهیم آیتی در زمینه های مختلف درسی می توان به موارد زیر اشاره کرد: آخوند ملا عبدالله گازاری ابن مالک محمد ابراهیم بویکی میرزای قمی علامه حلی شهید ثانی باقر آیتی بیرجندی شیخ محمد حسین آیتی غلامرضا فاضل شیخ محمد علی ربانی حاج ملا محمد دهکی ملا هادی سبزواری شیخ انصاری آخوند خراسانی شیخ هاشم قزوینی مجتبی

قزوینی حسین فقیه سبزواری ادیب نیشابوری حسن پایین خیابانی میرزا مهدی اصفهانی میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم آخوند ملاصدرا

هم دوره ای ها و همکاران : از دوستان محمد ابراهیم آیتی ، شهید مطهری، آیهٔاللّه بهشتی و آیهٔاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند.

زمان و علت فوت : محمد ابراهیم آیتی در سوم جمادی الثانیه ۱۳۸۴ قمری مطابق با هفدهم ۱۳۴۳ شمسی بر اثر سانحه تصادف جان خویش را از دست دادند. پیکر ایشان در قبرستان ابوحسن قم دفن گردید.

فعالیتهای آموزشی : محمد ابراهیم آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و در کنار تدریس به تحصیل نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۴شمسی در دانشکده علوم معقول و منقول مشغول به تدریس شد و درسهای تاریخ اسلام، تاریخ تمدن اسلام، فقه(دوره لیسانس) و فقه الحدیث(دوره دکتری) را درس می‌داد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دوستان محمد ابراهیم آیتی، شهید مطهری، آیهٔاللّه بهشتی و آیهٔاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند. در آن زمان نوای بیداری در بعضی از مجامع علمی و فرهنگی برخاسته بود و حرکت‌های خودجوش ارزشمندی برای شناخت درست اسلام ایجاد شده بود. کار مهم اندیشه وران آن روز تغذیه فکری این مجامع بود و استاد آیتی یکی از کسانی بود که در انجام این مهم کوشا بود. در انجمن اسلامی مهندسان، جلسات ماهانه دینی که شهید مطهری نیز سخنرانی داشت شرکت داشت و به سخنرانیهای ارزشمندی می‌پرداخت و این سخنرانیها بلافاصله تایپ و تکثیر می‌شد و با استقبال فراوانی نیز روبرو گشت.یکی از تلاش‌های تحسین برانگیز ایشان تلاش در راه انتشار کتابهای مذهبی بود که از آن جمله تلاش گروهی ایشان و همراهانش منشأ ایجاد « شرکت انتشار» گردید. باری او در راه اصلاح ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش از هیچ خدمتی فروگذار نکرد و با قلم و زبان و دست خویش هر آنچه کرد برای احیای فکر دینی و اندیشه الهی بود.او همچنین در پرداختن به برخی موضوعات اسلامی و پیراستن نقص‌ها و خرافه‌ها متون اصیل و استواری را عرضه کرد .

آرا و گرایشهای خاص : از خصوصیات محمد ابراهیم آیتی تحقیق‌های نو و بدیع است. او در تاریخ به بررسی و کنکاشی ارزنده پرداخت و نکات ابهام و نقاط کور را شناسایی کرد و به بحث و بررسی در آن پرداخت. . معظم له دارای ملکات نفسانیه و جامع علوم عقلیّه نقلیّه، مروج طریقه جعفریه بود. --

آثار :

۱ ۱۲افکار جاوید محمد

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه‌ای از متن انگلیسی

۲ آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا

ویژگی اثر : به طوری که ایشان در مقدمه کتاب ذکر می‌کنند این اثر حاصل تحقیق و تدریس سال‌های ۱۳۳۷و ۱۳۳۸دوره لیسانس دانشکده معقول و منقول تهران است و ایشان در این کتاب تاریخ حوادث مهم هشت قرن حکومت مسلمین در اروپا را به تفصیل بیان کرده‌اند که شامل تاریخ حکومتها، دست نشاندگان حکام عباسی و غیر آن می‌باشد. این کتاب در سال ۱۳۴۰در ۳۵۷صفحه چاپ شده است.

۳ آیینه اسلام

ویژگی اثر : ترجمه‌ای است از متن عربی آن اثر نویسنده توانای مصری دکتر طه حسین که در تهران وسیله شرکت انتشار به چاپ رسیده است.

۴ بررسی تاریخ عاشورا

ویژگی اثر : این خصلت او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا به خوبی ظهور کرده است یعنی او در این قضیه مطیع و دنباله‌رو هیچ کس نیست و آزادانه و زیبا بر اساس مبانی اصیل و اساسی قرآن و عترت و با عقل سلیم و ذهل جوال خویش به میدان آمده و به راستی به نقد احیاگری در جریان عاشورا دست زده است.خمیر مایه این کتاب را مجموعه هفده سخنرانی دکتر آیتی در رادیو ایران در سال‌های ۱۳۴۳ – ۱۳۴۲تشکیل می‌دهد. این اثر به همت استاد علی اکبر غفاری تنظیم و چاپ شده و تاکنون در حدود ۱۰نوبت تجدید چاپ شده است.

۵ تاریخ پیامبر اسلام

ویژگی اثر : این کتاب تحقیقی است مستند، گسترده و دقیق بر اساس متون کهن در پیرامون حیات اشرف مخلوقات هستی حضرت رسول اکرم (ص)که مؤلف در تنظیم آن زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند. این کتاب با تعلیقات و اضافاتی از دکتر ابوالقاسم گرجی از طرف دانشگاه تهران چاپ شده و چندین بار تجدید چاپ گردیده است.

۶ ترجمه البلدان یعقوبی

ویژگی اثر : این کتاب نیز به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۶در ۲۱۱صفحه چاپ شده است.

۷ ترجمه تاریخ یعقوبی

ویژگی اثر : این کتاب در دو جلد ضخیم چاپ شده است و از ترجمه‌های ارزشمند متون تاریخی به حساب می‌آید به طوری که در سال ۱۳۴۲این ترجمه به عنوان کتاب سال شناخته شد. متخصصان ترجمه نسبت به ترجمه‌های دقیق و اصولی مرحوم آیتی اعتماد خاصی دارند. این اثر نیز چندین بار تجدید چاپ شده است.

۸ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی

ویژگی اثر : مرحوم استاد آیتی جلد ۳و ۴این تفسیر را به صورت زیبا و اصولی تصحیح نموده‌اند و در سال ۱۳۴۰از طرف اداره اوقاف تهران به چاپ رسیده است.

۹ خطبه‌های رسول اکرم(ص

ویژگی اثر : به زبان عربی نگارش یافته و تاکنون چاپ نشده است.

۱۰ راه و رسم تبلیغ

ویژگی اثر : مقاله‌ای است که در کتاب گفتار ماه جلد دوم، ص ۱۷۴ – ۱۴۹به چاپ رسیده است.

۱۱ سرمایه سخن

ویژگی اثر : این کتاب به انگیزه تقویت و غنی سازی سخنرانیهای اسلامی تهیه شده است و مجموعه ۸۰مقاله درباره مناسبت‌های مذهبی است که سی مجلس آن درباره ماه مبارک رمضان، بیست و پنج مجلس درباره ماه محرم و صفر و بیست و پنج مجلس دیگر در مناسبت‌های دیگر سال می‌باشد. این اثر به همت مرحوم آیتی و یکی از دوستانش به نام سید محمد باقر سبزواری تهیه و تنظیم شده و در سال ۱۳۳۹به چاپ رسیده است.

۱۲ سیمای امیرالمؤمنین از مسجدالحرام تا مسجد کوفه

ویژگی اثر : این کتاب سخنرانی استاد در جلسه ماهانه دینی است که ابتدا در کتاب گفتار ماه، ج ۳ص ۱۶۴ – ۱۲۹۶چاپ شده و سپس به صورت جداگانه به زیور طبع آراسته گردیده است.

۱۳ شهدای اسلام

ویژگی اثر : به عربی است و تاکنون چاپ نشده است.

۱۴ فهرست ابواب و فصول اسفار

ویژگی اثر : این مقاله در یادنامه ملاصدرا به چاپ رسیده است.

۱۵ کتاب و سنت

ویژگی اثر : در کتاب گفتار ماه جلد اول، ص ۲۲۵تا ۲۵۲به چاپ رسیده است.

۱۶ گفتار عاشورا

ویژگی اثر : با همکاری عده‌ای از اندیشه وران.

۱۷ مجموعه سخنرانیها در مورد شخصیت‌های برجسته عالم اسلام

ویژگی اثر : و مقالات و سخنرانیهای علمی و تحقیقی ارزشمندی که براستی شایسته است در یک مجموعه ارزشمند گرد آید.فرازهایی از اندیشه استاد آیتی

۱۸ مرجعیت و روحانیت

ویژگی اثر : این کتاب را نیز با همکاری عده‌ای از نویسندگان تألیف کرده است.

۱۹ مقولات عشر

ویژگی اثر : این کتاب رساله تز دکترای آن مرحوم می‌باشد و در روزنامه ۱۳۷۱ / ۶ /۵مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

۲۰ همه مسؤول یکدیگریم

ویژگی اثر : مقاله‌ای است در کتاب همه مسؤول یکدیگریم که بحث زیبایی درباره امر به معروف و نهی از منکر نموده است. کتاب توسط انتشارات تشیّع در سال ۱۳۵۶به چاپ رسیده و مقاله در کتاب گفتار ماه، ج ۱ص ۷۶ – ۴۵نیز چاپ شده است.

آیتی سجزه ای، نصرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرت الله آیتی سجزه ای

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

آیتی قائنی، ضیاءالدین محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۷ –۱۳۱۰ ق)، فقیه، متکلم، ادیب و شاعر، متخلص به آیتی. در روستای مهموئی از توابع قاین متولد شد. مقدمات علوم را در بیرجند آموخت. سپس به مشهد رفت و به تحصیل در حوزه علمیه آنجا پرداخت علوم ادبی را نزد شیخ عبدالجواد نیشابوری و مقداری فقه و اصول را از پدر خود آموخت. در سال ۱۳۳۱ ق به مکه رفت و در این سفر از قفقاز، سوریه، ترکیه و عراق دیدن کرد. در بازگشت به اصفهان رفت و مدت دو سال در حوزه‌ی این شهر درسهای فقه و اصول را آموخت و از محضر اساتیدی چون سید علی نجف‌آبادی و شیخ محمد الهی گنابادی استفاده کرد، سپس به نجف رفت و مدت پنج سال نزد آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی دروس خارج فقه و اصول را آموخت. در سال ۱۳۴۳ ق به بیرجند بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس

و تألیف پرداخت. علاوه بر بهره کافی در زمینه دانشهای مختلف طبع شاعرانه‌ای هم داشت و حدود بیست هزار بیت شعر سروده است. آثار وی: شرح «کفایهٔ الاصول» علامه خراسانی؛ «دژالفرید فیماروی عن السبط الشهید»، در خطب و مواعظ و اشعار سیدالشهداء (ع)؛ «مقامات معنوی»؛ «مقامات الابرار»؛ «بهارستان»، شرح حال رجال قاینات و قهستان؛ «تتمیم بهارستان»؛ «دیوان درّ غلطان»؛ «فوائد العقول».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۷۷ -۳۶۷ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۸۸ -۴۸۶ /۲)، الذریعه (۱۳ /۲۲)، صد سال شعر خراسان (۵۵ -۵۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۸ -۲۶۶ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۸ -۶۸۷ /۲).

آیورسن، آلن

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آلن ازاییل آیورسن (به انگلیسی: ۷) (Allen Ezail Iverson ژوئن ۱۹۷۵، همپتون، ویرجینیا -) بسکتبالیست حرفه‌ای آمریکایی است.

وی اکنون در تیم دیترویت پیستونز در ان‌بی‌ای بازی می‌کند.

آئینه وند، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و ادبیات اسلامی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته تاریخ و ادبیات اسلامی از دانشگاه القدیس یوسف لبنان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ اسلام، تاریخ شیعه، فرهنگ و تمدن اسلامی، علوم حدیث، علوم قرآن، سیره، ادبیات عرب، علوم سیاسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ اسلام، ادبیات سیاسی، علم‌التاریخ، تاریخ شیعه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادبیات، تاریخ، فقه، فرهنگ و تمدن اسلامی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بابا افضل کاشانی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۷ ق)، حکیم، نویسنده، عارف، ادیب، شاعر، متخلص به افضل. معروف به بابا افضل. ولادت او در مرق بین اصفهان و کاشان اتفاق افتاد. بابا افضل بیشتر در زادگاه خود به اعتکاف، تدریس، تألیف، تحقیق و مباحثه روزگار می‌گذرانید. نسبت تعلیم خواجه نصیر طوسی با یک واسطه به او می‌رسد. وی مدتی از عمر خود را به علت رشک حاسدان و سخن‌چینی آنها در زندان گذرانده است که با توجه به گفته‌های صفا حبس وی سخت مورد تردید است شیوه نثر بابا افضل بسیار پخته و به اصول متقدمان نزدیک است. در رسالات خود کوشیده لغات فارسی را به جای اصطلاحات عربی قرار دهد. وی چند رساله در تصوف و سلوک و حکمت به زبان فارسی دارد با متنی بسیار فصیح. مجموع رسائل وی تحت عنوان «مصنفات بابا افضل» نشر یافته است، این رسایل بیانگر اندیشه‌های حکمی و تفکراتی است که بر نویسنده دست می‌داده است و همچنین بیان‌کننده مواعظ و حکم و حقایق عرفانی

است. مدفن وی در مرق کاشان است. تاریخ وفات وی را به اختلاف ۷۰۷،۶۰۶ و ۶۶۴ ق نوشته‌اند که صحیحتر آن همان است که در بالا ذکر شد. آثار بسیاری از وی به جا مانده است، از آن جمله‌اند: «المفید للمتسفید»؛ ترجمه‌ی «رساله‌ی نفس» ارسطو؛ «جاودان نامه» یا «جاویدنامه»؛ «ره‌انجام نامه»؛ یا «آغاز و انجام»؛ «انشاء نامه»؛ «مدارج الکمال؛ «ساز و پیرایه شاهان پرمایه»؛ «منهاج المبین»؛ «عرض نامه»؛ «مبادی موجودات نفسانی»؛ «مکتوبات»؛ «رباعیات»؛ «رساله در منطق»؛ ترجمه‌ی «رساله تفاحه»، ارسطو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۷ -۱۱۸۲، ۴۳۴ -۴۲۶، ۲۵۲، ۲۵۰- /۳)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۵۹ -۴۵۱) تاریخ کاشان (۵۶۳ -۵۶۲، ۴۳۹)، حبسیه در ادب فارسی (۱۲۳ -۱۲۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۵۷/۱)، الذریعه (۱۱۶/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۲۱۵، ۲۱۲، ۱۹۲)، ریاض العارفین (۱۶۴)، ریحانه (۲۱۳ -۲۱۲ /۱)، سبک‌شناسی (۱۶۵ -۱۶۲ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰/۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۶۳ -۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶)، کشف الظنون (۱۶۴۰، ۵۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا افضل کاشانی) مؤلفین کتب چاپی (۳۹۵ -۳۹۳ /۵) مجمع‌الفصحا (۲۵۹ -۲۵۵ /۱)، مخزن الغرائب (۷۷/۱)، هفت اقلیم (۴۵۲ -۴۴۹ /۲)، یغما (س ۴، ش ۹، ص ۴۱۷ -۴۱۴).

باباپور، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی باباپور

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدمهدی باباپور متولد ۱۳۴۳ در روستای گل‌افشان از توابع قائمشهر (مازندران) به دنیا آمدم تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و دوران راهنمایی و دبیرستان را در رشته علوم تجربی در همان شهرستان به اتمام رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه تهران شدم و پس از دو سال یعنی سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از ۸ سال دروس سطوح حوزه را اتمام کردم و به مدت ده سال در خارج فقه و تفسیر علوم آیت الله جوادی آملی و دو سال در جامع اصول آیت الله صالحی مازندرانی کسب فیض نمودم. در کنار تحصیل حوزوی از سال ۶۸ تحصیلات دانشگاهی را آغاز نمودم. کارشناسی علوم سیاسی را در دانشگاه باقرالعلوم قم و کارشناسی ارشد علوم سیاسی را در دانشگاه شهید بهشتی تهران و دکتری علوم سیاسی در دانشگاه تهران گذراندم و هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشم. در کنار تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی تدریس در حوزه و دانشگاه را به مدت ۱۵ سال طی نمودم. در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهراء درس‌های مختلفی را ارائه نمودم. در زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی نیز پنج جلد کتاب چاپ گردیده و دو جلد آماده چاپ می‌باشد. و ده‌ها مقالات علمی و راهنمایی و مشاوره ۲۰ پایان نامه در سطح کارشناسی ارشد حوزه را نیز برعهده داشتم.

بابازاده، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بابازاده

محل تولد : آذرشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر تا پایان ششم ابتدایی در مدرسه علوی آذر شهر تحصیل داشتم. همه ساله شاگرد اول، در پایان کلاس ششم در منطقه در امتحان نهایی ممتاز شدم. یک سال در مدرسه طالبیه تبریز تا پایان سیوطی و جامی تحصیل کرده سپس در قم به تحصیل پرداختم. سطح را در ۷ سال به پایان رسانده ودر سال ۱۳۵۱ در امتحانات خارج حوزه قبول شدم و از مدرسین و مراجع فعلی حوزه تلمذ نموده و بیش از ۲۰ سال دوره خارج دیده ام و به طور کتبی تاییدیه دارم. از تمام مراجع تقلید و شخص مقام رهبری در امور حسبی وکالت و نمایندگی دارم. در موسسه بسیار وزین علمی(دار التبلیغ سابق) که همچون علامه طباطبایی، آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، شهید مطهری، آیت الله شبیری و سایر رجال علمی و سیاسی از اساتید آنجا بودند، شش سال دوره عادی سپس دو سال دوره تخصصی و عالی را به پایان رسانده و پیوسته جزو دانشجویان ممتاز بودم. دراین میان از من درخواست شد که برای ادامه تحصیل و به عنوان مبادله دانشجو به آمریکا بروم که به جهت عائله مندی نپذیرفتم.مدت یک سال و اندی مدیریت مرکز تحقیقات

و تالیفات موسسه امام صادق علیه السلام را به عهده داشتم که خود استعفا دادم.چهار سال در سازمان امور اداری استخدامی کشور در شعبه تحقیقاتی قم عضو ارشد و فعال پژوهشی و نگارشی بودم و چند اثر توسط حقیر نگارش شده از جمله (ولایت فقیه) که کتاب درسی برای موسسات و وزارتخانه ها می باشد.تا به حال ۲۸ جلد کتاب چاپ شده و تعدادی مقالات چاپ شده تقدیم داشته ام. در این میان کتاب (تحلیل سیره فاطمه زهرا سلام الله علیها) و اخیرا کتاب(سیری در سیره فاطمه زهرا«س»)رسما از طرف شورای مدیریت حوزه به عنوان کتاب درسی حوزه های بانوان سراسر کشور می باشد از مجموع کتاب هایم تا به حال سه عنوان کتاب های برتر و برگزیده حوزه علمیه انتخاب شده و مورد تقدیر مراجع بزرگ و گاهی تشویق و مقدمه آنان قرار گرفته ام. به ویژه از سوی رهبر معظم انقلاب مورد تفقد واقع شده (هم نماینده ایشان تلفنی از برخی نوشته هایم تقدیر داشتند و هم رئیس بیت قم و معاونت فرهنگی معظم له جناب آقای مروی به همراه دیگران برای تفقد و تشویق و ابلاغ سلام و پیام به منزلم آمدند.) در حوزه علمیه از طرف شورای مدیریت و مدارج علمی حوزه در جایگاه استاد راهنما و استاد مشاور در خدمت فضلاء و دانشمندان حوزه در نگارش رسائل علمی و پایان نامه انجام وظیفه می کنم. در ضمن از اعضای نخستین نخبگان حوزه می باشم. مقاطع کوتاهی در دانشکده سپاه قم در رشته (حقوق) و (احکام و فقه) برای مدیران سپاه تدریس داشتم که به جهت مسافرت های زیادی که دارم ادامه ندادم. در حوزه علمیه در سال های آغازین درسم به تدریس حاشیه و معالم می پرداختم که سپس به جهت اشتغال زیاد در محورهای مختلف تحصیلی از ادامه آن خودداری نمودم. ناگفته نماند که دروس متوسطه را به طور متفرقه به پایان رساندم و حتی یک ساعت در کلاس نبوده ام. بنده در مسیر تحصیل و تعلیم روزانه ۱۶ ساعت مشغول کسب علم بودم. نظم، اخلاص، انگیزه ، پشتکاری و ... از ابراز موفقیت من بودند. از خداوند متعال می خواهم با نیت خالصانه در مسیر اهل بیت نگه داشته و عاقبت بخیری را روزی من گرداند و السلام علیکم و رحمه الله

بابایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی بابایی

محل تولد : پلدختر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۱۴ در خلیل اکبر (یکی از روستاهای پل دختر) متولد شدم، تحصیلات ابتدائی را در پلدختر گذراندم.
در سال ۱۳۳۳ وارد حوزه علمیه خرم آباد شدم و از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲ در آنجا بودم و از محضر آیت الله کمالوند بهره بردم و از سال ۱۳۴۲ به قم مهاجرت نمودم و در محضر اساتید آنجا به کسب علوم دینیه پرداختم و ضمن تحصیل بنا به فرموده حضرت امام ره و سایر علمای اعلام به مبارزه با رژیم شاه پرداختم و بیش از ۱۶ سال با رژیم مبارزه کردیم و در جنگ فیضیه شرکت داشته ام و ضرباتی به فک و کتف اینجانب وارد شد که هنوز هم آثار آن موجود است و بعد از پیروزی انقلاب همان مسئولیت هایی را که ذکر کردیم عهده دار بوده ام و نسبت به انقلاب و دستورات رهبر کبیر انقلاب هیچ گونه مسامحه و کوتاهی تاکنون نداشته ام و هم اکنون مسئول حوزه علمیه امام صادق که موسس آن خودم بوده ام می باشم.
این حوزه تعداد ۵۰ نفر طلبه برادر و ۴۰ نفر خواهر دارد. و فعالیت آنها بسیار خوب می باشد.

بابایی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بابائی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر بابائی متولد ۱۳۳۳ در اراک پس از آموختن قرآن و برخی کتاب های مذهبی در مکتب خانه و تحصیلات ابتدایی در مدارس دولتی و دروس مقدماتی حوزه مانند صرف و نحو در حوزه علمیه اراک در سال ۱۳۵۳ ه.ش وارد حوزهٔ علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ ه.ش سایر دروس مقدماتی و سطوح عالی حوزوی را فرا گرفتم و در سال ۱۳۶۰ به دروس خارج اصول و فقه راه یافتم ، مدت کوتاهی از درس خارج اصول آیت الله مکارم و خارج فقه آیت الله تبریزی استفاده کردم ولی عمده تحصیلات

خارج فقه و اصول این جانب از درس‌های خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی بوده است حدود ۱۲ سال در درس خارج اصول و حدود ۲ سال در درس خارج فقه معظم له شرکت کرده‌ام همزمان با تحصیلات خارج فقه اصول در برنامه‌های درسی مؤسسه در راه حق و پس از اتمام دوره عمومی تحقیقات خود را در رشتهٔ تخصصی تفسیر علوم قرآنی در این مؤسسه آغاز کردم و تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت از سال ۱۳۷۳ تا کنون در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که قبلا دفتر حوزه و دانشگاه نامیده می‌شد به پژوهش در موضوع مباحث علوم قرآنی با گرایش منطق فهم قرآن اشتغال داشته‌ام و نتیجه آن تألیف کتاب‌های: روش شناسی تفسیر قرآن. مکاتب تفسیری ج ۱ و ۲ تاریخ تفسیر قرآن بوده است.

بابکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بابکی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۳ پس از اتمام مقطع سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و به فراگیری علوم حوزوی روی آوردم؛ از آن تاریخ تاکنون در حوزه به درس و بحث و مطالعه، تحقیق و تدریس اشتغال دارم. جز ایام تبلیغی و مانند آن از اشتغالات علمی سرباز نزدم، تحصیلات مقدماتی و سطح را تا سال ۱۳۶۵ ادامه دادم و از سال ۱۳۶۶ به درس های خارج فقه و اصول راه یافتم و از محضر بزرگانی چون حضرات آیات نجفی مرعشی، تبریزی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، کوکبی ، انصاری شیرازی ، مصباح یزدی، جوادی آملی و حسن زاده آملی استفاده بردم و هم اکنون به تدریس سطوح عالی حوزه و تحقیق در عرصه های مختلف فقهی اشتغال دارم

باخرزی، ابوالحسن، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۷ ق)، ادیب، شاعر و فقیه شافعی. مشهور به رییس علی حسن‌خان و ملقب به تاج الرؤسا. در باخرز و نیشابور به فراگیری علم پرداخت و سفری دور و دراز به شهرهای ایران و عراق کرد. وی در جوانی کاتب طغرل بیگ و شاگرد شیخ ابومحمد جوینی بود. اما به میل خود از دربار بیرون رفت و در سلک عارفان درآمد. وی در مجلس شادخواری به دست والی باخرز کشته شد. باخرزی به زبان فارسی و عربی «دیوان» شعر داشته که «دیوان» فارسی او از میان رفته است و همچنین در شعر فارسی مجموعه‌ی رباعیاتی به نام «طرب خانه» داشته که ظاهرا آن هم در میان نیست. از شعر فارسی او جز یک قصیده و چند قطعه چیز دیگری در دست نیست. از دیگر آثار او کتاب «دمیهٔ القصر و عمرهٔ اهل العصر» که از کتابهای معروف ادبیات عرب و ذیلی است بر «یتیمهٔ الدهر» ثعالبی. گویند علی بن زید بیهقی بر آن ذیلی تحت عنوان «وشاح الدمیهٔ» نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۱/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۸ -۱۰۳۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۳ -۵۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶۲/۱)، الذریعه (۱۱۸/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۰۷ -۱۰۶) ریحانه (۲۱۹ -۲۱۸ /۱)، سیرالنبلاء (۳۶۴ -۳۶۳ /۱۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۳ -۸۲)، فرهنگ سخنوران (۴۰۱)، کشف الظنون (۲۰۴۹، ۱۱۰۳، ۷۷۸، ۷۶۱)، الکنی و الالقاب (۶۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ باخرزی)، معجم الادباء (۴۸ -۳۳ /۱۳)، معجم البلدان (۳۷۶/۱)، معجم المؤلفین (۶۵/۷)، وفیات الاعیان (۳۸۹ -۳۸۷ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۹۲/۱).

باخرزی، ابونصر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۵ ق)، ادیب. به قول صاحب «دمیهٔ القصر » وی از بزرگان و مفاخر باخرز و دارای شعری دقیق و روان بود. مدتی نیز وزیر امیر بیغو حسن بن موسی در خراسان بود. بالاخره در قریه‌ی بنداشیر به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۲/۱).

باخرزی، اسماعیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نویسنده و لغوی. وی مؤلف کتاب «خلاصهٔ اللغات و تفسیر المشکلات»، در لغت عربی به فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۱۴).

بارانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بارانی

محل تولد : سیرجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگینامه علمی محمدرضا بارانی

وی در سال ۱۳۴۴ در شهرستان سیرجان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۳ شمسی مدرک دیپلم را دریافت نمود. او همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به همراه هم رزمان خود حدود یک سال در جبهه های جنگ و دفاع مقدس نیز حضور داشته است.

الف ـ تحصیلات حوزوی:

ایشان در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم به شهر مقدس قم آمده و وارد حوزه علمیه قم شده و به تحصیلات حوزوی پرداخت که شرح آن در زیر می آید:

۱. دروس دوره آغازین حوزه مانند جامع المقدمات، المغنی، سیوطی، مختصر المعانی و برخی دورس جنبی را در مدرسه حقانی گذراند.

۲. دروس سطح را نزد اساتیدی چون حجج اسلام؛ سید محمد سعیدی، سید احمد خاتمی، سید هاشم حسینی بوشهری، مدرسی یزدی، پایانی، اعتمادی، آیت‌الله استادی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت الله محفوظی و آیت‌الله سبحانی به پایان رساند.

۳. دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی و وحید خراسانی گذرانده است.

ب- تحصیلات دانشگاهی:

ایشان هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی و کلاسیک روی آورد و مراحل زیر را پیموده است.

۱. کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» را در سال ۱۳۷۳شمسی دریافت نمود.

۲. کارشناسی ارشد «تاریخ» را در سال ۱۳۷۹ با عنوان پایان‌نامه «شیعه در ایران عصر ایلخانان» به پایان رساند.

۳. دکتری Ph.D«تاریخ اسلام»؛ سال ۱۳۸۱ در دانشگاه اصفهان به عنوان دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۶ از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد» دفاع کرده است. ج ـ مسئولیت‌های علمی:

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه از ۱۳۸۲ تاکنون

۲. مسئول انجمن تاریخ پژوهان از ۱۳۸۰ تاکنون که یکی از انجمن های علمی حوزه می باشد.

۳. مسئول انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از سال ۱۳۸۷ تاکنون که از انجمن های علمی وزارت علوم است.

۴. مدیر گروه تاریخ جامعهٔ الزهرا (س) از سال ۱۳۸۶ تاکنون

۵. مسئول دبیرخانه انجمن‌های علمی حوزه از ۱۳۸۱ تا پایان ۱۳۸۶

۶. عضو هیئت تحریریه فصل نامه علمی تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» وابسته به انجمن تاریخ-پژوهان

۷. عضو هیئت تحریریه فصل نامه تخصصی « سخن تاریخ» وابسته به گروه تاریخ مدرسه عالی امام ره

۸. مدیر گروه تاریخ جشنواره کتاب سال حوزه از ۱۳۸۲ تاکنون

۹. مدیر مسئول فصلنامه تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» از سال ۱۳۸۲ تاکنون

۱۰. سردبیر فصلنامه دانشجویی «سخن تاریخ» از سال ۱۳۸۵ تاکنون

۱۱. مسئول کمیسیون تاریخ اسلام مرکز جهانی علوم اسلامی از ۱۳۸۳ تاکنون

۱۲. عضو هیئت موسس انجمن تاریخ پژوهان از انجمن های علمی حوزه

۱۳. عضو هیئت موسس انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از انجمن های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱۴. عضو شورای علمی مرکز تخصصی تاریخ حوزه از ۱۳۸۲ تا مهر ۱۳۸۵

۱۵. عضو شورای گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات از ۱۳۸۱ تا آذر ۸۴

۱۶. عضو شورای پژوهشی گروه تاریخ جامعهٔ الزهراء از تابستان ۱۳۸۵ تاکنون

۱۷. مسئول علمی نخستین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵

۱۸. دبیر علمی همایش «نکوداشت استاد علی دوانی» در سال ۱۳۸۶.

۱۹. عضو شورای علمی «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵

۲۰. عضو شورای علمی همایش سراسری «قرآن و تاریخ» دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵

۲۱. دبیر گروه تاریخ مدرسه عالی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۱

۲۲. مسئول علمی دومین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ د- تدریس

ایشان در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته اند که به قرار ذیل است.

۱) تدریس دروس مختلف تاریخ مانند؛ تاریخ پیامبر(ص)، تاریخ ائمه (ع)، تاریخ عباسیان، تاریخ امپراطوری عثمانی، تاریخ اسلام در مصر و شام، تاریخ اسلام در مغرب و اندلس، تاریخ نگاری در اسلام، تاریخ اسلام و خاورشناسان و تشیع در آثار خاورشناسان در مدرسه عالی امام خمینی(ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه از سال ۱۳۷۹ تاکنون.

۲) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام در مغرب و اندلس در دانشگاه اهل بیت(ع) در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶.

۳) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ امویان، تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام و خاورشناسان در مرکز آموزش های اسلامی وابسته به حوزه — گروه تخصصی تاریخ در سال های ۱۳۸۲ تاکنون

۴) تدریس درس تاریخ اسلام و خاورشناسان در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵.

۵) تدریس دروس تاریخی تاریخ عثمانی و تشیع در آثار خاورشناسان در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۵.

۶) تدریس درس تشیع در آثار خاورشناسان در دانشگاه پیام نور قم در سال ۱۳۸۷. هـ پژوهش های منتشر شده:

۱. «گرایش ایرانیان به تشیع در قرن هفتم هجری»؛ منتشره در فروردین ۱۳۸۰ در نشریه تخصصی معرفت شماره ۴۰.

۲. «نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع»؛ منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره اول پاییز ۱۳۸۱.

۳. «معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان» منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره پنجم فروردین ۱۳۸۳.

۴. «اختلاف روایات و راهکارهای حل آن» منتشره در مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۸۰.

۵. «زندگینامه علمی فرهنگی امام هادی(ع)» در مجموعه مقالات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۴.

۶. «دین حنیف، ماهیتی مستقل یا روح ادیان الاهی» منتشره در نشریه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی «طلوع» پاییز ۱۳۸۴.

۷. «جامعه شناختی نهاد حکومت پیامبر(ص)» منتشره در مجموعه مقالات همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) دانشگاه اصفهان پاییز ۱۳۸۵.

۸. «احناف» در دائرهٔ المعارف قرآن در دائره المعارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال ۱۳۸۶.

۹. «التأثیر الفکری المتبادل بین الامامیهٔ و المعتزلهٔ فی عصر البویهیین» که مجوز انتشار آن از نشریه بین المللی علوم انسانی در تاریخ ۴/۷/۱۳۸۶ دریافت شده است.

۱۰. بررسی و تحلیل تعامل فکری سیاسی امامیه با اشاعره در بغداد دوره آل‌بویه (سده‌های چهارم و پنجم هجری) انتشار در نشریه شیعه شناسی وابسته به موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۷.

۱۱. مدخل بسر بن سفیان در دائره المعارف قرآن انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و ـ پژوهش های آماده نشر:

الف) مقالات

۱. امام هادی (ع) و علم و دانش

۲. تأثیر حمله مغول بر جغرافیای انسانی ایران

۳. تأثیر حدیث نگاری بر تاریخ نگاری

۴. سیر تاریخی اندیشه ولایت فقیه

۵. تبیین تاریخی(تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۶. حرکت و پویایی در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۷. سبب در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۸. تاریخ‌نگاری قرن‌های ۴ تا ۶ هجری

۹. نقش مروان بن حکم در صدر اسلام

۱۰. بررسی تاریخی حادثه انذار عشیره

۱۱. رویکرد امامیه و حنابله درباره باورهای کلامی در بغداد دوره آل بویه

۱۲. دیدگاه امامیه و اشاعره در باره دانش ها

۱۳. دیدگاه امامیه و حنابله درباره دانش ها

۱۴. دیدگاه امامیه و معتزله درباره دانش ها

۱۵. رویکرد حنابله در رقابت با دیگر فرقه های

۱۶. همگرایی و واگرایی حنابله با دیگر فرقه های

۱۷. فرایند اقتداریابی اشاعره در دوره آل بویه

۱۸. فرایند تعامل و تقابل سیاسی امامیه و معتزله

۱۹. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و اشاعره

۲۰. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و معتزله

۲۱. مصلحت اندیشی سیاسی و مذهبی آل بویه

۲۲. معتزله در فرایند اقتدار سیاسی و فکری ب) کتاب ها

۱. بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد (رساله دکتری که تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد.)

۲. تشیع در ایران عصر ایلخانان؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد است که در حال آماده سازی برای انتشار است).

۳. تاریخ امپراطوری عثمانی (کتاب درسی)؛ در حال انجام است.

۴. تشیع در آثار خاورشناسان (کتاب درسی)؛ در حال انجام است. ز- سخنرانی علمی و شرکت در همایش ها و میزگردها

۱. ارایه مقاله در همایش «بررسی کتاب الصحیح من سیرهٔ النبی الاعظم (ص)» توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۷۹.

۲. ارایه مقاله در «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵.

۳. شرکت در میزگرد «امام رضا (ع) و گروه های دورن شیعی» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۴. شرکت در میزگرد «بازکاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا (ع)» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۵. شرکت در میزگرد «تولید علم در تاریخ» توسط انجمن تاریخ پژوهان و نهضت نرم افزاری در سال ۱۳۸۳.

۶. شرکت در میزگرد «نقد نظریه از امامیه تا اثنی عشریه» که این نظریه از سوی خاورشناس مشهور اتان کلبرگ مطرح شده است و جلسه نقد این نظریه که توسط نهضت نرم افزاری و انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵ برگزار گردید.

۷. شرکت در میزگرد نقد کتاب «موسوعهٔ التاریخ الاسلامی» نوشته استاد یوسفی غروی که توسط انجمن تاریخ پژوهان و دبیرخانه کتاب سال حوزه در ۲ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد.

۸. سخنرانی علمی در همایش تولید علم با عنوان «جایگاه مطالعات تاریخی در حوزه» در سال ۱۳۸۳.

۹. سخنرانی علمی در انجمن معلمان تاریخ استان قم با عنوان «آسیب شناسی تدریس تاریخ» در سال ۱۳۸۵.

۱۰. شرکت در میزگرد «چالش های فراروی شیعه پژوهی غربیان» برگزار شده در دومین همایش بین المللی تشیع از دیدگاه خاورشناسان، ۱۳۸۷. ح- راهنمایی و مشاوره رساله و پایان نامه

۱. راهنمایی بیش از ۳۶ رساله دفاع شده و در حال نگارش

۲. مشاوره ۱۵ (پانزده) رساله دفاع شده و در حال نگارش

۳. داوری ۵ (پنج) رساله ارشد

باریکلو، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا باریکلو

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۶/۴

باستانی پاریزی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۹ ش)، واعظ و شاعر. در پاریز متولد شد. با علوم قدیم و جدید آشنا بود. خوش محضر و خوش حافظه بود. بر تاریخ عمومی احاطه داشت. ریاست دبستانی در کرمان به وی محول شد. دبستان پاریز به نام او موسوم است. وی پدر دکتر محمد ابراهیم باستانی پریزی است. از آثار او: «جغرافیای ایران» به صورت منظوم؛ «ایام نیکبختی از پس بدبختی ایران»؛ «سی و دو داستان». ملاعلی اکبر حتی در نوشتن نامه‌ها صورت منظوم به کار می‌برد و در آنها معایب اجتماعی را بر سبیل هزل بیان می‌کرد. از وی حدود بیست هزار شعر باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرامان (۹ -۶)، ستارگان کرمان (۱۴ -۱۱).

باشی، بهزاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۱۱.

درگذشت: مهر ۱۳۷۰.

بهزاد باشی فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم سیاسی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران بود. در جوانی به زندان افتاد و موسیقی را پیش خود و پدرش (پیش از زندان) و در زندان‌های کودتای ۱۳۳۲ آموخت و با موسیقی کلاسیک به همین ترتیب آشنا شده بود.

فعالیت مطبوعاتی وی از سال ۱۳۳۵ آغاز شد و حدود سی سال به طول انجامید. مدتی مترجمن بخش خارجی روزنامه‌ی «کیهان» و سردبیر اخبار خارجی خبرگزاری پارس بود. علاوه بر چندین نشریه‌ی دیگر و سازمان رادیو و تلویزیون هم همکاری داشته است.

بهزاد باشی ده سال آخر عمر را بر ترجمه‌ی کتاب پنج جلدی تاریخ جامع موسیقی که حجم آن بیش از چهار هزار صفحه است، صرف کرد که در سه جلد در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. از ترجمه‌های دیگر وی می‌توان از: یوهان سباستیان باخ (آلبرت شوایتزر)؛ زندگی‌نامه سوکارنو؛ خاطرات مک میلان؛ خاطرات سارا چرچیل؛ از استالین تا خروشچف؛ تاریخچه‌ی سینما؛ تاریخچه‌ی هواپیما؛ تاریخ موسیقی؛ زندگی شومان (نوشته جون شیسل)؛ آمریکای بزرگ و حقوق بشر؛ جامعه‌ی فئودالی؛ خنیانگری و موسیقی ایرانی؛ سلفای موسیقی ایران نام برد که همه آنها را از انگلیسی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

باطنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدرضا باطنی در سال ۱۳۱۳ در اصفهان به دنیا آمد.ایشان مدرک کارشناسی ارشد و دکتری رشته زبان و ادبیات انگلیسی را از انگلستان دریافت کرد.او تا سال ۱۳۶۰استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بودو از سال ۱۳۶۴ تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسهٔ فرهنگ معاصر را به عهده دارد. کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی ـ فارسی "تالیف محمد رضا باطنی(با همکاری همکارانش) ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا باطنی کارشناسی زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم فعلی) و کارشناسی ارشد و دکتری در زبان انگلیسی را از انگلستان دریافت داشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمدرضا باطنی تا سال ۱۳۶۰استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بود و از سال ۱۳۶۴ تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسهٔ فرهنگ معاصر را به عهده دارد.جوائز و نشانها : کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی‌ـ فارسی "تالیف محمد رضا باطنی(با همکاری همکارانش) ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : تألیفات و ترجمه های فراوانی در زبان شناسی و علوم از محمد رضا باطنی به چاپ رسیده است .آثار : ۱ پیرامون زبان و زبان شناسی ویژگی اثر : تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۷۲ توصیف ساختمان زبان فارسی ویژگی اثر : تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۸۳ زبان و تفکر ویژگی اثر : تهران: زمان، ۱۳۵۴۴ ساخت و کار ذهن ویژگی اثر : (ترجمه)؛ انتشارات فرهنگ معاصر۵ فرهنگ معاصر انگلیسی ـ فارسی ویژگی اثر : این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است۶ نگاهی تازه به دستور زبان ویژگی اثر : تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۱

باغ نوی شیرازی، شمس‌الدین حبیب الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ /۹۹۴ ق)، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب. معروف به میرزاجان. چون در محله باغنو شیراز می‌زیست به باغ‌نوی معروف بود. او شاگرد جمال‌الدین محمود از دانشمندان زمان خود و از معاصران علامه جلال‌الدین دوانی بود. شمس‌الدین در علوم زمان بخصوص در حکمت و منطق دست داشته است و یکی از آخرین حکمای بزرگ ایران است که پیرو طریقه‌ی اشعریان و از شافعیان متعصب بود و در کلام و اصول نیز دست داشت. وی چند سالی قبل از وفات به هندوستان رفت و همان جا درگذشت. از تألیفات او: «انموذج الفنون»؛ «تعلیقات بر شرح «مختصر العضدی»؛ «حاشیه بر شرح جدید قدیم؛ «تجرید الکلام»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی بر حاشیه‌ی شرح مطالع»؛ «حاشیه بر اثبات الواجب دوانی»؛ «حاشیه بر محاکمات قطب‌الدین شیرازی بر شرح اشارات»؛ «حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی» و «حاشیه بر مطول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۲/۲)، بزرگان شیراز (۳۳۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۵/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۹)، الذریعه (۱۰/۶)، روضات الجنات (۱۲/۳)، ریحانه (۶۳/۶)، صبح گلشن (۴۸۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۶۰ -۹۵۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰)، کشف الظنون (۱۸۵۳، ۱۷۱۶، ۸۴۲، ۶۸۵، ۴۷۶، ۴۷۵، ۱۸۵، ۹۵)، الکنی و الالقـاب (۲۲۱/۳)، لغت‌نامه (ذیـل/ حبیب)، معجم المؤلفین (۱۸۸/۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۵۲)، هدیهٔ العارفین (۲۶۳ -۲۶۲ /۱).

بافقی علی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شرف‌الدین علی بافقی از سخنوران نامی و مشاهیر اهل فضل و استاد وحشی بافقی بوده از یزد بشیراز رفته و بتحصیل علم پرداخته پس بهند رفته و محل توجه اکابر گردیده و بعد از مراجعت در دربار شاه طهماسب صفوی ۹۳۰ تا ۹۸۴ قمری تقرب یافته و در واقعه‌ی قتل بایزید پسر سلطان سلیم با چهار پسرش این رباعی را در قزوین گفته و بنظر شاه رسانده و مورد اکرام شاهانه گردید.

دست ستم سپهر بیداد نما

سر پنجه فتنه داشت از میخ بلا

چون دعوی زور پنجه با بخت تو کرد

اقبال تو ساخت دستش از پنجه جدا

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بافقی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۲ ق)، عالم دینی و فقیه. در بافق به دنیا آمد و در خانواده‌ای با تقوا تربیت یافت. برای تحصیل به یزد رفت و در مدرسه مصلی، ادبیات و سطوح را نزد حاج میرزا سید علی مدرس لب خندقی و دیگران فراگرفت. بافقی از ترس حکومت مستبد آن روز یزد گریخت و به نجف رفت و مورد توجه و تشویق آیت الله طباطبایی یزدی قرار گرفت و مدت ۱۹ سال در نجف اقامت کرد و از محضر آیت الله یزدی و آیت الله کفایی خراسانی و حاج سید احمد کربلایی استفاده برد. آن گاه به ایران مراجعت و در قم سکنی گزید. وی در قم اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه کرد و از آیت الله حایری که آن روز در اراک بودند تقاضا کرد که حتما قم را مرکز قرار دهند و برای انجام این کار قدمهای مؤثری برداشت، و با ایشان همه گونه مساعدت، و طلاب و واردین را همه گونه تشویق و ترغیب می‌نمود. وی در ۱۳۴۶ ق به واسطه امر به معروف و نهی از منکر به تهران تبعید شد و رحل اقامت در ری افکند و تا پایان عمر در شهر ری ماند. مؤلف «گنجینه‌ی دانشمندان» کتابی در شرح حال وی به نام «التقوی و ما ادریک ما التقوی» نگاشته که به چاپ رسیده و به زبان اردو نیز ترجمه و نشر یافته است.[۱]

مرحوم مبرور حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه مجاهد و عالم متقی حاج شیخ محمدتقی بن حاج محمدباقر تاجر بافقی یزدی از علماء بزرگوار و مجاهدین پرهیزکار زمان معاصر ما و مربی و پدر روحانی نگارنده و از افرادی بودند که حقیقه حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و مردم ایران دارند زیرا اگر اصرار آن مرحوم بمرحوم آیت‌اللّه حایری موسس حوزه و همکاریهای ایشان نبود حوزه تأسیس نمیشد و آن مرحوم یگانه مشوق و غمخوار طلاب و محصلین علوم دینیه و وحید زمان در امر بمعروف و نهی از منکر و فرید دهر در قدس و ورع و ربیع الایام در حال و حقیقت و اویس الیمان در صفا و معنویت و سلمان عصر در زهد و ولایت و بوذر اوان در شجاعت قلب و رشادت و ترویج و حمایت از امام زمانش بود.

شرح احوال و مقامات معنوی او در این مختصر نگنجد رساله‌ی مستقلی بنام (التقوی و ما ادریک ما التقوی) نوشته و منتشر نموده‌ام. در اینجا هم بطور اجمال می‌نگارم.

وی در سال هزار و سیصد و نود و دو قمری در بافق یزد متولد شده و در دامن مادر علویه و پدر متدین خود پرورش یافته و از همان اوقات با کمال پاکی و پرهیزکاری زنده‌گانی نموده و از زادگاه خود برای تحصیل به یزد و پس از چند سال بواسطه ابراز حریت و شجاعت و ابلاغ اعلان مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی بر علیه عالم مفتون بدنیا و حب جاه مورد تعقیب دولتیان واقع و بناچار با پای پیاده شبانه مهاجرت به نجف نموده و در آن سرزمین هم کسب روزی حلال و هم تحصیل تا بمقام منیع اجتهاد و معنویت رسیده و چند سالی از اصول مرحوم علامه خراسانی و چندین سال از فقه مرحوم علامه یزدی استفاده کرده و در سال ۱۳۳۷ قمری مهاجرت به قم و نقشه‌ی تأسیس حوزه علمیه را طرح تا ورود مرحوم آیت‌اللّه حایری که موجب شد آن مرحوم تصمیم بماندن در قم و انتقال حوزه اراک را باین سرزمین مقدس نماید و با ایشان همه‌گونه مساعدت و از طلاب و واردین از محصلین تشویق و ترغیب نموده تا سال ۱۳۴۶ قمری که بواسطه امر بمعروف و نهی از منکر تبعید به تهران و رحل اقامت قهری بری افکند و بخدمات دینی پرداخته تا در دوازدهم جمادی‌الاولی سال ۱۳۶۵ قمری که در اثر عمل جراحی در بیمارستان فیروزآبادی با پیش‌بینی قبلی خودش از دنیا رفته و با تشییع مفصلی حمل به قم و در مقبره آیت‌اللّه حایری مدفون گردید.

از کلمات اوست که می‌فرمود علی بن مهزیار اهوازی بیست سال از اهواز بمکه رفت تا حضرت ولی عصر امام زمان علیه‌السلام را

زیارت کند چرا یک مرتبه و یا شب نیمه ماه شعبان بکربلا نیامد تا حضرتش را در کنار قبر جدش حضرت امام حسین علیه‌السلام ملاقات کند، و آن مرحوم از متشرفین زمان بود که کرارا این توفیق نصیبش گردیده بود چنانچه حقیر در آثار الحجه والتقوی و بستان الرازی نگاشته‌ام.

حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی اباذر زمان خود بود که حوزه علمیه قم را به امر و اشاره حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف با دعوت از مرحوم آیت‌اللّه حائری یزدی به اقامت در قم بنیان‌گذاری کرد و خود از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۶ قمری هجری معاون مرحوم حائری و پدر مهربانی برای طلاب و محصلین آن زمان و آن دوره بود و آقایان طلاب تمام نیازمندیهای خود را به ایشان مراجعه و رفع نیازشان می‌شد.

مرحوم بافقی گذشته از مقام علمی و فقاهت و زهد و پارسائی مردی مجاهد بر علیه بیدادگران و مبارز با منکرات و متظاهرین گناه بود و از ملامت هیچ ملامت کننده از شاه و روحانی و اقشار دیگر کمترین خوف و هراسی نداشت و با ستمگران و طاغوتان و رژیم پلید دولت رضاخان (زندیق) سرسختانه مبارزه می‌کرد و تنها کسی بود علنا جنایات و مظالم شاه را اعلان و برای وی پیامها و نامه‌های داغ سوزنده‌تر از هر آتشی می‌فرستاد.

امام خمینی که بسیار مورد علاقه مرحوم بافقی مجاهد بود از اصحاب و مریدان خاص آن مرحوم بود و غالبا در مدرسه فیضیه یا نقاط دیگر که آن مرحوم اقامه جماعت می‌کرد به ایشان اقتدا می‌نمود و در شبهای جمعه که آن مرحوم به مسجد جمکران می‌رفت با ایشان همراهی می‌نمود.

مرحوم مجاهد بافقی برای امام بهترین مربی و آموزنده‌ترین مدرسین اخلاقی بود که درس شهامت و شجاعت و صبر و استقامت را در حوادث و رویدادهای مبارزه از زندان و تبعید و شکنجه و آزار می‌آموخت.

این نویسنده در خاطر دارم که امام در عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه درس اخلاق یعنی درس انسان‌سازی می‌فرمود و عنوان درسش آیه کریمه (یا ایها الذین آمنو اتقواللّه و لتنظر نفس ما قدمت لغد اتقواللّه ان اللّه خبیر بما تعلمون) بود

ای گرویدگان پرهیز کنید و باید هر انسانی بیاندیشد که برای آتیه‌اش چه پیش فرستاده و پرهیز کنید که خداوند آگاه است که چه می‌کنید.

امام غالبا وقتی می‌خواست یک انسان کا مل و مؤمن حقیقی و مجاهد واقعی را بعنوان الگو و نمونه زمان معرفی کند که شیاطین تسلیم او شده و به او ایمان می‌آورند می‌فرمود سفری به شهر ری زاویه مقدسه (حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) نموده و او را زیارت کنید. و خودشان در هر ماه یک یا دو بار برای زیارت و دیدار مرحوم بافقی مجاهد که در آنوقت در آنجا تبعید بودند راهی ری می‌شدند در خاطر دارم که بعضی از روشندلان و اهل معنی در آن زمان که از دور یا نزدیک به شهر ری می‌رفتند به زبان حال و قال می‌سرودند.

چه خوش بود که براید بیک کرشمه دو کار

زیارت شه عبدالعظیم (ع) و دیدن یار

(یعنی اباذر زمان و مسلمان دوران حجهٔالاسلام مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی)

امام در مدت شش سالی که مرحوم بافقی در قم با رژیم کثیف شاه و عمال خائن و ستمگران او در شهرستان علمی و مذهبی قم (فرماندار و رئیس شهربانی و..) مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد از نزدیک به ایشان مراوده و از کردار و گفتار او تمامی درس شهامت و مجاهده با ستمگری و مبارزه با گناه بود سرمشق می‌گرفت و خود را آماده برای قیام و نهضت بزرگ می‌نمود.

و مرحوم بافقی هم چون مؤمن پاکدل و یکی از مصادیق حقیقی (المؤمن ینظر بنوراللّه) در سیما و چهره درخشان امام آثار نبوغ با طاغوتیان و مجاهده در راه حق مشاهده می‌کرد و در موقع اقامتش در قم عنایت مخصوص به امام داشت و در پاره‌ای از امور سفارش وی را به مرحوم آیت‌اللّه حائری می‌کرد و بعد از گرفتاری و تبعیدش به شهر ری به محصلین و دیگران توصیه آن بزرگوار را می‌نمود و حتی خود این نویسنده را که به ارشاد و رهنموئی معظم له برای تحصیل به قم آمدم به آشنائی و مراوده با امام تاکید فرمود. و به همین سبب این حقیر از اوائل ورودم به قم در سال ۱۳۵۷ قمری با آن بزرگوار آشنا و مورد تشویق و محبتشان قرار گرفته و تا این زمان که حدود چهل سال است افتخار ارادت به ساحت قدسشان را دارا و یکی از جان‌نثارانشان می‌باشم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجهٔ (۲۸۱ -۲۸۰ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۲۱ -۶۱۹ /۴، ۱۷۸ -۱۷۷ /۳).

بافی خوارزمی، ابومحمد عبدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۸ ق)، ادیب، نحوی، شاعر و فقیه شافعی. نسبتش به باف از توابع خوارزم می‌رسد. خطیب بغدادی گوید که اصل وی از بخارا است، لذا، به وی بافی بخاری نیز می‌گویند. او شاگرد ابوعلی بن ابی‌هریره مروزی و ابواسحاق مروزی است. بافی شاعری ماهر بود و در فنون ادب مهارت داشت و فصیح، بدیهه‌گو و نیکو محضر نیز بود. وی متصدی منصب تدریس در بغداد بود و کتب شافعی را درس می‌گفت و شاگردان از دور و نزدیک برای استفاده به محضرش می‌آمدند. به گفته‌ی خطیب او در زمان خود فقیه‌ترین مردم در مذهب شافعی بود. وی در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۵ -۲۶۴ /۴)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۸ -۳۵۷ /۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ بغداد (۱۴۰ -۱۳۹ /۱۰)، ریحانه (۲۲۲/۱)، سیر النبلاء (۶۹ -۶۸ /۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد)، معجم البلدان (۳۸۸/۱).

باقرپور، یوسف علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسفعلی باقر پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

مشغول دبیرستان شده بودم که تصمیم به ورود به حوزه علمیه گرفتم. (۱۳۵۵) پس از ورود و گذشت چند سال در مقطع دبیرستان را به صورت متفرقه و در عرض سه سال گذراندم. (۶۱-۱۳۵۹) . در سال ۶۱ در دانشگاه تهران رشته الهیات پذیرفته شدم که چون مغشول تحصیل در سطح حوزه بودم و آن دو را منافی هم می دیدم از دانشگاه انصراف دادم تا اینکه به درس خارج وارد شدم و یکسال از آن گذشت. در دانشگاه شرکت کردم و در پردیس قم دانشگاه تهران در رشته حقوق قضائی پذیرفته شدم(۱۳۶۴). پس از آن و در سال ۱۳۶۸ در تربیت مدرس الهیات و معارف اسلامی دارالشفاء (دانشگاه قم) شرکت کردم و تا سال ۱۳۷۱ دوره ارشد را طی کردم. ضمناً در سال ۱۳۷۶ در ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مفید پذیرفته و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۴ در رشته دکتری حقوق جزا و جرم شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران پذیرفته و هم اکنون مشغول تحصیل در دکتری می باشم.

از سال ۱۳۷۱ مشغول تدریس در دانشگاه می باشم. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ دروس معارف اسلامی و اخلاق و دروس الهیات و معارف اسلامی را تدریس می کردم و از سال ۱۳۷۹ به بعد عموماً به تدریس دروس حقوق جزای عمومی ، اختصاصی، جرم شناسی، کیفر شناسی و ... مشغول می باشم.در حوزه علمیه ابتدا در حوزه علمیه رستمکلد تا کتاب معالم را خواندم ضمن اینکه دروس مقدمات را تردیس می کردم از سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتب لمعتین، رسائل ، مکاسب، و کفایه، اصول فقه، قوانین و نیز کتب بدایه، نهیاه، اشارات و مصباح الانس را از اساتید معظم و بزرگواری چون آیت الهل اشتهاردی، آیت الله ستوده، استاد اعتمادی، آیت الله جوادی آملی، نآیت الهل حسن زاده آملی و آیت الله گرامی و ... استفاده کردم.در دروس خارج که از سال ۱۳۶۳ شروع کردم از دروس آیت الله وحید خراسانی و آیت الهل مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی و ... بهره بردم و می برم. ضمناً دروس حوزه را به صورت خصوصی از ابتدا تا شرح لمعتین تدریس نموده ام و ...

باقرزاده، عبدالرحمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمان باقرزاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر عبدالرحمن باقرزاده در سال ۱۳۴۹ در روستای آغوزبن از توابع شهرستان بابل و در خانواده ای متوسط، کشاورز و مذهبی متولد شدم. از همان کودکی به قرآن و مسائل دینی علاقمند بودم. لذا در مدتی کوتاه و در سایه لطف الهی و استعداد خدادادی قرآن را فرا گرفتم. در مدرسه نیز همواره شاگردی ممتاز از نظر پیشرفت درسی بودم لذا همواره مورد تشویق قرار می گرفتم که وارد مدرسه علمیه شدم.علاقه وافر قلبی و تشویق های مزبور دست به دست هم داد تا پس از اتمام اول راهنمایی در سال ۱۳۶۱ راهی مدرسه صدر بابل شوم. مدت یک سال در مدسه مزبور از محضر اساتید معظم آیات و حجج اسلام شیخ هادی روحانی(ره)، سید حسن محقق بهشتی(ره)، شیخ محمد حسن قائمی و سید مرتضی برهانی استفاده کردم. سپس در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلا بهشهر شده و تحت انفاس قدسی عالم نامدار مازنداران مرحوم آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (قدس) به تلمذ و خوشه چینی پرداختم.

مدت پنج سال حضور در آن مدرسه، دوران طلایی عمر تحصیلی حقیر به حساب می آید.علاوه بر استفاده علمی از محضر آن فقیه فرهیخته و نامور، مورد عنایت و محبت زیاد آن بزرگوار بودم به طوری که سال ها بعد از مهاجرت به قم و تا پایان عمر آن عالم

فرزانه، از محبت ها و توجهات خاص ایشان بهرمند بودم. ضمن آنکه در مدرسه مزبور مدت مدیدی خوشه چین محضر فرزند بزرگوار آن عالم بزرگ یعنی حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد جواد ایازی (مدیر فعلی مدرسه علمیه رستمکلا) نیز بوده ام.

در سال ۱۳۶۷ عازم حوزه علمیه قم شده و سطوح عالی را از محضر آیات عظام شیخ مصطفی اعتمادی، سید علی محقق داماد، وجدانی فخر و شیخ محسن دوزدوزانی فرا گرفتم و بعد از آن نیز به مدت ۱۰ سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و چند سالی را هم در دروس آیات عظام وحید خراسانی و علوی گرگانی حضور پیدا کردم. از سال۱۳۸۱ نیز در جایگاه امامت جمعه شهرستان رامسر مشغول انجام وظیفه می باشم. علاوه بر مسئولیت امامت جمعه در حوزه علمیه اعم از برادران و خواهران و نیز دانشگاه به تدریس مشغولم. حقیر دارای دو فرزند پسر به نام های محمد مهدی و محمد جواد می باشم که ثمره ازدواج اینجانب در سال ۱۳۶۷ می باشند.

باقرزاده، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا باقرزاده

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۵۸ وارد حوزه شد و پس از پنج سال که در ورامین و کاشان مشغول تحصیل بود وارد قم گردید. دروس سطح را از اساتید معظم: اسلامی، محامی، بنی فضل، اعتمادی استفاده کرد. در درس خارج از محضر حضرات آیات: وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و ... استفاده کرد. در کنار دروس حوزه فوق لیسانس حقوق بین الملل و دکترای علوم سیاسی را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذرانده است. وی عضو هیات علمی موسسه فوق، مدیر گروه حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه و مدیر گروه حلقه نقد فقه و حقوق و سیاست در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بوده است. از وی مقالات متعددی در حوزه های حقوق و سیاست در مجلات و روزنامه های کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. همچنین کتاب" ضمانت اجراهای صلح و امنیت بین المللی در ارتباط با کشورهای در حال توسعه "جزوات تدریس قانون اساسی، حقوق بشر در اسلام و مبانی حقوق از آثار وی می باشد. وی مشغول تدریس در حقوق و سیاست در حوزه و دانشگاه است.

باقری بیدهندی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر باقری بیدهندی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین جناب آقای ناصر باقری بیدهندی به سال ۱۳۳۷ هجری شمسی درروستای بیدهند قم در خانواده ای متدین و شهید پرور چشم به جهان گشود. قرآن را در کتب آموخت و سپس به مدرسه رفت و در اولین روز در کلاس دوم به تحصیل پرداخت. نامبرده بعد از گذراندن تحصیلات جدید به سبب عشق و علاقه فراوانی که به اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» وروحانیت اصیل شیعه داشت در سلک روحانیت درآمد و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی تا مرحله سطوح عالیه را با موفقیت پشت سر گذاشت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام : سید محمد روحانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی، جعفر سبحانی، میرزا جواد تبریزی و دیگران به مدت هفده سال شرکت و بهره مند شد. در ضمن با مباحث منطق و فلسفه استادان گرامی حوزه نظیر آیت الله یحیی انصاری و آیت الله گرامی و دکتر احمد بهشتی و تا حدودی آیت الله حسن زاده آملی کسب فیض کرد.

همچنین در بحث اخلاق از محضر آیت الله مظاهری و دیگران سود گرفت. مشار الیه همگام با تحصیلات حوزوی در سطوح متوسطه و عالیه به پژوهش و تحقیق روی آورد و تاکنون ده ها کتاب و رساله در موضوعات مختلف به زبان فارسی و عربی از خود

به یادگار گذارده و هم اکنون نیز به این مهم با کوشش زیاد اشتغال دارد و شمار قابل توجهی از آثار ایشان به زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است. معظم له علاوه بر تألیف و تحقیق به تدریس نیز اشتغال دارد و به عنوان استاد مشاور ، سامان دهی خطوط پژوهشی برخی از پایان نامه ها را نیز به عهده گرفته است . و در تعدادی از مراکز فرهنگی عضویت و فعالیت داشته و دارد.

باقری همدانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی‌اصغر بن کربلائی شعبان باقری همدانی در تاریخ ۱۳۴۳ هجری قمری در یکی از مضافات دره جزین از توابع همدان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در سال ۱۳۵۸ قمری والی به سلک روحانیت گشته و پس از اکمال سطوح عالی از محضر آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله داماد و بعضی دیگر استفاده نموده و بالاخص اختصاصی و انقطاع فوق‌العاده‌ای به مرحوم آیت‌الله عراقی مذکور داشت و در تمام جلسات دروس معظم‌له شرکت می‌نمود و مورد توجه و علاقه شدید آن مرحوم بود و از وی به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است.

ایشان اجازات دیگری از مراجع بزرگ نجف اشرف و قم چون مرحوم آیت‌الله حکیم و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله آملی طهرانی و دیگران دارد.

آثار علمی ایشان عبارت است از جزواتی در اصول عقاید و مطالب منبری و نیز قسمتی از دراسات اساتید غیر منظم دارد.

وی از راه منبر خدماتی انجام داده و جلسات تفسیر و موعظه در قم و خارج از قم داشته و دارد و همه ساله مانند صدها نفر دیگر از فضلاء در ماه رمضان و محرم برای تبلیغ احکام دین و ترویج مذهب به اطراف مسافرت نموده و وظائف دینی و روحی خود را انجام می‌دهد ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

باقری، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم باقری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۱ هجری شمسی وارد حوزه علمیه شدم ابتدا در مدرسه علمیه داراب،سپس گویم و پس از آنان آشتیان و در سال ۱۳۶۷ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را یافتم و رسائل و مکاسب را در محضر حضرات آیات پایانی و اعتمادی به پایان رساندم و پس از اتمام کفایه نیز که از محضر حضرت استاد اعتمادی کسب فیض نمودم در سال ۷۱ وارد درس خارج فقه و اصول گشتم ، در یک سال درس خارج اصول در محضر آیت الله مکارم شیرازی و یک سال خارج فقه در محضر آیت الله مشکینی و در سال ۷۲ به حوزه درسی استاد معظم ضمن اینکه چند سال نیز از درس خارج فقه حضرت آیت الله گرامی بهره مند شده ام.در کارهای تحقیقاتی به طور رسمی با کمیته تدوین متون قوه قضائیه همکاری نمودم، با مرکز پژوهشهای حوزه علمیه و مرکز نشرآثار امام خمینی(ره) نیز همکاری داشته ام و کارهای پژوهشی عمدتا در رابطه با حوزه تحقیقاتی فقه و حقوق انجام داده ام هر چند پیش از این نیز به طور پراکنده مقالاتی را برای برخی روزنامه ها نوشته ام ، برخی کارهای تحقیقاتی را خود به انجام رساندم که کار شخصی محسوب می شود.با یک توضیح سخن را به پایان می برم: در حوزه های علمیه در زمینه منطق، ادبیات عرب و اصول فقه تدریسی داشته ام در رابطه با همکاری با مراکز تحقیقاتی نیز یاد آور شوم: در همکاری با کمیته تدوین متون در رابطه با مسائل حقوقی مسائل مباحثی نظر احوال شخصیه، کلیات حقوق، معاملات واقعیات و.. در حقوق ایران و کشورهای اسلام نظیر مصر، سوریه، عراق، لبنان، اردن، امارات، را مورد تحقیق قرار داده و نوشته هایی را در این زمین ارائه نمودم.

در همکاری با مراکز تحقیقاتی فقهی بیشتر در مباحث جزایی و کیفری به پژوهش پرداخته ام، در آیین دادرسی کیفری مسائل مربوط به سوگند و شهادت و در قانون مجازات اسلامی مسائلی چون مباحث دیات اعم از دیه نفسی، عضو، دیه میت و مباحثی چون تشریح، پیوند اعضاء و ... را به تحقیق نشستم.ونیز در تهیه گنجینه آرا، فقهی قضایی و تبویب و ارزیابی آن در حدود ۲۰۰۰۰ بیست هزار استفتاء از مراجع عظام تقلید اشاره ای می شود که با تبویب ونمایه زنی آن کاری برای محققان آسان گشته است، با دوستان دیگر همکاری داشته ام البته در بخش مربوط به مباحث حقوقی آن.در مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم نیز در بخش مطبوعات همکاری داشتم بدین معنی برخی از مقالات مربوط به حوزه فقه و حقوق و بعضاً سیاست، ارتباط وثیقی با فقه یا

حقوق دارد، را نقد می نمایم و گاهی هم مقالات اینترنتی را درهمین زمینه.

باقری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی باقری

محل تولد : اردبیل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب علی باقری متولد ۱۳۴۳ در شهرستان اردبیل تحصیلات ابتدایی راهنمایی و دبیرستان را در مدارس تهران به اتمام رسانده و بمدت یکسال پس از اخذ دیپلم به حوزه علمیه تبریز رفته و در مدرسه ولی عصر(عج) مشغول تحصیل شدم و بعد از آن بمدت یکسال به حوزه علمیه تهران وارد شده و در مدارس علمیه باهنر و شهید بهشتی مشغول تحصیل بودم و از کلاس درس منطق ملا عبد الله آیت الله حق شناسی و سایر اساتید بهره بردم و در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مکاسب در رسائل کفایه را از محضر آیت الله دوزدوزانی – آیت الله پایانی– آیت الله راستی– آیت الله صالحی مازندرانی– آیت الله قدیری – آیت الله راستی بهرمند شدم. در همزمان به دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق وارد شده و به تحصیل نهایهٔ الحکمه، اقتصاد– فلسفتنا و.... در این مؤسسه پرداختم. بعد از اخذ دیپلم متوسطه بطور متوسط هر سال در جبهه های جنگ نیز حضور می یافتم و در چندین عملیات شرکت داشتم.

پس از پایان جنگ وارد دانشگاه مفید(ره) قم شدم و به تحصیل دوره کارشناسی اقتصاد پرداختم و در این ایام به تحصیل دروس خارج فقه و اصول نیز مشغول شدم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام وحید خراسانی(دام عزه).جواد آقا تبریزی(ره) آیت الله جوادی آملی (دام عزه) بهره وافر بردم هر چند از اساتید دیگر نیز استفاده کرده ام.دوره کارشناسی اقتصاد را در سال ۱۳۷۲ به پایان رسانده و در همان سال در آزمون، کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران پذیرفته شدم اما به دلیل تحصیل دروس حوزوی، و در دانشگاه مفید(ره) دوره کارشناسی ارشد را ادامه دادم و در سال ۱۳۷۵ پایان نامه دوره فوق لیسانس را با موضوع مبانی عدالت اقتصادی در اسلام و سایر مکاسب دفاع نمودم و در آزمون ورودی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام پذیرفته شده و مشغول تحصیل شدم و دوره آموزشی مقطع دکترا با برگزاری امتحان جامع و موفقیت در آن به پایان رسید و مشغول انجام پروژه تحقیقی در موضوع هدف گذاری سیاستهای پولی شدم و هم اکنون مراحل نهایی پایان نامه را انجام می دهم.از نظر تدریس دروس حوزوی عمرماً قبل از تحصیلات دانشگاهی بوده است و به تدریس ادبیات و منطق پرداختم و دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی تدریس نموده ام دروس مانند، اقتصاد پول بانک– اقتصاد فرد– اقتصاد کلان، مبانی فقهی اقتصاد و اسلامی– نظام های اقتصاد صدر اسلام– تاریخ عقاید اقتصادی – معارف اسلامی. مالیه عمومی را در دانشگاه مفید(ره)– دانشگاه آزاد تهران و شهرستان نراق و آموزش های مدیریت دولتی تدریس نموده ام.در زمینه های تحقیقات علمی نیز پروژه تامین اجتماعی در اسلام با تکیه بر منابع مالی اقتصاد ایران با همکاری حجهٔ الاسلام کیاءالحسینی به انجام رسانیدم این پروژه توسط سازمان تأمین اجتماعی، تأمین شد و مدیریت آن را دانشگاه مفید بر عهده داشت این تحقیق علمی برنده دو جایزه گردید یکی بعنوان تحقیق برتر فرهنگی سال ۱۳۸۰ و پژوهش برگزیده سال ۱۳۸۲ حوزه اقتصاد اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت تحقیقات علمی دیگری نیز در حوزه اقتصادانجام دادم که منتشرنشده است یک مقاله تحت عنوان بررسی تطبیقی عدالت اقتصادی در مجله مفید از اینجانب به چاپ رسیده است و در سال ۱۳۷۷ منشتر گردیده و استاد واحد پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان نقش بازده سرمایه گذاری های سازمان تامین اجتماعی در تاخیر زمان سربسری منابع و مصارف» را نیز در ۱۳۸۴ بر عهده داشتم.

باقری، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم باقری فوتبالیست و ملی‌پوش تیم ایران است. وی متولد تبریز به سال ۱۹۷۴ می‌باشد. وی در تیم‌های اروپایی از جمله آرمینیا بیله‌فلد آلمان و چارلتون انگلیس عضو بوده‌است و هم‌اکنون عضو باشگاه فوتبال پرسپولیس تهران است و از تیم ملی فوتبال ایران نیز خداحافظی کرده‌است. البته در زمان سرمربیگری علی دایی این بازیکن بار دیگر به تیم ملی دعوت شد که با تامل بسیار بالاخره در بازی دوستانه تیم‌های ایران و قطرکه در تاریخ ۱۹ آبان ۸۷ برگزار شد، کریم باقری بعد از حدود ۸ سال بار دیگر برای تیم ملی ایران بازی کرد و در تاریخ ۲۹ آبان ۸۷ چهل و هشتمین گل ملی خود را در بازی مقابل امارات به ثمر رساند.سایت فیفا در گزارشی مفصل دربارهٔ بازگشت کریم باقری به تیم ملی ایران این بازیکن را با «زین‌الدین زیدان» مقایسه کرد. در مراسم بهترین‌های فوتبال سال ایران، کریم باقری با کسب بالاترین امتیاز از بین بهترین‌های فوتبال سال ۸۷، مرد سال فوتبال ایران شد. کریم

باقری در ۱۶ خرداد سال ۱۳۷۲ برابر تیم ملی پاکستان در جام اکو، اولین بازی ملی خود را انجام داد و ۸۴ بازی ملی و ۵۰ گل در کارنامه ملی خود دارد.

باقری در سال ۱۳۸۷ از تیم ملی خداحافظی کرد اما با بازی‌های شگفت‌انگیزی که همان سال در لیگ برتر در تیم پرسپولیس انجام داد، علی دایی؛ مربی وقت تیم ملی را وادار کرد تا از او بخواهد در تیم ملی در مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ او را یاری کند.

افتخارات کریم باقری: طلای سیزدهمین دوره بازی‌های آسیایی (۱۹۹۸ بانکوک) قهرمان جام اکو (۱۹۹۲ تهران) حضور در جام جهانی (۹۸ ـ فرانسه) مقام سومی جام ملت‌های آسیا (۱۹۹۶ امارات) قهرمانی با پرسپولیس (لیگ ۱۳۷۵) قهرمان جام باشگاه‌های عرب مقام سومی جام باشگاه‌های آسیا با السد بازیکن ماه آسیا زننده بهترین گل ماه آسیا برترین بازیکن جام باشگاه‌های عرب (۲۰۰۱) عضو تیم ستارگان آسیا در دیدار با ستارگان فیفا۱۹۹۷ بهترین گل زن جهان در سال ۱۹۹۷ پس از روماریو"

باقری، ولی الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولی الله باقری

محل تولد : سر بند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ولی الله باقری در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای مذهبی در بخش سر بنداران متولد شدم و ابتدا در مکتب خانه شروع به تحصیلات قرآنی و سپس در سال ۱۳۵۴ درسهای کلاسیک را در مدارس جدید آغاز نمودم سالهایی که در مقطع ابتدایی تحصیل می کردم در همان روستای آب بخشان از توابع سربند و سپس دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان بروجرد اشتغال داشتم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد شدم و در سال ۱۳۶۴ راهی شهر مقدّس قم شدم. ابتدا در مدرسه علمیه مهدی موعود(عج)تحت اشراق و ارشاد(حضرت الله العظمی نوری همدانی ادبیّات عرب را به پایان رساندم سپس وارد درسهای سطح حوزه گردیدم و از محضر اساتید بزرگواری چون آیه الله وجدانی فخر، آیت الله اعتمادی، آیهٔ الله اشتهاردی و آیهٔ الله نکونام گلپایگانی و نیز آیهٔ الله سید احمد خاتمی بهره مند شدم.

درهمان سالهای اشتغال به تحصیل در دوران سطح سه تبلیغ علوم آل محمّد و معارف اسلامی نیزپرداختم. حدود سال ۷۳–۷۲ وارد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) زیر نظر حضرت آیهٔ الله مصباح یزدی دام ظله العالی شدم و درسهای معارف و روز را با توجه به ضرورتهای زمانه پشت سر گذاشتم و موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی آن مؤسسه مبارک شدم. پس از اتمام تحصیلات در آن مؤسسه و هم زمان با اشتغال به درس خارج فقه و اصول که به ترتیب از محضر اساتید بزرگوار حوزه مبارک علمیه قم حضرت آیهٔ الله العظمی مکارم شیرازی و حضرت آیت الله جعفر سبحانی دام ظلّهما استفاده نمودم. پس از فارغ التحصیل شدن از مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) وارد مرکز تخصّصی قضاء حوزه علمیه شدم و با مسائل حقوق جدید و نیز مباحث عمیق تر قضاء و حقوق اسلامی آشنا شدم و پس از چهار سال تحصیل از آن مرکز مبارک فارغ التحصیل گردیدم.

نتیجه تحصیلات علاوه بر انجام وظیفه تبلیغی و مطالعات سریع ، اثر به طبع آراسته اینجانب تحت عنوان«مستضعفان از دیگاه اسلام» که توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران واحد پژوهشگاه اسلامی صدا و سیمای قم به چاپ رسیده است. نیز پایان نامه فوق لیسانس بنده نیز مراحل چاپ نشر خود را در آن مرکز محترم سیر می کند. مجّوز تدریس معارف از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دام ظله العالی و روحی فداه) جهت تدریس در مراکز آموزشی عالی را دریافت نموده ام و هم اکنون در دانشگاه علمی کاربردی شهر مقدّس اشتغال به تدریس معارف اسلامی دارم. همچنین پایان نامه مقطع فوق لیسانس مؤسسه هم اکنون تحت عنوان مبانی کنترل قدرت سیاسی از دیدگاه نهج البلاغه می باشد که احتمالا در آینده به چاپ برسد. در حال حاضر ضمن مطالعات معارف و اشتغال به تدریس در دادسرای عمومی انقلاب نیزاشتغال به شغل شریف قضاء دارم، و در پس مقدّمات تدوین پایان نامه سطح چهار حوزه هستم.

باقریان ساروی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد باقریان ساروی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در آغاز پاییز سال ۴۲ وارد حوزه علمیه کوهستان بهشهر شدم و در سال ۴۴-۴۳ در قم و سپس به مدت دو سال در رستمکلای بهشهر تحصیلات مقدماتی را گذرانده و در سال (پاییز) ۴۸ مجددا وارد قم شدم و دروس سطح را در خدمت اساتیدی همانند مرحوم فاضل هرندی و علوی گرگانی و دوزدوزانی وآیت الله فاضل لنکرانی و موسوی تبریزی (سید ابوالفضل) و مرحوم آیت الله سلطانی(کفایه ج ۱) و آیت الله حائری(سید محمد کاظم) (کفایه ج ۲) گذرانده و درس خارج را که از سال ۵۰ شروع شد نزد اساتیدی همچون وحید خراسانی و مرحوم میرزا هاشم آملی و حسین نوری همدانی و فاضل لنکرانی گذراندم. یک دوره کامل خارج اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی گذرانده و درس ها را به صورت عربی نوشته ام. و در سال ۷۰-۶۹ برای تدریس به گرگان رفته و مدت نه سال در مدرسه علمیه امام باقر(ع) گنبد و مدرسه امام خمینی گرگان و مدرسه سعدیه رامیان به تدریس از سیوطی تا اصول فقه و شرح لمعه پپرداخته ام و مجددا وارد قم شده و دروس رسائل و مکاسب و کفایه را تدریس داشته ام. ولی اکنون نزدیک به یک سال است که به سبب بیماری توفیق تدریس عمومی را ندارم ولی کارهای تحقیقاتی را که از شش سال پیش در مرکز پژوهش های اسلامی (فرهنگ و معارف قرآن) شروع کرده ام ادامه می دهم و در نگارش و تدوین فرهنگ قرآن شرکت دارم که هم اکنون آن اثر ۸ جلد به چاپ رسیده است.

باقولی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۳۵ ق)، ادیب، نحوی و مفسر. مشهور به جامع العلوم و معروف به جامع باقولی. در علم نحو و فنون اعراب پیشگام افاضل عصر خود بود. از آثار وی: «شرح الجمل» یا «الجواهر فی شرح جمل عبدالقاهر»، در نحو؛ «المجمل»؛ «الاستدراک» بر ابوعلی فارسی؛ «البیان فی شواهد القرآن»؛ «علل القراآت»؛ کشف المشکلات و ایضاح المعضلات فی علل القرآن»؛ «شرح اللمع»؛ «تفسیر جامع العلوم» یا «تفسیر القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۰/۵)، الذریعه (۲۶۹ -۲۶۸ /۴)، روضات الجنات (۲۴۱/۵)، ریحانه (۳۸۲/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۶ -۱۸۵ /۶)، الکنی و الالقاب (۱۳۸/۲)، کشف الظنون (۱۴۹۳، ۱۱۶۰، ۶۰۳، ۲۶۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم الادباء (۱۶۷ -۱۶۴ /۱۳)، معجم المؤلفین (۷۵/۷)، هدیهٔ العارفین (۶۹۷/۱).

باقی، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی باقی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۱/۲۲

زندگینامه علمی

بعد از اتمام تحصیلات دبیرستان و پیش دانشگاهی در رشته ریاضی در سال تحصیلی ۱۳۷۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شده و تحصیلات مقدماتی تا پایه ششم را در مدرسه مبارکه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به پایان رسانده ، سپس پایه هفتم تا دهم را در کلاسهای آزاد که در مدرسه مبارکه حضرت آیت الله مرحوم گلپایگانی برگزار می شد ادامه دادم و اکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی محمد علی اسماعیل پور دام ظله مشغول انجام وظیفه هستم. در زمینه تبلیغی نیز از سال ششم به بعد تاکنون در ایام ماه مبارک رمضان و محرم الحرام به حسب وسع خود به این عمل شریف اقدام نموده ام.

بالادستیان، محمد امین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امین بالا دستیان

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

دروس ابتدائی خود را در سال ۱۳۵۵ آغاز و در روستای دارغیاث از توابع شهرستان بیجار به پایان رساندم. دوران راهنمائی و دبیرستان را در شهر بیجار به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۸ پس از اخذ مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه امام صادق(ع) شهرستان بیجار شدم. پس از یکسال و نیم تحصیل در آنجا به تهران رفته و در حوزه علمیه شهید شاه آبادی به ادامه تحصیل پرداختم و دوره مقدمات را در آنجا به پایان رسانیدم. پس از اتمام لمعتین وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان با گذرانیدن سطوح حوزوی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم و مقطع کارشناسی ارشد را تمام نمودم و در کنار آن دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات و دوره کوتاه مدت تبلیغی را سپری نمودم. پس از اشتغال به درس خارج و اتمام دروس کلاسیک در رشته مهدویت مرکز تخصصی مهدویت مشغول گردیدم و دوره تربیت مدرس آنجا را به پایان رسانده، و پس از آن در دوره های کوتاه مدت مهدویت که عموماً در مراکز حوزوی استان ها بر پا می شود به تدریس انجام وظیفه کرده و در مراکز دانشگاهی مانند تهران، شهرضا، سنندج، همدان، قزوین، رفسنجان به ترویج مباحث مهدویت در مجامع دانشجوئی پرداخته ام و در کنار دروس حوزوی نیز کم و بیش در حد امکان به تدریس دروس پائین تر حوزه اقدام کرده ام.

بامبری، عبدالواحد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالواحد بامبری

محل تولد : ایرانشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب درسال ۶۵ به دلیل علاقمندی به معارف اسلامی، تحصیلات خویش را در مدرسه علمیه ایرانشهر آغاز نمودم و در سال ۶۹ جهت ادامه تحصیل توفیق حضور در مدرسه علمیه آیت الله یثربی کاشان را داشتم و از سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم. از سال ۷۹ فعالیت های علمی خویش را با انجام پروژه ای تحت عنوان پاسخ به شبهات مناطق مرزی ازمرکز تحقیقات صدا و سیمای قم آغاز نمودم و از همان سال در نهاد نمایندگی رهبری در امور اهل سنت قم به عنوان مسؤول پاسخگویی به سوالات و شبهات جذب شدم و در سال ۱۳۷۸ در رشته حقوق موسسه آیت الله مصباح به مدت چهار سال پذیرفته شدم و از سال ۸۱ جهت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی توفیق کسب معارف قرآنی را داشته ام.

دو مقاله برای همایش های علمی مذاهب اسلامی با عناوین (لیبرالیسم و تعارض آن با آموزه های دینی و حکومت اسلامی از دیدگاه فریقین) ارائه نمودم. قریب به ۳۰۰ پرسش علمی و مذهبی را در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت قم را پاسخ داده ام. با همکاری دو نفر از همکاران کتابی تحت عنوان (هفت آسمان جوانی) برای بخش فرهنگی دفتر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (مد ظله العالی) تدوین و فراهم نمودیم و نیز کتابی با عنوان (پاسخ به پرسش های مذهبی از دیدگاه مذاهب اسلامی) با همکاری برخی از محققان برای نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت قم در سال ۸۳ چاپ گردید. مقالاتی با عناوین (شاخصه های حکومت علوی، نگاهی به سیره درخشان کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه، دریافتی از معارف قرآنی، پروژه تحقیقی برای صدا و سیمای قم با عنوان پاسخ به سوالات برون مرزی، نگاهی به زندگانی صادق آل محمد (ص)، و ... از جمله مقالاتی است که در برخی از مجلات چاپ شده است.

بامداد خراسانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۶۳ ش) نویسنده و روزنامه‌نگار. وی تحصیلات مقدمات و سطوح را نزد حاج میرزا حبیب خراسانی، سید علی حایری یزدی، شیخ محمد علی (فاضل ملاعباسعلی) و میرزا محمد آقازاده در خراسان به اتمام رسانید، سپس برای تکمیل تحصیلات به

تهران آمد و دروس خارج را نزد آخوند ملاـ محمد کاظم خراسانی فراگرفت. او با زبانهای فرانسه و عربی آشنایی کامل داشت. بامداد همزمان با مشروطیت به جرگه مشروطه‌خواهان پیوست و علیه استبداد مقاله نوشت و سردبیر روزنامه‌ی «آفتاب» و «شورا» شد. در اوایل جنگ جهانی اول روزنامه‌ای به نام «بامداد روشن» تأسیس کرد که بعد از چندی تعطیل شد. وی با قرارداد وثوق الدوله مخالفت ورزید و به همین جهت به کاشان تبعید شد. بامداد پس از آن چندی به خدمت دولت درآمد و عهده‌دار سمت‌های مختلف شد. در دوره‌ی ششم مجلس شورای ملی وکیل مردم شیراز بود. در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از تألیفات وی: «حکمت عملی»؛ «حافظ شناسی یا الهامات خواجه» و «ادب چیست و ادیب کیست».[۱]

(تو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده و مدرس. در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید، سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و پس از گذراندن دوره‌ی دارالمعلمین عالی و اخذ لیسانس برای تکمیل تحصیلات جزو محصلین اعزامی، به فرانسه عزیمت کرد. بعد از مراجعت از اروپا وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و در دانشکده‌ی ادبیات تبریز به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ بشر»؛ «زندگانی سیاسی مارشال فوش»؛ «شناخت زیبایی»؛ «علم الاخلاق یا حکمت عملی».[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۷ -۵ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۴۶۵ -۴۶۲ /۱)، شرح حال رجال (۴۲۳ -۴۲۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۲۳)، گلزار معانی (۱۳۵ -۱۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۰ -۱۳۹ /۴).

[۲] مؤلفین کتب چاپی (۴۹۰ -۴۸۹ /۴).

بامداد، پروین تکین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پروین تکین بامداد در سال ۱۳۰۴ ، در تهران دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود. پروین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی والدین و انساب : پروین تکین بامداد فرزند حاجی خان تکین مدیر چاپخانه ارتش و دکتر بدرالملوک بامداد می باشد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مادر پروین تکین بامدادکتابهایی در مسائل آموزش و پرورش نوشت و سفری برای مطالعات فرهنگی و به دست آوردن اطلاعات تازه علمی به آمریکا رفت و پس از دریافت دانشنامه دکترا از دانشگاه کلمبیا و بازگشت به تهران ، دبستان و دبیرستان نمونه ای تاسیس کرد. او چندی روزنامه «زن امروز» را منتشر کرد. و پس از درگذشت حسین صبا مدیر روزنامه « ستاره ایران » و شوهر اول خود همسر حاجی تکین شد و پس از او با آقای بامداد ازدواج کرد و پروین از این پیوند دوم متولد گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین تکین بامداد در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : پروین تکین بامداد از کودکی به شعر گرایش پیدا نمود ، مادرش در این باره چنین می گوید: « پروین از یازده سالگی گاه گاهی شعرهایی نزد من می آورد با آنکه سروده هایش بی بهره از اندیشه و ذوق نبود ولی وی را ازمن پنهان می کرد و برای خود شعر می سرود. »همسر و فرزندان : پروین تکین بامداد با مهندس قدسی ازدواج کرد که ثمره آن پسری به نام سهیل است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پروین تکین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد.

منابع زندگینامه :شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف مجید شفق ، ج ۱ ، تهران: انتشارات سنایی ، ص۱۳۳ ـ دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، تالیف: پوران فرخزاد ، ج ۱ ، تهران: انتشارات زریاب ، ص ۳۷۹

باهنر، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متفکر.

تولد: ۱۳۱۲، کرمان.

شهادت: ۸ شهریور ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر تحصیلات خود را از پنج سالگی در مکتبخانه آغاز کرد. در سال ۱۳۲۲ برای ادامه تحصیل به

مدرسه معصومیه رفت و شروع به تحصیل علوم دینی نمود. در سال ۱۳۳۲ به قم عزیمت کرد و سطوح عالی علوم اسلامی را در محضر آیت‌الله سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) و علامه طباطبائی ادامه داد. یک سال بعد در سال ۱۳۳۳ دیپلم نظام قدیم را به صورت متفرقه امتحان داد. در سال ۱۳۳۶ مجله و سالنامه و فصلنامه «مکتب تشیع» را تأسیس کرد. در تهران به تحصیلات دانشگاهی پرداخت و موفق به اخذ لیسانس الهیات شد و پس از آن فوق لیسانس امور تربیتی شد. سپس در رشته الهیات به تحصیل پرداخت و در این رشته نیز موفق شد و به اخذ مدرک دکتری نائل آمد.

حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر در مدت اقامت خود در کرمان با روزنامه «هدایت افکار» همکاری داشت و در شماره‌ی نوزده سال دوم به تاریخ شنبه ششم شهریور ۱۳۳۲ (برابر با هیجدهم ذیحجه ۱۳۷۲ ق.) روزنامه‌ی مذکور مقاله‌ای با امضای (م.ج.باهنر) زیر عنوان «اجتماع عظیم و پرشکوه ملت مسلمان تشکیلات سالیانه و جهانی اسلام» به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر در سال ۱۳۳۷ به سبب اعتراض به رسمیت شناختن اسرائیل توسط شاه در آبادان دستگیر شد.

حجت‌الاسلام باهنر از سال ۱۳۴۲ به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و به تدریس پرداخت. ضمنا در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی همکاری نزدیک داشت و برنامه‌های دروس دینی تحت نظر ایشان انجام می‌گرفت. در این زمینه نیز جهت دروس دینی مسئولیت تألیف کتب درسی را به عهده گرفت و حدود سی جلد کتاب و جزوه به رشته تحریر درآورد و تألیف نمود. ایشان در تأسیس دفتر نشر فرهنگ اسلامی، کانون توحید و مدرسه رفاه نقش مؤثری داشت. در اسفند ۱۳۴۲ پس از ایراد سخنرانی‌هایی در مسجد هدایت و مسجد الجواد و حسینیه‌ی ارشاد به مناسبت سالگرد حادثه‌ی فیضیه‌ی قم، دستگیر و چهار ماه زندانی شد. در سال ۱۳۵۰ ممنوع‌المنبر شد. از این زمان به بعد تا انقلاب اسلامی، وی چندین بار دستگیر شد. وی در سال ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی (ره) مأمور تنظیم اعتصابات با همکاری دکتر عزت‌الله سحابی و مهندس علی‌اکبر معین‌فر شد و همراه با آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی حزب جمهوری اسلامی را بنیاد نهاد و در همان سال به فرمان امام خمینی (ره) به عضویت شوای انقلاب اسلامی درآمد. سپس به نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان انتخاب شد. پس از آن نماینده شورای انقلاب در وزارت آموزش و پروش گردید. همچنین عضو شورای تنظیم مدارس بود و مدتی هم مسئولیت نهضت سوادآموزی را به عهده داشت، آنگاه از طرف مردم تهران به اولین مجلس شورای اسلامی راه یافت. اما از آنجا که در کابینه‌ی رجایی مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را به عهده گرفت، از نمایندگی مجلس شورای اسلامی استعفا داد. پس از فاجعه بمب گزاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ به دبیر کلی حزب انتخاب شد. در چهاردهم مرداد همان سال به نخست وزیری رسید و بعدازظهر هشتم شهریور ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمب در دفتر نخست وزیری به شهادت رسید.

از آثار ایشان است: یادگار یک سفر (مجموعه سخنرانی)؛ بایدها و نبایدهای انقلاب، نقش قیامتی انقلاب اسلامی؛ چهار گفتار از دو شهید (با گفتارهایی از آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ فروغ اندیشه (مجموعه سخنرانی و مصاحبه‌ها)؛ انقلاب فرهنگی (سخنرانی)؛ اندیشه‌های شهید باهنر (سخنرانی)؛ سخنی درباره خداشناسی؛ مقالات از دوران خفقان؛ تعلیم قرآن مجید (با مشارکت آیت‌الله سید رضا برقعی) ؛ اصول دین و احکام برای خانواده (با مشارکت آیت‌الله برقعی) جهان بینی اسلامی (با مشارکت آیت‌الله برقعی) دین و دانش (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ شناخت اسلامی (با مشارکت آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ معارف اسلامی (با مشارکت آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ اسلام مذهب رسمی ما (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ گفتارهای تربیتی (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ انسان و خودسازی (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ موضع ما در ولایت و رهبری (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ خداشناسی (با مشارکت آیت‌الله برقعی و علی گلزاده‌ی غفوری).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بایسنغر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شاهرخ پسر تیمور (۸۳۷ -۸۰۲) که خود از خوشنویسان و هنرمندان بود و اهل هنر را تشویق بسیار می‌کرد و در کتابخانه‌ی او پیوسته چهل تن از خوشنویسان و مذهبان و مصوران مشغول کتابت و تذهیب و تصویر بودند. بایسنقر میرزا در خطوط اصول (شش- قلم) شاگرد شمس‌الدین محمد بن حسام هروی معروف به شمس بایسنغر بوده است و خود در خط محقق و ثلث از استادان برجسته. کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث اوست که در بیست سالگی نوشته و از قدرت و قوت قلم سحر و معجزه‌ای به یادگار گذاشته است. کتابت بزرگترین قرآن موجود به خط محقق نیز اثر ارزنده‌ی اوست که هم‌اکنون بعض صفحات آن در موزه‌ی آستان قدس رضوی و کتابخانه‌ی سلطنتی و کتابخانه‌ی ملی و موزه‌ی ایران باستان و کتابخانه‌ی ملک و بعضی مجموعه‌های خصوصی موجود است و منسوب به او می‌دانند و بعضی از اوراق آن هم در امامزاده‌ای در قوچان بوده است چه در حدیق‌الحقایق است که:

«... از زلزله جز همان امامزاده سلطان ابراهیم بن علی بن موسی‌الرضا (در قوچان) چیزی باقی نمانده و بعضی اوراق قرآن خط میرزا بایسنغر بن میرزا شاهرخ ابن امیر تیمور گورکانی در آنجاست. گویند نادرشاه افشار از سمرقند به آنجا آورده از عجایب آثار است: طول صفحه دو ذرع و نیم، عرض یک ذرع و ده گره، طول سطر یک ذرع، عرض سطر پنج گره، بین‌السطور یک چارک اندازه‌ی قلم صد یک ذرع، و شاه شهید در سفر خراسان دو صفحه از آن را برای اطاق موزه به تهران آورد». حدایق‌الحقایق ج ۳، ص ۳۱۳.

بایسنغر میرزا در سنین جوانی (سی و پنج سالگی یا سی و هشت سالگی) در هرات بدرود حیات گفت. مولف «حبیب‌السیر» درباره‌ی او می‌نویسد: «به مجالست ارباب عالم و کمال به غایت مایل و راغب بود و در تعظیم و تبجیل اصحاب فضل و هنر در هیچ

وقتی از اوقات اهمال و اغفال نمی‌نمود و خردمندان کامل از اطراف و اکناف ایران و توران به هرات آمده در آستان مکرمت آشیانش مجتمع می‌بودند، و بلغای وافر کیاست و فصحای صاحب فراست از اصار و امصار عراق و فارس و آذربایجان به درگاه عالم پناهش شتافته صبح و شام ملازمت می‌نمودند و آن شاهزاده عالی شأن در تربیت و رعایت تمامی آن طایفه گرامی کوشیده همه را به وفور انعام و احسان مسرور و شادمان می‌ساخت و هر کس از خوشنویسان و مصوران و نقاشان و مجلدان در کار خویش ترقی می‌کرد به همگی همت، به حالش می‌پرداخت».

بایسنغر میرزا دوست‌ترین و بانی زیباترین مکتب کتاب‌سازی در ایران بوده است و در هیچ دورانی به اندازه‌ی زمان او نسخه‌های نفیس و زیبا نوشته و تصویر نشده است به طوری که در کمتر کتابخانه‌ای در جهان ممکن است از کتابهای کتابخانه‌ی بایسنغر نسخه‌ای یافته نشود.

(۸۳۷ -۸۰۲ / ۸۰۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر. در سال ۸۲۰ ق پدرش سمت قاضی القضاة دربار خود را به او داد و در سال ۸۳۵ ق تبریز را تصرف کرد و در همان سال حاکم استرآباد شد. در اواخر عمر به علت اینکه اخترشناسان عمر او را چهل سال بیشتر تخمین نزده بودند، به میگساری پرداخت و دست به کارهای ناشایست زد. وی ذوقی ادبی و هنری داشت و اشعار و آثار فارسی را به دقت مطالعه می‌کرد و در سرودن اشعار فارسی و ترکی نیز مهارت داشت. مجلس او مجمع شاعران، مورخان، خوشنویسان و نقاشان ایرانی بود. خود در خط استاد بود و شاگرد شمس‌الدین محمد هروی خوشنویس. خطوط محقق و ثلث را به مهارت می‌نوشت و اوراق قرآنهایی که به خط خود نوشته، هنوز در دست است و رقم استادانه او بر طاق و اطراف سر در مسجد گوهرشاد که آیاتی از قرآن مجید نوشته، ظاهر است. میر علی، خوشنویس معروف، و بسیاری دیگر از خوشنویسان آن عصر در کتابخانه او کار می‌کردند، بایسنقر در نقاشی و تهذیب نیز دست داشته و بانی زیباترین مکتب کتابسازی در ایران بوده است. نسخه‌ای از شاهنامه به دستور وی فراهم شد و خود مقدمه‌ای بر آن نوشت که به «دیباچه بایسنقری» و یا «شاهنامه‌ی بایسنقری» معروف شد. در تذکره‌ی «صبح گلشن» سال ولادت او ۸۳۵ ق و سال وفاتش ۸۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار او: کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث که در بیست سالگی نوشته است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۲ -۱۰۵۱/ ۴)، از سعدی تا جامی (۷۲۹ -۷۲۸، ۵۵۵، ۵۳۸ -۵۳۷)، پیدایش خط و خطاطان (۹۹ -۹۸)، تاریخ ادبی ایران (۱۸۷/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۸ -۷۹۷)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۹ -۸۰۶/ ۲)، تذکرة الخطاطین (۵۲ -۴۵/ ۱)، تذکرة الشعراء (۳۹۲ -۳۹۰)، حبیب السیر (۶۴۴، ۶۳۴، ۴۶/ ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۳۸۷/ ۱)، الذریعه (۱۲۵/ ۹)، روضة السلاطین (۳۳ -۳۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۱۶ -۲۱۵/ ۱)، صبح گلشن (۵۶)، فرهنگ سخنوران (۱۲۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۶۹)، گلستان هنر (نوزده، سی و هفت، سی و هشت، ۲۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بایسنقر)، مجالس النفائس (۱۲۵) مناقب هنروران (۱۰۶، ۵۹، ۵۸)، هنر عهد تیموریان (۴۸۲ -۴۸۱).

بتولی رشتی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب بتولی رشتی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست وی در حدود ۱۳۳۴ قمری در رشت متولد و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را در خدمت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و دیگران به پایان رسانیده و در دروس خارج از محضر آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده و بهره کافی برده آنگاه بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین و تجار و اصناف گیلانی و غیره مقیم تهران در اوائل ۱۳۷۰ قمری عزیمت به تهران نموده و در عاصمه تشیع رحل اقامت افکنده و در مسجد خیابان سیروس نزدیک سرچشمه به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای بتولی عالمی عامل و فاضلی کامل و مروجی شایسته است و بیش از سی سالست که وی را می‌شناسم جز پاکی و پرهیزکاری و علم و حلم چیزی از او ندیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بتیستا، دیوید

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

Dave Batista

کشتی گیر: Batista

اسم واقعی: David Bautista

تاریخ تولد: January ۱۸, ۱۹۶۹

محل تولد: Washington DC

محل سکونت فعلی: Reston, Virginia

وضعیت ازدواج:متاهل

فرزندان:۳ دختر

قد: ۵'۶"

وزن:۳۱۷lbs مربی: Wild Somoan Afa

تاریخ ورود به کشتی کچ: ۱۹۹۷

لقب های قبلی:

Kahn در لیگ WXW

Leviathan در لیگ OVW

Demon of the Deep در لیگ OVW

Deacon Batista در لیگ WWE

David Batista در لیگ WWE

ضربه ی نهایی: Batista Bomb ضربه های مورد علاقه:

Spinebuster

Spear

Strong Clothesline

Doublehand Choke Lift

Elevated Half Crab

Elbow Face Stretch

Hammerlock and Arm Bar دشمنان:

Rikishi

Randy Orton

Rev DVon

Scott Stiener

Booker T

Goldust

Chris Jericho

Shawn Michaels

The Dudley Boyz

Booker/RVD

Chris Benoit

Randy Orton

Ric Flair

Triple H

John Bradshaw Layfield

Melina Perez

Mark Henry

The Undertaker

افتخارات:

قهرمانی سنگین وزن جهان در لیگ OVW

قهرمانی Tag team جهان در لیگ WWE همراه Ric Flair با غلبه بر The Dudley Boyz به تاریخ Armageddon ۲۰۰۳

قهرمانی Tag team جهان در لیگ WWE همراه Ric Flair با غلبه بر Booker T و Rob Van Dam به تاریخ March ۲۲, ۲۰۰۴

قهرمانی رویال رامبل ۲۰۰۴

قهرمانی سنگین وزن جهان در لیگ WWE با غلبه بر Triple H در ۲۱ Wrestlemania

قهرمانی Tag team لیگ WWE همراه Rey Mysterio با غلبه بر Joey Mercury و Johnny Nitro به تاریخ December ۱۶, ۲۰۰۵

قهرمانی سنگین وزن جهان لیگ WWE با غلبه بر King Booker همراه Queen Sharmell به تاریخ November ۲۶, ۲۰۰۶

بجستانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین بن العالم الجلیل الشیخ محمد ابراهیم بجستانی خراسانی از علماء متعصب و مجاهد معاصر تهران است که بعلم و تقوا موصوف می‌باشد. وی در سال ۱۳۸۵ شمسی هجری در مشهد مقدس متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات، سطوح را نزد آقای آقا شیخ عظیمی خوانده و در درس خارج آیهٔاللّٰه العظمی آقای حاج حسین قمی و آیهٔاللّٰه آقا زاده کفائی و آقای حاج میرزا احمد کفائی فقها و اصولا شرکت کرده و از محضرشان استفاده کافی و وافی برده و معارف الهی را هم از اسناد الاساتید آیهٔاللّٰه عالم ربانی مرحوم حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند شده تا سال هزار و سیصد و چهل و یک شمسی هجری که اجبارا از مشهد منتقل به تهران و بعد از آن ابتلائات فراوان رحل اقامت باین شهرستان انداخته و در خیابان شهباز جنوبی با منطقی پر شور و حرارت به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته و در مسجد رضوان اقامه جماعت و تنویر افکار می‌نماید. آثار و تألیفات ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم. ۱- توسعه مسجد رضوان ۲- سبائک الذهب ۳- کشکول مخلاه ۴- انموذج اخلاق الرسول و آل.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بجنوردی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۵ -۱۳۱۶ ق)، فقیه، ادیب و نویسنده. در شهرستان بجنورد به دنیا آمد و همان جا تحصیلات مقدماتی کرد و سپس به مشهد رفت و در آنجا علوم عقلی و نقلی را نزد حاج فاضل خراسانی و آقا بزرگ حکیم و آقازاده‌ی خراسانی و آیت الله قمی، و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری اول فراگرفت. سپس به نجف رفت و در محضر آیت الله اصفهانی و میرزای نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، و در شمار مدرسان نجف درآمد. وی تا آخر عمر به تحقیق و تألیف و تدریس مشغول بود. میرزا حسن با شعر آشنایی کامل داشت و خود نیز شاعر بود. تألیفاتی در فقه و اصول از وی به جای مانده است، از آثارش: «منتهی الاصول»؛ «القواعد الفقهیه»؛ «حاشیهٔ العروهٔ الوثقی»؛ «ذخیرهٔ المعاد»؛ «رسالهٔ فی اجتماع الامر و النهی»؛ «کتاب فی الحکمهٔ» که شرحی است بر «الاسفار الاربعهٔ» صدر المتألهین.[۱]

آیه‌الله آقای حاج میرزا حسن بن السید آقا بزرگ ابن السید علی اصغر بن السید فتحعلی بن السید اسماعیل موسوی بجنوردی داماد معظم مرحوم آیه‌الله حاج سید حسین اصفهانی (داماد آیه‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی) از علماء طراز اول معاصر حوزه علمیه نجف و دارای مقام علم و عمل و دقت نظر میباشد.

معظم‌له عالمی محقق و فقیهی مدقق و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول میباشد تولدش در سال ۱۳۱۶ قمری در بجنورد و از آنجا بمشهد و مدت ۱۳ سال از محضر مرحوم آقا زاده کفائی و آیه‌الله قمی و حاج فاضل و دیگران استفاده کرده آنگاه مهاجرت بنجف اشرف نموده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله عراقی و مخصوصا آیه‌الله العظمی اصفهانی شرکت کرده تا به اعلی درجه فقاهت و اجتهاد رسیده است.

تألیفاتی در فقه و اصول دارد که بطبع رسیده و مورد استفاده فضلاء حوزه نجف و قم میباشد و آنها از این قرار است:

۱- منتهی الاصول ۲- القواعد الفقهیه ۳- حاشیه بر عروه الوثقی ۴- حاشیه بر وسائل ۵- رساله اجتماع امر و نهی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۵/۷، ۱۸۴/۳).

بحائی زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، ادیب، قاضی و شاعر. یکی از بزرگان و شاعران صاحب تصنیف است که در هجویه‌سرایی توانا بود. بحائی در مدرسه «سیوری» غزنه ساکن بود و در آنجا به کتابت مشغول بود. در مخزنه درگذشت. از آثار وی: «بحر القلوب»؛ «نحو القلوب»؛ «دیوان» شعر؛ شرح «دیوان بحتری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۹۲/۲، ۱۶۵/۱)، معجم الادباء (۲۹ -۱۸ /۱۸)، معجم المؤلفین (۴۱/۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۹ - ۱۹۷ /۲).

بحرالعلوم تهرانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی از علماء مبرز و مروجین ممتاز معاصر تهران بودند، وی در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه از محضر آیات عظام تهران و نجف اشرف استفاده نموده و در مسجد فخریه (خیابان امیریه) به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و در هیئت بنی فاطمه مردم را بمواعظ حسنه و بیانات رشیقه و متقنه‌ی خود مستفیض نموده تا در سال ۱۳۸۲ قمری که بدرود حیات گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه بن موسی و حضرت عبدالعظیم حسنی علیهماالسلام مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: بحرالعلوم شهرت و لقب جماعتی از علماء مبرز نجف و تهران و رشت و قزوین و غیره می‌باشد. و اشهر مشاهیر آنان مرحوم آیهٔاللّٰه العظمی و العلامه الکبری حاج سید مهدی بحر العلوم بروجردی طاب اللّٰه ثراه عم گرام مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی که از متشرفین مسلم بودند و کرارا بشرف لقاء مولای ما حضرت ولی اللّٰه اعظم صاحب الزمان عجل اللّٰه فرجه الشریف مفتخر شده و قضایای آن در دار السلام عراقی و نجم الثاقب و منتهی الامال و کتب دیگر مسطور است.

از دانشمندان دیگری که باین لقب شهرت گرفته‌اند مرحوم علامه سید مهدی بحرالعلوم قزوینی بودند. وی نیز از علماء معاصر گذشته تهران بودند و با مرحوم حاج سید محمد باقر بحرالعلوم مذکور و حجهٔالاسلام حاج شیخ ابوالفضل خراسانی رحمه‌اللّٰه و عده دیگری از علماء اتقیاء مراوده داشتند دارای علوم ظاهری و معنوی و مکاشفات و مقامات باطنی و حافظ قرآن و طرائف و نوادری بودند و با مؤمنین از جن رابطه داشتند. بعد از ۱۳۷۰ قمری در تهران از دنیا رفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون شدند.

و دیگر از معروفین باین لقب مرحوم حاج بحرالعلوم رشتی برادر ثقهٔالاسلام و حاج شریعتمدار رشتی بودند. و آنها از گیلان و سالها مقیم اعتاب عالیات و در اواخر در تهران اقامت و از دنیا رفتند.

و دیگر از معروفین باین هویت آیت‌اللّٰه حاج سید حسن بحرالعلوم رشتی معاصر است که ترجمه‌اش در ضمن علماء رشت خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحرالعلوم کرمانی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد تقی بحرالعلوم کرمانی عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار است در کرمان متولد شده و پس از نشو و نما و خواندن مقدمات و ادبیات بقم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیات عظام حوزه و مدرسین بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه رسیده آنگاه برای تبلیغ به بندرشاه آمده و اهالی محترم بندر ویرا علما و عملا و خلقا پسندیده برای اقامت آنجناب اقداماتی نموده از جمله بحضرت آیه‌الله العظمی بروجردی ره نامه نوشته و از حسن عمل و خدمات معظم‌له تقدیر و تقاضای اقامت او را نمودند آیه‌الله مرحوم بایشان امر فرمودند که دعوت مردم را اجابت کنند پس ایشان پذیرفته و اکنون بالغ بر بیست سالست که در آنجا باقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند و چون در آن حدود ترکمان که اغلب سنی حنفی و یا شافعی هستند حسن عمل و خدمات و اخلاق حمیده او را دیدند بسیار بایشان گرویده و از مذهب پدرانه خود دست کشیده‌اند.

نگارنده گوید آقای بحرالعلوم از اصدقاء و دوستان نزدیک حقیر است دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و میهمان دوست و رفیق میباشند. از سالیکه به بندرشاه مهاجرت نموده‌اند تاکنون خدمات بزرگی انجام داده و بین برادران تسنن آن حدود و شیعیان التیام داده و دوستی و رفت و آمد برقرار کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحرالعلومی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۲۹۶.

درگذشت: ۲۶ آبان ۱۳۶۸.

حسین بحرالعلومی سال‌ها در دبیرستان‌ها و سپس در دانشگاه تدریس می‌کرد. استاد ادبیات دانشگاه تهران و اصفهان بود. رساله دکترای او تصحیح دیوان کمال‌الدین اسماعیلی اصفهانی بود و توفیق یافت آن را به چاپ برساند. کار دیگر او تدوین و تألیف کتاب انجمن آثار ملی است. وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «کارنامه‌ی انجمن آثار ملی»، «تماشا»، «فرهنگ و هنر» و «پشوتن»، می‌نوشت. وی در هفتمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، مقاله‌ای تحت عنوان «تحقیقی در احوال و آثار پیر هرات» ارائه داد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بحرانی، ابوالحسن سلیمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۲۱ -۱۰۷۵ ق)، فقیه، محقق، محدث، خطیب و شاعر امامی. معروف به محقق بحرانی. در ماحوز بحرین به دنیا آمد. در هفت سالگی «قرآن» را حفظ کرد. او در محضر درس علمای بحرین حاضر شد. شیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بحرانی و شیخ سلیمان بن علی شاخوری و شیخ صالح بن عبدالکریم در تکوین حیات علمی وی نقش بسزایی داشتند. وی از شاگردان علامه مجلسی بود و از او و دیگر علمای معاصرش همچون علامه سید هاشم بحرانی، صاحب «البرهان فی تفسیر القرآن» و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و سید محمد بن ماجد بحرانی ماحوزی حدیث نقل کرده است. او در حفظ و دقت و سرعت انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش مرجع استفاده‌ی دانشمندان بود. ابوالحسن در روز جمعه نیز بعد از نماز، صحیفه‌ی سجادیه را تدریس می‌کرد. شیخ عبدالله بن حاج صالح سماهیجی و شیخ احمد بحرانی پدر صاحب «حدائق» از شاگردان وی بودند. در دونج، یکی از روستاهای ماحوز درگذشت و در مقبره‌ی شیخ میثم، جد ابن‌میثم، شارح نهج‌البلاغه، دفن شد. وی متجاوز از شصت تألیف دارد که از آن جمله: «بلغهٔ» یا «بلغهٔ المحدثین»، در رجال؛ «جواهر البحرین»، تاریخ علمای بحرین؛ حاشیه «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی؛ حاشیه «خلاصهٔ الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «مشرق الشمسین» شیخ بهائی؛ «سر المکتوم فی حکمهٔ تعلم علم النجوم»؛ «الشفاء فی الحکمهٔ النظریه»؛ «معراج اهل الکمال الی معرفهٔ الرجال» یا «المعراج»، در شرح «الفهرست» شیخ طوسی؛ «هدایهٔ القاصدین الی عقائدالدین»؛ شرح «الباب الحادی عشر»؛ «النکت البدیعهٔ فی فرق الشیعهٔ»؛ «اربعون حدیثا فی الامامهٔ من طرق العامهٔ»؛ کشکول «ازهار الریاض»، در ادب، در سه جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۱/۳)، اعیان الشیعه (۳۰۷ -۳۰۲ /۷)، ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۷۶، ۶۶۹، ۶۱۶، ۱۹۱، ۷۱، ۱۲ /۲، ۱۵۹، ۱۱۰، ۱۰۴، ۶۶ /۱)، تلامذهٔ العلامهٔ المجلسی (۲۹ -۲۸)، الذریعه (۳۳/۲۵، ۴۶۶/۹، ۱۸۲، ۱۸۱- ۵/ ۱۷۴/۴، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶- ۳/)، روضات الجنات (۲۲ -۱۷ /۴)، ریحانه (۲۳۸ -۲۳۷ /۵، ۲۳۱/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ سلیمان)، معجم المؤلفین (۲۶۷/۴)، هدیهٔ العارفین (۴۰۵ -۴۰۴ /۱).

بحرانی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۲ ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر امامی. به جهت انتساب به دو تألیف گرانسنگ خویش «خمائل» و «ریاض الدلائل» او را گاهی فاضل الخمائل و زمانی فاضل الدلائل نیز گفته‌اند. وی در روستای مقابی بحرین به دنیا آمد. او برای پیمودن مدارج عالی اجتهاد به اصفهان رفت، و در سلک شاگردان مجلسی درآمد. مجلسی در اجازه‌ی خود او را بسیار ستوده است. ملا محمد باقر سبزواری صاحب «ذخیره» برای استفاده از مراتب علمی او هفته‌ای دو روز با وی مصاحبت داشته است. شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی، صاحب «بلغهٔ الرجال»، و ملا ابوالحسن شریف عاملی فتونی از شاگردان او بودند. وی به مرض طاعون درگذشت و در کاظمین به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاستقلالیه»؛ رساله «البداء»؛ «الحسن و القبح العقلیان»؛ «الخمائل»، در فقه؛ «ریاض الدلائل و حیاض المسائل»، در فقه؛ «الرموز الخفیهٔ فی المسائل المنطقیهٔ»؛ «المشکاهٔ المضیئهٔ فی العلوم المنطقیهٔ»؛ «عینیهٔ صلاهٔ الجمعهٔ»، اثری فقهی که در آن ثابت کرده نماز جمعه در عصر غیبت واجب عینی است. از دیگر آثارش «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۹/۱)، اعیان الشیعه (۱۷۳ -۱۷۲ /۳)، ایضاح المکنون (۴۸۸/۲، ۶۰۱، ۵۸۴ /۱)، تلامذهٔ العلامهٔ المجلسی (۱۸ -۱۶) الذریعه (۳۲۵ -۳۲۴، ۲۵۲ /۱۱)، ریحانه (۱۴۲ -۱۴۱ /۲، ۲۳۰ /۱)، روضات الجنات (۱۹۰/۸، ۹۷ -۹۵، ۳۹ /۱)، ریاض العلماء (۶۹ -۶۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، معجم المؤلفین (۱۶۹/۲)، هدیهٔ العارفین (۱۶۶/۱).

بحرانی، ماجد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۷ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. پس از فراگیری مقدمات علوم و ادبیات عربی و فارسی، مدارج عالی‌تر را نزد پدر خود که جامع علوم و شیخ الاسلام شیراز بود فراگرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. بحرانی پس از کناره‌گیری پدرش، مدتی قاضی و شیخ الاسلام شیراز بود. سپس به اصفهان رفت و در آنجا نیز به کار قضاوت پرداخت. وی از معاصران شیخ حر عاملی بود و با او مکاتبه داشت. شیخ حر در رثای وی قطعه‌ای سروده است. از آثار او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» که ناتمام مانده؛ «التحفه السلیمانیه»، ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به فارسی، که به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف و در ۱۳۰۱ ق چاپ شده؛ «فصوص سلیمانیه»، شرح فارسی، «دعای بیت المعمور»، که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۶ -۲۳۵ /۱۶، ۱۴۵، ۱۴۴- ۱۴/ ۴۴۲، ۴۴۱- ۳/)، ریحانه (۲۳۲ -۲۳۱ /۱).

بحری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بحری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی بحری(طیبّی) فرزند محرم علی بحری(طیبّی)، به تشویق والد معظم بعد از پایان دبستان در قم وارد حوزه علمیه قم شدم. کتاب های صرف و نحو و منطق را نزد اساتیدی مانند مرحوم سالک و آقای تهرانی، کتاب معالم را نزد استاد مرحوم فاضل هرندی و قوانین الاصول را نزد استاد آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی و کتاب منطق کبری و بخشی از شرح تجرید را نزد والد، باب حادی عشر را نزد استاد آیت الله صلواتی ، شرح لعمه را خدمت آیت الله فاضل هرندی، رسائل و مکاسب محرمه را خدمت آیت الله سبحانی، بیع مکاسب نیز خدمت آیت الله مشکینی، جلد اول کفایه را نزد استاد سبحانی و جلد دوّم را نزد آیت الله سلطانی ، با جدیّت به پایان رساندم در سن بیست سالگی در امتحان خارج حوزه شرکت کردم. بعد از موفقیت در امتحان کتبی امتحان شفاهی را خدمت آیت الله لطف الله صافی و آیت الله محسن دوز دوزانی با موّفقیت به پایان رساندم. سال هزار و سیصد و پنجاه همان سالی که امتحان درس خارج را دادم ازدواج کردم. بحمد الله با شهریه ماخوذه و مبالغی که در ایام تبلیغ، ایامی که حوزه تعطیل بود از طرف حضرت اباعبد الله حواله می شد براحتی از نظر معیشتی زندگی می کردم. یکی از توفیقات الهی که بنده از آن بر خوردار بوده ام این بوده که از وقتی سیوطی می خواندم شروع به تدریس کرده ام و اولین تدریس از دروس صرف و نحو آغاز شد و اولین درس خارج را که شرکت کردم درس آیت الله العظمی وحید خراسانی بود که قریب بیست و سه صبح و عصر در فقه و اصول معظم له شرکت کردم بعد از انقلاب اسلامی تدریس در دانشگاه را نیز پذیرفتم و تا کنون تدریس در حوزه (جامعهٔ الزهراء) و در دانشگاه ادامه دارد.

(یکی از شاگردان اینجانب اخیراً اعتراف می کرد چند سال نزد اینجانب درس خواند بنده فکر می کردم چند ماه بیشتر درس نخوانده و در انتخابات خبرگان رهبری رأی آورد و به جمع خبرگان رهبری پیوست.)

بحری، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین بحری بیناباج

محل تولد : قاینات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسن بحری بینا باج در سال ۱۳۲۱هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهر قائنات دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال های خفقان و در سال ۱۳۳۵ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میلانی و حجت الاسلام والمسلمین نیشابوری بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۵۲ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهد و دانشگاه آزاد تربت جام، مشغول می باشد.

بخاری

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۳ ق)، نحوی و فقیه حنفی. وی در بخارا متولد شد. خواهرزاده قاضی محمد بخاری بود. در بخارا از دنیا رفت. از آثارش: «المبسوط» در فروع؛ «المختصر»؛ «التجنیس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۲/۶)، ریحانه (۱۹۲/۲)، کشف الظنون (۱۵۸۰، ۱۲۲۳، ۵۶۹)، لغت نامه (ذیل/ خواهرزاده)، معجم المولفین (۲۵۳/۹)، هدیه العارفین (۷۶/۲).

بخاری، عنایت‌اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۶ ق)، مفسر، نحوی و عالم حنفی. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر سورهٔ البقره» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح العضدیهٔ» دوانی؛ حاشیه بر «شرح اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «شرح الکافیهٔ» جامی، در نحو؛ حاشیه بر «شرح حکمهٔ العین» مبارکشاه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۴۱ /۱)، معجم المؤلفین (۱۴ -۱۳ /۸)، هدیهٔ العارفین (۸۰۴ /۱).

بختیاری، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بختیاری

محل تولد : تاکستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه همدان شدم، و مقدمات تحصیلی را شروع نمودم و بعد از یک‌سال همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات صرف و نحو و معالم و مغنی را در مدرسه المهدی آیت الله گلپایگانی فراگرفتم، اصول فقه مرحوم مظفر را نزد آیت الله اشتهاردی و صالحی افغانی تلمذ کردم. در سال ۱۳۶۲ ازدواج نموده و در نیروگاه قم مستأجر شدم، همزمان با فراگیری تحصیلات حوزوی مشغول تبلیغ در ایام تبلیغی و رفتن به جبهه شدم.

سطح را نزد اساتید بزرگوار حوزه فراگرفتم و در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ دوره دوم تخصصی کلام را در موسسه امام صادق(ع) گذراندم و در سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ در رشته‌ی کارشناسی ارشد دوره مدرسی الهیات و معارف اسلامی را در موضوع پایان‌نامه فلسفه دعا و نقش تربیتی آن گذراندم و اکنون پس از سال‌ها مشغول تدوین پایان‌نامه در سطح چهار حوزوی در موضوع ـ محو و اثبات بر محور عبودیت و انسان می‌باشم و درس خارج را از سال ۱۳۶۹ ـ ۱۳۷۰ در نزد اساتید بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی گذرانده‌ام و آنچه فعالیت این‌جانب محسوب می‌شود، اشتغال به تدوین پایان‌نامه فوق و تبلیغ در ایام تبلیغی هستم.

بختیاری، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمّد حسن بختیاری، مؤلّف شرح نهج البلاغه متوفّی به سال ۱۲۷۲.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بختیاری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پدرش نیز از علما و فضلا معدود بوده، و در سال ۱۳۱۲ در اصفهان وفات یافته است. وی از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده، و کتب زیر از اوست:

۱ - تفسیر سوره‌ی آل عمران ۲ - تفسیر سوره‌ی انبیاء ۳ - تفسیر سوره‌ی یوسف

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بدرالدین، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۹ ق)، حکاک. ملقب به مرصع رقم. وی شاگرد شیخ محمدیار و از هنرمندان عصر خود بوده و در حکاکی مهارت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۹/۱).

بدیع اصفهانی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ق)، عالم، فقیه، مدرس، ادیب و شاعر. به مناسبت سکونت در محله درب امام، به درب امامی مشهور بود. پدرانش عموما از دانشمندان اصفهان به حساب می‌آمدند. او نزد حاج ملاحسینعلی تویسرکانی و میرسید محمد شهشهانی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی و حاج شیخ محمد باقر نجفی درس خواند و اجازه اجتهاد گرفت. حاج سید میرزا بدیع در مدرسه نیماورد درس می‌گفت و متجاوز از یکصد دانشمند در محضرش تلمذ می‌کردند و عوام و خواص در وقت نماز بدو اقتدا می‌کردند. او علاوه بر کمالات علمی در هنر خط نیز شهرت داشت و در ادب و شعر توانا بود. از آثار وی: حاشیه بر «ریاض»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ رساله‌ای در «خراج»؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۲۰۱ -۲۰۰)، حدیقهٔ الشعراء (۲۲۶ -۲۲۵ /۱)، الذریعه (۱۷۵/۶)، معجم المؤلفین (۴۰/۳).

بدیع‌الزمان نطنزی، ابو عبدالله حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۹/۴۹۷ ق)، ادیب و شاعر. وی از اهالی نطنز بود و در اصفهان زندگی می‌کرد. او تمام عمر خویش را به معلمی و درس و بحث گذراند و در دو زبان فارسی و عربی ادیبی معروف شد. به همین دلیل او را ذوالبیانین یا ذواللسانین لقب دادند. در شعر فارسی نیز دست داشت بخصوص سرودن اشعار مصنوع، از شعر او جز چند قطعه چیزی باقی نمانده است. تألیفات او عبارت‌اند از «الخلاص» یا «دستور اللغهٔ» و «المرقاهٔ» که هر دو در لغت عربی به فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۶)، الذریعه (۳۱۱/۲۰، ۱۳۱/۹، ۱۶۶، ۱۶۵، ۸/ ۲۰۸/۷)، ریحانه (۲۷۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳)، کشف الظنون (۷۵۴)، معجم البلدان (۳۳۷/۵)، معجم المؤلفین (۱۹۱/۳).

بدیع‌الزمان همدانی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۹۸/۳۷۸ -۳۵۸/۳۵۳)، مقاله‌نویس و شاعر. ملقب به مهذب‌الدین. در همدان تولد یافت. ساکن هرات شد. از شاگردان ابن‌فارسی رازی و صاحب بن عباد بود و یکی از فضلا و فصحا عصر خود. وی در حدیث هم ثقه بود و مذهب اشعری داشت. با ابوبکر خوارزمی، دانشمند مشهور زمان خود در شهر نیشابور مناظراتی داشت و از این طریق بود که شهرت زیادی به دست آورد و بعد از درگذشت ابوبکر در همه کارهای دیوانی جانشین او شد. بدیع‌الزمان مسافرتهایی به سیستان، غزنه و دیگر بلاد خراسان کرد و از امرا و فضلا و مشاهیر زمان تمتعی کامل برگرفت، و ثروتی عظیم اندوخت. در هرات ازدواج کرد و همان جا درگذشت. وی حافظه‌ای قوی داشت و آثاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت و مقامه‌نویسی را رونق و کمالی بسزا بخشید. در واقع او خود نخستین کسی است که مقامه‌نویسی را ایجاد کرده و در این راه پیشوای آیندگانی چون حریری و دیگران شد. آثار وی قریب به چهارصد مقامه می‌شده که برگزیده‌ی آنها پنجاه و نه مقامه است. از دیگر آثار وی: «مجموعه‌ی رسائل»؛ «مناظرات او با ابوبکر خوارزمی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۸۱ -۵۷۰ /۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۵۸ -۱۵۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۰/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۳ -۳۴۹/۴۰۰ -۳۸۱)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۳۹۶/۱)، الذریعه (۱۳۱/۹)، روضات الجنات (۲۵۰ -۲۴۸ /۱)، ریحانه (۲۴۴ -۲۴۳ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۱ -۲۲۰ /۱)، سیر النبلاء (۶۸ -۶۷ /۱۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۹ -۸)، الکنی و الالقاب (۷۶ -۷۵ /۲)، کشف الظنون (۱۷۸۵)، لغت‌نامه (ذیل/ بدیع‌الزمان)، معجم الادباء (۲۰۲ -۱۶۱

۲/)، الوافی بالوفیات (۳۵۸–۳۵۵ /۶)، وفیات الاعیان (۱۲۹ –۱۲۷ /۱)، هدیهٔ العارفین (۶۹/۱).

بدیع‌الزمان، احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. نادر روزگار) احمد بن حسین همدانی (ف. ۳۹۸ ه.ق.) وی علوم ادبی عرب را در همدان نزد ابن فارس رازی فراگرفت و سپس به خدمت صاحب بن عباد رسید و از او نیز استفاده علمی کرد. «رسائل» (ه. م.) و «مقامات» (ه. م.) وی در ادب عرب ممتاز است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

بدیعی اندجانی، یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۷ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به بدیعی. ملقب به بدیعی معمایی. در اواخر دوران تیموری در اندجان متولد شد. در کودکی به سمرقند رفت و نزد صفایی شاگردی کرد و به همین جهت به ملایوسف صفایی نیز مشهور شد، گرچه، از شهرت صفایی راضی نبود. بدیعی در سرخس درگذشت و در خانقاه شیخ لقمان پرنده دفن شد. مولانا یوسف به علم عروض و صنایع و بدایع شعری و فن معما آگاهی داشت و صاحب «رساله‌ای در معما» و «قصیده‌ی مرآة الصفا» است. از وی «دیوان» شعری نیز بر جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۶۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۳ – ۱۰۲)، حبیب السیر (۳۳۷/۴)، الذریعه (۱۳۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۹)، مجالس النفائس (۱۲۲).

بدیعی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۰ ق)، دانشمند، طبیب، ادیب و شاعر. از دوستان مظفر علی نقاش و مردی خوش‌طبع و خوش‌مشرب بود، به ترکی و فارسی شعر می‌گفت. وی در سرودن غزل مهارت داشت و این امر از «دیوان» غزلیات بازمانده از وی تأیید می‌شود. برخی «مثلثات منظوم» در لغت را از او دانسته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۶ –۵۲۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۸۷ –۸۶ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۶ –۶۵)، الذریعه (۱۳۱/۹،۸۰/۱۹)، سخنوران آذربایجان (۲۳۴ –۲۳۳)، هفت اقلیم (۲۲۹/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۳۰ – ۱۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰/۲)، مجمع الخواص (۲۶۰).

بدیعی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر بدیعی در فروردین ۱۳۱۸ در اصفهان به دنیا آمد.وی تحصیلات خود در رشته‌ای نامرتبط با فن ترجمه ادامه دادو لیسانسش را گرفت . او درس‌های دورهٔ دکترای همان رشته را نیز تمام کرد، اما چون رسالهٔ پایان دورهٔ تحصیلی را نگذرانده است درجه و عنوان دکترا ندارد.مشاغلش همواره در همان زمینهٔ تحصیلات دانشگاهی‌اش بوده و از این رو به ترجمه به عنوان یک شغل و حرفه نگاه نمی‌کند. کتاب" چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی "ترجمه منوچهر بدیعی ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر بدیعی تحصیلات دورهٔ دبستان و دبیرستان را در همان شهر گذراند و سپس در دانشگاه تهران در رشته‌ای نامرتبط با فن ترجمه تحصیل کرد و لیسانس گرفت. درس‌های دورهٔ دکترای همان رشته را نیز تمام کرد، اما چون رسالهٔ پایان دورهٔ تحصیلی را نگذرانده است درجه و عنوان دکترا ندارد
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل منوچهر بدیعی همواره در همان زمینهٔ تحصیلات دانشگاهی‌اش بوده و از این رو به ترجمه

به عنوان یک شغل و حرفه نگاه نمی کند

جوائز و نشانها : کتاب" چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی "ترجمه منوچهر بدیعی ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : ترجمه‌های منتشر شدهٔ منوچهر بدیعی علاوه بر چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی عبارت است از: بیست اثر سینکلر لوییس؛ بازار خود فروشی اثر ویلیام تکری؛ جادهٔ فلاندر اثر کلود سیمون؛ آدم اول اثر آلبر کامو؛ ژان باروا اثر روژه مارتن دوگار؛ مقدمهٔ آلبر کامو بر مجموعهٔ آثار روژه مارتن دوگار؛ کتاب کوچکی دربارهٔ جیمز جویس (چاپ دوم آن همراه با بخش هفدهم اولیس اثر جیمز جویس)؛ دو کتاب کوچک دربارهٔ «رابله» و «ناتالی ساروت» و چند مقالهٔ فلسفی و ادبی در نشریه‌های فرهنگ، ارغنون، کلک و سرانجام، آخرین ترجمهٔ منتشر شدهٔ او کتاب قرائتی نقادانه از رمان چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی شاهکار جیمز جویس نوشتهٔ دیوید سید است. ترجمه بخشی از اولیس نیز، دیگر اثر ارزشمند اوست. ------------------------------
----

آثار :

۱ آدم اول اثر آلبر کامو

۲ ارغنون، کلک و سرانجام

۳ بازار خود فروشی اثر ویلیام تکری

۴ بیست اثر سینکلر لوییس

۵ جادهٔ فلاندر اثر کلود سیمون

۶ چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی/ جیمز جویس؛ ترجمهٔ منوچهر. بدیعی. ـ تهران: نیلوفر، ۱۳۸۰.۳۸۳ص. این شاهکار ادبی که در اوایل قرن بیستم میلادی نوشته شده، از نخستین رمان‌هایی است که سیر رشد و تکامل قهرمان داستان را از دوران کودکی تا سن کمال در تمامی ابعاد آموزش و پرورش وی نشان می‌دهد و از این لحاظ با رمان‌های قرن نوزدهم تفاوت دارد. به یک معنا می¬توان گفت که این رمان نخستین سنگ‌بنای رمانِ نو است. این رمان، نه تنها رشد جسمانی شخصیت داستان بلکه رشد معنوی و مذهبی و پرورش معنوی مذهبی و فلسفی او را نیز نشان می‌دهد. وصف تأثیر تربیت دینی قهرمان رمان و واکنش‌های او و نسبت به این تربیت، که به صُورِ گوناگون فلسفی و هنری ظاهر می‌شود، یکی از ویژگی‌های برجستهٔ این رمان است. در عین حال، در این رمان به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی رشد قهرمان توجه وافر شده است. فضای تاریخی رمان و در نتیجه فضای آموزش و پرورش قهرمان آن، فضای جامعه‌ای است استعمارزده که می‌خواهد آزادی را به دست آورد و در این راه مبارزه‌ها کرده است. این، شاید تنها سندِ ادبی باشد که تنش عقیدتی و اجتماعی ایرلند را پس از سال‌ها تحمل استعمار انگلیس نشان می‌دهد. از لحاظ تطابق صورت با محتوا، این اثر در حد کمال است. در این رمان به تناسب رشد شخصیت اصلی، زبان رمان از مرتبهٔ کودکانه به مرتبهٔ زبان شاگردان و معلمان مدرسه و از آن‌جا به مرتبهٔ زبان دینی و سرانجام به مرتبهٔ زبان فلسفی، به ویژه زبان فلسفهٔ هنر، تحول می یابد. اغلب جویس¬شناسان معتقدند که چهر ?مرد هنرمند در جوانی، در واقع زندگینامهٔ خود نوشت جویس است از دو سالگی تا حدود بیست سالگی، یعنی تا زمانی که برای نخستین بار به پاریس رفت. ترجم ?چنین رمانی مهارت و چیره‌دستی فراوان می‌خواهد و مترجم با استادی از عهد ?این کار برآمده و ترجمهٔ هنرمندانه‌ای ارائه کرده است. بافت متن یکدست و زیباست و با توجه به قرابت واژگانی و نحوی ترجمه با متن اصلی و تناسب نثر ترجمه با سبک مؤلف، مترجم محترم توانسته است متنی ادبی بیافریند که با متن اصلی، به لحاظ برخورداری از کیفیت ادبی، چندان فاصله ندارد، یا دست کم فارسی زبان را از لذت درک ادبی متن اصلی بی‌بهره نمی‌گذارد. نکات فرهنگی، اساطیری، تاریخی و جغرافیایی یا واژگانی و ادبی موجود در کتاب به نحوی شایسته و کامل در بخش «یادداشت‌ها» در پایان کتاب توضیح داده شده که بر فایدهٔ این ترجمه می‌افزاید. خلاصه آن که ترجمهٔ بسیار دشوار این رمان، یکی از موفق‌ترین ترجمه‌های زمان حاضر به شمار می‌آید.

۷ دو کتاب کوچک دربارهٔ «رابله» و «ناتالی ساروت» و چند مقالهٔ فلسفی و ادبی در نشریه‌های فرهنگ

۸ ژان باروا اثر روژه مارتن دوگار

۹ کتاب کوچکی دربارهٔ جیمز جویس

ویژگی اثر : چاپ دوم آن همراه با بخش هفدهم اولیس اثر جیمز جویس

۱۰ مقدمهٔ آلبر کامو بر مجموعهٔ آثار روژه مارتن دوگار

منابع :

۱www.ketabesal.ir

بدیعی، نعیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روزنامه‌نگاری، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

براتی، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی براتی

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارده حوزه شدم حدود ۱۲ سال در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. نزدیک به ۱۵ سال در مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی به فعالیتهای پژوهشی مشغول بوده ام از جمله آنها پژوهشکده باقرالعلوم(ع) . تاکنون حدود سی مقاله تالیف کرده ام و بیش از یکصد کتاب، مقاله و پایان نامه را نقد، بررسی و ارزیابی کرده ام. در حوزه اطلاع رسانی به ویژه کتابشناسی سالها تجربه علمی و عملی دارم که محصول آن در تولید نرم افزار کتابشناسی هادی با کمک دیگر دوستان و همکاران فنی امروز در دسترس بسیاری از مراکز پژوهش و پژوهشگران و حوزه و دانشگاه است. این نرم افزار اندیشه ای جدید در حوزه فهرست نویسی و مأخذ شناسی در حوزه علوم اسلامی و علوم انسانی را عرضه می کند.

مشاوره و راهنمایی غیر رسمی به طلب، داشنجویان و محققان و نویسندگان در تدوین به ویژه رساله و مقاله از فعالیتهای مهم اینجانب بوده است و هم اکنون بسیاری از پایان نامه ها حوزه های علمیه خواهران توسط اینجانب مأخذ شناسی می شود.بارها شیوه کتابداری و کتابشناسی مرسوم را به نقد کشیده ام و آن را بویژه در حوزه علوم اسلامی ناکافی می دانم.در مباحث علوم اسلامی و سیاسی به تدریس در آموزش و پرورش (معلمین)، دبیرستنها و دانشگاه نیز چندین سال هست مشغول بوده ام.

برارپور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم برارپور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی خویش را در مدرسه نوشیروانی بابل با رتبه ممتاز در کلاسهای اول، سوم ، چهارم و پنجم گذراندم. تحصیلات راهنمایی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد و دبیرستان را در مدرسه طالقانی. در سال ۷۵ در رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه آزاد قائم شهر قبول شده و بعد از گذراندن یک ترم تحصیلی با توجه به علاقه وافر به دروس حوزوی و زندگی در فضای معنوی، وارد حوزه علمیه خاتم الانبیای بابل شدم. و سالهای بعد در مدرسه روحیه بابل دروس خویش را تا پایه ۶ به اتمام رساندم و در سال ۸۰ به قم مراجعت کرده و در مدرسه علمیه معصومیه پایه های ۷ و ۸ و در مدرسه علمیه قدیری پایه های ۹ و ۱۰ را به پایان رساندم و الان مشغول به درس خارج هستم. از آنجا که به مطالعه در زمینه های فرهنگی و سیاسی و در خصوص دفاع مقدس علاقه وافر داشته ام عمده تحقیقات خویش را در این زمینه ها مستقر کرده ام و در زمینه سیاسی عضو مجمع تحلیل و بررسی سیاسی سپاه منطقه قم هستم و دوره دو ساله آن را با موفقیت به پایان رساندم و در زمینه دفاع مقدس با ستاد کنگره شهدای روحانی تیپ ۸۳ امام صادق (ع) همکاری داشتم و در زمینه فرهنگی با موسسه ولاء و تشکل جمعی از طلاب و بسیجیان شهرستان بابل در راستای اشاعه فرهنگ شهادت و ایثار فعالیت نمودم و اکنون نیز فعال هستم و تاکنون چندین مقاله و کتاب نوشته ام و پروژه های سیاسی در راستای پژوهشهای علمی انجام داده ام

براری گاوزنی، عبدالحق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحق براری گاوزنی

محل تولد : رود بست

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ در عهد طاغوت دیپلم علوم تجربی (طبیعی آن زمان) را دریافت کردم (از شهرستان بابلسر). با اینکه در کنکور دانشگاه آن زمان شرکت کرده بودم اما شوق تحصیل حوزوی و دانستن زبان عربی مرا به مدرسه علمیه فریدونکنار که تازه به دست حجهٔ السلام محمودیان نماینده آیت الله العظمی گلپایگانی در فریدونکنار (مسجد صاحب الزمان) دائر شده بود، وارد شدم و به تدریج صدای انقلاب از قم و تهران و... به مازندران هم رسیده بود که البته با حال و هوایی که داشتیم در اولین اعتراضات مردم قم خود را به قم و تهران می کشاندیم و درس و بحث‌ها تحت الشعاع فعالیت انقلاب قرار گرفته بود و بارها تهدید و تحت تعقیب بودم بالاخره بـا پیروزی انقلاب اسلامی به حوزه مشهد جهت تقویت ادبیات رفته بودم و در درس حجت هاشمی ادیب معروف شرکت کرده بودم. سیوطی را گذراندم. شوق حوزه قم مرا به قم کشانده بود آغاز جنگ آغاز حال و هوایی دیگر بود و چند سال جنگ به خاطر ارتباط با گردان یا رسول فریدونکنار و حاج حسین بصیر که تا جانشینی لشکر ۲۵ کربلا پیش رفته بود و در کربلای ۱۰ در قله‌های مائوت عراق به شهادت رسیده بود به خاطر ارتباط دامادی و برادرخانمی با ایشان و همراهی با مجاهدان شمال روزگار جنگ را با اهل جنگ محشور بودیم و البته درس و بحثم را در مدرسه گلپایگانی صفائیه می گذراندم.

یکی از خاطراتم اینکه هرگز بحث خبر واحد را از اصول فقه و معالم تا کفایه استاد ندیده بودم و همه‌اش در این قسمت از بحث در جبهه‌ها بودم! دوارن جنگ تمام شد و با دوستان زمان جنگ حاج آقا داود صمدی آملی و حاج آقا مسرور قائم شهری که هم مباحثه‌های اینجانب بودند به درس و بحث مشغول بودیم بعد از اتمام لمعتین از مدرسه گلپایگانی(ره) برای دروس بعدی وارد حوزه (بیرون از مدرسه) شدیم. رسائل را خدمت آیت الله اعتمادی و قسمتی از لمعه را هم با وجدانی فخر گذراندم و در ضمن با نوار دروس فلسفه (بدایهٔ و نهایه را) با مباحثه دوستان گذراندم. کفایه را با اساتیدی چند از آیت الله صالحی مازندرانی و احمدی یزدی و آیت الله راستی پیش بردیم و در درس خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی حفظه الله شرکت کردیم (حدود ۶ سال) و با درس فقه آیت الله جوادی بحث اجاره در مدرسه سعادت و حدود و تعزیرات از آیت الله مرحوم شیخ جواد تبریزی(ره) استفاده کردیم.روزها ساعت ۱۱ حدود ۵ سال با تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم همراه بودیم و با آغاز درس مصباح الانس ابن فناری از آیت الله حسن زاده آملی خواستیم تا ما را به حضور بپذیرد نامبرده امتناع کرد، فرموده بودند چون پایینی‌ها را نخواندید نمی‌شود (تمهید القواعد ـ فصوص الحکم و...) اما اصرار کردیم تا اجازه استفاده از نوارهای فصوص را مرحمت کردند و همراه با استفاده از درس فصوص به شکل نوار از درس مصباح الانس ایشان استفاده می‌کردیم ـ حال و هوای عجیبی و شوق زیادی را در این دوران نشان می‌دادیم.

متأسفانه درس مصباح الانس به دلیلی که اینجا مطرح نمی‌کنم تعطیل شد و مایه تاسف ما شد.سه جلد اول اسفار را با آیت الله حسن زاده آملی گذراندیم با اینکه جلد اول را با آیت الله جوادی آملی سر کرده بودیم.سال ۷۲ در کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شدم، دوره کارشناسی فلسفه غرب در دانشگاه موجب ضعف ارتباط لازم با حوزه تلقی می‌شد و بالاخره سال ۷۶ کارشناسی را تمام نمودم.در طول این سالها به اندازه یک نماینده پر حرارت مجلس برای مردم زادگاهم چه تلاش‌ها و عمران و آبادی‌ها که نکردم در طول سال تحصیلی علاوه بر تبلیغ در حوزه شهر بابلسر و فریدونکنار زادگاهم (که بین این دو شهر بوده است (رودبست)) چه وقت‌ها و سفرها که هزینه نکردم و ناله اهل خانه به آسمان بلند بود و با توجیه اینکه امروز وقت این کارها هم هست از درس و بحث گاه می‌زدم و چه کارها که نکرده بودم.بحمدالله از احداث مدرسه ابتدایی تا راهنمایی و ساختن مسجدی باشکوه در حدود هزار متر مربع (با بالکس) و به شکل جمکرانی و احداث آسفالت در حدود ۳ کیلومتر در زادگاه خود و تلاش برای آوردن تلفن و آب آشامیدنی و بسیار کارهای عمرانی و محلی دیگر که همین‌ها مرا مدت‌ها معطل خود کرده بود مشغول بودم.با سخنرانی‌های زمان جنگ و بعد از جنگ از مسجد تا میدان شهر فریادگر دفاع از امام و انقلاب اسلامی بودم و بحمدالله با همان روحیه همچنان در سنگرم (الحمدالله الذی هدانا...)

در سال ۱۳۸۰ در کارشناسی ارشد فلسفه غرب در دانشگاه تهران مرکز قبول شدم و مقارن این قبولی همراه با حاج آقا دهقان وارد کار در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) همراه با تدریس دروس معارف مشغول شدم قبل از دانشگاه بین‌المللی امام(ره) در دانشگاه علوم پزشکی ارتش در تهران به تدریس دروس معارف و اخلاق پزشکی و ریشه‌های انقلاب اسلامی می‌پرداختم.الان بیش از ده سال است که به تدریس دروس معارف مشغولم و همچنان در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی در خدمت فعالیت‌های همراه با آمال رهبری می‌باشم.

بربا، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد بربا

محل تولد : تویسرکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی محمد بربا در سال ۱۳۳۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان تویسرکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر او را راهی قم گردانید.

و در سال ۱۳۵۵ که سال های اوج خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود به قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله محقق داماد، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد از سال ۱۳۶۶ تا کنون به امر تدریس در دانشگاه پیام نور تویسرکان و دانشگاه آزاد اسلامی تویسرگان مشغول می باشد که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. علاوه بر این وی به مدت ۱۰ سال بر کرسی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان تکیه زده بود که در این مدت خدمات ارزنده ای به دانشجویان آن دانشگاه ارائه کرد. در ضمن استاد گرانقدر آقای بربا هیچ وقت از نگارش و پژوهش غافل نمانـد و آثاری از قبیل" نقش استاد در سلوک روح الله"،"نقد نظری ترایون " و" عرفان و اهل بیت (ع")را به رشته تحریر در آورده است.

برجی، یعقوب علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب علی برجی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۵۳-۵۲ وارد حوزه علمیه" فضل ابن شاذان "نیشابور شدم. ادبیات عرب، معانی بیان، منطق، لمعتین و اصول فقه را در آن حوزه فرا گرفتم. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه مشهد هجرت نموده و کتابهای«الرسائل» شیخ اعظم انصاری و کتاب «المکاسب» و نیز«کفایتین» را از محضر اساتید معروف آن دیار فرا گرفتم. و در سال ۱۳۶۱ به منظور ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم اقامت نموده و در جوار حرم حضرت معصومه(س)سکنی گزیدم. پایه های درسی حوزه علمیه قم را امتحان داده و با عنوان«عالی قابل تشویق است» قبول شدم. و پس از یک سال(سال ۶۲) آخرین پایه درسی حوزه علمیه یعنی پایه ۹ را امتحان داده قبول شدم و به درس های خارج حوزه علمیه راه یافتم و از میان حوزه های مختلف درسی، خارج فقه حضرت آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی را انتخاب نموده و تا سال ۱۳۷۵ به مدت ۱۳ سال از محضر درس خارج این دو بزرگوار بهره بردم، در کنار فقه اصول به معقول و فلسفه و کلام نیز پرداختم.«نهایهٔ الحکمه» را از محضر استاد مصباح یزدی، «منظومه» مرحوم ملا هادی سبزواری را از محضر استاد انصاری شیرازی و«الاشارات و التنبیهات» را از محضر استاد علامه حسن زاده آملی و «کشف المراد» را از محضر استاد دکتر بهشتی استفاده نمودم. و در سال تحصیلی ۷۰- ۶۹ در کنکور تربیت مدرس قم(دار الشفاء)شرکت نموده و قبول شدم و سال ۷۲ موفق به اخذ کارشناسی ارشد(فوق لیسانس) با معدل ۵۱/۱۸ شده و در تاریخ ۲۰/۷/۷۲ پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بدعت و دیدگاهای مختلف درباره آن» را در محضر دکتر محمد باقر حجتی(استاد راهنما)،حضرت آیت الله معرفت(ره)(استاد مشاور)، جناب دکتر بهشتی(ناظر)و جمعی دیگر از اساتید دفاع نموده و با نمره نوزده(۱۹)از ۲۰ و درجه عالی از آن مرکز فارغ التحصیل گردیدم و در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ در کنکور دکترای گرایش فقه و اصول دانشگاه امام صادق(ع) شرکت کرده و قبول شدم و در این دانشگاه از محضر اساتید نام آوری همچون حضرت آیت الله مهدوی کنی، آیت الله باقری کنی، حضرت حجج اسلام سید حسن مصطفوی و سید حسین مصطفوی و ... بهره ها برده و در تاریخ

۲/۴/۸۰ رساله دکتری را بـا عنوان«سیر تـاریخی نظریه ولایت فقیه» در محضـر آیت الله باقری کنی(اسـتاد راهنما)، آیت الله مهـدوی کنی(اسـتاد مشـاور)،مصـباحی، مرعشـی(اساتیـد داور)و جمعی دیگر از اساتیـد و بعضـی از مسؤولاـن دانشـگاه و تعـداد زیـادی از دانشجویان دانشگاه دفاع کرده و با نمره ۹۶ و درجه عالی موفق به اخذ دکتری در رشته فقه و اصول گردیدم.

برزگر فاضلی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر برزگر فاضلی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب اصـغر برزگر فاضلی در سال ۱۳۶۱پس از اخذ دیپلم (فرهنگ و ادب)وارد حوزه علمیه امام صادق علیه السـلام شهرستان نور شـدم و پس از گذراندن پایه اول ودوم در سال ۱۳۶۴وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۹موفق به اتمام پایه ۹و سطح سه حوزه شـدم که در این دوران علاوه بر گذرانـدن دروس اصـلی و جانبی پایه های حوزه دروس فلسـفه بـدایه ونهایه و برخی دروس تفسیر قرآن و دروس هیئت حضرت آیت الله حسن زاده آملی را نیز گذراندم .

از سال ۱۳۷۰دروس خارج فقه واصول حوزه را شـروع نمودم که در این مدت علاوه بر ادامه دروس فلسـفه اسـفار، شـرح اشارات ، بخشـهایی از شفا ، تمهیدالقواعد ، از سال ۱۳۷۴در دوره کارشناسـی ارشد دانشگاه قم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت نمودم که در سال ۱۳۷۷موفق به اخـذ پایـان نـامه آن شـدم و در طی سالهـای ۸۲تا ۸۴در دانشـگاههای کرج و اراک دروس معـارف اسـلامی را تدریس نمودم .

برزگر، فرامرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۹.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از آثار اوست: اختناق ایران (تألیف مورگان شوستر؛ ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری؛ تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد محرمانه منتشـر نشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسـماعیل رائین؛ تهران، ۱۳۶۸)؛ اسـرار مرگ (موریس مترلینک؛ تهران، ۱۳۷۱) دو هزار دانشـمند در جسـتجوی خدای بزرگ (ریموند روایه؛ تهران، ۱۳۶۱)؛ سـرگذشت کشتی اسـنارگ: یک سرگذشت زیبا و پرماجرا از خود نویسـنده (جک لنـدن، تهران، ۱۳۳۵)؛ سـفرهای من: مشـتمل بر زیبـاترین نوشـته‌های هوگو دربـاره‌ی جهان و طبیعت (ویکتور هوگو؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ ماجراجو (جک لندن؛ تهران، ۱۳۶۲).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

برزگر، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی برزگر بفروئی

محل تولد : میبد یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی برزگر بفروئی در سن بیست و هشت سالگی رسـماً مشـغول تحصیل علوم دینی در حوزه اردکان یزد گردیدم و تا سال ۵۶ در آنجـا مشـغول بودم در سال ۵۷ موفق به سـکنی در قم گردیـدم و از اساتیـدی مانند آقایان اعتمادی، سـتوده، وزیری ، محقق ، آیـات عظـام سبحانی، تبریزی، وحیـد خراسـانی بهره علمی بردم و در ضـمن تحصـیل به تحققات در بحارالانوار و کتابهای مربوط به سیره اهل بیت مـدت ۹ سـال سپری کردم و نیز در دانشـگاه جنوب تهران مـدت کوتاهی مشـغول تـدریس علوم اخلاق و

معارف بودم که بعلت مشکلی که در تنفس داشتم از ادامه آن محروم گردیدم.

برزویه اصفهانی، ابوجعفر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۴ ق)، نحوی و محدث. مشهور به غلام نفطویه. ساکن بغداد بود. نحو را از فضل بن حباب و محمد بن عباس یزیدی فراگرفت. برزویه از عمر بن ایوب سقطی و ابوالعباس خزاعی و علی بن رستم و محمد بن یحیی بن منده اصفهانی، روایت کرده و ابوالحسن/ ابوعلی بن شاذان از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰۶/۳)، تاریخ بغداد (۲۲۶/۵)، روضات الجنات (۲۲۲/۱)، ریحانه (۲۴۶/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰/۴)، الکنی و الالقاب (۷۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۱۵۳ -۱۵۲ /۵).

برزویه طبیب

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۳۲ م)، طبیب و مترجم. از پزشکان معاصر انوشیروان، و زرتشتی مسلک بود. به دستور انوشیروان کتاب «پنجه تنتره» (کلیله و دمنه) را از هند به ایران آورد و از زبان هندی به پهلوی ترجمه کرد. پدرش از لشکریان و مادرش از خانواده‌ی یکی از علمای زرتشتی بود. گویند بازی شطرنج را او از هند به ایران آورد. وی با جبریل طبیب، بیادق، صاحب کتاب «الماکول المشروب»، و سرجیوس رأس العینی، طبیب و فیلسوف مشهور، معاصر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸/۱)، تاریخ طب (۷۰ -۶۶ /۲)، تمدن ساسانی (۱۱۷ -۱۱۵ /۱)، جستجو در تصوف (۲۷ -۱۷)، دایرةالمعارف فارسی (۴۰۵/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ برزویه)، رای و برهمن (مقدمه).

برغانی قزوینی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، فقیه، مجتهد، متکلم، حکیم، واعظ و شاعر. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را از پدرش و عمویش شهید ثالث فراگرفت. آن گاه به اصفهان رفت و حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس آخوند ملاعلی نوری آموخت و پس از وفات ملاعلی نوری به حوزه درس ملاآقا حکمی قزوینی پیوست و از شاگردان درجه اول او به حساب می‌آمد. برغانی سپس به عراق رفت و در محضر درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» تلمذ کرد و به درجه اجتهاد نایل شد. وی با استادش سید محمد مجاهد در جنگ روسیه و ایران شرکت کرد. او چندی در کربلا به تدریس مشغول بود و چون پدرش درگذشت در قزوین و سپس در تهران اقامت گزید. او مرجع تقلید و فتوا و مدرس طلاب علوم دینی بود و تدریس فلسفه و عرفان بعد از فوت ملا آقا حکمی کاملا بر عهده‌ی او قرار گرفت. از مشهورترین شاگردانش، سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در مدرسه صالحیه فلسفه و عرفان را از او اخذ کرد. به گفته‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، در طلاقت زبان و ملاحت بیان و حلاوت لهجه و حسن تفهیم عموما و در منبر خصوصا در تمام ایران یگانه بود. از آثار وی: «خصائص الاعلام فی شرح شرائع الاسلام»، به عربی، در پانزده مجلد؛ «مخازن الاصول»، به عربی، در اصول فقه، در بیست مجلد؛ شرح بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا؛ «دیوان» شعر؛ کتاب «سوز و گداز»، در قالب مثنوی در واقعه کربلا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۸/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۳)، مستدرکات اعیان (۳۰۴/۲).

برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۵ -۳۳۶ ق)، فقیه، محدث، قرآن‌پژوه، نحوی. معروف به حافظ کبیر. از اهالی خوارزم بود که در بغداد سکنی گزید. در خوارزم ابوالعباس حیری نیشابوری و در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در بغداد از ابوعلی صواف و محمد بن جعفر بندار و در نیشابور از ابوعمرو بن حمدان و ابواحمد حاکم و در دمشق از ابوبکر بن ابی‌الحدید و در مصر از حافظ

عبدالغنی حدیث شنید. ابو عبدالله صوری و ابوبکر بیهقی و ابوبکر خطیب بغدادی و ابواسحاق شیرازی و ابوطاهر احمد کرجی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. خطیب بغدادی او را ثقه، پرهیزکار و دانای فقه و حدیث توصیف کرده است. ابوبکر تا زمان مرگ خویش از تألیف و تصنیف باز نایستاد. او در بغداد درگذشت. از آثار وی «مسند» ی است که جامع تمامی احادیث «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم است. او احادیث سفیان ثوری و شعبه و ایوب و دیگران را نیز جمع‌آوری کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۵/۱)، تاریخ بغداد (۳۷۶ –۳۷۳ /۴)، ریحانه (۲۴۹ –۲۴۸ /۱)، سیر النبلاء (۴۶۸ –۴۶۴ /۱۷)، کشف الظنون (۱۶۸۲)، لکنی و الالقاب (۷۸/۲)، معجم المؤلفین (۷۴/۲)، الوافی بالوفیات (۳۳۱/۷)، هدیهٔ العارفین (۷۴/۱).

برقعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهرت سلسله‌ای از سادات رضویست که منسوب به جناب موسی المبرقع بن الامام ابی‌جعفر محمد التقی علیه‌السلامند که قبرش در بلده طیبه قم در محل چهل اختران زیارتگاه عالی و دانی و از امامزاده‌گان مسلم و بلافصل مدفون در قم می‌باشد شرح احوال آن جناب و آمدنش از مدینه به سامره و از آنجا به قم در کتب تواریخ و انساب مذکور است و چون آن بزرگوار در موقع ورودش به قم برقعی به روی مبارک انداخته بود از آنجا شهرت به مبرقع و اولاد او را برقعی خواندند و اکنون اکثر سادات قم منسوب به وی و به این لقب و یا رضوی و مبرقع و غیره معروف می‌باشند و عده‌ای از آنها هم به تهران و سایر نقاط منتقل و ساکن گردیده‌اند.

یکی از معاریف این سلسله در عصر ما مرحوم مبرور آیت‌الله حاج میرزا سید حسین برقعی بودند که در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند وی سومین فرزند مرحوم آیت‌الله آقاسید عبدالله قمی است که ترجمه‌اش در جلد اول با ترجمه برادر ارجمندش آیت‌الله آقا سید محمد بن عبدالله برقعی گذشت. معظم‌له در سال ۱۳۰۶ در قم متولد شده و مقدمات و سطوح را نزد اساتید قم آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر دیده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید معروف مانند مرحوم آیت‌الله نائینی استفاده و پس از آن مراجعت به وطن خود کرده و سالها از محضر و درس آیت‌الله حایری و بعد از ورود آیت‌الله بروجردی چند سال هم از محضر آن مرحوم استفاده و در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند و هم تدریس فقه و اصول می‌نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

برقعی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقعی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والایمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.

اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.

۱– عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌اللّه حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و بیانی دلنشین داشت.

۲– عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر

۳– عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر

۴– فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل

۵– فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که ۱۵ سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.

۶– آیهٔ‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتا احاطه عجیبی به چندین علم داشت.

۷– آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)

۸– در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی.

مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.

۱– مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب که در سال ۱۳۳۷ قمری مرقوم داشته‌اند.

۲– مرحوم ثقهٔ‌الاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۲ قمری نوشته‌اند.

۳– مرحوم آیهٔ‌اللّه آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال ۱۳۵۲ قمری نوشته‌اند.

۴– مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند.

آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:

۱- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.

۲- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.

۳- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.

۴- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام

۵- جلوه حق

۶- تذکره مبتکران در بنیان گذاران علوم و فنون.

۷- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.

۸- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.

۹- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.

۱۰- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.

۱۱- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح

۱۲- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان‌گذاران فنون و علوم اسلام.

۱۳- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.

و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:

۱- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.

۲- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.

۳- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.

۴- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی

۵- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.

(۱۳۶۶ -۱۲۷۸ ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقعی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقعی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال ۱۳۱۳ ش یک دبستان و در سال ۱۳۱۵ ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد.[۱]

فقیه، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۷۸(۱۳۱۷ ق.)، قم.

وفات: ۱۳ مرداد ۱۳۶۶.

آیت‌الله سید علی‌اکبر برقعی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.

در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالیه معقول شیخ علی‌اکبر حکمی یزدی بودند.

در سال ۱۳۱۳ یک دبستان و سال ۱۳۱۵ یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقعی یکی از مشاروان او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقعی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.

در سال ۱۳۲۹ که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست ملک‌الشعرای بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقعی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنون «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.

آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت

آن گردآوری شده است.

فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ ۱۳۲۹ -۱۳۲۸)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، ۱۳۱۷)؛ راهنمای دینداران (۱۳۲۴)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ ۱۳۸)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ ۱۳۱۷)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ ۱۳۱۹)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ ۱۳۲۰)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ ۱۳۱۹)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ ۱۳۶۶ ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، ۱۳۲۷)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۲۹۳۱ -۲۹۲۴/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، الذریعه (۲۲۹/ ۱۷ ،۶۴/ ۱۰ ،۸۹۹/ ۹). گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۳ -۳۸۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۳ -۴۹۱/ ۴).

برقعی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید مرتضی بن السید العلام السید عیسی (صدرالواعظین قمی) از وعاظ نامی و خطباء گرامی حوزه علمیه قم و واعظ مخصوص حسینیه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است.

در سال ۱۳۳۲ قمری در شهر قم متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات ادبیات و سطوح اولیه و نهائی را از مرحوم علامه حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مرحوم سه‌دهی اصفهانی و آقاشیخ ابوالحسن فقیهی پائین شهری در مدرسه جانی خان و حضرت آیت‌الله العظمی نجفی فراگرفته و از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری استفاده کرده و هم چند سالی در درس آیت‌الله العظمی بروجردی ره شرکت نموده و معقول را هم در خدمت حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌الله امام خمینی... و آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای خوانده و حدود دو سال هم از دروس طب آقای دکتر علوی که در زمان مرحوم آیت‌الله حایری می‌گفتند استفاده نموده و از علم معرفت الاعضاء (فیزیولوژی) برخوردار شده و در امتحانات شرکت نموده و با تصدیق قبولی مفتخر و از سنین پانزده سالگی به منبر رفته و تاکنون که شصت و یکسال از سن شریف وی می‌گذرد به این پست حساس اشتغال دارد.

مولف گوید: از خصایص ایشانست که نیاکان و اجدادش تا معصوم همه از اشراف و علماء و گویندگان نامی بوده‌اند و مانند سادات دیگر برقعی قم از احفاد امامزاده عظیم‌الشأن حضرت موسی مبرقع فرزن امام همام حضرت ابی‌جعفر محمد بن علی التقی علیهماالسلام می‌باشند که قبر شریفش در محله چهل اختران قم مزار معروف می‌باشد.

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

۱- اسرار الصلوه ۲- تفسیر سوره یس ۳- تفسیر سوره والنجم ۴- تفسیر سوره الضحی و معوذتین ۵- گنجینه اسرار ۶- معدن الابرار ۷- مخزن المصائب ۸- صحیفه الابرار و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

برقی قمی، ابوعبدالله محمد

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۸۳ ق)، ادیب، فقیه و محدث امامی. وی منسوب به برق‌رود از نواحی قم بود. ابن‌ندیم او را از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) شمرده است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) برشمرده است. او در علوم عربی مشهور و به چیرگی در اخبار معروف بود. وی پدر شیخ اجل احمد بن محمد برقی، صاحب «المحاسن»، است. پسرش، احمد بن محمد، از راویان او است. از آثارش: «البلدان و المساحة»؛ «التأویل و التعبیر»؛ «التبصرة»؛ «التفسیر»؛ «التنزیل»؛ «الرجال»، شامل نام کسانی که از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده‌اند؛ «فضائل القرآن»؛ «العویص»؛ «النوادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۳/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۰/۱)، الذریعه (۳۶۲/۱۵، ۳۱۵/۳)، رجال الطوسی (۴۰۴، ۳۸۶)، رجال النجاشی (۲۲۱ -۲۲۰ /۲)، ریحانه (۲۵۱/۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۹)، الفهرست للطوسی (۲۹۲ -۲۹۱)، الکنی و الالقاب (۷۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ برقی)، معجم المؤلفین (۲۷۷/۹).

برکت، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد برکت

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱۶

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد سال ۱۳۶۲ در همان سال وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه امام عصر (عج) مشغول به تحصیل شدم . این مدرسه توسط مرحوم آیت الله حاج شیخ مجد الدین محلاتی در سال ۱۳۵۲ شمسی بنا شده است. پس از گذراندن دوره سطح در نزد اساتید حوزه علمیه شیراز، مرحوم حجهٔ الاسلام محمود مدرس تبریزی، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین سید احمد آیت اللهی، مرحوم آیت الله محمد علی جعفری، حضرت آیت الله حسن پاکدل، حضرت آیت الله ملك حسینی و مرحوم آیت حاج شیخ محمد الدین محلاتی، در سال ۱۳۷۱ بمدت هفت سال در درس خارج آیت الله مجد الدین محلاتی شرکت نمودم.

در سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ به قم رفته و در درس استاد اعتمادی و استاد سید علی محقق داماد شرکت نمودم و همانجا بود که با راهنمائی های استاد علامه سید محمد رضا جلالی حسینی ، کار در دحوزه میراث مکتوب را آغاز نمودم.از سال ۱۳۷۴ تاکنون در مدارس مختلف شیراز مشغول به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه می باشم.از سال ۱۳۶۵ مدیریت کتابخانه مدرسه امام عصر (عج) را بعهده دارم. این کتابخانه اکنون با بیش از سی هزار جلد کتاب چاپی و چاپ سنگی که عمده آنها از کتب مرجع در حوزه علوم دینی و معارف اسلامی است و هزار جلد نسخه خطی ، یکی از کتابخانه های معتبر جنوب کشور است که مورد استفاده طلاب و دانشجویان می باشد.

از سال ۱۳۷۷ توفیق امامت جماعت مسجد حضرت ولی عصر (عج) نصیبم گشته است و از سال ۱۳۷۹ مدیریت مدرسه علمیه امام عصر (عج) بر عهده اینجانب قرار داده شده است امید به امام زمان سلام الله علیه که موفق به خدمت باشد. ان شاء الله.

برکلی حنفی، تقی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۱ -۹۲۹/۹۲۶ ق)، صوفی، واعظ نحوی، فقیه، مفسر و محدث. وی ایرانی الاصل و از دانشمندان نامی عثمانی بود. ظاهرا چون حنفی مذهب بود، از ترس صفویه به آن سرزمین رفت. از جزئیات احوالش اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابهای بسیاری به زبان عربی و فارسی است که در فنون مختلف نوشته شده است و معلوم می‌شود که در همه‌ی علوم زمان دست داشته است. از آثار وی: تعلیقه بر «اصلاح الوقایهٔ فی فروع» ابن کمال پاشا؛ «اظهار الاسرار»، در نحو؛ «انقاذ الهالکین»، که در سال ۹۶۷ ق تألیف کرده است؛ «ایقاظ النائمین»، که در سال ۹۷۲ به پایان رسانیده؛ «رسالهٔ فی عدم جواز اخذ الاجرهٔ للقراءهٔ و عدم جواز وقف النقود»؛ «جلاء القلوب»، که در سال ۹۷۱ ق به پایان رسانیده است؛ «صحاح عجمیه»، به فارسی؛ «فرائض» و شرح آن؛ «کفایهٔ المبتدی»، در صرف؛ شرح «لب الالباب فی علم الاعراب» یا شرح «مختصر الکافیه» بیضاوی، معروف به «امتحان الاذکیاء»؛ حاشیه بر «شرح الوقایهٔ» صدر الشریعه ثانی. «دامغهٔ المبتدعین و کاشفهٔ بطلان الملحدین»؛ «آداب البرکوی»، «الاربعون»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۷ -۲۸۶ /۶)، ایضاح المکنون (۴۴۲/۱) تاریخ نظم و نثر (۳۹۵)، الذریعه (۱۲۵/۵)، کشف الظنون (۲۰۲۲ -۲۰۲۰، ۱۵۰۰، ۱۲۴۶، ۱۰۷۴، ۵۹۲، ۲۱۵، ۲۱۴- ۱۸۴، ۱۸۳- ۱۱۷، ۱۰۹، ۵۴)، معجم المؤلفین (۱۲۴ -۱۲۳ /۹)، هدیهٔ العارفین (۲۵۲/۲).

برنجکار، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا برنجکار

محل تولد : آستارا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

رضا برنجکار در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در شهرستان آستارا به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۶۰ با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رساند. در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شد. تحصیلات حوزه را پس از اتمام سطح و گذراندن هفت سال

درس خارج فقه و اصول به پایان رساند. در کنار درس های رایج حوزه به تحصیل کلام، فلسفه، تفسیر و حدیث پرداخت.
همچنین تحصیل در رشته فلسفه غرب را در دانشگاه ادامه داد و در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ دکتری فلسفه از دانشگاه تهران گردید. وی هم اینک عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است و در حوزه و دانشگاه مشغول تدریس می باشد. همچنین با بسیاری از مراکز پژوهشی حوزه، همچون مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، دفتر تبلیغات اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مشغول همکاری است. از وی بیش از سی مقاله و چهار کتاب به چاپ رسیده است

بروجردی کاشانی، محمد تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم دینی، محدث ادیب و شاعر. پس از فراگرفتن علوم متداول خود را به اصفهان رسانید و در حوزه‌های درسی آنجا تحصیل خود را تکمیل کرد. وی از محضر علامه مجلسی فائده‌ها برد و از وی اجازه‌ی روایت گرفت و خود به ملا عبدالله کاشانی در ۱۱۰۳ /۱۱۰۲ ق اجازه روایت داد. او قسمت پایانی عمر را در کاشان گذراند. او را ارادتی تمام به خاندان پیامبر علیهم‌السلام بود، لذا از خود آثاری در مناقب ایشان به جای گذاشت. یکی از این آثار کتاب «عین البکاء»، به فارسی، در تاریخ زندگی و شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) است که در آن اشعاری از خود و دیگران آورده است و آن را در ۱۰۹۹ ق در کاشان تألیف کرده و در ۱۲۸۴ ق در لکهنو به چاپ رسیده است. اثر دیگر او «لب عین البکاء» است که خلاصه‌ای از کتاب «عین البکاء» او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۱/۹)، تاریخ بروجرد (۱۱۱ -۱۱۰ /۲)، الذریعه (۲۸۷/۱۸، ۳۶۷/۱۵).

بروجردی، ابوالمجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقا ابوالمجد بروجردی از علماء قم و حوزه علمیه و ائمه جماعت این شهرستانست تولدش در بروجرد واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات هجرت به قم نموده و سطوح را تکمیل و سالهای آخر عمر مرحوم حایری را درک و از محضر پرفیض آن مرحوم استفاده و هم بعد از ایشان به درس آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر و از موقع ورود آیت‌الله بروجردی هم تا آخر عمر آن جناب حاضر درس معظم‌له شده و در پائین شهر قم به اقامه جماعت و تبلیغ و ترویج دین اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، داوود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۵- ز ۱۲۹۴ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. علوم و معارف اسلامی را از استادان عصر فراگرفت. وی ادیب و شاعر نیز بود. از آثار وی: «مظهر المصائب»، در تاریخ زندگانی خمسه طیبه (ع)، که در ۱۲۹۰ ق به رشته تحریر درآمده؛ «سرور المصلین»، در نماز شب و کیفیت و ادعیه آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۴۲ -۴۳۹ /۲).

بروجردی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا مولانا فرزند ملا علی‌اکبر بروجردی از افاضل اهل منبر و محدثین معاصر مقیم قم می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در شهرستان بروجرد به دنیا آمده و خواندن و نوشتن و مقداری از مقدمات عربی را نزد والدش فراگرفته است، و سپس سطوح ادبیات و فقه و اصول و منطق و فلسفه را از اساتید فنون یاد شده چون مرحوم حجهْالاسلام والمسلمین حاج سید محسن شریعتمداری و مرحوم حجهْالاسلام میرزا لطف‌اللّه و مرحوم حجهْالاسلام حاج سیدعبدالحسین خندانی و حجهْالاسلام حاج شیخ علی محمد خرم‌آبادی و حجهْالاسلام حاج شیخ محمد غروی و حجهْالاسلام حاج شیخ علی جواهری و حدود هیجده سال تقریبا از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و چند سالی در فصل تابستان از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی

بهبهانی و رامهرمزی بهره‌مند شده و از خرمن آنان خوشه‌ها که بلکه دسته‌ها برداشته است.

اما آثار آقای مولانا

۱- تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌البیت از طریق منبر که بسیار جالب و موثر در قلوب شنوندگان است.

۲- درسهائی از توحید که دروسی است که در مدرسه ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف در بروجرد برای طلاب القاء شده است.

۳- تعلیقات بر کتاب صراط المستقیم که مقدمه‌ای است بر تفسیر قرآن تألیف آیت‌اللّه سید حسین بروجردی صاحب کتاب نخبه‌المقال که در مصر چاپ شده و از طرف جامع‌الازهر ممنوع الانتشار شد ولی در تهران به وسیله آقای صدرالسادات دزفولی جلد اول آن به طبع و نشر رسید.

۴- تعلیقات بر کتاب یاد شده بر جلد اول و دوم و سوم که در بیروت به طبع رسید.

۵- الخاتم لوصی الخاتم تحقیق و تفسیر آیه الولایه که در بیروت به طبع رسیده است.

۶- تذییل و تخریج الطالب فی شرح المکاسب تألیف آیت‌اللّه اردکانی که در بیروت چاپ شده است.

۷- تاریخ بروجرد از نظر جغرافیا و حکام و حوادث جلد اول در قم چاپ شد.

۸- تاریخ بروجرد جلد دوم- دانشمندان از قرن چهارم تا چهاردهم که در قم چاپ شده است.

۹- تحقیق و تخریج کتاب شریف عبقات‌الانوار تألیف میرحامد حسین هندی که ده جلد آن در قم به طبع رسیده است.

آثار مخطوط که در آستانه طبع می‌باشد

۱- جلد سوم تاریخ بروجرد دانشمندان و شاعران

۲- تعلیقات بر کتاب بحرانی که جلد اول در بیروت در آستانه طبع است.

۳- تنظیم و تخریج تقریرات مرحوم آیت‌اللّه بروجردی در کفایه‌الاصول که در قم آماده طبع است.

۴- المنظومه الفارسیه فی تفسیر القرآن الکریم فی بحر الهرج المسدس المحذوف .

۵- المنظومه العربیه فی فقه اللمعه الدمشقیه

۶- فهرس الاسماء و الالقاب والکنی

۷- المواعظ و الخطب بالفارسیه چندین جلد

۸- کشکول

۹- دائر المعارف باللغه العربیه در مجلدات بسیاری.

۱۰- الاوائل بنهج جدید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

بروجردی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آیت‌اللهزاده معظم آقای آقا سیدمحمد حسن بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج آقا حسین البروجردی طباطبائی از علماء حوزه فرزند برومند زعیم اعظم است که ترجمه وی را در دو کتاب زندگانی آیت‌الله بروجردی آقای دوانی و آقای علوی ذکر کرده‌اند خلاصه آن این است که وی در سال ۱۳۴۶ ق در شهرستان بروجرد متولد شده و در تحت تربیت و مراقبت آن پدر بزرگوار تربیت یافته و به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده و از درس و بحث والد خود بهره‌های کافی برده و پس از فوت پدر به جای ایشان در مسجد اعظم که جای چندین جماعت است منحصرا به امامت اشتغال دارد و نیز تدریس هم می‌نمایند تکمیل مسجد اعظم هم در عهد تولیت و سرپرستی ایشان به کمک مردم و بعضی از مبادی عالیه گردیده و هنوز هم کاشیکاریهای قسمتی از آن باقیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جلیل و فاضل نبیل مروج الاثار و معظم شعایر الله آقای حاج شیخ هادی بروجردی از فضلاء و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت و مرحوم آیت‌الله خونساری و بعد از ایشان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی است ولادتش در بروجرد واقع و پس از دیدن قسمتی از مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و تکمیل سطوح نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و پس از آن مرحوم از آیات مذکوره استفاده نموده و در مسجد چهارمندان به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و هم تدریس اشتغال دارد. مورد توجه مردم آن ناحیه و کلیه مراجع و زعماء حوزه علمیه است در تعظیم شعایر مذهبی و اقامه عزا در وفیات ائمه علیهم‌السلام و گرفتن جشن در موالیدشان بسیار ساعی و کوشامی‌باشد نصب پرچمهای الوان در اعیاد مذهبی و پرچمهای سیاه در ایام وفیات در خیابانهای ارم و چهارمندان و سایر نقاط شهر قم از آثار ایشانست ادام الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجنی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد محمّـد شـفیع. از علما و فضـلا، و از شاگردان حاج شـیخ محمّد باقر اصـفهانی و از معتمدین ایشان بوده، و بر حسب خواهش مردم حبیب آبـاد برخوار اصـفهان و دسـتور اسـتاد، بـدانجا مهـاجرت نموده و به امر ارشاد و هـدایت و اقامه جماعت و منبر، روزگار می‌گذرانیده.

سرانجام روز ۳ شنبه ۹ شوّال سال ۱۳۲۱ قمری در بروجن مولد خود وفات یافته، همانجا مدفون شد.

وی را دو فرزند دانشمند است:

یکی: ملاّ ابوالقاسم و دیگری: ملا محمّد شـفیع، از شاگردان آقا نجفی و دیگران در اصفهان بوده، هر دو برادر در عنفوان جوانی در ایّام حج در سال ۱۳۱۹ در مکّه معظّمه وفات یافتند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

برهان تبریزی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۲ ق)، ادیب، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به برهان. در اصل اهل تبریز بود و لکن در هند اقامت داشت. وی مؤلف کتاب «برهان قاطع» و از معاصـران سـلطان عبـدالله قطب‌الـدین شاه، پادشاه شـیعی مـذهب هند، است. وی کتاب «برهان قاطع» را به سـلطان مذکور تقدیم کرد. این کتاب با استفاده از «فرهنگ جهانگیری»؛ «فرهنگ سروری»؛ «سرمه‌ی سلیمانی»؛ و «صحاح الادویه‌ی» حسین انصـاری و بـا حـذف شواهـد و مکررات و افزایش پـاره‌ای واژه‌ها از اسـتعاره‌ها و ترکیبهای لغوی فراهم آمـده است، حتی مقـدمه‌ی کتاب که در بیان بعضـی از قاعده‌های دسـتور فارسی است از کتاب «فرهنگ جهانگیری» به وجه تلخیص اقتباس شده. برهان در این کتـاب واژه‌هـای فارسـی و ترکی یا عربی را که در فارسی وارد شـده، آورده است. این فرهنگ شامل نه گفتار و هر گفتار در چند بیان است و مقدمه‌ی آن در نه فایده تنظیم شده است. بعد از شـهرت «برهان» کتابهایی در ذکر اشـتباه‌ها و تکمیل آن نگاشـته شد از جمله: «قاطع برهان»؛ «ساطع برهان»؛ «رافع هذیان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :اعیان الشـیعه (۲۵۱/۹)، تاریـخ ادبیـات در ایران (۳۸۶ -۳۸۴ /۵)، تـذکره‌ی شـعرای آذربایجـان (۹۰ -۸۸ /۲)، دانشـمندان آذربایجان (۶۹ -۶۸)، الـذریعه (۱۳۳/۹ ،۹۹ -۹۸ /۳)، ریحـانه (۲۵۴ -۲۵۳ /۱)، سـخنوران آذربایجـان (۲۳۸ -۲۳۵)، فرهنـگ ادبیات فارسـی (۸۹ -۸۸)، فرهنـگ سـخنوران (۱۳۲)، فرهنگهـای فارسـی (۱۴۹ -۱۴۰)، کـاروان هنـد (۱۶۴/۱)، لغت‌نامه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۴/۲).

برهان جامی، یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، عارف و موسـیقیدان. از نوادگان احمـد جام ژنـده‌پیل بود. در شـعر و موسـیقی و عرفان دست داشت و در شـعر برهان تخلص می‌کرد و برای اشـعار خود آهنگ‌های موسیقی می‌ساخت. امیر علیشیرنوایی، وزیر سلطان حسین بایقرا، در موسیقی از شاگردان وی بود. در جام می‌زیست و همان جا درگذشت و در جوار جدش، احمد جام، به خاک سپرده شد. اثر وی «ترسلی» است که در برگیرنده‌ی منشآت نویسندگان پیش از او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسـیقی (۲۲۹/۱)، تاریـخ نظم و نثر (۳۳۶)، تاریـخ هنرهای ملی (۷۷۳/۲)، الذریعه (۱۳۳/۹)، طرائق الحقائق (۱۰۷/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۳۲)، مجالس النفائس (۲۱۵ ،۴۲).

برهان دیانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسـین بن ثقهٔ‌الاسـلام و فخرالخطباء الاعلام میرزا ابوالحسن واعظ تنکابنی معروف به (برهان دیانی) از علماء و وعاظ گذشـته رامسـر بوده‌اند وی در سال ۱۳۱۹ قمری در آخونـد محله رامسـر متولـد شده و مقدمات و سـطوح را تا رسائل و مکاسب در مدرسـه علمیه نارنج بن رامسر نزد مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ حسین غریب (والد دانشمند گرامی آقای عبدالوهاب فرید مقیم تهران) که از فحول علماء و متنفـذین علمی منطقه تنکابن بوده و نیز مرحوم آقا شـیخ عبداللّٰه مدرس آخوند محله رامسـر تلمذ کرده و آنگاه برای

تکمیـل مبانی علمی به قزوین و تهران مسافرت کرده و در تهران از مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمـد تنکابنی صاحب (حاشیه کفایه) استفاده نموده و سپس به قم مهاجرت و از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و دیگران بهره‌مند شده و پس از آن به نجف و از آنجا به شیراز و کرمان و بنـدرعباس و میناب و بم و رفسنجان برای تبلیغ دین و ترویج احکام مسافرتها نموده و در پایان عمر در سیرجان کرمان اقامت و متصدی دفتر ثبت اسناد گردیده و ضمناً در مواقع خود از راه منبر هم خدمت می‌نموده است.

دارای خط زیبا و نطق شیوا و ذوق سرشار و صوت خوشی بودند.

از آثـار ایشـانست رساله‌ای به نام اسـرار دائمه قرآن که مقـدمه آن را برادر ارجمنـد ایشان جناب آقای حاج شیخ محمـدرضا برهان نوشته و بطبع رسانیده‌اند

آن مرحـوم در سن ۷۱ سالگی در تاریـخ ۴۹/۲/۱۷ شمسـی برابر ربیع‌الاول سال ۱۳۹۰ قمری به عارضه سکته قلبی در سیرجان فوت نمودند از منسوبین ایشانست آقای دکتر کریمی‌نژاد مقیم تهران که از اطباء معروف خیابان خیام می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

برهان قزوینی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوالقاسم برهان قزوینی در سال ۱۳۰۶ ، در قریه « آغبلاق قاقازان » ، دیده به جهان گشود. او برای تکمیل تحصیلات دینی و فراگیری سطوح بالاتر علوم ، به شهر قم مهاجرت نمود. و پس از شش سال تحصیل در این شهر ، به زادگاهش قزوین بازگشت و تحصیلات دینی خود را تکمیـل کرد. سیـد ابوالقـاسم پس از رسیـدن به مرتبه کمـال علمی ، در منـبر و محراب به کـار ترویـج دین کوشیـد. او به اخبـار ، حکایـات و روایـات ، احـادیث ، و قصه هـای قرآنی آشـنایی و احاطه کامل دارد.گروه : علوم انسانی رشـته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : حاج سید صالح ، پدرسید ابوالقاسم برهان قزوینی ، فرزند سید حسین نورینی ابهری ، و او پسر میر مفید پسر میرزا آقا ، پسر حاج مرتضـی خندابی فرزند آقا حیدر خندابی می باشد. سرسلسله این خاندان آقا میر خضـر ، مـدفون در قریه خنـداب ، از توابع ضیـاء آبـاد است که میر خضـر نسبش به فرزنـدان امـام چهـارم ، حضـرت زین العابـدین (ع) می رسد.اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : سیـد ابوالقاسم برهان قزوینی فرزند سید صالح ، معروف به حاج سید آقا برهان ، در قریه « آغبلاق قاقازان » از مادری نیک نام و بزرگوار ، دیـده به جهان گشود.تحصیلات رسـمی و حرفه ای : سیـد ابوالقاسم برهان قزوینی پس از فراگیری علوم جدید تا شـشم ابتدایی ، به مدت شش سال دوره مقدماتی علوم دینی را نزد اساتید و علمای نامدار و بزرگوار قزوین آموخت. پس از آن برای تکمیل تحصیلات دینی و فراگیری سطوح بالاتر علوم ، به شهر قم مهاجرت نمود. وی پس از شش سال تحصیل در قم ، به زادگاهش قزوین بازگشت و تحصیلات دینی خود را تکمیل کرد.استادان و مربیان : سیـد ابوالقاسم برهان قزوینی در حوزه علمیه قم محضـر درس آیت الله العظمی مرعشـی نجفی را درک نمود. وی پس از بازگشت از قم ، در حوزه علمیه قزوین ، از محضـر آیت الله العظمی حـاج سیـد ابوالحسن رفیعی به حـد کمال استفاده علمی و عرفانی برد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیـد ابوالقاسم برهان قزوینی پس از رسیـدن به مرتبه کمال علمی ، در منبر و محراب به کار ترویج دین کوشید و علاوه بر اطراف قزوین ، در ابهر ، زنجـان و قم به تشـریح و تحکیم مواضع قرآنی و فرامین ربانی مشـغول شـد.آرا و گرایشـهای خاص : حاج سید ابوالقاسم برهان قزوینی به اخبار ، حکایات و روایات ، احادیث ، و قصه های قرآنی آشنایی و احاطه کامل دارد.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

برهان‌الدین هروی، حیدر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۸۰- ح ۸۳۰ ق)، مفسـر، متکلم و ادیب. معروف به صدر هروی. عالم به معانی و بیان بود و از شاگردان ارشد ملاسعد تفتازانی به حساب می‌آمـد. در «هدیهٔ العارفین» سال وفات وی ۸۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: حاشـیه بر «شرح کشاف» استادش، در تفسیر؛ شرح بر «ایضاح المعانی» قزوینی، در معانی و بیان؛ حاشیه بر «فرائض سـراجیه» یا شـرح «فرائض سـجاوندی»؛ شرح «المواقف» قاضی ایجی، در علم کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۶/۱)، کشف الظنون (۱۸۹۴، ۱۴۷۹، ۱۲۴۷، ۲۱۱)، معجم المؤلفین (۹۲/۴)، هدیهٔ العارفین (۳۴۲ -۳۴۱ /۱).

برهانی، آرش

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آرش برهانی (زاده ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ در کرمان) یک بازیکن فوتبال ایرانی است. او هم‌اکنون عضو باشگاه استقلال تهران است.

او پیش از آمدن به استقلال در تیم پاس تهران و همچنین مدت کوتاهی برای تیم النصر امارات بازی کرده بود.آرش برهانی در فصل نقل و انتقالات سال ۱۳۸۶ با توجه به این که زمزمه پیوستن او به پرسپولیس تهران شنیده می‌شد، با استقلال تهران قرارداد بست و به این تیم منتقل شد.او در اولین فصل از حضورش در استقلال توانست ۱۰ گل برای این تیم به ثمر برساند اما انتقاد زیادی به وی از لحاظ خراب کردن موقعیت های مناسب گلزنی در آن فصل شد. اما او در فصل بعد و دومین فصل حضور در استقلال به روزهای اوج خود بازگشت و گل‌های فراوانی را برای این تیم ثمر رساند. آرش برهانی در دوره هشتم لیگ برتر باشگاهای کشور در تاریخ ۶ آبان ۸۷ با زدن ۳ گل پیاپی (هت ریک) به پیکان از لحاظ زمان یک رکورد به خود اختصاص داد او در کمتر از ۹ دقیقه ۳ گل به تیم پیکان زد تا اگر اتوئو سریع‌ترین هت‌تریک ۱۰ سال اخیر بارسلونا را انجام داده، برهانی با نصف زمان مهاجم کامرونی، سریع‌ترین هت‌تریک تاریخ استقلال و لیگ برتر باشد.

افتخارات: * قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۳–۸۲ به همراه تیم پاس تهران

* قهرمانی در جام حذفی ۸۷–۱۳۸۶ به همراه تیم استقلال تهران

* قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸–۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

برهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمّد برهانی یکی از دامادهای گرامی مرحوم آیه‌الله حاج سید محمّد مهری (رحمه‌الله) از علماء فاضل و محقق معاصر آبادانست.

وی در یک خانواده اصیل متولد و پس از تحصیلات مقدماتی بنجف اشرف مشرف شده و دروس مقدماتی را در مدرسه (بزرگ آخوند) بپایان رسانید و دروس عالی مذهبی را از محضر زعیم اعظم و مرجع اعلی آیه‌الله العظمی آقای خوئی مدظله کسب فیض نموده است. و پس از پایان تحصیلات و بازگشت بایران در مدارس علمیه تهران بتدریس و تعلیم پرداخته و سپس بقم رفته و از طرف آیه‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله به مأموریت مذهبی عازم شهرهای مختلف جنوب شده و در آبادان اقامت نموده و تاکنون بخدمت دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارند.

دارای آثار خیر و تألیفات سودمندی میباشد که بآنها اشاره میشود.

۱– مسجد برهانی.

۲– کتابخانه عمومی امام صادق علیه‌السلام که دارای چهار هزار جلد کتابهای ارزنده میباشد.

۳– کتابخانه شخصی که بیش از دو هزار جلد کتاب نفیس دارند که مورد استفاده فضلا و دانشمندان است.

۴– دانش در اسلام ۷ مجلد که جلد اول آن منتشر شده است و جلد دوم انشاءالله منتشر خواهد شد.

۵– حقوق اجتماعی بشر و معارف سجادیه که علوم مندرج در صحیفه سجادیه‌ی را تشریح و تفسیر نموده است.

۶– تفسیر الرسول که از بهترین تألیفات معظم‌له است.

۷– التفسیر عند الشیعه که حاوی بیوگرافی مفسرین شیعه است.

۸– مسانید الرسول که احکام و اخلاق و علوم مستند از حضرت رسول صلی‌الله علیه وآله را جمع‌آوری نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

برهانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا بن مرحوم ثقهٔالاسلام والمحدثین حاج میرزا ابوالحسن واعظ شهیر تنکابن از علماء معاصر رامسر می‌باشد.

وی در حدود ۱۳۲۶ قمری در آخوند محله تنکابن به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات در عصر مرحوم آیت‌اللّه حائری به قم مهاجرت و سطوح را از مدرسین حوزه مانند مرحوم آقا میرزا محمدتقی اشراقی و آقا شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آیت‌اللّه گلپایگانی و حکمت را از مرحوم آیت‌اللّه ترابی دامغانی و آیت‌اللّه شاه‌آبادی و آیت‌اللّه امام خمینی و آیت‌اللّه حاج میرزا خلیل کمره‌ای آموخته و پس از آن به درس خارج آیات عظام گذشته مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه حجت و خوانساری و صدر و فیض قمی و نیز مراجع حاضر شرکت نموده و از خرمن علوم آنان استفاده‌ها برده است اکنون در رامسر رحل اقامت افکنده و در مسجد نارنج رامسر رحل اقامت افکنده و در مسجد نارنج بن ولیاسر به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارند.

معظم له دارای فرزند فاضلی به نام مرحوم آقا جلال‌الدین برهانی بودند از فضلاء حوزه علمیه قم محسوب و در سن جوانی به عارضه قلبی در ماه جمادی‌الاولی ۱۳۶۹ قمری فوت و در قبرستان نو دفن شدند وی استعداد عجیبی داشت و در عنفوان شباب و بهار زندگی کتابی در اثبات امامی تألیف نمود ولی اجل محتوم بیش از این مهلتش نداد خداوند وی را با حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام محشور دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

برهانیان، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الحسین برهانیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ دوره ابتدائی رادر سعدی شیراز دوره راهنمای در مدرسه ابوذر غفاری و دوره دبیرستان در دبیرستان ابوذر(شاهپور سابق) تحصیل سال ۱۳۶۲ در مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شدم و در سال ۱۳۶۵ درجه کارشناسی(معارف اسلامی) و در سال ۱۳۶۹ درجه کارشناسی ارشد(فقه و حقوق) را گذراندم.کارهای پژوهشی خود را از نوشتن رسالهٔ کارشناسی ارشد با عنوان«زمان و مکان در اجتهاد» شروع کردم که در آن موقع تنها عنوان مصوب دراین زمینه بود و حدود یکسال و نیم کار تحقیق آن به طول انجامید.مهمترین پژوهش انیجانب کار ابتکاری آموزش ترجمه قرآن است که در واقع یک شیوهٔ جدیدی برای تعلیم ترجمه قرآن به روشی اصولی و با استفاده از آمار کلمات قرآن است که در نوع خود یک گام به جلو محسوب می شود که البته بعد از شروع این کار چند نفر نیز در ضمن انجام آن از کار اینجانب نوعی تقلید نودند آموزشی ترجمه قرآن بارها تجدید چاپ گردید اما چون کار اداری محسوب می گردید متاسفانه در بیرون نمود چندانی پیدا نکرد چند سال بعد با کمک یکی از دوستان بنام کلید های آموزشی ترجمه قرآن(همراه با اضافات و تغییرات عمده بیشتر گردید.و بعد از آن دوره آموزشی غیر حضوری آن نیز تدوین گردید عناوینی که موفق به کار تحقیق و تالیفی گردیده عبارتند از:

کتابها

۱- آموزش ترجمه قرآن، ۲ جلد، چاپ شده

۲- آموزش غیر حضوری ترجمه قرآن، ۱۲ دفتر، چاپ شده

۳- کلید های آموزش ترجمهٔ قرآن، ۱ جلد، چاپ شده

۴- دشمن شناسی در قرآن، ۱ جلد، چاپ شده

۵- بررسی سیاسی بیمه در اسلام(قسمت مبانی و فرهنگی و..)، چاپ شده

۶- احکام اقتصادی خانواده، چاپ شده

۷- تاریخ اسلام و ایران، چاپ شده

مقالات:

۱- عبرت گیری تاریخی از دیدگاه قرآن،چاپ شده

۲- تاثیر قرآن در دوحیه رزمندگان،چاپ شده

بزرگمهر، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، مؤلف، مترجم.

تولد: آذر ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت: ۲۷ آبان ۱۳۶۵، آمریکا.

منوچهر بزرگمهر، فرزند میرزا یوسف‌خان ملقب به علیم‌السلطنه از پزشکانی بود که دوره‌ی طب را در فرانسه گذرانده بود. بزرگمهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران به پایان رسانید و بعد از آن که دو سال در مدرسه‌ی حقوق به تحصیل پرداخت به سال ۱۳۱۱ برای ادامه‌ی تحصیل به انگلستان رفت و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس حقوق از دانشگاه بیرمنگام به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول به کار شد. پس از خدمت نظام وظیفه، در وزارت امور خارجه مشغول به کار شد. در سال ۱۳۱۸ به استخدام شرکت بیمه درآمد. در سال ۱۳۱۹ به مشهد منتقل شد، مدتی در راه‌آهن مشغول به کار شد. سرانجام در شرکت نفت (ابتدا در آبادان از سال ۱۳۲۱ الی ۱۳۳۳ و سپس در تهران تا سال ۱۳۴۵)؛ اشتغال یافت. وی بین سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵ مشاور حقوقی کنسرسیوم بود. وی از سال ۱۳۴۱ الی ۱۳۴۵ نیز در دانشگاه تدریس می‌نمود.

وی از ابتدای جوانی به ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی علاقه‌مند بود. پیش از سفر به اروپا گلستان و کلیله و دمنه را نزد علی‌محمدخان عامری و مرزبان‌نامه را به فارسی و مدارج القرائه و مبادی العربیه را به عربی و جواهر الادب را به انگلیسی نزد شاهزاده فرهی آموخت. در مقدمات علوم اسلامی از قبیل منطق و معانی بیان و مختصری از فقه و اصول نیز از استادانی مانند شیخ محمد سنگلجی و آقا میرزا محمود شهابی و بدیع‌الزمان فروزانفر و شیخ علی بابا فیروزکوهی استفاده کرد.

پس از مراجعت از اروپا، چنانکه خود در بیان احوال خود گفته است: مدتی تلمذ متروک شد. در ۱۳۲۶ مجددا در آبادان نزد

استادی به نام سید موسی، قدری فقه خواند و در ۱۳۲۸ در تهران نزد عرفان که خود از شاگردان میرزا احمد آشتیانی بود، شرح الفیه و در ۱۳۳۲ در مدرسه‌ی نوربخش بروجرد نزد شیخ علی جواهری مقدرای مطول خواند. پس از مراجعت از خوزستان در ۱۳۳۵ شرح هدایهٔ میبدی و قدری از شرح منظومه را از عرفان آموخت و در همان سال‌ها در کلاس درس مطول همایی در دانشگاه شرکت کرد.

بزرگمهر با آنکه در فلسفه غربی تحصیل نکرده بود به مطالعه‌ی کتاب‌های فلسفی غربی و ترجمه‌ی آنها پرداخت. تحصیل در انگلستان و آشنایی به زبان انگلیسی، بزرگمهر را به مطالعه و ترجمه‌ی آثار فیلسوفان تجربی مذهب انگلیسی و فلاسفه‌ی جدید غرب سوق داد و از این رهگذر تعدادی کتاب فلسفی به قلم او به زبان فارسی درآمد. این کتاب‌ها و آثار دیگر که فلسفه محور اصلی آنها را تشکیل می‌دهد عبارتند از: پوپر (بریان مگی)؛ تحلیل ذهن (برتراند راسل)؛ رساله در اصول علم انسانی (جرج برکلی)؛ رساله درباره‌ی فهم انسانی (اثر جان لاک، تهران، ۱۳۳۵)؛ زبان، حقیقت، منطق (ا. اچ. آیر)؛ ژان پل سارتر (موریس کریستن)؛ سه گفت و شنود (جرج برکلی)؛ فلسفه چیست؟ (مجموعه‌ی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌ی «سخن» و بعضی نشریات دیگر)؛ فلسفه‌ی تحلیلی منطقی (مجموعه‌ی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌ی «سخن» که قسمتی از آنها به نقد کتاب کاوش‌های عقل نظری تألیف مهدی حائری یزدی اختصاص دارد)؛ فلسفه‌ی نظری (منتخبات از فلسفه اروپایی، دو جلد)؛ کارناپ (آرن نائیس)؛ کانت (فردریک کاپلستون)؛ گذشته‌های فلسفی فلاسفه‌ی تجربی انگلستان (لاک و برکلی)؛ مسائل فلسفه (برتراند راسل)؛ مسائل و نظریات فلسفه (ک. آژدوکیویچ)؛ منطق سمبلیک، ویتگنشتاین (یوستوس هارت‌ناک).

از بزرگمهر در سال‌های جوانی و قبل از آن که به ترجمه و تألیف کتب فلسفی روی آورد، چند کتاب دیگر نیز به نام‌های زیر به جا مانده است: از بیرون گود (۱۳۲۸)؛ دیگ جوش قلندر (۱۳۳۰)؛ عرفان نو (۱۳۲۲) و مرقعات صاحبدل که مجموعه مقاله‌های منتشره در روزنامه‌ی «پند» است (۱۳۲۴) (نام مستعاد مطبوعاتی وی «صاحبدل» بود).

علاوه بر این ترجمه‌ها و تألیفات، بزرگمهر چندین سال در دوره‌ی فوق لیسانس و دکترای فلسفه دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، به تدریس درسهایی مانند فلسفه‌ی تجربی، تفسیر متون فلسیفی به زبان‌های اروپایی، منطق جدید و فلسفه‌ی تحلیل منطقی اشتغال داشت و در بعضی دانشکده‌های دیگر نیز تدریس می‌کرد.

منوچهر بزرگمهر همچنین در جلسات درس هفتگی در فلسفه‌ی تطبیقی که از سال ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۷ ادامه داشت، با حضور استاد مرتضی مطهری و حمید عنایت (و به پیشنهاد او) شرکت می‌جست. این جلسات بعدها به مجلس درس منظومه بدل شد و دو جلد شرح مبسوط منظومه از آن حلقه‌ی درس و بحث باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بزنجانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بزنجانی

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

بستان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بستان

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ پس از اتمام دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۶۹ پس از اتمام دوره های مقدمات و سطح به درس خارج راه یافتم. سهم بیشتری از اشتغالات حوزوی اینجانب به فقه اختصاص یافته است و حضور بیش از چهارده سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی و حضور بیش از هفت سال در جلسه بحث فقهی حجت الاسلام و المسلمین گنجی عمده فعالیت های فقهی رسمی اینجانب بوده است. به میزان کمتری در درس خارج اصول به ویژه درس آیت الله وحید خراسانی و درس حجت الاسلام و المسلمین هادوی تهرانی حضور یافتم و در کنار این دروس طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ به مطالعه و مباحثه فلسفه(بدایه و نهایه الحکمه) اشتغال داشتم. به موازات دروس رسمی حوزه از سال ۱۳۷۲ تا کنون در رشته جامعه شناسی فعالیت

دارم. در بهمن سال ۱۳۷۱ به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که وابسته به سازمان سمت بود در آمدم. پس از گذراندن دوره آموزشی در سال ۱۳۷۵ شروع به فعالیتهای پژوهشی نمودم که حاصل آن تا کنون تدوین پنج کتاب و بیش از پانزده مقاله در موضوعات جامعه شناسی خانواده، مطالعات زنان، فلسفه علوم اجتماعی و جامعه شناسی دین است. همچنین در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه شناسی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه شدم و ان شاء الله در آینده نزدیک در دوره تحصیلات تکمیلی(دکتری) در همین پژوهشگاه شرکت خواهم کرد

بسطامی، ضیاءالدین، ابوشجاع عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۰ /۵۶۲ -۴۷۵ ق)، مفسر، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. محدث و مسند بلخ و امام مسجد راغوم یا راعوام بود. بسطامی نزد پدرش و سپس نزد ابوالقاسم احمد خلیلی و ابراهیم بن محمد اصفهانی درس خواند، و در محضر ابوجعفر محمد بن حسین سمنجانی فقه آموخت. او حتی در کهن‌سالی نیز بر دانش‌اندوزی حریص بود و از هر کسی چیزی می‌آموخت. کلامش شیرین و در وعظ و خطابه‌ی او نکته‌ها نهفته بود. سمعانی و فرزندش، ابومظفر، و ابوالفرج ابن‌جوزی و ابوروح هروی، و بسیاری دیگر، از شاگردان وی به حساب می‌آیند. وی در بلخ درگذشت. از آثار وی: «ادب المریض و العائد»؛ «لقطات العقول»؛ «مزالق یا مزالق العزلهٔ» یا «من الف العزلهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۳/۵)، سیر النبلاء (۴۵۴ -۴۵۲ /۲۰)، کشف الظنون (۱۶۵۹ -۱۴۶۴، ۴۸)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۷)، هدیهٔ العارفین (۷۸۴/۱).

بشار

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۶۷ -۹۶ ق)، شاعر، خطیب و ادیب. ملقب به مرعث، چون در کودکی گوشواره در گوش می‌کرد. در بصره نابینا متولد شد. اصلا از شاهزادگان طخارستان بود. از ده سالگی به زبان عربی شعر می‌گفت و چون به سن رشد رسید، از نیش زبان او می‌ترسیدند. بشار بن برد مقدم شعرای زمان خود بوده و دولتهای اموی و عباسی را درک کرده و در این دو دولت مدحها و هجاها گفته، و به هجا بیشتر میل داشته است. مهدی، خلیفه عباسی و خالد برمکی از جمله‌ی ممدوحان او بودند. وی در انواع شعر بخصوص قصیده و رجز دست و ابتکار و ابداع داشت و مقلد نبود. اشعارش را حدود دوازده هزار بیت و بنا به قول خودش دوازده هزار قصیده گفته‌اند. این کور روشندل در شعر تشبیهاتی دارد که بینایان مانند آنرا نمی‌توانند بیاورند. در بعضی اشعارش علاقه‌ی وی به ایران کهن و تمایلات شعوبی او مشهود است. سه جلد از «دیوان» مفصل او در قاهره به چاپ رسیده است. وی در مباهات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و امثال مشهور بود و در تغییر سبک شعر عربی بسیار مؤثر بود بشار به کثرت آثار معروف بود به طوری که آثاری نیز به زبان فارسی از او باقی مانده و چند خطابه در نثر دارد. سرانجام در عهد مهدی خلیفه، دشمنانش او را متهم به زندقه کردند، بشار دستگیر و محکوم به تازیانه شد، و سپس او را در باتلاقی در بطائح انداختند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵ -۲۴ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۲، ۱۹۱، ۲۴ -۲۳ /۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۲۹۵ -۲۸۳)، تاریخ الاسلام (حوادث ۹۲ -۸۷/۱۷۰ -۱۶۱)، تاریخ بغداد (۱۱۸ -۱۱۲ /۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۴۲)، حماسه‌سرایی در ایران (۱۶۱ -۱۶۰)، الذریعه (۱۳۸ -۱۳۷ /۹)، ریحانه (۲۶۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۵/۱)، سیر النبلاء (۲۵ -۲۴ /۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۰)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، لسان المیزان (۲۸ -۲۷ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بشار)، معجم المؤلفین (۴۵ -۴۴ /۳)، الوافی بالوفیات (۱۴۱ -۱۳۵ /۱۰)، وفیات الاعیان (۲۷۴ -۲۷۱ /۱).

بشارت، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه

تولد: ۱۳۲۴، در دهاقان شهررضا.

شهادت: ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمدتقی بشارت، فرزند حاجی بابا، تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به کار تدریس مشغول بود و از طرف حضرت امام خمینی (ره) و جامعه مدرسین حوزه‌ی علیمه، در امور تبلیغ فعالیت داشت. پس

از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی امام در گچساران و نیز جهاد سازندگی را به عهده داشت. همچنین مدتی سرپرست بنیاد شهید و کمیته کهکیلویه و بویراحمد بود. وی از سوی مردم شهر سمیرم به نمایندگی مجلس خبرگان و سپس اولین دوره مجلس شورای اسلامی رسید.

علاوه بر مقاله‌های ایشان در جراید، کتاب خوارج از دیدگاه نهج‌البلاغه را تنظیم نمود و همچنین در ترجمه بخشی از مجموعه ورام نیز سهم داشت.

حجت‌الاسلام بشارت در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ به دست منافقین در جلوی درب منزلش به شهادت رسید. پیکرش در سمیرم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بطحایی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم بطحائی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۳۵ شمسی از گلپایگان وارد حوزه علمیه قم شده و مشغول تحصیل گردیدم و ضمن تحصیل حوزوی با توجه به جو اختناق فرهنگی به ذهنم خطور کرد که باید تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه دهم لذا در کلاس های شبانه شرکت کردم و پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۴۷ به درجه لیسانس در رشته فلسفه با نمره ممتاز که مورد تشویق نیز واقع شدم نایل گردیده و در ۱۶ / ۱ / ۴۸ الزاما به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و در کسوت افسری با حفظ سیمای طلبگی در مناطق مختلف خدمت سربازی را سپری نموده و در سال ۵۰ به قم برگشتم و دروس حوزوی را ادامه دادم .

در کنار آن در فوق لیسانس دانشگاه تهران شرکت کرده و پذیرفته شدم و در سال ۵۲ فوق لیسانس(با معدل بالا)را گرفتم ضمنا با آرمانی که از تحصیل دروس کلاسیک در نظر داشتم در سال ۱۳۵۰ وارد آموزش و پرورش قم شدم و در سمت دبیری در دبیرستان های قم تدریس می کردم و به فضل الهی و تاییدات او از دروس حوزه کم و کاستی نداشتم تا در سال ۱۳۶۵ از آموزش و پروش به آموزش عالی دانشگاه تهران محل خدمت مجتمع آموزش عالی قم منتقل شده و عضو هیئت علمی آن دانشگاه گردیدم و در تمام این سنوات تنها دو سال از حوزه بدلیل خدمت نظام وظیفه فاصله گرفتم والا تمام سنوات گذشته را اشتغال داشتم .

در سال ۴۵ پس از سپری کردن دروس سطح که محضر حضرات علماء تلمذ نموده وارد درس خارج حضرات آیات گلپایگانی و امام و حاج شیخ هاشم آملی شدم .سطوح و لمعتین را از محضر مرحوم آقای ستوده و رسائل را از محضر آقای نوری همدانی و قوانین را از محضر آقای اعتمادی و مکاسب را از محضر آقای منتظری و کفایتین را از محضر مرحوم آقای سلطانی استفاده نمودم و در سال ۱۳۸۰ دکترای رشته فقه و مبانی حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم و اینک ضمن اشتغال در دانشگاه تهران – مجتمع آموزش عالی – در حوزه در مقطع درس خارج تدریس می نمایم .

بغدادی اسفراینی، ابومنصور عبدالقاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۹ ق)، فقیه اصولی، متکلم و ادیب شافعی. در بغداد به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد. سپس همراه پدر ساکن نیشابور شد و در اثر فتنه غز مدتی نیشابور را ترک کرد. وی در هفده رشته علمی مدرس بود، بخصوص در زمینه‌ی علم حساب از صاحبنظران بود. او شعر نیز می‌گفت و اشعار زیادی به جای گذاشت. دستی گشاده داشت و آنچه از مال و ثروت داشت بر جویندگان علم و حدیث انفاق می‌کرد. ابومنصور در فقه شاگرد ابواسحاق اسفراینی بود و بعد از او بر مسند استادش نشست و در مجسد عقیل به املا پرداخت. ابوبکر بیهقی، ناصر مروزی، زین الاسلام ابوالقاسم قشیری و عبدالغفار شیرویی از جمله شاگردان وی بودند. ابومنصور در اسفراین از دنیا رفت و در جوار استادش ابواسحاق دفن شد. از آثارش: «بلوغ المدی فی اصول الهدی»، در اصول فقه؛ «التحصیل»، در اصول فقه؛ «تفسیر القرآن»؛ «تأویل متشابه الاخبار»؛ «التکمله»؛ در علم حساب؛ «الفرق بین الفرق»؛ «الملل و النحل»؛ «مشارق النور»، در کلام؛ «معیار النظر»، در عقلیات؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۳/۴)، ایضاح المکنون (۴۸۵، ۳۷۵، ۲۳۴ /۲)، ریحانه (۲۷۸ –۲۷۷ /۷)، سیرالنبلاء (۵۷۳ –۵۷۲ /۱۷)، کشف الظنون (۱۹۷۰ ،۱۹۲۱، ۱۸۳۹، ۱۸۲۰ ،۱۷۶۹، ۱۴۳۲، ۱۴۱۸، ۱۴۰۱ ،۱۳۹۲، ۱۲۷۴، ۱۲۵۲، ۱۰۳۹، ۴۷۱ ،۴۶۳، ۴۶۲– ۴۴۱، ۳۹۸،

۳۳۵، ۲۵۴)، وفیات الاعیان (۲۰۳/۳)، هدیة العارفین (۶۰۶/۱).

بقای اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۱ -۱۲۵۷ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بقاء ملقب به شرف المعالی و اشرف الکتاب از بزرگان و معارف اصفهان بود و در تهران اقامت داشت. بقا خطوط مختلف را خوش می‌نوشت و در نسخ مهارت داشت. شعر نیز می‌سرود و صاحب طبع بود. وی در تهران درگذشت. از آثار او: «آیات یا مراتب و مناقب خسروی» شعر؛ «رساله‌ی هاشمیه»، شعر. از خطوط وی: جزوه‌ی «زیارت جامعه»، سرلوح مذهب، نسخ و رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «بجهت... ۱۲۸۳ تحریر شد... انا العبد سید محمد الاصفهانی»؛ قرآن وزیری جلد روغنی، نسخ کتابت نسخ کتابت خوش، با رقم: «... سید محمد بقاء اصفهانی... ۱۲۹۹»؛ یک رقعه به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «... کتبه العبد سید محمد المتخلص بالبقا، سنه ۱۳۱۴»؛ «صحیفه سجادیه»، یک سرلوح مذهب، به خط نسخ کتابت خوش و نستعلیق تحریر متوسط و در آخر رقاع خوش، با رقم: «... حرره العبد سید محمد المتخلص بالبقاء الملقب بشرف المعالی سنه ۱۳۲۲». سیزده اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۴ -۱۱۴۳ /۴)، تذکرةالقبور (۱۴۹)، حدیثه الشعراء (۲۴۹ -۲۴۸ /۱)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۳ -۷۸۲ /۵).

بکائی جزی، محمّد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از بزرگان صاحب نام نیمه اوّل قرن سیزدهم هجری در قریه گز، مرحوم حکیم ملّا محمّد بکائی جزی بوده است که در سالهای ۱۲۷۵ تا ۱۲۹۵ هجری قمری در مسجد جامع گز کلاس درس و اقامه جماعت داشته و قرآن خطی کتابت می‌نموده است. اهل منبر و خادم‌الحسین بوده و به روضه دیر راهب بسیار علاقمند بود. از شاگردان وی، مرحوم آخوند ملّاعبدالکریم گزی که در آن زمان به عنوان اقل‌الطلبه کتابت می‌نموده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

بکائی جزی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پس از پدر اقامه جماعت در مسجد گز داشته و کلاس درس حوزوی پدر را در همین محل اداره می‌نموده است. معلم به علوم جدید و قدیم بوده و مرحوم حیدرعلی خان برومند جزی در دوران طفولیت در سالهای ۱۳۳۵ هجری قمری به بعد مدتی از شاگردان مرحوم ملّا مهدی بکایی بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

بکتاش، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بکتاش

محل تولد : ساوجبلاغ

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اوائل دهه ۶۰ وارد حوزه علمیه شدم ابتدا دروس مقدماتی را در شهرستان کرج وتهران طی نمودم وبعد از آن به حوزه علمیه قم آمدم ودروس سطح را درحوزه علمیه قم گذراندم والان هم مشغول تحصیل در دروس خارج فقه واصول می باشم .البته همزمان با تحصیل در دروس سطح در حوزه علمیه قم دردانشگاه قم به تحصیل دررشته علوم سیاسی پرداختم ودر سال ۸۰کارشناسی را از آن دانشگاه دریافت کردم وبعد ازآن در همان رشته در دانشگاه علامه طباطبائی به ادامه تحصیل پرداختم واز دانشگاه علامه طباطبائی

مدرک کارشناسی ارشد را دریافت کردم .بنده طی تحصیل دردانشگاه دردروس خارج فقه واصول هم شرکت کردم ودردرسهای خارج فقه آیات عظام جوادی آملی ،فاضل لنکرانی وخارج اصول آقای شیخ صادق لاریجانی چند سالی شرکت کردم .

در خصوص فعالیتهای پژوهشی وآموزشی باید یادآورشوم که حدوداً بیش از سه سال است یعنی ازسال ۸۲ که بنده در دانشگاههای مختلف مشغول به تدریس هستم، ودرامر پژوهش حدود چهار سال است در گروه حقوق وسیاست مرکز مطالعات وپژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه قم فعّالیت دارم ومقالات متعدّدی به عنوان نقد ویا پاسخ به شبهات ودیگر مقالاتی که مربوط موضوعات روزمی باشد به نگارش درآورده ام

وهم اکنون هم دراین باره انجام وظیفه می کنم.

بکوس، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، طبیب و مترجم. پزشکی ماهر و ترجمی زبردست بوده و زبانهای سریانی و عبری را خوب می‌دانسته است. در دولت عباسیان کتب زیادی از یونانی به عربی نقل کرده و در بیمارستان عضدی طبابت و تدریس می‌کرده است. در اواخر عمر نابینا شد، با این وصف همچنان به طبابت اشتغال داشت. آثار وی عبارت‌اند از: «کناش کبیر در طب»، «کناش صغیر در طب»، «مقاله‌ای در باب آبله»، «رساله‌ای در تشریح و درمان چشم»، «رساله‌ای در بیماری پوست»، «کتابی در رویا»، «رساله‌ای در آبهای معدنی»، «رساله‌ای در درمان سموم».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ طب (۶۶۴ -۶۶۳، ۲۷۰ -۲۶۹ /۲)، کشف الظنون (۱۵۱۱)، هدیهٔ العارفین (۷/۱).

بلادی بهبهانی بوشهری، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲- ح ۱۳۷۰ ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در بوشهر متولد شد پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف رفت و سالها در نجف تحصیل علوم دینی کرد و به مقام اجتهاد رسید و سپس به بوشهر بازگشت. سید عبداللّه علاوه بر مقام اجتهاد، در زبان و ادبیات عرب نیز تبحر داشت. او از آزادیخواهان و وطن دوستان حافظان استقلال ایران بود. از آثار او: «السحاب اللئالی فی المطالب العوالی»، کشکول، به عربی، در دو جلد؛ «توضیح المآرب»؛ «بصر الحدید فی معرفه الهیئه علی الطرز الجدید»، در هیئت؛ «رحله الحرمین»؛ «الردود السته»؛ «ضیاء المستضیئین»، مجموعه‌ای فارسی؛ «محفظه الانوار»، ترجمه کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)؛ «المسائل الاربعه»؛ «المقالات العشر»، در سیاست اسلامی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۰ -۵۹۸ /۳)، الذریعه (۳۹۲/۲۱، ۱۵۲/۲۰، ۱۳۰/۱۵، ۱۵۰/۱۲، ۲۳۸، ۱۶۸/۱۰، ۴۹۵/۴، ۱۲۶/۳)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۱۰۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳۷/۳).

بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۹ ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم‌عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوه‌ی بلاذر (بلادر مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»؛ «البلدان الصغیر»؛ «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»؛ «فتوح البلدان».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۲/۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۴۳۸/۱)، ریحانه (۲۷۶ -۲۷۵ /۱)، سیر النبلاء (۱۶۳ -۱۶۲ /۱۳)، الفهرست لابن الندیم (۱۶۴)، کشف الظنون (۱۴۰۲، ۱۷۹)، الکنی و الالقاب (۹۳ -۹۲ /۲)، لسان المیزان (۴۹۰ -۴۸۹ /۱)، معجم الادباء (۱۰۲ -۸۹ /۵)، معجم المؤلفین (۲۰۲ -۲۰۱ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۱ -۲۳۹ /۸).

بلاغی نایینی، صدرالدین، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، فقیه، مترجم، نویسنده، خطیب و شاعر. معروف به سید صدرالدین و مشهور به صدر بلاغی. وی در نایین متولد شد. در سیزده سالگی به اصفهان رفت و مدت شش سال در حوزه درس استادان آن دیار مشغول به تحصیل ادب و منطق و فقه و اصول شد. سپس به شیراز رفت و یازده سال در آن جا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۱۸ ش به خراسان رفت و دو سال بعد به تهران آمد و در این شهر مقیم شد. بلاغی در سرودن انواع شعر مهارت داشت و اشعارش از مضامین نو و تازه آکنده بود. از آثار وی: «سخنرانیهای بلاغی در رادیو»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «قصص قرآن» و «فرهنگ قصص قرآن»؛ «برهان قرآن»، رد مهمترین شبهات پیروان کمونیسم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۴۴۱ -۴۳۲)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹۲ -۹۱)، سخنوران نامی معاصر (۵۴۹ - ۵۴۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۴ -۵۳۳ /۳).

بلخی، سید اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل بلخی سال ۱۲۹۵ ش . در قریه ((سرپل بلخاب)) در یک خانواده روحانی زاده شد. بلخاب سرزمینی است خوش آب و هوا و کوهستانی که در قسمت جنوبی استان مزار شریف و در مسیر رودخانه ((بلخ آب)) که از ((بامیان)) سرچشمه می گیرد قرار گرفته است . این خطه از دیرباز مرکز تشیع و پایگاه ستارگان علم و ادب در ترکستان زمین بوده و امروز پس از گذشت قرنها نام ستارگانش چشم و چراغ ملت مسلمان به حساب می آیند اینک نیم نگاهی به گذشته این دیار می اندازیم .

فرزانگان بلخاب

بلخاب تا قبل از ورود ((میر سید علی فرزند میر سید جلال الدین بخارایی)) شهرت چندانی نداشته ولی بعد از سال ۸۱۰ ق . با ورود این عالم زبردست و دانشمند نام و آوازه این دره گمنام از ((سمرقند)) تا ((هرات)) پیچید. بدین مناسبت کاروانهایی از عالمان و دولتمردان به قصد زیارت و دیدار این عارف وارسته وارد بلخاب شدند. تا جایی که ((شاهرخ)) به این شخصیت علاقه مند شد و چندین بار وی را از بلخاب به مرکز حکومت خراسان یعنی ((هرات)) دعوت نمود و دخترش را به عقد او درآورد. و در آخرین سفر میرسیدعلی در حالی که شاهرخ در ((شهر ری)) دار فانی را وداع گفته بود بر طبق وصیتش جنازه او را به هرات حمل نمودند و میرسیدعلی ولی بر او نماز خواند!

بلخاب از دیر زمان با حوزه های بزرگ شیعه در نجف ، مشهد و قم در تماس بوده و در دشوارترین ایام این قافله از حرکت نیفتاد. بر همین اساس است که مدارس و روحانیت بلخاب از سایر مناطق پیشگام است . و نسبت به سایر مناطق شیعه نشین افغانستان بیشترین طلاب از این منطقه بوده اند.

در این بخش بیش از سی هزار نفر شیعه مؤ من و غیرت مند زندگی می کنند و بیش از دهها حسینیه و مسجد وجود دارد و تا قبل از انقلاب بزرگترین پایگاه فرهنگی مردم شمال به حساب می آمد.

برخی از بزرگان بلخاب به قرار ذیل است :

بلعمی، ابوالفضل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۰ /۳۲۹)، ادیب. در زمان سامانیان می‌زیست. وی پدر صاحب «تاریخ بلعمی» وزیر اسماعیل بن احمد سامانی، بود و یکی از ممدوحان و مشوقان رودکی. بلعمی به رودکی اعتقاد بسیار داشت و حتی وی را در عرب و عجم نظیری نمی‌شناخت و به او صله‌ها و جایزه‌های فراوان می‌بخشید. او بود که رودکی را به نظم «کلیله و دمنه» واداشت. به او بلعمی کبیر هم می‌گفتند. و بلعمی منسوب بود به دیهی به نام بلعمان از نواحی مرو. از آثار او: «تلقیح البلاغه»؛ «المقالات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۹/۷)، پیشاهنگان شعر فارسی (۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۹، ۳۷۶ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷/۱)، ریحانه (۲۸۱ -۲۸۰ /۱)، سیر النبلاء (۱۹۲/۱۵)، کشف الظنون (۴۸۰)، معجم البلدان (۵۷۶ -۵۷۵ /۱)، معجم المؤلفین (۲۷۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۵/۴)، هدیهٔ العارفین (۳۴/۲).

بلعمی، ابوعلی محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۳/۳۶۳ ق)، مورخ، ادیب و متجرم. وی وزیر منصور بن نوح سامانی و پسر ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی بود. در زمان

سامانیان می‌زیست و وزارت عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح سامانی را داشت و به دستور پادشاه اخیر «تاریخ طبری» را از عربی بـه فارسـی ترجمه کرد. علت شـهرت او به بلعمی به خـاطر انتسـاب او و نیاکـان وی به بلعمـان از قراء مرو بـود. بلعمی در این ترجمه بسیاری از موارد «تاریخ طبری» را تلخیص کرده و در بسی موارد دیگر از منابع جدیدی استفاده کرده است.

کتاب او حکم تألیف جدیدی را پیدا کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۹/۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (۹۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۳/۱)، ریحانه (۲۸۰/۱)، زین الاخبار (۱۶۱)، سبک شناسی (۹ –۸ /۲)، لغت نـامه (ذیل/ بلعمی)، گنـج و گنجینه (۱۵ –۸)، فرهنگ ادبیات فارسـی (۹۱)، دستور الوزراء، (۱۱۴ –۱۱۳)، الذریعه (۸۶/۴).

بمی کرمانی، طیان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س شـشم ق)، شـاعر و ادیب. از شـاعران بم کرمـان است که در نظم و نثر توانا بوده است و اشـعاری چنـد از وی در تـذکره‌ها نقل است که قدرت طبع او از آن مشهود است. صاحب «مجمع الفصحا» احوال وی را با طیان ژاژخای مرغزی درهم آمیخه و اشعار طیان مرغزی را به او نسبت داده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۶۲۴ –۶۲۳ / ۲)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۶۰ –۳۵۶)، الذریعه (۶۵۳ / ۹)، صبح گلشن (۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۵۹۳)، ستارگان کرمان (۲۶۹ –۲۶۳)، مجمع الفصحا (۸۵۰ –۸۴۷ / ۲)، هفت اقلیم (۲۷۰ –۲۶۸ / ۱).

بنایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بنائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حجت الاسـلام و المسـلمین علی بنائی در سال ۱۳۳۸ در یکی از محله‌هـای قـدیمی خیابـان انقلاب (چهارمردان) قم، در خانواده‌ای اصیل و متـدین دیـده به جهـان گشود. وی بـا سپری کردن دوره ابتـدایی در مـدرسه شایگان، تحصـیلات خود را در دبیرسـتان امام صـادق(ع) (حکیم نظـامی) ادامه داد. او که رایحه تعالی بخش و مسؤولیت ساز حوزه علمیه قم را از نزدیک استشـمام کرده بود، در یکی از مدارس نظام‌مند و موفق آن روزگار (مدرسه مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی(ره)) دروس طلبگی را آغاز نمود.

دروس سـطح را تـا پایـان مکـاسب و کفـایه نزد اسـتادان بزرگوار همچون حضـرات آیـات: موسوی تهرانی، قـدیری، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، اشـتهاردی و محقق داماد(دامت تأییـداتهم) و آیت‌اللّه سـتوده فرا گرفت. ایشان در این مدت با چهره‌هایی چون آیت‌اللّه سیـد مهـدی روحانی، آیت‌اللّه احمـدی میانجی و آیت‌اللّه العظمی بهاءالـدینی(ره) آشـنا و مأنوس شد و از چشـمه‌سار زلال عرفان و اخلاـق آن سـتارگان پرفروغ بهره گرفت. وی همچنین از درس‌هـای تفسـیر آیت‌اللّه مشـکینی و آیت‌اللّه جـوادی آملی(مـدّ ظلّهمـا) اسـتفاده‌های فراوان و شایـان برد و دروس خـارج فقه و اصول را از محضـر آیـات عظـام: فاضـل لنکرانی، میرزا جواد تـبریزی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی(دامت برکاتهم) بهره‌مند شد.

بنداری اصفهانی، قوام‌الدین فتح

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۳ –۵۸۶ ق)، مترجم. وی در مولـد خود اصـفهان تربیت یافت. در سال ۶۲۰ ق به شام سـفری کرد و در دمشق به خـدمت پادشاه عیسـی بن ملـک عـادل ابی‌بکر بن ایوب رسـید و به امر او «شاهنامه‌ی» فردوسـی را به عربی درآورد که به «الشاهنامه» معروف است. وی همچنین کتـاب «تاریـخ سـلاجقه» انوشـروان بن خالـد، وزیر محمود بن محمـد بن ملکشاه، را که عمادالـدین اصـفهانی به عربی درآورده بود، خلاصه کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۳/۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۲۲۴)، سرآمدان فرهنگ (۱۷۲/۱).

بنداری، فتح

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فتح بن علی بن محمد البلداری (البنداری)، از فضلای شیعه در قرن هفتم بوده، و کتاب «نصرة الفترة» عماد کاتب را در سال ۶۲۳ مختصر نموده، و آن را: «زبدة النصرة و نخبة العصرة» نامیده، و این مختصر در لیدن با فهرست اعلام و امم و ولایات و شهرها به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بنی مجیدی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال ۱۳۳۴ در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود. وی پس از اتمام دوره سربازی ، بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بیله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید.او از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس می کرد تا اینکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد. در سال ۱۳۶۵ با انتقال به آموزش و پرورش آستارا با همکاری اکبر اکسیر شعر را به طور جدی دنبال کرد و یکی از اعضای ثابت حلقه فرانوشد. وی از شاعران کلاسیک بشمار می آمد.نامبرده پس از چند دهه فعالیت در عرصه هنر و شعر در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۸۷ ، پس از جدال طولانی با بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نام پدر : اروج

خاطرات کودکی" : دوران کودکی و نوجوانی را علی رغم موفقیت در درس و مشق ، با مشقات و دردسرهای فراوان پشت سر نهاده ام . شاید هم پیشامدهای ناگوار زمینه ساز مقوله ی شعر و شاعری در من شده است" ؛

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال ۱۳۳۴ در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود.او در یک خانواده ی متوسط و کم سواد پا به عرصه ی وجود نهاده .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منصور در خرداد ماه سال ۵۳ با عنوان شاگرد ممتاز دیپلم ادبی گرفت . او در همان سال در رشته فوق دیپلم علوم انسانی مرکز استان گیلان قبول شد . از آنجائیکه آن زمان هنوز کمک هزینه ی تحصیلی به دانشسرای راهنمایی تربیت معلم نمی دادند از ادامه ی تحصیل باز ماند و به ناچار به خدمت وظیفه اعزام شد و پس از دو سال بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بیله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید. وی از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس می کرد تا اینکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : منصور بنی مجیدی از نحوه شاعر شدنش چنین می گوید": آنچه به یادم مانده است وقتی با بچه های یک کلاس ، یک تنه مشاعره می کردم سالهای آخر دوره ی ابتدایی بودم اول بعضی شعرها را بخاطر حروف خاص اش عوض می کردم و این دگرگونی به شکلی صورت می گرفت که کسی از بچه ها متوجه نمی شد بعدها در دبیرستان تنها انشاء نویس کلاس بودم که از روی کاغذ سپید انشاء می خواندم چرا که همیشه ، بچه ها انشاءهای مکتوبم را کش می رفتند و آن زمانها هم جوری بود که آدم کسی را لو نمی داد یعنی این کارها به دور از جوانمردی بود"

فعالیتهای ضمن تحصیل : منصور بنی مجیدی از خاطرات و فعالیت های ضمن تحصیل خود چنین می گوید": در دوره ی دبیرستان علی الخصوص در سیکل دوم به بعد جزء دانش آموزان اهل قلم شهر ، شناخته شده بودم . انس و الفتم بجای تفریح و ورزش— اگر کارهای اجباری و بی گاری می گذاشت — تنها با کتاب و مطالعه بود . از آنجائیکه راهنمای درست و حسابی نداشتم با هیچ نشریه و مجله ای همکاری نمی کردم . آن زمان تنها کسی در کلاس بودم که از درس شفاهی « عروض و قافیه » دوره ی دبیرستان سر در می آوردم . نه معلم درست و حسابی داشتیم و نه کسی این کتاب را به کلاس می آورد ... سالها سپری شد .اولین اثرم سال ۱۳۵۶ با نام « بابا انار دارد » در روزنامه ی فروغ آزادی آذربایجان آن زمان در تبریز چاپ شد و این تلنگری شد برای کارهای بسیارِ آینده ام ، به جرئت می توانم بگویم در طول سه دهه در تمام نشریات و مجلات موجود و معتبر ادبی آثارم چه بصورت شعر و چه بصورت مقاله و نقد همه جا چاپ شده است و دیگر اینکه آنچنان گرم شغل مقدس معلمی بودم که فرصت مجموعه کردن شعرها را در کتاب ها پیدا نمی کردم و شاید هم به موقع به صرافت این کارها نیفتادم . تا اینکه سال ۸۰ گاهنامه ای به نام « ترلان » در هشتاد و چند صفحه منتشر کردم و بلافاصله اولین کتاب شعرم را — شعرهای سال ۵۷ الی ۸۰ در ۱۲۰ صفحه با نام « بهاری از خاکستر پاییز » در سه هزار تیراژ توسط انتشاراتی « فرهنگ دهسرا » ، منتشر کردم که پس از چند ماه همان سال با همان تیراژ

تجدید چاپ شد"

همسر و فرزندان : در سال ۵۳ مقدمات ازدواج منصور بنی مجید فراهم شده و در سال ۵۶ عروسی کرد .از ایشان سه فرزند ، دو دختر و یک پسر به یادگار مانده است.

زمان و علت فوت : منصور بنی مجیدی در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۸۷ در ساعت ۱:۳۰ نیمه شب پس از جدال طولانی با بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بعد از پایان تحصیلات در مدارس آستارا به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در شهرهای پارس‌آباد مغان و تالش به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۶۵ با انتقال به آموزش و پرورش آستارا با همکاری اکبر اکسیر شعر را به طور جدی دنبال کرد و یکی از اعضای ثابت حلقه فرانوشد. او در کنار تدریس ادبیات فارسی در دبیرستانهای آستارا سالها در کانون ادبی شهریار اداره ارشاد این شهر به آموزش فنون شعر و تشویق شاعران جوان پرداخت.

همفکران فرد : استاد منصور بنی مجیدی در جواب سوال : از شاعران قدیم به کدامیک بیش از همه علاقه مندید !؟ چنین جواب می دهد " : راستش را بخواهید بنده ی حقیر همه چیز را با ادبیات کلاسیک شروع کرده ام و همیشه هم توصیه ام به شا گردان همین مقوله بوده است . چرا که ریشه و فرهنگ گذشته ی ما باعث استحکام رو بنا و کیفیت کارهای امروزی ما می شود بنا براین خود شخصاً آثار شاعران و نویسندگان قدیم را هرچند خیلی با دقت هم نباشد خوانده ام ! به مولوی ، حافظ ، سعدی ، سیف فرغانی ، فخرالدین عراقی ، فردوسی ، صائب تبریزی و ... علاقه ی بیشتری دارم و حافظ را معجزه ی شعر ایران می دانم . ضمن اینکه سیف فرغانی را انقلابی ترین شاعر " ... او همچنین در جواب سوال :از شاعران معاصر و یک قرن اخیر به کدامیک علاقه مندید ؟ چنین جواب می دهد" : اگر دقیقاً صد سال اخیر را در نظر بگیرم حتماً می بایست به شاعران عصر مشروطیت توجه ای بیشتر داشته باشم ولی دوست دارم از نیما شروع کنم که پرچمدار شعر نو بود هم به لحاظ ساختار هم به لحاظ دیدگاه شاعری که با مطالعه ی کامل ادبیات فرانسه و ... به آگاهی سطح بالایی رسیده بود و ادبیات کلاسیک ما را نیز خوب درونی کرده بود و بدنبال راه چاره می گشت . خوشبختانه در آن زمان پس از کشمکش های فراوان توانست حرف حق خود را به کرسی بنشاند و در این راه رنج فراوان برد . او تنها کارش کوتاه و بلند کردن مصراعها نبود بلکه توانست فضای شعری حاکم را که هزار و چند سال مدام تکرار می شد تقریباً عوض بکند . هر چند قبل از او چند تن در تبریز از جمله تقی رفعت ، جعفر خامنه ای ، شمس کسمایی و حتا کسانی دیگر در این راه قدم گذاشته بودند ولی هیچکدام قدرت و مقاومت و استحکام او را نداشت . او بقول خود « آب / در خوابگه مورچه گان ریخته بود » و در مرتبه ی دوم به شاملوی عزیز عشق و علاقه فراوان داشتم و بازهم دارم . و شاملو توانست شعر چندین ساله ی ایران را از حالت یک نواختی بدر آورد . او با هوش سرشار اش آموزه های زیادی را از نیمای بزرگ آموخته بود ولی خود هم معلم و هم متعلم بود و هرگز از آموختن و بکار بستن آنها دست برنداشت . شعر سپید محصول سن زده ای نبود که مور و ملخ هم از آن نصیبی نبرند بلکه این صخره ی به ظاهر دست نایافتنی همه چیزش حساب شده بود . رودی بود بزرگ که حتی می شد در کنار و گوشه ی آن قایق رانی کرد و هر کس بنا به استعداد و توان ذاتی اش از آن ماهی می گرفت . شاملو شعر سیاسی اجتماعی را قرب و منزلت داد و تا پای مرگ ، کسی ناله ی نه من غریب از او نشنید . آثاراش همه ارزشمند و خود شاهد بزرگی ست برای ادعاهای بزرگ اش ، می توان از آثار باقی مانده ی شاملو و نیما چندین رساله برای تدریس در دانشگاههای معتبر جهان تهیه کرد . دیگرانی نیز از جنس خلف اینها بوده اند از جمله : یدالله رویایی ، م آزاد ، نادر نادرپور ، هوشنگ ابتهاج ، منوچهر آتشی ، علی باباچاهی و خیلی کسان دیگر که از ذکر نامشان فعلاً شرمنده ام " .

آرا و گرایشهای خاص : در شعرهای منصور بنی‌مجیدی توجه به انسان معاصر و دغدغه‌های آن موج می‌زند بنی‌مجیدی در غزل ترکی حرفی برای گفتن داشت و از استقبال عموم برخوردار بود در شعرهای فارسی که اغلب در مطبوعات ادبی به چاپ رسیده شاعری اجتماعی و دردآشنا دیده می‌شد او از روح لطیفی برخوردار بود و به کمال انسان می‌اندیشید شعر او، خطابه‌های مکرر درد بود بازبانی ساده و نگاهی انسانی، او به نوعی از قصه ـ شعر رسیده بود که در عین بلندی گیرا و دلنشین بود. واژگان شعرهایش آمیزه‌ای از کلمات عامیانه و گفتاری بود با طنزی نهان و استفاده سرشار از فولکلور و امثال و حکم شعری سرزنده و شاداب اما دردمند و تفکربرانگیز.

چگونگی عرضه آثار : آثار بنی مجیدی می‌توان به مجموعه شعرهای «بهاری از خاکستر پاییز»(گزیده شعرهای سال‌های ۵۶ تا ۸۰)، «بانوی باد شبنامه پخش می کند»، «دیگر نمی‌توانم شاعر بمانم»، «سهم من، همیشه دلتنگی ست» و «قرائت دوم من، تویی» اشاره کرد. دو کتاب بیژن کلکی با عنوان های" ترانه هایی برای الکاپون "و " نیامدی اسم آب یادم رفت " به کوشش بنی مجیدی به چاپ رسیده اند. شعر زیر با عنوان «افعال غیرمنصرف» از اشعار اوست: اینجا پوسیده باشم پوسیده باشی شاید هم پوسیده باشد اگر به هر سازی تن بدهد! نَه برای قصد قربت / نَه برای رقصیدن تنها دردی همیشگی در کشاله رانم تیر می‌کشد! این ناتمامی زندگی ... برایم هیچ لذتی ندارد! هر روز مثلِ چای لب زنده یا فنجان دَمر شده کنار گذاشته می‌شوم این بغضِ چندین ساله نه تنها من است که در تو و دیگران نو به نوبه می‌ترکد! ---

----

آثار :

۱ بانوی باد شبنامه پخش می کند

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۳۸۳

۲ بر بام خود آشفته می وزم

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۵ اسفند، ۱۳۸۵

۳ بهاری از خاکسر پائیز

ویژگی اثر : مجموعه شعر،چاپ دوم

۴ ترانه هایی برای آلکاپون

ویژگی اثر : مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی

۵ دیگر نمی توانم شاعر بمانم

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۳۸۳

۶ سهم من، همیشه دلتنگی ست

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۳۸۳

۷ شعر امروز آستارا

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی (شاعر) ناشر: فرهنگ ایلیا – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۴

۸ قرائت دوم من، تویی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۳۸۳

۹ نیامدی اسم آب یادم رفت

ویژگی اثر : مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی

بنیادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بنیادی

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد بنیادی در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای مؤمن و مـذهبی در شـهر شـهید پرور ملایر متولد شد. پس از طی مراحل ابتدائی و راهنمـایی در سـال هـای اختنـاق و خفقـان ، سالهایی که رژیم شاهنشاهی روحانیت مبارز و مردم مؤمن و انقلابی را شدیـدا در فشار قرار داده بود یعنی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه ملایر گردید. پس از آن جهت ادامه تحصیل به شهرستان دماوند از توابع تهران عزیمت کرد و در نهایت برای طی تحصیلات عالی به حوزه علمیه تهران رهسپار گردید. پس از ورود به تهران به حلقه درس خارج حضـرات آیـات فاضـلیان و صـفاری وارد شـد و از خرمن درس آنان خوشه ها چیـد. نامبرده تا به امروز کتابهای زیادی تألیف کرده است.

بنی‌صدر، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۵ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران متولد شد. پس از طی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه و تحصیلات عالی تخصصی امور اداری و مالی، کارپردازی را در پاریش به پایان رسانید. وی بعد از مراجعت به ایران. مدت سـی سال در ارتش خدمت کرد و غالب در کلاسـهای افسـری دانشـگاه جنگ و دانشـکده افسـری و ژاندارمری و دانشـکده پلیس تدریس داشت. روزنامه‌ی «انسان آزاد» به سردبیری وی مـدت چهـار سال (از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۸ ش) در ۱۳۲ شـماره انتشار یافت. از اثر او: «دسـتور ماشین‌نویسـی فارسی و لاـتین»؛ «قـوانین و آئین‌نامه‌هـای ارتش»؛ «نامه‌هـای اداری و ثبـت و بایگـانی»؛ ترجمه «چرم و کفش»؛ «دوره‌ی تخصصـی پوشـاک»؛ نظامنامه‌ی امور اداری».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۹/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸ –۳۷ /۱).

بوذری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بوذری به سال ۱۲۷۴ شمسـی در قریه کرود از توابع طالقان دیده به جهان گشود، پدرش ملا علی‌اصغر بود، جد وی مرحوم سلطان محمد بود که قرآن‌های بسیاری به خط زیبای وی موجود می‌باشد.

بوذری، ابتـدا در مکتبخانه‌ی کرود، شـروع به فراگیری دروس فارسـی و قرآن کرد و حدود پنج سال داشت به تهران آمد و در منزل

مرحوم شیخ محمد آقا بوذری طالقانی که از افاضل زمان و مدرس مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) بود اقامت گزید.
مرحوم شیخ محمدآقا بوذری طالقانی در منزل حوزه‌ی علمیه داشت که فضلا و مدرسین و طلبه‌ها در این منزل آمد و شد داشتند و مرحوم ابراهیم بوذری در این منزل و در چنین محیطی پرورش یافت.
ابتدا، ادبیات فارسی، عربی، اصول و فقه را نزد مرحومان شیخ مسیح اوانکی، آیت‌اللّه کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌ای و علی شوشتری فراگرفت و از مرحوم شوشتری موفق به دریافت اجازه در امور حسبیه گرفت.
در هنر خطاطی، در رشته نستعلیق ابتدا شاگرد مرحوم حاج زین‌العابدین که نواده‌ی مرحوم میرزا زکی‌خان نوری بوده رفته، سپس نزد مرحوم عماد طاهری (عمادالشریعه) که از شاگردان مرحوم امیرحسین خوشنویس بود به تلمذ پرداخت و بالاخره در محضر عمادالکتاب به کمال رسید. در خط ثلث شاگرد مرحوم امیرالکتاب استاد بی‌نظیر خط که در ادب و شعر و شاعری «شرفی» تخلص می‌کرد رفت و در اندک زمانی گوی سبقت از همگنان خود ربود و خط نسخ و رقاء را در محضر آشیخ علی عبدالرسولی (پدر مرتضی عبدالرسولی از شاگردان مرحوم حبیب سماعی) که از شاگردان سید محمدتقی شرف‌المعالی بود به کمال آموخت.
مرحوم استاد ابراهیم بوذری، خود از بنیان‌گذاران کلاس‌های انجمن خوشنویسان که سلف انجمن خوشنویسان فعلی ایران می‌باشد بود و در این رشته شاگردان فراوانی که همگی هم‌اکنون از استادان خوشنویس می‌باشند تربیت نمود. وی سالها در دبیرستان‌های مختلف تهران از جمله تمدن و اسلام به تعلیم خط پرداخت و از سال ۱۳۲۷ شمسی به استاد خط دانشگاه روحانی معقول و منقول انتخاب و مشغول تعلیم شد. استاد بوذری بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود و خطاط رسمی کتابخانه مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء بود که همکاری وی در این ادارات بیش از ۳۷ سال ادامه داشته و در سال ۱۳۴۱ بازنشسته گردید.
آثار چاپی وی تا آنجا که در دسترس نگارنده است عبارتند از: دیوان خواجه شیراز، منتخبات دیوان مسعود سعد سلمان، کتاب تاریخ دبیرستاها، صرف و نحو برای دبیرستانها، جوامع‌الحکایت مرحوم اوفی ترجیع‌بند مرحوم صفی علیشاه، منتخبات مثنوی، پاورقی نقد مرحوم حکمت اشعار مرحوم حاج ذوالریاستین (مونس علیشاه)، کتیبه‌های آرامگاه شیخ شیراز سعدی، کتیبه‌ی آرامگاه شاه خلیل‌اللّه در تفت یزد، کتیبه‌ی دروازه‌ی قرآن شیراز، وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی شیراز، تاریخچه‌ی آب شیراز و...
استاد بوذری، واقعاً هنرمندی بی‌نظیر بود که خداوند استعدادی در نهاد او به ودیعه نهاده بود که در کمتر انسانی می‌شود مشاهده کرد، زیرا با توجه به این همه هنر، در رشته آواز و موسیقی از نوادر روزگار بود از صدایی رسا و خوش برخوردار بود و دستگاهها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده، ابوالحسن صبا فراگرفت که باید یادآور شد که اقبال‌السلطان دو شاگرد بیشتر نداشته که یکی رضاقلی ظلی و دیگری ابراهیم بوذری بوده‌اند.
متأسفانه مشغله‌ی فراوان و گرفتاری‌های استاد به وی اجازه نداد که در رشته‌ی آواز شاگرد بپذیرد و یا آثاری آنچنان از خود به جای نهد تنها چند نواری از وی به جای مانده که در آرشیو وزارت ارشاد اسلامی (فرهنگ و هنر سابق) موجود می‌باشد که امید است روزی پخش و برای هنرجویان مورد استفاده قرار گیرد و چاپ دو کتاب در مورد تعزیه و تعزیه‌خوانی است که از طرف وزارت فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی فعلی) در سال ۱۳۵۴ چاپ کرد و به سرعت نایاب گردید.
مرحوم استاد ابراهیم بوذری در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود و اشعار زیبایی هم سروده که خود جای بحث‌ها و گفتگوهای جداگانه دارد و یکی از دو بیتی‌های استاد را که فی‌البدیه ساخته و آن چنین بوده که روزی دوستی، فندکی به رسم یاد بود توسط دوست مشترکی برای استاد می‌فرستد و مرحوم بوذری به قدری تحت تأثیر این محبت و دوستی قرار می‌گیرد که این دو بیتی را برای وی می‌سراید:

جانا غم هجران تو اندک نبود
در دوستی ما به خدا شک نبود
خود آتش دوریت طی سوختنم
بس باشد و محتاج به فندک نبود

فرزندان مرحوم ابراهیم بوذری پنج پسر و دو دختر می‌باشند به نامهای: علی‌اصغر، یوسف، پروین، منوچهر، علی، شیرین و فریدون که کلیه ایشان از خطی زیبا و خوش برخوردار می‌باشند.
از خاطرات استاد بوذری این که یکسال مرحوم اقبال‌السلطان از تبریز به تهران می‌آید و در سرچشمه منزل مرحوم شیخ محمد بوذری طالقانی که یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان بوده مهمان می‌شود. هنگام سحر که در آن زمان از گلدسته‌های مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) برای بیدار شدن مردم، جهت ادای فرائض دینی و صرف سحری، توسط تنی چند از خوش‌صداترین مؤذنان گلدسته‌ها، مناجات سر می‌دادند آن شب مردم متوجه‌ی وضع دیگری شدند چرا که شب‌های گذشته و سال‌های قبل هر یک از مناجات کنندگان از گلدسته‌های متعدد این مدرسه می‌خواندند و هر یک جواب یکدیگر را می‌دادند ولی آن شب با خواندن مرحوم اقبال آذر در مدرسه و از پایین گلدسته‌ها آن خوانندگان همه ساکت شدند و تنها صدای رسا و خوش مرحوم اقبال‌السلطان به گوش مردم می‌رسید و فردا تمام اهالی خیابان‌های سرچشمه، سیروس، ایران، پامنار، بهارستان، مخبرالدوله و بسیاری خیابان‌های دوردست دیگر از یکدیگر می‌پرسیدند راستی این چه کسی بود که دیشب این چنین زیبا و عالی مناجاب سر داده بود؟ فقط کسانی که ساکن منزل مرحوم شیخ محمدآقا بوذری بودند می‌دانستند که صاحب صدای مناجات اقبال‌السلطان است.
استاد ابراهیم بوذری هم در سال ۱۳۶۵ درگذشت و جهان فانی را بدرود گفت و با آثاری که از خود به جای نهاد، نامش همیشه زنده و جاوید و خدماتش به فرهنگ و هنر کشور در تاریخ ثبت است. روانش شاد.
(۱۳۶۵ -۱۲۷۴ ش). موسیقیدان، خواننده، خطاط و ادیب. در روستای کرود از توابع طالقان به دنیا آمد. تحصیل خود را از مکتب خانه‌ی زادگاهش شروع کرد، در سن پنج سالگی به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار اقامت گزید. ادبیات فارسی، عربی، اصول

و فقه را نزد شیخ مسیح ایوانکی، آیت‌اللّه کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌یی و علی شوشتری فراگرفت. در هنر خطاطی از محضر حاج زین‌العابدین، عماد طاهری، عمادالکتاب و امیرالکتاب بهره برد. وی از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان بود. بوذری سالها در دبیرستانهای مختلف به تعلیم خط پرداخت و بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود؛ همچنین خطاط رسمی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء نیز بود. ابراهیم صدایی رسا و خوش داشت و دستگاهها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده و ابوالحسن صبا آموخت، مدتی نیز از حبیب‌اللّه کاشانی تعلیم گرفت و سرانجام اقبال آذر را به استادی انتخاب کرد. در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود، اشعار زیبایی هم سروده است. از آثار چاپی وی: «دیوان» خواجه شیراز؛ «منتخبات دیوان» مسعود سعد؛ کتاب «تاریخ» دبیرستانها؛ «صرف و نحو» برای دبیرستان‌ها؛ «جوامع الحکایات» عوفی کتیبه‌های آرامگاه شیخ شیراز و کتیبه‌ی دروازه قرآن شیراز.[۱]

خوشنویس، مدرس خوشنویسی.

تولد: ۱۲۷۴، طالقان.

درگذشت: ۱ بهمن ۱۳۶۵، تهران.

ابراهیم بوذری، فرزند علی‌اصغر طالقانی پس از فرا گرفتن علوم مرسوم زمان مانند ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و غیره به مطالعه رشته‌ی قضاء پرداخت و از محضر آیت‌الله خلیل کمره‌ای و آیت‌الله کاشانی و همچنین آیت‌الله شوشتری استفاده کرد و از آیت‌الله شوشتری اجازه در امور حسبیه گرفت و دارای مدرک اجتهاد شد.

دیری نگذشت که به عرصه‌ی خوشنویسی وارد شد و نکات و دقایق اولیه‌ی خط نستعلیق را در محضر زین‌العابدین ساعت ساز فراگرفت و سپس از استاد حاج آقا محمد مشهور به عماد طاهری که از شاگردان میر حسین خوشنویس باشی بود استفاده برد و برای تکمیل این خط و همچنین برای آموختن خط ثلث، نزد استاد عبدالحمید ملک‌الکلامی مشهور به امیرالکتاب (متوفی ۱۳۲۸) به تلمذ پرداخت. وی چندی نیز جهت تکمیل خط نستعلیق در محضر استاد محمدحسین عمادالکتاب سیقی قزوینی (متوفی ۱۳۱۵) حضور یافت. سپس خط نسخ را در مکتب استاد محمدتقی کمال و آقا شیخ عبدالرسولی آموخت.

وی پس از سال‌ها خدمت در دستگاه‌های دولتی سرانجام در سال ۱۳۳۰ بازنشسته شد. وی مدت‌ها به فرمان‌نگاری و خوشنویسی احکام در مجلس شورای ملی و طی خدمتش در وزارت دادگستری به کارشناسی رسمی خطوط و امضای فارسی نیز اشتغال داشت. استاد بوذری به موسیقی نیز علاقه‌مند بود و از جمله اساتید وی در این زمینه اقبال آذر تعزیه‌خوان معروف به اقبال‌السلطان بودند. تجربه‌هایی از او در «ردیف»، «پرده»، «نوا» و ایرانی به یاد مانده است.

بوذری جزء نخستین کسانی بود که بنیاد کلاس‌های آزاد و رایگان خوشنویسی را به وجود آورده و به همراه دیگر استادان (حسین میرخانی و علی‌اکبر کاوه) سرانجام انجمن خوشنویسان ایران را پایه‌گذاری کرد. او تا آخرین لحظات عمر خود در آن انجمن به عنوان مشاور شورای عالی با حفظ مقام استادی و نیز عضویت در شورای تعیین شایستگی مقام استادی به کار ادامه داد.

ابراهیم بوذری ابتدا به سبک میر حسین و بعدا به اسلوب ملک‌الکلامی و عمادالکتاب گرایش پیدا نمود و سرانجام دارای شیوه‌ای خاص خود گردید که به اسلوب مستقل بوذری معروف شد.

از آثار کتابت به جای مانده از وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ملخص مثنوی؛ منتخب دیوان سعد سلمان؛ جلد اول جوامع الحکایات؛ پارسی نغز؛ تاریخچه‌ی آب شیراز؛ وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی؛ وقف‌نامه‌ی موقوفات مسجد فخرالدوله؛ جزوه‌های قرآن چاپ معروف به حاج ضیاءالدنی؛ ارمغان پاک؛ دیوان حافظ؛ کتب کلاسیک؛ کتیبه‌ی آرامگاه سعدی؛ کتیبه‌ی شاه خلیل‌الله در یزد؛ کتیبه رو به تهران دروازه شیراز به خط ثلث؛ یک دوره کتاب‌های درسی سال‌های مختلف دبستان و دبیرستان.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۶۳)، تاریخ موسیقی (۶۶۹/ ۲)، تذکره خوشنویسان معاصر (۱۳۵ –۱۳۳)، سرگذشت موسیقی (۳۸۰/ ۱)، مردان موسیقی (۱۵۲ –۱۴۹/ ۲).

بورونی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بورونی

محل تولد : اصفهان

شهرت : برونی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۶ در اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم پس از ۷ سال در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه قم رفتم و در دروس خارج تنی چند از ایات عظام شرکت کردم و همزمان مدرک سطح عالی زبان انگلیسی را از واحد زبان دفتر تبلیغات اسلامی قم دریافت کردم .در سال ۱۳۷۹ به اصفهان مراجعت نموده و نیز مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه تهران مرکزی در رشته ادیان و عرفان دریافت کردم و هم اکنون در تلاش برای قبولی در امتحان دکترا می باشم . عضو هیئت علمی گروه ادیان پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی قم و نیز مدرس دروس ادیان و عرفان و مذاهب و مترجم و مدرس دروس انگلیسی در اصفهان هستم

بوستان، مجدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ –۱۳۱۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خراسان متولد شد و در مشهد نزد آخوند ملا احمد کدکنی و ادیب نیشابوری درس خواند و فرانسه را نزد میرزا حسین تهرانی حبیب فراگرفت. در تهران نیز از محضر آقامیرزا مهدی آشتیانی و ضیاءالدین درّی اصفهانی استفاده کرد. سپس به خدمات دولتی روی آورد و مدتی نیز تدریس کرد خدمات ادبی و اجتماعی وی با نگارش مقالات در روزنامه‌ها و مجلات مهم مانند «مهر»، «منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» در خراسان شروع شد، که به انتشار روزنامه «بوستان» در خراسان و عضویت در انجمن فرهنگستان ایران در تهران و همکاری در نشر مجله‌ی «ارمغان» انجامید. برخی از تألیفات وی عبارت‌اند از: «طریقه‌ی ترجمه»؛ «رساله‌ی خرافات»؛ «پندنامه منظوم»؛ «تذکره‌ی منتهیان».[۱]

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۷ ذیقعده ۱۳۱۷ ق.

درگذشت: ۲ اسفند ۱۳۶۴.

مجدالعلی بوستان، فرزند شیخ حسن، فارسی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملا احمد کدکنی فراگرفت. در سال ۱۳۳۳ ق. (مطابق با ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴) در مشهد نزد میرزا حسین تهران طبیب (ساکن سر قبر میر در محله نوغان) به آموختن زبان فرانسوی پرداخت. از سال ۱۳۰۳ که به تهران آمد از درس آقا میرزا مهدی آشتیانی و شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی استفاده نمود.

بوستان به کار معلمی در مدارس جدید خراسان اشتغال داشت. از سال ۱۳۰۶ در تشکیلات جدید عدلیه مشغول به کار شد و سرانجام در شهریور ۱۳۴۷ از کار بازنشسته شد. ابتدا مدعی‌العموم شهرستان ملایر بود و در پایان مستشار دیوان عالی کشور.

وی مقاله‌هایی را در موضوعات مختلف اجتماعی و ادبی برای روزنامه‌های «مهر منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» که در خراسان منتشر می‌شد می‌نوشت. وی سپس به انتشار روزنامه‌ی «بوستان» در خراسان اقدام کرد. از سال ۱۳۰۷ به بعد در انجمن ادبی ایران و انجمن فرهنگستان ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی حضور می‌یافت. وی همچنین در تصحیح دیوان بابا طاهر عریان با اتفاق محمد حسین وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نایینی و محمود عرفان همکاری داشت. تألیفات وی عبارت است از: رساله خرافات، دستور شرق (کتاب دستور فارسی که برای مدارس ابتدایی خراسان نوشته شد و چندین بار به چاپ رسید)، پندنامه منظوم (نصحیت مادر به دختر، چاپ سنگی در تهران ۱۳۰۶)، تذکره‌ی منتهیان (جلد دوم طریقه ترجمه). آثاری نیز از وی به چاپ نرسید: اوهام خواص «غلطهای مشهور»؛ ترجمه احوال بزرگان؛ شرح حال شیخ علاءالدوله سمنانی؛ سید حسن مشکانی طبسی (شرح حال)؛ یادداشت‌های قضایی و مقالات ادبی.

بوستان از زمانی که به تهران آمد با وحید دستگردی مدیر مجله «ارمغان» آشنا شد. این آشنایی منتهی به همکاری بوستان در نشر مجله‌ی «ارمغان» شد. وی گاه نوشته‌های خود را با امضاهای «پونه»، «بیابانی»، «عمیدجلال»، «بنده خدا» و «عبد خدا» منتشر می‌ساخت.

مجدالعلی بوستان به هنگام اقامت در خراسان از هواداران کلنل محمدتقی‌خان پسیان بود. وقتی که برای مدت سه سال رییس دادگستری سمنان بود به سبب تماس با تبعید شدگان زمان رضاشاه، تحت تعقیب قرار گرفت و برای مدتی به حالت بازداشت تحت نظر بود. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق به سبب وضع خاص و حساس شهر محلات به هنگام انتخابات، از سوی ایشان مأمور نظارت در انتخابات محلات شد که چون طرفداران شهاب خسروانی وجود او را مخل دخالت‌های خود در صندوق‌ها تشخیص دادند، به دادگستری که محل اقامت او نیز بود، حمله بردند و قصد جان او را کردند. ناچار بنا به توصیه فرمانده ژاندارمری و شهربانی ضمن مراقبت ویژه او را از محلات بیرون آورده و راهی تهران کردند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۶ –۲۴ /۲)، الذریعه (۱۷۰/۱۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۵ –۸۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۱۸۷– ۱۸۸).

بهاءالدینی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۹ فروردین ۱۲۶۷ (عید غدیر خم ۱۳۲۷ ق.)، قم.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۷۶(۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.)، قم.

آیت‌الله سید رضا بهاءالدینی، فرزند صفی‌الدین خدمتگزار آستانه حضرت معصومه و حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن مجید و معروف به «کشف‌الایات» بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در شش سالگی به مکتبخانه رفت و به فراگیری نصاب، گلستان، خواندن و نوشتن پرداخت و پس از آن به آموختن علوم دینی روی آورد، و توانست مغنی را نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، شرح لمعه و فرائد الاصول را در محضر آخوند میرزا محمد همدانی، قوانین الاصول را نزد آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و مکاسب را در مجلس درس آیت‌الله سید صدرالدین صدر بیاموزد.

سپس در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. پس از وفات ایشان به درس حضرات آیات عظام: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمدتقی خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی‌اش را استوار ساخت و در بیست و پنج سالگی از آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد دریافت نمود.

ایشان در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره) رسایل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.

آیت‌الله بهاءالدینی در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از او به یادگار ماند و این همه خمیرمایه درسهای اخلاقی وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تشکیل داد.

در اسفند ۱۳۷۵ سمیناری در تحلیل از وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام آیت بصیرت در شرح زندگی او منتشر شد.

آیت‌الله بهاءالدینی در سن نود سالگی در روز شنبه بیست و هشتم تیر ۱۳۷۶ (سیزدهم ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالا سر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهار اصفهانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۸ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به بهار. در اصفهان متولد شد و تحصیلات خود را در این شهر انجام داد. وی به مدت بیست سال از شعر و شاعری دست کشید و به ارومیه مهاجرت کرد و روزنامه‌ی «کیوان» را منتشر کرد. وی به علت ناآرامی آذربایجان به اصفهان رفت و بعد از دو سال دوباره به آذربایجان برگشت. وی از اعضاء انجمن ادبی مرحوم شیدا بود. از آثار او: «افشای حقایق پاسخ به اعلامیه‌ی ۲۹ آذر ۳۳ سید ضیاءالدین»؛ «جنایات بشر یا آدمفروشان قرن بیستم»؛ «داروی تربیت»؛ «سیزده عید وضع اجتماعی زن»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۵۳/۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹۵ -۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۳ -۱۰۲ /۳).

بهار، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملک‌الشعراء محمدتقی بن ملک‌الشعراء محمدکاظم صبوری شاعر بزرگ عصر ما (و. ۱۲۶۶ ه.ش./ ۱۸۶۶ م.- ف. ۱۳۳۰ ه.ش./ ۱۹۵۱ م.) وی در عین حال شاعر و محقق و نویسنده و استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. بهار در شعر شیوه فصیح قدمتا را به نیکوترین صورتی بیان کرده، در ضمن از زبان متداول لغات و تعبیرات و اصطلاحاتی را در اشعار خود به عاریت گرفته است. وی شعر را وسیله بیان مقاصد گوناگون قرار داده و با اطلاعی که از زبان پهلوی داشت با ایجاد ترکیبات جدید و استعمال مجدد برخی از لغات متروک توفیق یافت. دیوان بهار در دو مجلد به طبع رسیده. از آثار تحقیقی او تصحیح و تحشیه «تاریخ سیستان» و «مجمل التواریخ والقصص» و تألیف «سبک شناسی» (سه مجلد) است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

بهار، مهرداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملک مهرداد بهار ، فرزند محمدتقی بهار (ملک الشعرا) در سال ۱۳۰۸ شمسی در تهران چشم به جهان گشود. وی از سال ۱۳۲۶ به عرصه ی فعالیت های سیاسی واردشد ، و پس از ورود به دانشگاه فعالیت های خود را گسترش داد ، که همین امر باعث اخراجش از دانشگاه شد و چندی بعد منجر به دستگیریِ او گردید. پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۳۸ برای ادامه ی تحصیلات به انگلستان رفت و در دانشکده شرق شناسی دانشگاه لندن تحصیلات خود را ادامه داد. بهار از سال ۱۳۴۴ به کلی از فعالیت های سیاسی کناره گرفت و به وطن بازگشت و در زمینه ی فرهنگ ایران باستان به پژوهش پرداخت. وی ده سال در بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان زبان ایران به کار پژوهش پرداخت و مدیریت گروه اساطیر را به عهده داشت. وی سرانجام در ۲۲ آبان ۱۳۷۳ بر اثر سرطان خون در گذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انساب : ملک مهرداد بهار ، پنجمین فرزند در خانواده ی دانش پرور شاعر پرآوازه اسـتاد محمدتقی بهار (ملک الشـعرا) چشم به جهان گشود. مادر وی شاهزاده خانمی قاجاریه از خانواده ی دولتشاه کرمانشاه از نوادگان فتحعلی شاه بود.

اوضـاع اجتمـاعی و شـرایط زنـدگی : ملـک مهرداد بهـار ، دوران کودکی و نوجوانی را در کنار خانواده و تحت سـرپرستیِ مادرش سپری کرد. محیـط فرهنگیِ خـانه که محل رفت و آمـد شـعرا و ادبا و محفل انس فضـلا و بزرگان ادب و سیاستِ آن روز بود ، در روحیه و ساختـار و شخصـیت او تأثیر بسـزایی گـذاشت ، به طوری که از او انسانی کم نظیر با تمامیِ خصایل عظیم انسانی و فضایل والای علمی ساخت.

تحصـیلات رسـمی و حرفـه ای : ملـک مهرداد بهـار ، تحصـیلات ابتـدایی را در مـدرسه ی « جمشـید جـم » و دوران متوسـطه را در دبیرسـتان « فیروز بهرام » و « البرز » گذرانـد. وی در سـال ۱۳۲۸–۱۳۲۹ در رشـته ی زبان و ادبیات فارسـی دانشگاه پذیرفته شد. در سال دوم دانشکده (۱۳۲۹–۱۳۳۰) به سبب زندانی کردن استاد دانشگاه تهران برای یک سال از دانشگاه اخراج شد. سپس در بهار ۱۳۳۴ پس از چهـار سـال دوری بـه دانشگاه برگشـت و در سـال ۱۳۳۶ در رشـته ی زبـان و ادبیات فارسـی فارغ التحصـیل شـد. در فروردین ۱۳۳۸ برای ادامه ی تحصـیل به انگلسـتان رفت و در مدرسه ی مطالعات شـرقی و آفریقایی در رشته ی زبان ایران باستان – مطالعات کهن و میانه ی ایرانی که شامل تاریخ و فرهنگ و زبان ایران باستان از اوسـتا و پارسـی باسـتان تا متن های فارسـی میانه و پـارتی بود – تحصـیلات خود را پی گرفت. وی پس از چهارسـال فوق لیسـانس خود را در انگلسـتان گرفت. و دو سـال هم بر روی پایـان نامه ی دکترا کار کرد ، اما به دلایل مالی مجبور شـد به ایران باز گردد (۱۳۴۴). در این سال در دانشگاه تهران دکترای رشته ی زبان های ایران باستان به تازگی راه انـدازی شده بود ، بنابراین بهار رساله ی دکترایش را با عنوان « آفرینش در اساطیر ایرانی بر پایه ی گزیده های زاد سپرم » با دکتر صادق کیا گذراند.

خـاطرات و وقایع تحصـیل : ملک مهرداد بهار در سال ۱۳۲۶ درکلاس دهم دبیرسـتان فیروز بهرام وارد حزب توده شـد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شـد. وی در طول سال های تحصـیل فعالیت سیاسـی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. در ادامه ی فعالیت های سیاسـی دیگر به صورت مستقل از آرمان های صنفی – سیاسی دانشجویان ایرانی دفاع می کرد. در سال ۱۹۶۱ در کنفرانس حزب توده در شهر دوسلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشعاب در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.

فعالیتهـای ضـمن تحصـیل : مهرداد بهار در مـدت تحصـیل در انگلسـتان ، با جنبش دانشـجویی ایران و انتشار نشـریه های فرهنگی – دانشـجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ ، عضو هیئت تحریریه ی مجله ی پژوهشـی چاپ لندن و مدتی هم سـردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت.

اسـتادان و مربیـان : ملـک مهرداد بهـار پس از آنکه تحصـیلا ت متوسـطه ی خود را در تهران گذرانـد ، در رشـته ی زبان و ادبیات فارسـی ادامه ی تحصـیل داد. در این مدت از محضـر اسـتادانی چون استاد پورداوود ، استاد بدیع الزمان فروزانفر و بیش از همه پدر ادیب و سـخنورش اسـتاد محمـد تقی بهـار بهره برد. و ی ۶ سال هم در دانشـکده ی شـرق شناسـی دانشگاه لندن در رشته ی ایران شناسـی به تحقیق و مطالعه ی زبان های پارسـی باسـتان و اوسـتا و پارسـی میانه و پارتی و تاریخ فرهنگ ایران پرداخت. استادانش ، بزرگانی چون پرفسور هنینک ، پرفسور مکنزی ، پرفسور مری بویس و پروفسور هارولد بیلی بودند.

همسر و فرزندان : همسر ملک مهرداد بهار ، خانم دکتر زهره سرمد تهرانی ، استاد دانشگاه تهران است. از او دو پسر و یک دختر به نام های کاوه ، میلاد و فرغانه به یادگار مانده است.

زمـان و علت فوت : ملـک مهرداد بهار بر اثر سـرطان خون در روز یکشـنبه ۲۲ آبان ماه ۱۳۷۳ در سن ۶۵ سالگی در گـذشت و در قطعه ی هنرمندان در بهشت زهرا به خا ک سپرده شد.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : ملـک مهرداد بهـار پس از آنکه از لنـدن به ایران بـازگشت به سـبب فعـالیت های سیاسـی هرگز نتوانست در دانشـگاه به طور رسـمی اسـتخدام شود ، به ناچـار در بانـک مرکزی با عنوان « دبیر هیئت عامل بانک » اسـتخدام شـد ، سپس به صورت کارمنـد انتقـالی از بانـک مرکزی در بنیـاد فرهنـگ ایران به پژوهش پرداخت. از ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۳ ، پس از پیروزی انقلاب اسـلامی به بانک برگشت و به کار ترجمه ی متون اقتصادی پرداخت. پس از ۲۳ سـال کار در بانک به دلیل ناهم خوانی با روحیه ی استاد در سال ۱۳۶۸ خود را بازنشسـته کرد. مهرداد بهـار در سال ۱۳۲۶ درکلاس دهم دبیرسـتان فیروز بهرام وارد حزب توده شـد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شـد و در طول سال های تحصـیل فعالیت سیاسی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. بهار در مدت تحصـیل در انگلسـتان ، با جنبش دانشـجویی ایران و انتشار نشـریه های فرهنگی – دانشجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسـیون محصـلین و دانشـجویان ایرانی در سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ ، عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشـی چاپ لندن و مدتی هم سردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت. در ادامه ی فعالیت های سیاسـی دیگر به صورت مسـتقل از آرمان های صـنفی – سیاسـی دانشـجویان ایرانی دفاع می کرد ،در سال ۱۹۶۱ در کنفرانس حزب توده در شهردوسـلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشـعاب در کنفدراسـیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.

فعالیتهـای آموزشـی : ملـک مهرداد بهار به سـبب فعالیت های سیاسـی هرگز نتوانست در دانشگاه به طور رسـمی اسـتخدام شود. او هنگامی که در بانک کار می کرد به صورت حق التدریس در دانشگاه تهران تدریس می نمود. از سال ۱۳۵۲ در گروه زبان شناسی و زبان های باستانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به عنوان عضو هیئت علمی مدعو به تدریس پرداخت. در واپسین سال های عمر در گروه تاریخ ادیان دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در رشته ی ادبیات و عرفان به تدریس پرداخت.

مراکزی کـه فرد از بانیـان آن بـه شـمار می آیـد : ملـک مهرداد بهـار در سـال ۱۳۵۱–۱۳۵۲ در فرهنگسـتان زبـان ایران موفق شـد

پژوهشکده ی زبان های ایرانی میانه و باستان گروه زبان و پارسی میانه را تشکیل بدهد که در آنجا طی هفت سال متون پهلوی بسیاری به یاری او منتشر شد. در کنار فرهنگستان زبان ایران در فرهنگستان ادب و هنر ایران (۱۳۵۱-۱۳۵۲) نیز گروه اساطیر را با هدف تدوین دانشنامه ی اساطیر ایران تشکیل داد.

آرا و گرایشهای خاص : ملک مهرداد بهار نخستین کسی بود که در ایران به پژوهش درباره ی اساطیر ایران پرداخت و در این زمینه شاگردان بسیاری پروراند. در میان پژوهشگران پهنه ی فرهنگ ایران زمین ،گروهی یافت می شوند که تنها توجه خود را منحصر به داده ها و تحلیل های گذشته نمی بینند ، بلکه ترجیح می دهند تا با کندوکاو در دیدگاه های رایج و ارزیابی و سنجش آن ، خود نیز به دیدگاهی مستقل دست یابند. استاد مهرداد بهار از جمله فرهنگ پژوهانی است که می توان وی را در حوزه ی یادشده جای داد. استاد در عین آشنایی با دیدگاه های رایج ایران شناختی و بهره گیری درست و دقیق از هرکدام ، پژوهشگری یکتا و مستقل به شمار می آمد چرا که بر بسیاری از داده ها و نظرگاه های ایران شناسان غربی نقد روا داشته و در برخی از موارد از آنها فاصله می گرفت.کـار پراهمیت دکتر بهار متمرکز است بر تاثیر ژرف فرهنگ های بومی ایران و فرهنگ آسیای غربی به ویژه میان رودان بین النهرین بر فرهنگ ایرانی که از چشم بسیاری به دور مانده بود. ---

----

آثار :

۱ بند هش

۲ پژوهشی در اساطیر ایران

۳ درباره ی قیام ژاندارمری ایران

۴ سخنی چند درباره ی شاهنامه

۵ واژه نامه ی گزیده های زاداسپرم

منابع :

۱روزنامه همشهری ، شنبه ۵ آذر ۱۳۷۹ ، شماره ۲۲۷۶۲کتاب ماه ، سال دوم ، شماره دوازدهم ، ۲۹ مهر ۱۳۷۸۳مهرداد بهار (یادنامه ی استاد دکتر مهرداد بهار) ، به کوشش امیر کاووس بالازاده ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۳۴نشریه ی نامه ی فرهنگ ، سال چهارم ، شماره ی ۱۶ ، زمستان ۱۳۷۳

بهاری، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ -۱۳۲۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در روستای بهار در دو فرسنگی همدان به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۶ ق به تهران آمد و نزد آخوند ملاعلی همدانی و شیخ باقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۱ ق به قم رفت و نزد آیت‌اللّٰه خوانساری و آیت‌اللّٰه میرزا محمد همدانی سطوح نهایی فقه و اصول به پایان برد و معقول را در خدمت آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی فراگرفت و از محضر آیت‌اللّٰه یثربی کاشانی و آیت‌اللّٰه حایری و آیت‌اللّٰه حجت استفاده کافی برد. در سال ۱۳۶۰ ق به تهران آمد و به ترویج دین و تفسیر قرآن و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به قم حمل و در جنب مقبره آیت‌اللّٰه حایری دفن شد. از آثارش: شرح بر «بیع مکاسب» شیخ انصاری؛ شرح بر جلد اول «کفایه»؛ سه رساله در «لباس مشکوک».[۱]

حاج اسمعیل بن العالم الجلیل آقا شیخ محمد رضا بهاری از علماء مبرز تهران و تلامذه با فضل و تقوی مرحوم آیهٔاللّٰه العظمی حایری و آیهٔاللّٰه آقای حجت کوهکمری رحمهمااللّٰه بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۲۰ قمری در قریه بهار که در دو فرسخی همدان محل و زادگاه عالم ربانی و سالک سجادی حجهٔالاسلام و المسلمین آیهٔاللّٰه آقا شیخ محمد بهاری صاحب کتاب (تذکره المتقین) که از اوتاد عصر خود بوده بدنیا آمد و در سال ۱۳۳۶ قمری عزیمت به تهران نموده و نزد آخوند ملا علی همدانی و شیخ محمدباقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی بتحصیل پرداخته و در سال ۱۳۴۱ قمری به قم آمده و خدمت علمین مرحومین آیهٔاللّٰه خونساری و آیهٔاللّٰه میرزا محمد همدانی سطوح نهائی فقه و اصول را بپایان رسانیده و هم معقول را در خدمت مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم یزدی خوانده و از محضر مرحوم آیهٔاللّٰه آقای میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیهٔاللّٰه حایری و آیهٔاللّٰه حجت و مخصوصا مرحوم آیهٔاللّٰه العظمی حایری استفاده کافی نموده و در سال ۱۳۶۰ قمری رحل اقامت به تهران افکنده و در مسجد بازار آهنگرها به اقامه جماعت و تفسیر کلام‌اللّٰه و ترویج دین و نشر احکام مبین و تدریس متون فقه و اصول پرداخته تا در سال ۱۳۹۰ قمری که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جنب مقبره آیهٔاللّٰه حایری بخاک رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجهٔ (۲۴۴ -۲۴۳ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۱ -۴۰۰ /۴).

بهاری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد بهاری که از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشد. وی در قم متولد شده و در کودکی با مرحوم والدش به تهران آمده و در آنجا نشو و نما و پرورش یافته و پس از تحصیلات جدیده بتحصیل علوم دین پرداخته و اولیات را نزد مرحوم والدش و مدرسین دیگر تهران خوانده آنگاه به قم مهاجرت نموده و سطوح نهائی نزد مدرسین عالی حوزه خوانده و از درس خارج آیهٔ‌اللّٰه العظمی بروجردی و پس از ایشان آیات ثلاثه آقای شریعتمداری و آقای مرعشی نجفی و آیهٔ‌اللّٰه گلپایگانی و دیگران استفاده نموده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها و توشه‌ها ذخیره کرده و پس از فوت مرحوم والدش به تهران منتقل و بجای ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد و حقا برای مرحوم والدش (ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بهبهانی پور، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بهبهانی پور

محل تولد : عماره

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۸/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ دیپلم تجربی گرفتم در سال ۷۰ وارد حوزه علمیه شدم در سال ۱۳۷۴ وارد مؤسسه امام خمینی شدم . در سال ۱۳۸۰ پایان نامه ام را در موضوع اندیشه کلامی شهید صدر دفاع کردم. در سال ۷۸ کتاب تنبیه الامه و تنزیه امله اثر محقق نائینی را به عربی ترجمه کردم . با مرکز مطالعات حوزه علمیه مدتی در نوشتن مقاله در زمینه دین پژوهی (کلام) همکاری داشتم و سه مقاله نوشتم. حدود ۴ کتاب به عربی ترجمه کردم و ندین مقاله برای مجلات عربی به ویژه مجله التوحید ترجمه کردم.

هم اکنون در رشته مدرسی معارف اسلامی (مبانی نظری اسلام) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستم البته در کنار تحصیل حوزوی در مقطع خارج فقه و اصول .

اساتید بنده در حوزه علمیه :

۱. استاد مددی.

۲. استاد کعبی.

۳. استاد احمد عابدی.

بهبهانی، سیمین

قرن:۱۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سیمین بهبهانی شاعر و ادیب متولد ۱۳۰۶ تهران

– لیسانس حقوق قضایی دانشگاه تهران

– برنده ده ها جایزه علمی و آکادمیک به خاطر اشعار و غزلیاتش، از جمله جایزه بیژن جلالی

– از معدود شاعرانی که اشعارش به زبان های مختلف دنیا ترجمه شده است.

– گزینه شعر «جامی گناه» او به زبان انگلیسی ترجمه شده و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است.

– برخی از آثار او عبارتند از: جای پا، چلچراغ، مرمر، رستاخیز، خطی زسرعت و از آتش،دشت ارژن و ...

– زن برگزیده سال ۱۳۷۷ از سوی بنیاد جهانی پژوهش های زنان

– برنده جایزه لیلیان هیلمن و راشیل هامت از طرف سازمان نظارت بر حقوق بشر ۱۳۷۸

– ترجمه ۱۰۳ شعر او به زبان انگلیسی در مجموعه ای تحت عنوان «فنجانی از آفتاب»

– ترجمه ۱۰۲ شعر او درکتابی با عنوان «آن سوی واژه ها» در آلمان

ز شب خستگان یاد کن شبی آرمیدی اگر

سلامی هم از ما رسان به صبحی رسیدی اگر

به حجت در این داوری ز دوزخ نشان می دهم

به دعوی، زخوش باوری بهشت آفریدی اگر

مهرانه خالقی:برای نوشتن از بهبهانی باید قبل از هر چیز نگاه دوباره ای داشت به غزلیات او چه این غزلیات گذشته از تمام ویژگی های دیگرشان نشان دهنده حساسیت شاعر به موضوعات سیاسی و اجتماعی پیرامونش است. شاید او تنها غزلسرای معاصر ماست که اگر جنگ می شود برای جنگ و اگر زلزله رخ می دهد برای زلزله می سراید و در این میان محدودیت و دست و پاگیری قاعده وزن و قافیه نه تنها مجال او را تنگ نمی کند، بلکه گستره ای می شود برای او که خود را متعهد به رخدادهای پیرامون خویش نشان دهد که سیمین بهبهانی شاعر درون نیست و گرفتار انتزاعات و تراوشات ذهن نمی شود. بلکه شاعر برون است و پیرامون. او برخلاف بسیاری از زنان روشنفکر و نویسنده و شاعر معاصر، دغدغه خود را کمتر دارد و بیشتر درد اجتماع و جامعه و مردم او را به شعر گفتن وامی دارد و شعر برای او عرصه پرداختن به تعهدات و ضرورت های انسانی از جنس مردم است و نه خود. علاوه بر این شعر بهبهانی گرچه از لطافت و زنانگی به حد اعلا بهره می برد اما فیمینیسم وزنانه نیست و اگر جایی هم دغدغه اش زن بوده است، نه از زاویه تنگ نگاه های مرسوم که از نگاه یک طبیبی که درد و محل درد را می شناسد به موضوع و مشکلات زنان می پردازد و قصد رو درروکردن زنان با مردان و بهره بردن از این آب گل آلود - بر خلاف بسیاری از روشنفکران زن معاصر- را ندارد.

... سخن آنگه از آب گو، سرابی ندیدی اگر /

بدین خالی آسمان، میفروز خورشیدمان/

به پندار و وهم و گمان چراغی خریدی اگر/

و باید از آغازش بنویسیم. روزی که به دنیا آمده است. باید بنویسیم سیمین بهبهانی (خلیلی) به سال ۱۳۰۶ در تهران، در خانواده ای صاحب فرهنگ و قلم متولد شد. «و اما گفتم که زاده شدم در خانه بزرگ پدربزرگ؛ چون پیش از زادنم، مادرم همسر خود را به اشتغالاتش واگذاشته و به خانه پدری بازگشته بود. گویا مادر را تا آستانه مرگ کشیده بود نوزادی که من بودم. زیرا نزدیک به دو منی وزن داشتم! مامای فرنگی خود را باخته بود و پدربزرگ با پای ناتوان بر بام خانه رفته و اذان گفته بود تا دخترش به سلامت فراغت یابد و یافته بود.

به دایه سپرده بودندم، زیرا مادر چنان ناتوان شده بود که شیر نداشت. و این دایه دختر دایی مادرم بود. (گویا راست است که می گویند: «در روزگار پیش، مناصب موروثی بوده اند»)

امیر تومان پیر که دیگر کاری نداشت جز اندیشیدن به روزگار گذشته... سرگرمی تازه ای یافته بود: نوه نوزاد دومنی که مجبور بودند روزهای عمرش را به دروغ بیفزایند تا از چشم زخم بیگانه آسیب نبیند. و البته دایه مهربان آنگاه که زالوی فربه را به شیر بی اشتها می دید، تخم مرغی را با خطوط گرد زغالین سیاه می کرد و زیر فشار انگشت و پول خرد می شکست و گناه بی مبالاتی خود را به گردن «چشم شور» عمه و خاله بی گناه می انداخت و در باور او جز این گریزی نبود!» (۱)

بهبهانی اما در کودکی اولین ماتم را تجربه می کند. مرگ پدربزرگ. چنانچه می نویسد: «پدربزرگ را دیدم در بستر بی هیچ نگاهی در چشم و بی هیچ کلامی بر لب و بی هیچ نقل و کلوچه ای در دست. مادر شیون می کرد و زنان سیاهپوش نیز. و مرگ در باور من معنای گنگی یافته بود، بی آنکه به واژه آن اندیشیده باشم.»

و شاعر از همین جا طعم تلخ و گس مرگ را تجربه می کند. رؤیای کودکی از سر شاعر می پرد. نقل مکان و آغاز زندگی طاقت فرسای در غربت و ناتوانی. چه «پدر بزرگ میراثی بر جای نگذاشته بود و مادر ناچار بود برای اداره زندگی کار کند. در مدارس تازه پاگرفته آن روزگار به تدریس زبان فرانسه پرداخته بود. یک برادرش به دلایل سیاسی ناچار به گریز از مرگ محتوم و فرار از کشور شده بود و برادر دیگرش در زندان به سر می برد.»

وقت درس و مدرسه آغاز می شود. شاعر را به کودکستان می سپرند. «در گوشه باغی پیوسته به کلیسای انجیلی تهران، در خیابان قوام السلطنه. هنوز هم گاهی از برابر در ورودی آن می گذرم... هر روز صبح در کودکستان، دوشیزه دولیتل را -که کوچک نبود و پیر هم بود - می دیدم که در برابر خدای به چهار میخ کشیده می ایستد و نیایش می کند.»

در همین ایام است که بیماری سختی به جان شاعر می افتد: «در زیر گوش راستم تورمی پدید آمده بود. هر روز کاسه ای تلخابه سیاه برابرم می گذاشتند که: «بنوش!» اما تبم نمی برید.» بعدها این تلخی گله از همروزگارانش می شود و در این بیت می نشیند:

همچو برگ بید و بیخ کاسنی تلخند، لیک

تلخشان بیرون نکرد آسیب تب از پیکرم

«سرانجام، پزشک با نیشتر دمل را شکافت، روزهای پیاپی، تکه ای تنزیب را با محلولی می آغشت و بیرحمانه در جای نیشتر فرو می کرد تا زخم بهبود یافت... پزشک فریاد های کودکانه ام را به «کولی گری» تعبیر می کرد و به مادرم می گفت: «این دختر انتقام تو را از زمانه خواهد گرفت!» (۲)

«کولی گری» شاعر به صورت «کولی واره »ها در آمد و «انتقام» به این بیت بدل شد:

گر بسوزند استخوانم در نیستان همچو نی

گوید: «از ایشان گذشتم» ناله خاکسترم

سالی بعد مادر شاعر به ازدواج دوباره تن می دهد. ازدواج دوم مادر مصیبتی است برای او. چنانکه می نویسد: «در خانه پدر دوم اندوهگین بودم که مبادا مادر نیمی از محبتش را از من باز گرفته باشد. دایه او را بیش از پیش دوست می داشتم و آرامش را در سر نهادن بر سینه اش می جستم که همیشه بوی دود و پیاز می داد...»

با این حال تنها پناه شاعر نیز به دیار عدم می شتابد. «به سفر رفته بودیم، بی دایه، و هنگام بازگشتمان دایه دیگر در خانه نبود. مادرم می گریست و این بیت را زمزمه می کرد:

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت»

بهبهانی در ایام دبستان و سال اول آن صاحب برادر و پسری دوقلو از پدر جدیدش می شود. می نویسد: مادرم دختری و پسری توأمان به دنیا آورده بود و من کارت پستال دخترکی همسال خود را به مدرسه بردم و گفتم: خواهر من است؛ مادرم دیشب زاییده و آموزگار رندانه گفت: به همین بزرگی؟ و من در نماندم و گفتم: عکس را با برق بزرگ کرده اند!

تراژدی دیگری اما در سنین جوانی برای شاعر اتفاق می افتد: «برادر توأمان بیمار شد. به بیمارستان بردندش، اما مادر تنها بازگشت. با اندک فاصله پس از او خواهر دوساله هم بیمار شد، همان بیماری. شب را گذراند و صبح به حال خفقان افتاد. از خانه بیرون دویده بودم، بی کفش و با جفتی جوراب که نیمه ای از هر لنگه مچاله و لوله روی برف و گل کشیده می شد و من می دویدم... سرگشته و ناتوان بازگشتم. پزشک از در خانه بیرون می رفت. سرافکنده و کیفی در دست. کسی بدرقه اش نمی کرد. به اتاق آمدم، مادرکنار دیوار نشسته بود. حتی توان گریستن نداشت: مجسمه ای مومیایی و خشک. (۳)

سال بعد اما خداوند برادری دیگر به او می دهد. کودکی رنجور که ناچار به پانسیون می فرستندش و بیماری بچه بیش از پیش می شود و شاعر قبول می کند در ازای شبانه درس خواندن از او مراقبت کند.

اولین شعرهای بهبهانی را مادرش کشف می کند که خود ذوق سرودن داشت. «یک روز که دست نوشته هایم را زیر بالشم یافته وخوانده بود، پرسید: شعر می نویسی؟ سرخ شدم و گریستم این دومین باری بود که در برابر نگاه جست وجوگرش سرخ می شدم و می گریستم.»

مادر شاعر اما اشعار او را برای پروین اعتصامی می خواند و شاعر پرآوازه از ذوق و علاقه، بهبهانی را می بوسد. وقتی رفتند مادر گفت: «او پروین اعتصامی است، بزرگترین شاعر زن. شاید نهانی آرزو می کرد که روزی چون او باشم. در فروردین سال بعد پروین اعتصامی درگذشت، به بیماری حصبه، اما خاطره دیدارش در من نخواهد مرد و شاید گلی بر خاکم برویاند...»

بهبهانی تحصیلات خود را در رشته حقوق قضایی به پایان می برد و از ۱۴ سالگی سرودن را با چهارپاره های نیمایی آغاز می کند و سپس به غزل روی می آورد. و این آغاز تحولی نو در غزل معاصر بود.

شاعر تمام هستی اش شعر است. خودش معترف است که «از آن هنگام که در جامه سپید از خانه پدر بیرون خزیدم در شعر زیستم. اگر صفایی، نوری، طراوتی و رنگ و بویی بوده است در شعر است. درغزل هاست. دیگر جز در شعر با خود راست نگفته ام.»

بهبهانی با نزدیکی شگفت آورش به زبان روزمره مردم و یافتن پاره های موزون در جملات عادی زبان، دموکرات ترین زبان شعر نوکلاسیک فارسی را خلق کرد. شعر او نشانگر درگیری عمیق ذهن شاعر، با رنج ها، شادی ها و مسائل مردم است.

او که به خاطر همین نوآوری ها در زبان و وزن غزل به «بانوی غزل» شناخته می شد و شعر عاشقانه اش، برتر از انواع دیگر شعرش می نشست؛ به تدریج شعرش را به تجلیگاه رنج ها، محرومیت ها و فریادهای مردم بدل کرد. او از معدود شاعران مطرح ایرانی است که به جنگ ۸ ساله عراق و ایران توجه کرده است، و هم درباره قربانیان جنگ و هم دشواری های اجتماعی ناشی از آن شعر سروده است.

واقعیت آن است که سیمین بهبهانی به خاطر زن بودن مسائل مهم را نادیده نگرفته است. در جای جای شعر سیمین بهبهانی توجه به مسائل تبعیض نژادی وطن و دغدغه های انسان معاصر به چشم می خورد. بهبهانی تفکری فرامرزی دارد و استبداد را در هر جای جهان باشد به محاکمه می کشد. او ستایشگر شرافت انسان است.

اعتبار اشعار بهبهانی از مرزهای ایران گذشته است. شعر او تاکنون به زبان های انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است. گزینه شعر «جامی گناه» شش سال پیش به زبان انگلیسی توسط فرزانه میلانی و کاوه صفا ترجمه و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است و این نقد توسط علی بهبهانی به فارسی برگردانده شده است.

قالب مورد اقبال سیمین بهبهانی غزل است. او با لحنی مالیخولیایی که از حسی ژرف و عشقی رمانتیک و پاس داشتن ساختار بنیادی شعر نشان دارد، غزل سروده است. او درونمایه را گسترش می دهد و سبک را گفتارگونه می کند.

صفدر تقی زاده درباره شعر بهبهانی می گوید: «آنچه که از درونمایه ۱۰۳شعر این گزیده سر بیرون می آورد، مسائل ناشی از قشری گری و تلفات ناشی از جنگ ایران و عراق است.بهبهانی در غزل جزئیات عینی را محورقرار می دهد. مثلاً مردی که یک پا ندارد، بلکه دردناک تر از یک پانداشتن، سن کمتر از بیست سال اوست.

سیمین بهبهانی به تنهایی با زبانی پاک، بی حشو و حافظ گونه، در عرصه غزل می تازد. در غزل او حتی خللی و نقصی نمی بینیم. از نظر تنوع اوزان هیچ کس نتوانسته است تا به امروز به مقام مولانا برسد اما سیمین بهبهانی به تنهایی توانسته است ۴۰ وزن به وزن غزل فارسی بیفزاید، ضمن اینکه زبان قوی و قدرتمند احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث در شهر او جریان دارد و در کنار این زبان، بهبهانی از زبان مردم چشم پوشی نکرده است.»

درباره غزل بهبهانی «محمد حقوقی» می گوید: «غزل بهبهانی غزل مکالمه است. در غزل او ترکیبات فوق العاده ای به چشم می خورد، شعر او در دوران معاصر تنها شعری است که قابل تفسیر است. حتی شعر سعدی نیز در تاریخ ادبیات ایران قابل تفسیر نیست.» او می گوید: «سیمین بهبهانی کلی گویی را در غزل، جزیی سرایی کرده است. او در شعری که برای همسر پوینده و مختاری سروده است هنرمندانه ترین تعابیر را به کار گرفته است. غزل های او در نهایت سادگی، فوق العاده و بی نظیر است.»

بهپور شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۷۳.

درگذشت: ۱۳۶۰.

از آثار اوست: یادداشتهای پنکوفسکی: خاطرات یک افسر اطلاعاتی شوروی که به غرب پناده شده بود (به کوشش فردین بهپور؛ تهران، ۱۳۷۲).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهجت دزفولی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۹ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. چون صاحب کتاب‌فروشی بهجت در تهران بود، به بهجت ملقب شد. او همچنین به بهروز خاوری نیز معروف است. بهجت مدتی در نجف اشرف تحصیل کرد و از ملا محمدکاظم خراسانی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. بعد از بازگشت به ایران، مجله ماهیانه مذهبی «دعوةالحق» را در تهران انتشار داد که بعد از وقفه‌ی کوتاهی چاپ آن تا انقلاب مشروطیت ادامه یافت. در دوره‌ی دوم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در سال ۱۳۲۱ ق موفق به تأسیس انجمن علمی در تهران شد و در همین سال نیز ریاست کمیسیون تصحیح کتب و ترجمه عربی اداره‌ی انتشارات وزارت معارف را عهده‌دار بود. از خدمات دیگر او: تأسیس کتابخانه‌ی معارف؛ انجمن مجموعه‌ی معارف؛ آموزشگاه فنی هنر، انتشار «مجله‌ی معارف» و کتاب «روش پرورش» تألیف اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۲۶ -۲۲۲ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۶ -۲۱۵ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۴ -۱۴۳ /۴).

بهجت، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولادت: آیت الله العظمی محمد بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ ه.ق. در خانواده ای دیندار و تقوا پیشه، در شهر مذهبی فومن واقع دراستان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز ۱۶ ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.

درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می‌نماید، و آن اینکه: پدر آیت الله بهجت در سن ۱۶-۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت:

« با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »

تا اینکه با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد.

چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد.

بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سومین را خدا به او می دهد، اسمش را « محمد حسین» می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را « محمد تقی » نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره « محمد تقی » نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.

کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قباله ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مراثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات :

تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیآ ورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ ه.ق. هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرّف شد و در کربلای معلّی اقامت گزید.

بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظّم له خود به مناسبتی فرمودند:

« بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلّف شدم. »

آری، دست تربیت حضرت ربّ سبحانه همواره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و

فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلّی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطّهر می‌خواند.

در سال ۱۳۵۲ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرّف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همّت او تنها مصروف علوم دینی نبوده، بلکه عشق به کمالات والای انسانی هماره جان ناآرام او را به جستجوی مردان الهی و اولیاء برجسته وا می داشته است.

یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سالهای متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود حضرت آیت الله نائینی(رحمت الله علیه) فرمود:

« من در ایام نوجانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم. » استادان بر جسته فقه و اصول :

آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح، و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی(رحمت الله علیه) ، آقا ضیاء عراقی(رحمت الله علیه) ، و میرزای نائینی(رحمت الله علیه) ، به حوزه گرانقدر و پر محتوای آیتِ حقّ حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (رحمت الله علیه)، معروف به کمپانی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت، و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری سریع و جوّال و متحرک و همراه با تیز بینی بوده، بهره ها برد.

آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید:

« در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی- که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود- استفاده کرده، و در اصول از مرحوم آقای نائینی، و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدّت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر. » سیر و سلوک وعرفان :

آیت الله بهجت، در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکما ل معنوی همّت گمارده، و در کربلا در تفحّص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی می نماید.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« پیدا بود که از نظر رفتار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی بودند، چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجابی خاص نقل می کردند، و بعد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیدیم. پیدا بود که این استاد در شکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است. »

همچنین در درسهای اخلاقی آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می نموده، تا اینکه در سلک شاگردان حضرت آیت الله سید علی قاضی(ره) در آمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می آید، و در سن ۱۸ سالگی به محضر پر فیض عارف کامل حضرت آیت الله سید علی آقای قاضی بار می یابد، و مورد ملاطفت و عنایات ویژه آن استاد معظّم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.

آیت الله مصباح می گوید:

« ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی مستقیماً در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سالها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضی از کسانی بودند که مُمَحَّضِ در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز گهگاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران...

خود آقای بهجت نقل می کردند: شخصی در آن زمان در صدد بر آمده بود که ببیند چه کسانی سحر ماه مبارک رمضان در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی می خوانند، آن طور که خاطرم هست اگر اشتباه نکنم کسانی را که مقید بودند این عمل را هر شب در حرم حضرت امیر علیه السلام انجام بدهند شمرده بود و بیش از هفتاد نفر شده بودند.

به هر حال، بزرگانی که تقید به جهات عبادی و معنوی داشتند در آن عصرها زیاد بودند. متأسفانه در عصر ما کمتر این نمونه ها را مشاهده می کنیم. البته علم غیب نداریم، شاید آن کسانی که پیشتر در حرمها این عبادتها را انجام می دادند حالا در خانه هایشان انجام می دهند، ولی می شود اطمینان پیدا کرد که تقید به اعمال عبادی و معنوی سیر نزولی داشته و این بسیار جای تأسف است.»

یکی دیگر از شاگردان آقا (حجّهٔ الاسلام و المسلمین آقای تهرانی) جریان فوق را به صورت ذیل از حضرت آیت الله بهجت نقل می کند:

« شخصی در آن زمان شنیده بود که در گذشته هفتاد نفر در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خواندند، آن شخص تصمیم گرفته بود ببیند در زمان خودش چند نفر این کار را انجام می دهند، رفته بود و شمارش کرده و دیده بود تعداد افراد نسبت به زمان سابق تقلیل پیدا کرده و مجموعاً پنجاه نفر (آن طور که بنده «تهرانی» به یاد دارم) در حرم (اعّم از نزدیک ضریح مطهّر، و رواقهای اطراف) دعای ابوحمزه را در دعای نماز وتر خود قرائت می کنند. » فلسفه :

آیت الله بهجت، اشارات ابن سینا و اسفار ملا صدرا را نزد مرحوم آیت الله سید حسن بادکوبه ای فرا گرفته است. مرجعیت :

با اینکه ایشان فقیهی شناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه واصول دارند، ولی هماره از پذیرش

مرجعیت سرباز زده اند.

آقای مصباح درباره علت پذیرش مرجعیت از سوی ایشان و نیز پیرامون عدم تغییر وضعیت آیت الله بهجت بعد از مرجعیت می گوید:

« بعد از مرجعیت منزل آایت الله بهجت هیچ تغییری نکرده است، ملاقات و پذیرایی از بازدید کنندگان در منزل امکان ندارد لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می شود. اصولاً ـ قبول مرجعیت ایشان به نظر من یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی کرد که زیر بار چنین مسؤلیتی برود، و کسانی که با ایشان آشنایی داشتند هیچ وقت حدس نمی زدند که امکان داشته باشد آقا یک وقتی حاضر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشند و مسولیتش را قبول بکنند. و بدون شک جز احساس یک وظیفه متعین چیزی باعث نشد که ایشان این مسؤلیت را بپذیرند. و باید گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارستگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می کند که می شود در عین مرجعیت با سادگی زندگی کرد، بدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شرایط زندگی پیش بیاید. »

تا اینکه بعد از فوت مرحوم آقای سید احمد خوانساری(ره) جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشتند، و پیش از فوت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی اراکی(ره) اجازه نشر رساله عملیه خویش را دادند، سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیه الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال در خواستهای مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.

در همین ارتباط یکی از مرتبطین ایشان می گوید: ایشان پیش از در گذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.

و بعد از فوت مرحوم اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: « فتاوای بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوی را منتشر کنید » چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. هجرت:

ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۳۶۳ ه.ق. موافق با ۱۳۲۴ ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطّلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند.

در قم از محضر آیت الله العضمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد، و همچون حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و ... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی(ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته واز مُستَشکِلین معروف و مبرّز درس ایشان بودند. معمولاً ـ استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن اینکه بیش از همه مطالب را ضبط می کنند احیاناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پی گیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند. » تدریس :

آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالیه را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می دادند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توا ن گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضلای گرانقدری سالیان دراز از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند. شیوه تدریس :

آیت الله مصباح در مورد روش تدریس ایشان می گوید:

« ایشان در بیان مطالب سعی می کردند ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری قدس سره مطرح کنند، و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران مخصوصاً از صاحب جواهر قدس سره در طهارت، و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته ای داشتند آن را نقل می کردند، و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می کردند. این شیوه از یک طرف باعث این می شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح می کردند، ولی خوب این باعث می شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناً مطالبی تکرار بشود.

در ضمن تدریس، در میان نکته هایی که از خود ایشان ما استفاده می کردیم و طبعاً بعضی از این نکته ها چیزهایی بود که ایشان از استادانشان شفاهاً دریافت کرده بودند، به مطالب بسیار ارزنده و عمیق و دارای دقتهای کم نظیری بر می خوردیم. »

آیت الله مسعودی که خود سالها از درس آیت الله العظمی بهجت بهره برده اند درباره ویژگی تدریس ایشان می گوید:

« سبک درس ایشان سبک خاصی است. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله ای را مطرح می کنند و اقوال

دیگران را یکی یکی ذکر می کنند، سپس یکی را نقد می کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می کنند. ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی کنند بلکه ابتدا مسأله را مطرح می کنند و بعد روند استدلالش را بیان می کنند. اگر شاگرد آراء علماء را دیده و مطالعه کرده باشد، می فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می کند می فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می کند. لذا هر کس بخواهد در درس ایشان شرکت کند باید مبانی و نظرات آقایان دیگر را دیده باشد. »

آیت الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می گوید:

« نوعاً ایشان چند مسئله اصلی یا فرعی را که عنوان می فرمودند بعد از توجه به ظرافتهای حدیث و روایت و یا آیه شریفه ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه ای بین موضوع بحث و سایر بحثهای مشابه می نمودند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می دادند، آنگاه نتیجه می گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه علیهم السلام و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است. » موعظه در درس :

حجهٔ السلام والمسلمین قدس، امام جمعه کلاچای که خود سالها در درس ایشان حضور داشته است می گوید:

« روال آیت الله العظمی بهجت این بود که پیش از شروعِ درس، حدود ده دقیقه موعظه می کرد، ولی نه به عنوان موعظه بلکه به عنوان حکایت حال بزرگان گذشته. و معلوم بود که منظور اصلی آیت الله مصباح یزدی که سالها در درس خارج فقه ایشان شرکت می کردند (۱۵سال)، علاوه بر استفاده علمی، استفاده از روحیه ملکوتی آقا بوده است. »

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت گاهی داستانی را یا حدیثی را نقل می کردند که برای ما تعجب آور بود ایشان چه اصراری دارند که بر مطالب معلوم و روشن تکیه می کنند، از جمله مطلبی که ایشان در تذکّرات پیش از درس اصرار می کردند امامت امیر المؤمنین علیه السلام بود، ما تعجب می کردیم که ما مگر در آن حضرت شک داریم که ایشان این قدر اصرار دارند که دلائل امامت حضرت علی علیه السلام را برای ما بیان کنند. یک خورده ته دلمان گله مند بودیم که چرا به جای این مطالب یک چیز هایی که بیشتر حاجت ماست (در امور اخلاقی و معنوی) مطالبی را نمی گویند. اما بعد از این که به پنجاه- شصت سالگی رسیدیم، در بسیاری از مباحث دیدیم که آن نکته هایی که ایشان چهل سال پیشتر در درسشان درباره امامت علی علیه السلام می فرمودند به دردمان می خورد. گویا ایشان آن روز می دید که یک مسائلی بناست در آینده مورد غفلت و تشکیک قرار بگیرد.

شاید اگر توجه های ایشان نبود ما انگیزه ای نداشتیم درباره این مسائل مطالعه ای داشته باشیم، حتی از نکته هایی که ایشان چهل سال پیش بیان می کردند امروز بنده در نوشته هایم در مورد مسائل اعتقادی یا جاهای دیگر استفاده کرده‌ام. » جایگاه علمی :

گواهی استادان و هم دوره ایها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می آید نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی ایشان است:

از آن جمله گویند:

روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردانِ مرحوم آخوند خراسانی به نحوه تقریر مطالب آخوند خراسانی توسط استاد اعتراض می کند، ولی با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سنّ و سال تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد می شود و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می گردد. سپس خطاب به آنان می فرماید: « با آقای بهجت کاری نداشته باشید. » همه ساکت می شوند آنگاه استاد ادامه می دهد: « دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حقّ با ایشان است » و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت الله بهجت تمجید می نماید.

یکی از دانشمندان نجف می گوید:

« ایشان در درس، به مرحوم آیت الله کمپانی امان نمی داد، و پیوسته بحثها را مورد نقد قرار می داد. »

مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می گوید:

« ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهمّ، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلسِ درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می دادند معلوم می شد اگر بالاتر از دیگران نباشند بی شک کمتر از آنان نیستند. »

مرحوم علامه محمد تقی جعفری می گوید:

« آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می خواندیم، آیت الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می نمودند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می کردند آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود. »

آیت الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب انوارالملکوت می نویسد:

« آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصیّ سید علی آقای قاضی می فرمودند: آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه و اصول به درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سیّد باز می گشتند بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می رفتند و اشکالشان را رفع می نمودند. و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند جواب کافی وشافی، و چون از خواب بر می خاستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گویید در خاطرم چیزی نیست. »

آیت الله مشکینی می گوید:

« ایشان از جهت علمی (هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. »

حجهٔ السلام و المسلمین امجد می گوید:

« ایشان در علمیت در افق اعلی است. فقیهی است بسیار بزرگ، و معتقدم که باید مجتهدین پای درسشان باشند تا نکته بگیرند و بفهمند، و حق این است که درس خارج را باید امثال آیت الله بهجت بگویند نه آنهایی که به نقل اقوال بسنده می کنند. » تشویق بزرگان به شرکت در درس ایشان :

آیت الله مصباح می گوید:

« اولین چیزی که ما را جذب کرد آن جاذبه معنوی و روحانی ایشان بود. ولی تدریجاً متوجه شدیم که ایشان از لحاظ مقامات علمی و فقاهت هم در درجه بسیار عالی قرار دارد. این بود که سعی کردیم خدمت ایشان درسی داشته باشیم تا وسیله ای باشد هم از معلومات ایشان بهره ای ببریم، و هم بهانه ای باشد که هر روز خدمت ایشان برسیم و از کمالات روحی و معنوی آقا بهره مند شویم. کتاب طهارت را در خدمت ایشان شروع کردیم، ابتدا در یکی از حجرات مدرسه فیضیه چند نفر از دوستان شرکت می کردند، و بعد از گذشت یک سال، یکی دو سالی هم در حجره ای در مدرسه خان (مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی) خدمت ایشان درس داشتیم، و بعدها که ضعف مزاج ایشان بیشتر شد از آن به بعد در منزل، خدمتشان می رفتیم که یک دوره طهارت را خدمت ایشان خواندیم، و بعد یک دوره هم مکاسب و خیارات را که تقریباً حدود ۱۵ سال ادامه پیدا کرد. ما در درس ایشان استفاده هایی می بردیم که در بسیاری از درسها کمتر یافت می شد. »

شهید بزرگوار استاد مطهری(ره) نیز به درس ایشان عنایت خاصّی داشتند. آیت الله محمد حسین احمدی یزدی در این رابطه می گوید:

« آیت الله شهید مطهری درباره درس آیت الله بهجت به ما خیلی سفارش می کرد و می فرمود: حتماً در درس ایشان شرکت کنید مخصوصاً در اصول، چون آقای بهجت درس آقا شیخ محمد حسین اصفهانی را دیده حتماً در درس ایشان شرکت کنید.»

استاد خسرو شاهی می گوید:

« بنده در درس فقه خارج خیارات آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری شرکت می کردم. ایشان اواخر عمر مریض بودند و درسشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت الله حایری از حرم بیرون می آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می فرمایید؟

فرمودند: نه. بعد فرمودند:

« شما که جوان هستید من یک ضابطه ای را در اختیار شما قرار بدهم، و آن اینکه درس کسانی شرکت بکنید که فقط نقل اقوال نکنند، بلکه اقوال را بررسی کرده و نکاتی را در درس بیان کنند که در فعلیت رساندن ملکه اجتهاد خیلی سودمند باشد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند. »

من همان جا به ایشان عرض کردم: جناب عالی کسی را با اسم برای ما معرفی بفرمایید. فرمودند: « من از اسم بردن معذورم. » عرض کردم: من در درس آیت الله العظمی بهجت شرکت می کنم. ایشان اظهار رضایت نمود و تبسم کردند و فرمودند: « درس ایشان از نظر دقت و محتوا همین قاعده و ضابطه ای را که به شما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشان شرکت می کنید. درس ایشان از هر جهت سازنده است هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید. » تألیفات :

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و گاه به کسانی که می خواهند آنها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی دهند و می فرمایند: هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.

فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:

الف) کتابهای چاپ شده:

۱. رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی)

۲. مناسک حجّ

دو کتاب فوق توسط برخی از فضلا بر اساس فتاوی ایشان تألیف و پس از تأیید آقا به چاپ رسیده است.

۳. وسیله النجاهٔ

این کتاب در بردارنده نظرات فقهی ایشان در اکثر ابواب فقه است که در متن وسیله النجاه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی(ره) گنجانده شده و نهایتاً جلد نخست آن با تأیید ایشان به چاپ رسیده است.

۴. جامع المسائل

این کتاب مجموعه حواشی ایشان بر کتاب « ذخیره العباد» استادش آیت الله العظمی محمد حسین غروی اصفهانی، و نیز تکمیل آن تا آخر فقه می باشد، که قسمتهایی از آن ابتدا با نام « ذخیره العباد» با حروفچینی نه چندان زیبا و در تعداد نسخه اندک در اختیار برخی از شاگردان و خواصّ ایشان قرار گرفت، و بعداً جلد اول از این مجموعه که قرار است در پنج مجلد به چاپ برسد، به خاطر کثرت فروع فقهی که توسط حضرت آیت الله بهجت بر اصل کتاب افزوده شده و جامعیت آن « جامعُ المسائل » نام گرفته و به همت برخی از شاگردان ایشان به چاپ رسید.

ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:

۱. جلد اول از کتاب صلوهٔ

آیت الله بهجت در این کتاب با سبکی ویژه و تلخیص مطالب به ترتیب مباحث

« جواهر الکلام» به بیان نظریات نو و ابتکاری خویش پرداخته اند.

۲. جلد اول از دوره اصول

این کتاب تقریبا "به ترتیب « کفایه الاصول» نگارش یافته است، و بارها توسط ایشان مورد مداقّه و تجدید نظر قرار گرفته، و نظریاتی نو در بسیاری از مباحث اصول را در بردارد.

۳. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری

این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حجّ می باشد.

ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:

۱. بقیه مجلّدات دوره اصول

۲. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

که به ترتیب مکاسب شیخ انصاری(ره) از اول تا انجام، و پس از اتمام آن ادامه مباحثی که در مکاسب مطرح نشده بر اساس متن « شرائع الاسلام » نگارش یافته است، ایشان در این دوره از مباحث فقهی نظرات جدیدی را ارائه داده اند.

۳. دوره طهارت

در این کتاب نیز آیت الله بهجت بسان دوره « کتاب الصلوهٔ » به ترتیب مباحث

« جواهر الکلام» با تلخیص و نو آوری نظرات خویش را مطرح نموده اند.

۴. بقیه مجلّدات دوره کتاب الصلوهٔ

همچنین ایشان در تألیف سفینهٔ البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینهٔ البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است. شاگردان :

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

۱. محمد تقی مصباح یزدی.

۲. عبدالمجید رشید پور.

۳. سید مهدی روحانی.

۴. علی پهلوانی تهرانی.

۵. مختار امینیان.

۶. محمدهادی فقهی.

۷. هادی قدس.

۸. محمود امجد.

۹. محمد ایمانی.

۱۰. محمد حسن احمدی فقیه یزدی.

۱۱. محمد حسین احمدی فقیه یزدی.

۱۲- مسعودی خمینی

۱۳- سید رضا خسروشاهی.

۱۴- حسن لاهوتی

۱۵- عزیز علیاری

۱۶- سید محمد مؤمنی

۱۷- حسین مفیدی

۱۸- جواد محمد زاده تهرانی

۱۹- سید صابر مازندرانی

۲۰- شهید نمازی شیرازی

این عارف برجسته و فقیه ارزشمند در ساعت پانزده و ده دقیقه عصر ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ مطابق با ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۰ قمری دار فانی را وداع گفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهجتی اردکانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا شیخ محمد حسین بهجتی اردکانی از افاضل برجسته و علماء شایسته حوزه‌ی قم است که سالها از محضر آیات عظام مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات استفاده کامل نموده و بمدارج عالیه علم و کمال رسیده است دارای طبع شعر میباشد.

(س چهارم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. از علمای شایسته حوزه علمیه قم بود که سالها از محضر آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه بروجردی و سایر آیات استفاده کامل کرد و به مدارج عالیه علمی رسید. وی دارای طبع شعر بود و قصیده‌ی مخمسی از وی در «گنجینه‌ی

دانشمندان» آورده شده است.[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷/ ۳).

بهدار، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهدار

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا بهدار در سال ۱۳۵۰هجری شمسی در شهرستان دزفول متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و متوسطه خود را در همان شهرستان محل سکونت به پایان رساندم. از همان دوران کودکی و نوجوانی اهتمام فراوانی به مسائل علمی و اعتقادی و دینی داشتم. از همین رو در همان دوران در مسجد محل خود برای کسب معارف دینی در جلسات قرائت قرآن شرکت دا ئم داشتم. و از اساتید و معلمین دینی کسب فیض می کردم و این خود سبب رشد علمی و اعتقادی فراوانی شد و خود دریچه ای شد برای ورود به حوزه علمیه و کسب معارف بیشتر . از این رو در سال ۱۳۶۶ به صورت غیر رسمی و متفرقه برخی کتب درسی و مقدماتی را پیش اساتید حوزه فرا گرفتم. در این بین مشغول گرفتن دیپلم بودم، که در سال ۱۳۶۹به صورت رسمی در حوزه آیت الله قاضی واقع در شهرستان دزفول درسهای مقدماتی حوزه را شروع کردم. در سال ۱۳۷۲برای ادامه تحصیل دروس سطح یک سال به قم مهاجرت کردم. اما به دلیل ازدواج و مشکلات خانوادگی برای ادامه تحصیل و تدریس به شهرستان برگشتم. بعد از سه سال یعنی سال ۱۳۷۶دوباره موفق شدم برای ادامه تحصیل به قم برگردم و دروس خارج اصول و فقه را دنبال کنم. درسال ۱۳۷۸در کنار درس خارج با قبولی در امتحان ورودی رشته تخصصی کلام اسلامی وارد موسسه امام صادق (علیه السلام)شدم و در سال ۱۳۸۱فارغ التحصیل سطح چهارم حوزه شدم و بعد از آن مشغول پایان نامه هستم. در بین سالهای ۱۳۷۹تاکنون با برخی از موسسات علمی از جمله پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و مرکز مطالعات حوزه علمیه ارتباط داشته و مقالات و تحقیقاتی ارائه داده ام. از سال ۱۳۸۱تا حال به عنوان مدیر گروه کلام و فلسفه مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه مشغول همکاری و نظارت تحقیقات محققین هستم.

بهرام پور، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل بهرام پور از قرآن پژوهان کوشای معاصر است که از سالهای پیش از انقلاب در تالیف کتب درسی با شادروانان شهید آیت الله محمد حسین بهشتی و شهید باهنر در زمینه ی مسائل قرآنی و دینی همکاری داشته است . کوشش و هدف اعلای ایشان ناظر به آسان سازی فهم قرآن برای عامه ی مردم است . دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاهی (فوق لیسانس ادبیات و علوم قرآنی از دانشگاه تهران) است . ایشان یک سلسله تفسیرهای تک سوره ای آموزشی کم حجم دارد . از جمله ی سوره ی محمد ، سوره ی فتح ، سوره ی حجرات ، سوره ی « ق » ، سوره ی ابراهیم ، سوره ی ملک ، سوره ی جمعه ، سوره ی منافقون و سوره ی حجر . این آثار به نحوی تدوین شده که علاوه بر قابلیت مطالعه ی فردی ، جنبه ی درسی و خودآموزی هم دارد . در هر بخش ، اول لغتها ، سپس ترجمه ی آیات و بعد از آن تفسیر و برداشتها ، و در آخر بعضی ریزه کاریهای لفظی و نکات زبانی و ادبی به دست داده شده است .

اثر قرآن پژوهی دیگر او روش روخوانی قرآن است . کتاب دیگر ، روش تدریس ترجمه ی تفسیی قرآن است . اثر دیگر تفسیر سوره ی یس است . دیگر تفسیر نسیم حیات که تفسیر جزء سی ام است .

فهرست آثار چاپ شده یا در دست تدوین ایشان در پایان ترجمه آمده است .

بر گرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

بهرامی خشنودی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی بهرامی خوشنودی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

بهرامی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در آلمان موفق به اخذ دکترای کشاورزی از دانشگاه فریدریش ویلهم شد. پس از مراجعت به ایران عهده‌دار مشغلی چند بود از جمله بازرسی فنی وزارت اقتصاد، ریاست مؤسسات فلاحتی اداره‌ی کل فلاحت، اداره جنگلها در مرکز، دانشکده وزارت کشاورزی. دکتر بهرامی در سال ۱۳۱۳ ش مجله «فلاحت» و در سال ۱۳۲۰ ش مجله «آب و خاک» را منتشر کرد. از آثار به جای مانده او عبارت‌اند از: «ارزیابی کشاورزی»؛ «از سویس به ایران»؛ «ایران، آزاد و بزرگ می‌شود»؛ «باغبانی عمومی و خصوصی»؛ «پرورش کودک در خانه»؛ «تاریخ کشاورزی ایران»؛ «جغرافیای کشاورزی ایران»؛ «جوجه‌کشی»؛ «دامپروری»؛ «زراعت خصوصی»؛ «زراعت عمومی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی ورجال و مشاهیر (۱۰۹ -۱۰۸ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۷ -۲۰۵ /۲).

بهرامی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا بهرامی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهرضا متولد شدم. اسفند ماه ۱۳۴۴ و پس از سیکل در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه شده و دو سال در حوزه علمیه اصفهان ، شهر رضا ، مدرسه علمیه صاحب الزمان مشغول تحصیل بوده و سپس در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شده از مغنی تا پایان شرح لمعه را در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی تحصیل نموده و سپس در ادامه تحصیل در حوزه از محضر حضرات آقایان ۱. ستوده، ۲. کریمی، ۳. اعتمادی، رسائل، مکاسب و کفایه را گذرانده و سپس دروس خارج حوزه (فقه و اصول) را از محضر حضرات آیات عظام آقایان فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، حسین مظاهری، سبحانی استفاده کردم.دوره تخصصی تبلیغ را به مدت چهار سال در حوزه خوانده ام.نظر به جایگاه ویژه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در نشر فرهنگ و معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام از سال ۱۳۷۳ تا کنون به عنوان مسئول بانک های اطلاع رسانی مرکز بوده ام.از سال ۱۳۸۰ در دانشگاه تدریس می کنم. که اکنون با عنوان استادیار در دانشگاه آزاد اراک تدریس می کنم.

بهرامی، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین بهرامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۳

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین بهرامی در سال ۱۳۵۴ در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهر قم گذراندم و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه شهیدین گذراندم. سطح را در حوزه و در محضر اساتیدی از جمله حجج اسلام موسوی تهرانی، اعتمادی(ره)، احمدی میانجی و دیگر اساتید طی کردم. چند سالی نیز در درس خارج اساتیدی از جمله آیات عظام

شبیری زنجانی، مکارم شیرازی و وحیدتبریزی شرکت نمودم.

در کنار تحصیل در مراکز سفیران هدایت، جامعه الزهرا و مدرسه امام خمینی(ره) به تدریس پرداخته ام. هم اکنون نیز در مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه قم در رشته علوم قرآن و حدیث مشغول به تدریس می باشم. سال ۱۳۷۵ و همزمان با سطح، از طریق موسسه امام خمینی (ره) به کارشناسی ارشد پیوسته در رشته الهیات مشغول شده و در سال ۱۳۸۱ با نگارش پایان نامه" اندیشه های حدیثی علامه محمد تقی شوشتری درکتاب النجعه "فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه تربیت مدرس قم در رشته علوم قرآن و حدیث برای گذراندن مقطع دکتری پذیرفته شدم. و هم اکنون پس از طی دوره آموزشی در آستانه نگارش پایان نامه می باشم. از سال ۱۳۷۷ در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در بخش شبکه اینترنت مشغول به کار شدم. از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ مدیر پایگاه اطلاع رسانی حوزه بودم و از سال ۱۳۸۲ تا کنون نیز به عنوان معاون شبکه مرکز مشغول به فعالیت می باشم.

بهرامی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر بهرامی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر بهرامی در سال ۱۳۶۴وارد حوزه علمیه شدم و در زادگاهم کرمانشاه در مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به فرا گرفتن متون درسی حوزوی شدم. سطح مقدمات را در همانجا به پایان رسانیدم و مشغول به سطوح بالاتر شدم .و دروس بالاتر را مانند کفایه ،رسائل ،مکاسب را در محضر حضرات آقایان آیت الله زرندی نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه ،حاج آقا مجتبی میبدی ،حاج آقا عبدالخالق عبداللهی ، فرا گرفتم .و در همان مدرسه مذکور مشغول به تدریس سیوطی ،مغنی ، مقدمات شدم و در مدرسه امام صادق (ع)کرمانشاه لمعه و سیوطی تدریس نموده ام و در سال۱۳۷۶وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را در نزد حضرات آیات مکارم شیرازی ،فاضل لنکرانی ،نوری همدانی ،جعفر سبحانی ،جوادی آملی و به مدت دو سال هم در تفسیر حجت الاسلام سید احمد خاتمی شرکت نمودم و در حال حاضر در درس فقه آیت الله مکارم مشغول هستم . در این مدّت مشغول پژوهش بوده و هستم و بیشتر کارهایم را در خانه انجام می دهم و کاری را در دست اقدام دارم بنام خطابات قرآنی و امیدوارم خداوند متعال به ما توفیق دهد تا بتوانیم در راه علم و معرفت کوشا باشیم و برای جامعه اسلامی فردی مفید و صالح باشیم .

بهرامیان، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین بهرامیان هنرمند و مجسمه ساز در سال ۱۳۵۰ به دنیا آمد.وی دارای مدرک فوق تخصص زیبایی‌شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس است. او در سال ۱۳۸۴ برای اعتراض به موزه لوور به زندگی خود پایان داد.محمد حسین بهرامیان یا به قول دوستاناش بهرام، یکی از ۵ مجسمه‌ساز برتر معاصر ایران و البته به خاطر تخصصی و سبک کارهایش علمی‌ترین آنهاست که به دلیل دوری از وطن، تنها میان متخصصان و همکاران اش نام‌آشناست.

گروه : هنر

رشته : هنرهای تجسمی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اخذ لیسانس مجسمه‌سازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ۱۳۴۷ کسب مدرک تخصصی مجسمه‌سازی از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله تخصصی: هنر مجسمه‌سازی معاصر در ایران (امید که روزی چاپ شود) گرفتن مدرک فوق تخصص زیبایی‌شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله فوق تخصص: مناسبات در ساختار اجتماعی و جغرافیایی شهر: نصب مجسمه‌های مختلف در شهر تهران یک سال تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

وقایع میانسالی :

زمان و علت فوت : مسئولان موزه لوور پاریس ـ که برچسب آثار ایرانی موزه را مثل نام خلیج فارس به عربی تغییر داده بودند ـ در آتلیه مولاژ موزه لوور، اسم و امضای بهرامیان را از پای آثارش حذف کردند و تمام حقوق مادی و معنوی را زیر پا گذاشتند. او همه وقت و دارایی‌اش را برای پیگیری این پرونده در مراجع قضائی فرانسه صرف کرد. هزینه این کارها برای شهروندان فرانسوی ارزان بود اما برای او ـ که با وجود سال‌ها تحصیل، زندگی و کار در فرانسه حاضر به پذیرفتن شهروندی آنجا و گرفتن اوراق هویت

فرانسوی نشده و ایرانی مانده بود ـ کلی آب می‌خورد. تا روزی که چیزی برای ادامه راه در کار نبود. یک روز با دعوت از همه رسانه‌ها و خبرنگاران و بازگو کردن داستان، با پریدن از بام موزه لوور، به قصه پایان داد و شاید با این کار، پیگیری کار را به رسانه‌ها سپرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : وی متخصص بخش مولاژ در مجموعه موزه‌های ملی فرانسه بوده است.

فعالیتهای آموزشی : یک سال تدریس در سال ۱۳۵۸ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را محمد حسین بهرامیان در کارنامه دارد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ترمیم بسیاری از مجسمه‌های باستانی و ساخت مولاژ از آنها، نوآوری در ساخت مجسمه و استفاده از مواد در کار ساخت و اصلاح روش‌های قبل از فعالیتهای وی میباشد.

جوائز و نشانها : کسب عنوان مجسمه‌ساز حرفه‌ای در موزه لوور در ۱۹۹۱ برنده نشان طلا و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات هنری ژنو سوئیس برای پازل سه بعدی در ۱۹۹۹ کسب نشان نقره و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات هنری ژنو سوئیس برای طراحی نوعی قالب برای ساخت مجسمه به تعداد زیاد بدون افت کیفیت در ۱۹۹۹ پازل توپ چهل تکه‌ای از کره زمین؛ برنده مدال طلای نمایشگاه اختراعات هنری ژنو

چگونگی عرضه آثار : ابتکار بهرامیان با ساخت پازل از اشیای باستانی ایران، هنر و تاریخ را از موزه‌ها به درون خانه‌ها می‌برد و کودکان را در حس ساخت اشیای باستانی، با هنرمندان چند هزار سال قبل، سهیم می‌کند. آشنایی با هنر باستانی بخشی از بازی کودک می‌شود و هر کس می‌تواند یک کپی مثل اصل را در خانه داشته باشد؛ مانند پازل وزنه قوی هخامنشی. ساخت پازل‌هایی از آثار باستانی ایران و اهرام مصر، ۲ جایزه برتر نمایشگاه اختراعات هنری سوئیس را برای او به ارمغان آورد. در حال حاضر، موزه لوور – که یک هرم شیشه‌ای در حیاط مقابلش ساخته اند– درآمد هنگفت این امتیاز را به جیب می‌زند. اثر دیگر بهرامیان" جنگ شاهین و مار "در بانک ملی دوبی؛ باز هم ساکنان آن سوی خلیج فارس. یک مجسمه او در یکی از پارک‌های تهران در غیابش به اسم یکی از همکاران ثبت و مجسمه دیگرش هم در پارک دانشجو ناپدید شد. --

آثار :

۱ اسب آبی جای فرعون خوابیده

ویژگی اثر : پوستر پازل سه بعدی بهرامیان از هرم مصری و اسب آبی فیروزه‌ای مصر باستان که در دل پازل قایم شده.

۲ جنگ شاهین و مار

ویژگی اثر : مجسمه، در پارک دبی

۳ دو زیبای خفته

ویژگی اثر : این دو تا قوی طلایی زیبای خفته، ۲ مدل از وزنه‌های ترازوی زمان هخامنشی است که در شوش کشف شده. ساخت مولاژ یا شبیه‌سازی آثار باستانی، یکی از تخصص‌های بی‌بدیل بهرامیان بود؛ تخصصی که علاوه بر ذوق هنری نیاز به مهارت و دانش زیادی دارد.

۴ ماهی‌های در هم

ویژگی اثر : این دو ماهی در هم پیچیده با فواره‌هایشان، در ساحل خلیج‌فارس و خاطره بازدیدکنندگان جا خوش کرده‌اند؛ تا حدی که بسیاری با دیدن عکس، محل آن در دوبی را به جا می‌آورند. بهرامیان با هنر وشناختش نسبت به فضای نصب اثر، یک مجسمه محیطی بسیار عالی خلق کرده بود.

منابع زندگینامه : روزنامه همشهری، ۱۳-۱۱-۱۳۸۶"، مجسمه سازی که شکست"

بهرمن، حیدر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر بهرمن

زندگینامه علمی

با تکمیل دروس ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۶۰با ورود به حوزه علمیه اصفهان به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. سالهای اولیه دوره مقدمات را که عمدتاً آشنائی با ادبیات عرب چون صرف و نحو و معانی بیان و لغت و منطق بود به پایان رساندم و با شروع دوره سطح به تدریس علوم مقدماتی مشغول گشتم در کنار آشنایی با کتب فقه و اصول، همچون شرح لمعه و رسائل و مکاسب؛ کتب کلامی همچون باب حادی عشر و شرح تجرید الاعتقاد و نیز کتب فلسفه همچون بدایه و نهایه و شرح منظومه و قسمتی از اسفار و قسمتی از اشارات ابن سینا را فرا گرفتم سال ۱۳۶۹با هجرت به شهر مقدس قم و تکمیل دروس سطح وارد مرحله درس خارج فقه و اصول شدم و تا امسال حدود ۱۳سال است که درس خارج را ادامه می دهم .

از سال ۱۳۷۷تا کنون مدت ۹سال است که دوره اول و دوم تخصصی فقه واصول را در موسسه بقیه الله (عج)سپری می نمودم، در کنار فقه و اصول بحث های تفسیری نیز شرکت می نمودم. در طول مدت تحصیل به تدریس ادبیات منطق و فلسفه و فقه و اصول نیز اشتغال داشتم و عمده آثار قلمی اینجانب مربوط به رساله ها یی است که در طول مدت تحصیل در موسسه تحقیقاتی آموزشی بقیه الله(عج) به نگارش درآمده است.

بهروز، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهروز

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۸/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا بهروز در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شیراز شده و از محضر بزرگانی همچون آیت الله سید عبدالحسین دستغیب (شهید محراب) بهره وافر برده، دروس ادبیات را در محضر آقایان سید محمود و سید احمد آیت الهی از ادیبان متبحر آن دیار فرا گرفته و هم چنین دروس مقدماتی و مقداری از سطح را در محضر آقایان حج السلام سید محمد مهدی و سید علی محمد دستغیب فرا گرفته و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیلا ت وارد حوزه علمیه قم شده و ادامه دروس سطح را در محضر آقایان حجج اسلام اعتمادی ، پایانی ، وجدانی فخر، ستوده ، قدیری . و اساتید دیگر فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر آقایان آیات عظام فاضل لنکرانی . وحید خراسانی . میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی حضور پیدا کردم و دوره های فقه واصول را به پایان رسانده و هم چنین در سال ۱۳۷۰–۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام شرکت کرده و دوره چهار ساله آن را با موفقیت گذراندم و جزء شاگردان ممتاز آن موسسه بوده ام . در بحث فلسفه از محضر اساتید بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، مصباح زاده یزدی و هم چنین از محضر درس جناب آقای انصاری شیرازی بهره وافری برد ه و کتاب های بدایه و نهایه را از محضر آقایان فیاضی تلمذ نمودم و اشارات و تنبیهات را از محضر آیت گرامی و دکتر بهشتی تلمذ نمودم و دروس اسفار و الهیات اسفار را از بزرگانی هم چون آیت الله جوادی . حسن زاده . مصباح . و انصاری شیرازی تلمذ نموده ام . و در حال حاضر عضو هیئت علمی پژوهشگاه هستم. از نظر فعالیت های اینترنتی جزء فعالان اینترنتی هستم و فعلا بهعنوان مدیر بخش آنلاین مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی مشغول خدمتم . ودر سایت ها و مسنجرهای مطرح جهان به پاسخگویی و رفع شبهات دینی مشغولم. که می توان به مسنجر بیلوکس ،پال تاک، ال فور ای، ارتباط شیعی و یاهو اشاره کرد و هر روز کاربران زیادی با مراجعه به این سایت ها پاسخ های خود را در یافت می نمایند و از استقبال فراوانی برخوردار است در حالحاضر با همکاری دوستان زیرمجموعه در شبانه روز بیش از ژنجاه ساعت به ژاسخگویی به سوالات دینی اشتغال دارم و درگذشته نیز در مدت بیش از چهار سال در سایت های اینترنتی به فعالیت های اینترنتی می پرداختم . در مجموع درکلیه موضوهای اینترنتی حضور فعال داشته ام . در عرصه ژاسخ به سوالات کتبی نیز روزانه ایمیل های فراوانی به این مرکز ارسال می شود که تعداد زیادی از این سوالات که مسائل اعتقادی و فلسفی را تشکیل می دهد به کمک دوستان دیگر به ژاسخ آن می پردازیم.

بهروزکیا، کمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال بهروزکیا در سال ۱۳۲۹ در تهران به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی زبان آلمانی از دانشگاه تهران می باشد.آقای بهروزکیا سال ها در مدرس ?راهنمائی و دبیرستان مشغول تدریس بوده، و کار ترجمه را از سال ۵۸ شروع کرده است. کتاب"تند پا و باد پا " ترجمه کمال بهروز کیا ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : کمال بهروز کیا سال دوم دبیرستان به ناچار تحصیل را ترک کرد و به کارگری مشغول شد. پس از چندی معلم کلاس دوم یک مدرس ?ملی شد. از آن پس، روزها درس داد و شب ها درس خواند تا آنکه سرانجام دیپلم متوسطه را دریافت کرد و به دانشگاه تهران، برای تحصیل در رشت ?زبان آلمانی، راه یافت و در سال ۱۳۵۹ به اخذ درج ?لیسانس نائل شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کمال بهروزکیا سال ها در مدرس ?راهنمائی و دبیرستان مشغول تدریس بوده، و کار ترجمه را از سال ۵۸ شروع کرده است.

جوائز و نشانها : کتاب"تند پا و باد پا " ترجمه کمال بهروز کیا ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---

آثار :

۱ . آتش بعدی (صد سال آزادی بدون تساوی حقوق)

ویژگی اثر : ترجمه،جیمزبالدوین

۲ بچه های شلوغ

ویژگی اثر : ترجمه،آسترید لیندگرن

۳ بچه های کوچ ?تیله بازها

ویژگی اثر : ترجمه،گرهارد تاخلت

۴ بدرود ای سرزمین مقدس (۲۲ داستان از نویسندگان معاصر لهستان)

ویژگی اثر : ترجمه

۵ پسرک بی نظم و آدمکهای روی دیوار

ویژگی اثر : ترجمه،گیزلا بونزلز

۶ تند پا و باد پا

ویژگی اثر : ترجمه،اورسولاولفل،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «تندپا و بادپا»: تند پا و بادپا؛ اورسولا ولفل؛ ترجم ?کمال بهروزکیا، تهران: نشر شورا، ۱۳۷۱. تندپا و بادپا کتابی است جذاب و تربیتی با پیامهای آموزشی گوناگون. در این داستان پسرک فقیری از چاقی و کوتاه بودن قدش رنج می برد و برای همین دوست دارد کودک دیگری باشد. پدرش او را با خود به مسافرت می برد و در طول سفر، داستانهای پند آموز و زیبایی برای او تعریف می کند و سرانجام پسرک آگاه می شود که قیاف ?ظاهری آدمها اهمیتی ندارد. ترجم ?کتاب با شیوایی و دقت انجام گرفته، و مترجم نیز انتخاب شایسته ای داشته است.

۷ دایی من

ویژگی اثر : ترجمه،فرانس اریش کستنر

۸ زیباترین تخم مرغ دنیا

ویژگی اثر : ترجمه،هلمه هاینه

۹ فلوت سحر آمیز هانس

ویژگی اثر : ترجمه،کریستین اُندرسن

۱۰ قوی ترین کلاغ دنیا

ویژگی اثر : ترجمه،هلمه هاینه

۱۱ کره خری به نام گریزلا

ویژگی اثر : ترجمه،هاینریش ماریادنبورگ

۱۲ ماشین سحرآمیز

ویژگی اثر : ترجمه،کارل تئوگورینگ --

منابع :

۱www.ketabesal.ir

بهروزی، علی‌نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۸۱(۱۳۲۳ ق.)، کازرون.

درگذشت: ۱۴ فروردین ۱۳۶۲، شیراز.

علی‌نقی بهروزی متخلص به «بهروزی»، فرزند بهروز، پس از اخذ دیپلم در بوشهر و فراگیری ادبیات و زبان انگلیسی، به سال ۱۳۰۲ به بحرین رفت و دو سال به مدیریت و آموزگاری مدرسه اتحادیه ایرانیان اشتغال ورزید و بعد خدمت خود را در سمت‌های معملی و نظامت و مدیریت در بوشهر و شیراز ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد. با این وجود معلمی در دبیرستان ابن سینا ادامه داد. همچنین دارای گواهینامه زبان انگلیسی از دانشگاه کمریج بود. علاوه بر انگلیسی، با عربی نیز آشنا بود و به دریافت نشان‌های درجه یک و دو علمی نایل آمد.

در سال ۱۳۰۵ با روزنامه‌ی «تخت جمشید» همکاری کرد و بعد به عضویت در هیئت تحریریه روزنامه‌های «عصر آزادی»، «پیغام»، «پارس» و «بهار ایران» درآمد. در عین حال مقالاتی در مجلات «گل‌های رنگارنگ»، «ارمغان»، «یادگار»و «یغما» انتشار می‌داد. او در سال ۱۳۲۵ امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره در شیراز منتشر کرد. وی همچنین عضو «انجمن قلم» و عضو مشورتی

روزنامه‌ی «اطلاعات» در استان فارس بود و به عنوان شعار در «انجمن ادبی فارس» حضور می‌یافت و یکی از بنیانگذاران «کانون دانش پارس» بود و تا روزهای آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد.

از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ به سمت سرپرست کتابخانه حافظیه مشغول کار بود. از تیر سال ۱۳۵۸ به سرپرستی کتابخانه حضرت احمد در ××××× شاهچراغ شیراز اشتغال داشت.

فهرست آثار او به شرح زیر است: جشن‌های ایزدی، تاریخ اعیاد ملی (شیراز، ۱۳۲۴)؛ سده‌ی وفات قاآنی (شیراز، ۱۳۳۳)؛ شرح کامل حالات حکیم قاآنی (شیراز، ۱۳۳۴، نشریه‌ی سه کانون دانش پارس)؛ شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور (شیراز، ۱۳۳۳)؛ تصحیح دیوان رحمت کازرونی (شیراز، ۱۳۳۴)؛ تصحیح دیوان مظفر شیرازی (با همکاری و بازنگری دیگران شیراز، ۱۳۳۷)؛ لطایف و ظرایف ادبی (شیراز، ۱۳۴۲)؛ آثار محلی فارس (شیراز ۱۳۴۰)؛ فارسنامه ابن بلخی (شیراز، ۱۳۴۳)؛ تاریخچه‌ی شهر شیراز و اماکن تاریخی (تهران، ۱۳۴۷)؛ واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی (تهران، ۱۳۴۸)؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز (شیراز، ۱۴۳۹)؛ تاریخچه‌ی مسجد جامع سلطانی وکیل (شیراز، ۱۳۵۰)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس (دو جلد با همکاری آقای محمدصادق فقیری، شیراز، ۱۳۵۱)، نوادر تاریخی (جلد اول، ۱۳۵۳)؛ حافظ را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ سعدی را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ افتخارات ایران؛ شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد (شیراز، ۱۳۵۶)؛ تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانه‌ی فارس (شیراز، ۱۳۵۶)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (دو جلد، شیراز، ۱۳۶۰)؛ تاریخچه‌ی ده ساله‌ی کانون فرهنگیان پارس (شیراز، ۱۳۳۳)؛ اشعار نغز؛ گلشکر.

علی‌نقی بهروزی سرانجام به سال ۱۳۶۲ در شیراز زندگی را بدرود گفت و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد.

(۱۳۶۲ -۱۲۸۳ / ۱۲۸۱ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کازرون و بوشهر و شیراز به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و زبان انگلیسی را کاملا آموخت و نایل به دریافت گواهی‌نامه از دانشگاه کمبریج انگلستان شد. بهروزی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و مدت دو سال مدیر مدرسه‌ی ایرانیان در بحرین بود و از آنجا به بوشهر منتقل شد. و به مدیریت و تدریس در مدارس مختلف در بوشهر و شیراز پرداخت. او مقالات ادبی و اجتماعی زیادی در جراید «تخت جمشید»، «عصر ایادی»، «پارس» و مجلات «ارمغان»، «یادگار» و «گلهای رنگارنگ» منتشر کرد. بهروزی در سال ۱۳۲۵ ش امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره‌ی آن را در شیراز منتشر کرد. بعد از بازنشستگی از سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی کتابخانه حافظیه و کتابخانه شاهچراغ، گمارده شد و عضو انجمن ادبی فارس و مؤسس کانون دانش پارس بود و تا آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد. وی گاهی شعر می‌سرود و محققی پرکار بود و بیست و چهار جلد کتاب تألیف کرد و دهها مقاله نوشت. از آثار وی: «آثار محلی فارس؛ «جشنهای ایزدی»؛ «نوادر تاریخی»؛ «گلشکر»، لطائف و ظرائف ادبی؛ «سده قاآنی»؛ «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»؛ «فرهنگ لغات محلی فارسی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۳۲/ ۵)، انجمن‌های ادبی شیراز (۴۱۵ -۴۱۲)، تارخی جراید (۳۱ -۳۰/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۴ -۴۹۰/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۰ -۱۱۹/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴، ۶۰۳/ ۴).

بهروزی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار. در ساری متولد شد. وی پس از اتمام تحصیلات وارد خدمت دولتی و عهده‌دار مشاغلی مختلف شد و قرائت‌خانه‌ای در ساری دایر کرد و با نشریات «قانون»، «حلاج»، «نسیم شمال»، «ارمغان» همکاری داشت. او امتیاز نشریه‌ای به نام «کنار دریا» را نیز گرفت. بهروزی در نظم و نثر دست داشت. از آثار منثور او: «اگر خدا بخواهد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۶۰۹ -۶۰۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۹).

بهزادی اندوهجردی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ و هم‌اکنون دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرهنگ جامع اصطلاحات زبان و ادبیات فارسی، اصطلاحات دستور زبان فارسی، اصطلاحات عروض و قافیه، اصطلاحات معانی و بیان و بدیع، نقد ادبی، سبک‌شناسی، مکتبها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شعر، تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی، بدیع و بیان، عروض و قافیه، طنز و انتقاد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تحقیقات ادبی، نقد و نظر، پژوهش در طنز و هزل، حماسه‌های مذهبی، بدیع و بیان، معرفی بهترین شاعران کرمان، ستارگان کرمان، اختران خراسان، شیرین‌کاران شیراز، سخنسرایان آذربایجان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بهشتی قزوینی، شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مدرس، ادیب و شاعر. در قزوین به دنیا آمد. وی پس از فراگیری مقدمات علوم، مدارج عالی را در حوزه‌ی درس شیخ ملا محمدصالح برغانی و شهید ثالث پیمود. سپس به عراق رفت و در کربلا و نجف از محضر استادانی چون شیخ حسن برغانی بهره گرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. در بازگشت به موطن خویش از استادان قزوین نیز اجازه اجتهاد گرفت. آنگاه به تدریس و فتوا و ترویج دین پرداخت. بهشتی از مدرسان مشهور مدرسه صالحیه بود، بویژه در تدریس کتاب «مطول» به حدی مهارت داشت که او را مطول‌گوی می‌گفتند. وی و برادرش شیخ ملا عبدالوهاب بهشتی، که او نیز مدرس سطوح فقهیه بود و در حدود ۱۳۰۰ ق از دنیا رفت، هر دو از علما و ادبا و برجستگان قزوین به حساب می‌آمدند. از آثار وی: حواشی بر «مطول»؛ حواشی بر «حاشیه‌ی ملا عبداللّه»، در منطق؛ حواشی بر «شرح لمعه‌ی» شهید ثانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۸۰۵/۱۳)، المآثر والآثار (۱۶۵).

بهشتی مقدم، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا بهشتی مقدم

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۲ همزمان با ورود به دانشگاه اصفهان در رشته فیزیک کاربردی به حوزه علمیه اصفهان وارد شده با جدیت مشغول تحصیل دروس مقدمات گشتم، بعد از انصراف از تحصیل در دانشگاه، با جدیت بیشتری دروس را ادامه داده، بطوری که در سال دوم، تدریس دروس ادبیات مربوط به سال اول را مشغول شدم و به پایان رساندم. همزمان با لمعه، دروس مکاسب را و همزمان با رسائل شیخ کفایه را و با اتمام لمعه و رسائل، در ادامه مکاسب و کفایه را با دروس خارج حضرت استاد آیت الله العظمی آقا شیخ حسین مظاهری ادامه دادم و این در حالی بود که سال چهارم حوزه بودم. دروس خارج را با لغت عرب می‌نگاشتم و جدیتم در دروس و ارائه مطالب نو (و یا در قالبی نو) چشمگیر بود.

نهایتاً سال ۷۶ به علت مشکلاتی که از طرفی بعضی از اقران و هم صنفی‌ها (روحانیت) بر اینجانب وارد شده بود به حوزه قم منتقل شده و تا سال ۷۹ امتحانات دروس سطح را به پایان بردم (به طوری که هر دو سال را در یک سال آزمون داده‌ام). سال ۷۹ موضوع پایان‌نامه‌ام را «مباحث الفنیهٔ فی فقه الاملیهٔ» قرار دادم که متن طرح پایان نامه خدمت مرحوم استاد راهنمایم حضرت آیت الله محمد هادی معرفت(قدس سره) وقتی ارائه نمودم بسیار بسیار تحسین و ترغیب نمودند، لیکن از طرف دیگر مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا جواد تبریزی بنده را به ادامه دادن دروس خارج بدون توجه به برنامه شورای مدیریت سفارش نموده و مرا از ارائه پایان‌نامه که قسمت عمده کارهای آن صورت گرفته بود، بازداشتند. فی الحال اخذ مجوز تدریس دروس معارف اسلامی (مبانی نظری) از نهاد نمایندگی نموده و مشغول به تدریس در دانشگاهها می‌باشم. نیز مایل به تدریس در حوزه مقدس به صورت متمرکز و از تدریس

مهم‌تر تحقیق در مباحث تفسیری و فقهی و اصولی و دیگر مباحث جهت خدمت به حوزه مقدسه و انقلاب می‌باشم.

بهشتی مهر، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بهشتی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه شدم در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه قم شدم و درکنار دروس حوزوی مقطع کارشناسی الهیات را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی آغاز کردم . در سال ۱۳۷۹ درس خارج مشغول شدم . در سال ۱۳۸۱ در موسسه رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۵ با دفاع از پایان نامه و با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم .دروس تحقیقا ت و پژوهشهای خود را هم پیش از این نام بردم. از سال ۱۳۷۷ با نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها همکاری می کنم و در ایام تبلیغ به تبلیغ در دانشگاهها می پردازم . پیش از سال ۷۷ هم در مراکز مردمی به تبلیغ می رفتم مناطق محرومی چون زابل و زاهدان و ایرانشهر را برای تبلیغ انتخاب کرده بودم .

بهشتی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بهشتی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در حدود سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیّه حاج فتحعلی بیک دامغان وارد شده و بعد از دو سال به حوزه علمیّه قم آمدم و در مدرسه علمیّه آیت الله گلپایگانی به تحصیل خود ادامه دادم و پس از پایان سطح و چند سالی درس خارج فقه و اصول به شهر دماوند رفتم و مدّت چهار سال در آن شهر در مدرسه علمیّه امام صادق علیه السلام مشغول تدریس بودم و سپس به قم آمدم و در قم هم مشغول تحصیل و هم تحقیق بودم.

بهشتی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابولفضل بهشتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابولفضل بهشتی فرزند جعفر به سال ۱۳۳۹ شمسی در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد گردیده، پس از گذراندن تحصیلات عمومی (سطح دیپلم) با پیوستن به حوزه علمیه در دوره سطح از اساتیدی چون حضرت آقایان: ستوده، اعتمادی، پایانی، انصاری شیرازی استفاده برده و سالها نیز در دوره های خارج فقه اصول، فلسفه از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، تبریزی، حسن زاده آملی و.... بهره گرفتم و پس از پیروزی انقلاب همکاری فعال علمی و فرهنگی با نهادها و مراکز فرهنگی و تبلیغی و انتشاراتی داشته و از بدو تأسیس دفتر تبلیغات اسلامی در بخش های مختلف آن بویژه برنامه ریزی و نظارت و

پژوهش فعالیت داشته ام و هم اینک نیز ادامه دارد. و همزمان به تهیه و تألیف آثاری در قالب مقاله و کتاب و انجام سفرهای تبلیغی همت گماشته‌ام. و در حال حاضر نیز در درس خارج شرکت فعال دارم.

بهشتی، سیدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۴ ق)، عالم، ادیب، لغوی، مفسر، فقیه و محدث. معروف به مفسر. در کربلا متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. وی در تهران ساکن و از اعلام معاصر تهران بود. بهشتی در زهد و تقوی کم‌نظیر بود. او متجاوز از بیست و دو سال پی‌درپی در مسجد جامع تهران تفسیر قرآن می گفت. در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّٰه شهر ری دفن شد. از آثار وی تفسیر «مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، به عربی، در دوازده مجلد است که در تهران به طبع رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۷۹ -۱۷۸ /۴)، مقنیات الدرر (ج ۱/ مقدمه مؤلف).

بهشتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بهشتی بروجردی. تولد ایشان در بروجرد واقع شده و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین و اساتید حوزه علمیه به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی حسب‌الامر آقای گلپایگانی به شاه‌آباد مهاجرت و تااکنون اشتغال به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد مردم دارند.

و در شاه آباد منشأ خدمات اجتماعی و آثاری گردیده‌اند که از جمله تأسیس کتابخانه‌ای برای جوانان که ضمن آن کتابهای مذهبی به قیمت مناسب در دسترس جوانان قرار می گیرد و دیگر با همکاری جمعی از متدینین اقدام به تأسیس درمانگاه مهدیه نموده‌اند که برای فقرا و مستمندان بسیار مفید و مؤثر است.

برادر ارجمندشان جناب حجهٔ‌الاسلام حاج سید عبدالحسین بهشتی نیز از فضلاء محترم حوزه علمیه قم به شمار می‌روند که سالیان دراز است از زادگاه خود هجرت و در دارالعلم قم رحل اقامت افکنده و از محاضر آیات عظام آقای بروجردی و آیت‌اللّٰه شریعتمداری و آیت‌اللّٰه گلپایگانی و غیرهم استفاده نموده و تا هم‌اکنون از شرکاء درس آیتین علمین مذکورین می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهشتی، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر عبدالباقی میر محمدرضا حسینی.

عالم و زاهد و فاضل بوده، در محله‌ی لنبان مرجع امور دینی بوده، و در مسجد لنبان امامت می‌نموده.

در سلخ ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۸ وفات یافته، در قسمت شمالی مسجد مصلی در تخت فولاد مدفون شده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بهشتی، محمدحسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، اصفهان.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی در محله‌ی لومبان اصفهان چشم به جهان گشود. پدربزرگ وی، آیت‌الله میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی، از مراجع عصر خود بود. آیت‌الله بهشتی تحصیلات خود را تا سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند و سپس در سال ۱۳۲۵ به قم رفت. حدود شش ماه در قم بقیه سطح مکاسب و کفایه را تکمیل نمود و از اوایل سال ۱۳۲۶ به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت‌الله محقق داماد وارد شد. از اساتید دیگر وی آیات عظام بروجردی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای و امام خمینی

(ره) بودند.

برای پیگیری تحصیلات دانشگاهی، در سال ۱۳۲۷ با گرفتن دیپلم وارد دانشگاه معقول و منقول شد و تا سطح دکتری ادامه تحصیل داد. در فسلفه نیز پنج سال مستمر (۱۳۳۵ -۱۳۳۰) در درس علامه‌ی طباطبائی حضور یافت و علاوه بر بحث‌های اصول فسلفه و روش رئالیسم، اسفار و شفا را نیز فراگرفت.

در همان سالها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی به عنوان دبیر به تعلیم این زبان در دبیرستان‌ها پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ وارد عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی شد. تأسیس مدرسه‌ی منتظریه‌ی با همت آیت‌الله قدوسی و با نظارت ایشان از فعالیت‌های دیگری بود که از سال ۱۳۳۹ آغاز شد. از سال ۱۳۴۱ نیز در جریان‌های سیاسی حضور داشت. از جمله اقدامات وی همکاری در ایجاد «کانون دانش‌آموزان قم» بود که بعدها آیت‌الله دکتر محمد مفتح مسئولیت آن را پذیرفت. در زمستان سال ۱۳۴۲ او را مجبور کردند که از قم خارج شده و به تهران برود.

با ورود به تهران با جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی رابطه سازمان یافته‌ای داشت. در همین جمعیت‌ها بود که به پیشنهاد شورای مرکزی، امام خمینی (ره) یک گروه چهار نفری را به عنوان شورای سیاسی و فقهی تعیین نمود که یکی از آنها آیت‌الله بهشتی بود. بعدها برنامه تغییر کتاب‌های تعلیمات دینی مدارس در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

با دستگیری اغلب رهبران سیاسی نظامی جمعیت‌های مؤتلفه، آیت‌الله بهشتی در اوایل سال ۱۳۴۴ برای راهنمایی مسلمانان آلمان، از ایران به آن کشور رفت و در هامبورگ مستقر شد. در آنجا زبان آلمانی را یاد گرفت. اما فعالیت وی فقط منحصر به آلمان نبود و کشورهای آلمانی زبان (به ویژه اتریش) را نیز در برگرفت. آیت‌الله در این مدت در تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نشریه «اسلام مکتب مبارز» همکاری کرد و از ایشان در این دوره، سخنرانیها و جزوات چندی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی باقی مانده است. یک دوره تفسیر قرآن از آغاز تا سوره نساء نیز حاصل همین ایام است.

در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و با همکاری آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد مفتح به تشکیل جامعه روحانیت مبارز نمود. در سال ۱۳۵۵ هسته‌هایی برای امور تشکیلاتی به وجود آمد و در سال ۱۳۵۶ روحانیت مبارز شکل گرفت.

در کنار فعالیت‌های دیگرش، از همان سال بازگشت به ایران (۱۳۴۹) کار تحقیقاتی و علمی را آغاز کرد که تا سالهای انقلاب با همکاری آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر محمد مفتح ادامه یافت و اهمیت این کار تحقیقاتی به حدی بود که حتی در سال ۱۳۵۳ در برگه یادداشت کارهای جاری، پنجاه درصد از وقت خویش را فقط به آن اختصاص داده‌اند و بقیه را به بیش از پانزده کار فرهنگی، تحقیقی و اجرائی دیگر. در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ نیز، جلسه‌ای در روزهای دوشنبه در منزل ایشان برقرار بود که در آن با حضور چند تن از محققان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی اقتصاد، کتاب کاپیتال (سرمایه) کارل مارکس مورد بررسی قرار گرفت.

با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس، آیت‌الله دکتر بهشتی به حضور ایشان رفت و هسته‌ی شورای انقلاب تشکیل شد که وی یکی از اعضای آن بود.

علاوه بر مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، تألیفات وی به شرح زیر است: بانکداری و قوانین مالی اسلام؛ عادت (ترجمه از انگلیسی)؛ قانون علیت در جامعه ما؛ نقش ایمان در زندگی انسان؛ کدام مسلک ؟؛ صدای اسلام در اروپا (به پنج زبان)؛ روحانیت در اسلام و در قرآن؛ یک قشر جدید در جامعه ما؛ حکومت در اسلام (حکومت از نظر اسلام) (۱۳۶۷)؛ نماز چیست؟ (۱۳۶۶)؛ اسلام و مکتب‌های معاصر؛ مباحث شناخت در اسلام (۱۳۶۹)؛ شناخت از دیدگاه قرآن؛ امر به معروف و نهی از منکر، آزادی از دیدگاه اسلام؛ مالکیت از نظر اسلام؛ تکامل از نظر اسلام؛ تخریب در اندیشه اسلامی؛ حقیقت و عرفان؛ اسلام دین واقع‌بین؛ قضای اسلامی؛ اقتصاد اسلامی (فارسی و عربی، ۱۳۶۲)؛ توحید در قرآن؛ حج در قرآن (۱۳۶۵)؛ نقش قیامتی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات؛ با همکاری محمدجواد باهنر).

از آثار دیگر ایشان که چاپ نشده‌اند: ترجمه کامل تاریخ قرآن نولد؛ ترجمه بخشی از کتاب دانش منطق اثر هگل؛ تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی؛ تفسیر قرآن (نوار).

ضمنا تعداد معدودی نوار از جلسات درس دکتر بهشتی با عنوان (فلسفه‌ی هگل) که از سال ۱۳۵۵ برای طلاب آغاز کرد و نیز یادداشتهای آن به جا مانده است.

آیت‌الله دکتر بهشتی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

استاد دکتر سید محمد حسینی بهشتی اصفهانی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین و اساتید معاصر و مستخرجین با کمال حوزه علمیه قم است آقای دکتر بهشتی در حدود ۱۳۴۵ قمری در شهر اصفهان به دنیا آمده و پس از خواندن اولیات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و آنگاه به دروس خارج فقه واصول آیات عظام مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی و آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه العظمی نایب‌الامام خمینی و آیت‌اللّٰه العظمی آقای شریعتمداری حاضر و از دراسات آنان استفاده کامل نموده و معقول را هم از محضر علامه آیت‌اللّٰه طباطبائی آموخته و در رشته‌های مختلف علمی عقلی و نقلی یکی از ستارگان درخشنده حوزه علمیه گردیده و چند سالی از طرف مراجع بزرگ برای ارشاد و وظائف روحی و دینی به آلمان مهاجرت و در آنجا رهبری- مسلمین شیعی را نموده و خدمات چشمگیری انجام داده تا در این چند ساله اخیر که مراجعت به ایران و در تهران به تدریس و خدمات دینی پرداخته و هم برای تدریس و سخنرانی در دارالتبلیغ اسلامی قم به دعوت موسس بزرگوار آن حضرت آیت‌العظمی آقای شریعتمداری به قم آمده و ایفاء وظیفه نموده است.

معظم‌له نیز از مجاهدین به نام و مبارزین عیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی است که با تمام سخنرانیهایش مظالم و جرائم دولت را بیان و از اعمال ضد خلقی و مردمی و توحیدی آنان انتقاد نموده است.

استاد بهشتی در انقلاب ایران و پیروزی آن سهم ویژه‌ای دارند و هم اکنون یکی از علماء دولت موقت جمهوری اسلام و از نزدیکان و همکاران جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر می‌باشد سخنرانیها و اعلامیه‌های ایشان جالب و مجموع آن

خود کتابی خواهد بود.

آثار و تالیفات عدیده علمی دارند که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است از تالیفات مطبوع ایشان کتب زیر است.

۱- خدا از دیدگاه قرآن که در ۲۷ شهریور ۱۳۵۲ برابر ۲۵ شعبان ۱۳۹۳ ق به طبع رسیده است.

۲- نماز چیست.

۳- شناخت اسلام که به اتفاق دو نفر از افاضل آقای علی آقای گلزار غفوری- محمدجواد باهنر نوشته‌اند کتابهای دیگری که متاسفانه نام آنها را یاد ندارم.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهشتی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محسن، معروف به ملك المتكلمين. فاضل اديب خطيب توانا.

از گویندگان معروف، و خطبای مشهور، و از بنیان گزاران مشروطیت ایران است که در اثر نطق‌ها و خطابه‌های او مردم برضد استبداد و دستگاه دولتی برانگیخته شدند، و به طوری که در کتب تاریخ مذکور است و مقام گنجایش ذکر آن را ندارد، وی و دیگر همکارانش توانستند که مملکت را مشروطه نمایند [!]

در اصفهان متولد گردیده، و نزد جمعی کثیر که از آن جمله است: آخوند ملاصالح فریدنی تحصیل نموده، و خدمت سید جمال‌الدین اسدآبادی رسیده، و از او نیز کسب فیوضات نمود، و تحت تأثیر افکار او قرار گرفته، در طهران در زمره‌ی آزادی خواهان وارد شده، و شروع به فعالیت نموده.

سرانجام در اواخر جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۶ به سن حدود ۴۷ سال در باغ شاه، به دستور محمد علی شاه کشته شد، و در جنب باغ شاه در قبرستان کوچکی به خاك رفت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بهشتیان، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد عباس بهشتیان به سال ۱۳۰۵ش در اصفهان دیده به جهان گشود. وی یکی از سه فرزند ذکور خانواده بود. پدرش مرحوم حیدر علی در شهر ریز (زرین شهر) به شغل برنجکاری و ادارهٔ امور عصارخانه ای در آن محل اشتغال داشت. مرحوم بهشتیان دورهٔ تحصیلات را در مدرسهٔ که به مدیریت عالم فاضل ادیب مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی اداره می شد سپری نمود . عشق به تاریخ ادبیا ت فارسی از همان زمان در وی ریشه گرفت و به مرور ایام تبدیل به انگیزه ای مؤثر و مفید گشته، دیگر فعالیتهای اجتماعی اش را تحت الشعاع خویش قرار داد. بنحوی که در نهایت، پاسداری از مواریث فرهنگی و افتخارات ملی این سرزمین هدف غائی و قوهٔ محرکهٔ زندگیش گشت.

پس از فراغت از تحصیل بر خلاف دارا بودن مدرك تحصیلات بالاـو توجهٔ زمانه خویش و امکان احراز موقعیتهای گوناگون جهت تصدی مشاغل دولتی، تن به قبول مسؤلیت های اداری نداده، ترجیح داد بطور آزاد به انجام مطالعات و تحقیقاتش در امور تاریخی، ادبی و اجتماعی بپردازد.

همچنین فعالیت در امور زراعی سبب گردید که میزان اطلاعات و تبحر وی در مسائل مربوطه به درخت و درختکاری، متناسب با آب و هوای منطقه اصفهان زیاد گردد. و با فوت پدرش مزرعه های و باتلاقی در حوالی لنجان را خریداری نموده و پس از پنج سال تلاش مداوم ، توانست زمین را بصورت قابل قبول جهت زراعت و سکونت درآورد. در تمام دوران زندگی با درآمد حاصل از راه زراعت، باغداری و تولید سرکه و فروش آن زندگی را سر کرد.

عباس بهشتیان یکی از مردان جالب و جذاب و کم نظیر و یکی از یاران و همراهانش او را بحق (آتشفشان خاموش) لقب داده بود. بزرگمهری که آتش مقدس عشق به زاد و بوم پیوسته در اعماق قلبش زنده و جوشان بود. وی به لحاظ روحیه توکل و قناعتی که وجه مشخصهٔ او بوده از هیچ قدرت و مانعی جهت حفظ آثار و بناهای تاریخی هراس نداشت.

استاد مهریار از معاریف که سالهای دراز یار همراه بهشتیان بوده درباره وی می گوید:

« هیچوقت کنار یك منقل پرآتش که شعله می کشد نشسته اید دیده اید که وقتی بادی می وزد چگونه شعله بالا می کشد، شور و شوق این مردم به وطن رفته رفته چنین شده بود، در کنار که می نشستی حرارت را حس می کردی و گاه بود که می سوختی، بالاخص اگر بادی هم می ورزید.

وباز از قلم رفیق شفیق دیگر وی مرحوم استاد منوچهر قدسی که از عهد شباب تا آخرین روزهای حیات با وی بوده می¬خوانیم.

«...... من نسبت به گذشتهٔ ایران خاصهٔ اصفهان، آگاهتر از عباس بهشتیان عدهٔ ای را ولو به شماره انگشتان یك دست می شناسم اما.......عاشق تر از او در تمام عمر ندیده ایم کسی که به اندازهٔ او در مسائل تاریخی، هنری و مملکتی صاحب سوز و درد باشد و آثار هنری و فرهنگی این سرزمین به ویژه اصفهان را نه تنها دوست بدارد، که به هر کدام تا حد پرستش عاشقانه مهربورزد....»

وی بـا شور فراوانی که در معرفی و شـناساندن آثار تـاریخی اصـفهان داشت بـا عشق و مهرورزی تمام دانشجویان و علاقمنـدان را راهنمایی می¬نمود و نکته به نکته جای جای آثار را که معرفی می نمود.

موضاعات تحقیقی استاد، زمینه های گوناگون را دربر می گرفت که اهم آنها از قرار ذیل است:

۱- بحث آثار ملی، که شامل معرفی و بیان تاریخچه بازارها، سراها، مساجد ، مدارس و خانه های قدیمی اصفهان می گردد.

۲- تاریخ تخت فولاد که تکایای موجود و از بین رفته را دراین قبرستان بررسـی نموده و به ذکر احوال دانشـمندان و اساتید مدفون در این مزار شریف می پردازد و این کتاب بر صفحهٔ کتاب بخشی از گنجینهٔ آثار ملی، به چاپ رسید.

۳- عصارخانه ها، ¬تحقیق جامعی است از عصار خانه های اصفهان

۴- کبوتر¬خانه های اصفهان، برج کبوتر را معرفی و در مورد فوائد آن در امور کشاورزی اصفهان و روستاها به بحث می پردازد.

۵- تحقیقی در مورد مادی های اصفهان

۶- شرح خانقاه تکیه، علی بن سـهل وخلاق المعانی کمال الدین اسماعیل و معماران هنرمندان اصفهان و مقالات متعددی دیگر که در نشریات و مجلات آن زمان به چاپ رسیده است.

مرحوم بهشتیان که در سالهای فعالیتش به زندگی بس ساده ای با درآمد حاصل از راه زراعت و باغداری وتولید و فروش سرکه می گذشت، قناعت می کرد در سرار عمر بسیاری ساده بی پیرایه زندگی می کرد. به سبک قدیم لباس میپوشید و هرگز در سلک البسهٔ معمول زمان دیـده نشـد و به تجملات دنیوی کوچکترین علاقه ای نـداشت. مردی بسـیار تمیز و نظیف بود، حتی در نظافت وسواس داشت، صورتش گلگون و همیشه خندان بود، شوخی و مزاح را دوست می داشت.

از جمله از اقـدامات برجستهٔ استاد بهشتیـان با کمک علاقمنـدان به آثار تاریخی، جلوگیری و ممنوعیت عبور ومرور وسائل نقلیه از روی پلهای خواجو و سی وسه پل و همچنین احیاء ومرمت مزار صائب تبریزی بود.

ایشان در انجمن آثار ملی وکمیسیون نامگذاری اماکن و معابر اصـفهان با توجه وعلاقه بسیار زیاد شرکت می کرد. وی برای حفظ محیط زیست و فضای سبز شهر اصفهان اقدامات شایسته ای بعمل آورد.

سرانجام این استاد گرانمایه در ۱۱ اسفند ۱۳۶۶ فوت کرد و بنابر وصیت نامه خود در تکیه میر فندرسکی بخاک سپرده شد.

بهلول گنابادی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر. معروف به بهلول. اصل وی بجستان گناباد است. وی در سبزوار متولـد شـد و همان جا تحصـیل علوم قـدیمی کرد. سپس بیشتر به وعـظ و روضه‌خوانی و مسافرت در ایران و عراق مشـغول بود. وی برای مخالفت با قانون اتحاد شـکل و تبـدیل لباسـهای مختلف و معمولی ایرانی به لباس واحد نیم‌تنه و شاپو، در مشـهد سخنرانیهایی کرد که منجر به شورشی در آنجا شد که در نهایت وی را به افغانسـتان بازگشت و در سال ۱۳۴۹ ق به ایران بـازگشت. بهلول حافظه‌ای نیرومنـد داشت. او را منظومه‌ای است در حـدود هزار و دویست بیت که خود از آن تعبیر به «مجموعه‌ی دینی» کرده و در آن شـرح حال خود و بعضـی وقایع زمان خود را به تصویر کشیده است. مجموعه‌ی شعرش به نام «بهلول» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۹ -۱۴۸ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۶۳۴ -۶۳۱ /۱)، صد سال شعر خراسان (۱۵۷ -۱۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۲/۲).

بهمنش، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، نویسـنده، محقق و مترجم. در تهران متولـد شـد. تحصـیلات مقـدماتی خود را در زادگاه خویش انجام داد و بعـد به فرانسه رفت و به ایران بـازگشت و در سال ۱۳۱۴ ش در دانشسـرای عالی به تدریس پرداخت و تاریخ ملل قدیم را درس گفت. وی تألیفات و ترجمه‌های زیادی دارد از جمله: ترجمه‌ی «تاریخ مصـر قدیم»؛ «تاریخ یونان قدیم»؛ «تاریخ ملل قدیم آسـیای غربی»؛ «سیر تاریخ»؛ «تاریخ جهانی»، در دو مجلد؛ «فرهنگ اساطیر»؛ مسئله‌ی شرق»؛ «تارخی اروپا، قرون وسطی و آغاز قرن جدید».[۱]

درگذشت: ۱۳۷۱.

احمـد بهمنش از تحصـیل کردگـان دارالفنون بـود و جزو محصـلان اعزامی بـه اروپـا و فرانسـه به تحصـیل تاریـخ پرداخت. پس از بازگشت چندی در دبیرسـتان‌ها درس می‌گفت تا این که به دانشگاه منتقل شد و در دانشـکده‌ی ادبیات بیشتر تاریخ یونان و روم را بر عهـده داشت. بهمنش چنـد کتاب در زمینه تـدریس و مطالعات خود به چاپ رسانیـده است. از جمله آثار اوست: تاریخ اروپا در قرون وسـطی و آغـاز قرون جدیـد (مخصوص سـال چهـارم ادبی و دانشسـرای مقـدماتی)؛ تاریـخ جهـانی (تـألیف شارل دولانـدلن، ۱۳۴۷)؛ تاریخ یونان باستان؛ فرهنگ اساطیر یونان و روم (پیر گریمال ۱۳۷۶).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۱، ص ۱۰ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۷ -۳۶۶ /۱).

بهمنی، اردشیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مدرس، ادیب.

تولد: ۱۳۲۳، بهار همدان.

درگذشت: ۸ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

اردشیر بهمنی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همدان گذراند و در سال‌های بعد از دانشسرای عالی تهران به درجه لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات پارسی و سپس به اخذ فوق لیسانس ادبیات نائل گردید. مدت ۲۷ سال به تدریس در نقاط مختلف کشور از جمله کرمانشاه، تهران، ارومیه و همدان مشغول بود. دو کتاب به نام‌های دستور زبان فارسی (۱۳۶۴) و رتبت دانش حافظ (۱۳۵۵) از وی بـه چـاپ رسـیده است. همچنین از وی مقاله‌هـایی دربـاره‌ی ادبیـات فارسـی در مجله‌هـای «ارمغـان»، «یغمـا»، «وحیـد»، «گلچرخ اطلاعات»، «کیهان فرهنگی» و «نهیب غرب» به چاپ رسیده است.

اردشیر بهمنی به علت خونریزی معده و ناراحتی کلیه بعد از تحمل درد بسیار درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهمنی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید بهمنی

محل تولد : باجیگران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال۶۱-۶۰وارد حوزه علمیه قم شـدم . ابتدا به مدت سه سال به طور آزاد درس های حوزه را از اسـتادان مختلف آموختم و پس از سه سال در حوزه ثبت نام کرده و قبول شدم. دروس سطح را در سال ۶۹ به پایان رسانده و سپس دروس خارج را آغاز کردم . در سال ۷۱-۷۰ در دوره های تربیت محقق و مدیر و مبلغ مناطق اهل سنت شرکت کرده و به مدت دو سـال دوره عمومی آن را گذرانـدم و پس از یـک سال دوره تخصصـی فقه و اصول را طی کردم . این دوره ها پس از مـدتی به نام رشته های تخصصی فوق و مذاهب اسلامی از سوی حوزه علمیه قم به رسمیت شناخته شد.

بهمنی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدعلی بهمنی در فروردین سال ۱۳۲۱ در شـهر دزفول به دنیا آمـد. شـعر بهمنی نیز البته شایـد با خود او متولد شده باشد، گرچه بسیاری بر این عقیده اند که او غزلهایش را وامدار سبک و سیاق نیماست. نخستین شعر از او در سال ۱۳۳۰، یعنی زمانی که او تنها ۹ سال داشت، به چاپ رسید.

محمدعلی بهمنی

برای محمدعلی بهمنی شـعر چون موجودی جاندار است که شـکل و قالب، لباسـهای آن را تشکیل و به آن شخصیت میدهند. با این همـه، محمـدعلی بهمنی شـیفته ی غزل اسـت و غزل گفتـن و غزل خوانـدن و غزل سـرودن. میگویـد: «غزل، نه تنهـا در شـعر امروز، بیتردیـد در شـعر تمام فرداها جایگاه ویژه ای خواهد داشت. غزل هستی ایرانی است و خواهد بود. آنچه که مهم است، این است که این امانت حساس را به نسلهای آینده تحویل دهیم.» گرچه به رغم تمام این علاقه به غزل گفتن، بهمنی غزل را هرگز قالب نمیبیند. «چون قالب یعنی محـدودیت و هنر را نمیتوان محـدود کرد و به خاطر این حرفم بارها زیر تهمت ها رفته ام.» در دیـدگاه محمـدعلی بهمنی، غزل یک شکل است که میتواند با روزگار خود و با شرایط جدید تغییر کند.

محمـدعلی بهمنی در سال ۱۳۷۸ موفق به دریافت تنـدیس خورشـید مهر به عنوان برترین غزلسـرای ایران گردیـد. برخی از مجموعه اشعار وی عبارتند از: باغ لال (۱۳۵۰)، در بیوزنی (۱۳۵۱)، عامیانه ها (۱۳۵۵)، گیسو، کلاه، کفتر (۱۳۵۶)، گاهی دلم برای خودم تنگ میشود (۱۳۶۹)، غزل (۱۳۷۷)، عشق است (۱۳۷۸)، شاعر شـنیدنی است (۱۳۷۷)، نیستان (۱۳۷۹)، این خـانه واژه های نسوزی دارد (۱۳۸۲)، کاسه آب دیوژن، امانم بده (۱۳۸۰).

بهمنیار کرمانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۶۸ /۱۲۶۲ ش)، استاد دانشگاه، مصحح، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به دهقان. وی در کرمان متولد شد و در همان شهر نزد پدر خویش ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و فلسفه و ریاضیات را آموخت، ضمن تحصیل، زبان ترکی استانبولی و انگلیسی را نیز فراگرفت و در این دو زبان دست به تحقیقات و تألیفاتی زد. در آغاز مشروطیت به مبارزات سیاسی روی آورد و در سال ۱۲۸۹ ش روزنامه‌ی «دهقان» را برای اشاعه‌ی اندیشه‌های ملی خویش منتشر کرد که منجر به تبعید و زندانی شدنش به شیراز شد. در سال ۱۲۹۶ ش از شیراز به تهران آمد و از طرف وزارت دارایی مأمور خدمت در خراسان شد. در سال ۱۳۰۳ ش روزنامه‌ی «فکر آزاد» را در مشهد انتشار داد. در این هنگام از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دارالمعلمین تبریز انتخاب گردید اما پس از یک سال به تهران مراجعت کرد. چندی هم با سمت وکیل عمومی مأمور قزوین و همدان شد. در سال ۱۳۱۳ ش که معلم دانشسرای عالی و دانشگاه تهران بود، سمت استادی‌اش تأیید گردید. بهمنیار در سال ۱۳۲۱ ش به عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان ایران درآمد، و در سال ۱۳۳۲ ش به ریاست انجمن تألیف و ترجمه که از مؤسسات وابسته به دانشگاه بود، برگزیده شد. در تهران وفات یافت و در کربلا به خاک سپرده شد. از تألیفات وی: «تحفه‌ی احمدیه»، در شرح «الفیه‌ی ابن‌مالک»؛ «تصحیح و تحشیه‌ی منشآت محمد بن مؤید بغدادی»؛ «تصحیح اسرار التوحید»؛ «رساله‌ی املای فارسی»؛ «تصحیح تاریخ بیهق» «شرح حال صاحب بن عباد»؛ «تصحیح الابنیه عن حقایق الادویه»؛ «مجمع‌الامثال فارسی»؛ «رساله در حکمت و فلسفه»؛ «دیوان» اشعار.[۱]

احمد بن آقا محمد علی، ادیب و استاد دانشگاه تهران (و. کرمان ۱۲۶۲- ف. ۱۳۳۴ ه.ش.) وی علوم مقدماتی را در کرمان تحصیل کرد و در نهضت مشروطه در عداد آزادی‌خواهان درآمد و روزنامه «دهقان» را انتشار داد سپس از طرف مأموران انگلیس به شیراز تبعید شد و محبوس گردید. در سال ۱۳۳۵ ه.ق. رهایی یافت و در تهران وارد خدمت وزارت مالیه شد و مأمور خراسان گردید و در مشهد روزنامه «فکر آزاد» را منتشر کرد. در سال ۱۳۰۵ ه.ش. از طرف وزارت معارف مأمور تبریز شد و به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۰۶ وارد خدمت عدلیه شد و مأمور قزوین و سپس همدان گردید و مجددا در ۱۳۰۸ به معلمی مشغول شد. در ۱۳۱۰ برایس تدریس دارالمعلمین انتخاب گردید و در ۱۳۱۳ تدریس ادبیات عربی مدرسه معقول و منقول بدو محول شد و در ۱۳۱۵ عنوان استادی دانشگاه و در ۱۳۲۱ عضویت فرهنگستان یافت. از آثار او «تحفه احمدیه» در شرح الفیه ابن مالک، تصحیح التوسل الی الترسل، تصحیح تاریخ بیهق، تحصیل اسرار التوحید، ترجمه زبدهٔ التواریخ در تاریخ آل سلجوق، صرف و نحو عربی به فارسی (سه دوره)، ترجمه احوال صاحب بن عباد را باید نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۲۸ -۱۲۷)، تاریخ جراید (۸۴ -۸۲ /۴، ۳۱۰ -۳۰۷ /۲)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۴۶ - ۱۴۴)، ستارگان کرمان (۱۱۶ -۱۱۰)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۹۰ -۱۳۸۵ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۱ -۱۲۷ /۱)، شرح حال رجال (۳۲ -۳۱ /۶)، فرهنگ سخنوران (۳۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۹ -۳۶۷ /۱)، یغما (س ۸، ش ۸، ص ۳۸۳، س ۳۰، ش ۱۱، ص ۶۸۴ -۶۷۹).

بهنام، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باستان‌شناس، مترجم، مدرس.

تولد: ۱۲۸۵، در محله‌ی عودلاجان تهران.

درگذشت: ۹ آذر ۱۳۶۳.

عیسی بهنام پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران در سال ۱۳۰۸ در نخستین گروه دانشجویان اعزامی برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی باستان‌شناسی به فرانسه رفت و در طی هشت سال در مدرسه‌ی لوور دانشکده ادبیات مؤسسه‌ی هنر و باستان‌شناسی فرانسه به تحصیل پرداخت. سپس به ایران بازگشت. در سال ۱۳۱۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به جای اشمیت، ریاست هیئت علمی تخت جمشید را به عهده گرفت و تدریس در دانشگاه تازه تأسیس تهران را از سال ۱۳۲۰ آغاز کرد و رشته‌ی باستان‌شناسی را پایه گذاری کرد. وی مدت بیست و سه سال به تدریس در دانشگاه پرداخت. همچنین نشان‌های علمی از دانشگاه‌های بین‌المللی دریافت کرده است.

عیسی بهنام در برگزاری نمایشگاه‌های آثار ایران در پاریس و نمایشگاه جهانی بروکسل و مسکو در شناساندن تاریخ و فرهنگ ایران نقش بسیاری داشته است. از فعالیت‌های دیگر وی، تأسیس موزه‌ی مردم‌شناسی بود. چندی هم منشیگری و مترجمی سفارت افغانستان در تهران را عهده‌دار بود.

از جمله تألیفات وی می‌توان به این آثار اشاره کرد: تاریخ صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ (۱۳۲۰)؛ راهنمای موزه‌ی ایران باستان (به فرانسه و فارسی)؛ راهنمای آثار باستانی پاسارگاد (به فرانسه و فارسی)؛ تمدن ایران پیش از شروع تاریخ، تمدن ایرانی (اثر چند تن از خاورشناسان فرانسوی، ۱۳۴۶)؛ تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی (۱۳۲۷).

همچنین مقاله‌هایی برای مجله‌های «دانشکده‌ی ادبیات»، «هنر و مردم»، «سخن»، «پیام نوین»، «هنر و زندگی»، «ژورنال دو تهران» (به

زبان فرانسوی) و «معماری ایران» به رشته‌ی تحریر درآورده است.
از آثار ترجمه‌ی عیسی بهنام می‌توان به این عناوین اشاره کرد: تمدن ایرانی (مجموعه‌ی مقالات خاور شناسان معاصر فرانسوی، ۱۳۳۷)؛ هنر ایران، ماد و هخامنشی (از رمان گریشمن، ۱۳۴۶)؛ باستان‌شناسی ایران باستان (از لویی واندنبرگ، ۱۳۴۵)؛ خانواده‌ی رومانوف، کاروانسراهای ایران.
بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بی باک، مهدی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی بی باک در ۲۹ تیر ماه سال ۱۳۵۷ در تهران به دنیا آمد
نام خانوادگیش به طور کامل (بی باک اصل) است. پدرش اصلیت سرابی داشتند و مادرم مهاجر باکو بودند، آشنایی آن دو باعث ازدواجشان شد و ثمره ازدواج هم شش پسر... او هم به عنوان آخرین فرزند خانواده در خیابان معلم تهران به دنیا آمد، هم اکنون به همراه مادرش و برادرش (کیوان) در محله پاسداران زندگی می کنند. چهار برادر دیگرش، همگی متاهل هستند
در سال ۱۳۶۵، زمانی که نه ساله بود، علاقه وافری به تکواندو پیدا کرد. به پدر گفت که مرا در یک باشگاه ثبت‌نام کند. مادرش مخالف بود و می گفت به درست لطمه می خورد، اما پدرش او را قانع کرد که اجازه بدهیم (مهدی) از حالا که کودکی بیش نیست، قدرت تصمیم‌گیری برای آینده‌اش را داشته باشد و مادرش هم به همراه پدر همفکر شدند و این شد که دستش را گرفتند و به باشگاه صحرا) بردند. مربی و استادش (علی‌اکبر سلطانی) به او آموزش تکواندو داد و خیلی زود توانستم کمربندهای رنگ و وارنگ بگیرد و سرانجام به کمربند مشکی رسید و دان‌های مختلف... تا امروز هم همچنان زیر نظر استاد سلطانی تمرین می کند... چرا که زندگی ورزشی‌ام را مدیون وی هست
منابع زندگینامه :http://taekwondo-chagi.blogfa.com

بی نیاز، علی اکبر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اکبر بی نیاز در سال ۱۳۰۷ ، در قزوین متولد گردید. پس ازطی نمودن تحصیلات مقدماتی در قزوین ، برای فراگیری دروس بالاتر ، به تهران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه این شهر ، تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از دو سال تحصیل در این حوزه ، در امتحان ورودی مدرسه عالی سپهسالار قبول شده و مدت شش سال در این مدرسه به تحصیل پرداخت. حجت الاسلام بی نیاز پس از ۶ سال دوری از وطن و فراگیری علوم دینی ، به قزوین باز گشت و به بیان احکام و تبلیغ دین مبین اسلام مشغول شد ، و در مساجد مختلف به امام جماعت پرداخت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سید علی اکبر بی نیاز فرزند سید عبدالنقی (مشهور به اعتماد) می باشد. جد وی ، حاج سید ابراهیم زرآبادی . یکی از شخصیت های برجسته زرآباد و قزوین ، و درجه اجتهاد از مراجع عصر خود دریافت کرده بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی بی نیاز پس از تحصیل دوره ابتدایی و دریافت مدرک ششم ابتدایی ، وارد حوزه علمیه مولاوردیخان شد و نزد اساتید این حوزه صرف و نحو و مقدمات را آموخت. سپس برای فراگیری دروس بالاتر به تهران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه این شهر ، تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از دو سال تحصیل در این حوزه ، در امتحان ورودی مدرسه عالی سپهسالار قبول شده و مدت شش سال در این مدرسه به تحصیل پرداخت.استادان و مربیان : سید علی بی نیاز در حوزه علمیه تهران ، تحت نظر حاج شیخ محمدرضا تنکابنی ، والد آقای فلسفی (واعظ مشهور ایران) قرار گرفت. از اساتید دیگر او عبارتند از: آیت الله طالقانی ، آیت الله مازندرانی ، آقای حسین علی راشد ، سید حسین کاشانی ، بدیع الزمان فروزانفر ، سید حسین جمارانیفعالیتهای آموزشی : سید علی بی نیاز پس از ۶ سال دوری از وطن و فراگیری علوم دینی ، به قزوین باز گشت و به بیان احکام و تبلیغ دین مبین اسلام مشغول شد ، و در مساجد مختلف به امام جماعت پرداخت.
منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

بیات، محمود

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود بیات
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود بیات در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شهرستان نیشابور و تقریباً بعد از ۳ سال در حوزه مشهد به مدت دو سال و سپس راهی قم شده و تاکنون مشغول بوده‌ام . در سال ۶۳ ـ ۱۳۶۲ به مدت یک سال تمام از طرف حوزه علمیه قم برای تدریس ادبیات به شهرستان میناب رفتم . در سال ۸۱ ـ ۸۲ به مدت یک سال در دانشکده علوم قرآنی تدریس قرآن و علوم مربوطه به مقدمات قرآن از قبیل ادبیات بوده‌ام و در خلال تحصیل مقداری هم تدریس داشته‌ام .

در ضمن به مدت سه سال از طرف معاونت تهذیب در مدرسه شهید صدوقی واقع در بلوار صدوق به امر تهذیب مشغول بوده‌ام و در مدارس امام صادق و بقیهٔ الله واقع در حاجی‌آباد یک سال تحصیلی تقریباً تدریس تجوید و صرف داشته‌ام . اکنون پایان‌نامه سطح چهار را تحویل داده‌ام و مقدمات دفاع انشاء الله فراهم می‌گردد . نیز در دانشگاه علامه طباطبایی تهران مشغول تدریس تفسیر موضوعی هفته‌ای یک روز در هفته می‌باشم.

بیات، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی بیات

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

بیاری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بیاری

محل تولد : جعفر آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۵/۴

زندگینامه علمی

بنده تا سوم راهنمائی را در محل تولد خواندم. بعد وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان بطور غیر حضوری دیپلم را گرفتم. در مدارس علمیه امام صادق(ع)، امام باقر(ع)، رضویه و معصومیه ادامه تحصیل دادم و در دروس خارج فقه آقایان فاضل لنکرانی، هادوی، کعبی شرکت کردم. در تفسیر آیت الله جوادی آملی هم ۶ سال شرکت داشتم، دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات را گذرانده ام(شش ماه). در مرکز ادبی حوزه شرکت و دوره ادبیات را گذراندم. در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه امام خمینی شدم و دوره کارشناسی و سپس ارشد را گذراندم. الان در حال تدوین پایان نامه هستم. همزمان فعالیت های تبلیغی هم دارم که عمده آن در دبیرستانهای کشور است از طریق اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان و بسیج دانش آموزی.

بیان شاهرودی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷ ق)، شاعر و واعظ. وی اهل شاهرود بود و در وعظ بسیار توانا و دارای سحر بیان بود. طرز بیان وی طوری بود که فقهای زمانش به بیان او با حسن نظر نگاه نمی‌کردند. بیان در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۵۱)، یغما (س ۱۱، ص ۳۸۴ -۳۸۳).

بیانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی بیانی ، در سال ۱۲۸۵ شمسی، در شهر همدان متولد گردید.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : مهدی بیانی، پسر محمد، او پسر عباسعلی و وی نیز پسر محمدعلی ، اصلاً فراهانی بودند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهدی بیانی ، در دو سالگی پدرش را از دست داد و پس از آن ، همراه مادر و برادران و خاندانش به تهران مهاجرت کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی بیانی ، گواهینامه ی ابتدایی را از دبستان اقدسیه و متوسطه را از دارالفنون و لیسانس علوم فلسفی و ادبیات را از دانشسرای عالی و عنوان دکترای ادبیات را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اخذ کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی بیانی ، در سال ۱۳۱۳ در ضمن اشتغال به تدریس دانشکده ادبیات ، به مدیریت کتابخانه ی عمومی معارف نیز منصوب گردید. وی در سال ۱۳۱۶ ، ریاست کتابخانه ی ملی را عهده دار شد و در سال ۱۳۱۹ ، به مدت یک سال از طرف وزارت فرهنگ به اصفهان مأموریت یافت و در بازگشت به تهران ، پس از انجام یک سال مأموریت آموزشی در وزارت پیشه و هنر وقت ، دوباره به خدمت کتابخانه ی ملی بازگشت و با سمت مدیرکلی در کتابخانه ی ملی به ادامه ی خدمت پرداخت. آنگاه در سال ۱۳۳۵ ، به ریاست کتابخانه ی سلطنتی انتخاب شد.

فعالیتهای آموزشی : مهدی بیانی ، پس از انجام خدمت وظیفه در سال ۱۳۱۱ ، به تدریس زبان و ادبیات فارسی و کتابداری کتابخانه ی دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اشتغال ورزید و با سمت استادی مشغول تدریس تاریخ تکامل خطوط اسلامی و کتاب شناسی نسخه های خطی شد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی بیانی ، در سال ۱۳۱۶ سازمان نخستین کتابخانه ی ملی وابسته به وزارت فرهنگ را بنیان گذارد و خود ریاست آن را برعهده گرفت. وی انجمن حمایت خط و خطاطان را پایه گذاری کرد و این طبقه ی هنرمند را به جامعه معرفی کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی بیانی ، ضمن فعالیت ها و خدمات مختلف خود ، مأموریت های فرهنگی نیز به کشورهایی چون: هند ، پاکستان ، افغانستان ، لبنان ، ترکیه ، جماهیر شوروی ، لهستان ، اطریش ، آلمان ، دانمارک ، هلند ، بلژیک ، فرانسه ، سوئیس ، ایتالیا ، انگلستان و ممالک متحده آمریکا داشته است. وی سال ها عضو انجمن فرهنگی ایران و شوروی بود و مجله ی « پیام نوین » زیرنظر او منتشر می شد. ---

آثار :

۱ احوال و آثار میرعماد

۲ اهتمام در نشر السوانح فی العشق

ویژگی اثر : تألیف: احمد غزالی.

۳ اهتمام در نشر بدایع الازمان فی وقایع کرمان (تاریخ سلاجقه ی کرمان)

ویژگی اثر : تألیف: افضل الدین کرمانی.

۴ اهتمام در نشر چهار رساله ی فارسی

ویژگی اثر : تألیف: شیخ شهاب الدین سهروردی.

۵ اهتمام در نشر معراجنامه ی منسوب به ابن سینا

۶ تاریخ پانصدساله ی جواهرات سلطنتی ایران

۷ تاریخ دریای نور

۸ راهنمای گنجینه ی قرآن

۹ فرهنگ خوشنویسان

ویژگی اثر : در ۱۲ مجلد.

۱۰ فهرست کتاب های خطی فارسی کتابخانه ی سلطنتی ایران

۱۱ فهرست نمایشگاه خطوط خوش کتابخانه ی ملی

۱۲ نمونه ی خطوط خوش کتابخانه ی سلطنتی ایران

۱۳ نمونه ی سخن فارسی

منابع :

۱مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال ۱۵ ، شماره ی ۵ و ۶ ، مرداد ۱۳۴۷

بیدآبادی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید ابوالقاسم بن سید محمّد علی. عالم زاهد، امام مسجد سیّد، متوفّی در سال ۱۳۵۶، مدفون در بیرون بقعه تکیه بروجردی در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد باقر ثانی بیدآبادی از علماء کاملین و ادباء و شعراء و فضلاء و علماء اخیار معروف بحاج آقا با پدر خود مرحوم حاج سید اسدالله حجه‌الاسلام از اصفهان بنجف مهاجرت نموده و سالها در نزد اساتید آنجا تحصیل نموده و پس از فوت عم بزرگوار خود (۱۳۲۰) به ایران مراجعت نموده و مورد توجه عموم طبقات و بالاخص اهالی بیدآباد قرار گرفته و منشاء خدماتی شایان در مسجد سید شده است که از آنجمله:

۱- تهیه ضریح فولادی جهت قبر مرحوم سید حجه‌الاسلام و نصب آن در تاریخ ۱۳۲۲ و دیگر تهیه ساعت که در قسمت قبلی مسجد نصب گردیده است در نقباء البشر. گوید: در جریانات مشروطیت ایران بنجف مراجعت نموده و در سال ۱۳۷۳ مجددا باصرار مردم باصفهان معاودت کرده و مورد احترام و اکرام قرار گرفته و پس از شش ماه در سوم ماه رمضان همانسال وفات یافته و در مقبره جد خویش مدفون گردیده است. از اشعار اوست که بجد خویش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب کرده و گوید:

یابن عم النبی ای معال

لک فی ارفع المدائح تذکر

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بیدآبادی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد علی بن سید محمد باقر حجّهٔ الاسلام.

عالم فاضل محقّق، مؤلّف کتابی است به نام «غرقاب» در رجال که در سال ۱۳۰۳ شروع به تألیف آن نموده و تا سال ۱۳۰۹ تألیف آن به طول انجامید.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرحوم اقبال آشتیانی بوده است. تولّد او در ۱۲۷۸ روی داده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، مؤمن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید محمّد باقر. عالم فاضل کامل، پس از حاج سید اسداللّه اعلم و افقه اولاد سیّد بوده. وی بعد از فوت برادر، ریاست و عنوان کلّی یافته و در مسجد سید امامت داشته، و چون مادرش کنیز بوده، قدری سیاه چرده بوده است. در ۶ رمضان سال ۱۲۹۴ وفات یافته، در مقبره پدر مدفون گردید.

مرحوم حاج میرزا بهاء الدین عاملی در مادّه تاریخ وفاتش ضمن قطعه‌ای گوید:

ماه صیام نزد رسول آمد از جهان

آن سیّدی که مؤمن آل رسول بود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیرشک، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بیرشک، فرزند محمد در سال ۱۲۸۵ در تهران زاده شد. تحصیلات اولیه را نزد پدر خویش فراگرفت، سپس در سال ۱۲۹۶ به مشهد عزیمت کرد و در مدرسه احمدیه مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و در مدرسه آلیانس فرانسه به تحصیل ادامه داد و فرانسه را به نیکی فراگرفت و از همان ابتدا به ترجمه کتاب‌های فرانسوی مشغول شد. پس از فراغت از تحصیل مدتی

رئیس اداره استخدام شهرستان‌ها در کارگزینی وزارت فرهنگ و مدتی رئیس کارگزینی دانشگاه و بانی و معلم گروه فرهنگی هدف بود. استاد بیرشک تاکنون کارهای تحقیقاتی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است و آثار او در دسترس عموم قرار دارد. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ مسئولیت زندگینامهٔ علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهده ایشان بود. سپس به کار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی است. کتاب "زندگینامه علمی دانشوران "ترجمه احمد بیرشک، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : نویسندگی

والدین و انساب : احمد بیرشک فرزند محمد می‌باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دوران تحصیل و کودکی احمد بیرشک به دلیل ماموریت‌های پی در پی پدر، دوران پرتلاطمی در زندگی او بوده است. به همین دلیل تحصیلات مقدماتی ایشان پیوسته و منظم نبود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد بیرشک در ۷ الی ۸ سالگی نزد پدر خود به آموختن زبان فارسی از کتاب گلستان فارسی و پس از آن زبان فرانسوی پرداخت. در ۱۲۹۶ به مشهد رفته و در مدرسه احمدیه این شهر مشغول تحصیل شد و پس از گذشت سه ماه بنا به تشخیص مدیر مدرسه (میرزا حسین خانزاده) از کلاس چهارم به کلاس پنجم ارتقاء یافت. مرحله دوم تحصیلات ایشان به سال ۱۳۰۰ آن هم در مدرسه آلیانس فرانسه تهران بود، لیکن مجدداً به علت نبوغ و استعداد وافر پس از گذراندن یک دوره امتحانات، بنا به تشخیص «مسیو مرل» مدیر مدرسه به کلاس ششم و مجدداً دو الی سه ماه پس از آن به کلاس سوم و دوم یعنی کلاس ما قبل آخر ارتقاء یافت. استاد در سال ۱۳۰۶ به تهران بازگشت. در این سال وی تحصیل در کلاس سوم متوسطه را با موفقیت به پایان برد و بلافاصله در تابستان ۱۳۰۷ شخصاً اقدام به مطالعه کتاب‌های کلاس چهارم و در پایان همان سال توفیق ورود به کلاس پنجم را پیدا نمود. سال پنجم تحصیل استاد در مدرسه شرف بود که مجدداً در تابستان کلاس ششم را خواند. استاد بیرشک پس از پایان دوره متوسطه، در مهر ۱۳۰۸ وارد دارالمعلمین شد و در رشته ریاضیات تحصیلات خود را ادامه داد. در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ چند ماه در انگلستان و آمریکا به مطالعه در روشهای آموزش و پرورش گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : احمد بیرشک یاد می‌کند از روزی که زبان فرانسه را تازه آموخته بود، او می‌گوید: «در همان سال‌های ۱۲۹۲–۱۲۹۳، آنوقت‌ها چند تا لغت یاد گرفته بودم گوشه طاقچه کتاب فرانسه‌ای بود که تصمیم گرفتم آن را ترجمه کنم. رفتم کتاب را آوردم و شروع کردم به ترجمه چهار، پنج سطر اولش. در سطر دوم از «کور سوپریور» (بالاترین کلاس) صحبت می‌کرد. من می‌دانستم که «کور» با املاء دیگر یعنی حیاط، «سوپریور» هم یعنی عالی، بنابراین ترجمه کردم: حیاط عالی. البته بعد از اینکه سه، چهار سطر جلو رفتم متوقف شدم. نکته جالب اینکه من در چنین سنی تصمیم داشتم کتاب ترجمه کنم.» احمد بیرشک به دلیل هوش و استعداد قابل توجهش، بعضی از کلاس‌ها را جهشی و به سرعت طی نمود. بیرشک از دوره ابتدایی خود چنین تعریف می‌کند: «بعد از اینکه سه ماه در کلاس چهارم بودم به پدرم گفتم: آقاجان این کلاس برای من کم است، من اینهایی را که می‌گویند می‌دانم. شب که آقای مدیر به خانه ما آمد پدرم گفت: آقای مدیر! احمد خان می‌گوید این کلاس برای من کم است. [آقای مدیر] گفت: خوب امتحانش می‌کنیم، اگر بلد بود می‌بریم کلاس پنجم. بنابراین بعد از سه چهار ماه از کلاس چهارم به کلاس پنجم رفتم.» بیرشک دوره تحصیل در مدرسه آلیانس را نیز به همین ترتیب طی نمود. او در این مدرسه از «مسیو مرل» مدیر مدرسه که فرد بداخلاقی بود تقاضا نمود وی را از کلاس هفتم به کلاس ششم منتقل نماید، مسیو مرل از جسارت بیرشک در بیان خواسته خود خوشش آمد و از طریق آزمون، او را به کلاس ششم ارتقاء داد. این روال در دوره‌های بعدی یعنی پنجم، چهارم، سوم و دوم که کلاس‌های ماقبل آخر بودند برای او تکرار شد. سال تحصیلی ۱۳۰۶–۱۳۰۷ برای بیرشک سال بسیار سختی بود، زیرا از ثبت نام در مقطع متوسطه بازمانده بود؛ او تنها امید خود را در ثبت نام در مدرسه شرف می‌دید، به محض مراجعه به آن مدرسه با جواب منفی مدیر مدرسه مواجه شد، اما اصرار او باعث شد که مدیر نام او را بپرسد، بیرشک پس از معرفی نمودن خود توانست مدیر را قانع نماید و بدین ترتیب در آن مدرسه ادامه تحصیل داد. اینکه چرا مدیر مدرسه با شنیدن نام بیرشک، که به قول او یک «آدم دهاتی» بود از او ثبت نام نمود معمایی بود که بیرشک بعدها به آن پی برد. استاد در این باره می‌گوید: «... در آن ایام در سال سوم، دبیرستان‌های تهران به دنبال این بودند که شاگرد اول تحویل بدهند، مرحوم ذوقی و مرحوم مهران هم برای خاطر دانش‌آموزی به نام عبدالرسول دبیر که می‌خواستند شاگرد اول مدرسه‌شان بشود، دنبال این امتحانات بودند و اسامی شاگرد اول‌ها را شناسایی می‌کردند، من هم که کاری نداشتم به این کارها آمده و امتحان داده بودم، نه کسی بود که حامی من باشد و نه من احتیاج به حمایت داشتم، بعد اینها رفته بودند و دیده بودند که عبدالرسول دبیر با معدل ۱۵/۸۷ شاگرد اول شده، ولی دو تا ۱۵/۸۷ هست: یکی عبدالرسول دبیر و یکی هم کسی به نام احمد بیرشک؛ این را به خاطر سپرده بودند. این بود که گره از کار بنده گشوده شد ...». در مقطع تحصیلی دانشسرای عالی، معلمی به نام «کابرئیل یارئیر»، به آنها مکانیک درس می‌داد؛ این شخص به دلیل آنکه از نظر علمی در سطح پایینی قرار داشت، شیوه تدریس را رعایت نمی‌نمود و گاه در درس ریاضی، فیزیک تدریس می‌کرد. استاد بیرشک از این کلاس خاطره‌ای به یاد دارد که بسیار شنیدنی است: «یک روز من قطعه کاغذی را روی میز گذاشتم و روی آن محاوره بین دو دانشجو را نگاشتم: – آیا اینکه به ما تعلیم می‌شود ریاضی است؟ – نه، مسلماً فیزیک است. – اما ما که دانشجوی ریاضی هستیم! – بله، اما استاد ما خیلی فیزیکدان است.» معلم کاغذ را از بیرشک گرفت و بلافاصله شروع به تدریس ریاضی نمود، در امتحان سال آخر با مشخص شدن نتایج، بیرشک متوجه شد که نفر دوم کلاس شده است، زیرا نمره ریاضی هشترودی ۲۰ شده بود و نمره او ۱۴. بیرشک وقتی دلیل امر را از معلم ریاضی خود پرسید، او در جواب گفت: «آیا موضوع کاغذ را فراموش کرده‌اید؟»، و از جیب خود یادداشت بیرشک را بیرون آورد، بعدها «یارئیر» مشوق خوبی برای بیرشک گردید و او را تشویق به ادامه تحصیل در فرانسه نمود، او حتی پیشنهاد داد در صورت موافقت بیرشک، او را به وزیر آموزش و پرورش فرانسه و

رئیس دارالمعلمین عالی (اکول نورمال) معرفی خواهد کرد، اما این امر میسر نگردید.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد بیرشک قبل از آغاز تحصیل در کلاس سوم متوسطه همواره به مطالعه می‌پرداخت، استاد خود در این باره چنین می گوید: «سرمایه بنده از نظر کتاب عبارت بود از یک «دیکسیونر پتی لاروس»، یک کتاب حساب «بازنان» که کتاب بسیار خوبی بود، یک گرامر «کلودوژه» جلد سوم و کتاب معلم ایشان. بعد هم رفتم به یک کتابفروشی روبروی محلی که الآن شهر و روستاست. در خیابان فردوسی، کتابفروشی مادام پازنئود، کتابفروشی فرانسوی. رفتم آنجا دو کتاب داستان خریدم و با این «زرادخانه» مهم! تو سر خودم می‌زدم و تو سر این کتاب‌ها، یعنی طلبه‌وار درس می‌خواندم، مطلب مشکل بود ولی آن قدر می‌خواندم تا بفهمم. »

استادان و مربیان : احمد بیرشک در مورد آموزش‌های دوران کودکی خود چنین می گوید: «تحصیلاتم خیلی مرتب نبوده است. اولین و بزرگترین معلم من پدرم بود. او مرد خودساخته‌ای بود و فرزندانش را هم ساخت ... » مدیر مدرسه ابتدایی استاد، یعنی آقای میرزا عبدالحسین خان (بعدها سلطانزاده) نیزدر ارتقاء وی نقش به سزایی داشته است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه استاد بیرشک معمولا به صورت خودآموزی و هر سه ماه یک کلاس بوده است، اما در دوره‌های کوتاه مدت از کلاس معلمانی بهره گرفته است که از میان آنان می‌توان از افراد زیر نام برد: شیخ ابوالقاسم محمودی در دبستان المحمدیه مشهد، بدیع الزمان فروزانفر معلم فارسی کلاس پنجم دبیرستان، شیخ علی اکبر خدابنده (جانشین بدیع الزمان فروزانفر)، میرزا حسن خان مشاور (جانشین شیخ علی اکبر خدابنده، وی پیشکار ولیعهد در سوئیس شد)، سیدمصطفی خان طباطبایی (تحصیل کرده آلمان و پسر سیدمحمد طباطبایی از رهبران مشروطه)، معلم شیمی مصور الممالک، نقاش معروف، موسیو بونو معلم ادبیات فرانسه، موسیو پاریه معلم فیزیک (او در سفر بیرجند کشته شد. استاد در رثای او مقاله‌ای به زبان فرانسوی نوشت که در ستاره جهانی چاپ شد، ۱۳۰۸)، حبیب الله مظفری معلم فرانسه. بیرشک در مورد استادان خود در دانشسرای عالی چنین می گوید: «استادانم در دانشسرای عالی عبارت بودند از شادروانان غلامحسین رهنما، دکتر شفق، فروزانفر، دکتر لویی لونگ، گابرییل یارئیر، استادان ریاضی و ژان اتییه استاد زبان ... دکتر لونگ در سه سال دانشسرای عالی، استاد شاخه‌های مختلف ریاضی بود. در نیمه دوم سال آخر گابرئیل یارئیر برای معلمی مکانیک استخدام شد. ... باری آقای یارئیر بسیار خوش هیکل، شیک، خوش لباس، حراف و زبان‌باز بود، اما در قسمت علمی چندان پرمایه نبود. در درس ریاضی اغلب به فیزیک گریز می‌زد و وقتی ایراد می‌گرفتیم می‌گفت: من خیلی فیزیکدان هستم.»

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره‌ای‌های تحصیل احمد بیرشک می‌توان غلامحسین صدیقی را نام برد. وی در سال ۱۳۰۱ درکلاس چهارم مدرسه آلیانس فرانسه با وی آشنا گردید. وی همچنین در سه سال دانشسرای عالی با محسن هشترودی نیز همکلاس بود.

همسر و فرزندان : احمد بیرشک در سال ۱۳۱۶ با دختر آقای فرزان ازدواج نمود. اولین فرزند استاد، یعنی خانم دکتر گیتی بیرشک در ۲۷ خرداد ماه ۱۳۱۸ متولد شد. خانم دکتر مهشید بیرشک فرزند دوم ایشان در ۱۹ فروردین ۱۳۲۲ متولد گردیدند، و آخرین فرزند استاد، دکتر بهروز بیرشک در ۱۹ فروردین ۱۳۲۷ به دنیا آمد.

وقایع میانسالی : با توجه به آنکه تجربه تاسیس مدارس به صورت فردی تجربه خوبی دربرنداشت، احمد بیرشک تصمیم به تاسیس مدارسی نمود که به فرد متکی نباشد، انجام این کار مقارن بود با دوره رضا شاه؛ او را به شهربانی احضار کردند و در آنجا سرهنگ پارسا، رئیس اداره اماکن پس از بازرسی او را از انجام این کار برحذر داشت. این مسئله دو سه بار تکرار شد.

زمان و علت فوت : احمد بیرشک سرانجام در عصر روز چهارشنبه ۱۴ فروردین سال ۱۳۸۱ در سن ۹۵ سالگی چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد بیرشک در ۱۶ بهمن ۱۳۱۲ به خدمت وزارت «معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» درآمد و به همین منظور برای تدریس ریاضی، فیزیک، علوم طبیعی و زبان از کلاس اول تا ششم متوسطه به ساری اعزام گردید. وی در این زمان مسئولیت امتحانات را نیز به عهده داشت . بیرشک با توصیه حسن فرزان رئیس کل کارگزینی وزارت معارف، به سمت ریاست استخدام شهرستان‌ها منصوب گردید و از همین سال (۱۳۱۴) تا سال ۱۳۲۰به عنوان مدیر سوم در مدیریت «جامعه لیسانسیه‌های دارالمعلمین عالی» به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۲۰ نیابت انجمن مدارس ایران به استاد بیرشک واگذار گردید، و در سال بعد با استقلال دانشگاه تهران، با اقدام دکتر سیاسی ـ وزیر معارف و رئیس دانشگاه تهران ـ به دانشگاه تهران منتقل و ریاست و کارگزینی آنجا را به عهده گرفت. در سال ۱۳۲۷ گروه فرهنگی هدف تاسیس و ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل این مؤسسه گردید. با تعطیل شدن مدارس ملی در سال ۱۳۳۸ بیرشک «انجمن ملی مدارس هماهنگ» را با عضویت گروه‌های فرهنگی هدف، خوارزمی، ارامنه، زرتشیان تاسیس و خود ریاست آن را تا سال ۱۳۵۸ به عهده گرفت. بیرشک قبل از بازنشستگی در زمان وزارت دکتر خانلری (۱۳۴۱) معاونت وزارت فرهنگ را عهده‌دار بود، اما بعد از مدتی از این مقام استعفاء داد و در اواخر اردیبهشت ۱۳۴۲ بازنشسته شد. وی هجده ماه مسئولیت دانشنامهٔ ایران و اسلام را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب (سابق) برعهده داشت. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ مسئولیت زندگینامهٔ علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهده ایشان بود. سپس به کار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی است.

فعالیتهای آموزشی : احمد بیرشک خدمات آموزشی را از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۷ در مدرسه آلیانس تهران آغاز کرد، متعاقبا در ساری و مشهد مشغول تدریس شد. ریاست استخدام شهرستان‌ها در اداره آموزش و پرورش و تدریس در دبیرستان‌های سن لویی، معرفت و دارالفنون و تدریس در دانشکده هنرهای زیبا در رشته معماری و تدریس در دانشسرای عالی از دیگر خدمات ایشان است که می‌توان به آن اشاره کرد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از فعالیت‌های فرهنگی احمد بیرشک تاسیس مدارس علمی بوده است. دلیل عمده تشکیل چنین مدارسی توسط استاد این بود که مدارسی مانند اقدسیه، تمدن، تدین، اسلام و ... کوتاه زمانی پس از تشکیل منحل می‌شدند. استاد که از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ رئیس جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی بود، در سال ۱۳۱۵ فکر خود را با تنی چند از

دوستان عضو جامعه یادشده در میان گذاشت و چون آن فکر را تایید کردند به منظور از قوه به فعل درآمدن فکر، نامه‌هایی برای تعداد زیادی از اعضای جامعه تهیه کرد که به چاپ رسید و به صورت بخشنامه برای آنان فرستاده شد، تا نیروهای خود را متمرکز سازند و یک تربیتی نو آغاز کنند. گروه فرهنگی «هدف» ثمره این زحمات بود. مؤسسان گروه مصمم شدند افرادی در گروه پذیرفته شوند که با منظور اساسی یعنی خدمت از راه تعلیم در تربیت و بی‌علاقگی به جنبه مادی، موافق باشند و از طرف اکثریت اعضای موجود شناخته شده باشند؛ لذا در سال ۱۳۲۰ اولین دبیرستان را دایر و در سال ۱۳۳۴ دومین دبیرستان و به همین منوال گروه فرهنگی هدف توسعه پیدا کرد به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۳ این گروه دارای ۱۳ مدرسه و ۱۵ هزار دانش‌آموز بود. حدود ۱۲ سال از تشکیل گروه فرهنگی هدف گذشته بود که مدارس ملی دیگری هم یکی پس از دیگری شروع به فعالیت کردند. پیرو این موفقیت‌ها استاد بیرشک همراه با گروهی از همفکران خود اقدام به تاسیس «انجمن ملی مدارس هماهنگ» کردند. هدف از تشکیل چنین انجمنی ارتقاء سطح معلومات دانش‌آموزان و تبادل تجربیات علمی و تعیین یک سلسله معیارها و استانداردهایی بود که می‌بایست هر مدرسه‌ای که بخواهد عضو این انجمن شود تلاش کند به این معیارها برسد و این راهی بود که سرانجام موجبات ارتقاء سطح تعلیم و تربیت را موجب می‌شد.

آرا و گرایشهای خاص : دیدگاه احمد بیرشک در خصوص تالیف و تدوین کتاب دیدگاهی است ساده و روان. او می گوید: «من علاقه‌مندم که کتاب‌های خودآموز بنویسم تا جوان‌ها به مطالعه تشویق شوند. باید ساده نوشت، درست نوشت، جذاب نوشت. برای اینکه الگوی کتاب ساده را به مؤلفان نشان دهم خودم تصمیم گرفتم بخش اخترشناسی کتاب خودآموز فیزیک را بنویسم.» لازم به ذکر است که احمد بیرشک از پایه‌گذاران آموزش نوین در ایران می‌باشد.

جوائز و نشانها : کتاب" زندگینامه علمی دانشوران "ترجمه احمد بیرشک، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. وی در فروردین ۱۳۸۱ نشان دولتی درجه یک دانش را از دفتر ریاست جمهوری دریافت نمود.

چگونگی عرضه آثار : بیرشک تاکنون بیش از ۱۱۰ کتاب که برخی از آنها با همکاری دیگران بوده تألیف و ترجمه کرده است.

آثار :

۱ ۳۸ جلد از مجموعه ریاضیات دبیرستانی هدف و مجموعه خرد

۲ آثار اصلی ریاضیدان های بزرگ یونان

۳ اصول مناظره مرایا: پرسپکتیو

۴ اقتصاد آموزش و پرورش در عصر پهلوی

۵ تاریخ مدارس

۶ ترجمه رهبر علم نوشته ایزاک عاصم اوف

۷ ترجمه سلطنت قباد و ظهور مزدک نوشته آرتور کریستین سن

۸ ترجمه شناخت ژاپن نوشته جون لیو ینگستون و دیگران

۹ ترجمه علم قدیم و تمدن جدید نوشته جورج ساتن

۱۰ ترجمه علم و زندگی نوشته السی ورت س.اوبورن و دیگران

۱۱ ترجمه فرض و اسطوره در فیزیک نظری نوشته هرمان باندی

ویژگی اثر : این ترجمه با همکاری رضا منصوری می باشد.

۱۲ ترجمه فرهنگ علم نوشته ئی بی.اوواروف، آیزاکس

ویژگی اثر : این ترجمه با همکاری ابوالقاسم قلمسیاده انجام شده.

۱۳ ترجمه فرهنگ و اندیشه نو، نوشته الیور استالی براس، آلن بلوک

۱۴ ترجمه فلسفه ریاضی نوشته استیفن سی.پارکر

۱۵ ترجمه کتاب سرگذشت علم، نوشته جورج سارتن

۱۶ ترجمه کتاب آموزش در جریان پیشرفت، نوشته پائولوفریره

۱۷ ترجمه کتاب آموزش ستمدیدگان، نوشته پائولوفریره

ویژگی اثر : این کتاب توسط احمد بیرشک و سیف الله داد ترجمه گردید.

۱۸ ترجمه کتاب آناباسیس، نوشته گزنفون

۱۹ ترجمه کتاب آنیشتاین، نوشته جرمی برنشتاین

۲۰ ترجمه کتاب پرسش و پاسخ از کتاب دانش

ویژگی اثر : این کتاب توسط هادی خراسانی و احمد بیرشک ترجمه گردید.

۲۱ ترجمه کتاب پهلوان شیرافکن یا تاتارن تاراسکنی، نوشته آلفونس دوده

۲۲ ترجمه کتاب تاریخ آفریقا، نوشته جی. کی. زربور

ویژگی اثر : این کتاب توسط احمد بیرشک و مرتضی ثاقب ترجمه گردید.

۲۳ ترجمه کتاب جهان و اینشتاین، نوشته لینکلن بارنت

۲۴ ترجمه کتاب جهان، تالیف جمعی از مؤلفان

۲۵ ترجمه کتاب رهبر علم ، نوشته آیزاک آسیموف

۲۶ ترجمه کتاب ریاضیات نوین ، نوشته سربرژمان ، رنه بزار

۲۷ ترجمه کتاب سرگردان های زیر دریا، نوشته کاپیتان دانری، دکومانمان دیریان
۲۸ ترجمه کتاب مردی که طلا می سازد نوشته کنان دویل
۲۹ ترجمه کتاب هایی که دنیا را تغییر دادند، نوشته روبرت پژدونز
۳۰ ترجمه کمون پاریس نوشته لئوتروتسکی
۳۱ ترجمه میراث ایران نوشته سیزده تن از خاورشناسان
۳۲ ترجمه هندسه لیاچفسکئی نوشته اسموگوژفسکی
ویژگی اثر : ترجمه از روسی به انگلیسی و کیسین،ترجمه از انگلیسی به فارسی می باشد.
۳۳ ترجمه هندسه نااقلیدسی نوشته هارولداولف
۳۴ ترجمه یک ،دو،سه بینهایت نوشته ژرژگاموف
۳۵ جبر برای پنجم طبیعی
۳۶ جبر برای سال پنجم ادبی
۳۷ جبر برای سال چهارم طبیعی
۳۸ جبر برای سال چهارم طبیعی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۳۹ جبر برای سال دوم دبیرستان
۴۰ جبر برای سال دوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۴۱ جبر برای سال دوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۴۲ جبر برای سال سوم
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۴۳ جبر برای سال سوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۴۴ جبر سال پنجم دبیرستان ها شعبه ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۴۵ جبر سال پنجم ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۴۶ جبر سال چهارم ادبی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۴۷ جبر سال چهارم دبیرستان های شعبه ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۴۸ جبر سال چهارم ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۴۹ جبر سال ششم ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۵۰ جبر و مثلثات سال ششم دبیرستان های شعبه طبیعی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۵۱ جدول های لگاریتم
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا . انواری صورت گرفته است.
۵۲ حساب آسان برای سال پنجم دبستان
۵۳ حساب آسان برای سال ششم دبستان
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.
۵۴ حساب برای اول
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۵۵ حساب برای دوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۵۶ حساب برای سال اول دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۵۷ حساب برای سال اول و دوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
۵۸ حساب برای سال دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۹ حساب برای سال دوم و سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۰ حساب برای سال سوم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۱ حساب برای سال سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۲ حساب و دفترداری دوبل برای سال پنجم و ششم دبستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۳ حساب و هندسه برای سال های پنجم و ششم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک ، ا. انواری و ب . نحوی صورت گرفته است.

۶۴ خلاصه ریاضیات متوسطه

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا. انواری صورت گرفته است.

۶۵ دانشنامه خودآموز اختر شناسی

۶۶ ریاضیات سال اول دانشگاه

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.

۶۷ زندگی نامه علمی دانشوران، به ویراستاری چارلز کولسترن گیلسپی

ویژگی اثر : ترجمه این کتاب زیرنظر احمد بیرشک صورت گرفته است.این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «زندگینام ?علمی دانشوران»: زندگینام ?علمی دانشوران؛ بودان دوبوالوران، پینل فیلیپ؛ زیرنظر احمد بیرشک؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری بنیاد دانشنام ?بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵، ۳ج.- زندگینام ?علمی دانشوران مشتمل بر شرح حال، آثار و نظریه های علمی بیش از شش هزار دانشمند از سراسر جهان است که با تلاش علمی و عملی خود به پیشرفت تمدن بشری خدمت کرده اند. این کتاب مرجع که در پاسخ به نیاز محققان و دانش پژوهان تدوین شده، تاریخ نه چندان مختصر علم نیز به شمار می آید که خواننده را با سیر علم در طول تمدن بشر آشنا می سازد و اطلاعات موثقی را دربار ?زندگی حرفه ای دانشمندان در دسترس دوستداران علم قرار می دهد. ترجم ?این کتاب که حاصل تلاش حداقل ۵۴ نفر از مترجمان و ویراستاران برجست ?ایران است، ترجمه ای است بی کم و کاست و خالی از حشو و زواید که سعی شده در آن سبک و سیاق نویسند ?اصلی حفظ شود. امتیاز خاص این کتاب، کتابشناسی جامعی است مرکب از دو قسمت، کارهای اصلی و خواندنیهای فرعی است که اطلاعات کافی دربار ?آثار صاحب مقاله و آثار وابسته به او را در اختیار خواننده قرار می دهد. چاپ دقیق و بدون غلط، علامت گذاری دقیق برای تلفظ نام مکانها و افراد به زبان انگلیسی و عنوانهای فرعی قابل رؤیت در هر مقاله از ویژگیهای دیگر این کتاب است.

۶۸ زندگینامه برتراندارسل

۶۹ قرآن چهار زبانه

۷۰ کارنامه بزرگان ایران

۷۱ کتاب درسی هندسه

۷۲ گاهشماری ایرانی ، شاهکار دقت

۷۳ گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، تطبیق تاریخ های ایرانی و هجری قمری و میلادی

۷۴ متمم حساب برای سال چهارم

۷۵ مثلثات برای سال پنجم دبیرستان

۷۶ مثلثات برای سال پنجم شعبه ریاضی

۷۷ مثلثات برای سال چهارم دبیرستان ها

۷۸ مثلثات برای سال ششم ریاضی

۷۹ مثلثات برای سال ششم ریاضی

۸۰ مثلثات سال پنجم دبیرستان ها شعبه طبیعی

۸۱ مثلثات سال پنجم ریاضی

۸۲ مثلثات سال ششم دبیرستان ها شعبه ریاضی

۸۳ مقاله اختر شناسی

۸۴ مقاله تاریخ تمدن

۸۵ مقاله تاریخ علم

۸۶ مقاله خط فارسی

۸۷ مقاله داستان

۸۸ مقاله داستان نویسی

۸۹ مقاله در زمینه آموزش و پرورش

۹۰ مقاله ریاضیات

۹۱ مقاله زندگی دانشوران و هنرمندان

۹۲ مقاله زیست شناسی

۹۳ مقاله سرگرمی های ریاضی

۹۴ مقاله سفربه فضا

۹۵ مقاله فرهنگ نویسی

۹۶ مقاله فیزیک

۹۷ مقاله گاهشماری

۹۸ مقاله نقد دانشگاه

۹۹ مقاله نقد قانون تربیت معلم

۱۰۰ هندسه آسان برای سال پنجم دبستان

۱۰۱ هندسه آسان برای سال چهارم دبستان

۱۰۲ هندسه آسان برای سال سوم دبستان

۱۰۳ هندسه آسان برای سال ششم دبستان

۱۰۴ هندسه آموزش نظری سال اول

۱۰۵ هندسه برای سال اول دبیرستان ها

۱۰۶ هندسه برای سال اول دبیرستان ها

۱۰۷ هندسه برای سال پنجم دبیرستان ها

۱۰۸ هندسه برای سال پنجم ریاضی

۱۰۹ هندسه برای سال چهارم ادبی

۱۱۰ هندسه برای سال چهارم ادبی دبیرستان ها

۱۱۱ هندسه برای سال چهارم دبیرستان ها

۱۱۲ هندسه برای سال چهارم ریاضی

۱۱۳ هندسه برای سال دوم دبیرستان

۱۱۴ هندسه برای سال دوم دبیرستان ها

۱۱۵ هندسه برای سال سوم دبیرستان ها

۱۱۶ هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی

۱۱۷ هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی

۱۱۸ هندسه ترسیمی و هندسه رقومی

۱۱۹ هندسه چهارم طبیعی

۱۲۰ هندسه سال اول آموزش متوسطه عمومی علوم تجربی و ریاضی

۱۲۱ هندسه سال پنجم ادبی و طبیعی

۱۲۲ هندسه سال چهارم ریاضی

۱۲۳ هندسه سال دوم دبیرستان

۱۲۴ هندسه سال سوم

۱۲۵ هندسه مسطحه برای سالهای ۱و۲ دبیرستان های دختران

۱۲۶ هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها

۱۲۷ هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها

۱۲۸ هندسه و رسم برای سال دوم دبیرستان ها

۱۲۹ هندسه و رسم برای سال سوم دبیرستان ها

۱۳۰ هندسه و مخروطات برای سال ششم ریاضی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۴، ص ۱۰ -۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲-۳۷۰/ ۱).

/http://iranologyfo.com

بیرونی، ابوریحان محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۰ -۳۶۲ ق)، دانشمند، منجم، ریاضیدان، حکیم، فیلسوف، مورخ، لغوی. در خانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولد شد. شهرک زادگاهش در بیرون شهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن علوم ریاضی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به

گرگانج شمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری با ابومحمود خجندی و کوشیارکیکی ملاقات کرد و بعد به طبرستان نزد ابوالعباس مرزبان بن شروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال ۳۸۷ ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه کرد و قرار رصدی را گذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرتهای ممتد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضمن همین سفرها بود که با دانشمندان آن سامان آشنا شد و علاوه بر فراگیری زبان سانسکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری، عربی آشنا بود. وی در هند فلسفه‌ی یونان را تدریس می‌کرد. اگر چه بیرونی در اکثر رشته‌های علوم زمان خود به پژوهش پرداخت، اما اصولا به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از ۱۱۳ کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صناعهٔ التنجیم»، در ریاضی؛ «تحقیق ماللهند»، که پرحجم‌ترین اثر وی است؛ «استخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائره فی معرفهٔ اوتار الدائره»؛ «مقالید علم الهیئهٔ»؛ «قانون مسعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیهٔ»؛ «الجماهر فی معرفهٔ الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجوه الممکنهٔ فی صنعهٔ لاسطرلاب»، «الاضلال او افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی».[۱]

(قد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضی‌دان و فیلسوف ایرانی و. بیرون) (خوارزم) ۳۶۲ ه.ق./ ۹۷۳ م.– ف. غزنین ۴۴۰ ه.ق./ ۱۰۴۸ م.) وی اوایل عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانید و سپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشمگیر به سر برد و کتاب «الآثار الباقیه» (ه.م.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چندی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (۴۰۸ ه.ق.).پس از آن چند بار به خوارزم سفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هند مخالطت کرد و زبان سنسکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسعت داد و مواد لازم رابرای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (ه.م.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (ه.م.) است که آن را به عربی و فارسی (جداگانه) تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۶ –۲۰۵ /۶)، اعیان الشیعه (۶۵/۹)، تاریخ در ایران (۲۱ –۲۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲ –۳۳۷ /۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۷۱ –۲۵۴)، تاریخ گزیده (۶۹۰ –۶۸۹)، تاریخ موسیقی (۱۵۴/۱)، الذریعه (۵/۲۲، ۲۷/۱۷، ۱۳۲/۵، ۷ – ۶ /۱)، روضات الجنات (۳۳۶ –۳۳۴ /۷)، ریحانه (۱۱۹ –۱۱۴ /۷)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۹۷ –۱۷۶)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (۳۲۷ –۳۵ /۱)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸ –۲۱)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۰۳ –۳۸۰)، کشف الظنون (۱۷۸۴، ۱۶۲۲، ۱۵۹۴، ۱۴۳۷، ۱۴۳۴، ۱۳۸۵، ۱۳۱۴، ۱۱۲۶، ۱۰۶۵، ۹۰۷، ۷۷۱، ۵۹۴، ۴۸۸، ۴۶۳، ۴۲۴، ۴۰۳، ۳۴۵، ۸۱، ۷۹، ۷۰، ۹)، الکنی و الالقاب (۸۰ –۷۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوریحان)، معجم الادباء (۱۸۰/۱۷)، معجم المؤلفین (۲۴۲ –۲۴۱ /۸)، نامه‌ی دانشوران (۸۲ –۶۱ /۱)، هدیهٔ العارفین (۶۶ –۶۵ /۲).

بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۹۶ –۶۸۰ ق)، عالم، ادیب، محدث، مفسر و مورخ اشعری شافعی. معروف به قاضی بیضاوی. اهل بیضای فارس بود. پدرش در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی قاضی القضاهٔ فارس بود و بعد از او این منصب به پسرش رسید. وی بعد از مدتها اقامت در شیراز، اواخر عمر را در تبریز سپری کرد. قاضی معاصر با علامه حلی امامی و خواجه نصیرالدین طوسی و صلاح‌الدین صفدی بود. او در گورستان چرنداب تبریز مدفون است. بیضاوی در عربی و فارسی تألیفاتی دارد. از جمله: کتاب تفسیر که به «تفسیر بیضاوی» یا «انوار التنزیل و اسرار التأویل» شهرت دارد و شیخ بهایی بر آن شرح نوشته است. «الایضاح»، در اصول دین؛ «تهذیب الاخلاق» در تصوف؛ «شرح التنبیه»، در فقه؛ «شرح الکافیه»، در نحو؛ «شرح المصابیح»، در فقه؛ «شرح مطالع»، در منطق؛ «منهاج الوصول الی علم الاصول»، در اصول فقه؛ «طوالع الانوار» و «مطالع الانظار»، در توحید و کلام؛ «غایهٔ القصوی فی درایهٔ الفتوی»، در فقه شافعی؛ «شرح منتخب الاصول»، در لغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۸/۴)، بزرگان نامی پارس (۲۸۱ –۲۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۹، ۲۲۸، ۲۲۳، ۲۲۲– ۲۱۸ /۳)، تاریخ گزیده (۷۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۰ –۱۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۸ –۵۱۷ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۴۹۰/۱)، الذریعه (۱۹۲/۲۴، ۱۷۹، ۱۷۸– ۲۳/)، روضات الجنات (۱۳۰ –۱۲۷ /۵)، ریحانه (۳۰۶/۱)، شیرازنامه (۱۸۲)، طرائق الحقائق (۶۶۶ –۶۶۲ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸/۱)، کشف الظنون (۱۹۵۹، ۱۸۸ –۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۱۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بیضاوی)، معجم المؤلفین (۴۰۰/۱۳، ۹۸ –۹۷ /۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۵۱ –۱۳۷ /۸)، هدیهٔ الاحباب (۱۱۱ –۱۱۰)، هدیهٔ العارفین (۴۶۳ –۴۶۲ /۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۵ –۱۳ /۲).

بیغمی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نویسنده. مشهور به بیغمی. از زندگانی و احوال او اطلاعی در دست نیست و از روی قراینی که از اثرش به دست می‌آید، می‌توان او را از داستانگزاران زمان خود دانست که داستان کهنه‌یی را درباره‌ی فیروز شاه نامی از پهلوانان که پسر ملک داراب معرفی شده، در حفظ داشت و آن را در حضور گروهی حکایت یا املاء کرد و کاتبی به نام محمود دفتر خوان آن را می‌شنید و یادداشت می‌کرد. مولانا این داستانها را از قصاصان دیگر گرفته بود و به نام همان راویان یا گویندگان نقل می‌کرد. حاصل این داستانها اثری شد به نام «دارابنامه» که ترجمه آن به عربی به نام «سیرهٔ فیروز شاه بن ملک داراب» در مصر طبع شده است.[۱]

مولانا شیخ حاجی محمد بن شیخ احمد بن مولانا علی بن حاجی محمد طاهری (طامری) از داستانسرایان قرن هشتم و قرن نهم، مؤلف و مدون داراب‌نامه (۲- داراب نامه.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۹ -۵۱۷ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، دارابنامه (مقدمه)، گنج و گنجینه (۵۰۰ - ۴۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹/۵).

بیگدلی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین بیگدلی در سال ۱۲۹۷، در خمسهٔ زنجان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید.بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد. وی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و بیشتر اوقات خود را صرف پژوهش و نگارش مطالب تاریخی و ادبی کرد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. غلامحسین بیگدلی سرانجام در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی ، در شهرستان کرج چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر غلامحسین بیگدلی آقا فتح الله خان بیگدلی اهل خمسهٔ زنجان بود و به کار کشاورزی اشتغال داشت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین بیگدلی پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد و با اخذ گواهینامه دکترای ادبیات به پایان رسانید.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامحسین بیگدلی از دوران تحصیل خود و اتفاقی که در زمان حضور رضا شاه در مدرسه افتاد چنین یاد می کند: « من با لباس رسمی (یونیفورم) مدرسه بودم. رضا شاه از عمویم پرسید: این پسر بچه کیست و این چه لباسی ست که پوشیده است ؟ عمویم توضیح داد. رضاشاه گفت: محمدرضا هم به همین مدرسه می رود ولی لباس مدرسه او این زرق و برق ها را ندارد. عمویم گفت: این برادرزاده من شاگرد اول کلاس است و بنابراین یونیفورم او چیزهایی علاوه دارد.»

وقایع میانسالی : غلامحسین بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت های سیاسی و پیوستن به احزاب مخالف حاکمیت بازداشت شد و پس از شش ماه حبس در کرمان رهایی یافت و به اتحاد جماهیر شوروی سابق مسافرت کرد ، ولی به علت سوءظن مسوولان وقت مدت هفت سال در تبعیدگاه سیبری به سر برد، آنگاه به مسکو رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از وی دعوت به همکاری شد و به تهران مهاجرت کرد.

زمان و علت فوت : غلامحسین بیگدلی در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی ،

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامحسین بیگدلی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت.

جوائز و نشانها : غلامرضا اسلامی بیدگلی برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. --

آثار :

۱ ادب خزینه

ویژگی اثر : این اثربه زبان ترکی می باشد.

۲ تاریخ بیگدلی ـ شاملو

ویژگی اثر : این اثر دکتر بیگدلی بنابر نوشته خود وی در ده جلد قرار دارد ، و تنها دو جلد از آن در بیش از ۱۲۰۰ صفحه به چاپ رسیده است و سایر مجلدات دیگر هنوز مخطوط است. الف) جلد اول ، شامل منشاء ایل و تبار بیگدلی و معرفی سایر انشعابات بیگدلی. ب) جلد دوم ، ایل بیگدلی در دوران صفویه. ج) جلد سوم ، دوران افشاریه و ایل بیگدلی. د) جلد چهارم ، دوران زندو ایل بیگدلی. ه) جلد پنجم ، دوران قاجار و ایل بیگدلی. و) جلد ششم ، دوران پهلوی و خاندان بیگدلی. ز) جلد هفتم ، دودمان بیگدلی ـ شاملو در دوران معاصر. ح) جلد هشتم ، تاریخ شعرای بیگدلی (معرفی بیش از ۸۰ شاعر). ط) جلد نهم ، مدارک و اسناد مختلف از خاندان بیگدلی. ی) جلد دهم ، معرفی آثار عمرانی و خیریه که توسط بیگدلی ها بنا شده است.

۳ تصحیح دیوان آذر بیگدلی

ویژگی اثر : تصحیح این دیوان با همکاری دکترحسن سادات ناصری

۴ تصحیح شهریار نامهٔ عثمان مختاری غزنوی

۵ جمشید و خورشید

ویژگی اثر : به اهتمام و ویرایش دکتر بیگدلی .

۶ چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندر نامهٔ نظامی

ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۶۹ در تهران به چاپ رسید ، که علاوه بر موضوع اصلی (چهره اسکندر) متعرض بسیاری از نگرش و ویژگی های علمی و هنری فردوسی و نظامی شده است.

۷ دیدار با شهریار (استاد سیدمحمدحسین شهریارتبریزی

۸ دیوان حاج محمدصادق خان بیگدلی شاملو

ویژگی اثر : گردآوری دکتر غلامحسین بیگدلی.

۹ کهله یه سلام (به زبان ترکی)

۱۰ گذر عمر

ویژگی اثر : مجموعه اشعار

۱۱ لغتنامه فارسی ـ ترکی صحاح العجم (نسخهٔ غازان)

ویژگی اثر : به اهتمام دکتر غلامحسین بیگدلی . --

منابع :

اینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ۵۴ ، ص ۶۸۱۲ماهنامه کلك ، شماره ۹۷ ، شهریور ۱۳۷۷ ، ص۱۲۱

بیگم

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سوم ربیع‌الاول ۱۱۶۴ ق، از زنان عالم، ادیب و شاعر. وی دختر میرزا محمدصالح حسینی خلیفه سلطانی بود. این بانو در اصفهان درگذشت و در امامزاده اسماعیل این شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تذکرةالقبور، ۳۴؛ رجال اصفهان، ۱۷۹.

بینش، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق، مصحح.

تولد: ۱۳۰۰، مشهد.

درگذشت: اسفند ۱۳۷۴، تهران.

تقی بینش، فرزند علیرضا رکن‌التولیه (از خاندان نقیب)، پس از تحصیلات مقدماتی، تحصیلات عالیه‌ی خویش را در فیزیک، ادبیات و موسیقی عالی و نظری تداوم بخشید. پس از فراغت از تحصیل به مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی معارف اسلامی و ادب فارسی پرداخت و از محضر اساتیدی چون دکتر علی‌اکبر فیاض، استاد محمدتقی مدرس رضوی و ادیب هروی استفاده برد.

تقی بینش صاحب مقالات و رسالاتی است که در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند. او مدیریت نشریه «فرهنگ خراسان» را نیز بر عهده داشت.

وی همچنین نزد استاد علی‌اکبر شهنازی و سلیمان روح‌افزا به فراگیری موسیقی علمی و نظری پرداخت. از جمله فعالیت‌های تقی بینش، نسخه‌شناسی موسیقی بوده است.

از جمله آثار تقی بینش تصحیح کتب مختلف در زمینه نظم و نثر فارسی و ادب عربی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: کتاب المصادر زوزنی (دو جلد)؛ دیوان ظهیرالدین فاریابی؛ دیوان شمس طبسی؛ دیوان نظام‌الدین قمر اصفهانی؛ شمارنامه‌ی حاسب

طبری؛ کتاب نتیجه الدوله؛ کتاب الابناء فی تاریخ الخلفاء عمرانی (عربی)؛ تصحیح مقاصد الالحان و جامع الالحان عبدالقادر مراغه‌ای (کتاب جامع الالحان برنده‌ی جایزه‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی شده است)؛ رساله بنایی به اتفاق دکتر داریوش صفوت؛ «شرح ادوار» عبدالقادر مراغه‌ای همراه با متن عربی «الادوار» صفی‌الدین ارموی؛ سه رساله فارسی درباره موسیقی؛ بخش موسیقی دانشنامه‌ی علایی ابن سینا؛ کنز التحف؛ ترجمه‌ی رساله‌ی موسیقی ایران. مقالاتی از وی نیز در مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

تقی بینش در دانشگاه تهران، دانشگاه هنر و مجتمع آموزش عالی سوره تدریس می‌نمود و با دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه ایرانیکا و فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی همکاری داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۶۵ -۴۹۰ ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن‌فندق و فرید خراسان. در سبزوار به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمهٔ بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمهٔ صوان الحکمهٔ» آورده است. او از مشایخ ابن شهرآشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج‌البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمهٔ صوان الحکمهٔ»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمهٔ» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است.[۱]

ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. ۵۶۵ ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج‌البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفهٔالکرهٔ و ذات الحلق و الاصطرلاب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفایس فی اصناف العلوم، امثلهٔ الاعمال النجومیهٔ.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]الاعلام (۱۰۱/۵)، ایضاح المکنون (۷۱۴، ۵۶۳، ۵۵۲، ۵۰۳، ۴۸۶، ۴۶۹، ۴۵۰، ۴۳۰، ۳۹۸، ۳۰۳، ۲۳۴، ۲۲۲، ۱۸۴، ۱۴۴، ۱۱۵، ۹۸، ۸۳، ۶۰ /۲، ۵۹۹، ۵۶۶، ۵۴۸، ۴۶۶، ۴۶۲، ۴۰۶، ۳۷۳، ۳۶۳، ۳۲۶، ۳۰۰، ۲۵۰، ۲۳۲، ۱۹۲، ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۳۰، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۰۷، ۹۷، ۹۲، ۸۳، ۷۴، ۶۶، ۶۵، ۵۳، ۳۶، ۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۶ -۹۹۳، ۳۱۲، ۳۱۱- /۲)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (۱۷ -۱۶)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمهٔ (مقدمه و ۷۲ -۷۱)، دائرةالمعارف الاسلامیهٔ (۴۳۱/۴)، الذریعه (۱۸۴ /۲۱ ،۱۱۴، -۱۱۳ /۷ ،۱۴۹ /۴)، ریاض العلماء (۳۸/۷)، ریحانه (۳۳۵ -۳۳۴ /۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶ -۳۶۴ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۶۲ -۶۱ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰ -۱۸۹ /۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۹ -۱۱۸)، کشف الظنون (۲۰۵۰، ۲۰۱۱، ۲۰۰۷، ۱۸۹۵، ۱۶۸۶، ۱۵۱۴، ۱۴۳۸، ۱۳۶۱، ۱۲۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۸۲۱، ۷۴۷، ۶۳۴، ۶۰۹، ۲۸۹)، لغت‌نامه (ذیل/ علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۸ - ۲۵۷ /۴)، معجم الادباء (۲۴۰ -۲۱۹ /۱۳)، معجم المؤلفین (۹۷ -۹۶/۷)، هدیهٔ العارفین (۷۰۰ -۶۹۹).

بیهقی، ابوالفضل محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۰ -۳۸۵ ق)، نویسنده و مورخ. وی در قریه حارث‌آباد بیهق ولادت یافت، بعد از کسب فضایل در نیشابور، به دیوان رسایل محمودی راه جست و در خدمت خواجه بونصر مشکان به کار پرداخت. همچنان در خدمت سلاطین غزنوی بود تا در زمان غزالدوله عبدالرشید که در سال ۴۴۰ ق سلطنت یافت چندی صاحب دیوان انشاء گردید، اما به تهمت حاسدان معزول شد و در سال ۴۴۳ ق که طغرل بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بیهقی با جمعی دیگر از درباریان زندانی شد و یک سال در زندان بود. ابوالفضل در اواخر سلطنت فرخزاد از کارهای دیوانی کناره گرفت تا اینکه در سال ۴۷۰ ق وفات یافت. مهمترین اثر بیهقی «تاریخ» مشهور اوست که از امهات کتب تاریخ و ادب فارسی است در شرح سلطنت آل سبکتکین در سی مجلد که در آن از تشکیل دولت غزنوی تا اوایل سلطان ابراهیم بن مسعود سخن رفته است، اما اکنون فقط قسمتی از آن که مربوط به سلطنت مسعود بن محمود غزنوی و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و افتادن آن به دست سلطان محمود و حکومت آلتون‌تاش حاجب، در آن سامان تا غلبه‌ی سلاجقه، موجود است. درباره‌ی سبک و شیوه‌ی نگارش این کتاب و مؤلف آن سخن بسیار گفته و نوشته‌اند و از میان همه

نوشته‌ها به قول استاد فیاض که بیهقی‌شناس یگانه روزگار ما بود بسنده می‌کنیم که فرمود بیهقی گزارشگر حقیقت بود. علاوه بر این کتاب ابن‌فندق کتابی دیگر به نام «زینهٔ الکتاب» در آداب کتابت بدو نسبت داده است.[۱]

ابوالفضل محمد ابن حسین، دبیر فاضل دربار محمود و مسعود غزنوی (و. حارث‌آباد بیهق ۳۵۸- ف. ۴۷۰ ه.ق.). وی پس از کسب معلومات در نیشابور، به دیوان رسایل محمود غزنوی راه جست، و در خدمت ابونصر مشکان رئیس دیوان رسایل به کار پرداخت، و همچنان در خدمت سلاطین غزنوی به سر می‌برد تا در زمان عزالدوله عبدالرشید (جلوس ۴۴۰) چندی صاحب دیوان انشا گردید، لیکن به تهمت حاسدان معزول و محبوس شد. در سال ۴۴ که طغرل کافر نعمت بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بسیاری از خادمان درگاه را در قلاع محبوس ساخت.از آن جمله بیهقی را از حبس سلطان- و به قولی از حبس قاضی غزنین- بیرون آورد و به زندان قلعه فرستاد. بیهقی پس از رهایی از زندان گویا بقیه عمر را در انزوا به سر برد تا بدرود زندگی گفت. اثر معروف او «تاریخ بیهقی.» (ه.م.) است، دیگر «زینهٔ الکتاب» در آداب کتابت که اکنون در دست نیست در مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه ملک (تهران) چند ورق مشتمل بر شرح بغض لغات است که به بیهقی نسبت داده شده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۳۲ -۳۳۱ /۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۲ -۸۹۰ /۲)، تاریخ بیهق (۱۷۸ -۱۷۵)، تاریخ بیهقی چاپ دکتر فیاض، (مقدمه)، تاریخ در ایران (۳۱ -۲۹)، تاریخ غزنویان (۹ -۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵ -۶۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۹۷/۱)، سبک‌شناسی (۹۱ -۶۶ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴ -۱۶۳ /۵)، گنج و گنجینه (۹۲ -۸۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفضل)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۷ -۴۱۶ /۵)، معجم المؤلفین (۲۳۷/۹)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۷۰)، نام‌آوران فرهنگ (۱۵۱ -۱۵۰)، الوافی بالوفیات (۲۰/۳)، یادنامه‌ی بیهقی چاپ دانشگاه فردوسی.

بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، لغوی، نحوی، فقیه و قاری. معروف به شمس بیهقی. ملقب به شمس الائمه. او جامع علوم و فنون بود و در مرو مسکن داشت. از آثارش: «نقض الاصطلام»؛ «سمط الثریا»، در معانی غرائب حدیث؛ کتابی در «لغت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۷۵/۲)، معجم الادباء (۱۴۱ -۱۴۰ /۶)، معجم المؤلفین (۲۶۴/۲).

بیهقی، ابوجعفر احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۵۴۴ -۴۷۰ ق)، محدث، فقیه، مفسر و ادیب. معروف به بوجعفرک. وی اهل نیشابور بود. گروهی از نجبا همصحبت وی بودند و جماعتی نزد وی دانش فراگرفتند. او از ابونصر احمد بن محمد بن صاعد قاضی و ابوالحسن علی بن حسن بن عباس صندلی واعظ و دیگران سماع حدیث داشت. تاج‌الدین محمود بن ابی‌المعالی خواری، در مقدمه‌ی کتاب «ضالهٔ الادیب» می‌آورد که احمد بن علی بیهقی در ادب و قرائت امام بود و کتاب «صحاح» جوهری، در لغت را، پس از قرائت بر ابوالفضل احمد بن محمد میدانی، حفظ کرد. از جمله‌ی تألیفات او: «المحیط»، در لغات قرآن؛ «ینابیع اللغهٔ»؛ «تاج المصادر»، در لغت عرب؛ کتاب «المحیط بعلم القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۱ -۳۲۰ /۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۹۷/۱)، روضات الجنات (۲۷۰/۱)، سیر النبلاء (۲۰۸/۲۰)، کشف الظنون (۲۰۵۲ -۱۶۱۹، ۲۶۹)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن علی)، معجم الادباء (۵۱ -۴۹ /۴)، معجم المؤلفین (۴/۲)، الوافی بالوفیات (۲۱۵ -۲۱۴ /۷)، هدیهٔ العارفین (۸۴/۱).

بیهودی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت پس از ۱۳۰۰ ق)، ادیب و شاعر. وی منسوب به بیهود از توابع قاین است. در قاین و سپس در مشهد به تحصیل پرداخت، آنگاه راهی نجف شد و تحصیلاتش را نزد استادان عصر، از جمله علامه شربیانی به پایان برد و بر اقران پیشی گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از آن به دیار خویش بازگشت و به نشر حقایق اسلامی و اجرای قوانین کیفری اسلام پرداخت. وی با صوفیان طاووسیه زادگاهش به مقابله برخاست و این تقابل آنان را به خشم آورد تا حدی که شبانه به خانه‌اش درآمدند و او را در حالی که خفته بود با ضربات چاقو مجروح و سپس خفه کردند و همسر حامله‌اش را نیز با او کشتند و اموالش را به غارت بردند. وی در هنگام مرگ شصت ساله بود. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۳/۵)، بزرگان قاین (۱۳۶ –۱۳۵)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۰ –۵۳۹)، معجم المؤلفین (۲۴۶/۲).

پا قلعه‌ای، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا زین العابدین خاتون آبادی. عالم فاضل، در ریاضیّات و هیئت و نجوم مهارت اشته و در اصفهان، فارسی هیئت تدریس می‌نموده.

مادرش دختر میرزا احمد نیریزی خطّاط معروف است.

در سال ۱۳۶۰ وفات یافته، در اطاق غربی تکیه ی خاتون آبادی مدفون گردید.

مرحوم حسام الواعظین در مرثیه و تاریخ وفاتش گوید:

آن که بُد زنده روانش ز تولّای علی

وان که شد سر خوش و سر مشت ز صبهای علی

حاج سید اسداللّه که در مدّت عمر

همچو عمّار بُد او واله و شیدای علی

بود هم عالم و هم زاهد و همن روشندل

دل او طور و منوّر ز تجلّای علی

بهر تاریخ وفاتش ز وفا گفت حسام

شد بهشتی اسد اللّه ز اعطای علی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

پارسا تویسرکانی، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۸، تویسرکان.

درگذشت: ۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

عبدالرحمن پارسا تویسرکانی متخلص به «پارسا» فرزند شیخ محمدرحیم رستگار (از نیای پارسا مجنون تویسرکانی)، علوم ابتدایی و متوسطه را در تویسرکان و مازندران و تهران (فارغ‌التحصیل دارالمعلمین مرکزی) به پایان رساند. سپس به تکمیل معلومات خود نزد استادان فن به تحصیل پرداخت.

پس از پایان تحصیلات، چندی به شغل آموزگاری در دبیرستان‌های تهران و مدرسه عالی سپهسالار پرداخت. مدتی نیز رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود، سپس به شرکت بیمه ایران رفت و تا زمان بازنشستگی (در سمت‌های مختلف و از جمله ریاست روابط عمومی شرکت، مسئولیت مجله‌ی «بیمه» و فعالیت در اداره‌ی انتشارات و مطبوعات بیمه‌ی ایران) در این شرکت کار می‌کرد. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ منشی و نایب رییس انجمن ادبی ایران بود. مدتی نیز رییس انجمن ادبی ایران بود. علاوه بر اینها عضو دائمی و عضو هیئت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پس از کودتای ۱۳۳۲ نیز مدت یک سال مشاور مطبوعاتی سپهبد اردشیر زاهدی (نخست وزیر) بود.

فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال ۱۳۰۹ آغاز کرد. ضمن خدمت مطبوعاتی خود، سردبیری مجله‌ی «معارف» و روزنامه‌ی «کرمانشاه» را به عهده داشت. با نام‌های «گل آقا»، «همشهری» و «شیخ ابوالپشم» نیز مطالب خود را امضا می‌کرد. وی به مناسبت‌هایی نشان‌های ۲۸ مرداد و تاجگذاری دریافت داشت و به کشورهای عربستان صعودی و کویت و بحرین و قطر و عراق نیز سفر کرد.

پارسا شاعری را از دوران جوانی آغاز کرد. شاعری غزلسرا بود و به ساختن قطعه و رباعی نیز می‌پرداخت. یکی از کارهای پارسا به نظم درآودن حکایت‌ها و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در مجله‌ی «گوهر» از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ به چاپ رسیده است. دیوان اشعار او که در حدود ده هزار بیت است هرچند به چاپ نرسیده ولی بیشتر اشعارش در جراید کشور به ویژه در مجله‌های «ارمغان» و «وحید» و «گوهر» و در مجله‌های کشورهای پارسی زبان افغانستان و پاکستان منتشر شده است. همچنین قطعه‌هایی از آثار منظم وی به وسیله پرفسور ایلسکی به زبان روسی و پرفسور مولوی به زبان انگلیسی ترجمه گردیده است.

فهرست تألیفات او به شرح زیر است: تصحیح و چاپ دیوان شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ دیوان رضی‌الدین آرتیمانی؛ تصحیح دیوان عنصری؛ تاریخ تویسرکان؛ فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار تهران؛ تصحیح مقدمه و چاپ قیصرنامه‌ی ادیب پیشاوری؛ رساله در شرح حال خاقانی و رساله در معرفت النفس و مقاله‌های انتقادی و اجتماعی در روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی، مقدمه بر کتاب‌های مختلف از جمله کتاب رجال قم و بحثی در تاریخ آن. کتابی نیز درباره‌ی تاریخ تویسرکان تألیف کرده است که به چاپ نرسید.

(۱۳۶۹ -۱۲۸۸ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به مجنون. در تویسرکان متولد شد. پدر وی از شاعران و ادیبان نامور بود. پارسا علوم ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و مازندران و تهران به پایان برد. از آن پس چندی آموزگار و مدتی رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود و سپس به شرکت بیمه‌ی ایران منتقل شد. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ ش منشی و نایب رییس انجمن ادبی و عضو دایمی و عضو هیأت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پارسا شاعری اجتماعی و غزلسرا بود. غزل را نیکو می‌سرود و در ساختن قطعه و رباعی توانایی داشت. آثارش در مجله‌ها و روزنامه‌ها چاپ می‌شد. از آثار او: تصحیح و چاپ «دیوان» شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ «دیوان» رضی‌الدین آرتیمانی؛ تصحیح «دیوان» عنصری؛ «تاریخ تویسرکان»؛ «تحریر هزار صفحه فهرست کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار تهران»؛ تصحیح و چاپ «قیصرنامه» ادیب پیشاوری و همچنین مقالات متعددی در مجلات ادبی که به چاپ رسیده است. یکی از کارهای مهم و قابل توجه پارسا به نظم درآوردن حکایتهای آموزنده و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در دوره‌ی شش ساله‌ی مجله‌ی «گوهر» به چاپ رسیده است. «دیوان» اشعار او حدود ده هزار بیت است که تاکنون به چاپ نرسیده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۷۱۳ -۷۰۸/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۲، ص ۵۶)، گلزار معانی (۲۴۴ -۲۴۲/ ۱).

پارسا، داوود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داوود پارسا

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام دوران دبیرستان و گذراندن دوره های زبان انگلیسی در موسسه شکوه تهران در سال ۱۳۵۵ و با قبولی در امتحانات کنکور و ورود به مجتمع دانشگاهی فنی و مهندسی در رشته برق عزم داشتم رشته ام را در دانشگاه پلی تکنیک (امیر کبیر فعلی) ادامه دهم که در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی رخ داد و تمامی دانشگاههای کشور تعطیل گشت.

در سال ۱۳۵۷ در کمیته امداد امام خمینی (ره) در قسمت تحقیق خانواده شهدا همکاری داشتم و در سال ۱۳۵۸ وارد آموزش و پرورش شدم و چندین سال در رشته دینی و زبان انگلیسی به تدریس مشغول شده و بعنوان مدیر مدرسه و همکاری با معاونت منطقه ۱۴ تهران مسئولیت پذیرفتم. از سال ۱۳۵۲ به بعد گرایش بیشتری به مسائل مذهبی و علاقه به مطالعه کتب دینی پیدا کردم و با حضور در مجالس سخنرانی آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی و مجتبی تهرانی و نوری و عبید زنجانی که هر کدام جلسات جداگانه ای در تهران داشتند بهره مند شدم.

در ابتدای انقلاب اسلامی با استاد علی صفایی حائری آشنا شدم که حاصل این آشنایی بینش جدیدی بود که نسبت به مذهب و دین در من ایجاد شد و با عمق بیشتری مسائل دینی را دنبال کردم و موجب ورود من به حوزه علمیه مجتهدی تهران در سال ۱۳۶۱ و سپس هجرت به قم در سال ۱۳۶۲ و ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم گردید.

ادبیات را نزد اساتید : علوی طالقانی، مدرس افغانی، عرفان و اصول و فقه را نزد اساتید: فاضل ، محمدی ، محامی، محفوظی، موسوی تهرانی، پایانی، و آشیخ علی پناه و دروس خارج را نزد آیات عظام : وحید خراسانی، فاضل ، آشیخ جواد تبریزی ، مکارم شیرازی و علی صفایی حائری تلمذ نمودم. و چندین سال هم از محضر درس تفسیر آیۀالله جوادی آملی بهره مند شدم. در طول دوران تحصیلات حوزوی کار تحقیق با گروهی از دوستان در موضوعات: تاریخ، عرفان، تعلیم وتربیت و روانشناسی و تفسیر را دنبال کردم.

از سال ۱۳۶۹ به بعد در دو مقطع تدریس و تبلیغ علوم اسلامی در دانشگاههای تهران و امیر کبیر و علم و صنعت و شریف و علامه و شیهد بهشتی و خواجه نصیر الدین و شیهد مدرس و علوم پزشکی و دانشگاه قم و در استانها دانشگاه بوشهر و شیراز و قزوین پرداختم و چندین بار بعنوان مبلغ و استاد نمونه از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها انتخاب شدم. و همچنین در مدرسه امام خمینی(ره) و حوزه خواهران و دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم به تدریس دروس حوزوی پرداختم.

پارسای، فرخ دین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۷ ق)، روزنامه‌نگار و نویسنده. از مردم تهران بود. پدرش از نوادگان ملا احمد نراقی و از طلاب بود. پارسای تحصیلات ابتدایی را در مدارس افتتاحیه و شرف و ادب تهران به پایان رساند و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به کربلا و نجف رفت و در

محضر آیت الله یزدی و آخوند خراسانی به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به تهران به جرگه‌ی مشروطه‌طلبان پیوست و در کمیته‌ی جهانگیر نام‌نویسی کرد. فعالیتهای عمده‌ی وی در زمینه‌ی نشر روزنامه و خبرنگاری بود، چنان که مدتی با سمت خبرنگاری در روزنامه‌های «پلیس تهران»؛ «نوبهار مشهد»؛ «راه نجات اصفهان»؛ «مظفری بوشهر»؛ «کمال همدان» و «رعد» خدمت کرد و همچنین برای اداره‌ی روزنامه‌ی «نوبهار» با ملك الشعرای بهار همکاری داشت. علاوه بر اینها، وی مجله‌ی «جهان زنان» را با مدیریت همسرش، خانم فخر آفاق پارسا، و پس از آن مجله‌ی «عصر جدید» را با کمك نظام‌الدین نوری تأسیس کرد. مدتی در غیاب شیروانی اداره‌ی روزنامه‌ی «میهن» را (بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش) به عهده داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۵ -۳۲ /۴ ۳۱۸، ۳۱۷- ۱۸۵، ۱۸۱- ۲/)، زنان روزنامه‌نگار (۱۱۶ -۱۱۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۹ -۱۵۸ /۲).

پارسی نژاد، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : ایرج پارسی نژاد درسال ۱۳۱۷ در شهر آبادان دیده به جهان گشود. وی بعد از تحصیلات متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و فوق لیسانس خود را در رشته زبان شناسی از همان دانشگاه اخذ نمود، وی برای ادامه تحصیل به انگلستان سفر کرد و با اخذمدرك دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه آکسفورد انگلیس تدریس در دانشگاه مطالعات توکیو را به مدت ۱۷ سال شروع کرد. بعد از بازنشستگی و عزیمت مجدد به آمریکا در دانشگاه ucla به تدریس مروری بر ادبیات کلاسیك فارسی به زبان انگلیسی را آغاز نمود. از وی آثار متعددی به جامانده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ایرج پارسی نژاد پس از پایان تحصیلات متوسطه در زادگاه ،برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات به تهران می آید و موفق به اخذ مدرك فوق لیسانس زبان شناسی دانشگاه تهران می شود.شوق تحصیل اما ماجرای تحصیلات پارسی نژاد را بـه این مختصر ختم نمی کند و او را ترغیب به عزیمت به انگلستان می کند.او به دانشگاه آکسفورد می رود تا در رشته ادبیات تطبیقی ادامه تحصیل دهد.پارسی نژاد موفق به اخذ مدرك دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه آکسفورد انگلیس می شود

استادان و مربیان : از استادان ایرج پارسی نژاد می توان به استاد زرین کوب اشاره کرد.

فعالیتهای آموزشی : ایرج پارسی نژاد پس از اخذ مدرك دکترای خود وارد توکیو شد و به مدت ۱۷ سال شروع به تدریس در دانشگاه مطالعات خارجی گردید. وی سخنرانی های متعددی در مراکز گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران داشت. پس از بازنشستگی عزیمت به آمریکا کرد و تدریس « مروری بر ادبیات کلاسیك فارسی» به زبان انگلیسی در دانشگاه ucla را آغاز نمود.

آرا و گرایشهای خاص : ، آرای ایرج پارسی نژاد هم در مورد اهمیت نقد ادبی در تاریخ ایران روشن تر می شود. به نظر او نقد جدید فقط ابزاری برای بهبود ادبیات فارسی نیست، امری که آن را از نقد پیش از قرن نوزدهم جدا می کند که چیزی جز تملق گویی و تعریف و تکذیب شخصی نبود، بلکه پیشرفت سیاسی و اجتماعی مملکت نیز پیوندی استوار داشت. به گمانم او نقد ادبی حاصل «مبارزه اجتماعی ـ انتقادی روشنفکران ایران با استعداد قرن نوزدهم » بود چون ادبیات در شکل گیری فرهنگ ایرانی سهم به سزایی داشته و دارد و «تفکر ادبی، که محصول نگرش عقلایی است، پیش از هر چیز بر ضد نهادهای سیاسی و اقتصادی حاکم دست به اعتراض می زند». پارسی نژاددر تأیید ارتباط میان نقد و پیشرفت مملکت در مقامی مناسب به قول طالبوف استناد می کند: «اگر در اعمال و اقوال دایره منافع ملی«کریتیکه»، یعنی تشریح معایب و محسنات، نباشد در آن ملت ترقی نمی شود».او معتقد است مبحث «نقد ادبی جدید» با آنچه در سنت ادبی فارسی در این زمینه وجود دارد از بنیاد متفاوت است: «آثاری که به عنوان مباحث انتقاد ادبی از گذشتگان ما به جا مانده، همچنان که استاد زرین کوب یاد کرده، یا از نوع «نقد ذوقی» است که شاعران از سر ذوق به کنایه و تعریض به خرده گیری از یکدیگر پرداخته اند، مانند اشاره انتقادی فردوسی به ناتندرستی شعر دقیقی و نکته گیری های عنصری و غضائری از یکدیگر و یا از مقوله «نقد فنی» است که در کتاب های بلاغت و بدیع و قافیه از مقدمات ظاهری کلام سخن رفته. مانند ترجمان ابلاغی از محمد بن عمر رادویانی و حدائق السحر از رشید وطواط و چهار مقاله نظامی عروضی و لباب الالباب محمد عوفی و المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی. اما در همه این آثار کمتر نشانی از تحلیل موضوع و قضاوت درباره ارزش ذاتی آثار ادبی دیده می شود.»

چگونگی عرضه آثار : ایرج پارسی نژاد نوشتن را به جد و جهد از دوران دبیرستان آغاز کرده و از همان آغاز نیز گرایش نقد ادبی داشته است.زنده یاد سیروس طاهباز که او نیز متولد آبادان بود، از تأسیس انجمن ادبی دبیرستان رازی آبادان یاد می کرد که مهم ترین کار آن تهیه یك روزنامه دیواری بود و ایرج پارسی نژاد بـا آن همکاری داشت. ایرج پارسی نژاد در این سال ها علاوه بر تدریس پیوسته،ازنگارش مقالات متعدد در حوزه ادبیات و زبان شناسی در نشریات تخصصی ادبیات نیز غافل نمانده و همچنین ارتباط پیوسته اش با مراکزآکادمیك ، نشریات تخصصی و همکارانش در حوزه ادبیات در ایران را حفظ کرده و هر از چند گاهی برای کارهای تحقیقی و پژوهشی به ایران می آید. پارسی نژاد در این سال ها علاوه بر حفظ پیوند هایش با جریان نقد ادبی در ایران،از تحقیق و مداقه در وضع ادبیات کلاسیك ایران در خارج از ایران نیز غافل نمانده و به نقد آنان نیز پرداخته است.از آن

جمله است دیدگاهی که او درباره ترجمه امروزین آثارمولانا در آمریکا دارد: «کلمن بارکس برای آن که شعر مولانا را با ذائقه زمانه تطبیق دهد و آن را باب روز بازار آمریکا بگرداند، مضامین عرفانی آن عارف آزاده را از خاستگاه تاریخی و اجتماعی او جدا می کند و آن را با فرهنگ دنیای معاصر تطبیق می دهد . بارکس به جای آن که مفهوم « عشق » در مثنوی را ، همان گونه که هست باز نماید، دست به تحریف آن می زند . در سرآغاز فصل ششم زیر عنوان « مهارتمنیات جسمانی » وانمود می کند که در طریق تصوف، برآوردن امیال نفسانی، مرحله ای از وصول به حق و رسیدن به عشق الهی است!

آثار :

۱ تاریخ نقد ادبی در ایران

ویژگی اثر : پارسی نژاد ترجمه ای از کتاب روشنگران ایرانی را با عنوان «تاریخ نقد ادبی در ایران» از سوی انتشارات آیسبک در واشنگتن منتشر کرده و هم اکنون در تدارک جلد دوم «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» است.در جلد نخست این کتاب تا هدایت مورد بررسی و پژوهش قرارگرفته بود و جلد دوم اختصاص دارد به دوره هدایت تا روز گار ما. »

۲ ترجمه به انگلیسی«تاریخ نقد ادبی در ایران»????-????

ویژگی اثر : انتشار آن از سوی IBEX در مریلند آمریکا

۳ روشنگران ایرانی و نقد ادبی در دو جلد

ویژگی اثر : اما یکی از مباحثی که سال هاست به موضوع اصلی نقد ها و نوشته های پارسی نژاد بدل شده، همانا تاریخ نقد ادبی در ایران است.مبحثی که عنوان مهم ترین کتاب او نیز هست. «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» اثری تحقیقی از ایرج پارسی نژاد پیرامون شکل گیری جریان نقد ادبی به همت نویسندگان و منتقدانی است که انتشارات سخن مسئولیت چاپ و توزیع آن را به عهده دارد.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

پازارگاد، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۷ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. در شیراز متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در مدرسه‌ی نظامی به تحصیل فنون نظامی پرداخت و سپس به تدریس علوم طبیعی و ریاضی در دوره‌ی متوسطه مشغول شد و مدیریت مدرسه‌ی ابتدایی و متوسطه‌ی فارس نیز به او محول گردید. وی مؤسسه‌ی ورزش و باشگاه فوتبال و پیشاهنگی را تأسیس کرد، و به علت آشنایی با علم موسیقی و نت اروپایی سرودهای وطنی که برخی از آهنگهایش نیز ساخته خود او، و بعضی مطابق نغمه‌های اروپایی بود، برای محصلان ساخت. پازارگاد با گرفتن امتیاز مجله‌ی «پازارگاد» یک سال و نیم به انتشار این مجله در شیراز پرداخت، و روزنامه‌ی «خورشید ایران» را که قبلا در سال ۱۳۰۲ ش منتشر کرده و در سال ۱۳۰۳ ش توقیف شده بود، مجددا در سال ۱۳۲۱ ش انتشار داد. پازارگاد، علاوه بر نشر روزنامه و مجله، کتابهایی را هم منتشر کرد. برخی از آنها عبارت‌اند از: «سرود و ورزش»؛ «پنج قصیده»؛ «میکروسکوپ و میکروسکوپی»؛ «تعلیم و تربیت پیشاهنگی- اصول پیشاهنگی»؛ «آینده‌ی باختر»؛ «تاریخ فلسفه‌ی سیاسی»؛ «مکتبهای سیاسی»؛ «فلسفه‌ی نوین تاریخ»؛ «باده‌ی بی‌خمار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۵۶ -۲۵۵ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۱ -۵۲۸ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۴ -۹۲ /۳)، سخنوران نامی (۶۹ -۶۰ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۷۲۰ -۷۱۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۶ -۱۲۱ /۲).

پازارگادی، علاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، نویسنده و مترجم. از مردم شیراز است. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در شیراز به انگلستان رفت و موفق به دریافت درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی تاریخ عمومی و فوق لیسانس در رشته‌ی تعلیم و تربیت شد. پس از دریافت درجه‌ی فوق لیسانس رشته‌ی علوم سیاسی و اقتصادی از دانشگاه آکسفورد به آمریکا رفت و در رشته‌ی تعلیم و تربیت دکترا گرفت. دکتر پازارگادی پس از بازگشت به ایران به امر تدریس پرداخت. برخی از آثار او: «انشاء انگلیسی»؛ «پیروزی در دست من»؛ «دستور زبان انگلیسی»؛ «گرامر زبان انگلیسی»؛ «یک بحث جدی درباره‌ی خنده و شوخی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴ -۸۲ /۴).

پاشایی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی پاشایی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد تقی پاشایی در فروردین سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در شهر مقدس مشهد متولد گردید. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید. ایشان در سال ۵۸ جهت تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه اشتهارد شد و بعد از شش ماه در مدرسه علمیه برهان شهری ادامه تحصیل داد و از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل و تدریس و تحقیق می باشد.

پاک نیا، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم پاک نیا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

او در سال ۱۳۴۱ در شهر تبریز به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۴ بعد از اتمام تحصیلات دوره ابتدایی دروس جدید،وارد حوزه علمیه شد.پدرش حاج اسماعیل یکی از معماران متدین و عالم پرور آن شهر بود. عبد الکریم دروس مقدماتی حوزه و ادبیات عرب را،از اساتید آن زمان در مدارس علمیه طالبیه،صادقیه،حسن پادشاه و حاج صفر علی،فرا گرفت.با شتاب گرفتن انقلاب اسلامی ایران،در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در کنار دیگر طلاب درس را تعطیل،و همراه سایر اقشار مختلف جامعه به جمع انقلابیون پیوست.بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به تحصیل ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۵۹ برای تکمیل تحصیلات خود در عرصهٔ علوم اسلامی،به شهر مقدس قم هجرت کرد.کتاب های مطوّل،حاشیه ملا عبد الله،شرح باب حادی عشر را نزد شیخ محمد علی مدرس افغانی و سید هاشم خوئی و شرح لمعه را در نزد شیخ علی پناه اشتهاردی و شیخ کریم ملّائی تبریزی خواند.

درس تفسیر قرآن را از آیات عظام دکتر صادقی طهرانی و جواد آملی و دروس سطح عالی فقه و اصول را از بزرگانی همچون آقایان شیخ احمد پایانی،شیخ مصطفی اعتمادی،آقا سید رسول طهرانی و منطق و حکمت را نیز از آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی و شیخ حسن مجد آموخت. درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات شیخ جواد تبریزی،شیخ حسین وحید خراسانی،شیخ حسین نوری،سید موسی زنجانی،شیخ مسلم ملکوتی و شیخ جعفر سبحانی بهره مند گردید. در کنار تحصیل از سال ۱۳۷۱ به تدریس ادبیات،معانی و بیان ، منطق ، فلسفه مقدماتی،فقه و اصول و سایر دروس سطوح عالی پرداخت.همچنین از سال ۱۳۶۶ تاکنون در عرصه تبلیغ به مناسب های مختلف در ۱۵ استان کشور به فعالیت های تبلیغی و خدمات در این وادی اشتغال داشته است.بالاخره در کنار این اشتغالات عمده ترین وقت خود را در عرصه پژوهش های علمی و تحقیقی در موضوعات مختلف دینی،تاریخی،تربیتی و اخلاقی- که بیشترین علاقه را داشت- صرف نمود.در این راستا،از رهنمودها و تشویق های استاد محمود مهدی پور بهره برد. حاصل تلاش های وی در قالب کتاب و مقاله،توسط ناشرین مختلف و یا در مطبوعات و رسانه های سراسری چاپ و منتشر شده است.مهمترین موضوعات این آثار عبارتند از:سیره و سخن پیشوایان معصوم(ع)،مناسبت های مذهبی،شرح حال شخصیت های تاثیر گذار در جهان اسلام،اندیشه های اهل بیت(ع) در مسائل اخلاقی ، عقیدتی ، تربیتی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی،مقالات قرآنی ، یاران اهل بیت(ع) و غیره.

پاکپور، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی پاکپور

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم اقتصاد، در سال ۱۳۶۳ دروس حوزه را در مدرسه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه آغاز نمودم.

سال ۶۴ برای ادامه تحصیل به قم آمدم و در مدرسه امام صادق(ع) (نیروگاه) پذیرفته شده به مدّت چهار سال دوره مقدّماتی را به پایان رساندم. ادامه تحصیل در مدرسه امام باقر(ع) (نیروگاه) و ورود به موسسه در راه حق همزمان با دروس موسسه، در سال ۷۳ دروس سطح حوزه را به پایان رساندم. بعد از دوره پنج ساله اول موسسه در راه حق، (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) در مقطع کارشناسی ارشد رشته دین‌شناسی پذیرفته شده و در طول مدت چهار سال پایان نامه خویش را به عنوان «وظیفه گرایی از دیدگاه کریستین ام کرسگارد» دفاع کردم. دو سال آخر دوره کارشناسی ارشد در گروه کارورزی فلسفه اخلاق موسسه زیر نظر استاد محمود فتحعلی فعالیت پژوهشی داشته‌ام، همزمان با کار پایان‌نامه در گروه اخلاق مرکز برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی نهاد فعالیت نموده و چند سالی است که به عنوان مسئول گروه اخلاق مشغول فعالیت هستم. بعد از اتمام دوره سطح حوزه چند سالی در درس خارج آیات عظام جوادی آملی، سبحانی، لاریجانی و... شرکت کردم. در طول سال ۸۵ با گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در غالب پروژه اخلاق کاربردی، همکاری داشته و از فضای علمی آنجا بهره کافی برده‌ام. اکنون در ضمن فعالیت در گروه اخلاق مرکز تدوین نهاد رهبری، در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق و عرفان اسلامی در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشم.

پاکدل، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند حاج میرزا عباس پاکدل از فضلاء و ائمه جماعت و مدرسین معاصر شیراز است. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در طبس به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی در سن ۱۷ سالگی به تحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و تفسیر و اخلاق را در مدت هشت سال در حوزه طبس نزد اساتید آنجا مانند حاج شیخ محمد ابراهیم مجتهد نجفی و حاج شیخ محمدعلی امینیان مدرس و حاج شیخ غلامرضا نمائی و دیگران خوانده و بعدا به مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و مدت هفت سال توقف و سطوح عالی را (رسائل و مکاسب و کفایه) و نیز مقداری از تفسیر و فلسفه و معقول و اخلاق را در خدمت حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج میرزا جواد آقای تهرانی و حاج شیخ مجتبی قزوینی و سایرین تحصیل نموده و نیز مقداری از درس خارج آیت‌اللّه میلانی استفاده کرده سپس عزیمت به قم و از محضر آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه خمینی و سایرین بهره‌مند گردیده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و حدود بیست سال در آن بلده طیبه اقامت و پس از مطالعه در دروس آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله العالی را اختیار و پس از شرکت در یکدوره اصول معظم له دیگر فقط به درس فقه معظم‌له حاضر و خود به تدریس سطوح اشتغال و در آن سامان به مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی طوبائی شیرازی، موفق و در سال ۱۳۵۹ شمسی عزیمت به ایران نموده و مدتی در قم اقامت و برای صله ارحام و برای دیدن بستگان سببی خود به شیراز آمده و با اصرار آنان و دوستان دیگر عزم رحیل مبدل به اقامت و توطن در شیراز شده و پس از استحضار علماء بزرگوار شیراز مخصوص مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و فرزند برومند و فاضلش حاج شیخ مجدالدین محلاتی ابراز خرسندی کرده و محل نمازش مسجد مولا را واگذار و به اقامه جماعت در آنجا در شبها و تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در ظهرها در مسجد ساجدین دروازه کازرون امامت نموده و مسئولیت و اداره تدریس دو حوزه علمیه شیراز را به عهده گرفته و آنها از این قرار است:

۱- حوزه علمیه امام رضا علیه‌السلام مدرسه مقیمیه و مسجد مشیرالملک و مکتب مقدس حضرت زهرا علیهاالسلام به تدریس سطوح عالی اشتغال دارند.

۲- حوزه علمیه امام سجاد علیه‌السلام و مدرسه آقا قاسم مشغول می‌باشند.

مرحوم والدش حاج میرزا عباسعلی نیز از روحانیون خدمتگزار طبس و مورد وثوق و اعتماد و اطمینان مردم آن سامان بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پاکدین، کامل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کامل پاکدین

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده از سال ۱۳۵۹ بمدت ۱۲ سال بصورت مستمر در مدرسه علمیه شهیدین قم تحصیل کرده و همزمان با تحصیلات حوزوی , دروس دانشگاهی را هم تا سطح کارشناسی به اتمام رساندم.حدود یک سال و نیم در باکو (آذربایجان شوروی سابق) مشغول تبلیغ بودم. بعد , یکسال در نهاد رهبری دانشگاهها , در قسمت بازرسی فعالیت داشتم بعد , حدود سه سال در مرکز دفتر تبلیغات اسلامی واحد سیره بعنوان محقق مشغول کار بودم.در جامعه الزهرا (سلام الله علیها) و دانشکده سپاه قم تدریس کرده ام . یکسال در دانشگاه معارف اسلامی و تاریخ تشیع تدریس داشتم و اخیرا "چهار سال است که در موسسه پژوهشی رای پرداز مشغول تحقیقات فقهی هستم.

پایانی اردبیلی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عمده الفضلاء الفخام و العلماء الاعلام آقای حاج شیخ احمد پایانی در سال ۱۳۴۶ قمری در شهرستان اردبیل متولد شده و بعد از اتمام فارسی و طی مقدمات در مدرسه ملا ابراهیم اردبیل در سال ۱۳۶۶ به قم آمده و سطوح عالیه را نزد اساتید معظم قم خوانده و خارج مکاسب را از مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و یک دوره درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد محقق یزدی معروف به داماد را فراگرفته و اکنون به تدریس فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.

وی از فضلاء متین و مدرسین خلیق و باتقوای حوزه علمیه است که علم خود را با حلم و ورع قرین ساخته است.

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۹۶(۵ رمضان ۱۳۴۶ ق.)، اردبیل.

درگذشت: ۶ اسفند ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله احمد پایانی اردبیلی در حدود پنج سالگی به مکتبخانه رفت و خواندن قرآن مجید و فنون تجوید و قرائت و متون فارسی چون گلستان و نصاب‌الصبیان را فراگرفت و پس از آن در مدارس دولتی تحصیلات ابتدایی را آموخت. در سن چهارده سالگی به مدرسه علمیه‌ی ملا‌ابراهیم شتافت و به خواندن ادبیات عرب پرداخت و به لباس روحانیت ملبس شد. در اوایل سال ۱۳۶۶ ق. به مقصد ادامه‌ی تحصیل به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و به تحصیل سطوح فقه و اصول پرداخت و مکاسب را نزد آیت‌الله مجاهدی و رسائل را در محضر آیت‌الله سلطانی طباطبایی و کفایهٔ الاصول را هم در درس آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی فراگرفت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی همزمان با ادامه‌ی تحصیل، به تدریس کتابهای حاشیه ملا عبدالله و معاصم الاصول پرداخت. وی در سال ۱۳۷۰ ق. به درس فقه آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای حاضر شد و پس از آن در درسهای فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی و سپس در درسهای فقه و اصول آیت‌الله سید محقق داماد شرکت جست و مبانی عملی خویش را استوار ساخت. استاد حدود پنجاه سال به تدریس کتابهای مهم فقه و اصول پرداخت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی از بدو شروع مبارزات مرجعیت و روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) علیه رژیم ستم شاهی، به پیکار با نظام پهلوی پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز از تأیید و پشتیبانی مواضع حضرت امام دریغ نکرد. از اشتغالات دیگر ایشان شرکت مستمر در جلسه دیرین تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان و دانشمندان تشکیل می‌شدند.

آیت‌الله پایانی به غیر از تدریس متوالی، در ایام تعطیلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم رخت سفر برمی‌بست و برای تبلیغ شعایر دین به نقاط دیگر هجرت می‌کرد و به راهنمائی مردم و اقامه جماعت می‌پرداخت و این تا سالیان پایان عمرش ادامه داشت. او دارای اجازه‌ی نقل حدیث و امور حسبیه از استادش آیت‌الله حجت بود.

تألیفات ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای (بحث بیع)؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ فهرست جامع الشتات میرزای قمی؛ شرح مکاسب به نام «ارشاد الطالی الی حقایق المکاسب» از اول مکاسب محرمه تا اواسط خیارات؛ حاشیه کفایهٔ الاوصل؛ حاشیه‌ی مکاسب (که حاشیه بر مکاسب محرمه (در یک جلد) و حاشیه بر بیع در دو جلد به چاپ رسیده است)؛ «رسالهٔ فی احکام الاراضی و اقسامها» که در مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی شیخ انصاری به چاپ رسیده؛ «رسالهٔ فی بیع الفضولی» که در مجموعه مقالات کنگره‌ی محقق اردبیلی به چاپ رسید. آنچه از تقریرات ایشان به چاپ رسیده است، عبارتند از: در کلاس درس مکاسب (شرح قسمتی از مکاسب محرمه در سه جلد، نوشته آقای رضا محمودی)؛ در محضر شیخ انصاری (نوشته جواد فخار طوسی؛ در این کتاب مکاسب محرمه در نه جلد، و نیمی از بیع در هشت جلد و اکثر خیارات در نه جلد شرح گشته و همه آنها نیز به چاپ رسیده است.)

آیت‌الله پایانی اردبیلی سرانجام در تاریخ یک شنبه ششم اسفند ماه ۱۳۷۵ در هفتاد سالگی جان سپرد. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در جوار مرقد استادش آیت‌الله سید محقق داماد- که در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پاینده غزنوی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نویسنده و مترجم. وی قسمتی از کتاب «بابرنامه» را از زبان جغتایی، در ۹۹۴ ق ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۱۶).

پاینده، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار، داستانسرا، مترجم.

تولد: ۱۲۹۲، نجف‌آباد.

درگذشت: ۱۸ مرداد ۱۳۶۳.

ابوالقاسم نجف‌آبادی مشهور به ابوالقاسم پاینده، فرزند رضا، در اصفهان از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۹ به تحصیل علوم قدیم (صرف و نحو عربی، فقه اسلامی و فلسفه یونان) پرداخت.

خدمت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۰۸ در روزنامه‌ی «عرفان» (اصفهان) آغاز کرد. از سال ۱۳۱۱ به تهران آمد و روزنامه‌نگاری را ادامه داد مدت‌ها با روزنامه‌های «شفق سرخ» و «ایران» همکاری داشت. مدتی نیز مدیر مجله‌ی «تعلیم و تربیت» بود. در سال ۱۳۲۱ مجله «صبا» را بنیاد نهاد و تا سال ۱۳۳۰ انتشار داد. ضمنا با مجلات دیگر از جمله مجله‌ی «معارف اسلامی» نیز همکاری می‌کرد.

ابوالقاسم پاینده در سال ۱۳۳۶ به سبب ترجمه‌ی قرآن مجید به دریافت جایزه نایل آمده است. از ترجمه‌های دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: التنبیه و الاشراف (علی بن حسین مسعودی، ۱۳۴۹)؛ تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک (اثر محمد بن جریر طبری در شانزده جلد، ۱۳۵۲)؛ اسرار نیک‌بختی (اوریزان ماردن، ۱۳۳۳)؛ تاریخ سیاسی اسلام از آغاز ظهور تا انقراض دولت اموی (دکتر حسین ابراهیم حسن، سه جلد، ۱۳۱۸)؛ چرا فرانسه شکست خورد (آندره موروآ، ۱۳۱۹)؛ در آغوش خوشبختی (لرد آوری بوری، ۱۳۱۳)؛ زندگانی محمد (ص) (دکتر محمد حسنین هیکل، دو جلد، ۱۳۱۷)؛ مروج الذهب (از مسعودی، دو جلد، ۱۳۴۴)؛ تاریخ عرب (از فیلیپ حتی، دو جلد، تبریز، ۱۳۴۴)؛ نهج الفصاحه (س) (کلمات قصار حضرت رسول، جلد اول: ۱۳۲۶)؛ سخنان محمد (ص) (کلمات قصار با ترجمه، ۱۳۱۸)؛ عشق و زناشویی (نیکلا حداد، ۱۳۳۵).

در سال ۱۳۲۶ به ریاست اداره‌ی تبلیغات برگزیده شد و در دوره‌ی دوم مجلس مؤسسان نامزد نجف‌آباد بود.

ابوالقاسم پاینده داستان هم می‌نوشت. داستان‌هایش ترکیبی از خاطره و موعظه‌اند و بیشتر به انتقاد از زندگی اداری در سال‌های پیش از ۱۳۲۰ اختصاص دارند. در چند داستان نیز به نشان دادن جنبه‌های مضحک زندگی روستایی و خاطرات دوران کودکی می‌پردازد. از جمله آثار داستان وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رمان قاتل (اصفهان، ۱۳۱۳)؛ در سینمای زندگی (مجموعه داستان، ۱۳۳۷)؛ دفاع از ملا نصرالدین (۱۳۴۷)؛ جناب آقای دکتر ریش (۱۳۴۸)؛ مرده کشان جوزان و هفده داستان دیگر (۱۳۵۷)؛ داستان‌های برگزیده (۱۳۵۲)؛ و ظلمات عدالت (۱۳۵۴).از آثار دیگر او می‌توان به دستور نوشتن (اصفهان، ۱۳۰۹) و تمدن اسلام (از مجلدات تاریخ ویل دورانت) اشاره نمود.

در ۱۲۹۰ در نجف‌آباد اصفهان متولد شد. تحصیلات جدید و قدیم را به خوبی ادامه داد و به ادبیات زبان فارسی و عربی تسلط پیدا کرد. زبان فرانسه را هم فراگرفت. به خدمت دولت درآمد، ولی کار اصلی او ترجمه و نویسندگی بود و کارهای ادبی و علمی اولیه‌ی او نشانگر ذوق و تسلط او به زبان فارسی است. چندی در مطبوعات اصفهان به کار ترجمه و نویسندگی اشتغال داشت، بعد به تهران آمد و مدتی به اتفاق علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی در اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری شهربانی اشتغال داشت. بعد از ۱۳۲۰ مستقلاً به انتشار مجله‌ی هفتگی صبا که روزهای چهارشنبه منتشر می‌شد مبادرت نمود. این مجله در نوع خود جالب بود و در آن مسائل اجتماعی برای اولین بار در ایران به طور عریان مطرح می‌شد. حتی از لحاظ چاپ عکس‌های لخت و نیمه‌لخت نیز بی‌سابقه بود. داستان‌های عشقی که تحریک‌کننده‌ی جوانان است، هر هفته با آب و تاب تمام انتشار می‌یافت. مخصوصاً عکس‌های ستارگان معروف سینما همه هفته روی جلد و داخل صفحات، و اخبار سینمایی جلب توجه می‌کرد. این مجله خیلی زود با استقبال روبرو شد و تیراژ آن سرسام‌آور بالا رفت و مدیر آن از لحاظ اجتماعی موقعیتی پیدا کرد؛ مخصوصاً تبلیغات مجله هم بی‌سابقه و جالب بود. مجله‌ی صبا در عین حال مخالفین سرسختی هم داشت و با تمام قدرت می‌خواستند از انتشار آن جلوگیری کنند، ولی میسر نمی‌شد. مجله‌ی صبا چندین سال انتشار می‌یافت تا تدریجاً تازگی خود را از دست داد و تعطیل شد.

پاینده در بین مردم وجهه‌ی زیادی نداشت و دشمنان سرسختی پیدا کرده بود. نسبت‌هائی به او دادند. هرچه تلاش کرد بدنامی مجله را از خود دور کند، نشد. سرانجام به ترجمه‌ی قرآن پرداخت و ترجمه‌ای از قرآن به دست داد که در زمان خود بهترین ترجمه‌ی فارسی بود. در دوره‌ی بیست و یکم پس از چندین سال تلاش، نماینده‌ی نجف‌آباد شد. در مجلس تک‌روی کرد. گاهی عوام‌فریبی می‌کرد. پس از آن دوره، دیگر به مجلس راه نیافت، از او کتاب‌های زیادی انتشار یافته است که هر یک در حوزه‌ی خود درخور توجه است. ترجمه‌های او روان است. ترجمه‌ی کتاب در آغوش خوشبختی یکی از ترجمه‌های سلیس اوست. حیات محمد (ص) و ترجمه‌ی کلمات حضرت رسول (ص) تحت عنوان نهج‌الفصاحه از دیگر کارهای علمی و ادبی او می‌باشد.

مهمترین کار پاینده، ترجمه‌ی قرآن و ترجمه‌ی تاریخ طبری در ۱۶ مجلد است. پاینده قصه و طنز نیز می‌نوشت. در ۷۳ سالگی در تهران درگذشت. از وی کتابخانه‌ی معظمی باقی ماند که غالب کتب آن به زبان‌های فرانسه و عربی بود. ظاهراً این کتابخانه از طرف وراث به فروش رفت و گویا علی‌رغم میل صاحب آن، در اختیار مؤسسات دانشگاهی و علمی قرار نگرفت.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پاینده، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر پاینده

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر مشهور به پاینده فرزند حسنعلی پس از گذراندن دروس مکتبی در سال۱۳۴۴ به حوزه علمیه الحجه در نجف آباد وارد شدم و در مدت یک سال و نیم دروس مقدمات و سیوطی و مغنی و منطق را نزد مرحوم حاج شیخ غلام حسین منصور و مرحوم حاج آقا محمود مدرس و دیگر اساتید گذراندم . این مدرسه در آن زمان تحت نظر مرحوم حاج شیخ عباس ایزدی بود و بعضی دروس را شخص ایشان عهده دار بودند. پائیز سال ۱۳۴۶ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه حاج ملا۔صادق در چهار مردان که تحت نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی بود، دروس معالم و مختصر و حاشیه و منطق و ... را نزد آقایان امینی و حاج حسن آقا تهرانی و آدینه وند خواندم و در سال تحصیلی ۱۳۴۷ به مدرسه حقانی تحت مدیریت مرحوم شهید قدوسی وارد شده و دنباله درس معالم و مختصر را نزد آیات : جنتی و خزعلی خوانده و دروس سطح عالی را به ترتیب نزد این آقایان گذراندم؛ حضرات آیات: مرحوم حرم پناهی و آیت الله محمدی گیلانی، درس لمعه آیت الله مومن قمی، درس اصول فقه آیت الله آذری قمی ،درس رسائل شیخ مرحوم آیت الله احمدی میانجی ،درس مکاسب آیت الله یوسف صانعی، درس کفایه آیت الله جوادی آملی، درس بدایهٔ الحکمه آیت الله حسن زاده آملی، درس هیئت و کلیله و دمنه آیت الله دکتر احمد بهشتی، درس انشاء و نویسندگی آیت الله شهید قدوسی ،درس اخلاق و عروهٔ الوثقی آیت الله شهید مفتح و آیت الله انصاری شیرازی ،درس منظومه منطق آیت الله مصباح یزدی ،ضمناً دروس متفرقه دیگری هم مثل مکالمه عربی ، تجوید قرآن و معلومات عمومی تا حد دیپلم در زمینه طبیعی، زبان انگلیسی و تشریح کالبد بدن انسان وجود داشت که از دبیران فرهنگی استفاده می شد. نزدیک پنج سال دروس یاد شده در مدرسه حقانی گذرانده شد و از سال ۵۲ که اوج اختناق در زمان شاه بود ، بنده از مدرسه حقانی به مدرسه خان و حجتیه آمدم و سه سال تحت تعقیب ساواک شاه قرار گرفتم و همواره در مسافرت و متواری بودم .سال ۵۵ و ۵۶ در خارج کشور (سوریه و لبنان و کویت و ...) به سر میبردم و بیشتر اعلامیه های امام را در بین ایرانیان زائر و زوار حج پخش می کردم (با جمعی از دوستان).در این پنج سال از نظر دروس حوزه وقفه ای ایجاد شد.

اساتید دروس خارج یا عالی از سال ۱۳۶۰ : درس اسفار اربعه تا آخر نزد آیت الله جوادی آملی ،قسمتی از اشارات نزد آیت الله حسن زاده آملی،عرفان نظری درس فصوص قیصری نزد آیت الله حسن زاده آملی ،درس تمهید القواعد نزد آیت الله جوادی آملی،درس خارج اصول نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله صانعی ،درس خارج فقه زکات و مکاسب محرمه و ولایت فقیه نزد آیت الله منتظری ،درس خارج قسمتی از طهارت و صلوهٔ نزد آیت الله تبریزی ،نوارهای درسی برهان شفا از استاد مصباح یزدی.

پاینده، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود پایندهٔ لنگرودی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در شهرستان لنگرود به دنیا آمد.استاد سالهاست که به عنوان گرافیست و خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند. کتاب" فرهنگ گیل و دیلم " محمود پایندهٔ لنگرودی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال بر گزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود پایندهٔ لنگرودی دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۳۲ راهی تهران شد و همکاری با مطبوعات را آغاز کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود پایندهٔ لنگرودی سالهاست که به عنوان گرافیست و خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند.

جوائز و نشانها : کتاب" فرهنگ گیل و دیلم " محمود پایندهٔ لنگرودی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال بر گزیده شد. --
----

آثار :

۱ آیین‌ها و باورداشتهای گیل و دیلم

ویژگی اثر : بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۵

۲ خوئینه‌های تاریخ دارالمرز (گیلان و مازندران)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۳ دکتر حشمت جنگلی

ویژگی اثر : انتشارات شعله اندیشه – ۱۳۶۸

۴ فرهنگ گیل و دیلم

ویژگی اثر : امیرکبیر ۱۳۶۷–این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است

۵ قیام غریب شاه گیلانی

ویژگی اثر : انتشارات سحر ۱۳۵۷

۶ گل عصیان

ویژگی اثر : مجموعهٔ شعر ۱۳۳۶

۷ گیلان در شعر شاعران و مجموعهٔ شعر (فارسی)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۸ لیله کوه

ویژگی اثر : شعر گیلکی ۱۳۵۸

۹ مثلها و اصطلاحات گیل و دیلم

ویژگی اثر : بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۱۰ مجموعهٔ مقالات گیلان‌شناسی

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۱۱ یَه شُو بو شَئوم روخُئونَه

ویژگی اثر : شعر گیلکی – ۱۳۵۸ --

منابع :

۱www.ketabesal.ir

پرتو شیرازی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۴ / ۱۳۱۰ ق)، روزنامه‌نگار. در شیراز به دنیا آمد. وی از جمله آزادیخواهان شیراز بود که در سال ۱۳۳۴ ق و زمان جنگ جهانی اول همراه با دیگر آزادیخواهان شیراز دستگیر شد. پرتو در همین سال روزنامه «اتحاد اسلام» را منتشر ساخت که سبب دستگیری او شد. قبل از دستگیری به مدت ۱۰ ماه در بیابانها متواری بود. پس از دستگیری در منزل شخصی عطاالدوله حبس شد، ولی پس از چندی از زندان فرار کرد و به آباده رفت و پس از اعلان عفو عمومی به شیراز بازگشت. در شیراز چند شماره «روزنامه‌ی ملت» را انتشار داد ولی چون با عدم استقبال مردم رو به رو شد، از روزنامه‌نگاری دست کشید و به خوزستان رفت و در آبادان به خدمت نفت جنوب درآمد. وی سپس به تهران منتقل شد و پس از مدتی به وزارت دادگستری روی آورد و در آنجا مشغول کار شد. از تألیفاتش: «تاریخ عمومی»؛ «رساله‌ی مغناطیسیه»؛ «محاوره فرانسه و انگلیس»؛ «منظومه‌ی منتخب افسانه‌های ازوپ و لافونتن فرانسوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۳۷/۴، ۴۸ –۴۷ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۶ –۵۴۱ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۱/۲).

پرتو علوی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۹ –۱۲۸۱ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به پرتو. وی در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی اقدسیه به پایان رسانید و سپس وارد دارالمعلمین گردید. وی چندی نیز در عراق و مصر و برلن به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، ابتدا در وزارت دادگستری و سپس در راه‌آهن اشتغال یافت و مدتی نیز به تدریس ادبیات و زبان خارجه در هنرسرای عالی

مشغول شد. پرتو در سالهای ملی شدن صنعت نفت به صف مبارزان علیه شرکتهای استعماری پیوست، و در این راه زندانی هم شد. او در شعر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت و هنر خود را در خدمت راهنمایی و ارشاد مردم به کار می‌گرفت. از آثار وی: «خودآموز و گرامر آلمانی»؛ «راست و نو»؛ «زندگی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «بانگ جرس»، در شرح مشکلات «دیوان» خواجه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۳/۲)، سخنوران نامی معاصر (۷۳۳ -۷۲۹ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۳ -۸۸۲ /۳).

پرتوی آملی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف.

تولد: ۱۲۹۶، آمل.

درگذشت: خرداد ۱۳۶۷.

مهدی پرتوی آملی تحصیلات ابتدایی خود را در آن شهر و دوره متوسطه را در بابل و ساری و تحصیلات عالیه را در دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا به پایان رساند و از شهریور ۱۳۱۶ در دبیرستان پهلوی ساری به تدریس مشغول شد و سپس به نظامت و ریاست دبیرستان منصوب گردید. مدت پنج سال در این سمت خدمت کرد و بعد ریاست فرهنگ شهرهای بابل و انزلی و چند بخش فرهنگ تهران را به عهده داشت. او چندی نیز به تدریس پرداخت و مدت ده سال رایزنی فرهنگی در عراق را بر عهده داشت. تألیفات چاپ شده او عبارتنداز: فرهنگ عوام آمل، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم (دو جلد).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پرور، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل پرور

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم ریاضی ، وارد شهر مقدس قم شده و تحصیل علوم حوزوی را نزد برخی از اساتید این شهر آغاز کردم . از سال ۱۳۷۵ توفیق شرکت در دروس خارج حضرت آیت الله جوادی آملی را یافتم و پاره ای از ابواب فقهی و معارف تفسیری را از این استاد فرزانه فرا گرفتم . همزمان با تحصیل علوم فقه و اصول ، به پژوهش در مباحث عقلی پرداختم و در سلسله جلسات پژوهشی مرحوم حجت الاسلام سید منیرالدین حسینی شیرازی - بنیانگذار فرهنگستان علوم اسلامی- شرکت کردم و از نزدیک با اندیشه های ایشان در زمینه ضرورت تدوین و طراحی علوم اسلامی و لزوم دست یابی به مدل اداره جامعه بر پایه احکام دین آشنا شدم و در این میان با برخی از مراکز پژوهشی دیگر مانند مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما نیز همکاری خود را آغاز نموده و چند کتاب و مقاله به رشته تحریر درآوردم .

پروین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری، ملقب به شمس‌الحاجیه از زنان فاضل، ادیب و شاعر. وی ربیبه‌ی حاج میرزا حبیب خراسانی (۱۳۲۷ -۱۲۶۶ ق)، از علما و شعرای معروف خراسان بود. پروین بسیاری از اشعار میرزا حبیب را جواب می‌گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت. از اشعار اوست:

وصل یار و فصل فروردین خوش است

طرف جوی و لاله و نسرین خوش است

خوش نباشد هر خطی در هر لبی

گرد آن لب آن خط مشکین خوش است

بر گلستان رخت شب تا سحر

همچو بلبل ناله پروین خوش است[۱]

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر. ملقب به شمس الحاجیه. وی نادختری حاج میرزا حبیب خراسانی بود. پروین بسیاری از اشعار میرزا حبیب را جواب گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منبع: صد سال شعر خراسان، ۱۶۷.

[۲] صد سال شعر خراسان (۱۶۷)، مشاهیر زنان (۴۴ -۴۳).

پروین گنابادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۸۲ در خراسان متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس قدیم مشهد گذرانید و از محضر دانشمندان بزرگی مانند ادیب نیشابوری استفاده کرد. در ادبیات فارسی و عربی سرآمد اقران شد. کار اداری خود را از معلمی آغاز نمود و مدت‌ها بدین شغل اشتغال داشت. ریاست چند دبیرستان و دانشسرای مشهد با او بود. در ۱۳۲۲ از طرف مردم سبزوار به نمایندگی مجلس انتخاب گردید و جزء نمایندگان دوره‌ی چهاردهم قرار گرفت. در آن مجلس فراکسیون‌های مختلفی به وجود آمد، از جمله فراکسیون حزب توده که هشت عضو داشت و محمد پروین گنابادی به لحاظ مردم‌دوستی و عواطف شدید اجتماعی و به خیال اینکه آن حزب مدافع زحمتکشان است، به آن فراکسیون پیوست. فراکسیون حزب توده ماجراهای زیادی در مجلس آفرید. مشاجرات تندی بین اعضای آن و بعضی از نمایندگان و اعضای دولت در تمام مدت عمر مجلس چهاردهم وجود داشت، ولی گنابادی در این مشاجرات هیچ‌گاه وارد نمی‌شد و فقط در رأی تابع آن بود.

پس از ختم مجلس، از سیاست به کلی گسست و به وزارت فرهنگ بازگشت و از نو به همان کار تدریس اشتغال ورزید، تا عضویت مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا را قبول کرد و تا آخر عمر در آن مؤسسه‌ی علمی اشتغال داشت. در طول عمر خود دست به تألیف چندین کتاب مفید زد و در تصحیح متون کهن تلاش بسیار نمود. ترجمه‌ی مقدمه ابن‌خلدون در دو جلد از کارهای سترگ اوست. کتاب‌های راهنمای مطالعه، پرورش اراده، دستور زبان فارسی، شیوه‌ی نگارش و فن مناظره از آثار دیگر او به شمار می‌رود. دانشگاه تهران به پاس خدمات فرهنگی وی، در ۱۳۵۵ درجه‌ی دکترای افتخاری به او داد. او همیشه از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی را به سختی می‌گذرانید. چون علو طبع داشت، از کسی چیزی قبول نمی‌کرد و با مختصر حقوق بازنشستگی امرار معاش می‌نمود. مردی صالح، زحمتکش و محققی بی‌مدعا بود. حقی که او در تکمیل و تتمیم لغت‌نامه‌ی عظیم دهخدا دارد، بسیار گران است و زحمات هیچ‌کس دیگر شاید به پای زحمات وی نرسد. پروین گنابادی در ۱۳۵۷ در ۷۵ سالگی درگذشت. شاگردان، هواخواهان و ارادتمندانش مجموعه‌ی مقاله‌ای تهیه کرده‌اند و به نام او به خود او تقدیم داشته‌اند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

پروین، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام: علی

شهرت: پروین

محل تولد: تهران

متولد: ۱۳۲۵

فرزند: احمد

قد: ۱۶۹ سانتی‌متر

شماره پا: ۴۱

رنگ چشم: سبز

فرزند ششم خانواده (دارای ۳ برادر و ۴خواهر) علی پروین کاپیتان سابق تیم‌های ملی و پرسپولیس متولد تیرماه ۱۳۲۵ در تهران است علی پروین [وب‌سایت شخصی] فوتبال را از مقطع جوانان و با تیم کیان شروع کرد. مربی پروین در این تیم منصور امیر آصفی بود. در سال ۴۶ از سوی رایکوف به تیم ملی جوانان دعوت شد و تا پایان دوران حرفه‌ای خود همیشه یکی از بازیکنان ثابت تیم ملی بود. پروین پس از تیم کیان فوتبال را در تیم پیمان ادامه داد اما با انحلال این تیم دوران بازیگری پروین در تیمی که خانه او به شمار می‌رود شروع شد: پرسپولیس خود او در مورد پیوستن به پرسپولیس می‌گوید: یک روز درخانه نشسته بودیم که همایون بهزادی و دکتربرومند به سراغم آمدند و به خاطر آنها با پرسپولیس قرارداد امضا کردم.

پروین در بازی‌های جام‌جهانی ۱۹۷۸ کاپیتان تیم ملی ایران بود. خود او اما بهترین بازی عمر حرفه‌ای فوتبال خود را بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۸ می‌داند: بهترین بازی عمرم با استرالیا در پیکارهای مقدماتی جام جهانی۱۹۷۸ بود که در ورزشگاه آزادی برگزار شد و بازی، با پاس گل من (۱ بر صفر) به سود ما تمام شد. آخرین حضور رسمی پروین در میادین فوتبال به بازی پرسپولیس و دارایی به تاریخ ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۶ بازمی‌گردد.

پرهیزکار، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا پرهیزکار

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامرضا پرهیزکار دبیرستان را در رشته ریاضی در زادگاهم استهبان به پایان بردم و پس از آن جهت تحصیل درعلوم دینی و در سال ۱۳۷۰؛ به حوزه علمیه قم آمدم. ۶ سال نخست را در مدرسه معصومیه(س) و پس از آن به سبک معمول در حوزه در درس های آزاد شرکت کردم و در سال ۱۳۸۰ و پس ازاتمام دوران سطح به درس خارج اشتغال یافتم و تاکنون (سال ۸۵) مشغول به تحصیل هستم. ضمن تحصیل در حوزه از سال ۷۷ به بعد در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) نیز مشغول تحصیل در رشته جامعه شناسی شدم و هم اکنون در حال نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر گرایش به مهدویت در ایران و بررسی موردی زائرین مسجد جمکران» می باشم. و به تازگی نیز در گروه جامعه شناسی مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما مشغول به فعالیت شده ام.

پرهیزگار، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا پرهیزگار استاد بخش زبان و ادبیات انگلیسی دردانشگاه شیراز است . او به ویژه درمورد ترجمه فعالیت می کند . او دانستن یک زبان خارجی را برای ترجمه کافی نمی داند. وی دانش زبان شناسی با شاخه منظور شناسی راجهت ترجمه لازم و ضروری می داند او همچنین نظریه تاویل یا هرمنوتیک را از لوازم ترجمه شمرده است .گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : زبان های خارجی فعالیتهای ضمن تحصیل : مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد رضا پرهیزگار ،ترجمه است . او براین عقیده است که امروزه کسانی که زبان شناسی می خوانند، دو رشته جدید را تحصیل می کنند که بدون اطلاع ازاین دورشته ، یک ترجمه خوب به دست نمی توان داد . مگر به طور تصادفی ، آن دو دانش ،یکی دانش زبان شناسی باشاخه منظور شناسی است که همان پراگماتیک و گفتمان و تحلیل سخن کاوی یا دیسکوآنالیزیسم است و دیگر شناخت نظریه های متاخر وجدی ادبی است مثل نظریه تاویل یا هرمنوتیک می باشد .وقایع میانسالی : مهمترین امر این دوران رو آوردن محمد رضا پرهیزگار به ام ترجمه است . او که سخت به ترجمه علاقمند است براین باور می باشد که ما ضمن اینکه نقد ترجمه داشته باشیم ،ازطریق مطبوعات نیز به طور مرتب ترجمه های خوب را معرفی کنیم تا خوانندگان به سراغ ترجمه های غلط و نادرس نروند .آرا و گرایشهای خاص : محمد رضا پرهیزگار زمینه آفرینش کارفرهنگی رادرترجمه ، آشفته می داند . او معتقد است که بعد ازانقلاب اسلامی ،بسیاری از مردم به دلیل تجربه هایی که دریک زبان خارجی داشتند و یا دردانشگاهها انگلیسی و فرانسه خوانده بودند ،به ترجمه وری آوردند و این تنها ظاهر قضیه است . اینها گمان می کردند دانستن یک زبان خارجی برای ترجمه کافی است . اما این درست نیست و آشفتگی می آفریند .آثار : ترجمه رنگ ارغوانی ویژگی اثر : این رمان تالیف خانم آلیس و اکران است .

پریمی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی پریمی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجایب علی پریمی دارای تحصیلات حوزوی ودانشگاه می باشم .تحصیلات حوزه خود را تا پایه دوم در حوزه علمیه دامغان درسالهای ۶۷-۶۸ سپری نمودم وسال۱۳۶۹وارد حوزه علمیه قم شدم و تاکنون مشغول تحصیل هستم که حدود هشت سال سابقه حضور در دروس خارج فقه واصول را دارم .همزمان با تحصیلات حوزوی ،تحصیلات متوسطه و بعد قبولی در دانشگاه را کسب

نمودم و دررشته ادبیات وزبان فارسی مدرک کارشناسی را دریافت نمودم و بعد در دانشگاه باقرالعلوم (ع)قم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم و از سال ۷۹تاکنون در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)به عنوان محقق و مسئول کتابخانه تخصصی علوم عقلی مشغول به تحقیق و پژوهش هستم . ازسال ۱۳۸۰تاکنون در دانشگاههای مختلف کشور (پیام نور قم،دامغان ،صنعتی شاهرود،آزاداسلامی دامغان،وشاهرود)در رشته فلسفه ،دروس عمومی و رشته حقوق مشغول به تدریس هستم .

پزشکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد پزشکی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

پژمان بختیاری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۷۹ ش)، شاعر و مترجم. از مردم تهران بود، مادرش خانم عالم تاج، متخلص به ژاله از دودمان میرزا ابوالقاسم قائم مقام، وزیر محمد شاه بود. وی تحصیلات خود را در مدارس تهران گذراند و در رشته‌های علوم ادبیات و عربی و زبان فرانسه اطلاعات خود را کامل کرد و پس از آن به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. پژمان در هیجده سالگی به سرودن شعر پرداخت و آثارش در روزنامه‌ها و مجلات مختلف به چاپ رسید. او از شعرای خوش‌ذوق و تجددخواهی است که آثارش از لطف کلام و انسجام لفظی و معنوی برخوردار است. از آثارش: منظومه‌های «سیه روز»؛ «زن بیچاره»؛ «محاکمه‌ی شاعر»؛ «خاشاک»؛ و همچنین ترجمه‌ی کتابهای: «وفای زن»؛ «آتالاورنه»؛ «پیشه»؛ «دزد اطفال»؛ «قمار»؛ «کرسیل»؛ «گربه‌ی سیاه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۳۶ -۳۵)، از بهار تا شهریار (۳۸۸ -۳۸۴)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (۱۶۷ -۱۶۴)، چون سبوی تشنه (۱۸۰ -۱۷۸)، دویست سخنور (۶۴ -۶۲)، سخنوران نامی (۱۴۴ -۱۳۶ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۸۰۳ -۷۹۸ /۲)، صدف (۱۴۴ -۱۱۴)، گلزار معانی (۱۸۷ -۱۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۹ -۸۲۷ /۲).

پسندیده، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس پسندیده

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در شهر محلات متولد شدم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه القائم محلات شده و از محضر اساتید آن حوزه به خصوص مرحوم آیت الله سید طه مقدسی بهره بردم. در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه ولی عصر خوانسار شدم و از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله تقدیری و دیگر اساتید معظم آن حوزه استفاده کردم. در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از اتمام دروس سطح، در دروس خارج حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی و جوادی آملی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۳ همکاری علمی خود را با مرکز تحقیقات دارالحدیث آغاز کردم که همچنان ادامه دارد. همچنین از سال ۱۳۸۲ به تدریس در دانشکده علوم حدیث و از سال ۱۳۸۳ به تدریس در رشته تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم اشتغال دارم.

پناهنده، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۷۱ که تحصیلات اولیه خود را در گز و در مسقطالراس خویش شروع و سپس در مدارس حوزوی عصر خود در اصفهان بادامه تحصیل مشغول و دروس مقدمات و سطح و خارج را در محضر بزرگانی هم چون سیدابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی ادامه داده و به حوزه نجف مراجعه و پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ هجری شمسی مجدداً باصفهان مراجعه و با عنایت به فضایل علمی و اجتماعی در مقام خطابه و منبر و اقامه جماعت و ترویج شریعت پس از یک بیماری طولانی در سن ۸۱ سالگی در سنه ۱۳۵۱ ه. ش وفات و در تخت فولاد اصفهان در تکیه کازرونی بخاک سپرده شدند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

پناهی، علی احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی احمد پناهی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی احمد پناهی فرزند شمس الله تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در فراهان اراک گذرانده و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی ،در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم گردیدم.دروس مقدماتی وسطح را در مدرسه علمیه امام علی (ع)و مدرسه معصومیه به پایان بردم و دروس سطح عالی و خارج را در مدرسه آقای گلپایگانی و مسجد اعظم،ادامه دادم.و الآن حدود ۹سال است که در درس خارج شرکت می کنم.هم زمان با تحصیلات حوزوی ،دروس جدید را از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)پی گیری کردم.و دوره کارشناسی ارشد معارف را در این مؤسسه به پایان بردم و سپس در اداره کارشناسی ارشد روانشناسی شرکت کرده و آن را در سال ۸۲به پایان بردم و الآن به عنوان محقق در مؤسسه امام خمینی مشغول هستم.ضمنا حدود ۱۵ سال است که از مراکز روستایی،سپاه،و بیشتر در مراکز دانشگاهی هم(در ایام رمضان،محرم،و غیره)به تبلیغ می پردازم.

پور طباطبایی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجید پور طباطبائی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در مورخه یکم شهریور ماه ۱۳۳۶ در تهران متولد شدم، سه سال اول ابتدایی را در قم خواندم از تابستان ۱۳۴۵ به تهران منتقل شدم.دیپلم ریاضی خود را در سال ۱۳۵۴ از دبیرستان محمد علی فروغی تهران دریافت کردم. از سال ۱۳۵۰ مشغول آموختن زبان انگلیسی در مؤسسات انگلیسی شکوه، ملی زبان، انجمن ایران و آمریکا (کانون زبان فعلی) بودم. در همان سال در کنکور سراسر در رشته زبان انگلیسی مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی پذیرفته شدم. تحصیل در دورهٔ کارشناسی مدت سیزده سال طول کشید و در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم. علاقه به ادبیات و سینما از سال ۱۳۴۹ به واسطه آشنایی و رفاقت با یکی از اقوام (که دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه تهران بود) در اینجانب شکل گرفت. (این علاقه منجر به تسلّط نسبی به ادبیات و سینمای قبل از انقلاب ایران و جهان شد که البته با هدایت و راهنمایی‌های مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری(ره) (مشهور به عین – صاد) شکل و سمت و سوی مناسب شد.

در سال ۱۳۵۷ (اردیبهشت ماه) به خاطر شرکت در فعالیت های سیاسی به مدت یک ترم از دانشگاه اخراج شدم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دانشگاه باز گشتم.از اواخر سال ۵۹ با آشنایی با مرحوم آیت الله رحمانی خلیلی که به تازگی از نجف به تهران آمده بود علاقمند به آموختن دروس حوزوی گشتم، البته این علاقه بیشتر ریشه در آشنایی با مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری که در اواخر سال ۱۳۵۵ در منزل یکی از اقوام که از مکه آمده بود شروع شده بود.از مهر ماه ۱۳۶۰ به طور رسمی از تهران به قم منتقل شدم تا برای آموزش حوزوی خود شکل مناسب و مفیدی فراهم کنم. با توجه به سن (حدود ۲۴ سال) و تلاش برخی از فضلای حوزه دروس ادبیات را تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۱ به پایان بردم.تیر ماه ۶۱ با زمزمه بازگشایی دانشگاه‌ها به تهران

باز گشتم ولی دروس حوزوی را رها نکردم و به طور خصوصی از محضر حجهٔ الاسلام و المسلمین مرحوم شیخ مجتبی عاملی زید عزه متوفای فروردین ۱۳۸۵ در محله سرچشمه تهران دروس معالم و کتابهای اولیه شرح لمعه استفاده کردم.
در اواخر سال ۱۳۶۱ با تشکیل پرونده رسمی در حوزه علمیه قم تصمیم به اقامت دائمی در قم گرفتم و از همین رو از شهریور ۶۲ ادامهٔ دروس سطح را پی گرفتم. اصول فقه مظفر را از استاد فقیهی استفاده کردم، و کتابهای مختلف (لمعه) را از بزرگانی چون مرحوم پایانی، حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حجه الاسلام محامی (زید عزه) فرا گرفتم. پس از آن فراگیری مکاسب محرمه و رسائل را به طور همزمان از محضر اساتیدی چون حجهٔ الاسلام اعتمادی، موسوی تهرانی(زید عزه) آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری آغاز کردم. پس از اتمام رسائل، کفایه جلد یک را از محضر آیت الله صفایی حایری و جلد دوم را از محضر حجه الاسلام موسوی تهرانی استفاده کردم. بیع و خیارات را هم از محضر مرحوم صفایی حایری بهره بردم.در سال ۱۳۶۹ موفق به پایان دوره سطح و گذراندن امتحانات شفاهی پایه دهم شدم. درس خارج خود را به منظور فراگیری رجال، با همراهی چند تن از فضلا با حضور در درس خارج (حج) حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی شب ها یک ساعت پس از نماز مغرب و عشاء در منزل ایشان آغاز کردم. (در آن تاریخ سال هشتم درس حج ایشان بود که با حضور حدود ۱۲ تن ادامه می یافت). همزمان در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت می‌کردم. پس از دوسال درس خارج فقه خود را در محضر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی و خارج اصول را در محضر آیت الله مومن ادامه دادم.
در همان سال‌ها حضرت آیت الله مومن مسائل مستحدثه را در روزهای جمعه در منزل خود با حضور ۷ الی ۸ نفر پی‌می‌گرفتند که اینجانب نیز در آن حلقه شرکت می‌کردم. در طول این مدت (از سال ۶۹ تا ۷۸) جمعی از فضلا به صورت موضوعی بر روی برخی عناوین فقهی کار دسته جمعی انجام می‌دادند و وقتی در هر موضوع جزئی به نتایجی دست می‌یافتند، حاصل مطالعه خود را به عرض مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری می‌رساندند و ایشان نتیجه بررسی‌های آنان را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و نواقص کار آنان را گوشزد و سمت و سو می‌داد. افتخار همراهی دوستان در این محفل را نیز داشتم.از سال ۱۳۶۴ به دلیل آن که دروس متداول حوزوی عطش اینجانب و جمعی از دوستان که همگی دروس دانشگاهی را نیمه تمام گذارده و به حوزه آمده بودیم،را پاسخ نمی گفت با هدایت مرحوم آیت الله صفایی حایری به بررسی مطالعه عرفان و فلسفه پرداختیم این سیر مطالعاتی حدود ۳ سال طول کشید که برای اینجانب حاصلی به عنوان بررسی فلسفهٔ افلاطونی و تأثیر آن بر عرفان و فلسفه مسیحیان و مسلمانان را داشت که به دلیل وسواس های اینجانب هنوز برای نشر به هیچ ناشری ارائه نشده است.
از سال ۱۳۶۷ همین جمع به دلالت و هدایت مرحوم استاد به مطالعهٔ تاریخ اسلام رو آوردیم که برای اینجانب حاصلی تحت عنوان (ابوطالب تجلی ایمان) داشت که بعدها با تجدید نظر به چاپ رسید.از سال ۱۳۷۱ با آشنایی با دکتر علی لاریجانی که به واسطه حجهٔ الاسلام مهندس مجتبی همدانی (که از زمان حضور در واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال های ۵۸ – ۶۰ با یکدیگر آشنایی و رفاقت داشتیم) به وزارت فرهنگ و ارشال اسلامی و در پی آن صدا و سیما راه یافتم و در کنار دروس حوزوی به انجام خدماتی نائل آمدم. در سال ۱۳۷۵ با تشکیل دانشکده اصول دین، در اولین دوره آن دانشکده پذیرفته شدم که در سال ۱۳۷۸ از آن دانشکده با نگارش پایان نامه‌ای تحت عنوان جایگاه صحیح مسلم در سیر تدوین حدیث (که از نمرهٔ ۲۰ برخوردار شد) فارغ التحصیل گردیدم. این پایان نامه در ششمین دوره پایان نامه برتر رتبهٔ اول مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات را به خود اختصاص داد. این رساله بالغ بر ۵ جلد و ۱۵۶۰ صفحه آ- چهار است که هنوز هیچ ناشری خود را برای چاپ و نشر آن به خطر نینداخته است. در پایان خاطر نشان می‌شود که در حال حاضر در حال نگارش پژوهشی تحت عنوان رویارویی خاورشناسان با قرآن در حدود ۱۰۰۰ صفحه برای مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم.

پور منصوری، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل پور منصوری

محل تولد : رامسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه تحصیلات حوزوی خود را ادامه دادم. پس از اتمام دروس سطح حوزوی در سال ۶۶- ۶۵در درس خارج آیت الله منتظری و آیات عظام شرکت و در سال ۱۳۷۲ در کلاس های تخصصی قوه قضائیه شرکت نمودم . از سال ۱۳۶۸ به بعد نگارش و تحقیق را شروع و در همان سال کتاب نظریهٔ الوصف را نگاشته و در سال بعد به چاپ رساندم. پس از آن کتب متعدد و صدها مقاله علمی و قرآنی را تألیف و در مطبوعات کثیرالانتشار چون کیهان به چاپ رساندم.

پوراکبر، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی پور اکبر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

پورامینی، محمد باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر پور امینی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد باقر پور امینی در سال ۱۳۴۷ متولد شد . تحصیلات ابتدائی تا دبیرستان را در قم گذراند و به سال ۱۳۶۶ مقدمات دروس حوزوی را آغاز کرد . سپس دروس سطح را خدمت اساتید بزرگواری همچون آیات و حجج الاسلام طالقانی (لمعه) ، محمدی خراسانی (لمعه) ، حسینی بوشهری (اصول فقه) ، احمدی میانجی (مکاسب) ، استادی (مکاسب) ، پایانی (مکاسب) ، موسوی تهرانی (رسائل و کفایه) و بیگدلی (کفایه) فرا گرفت . در سال ۱۳۷۲ کارشناسی علوم سیاسی را اخذ نمود . وی از سال ۱۳۷۶ در درس خارج فقه آیت الله زنجانی و اصول آیت الله کوکبی شرکت کرد و از سال ۱۳۷۹ تا کنون نیز در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی حضور دارد و همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، به فعالیت های تبلیغی ، تدریس و تالیف نیز پرداخته است .

پورحسن امیری، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر پورحسن امیری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۶ در یک خانواده کشاورز مذهبی متولد شدم. دروس ابتدایی در حد قرائت قرآن و کتب فارسی ادبی از قبیل دیوان حافظ و نصاب و غیره را در مکتبخانه های متداول آن زمان آموختم. با توجه به گرایش های دینی و مذهبی خانواده و روش و منش شخصی خودم همسایه ها و هم محلی ها به پدرم پیشنهاد نمودند که وارد حوزه علمی دینی شوم . ابتدا به مدرسه صدر اعظم بابل که فعلا بعد از تجدید بنای مفصل به مدرسه خاتم الانبیاء (ص) تغییر نام یافته ، وارد شدم و بعد از فراگیری مقداری از جامع المقدّمات در حد صرف میر و مقداری از نجوم از محضر اساتید بویژه مرحوم شیخ اسماعیل قشقاوی که تسلط فوق العاده ای به صرف و نحو داشت در معیت یکی از طلاب منطقه که سید متدینی بود که جنبه سرپرستی و راهنمایی نسبت به من داشت وارد حوزه علمیّه قم شدیم و برنامه آموزشی ما با توجه به نبودن یک برنامه آموزشی در آن زمان و انتخاب استاد و حجره ، داستان مفصلی دارد . اجمالا بعد از گذراندن ادبیات در سطح سیوطی و حاشیه و مغنی و غیره وارد لمعتین و قوانین شدم . اساتید این دوره عبارت بودند از آقای صلواتی و مرحوم سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی که تا آخر در شورای عالی قضایی مشغول بود و جناب آقای شیخ مصطفی اعتمادی و غیره و اساتید دوره عالی سطح عبارت بودند از حضرات آقایان نوری همدانی، جعفر سبحانی و فاضل لنکرانی . حکمت و فلسفه را هم در حد منظومه و اسفار از محضر اساتیدی چون آقایان محمدی و امینی گیلانی و آقای جوادی آملی و بعضی دیگر استفاده نمودم ؛ ضمناً بعد از فوت آقای بروجردی و گذشتن چند سال وضع حوزه از نظر امتحان ، صورت جدیدی به خود گرفت و امتحان حوزه در دو قسمت کتبی و شفاهی در یک تشکیلاتی که زیر نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی عمل

می کرد اداره می شد و سه رتبه داشت و من قبل از سال پنجاه حدود سال ۴۷ و ۴۸ امتحانات حوزه را در دو مرحله دوم و سوم گذراندم . دروس خارج حوزه را در مقطع فقه و اصول از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی فرا گرفتم ؛ ضمناً دروس حوزه مخصوصا درس های خارج را در دفتر یادداشت می نمودم.

بعد از گذراندن چند سالی از شرکت در درس خارج با توجه به علاقه به کار علمی- تحقیقی از سال ۶۴ با شروع در مؤسسه آل البیت(ع) همراه اشتغال و ادامه تحصیل مشغول کار تحقیقی شدم و بعد از چند ماهی وارد انتشارات جامعه مدرسین گردیدم . ابتدا کارهای مقابله و استخراج و بعد از گذشت مدّتی به کارهای نهائی از قبیل تصحیح و انتخاب متن و بررسی نهائی منابع و غیرهما پرداختم و کارهای زیادی شد. از قبیل تصحیح متن و تنظیم فهرست حاشیه مرحوم آقا ضیای عراقی که به تنهائی انجام دادم ؛ تصحیح و انتخاب متن مختلف الشیعه علّامه که این قسمت مربوط به من بود و رفقای دیگر هم در بخش های دیگر کار می کردند که در مقدمه آن اشاره گردیده و بررسی مجدد سرائر ابن ادریس بعد از تحقیق دیگران و سایر کارها .

تا اینکه مقدّمات برگزاری کنگره شیخ انصاری فراهم گردید و تحقیق و بررسی کتب شیخ جزو کار اصلی آن بود و اینجانب توسط حاج آقای انصاری (مسئول بررسی کتب شیخ و مولف موسوعه الفقهیه المیسره) دعوت به همکاری شدم که با رفتن به آن موسسه فصل جدیدی در کار تحقیق برای من باز شد و تقریباً در همه کتاب های شیخ مخصوصا مکاسب و صلاهٔ و طهارت و غیره که مجموعا ۲۸ جلد می شود همکاری داشتم .

پورحسین، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی پورحسین

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

فروردین ۱۳۶۳ از هنرستان فنی راه و ساختمان بابل وارد حوزه علمیه رستمکلاه در شهرستان بهشهر مازندران شدم. تابستان ۱۳۶۴ به حوزه علمیه اصفهان رفته در مدرسه ذوالفقار این شهرستان ادامه تحصیل دادم. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری بخشی از سطوح عالی حوزه، در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی سه سال با تطبیق دروس فراگرفته شده با سیستم رسمی حوزه قم و شرکت در امتحانات و با اتمام رسمی دروس سطح در سال ۷۳ وارد درس خارج شدم. و از محضر حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، جعفر سبحانی و یوسف صانعی بهره گرفتم. همزمان با فراگیری دروس خارج از محضر اساتید بزرگوار حوزه در سال ۱۳۷۱ وارد مرکز آموزش موسسه در راه حق شده سپس در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ادامه تحصیل داده و در سال ۱۳۷۹ با اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۵ با آشنایی با حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین سروش محلاتی در درس‌های خصوصی فقه سیاسی بسیار پربار ایشان شرکت کرده که همچنان ادامه دارد. همچنین طی چهار سال از دروس خصوصی قواعد فقه و فقه حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین سید ضیاء مرتضوی بهره بسیار بردم. در سال ۱۳۷۶ با پیوستن به جمع محققان و نویسندگان صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی در این راه قدم گذاشته، همچنان بر این افتخار باقی می‌باشم. در سال ۱۳۸۰ با دعوت استاد بزگوار مرتضوی همکاری با فصلنامه حکومت اسلامی وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان را آغاز و طی شش سال ضمن اداره بخش علمی این مجله، مقالاتی را نیز به رشته تحریر درآوردم. همچنین در سال ۱۳۸۴ با عقد قرارداد پژوهشی با مرکز تحقیقات حکومت اسلامی، همکاری با این مرکز خوشنام را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. تدریس در دانشگاه یکی دیگر از فعالیت‌های علمی بنده می‌باشد که ادامه دارد.

پورحسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۹ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به واصل. وی در کرمان متولد شد. و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در همان شهر گذراند، پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی موفق به دریافت لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. سپس به کرمان بازگشت و به تدریس پرداخت و روزنامه‌ی «روح‌القدس» را در کرمان، به مدت سه سال منتشر کرد. برخی از مشاغل وی عبارت‌اند از: ریاست دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهداد، رفسنجان، کرمان. واصل در سال ۱۳۳۷ ش به وزارت فرهنگ و هنر تهران انتقال یافت و در خلال خدمت اداری، و در رشته‌ی فلسفه و علوم

تربیتی دکترا گرفت و به مقام استادی دانشگاه رسید. مدفن او در کرمان است. از آثار وی:

ترجمه‌ی «اخلاق نیکو ماخس» ارسطو؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «سلامان وابسال»؛ «فیثاغورثیان»؛ «رواقیون»؛ «لغت‌نامه گویش کرمانی»؛ «فلاسفه قبل از ارسطو»؛ «اخلاق عملی» و «دیوان» اشعار.[۱]

مدرس، مترجم.

تولد: ۱۲۹۹، کرمان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۶۵، شهداد.

سید ابوالقاسم پورحسینی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان برد. آنگاه به تهران آمد و در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه فارغ‌التحصیل شد و به زادگاه خود بازگشت و با شغل دبیری کار فرهنگی خود را آغاز نمود. وی در طول چهل سال خدمت فرهنگی مشاغلی متعدد چون نظامت دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دانشسرای کرمان و فرهنگ شهداد و رفسنجان، معاونت استان کرمان و... برعهده‌اش بود. طی پانزده سال خدمت فرهنگی در استان کرمان حدود ۱۲۲ مدرسه‌ی ابتدایی در این شهر احداث کرد. در سال ۱۳۳۷ به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و پس از چندی به ریاست دبیرخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد (۱۳۶۲ -۱۳۴۲) و در ضمن به تدریس در این دانشکده نیز می‌پرداخت.

در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه دکتری گرفت. در طی اقامتش در کرمان روزنامه «روح‌القدس» را پی افکند و سه سال متوالی آن را منتشر نمود و دو نشریه را در دانشسرای مقدماتی کرمان فراهم ساخت. مقالات و اشعار او در روزنامه‌های «استقامت»، «صدای کرمان» و «بیداری» چاپ می‌شد.

دکتر پورحسینی شعر نیز می‌گفت و غزلیات، دو بیتی‌ها و قصادی از او به یادگار مانده است و تخلص او «واصل» بود. وی از سال ۱۳۳۵ به بعد در هیئت مدیره‌ی انجمن ابدی عضویت داشته است.

فهرست آثار دکتر پورحسینی به شرح زیر است: ترجمه‌ی اخلاق نیکوماخوس ارسطو به فارسی و تطبیق آن با کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (الطهاره) مسکویه، ترجمه رساله سلامان و آبسال ابن سینا، فراسوی تناقض، افلاطون، مشارب عمده‌ی اخلاقی، فلسفه‌ی اپیکور، فلسفه‌ی رواقی، فلسفه‌ی اخلاق شرح نمط نهم اشارات، فیثاغورثیان، از انتشارات مجلهی «دانشکده‌ی ادبیات، رواقیون، رساله‌ای درباره‌ی فلسفه‌ی اخلاقی ابن حکماء کتب و آثار خطی مسکویه به صورت مقاله در مجله‌ی «معارف اسلامی»، ترجمه‌ی اشعار در مجله‌ی «یغما». آثار ترجمه نشده‌ی وی عبارتند از فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان، فلسفه‌ی بعد از سقراط، سقراط، هراکلیتوس، فلسفه‌ی یاسپرس، سلسله مقالات عرفانی، مردمی و نامردمی‌ها.

پیکر دکتر پورحسینی بنا بر وصیت خود در جوار مرقد امامزاده زید به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۶۸ -۱۵۸)، الذریعه (۱۲۴۹/۹)، ستارگان کرمان (۱۲۹ -۱۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۱۶ -۳۸۱۳ /۶).

پورسید آقایی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود پور سید آقائی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

پورکاشیان، آتوسا

قرن:۱۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

آتوسا پور کاشیان (زاده ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۷ در تهران) استاد بین‌المللی بانوان شطرنج ایرانی است

پورکاشیان قهرمان شطرنج زیر ۱۲ سال جهان و برنده مدال برنز شطرنج تیمی (به همراه الشن مرادی و احسان قائم مقامی) در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ است او نماینده ایران در مسابقات جام جهانی روسیه بود آخرین ریتینگ او در اکتبر ۲۰۰۸ ۲۲۴۱ بوده است.

پورمحمد، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن پور محمد

محل تولد : --

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بنده از یک خانواده متوسط روستایی هستم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. سه فرزند دارم به ترتیب فاطمه متولد ۱۳۶۸ ، حسین متولد ۱۳۷۳ ، محمّد مهدی متولد۱۳۸۱ و همسرم نیز معلّم هستند. در رشته خدمات بازرگانی در سال تحصیلی ۶۲ ـ ۶۳ دیپلم گرفتم. بلافاصله به حوزه علمیّه قم رفتم و در مدرسه علمیّه رسول اکرم (ص) به تحصیل علوم حوزوی پرداختم. تحصیلات حوزوی را در مدرسه امام باقر علیه السلام ادامه داده ، سطح را تمام کردم و در دروس خارج آیات عظام: فاضل لنکرانی (حج) جوادی آملی (صوم و خمس) و مکارم شیرازی (حدود و ارتداد) سبحانی (نماز و طهارت) واز درس خارج اصول اساتید معظم سبحانی و لاریجانی بهره بردم. البته از درس های آیت الله محفوظی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی(ره) نیز استفاده کرده ام. و اسفار را در محضر استاد مصباح یزدی و استاد فیاضی آموختم. در کنار تحصیل در حوزه در این دوره به مدت یک سال در جبهه های نور علیه ظلمت داوطلبانه حضور داشته ام. بعد از جنگ در سال ۱۳۶۸ با شرکت در کنکور سراسری در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه غرب را دریافت نمودم. در سال ۱۳۷۳ در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در این دوره به عنوان دانش پژوه ممتاز شناخته شده و پایان نامه خود را نیز در سال ۱۳۷۶ در موضوع«روح القدس در کتاب مقدس ادیان ابراهیمی» با درجه ممتاز دفاع کردم. همزمان در گروه تحقیقات ادیان به مدّت ۵ سال در محضر استاد حسین توفیقی و دکتر لگنهاوزن فعّالیّت داشتم.

با توجه به اینکه از دروس اسفار آیت الله مصباح یزدی بهره مند می شدم از طرف ایشان در سال ۱۳۷۳ ماموریت یافتم تا گزارش جامعی در خصوص فعّالیّت های علمی در عرصه های علوم عقلی در سطح کشور تهیه نمایم. در نهایت با جمعی از شاگردان ایشان طرح دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی تهیه گردید و بنده به عنوان مسئول گروه های علمی در آن فعّالیّت داشتم. این کار زیر نظر آیت الله مصباح به مدیریت حجّت الاسلام و المسلمین محسن قمی آغاز شد. با توجه به مأموریت حاج آقای قمی به عنوان ریاست نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، بنده نیز به حسب وظیفه در آن شرایط حساس، مسئولیت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان را بر عهده گرفتم و با توجه به موفّقیّت هایی در کار، از سال ۱۳۸۲ باحفظ سمت به عنوان دبیر منطقه ۲ کشوری انجام وظیفه می نمایم و نیز از سال ۱۳۸۱ به عنوان امام جمعه موقت شهرستان ما سال توفیق خدمت دارم.

پورمحمدی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس پورمحمدی از علماء متقی و خدمتگذار و شجاع معاصر است در رفسنجان وی پس از پرورش به شوق تحصیل علوم دینیه به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالیه را از اساتید فراگرفته آنگاه به رفسنجان مراجعت و تا حال حاضر به خدمات دینی و روحی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام و تدریس در مدرسه و اداره عده‌ای از طلاب رفسنجان اشتغال دارد و در ترویج دین و مبارزه با فساد سعی بلیغ و کوششی فراوان دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

پورنامداریان، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر تقی پور نامداریان در سال ۱۳۲۰ در همدان متولد شد. وی در سال ۱۳۵۸ در حالی که فعالیتهای خودرا در آموزش و پرورش ادامه می داد موفق به دریافت درجه دکتری خود از دانشگاه تهران گردید. دکتر پورنامداریان در حال حاضر استاد زبان و ادبیات فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میباشد تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی , بویژه در زمینهٔنقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. اورا می توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست, چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیک فارسی پرداخته است . کتاب"رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی "تقی پورنامداران ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نقد ادبی

والدین و انساب : پدر تقی پور نامداریان قناد بودو شعر هم می گفت . اما آنقدر سرگرم شعر و شاعری بود که قنادی را در حاشیهٔ آن انجام می داد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تقی پورنامداریان تحصیلات خودرا از کلاس سوم ابتدایی شروع نموده و در رشتهٔ ریاضی در زادگاهش دیپلم گرفت و ته معلمی پرداخت . یکی از معلمان دبستان روستای الفوت (در حوالی همدان) وی را به ادامه تحصیل در دانشگاه ترغیب نمود. پورنامداریان پس از موفقیت در امتحانات دانشگاه در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران از روستای الفوت به ازندریان منتقل شد . . وی پس از انتقال به تهران تحصیلات خود را در دورهٔ فوق لیسانس در پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران ادامه داد. او اولین دانشجوی پژوهشکده بود که به تشویق دکتر اتوالقاسمی در آزمون ورودی دکتری دانشگاه تهران شرکت نمود و درسال ۱۳۵۸ از پایان نامهٔ دکتری خود دفاع نموده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : تقی پورنامداریان از مشکلات رفت و آمدخود به تهران در زمان تحصیل, به خصوص در روزهای برفی و بارانی زمستان , و اقامت در مسافرخانه های خیابان ناصرخسرو خاطرات مفصلی دارد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : تقی پورنامداریان در زمان معلمی خود در ازندریان, هر هفته یکی دو روز جهت تحصیل به تهران می آمد . بدین گونه فعالیت معلمی اودر حین تحصیل نیز ادامه داشت . او که تحصیلات دانشگاهی خود را مدیون اصرار دوستان و همکاران خود در روستای ازندریان میداند, پس از یک سال خدمت در ازندریان به روستای قروهٔدرجزین همدان منتقل گشت. وی از این روستا نیز مدت دو سال به تهران رفت و آمد داشت. تا اینکه به تهران منتقل شده و سال چهارم دانشگاه رادرتهران مقیم گشت. اودر تهران شش سال دیگر به معلمی د ردبستان و دبیرستان پرداخت و در این مدت نیز موفق به اخذ درجهٔ فوق لیسانس از پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران شده است . وی بعداز سال اول دانشجویی درپژوهشکدهعلاوه بردرس خواندن , تدریس هم داشت و بطور غیر رسمی به دانشجویان در نوشتن رساله نیز کمک می کرد. هر چند اشتغال بیش از پیش پورنامداریان در دورهٔ فوق لیسانس و اشتغال بسیار وی در دورهٔ دکتری باعث شدکه همسرش ابراز ناراحتی نماید , اما با دفاع از پایان نامهٔ دکتری ااز وضعیت با ثباتی برخوردار گردید.

استادان و مربیان : تقی پور نامداریان دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با درک فیض از محضر اساتیدی چون مرحوم محمد پروین گنابادی – مرحوم دکتر احمدعلی رجایی و دکتر پرویز ناتل خانلری – دکتر سیدجعفر شهیدی – دکتر سیدحسن سادات ناصری و خصوصا ارشادات و راهنمایی استاد دکتر شفیعی کد کنی در سال ۱۳۵۸ طی کرده و به اخذ درجه دکتری در این رشته نایل آمد.

همسر و فرزندان : تقی پورنامداریان سال اول که در پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران دورهٔ فوق لیسانس را می گذراند در مدرسهٔهدف نیز به آموزش خط اشتغال داشت. در این مدرسه با یکی از معلمان آشنا شده و با او ازدواج نمود.

فعالیتهای آموزشی : تقی پورنامداریان که در حال حاضر استاد زبان و ادبیات فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میباشد, در سالهای قبل و پس از گرفتن دیپلم, در روستاهای ملایر(جیجان , مانیزان, کسب, ازندریان, الفوت) به شغل معلمی پرداخته است . در آن دوران وی چند ماه در جیجان و دو سال نیز در الفوت , تنها معلم دهکده بود . او در در دوران تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهایی همچون معلمی , اشتغال در پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران , کمک به دانشجویان در درس و رساله و تدریس در دبستان و دبیرستان می پرداخت . تا اینکه از آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر انتقال یافته و بعنوان مامور در بنیاد فرهنگ ایران مشغول گشته است . در سالهای بعداز انقلاب که بنیادها و فرهنگستان در مؤ سسهٔمطالعات و تحقیقات فرهنگی ادغام شده و بعد هم به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تغییر داد, او و همکارانش تالیف؛فرهنگ تاریخی زبان فارسی ؛را از سال۱۳۶۳ آ غاز نمودند . در خلال این سالها , که سه سال آن در کرهٔجنوبی به تدریس گذشت , در اکثر دانشگاههای تهران از جمله , دانشگاه تهران , تربیت معلم , شهید بهشتی و تربیت مدرس به تدریس پرداخته و به خلق کتب و مقالات متعدد اهتمام ورزیده است .

آرا و گرایشهای خاص : تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی , بویژه در زمینهٔنقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. اورا می توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست, چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیک فارسی پرداخته است . از نمونه آثار وی در نقد ادبی به کتاب در سایهٔ آفتاب :اشاره کرد . در این کتاب نویسنده به مشعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولوی بپرداخته است.

جوائز و نشانها : کتاب"رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی "تقی پورنامداران ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : دکتر تقی پورنامداران ،بیش از ۲۲ مقاله در زمینه رشته تخصصی خود و بیش از ۲ طرح تحقیقاتی را در کارنامه کاری خود دارد. --

------

آثار :

۱ احوال و اندیشهٔ عطار

ویژگی اثر : مقا له

۲ اسباب و صور در غزلهای مولوی

ویژگی اثر : مقا له

۳ استاد زرین کوب و مثنوی

ویژگی اثر : مقا له

۴ بلاغت و گفت و گو با متن

ویژگی اثر : مقا له

۵ پایان بی قراری ماهان

ویژگی اثر : مقا له

۶ پونه های الوند

ویژگی اثر : گزیده شعر های رضا ذوقی

۷ تاملی در شعر احمد شاملو

ویژگی اثر : کتاب

۸ تصحیح و شرح کتاب منطق الطیر عطار

ویژگی اثر : با همکاری دکتر محمود عابدی بوده و نا تمام است .

۹ تصویر آفرینی در مرزبان نامه

ویژگی اثر : مقا له

۱۰ تفسیری دیگر از شیخ

ویژگی اثر : مقا له

۱۱ جلد دوم : داستان پیامبران در کلیات شمس :

ویژگی اثر : نا تمام است

۱۲ چند نکته دربارهٔ شعر شاعران آذری و نظامی

ویژگی اثر : مقا له

۱۳ خانه ام ابری است (نقد و تحلیل شعر نیما)

ویژگی اثر : کتاب

۱۴ داستان پیامبران در کلیات شمس (جلد اول)

ویژگی اثر : جلد ۲ این کتاب در دست تحریر است

۱۵ در سایهٔ آفتاب

ویژگی اثر : نویسنده این کتاب را حاصل بخشی از اندوخته های ذهنی خود -که سبب حصول یک شهود- و ظرایف غریب زبان قرآنی می داند. نویسنده معتقد است در قرآن همه سخن می گویند در عین آنکه متکلم حقیقی همان خداست, و در طول سوره ها توالی و تناوب متکلم دستوری و به اقتضای آن مخاطبها بدون ذکرقرینه ، زبان خاصی را به وجود می آورند , که به این ترتیب می توان عادت ستیزیهای گوناگونی راتصور کرد که در زبان قرآن رخ داده است و ساختارآنرا در قیاس با زبان ما درهم شکسته است. دکتر پور نامداریان در فصل اول کتاب به بررسی پاسخ این سوال می پردازد که چه عواملی سبب می شود شاعرانی مثل سنایی: عطار :مولوی و حافظ در غزلهای عارفانهٔ خود رکن رکین معنی داری یا تک معنایی رادر شعر کلاسیک بشکنند و از میان چهار عامل موثر در تولید شعر یعنی اوضاع سیاسی و اجتماعی : شخصیت فردی شاعر : میراث ادبی و مخاطب شعر : تحول کدام عامل سبب شکسته شدن سد سنت می گردد و تجدد در ارکان سه گانه شعر کلاسیک (زبان ادبی :صورت و قالب ازپیش معین و معنی داری)را به دنبال خودمی آورد . همچنین در این فصل به علت متزلزل بودن رکن معنی داری بوسیلهٔبعضی شاعران می پردازد. نویسنده در بخشی از کتاب با عنوان : صور و اسباب ابهام در غزل های مولوی :کوشیده است تاشباهتهای ساختاری میان غزلها ی مولوی با ساختار قرآن را که نتیجهٔ اشتراک بافت , یعنی بافت وحی است :نشان دهد. بخش دوم کتاب نیزهمین ساخت شکنیهارا در مثنوی پی می گیرد.ضمن آنکه به مناسبت : به شیوهٔ داستان پرداری مولوی و تاثیر این بافت در زبان مثنوی اشاره و برای اثبات مطلب و تفاوت مثنوی با کتابهای تعلیمی مشابه چون حدیقهٔسنایی و مثنویهای عطار مقایسهٔلازم به عمل می آورد.

۱۶ درس فارسی برای فارسی آموزان خارجی

ویژگی اثر : کتاب

۱۷ دیدار با سیمرغ

ویژگی اثر : کتاب

۱۸ رساله های عرفانی ابن سینا و مثنویهای عطار

ویژگی اثر : مقا له

۱۹ رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی

ویژگی اثر : این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است–آشنایی با کتاب رمز و داستانهای رمزی این کتاب شامل ۱۶ بخش است که ۱۰ بخش ابتدای آن در حکم مقدّمه ای است که خواننده را با زمینه ها و سوابق رمز و جلوه های متعدد و متنوع آن در ادب فارسی و فرهنگ ایرانی – اسلامی آشنا می سازد. در این مقدّمه پس از بحث درباره معنی لغوی و اصطلاحی رمز علت رمزی شمردن این داستان ها و سپس رابطه رمز با صور خیال بررسی گردیده است و موارد اشتراک و اختلاف آنها شرح شده و آن گاه نوع برخورد انسان با متعلق معرفت و تأثیر آن در کیفیت بیان مورد مداقه قرار گرفته است. در ۶ بخش بعدی، کتاب مستقیماً با داستان های رمزی ارتباط می یابد و جدایی داستان رمزی از تمثیل و شباهت آن با رؤیا بیان می گردد. در بخش های ۱۴ و ۱۵ به شرح رمزهایی که در داستان های عرفانی – فلسفی ابن سینا و سهروردی آمده، پرداخته و در بخش ۱۶ به مفهوم کلی «رسالهٔ الطّیر» ها اختصاص یافته است. ضمناً خلاصه ای از داستان های مورد بحث در پایان به کتاب منضم شده است.

۲۰ رهروان بی برگ

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۲۱ سفردر مه (نقد شعر احمد شاملو)

ویژگی اثر : کتاب

۲۲ سیری در یک غزل عطار

ویژگی اثر : مقا له

۲۳ شرح گزیده ای از نثرهای شاعرانهٔ عرفانی:

ویژگی اثر : نا تمام است

۲۴ شرح و تحلیل سه رساله از سهروردی

ویژگی اثر : این کتاب در دست تحریر است.

۲۵ شهود زیبایی و عشق الهی

ویژگی اثر : مقا له

۲۶ عالم مثالی شعر حافظ

ویژگی اثر : مقا له

۲۷ عشق و غزل در ادب فارسی

ویژگی اثر : مقا له

۲۸ عطار و ابو سعید ابوالخیر

ویژگی اثر : مقا له

۲۹ غزلهای فارسی فضولی

ویژگی اثر : مقا له

۳۰ فرهنگ تاریخی زبان فارسی

ویژگی اثر : جلد دوم –(با همکاری پژوهشگران مؤسس ?مطالعات و تحقیقات فرهنگی) در دست تحریر است

۳۱ گزیده ای از آثار شیخ اشراق : همراه با شرح و تحلیل

ویژگی اثر : نا تمام است

۳۲ گزیده ای از غزلهای حافظ همراه با شرح :

ویژگی اثر : ناتمام است

۳۳ گزیده ای از نظم و نثر همراه با شرح :

ویژگی اثر : ناتمام است

۳۴ گمشدهٔ لب دریا

ویژگی اثر : مقا له

۳۵ گمشدهٔ لب دریا : دربار هٔ شعر حافظ:

ویژگی اثر : نا تمام است

۳۶ مجلدات :فرهنگ تاریخی زبان فارسی : (با تنی چند از همکاران)

ویژگی اثر : نا تمام است

۳۷ مسالهٔ معنی در شعر کلاسیک و شعر نو

ویژگی اثر : مقا له

۳۸ نقد و تحلیل هزارهٔ دوم آهوی کوهی

ویژگی اثر : مقا له

۳۹ هماهنگی صورت و معنی در شعر بهار

ویژگی اثر : مقا له

۴۰ هویت ملی و شاهنامه

ویژگی اثر : مقا له

پوریا منفرد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین پوریامنفرد

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین پوریا مفرد در سال ۱۳۳۱، در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. وی پس از طی موفقیت‌آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه مشهد شد و پس از طی مقدمات از محضر آیت الله علی اصغر حسینی به کرمانشاه مهاجرت کرد و در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ از محضر آیت الله نجومی، آیت الله خامنه‌ای در آن دیار کسب فیض کردو پس از آن به قم مهاجرت کرد. از دیگر اساتید ایشان می‌توان مرحوم آشتیانی فلسفی را نام برد. ایشان جهت تبلیغ دین مبین اسلام به کشورهای زیادی سفر کرده است که از آن جمله می‌توان فرانسه، برزیل، فنلاند و هلند را نام برد.

پوشنگی، ابوعبدالله محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۹۱ -۲۰۴ ق)، فقیه مالکی، محدث، لغوی و ادیب. از پیشگامان حدیث، در نیشابور، بود. برای کسب علم و دانش سفرها کرد، و ره‌آوردش تصنیف‌ها بود. او در لغت و کلام عرب پیشتاز بود. از یحیی بن عبدالله بن بکیر و روح بن صلاح و احمد بن حنبل و امیه بن بسطام و بسیاری دیگر حدیث شنید. محمد بن اسماعیل بخاری با اینکه از او مسن‌تر بود در «صحیح» خود از وی نقل حدیث کرده است. محمد بن اسحاق صاغانی (چغانی) و ابوحامد بن شرقی و ابن‌خزیمه و یحیی بن محمد عنبری و علی بن حمشاد و خلق بسیاری از او حدیث روایت کرده‌اند. گفته‌اند که در محرم سال ۲۹۱ ق و یا در آخر ذیحجه ۲۹۰ ق درگذشت و ابن‌خزیمه بر او نماز گذاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۴/۶)، تهذیب التهذیب (۱۰ -۸ /۹)، الجرح و التعدیل (ج ۳، ق ۱۸۷/۲)، سیرالنبلاء (۵۸۹ -۵۸۱ /۱۳)، الوافی بالوفیات (۳۴۲/۱).

پوینده‌ی همدانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. وی در همدان متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. از آن پس در بازار به کار پرداخت. پوینده چندی با روزنامه‌های محلی همکاری داشت و مدتی هم روزنامه‌ی «سازمان»، ارگان سازمان بازار همدان، را منتشر ساخت. وی در شعر طبعی لطیف داشت و دارای خطی خوش و زیبا بود. شعر وی در خدمت فرهنگ و بیداری مردم است. اثر وی: روزنامه‌ی «سازمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۸۴۰ -۸۳۸ /۲).

پهلوان، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور پهلوان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان موفقیت آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی بخاطر عشق و علاقه فراوان وارد حوزه علمیه تهران شد. در کنار تحصیل حوزوی در سال ۱۳۷۲ در مقطع دکترا در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در طی مدت تحصیل سفرهای علمی و تبلیغی فراوانی به کشورهای خارجی داشته است. نامبرده در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای تهران پرداخت و در کنار تدریس به راهنما و مشاوره دانشجویان در مقطع و دکترا پرداخت و تاکنون حدود ۲۵۰ مورد مشاوره و راهنمایی در این رابطه ارائه کرده است.

ایشان در طول سالهای عمر خویش خدمات علمی و فرهنگی سیاسی انجام داده است که از آن جمله می توان سرپرستی شبکه ۱ و ۲ سیما، سرپرستی دانشگاه بین المللی اسلامی لندن و مدیر مسئول بررسی مقالات دانشگاه تهران را نام برد.

پهلوانان اشکانی

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مراد از پهلوانان اشکانی دسته‌ای از پهلوانانند که اصلا از شاهان و شاهزادگان اشکانی بوده، ولی به تدریج در داستانهای ملی راه یافته و در شمار پهلوانان بزرگ عهد کیان درآمده‌اند. از میان ایشان مهمتر از همه خانواده‌ی گودرزیان هستند که گودرز گشوادگان و گیو و بیژن و رهام و بهرام از آنان بودند.

و نیز به پهلوانان منفردی مانند شاپور و زنگه و پلاشان و فرهاد در شاهنامه برمی‌خوریم که ممکن است اصلا افرادی تاریخی و از خاندان اشکانیان باشند. از عجایب آنکه پهلوانی به نام فرود که در شاهنامه برادر کی‌خسرو شمرده شده، اصلا از شاهان اشکانی است.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

پهلوانیان، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد پهلوانیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد پهلوانیان در سال ۱۳۷۲ بعد از اخذ دیپلم در رشته ریاضی به حوزه علمیه قم مشرف و مشغول به تحصیل شدم ، در مدت ۵ سال سطح مقدماتی و عالی را پشت سر گذاشته و بعد از آن به درس خارج اشتغال پیدا کرده و در کنار آن در رشته های ارتباطات و پس از آن فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه های صداو سیما و باقر العلوم در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم .

از جمله دوره های آموزشی غیر رسمی که گذراندم می توان به دوره تربیت مربی کودک و نوجوان ، فیلم نامه نویسی ، نقد فیلم ... اشاره کرد . تاکنون کتب و مقالات متعددی در زمینه ها ی ادبیات ، داستان ، روانشناسی و ارتباطات و فلسفه ، نگارش در آورده ام و در رشته های ادبیات عرب (حوزه) ارتباطات (مبانی جامه شناسی) و فیلم نامه نویسی در دوره های متعددی تدریس کرده ام .

پیراسته خزرجی، ضیاء

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ضیاء پیراسته خزرجی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۳/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین اینجانب ضیاء بیراسته معروف به خزرجی دریک خانواده مذهبی در نجف اشرف به دنیا آمده ام .تحصیلات حوزوی تا رتبه اول گذرانده ام وتحصیلات کلاسیک تا دیبلم ریاضی به اتمام رسانده ام و در سال ۱۳۵۹به ایران آمده ایم و در شهر مقدس مشهد در حدود ده سال رتبه دو و سه را کذرانده ام و سبس در سال ۱۳۷۲ به شهر مقدس قم مهاجرت کرده ام و دروس خارج را به مدت شش سال به اتمام رسانده ام

پیرنیا، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملقب به معاضدالسلطنه، فرزند میرزا محمدباقرخان نائینی ملاک، متولد ۱۲۴۸. در کودکی و جوانی تحصیلات جدید و قدیم را توأماً فراگرفت و با کمک میرزا نصرالّله خان مشیرالدوله به وزارت خارجه داخل شد. مشاغلی را طی نمود تا سرکنسول ایران در

بادکوبه شد و در همان سمت متمول گردید. در ابتدای مشروطه با آزادیخواهان همداستان شد و برای مشروطیت جد و جهد زیادی نمود. در دوره‌ی اول به نمایندگی برگزیده شد و جزء وکلای پر سروصدا و مصلح بود. بعد از به توپ بستن مجلس، به اروپا رفت و ایرانیان مقیم خارج را علیه حکومت محمدعلی میرزا تحریک می‌کرد و کلیه هزینه‌های مخالفین محمدعلی شاه توسط او تأمین می‌شد. بعد از خلع محمدعلی میرزا و استقرار حکومت مشروطه به ایران آمد و از گیلان به وکالت رسید، ولی قبل از اتمام دوره‌ی وکالت به کابینه دعوت شد و صمصام‌السلطنه بختیاری او را وزیر پست و تلگراف کرد. در سه ترمیم کابینه همان شغل را داشت.
پس از سقوط کابینه به حکومت یزد منصوب شد و چند سالی در آن سمت بود تا در ۱۳۰۲ در دو کابینه‌ی سردارسپه، پست وزارت دادگستری را عهده‌دار شد. در دوره‌ی پنجم مجدداً به وکالت رسید و در دوره‌ی هشتم هم وکیل مجلس بود. در ۱۳۰۳ والی کرمان و بلوچستان شد. یک سال در آن سمت بود که تغییر یافت. مجدداً در ۱۳۱۴ به والیگری کرمان رفت و این دفعه دو سال در کرمان اقامت نمود. از کرمان والی ایالت فارس شد. در ۱۳۱۸ به صورت ناگهانی در شیراز درگذشت. به همین علت عده‌ای شایع کرده بودند که وی را کشته‌اند، ولی آنچه مسلم است، معاضدالسلطنه از بیماری قلبی درگذشته است. خدمات معاضدالسلطنه برای استقرار مشروطیت ایران بسیار ارزنده و قابل ستایش است. وی معلوماتی نداشت، ولی مردی ساده و عفیف و صحیح‌العمل بود. در جوانی با دختر مبشرالسلطنه نبوی ازدواج کرد. دو پسر و چهار دختر از او باقی ماند. حسین نواب و پیرنظر از جمله دامادهای او بودند.

(۱۳۱۸ -۱۲۴۸ ش)، روزنامه‌نگار. ملقب به معاضد السلطنه. وی پس از گذراندن تحصیلات، در سنین جوانی به سمت کنسول ایران در بادکوبه معین شد. در هنگام آغاز نهضت مشروطیت از روسیه به تهران آمد و به مشروطه‌طلبان پیوست و عضو کمیته‌ی انقلاب شد. هنگام تشکیل اولین دوره‌ی مجلس نماینده شد و پس از مدتی به پاریس رفت. چون برای انتشار افکار آزادی خواهانه‌ی خود در پاریس رفت. چون برای انتشار افکار آزادی خواهانه‌ی خود ر پاریس توفیق نیافت، به سویس رفت و در آنجا چند شماره از روزنامه‌ی «صور اسرافیل» را منتشر کرد. وی مدتی نیز به همراه علی‌اکبر دهخدا به استانبول رفت و در آنجا به فعالیت پرداخت و به سمت ریاست انجمن سعادت برگزیده شد. بعد از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، به ایران آمد و از طرف مردم گیلان به نمایندگی مجلس انتخاب شد. مشاغل وی تا زمان مرگ از این قرار است: وزیر پست و تلگراف در کابینه‌ی صمصام‌السلطنه، حکومت یزد، وزیر عدلیه در کابینه‌ی سردار سپه، نمایندگی مجلس در دوره‌های پنجم، هشتم و نهم از طرف مردم نایین و والی کرمان و فارس. اثر وی: انتشار چند شماره از روزنامه‌ی «صور اسرافیل».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۴۵ -۱۴۴ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۰ -۲۰۸ /۲)، شرح حال رجال (۳۹ -۳۸ /۱).

پیروزمند، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۵ ش)، روزنامه‌نگار. وی فرزند حاج میرزا محمدحسین مستشارالممالک اقتصادی بود. به همین سبب ابتدا معروف به مستشارزاده بود، ولی بعدها تغییر نام داد. پیروزمند سالها در اداره‌ی قوانی و مطبوعات مجلس، عهده‌دار سمتهای معاوت، کفالیت و ریاست آن اداره بود. وی از سال ۱۳۲۵ ش به سمت بازرس ویژه‌ی شورای ملی منصوب شد و در سال ۱۳۰۰ ش، اجازه‌ی انتشار روزنامه‌ی «پروانه» را کسب کرد، و ۳۵ شماره‌ی آن را منتشر ساخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۵۴ -۵۳ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۲۶/۲).

پیروزمند، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا پیروزمند

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۴ در شیراز متولد و تا مرحله اخذ دیپلم ریاضی در شیراز اشتغال به تحصیل داشتم. زندگی سیاسی ام از مقطع راهنمایی همگام با خیل عظیم مردم در مقابله با رژیم شاه شروع شد. در دوران دبیرستان در قالب همکاری با انجمن اسلامی و تقابل با گروههای ضد انقلاب و ارتباط با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی(قبل از انشعاب و در دوران نمایندگی آیت ا... راستی) ادامه یافت. توفیق حضور مکرر در جبهه های جنگ از همین ایام آغاز و تا سالیانی بعد ادامه داشت. زندگی علمی ام به شکلی هدفمند پس از اخذ دیپلم آغاز شد. در سال ۱۳۶۲ با وجود قبولی در رشته فنی دانشگاه برای ادامه تحصیل به قم آمدم و به موازات فراگیری

دروس حوزوی در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم به پژوهش مشغول شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترمی همچون آیات و حجج اسلام آقایان راستی کاشانی، وجدانی فخر، پایانی، ستوده، احمدی میانجی، حسینی بوشهری، موسوی ،اعتمادی و گنجی فرا گرفتم و از سال ۱۳۷۳ در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله وحید خراسانی توفیق حضور داشته و دارم. در طول این مدت از محضر اخلاقی حضرات آیات: بهاء الدینی، مظاهری، احمدی میانجی، منیر الدین حسینی، شب زنده دار و به ویژه راستی کاشانی به قدر بضاعت بهره برده ام. در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی نیزر به ویژه از محضر استاد علامه منیر الدین حسینی (ره) بهره فراوان برده در موضوعات زیر مشغول بوده ام:

روشهای سنتی و انحرافی اجتهاد، موضوع شناسی، فلسفه علم و معرفت شناسی، مبانی اقتصاد سوسیالیسیتی و سرمایه داری، روش سیستمی ،الگوی سیستم سازی، فلسفه(با گرایش فلسفه حرکت) مبانی جامعه شناسی، مبانی نظام سیاسی، ولایت فقیه، روش مدل سازی، روش تحقیق، مبادی و مبانی اصول فقه احکام حکومتی و... .

در طول این مدت مسئولیت اجرایی نداشته ام. گذشته از مسئولیتهای پژوهشی گذشته، هم اکنون عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان، معاونت پژوهشهای بنیادی و مسئول گروه اصول فقه احکام حکومتی هستم علاوه بر مسائل بنیادی در موضوعات راهبردی نظام اسلامی نیز با گرایش مسائل علمی فرهنگی در قالب همکاری با برخی مراکز کلان نظام فعالیت داشته ام از جمله به عنوان کارشناس مسائل علمی –فرهنگی –اجتماعی در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۷۶ تا ۸۲، در طول این مدت علاوه بر مشاوره ، طرحهای تحقیقاتی را برای آنها به انجام رسانده ام، از سال ۱۳۸۲ تاکنون نیز به عنوان کارشناس مسایل فرهنگی با دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی همکاری دارم و طرحهای تحقیقاتی را نیز در همین ارتباط به انجام رسانده ام.

در سالیان گذشته علاوه بر ارتباط علمی با مراکز مختلف توفیق تالیف کتاب، مقاله و تنظیم طرحهای تحقیقاتی را داشته ام که در دو گرایش مبنایی و راهبردی انجام گرفته است، در موضوعات بنیادی، مباحثی همچون فلسفه علم، روش علم، روش سیستمی، فلسفه فیزیک و ریاضی... و در موضوعات راهبردی به مطالبی همچون، شبکه های اطلاع رسانی، رابطه دین و دولت و فرهنگ، طبقه بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور... پرداخته ام.

پیروزمند، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد پیروزمند

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

ما تقریبا سال ۱۳۶۰ بود که وارد حوزه مبارکه قم شدیم هرچند که از قبل با ادبیات عرب آشنایی داشتم و کتابهای مختلفی را خوانده بودم ولی برنامه حوزه مقتضی دوباره خوانی بود مقدمات از صرف ساده و جامع المقدمات سپس سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه ملا عبدالله که همراه با آن منطق صوری دکتر محمد خوانساری را نیز می خواندیم روزهای خوش علمی آن روزگار بود بعد هم که از مدرسه کرمانیها بیرون آمدیم و بصورت آزاد شرح لمعه را شروع کردیم بعد از آن رسائل بود در کنار رسائل به درس اسفار جناب علامه حسن زاده آملی مدظله العالی حاضر می شدیم از قبل بدایه را اجمالا و منطق منظومه و حکمت آن را تا اندازه زیادی کار کرده بودم. درس اسفار اگر چه سنگین بود ولی الهیات مداری آن جاذبه ای شیرین بود تمامی جلد اول اسفار و قسمتی از جلد دوم آن را در محضر مبارک آن بزرگوار خواندیم. رسائل و مکاسب و کفایتین را می خواندیم همزمان با خواندن کفایه بر خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره الشریف و سید احمد مددی شرکت می جستیم که تا این زمان ۱۴ سال خارج اصول و ۱۴ سال خارج فقه.بعد از مدتی قسمت قابل توجهی از جلد ششم اسفار لغی الهیات به معنی افصار را با یکی از دوستان مباحثه کردیم –زمانی جناب حسن زاده آملی مصباح الانس را آغاز فرمود با کسب اجازه از محضر مبارکش به خدمتش شتافتم و تا وقتی آن درس برقرار بود رفتن ما نیز برقرار بود تا اینکه ایشان از تدریس عمومی امتناع ورزید ما به درس پنج شنبه و جمعه آقای شیخ محمدرضا نکونام مدظله العالی حاضر شدیم و مصباح الانس را ادامه دادیم . بعد از مدتی ایشان جلد ۹ اسفار در معاد قرآنی را آغاز کردند.هرچند که ایشان معاد صدرایی را بسیار نقد می فرمود اما ما تا آخر جلد کتاب را در درس ایشان حاضر بودیم بعد تمهید القواعد را به تماما نزد ایشان خواندیم هم زمان جلد دوم اشارات و قسمتی از جلد سوم آن را با دوستان به بحث و بررسی گذاشتیم و در درس حرکت و زمان جلد سوم اسفار جناب ممدوحی حاضر گشتیم و بر مسائل آن بحث بسیار گذاشتیم. زمان گذشت تا تمامی بدایه ، نیم از نهایهٔ الحکمهٔ را برای عده ای از عزیزان حوزوی گفتیم و به خاطر تقارن ساعت تدریس فقه در مدرسه معصومیه با ساعت نهایه مجبور به تعطیل نمودن آن شدیم، از کتاب رسائل کتاب قطع و ظن را دو مرتبه و قسمتی از اصالهٔ البرائهٔ و همچنین خیارات، مکاسب و قسمتی از کتاب بیع آن را تدریس کردیم اکنون هم به تدریس مکاسب محرمه و شرح لمعه مشغول هستیم. سالیان متمادی شرح لمعه و اصول فقه را تدریس داشته ایم همچنین حدود چهار ، پنج سال درس شرح فصوص استاد محمدرضا نکونام را نیز درک کردیم. اکنون از خداوند متعال با این بضاعت مزجات

خویش مسئلت خدمتی اگر چه بسیار ناچیز به مذهب حقه و اسلام عزیز و بندگان مخلص خداوند را داریم، در این زمان پنج شنبه و جمعه در حرم مطهر منطق منظومه را نیز تدریس داریم بحوله تعالی والحمد الله رب العالمین.

پیروزی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۲.

درگذشت: ۱۳۶۰.

از آثار اوست: ترجمه بینوایان (ویکتور هوگو، تهران، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پیرهاشمی، تیمور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: آذری دیلی نین گرامری- دستور زبان ترکی آذری، فارسی- ترکی آذربایجانی (تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پیش بین، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید پیش بین

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ که وارد بخش فرهنگی زندان قزلحصار زندان های سیاسی شده، ضمن آشنائی با سران گروهک ، مطالعات تاریخی خود را از مشروطیت تا انقلاب اسلامی آغاز کردم، بعد از جنگ با ورود به حوزه به دروس حوزوی مشغول و پس از اتمام سطح پایه ۱۰، در رشته الهیات و معارف اسلامی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم قبول و پس از اخذ کارشناسی ارشد به کارهای تحقیقاتی در تاریخ معاصر ادامه داده که محصول آن چند کتاب می باشد.

پیش نماز، رضا قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جلیل، امام مسجد جامع عباسی در اصفهان بوده، و از دانایان به علوم قرآن و تجوید به شمار می‌رفته، و در این مسجد قرائت قرآن می‌فرموده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

پیشوا، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد پیشوا فرزند حاج سید محمدصادق پیشوا از دانشمندان خدوم و علماء اعلام و فضلاء کرام شیراز می‌باشند (که در سال ۱۳۱۸ شمسی به فشار حکومت وقت شهرت خود را از بحرالعلوم تبدیل به پیشوا نمودند).

معظم‌له در سال ۱۳۵۰ قمری در شهر کازرون دیده به دنیا گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را از مرحوم والد و عموی بزرگوارش حاج سید محمدرضا شریعتمدار آموخته و در سال ۱۳۳۵ شمسی مشرف به نجف اشرف شده و از ابحاث و دراسات سطوح و خارج آیات عظام چون میرزا حسن یزدی و استاد حاج شیخ محمدتقی جعفری و علامه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله استفاده نموده و پس از آن برای تبلیغ اسلام و ترویج احکام به زادگاه خود کازرون مراجعت و به اقامه جماعت و وظائف روحی و دینی و اجتماعی پرداخته و خدمات شایانی نموده تا سال ۱۳۴۸ شمسی شش سال پس از انقلاب پانزده خرداد چهل و دو به شیراز مهاجرت نموده و بنابر اصرار و استقبال گرم عده کثیری از مردم شیراز رحل اقامت افکنده و در مسجد نو برابر مشهد و مزار حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ) علیهماالسلام به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال یافته و مورد استقبال پرشور و هیجان مردم شیراز قرار گرفته که محسود برخی از همگنان و ابناء نوع شده تا در سال ۱۴۰۵ قمری برابر ۱۳۶۳ شمسی روی جهاتی از رفتن به مسجد نو خودداری و در منزل شخصی به وظائف روحی خود تداوم داده و تا حال تحریر این کتاب موفق به تدریس فقه و اصول می‌باشند.

آثار و تألیفات ایشان

۱- کتاب آئینه سیاه، برداشتی از سوره مبارکه لقمان.

۲- علی علیه‌السلام، از دیدگاه دگران- مخطوط.

۳- تجدید و نوسازی مسجد جامع کازرون.

۴- تأسیس کتابخانه ولی عصر عجل‌اللّه فرجه متصل به مسجد.

۵- احداث لوله‌کشی قسمتی از شهر قبل از اقدام شهرداری کازرون به لوله‌کشی تمام شهرستان کازرون.

۶- خرید دویست هزار متر مربع زمین در قسمت شرقی کازرون به نام باغ فردوس جهت دفن مؤمنین.

۷- سنگ فرش و تعمیر مسجد نو شیراز.

۸- تأسیس بنیاد (مهدی) و صندوق قرض‌الحسنه.

۹- تأسیس بیت‌المهدی و مدرسه علمیه امام مهدی (ع).

نگارنده گوید: آقای پیشوا منتسب به علامه بحرالعلوم است که ترجمه‌اش زیب و زینت کتب تراجم مانند اعیان الشیعه و روضات الجنات و معارف الرجال و فوائد الرضویه و ریحانه الادب و ده‌ها کتاب رجالی و تراجم دیگر می‌باشد. و او شاگرد علامه وحید بهبهانی بوده و بارها به شرف و فیض ملاقات و زیارت مولایمان حضرت بقیه‌اللّه اعظم امام زمان عجل‌اللّه فرجه الشریف رسیده که این نویسنده روسیاه همواره گفته و می‌گویم:

به امید دیدن او همه عمر زنده باشم

چه نباشد این سعادت نه من و نه زندگانی

حاج میرزا حسین نوری در جنه‌النعیم و نجم‌الثاقب خود حکایات تشرف آن بزرگوار را ذکر فرموده است. علامه بحرالعلوم قدس اللّه سره که بعد از استادش وحید بهبهانی ریاست عامه و مرجعیت تامه داشت در نجف از دنیا رفته و در نزدیک مقبره شیخ طوسی در مقبره شخصی دفن شده است طاب اللّه ثراه و قبرش از مزارات خاصه نجف است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پیشوایی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی پیشوائی

محل تولد : -

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

•عضو هیئت تحریر مجله درسهائی از مکتب اسلام از سال ۱۳۴۹ تاکنون

•مدیریت داخلی مجله درسهایی از مکتب اسلام از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳

•طی دوره تحصیلات عالی دار التبلیغ اسلامی و اخذ گواهینامه این دوره در سال ۱۳۴۹

•اشتغال به تحقیق و تألیف از سال ۱۳۵۱ تاکنون

•همکاری با سیمای جمهوری اسلامی ایران (شبکه های مختلف)

•همکاری با شبکه رادیو معارف (قم –) کارشناس عالی تاریخ و سیره

•همکاری نزدیک با موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع) زیر نظر حضرت آیت الله سبحانی و عضو هیئت موسس این موسسه از بدو تأسیس

•همکاری با فصلنامه میقات از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۵

•همکاری با فصلنامه پیام حوزه تا سال ۱۳۸۰

•همکاری با معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها (نهاد نمایندگی ولی فقیه) از سال ۱۳۷۳ تاکنون در ارتباط با درس تاریخ اسلام و متون و مدرسین این درس و کتب کمک درسی.

•مدیر گروه پژوهشی تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

•سردبیر فصلنامه علمی – تخصصی "تاریخ در آینه پژوهش"

•همکاری با نشریه افق حوزه (هفته نامه خبری حوزه علمیه)

پیشوائی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله آقای حاج سید ابو طالب پیشوائی در سال ۱۳۳۲ ق در شهرستان رشت شروع بتحصیلات علوم دینیه نموده و دوره مقدمات و مقداری از سطوح را نزد اساتید وقت مرحوم آقا شیخ عبدالرحیم رشاد و مرحوم حاج شیخ اسماعیل شفتی صرفی باتمام رسانیدند و در سال ۱۳۳۷ هجری برای ادامه تحصیلات عازم عتبات عالیات شدند و در کاظمین محضر مرحوم آیه‌الله آقای حاج سید اسمعیل صدر قدس سره مشرف شده و در باب توقف در حوزه نجف اشرف و سامرا با ایشان مشورت نمودند فرمودند لازم است شما بعد از زیارت عتبات نجف اشرف را انتخاب نمائید، زیرا از زمین نجف علم میجوشد.

بعد از تشرف بنجف سطوح عالیه را نزد اساتید وقت مرحوم آقای آقا شیخ اسمعیل تنکابنی و آقا شیخ زین‌العابدین مازندرانی و آقا میرزا مجید گنجه‌ای و آقا شیخ علی اکبر خونساری و آقا شیخ نعمت‌الله دامغانی و آیه‌الله میرزا احمد آشتیانی و مرحوم آیه‌الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی قدس سره باتمام رسانیده سپس در درس خارج فقه و اصول مراجع و علماء وقت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شده و در سال ۱۳۵۰ ق به بندر پهلوی بازگشت نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت در مسجد جامع پهلوی و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین مبین اسلام و اقامه نماز جمعه و تربیت طلاب علوم دینیه در مدرسه قائمیه بندر پهلوی اشتغال دارند.

آثار معظم‌له در پهلوی و حومه آن از این قرار است: ۱– مسجد قریه بشمن ۲– مسجد قریه قلم گوده ۳– مسجد میان پشته ۴– مسجد سجاد ۵– مسجد قریه سنگاچین ۶– مسجد رضویه ۷– مسجد آذربایجانیهای غازیان ۸– مدرسه علمیه قائمیه که با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره و تحت نظر ایشان بنیان گردید که اکنون عده‌ای از طلاب در این مدرسه اشتغال بتحصیلات علوم دینیه دارند و در ضمن محلی است مناسب برای سکونت آقایان مبلغین که در ایام تبلیغ باین شهر وارد میشوند که از طرف ایشان پذیرائی کامل شده و باطراف اعزام میشوند و اکنون یکی از فرزندان معظم‌له بنام آقای آقا سید محمد جواد پیشوائی که جوان فاضل و نجیب و بسیار متدین و عفیف است در حوزه علمیه قم اشتغال بتحصیل دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

پیشوائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن العالم الربانی آیۀاللّٰه المرحوم حاج سید علی‌اکبر یزدی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۳۸ قمری ه. در نجف اشرف متولد شده و در سن کودکی در خدمت مرحوم والدش در سال ۱۳۴۱ قمری به قم مهاجرت نمود و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات، ادبیات را از مرحوم حجۀالاسلام حاج شیخ محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را از مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد و حجۀالاسلام آقا سید رضای سید صفی و بعضی از آیات دیگر آموخته و در درس خارج مرحومین آیتین حجت و خونساری شرکت و پس از آن بالغ بر پانزده سال از محضر و دراسات فقهی و اصولی مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی استفاده کامل و ضمناً تدریس متون فقه و اصول را نموده تا سال ۱۳۸۰ قمری که بنابر دعوت جمعی از مردم متدین خیابان سلسبیل تهران به تهران عزیمت و تاکنون در خیابان (بوستان سعدی) سکونت و در (مسجد الصادق) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مواعظ حسنه و غیره اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

پیشوائی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین بن آیت‌الله حاج سید علی‌اکبر یزدی سابق‌الذکر از فضلاء و علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم و ائمه جماعت مسجد امام است که به جای مرحوم والدش اقامه جماعت دارد دانشمندیست باتقوا و عالمی است با فضیلت در سال ۱۳۰۴ شمسی یعنی چهل و نه سال قبل در این شهرستان به دنیا آمده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و پس از دوران مقدمات با معیت برادر ارجمندش حجه‌الاسلام حاج سید احمد پیشوائی مقیم تهران که ترجمه‌اش در جلد سوم

خواهد آمد سطوح عالی را از اساتید حوزه مانند آیت‌الله العظمی مرعشی و آیت‌الله امام خمینی و دیگران فراگرفته و پس از فراغت از آن به درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و دیگران حاضر شده و در غالب دروس با این نگارنده شرکت داشته و از بدو ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن مرحوم حاضر ابحاث فقه و اصول آن جناب شده و پس از وی از دروس آیات و زعماء دیگر حوزه مخصوص آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی که نهایت توجه و عنایت را به ایشان داشته و دارند استفاده‌های کافی و سرشار نموده و در مسجد امام و محله خود کوچه معروف به حاج نوفل به ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و هم تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پیغامی، عادل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عادل پیغامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۸/۱

زندگینامه علمی

آقای عادل پیغامی در سال ۱۳۵۲ ، در تهران از خانواده ای پاک و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) دیده به جهان گشود. پس از طی دوران تحصیلات متوسطه در کنکور دانشگاه امام صادق (ع) پذیرفته شد و در سال ۱۳۷۱ همزمان با دورس دانشگاهی ، دروس حوزوی را نیز ادامه داده. از اساتید برجسته و بنام حوزوی ایشان می توان آیات هاشمی تبریزی، مجتهد زاده، باقری کنی، و مصطفوی را نام برد. نامبرده از اساتید موفقی است که طرحهای متعددی جهت آبادانی و عمران کشور ارائه داده است . از نامبرده تالیفات به قلم طبع آراسته شده است که از آن جمله اند:

۱. مبادی منابعه الطبیعی عدل از دیدگاه شهید مطهری.

۲. ساختار پیشنهادی درس نامه فقه الاقتصاد.

نامبرده در کنفرانس های متعدد علمی مشارکت و مقالات ارزشمندی ارائه داده است. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) می باشد. Cv زمستان ۱۳۸۶

الف) مشخصات فردی

نام و نام خانوادگی: عادل پیغامی.

نام پدر: قربانعلی.

سال تولد: ۱۳۵۲.

محل تولد: تهران.

شماره شناسنامه: ۷۷۶۴ صادره از تهران. ب) مشخصات دانشگاهی – تحصیلی

مدرک: کارشناسی ارشد اقتصاد و معارف اسلامی.

محل تحصیل: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

سال اخذ مدرک : ۱۳۷۹.

عنوان پایان نامه: تحلیل و شبیه سازی سیاستهای تثبیت اقتصادی با تکیه بر جانب عرضه در مورد ایران.

استاد راهنما: دکتر اکبر کیجانی.

آشنایی با زبانهای انگلیسی، عربی و ترکی استامبولی.

دانشجوی دکترای علوم اقتصادی.

پیوندی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا پیوندی

محل تولد : لاسجرد – سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱۴

زندگینامه علمی

دوران ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای محل تولدم (روستای لاسجرد سمنان) گذراندم و برای ادامه تحصیل به شهر سمنان عزیمت کردم و دوره دبیرستان را در سمنان بودم که در سال دوم دبیرستان وارد حوزه علمیه صاحب الزمان مهدیشهر سمنان شدم و به مدت سه سال مقدمات را در آن شهر با موفقیت سپری کردم و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از پایه چهارم حوزه در شهر مقدس قم در درس اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم حاضر شدم و دوره سطح را با موفقیت به اتمام رساندم و به مدت ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه علمیه قم تلمذ نمودم لازم به ذکر است در مدت ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم دوره دبیرستان خود را به صورت متفرقه ادامه و در سال۱۳۶۹ دیپلم خود را گرفتم و برای ادامه تحصیل در دانشگاه وارد عرصه و رشته حقوق شدم و در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناسی خود را با معدل ۴۸/۱۸ در دانشگاه مفید به پایان بردم و در کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی پذیرفته شدم و در پایان دوره یعنی سال ۱۳۷۸ به عنوان نفر اول دوره و با معدل ۶۸/۱۸ و دفاع از پایان نامه خود با نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم

لازم به ذکر است موفقیت در علم و دانش و فراگیری آن مرهون زحمات و بزرگواری استادان و علمای بزرگ حوزه علمیه و دانشگاه بوده است که به برخی از اساتید حوزوی و درس هایی که در خدمت ایشان بودم اشاره می کنم

الف شرکت در درس تفسیر ترتیبی قران به مدت ۱۰ سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ب شرکت در درس خارج فقه (خمس و صوم) به مدت سه سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ج شرکت در درس خارج فقه (دیات) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

د شدکت در درس خارج فقه (نکاح) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

ه شدکت در درس خارج اصول به مدت ۵ سال حضرت آیه الله سبحانی (حفظه الله)

همچنین لازم است که از اسابید بزرگوار دوران سطح حوزه نیز از جمله ، استاد اعتمادی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، علیدوست و ... نیز یادی کنم و بهره های علمی خود را مرهون زحمات آنان هستم

پیوندی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا پیوندی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی دیپلم گرفتم و در همان سال به حوزه علمیه کاشان راه یافتم. پس از گذراندن سطح اول در کاشان، در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شده و دروس سطح عالی را تا سال ۱۳۶۹ به اتمام رساندم و در این سالها از محضر اساتیدی چون آیت الله راستی کاشانی ، فخر وجدانی ، اعتمادی ، پایانی ، گنجی و خسرو شاهی استفاده فراوانی بردم. در همین سالها به یادگیری ادبیات داستانی و نمایشی پرداختم و درکنار دروس حوزوی به تدوین داستان و فیلمنامه حضور در کلاسهایی در این مورد بر اطلاعات هنری افزوده و در ضمن در نشریاتی چون مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم.

در سال ۱۳۷۰ به حوزه درسی خارج اصول آیت الله مومن قمی وارد و مدت ۴ سال از محضر استاد استفاده نموده و سپس به محضر درس خارج آیت الله سید عباس خاتم یزدی رفته و مدت ۳ سال نیر در درس فقه این استاد فرزانه به فراگیری فقه آل محمد پرداختم.در سال ۱۳۷۶ در امتحان ورودی دانشکده صدا و سیما شعبه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون، در این دانشکده مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۲ با تدوین پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد تهیه کنندگی از این دانشکده فارغ التحصیل شدم.

در همین حال با همکاری با مرکز پژوهشهای صدا و سیما، و سیمای عربی به تدوین و ساخت فیلمهای مستند پرداخته و توانستم حدود ۱۰ فیلمانه و سریال را تدوین نمایم که با تولید از سوی سیمای عربی در آن شبکه پخش گردید.سردبیری نشریاتی چون سرگرمی های آموزشی و مربی بسیج عقیدتی سیاسی از فعالیتهای دیگر حقیر بوده و هم اکنون نیز مرتبا در موضوعات مختلف در این نشریات مقاله می نویسم.مقالات دیگری نیز در زمینه شخصیت شناسی در فصلنامه «مربیان» دارم و باز مقالات دیگری در موضوعات علوم قرآنی ، تاریخی ، داستانی ، اخلاقی ، اجتماعی دارم که بعضی از آنها در فصلنامه های اندیشه بسیج مربی بسیج اخلاق به چاپ رسیده است.کتابهای« آن سوی پرده» که حاوی دو فیلمنانه است سیمای امام علی علیه السلام و نهج البلاغه «مهمان سپیده» «فریاد سرخ» حاصل فعالیت علمی حقیر در زمینه دین و هنر است. همچنین در تدوین ویراستاری دهها مقاله، و کتاب دیگرنیز همکاری داشته ام.

تاج فارسی، تاجالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۳۳ ق)، شاعر و منشی. وی از مردم زیرراه (دهی از دهستانهای بخش برازجان شهرستان بوشهر) بود که در دهلی مسکن داشت و دبیری سلطان شمس‌الدین دهلوی را عهده‌دار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۳۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین)، مجمع الفصحا (۴۶۵ -۴۶۴ /۱)، مرآت الفصاحه (۱۱۲ -۱۱۱).

تاج‌الدوله، طاووس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. در اصفهان متولد شد. وی از گرجی‌زادگان صفویه و زنی هوشمند و دانا بود. تاج‌الدوله علوم اسلامی و فنون ادب و خط را از معتمدالدوله‌ی نشاط اصفهانی فراگرفت. وی همسر فتحعلی‌شاه و بسیار مورد توجه و اعتنای او بود. تخت طاووس که «تخت خورشید» نام داشت، بعد از وفات تاج‌الدوله، تخت طاووس نامیده شد. سلطان محمد میرزای سیف‌الدوله، که شاعری توانا بود، یکی از سه پسر او است. بعد از مرگ فتحعلی‌شاه، تاج‌الدوله دو مرتبه به حج مشرف شد و سرانجام نجف اشرف را مسکن دایمی خویش قرار داد و در همان شهر درگذشت. طاووس خانم در صحن مطهر حضرت امیرالمومنین (ع)، در آرامگاهی که خود ساخته بود، به خاک سپرده شد. از اوست:

باد از سر کوی تو گذشتن نتواند

پیغام من دلشده را پس که رساند؟

گفتم به صبوری دل خود را بفریبم

دیگر دل بیچاره صبوری نتواند[۱]

قرن سیزدهم هجری، از زنان ادیب و شاعر. نام اصلی او طاووس خانم و از زنان صیغه‌ای فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود که بسیار مورد علاقه و توجه وی قرار داشت و از همین رو به او لقب تاج‌الدوله داد. تخت جواهرنشان سلطنتی معروف به تخت طاووس را که تا پیش از عروسی تاج‌الدوله تخت خورشید می‌گفتند از نخستین شب ازدواج شاه و طاووس خانم، تخت طاووس نامیدند. وی خارج از حرمخانه شاهی قصر مجللی مخصوص به خود داشت. شاه و شاهزادگان قاجاری هر ساله از روز اول نوروز تا پایان روز سیزدهم عید مهمان تاج‌الدوله بودند.

تاج‌الدوله نزد شاعر معروف آن زمان، میرزا عبدالوهاب اصفهانی، متخلص به نشاط فنون ادب و هنر را فراگرفت و در رموز نویسندگی به استادی رسید. نامه‌هایی که به شاه می‌نوشت مضامین و دقایق لطیف داشت. برخی از رسایل و مراسلات او را ماه شرف از زنان فاضل و ادیب انجام می‌داد. تاج‌الدوله پس از مرگ فتحعلی شاه از بیم نزاع میان شاهزادگان به عالم معروف اصفهان، سید محمدباقر شفتی (۱۲۶۰ ق) معروف به حجت‌الاسلام پناه برد. پس از جلوس محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) تاج‌الدوله تمام ثروت و جواهرات خود را به محمدشاه تقدیم کرد که به وی بازگرداند. وی چند بار به سفر حج رفت و در پایان عمر در نجف اشرف سکونت کرد و در همان شهر درگذشت و در صحن مطهر امیر مؤمنان دفن شد. از جمله فرزندان مشهور او احمد میرزا عضدالدوله مؤلف تاریخ عضدی و خورشید کلاه بودند.

تاج‌الدوله طبع شعر داشت. وقتی پسرش بر اثر ابتلا به مرض وبا درگذشت شاه با ارسال بیت زیر به او تسلیت گفت:

از کسی چون بشکند چیزی بلایی بگذرد

خوب شد بر تو بزد آسیبش از مینا گذشت

و او نیز با یک بیت شعر به شاه چنین پاسخ داد:

اگر بشکست اندر بزم مستان ساغر مینا

سر ساقی سلامت دولت پیرمغان برجا

به خواهش او محمود میرزا کتاب پرورده خیال را به رشته تحریر درآورد. از اشعار اوست:

باد از سر کوی تو گذشتن نتواند

پیغام من دلشده را پس که رساند

تا کی به صبوری بفریبم دل خود را

دیگر دل بیچاره صبوری نتواند

به تاج‌الدوله چون دادم لقب شاه

گذشت از آن سرم از طارم ماه

همیشه بخت با او هست و نبود

کسی باذات غیر از سایه همراه[۲] برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۱۶۶ -۱۶۴)، تذکره القبور (۳۵)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۸ -۲۱۷۲ /۳)، الذریعه (۶۳۹/۹)، روضه

الصفا (۱۳۸، ۱۰۱، ۹۵، ۷۷/ ۱۰)، زنان سخنور (۱۴۰ –۱۳۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۶)، کارنامه‌ی زنان (۱۰۰ –۹۸)، مشاهیر زنان (۵۰ –۴۹)، ناسخ التواریخ (۱۵۳/۲)، یغما (س ۲، ش ۲ و ۳، ص ۸۷ –۸۰).

[۲] منابع: از رابعه تا پروین، ۱۶۶ –۱۶۴؛ تاریخ عضدی، ۲۰ –۱۷؛ تذکرهٔالقبور، ۳۵؛ حدیقهٔالشعرا، ۲۱۷۸ –۲۱۷۲ /۳؛ خیرات حسان، ۱۴۵ –۱۴۰ /۲؛ دایرهٔالمعارف تشیع، ۱۱ –۱۰ /۴؛ الذریعه، ۶۳۹ /۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۹۵ /۵؛ زنان سخنور، ۳۱۲ –۳۱۱، ۱۴۰ –۱۳۹ /۱؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۹۸؛ نقل مجلس، گ ۲۳ –۲۱.

تاج‌الکتاب سرخسی، ظهیرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و منشی. مدتها دیوان انشاء سلطان مسعود غزنوی به رسم او بود. منشآتش مقبول فضلا و مکتوباتش پسند علما واقع می‌شد. وی معاصر تاج‌الدین تمران شاه بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، لباب الالباب (۱۳۹ –۱۳۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الکتاب)، مخزن الغرائب (۴۰۲ –۴۰۱ /۱)، هفت اقلیم (۳۸ –۳۷ /۲).

تاراج قمشه‌ای، رضاقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ –۱۲۴۸ ش)، ادیب، شاعر، متخلص به تاراج. ملقب به پژوهنده. وی تحصیلات مقدماتی را در شهرضا انجام داد و جهت تکمیل آن به اصفهان رهسپار شد. تاراج از کودکی طبع شعر داشت و بیشتر اوقات نزد شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای به گفتن و خواندن اشعار مشغول بود. وی در اغلب فنون شاعری بخصوص ماده تاریخ و هزل استاد بوده است. میرزا رضاقلی در ابتدا منشی اداره‌ی حکومتی بود ولی در اواخر عمر از کلیه مشاغل دست کشید. وی حدود پنج‌هزار بیت شعر سروده که حدود دو هزار بیت آن را فرزندش، حمزه پژوهنده، جمع و مرتب کرد و در صدد تکمیل و چاپ آن برآمد. اشعار وی در زمان حیاتش در مجله‌های «ارمغان»، «آینده» و روزنامه‌ی «ندای شهرضا» به چاپ رسید. وی در شهرضا فوت کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۲۹ –۱۲۶).

تازه کام، شعبان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبان تازه کام

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای شعبان تازه کام در سال ۱۳۳۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۲و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه ساری گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه ساری به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله صانعی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه گرگان علاوه بر معاونت نهاد رهبری در دانشگاهها به امر تدریس نیز اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نبوده و آثاری از قبیل" چهل حدیث در باب ازدواج "و" کوثر رسول "را به رشته تحریر در آورده است

تالهی تویسرکانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تألهی از علما اعلام معاصر است در تویسرکان که اکنون در آن سامان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد وی عالمی بزرگوار و جلیل القدر و از شیوخ و کبار دانشمندان حاضر است که تحصیلات خود را در ایران و عراق به پایان رسانیده و از محاضر آیات عظام نجف اشرف استفاده نموده و در شهرستان تویسرکان را محل سکونت و خدمات دینی خود قرار داده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تاهباز زاده، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول تاهبازراده (خیام پور) در سال ۱۲۷۷ ، تبریز دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز ، به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ در آمد. سپس برای ادامه تحصیل به دارالمعلمین رفت و تحصیلات خود را ادامه داد و در سال ۱۳۱۲ لیسانس فلسفه و ادبیات گرفت. پس از آن ضمن خدمات اداری به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول توفیق یافت. پس ازآن مدتی به تدریس در دانشکده ادبیات تبریز مشغول گردید. در خرداد ۱۳۲۹ به ریاست کتابخانه دانشکده نیز منصوب شد و در شهریور همان سال از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دانشکده انتخاب شد ولی بنا به دلایلی نپذیرفت و تا ۲۵ فروردین ۱۳۴۲ معاونت دانشکده را به عهده داشت و پس از آن مدتی نیز کفیل دانشکده بود. او در ۱۵ تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد. دکترتاهبازراده در هفتم فروردین ۱۳۵۸ وفات یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : عبدالرسول تاهباز زاده [خیام پور] فرزند حاجی محمود تاهباز در تبریز متولد گردید.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالرسول تاهباز زاده پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز ، به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ در آمد. سپس برای ادامه تحصیل به دارالمعلمین رفت و تحصیلات خود را ادامه داد و در سال ۱۳۱۲ لیسانس فلسفه و ادبیات گرفت. پس از آن ضمن خدمات اداری به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول توفیق یافت.

زمان و علت فوت : عبدالرسول تاهبازراده در هفتم فروردین ۱۳۵۸ وفات یافت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالرسول تاهبازراده از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۵ سمت مدیریت دبستان ایرانیان را در استانبول به عهده داشت. در خرداد ۱۳۲۹ به ریاست کتابخانه دانشکده نیز منصوب شد و در شهریور همان سال از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دانشکده انتخاب شد ولی بنا به دلایلی نپذیرفت و تا ۲۵ فروردین ۱۳۴۲ معاونت دانشکده را به عهده داشت و پس از آن مدتی نیز کفیل دانشکده بود. او در ۱۵ تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد.

فعالیتهای آموزشی : عبدالرسول تاهبازراده پس از آنکه دیپلم ادبی را در دارالفنون دریافت کرد ، به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از سه سال تدریس در اهواز برای ادامه تحصیل به تهران بازگشت. با اخذ لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی ، در دارالفنون و دیگر دبیرستانها به تدریس پرداخت. و پس از اخذ مدرک دکترا مدتی به تدریس در دانشکده ادبیات تبریز مشغول گردید. وی پس از بازنشستگی با توجه به مقام علمی و خدمات آموزشی و پژوهشی به پیشنهاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه از تاریخ دهم دی ماه ۱۳۴۸ به مقام استادی ممتاز نایل آمد. دکتر تاهباز زاده در شهریور ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان کرد و به مدت یک سال در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالرسول تاهباز زاده در دوران بازنشستگی تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب « فرهنگ سخنوران » کرد. علاوه بر اثر فوق وی آثار دیگری نیز تایلف و چاپ نموده است. --

آثار :

۱ تذکره روضه السلاطین

۲ ترجمه وتصحیح مجمع الخواص

۳ تصحیح و تحشیه تذکره اختر

ویژگی اثر : جلد اول

۴ تصحیح و تحشیه تذکره حدیقه امان اللهی

۵ تصحیح و تحشیه ریاض الوفاق

۶ تصحیح و تحشیه سفینه المحمود

۷ تصحیح و تحشیه نگارستان دارا

۸ دستور زبان فارسی

۹ رساله عربی برای فارسی

۱۰ رساله یوسف و زلیخا

۱۱ فرهنگ سخنوران

۱۲ مصطبه خراب

منابع :

۱زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ، تالیف: حسن مرسلوند ، ج ۲ ، تهران : انتشارات الهام ، ص ۲۴۷

تبریزی، ابومحمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۲ ق)، مورخ و مترجم. وی تاریخ «الامم و الملوک» محمد بن جریر طبری را که شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۳۰۹ ق است به فارسی گزارش کرده و وقایع حد فاصل طبری و زمان خود را نیز بدان افزوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۷/۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد).

تبریزی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم میرزا حسین تبریزی از افاضل حوزه علمیه و مبرزین تلامذه و مرحوم آیت‌الله حجت داماد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدباقر قزوینی به کثرت فضل و تقوا موصوف و به علم و کمال قدس و صفا معروف و در نهایت تعفف زندگی می‌کرد و در میان شاگردان مرحوم آیت‌الله حجت به زیادی فهم و بینش مشار بالبنان بود و برای این نگارنده و بعضی دیگر دروس استاد را تقریر می‌نمود و مقداری از مکاسب شیخ و بعض سطوح دیگر را خواندم بسیار متواضع و منیع‌الطبع و کثیرالصمت و قلیل‌الکلام بود فقط در موقع سوال به سخن می‌آمد کمتر کسی را از تلامذه سید استادمان به رتبه فضل و تهذیب و کمالات معنوی وی یافتم جناب حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس طهرانی که از علماء آن سامانست و در مسجد امین‌الدوله تهران امامت می‌نماید در میان حوزه ایشان را انتخاب و به وضع زندگیش رسیدگی می‌کرد و از تحقیقاتش استفاده می‌نمود.

در اوائل ماه شعبان سال ۱۳۶۵ ق وی را به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام به تهران برده ولی متاسفانه در آنجا ناگهانی بدرود حیات گفته در سنین کمتر از چهل سال و دوستان خود را به مرگ خود داغدار نمود جنازه او را با تجلیل به شهر ری برده و در جوار مرقد محمد بن بابویه شیخ صدوق دفن نمودند رحمه‌الله علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد علی. از فضلای قرن سیزدهم هجری است. از آثارش کتب زینهٔ الصالحین، در دعا و آداب و شرایط آن می‌باشد. تاریخ نسخه ۱۲۶۲ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تبریزی، عبدالعزیز

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، حکاک و فلزکار. از آثار رقم‌دار وی، جام فلزی پایه‌دار برنزی است که در اسلیمی‌های گوناگون، تصویر و حکاکی شده و با خطوط ثلث و کوفی تزیینی، آرایش شده است، با رقم: «عمل عبدالفقیر الی الله الغنی استاد عبدالعزیز بن استاد شرف‌الدین تبریزی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۳۷ / ۱).

تبریزی، محمدابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۹ –۱۱۴۰ ق)، فقیه و ادیب امامی. نسبش حسینی و مسکنش قزوین بود. مقدمات علوم را در خدمت پدرش فراگرفت، سپس به اصفهان رفت و از مجلس درس آقاجمال خوانساری. علامه محمدباقر مجلسی، شیخ جعفر قاضی اصفهانی و میرزا قوام‌الدین محمد سیفی قزوینی بهره‌مند گردید. پس از چندی به قزوین رفت. وی از علامه مجلسی و آقاجمال خوانساری اجازه‌ی حدیث داشت. وی گذشته از علوم دینی در شعر و ادب نیز استاد و به هر دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و اشعارش بیشتر مدایح و مراثی بود. محمد قطب ذهبی و شیخ عبدالنبی قزوینی، مولف «تتمیم امل‌الآمل» از شاگردان او بودند. وی پدر بزرگوار آقاسید حسین قزوینی و نیای خاندان حاج سید جوادی است. او سرانجام در شهر قزوین درگذشت. برخی منابع جای درگذشت وی را در تبریز و محدث قمی به تصریح قبر وی را در قزوین می‌داند. او را علامه‌ای جامع انواع فنون و عالمی زاهد و با ورع و ادیبی شاعر به هر زبان فارسی و عربی دانسته و نوشته‌اند که کتابخانه‌ای بیش از هزار و پانصد جلد کتاب داشته که اکثر آنها را مقابله کرده یا بر آنها حاشیه نوشته است. هفتاد مجلد کتاب به خط خود نوشته که بعضی از آنها از تالیفات خود ایشان است. از جمله آثار وی: «البداء»؛ «تحصیل الاطمینان»، در شرح «زبده البیان» که حاشیه‌ای بر «آیات الاحکام» مقدس اردبیلی است؛ «سلاح المومنین»، در دعا؛ «العلم الالهی»؛ «مجموعه الفوائد» متفرقه، مثل «کشکول»؛ «تحقیق الصغیره و الکبیره من الذنوب»؛ «مقامات»، همچون «مقامات حریری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲۸ –۲۲۷ /۲)، تلامذه‌ی العلامه المجلسی (۹ –۸)، الذریعه (۹۴/۲۰، ۳۱۷/۱۵، ۲۰۹/۱۲، ۳۹۶، ۵۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷ –۱۵ /۱۲)، فوائد الرضویه (۱۳ –۱۲)، معجم المولفین (۱۱۴/۱).

تبریزی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ هادی تبریزی از علماء ابرار شهر ری بوده است.

وی در سال ۱۲۹۱ قمری در آذربایجان متولد شده و مقدمات و سطوح را در تبریز خوانده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محاضر آیات بزرگ نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسن علامه مامقانی و آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آقای شریعت اصفهانی و اعلام دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده. و در مصاحبت علامه بزرگوار مامقانی به ایران برای زیارت ارض اقدس رضوی علیه الصلوه والسلام در زمان (مظفر الدین شاه قاجار) به ایران آمده و مورد تجلیل دولت و ملت قرار گرفته میفرمود مرحوم مامقانی مشرف بزیارت حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام گردیده و نماز مغرب و عشاء را در صحن مطهر بجماعت خوانده جماعتی که نظیرش را ندیدم زیرا سجاده آن مرحوم را نزدیک کفشن کن مردانه گذارده و تمام صحن و مسجد و بازار مردم ایستاده و به آن مرحوم در جماعت اقتدا نمودند و من چون آن روحانیت و منظره را دیدم از خدا خواستم مجاورت زاویه مقدسه را نصیب من فرماید و بعد از تشرف بزیارت حضرت رضا علیه الصلوه و السلام مراجعت به نجف نموده و پس از فوت مرحوم علامه مامقانی و مرحوم آخوند خراسانی به تبریز آمده و چون در اسکو و میلان شیخی‌ها نفوذ کرده بودند برای هدایت و ارشاد مردم به آنجا رفته و مدتی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مبارزه با آن منحرفین نموده تا در سال ۱۳۶۱ قمری و غائله پیشوری و توده‌ئی‌ها که وی را مورد حمله اهانت قرار دادند مجبور به مهاجرت از آذربایجان و مجاورت زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام را اختیار و در صحن مطهر به اقامه نماز جماعت و خدمات دینی پرداخته و حتی برای این که از وجوه شرعیه اعاشه نکند با یکی از اخیار شریک و مغازه‌ای گرفته تا در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۱ قمری در سن هشتاد سالگی وفات و در صحن مطهر در محل نمازش مدفون و تاکنون قبرش مزار خواص و مؤمنین می‌باشد.

نگارنده گوید: مرحوم حاج شیخ هادی جدا عالمی ربانی و آیتی سبحانی و عبادی زاهد و مجتهدی متعبد و دانشمندی متواضع و خلیق و در شهر ری محبوبیت تامه داشت.

داماد ارجمندش جناب ثقهٔ‌الاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا ابوطالب حایری خوئی از افاضل اهل منبر ری می‌باشد که در این ناحیه به خدمات دینی و ترویجی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تجلی اردکانی، علیرضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۵ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. وی از شاگردان مشهور محقق خوانساری و از بزرگان اردکان بود که در آغاز جوانی به اصفهان رفت و در آنجا به کسب دانش پرداخت و پس از مدتی تعلم، در خدمت محقق مذکور سفری به هند کرد و بعد از مدتی به اصفهان بازگشت و به سبب مقام علمی که داشت در آن شهر شهرت بسیار یافت و به مرتبه‌ی مدرسی مدرسه والده رسید و شاه عباس دوم به سال ۱۰۷۲ ق محلی را در اردکان به رسم سیورغال بدو واگذاشت و او در همان حال که حوزه‌ی درسی خود را اداره می‌کرد به تالیف و تصنیف و سرودن شعر نیز سرگرم بود. تجلی پس از چند سال به مکه و از آنجا به شیراز رفت و همان جا ماند تا بدرود حیات گفت. تجلی در موضوعهای علمی و دینی اثرهایی دارد، از آن جمله است: «رساله»ای به فارسی در منع نماز جمعه و در غیبت امام که ملحقاتی بر آن در رد رساله‌ی ملا محمدباقر خراسانی درباره‌ی وجوب عینی آن افزود که خود حکم رساله‌یی مستقل دارد. از آثار وی: «تفسیری بر قرآن» به فارسی؛ رساله‌ای درباره امامت به فارسی به نام «سفینه النجاه»؛ «دیوان» قصیده و غزل؛ مثنویی به نام «معراج الخیال»؛ «حاشیه المولی عبدالله فی المنطق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۴۰/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۸ -۳۱۷ /۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۴۷ -۱۴۸)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۵ -۶۳)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۶۵ -۱۶۴ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۰ -۱۶۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶ -۱۲ /۲)، الذریعه (۲۰۱/۱۲، ۳۰۱/۱۹، ۱۶۷/۹، ۶۱/۶)، ریحانه (۳۲۸/۱)، سرو آزاد (۱۱۶ -۱۱۵)، شام غریبان (۶۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۴۹/۲)، کاروان هند (۲۰۵ -۲۰۰ /۱)، کلمات الشعراء (۳۹ -۳۸)، الکنی والالقاب (۱۱۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ علیرضا)، مرآت الفصاحه (۱۱۵ -۱۱۴)، معجم المولفین (۹۳/۷)، نتایج الافکار (۱۲۸ -۱۲۶)، نشتر عشق (۲۷۸ -۲۷۷ /۱)، هدیه العارفین (۷۶۰/۱).

تجلی سبزواری، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۳۰۰ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. در سبزوار به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی تحصیلات در رشته ادبیات، به صف مشروطه‌خواهان پیوست. به فرمان حاکم سبزوار دستگیر شد اما، به همراه چند تن از یارانش شبانه گریخت و به مشهد رفت. تجلی از کارمندان وزارت دارایی بود. به سلسله‌ی نعمت‌اللهی گناباد ارادت داشت. تجلی شعر نیکو می‌گفت، به ویژه در سرودن مثنوی و غزل استاد بود. از آثار وی: «ارمغان تجلی»؛ «تجددنامه»؛ «طالب‌نامه‌ی تجلی»؛ «معراج الخیال»؛ «ذم الاستبداد»؛ «انقلاب خراسان»؛ «نیاز تجلی»؛ «کنگاشنامه»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۷/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۹ -۲۵۸ /۲)، مولفین کتب چاپی (۱۰۵ -۱۰۴ /۳).

تجلیل، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل تجلیل درسال ۱۳۱۳ در خوی به دنیا آمد . وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کارشناسی خودرا در تبریز سپری کرد و برای ادامه تحصیل درمقطع کارشناسی ارشد و دکتری وارد دانشگاه تهران شد . ایشان علاوه برتدریس دردبیرستان و دانشگاهها عضو هیئت ممیزه وزارت فرهنگ و آموزش عالی گردید و تا به حال درآنجا فعالیت دارد .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : جلیل تجلیل درسال ۱۳۱۳ درشهر خوی به دنیاآمد . خانواده او همه تبریزی بودند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلیل تجلیل تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کارشناسی خودرا در تبریز سپری کرد و بارتبه اول درسال ۱۳۳۴ دررشته ادبیات از دانشگاه تبریز دوره لیسانس را به پایان رسانید . درسال ۱۳۴۷ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه تهران و درسال ۱۳۴۹ ازهمین دانشگاه مدرک دکتری خودرا اخذ کرد . درهمین حین درحوزه علمیه به تحصیلات علوم اسلامی پرداخت .

استادان و مربیان : از استادان جلیل تجلیل می توان به حاج سلطانی ،جودی ،علی اکبر صبا ، میرزا علی سلطان القرآنی ، دکتر خیامپور ،دکتر مشکور ، ترجامی ران و حسن تاجی طباطبایی اشاره کرد .

همسر و فرزندان : جلیل تجلیل درسال ۱۳۴۰ ازدواج کرد و دارای دو فرزند دخترو پسر می باشد که هر دوآنها لیسانس می باشند .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مشاغل جلیل تجلیل می توان به موارد زیر اشاره کرد : ۱- عضو هئیت ممیزه مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی حدود ۱۰سال ۲ـ عضو هئیت ممیزه دانشگاه تهران حدود۵سال ۳ـ عضو هئیت درشورای گسترش زبان فارسی خارج از کشور حدود ۸سال ۴ـ عضویت درشورای گسترش دانشگاههای کشور حدود ۶سال ۵ـ عضویت در شورای گروه علوم انسانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۶ـ عضویت درشوارای نام گذاری شهرداری تهران به نمایندگی فرهنگ و آموزش

عالی حدود ۱۰ سال

فعالیتهای آموزشی : جلیل تجلیل ازسال ۱۳۳۱ به دبیری ار دبیرستانهای آن شهر پرداخت . از سال ۱۳۴۹ به تهران منتقل شد وبا مرتبه استادیاری دردانشگاه تهران به تدریس ادبیات مشغول گشت . در سال ۱۳۷۴ به احراز مقام استاد نمونه دانشگاههای کشور مفتخر گردید .

جوائز و نشانها : جلیل تجلیل دارای مدال شاگرد اولی خرداد ۱۳۳۴ ، از دانشگاه تبریز و نشان و لوح تقدیر استاد نمونه ازدانشگاههای کشور از ریاست جمهور کسب کرده است .

چگونگی عرضه آثار : جلیل تجلیل استاد دانشگاههای تالیفاتی شامل کتب ، مترجم ، مصحح ، مقالات و سخنرانیهای علمی در مجامع و کنگره های مختلف داخلی و خارجی دارد . --

آثار :

۱ آزادی دراسلام

ویژگی اثر : در مجله جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در شماره ۳ به سال ۱۳۵۹

۲ آشنایی با تصویر فنی و نمایش هنری درقرآن

ویژگی اثر : این مقاله در مجله مشکوه درشمار ه های ۱۲-۱۳ درسال ۱۳۶۵ به چاپ رسیده است

۳ ادبیات انقلاب اسلامی

ویژگی اثر : در کیهان فرهنگی در خرداد ۷۱ در ص۱۲۷ به چاپ رسیده است

۴ از هایر گلشن

ویژگی اثر : مولانا ابراهیم من شهاب الدین گلشنی که درتحقیق دکتر جلیل تجلیل دارالثقلین درقم ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است

۵ ازهار گلشن

ویژگی اثر : مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درسال ۱۳۶۲ به شماره ۱-۴

۶ اسلام و محیط زیست

ویژگی اثر : درنشریه اولین کنفرانس بین المللی بررسی علمی اثرات نشت نفت دردانشگاه تهران به سال ۱۳۶۳

۷ افسانه تقلید و افسون ابتکار

ویژگی اثر : این در مجموعه سخنرانیهای هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۵۵

۸ اقتباسات سعد الدین تفتازانی از عبد القاهر جرجانی

ویژگی اثر : درمجلد دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم شماره۱ ، سال۵۶

۹ اوصاف الفرس فی الشعر العربی

ویژگی اثر : این مقاله درمجلد الاخاء در ۲۳بهمن سال ۱۳۵۵ به چاپ رسیده است

۱۰ بلاغت پیغمبر اکرم (ص)

ویژگی اثر : درابعاد زندگانی اسوه بشریت رسول اکرم (ص) در انتشارات دانشگاه رسول اکرم (ص) به سال ۱۳۶۶ به چاپ رسیده است

۱۱ بلاغت رسول اکرم

ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه مقالات سمینار ابعادزندگی رسول اکرم در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسیده است

۱۲ بلاغت قرآنی و پرتوآن در ادب فارسی وعربی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی درسال ۱۳۷۳ به شماره ۱تا ۴ به چاپ رسیده است

۱۳ پژوهشی درمجاز

ویژگی اثر : درمجموعه هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی درکرمان به چاپ رسیده است ود ر کتابفروشی انجمن فلسفه درسی و پنج خطابه در سال ۱۳۵۸ می باشد

۱۴ پیوند دانش و تهذیب در اسلام

ویژگی اثر : این درمجله جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در شماره ۴ به سال ۱۳۵۹

۱۵ تاثیر شاعران ایرانی درشعر فضولی

ویژگی اثر : درپائیز ۷۳به شماره ۴-۷۳ می باشد

۱۶ تحلیل ابیاتی از جام جم اوحدی

ویژگی اثر : درنشریه اختصاصی گروه زبان و ادبیات فارسی در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۶۴ شماره ۲ صص ۱۱۱-۱۱۴

۱۷ تحلیل اشعار اسرار البلاغه

ویژگی اثر : این کتاب درمرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی بهار ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است

۱۸ تحلیل های بلاغی عبد القاهر جرجانی از آیات قرآنی

ویژگی اثر : این دردانشگاه تربیت مدرس در مجله مدرس به سال ۱۳۶۸ به چاپ رسید ه است

۱۹ ترجمه اسرار البلاعه عبد القاهر جرجانی

ویژگی اثر : این کتاب درسال۱۳۶۱ درانتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است

۲۰ ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد ۲۱

۲۱ ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد ۲۲

۲۲ تعهد درشعر اقبال

ویژگی اثر : این مقاله در مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است

۲۳ توصیف اسب درشعر فارسی

ویژگی اثر : این مقاله درمجلد دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم به شماره ۴، سال۱۳۵۷ به چاپ رسیده است

۲۴ توصیف کعبه و مدینه و خراسان

ویژگی اثر : مجله مشکوه آستان قدس رضوی درسال ۱۳۶۳/۵

۲۵ جاذبه های شعری خاقانی

ویژگی اثر : درمجله مشکوه در نشریه آستان قدس رضوی ۱۳۶۳/۶

۲۶ جاذبه های شعری خاقانی

ویژگی اثر : در مجله مشکوه درنشریه آستان قدس رضوی درسال ۱۳۶۴/۸

۲۷ جاذبه های شعری خاقانی و هنر های ادبی او

ویژگی اثر : در مجله مشکوه درآستان قدس رضوی به شماره ۷در سال ۱۳۶۴

۲۸ جرعه ها از جام جم

ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دردانشگاه تهران درپائیز ۱۳۵۵به چاپ رسیده است

۲۹ جمال شعر نظامی

ویژگی اثر : در مجله آشنا در شماره هفتم درسال ۴ آذرودی ۱۳۷۳ به چاپ رسیده است

۳۰ جمال کمندی درشعر کمال خجندی

ویژگی اثر : درمجموعه مقالات کنگره بزرگداشت کمال خجندی انتشارات سروش در وزارت ارشاد اسلامی درآذر۱۳۷۵

۳۱ جناس درپهنه ادب فارسی موسسه تحقیقات مطالعات فرهنگی ۱۳۶۸

۳۲ جهات مفاخره درشعر حافظ

ویژگی اثر : این مقاله درمجله تحقیقات فارسی انجمن فارسی دهلی در سال ۱۹۸۵ به چاپ رسیده است

۳۳ خاطرات من به شهریار و تحلیل دو مرغ بهشتی او

ویژگی اثر : این مقاله درمجله کلمه به شماره ۱۳۷۱/۲ به چاپ رسیده است

۳۴ خصایص سخن امام

ویژگی اثر : مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی سیره نظری وعملی حضرت امام ۱۳۷۲

۳۵ دومرغ بهشتی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله کلمه به شماره ۲ به چاپ رسیده است

۳۶ رساله ای در استعارد

ویژگی اثر : آرام نامه ، تهرا ن۱۳۶۱

۳۷ سیری در بلاغت نهج البلاغه

ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشنامه دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۶۹/۱ به چاپ رسیده است

۳۸ شناخت روش در تحقیقات ادب فارسی

۳۹ طبع روان و فسونگری فردوسی

ویژگی اثر : در مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است

۴۰ طیف بیانی در منشور غزل حافظ

ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت حافظ در پائیز ۱۳۷۱ ص۱۵۹ به چاپ رسیده است

۴۱ عروض نشر همراه ۱۳۶۸

۴۲ عروض و قافیه

ویژگی اثر : درسال ۱۳۷۸ درانتشارات سپهر به چاپ رسیده است

۴۳ علاقه های مجاز و رساله ای از عضام الدین

ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شماره ۱۰۷-۱۰۸ در پائیز ۱۳۶۷ سال ۲۵ صص ۵۱-۶۱ به چاپ رسیده است

۴۴ علت سازی و علت سوزی درشعر

ویژگی اثر : این درمجله یغما در شماره ۳ درسال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است

۴۵ غوری دردیوان حزین

ویژگی اثر : مجله آشنا -شماره ۳۲ به سال ۶ آذر ۷۵ به چاپ رسیده است

۴۶ غوری دردیوان حزین

ویژگی اثر : آشنا به شماره ۳۲ درسال ۱۳۷۵ ششم آذر

۴۷ فردوسی و تاگور دوحکیم جهانی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله کلمه در انجمن تحقیقات فارسی در هند در دهلی نو به چاپ رسیده است

۴۸ فک وفعل دراضافه

ویژگی اثر : این مقاله درمجله گوهر دردوشماره پیاپی ۱۱و۱۲ درسال ۱۳۵۴و شماره ۱درسال ۱۳۵۵به چاپ رسیده است

۴۹ فنون و صنایع ادبی (عروض)

ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش سال چهارم ۱۳۶۲

۵۰ کتاب تعلیمات دینی

ویژگی اثر : این کتاب برای مقطع دبیرستان است که در تبریز در کتابفروشی صفوی بازار شیشه گران درسال ۱۳۳۵به چاپ رسیده است

۵۱ کتابداری نوین در اسلام

ویژگی اثر : دانشگاه بهشهر ۱۳۶۰

۵۲ گزیده متون ادب فارسی

ویژگی اثر : این کتاب را با همکاری چند تن ازاستادان و همکاران درسال۱۳۶۲ به چاپ رسیده است

۵۳ معالم المدرستین

ویژگی اثر : این کتاب پژوهش و بررسی تحلیلی مبانی اندیشه های اسلامی دردیدگاه دو مکتب ، ترجمه کتاب معالم المدرستین علامه عسکری دردو جلد درزایزن ۱۳۷۵به چاپ رسیده است

۵۴ معانی امرو نهی درغزل حافظ

ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درسال۱۳۶۸ در سفینه حافظ به چاپ رسیده است

۵۵ معانی و بیان مرکز نشر دانشگاهی

ویژگی اثر : این کتاب درسال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است

۵۶ معرفت کردگار

ویژگی اثر : این مقاله در جلد ۱ دروزارت ارشاد اسلامی درسال ۱۳۶۳ دربیان ذکر جمیل سعدی به چاپ رسیده است

۵۷ مفاخره درشعر حافظ

ویژگی اثر : این در مجله دانشگاه انقلاب در اردیبهشت ۱۳۶۳ به چاپ رسیده است

۵۸ مفاخره درشهر فارس

ویژگی اثر : ضمیمه مجلد انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۱۳۶۰

۵۹ مقاله شعر از دیدگاه پیغمبر اسلام (ص)

ویژگی اثر : در جشن نمه مدرس اخوی درسال۱۳۶۴ درانتشارات انجمن استاد به چاپ رسیده است

۶۰ مقایسه لیلی و مجنون نظامی و لیلی و مجنون ففضولی

ویژگی اثر : درانتشارات کنگره بزرگداشت فضولی -تالاروحدت ۱۳۷۴

۶۱ مقدمه بر کتاب عشق درعرفان اسلامی

ویژگی اثر : تالیفات نصرت الله کامیاب تالشی ، دارالثقلین چاپ اول ۱۳۷۵

۶۲ ملاحظاتی در مضمون پردازی و هماهنگی تصویر و آهنگ در شعر خاقانی

ویژگی اثر : در دانشنامه مجله دوره عالی در تحقیقات دکتری شماره ۱۲و۱۳ به چاپ رسیده است

۶۳ ملاحظاتی درمضمون پردازی خاقانی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله مقالات انجمن واره بررسی مسایل ایران درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است

۶۴ مهدی کیست

ویژگی اثر : ترجمه من هو المهدی درسال ۱۳۶۰ درقم چاپ ارم به چاپ رسیده است

۶۵ موج تعالی وتهذیب درکلام حافظ

ویژگی اثر : بطور سریال دردو شماره مجله کلمه -۱۳۶۰و۱۳۶۱

۶۶ نتاسی تشبیه

ویژگی اثر : درمجلد انتشارات ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران شماره ۲و۳ سال ۱۳۵۳

۶۷ نظرات ادبیه حول التاریخ الطبری

ویژگی اثر : این مقاله در مجله جمهوری اسلامی ایران به زبان عربی درسال ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است

۶۸ نگارش روز معیار الاشعار خواجه نصیر طوسی ۱۳۶۹

۶۹ نوعی تشبیه در خسرو شیرین نظامی گنجوی

ویژگی اثر : این مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین شده تولد حکیم نظامی در مجله تسف صص ۲۸۶ به چاپ رسیده است

۷۰ هدایت اسلامی در شعر فارسی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله گلچرخ دراطلاعات به چاپ رسیده است

۷۱ هشیار سران در ابله دیدار

ویژگی اثر : این مقاله درمجله ویسمن درسال اول به شماره ۱۳۵۴-۱ به چاپ رسیده است

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تحریریان، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد زبان انگلیسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۰ و دکترای زبان‌شناسی و آموزش زبان از دانشگاه ایندیانای آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس مقدمه زبان‌شناسی، روش تدریس، روش تحقیق، تهیه متون آموزش و تعداد زیادی از دروس دیگر مربوط به زبان‌شناسی و روش تدریس زبان در دانشگاههای شیراز و اصفهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

در زمینه آموزش زبان کتابهای Freshman English, ABSIR.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

گسترش دامنه لغات و یادگیری زبان دوم، مقالاتی چند در مورد آموزش زبان و سواد به زبان انگلیسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تختی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جهان پهلوان تختی اسوه مردانگی

غلامرضا تختی در روز پنجم شهریور ماه ۱۳۰۹ در خانواده ای متوسط و مذهبی در محله خانی آباد تهران به دنیا آمد".رجب خان- "پدر تختی- غیر از وی دو پسر و دو دختر دیگر نیز داشت که همه آنها از غلامرضا بزرگتر بودند".حاج قلی، "پدر بزرگ غلامرضا ، فروشنده خواروبار بود. از قول رجب خان، تعریف می کنند که حاج قلی در دکانش بر روی تخت بلندی می نشست و به همین سبب در میان اهالی خانی آباد به حاج قلی تختی شهرت یافته بود. همین نام بعدها به خانواده های رجب خان منتقل شد و به " نام خانوادگی "تبدیل شد.

رجب خان با پولی که از ماترک پدرش به دست آورده بود، در محل سابق انبار راه آهن زمینی خریده و یک یخچال طبیعی احداث کرده بود و از همین راه مخارج زندگی خانوادگی پرجمعیت خود را تامین می کرد.

نخستین واقعه ای که در کودکی غلامرضا روی داد و ضربه ای بزرگ و فراموش نشدنی در روح او وارد کرد، آن بود که مرحوم پدرش برای تامین معاش خانواده ناچار شد خانه مسکونی خود را گرو بگذارد.

تختی سال ها بعد در آخرین مصاحبه خود با یادآوری این ماجرای تلخ می گوید ":یک روز طلبکاران به خانه ما آمدند و اثاثیه خانه و ساکنینش را به کوچه ریختند، ما مجبور شدیم که دو شب را توی کوچه بخوابیم. شب سوم اثاثیه را بردیم به خانه همسایه ها و دو اتاق اجاره کردیم. چندی بعد روزگار عرصه را بیشتر بر پدرم تنگ کرد تا این که مجبور شد یخچال طبیعی اش را نیز بفروشد. این حوادث تاثیر فراوانی در روحیه پدرم گذاشت و باعث اختلال روحی او در سال های آخر عمر شد".

در چنان شرایطی، غلامرضا تنها ۹ سال به تحصیل پرداخت. وی خود می گوید ":مدت ۹ سال در دبستان و دبیرستان منوچهری که در همان خانی آباد قرار داشت، درس خواندم، ولی تنها خاطره ای که از دوران تحصیل به یاد دارم، این است که هیچ وقت شاگرد اول نشدم، اما زندگی در میان مردم و برای مردم درس هایی به من آموخت که فکر می کنم هرگز نمی توانستم در معتبرترین دانشگاه ها کسب کنم.

زندگی همچنین به من آموخت که مردم را دوست بدارم و تا آن جا که در حد توانایی من است، به آنان کمک کنم، حال این کمک از چه طریقی و از چه راهی باشد، مهم نیست. هر کس به قدر تواناییش"...

غلامرضا، ورزش را از نوجوانی آغاز کرد. ورزش ابتدا برای او نوعی تفنن و سرگرمی بود. در همان اوان، خیال قهرمان شدن، مدتی او را به وسوسه انداخت اما از همان نوجوانی که تازه به فکر باشگاه رفتن افتاده بود، اعتقاد داشت که ورزش برای تندرستی و سلامت جان و تن هر دو لازم است.

شادروان تختی در مصاحبه ای بـا اشاره به فقر و مشقت زمـان نوجوانی اش می گویـد "با آن که علاقه فراوانی به ورزش داشتم، مجبور بودم که در جستجوی کاری برآیم. زنـدگی ، نان و آب ، لازم داشت. برای مدتی به خوزستان رفتم و در ازای روزی هفت یا هشت تومان، کار کردم. دنیا در حال جنگ(جنگ جهانی دوم) بود، زندگی به سختی می گذشت".

آشنای حقیقی تختی با ورزش و کشتی در باشگاه " پولاد "آغاز شد. وی که پیش از این گودها و زورخانه های فراوانی دیده بود و شیفته تواضع و افتادگی پهلوانانی کشتی و ورزشی باستانی شده بود، برای نخستین بار درسال ۱۳۲۹ به باشگاه پولاد(واقع در خیابان شاهپور سابق) رفت و به دلیل علاقه و استعداد وافری که نسبت به کشتی نشان داد مورد توجه مرحوم " حسین رضی زاده" مدیر آن باشگاه قرار گرفت.

تختی، خود می گوید ":رضی خان آدم خوبی بود، اگر کسی را نشان می کرد و می دید که استعداد کشتی دارد، دست از سرش بر نمی داشت. در گرمای تابستان لخت می شدیم و هر روز از ساعت دو بعدازظهر تا چندین ساعت کشتی می گرفتیم، از دوش آب گرم و حمام خبری نبود . کشتی گیران برای وزن کم کردن، به خزینه می رفتند تشک های کشتی را با پنبه پر می کردند، اما خاک و خاشاک آن، بیش از پنبه بود".

تختی که پس از بازگشت از خوزستان(مسجد سلیمان) روانه خدمت سربازی شده بود، در سربازخانه با استفاده از فرصت ها و توجهات فراهم شده، به ویژه تشویق و حمایت دبیر وقت فدراسیون کشتی که در دژبان ارتش فعالیت داشت، تمرینات کشتی خود را بار دیگر آغاز کرد. تختی خود در این باره می گوید ":وقتی در سال ۱۳۲۸ در مسابقه بزرگ ورزشی(کاپ فرانسه) شرکت کردم، در همان اولین ضربه فنی شدم. اما تمرین های جدی و سختی که در پیش گرفتم، مرا یاری کرد تا حقیقت مبارزه را درک کنم، اگر چه شور پیروزی در سر داشتم، اما کار و کوشش را سرآغاز پیروزی می دانستم".

به این ترتیب تختی با تمرین و پشتکار مثال زدنی رفته رفته خود را از میان بازنده ها بیرون کشید و سرانجام در سال ۱۳۳۰ در وزن ششم(۷۹ کیلوگرم) به عضویت تیم ملی درآمد.

وی در نخستین دوره مسابقه های کشتی آزاد قهرمانان جهان(هلسینکی، ۱۹۵۱) با وجود آن که هنوز ۲۱ سال داشت، نایب قهرمان جهان شد.

درخشش خیره کننده تختی در رقابت های کشتی هلسینکی که در نخستین حضور او در مسابقه های قهرمانی جهان در فاصله کمتر از دو سال از ورودش به میادین ورزشی داخلی اتفاق افتاد، بیش از هر چیز نمایانگر ایمان و تلاش و اراده کم نظیر تختی و همچنین استعداد و مهارت فوق العاده او در زمینه کشتی بود.

گفتنی است در اولین دوره مسابقات قهرمانی کشتی آزاد جهان که از لحاظ تاریخی میدان معتبر و تعیین کننده ای برای کشتی ایران و جهان بود، تیم ملی کشتی آزاد ایران بـا ترکیب کامل و در هر هشت وزن آن زمان حضور پیدا کرد و بـا کسب دو نشان نقره(محمود ملاقاسمی و غلامرضا تختی) و دو نشان برنز، (عبدالله مجتبوی و مهدی یعقوبی) در نتیجه درخشان و غیرقابل تصور پس از تیم های ملی ترکیه و سوئد عنوان سوم جهان را به دست آورد.

مسابقات سال ۱۹۵۱ هلسینکی(فنلاند) برای تختی آغاز راهی بود که طی ۱۵ سال آینده با کسب ده ها پیروزی و فتح سکوهای متعدد قهرمانی در بزرگترین میادین بین المللی کشتی ادامه یافت.

شادروان غلامرضا تختی در سال ۱۳۳۱ (۱۹۵۲) در نخستین حضور خود در رقابت های المپیک با کسب شش پیروزی و قبول یک شکست در برابر " دیوید جیما کوریدزه "از شوروی صاحب نشان نقره شد. وی در این مسابقه ها توانست حیدر ظفر ترک را که سال پیش با غلبه بر تختی قهرمان جهان شده بود را شکست دهد.

تختی در دومین دوره مسابقات جهانی که در خرداد ماه ۱۳۳۳(۱۹۵۴) در توکیو برگزار شد، در وزن هفتم (۸۷ کیلوگرم) به رقابت پرداخت که بـا وجود پیروزی هـای درخشان و شایستگی فراوانی که از خود بروز داد بـا قبول یـک شکست غیرمنتظره در برابر" وایکینگ پالم "سوئدی از راهیابی به فینال بازماند و در نهایت عنوان چهارمی این وزن را به دست آورد.

تختی شش ماه بعد در یک دیدار دوستانه در سوئد "،پالم "را با ضربه فنی شکست داد و باخت غافلگیرانه توکیو را به خوبی جبران کرد.

شادروان تختی همچنین در سال ۱۹۵۵ در جشنواره بین المللی ورشو موفق به کسب نشان نقره شد. اما سومین دوره مسابقه قهرمانی جهان(استانبول،۱۹۵۷) تجربه تلخی برای مرحوم تختی بود. وی که در این دوره از رقابت ها، برای اولین و آخرین بار در وزن فوق سنگین آن زمان(۸۷+ کیلوگرم) کشتی می گرفت، به دلیل وزن بسیار کمتر نسبت به رقیبان با دو باخت حذف شد.

پهلوان ایران بـا وجود حذف شدن در استانبول آبرومندانه کشتی گرفت و نتایجی که به دست آورد با توجه به آن که با وزن ۹۲ کیلوگرم به مصاف کشتی گیران فوق سنگین رفته بود، در مجموع غیرقابل قبول نبود.

به عنوان نمونه" دیتریش "آلمـان و " ایوان ویخریستیوک "روس، حریفان اصلی تختی در این رقابت ها ۱۱۰ کیلوگرم وزن داشتند و علاوه بر آن در وزن خود نیز از تجربه خوبی برخوردار بودند.

در بازی های المپیک ملبورن(استرالیا) که در آذرماه ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) برگزار شد تختی یک بار دیگر در وزن هفتم (۸۷ کیلوگرم) به مصاف رقبایی از شوروی، آمریکا، ژاپن آفریقای جنوبی، کانادا و استرالیا رفت و با شکست تمامی حریفان اولین نشان طلای خود را به گردن آویخت.

این برای نخستین بار بود که دو قهرمان از آمریکا و شوروی در یک سکوی معتبر جهانی پایین تر از حریف ایرانی قرار می گرفتند.

جهان پهلوان تختی در اسفندماه همان سال با غلبه به مرحوم حسین نوری به مقام پهلوانی ایران دست یافت و صاحب بازوبند شد و در سال های ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ نیز این عنوان را تکرار کرد.

جهان پهلوان تختی در سال ۱۹۵۸ در بازی های آسیایی توکیو و مسابقات قهرمانی جهان در صوفیه به ترتیب نشان های طلا و نقره این رقابت هـا را به گردن آویخت و در مهرمـاه سال ۱۳۳۸(۱۹۵۹) در چهـارمین دوره مسابقـات کشتی آزاد قهرمـانی جهان که در

تهران برگزار شد سومین عنوان قهرمانی جهان خود را کسب کرد.

"بوریس کولایف "از شوروی تنها کشتی گیری بود که با امتیاز به تختی باخت و در ۵ کشتی دیگر رقبای مجارستانی، لهستانی، فرانسوی، بلغار و ترک تختی با ضربه فنی مغلوب پهلوان ایران شدند.

تیم ملی کشتی آزاد ایران که در رقابت های تهران با اکتفا به دو مدال طلای غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی با وجود برخوردی از امتیاز میزبانی در حفظ عنوان سومی سال های قبل نیز ناموفق بود در هفدمین دوره بازی های المپیک(ایتالیا، ۱۹۶۰) تا مکان پنجم رده بندی سقوط کرد. تختی کاپیتان تیم ملی و پرتجربه ترین کشتی گیر ایران که در این رقابت ها در وزن هفتم به میدان رفته بود، پس از پیروزی در پنج دیدار با در مسابقه نهایی با قبول شکست در برابر" عصمت آتلی "از ترکیه به گردن آویز نقره دست یافت.

مسابقه های قهرمانی جهان در یوکوهامای ژاپن میدانی فراموش نشدنی برای کشتی ایران بود. تیم ملی کشتی آزاد کشورمان پس از حضور در ۸ دوره مسابقات المپیک و جام جهانی در رقابت های جهانی ۱۹۵۹ ژاپن، پرافتخارترین حضور خود در تاریخ کشتی را رقم زد و با دریافت پنج نشان طلا، یک نشان نقره، یک نشان برنز و یک عنوان پنجمی به مقام قهرمانی کشتی آزاد جهان دست یافت.

جهان پهلوان تختی که در این مسابقات در وزن ۸۷ کیلوگرم به مصاف حریفان رفته بود با حضوری مقتدرانه آخرین مدال طلای خود را به گردن آویخت.

کشتی گیران آزاد ایران در ششمین دوره رقابت های قهرمانی جهان در تولید وی آمریکا (۱۹۶۲) نیز حضوری شایسته داشتند.

تیم ملی ایران اگر چه نتوانست مقام قهرمانی خود را در این مسابقات حفظ کند ولی کسب مقام سوم جهان نیز با توجه به کارشکنی ها و ناداوری هایی که در حق تختی و سایر کشتی گیران ایران روا شد نتیجه قابل قبولی تلقی می شود. جهان پهلوان تختی در این مسابقات با حضور مقتدرانه در برابر " وان براند "آمریکایی "، مریود "روسی و " عصمت آتلی "که از قهرمانان صاحب نام وزن هفتم بودند از حیثیت کشتی ایران به خوبی دفاع کرد و در نهایت پس از تساوی با " مروید "جوان تنها به دلیل ۲۰۰ گرم اضافه وزن نسبت به حریف از دریافت نشان طلا محروم شد و به گردن آویز نقره رضایت داد.

قهرمان ارزشمند ایران در شرایطی در این دیدارها شرکت کرد که از بیماری خطرناکی رنج می برد با این حال عشق به ملت ایران او را به مصاف با بزرگترین قهرمانان جهان کشاند. شدت بیماری تختی به حدی بود که پس از دیدار فینال سریعا به نیویورک منتقل و روز بعد در بیمارستان بزرگ نیویورک تحت عمل جراحی قرار گرفت.

در فاصله سال های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۶، جهان پهلوان تختی با وجود سن بالا۔همچنان عضو تیم ملی ایران بود. اما تنها در بازی های المپیک ۱۹۶۴ توکیو شرکت کرد که در این دیدار با بداقبالی از کسب چهارمین نشان المپیک خود بازماند و به عنوان چهارمی جهان اکتفا کرد. البته جانشینان تختی در مسابقات جهانی صوفیه(۱۹۶۳) و منچستر(۱۹۶۵) از دریافت حتی یک امتیاز در وزن هفتم ناموفق بودند، این امر در کنار عشق وافری که ملت ایران به جهان پهلوان داشتند، موجی از درخواست های مردمی و مطبوعاتی برای حضور مجدد تختی در رقابت های جهانی را برانگیخته بود. پهلوان ۳۶ ساله ایران با وجود عدم آمادگی کافی و گذشتن از مرز بازنشستگی شرکت در مسابقه های جهانی ۱۹۶۶ (تیرماه ۱۳۴۵) تولیدو را پذیرفت.

تختی در مسابقات انتخابی مسابقات جهانی ۱۹۶۶ از نظر نتایج فنی و پیروزی با ضربه فنی، بهترین چهره شناخته شده و به عنوان بهترین کشتی گیر وزن هفتم ایران راهی آمریکا شده بود با این حال کارشکنی و برخوردهای سویی که از سوی برخی افراد و مقامات نسبت به او روا می شد روحیه او را تضعیف کرده بود.

جهان پهلوان تختی به هنگام عزیمت به آخرین سفر خود، در میان خیل عظیم مردمی که برای بدرقه او و همراهانش آمده بودند در گفت و گو با خبرنگار "کیهان ورزشی "گفت: هیچ چیز نمی تواند مرا خوشحال کند، پول، مدال طلا، عشق و حتی عشق.

نسبت به این مردمی که به فرودگاه آمده اند، احساس شرمندگی می کنم. راستی چقدر محبت بدهکارم؟ من چرا باید کشتی بگیرم؟ چرا باید همراه تیم مسافرت کنم، تا سبب این همه مراجعت باشم؟ اگر پاسخ به این پرسش را می دانستم من هم می توانستم ادعا کنم چون دیگران هستم... وقتی کسی نداند چه عاملی سبب خوشحالی اش خواهد شد، یقینا نخواهد توانست بگوید چرا کشتی می گیرد و چرا همراه تیم مسافرت می کند"

تختی که بی امید به مصاف تازه نفسی ها و جوانان جویای نام رفته بود، متاسفانه با بدترین قرعه ممکن نیز مواجه شد به طوری که پس از پیروزی پنج بر صفر در مقابل حریفی از مجارستان به مصاف " الکساندر مدوید "و " احمد آئیک("نفرات اول و دوم این دوره از رقابت ها) رفت و با قبول شکست در برابر آنها برای همیشه با صحنه کشتی خداحافظی کرد.

افتخارات تختی:

بازیهای المپیک:

۵۲ هلسینکی: مدال نقره (۷۹ کیلو گرم)

۵۶ ملبورن: مدال طلا (۸۷ کیلو گرم)

۶۰ رم: مدال نقره (۸۷ کیلو گرم)

۶۴ توکیو: چهارم (۹۷ کیلو گرم)

قهرمانی جهان:

۵۱ هلسینکی: مدال نقره (۷۹ کیلو گرم)

۵۴ توکیو: نفر پنجم (۸۷ کیلو گرم)

۶۱ یوکوهاما: مدال طلا (۸۷ کیلو گرم)

۶۲ تولیدو: مدال نقره (۹۷ کیلو گرم)

بازیهای آسیایی:

۵۸ توکیو: مدال طلا (۸۷ کیلو گرم)

جمع مدالهای غلامرضا تختی: ۸ (۴ طلا، ۴ نقره)

المپیک ۳ – جهانی ۴ – بازیهای آسیایی ۱ سجایا و خصایص انسانی والای شادروان تختی

جهان پهلوان غلامرضا تختی پرافتخارترین چهره تاریخ ورزش قهرمانی ایران و فاتح سکوهای رفیع کشتی جهان، نه تنها در ایران که در تاریخ ورزش دنیا نیز چهره ای کاملاً شناخته شده است. با وجود گذشت حدود ۴ دهه از آخرین حضور تختی در رقابت های المپیک (توکیو،۱۹۶۴) و ۳۵ سال از درگذشت جهان پهلوان، نام وی همچنان در زمره نام آورترین قهرمانان کشتی رقابت های المپیک می درخشد.

با این همه تردیدی نیست که راز محبوبیت و ماندگاری کم نظیر شادروان غلامرضا تختی را نه در برق نشان های رنگارنگ ورزشی او که در خصایص و سجایای اخلاقی و صفات بارز انسانی این فرزند وفادار مردم باید جستجو کرد.

پس از تختی قهرمانان بسیاری بودند که با کسب چند مدال جهانی و تقلید ازحرکت های مردمی تختی سودای دستیابی به موقعیت بی بدیل او در سرپروراندند و چند صباحی به مدد تبلیغات و جنجال های مطبوعاتی ردای جهان پهلوانی را بر تن کردند اما هیچگاه نتوانستند به خانه های روشن و پاك دل مردم راه پیدا کنند عشق و ارادت خالصانه توده های معتقد و مذهبی به این " سلاله بی فخر و تبار برخاسته از تن درد و رنج و محرومیت "خود آن چنان عمیق و ریشه دار و آگاهانه است که حتی نیش گزنده آن "دروغ بزرگ " هم نتوانسته است، کوچکترین خللی در آن ایجاد کند.

"او با مردم و چونان مردم زیست. در شادی شان گلخنده اش را نثار آنان کرد و در ماتم و اندوهشان، ایثارگرانه و اندوهگین در کنارشان جای گرفت. شادی هر لبخند فتحی را که بر لبانش نقش بست با آنان قسمت کرد و با غرور و پیروزی خویش بارها و بارها، زنگار اندوه شکست های دیرین را از سینه آنان شست.

چه بسیار مردم سیلی خورده یی که زبونی خویش را در قدرت و حمیت و همت او جبران شده می دیدند و غروب آرزوها و آرمان های خویش را در طلوع نام و کام او ازیاد می بردند و تداوم آرمان هایشان را در صلای مردانگی و عزت او– که او هرگز– آن را به پای دونان و دشمنان سوگند خورده مردم نریخت جستجو می کردند و چنین بود که تختی آرام آرام و نه یکباره و ناگهانی قهرمان شکست ناپذیر افسانه های دل مردم شد. او تبلور آرزوهای مرده و به طاق نسیان سپرده مردم شد".

تختی بزرگ، خود نیز به عمق علاقه خالصانه طبقات محروم و رنج دیده نسبت به خویش واقف بود، وی در پاسخ به خبرنگاران داخلی و خارجی که از او پرسیده بودند "با ارزش ترین مدالی که تا کنون گرفته ای کدام است "؟گفته بود ":بزرگترین پاداش و عالی ترین هدیه ای که گرفتم مدال یا نشان طلا و نقره نبود. قلب یك انسان بیش از هزاران مدال طلا ارزش دارد و من می دانم که هزاران هزار نفر از مردم حق شناس میهنم در قلب مهربان خودشان جای کوچکی هم برای من ذخیره کرده اند".

تختی که در خانواده ای مذهبی و معتقد پرورش یافته بود، از همان جوانی انسانی مومن و پرهیزگار بود. ایمانی خالصانه داشت، برای شرعیات اهمیت خاصی قائل بود و نماز و روزه اش هرگز ترك نمی شد ".شبهای جمعه همواره برای زیارت به حضرت عبدالعظیم می رفت "و ارادت خاصی به ائمه اطهار خصوصا حضرت ثامن الحج(ع) داشت.

نقافیان از مفسران قدیمی ورزش در مشهد با تجلیل از سجایای اخلاقی جهان پهلوان تختی می گوید ":تختی ارادت وعلاقه زیادی به حضرت امام رضا (ع) داشت و در هر فرصتی که پیش می آمد و یا قبل از هر سفری به خارج به مشهد می آمد و به زیارت و پابوسی آن حضرت مشرف می شد. وقتی وارد حرم حضرت رضا (ع) می شد، دیگر خودش نبود، آستان بوسی او به قدری خاضعانه و بی پیرایه بود که همه همراهان و اطرافیان را تحت تاثیر قرار می داد".

تختی در آخرین مصاحبه اش در مورد رمز موفقیت خود را تاسی از ائمه اطهار دانسته و می گوید: من ازعلی(ع) آموختم که در مقابل ناملایمات باید ایستادگی کرد و برای پیروزی باید تلاش کرد و با اتکال به خدا به میدان رفت و پیروز شد و من چنین کردم و پیروز شدم، ولی نه آن پیروزی که من می خواستم چرا که نگذاشتند و سد راهم شدند.

ساده زیستی، قناعت و مناعت طبع از صفات بارز جهان پهلوان بود. او با وجود مشکلات مالی که به ویژه در اثر فشارهای رژیم گریبانگیر او بود، نه تنها حاضر به پذیرش پیشنهادات وسوسه انگیزی که به او می شد نبود که با بزرگواری، مستمری محدود خود را نیز به کشتی گیران نیازمند حواله می کرد.

شاه حسینی یکی از دوستان نزدیك تختی ضمن بیان خاطره یکی از دیدارهای خود با وی از قول جهان پهلوان نقل می کند":

اومدن به من می گن حالا که بعضی از آقایون ورزشکار فیلم بازی کردن و از نظر مال و تمول، شارژ شدن، تو هم بیا پول کلونی بگیر و تو یکی دو تا فیلم بازی کن. من بهشون گفتم آقا از من این کارها ساخته نیست. ما اگر پول می خواستیم از طریق مشروع ترهم می شد".

وی ادامه داد ":نماینده کمپانی تیغ ناست اومده پیشنهاد کرده که بیا پای آینه با این تیغ های ناست یه خورده صورتت را بتراش ما هم مبلغ زیادی می دیم "و بعد از نقل این پیشنهاد یك مصرع شعر خواند ":عمر عزیز است و صرف غم نتوان کرد. "وقتی دست و پا شکسته این مصرع را خواند گفت: بقیه اش یادم رفته.

تختی هر بار که عازم سفر ورزشی بود، به مشهد می رفت و به ثامن الحجج(ع) متوسل می شد، در عین حال که دستگاه تربیت بدنی و سرشناسان شهر به او بسیار احترام می گذاشتند و استقبال می کردند، او به خانه وفادار– پهلوان صاحب بازوبند– وارد می شد و همیشه می گفت ":ما باید بریم خونه وفادار چون آبگوشت خونه وفادار می ارزه به تمام غذاهای دیگه و چلوکباب توکلی".

"بینی و بین الله مردم ما هم الحق پاسخ خوبی به جهان پهلوان خود دادند. پس از سی سال از مرگ او نسلی که نه او و نه کشتی اش را دیده و تنها اسمی از او شنیده، این چنین شیفته اوست و هر سال یادش را گرامی می دارد. ما از تختی کشتی گیرتر داشتیم، اما مردم برای" سگك نشستن "شیفته اش نشدند. مدال بگیر هم زیاد داشتیم ولی تختی بود که " مدال مردم "را گرفت".

مردمداری و دستگیری نیازمندان یکی دیگر از خصایص بارز جهان پهلوان بود که در این مورد حکایت های بسیار زیادی نقل شده

است. بابک فرزند پدر نادیده که تختی را از ورای انبوه سخنان و خاطرات مردم بازشناخته است در این مورد می گوید ":از دستگیری های تختی خاطره خیلی زیاد است. از کمک به یک زن و مرد فلج که تازه ازدواج کرده بودند تا دکه مطبوعاتی خریدن برای یک جوان بیکار و... می گویند هر وقت کادویی از طرف راه آهن- محل کارش- یا بقیه سازمان ها ودستگاه ها می گرفت، بدون اینکه آنها را بازکند به کسانی می داد که ناگفته سرپرستی شان را به عهده داشت بعد از شب هفت، یکی از دوستانش می بیند که پیرزنی در راهروهای فدراسیون کشتی می گردد. از او می پرسد ":مادر چی می خوای؟ دنبال کی می گردی "؟پیرزن می گوید ":والله نمی دونم دنبال کسی می گردم که قد و قواره اش به پهلوونها می خوره او میومد به من کمک می کرد، چند وقتیه که پیدایش نیست، گفتم شاید بتوانم اینجا ازش خبری بگیرم".

... و بالاخره تختی با مردم بود و از مردم، مردمگرایی در ذاتش بود، یک بار که دانشجوها در دانشگاه تهران تحصن کرده بودند و دانشگاه هم محاصره بوده و کسی امکان تردد به دانشگاه نداشته، تختی با ظرف های غذا از دانشگاه وارد می شود، خوب پاسبان ها هم او را می شناختند و کاری با او نداشتند. چون غذا کم بوده، او از درهای متعدد دانشگاه وارد می شود و کار غذا رسانی را تکرار می کند.

بابک با اشاره به علاقه و سمپاتی متقابلی که مردم نسبت به تختی داشتند، برخورد آنها با جهان پهلوان را نظیر اعتمادی می داند که نسبت به پهلوان های قدیم وجود داشت.

وی می گوید ":یک بار پدرم که از آلمان با ماشین شخصی راهی ایران بوده، یکی از دانشجویان ایرانی که خانم آلمانیش را می خواسته به ایران بفرستد می فهمد که تختی راهی ایران است. نمی دانم چرا خانمش را با هواپیما نمی فرستاده، شاید به خاطر اینکه پول نداشته، در فرانکفورت به سراغ تختی می آید و خانمش را می سپرد به دست تختی. ظاهرا ماشین تختی ایرادی داشته. تختی عنوان می کند خیلی خوب ماشین رفیق من هست خانم شما می تواند با او بیاید. ولی آن دانشجو می گوید فقط باید در ماشین خودت سوار شود. بالاخره او با تختی به ایران می آید و این زمینه دوستی های بعدی دانشجوی ایرانی با تختی می شود. به هر حال تختی در جامعه ما پدیده ای بود".

"تختی در طول عمر خود تنها یک بار دست نیاز به سوی دیگران دراز کرد و آن هم بخاطر مردم و این دست با صمیمیت شرافتمندانه بدرقه شد".

شهریور ماه ۱۳۴۱ چند روز پس از زلزله ویرانگر "بویین زهرا "پهلوان و چندنفر از دوستانش در حالی که اخبار و تصاویر ساکنان مصیبت زده و ویرانه های مناطق زلزله زده را در روزنامه نگاه می کردند، ضمن صحبت هایشان در مورد علت کم بودن کمک های مردمی و بی توجهی مردم به مراکز جمع آوری اعانه راه اندازی شده در شهر بحث می کردند . بعضی از دوستان تختی معتقد بودند که مردم توجهی به مصیبت هموطنان خود ندارند و حاضر نیستند کوچکترین کمکی به آنها بکنند. پهلوان، این سلاله پاک مردم، که به عمق مهربانی و ایثار هموطنان پاک نهاد خود و میزان بی اعتمادی و انزجار آنها از " خودکامگان حاکم "واقف بود، می گفت: علت بی توجهی مردم به این مراکز کمک رسانی، نداشتن اطمینان به حکومت و کسانی است که معرکه گردان این جریان شده اند. پیش کشیده شدن این بحث و مخالفت یکی از دوستان تختی با نظر او ناگهان فکری را به ذهن پهلوان انداخت. تختی تصمیم گرفته بود که خود وارد این میدان شود البته نه برای اثبات گفته هایش بلکه "برای این که به هر حال یک نفر باید وسط بیفتد و سبب خیر شود".

فردای آن روز تختی بدون هیچ اعلان و تبلیغاتی اول صبح به چهار راه ولیعصر فعلی رفت و تصمیم خود برای جمع آوری اعانه به نفع زلزله زدگان را به کمک دوستانش به اطلاع مردم رساند. پس از آن غوغایی به پا شد که در تاریخ مشارکت های مردمی ایران کم نظیر و شاید بی نظیر بود. محمود رفعت از دوستان و علاقمندان جهان پهلوان و نویسنده کتاب " تختی مرد همیشه جاوید "این واقعه تاریخی را چنین نقل می کند ":مردم که دهن به دهن خبردار شده بودند از دور و نزدیک خودشان را رسانده بودند به پهلوان و بی دریغ هر چه از دستشان برمی آمد کمک کرده بودند. چند دانشجو کتشان را درآورده بودند و انداخته بودند روی تل بزرگ لباس ها، پتوها، ظرف و ظروف ها، طلا و جواهرات و خلاصه هر چیزی که عابران معمولا همراه دارند یا خانه دارها می توانستند از آن صرف نظر کنند.

در این میان پیرزنی چادرش را از سرش برداشته بود و بعد از دادن آن به پهلوان پیشانیش را بوسیده و گفته بود ":پسرم خدا عمرت بدهد که به فکر مصیبت زده ها هستی، خدا عزتت را بیشتر از این ها بکند که غصه خانه خراب ها را می خوری، من خجالت زده ام که چیز دیگری ندارم".

پهلوان در حالی که چشمایش از اشک برق می زد چادر را برداشت و ملتمسانه از پیرزن خواهش کرد که آن را بگیرد. پیرزن چادر را که تختی به او داده بود دوباره روی تل هدایا انداخت و با لحن مادری که از حرف گوش نکردن فرزندش بی حوصله شده گفت ":مرحمت خشک و خالی که فایده ندارم، پسرم".

پیرزن وقتی با تردید دوباره پهلوان مواجه شد، خشمگینانه گفت ":یعنی ما فقیر بیچاره ها حق نداریم"؛

صورت پهلوان یک دفعه رنگ به رنگ شد، گفت ":شما را به خدا این حرف را نزنید . شما از هر ثروتمندی ثروتمندترید، حق دارترید، چون که بلندنظرتر و باگذشت ترید.

پیرزن همین که سرخ شدن صورت پهلوان را دید به گریه افتاد، اما چشم هایش را به تندی با گوشه لچکش پوشاند و عقب عقب خودش را از جمع مردم بیرون کشاند و رفت".

"کیهان ورزشی "که خبر این رویداد را با عنوان "تختی، گوهر گرانبهای ملت ما "در شماره ۲۴ شهریورماه ۱۳۴۱ خود به چاپ رسانده بود، ثمره دو روز پیاده روی تختی را چهارکامیون خواربار و پوشاک و بیست هزار تومان پول نقد(که در آن زمان رقم بسیار بالایی به حساب می آمد) نوشته است.

جوانمردی، فتوت و صفات انسانی تختی که ریشه در اعتقادات و باورهای عمیق او داشت هرگز به عرصه های اجتماعی و

برخوردهای مردمی وی محدود نمی شد. جهان پهلوان این سلاله خلف "پوریای ولی "در میادین ورزشی و رقابت های جهانی نیز منش والای خود را به نمایش می گذاشت.

در این مورد خاطره ها و روایت های فروانی نقش شده است، الکساندر مدوید، کشتی گیر صاحب نام شوروی سابق و رقیب مقتدر تختی در این مورد خاطره جالبی دارد ":در تولیدو(۱۹۶۲) تختی و من دیدار نهایی را برگزار کردیم. در جریان این مسابقه ها، پای راست من به شدت ضرب خورده و روحیه ام را خراب کرده بود. فکرم متوجه تختی بود که باید با این پای ناجور با او مبارزه می کردم. به راستی تا آن موقع از خصوصیات اخلاقی، رفتار و کردار انسانی و والای تختی خبرنداشتم. اما در آنجا به عظمت، انسانیت و جوانمردی تختی پی بردم و تحت تاثیر آن قرار گرفتم. او که شنیده بود پای راست من ضرب دیده با این پا به خوبی مدارا کرد و هرگز نخواست با هجوم به این پا مرا زجر دهد. او تا آخرین لحظه، مردانه و تمیز کشتی گرفت و از پای ناراحت من اصلا استفاده نکرد. تختی با این کارش نشان داد که یک قهرمان به معنای واقعی است. بعد از این جریان، ما به صورت دو دست صمیمی درآمدیم.

او همیشه مرا دوست می داشت. او ملت خودش را هم دوست می داشت و فکر می کنم تختی اصلا برای ملتش زندگی می کرد. آشنایی با او برای من افتخار بزرگی به حساب می آید.

تختی بسیار خوب و فنی کشتی می گرفت و من چیزهای زیادی از او آموختم. ما روی تشک دو حریف سخت کوش بودیم و در خارج از تشک دو دوست جدانشدنی، تختی می تواند الگوی خوبی از نظر ورزشی و اخلاقی برای جوانان شما باشد"

زندگی جاوید این پهلوان مردم، فصلی که به شهادت ۳۵ سال حضور مستمر و بالنده او هرگز آخرین فصل حیات او نبوده است.

احترام به پیشکسوتان

احترام به پیشکسوت در فرهنگ ورزش و بخصوص در کشتی که ورزشی پهلوانی است یک سنت بسیار مهم و خدشه ناپذیر است که باعث تشویق جوانان و دلگرمی بزرگان می شود.

احمد وفادار از پهلوانان نامی ایران بود که قبل از تختی سابقه بستن بازوبند پهلوانی ایران را داشت. او درمسابقات جهانی کشتی هم سابقه شرکت دارد. او در گفته هایش نمی تواند خوشحالی خود را از رعایت سلسله مراتب کسوت توسط جهان پهلوان تختی پنهان کند:

او یک انسان واقعی بود و احترام به بزرگان و پیشکسوتان را همیشه رعایت می کرد. یادم نمی رود شبی را که همراه وی به یکی از زورخانه های تهران رفتیم به او پیشنهاد دادند که تخته شنا را وسط گود بگذارد و میانداری کند ولی او قبول نکرد و گفت: جایی که وفادار هست من این کار را نخواهم کرد. در پایان مراسم که قرار شد جوایز گروهی از قهرمانان کشتی اهدا شود او باز هم قبول نکرد و این کار را به من واگذار کرد. او احترام خاصی برای سنت های خوب ورزش قهرمانی قائل بود.

وقتی تختی به مشهد می آمد خیلی ها دوست داشتند او را به طرف خود بکشانند. خیلی از دست اندرکاران و مسئولین هم از او دعوت می کردند، اما تختی دعوت هیچکس را قبول نمی کرد و فقط به خانه من می امد و

می گفت: آبگوشت خانه پهلوان وفادار را به سفره های رنگین دیگران ترجیح می ده.

وی چهار ماه پس از بازگشت از آخرین سفر خود(تولیدو،۱۹۶۶) در آبان ماه سال ۱۳۴۵ زندگی مشترک خود را با همسرش آغاز کرد؛ که حاصل آن تولد بابک در سال ۱۳۴۶ بود و سرانجام پس از گذشت چهار ماه از تولد فرزندش خبر درگذشت جهان پهلوان همه را در اندوهی عظیم و بهتی شگفت انگیز فرو برد.

۱۷ دی ماه ۴۶ وقتی روزنامه ها نوشتند : غلامرضا تختی خود را کشت مردم باورشان نشد .آنها مطمئنا بودند که تختی را چیز خورش کردند حتی اسم سم را هم میدانستند باربی توریت .آنها می گفتند غلامرضا را کشتند و عکس پهلوان را می گذاشتند روی طاقچه کنار قرآن و شمایل مولا ـ نکته مشترکی که در نشریات زمان مرگ تختی به چشم می‌خورد، اشاره‌ای است به دست نوشته‌های او، اگرچه هیچ‌کجا سند یا عکسی در مورد اصل این دست نوشته‌ها یا دفترچه یادداشت دیده نمی‌شود. و هیچ سندی برای اعتبار آنها وجود ندارد. شاید به نظر می رسد این نوشته ها هم برای گمراه کردن افکار عمومی و با اندیشه ای خاص تهیه و چاپ شده است. این موضوع نیز مانند مرگ پهلوان رمز بزرگی است که هنوز جوابی برایش وجود ندارد.

او خودش بود :

جلال آل احمد در وصف او می گوید : «او پوریای ولی نبود. او هیچ کس نبود، او خودش بود، بگذار دیگران را به نام او و با حضور او بسنجیم. او مبنا و معنای آزادگی است ... و هرگز به طبقه ی خود پشت نکرد.»

«اطلاعات» نیز این چنین از تختی قدردانی کرد: «او خورشیدی بود که غروب کرد و مردی بود که به صورت افسانه تا ابد باقی خواهد ماند.» و این حقیقتی انکارناپذیر است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

تدین نجف‌آبادی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه

تهران، دکترای ادبیات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عرفان و حکمت، تصوف از نظر دانشمندان عصر صفوی و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

عرفان و حکمت الهی در ادبیات فارسی، فلسفه اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادب عرفانی و جنبه تحقیقی تاریخی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ترابی، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر ترابی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲۹

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای مذهبی دیده به دنیا گشوده دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرستان شهرضا با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رسانیدم . در سال ۱۳۵۶ به حوزه علمیه قم وارد و در طی سه سال دوران مقدمات را طی کرده به تحصیل مکاسب و رسائل و کفایه در خدمت اساتید بزرگواری مانند آیت الله ستوده و استاد موسوی تهرانی و استاد اعتمادی پرداختم .در سال ۱۳۶۰ همزمان با درس کفایه به خارج قضا و درس رجال آیت الله جعفر سبحانی حاضر شدم . در سال ۱۳۶۱ در درس فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و مدت ۱۳ سال افتخار شاگردی آن بزرگوار را داشتم . در خلال حضور در درس اساتید فوق به تدریس ادبیات و لمعه و اصول الفقه اشتغال داشته مدت ۲۴ سال فقه و اصول را تدریس کرده ام و از سال ۱۳۸۰ به تدریس مکاسب و رسائل مشغول هستم . در دوران دفاع مقدس مدت ۱۷ ماه در دفتر نمایندگی امام (ره ــ) پس از رحلت امام قدس سره به دفتر نمایندگی ولی فقیه تغییر نام یافت ــ در تدارکات سپاه به عنوان معاون، خدمت کرده بارها در جبهه دفاع مقدس همگام با رزمندگان دلاور بسیجی حاضر شدم .از کارهای فرعی علاوه بر تبلیغ و عهده دار بودن سمت روحانی کاروانهای حج و عمره , در امر تنظیم سوالات امتحانی حوزه و تصحیح اوراق و ممتحن امتحانات شفاهی حوزه نیز همکاری دارم ولله الحمد .

ترابی، رشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رشید ترابی واعظی توانا و خطیبی اریب و فاضلی حسیب بودند.

وی در آنجا پرورش و تحصیل خود را در مدرسهٔالواعظین هندوستان تکمیل و در کراچی که یکی از پایگاه‌های مهم شیعه هندوستانست اقامت اختیار و از طریق منبر به تبلیغ ولایت و فضائل اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام پرداخته و در شهرهای بمبئی و حیدرآباد و رنگون و مسقط و لگنهو وحیدآباد سند و لاهور و کویته ط و زنگبار و غیره مسافرت و منبرهای پرشوری رفته است.

مرحوم رشید ترابی بیشتر اساس و برنامه منبرش گفتن مطاعن غاصبین و ظالمین اهل‌بیت و خاندان مظلوم پیغمبر علیهم‌السلام و فضائل آن برگزیدگان عالم بود و مردم پاکستان و هندوستان و غیره توجه و علاقه تامی به منبر و سخنان او داشتند و در هر کجا منبر می‌رفت جای بر مردم تنگ می‌شد و دهها هزار نفر برای استماع بیانات او شرکت و ابراز احساسات و تظاهرات به رسم و عادت خود می‌نمودند.

وی به زبان فارسی و عربی و اردو انگلیسی و غیره وارد و صحبت می‌کرد و همه طبقات را مستفیض می‌نمود.

نگارنده ده شب اول محرم را قبل از منبر وی در حسینیه انجمن ایرانیان در سال ۱۳۸۹ ق منبر رفتم و نسبت به حقیر محبت و علاقه داشت.

فرزندان متعددی داشت که در میان آنان جناب مستطاب حجهٔالاسلام و فاضل علام آقای حاج میرزا عقیل ترابی از افاضل معاصر است.

وی چندین سال در عصر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی در قم اشتغال به تحصیل داشت و در اواخر عمر آن مرحوم مسافرت به نجف و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللَّه حکیم به لندن عزیمت و برای رهبری شیعه هندی انگلستان در آنجا اقامت و به خدمات دینی و تبلیغ دین اسلام و ترویج احکام اشتغال یافته و تا حال تحریر نیز در آنجا به انجام وظائف موفق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ترابی

محل تولد : سکردوبلستان

شهرت

تابعیت : پاکستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی ترابی فرزند احمد از کشور جمهوری اسلامی پاکستان دارای کد ۱۲۵۲۱۸۴ می باشم بنده در سال ۱۹۷۶م به دنیا آمدم در سن ده سالگی در دارالقرآن واقع در منطقه روندو مشغول به فراگیری کلام الله مجید شدم بعد از سن ۱۲ سالگی مشغول به خواندن دروس دولتی شدم که در همان زمان بخاطر علاقه که به معارف علوم دینی داشتم در یک مدرسه دینی پذیرش شدم و ادامه تحصیلات علوم اسلامی را در کنار علوم دولتی ادامه دادیم. و مدرسه جامعه المنتظر تا حد لمعه ج اول فرا گرفته بودم در این هنگام به تشویق بعضی از استاد شدم برای ادامه تحصیل به کشور جمهوری اسلامی انقلابی ایران شهر مقدس قم آمدم هم اکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سطح ۲ مشغول به ادامه تحصیل می باشم. والسلام

ترابیان، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ترابیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۷۲ جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و طی سه سال دوره مقدمات حوزه را طی نمودم و در سال ۷۵ در امتحان ورودی موسسه امام خمینی (ره) پذیرفته شدم و در کنار دروس موسسه دروس سطح را در محضر اساتید حوزه استادان علیدوست ، محمدی ، حسینی ، عالی ادامه داده در سال ۷۹ دوره سطح سوم را به پایان رسانده در سال ۸۰ در درس خارج آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی شرکت نمودم ولیکن به علت های مختلف در سال ۸۳ به دادگستری رفته به شغل خطیر قضاوت پرداختم و در ضمن در سال ۸۱ با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و اخذ نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم .

تربتی خراسانی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطیب و شاعر. اهل تربت حیدریه بود. وی واعظی فاضل و دانشمند بوده که گاهی هم شعر می‌سروده است. این

بیت از او است:

شکستم عهد و پیمانی که با زهد و ریا بستم

چو بستم بر در میخانه با پیمانه پیمانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۲۱۲۸/۳).

تربتی نژاد، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن تربتی نژاد

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اخذ مدرک دیپلم در رشته ی فنی ماشین افزار با وجود قبولی در کنکور سراسری در رشته مهندسی وارد حوزه علمیه امام خمینی شهرستان گرگان که زیر نظر نماینده ولی فقیه در استان گلستان بود شدم. ادبیات عرب ، منطق مظفر و مختصر المعانی را به مدت چهار سال در نزد اساتیدی چون حجج اسلام رضمان پور ، برقرار، افضلی و ... پشت سر نهادم و فقه و اصول فقه مظفر ر ا نیز در نزد اساتیدی همچون حجج اسلام میر بهبهانی ، افضلی و مرحوم سید علی رئیسی گذراندم. و همچنین مکاسب محرمه را نزد آیت الله محمدرضا میبدی و رسائل و کفایه را نزد آیت الله نور مفیدی شاگردی نمودم. و در سال تحصیلی ۷۲-۷۱ برای ادامه تحصیل به حوزه علیمه قم مشرف شدم و در این سال کفایه ۲ را نزد استاد آیت الله موسوی تهرانی و بقیه ی مکاسب را محضر اساتیدی مثل حجهٔ الاسلام بیگدلی به اتمام رساندم. بعد از اتمام سطح سوم حوزه به مدت ۲ سال دردرس خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت نمودم و به مدت ۱۱ سال در درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز شاگردی نمودم و همچنین لازم به ذکر است که به مدت ۷ سال نیز در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شاگردی کرده ام.

اما اینجانب دروس دانشگاهی را در سال ۷۳ با قبولی در کنکور سراسری و پذیرفته شدن در امتحانات اختصاصی دانشگاه مفید (مصاحبه ی علمی) در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شده ام. در سال ۷۶ کارشناسی را به اتمام رسانده و ۲ سال بعد یعنی سال ۷۸ با شرکت در کنکور ارشد و کسب رتبه یازدهم در گرایش اندیشه ی سیاسیی مجددا در دانشگاه مفید پذیرفته شده و ادامه تحصیل داه ام و در سال ۸۱ با دفاع از پایان نامه فارغ التحصیل شدم. ولی برای ادامه تحصیل در دکتری تا بحال اقدامی نکردم.

تربتی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ عباسعلی تربتی عالمی ناسک و دانشمندی زاهد و موصوف بتقوا و ورع و ضرب‌المثل مردم خراسان و برای او کرامات و مقاماتی حکایت کنند.

وی عمری را بپاکی و قدس واقعی گذرانیده و تبلیغ قولی و عملی و ایفاء وظیفه کرده و باجل موعود بموالیان طاهرین خود ملحق و در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام در صحن جدید (نادری) مدفون گردیده است.

واعظ نامی و استاد گرامی آقای حاج شیخ حسینعلی راشد فرزند ارجند اوست که شهرتش او را مستغنی از تعریف و ذکر ما نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تربتی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر بن العالم الجلیل تربتی از وعاظ نامی و گویندگان محترم حوزه علمیه قم است که به فضل و دانش موصوف بوده‌اند. در ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۵ قمری در قربه (با یک) که در سه فرسخی تربت حیدریه واقع است متولد شده و در سن هشت سالگی به خواندن ادبیات فارسی و بعد به تحصیل مقدمات عربی پرداخته و در سال ۱۳۴۴ قمری به مشهد مشرف شده و ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری تکمیل و سطوح وسطی و نهائی را نزد عالم جلیل و فاضل نبیل مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین

حاج شیخ هاشم قزوینی خوانده و در سال ۱۳۴۸ قمری مهاجرت به قم نموده و رسائل و مکاسب و کفایه را خدمت مرحوم آقا میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و قسمتی از معقول را از مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی فراگرفته و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله که حق عظیمی بر ایشان دارند استفاده نموده و پس از فراغت از سطح و خارج به تبلیغ دین و ترویج اخبار و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام از طریق منبر و بیان نموده و در اثر تبلیغات دینی وی چند نفری از فرقه ضاله و مضله بهائیه را هدایت بدین نموده تا در ربیع‌الثانی ۱۳۸۳ قمری به کسالت سرطان از دنیا رفته و در قبرستان ابوحسین مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تربیت، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ –۱۲۵۶ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد و به کسب علوم و فنون، از جمله هیات و طبیعیات و طب پرداخت. در سال ۱۲۷۶ ش آموزشگاه تربیت را در تبریز بنیان نهاد. وی از همفکران و همگامان سید حسن تقی‌زاده بود. در شش دوره از تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی برگزیده شد. او به مصر و استانبول و برلن سفر کرد. دو سال رئیس فرهنگ گیلان و چهار سال رئیس فرهنگ آذربایجان بود. کتابخانه و قرائتخانه‌ی عمومی آبرومندی در تبریز دایر کرد و با همت فراوان کتابهای نفیس و سودمندی در آنجا گرد آورد. وی در سال ۱۲۸۱ ش مجله‌ی «گنجینه‌ی فنون» و در سال ۱۳۰۱ ش مجله‌ی «گنجینه‌ی معارف» را در تبریز منتشر کرد. سرانجام در تهران وفات یافت. از آثار او: «دانشمندان آذربایجان»؛ «تقویم تربیت»؛ «زاد و بوم در جغرافیای ایران»؛ «تاریخ مطبوعات ایران»؛ «تصحیح رباعیات خیام»؛ «فهرست کتابخانه و قرائت خانه‌ی تربیت»؛ «کلمات قصار امیرالمومنین»؛ «مشاهیر عالم با لوحه‌ی رنگین».[۱]

متولد ۱۲۵۶ در تبریز، فرزند میرزا صادق خان، از نواده‌های میرزا مهدی استرآبادی وزیر نادرشاه و صاحب کتاب دره نادری و تاریخ جهانگشای نادری. تحصیلات جدید و قدیم را در تبریز توأماً انجام داد و علومی چون هیئت و طبیعیات و طب را به طور کامل آموخت، سپس ادبیات عرب و منطق و حکمت و فقه را نزد آخوند ملا زین‌العابدین به حد کمال رسانید. مدتی نیز تحصیل علم نجوم کرد. ابتدا به شغل داروفروشی و کتابفروشی اشتغال ورزید، کم‌کم حرفه‌ی داروفروشی را رها کرد و صرفاً به کار کتابفروشی اکتفا نمود؛ ضمناً کتابفروشی او مرکزی برای توزیع نشریات کشورهای اروپائی و عربی بود و خود وی با خواندن آن نشریات، با افکار آزادی‌خواهان آشنا می‌شد. تدریجاً در اثر معاشرت با سید حسن تقی‌زاده و میرزا یوسف اعتصامی و نزدیک بودن افکارشان، به تأسیس و انتشار مجله‌ی گنجینه‌ی فنون پرداختند. چندی هم به تدریس هیئت و جغرافیا در مدرسه‌ی لقمانیه‌ی تبریز پرداخت.

تربیت در قضایای مشروطیت در صف مقدم آزادی‌خواهان قرار داشت. در دوره‌ی استبداد صغیر که در خارج اقامت داشت، آزادی‌خواهان را نیز در اروپا یاری می‌نمود و در انتشار مجله‌ی کاوه با تقی‌زاده همکاری داشت. پس از خلع محمدعلی میرزا، در دوره‌ی دوم به وکالت مجلس رسید و پیرو مشی تقی‌زاده بود. در ادوار هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم نیز وکیل مجلس بود. ریاست کمیسیون معارف و فرهنگ همیشه با او بود. غیر از شش دوره نمایندگی مجلس، چند سمت اجرائی نیز داشت که عبارتند از: ریاست معارف گیلان، ریاست معارف آذربایجان و شهرداری تبریز. در ۱۳۱۸ درگذشت. از وی کتابی به نام دانشمندان آذربایجان باقی است. تألیفات دیگری هم دارد مانند زاد و بوم در جغرافیای ایران. همسر دوم وی به نام هاجر تربیت، در دوران اخیر در صحنه‌ی سیاسی ظاهر شد و دو دوره نماینده‌ی مجلس بود. یک دوره هم سناتور شد. تربیت در مأموریت‌های خود در آذربایجان آثار نیکوئی به یادگار گذاشت. چند مدرسه تأسیس کرد و چندین خیابان احداث نمود. در کتاب‌شناسی بسیار مسلط و خوش‌حافظه بود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۷۲ –۱۶۷ /۴)، شرح حال رجال (۴۲۴/۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۶ –۲۶۵ /۲)، مولفین کتب چاپی (۱۵۴ –۱۵۲ /۴)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۱۱ –۱۰).

ترجانی‌زاده، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق.

تولد: ۱۳۱۹ ق.، مهاباد.

درگذشت: اوایل آبان ۱۳۵۹(۱۴۰۱ ق.)، در تبریز.

احمد ترجانی‌زده، فرزند ملا حسین فرزند ملا علی قزلجی ترجانی، خواندن را در کودکی آموخت و تا هشت سالگی توانست قرآن مجید را ختم کند. سپس به خواندن کتب مقدماتی فارسی و مشق خط پرداخت. بعد از آن تحت مراقبت و سرپرستی پدرش به تحصیل مقدمات عربی و ایساغوجی منطق و حاشیه‌ی ملا عبدالله یزدی به تهذیب الکلام شیخ مهاجر و مختصر تفتازانی و قسمتی از مفتاح العلوم سکاکی را در محضر برادر خود ملا محمد قزلجی فراگرفت. سپس به فراگیری کتب مربوط به اصول فقه و هیأت و

ادبیات عرب مشغول بود و تا سن بیست و یک سالگی نزد اساتید این علوم به شاگردی پرداخت. بعد از آن، مدتی مشغول فراگیری حساب و هندسه جدید و قسمتی از جبر و مقابله و فیزیک و شیمی و زبان انگلیسی و فرانسوی بود. از سن بیست و دو سالگی تا سی و چهار سالگی جز تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی مشغول دیگری نداشت.

احمد ترجانی‌زاده به سال ۱۳۱۵ به استخدام وزارت معارف درآمد و مدت شش سال تمام ضمن انجام خدمت، وقت خود را به مطالعه‌ی کتب قدیم و جدید ادبیات فارسی گذراند. ترجانی‌زاده یک سال در اداره‌ی فرهنگ ارومیه و چهار سال در مشهد یک سال در آذربایجان شرقی و سپس تا خرداد ماه سال ۱۳۲۷ در تهران شغل دبیری و دانشیاری داشت. مدتی هم به نام بازرس عالی وزارتی و زمانی به عنوان «خطیب سیار فرهنگ» انجام وظیفه کرد. پس از آن به سمت استادی دانشگاه تبریز منصوب شد و تا سال‌های آخر عمر، استاد دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه بود. پس از بازنشستگی، از تبریز به تهران آمد. وی به شعر مسلط بود، دیوان شعری از منتشر شده است و مثنوی دختر ترسا در یک صد و سیزده بیت از جمله آثار شعری اوست:

آثار و تألیفات ترجانی‌زاده به این شرح هستند: تاریخ ادبیات عرب از دوره جاهلیت تا عصر حاضر (به فارسی، چاپ تبریز، ۱۳۴۸)؛ شرحی بر سبعه معلقه (به فارسی)؛ الاستاذ الاجل سعدی الشیرازی (به عربی که به سال ۱۳۲۹ در معداللغات الشرقیه دانشگاه فؤاد قاهره برای دانشجویان و طلاب مصری به صورت خطابه ایراد کرده است، چاپ دانشکده ادبیات تبریز)؛ داستان منظوم مکتبدار بصره (به فارسی، ۱۳۴۲)؛ علوم معانی و بیان (به فارسی)؛ کتابی در مسائل و احکام فقهی؛ رساله‌ای در رد معتقدین اقانیم ثلثه؛ آداب المناظره؛ دیوان اشعار؛ رسالهٔ الحذف؛ تفسیر جزء عم؛ یاد ایران گذشته؛ چکامه‌ی کاخ ادب؛ مقدمه بر دیوان استاد شهریار؛ و درج مقالاتی در نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ترخان، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم ترخان

محل تولد : بن جی کول ، نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۶ ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول ، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیّه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید . ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعّالیّت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیّه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که ۲۳ سال به طول انجامید ، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون : وجدانی فخر ، پایانی ، استادی ، طاهری خرم آبادی ، وحید خراسانی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، گرامی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، صالحی مازندرانی ، مصباح یزدی ، فیاضی و ... بهره های فراوانی برد . فقه ، اصول ، تفسیر ، کلام ، فلسفه ، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیّه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش ۲۵ ساله در حوزه و دانشگاه ، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات ، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد .

ترشیزی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسماعیل ترشیزی (کاشمری) از بزرگان علماء و رؤساء روحانیون عصر از شاگردان آیت‌اللّٰه العظمی میرزاء مجدد شیرازی در سامرا و از رفقاء و اصدقاء مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (مقیم مشهد) بوده و در مشهد مقدس اقامه جماعت در جامعه گوهرشاد داشته و نیز حوزه تدریس تا در حدود ۱۳۲۰ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترکاشوند، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ترکاشوند

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۰ پس از اخذ سوم راهنمائی به دلیل سکونت خانواده در کرمانشاه وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) آن شهر شدم و در محضر اساتیدی همچون استاد محسنی، شریفی ، نظری، به تحصیل ادبیات عرب ، منطق ، معانی، تفسیر مشغول شدم و البته مدتی نیز اصول را در محضر حضرت آیت الله نجومی تلمذ نمودم .

در سال ۱۳۷۴ به تهران عزیمت نموده و در حوزه علمیه مروی به ادامه تحصیل پرداختم لمعه را در نزد استاد قاسمی و اصول را در نزد استاد سعیدی تلمذ نمودم و سپس رسائل را در نزد استاد شریف زاده ، مکاسب را در نزد آیت الله مقتدایی و آیت الله هاشمی تبریزی، فلسفه را در نزد استاد طبرستانی تلمذ نمودم و در این مدت در تهران نیز به امور تبلیغی و امامت جماعت اشتغال داشتم.در سال ۱۳۸۰ توفیق سکونت و تحصیل در بلده طیبه قم نصیب گردید و دوره سطح را در نزد اساتیدی همچون آیت الله استادی و مرحوم استاد روستا ارسنجانی و استاد موسوی تهرانی به پایان رساندم. در سال ۸۱ همزمان با ورود به دوره خارج و بهره گیری از محضر آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی تبریزی در مرکز تخصصی علم کلام به عنوان دانش پژوه مقطع سطح ۳ مشغول به تحصیل شدم و از محضر اساتیدی همچون ربانی گلپایگانی مومنی ،خسرو پناه، توفیقی بهره مند شدم و پس از پایان دوره به تدوین پایان نامه با عنوان" بررسی مبانی فکری و اعتقادی معاویه "مشغول شدم.

از سال ۱۳۸۱ همزمان با تحصیل به امور پژوهشی و تحقیقی نیز مشغول شده و با مراکزی همچون مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه ، موسسه تحقیقاتی ولی عصر ، موسسه تحقیقاتی طه و ... همکاری داشته و مقالاتی را تدوین نمودم. در سال ۱۳۸۳ ضمن تدوین و آمده سازی یک متن درسی اعتقادی جهت تدریس در حوزه علمیه علوی به تدریس در آن حوزه شریفه نیز مشغول شدم که این همکاری هنوز نیز ادامه دارد و همچنین به تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهرا نیز مشغول می باشم. همچنین از سال تحصیلی ۸۵ نیز به صلاحدید مسئولین و بزرگان مرکز تخصصی علوم کلام به عنوان معاونت آموزشی این مرکز مشغول به خدمت گزاری می باشم. از خداوند تبارک و تعالی حسن عاقبت و توفیق شناخت و عمل به تکالیف را خواستارم.

ترکستانی قمی، فخرالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از اهالی ترکستان ماوراءالنهر و سنی مذهب بود. سپس به مشهد مقدس هجرت نمود و پس از اخذ مقدمات و فنون ادب نزد علمای مشهد در اوایل جوانی به تشیع گروید. سپس در قم ساکن شد و مدارج عالی علمی را تا اجتهاد گذرانید و از ائمه فتوی در قم شد. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «توحید المفضل»، به فارسی؛ شرح «حدیث البساط» یا شرح «حدیث الغمامه»، شامل معجزات امیرالمومنین علی (ع)؛ شرح «حدیث الاحتجاج و منهاج الکرامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۲ -۱۹۱ /۱۳ ،۹۱/۴)، ریاض العلماء (۳۳۲ -۳۳۱ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۳۳/۱۱).

ترکمان، علی قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن قرچقای خان، در ۱۰۲۰ متولد گردیده، از شاگردان آقا حسین خوانساری و شمس‌الدین حکیم جیلانی بوده، عالم فاضل، و ساکن مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله بوده است.

کتب زیر از اوست:

۱ - احیاء الحکمهٔ [مطبوع] ۲ - ایمان الکامل ۳ - خزائن جواهر القرآن ۴ - زبور العارفین ۵ - السعدیه ۶ - شرح اثولوجیا ۷ - فرقان الرأیین ۸ - مزامیر العاشقین فی تعریب زیور العارفین؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ترکه، مظفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر و ادیب و واعظ، معاصر شاه عباس صفوی. در هجو ساروتقی (بعداً به نام او اشاره خواهد شد) اشعاری دارد که از آن جمله است:

ساروتقی که امروز ایرانیان مدار است

یاران حذر نمائید الماس لکّه دار است

در گنجینه آثار تاریخی اصفهان(:۵۴۸) نقل از قصص الخاقانی(۲:۸۰) گوید:

در دوره شاه اسماعیل اول به منصب قضای دارالسلطنه اصفهان سرافراز بوده، و تولیت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ یزد با اجداد او بوده. در سال ۱۰۷۶ جزو منشیان دربار شاه عباس ثانی بوده، مردی ظریف و بذله گو و عیاش بوده است.

نور صادقی در کتاب اصفهان(:۵۴۸) در ضمن شرح حال میرزا ابو تراب خطّاط اصفهانی گوید: در جنب مسجد لنبان در جوار مزار خواجه صاین الدین ترکه، که از اجلّه علما و فقها بود. دفن گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تریاکیان، هارتیون

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ش)، پزشک، محقق، دانشمند و مترجم. از پزشکان ارمنی و از محققین پرکار که علاوه بر طبابت در زمینه‌ی ارتباط گویش گیلکی و زبان پهلوی و روسی و فرانسه و همچنین گویش محلی گیلان آشنا بود. او ظاهرا نخستین فردی از ارامنه است که «گلستان» سعدی را به زبان ارمنی ترجمه کرد و این ترجمه در سال ۱۹۱۸ م به چاپ رسید که نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی ایروان موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :نامها و نامدارهای گیلان (۹۴ -۹۳).

تستری، رضی‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌بهاءالدین محمد بن مولی حسن علی بن مولی عبدالله تستری اصفهانی. عالم فاضل محقق، مؤلف «شرح ادعیه السر»، که جهت مریم بیگم یکی از زنان صفویه (عمه‌ی شاه سلطان حسین) تألیف شده است.

مولی عزالدین عبدالله تستری بن حسین صاحب مدرسه‌ی معروفه در بازار اصفهان می‌باشد. شرح حالش در کتب تراجم مذکور، و در تاریخچه‌ی محله‌ی خواجو (: ۳۶ - ۵۲) به طور مفصل مسطور است.

در ۱۰۲۱ وفات یافته است. جنازه پس از دفن در امامزاده اسماعیل به کربلا منتقل گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تعلیمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، ریاضیدان، منجم، فیزیکدان و ادیب. در تهران متولد شد. بعد از سپری کردن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه از دانشسرای عالی در رشته ریاضی فارغ‌التحصیل شد. سپس برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه بُردو، و درجه‌ی دکترا از دانشگاه ژنو شد. همچنین در رشته‌های فیزیک ستارگان و جوشناسی موفق به اخذ دانشنامه گردید. تعلیمی مدت دو سال در رصدخانه‌ی ژنو به انجام تحقیقات علمی پرداخت و چون به تعلیم و تربیت علاقه‌ی وافر داشت، وارد انستیتوی ژان ژاک روسو شد و پس از پنج سال تحصیل در رشته‌ی تعلیم و تربیت و روانشناسی، دانشنامه، و در قسمت تعلیم و تربیت تجربی دیپلم عالی اختصاصی دریافت کرد. دکتر تعلیمی پس از هفده سال تحصیل، تحقیق و کسب تجربه در فرانسه و سویس، به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار سمت‌هایی چون مترجمی فنی و ریاست دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. از آثار وی: «مبانی آموزش و پرورش نوین»؛ «مربی و طرز تربیت او»؛ «اصول تعلیم و تربیت تجربی و روانشناسی فنکسیونل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۸/۲)، مولفین کتب چاپی (۳۵۳ -۳۵۲ /۵).

تفتازانی، سعدالدین مسعود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۹۲ -۷۲۲ /۷۱۲ ق)، عالم و ادیب. معروف به ملاسعد تفتازانی. در تفتازان- قریه‌ی نزدیک نسای خراسان- متولد شد. وی از شاگردان قطب‌الدین رازی و قاضی عضدالدین ایجی بود. سعدالدین مدتی در سرخس سکونت گزید و به فرمان تیمور به سمرقند رفت. همان جا درگذشت و در سرخس دفن شد. تفتازانی در فنون ادبی، منطق کلام، فقه، اصول، متبحر بود و در بسیاری دیگر از علوم زمان خود دست داشت. از آثار مهم او «شرح العقاید النسفیه»؛ «مقاصد الطالبین»، در کلام و شرح «مقاصد الطالبین»؛ «المطول»، در فصاحت و بلاغت؛ «تهذیب المنطق و الکلام»؛ «شرح الشمسیه»، در منطق؛ حاشیه بر «الکشاف» زمخشری، در تفسیر؛ «ارشاد الهادی»، در نحو؛ «شرح التصریف العزی»، در صرف؛ شرح «تلخیص المفتاح»، در معانی و بیان؛ و مختصر آن شرح به نام «المختصر»؛ «شرح الاربعین النوویه».[۱]

سعدالدین مسعود بن عمر (و. تفتازان ۷۲۲- ف. سرخس ۷۹۷ یا ۷۹۱ ه.ق.).

وی در ۱۶ سالگی به تصنیف کتب پرداخت. شرح صرف زنجانی و پس از آن مطول را تألیف کرد و در خوارزم متوطن شد و مختصر را به رشته تحریر آورد. ملک پیر محمد با اجازه امیر تیمور تفتازانی را به سرخس فرستاد و او سپس به دعوت تیمور به سمرقند رفت و مورد احترام تیمور گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۱۴ -۱۱۳ /۸)، ایضاح المکنون (۲۸۳/۱)، تاریخ ادبیات ایران (۲۹۵ -۲۹۴ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۸۹۷)، دائره‌المعارف الاسلامیه (۳۳۹/۵)، دایره‌المعارف فارسی (۶۵۰/۱)، روضات الجنات (۳۸ -۳۴ /۴)، ریحانه (۳۴۰ -۳۳۷ /۱)، کشف‌الظنون (۱۷۸۰، ۱۷۶۹، ۱۲۲۲، ۱۱۴۵، ۱۱۳۹، ۸۴۷، ۵۱۵، ۴۹۶، ۴۷۴، ۶۷)، الکنی والالقاب (۱۲۲ -۱۲۱ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ تفتازانی)، معجم المولفین (۲۲۹ -۲۲۸ /۱۲)، هدیه الاحباب (۱۱۲)، هدیه العارفین (۴۳۰ -۴۲۹ /۲).

تفسیری تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسن فرزند حجت‌الاسلام مرحوم حاج میرزا علی مرندی یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران بودند- والد ماجدش در سال ۱۲۹۰ قمری پس از اتمام تحصیلات در نجف اشرف به تبریز مراجعت و در کوی امیرخیز اقامت و در آن موقع با مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالقاسم کوهکمری که در آن محل بودند وصلت کرده و از طیبه عفیفه و صالحه آن مرحوم اولین فرزند را در سال ۱۳۰۰ همان مترجم ما دارا شدند. آن مرحوم در سن ۶ سالگی در مکتب مرحوم حاج ملا حسن که از ادباء و فضلاء عصر خود بودند مشغول تحصیل علم و کمال گشته و مقدمات را همان مکتب فراگرفته و در سن ۱۰ سالگی در مدرسه طالبیه به تحصیل علوم صرف و نحو اشتغال ورزیده و در حدود ۱۵ سالگی مطول را از مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ حسینعلی تبریزی که در علوم ادبی عربی شهرت به سزائی داشته و سپس شرایع و شرح لمعه را از عالم ربانی آمیرزا رضا نوری فراگرفته و در حدود ۲۰ سالگی رسائل و مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن انگجی فراگرفته و شرح اشارات و تجرید خواجه نصیرالدین طوسی را در محضر مرحوم صراف تلمذ نموده و پس از پایان مراحل تحصیلات و کسب اجازه در نقل احادیث از مراجع عالیقدر آن زمان مانند مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و حاج عبدالکریم حایری و مرحوم آیت‌اللّٰه حجت در سال ۱۳۳۵ قمری بنا بر تقاضای اهالی کوی اهراب به آن محل منتقل و در مسجد معروف ملا- محسن به اقامه نماز جماعت و ارشاد وعظ پرداخته و در سال ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ شمسی به ترجمه و تفسیر قرآن با تشریک مساعی مرحوم حاج میرزا علی خیابانی موفق و در کتابفروشی اقبال چاپ و منتشر گردیده و در آن موقع از طرف یکی از اساتید شایسته دانشگاه تهران به لقب تفسیری مشهور و معروف شدند.

فقید سعید مدت ۳۰ سال به تهذیب اخلاق و تقویت روحی انسانها پرداخت و عده‌ای از فضلاء و اخیار از بیانات و دروس آموزنده و سازنده او استفاده نموده و به مراتب عالیه رسیده‌اند که از آنهاست استاد محمد تقی جعفری تبریزی دانشمند محترم و نویسنده ارجمند معاصر که درباره ایشان چنین می‌گوید.

(یکی از موفقیت آمیزترین دورانهای زندگی اینجانب دورانی بود که در تبریز موفق به حضور در جلسات وعظ و ارشاد فقید سعید گذشته توصیف حالات ربانی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی آقای حاج شیخ حسن تفسیری قدس‌اللّٰه سره و نورانیتی در هنگام ارشاد چهره او را فرامی‌گرفت که امکان ناپذیر یا خیلی دشوار است آنچه توصیف و تشریح امواج روحانی که از دل سرمی‌کشد و در دلها می‌نشیند امکان‌پذیر نباشد.

او که می‌گفت راه بروید خود در حال توقف وجود نبود بلکه خود راه میرفت و به دیگران می‌گفت راه بروید. می‌گفت راستگو باشید خود واقعا از دروغ متنفر بود او از آن جمله مربیان زندگی اسلامی بود که طعم سازندگی اسلام را حقیقتا چشیده بود هرگز فراموش نمی‌کنم که وقتی آیات قرآنی را تفسیر می‌فرمود همین‌که آیه یا آیاتی را می‌خواند خود الفاظ قرآنی تجسم معنی به خود می‌گرفت و درون شنوندگان را دگرگون می‌کرد. یکی دیگر از با عظمت‌ترین امتیازات آن مرد کمال یافته این بود که هیچ مطلبی را بدون ماخذ صحیح عظمی یا نظمی مطرح نمی‌کرد.

امتیاز دیگری که همه آشنایان آن مرحوم در او دیده‌اند خود سازی شایسته‌ای بود که در کمتر اشخاص دیده می‌شود حالات ربانی آن مرحوم به خوبی اثبات می‌کند که از خودخواهی گذشت به خودیابی رسیده وسپس به آن خود سازی که انسان را به بارگاه خدا رهنمون می‌شود موفق گشته بود.

شادروان تفسیری در سال ۱۳۲۴ شمسی به تهران مهاجرت و به علت استقبال علاقمندی مردم تهران و آذربایجانیهای مقیم مرکز در آن اقامت نموده و در یکی از مساجد بازار به اقامت جماعات اشتغال و به تدریج مجالس وعظ و خطابه مجدد آغاز گردیده در این مجالس عده‌ای از معاریف علماء مبارز از بیانات و منابر شادروان تفسیری استفاده می‌نمودند.

در طول زندگی حدود ۳۰ بار مشرف به عتبات عالیات و مشهد مقدس رضوی و دوازده بار توفیق زیارت بیت‌اللّه الحرام را داشته و در خلال سفر حج همیشه به عنوان مرجع مسائل دینی حجاج بوده‌اند.

فقید سعید دارای فضائل اخلاقی فوق‌العاده بوده و در مراتب زهد و تقوا کم نظیر بوده‌اند به نحوه‌ای که عده‌ای از رفقا و دوستان نزدیکش وی را مقدس اردبیلی عصر خود می‌ستودند از صفات برجسته آن مرحوم امانت در قول و فعل که سخت مراقب و مواظب به معنی واقعی امین بود.

غیب و بدگوئی از دیگران در حضور ایشان غیر ممکن بود به احدی اجازه بدگوئی و غیبت از دیگران را نمیدادند. امر به معروف و نهی از منکر را برای خود فریضه می‌دانست (چنانچه بر هر متمکنی فریضه است) و عمل می‌کرد و از کسی باک نداشت. به نماز و قرآن عشق و علاقه عجیبی داشت و تمام نوافل را به جا می‌آورد.

در بزرگداشت مساجد و احترام معبدی آنها سعی فراوانی داشت. مساجد زیادی در تهران شاهد نماز و نیایش و سجود آن فقید سعید می‌باشد به زیارت عاشورا مداومت داشت و در وصیتنامه خود نوشته و تاکید کرده بود که زیارت‌نامه عاشورا موقع دفن به سینه او گذارند. عشق عجیبی به حضرت سید الشهداء علیه‌السلام داشت و هر وقت یاد آن شهید مظلوم می‌کرد بی‌اختیار اشک می‌ریخت.

از مستمندان و فقیران دستگیری می‌کرده و برای خود یک امر لازم و واجب می‌دانست و برای علما و سادات احترام بسیاری قائل بود.

مرحوم تفسیری سه ماه قبل از فوتش کلیه کتابهای خود را به کتابخانه دارالتبلیغ اسلامی قم اهداء نمود و باقیات الصالحات بعد از مرگ خود قرار داد. و در بیستم جمادی‌الاولی ۱۳۹۷ قمری برابر نوزدهم اردیبهشت ۱۳۵۶ شمسی پس از یک دوره نقاهت کوتاه دعوت حق را لبیک گفته و در گورستان بهشت زهرا تهران در آرامگاه مخصوص (شماره ۳۲۸) به خاک سپرده شد در تهران و قم و تبریز مجالس عدیده‌ای از طرف علماء و مراجع عظام برای بزرگداشت او برگزار شد. دارای سه فرزند ذکور به نام آقایان حاج علی- حاج محمد- حسین آقا از تجار محترم تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تفضلی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد ابوالقاسم تفضلی در سال ۱۳۰۰ ، در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خودرا پس از مقطع ابتدایی و متوسطه ، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاههای استانبول ، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از جمله برنامه های استاد تفضلی می باشد. اغلب مقالات او از سال ۱۳۲۵ در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۵۶ خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان و نگارش کتاب های قابل توجهی دربارهٔ عرفان و نیز کتاب های جنایی بر گرفته از پرونده های موکلان خود مشغول شد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر تفضلی در خانواده ای درویش مسلک و عارف پیشه به دنیا آمد و پرورش یافت. منزل پدر او محفل درویشان و مجلس مثنوی خوانی و تفسیر آن بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : تفضلی تحصیلات خودرا پس از مقطع ابتدایی و متوسطه ، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاههای استانبول ، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. وی زبان انگلیسی را در دانشگاه کلمبیای نیویورک آموخته است. خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل دکتر تفضلی در ترکیه مصادف با جنگ جهانی دوم و کشتار مردم آنجا بود که استاد تمامی این وقایع را از نزدیک مشاهده کرده بود. استادان و مربیان : عبدالباقی گلپیناری محقق تاریخ و فرهنگ ترک در دانشگاه استانبول و جلال الدین چلبی نوادهٔ مطهر مولوی از جمله استادان وی بودند. هم دوره ای ها و همکاران : دکتر زرین کوب از جمله دوستان نزدیک دکترتفضلی به شمار می آید. وقایع میانسالی : دکتر تفضلی در سال ۱۳۳۴ برای زیارت آرامگاه مولانا و در سالهای ۱۳۴۳ ، ۱۳۵۵و ۱۳۵۶ برای حضور در مجالس سماع درویشان در ترکیه حضور یافت و از آن پس به دیدار با مشایخ با مشایخ طریقت مولویه و تحقیق دربارهٔ مولوی پرداخت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر تفضلی تا سال ۱۳۵۶ (به مدت ۵۵ سال) به کار وکالت اشتغال داشت. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : استاد ابوالقاسم تفضلی در سال ۱۳۰۰ ، در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خودرا پس از مقطع ابتدایی و متوسطه ، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاههای استانبول ، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از جمله برنامه های استاد تفضلی می باشد. اغلب مقالات او از سال ۱۳۲۵ در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۵۶ خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان و نگارش کتاب های قابل توجهی دربارهٔ عرفان و نیز کتاب های جنایی بر گرفته از پرونده های موکلان خود مشغول شد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از عادات هر روزهٔ استاد تفضلی می باشد.اغلب مقالات او از سال ۱۳۲۵ در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۵۶ خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان پرداخت.

تفضلی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶ مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد زبان‌های پیش از اسلام از مدرسه زبان‌های شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۰، دکترا در زبان‌های باستانی ایران از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دانشیار در سال ۱۳۵۲، استاد در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در سال ۱۳۵۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی، لهجه‌شناسی، زبان‌های باستانی ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی ایران، زبان‌ها و ادبیات پیش از اسلام ایران، زبان فارسی، ادیان پیش از اسلام ایران، اسطوره‌شناسی ایرانی، لهجه‌شناسی ایرانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی ایرانی، زبان پهلوی (فارسی میانه)، اسطوره‌شناسی ایران، لغت‌شناسی فارسی.

زبان‌شناس، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۶ آذر ۱۳۱۶، اصفهان.

درگذشت: ۲۴ دی ۲۳۷۵، تهران.

احمد تفضلی، فرزند اسماعیل، فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. وی سپس در رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در دانشگاه لندن در انگلستان به تحصیل پرداخت و موفق شد کارشناسی ارشد و دکترای خود را در همین رشته کسب نماید. وی استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

آثار وی عبارتند از: تألیف واژه‌نامه مینوی خرد؛ ترجمه‌ی مینوی خرد؛ تألیف شناخت اساطیر ایران (با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه، چاپ سوم، ۱۳۷۳)؛ ترجمه نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان (اثر آرتور کریستن سن، دو جلد، ترجمه با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه؛ این کتاب در هشتمین دوره‌ی کتاب سال در سال ۱۳۶۹ در موضوع تاریخ و جغرافیا در بخش ترجمه‌ی برنده‌ی جایزه‌ی کتاب سال شده است)؛ گزیده‌های زاد اسپرم (به فرانسوی؛ با همکاری دکتر فیلیپ ژینیو، پاریس، ۱۹۹۳، این کتاب برنده سومین دوره‌ی جایزه‌ی جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است). از وی مقاله‌هایی در مجلات «سخن»، «دانشکده‌ی ادبیات تهران»، «دانشکده‌ی ادبیات تبریز»، «راهنمای کتاب» و «کلک» به چاپ رسیده است.

دکتر تفضلی در دی ۱۳۷۵ درگذشت و پیکرش در بهشت زهرا در قطعه ۸۸ به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تفضلی، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داستان نویس، شاعر.

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: ۱۳۶۹.

جهانگیر تفضلی دوره دانشسرای عالی را در رشته‌ی ادبیات گذراندن و پس از شهریور ۱۳۲۰ به نویسندگی سیاسی پرداخت و اغلب با نام‌های مستعار «مازیار»، «آسمان»، «نگین»، «رامین» در روزنامه‌ها و مخصوصا روزنامه «پیکار» (ناشر افکار حزب پیکار) مقاله می‌نوشت. پس از آن در سال ۱۳۲۲ اجازه‌ی انتشار روزنامه‌ی «ایران ما» را همراه با غلامعلی پرویزی گرفت. بعدها همراه قوام‌السلطنه به مسکو رفت و چندی معاون عبدالحسین هژیر (در دوره نخست وزیری) شد. در دوره‌ی مصدق پیرو آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی شده بود. پس از آن به ریاست اداره‌ی تبلیغات و سرپرستی دانشجویان در اروپا و وکالت مجلس شورای ملی و وزارت و سفارت (افغانستان و الجزایر) رسید. کتاب‌هایی که از وی چاپ شده بر روی شن‌های ساحل (داستان) و هایده (داستان) و

زهره (شعر) است.

در ۱۲۹۱ در شهر مشهد تولد یافت. پدرش غلامرضاخان مصدق‌السلطان از اهل علم و عرفان و یکی از مریدان و تربیت یافتگان حاج ملا سلطانعلی گنابادی بود و در عرفان و ادب فارسی و عربی مقامی شامخ داشت. جهانگیر پس از انجام تحصیلات مقدماتی و ابتدائی دوره‌ی مدرسه‌ی متوسطه را در مشهد پایان داد و به تهران عزیمت نمود و وارد دارالمعلمین عالی شد و در ۱۳۱۴ لیسانس تاریخ و جغرافیا اخذ نموده به خدمت فرهنگ درآمد و در مدارس آن روز تهران زبان فرانسه و تاریخ و جغرافیا تدریس می‌نمود.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ و آغاز بحران دموکراسی، به فکر روزنامه‌نگاری افتاد و سرانجام با خسرو اقبال و تنی چند از یاران، روزنامه‌ی تندرو و منقد نبرد را انتشار دادند. نبرد پس از چند ماهی در محاق توقیف قرار گرفت و سپس نبرد ما جای آن را گرفت و سرانجام در ۱۳۲۲ امتیاز روزنامه‌ی چپ‌رو و مخالف دولت به نام ایران ما صادر شد. اعضاء هیئت تحریریه و سردبیران مجله عبارت بودند از: اسمعیل پوروالی، محمود تفضلی، خسرو اقبال، محمود هرمز و دکتر دهنائی. این روزنامه روزانه بود و تدریجاً حسن ارسنجانی و سید جلال شادمان هم در زمره‌ی نویسندگان آن قرار گرفتند. روزنامه‌ی ایران ما مرتباً توقیف می‌شد ولی بجای آن امتیازاتی تحصیل نموده بودند که به جای ایران ما منتشر می‌گردید.

در شهریور ماه ۱۳۲۲ دو تن از گردانندگان روزنامه‌ی ایران ما توسط نیروهای متفقین به جرم ژرمانوفیلی دستگیر و به زندان اراک منتقل شدند. جهانگیر تفضلی و خسرو اقبال ابتدا در زندان اراک و سپس زندان رشت مدتی در اسارت قوای بیگانه بودند ولی بازداشت آنها طولانی نشد و زودتر از یک سال از زندان مستخلص شدند.

جهانگیر تفضلی در سال ۱۳۲۴ موضع خود را تغییر داد و خود را به حزب آزادی قوام‌السلطنه متمایل نمود و همین موضوع سبب شد که قوام که در اواخر سال ۱۳۲۴ به نخست‌وزیری رسید و در رأس هیئتی برای مذاکره به مسکو رفت، جهانگیر تفضلی یکی از اعضای میسیون بود و در آن سفر مورد توجه و محبت قوام‌السلطنه قرار گرفت. تفضلی پس از مسافرت به مسکو به ایران بازنگشت و به فرانسه رفت و مدتی در آن کشور بسر برد. در ۱۳۲۵ روزنامه‌ی ایران ما، که توسط محمود تفضلی اداره می‌شد پس از ائتلاف حزب توده و حزب ایران، به حزب توده پیوست و چند ماهی با حزب توده همکاری داشت ولی سرانجام در دی ماه ۱۳۲۶ از وابستگی به حزب توده کنار رفت.

بطور کلی روزنامه‌ی ایران ما از روز انتشار تا پایان حیات خود نشریه‌ای معتبر و مورد توجه تمام طبقات بود و حتی محمدرضا پهلوی و اشرف پهلوی بدان توجه خاص داشتند بطوری که شاه با هیئت تحریریه‌ی روزنامه‌ی ایران ما جلسات ماهیانه داشت و اشرف پهلوی هم با جهانگیر تفضلی حشر و نشر زیادی پیدا کرد و او را جز محارمین خود قرار داد.

احمد قوام سرانجام پس از مقاوله‌نامه‌ی نفت شمال، به سرعت در سراشیبی سقوط قرار گرفت و در آذر ماه ۱۳۲۶ با رأی عدم اعتماد نمایندگانی که حزب دموکرات تعیین کرده بود، ساقط شد و ابراهیم حکیمی برای بار سوم به زمامداری رسید و از همان نخستین روزهای نخست‌وزیری او معلوم بود که محلّلی بیش نیست. در کابینه‌ی حکیم‌الملک، علی سهیلی و عبدالحسین هژیر وزیران مشاور بودند و برای جانشینی او تلاش می‌کردند.

در خرداد ماه ۱۳۲۷ اشرف موفق شد تا عبدالحسین هژیر را به کرسی صدارت برساند. بدون تردید در این کابینه، اشرف پهلوی نقش اول را عهده‌دار بود. از اینرو از نخستین روزهای نخست‌وزیری هژیر، جلسات مداوم شبانه در پل رومی (سفارت آلمان) که مقر نخست‌وزیری بود، با شرکت اشرف پهلوی، عبدالحسین هژیر و جلال شادمان تشکیل می‌شد. تمام وزیران کابینه‌ی هژیر توسط اشرف تعیین شدند و بالاخره به دستور اشرف، جهانگیر تفضلی به معاونت سیاسی نخست‌وزیر تعیین شد. این انتصاب در آن روز که عده‌ی زیادی از رجال صدر مشروطه هنوز حیات داشتند، با تعجب تلقی شد. یک روزنامه‌نویس جوان در سن ۳۵ سالگی در یک سمت حساس قرار گرفت. کابینه‌ی هژیر با مخالفت شدید آیت‌اللّه کاشانی و فدائیان اسلام دوام زیادی نکرد ولی قبل از سقوط کابینه، جهانگیر تفضلی از کار کناره‌گیری نمود و به سمت بازرس دولت در بانک صنعتی و معدنی قرار گرفت. در حکومت دکتر مصدق هم کار مهمی به او ارجاع نشد، فقط چندی مدیرعامل بیمه کارگران بود تا در انتخابات دوره‌ی هیجدهم که پس از کودتای ۲۸ مرداد انجام گرفت، به نمایندگی مجلس از زابل تعیین شد. در سال ۱۳۳۴ در نخست‌وزیری حسین علاء، مورد توجه علم وزیر کشور قرار گرفت و به عنوان سرپرست محصلین به اروپا رفت و قریب پنج سال در آن سمت باقی بود. تفضلی علاوه بر سرپرستی محصلین، سفیرکبیر ایران در یونسکو نیز بود. در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۱، علم و وزیران کابینه‌ی او استعفا دادند و علم مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد و در روز سی‌ام بهمن کابینه‌ی جدید را معرفی کرد. در این کابینه، جهانگیر تفضلی وزیر مشاور و سرپرست اداره کل تبلیغات و انتشارات شد.

اصولاً کار سانسور مطبوعات از بدو تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت با آن سازمان بود. به ترتیب سرهنگ هژبر کیانی و سرهنگ ابوالحسن سعادتمند و سرهنگ فرهنگ شاهین، کار سانسور را انجام می‌دادند. در اوایل نخست‌وزیری دکتر علی امینی، سانسور مطبوعات از ساواک منفک و ضمیمه‌ی اداره تبلیغات و انتشارات و بعد وزارت اطلاعات گردید. جهانگیر تفضلی در مقام سرپرستی تبلیغات و انتشارات، رویه‌ی خشن و تندی را اتخاذ نمود. از جمله حداقل تیراژ روزنامه‌ها در تهران بایستی پنج هزار شماره باشد و این امر در آن ایام که روزنامه‌ها با بهای آگهی‌های دولت اداره می‌شدند، امکان‌ناپذیر بود و لذا قریب ۵۰ روزنامه و مجله را در تهران تعطیل و محل انتشار آن را در شهرستان‌ها تعیین کردند که طبعاً مدیران آن دسته به شهرستان‌ها نرفتند.

جهانگیر تفضلی روز ۱۸ خرداد ماه ۱۳۴۲ پس از وقایع خونبار ۱۵ خرداد، از سمت رئیس اداره انتشارات و تبلیغات و وزارت مشاور استعفا داد. پس از آن چندی عضو هیئت نظارت سازمان برنامه بود تا اینکه در فروردین ماه ۱۳۵۰ با سمت سفیرکبیر عازم کابل گردید و تا مرداد ماه ۱۳۵۴ در آن سمت باقی ماند.

صاحب ترجمه مردی جسور، صحنه‌ساز، بی‌بندوبار و خوشگذران بود و به زبان و ادبیات فارسی و فرانسه تسلط داشت. نویسنده‌ای متفکر و در عین حال منقد بود. بیشتر مقالات او با نام مستعار «مازیار» در ایران ما و سایر جراید منتشر می‌شد. در جریان اصلاحات ارضی و اصول ششگانه‌ی انقلاب سفید، مشاور محمدرضا پهلوی بود و بیشتر نطق‌های شاه را او تهیه می‌کرد. در اواخر عمر

خاطرات خود را با مدد گرفتن از حافظه تدوین نمود. این خاطرات سرانجام در سال ۱۳۷۶ از حوزه‌ی هنری دفتر ادبیات انقلاب اسلامی به کوشش یعقوب توکلی با مقدمه‌ی محققانه‌ای و زیرنویس‌های لازم، چاپ و انتشار یافت.
جهانگیر تفضلی در سال ۱۳۷۰ دست به خودکشی زد. این فکر از چندی پیش در مخیله‌ی او وجود داشت و همواره با دوستان نزدیک خود این مطلب را بیان می‌نهاد. آنقدر در این مورد سخن گفته بود که دوستانش او را مسخره می‌کردند. ولی سرانجام فکر خود را جامه عمل پوشانید. پس از چندی، دختر او استاد دانشگاه شهید بهشتی بود نیز خودکشی نمود.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

تفضلی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۷، مشهد.

درگذشت: ۴ مهر ۱۳۶۳، جاده مشهد.

محمود تفضلی، فرزند مصدق‌السلطان، بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود در زادگاهش تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی باستان‌شناسی دنبال کرد. در امتحانات نهایی دوره‌ی لیسانس با احراز رتبه‌ی اول موفق به دریافت مدال درجه‌ی یک علمی (مدال طلا) گردید و سال‌ها در دبیرستان‌های تهران (دبیرستان البرز و دبیرستان دیگر) با سمت دبیری به تدریس مشغول بود. وی همچنین مدتی در موزه‌ی ایران باستان کار می‌کرد.
محمود تضلی با نام مستعار «گرسنه» نیز مطالب خود را امضا می‌کرده است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۱ آغاز کرده و مدت‌ها با روزنامه‌های «نبرد» و «ایران ما» همکاری داشته و زمانی نیز صاحب امتیاز روزنامه «تلاش» بود. وی همچنین مدتی به مدیریت «نامه‌ی موسیقی» برگمارده شد و هفت شماره از آن مجله را منتشر ساخت.
تفضلی در کشورهای نپال، ترکیه، یونان و خصوصا هندوستان تجاربی اندوخته بود. وی به انتخاب وزارت فرهنگ و هنر به رایزنی فرهنگی به ترکیه و هندوستان رفت و چندین سال در این کشورها اقامت داشت. به ویژه به علت تعلق خاطری که به فرهنگ هندوستان داشت، در راه شناسایی ادب این کشور تلاش بسیار کرد. از وی ترجمه‌های ارزنده‌ای به جای مانده است که از آن جمله است: اندیشه‌های نهرو (ترجمه از انگلیسی، ۱۳۴۰)؛ نگاهی به تاریخ جهان (سه جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهرو، ترجمه از انگلیسی، ۱۳۳۸، نشریه‌ی سفارت هند)؛ ایتر پریسکوم، گزارش سفارتی به دربار شاه‌عباس اول (از ژرژ تکتاندر فن دریابل، ۱۳۵۱)؛ مرآت الممالک، سفرنامه‌ای به خلیج فارس... (از سید علی کاتبی، با همکاری علی گنجدلی، ۱۳۵۵)؛ کودتا، نفت، مصدق (ترجمه و گردآوری، ۱۳۵۹)؛ نامه‌های پدری به دخترش (اثر جواهر لعل نهرو، ترجمه از انگلیسی، ۱۳۴۱)؛ کشف هند (دو جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهرو، ۱۳۵۱)؛ همه‌ی مردم برادرند (ترجمه از انگلیسی، تألیف مهاتما گاندی، ۱۳۴۸)؛ حقیقت من (ترجمه از انگلیسی، تألیف ایندیرا گاندی، ۱۳۶۲)؛ زندگانی بتهوون (اثر رومن رولان، ترجمه از فرانسه، ۱۳۲۸)؛ اتوبیوگرافی فرانکلین (اثر بنجامین فرانکلین، ۱۳۴۲)، زندگانی من (اثر جواهر لعل نهرو، با مقدمه دکتر تاراچند، ۱۳۳۵)؛ زندگی یوهان سباستیان باخ (نشریه‌ی شماره‌ی شش اداره‌ی موسیقی کشور، ۱۳۲۹)؛ سفری به مسکو (چاپ دوم، ۱۳۳۲)؛ شاندور پتوفی شاعر انقلاب مجار (ترجمه با مشارکت انکلا بارانی، ۱۳۳۱)؛ گفت و شنود با آقای نهرو (۱۳۳۸)؛ مجموعه درباره‌ی مهاتما گاندی پدر ملت هند (۱۳۳۷)؛ مجموعه‌ی اشعار در توحید و حقانیت دین مبین اسلام (۱۳۳۵)؛ نامه‌های تیرباران شده‌ها (۱۳۳۰)؛ شوپن یا شاعر (ازگی دوپورتاس، ۱۳۳۶)؛ دوستی، دوستی (یادداشت‌های یک شرکت کننده در جشنواره‌ی برلین، ۱۳۳۱)؛ هفت شاهی (شامل داستان‌های: «یک فاجعه»، «آخور چوبی»، «یک بار سیر شدن»، «تحصیل مجانی در دبیرستان»، «بیچاره‌ها» اثر زیگوند مورتیس، ۱۳۳۱)؛ هند ۱۹۵۹ م. (۱۳۳۷، نشریه اطلاعات سفارت هند).
تفضلی در آستانه‌ی وفاتش به عنوان مشاور فرهنگی مؤسسه‌ی جدیدالتأسیس چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی برگزیده شده بود.
محمود تضلی بر اثر تصادف در جاده‌ی مشهد چهارم مهر ۱۳۶۳ به دار باقی شتافت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تقدس، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳۶۱.

از آثار اوست: الله الخالق: آفریدگار یکتا (تألیف عبدالحلیم خضره؛ تهران، ۱۳۶۷)؛ تألیف دنیای ناشناخته نیایش: نگرشی بر نیایش امام سجاد سیدالساجدین (ع) (تهران، ۱۳۶۶)؛ ترجمه قدس، رؤیای ما، نقاشی‌ها و نوشته‌های کودکان فلسطین (تهران، ۱۳۶۴).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تقدیری بشرویه، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقدیری بشرویه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۶/۳

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه ولیعصر (عج) شهرستان خوانسار وارد شدم و علوم مقدماتی را در نزد ابوی مرحوم حضرت آیت الله شیخ هاشم تقدیری سبزواری (ره) تلمذ نمودم. سطح فقه و اصول را در نزد اساتید بزرگوار حضرت حجهٔ السلام والمسلمین نیازی خرم آبادی و حجهٔ السلام و المسلمین رفیعان نیشابوری و دیگراستادان آن حوزه استفاده نمودم. در سال ۱۳۶۹ برای تکمیل دروس حوزه به شهر قم عزیمت نمودم و سطوح عالی رسائل و مکاسب و کفایه را در محضر حضرات اساتید حجهٔ الاسلام موسوی تهرانی، مرحوم آیهٔ الله پایانی (ره) ، مرحوم آیهٔ الله صالحی مازندرانی (ره) ودروس خارج حوزه را در محضرحضرات اساتید آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی، آیهٔالله جوادی آملی و دیگر بزرگواران بسیاری بهره بردم.در حین تحصیل به جهت علاقه وافربه تربیت نسل جوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از محضر استاد هنرمند حضرت حجت الاسلام و المسلمین راستگو؛ شیوه های مهارتی تربیتی و پرورشی را آموختم که تا کنون ازسرمایه های علمی آن مرکز در راه تبلیغ و تربیت نسل جوان بسیار بهره مند شده ام وهمچنین به عضویت گروه پژوهش کودک و نوجوان صدا وسیمای قم و دوره های نقد ادبی حوزه از محضر استادان حجهٔ الاسلام والمسلمین جواد محدثی و دهنوی درراه خدمت به فرهنگ علمی جامعه از شیوه های نگارش و ویرایش استفاده کردم. وپس از مدتی کوتاه به مؤسسه فرهنگی دار الحدیث توفیق تحقیق و مصدریابی یافتم و چندین سال از علوم حدیث و معارف اهل بیت هم در راه رشد فکری خویش از آن مؤسسه فرهنگی بهره ها بردم.ازتوفیقات بنده در راه خدمت به معارف اهل بیت علهیم السلام، ورود به مؤسسه مذاهب اسلامی جهت شرکت در دوره های آموزشی وتخصصی مذاهب اسلامی بوده است. ودرتبلیغ و اطلاع رسانی به ویژه در مناطق اهل سنت و مرزی واجرای برنامه ی کلاسی و اردویی ونویسندگی در خدمت بوده ام.

تقدیری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقدیری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در ۵ مسیر دارای فعالیت بوده‌ام:

۱- تحصیل: تحصیلات دبیرستان تا دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک در دبیرستان امام صادق(ع) قم گذراندم پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مدرسه رسالت شدم و تا لمعتین در آن مدرسه تحصیل کردم از حضور اساتید معظم نکونام، طالقانی(ادبیات)، فشارکی (سیوطی)، (اصول)، کریمی، صالحی افغانی، نکونام، حائری، لمعه (اشتهاردی، محامی وجدانی فخر) استفاده کردم و رسائل را خدمت استاد اعتماد و موسوی تهرانی و مکاسب را خدمت استاد مرحوم پایانی، اشتهاردی، ستوده استفاده کردم و هم زمان فلسفه و بدایه و نهایه را خدمت استاد فیاضی تلمذ نمودم و سپس وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و آیت الله هاشم شاهرودی شدم و فقه را نزد آیت الله تبریزی و مکارم و مددی و سید کاظم حائری استفاده کردم و خارج بیع را نزد آیت الله هاشمی شاهرودی گذراندم و اکنون مدت ۵ سال است در درس خارج مکاسب محرمه نزد رهبر معظم انقلاب در تهران مشغول هستم همزمان با تحصیل حوزه کارشناسی ارشد الهیات رشته کلام در تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم و موضوع افسردگی و حزن و اندون (مقایسه تطبیقی) در قرآن، سنت و متون دینی و روانشناسی پایان‌نامه‌ام بود همچنین دو سال و نیم دوره معارف در دانشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به دفتر تبلیغات گذراندم.

۲- تحقیق: به طور رسمی از سال ۱۳۷۲ در مؤسسه دارالحدیث جزو محققین همکار در تدوین میزان الحکمه قرار گرفتم که موضوعات تربیتی و اخلاقی و روانشناسی مانند اخلاق، حزن، خانواده، خیر و برکت، محبت و عناوین دیگر را تحقیق کردم که دو عنوان آن محبت در قرآن و حدیث، خیر و برکت در قرآن و حدیث منتشر شده است.

۳- تدریس: همزمان با دو عنوان قبل به تدریس دروس منطق، فقه و اصول، کلام، اخلاق و تفسیر اشتغال داشته‌ام مباحث روش

تحقیق و روش تبلیغ از مباحث تدریسی بوده است.

۴- تألیف: علاوه بر کتب چاپ شده در تحقیق مقالاتی برای سمینارها و کنفرانسها ارسال می‌داشتم که بعضاً در همان سمینار قرائت شده و سپس چاپ شده است.

۵- تبلیغ: پس از اتمام لمعتین تبلیغ در مدارس، روستاها، سپس دانشگاهها را شروع کردم که مجموعاً ۲۰ سال تبلیغی سابقه دارم و تا سال ۱۳۷۹ که جهت معاونت فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم به تهران آمدم در ۶ دانشگاه کشور و خوابگاههای آن فعالیت داشته‌ام بدلیل آموزش و پرورش کار با کودکان و نوجوانان و تحصیلات دانشگاهی توانستم در تبلیغ مدارس و دانشگاهها اثرات مؤثری داشته باشم. هم اکنون نیز در مساجد شهری و تهران دانشگاه شاهد و مراکز و مجالس به سخنرانی و تبلیغ اشتغال دارم.

در سال ۱۳۷۹ به عنوان معاون فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم(ع) در خدمت آن امامزاده وارد شدم که علاوه بر کارهای مدیریت ریاست مرکز نجوم آستان مقدسی، مسئول حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم (خواهران و برادران –) تدریس در این دو حوزه و تحصیل درس خارج درس مقام معظم رهبری شرکت دارم. و علاوه بر تبلیغ مجموعه ای از خواهران و برادران را برای تبلیغ در مدارس آموزش داده‌ام که در مناسبت‌ها به تبلیغ اعزام می‌شوند. همچنین به عنوان استاد راهنما راهنمایی بیش از ده پایان‌نامه در موضوعات اخلاقی – تربیتی روانشناسی راهنمایی کرده‌ام.

تقدیری، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هاشم تقدیری نیز یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر سبزوارند.

وی نیز تحصیلات خود را در مشهد و سایر حوزه‌های علمی به پایان رسانیده و در سبزوار به اقامه جماعت و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

و غیر از آقایان مذکور نیز چند نفری از فضلاء این سامانند، مانند جنابان حجتی‌الاسلام آقای حاج شیخ محمدحسن علیمحمدی و آقای آقا شیخ حسین شهرستانی که در تهران به خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تقوی شیرازی، محمدشریف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدشریف بن العالم الجلیل سید محمدحسن بن الفقیه النبیه سید حسین بن السید الجلیل سید علی ابن الشریف الجمیل سید محسن بن سید شاه حسین بن سید زبیر تقوی برقعی رضوی مجتهد ونکی شیرازی نسبش با بیست و چهار واسطه بوسیله جناب موسی مبرقع به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) منتهی می‌شود.

وی در سال ۱۲۷۰ ق در ونک متولد شد و در ۵ سالگی به مکتب رفت و در ۹ سالگی در محضر پدرش به تحصیل مقدمات عربی مشغول شد و در دوازده سالگی برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و با مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید محمدکاظم یزدی (صاحب عروهٔ) که به اصفهان آمده بود دوستی پیدا کرد و متحدا در محضر درس اساتید اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم متداوله عصر مشغول شده تا آنکه سطوح را تمام کرده و سپس به درس خارج حاج شیخ محمدباقر اصفهانی حاضر و در ۱۷ سالگی مهاجرت به نجف نموده و از محضر درس مرحومین علمین حاج شیخ لطف‌اللَّه و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی و فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت دوازده سال تکمیل علوم نقلی و عقلی نموده و خود به اصرار طلاب و محصلین حوزه نجف به تدریس پرداخته و جمع کثیری از فضلاء از محضرش استفاده نموده تا اینکه به مرض قلبی مبتلا- و ناچار مراجعت به ایران و شیراز نموده و مورد توجه و احترام و تجلیل شایان علماء و اهالی شیراز قرار گرفته و پس از ورود و پذیرائی علماء او را به مسجد برده و عموم مردم از وی درخواست مجلس بحث و فحص و تدریس نموده و حوزه علمی تشکیل داده و قریب چهل سال به رتق و فتق امور شرعی و امر به معروف و نهی از منکر اشتغال داشت و نیز کتب عدیده‌ای تألیف و تصنیف نمود که اسامی آنها را یادآور خواهیم شد.

مرحوم آیت‌اللَّه تقوی مزبور از مخالفین سرسخت مشروطه بود و از اینجهت در شیراز تحت فشار مشروطه‌خواهان قرار گرفت و به اصفهان و تهران رفت و پس از شهادت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ فضل‌اللَّه شهید نوری مسافرت به عراق نموده و با مرحوم علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم مباحثه و گفتگو نموده و بعد از چندی به شیراز برگشت و بار دیگر مجلس درس تشکیل و در سال ۱۳۴۲ ق به قصد زیارت مشهد مقدس حرکت و در اصفهان مریض و پس از معالجه چندی در مدرسه صدر مجلس درس و بحث قرار داده و پس از دو سال اقامت برای زیارت ارض اقدس به تهران آمده و در آنجا مرضش شدت تا در بیست و هشتم ماه رمضان ۱۳۵۲ ق وفات و جنازه‌اش را با تشییع عظیمی حمل به قم و به امر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری تعطیل عمومی و تجلیل فراوان از جنازه‌اش نموده و آن مرحوم بر وی نماز خوانده و حسب‌الوصیه‌اش در رواق جدش حضرت موسی مبرقع دفنش نمودند.

آثار علمی آن مرحوم از اینقرار است ۱- تبصرهٔ الناظرین (در دواعی مسیحی) ۲- کشف‌المرام فی قانون الاسلام (راجع به مشروطه و

معایب آن) ۳- کشف‌البیان فی تربیهٔ الانسان ۴- تذکرهٔ المسلمین فی تهیج العامه (در امر به معروف و نهی از منکر) ۵- رساله نفلیه (در نوافل) ۶- رساله در رد طائفه وهابیه ۷- مرآهٔالاصول (در اصول دین اسلام) ۸- رساله عملیه محشی به حاشیه خود آن مرحوم ۹- یک دوره فقه فارسی از عبادات تادیات (که در شیراز و اصفهان و تهران چاپ شده) ۱۰- قانون الهی که در شیراز به طبع رسیده است.

آن مرحوم فرزندان عدیده‌ای داشتند که تمامی از ارباب دانش و ادب و زبان و قلم بوده‌اند.

۱- مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عنایت‌اللّٰه تقوی.

۲- آقا سید عبدالحمید تقوی مدیر روزنامه آرین از نویسندگان معاصر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

تقوی شیرازی، هدایت‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید هدایت‌اللّٰه تقوی شیرازی بن آیهٔاللّٰه سید محمد شریف مجتهد ونکی بن العالم الجلیل سید محمد حسن بن السید الزکی السید حسین بن العالم العلام السید علی از مشاهیر علماء معاصر تهران و دارای وجاهت تامه و مرجعیت عامه و در امر بمعروف و نهی از منکر جدی (ولا یخافه فی اللّٰه لومه لائم) بوده و با مرحوم مبرور آیت‌اللّٰه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس اللّٰه سره رفاقت تام و صداقت مخصوص و در اهداف مقدس دینی و اجتماعی وی هم آهنگی داشتند.

در حدود هزار و سیصد و بیست (۱۳۲۰ ق) در شیراز متولد شده و مقدمات را در محضر پدر بزرگوارش آموخته و از علماء عصر شیراز نیز استفاده کرده و آنگاه به قم مشرف شده و چندی در درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی (موسس) حوزه شرکت نموده و مورد توجه و عنایت استاد واقع شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و در خدمت مرحومین آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّٰه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و سایرین علوم دینی خود را تکمیل نموده و بدریافت اجازه اجتهاد و روایتی از اساتید مذکور نائل شده آنگاه بشیراز مراجعت و پس از فوت مرحوم والدش سال (۱۳۵۲ ق) بر حسب دعوت بعضی از علماء مرکز به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا آخر عمر سال ۱۳۹۰ ق به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و چندین نفر از صاحبان ادیان مختلفه کلیمی و مسیحی و بهائی در اثر بیانات سودمند ایشان مشرف به اسلام گردیده‌اند. مسجدش در خیابان ادیب‌الممالک (خیابان ری) معروف بمسجد سنگی، از مساجد معروفه تهران و از مراکز حساس تبلیغی دینی می‌باشد.

وی در سال ۱۳۹۰ ق در تهران در سن هفتاد سالگی رحلت نموده و با تجلیل فراوان حمل به نجف و در دارالسیاده (مقبره علماء) مدفون گردیده است.

دارای سه فرزند برومند بنام حجهٔالاسلام آقای آقا سید عبدالعلی و آقا سید غلامرضا و آقا سید عبدالحسین می‌باشند و در میان آنان جناب آقا سید عبدالعلی تقوی شیرازی سالها در قم اقامت و اشتغال بتحصیل داشته و از محضر آیات عظام و مدرسین گرام استفاده نموده و پس از فوت والدش به تهران برگشته و اکنون در مسجد والدش بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تقوی مقدم، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی تقوی مقدم

محل تولد : کهکیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۵۹ در سن ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیّه قم شدم. قبل از ورود به حوزه مقدمات ادبیّات عرب را نزد پدرم آموخته بودم. دوره مقدّمات را تا سال ۶۲ به پایان رساندم و از سال ۶۳ به محضر درس لمعه و قوانین حضرت آقای شیخ حسین راستی کاشانی وارد شدم و حقاً از آن محضر پر فیض استفاده بردم. در سال ۶۴ در کنکور سراسری شرکت کرده و با احراز رتبه ۱۵ برای تحصیل جامعه شناسی وارد دانشگاه تهران شدم. همزمان با دروس سطح حوزه، به صورت پاره وقت و پراکنده درس دانشگاه را نیز تا پایان دوره لیسانس ادامه دادم. از آنجا که سطح علمی دانشگاه را پایین تر از تصور قبلی ام می دیدم، بعد از کارشناسی آن را ادامه نداده و ممحض در دروس حوزه شدم.مکاسب را از محضر مرحوم آقای شیخ احمد پایانی و مکاسب را اغلب از محضر شیخ مصطفی اعتمادی استفاده کردم.

کفایه را در خدمت آقای گنجی فرا گرفتم. در سال ۷۱ وارد مرحله خارج شده و پس از تتبع و شرکت در دروس مشهور، در فقه

درس آیهٔالله آقای سیدمحمد هاشمی شاهرودی و در اصول درس آیهٔالله آقای شیخ حسین وحیدخراسانی را پسندیدم و ادامه دادم. ۸ سال درس فقه و ۹سال درس اصول را مستمراً شرکت کردم. گزیده درس اصول آقای وحید را از نواهی تا آخر برائت در ۱۰ دفتر یادداشت کردم. در حکمت، بخشهایی از منظومه سبزواری را نزد یکی از فضلا خواندم وبدایهٔ الحکمه را خود مطالعه کرده و نهایهٔ الحکمه را از نوارهای آقای مصباح استفاده کردم. به مقوله هنر و ادبیات مخصوصاً شعر تعلق خاطری داشته و مطالعاتی در این زمینه داشته ام، در شعر فارسی ممارست ورزیده و علاوه بر تتبع گاهی طبع آزمایی نیز کرده ام. از دریچه شعر به وادی عرفان نیز سری زده و مطالعاتی داشته ام. با حوزه علوم اجتماعی نیز چون رشته دانشگاهیم بود آشنایی دارم، با تاریخ اسلام مخصوصاً تاریخ معاصر نیز بیگانه نیستم.

در سال ۱۳۶۱ کتاب «امرئتان و الرجل» از نوشته های شهیده بنت الهدی صدر را که داستانی آموزنده بود تحت عنوان سرنوشت دو خواهر ترجمه کرده که انتشارت جامعه مدرسین آن را چاپ و منتشر کرد. از سال ۷۴ همکاری با مجله تخصصی فقه اهل بیت را آغاز کردم و مقالات فقهی خود را در آن منتشر کردم اغلب مقالات استادم جناب آقای هاشمی شاهرودی که در این مجله انتشار یافته با قلم این بنده به فارسی تقریر شده است. از سال ۷۸ تا ۸۰ مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات را بر عهده داشته و تقریباً همزمان با آن مسئولیت مرکز تحقیقات فقهی قوّه قضائیه نیز به عهده اینجانب واگذار شد. در طول سالهای گذشته مخصوصاً پس از اتمام دروس خارج به تدریس متون فقهی و اصولی نیز اشتغال داشته ام.

تقوی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای سید جلال‌الدین تقوی فرزند محمدشریف از ادباء و فضلاء معروف شهرضا و سومین فرزند پدر است. وی در سال ۱۲۸۲ شمسی در شهرضا متولد و پس از تحصیلات ابتدائی علوم ادبی و عربی را در آنجا از حکیم فرزانه فراگرفته آنگاه به اصفهان آمده و چند سالی در مدرسه (جده بزرگ) تحصیل نموده و سپس در تهران در مدرسه سپهسالار علوم ادبی و عربی و پاره‌ای از علوم جدید را تکمیل کرده است.

معظم له دارای طبعی روان و قریحه‌ای سرشار می‌باشد و اشعار ایشان مکرراً در جرائد و مجلات بطبع رسیده است

(تو ۱۲۸۲ ش)، شاعر و روزنامه‌نگار. وی در شهرضای اصفهان به دنیا آمد، و پس از طی دوره‌ی ابتدایی، صرف و نحو و منطق را در خدمت حکیم فرزانه فراگرفت، سپس چند سالی در مدرسه‌ی جده‌ی بزرگ اصفهان و مدرسه‌ی سپهسالار تهران به تکمیل علوم ادبی و عربی و برخی علوم جدید پرداخت. تقوی از طبع شعری سرشار برخوردار بود و اشعارش در مجلات به چاپ می‌رسید. مدت سه سال هم روزنامه‌ی «شهرضا» را منتشر ساخت که بعدها به علل قانونی تعطیل شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۳ -۳۲/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۳ -۲۷۲/ ۲).

تقوی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن تقوی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۵۵ بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم . کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم ، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و ۶ ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام . سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت ۱۵ سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق ، معارف آموخته از ایشان مجددا به زیورچاپ آراسته خواهد شد.ضمنا درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت ۱۵ سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل ، مکاسب و لمعه ، در حوزه مشغول تدریس و الحمد الله

در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام.اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار وحیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمنا اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران ، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخارحضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی ، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت آموزشی دانشکده سپاه را به عهده داشته ام.

تقوی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین تقوی دهاقانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۵۵ بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم . کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم ، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و ۶ ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام . سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت ۱۵ سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق ، معارف آموخته از ایشان مجددا به زیورچاپ آراسته خواهد شد.ضمنا درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت ۱۵ سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.

هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل ، مکاسب و لمعه ، در حوزه مشغول تدریس و الحمد الله در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام.اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار وحیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمنا اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران ، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخارحضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی ، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت آموزشی دانشکده سپاه را به عهده داشته ام.

تقوی، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم تقوی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدکاظم تقوی در سال تحصیلی ۶۳ـ۱۳۶۲ در حالی‌که در سال اول هنرستان ـ رشته راه و ساختمان ـ مشغول تحصیل بودم؛ تحصیل در هنرستان را رها کردم و وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلاء بهشهر در مازندران شدم و پس از سه سال تحصیل در آن حوزه علمیه، در ادامه وارد حوزه علمیه اصفهان ـ مدرسه ذوالفقار ـ شدم و تا سال ۱۳۶۹ در آن حوزه بودم و از سال تحصیلی ۷۱ـ۱۳۷۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و از آن سال تاکنون در این حوزه علمیه مقدسه مشغول تحصیل و استفاده از محضر اساتید می‌باشم. شرح تحصیل بنده در حوزه علمیه قم بدین صورت است که تمام امتحانات کتبی و شفاهی تا پایه دهم را به پایان رساندم و علاوه بر آن چهار نوبت مصاحبه درس خارج فقه و اصول هم انجام دادم که در پرونده ثبت است.

همچنین برای سطح سوم پایان‌نامه‌ای را انتخاب کردم و مشغول نوشتن آن می‌باشم. بیش از ده سال است که در مقطع خارج فقه و اصول از محضر اساتید بزرگوار بهره برده و می‌برم. در درس خارج فقه؛ چهار سال از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل

لنکرانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی تبریزی(ره)، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و نیز بیش از سه سال از درس تفسیر ایشان بهره بردم و نیز بیش از یکسال از درس‌های کلام جدید این حکیم بزرگوار بهره گرفتم. چهار سال از محضر حضرت آیت الله صانعی استفاده کردم. و اکنون بیش از هفت سال است که از درس‌های خارج فقه فاضل محقق آیت الله سروش محلاتی استفاده می‌برم. از مباحث فقه الحکومه، امر به معروف و نهی از منکر و سال سوم مباحث قصاص است که مشغول می‌باشیم. همچنین یک درس خصوصی قواعد فقهیه و اکنون خارج حج را از محضر استاد محقق و فاضل حضرت حجهٔ‌الاسلام والمسلمین سیدضیاء مرتضوی استفاده می‌کنم. در درس خارج اصول نیز از محضر اساتید بزرگوار به شرح زیر استفاده کردم! حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی یک سال، حضرت آیت الله سبحانی چهار سال، استاد محقق لاریجانی دو سال، استاد فاضل سروش محلاتی یک سال و نیز یک سال از محضر آیت الله صانعی. علاوه بر درس‌های رسمی حوزه، درس‌های جانبی و حاشیه‌ای هم مورد توجهم بود که بدانها اشاره می‌کنم: دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره‌ای یک ساله. دوره عمومی موسسه در راه حق ـ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی که سال اول و سال دوم را گذراندم ولی به خاطر تعارض درس‌های آنجا با درس‌های حوزه ـ چون درس‌های بعد از ظهر آنجا به صبح تغییر یافت ـ از سال سوم رهایش کردم. دوره اول آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی، دوره عمومی و دوره تخصصی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی ـ از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ـ یک دوره فشرده و کوتاه مدت آشنایی با علوم حدیث در دارالحدیث هم شرکت کردم. ضمناً پس از طی مراحل جذب و گزینش روحانی حج و عمره هم می‌باشم. سال دومی است که در دانشگاه آزاد ساوه درس انقلاب اسلامی را تدریس می‌کنم. چند سالی است که مجوز تدریس از امور اساتید حوزه نمایندگی ولی فقه در دانشگاه‌ها دارم. از سال ۱۳۷۱ تاکنون در مناسبت‌های محرم و ماه مبارک رمضان و بعضی از سال‌ها دهه صفر و دو سال طرح هجرت ـ در همان سال‌های نخست ـ به تبلیغ موفق هستم. البته دو سال ماه رمضان و یک سال محرم مشکل داشتم و موفق نشدم. بیش از پنج سال در کارهای اجرایی و قلمی صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی و نیز فصلنامه حکومت اسلامی، فعالیت می‌کردم. اکنون ـ سال تحصیلی ۸۶ـ۱۳۸۵ در کنار تحصیل و تدریس، در حاشیه به نوشتن برخی مقالات نیز مشغول می‌باشم.

تقوی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ –۱۲۴۲ ش)، شاعر، محقق و مصحح. در تهران متولد شد. فقه و اصول و حکمت را در جوانی نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا ابوالحسن جلوه در تهران فراگرفت، و برای تکمیل تحصیلات به عتبات رفت، و در حوزه درس علمای آنجا حاضر شد و موفق به اخذ تصدیق و اجازه روایت و استنباط احکام شرعی گردید. تقوی در ادبیات پارسی و عربی نیز متبحر شد، شعر هم خوب می‌سرود. وی پس از اتمام تحصیلات سفری به مکه کرد و در مراجعت از مکه به اروپا رفت و در قوانین موضوعه‌ی اروپا تحقیقاتی انجام داد. نصرالله به هنگام جنبش مشروطه‌خواهی به آزادی خواهان پیوست و از سران انقلاب مشروطه شد. در سال ۱۳۲۳ ق به اتفاق ملک المتکلمین و نصرهٔ‌السلطان کتابخانه ملی را تاسیس کرد و در دوره‌ی اول و سوم مجلس شورای ملی وکیل تهران شد. او سالهای متمادی نیز عضو و رئیس دیوان عالی کشور بود. وی در تهران درگذشت. از آثار وی: «هنجار گفتار»، در معانی و بیان؛ تصحیح «اوصاف الاشراف» و «تازیانه سلوک»، مکتوب احمد غزالی به عین القضاه و «دره التاج»؛ ترجمه‌ی «اشارات» با همکاری سید حسن مشکان طبسی.[۱]

(حاج سید) نصراللّه اخوی (و. تهران ۱۲۸۲ ه. ق– ف. تهران ۱۳۶۷ ه.ق./ ۱۳۲۶ ه. ش.). از رجال دانشمند دوره اخیر قاجاریه و اوایل پهلوی، وکیل دوره اول و دوم مجلس شورای ملی از تهران، مدعی‌العموم و رئیس دیوان عالی تمیز و مدرس دانشکده‌های حقوق و معقول و منقول و رئیس دانشکده اخیر. از تألیفات وی «هنجار گفتار» در معانی و بیان فارسی است و متن دیوان ناصر خسرو نیز توسط وی تصحیح شده و به طبع رسیده. کتابخانه‌ای نفیس نیز از او به جای مانده است.

معروف به سادات اخوی تهرانی، فرزند سید محمدرضا سادات اخوی، متولد ۱۲۴۲ در تهران. پس از انجام تحصیلات مقدماتی به آموختن معارف اسلامی و فلسفه پرداخت. علوم منقول را نزد میرزا حسن آشتیانی و علوم معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه تحصیل نمود. سپس عازم نجف شد. چند سالی از محضر علمای بزرگ درس خارج گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از مراجعت به ایران، در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم به تدریس فلسفه پرداخت. در نهضت مشروطیت در زمره‌ی آزادیخواهان بود و برای استقرار حکومت قانون، از هیچ اقدامی فروگزاری نمی‌کرد. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی اول، از طرف طلاب و روحانیون و اهل علم به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. به علت تسلط به سخنوری، در مجلس گل کرد و در ردیف چند نماینده‌ی متنفذ درآمد. به هنگام تاجگذاری محمدعلی شاه، خطابه‌ی بسیار شیوا و غرائی در مجلس ایراد کرد. اقدامات او و عده‌ای دیگر از وکلاء، نتوانست روابط مجلس با محمدعلی شاه را التیام دهد. مجلس به توپ بسته شد، عده‌ای دستگیر شدند، و تعدادی فرار کردند. او هم در دوران استبداد صغیر در اختفا بسر می‌برد. پس خلع محمدعلی میرزا و رفع بحران، فعالیت خود را از سر گرفت. در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران وکیل شد و به نیابت ریاست مجلس منصوب گردید. در دوره‌ی سوم وکیل و نایب‌رئیس بود.

پس از انحلال آن مجلس، به دعوت مشیرالدوله وزیر عدلیه وقت، وارد دادگستری گردید و رئیس شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد و سال‌ها در همان سمت باقی ماند. در ۱۳۰۶ که داور دادگستری جدید را بنیاد نهاد و از قدمای عدلیه چند نفری را به خدمت پذیرفت، او با رتبه‌ی ۱۰ قضائی، رئیس یکی از سه شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد. در آن تاریخ، داور به یک نفر رتبه‌ی ۱۱ و به ۶

نفر رتبه‌ی ۱۰ قضائی اعطاء کرد. رتبه‌ی ۱۱ قضائی به میرزا رضاخان نائینی که مقام دادستان کل را داشت تعلق گرفت، رتبه‌ی ۱۰ را به نیرالملک کفیل دیوان کشور، محمدرضا وجدانی، حاج سید نصراللّه تقوی، صدرالاشراف و شیخ محمد عبده و سید محمد فاطمی داد. در ۱۳۱۲ که صدرالاشراف از دادستانی کل به وزارت دادگستری منصوب شد، جای خود را به تقوی سپرد. در ۱۳۱۵ به ریاست دیوان عالی کشور رسید و مدت ده سال در رأس قوه‌ی قضائیه کشور قرار داشت.

در کنار کارهای قضائی خود مدتی عضو و نایب‌رئیس فرهنگستان بود و سال‌ها در سمت ریاست دانشکده‌ی معقول و منقول، به امر دریس در آن دانشکده و مدرسه‌ی حقوق و مدرسه‌ی سپهسالار اشتغال داشت. در ۱۳۲۵ تقاضای بازنشستگی نمود و در این امر اصرار داشت. سرانجام قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت، در ذیل تقاضای بازنشستگی او شرحی به این مضمون نوشت: «برای اینجانب و دولت و کشور نهایت تأسف حاصل است که از خدمات گرانبهای جناب مستطاب عالی محروم می‌مانیم، لیکن چون زحمات و خستگی ممتد حضرت عالی را مجبور به تقاضای تقاعد نموده، از این جهت که ملاحظه‌ی مزاج و حفظ صحت و سلامت عالی برای ارادتمندان فوق‌العاده مأمول و مطلوب است، ناچار با درخواست حضرت عالی موافقت می‌شود؛ مشروط به اینکه از تجربیات و نظرات اصلاح‌طلبانه در پیشرفت امور دریغ نفرموده، دولت و مملکت را از این جهت قرین مزید قدردانی و تشکر فرمایید.»

تقوی در ۱۳۲۶ در ۸۴ سالگی درگذشت. مردی ادیب، دانشمند و حقوقدان بود. در زبان و ادبیات فارسی و عربی استاد بود. تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت: از جمله کتاب سیاست، هنجار و گفتار در علم معانی و بیان. دیوان ناصرخسرو را نیز تصحیح کرده و مقدمه‌ی فاضلانه و مبسوطی بر آن نوشته است. شعر نیز نیکو می‌سرود. در بحبوحه‌ی دیکتاتوری رضاشاه، قصیده‌ای طولانی در مدح رضاشاه و ذم احمدشاه انشاء نموده است. از لحاظ سیاسی جزو افراد محافظه‌کار و مؤید دولت‌های وقت بود. زمانی که به عضویت دیوان کشور پذیرفته شد، به فراماسونری پیوست و تدریجاً از ارکان و بزرگان آن گردید.

وی از جوانی علاقه‌ی خاصی به جمع‌آوری کتب خطی منحصر به فرد و خطوط خوشنویسان معروف داشت و همین علاقه باعث شد کتابخانه و گنجینه‌ی بزرگی از خطوط خطاطان معروف جمع‌آوری کند. به طوری که مجموعه‌ی او فوق‌العاده جالب و منحصر به فرد بود. بعد از مرگش به فرزندش جمال اخوی رسید و معلوم نشد که آن گنجینه‌ی گرانبها که از مواریث بزرگ فرهنگی ایران بود، به چه سرنوشتی دچار شد. مرحوم تقوی در تمام عمر زندگی مرفهی داشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۲۹۷/۶ ،۲۱۰/۱)، الذریعه (۱۱۹۴/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۹/۲)، سخنوران نامی معاصر (۹۰۷/۲)، شرح حال رجال (۳۱۵/۵)، مولفین کتب چاپی (۵۷۷ -۵۷۵ /۶).

تقی خانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقی خانی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب علی تقی خانی در سال ۱۳۵۷ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه دماوند شدم بعد از اتمام دوره مقدمات از سال هفتم وارد حوزه علمیه قم شدم در سال ۸۳ شروع به درس خارج در محضر اساتید معظم جوادی آملی، ابوالقاسم علیدوست، آیت الله وحید خراسانی، استاد مددی کردم.

در سال ۸۰ با رتبه ۲۱ در تخصصی قضاء شروع به تحصیل در رشته حقوق کردم و در سال ۸۴ با رتبه ۱۳ در کنکور کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق در دانشگاه پردیس قم – تهران پذیرفته شده و در سال ۸۶ پایان نامه خود را با درجه عالی ۱۹ دفاع کردم.

از ابتدای مهر ۸۶ در دانشگاه آزاد اراک مشغول تدریس هستم.

تقی زاده، لطف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

آقای لطف الله تقی زاده در سال ۱۳۴۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ملکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و درسال ۱۳۸۱ وارد حوزه علمیه قم و مرکز علوم اسلامی جانبازان گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به

تحصیل پرداخت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگان و ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع دکترادر سال ۱۳۸۷از دانشگاه باکو در جمهوری آذربایجان فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"به حکومت رسیدن ترکان جوان در ترکیه و مناسبات ما با قفقاز "دفاع کرد .

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی ، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون به تدریس در دانشگاههای آزاد بناب،ملکان،مراغه و عجب شیر مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل" جنگ جهانی اول و دولت عثمانی "و "ترکان جوان و تفکرات مشروطه خواهی " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

تقی‌زاده، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۵۶ ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. اجدادش در قریه‌ای به اسم ونند، از توابع قصبه‌ی اردوباد، به دنیا آمده بودند. پدرش پس از تحصیل در نجف در شهر خود مدت بیست و چهار سال حوزه‌ی درس و مقام مقتدایی روحانی داشته است. تقی‌زاده در چهارده سالگی شروع به تحصیل کرد، ابتدا کتابهای فارسی معمول آن زمان و مقدمات عربی و بعد منطق و فقه و اول را نزد علمای تبریز آموخت. وی در بین سنین چهارده تا هجده سالگی به تدریج تحولی در رشته‌ی تحصیلات و افکار او پدید آمد. نخست شوق زیاد به علوم ریاضی قدیم پیدا کرد و بعد به علم کلام و حکمت و طب قدیم روی آورد، و دور از چشم پدر در راه علوم خفیه و تصوف و عرفان قدم نهاد؛ و در بعضی مسلکهای دینی خلاف مشهور، مانند طریقه‌ی شیخیه و غیره، مطالعه و تحقیق کرد. بعد از فوت پدر، در هجده سالگی آزادانه به تحصیل علوم جدید پرداخت و طب و تشریح و غیره را ابتدا نزد میرزا نصرالله سیف الاطبا و بعد نزد دکتر محمد کرمانشاهی، معروف به کفری، آموخت و هم به قدر کافی در زبان فرانسه پیشرفت کرد. در این اوقات در مدرسه‌ی دارالفنون مظفری تحصیل می‌کرد و در آنجا فیزیک نیز درس می‌داد. تقی‌زاده در سال ۱۳۱۶ ق با همدستی چند نفر، مدرسه‌ای به نام تربیت تاسیس کرد. وی در سالهای ۱۳۱۸ ق و بعد از آن در مدرسه‌ی آمریکایی تبریز به فراگرفتن زبان انگلیسی پرداخت و نزد یکی از معلمان آمریکایی قدری از درجات عالیه‌ی علوم طبیعی را از روی کتابهای انگلیسی فراگرفت. در سال ۱۳۲۰ ق به همراهی میرزا محمدعلی خان تربیت و میرزا سید حسین خان عدالت و میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام مجله‌ای علمی و ادبی، به اسم «گنجینه‌ی فنون» که ماهی دو شماره منتشر می‌شد و یک سال دوام یافت، تاسیس کرد. تقی‌زاده پس از امضای فرمان مشروطیت چندین دوره به وکالت مجلس از طرف مردم تبریز برگزیده شد و بعد از به توپ بستن مجلس به اروپا رفت و مجله‌ی «کاوه» را در آلمان منتشر ساخت. او با انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی مخالف بود، اما بعد از انتقال حکومت از قاجاریه به خانواده‌ی پهلوی، چندین مرتبه به وزارت‌های مختلف منصوب شد. تقی‌زاده مدتی نیز در دانشگاه کمبریج و مدرسه‌ی مطالعات شرقی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کرد. بالاخره در تهران وفات یافت. از آثار وی: «مقدمه‌ی تعلیم عمومی یکی از سرفصلهای تمدن»؛ «از پرویز تا چنگیز»؛ «گاه‌شماری در ایران قدیم»؛ «بیست مقاله»؛ «تمدنات قدیمه»؛ «مانی و دین او»؛ «تاریخ انقلاب ایران»؛ «تحفه الملوک»، یکی از متون قدیم مجهول المولف؛ «تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام».[۱]

فرزند سید تقی، متولد ۱۲۵۶ در تبریز. پدرش در کسوت روحانیت بود. تقی‌زاده از پنج سالگی به تحصیل پرداخت و علاوه بر زبان فارسی و عربی و معارف اسلامی، ریاضیات و فلسفه نیز خواند و تحصیلات رایج مدرسی را خیلی زود پایان برد. مدتی نیز در مدرسه‌ی آمریکائی تبریز به آموختن زبان انگلیسی پرداخت. در بیست سالگی با کمک چند تن از دوستان خود مدرسه‌ی تربیت و کتابخانه‌ای در تبریز دایر کرد. نشریات کشورهای عربی و مخصوصاً عثمانی آن روز در آن کتابخانه توزیع می‌شد. در اوایل ۱۳۲۰ ه.ق مجله‌ای به نام گنجینه‌ی فنون انتشار داد. مقالات این مجله که غالباً ترجمه از نشریات خارجی بود در تنویر افکار عمومی و ایجاد فکر آزادی در مردم تأثیر بسزائی داشت. تقی‌زاده مدتی نیز به سیر و سیاحت پرداخت و از قفقاز و استانبول و مصر و بیروت دیدن نمود و در تمام این مسافرت‌ها بر دانش خود افزود. در وقایع مشروطیت، فعالیت بسیار زیادی داشت و از بارزترین مبارزان راه آزادی و مشروطه در آذربایجان بود.

بعد از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی، از طرف تجار تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در آن تاریخ بسیار جوان بود. در خاطرات خود نوشته: «در همان روز که به مجلس وارد شدم، مرحوم حاج محمد صراف نماینده‌ی مجلس به مرحوم حاج سید مرتضی مرتضوی به شوخی گفت: در تبریز شما آدم حسابی قحط بود که این پسر را به عنوان نماینده به مجلس فرستادید! اما مرحوم حاج سید مرتضی گفت صبر کنید تا همین آقا پسر به حرف بیاید آنوقت خواهی فهمید که تبریزی‌ها چه کسی را به نام نماینده‌ی خود به مجلس اول روانه کرده‌اند.» تقی‌زاده با احاطه به نطق و بیان و افکار روشن و منظم و دقیق خیلی زود در مجلس گل کرد و در مدت کوتاهی توانست خود را بشناساند و مورد توجه مردم قرار گیرد. اقدامات مجلس اول علیه محمدعلی شاه که بالاخره منجر به توپ بستن مجلس شد، تا اندازه‌ی زیادی مولود اقدامات تقی‌زاده و چند نفر دیگر بود. چون در این وقایع جانش کاملاً در خطر بود، ناچار شد به سفارت انگلیس پناه برد. پس از مدتی به اروپا رفت و در آنجا برای سقوط محمدعلی شاه فعالیت کرد و با نشر مقالات متعدد به زبان‌های مختلف، افکار عمومی مردم و دولت‌های بعضی از کشورها را متوجه ایران ساخت.

بعد از استبداد صغیر، به ایران بازگشت و در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران و تبریز وکیل شد ولی وکالت تبریز را پذیرفت. بعد از خاتمه‌ی انتخابات به اروپا و آمریکا سفر نمود و در ۱۳۳۴ ه.ق به انتشار مجله‌ی کاوه در برلن مبادرت کرد و مدت شش سالی که این مجله به زبان فارسی در برلن انتشار می‌یافت، حاوی مقالات بسیار سودمندی بود.

در دوره‌ی سوم نیز وکیل شد، ولی در مجلس شرکت نکرد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که همزمان با قرارداد ۱۹۱۹ در زمان نخست‌وزیری وثوق‌الدوله بود، بار دیگر از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. ولی مجلس در دوران نخست‌وزیری مشیرالدوله، سپهدار رشتی و سید ضیاءالدین تشکیل نشد تا سرانجام قوام‌السلطنه در ۱۳۰۰ به تشکیل مجلس چهارم مبادرت ورزید. در ادوار پنجم و ششم هم نماینده‌ی مجلس بود، ولی دیگر آن شور و احساس جوانی را نداشت و به استقبال ماجرا نمی‌رفت. در دوره‌ی پنجم از مخالفین تغییر سلطنت بود. مستوفی‌الممالک در ۱۳۰۵ او را برای وزارت خارجه در نظر گرفت ولی از قبول وزارت عذر خواست و نمایندگی مجلس را ترجیح داد.

در ۱۳۰۷ ش والی خراسان شد و کمتر از یک سال در این سمت انجام وظیفه نمود. سپس وزیرمختار ایران در انگلستان شد و تا اواسط ۱۳۰۸ در لندن بود. در آن سال مخبرالسلطنه هدایت، رئیس دولت تغییراتی در کابینه‌ی خود داد؛ از جمله وزارت فوائد عامه را منحل و به جای آن وزارت طرق و شوارع و وزارت اقتصاد ملی را تشکیل داد. ذکاءالملک فروغی به وزارت اقتصاد و تقی‌زاده به وزارت طرق منصوب شدند. یک سال بعد پس از کنار رفتن مشارالملک از وزارت دارائی، تقی‌زاده وزیر دارائی و سرپرست وزارت راه شد و مهذب‌الدوله کاظمی را از جانب خود کفیل وزارت راه نمود. تا پایان کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه، در وزارت دارائی بود. ولی در شهریور ۱۳۱۲ پس از سقوط کابینه‌ی مزبور، او هم بالطبع از عضویت دولت کنار رفت و به سمت وزیرمختار ایران در پاریس تعیین گردید و تا ۱۳۱۳ در آن سمت بود. در آن تاریخ از مشاغل دولتی معاف شد و برای تدریس به انگلستان رفت و به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی در مدرسه‌ی السنه شرقی پرداخت.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر وارد میدان سیاست شد. در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی با کمک منشی سابق خود علی سهیلی که وزیر امور خارجه بود، به وزیرمختاری ایران در لندن برگزیده شد. علت انتخابش به آن سمت، بیشتر برای استفاده از حسن روابط او با کارگردانان حکومت انگلستان بود، زیرا شخصیت علمی و وجهه‌ی سیاسی تقی‌زاده علت معروفیت او در بین رجال انگلیس و در وزارت امور خارجه‌ی انگلستان بود. در ۱۳۲۱ قوام‌السلطنه او را به عنوان وزیر امور خارجه معرفی نمود، ولی تقی‌زاده تلگرافی عذر خواست و در سمت وزیرمختاری در لندن همچنان باقی ماند. بعد از آنکه نمایندگی‌های سیاسی ایران و انگلیس در دو کشور به سفارتخانه تبدیل شد، تقی‌زاده به مقام سفیرکبیری ارتقاء یافت. اقدام برجسته‌ی او در سفارت ایران در لندن، مربوط به وقایع آذربایجان و تخلیه‌ی ایران از قوای متجاوز ارتش شوروی است. او چون رجلی ملی و نامدار، در صدد استیفای حقوق ملت ایران برآمد و با طرح شکایت در سازمان ملل، حقانیت ایران را به ثبوت رسانید و از این طریق بار دیگر در محافل سیاسی ایران، نام وی به عنوانی یکی از رجال سیاسی و ملی ایران بر سر زبان‌ها افتاد. با وجودی که مخالفین وی در همان هنگام انگشت روی اشتباهات سیاسی وی می‌گذاشتند، ولی مع‌الوصف اقدام او در کشور حسن اثر داشت.

در دوره‌ی پانزدهم، به پاس خدماتش در سازمان ملل، از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در آن تاریخ منصورالملک استاندار آذربایجان و قوام‌السلطنه نخست‌وزیر بود، و در غالب نقاط کاندیداهای حزب دموکرات ایران از صندوق‌ها بیرون می‌آمدند. ولی تقی‌زاده عضو آن حزب نبود و مردم تبریز او را به عنوان یک شخصیت برجسته‌ی آذربایجانی و مستقل، به مجلس فرستادند. تصویب اعتبارنامه‌اش با جنجال توأم بود. عباس اسکندری نماینده‌ی همدان، درباره‌ی صلاحیت و سوابق سیاسی او، پناهنده شدنش به سفارت انگلیس و تمدید قرارداد نفت جنوب در دوره‌ی وزارت دارائی‌اش، به تفصیل سخن گفت و او را برای نمایندگی صالح ندانست. عباس مسعودی در مقام دفاع از شخصیت تقی‌زاده، نطق مفصلی ایراد کرد و به ایرادها جواب گفت. سرانجام مجلس درباره‌ی اعتبارنامه‌ی او تصمیم به اخذ رأی نمود و اعتبارنامه‌اش با اکثریت قاطعی به تصویب رسید. در انتخابات هیئت رئیسه از طرف نمایندگان آذربایجان کاندیدای ریاست شد. سردار فاخر حکمت و ملک‌الشعرای بهار هم کاندیدای حزب دموکرات ایران بودند. ملک‌الشعرا به توصیه‌ی قوام‌السلطنه کنار رفت و حزب دموکرات ایران یک کاندیدا پیدا کرد که سردار فاخر بود. پس از اخذ رأی، سردار فاخر با اکثریت ناچیزی بر کرسی ریاست نشست. تقی‌زاده در دوران نمایندگی در دوره‌ی پانزدهم، دو یا سه نطق مهم ایراد کرد که در یکی از نطق‌هایش خود را از بعضی اشتباهات سیاسی که به او نسبت می‌دادند، مبرّا دانست.

در انتخابات دوره‌ی اول سنا که مصادف با انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی بود، سناتور شد. و در دوره‌ی دوم سنا نیز ریاست داشت. در دوره‌ی سوم و چهارم سنا زیر بار مسئولیت نرفت و غالباً فقط ریاست کمیسیون خارجه‌ی مجلس را عهده‌دار می‌شد. در اواسط دوره‌ی چهارم سنا، بیمار شد و ناچار از صندلی چرخدار استفاده می‌کرد. در جلسات سنا مرتباً شرکت می‌نمود، ولی از نطق و خطابه‌های شورانگیز که در جوانی ایراد می‌کرد، دیگر آثاری هویدا نبود.

متجاوز از هفتاد سال در صحنه‌ی سیاسی ایران حضور داشت. از روزی که با انتشار مجله‌ی گنجینه‌ی فنون در ۱۳۲۰ ه.ق وارد سیاست شد، تا سال‌های آخر عمر همواره دست‌اندرکار سیاست بود. در صدر مشروطیت و ادوار اول و دوم مجلس شورای ملی، به عنوان نماینده‌ای پرشور و انقلابی عمل می‌کرد و از همه حیث محبوب مردم بود، ولی مخالفین وی پناهندگی‌اش را به سفارت انگلیس نکوهش کرده‌اند و حتی بعضی از ترورهای سیاسی آن ایام را منسوب به او دانسته و چهره‌ی سیاسی‌اش را زشت و سیاه ترسیم کرده‌اند. هرچه که باشد، نقش او در حیات سیاسی، ملی، علمی و فرهنگی ایران به اندازه‌ای مؤثر و گسترده بوده است که بررسی دقیق و کامل آن محتاج یک اثر مستقل است.

در طول هفتاد سال فعالیت سیاسی، هیچگاه از فعالیت علمی و ادبی غافل نبوده است. لقب علامه را به لحاظ وسعت دامنه‌ی دانش و عمق و دقت اطلاعات علمی‌اش به وی داده‌اند. در ابتدای جوانی فقط تحصیلات قدیمه داشت، ولی این تحصیلات را عمیقاً انجام داده بود. حافظه‌ی بسیار قوی، هوش سرشار، مطالعات مختلف، پی‌گیری و دقت او، وی را در زمره‌ی محققین و دانشمندان طراز اول ایران و در شمار یکی از علمای جهان قرار داد. به زبان‌های ترکی، عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت. گذشته از

تکلم به آن السنه، در زبان و ادبیات آنها تتبع و تعمق نموده بود. گرچه فعالیت‌های سیاسی مجال زیادی برای مطالعه به او نمی‌داد، ولی مع‌الوصف به واسطه‌ی اقامت طولانی در کشورهای خارجی و استفاده‌ی دقیق، منظم و با برنامه از کتابخانه‌های معتبر دنیا، در زمینه‌ی تحقیق در تاریخ و تمدن ایران، به یکی از صاحب‌نظران کارکشته‌ی معاصر تبدیل شد.

در جنگ بین‌الملل اول با کمک چند تن از دوستان خود، از جمله علامه دهخدا و علامه قزوینی، در آلمان دست به انتشار مجله‌ای زدند که کاوه نام داشت. کاوه که شش سال انتشار یافت، حاوی نکات بسیار سودمند تاریخی و علمی و اجتماعی و سیاسی است. بعضی از مقاله‌های تحقیقی آن مجله در همان تاریخ به صورت کتاب انتشار یافت که مجلس ملی ایران و کشف تلبیس از جمله آنهاست. کتاب‌های گاه‌شماری در ایران قدیم، محاکمات تاریخی تاریخ، از پرویز تا چنگیز، مقدمه‌ی دیوان ناصرخسرو که با مشارکت علامه قزوینی و حاج میرزا نصراللّه تقوی تنظیم شده است، مانی و ایران، جنگ فرنگستان و چند اثر دیگر از تحقیقات انتشار یافته‌ی خود اوست.

چند سال قبل درباره‌ی تاریخ مشروطیت سه خطابه در باشگاه مهرگان ایراد نمود که در همان موقع در روزنامه‌های عصر انتشار یافت و بعد نیز به صورت کتابی منتشر شد. سال‌هایی که در لندن به تدریس اشتغال داشت، متجاوز از پنجاه سخنرانی و خطابه‌ی عالمانه و محققانه درباره‌ی تاریخ و تمدن اسلام در کشورهای مختلف جهان و دانشگاه‌ها ایراد نمود که هرکدام در حد خود یک رساله‌ی محققانه است. در ادوار اخیر در دوره‌ی دکترای الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود و کلاسش مرکز تجمع شیفتگان علم و ادب و دانش‌پژوهان بود. رویه‌ی اداره‌ی کلاس او بر اساس دموکراسی کامل بود و شاگردان در حین درس استاد، حق داشتند به بحث و سؤال بپردازند. در هر دانشجوئی که مایه و علاقه‌ای می‌دید، از هیچ‌گونه کمکی به او دریغ نمی‌ورزید. به مبانی مذهبی و ملی اعتقاد داشت. در جوانی با یک خانم آلمانی ازدواج کرد و تا آخر عمر با او زندگی می‌کرد. صاحب اولادی نشد و در ۱۳۴۹ در ۹۲ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۲۱ -۱۱۲)، تاریخ جراید (۱۳۱ -۱۲۵ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۰ -۲۷۷ /۲)، شرح حال رجال (۶۹ -۶۶ /۵)، نقد حال (۵۳۳ -۴۷۰)، یادنامه‌ی تقی‌زاده، یغما (س ۲۶، ش ۴، ص ۱۹۶ -۱۹۳، س ۳۰، ش ۷، ص ۴۰۴ -۳۹۶، ش ۸، ص ۴۷۹ -۴۷۲).

تقی‌زاده، قباد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۳/۱۲۸۲ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز متولد شد. وی برادرزاده‌ی سید حسن تقی‌زاده بود. در مدرسه‌ی اقدسیه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۰۱ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به آلمان رفت و تحصیلات مهندسی خود را در آنجا به انجام رسانید همچنین، با زبانهای فرانسه، آلمانی و انگلیسی آشنا شد؛ سپس به تهران بازگشت و با درجه‌ی ستوان یکمی، در کارخانجات ارتش به کار پرداخت و مدتی نیز به ریاست آن کارخانجات منصوب شد. تقی‌زاده در سال ۱۳۲۸ ش به درجه‌ی سرتیپی رسید. سرانجام بازنشسته شد و به کارهای فرهنگی پرداخت. از آثار وی: «نیروی طبیعی زمین، چوب»، در دو جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۱۵۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۶/۲)، الذریعه (۹۰۸ -۹۰۷ /۴).

تمیمی عرب، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۳.

درگذشت: ۱۳۶۱.

از آثار اوست: ترجمه شریان‌های باز آمریکای لاتین (ادوارد گالئانو، تهران، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تنکابنی قزوینی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۴ /۱۳۲۳ ق)، نحوی، اصولی، فقیه و عالم شیعی. از نوادگان میرمحمد صالح تنکابنی بود که در قزوین متولد شد. وی پس از کسب مقدمات علوم اولیه، سطوح عالی را از حوزه‌ی درس پدرش و دیگران فراگرفت. سپس در مدرسه صالحیه، علوم عقلی و اصول و فقه را از حوزه‌ی درس شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی کسب کرد. پس از آن راهی عتبات مقدسه عراق شد و در نجف اشرف ساکن. تنکابنی نخست، به حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و پس از وفات وی، به حوزه‌ی درس میرزا

حبیب‌الله رشتی پیوست و در کربلا از محضر درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره‌مند شد. حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس علامه‌ی برغانی آل‌صالحی تکمیل کرد و به مقام اجتهاد نایل آمد، پس از آن به موطن خویش بازگشت و کرسی تدریس و رهبری و فتوی را به خود اختصاص داد. وی آثار و مآثری از خود باقی گذاشت از جمله: مدرسه علوم دینی، موسوم به مدرسه‌ی تنکابنی یا مدرسه‌ی آقا و جنب آن مسجدی به همین نام که موقوفات بسیاری برای آنها تعیین کرد. از آثار قلمی وی: «شرح رسائل»، در چهار مجلد؛ «شرح مکاسب»؛ «شرح مدارک» «تقریرات استادش برغانی» و «رساله‌ای در اخلاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۵/۲)، دایره المعارف الاسلامیه (۲۶۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷/۱۴).

تنکابنی، حکیم مؤمن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمد مؤمن بن محمد زمان حسینی تنکابنی. سید حکیم فاضل ادیب. معاصر شاه سلیمان صفوی بوده، و کتاب خود را در طب به نام «تحفة المؤمنین» و بر حسب آنچه مشهور است «تحفه‌ی حکیم مؤمن» را در زمان این پادشاه تألیف نموده که مکرر به طبع رسیده. اولاد او در اصفهان و نجف آباد ساکن می‌باشند.

در صحن مقبره‌ی خواجه، قبر کوچکی است که بر روی او: میرزا محمد مؤمن (حکیم و ادیب و شاعر) متوفی به سال ۹۲۳ مرقوم است، و اتحاد نام، برخی را به اشتباه انداخته، وی را حکیم مؤمن تنکابنی سابق الذکر دانسته‌اند، و حال آن که تاریخ قبر، حکایت از اختلاف آن دو می‌نماید، و او دانشمند دیگری است غیر از حکیم تنکابنی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، سلیمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، فقیه، ادیب، متکلم و پزشک ایرانی. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در جوانی به همراه برادرش، ملا عبدالمطلب، رهسپار عتبات عراق گردید و چندی در شهرهای مقدس آن سرزمین به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس راهی اصفهان شد و بیست و دو سال در خدمت آخوند ملاعلی نوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ملاصدرا را نزد وی فراگرفت. «شرح لمعه» را نزد ملا محمدعلی نوری آموخت. پس از آن خود به تدریس روی آورد و در اصفهان «تجرید الکلام»؛ «شوارق»؛ «شرح لمعه» و «تفسیر قاضی بیضاوی» را درس می‌گفت. میرزا سلیمان به آموختن دانش پزشکی پرداخت و در رشته‌ی پزشکی شاگرد میرزا اسماعیل اعرج اصفهانی بود. میرزا اسماعیل بـه تنکابنی طب آموخت و خود نیز نزد او شرح «تجرید الکلام» فرا می‌گرفت. میرزا سلیمان در اصفهان به ملامحراب، عارف گیلانی، دست ارادت داد. میرزا سلیمان تنکابنی پدر میرزا محمد تنکابنی، مولف «قصص العلماء»، است. از جمله آثار وی: حاشیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشیه بر «مفاتیح الشرائع» ملامحسن فیض کاشانی؛ حاشیه بر «الفوائد الضیائیه» جامی، حاشیه بر «شرح الاسباب»، در پزشکی؛ حاشیه بر «حکمه العین»؛ حاشیه بر «حیوه القلوب»؛ حاشیه بر «تذکره الائمه»؛ رساله‌ای در وبا و طرز معالجه‌ی آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :قصص العلماء (۷۳ -۷۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۹/۱۳).

تنگستانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۱ ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از نویسندگان و آزادیخواهان و خانزادگان تنگستان بود که از آغاز ندای آزادی و مشروطه، به تهران آمد و جزو مشروطه‌طلبان شد. تنگستانی در اوایل جنگ بین‌الملل اول، با گروه آزادیخواهان به کرمانشاه و استانبول سفر کرد و مدتی در رکاب نظام‌السلطنه مافی با دشمنان ایران جنگید. وی سالهای متمادی ساکن تهران بود. در سال ۱۳۲۸ ق روزنامه‌ی «یادگار جنوب» را تاسیس کرد و با مساعدت سید یعقوب انوار اردکانی اداره کرد. این روزنامه ارگان فرقه ترقی‌خواه ایران بود که پس از یکسال توقیف شد. در سال ۱۳۳۹ ق روزنامه‌ی «ندای جنوب» را به صاحب امتیازی میرزا باقرخان معلم و به مسئولیت خود انتشار داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۴۳، ۲۸۴، ۲۸۳- /۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۷ -۴۲۶ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۶/۲).

توحیدی، ابوحیان علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۱۴/۴۰۰ –۳۱۰ ق)، ادیب، فیلسوف معتزلی، صوفی و شاعر. معروف به فیلسوف‌الادباء و ادیب‌الفلاسفه و جاحظ ثانی. اگر چه محل تولد او را به اختلاف شیراز، نیشابور، بغداد، واسط دانسته‌اند، اما احتمال این که در شیراز متولد شده باشد بیشتر است. ابوحیان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی سجستانی بود، در آنجا با گروهی از دانشمندان طراز اول مانند ابوالحسن عامری و ابن‌مسکویه معاشرت داشت. وی فقه شافعی را از ابوحامد مروزودی و ابوبکر شاشی آموخت و نزد استادان صوفی آمد و شد داشت و از راه کتابت زندگانی می‌کرد. ابوحیان مدتی در بغداد اقامت داشت و پس از آن به ری رفت و در آنجا در خدمت ابوالفضل عمید و صاحب بن عباد بود ولی با آنها میانه خوبی نداشت و حتی کتابی در ذم آنها به نام «اخلاق الوزیرین» نوشت ولی با وزراء صمصام‌الدوله یعنی عبداللّه بن عریض شیرازی و ابن سعدان میانه خوبی داشت. از جمله اساتید دیگر وی علی بن عیسی رمّانی در تصوف و یحیی بن عدی در فلسفه و منطق و جعفر خلدی و ابن سمعون در حدیث و سایر معارف اسلامی. ابوحیان در نگارش عربی استاد بود و جاحظ را بسیار می‌ستود و کتابی در مناقب و شناخت او نیز تألیف کرد. وی در ادبیات عرب به مقامی رسید که وی را با جاحظ برابر یا برتر می‌شمارند. بعضی او را از زنادقه می‌دانند. او علاوه بر نگارش نثر که در حد اعلای سلاست و استواری بود شعر نیز می‌گفت. وی در اواخر عمر کتابخانه عمومی خود را آتش زد و علت آن چنانکه خود گفت عدم توجه مردم بغداد در مدت بیست سال اقامت او در آنجا به وی بود چون نمی‌خواست کسانی که قدر او را ندانستند پس از مرگ او از آنها بهره‌مند شوند. ابوحیان احتمالاً در خانقاه ابن خفیف در شیراز درگذشت و در کنار مزار شیخ کبیر به خاک سپرده شد. از جمله تألیفات وی: «المقابسات»؛ «الصداقهٔ والصدیق»؛ «الامتاع والموانسهٔ»، در سه جزء، «اشارات الالهیه»؛ «البصائر والذخائر» یا «بصائر القدما و بشائر الحکما»، در پنج جزء؛ «تقریظ الجاحظ»؛ «المحاضرات والمناظرات».[۱]

توحیدی، علی بن محمد بن عباس، ادیب و فیلسوف معتزلی قرن چهارم (ف. ۴۰۰ ه.ق.) وی در حسن تنظیم مطالب و سهولت انشای عربی چندان مهارت داشته که او را «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند. ابوحیان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی با گروهی از دانشمندان و حکمای عهد معاشرت داشته و مدتی نیز درک خدمت ابن‌العمید و صاحب بن عباد و ابن سعدان را کرده و با ابوعلی مسکویه نیز رابطه داشته است. از آثار مهم او کتاب الامتاع و المؤانسهٔ، کتاب الهوامل و الشوامل، کتاب المقابسات، کتاب البصائر، رسالهٔ فی الصداقهٔ است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۴۵ –۱۴۴ /۵)، ایضاح المکنون (۴۴۰، ۶۵/ ۲، ۶۰۲/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۲، ۳۵۳، ۳۰۰، ۲۸۶، ۲۶۰/۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۴۰۲ –۴۰۰/۴۰۰ –۳۸۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۷۲ –۱۵۷)، تاریخ نجوم اسلامی (۹۹ –۹۸، ۷۰)، تذکره‌ی هزار مزار (۹۷ –۹۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۲۶ –۱۲۴ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۹/۸)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۹/۱)، روضات الجنات (۸۵ –۵۶ /۸)، ریحانه (۸۴/۷)، سخن و سخنوران (۲۰)، شیرازنامه (۱۵۰ –۱۴۹)، کشف الظنون (۱۷۷۸، ۵۲۲، ۲۴۶، ۱۶۷، ۱۴۰)، الکنی والالقاب (۶۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن چهارم/ ۱۲)، لسان المیزان (۶۳۷ –۶۳۳ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحیان)، معجم الادباء (۵۲ –۵ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۰۵/۷)، الوافی بالوفیات (۴۱ –۳۹ /۲۲)، وفیات الاعیان (۱۱۳ –۱۰۸ /۵)، هدیهٔ الاحباب (۱۴)، هدیهٔ العارفین (۶۸۵ –۶۴۸ /۱)، یادداشتهای قزوین (۱۸۰ –۱۷۴ /۴).

توحیدی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۳۲ ق.، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۶.

آیت‌الله رضا توحیدی مقدمات را در مدرسه‌ی ملی که زیر نظر علما اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانید و قسمتی از سطوح عالیه را (رسائل مکاسب) در تبریز طی نمود. در سال ۱۳۶۳ ق. برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و مدت بیست و پنج سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس شد. در آنجا از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خویی و آیت‌الله آقا شیخ حسن حلی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حسن حمامی و آیت‌الله سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و علمای دیگر در چندین دوره اصول را پشت سر گذاشت و خارج صلوهٔ آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت‌الله شاهرودی استفاده نمود و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (در موقعی که در کربلاـ و نجف بود) بهره‌مند شد و نیز تقریرات علامه نایینی اعم از مباحث الفاظ و عطیه را در محضر علامه حلی استفاده نمود. شانزده سال نیز در یکی از مساجد نجف به اقامه نماز جماعت و تبلیغات دینی پرداخت و به بعد از مدتی به تبریز درآمد و در مسجد توحید به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال پیدا نمود.

مشایخ اجازه ایشان عبارتند از آیت‌الله سید محمدهادی میلانی، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله میرزا سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله شریعتداری.

آثار علمی آیت‌الله توحیدی به شرح زیر است: تفسیر قرآنی به نام اللئالی المنضودهٔ فی تفسیر الایات المأثوره؛ نفحهٔ القدیر فی شرح

خطبهٔ الغدیر؛ القرآن والحجهٔ؛ اربعینات؛ الدراسات الدینیه؛ تقریرات دروس فقه و اصول از آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی و علامه حلی، شرح حدیث اهلیلجه به قلم روز.

رضا بن محمد علی بن عبدالحسین بن محمد حسین معروف بتوحیدی از علماء اعلام و دانشمندان بنام معاصر تبریز است.

وی در سال ۱۳۳۲ قمری در بلده تبریز متولد شده و در خاندان عفیف و پاکدامنی پرورش یافته است.

دروان صباوت را در مدرسه ملی که به نظارت علماء اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانیده و قسمتی از سطوح عالیه (رسائل و مکاسب) را در تبریز طی نموده و در سال ۱۳۶۳ هجری قمری برای تکمیل تحصیلات از هر گونه علائق مادی دست کشیده به آستان بوسی باب مدینه العلم نجف اشرف علی مشرفها و ساکنها آلاف التحیه و الشرف مشرف شده و مدت ۲۵ سال در محضر پر برکت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشغول تحصیل و تدریس و از محاضر آیات عظام و اساتید کرام آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی خوئی و آیت الله آقا شیخ حسین حلی و آیه الله حکیم و آیت الله سید حسین حمامی و آیت الله حاج سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و سایر بزرگان در چندین دوره اصول آقایان نامبرده را دیده و خارج صلوه حاج آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت الله شاهرودی استفاده نموده و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت الله العظمی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بودند) بهره‌مند شده و نیز تقریرات نائینی اعم از مباحث الفاظ و عقلیه را در محضر آقای حلی کامیاب شده و در مدت شانزده سال هم در یکی از مساجد نجف اشرف اقامه نماز جماعت و ضمنا مشغول تبلیغات دینی از مسائل و اصول عقائد و احکام نموده تا چند سال قبل که به وطن مراجعت و در خیابان نادر تبریز در مسجد «توحید» باقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

از آثار قلمی و علمی ایشان کتب زیر است که به آن اشاره می‌شود:

۱- تفسیر قرآن بنام «اللئالی المنضوده فی تفسیر الایات المأثوره» از اول فاتحه الکتاب تا آخر سوره بقره و سوره الرحمن و سوره الواقعه و سوره الحدید و مجادله و سوره فجر را تمام نموده‌اند.

۲- نفحه القدیر فی شرح الخطبه الغدیر حاوی یک مقدمه و پنج اصل «توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد» و خاتمه در دو مجلد.

۳- القرآن و الحجه، کتابی است معادله و موازنه می‌کند حضرت حجت (عج) را با قرآن از حیث آثار و خصایص.

۴- اربعینیات کتابی است حاوی چهل حدیث آنهائی که متضمن عدد چهل و مطالبی است.

۵- الدراسات الدینیه. کتابیست علمی، اخلاقی، دینی، انتقادی، اجتماعی، فلسفی، در حدود پانصد صفحه.

۶- تقریرات دروس فقهیه و اصولیه از آقای شاهرودی و آقای خوئی و آقای حلی.

۷- شرح حدیث اهلیلجه بقلم امروز.

مشایخ اجازه مترجم معظم:

۱- آیت الله العظمی میلانی. ۲- آیت الله العظمی شاهرودی ۳- آیت الله العظمی خوئی ۴- آیت الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی ۵- آیت الله العظمی حکیم طاب ثراه ۶- آیه الله العظمی شریعتمداری.

نگارنده گوید آیت الله توحیدی از علماء متین و دانشمندان موصوف به تقوا و دارای صفات جمیله و خصال حمیده و محاسن اخلاق و محامد آداب و اهل سلوک و معنویت است در محرم و صفر سال ۱۳۹۱ قمری که باعتاب عالیات مشرف بودند چند روزی در کاظمین و سامرا درک مصاحبت ایشان را نموده و از حالات و روحیات ایشان استفاده نمودم، در مشاهد مشرفه توجه مخصوص و حال خاصی دارند ادام الله توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توفیق، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۵۸ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران تولد یافت و از همان ابتدا طبع و ذوق شعری داشت. وی نیمی از عمر خود را صرف ترویج معارف و توسعه‌ی ادبیات کرد. توفیق شاعری نکته‌سنج و روزنامه‌نگاری حساس بود. در روزنامه‌ی فکاهی «گل زرد» و سایر هفته‌نامه‌های آن زمان مقالاتی می‌نوشت و مدتی نیز سردبیر روزنامه‌ی «گل زرد» بود. از سال ۱۳۰۱ ش روزنامه‌ی «توفیق» را، که نشریه‌ای ادبی فکاهی بود، منتشر ساخت. وی در تهییج و تقویت قریحه‌ی نو شاعران تاثیر زیادی داشت. پس از فوت توفیق، فرزندش محمدعلی، روزنامه‌ی توفیق را منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین ایران (۲۷۵)، تاریخ جراید (۱۴۷ -۱۴۴ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۷/۲)، سخنوران نامی معاصر (۹۳۷ -۹۳۵ /۲).

توفیق، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار.

درگذشت: ۸ بهمن ۱۳۷۰.

محمدعلی توفیق، فرزند حسن، از سال ۱۳۱۸ عهده‌دار ادامه‌ی انتشار هفته‌نامه‌ی فکاهی «توفیق» شد. وی کارمند بانک ملی نیز بود. این هفته‌نامه حدود چهارده سال به مدیریت وی انتشار یافت، به ویژه زمانی که رضاشاه از ایران رفت و قلم آزاد شد. توفیق به اینکه به هیچ حزب یا جمعیتی بستگی نداشت، از تندروترین جراید به شمار می‌رفت. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، محمدعلی توفیق بازداشت شد و به قلعه فلک‌الافلاک تبعید گردید. مدتی بیش از یک سال در آنجا بود تا به تهران منتقل گردید و مدت کوتاهی هم درتهران زندانی بود تا آزاد شد. پس از آن دیگر به فعالیت سیاسی روی نیاورد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

توکل، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رحیم توکل

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم تجربی درسال ۴۹ ـ ۴۸ در سال ۵۱ شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در زمان پیروزی انقلاب اسلامی دروس سطح و کفایتین باتمام رسید و در سال ۶۰ ـ ۵۹ وارد دروس خارج شدم.دو دوره اصول را خدمت حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) گذراندم و حدود ۴ سال هم در خدمت حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی بحث اصول و فقه معظم له شرکت می کردم و درسال ۶۸ موفق باخذ اجتهاد از آن دو بزرگوار شدم البته چند سالی هم بعد از اتمام دو دوره اصول در درس اصول حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت می کردم تا از مبانی معظم له هم مطلع شوم.از سال ۷۷ به فضل الهی به تدریس خارج فقه مشغول هستم و تا الان (سال ۸۴ ـ ۸۳) هفت سال خارج فقه را تدریس کرده ام با توجه به این نکته در مباحث فقهی هر کجا بحث اصول لازم بود ، بحث اصول آن را مطرح می کردم تا کاربرد اصولی در مسائل فقهی کار بردی تر انجام شود.

توکلی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله توکلی

محل تولد : ازنا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حوزه مشغول تحصیل بودم در این مدت از محضر آقایان حجهٔ الاسلام مرادی، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین وحید میان آبادی- بهرهمند بودم در این دوره حدود ۱۳ بار هم به جبههٔ مقدس نبرد حق علیه باطل عازم شدم با قبولی در امتحانات پایهٔ های ۳و۵و۶ در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم سطوح مکاسب را نزد آیهٔ الله استادی، آیهٔ محفوظی و مرحوم آیهٔ الله وجدانی به پایان رساندم و رسائل نزد آیهٔ الله اعتمادی و کفایهٔ در محضر مرحوم آیهٔ الله پایانی تلمذ نمودم. در این سالیان در کنار دورس حوزوی مقطع دبیرستان را نیز به پایان رساندم و سال ۱۳۶۹ همزمان درس تفسیر و مقداری هم فلسفه را در محضر آیهٔ الله جوادی آملی کسب فیض کردم. از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه تهران- پردیس قم در رشته مدیریت پذیره شدم و تا ۱۳۷۳ مقطع کارشناسی را به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۲ وارد پژوهشگاه حوزه دانشگاه شدم وهمکاری اینجانب این نهاد مقدس کماکان ادامه دارد.

توللی شیرازی، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۹۸ ش)، شاعر. در شیراز متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه، وارد دانشگاه تهران شد و در رشته‌ی باستان‌شناسی لیسانس گرفت و به سمت مدیر کل اداره‌ی باستان‌شناسی فارس منصوب شد. او مدتها با جراید و مجلات همکاری

داشت. پس از آن به عنوان مشاور دانشگاه شیراز انتخاب شد. وی در شعر روش نیمایی داشت ولی به تدریج از آن دور شد. با این همه، مضامین اشعارش نو و شیوه‌اش دلپذیر است. تازگی در مضمونها و استعاره‌ها و تشبیه‌ها، عدم رعایت صنایع بدیعی، گزینش بهترین واژه، از نکاتی است که توللی برای شعر نو می‌پذیرد. او در شاعری و نویسندگی دارای سبکی خاص است. برخی از آثارش در عداد بهترین اشعار معاصر ایران، به زبانهای دیگر ترجمه شده است. وی در شیراز وفات یافت و در محوطه‌ی آرامگاه حافظ در مقبره‌ی خانوادگی به خاک سپرده شد. از آثار او: «التفاصیل»، در لباس طنز، به شیوه‌ی «گلستان»؛ مجموعه‌های شعری او: «رها»؛ «نافه»؛ «کاروان»؛ «شگرفت»؛ «پویه»؛ و «بازگشت».[۱]

فریدون توللی، فرزند جلال توللی به سال ۱۲۹۶ خورشیدی در شیراز، مهد شعر و شاعری متولد شد، پس از طی تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی به دانشگاه رفت و در رشته باستانشناسی موفق به اخذ لیسانس گردید. کتاب انتقادی «التاصیل» از وی به‌جای مانده که از آثار خوب او می‌باشد.

فریدون توللی از شاعران نوپرداز و طراز اول بود و مجموعه شعر او به نام رها از وی منتشر گردیده است.

«نغمه عشق»

دل به یاری سپردم کز او

دیده نتوان گرفتن دمی

تازه‌رویی که در باغ دل

رسته چون شاخه مریمی

آتشی که زد بر جانم آن پری

خرمی بود و مستی

بوسه‌ای که بگرفتم از لعل او

زندگی بود و هستی

در نگاه چشم زیبای او

در صدای گرم و گیرای او

در سکوت مست و گویای او

خفته راز دلربایی و افسونگری

خنده‌اش ز دل می‌برد غم و می‌سراید

آتشین نغمه عشق و شادی

می‌دمد به تن جان تازه و میزداید

زنگ ناکامی و نامرادی

می‌پرستم ز جانش که جان

می‌کشد دامنم سوی او

دل ز مهرش نگیرم که دل

آشنا گشته با خوی او

چون که باشد

ز جام یارم

بوستان و بهارم

کی پسندد در آزارم

تا بود غمگسارم

جز بیادش نبندم امید ز آنکه پیوند جان است

بی‌وجودش مرا زندگی اندوه جاودان است

«کارون»

بلم آرام چون قویی سبکبار

بنرمی بر سر کارون همی رفت

به نخلستان ساحل قرص خورشید

ز دامان افق بیرون همی رفت

شبق بازیکنان در جنبش آب

شکوه دیگر و راز دگر داشت

بدشتی پر شقایق باد سرمست

تو پنداری که پاورچین گذر داشت

جوان پارو زنان بر سینه‌ی موج

بلم می‌راند و جانش در بلم بود

صدا سر داده و غمگین در ره باد

گرفتار دل و بیمار غم بود

دو زلفونت بود تار ربابم

چه می‌خواهی از این حال خرابم

تو که با ما سر یاری نداری

چرا هر نیمه شو آیی بخوابم

درون قایق از باد شبانگاه

دو زلفی نرم نازک تاب می‌خورد

زنی خم گشته از قایق بر امواج

سر انگشتی بچین آب می‌خورد

صدا چون بوی گل در جنبش باد

بآرامی بهر سو پخش می‌گشت

جوان می‌خواند و سرشار از غمی گرم

پی دستی نوازش پخش می‌گشت

تو که نوشم نه‌ای نیشم چرایی

نمک پاش دل ریشم چرایی

خموشی بود و زن در پرتو شام

رخی چون رنگ شب نیلوفری داشت.

ز آواز جوان دلشاد و خرسند

سری با او دلی با دیگری داشت

ز دیگر سوی کارون زورقی خرد

سبک بر موج لغزان پیش می‌راند

چراغی کورسو می‌زد به نیزار

صدایی سوزناک از دور می‌خواند

نسیمی این پیام آورد و بگذشت

چه خوش بی‌مهربانی هر دو سربی

جوان نالید زیر لب بافسوس

که یکسر مهربونی دردسر بی

شاعر، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۸، شیراز.

درگذشت: ۹ خرداد ۱۳۶۴، شیراز.

فریدون توللی، فرزند جلال، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز به پایان رساند. سپس در تهران تحصیلات عالی خود در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران در رشته باستان‌شناسی ادامه داد و موفق به اخذ لیسانس شد. پس از این که مدتی در اداره‌ی ثبت اشتغال داشت به اداره‌ی باستان‌شناسی منتقل گردید و به سمت ریاست حفریات استان فارس منصوب گردید. پس از آن به عنوان مشاور دانشگاه شیراز برگزیده شد.

توللی فعالیت ادبی خود را از سال ۱۳۲۰ شروع کرد. از آغاز جوانی اشعاری ساخته بود که بعد از یافتن سبک ویژه و شیوه دلخواه خود، آنها را از میان برد و از سال ۱۳۲۱ بود که خود را به عنوان شاعر شناساند. وی هم در سبک کهن و هم در شیوه نو شعر سروده است. عقاید و نظریه‌های خود را نیز در حکایت‌هایی به سبک مغلق نویسان زمان‌های قدیم به صورت مسجع و مقفی به نظم و نثر نگاشته است. توللی در باب شعر نو عقیده داشت که شعر نو شعری است که درک نو داشته باشد اما بر اصول و قواعد مسلم شعر متکی باشد و جز در آنجا که قالب شعر تحمل کشیدن درک نو را نداشته باشد شکستن قالب‌ها و قواعد اصیل را جایز نمی‌شمارد.

توللی از لحاظ روزنامه‌نگاری، نویسنده‌ای پر کار بود. مقاله‌های او در روزنامه‌های «فروردین»، «سروش»، «اقیانوس»، «دنا» و «بهار ایران» چاپ شیراز و «کهکشان» و «شرق میانه»، «ایران ما» چاپ تهران منتشر می‌شد. تمام مقاله‌ها و اشعار روزنامه‌ی «صدای شیراز» از سال ۱۳۲۸ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قلم اوست. اشعار و نوشته‌های او علاوه بر جراید یاد شده در مجلات «یغما»، «سخن»، «راهنمای کتاب»، «وحید»، «خاطرات وحید» و مجلات دیگر تهران درج شده است.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: رها (مجموعه شعر، نخستین مجموعه اشعار نو، با دیباچه‌ای در شناخت شعر نو، ۱۳۳۰)؛ التفاصیل (نظم و نثر، شامل قطعات طنزآمیز با شیوه‌ی نثر کهن)؛ کاروان (در شیوه‌ی کهن، مجموعه‌ای دیگر از قطعات طنزآمیز و انتقادات سیاسی و اجتماعی)؛ نافه (اشعاری در شیوه‌ی شعر نو، ۱۳۴۱)؛ پویه (مجموعه شعر به غزل و قصیده، اندیشه نو در قالب کهن)؛ شگرف (مجموعه‌ای از غزلیات و قصاید، اندیشه‌ی نو در قالب کهن)؛ بازگشت (مجموعه‌ای از غزلیات و قصاید)؛ رساله‌ی عنعنیه؛ رساله‌ی پژوهشی به نام «مینیاتور در ایران». برخی از آثار وی به زبان‌های دیگر ترجمه شده است.

پیکر او در محوطه‌ی آرامگاه حافظ در مقبره‌ی خانوادگی‌اش به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین ایران (۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۵، ۳۵۴، ۲۱۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۶۰، ۱۵۱، ۱۴۴، ۹۵، ۸۰)، چشمه‌ی روشن (۶۱۴ -۶۰۷)، چون سبوی تشنه (۱۰۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۳ -۵۵ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۹۴۷ -۹۴۲ /۲)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۳۵۹ -۳۵۳)، فرهنگ سخنوران (۱۹۴).

تویسرکانی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

دکتر قاسم تویسرکانی فارغ‌التحصیل رشته‌ی دکترای ادبیات دانشگاه تهران بود و در همین دانشگاه تدریس می‌کرد. نامه‌های رشیدالدین وطواط به تصحیح او در سلسله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است. کتاب دیگر او قواعد النحو و هی التدریس فی بعض الصفوف من کلیه المعقول و المنقول (۱۳۷۱) است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تویسرکانی، محمدصادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۲ ق)، ادیب و نحوی امامی. پس از تکمیل مقدمات علوم اسلامی و فنون ادب، به حوزه‌ی درس شیخ بهایی راه یافت و از خواص شاگردان وی در زمینه‌ی معقول و منقول گردید. از جمله آثار وی: «زهر الحدیقه» که شرح مزجی است بر اسلوب «قال اقول» بر «لغز النحو» شیخ بهایی؛ کتاب «النهج الصفی»، در اصول عقاید، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۰/۲۴، ۶۸/۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۶/۱۱).

تویسرکانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسن حسینی اصفهانی. عالم فاضل ادیب، از شاگردان و مخصوصین حاج شیخ محمد باقر نجفی بوده، و در اوایل قرن ۱۴ وفات یافته.

[او] در مقدمه‌ی کتاب بحر المعارف (ترجمه‌ی جلد ۱۵ بحارالانوار) از تألیفات آقا نجفی، فهرست مؤلفات وی را نام برده، کتاب در سال ۱۲۹۷ به طبع رسیده است، و به خط محمد باقر بن محمدحسن خطاط بروجنی اصفهانی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تهامی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدغلامرضا تهامی، فرزند آیت‌الله تهامی در سال ۱۳۱۰ در شهر بیرجند دیده به جهان گشود.وی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد. دکتر سیدغلامرضا تهامی در اوایل دهه ۱۳۳۰ همکاری خود را با «مجله ایران ما» آغاز کرد.دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری -که از علایق اوست- روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود. کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام "تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید غلامرضا تهامی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید غلامرضا تهامی تا اوایل دهه ۴۰، ویرایش بیش از ۲۰ عنوان از کتابهای «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» را برعهده داشت. از جمله برخی ترجمه‌های بدیع‌الزمان فروزانفر. «فرهنگ اعلام تاریخ اسلام» دکتر تهامی در دو مجلد با ۲۸ هزار مدخل و بیش از شش هزار صفحه از سوی شرکت سهامی انتشار، در اسفند ۱۳۸۵ منتشر شده است. دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری -که از علایق اوست- روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود.

جوائز و نشانها : کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام "تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری

اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد. ---

آثار :

۱ باروی قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز

ویژگی اثر : ترجمه

۲ بحران فرهنگ اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۳ چین و هنرهای اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۴ سیاست و دیانت در اسراییل

ویژگی اثر : ترجمه

۵ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام

ویژگی اثر : تالیف.این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.دکتر سید غلامرضا تهامی درباره این کتاب چنین می گوید: اعلام در لغت به معنی علم‌هاست و در زبان عربی به معنی اسلامی خاص است، در فارسی ما اسامی خاص داریم مثل اسم کوه‌ها، شهرها و... در زبان عربی و در اصطلاح نویسندگی آنچه درباره اشخاص و اماکن خاص استرا علم می‌گویند. در پایان بسیاری از کتاب‌های غالبا مذهبی، اعلام اشخاص یا اعلام اماکن آمده است. در این کتاب هم موضوع همین است. البته فرهنگ به معنای شخصیت‌هاست مثل «فرهنگ مصاحب»، کلمه قاموس را هم به جای فرهنگ به کار می‌برند یا کلمه معجم. اما در زبان فارسی به آن «فرهنگ» گفته می‌شود و فرهنگ اعلام یعنی کتابی که اسامی خاص یک دوره یا کشور یا یک گروه که معمولا بر حسب حروف الفبا مرتب شده در آن تنظیم می‌شود.

۶ مسایل هنر و زیبایی‌شناسی

ویژگی اثر : ترجمه

۷ نگارگری اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

تهرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم سید ابوالقاسم تهرانی از علماء محترم و ائمه جماعت شهرستان قم بوده است که در اوائل تاسیس حوزه از تهران مهاجرت به قم نموده و سالهای متمادی از فیض محضر و درس مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و پس از ایشان از محضر و درس مرحومین علمین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری طاب ثراهما و بعد از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به درس ایشان حاضر شده و در زمان ریاست آن مرحوم به رحمت حق و اصل و در جوار فاطمه معصومه علیهاالسلام مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج سید حسن تهرانی فرزند سید ابوالقاسم تهرانی از علماء باتقوای حاضر حوزه علمیه و ائمه جماعت قم می‌باشند.

ولادتش در تهران واقع شده و در خدمت مرحوم والد به قم آمده و مقدمات و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و حاضر درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و علامه بزرگ آیت‌الله بروجردی شده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیات و زعماء سه‌گانه حوزه مخصوص آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی می‌گردد مانند مرحوم والدش بی‌آلایش و متین می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم حاج شیخ محمدتقی تهرانی از ائمه جماعت مسجد امام و علماء حوزه علمیه و تلامذه قدیمی مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردیست، پس از فوت مرحوم حایری برای ترویج دین و تبلیغ

احکام به شهریار تهران و قصبه رباط کریم چند سالی اقامت نموده و آنگاه به قم مراجعت و تا حدود سال ۱۳۸۲ قمری به وظائف دینی و روحی شاغل سپس دعوت حق را لبیک اجابت گفته و به سرای باقی خرامیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدصادق بن میرزا ابوالقاسم تهرانی از دانشمندان فاضل و اخیار معروف به تقوا و پرهیزکاری حوزه علمیه قم و شهرستان مذهبی قم است مرحوم والد مذکورش از متدینین واقعی و عبادالله الصالحین بوده که تا آخر عمرش جز کسب رضای خدا هدفی نداشت و جدش مرحوم میرزا علی‌اکبر سیاه‌پوشان از رجال معروف زمان ناصرالدین‌شاه بود که همه عمر برای ماتم حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام لباس سیاه را از تن بیرون نکرد شب و روز کارش گریه بود بخصوص در ایام عاشورا که دستمالها از گریه و اشک چشمش تر نموده و برای کفن و قیامت خود ذخیره می‌نمود و نیز مادران وی از زنان پارسا و قانتات عابدات ذاکرات با کیات صالحات روز کار بوده‌اند و هم پدران مادری ایشان از مومنین کاملین و اتقیاء زمان خود و بسیار معتقد و صوام و قوام بوده‌اند.

وی در اواخر ذی‌الحجه ۱۳۳۱ ق در چنین خاندانی متولد و در حجر این پدران متدین و مادران صالحه تربیت و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مقدس رفته و بعضی از سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ حبیب‌الله گلپایگانی که از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد و معروف به قدس و تقوا بود خوانده و بعد از دو سال به تهران آمده و از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی که از علماء اتقیاء تهران بود استفاده کرده و بعد به قم مهاجرت نموده و از اساتیدی مانند مرحوم ادیب تهرانی و سید مهدی کشفی و حاج شیخ عباس تهرانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله شاهرودی سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر حاضر شده و بعد به درس مرحوم علامه بزرگ آیت‌الله بروجردی شرکت نموده و ضمنا در مسجد جامع قم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی- ره- به آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله پیوسته و از اصحاب خاص آن جناب گردید و به همین جهت گاهی گرفتار و به معذورات شدیدی مبتلا شده است.

آثار ایشان ۱- کتابی است در شرح احوال علماء قم که از زمان مرحوم حایری تا عصر حاضر از دنیا رفته و دارای اثرات نورانی بوده‌اند به نام آثارالنوریه یا (جلوه درخشان).

۲- سفور التهافت یا (رسوائی یاوه‌گویان) که همان تهافت و تناقض‌گوئی جمعی از مبدعین قرون گذشته و عصر حاضر است که همان بطلان ادعاء آنهاست از قول خودشان.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تیمورتاش، ایراندخت

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ایراندخت. وی در کاشمر متولد شد. تحصیلات خود را تا اخذ گواهینامه‌ی دکترا ادامه داد و مدت سه سال «روزنامه‌ی رستاخیز» را در تهران منتشر کرد و به عنوان وابسته فرهنگی و مطبوعاتی ایران در پاریس، به خدمت مشغول شد. ایراندخت از طبعی موزون بهره‌مند بود و به نیکی شعر می‌سرود. از آثار او: «آب علی»؛ «دختر تیره‌بخت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زنان روزنامه‌نگار (۱۹۲ -۱۸۵)، زنان سخنور (۱۶ -۱۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۱۱)، کارنامه‌ی زنان (۲۷۱ -۲۷۰)، مولفین کتب چاپی (۷۰۵/۱)، مجموعه‌ی گلها (۱۸۳/۱).

تیموریان، آندرانیک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آندرانیک تیموریان (به ارمنی: Անդրանիկ Թեյմուրեան) با نام کامل و درست آندرانیک تیموتیان سامرانی متولد ۱۵ اسفند سال ۱۳۶۱ فوتبالیست ایرانی است. او در پست هافبک دفاعی بازی می‌کند و در سال ۲۰۰۶ پس از درخشش در جام جهانی المان به تیم بولتون انگلستان پیوست که توسط سام الاردایس مربی سرشناس انگلستان اداره می شد . وی پس از درخشش در چند بازی با افت شدید مواجه شد که همین امر یکی از اوامل نیمکت نشینی وی بود که در نهایت به یک دیمکت نشین در فصل پیش تبدیل شد . اندرانیک در فصل جدید با اتمام قرارداد به تیم فولام پیوست که تا کنون موفقیتی را کسب نکرده است . اکنون در تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه فولهام انگلستان بازی می‌کند. تیموریان در جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان برای تیم ملی ایران در هر سه بازی

این تیم به میدان رفت.

روز ۶ ژانویه سال ۲۰۰۶ آندرانیک در دیدار مقابل دونکستر راوِرز با به ثمر رساندن دو گل نخستین گلزن ایرانی جام حذفی انگلستان نام گرفت و نقشی تعیین‌کننده در پیروزی ۴ بر ۰ تیمش داشت. او در بازی تیم بولتون با ویگان نیز دو گل از سه گل تیمش (بولتون) را به ثمر رساند و نقش مهمی در پیروزی ۳ بر ۱ تیمش داشت. برادر بزرگ‌تر آندرانیک سرژیک است که او هم در تیم ماینتز سابقه بازی دارد. تیموریان در ۲ فوریه ۲۰۰۹ به صورت قرضی به باشگاه بارنزلی در لیگ دسته یک انگلستان رفت.

ثابت کرمانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷ ق)، شاعر و روزنامه‌نگار. مشهور به انتظام‌السادات. وی از آزادیخواهان و سخنوران زبردست کرمان در صدر مشروطیت بود و روزنامه‌ی «طوفان» را در کرمان منتشر ساخت. وی سفرهایی به خراسان، بخارا و سمرقند کرد و سرانجام در تهران درگذشت. او علاوه بر انتشار روزنامه‌ی «طوفان» سالی نیز به وکالت دادگستری پرداخت. در تهران درگذشت. «دیوان» اشعار وی در حدود چهارهزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۸۲ -۱۸۱)، الذریعه (۱۸۲/۹)، ستارگان کرمان (۱۴۲ -۱۴۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸).

ثابتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ثابتی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی ثابتی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی برابر با سال ۱۳۴۸ هجری قمری در همدان در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. پدرش حضرت آیت الله میرزا محمد همدانی از علمای معروف همدان بود که خدمات بسیاری را در همدان انجام داد وی در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری سالها در قم به تدریس اشتغال داشته از شاگردان طراز اول آن مرحوم به شمار می‌رفت بعد از درگذشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری ایشان به همدان عزیمت کرده و در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی برابر با محرم سال ۱۳۶۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. استاد ثابتی در سن هفت سالگی تحصیلات خود را آغاز کرد. او در آغاز به دبستان رفت و در سال ۱۳۲۰ موفق به اتمام آن شد. پس از آن به کسب دروس دینی رو آورد و دروس مقدمات را در خدمت پدر بزرگوارش آغاز کرد؛ اما پس از مدتی پدرش به رحمت پروردگار شتافت و او ناگزیر به حوزه علمیه قم رو آورد تا در آنجا در محضر عالمان و استادان فرهیخته بهرهٔ بسیار ببرد. او در سال ۱۳۲۵ برابر با سال ۱۳۶۶ هجری قمری به قم آمد و ضمن اتمام باقیماندهٔ دروس دورهٔ مقدمات، به تحصیل دوره سطح رو آورد. پس از آن به درس خارج آیات عظام و علمای اعلام دورهٔ خود راه یافت و سالها از محضر علم و عمل آنان بهره‌مند شد. او در طی این سال‌ها از تحصیل اخلاق اسلامی و شرکت در درسهای اخلاق نیز غافل نماند و در کنار فراگیری فقه و اصول به تحصیل علوم فلسفی نیز مبادرت ورزید. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او که جامع المقدمات و بخشی از سیوطی را نزد پدر فرا گرفته بود، در قم در درس مطول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی شرکت کرد و معالم را نزد او و نیز آیت الله العظمی مکارم شیرازی و امام موسی صدر آموخت. او بخشی از لمعهٔ را نزد شهید آیت الله صدوقی(ره) و بخش دیگر آن و نیز رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مشکینی و کفایهٔ را نزد آیت الله میرزا محمد مجاهدی(ره) فرا گرفت. با پایان یافتن دروس سطح به درس خارج آیات عظام بروجردی(ره)، امام خمینی(ره)، گلپایگانی(ره) و اراکی ـ رحمهٔ الله علیهم ـ راه یافت و سالهای متمادی از محضر آنان استفاده کرد. همچنین در بخش علوم عقلی، در درس شرح منظومه و شرح اشارات آیت الله منتظری شرکت جست. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان آیت الله نیری و آیت الله عراقچی اشاره کرد. آیت الله ثابتی در سالهای عمر خود تا به امروز، در عرصه علم و فرهنگ خدمات بسیاری از خود برجای نهاده است. از جمله آنها سفرهای تبلیغی به مناطق گوناگون، عضویت در شوارى استفتائات دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی(ره)، تدوین کتاب مجمع المسائل (حاوی استفتائات آن مرجع تقلید) و عضویت در شورای استفتائات آیت الله العظمی صافی گلپایگانی(ره) است. همچنین وی سالها به تدریس کتب دورهٔ مقدمات و سطح اشتغال داشته و از این رهگذر، طلاب بسیاری را در مکتب تشیع تربیت کرده است. فعالیتهای سیاسی آیت الله ثابتی در پیش و پس از انقلاب در فعالیتهای سیاسی حضور داشته است. او بارها به افشای ماهیت رژیم طاغوت در شهرهای گوناگون پرداخت همچنین وی

از کسانی بود که به دیـدار تبعید شدگان در مناطق گوناگون کشور می‌رفت؛ از جمله آ نها، سـفر به ایرانشـهر و دیدار با رهبر معظم انقلاب که در آن روزگار در تبعیـد به سـر می‌بردنـد، بود. آیت الله ثابتی هم اکنون در قم حضور دارد و از اعضای جامعه مدرسـین حوزه علمیه قم است.

ثاراللهی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج میرزا محمـد ثـاراللهی همـدانی– که از دانشـمندان موصوف به دیانت و تقوا و مروجین معروف به صـفا و دانش است در سال ۱۳۲۱ ق در یکی از قراء همدان تولد یافته و در خاندان زهد و تقوا تربیت شده و مقدمات فارسی و عربی را در مکتب خانه آن قریه خدمت میرزا علی‌اکبر عالم آنجا آموخته و در سال ۱۳۳۹ ق به عراق سلطان‌آباد مسافرت و به ادامه تحصیل پرداخته و پس از انتقال مرحوم آیت‌الله حـایری به قم ایشـان هم در سـال ۱۳۴۰ به قم آمـده و سـطوح را در خـدمت آیت‌الله آخونـد ملاعلی همدانی و آیت‌الله گلپایگـانی و مرحوم آیت‌الله یثربی کاشانی خوانـده و به درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضـر و از فقه و احوال آن مرحوم اسـتفاده و پس از فـوت ایشـان به تبلیغ دین و ترویـج احکـام و مبـارزه بـا فرقه ضـاله نموده و چنـدی هم مرحوم آیت‌الله بروجردی برای تبلیغ و ارشاد مردم به کردستان و نقاط دیگر رفته و خدمات عالی انجام داده و مورد توجه آیت‌الله گردیده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ثروت، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور ثروت در سال ۱۳۲۷ در شهر اردبیل متولد شد. ایشان دارای مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸ می باشدو نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصـیلات رسـمی و حرفـه ای : تحصـیلات رسـمی منصـور ثروت بـه قرار زیر اسـت: سوابـق تحصـیلی دیپلـم اد بی در دبیرسـتان اذرابادگان اردبیل ۱۳۴۵ کارشناسـی رشـته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز ۱۳۵۲ کارشناسـی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز ۱۳۵۶ دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران ۱۳۶۸

همسر و فرزندان : منصور ثروت متاهل و دارای یک فرزند می باشد.

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : سوابق کاری دکتر منصور ثروت به ترتیب زیر است: از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۹کارمند دانشگا ه تبریز از ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۰ عضو هیا ت علمی دانسـگاه تبریز از سال ۱۳۷۰ تا کنون عضو هیا ت علمی دانشگاه شهید بهشتی مدیر گروه زبان و ادبیات فارسـی در دانشـگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ مدیر گروه انتشارات فرهنگسـتان عضو شورای پژوهشی دانشکده عضویت در برخی از گرد هماییهای ملی و بین المللی

فعالیتهـای آموزشـی : منصور ثروت از سال ۱۳۶۰ تا کنون در مقاطع کارشناسی کارشناسـی ارشـد و دکتری زبان و ادبیات فارسـی مشغول به تدریس در دانشگاه شهید بهشتی ؛ دانشگاه هرمزگان و تبریز می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : از علایق پژوهشی منصور ثروت می توان به : لغت متون ادبی، نقد ادبی و مکتبهای ادبی اشاره کرد.

چگونگی عرضه آثـار : ب– مقالات ۲۰ مقاله در مجله های معتبر دانشـگاهی و غیر دانشـگاهی و ارائه در کنفذانسـهای علمی عنوان های طرحهای پژوهشی و زمان اجرای آن: روشهای اثباتی اهل عرفان ——————————————————————————————

آثار :

۱ اشنایی با مکتبهای ادبی انتشارات سخن

ویژگی اثر : ج اول ۱۳۸۵

۲ تحریر نوین تاریخ جهانگشای جوینی انتشارات امیر کبیر

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۶۲ دوم ۱۳۷۸

۳ خردنامه

ویژگی اثر : تصحیح،چ اول ۱۳۶۶ دوم ۱۳۷۱ سوم ۱۳۷۵

۴ درست بنویسیم

ویژگی اثر : دانشگاه تبریز چ اول ۱۳۷۰ دوم ۱۳۷۴

۵ روش تحقیق و مرجع شناسی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه بیام نور ج اول ۱۳۸۱

۶ روش تصحیح انتقادی متون

ویژگی اثر : انتشارات بابا ج اول ۱۳۷۸

۷ فرهنگ غیاث اللغات

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۶۳ دوم ۱۳۷۵

۸ فرهنگ کنایات

ویژگی اثر : چ اول دوم ۱۳۷۶ انتشارات سخن

۹ فرهنگ لغات و تعبیرات عامیانه و معاصر

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۶۵ دوم ۱۳۷۸

۱۰ کشور وسط دنیا (ره اورد سفر چین)

ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر چ اول ۱۳۸۰

۱۱ گزیده دیوان خاقانی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه پیام نور ج اول ۱۳۸۱

۱۲ گنجینه حکمت در اثار نظامی

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۶۹ دوم ۱۳۷۵

۱۳ مجموعه مقالات کنگره بین المللی نظامی

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۷۲

۱۴ نظریه ادبی نیما

ویژگی اثر : انتشارات بابا چ اول ۱۳۷۵

۱۵ نگارش فارسی (برای دانشجویان زبان انگلیسی)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه پیام نور چ اول ۱۳۷۴

۱۶ یادگار گنبد دوار

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۶۹ دوم ۱۳۷۵

ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۰/۴۲۹ -۳۵۰ ق)، ادیب، نویسنده و مورخ. وی در دو روش نثر مصنوع و مرسل استاد بوده است. چون شغلش پوستین‌دوزی از پوست روباه بود، به ثعالبی مشهور شد. آثار مشهور او عبارت‌اند از: «یتیمه الدهر»، در شرح احوال شعرای بزرگ عهد مولف از شام تا ماوراءالنهر، که از حیث انشاء بلیغ و از باب اشتمال بر احوال و اشعار بسیاری از شعرای آن عصر، خاصه شعرای تازی‌گوی ایران، اهمیت بسیار دارد. وی این کتاب را به وسیله ذیلی به نام «تتمه الیتیمه»، تکمیل کرده است. از دیگر آثار وی: «الاعجاز و الایجاز»؛ «خاص الخاص»؛ «ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب»؛ «نثر النظم»؛ «التمثیل و المحاضره».[۱]

ابومنصور عبدالملک بن محمد نیشابوری (ف. ۴۲۹ ه.ق.) ادیب و نویسنده و مورخ قرن چهارم و آغاز قرن پنجم است. وی در نثر مصنوع و مرسل عربی هر دو استاد بود. از آثار او یتیمهٔ الدهر (ه.م.)، الاعجاز و الایجاز، خاص الخاص، ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب، نثر النظم، کتاب التمثیل و المحاضرهٔ و چند کتاب دیگر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۱/۴)، تاریخ ادبیات ایران (۶۴۲ -۶۴۱ /۱)، دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، ریحانه (۳۶۵ -۳۶۴ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۶/۱)، سیرالنبلاء (۴۳۸ -۴۳۷ /۱۷)، وفیات الاعیان (۱۸۰ -۱۷۸ /۳)، هدیه العارفین (۶۳۵/۱).

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۷/۴۲۷/۴۲۶ ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلدی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۶ -۲۰۵ /۱)، دایره‌المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، الذریعه (۶۷ -۶۶ /۱۸، ۲۴۳ -۲۴۲ /۱۵)، روضات الجنات (۲۵۷ -۲۵۵ /۱)، ریحانه (۳۶۸ -۳۶۷ /۱)، سیرالنبلاء (۴۳۷ -۴۳۵ /۱۷)، کشف الظنون (۱۴۹۶، ۱۱۳۱)، الکنی و الالقاب (۱۳۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، معجم الادباء (۳۸ -۳۶ /۵)، الوافی بالوفیات (۳۰۸ -۳۰۷ /۷)، وفیات الاعیان (۸۰ -۷۹ /۱)، هدیه العارفین

(۷۵/۱).

ثقة الاسلام، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید محسن بن میر محمّد باقر بن میر سید علی مدرس میر محمّد صادقی. عالم جلیل، در ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۲۸۵ در اصفهان متولّد گردیده، مقدّمات علوم را در اصفهان نزد علمای این شهر آموخته، در سنّ هیجده سالگی به عتبات عالیات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، در آن ارض اقدس مدّتی نزد جمعی از دانشمندان تلمّذ نموده که از آن جمله است: میرزا محمّد علی رشتی، و میرزا محمد حسن شیرازی، و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و قسمت عمده تحصیلات او نزد آخوند خراسانی بوده، و از خواصّ آن مرحوم به شمار می‌آمده، و در ۱۲۳۰ به ایران معاودت نموده، به درس و بحث و اقامه جماعت اشتغال جسته.

سرانجام در قبل از ظهر روز ۶ ماه صفر سال ۱۳۸۲ وفات یافته، در تخت فولاد درتکیه میر محمّد صادقیها جنب تکیه ملک مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- ارشاد المسلمین، در نسب نامه خود. و در این کتاب از او استفاده شده است ۲- انیس العارفین، در احوال برزخ و جنّت و نار، مطبوع ۳- تقریرات اصولّیه اساتیدش ۴- حاشیه بر طهارت شیخ ۵- خلاصهٔ الاصول، از محبث الفاظ تا محبث تعادل و تراجیح ۶- رساله در اصول دین ۷- رساله در لباس مشکوک ۸- رساله در تقلید اعلم ۹- رساله در عدالت ۱۰- رساله در قاعده من ملک شیئاً ۱۱- رساله در قاعده میسور ۱۲- رساله در وضو، طبق رساله شیخ اسماعیل مقرّی که تمام سطرها اگر خوانده شود مسأله وضو است، و کلمات اوّل سطرهای هر صفحه غرض از تألیف است، و کلمات وسط سطرها اگر جمع شود مسأله لغز است، و کلمات آخر سطرها بیان ذکر دعایی است به جهت علاج جراحات ۱۳- رساله‌ای در طرق روایت خود و اجازه آنها به فرزندش فاضل بزرگوار آقا سید محمّد کاظم ۱۶- کتابی در مجازاتهای معاصی (حدود و دیات و تعزیزات) ۱۵- مبک المؤمنین ۱۶- مشکول، مانند کشکول ۱۷- مقتصر المقال، در علم رجال ۱۸- نور الایمان، ردّ بر بابیّه؛ و رسائل عدیده دیگر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقهٔ الشریعهٔ، علی نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در غره‌ی صفر ۱۲۹۱ در اصفهان متولد، و به درس: آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا میر محمدتقی مدرس، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی حاضر شده، سپس در مسجد محله نو به امامت و نشر احکام پرداخته، و هم در این شهر در ۱۳۷۶ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ثقهٔ الواعظین، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و ادیب و شاعر، و از محترمین اهل منبر اصفهان به شمار می‌رفت. کتب و رسائل چندی تألیف نموده و آن‌ها را در پشت جزوه های که در ترجمه و شرح حدیث کساء نوشته و به طبع رسانیده نام برده است:

۱- آثار باقریّه ۲- بغیهٔ الامجاد فی لغات الاضداد ۳- ترجمه و شرح حدیث کساء، مطبوع ۴- دررالثمین ۵- دیوان السادات ۶- سرور العباد فی صدق المعاد ۷- سلطان المقاتل ۸- کرامهٔ الائمهٔ فی معرفهٔ الائمّهٔ ۹- لئالی الصدق و خیر التحف ۱۰- مجمع الاحزان ۱۱- معاجز القرآن ۱۲- المعراجیّهٔ ۱۳- منتخب اللغهٔ؛ و غیره.

در شب شنبه ۲۶ ذی حجّهٔ الحرام سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در اطاق پدر مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقهٔالاسلام، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ محمّد باقر بن شیخ محمّد تقی رازی اصفهانی.

عالم زاهد فقیه مجتهد اصولی، از مشاهیر علما و فقها و مدّرسین اصفهان. مادرش دختر سید صدر الدین عاملی بوده، به دین جهت

از طرف پدر و مادر هر دو، نواده شیخ جعفر کبیر است.

در ربیع الاول سال ۱۲۷۱ در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف نزد: پدر بزرگوار خود، و آقا شیخ مهدی نجفی، وحاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و میرزای بزرگ شیرازی، و شیخ راضی نجفی تحصیل نموده تا به مقامات عالیه اجتهاد نایل شده، در اصفهان به درس و بحث و اقامه جماعت و تدریس پرداخته.

سرانجام در روز ۳ شنبه چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۱۸ وفات یافته، در نجف اشرف در جنب برادر خود آقا شیخ محمّد حسین مدفون گردید.

در تاریخ اصفهان و ری (:۳۳۵) درباره او گوید: عقل اکمل آقایان مسجد شاه بوده، و به کارهای خوب اقدام نمود، یکی: دادن سالی هزار تومان به دولت، عوض مالیات قهوه خانه‌های اصفهان و بستن آن انجمن مفاسد و کارخانه اتلاف مال و جان و حال و وقت و شرافت و آسایش مردم را. دوّم: جلوگیری از خیالات سطحی برادرش آقای حاج شیخ نور اللّه.

تاریخ فوتش «ثقهٔ الاسلام آوی بالجنان» است.

دیگر از آثار او احداث مدرسه‌ای به نام خودش در محّله حسن آباد اصفهان که ظاهراً محلّ مدرسه ساروتقی بوده و در طول زمان خراب شده، ایشان در سال ۱۳۱۷ تجدید بنا کردند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- حواشی بر کتاب ارشاد الاذهان، که آن را فرزندش حاج شیخ مهدی به دستور او ترجمه کرده و وی حاشیه کرده است ۲- رساله در آداب نماز شب و استخاره، مطبوع ۳- رساله در اصول دین، مطبوع ۴- کتابی در معاصی کبیره، مطبوع ۵- کتابی در ولایت به عربی ۶- رساله عملیّه که در آن هزار مسأله از مسائل نماز را ذکر فرموده است. ۷- مناسک حج؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقهٔ‌السلام

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(میرزا) علی آقا تبریزی بن (حاج میرزا) موسی، از علمای آذربایجان (و. تبریز ۱۲۷۷- مقت. ۱۳۳۰ ه.ق.). وی در نظم و نثر فارسی مهارت داشت و از تألیفات او «مرآهٔ الکتب» در اسامی مؤلفات شیعه است. او از مشروطه طلبان و آزادیخواهان بود و در تبریز به دست روسهای تزاری به دار آویخته شد.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ثقفی کوفی، ابراهیم

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابواسحق ابراهیم بن محمّد ثقفی کوفی اصفهانی، از بزرگان مؤلّفین، و ثقات مصنّفین و مورّخین است، در اوّل، زیدی مذهب بوده و سپس امامی شده است، در حدود پنجاه و سه مجلد کتاب تألیف نموده.

شرح حالش در معالم العلماء، و معجم الادباء، و روضات الجنات(:۲) و دیگر کتب مبسوطاً نوشته شده است.

از کتب اوست: ۱- اخبار زید بن علی ۲- اخبار کشته شدگان از اولاد ابی طالب علیه‌السلام ۳- قیام حسن بن علی علیه‌السلام ۴- مقتل الحسین علیه‌السلام ۵- مقتل أمیرالمؤمنین علیه‌السلام ۶- الجمل ۷- فدک ۸- صفّین ۹- حکمین ۱۰- نهروان ۱۱- ما نزل من القرآن فی أمیرالمؤمنین علیه السلام ۱۲- المودّهٔ فی ذی القربی ۱۳- کشته شدگان از آل محمّد؛ [۱۴-العارات] و غیره.

وفات صاحب عنوان در سال ۲۸۰ هجری در اصفهان روی داده است.

در فضیلت او همین بس که ابونعیم اصفهانی در حقّش گفته است: کان غالیاً فی الرفض.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقفی نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ثقفی نژاد

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد ثقفی متولد ۱۳۲۳، تبریز، دارای شماره ۴، در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرم سلاله الاطیاب آقای سید علی‌اصغر ثقفی مردی متدین و کاسب کار بود. پس از اتمام دوره مدرسه ابتدایی، در سال ۱۳۳۵ وارد مدرسه طالبیه تبریزی تبریز شدم و مقدمات علوم عربی و ادبیات فارسی و عربی را شروع کردم. دو کتاب ادبی ارزنده گلستان و کلیله و دمنه را از مرحوم آقای حاج میرزا علی نمرودی فرا گرفتم و همزمان جامع المقدمات را در صرف و نحو به پایان رساندم. مقداری از معالم الاصول و جلد اول لمعه را در تبریز به پایان بردم و سپس در سال ۱۳۴۱ بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی و برای تداوم تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردیدم.در مدت ۵ سال متون فقه و اصول، رسائل، مکاسب و کفایه را به ترتیب از آیت الله سبحانی، شیخ ابوالفضل علمانی و آیت الله پایانی و آیت الله سید محمدباقر سلطانی به اتمام رساندم. همزمان در درس فلسفه منظومه سبزواری شهید دکتر مفتح حاضر می‌شدم و سپس ادامه فلسفه اسلامی را به ترتیب از آیت الله سبحانی، استاد جوادی آملی، شهید مطهری و آیت الله محمد گیلانی، دنبال کردم.همچنین کلام اسلام، کشف الراء خواجه نصر را از آیت الله آستارائی به پایان رساندم. در علم تفسیر، به تفسیر استاد صالحی نجف آبادی ، آیت الله سبحانی حاضر می‌شدم. آن روزها، در شب‌های جمعه و شنبه، در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی، طلاب قم به کلاس زبان و مکالمه عربی شرکت می‌کردند که من هم به مدت ۹ سال از استاد اسدی دبیر زبان و استاد رخشان فر زبان را تکمیل کردم. سپس به مدت ۶ سال در درس خارج فقه آیت الله شریعتمداری و اصول آیت الله مکارم، حاج آقا مرتضی حائری حاضر می‌شدم.هنگامی که دارالتبلیغ اسلامی افتتاح شد در دوره اول و دوم آن موسسه علمی شرکت کرده و سپس دوره تحصیلات تکمیلی را آغاز کردم. در سال ۱۳۵۶ که در دوره تحصیلات تکمیلی دارالتبلیغ اسلامی حضور داشتم، فرصتی پیش آمد که از طرف موسسه علمی دارالتبلیغ اسلامی که حکم دانشگاه اسلامی را داشت به خارج از ایران، کشور آمریکا، با بورسیه تحصیلی اعزام شدم و وارد دانشگاه تمپل Temple فیلادلفیا شدم و در رشته تطبیق ادیان و جامعه‌شناسی دینی وارد دوره فوق لیسانس شدم. پس از اخذ مدرک، تعدادی از دروس دوره دکتری را می‌گذراندم که مقارن پیروز انقلاب مواجه با مبارزه سیاسی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا شدیم، در نتیجه تحصیل ناتمام مانده و به خاطر فعالیتهای سیاسی ـ اسلامی ـ ویزای تحصیلی‌ام لغو گردید و به ایران آمدم.در سال ۶۳ که تازه دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس شده بود در کنکور دوره دکتری شرکت جستم و به عنوان شاگرد اول کنکور در رشته تاریخ و تمدن اسلام، ادامه تحصیل دادم. رساله دکتری خود را زیر عنوان: ساختار اجتماعی ـ سیاسی دولت مدینه با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. و از تاریخ به بعد در دانشگاههای تهران ـ آزاد اراک و تهران مرکز مشغول تدریس هستم. در حال حاضر، به عنوان استادیار دانشگاه که به دانشیاری تبدیل می‌شود در دوره ارشد و دکتری دانشگاه دروس علوم اجتماعی ـ جامعه شناسی دینی تدریس می‌نمایم و از وضع تحصیل و تدریس خود راضی هستم.

ثقفی، خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ –۱۲۳۹ ش)، پزشک، نویسنده و مترجم. ملقب به اعلم‌الدوله. وی به شیوه‌ی پدر، که از اطبای مشهور ناصرالدین شاه بود، ابتدا طب را در دارالفنون فراگرفت، سپس برای تکمیل تحصیلات به پاریس رفت و در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به تهران بازگشت و در دستگاه شاهی، مقامی عالی یافت و از سوی شاه به اعلم‌الدوله ملقب شد. پس از فوت مظفرالدین شاه، طبیب مخصوص ملک منصور میرزا شعاع‌السلطنه شد. اعلم‌الدوله در زمان محمدعلی شاه، به اجبار به فرانسه رفت و در پاریس، به کمک برادرش، دکتر جلیل‌خان ندیم‌السلطان، انجمنی به نام ایران جوان دوم تاسیس کرد و به فعالیت بر ضد محمدعلی شاه پرداخت. پس از فتح تهران، دکتر اعلم‌الدوله به ایران بازگشت و رئیس اولین بلدیه‌ی قانونی تهران شد. سپس با سمت ژنرال کنسول به سویس رفت. در این ماموریت سی تن از جوانان بختیاری را به منظور ادامه‌ی تحصیل به اروپا برد. ثقفی در زمان رضاشاه مدتی مدیر کل و سپس وزارت معارف و اوقاف بود. وی در اواخر عمر از کارهای دولتی کناره گرفت و انجمنی به نام انجمنی معرفه‌الروح تجربتی ایران تاسیس کرد. خلیل‌خان طبیبی حاذق و نویسنده‌ای توانا بود. او به زبان فرانسوی تسلط داشت و مقالات و رسایلی به آن زبان نوشته است. سرانجام در تهران وفات یافت و در امامزاده عبدالله در آرامگاه سعدالدوله دفن شد. تالیفات به جای مانده از وی: «باغ سرور»؛ ترجمه‌ی داستانهایی از ادبیات فارسی به فرانسه؛ «کنت مونت کریستو»، جلد دوم ترجمه از فرانسه به فارسی؛ «فرائد اللغه»؛ «خردنامه جاودان»؛ «هزار و یک حکایت»؛ «کلید زندگی»؛ «کلید شناسایی در علم غیرمرئی هفتاد و یک مقاله‌ی معرفه‌الروح»؛ «مقالات گوناگون»، شامل حوادث و وقایع تاریخی عهد قاجاریه، به ویژه در دوران سلطنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، که در اغلب آنها خود وی شاهد عینی و حاضر و ناظر بوده است.[۱]

معروف به اعلم‌الدوله، فرزند میرزا عبدالباقی حکیم‌باشی، متولد ۱۲۳۶. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در تهران، به پاریس رفت و در رشته‌ی پزشکی درجه‌ی دکترا گرفت. بعد از مراجعت به ایران به استادی رشته‌ی طب دارالفنون برگزیده شد. مدت‌ها در آن سمت به تعلیم پزشکان ایرانی مشغول بود. در دوران سلطنت مظفرالدین شاه، به جای میرزا محمودخان حکیم‌الملک که ابتدا وزیر دربار و بعد والی گیلان شد، به سمت پزشک مخصوص شاه انتخاب گردید و تدریجاً شاه را عمیقاً زیر نفوذ خود قرار داد و از طرفی چون به حکومت قانون و مشروطه علاقه‌مند بود، در هر فرصت شاه را تشویق به صدور فرمان مشروطیت می‌کرد. مساعی او در تسریع صدور فرمان مشروطیت به گواهی تاریخ بر اهل تحقیق مکتوم نیست. بعد از صدور فرمان مشروطیت، همچنان به کار طبابت و استادی دارالفنون اشتغال داشت. مدتی رئیس انجمن بلدی تهران (انجمن شهر) و زمانی نیز کنسول ایران در سوئیس شد. در ۱۳۲۳ ش در سن ۸۷ سالگی درگذشت. او از مشاهیر و پزشکان دوره‌ی قاجاریه و مشروطیت ایران به شمار می‌رود. مردی بود

بسیار فاضل، اهل تحقیق و تتبع، نویسنده‌ای توانا با سبکی روان و شیرین و جذاب. در عمر طولانی خود آثار گرانبهائی از خود به یادگار گذارد که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- هزار و یک حکایت؛ ۲- صد و پنجاه مقاله یادگار عصر جدید؛ ۳- خردنامه‌ی جاویدان؛ ۴- مقالات گوناگون؛ ۵- فوائدالنصایح؛ ۶- تحفه‌ی نوروزی؛ ۷- هزار و یک نصیحت و چند اثر دیگر.

اعلم‌الدوله یکی از معتقدان جدی احضار ارواح بود. در تهران، انجمنی به نام انجمن معرفهٔالروح تشکیل داد. از لحاظ اخلاقی و انسانی از افراد کم‌نظیری بود که سال‌ها می‌گذرد و نظیرشان پیدا نمی‌شود. فرزندش حسین اعزاز ثقفی در حفظ و نگهداری و ازدیاد کتب و آثار عتیقه‌ی او جدیتی به تمام معمول داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۲۳ -۲۱۵ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۴۹/۱)، شرح حال رجال (۴۸۹ -۴۸۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ خلیل ثقفی)، مولفین کتب چاپی (۲۸ -۲۴ /۳)، یادگار (س ۳، ش ۵، ص ۴۸ ، ۴۵)، یادداشتهای قزوینی (۱۷۸ -۱۷۶ /۸).

ثمره، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یدالله ثمره در سال ۱۳۱۱ در شهر کرمان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبانشناسی از دانشگاه لندن-انگلستان در سال ۱۳۴۸ است. وی استاد بازنشسته دانشگاه تهران ، و هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشکده زبانها و ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : پدر یدالله ثمره ،عنایت الله ثمره نام دارد.خاطرات کودکی : یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی متولد شد و دوره دبستان را تحت نظر پدر و مادرش در دبستان بدر سیرجان تحصیل کرده است.او می گوید ":پدر و مادرم، هردو ، معلم بودند و من تحصیلات اولیه ام را در خانواده پیش پدر ومادر شروع کردم و سپس در مدرسه این دونفر ،تحصیلات ابتدایی را به پایان رساندم. پدرم مدیر مدرسه بود و مادرم هم معلم همان مدرسه. بنابراین، اولین معلمان من پدر و مادرم بودند. قبل از اینکه به مدرسه بروم، پدرم قرآن و مقداری تعلیمات مذهبی به من آموخت. من شش سال ابتدایی را در مدرسه پدرم به پایان رساندم. مدتی از دوره تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراندم و بعد از انتقال پدرم به یکی از مدارس سیرجان ،که به مدیریت آن مدرسه رسید، من هم به انجا نقل مکان کرده و تا ششم ابتدایی را در آن مدرسه بودم ".اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی در شهر کرمان به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : یدالله ثمره پس اتمام تحصیلات ابتدایی ،تحصیلات متوسطه اش را در دانشسرای مقدماتی کرمان به پایان رساند و در مهرماه ۱۳۲۹ به عنوان آموزگار پایه یک به خدمت وزارت فرهنگ آن زمان درمی آید. یکی دو سال بعد ، دیپلم کامل متوسطه در رشته ادبی را اخذ و چندسالی در وزارت فرهنگ کرمان تدریس کرد. او در سال ۱۳۳۶ به تهران آمد و در کنکور دانشگاه تهران در سه رشته ادبیات فارسی، باستان شناسی و حقوق شرکت کرد و در هر سه رشته قبول شد و از بین آنها ادبیات فارسی را بر گزید. در سال ۱۳۳۹ با رتبه اول ، از دانشکده ادبیات لیسانس ادبیات فارسی گرفته و بلافاصله وارد دوره دکترای ادبیات فارسی می شود و حدود دو سال ونیم در این دوره تحصیل کرد. استاد در اواسط سال ۱۳۴۱، از طرف دولت ایران بورس تحصیلی شاگرد اولی دریافت کرد و برای تکمل معلوماتش به انگلستان عزیمت کرد و در دانشگاه لندن به تحصیل زبان شناسی پرداخت و در سال ۱۳۴۷ با درجه دکترا از دانشگاه لندن فارغ التحصیل شد. خاطرات و وقایع تحصیل : یدالله ثمره در خصوص انگیزه اش از انتخاب زبان شناسی آن هم در سالهایی که در نظام آموزش عالی چیزی به این عنوان اصلاً وجود نداشت می گوید: «ما در دوره لیسانس دو یا سه درس با محتوای زبان شناختی داشتیم. چند تا از این درسها به زبان شناسی و زبان های باستانی مثل پهلوی ، فارسی باستان و اوستا و نیز ساختمان این زبانها مربوط می شد. یکی دو درس هم به زبان شناسی نوین مربوط می شد، مثل تاریخ زبان و دستور زبان و غیره که اینها جزو دروس ادبیات بود و با عنوان رشته زبان شناسی تدریس نمی شد. استادان این دروس هم بعضی مانند مرحوم پورداود و مرحوم صادق کیا، زبان های باستانی را درس می دادند و بعضی مثل مرحوم خانلری و مرحوم مقدم مطالبی به اسم زبان شناسی جدید تدریس می کردند. البته چیزهایی که آنها درس می دادند با این زبان شناسی که امروز می شناسیم تا حدودی فرق داشت و آمیزه ای بود از زبان شناسی باستانی و جدید... یادم هست وقتی که از استادهایم خداحافظی می کردم که بروم خارج ، بعضی ها به من سفارش می کردند که زبان شناسی بخوانم. از میان این افراد، به خصوص باید از دکتر مقدم ، خانلری و کیا یادکنم که مرا خیلی تشویق می کردند. آنها معتقد بودند چون ما متخصص زبان شناسی نداریم و این رشته در آینده مطمئناً در ایران تأسیس خواهد شد برای تدریس آن به متخصص و مدرس نیاز داریم. این بود که وقتی به انگلیس رفتم، تا حدودی با زبان شناسی آشنایی داشتم.» دکتر ثمره درباره خاطراتش از لندن و تحصیل در آنجا چنین می گوید: «یادم هست که وقتی وارد دانشگاه شدم، تا مدتی، حداقل شش ماه، همه چیز برایم سیر و سیاحت بود و تازگی داشت چون با آن سیستم دانشگاهی کاملاً بیگانه بودم. از رفتار استادها گرفته تا طرز حرف زدن آنها با دانشجو، طرز رفتارشان، معاشرت شان با دانشجوها، تجهیزات کتابخانه ها، آزمایشگاهها و امثال اینها همگی برایم تازگی داشت.» فعالیتهای ضمن تحصیل : یدالله ثمره بین سالهای ۳۸ تا ۳۹ حرف «هـ» لغتنامه دهخدا را نوشته و همکاری هایی هم در تألیف فرهنگ معین داشته است.استادان و مربیان : یدالله ثمره در دوران تحصیلات دانشگاهی در ایران از محضر اساتیدی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر محمد معین، جلال‌الدین همایی، محمد تقی مدرس رضوی، ابراهیم پورداوود، عبدالحمید فروزانی، دکتر محمد خوانساری، دکتر ذبیح‌الله صفا ،استادخانلری،دکتر مقدم و دکتر صادق کیا کسب فیض کرد و از اساتید دوران تحصیل وی در دانشگاه لندن، می‌توان از: جی.دی.اوگانور، ا.سی.گیمسون، آر. اچ. روبینز و

هالیدی نام برد.وقایع میانسالی : یدالله ثمره در سال۱۳۴۷ به عضو یت هیأت علمی دانشگاه تهران درآمد و در سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۹ بـه ترتیب به درجه استادیار، دانشیار و استاد نایـل گشت. یکی از زمینه هـای مـورد علاقه ثمره آمـوزش زبـان فارسـی به خارجیان است و در این زمینه هم خیلی کار کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغلی که ید الله ثمره به عهده داشته اند عبارتنـد از : کارشـناس برنـامه ریزی آموزشـی دروزارت علوم و آموزش عـالی ریـاست انجمن زبانشناسـی ایران عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران از سـال ۱۳۴۷ اسـتادیار، دانشیار و استاد دانشگاه تهران طی سالهای ۱۳۶۹ – ۱۳۵۰ مدیر گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران طی سالهای ۷۵ – ۱۳۷۰ مدیر پژوهشگاه گویش شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی طی سالهای ۵۴ – ۱۳۵۱ مـدیر گروه علوم انسانی انستیتو علوم بیمارسـتانی طی سالهای ۵۷ – ۱۳۵۲ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی عضـو دائمی انجمن آواشناسـی بین المللی IPA همکاری با موسـسات و مراکزی تحقیقاتی : فرهنگسـتان دوم بمـدت ۴ سال ،مرکز تحقیقـات الکترونیـک دانشگاه صـنعتی شـریف بمـدت یـک سـال ، موسـسه دانش پژوهش ایران بمـدت یـک سـال،وزارت جهـاد کشاورزی مرکز تحقیقات روستاییبمدت سه سال،وزارت آموزش و پرورش دفتر تهیه و تدوین کتب درسـی و آموزشـی بمدت سـه سال ،بنیاد ایرانشناسی بمدت یک سال ،فرهنگستان زیان و ادب فارسی بمدت هشت سالفعالیتهای آموزشی : ید الله ثمره بعنوان دبیر دبیرسـتانهای ایران ازسال ۱۳۲۹تا ۱۳۴۲ فعالیت داشـته است و بعنوان اسـتاد یار، تـدریس در دانشگاههای تهران ،تربیت معلم ، امام خمینی قزوین و انستیتو علوم بیمارسـتانی تهران ازسال ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ را عهـده دار بوده اند. وی همچنین درسال ۱۳۷۷ بعنوان استاد در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه لندن به تدریس زبان شناسی اشتغال داشته است .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یـدالله ثمره یکی از مؤسسین اصـلی آزمایشگاه زبان دانشـکده ادبیات دانشگاه تهران می باشـد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یدالله ثمره در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ، سومین و چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی ، سمینارزبانشناسی ، سمینار جهانی ISO و همایش ایرانشناسـی بنیاد ایرانشناسی شـرکت کرده است . همچنین با فرهنگسـتان علوم بخش گردآوری گویشهای ایران، از سال ۱۳۵۰تا۱۳۵۴ و در مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه صـنعتی شریف و درموسسه توسعه دانش و پژوهش ایران و دروزارت جهاد کشاورزی، مرکزتحقیقات روستایی، در وزارت آموزش و پرورش، دفتر تهیه و تدوین کتـب درسی وآموزش فارسی به خارجیان،نیز فرهنگسـتان زبان وادب فارسـی فعالیت داشـته است .شاگردان : یـدالله ثمره در باره دانش آموختگان و دانشـجویان تحت تعلیم خود چنین می گوید: «الآن ۹۰درصد افرادی که در دانشگاههای مختلف زبان شناسی درس می دهند، یا پرورش یافتگان داخل هستند یا لااقل فوق لیسانس خود را در اینجا گرفته انـد و برای گرفتن دکترا به خارج رفته اند. مثلاً دکتر سـیمین کریمی فوق لیسانس خود را همین جا گرفت. دکترایش را همین جا تا حـد رساله گرفت و بعد رفت خارج و رساله اش را در آنجا نوشت و دکترایش را از آنجا گرفت و حالا هم در دانشگاههای آمریکا درس می دهد.» و البته شاگردان دیگری چون دکتر حسن پوراقدم که مشغول تدریس در آمریکاست، یا چند نفر دیگر از دانشـجویانش که حالا در دانشگاههای انگلیس تدریس می کنند ثمره سالها تلاش و کوشش یدالله ثمره می باشـد.همفکران فرد : یدالله ثمره با دکتر باطنی و دکتر میلانیان همفکری نزدیکی دارد.آرا و گرایشـهای خاص : یدالله ثمره درباره زبان شناسی می گوید: «زبان شناسی از ابتدای پیدایش تا امروز در مسیر رشد بوده است. زبان شناسی فارسی در مسیر تکامل بوده است. به طور کلی اولین هدف زبان شناسی در ایران این بودکه به زبان فارسی و زبان شناسی زبان فارسی خدمت کند. در این راهکارهای زیادی صورت گرفته و مقالات و کتابهای نسبتاً قابل توجهی نوشته شده است.» جوائز و نشانها : – دریافت لوح تقدیر از طرف وزارت فرهنـگ و ارشاد اسـلامی برای ترجمه کتاب " زبانهای خاموش "در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران – تندیس سخن ،دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۸۳ – مدال زرین دانشگاه تهران–تهران در سال ۱۳۸۵ بمناسبت تجلیل و قدردانی از خـدمات علمی.چگونگی عرضه آثـار : از یـداله ثمره تعـداد زیـادی مقالـهٔ تحقیقی و فرهنگی و زبان‌شناسـی در نشـریات مختلف مانند: نشـریهٔ دانشکدهٔ ادبیات، نشـریه کنگره ایران‌شناسـی، مجله وحید، مجله رودکی و غیره به چاپ رسـیده است. – تعداد مقالات منتشـر شـده در مجلات علمی :۱۷ مقـاله – شـرکت در مجـامع علمی : ۷ مورد آثـار : ۱ A Course In Colloquial Farsi ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران،۱۹۷۷۲ The Arrangement Of Segmental PhinemesIn Farsi ویژگی اثر : انتشـارات دانشـگاه تهران، شـماره ۱۵۷۷۳ The verb system In Zeynabadi Dari ویژگی اثر : ایـن مقـاله در مجله دانشـکده ادبیات دانشگاه تهران در سال۱۳۵۷ به چاپ رسـیده اسـت۴ آرایش واکـه ای واژه هـای ویژگی اثر : ایـن مقـاله درمجله دانشـکده ادبیات دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۴ به چاپ رسـیده است۵ آموزش زبـان فارسـی ویژگی اثر : آزفا ۱ ،وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ، سال ۱۳۶۶ . این کتـاب یک دوره ۵ جلـدی است که به زبان فارسـی و انگلیسـی نوشـته شده و تاکنون به ۱۶ زبان ترجمه شده است۶ آموزش زبـان فارسـی ویژگی اثر : آزفا ، وزارت و فرهنگ و ارشاد اسـلامی ، سال ۱۳۶۷۷ آموزش زبان فارسی ویژگی اثر : این کتـاب درآزفا و تحت وزارت فرهنگ وارشاد اسـلامی درسالهای ۶۹ـ ۱۳۶۷به چاپ رسیده است.۸ آواشناسی زبان فارسی ،آواها و ساخت آوائی هجا ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی، سال۱۳۶۴۹ پاره ای ویژگیهای دستوری دری ویژگی اثر : این مقـاله درمجله دانشـکده ادبیـات دانشگاه تهران درسـال ۱۳۵۶ به چاپ رسـیده اسـت۱۰ تحلیـل ساختـاری فعـل در گـویش گیلکی کلاـردشت ویژگی اثر : این مقـاله درمجله دانشـکده ادبیـا ت دانشگاه تهرا ن در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسـیده است۱۱ تحلیل سبکی حافظ و معرفی غزلی تـازه منسـوب به او ویژگی اثر : این مقـاله درچهـارمین کنگره تحقیقـات ایرانی درسـال۱۳۵۴ به چاپ رسـیده است۱۲ تحلیلی بررده شناسـی زبان ، ویژگیهای رده شـناختی زبان فارسی ویژگی اثر : این مقاله در مجله زبان شناسی درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است۱۳ تهیه و تـدوین بخشـی ازحرف «ه»لغت نامه دهخـدا ویژگی اثر : مجلـدات ۷۵تا ۱۰۴۱۴ دریای خلیـج فارس درصوره الارض ابن حوقل ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشـکده ادبیات دردانشگاه تهران درسال۱۳۶۸ به چاپ رسیده است۱۵ دریچه ای به زبان فارسی ویژگی اثر : انتشارات المهدی، سال ۱۳۷۳۱۶ راهنمای تدریس زبان فارسی ویژگی اثر : این کتاب درآزفا و وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی درسـال ۱۳۶۹ به چـاپ رسیده است.(این کتـاب تـاکنون به زبانهـای فرانسه، آلمـانی، روسـی، اسـپانیایی، ترکی استانبولی، هندی و... ترجمه شده است)۱۷ راهنمای زبان فارسـی ویژگی اثر : انتشارات المهـدی ، سال ۱۳۷۴–این دو کتاب که برای دانشگاههای قزاقستان ،تاجیکستان و ازبکستان نوشته شده توسط مرحوم پروفسور رستم اوف به زبان قزاقی و خط

سیریلیک برگزیده شده است.۱۸ زبانهای خاموش ویژگی اثر : ترجمه، باهمکاری دکتر بدر الزمان قریب ، پژوهشگاه علوم انسانی ، سال ۱۳۶۵- این کتاب، برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۶۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد ،۱۹ ساختمان فونولوژیکی درفارسی ویژگی اثر : این مقاله در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۰ چاپ شده است ۲۰ ساختمان واجی «ونـد » درفارسی ویژگی اثر : این مقـاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است۲۱ شناخت نظام‌آوایی زبان ویژگی اثر : (ترجمه)، فرهنگ معاصر. (زیر چاپ) .۲۲ طرح آوایی واژه هایی دو هجایی درفارسی ویژگی اثر : این مقاله درسومین کنگره تحقیقات ایرانی دربنیاد فرهنگ ایران درسال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است۲۳ طرح حرف نویسی و واج نویسی زبان فارسی ویژگی اثر : این مقاله در سمینار جهانی (Internation Standadization Organization)درلندن در آوریل ۱۹۹۷ به چاپ رسیده است۲۴ نظام آوایی زبان ویژگی اثر : نظریه و تحلیل ، فرهنگ معاصر ، سال ۱۳۶۸۲۵ همکاری در تهیه و تدوین فرهنگ فارسی ویژگی اثر : این کتاب تالیف محمدمعین است .

ثمری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ثمری

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و در موسسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. ادبیات و فقه و اصول تا اواسط رسائل و مکاسب را از محضر اساتید معظم صلواتی، تقوی، استادی، مقتدایی، تهرانی، و در ادامه از محضر آیت الله ستوده و آیت الله اعتمادی بهره‌مند شدم. در سال ۱۳۵۹ با تاسیس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم توسط شهدای بزرگوار بهشتی و باهنر در آزمون ورودی مدرسه مذکور شرکت نموده و به مدت یک سال از محضر اساتید آیت الله شاهرودی دکتر احمدی و بقیه اساتید اقتصاد اسلامی فلسفه روانشناسی ادبیات و بقیه دروس را با معدل ۱۸ و اخذ مدرک کارشناسی به پایان رساندم .

در سال ۶۰ در آموزش و پرورش مشهد مشغول تدریس در مراکز تربیت معلم مشهد شدم. از سال ۶۳ مدتی به عنوان عضو هسته گزینش آموزش و پرورش خراسان و سپس معاون پرورشی آن اداره در ضمن تدریس در مراکز تربیت معلم و شرکت در درس کفایه آیت الله مرتضوی تا سال ۶۵ که برای ادامه تحصیل به قم منتقل شدم انجام وظیفه نمودم.از سال ۶۵ ضمن تدریس در دبیرستان‌های قم در درس خارج فقه و اصول آیات عظام منتظری، سبحانی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی به مدت ۱۵ سال شرکت نمودم.

مدت ۵ سال با نظارت آیت الله نوری همدانی بحث حج و مسائل مستحدثه را به صورت استدلالی زیر نظر اساتید بزرگوار ممدوحی و خلیلی بررسی نمودم. از سال ۷۶ به عنوان روحانی حج و عمره در خدمت زائرین بیت الحرام می‌باشم و در طول سال علاوه بر تدریس از منبر وعظ و خطابه در مساجد شهر مقدس قم و بقیه شهرها برای تبلیغ معارف اسلام بهره‌مند می‌باشم به علاوه مدت ۳ سال است به عنوان استاد تاریخ اسلام در دانشگاه تدریس دارم.

ثمری، محمد ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد ابراهیم بن خیر الحاج آقای حاج اکبر آقای ثمری گلپایگانی از فضلاء محترم و بنام حوزه علمیه قم است در علیشاه عوض، وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در گوگد گلپایگان (زادگاه آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی) متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات را در حوزه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا هدایت وحید در گلپایگان خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری به قم مهاجرت نموه و سطوح را در خدمت آیت‌اللّٰه صدوقی یزدی و آیت‌اللّٰه سلطانی و حجۀالاسلام آقای حاج شیخ اسداللّٰه نوراللهی و حجۀالاسلام آقای حاج آقا رضای صدر تکمیل نموده سپس بدرس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه موسوی شرکت نموده و از خرمن علوم آنان بهره‌ها برده آنگاه در سال ۱۳۸۸ ق حسب‌الامر آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی به علیشاه عوض عزیمت نموده و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی و نشر معارف اسلامی اشتغال دارند.

از آثار ایشانست: تعمیر اساسی مسجد جامع و چند باب دکان و مؤسسه‌ی برای مصارف و مخارج مسجد و کتابخانه‌ای برای مسجد که در شرف تکمیل می‌باشد و نیز جلسات متعددی برای تنویر افکار جوانان و مبارزه با افراد منحرف و ضد ولایت در علیشاه عوض و مناطق دیگر شهریار دارند ادام اللّٰه توفیقه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جابری انصاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا علی مستوفی بن محمود.

فاضل ارجمند گرامی، ادیب مؤرخ شاعر، از مشاهیر فضـلا و دانشـمندان اصفهان، و از خاندان علمی و ادبی، در ۱۸ رجب ۱۲۸۷ در شیراز متولّد شده، و در ۵ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۶ در اصفهان وفات یافته، در ایوان داخلی بقعه بابا رکن الدین مدفون گردید.

در اصـفهان خـدمت جمعی از افاضـل همچـون: میرزا محمّـد حسن نجفی، و آقـا سـید محمّـد بـاقر درچهای، و آخونـد کاشـی تلمّذ فرموده، و در این بین به تألیف و تصنیف اشتغال جسته، کتب زیادی تألیف نموده، و اغلب آنها را به طبع رسانیده است.

اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- آثار الحسان، در بدایع اشعار نسوان ۲- اوصاف المستحسنه ۳- آگهی شهان از کار جهان، ۴ مجلّد ۴- آفتاب درخشنده ۵- اسرار الانصار ۶- اسـرار تاریخی قاجاریه ۷- بـدایع و نوادر ۸- تاریخ اصـفهان، مختصر ۹- تاریخ اصـفهان و ری ۱۰- تفسیر حسن، تفسیر قرآن مجیـد ۱۱- تهـذیب الاخلاق ۱۲- ترجمه وفیـات الاعیـان ابن خلّکـان که به دسـتور ظـل السـلطان انجـام داده ۱۳- ترجمـه فقه ابوحنیفه ۱۴- تسـهیل وصّاف ۱۵- دیوان اشـعار ۱۶- رسـاله در حقیقـت معراج ۱۷- صـعود المسعود ۱۸- عشق حقیقی و مجـازی، منظومه فارسی ۱۹- گزارش شـرح حال سعدی و حافظ ۲۰- گنجینهٔ الاسرار ۲۱- گوهر شب چراغ، جلـد اوّل آن مطبوع ۲۲- لئالی السمط فی معالی النبی و السبط ۲۳- منشآت ۲۴- نوش دارو، در اخلاق ۲۵- نور الثقلین، در مناقب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛ و رسائل عدیده دیگر از مطبوع و غیر مطبوع، حدود سیزده مجلّد.

مرحوم انصاری در کتب خویش به نام جمعی از مشاهیر خانـدان خویش که در اصـفهان ساکن بوده‌انـد اشاره می‌کند. ذیلاً نام آنها در این کتاب جهت تتمیم مطلب تذکّر داده می‌شود:

۱- خواجه کمال ابوالفتح جابری فرزند خواجه جلال الدوله، معاصر شاه اسماعیل و مشرف خزانه سلطنتی.

۲- میرزا باقر فرزند میرزا محمّد علی کلانتر اصفهان، و واقف خانه‌ها و املاکی در اصفهان.

۳- رئیس برگه، با فضایل متوافر، و از زمره اخیار و صاحبان خیرات بوده.

۴- جلال الدین. از وزرای تراکمه و از اسخیای معروف بوده، معاصر سلطان الوند بهادر.

۵- میرزا حسین جابری، کلانتر و حکمران اصفهان در عهد نادر شاه، و مقتول به امر او.

۶- میرزا داود، در دستگاه سلاطین صفویّه بوده، شاعر و ادیب و بانی تکیه حاج میرزا داود در جویباره است.

۷- ربیع الدین، معاصر با نادر شاه و فرزند رفیع الدین.

۸- رفیع الدین ابن مهدی مستوفی الممالک ایران.

۹- میرزا سلمان اعتماد الدوله بن علی، ادیب و نویسنده و شاعر معصر شاه طهماسب صفوی.

۱۰- میرزا عبداللَّه فرزند میرزا سلمان، ادیب و شاعر.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جاپلقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد اسمعیل بن المرحوم آقا محمد صادق صادقی جاپلقی از علماء و دانشمندان مبرز و مشهور بفضل و تقوای تهران میباشد. وی در سال ۱۳۱۳ ق در یکی از قراء جاپلق که از مضافات اراک است بـدنیا آمـده و پس از رشـد و طی مقدمات به اراک مسافرت نموده و از ابتـداء بـا حضـرت آیت‌اللَّه آقـای حـاج شـیخ محمـد علی اراکی رفیق بحث و شـریک تحصـیل بوده و از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمـدعلی خان و آیت‌اللَّه حاج شـیخ محمـد سلطان العلماء اسـتفاده سـطوح نهائی نموده و از اول ورود مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حـایری یزدی در اراک حاضـر جلسـات درس فقه و سـطوح آنجنـاب شـده و پس از مهـاجرت و انتقال ایشان به قم مهاجرت بحوزه علمیه نموده و تا سال ۱۳۵۴ ق از مرحوم آیت‌اللَّه موسـس استفاده و هم چند ماهی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه نائینی (در موقع تبعیدشان به قم) بهره‌مند شده و در سال مزبور منتقل به تهران و در خیابان صـفاری رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر که هشـتاد سال از سن شـریفش می‌گذرد به اقامه جماعت در مسـجد (صـفاری) و ترویج دین و خدمات مذهبی و تدریس فقه و اصول اشتغال دارد. از آثار ایشان است تقریرات درس فقه و اصول کاملی مرحوم آیت‌اللَّه حایری.

فرزند برومند ایشان جناب ثقهٔ‌الاسلام آقا شیخ خلیل اللَّه صادقی جاپلقی تهرانی از فضلاء محصلین حوزه علمیه قم است که مدت ده سال در مشـهد مقدس بتحصـیل اشتغال داشته از محضر مدرسین بزرگ استفاده نموده آنگاه به قم مشرف و چندین سال است که از محضر آیات عظام و مدرسین والا مقام حوزه کسب فیض و کمال می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۶ ق)، فقیه و ادیب شافعی. وی از فضلای شاگردان قاضی بیضاوی و از داناترین دانشمندان تبریز بود و اوقات خود را بیشتر به تدریس و تالیف در زمینه علوم عقلی و نقلی صرف می‌کرد. بین جاربردی و قاضی عضدی ایجی مشاجرات بسیاری در علوم بود. وی در تبریز درگذشت. از تالیفات او: «الحواشی علی الکشاف» زمخشری؛ شرح «المنهاج» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح المفصل» ابن حاجب، در نحو؛ «شرح اصول البزدوی»؛ «شرح الحاوی الصغیر» قزوینی، و فروع فقه شافعی؛ «شرح الشافیه»، ابن‌حاجب، در صرف؛ «شرح الهدایه للمرغینانی» در فروع حنفیه؛ «المغنی»، در نحو.[۱]

(منسوب به جاربرد) ابوالمکارم فخرالدین احمد ابن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم (ف. تبریز ۷۴۶ ه.ق.) وی پیوسته موظبت بر تحصیل علوم می‌کرد و به افاده طالبان علم ممارست داشت.

او ساکن تبریز بود و در همانجا درگذشت. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدنی ایجی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات بسیار دارد از جمله: شرح شافیه ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشاف. المغنی که رساله‌ایست در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۰۷/۱)، حبیب السیر (۲۳۲/۳)، روضات الجنات (۳۴۷ -۳۴۵ /۱)، ریحانه (۳۸۰/۱)، کشف الظنون (۶۲۶، ۱۰۲۱، ۱۴۷۸، ۱۸۷۹، ۲۰۳۶، ۲۲۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (۱۳۷/۲)، معجم المولفین (۱۹۹ -۱۹۸ /۱)، هدیه العارفین (۱۰۸/۱).

جاکوبس، کین

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام واقعی : Glen Jacobs

قد: ۷ فوت

ورن : ۳۲۰ Ibs

زمان تولد :April ۲۶, ۱۹۶۷

محل تولد : Madrid, Spain

اهل : Knoxville, TN

آغاز حرفه : ۱۹۹۴

مربی : Dean Malenko

ضربه نهایی : Chokeslam

کین کار خود را در باشگاه SMW با نام Unabomb آغاز کرد.

در ۷ آوریل سال ۱۹۹۵ Unabomb به همراه آل اسنو موفق شدند گروه the Rock 'n' Roll Express را شکست دهند و در Pikeville, KY قهرمان جدید Smoky Mountain Wrestling Tag Team title شوند.

کین به خود ماسکی زد و و نام خود را Doomsday گذاشت و خود را از شانس ها قهرمانی کمربند USWA Southern title معرفی کرد که در نهایت در ۱۳ جولای سال ۱۹۹۷ با شکست Spellbinger این کمربند را به دست آورد.

کین کار خود را در WWF با نام Isaac Yankem شروع کرد که یک دندانپزشک برای Jerry "The King" Lawler بود

بعد از اینکه اسکوت هال (رازور رامون) و کیوین نش (دیزل) WWF ترک کردند و به WCW رفتند .جیم رس مجبور شد با Big Daddy Cool به جای دیزل و با The Bad Guy به جای رازور رامون قرار دادبست که نقش رازور را Rick Bogner بازی میکرد و نقش دیزل را همین Glen Jacobs بازی میکرد.

کین کار خود را دوباره با عنوان برادر کوچک آندرتیکر شروع کرد ولی در ۵ اوکتبر سال ۱۹۹۷ در BAD BLOOD در بازی که بین آندرتیکر و شان مایکلز در HELL IN A CELL بود اومد و وارد رینگ شد و یک تامبستون به آندر زد و باعث باختن آندرتیکر شد.

کین در Montreal و در Survivor Series سال ۱۹۹۷ توانست که منکایند را شکست دهد.

- در داستان جدیدی که برای کین در زندگی ورزشیش پیش اومد این بود که در مراسم تشییع جنازه والدین آندرتیکر و احتمالا کین اتاق پذیرایی آتش گرفت . و کین که از بیرون وارد خانه میشد دید که ساختمان در حال رفتن به زیر آتش هست و و دید که بین پدرش پاول بیرر و آندر تیکر دعوا رخ داده به پدرش کمک کردند و از روی عمد آندرتیکر را به داخل آتش انداختند و با هم دیگر فرار کردند.

-بعد از مدتی آندرتیکر دوباره بازگشت و یک مسابقه ی CASKET MATCH با کین برگزار کرد که درون مسابقه کین به کمک پاول بیرر موفق شد آندر را به درون CASKET بندازد و بعد روی تابوت بنزین ریخت و آن را آتش زد .

– در رویال رامبل سال ۱۹۹۸ در WWF وقتی که آندرتیکر در مسابقه CASKET MATCH با صاحب کمربند WWF champion یعنی شان مایکلز حضور داشت در حین مسابقه کین آمد و باعث باخت آندرتیکر شد .

در رستل منیا XIV آندر تیکر با ۳ باز زدن تامبستون به کین بازی را برد اما کین اولین کسی بود که با وجود خوردن تامبستون بازی را واگذار نمیکرد.

–در Unforgiven سال ۱۹۹۸ وقتی که تریپل ایچ و کین در یک مسابقه رینگ آتش مبارزه میکردند آندر تیکر آمد و ایکس پک یار کین را خونی در بیرون رینگ انداخت کین هم بازی را ول کرد و از رینگ پرید بیرون وبازی را باخت البته در این بازی دست کین سوخت !

– کین در راو به کمک منکایند توانست آندرتیکر را شکست بدهد و شانس اول برای گرفتن کمربندWWF Champion در King of the Ring" شود.

–وینس مکمهمن قرار داد مسابقه اولین خون (First Blood) را بین کین که ماسک داشت و استن کلد به طور حتم برد استن کلد غیر ممکن بود !!!

– در King of the Ring سال ۱۹۹۸ کین خیلی راحت استن کلد را شکست داد

وآمادگی خود را برای کمربند WWF title اعلام کرد .

– منکایند و کین در ۱۳ ژولای سال ۱۹۹۸ با یکدیگر تیم شدند و میخواستند که کمربند WWF Tag Team را از گروه the New Age Outlaws بگیرند .

–در ۱۰ آگوست سال ۱۹۹۸ آندر تیکر امد و به تنهایی مانع برندن کین و منکایند در مسابقه با New Age Outlaws شد .

– کین و آندر تیکر و استن کلد در یک مسابقه triple threat match سره WWF champion در PPV Breakdown شرکت داشتند که در طی ان مسابقه هر دو برادر استن کلد را پین کردند برای همین برنده اون مسابقه معلوم نشد ؟

– با سفارش مکمهن در Judgment Day همون سال استن کلد داور افتخاری بود برای مسابقه بین آندر تیکر و کین برای مشخص شدن قهرمان WWF champion. (که ننوشته بود که کدوم یک بازی را بردن ؟)

– در ۳۰ مارچ سال ۱۹۹۹ کین و ایکس پک باز با یکدیگر یار شدند و جف جارت و اون هارت را شکست دادن و قهرمان جدید WWF World Tag Team شدند.

– در سال ۱۹۹۹ در شهر Kansas City, MO کین و ایکس پک موفق شدند که مارک هنری و دیلو برون را شکست دهند و از کمر بند خود دفاع کنند .

– کین در King of the Ring سال ۱۹۹۹ توانست بیگ شو را شکست دهد .

– در آرماگدون سال ۱۹۹۹ کین در مسابقه ی steel cage توانست که ایکس پک را شکست دهد .

– بعد از یک مدت دوری کین دوباره با پدرش پاول بیرر در راو در ۷ فوریه سال ۲۰۰۰ برگشت

– کین به همراه ریکیشی در رستل منیا ۲۰۰۰ که در Anahim برگزار شد توانستند که ایکس پک و رود داگ را شکست دهند

– در ۱۸ آوریل سال ۲۰۰۰ در WWF/IWA event کین به همراه راک توانستند که گروه Dudley Boys را شکست دهند.

– در PPV که در شهر لندن انگیلیس به نام Insurrextion برگزلر شد کین توانست Bull Buchanan را شکست دهد .

– در ۱۴ آگوست سال ۲۰۰۰ کین در راو اومد و در رینگ یک چوک اسلم زیبا به آندرتیکر زد !!!

– در Survivor Series سال ۲۰۰۰ کین توانست که کریس جریکو را شکست دهد .

در ژوین سال ۲۰۰۱ کین و آندر تیکر دوباره رو در روی یکدیگر قرار گرفتند !

در رستل منیا XVII کین توانست کمربند WWF Hardcore را با وجود بیگ شو و ریون ببرد .

در ۱۷ آوریل سال ۲۰۰۱ کین و آندرتیکر در شهر Nashville, TN توانستند ادج و چیرستین را شکست دهند و کمربند WWF World Tag Team را ماله خود کنند .

– کین در Judgment Day سال ۲۰۰۱ که در شهر Sacramento برگزار شد توانست که تریپل ایچ را شکست دهد و کمربند Intercontinental را ماله خود کند .

– در ۷ آگوست سال ۲۰۰۱ کین به همراه آندرتیکر در WCW توانستند که Chuck Palumbo و Sean O'Haire را شکست دهند و کمربند WCW World Tag Team را ماله خود کنند .

– در Summerslam سال ۲۰۰۱ کین و آندرتیکر توانستند که DDP و KANYON

را شکست دهند و کمربند WWF World Tag Team را ماله خود کنند.

– در Unforgiven سال ۲۰۰۱ که در WCW برگزار شد کین و آندر تیکر از کمربند خود در مقابل تیم Kronic دفاع کردند .

– در ۳ مارچ سال ۲۰۰۲ کین به همراه بیگ شو در سنگاپور توانستند که Dudley Boyz را شکست دهند .

– در آوریل سال ۲۰۰۲ کین برای یک مدتی از کشتی کج کنار رفت.

– کین یک ماه بعد به WWE با یک ماسک جدید اومد

– در Unforgiven سال ۲۰۰۲ کین به همراه بوبا ری دادلی و بوکر تی و گالدست توانستند تیم Un-Americans را که متشکل بود از (تست – لنس استورم – ویلیام ریگل – چیرستین) شکست دهند.

– شب بعد از Unforgiven کین به همراه هاریکین توانست لنس استورم و چیرستین را شکست دهد و قهرمان WWE World Tag Team شوند .

– در ۳۰ سبتامبر سال ۲۰۰۲ کین در Houston توانست کریس جریکو را شکست دهد و قهرمان کمربند Intercontinental شود .

– در ۳۱ مارچ سال ۲۰۰۳ در شهر Seattle, WA سه تا تگ تیم حضور داشتند این کین و روب وان دام بودند که توانستند بر گروه Dudley Boyz و تگ تیم Sean Morley and Lance Storm غلبه کرده و کمربند World Tag Team را ماله خود کنند .

– کین و RVD در ۱۲ می سال ۲۰۰۲ از کمربند خود مقابل Legion of Doom محافظت کردند.

– بعد از اینکه در ۲۳ ژوین سال ۲۰۰۳ بازی خود را مقابل بریپل ایچ باخت و کمربند WORLD HEAVY WEIGHT را از دست داد ـ کین ماسک خود را در آورد

– در Summerslam سال ۲۰۰۳ کین توانست روب وان دام را شکست دهد.

– در Unforgiven سال ۲۰۰۳ کین توانست شین مک مهن را در مسابقه last man standing شکست دهد .

– در Survivor Series سال ۲۰۰۳ کین باز هم شین مک مهن را این بار در مسابقه ambulance" match برد

– در ۱۷ می سال ۲۰۰۴ کین مسابقه ۱۸-man battle royal را برد تا بتواند در مقابل قهرمان World Heavyweight که در ان زمان کریس بنوا بود در Bad Blood همون سال مسابقه دهد که در اون مسابقه نا موفق بود .

– در Summerslam سال ۲۰۰۴ کین موفق به شکست مت هاردی شد .

– در New Year's Revolution کین موفق به شکست اسنیتسکی شد.

– در Backlash سال ۲۰۰۵ کین ویسکرا را برد.

– در Vengeance سال ۲۰۰۵ کین موفق به شکست ادج شد .

– در Taboo Tuesday سال ۲۰۰۵ کین به همراه بیگ شو توانست که تگ تیم Trevor Murdoch and Lance Cade را شکست دهند و قهرمان World Tag Team شود

– و در Armegeddon سال ۲۰۰۵ هم کین به همراه بیگ شو توانست بر باتیستا و ری مستریو غلبه کند. بیوگرافی کامل KANE : نام : Glen Thomas Jacobs

محل تولد : شهر مادرید در اسپانیا

تاریخ تولد : چهارشنبه ، ۶ اردیبهشت سال ۱۳۴۶ شمسی = ۲۶ April ۱۹۶۷ میلادی

محل رشد و بزرگ شدن : خیابان لوییس در شهر نشویل در ایالت میسوری آمریکا

تحصیلات : رشته زبان انگلیسی در دانشگاه میسوری در شمال شرق آمریکا

محل اقامت فعلی : شهر ناکس ویل در ایالت تنسی در جنوب شرقی آمریکا

خصوصیات ظاهری : موهای قهوه ای روشن ، رنگ چشم آبی

قد : ۲ متر و ۶ سانتی متر . البته کفشی مخصوصی می پوشد که یک کفی سه لایه دارد و قد او را به دو متر و ۱۳ سانتی متر می رساند.

وزن : ۱۴۷/۵۵ کیلو گرم

طالع بینی (ستاره شناسی) او : شماره تولد او ۸ است. متولد سال گوسفند .

وضعیت تاهل : متاهل است. نام همسر Maurisa . دو دختر هم دارد.

تعداد برادر و خواهر : ۱ خواهر به نام ۱ ، Becky برادر به نام Brian

محلهای سرمایه گذاری و درآمد : فروشگاه ورزشی (فعلا تعطیل است) ، رستوران خوراکهای دریایی (هم اکنون مشغول کار است)

لقب ها و نامهای داخل رینگ : The Christmas ، The Black Knight ، Angus King ، Big Red Monster ، D.D.S ، Isaac Yankem ، Doomsday ، Diesel ، Creature (دندانپزشک) ، Unabomb ، Kane .

مربیان کشتی کج او : Ray Candy ، Jeff Bradley ، Dean Malenko .

نام فن معروف او : Chokeslam .

افتخارات اخیر او : قهرمان مسابقات World Tag Team ، Intercontinental Champion ، WWE Champion ، WCW Tag Team Champion ، Champion و Hardcore Champion . تاریخچه مختصری از فعالیت کشتی کج Kane . چگونه او به عنوان برادر Undertaker ، وارد WWE شد. سرآغاز قصه و چگونگی رخ دادن : Kane در اوایل کشتی زیر نظر Dean Malenko تعلیم دید و وارد – USWA (United States Wrestling Association –) انجمن کشتی ایالات متحده – به عنوان Christmas Creature (کسی که متولد شده در روز کریسمس است)، شد. این وضعیت خیلی طول نکشید. Glen Jacobs سپس در سال ۱۹۹۲ در USWA ، خود را به عنوان Doomsday معرفی کرد و همین حقه را به WWC در جزیره پورتوریکو زد. در ۱۹۹۵ ، Glen Jacobs ، به طور اتفاقی با Jim Cornette در ایالت میسوری ملاقات کرد. او به گروه Smoky Mountain Wrestling که متعلق به Cornette بود ، پیوست و در آنجا به مقام Unabomb رسید. Glen Jacobs سپس یار Al Snow (معروف به Simply Sensational) شد و بعد از قهرمانی Tag Team با او از Smoky Mountain Wrestling رفت.

Glen Jacobs در آزمون ورودی WWF خیلی خوش شانسی آورد ، چون Vince McMahon ، خیلی تحت تاثیر سایز و خصوصیات عضلانی و ورزشی او قرار گرفت. او به سرعت تحت عنوان دکتر Isaac Yankem ، دکترای جراحی فک و دندان ، به WWE پیوست (دندانپزشک خبیث Jerry Lawler) . اگر چه این حقه او نگرفت. اما او دیگر هر طوری بود خودش را وارد WWE کرده بود و شانسهای دیگری به او روی آورد.

وقتی که واقعا حقه دکتر Isaac Yankem او نگرفت دوباره به Smoky Mountain Wrestling برگشت و دوباره همان مقام Unabomb رسید .

در ۱۹۹۶ ، به Glen Jacobs ، نقش Diesel که Kevin Nash در هنگامی که این کلک را زده بود و در حال ترک WWE بود ، بر عهده داشت ، پیشنهاد شد. هواداران Diesel ، حاضر به قبول Diesel قلابی یا Diesel ۲ نشدند و این حقه هم راه به جایی نبرد .

در سال بعد ، Glen Jacobs ، یک بار دیگر برای USWA کشتی گرفت .

در این اثنا ، Undertaker ، Paul Bearer و Vince McMahon، پس از جستجوی فراوان چیزی را پیدا کردند که بعدا یکی از بزرگترین افراد ماسکدار کشتی شد ، یعنی KANE . آنها در حالی که ایده هایی در سر داشتند از یک سالن ورزشی به سالن ورزشی دیگر می رفتند. در یک روز که آنها به Smoky Mountain Wrestling رسیدند ، فکر می کنید چه کسی را دیدند ؟ هیچ کس جز Percy . Kane می گوید هم او و هم Undertaker به خوبی می دانستند که Kane ، شخصی است که می تواند کاراکتری که آنها در ذهن داشتند را توصیف کند.

Kane ، تا حالا حدود ۶ سال است که دوام آورده است و خیلی بیشتر از بقیه کشتی کج کارا که به آنها امیدوار بودند ، رشد و پیشرفت داشته است. در سال ۲۰۰۳ ، طرفداران Kane ، هنگامی که در نهایت ماسک خود را برداشت ، شوکه شدند. ولی این برداشتن ماسک مقام و اعتبار Kane را بیش از پیش کرد. قابلیتهای او در داخل رینگ کشتی کج و خارج از رینگ واقعا منحصر به فرد بود .

در ضمن توجه کنید که تا به حال هیچ کس جز Glen Jacobs ، کاراکتر Kane را بازی نکرده است. خلاصه سوابق کشتی Kane : اوایل دهه ۱۹۹۰ : کار در ژاپن ، پورتوریکو ، میسوری و فلوریدا .

۱۴ دسامبر ۱۹۹۲ (دوشنبه ، ۲۳ آذر ماه سال ۱۳۷۱ شمسی) ، در USWA به عنوان Christmas Creature (متولد شده در روز کریسمس) معرفی شد. آقای Bill Moody (همان Percy Pringle) می گوید که Kane بعد از حقه ای که در USWA زد ، آنقدر خجالت زده و شرمنده شده بود که دوباره پیش Bill Moody برگشت و از او عذرخواهی کرد. ۱۹۹۲ : اولین لقب او Angus King بود و آن هم زمانی بود که در سالن خیابان لوییس در ایالت میسوری ظاهر شد و پس از آن بود که به جنوب و به سمت USWA رفت. ۱۹۹۴ : در USWA ، به عنوان Doomsday معرفی شد. شرکت در Tag Team با Al Snow و برنده شدن Smoky Mountain Tag Team Championship در ۱۹۹۵ . ۱۹۹۵ : در SMW (Smoky Mountain Wrestling) به عنوان Unabomb معرفی شد . مقام قهرمانی مسابقات Tag Team با Al Snow در ۷ April ۱۹۹۵ (جمعه ، ۱۸ فروردین سال ۱۳۷۴) .

در ۱۹۹۵ Glen Jacobs ، شرکت در رقابتهای SMW (با ریاست Jim Cornette) را با عنوان Unabomb آغاز کرد. Unabomb و Al Snowدر قالب یک Tag Team در SMW رقابت کردند و مسابقات Tag Team را در SMW یعنی Smoky Mountain Tag Team Championship با شکست دادن The Rock و Roll Express در یک Pole Match تحت عنوان Coal Miner's Glove ، بردند .

Unabomb در ۴ آگوست ۱۹۹۵ (جمعه ، ۱۳ مرداد ۱۳۷۴) ، به Undertaker در مسابقه Super Bowl of Wrestling در SMW باخت. ۸ روز بعد ، Unabomb و Al Snow در یک مسابقه تحت عنوان loser-leaves-town (بازنده شهر را ترک می کند) شرکت کردند و از حریفهای خود یعنی Tracey Smothers و Dirty White Boy باختند. Glen Jacobs سپس از WWE سر درآورد.

تابستان ۱۹۹۵ : به عنوان دکتر دندانپزشک Dr. Isaac Yankem DDS (Isaac Yankem) در WWE معرفی شد.

یک دندانپزشک دیوانه که Jerry Lawler با خود آورد تا به او در رقابت و دشمنی دیرینه اش با Bret Hart (The Hitman) کمک کند. Hart در مسابقات SummerSlam سال ۹۵ بهتر از Dr. Isaac Yankem ظاهر شد و همینطور در مسابقه قفس در ماه اکتبر در RAW نیز پیروز شد.

Isaac Yankem ، به مسابقه دادن در WWE ادامه داد ، اما تعداد خیلی کمی از طرفدارانش او را می دیدند چون او چندین سال ، اکثرا ، در مسابقات تاریک بازی می کرد. ضمنا دیگر بهAhmed Johnson و Bob Holly علاقه ای نداشت. ۱۹۹۶ : در WWE تحت عنوان Diesel ۲ (The New Diesel) ظاهر شد که این عنوان قبلا متعلق به Kevin Nash بود.

با رفتن Kevin Nash و Scott Hall از Glen Jacobs ، WWE به تلویزیون WWE برگشت، اما تحت عنوان و ظاهر متفاوت دیگری ظاهر شد. Jim Ross گزارشگر ، ادعا کرد که او Diesel و Razor Ramonرا به زمین خواهد آورد. اما دو مرد ظاهر شده در Nash ، RAW و Hall نبودند. Rick Bogner یکی از افراد باسابقه و قدیمی در سازمان Frontier Martial Arts ژاپن در نقش Razor Ramon و Glen Jacobs در نقش Diesel ظاهر شدند.

این حقه ، موفقیت کمی در WWE بدست آورد و تا اوایل ۱۹۹۷ ، که این حقه راهی به سوی USWA شد که Razor Ramon قلابی Diesel قلابی را در یک مسابقه loser-leaves-town شکست داد.

۱۹۹۷ : در WWE ، تحت عنوان KANE در P.P.V Bad Blood توسط Paul Bearerو به عنوان برادر Undertaker ، معرفی شد که ماسکی بر سر داشت تا آثار سوختگی صورتش را مخفی کند و توانست برنده مسابقات سنگین وزن USWA Heavyweight Championship در July ۱۹۹۷ بشود. ۱۹۹۹-۲۰۰۰ : در ۱۹۹۹ او باز هم به WWF پیوست. ولی یکی از اعضای WWF به نام Chyna با خیانت به او سعی در خراب کردن وجهه KANE کرد و موفق هم شد . اما بعد از مدتی او با Undertaker متحد شد و یک بار دیگر برگشت. بعد از اینکه از Undertaker جدا شد ، با دیگر با تشکیل یک گروه Tag Team با X-Pac چهره شد و در همان زمان بود که از حالت سکوت خود خارج شد و شروع به حرف زدن با استفاده از صدای ته حنجره خود (البته به ندرت) کرد و اولین چیزی هم گفت این بود " Suck it " و یک دوست دختر کشتی کج کار به نام Terri Poch برای خود انتخاب کرد که عکس آن را در زیر می بینید. (قد : ۱۷۵ سانتی متر . وزن : ۶۴ کیلوگرم . تاریخ تولد :

یکشنبه ، ۲۹ مرداد سال ۱۳۴۶ شمسی = ۲۰ August ۱۹۶۷ میلادی)
این Tag Team ، هنگامی که X-Pac به D-Generation X ملحق شد ، شکسته شد.
به خاطر دشمنی هایی که KANE و Terri پیدا کردند ، او هم به KANE خیانت کرد و به گروه D-Generation X ملحق شد. دشمنی Kane و X-Pac تا ۲۰۰۰ WrestleMania ادامه داشت و در آن بازی Kane ، پیروز شد و پیروزیش را جشن گرفت.
مدت کمی بعد از WrestleMania ، KANE از صدمه ای که به دست او رسید بسیار رنج برد و باعث شد حدود یک ماه کشتی کج را کنار بگذارد. بعد از اینکه برگشت ، به Undertaker و The Rock بر سر اختلافی که با دم و دستگاه McMahon ها پیدا کرده بودند، کمک کرد. کمک به آنها در این دشمنی و خصومت در ۲۰۰۰ King of the Ring و در مقابل Vince و Shane Mcmahon و سپس قهرمان Triple H ، به اوج خود رسید. درگیری مختصری بین Undertaker و KANE ، در خلال مسابقه پیش آمد که به سرعت برطرف شد و مسئله تمام شد.
KANE بعدا یک بار دیگر تغییر رویه داد و به Undertaker حمله کرد که منجر به مسابقه ای بین آن دو در ۲۰۰۰ SummerSlam شد. مسابقه موقعی به پایان رسید که Undertaker ماسک KANE را از صورتش برداشت و باعث شد او از رینگ فرار کند.
Kane تا پایان سال در رقابتهای WWF باقی ماند و سال ۲۰۰۰ با دشمنی که با Chris Jericho به پایان رساند . قهرمان سابق مسابقات KANE ، Intercontinental Champion با ماسک : --
۲۰۰۱ – ۲۰۰۲ : Kane کمی قبل از ۲۰۰۱ Royal Rumble ، اتحاد خود با Undertaker را مجددا تشکیل داد و نام گروهشان را Brothers of Destruction (برادران نابودی) گذاشتند و تا پایان سال ۲۰۰۱ با هم بودند. او در Royal Rumble ۲۰۰۱ ، ۱۱ نفر از کشتی کج کاران را بیرون انداخت و در نهایت هم نفر دوم مسابقه شد.
در خلال آن سال ، Undertaker و KANE با Edge و Steve Austin ، Haku ، Rikishi ،Christian و Triple H دشمنی پیدا کردند. در همان زمانی که KANE در WWF Hardcore Championship رقابت می کرد، Raven را در WrestleMania ۱۷ شکست داد.
در خلال رقابتهای Kane ، The Invasion و Undertaker با Diamond Dallas Page و Chris Kanyon ،هنگامی که Page به سمت Sara زن Undertaker حمله کرد، دشمنی پیدا کردند. این دشمنی در SummerSlam ۲۰۰۱ هنگامی که Kane و Page ، Undertaker و Kanyon را در یک رقابت قفس فلزی شکست دادند ، به اوج خود رسید و باعث شد هم مقام قهرمانی WWF World Tag Team Championship و هم WCW World Tag Team Championship خود را حفظ کنند.
Kane و KroniK ، Undertaker را در مسابقات ۲۰۰۱ Unforgiven شکست دادند و هر دو در رقابتهای ۱۰ نفره survivor series در ۲۰۰۱ Survivor Series به عنوان اعضای Team WWF شرکت کردند و برنده هم شدند. اگر چه بعدا هر دو حذف شدند . ۲۰۰۳ : KANE در روز دوشنبه ، دوم تیر سال ۱۳۸۲ شمسی برابر ۲۳ June ۲۰۰۳ میلادی ماسک خود را برداشت و سپس سر خود را کامل تراشید و اندکی مو در قسمت پایین سر خود باقی گذاشت.
در همین زمان ، Triple H ، به KANE پیشنهاد داد که به او در گروه Evolution (گروهی متشکل از Randy ، Ric Flair ، Batista ، Orton و Triple H که البته الان دیگر وجود ندارد) یک جای ثابت خواهد داد. معاون مدیر کل Stone ، RAW Cold Steve Austin ، به KANE این شانس را داد که اگر پیشنهاد Triple H را رد کند کاری می کند که در مقابل Triple H در رقابتهای World Heavyweight Championship بازی کند. از طرف دیگر معاون مدیر کل Eric Bischoff ، اصرار داشت که KANE باید بدون ماسک در برابر Triple H ببازد. Kane پیشنهاد Stone Cold را پذیرفت و در هفته بعد به مسابقه با Triple H در رقابتهای Madison Square Garden رفت. Triple H مسابقه را برد و در پی مزاحمتهایی که Triple H برایش ایجاد کرد ، ماسک خود را برداشت و معلوم شد صورتش واقعا زخمی نبوده است. او سپس به سرعت برگشت و یک ضربه Chokeslam به یار Tag Team خود یعنی Rob Van Dam زد که البته قصد داشت تا او را در ۲۰۰۳ SummerSlam شکست دهد.
در مصاحبه با گزارشگر Jim Ross ، روشن شد که مسئله سوختگی صورت KANE جنبه روانی داشته است و واقعا سوختگی در کار نبوده و این مسئله باعث شد صحبتهایی که قبلا شده بود مبنی بر اینکه بعضی از کشتی کج کاران با دیدن صورت او یکه خوردند ، منتفی شود. در پایان مصاحبه KANE فهمید که دارد مسخره می شود و برای همین به Jim Ross حمله کرد و او را به زمین کوباند . نتایج بازیهای مهم KANE از ابتدا تا کنون :
مجله تخصصی کشتی کج – PWI) – Pro Wrestling Illustrated) ، از میان ۵۰۰ کشتی گیر برتر سال ۲۰۰۳ به او مقام ۱۸۶ را داده است.
سال ۱۹۹۹ میلادی ، جایزه Tag Team مجله PWI که با X-Pac بود را دریافت کرد.
در Smoky Mountain Wrestling :
SMW Tag Team Championship با Al Snow .
Rock 'N Roll Express را در روز ۷ April ۱۹۹۵ در شهر پیک ویل در ایالت کنتاکی آمریکا شکست داد.
به Tracy Smothers و Tony Anthonyدر شهر Jellico در ایالت میسوری آمریکا در روز ۶ July ۱۹۹۵ باخت. در United States Wrestling Association :
USWA Southern Heavyweight Championship :

Spellbinder را در روز ۱۳ July ۱۹۹۷ در شهر ممفیس در ایالت تیسوری آمریکا شکست داد.

به Steven Dunn در روز ۶ September ۱۹۹۷ در شهر ممفیس در ایالت تیسوری آمریکا ، باخت. در World Championship Wrestling :

WCW World Tag Team Championship با Undertaker .

Chuck Palumbo و Sean O'Haireرا در روز ۷ August ۲۰۰۱ در شهر لوس آنجلس در ایالت کالیفرنیای آمریکا شکست داد.

به Booker T و Testدر روز ۲۵ September ۲۰۰۱ در شهر دایتون در ایالت اوهایو آمریکا باخت. در World Wrestling Federation :

WWF Championship .

Stone Cold Steve Austin را در ۲۸ June ۱۹۹۸ در شهر پیتربورگ در ایالت پنسیلوانیا آمریکا شکست داد.

به Stone Cold Steve Austin در ۲۹ June ۱۹۹۸ در شهر کلیولند در ایالت اوهایو آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با Mankind .

New Age Outlaws را در روز ۱۳ July ۱۹۹۸ در شهر رادرفورد شرقی در ایالت نیو جرسی آمریکا شکست داد.

به Stone Cold Steve Austin در ۲۶ July ۱۹۹۸ در شهر فرزنو در ایالت کالیفرنیا آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با Mankind .

Undertaker و Stone Cold Steve Austinرا در روز ۱۰ August ۱۹۹۸ در شهر اوماها در ایالت نبراسکا آمریکا شکست داد.

به New Age Outlaws در روز ۳۰ August ۱۹۹۸ در شهر نیویورک سیتی در ایالت نیویورک آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با X-Pac .

Owen Hart و Jeff Jarretرا در روز ۵ April ۱۹۹۹ در شهر لانگ آیلند در ایالت نیویورک آمریکا شکست داد.

به The Acolytes در روز ۲۵ May ۱۹۹۹ در شهر مولاین در ایالت ایلینوی آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با X-Pac .

The Acolytes را در ۹ August ۱۹۹۹ در شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی آمریکا شکست داد.

به Undertaker و Big Show در ۲۲ August ۱۹۹۹ در شهر میناپولیس در ایالت مینه سوتا آمریکا باخت. WWF Hardcore Championship .

Raven را در روز ۱ April ۲۰۰۱ در شهر هیوستن در ایالت تگزاس آمریکا شکست داد.

به Rhyno در روز ۱۷ April ۲۰۰۱ در شهر نشویل در ایالت تنسی آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با Undertaker .

Edge و Christianرا در روز ۱۷ April ۲۰۰۱ در شهر نشویل در ایالت تنسی آمریکا شکست داد.

به The Two-Man Power Trip در روز ۲۹ April ۲۰۰۱ در شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی باخت. WWF Intercontinental Championship.

Triple H را در روز ۲۰ May ۲۰۰۱ در شهر ساکرامنتو در ایالت کالیفورنیای آمریکا شکست داد.

به Albert ، در روز ۲۶ June ۲۰۰۱ در شهر نیویورک سیتی در ایالت نیویورک باخت. WWF World Tag Team Championship با Undertaker .

Diamond Dallas Page و Chris Kanyonرا در روز ۱۹ August ۲۰۰۱ در شهر سن خوزه در ایالت کالیفرنیا آمریکا شکست داد.

به Dudley Boyz در روز ۱۷ September ۲۰۰۱ در شهر نشویل در ایالت تنسی آمریکا باخت. در World Wrestling Entertainment :

World Tag Team Championship با . Hurricane

The Un-Americans را در روز ۲۳ September ۲۰۰۲ در شهر آناهایم در ایالت کالیفرنیای آمریکا شکست داد.

به Chris Jericho و Christianدر روز ۱۴ October ۲۰۰۲ در شهر مونترال در استان کبک در کانادا باخت. WWE Intercontinental Championship .

Chris Jericho را در روز ۳۰ September ۲۰۰۲ در شهر هیوستن در ایالت تگزاس آمریکا شکست داد.

به Triple H در روز ۲۰ October ۲۰۰۲ در شهر لیتل راک در ایالت ارکانزا آمریکا باخت. World Tag Team Championship با Rob Van Dam .

Sean Morley و Lance Stormرا در روز ۳۱ March ۲۰۰۳ در شهر سیاتل در ایالت واشنگتن آمریکا شکست داد.

به La Résistance در روز ۱۵ June ۲۰۰۳ در شهر هیوستن در ایالت تگزاس آمریکا باخت. World Tag Team Championship با Big Show .

Cade و Murdochرا در روز ۱ November ۲۰۰۵ در شهر سانتیاگو در ایالت کالیفرنیا آمریکا شکست داد.

به Spirit Squad در روز ۳ April ۲۰۰۶ ، در شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی آمریکا باخت. فعالیتهای هنری KANE :

اولین فیلم او به عنوان Jacob Goodnight ، جز اولین فیلمهای WWE بود و بعد از آن هم فیلم See No Evil در روز ۱۹ May ۲۰۰۶ که آدرس سایت رسمی این فیلم در زیر آورده شده است : Jacobs در یک شکل خاص از برنامه بازی WWF در

شبکه معروف بازی تلویزیونی به نام The Weakest Link در ماه March سال ۲۰۰۲ ظاهر شد و با شکست دادن Bubba Ray Dudley در راند آخر ، بهترین و قویترین لینک بازی شد.

کاراکتر Kane اولین بار در چاپ چهاردهم کتاب کمدی Undertaker در سال ۱۹۹۹ توسط موسسه Chaos! Comics که در حال حاضر منسوخ شده است ، بوجود آمد. این سری از کتابها کاراکتر کمدی منحصر به فرد خواهر ناتنی جوانتر Kane به نام Jezebelle را نشان می داد که البته گفته می شود که Jezebelle همانند Kane نتیجه ارتباط نامشروع Paul Bearer با یک زن ناشناس است.

تا آنجا که به Jezebelle و Kane مربوط می شود ، آنها فقط در پدر مشترک هستند و احتمال دارد که Jezebelle هیچی نسبتی با Undertaker نداشته باشد

جامی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عین علی فروشانی. عالم فاضل، ادیب کامل، و شاعر متبحر، از اعقاب شیخ حر عاملی، در سال ۱۲۲۰ در قریه‌ی فروشان وفات یافته.

وی را منظومه‌ای است نظیر «حمله‌ی حیدری»، مشتمل بر احوالات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بحر تقارب، قریب بیست و پنج هزار بیت. [به نام جام گیتی نما]

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جامی، معین‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۳ ق)، شاعر و ادیب. نسبش به پنج پشت به شیخ‌الاسلام احمد جامی و از طرف مادر به ملک شمس‌الدین ابوبکر کرت، از پادشاهان آل کرت می‌رسد. خواجه معین‌الدین خود از بزرگان خراسان به شمار می‌رفت. وی در جام درگذشت و در مقبره‌ی نیایش شیخ احمد جام به خاک سپرده شد. وی از ادبا و شعرای نامی زمان خود بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۹).

جان محمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جان محمدی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۲/۷

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۸ در یکی از روستاهای شهرستان بیجار متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در روستا گذراندم و سپس برای تحصیلات دوره راهنمایی به مدرسه تیزهوشان شهرستان قروه رفتم. بعد از اتمام دوره راهنمایی و قبولی در آزمون دبیرستان تیزهوشان و دبیرستان سپاه سنندج، این دومی را انتخاب کردم و در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل دادم. پس از آن با اتمام دوره پیش دانشگاهی در رشته علوم انسانی وارد حوزه علمیه شدم. طلبه سطح دو حوزه بوده و هم زمان در گرایش "فلسفه روش "ادامه تحصیل می دهم و به کار تحقیق و نویسندگی نیز اشتغال دارم. در ضمن از زندگی جدید شهری هم تقریبا بیزارم و عاشق تجربیات باطنی هستم . تا خدا چه خواهد و چه تدبیر کند.

جاودان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جاودان

محل تولد : میناب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جاودان، صرفاً به دلیل تقاضای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی این زندگینامه را تحریر می‌نمایم و خود را در موقعیت تحریر «زندگینامه علمی» نمی‌دانم.در سال ۱۳۴۸هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی و تازه از نجف بازگشته، در حوالی رودان، از شهرهای کوچک و شرقی استان هرمزگان به دنیا آمدم.پدرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله جاودان، نخستین معلم و استاد علمی و اخلاقی من، به گفته خود، از حدود چهار سالگی به علم من مبادرت نمودند. تا حدود هفت سالگی خواندن، نوشتن، قرائت قرآن، اشعاری از سعدی و حافظ، کتب مقدماتی «جامع المقدمات» یعنی، امثله و شرح آن، صرف میر و التصریف را نزد ایشان فراگرفتم.از هفت سالگی وارد دبستان شده و معلم مدرسه مرا به عنوان دانش‌آموز کلاسم دوم ابتدایی ثبت نام کردند، هر چند نظر او کلاس پنجم بود و گویا مدیر مدرسه موافق نبود. از کلاس چهارم تا سوم راهنمایی را در مدارس قم و پس از آن مجدداً به رودان بازگشته و از مدرسه شهید بهشتی رودان در سال ۱۳۶۷ دیپلم علوم تجربی را اخذ نمودم.

بحمدالله در تمام مدت تحصیل دانش‌آموز موفقی بودم. در تمام این دوران دو گونه فعالیت داشتم: ۱. فعالیت‌های قرانی و شرکت در مسابقات قرآن، که در قم مقام اول کسب نمودم و نیز در استان مرکزی دوم شدم. در استان هرمزگان نیز چندین بار به مقام اول رسیدم و در مسابقات کشوری نیز در دوره دبیرستان به مقام ممتاز دست یافتم.۲. ادامه تحصیلات حوزوی در ایام فراغت و در نتیجه تا اخذ دیپلم کتب حوزوی مثل جامع المقدمات (تماماً)، سیوطی، مختصر المعانی، حاشیه ملاعبدالله (در منطق)، معالم الاصول، بخشهایی از لمعتین. در همین مدت البته کتب مختلف جامع المقدمات و بخش‌هایی از سیوطی و گاهی کتبی در منطق را نیز تدریس می‌نمودم. بیشتر کتب مذکور را نزد ابوی معظم و بخش‌هایی از کتاب حاشیه ملا عبدالله و نیز کتاب الارث شرح لمعه را نزد استاد فاضل و متقی حضرت حجت الاسلام عبدالعلی جاویدان، که در آن ایام امام جمعه شهر رودان و نماینده مردم حضرت امام خمینی(ره) بودند فراگرفتم. خداوند خیر دنیا و عقبا را نصیبشان گرداند. انشاء الله.قصدم آن بودم که با اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه، همزمان علوم حوزوی را نیز ادامه دهم. همان سال اخذ دیپلم (۶۷) در کنکور شرکت نموده و برای تحصیل در تهران قبول شدم.

اما به دلیل حضور در جبهه‌های جنگ امکان ورود به دانشگاه سلب شد و در همان سال وارد حوزه علمیه بندرعباس گردیدم و همزمان به تحصیل و تدریس مشغول گردیدم. البته در سطح شهر بندرعباس نیز با قرائت قرآن در مجالس عمومی و نیز دایر کردن جلسه تعلیم فنون تجوید و قرائت قرآن به ترویج قرآن در جامعه پرداخته و بحمدالله برکات معنوی قابل توجهی داشت و برخی از شاگردان آن جلسات اکنون به عنوان استاد مشغول ترویج قرآن هستند.سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم و نیز دانشگاه مفید قم (در رشته فلسفه غرب) شده دروس حوزوی را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه دادم و در تمام امتحانات کتبی و شفاهی ظرف ۳ الی ۴ سال شرکت نموده و با موفقیت پیش رفته.در سال ۱۳۷۶ به اخذ لیسانس فلسفه غرب و در ۱۳۷۹ به اخذ فوق لیسانس در همان رشته از دانشگاه مفید موفق شده و در همان سال در رشته کلام (گرایش فلسفه دین و کلام جدید) در مقطع دکترای تربیت مدرس قم، دانشگاه قم، قبول شده و اکنون در آستانه دفاع هستم.

از سال ۱۳۷۶ وارد مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب گردیده و در گروه مذاهب اسلامی (بیشتر با گرایش تشیع اسلامی) به تحصیل و تحقیق پرداختم. و به عضویت هیئت علمی آن مرکز پذیرفته شده و مقالات متعددی را در آن مرکز تحریر یا ترجمه نمودم.در سال ۱۳۸۴ به عنوان فلوشیپ (Felowship) دانشگاه هاروادارد در آمریکا پذیرفته شده و به مدت یک سال در آن دانشگاه، به عنوان عضو هیئت علمی آن دانشگاه، به همراه خانواده حضور یافتم. در آنجا به تحقیق، تدریس برای برخی از دانشجویان ایران (به عنوان سخنرانی نه تدریس) مشغول بودم. همچنین به مدت یک سال در مرکز اسلامی شهر Boston (مرکز ایالت ماساچوست) به سخنرانی دینی ـ علمی (تفسیر سوره حشر) و نیز آموزش قرآن و تدریس یک دوره کامل تجوید پرداخته.

سخنرانی‌ها و برنامه قرآن با استقبال فراوان مواجه گردید.اعتبار علمی فلوشیپ یاد شده، فوق دکتر است. آنچه عامل اصلی این توفیق بود، پس از لطف خداوند مساعی استاد مکرم جناب استاد آیت الله دکتر مدرسی طباطبایی، استاد تمام دانشگاه پرینستون در نیوجرسی آمریکا بود که با معرفی اینجانب به آن دانشگاه زمینه پذیرش مرا در آن دانشگاه فراهم نمود. حضور من در آمریکا تجارب علمی، معنوی و آفاقی و اجتماعی ارزشمندی برایم به همراهداشت. به ویژه حضورم در مرکز اسلامی در جمع شیعیان ایرانی و پاکستانی. استقبال آنان از برنامه‌های این جانب فوق‌العاده بود و اصرار زیادی بر ماندن من حداقل برای یک سال دیگر را داشتند. هنوز نیز با آنان در ارتباط هستم. انسان‌های پاک، مومن، خداخواه و ایران دوست. خدایشان خیر دهد.در این سال‌ها علاوه بر تدریس در موضوعاتی چون کلام اسلامی، کلام جدید و فلسفه دین، فرق اسلامی، تشیع امامی و فرق تشیع و مذاهب اسلامی، فلسفه اسلامی و... پروژه‌های تحقیقی متعددی اعم از مقاله و کتاب را به انجام رسانده‌ام که بسیاری از آنها منتشر شده‌اند. چندین پایان نامه را نیز مشاوره یا داوری نموده‌ام.هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه مفید هستم. همچنین به صورت نیمه وقت با مرکز ادیان همکاری دارم که زعم از تدریس و پژوهش است (عضو هیئت علمی نیمه وقت مرکز هستم).متأسفانه بیش از دو سال است به علت مشغله علمی دانشگاهی و سفر خارج از کشور وقفه‌ای در تحصیلات حوزوی‌ام پیش آمده است که امیدوارم در سال آینده مجدداً آن دروس را از سر گیرم و البته بیشتر قصد تدریس دارم. امیدوارم خداوند توفیق دهد.از خداوند منان که همواره مددکارم بوده است می‌خواهم توفیق بیشتری را در جهت اهداف انسانی ـ الاخص به حقیر عنایت فرماید.

جاوید کبیری، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق کتابداری.

تولد: ۱۳۲۳، مشهد.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۴، مشهد.

غلامحسین جاوید کبیری در سال ۱۳۵۱ موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد گردید و در ادامه‌ی آن به اخذ درجه‌ی فوق لیسانس کتابداری از دانشگاه تهران نایل آمد. سوابق خدمت حرفه‌ای او با شروع فهرست‌نویسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه صنعتی (آریا مهر سابق)؛ از سال ۱۳۵۱ الی ۱۳۵۴، آغاز شد. سپس به سمت سرپرست کتابخانه‌ی مرکز تحقیقات هسته‌ای سازمان انرژی ایران (۱۳۶۱ -۱۳۵۴) منصوب گردید.

در سال ۱۳۶۳ به سمت ریاست کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب شد. با کوشش و فعالیت‌های وی و دیگر همکارانش نظام فهرست‌نویسی متمرکز در کتابخانه‌های دانشگاه مشهد به اجرا درآمد. و از آن پس سازماندهی و آماده‌سازی کل مجموعه کتب فارسی، عربی و لاتین کتابخانه‌های دانشگاه مشهد در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسنتاد انجام گرفت. از دیگر فعالیت‌های پژوهشی او تدوین طرح فهرستگان کتاب‌های فهرست شده در دانشگاه مهشد بود که با سرپرستی و نظارت وی و کوشش همکارانش اولین جلد آن در سال ۱۳۶۲ منتشر شد. سپس دو جلد دیگر نیز به زیور طبع آراسته شد.

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های آموزشی ایشان به عنوان مدرس و سپس مربی گروه کتابداری آغاز شد و تا پایان عمر به انجام خدمات آموزشی اشتغال داشت.

از غلامحسین جاوید کبیری آثاری بر جای مانده است: طرح تشکیلات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه مشهد (مشهد، ۱۳۶۲)؛ طرح پیشنهادی برای ایجاد مرکز سفارش و تهیه‌ی مدارک (کتب و مجلات) (با همکاری حسن جاویدی و رحمت‌الله فتاحی، مشهد، ۱۳۶۲)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد ده ساله ۱۳۶۲ -۱۳۵۲) (با همکاری محمد جوان خندان، محمدعلی خاکساری، محمدرضا شالچیان، ملیحه ناظم، نقیب نقوی، مشهد، ۱۳۶۲)؛ نظارت بر بررسی اجمالی مسائل کتابخانه‌های دانشگاه مشهد (گروه تحقیق: حسن جاویدی، رحمت‌الله فتاحی، مهری پریرخ، مشهد، ۱۳۶۳)؛ پیرامون نقش آموزشی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد (با همکاری رحمت‌الله فتاحی، مشهد، ۱۳۶۳)؛ فهرست توصیفی انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد از بدو تأسیس تا مهر ۱۳۶۲ (با همکاری محمدعلی خاکساری و رحمت‌الله فتاحی، ۱۳۶۴)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد دو ساله ۱۳۶۴ -۱۳۶۲) (با همکاری حسن جاویدی، محمدعلی خاکساری، رحمت‌الله فتاحی، عاطفه عطرچی و ملیحه ناظم، ۱۳۵۶)؛ نظارت بر تحقیق کتاب فهرست پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، جلد اول (مشهد، ۱۳۶۷)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد سه ساله ۱۳۶۷ -۱۳۶۴) (با همکاری رحمت‌الله فتاحی، محمدعلی خاکساری، حسن جاویدی، ملیحه ناظم و محمد بنکدار، مشهد، ۱۳۶۹).

غلامحسین جاوید کبیری به سبب حمله‌ی قلبی در سوم آبان ۱۳۴۷ دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جاویدان، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۲.

درگذشت: ۱۳۷۰.

از آثار اوست: بررسی زبان، مبحثی در زبان‌شناسی همگانی (جورج یول، مترجمان اسماعیل جاویدان و حسین وثوق، تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جاویدی صباغیان، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جباری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی‌اکبر بن المرحوم مشهدی عیسی جباری از گویندگان نامی و ائمه جماعت سامی معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۳۸ قمری در شهر ری (حضرت عبدالعظیم حسنی) متولد شده و در یک خانواده عفیف و پاکدامن پرورش یافته و به تحصیل دروس کلاسی پرداخته و با نگارنده این گنجینه در کلاس ششم شرکت داشته و پس از پایان دروس جدید تا حدود متوسطه به دروس عربی مشتغل و مقدمات و سطوح را از علماء و مدرسین تهران فراگرفته و در دروس خارج آیت‌الله العظمی خونساری و آیت‌الله حاج سید ابوالحسن معارف اسلام در هیئت محترم بنی‌الزهراء و هیئات و مجالس دیگر مذهبی اشتغال و در مسجد محمدیه (واقع در خیابان زیبای تهران) به اقامه جماعت و تدریس و تفسیر قرآن مجید مشغول می‌باشند.

بیانی شیرین و ملیح و زبانی فصیح کلامی جامع و صوتی نیکو و منبری پر شور و حرارت دارد.

نگارنده گوید، جناب آقای جباری از علماء اخیار و گویندگان ابرار و پرهیزگار حال حاضر است و از چهل سال قبل که ایشان را شناخته‌ام به پاکی و صداقت و تقوا یافته و نقطه ضعفی از ایشان ندیده‌ام فرزند ارجمند ایشان جناب آقای آقا مهدی جباری از فضلاء اهل منبر و جوانان آراسته و با کمالست که در تهران و حومه به انجام این وظیفه خطیر اشتغال دارد.

آقای جباری دارای آثار علمی و قلمی هستند که هنوز به طبع نرسیده است عده‌ای از جوانان مستعد را تربیت نموده و در سلک روحانیت وارد نموده‌اند و غالب شبها در مسجد خود به گفتن درس تفسیر و مسائل احکام و مواعظه حسنه اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

جباری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه :

نام کامل : مجتبی جباری – متولد : ۱۶ خرداد ۱۳۶۲ – سن : ۲۵ سال – زادگاه : رباط کریم ، ایران – قد : ۱٫۸۲ متر اطلاعات باشگاهی :

باشگاه کنونی استقلال تهران – شماره پیراهن ۸ – پُست : هافبک باشگاه‌های جوانان :

۱۳۷۶ راه آهن

۱۳۷۷ – ۱۳۸۳ استقلال تهران باشگاه‌های حرفه‌ای :

۱۳۸۴ – ۱۳۸۳ ابومسلم مشهد

۱۳۸۴ – تا کنون استقلال تهران تیم ملی :

۱۳۸۴ ۵ بازی ملی تیم ملی :

جباری تاکنون ۵ بازی برای تیم ملی فوتبال ایران انجام داده است که بهترین بازی ملی وی مربوط می‌شود به مقدماتی جام ملتهای آسیا در بازی با تیم ملی چین تایپه در استادیوم آزادی. در آن بازی مربی تیم ملی فوتبال مکزیک که برای آنالیز تیم ایران (قبل از رقابتهای جام جهانی ۲۰۰۶) به ورزشگاه آمده بود مجتبی جباری را بهترین بازیکن تیم ایران نامید. مسلما مصدومیت نقش بسیار پر رنگی در کم بودن سوابق ملی وی داشته است.

باشگاهی :

جباری فوتبال را از جوانان راه آهن و زیرنظر سرمربی وقت آن شروع کرد. وی با بازیهای قابل قبولی که انجام داد توانست نظر احدی مربی وقت جوانان استقلال را به خود معطوف کند و راهی باشگاه استقلال شود. رشد جباری در فوتبال از همان سال آغاز شد و در پایان فصل و به دلیل مشمول بودن نظام وظیفه، وی برای گذراندن خدمت سربازی راهی تیم بزرگسالان ابومسلم خراسان شد. جباری در تیم ابومسلم تبدیل به یک هافبک خلاق شد و خیلی زود توانست خود را به شهرت برساند و به تیم ملی دعوت شود. در پایان فصل ۸۳ –۸۴ مجتبی جباری با گذراندن یک فصل کاملاً موفق در ابومسلم خراسان به تیم بزرگسلان استقلال تهران بازگشت و در همان فصل به همراه استقلال قهرمان لیگ برتر فوتبال ایران شد.

بهترین بازیکن و پدیده ایران :

مجتبی جباری با بازیهای زیبا و موثر توانست نقش بسزایی در قهرمانی استقلال تهران در فصل ۸۴ – ۸۵ داشته باشد و از طرف کارشناسان و مسئولان به عنوان بهترین بازیکن لیگ ایران و پدیده فصل انتخاب شد .

زندگی شخصی :

در روز بازی فینال جام حذفی سال ۱۳۸۷ ساعاتی پیش از شروع بازی پدرش درگذشت. اما به او اطلاع ندادند و در همان بازی یک گل زد و یک پاس گل داد و بهترین بازیکن میدان شد و مهمترین نقش را در قهرمانی استقلال ایفا کرد.

مصدومیت :

مصدومیت سخت مجتبی جباری در اردوی آماده سازی تیم ملی برای جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان در سوئیس ضربه سختی بر روند پیشرفت جباری وارد نمود. وی که پیش بینی می‌شد یکی از بازیکنان ثابت و پدیده تیم ملی در جام جهانی باشد با این مصدومیت ۱ سال از فوتبال به دور ماند و به همین دلیل جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، ۸۶–۸۵ لیگ برتر و جام ملتهای آسیا ۲۰۰۷ را از

دست داد. اکثر کارشناسان معتقدند که اگر وی در جام جهانی بازی می‌کرد می‌توانست به لیگهای معتبر جهان بپیوندد.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵–۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در جام حذفی ۸۷–۱۳۸۶ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸–۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

جباری، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب جباری زنجانی از علماء و ائمه جماعت معاصر زنجانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ ق در زنجان متولد شده و مقدمات و سطوح اولیه را در زنجان خوانده آنگاه به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و پس از آن از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ خارج فقه و اصول را استفاده کرده و به نجف اشرف مسافرت و از دروس و ابحاث آیات و مدرسین خارج نجف مانند آیت‌اللّه مرحوم حاج میرزا محمدباقر زنجانی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران بهره‌مند شده و به وطن مراجعت و تا اکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی در شهر زنجان اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جباریان، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا جباران

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در پنجم آذر ۱۳۳۷ هجری شمسی در ملایر به دنیا آمدم پدرم کشاورز بود و خود نیز تا سن ۲۰ سالگی که دروس دبستان و دبیرستان را به پایان بردم در کنار او کشاورزی می کردم.در سال ۱۳۵۶ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد آغاز کردم در پاییز ۱۳۵۹ از بروجرد به قم آمدم و تا سال ۱۳۶۵ جز در دو مقطع کوتاه که مسئولیت مدرسه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد و مسئولیت مدرسه علمیه امیر المومنین(ع) ملایر را به عهده داشتم، پیوسته در قم مشغول تحصیل بودم و در کنار تحصیل، کتب مقدماتی را نیز تدریس می کردم از سال ۱۳۶۵ به قصد شرکت در دفاع مقدس به منطقه غرب رفتم و به تناسب تجربه و تخصص خویش مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی بوکان را به عهده گرفتم تا سال ۱۳۶۸ در بوکان خدمت کردم آنگاه به قصد ادامه تحصیل به قم بازگشتم ولی پس از مدتی کوتاه در خرداد ۱۳۶۹ به مهاباد عزیمت کردم و به مدت ۱۵ ماه در سازمان تبلیغات اسلامی مهاباد به خدمت اشتغال داشتم پس از بازگشت مجدد به قم تا سال ۱۳۷۵ به تحصیل پرداختم. در طول مدت تحصیل سطح از محضربزرگانی چون مرحوم آیت الله شیخ محمد ابراهیم نجفی بروجردی، شیخ علی جواهری، شیخ رحمت الله صاحب الزمانی و شیخ غلامرضا مولانا در بروجرد و اکابری چون مرحوم وجدانی فخر، اعتمادی تبریزی، ستوده، کمره ای، نبوی و عالمی در قم بهره بردم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات وحید خراسانی، مکارم شیرازی ، سبحانی تبریزی و مروجی بروجردی و گنجی در حد وسع خویش بهره مند شدم. از سال ۱۳۷۵ به علل شخصی از شرکت در کلاس درس محروم شدم و مطالعات شخصی خود را در فقه و تاریخ ادامه دادم و نوشته های ناچیزی عرضه کردم. ترجمه را از سال ۱۳۶۰ و نوشتن را از سال ۱۳۷۱ آغاز کردم و در دو زمینه تقریر و تألیف چند کتاب نوشتم.

جبان اصفهانی، ابومنصور محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۱۶ ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی در ری به دنیا آمد و در اصفهان ساکن شد و به بغداد سفر کرد. جبان از ندیمان صاحب بن عباد و اصحاب ابوعلی فارسی نحوی بود. از جمله آثار وی: «انتهاز الفرص فی تفسیر المقلوب من کلام العرب»؛ «ابنیه الافعال»؛ «الشامل فی اللغه»؛ «شرح الفصیح»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :ریحانه (۲۸۵ -۲۸۴ /۵)، کشـف الظنون (۱۳۳)، معجم الادبـاء (۲۶۲ -۲۶۰ /۱۸)، معجم المـولفین (۳۱ -۳۰ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۸۰/۴).

جبرئیلی، محمدصفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صفر جبرئیلی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صـفر جبرئیلی در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را در کرج و سپس شـهرری آغـاز کرده و در قم ادامه داده ام که هنوز هم اشـتغال دارم. طبق سـنت حوزه از سال های آغازین تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشته ام.و لذا کتاب های ادبیات، منطق، فقه و اصول نیز در شـهرری، کرج و قم تـدریس کرده ام.بـا اینکه با سیکل وارد حوزه شـدم اما در کنار آن چهار سال دبیرسـتان را ادامه دادم و با اینکه به جهاتی زمینه ورود به دانشگاه را داشتم اما علاقه به حوزه و دروس آن موجب نرفتن به آن مرکز علمی شد.با شروع مراکز تخصصـی حوزه به جهت علاـقه و دغـدغه ای که در مبـاحث کلامی داشـتم در مرکز تخصصـی کلام شـرکت کردم و مـدت چهـار سـال در سـطح چهارم اشـتغال به تحصـیل داشـتم و از اساتیـد بزرگواری چون آیت آلله سـبحانی، حجـج اسـلام ربانی گلپایگانی، فیاضـی و دیگران استفاده کردم.بعد از گذشت یک سال از اتمام تحصیل برای تدریس در آن مرکز دعوت شدم. اکنون سومین سال است که در آنجا برای سـطح ۲ و ۳ تدریس دارم.به علاوه در مرکز جهانی مرکز تخصصـی فلسفه، و فرق و مذاهب نیز اشتغال به تدریس دارم. در بعضی مدارس حوزه نیز این توفیق را داشتم که به جهت کثرت اشتغال از ادامه آن محروم شدم.به جهت علاـقه ای که به تحقیق داشـتم از دهه هفتـاد رسـما "به نوشـتن و تحقیق پرداختم که بعضـی از مقالات در مجلات علمی چاپ شـده است. با توجه به احساس نیاز در کنار درس در زمان های خاص به تبلیغ و منبر و از جمله در دانشـگاه اشـتغال دارم.با مراکز علمی و تحقیقی نیز ارتبـاط و همکـاری داشـته و دارم.در خـارج اصول حضـرت آیت الله سـبحانی و در خـارج فقه در درس آیت الله شبیری زنجانی بهره برده ام که دومی هنوز ادامه دارد.

جبلی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبـدالواسع، بـدیع‌الزمان بن عبـدالجامع بن عمران بن ربیع غرجسـتانی، شـاعر ایرانی(ف. ۵۵۵ ه.ق.) از خانـدانی علوی در غرجستان ولاـدت یـافت، و در علوم زمـان مخصوصـا علوم ادبی کسب کمـال کرد، و در شاعری ممتاز شـد. سپس به مـدح شاهنشاه عصـر از غوریـان و سـلجوقیان و غزنویـان پرداخـت. از ممـدوحان وی طغرل تکین بن محمـد است که در ۴۹۰ ه.ق. بر خوارزم استیلاـ یافت. دیگر بهرام شاه بن مسـعود غزنوی است که عبدالواسع در آغاز شهرت خود چهار سال در دستگاه او به سر می‌برد، و چون بهرام شاه از سنجر استمداد کرد و سنجر به یاری او در ۵۱۰ به غزنین لشکر کشید، عبدالواسع به خدمت او پیوست و چندی در درگه او اقامت داشت و مورد علاقه سلطان بود. شعر او به لهجه عمومی زمان- که تا آنگاه با زبان عربی آمیزش بیشتری یافته بود- نزدیک شد. وی به کلام آراسـته مصـنوع و پیرایه‌های لفظی و زیورهای معنوی توجه بسـیار داشته. جبلی در شعر عربی هم دست داشت. دیوان او در تهران به طبع رسید.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

جداری عیوضی، رشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رشید جداری عیوضی در سال ۱۳۰۷ در تبریز متولد شد.ایشان دارای دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران (در سال ۱۳۴۶) می باشد.وی فعالیتهای آموزشـی خود را در سال ۱۳۴۰ با رتب ?مربی در دانشگاه تبریز آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ به سمت استادی منصوب شد. کتاب"دیوان حافظ "تصحیح،رشید جداری عیوضی ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رشید جداری عیوضی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز گذراند و در سال ۱۳۳۳ از دانشگاه تبریز لیسانس زبان و ادبیات فارسی اخذ کرد. در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۶ موفق به دریافت فوق لیسانس و دکترای خود از دانشگاه تهران گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رشید جداری عیوضی فعالیتهای آموزشی خود را در سال ۱۳۴۰ با رتب ?مربی در دانشگاه تبریز آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ به سمت استادی منصوب شد.

جوائز و نشانها : کتاب"دیوان حافظ "تصحیح،رشید جداری عیوضی ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : دکتر عیوضی علاوه بر مقالات متعددی که در نشریات و کنگره های علمی ارائه داده، آثار دیگری به رشته تحریر در آورده است. --
-----

آثار :

۱ تصحیح دیوان پیام تبریزی

ویژگی اثر : مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۱

۲ تصحیح دیوان حافظ براساس سه نسخ ?کامل کهن

ویژگی اثر : تصحیح،با همکاری دکتر اکبر بهروز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «دیوان حافظ» دیوان حافظ/ تدوین و تصحیح رشید عیوضی —. تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۶.- ۲ ج. این نکته مورد اتفاق است که اشعار حافظ در زمان حیات وی تدوین نشده و علاقه جامعان دیوان به تکمیل باعث شده است که حتی در کهن¬ترین نسخه کامل شناخته شده موجود نیز که فقط بیست و یک سال پس از وفات خواجه تدوین شده است اشعاری راه یابد که انتساب قطعی آنها به خواجه دشوار می نماید. همچنین محققان اتفاق نظر دارند در این که غالب اختلاف ضبط ها ناشی از بررسی مداوم حافظ در اشعار خود و تهذیب و تنقیح آنها بوده است و معلوم نیست ضبط کدام غزل در کدام نسخه کهن مطابق با آخرین نظر حافظ باشد. بنابراین در تدوین و تصحیح دیوان باید روشی اختیار شود که مصحح را به سرمنزل مقصود یعنی تهیه نسخه¬ای کمال مطلوب، نزدیکتر گرداند و حصول این نیت جز با اتکا به «منابع قابل اعتماد» و «اعمال روشی دقیق و احتیاط آمیز در تدوین و تهیه متن» امکان پذیر نخواهد بود. هم اکنون هشت نسخ ?کامل و دو نسخ ?ناقص و دو منتخب در دست است که در فاصل ?زمانی ۱۵ تا ۳۵ سال بعد از وفات خواجه نوشته شده اند و این «گنجینه عظیم» منابع قابل اعتمادی است که نیل به نسخ ?نهایی دیوان حافظ را نوید می دهد. مصحح محترم از میان نسخ مورد اشاره، هشت نسخ ?کامل را برای تهیه نسخ ?حاضر کافی تشخیص داده است. تاریخ استنساخ این هشت نسخه از ۸۱۳ تا ۸۲۷ هجری قمری است، یعنی در فاصله زمانی ۲۱ تا ۳۵ سال پس از درگذشت حافظ، و فعلاً این هشت نسخه را می توان کاملترین، کهن ترین و قابل اعتمادترین منابع اشعار حافظ دانست. کتاب دیوان حافظ تصحیح دکتر رشید عیوضی در دو جلد تدوین شده است. در جلد اول مصحح در مقدمه ای شیوه کار خود را تشریح کرده و در ادامه، متن کامل دیوان را — به ترتیب از غزلیات، قصاید، مثنویات، ترکیب¬بند، قطعات و فردیات و رباعیات — آورده است. جلد دوم کتاب، بخشی به ذکر نسخه بدلها اختصاص یافته و بخشی دیگر نیز شامل یادداشتهای مصحح می شود. --
----

منابع :

۱www.ketabesal.ir

جدیدیان، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید جدیدیان

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در اول فروردین ماه سال ۵۳ در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم و دوران کودکی خود را در کنار خانواده و جو موجود آن زمان سپری نموده و در مدارس دولتی تحصیلات خود را شروع کردم که دوره ابتدایی و راهنمایی دورانی شیرین و در عین حال پرخاطره بود و سپری شد اما دوره دبیرستان برایم زندگی دیگری آغاز شد و در مدرسه‌ای درس خواندم که حال و هوایش حوزوی و دانشگاهی بود و به شدت مرا تحت تأثیر جو حاکم در این مدرسه قرار داد به نحوی که شیوه زندگی‌ام در آن دوران تغییرات قابل توجهی نمود و مرا به سمت و سوی حوزه متمایل کرد و هدفم را چند برابر متمرکز در حوزه نمود مدرسه‌ای که درس خواندم

مدرسه علوم و معارف اسلامی شهید مطهری بود که تحت حمایت مدرسه عالی شهید مطهری تهران اداره می‌گردید که در این مدرسه با آموزش‌های کلاسیک و چند سالی نیز آموزش‌های حوزوی که کتاب‌های حوزوی همراه کتاب‌های دبیرستانی را فرامی‌گرفتیم. که در این سال‌ها بنده هم درس می‌خواندم و هم تدریس می‌کردم تا اینکه دیپلم گرفته و... ناگفته نماند که در دوران تحصیل دبیرستان با دروس حوزوی مأنوس بودم و به شدت علاقه به این دروس سیر زندگیم را به سوی هدف متعالی تغییر می‌داد.

بعد از دیپلم بدون معطلی در امتحانات حوزه علمیه قم شرکت نمودم و قبول شدم و رسماً از سال تحصیلی ۷۳ ـ ۷۲ وارد حوزه مقدس قم شده درس خود را آغاز نمودم و تحت نظر اساتید بزرگواری تعلیم دیدم که در این دوران علاوه بر تحصیل در مدرسه شریفه اباصالح عجل الله تعالی فرجه الشریف به تدریس دروس حوزه تا حدی که در توانم بود پرداختم و بعد از گذشت ۸ ـ ۷ سال تحصیلی وارد مرکز تخصصی حوزه علمیه در رشته حقوق و قضای اسلامی شدم و در آنجا سطح دو را خواندم و فارغ التحصیل شدم و الان در آن مرکز مشغول به تحصیل سطح سه در رشته جزا می‌باشم که در این مدت نیز از تدریس بی‌بهره نبودم در عین حال تحصیلات خود را به پایان رساندم و چند سالی است که مشغول به درس خارج بوده‌ام که در این مدت چند سال که از آمدنم به قم می‌گذرد همواره به تحصیل و تدریس در دانشگاه و مراکز حوزوی مشغول هستم تا چه خواهد...

جذبی اصفهانی، هبۀالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۷۴.

درگذشت: ۱۳۶۴.

رساله در باب ولایت و راه هدایت (تألیف، ۱۳۷۲)؛ کتاب توضیح شرح فارسی بر کلمات قصار بابا طاهر عریان تألیف ملا سلطانمحمد سلطانعلی‌شاه گنابادی (تهران، ۱۳۴۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جراح زاده، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منوچهر جراح زاده ، شاعر و نویسنده معاصر ،در سال ۱۳۱۲ در بندر انزلی بدنیا آمد.وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود،شعر می گفت و داستان می نوشت و به طنز می پرداخت.ایشان در روز شنبه ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۲ در تهران درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

زمان و علت فوت : منوچهر جراح زاده ، شاعر و نویسنده معاصر ، روز شنبه ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۲ در تهران درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر جراح زاده بازنشسته بانک بود و " موج سازان "عنوان کتابی است در عرصه شغلی وی که در آن مروری دارد بر عملیات بانکی .تلاشهای دیگرش در این زمینه،وی را شایسته دریافت عنوان نیروی باشزنسته فعال در عرصه بانکداری در سال ۱۳۸۰ کرد..وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود،شعر می گفت،داستان می نوشت و به طنز می پرداخت.با تبلیغات هم میانه خوبی داشت. متن تبلیغاتی برای مبلغان تلویزیونی تدارک می دید.

چگونگی عرضه آثار : مرحوم منوچهر حراج زاده هنگامی که نفس در سینه اش حبس شد و از منزل بر دوش یاران،دوستان و خویشان شعر سکوت و سکون را سرود و طنز زندگی را با قصه مرگ در آمیخت،یک دو جین تالیف از خود میراث ماندگار کرده بود. عنوان های همچون قلندرفدریا،هردمبیل،انزل چی و میم وجیم برخی امضاءهای جراح زاده پای اثار طنز وی در مطبوعات بوده اند. ــ

آثار :

۱ بر بافت های خون

ویژگی اثر : مجمعه شعر انقلاب

۲ بوسه بر آتش

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۳ تلاوت فواره ها

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۴ توفان در فنجان

ویژگی اثر : مجموعه طنز

۵ چلچله های جزیره

ویژگی اثر : داستان بلند

۶ خانه های شنی

ویژگی اثر : داستان کودکان

۷ خواب های قایقی

ویژگی اثر : داستان پیرامون فصاحت سلمان رشدی

۸ زنده های بی مزار

ویژگی اثر : مجموعه شعر طنز

۹ گیل آواز

ویژگی اثر : دو بیتی های تمثیلی

۱۰ نیمکت سنگی

ویژگی اثر : داستان جنگ

۱۱ یابو و هیاهو

ویژگی اثر : مجموعه داستان

۱۲ یک اسمان شعر

ویژگی اثر : پیرامون شعر

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۶ /۳۶۲ –۲۹۰ ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که ثعالبی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن‌مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن‌خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاهٔ ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطهٔ بین المتنبی و خُصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفهٔ التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالهٔ»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۴ /۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴ –۳۵۵ /۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۷۳ –۲۷۱ /۴۰۰ –۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۴۶ /۷)، ریحانه (۴۰۲ /۱)، سیر النبلاء (۲۱ –۱۹ /۱۷)، الکامل (۸۸ /۷)، کشف الظنون (۱۴۷۱ ،۷۸۲)، الکنی والالقاب (۱۴۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۱۲۳ /۷)، معجم الادباء (۳۵ –۱۴ /۱۴)، هدیهٔ العارفین (۶۸۴ /۱)، وفیات الاعیان (۲۸۱ –۲۷۸ /۳).

جرجانی، ابوبکر عبدالقاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۷۴/۴۷۱ ق)، ادیب، نحوی و لغوی شافعی. از پیشوایان نحو و ادبیات عرب و از مشاهیر علمای اعیان و بنیانگذار علم معانی و بیان بود. در جرجان متولد شد و نحو را در جرجان نزد ابوالحسین محمد بن حسن ابن اخت استاد ابوعلی فارسی، فراگرفت. وی اشعار نغز و طرفه هم می‌گفته، عبدالقاهر در جرجان درگذشت. از آثار وی: «اسرار البلاغه»؛ «دلایل الاعجاز»؛ «الجمل»؛ «التتمه»؛ «المغنی فی شرح الایضاح»؛ «المقتصد»؛ «اعجاز القرآن صغیر»؛ «العمده فی تصریف الافعال»؛ «العوامل المئه»؛ «المفتاح فی شرح الصحاح»؛ «اعجاز القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۴/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۵/۱)، دایره المعارف فارسی (۷۳۴/۱)، روضات الجنات (۸۹ –۸۵ /۵)، ریحانه (۴۰۱/۱)، سیرالنبلاء (۴۳۳ –۴۳۲ /۱)، کشف الظنون (۱۷۶۹ ،۱۱۷۹ ،۱۱۶۹ ،۷۵۹ ،۶۰۲ ،۴۵۴ ،۴۵۳ ،۲۱۲ ،۱۲۰ ،۸۳)، الکنی و الالقاب (۱۴۵ –۱۴۳ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقاهر)، معجم المولفین (۳۱۰/۵)، هدیه العارفین (۶۰۶/۱).

جرجانی، جمال‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۹ ق)، دانشمند، فقیه، متکلم، ادیب و محدث امامی. وی در استرآباد به دنیا آمد و مقدمات علوم را در این شهر فراگرفت، سپس به هرات رفت و نزد ملاحسن حسابی به تحصیل علوم دینی پرداخت و شرح «اللوامع» و کتابهای دیگری را در محضر درس او فراگرفت. وی چندی به وزارت رسید، گویا با امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی مجادله و درگیری داشت، گویند وی با محقق کرکی مجالست و موانست داشت و از محقق کرکی «شرح قوشچی» را آموخت. از جمله آثار وی، شرح «تهذیب الاصول» علامه می‌باشد که در ۹۲۹ ق از تالیف آن فراغت یافت. این شرح در میان اصولیان شیعه بسیار معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۶/۱۳)، روضات الجنات (۲۱۱/۲)، فوائد الرضویه (۸۴).

جرجانی، شمس‌الدین، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، ادیب نحوی، متکلم و نویسنده. ملقب به میر سید شمس‌الدین و معروف به ابن شریف. در شیراز متولد شد. وی پس از تحصیل دانش، برخلاف مذهب پدر، تشیع اختیار کرد. شمس‌الدین ادیب و حکیمی زبده بود و آثار بسیاری تالیف و تصنیف کرد، از جمله: شرح «هدایه الحکمه» ابهری؛ شرح «ارشاد الهادی» تفتازانی، در نحو؛ شرح «الفوائد الغیاثیه»، «غره» و «دره» در منطق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۰/۷)، الذریعه (۱۷۵/۱۴، ۸۱/۱۳، ۷۷/۷)، ریحانه (۲۴۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹ ۱۲۰/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ جرجانی)، مجالس المومنین (۲۲۱ -۲۲۰ /۲)، هدیه العارفین ۱۸۹/۲).

جرموقی خراسانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۷۹ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. به جرموق از روستاهای خراسان انتساب دارد. وی از علمای بزرگ کاظمین به حساب می‌آید. او در علوم عربیت و در فنون عقلی و در قواعد فقهی و اصولی ماهر بود. سید محمدمهدی صاحب «احسن الودیعه» از شاگردان جرموقی است. در کاظمین درگذشت و طی تشییع باشکوهی در نجف دفن شد. از آثار وی: شرح «کفایه الاصول»، در فقه؛ رساله‌ای در «متنجّس»؛ «الاسئله الکاظمیه»؛ «دیوان» شعر؛ حواشی غیر مدون بر کتب علمیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵/۸)، الذریعه (۱۸۸/۶، ۹۱ -۹۰ /۲)، علماء معاصرین (۱۲۶ -۱۲۵).

جزایری شوشتری، عبداللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، ادیب، محدث، مورخ و فقیه شیعی. یکسر مذهب اخباری داشت و منکر طریقه‌ی اجتهاد بود. وی از مشایخ اجازه‌ی روایت سید نصراللّه مدرس بود و خودش نیز از پدرش و سید امیر محمدحسین خاتون آبادی روایت می‌کرد. از آثار وی: «الاجازهٔ الکبیرهٔ»؛ «اجوبهٔ مسائل السید علی نهاوندی»؛ «الانوار الجلیهٔ»؛ «التذکرهٔ فی التاریخ تستر»؛ «تاریخ شوشتر»؛ «حاشیه ریاض السالکین»؛ «حاشیه نقد الرجال»؛ «شرح مفاتیح الحکام»، ملا محسن فیض؛ «شرح نخبه‌ی» فیض؛ «الذخیرهٔ الباقیهٔ»؛ «الحاشیهٔ علی اربعین البهایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۷/۸)، الذریعه (۳۸۲ -۳۸۱ /۲۱ ،۲۵۴/۲۰، ۱۰۲/۱۴، ۱۵/۱۰، ۸۴۲، ۶۹۴، ۹/ ۲۵، ۱۳/۶، ۸۹/۴، ۲۴۵ - ۲۴۳ /۳ ۴۲۴، ۴۲۳- /۲)، روضات الجنات (۳۷۲ ۲۵۳، ۲۴۹- /۴)، ریحانه (۱۱۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۷۱۶ -۷۱۵)، فوائد الرضویه (۲۵۷ -۲۵۶)، الکنی والالقاب (۳۳۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جزایری)، معجم المؤلفین (۱۶۰/۶).

جزایری شوشتری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۹۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. جد بزرگش محمدجعفر از شوشتر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو سکنی گزید. سید محمدعلی نیز در آنجا به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. در سال ۱۳۲۵ ق رهسپار عتبات عراق شد و در نجف نزد استادانی چون آخوند خراسانی، آقا سید محمدکاظم یزدی، آقا ضیاءالدین عراقی تحصیل کرد. پس از شش سال به زادگاهش بازگشت و در بنیاد علمی شعبه‌ی عربی کالج به تدریس پرداخت و شاگردانی چون

سید علینقی نقوی، میرزا یوسف حسین، شیخ محمدبشیر انصاری و سید ثمرحسن را می‌توان نام برد. در سال ۱۳۵۵ ق به عراق رفت با شیخ آقابزرگ تهرانی دیدار کرد. وی در شعر دست توانایی داشت و به سه زبان فارسی و عربی و اردو شعر می‌سرود. از جمله آثار وی: «الافادات المحمدیه»؛ «تخمیس قصیده‌ی علویه» به عربی که سروده‌ی پدرش بود؛ شرح «یوان امرىء القیس»، به اردو؛ شرح «رنات الطرب فی قصائد العرب»، به اردو؛ «مزاعم العرب فی الجاهلیهٔ»؛ «دیوان» شعر به عربی؛ «ضبط الغریب من لغهٔ العرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۴/۱۵، ۲۹۲، ۱۶۵/ ۱۳، ۲۵۴/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۲ -۱۴۶۰ /۱۴)، مستدرکات اعیان (۲۹۸/۲، ۱۸۸/۱).

جزایری شوشتری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم، ادیب و نویسنده‌ی امامی. از جمله آثار وی: «خصایص الزینبیه»، در شرح حال زینب کبری (ع)، به فارسی است و عالمان بزرگی چون آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و حاج میرزا حسین شهرستانی و شیخ العراقین در تقریظات خود از آن ستایش کرده‌اند. این کتاب در سال ۱۳۴۱ ق در نجف به چاپ رسیده است. این اثر به اردو نیز ترجمه و چاپ شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۷/۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۸ -۶۴۷ /۶).

جزایری، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید صدرالدین جزایزی شوشتری ابن العلامه الجلیل السید حسین بن العالم النبیل السید محمد علی بن العلامه السید عبداللّه بن العالم العلام السید علی اکبر بن العلامه المحدث (صاحب کتاب الاجازه) السید عبداللّه بن العالم الجلیل السید نورالدین بن العلامه الکبری و الایه العظمی السید نعمت اللّه جزایری موسویست.

معظم له از مشاهیر علماء مبرز معاصر تهران است که بعلم و فقاهت و فضل و وجاهت موصوف و متصف میباشد.

تولدش در هفتم ذی‌الحجه ۱۳۱۳ ق در نجف اشرف واقع شده و در حدود چهار سالگی در مدرسه مروی رفته و ادبیات و سطوح را تقریبا تا ۱۲ سال در تهران خدمت مرحوم والدش و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا نوری و آیت‌اللّه آقا میرزا احمد آشتیانی بپایان رسانیده و در ماه شعباه ۱۳۲۵ ق به مشهد مقدس مشرف و قریب هفت سال خدمت جمعی از علماء آنجا مثل مرحوم حاج فاضل و مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی قمی و دیگران تلمذ نموده و از آنجا بعتبات عالیات مشرف و مدت ده سال در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّه نائینی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی تلمذ نموده و غالبا از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالغفار مازندرانی کسب فیض نموده و از کلمات نفیسه و شریفه ایشان که نوعا استفادات معارف و اخلاقیات از کتاب ایشان بود استفاده نموده و پنجسال هم در کربلا از محضر مرحوم آیت‌اللّه قمی فقها و اصولا بهره‌مند شده آنگاه برای زیارت والد ماجدش به تهران آمده و بالضروره رحل اقامت افکنده به اقامه جماعت در مسجد عباس آباد بازار و تدریس فقه و اصول و سایر وظائف دینی و روحی تا حال حاضر اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم گرامی از مدرسین و اساتید مبرز و ماهر مدرسه مروی می‌باشند و حوزه درس فقه و اصولشان مورد استفاده‌ی فضلاء و محصلین تهران بوده و میباشد ادام اللّه توفیقه و ظله.

(۱۳۸۶ -۱۳۱۳ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. سید صدرالدین در نجف به دنیا آمد و در چهار سالگی همراه پدر به تهران آمد و از همان سال در مدرسه مروی به تحصیل ادبیات و سطوح، در نزد پدرش و آیت‌اللّه سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ محمدرضا نوری پرداخت و «شرح اشارات» را در محضر آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی فراگرفت. ۱۳۲۵ ق به مشهد رفت و از حوزه‌ی درس آقازاده و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی مدت هفت سال بهره گرفت و سپس به عتبات رفت و مدت ده سال در نزد علامه نایینی و حاج شیخ محمدحسین اصفهانی به فراگیری فقه و اصول پرداخت. وی پس از آن مدت پنج سال نیز نزد آیت‌اللّه قمی در کربلا به تحصیل فقه و اصول ادامه داد. آنگاه به تهران آمد و از مدرسان و استادان فقه و اصول مدرسه مروی شد. از آثار وی «یادداشتهایی در عقاید و مساله ولایت اهل بیت (ع)» را می‌توان نام برد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۲/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۳۰ -۲۲۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۲ -۴۲۱/ ۴).

جزایری، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اصغر بن السید الجلیل و العالم النبیل حاج سید محمد حسین بن العلم العلام حاج سید محمدکاظم بن العلامه آیت‌اللّٰه آقا سید محمد علی موسوی جزایری از علماء اعلام معاصر تهران و مشاهیر احفاد علامه جزایری است.

وی در ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۱۴ ق در نجف اشرف متولد شده و پس از دوران صبا در معیت مرحوم والدش به تهران آمده و از محضر مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی مدرس مدرسه مروی متوفی ۱۳۲۷ ق که ماده تاریخ فوتش کریمه‌ی (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداللّٰه) و آیت‌اللّٰه حاج صید محمد تنکابنی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده نموده و در اوائل تاسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و بعد مقداری از آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و مسافرتی هم به نجف اشرف نموده و مدت کوتاهی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی مستفیض گشته و در تهران بوظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد (حاج میرزا شفیع) در اول خیابان جنوبی خیام و ترویج دین اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فخرالدین بن حجهٔالاسلام حاج سید علی بن آیت‌اللّٰه میر محمد علی جزایری از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۰۸ ق متولد شده و در خاندان فضیلت تربیت شده و پس از خواندن متون فقهی و اصول نزد مدرسین و علماء تهران مانند آقا سید محمد مدرسی یزدی و مرحوم آقا شیخ مسیح طالقانی و آقا شیخ علی نوری و در سال ۱۳۴۳ قمری به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و آیات دیگر استفاده نموده و در اواخر مرحوم آقای حایری به تهران مراجعت و تاکنون به اقامه و ترویجات دینی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۲۴ ق)، طراح و رسام فلزات. وی در ساختن اسطرلاب مهارت داشت. از آثار رقم‌دار این هنرمند که به همکاری برادرش انجام پذیرفته، اسطرلاب نفیسی است که برای شاه سلطان حسین صفوی ساخته شده و چنین رقم نهاده: «صنعه اقل الطلبه عبدالعلی بن محمد الجزائی، نمقه اقل الطلبه اخ الصانع محمدباقر ۱۱۲۴».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۶۹/ ۲).

جزمه‌ای قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد جزمه‌ای از علماء مبرز و معروف شهرستان قزوین بوده‌اند. آن مرحوم در قزوین متولد شده و پس از رشد و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح در زادگاهش به نجف اشرف مهاجرت نموده و چندین سال در آن سامان از محضر آیتین علمین علامتین آیت‌اللّٰه آخوند خراسانی صاحب کفایه و آیت‌اللّٰه آقا سید کاظم یزدی صاحب عروه استفاده نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد و دریافت اجازه اجتهادی از معظم لهما شده که نسخه هر دو نزد نگارنده موجود است.

سپس به قزوین مراجعت کرده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و سرسختانه با منکرات و فحشاء و عاملین آن مبارزه کرده و تا پای ریشه‌کن کردن فساد و مفسدین چه یهود و چه غیر آن مقاومت می‌نمود و در موضوع کشف حجاب نیز در برابر رضاخان و عمالش مبارزه منفی نموده و از شهر مهاجرت و تا مدتی به شهر نیامده تا این موضوع نسبتا راکد و متوقف شد.

و آن بزرگوار در اثر تقوا و پرهیزکاری و پارسائی در نزد مردم محبوبیت داشت و او را مستجاب الدعوه می‌دانستند. زیرا سالی در قزوین باران نیامد باغات و کشتها خشکید و مردم و کشاورزان به وحشت و هول و هراس قحطی و کمبود افتادند پس آن مرحوم بنا بر دستور والد ماجدشان مرحوم حاج سید ابوالقاسم جزمه‌ای به نماز استسقاء و باران رفته و دعا نموده و باران مفید و سودمندی بارید و مردم بخصوص کشاورزان از نگرانی درآمدند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جزمی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجار.

تولد: ۱۲۵۶(۱۳۰۶ ق.)، بجنورد.

درگذشت: ۱۳۶۷، بجنورد.

حسین جزمی از معماران و حجاران بجنورد بود که حرفه‌ی نقاشی ساختمان و سنگ‌تراشی را در عشق‌آباد (شوروی سابق) آموخت. نقوش «رستم»، «سهراب» و «اسفندیار» در سر در مغازه‌های جنب مسجد جامع بجنورد و پل قدیم باباامان از جمله کارهای اوست. حسین جزمی در سن صد و دوازده سالگی در بجنورد درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جزی، محمد جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آخوند ملا عبدالکریم جزی از فضلا و ائمّه جماعت اصفهان، در سفر زیارت در ۱۴ ذی قعده ۱۳۸۳ در مشهد وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جزی، محمّد جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آخوند ملّاعبدالکریم جزی، از فضلاء و ائمه جماعت اصفهان، در سفر زیارت مشهد در شب ۱۴ ذیعقده ۱۳۸۳ در مشهد وفات یافت و همانجا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جعفر آقائی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن از علماء و ائمه جماعت حاضر شاهرودند که در مسجد خیانیها به نماز جماعت و تبلیغ احکام مشغول می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جعفر پیشه فرد، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی جعفر پیشه فرد

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد شهر اصفهان در سال ۱۳۴۰ می باشم. سال ۱۳۵۸ دررشته ریاضی فیزیک از دبیرستان ادب اصفهان موفق به اخذ دیپلم گردیدم. اواخر دوره دبیرستان در کنار دروس دبیرستان و همزمان با دوران خفقان و مبارزات علیه نظام ستم شاهی و شرکت در جلسات مذهبی به همراه شهیدان بزرگواری همچون مصطفی ردانی پور و شهیدان عبدالله و رحمت الله میثمی با الهام از اندیشه های متعالی امام خمینی (قدس سره) شروع به خواندن دروس حوزوی و جامع المقدمات کردم. سال ۱۳۵۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. تا سال ۱۳۶۱ دروس مقدماتی را نزد اساتید گرانقدر آن حوزه کهن شامل: جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، معالم الاصول وبخش هایی از مختصر المعانی ، بدایهٔ الحکمه، منظومه ، منطق ، شرح لمعه و غیره را به پایان بردم. درسال تحصیلی ۶۱ توفیق ورود به حوزه علمیه پر رونق و با نشاط قم نصیبم گردید و ادامه دروس سطح را که از اصفهان شروع شده بود نزد اساتید برجسته و مبرز حوزه در آن زمان همچون آیات و حجج بزرگوار، ستوده، وجدانی فخر، اشتهاردی، اعتمادی، سید علی محقق

داماد، مسعودی، صالحی افغانی (حفظهم الله) به پایان بردم و از سال ۱۳۶۵ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام حوزه، به ویژه حاج شیخ جواد تبریزی، حاج شیخ محمد تقی بهجت، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و غیره شرکت جستم.
ضمنا در طول دوران تحصیل همزمان با تحصیل در فقه و اصول از دروس حکمت اساتید بزرگوار حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و مصباح یزدی بهره جسته و موفق به تلمذ کتاب های منظومه، اسفار، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم، و غیره شد ه ام. در کنار خوشه چینی از محضر اساتید حوزه و تحصیلات حوزوی، در دوره اول کارشناسی ارشد تربیت مدرس دارالشفاء قم نیز به سال ۱۳۶۷ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۱ با دفاع از پایان نامه آن دوره را با عنوان " پدیده و علیت " موفق به اخذ مدرک آن گردیم. در بخش تدریس همزمان با تحصیل در حوزه اصفهان به لطف الهی درس و بحث متون خوانده شده را آغاز کردم و این برنامه همواره تا حال حاضر، با عنایت حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف تداوم داشته است و از دروس مقدماتی و ادبیات تا شرح لمعه وسطوح عالی همچون حلقات الاصول، رسائل و مکاسب و کفایه تا خارج فقه و اصول و همچنین دروس منقول همچون بدایه و نهایهٔ الحکمه و اسفار اربعه را ، به فضل پروردگار در مراکز مختلف علمی حوزه، همچون فیضیه، دارالشفاء ، مدرسه حجتیه، مدرسه شهیدین، جامعه الزهراء، یا دانشگاه ها ارائه کرده ام و هم اینک به عنوان هیئت علمی و عضو گروه فقه و اصول مرکز جهانی توفیق خدمت دارم ؛ ضمن آنکه از سال ۱۳۷۶ همکاری با بخش استفتائات کتبی و شفاهی دفتر مقام معظم رهبری ، نصیبم شده است. در بخش پژوهش و تحقیق، کار رسمی تحقیق و قلم زدن حقیر به طور رسمی از حدود سال ۷۲ با همکاری با ستاد مبارزه با مواد مخدر و تالیف کتاب اضرار به نفس، با کمک بعضی از دوستان شروع شد و در ادامه به همکاری در بخش تحقیقات دبیرخانه خبرگان و برخی مراکز پژوهشی دیگر پرداختم که حاصل آن ارائه چندین جلد کتاب بوده است، ضمن آنکه توفیق تهیه ده ها مقاله برای کنگره ها و نشریات معتبر داخلی و خارجی و روزنامه ها را داشته ام و اکنون افتخار عضویت در تحریریه برخی از مجلات مثل مجله حکومت اسلامی را دارا می باشم.

جعفرپور، عبدالجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اهواز در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲ و دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه جرج تاون آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار زبان‌شناسی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۶ و دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و بررسی تحلیلی و تطبیقی روش و محتوای کتابهای زبان انگلیسی مدارس، بررسی ارزشیابی توان صحبت کردن و درجه اعتبار نمرات آزمون‌گران و تهیه فرهنگ بسامدی و دستور ساختار توصیفی زبان فارسی نوشتاری معاصر با استفاده از کامپیوتر، تدریس دروس زبان انگلیسی، آزمون، روش تدریس مسائل زبان‌شناسی، ارزشیابی، مقدمه زبان‌شناسی، دستور پیشرفته، گفت و شنود، درک مطلب و فنون یادگیری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

تهیه مجموعه آموزشی فارسی به دیگر زبانان

A basic Course in Reading English for University students, A Course in testing English as foreign language readings, pronunciation exercises and writing exercisis.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

نقدی بر یکی از آزمونهای انگلیسی امتحانات نهائی وزارت آموزش و پرورش، دیکته چیست و چه می‌سنجد؟ و مقالاتی چند به زبان انگلیسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جعفری پور، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن جعفری پور

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

جعفری فرانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جعفری فرانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روستای فرانی از توابع شهرستان اردستان واقع در استان اصفهان گذراندم و برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمائی و دبیرستان راهی شهر اصفهان شدم در سال ۱۳۵۸ در رشته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال ۱۳۶۱ پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت نمودم و از این سال تحصیلات حوزوی را در مقطع ادبیات آغاز کردم . در سال ۱۳۶۹ دوره سطح را تمام کردم و در حلقه درس خارج آیات عظام شرکت نمودم که در حال حاضر نیز به صورت مختصر ادامه دارد در کنار دروس فقه واصول در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دانشگاهی در رشته حقوق از داشنگاه مفید شدم و در سال ۱۳۷۶ نیز با شرکت در آزمون سراسری کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام .

جعفری همدانی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ غلامحسین جعفری همدانی از علماء ابرار معاصر تهرانست و در یکی از شبستانهای جنوبی مسجد جامع به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارد.

تولد آنجناب در حدود سال ۱۳۲۵ ق در ده هنجرین در جزین همدان واقع شده و در تحت تربیت مرحوم والدش که مرد متدین و با تقوا و به عدالت موصوف و به تقوا و پرهیزکاری معروف بوده نشو و نما یافته و در محل خود تحصیل مقدمات نموده و به همدان آمده و قسمتی از ادبیات را در آنجا خوانده آنگاه به قم مشرف و مقداری از سطوح را چند سالی در حوزه علمیه قم فراگرفته و بعد مهاجرت به نجف نموده و کفایه را نزد مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی سطحا و خارجا استفاده نموده و بعد در درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی فقها و اصولا- شرکت کرده و هم از دروس اصول و فقه فقیه اهل البیت آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و مقداری هم در درس مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شده و از معقول مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید حسین باد کوبه‌ای بهره‌مند گردیده است چندین سال در نجف بتدریس متون فقه و اصول اشتغال داشتند تا در سال ۱۳۶۸ ق که به ایران مراجعت و در تهران رحل اقامت افکنده و تا هم اکنون بخدمات دینی و روحی و تدریس اشتغال دارند در امور دینی بسیار متعصب و غیور و در امر بمعروف و نهی از منکر حتی المقدور کوتاهی نمی‌کند و در همین زمینه ابتلا آتی داشته و تحمل مشاقی در راه دین نموده است.

از آثار قلمی ایشان است: ۱- جزاوتی از دروس و مباحثات آیت‌اللّٰه مشکینی. ۲- جزوات تقریرات دروس آیت‌اللّٰه اصفهانی. ۳- دوره‌ی تقریرات دروس آیت‌اللّٰه آقا ضیاء الدین عراقی ۴- تقریرات درس آیت‌اللّٰه نائینی. ۵- تقریرات دروس آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جعفری، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد جعفری

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیّه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان زنجان شدم و همزمان دوره دبیرستان را در مدرسه شبانه خواندم و دیپلم تجربی گرفتم. بعد از اتمام پایه ششم حوزه در زنجان، در سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیّه قم شدم و طی ۳ سال مقطع سطح حوزه را به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج فقه آایت الله العظمی سیّدموسی شبیری زنجانی و درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی شدم و همزمان در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. مدّت شش سال حضور مداوم در درس اصول و تفسیر داشتم و در درس فقه اینک نیز شرکت می کنم.

در سال ۱۳۸۰ وارد مرکز تخصصی مهدویت قم شدم و سال ۱۳۸۳ سطح چهار حوزه (دکترا) را در آنجا تمام کردم. از بدو ورود به قم در درس شرح منظومه استاد مهندسی شرکت کردم و کلّ کتاب را با ایشان خواندم و بعد به درس شرح اشارات استاد غلامرضا فیاضی رفتم که بعد از دو سال آن درس را به استاد حشمت پور سپردند و بنده درس را با ایشان ادامه دادم. کتاب بدایه و نهایه علامه طباطبایی را نیز با نوارهای استاد فیاضی خودم مطالعه کردم. در سال ۱۳۸۱ حدود شش ماه در کلاسهای حدیث دارالحدیث شرکت کردم. مقاله«جمال یار» در اوصاف ظاهری حضرت که در مجله انتظار فصل نامه تخصصی مهدویت در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده بود در اولین جشنواره مطبوعات، مقاله برگزیده شناخته شد.

حوزه اصلی پژوهش بنده موضوع امامت و مهدویت است و مقالاتی را غیر از مقاله جمال یارنوشتم که در قسمت مقالات به آنها اشاره خواهم کرد. بنده از سال ۱۳۸۳ شروع به تدریس منبع شناسی در مرکز تخصصی مهدویت در مقطع سطح سه حوزه کردم و در سال ۱۳۸۴ نیز مسئولیت واحد پرسش و پاسخ پژوهشکده مهدویت را بر عهده دارم و کارهای تحقیقی و پژوهشی برای پاسخ به سوالات و شبهات راجع به امام عصر(عج) را انجام می دهم و در تابستانها نیز از طرف مرکز تخصصی مهدویت برای تدریس دوره های فشرده مهدویت عازم شهرستانها می شویم و در حوزه های علمیّه تدریس می کنم.

جعفری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا جعفری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱۰/۱۸

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۷۳بعد از اتمام خدمت سربازی به حوزه علمیه تهران وارد شدم و د ر مدرسه امین الدوله خدمت حضرت آیهْ الله حق شناس دام ظله مشغول فرا گیری علوم حوزوی شدم. بعد از اتمام پایه ششم درسال ۱۳۷۶به مدت یکسال در مدرسه امام حسین علیه السلام تهران مشغول کار آموزشی بودم. بعد از آن به قم مقدسه آمدم .

در سال ۱۳۷۸ در دروس مکاسب و رسائل مدرسه آیهْ الله گلپایگانی مشغول تحصیل شدم و د رهمان سالها درکلاسهای به اصطلاح تابعه که از طرف دفتر آیه الله فاضل(ره) برگزار شده بود شرکت داشتم تا اینکه در سال ۱۳۸۳وارد مرکز تخصصی فقه واصول ائمه اطهار و درحال مشغول می باشم . در ضمن به طور غیر حضوری در مؤسسه امام خمینی(ره) در رشته کلام مشغول تحصیل می باشم.

جعفری، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رسول جعفری شیاده

محل تولد : شیاده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید رسول جعفری شیاده معروف به جعفری فرزند مرحوم سید علیجان جعفری شیاده در سال ۱۳۳۱ ه. ش در روستای شیاده از توابع شهرستان بابل به دنیا آمدم. دوران کودکی را در آنجا سپری کردم اما با وجود مدرسه دولتی در آن جا ، از تحصیل در آن محروم بودم؛ زیرا مرحوم پدرم چنین می پنداشت که در مدارس دولتی نه تنها بچه ها تربیت اسلامی پیدا نمی کنند که بی تربیت نیز می شوند! و بی دین بار می آیند لکن چون خود او سواد قرآنی یا خواندن و نوشتن داشت، مرا نیز بر این اساس خوانا و نویسا بار آورد؛ لذا در سن شانزده سالگی یعنی در اواخر سال تحصیلی ۱۳۴۷ ه ش، که به مدرسه علمیّه مسجد آقا عباس آمل به عنوان طالب علم مراجعه کردم.

زمینه تحصیل علوم حوزوی را داشتم و در سال بعد به حوزه علمیه مسجد جامع شهرستان آمل منتقل شدم و چون همزمان با دوران خدمت سربازی بود و می بایست کارت تحصیلی دوره آموزش و پرورش دریافت می کردم و این مشروط به داشتن حداقل مدرک ششم ابتدایی بود و من از آن محروم بودم، به ناچار به راهنمایی مرحوم آیت الله سعیدی کاشمری مدیر حوزه علمیّه مسجد جامع، در کلاس ششم ابتدایی به صورت متفرقه یا کلاس شبانه در دبستان سعدی مشغول تحصیل شدم و پس از سه ماه در امتحانات خرداد ماه ۱۳۴۹ شرکت کردم و قبول شدم.

قبولی در این آزمون که به آسانی و صرف کمترین هزینه و وقت همراه بود، مرا وسوسه یا تشویق کرد که همزمان با ادامه تحصیل دروس حوزوی ـ و البته به صورت قاچاق و به دور از چشم مدیریت مدرسه! ـ و هم چنان به صورت متفرقه، دروس دبیرستانی را پی گیری کنم و بنا بر این در خرداد سال ۱۳۵۰ در کلاس اول دبیرستان نیز قبول شدم. در همین سال ـ یعنی سال ۱۳۵۰ ـ برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت کردم و در مدرسه حاج شیخ عبدالحسین پاچنار یا مدرسه آذربایجانی ها مشغول شدم. در این مدرسه که با اشراف مرحوم آیت الله خسروشاهی اداره میشد، در مدت سه سال تحصیلی، قسمتی دیگر از مقدمات و نیز سطح و همزمان کلاس هشتم و نهم دبیرستان ـ نظام قدیم ـ به اتمام رسید. درسال ۱۳۵۳ به حوزه مقدسه قم وارد و مشغول تحصیل شدم و درسال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ قسمتی از مقدمات را تدریس می کردم و در این سال ها تا سال ۱۳۶۰ که البته در اثر انقلاب و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به طور طبیعی با تعطیلی دروس حوزوی همراه بود، لمعتین، اصول فقه، رسائل و مکاسب و کفایه و در علوم عقلی، بدایه الحکمه و نهایه الحکمه مرحوم علامه طباطبایی را به پایان رسانیدم.

در سال ۱۳۶۰ توفیق حضور در در س های خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و بعدها آیت الله شیخ جواد تبریزی را یافتم. در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ در کلاس های عربی و انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شرکت کردم و به مدت دو سال، همزمان با تحصیل علوم حوزوی دوره مکالمه و انشاء زبان عربی و انگلیسی را به پایان بردم. در سال ۱۳۶۳ دوره آموزش یا معلمی زبان انگلیسی را در بخش زبان نیروی هوایی جمهوری اسلامی در تهران به اتمام رسانیدم و مدتی نیز در قسمت آموزش زبان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به تدریس این زبان اشتغال داشتم اما چون به نظر می رسید اشتغال به تدریس زبان با اشتغال به تدریس و تدرس دروس حوزوی برخورد دارد، از آن صرف نظر کردم.

در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ ضمن تحصیل در درس های خارج فقه و اصول وشرح منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار اربعه تا جلد چهارم را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی (دام ظله) تتلمذ کردم که در آن سال (۱۳۶۸) به علت منع پزشکان از تدریس حضرت آیت الله حسن زاده آملی، حوزه علمیه از افاضه این فیض الهی محروم شدم. در سال ۱۳۶۱ به مدت چهار سال تحصیلی، به صورت هفتگی جلسات ادبی فارسی به همراه دوستان برگزار می کردم و در این ارتباط، مقالات ادبی و وصفی و تحقیقی و اشعاری چند آفریده شد. در سال ۱۳۶۹ در ماه مبارک رمضان برای اولین بار به عنوان مبلغ عرب زبان به لبنان اعزام شدم که این مساله به لطف خداوند در ایام تبلیغی محرم و رمضان و گاه تعطیلات تابستان ادامه یافته است و هم چنان ادامه دارد.

البته در خلال این سال ها یعنی در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ دو بار به عنوان مبلغ به یونان اعزام شدم که برای ایرانیان ، مهاجران عرب و پاکستانی به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی تبلیغ می کردم. هم چنین چند بار در سوریه مشغول تبلیغ بوده ام. از سال ۱۳۷۴ نیز به عنوان مبلغ زبان دان در ایام حج تمتع و عمره، توفیق تشرف دارم. ضمن اینکه در قسمت روحانیون کاروان ها نیز چند بار به عنوان حج تمتع و عمره مفرده تشرف حاصل کردم. در سال ۱۳۷۰ باتفاق تنی چند از دوستان به صورت گروهی مشغول تحقیق، تدوین و مباحثه در زمینه موضوعات فقهی شدم که با اشراف حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی صورت می گرفت و درسال ۱۳۷۶ این تحقیقات شکل دیگری به خود گرفت و به مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام که با دستور معظم له تاسیس شد، منتقل شد و از آن تاریخ تا کنون بنده توفیق همکاری با آن مرکز را دارم که در این ارتباط رساله های فقهی تنظیم و تدوین شده است. ضمنا به تدریس لمعتین، اصول فقه، شرح منظومه مرحوم سبزواری و بعدها در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس سطوح عالی: مکاسب محرمه، رسائل، کفایه و مکاسب اشتغال داشته و دارم. در ضمن در برخی از مدارس علمیه قم در زمینه ادبیات فارسی و دروس حوزوی مشغول تدریس بوده و هستم. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب .

جعفری، عصمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عصمت الله جعفری

محل تولد : ساوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۶/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه ۱۳۴۲ در حوزه علميّه فيضيه/شهر قم

بنده در هفت سالگی مکتب خانه رفتم مشغول درس شدم چون آن زمان مدرسه نبود رسم معلّم را می گفتند ملّا هرهفته خانه یک نفر مشغول درس بودیم حروف تهجی الابجدوقرآن ومصیبت خواندن شش سال به مکتب رفتم درضمن یک درس ازمقدّمات را پیش مرحوم شیخ نجفی می خواندم ۵ سال بعد خودم برای بچّه ها درس میگفتم در آن روستا مقدّمات هم می خواندم سال ۴۲ آمدم قم در منزل امام رضوان الله امتحان کردند در ادبیّات قبول شدم شهریه ای مختصری درست شد بنده درس ها را با ردیف خواندم امتحان دادم قبول شدم شهریه ای رتبه ای یک می گیرم بعد هجرت به ساوه اول انقلاب بود در ستونهای قبلی کمّیت و کیفیت آنها را نوشتم واجبات شکیات نصاب الصبیان در روستا خواندم از برشدم به حساب الابجد آشنا هستم درس قرآن راباهیجاخواندم درضمن تحصیل حساب جمع تفریق ضرب چهار عمل اصلی رایادگرفتم وآشنا هستم تا بحال هر جابودم مشغول درس بودم ومن الله التوفیق از روستایان بخش نوبران ساوه عصمت الله جعفری

جعفری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جعفری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۹قم دوره ابتدایی: دبستان فیض و شاهد نور علم قم دوره راهنمایی: مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان)

دوره دبیرستان (رشته ریاضی فیزیک): مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان) ورود به حوزه علمیه قم: ۱۳۷۴ (پس از اشتغال به دروس حوزوی، ادامه دبیرستان را به صورت داوطلب آزاد امتحان دادم و در سال ۱۳۷۷ دیپلم ریاضی گرفتم)

اتمام کتبی و شفاهی پایه ۱۰حوزه علمیه درسال ۱۳۸۱

اساتید سطح حوزه: استاد حسینی عاملی و حسینی خراسانی(ادبیات عرب)- استاد ناصری، استاد مدنی و استاد مسعودی(شرح لمعه)- استاد سلیمانی و استاد محمدی پور(اصول)- مرحوم آیت الله احمدی میانجی(مکاسب محرمه)- آیت الله استادی (رسائل)- آیت الله موسوی تهرانی (کفایه)- استاد علیدوست (مکاسب) از سال ۱۳۸۱ حضور در درس خارج آیت الله وحید خراسانی

دریافت لیسانس حقوق با احراز رتبه اول گروه از موسسه امام خمینی(ره) در سال ۱۳۸۳

اتمام دوره عالی زبان انگلیسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) در سال ۱۳۸۳ دریافت فوق لیسانس حقوق خصوصی با احراز رتبه اول گروه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ و انتخاب پایان نامه به عنوان پایان نامه برتر دانشکده

شروع به تدریس در دانشگاهها از سال ۱۳۸۵ اتمام خدمت سربازی در اردیبهشت ۱۳۸۷ اشتغال به تحصیل در دوره دکتری تخصصی (Ph.D) حقوق خصوصی در دانشگاه قم از مهر ۱۳۸۷

مدیریت گروه فقه و حقوق پژوهشکده باقرالعلوم(ع) از خرداد ۱۳۸۷

جعفری، محمد صابر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صابر جعفری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه شدم، مدرک تحصیلی ام سیکل بود . کمی بعد، در کنار دروس حوزه، دیپلم گرفتم، در رشته علوم سیایی دانشگاه باقر العلوم ثبت نام کردم ولی انصراف دادم. درس های حوزه را با شرکت در رشته تخصصی کلام (موسسه امام صادق علیه السلام) ادامه دادم . با پایان تحصیل آنجا جزء گروه اولی بودم که در مرکز تخصصی مهدویت شرکت جسته و کم کم حوزه فعالیتم را بیشتر به این موضوعات اختصاص دادم. چند مقاله در مجله تخصصی کلام اسلامی و چند مقاله هم در فصلنامه تخصصی انتظار ارائه دادم. هم اکنون معاون پژوهشی مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) هستم، ضمنا جزء هیئت تحریریه فصلنامه علمی تخصصی انتظار از بدو تشکیل بوده ام. اکنون جزء هیئت تحریریه فصلنامه شرق موعود (فارسی)، الموعود (عربی) و Bright future (انگلیسی) هستم.

جعفری، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب فرزند مرحوم محمدحسین جعفری نیز از افاضل نویسندگان و مدرسین معاصر حوزه علمیه و مجتمع مجله مکتب اسلام می‌باشند.

وی در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر مراغه به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدایی و اولیه در مدرسه جامع و مدرسه امامزاده مراغه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و مقداری از سطوح را در مراغه خدمت مرحوم آقا شیخ حسین پیشنماز و مرحوم حاج شیخ رضا ساجدی و حاج شیخ احمد امینی و حاج سید جواد مقدسی و آقای هبۀالهی خوانده و در سال ۱۳۴۱ شمسی عزیمت به قم نموده و علیرغم مشکلات مالی و کمبودهای شکننده‌ای با اهتمام تمام به درس و بحث پرداخته و دوره سطح را از محضر اساتیدی مانند آقایان ستوده و اعتمادی و مکارم و سبحانی به پایان رسانیده و همزمان با آن دروس عقلی را از مرحوم آیت‌اللّٰه مطهری و آقای حسن‌زاده آملی استفاده کرده و خود نیز به تدریس کتب سطح مشغول بوده و در کنار این تدریس و تدرس دوره عالی دارالتبلیغ اسلامی قم را به اتمام رسانیده و پس از آن به درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه شریعتمداری و آیت‌اللّٰه گلپایگانی و آیت‌اللّٰه آملی حدود پانزده سال شرکت و ادامه داده و در ایام تعطیل و موسم تبلیغ محرم و ماه رمضان در مساجد مهم شهر مراغه تبلیغ احکام و ترویج دین و نشر معارف جعفری نموده و خدمات ارزنده‌ای از ارشاد نسل جوان و روشن کردن افکار آنان نموده و در ضمن اشتغال به دروس متداوله به نویسندگی علاقه شدیدی داشته و در سن ۱۸ سالگی نخستین سلسله مقالات تحت عنوان درس زندگی در مجله کتابخانه مسجد اعظم به چاپ رسیده و از آن پس در روزنامه ندای حق و مجلاتی مانند نسل نو و پیام شادی و مکتب اسلام مرتبا مقالات ایشان منتشر می‌شد و مدتی هم سر دبیری مجله نسل نو و مدیریت داخلی مکتب اسلامی را به عهده داشته‌اند و در حال حاضر نیز عضویت هیئت تحریریه مکتب اسلام را دارا هستند.

آثار طبع شده ایشان به قرار زیر است:

۱- انسان در جهان بینی اسلامی

۲- ابعاد حکومت اسلامی

۳- بینش تاریخی قرآن

۴- مسلمانان در بستر تاریخ ۵- خوارج در تاریخ

آثار مخطوط آماده طبع

۱- قرآن در قرآن

۲- بینش تاریخی نهج‌البلاغه

۳- شرح دوازده بند محتشم کاشانی تحت عنوان (آن سر که شد به نیزه)

۴- تاریخ علم کلام

۵- حدوث و قدم قرآن- و غیره جزوه‌های دیگری مانند:

۶- نور هدایت در تفسیر قرآن

۷- آداب و اخلاق در حدیث

۸- النور المبین فی شرح تبصره المتعلمین

۹- طبقات متکلمین شیعه

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جعفری، یعقوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب جعفری

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ یعقوب جعفری (جعفری نیا) فرزند محمد حسین در ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۵ در شهر مراغه در یک خانواده متوسط مذهبی به دنیا آمد و از سن ۶ سالگی در یکی از مکتب خانه های قدیمی شهر به خواندن قرآن مشغول شد و پس از آن در حوزه علمیه مراغه به تحصیل ادبیات فارسی و عربی و متون درسی پرداخت و تا کتاب معالم الاصول را در آنجا خواند. برخی از اساتید ایشان در آن زمان عبارت بودند از: مرحومان شیخ رضا ماجدی و شیخ حسین پیش نماز و شیخ احمد امینی و شیخ حسین هبتی.

وی درسال ۱۳۴۲ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و ادامه تحصیل داد. برخی از اساتید ایشان در سطح عبارت بودند از: آیت الله آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی، آیت الله آقای حاج سید یوسف مدنی، آیت الله آقای شیخ ید الله دوزدوزانی، آیت الله آقای ستوده، آیت الله آقای مکارم، آیت الله آقای سبحانی و مرحوم آیت الله آقای سید رضا صدر. همچنین اساتید ایشان در دروس خارج که حدود ۱۵ سال ادامه داشت عبارت بودند از: مرحومان آیت الله شیخ هاشم آملی، آیت الله فیروز آبادی، آیت الله شیخ کاظم تبریزی، آیت الله شریعتمداری و آیت الله گلپایگانی. و نیز از دروس آیت الله میرزا جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی هم استفاده کرد و در دروس عقلی از شهید مفتح و آقای انصاری شیرازی و آقای حسن زاده آملی بهره برد. در کنار خوشه چینی از دانش این بزرگان، خود نیز به تدریس بعضی کتاب های درسی پرداخت و همزمان در سال های ۵۰ تا ۵۶ چندین سال در دارالتبلیغ اسلامی که در آن زمان برنامه های منظمی داشت درس خواند و دوره عالی آن را گذراند و در آنجا از محضر اساتیدی مانند شهید مطهری و مرحوم صدر بلاغی و مرحوم سید مرتضی شبستری و مرحوم آیت الله حاج میرزا باقر ملکی میانجی و مرحوم آیت الله شیخ اسحاق آستارایی و نیز آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی و آیت الله شبیری زنجانی و دیگران استفاده کرد. از حدود سال ۱۳۴۶ با مطالعه آثار نویسندگان بزرگ مذهبی و روشنفکران آن عصر و برخی از ترجمه کتابهای خارجی و آشنایی باشیوه نگارش، دستی به قلم برد و مقالاتی نوشت که اولین مقاله وی در نشریه مسجد اعظم چاپ شد، تا بالاخره وقت بیشتری را برای مطالعه و تحقیق و نوشتن صرف کرد و مقالات بسیاری را در مجلات مختلف نوشت و سردبیر مجله نسل نو شد که در آن زمان از سوی دارالتبلیغ اسلامی در سطح جوانان منتشر می شد و با استقبال فراوانی روبرو بود.

بعدها نیز سردبیری مجله مکتب اسلام و مجله تخصصی کلام اسلامی را بر عهده داشت. همزمان با این فعالیت های علمی و حوزوی، همواره در موسم های تبلیغی مانند ماه های رمضان و محرم و صفر به تبلیغ می رفت وبیشتر در مساجد و مجالس شهر مراغه انجام وظیفه می کرد. حجهٔ الاسلام جعفری علاوه بر فقه و اصول، در مطالعات و تحقیقات خود در آغاز بیشتر به رشته تاریخ گرایش داشت و در این رشته کتاب هایی را نوشت که بعضی از آنها چاپ شده است مانند: خوارج در تاریخ، مسلمانان در بستر تاریخ، بینش تاریخی قرآن، بینش تاریخی نهج البلاغه، و مقالاتی در تحلیل برخی از وقایع تاریخی. همچنین چندین دوره در مرحله کارشناسی ارشد رشته تخصصی تاریخ در حوزه علمیه تدریس کرده است. پس از آن در مطالعات خود به سوی علم کلام و تاریخ علم کلام و ملل و نحل گرایش یافت و در این رشته نیز کتاب های متعدد و مقالات بسیاری نوشت و در این مرحله بود که مجله کلام اسلامی از سوی موسسه امام صادق علیه السلام وابسته به آیت الله سبحانی، منتشر می شد و نیز در این مرحله به تصحیح برخی از متون کلامی متقدمان پرداخت که از جمله آنها می توان از کتاب شرح جمل العلم از سید مرتضی و کتاب مناهج الیقین از علامه حلی که هر دو با پاورقی های مفصل ایشان به زبان عربی چاپ شده است، نام برد.

سپس سیر فکری ایشان به سوی قرآن و علوم قرآنی و در نهایت تفسیر قرآن تغییر جهت یافت و مطالعات خود را در تفسیر و علوم قرآنی متمرکز کرد و نتیجه آن علاوه بر دهها مقاله در این موضوع که در مجلات مختلف چاپ شده است، چندین کتاب است که از جمله آنها می توان از کتاب سیری در علوم قرآن، پژوهشی درباره صابئین، رسم الخط مصحف، سیمای امام علی در قرآن، تفسیرسوره یوسف، تاریخ اسلام از منظر قرآن و از همه مهمتر مجلدات تفسیر کوثر نام برد که هم اکنون نیز به نوشتن آن مشغول هستند، تفسیر کوثر که یک تفسیر ترتیبی از اول قرآن تا آخر آن است با روش خاص و با توجه به نیازهای روز نگاشته می شود و تاکنون شش جلد آن منتشر شده و پیش بینی می شود که به خواست خدا در ده جلد تمام شود. به خاطر نگارش این تفسیر و سایر فعالیت های قرآنی، در سال ۱۳۸۰ در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم تهران، طی مراسمی، ایشان از خادمان قرآن معرفی شدند و توسط رئیس جمهور لوح تقدیر و جایزه به ایشان داده شد. حجهٔ الاسلام جعفری نیا درباره انگیزه خود در نگارش این تفسیر، چنین اظهار داشتند: «باید بگویم همواره معتقد بودم که با نزول قرآن سفره ای از آسمان در زمین گسترده شده که بشر را در طول نسلها و قرنها به میهمانی فرا می خواند و مائده های خود را در اختیار همگان می گذارد و انسان در هر عصری می تواند به اندازه گنجایش استعداد و سعه وجودی خود از این خوان پر خیر و برکت تغذیه کند و بهره گیرد و قرآن مانند باران رحمتی است که هر کسی می تواند به مقدار ظرفیتی که دارد آن را در خود جای دهد "«انزل من السماء ماء فسالت اودیه بقدرها ".البته در طول تاریخ، اندیشمندان بسیاری در کنار این خوان نعمت نشسته اند و عمر خود را با آن سپری کرده اند و کوشیده اند که یافته های خود را به دیگران منتقل سازند و نتیجه آن، نگارش تفاسیر با ارزشی شده که ازآنها به یادگار مانده است و ما اکنون میراث دار مجموعه ای گران سنگ از تفاسیر گوناگونی هستیم که حاصل تلاش فرزانگانی است که خود را در خدمت قرآن قرار داده اند و سالیان بسیاری از عمر خود را به تفسیر و توضیح و کشف و بین آیات قرآنی گمارده اند و ثروتی عظیم و ماندگار برای ما پیش کش کرده اند.

ولی حقیقت این است که با وجود تمام این تفاسیر پرارزش، هنوز هم گنجینه پایان ناپذیر علوم و معارف قرآنی انباشته از نکات

فراوانی است که کشف و استخراج آنها تعمقی دوباره و نگرشی تازه را طلب می کند. و میدان برای پژوهندگان و جویندگان بعدی همواره باز است که همت گمارند و به اندازه درک و فهم خود در این دریای ناپیدا کرانه غور کنند و مطالب تازه ای بدست آورند. کم ترک الاول للآخر.بخصوص اینکه هر عصری زبان خاص و ادبیات خاص و نیازهای خاصی دارد و لازم است که در هر عصری تفسیرهای جدید و جدیدتری برای قرآن نوشته شود که ضمن وفاداری به مفاهیم قرآنی و پرهیز از تفسیر به رای، معارف بلند آن، مطابق با نیازهای عصر و با زبان روز ارائه شود. نگارش تفسیر کوثر برای رسیدن به چنین هدفی بوده است، ولی آیا این توفیق را به دست آورده است؟ پاسخ آن بر عهده صاحب نظران است.»

جعفریان، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول جعفریان

محل تولد : خوراسگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان را در زادگاهش" خوراسگان "گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دوره راهنمایی را در این شهر آغاز کرد. پس از چندی تحت تأثیر سفرهای تبلیغی مبلغان حوزه علمیه قم و کلاس های روخوانی قرآن در خوراسگان به دروس دینی علاقه مند شد و از آن پس به مدرسه ذوالفقار رفت و مطالعه دروس جدید را در مدارس شبانه ادامه داد. وی در مدت اقامت در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون«نیماورد»،«نوریه»،«وجده کوچک» استفاده می کرد.

رسول جعفریان در سال ۵۷ هجری شمسی و در آستانه پیروزی انقلاب، برای ادامه تحصیلات حوزوی، راهی شهر مقدس قم شد. نخست بـه مـدرسه خـان رفت و سپس در مـدرسه رسالت، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیـدی چـون آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله ممدوحی، آیت الله گرامی و نیز آیت الله جعفر مرتضی جبل عاملی کسب فیض کرد. سال ۵۸ هجری شمسی با آثار و موسسه آیت الله مصباح یزدی آشنا شد و در کلاسها و دوره آموزشی آن موسسه شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاهها، در سال ۵۹ هجری شمسی به تدریس معارف اسلامی و تاریخ اسلام در دانشگاههای اصفهان و تهران مشغول شد. اولین اثر استاد جعفریان در سال ۶۴ هجری شمسی تحت عنوان «پیش درآمدی بر شناخت تاریخ اسلام» منتشر شد و از آن پس تـاکنون، ضـمن همکـاری بـا موسسات پژوهشـی و تأسیس کتابخـانه اسلام و ایران در قم، به کوشش هـای پی گیر خود در زمینه تألیف،تصحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریخ اسلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

جلال یزدی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۵ -۱۲۸۳ ق)، حکاک، خطاط و شاعر، متخلص به جلال. از نوادگان میرزا علینقی. در قریه‌ی نبادک سادات یزد متولد شد. در نوجوانی ضمن کار حکاکی به تحصیل پرداخت و در ۲۶ سالگی ابتدا به اصفهان و سپس به تهران رفت و توسط میرزا علی‌اصغر اتابک به دربار مظفرالدین شاه قاجار وارد شد و به دلیل بلاغت گفتار لقب افصح‌الملک یافت. وی در سرودن غزل، مثنوی و قصیده، بویژه قطعه، مهارت داشت. وی در یزد وفات یافت و در جوار حرم امامزاده جعفر، دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۴۲۶ -۴۲۲)، الذریعه (۲۰۱/۹)، ریحانه (۱۵۷/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵ -۱۳ /۳)، فرهنگ سخنوران (۲۱۷).

جلالی تهرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد ابن العالم الجلیل الحاج السید علینقی الموسوی الجلالی تهرانی مذکور از فضلاء دانشمندان تهران و سبط آیت‌اللَّه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری می‌باشد.

معظم له در حدود سال ۱۳۵۵ قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت- در بیت علم و سیادت و تحصیلات ابتدائی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و بدروس خارج آیات عظام مانند آیت‌اللَّه مرحوم محقق یزدی و آیت‌اللَّه العظمی

امام خمینی و حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت تا سال ۱۳۸۲ قمری که در تهران اقامت گزیده و بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

مؤلف گوید: آقای جلالی دانشمندی با استعداد و فاضلی برومند و در میان اقران خود مانند والد ارجمندش بمتانت و ظرافت ممتاز و بشرافت حسب و نسب سرافراز میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جلالی مقدم، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : مسعود جلالی مقدم در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. گرچه تحصیلات متوسطه را در رشته ریاضی به پایان برده بود، اما مجذوب مباحث دین پژوهی شد ودر رشته فلسفه و ادیان و عرفان از دانشگاه تهران دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد را گذراند. او دکترای خود را نیز در دو رشته یکی در رشته ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه تهران و معارف اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی گرفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

گرایش : ادیان، اساطیر و عرفان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ پایان تحصیلات متوسطه در رشته ریاضی ـ دریافت مدرک کارشناسی فلسفه محض از دانشگاه تهران ـ دریافت کارشناسی ارشد در رشته ادیان و عرفان ـ دریافت مدرک دکترا در رشته معارف اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی ـ دریافت مدرک دکترای ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه تهران

استادان و مربیان : از استادان مسعود جلالی مقدم میتوان به استاد فرزانه دکتر فتح الله مجتبایی اشاره کرد که وی نیز راه استاد خویش فتح الله مجتبایی را پی گرفته و در حیطه مطالعاتی اش به شناخت جامع از مقوله پژوهش ادیان دست یافته است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ مدیر بخش «ادیان، اساطیر و عرفان» دانشنامه ایران در مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی ـ مدیر گروه ادیان و عرفان (کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر ری) ـ عضو شورای علمی مرکز گفت وگوی ادیان حوزه های مطالعاتی جهت گیری اصلی ادیان جلالی مقدم در حال حاضر به نگارش مقالاتی برای دانشنامه ایران و دایر ةالمعارف بزرگ اسلامی مشغول است و به عنوان پژوهشگر با بخش ادیان مرکز دایرهٔالمعارف بزرگ اسلامی همکاری دارد (بخش ادیان و عرفان دانشنامه ایران از تیرماه ۱۳۷۷ کار خود را آغاز کرده و از همان ابتدا مدیریت آن بر عهده جلالی مقدم بوده است. مباحث مربوط به ادیان و اساطیر تمام جهان و عرفان اسلامی در این بخش مطرح می شود. اساس کار برترجمه از منابع معتبر و دایرهٔ المعارف های موثق خارجی است، ولی در مورد عرفان اسلامی قاعده بر تلخیص از مقالات تألیفی دایرهٔالمعارف بزرگ اسلامی است.)

آرا و گرایشهای خاص : مسعود جلالی مقدم درباره دو موضوع دانش ادیان و گفت وگوی ادیان می گوید: «دانش ادیان و گفت وگوی ادیان هر دو به حوزه دین مربوط انـد و دارای اشتراکاتی هستند، اما شیوه عملی این دو متفاوت است. گفت وگوی ادیان از همان زمان که جوامع بشری تشکیل شد و انسان ها به نوعی با هم ارتباط پیدا کردند، مطرح شد و شاید حرکت جوامع به سمت دهکده جهانی ضرورت گفت وگوی ادیان را واجب تر کرده است. مجاب کردن دیگران، تفهیم و تفهم و نزدیکی و تقرب سه هدف اصلی گفت وگوی ادیان است. در شیوه مجاب کردن دو طرف گفت وگو سعی در پیدا کردن نقاط ضعف طرف مقابل از یک طرف و از طرف دیگر اثبات حقانیت خود دارند که در عالم اسلام این شیوه گفت وگو احتجاج خوانده می شود. در شیوه تفهیم و تفاهم نیز که زمینه عملی برای گفت وگوی ادیان فراهم می آورد، دو طرف گفت وگو هدفشان این است که شناخت روشن تری نسبت به هم به دست آورند و جنبه معرفتی دارد. گفت وگو با هدف نزدیکی و تقرب جستن نیز جنبه اخلاقی دارد. وقتی دو طرف گفت وگو سعی می کنند اشتراکاتشان را پیدا کنند، همین منجر به شناخت و ارتباط نزدیک تر می شود و از اختلاف ها، دشمنی ها و کینه ها کاسته می شود.وحدت انسانیت، وحدت ایمان و وحدت حقیقت به عنوان مقدماتی است که از طریق تحقق آن ها وحدت دینی امکان پذیر است. تا زمانی که اختلاف های ملی و فرهنگی وجود داشته باشد، سودای رسیدن به وحدت فرهنگی و ادیان نتیجه ای نخواهد داشت؛ چرا که رسیدن به تساهل و تسامح مقدمات زیادی لازم دارد. رویکردهای مختلفی در بحث های مربوط به دین وجود دارد و نخستین آن، رویکرد کلامی یا الهیاتی به دین است که تلاشی برای اثبات حقانیت یک دین است. رویکرد بعدی، رویکرد فلسفی است و زمانی که گرایش به تأیید دین دارد، دیندارانه است. رویکرد سوم، یعنی پدیدارشناسی را باید رهیافتی خاص غیر از رهیافت محض علمی در نظر گرفت. رویکرد علمی به دین نیز شامل سه بخش است: رویکرد توصیفی که شخص باید دوره تاریخی خود را توصیف کند؛ چرا که هیچ پدیده اجتماعی ای بدون تاریخ وجود ندارد، بنابراین، در اینجا بحث رویکرد تاریخی مطرح می شود و از آنجا که در این مرحله باید مقایسه و تطبیق را هم انجام دهیم، رویکرد تطبیقی یا مقایسه ای به وجود می آید. جامعه شناسی و مردم شناسی دین رویکردهای کمکی هستند. کتاب world religion dialogue برجسته ترین نمونه جدید شناخت تطبیقی ادیان به شکل گفت وگوی ساختگی است. در این شیوه ساختگی به طرح مسائل و اعتقادات آئین ها و دین های مختلف پرداخته می شود و ۶ نماینده از ۵ دین مسیحیت، اسلام، یهودی، هندو و دو نماینده از دین بودا به گفت وگو می پردازند. جلالی معتقد است دانش ادیان می تواند به شکل گفت وگوی ادیان مطرح شود و همچین گفت وگوی ادیان می تواند معرفت دانش ادیان در بالاترین شکل باشد.

چگونگی عرضه آثار : پژوهش ها و تألیف ها و ترجمه های مسعود جلالی مقدم همه در زمینه ادیان است. در میان آثار او می توان به کتاب های آئین زروانی، تنها بازماندگان خوارج، درآمدی بر جامعه شناسی دین، آرای جامعه شناسان بزرگ دین، سه گام کیهانی و...، و همچنین ده ها مقاله در نشریه های علمی – پژوهشی معتبر اشاره کرد. جلالی در دایرهٔالمعارف بزرگ اسلامی مدخل های آسوریان، آفتاب پرستی، اباضیه، ابتریه، ابراهیم بن بن محمد، بن ابی یحیی، ابن ابی العوجاء، ابن حرزهم، ابن حوشب، ابن عاشر، ابوالعباس، ابن کرامه، ابوحاتم رازی، ، احمد، ابوالحسین بصری، ابوزکریاورجلانی، ابو قره، ابومسلمیه، اشرف جهانگیر و... را نگاشته است. یکی دیگر از آثار جلالی «درآمدی بر جامعه شناسی دین» است. امروزه جامعه شناسی دین جایگاه مهمی در مباحث دین شناسی دارد________________________________.

آثار :

۱ آئین زروانی

ویژگی اثر : چاپ گوته، – (تجدید چاپ) امیرکبیر، – کتاب «آئین زروانی» جلالی نیز به بررسی مکتب فلسفی، عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان می پردازد. این کتاب که از آثار تألیفی جلالی مقدم است در دو بخش تاریخ، اصول فلسفی و عرفانی آئین زروانی تألیف و تدوین شده است. به گفته او در این کتاب توضیحاتی به لحاظ تاریخی و فلسفی از مکتب زروانی به خوانندگان ارائه می شود و مباحثی در باره این که چرا در ایران پیش از اسلام به ثنویت توجه شد و آیا در آن دوران مسأله یگانه گرایی مطرح نبوده است و ایرانیان به سمت مبدأ واحد توجه نداشتند و ... در آن به صورت مبسوط شرح داده می شود.هدف نگارنده از تألیف این کتاب، پاسخ به همه این مجهولات و آشنا کردن خوانندگان با این مباحث بوده است. در دیباچه این کتاب آمده است: «با این فلسفه و تأثیر دیرپایی که مکتب زروانی داشته غفلت ایرانیان از آن شاید قابل توجیه نباشد. اکنون در دانشگاه های ما که فلسفه دوران باستان را تدریس می کنند، به فلسفه سال پیش یونانیان می پردازند؛ جلوتر که بیایند فلسفه هایی را که در روم، پیش و پس از آغاز مسیحیت مطرح شد، می آموزند، ولی در همین کلاس ها هیچ خبری از فلسفه های ایرانی نیست گویا در ایران چشمه های تفکر خشکیده بوده و تنها در مغرب زمین اندیشه و فلسفه امکان حیات داشته است. در این باره باید کاری انجام شود. باید تاریخ قدیم فلسفه و عرفان را دوباره به محک زد. قسمت های ناشناخته و تاریک این تاریخ را باید دوباره روشن کرد و مذهب زروانی در این میان جایگاهی مهم دارد، زیرا از فلسفه ای پیچیده و جالب توجه و زمینه ای عرفانی برخوردار است.» کتاب آئین زروانی نگاهی دارد به مکتب فلسفی – عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان. کتاب حاضر از ? گفتار سامان یافته است و گفتارها در جمع به?? فصل بخش می شود. موضوع متن بررسی و ریشه یابی آئین کهن ایران (آئین زرتشتی) است به گمان مولف، آئین زرتشت یک آئین بسامان مذهبی بود که از جهان بینی فلسفی دیرپایی بهره داشت ودر جای جای ایران زمین میان عامه و متفکران پیرو داشت. نفوذ این آئین از ماوراء مرزهای شمال شرقی ایران کهن تا بین النهرین باستانی ادامه داشت.

۲ اسلام

ویژگی اثر : پژوهشی تاریخی و فرهنگی (تألیف گروهی) سازمان چاپ وزارت ارشاد

۳ تاریخچه ادیان و مذاهب در ایران

ویژگی اثر : امیرکبیر،

۴ تاریخچه ادیان در جهان

ویژگی اثر : کتاب «تاریخچه ادیان در جهان» (نخستین گام در شناخت تاریخ ادیان) تازه ترین ترجمه این محقق و مترجم به شمار می آید. او با ترجمه این کتاب به طور فشرده اطلاعات جامعی را درباره تاریخچه ادیان در جهان در اختیار خوانندگان و علاقه مندان قرار می دهد. جلالی مقدم درباره این کتاب می گوید: « تا امروز در ایران کتاب های متعددی درباره تاریخ ادیان به زبان فارسی به چاپ رسیده است اما جز یک کتاب، هیچ یک از آنها خلاصه نیستند. تنها کتاب خلاصه ای هم که در این زمینه موجود است از مجموعه کتاب های «چه می دانم» است که انتشارات علمی به چاپ رسانده است که آن هم از ترجمه مناسبی برخوردار نیست و بسیار مخدوش است.» به گفته او، هدف از ترجمه این کتاب، شناساندن اجمالی تاریخ ادیان به خوانندگان وعلاقه مندان در این زمینه بوده است.

۵ تنها بازماندگان خوارج

۶ جستاری در تاریخ و معتقدات اباضیه

ویژگی اثر : نگاه سبز،

۷ درآمدی بر جامعه شناسی دین

ویژگی اثر : این کتاب که در سال ???? توسط نشر مرکز به چاپ رسیده، شامل یک دیباچه و?? فصل است. از منظر جامعه شناختی سؤالاتی چند در مورد دین ایجاد می شود. از جمله این که دین چیست؟ چرا آدمیان دیندارند؟ دین به انسان چه می دهد ؟ دین بر انسان به عنوان یک موجود اجتماعی چه تأثیری دارد؟ و در روابط مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چه نقشی دارد؟ از جنبه های گوناگونی می توان به بررسی دین پرداخت. اما رویکرد جامعه شناسی درصدد است با دوری از هر گونه پیشداوری و قضاوت به آثار اجتماعی دین در جامعه بپردازد. دین وابستگی شدیدی با یکایک وجوه فرهنگی و نیز سیاسی و اقتصادی دارد و بر آنها تأثیر می گذارد و از آنها متأثر می شود. فصول بعدی این کتاب به رویکرد جامعه شناسی دین اختصاص دارد. همانطور که در دیباچه کتاب آمده هدف نویسنده هموار کردن راه دانش دین شناسی در ایران است. آنچه که در این کتاب درج شده تنها یک گام در این راه است. جدا از محتوای کتاب که به قول نویسنده تنها یک گام به جلو است، از نظر شکلی نیز لغت نامه، فهرست اعلام و منابع برای مطالعه بیشتر در پایان کتاب عرضه شده است.

۸ درسهایی از بینش روانی

ویژگی اثر : (ترجمه) نشر یاران شید،

۹ رساله در آئین و یشنو پرستی دین هندویی

ویژگی اثر : نشر مرکز،

۱۰ سه گام کیهانی

۱۱ کرانه های هستی انسان در پنج افق مقدس

ویژگی اثر : کتاب دیگر جلالی است که به تحقیق تطبیقی در انسان شناسی پنج دین بزرگ می پردازد و انتشارات امیر کبیر آن را در یک جلد به چاپ رسانده است. این کتاب درباره انسان شناسی است و از نگاه ادیان به ابعاد مختلف انسان می پردازد، به طوری که از پیدایش انسان تا عناصر سازنده او، احوال و سرانجام انسان مورد بررسی قرار می گیرد. به گفته جلالی، از آنجا که بحث انسان شناسی از جمله مباحث مهم فلسفه امروز است، باید بتوان به دور از نگاه فلسفی، با نگاه ادیان نیز به سراغ این موضوع رفت و از این منظر به مسأله انسا ن شناسی نیز پرداخت. او در این کتاب، افتراق ها و اشتراکات دو دیدگاه فسلفی و ادیان را درباره انسان مورد بررسی قرار می دهد، با هدف آن که بتواند به دیدگاه جامع دینی درباره انسان دست یابد.

۱۲ گزارشی از تاریخ ادیان و مذاهب در ایران

ویژگی اثر : جلالی در این کتاب وضعیت مراحل دین در ایران را در سه بخش پیش از اسلام، از اسلام تا حمله مغول و از حمله مغول تا عصر کنونی مورد بررسی قرار داده است

۱۳ مکتب فلسفی ـ عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان

ویژگی اثر : چاپ گوته،

۱۴ نماز در فرهنگ دوم

ویژگی اثر : مرکز تحقیقات، مطالعات ...صدا و سیمای جمهوری اسلامی،

۱۵ هاله انسانی و رنگ های کوکبی

ویژگی اثر : (ترجمه) انتشارات گوتنبرگ، منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

جلالی، بیژن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیژن جلالی شاعر معاصردر اول آذرماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی، در تهران به دنیا آمد. وی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ چندماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند ;زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد.از این شاعر چندین کتاب و مجوعه شعر به یادگار مانده است.وی در روز آدینه ۲۴ دی‌ماه ۱۳۷۸، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بیژن جلالی در آخرین شب آبان‌ماه ;یا به‌عبارتی، اول آذرماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی، در تهران به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : بیژن جلالی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ چندماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند ;زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد. در بازگشت، در رشته زبان و ادبیات فرانسوی دانشگاه تهران، نام نوشت. دوره لیسانس را به پایان برد و از سال ۱۳۲۵ تا مدتی، به کارهای گونه‌گونی پرداخت

همسر و فرزندان : بیژن جلالی، ازدواج نکرد ;زندگی‌اش در سکوت و با آرامش و تلالویی خاص ادامه داشت

زمان و علت فوت : بیژن جلالی چند روزی پس از نیمه آذرماه، دچار سکته مغزی شد که بیش از یک ماه را در اغما گذراند و در روز آدینه ۲۴ دی‌ماه ۱۳۷۸، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.

فعالیتهای آموزشی : بیژن جلالی در دبیرستان‌ها انگلیسی درس داد ;چندی هم مسؤول آزمایشگاه دبیرستان ایرانشهر بود. زمانی هم در موزه مردم‌شناسی وزارت فرهنگ به کار پرداخت، چون دوره مردم شناسی را در موزه مردم‌شناسی پاریس گذرانده بود; سرانجام به کار در شرکت فرانسوی آنتروپوز مشغول شد و با استفاده از بورس این شرکت، یک دوره اقتصاد نفت را در پاریس به پایان برد ;کار اداری رسمی را در شرکت نفت و شرکت پتروشیمی پی گرفت و در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد. علاقه به شعر و ادبیات، فلسفه، فکر و عرفان، زندگی در محیط فرهنگی خاندان هدایت، گفت و گو با دایی‌اش صادق هدایت و تاثیرپذیری از او و اقامت پنج‌ساله دوره جوانی در فرانسه، پیوندهایی میان جلالی و نوشتن به وجود آورد ـ گاه به فارسی، گاه به فرانسوی. البته ابتدا آنها را جدی نمی‌گرفت ;اما پس از اینکه به ایران بازگشت و توانست با فراغ بیشتری بخواند، بیندیشد و بنویسد، تامل‌های شاعرانه‌اش نظم گرفت و توانست از ادای معانی ذهنی خود برآید. او از آغاز دهه ۱۳۴۰ این تامل‌ها را به نشر سپرد. سروده‌هایش، در مجموع با تلقی مثبت و گشاده‌رویانه‌ای از اهل شعر و ادب معاصر رو به رو شد ;هرچند شعرهایش همه سپید بود و به نسبت همسالانش، تا حدی دیر به انتشار آنها پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : بسیاری از منتقدان ، نگرش «جلالی » در شعرهایش را نگرشی «اشراقی » دانسته اند و خود او در مورد مضمون شعرهایش گفته است : «در شعرهای من نوعی گفت وگو دنبال شده ، گاه با خداوند، گاه با جهان ، گاه با طبیعت . از این جهت ، همیشه این نوشته ها یک روی تاریک و یک روی روشن دارند. زمینه مشترک آنها ادامه نوعی اندیشه است . یعنی اندیشه و فکری را بیان می کنند یا زمینه را در ما برای ایجاد اندیشه فراهم می کنند. ولی این گفت وگوها همیشه به صورت نیمه تمام می ماند و حدس می زنم در خواننده ، حالت انتظاری را به وجود می آورد. آنها حالت منطقی ظاهری و فرمولی ندارند و بدین جهت ، دست و پاگیر خواننده نیستند. بعد از پایان هر قطعه راه برای رشد و ادامه اندیشه باز است .

چگونگی عرضه آثار : بیژن جلالی نخستین شعرهایش را در دهه چهل منتشر کرد که نخستین کتاب شعرش روزها (۱۳۴۱) و آخرین شان «دیدارها» بود که دو سال پس از مرگش منتشر شد. «دیدارها» گزیده یی از شعرهایی است که «جلالی » در فاصله سالهای ۷۵ تا ۷۸ (سالی که درگذشت) سروده بود. اکنون شعرهایی از این کتاب را با هم می خوانیم . چه امید بخش است سفیدی کاغذ آنگاه که اندوه خود را به او نگفته ام دومینیکو اینجنیتو – مترجم ایتالیایی – هم برگزیده‌ای از شعرهای جلالی را با عنوان «بیدار» ترجمه کرده است، که از سوی نشر سوی مؤسسه‌ی علوم ترجمه در دانشگاه ناپل با نام اریل اکسپرس به چاپ خواهد رسید. عبدالله طاهر برزنکی گزیده‌ای از شعرهای جلالی را به عربی ترجمه و در لبنان منتشر کرده است. همچنین مریوان حلبچه‌ای گزیده‌ای از شعرهای این شاعر را به همراه دو مصاحبه‌ی او به کردی ترجمه کرده است، که از سوی نشر رخنه چاودیر در کردستان عراق منتشر خواهد شد. --

آثار :

۱ آب و آفتاب

ویژگی اثر : (۱۳۶۲)

۲ بازی نور (به انتخاب شاپور بنیاد ۱۳۶۹)

ویژگی اثر : گزینه شعرها

۳ درباره شعر (به انتخاب شاعر ۱۳۷۷)

ویژگی اثر : گزینه شعرها

۴ دل ما و جهان

ویژگی اثر : (۱۳۴۴)

۵ دیدارها (گزینه شعرها از ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸).

ویژگی اثر : گزینه شعرها

۶ رنگ آب‌ها

ویژگی اثر : ۱۳۵۰

۷ روزانه‌ها

ویژگی اثر : (۱۳۷۳)

۸ روزها

ویژگی اثر : ۱۳۴۱

جلالی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جلالی فرزند ثقهًالمحدثین و عمادالذاکرین آقا شیخ محمدعلی واعظ از ائمه جماعت و فضلاء معاصر شاهرودند و در مسجد حضرت ابوالفضل به اقامه جماعت و ترویج دین و ارشاد مسلمین موفق می‌باشند.

والد گرامیش از وعاظ و گویندگان معمر شهرستان شاهرود است که بالغ بر شصت سال از راه منبر و نشر احادیث اهل‌بیت (ع) خدمت به مذهب نموده و در حال حاضر هم که دوران تقاعد و کهنسالی را می‌گذراند باز حتی‌المقدور منبر رفته و مردم را از بیانات سودمند خود بهره‌مند می‌سازد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جلالی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن جلالی شاهرودی از علماء و محدثین معاصر شاهرود بودند.

تولد آن مرحوم در شاهرود واقع شده و تحصیلات خود را در وطن و مشهد مقدس انجام و در زادگاه خود به خدمات روحی و ترویج دین از طریق منبر و جلسات انجام داده و به اجل موعود بعد از سال ۱۳۸۰ ه در شاهرود بدرود حیات گفته است از تألیفات

ایشان کتابی در حدیث و مواعظ بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جلی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر. در دزفول متولد شد. به سال ۱۳۴۲ ق به بین‌النهرین رفت و دو سال در آنجا مسکن گزید و بعد از مدتی به ایران بازگشت و به اراک رفت، مدتی با روزنامه‌ی اراک همکاری کرد و به دلیل نوشتن مقالات و اشعار مهیّج مدتی زندانی شد. پس از مدتی بار دیگر به بین‌النهرین رفت و به سال ۱۳۲۳ ش به ایران بازگشت و در تهران مقیم شد و با مطبوعات همکاری خود را آغاز کرد و شهرتی به دست آورد. وی بیشتر آثار خود را با امضاهای مستعار رنجبر، خفی، خوشه‌چین، جلیل، مزاحم، در جراید منتشر می‌کرد، چندی آثارش در روزنامه فکاهی «چلنگر» انتشار یافت. از آثار وی: منظومه‌ی «عشق و عفت»؛ «کتابت ابراهیم» که از شاهکارهای نظم فارس معاصر به شمار می‌رود و «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۲/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸/۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۰۳ -۹۹۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۰/۱).

جلیلی کرمانشاهی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، ادیب.

تولد: ۱۲۹۸، کرمانشاه.

درگذشت: ۳۰ آبان ۱۳۵۸.

محمدحسین جلیلی کرمانشاهی متخلص به «بیدار»، فرزند آیت‌الله هادی کرمانشاهی رییس حوزه‌ی علمیه‌ی کرمانشاه ابتدا چند سالی در مدارس همان شهر به تحصیل علوم جدید اشتغال داشت و به اقتضای خانوادگی نزد پدر و علامه حیدرقلی‌خان سردار کابل و آزاد همدانی به تحصیل علوم مذهبی اسلامی پرداخت و ادبیات عرب و حدیث و فلسفه و فقه را فراگرفت. و سپس برای تکمیل مطالعات خود در سال ۱۳۱۸ به تهران آمد و در دانشکده‌ی علوم معقول و منقول ثبت نام نمود و این رشته را تا اخذ لیسانس از آن دانشکده در سال ۱۳۲۲ ادامه داد. پس از آن به کرمانشاه بازگشت. ابتدا در یکی از شعب بانک ملی ایران به کار پرداخت اما بعد از مدتی استعفا داد. به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس ادبیات در دبیرستان‌ها اشتغال ورزید.
از آثار اوست: کرمانشاهان باستان (با همکاری دکتر مسعود گلزاری)، ابکار الافکار، تاریخ ایل و طایفه زنگنه، تاریخچه‌ی اوقاف در کرمانشاه، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطیت، یک دوره صرف و نحو و دستور زبان فارسی، ترجمه زبدهٔ النصرهٔ و نخبهٔ العصرهٔ، تألیف بنداری اصفهانی که در سال ۱۳۶۵ به نام تاریخ سلسله‌ی سلجوقی از طرف انتشارات بنیاد فرهنگ ایران طبع و نشر شد. دیوان اشعارش را یدالله عاطفی جمع‌آوری و با مقدمه‌ی غلامرضا کیوان سمیعی به چاپ رسانید و چند اثر دیگر که به چاپ نرسیده است.
محمدحسین جلیلی کرمانشاهی در سال ۱۳۵۸ به بیماری سرطان مثانه بدرود حیات گفت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.
محمدحسین جلیلی متخلص به بیدار فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدهادی کرمانشاهی از ادباء و فضلاء معاصر کرمانشاه است.
وی در سال ۱۲۹۸ شمسی در کرمانشاه متولد شده مقدمات و ادبیات و سطوح عالیه را در کرمانشاه از محضر والد معظم خود و آقای آیت‌اللّه حاج شیخ حسن علامی و مرحوم سردار کابلی فراگرفته و در علوم جدید فارغ‌التحصیل از دانشکده حقوق می‌باشد.
بیدار شاعری فرزانه و ادیبی کم‌نظیر است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جلیلی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جمادی، سیاوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیاوش جمادی، بهمن ۱۳۳۰ در تهران به دنیا آمد.وی پس از طی تحصیلات مقدماتی به دانشکده حقوق دانشگاه تهران وارد شد و مدرک کارشناسی رشته حقوق را در سال ۱۳۵۳ و کارشناسی ارشد خود را در ادبیات انگلیسی و فلسفه غرب، از دانشگاه علامه طباطبایی را در سال ۱۳۵۵ دریافت کرد. سیاوش جمادی، تاکنون ۱۰ عنوان کتاب و مقاله را تالیف و ترجمه کرده است. کتاب"زمینه و زمانه پدیدار شناسی"تالیف سیاوش جمادی ، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش جمادی دوره ابتدایی و تحصیلات متوسطه خود را در جهرم و شیراز گذراند و در سال ۱۳۴۹ پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته طبیعی، به دانشکده حقوق دانشگاه تهران وارد شد و مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۳۵۳ اخذ کرد. جمادی، در سال ۱۳۵۵ مدرک کارشناسی ارشد خود را در ادبیات انگلیسی و فلسفه غرب، از دانشگاه علامه طباطبایی دریافت کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش جمادی حدود ۱۳ سال به عنوان مشاور حقوقی در شهرداری تهران خدمت نموده است و پس از آن به هیچ کار دولتی اشتغال نداشته و زندگی خود را از راه تدریس و تألیف و ترجمه گذرانده است.

جوائز و نشانها : کتاب"زمینه و زمانه پدیدار شناسی"تالیف سیاوش جمادی ، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.همچنین کتاب" سیری در جهان کافکا "تالیف وی در دوره بیست و دوم کتاب سال معرفی و برگزیده شده است.

چگونگی عرضه آثار : از سیاوش جمادی، تاکنون ۱۰ عنوان کتاب و مقاله، تالیف و ترجمه شده است. مقاله‌های وی، عموما در نشریاتی چون همشهری، شرق، اعتماد، فصلنامه خوانش، خردنامه و... به چاپ رسیده‌اند. --

آثار :

۱ پاورقی و نقد کتاب در مطبوعات از جمله: پاورقی «خشت اول» (فلسفه به زبان ساده) در همشهری، نقد و تفسیر «کیفر آتش» (الیاس کانتی)، «ترس و لرز» (کی یرکگور)، «یادداشت‌های زیر زمینی» (داستایفسکی) و غیره در فصلنامه خوانش، «طرح، روش و مضامین هستی و زمان» و «گذار پدیدار شناسی: شرح اندیشه‌های امانویل لویناس» در کتاب ماه فلسفه و مقالاتی در خردنامه، همشهری، شرق، اعتماد

ویژگی اثر : در دست ترجمه

۲ تئوری زیبایی شناسی، از تئودور آدرنو

ویژگی اثر : در دست ترجمه

۳ چه باشد آنچه گویندش تفکر، از مارتین هایدگر

ویژگی اثر : در دست چاپ

۴ داستان عامه‌پسند : فیلمنامه کوینتین تاراتینو

ویژگی اثر : (ترجمه از انگلیسی)

۵ زبان اصالت در ایدئولوژی آلمانی

ویژگی اثر : اثر تئودور آدرلو (۱۳۸۵)

۶ زمینه و زمانه پدیدارشناسی

ویژگی اثر : (تالیف) ۱۳۸۵. برنده بیست و پنجمین دوره کتاب سال در فلسفه .این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

۷ سیری در جهان کافکا

ویژگی اثر : تالیف: برنده کتاب سال ادبیات در بیست و دومین دوره (۱۳۸۲) آشنایی با کتاب: سیری در جهان کافکا سیری در جهان کافکا / سیاوش جمادی. - تهران: ققنوس، ۱۳۸۲. ۳۳۵ ص: - مصور کتابنامه؛ ۳۲۵ - ۳۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس. کافکا بی‌شک یکی از اثرگذارترین نویسندگان قرن بیستم است که در حوزه‌های مختلف ادبیات، نقد ادبی و فلسفه تأثیر قابل توجهی داشته است. شناخت عمیق و آزادمنشانه و رویارویی جدی با اندیشمندان بزرگ این قرن صرفاً ضرورتی که مبتنی بر انتخاب ما باشد، نیست بلکه فراتر از نیاز و ضرورت است، این اندیشمندان خود را بر تفکر زمانهٔ ما تحمیل کرده‌اند و ما باید شناختی همه‌جانبه و محققانه از آنها داشته باشیم. نویسندهٔ کتاب سیری در جهان کافکا با چنین دیدی به سراغ تحلیل و بررسی اندیشه و هنر کافکا رفته و با مطالعه دقیق آثار او و مهمترین کتابهایی که دربارهٔ او و تفکرش نوشته شده است، تصویری گویا، روشن و جامع از او به دست داده است. زبان عالمانه و در عین حال رسای کتاب و تسلط قابل توجه نویسنده بر ذهن و زبان کافکا، این کتاب را در زمرهٔ یکی از موفق‌ترین آثاری که نویسندگان ایرانی مستقلاً دربارهٔ متفکران و هنرمندان مغرب زمین نگاشته‌اند در آورده است. کتاب در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست نویسنده دربارهٔ بیماری و هنر کافکا، پیوند جنون با مضمون و سبک هنر او، جنگ نفسانی در جهان کافکا و پیوند هنر و زندگی کافکا سخن گفته است و در بخش دوم که به تفسیر دینی جهان کافکا

اختصاص دارد، به این مضامین پرداخته می‌شود که تا چه حد می‌توان در آثار کافکا نمادها یا استعاره‌هایی یافت که نفیاً یا اثباتاً به الوهیت و مابعد الطبیعه اشاره‌ای داشته باشند. کندوکاو در اینکه تا چه حد کافکا و ادبیات او به یهودیت و مسیحیت رسمی التفات دارد از مضامین مهم آن است. در این بخش سعی شده است تا از طریق نوعی همداستانی با جهان کافکا، به مدد نوشته‌های خصوصی و ادبی او، اعتبار آرای مفسرانی که در انتساب مقاصد نهفته در آثار کافکا به مضامین یهودیت و فرقه‌های عرفانی مربوط به آن اصرار می‌ورزند، بررسی شود

۸ سینما و زمان، همراه با فیلمنامه داستان عامه پسند از کوینتین تارانتینو (۱۳۷۷)

ویژگی اثر : ترجمه و تالیف

۹ متافیزیک چیست؟

ویژگی اثر : اثر مارتین هایدگر (۱۳۸۳) تشویق شده در بیست و سومین دوره کتاب سال در رشته فلسفه غرب (ترجمه همراه با شرح آرای هایدگر)

۱۰ نامه‌هایی به میلنا از فرانتس کافکا (۱۳۷۸)

ویژگی اثر : ترجمه

۱۱ نقد و تفسیر آن، از فرانتس کافکا

ویژگی اثر : در دست چاپ

۱۲ نیچه

ویژگی اثر : درآمدی به فهم فلسفه ورزی او. اثر کارل یاسپرس (۱۳۸۳)

۱۳ هایدگر و سیاست، اثر میگل دبیستگی (۱۳۸۱)

۱۴ هستی و زمان اثر مارتین هایدگر (۱۳۸۶)

ویژگی اثر : ترجمه

۱۵ یادبود ایوب در جهان کافکا (همراه با آثاری از کافکا)

ویژگی اثر : ترجمه و تالیف (۱۳۷۹) --

منابع :

۱http:/www.ibna.ir/vdccxiqs.۲bqe۰۸laa۲.html۲www.ketabesal.ir

جمالی اسدآبادی، صفات‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، مؤلف.

تولد: ۱۲۷۱، اسدآباد همدان.

درگذشت: ۱۳۶۱.

صفات‌الله جمالی اسدآبادی، متخلص به «صفا»، فرزند لطف‌الله محزون و خواهرزاده‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی، پس از فراگیری خواندن و نوشتن در مکتب، علوم مقدماتی را در زادگاهش و کرمانشاه نزد سید هادی روح‌القدس و محسن فقیه اسدآبادی فراگرفت.

صفات‌الله جمالی اسدآبادی از آن پس در دستگاه محمدحسن‌خان افشار به خدمت پرداخت و مدت ده سال در قریه‌ی حسام‌آباد واقع در چهارده کیلومتری بخش اسدآباد خدمت کرد. چون طرز رفتار و سلوک مستبدانه‌ی مالکین با طبقه کشاورزان غیر عادلانه و خودسرانه بود نتوانست تحمل کند و ناگزیر ترک خدمت کرد. آنگاه در سال ۱۳۰۴ به استخدام فرهنگ درآمد و مدت سی سال در اسدآباد و همدان با سمت آموزگاری و بازرسی آموزشگاه‌ها به خدمت پرداخت و در مهر ماه سال ۱۳۳۵ بازنشسته شد.

«صفا» از شاعران و نویسندگانی است که به اشعار و مقالاتش در دوره‌های مجله «ارمغان» به چاپ می‌رسید. از آثار اوست: اسناد و مدارک ایرانی بودن سید جمال‌الدین اسدآبادی، رساله‌ی راهنمای رستگاری، رساله‌ای منظوم از دعای روزهای ماه رمضان، شرح حال شعرای اسدآبادی، و کتابی درباره‌ی وضع اقتصادی اسدآباد. وی در سال ۱۳۳۵ دیوان پدرش محزون را به طبع رسانید.

(۱۳۶۱ –۱۲۷۱ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به صفا. در اسدآباد همدان به دنیا آمد. وی خواندن و نوشتن را در مکتب آموخت و علوم مقدماتی را در زادگاهش در محضر حاج سید هادی روح‌القدس و حاج میرزا محسن فقیه اسدآبادی فراگرفت و پس از آن در دستگاه محمدحسین خان افشار به خدمت پرداخت. جمالی پس از چندی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمت آموزگاری و بازپرسی آموزشگاهها خدمت کرد. از آثار او: «اسناد و مدارک ایرانی بودن سید جمال‌الدین اسدآبادی»؛ «رساله‌ی راهمای رستگاری»؛ «رساله‌ای منظوم از دعای روزهای ماه رمضان»؛ «شرح حال شعرای اسدآباد»؛ «کتابی درباره‌ی وضع اقتصادی اسدآباد» و «طبع دیوان پدرش محزون».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۲۲۹۰ -۲۲۸۶/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۸/ ۳).

جمالی اسدآبادی، لطف‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۷۳ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به محزون. وی خواهرزاده‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی است. در اسدآباد همدان به دنیا آمد. نیاکان او به طایفه‌ی مستوفیان معروف بودند. وی علوم قدیمه را نزد استادان عصر خود به پایان برد و از محضر سید صفدر، پدر سید جمال‌الدین، و خود سید کسب فیض کرد. همچنین منشی مقالات فارسی سید و مورد اعتماد او بود. محزون شاعری توانا و وطن دوست بود و بیشتر اوقاتش را به مطالعه و تحقیقات علمی و ادبی می‌گذراند. بعد از فوت جسد وی را به عتبات عالیه منتقل کردند و در وادی‌السلام نجف به خاک سپردند. آثار چاپ شده‌ی وی: «رساله‌ای در شرح حال سید جمال‌الدین»؛ «دیوان» اشعار، مشتمل بر چهار هزار بیت؛ «رساله‌ای در عروض»، که در مقدمه‌ی دیوان اشعارش چاپ شده؛ «کتاب لغت عربی با ترجمه‌ی فارسی»؛ «مثنوی صفائیه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۸۳ -۱۸۱ /۲)، الذریعه (۹۷۵/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۷۴ -۳۱۶۹ /۵)، فرهنگ سخنوران (۸۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۴/۵)، یادگار (س ۴، ش ۲ -۱، ص ۱۲۷).

جمالی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی جمالی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۲/۱

زندگینامه علمی

دوران دبستان و راهنمایی را به خوبی گذرانده و در دوران ابتدایی به جهت هوش و حافظه بالاـ دو سال ابتدایی را در یک سال گذرانده و همواره در مدرسه جزو شاگردان خوب بودم .کار علمی جدی بنده از هنرستان کارآموز واقع در منطقه نارمک تهران آغاز شد . در اینجا به جهت فضای حاکم آنوقت که فضای جبهه و جنگ بود در کنار درسهای هنرستان که بنده در رشته برق مشغول به تدریس بودم ، به عضو انجمن اسلامی هنرستان در آمده و در سالهای اولیه در کلاس درس اعتقادی و اخلاقی درون انجمن با اساتید و واعظان شهر تهران شرکت می کردم .

در آن ایام در سال سوم و چهارم هنرستان نوعا با دوستان جلسات مباحثه و مطالعات آثار شهید مطهری را داشتیم و از همان ایام به بیان بعضی از مباحث استاد شهید در جلسات می پرداختم .در همان ایام عازم به جبهه شده و در آنجا هم به مطالعات و مباحثات در جمع دوستان مشغول بودم . درسال پایانی هنرستان در کنکور دانشگاه شرکت کرده و قبول شدم و در همان ایام به جهت علاقه به مباحث مذهبی و اعتقادی قصد آمدن به حوزه را هم داشتم . لذا در آن ایام بر اساس ضرورت عمل به وظیفه راه حوزه را انتخاب کرده و با عنایت امام زمان (عج) به سربازی این مکتب جهاد و مبارزه نایل شدم .

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه مشغول به درس و بحث طلبگی شدم و با داشتن حجره در اتاق مدرسه بصورت ممحض دروس مقدمات را آغاز نموده و از اساتید متعددی از جمله استاد عرفان ، استاد علیدوست ، استاد عالمی و دیگر اساتید استفاده کرده ام . در کنار دروس متداول حوزوی به مطالعات بیرونی هم مشغول بوده و در کلاس های جنبی و آزاد همچون کلاس های نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق شرکت کرده و از اساتیدی همچون آیت الله مظاهری در اخلاق استفاده نموده و البته در کلاس های خصوصی اخلاق هم شرکت می کردم .

در این ایام با مباحث حضرت استاد حاج آقای صفاری آشنا شده و توفیق شرکت در مجالس این استاد گرانسنگ را پیدا کرده و استفاده های زیادی از مباحث و افکار این استاد بردم .پس از گذراندن دوران مقدمات ، دوران سطح حوزه را از اساتید حوزه به خوبی استفاده کرده و دروس لمعه و اصول مرحوم مظفر را پشت سر گذاشته و سپس دروس رسائل و مکاسب و سپس کفایة الاصول را پشت سر گذاشتم و با جدیت در فرا گرفتن مباحث و مباحثه مستمر توانستم به خوبی تمامی دروس سطح را طی کنم .

پس از دروس سطح ، وارد درس خارج شده و حدود ۷ سال دروس خارج فقه واصول را درمحضر بزرگانی همچون آیات و حجج اسلام آقایان : وحید خراسانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، سبحانی و میرباقری گذرانده و دلیل این تعدد استاد در درس خارج هم به جهت آشنایی با سبک درس این اساتید بود ، چرا که معتقد بودم هدف درس خارج آشنایی با شیوه اجتهاد است نه گذراندن یک دوره کامل مباحث فقه و اصول . در کنار درس اصول و فقه به مباحث فلسفه هم پرداخته و در سال ۸۲ به جهت کامل کردن مباحث به دانشکده تربیت مدرس قم رفته و در آنجا با مباحث فلسفی غربی آشنا شده و در رشته فلسفه و کلام مقطع کارشناسی

ارشد را گذراندم .از مهمترین فراز زندگی علمی بنده آشنایی با تفکرات دفتر فرهنگستان و مخصوصا استاد بی نظیر حضرت آیت الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی بوده است . بنده به جهت روحیه وظیفه مداری با موسسات گوناگون مطرح در قم ارتباط برقرار کرده و پس از سنجش و مقایسه آنان با توجه به نیازمندیهای نظام اسلامی تشخیص دادم که این موسسه به دنبال حل مسائل مهم نظام اسلامی می باشد . لذا از سال ۷۱ با این موسسه آشنا و در کلاسهای آموزش آن شرکت کرده و کم کم جزو محققین این موسسه شروع به کار کرده و مستقیما در جلسات مباحث حضرت استاد سید منیر، در موضوعات مختلفی همچون فلسفه ، مدل ، روش تحقیق ، موضوعات کاربردی و ... شرکت و استفاده فراوانی برده ام .

البته بنده در کنار کار تحقیقاتی در دفتر فرهنگستان ، کارهای علمی و مقالات متعددی در مجلات و همایش ها ارائه داده و به تالیف چندین کتاب مبادرت داشته ام و در کنار تحقیق به کار تبلیغ و سخنرانی های تخصصی در دانشگ ه ها مشغول می باشم .

جناب اصفهانی، فتح‌اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۸/۱۱۴۶ ق)، شاعر و ادیب. از بزرگان عهد صفوی بود که زمان نادرشاه را درک کرده است. نسبتش به امیرنجم ثانی می‌رسد. در جوانی به هندوستان رفت و بعد به وطن بازگشت و در خوزان که یکی از بلوکات اصفهان است، ساکن شد و به دستور شاه طهماسب صفوی به منصب کلانتری اصفهان رسید. جناب از طرف نادرشاه مأموریتی به خراسان یافت و پس از مدتی به امر وی در راه تهران و کاشان کشته شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ النبور (۲۴۱)، الذریعه (۲۰۶ -۲۰۵ /۹)، ریحانه (۴۳۰/۱)، سفینهٔ المحمود (۱۸۸ -۱۸۷)، صبح گلشن (۱۰۸ - ۱۰۷)، فرهنگ سخنوران (۲۲۵ -۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ جناب اصفهانی)، مجمع الفصحا (۲۰۵ -۲۰۴ /۴)، نگارستان دارا (۱۷۷ - ۱۷۶).

جناب حسینی اصفهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۸۷ ق)، فقیه، حکیم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از سادات و معاریف رجال ادبی و ریاضی اصفهانی بود. در نزد علماء این سامان در فقه و اصول و طب و بخصوص ریاضی و در هیأت جدید و قدیم سرآمد معاصران شد، و تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن از راه روزنامه و کتاب کرد. میر سید علی در سال ۱۳۲۴ ق روزنامه «الجناب» را با چاپ سنگی در اصفهان منتشر کرد. سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه دفن شد. از جمله آثار او: «الاصفهان»؛ «راهبر برای مسافرین اصفهان»؛ و «فعالیتهای فرهنگی بنادر جنوب (بوشهر) در شیخ نشین دوبی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۴۸ -۲۴۵ /۱)، تذکرهٔ القبور (۲۴۱ -۲۴۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۳/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۳ -۱۷۱ /۴)، یادگار (س ۴ ش ۴، ص ۵۶).

جناب‌زاده، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۶۷، اصفهان.

درگذشت: آذر ۱۳۷۰.

محمد جناب‌زاده بخشی از تحصیلات خود را در مدارس قدیمه و نزد پدرش فراگرفت. سپس در مدرسه‌ی کمالیه و مدرسه‌ی ادب داخل شد و در تهران نیز در دارالفنون به تحصیل پرداخت. در آغاز وارد شغل آموزگاری در مدارس ابتدایی و متوسطه اقدسیه شد. در سال ۱۳۰۶ وارد وزارت دادگستری شد ولی شغل قضایی را نپذیرفت. مراحل خدمات اداری را در ثبت اسناد و املاک پیموده و سپس رییس اداره‌ی تبلیغات وزارت دادگستری شد (۱۳۳۶).

در سال ۱۲۹۹ از وزارت معارف پروانه‌ی انتشار مجله‌ی هفتگی «صحیفه‌ی آسمانی» را گرفته و پس از انتشار پنج شماره با سید شکرالله صفوی مدیر روزنامه‌ی «کوشش» در نگارش مقاله‌های اساسی آن تا سال ۱۳۱۰ صرف وقت می‌نمود. در سال ۱۳۲۱ مجددا «صحیفه‌ی آسمانی» را انتشار داد و شماره‌ی ۱۷ آن مصادف با وقایع ۱۷ آذر گردید و در نتیجه‌ی الغاء امتیاز تمام جراید سرمایه‌ی مصرف شده از دست رفت. در سال ۱۳۲۲ امتیاز «ندای آسمان» را تحصیل و به طور هفتگی منتشر شد و تا بیستم آذر بیشتر دوام

نیافت و در سال ۱۳۲۸ مـدت پنـج ماه مجددا به انتشار آن پرداخت. سپس مجله‌ی ادبی و علمی «ندای آسـمانی» را منتشـر می‌کند. جناب‌زاده در مجله‌ی «تعلیم و تربیت» مقاله‌هایی در مقوله تربیت داشته است.

از آثار اوست: اوراق پراکنده (قطعات ادبی، فلسفی، اجتماعی، دینی، ۱۳۱۲)؛ به سوی خدا، جهان بینی از نظر فلسفه علمی (۱۳۳۲)؛ تعلیـم و تربیت در نظر سـعدی (۱۳۱۷)؛ توحیـد تمدن شـرق وغرب (۱۳۲۷)؛ دادرسـی تاریخ (۱۳۳۷)؛ رهبر زنـدگی برای جوانان و دختران (۱۳۳۴)؛ راهنمـای دانش درس طبیعت و وظـایف انجمن‌هـای همکاری خانه و مـدرسه (۱۳۲۹)؛ بررسـی تازه در آموزش و پرورش (۱۳۱۹)؛ زن در نظر تاریـــخ (۱۳۳۵)؛ سیـر تمـدن و لزوم سـازش علـم و ایمـان (۱۳۳۸)؛ عشـق و پارسـایی (۱۳۳۶)؛ مفاسد رباخواری (۱۳۳۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جنتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد جنتی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱۲/۳

زندگینامه علمی

آیهٔ الله احمد جنّتی در سوم اسـفند ۱۳۰۵ هجری شمسـی در روسـتای لادان از بلوک ماربین، واقع در سه کیلومتری غرب شهرسـتان اصـفهان، چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم ملا هاشم از روحانیون وارسـته و بزرگی بود که از شنبه تا چهارشنبه در شهر اصفهان حضور داشت و به تـدریس علوم حوزوی می‌پرداخت و روزهـای پایانی هفته را در روسـتا به سـر می‌برد. مردم روسـتای او که بیشتر کشاورز و دامدار بودند و عمدتاً از نظر اخلاقی در جایگاه مناسبی قرار داشتند، اگر دچار اختلافی می‌شدند برای حل و فصل مسائل خود به او مراجعه می‌کردند، وی تا پایان عمر رابطه‌اش را با حوزه علمیه اصفهان قطع نکرد و از محضر عالمان بزرگی همچون حاج آقا رحیم ارباب و حاج سـید علی نجف آبادی بهره برده بود در آمـدش منحصـر به وجوه شـرعی و یا از طریق وعظ و خطابه بود. او یک فرزنـد بیشتر نـداشت. مادر آیهٔ الله احمد جنّتی نیز زنی پاک و صـبور بود و علاوه بر خانه داری، قرآن و برخی از کتب دینی را تـدریس و بعضـی از جلسات مـذهبی را نیز اداره می‌کرد و با صبر و قناعت، زنـدگی می‌گذارنـد. در زادگاه آیهٔ الله جنّتی و کل آن منطقه مـدرسه‌ای وجود نـداشت؛ از این رو او به مکتب خانه رفت و خود، انـدکی از دروس جدید را خواند و بعدها در قم، مقداری زبان انگلیسی فرا گرفت. او دورهٔ ادبیات عرب و مقدمات سطح را تا سال ۱۳۲۴ در حوزه علمیه اصفهان خواند. دوران نوجوانی او با اختناق رضاخانی همراه بود: پوشیـدن لباس روحانی برای بسیاری از طلاب ممنوع شده بود؛ آنها می‌بایست برای پوشیدن آن لباس، مجوّز دریافت کننـد و تنها به تعداد کمی از آنان مجوز داده می‌شد. عمامه‌ها را از سـر طلاب برمی داشـتند؛ کلاههای نمدی را پاره می‌کردنـد؛ از سـر زنان چادر بر می‌داشـتند؛ مجالس روضه به تعطیلی کشـیده شـده بود و مساجـد به خلوتی می‌گراییـد و ... آیهٔ الله جنّتی خود، از نزدیک شاهـد چنین روزگاری بود. او پس از تکمیل مقدمات و طی کردن برخی از دروس سـطح، به حوزه علمیه قم آمـد تـا از محضـر عالمـان و فرزانگـان آن دیار نیز بهره ببرد. با ورود به قم به تکمیل دروس دورهٔ سـطح پرداخت و در درس خارج بزرگانی همچون آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) شـرکت می‌جست. در این مدت از شرکـت در بحث‌های اخلاق و تفسیر نیز غافل نماند. او در این مدت در مدرسه فیضیه و حجتیه حجره داشت. آیهٔ الله جنّتی بخشی از دروس مقدمات را نزد پدرش و بخشی را نزد مرحوم سید ابوالقاسم هرندی خواند. او بخشی از معانی و بیان را نزد مرحوم سید محمد باقر ابطحی و بخشی دیگر را نزد حاج شـیخ احمد فیاض فرا گرفت و معالم را نزد مرحوم حاج شیخ علی مشکاتی آموخت. در قم شرح لمعه را نزد مرحوم شهید صـدوقی آموخت و برای آموختن بخشـی از رسائل و قوانین به نزد مرحوم آیـهٔ الله بهاءالدینی رفت. بخشـی از کتاب مکاسب را نزد مرحوم حاج سـید محمـد باقر طباطبایی بروجردی فرا گرفت. و برای آموختن کفایه به نزد مرحوم حاج شـیخ عبـدالجواد اصـفهانی و مرحوم مجاهدی رفت. بخشـی از مکاسب را نیز نزد مرحوم حاج آقا روح الله کمالوند آموخت.با تکمیل دورهٔ سـطح به درس خارج بزرگانی چون آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره)، آیهٔ الله العظمی گلپایگانی، آیت الله العظمی حجّت کوه کمره‌ای(ره) و آیهٔ الله العظمی امـام خمینی(ره) رفت و سالهـا در درس فقه و اصول ایشـان به طور جـدی شـرکت کرد. او در طی این سالها در بعضـی از درسـهای اخلاـق نیز شـرکت می‌نمود،تـا علاـوه بر آموختن علم، عمـل به آنهـا را نیز فراگیرد. آیـهٔ الله احمـد جنتی در دوران تحصـیل خود با فضلائی چون شهید سعیدی، شیخ محسن حرم‌پناهی، شهید مفتح، سید کرامت‌الله ملک حسینی، شیخ ابوالقاسم خزعلی و شیخ محمد علی موحـدی کرمانی به مباحثه درس می‌پرداخت و با بزرگانی چون شـهید بهشتی، شـهید قدوسـی، آیـهٔ الله مصـباح یزدی، آیـهٔ الله سبحانی، آیـهٔ الله مشـکینی و آیـهٔ الله امینی رابطهٔ دوسـتانه و مصاحبت داشت. آیهٔ الله جنتی تا کنون آثار علمی و فرهنگی فراوانی از خود بر جـای نهـاده است. او مـدت چهارده سال در مدرسـهٔ علمیه حقانی به تـدریس دروس دورهٔ مقـدمات و سـطح پرداخته است. مـدرسه علمیـهٔ حقانی، مـدرسه‌ای بود که با هزینهٔ یکی از تاجران با تقوای زنجان و با مدیریت شـهید قدوسـی آغاز به کار کرد. این مـدرسه که بسیاری از بزرگـان کنونی حوزه، در ادارهٔ آن شـرکت داشـتند، با ابتکار شـهید بهشتی و با طرحی نو و شیوه‌ای تازه در تدریس و تحصیل و با برنامه‌ای منسجم و امروزی، به تربیت و آموزش طلاب از مقدمات تا سطح می‌پرداخت که بسیاری از مدیران

و متصدیان امور قضایی و اصحاب فرهنگ و پژوهشگران امروز جامعه در آن پرورش یافتند. طلاب این مدرسه در بسیاری از فعالیتهای علمی و سیاسی دورهٔ طاغوت و پس از آن، در اداره و برنامه‌ریزی علمی و فرهنگی سیاسی انقلاب اسلامی شرکت کردند و این حاصل تلاش استادان این مجموعه، از جمله آیهٔ الله احمد جنتی بود. آیهٔ الله جنتی به ترجمهٔ برخی از کتب حدیث پیشینیان، از جمله «اثبات الهداهٔ»، «ایقاظ الهجعه»، «تحف‌العقول» و «المواعظ العددیهٔ» پرداخته است.فعالیتهای علمی و فرهنگی و تحصیل فقه و اصول مانع فعالیتهای سیاسی آیهٔ الله جنتی نگردید. فعالیتهای سیاسی در پروندهٔ زندگانی او گاه بیشتر و بهتر می‌درخشد. آیهٔ الله احمد جنتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در سخنرانیها، اجتماعات عمومی و جلسات خصوصی همواره به افشای ماهیت پلید حکومت پهلوی و ضرورت براندازی این حکومت وابسته می‌پرداخت. او که خود سالها شاگرد مرجع عالی قدر شیعه، امام خمینی(ره) بود، همواره دیگران را به پیروی از راه امام(ره) دعوت می‌کرد. از سوی دیگر در درون حوزه، ضمن ملاقات با علما و مراجع، آنها را از آخرین اخبار حرکت انقلابی امام و مردم با خبر می‌ساخت. او با عضویت در جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، به برنامه ریزی هماهنگ برای برپایی راهپیمایی‌ها، نوشتن اعلامیه‌ها و ارتباط با دیگر مراکز مرتبط با نهضت امام خمینی(ره) ـ همانند جامعه روحانیت مبارز ـ می‌پرداخت. آیهٔ الله جنتی همواره ارتباط خود را با امام(ره) حفظ می‌کرد تا با الهام‌گیری از ایشان، از آخرین فعالیتهای مبارزاتی در قم، نجف و دیگر شهرها اطلاع پیدا کند. او بارها در قم، رفسنجان و جزیرهٔ خارک مورد تهدید و تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و چند بار در قم بازداشت شد. او سه نوبت به زندان رفت و مجموعاً سه ماه زندانی شد و یک بار هم دستگیر و به مدت سه سال به اسدآباد همدان تبعید شد. فعالیتهای وی پس از انقلاب نیز ادامه یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، آیهٔ الله جنتی در مسؤولیتها و سنگرهای گوناگونی به ایفای نقش پرداخت. نخستین مسؤولیت او پس از پیروزی انقلاب، قضاوت در دادگاه‌های انقلاب با حکم امام خمینی(ره) بود. بر کناری و گاه اعدام قضات دوران حکومت شاه، فقدان قوانین و آیین نامه‌های اجرایی در دادگاهها، عدم آشنایی افرادِ مؤمن و انقلابی با سیر اجرایی کار قضاوت و مشکلات متعدد دیگر، کار در دستگاه قضایی سالهای نخستین انقلاب را دشوار ساخته بود. با وجوداین مشکلات، بزرگانی چون شهید قدوسی، شهید بهشتی و آیهٔ الله جنتی در این عرصه پای نهادند به تدوین و اصلاح ساختار قضایی کشور پرداختند. دستگاه قضایی منسجم امروز کشور ما، حاصل تلاش این عزیزان در آن سالهاست. از مسؤولیتهای مهم آیهٔ الله جنتی عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی، از نخستین روزهای تشکیل این نهاد مقدس است. شورای نگهبان از نهادهای مهم انقلاب به شمار می‌آید که با وجود آن، می‌توان گفت توطئه‌هایی چون داستان مشروطه تکرار نخواهد شد و همواره، مصوّبات مجلس، از صافی فقه اسلام و قانون اساسی خواهد گذشت. این نهاد همواره مورد هجمهٔ دشمنان انقلاب قرار گرفته است. آیهٔ الله جنتی در طول عمر ۲۴ ساله این نهاد، بارها با عنوان عضو فقیه این شوری، به دفاع از این نهاد و مبانی انقلاب اسلامی پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جندی شاپوری، جبریل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۳ ق)، طبیب و مترجم. از اطبای مشهور جندی شاپور و اولین طبیبی است که نخستین کتاب طب را از زبان یونانی به عربی ترجمه کرد. جبریل مدتی طبیب بیمارستان جندی شاپور و مدتی طبیب دربار هارون‌الرشید و امین بود. وی مدت ۲۳ سال در بغداد بود و در سقوط بغداد و قتل امین، مردم خانه‌اش را غارت کردند و او ترک خدمت دربار گفت و با این کار مورد غضب مامون قرار گرفت و مدتی محبوس شد، سپس در زمانی که اطبا از معالجه‌ی حسن بن سهل، وزیر مامون، درمانده بودند، جبریل آزاد شد و او را معالجه کرد و از آن پس به شدت مورد احترام قرار گرفت. جنازه‌اش در شهر مداین در دیری به خاک سپرده شد. آثار وی: «المطعم و المشرب»؛ «مدخل طب»؛ «باه»؛ «صنعه البخور»؛ «کناش»، در طب؛ «المدخل الی صناعه المنطق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۱ -۱۰۰ /۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۲۰۲ -۱۸۳)، تاریخ طب (۵۸ -۵۶ /۲)، دایره‌المعارف فارسی (۳۹۳/۱)، معجم المولفین (۱۱۳/۳).

جنید شیرازی، عیسی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مترجم. در نیمه‌ی اول قرن نهم می‌زیست. کتاب «شدالازار» پدرش را به نام «ملتمس الاحباء خالصاً من الریا» ترجمه کرد، این کتاب به «تذکره‌ی هزار مزار» مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۱۰۶۱ -۱۰۶۰، ۱۱۵۲ -۱۱۵۱ /۳)، تذکره‌ی هزار مزار (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۶/۴).

جوادی آملی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللَّه جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللَّه شعرانی (ره) و آیت‌اللَّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللَّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللَّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللَّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللَّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّه‌علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استَنّوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. ۲ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّه هُوَ یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقةً تُطَهِّرهُم وَ تُزَکّیهِم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اذ اَخَذتَ،

ولکنّ اللّه اَخَذَ. ۳ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهِّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی‌کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. ۴ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. ۵ ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّه لَهُم مَغفِرَةً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف لَهُم و لَهُم اَجرٌ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الاّ ثلاث خصال: صدقهٔ اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّهٔ هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. ۶ ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرٌ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقهُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. ۷ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالِ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمهَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّه له الجنهٔ، عمد الی ماله فَجَعَله صدقهً مبتولهً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸ ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابهٔ ذو مقدرهٍ الاّ وقف وقفا. ۹ ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقهٔ، بتهً بتلاً، فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیل، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنهٔ اللّه والملائکهٔ والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. ۱۰ ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمهٔ للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیهٔ‌اللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیهٔ‌اللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوهٔ، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوادی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالله جوادی دامت برکاته در سال ۱۳۴۱ ق بقم المحمیه مهاجرت نموده و مدت هفت سال از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی حایری حاج شیخ عبدالکریم طاب‌الله ثراه و آیات دیگر استفاده نموده تا بدرجه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات در سال ۱۳۴۸ ق بابهر مراجعت و اقامت دائمی نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

تألیفات و نوشته‌های ایشان از این قرار است:

۱- رساله‌ای در لباس مشکوک.

۲- رساله در قاعده ید که از محضر درس مرحوم آیه‌الله نائینی استفاده نموده.

۳- رساله‌ای در قاعده لاضرر.

۴- جزواتی بعنوان حاشیه بر مکاسب و حواشی بر دررالفوائد آیه‌الله حایری.

۵- رساله مستقلی در ارث.

۶- رساله‌ای در رد مسلک باب و بهاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

جواری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین جواری در سال ۱۳۴۶ در اهر بدنیا امد. ایشان در سال ۱۳۷۷مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس- فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین جواری ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان شمس به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۶۴ از دبیرستان مدرس اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان وادبیات فرانسه را از دانشگاه تبریز و ازدانشگاه ژول ورن آمین فرانسه و کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه وتطبیقی را در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه ژول ورن آمین فرانسه دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۷مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس- فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. عنوان پایاننامه: الف -کارشناسی ارشد : سنت - تقلید - نوآوری در پالکنهای رب گریه (رمان جدید) ب- دکتری: پایان رمان نو - مسائل زیبایی شناسی و مسائل دریافت ادبی از ورای آثار رب گریه. وقایع میانسالی : محمد حسین جواری و از سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی محمدحسین جواری : قبلی: رئیس آموزش دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی فعلی: مدیر گروه آموزشی زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی محمدحسین جواری در دانشگاه تبریز به قرار زیر است: تدریس دروس کارشناسی وکارشناسی ارشد چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی محمدحسین جواری به ترتیب زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده : ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۴ مورد تعداد کتابهای تالیف شده : ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۹ مورد

جوان هوشیار، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر جوان هوشیار

محل تولد : لیلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد ازاخذ مدرک دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج)شهرستان بناب شدم و شش پایه حوزه را درعرض پنج سال تمام کرده وارد حوزهٔ علممیهٔ قم شدم و همزمان با دروس حوزوی در مؤسسه امام خمینی در رشتهٔ روانشناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۴از مؤسسهٔ امام خمینی(ع) با مدرک کارشناسی فارغ التحصیل شدم والآن مشغول تحصیل دروس حوزوی خارج فقه و اصول هستم.

جوانرودی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۳۰۰ ق)، منشی، خطاط، ادیب و دانشمند. از اهالی جوانرود بود. تحصیلات خود را در مدارس کردستان ایران و عراق شروع کرد و در شهر کرکوک علوم دینی را نزد علامه علی حکمت افندی به کمال رساند و به ایران بازگشت و در آبادی بالک از قرای مریوان به مدت یازده سال تدریس کرد، سپس به دره تفی رفته و تا هنگام مرگ در آنجا ماند و به تدریس و خدمت اجتماعی و دینی ادامه داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۲۶۳/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹/۳).

جوانی گلوجه، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول جوانی گلوجه

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۷۴وارد حوزه علمیه شدم. دوران مقدمات حوزه را در حوزه علمیه ولی عصر عج شهرستان بناب واقع در آذربایجان شرقی به پایان رساندم.بعد از ورود به قم مشغول دروس سطح حوزه گردیده از دروس اساتید معظم حوزه استفاده کردم. در همان سالهای اولیه ورود به حوزه علمیه به خاطر علاقه ای که داشتم، در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی نیز مشغول به تحصیل گردیده و موفق شدم دروس سطح ۲ این رشته را نیز در تاریخ ۱۳۸۳به پایان رساندم.

در ضمن موفق گشتم چندین ترم جزو نفرات ممتاز باشم. و با یک سال تاخیر در تاریخ ۸۵ نیز با قبولی در امتحانات ورودی تحصیل در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مقطع کارشناسی ارشد پی بگیرم هم اکنون نیز سه سال است در دروس خارج فقه و اصول مشغول به تحصیل می باشم که هم اکنون که در سال ۸۶ می باشم سومین سال تحصیل در دروس خارج را می گذرانیم.در طی این دوران در ضمن تحصیل در دروس متداول و تخصصی در واحد تحقیقات و پژوهشهای فرهنگی حوزه، قسمت قرآن و تربیت و کلام و فلسفه مشغول پاسخ گوئی به سوالات بودم. که بیش از سه سال سابقه دارم.

مقاله ای با عنوان جوان و بحران هویت اینجانب در هفته نامه پرتو سخن به چاپ رسید. و مقاله ای نیز با عنوان جوان و هویت در مجله علمی تخصصی معرفت در حال انتشار می باشد.مقاله دیگری نیز با عنوان (کرامت انسان در سیره نبوی) برای موسسه نشر آثار حضرت امام ره نیز نوشته ام که در حال چاپ و انتشار می باشد.اینجانب در سایت اسلامی حضرت استاد هادوی تهرانی نیز به عنوان محقق پاسخ به سوالات اینترنتی مشغول می باشم.همینطور در پژوهشکده علمی – کاربردی باقرالعلوم مربوط به سازمان تبلیغات اسلامی هم مشغول به تحقیق می باشم.اخیرا نیز از پژوهشکده صدا و سیمای مرکز قم جهت همکاری در پروژه ای قرآنی دعوت گردیده ام.

جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۰ /۳۹۸ ق)، ادیب و لغوی، مشهور به جوهری. در فاراب متولد شد. وی نزد دایی خود ابوابراهیم اسحاق فارابی تحصیل کرد و سپس در طلب علم به بغداد و شام و حجاز سفر کرد و در مراجعت چندی در دامغان اقامت گزید و پس از آن به نیشابور رفت و برای همیشه در آنجا رحل اقامت افکند. ابونصر در بغداد نزد ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی تحصیل کرد. گویند در آخر عمر مبتلا به اختلال حواس شد، و به خیال پرواز افتاد، و لنگه در را زیر بغل گرفت، و از محل بلندی خود را پائین انداخت، جوهری در نیشابور درگذشت. وی نخستین کسی است که لغات عرب را به ترتیب حروف هجا مرتب کرد. علاوه بر مقام شامخی که در لغت عرب دارد، علم عروض را تکمیل کرد، و شعر هم می‌گفت. وی خطی بسیار نیکو داشت، به حدی که تمیز خط او از خط ابن مقله ممکن نبود. معروفترین اثر وی: «صحاح اللغه» به عربی؛ «مقدمه در نحو»؛ «عروض الورقه»، که در علم عروض است؛ «بیان الاعراب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۰ -۳۰۹ /۱)، تاریخ ادبیات ایران (۳۵۴/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۸۳ -۲۸۱، ۴۰۰، ۳۸۱)،

دایرةالمعارف فارسی (۷۷۵/۱)، الذریعه (۱۱/۱۵)، روضات الجنات (۴۹ -۴۳ /۲)، ریحانه (۴۴۰ -۴۳۸ /۱)، سیر النبلاء (۸۲ -۸۰ /۱۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۶)، کشف الظنون (۱۰۷۳ -۱۰۷۱)، الکنی والالقاب (۱۶۳ -۱۶۱ /۲)، لسان المیزان (۶۱۶ -۶۱۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ جوهری، بارانی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳ -۵۸۲ /۱)، معجم الادباء (۱۶۵ -۱۵۱ /۶)، معجم البلدان (۲۵۵/۴)، معجم المؤلفین (۲۶۸ -۲۶۷ /۲)، الوافی بالوفیات (۱۱۴ -۱۱۱ /۹).

جوهری، محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، حکاک و خطاط. معروف به رشید حکاک. اصلاً نیشابوری بود و در حکاکی و کتابت خطوط به روی سنگها مهارت داشت. از آثار ارزنده‌ی وی، حکاکی قطعه سنگ سیاهی است به حالت طبیعی، که برای سلطان جلال‌الدین ابوالمظفر منکبرنی تهیه شده و بر روی آن جملاتی به خط کوفی تزیینی، ثلث، نسخ و رقاع حکاکی کرده، با رقم: «عمل العبد... محمود بن محمد الجوهری یعرف بر شید الحکاک النیشابوری فی المحرم سنه ثمان و عشرین و ستمائه (۶۲۸ ه ق...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۷/۳).

جوینی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۸ /۴۳۷ /۴۳۴ ق)، نحوی، مفسر، فقیه شافعی. ملقب به رکن الاسلام. وی پدر امام‌الحرمین بود. عبداللّه در جوین متولد شد. ادبیات را نزد پدر در زادگاهش آموخت. سه بار به نیشابور رفت و فقه و اصول را نزد سهل بن محمد صُعلوکی فراگرفت، و سپس در مرو از محضر قفّال مروزی استفاده برد. و از ابونهیم اسفراینی نیز بهره گرفت. رکن‌الاسلام در بغداد در محضر ابوحسین بن بشران حاضر شد. وی در سال ۴۰۷ ق به نیشابور بازگشت و به تدریس و فتوی مشغول شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «التبصرة»؛ «التذکرة»؛ «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر الجوینی» مشتمل بر انواع علوم؛ «الفرق والجمع» یا «الجمع والفرق»؛ «الفروق والسلسلة»؛ «مختصر المختصر» یا «مختصر الجوینی»؛ «موقف الامام والمأموم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۰ -۲۹۱ /۴)، دایرةالمعارف فارسی (۷۷۶/۱)، روضات الجنات (۱۵۸ -۱۶۰ /۵)، ریحانه (۴۴۴/۱)، سیرالنبلاء (۶۱۸ -۶۱۷ /۱۷)، کشف الظنون (۱۹۱۰، ۱۶۲۶، ۱۶۲۱، ۱۲۵۸، ۹۹۶، ۶۰۱، ۴۴۶ -۴۴۵، ۳۸۵، ۳۳۹)، معجم البلدان (۲۲۴ -۲۲۳ /۲)، معجم المؤلفین (۱۶۵/۶)، وفیات الاعیان (۴۸ -۴۷ /۳)، هدیة العارفین (۴۵۱/۱).

جوینی، عزیزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، تحصیل مقدمات (سطح)، منطق و فلسفه، فقه و اصول، تفسیر و کلام، ریاضی و هیئت قدیم تا درس خارج از مدرسه میرزا جعفر مشهد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، علوم قرائی، نقد و تحلیل مباحث دستوری در فرهنگ‌های فارسی، بررسی تفسیر سورآبادی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترا و ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تصحیح و شرح نهج‌البلاغه، تصحیح فرهنگ عربی- فارسی، مصادرالغه، فرهنگ مجموعه العربی، شرح خمسه نظامی، تغییر نسفی و تفسیر مفردات قرآن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: خیلی زیاد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، ترجمه انگلیسی و عربی، علوم قرآنی، نقد و بررسی کتب، شرح متون نظم و نثر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جوینی، معین‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۳ / ۷۸۱ ق)، ادیب، صوفی و شاعر، متخلص به معین. در برخی از تذکره‌ها تخلص و شهرت وی معینی ذکر شده است. اهل خراسان بود و در انـداده، از توابع جوین، به دنیا آمد. او شاعری توانا بود و قصاید وی در نعت باری تعالی همراه با مشـرب تحقیق و غزل‌هـایش پر از مایه‌هـای عرفـانی است. وی همچنین در فن تصوف، مواعـظ و پنـد، دقـایق حـدیث و تفسیر اسـتاد بود و نزد مولانا فخرالدین خالدی اسفراینی، مؤلف «شرح فرایض»، کسب علم کرد و در تصوف پیرو خاندان شیخ سعدالدین یوسف حمویی شد. او سفری به عراق و آذربایجان کرد و مورد توجه خواجه غیاث‌الـدین محمـد فضل‌اللّه وزیر قرار گرفت و ساکن همـدان شـد. سپس به بغداد و از آنجا به مکه و مدینه رفت و بعد از آن به خراسان بازگشت. سرانجام در جوین درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش کتاب «نگارسـتان» است که آن را به تقلیـد «گلسـتان» سـعدی، در عهـد سـلطان ابوسـعید مغول و به نام وزیرش غیاث‌الـدین محمـد، نگـارش کرد. در «ریحانـهٔ الادب» آمـده است که کتـاب به نـام سـلطان ابوسـعید نوشـته شـده امـا صـاحب «تاریـخ ادبیات در ایران» نویسـنده‌ی آن را سـعیدالدین یوسـف حمویی دانسـته است. این کتـاب در مـاوراءالنهر شـهرتی عظیم یـافت زیرا زمـانی که الغ بیگ گورکان به بحرآباد رفت مشایـخ آنجا این کتاب را پیشکش او کردنـد و سـلطان به نویسـندگان دسـتور داد تا کتاب را به خوبترین خط بنگارنـد. معین‌الـدین علاوه بر قطعات و ابیات فراوانی که در «نگارسـتان» آورده، قصایـد و غزلهای مسـتقلی نیز سـروده است. تقی‌الدین کاشـی از مجموع اشـعارش هزار بیت غزل و قسـمتی از قصاید را یافته و بخشـی از آنها را در «خلاصهٔ الاشـعار» نقل کرده است. «احسن القصص»، شرح سوره‌ی یوسف و قصه‌ی یوسف و زلیخا، اثر دیگر اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۶۹ -۱۲۶۸، ۱۰۴۵ -۱۰۴۱/ ۳)، تاریخ عصر حافظ (۲۹/ ۱)، تاریخ مغول (۵۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۱)، تذکرهٔ الشعراء (۳۸۵ -۳۷۹)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۸۱۲/ ۲)، الذریعه (۳۰۸ -۳۰۷/ ۲۴، ۱۰۷۹/ ۹)، ریحانه (۳۵۲/ ۵، ۴۴۴/ ۱)، صبح گلشن (۴۳۵)، فرهنگ سخنوران (۸۶۴)، کشف الظنون (۱۹۷۶)، لغت نامه (ذیل/ معین‌الدین جوینی)، هفت اقلیم (۳۰۶ -۳۰۵/ ۲).

جهاد اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقـا سـید علی بن سـید جعفر خراسـانی. فاضـل و ادیب، از آزادی خواهان و روزنامه نویسان صـدر مشـروطیّت بوده، در ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۶۵ وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

مرحوم جهاد اکبر مدّتها به سمت مدّعی العموم در دادگستری یزد خدمت نموده.

مرحوم آیتی در رثا و مادّه تاریخ وفاتش گوید:

کس در جهان نیامده کز این جهان نرفت

کس خانمان نساخت کز آن خانمان نرفت

سال وفات خواستمش پیر عقل گفت

جز با جهاد اکبر کس بر جنان نرفت

روزنامه جهاد اکبر مدّت دو سال یا کمی بیشتر منتشر می‌شده، و نویسندگی آن به عهده میرزا محمّد علی علم فرزند آخوند ملّا علی اکبر فشارکی بوده که مردی فاضل و دانشمند بوده، و قبل از سال ۱۳۶۰ در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جهان قاجار، زبیده

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۴ ق)، ادیـب، عـارف و شـاعر، متخلص بـه جهـان. ملقب بـه جانبـاجی و فرشـته. وی همسـر علینقی خـان قراگزلـو، ملقب به نصـرهٔالملک بود. او زنی خیر و عارف مسلک و از مریدان حاجی میرزا علینقی همدانی بود و زندگی به دور از تجمل داشت و بذل

و بخششهای بسیاری می‌کرد. چندین بار به زیارت عتبات رفت. وی اشعاری نیکو می‌سرود. از او «دیوان» شعری به جای مانده است.[۱]

حدود ۱۳۰۵ ق، زبیده خانم، معروف به فرشته از زنان زاهد، عارف و شاعر. وی دختر بیست و هفتم فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ – ۱۲۱۲ ق) بود و مادرش ماه‌آفرین خانم نام داشت. به نوشته تاریخ عضدی در میان تمام فرزندان پسر و دختر فتحعلی شاه هیچکدام به زهد و تقوی و پاکی و اخلاص وی نبودند و از همین رو همه شاهزادگان به او لقب فرشته دادند. زبیده در جوانی به عقد علی خان نصرت‌الملک قراگوزلو درآمد. مدتی بعد به همراه همسرش به همدان رفت و در آنجا در سلک عرفان حاج میرزا علینقی همدانی، عارف معروف، درآمد و از مریدان خاص او گردید. در طول بیش از شصت سال اقامت در همدان، از ثروت خود به دستگیری مستمندان و عمران و آبادی منطقه پرداخت. کاروانسرایی مدور برای اقامت زوار در قریه تاج‌آباد با شراکت حاج میرزا علینقی همدانی بنا کرد.

پلی بر روی روان رود احداث نمود، دو دانگ قریه‌ی لاله‌چین را برای تعزیه‌داری و روشنایی کربلا ـ وقف نمود، بقعه و صحن امامزاده یحیی واقع در همدان را تعمیر کرد و همه ساله مبلغی برای متولی، قاری و روشنایی بقعه باباطاهر – که مدفن حاج میرزا علینقی همدانی نیز در آنجاست – مقرر نمود. زبیده دایم‌الذکر، شب زنده‌دار و اهل ریاضت و در سفر و حضر به دور از تجمل و تشریفات ظاهری بود. یک بار به زیارت حج، بیست مرتبه به زیارت عتبات و ده مرتبه نیز به زیارت مشهد رضوی مشرف شد.

وی دارای طبعی توانا بود و دیوانی حاوی قصیده، غزل و مراثی داشته که اشعار زیر را مؤلف تاریخ عضدی از آن نقل کرده است:

در ده به من ای ساقی زان می دو سه پیمانه

کز سوز درون گویم شعری دو سه مستانه

خواهم که در این مستی خود نیز رود از یاد

غیر از تو نماند کس نه خویش و نه بیگانه

از عشق رخ جانان، گشته است «جهان» حیران

مستانه سخن گوید این عاشق دیوانه

خواهم از ساقی مهوش تا نماید لطف عام

هر زمان ریزد به کام خشک من جامی دگر

گرچه نتوان لنگ لنگان پا نهم در کوی دوست

لطف او گر شامل آید می‌نهم گامی دگر

در شب هجران گدازم همچو شمع

روز وصلت سرفرازم همچو شمع

در رهت استاده‌ام از روی شوق

تا بیایی جان ببازم همچو شمع

از غمت با آتش هجران همی

گه بسوزم گه بسازم همچو شمع[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۳۳/۷)، حدیقه الشعراء (۲۱۴۳ –۲۱۴۰ /۳)، خیرات حسان (۱۴ –۱۱ /۲)، الذریعه (۴۰۱، ۴۰۰، ۲۱۲ /۹)، ریاحین الشریعه (۲۶۷ –۲۶۶ /۴)، ریحانه (۳۶۱/۲)، طرائق الحقائق (۳۲۹ –۳۲۵ /۳)، فرهنگ سخنوران (۲۲۷)، الکنی والالقاب (۲۸۹/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ زبیده).

[۲] منابع: از رابعه تا پروین، ۹۵ –۹۳؛ اعیان‌الشیعه، ۴۳ /۶؛ تاریخ عضدی، ۳۴ –۳۰؛ حدیقةالشعراء، ۲۱۴۳ –۲۱۴۰ /۳؛ خیرات حسان، ۱۴ –۱۱ /۲؛ الذریعه، ۴۰۱ –۴۰۰، ۲۱۲ /۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۲۶۸ –۲۶۶ /۴؛ زنان سخنور، ۱۶۴ –۱۶۲ /۱؛ زنان نامی ایران و اسلام، ۷۳ –۷۱؛ طرایق الحقایق، ۳۲۷ –۳۲۵ /۳؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۷۵ /۳؛ کارنامه زنان، ۸۷؛ لغت‌نامه‌ی دهخدا، ش ۲۱۷ /۱۱۰؛ دیوان.

جهان، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ /۱۲۸۴ ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. پس از پایان دوره مقدماتی وارد دبیرستان دارالفنون شد و بعد از آن به دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران راه یافت و موفق به اخذ دانشنامه تحصیلی در رشته علوم قضایی گردید. دکتر جهان به زبانهای فرانسه، عربی و انگلیسی آشنا بود و سفرهایی به فرانسه، انگلستان، هندوستان، لبنان و عراق کرد که بیشتر جنبه‌ی مطالعه، تحصیل، معالجه و سیاحت داشت و مشاغل مختلفی چون حسابداری در وزارت دادگستری، دادرس دادگاه تهران، بازرس عالی وزارتی، ریاست محاکمات اداری در وزارت کشور و فرمانداری یزد و کرمان عهده‌دار بود. وی روزنامه‌های یومیه‌ی «ایران نو» و «جوانان» را منتشر ساخت. از جمله آثار وی می‌توان از: «رساله‌ای درباره‌ی ربا»؛ «ترجمه‌ی حال گاندی»؛ «حقیقت نژاد نورویک» و «حقوق و اقتصاد سیاست» نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین ایران (۲۷۷ –۲۶۷)، چهره‌های آشنا (۱۶۹)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳۰/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۸/۲).

جهانبگلو، امیرحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مدرس، مولف.

تولد: ۲۵ بهمن ۱۳۰۲، تهران.

درگذشت: ۲۰ خرداد ۱۳۷۰، تهران.

امیرحسین جهانبگلو از دبیرستان شرف فارغ‌التحصیل شد. ابتدا در وزارت دارایی مشغول به کار شد و ده سال بعد از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید و چهار سال بعد از آن برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت. در سال ۱۳۲۸ از دانشگاه سربن پاریس لیسانس فلسفه و منطق دریافت کرد و سه سال بعد با درجه‌ی دکترای اقتصاد از همین دانشگاه به تهران بازگشت و در همان وزارت دارایی به کار مشغول شد. دکتر امیرحسین جهانبگلو بعد از این تاریخ سمت‌های مختلفی را در ادارات و وزارت‌خانه‌های گوناگون به عهده داشت، از آن جمله وزارت دارایی، شرکت نفت و سازمان اوپک، شرکت گاز و غیره. دکتر امیر جهانبگلو بیشتر عمر خود را از سال ۱۳۵۰ به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت. از جمله آثار ترجمه‌ی شده وی، می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: غول‌های غلات (دن مورگان)؛ سیاست از نظر افلاطون (الکساندر کویره)؛ ضربه‌ی آینده (الونی تافلر)؛ تاریخ اجتماعی دوره‌ی مغول (بخش سوم تاریخ غازان‌خان و مقدمه‌ی جامع التواریخ و رساله‌ی او از کتاب اللطائف، ۱۳۳۷)؛ سپیده دم (مانوئل روبلس)؛ فن صحنه‌سازی تئاتر (لئون موسیناک، ۱۳۳۵)؛ مردی که زیر زمین زندگی می‌کرد (ریچارد وایت، ۱۳۳۵).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جهانسوز، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی جهانسوز پسر مرحوم محمدجواد میرزا (و. کرمانشاه دوازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۲ ه.ق) پس از تحصیل مقدماتی در حوزه‌ی درس ملا اکبر خراسانی از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری و آقا میر شهاب شیرازی به آموختن فنون ادبی پرداخت، سپس به خدمت حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی حاکم کرمانشاه درآمد. مرآت سالی چند در نزد بعضی از فرمانروایان ایالات به خدمت انشاء (منشیگری) اشتغال ورزید، به بیشتر بلاد ایران مسافرت کرد. پس از سفری به اروپا به تهران بازگشت و به خدمت دولتی درآمد و حائز مقامات عالی اداری شد. در نظم و نثر خاصه نگارش نامه‌های دوستانه و فنون محاوره و حضور جواب و ایراد امثال توانائی و شهرت بسزا داشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

جهانشاهی قاجار، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ویراستار.

تولد: ۱۳۰۵، تهران.

درگذشت: ۲۹ تیر ۱۳۷۰، تهران.

ایرج جهانشاهی قاجار تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای ملایر و اهواز انجام داد. سپس به دریافت لیسانس جغرافیا و تعلیم و تربیت از دانشکده‌ی ادبیات دانشسرای عالی نایل آمد. در سال ۱۳۳۸ از مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران درجه فوق لیسانس گرفت و دوره‌ی یک ساله را در رشته‌ی آموزش بزرگسالان در دانشگاه منچستر انگلستان گذراند. همچنین در دوره‌های کوتاه مدتی در کشورهای آمریکا، پاکستان و تایلند درباره‌ی ادبیات کودکان به مطالعه پرداخت. و از سال ۱۳۲۴ به عنوان معلم در آموزش وپرورش مشغول به کار شد. سپس مدتی نیز به دبیری و ریاست دبیرستانی رسید.

از جمله فعالیت‌های وی، تأسیس مرکز تهیه خواندنی‌های نوسوادان بود که بعدها به مرکز انتشارات آموزشی تغییر نام داد. نشر مجله‌های «پیک کودک»، «پیک معلم و خانواده»، «پیک نوآموز»، «پیک دانش‌آموز»، «پیک نوجوانان»، «پیک جوانان» از ابتکارات او بود. چندی هم مدیریت مجله‌ی «آموزش و پرورش» را بر عهده داشت. از سال ۱۳۵۷ سرپرستی شورای ویراستاری فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را در شورای کتاب کودک به عهده گرفت. در سال ۱۳۶۱ همکای خود را به عنوان مشاور گزینش و تألیف و ترجمه و ویرایش کتاب‌های ادبیات کودکان و نوجوانان با انتشارات فاطمی و واژه آغاز کرد و تا آخرین لحظات زندگی نسبت به تهیه‌ی آثاری برای کودکان و نوجوانان فعال بود. کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم هم یادگار اوست. تألیف او عبارتند از: گل‌های

وحشی (۱۳۲۵)، شاخ‌هـای ملوس (۱۳۴۵)، ازوپ در کلاس درس (۱۳۶۱) قلم موی جادو(۱۳۶۲)، چشم چشم دو ابرو (۱۳۶۳)، بازی‌های ورزشی (۱۳۶۳)، قصه‌های من و بابام (کتاب برگزیده شورای کتاب کودک در (۱۳۶۲).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جهانگیر، عیسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عیسی جهانگیر

محل تولد : عجب شیر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ در شهرستان عجب شیر واقع در استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم – تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا گذراندم سپس برای ادامه تحصیلات به قم رفتم. در سال ۱۳۷۰ دارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه شهیدین مشغول تحصیل علوم دینی گشتم. از جمله اساتید برجسته ای که در حوزه علمیّه قم از آنها کسب علم کرده ام آیت الله مروّجی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله مصباح یزدی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی می باشند.در سال ۱۳۷۶ همزمان با تحصیلات حوزوی وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در این زمینه به پایان رساندم.

جهانگیری، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جیهانی، ابوعبداللّه احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۵ ق). ادیب و جغرافیدان. اهل جیهان از توابع ماوراءالنهر بود و به مدت دو سال وزیر منصور بن نوح سامانی. ابوعبداللّه کتابی در جغرافیا، نام: «المسالک والممالک»، به عرب تألیف کرده که مقدسی وصف مفصلی از آن کرده است. از دیگر آثار وی: «آیین»؛ «مقامات کتب العهود والخلفاء والامراء»؛ «کتاب الزیادات فی کتاب الناسی فی المقالات» و «رسائل».[۱]

ابوعبداللّه احمد بن محمد بن نصر، از رجال ادب وسیاست اواخر قرن چهارم ه. وی از سال ۳۶۵ ه.ق. به وزرات منصور بن نوح سامانی انتخاب شد و در ۳۶۷ از وزارت معزول گردید و عتبی (ه.م.) به جای او منصوب شد. جیهانی کتابی در جغرافیا تألیف کرد به نام کتاب «المسالک والممالک» (ه.م.) و «کتاب رسائل» نیز از اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات ایران (۳۵۱/۱)، ریحانه (۴۴۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۲۰/۱)، الفهرست ابن‌ندیم ترجمه (۲۲۸)، کشف الظنون (۱۶۶۴)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، المسالک والممالک (۳۰۴)، معجم المولفین (۱۶۵/۲).

چخوف، آنتوان

قرن:۱۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

«آنتوان چخوف» نویسنده ای، بشردوست، آزدیخواه و روشنفکر بود و داستان های وی حکایت از افکار مترقی او می نماید. او با فساد و دروغ، خودنمایی، سرشکستگی، منفی بافی، کوته نظری، تحمل ظلم، آزادیخواهی دروغی و بالاخره صفات منفی با کمال خشونت مبارزه می کند و جامعه ی عقب مانده را به آینده ی درخشان و زندگانی سعادتمندانه امیدوار می سازد و برای رسیدن به اصول مترقی افکار برجسته ای به خوانندگان آثار خود تلقین می کند.«آنتون پاولویچ چخوف» Anton – Tchekhov درام

نویس و داستانسرای معروف روسی در ۱۷ ژانویه ی سال ۱۸۶۰ در شهر «تاگان روگ» در شمال قفقاز در آغوش یک خانواده ی بی چیز و معتقد به سنن و آداب قدیمی و ملی به دنیا آمد و در دوم ژوئیه ی سال ۱۹۰۴ در ۴۴ سالگی در «بادن وایلر» محلی واقع در جنگل سیاه درگذشت.جَد چخوف از سرف هایی بود که با صرفه جویی و کار زیاد آزادی و حیات خود و خانواده اش را از ارباب خویش بازخرید کرده بود. پدرش با داد و ستد جزئی ای که داشت نمی توانست هزینه ی زندگی خانواده را تأمین نماید و از این رو «آنتون» کوچک، در آغاز زندگی با قیافه ی شوم فقر آشنا گردید و به اثرات مخرب آن پی برد. با آنکه چخوف در سختی و فشار زندگی می نمود لکن با عزت نفسی که داشت کوچکترین گله و شکایتی ابراز نمی کرد و با کار و کوشش فراوان، تحصیلات مقدماتی خود را در «ژیمنازیوم » مسقط الرأس خاتمه داد و برای تحصیل در دانشکده ی پزشکی عازم مسکو شد و در سال ۱۸۷۹ در نوزده سالگی وارد دانشگاه مسکو گردید و به تحصیل طب پرداخت. وی تنها به تحصیل در دانشکده اکتفا نکرد و با وجود ذوق فطری به نوشتن داستانها و نوول ها و مقالات در مطبوعات فکاهی سرگرم شد و به این جهت وقتی در سال ۱۸۸۴ درجه ی دکترای طب را گرفت شغل طبابت را با حرفه ی نویسندگی توأم ساخت ولی بعدها تمام اوقات خود را وقف نوشتن کرد و از این راه مقام شامخی در دنیا به دست آورد. چخوف جز در دوره ی عمومیت بیماری و یا در سالهای ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳ به طبابت نپرداخت. نخستین داستانهای او با نام مستعار «چخوف» انتشار یافت و در سال ۱۸۸۶ برخی از داستانهایش به صورت کتابی به نام «داستانهای رنگارنگ» منتشر شد، این کتاب موفقیت بسیار کسب کرد. در سال ۱۸۸۷ وی نخستین نمایشنامه ی خود را به نام «ایوانف» تحریر کرد. «آنتون چخوف» بر اثر فقر و استیصال دوران کودکی و زحمات شبانه روزی دوران جوانی در سی سالگی مبتلا به بیماری خانمانسوز سل گردید که تا پایان حیات کوتاهش مونس این نویسنده ی بزرگ بود و بالاخره هم باعث مرگ وی شد. با آنکه چخوف مریض بود و با آنکه خودش هم طبیب و از مرض خود اطلاع داشت با این وصف دمی از کار و کوشش دست بر نمی داشت و تقریباً تمام ساعات فراغت خود را سرگرم نوشتن بود و برای مطالعه ی روحیات و احوال عموم مردم و طبقات مختلف به مسافرتها و گردشهای پر زحمتی تن می داد، چنانکه در سال ۱۸۹۰ راه سخت و دور و دراز سیبری را در پیش گرفت و در آنجا وضع تبعیدیها را مطالعه کرد و از این سفر ره آوردی به نام «جزیره ی ساخالین» برای ستمدیدگان رژیم تزاری به ارمغان آورد که در سال ۱۸۹۱ منتشر شد . این کتاب تا حدودی رژیم پلیس تزار را که محکومین را به جزیره ی ساخالین می فرستاد تخفیف داد. چخوف در سال ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۷ با پدر و مادرش در ملکی که که در نزدیکی مسکو خریده بود زندگی کرد. در سال ۱۸۹۷ که در معرض تهدید مرض سل قرار گرفت ناگزیر شد قسمت اعظم اوقات خود را در کریمه و خارجه بگذارند. وی در سال ۱۸۹۶ نمایشنامه ی خود را به نام «مرغ نوروزی» در مسکو انتشار داد، اما این اثر در «پطرزبورگ» با عدم موفقیت روبرو شد و دو سال بعد در سال ۱۸۹۸در مسکو نیز از این نمایشنامه تجلیل شایانی شد. «آنتون چخوف» در سال ۱۹۰۰ بر اثر توجه نویسندگان و دانشمندان و قاطبه ی ملت به وی و در نتیجه ی نفوذ و شهرت انکار ناپذیر خود به عضویت افتخاری آکادمی روسیه انتخاب شد و مورد تقدیر فراوان قرار گرفت. «عمووانیا» در ۱۸۹۹ و «سه خواهران» در ۱۹۰۱ و «باغ گیلاس» در سال ۱۹۰۴ از جمله نمایشنامه های او بود که در مسکو با موفقیت روبرو شد. وی در سال ۱۹۰۱ با یک هنرپیشه به نام «اولگاکپنیر» ازدواج کرد.موقعی که دولت روسیه عضویت به نام «ماکسیم گورکی» نویسنده ی معروف روسیه را از آکادمی لغو کرد «آنتون چخوف» نیز استعفا داد. در محیط تئاتر از نمایشنامه های وی با اشتیاق زیاد استقبال شد و اغلب از نمایش نامه های وی در صحنه نمایشگاه آکادمی مسکو به معرض تماشا گذارده شد و در سایر پایتخت های اروپا هم مورد نمایش و تحسین تماشاگران قرار گرفت. در جهان هنر و ادب پیروزی روزافزون چخوف افتخارات زیادی برای وی فراهم آورد و آکادمی برای مجموعه ی داستانهایش جایزه ی «پوشکین» را به وی اهداء کرد. چخوف به نویسندگی خود ادامه می داد که بیماری وی شدیدتر شد و به دستور پزشکان ناگزیر به نقاط جنوبی فرانسه رفت و با آنکه کار کردن برایش زیان داشت دست از کارهای ادبی نکشید و پس از مدتی اقامت در آن کشور به مسافرت خود در ایتالیا و آلمان ادامه داد و بالاخره به وطن خود بازگشت و در سال ۱۹۰۴ با مرض سل از دنیا رفت. از آثار او می توان «علامت زمانه»، «خاطرات یک دختر جوان»، «چاق و لاغر»، «اطلاع»، «مرگ کارمند» ، «متلون» ، «موژکیها»، «سرگذشت غم انگیز»، «انسان در غلاف» ، «بدبختی» ، «پشتیبانی» ، «آزادیخواه» ، «نماینده ی مجلس»، «حقیقت خالص»، «رشته فرهنگی»، «چگونه زن قانونی گرفتم»، «یک مرد جوان»، «طبیعت پر معما»، «جنگ تن به تن»، «داستان کسالت آور»، «رؤیاها»، «در تبعیدگاه» ، «وانکا»، «میل بخوابیدن» ، «اطاق شماره ی ۶» ، «یک واقعه ی جالب»، «مرغابی دریایی»، «مرد ناشناس»، «خاطرات یک استاد»، «عمو وانیا»، «تمشک تیغ دار»، «مشاور مخصوص»، «خواب آلود» ، «اندوه» ، «جنایتکار»، «مشاور مخصوص» ، «خوابآلود» ، «اندوه»، «جنایتکار»، «دشتها»، «خانه ای با اشکوب»، «تیفوس»، «بیست و پنج روبل» را نام برد.«چخوف» نویسنده ای، بشردوست، آزدیخواه و روشنفکر بود و داستان های وی حکایت از افکار مترقی وی می نماید. ای با تمام قوا از آزادی دفاع کرد، برای دسترسی مردم به حقوق خود کوشش نموده و با انتقاد از اصول اجتماعی و وضع موجود مردم را به سوی ترقی فکری و اخلاقی سوق داده است. وی با فساد و دروغ، خودنمایی، سرشکستگی، منفی بافی، کوته نظری، تحمل ظلم، آزادیخواهی دروغی و بالاخره صفات منفی با کمال خشونت مبارزه می کند و جامعه ی عقب مانده را به آینده ی درخشان و زندگانی سعادتمندانه امیدوار می سازد و برای رسیدن به اصول مترقی افکار برجسته ای به خوانندگان آثار خود تلقین می کند.

چراغی کوتیانی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل چراغی کوتیانی

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۲/۲

زندگینامه علمی

در دومین روز از بهار سال ۱۳۵۴،در روستای کوتیان از توابع شهرستان دزفول، زاده شدم.تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم گذراندم و در سال ۱۳۶۸وارد حوزه علمیه قم شدم.پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح، در سال ۱۳۷۷ درس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. اصول فقه را خوشه چینِ درس استاد بزرگوارم حضرت آیه الله العظمی سبحانی(مدظله العالی) بودم و درس خارج فقه را با زانو زدن در محضر اساتید بزرگوارم آیات عظام شبیری زنجانی و مکارم شیرازی(دامت افاضاتهم)،آموختم. در کنار تحصیل در حوزه علمیه، در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و در رشته جامعه شناسی به تحصیل پرداختم. پس از پایان یافتن دوره کارشناسی،در سال ۱۳۸۲ در کارشناسی ارشد همان رشته به ادامه تحصیل پرداختم. و سرانجام در سال ۱۳۸۶ با دفاع از پایان نامه ام (با عنوان بررسی و تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده)موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی شدم. در کنار تحصیل به پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن مقالاتی است که در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

چرندابی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمدعلی چرندابی تبریزی از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در حدود ۱۳۳۴ ق در محله چرنداب تبریز متولد شده و پس از طی دوران صباوت و پرورش صحیح مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حجت کوه کمری و بعض دیگر استفاده نموده سپس هجرت به نجف اشرف و چندی از دروس و محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آیات دیگر بهره‌مند شده و بواسطه عدم مساعدت هوا به ایران مراجعت و چندی از آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و دیگران مستفیض و بنابر اصرار و تقاضای عده‌ای از مومنین تبریز بوطن برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و غیره پرداخته تا در سال ۱۳۷۶ قمری که بواسطه جهانی منتقل به تهران و تا اکنون به اقامه جماعت و وظائف روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای چرندابی دانشمندی ظریف و با تقوا و خوش مجلس و خوش سفر می‌باشد. در سال ۱۳۵۹ ق سفری در مصاحبت ایشان بقصد عراق نموده و حدود دو ماه از محضرشان استفاده خاطره‌های شیرین و عجیبی از آن سفر دارم که از آنها حادثه طوفان آبادان و خرمشهر و بصره و حومه آنها بود که در آن طوفان میلیونها خسارت مالی به ایران و عراق وارد و در اول طوفان ما بر بلم کوچکی سوار و از عراق به ایران برمی‌گشتیم که هوا منقلب و اگر لطف و ترحم پروردگار شامل حال این حقیر و مترجم محترم نشده بود غرق آن طوفان و طعمه کوسه ماهی‌ها و نهنگ‌های خلیج فارس شده بودیم بخاطر دارم که معظم له با حال عجیب و اضطراب غریبی متوسل بذکر غریق شده و مرتبا میگفت: (نجاه منك یا سید الکریم نجنی و خلصنی بحق بسم اللّٰه الرحمن الرحیم) پس خداوند مهربان بفضلش ما را از غرقاب و آن طوفان شدید نجات بخشید و الحمد لله رب العالمین.

و چون بساحل رسیدیم و در منزل میزبان خود وارد شدیم و شب را در آنجا ماندیم ثلثی از شب نگذشته بود که دیدیم آب از زمین اطاق می‌جوشد تا آمدیم حرکت کنیم که تمام اطاقها و منزل و کوچه‌ها و نخلستانها و خلاصه همه آن محیط را آب فراگرفت ناچار چند شبانه روز در کشتی بسر بردیم تا بعد از پانزده روز که آب فرونشست و ما از آنجا حرکت نمودیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

چنگانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌حیدر بن حسن بن غلام چنگانی اصفهانی. فاضل مدقق بوده، و در سال ۱۲۷۸ کتاب «منیهٔ اللبیب در شرح تهذیب» را جهت خود استنساخ نموده، و بر آن تعالیقی دارد که دلالت بر وفور علم و دانش او می‌کند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چوبک، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۷ -۱۲۹۵ ش)، نویسنده و مترجم. در بوشهر متولد شد، بعد از تحصیلات مقدماتی با پدر خود به شیراز و تهران مسافرت کرد.

وی در تهران دوره‌ی کالج را به پایان رسانید و از کالج آمریکایی البرز فارغ‌التحصیل شد. وی مدتی رییس کتابخانه‌ی شرکت نفت بود. او زبان انگلیسی را خوب آموخت و در ادبیات فارسی و انگلیسی مهارتی یافت. حکایات و داستانهای اجتماعی کوتاه و مفیدی به سبک جدید نوول دارد. مکتب داستان‌نویسی وی ناتورالیسم است که حد فاصل شیوه‌ی ادگار آلن‌پوی آمریکایی و چخوف روسی است. برخی از آثار وی: «خیمه شب بازی»؛ «انتری که لوطیش مرده بود»؛ «سنگ صبور»؛ «تنگسیر»؛ «چراغ آخر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات امروز ایران (۱۱۵ -۱۱۱ /۱)، چون سبوی تشنه (۲۰۴ -۲۰۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۶۶ -۱۶۳ /۲)، شخصیتهای نامی (۱۵۲، ۱۵۱)، صدسال داستان‌نویسی در ایران (۱ و ۲۵۲ -۲۴۱ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ -۴۸۳ /۳).

چهار سوقی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد جعفر بهشتی. عالم فاضل فقیه مجتهد اصولی زاهد، از علمای اصفهان، و ائمّه جماعت، پشت و پناه مردم، و در امور بدو استمداد می‌جستند.

مشارالیه در دوره سوّم مجلس شورای ملّی از طرف اعتدالیّون به نمایندگی انتخاب شده و در مجلس شرکت داشت.

در ۲۳ شوّال سال ۱۳۶۳ وفات یافته، در تخت فولاد جنب مسجد مصلّی مدفون گردید.

مرحوم آقا سید علی بدیع زاده متخلّص به «هور» در تاریخ وفاتیش گوید:

می جست خرد سال وفات اسداللَّه

آن حجّت والا گهر نیک دل آگاه

هورش یکی از جمع برون کرد و چنین گفت

پیش اسداللَّه علی رفت اسداللَّه

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل جامع واعظ، از فضلای اهل منبر اصفهان بوده، در سال ۱۳۳۹ وفات یافته، در یکی از حجرات تکیه صاحب روضات مدفون گردید. او را «فخر الواعظین» می‌خواندند.

فرزندش آقا میرزا علی فخر الواعظین نیز مردی کامل، و واعظی جامع بود، در حدود سال ۱۳۵۹ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید محمد صادق بن امیر زین العابدین خوانساری

پدرش آقا سید محمّد صادق خوانساری از علما و دانشمندان اصفهان است که در شب ۲۹ شعبان ۱۲۸۹ وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده، جنب پدر مدفون گردیده است.

وی را: ۱- شرحی است بر زبده شیخ بهائی ۲- کتاب الاحباط و التکفیر، ۳- شرح بر شرایع در ۵ جلد

اولاد او در اصفهان و کاظمین ساکن می‌باشند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۸ رمضان المبارک ۱۲۵۱ متولّد، و در ۱۳ ذی حجّه ۱۳۲۴ وفات یافته، در بقعه پدر مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

ترجمه الفیّه به نام فرایض الیومیّهٔ ۲- تعلیقه بر لمعهٔ الدمشقیّهٔ ۳- تکمیل شرح الفیّه که پدرش نوشته، به نام مکمّل البقیّهٔ من احسن العطیّهٔ ۴- دلیل المصلّین ۵- شرح بر تبصره علّامه ۶- شرح بر نفلیّه شهید؛ و غیره.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

تاریخ وفاتش طلبیدم ز خرد

فرمود که آه نور مهدیٍّ غاب

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی اصفهانی مشهور به « صاحب روضات » عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم فرزند عالم برجسته حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری (مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی) می¬باشد.

این عالم بزرگوار در خوانسار متولد شد و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای بزرگی چون سید محمد شهشهانی، سید صدرالدین عاملی ، شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس ، تحقیق ، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.

در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدی که در محله چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده اند ظل السلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمد باقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. ظل السلطان ابتدا تصور می¬کرد که واقعا توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.

ایشان در شب دوشنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۱۳ هـ. ق در گذشت و بنا بر وصیتش در تخت فولاد در جوار قبر میرزا حسین خان کشیکچی به خاک سپرده شد.

به جهت احترام و تجلیل از مقام برجسته وی به همت میرزا سلیمان خان رکن الملک و فرزندان این عالم بزرگوار بعقه ای بر سر قبرش بنا گردید.

تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شرح برالفیه ، تسلیه الاخوان، حاشیه بر شرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شرح حدیث حی ، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصاید عربی و فارسی در مدح و فضیلت اهلبیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.

او تالیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»، در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لمعه »؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلایا النازله فی هذه الدنیا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه‌ی قوانین الاصول»؛ «قرهٔالعین و سرور النشاتین»؛ «رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».

مشهورترین کتاب ایشان « روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات » به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری ازبزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به « صاحب روضات » و فرزندان بزرگوارش به « سادات روضاتی» معروف گشتند.

چهارسوقی، مسیح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در شب جمعه ۲۷ شوّال ۱۲۵۵ متولّد، و در شب شنبه ۹ ذی حجه سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در بقعه پدر خویش مدفون گردیده.

وی مؤلّف چندین کتاب و رساله مختصره و بیاض ادعیه و یک عشریّه و جزوات منبری می‌باشد.

ماده تاریخ وفاتش را مرحوم فتح اللّه جلالی ضمن قطعه‌ای چنین گوید:

یکی آمد ز غیب ناگه و گفت

بریاض جنان نمود مکان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهره نما

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج عبدالمحمد مؤدّب السلطان ایرانی پور علی زاده، ادیب فاضل، و شاعر و نویسنده و مورّخ، در اصفهان متولّد شده، و در این شهر مقدّمات علوم را آموخته، به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده و از محترمین ایرانیان ساکن مصر به شمار می‌رفته. روزنامه چهره نما را در آنجا می‌نوشته و مدّت سی و دو سال مرتّباً انتشار داده است.

در حدود سال ۱۲۹۱ متولّد، و در اوّل شعبان ۱۳۵۴ در قاهره وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- احقاق الحق ۲- امان التواریخ ۳- پیدایش خطّ و خطاطان ۴- زردشت باستانی و فلسفه او ۵- فؤاد التواریخ.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چیذری، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی (مدرس) نهاوندی از علماء اعلام و مدرسین عظام تهران بودند.

وی از شاگردان مبرز مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه الاصول و علامه طباطبائی یزدی صاحب عروه و بعد از آنان از تلامذه و شاگردان و اصحاب خاص مرحوم آیت‌اللّه العظمی و المجاهد میرزا محمدتقی شیرازی بودند که پس از فوت آن بزرگوار به تهران آمده و در مدرسه سپهسالار و مروی بتدریس فقه و اصول اشتغال داشتند تا در قضایای اتحاد شکل و کشف حجاب که از تهران به شمیران منتقل و چندی در تجریش اقامت و در مسجد همت واقع در بازار به اقامه جماعت و تربیت افراد پرداخته و چون آنجا هم از مفاسد عمومی مصون نماند در چیذر که نسبتا از مظاهر فساد بر کنار بود رحل اقامت افکنده و حوزه علمیه تشکیل و افراد صالحی تربیت نمود تا از دنیا رفت و در جنب امامزاده آنجا مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه چیذری عالمی ربانی و آیتی سبحانی خالی از هوا و تظاهرات و دارای نفس قدسی و ملکات فاضله اخلاقی و خصال حمیده و صفات پسندیده و سیمائی ملکوتی بود کرارا از محضرش استفاده نموده و از بیاناتش بهره‌مند شده‌ام.

از جمله مطالبی که از ایشان شنیدم این بود که فرمودند یکی از شاگردان و اصحاب حضرت امام صادق علیه‌السلام به آن حضرت عرض کرد وقتی من بمحل خود می‌روم اهل قربه من می‌گویند برای ما امامت کن شما اجازه می‌فرمائید. حضرت فرمود (ان لم یکن نظرک بالوراک فتامم) اگر نظرت به پشت سرت نیست. یعنی قلت و کثرت و کم و کیف مأمومین در تو تأثیر نمی‌کند امامت کن.

و این عجیب حدیثی است باید تمام ائمه جماعت این حدیث شریف را نصب‌العین قرار داده و درباره آن فکر نمایند.

فرمودند: این حدیث را برای مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی که مجسمه زهد و تقوا بود خواندم رنگ ایشان پرید و مدت هیجده شبانه‌روز از منزل بیرون نیامده و کسی را نزد خود نپذیرفت و مشغول باصلاح خود بود.

از آثار آن بزرگوار که بطبع رسیده است.

کتاب تنبیه‌الغافلین است که در شهریور ۱۳۱۲ شمسی منتشر گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حاج حسینی نبوی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن حاج حسینی نبوی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن حاج حسینی نبوی در سال ۱۳۳۵هجری شمسی در رهنان اصفهان به دنیا آمد او در سن سیزده سالگی (۱۳۴۸ه ش) دروس حوزه را آغاز کرد، استاد در مورد علت آمدنشان به حوزه میگوید: علت اینکه آمدم طلبه شدم این است که قدیم ها قبل از اینکه بچه ها مدرسه بروند چیزهائی می خواندند که اسمش «پنجل حم» بود بعد هم آموزش فارسی، ابتدا بچه ها قرآن یاد می گرفتند و بعد فارسی ما پیش یک سید روحانی می رفتیم و پنجل حم می خواندیم ایشان روی ما حساس شده بود که طلبه شویم، به دلیل اینکه وقتی می خواست برود مسجد چند مرتبه در راه(مغازه پدرم در راه مسجد ایشان بود)به پدرم می گفت این را بفرست طلبه بشود، این پسر هوشش خیلی خوب است ، اصرار ایشان باعث شد بالاخره بعد از کلاس ششم ابتدائی پدرم بگوید که این آقا سید می گوید: خوب است که طلبه شوی اگر می خواهی و علاقه مندی می گذارم طلبه بشوی". استاد نبوی در همان ابتدا ،خود را با مطالعه کتب مختلف مأنوس کرد و توانست توشه ای گرانبها برای خود و دیگران جمع آوری کند او در این باره میگوید: من

خیلی علاقمند به مطالعات عمومی بودم مدتها در مباحث مدیریت کار کردم، مدتی کار شخصی کردم، یعنی اینجور نبود که کلاس یا درس بروم، خودم کار کردم در حدی که حداقل در بعضی جاها تدریس می کنیم". استاد نبوی دروس حوزوه را در شهر اصفهان آغاز کرد و پس از مدتی به قم هجرت نمود، او دراین باره میگوید: در اصفهان درسم را بطور آزاد شروع کردم پیش یک بنده خدائی درس می خواندیم (حوزه در آن زمان خیلی بی برنامه بود)بعدها برنامه ای در اصفهان درست شد و آیت الله حاج آقا حسن امامی (خدا حفظشان کند) با بعضی دیگر از آقایان استارت این برنامه را زدند ما از اولین طلبه هایی بودیم که در این برنامه شرکت کردیم پنج سال در اصفهان بودم و از محضر آقایان حاج آقا حسن امامی، شیخ علی اکبر فقیه ،ابراهیمی ، عبودیت استفاده کردم و بعد هم به قم آمدم و اصول الفقه و لمعه را شروع کردم. لمعه را خدمت آقای فاضل هرندی خواندم رسائل و مکاسب را خدمت آیت الله مظاهری خواندم، البته گاهی هم از آقای ستوده(رحمه الله) استفاده می کردم کفایه را هم خدمت آیت الله مظاهری خواندم درس خارج را خدمت آیت الله سبحانی شروع کردم و ایشان آن زمان که تدریس می کردند هفت یا هشت شاگرد بیشتر نداشتند که برای ما خیلی مفید بود چرا که خیلی خوب می توانستیم اشکال کنیم و استفاده بیشتری ببریم چند سال خدمت آیت الله شیخ جواد تبریزی و آٌیت الله مکارم و آیت الله وحید و آیت الله جودی آملی بهره بردم در بحث فلسفه مدتی خدمت آقای انصاری شیرازی بودم مدتی هم خدمت آیت الله جوادی آملی در درس اسفار شرکت کردم".

حاج شریفی خوانساری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا حاج شریفی خوانساری

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا حاج شریفی خوانساری در سال ۱۳۴۱ شمسی در شهرستان خوانسار در حجر علم و ورع تولد و پرورش یافتم ؛ پدرم آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری ـ دام ظله ـ پدر بزرگم مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم حاج شریفی خوانساری ـ قدس سره ـ و جدم مرحوم آخوند ملا علی اکبر حاج شریفی خوانساری ـ قدس سره ـ همگی از علمای عاملین بوده اند .در مدارس ملی رزاقپور و کامکار قم تحصیل نمودم . بر اثر جو آکنده از معنویت و تقوای خانوادگی فکر بهترین شغل برای آینده ام که رضای بیشتر خداوند و نیل افزونتر به کمال و معنویات و خدمت به دین مبین اسلام در آن باشد ، مرا بر آن داشت که از سال ۱۳۵۵ شمسی مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم بشوم و خود را در سلک سربازان حضرت ولی عصر ـ عج الله تعالی فرجه ـ درآورم .علوم اولیه و ادبیات را از محضر مرحوم علامه حاج شیخ محمد علی مدرس افغانی و برخی دیگر از اساتید حوزه استفاده کردم .سطح را از حضور حضرات آیات : آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی و آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی بهره مند گردیدم ، و سطح عالی را خدمت حضرات آیات : آقای حاج شیخ محمد تقی ستوده و آقای حاج شیخ احمد پایانی به پایان رساندم .

علوم کلام، تفسیر، رجال و درایه را نیز از خدمت حضرات آیات : آقای حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی بهره بردم .خارج فقه و اصول را هم از محضر آیات عظام : آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی ، آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی ، آقای حاج سید رضا صدر ، آقای حاج سید محمد روحانی ، آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت ، آقای حاج سید محمد شاهرودی و آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کافی نمودم . حکمت و عرفان را نیز از خدمت آیت الله حاج آقا رضا صدر بهره مند شدم .در کنار درس و بحث معمول حوزه ، علاقه شدیدی به خواندن کتب گوناگون در علوم و فنون مختلف داشتم. ساعتهای متوالی و بسیاری از اوقات تا پاسی از نیمه شب و گاه تا اذان صبح همچنان سرگرم مطالعه و پژوهش بودم ، و کرارا اتفاق می افتاد که شام خوردن را فراموش می کردم ؛ حتی در تعطیلات تابستان و دیگر تعطیلات حوزه ، تنها کارم مطالعه و تحقیق تمام وقت در کتاب ها بود ، هرچند از کثرت آن دیدگانم کم سو شد ، ولی هیچ وقت از آن سیر نشدم و خسته نگشتم و موفق به خواندن کتاب های بسیار زیادی در : تفسیر ، علوم قرآنی ، حدیث ، تاریخ ، اخلاق و ... شدم و بر برخی از آنها حواشی زدم .اواخر سال ۱۳۶۲ شمسی در زیارت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا ـ علیه آلاف التحیه و الثناء ـ درخواست توفیق انجام خدمات سودمندی به دین مبین اسلام را نمودم که باقیات الصالحات محسوب شود و بحمد الله حاجتم مقرون اجابت قرار گرفت و از همان سال در حاشیه تعلیم و تعلم دروس حوزه به نویسندگی نیز پرداختم و نخستین اثر خود را درسال ۱۳۶۵ شمسی به عنوان «سیمای ابوذر غفاری» تمام نمودم که استادم مرحوم آقای حاج آقا رضا صدر هم مقدمه اش را نگاشت (که کاملترین و تحقیقی ترین کتاب پیرامون زندگانی ابوذر است) و تا کنون توفیق تالیف ، تحقیق ، و تصحیح کتاب هایی در موضوعات مختلف رایافته ام و همچنان مشغولم و با امامت جماعت در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در خیابان باجک دو قم و رسیدگی به امور مسلمین انجام وظیفه نموده و با شماره تلفن : ۷۷۲۷۴۸۹ پاسخگوی مسائل شرعی و شبهات علمی و اعتقادی داخل و خارج از کشور می باشم ؛ و لله الحمد و له الشکر .

حاجبی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا حاجبی

محل تولد : بندر عباس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۷/۱

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره پیش دانشگاهی دررشته ریاضی و فیزیک و رها کردن قبولی دانشگاه ،در سال۱۳۷۹وارد حوزه علمیه شدم .ابتدا در مدرسه علمیه نبی اکرم (ص)شرق تهران قبول شدم و به مدت ۵سال دوره مقدمات رابه پایان رساندم .در این دوره ۵ساله از اساتیدی همچون آیهٔ الله نجفی تهرانی و مقدم قوچانی وحجج الاسلام آقایان :اسکندری ،جان نثاری ،دکتر قربانعلی و...استفاده بردم . از ابتدای ورود به حوزه شوق عجیبی به تحقیق و نوشتن داشتم لذا برای هر درس تحقیقی به دفتر و استاد مربوطه تحویل می دادم .که شامل تحقیق در اخلاق ،منطق ،فقه واصول و معانی بیان بود . پس از پایان مقدمات ملبس شدم و وارد حوزه علمیه قم گشتم اما لازم به ذکر است که در سال سوم و چهارم طلبگی ،بر اساس فرموده مقام عظمای ولایت در سال خدمت رسانی و پاسخگوئی ۲جزوه نوشته و به چاپ رساندم که بتوانم مقداری به منویات آن عظیم الشان نزدیک گردم .و ابتکاری که در این نوع نوشته ها داشتم این بود که چهل حدیث در مورد خدمت رسانی و پاسخگوئی را انتخاب کرده با ترجمه روان و سند آن ذکر شود و با داستان مربوط به آن تکمیل گردد که تفسیر حدیث به داستان می باشد .در این مدت نوشته جاتی درباره امر به معروف و نهی از منکر ،نماز جماعت ،معجم الذنوب (گناهان)،آیات النبی ، تهیه کرده ام که مجالی برای طبع و چاپ نداشتم .از ابتدای ورود به حوزه علمیه قم و آشنائی با آیهٔ الله غرویان ،در نوشتن فرهنگ مسجد و نوشتن مقالات برای مسجد همت گماشتم .معظم له در نوشتن و تالیف تشویق و مساعدتهای وافری کرده اند و ترجمه اصول کافی را به اینجانب سپرده اند که به کمک جمعی از دوستان به پایان رسانده ایم .کتاب اخلاق جوانان ازدیدگاه پیامبر اعظم (ص)در سال پیامبر اعظم (ص) را نوشته و با مساعدت یکی از دوستان درتیراژ ۵۰۰۰نسخه چاپ و در آموزش و پرورش بندرعباس به مسابقه گذاشتند .همین که در تالیفات جمعی و ترجمه ای جمعی و گروهی شرکت دارم .بنده سردبیر نشریه آموزش داخلی محراب نور وابسته به دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد می باشم .در پایه هشت حوزه مشغول به تحصیلم و.........

حاجی ابراهیمی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا حاجی ابراهیمی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلاتم را در مدارس دولتی گذرانده ، در شانزده سالگی دیپلم ریاضی گرفته ، در همان سال وارد دانشگاه شدم. در اثنای انقلاب فرهنگی به حوزه قم آمدم و تحصیلات طلبگی را به صورت غیر رسمی شروع کردم ، با بازگشایی دانشگاهها به ادامه تحصیل پرداخته ، درسال ۱۳۶۵ در رشته مهندسی شیمی (گرایش پتروشیمی) از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ در کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای در دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم و در کنار دروس حوزه به ادامه تحصیل پرداختم؛ در سال ۱۳۶۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شده و رسما طلبه شدم از آن زمان به این سو عمده وقتم به تحصیلات حوزوی طی شده و در اثنای تحصیلات حوزوی مجددا دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده تربیت مدرس قم و سپس دوره دکترای فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران طی کردم. در سالهای تحصیلات حوزوی در کنار تحصیل ، تدریس نیز جزو اصلی ترین کارهای علمی حقیر بوده است ، این تدریس مشتمل بر صرف، نحو، بلاغت منطق، اصول و فلسفه بوده است و هم اینک نیز عمده وقت حقیر به تدریس و تدوین می گذرد.

حاجی احمدی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حاجی احمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در تحصیلات کلاسیک در رشته ریاضی ـ فیزیک با گرفتن دیپلم در دبیرستان جامع سعدی اصفهان در سال ۱۳۵۸ اولین مرحله را سپری کردم و در همان سال در رشته فیزیک وارد دانشگاه اصفهان شدم و بعد از چند ترم تحصیل به علت علاقه به دروس حوزوی با انصراف از دانشگاه به تحصیل در حوزه اصفهان پرداختم و در مدت کمی مقدمات را با موفقیت سپری نموده و منطق و فلسفه را نیز با خواندن کتاب‌هایی مانند شمسیه ـ شرح مطالع ـ منظومه و نهایه الحکمه و بدایه الحکمه ادامه دادم و سپس برای تحصیل در مقطع سطح به حوزه علمیه قم آمدم و با شرکت در دروس اساتید بزرگوار آن حوزه مانند آیت الله پایانی ـ تهرانی ـ محقق ـ اعتمادی ـ جوادی آملی ضمن خواندن کتاب‌هایی لمعه ـ رسائل مکاسب و کفایه از تفسیر و اسفار آیت الله جوادی آملی بهره بردم .

سپس از دروس خارج آن حوزه شریف به مدت ده سال با شرکت در دروس آیات عظام محقق داماد ـ وحید تبریزی بهره بردم. سال ۱۳۶۹ در امتحان مرکز تربیت مدرس قم (دانشگاه قم) شرکت نموده و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم و با سپری کردن بالغ بر ۷۴ واحد درسی و پایان‌نامه در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و سپس بنابر اقتضائات خانوادگی و ضرورت برای انجام فعالیت به دانشگاه اصفهان آمدم .

از سال ۷۶ تاکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان مشغول به کار هستم و فعلاً عضو هیئت علمی این گروه می‌باشم و در ضمن با دانشکده معارف قرآنی اصفهان همکاری علمی دارم و به طور مداوم به تدریس در آنجا اشتغال دارم.در سال ۱۳۸۵ در امتحان دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گرایش علوم قرآن و حدیث شرکت نمودم و بعد از موفقیت در آزمون کتبی و امتحان شفاهی فعلاً به عنوان دانشجو در آن مرکز پذیرفته شده‌ام.

حاجی اسماعیلی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حاجی اسماعیلی

محل تولد : وسفو نجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده دوران ابتدائی و راهنمائی را در روستای وسفونجرد از بخش خلجستان قم سپری نمودم و در ضمن تحصیل مانند دیگر بچه های روستائی به کار کشاورزی مشغول بودم و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی نیز مدتی در روستا مشغول کشاورزی نمودم و در سال شصت و هشت برای تحصیلات طلبگی به قم آمدم، شوق اصلی من برای آمدن به حوزه سید بزرگواری بودند بنام آقای تقوی که در روستا بودند و خودشان مقداری دروس حوزوی خوانده بودند و معلومات خوبی داشتند که بنده در مدتی که در روستا درس می‌خواندم بعد از تمام شدن درس با چند نفر دیگر خدمت ایشان می رسیدیم و آموزش قرآن می دیدیم و در ضمن نکات اخلاقی خوبی نیز ایشان می فرمود به جهت اینکه از شاگردان خصوصی آیت اله سید حسین فاطمی بودند و از این رو نقش موثری در تربیت بنده داشتند به هر حال با مساعدت ایشان به قم آمدم و مشغول درس طلبگی شدم و بعد از اتمام سال تحصیلی در قم در تعطیلات تابستان، با برخی از دوستان به مشهد می رفتیم و تعطیلات را مشغول مباحثه و مطالعات آزاد می شدیم. بعد از اتمام پایه پنج حوزه کم کم به امر تبلیغ نیز پرداختم ابتدا در تابستان برای دانش آموزان تدریس می نمودم و سپس در ایام ماه مبارک رمضان و محرم به تبلیغ می‌رفتیم از آنجا که به کار با کودکان علاقه مند بودم یک دوره آموزش تربیت مربی کودکان و نوجوانان را در سال هفتاد و سه گذراندم و سپس در همان مرکز در بخش تحقیقات مشغول کارهای قرآنی شدم و یک کار گروهی را مشغول شدیم که آیات قرآن از اول تا آخر به صورت سؤال و جواب طرح می کردیم برای نوجوانان که جزء اول آن به صورت کتاب منتشر شد و چند جزئی هم به صورت جزوه ولی کار ناتمام باقی ماند در سال هفتاد و هفت همزمان با درس معمول حوزه در رشته تخصصی علوم قرآنی دفتر تبلیغات دوره محققی و نویسندگی علوم قرآنی را گذراندم در سال هفتاد و هشت پس از اتمام سطح به درس خارج مشغول شدم و اصول را با استاد احمد عابدی که با خواهش خودمان در منزلشان گذاشته بود شروع کردم و فقه را در

درس آیت الله جوادی آملی در فیضیه شرکت می کردم و بعد از درس با دوستان مباحثه می نمودم سال هشتاد و یک در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شدم و مدت دو سال این دوره را گذراندم و سپس پایان نامه خود را به نام وحی و تجربه دینی به راهنمایی استاد ربانی گلپایگانی که چند سالی در درس کلام ایشان در فیضیه شرکت می کردم تدوین نموده و دفاع کردم در کنار فقه و اصول به تفسیر علاقه زیادی داشتم و چند سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی و استاد خاتمی شرکت می کردم و اکنون نیز دوره مهارت های بیان تفسیر را می گذرانم. و مشغول کارهای تحقیقاتی در زمینه قرآنی هستم.

حاجی رحیمیان، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن حاجی رحیمیان

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم از دبیرستان شهدا با عنایت به علاقه وافری که به علوم حوزوی داشتم و با تشویقات ابوی مرحوم که از علماء و روحانیون عامل و مهذب و متقی بودند جهت فراگیری علوم حوزوی به قم مقدسه هجرت نمودم. ابتدا در مدرسه حضرت امام خمینی(ره) با مدیریت حجت الاسلام والمسلمین عطایی مشغول به تحصیل شدم و مقدمات را در مدارس حضرت امام صادق(ع) و مدرسه مبارکه رضویه پایان بردم و سطح را در خدمت حجت الاسلام والمسلمین تهرانی و محمدی (اصول)، حضرت آیت الله پایانی و وجدانی (فقه) بهره بردم و پس از اتمام سطح از دروس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، علوی گرگانی، مرحوم حضرت آیت الله العظمی تبریزی بهره‌مند شدم و فقه را در حضور آیت الله العظمی مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی تلمذ نموده و اکنون نیز از محضر این بزرگواران کمال استفاده را می‌برم. در تفسیر لیاقت شاگردی علامه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی را داشته‌ام. در عین حال برخی موارد تحقیقی و نوشتن کتاب و مقالات پرداخته و اکنون نیز مشغول تدوین کتابی در زمینه موفقیت‌های استاد یا استاد موفق و نیز با توجه به آمار سازمان ملی جوانان که حدود ۱۴۲/۱۳۷/۲ نفر دختر متولدین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۰ که اکنون ۲۶ تا ۳۱ ساله زیاد می‌باشند و اهمیت اجتماعی بودن این بحران و استفاده بهینه از فرصت و تبدیل بحران به فرصت و نیز وجود بانوان بیوه به تعداد زیاد و جهت پیشگیری از مشکلات جامعه و حل این معضل اقدام به کتابی به نام «ازدواج مجدد» نموده‌ام با عنایت به اهمیت موضوع و کار فرهنگی همه جانبه اینجانب با کمال خرسندی علاقمند به راهنمایی‌ها و ارشادات علمی و معنوی بزرگان می‌باشم.

حاجی رسولی، بهزاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهزاد حاجی رسولی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۴ شمسی در شهر اصفهان متولد شدم و از آنجائی که از همان دوران کودکی علاقه به علوم اسلامی و مذهبی داشتم پس از گذراندن دبیرستان در سال ۱۳۵۴ شمسی علی رغم مشکلات و موانع ، وارد حوزه علمیه اصفهان شدم (در مدرسه ذوالفقار و مدرسه صدر بازار) و نزد اساتید بزرگ مشغول به فرا گرفتن ادبیات و علوم اسلامی (مانند فلسفه، منطق، فقه، کلام و...) شدم. سال ۱۳۶۰ شمسی برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم گردیدم و در آنجا علوم فلسفه ، عرفان ، رجال ، فقه ، اصول ، دوره تخصصی تبلیغ ، و ... را فرا گرفتم و پس از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و نزد بزرگانی مانند آیات عظام فاضل، وحید، تبریزی، مکارم شیرازی، و غیره دروس منقول خود را تکمیل کردم.در فلسفه توفیق استفاده از محضر اساتید بسیاری ، برای حقیر فراهم شد از جمله : استاد جوادی آملی ، حسن زاده آملی و ...

بنده ضمن تحصیلات خود به تبلیغ، تدریس، و مشغول بودم که بعضی از آنها مطبوع شده است و بسیاری از آنها هنوز مخطوط باقی مانده است.

حاجی زاده، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله حاجی زاده

محل تولد : زرند کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله حاجی زاده فرزند محمد متولد ۱۳۵۴ در روستای سینک از توابع شهرستان زرند به دنیا آمدم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار می باشد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان زرند به پایان رساندم سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه صالحه کرمان شدم. همزمان تحصیلات کلاسیک خودم را هم ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ موفق شدم در رشته ادبیات دیپلم بگیرم سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۷۹ همزمن با تحصیلات حوزوی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشغول تحصیل در رشته تاریخ شدم دروس حوزوی را تا اتمام سطح به پایان رسانده و مشغول درس خارج هستم . در سال ۱۳۸۳ در مقطع ارشد تاریخ اسلام در دانشگاه باقرالعلوم مشغول تحصیل شدم و در حال حار مشغول تدوین پایان نامه ام هستم. با برخی از مراکز علمی ازجمله بخش فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات حوزه همکاری دارم. همچنین در مرکز مطالعات حوزه بعضاً به سوالات تاریخی و سؤالات بخش مهدویت پاسخ می دهم. بعضاً در ایام تبلیغی ماه محرم، ماه رمضان و ایام تابستان به تبلیغ می روم.

حاجی صادقی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله حاجی صادقی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

سپاس بی کران و شکر خدا را بر همه نعمت هایش به ویژه نعمت هدایت و ولایت که کاملترین مرحله آن با تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحصیل می شود و درود وصلوات الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و علماء و مصلحان بزرگ به ویژه حضرت امام خمینی ره که با نهضت خود اسلام ناب محمدی ص را احیاء کرد و با درود به ارواح پاک شهدای عزیزی که به اسلام و مسلمین عزت و اقتدار بخشیده و کفر و نفاق را ذلیل کردند.

این بنده ناچیز و متنعم به الطاف رب العالمین از اینکه در برابر نعمت های بی شمار الهی و دولت حقه و فرصت های فراوانی که در اختیار داشتم،نتوانستم تکلیف و وظیفه خود را انجام دهم، شرمنده و در عین حال چشم امید به مغفرت و رحمت خدا دارم و آنچه دراین گزارش خواهم آورد اولا نسبت به عنایات خدا و زمینه ها و فرصت هایی که اسلام و انقلاب برای همه ما فراهم کرده است بسیار ناچیز می باشد و ثانیا اگر احتمالا در برخی موارد اندک موفقیتی هم حاصل شده باشد آن را لطف و امداد الهی می دانم نه نتیجه عملکرد خویش،چرا که به قول آن روحانی شهید بزرگوار «توان ما به میزان امکانات در دست ما نیست، بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خداست»

اینجانب در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم و دروس مقدماتی و پایه را در محضر اساتید بزرگواری مانند آیت الله سید حسن امامی و حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر فقیه گذراندم و سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم وارد شدم و سطوح عالیه را در محضر اساتید برجسته ای نظیر مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی و آیت الله اشتهاردی به پایان رساندم و حدود ده سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام شرکت کردم که بیشترین آن دروس آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مظاهری می باشد و این در حالی بود که بنا به اقتضاءات زمان و جنگ تحمیلی مدتی از حضور در حوزه علمیه محروم ماندم لکن از امدادهای دیگر خدا بهره مند گشتم.

درسال ۱۳۶۹ در کنار دروس حوزوی در کنکور کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس پذیرفته شدم و هم زمان به عنوان عضو هیات علمی دانشکده شهید محلاتی به تدریس هم اشتغال داشتم.در سال ۱۳۷۵ به عنوان نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین علیه السلام منصوب شدم وهم زمان در کنکور علوم قرآن و حدیث (مقطع دکتری) پذیرفته شدم.درسال ۱۳۷۸ به قم بازگشته و مسئولیت گروه الهیات دانشکده شهید محلاتی را پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ دوره دکتری را به پایان رساندم و از همان سال تا به حال مسئولیت پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه (ریاست) را بر عهده دارم.

بعد از جنگ مهمترین اشتغالات علمی اینجانب عبارت بودند از:

۱. تدریس درمقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی، مراکز حوزوی در موضوعات مختلفی مانند علوم قرآن، روش های تفسیر، تفسیر موضوعی و تربیتی (برخی از سوره ها)، فلسفه اسلامی، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، دروس معارف و ...

۲. تحقیق و تالیف در موضوعاتی که به نظر حقیر مورد نیاز جامعه می باشد که فهرست حدود سی عنوان از کتاب ها، مقالات و جزوات درسی به پیوست می باشد.

۳. سرپرستی اجرایی مراکز علمی و خدمت گذاری به نخبگان و فرهیختگان علوم اسلامی و حوزوی.

بار دیگر اقرار می کنم تا به حال نتوانسته ام همچون سربازی شایسته و مقبول برای مولایم باشم امید است با توفیق الهی در آینده مقداری جبران کنم.

حاجیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی حاجیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مهدی حاجیان در سال ۱۳۵۶ در خانواده ای کاملا مذهبی و دوستدار اهل بیت علیه السلام در تهران چشم به جهان گشود ، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب شد تا پس از اتمام تحصیلات دوران متوسطه در سال ۱۳۷۶ وارد مدرسه عالی شهید مطهری گردد. پس از اتمام دروس این مدرسه در سال ۱۳۸۵ به جرگه تحصیل کنندگان درس خارج پیوست.

وی تا کنون از محضر بزرگانی چون استاد هادوی تهرانی، جاودان، انصاری شیرازی، مرعشی شوشتری کسب فیض کرده و بهره های علمی فراوان برده است. نامبرده در مقطع دکترا در رشته فلسفه تطبیقی از مدرسه عالی شهید مطهری فارغ التحصیل گردیده و با تلاش فراوان در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل می‌باشد. ایشان سالهای متمادی است علاوه بر پژوهش علمی به تدریس در دانشگاههای تربیت معلم تهران ، آزاد تهران، پیام نور تهران و علمی فرهنگی مشغول به تدریس می‌باشد.

حاکمی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل حاکمی ، در سال ۱۳۱۵ در آبادان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال ۱۳۳۴ پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره لیسانس به سال ۱۳۳۷ وارد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی شد و در سال۱۳۴۳ به اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران نائل آمد.دکتر حاکمی از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ به خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال ۱۳۴۷ به درجه استادیاری و سال ۱۳۵۲ به دانشیاری و سرانجام به سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از ۲۲ سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه ۱۳۶۹ درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل حاکمی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال ۱۳۳۴ پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره ی لیسانس به سال ۱۳۳۷ وارد دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی شد و در سال۱۳۴۳ به اخذ درجه ی دکترا از دانشگاه تهران نائل آمد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل حاکمی در طول ۳۲ سال خدمت علمی و فرهنگی ، متصدی سمت های : ریاست دبیرستان ، مدیریت گروه ، معاونت دانشگاه علامه طباطبایی ، ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه را عهده دار بود.

فعالیتهای آموزشی : اسماعیل حاکمی از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ بـه خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال ۱۳۴۷ به درجه استادیاری و سال ۱۳۵۲ به دانشیاری و سرانجام به سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از ۲۲ سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه ۱۳۶۹ درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حضور در کنگره ها و سمینارهای بین اللملی چون کنگره سعدی و حافظ و سمینار استادان فارسی هند ـ سمینار اقبال در پاکستان و دانشگاه کابل و دانشکده الهیات استانبول از جمله فعالیت دیگر اسماعیل حاکمی می باشد.

جوائز و نشانها : در سال تحصیلی ۷۰-۶۹ اسماعیل حاکمی عنوان استاد ممتاز را به خود اختصاص داده و توانست لوح تقدیر

دریافت نماید. --

منابع :

۱مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، شماره پیاپی ۱۱۴-۱۱۳ ، سال ۲۸ ، بهار و تابستان ۱۳۶۹ ، ص ۳۱۳

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حالت، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم حالت، فرزند محمدتقی حالت در خانواده‌ای متمدن و مذهبی متولد شد. وی از کودکی به موسیقی و نقاشی و شعر و نویسندگی علاقه تام داشت و چون امکان پرورش ذوق و استعداد و رشد و ترقی خود را در موسیقی و نقاشی در خانواده مشاهده نکرد به شعر و نویسندگی روی آورد و طولی نکشید که در این هنرها پیشرفت شایانی کرد و از بزرگان آن گردید.

درباره اولین شعری که حالت سرود، خود وی می‌گوید: «روزی در مدرسه با یکی از دوستان همکلاسم قهر کرده بودم و چون خیلی نسبت به هم صمیمی بودیم بالاخره طاقت نیاودم و با یک قطعه سه بیتی از او معذرت خواستم، این قطعه که اولین شعرم بود و متأسفانه الان هیچ به یادم نیست موثر واقع شد و قهر ما را به آشتی تبدیل نمود... اثر این شعر مرا بر آن داشت که شاعری را دنبال کنم، لذا از کلاس ششم ابتدایی گاهگاهی شعر ساختم، مخصوصا تابستان‌ها که مدرسه تعطیل بود و فراغت بیشتری داشتم و می‌توانستم هم شعر بسازم و هم دنبال چاپ آن بروم اما روزنامه‌های ادبی آن ایام که عبارت بودند از «نسیم شمال» و «کانون شعرا» و «توفیق» همه از چاپ اشعارم خودداری می‌کردند، چون بسیار ناپخته بود، ولی این امر به هیچ‌وجه باعث دلسردی من نمی شد... تا دو سه سال بعد که کم‌کم بعضی از اشعارم در روزنامه‌ها چاپ شد.»

پس از چندی که اولین اثر ابوالقاسم حالت در یکی از جراید چاپ گردید، درصدد برآمد که خود را به کانون و انجمن‌های ادبی نزدیک نماید، به همین سبب بعضی شب‌ها به انجمن ادبی ایران که ریاست آن با شاهزاده محمدهاشم افسر بود می‌رفت و در یکی از همین شب‌ها یکی از اشعار خود را در این انجمن ادبی قرائت می‌کند که صدای آفرین و احسنت رسا و پر طنطنه شیخ‌الملک اورنگ که در آن زمان نایب رئیس انجمن بود به قدری وی را تحت تأثیر قرار داد که تا صبح خواب به چشمانش راه نیافت. از این زمان به بعد وی در راه شهرت و ترقی گام‌های بلندی یکی پس از دیگری برداشت.

باری ابوالقاسم حالت، در کلاس‌های چهارم دبیرستان مروی درس می‌خواند و چون اواخر سال تحصیلی بو و محصلین در حالی که کتاب‌های خود را جهت تمرین دروس زیر بغل نهاده و عازم محوطه باغ ملی که درختان زیادی داشت و محلی مصفا بود می رفتند، حالت هم کتاب خود را برداشت عازم این محل گردید. در خیابان خیام نزدیک باغ ملی با مرحوم حسین توفیق صاحب امتیاز روزنامه توفیق برخورد می‌کند و از طرف دعوت می‌شود که با هیئت تحریریه این روزنامه همکاری نماید وی از نخستین شماره روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده داشت.

حالت بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ با بسیاری از جراید از جمله روزنامه‌های: «امید»، «قیام ایران» و مجله «تهران مصور» همکاری می‌کند.

در مورد انگیزه ترانه می‌گوید: «یک شب مرحوم دهقان پیشنهاد کرد که برای تماشاخانه تهران تصنیف بسازم اولین تصنیف من که توسط حمید قنبری به عنوان پیش سپرده در تماشاخانه تهران خوانده شد و خیلی معروف گردید، تصنیف «چاقوکش‌ها» بود که با این شعر شروع می‌شد:

بچه‌ی چاقوکشم و گردنم کلفته

هر جا من باشم باید خون راه بیفته

بقیه‌اش حرف مفته

بعد از تصنیف «وکالت خانم‌ها» را ساختم که مرحوم مجید محسنی خواند. از آن به بعد این کار را هم دنبال کردم و اغلب تصنیف‌هایی را که می‌ساختم توسط حمید قنبری، جمشید شیبانی و مرحوم مجید محسنی خوانده و اجرا می‌گردید. البته بعضی تصنیف‌های جدی و ادبی هم برای جامعه باربد ساخته‌ام که در آن زمان خانم ملکه حکمت شعار اجرا می‌کرد.»

ابوالقاسم حالت در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت کمپانی «اورگرین پیکچر» به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار دوبلاژ فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا این‌که مرحوم مهدی خالدی، مرحوم جواد بدیع‌زاده، مرحوم نصرالله زرین‌پنجه، مرحوم علی زاهدی، مرحوم یوسف کاموسی، مرحوم علی‌اکبر پروانه و خانم دلکش جهت ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت، و علی زاهدی آن را اجرا کرد. این تصنیف اینطور شروع می‌شود:

شیرین، شیرین، سروقد و سیمین برو گل پیکری تو

در مذاق از شکر شیرین‌تری تو

ابوالقاسم حالت، در بهار سال ۱۳۲۷ به وطن بازگشت و در آن زمان، سرپرستی اداره کل انتشارات و رادیو با ابوالقاسم پاینده بود، از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تصنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی از شعرای دانشمند و باذوق می‌باشد که به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرده است.

در اینجا نام چند آثار این شاعر فاضل و ادیب و مترجم را یادآور می‌شوم:

۱- ترجمه کلمات قصار حضرت علی (ع) به زبان انگلیسی و فارسی و رباعیات فارسی.

۲- کتاب بهار زندگی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).

۳- پیشروان موشک‌سازی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).

۴- جادوگر شهر زمرد (ترجمه از انگلیسی به فارسی).

۵- شبح در کوچه میکل‌آنژ (ترجمه از فرانسه به فارسی).

۶- پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی).

۷- فکاهیات حالت (در دو جلد شامل اشعار فکاهی).

۸- رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه).

در اینجا یادآور می‌شوم، گفتگویی را که با منوچهر همایون‌پور که از دوستان صمیمی حالت بود، به اطلاع خوانندگان گرامی برسانم، همایون‌پور، می‌گفت:

«در تابستان سال ۱۳۳۲ وقتی که زنده‌یاد مهدی خالدی همکاری خود را با خانم دلکش رها کرد و به فکر ابداع برنامه‌های دیگر افتاد، اولین کاری که طرح و شروع به اجراء آن کرد، همکاری با آوازخوان‌های مختلف بود، یکی از افرادی را هم که برای همکاری دعوت کرد من بودم، در آن ایام برنامه‌های موسیقی قبل از ظهر جمعه انحصاراً در اختیار ایشان بود که مورد علاقه اکثریت دوستداران موسیقی بود.

از کارهای بسیار ظریف و دقیق و هنرمندانه ایشان انتخاب آهنگ و شعر متناسب برای سبک و ذوق آوازخوان‌ها با رعایت و شناخت کل هنر آن‌ها بود با توجه به این موضوع که من در امر شعر و کلام و مضمون و آهنگ دقت داشتم و با آگاهی به طرز فکر و در عین حال انس و الفت و آشنایی که میان ما بود در انتخاب کلام و مضمون و آهنگ این تصنیف توجه خاص به من کرد. تصنیفی را با آهنگی متناسب و شعری از شاعری را برای من در نظر گرفت که می‌توان به جرأت و با دلایل متقن اظهار کرد که از آغاز ترانه‌سرایی در دوران مختلف تاکنون از لحاظ پیوستگی مضمون شعری و انتخاب کلام و صنایع بدیعی در نوع خود اگر نه بی‌نظیر که غلو و گزافه‌گویی زیاده از حد معقول نیست، ولی کم‌نظیر است.

عنوان این تصنیف «گلباران» است و به صورت‌های مختلف در تمام جمله‌ها و با عنایت به صنتهع «التزام» که یکی از صنایع بدیعی است، کلمه «گل» با ترکیب‌های مختلف به کار گرفته شده است و «گل» کرده است.

در انتخاب آهنگ این تصنیف که نت آن با خط زنده‌یاد نزد اینجانب موجود است و شاید در تجدید چاپ کتاب ایشان در جزء کارهای وی افزوده شود نیز حد اعلای تناسب ذوقی و موسیقیائی را با توجه به ذوق و سلیقه من به کار برده بود.

آهنگ این تصنیف در مایه ابوعطا و از آوازهای مورد علاقه من است، تصنیف از دو بخش تشکیل شده است.

بخش اول، با ضرب (ریتم) ۴ / ۴ و با الهام از یک آهنگ کردی است.

بخش دوم، با ضربی شاد و ریتمیک و در ضرب ۶ / ۸ است.

این تصنیف در روز جمعه و قبل از ظهر در رادیو اجرا و منتشر شد. گرچه حسرت و افسوس بر گذشته نه کاری عاقلانه است و نه سودی از آن عاید خواهد شد. اما از جهاتی جای دریغ است که در آن ایام اوضاع و احوال صنعت ضبط به صورت ابتدایی بود و در دسترس عموم نبود و این ترانه چون خیلی از کارهای من به فراموشی سپرده شد. افسوس دیگر این‌که در اوقات جمع‌آوری و چاپ آثار ایشان اولا آگاهی نداشتم، در ثانی کسالت ایشان در سال‌های اخیر و بعضی مسائلی که ذکر آن‌ها جایز نیست و ملال‌آور است ارتباط و مراوده چون روزگار گذشته برقرار نبود.

گفتنی است، در بزرگداشتی که برای آقای ابوالقاسم حالت، در زمستان سال ۱۳۷۰ گذاشتند، درباره تصنیف‌سرایی ایشان و توضیح و شناساندن این رشته سخن را به دست کسی سپردند که اصلاً در کار تصنیف‌سرایی و تاریخ و سیر آن آگاهی نداشتند و این کار به صورتی که دیده شد در واقع انجام گردید.

البته این چنین بزرگداشت‌ها در زیر یک سقف و با حضور دویست، سیصد یا هزار نفر برای مردی با پنجاه سال سابقه کارهای ادبی و هنری مختلف همچون افزودن یک ظرف آب به رودخانه‌ای است. البته ترتیب دهندگان آن بزرگداشت نه تنها در مورد تصنیف‌سرایی ایشان که درباره بزرگترین کار بی‌نظیر وی که همانا برگرداندن نهج‌البلاغه به زبان انگلیسی و عربی و سرودن یک رباعی متناسب با همان معنی و مفهوم که کاری بس دشوار و ابداعی نو آیین است و تا این زمان کسی دانش و هنر دست یا زیدن به چنین کاری شگرف را نداشته است، به‌طرز جامع و دلخواه حرفی و سخنی گفته نشده به‌هر تقدیر ظهور چنین مردانی یک امر مألوف و معتاد نیست، گوینده این مطالب را اعتقاد بر آن است که این چهره هم به دلایلی از تصاویری است که در قاب زمان حال نمی‌گنجد و طبق معمول روزگار آیندگان هنرمند و هنرشناس می‌آیند و این تصور بزرگ را در جای خود قرار می‌دهند.

عمر و زندگی افراد عادی با روز و ماه و سال سنجیده می‌شود، اما عمر دانشمند، نویسنده، محقق، شاعر و هنرمند این چنین نیست و حیات این قبیل افراد و نوادر روزگار عبارت است از تعداد و اندازه آثار آنان در طول مدت زندگانی.

متأسفانه در شب یک شنبه سوم آبان‌ماه ۱۳۷۱ این استاد بزرگ ادبیات دار فانی را وداع گفت، روانش شاد. هنوز خیلی از نوباوگان ذوق و اندیشه او در باغ ادب و هنر ایران- زمین به گل ننشسته‌اند، و اینک تصنیف «گلباران» و شرح صنایع بدیعی و لطایفی که در آن به کار رفته است.

(۱) در فصل گل که گردد گلباران گلشن

وه چه گل‌ها کز خون دارم من بر دامن

ز غم گلرخسارم

شده گلکاری کارم

بهر گلی رخ را گلگون مکن از خون

در راه یک لیلی خود را مکن مجنون

تا از درون دل غم را کنی بیرون

در پای سر کن در کش می گلگون

(۲) گلعذاری که گل پیش او چون خار است

گل بهر اغیار و خار از بهر یار است

دل او زارم خواهد

گل من خارم خواهد

بهر گلی تا کی آری به خواری سر

چون بی‌وفا شد گل خاری از او خوشتر

هر سو در این گلشن گلی هست و گل پیکر

این گل نشد سر کن با نوگل دیگر

(۳) دلبرا رو که دیگر دلی در بر نیست

شوق گل چیدن دیگرای گلی در سر نیست

دگر این دل افسرده

دگر این گل پژمرده

ای نوگل خندان، من از تو بی‌زارم

رو رو که من یارا مستغنی از یارم

آسوده از یارم فارغ از اغیارم

هم بر کنار از گل هم ایمن از خارم

در جای جای ترانه کلمه‌ی گل به صورت جناس تام آمده است.

گل گلشن جناس مذیل است.

گل و خار طباق و تقابل و مراعات نظیر است.

اغیار و یار هم جناس زاید و هم طباق است.

و ترکیب‌های دیگری چون: نوگل، گلی، گلرخسار، گلعذار، گلگون به صورت‌هایی که دیده می‌شود در این ترانه گل کرده است و واقعاً سراینده، با این «گل‌ها»، گل کاشته است.

در گلستان که زاغان نغمه‌پردازی کنند

گوش گل را گوشواری بهتر از سیماب نیست

«رضی دانش»

شادروان استاد ابوالقاسم حالت، گذشته از آنکه در سرودن انواع و اقسام شعر پارسی از قصیده و غزل و مخمس و چهارپاره و طنز و رباعی و غیره ماهر و مسلط و از بعضی جهات بی‌بدیل بود، در ترانه‌سرائی نیز دستی قوی و ذوقی لطیف داشت و بر روی آهنگهای بسیاری از هنرمندان رادیو ایران منجمله امین‌اللّه رشیدی آهنگساز و خواننده رادیو ترانه‌هایی زیبایی سروده بود که نمونه از آنها ذیلاً می‌آید.

«برباد رفته»

من آن گلم که دور از چمنم

چنین پریشان که منم

چو یار دور از وطنم

چرا جدا ز گلشنم

باد سحر از چمنم برده بدر

بجا گذرم

چه رَوَد بسرم؟

ز رهی که رَوَم نَبَوَد خبرم

همره طوفان میگذرم

رهرو راهی پر خطرم

تیره جهان شد در نظرم

شد جانم آزرده

شد رویم پژمرده

مانده جدا از باغ و چمن

رنگ صفا رفت از رخ من

دیده بسوی من بفکن

تا بینی احوالم

این بخت و اقبالم

تا شده‌ام جلوه گر از باغ جهان

رفتم و شد چهر من از دیده نهان

نه کسی، نفسی، گذرد به برم

که شکایت دل بر او ببرم

نه ز بوی خوشم اثری

نه وجود مرا ثمری

نه کسی پی دیدن من

نه دل پی چیدن من

نه گلی شده همدم و همبر من

نه گیاه بسرم شده سایه فکن

همه نرگس و لاله چه شد؟

آه از دوری همنفسان

چو کسی ز میان برود

گویی رفته ز یاد کسان

نه دل و نه هوس

منم و غم و بس

چه بود ثمرم چه بود اثرم

همره طوفان میگذرم

رهرو راهی پر خطرم

تیره جهان شد در نظرم

شد جانم آزرده

شد رویم پژمرده

(۱۳۷۱ –۱۲۹۴ / ۱۲۹۳ ش)، نویسـنده، شاعر، روزنامه‌نگار و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در همین شهر به پایان رسانیـد و از همـان کودکی به شـعر و ادب علاقه‌ی فراوانی داشت. از سال ۱۳۱۴ ش به طور رسـمی به شـعر و شاعری پرداخت و از سال ۱۳۱۷ ش بـا روزنـامه‌ی فکـاهی «توفیق» همکـاری کرد. بحر طویلهـای او با امضاهای هدهـدمیرزا و اشـعارش با امضای خروس لاری، شوخ، فاضـل مـآب و ابوالعینـک، به چـاپ می‌رسـید. حـالت با نشـریات بسـیاری چون: «امیـد»، «تهران مصور»، «قیام ایران» و «خبردار»، همکـاری داشت و ملک‌الشـعرا بهار او را به کنگره‌ی نویسـندگان ایران دعوت کرد. او در ترانه‌سازی توانا بود و علاوه بر آن شاعری محقق و مترجمی زبردست بود و به زبانهای انگلیسـی و عربی و فرانسه، مسـلط. از وی ترجمه‌های متعددی به جای مانده است. از آثار او: «دیوان» اشـعار؛ «پروانه و شـبنم»؛ «تذکره‌ی شاهان شاعر»؛ «کلمات قصار حضـرت علی (ع)»؛ ترجمه‌ی «تاریخ کامل ابن‌اثیر»؛ «تاریـخ فتوحـات مغول»، اثر ج ج سانـدوز؛ «تاریـخ تجارت»، اثر اریک. ن. سـیمونز؛ «زنـدگی من»، اثر مارک تواین؛ «بهار زندگی»، اثر کلاویس هاستی کارول.[۱]

شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۱، تهران.

ابوالقـاسم حـالت (با نام اصـلی ابوالقاسم عبـدالله فرد) متخلص به «حالت»، فرزنـد محمـدتقی حالت، تحصـیلات خود را در تهران از دبیرسـتان مروی به پایان رساند. از سال ۱۳۱۴ به شـاعری پرداخت و در انجمن‌هـای ادبی و از جمله انجمن ادبی ایران راه یـافت. در سال ۱۳۱۷ در هفته‌نـامه‌ی «توفیق» که تـازه فکـاهی شـده بود با مـدیر آن، حسن توفیق، همکاری کرد (از نخستین شـماره‌ی روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سـردبیری این مجله فکاهی را به عهده وی بود) و این همکاری را تا آخرین شـماره‌ی «توفیق» که به مدیریت حسن توفیق انتشار می‌یافت، ادامه داد در مدت این همکاری، بحر طویل‌های وی به امضای «هدهد میرزا» و اشـعارش به امضاهای «خروس لاری»، «شوخ»، «فاضل مآب» و «ابوالعینک» در توفیق به چاپ می‌رسید.

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ علاوه بر هفته‌نامه‌ی «توفیق» با هیئت تحریریه برخی از جراید دیگر نیز همکاری می‌کرد. در هفته‌نامه‌های «امیـد»، «قیام ایران»، «خواندنیها» و «خبردار»، آثاری فکاهی به نثر و نظم داشت. در مجله‌ی «تهران مصور» نیز با امضای «فاضل مآب» قطعاتی را سرود.

ولی اشـعاری که برای درج در هفته‌نامه «آیین اسـلام» می‌ساخت همه جـدی (غیر فکاهی) بود که از تاریخ شانزدهم فروردین ۱۳۲۳ به بعد هر هفته پنج رباعی که ترجمه‌ی منظوم کلمات قصار حضـرت علی (ع) بود. همچنین یک قصـیده اخلاقی و عرفانی از وی در آن هفته‌نامه دیده می‌شد. بیشتر قصاید او در همکاری با هفته‌نامه‌ی مذکور سروده شده است.

از جمله مشـغولیت‌های دیگر وی ترانه‌سـازی بود. در واقع بـا سـرودن ترانه‌هـای فکاهی از اوضاع سیاسـی و اجتماعی آن دوره انتقاد می‌کرد. ایـن ترانه‌هـای بـه عنـوان پیش‌پرده در تماشاخـانه‌ی تهران به وسیله‌ی مجیـد محسـنی، حمیـد قنبری، جمشـید شـیبانی و در تماشاخانه‌ی گهر به وسیله‌ی عزت‌الله انتظامی اجرا می‌شد.

در انجام کارهای هنری جامعه‌ی باربـد نیز که به مـدیریت اسـماعیل مهرتاش اداره می شد. شـرکت داشت. در بهار سال ۱۳۲۵ آثار فکـاهی خود را در دو جلـد تحت عنوان فکاهیـات حالت منتشـر کرد. در همین سال به نخستین «کنگره‌ی نویسـندگان ایران» دعوت شده که به ریاست ملک‌الشـعرای بهار تشـکیل شده بود. این کنگره از چهارم تا دوازدهم تیر ۱۳۲۵ ادامه داشت و در این کنگره دو

شعر جدی قرائت کرد: قصیده‌ای تحت عنون «ستمگر و ستمکش» و یک مثنوی به نام «توپ فوتبال».

ابوالقاسم حالت در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت شرکت «اورگرین پیکچر» به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار صدابرگردانی فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا اینکه مهدی خالدی به همراه گروهی برای ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت و علی زاهدی آن را اجرا کرد. ابوالقاسم حالت در بهار سال ۱۳۲۷ به ایران بازگشت و در آن هنگام، سرپرستی اداره‌ی کل انتشارات رادیو تهران با ابوالقاسم پاینده بود که از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تهران تصنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی سپس به عضویت در هیئت تحریریه به مجله‌ی «اخبار هفته» منتشره در آبادان درآمد. بیشتر اشعار جدید و داستان‌هایش در این مجله طبع شده است.

پس از ملی شدن صنعت نفت و متوقف شدن صدور آن به مدت سه سال، حالت در این فاصله به تحصیل زبان فرانسوی پرداخت و به دنبال آن کتاب شبح در کوچه میکل آنژ فرانسوی ترجمه و در مجله‌ی «تهران مصور» به چاپ رسانید.

حالت در اواسط سال ۱۳۲۷ به تهران منتقل شد و در اداره‌ی روابط عمومی شرکت نفت انجام وظیفه نمود و در مدیریت مجله‌ی «صنعت نفت» را به عهده گرفت و در عین حال همکاری خود را با مطبوعات همچنان حفظ کرد تا در سال ۱۳۵۳ بازنشسته گردید. وی همچنین با مجله‌ی «گل آقا» همکاری داشت.

حالت در آغاز انقلاب اسلامی، سرود جمهوری اسلامی را ساخت و در نوزدهم آبان ۱۳۷۰ طی مراسمی که در تالار باشگاه بانک ملی برای بزرگداشت او برگزار شد از وی تجلیل به عمل آمد.

ابوالقاسم حالت در رشته‌ی زبان و ادبیات تحصیلات عالی کرد و به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسوی تسلط داشت و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرد. برخی آثاری که از وی طبع و نشر شده بدین شرح است: دیوان حالت (شامل قطعات، مثنویات، قصاید، غزلیات و رباعیات)؛ کلیات سعدی (با ترجمه‌ی اشعار عربی آن به فارسی)؛ تذکره‌ی شاهان شاعر؛ گلزار خنده (مشتمل بر اشعار فکاهی که از نیمه سال ۱۳۱۷ تا آخر سال ۱۳۱۸ سروده شده)؛ فکاهیات حالت (دو جلد)؛ دیوان خروس لاری (شامل اشعار طنزآمیز)؛ دیوان ابوالعینک؛ دیوان شوخ؛ بحر طویل‌های هدهد میرزا؛ عیالوار؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه)؛ مقالات طنزآمیز؛ فروغ بینش یا سخنان حضرت محمد (ص) (با ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی)؛ راه رستگاری یا سخنان حسین بن علی (ع) (با ترجمه فارسی وانگلیسی و رباعیات فارسی)؛ کلمات قصار حضرت علی (ع) (این کتاب مختصری از شکوفه‌های خرد است، با ترجمه به فارسی و انگلیسی و رباعایت فارسی، ۱۳۳۳)؛ کلمات قصار حسین بن علی (ع) (این کتاب چاپ دوم راه رستگاری است)؛ ترجمه تاریخ کامل ابن اثیر؛ تاریخ فتوحات مغول (نوشته ج. ج. ساندرز)؛ تاریخ تجارت (اثر اریک ن. سیمونز)؛ ناپلئون در تبعید (خاطرات ژنرال برتران، استنساخ و تنظیم یادداشت نگاری از پل فلوریو دولانگل)؛ زندگی من (اثر مارک تواین)؛ زندگی بر روی می‌سی سی پی (اثر مارک تواین)؛ پیشروان موشک‌سازی (تألیف بریل ویلیامز و ساموئل اشتاین)؛ بهار زندگی (اثر کلاویس هاستی کارول، ۱۳۳۷)؛ جادوگر شهر زمرد (نوشته‌ی ال. فرانک باوم)؛ مینوتوش مشاور نرون (نوشته‌ی میکا والتاری)؛ پسر ایرانی، سرگذشت واقعی داریوش سوم و اسکندر (نوشته‌ی ماری رنولت)؛ فرعون (نوشته‌ی الویز جارویز مک گرد)؛ شبح در کوچه میکل آنژ (ترجه از فرانسوی به فارسی)؛ پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی، ۱۳۳۶)؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه، ۱۳۳۳).

ابوالقاسم حالت، بر اثر سکته‌ی قلبی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۴۷/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۶۲ -۱۰۵۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۸ -۲۳۷/ ۱).

حامد حسین، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، مفسر، محدث، متکلم و ادیب. وی را با نسبتهای موسوی نیشابوری، کنتوری، هندی و کلهنوی نوشته‌اند. حامد حسین در لکهنو به دنیا آمد. وی از ارکان علمای امامیه بوده است. کلام را در محضر پدرش، مفتی سید محمدقلی، و فقه و اصول را نزد سید حسین بن دلدار علی نقوی، و معقول را در خدمت سید مرتضی بن سید محمد و ادب را در حوزه‌ی مفتی سید محمد عباس فراگرفت. او تصنیفات فراوانی دارد با مراجعه به کتاب «عبقات» وی معلوم می‌شود که کسی به پایه او در فن کلام بخصوص در باب امامت بدان منوال کار نکرده است. کتابخانه‌ی ارزشمند میرحامد حسین یکی از خزاین گرانبهای شرقی در دوران اخیر است. این کتابخانه حاوی هزاران جلد کتاب است که برخی از آنها از دستنویسهای قدیمی است. از آثار وی: «عبقات الانوار فی امامهٔ الائمه الاطهار»؛ «اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار»؛ «استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد المنتهی الکلام»؛ «الشریعهٔ الغراء»، در فقه: «الشعلهٔ الجوالهٔ»؛ «شمع المجالس»، قصاید عربی و فارسی در مراثی؛ مثنوی «شمع و دمع»، به اردو؛ «الظلل الممدود والطلح المنضود»؛ «افحام اهل الیمن فی رد ازالهٔ الغین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱/۴)، ایضاح مکنون (۹۲/۲)، الذریعه (۲۱۵ -۲۱۴/ ۱۵، ۲۳/۱۰، ۲۵۷، ۳۱/ ۲)، ریحانه (۳۷۹ -۳۷۷/ ۳)، فوائد الرضویه (۹۲ -۹۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حامد حسین)، معجم المؤلفین (۷۱۷/۳).

حامدنیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حامد نیا

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنام حق اینجانب طلبه حقیر حسین حامد نیا پس از دوره دبیرستان که دو رشته تجربی و ادبیات و علوم انسانی تحصیلات کلاسیکی را طی کرده و در سال۱۳۶۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و دوره ادبیات عرب را بمدت چهار سال در مدرسه المهدی (عج) که تحت نظرمرحوم مرجع عالی قدرآیت الله سید محمدرضا گلپایگانی اداره می گشت گذرانده که اساتید ادبیات ما عمدتاً ازتلامیذ استاد... حجتی هاشمی خراسانی و مرحوم مدرسی افغانی ...والحمدالله بهره های علمی ادبی فراوانی درآن مدرسه بودم و پس ازآن وارد مدرسه علمیه امام محمدباقرعلیهم السلام به تولیت مرحوم حاج آقا دیباجی اداره می شد که الحمدالله معنویت وقوت درسها و تدریسها واساتید بزرگواری در آن مدرسه مشغول بودند لمعتین و معالم الاصول و اصول مرحوم علامه مظفر که از شاگردان شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بودند و نیز بدایه المعارف را خدمت شاگردان خاص حاج آقا جوادی آملی تلمذ کرده و بحمدالله دراین سه سال هم برکات علمی و معنوی به عنایات الهی و حضرت ولی عصر(عج) نصیبمان گشت و پس از ۷سال وارد سطح گشته مکاسب و رسائل شیخ انصاری را درخدمت اساتیدی چون احدی امیرکلائی وعلم الهدی و موسوی تهرانی و نکونام و استاد احمد امینی شیرازی و کفا یه را محضرشیخ مصطفی اعتمادی زانوی تلمذ زده و بخاطرعلاقه به معقولات و درسهای فلسفه بدایه الحکمه را درخدمت استاد رمضانی و نهایه الحکمه را درخدمت استاد عباسی و منظومه مرحوم سبزواری را بمدت ۲سال در خدمت بهرام دلیر نقده ای و جلد اول اسفار را در خدمت استادان روز بهانی وغرویان وجلد دوم اسفار را درخدمت استاد گرانقدر و معظم علی زمانی و بخشی شواهد الربوبیه و حکمت الشراق و شرح آن را خدمت آقازاده آیه الله جوادی آملی (شیخ مرتضی)و۲سال درس خارج فقه دیات و نکاح در خدمت آیه الله مکارم شیرازی و یکسال اصول خدمت محمد علی گرامی و دو سال قصاص درخدمت آیه الله صانعی و دوره قصاص مجدد در خدمت مرجع آیه الله استاد محمد علی اسماعیل پور شهر رضائی و درس قضا بمدت یکسال شرکت در دروس حضرت آیه الله نوری همدانی و درس خارج اصول آیه الله شمس الواعظین فرمومدریی(شیخ شمس)و تعادل و تراجیح درخدمت حضرت آیه الله وحید خراسانی و مکاسب خارج شیخ انصاری بمدت ۲سال در درس آیه الله فاضل لنکرانی و دروس مترق دیگر چون درس الاهیات خدمت استاد سید رضا اسحاق نیا و مشغول ملاحثات و تدریس ادبیات عرب و منطق مظفر و تفسیر قرآنی و کتاب الصلوه را بمدت ۲سال دردرس سید احمد خاتمی وغیره ، انشاالله که با توجهات حضرت بیه الله (عج) درآینده عضو مفید و خادم قرآن و اسلام و مکتب تشیع باشیم و قریب ۱۴سال تمام درایام تبلیغ مسافرت تبلیغی اعزام شده ام و نیز ۲سال شرکت در درسهای تخصصی تاریخ و تفسیر حکمت و کلام و فقه و اصول حوزه اجتهادیه محسنیه داشته ام .

حایری گلپایگانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام و المسلمین آیت‌اللَّه آقای حاج سید محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل آیت‌اللَّه حاج میرزا هدایت اللَّه حایری گلپایگانی از علماء محترم و مبرز معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۲۲ قمری در گلپایگان متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات در محل خود به اراک آمده و پس از انتقال حوزه به شهرستان قم مهاجرت ببلده طیبه قم نموده و حدود چهار سال از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه آقا میرزا سید علی یثربی و دیگران استفاده نموده و از آنجا مهاجرت به نجف اشرف و از محضر آیات بزرگ مانند آیت‌اللَّه محقق نائینی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۳ قمری به ایران و شهرستان گلپایگان مراجعت کرده و مدت بسیت سال توقف و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تاسیس مدرسه علمیه و تربیت طلاب و محصلین و غیره پرداخته تا سال ۱۳۷۳ ق به تهران منتقل و تاکنون بوظائف مقرره شرعی از اقامه نماز جماعت در مسجد (فخر الحاجیه) خیابان راه‌آهن و تدریس و مباحثات کمپانی با اقران خود اشتغال دارد.

دارای دو فرزند فاضل و دانشمندی می‌باشند که اجمالا به آنها اشاره می‌شود:

۱- مرحوم مغفور حجت‌الاسلام آقا سید جمال الدین حایری که از فضلاء حوزه علمیه‌ی قم بودند و پس از فراغت از تحصیل در تهران اشتغال بخدمات دینی و روحی داشتند و در ماه شعبان ۱۳۸۶ ق در سن جوانی بدرود حیات گفته و در مقبره شیخان قم مدفون گردیدند.

۲- جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید مرتضی حایری که نیز تحصیلات خود را در قم تکمیل و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللَّه

العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده و به تهران منتقل و اکنون در مسجد مرحوم برادرش در سلسبیل تهران خیابان هاشمی (مسجد رضوی) بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
مرحوم مترجم معظم ما نیز از آیات عظام و علماء اعلام گلپایگان بوده‌اند که شرح احوال و آثارش در جلد چهارم گنجینه در باب گلپایگان خواهد آمد.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حایری مازندرانی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، مترجم. در تهران متولد شد. وی در دارالفنون، تحصیل کرد، سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد، و نزد پدر، اصول فقه و علوم قدیمی را فراگرفت. مازندرانی چندی به اورپا رفت و در پاریس دکترای حقوق گرفت و به تهران بازگشت و مشغول امر وکالت شد. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب معروف «مانون لسکو» اثر آبه پرود از فرانسه به فارسی.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مولفین کتب چاپی (۱۹۳ -۱۹۲ /۵).

حائری پور، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی حائری پور

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی تحصیلات راهنمایی و اول دبیرستان در کاشان وارد حوزه علمیه مرحوم آیةالله العظمی یثربی ره کاشان شدم سال ۱۳۶۳ پس از سه سال گذراندن ادبیات عرب در سال ۱۳۶۶ به حوزه علمیه قم آمدم و به درس های فقه و اصول (لمعه و اصول فقه) پرداختم و همزمان دیپلم گرفتم. و تا سال ۱۳۷۲ سطح را به پایان بردم. در دس خارج یک دوره اصول نزد آیةالله سبحانی از شاگردان حضرت امام خمینی ره گذراندم و همزمان حدود ۲ سال در بحث های خارج فقه ایشان شرکت کردم.در سال ۱۳۷۶ در کنار درس خارج به رشته تخصصی علوم قرآن و تفسیر روی آوردم و مدت چهار سال در این دوره بودم. از سال ۱۳۷۰ همزمان با پایان دوره سطح به تدریس دروس حوزوی هم می پرداختم که هنوز ادامه دارد.در سال ۱۳۸۰ وارد مرکز تخصصی مهدویت شدم و به عنوان اولین دوره این رشته به تحصیل پرداختم که حدود سه سال طول کشید. و فعلاـ با موسسه آینده روشن هم در زمینه مهدویت همکاری می کنم.در دهه هفتاد مدت دو سال در مرکز ادبی حوزه (زیر نظر اقای جواد محدثی) دوره نگارش عمومی و تخصصی را مقداری نزد اقای محدثی و بیشتر نزد سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) گذراندم.فعلا مقداری به درس خارج و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول هستم. والحمدالله رب العالمین.

حائری، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

زندگینامه

دکتر شادروان عبدالهادی حائری استاد برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران در سال ۱۳۱۲ هجر شمسی به دنیا آمد. وی که نوه‌ی حضرت آیت‌اللّه حائری یزدی بود سالها در خارج از کشور و در دانشگاههای کانادا و آمریکا مشغول تدریس و تحقیق بود و در سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان استاد و رئیس گروه تاریخ مشغول به تدریس و تحقیق شد.
ایشان در زمینه‌های تاریخی، بخصوص تاریخ معاصر ایران دارای آثار ارزشمند و مهمی است که در محافل علمی و دانشگاههای داخل و خارج از کشور معروف می‌باشد.
تألیفات گوناگون وی در زمینه مسائل تاریخی به زبانهای انگلیسی و فارسی به بیش از ۴۰ مورد می‌رسد.
مرحوم دکتر حائری یکی از مردان نامی دانشگاههای کشور بوده و مهمترین آثار فارسی او «تشیع و مشروطیت در ایران»، «رویاروئی

اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب»، «تاریخ جنبش و تکاپوهای فراماسیونری در کشورهای اسلامی»، «ایران و جهان اسلام»، «آنچه گذشت»، «نقشی از نیم‌قرن تکاپو» (خاطرات خود استاد) و... نام برد. از وی بیش از ۳۶ مورد ملاقات ارزشمند تاریخی به زبان انگلیسی در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

دکتر حائری سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی ۲ ساله در سن ۶۰ سالگی در تاریخ بیست و چهارم مرداد ۱۳۷۲ چشم به جهان فروبست.

مدرس، مورخ.

تولد: ۱۳۱۴، قم.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۷۲، مشهد.

عبدالهادی حایری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوه‌ی دختری آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم) پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشته‌ی الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در اداره‌ی بهداشت مشهد مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان ابن مقفع که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارس ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال ۱۳۴۳ با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.

عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشته‌ی اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.

دکتر حائری در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سده‌ی اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.

تخصص اصلی دکتر حائری در زمینه‌ی انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجه تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.

از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام؛ پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها؛ اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامه‌ی «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.

کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال کشور برنده‌ی جایزه شد.

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حائری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی حائری

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۵۵ در حالی که مدرک سیکل را گرفتم وارد حوزه علمیّه سبزوار شدم و پس از یک سال وارد حوزه علمیّه قم شده در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی پس از امتحان ورودی پذیرش شدم و تا سال ۱۳۶۶ در آنجا مشغول به تحصیل بودم و سپس در درس مکاسب و کفایه آیت الله ستوده شرکت کردم و خلاصه پس از اتمام دوره سطح و اتمام آن در سال ۱۳۷۳ و اتمام امتحانات آن دوره و شش سال شرکت در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه مثل شرح منظومه ، بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمه نزد آیت الله فاضل ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله انصاری شیرازی و دکتر احمد بهشتی، وارد فضای تحقیق شدم که درسال ۱۳۶۹ کتاب مسالک الافهام که مولف آن شهید ثانی است. این کتاب شرح کتاب شرایع الاسلام سه جلد آن با محققین آن مرکز همکاری داشتم و پس از آن کتاب قواعد الفقهیه آیت الله فاضل را برای تحقیق متون آن به دست گرفتم . و پس از آن کتابی به نام علل و عوامل ظهور و سقوط تمدنها در منابع اسلامی را شروع به نوشتن کردم ، بعد به عنوان پایان نامه هم از من پذیرفته شد و هیئت داوران نمره عالی به آن دادند . مدتی با بخش تحقیق و پژوهش ستاد اقامه نماز استان قم همکاری داشتم .

حبیب اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، ادیب، نویسنده، زبان‌شناس و شاعر، متخلص به دستان. در قریه‌ی بن از توابع چهارمحال اصفهان متولد شد. در اصفهان به تحصیل علوم پرداخت. بعد از تحصیل ادبیات و فقه و اصول در بغداد، به تهران آمد و پس از چندی به استانبول رفت و در آنجا مقیم شد. میرزا حبیب با شیخ احمد روحی و یاران او معاشرت داشت و در نهضت آزادمردانی که برای بیداری ایرانیان در کوشش بودند همکاری داشت. وی بیشتر اوقات خود را به تدریس و آموزش زبان فارسی در استانبول می‌گذراند و علاوه بر زبان فارسی به زبان ترکی و فرانسه مسلط بود. گاهی نیز به سرودن شعر می‌پرداخت. در اواخر عمر برای معالجه به آبهای بورسا رفت و همان جا درگذشت و در گورستان چکرگه دفن شد. از آثار وی: «برگ سبز»؛ «خط و خطاطان»؛ «دستور سخن»؛ «دبستان پارسی»؛ «رهنمای فارسی»؛ «غرائب عقائد ملل»؛ «دیوان» اشعار؛ ترجمه‌ی کتاب «حاجی بابا».[۱]

اصفهانی (میرزا) متخلص به دستان، دانشمند ایرانی (ف. بورسه ۱۳۱۱ ه.ق.) وی بـه جرم دهری بـودن و اتهام سیاسی از ایران به استانبول تبعید شد و تا سال فوت غالبا در مکتب سلطانی آن شهر به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود. از آثار او دستور سخن، تصحیح و طبع دیوان اطعمه ابواسحاق حلاج شیرازی، تصحیح و طبع دیوان البسه قاری، منتخب کلیات عبید زاکانی با مقدمه فرانسوی فرته، غرائب عوائد ملل، برگ سبز، خط و خطاطان (ترکی)، دبستان فارسی، خلاصه رهنمای فارسی، رهبر فارسی، ترجمه مولیر به فارسی به نام «مردم گریز» و ترجمه «جاحی بابا» است و دیوان شعری هم دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تـا نیما (۴۰۵ -۳۹۵ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۹۹/۲)، تـذکره‌ی القبور (۲۴۷)، شرح حال رجال (۳۱۴ -۳۱۳ /۱)، مولفین کتب چاپی (۴۷۰ -۴۶۹ /۲).

حبیب اللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حبیب اللهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در شهر اصفهان درخانواده ای روحانی به دنیا آمدم. مرحوم پدرم از شاگردان بنام مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی محسوب می شدند . با تشویق ایشان بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۲ بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و با جدیت تمام دروس مقدمات را نزد مرحوم پدر فراگرفتم و سپس دروس سطح را نزد اساتیدی همچون مرحوم آیت الله امامی گذراندم. در سال ۱۳۶۹ علاقه شدید به فراگیری علوم اسلامی در سطح بالاتر مرا به شهر مقدس قم کشانید و ادامه دروس سطح را نزد اساتیدی همچون آیت الله پایانی ، وجدانی و حجه الاسلام موسوی تهرانی گذراندم .در سال ۱۳۷۵ وارد درس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت الله تبریزی در فقه و از محضرآیت الله سبحانی در اصول بهره بردم همزمان با شروع درس خارج در سال ۱۳۷۶ در رشته کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و بعد از دو سال به عنوان نفراول آن دوره پس از دفاع پایان نامه فارغ التحصیل گردیدم . هم اکنون علاوه برتحصیل در خارج فقه و اصول به تدریس فلسفه و کلام در مدرسه عالی امام خمینی(ره)نیز مشغول هستم .

حبیبی احمد آبادی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی حبیبی احمدآبادی

محل تولد : کربلاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه المهدی (عج) که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) بود مشغول به

تحصیل شدم . بعد از دو سال به مدرسه علمیه رسالت منتقل شدم و تا اتمام لمعتین در آن مدرسه به درس خود ادامه دادم . با پیروزی انقلاب اسلامی و نیاز شدید به دبیران دینی ، دو سال اول انقلاب را در دبیرستان ها و دانشسراهای محلات و بوشهر به تدریس کتاب های دینی و آموزش قرآن پرداختم و بعد از آن برای ادامه تحصیل به قم بازگشتم و سر درس رسائل و مکاسب حاضر شدم . در کنار تحصیل در فرصت های مناسب برای تبلیغ به جبهه ها اعزام می شدم ، ولی با توجه به مطالعات و تحقیقات جنبی که در علوم قرآنی داشتم و تجربیات و موفقیت های کسب شده در امر تدریس و کلاسداری و نیاز شدید به معلمین قرآن (با توجه به نهضت قرآنی که به برکت انقلاب اسلامی راه افتاده بود) تمامی همت و وقت خود را صرف برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم نمودم .

با تاسیس بخش قرآن سازمان تبلیغات اسلامی ، همکاری خود را با آن بخش شروع کردم و ضمن تدریس در دوره های تربیت معلم قرآن کریم ، ویژه معلمین آموزش و پرورش که از سراسر کشور در تابستان ها در تهران جمع می شدند برای برگزاری دوره های ضمن خدمت معلمین قرآن به شهرها اعزام و به تدریس مهارت های تدریس قرآن کریم می پرداختم .

با گسترش فعالیت های قرآنی بخش قرآن و تبدیل آن به دار القرآن الکریم سازمان تبلیغات اسلامی و کانون های قرآن در مراکز استان ها و شهرستان هایی که سازمان تبلیغات اسلامی در آن شهرستان ها نمایندگی داشت ، از طرف دار القرآن به آن مرکز جهت برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم اعزام می شدم تا معلمین مورد نیاز برای آموزش قرآن در تابستان ها و ماه مبارک رمضان ، آموزش لازم را دیده باشند و به تدریس یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور بپردازند .

برای آموزش یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور ، ابتدا با همکاری دو تن از اساتید دار القرآن کریم ، جزوه آموزش قرآن کریم تهیه نمودیم . سپس آن جزوه در دو سطح : یک برای خردسالان و دو برای بزرگسالان توسط این جانب تکمیل و برای معلمین قرآن نیز کتاب راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم تالیف نمودم که بعدها اصلاح و تکمیل شد و الحمد الله اکنون به عنوان کتاب مشهور برای آموزش قرآن در اختیار علاقمندان می باشد ، به طوری که هر سال بیش از دویست هزار جلد روخوانی قرآن کریم و ده هزار جلد راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم چاپ و منتشر می شود .

همزمان با فعالیت های قرآنی در شهرستان ها ، کانون قرآن سازمان تبلیغات اسلامی قم را تاسیس و دوره های متعدد تربیت معلم قرآن کریم در طول سال برای طلاب ایرانی و غیر ایرانی و عموم علاقمندان قرآن کریم برگزار می نمودیم که الحمد لله با استقبال بسیار طلاب مواجه می گردید .

در کنار فعالیت های قرآنی ، کار تحقیقات در زمینه های مختلف علوم قرآنی را ادامه دادم و ضمن تکمیل کتاب های قبلی ، کتاب های دیگری را تالیف که در ادامه آورده ام .

در سال ۱۳۷۶ واحد قرآن مرکز مدیریت حوزه علیه قم را راه اندازی و اقدام به برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم ویژه طلاب علوم دینی (ایرانی و غیر ایرانی) نمودم که دوره های مذکور در سطح عالی و به صورت استدلالی برگزار می شد .

کتاب رسم و ضبط مهارت های تدریس قرآن کریم این جانب رتبه تشویقی کتب برگزیده حوزه را در اولین سال تشکیل این نهاد به خود اختصاص داد و امسال نیز به عنوان خادم قرآن در استان قم انتخاب شدم .

خداوند را شاکرم که در حدود ۲۵ سال فعالیت های قرآنی بیش ازپنجاه هزار نفر علاقمندان تدریس قرآن کریم ، معلمین آموزش و پرورش ، طلاب علوم دینی ایرانی و غیر ایرانی اعم از خواهر و برادر ، دوره های آشنایی با مهارت های تدریس قرآن کریم را نزد این جانب طی کرده اند ، و بیش از صد هزار نفر از کتاب های رسم و ضبط و مهارت های تدریس قرآن کریم استفاده کرده اند ، و بیش از دو میلیون نفر از کتاب های آموزش قرآن این جانب بهره مند شده اند .

اکنون به یاری خداوند در کنار حضور در درس خارج فقه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به تدریس و تحقیق نیز مشغول می باشم .

حبیبی تبار، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد حبیبی تبار

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ همزمان با تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. دروس مقدمات را نزد علامه فقید مدرس افغانی (ره) تلمذ کردم، سپس لمعه و معالم و شرح باب حادی عشر را از محضر پر فیض آیت الله اشتهاردی (دام عزه) استفاده کردم. رسائل را نزد آیت الله اعتمادی (دام عزه) و مکاسب را نزد مرحوم آیهٔ الله ستوده (ره) خواندم. بخشی از کفایه را نزد آیهٔ الله دوزدوزانی و بخشی دیگر را نزد حضرت آیهٔ الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. اسفار را نزد آیهٔ الله انصاری شیرازی (دام عزه) بهرمند بودم و در درس اخلاق معظم له نیز حضور داشتم مدتی عرفان را نزد آیهٔ الله شاه آبادی مستفیض بودم. تفسیر را از محضر

آیهٔ الله جوادی آملی و مدتی فلسفه را نزد استاد دکتر محقق داماد (دام عزهما) بهره بردم، و از محضر آیات علوی کاظمینی، وحیدی شبستری و خوانساری در خارج فقه و اصول بهرمند بوده ام و هم اینک از محضر آیات وحید خراسانی و فاضل لنکرانی (دامت برکاتهما) استفاده می کنم. تحقیقات خود پیرامون مسائل و موضوعات حقوق به ویژه حقوق اسلامی را از سال ۱۳۶۴ آغاز نمودم و از محضر اساتید بزرگواری چون دکتر کی نیا، دکتر محقق داماد، دکتر آخوندی ، دکتر سپهوند ، دکتر گودرزی ، دکتر یاوری ، دکتر جهانگیر ثانی ، جناب آقای شهری ، و جمع دیگری از اساتید استفاده برده ام. فن خطابه را نزد مرحوم حجت الاسلام و المسلمین فلسفی و روانشناسی خانواده را نزد حجت الاسلام و المسلمین آل اسحاق و دکتر نبی صادقی خواندم.

از اینجانب یک جلد کتاب دراصول فقه ، یک جلد در تفسیر ، یک جلد در مدیریت ، یک جلد در حقوق خانواده ، یک جلد در امور حسبی ، یک جلد در آیین دادرسی کیفری و دو جلد در موضوعات دیگر به چاپ رسیده است. ۸ جلد در حقوق مدنی ، ۴ جلد در متون فقه ، ۴ جلد در موضوعات حقوق به صورت رساله علمی به صورت دست نویس وجود دارد. اینجانب سالهاست که در مراکز حوزوی و دانشگاهی ذیل تدریس و یا فعالیت علمی دارم : ۱. اداره کل آموزش قضات قوه قضائیه، که در قم و مراکز استان ها تا کنون حدود یک هزار نفر از قضات شاغل کشور در کلاس های درس اینجانب حاضر بوده اند.۲. دانشگاه تهران ـ پردیس قم ـ صدها نفر از قضات و وکلای داگستری و مشاورین حقوق کشور که از این مرکز علمی، در رشته های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی فارغ التحصیل شده اند در کلاس های درس اینجانب حضور داشته اند. ۳. دانشگاه قم درس های رویه قضایی و آئین دادرسی مدنی در این دانشگاه برای دانشجویان محترم تدریس شده است. ۴. مرکز تخصصی حقوق و قضاء اسلامی حوزه مقدسه قم، تقریبا از بدو تاسیس این مرکز تخصصی با تدریس حقوق مدنی و آیین دادرسی کیفری در خدمت صدها دانش پژوه آن بوده و هستم. ۵. مرکز جهانی علوم اسلامی، دراین مرکز برای طلاب محترم خارجی که رشته حقوق تحصیل می نمایند تدریس داشته ام از جمله برای هشتاد نفر از قضات بالقوه افغانستان.۶. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، در این مرکز در کمیسیون آسیب شناسی قوانین مدنی کشور عضویت و با دوستانی چون آقایان دکتر وحدتی شبیری، دکتر عبدی پور، دکتر ارسطا و دکتر قشقایی به کارشناسی در رابطه با قوانین مدنی و آسیب های آن پرداخته ام. ۷. کمیسیون تدوین پیش نویس قانون احوال شخصیه شیعیان بحرین، در این کمیسیون پیش نویس قانونی در زمینه احوال شخصیه به معنی اعم آن شامل مقررات راجع به ولادت، نسب، نکاح، طلاق، ارث، وصیت، وقف مورد بررسی و تصویب علمی قرار گرفت. ۸. صدا و سیما ، سالهاست که به عنوان کارشناس حقوق اسلامی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی فعالیت داشته و ارائه برنامه داشته و دارم. علاوه بر موارد مذکور در حوزه های علمیه بندرعباس، نهاوند و قم به تدریس متون ادبی و نیز کتب لمعه، معالم، اصول فقه، باب حادی عشر، رسائل و مکاسب اشتغال داشته ام.

حبیبیان نقیبی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حبیبیان نقیبی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید حبیبیان نقیبی با گذراندن دوران ابتدائی ، راهنمائی و دبیرستان در شهرستان بابل ، دیپلم رشته ریاضی فیزیک را در سال ۱۳۶۱ دربافت نمودم . در شهریور همان سال به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمدم و در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه بابل شدم که به واقع حضور در جمع با انگیزه طلاب انقلابی در محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله فاضل استر آبادی ، سعادت بزرگی بود که خداوند متعال ارزانیم داشت.

دروس مقدماتی و بخشهایی از سطح را در محضر ایشان آموختم . از سال ۱۳۶۷ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم و تا سال ۱۳۶۹ بقیه دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات اعتمادی ، دوزدوزانی و استادی تلمذ نمودم و از آن سال تا کنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد تبریزی(ره) ، فاضل لنکرانی(ره) ، سید محمود هاشمی شاهرودی و سید جعفر کریمی به قدر توان بهره مند شده و می شوم.

در کنار تحصیل از سالهای اول تحصیل حوزوی ، به تدریس دروس مختلف حوزوی تا پایه ششم اشتغال داشتم . از سال ۱۳۶۹ به همراه تحصیلات و تدریس حوزوی ، در دانشگاه مفید قم و در رشته اقتصاد نظری به تحصیل دروس دانشگاهی پرداختم . در سال ۱۳۷۴ برای ادامه تحصیل در مقطع کار شناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۷۷ از این مقطع فارغ التحصیل شدم . از سال ۱۳۶۷ در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه به امر پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن کتاب ، طرح تحقیقاتی و مقالاتی است که منتشر و ارائه شده است .

در حال حاضر نیز در کنار تحصیل در حوزه عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم می باشم و به تحقیق در موضوعات اقتصاد اسلامی و تدریس در آن دانشگاه اشتغال دارم .

حجاج اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب، شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، پدرش از وزیران مشهور محمود است و از ممدوحان فرخی سیستانی وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» فضل و کمال او را ستوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۸ /۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (۲۱۷)، سرآمدان فرهنگ (۶۴ /۱)، فرخی سیستانی (۱۱۸ - ۱۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن اسفراینی).

حجار اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۹ ق)، خطاط و حجّار. از آثار وی: حجاری ستون سنگی سمت چپ ایوان شمالی مسجد سید اصفهان است که به خط نستعلیق چنین نوشته شده: «حاجی اسمعیل حجار، التماس دعا دارم سنه ۱۳۰۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۶۵۲)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۷۶۹).

حجازی دزفولی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ /۱۳۲۲ -۱۲۷۳ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به حجازی. در تهران متولد شد. پدرش از علمای خوزستان و قطب سلسله‌ی ذهبیه بود. حجازی در نه سالگی باتفاق پدر خود به دزفول رفت و علوم متداول را نزد پدرش فراگرفت. در مجلس موسسان اول نماینده بود، بعدها دو دوره‌ی متوالی به نمایندگی مجلس انتخاب شد. حجازی طبع شعری نیز داشت و اشعاری می‌سرود. وی همچنین در مجله‌ی «ارمغان» به نشر مقالات ادبی، تحقیقی و انتقادی می‌پرداخت. او حدود بیست جلد کتاب تالیف کرده است. از جمله‌ی آثار او: «شکرستان تاریخ شش هزار ساله‌ی خوزستان»؛ «ظهور محمد (ص)»، ترجمه از انگلیسی؛ «نعم الظهر فی طلب اکسیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۰۹۶ -۱۰۹۴ /۲)، مولفین کتب چاپی (۵۳۷ -۵۳۶ /۳).

حجازی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوالقاسم موسوی حجازی خراسانی یکی ا زعلماء محترم و ائمه جماعات طهران و موصوف به تقوی و ورع و زهد و پارسائی بوده و عمر خود را به پاکی و صداقت گذرانیده و خدمت به شرع انور نموده است در میان روحانیون و علماء محترم تهران شهرتی بسزا داشته و مورد توجه عموم آنان بوده و مردم بازار علاقه مخصوصی به ایشان داشته تا در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۴۱ شمسی در تهران بدرود حیات گفته و بنابر وصیتش با تجلیل فراوان و تشیع با شکوهی حمل به مشهد مقدس گردیده و در باغ رضوان در جوار حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام که چندین سال تولیت مدرسه پریزاد واقع در بازار و بالا سر حضرت را داشتند به خاک سپرده شدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حجازی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۷، ملایر.

درگذشت: ۲ خرداد ۱۳۵۹، تهران.

حسین حجازی تحصیل کرده‌ی بیروت بود. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت. در آنجا مدت سه چهار سال سردبیری «نامه‌ی راه» را بر عهده داشت و در آن مجله‌ی نوشته‌های ادبی و اجتماعی را از نشریات خارجی ترجمه و نشر می‌کرد. پس از آن از سال ۱۳۲۳ به چاپ و نشر مجله‌ی «جهان نو» پرداخت. صاحب امتیاز مجله و گرداننده و پخش کننده‌ی آن خودش بود. «جهان نو» مدت سیزده سال منتشر شد. در قسمتی از سال‌های اول انتشار آن، مرتضی کیوان سردبیر آن بود. سپس امین عالیمرد با وی همکاری می‌کرد.

«جهان نو» عاقبت در سال ۱۳۳۳ از انتشار باز ماند. تا اینکه مجددا در سال ۱۳۴۵، به قطع وزیری و به طور ماهیانه تجدید انتشار یافت.

حسین حجازی در چند سال اواخر عمر کتابخانه‌ی شهرداری تهران را تأسیس کرد. از ترجمه‌های مستقل او که به چاپ رسیده است عناوین زیر هستند: بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت (م.زمیر)؛ انسان آینده (لئونارد داروین، ۱۳۲۱)؛ عصمت عروس می‌شود (نوشته‌ی گرین ویشرپین، ۱۳۴۱).

(۱۳۵۹ -۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در ملایر متولد شد. تحصیلات خود را در بیروت گذراند. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت و در آنجا حدود چهار سال سردبیری «نامه‌ی راه» را بر عهده داشت و در آن نشوته‌های ادبی و اجتماعی خارجی را ترجمه و نشر می‌کرد. چندی نیز سردبیر مجله‌ی «راه نو» بود. وی پس از آن در سال ۱۳۲۳ ش به چاپ و نشر مجله‌ی «جهان نو» پرداخت، این مجله در سال ۱۳۳۳ ش از انتشار بازماند. تا اینکه از سال ۱۳۴۵ ش به طور ماهنامه مجددا انتشار یافت. حسین حجازی در اواخر عمر کتابخانه‌ی شهرداری را تاسیس کرد. از آثار وی: ترجمه‌های «بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت»، از م. زمیر؛ «انسان آینده»، از لئونارد داروین؛ «عصمت عروس می‌شود»، نوشته‌ی گرین ویشرپین.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۱۲ -۹ ص ۹۳۰ -۹۲۲)، مولفین کتب چاپی (۷۲۲/ ۲).

حجازی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دکتر سید عبدالرضا حجازی از مشاهیر خطباء و گویندگان و معاریف وعاظ و نویسندگان عصر حاضر می‌باشد. در تهران و تمام نقاط کشور شهرت بسزائی دارند.

معظم‌له دارای بیانی شیرین و منطقی شیوا و علمی می‌باشند این واعظ عالیقدر به زبان عصری داد سخن می‌دهد و تمام طبقات مردم را از عالم و عامی و دیروزی و امروزی بخصوص نسل جوان را بهره‌مند می‌سازد.

در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در شهرضای اصفهان متولد گردیده و پس از خواندن دروس جدید و مقدماتی به اصفهان آمده و مدت سه سال از محضر مرحوم حجه‌الاسلام عالم ربانی حاج میرزا علی آقا شیرازی استفاده کرده و در سال ۱۳۲۹ شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیده است.

و پس از تکمیل نمودن سطوح عالیه از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت‌الله العظمی مجاهد امام خمینی استفاده کرده ایشان معقول و تفسیر قرآن را نزد علامه بزرگ آقای طباطبائی تبریزی فراگرفته و در سال ۱۳۴۰ به تهران آمده و در راه انتشار اسلام و تبلیغ احکام به اشتغال ورزیده است.

این واعظ گرامی در اثر نبوغ و استعداد ذاتی و تحقیقات علمی که دارد در شمار وعاظ نامی کشور درآمده است. استاد حجازی گوینده مجاهدیست که در این پست حساس مصائب فراوان و سوانح زیادی را تحمل کرده و مورد غبطه بسیاری قرار گرفته است. وی دوره لیسانس را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دوره دکترا را در دانشگاه آنکارا طی نموده است و نه تنها از رهگذر خطابه و سخنرانی خدمات شایانی به اسلام کرده است‌بلکه با قلم شیوای خود نیز افکار نسل جوان را روشن و متوجه بمبانی اعتقادی و دینی نموده است.

آثار علمی ارزنده ایشان که به طبع رسیده و مورد استفاده عموم مخصوص نسل جوان و تحصیل کرده می‌باشد از این قرار است ۱- کتاب سیستم اقتصادی اسلام پیرامون مبادی اقتصادی و روشهای عالی اسلام و اولین کتابیست که در سال ۱۳۳۸ شمسی به زبان پارسی در این رشته به تحریر آمده است.

۲- کتاب رسالت قرآن در عصر فضا و از جمله شاهکارهای علمی و ادبی فارسی است که در طی یکسال سه مرتبه به چاپ رسیده و پر تیراژترین کتاب اسلامی است که در این چند سال اخیر منتشر شده است و اخیرا آقای سید علی که یکی از فضلاء نجف است آن را به عربی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. ملقب به مطیع‌الدوله. پدرش مستوفی دربار قاجار بود. محمد تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی سن‌لویی به پایان رساند و بعد از آنکه مدتی در اروپا به سر برد، به ایران آمد و عهده‌دار سمتهای مختلفی شد، از جمله مدیر مجله‌ی «ایران امروز» و «پست و تلگراف و تلفن» شد و مقالات خود را در نشریات آن زمان بخصوص «بابا شمل» به چاپ می‌رساند. حجازی صاحب سبک نو و مطلوبی در نویسندگی است که همین امر او را در زمره‌ی نویسندگان درجه‌ی اول قرار می‌دهد. از جمله آثار او: «آیینه»؛ «آهنگ»؛ «اندیشه»؛ «پریچهر»؛ «حجازی و سخنان جاوید او»؛ «حکمت ادیان»؛ «ساغر»؛ «نمایشنامه‌ی حافظ »؛ «کمال‌الملک»؛ «خلاصه‌ی تاریخ ایران تا انقراض قاجاریه»؛ «رشد شخصیت»؛ «روانشناسی یا جبر و اختیار»؛ «زیبا».[۱]

معروف به مطیع‌الدوله، متولد ۱۲۸۰ در تهران. پدر و مادرش در اصل از مردم تفرش بودند. قسمتی از تحصیلات خود را در تهران انجام داد و قسمتی دیگر را در فرانسه تکمیل نمود. در فرانسه در رشته‌های علوم سیاسی و الکتریسیته و بی‌سیم تحصیل نمود و با زبان و ادبیات فرانسه آشنائی یافت. بعد از مراجعت به ایران، به عنوان مترجم وارد وزارت پست و تلگراف شد و مراحل ترقی را در آن وزارتخانه پیمود. مدتی ریاست اداره‌ی کارگزینی با او بود، بعد به وزارت دارائی منتقل و ریاست دفتر علی‌اکبر داور را عهده‌دار شد. چندی هم نمایندگی تبلیغات در فرانسه با او بود. از مشاغل دیگرش: عضویت در فرهنگستان، ریاست انتشارات و تبلیغات، معاونت نخست‌وزیر در ۱۳۳۰ در کابینه‌ی علاء و مدت کمی هم در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق و سناتوری تهران به مدت ۱۸ سال.

شهرت و معروفیت او به لحاظ نویسندگی اوست. از جوانی به نوشتن پرداخت. اولین کتابی که انتشار داد زیبا بود که تا سال‌های سال موضوعش مطرح بود، و داستان نیمه‌واقعی آن که حاکی از اوضاع اجتماعی ایران در اواخر دوره‌ی قاجاریه است، برای خواننده‌ی ایرانی گیرائی داشت. کتاب دیگری به نام اندیشه انتشار داد که داستان‌های کوتاه آن خیلی مورد توجه قرار گرفت؛ مخصوص باباکوهی آن سر و صدای زیادی ایجاد کرد. از آثار دیگر او هما، آهنگ، ساغر، پریچهر، پروانه و سرشک را باید نام برد که هرکدام در نوع خود جالب و خواندنی بود. برخی از این کتابها به زبان‌های دیگر هم ترجمه و چاپ شده است. حجازی در نمایشنامه‌نویسی هم دست داشت. چند نمایشنامه‌ی او به روی صحنه آمد که مشهورترین آنها «محمد آقا را وکیل کنید» بود. معروفترین، و به نظر عده‌ای بهترین اثری که نوشته است، کتاب آئینه است.

حجازی از نویسندگان فرانسه، به خصوص نویسندگان رمانتیک الهام گرفته است شیوه‌ی داستان‌نویسی‌اش هم ملهم از نویسندگان مکتب رمانتیک بود. زمانی هم به کار نامه‌نگاری پرداخت. در ۱۳۱۷ امتیاز روزنامه‌ی دولتی ایران امروز را به او سپردند. تمام امکانات در اختیارش قرار گرفت. نشریه‌ی هفتگی خوش ظاهری که از لحاظ کاغذ و چاپ ممتاز بود انتشار می‌داد. بیشتر هدف از انتشار این نشریه، ارائه و معرفی پیشرفت‌های دوران پهلوی بود. چند صفحه از این روزنامه به زبان فرانسه تنظیم می‌شد. چون با سرپاس مختاری رئیس شهربانی وقت نزدیک و حشر و نشر داشت، از تمام امکانات در کار روزنامه استفاده می‌کرد. عضویت او در فرهنگستان در اثر انتشار این روزنامه و حمایت مختاری بود. دوستی بین آن دو تا آخر عمر مختاری ادامه داشت.

حجازی بعد از ۱۳۳۲ به طور کامل به سیاست و حمایت از دولت‌های وقت روی آورد. در ارکان دولت از اجله متنفذین شد. گذشته از این که خود بر کرسی سنا جلوس کرده بود، خیلی از افراد به وسیله‌ی او صاحب جاه و جلال شدند. گویا نطق‌های محمدرضا شاه را می‌نوشته و در جلسات متعدد مشورتی دستگاه شرکت می‌کرده است. از آن تاریخ به فکر مال و منال هم افتاد و مقادیری زمین از دولت گرفت. از بین زمین‌های خود خیابانی عبور داد و نام آن خیابان را با اعمال نفوذ حجازی گذاشت. بعدها این زمین‌ها را با قیمت گزافی فروخت. خود او گفته است سود هر متر زمین از فروش ۵۰ جلد تألیفات من بیشتر بوده است. با کمال‌الملک نقاش بزرگ معاصر هم حشر و نشر داشت و شرح حالی از او تهیه کرد و انتشار داد، اما اثری است بی‌رمق که اصلاً درخور شخصیت ممتاز آن استاد نقاش نیست. در ۱۳۵۲ در حالی که به کلی از صحنه‌ی ادبیات بیرون رفته و شهرت خود را به عنوان نویسنده از دست داده بود، درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۲۵۷ -۲۴۳)، تاریخ جراید (۷۱ -۶۹ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۰ -۷۸ /۳)، مولفین کتب چاپی (۳۸۶ -۳۸۱ /۵).

حجازی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حجازی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

نا به سامانی های واپسین روزهای حکومت قاجار در کام زمانه شراره می ریخت ، سال ۱۳۰۳ هجری بود . در کانون کهن علم و

فلسفه شهر باستانی قمشه (شهرضا) و در خانه عالم بزرگ شهر «حاج سید فضل الله حجازی» لبخندها می شکفت و تولد سید مهدی حجازی را با شادی می آمیخت ، او دوران کودکی را در خانواده ای که در علم و تقوا سابقه دیرین داشت سپری کرد و از تربیت های علمی و اخلاق پدر و نیاکان خویش پرتو گرفت.در آغاز جوانی برای تحصیل علوم دینی رهسپار اصفهان گردید. سالها در اصفهان با تلاش پیگیر ، ساده زیستی ، خودسازی و باور پولادین ، رشته های ختلف فرهنگ اسلامی را فرا گرفت ، استادان او در اصفهان عبارت بودند از :آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی ، آیت الله میرزا علی آقای شیرازی ، آیت الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، آیت الله طیب ، آیت الله خادمی ، آیت الله حاج آقا صدر کوهپایه ای ، آیت الله حاج شیخ احمد فیاض .آیت الله حجازی در سال ۱۳۷۰ هجری برای تعالی بیشتر علمی و کسب تخصص فراتر فرهنگی و نیل به درجه عالی اجتهاد رهسپار نجف اشرف شد .وی علی رغم تنگناهای مادی در طول ۱۷ سال سکونت در نجف اشرف به فراگیری پیگیر علوم اسلامی پرداخت و از محضر مراجعی چون:حضرت امام خمینی ، آیت الله العظمی حکیم، آیت الله العظمی خویی، آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، آیت الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، آیت الله العظمی حاج سید جواد تبریزی، آیت الله العظمی حاج سید یحیی یزدی رحمه الله علیهم اجمعین بهره کافی گرفت.دستیابی به درجه اجتهاد یکی از فرازمندترین فله های ارتقای علمی و فقهی در حوزه های علمیه رسیدن به رتبه اجتهاد و گرفتن اجازه اجتهاد از مراجع بزرگی که به ایشان اجازه اجتهاد داده اند عبارتند از :آیت الله العظمی سید یحیی حسینی یزدی نجفی، آیت الله العظمی حاج سید محمد جواد طباطبائی تبریزی نامبرده در اول نوشته خویش آیت الله حجازی را این گونه وصف می کند:سید مهدی حجازی، دانشمند فاضل ، تقوا پیشه پیراسته، برگزیده بزرگان، پشتوانه دانشمندان اسلام، رهرو راه استوار صاحب ذوق آراسته به مرتبه اجتهاد رسیده اند.آیت الله العظمی سید ابوالمعالی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، ایشان نیز در مرقومه خویش درباره آیت الله حجازی می نویسد:حجه الاسلام حجازی با آراستگی اخلاق معارف اسلامی را فرا گرفته است، مبانی احکام را استوار ساخته و به درجه اجتهاد رسیده است.

حجت، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سید محسن بن العلامه الکبری والایه العظمی السید محمد بن العلامه السید علی کوه کمری عالمی کامل و فاضلی بارع و در اخلاق و وقار ثانی آن پدر بزرگوار است در حدود سال ۱۳۳۵ ق در نجف متولد و با والد معظم به تبریز آمده و بعد از چند سال توقف به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از اساتید مبرز حوزه فراگرفته و به درس والد خود شرکت نموده و با اجازه و امر آن جناب به نجف مسافرت و چند سالی از دروس فقه و اصول آیات عظام‌خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج سید محسن حکیم و دیگران استفاده کامل نموده و در سال ۱۳۷۰ ق سفری به عزم زیارت والد و معالجه کسالت به ایران و قم آمده و مورد استقبال اهل علم و حوزه علمیه قرار گرفته و پس از آمدن در خدمت والد به شهر ری و توقف سه ماه مراجعت به نجف و تا چند سال بعد از فوت پدر توقف آنگاه به قم مراجعت و تاکنون به تدریس فقه و اصول و تالیف و اقامه جماعت در مسجد حجتیه اشتغال دارد.

و اما آثار و تالیفات علمی مطبوع و مخطوط ایشان از این قرار است:

۱- الجزءالاول من نهج‌الطالب مطبوعه.

۲- الجزءالثانی من نهج‌الطالب مطبوعه.

۳- کلمه موجزه مطبوعه.

۴- کلمه ثانیه مطبوعه.

۵- کلمه التقه مطبوعه.

۶- الرساله العلمیه مطبوعه.

و تالیفات مخطوط از این قرار است:

۱- تبصره فی کفاید الاصول.

۲- تبیان فی فرائد الاصول.

۳- ولایه الفقیه.

۴- مباحث الالفاظ.

۵- لبس اللباس السواد فی ایام شهادت امام الشهید ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام

۶- قاعده لاضرر ۷- حقیقه التجرشی ۸- المعنی الحرفی.

۹- الحکم فی اللباس المشکوک ۱۰- الاستصحاب ۱۱- العلم الاجمالی و فروعه.

۱۲- قاعده الید ۱۳- مکاتبات الائمه علیهم‌السلام.

۱۴- صحابه النبی الاکرم و ائمه‌الدین علیهم‌السلام.

۱۵- سلمان الفارسی ۱۶- ثقاه الرواه.

۱۷- الاربعین فی حیاه سلمان الفارسی.

۱۸- فاطمه بنت الامام الکاظم علیهماالسلام.

۱۹- قصار الکلمات فی الاحکام ۲۰- تعلیقه علی العروه الوثقی.

۲۱- تفسیر اوائل سور القرآن المجید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجت، ناصرالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌سید هاشم حسینی نجف‌آبادی. عالم زاهد جلیل، مؤلف کتاب «حجة البالغة فی تنبیه القلوب الرائقة» در رد نبیل زاده مبلغ بهائی، کتاب نامبرده از کتب بسیار مفید در این موضوع است، و در مشهد به طبع رسیده.

مؤلف دانشمند آن در ۱۲۹۶ در نجف‌آباد متولد شده، و در مولد خود و اصفهان و نجف و مشهد تلمذ نموده، و عمده‌ی تحصیلاتش نزد آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آخوند کاشی بوده، پس از نیل به مقام اجتهاد به موطن خود مراجعت نموده، و به نشر احکام و ترویج دین و دفع شبهات مخالفین، در کمال سعی و جدیت اشتغال جسته، تا سرانجام در شب ۱۶ ربیع‌الثانی سال ۱۳۶۰ وفات یافته، در بقعه‌ای مخصوص در جنب مسجد خود در پهلوی قبر پدر مدفون گردید.

گاهی شعر می‌گفت و در آن «حجت» و «ناصر» تخلص می‌فرمود.

پدرش نیز از علماء معروف است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حجتی کرمانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد حجتی کرمانی که از دانشمندان و افاضل نویسندگان و بنام حوزه علمیه قم می‌باشند.

وی در کرمان متولد شده و در حجر والد چنان پدری پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در مدرسه معصومیه کرمان از مرحوم والدش و آیت‌اللَّه صالحی و دیگران فراگرفته آنگاه عزیمت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده و فلسفه را نزد استاد علامه طباطبائی فراگرفته است

نگارنده گوید: آقای حجتی از دوستان نزدیک حقیر است و از سال ۱۳۷۱ قمری که به کرمان تبعید شدم و به امر مرحوم والدش به دیدنم آمده و مأنوس بوده‌ایم ایشان را به تقوا و کمالات و فضائل اخلاقی و انسانی شناخته‌ام دارای آثار ارزنده‌ای که از آنها کتب زیر است می‌باشد ۱- اسرار سقیفه ۲- جلوه مسیح در پیرامون مسیحیت. ترجمه سه جلد تفسیر (المیزان) و غیره

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حجتی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الرحیم حجتی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

حجتی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی حجتی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر این شهرستانست تولد ایشان در رشت واقع و پس از پرورش و خواندن دروس فارسی و مقدمات به قم مسافرت کرده و سالیان دراز از محاضر آیات عظام و مدرسین کرام حوزه مخصوصاً آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه امام خمینی و گلپایگانی و مرعشی نجفی و شریعتمداری استفاده نموده و پس از نیل به مقام علمی و عملی به رشت برگشته و به انجام وظائف دینی از قبیل امامت در مسجد (حجتیه) و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین و غیره مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حداد عادل، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی حدادعادل درسال ۱۳۲۴ درتهران متولد شد. و پس از اخذ دیپلم از دبیرستان علوی در ۱۳۴۲، لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران (۱۳۴۵)و فوق لیسان از دانشگاه شیراز (۱۳۴۷ه.ش.)گرفت اما توسط ساواک از دانشگاه اخراج شد. اما از سال ۱۳۴۸ دوباره به تحصیل در رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تهران پرداخت. و در سال ۱۳۵۴ درفلسفه دکتری گرفت . وی مدرس فلسفه دانشگاه تهران، مدیر بنیاد دایره المعارف اسلامی و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم است. ترجمه کتاب" تمهیدات"غلامعلی حداد عادل ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفهوالدین و انساب : غلامعلی حداد عادل فرزند رضا است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامعلی حداد عادل پس ازاخذ دیپلم ازدبیرستان علوی تهران۱۳۴۲،لیسانس فیزیک ازدانشگاه تهران۱۳۴۵،فوق لیسانس فیزیک ازدانشگاه شیراز۱۳۴۷،توسط ساواک ازدانشگاه اخراج شد ودوباره از۱۳۴۸درمقطع لیسانس علوم اجتماعی وارد دانشگاه تهران شد. وتااخذ مدرک دکترای فلسفه ازدانشگاه تهران در۱۳۵۴تحصیل کرد. عنوا ن تزدکتری وی نظرکانت درباره مابعدالطبیعه بوده است.خاطرات و وقایع تحصیل : اخراج غلامعلی حداد عادل ازدانشگاه شیرازتوسط ساواک ازوقایع مهم زندگی علمی ومبارزاتی وی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامعلی حداد عادل درهنگام تحصیل ردوره فوق لیسانس فیزیک دردانشگاه شیراز،به طورهمزمان به تدریس دروس نظری وعملی فیزیک درهمان دانشگاه مشغول بوده است.استادان و مربیان : غلامعلی حداد عادل دررشته فزیک ازمحضر استاددکتر حسابی ودکتر جناب ودرفلسفه ازحضور عالمانی چون دکتر یحیی مهدوی،دکتر احمد فردید،دکتر سید حسین نصر،دکتر بزرگمهر ودکتر محمد خوانساریوشهید مطهری بهره برده است.وقایع میانسالی : غلامعلی حداد عادل پس ازاخذ دکتری فلسفه ازدانشگاه تهران به تدریس درمرکزتعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف پرداخت. پس ازانقلاب نیزمسئولیت های گوناگون اجرایی راعهده داربود که ازآن جمله مدیریت بنیاددایره المعارف اسلامی،ریاست فرهنگستان زبان وادب فارسی،تدریس کلام جدیددرحوزه علمیه قم ودانشگاهها اشاره نمود.وی اخیرا در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی به ریاست مجلس نیز منسوب شده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قبل از پیروزی انقلاب اسلامی: عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی: معاون تبلیغات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی ، عضو شورای سرپرستی صداوسیما ، مشاور وزیر ومعاون وزیر ورئیس سازمان پژوهش وبرنامه ریزی وزارت آموزش وپرورش ، مدیر عامل بنیاد دائره المعارف اسلامی ، رئیس فرهنگستان زبان وادب فارسی ، عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نماینده مردم تهران در دوره ششم (عضو کمیسیون فرهنگی)،دوره هفتم(رئیس مجلس) و دوره هشتم مجلس شورای اسلامی فعالیتهای آموزشی : عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف(قبل از انقلاب اسلامی) عضو هیئت علمی دنشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران(بعد از انقلاب اسلامی) مدرس کلام جدیددرحوزه علمیه قم ودانشگاهها.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامعلی حداد عادل دکنارتدریس ومسئولیت های اجرایی به مطالعه وتحقیق وتالیف آثاری درزمینه فلسفه واسلام می پرداخت.آرا و گرایشهای خاص : غلامعلی حداد عادل درفلسفه بیشتر بر آرای کانت و تحلیل آنها تمرکز دارد.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "تمهیدات"غلامعلی حداد عادل ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. غلامعلی حداد عادل در هفتمین همایش چهره های ماندگار در آبان ماه ۱۳۸۷ بعنوان چهره برگزیده در رشته فلسفه انتخاب گردید.

آثار : ۱ تمهیدات ویژگی اثر : ترجمه–این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «تمهیدات»: کتاب ترجمهٔ «پروله گومنا» دومین مرجع فلسفهٔ نظری کانت، فیلسوف مشهور آلمانی است. ترجمه براساس شش ترجمهٔ انگلیسی و نظر به ترجمهٔ عربی و فرانسهٔ کتاب، با رعایت دقّتهای لازم و در کمال شیوایی و رسایی صورت گرفته است. ترجمهٔ این کتاب قدم مهمی در راه معرفی متون کلاسیک فلسفه به زبان فارسی و حلّ مشکلات این زبان برای ترجمهٔ اصطلاحات فلسفهٔ کانت است. کتاب علاوه بر ترجمهٔ متن تمهیدات، مشتمل بر شرح حال کانت، نظر کانت در بارهٔ مابعدالطبیعه و غرض وی از تألیف تمهیدات است ۲ جدائیها ۳ دانشنامه جهان اسلام ویژگی اثر : (جلد ۲و۳و۴ – زیر نظر)۴ درســهایی از قرآن ویژگی اثر : ۴ جلد۵ فارسی دوره راهنمایی ویژگی اثر : (با همکاری دیگران)۶ فرهنگ برهنگی وبرهنگی فرهنگی ۷ نظریه معرفت در فلسفه کانت

حداد، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حداد سال ۱۳۳۹ در شهرستان ساوه به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود.وی نزدیک به ۳۰ اثر تألیف و تدوین کرده و هفت جلد کتاب پژوهشی از وی در دست انتشار است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین حداد فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. همچنین از سال

۱۳۶۸– ۱۳۵۹ در روستاهای دورافتاده همدان، ساوه و قزوین خدمت کرد.

آرا و گرایشهای خاص : پژوهشگر و مدیر دفتر پژوهش‌های مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، سیدمهدی شجاعی در مراسم یاد بود حسین حداد خاطرنشان کرد: تلقی من درباره حسین حداد این‌گونه است. او به واقع می‌دانست آن‌چه را که انجام می‌دهد، به عنوان توشه‌ای با خود به آن دنیا می‌برد. آن‌چه او انجام می‌داد، اعتلاـ بخشیدن به ادبیات متعهد بود. در ادامه جواد محقق با بیان خاطره‌ای از حسین حداد گفت: هر کدام از این نشست‌ها برای ما می‌تواند تلنگری باشد تا در زمان حیات قدر یکدیگر را بدانیم و قضاوت‌های‌مان بر اساس عدل و انصاف باشد. همچنین پس از مرگ هم دچار تملق‌گویی نشویم. او همچنین با تأکید بر این‌که ضروری است این دست بزرگداشت‌ها را در زمان حیات افراد داشته باشیم، خاطرنشان کرد: بزرگداشت کسی به معنای نفی نقد آثار آن فرد نیست. از سویی اگر کسی نقدی بر آثار دیگری داشت، آن را به حساب دشمنی و موارد منفی نگذاریم. امیرحسین فردی هم با یادآوری خاطراتی از حداد گفت: زندگی وارسته حسین حداد برای ما الگویی است و همواره این را به ما یادآوری می‌کند، که بار امانت انقلاب اسلامی را به سلامت به مقصد برسانیم. فردی با بیان این که اتحاد و انسجام یکی از دغدغه‌های حسین حداد بوده است، افزود: او از غربت نسل جنگ در انقلاب اسلامی حرف می‌زد؛ نسلی که تا آخرین لحظه در جبهه‌های جنگ از آرمان‌های خود دست نکشید. در سوگ‌نشست حسین حداد، عباس براتی‌پور چند شعر خواند، و همسر حداد نیز به بیان خاطراتی از زندگی مشترک خود با او پرداخت.

جوائز و نشانها : مراسم یادبود حسین حداد با عنوان «خواب خاطره» در سالن اجتماعات انجمن قلم ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ برگزار شد.

چگونگی عرضه آثار : درباره تألیفات حداد هم اشاره شد که نزدیک به ۳۰ اثر تألیف و تدوین کرده و هفت جلد کتاب پژوهشی از وی در دست انتشار است. -- ------

منابع :

۱بانک رسانه ها – روزنامه همشهری، ۱-۲-۱۳۸۶"، شجاعی: کار حداد اعتلا بخشیدن به ادبیات متعهد بود"۱

حدادی، حامد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حامد حدادی (زاده۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۴ در اهواز) بازیکن بسکتبالیست ایرانی است. او با قد ۲۱۸ سانتیمتری خود در پست سنتر بازی می‌کند.

او دومین بازیکن بلندقد حرفه‌ای ایران بعد از جابر روزبهانی (با قد ۲۲۲ سانتیمتر) می‌باشد.

او در تیمهای پیکان ایران ،صباباتری ایران ،النصر امارات بازی کرده ودر حال حاضر در ممفیس گریزلیز در ان بی ای بازی می‌کند.[۱] او اولین بسکتبالیست ایرانی است که در مهمترین لیگ بسکتبال دنیا بازی می‌کند.[۲].

افتخارات

قهرمان جوانان آسیا در سال ۲۰۰۵

برنده مدال برنز بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶

قهرمان آسیا در ۲۰۰۷ سال

قهرمان جام باشگاهای آسیا همراه با تیم صباباتری درسال۲۰۰۸

بهترین ریباندر المپیک ۲۰۰۸پکن

بهترین بلاگ شاتر المپیک ۲۰۰۸پکن

حدائق، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۲۲، ق.شیراز.

درگذشت: ۳۰ بهمن ۱۳۶۶.

ضیاءالدین حدائق معروف به «ابن یوسف»، فرزند آیت‌الله یوسف حدائق، پس از تحصیل مقدمات علوم در مدارس جدید و مدرسه‌ی علمیه‌ی منصوریه، به سال ۱۳۴۵ ق. برای تکمیل علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، تهران و مشهد رفت و مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید و با گرفتن لیسانس دانشکده‌ی معقول و منقول، در مدرسه‌ی علی سپهسالار و مدرسه خان مروی به تدریس پرداخت. او از علمای تهران اجازه گرفت، سپس به عتبات عالیات رفت و از علمای آنجا نیز موفق به اخذ اجازه‌ی اجتهاد

شد. سپس به شیراز مراجعت کرد. وی در جلسات کانون دانش پارس و انجمن صدر شرکت می‌جست. آثار چاپ شده او عبارتند از: رساله‌ای درباره نهج‌البلاغه؛ رساله صدرالدین شیرازی؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (یک جلد)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار (دو جلد)؛ کتاب النظائر و المقتبسات، گمشده‌ها در «مصاریعی که مثل سائر شد».

ضیاءالدین بن حاج شیخ یوسف مذکور مشهور به ابن‌یوسف از نویسندگان و دانشمندان بنام و مؤلفین عظام شیراز است.

وی در ۱۳۲۳ ق متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به تحصیل سطوح منقول و معقول پرداخت و مدت پانزده سال در تهران از محضر درس فحول علماء استفاده نموده و جامع معقول و منقول شد و مدتی در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه خان مروی بتدریس و افاده اشتغال داشت و پس از آن مسافرتی به نجف اشرف نموده و با مذاکرات علمی که با مراجع بزرگ تقلید و آیات عظام نمود موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و به شیراز مراجعت و به تدریس و تالیف و ارشاد و هدایت مردم پرداخت تالیفات عدیده ارزنده دارد که آنها را متذکر می‌شوم.

۱- رساله نهج‌البلاغه چیست (چاپ شده)

۲- فهرست کتب خطی مدرسه عالی سپهسالار در دو جلد (چاپ شده)

۳- فهرست کتب خطی ادبی کتابخانه مجلس شورای ملی (چاپ شده)

۴- گمشده‌ها

۵- النظائر والمقتبسات.

از رباعیات ایشانست این دو رباعی.

دیدار تو ای دوست مرا جان بخشد

گفتار روانبخش تو ایمان بخشد

شایسته ز چون توئی بود آیت حسن

کایمان و روان ز رویت احسان بخشد

من از دل و جان طالب دیدار توام

آشفته و مدهوش ز رفتار توام

با اینهمه بندگی و عجزی که مراست

از چیست که محروم ز دیدار توام

(تو ۱۳۲۳ ق)، مجتهد، نویسنده، شاعر و فهرست‌نگار. در شیراز به دنیا آمد و تا بیست و سه سالگی در شیراز، مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی را در مدارس رحمت، شعاعیه و منصوریه و نزد پدر آموخت. در سال ۱۳۴۵ ق برای تکمیل تحصیلات علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، مشهد و تهران سفر کرد. مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید. وی در رشته‌ی علوم معقول لیسانس گرفت و به مقام مدرسی رسید. پس از سی این مراحل در مدارس سپهسالار و مروی به تدریس پرداخت. پس از آن به عراق رفت و بعد از گذراندن امتحان به کسب اجازه‌ی اجتهاد نایل شد و به شیراز بازگشت و مقیم آن شهر گردید. وی گهگاهی شعر نیز می‌سرود. آثار به جای مانده از او: «رساله‌ی صدرالدین شیرازی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار»؛ «نهج‌البلاغه چیست؟»؛ «گمشده‌ها»؛ «النظائر و المقتبسات».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۰ –۲۳۸/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۴/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۲ –۴۴۱/ ۵)، مولفین کتب چاپی (۵۶۱ –۵۶۰/ ۳).

حدیدی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد حدیدی در پنجم آذر ماه سال ۱۳۱۱ ش. در قم متولد شد. ایشان پس از اتمام تحصیلات حوزوی در شهرستان قم ,در سال۱۳۳۳ در رشته ادبیات فرانسه و دبیری ازدانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و به عنوان دبیر در دبیرستانهای مشهد به کار مشغول شد. وی در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه تحصیلی معادل لیسانس ادبیات فرانسه از دانشگاه ژنو نائل گشت.همچنین وی به عنوان ریاست اداره آموزش مشهد و ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات وعلوم انسانی و مدیر مسوول و صاحب امتیاز مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی و معاونت دانشکده و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیر کل برنامه ریزی زبان فرانسه برای دانشگاههای کشور و عضو پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی و مدیریت گروه ادبیات تطبیقی در طول سالهای متمادی به خدمت مشغول بوده و هستند و از ایشان کتابهاو مقالات بسیاری به زبانهای فارسی و فرانسه منتشرشده است . تعدادی از کتبهای تالیفی و ترجمه ای ایشان به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده و معرفی شده است که از آن جمله می توان به ترجمه کتاب" حدیث عشق در شرق "و ترجمه کتاب " از سعدی تا آراگون "اشاره کرد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه خاطرات کودکی : یکی از سرگرمیهای جواد حدیدی در دوره سرخوردگی از مکتب, شکار خرچنگ در قناتهای اطراف شهر بود که در عالم کودکانه او کاری بسیار دلاورانه به شمار می رفت. بچه های همبازی او گفته بودند شاخک خرچنگ بعد از صد سال عتیقه می شود ,جواد تقریبا نمی دانست صد سال چقدر طول می کشد , ولی تقریبا می دانست عتیقه چیز ی است مانند طلا.جواد در آن دوران کودکی شاخکهای بسیار گردآوردکه سالها ماند ولی هیچیک از آنها عتیقه نشد.اوضاع اجتماعی و شرایط

زنـدگی : جواد حدیـدی خود در این زمینه می گویـد: پـدر و مادرم هیچ کدام سواد نداشـتند. در نتیجه آموزش و تعلیم و تدبیت و مدرسه مشکلاتی داشت. در آن زمان هم , لا اقل در قم , این طور رواج داده بودند که مدرسه های جدید بچه ها را بی دین بار می آورد. پدر من هم که آدم متدینی بود مرا به مدرسه نگذاشت بلکه ابتدا نزد شاباجی فرسـتاد و بعد مرا به مکتب.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد حدیـدی تحصـیلات ابتـدایی را در مدرسه سـنایی قم به پایان رساند. سپس از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ در مدرسه فیضـیه به تحصیلات سنایی قم به پایان رساند. سپس از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی پرداخت.در سال ۱۳۳۰ تحصیل در ر شـته ادبیات فرانسه را در دانشگاه تهران آغاز نمود. ودر همین دوران به صورت همزمان تحصیلات خود را در دانشسرای عالی تهران ادامه داد,که در سال ۱۳۳۳ موفق شـد دو مدرك لیسانس رشـته ادبیات فرانسه و دبیری را اخذ کند.پس از دو سال برای ادامه تحصـیل بـه کشـور سـویس عـازم شـد و در سـال ۱۳۳۶ بـا اخـذ درجـه تحصـیلی معـادل لیسـانس ادبیـات فرانسـه از دانشـگاه ژنو بازگشت.خاطرات و وقایع تحصیل : جواد حدیدی ضـمن تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات ,بعد از امتحانات سال اول پـدرش را که به ذات ا لریه مبتلا شده بود از دست دا د و مسئولیت مادر و برادر کوچك و خواهر و فرزندان یتیم خواهری دیگرش به عهـده او افتـاد.فعالیتهـای ضـمن تحصـیل : جواد حدیـدی ضـمن تحصـیل در حوزه, برای امرار معاش تـدریس می کرد, همچنین تـدریس زبـان فرانسه به یکی از طلبه های حوزه علمیه را به عهـده داست به نام صلواتی که اسـتاد حدیـدی در حوزه بوداسـتادان و مربیـان : دکتر سپهبدی , دکتر بروخیم, خانم نفیسـی, خانم آنـدریو, خانم پاکروان , دکتر خوانساریوقایع میانسالی : یك کلیه جواد حدیدی بر اثر شیمی درمانی از کار افتاده بود و ضایعه ای هم در کبد ایشان وجود داشت , به همین دلیل حدیدی تن به جراحی داد و یك کلیه و قسـمتی از کبـد و کیسه صـفرای ایشان را در آوردنـد که این عمل با موفقیت همراه بود. جواد حدیدی پس از انقلاب برای تدوین برنامه‌های آموزشـی رشـته زبان و ادبیات فرانسه دانشگاههای کشور مأمور خدمت در ستاد انقلاب فرهنگی شد. وی از آن دوران چنیـن یـاد می کنـد":این مـأموریت از بهمن ۱۳۶۰ تـا اواخر سال ۱۳۶۲ به درازا کشـید. در این مـدت سه برنـامه مختلف (ادبی، مترجمی، دبیری) تـدوین و پیشـنهاد کردم که مورد تأییـد قرار گرفت و پس از بازگشایی دانشگاهها به اجرا درآمد. در سال ۱۳۶۳ به درخواست خود بازنشسته شدم. ولی، طبق قراردادی، در مرکز نشر دانشگاهی، با سمت مدیر گروه تخصصی زبان و ادبیات فرانسه مشغول به کار شدم ".زمان و علت فوت : جواد حدیدی بر اثر بیماری در تاریخ دوشنبه ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۱ در تهران در گذشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جواد حدیدی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ سمت ریاست اداره آموزش دانشگاه مشهد و در طی سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۴ سـمت ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. سال ۱۳۴۴ همچنین مـدیر مسوول و صاحب امتیاز مجله دانشـکده ادبیات و علوم انسانی را به عهده داشت. وی در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ مسوولیت معاونت دانشکده و در طی سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ سـمت ریاست دانشکده ادبیات ووعلوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. حدیدی در سال ۱۳۵۷ عضو پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی شد و هم اکنون مدیریت گروه ادبیات تطبیقی را به عهده دارد.از اردیبهشت ۱۳۶۷ تـاکنون با مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسـلامی، و از فروردین ۱۳۷۵ تاکنون با مرکز ترجمه قرآن مجیـد به زبانهای خارجی، همکاری دارد.فعالیتهای آموزشی : جواد حدیدی از سال ۱۳۳۳ به عنوان دبیر در دبیرستانهای مشهد به خدمت مشغول شد. نمود و خـدمات آموزشـی خود را در دانشگاه مشـهد آغاز کرد. ایشان از سال ۱۳۴۴ به مرتبه اسـتادی نایل آمدنـد.همچنین بعد ا ز بازنشستگی در سال ۱۳۶۳ به فعالیت های آموزشـی خود در برخی از دانشگاههای تهران ادامه دادند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : جواد حدیدی مجله لقمان، نشـریه ایران‌شناسـی مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه را تأسیس کرده است بطوری که انتشـار آن همچنـان ادامـه دارد.سـایر فعالیتهـا و برنـامه هـای روزمره : عضـویت در مجـامع بین المللی : ۱. عضـو انجمن نویسـندگان فرانسوی زبان, ۱۹۷۵ ۲.عضو انجمن ایران شناسی اروپـا , ۱۹۸۷ ۳. عضو انجمن مطبوعـات فرانسوی زبـان, ۱۹۸۸.جوائز و نشانهـا : حدیـدی اولین جایزه علمی خود را در سال ۱۳۳۳ به عنوان مدال درجه یك علمی, برای احراز رتبه اول در دانشسـرای عالی وزارت فرهنگ سابق کسب کرد. جایزه ادبی نویسـندگان فرانسوی زبان در ۱۹۷۸ , برای کتاب ؤ جایزه بهترین تحقیق در علوم انسانی برای (پژوهش خیام در ادبیات فرانسه) دانشگاه مشـهد, ۱۳۵۲. ؤ جـایزه کتـاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی برای ترجمه حـدیث عشق در شـرق ۱۳۷۳ .ؤ جـایزه کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی برای کتاب از سـعدی تا آرگون (در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران)۱۳۷۴.ؤ عنـوان ؛؛ شوالیه در افتخارات فرهنگی ؛؛ وزارت فرهنگ فرانسه ۱۹۹۴.چگونگی عرضه آثار : شرکت در مجامع علمی به شرح زیر: ۱.کنگره بین ا لمللی بخشـهای زبان فرانسه دانشگاههای جهان , ۸ تا ۱۴ مه ۱۹۷۲ , کانادا. ۲. بیست و نهمین کنگره بین ا لمللی خاورشـناسان, تابسـتان ۱۹۷۳, پـاریس ۳. سـی امیـن کنگره بیـن ا لمللی خـاور شـناسان, ۳-۸ اوت ۱۹۷۵, مکزیـك ۴.اجلاس سالانه انجمن نویسـندگان فرانسوی زبان, ۱۹۷۵,پاریس ۵. کنگره بین ا لمللی دویستمین سـالگرد مرگ ولتر و روسو, ۷تا ۹ ژوئن ۱۹۷۸, فرانسه ۶. اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان , ۸ نوامبر تا ۳ دسامبر ۱۹۸۴, پاریس ۷.اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان, ۲۲ تا ۲۸ نوامبر ۱۹۸۶, فرانسه ۸ . بزرگداشت ششصدمین سالگرد مرگ حافظ در یونسکو, ۲۹ و ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸ , فرانسه ۹.کنگره بین ا لمللی انجمن مطبوعات فرانسوی زبان , ۳-۱۱ نوامبر ۱۹۸۸ , گویان ۱۰.سی و سومین کنگره بین ا لمللی خاورشناسان, ۱۹-۲۵ اوت ۱۹۹۰ ,کانادا ۱۱.کنگره بین ا لمللی انجمن مطبوعـات فرانسوی زبان, ژوئن ۱۹۹۲, لیموژ ۱۲.کنگره بین ا لمللی شـعر در کشورهای حوزه مدیترانه, ۲۸-۳۰ مه ۱۹۹۳, دلفی ۱۳.کنگره بین ا لمللی عطارم دانشگاه استراسبورگ, فرانسه,۲-۴ آوریل ۱۹۹۶ ۱۴.کنگره بین المللی جـامی و خیـام, دانشـگاه استراسـبورگ, فرانسه ۲۸-۳۰ آوریل ۱۹۹۹ ۱۵.تـدریس در دوره هـای دکتری و فوق لیسـانس بخش خـاور شناسـی دانشگاه استراسـبورگ, مارس ۲۰۰۰.آثـار : ۱ ۳ de sa'dia aragon ۲ les portes de l'eau ۵ voltaire et I'islam ۴ traduction commentaire et lerixue de la surate al- bagara ا لقرآن ا لکریـم ذلـک ا لکتـاب لاـریب فیـه ویژگی اثر : ترجمـه معـانی ا لفـاتحه و ا لبقره فی ا لفرنسیه۶ از سـعدی تـا آرگـون ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شـده است. آشـنایی با کتاب:«از سـعدی تا آراگون»: ازسـعدی تا آراگون: (تأثیر ادبیات فارسـی در ادبیات فرانسه)؛ جواد حدیـدی؛

تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳. این کتاب، داد و ستد فرهنگی ایران و فرانسه را در مدت چهارقرن در بر می گیرد و به دوره¬ای مشخص یا شاعری معین اختصاص نیافته است. مطالب کتاب از هماهنگی و انجام دقیقی برخوردار و نحو ?تنظیم کتاب شناسی و فهرستها نیز دقیق است و به دو بخش اصلی تقسیم شده است. در بخش اول، از نویسندگان قرون هفدهم و هجدهم سخن رفته است و بخش دوم کتاب، دوره های پس از انقلاب فرانسه را در بر می گیرد و تا مرگ لویی آراگون، یکی از شیفتگان بزرگ ادبیات فارسی، ادامه می یابد. مؤلف نتیجه تجربیات و مطالعات خود را در طول سی سال به کار گرفته و با استفاده از کتب تاریخ ادبیات غرب و حتی دست نوشته های نویسندگان فرانسوی، آرای خود را استنتاج کرده است ۷ اسلام از نظر ولتر ۸ ایران در ادبیات فرانسه ۹ برخورد اندیشه ها ۱۰ ترجمه قسمتی از قرآن مجید به زبان فرانسه و تالیف ۱۰ مقاله فارسی و فرانسه برای درج در ترجمان وحی و ویرایش کلیه مطالب مجله ترجمان وحی ویژگی اثر : از سال ۱۳۷۳ تاکنون در مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی ,مانند ؛؛ ترجمه و تفسیری روایی از قرآن مجید به زبان فرانسه؛؛۱۱ ترجمه مقالات فرهنگ آثار ویژگی اثر : ترجمه حدود ۱۰۰ مقاله در انتشارات سروش از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳۱۲ حدیث عشق در شرق (از سده اول تا سده پنجم هجری) ویژگی اثر : مولف کتاب ژان- کلود واده است که حدیدی آنرا ترجمه کرده است.این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«حدیث عشق در شرق»: حدیث عشق در شرق؛ ژان کلودواده؛ ترجم ?جواد حدیدی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲. در شرق، عشق، از دیرباز مفهوم متعالی و برتری داشته است. این نکته ای است که مؤلف کتاب «حدیث عشق در شرق» می خواهد به اثبات آن بپردازد. او در جست و جوی وجوه اشتراک و مشابهت میان ادبیات عاشقان ?شرق اسلامی از یک سو، و ادبیات غرب مسیحی از سوی دیگر است. انتخاب بجا و شایست ?مترجم این اثر توانسته است تا حدودی جای خالی چنین آثاری را در ادبیات پژوهی یا عرفان پژوهی پر کند. نثر دقیق و استوار و سبک بیان مترجم، این کتاب را جزو نمونه های ممتاز نثر فارسی در ربع قرن اخیر قرار داده است. کتاب حاضر به زبان فرانسه تألیف شده اما در ترجمه اشعار عربی به فارسی، مترجم بیشتر اشعار را از منابع اصلی استخراج کرده و به شیوایی به فارسی برگردانده است. دقت مترجم در حصول اطمینان از صحت ارجاعات واقوال، در مقایسه با آثار دیگری که در سالهای اخیر به فارسی ترجمه شده است، بی نظیر می باشد. نکات فنی چاپ و دیگر خصوصیات صوری نیز زیبا و چشم نواز می نمایند ۱۳ دروازه های آب (هفده گفتار) ۱۴ رهروان حقیقت ویژگی اثر : دردست آماده سازی۱۵ شاعران فرانسوی در مکتب عارفان ایرانی ۱۶ مجله لقمان ویژگی اثر : مجله ای است به زبان فرانسه که توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر می گردد, هدف این مجله نشر فرهنگ ایرانی و فارسی است در زمینه های مختلف مذهبی , فلسفی, عرفانی و ادبی . که در حال حاضر به هفده کشور جهان فرستاده می شود و نزدیک به دویست و پنجاه مشترک خارجی دارد.۱۷ میراث سوم ویژگی اثر : مولف کتاب روژه – گارودی است که حدیدی آنرا ترجمه کرده ااست.۱۸ نظارت بر تدوین ۲۴ عنوان کتاب درسی برای رشته های مختلف زبان فرانسه دانشگاهای کشور ، نگارش و ویرایش مقاله ویژگی اثر : ویرایش حدود ۸۰۰ مقاله در مرکز دائر"ا لمعارف اسلامی از سال ۱۳۶۷ تاکنون, مانند مقاله ؛؛ بولن ویلی یه؛؛۲۰ نگاهی در آینه ویژگی اثر : این کتاب در حوزه زندگینامه نویسی از آثار ارزشمندی است که در دهه ۷۰ چاپ شده ا ست.

منابع زندگینامه :حدیدی, جواد- نگاهی در آینه, انتشارات نیلوفر۴کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)- سال ۴-شماره ۱۰ و ۱۱, مرداد و شهریور ۱۳۸۰۵مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی-دانشگاه فردوسی مشهد, ویژه سپاسداشت و ارج شناسی استاد دکتر جواد حدیدی, سال ۳۴, شماره ۱و۲, بهار و تابستان ۱۳۸۰

حری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حری در پانزدهم اسفند ۱۳۱۵ در خانوادهای روحانی در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. پس از گذراندن سه سال اول دبیرستان وارد دانشسرای مقدماتی شد و پس از اتمام دورهٔ دو سالهٔ دانشسرا برای معلمی در یکی از روستاهای شهرستان کاشمر(در جنوب خراسان) مأموریت یافت. در واقع در سال ۱۳۳۵ بود که به جرگهٔ معلمی پیوست. پس از دو سال خدمت در روستای ریوش از بخش کوهسرخ(کاشمر) به شهر کاشمر منتقل شد و هفت سال نیز در آنجا خدمت کرد. در این مدت مدرک ششم دبیرستان را که به «دیپلم کامل» میانجامید(در مقابل اتمام دو سال دانشسرا که «دیپلم ناقص» نامیده میشد). به صورت آزاد گرفت و در همین زمان به فراگیری زبان انگلیسی نیز پرداخت(زبان خارجی مرسوم آن زمان فرانسوی بود و انگلیسی تازه باب شده بود). در سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد و در سال ۱۳۴۵ به مشهد انتقال یافت و در همان سال در آزمون ورودی دانشگاه مشهد شرکت جست. در آزمون ورودی رشتهٔ تاریخ رتبهٔ اول و در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی رتبهٔ پنجم را کسب کرد. بنا به علاقهای که داشت وارد رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی شد و در سال ۱۳۴۹ مدرک لیسانس خود را گرفت. پس از فراغت از تحصیل، در همان سال بنا به درخواست خود به تهران انتقال یافت و در آزمون ورودی فوق لیسانس کتابداری دانشگاه تهران شرکت کرد و پذیرفته شد. در سال ۱۳۵۲ فوق لیسانس خود را گرفت و در سال ۱۳۵۳ از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران انتقال یافت و به عنوان مربی در گروه کتابداری این دانشگاه به تدریس پرداخت. در همان سال از سوی دانشگاه مأموریتی یکساله برای توسعهٔ اطلاعات خود به ایالات متحده گرفت و در همان زمان در آنجا، در دانشگاه کیس وسترن، برای مقطع دکتری نام نویسی کرد و پذیرفته شد. وی در مدت چهارده ماه دروس دکتری را با موفقیت گذراند و تمام وقت خود, به جز زمان کلاس هایش, را در کتابخانه میگذراند. طبق مقررات میبایست به ایران بازمیگشت و چنین کرد. در سال ۱۳۵۸ برای تکمیل دوره و گذراندن رسالهٔ

دکتری بار دیگر عازم همان دانشگاه شد و سرانجام در سال ۱۳۶۰ با مدرک دکترای کتابداری و اطلاع رسانی به کشور بازگشت گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری والدین و انساب : مادر عباس حری از مردم تهران و پدرش اهل خراسان و مشخصاً اهل مشهد بود. از ناحیه پدر نسب وی به شیخ حُرّ عاملی، صاحب وسایل الشیعه، میرسد. خانواده او از لحاظ اقتصادی متوسط بود. مادربزرگ مادریش از مردم خیابان خراسان(شهر تهران) و محله تیر دوقلو بود که همراه دخترش با این نیّت که بقیه عمر رادر جوار مرقد حضرت رضا(ع) سپری کند به مشهد کوچ کرده و در آنجا ساکن شده و طلبه جوان را برای همسری دخترش برگزیده بود. خانواده پدریاش پشت اندر پشت روحانی بودند. وصلت مادر و پدرش به چهار پسر و چهار دختر انجامید. پدرش مورد اعتماد و احترام اهل محل و راهگشای بسیاری از مسائل خانوادهها و حَکَم اختلافات خانوادگی، اجتماعی، و اقتصادی بود. پدرش در اواخر عمر مبتلا به سرطان کبد شد و در سال ۱۳۴۲ چشم از جهان فروبست و چند سال بعد مادر نیز به او پیوست.خاطرات کودکی : کودکی عباس حری در دامان خانواده گذشت و در شش سالگی وارد مدرسهای نیمه دینی شد. مدرسهای که به سبک امروزی اداره میشد ولی بر دروس و علوم دینی تأکید داشت. مدیر و معاون مدسه و تعدادی از معلمان آن روحانی بودند. مدرسه در نزدیکی محل سکونت وی قرار داشت. به طور مبهم، سربازان روس را به یاد میآورد که در آن سالها مشهد را به سمت شهرهای شمالی خراسان ترک میکردند تا به روسیه بازگردند. کلاس ششم ابتدایی را باید در مدرسهای دیگر میگذراند که کمی از منزل آنان دورتر بود. ساختمان این مدرسه قبلًا کارخانه کبریت سازی بود و یکی از سرگرمیهای دانشآموزان این بود که از منزل کبریت میآوردند و چون دیوارهای ساختمان مدرسه آغشته به گوگرد بود، هر چوب کبریت را که به دیوار میکشیدند شعله ور میشد و این کار برای کودکان آن سنین لذت بخش بود و در عین حال باید پیوسته منتظر تنبیه از سوی مسئولان مدرسه نیز میبودند. از کلاس پنجم ابتدایی با کتابهای پدرش آشنا شد. یکی از کتاب هایی که از آن زمان به یاد دارد کتاب مجمع البحرین است. طرز یافتن لغت در این کتاب را از پدرش فرا گرفت و شاید به دلیل همین متفاوت بودن, بیش از سایر کتابها به یادش مانده باشد. کتاب دیگری که خطی بود در سال ششم ابتدایی مورد استفادهٔ او قرار گرفت. این کتاب ورق اول نداشت, ولی آنچه در آن آمده بود دربارهٔ خوبیهای بهشت و زشتیهای جهنم بود. از آن به عنوان یک کتاب داستان لذت میبرد و گاه اگر کسی به منزل آنان سر میزد برایش تعریف میکرد. زن میانسال مهربانی یک روز در میان برای کمک به مادرش به خانهٔ آنها میآمد و هر وقت فرصت میافت از وی میخواست تا آن کتاب را با صدای بلند برایش بخواند. هر زمان که به زشتیها و رویدادهای هراس آور جهنم میرسید آن زن با صدای بلند گریه میکرد. این کار هراز چندگاهی تکرار میشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عباس حری پنجمین فرزند خانواده بود. در دوران کودکی و اندکی پس از آن آثار جنگ و اشغال در جامعه و طبعاً در شرایط خانوادگی نیز کاملًا مشهود بود. نان جو که غذای پایه محسوب میشد چنان بود که گویی از آرد نبیخته تهیه شده بود؛ همه چیز در آن پیدا میشد. چای خود را با کشمش که آن هم با چیزهای اضافی همراه بود میخوردند. آن زمان همهٔ اینها برایش عادی بود. چنین میاندیشید که زندگی همین است و واقعاً برای بسیاری از مردم نیز چنین بود. وصله کردن لباس و جوراب کار عادی مادر بود. خیاطها عادت داشتند که کت و شلوار افراد را پشت و رو کنند. میوه جزو ضروریات زندگی محسوب نمیشد. وظایف دخترها، سوای مدرسه و درس، تمیز کردن لامپ دود زده چراغها و سابیدن و برق انداختن سماور و سینی و ظروف برنجی بود که با گرد آجر صورت میگرفت. پودر شستشو هم چوبک بود. در زندگی روستایی خاک و گِل کنار جوی نقش چوبک را ایفا میکرد. پول بسیار اندک و مخارج بسیار بالا بود. این برداشتی امروزی است وگرنه در آن ایام و در گرماگرم دوران کودکی زندگی همانی بود که بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس حری سه سالهٔ اول(سیکل اول) دبیرستان را که تمام کرد وارد دانشسرای مقدماتی شد تا برای شغل معلمی آماده شود. در دورهٔ دو ساله دانشسرا در دورهٔ زبان عربی کـه در مهدیهٔ مشهد برگزار میشد نامنویسی کرد وهمه روزه عصرها در حجرههای درس حضور مییافت و طی این مدت کتاب سیوطی را به پایان برد. پس از اتمام دوره دانشسرا به روستایی دور دست اعزام شد تا کار معلمی را آغاز کند. ششم دبیرستان و زبان انگلیسی را در دورهای که در شهرستان کاشمر معلم بود به پایان برد و پس از انتقال بـه مشهد در ۱۳۴۵ وارد دانشگاه مشهد شد، لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را در سال ۱۳۴۹ گرفت و بلافاصله تقاضای انتقال به تهران کرد و در رشته فوق لیسانس کتابداری شرکت جست و پذیرفته شد. پس از پایان این دوره و انتقال از وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تهران، مدت چهارده ماه که به ایالات متحده اعزام گردید دروس دوره دکتری را به پایان رساند و به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ مجدد[illegible] برای اتمام دوره مأموریت یافت و سال ۱۳۶۰ پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت و کار تدریس خود را در دانشگاه تهران ادامه داد.خاطرات و وقایع تحصیل : در دورهٔ متوسطه, دبیرستان شاهرضا(مشهد) که محل تحصیل عباس حری بود زیرنظر مدیری سخت گیر, و در عین حال مهربان، اداره میشد. سختگیری برای دبیرستانی که دانشآموزان آن, گاه از دبیران درشتتر و قد بلندتر بودند, به جز با سختگیری ممکن نبود. رئیس دبیرستان را هرگز کسی بدون ترکه نمی دید. این ترکه, که چندان هم نازک نبود, پیوسته در حال نوسان بود، حتی وقتی که رئیس دستهایش را در پشت به هم قفل کرده بود. گاه برخی دانشآموزان را آنقدر به کف دستشان ترکه میزد که خون میافتاد. آنوقت خدمتگذار را صدا میزد که با مرکورکوروم محل آزردگی را التیام ببخشد. علی رغم این رفتار، دانشآموزان بدون استثناء او را دوست داشتند. کسی خندهٔ او را نمیدید. شبی نمایشی کمدی در دبیرستان اجرا میشد که همهٔ دانشآموزان در تالار بزرگ آن حضور داشتند. رئیس دبیرستان نیز در انتهای سالن ایستاده بود. به قسمت بسیار خنده آور نمایش که میرسید، دانشآموزان به جای آنکه به صحنه چشم بدوزند، سر خود را به عقب بر میگرداندند که خنده رئیس را ببینند. در تاریکی تالار، دندانهای سفیدش را میدیدند و قند در دلشان آب میشد. در دورهٔ دانشسرا، گردش علمی خطهٔ شمال خاطرهای ماندنی به جای گذاشت. همه مسافران همسن و سال و دوست و آشنا بودند که همراه رئیس و معاون دانشسرا سفری سیزده روزه را گذراندند و گوشه گوشهٔ آن خاطره بود. دورهٔ لیسانس در دانشگاه مشهد دوران پرالتهاب سیاسی بود و گروه بندیهای دانشجویی، مطالعه در عرصههای مختلف، خواندن آثار کلاسیک غربی به زبان اصلی، مطالعهٔ کامل متن اصلی نهجالبلاغه و صحیفه سجّادیه در این دوره اتفاِ افتاد. استمرار مطالعات در دوره کارشناسی ارشد و در فضایی متفاوت ادامه یافت و عرصههای جدیدی در مطالعهٔ وی گشوده شد. در دوره دکتری در نخستین قسمت که به

تنهایی به ایالات متحده اعزام شد، فرصت مغتنمی بود که همهٔ اوقات خود را در کلاس درس یا در کتابخانه بگذراند. باز بودن کتابخانههای دانشگاهی تا نیمه شب این فرصت را فراهم کرده بود که با ولع و اشتیاق آثاری را که میاندیشید دیگر به آنها دست نخواهد یافت مطالعه کند. فعالیتهای ضمن تحصیل : عباس حری در دورهٔ تحصیل در دانشسرای مقدماتی بود که کار نوشتن را آغاز کرد. روزنامهای دیواری راهاندازی کرد که فاصله انتشار آن هر دو هفته یک بار بود و کتابچه خاطرات سفر علمی به خطهٔ شمال از نخستینهای این فعالیتهاست. در همین دوره بود که به کانون نشر حقایق اسلامی پیوست که ادارهٔ آن را مرحوم محمدتقی شریعتی پدر روانشاد دکتر علی شریعتی بر عهده داشت. در دوره لیسانس در مشهد کار نوشتن جدیتر شد و آثاری از وی در روزنامههای محلی از جمله روزنامه خراسان درج گردید. مجموعه آثار چاپ نشدهای از آن دوران هنوز نزد وی باقی است. دوره لیسانس باکار آموزگاری در مدارس مشهد نیز همراه بود. در دوره فوق لیسانس در تهران، علاوه بر تحصیل، در دبیرستانهای تهران به تدریس اشتغال داشت و در عین حال به صورت پاره وقت با کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و نیز مرکز آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری میکرد. کار نوشتن در این دوره حال و هوای جدیدی یافت. استادان و مربیان : عباس حری از دورهٔ ابتدایی مرحوم مؤمن زاده، مدیر مدرسه، و روانشاد ریاحی معلم کلاس پنجم را به خاطر دارد، که اولی فردی مهربان و دومی معلمی سخت گیر بود و به دلیل اندام درشتش دانشآموزان از او بسیار میترسیدند. در دورهٔ دبیرستان روانشادان زوّار که رئیس دبیرستان و تقی بینش که دبیر بود از جمله کسانی هستند که بیش از همه به خاطرش مانده است. در دورهٔ لیسانس استادانی چون دکتر احمدعلی رجایی، دکتر غلامحسین یوسفی، و دکتر متینی و دکتر مختاری را به یاد دارد و در دوره فوق لیسانس شاگر کسانی چون مرحوم محمدتقی دانش پژوه، روانشاد فرشته انوار و خانمها نوش آفرین انصاری، پوری سلطانی، زهرا شادمان، و آقای علی سینایی بوده است. در دورهٔ دکتری استادانی چون روانشاد دکتر جسن شرا، دکتر کنرادراسکی و دکتر ویلیام گافمن, بیش از همه، وی را تحت تأثیر قرار دادهاند.هم دوره ای ها و همکاران : عباس حری از همدورهایهای ابتدایی و متوسطه به کسانی چون حسن امینی، حسین نجومیان، محمدرضا شجریان؛ در دوره دانشسرا علی رئوف و حسین نجومیان، و در دورهٔ لیسانس خانم ناهید بنی اقبال، اسداله آزاد، و ناصر انصاری را بیش از همه به یاد دارد. از دوره فوق لیسانس آقایان بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، نوراله مرادی، علی میرزایی، و عبدالحسین آذرنگ را به خاطر میآورد. در دوره دکتری با آقایان دکتر شاهرخ افشارپناه، دکتر سید صادق، دکتر جعفر مهراد، و خانم دکتر مهرانگیز حریری، بیش از دیگران مراوده داشته است. همکاران امروز بسیار زیادند ونام بردن آنها ممکن است سبب سهوالقلم و در نتیجه شرمساری شود، ولی نمیتواند از کسانی چون خانمها نوش آفرین انصاری و دکتر نرگس نشاط و آقایان دکتر رحمتاله فتاحی، دکتر جعفر مهراد، و محمود حقیقی که همکاری فعالانهتری با آنان دارد به خیر یاد نکند. همسر و فرزندان : عباس حری در سال ۱۳۴۲ با بانویی از شهر کاشمر ازدواج کرد که حاصل آن دو فرزند پسر بوده است. این دو فرزند یکی در رشته پزشکی و دیگری در رشته دندانپزشکی از دانشگاه تهران فارغالتحصیل شدند و هم اکنون دارای همسر و فرزند بوده و به طبابت اشتغال دارند و مادرشان نیز سرگرم کدبانویی است. این خانواده چهار نفره افت و خیزهای بسیار فراوان در طول زندگی داشتهاند و سختترین ایام را نیز بدون گلایه و در نهایت شکیبایی از سرگذراندهاند. بردباری شان شایان قدرشناسی است مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱۳۳۵ آغاز کار معلمی، کاشمر ۱۳۳۵ – ۱۳۵۳ معلمی و دبیری در آموزش و پرورش ۱۳۴۲ ازدواج، کاشمر ۱۳۴۹ لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی، مشهد ۱۳۵۱ – ۱۳۵۳ همکاری با بخش آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۵۲ فوق لیسانس کتابداری، تهران ۱۳۵۲ عضو کمیته تحقیق گروه کتابداری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۵۲ – ۱۳۵۶ عضو کمیته آموزش انجمن کتابداران ایران ۱۳۵۳ انتقال از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران ۱۳۵۳ – ۱۳۵۵ دبیر انجمن کتابداران ایران ۱۳۵۳ تاکنون عضو هیات علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۵۳ تاکنون عضو شورای کتاب کودک ۱۳۵۴ – ۱۳۵۵ عضو کمیته انتخاب و خرید کتاب دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۵۴ – ۱۳۵۶ سرپرست امور دانشجویی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۶۰ دکترای کتابداری و اطلاعرسانی، دانشگاه کیس وسترن، کلیولند، اوهایو، ایالات متحده امریکا ۱۳۶۱ تاکنون عضو کمیته اجرایی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان ۱۳۶۳ – ۱۳۷۰ همکاری با دانشنامه جهان اسلام ۱۳۶۳ – ۱۳۷۰ ویراستار و مترجم بنیاد دایرهالمعارف اسلامی ۱۳۶۴– ۱۳۷۰ سرپرستی ترجمه دانشنامه مک گروهیل با انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۵ – ۱۳۷۰ مدیر بخش اطلاعات بنیاد دایرهالمعارف اسلامی ۱۳۶۵ –۱۳۶۹ مدیر بخش ویراستاری امیرکبیر ۱۳۸۰تاکنون سردبیر و عضو هیات تحریریه مجله روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۶۵ – ۱۳۸۰ مدیر بخش اطلاعات دفتر پژوهشهای فرهنگی ۱۳۷۰ – ۱۳۷۳ عضو کمیته علمی و سیاستگذاری اصطلاحنامه فرهنگی فارسی(اصفا)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۷۰ – ۱۳۷۳ مشاور فنی کتابخانه ملی ۱۳۷۰ تاکنون عضو شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۲–۱۳۷۵ عضو وابسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم ۱۳۷۲ – ۱۳۷۹ مشاور اصطلاحنامه علوم قرآنی، قم ۱۳۷۳ – ۱۳۷۹ مشاور اصطلاحنامه فارسی فلسفه اسلامی، قم ۱۳۷۳–۱۳۷۹ عضو کمیته ملی اطلاع رسانی کمیسیون ملی یونسکو ۱۳۷۳ – ۱۳۷۴ عضو کمیته علمی هشتمین همایش ملی در حوزهاطلاعرسانی ۱۳۷۳ – ۱۳۷۵ عضو مجمع هماهنگی نظامهای اسنادی ۱۳۷۳ – ۱۳۷۷ نایب رییس کنگره بینالمللی کتابداران و اطلاعرسانان مسلمان ۱۳۷۳ – ۱۳۸۰ معاون پژوهش کتابخانهی ملی ۱۳۷۳ تاکنون عضو کمیته منطقهای آسیا و اقیانوسیه، ایفلا ۱۳۷۴ دبیر همایش بینالمللی کتابداران و اطلاعرسانان مسلمان (کاملیس) در تهران ۱۳۷۴ – ۱۳۷۹ مدیر گروه پژوهشی انتشارات سمت ۱۳۷۴ – ۱۳۸۰ مدیر گروه آموزش کتابداری و اطلاعرسانی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۴– ۱۳۸۰ طراحی، توسعه، سرپرستی و سرویراستاری دایرهالمعارف فارسی، کتابداری و اطلاعرسانی (ج۱) ۱۳۷۴ – ۱۳۸۰ مدیر مسئول و سردبیر مجله فصلنامه کتاب ۱۳۷۴ تاکنون عضو شورای سردبیران مجلههای دانشگاه تهران ۱۳۷۵–۱۳۷۷ عضو شورای برنامه ریزی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ۱۳۷۵ – ۱۳۸۱ عضو کمیته انتخاب کتاب برگزیده سال ۱۳۷۵ تاکنون عضو شورای آموزشی و پژوهشی دانشکدهروانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۶ دبیر نخستین همایش بینالمللی جوانِ مسلمان و رسانه ۱۳۷۶ رییس کمیته تولید علم ، تدوین و ارایه آن ؛ دانشگاه تهران ۱۳۷۶ – ۱۳۷۷ ویراستار مجله علوم تربیتی ۱۳۷۶–۱۳۷۸ عضو هیات تحریریه

نشریه سخن سمت ۱۳۷۶ – ۱۳۸۴ مشاور اطلاعرسانی رئیس جمهور ۱۳۷۶ – ۱۳۸۴ عضو شورای عالی اطلاعرسانی کشور ۱۳۷۷– ۱۳۸۱ مشاور پژوهشهای کاربردی دانشگاه تهران ۱۳۷۷ – ۱۳۸۲ عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۷ تاکنون عضو هیات مشاوران عالی کتابخانه ملی ۱۳۷۸ تاکنون عضو هیات تحریریه مجله علوم کتابداری و فن آوری اطلاعاتی ایران(انگلیسی) ۱۳۷۹– ۱۳۸۰ سرپرست کتابخانه دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۹ تاکنون مدیر مسئول مجله پل فیروزه (دفتر پژوهشهای فرهنگی) ۱۳۸۰ – ۱۳۸۲ معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۸۰ تاکنون عضو هیات تحریریه مجله انگلیسی علم و فنآوری اطلاعات (شیراز) ۱۳۸۰ تاکنون عضو انجمن برنامهریزی آموزشی ۱۳۸۱ دبیر گروه کتابشناسی و نسخهشناسی اولین همایش ملی ایرانشناسی ۱۳۸۱–۱۳۸۳ عضو کمیته منتخب جذب هیات علمی دانشکده روانشناسی علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۸۱ – ۱۳۸۳ عضو کمسیون ارزیابی نشریات دانشگاه تهران ۱۳۸۱ تاکنون مدیر مسئول مجله اطلاعشناسی ۱۳۸۲ تاکنون معاون پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۸۲ تاکنون سردبیر مجله کتابداری (دانشگاه تهران) ۱۳۸۲ تاکنون عضو هیات مؤسس انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران ۱۳۸۳ تاکنون عضو پیوسته انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران ۱۳۸۲ – ۱۳۸۳ مدیر گروه پژوهشی رسانه کتاب، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ۱۳۸۳ تاکنون عضو شورای علمی بنیاد ملی اطلاعات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فنآوری ۱۳۸۳ تاکنون مدیر کمیته واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۳ تاکنون دبیر گروه کتابشناسی و نسخهشناسی دومین همایش ملی ایرانشناسی ۱۳۸۳ عضو کمیته علمی – فنی اطلاع رسانی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی؛ وزارت جهاد کشاورزی ۱۳۸۴ عضو انجمن کتابخانههای عمومی استان تهران ۱۳۸۴ تاکنون رئیس انجمن ترویج علم ایران ۱۳۸۴– تاکنون عضو شورای تخصصی گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۴ عضو کمیته تخصصی رشته روانشناسی و علوم تربیتی موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۴ عضو کمیته تدوین آیین نامه جامع ارتقاء علوم انسانی – اجتماعی و هنر دانشگاه تهران ۱۳۸۴ عضو هیات ممیزه نظارت بر فعالیتهای اعضای هیات علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی ۱۳۸۵ عضو هیات ممیزه مرکزی وزارت علوم و تحقیقات و فنآوری ۱۳۸۵ عضو کمیسیون تخصصی علوم انسانی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری ۱۳۸۵ عضو کمیته راهبردی نظام اطلاع رسانی دانشگاهی وزارت علوم و فنآوری ۱۳۸۵ عضو کمیته کارآفرینی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد واحد شمال، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شیراز، دانشگاه اهواز، و دانشگاه مشهد در رشته کتابداری و اطلاع رسانی در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس، و دکتری و هدایت بیش از ۱۵۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتریمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : – همکاری در راهاندازی بنیاد دایرۀالمعارف اسلامی در خدمت جناب آقای دکتر مهدی محقق – راه اندازی واحد اطلاعاتدفتر پژوهشهای فرهنگی – راه اندازی واحد اطلاعات بنیاد دایرۀالمعارف اسلامی – راه اندازی مجله اطلاع شناسی – راه اندازی دایرۀالمعارف کتابداری و اطلاع رسانی – راه اندازی بانک مطالعات ایرانشناسی – راه اندازی کمیته واژه گزینی کتابداری و اطلاع رسانی در دورۀ اخیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : – داوری مقالات مجلات علمی – داوری کتاب سال دانشگاهی – داوری کتاب سال جمهوری اسلامی ایران – داوری پژوهشهای فرهنگی – داوری طرحهای تحقیقاتی – داوری آثار جشنواره خوارزمی – داوری پایان نامههای ارشد و دکتری – بررسی کارهای علمی دانشجویان – شرکت در جلسات مستمر پژوهشی، آموزشی و هیأتهای ممیزه دانشگاه و وزارت علوم، و جلسات مختلف دیگر دانشگاهی و وزارتی – همکاری با بنیاد ایران شناسی – کارهای قلمی(مقاله و کتاب) شاگردان : شاگردان دورههای دانشگاهی عباس حری بسیار کثیرند که طی بیش از ۳۳ سال کار دانشگاهی در مقاطع مختلف به تحصیل اشتغال داشتهاند. از میان این شاگردان، از قدیم به جدید به نام هایی چون کاظم حافظیان، ابراهیم عمرانی، محمد حسن خوشنویس، فرخ امیرفریار، محمدحسن رجبی، نرگس نشاط، زهیر حیاتی، رحمتاله فتاحی، هاجر ستوده، کیوان کوشا، برمیخوریم که هریک در عرصه و زمینهای فعالیت داشته و از کامیابی هایی برخوردار بوده و رهاوردهای ارزندهای نیز داشتهاند همفکران فرد : از همفکران عباس حری در عرصههای مختلف علمی, از جمله کسانی که با اندیشههایش نزدیکی بیشتری داشته اند نخست سرکار خانم دکتر نرگس نشاط و سپس خانمها نوش آفرین انصاری، نوراله مرادی، کامران فانی، محمدحسن رجبی، دکتر رحمت اله فتاحی و دکتر علی رئوف در این زمره قرار میگیرند. آرا و گرایشهای خاص : عباس حری بسیار علاقهمند به نظریه پردازی در عرصۀ اطلاعات و اطلاعشناسی است و به همین دلیل از دهه ۱۳۶۰ به بحث درباره نظریههای اطلاعات از جمله نظریه ریاضی، نظریه معنا شناختی، نظریه سیبرنتیکی، و اخیراً نظریه کوانتومی اطلاعات پرداخته و در این زمینه آثاری نیز عرضه کرده است. به رویکردهای دیگری نیز، با استفاده از استدلال استعاری، در زمینه اکولوژی اطلاعات، اختلاف پتانسیل اطلاعاتی، و نیز روش اطلاع شناختی پرداخته است. وی در گذشته نیز در نقد عالم سوم پوپر، تحلیل نظر ابن خلدون در باب تألیف، و جست و جوی مبانی تحلیل استنادی غرب در علم الحدیث و علوم اسلامی قلم زده است. جوائز و نشانها : ۷ دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب بهعنوان استاد پیشکسوت از سوی انجمن کتابداری و اطلاعرسانی ایران و دانشگاه تهران؛ ۷ دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب «آیین نگارش علمی» به عنوان کتاب برگزیده دانشگاهی از طرف دانشگاه تهران،۱۳۸۰ ۷ دریافت لوح تقدیروجایزه به مناسبت برنده شدن کتاب «مروری بر اطلاعات و اطلاعرسانی» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران,۱۳۷۲ چگونگی عرضه آثار : آثار عباس حری به صورت تالیف، ترجمه، مقاله، یادداشتها و نگارشها، سخنرانی، مصاحبه و طرحهای پژوهشی می باشد . آثار : ۱ " تالیف مقاله : تالیف مقاله :روانشناسی خواندن. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ج ۱، ص ۹۲۶ – ۹۲۷.۲ " تالیف مقاله :راههای ارتقای میزان مطالعه. "ویژگی اثر : جهان کتاب. ۷ و ۸، اسفند ۱۳۷۵، ص ۵ – ۷.۳ " تالیف مقاله :رایانه و رسم الخط فارسی. "ویژگی اثر : پیام کتابخانه. ۱، بهار ۱۳۷۲، ص ۶ – ۱۱.۴" تالیف مقاله :روند به کارگیری روشهای پژوهش در پایان نامه های کارشناسیارشد کتابداری و اطلاعرسانی دانشگاه تهران (۱۳۴۸– ۱۳۷۸. ")ویژگی اثر : با همکاری افسانه محسن زاده. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۱. بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۵۵– ۷۶.۵" تالیف مقاله :زنجیره داوری ربط در فرایند انتقال اطلاعات. "ویژگی اثر : اطلاع شناسی. ۵، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۷۷ – ۱۹۳.۶ ۸۷. A study of Subject Consistency Between the National Library of Iran & Humanities Libraries

Cataloging & Classification Quarterly . Vol ۴۳, : ویژگی اثر , By Narges Neshat & Abass Horri ۱,۲۰۰۶ ,pp.۶۷-۷۶۷ Bibliometric Overview of Library and Information Research Productivity in Journal of Education for Library and Information Science. Vol ۴۵, no ۱, winter : ویژگی اثر Iran A General overview. Tehran: : ویژگی اثر ۲۰۰۴۸ Education in the Islamic Republic of Iran Ministry of Education, ۱۹۹۳۹ The Correlation of Market Place Priorities and Educational Proceedings of : ویژگی اثر Priorities in the Field of Library and Information Science in Iran International Conference for Library and Information Science Educators in The Asia and Pacific Region, by Abbas Horri and Narges Neshat. Selangor, Malasiya, ۱۱ – ۱۲ June ۲۰۰۱.۱۰ The Relationship between Scholarly Publishing and the Counts of Academic Inlinks to by : ویژگی اثر Iranian University Web Sites: Exploring Academic Links Creation Motivations Keyvan Kousha and Abbas Horri.Journal of information management and scientometric.۱(۲), ۲۰۰۴: ۱۳-۲۲.۱۱ تالیف کتاب: آیین گزارش نویسی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، ۱۳۷۱.۱۲ تالیف کتاب: آیین نگارش علمی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۵۱۳ تالیف کتاب: اطلاع رسانی: نظامها و فرآیندها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۵۱۴ تالیف کتاب: اطلاع رسانی: نگرش و پژوهشها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۵.۱۵ تالیف کتاب: توسعهٔ نظام ملی کتابخانه های عمومی ایران. ویژگی اثر : با همکاری دکتر جعفر مهراد. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.۱۶ تالیف کتاب: شیوه بهره گیری از کتابخانه. ویژگی اثر : تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶.۱۷ تالیف کتاب: شیوه های استناد در نگارش های علمی : رهنمودهای بین المللی . ویژگی اثر : با همکاری اعظم شاهبداغی . تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۸۵۱۸ تالیف کتاب: فهرست کوچک سرعنوانهای موضوعی. ویژگی اثر : تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۲.۱۹ تالیف کتاب: کتابخانه آموزشگاهی در مدرسه کتابخانه مدار. ویژگی اثر : با همکاری دکتر نرگس نشاط. تهران: شبکه کتاب، ۱۳۸۳.۲۰ تالیف کتاب: کسانی که جامعه را می سازند . ویژگی اثر : ۱: دکتر عباس حری . تهران : نشر دیبایه ، نشر آناهید، ۱۳۸۴۲۱ تالیف کتاب: مراجع و بهره گیری از آنها. ویژگی اثر : تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶.۲۲ تالیف کتاب: مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی. ویژگی اثر : تهران: هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور، دبیرخانه، ۱۳۷۲.این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«مروی بر اطلاعات و اطلاع رسانی»: مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی؛ دکتر عباس حرّی؛ تهران: دبیرخان ?هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲. در زمان ما که اطلاعات در حکم ماد ?خام استراتژیکی برای پیشرفتهای فرهنگی، علمی، آموزشی، فنی و اقتصادی جامعه محسوب می شود، نیازهای علمی و فرهنگی ایجاب می کند که دانشجویان و پژوهشگران با شیوه های علمی و با اصول و مفاهیم اساسی علم اطلاع رسانی و نقش اطلاعات در تحقیق و توسعه آشنا شوند و این امر مستلزم وجود منابع معتبر در این زمینه است. این اثر، به منظور برآوردن نیازهای مذکور تألیف شده است. در فصول مختلف این کتاب تلاش بر آن بوده است که اطلاعات به عنوان عناصر تشکیل دهند ?دانش و معرفت مورد بررسی قرار گیرد و کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی نیز نمادهایی تلقی شده اند که دستیابی به این عناصر را تسهیل می کنند. این اثر، اطلاعات (این پدید ?چندبعدی) را – که در هم ?زمینه ها حضور دارد – براساس کارکرد آن مورد مطالعه قرار می هد و حیات علمی، صنعتی، آموزشی، اقتصادی و فرهنگی را در گرو بی چون و چرای آن می داند. کتاب، مشحون از رهنمودهای مفید درابعاد مختلف اطلاعات واطلاع رسانی است که با شیوه های علمی مورد بررسی قرار گرفته است. و نیازها و برنامه های اطلاعاتی جهان سوم و کشورهای اسلامی در آن با دیدی ابتکاری ارائه شده است. کتاب در مجموع خالی از حشو و زواید است و به زبانی گویا و دور از تکلف ارائه شده است. مجموع ?حاضر حاوی ۲۸ مقال ?کوتاه و بلند است که شش مقال ?آن ترجمه و بقیه تالیفی است ۲۳ تالیف مقاله " :بررسی وضعیت مبادله منابع اطلاعاتی میان کتابخانه های دانشگاهی و پژوهشی کشور. "ویژگی اثر : نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. ۳- ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، ص ۷۵- ۱۰۲.۲۴ تالیف مقاله " :تحقیق نوعی سرمایه گذاری است. "ویژگی اثر : بینالود. ۳، مهر ۱۳۷۲، ص ۲۲ – ۲۵.۲۵ تالیف مقاله ":ارتباطات علمی و اختلاف پتانسیل اطلاعاتی. "ویژگی اثر : اطلاعشناسی. زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۷ – ۳۲.۲۶ تالیف مقاله" :ارزیابی شیوه نامه های استناد در نشریات معتبر دانشگاه تهران. "ویژگی اثر : با همکاری اعظم شاهبداغی. کتابداری. ۴۰، ۱۳۸۲، ص ۱– ۲۳.۲۷ تالیف مقاله" :استناد در آثار علمی: چاله ها و چالشها. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ۱۲۰ – ۱۳۳.۲۸ تالیف مقاله" :اطلاع رسانی: اصطلاحی نو با مضمونی کهن. "ویژگی اثر : دانشمند، ویژه نامه اطلاعات. شهریور، ۱۳۶۹، ص ۱۶- ۱۸.۲۹ تالیف مقاله" :اطلاع شناسی. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ۱۳۸۱؛ ج ۱، ص ۲۴۲ –۲۴۴.۳۰ تالیف مقاله" :اطلاعات چیست. "؟ویژگی اثر : دانشمند، ویژه نامه اطلاعات. شهریور ۱۳۶۹، ص ۵ – ۸ و ۸۸ – ۸۹.۳۱ تالیف مقاله" :اطلاعات. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ۱۳۸۱ ؛ ج ۱، ص ۲۳۱ – ۲۳۵.۳۲ تالیف مقاله ":اکولوژی اطلاعات: مروری بر مفاهیم و مصادیق. "ویژگی اثر : اطلاع شناسی. ۲، زمستان ۱۳۸۲، ص ۵ – ۳۰.۳۳ تالیف مقاله ":اکولوژی اطلاعاتی و نظام اجتماعی». ویژگی اثر : اطلاع شناسی. ۴، تابستان ۱۳۸۳، ص، ۷ – ۱۷.۳۴ تالیف مقاله" :اهمیت اطلاعاتی پایان نامه ها. "ویژگی اثر : پژوهشنامه آموزشی. ۲، زمستان ۱۳۶۹، ص ۶- ۱۱.۳۵ تالیف مقاله" :اهمیت و ضرورت به کارگیری منابع خارجی در تحقیقات کشور. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۴، زمستان ۱۳۷۶، ص ۷- ۱۲.۳۶ تالیف مقاله" :بررسی پایگاه مطالعات ایران شناسی، "ویژگی اثر : با همکاری دکتر نرگس نشاط، در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایرانشناسی :تهران : بنیاد ایرانشناسی ؛ ۱۳۸۳۳۷ تالیف مقاله" :بررسی تاثیر پذیری اصطلاحنامه از ورود اصطلاحات جدید با رویکردی بر اصطلاحنامه اریک. "ویژگی اثر : با همکاری مهدیه میرزا بیگی . مجله کتابداری . ۱و۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)۳۸ تالیف مقاله

"بررسی رابطه میان مجلات منتشر شده حوزه های تخصصی و ارتقا علمی متخصصان کشور. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۲، بهار ۱۳۷۴، ص ۳۳- ۴۴.۳۹ تالیف مقاله" :بررسی راهکارهای عملیاتی کردن طرح نظام ملی اطلاع رسانی در دانشگاههای کشور. "ویژگی اثر : با همکاری فاطمه زندیان. کتابداری. ۳۸، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۹۱ – ۱۲۴.۴۰ تالیف مقاله" :بررسی فرایند اطلاع جویی پیوسته دانشجویان کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاعرسانی دانشگاهها. "ویژگی اثر : با همکاری حمید کشاورز. کتابداری. ۳۸، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱ – ۲۴.۴۱ تالیف مقاله" :بررسی فعالیتهای علمی و پژوهشی اعضای هیات علمی رشته کتابداری و اطلاع رسانی ایران تا پایان سال ۱۳۷۸. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۲(تابستان ۱۳۷۹) ص ۹- ۳۶.۴۲ تالیف مقاله" :بررسی کارایی علمی پژوهشی سمینارهای تخصصی برگزار شده در ایران. "ویژگی اثر : در سمینار تحقیق و توسعه (۲۶ – ۲۸ تیر ۱۳۶۸)، مجموعه مقالات سمینار تحقیق و توسعه. تهران: سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، ۱۳۶۸.۴۳ تالیف مقاله" :بررسی گرایش موضوعی آثار علمی و پژوهشی رشته کتابداری و اطلاع رسانی، از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۷، "ویژگی اثر : در فهرست رایانهای: کاربرد و توسعه مجموعه مقالههای همایش .... تهران: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد؛ تهران: مرکز اطلاع رسانی و خدمات علمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۹.۴۴ تالیف مقاله" :بررسی میزان همگونی تدریس مواد با تولید و هدایت آثار توسط اعضای هیئت علمی رشته کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : با همکاری نجمه سالمی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۴۷ – ۷۰.۴۵ تالیف مقاله" :بررسی وضع پیشینه در پایاننامه های کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت واطلاع رسانی پزشکی. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۱- ۴، ۱۳۷۵، ص ۳۳– ۳۷.۴۶ تالیف مقاله" :بررسی وضعیت مجلات منتشر شده در ایران در طول برنامه پنجساله اول توسعه ۶۸- ۷۲. "ویژگی اثر : کتابداری. دفتر بیست و ششم و بیست و هفتم، ۱۳۷۶، ص ۲۱ – ۳۷.۴۷ تالیف مقاله" :تبلور اطلاعات در تکنولوژی. "ویژگی اثر : ریزپردازنده. ۸ و ۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰، ص ۵ – ۸.۴۸ تالیف مقاله" :تحلیل استنادی و شباهتهای آن با علمالحدیث." ویژگی اثر : نشـر دانش. ۲، بهمن واسفند ۱۳۶۲، ص ۱۱- ۱۷.۴۹ تالیف مقاله" :تحلیل استنادی. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ج ۱، ص ۶۱۶ – ۶۲۰.۵۰ تالیف مقاله" :تحلیل ساختاری توصیف گرهای فارسی پایگاه های اطلاعاتی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، "ویژگی اثر : با همکاری شکوفه آخوندی . مجله کتابداری . سال چهلم ، دفتر ۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)۵۱ تالیف مقاله" :تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی. "ویژگی اثر : چاپ و انتشار. ۱، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۳۸ – ۴۱.۵۲ تالیف مقاله" :چگونگی حمایت از مالکیت فکری در کشورهای اسلامی، "ویژگی اثر : در سخنرانیها و مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، با همکاری سازمان جهانی مالکیت فکری (تهران: دانشگاه تهران؛ خانه ادبیات، ۱۳۸۳، ص ۲۹۹ – ۳۱۳).۵۳ تالیف مقاله" :چهل سال عشق و تفکر و تلاش. "ویژگی اثر : زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی ... نوش آفرین انصاری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۳۹ – ۴۷.۵۴ تالیف مقاله" :دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، ضرورت دنیای نو. "ویژگی اثر : همشهری. ۲۷ مرداد ۱۳۷۵.۵۵ تالیف مقاله" :درباره ادبیات کودکان. "ویژگی اثر : پویه، نشریه آموزشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۲، پاییز ۱۳۵۳، ص ۵ – ۱۲.۵۶ تالیف مقاله" :دستیابی به اطلاعات در پژوهشهای کشورهای اسلامی. "ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی.شماره ۱و۲، ۱۳۶۷، ص ۱- ۵.۵۷ تالیف مقاله" :ده سال تلاش." ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. ۴، زمستان ۱۳۵۴، ص ۵۰۸- ۵۱۴.۵۸ تالیف مقاله" :رفتار استنادی نویسندگان مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۹. "ویژگی اثر : با همکاری نرگس نشاط. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱ – ۳۳.۵۹ تالیف مقاله" :سیاستگذاری اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : رهیافت. ۲۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۶ – ۱۲.۶۰ تالیف مقاله" :شناسایی الگوهای روابط فرارشته ای مقالات تالیفی رشته کتابداری و اطلاع رسانی در ایران ، با همکاری غزاله قناویز چیان و امیر حسین غائبی . ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی . س. ۳۶ ، ۱و۲(بهار و تابستان ۱۳۸۵):۱۷-۳۵۶۱ تالیف مقاله" :ضرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابداری و اطلاعرسانی. "ویژگی اثر : کتابداری: نشریه علمی در تحقیقات کتابشناسی، کتابداری و اطلاعرسانی. ۲۶ و ۲۷(۱۳۷۶): ۲۱ – ۳۷.۶۲ تالیف مقاله" :عنوان نوشته. "مروری بر اطلاعات و اطلاعرسانی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانههای عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲، ص ۱۷۷– ۱۸۰.۶۳ تالیف مقاله" :قیمت کتاب در طول برنامه پنجساله اول توسعه ۱۳۶۸- ۱۳۷۲. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، ص ۹- ۲۳.۶۴ تالیف مقاله" :کاربرد چند رسانه ایها در اطلاع رسانی پزشکی. "ویژگی اثر : کامپیوتر. ۵، ۱۳۷۳، ص ۱۲ – ۱۸.۶۵ تالیف مقاله" :کتاب و عالم سوم پوپر. "ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی (ویژه کتابداری). ۳ و ۴، ۱۳۶۶، ص ۱– ۱۱.۶۶ تالیف مقاله" :کتابداری و مدیریت جدید. "ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. ۳، پاییز ۱۳۵۴، ص ۴۲۵ – ۴۳۴.۶۷ تالیف مقاله" :مدیریت دانش و مدیریت اطلاعات در کتابداری. "ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات. آذر ۱۳۸۳، ص ۸ – ۱۱.۶۸ تالیف مقاله" :مروری بر دو راهنما. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۱۸- ۱۲۱.۶۹ تالیف مقاله" :مروی بر مفاهیم و نظریه ها در قلمرو اطلاع شناسی. "ویژگی اثر : اطلاع شناسی. پاییز ۱۳۸۲، ص ۹ – ۳۴۷۰ تالیف مقاله" :مسائل و مشکلات ذخیره پیش همارا و بازیابی پس همارا در نظام رایانه ای. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۸ – ۱۵.۷۱ تالیف مقاله" :مصرف و تولید اطلاعات. "ویژگی اثر : در سمینار نقش اطلاعات علمی و فنی در خدمات دفاع مقدس (۱۸ و ۱۹ خرداد ۱۳۶۶)، مجموعه مقالات و سخنرانیهای ارائه شده. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معاونت صنایع خودکفایی، مدیریت تحقیقات و آموزش، مرکز اطلاعات علمی و فنی، [۱۳۶۶].۷۲ تالیف مقاله" :مطالعه تأثیر استفاده از اینترنت بر رفتار پژوهشی اعضای هیات علمی دانشگاه تهران. "ویژگی اثر : با همکاری مریم اسدی. کتابداری. ۴۰، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳– ۱۷۱.۷۳ تالیف مقاله" :مطالعه رفتار اطلاع یابی اینترنتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی. "ویژگی اثر : مجله کتابداری (پاییز و زمستان ۱۳۸۳): ۱ – ۴۰.۷۴ تالیف مقاله" :مطالعه عملکرد نهادها و برنامه های پژوهشی در حوزه اطلاع رسانی ایران. "ویژگی اثر : رهیافت. ۲۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۷۸- ۹۳.۷۵ تالیف مقاله" :مطالعه میزان همبستگی موضوعی پایان نامه ها و مقالات فارسی در رشته کتابداری و اطلاع رسانی ایران. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۱،

ص ۴۳ – ۷۴.۷۶ تالیف مقاله" :نظام چند سطحی در ذخیره و بازیابی رایانه ای اطلاعات اسلامی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳(پاییز ۱۳۷۵) ص ۸ – ۱۳.۷۷ تالیف مقاله" :نظر ابنخلدون در باب تألیف. "ویژگی اثر : نشر دانش. ۴(خرداد و تیر ۱۳۶۳) ص ۲۰– ۲۷.۷۸ تالیف مقاله" :نظریه کوانتومی اطلاعات . "ویژگی اثر : اطلاع شناسی. سال سوم ، ۳و۴ (بهار و تابستان۱۳۸۵).۷۹ تالیف مقاله" :نقش خبرنامه. "ویژگی اثر : پژوهشنامه آموزشی. ۱(پاییز ۱۳۶۹) ص ۶– ۱۲.۸۰ تالیف مقاله" :نقش کتابخانه ها در تحقق جوامع اطلاعاتی و معرفتی. "ویژگی اثر : مجله کتابداری . سال چهلم ، دفتر۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)۸۱ تالیف مقاله" :واقع گرایی در ادبیات کودکان . "ویژگی اثر : گزارش شورای کتاب کودک (نشریه داخلی). شماره ۱، ۱۳۵۳۸۲ تالیف مقاله" :وجه معرفتشناختی پوزیتیویسم منطقی و جایگاه آن در مطالعات کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : اطلاعشناسی. (بهار ۱۳۸۳)، ص ۵ – ۱۶.۸۳ تالیف مقاله" :وحدت در کتابشناسی. "ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. ۲، تابستان ۱۳۵۵، ص ۲۰۷ – ۲۱۹.۸۴ تالیف مقاله" :وضعیت کتابداری و اطلاعرسانی در ایران. "ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات. ۵، اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۴ – ۱۷.۸۵ تالیف مقاله":آیین بدنویسی. "ویژگی اثر : آینه پژوهش. ۳، مهر و آبان ۱۳۷۰، ص ۲– ۵.۸۶ ترجمه کتاب : اصطلاحنامه فرهنگ، ارتباطات، و اطلاعات، ویژگی اثر : از اصطلاحنامه یونسکو، گردآوری جین اچسن؛ ترجمه عباس حری و عبدالحسین آذرنگ با همکاری پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۵.۸۷ ترجمه کتاب : راهنمای تهیه و گسترش اصطلاحنامه یکزبانه، ویژگی اثر : تألیف درک آوستین و پیتر دیل، ترجمه عباس حری. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، ۱۳۶۵.۸۸ ترجمه کتاب اصطلاحنامه بین المللی توسعه فرهنگی یونسکو. ویژگی اثر : با همکاری پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷.۸۹ ترجمه مقاله : «انعکاس انتشارات اسلامی در چند نمایه». ویژگی اثر : تألیف ا. ستاروس. رحمان. نشریه علوم تربیتی. ۱– ۴، سال ۱۳۶۵، ص ۷۳ – ۹۲.۹۰ ترجمه مقاله : «برنامه اطلاعاتی جهان اسلام: اصول نظری». ویژگی اثر : تألیف اولی محمد عبدالحمید. در اکملالدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاعرسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱ – ۲۰.۹۱ ترجمه مقاله : «پوزیتیویسم و تحقیق در کتابداری و اطلاعرسانی». ویژگی اثر : تألیف مایکل هریس. مروری بر اطلاعات و اطلاعرسانی. تهران: هیئت امنای کتابخانههای عمومی کشور، دبیرخانه، ۱۳۷۲، ص ۲۶۹ – ۲۸۹.۹۲ ترجمه مقاله : «جامعیت دستیابی موضوعی در شبکهای بین المللی». ویژگی اثر : تألیف ف. و. لنکستر. در اکملالدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاعرسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۵۹ – ۷۳.۹۳ ترجمه مقاله : «خواندن به قصد لذت». ویژگی اثر : تألیف ال.ای.جی استرانگ. نامه انجمن کتابداران ایران. ۴، زمستان ۱۳۵۲، ص ۴ – ۱۵.۹۴ ترجمه مقاله : «سیاست اطلاعاتی جهان سوم برای قرن بیست و یکم». ویژگی اثر : تألیف ضیاءالدین سردار. دانشمند، ویژهنامه اطلاعات. شهریور ۱۳۶۹، ص ۸۵ – ۸۷.۹۵ ترجمه مقاله : «فراسوی مرزهای زمان و مکان». ویژگی اثر : تألیف رابرت وج ورث. گزیده مقالات ایفلا (ترکیه: ۲۰– ۲۶ اوت ۱۹۹۵). زیر نظر عباس حری. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵، ص ۱ – ۸.۹۶ ترجمه مقاله : «کتابخانه ها در جمهوری خلق چین از سال ۱۹۴۹ به بعد». ویژگی اثر : تألیف تی ماجان. خبرنامه انجمن کتابداران ایران. ۳، پاییز ۱۳۵۰، ۶ – ۱۶.۹۷ ترجمه مقاله : «کتابشناسی علوم ابن کفانی». تألیف ج. ج. ویتکام. تحقیقات اسلامی (یادنامه دکتر احمد طاهری عراقی). ۱ و ۳، ۱۳۷۰، ص ۱۶۱– ۱۷۲. ۹۸ ترجمه مقاله : «گاه شماری در کتاب تاریخ الاطباء اسحاق بن حنین». ویژگی اثر : تألیف ف.و.زیمرمان. فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۸۱ – ۸۹.۹۹ ترجمه مقاله : «مسئولیت اجتماعی دانشمندان». ویژگی اثر : تألیف برتراند راسل. فردوسی. ۹۹۸، بهمن ۱۳۴۹، ص ۱۰ – ۱۱.۱۰۰ ترجمه مقاله : «مک لوهان، جوانان و ادبیات». ویژگی اثر : تألیف الینور کامرون. نامه انجمن کتابداران ایران. ۱۰، بهار ۱۳۵۲، ص ۴ – ۱۵.۱۰۱ ترجمه مقاله : «وضع کنونی بشر». ویژگی اثر : نویسنده اریک فرم. فردوسی. ۹۹۳، آذر ۱۳۴۹، ص ۱۶ – ۱۹ و ترجمه ۱۷۲ مقاله برای جلدهای مختلف دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۶۴ – ۱۳۷۰. ۱۰۲. سخنرانی در رابطه با" : رسانه کتاب در ایران و چشم انداز جهانی آن." ویژگی اثر : کتاب هفته. ۲۸ آذر ۱۳۸۳، ص ۱۸.۱۰۳ سخنرانی در رابطه با : افتتاحیه : ارتباط با منابع جهانی اطلاعات . ویژگی اثر : دانشگاه تهران با همکاری شرکت اطلاع رسانی نباء .دانشکده فنی دانشگاه تهران:۱۳۷۶۱۰۴ سخنرانی در رابطه با : افتتاحیه کتاب و کتابخوانی . ویژگی اثر : فرهنگسرای اندیشه: ۱۳۷۵۱۰۵ سخنرانی در رابطه با : پردازش و انتقال اطلاعات . ویژگی اثر : یازدهمین نمایشگا بین المللی کتاب تهران : نمایشگاه اطلاع رسانی و فن آوری اطلاعات: ۱۳۷۷۱۰۶ سخنرانی در رابطه با " : جامعه شناسی پزوهش . "ویژگی اثر : همایش پزوهش و فرهنگ و جامعه. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان؛ ۱۳۷۸۱۰۷ سخنرانی در رابطه با " : جایگاه کتابداری در عصر اطلاعات. " ویژگی اثر : انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران؛ شاخه خوزستان. آبان۱۳۸۳۱۰۸ سخنرانی در رابطه با " : راههایی برای مشارکت بهینه در دومین مرحله اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی . ویژگی اثر : نخستین نشست تخصصی . تیر ۱۳۸۳۱۰۹ سخنرانی در رابطه با" : اطلاعات خرد، اطلاعات کلان و نظام ملی اطلاع رسانی، "ویژگی اثر : در سمینار توسعه نظام مدیریت در اطلاعرسانی و کتابداری (۴– ۵ آبان ۱۳۷۱).۱۱۰ سخنرانی در رابطه با : "اطلاعات و توسعه، "ویژگی اثر : در سمینار اطلاع رسانی تحقیق و توسعه. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، شهریور ۱۳۷۱.۱۱۱ سخنرانی در رابطه با" : اطلاعات و گردش آن. "ویژگی اثر : مرکز اطلاع رسانی جهاد سازندگی: شهریور ۱۳۷۳.۱۱۲ سخنرانی در رابطه با" : ایجاد شرایط مناسب آموزشی برای بهبود و ارتقاء انشاءنویسی. "ویژگی اثر : ارائه شده در سمینار آموزش انشاء. (نیشابور: مرکز تربیت معلم شیخ طوسی، ۳۰ – ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۲).۱۱۳ سخنرانی در رابطه با" : ایجاد مرکز ملی اطلاعات پزشکی در ایران: طرح پیشنهادی، "ویژگی اثر : در اولین سمینار نیاز کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی در ایران (۱۶– ۱۷ اسفند ۱۳۶۷). مشهد: دانشگاه علوم پزشکی مشهد، [۱۳۶۷].۱۱۴ سخنرانی در رابطه با" : اینفوتراپی (اطلاع درمانی) و جایگاه آن در اطلاعرسانی پزشکی، "ویژگی اثر : در ششمین همایش ملی اطلاع رسانی پزشکی (اصفهان ۱۰– ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳).۱۱۵ سخنرانی در رابطه با" : تبلور اطلاعات در تکنولوژی و برخورد جهان سوم با اینگونه اطلاعات، "ویژگی اثر : در کنفرانس تکنولوژی و اطلاعات(۳ تیرماه ۱۳۶۹).تهران:سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران،۱۳۷۱.۱۱۶ سخنرانی در رابطه با" : تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی، گامی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی. "ویژگی اثر : اطلاعات. ۳۰ بهمن ۱۳۷۲.۱۱۷ سخنرانی در رابطه

بـا" : جایگـاه ترویـج علم در جـامعه اطلاعـاتی "ویژگی اثر : دوره آموزش روزنـامه نگـاری و جـامعه اطلاعاتی . اسـفند ۱۳۸۴۱۱۸ سخنرانی در رابطه با" : دایره المعارفها: نگاه از درون "ویژگی اثر : دایرهالمعارف زن ایرانی. جهاد دانشگاهی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. مهر ۱۳۸۳.۱۱۹ سـخنرانی در رابطه بـا" : روابط متقابل قوانین ملی و بین المللی حق مؤلف، "ویژگی اثر : در همایش حق مؤلف (اسـفند ۱۳۸۰).۱۲۰ سـخنرانی در رابطه بـا" : رویکرد اکولوژیکی به جـامعه اطلاعـاتی، "ویژگی اثر : در همایش جامعه اطلاعاتی، ۱۳۸۲. سـخنرانی افتتاحیه . کارگاه آموزشـی پنجمین نمایشگاه کتاب و بانکهای اطلاعاتی : شرکت مهندسی رز سیستم ؛ ۱۳۷۶۱۲۱ سـخنرانی در رابطه با" : سواد اطلاعاتی و اخلاق اطلاع رسانی . ویژگی اثر : پژوهشکده فرهنگ و هنر و ارتباطات ,گروه رسانه های الکترونیک. اردیبهشت ۱۳۸۳۱۲۲ سـخنرانی در رابطه با" : ضـرورت اصلاح برخی رویه های فرهنگی در ایران برای نیل بـه جـامعه اطلاعـاتی، "ویژگی اثر : در همـایش علمی ایران و جـامعه اطلاعـاتی در سـال ۱۴۰۰ هجری شمسـی (۲۵ – ۲۷ آذر ۱۳۸۱).۱۲۳ سخنرانی در رابطه با" : طرح پیشـنهادی برای تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی. "ویژگی اثر : ارائه شده در اولین سمینار ملی فرهنگ و توسعه. (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۴ – ۲۶ مهر ۱۳۷۲).۱۲۴ سخنرانی در رابطه با" : علم اطلاع رسانی و اهمیت آن . " ویژگی اثر : گردهمایی مسئولین مراکز اطلاع رسانی مجتمع ها و شـرکتهای تابعه شـرکت ملی صـنایع پتروشیمی . تهران : ۱۳۷۶۱۲۵ سـخنرانی در رابطه بـا" : کتابـداری و اطلاـع رسانی در رویارویی با دوگانگی اطلاعات با اشاراتی بر: سیاسـتهای کلان اطلاع رسانی در ایران. "ویژگی اثر : مشـهد : دانشگاه فردوسـی : خرداد ۱۳۷۸۱۲۶ سـخنرانی در رابطه با" : مبانی رشـته ما." ویژگی اثر : در دانشگاه امام رضا . مشهد ، ۲/۹/۸۵۱۲۷ سخنرانی در رابطه با" : مروری بر بانک مطالعات ایران شناسی. "ویژگی اثر : ارائه شده در دومین همایش ملی ایرانشناسـی (تهران: بنیاد ایرانشناسی، ۳۰ آذر – ۳ دی ۱۳۸۳).۱۲۸ سخنرانی در رابطه با" : نقش اطلاعـات در برنـامه ریزی خرد و کلاـن. "ویژگی اثر : ارائـه شـده در دومیـن سـمینار نقش اطلاعـات و ارتباطـات در تحـول اداری (تهران: وزارت جهاد سازندگی، ۶ – ۷ مهر ۱۳۷۳).۱۲۹ سخنرانی در رابطه با" : نقش تخیل در آثار کودکان و نوجوانان . "ویژگی اثر : نشست ماهانه نقد آثار غیر تخیلی . کتاب ماه کودک و نوجوان ؛ ۱۳۸۲۱۳۰ سخنرانی در رابطه با" : نقش خدمات اطلاعاتی در پیشـرفت فرهنگی. "ویژگی اثر : در سـمینار بررسـی تحلیلی موانع و عوامل مؤثر در پیشرفتهای فرهنگی (بیرجند، ۱۱– ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۵)۱۳۱ سخنرانی در رابطه بـا" : نقش نظام آموزشـی در توسـعه کمی و کیفی نشـر "ویژگی اثر : ، در دومین گردهمایی نقش اطلاـع رسـانی در توسـعه فرهنگی: کتاب و فن آوری اطلاعات (۲۵– ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۰).۱۳۲ سـخنرانی در رابطه بـا" : نمایه ها به عنوان ملاکهای ارزشـگذاری نوشـته های علمی، "ویژگی اثر : در همایش روش شناسی و فنون تحقیق (۲۱– ۱۹ بهمن ۱۳۷۶).محل ندارد۱۳۳ سـخنرانی در رابطـه بـا" : هنر حر بـودن . "ویژگی اثر : ارائـه شـده در دومیـن کنگره فرهنگ عـاشورا (۱۱ – ۱۳ خرداد ۱۳۷۵).۱۳۴ سخنرانی در رابطه بـا : ضـرورت نظام منـد بودن فعالیتهای اطلاع رسانی ویژگی اثر : . وزارت جهاد سازنـدگی ، مرکز تحقیقـات اطلاـع رسانی . اتاق فکر ؛۱۶ دی ۱۳۸۵۱۳۵ طرحهای پژوهشـی: بررسـی عوامل موثر بر تغییر رشـته دانشـجویان دانشکده روان شناسـی و علوم تربیتی در سال تحصیلی ۸۲–۸۳(در دست اجرا) طرحهای پژوهشـی: بررسی وضعیت اعتبار ویژه اعضای هیات علمی دانشـکده روان شناسـی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و تـاثیر آن بر تولیـدات علمی آنان ، ۱۳۸۵ (در دست اجرا) طرحهـای پژوهشـی: بررسـی وضـعیت شـیوه نامه های تدوین پایان نامه ، نشـر مقاله در مجلات ، و انتشار کتاب در دانشگاه تهران و ارائه الگو برای ایـن گـونه تولیـدات ، ۱۳۸۵ (در دسـت اجرا) طرحهـای پژوهشـی: طراحی «نظـام ملی اطلاعرسـانی»، کتابخـانه ملی جمهـوری اسلامی ایران؛۱۳۷۳–۱۳۷۵ طرحهـای پژوهشـی: طراحی کتابخـانه تخصصـی و کـانون ارجـاعی در حوزه ساختمان و مسـکن؛۱۳۷۶ طرحهای پژوهشـی: طراحی و اجرای بانک اطلاعات پژوهشـهای فرهنگی؛۱۳۷۴–۱۳۷۷ طرحهای پژوهشـی: طراحی و اجرای پایگاه پایـان نـامه هـای دانشـکده روانشناسـی و علوم تربیتی؛۱۳۸۲–۱۳۸۳ طرحهـای پژوهشـی: طراحی و اجرای پروژه کـامپیوتری کردن فهرستنویسـی کتابهای فارسـی ؛ دفتر پژوهشـهای فرهنگی؛۱۳۶۷–۱۳۷۱ طرحهـای پژوهشـی: طراحی و راه انـدازی پایگـاه اطلاعـات عکس و عکاسـی(دفتر پژوهش هـای فرهنگی)؛۱۳۷۲ طرحهای پژوهشـی: طراحی،راه اندازی و توسـعه پایگاه مطالعات ایرانشناسـی؛ ۱۳۷۶– طرحهـای پژوهشـی: مجری طرح بررسـی اسـتنادهای مقـاله هـای مجلـه روانشناسـی و علـوم تربیـتی؛۱۳۷۹–۱۳۸۰ طرحهای پژوهشـی: مجری طرح بررسی استنادهای مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی؛۱۳۷۹– طرحهای پژوهشی: مشارکت در طراحی و توسـعه «شورای عـالی اطلاع رسانی»؛۱۳۷۵ طرحهای پژوهشـی: مشاور امور کتابداری طرح فهرسـتگان ایران . سازمان پژوهشـهای علمی و صـنعتی ایران : ۱۳۶۸ ۱۴۹ طرحهـای پژوهشـی: نـاظر طرح بررسـی کتابخانه های هنرسـتانهای کشور و چگونگی اسـتفاده هنرجویـان از آنهـا. وزارت آمـوزش و پرورش ؛ معـاونت آمـوزش فنی و حرفـه ای ؛ ۱۳۷۲ طرحهـای پژوهشـی: ناظر طرح توسـعه کتابخـانهه ای عمومی کشور، هیئت امنـای کتابخانه های عمومی؛۱۳۸۳ ۱۵۱ طرحهای پژوهشـی: ناظر طرح فهرست مطالب شهید و شهادت در مطبوعات فارسـی ایران. بنیاد شهید انقلاب اسلامی ؛۱۳۷۷ ۱۵۲ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح فهرستگان علوم انتظامی . مرکز مطالعات و پزوهشهای ناجا؛ ۱۳۷۶ طرحهای پژوهشی: نظارت بر طرح نمایه سازی وصایای شهدا . بنیاد شهید انقلاب اسلامی ؛ ۱۳۷۶ ۱۵۴ طرحهـای پژوهشـی: نظارت بر طرح مسائل کتابخانه های آموزشـگاهی ایران (وزارت آموزش و پرورش)؛۱۳۷۰–۱۳۷۱ طرحهـای پژوهشـی: همکـاری در طرح بررسـی چگونگی دستیابی اعضای هیات علمی دانشـکدهعلوم دانشگاه تهران به مـدارک و اطلاعـات علمی؛ ۱۳۵۲ مصـاحبه « همـه چیز برای کتـاب نخوانـدن مهیـاست». ویژگی اثر : جـام جم . ۱۳ آذر ۱۳۸۴، ص ۱و۱۶۱۵۷ مصـاحبه «اطلاعشناسـی صـنعتی». ویژگی اثر : فرهنـگ و صـنعت. ۵۲، خرداد ۱۳۸۴.۱۵۸ مصـاحبه «این گفتگـو پشت پرده نـدارد». ویژگی اثر : خبرنـامه انجمـن کتابـداری و اطلاـع رسـانی ایران . س. پنجم ، شـماره ۱، (بهمن و اسـفند ۱۳۸۴).۱۵۹ مصاحبه «بانک اطلاعات فرهنگی». ویژگی اثر : فرهنگ و سـینما. اردیبهشت ۱۳۶۹، ص ۱۴ – ۱۶.۱۶۰ مصاحبه «جایزه ترویـج علم ایران» . ویژگی اثر : مصاحبه. خبرنامه داخلی انجمن ترویج علم ایران. دی ماه ۱۳۸۵۱۶۱ مصاحبه «چه کسانی کتاب نمیخوانند و چرا؟» ویژگی اثر : . ایران. ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۵.۱۶۲ مصاحبه «دایره المعارفها جلوهگاه جهان بینی جوامعند». ویژگی اثر : کیهان فرهنگی. ۱۲۷، خرداد، تیر ۱۳۷۵، ص ۱۰۷– ۱۰۹.۱۶۳ مصـاحبه «دربـاره فصـلنامه کتـاب »؛ ویژگی اثر : آبـان ۱۳۷۵.۱۶۴ مصـاحبه «سرگذشـتنامه و آثار » ویژگی اثر : آرشـیو شفاهی . سازمان اسناد و کتابخانه ملی , معاونت اسناد ،۱۳۸۴۱۶۵ مصاحبه «کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی».

ویژگی اثر : پیـام کتابخانه. ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۱، ص۲۹ —۳۲.۱۶۶ مصاحبه «کتابـداری یا اطلاع رسانی » . ویژگی اثر : لیبر: فصـلنامه انجمن علمی — دانشـجویی کتابـداری و اطلاع رسانی دانشگاه تهران . دوره دوم ، ۴(زمستان ۱۳۸۴).۱۶۷ مصاحبه «معلم دورتریـن روزهـا». ویژگی اثر : ایران. ۲۷ آبان ۱۳۸۳.۱۶۸ مصـاحبه «ناکـامی همایشـها در بهبود اوضـاع» ویژگی اثر : . ایران. ۴ مهر ۱۳۸۳.۱۶۹ یادداشت ها و نگرشـها ": اشارهای به فلسفه کتابداری. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۷۰ یادداشت ها و نگرشها: "زمزمه کتابخـانه ملی در شـصت سالگی . "ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فراینـدها. تهران: نشـرکتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۸- ۱۲۰۱۷۱ یـادداشت هـا و نگرشــها ": لجـاجت علمی . "ویژگی اثر : اطلاـع رسـانی : نگرش هـا و پژوهش هـا. تهران : نشـرکتابدار، ۱۳۷۸،ص. ۱۶۴-۱۶۶۱۷۲ یادداشت ها و نگرشها ": مدیریت رسانه ها. " ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها . تهران : نشر کتابدار،۱۳۷۸، ص.۲۳۱-۲۳۵۱۷۳ یادداشت ها و نگرشـها ": هدایت گری در آموزش متوسـطه. " ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران : نشـرکتابدار، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۲-۲۰۳۱۷۴ یادداشت ها و نگرشـها": آموزش کتابـداری در ایران. "ویژگی اثر : پیـام کتابخانه، ۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۸- ۲۱.۱۷۵ یـادداشت هـا و نگرشـها": اطلاع باوری. "ویژگی اثر : فصـلنامه کتاب. ۴، تابستان ۱۳۷۵، ص ۵۱۷۶ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع رسانی، رسالت آموزش عالی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۵- ۷.۱۷۷ یـادداشت هـا و نگرشـها": اطلاـع شناسـی. "ویژگی اثر : فصـلنامه کتـاب. ۳. پـاییز ۱۳۷۲، ص ۳۹۳- ۳۹۵.۱۷۸ یادداشت ها و نگرشها": اقتصاد اطلاعات. "ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی. ۳- ۴، سال ۱۳۶۸، ص ۱- ۴.۱۷۹ یادداشت ها و نگرشـها": انتقـال تجربه هـا در دایره المعـارف نگـاری ایران معاصر. ویژگی اثر : کتـاب مـاه کلیات.۱۲، آذر ۱۳۷۷، ص ۸.۱۸۰ یـادداشت هـا و نگرشـها": ایـدز تکنولوژیکی. ویژگی اثر : اطلاع رسانی:نگرشـها و پژوهشـها. تهران:نشـر کتابـدار، ۱۳۷۸،ص۲۳۶- ۲۳۸۱۸۱ یادداشت ها و نگرشها": اینترنت در کتابخانه "ویژگی اثر : . کتاب ماه کلیات.۴۱ و ۴۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۰، ص ۴۰ —۴۱. . کتاب ماه کلیات.۴۱ و ۴۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۰، ص ۴۰ — ۴۱.۱۸۲ یادداشت ها و نگرشها": برنامه ریزی آموزشی." ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشـها و پژوهشـها. تهران: نشـر کتابـدار، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴ - ۲۰۶.۱۸۳ یـادداشت ها و نگرشـها": برنامه مدیریت نظامهای اطلاعاتی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۵- ۶.۱۸۴ یادداشت ها و نگرشها": تأمل در مصرف." ویژگی اثر : فصـلنامه کتـاب. ۱. بهار ۱۳۷۷، ص ۵- ۶.۱۸۵ یـادداشت هـا و نگرشـها": تـداخل در وظایف سازمانی. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۲۸- ۲۳۰۱۸۶ یادداشت ها و نگرشها": تکثر یا وحدت. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی:نگرشـها و پژوهشها. تهران:نشر کتابدار، ۱۳۷۸،ص.۲۸- ۳۰.۱۸۷ یادداشت ها و نگرشـها": جوان مسلمان، رسانه و موج چهارم. "ویژگی اثر : فصـلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۷۶، ص ۷- ۹.۱۸۸ یادداشت ها و نگرشـها": در جستوجوی هویت. "ویژگی اثر : اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۳- ۱۶.۱۸۹ یادداشت ها و نگرشها": دسترس پذیری. اطلاع رسانی: نگرشـها و پژوهشها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار ،۱۳۷۸،ص۲۲۲- ۲۲۷.۱۹۰ یادداشت ها و نگرشها": رویارویی با رسانه ها. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشـها و پژوهشـها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۳- ۲۷.۱۹۱ یادداشت ها و نگرشـها": سیاست مجموعه سـازی. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشـها و پژوهشـها. تهران: نشـر کتابـدار، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹- ۲۲۱.۱۹۲ یـادداشت ها و نگرشـها": ضـرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : فصـلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۲- ۱۸.۱۹۳ یادداشت ها و نگرشها": عمر مجلات. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نظامها و فرآیندها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰- ۱۷۲.۱۹۴ یادداشت ها و نگرشـها": گزارش سـفر مالزی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۴۳- ۱۶۰.۱۹۵ یادداشت ها و نگرشها": مرگ کتاب . "اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها . ویژگی اثر : تهران : نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۷-۱۶۹۱۹۶ یـادداشت هـا و نگرشــها": نیروی انسـانی کتابخـانه ملی. " ویژگی اثر : اطلاـع رسـانی : نظـام هـا و فراینـدها . تهران: نشــرکتابدار، ۱۳۷۸۱۹۷ یادداشت ها و نگرشـها": هدایت گری در آموزش. " ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران: نشـرکتابدار، ۱۳۷۸ ، ص. ۱۹۹-۲۰۱

حریرچی، فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، دکترای زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

مربی زبـان و ادبیـات عربی در سـال ۱۳۴۸، اسـتادیار در سال ۱۳۵۶، دانشـیار در سال ۱۳۶۳ و اسـتاد زبان و ادبیات عربی دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عضو فرهنگستان بین‌المللی زبان و ادبیات عربی سوریه، تدریس در دانشگاه تهران، تربیت ۲۰۰ عضو هیأت علمی برای دانشگاههای کشور، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات عربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات عربی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حریرچیان، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به ساعی. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، در رشته‌ی علوم اقتصادی و روزنامه‌نگاری به تحصیلات ادامه داد و فارغ‌التحصیل شد، پس از آن همکاری با مطبوعات را آغاز کرد و به نشر آثار منظوم و منثور پرداخت. وی به منور مطالعه به کشورهای اروپایی و آسیایی سفر کرد و پس از درگذشت سید اشرف‌الدین، مدیر روزنامه «نسیم شمال»، اقدام به تاسیس روزنامه‌ای با همین نام کرد. وی به فعالیتهای ادبی علاقه‌مند بود و شعر را نیکو می‌سرود. ساعی در بعضی انجمنهای ادبی از جمله صائب شرکت داشت. از آثار او: «گلزار ساعی»؛ «حمید و حمیده»؛ «ماکسیم گورکی»؛ «آقاخان محلاتی و فرقه‌ی اسماعیلیه»؛ «پنجاه و یک حکایت»؛ «ارفع نامه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۰۰ -۲۹۸ /۴)، سخنوران نامی معاصر (۱۶۹۳ -۱۶۸۹ /۳)، مولفین کتب چاپی (۲۱۵/۵).

حریری، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و پزشک. در شهر تبریز به دنیا آمد و علوم ابتدایی و متوسطه را در همان شهر فراگرفت. وی از همدرسان شهریار و غلامحسین رعدی و حسنعلی پسیان بود. از آنجا به تهران آمد و در رشته‌ی حقوق به تحصیل مشغول شد. پس از اخذ لیسانس به تبریز بازگشت و در آنجا به انتشار روزنامه‌ی مستعجل «اردیبهشت» پرداخت. حریری پس از چندی به تهران آمد و با استاد ملک‌الشعرا بهار وهاشم افسر مصاحبت کرد و با رموز شعر و شاعری آشنا شد. وی به اروپا سفر کرد و در رشته‌ی طب و داروسازی به تحصیل پرداخت و به درجه‌ی دکتری نایل آمد. سپس به تهران آمد و چندی با سمت دانشیاری در دانشکده‌ی پزشکی مشغول کار شد. سپس به اروپا مراجعت کرد و در پاریس اقامت گزید. و برای برخی از مجلات پایتخت از جمله «یغما» و «وحید» مقاله می‌نوشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۱۳/۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۱۱۳ -۱۱۱۱ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۵۰).

حریری، قاسم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم بن علی بن محمد عثمان حریری حرامی مکنی به ابومحمد از ادبای مشهور ایرانی، از مردم بصره (و. قریه میشان نزدیک بصره ۴۴۶- ف. بصره ۵۱۵ یا ۵۱۶ ه.ق.). وی از ایمه‌ی عصر خویش بود و در مقامه نگاری مهارت تام داشت و «مقامات حریری» از شاهکارهای ادب عرب از اوست.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حزنی مکریانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷ -۱۲۹۶ ق)، شاعر و روزنامه‌نگار. در مهاباد متولد شد. وی از آغاز جوانی به مسایل کردشناسی و تحقیق درباره‌ی زبان و ادبیات کردی و روزنامه‌نگاری علاقه‌مند بود. برای ادامه‌ی تحصیل به عراق رفت و برای نخستین بار در حلب چاپخانه کردستان را

دایر کرد و پس از آن در روانـدوز، چاپخـانه‌ی زاری کرمانجی را به کار انـداخت. وی نخستین روزنامه‌نگار کرد و اولین کسـی بود کـه به چـاپ و نشـر آثـار کردی و تحقیـق دربـاره‌ی کرد و کردسـتان دست زد. حزنی در بغـداد درگـذشت و در اردبیـل دفن شـد. روزنامه‌هـایی کـه حزنی اداره می‌کرد عبارتنـد از: «گوقـاری رونـاکی»، اربیـل ۱۹۳۶ میلادی؛ «خـونچه‌ی به هارسـتان»؛ «خوشـی و تورشی»؛ «ئاوریکی پاشه وه»؛ «کوردستانی موکریان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۷ -۳/۸۶).

حزین لاهیجی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۱ -۱۱۰۳ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به حزین و معروف به شیخ علی حزین. وی در اصـفهان متولد شد. بعد از هجوم افاغنه در سال ۱۱۳۵ ق به اصـفهان، از آن شـهر فراری شد و سرگردان، تا اینکه در سال ۱۱۴۶ ق از ترس نادرشاه به هنـد رفت و تا آخر عمر حدود سی و پنج سال در هندوستان زندگی کرد و در سال ۱۱۸۱ ق در حدود هفتاد و هشت سالگی در بنارس درگذشت و در همـان شـهر دفن شـد. او از احفاد شـیخ زاهـد گیلانی، عارف معروف، بوده است و خطوط را بسیار نیکو می‌نوشت و صاحب کمالات صوری و معنوی بود. او سرگذشت خود و حوادث و وقایع عصر خویش را با احوال و اوضاع سیاسـی به قلم شیوایی نوشته است. حزین بـا اکثر علوم و فنون آشـنایی کامـل داشت. تالیفـات متعـددی در نظم و نثر به عربی و فارسـی داشـته که مهمترین آنها عبارت‌انـد از: «تـذکره‌ی شـعرا»؛ «تاریـخ حزین»؛ «دیوان» اشـعار؛ «کلیـات» شامـل قصایـد، قطعـات و مثنویهای «صـفیر دل»؛ «چمن و انجمن»؛ «مطمح الانظار»؛ «فرهنگنامه»؛ و «تذکارات العاشقین»، در برابر «لیلی و مجنون».[1]

(ع. بخش ۱) (شیخ) محمدعلی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی (و. اصـفهان ۱۱۰۳ ه.ق./ ۱۶۹۱ م.- ف. بنارس (هنـد) ۱۱۸۱ ه.ق./ ۱۷۶۷ م.). وی از اعقـاب شـیخ زاهـد گیلانی است. اجـدادش در لاهیجـان سـکونت داشـتند و پـدرش از آنجـا به اصـفهان رفت و محمـدعلی در آن شـهر تولـد یافت، و در حمله افغانان از اصـفهان بیرون شد، و پس از سـفر در بلاد ایران و عراق و حجاز و یمن به هند شـتافت و تا پایان عمر در آن ناحیه بود. حزین کتابی در احوال شاعران به نام «تذکره حزین» و سرگذشتی به نام «تاریخ حزین» دارد که هر دو حاوی اطلاعات سودمندست. حزین دیوان اشعار خود را در چهار قسمت مدون کرده، و آن مشتمل بر انواع مختلف شعر است سخن او متوسط و مقرون به سادگی و روانی و حد فاصلی است میان سبک شاعران قدیم و سبک هندی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :[1] الاعلام (۱۸۹/۷)، اعیان الشـیعه (۶/۱۰)، تاریـخ ادبیـات ایران، براون (۱۸۵ -۱۸۲ ،۹۴ -۹۳ /۴)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۳۸۱ -۳۷۹ /۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۵۹ -۳۵۵ /۱)، تذکره المعاصرین (۸۲ -۴۲)، لغت نامه (ذیل/ حزین لاهیجی)، دایرةالمعارف فارسی (۸۴۳/۱)، الذریعه (۱۰۰۱- ۱۹۰ /۲۱ ،۲۳۵/۹ ،۳۵۶/۳)، ریاض العارفین (۶۸)، ریحانه (۴۲ -۴۱ /۲)، سـبک شناسی (۳۰۶ -۳۰۵ /۳)، سـرآمدان فرهنگ (۳۰۱/۱)، سـفینه المحمود (۶۲۵ -۶۲۴ /۲)، سـیری در شعر فارسی (۱۵۰ - ۱۴۸)، شـاعری در هجوم منتقـدان در شـرح احوال و آثار حزین، شام غریبان (۸۷ -۸۶)، شخصیتهای نامی (۱۶۰ -۱۵۹)، شرح حال رجال (۲۲۹/۳)، طرائق الحقـائق (۵۲۰/۳)، فرهنگ ادبیات فارسـی (۱۸۱ -۱۸۰)، فرهنگ سـخنوران (۲۵۲)، گنج سـخن (۱۳۷ -۱۳۴ /۳)، مولفین کتب چاپی (۱۰۴ -۱۰۲ /۴)، مخزن الغرائب (۸۰۵ -۸۰۱ /۱)، معجم المولفین (۱۹/۱۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۹۷ -۳۹۶).

حسابی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۸۱ ش)، فیزیکدان و اسـتاد دانشگاه. در تهران متولد شد. در سال ۱۲۸۶ ش به بیروت عزیمت کرد و تحصـیلات خود را تا سال ۱۲۹۷ ش در مدارس شبانه‌روزی فرانسویها و سـپس آمریکاییها گذراند و به دریافت درجه‌ی کارشناسی نایل شد، سپس در رشـته‌ی مهندسی راه فارغ‌التحصیل شد. وی برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت، ابتدا در رشته‌ی برق، در مدرسه‌ی عالی الکتریسیته تحصـیل کرد، پس از آن از دانشـگاه سـوربن بـه اخـذ درجه‌ی دکـتری فیزیـک نایـل شـد. سـپس به ایران آمـد و به خـدمات مهمی پرداخت، از جلمه: تاسیس دارالمعلمین عالی، ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی، نصب و راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران، واژه گزینی علمی، نوشـتن قانون دانشگاه و تاسیس دانشگاه تهران، تاسـیس دانشـکده‌ی علوم و ریاست آن، پایه‌گـذاری مـدارس عشایری، تاسیس اولین رصد خانه‌ی تعقیب ماهواره در شیراز، شرکت در پایه‌گذار مرکز مخابرات اسدآباد همدان، تصدی وزارت فرهنـگ در دولت مصـدق، تعیین ساعت ایران، پایه‌گـذاری موسسه‌ی ژئوفیزیک دانشگاه تهران، تاسیس مرکز اتمی، پایه‌گـذاری مرکز تحقیقات و رآکتور اتمی دانشگاه تهران در زمان ریاست دانشـکده‌ی علوم. حسابی اسـتاد ممتاز دانشگاه تهران و مرد سال از سوی انستیتوی زیست نگاری بین‌المللی در سال ۱۳۶۹ ش بود. وی علاوه بر تحقیق و انتشار مقاله و کتابهای علمی در دوره‌های اول تـا سـوم مجلس سـنا، نماینـده‌ی انتصـابی شـهر تهران بـود. در تهران درگـذشت. در تفرش دفن شـد. برخی از آثـار وی: «دارالفنـون آمریکایی بیروت»؛ «نامهای ایرانی»؛ «دیـدگانی فیزیکی»؛ کتابی در «الکترودینامیک»؛ «نگره کاهنربایی»؛ کتاب «دیدگان گوانتیک»؛

کتاب «فیزیک حالت جامد»؛ کتاب «وندها و گهواژه‌های فارسی»؛ «فیزیک دوره‌ی اول متوسطه».[۱]

متولد ۱۲۸۲، فرزند معزالسلطان است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس فرانسوی و آمریکائی بیروت به اتمام رسانید و از دانشکده‌ی آمریکائی بیروت در رشته‌ی ریاضیات فارغ‌التحصیل گردید. مدتی در پاریس و شیکاگو ادامه‌ی تحصیل داد و درجه‌ی مهندسی راه و ساختمان و دکترای فیزیک دریافت کرد. در آمریکا مدتی دستیار اینشتین ریاضیدان و فیزیکدان معروف بود و رابطه‌ی خود را تا آخر عمر او حفظ کرد. پس از مراجعت به ایران، به استادی دانشگاه جدیدالولاده‌ی تهران برگزیده شد و تدریجاً به معاونت و ریاست دانشکده‌ی علوم رسید. مدتی هم ریاست دانشکده‌ی فنی تهران با او بود. در ۱۳۳۰ در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق به وزارت فرهنگ منصوب شد، ولی دوران وزارت او طولانی نبود. مجدداً به دانشگاه بازگشت و به تدریس پرداخت. در انتخابات دوره‌ی اول سنا که در ۱۳۲۸ انجام یافت، سناتور انتصابی تهران شد. او از رجال دانشمند و از فیزیکدانان خوب ایران است. علاوه بر این، در مجامع بین‌المللی نیز شهرت داشته است. او در فارسی‌نویسی سلیقه‌ی خاصی دارد و نظریات خود را در این باره نوشته است. در زمینه‌ی فیزیک تألیفاتی دارد که در دانشگاه تدریس می‌شد. خیابان و چهارراه حسابی در شمیران به نام او نامگذاری شده است. در ۱۳۷۱ درگذشت.

محقق، فیزیکدان.

تولد: ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت: ۱۲ شهریور ۱۳۷۱، ژنو.

محمود حسابی، فرزند عباس معزالسلطنه اهل تفرش، در سن چهار سالگی که سفارت ایران در بغداد به پدربزرگ ایشان واگذار شده بود به همراه خانواده به آن شهر رفت. پس از دو سال اقامت در بغداد به همراه خانواده به دمشق رفت و پس از یک سال به شهر بیروت عزیمت نمود. در سن هفت سالگی در مدرسه‌ی فرانسوی در بیروت به طور شبانه‌روزی مشغول تحصیل شد.

محمود حسابی تحصیلات ابتدایی را در همان مدرسه به پایان رسانید. با آغاز دوره‌ی متوسطه که مقارن با شروع جنگ جهانی اول بود مدرسه‌ی فرانسویان در بیروت تعطیل شد و از آن پس در منزل از یک معلم خصوصی درس گرفت و از مادر زبان فارسی آموخت و از جمله قرآن، گلستان و بوستان سعدی و غزلیات حافظ و منشآت قائم مقام فراهانی را مطالعه نمود. وی پس از دو سال برای ادامه‌ی تحصیل به مدرسه‌ی آمریکایی بیروت وارد شد. ابتدا به دلیل عدم آشنایی به زبان انگلیسی وی را در کلاس اول ابتدایی ثبت نام کردند ولی در آخر سال تحصیلی زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت و در امتحانات عمومی مدرسه شرکت و مربیانش پذیرفتند که به کلاس پنجم ارتقا یابد. پس از آن در کالج آمریکایی بیروت ثبت نام کرد. وی موفق شد که پس از اتمام کالج تحصیلات عالی خود را شروع کند. در سال ۱۲۹۹ لیسانس علوم و ادبیات خود را از آنجا دریافت کرد. سپس در دانشکده‌ی مهندسی بیروت به تحصیل مشغول شد و مدرک مهندسی راه و ساختمان خود را از آن مدرسه در سال ۱۳۰۱ دریافت کرد. وی همچنین به تحصیل علوم پزشکی و نجوم و ریاضی در دانشگاه آمریکایی بیروت پرداخت و در رشته‌های زیست‌شناسی و برق به تحصیل مشغول شد. وی سپس در سال ۱۳۰۵ در مدرسه‌ی عالی معدن در پاریس مدرک خود را دریافت و در سال ۱۳۰۶ دکترای فیزیک خود را از دانشگاه سربن پاریس اخذ نمود. از جمله فعالیت‌های وی پیش از آن که به ایران باز گردد، میتوان به این موارد اشاره کرد: تعیین نقشه‌ی راه‌های لبنان، ۱۹۲۱ م.؛ انجام وظیفه به عنوان مهندس راه و ساختمان در اداره‌ی راه سوریه، ۱۳۰۲؛ مهندسی برق در راه‌آهن برقی دولتی فرانسه، ۱۳۰۴. دکتری حسابی در سال ۱۳۰۶ به ایران بازگشت و در ابتدا در وزارت فواید عامه از دی ماه همان سال استخدام گردید. از جمله‌ی فعالیتهای وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تأسیس مدرسه‌ی مهندسی وزارت راه و تدریس در آن در سال ۱۳۰۷؛ نقشه‌کشی و نقشه‌برداری راه‌های ساحلی ایران میان بنادر خلیج فارس از بوشهر تا بندر لنگه در سال ۱۳۰۷؛ تأسیس دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی) (۱۳۰۷)؛ ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی (۱۳۱۰)؛ تأسیس اولین بیمارستان خصوصی ایران (گوهرشاد)، ۱۳۱۲؛ تهیه‌ی نقشه راه تهران به شمشک؛ نصب و راه اندازی اولین دستگاه رادیولوژی کشور (۱۳۱۰)؛ شروع واژه‌گزینی علمی (۱۳۱۲)؛ تأسیس و همکاری در قانونگذاری دانشگاه تهران (۱۳۱۳)؛ تأسیس دانشکده‌ی فنی (۱۳۱۳)؛ و به عهده‌گیری ریاست آن تا سال ۱۳۱۵ و تدریس آن را به عهده گرفت و به تدریس فیزیک در آن پرداخت)؛ تأسیس نخستین رصدخانه برای پی‌گیری اطلاعات ارسالی از ماهواره‌ها در شیراز؛ تعیین ساعت ایران؛ تأسیس مؤسسه‌ی ژئوفیزیک دانشگاه تهران؛ تأسیس مرکز اتمی ایران؛ پایه‌گذاری اولین مدارس عشایری، کردستان، ۱۳۳۰؛ اولین رییس هئیت مدیره‌ی خلع ید از شرکت نفت انگلیس در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق؛ مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران؛ وزیر فرهنگ در دولت دکتر محمد مصدق؛ تدریس در دانشگاه تا سن نود سالگی؛ عضو دائمی شورای اتمی شیکاگو؛ عضو آکادمی علوم نیویورک؛ عضو پیوسته شورای دانشگاه؛ عضو شورای عالی فرهنگ؛ عضو انجمن اصطلاحات علمی؛ رییس انجمن پژوهش فضای ایران (هنگام تشکیل آن)؛ رییس انجمن ژئوفیزیک ایران (هنگام تشکیل آن) پایه‌گذاری انجمن موسیقی ایران، تشکیل فرهنگستان زبان ایران؛ تدوین قانون و تشکیل مؤسسه‌ی استاندار؛ تحقیق و مطالعات علمی در دانشگاه‌های جهان در کنار دانشمندانی نظیر پروفسور انیشتن، شرودینگر، بورن، فرمی و چند فیزیکدان دیگر و تبادل نظر با برتراند راسل و آندره ژید. وی تنها ایرانی شاگرد پروفسور آلبرت انیشتن بود و با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و عربی آشنایی و نسبت به زبان‌های سانسکریت، یونانی، لاتین، پهلوی، اوستا، ترکی و ایتالیایی اشراف داشت، علاوه بر نگارش مقاله‌ها و رساله‌هایی و قرائت برخی از آنها در کنفرانس‌های بین‌المللی، از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حساسیت سلول‌های فتوالکتریک؛ رساله‌ی راه ما به زبان فرانسوی، ۱۹۳۵ م.؛ نام‌های ایرانی (۱۳۲۹)؛ فیزیک جدید و فلسفه ایران باستان (۱۳۴۳)؛ توانایی زبان فارسی (۱۳۵۰)؛ کتاب فیزیک دوره‌ی اول متوسطه (۱۳۱۸)؛ دیدگانی فیزیک (مبحث تداخل و پراش نور، گردآورنده نیره حمزه و مهدی خاتمی، جلد اول، ۱۳۴۱، نشریه‌ی ۷۲۴ دانشگاه)؛ الکترودینامیک، فیزیک، نگره‌ی کاهنربایی؛ فیزیک حالت جامد؛ دیگانی کوانتیک؛ دارالفنون امریکایی بیروت (بیروت، ۱۲۹۴، م.).

در سال ۱۳۶۶ در کنگره‌ی شصت سال فیزک ایران از خدمات دکتر حسابی به عنوان «پدر فیزیک نوین ایران» قدردانی شد، جوایز

دیگر اسناد عبارتند از: استاد ممتاز دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، دریافت نشان افتخار «کومان دو لژیون دونور»، بالاترین نشان علمی فرانسه، به مناسبت ارائه‌ی فرضیه بی‌نهایت بودن ذرات، نامزدی دکتر حسابی به عنوان مرد سال از سوی مؤسسه‌ی زیست نگاری بین‌المللی (آمریکا).

پروفسور محمود حسابی در ۱۲ شهریور سال ۱۳۷۱ هنگام معالجه‌ی بیماری قلب در بیمارستان دانشگاه ژنو بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۰ -۸۸ /۳)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۷، ص ۱۵ -۴)، مولفین کتب چاپی (۲۴ -۲۳ /۶)، میراث ماندگار (۳ و ۹۸ -۸۳ /۴).

حسام الواعظین، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا محمد علی علاقبند بن ملا اسماعیل بن علی بن جعفر بن حسن اصفهانی. واعظ جلیل، و فاضل محدث خبیر، ادیب شاعر و خطاط، از خطبای طراز اول اصفهان بلکه ایران به شمار می‌رفت.

در ۱۳۰۱ متولد، و در شب جمعه ۱۳ ربیع الاول سال ۱۳۸۱ وفات یافته، در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.

در اصفهان خدمت: آقا سید محمود کلیشادی، و ملا محمد حسین کرمانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای تحصیل نمود. سال‌ها در طهران ساکن، و به وسیله‌ی شمس العرفا در سلسله‌ی فقر [!] وارد شده و به تصفیه‌ی نفس پرداخته، سپس به اصفهان مراجعت نموده و به وعظ و ارشاد پرداخته، الحق واعظی شیرین بیان، و محدثی طلیق اللسان بود. شعر خوب می‌سرود، و خط نستعلیق را در نهایت استادی می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسامی، فاضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل حسامی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۸/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب فاضل حسامی فرزند عباس متولد ۱۳۴۱ آبادان تحصیل دروس حوزوی تا خارج فقه نزد اساتید بزرگواری چون حضرات حجج اسلام آقایان اسلامی . نواب ، خسرو شاهی، رجائی ، موسوی تهرانی ، و صالحی افغانی و نیز حضرات آیات آقایان وجدانی فخر (ره) پایانی ، ستوده ، بهبودی ، مومن ، مظاهری ، مکارم شیرازی و خاتم یزدی .تحصیل در زمینه الهیات و معارف اسلامی از سال ۱۳۶۵ تا پایان آن دوره در موسسه در راه حق قم. در سال ۱۳۶۹ برای ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی که در آن زمان بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) نام داشت ، پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شدم .به دلیل علایق حوزوی ، موضوع پایان نامه صبغه جامعه شناسی فقه و نیز جامعه شناسی دین به خود گرفت .همزمان با تحصیل و در ادامه آن مسئولیت های اجرائی نیز عهده دار بودم که می توان مدیریت تحصیلات تکمیلی ، دبیری گروه جامعه شناسی ، مدیریت مالی ، معاونت اداری - مالی و نیز دبیر کلی انجمن فارغ التحصیلان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نام برد

حسن زاده آملی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و

در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد ۱۵ شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:

(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانی

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانی و اخلاقی

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه

الهی نامه متن الهی نامه

انسان در عرف عرفان

کلمه علیا در توقیفیت اسماء

اصول و امّهات حکمی و عرفانی

تصحیح رساله مکاتبات

تصحیح و تعلیق تمهید القواعد

تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری

تصحیح و تحشیه رساله تحفهٔ الملوک فی السیر و السلوک

مفاتیح المخازن

شرح فصوص الحکم

مشکاهٔ القدس علی مصباح الأنس

شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ

نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور

باب رحمت

نامه ها برنامه ها

قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند

آثار فلسفی و منطقی

اتحاد عاقل به معقول

نصوص الحکم بر فصوص الحکم

رساله جعل

صد کلمه

تصحیح اسفار اربعه

تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء

رساله ای در تضاد

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله ای در حرکت جوهری

ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم

رساله نفس الأمر

نهج الولایه

درر القلائد علی غررِ الفَرائد

النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی

مفاتیح الاَسرار لسلّاک الأسفار

سرح العیون فی شرح العیون

گشتی در حرکت

الحجج البالغهٔ علی تجرد النفس الناطقهٔ

گنجینه گوهر روان

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله مُثُل

تصحیح و تعلیق شرح اشارات

ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات

تصحیح و تعلیق شفا

ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرَّأیَین

رساله اعتقادات

الأصول الحکمیّهٔ

رساله رؤیا

من کیستم

رسالهٔ فی التضاد

دروس معرفت نفس

نثر الدراری علی نظم اللئالی

آثار فقهی

رساله ای در مسائل متفرقه فقهی

تعلیقات علی العروهٔ الوثقی فی الفقه

وجیزه ای در مناسک حج

آثار تفسیری

تصحیح خلاصهٔ المنهج

انسان و قرآن

آثار کلامی

خیر الأثر در رد جبر و قدر

تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار

لیلهٔالقدر و فاطمه علیها السلام

رسالهٔ فی الإمامهٔ

رساله ای در کسب کلامی

فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب

رسالهٔ حول الرؤیا

آثار روایی

تصحیح نهج البلاغه

تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّهٔ)

تکملهٔ منهاج البراعهٔ

مصادر و مأاخذ نهج البلاغه

انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه

شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین

آثار ریاضی و هیوی

دروس معرفهٔ الوقت و القبلهٔ

رساله کلّ فی فلک یسبحون

رساله ای در تناهی ابعاد

تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعهٔ الأصطرلاب للبیرونی

تعیین سمت قبله مدینه

الصحیفهٔ العسجدیّهٔ فی آلاتٍ رصدیّهٔ

الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری

رساله سی فصل

تعلیق تحفهٔ الأجِلّهٔ فی معرفهٔ القبلهٔ

رساله قطب نما و قبله نما

تعلیقه بر رساله مولا مظفر

رساله میل کلّی

رساله ظِلّ

رساله تکسیر دایره

تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّهٔ الابصار
رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور
رسالهٔ فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج
رسالهٔ فی الصّبح و الشّفق
رساله ای پیرامون فنون ریاضی
رساله ای در مطالب ریاضی
دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی
تصحیح و تعلیق شرح جغمینی
تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس
تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس
تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس
شرح زیج بهادری
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب
تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی
استخراج جداول تقویم
تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون
دروس معرفت اوفاق
شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی
تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان
تصحیح کلیله و دمنه
تصحیح و اعراب اصول کافی
دیوان اشعار
قصیده یَنبوع الحیاهٔ
مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین
تعلیقه بر باب توحید حدیقهٔ الحقیقهٔ
تصحیح گلستان سعدی
تعلیقه بر قسمت معانی مطوّل
امثال طبری
آثار متفرقه
تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن
هزار و یک نکته
هزار و یک کلمه
مجموعه مقالات
ده رساله فارسی
کشیکل
مصاحبات مناجات علامه حسن زاده
– الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟
– الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر
– الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
– الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده
– الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
– الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد
– الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
– الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
– الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی
– الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
– الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
– الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
– الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
– الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!
– الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک است و میوه‌اش شیرین خواهد بود ؛و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را دریاب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است ؛و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش ؛» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسن زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله حسن زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۴ قدم به حوزه علمیه قم گذاشتم. دروس حوزه از ادبیات، معانی بیان، منطق، کلام، فلسفه، اصول، فقه و عرفان را گذراندم. سالیانی هم در درس خارج شرکت کردم. از سال ۶۳ پا به عرصه ادبیات و هنر گذاشتم. در این زمینه درس های ادبیات معاصر، آیین نگارش و ویرایش، ادبیات دراماتیک، داستان نویسی، نمایش نامه نویسی، فیلمبرداری، فیلنامه نویسی، نقد و تحلیل فیلم، کارگردانی سینما، طراحی و نقاشی، عکاسی و ادبیات کودکان و نوجوانان را گذراندم. اکنون به عنوان مدیر مسئول و سردبیر سلام بچه ها و پوپک و سردبیر سنجاقک و حدیث زندگی ، فعالیت می کنم.

حسن لغذه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعلی حسن بن عبداللّه، معروف به لغذه (به ضم اول و سکون ثانی و فتح ثالث) یا لذکه، از ائمّه نحو و ادب و لغت، و هم طبقه با ابوحنیفه دینوری، و شاگرد زجّاج (متوفّی ۳۱۰) بوده، و با او در علم مخالفت داشته، در [اواخر عمر خود را] عراق از حیث علم و ادب بی نظیر بوده است.

کتب زیر از اوست:

۱- التسمیهٔ ۲- خلق الانسان ۳- خلق الفرس ۴- دیوان اشعار ۵- الرّد علی ابن قتیبهٔ فی غریب الحدیث ۶- الصفات ۷- مختصر النحو ۸- النوادر ۹- نقض علل النحو ۱۰- الهشاشهٔ و البشاشه؛ و غیره.

سال وفاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسنی اردکانی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول حسنی اردکانی

محل تولد : اردکان فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبد الرسول حسنی اردکانی در اردکان فارس شهرستان سپیدان متولد شدم. پس از اخذ مدرک تحصیلی ششم ابتدایی، با رتبه اول در میان ۳۶ نفر دانش آموز، در مدرسه آقا بابا خان شیراز سه سال طلبه بودم . در سال ۴۳ به قم آمدم و با آیت الله مکارم و آیت الله ربانی شیرازی آشنا شدم دو دوره درس خارج اصول آیت الله مکارم شرکت کردم. مقداری از اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله سبحانی استفاده کردم. با تایید ستاد انقلاب فرهنگی و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مدت ۱۲ سال در دانشگاه تهران معارف اسلامی تدریس نمودم. مدت ۸ سال در دانشگاه آزاد قم و سه سال در دانشگاه قم تفسیر قرآن و نهج البلاغه تدریس نموده ام. شرح لمعه و رسائل را نیز در حوزه تدریس نموده ام . از محضر آیت الله گلپایگانی، نوری همدانی، محمدی گیلانی، انصاری شیرازی و مقداری هم از محضر استاد مطهری استفاده کرده ام.

دارای مدرک لیسانس از دانشگاه قم می باشم سال ۱۳۶۱، بیشتر از همه اصول و فقه و تفسیر و عقاید را از محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی بهره مند شده ام. مدت ده سال از سال ۶۴ تا سال ۷۴ مسئول تبلیغات اسلامی راه آهن استان مرکزی از قم تا نزدیک درود انجام وظیفه تبلیغی داشته ام.قائم مقام معاونت تهذیب و اخلاق حوزه علمیه قم مرکز مدیریت هستم. در ماه محرم ۵۶ به جای حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله مجد الدین محلاتی شیرازی در ایرانشهر دهه عاشورا سخنرانی داشتم روز سوم بود،عصرها جلسه عقائد برای نسل جوان داشتم بعد از جلسه متوجه روحانی بزرگواری شدم که در گوشه حسینیه نشسته بودند نزدیک رفتم سلام و احترام کردم فرمود "سید علی خامنه ای" هستم به ایرانشهر تبعید شده ام. تا روز ۱۳ محرم که در ایرانشهر بودم شبانه روز در خدمتشان بودم شب ها که سخنرانی می کردم حضور داشتند. چند بار با اساتید دانشگاه شرفیاب محضر ایشان شدم که مورد لطف و عنایت خاص قرار دادند.

حسنی آملی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسنی آملی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

فرزندی از پدر و مادری متدین در سال ۱۳۵۴ دیده به جهان گشود او را علی نامیدند او فرزند سوم خانواده بود دوران کودکی و نوجوانی را در فضایی بی آلایش روستا سپری کرد و با اتمام دوره راهنمایی عازم شهری بزرگ و معروف که تاریخ طولانی در تشیع داشت و مرکز حوزه های علمی شیعه به حساب می آمد (قم) گردید و در مدرسه شهیدین (بهشتی و قدوسی ره) مشغول به تحصیل در علوم دینی شد. در حدود ده سالی که در این مدرسه ساکن بود مراحل مقدمات و سطح دروس حوز های علمیه را به پایان برد و هم زمان با شروع به تحصیل کتاب مکاسب و رسائل شیخ اعظم انصاری ره در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی معارف اسلامی گردید.بعد از اتمام دروس سطح حوزه در دوره تخصصی فقه و اصو ل مدرسه شهیدین شرکت کرده واز سوی دیگر همزمان با آن در دوره کارشناسی ارشد دین شناسی مؤسسه امام خمینی قبول شده که ادامه آن منجر به قبولی در رشته ادیان در سطح دکتری همان مرکز شد.لازم به ذکر است او از زمانی که توانایی تبلیغ را پیدا کرده است به مدت ده سال هر زمان که فرصتی حاصل می شد به تبلیغ در جامعه و دانشگاهای کشور نیز می پرداخت

حسنی برقعی، عماد الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عماد الدین حسنی برقعی (مبرقعی) ، به سال ۱۳۰۰ در مشهد چشم به جهان گشود. عماد دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود. عماد تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد.گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی دان خود شعر می گذاشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نسبت عماد الدین حسنی برقعی به موسی مبرقع پسر امام محمد تقی (ع) ملقب به جواد می رسد. عماد الدین از طرف پدر و مادر هر دو سید است. پدرش سید محمد تقی معین دفتر از صاحب منصبان آستان قدس رضوی و مادرش بی بی حرمت از خانواده ای صاحب ذوق و اهل ادب بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عماد الدین حسنی برقعی دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود.

فعالیتهای ضمن تحصیل : عماد الدین حسنی برقعی از ابتدای نوجوانی سعی داشته است هر چه بتواند هنر بیشتری در خود خلق کند.

استادان و مربیان : عماد الدین حسنی برقعی بر اثر تشویق پدر توانست یکی از شعرای معروف و شوریده حال خطه خراسان شود.

همسر و فرزندان : عماد الدین حسنی برقعی یک بار ازدواج نمود ولی همسرش هشت ماه پس از ازدواج فوت کرد و شاعر دیگر همسری اختیار نکرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عماد الدین حسنی برقعی تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد. گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی دان خود شعر می گذاشت.

آرا و گرایشهای خاص : دکتر غلامحسین یوسفی درباره شعر عماد الدین حسنی برقعی و سبک او چنین اظهار نظر می کند: « عماد که به شعر ایرج و ساده گوئی و صداقت وی علاقه و توجهی بارز نشان می دهد خود نیز در شعر زبانی روان ، گویا ، گیرا ، زنده ، و پر احساس بکار می برد ؛ که در عین حال فصحیح و شیواست. » مهدی اخوان ثالث نیز دربارهٔ شعر عماد چنین می گوید: « سخن عماد چنانکه دیوانش گواهی می دهد ، اغلب فصیح و بلیغ و بلند است. اما اگر گواهی ترک اولی و فتوری در کلامش دیده شود ، بیشتر از آن جهت است که: او بعد از سرودن و فرود آمدن از حال سرایش و تغنی در موالید طبع خود کمتر تجدید نظر و آرایش یا به قول خودش (رتوش) روا می دارد... و اما نظیر این فتور گاهگاه و اندک در سخن همه کس حتی بزرگانی چون فدروسی و سعدی و حافظ نیز هست. کدام ژرف بین بی غرضی است که منکر این امر باشد؟ اگر اصالت و قدمت نسخه را یکسو نهیم ، بسیاری موارد هست که حتی در دیوان حافظ ، تصرف مردم بعضی شعرها را را حال خوشتر داده... این امر طبیعی است که چشمه ها و جویبار ها نیز جوشش و زلال آبشان همیشه به یک حال نیست... از این رو من معتقدم که این فراز و فرودها در شعر شاعران اصیل امری طبیعی است و کمتر جای چند و چون دارد ، زیرا حال آدمی هم همیشه به یک منوال نیست.» --

آثار :

۱ ورقی چند از دیوان عماد

ویژگی اثر : مهدی اخوان ثالث در مقدمه این کتاب شرح حال و زندگی نسبتا کاملی از عماد را تحریر نموده و منتشر گردیده که بارها تجدید چاپ شده است. --

منابع :

۱از بهار تا شهریار ، تالیف حسنعلی محمدی ، ج ۲ ، تهران ، انتشارات ارغنون ، ص ۵۱۸

حسنی بسطامی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالرسول بن العالم الجلیل ملا فضل‌الله بسطامی بن العلامه ملا نور محمد (از اعاظم شاگردان مرحوم حجه‌الاسلام شفتی اصفهانی) میباشد. وی در سال ۱۲۹۰ شمسی در بسطام متولد شده و پس از رشد در سال ۱۳۴۸ قمری برای تحصیل بقم آمده و ادبیات را از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و مرحوم حجه‌الاسلام ادیب تهرانی فرا گرفته و سطوح را از آیه‌الله حاج شیخ علی‌اصغر صالحی کرمانی و آیه‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مرحوم آیه‌الله حاج میرزا شهاب همدانی و مرحوم آقا شیخ حسین گیلانی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی بپایان رسانیده و از درس خارج

مرحوم آيه‌الله العظمی حجت و آيه‌الله خونساری و ديگران استفاده نموده و پس از دوازده سال توقف در قم در سال ۱۳۶۰ قمری مهاجرت به بسطام نموده و تاکنون بتبليغ احکام و ترويج دين و اقامه جماعت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجينه دانشمندان (جلد سوم)

حسنی گلستانه، محمود

قرن:۸

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(س هشتم ق)، اديب و شاعر، متخلص به محمود. وی از سادات حسنی اصفهان بود که به گلستانه مشهورند. مولف کتابی است به نام: «انيس الوحده و جليس الخلوه»، در اخلاق، در اين کتاب سودمند برخی از اشعار فارسی و تازی خود را آورده است و پيداست که در شاعری توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :تاريخ نظم و نثر (۲۱۷)، الذريعه (۲۶۹/۲)، کشف الظنون (۱۹۹).

حسنی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسيت:مرد

مليت:ايران

علی اکبر حسنی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعيت : ايران

تاريخ تولد : ۱۳۱۷/۱۲/۴

زندگينامه علمی

اينجانب علی اکبر حسنی فرزند حبيب الله ، اسفند ماه ۱۳۱۷ در لنگرود گيلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبيرستان را همان جا گذراندم . در سال ۱۳۳۲ پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علميه خان ، حجره ای برايم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار ، مقدمات از امثله ، صمديه ، سيوطی ، مغنی ، مطول ، معالم ، قوانين و لمعتين را نزد علما و مدرسين آنروز خواندم ؛ رسائل و مکاسب شيخ انصاری (ره) را نيز خوانده و امتحان دادم .

در سال ۱۳۳۹ با اتمام کفايتين بمدت يکماه و نيم در درس خارج علمی و استدلالی آيت الله شيخ عباسعلی شاهرودی(ره) و نيز آيت الله اراکی(ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشويق واقع شدم که متاسفانه در حملات ساواک به فيضيه ، در دوم فروردين ۱۳۴۲ از بين رفت .بعد از فوت آيت الله بروجردی (ره) در درس امام خمينی (ره) شرکت کردم . بعد از سه سال که تبعيد ايشان به ترکيه و عراق پيش آمد ، به درس مراجع آن زمان آيات عظام گلپايگانی(ره) ، شريعتمداری(ره) ، حائری(ره) ، محقق داماد(ره) و ميرزا هاشم آملی(ره) می رفتم. برخی از کتب آيت الله حکيم(ره) و آيت الله خوئی(ره) را استفاده و مطالعه می کرديم ؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبيقی را نزد آقای مهدی حائری(ره) و برخی دروس تکميلی را نزد مراجع فعلی خواندم .

حسنی، محمد

قرن:۱۵

جنسيت:مرد

مليت:ايران

محمد حسنی

محل تولد : اروميه

شهرت

تابعيت : ايران

تاريخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگينامه علمی

در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ ديپلم علوم تجربی از دبيرستان طالقانی اروميه، در مرکز تربيت معلّم تهران قبول شدم، امّا به علّت علاقه وافر به تحصيل در حوزه علميّه جهت تحصيل علوم دينی وارد حوزه علميّه حضرت وليعصر تبريز شدم و تا سال ۱۳۶۷ در اين حوزه مبارکه مشغول بودم و شرح لمعه و اصول فقه مرحوم مظفر را با موفّقيّت به پايان بردم. در ضمن اين تحصيل به تدريس ادبيات عرب در اين حوزه پرداختم. در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ ديپلم علوم تجربی از دبيرستان طالقانی اروميه، در مرکز تربيت معلّم تهران قبول

شدم، امّا به علّت علاقه وافر به تحصیل در حوزه علمیّه جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه حضرت ولیعصر تبریز شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حوزه مبارکه مشغول بودم و شرح لمعه و اصول فقه مرحوم مظفر را با موفّقیّت به پایان بردم. در ضمن این تحصیل به تدریس ادبیات عربی در این حوزه پرداختم. این مدّت در حوزه علمیّه تبریز مقارن با وقوع جنگ تحمیلی بود که دروس عقب افتاده در اثر شرکت در جبهه های نبرد را در اوقات تعطیلی حوزه جبران می کردم. در سال ۱۳۶۷ جهت ادامه تحصیل در حوزه علمیّه قم، در مدرسه مبارکه امام صادق(ع) که زیر نظر حضرت آیت الله سیّد مهدی روحانی اداره می شد، حجره ای را گرفتم و در درس مکاسب حضرت آیت الله پایانی شرکت و کتاب مکاسب شیخ انصاری را از ایشان بهره بردم. البته مبحث خیارات مکاسب را از محضر حضرت آیت الله سیدعلی محقق داماد فرا گرفتم و همزمان کتاب الرسائل شیخ انصاری را از آغاز تا انتها در محضر استاد حضرت آیت الله اعتمادی بودم که تبحر و اسلوب بیان ایشان شاگردان را مجذوب درس می کرد. در سال ۱۳۷۰ جلد اول کفایهٔ الاصول را از محضر حضرت آیت الله مجد و جلد دوم را از محضر حضرت آیت الله موسوی تهرانی بهره بردم. در سال ۱۳۷۲ در آزمون سراسری دانشگاهها در دو رشته حقوق و اقتصاد نظری در دانشگاه مفید قم پذیرفته شدم که به علّت علاقه به رشته حقوق، در این رشته مشغول به تحصیل شدم. همزمان با دانشگاه در درس فلسفه حضرت استاد مومنی شرکت کردم و کتابهای بدایه و نهایهٔ الحکمه و شرح اشارات را از محضر ایشان بهره بردم و در ایام تعطیلی در طول سال تحصیلی دروس جنبی مثل عروض و قافیه و طب سنّتی را از محضر این استاد فرزانه استفاده می کردم. پس از اتمام دوره کارشناسی حقوق در سال ۱۳۷۶ در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در دانشگاه مفید پذیرفته شدم و پس از اتمام دوره تحصیل در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان« انگیزه و تاثیر آن در تحقق جرم» با درجه عالی دفاع کردم که راهنمایی این پایان نامه را جناب دکتر کوشا و مشاوره آن را جناب دکتر قربان نیا به عهده داشتند و داوری آن به عهده دکتر آشوری بود. در سال ۱۳۸۰ به عنوان پژوهشگر با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه شروع به همکاری کردم. و در آغاز همکاری پروژه ای تحت عنوان تبیین آداب شرعی اجرای قصاص در جهت اصلاح آیین نامه ماده ۲۹۳ آیین دادرسی کیفری را انجام دادم که حاصل آن اصلاح آیین نامه مذکور در سال ۱۳۸۲ بود. هم زمان با این پروژه در گروه تحقیقات جزائی مرکز تحقیقات به امور پژوهشی مشغول شدم. که حاصل آن مقالات متعددی است که در مجموعه نظریات مشورتی فقهی کیفری و حقوقی منعکس شده و در آنها به مسائل مبتلابه در قوه قضائیه نظرهای مشورتی داده شده است. از سال ۱۳۸۳ که بررسی و آسیب شناسی و اصلاح و بازنگری قانون مجازات اسلامی در دستور کار مرکز تحقیقات فقهی قرار گرفته به عنوان پژوهشگر با این مرکز همکاری دارم. از سال ۱۳۷۶ در درس خارج اصول وحید خراسانی و درس فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی شرکت می کنم.

حسنی، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمدابراهیم حسنی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

دوره ابتدائی وراهنمایی تحصیلی را درنور مازندران پشت سرگذاشتم.واز همان آغاز ذائقه دینی ام درمسابقات قرآن و...باکسب امتیازات درسطح استان بروزکرد.برای ادامه تحصیل به تهران آمدم.مقدمات دروس حوزوی ازجمله مبادی العربیه،شرح ابن عقیل،اخلاق وقرآن تخصصی،تاریخ،متون و عقائد اسلامی و..رادرکناردروس رایج تحصیلی و علوم روز درمحضر اساتیدی چون دکترچیت سازیان،دکتر جعفر پور،حاج علی اکبری،دکترسعیدیان، استادمحفوظی،توجهی، علی اکبراشعری، استادمرحوم حدادی و استادادبیات دکترسید عبدالمجیدحیرت سجادی(که توان قلم ورمق حیاتم را مدیون تعلیمات وتشویقات ایشانم)دردبیرستان شهیدمطهری(رشته علوم ومعارف اسلامی)گذراندم.درک محضرعلمی و اخلاقی حضرات آیات امامی کاشانی،امجد،ضیاءآبادی وسیبویه (ره) و...آن سالها بسی غنیمت بود..

بعدازدیپلم،بسال۷۳باانتخاب،وانگیزه مناسبی که داشتم،علیرغم قبولی درکنکور،به ادامه تحصیل دروس حوزوی با گزینش اساتیدبرتر درفضاهای علمی ومعنوی مناسبی چون حوزه علمیه امین الدوله ومروی پرداختم.دروس سطوح حوزه ازجمله سیوطی،مغنی،لمعتین واصولین،معالم،رسائل ومکاسب وکفایتین رااز محضراساتیدبزرگواری چون افضل نژاد،جوادی افغانی،پورذهبی،مهاجری،علم الهدی،تقوایی،شریف زاده، دکترموسوی اصفهانی،مرحوم پاکتچی،دروازه ای وموسوی تبریزی(رحمهم الله)،ونوارهای درسی استادصالحی ووجدانی درکنارارتباط بامرکزمدیریت وبرخی اساتید حوزه علمیه قم فراگرفتم.علاوه براین غروب دوشنبه هایی پرباربهانه تنظیم آثار استادبزرگوارآیه الله سیداحمدعلم الهدی خراسانی ازمحضرایشان بهره های فراوانی بردم. آنسالها حضوردرپای درس اخلاق و مواعظ آیه الله مرحوم حق شناس،مجتهدی(ره)،مهدوی کنی وآیه الله مجتبی تهرانی نیزبسی ارزشمندوماندگار بود. محوربرخی فعالیتهای تبلیغی وقلمی بنده ازسال۷۳تاکنون چنین است: ۱-پیگیری نظام مندمطالعات وفیش برداری ازمنابع ومتون دینی ازجمله نهج البلاغه

۲- تدوین،ترجمه،بررسی وتالیف کتب ومقالات وارتباط بامراکزپژوهشی وفرهنگی

۳-ارائه مقالات به همایش ها،روزنامه هاومجلات علمی وتحقیقی قم وتهران
۴- مدیریت بروزوبلاگهای دینی وهمکاری علمی باسایتها وفضاهای مجازی
۵- فعالیتهای تبلیغی درهیئات ومساجدوادارات تهران وشهرستان

حسیبی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۵.

درگذشت: آبان ۱۳۶۹، تهران.

کاظم حسیبی پس از تحصیلات متوسطه، مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران را برای ادامه‌ی تحصیل برگزید و در سال ۱۳۰۷ جزو محصلین اعزامی به فرانسه رفت. رشته‌های مهندسی راه‌آهن و ذوب آهن و مس را گذرانید و چون به ایران آمد در دانشگاه جنگ و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. چندی هم در اداره‌ی معاون و بنگاه آبیاری و بانک صنعتی کار می‌کرد. در دوره‌ی هفدهم از تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در تمام دوران فعالیت‌های سیاسی دکتر محمد مصدق از او پیروی می‌کرد. او از اعضای فعال حزب ایران بود و در ملی شدن صنعت نفت فعالیت داشت. چند خطابه و رساله هم در همین موضوع از او چاپ شده است. رساله‌ای هم درباره‌ی خط و رسم‌الخط به چاپ رسانید و در آن از تغییر خط طرفداری کرد. رساله‌ی مذکور چگونه خط را باید اصلاح کرد نام دارد (آذر ۱۳۴۵).

فرزند حاج محمدعلی تاجر چای، در ۱۲۸۵ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه‌ی کمالیه و تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون به پایان رسانید و در ۱۳۰۴ ش به اخذ دیپلم با احراز رتبه اولی نائل آمد. آنگاه وارد مدرسه‌ی عالی حقوق گردید و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را پایان بخشید و در آن مدرسه هم شاگرد اول شد.

کاظم حسیبی در ۱۳۰۷ ش در مسابقه اعزام محصل به اروپا شرکت کرد و نفر اول شد و به فرانسه اعزام گردید و پس از طی دو سال دوره‌ی عمومی وارد دانشکده‌ی پلی‌تکنیک پاریس شد و دوره‌ی مذکور را به پایان رسانید و بعد، دو سال هم دوره‌ی مدرسه‌ی معدن را گذرانید و در ۱۳۱۸ به ایران بازگشت و در اداره کل معادن وزارت پیشه و هنر استخدام گردید و در همان سال به خدمت نظام وظیفه رفت (یادنامه‌ی صفحه‌ی ۱۱۴). چندی هم در بنگاه آبیاری و بانک صنعتی و معدنی ایران اشتغال داشت.

مهندس حسیبی در ۱۳۲۰ وارد دانشگاه تهران شد و با سمت دانشیار در دانشکده فنی مشغول تدریس گردید و بعد به مقام استادی رسید و علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، در دانشگاه جنگ هم تدریس می‌نمود.

مهندس کاظم حسیبی پس از شهریور ۱۳۲۰ کانون مهندسین ایران را با همکاران دیگر مهندس خود تشکیل داد و بدین ترتیب وارد مسائل سیاسی شد. اعضاء کانون مهندسین بعداً حزب ایران را تشکیل دادند. در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورای ملی که لایحه دولت در مورد نفت به مجلس داده شد، حسیبی بیلان کامل ۴۵ ساله شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را تهیه کرد که توسط حسین مکی در چند جلسه مجلس ایراد گردید و در نتیجه‌ی این نطق طولانی، عمر مجلس پانزدهم پایان پذیرفت و لایحه‌ی دولت به تصویب نرسید.

پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، مهندس حسیبی چندی معاون و قائم‌مقام وزارت دارائی بود. در سفر نخست‌وزیر به شورای امنیت و دیوان دادگستری لاهه، مهندس حسیبی جزو هیئت بود و در تمام مدت زمامداری مصدق، وی مشاور امور نفتی نخست‌وزیر بود. در دوره‌ی هفدهم مجلس، حسیبی از تهران به وکالت مجلس انتخاب شد و غیر از عضویت کمیسیون نفت از طرف مجلس شورای ملی عضویت خلع‌ید را عهده‌دار گردید.

در کلیه مذاکراتی که بین دکتر مصدق و هیئت‌های مختلف پیرامون نفت انجام می‌گرفت، حسیبی دخالت کامل داشت و نظریه‌ی نهائی تصمیم‌گیری از طرف او صادر می‌شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مهندس حسیبی تحت تعقیب قرار گرفت. مدتی به حالت اختفاء در تهران بسر برد و سرانجام در قم دستگیر و به زندان انتقال یافت. قریب یک ماه در زندان بسر برد تا آزاد شد. پس از آزادی از زندان به کاری دعوت نشد حتی تدریس او را در دانشگاه لغو کردند. وفات وی در ۱۳۶۹ در تهران پس از یک بیماری ممتد اتفاق افتاد. دوستان و یاران وی پس از مرگش یادنامه‌ای برای او انتشار دادند که مبین مقام علمی و انسانی و مذهبی او بود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

حسین آبادی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ محمّد جواد از علمای اعلام، و فقهای اسلام، و از شاگردان شیخ محمّد حسن صاحب جواهر، و مجاز از ایشان بوده، تاریخ اجازه: ۱۲۶۵، و مجاز از شیخ مرتضی انصاری می‌باشد.

وی را تألیفات چندی است که از آن جمله است:

۱- بحر البکاء، فارسی ۲- بساتین الریاحین، در اصول فقه ۳- ترجمه ی رساله ی نجاة العباد ۴- ترتیب و تلخیص خلاصه (الاقوال) علاّمه حلّی که به طبع رسیده است. ۵- الرسالهٔ الاحمدیّهٔ، به نام فرزندش آقا شیخ احمد صاحب عنوان ۶- الریاحین، در فقه استدلالی ۷- سراج الوهّاج، در شرح نتایج الاصول تألیف سید ابراهیم قزوینی ۸- کنوز اللئالی، در اصول فقه ۹- النتایج، در اصول فقه [تقریرات سید ابراهیم قزوینی].

در ذی قعده سال ۱۳۱۲ وفات یافته، و در تکیه ی آقا حسین خوانساری، در قبری که حاج شیخ محمد باقراصفهانی جهت خود تهیّه نموده بود مدفون گردید (قبر در زیر دیوار مابین تکیه آقا حسین و مادر شاهزاده در سردابه واقع است).

مشارالیه مدّت چهارده سال در طهران ساکن بوده، و در مسجد سراج الملک امامت و تدریس می‌نموده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسین زاده، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حسین زاده

محل تولد : زرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۸/۱

زندگینامه علمی

فروردین سال ۱۳۵۵ شمسی در روستای باب عبدان از توابع شهرستان زرند کرمان به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را تا سال چهارم در همان روستا پشت سر گذاشتم و در سال پنجم ابتدایی به دهستان دشتخاک از توابع شهرستان زرند عزیمت نمودم.

با ورود به دوره راهنمایی عازم شهرستان زرند شدم و دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان مذکور به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۳ در رشته ریاضی و فیزیک فارغ التحصیل گردیدم در سال ۱۳۷۴ با قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه به قم آمدم و در مدرسه علمیه امام مهدی موعود (عج) واقع در نیروگاه دروس حوزوی را آغاز نمودم.

دروس مقدماتی و ادبیات عرب را به مدت سه سال در مدرسه فوق الذکر به پایان رساندم و سال چهارم وارد مدرسه علمیه معصومیه (س) شدم و ادامه دروس مقدماتی را تا سال ششم در آن مدرسه تکمیل کردم.

در طول سه سال که در مدرسه معصومیه مشغول به تحصیل بودم در کنار دروس اصلی حوزه مکالمه عربی را به صورت تخصصی فرا گرفتم و در طول این مدت مقالات متعددی به زبان عربی به رشته تحریر در آوردم که دو مقاله در مجله تخصصی «النافذه» به چاپ رسید.

بعد از اتمام دروس مقدماتی ، دروس سطح را در مدرسه آیهٔالله گلپایگانی آغاز نمودم و از محضر اساتیدی چون حجهٔالاسلام و المسلمین حضرات آقایان فقیهی، تهرانی، حسینی، دیباجی اصفهانی، طاهری مازندرانی، خسروشاهی و دیگران کسب علم نمودم و از علوم وافر و اخلاقیات آن اساتید بهره بردم در کنار دروس سطح و اصلی حوزه هم زمان در رشته تخصصی تبلیغ مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۴ در رشته کارشناسی تبلیغ فارغ التحصیل گردیدم و پس از آن در کارشناسی ارشد تبلیغ ادامه تحصیل دادم هم اکنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر حضرات آیات وحید خراسانی و مکارم شیرازی (حفظه الله) بهره می برم.

علاوه بر تحصیل در رشته تخصصی تبلیغ دوره آموزشی روایت سیره شهدا و دوره مدیریت مسجد را فرا گرفتم و به عنوان یکی از محققان مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم به سؤالاتی که از آن مرکز دریافت می کنم پاسخ می گویم و در کنار دروس حوزوی به امر تحقیق و پژوهش و تبلیغ می پردازم و به شکر خدا از سال ۱۳۷۹ که ملبس به لباس مقدس روحانیت گردیدم در ایام تبلیغی توفیق تبلیغ دین و نشر احکام الهی را در شهرها و روستاهای مختلف کسب کرده ام و با اقشار مختلف جامعه در ارتباط بوده ام.

ان شاء الله همه ی این فعالیت ها مورد قبول درگاه الهی قرار گیرد. والسلام عباس حسین زاده.

حسین زاده، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۴ بهمن ۱۳۲۰، بجنورد.

درگذشت: ۴ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

منصور حسین‌زاده تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی علوم ارتباطات اجتماعی به پایان رسانید. مدتی در مدارس شهرستان بجنورد به آموزگاری پرداخت. در سال ۱۳۳۵ برای معالجه‌ی بیماری کلیوی و پیوند کلیه راهی آمریکا شد و پس از انقلاب

اسلامی در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار شد. از سال ۱۳۶۲ در روزنامه‌ی «کیهان» مشغول شد و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت. به عنوان یک روزنامه‌نگار و محقق با سرویس فرهنگی- هنری روزنامه «کیهان»، «کیهان بچه‌ها»، «کیهان فرهنگی» و «کیهان علمی» همکاری داشت و نتایج بخشی از مطالعات تحقیقی خود را نیز در شماره‌های مختلف «کیهان سال» ارائه کرد.

در آبان ماه ۱۳۶۸ به عنوان مأمور از روزنامه‌ی «کیهان» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد تا به تلاش‌های مستمر خود برای نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری عینیت بخشد. وی در واقع بانی نشر فصلنامه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی در وسایل ارتباط جمعی به نام «رسانه» شد که از سوی مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها پس از فوت وی از سال ۱۳۶۹ انتشار یافت.

از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان (این کتاب در دهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب برگزیده اعلام شد) و چاپ «قصه‌ی انسانها» در «کیهان بچه‌ها».

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسین مقدم، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی حسین مقدم

محل تولد : نکاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره مکتب‌خانه در روستای محل ولادت (سوچلما از توابع شهرستان نکاء) وارد حوزه علمیه رستمکلاً (از توابع شهرستان بهشهر مازندران) شدم و از محضر آیت الله ابوالحسن ایازی تا سال ۱۳۴۹ شمسی استفاده کردم، دوره مقدمات و قسمتی از لمعین و معالم الاصول را در آن حوزه خواندم.

و در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی روز شهادت امام همام موسی بن جعفر(ع) وارد حوزه علمیه قم عش آل محمد(ص) صانها الله عن الحوادث شدم و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری که قبلاً نام آنها ذکر شده تلمذ نمودم. تا اینکه از حدود سال ۵۴ و ۵۵ در درس خارج آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی و آیت الله مکارم و آیت الله مشکینی و اساتید دیگری که نام آنها را قبلاً ذکر کرم شرکت نمودم. و مدت سه سال بعد از پیروزی انقلاب در موسسه در راه حق از محضر آیت الله مصباح یزدی استفاده کردم.

لازم به ذکر است در ایام تابستان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن تا سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در روستای بادالسبر از توابع شهرستان نکاء در محضر آیت الله سید خلیل محمدی بادالسبری مشغول تحصیل بوده و در ضمن تدریس نیز می‌نمودم.

حسینعلی پور، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید حسینعلی پور

محل تولد : جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۶ هجری شمسی به تبریز آمدم و در مدرسه طالبیه تبریز زیر نظر حجهٔ الاسلام آقای وثوقی به دروس حوزوی مشغول شدم (آقای وثوقی هم اکنون از اساتید حوزه‌های علمیه تبریز هستند) جامع المقدمات، باب رابع مغنی، حاشیه، معالم و بخش اوامر قوانین میرزای قمی را در تبریز خواندم. در سال ۱۳۴۹ به قم آمدم و از آن زمان تاکنون در قم هستم. اولین استادم آیهٔ الله علوی گرگانی بود که در درس شرح لمعه او حاضر می‌شدم و در درس لمعه آیهٔ الله محفوظی هم شرکت کردم و بقیه را از آقای شیخ علی پناه اشتهاردی درس گرفتم. استاد رسائل و مکاسب و کفایه ام آقایان میرزا یدالله و حاج میرزا محسن دوزدوزانی بودند. از افراد دیگری هم این کتابها را درس گرفته‌ام، لکن عمده این حضراتند. از سال ۱۳۵۸ در درس خارج آیهٔالله تبریزی و نوری شرکت کردم در درس آیهٔ الله نوری همدانی فقط چهار سال شرکت داشتم ولی در درس آیهٔ الله تبریزی بیش از ۱۲ سال مرتب نشسته‌ام. شرح منظومه را از آیهٔ الله شیرازی انصاری خواندم. نهایهٔ الحکمه را از آیهٔ الله مصباح خوانده‌ام. شرح اشارات جلد دوم و سوم را از آیهٔ الله حسن‌زاده آملی درس گرفته‌ام. شرح فصوص قیصری و مصباح الانس را نیز از ایشان خوانده‌ام. سه جلد اول، دوم و سوم اسفار را هم از ایشان درس گرفته‌ام. بخشی از جلد ۶ و ۷ را از آیهٔ الله جوادی آملی تلمذ کرده‌ام. تمهید القواعد را از آیهٔ الله جوادی آملی

خوانده‌ام. دروس عرفان و فلسفی را با توضیحات کامل، یادداشت دارم. همه دروس اعتقادی آیهٔ الله سبحانی را گذرنده‌ام و در درسهای اعتقادی پنجشنبه‌های آیهٔ الله مکارم شیرازی شرکت می‌کردم و در امتحان پایانی این دروس، با نمره خوب قبول شدم و به همین مناسبت برای ما جوایزی در نظر گرفته و جوایزی هم اکنون با مهر مدرسه امیرالمؤمنین موجود است. در یک دوره دو ماهه دروس حضرات اساتید در مدرسه حقانی پس از انقلاب اسلامی شرکت کردم. برخی از اساتید آن کلاسها عبارت بودند از:

آیهٔالله نوری همدانی، آیهٔالله تسخیری که درباره مارکسیسم تدریس می‌کرد، آقای سیدمنیرالدین هاشمی شیرازی که درس اقتصاد می‌گفت، آقای خاک که درباره سازمان مجاهدین خلق(منافقین) تدریس می‌کرد و...

حسینی ادیانی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسلم حسینی ادیانی

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

حسینی اشکوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شب ۱۳ ربیع‌الاول سال ۱۳۵۰ ق در نجف اشرف متولد شده.

مرحوم پدرش حاج سید علی اشکوری از شاگردان آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ شعبان گیلانی بود و مقداری از تقریرات اصولی و فقهی‌آقا ضیاء را نوشته است.

جدش سید حسن بن سیدعلی بن سید معصوم حسینی اشکوری از یکی از محال گیلان به نحف اشرف هجرت نموده و از شاگردان آیت‌الله آخوند خراسانی بود و حدود سال ۱۳۶۷ در نجف بدرود حیات گفت.

نزد اساتید برجسته‌ی نجف تحصیلات مقدمات و سطوح را به پایان رساند و در خصوص علوم ادبی عرب تخصص پیدا نموده و کوشش زیادی کرده است.

در سن هیجده سالگی ترک تحصیل نموده از نجف به بغداد رفتند و چهارسال به کسب اشتغال داشته و وضع مادی و کسبشان بسیار خوب بود، اما چون در خود قدرت انجام کارهای علمی می‌دیدند خود لازم دانستند که در این راه بذل مساعی کنند لذا به نجف بازگشته و به ادامه‌ی تحصیل پرداختند.

در نجف اشرف از سال ۱۳۷۸ ق به کار نویسندگی و تحقیق و تصحیح کتابهای علمی عربی پرداخته و در راه احیاء و زنده نمودن کتب قدما تا توانستند جدیت کرده و در ظرف چند سال پاره‌ای از کتابهای مهم را تحقیق و چاپ نمودند.

در اثر پیش‌آمدهائی ناگزیر به سال ۱۳۹۱ ه به قم هجرت نموده و مشغول به تالیف و تحقیق شده‌اند.

بیشتر اوقاتشان صرف می‌شود در تالیف کتاب «مولفات الامامیه العربیه» که بیش از صد جلد می‌باشد، و کتاب «الاسماء و مصادر» که بیش از پنجاه جلد می‌باشد و «فهرست کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی» که حدود بیست جلد می‌باشد.

سید احمد حسینی اشکوری فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج سید علی فرزند سید حسن اشکوری در شب سیزدهم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در آنجا نشو و نما یافته و علوم اولیه و اولیات علوم دینیه را نزد افاضل علماء و مدرسین نجف خوانده و دروس عالیه را نیز به سبک سنتی معموله در نجف اشرف در خدمت جماعتی از بزرگان آن سامان به اتمام رسانده. و اکثر از درسهای خصوصی استفاده کرده و پس از فراغت از آن در سال ۱۳۸۰ ق به تألیف و به تحقیق پرداخته و شوق مفرطی به مطالعه و تحقیق آثار بزرگان داشته و موفق به مطالعه و بررسی صدها کتاب نویسندگان و مولفین شده و مسافرتها به داخل و خارج کشور برای مطالعه و دیدن کتب مطبوعه و غیره نموده است.

در اواخر ۱۳۹۱ قمری منتقل به ایران و در قم رحل اقامت افکنده و به تألیف و تحقیق و مباحثات پرداخته و از بسیاری از شهرها و استانها دیدن نموده و درباره کتب مخطوطه کاوش و تفحص به عمل آورده و از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی دیدن کرده و بر بسیاری از مصادر صالحه و کتب مخطوطه قدیمه که از مواریث اسلامی بوده راه یافته و استفاده نموده و ده‌ها کتاب که از دانشمندان قدیم بوده به تحقیق ایشان به عراق و ایران و بیروت به طبع رسیده است.

و از کارها و تاسیسات ایشانست (مجمع الذخائر الاسلامیه) در قم و از تألیفات به چاپ رسسیده معظم له کتب زیر است:

۱- الامام الحکیم در سال ۱۳۸۵ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۲- الامام الثائر در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۳- الامام الشاهرودی در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۴- فهرست مخطوطات رشتی که به کتابخانه آیت‌اللّه الحکیم اهداء شده.

۵- فهرست مخطوطات خزینه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در سال ۱۳۹۱ ق به طبع رسیده.

۶- زندگانی شریف مرتضی در سال ۱۳۸۵ ق به طبع رسیده.

۷- دلیل المخطوطات که جزء اول آن در سال ۱۳۹۷ در قم به طبع رسیده.

۸- التعریف بالتراث مقالاتی که در مجله هادی چاپ شده.

۹- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه گلپایگانی که جزء اول آن در سال ۱۳۵۷ به طبع رسیده است.

۱۰- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی (ره) که تاکنون بیست جلد آن به طبع رسیده است.

۱۱- تراجم الرجال در قم چاپ شده.

۱۲- اجازات الحدیث علامه مجلسی در سال ۱۴۱۰ ق در قم چاپ شده.

۱۳- تلامذه شاگردان مجلسی در قم چاپ شده.

از کتابهائی که به عربی ترجمه نموده‌اند

۱- القرآن فی الاسلام در سال ۱۳۹۳ ق در بیروت چاپ شده.

۲- رابطه العالم الاسلامی.

و از تألیفات چاپ نشده ایشان کتب زیر است:

۱- مهذب الذریعه الی تصانیف الشیعه.

۲- المفصل فی تراجم الاعلام.

۳- حدیث جوله.

۴- نهج‌البلاغه فی الشعر العربی.

۵- معجم الاعلام الامامیه.

۶- مولفات الزیدیه.

۷- قضیه حیاتی.

۸- من کل لون (از هر رنگی).

۹- فهرست مخطوطات کتابخانه حکیم در نجف.

۱۰- التراث العربی در کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی.

۱۱- اجازات الحدیث.

۱۲- معجم المولفات القرانیه.

۱۳- احسن المواثر فی اعلام القرن الخامس العشر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، غیاث‌الدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(یا محمد) بن علی امیران حسینی، از فضلای قرن نهم هجری است. در بدخشان ساکن بوده، و در سال ۸۷۹ کتاب معروف خود را به نام «دانشنامه‌ی جهان» در حکمت طبیعی در ضمن ده فصل، و خاتمه در تشریح، به نام سلطان محمودبن ابوسعید بهادرخان بن میران شاه بن امیر تیمور گورکانی تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌محمد صادق، خطیب ادیب، و عالم جلیل، مؤلف کتاب «مشرق التوحید» در اصول دین به فارسی، که آن را به اسم فتح علی شاه قاجار در سال ۱۲۵۰ تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی اصفهانی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمدباقر، واعظ کامل، مؤلف: ۱ - جارح العینین فی مصائب الحسین علیه‌السلام که آن را در سال ۱۲۲۲ به نام فتح علی شاه

تألیف نموده ۲ – عین الدموع؛ و غیره می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد اسماعیل حسینی بیرجندی، عالم زاهد، مؤلف رساله در صبح و شفق، و متوفی به سال ۱۳۰۵.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی حسینی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوران دبستان و دبیرستان در زمان سیکل دوم (قبل از دیپلم) بود که با وضعیت نامناسب مدارس در دوران شاهنشاهی در سال ۱۳۵۱ – ۱۳۵۲ دروس مدارس را ترک گفته و یک مرتبه عشق دروس حوزوی و تحصیل علم در من زنده شد. با علاقه وافری در کنار دروس کلاسیک درس جامع المقدمات را به طور خصوصی نزد استادی شروع به خواندن کردم و کم کم به حوزه علمیه در اصفهان ، مدرسه ذوالفقار پای گذاردم. اساتید بزرگواری مانند آیت الله حسن امامی، استادبزرگوار حاج آقا فقیه(حاج شیخ علی اکبر)، استاد بزرگوار حاج آقا صحبت ابطحی و دیگر اساتید را تلمذ نموده و کتابهای ادبیات و دوره سطح تا لمعتین را در آن مدرسه به اتمام رسانیدم. آنگاه به حوزه علمیه قم مشرف شدیم که حدود ۱۳۵۷ بود. و بقیه کتب دوره سطح را از رسائل و کاسب و منطق مظفر و معالم الدینی تا به دروس خارج فقه و اصول را به طور پیوسته در کنار اساتید بزرگوار همانند مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی- دوزدوزانی – مظاهری- غیر خواندم و کم کم در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام فاضل لنکرانی- مکارم شیرازی – مرحوم حاج شیخ جواد آقا تبریزی – وحید خراسانی- نوری همدانی- شرکت میکردم و البته دروس جنبی دیگر همانند تفسیر – علم رجال- مباحث کلامی و دروس دیگر را به طور جزوه ها و غیره را اشتغال داشتیم و در امتحانات حوزه شرکت داشتیم. بعد از حضور در دروس خارج در کنار آن به حضور در مجالس تفسیر علاقه وافری داشتم . در جلسه تفسیر آیت الله خزعلی شرکت داشتم و با عشق به آن درس و عمق در آن به حفظ قرآن مشغول شدم و بیشتر قرآن را حفظ کرده و در کنار آن عشق به تفسیر در بنده زنده شد. که نخست بیشتر تفسیر نمونه را به طور کامل مطالعه کردم برای اینکه حفظ آیات در ذهن بنده بیشتر استقرار یابد. آنگاه مجموعه تفسیر المیزان را مطالعه عمیق نمودم و از آن نسخه برداری کردم. پی بردم برخی از مقالاتی هست که باید از قرآن استخراج شود ، در اینجا زمینه با عشق وافری که داشتم برخی از مقالات را استخراج نمودم از قبیل : توحید نظری، و عملی ، یهودیت و مسیحیت ، ولایت و امامت، هنر و دیگر مقالات که در قرآن زیاد بر آن تکیه شده و در همین دوران بود که کتابهای نوشته شده تا کنون به حدود ۴۵ عدد میرسد و بیشترین و بلکه همه آنها دقیقا در خصوص دردها و امور مبتلابه مردم است و حتی برخی از اساتید با نظارت بر آنها اظهار داشته اند که شما دقیقا روی دردهای محسوس و ملموث جامعه قلم میزنید. امیدوارم خداوند با منتی که بر بنده حقیر نموده منت خودرا از بنده حقیر دریق ندارد تا بتوانم دینم را به اسلام و مسلمین ایفا بنمایم . از همکاری و لطف شما در این زمینه که بنده حقیر را تفقه نمود، به کمال تشکر و قدردانی می نمایم . والسلام

حسینی حایری، عزالدین حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۱۷ ق)، عالم امامی، ادیب و شاعر. اصل وی از خراسان بوده است. با شیخ ابراهیم کفعمی معاصر بود و به گفته‌ی علامه مجلسی بر کفعمی سمت استادی داشت و با وی مراسلات نظمی و نثری داشت. کفعمی در حاشیه‌ی «مصباح الائمه» خویش او را به عزالاسلام و المسلمین ابوالفضائل می‌ستاید. از آثار وی: «تحفه الابرار فی مناقب الائمه الاطهار (ع)»، مشتمل بر احادیثی از شصت کتاب ارزشمند عامه؛ «حاشیه‌ی عمدهٔالطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ اشعاری در منقبت اهل‌بیت (ع) و رثاء امام حسین (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۳ -۱۷۱ /۶)، بحارالانوار (۱۸/۱)، الذریعه (۱۵۰/۶ ،۴۰۶ -۴۰۵ /۳)، ریاض العلماء (۱۷۶ -۱۷۵ /۲)، ریحانه (۱۳۱/۴)، لغت نامه (ذیل/ حسین).

حسینی خاتون آبادی، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و امام مسجد جامع جدید عبّاسی بوده، وفاتش در سال ۱۱۹۳، قبرش در تخت فولاد تکیه ی آقا رضی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی زفره ای، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر حسینی زفره ای

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سن پنج سالگی یعنی در سال ۱۳۲۷ بهمراه والدینم از زفره اصفهان به کربلا رفتیم و یکسال در آنجا ماندیم و پس از یکسال به ایران بازگشته و بعللی که ذکر آن مفصل است عازم گرگان و در یکی از روستاهای آن به نام مرزنکلاقه مقیم گشتیم و در مدرسه آن روستا مشغول تحصیل شدم و تا ششم ابتدایی درس را ادامه داده و پس از آن درس را رها کرده به کار کشاورزی مشغول و در سال ۱۳۴۴ عازم سربازی شدم و پس از پایان خدمت ازدواج کرده و به تشویق یکی از روستائیان جهت تحصیل علوم دینی عازم مشهد مقدس گشتم و دو سال در مشهد جامع المقدمات را نزد اساتید آنجا خوانده و سپس عازم قم گشته و از سال ۱۳۵۰ در قم مشغول تحصیل و از سال ۱۳۶۰ علاوه بر تحصیل دروس حوزوی به تألیف کتاب مبادرت کرده که تا کنون حدود سی جلد کتاب نوشته ام که بیست جلد از آنها چاپ شده و ده جلد دیگر آن نیز آماده چاپ است.

حسینی شاهرودی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین حسینی شاهرودی سومین فرزند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی قدس‌اللّه سره می‌باشند که در حدود سال ۱۳۲۳ شمسی در نجف اشرف دیده به دنیا گشوده و در حجر والد بزرگوار و والده ماجده‌اش صبیه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری پرورش یافته و مقدمات را از اساتید حوزه نجف مانند آیت‌اللّه حاج سید کاظم حایری خوانده و سطوح عالیه را از مدرسین آن سامان فراگرفته و در درس خارج برادر بزرگوارش حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد شاهرودی شرکت و فقه و اصول را از آیت‌اللّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللّه صدر شهید استفاده نموده، تا در سال ۱۳۹۴ ق که از طرف حکومت یزدی عراق تسخیر به ایران گردیده و مانند برادر بزرگوارش مقیم حوزه علمیه قم شده و به تدریس سطوح عالیه کفایه و مکاسب پرداخته و در ابحاث و دراسات برادرش نیز شرکت نموده و می‌نماید. به فضل و دانش و تقوا موصوف می‌باشند و در غیاب برادر عزیزش در حسینیه نجفیهای قم به جای معظم‌له اقامه جماعت نموده و مورد توجه خاص معاودین محترم و غیره می‌باشند.

نگارنده بارها از ایشان خواستار شدم که ترجمه خود را به نگارنده به جهت پارسائی اجابت ننموده تا بعد از مدتی چند سطری مرقوم داشتند که تلخیص آن را نگاشتم.

از تألیفات ایشان تقریرات بحث برادر بزرگوارشان آیت‌اللّه حاج سید محمد شاهرودی که جزو اول آن به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حسینی شهرستانی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۹ ق.، کربلا.

درگذشت: ۱۱ مرداد ۱۳۷۶، مشهد.

آیت‌الله حاج سید عبدالرضا حسینی شهرستانی، فرزند حجت‌الاسلام سید زین‌العابدین شهرستانی، بود. وی پس از پست سر نهادن دوران کودکی به سال ۱۳۴۶ ق. وارد مدرسه‌ی جعفریه شد و به یادگیری خواندن و نوشتن و علوم ابتدایی پرداخت و پس از آن به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و سطوح را نزد حضرات آیات شیخ علی‌اکبر سیبویه و شیخ جعفر رشتی فراگرفت. سپس به یادگیری رسائل و مکاسب و کفایهٔ و علوم هیئت و ریاضیات نزد حضرات آیات شیخ محمد رضا اصفهانی و سید محمد طاهر بحرانی پرداخت و خارج فقه و اصول را نیز در محضر آیات عظام سید محمدهادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سید عبدالحسین حجت و شیخ مرتضی آشتیانی آموخت. ایاشن در کنار تحصیل به تدریس سطوح عالیه پرداخت و پس از سالیان فراوان تدریس سطح، در سال ۱۳۹۲ ق. تدریس خارج فقه را آغاز کرد. سپس به مشهد هجرت کرد.

آیت‌الله حسینی شهرستانی علاوه بر تحصیل و تدریس، بـه اقـامه‌ی جماعت در صحن حسینی (ع) پاسخگویی به مسائل دینی پرداخت. وی در برابر نفوذ و تبلیغات فکری و سیاسی و ایجاد شبهات دینی از سوی کمونیست و چپگرایان عراق سخت ایستادگی کرد و به منظور استحکام بنیان‌هـای فکری جوانـان، اقـدام به تأسیس مجله‌ی «اجوبـهٔ المسائل الـدینیه» کرد و در آن- بـا همیاری و همکاری حضرات آیات سید محمدباقر صدر، سید حسن شیرازی، سید عبدالصاحب حکیم و استاد احمد امین- به صدها پرسش فکری و اعتقـادی جـامعه پاسخ داد و حوزه‌ی خواننـدگان خود را به فراسوی مرزهـای عراق گسترانیـد. دامنه نفوذ این مجله در آن سال‌های پر اختناق عراق باعث شـد تا رژیم بعث، پس از آزار و اذیت‌های فراوان و زندانی ساختن فرزندش جلو انتشار آن را بگیرد و او را هم از عراق بیرون نماید.

ایشـان به جز تـدریس، تـألیف، اقـامه‌ی جمـاعت و تبلیغ شـعائر دینی، با همیاری و مساعـدت گروهی از علمای بزرگ و تجار کربلا دست به بنیاد مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه‌ای زد که برخی از آنها عبارتند از مدرسهٔ الامام الصادق. (این مدرسه برای دانش‌آموزان بر مبنـای تعـالیم اسـلامی در سـال ۱۳۷۱ ق. تأسـیس شـد و تـا سـال ۱۳۹۵ ق. ادامـه یـافت)؛ مدرسـهٔ اسـلامیه (در ایـن مـدرسه به دانش‌آمـوزان دروس فقـه؛ حـدیث تفسیر و عقایـد آمـوزش داده می‌شـد)؛ درمانگـاه کودکـان؛ الجمعیـهٔ الهریـهٔ الاسـلامیهٔ؛ المکتبهٔ الجعفریـهٔ (این کتابخانه با پنـج هزار کتاب چاپی و خطی در مـدرسه هنـدی گشایش یافت)؛ لجنـهٔ الثقافهٔ الدینیهٔ (که پاسـخگویی به شبهات و پرسشهای دینی را بر عهده داشت و در خلال پانزده سال فعالیت خویش، توانست صدها سئوال را پاسخ دهد).

از تألیفات آیت‌الله حسینی شهرستانی می‌توان این آثار را نام برد: مقالید الهدی فی شرح العروهٔ الوثقی (هفت جلد، که سه جلد آن به چـاپ رسـیده است)؛ حیـاهٔ الامام الحسـین بن علی (ع)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، السـجود علی التربـهٔ الحسـینیهٔ؛ صـلاهٔ الجمعـهٔ فی عصـر الغیبـهٔ؛ النوروز فی السـلام نوروز در تاریـخ و دین؛ اجوبـهٔ المسائل الدینیهٔ (چهارده جلد که دو جلد آن به نام امید جوان ترجمه و چاپ شـده است)؛ اجوبـهٔ المسائل فی التفسـیر (دو جلـد)؛ اجوبـهٔ المسائل فی العقائد؛ تقویم هجری (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۴۶۳ ق.). تألیفـات مخلـوط ایشـان عبـارت است از: المهـدی الموعـود و دفـع الشـبهات عنه؛ الطریق القویم الی جنـهٔ النعیم (پیرامون امامت)؛ دفع الشـبهات و حل المشـکلات؛ غایـهٔ التقرب فی شـرح منظومـهٔ التهـذیب؛ حاشـبه بر مکاسب؛ حاشیه بر رسائل؛ حاشـیهبر معالم؛ حاشیه بر قوانین؛ حاشیه بر شرح لمعه؛ الطریق المستقیم فی بیان اصول‌الدین؛ عقاید المؤمنین فی اصول الدین.

در سال ۱۳۹۷ ق. به علت فشارهای رژیم بعثی، وی عراق را به قصـد ایران ترک کرد و در مشـهد اقامت گزید و به تدریس سـطوح عالیه و عقاید، امامت جماعت (در مسـجد الحمید) و تأسیس مجله «الارشاد»- که از آن هفت شـماره منتشـر گردید پرداخت. اما در سال ۱۴۰۰ ق. به دنبال سکته‌ای ناقص توان کار و کوشش از او سلب شد و تا پایان عمر خانه‌نشین شد.

آیت‌الله حسـینی شهرسـتانی سـرانجام پس از هفتـاد و هفت سال زنـدگی در یازدهم مرداد ۱۳۷۶(۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) چشـم از جهان فروبست و پیکرش در روز سه شـنبه بیست و هشـتم ربیع‌الاول، پس از تشـییع و نماز آیت‌الله شـیخ حسنعلی مروارید بر آن، در صحن آزادی حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی عربی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حسینی عربی

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۱۷

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی حسینی عربی فرزند سید حسن در ۱۷ مرداد سال ۱۳۵۴ در روستای قلقاچی از توابع بخش انزل شهرستان ارومیه در یک خانواده مـذهبی و اهل علم به دنیا آمدم. در سال ۱۳۵۷و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده به شهرستان سلماس (آذربایجان غربی)نقل مکان نموده و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شهید داهیم آن شهر در سال ۱۳۶۱ آغاز کردم. پس از سپری

شدن دوران ابتدایی و سپس دوران راهنمایی در مدرسه شهید مطهری سلماس، بنا به علاقه خود برای شرکت در دروس حوزوی و نیز تشویق های پدر بزرگوارم که خود فردی روحانی و یک خطیب وارسته بود به حوزه علمیّه وارد شدم.

دروس اوّلیّه (سطح اول) را در مدرسه حضرت ولیعصر شهرستان بناب بین سالهای ۱۳۷۰–۷۵ گذراندم و از محضر اساتیدی چون آیه الله حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی و حضرات حجج اسلام خیریان، آتش زر، طباطبائی، اعلائی، و ... استفاده نمودم و پس از اتمام دروس سطح اول در مهر ماه سال۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم .

دروس سطح دو و سه حوزه را در مدرسه مبارکه فیضیه و مدرسه آیه الله گلپایگانی نزد اساتیدی چون : استاد تهرانی، علیدوست، خسروشاهی، عظیمی، اصغری، قریشی و... سپری کردم و پس از آن در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، شبیری زنجانی، فاضلی گلپایگانی و استاد مهدی هادوی تهرانی شرکت داشتم. در ضمن اشتغال به تحصیل در حوزه علمیّه هم زمان تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه داده و مدرک دیپلم را از مدرسه شهید زین الدین قم اخذ کردم و سپس مقطع کارشناسی را در رشته تاریخ در دانشگاه باقرالعلوم قم به پایان رسانیدم و در خلال اخذ دیپلم و قبولی در دانشگاه، دوره تربیت مربّی کودک و نوجوان را در مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات گذرانده و نیز در دروس مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام شرکت کردم.

پس از شروع به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه، در بخش فرهنگ نامه مؤلفین اسلامی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسطه به دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم به عنوان محقق مشغول به کار شدم و همزمان به عنوان عضو ثابت گروه تاریخ مهدویت مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) به کار تحقیق و تألیف پرداختم و با مراکزی چون : مرکز مطالعات و پژوهشهای علمی حوزه علمیّه قم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در بخش دانشنامه امام خمینی همکاری نمودم و در طی دوره تحقیق در این مراکز، چندین مقاله در موضوعات تاریخ اسلام و تاریخ مهدویت تألیف نموده و در تدوین فرهنگ نامه بزرگ مؤلفین اسلامی که به صورت گروهی در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت کار می شود حضور دارم که این پروژه هنوز ادامه دارد.

حسینی فر، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا حسینی فر

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ در خانواده ای مذهبی در شهرستان دزفول متولد شدم . پس از پایان جنگ و اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۸ در رشته مهندسی صنایع (تولید صنعتی) دانشگاه امیر کبیر تهران پذیرفته شدم . در کنار دروس دانشگاه از محضر برخی از علمای بزرگ تهران استفاده های فراوانی بردم .عشق و علاقه به معارف خاص اهل بیت موجب شد تا پس از تامل بسیار و مشورت با بزرگانی چون حضرات آیات بهجت ، بهاء الدینی ، مشکینی ، مصباح یزدی و بیش از همه راهنمایی های بسیارسودمند حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی ، دانشگاه و رشته مورد علاقه خود را ترک گویم و دروس حوزوی را بی وقفه و با جدیت تمام آغاز کنم .برای آشنایی بهتر با فضای حوزه و اطمینان بیشتر نسبت به تصمیمی که گرفته بودم ، بخش عمده ای از دروس مقدمات را در قم فرا گرفتم و سپس برای ادامه تحصیل به تهران بازگشتم و در مدرسه امین الدوله زیر نظر استاد اخلاق حضرت آیت الله حق شناس (حفظه الله) و نیز مدرسه مروی ، سایر دروس مقدمات و نیز سطح اول حوزه را به اتمام رساندم .

سپس برای ادامه تحصیل به قم مشرف شده و از دروس سطح حضرات آیات و حجج اسلام اعتمادی ، احمدی میانجی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، مروی و نیز دروس فلسفه حجج اسلام سروش محلاتی ، مرتضی جوادی آملی و حسن معلمی بهره بردم. همچنین از درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی بهره های فراوانی نصیبم شد .پس از اتمام سطوح عالیه ، از سال ۱۳۷۸ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی ، آقا موسی زنجانی ، و محقق داماد شرکت کردهام.در کنار دروس عادی حوزه ، همواره این دغدغه اساسی و جدی را داشته ام که از مباحث اخلاقی و معارف خاص اهل بیت ، همچنین از نیازها و ضرورت های کنونی جامعه ، بیگانه و غافل نباشم.

از سال ۱۳۷۹ ضمن همکاری با موسسه امام صادق علیه السلام در زمینه پاسخگویی به شبهات ، وارد عرصه تالیف شده و در این زمینه توفیقاتی نصیبم شد . همچنین از سال ۱۳۸۳ توفیقی دست داد تا ضمن تدریس در دانشگاه ، ارتباط بیشتر و بهتری با دوستان دانشجو برقرار کنم. از سال ۱۳۸۴ ،تدریس برخی از درس حو زوی از جمله – عقاید و فلسفه ـ را آ غاز کرده ام.

حسینی فسائی، کمال‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال‌الدین حسینی فسائی از دانشمندان و شعراء قرن دوازدهم هجریست. وی از افضال شاگردان آخوند فدشکوئی محمد مسیح بن اسماعیل و متخلص به (معنی) بوده.

دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنها (۱) حاشیه بر معالم الاصول (۲) کتاب شواهد که شرح مطول است (۳) رساله‌ای در حل شبهات کاتبی قزوینی.

از شاگردان وی مرحوم شیخ محمدعلی حزین صاحب تذکره و دیوان حزین می‌باشد، در تذکره‌اش می‌نویسد: راقم کتاب مغنی اللبیب را با تفسیر صغیر عروةالاسلام شیخ ابوعلی طبرسی علیه‌الرحمه و بعض مقاصد دیگر را در حضور باهرالنورش قرائت و استفاده نمودم.

وی در سال ۱۱۳۴ ق در هنگام محاصره اصفهان از طرف افغانیان زندگی را بدرود گفت و به سرای جاوید شتافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حسینی قلعه بهمن، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اکبر حسینی قلعه بهمن

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید اکبر حسینی قلعه بهمن فرزند سید غفار در سال ۱۳۴۸ در شهرری متولد شدم. بعداز دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه ورامین شدم. در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه شهرری و سپس در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم منتقل گردیدم. از حدود سال ۱۳۷۱ در دروس خارج فقه و اصول اساتید گرانقدری چون آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی(ره) و جوادی آملی بهره وافری برده ام. در سال ۱۳۷۱ وارد دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی(ره) شدم و در سال ۱۳۶۷ در دوره کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با ارائه پایان نامه واقع گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم با نمره عالی(۱۹) فارغ التحصیل گردیدم. در سال ۱۳۸۳ وارد دوره دکتری فلسفه دین گردیدم و هم اکنون نیز به تدوین پایان نامه خود با عنوان واقع گرایی دین در قرن بیستم مشغول هستم. در این ایام در مقاطع مختلف(کارشناسی و کارشناسی ارشد) به تدریس اشتغال داشته‌ام و نیز کتب و مقالاتی را نیز تالیف و ترجمه نموده ام.

حسینی قمی، شرف‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۹۰ -۹۱۳ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. معروف به میر منشی قمی. وی پدر قاضی احمد و در آغاز منشی سام میرزا در هرات بود. بعدها در مشهد وزیر سلطان ابراهیم میرزا شد و نسبت ابراهیم یافت و بعد از آن به تبریز رفت. سرانجام در آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم درگذشت و همان جا دفن شد. استاد وی در خط ثلث مولانا حیدر قمی و در صرف و نحو صدقی استرآبادی بود و هیات و ریاضی را نزد غیاث‌الدین منصور دشتکی آموخت. حسینی در شعر و انشاء نیز مرتبه‌ای والا داشت. مولانا عبدی جنابدی در تاریخ فوت او گفته:

چو تاریخ جستم ز پیر خرد

بگفتا: «بهشت برین جای او».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۲ -۱۲۸۱ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۷۸ -۱۶۷۷ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۲۴ -۷۲۳ /۲)، گلستان هنر (پنجاه و شش- پنجاه و هفت).

حسینی کازرونی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیداحمدحسینی کازرونی در سال ۱۳۲۰در بوشهر بدنیا آمد. وی با احراز رتبه اول درمقاطع تحصیلی متوسطه با دریافت دیپلم وارد دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز گردید. دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در شهر تهران ادامه داد. او به تدریس در مدارس، دانشگاه های آزاداسلامی و دولتی با سمت هیئت علمی و استادیاری ادامه فعالیت دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انسـاب : سید جـواد حسینی کـازرونی پـدر سید احمـد است کـه بـه حرفه بازرگـانی اشـتغال داشـته و از انسـاب حـاج سیدمحمـدرضا کـازرونی از بازرگانـان و واقفان بنام واز مساعـدین معروف نهضت جنوب بوده است. سـکینه کنگانی نام مادر سـید احمدبود که ایشان خانه دار بوده اند.

خاطرات کودکی : سیداحمد حسینی کازرونی جوانی زیرک و بلند پرواز بود و پویا و پرتحرک.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید احمد حسینی کازرونی دارای خانواده ای آرام و روابطشان بسیار حسنه بود.

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : تحصیلات دبستانی: از مهر ماه ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ دوره شـش ساله دبستان تحصیلات دبیرستانی: مهرماه ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ دوره شش ساله دبیرستانی (دیپلم ادبی) تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی: مهرماه ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ دوره سه ساله در رشته ادبیات فارسـی تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی ارشد: مهرماه ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ دوره دو ساله در رشـته ادبیات فارسی تحصیلات در مقطع دکتری: مهرماه ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ دوره سه ساله در رشته زبان وادبیات فارسی

خاطرات و وقایع تحصیل : سید احمد حسینی کازرونی از دوران تحصیل خود اینطور بیان میکند: نفراول دیپلم ادبی در سال ۱۳۳۹ در استان بوشهر و ورود بدون کنکور درمقطع لیسانس در دانشگاه شیراز و دریافت پاداش ماهانه و معافیت از سربازی و استخدام در وزارت آموزش و پرورش مهرماه ۱۳۴۲ . نفر اول دوره های کارشناسـی ارشد و دکتری ونخستین فارغ التحصیل رشته زبان وادبیات فارسـی- واحد علوم تحقیقات عالی تهران - دردانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۰ش بوده ام و در رشـته خود نخستین استادیاری هستم که در طول ۱۱سال از استادیاری به درجه استادی ۱۳۷۴-۱۳۷۳ رسیده ام.

فعالیتهـای ضـمن تحصـیل : از دیگر فعالیتهـای سـید احمـد حسـینی کازرونی در امور مقاله نویسـی وچاپ در نشـریات، شـرکت در همایش ها و کنگره های تحقیقاتی و تدریس و طرحهای پژوهشی، مطالعه، ورزش ، شرکت در مراسم مذهبی می باشد.

اسـتادان و مربیـان : دکتر جلیـل تجلیـل ، دکتراسـماعیل حـاکمی والا، دکتر عبـدالله جاسبی، دکترموسوی بهبهانی. شادروانان: دکتر صورتگر،خلیـل رجـایی،دکترعلی اصـغر حکمت، حسن سـادات ناصـری، دکترحسن مینوچهر، دکتر علی محمـد مژده، دکتر حسـین بحرالعلومی، دکترسیدضـیاء الـدین سـجادی، دکترنورانی وصـال، دکتر پوران شـجیعی، دکتر مرتضوی، بلادی، مـذنب، بازیار، ایرج کشـمیری، ناصـر کشـمیری، اسـلامی مـذهب، محمـد غـدیری، فروتن، مهیمنیان ، رسول مجد، دکتر یدالله پیمانی، دکتر بیگلربیگی، بیضایی، دوانی، ضیا الدین بلادی .

هم دوره ای ها و همکاران : دکترسید عبدالصاحب امامی، دکتر علی شیخ الاسلامی، دکتر سیدجعفر حمیدی، دکتر محمد موذنی، دکتر علی محمد سجادی، دکتر احمد حاتمی، دکتر احمد ذاکری، دکتر اسماعیل آذر، دکتر حیدری.

همسر و فرزندان : سیداحمدحسینی کازرونی درسال ۱۳۴۴ با خانم صدیقه اله کازرونی از منسوبین خاندانش ازدواج کرد که از وی سه فرزنـد داشت بعد درسال ۱۳۶۵ با خانم نسـرین مهرانی ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک رفرزنـد میباشد اسم و مشـخصات فرزندان وی به شرح زیر می باشد: بهناز حسینی کازرونی ، لیسانس شیمی، کارمند مهناز حسینی کازرونی ، دکترای دندان پزشکی، شهنـاز حسـینی کـازرونی ، کارشـناس ارشـد پرسـتاری، مقیم آمریکـا سیدعلی حسـینی کازرونی، دانشـجوی مهندسـی مکاترونیک دانشگاه صنعتی شریف بین المللی کیش

وقـایع میانسالی : یکی از وقایع سـید احمـد حسـینی کازرونی فوت همسـر اولشان بود که درسال۱۳۶۳ به علت سـرطان مغزی اتفاق افتاد.

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : دبیر دبیرسـتان های بنـدر عباس(۴۴-۱۳۴۲) دبیر دبیرسـتانها و مـدرس مراکز تربیت معلم و مـدیر گروه ادبیات فارسـی در اسـتان بوشـهر (۶۴- ۴۴) دبیر دبیرسـتان هـا و مـدرس مراکز تربیت معلم وکارشـناس ومشـاور معاون نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش درتهران (۷۳-۶۴) مدرس وعضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول (به ترتیب تایید آبها در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲) موسـس و مدیر گروه ادبیات فارسـی در واحد بوشهر و استخدام رسمی تمام وقت(به ترتیب کارشناسی در ۱۳۷۳ و کارشناسـی ارشد ۱۳۷۶ و دکتری زبـان وادبیات فارسـی ۱۳۷۸. موسـس معاونت پژوهشـی و معاون پژوهشـی در واحد بوشهر ۸۱- ۷۵ رئیس شورای پژوهشـی و رئیس انتشاراتوموسـس کتابخانه جدیـد دانشـگاه واحد وسرپرست آن تاسال ۱۳۸۱ عضو شورای پژوهشـی واحـد از سال ۸۱ عضو شورای پژوهشـی اداره کـل فرهنگ و ارشاداسـلامی ۸۱- ۷۸ نماینده واحد در اسـتانداری بوشهر درزمان معاونت پژوهشی ممیز علمی درمنطقه یک دو دوره ۸۳-۷۹ ممیز و داور علمی در منطقه ۶ خوزستان از ۱۳۸۴ نماینده واحد در سازمان مرکزی ازسال ۱۳۸۰

فعالیتهای آموزشی : ۱- شـرکت فعال در سـمینارها و همایش های معتبر اسـتانی، منطقه ای، کشوری و بین المللی منعقده در کشور بـاارائه مقـاله وسـخنرانی هـای متعـدد در مراکز دانشـگاهی و سازمـانی و درون مرزی و برون مرزی ۲- سـخنرانی در صدا وسیمای جمهوری اسـلامی ایران(بین المللی، کشوری، منطقه ای واسـتانی) و رادیو فرهنگ ۳- عضو شورای پژوهشـی و انتشارات در واحد بوشهر از سال ۱۳۷۵ تا کنون ۴- مدیر و عضو هیات علمی در چندین همایش و سمینار در مناطق یک و شش دانشگاه آزاد اسلامی ۵- اسـتاد راهنما، مشاور و داور بییش از سیصد عنوان پایان نامه در دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی ۶- عضو شورای پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر در زمان حال ۱۳۸۶ ۷- داور کشوری جهت تایید مقالات ادبی در کنگره ها و مجامع دانشگاهی مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : ۱- تاسیس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد

اسلامی درواحد دزفول (به ترتیب درسالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲) ۲- کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری همین رشته در واحد بوشهر به ترتیب در سالهای ۷۳- ۱۳۷۴ ۳- پست معاونت پژوهشی ، تجهیز کتاب خانه، آزمایشگاه ها ، انتشارات، لابراتور زبان انگلیسی به ترتیب در سالهای ۷۵-۱۳۷۷ ۴- همکاری در تاسیس چندین رشته دانشگاهی و جذب تعدادی اعضای هیات علمی ph.d در رشته های علوم انسانی و فنی و مهندسی در واحد بوشهر از سال ۱۳۷۲

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تحقیق، تدریس، نوشتن وپژوهش، تالیف کتاب، مقاله نویسی، معاشرت و در زمان مقتضی در سیر و سفر، انجام طرحهای پژوهشی و کارهای تحقیقاتی، مشاور ناشران در چاپ کتاب همکاری با دانشجویان در امر تحقیق و پژوهش.

شاگردان : دکتر عبدالرسول مهرسای (اورولوژیست _مقیم تهران)- دکتر باقر هوشنگی (پزشک متخصص_ مقیم تهران)- دکتر عبدالکریم مشایخی (دکتر در تاریخ، مدرس دانشگاه و رئیس ایران شناسی _ مقیم بوشهر) - دکتر مریم بختیار (دکتری در عرفان و استادیار واحد اهواز)- دکتر مالملی (دکتر در ادبیات فارسی و استادیار واحددانشگاه آزاد اسلامی اهواز)- دکتر شمس الحاجیه اردلانی (مدرس ادبیات فارسی واحد دانشگاه بوشهر) - مریم پرهیزگار دانشجوی دکتری ادبیات فارسی و عضو هیات علمی واحد بوشهر- محمد دادفر (نماینده پیشین بوشهر در مجلس شورای اسلامی) و صدها مدرس، دبیر، پزشک ، مهندس و سایر مصادر دیگر در مشاغل کشوری، سپاهی، لشکری و حرفه های آزاد

جوائز و نشانها : ۱- هیات علمی نمونه واحد درسالهای ۷۳-۸۰ منطقه یک سالهای ۷۸- ۸۰ و کشور ۱۳۸۰ دانشگاه آزاد اسلامی همچنین درسالهای پس از ۱۳۸۰ در واحد دزفول و بوشهر ۲- کسب عنوان مقاله نویس برتر در فراخوان « بهبود نظام بازنشستگی کشور»در چهارمین جشنواره شهید رجایی تهران در سال ۱۳۸۰ در سطح کشور ۳- کسب عنوان مقام اول در محور پژوهشی فرهنگی ادبی برتر در استان بوشهر تحت عنوان درون گرایی در شعر جنوب - استان بوشهر درسال ۱۳۷۹ ۴- کسب عنوان پیش کسوت نمونه سطح دستگاهی (وزارت آموزش و پرورش) در چهارمین جشنواره شهید رجایی ، تهران درسال ۱۳۸۰ در کشور ۵- عضو نمونه کشوری در بخش پژوهش ها و تحقیقات در سومین جشنواره شهید رجایی (شهریور ۱۳۷۹ تهران) ۶- پژوهشگر برتر استان بوشهر درآذر ماه سال ۱۳۸۶ (پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۶) واحد دانشگاهی بوشهر ۷- مقاله نویس در چندین همایش منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی (از جمله واحدهای بوشهر، اهواز، بابل، سبزوار و ... در سال ۱۳۸۶) و کشور (در بخش پژوهش ویژه اساتید کشور در نخستین کنگره نهج البلاغه) و کنگره شناخت فرهنگ عمومی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ۸- احراز مقام سوم کشوری کتاب « پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیای تاریخ بیهقی» در سال ۱۳۸۰

چگونگی عرضه آثار : در عرصه مقالات علمی پژوهشی وتخصصی تا سال ۱۳۸۶ بیش از یکصد مقاله درفصل نامه ها، مجلات و نشریات معتبر دانشگاهی و وزارتی و سازمانی چاپ و منتشر گردیده است (تا کنون ۱۵ مقاله تخصصی در خصوص استان بوشهر در کتاب « بوشهر، شهر آفتاب و دریا» و ۴۶مقاله پژوهشی در کتاب « روزگاران ؟؟» چاپ و منتشر شده است. درعرصه کتاب بیش از ۳۳ کتاب در گروه ادبیات وعلوم انسانی (دانشگاهی و غیر دانشگاهی) توسط دانشگاه یا ناشران کشوری چاپ و منتشر شده است به سال ۱۳۸۶. ---
---

منابع :

۱تکمیل پرسشنامه تکمیلی توسط دکتر سید احمد کازرونی حسینی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی زمستان ۱۳۸۶

حسینی کربلایی اصفهانی، عبدالله بن یحیی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و ادیب و شاعر بوده، در ۱۱۲۶ وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک مسجد مصلی مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی کوهساری، اسحاق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسحق حسینی کوهساری

محل تولد : نکا- ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۲/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال ۱۳۲۸ در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق(ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلائی ادامه تحصیل داده ام.

در سال تحصیلی ۴۷-۴۶ وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریبا دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت ۸ سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت ۶ سال از محضر آیت الله جوادی و مدت ۴ سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.

تقریبا چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم(ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام .

مدت ۱۲ سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی ، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام.

حقیر از سال ۶۰-۵۹ جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی ۱ و ۲ اخلاق ، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم.

کتب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقیر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است.

حقیر کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام.و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم.

در ضمن حقیر افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریبا در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این ..... داشته و دارم.

حسینی مرعشی، محمد خلیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۰ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. محمد خلیل که به سلطان میرزا نیز مشهور بود، از طرف پدر مرعشی، و از طرف مادر صفوی است. جدش، سید محمد حسین، مدتی در مشهد سلطنت کرد و به شاه سلیمان ثانی معروف شد. میرزا محمد خلیل به عتبات رفت و بعد به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد. از آثار او: «مجمع التواریخ»؛ «حاشیه‌ی تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «من لا یحضره الفقیه»؛ و «شرح تذکره‌ی هیئت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۵/۲۰)، ریحانه (۲۹۲/۵)، مولفین کتب چاپی (۲۹ -۲۸ /۳).

حسینی منشی، سلیمان

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، ادیب. وی صاحب کتاب «شجره السینیه لثمره الیقینیه» در خواص حرف سین که به نام امیرعلیشیر نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۶۱).

حسینی نایینی اصفهانی، بهاءالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۳۳ -۱۰۸۰ ق)، متکلم، محدث، فقیه امامی و ادیب. در اصفهان ساکن بود و با فاضل هندی معاصر. او از شیخ حر عاملی اجازه روایت داشت. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «ارتشاف الشافی» و «صفوه الصافی من رغوه الشافی»، تلخیص «الشافی» علم الهدی؛ «اناره الطروس فی شرح عباره الدروس»؛ «تعلیقات اشباه و نظایر سیوطی»؛ «رساله فی صیغ العقود»؛ «تفریج القاصد لتوضیح

المقاصد»؛ «تعلیقات شرح صحیفه‌ی سید علی خان»؛ «زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر»، نظیر «مقامات» حریری؛ شرح «بدایه الهدایه» شیخ حر عاملی؛ «شرح صمدیه‌ی شیخ بهایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۱۵/۱)، تذکره القبور (۴۷۷)، الذریعه (۱۹۴/۲۴ ،۳۶۲/۱۳ ،۶۱/۱۲ ،۱۵۳/۴)، روضات الجنات (۱۱۶ -۱۱۵ /۷)، ریحانه (۳۹۰/۱)، فوائد الرضویه (۶۰۱)، معجم المولفین (۱۹۶/۱۱)، هدیه الاحباب (۱۰۹)، هدیه العارفین (۳۱۶/۲).

حسینی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم حسینی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

با لطف خدای متعال پس از اتمام دوران ابتدایی در دماوند، برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی به تهران آمدم و با مشکلات و محدودیتهای نسبتاً زیاد ، در نهایت در سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و بارها در دوران ابتدایی و راهنمایی شاگرد ممتاز و در دوران دبیرستان موفق بوده ام.درسال ۱۳۶۲ با عنایت امام عصر (عج) علیرغم اینکه برای رشته پزشکی دانشگاه تهران در امتحان کنکور شرکت کرده بودم و در مرحله اول قبول شده بودم ولی بدون انتظار برای نتیجه مرحله دوم به حوزه علمیه قم آمده و تحصیلاتم را در مدرسه امام صادق (ع) (واقع در نیروگاه) شروع و به لحاظ آمادگی ذهنی و روحی و شرایط خوب مدرسه توانستیم از تابستان نیز استفاده و در سال ۱۳۶۴ لمعتین را شروع کنیم.البته در سال ۱۳۶۳ ازدواج نموده از اقامت در مدرسه امام صادق بیرون آمدم.در سال ۱۳۶۵ رسائل و مکاسب و پس از آن کفایه را شروع کردم.

مدت دو سال و نیم مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی لارستان را پذیرفتم ولیکن در همان دوران نیز علاوه بر تدریس کم و بیش تحصیل را ادامه می دادم. نهایتا پس از برگشت از لارستان در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ دروس سطح را نیز به اتمام رساندم و با نمره ۲۰ از کفایه و نمرات بالا در سایر دروس این مقطع را زیر نظر اساتید محترم آقایان: شیخ علی پناه اشتهاردی، سید احمد خاتمی، پایانی، اعتمادی، محقق (آقا سید علی)، قدیری به پایان رسانده و آماده ورود به مقطع جدید شدم.درس خارج فقه و اصول را از سال ۱۳۶۹ شروع کردم. شروع درس خارج فقه در محضر آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج اصول در محضر آیت الله سبحانی بوده و فیض بردم مدت پنج سال در درس فقه آیت الله فاضل لنکرانی و مدت ۲ سال در درس خارج آیت الله سبحانی شرکت نمودم. سپس در درس خارج فقه و اصول: حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، شبیری زنجانی و آیت الله هاشمی شاهرودی حاضر شده و بهره مند شدم.همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول، در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شده و دوره عمومی معارف اسلامی، فلسفه اسلامی و تفسیر موضوعی و علوم جدیده مورد نیاز مانند روان شناسی و جامعه شناسی و زبان انگلیسی به مدت پنج سال گذراندم و در سه نوبت دانش پژوه ممتاز در گروه بودم.

در سال ۱۳۷۴ در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق اسلامی و حقوق بین الملل شده و با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان اصل منع توسط به زور در اسلام و حقوق بین الملل دفاع نموده و با بالاترین نمره گروه (نمره ۱۹) با امتیاز عالی قبول شدم. (۱۳۷۹)از آن به بعد به عنوان محقق و پژوهشگر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و دبیر گروه حقوق فعالیت هایم وارد مرحله جدید شد و در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیات علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی کارهای تحقیقی و پژوهشی خود را بیشتر در زمینه فلسفه حقوق و حقوق زن شروع کردم.در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ مسئولت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان را پذیرفتم ولیکن ارتباط علمی خود را با موسسه حفظ نموده ام. در طول سالیان ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه مختلف از جمله: دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه صنعت آب و برق (تهران)، دانشگاه سمنان، دانشگاه های آزاد اسلامی ساوه، آشتیان و نیز حوزه علمیه خواهران (دفتر تبلیغات)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره ، مؤسسه باقر العلوم علیه السلام و مدرسه جهانی فقه و اصول و نیز دوره های مختلف طرح ولایت و طرح کوثر (برای دانشجویان سراسر کشور) به تدریس عمدتا در دروس حقوقی و نیز معارف اسلامی اشتغال داشته و دارم.بعد از انتقال از سمنان به قم در مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی با تقبل مسئولیت گروه حقوق و فلسفه احکام بیشترین تمرکز پژوهشی را در زمینه حقوق زن و حقوق بشر داشته با انتشار مقالات مختلف و پاسخ به سوالات دانشجویان چه از طریق نامه یا ایمیل و فعلا نیز در صدد آمادگی برای امتحان در مقطع دکترای حقوق بین الملل یا فلسفه حقوق هستم.

حسینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید ابوالحسن بن السید الجلیل مرحوم حاج میر باقر بن میر محمد بن سید یوسف حفید برادر آیه‌الله آقا سید عبدالغفار مذکور از علماء معاصر بابل و فضلاء با تقوا حوزه علمیه قم است. وی در سال ۱۳۰۴ شمسی در قریه درزی کلاء بابل متولد شده و تحصیلات ابتدائی را در شهرستان بابل خوانده و در سال ۱۳۲۰ شمسی بمشهد مقدس مشرف شده و مدت ۹ ماه در آنجا توقف و بواسطه بروز جنگ بین‌المللی و ورود متفقین بایران با مشکلاتی روبرو شده که ناچار بوطن برگشته و مدت یکسال یا بیشتر توقف و مواجه با گرفتاریهای زیادی شده تا والدش وی را بقم آورده در سال ۱۳۶۳ قمری و شروع بتحصیل نموده و سطوح اولی و متوسط را نزد اساتید حوزه خوانده و سطوح عالی فقه و اصول را از محضر آیه‌الله آقای سلطانی بروجردی و آیه‌الله صدوقی و آیه‌الله فکور یزدی خوانده و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران استفاده کرده و ضمنا تدریس ادبیات و سطوح متوسط و عالی را نموده و در زمان آیه‌الله العظمی بروجردی امور طلاب و محصلین مازندرانی از قبیل تقسیم شهریه و غیره بایشان محوّل بوده و مدت هیجده سال در قم اقامت و اشتغال بتحصیل و تدریس داشته تا اواخر سال ۱۳۳۹ شمسی که بموجب دعوت و اصرار اهالی شهرستان بابل و حسب‌الامر آیه‌الله العظمی بروجردی به بابل آمده و تااکنون باقامه جماعت در مسجد بی‌سر تکیه و ارشاد مردم و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام و تدریس سایر امور دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما که این حقیر در قم آشنائی نزدیکی با او داشتم از علماء ابرار و فضلاء اخیار معاصر و در مکارم اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و قدس و تقوا شباهت تامی بعموی معظمش مرحوم آیه‌الله آقا سید عبدالغفار طاب‌الله ثراه دارد و در مدت توقفش در قم مکروهی از او ندیده و مارأیت منه الا-جمیلا- آری باید از بیت آن مرحوم که از شاگردان آیه‌الله عالم ربّانی حاج شیخ محمد بهاری و آیه‌الله التقی الورع الزکی حاج سید احمد کربلائی تهرانی بوده مانند آقای حسینی بیرون آید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم حسینی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

تولد: تهران/ دوشنبه هفتم خرداد ۱۳۴۱ هجری شمسی/ بیست و سوم ذی الحجه ۱۳۸۱هجری قمری بیست و هشتم می ۱۹۶۲میلادی. آغاز طلبگی: تهران/۱۳۵۹، ادامه در قم ۱۳۶۳. تحصیلات حوزوی: خارج فقه و اصول(یک دوره).استادان اصلی دروس حوزه: پاکتچی، رضی شیرازی، محامی، راستی، طاهری خرم آبادی، احمدی یزدی، مؤمن، نوری همدانی، تبریزی، مددی، سبحانی . تحصیلات دانشگاهی: کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران(۱۳۶۷)و کارشناسی ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۷۱). سوابق علمی: ویرایش حدود ۵۰ کتاب، تألیف و ترجمه و تحقیق و فراهم سازی ۳۰ اثر در زمینه های حقوقی،ادبی، هنری، ادبیات کودکان، تربیت،حدیث، پیشینه شعر از سال ۱۳۵۸ و دارای اشعاری در مجموعه های مختلف و عرضه در ده ها کنگره کشوری، عرضه ده ها مقاله در نشریات گوناگون، نگارش صدها ساعت برنامه رادیویی و تلویزونی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷. سوابق عملی: مسؤولیت های فرهنگی در آموزش و پرورش، صدا و سیما، سپاه پاسداران، وزارت ارشاد، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و نشریات گوناگون از سال ۱۳۵۸ . اشتغال کنونی: عضو هیأت علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سر ویراستار دانشنامه فرهنگ فاطمی، مشاوره های فرهنگی، اشتغال به ترجمه دوره کامل الغدیر . سفرهای تبلیغی: پنج سال کار مستمر فرهنگی در کردستان، یک دوره عضویت در هیات علمی بعثه مقام معظم رهبری در حج . آشنایی به زبان های دیگر: عربی به طور کامل، انگلیسی در حد ترجمه.

حسینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سید حسن حسینی درسال ۱۳۳۵ه.ش در تهران دیده به جهان گشود. وی اصلا از اورازان است. و دارای مدرک کارشناسی تغذیه و دکترای ادبیات فارسی است. وی در ادبیات تطبیقی و مقایسه ای فارسی و عربی تحقیقات و تالیفاتی داده و خود نیز صاحب طبع شعر، نثر و دارای روحیه ای مذهبی و عرفانی است. گنجشک و جبرئیل از مجموعه های شعر او، نگاهی به خویش از مصاحبه های او با ادیبان معاصر عرب و «سپهری و سبک هندی » از تحقیقات تطبیقی اوست. وی فروردین ماه سال ۱۳۸۲ به طور ناگهانی و بر اثر ایست قلبی درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

گرایش : ادبیات مقایسه ای عربی و فارسی

والدین و انساب : پدر و اجداد سید حسن حسینی از قریه مشهور اورازان بوده اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید حسن حسینی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه خود تهران، در رشته تغذیه در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. اما پس از اخذ مدرک کارشناسی، به ادبیات فارسی روی آورد و تا حد اخذ مدرک دکتری دراین رشته ارتقا یافت. وی آثار تحقیقاتی درزمینه ادبیات تطبیقی و مقایسه ای به نگارش در آورده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : روزگار تحصیل سید حسن حسینی شاهد اواسط و آخرین سالهای نهضت محمد رضا شاه پهلوی و حوادث پیش از انقلاب اسلامی بود.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سید حسن حسینی در کنار تحصیل در رشته ادبیات فارسی، به مطالعه آثار مذهبی و انقلابی همچون آثار دکتر علی شریعتی وآیت الله مطهری و نیز شرکت در مبارزات سیاسی می پرداخت.

وقایع میانسالی : سید حسن حسینی پس از اخذمدرک کارشناسی در رشته تغذیه، به تحصیل در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری درشته ادبیات در دانشگاه تهران پرداخت. و پس از فراغب از تحصیل به تدریس و پژوهش پرداخت. و تا کنون به این امور اشتغال دارد.

زمان و علت فوت : سید حسن حسینی فروردین ماه سال ۱۳۸۲ به طور ناگهانی و بر اثر ایست قلبی در گذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید حسن حسینی صرف نظر از اینکه به عنان یک محقق درزمینه ادبیات تطبیقی و مقایسه ای میان سبکهای گوناگون ادبیات معاصر و گذشته ایران است. درزمینه مقایسه ادبیات عربی با ادبیات فارسی و بررسی پیوندهای آن به ویژه در زمان معاصر به تحقیق می پردازد. از این گذشته به تدریس ادبیات فارسی و عربی در دانشگاه می پردازد.

فعالیتهای آموزشی : سید حسن حسینی به عنوان یک پژوهشگر ادبیات مقایسه ای و تطبیقی میان ادبیات فارسی و عربی مشهور است و ازاین رو، دروس مربوط به زبان عربی در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاهها تدریس می نماید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه آثار ادبیات معاصر فارسی و عربی و نیز سرودن شعر و نگارش نثرهای ادبی از امور مورد علاقه سید حسن حسینی می باشد. محتوای آثار وی بیشتر مذهبی و عرفان است.

آرا و گرایشهای خاص : حسن حسینی پس از آشنایی با اندیشه های دکتر علی شریعتی وآیت الله مطهری، بازتابی از اندیشه های این دو تن را در شعر و نثر خود یافت. به نظر وی این بازتاب در سراسر شعر معاصر متجلی بود. شعر معاصری که در پی این بود که به لحاظ زبان، ساختار و نگاه معاصر باشد. دکتر حسینی بیشتر در زمینه روابط ادبیات عربی با ادبیات فارسی آثاری از خود منتشر کرده است.

چگونگی عرضه آثار : سیدحسن حسینی که به مفهومی علمدار شعر ایدئولوژیک دهه شصت بود و به گفته برخی کارشناسان جریان نوینی را در شعر مذهبی معاصر رقم زد،بنا به وصیت او دکتر قیصر امین‌پور، آثار او را پس از مرگش منتشر خواهد کرد که تاکنون این مهم با انتشار دو مجموعه «در ملکوت سکوت» و «از شرابه‌های روسری مادرم» پیگیری شده است که اولی گزینه‌ای از شعرهای آزاد منتشر نشده و دومی مجموعه‌ای از شعرهای آزاد با تمرکز موضوعی بر «ستایش حضرت زهرا (س)» است.

آثار :

۱ از شرابه‌های روسری مادرم

ویژگی اثر : مجموعه‌ای از شعرهای آزاد با تمرکز موضوعی بر «ستایش حضرت زهرا (س)

۲ براده ها

ویژگی اثر : این کتاب مجموعه ای ست از نثرهای ادبی ، دکتر سید حسن حسینی که بیشتر حال و هوای مذهبی و انقلابی دارند.

۳ ترجمه و شرح فن الشعر

ویژگی اثر : فن الشعر اثری است از استاد احسان عباس ادیب معاصر عرب که درباره شیوه شعر سرایی و آرایه های ادبی است. این اثر توسط دکتر سید حسن حسینی به فارسی ترجمه و شرح داده شده است.

۴ حمام روح

ویژگی اثر : این اثر ترجمه و گزیده هایی است از آثار جبران خلیل جبران ادیب، فیلسوف و عارف بزرگ عرب در روزگار معاصر.

۵ در ملکوت سکوت

ویژگی اثر : مجموعه اشعار آزاد

۶ سپهری و سبک هندی

ویژگی اثر : این اثر درحیطه ادبیات مقایسه ای است که اشعار سهراب سپهری اشعار سهراب سپهری شاعر معاصر را با شاعران سبک هندی که در دوره صفویه می سرودند، مقایسه نموده است.

۷ گنجشک و جبرییل

ویژگی اثر : مجموعه شعری است که از دکتر سید حسن حسینی که حال و هوای مذهبی و عارفانه دارد.

۸ نگاهی به خویش

ویژگی اثر : ترجمه مصاحبه های دکتر سید حسن حسینی با شعرا و ادیبان معاصر عرب در کتابی تحت عنوان نگاهی به خویش منتشر شده است. این اثر با همکاری شخصی به نام بیدج به انجام رسیده است.

۹ همصدا با حلق اسماعیل

ویژگی اثر : این کتاب مجموعه ای است از شعرهای دکتر سید حسن حسینی که در فضای انقلاب اسلامی و پیش از آن سروده شده است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

حسینی، داوود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داوود حسینی

محل تولد : دستجرد آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۶۰وارد حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی شدم و دروس صرف و نحو را در تهران گذراندم. از درس اخلاق آیت الله مجتهدی بهره بردم و در درس اخلاق آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی شرکت می کردم.

درس فقه لمعتین را از اساتید بزرگوار آیت الله ضیاء آبادی و رئوفی بهره بردم. در سال۱۳۶۷وارد حوزه علمیه قم شدم و در درس رسائل آیت الله اعتمادی و مکاسب آیت الله پایانی و دوزدوزانی بهره مند شدم. همزمان در دوره های آموزشی موسسه در راه حق که زیر نظر آیت الله مصباح یزدی برقرارمی شد شرکت می کردم.دو جلد کفائتین را از آیت الله تهرانی وحجهٔ اسلام والمسلمین گنجی استفاده کردم.

با پایان دوره پنج ساله آموزشی موسسه در راه حق و تبدیل این موسسه به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) درکنار دروس خارج آیات عظام آیهٔ الله مکارم شیرازی و جعفر سبحانی وجوادی آملی دوره کارشناسی ارشد روانشناسی را در موسسه امام خمینی(ره) به پایان رساندم ودر سال ۸۲ فارغ التحصیل شدم.

حسینی، صالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صالح حسینی در سال ۱۳۲۵ در سنقر کرمانشاه به دنیا آمد. وی در کودکی با قرآن و دیوان شاعرانی چون سعدی و حافظ آشنا شد. تحصیلات عالی را در دانشگاه شیراز در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دنبال کرد، و پس از آن به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن به تحصیل در زمینه ادبیات آمریکایی پرداخت. دکتر صالح حسینی به غیر از تدریس در دانشگاه شهید چمران اهواز ، آثار متعددی از مشاهیر ادبیات آمریکا از جمله ویلیام فاکنر و نور تروپ فرای را ترجمه کرده است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : مترجمیتحصیلات رسمی و حرفه ای : صالح حسینی تحصیلات مقدماتی در مکتب خانه آغاز کرد و پس از مدتی طلبگی و آشنایی به قرآن وحافظ و سعدی وارد مدارس جدید شد . پس از اتمام دوره های ابتدایی و دبیرستان در زادگاهش از سال ۵۲-۱۳۴۵ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی شیراز زبان و ادبیات انگلیسی را فرا گرفت .وی به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا به تحصیل ادبیات آمریکایی پرداخت (از سال ۵۸-۱۳۵۴)مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صالح حسینی در سال ۱۳۵۸ که از آمریکا به ایران بازگشت. به امر تدریس در دانشگاه سه سال تعطیلی دانشگاه ها ، که دو سال از آن را در مرکز نشر دانشگاهی فعالیت می کرد، سایر سالها ی عمر خودرا در در دانشگاه اهواز سپری نمود . دروس عمده ای که وی تدریس می کرده است ، عبارت است از: رمان، نقد، مکتبهای ادبی، شعر انگلیسی، بررسی ادبیات معاصر فارسی و ترجمه . آثار : آبشالوم، ابشالوم! ، تالیف بررسی تطبیقی خشم و هیاهو و شازده احتجاب ، تالیف خانه روشنان و گلشیری کاتب ، تالیف فرهنگ برابر های ادبی ، تالیف نظری به ترجمه ، تالیف نیلوفر خاموش ویژگی اثر : نظری به شعر سهراب سپهری۷ تالیف واژه نامه ادبی ، ترجمه آخرین وسوسه مسیح اثر نیکوس کازانتزاکیس ، ترجمه برادران کارازوف اثر داستایوسکی ، ترجمه برخیز ای موسی ، ترجمه به سوی نانوس رویایی ، ترجمه تحلیل نقد اثر نور ترواپ فرای ، ترجمه خشم و هیاهو ، ترجمه دل تاریکی ، ترجمه رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات اثر نور تروپ فرای ، ترجمه گزارش به خاک یونان . اثر نیکوس کازانتزاکیس ، ترجمه لرد جیم ، ترجمه مجموعه مقالاتی درباره دو بلینی ها

حسینی، فضل الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فضل الله حسینی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. روز آغازین ورودم به حوزه مصادف با آغاز جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران به رهبری صدام و کمک آمریکا، اروپا،شوروی و هم پیمانانشان بود. پس از چهارماه تحصیل در حوزه علمیه قم به جبهه جنگ رفتم در طول هشت سال جنگ سعی کردم میان درس و جنگ جمع کنم که در طول جنگ بیش از دو سال و نیم در جبهه بودم و پنج سال و نیم درس خواندم مدتی در جبهه در واحد عقیدتی قرار گاه خاتم الانبیاء و دفتر سیاسی نمایندگی امام در نیروی زمینی سپاه کار فرهنگی و سیاسی کردم.

حسینی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی حسینی از فضلاء مبارز و فعال این شهرستانست تولد ایشان در این سامان شده و برای تحصیل به مشهد مقدس آمده و متون فقه و اصول را از مدرسین مشهد فراگرفته و از محضر و دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدهادی حسینی میلانی بهره‌مند گردیده و پس از آن به وطن برگشته و به خدمات دینی پرداخته است.

نگارنده گوید: آقای حسینی را که دو سه بار ملاقات نمودم دانشمندی حساس و فعال یافتم چنانچه در زابل در اثر فعالیتهای بسیار تأسیس کتابخانه‌ای بنام (حضرت صاحب الزمان (ع)) نموده و به واردین اهل علم که که جبراً و یا اختیاراً به زابل می‌آیند خدمات زیادی کرده و می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم حسینی

محل تولد : بوشهر

شهرت : حسینی بوشهری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری در سال ۱۳۳۵ در بخش بردُخون از حوالی بندر دیّر استان بوشهر به دنیا آمد. پدر او روحانی بود و اگر چه بسیاری از دروس رسمی حوزه را نخوانده بود، در منطقه خود مورد اعتماد مردم و به رتق و فتق امور مردم و حل منازعه بین آنها می‌پرداخت و خود از راه کشاورزی روزگار می‌گذراند. مادر او نیز خود دختر عالمی فرزانه بود و در شکل‌گیری شخصیت آیت الله حسینی بوشهری نقش بسزایی ایفا می‌کرد. آیت الله حسینی بوشهری پس از به پایان رساندن دوره دبستان، به تحصیلات علوم دینی روی آورد. مشوق اصلی او در این امر پدرش بود. او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از طی بخشی از دروس مقدمات به حوزه علمیه قم رو آورد. در قم درسهای باقیمانده از دورهٔ مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره سطح را آموخت و به درس خارج راه یافت. ضمن اینکه در دروس اخلاق استادان خود شرکت می‌نمود. وی همگام با تحصیل به تدریس آنچه آموخته بود نیز می‌پرداخت. آیت الله حسینی بوشهری در حوزه علمیه بوشهر و قم به محضر عالمان و استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از فراگرفتن جامع المقدمات و بخشی از کتاب سیوطی به حوزه علمیه قم وارد شد. وی در قم ادامه کتاب سیوطی و نیز کتب مغنی و معانی و بیان و شرح لمعه‌را به صورت خصوصی از محضر اساتید آن زمان فرا گرفت. در دوره سطح نیز بخش عمده‌ای از رسائل و مکاسب را نزد مرحوم آیت الله ستوده آموخت. ایشان بخشهایی از رسائل، کفایه و قوانین را از محضر آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی بهره برد. او بسیاری از مباحث کفایه را نیز از درس مرحوم آیت الله پایانی استفاده کرد. با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله تبریزی رفت. در زمینه اصول نیز مدتی از محضر مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی بهره برد. سپس یک دوره کامل اصول را از خدمت آیت الله مکارم شیرازی و بخشهای بسیاری را نیز از محضر آیت الله وحید خراسانی فرا گرفت. در طی این سالها در بخش حکمت و عرفان به درس آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله انصاری شیرازی رفت و اسفار را نزد این عالمان وارسته آموخت. آیت الله حسینی بوشهری از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت، به گونه‌ای که

مصمم بود هر درسی که می‌آموزد، بیاموزاند. از این رو با شروع سیوطی، به تدریس اشتغال داشت که این مسأله هم اکنون نیز ادامه دارد. بسیاری از نوارهای تدریس او هماره مورد استفاده طلاب حوزه علمیه قم است. وی بارها دروس مقدمات، شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و بخشهایی از عروهٔالوثقی را تدریس کرد. در فن خطابه نیز پس از نگارش جزوه ای در این زمینه سالیانی چند به تدریس برای علاقه‌مندان به آشنایی با فن سخنوری اشتغال داشتند که در طی این سالها شاگردان بسیار را تربیت کرده‌اند.او در کنار این فعالیتها از تدریس در دانشگاهها باز نمانده و به گونه‌ای مستمر به تدریس در دانشگاههای تهران و قم اشتغال داشته است. آیت الله حسینی بوشهری در عرصه تحقیق و تألیف کتب و مقالاتی را به رشته تحریر درآورده است. آیت الله حسینی بوشهری در طول سالهای مبارزه امام و امت مسلمان ایران بر ضد رژیم پهلوی، همواره با این سیل خروشان همراه بوده است. او مبارزه را از سنین نوجوانی و در بوشهر آغاز کرد و در قم نیز آن را پی گرفت. او اعلامیه‌های امام(ره) را بین مردم منتشر می‌کرد که این مسأله موجب چندین بار دستگیری و بازجویی وی شد.

حسینی، هما

قرن:۱۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

هما حسینی (زاده۲ دی ۱۳۶۷) یک قایقران ایرانی است که پرچمدار کاروان ورزشی ایران در المپیک پکن بود. او در این مسابقات در مسابقات تک نفره رشته پاروزنی (روئینگ) شرکت کرد و در جایگاه آخر گروه بانوان ایستاد.

زندگی ورزشی

حسینی پیش از قایقرانی، در کرمانشاه در رشته بسکتبال کار می‌کرد، اما پس از انجام تست آمادگی جسمانی برای رشته قایقرانی با توجه به قد بلندش، برای آموزش و عضویت در تیم ملی برگزیده شد. او از همان آغاز زیر نظر یک مربی خارجی به تمرین پرداخت. او پیش از حضور در المپیک به مدت ۲ سال در اردوی آماده‌سازی به سر برد.

حضور در المپیک

هما حسینی یکی از سه بانوی ورزشکار ایرانی است که موفق به کسب سهمیه در المپیک پکن شدند. او پس از سارا خوش جمال فکری (تکواندو)، دومین سهمیه زنان ایران را در المپیک پکن به دست آورد[۶]. پس از او نجمه آبتین در رشته تیر و کمان موفق به انجام این کار شد.

او در حاشیه شرکت در مراسم افتتاحیه المپیک در گفتگو با خبرنگارن اعلام کرد:

«•تصور می‌کنم آمریکا می‌خواهد جنگی علیه کل جهان راه بیندازد.» وی در رقابت‌های تک نفره گروهی رویینگ بازی‌های المپیک پکن و در بخش ۲۰۰۰ متر زنان، در گروه خود به مقام چهارم دست یافت و در مرحله بعدی در گروه بازندەها در میان ۴ شرکت‌کننده چهارم شد و در مجموع در جایگاه آخر قرار گرفت.

او پس از پایان مسابقات در مورد پوشش غیر متعارف خود گفت:

•در مسابقات با همه فرق می‌کردم و این حس خاصی به من می‌داد. البته اینجا جای این نیست که به این چیزها فکر کنم چون در همه مسابقات ما با همه فرق می کنیم.

و نیز در این مورد گفته می‌شود که او به خاطر رطوبت زیاد و پوشش کاملی که دارد، عرق بدنش درست تبخیر نمی‌شود و مشکل پوستی پیدا کرده است

پرچم‌داری کاروان ورزشی ایران

حسینی در مراسم گشایش المپیک پکن، پرچم‌دار کاروان ورزشی ایران بود. او پس از لیدا فریمان تیرانداز رشته تفنگ بادی در المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا دومین زنی است که پرچم‌داری کاروان ایران در بازی‌های المپیک را بر عهده داشته است

پس از برگزاری مراسم گشایش، سید احمد علم‌الهدی عضو مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه مشهد در خطبه‌های نماز جمعه این شهر سپردن بیرق ملی به دست یک زن را جنگ با ارزش های اسلامی، مخالف با تعالیم معصومان و موجب تأخیر در ظهور امام زمان نامید.

حسینیان، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله حسینیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تا سوم دبیرستان را در صفاد ، یکی از روستاهای آباده طی کردم .

سطح را در مدرسه حقانی قم (ادبیات را نزد آیت الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی، لمعه نزد فاضل هرندی ، مکاسب نزد آیت الله ستوده ، رسائل نزد آیت الله جنتی ، کفایه نزد آیت الله احمدی میانجی)

درس خارج را در تهران دو سال نزد آیت الله محمدی گیلانی، یک سال نزد آیت الله صانعی، دو سال نزد آیت الله خامنه ای و یک سال کتاب قضا و شهادات نزد آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی در قم .

حسینیان، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر حسینیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جعفر حسینیان در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ مدرک دیپلم شده و در همان سال بنا به درخواست رسمی دانشگاهی از آمریکا ارسال ترجمه مدارک برای اخذ مدارک علمی بالاتر قصد آن دیار نمودم که با جریانات انقلاب مصادف شد، و با احساس تکلیفی که در جریان تحقق اسلام ناب در جامعه داشتم بعد از پیروزی انقلاب به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز فارس درآمدم و تا سال ۱۳۶۳ در بخش فرهنگی و تبلیغی سپاه پاسداران مشغول فعالیت بودم. بعد از آن به قم مراجعت نموده و در مرکز تحقیقات علمی فرهنگستان علوم اسلامی و در کنار آن در حوزه علمیه مشغول تحصیل فعالیت علمی شدم و موضوعات مطرح شده علمی در فرهنگستان علوم اسلامی و همچنین هدف این موسسه علمی و تحقیقی که تحت سرپرستی علمی علامه شهیر مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید منیر الدین حسینی شیرازی (قد سره) بود به دلیل نوآوری آن بسیار مورد توجه و علاقه من قرار گرفت و اکثر اوقات علمی و تحقیقی خود را در آن موسسه علمی و تحقیقی گذراندم.

هدف عمده تحقیقات فرهنگستان علوم اسلامی بعد از آسیب شناسی جدی در موانع اجرای احکام الهی در جامعه و ریشه یابی آن و بزرگترین مانع را مدل ها و الگوهای علمی اداره کشور دیدن تحقیق پیرامون روش دستیابی به فلسفه شدن اسلامی بود در این راستا تمام عمر تحقیقی خود را در این موسسه و در محضر استاد عزیز علامه حسینی (ره) بودم و بعد از رحلت ایشان که بسیار برای من جانکاه بود به فعالیت های تحقیقی خود ادامه دادم.

حق جو، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین حق جو

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱۲/۲۹

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین حق جو در۲۹ اسفند سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در شهر نیشابور در خانواده ای متدین و مذهبی به دنیا آمدم.دوران تحصیلات خود را تا سوم دبیرستان در شهرستان نیشابور و سپس در هنرستان فنی مشهد سه سال ادامه تحصیل دادم و سرانجام در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی برای کسب علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم.از آغاز کودکی به همراه پدرم در جلسات و هیئات مذهبی شرکت می کردم و از همان اوایل کودکی به جلسات قرآن و درس اخلاق و احکام علاقه فراوانی داشتم هنوز به سن تکلیف نرسیده بودم که در هیئات مذهبی شهرستان نیشابور فعالیتهایی اجرایی و فنی را بعهده گرفتم.

جلسات هفتگی ، تمرین سخنرانی، حفظ حدیث و تلاوت قرآن برگزار می کردم. در تابستانها تحت نظر مدیریت حوزه در قبل از انقلاب جلسات و کلاسهای قرآن،عقائد، احکام و اخلاق را با حضور اساتیدی از قم اداره می کردم. در سالهایی که برای ادامه تحصیل به مشهد رفته بودم با استفاده از تعطیلات پایان هفته، جلسات هفتگی با حضور نوجوانان و جوانان تشکیل می دادم و برای آنان از درآمد شخصی خود هدایایی تهیه می کردم.در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل به قم سفر کنم که در ابتدا دوستان و حتی اولیاء با این امر مخالفت می کردند ولی با پایداری خود و توصیه برخی بزرگان وارد حوزه شدم.در

آغاز ورود به حوزه با اساتید قلم، گفتار و عمل ارتباط برقرار کردم. در همان اوان ورود به حوزه به توصیه برخی عزیزان و اساتید، قلم به دست گرفته و اولین اثر خود را به نام خودسازی در مکتب قرآن و عترت (علیهم السلام)در سال ۱۳۶۱ با تقریظ حضرت آیت الله مظاهری و مقدمه استاد مصطفی زمانی (ره) به زیور طبع آراستم.

تاکنون حدود ۵۰ عنوان کتاب تألیف نموده ام و چند عنوان کتاب هم تحت نظر بنده تألیف گشته است چند سال در دانشگاه آزاد تهران،شهریار، کمیته انقلاب اسلامی،دفتر امام جمعه شهریار، فعالیت داشتم و همچنین چندین سال مسئول پاسخ گوئیی به سوالات جوانان سراسر کشور در مؤسسه پیام اسلام بودم و حدود ۸ سال مدیریت بنیاد فرهنگی اسلام را عهده دار بودم که روزانه پاسخگوی صدها نامه و تلفن از سراسر کشور بودم و در کنار کارهای پژوهشی، تألیف، تدریس و تبلیغ به تحصیل پرداختم، دروس سطح را از آقایان باکوئی، اعتمادی، وجدانی،استادی،مظاهری،پایانی، ستوده، ممدوحی، مشکینی، شب زنده دار، جوادی، مصباح، خز علی و... کسب فیض کردم پس از گذراندن دروس سطح حوزه به مباحث عالی حوزه همت گماشتم و از محضر اساتید خارج آیات عظام، مرعشی، گلپایگانی، سبحانی، مکارم، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، نوری همدانی،که به تقریرات دروس این اساتید می پرداختم.همزمان با گذراندن تحصیلات خارج به تدریس نیز مشغول بودم، تا اینکه در سال ۱۳۷۳ به همکاری در معاونت تهذیب حوزه دعوت شدم و به عنوان مسئول مشاوران مدارس برگزیده شدم و به برنامه ریزی نظارت و اجرا می‌پرداختم به لحاظ ضرورت امر، لازم آمد که مرکز تخصصی مشاوره اقدام شود که تاکنون این مسئولیت را عهده دار می باشم و به یاری خدای متعال و کمک ۴۰ مشاور در رشته های مختلف اخلاقی، روحی، معنوی، پزشکی،روانپزشکی، حوزوی، اجرائی، آموزشی و خانواده ، به انجام ظیفه مشغول هستم.

کنون نیز علاوه بر کارهای علمی، پژوهشی و تبلیغی به تألیف موضوعات کاربردی جوانان مشغول هستم ولی متأسفانه بخاطر کمبود وقت و امکانات، توان نشر آن آثار را ندارم.ضمنا دو دوره بعنوان نماینده طلاب و فضلا نیشابوری مقیم حوزه قم برگزیده شدم که به عنوان رئیس کمیسیون اخلاق و تهذیب این مجمع نیز گزیده شدم.

اگر چه چندان موفق به تدریس نیستم، ولی با لطف الهی در مراکز تخصصی حوزه، مدارس علمیه قم و شهرستانها و موسسه امام خمینی (ره) ، مدرسه فیضیه قم و دانشگاهها تدریس مباحث اخلاقی و روانشناسی بصورت مداوم وپاره وقت مشغول میباشم.خدا را باید بر این الطاف فراوان سپاس و تشکر فراوان نمود که هذا من فضل ربی و از باب و اما بنعمه ربک فحدث یاد آور شدم.

حقانی، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن حقانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات کلاسیک را تا سوم دبیرستان در دبیرستان جعفری اسلامی تهران ادامه دادم. اکثر اوقات فراغت خود را در آن دوران بویژه تابستان در کتابخانه مرحوم آیت الله حسن سعید واقع در مسجد جامع بازار تهران می‌گذراندم. همچنین عصرهای پنجشنبه از محفل درس اعتقادات آیت الله سبحانی در همان کتابخانه استفاده می کردم.در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شده و پس از موفقیت در آزمون ورودی در مدرسه منتظریه(حقانی)تحت اشراف شهید قدوسی به تحصیل علوم دینی پرداختم و از محضر آیت الله قدوسی، آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی،آیت الله خزعلی، آیت الله مقتدایی، آیت الله حائری شیرازی، آیت الله معرفت و .... استفاده نمودم.همچنین از اساتید خارج از مدرسه تا سطوح عالیه چون استاد ستوده،استاد اعتمادی، استاد خرازی و استاد پایانی استفاده نمودم و یک دوره اصول و بخشی از فقه چون صلاهٔ، حج و ... را در محضر حضرت آیت الله مظاهری فرا گرفتم. در سال ۱۳۵۹ وارد مؤسسه در راه حق شده و از برنامه‌های درسی آنجا تحت اشراف حضرت آیت الله مصباح یزدی استفاده نمودم و علاوه بر گذراندن دروس عمومی دانشگاهی در رشته تخصصی روان شناسی تا حد کارشناسی ارشد تحصیل نمودم و از محضر اساتید حوزوی و دانشگاهی ا ستفاده نمودم که به دلیل آنکه آن زمان مدرکی داده نمی‌شد فقط به گذراندن دوره اکتفا شد.در این دوره از محضر استاد معظم آیت الله مصباح در زمینه‌های فلسفه، علوم قرآنی و اخلاق بهره‌ها بردم.

در سال ۱۳۷۰ از دانشگاه مک گیل واقع در شهر مونترآل از کشور کانادا پذیرش گرفته و کارشناسی ارشد را در رشته عرفان دریافت نمودم.در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه لنکستر انگلستان در مقطع دکتری پذیرش گرفتم که به عللی ترک تحصیل نموده و به ایران اسلامی بازگشتم.در مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،دانشگاه تهران تدریس دارم.تألیفاتی نیز داشته که برخی از آنها چاپ گردیده است. برخی از آنها نیز با همکاری دیگر برادران نوشته شده است. آخرین اثرصلح در اسلام به دو زبان فارسی و انگلیسی نگاشته شده است.

حقانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حقانی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین حقانی اوّل اسفند سال ۱۳۱۳ شمسی در شهرستان زنجان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم.پدرم به نام علی از تجّار زنجان بوده، علاقه شدیدی به اسلام و تشیّع و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت و در اول سال ۱۳۶۲ شمسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سن ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفتند و از اهمّ برکات وجودی او مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظریّه حقّانی بود که در سال ۱۳۳۹ شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیّه با نفقه خود و با اخلاص خاصی آنرا تاسیس و بنیان نهاد. دوره ابتدایی را در شهرستان رنجان در مدرسه ای بنام (توفیق) که زیر نظر استادی فرزانه و فاضل و با تقوا بنام رضا روزبه (رضوان الله تعالی علیه) اداره می شد به پایان رساندم و با رتبه ممتاز در کلاس ششم قبول شدم.

همان اوان مصادف بود بـا بلیّه بزرگی که ایران آنروز در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی زمامداران طاغوت گرفتار آن شده بود و آن بلیّه، بلیّه تسلّط حزب توده و نوکران زمامداران شوروی بـه دبیری مردی بنام (پیشه وری) بود که از ناحیه شمال غربی منطقه آذربایجان به ایران نفوذ کرده تا زنجان و ابهر و نزدیکی های قزوین پیشروی کرده و حکومت خود مختاری را در داخل مملکت ایران آنروز تشکیل داده بود.این جریان بی دینی، زندگی مذهبی ودینی را بر متدیّنین تنگ کرده بود، آنان ناچار به طرف تهران و سایر نقاط امن ایران مهاجرت می کردند. ابوی اینجانب نیز چون در بازار زنجان تاجر نسبتاً مشهوری بود و همواره مورد اذیّت و تعّرض مسئولین حزب توده قرار داشت مقدمات مهاجرت خود را از زنجان بـه تهران فراهم نمود ودر سال ۱۳۲۷ شمسی این مهاجرت انجام پذیرفت. من نیز در تهران تحصیلات خود را در دبیرستان فرّخی تا سیکل (کلاس نهم آنزمان) به پایان رساندم از آنجا که پدرم از خانواده علم بود و پدران وی واجداد امی همه از علمای قریه خوئین زنجان بودند بسیار مایل بود که فرزندان او نیز در رشته علوم اسلامی به حوزه های علمیّه وارد شده، راه پدران خود را ادامه دهند و از طرفی هم تعصّب خاصّ مذهبی ودینی داشت و از وضع بی دینی حاکم بر مدارس آنروز تهران بسیار ناراحت بود حتّی در زمان ما سالیان سالی تا زمان فتوای مرحوم آیهٔ الله حکیم در نجف اشرف برای اولین بار در عالم فقه و فقاهت آنروز طی حکمی خرید وفروش رادیو را جایز اعلام کردند رادیو نداشتیم چون پدرم آنرا مایه فساد و تربیت غیر سالم ودینی می دانست.

از اینرو از ادامه تحصیل اینجانب بعد از خاتمه دوره دبیرستان شدیدا مخالفت می کرد صریحا به من می گفت: شما یا اینکه به بازار بیائید ومثل ما به تجارت مشغول گردید ویا به قم بروید و سیره پدران خود را در ادامه علوم اسلامی تعقیب نمائید راه سوّمی که ادامه تحصیل کلاسیک دبیرستانها می باشد وجود ندارد زیرا این راه شما را از دین ودینداری وتقوا وکمالات انسانی دور و موجب فساد است. من نیز چون علاقه به تجارت وکسب نداشتم راه ادامه تحصیل علوم اسلامی را در قم انتخاب کردم و در اوائل تیر ماه ۱۳۳۰ شمسی بعد از خاتمه امتحانات کلاس نهم در تهران وارد حوزه علمیه قم شدم. در این هنگام حوزه علمیه قم تازه تعطیلات تابستانی خود را شروع کرده بود که من تحصیلات علوم اسلامی را در هوای گرم تابستان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در قم شروع نمودم وبرای اینکار مستقیماً به منزل یکی از طلاب آنروز قم که از نزدیکان و خویشاوندان ما محسوب می شد وارد شده تا موقتاً ایام تابستان را مشغول به درس و بحث باشم و ایشان نیز مثل اکثریت طلاب آنروز قم وضع مالی خوبی نداشت و صاحب منزل نیز به ییلاقی به شیراز رفته بود و منزل خود را به عنوان اینکه خالی نباشد به ایشان واگذار کرده بود و طلاب بی بضاعت نیز برای اینکه حداقل در ایام تابستان آزادی بیشتری در منزل با بچه ها داشته باشند به این کار علاقه نشان می دادند.

دوره مقدماتی علوم اسلامی را در عرض سه سال(یعنی دوره نحو وصرف ومنطق ومعانی بیان وعلوم بلاغت در حد کتاب معمول حوزه های آنروز) نزد اساتید فن خواندم.و بعد از طی دوره مقدمات دوره سطح را شروع و در عرض شش سال آنرا به پایان رساندم. در این دوره از اصول فقه معالم الاصول مرحوم شیخ حسن فرزند شهید ثانی و کتاب قوانین الاصول تالیف مرحوم میرزای قمی جلد اول تا آخر باب نواهی و بعد از آن (شرح لمعتین) تالیف مرحوم شهید ثانی را که یک دوره کامل ومختصر فقه اسلام است در عرض ۵/۲ سال خواندم و سپس (فرائد الاصول) شیخ انصاری (ره) و مجدد الاصول تالیف مرحوم آیهٔ الله آخوند خراسانی را نزد اساتید فن از جمله مرحوم آیهٔ الله مجاهدی گذراندم. این کتاب های متن در فقه و اصول در سطح عالی را نزد اساتیدی بزرگ از قبیل مرحوم آیهٔ الله مجاهدی و آیهٔ الله طباطبائی وغیر این دو از اساتید بزرگ آنروز تلمذ کردم ودر عرض این دروس مربوط به فقه واصول، (لئالی منظومه) مرحوم حکیم سبزواری (رحمه الله علیه) را (منطق وحکمت) را نزد اساتید بزرگ فلسفی آنروز گذراندم. بعد از خاتمه سطح، دروه خارج سطح را نزد مراجع بزرگ آنروز متجاوز از ۲۲ سال شرکت کردم.

در این بیست و دو سال مراجع و فقهاء ومدرسین بنام و معروفی بودند که ازمحضرشان استفاده نمودم. سه سال در اواخر عمر با برکت مرحوم آیهٔ الله العظمی بروجردی در مسجد اعظم قم که مبحث قضا را شروع کرده بودند و بزرگان و اساتید و علماء بزرگ وقت در پای دروس این عالم فقیه متبحر شرکت می کردند و نوشته همه این دروس را به زبان عربی در اختیار دارم. در عرض این سه سال و بعد از آن نیز یک دوره اصول فقه را در محضر درس امام عزیز وراحل حضرت آیهٔ الله العظمی خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسجد سلماسی واقع در آخر کوچه آقازاده صبح ها شرکت میکردم و بسیار محضر با برکت و درس مفیدی بود و ضمنا در خارج اصول فقه مرحوم آیهٔ الله محقق داماد در مسجد اعظم قم جلد ثانی (کفایهٔ الاصول) سالها شرکت کردم و از محضر پرفیض

ایشان نیز استفاده بردم و نیز یک دوره کامل در دروس اصول فقه مرحوم آیهٔ الله آقای شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) شرکت نمودم چون ایشان از نجف آمده و از شاگردان خاص و مستقیم مرحوم آیهٔ الله آقا ضیاء عراقی که یکی از بزرگترین اساتید فن اصول فقه بشمار میرفت و تقریرات مرحوم آقا ضیاء عراقی را نیز به نام (نهایهٔ الافکار) به رشته تحریردر آورده بود و در این دروس اصول فقه ایشان نیز سالها شرکت کردم و بهره ها بردم و نوشته های دقیق این دو درس موجود است به طوری که چند سال قبل از وفات ایشان در منزل خودشان به من فرمودند که نوشته ها را بیاورید من آن را اصلاح و به چاپ برسانم حتی می فرمودند که من هنوز زنده ام اصلاح می کنم و من چون به نوشته های دروس اشتغال داشتم وقت اینکه آنرا دقیقاً آماده بسازم و حتی پیدا نکردم و لذا دوره کامل دروس ایشان از استصحاب تا استصحاب به زبان عربی هنوز موجود است تا إن شاء الله موفقیتی باشد آنها را به چاپ برسانیم. و نیز در حدود ۲۳ سال در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله العظمی آقای سید محمد کاظم شریعتمداری شرکت کردم و نیز سالیان متمادی در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله بروجردی شرکت کردم و همه درسهای ایشان دقیقا به زبان عربی نوشته شده و موجود است.

در عرض این دروس فقه و اصول در دروس فلسفه مرحوم آیه الله علامه طباطبائی (ره) در درس اسفار ملا صدرا فلسفه متعالی سالها در مسجد سلماسی شرکت کردم و از بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم نیز در آن شرکت داشتند و فیض ها بردم (رحمت خدا و درود فراوان بروان پاک او باد). وهیئت قدیم را همراه جمعی از فضلا در مدرسه فیضیه پیش حضرت آیهٔ الله حاج شیخ محمد علی اردبیلی که در این علم گرچه قدیمی بود اما تبحری داشتند تلمذ کردم و متن درسی آن(کتاب شرح چغمینی) بود که همراه برخی از آلات و ادوات مربوط به تصویر کرات و منظومه شمسی و غیر آن تدریس می نمود. اصل علمی و پژوهشی اینجانب در عرض ۵۴ سال متجاوز از ۷۰۰ دفترچه ۲۰۰ برگی علمی وتاریخی و فقهی و اصولی و کلامی فلسفی بقرار ذیل بود: دروس خارج اصول فقه از کفایهٔ الاصول محقق خراسانی یک دوره کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلی و یک دوره نیز اصول فقه تقریرات مرحوم آیه الله شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) از استصحاب تا استصحاب و یک دوره کامل اصول فقه تقریرات امام راحل و در فقه نیز مباحث کثیری از عبادات (طهارت ، صلاهٔ ، صوم ، زکوهٔ ، حج ، خمس و . .) و از معاملات (مکاسب محرمه و بیع تا آخر خیارات از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی شریعتمداری که فقه را ایشان با قلم خود تصحیح نموده موجود است بصورت آثار گرانبهایی باقی مانده است و مقدار بیشتری از مباحث فقه تقریری از امام راحل مکاسب بیع تا عقد صبی و مقدار بیشتری از مباحث فقه را اساتید گرامی شخصا بازنگری کرده و در آنروز با خط مبارک خود تصحیح فرموده اند که بسیار با ارزش می باشد. روی همین تحقیقات وتقریرات بود که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم حضرت آیهٔ العظمی آقای شریعتمداری به اینجانب به عنوان تقریظ بر کتاب طهارت که در آستانه چاپ بود داده شده و متن آن نیز دقیقا موجود است و اصل متن ورقه اجتهاد را نیز حضرت آیهٔ الله سبحانی نوشته وآن متن به امضاء و مهر حضرت مرحوم آیه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و باز روی ملاحظات بالا بنا به تقاضای دانشگاه الزهراء از مرتبه علمی به اینجانب از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم رتبه خارج دوم را که مساوی با اجتهاد مطلق است به اینجانب نیز اعطا کرده است و متن آن نیز موجود است (البته این اجازه اجتهاد با مطالعه دقیق دروس حضرات مراجع عظام نامبرده تحقیق و بررسی علمی متجاوز از ۱۵۰ دفترچه ۲۰۰ برگی می باشد که با وسواس شدیدی مورد بررسی حوزه علمیه قم قرار گرفته است) و چند سال قبل نیز رتبه استادیاری را که مساوی با دکتری است از وزارت آموزش عالی به اینجانب اعطاء شد و اینک به عنوان هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا به تدریس دروس اختصاصی آن دانشکده (فلسفه – کلام – منطق – عرفان و اصول فقه و فقه و تفسیر و فلسفه اخلاق و نیز به تدریس متون اسلامی در دانشگاه تهران – دانشکده علوم سالهاست که اشتغال دارم و اینک متجاوز از ۴ سال است که مسئولیت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و الهیات دانشگاه الزهراء که توسط رئیس دانشگاه آن وقت الزهرا جناب آقای دکتر کوهیان تفویض شده ادامه دارد و ضمنا مدیریت گروه معارف دانشگاه الزهراء نیز بر عهده اینجانب است و در حوزه علمیه اشتغال دارم به طلاب مدرسه منتظریه حقانی نیز برخی از دروس از قبیل تفسیر قرآن و ... را تدریس می نمایم. و در مدت اشتغال به دروس اسلامی از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و متون اسلامی و تفسیر به عنوان محبت و تشویق، چند لوح تقدیر از عملکرد دانشگاهی و تدریس و تالیفات و تحقیقات علمی و دینی در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران (دانشکده علوم) به اینجانب اعطا گردیده است و اخیرا در جلسه مجمع مدیران گروه معارف در نیمه شعبان (سال ۱۴۲۰ مطابق ۳ آذر سال ۷۸) به مناسبت میلاد مسعود امام زمان (عج) در مدرسه دارالشفاء قم با حضور متجاوز از ۲۰۰ استاد و اساتید گروه معارف که توسط نهاد محترم نمایندگی ولی فقیه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظله) در گروه معارف در دانشگاهها برپا گشته بود از طرف نهاد نمایندگی به عنوان استاد موفق در تدریس معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتم که من خود را شخصا ناقابل می دانم و در عین حال از همه بزرگان و مسئولین و اساتید گرامی کمال تشکر را دارم.

حقانی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۲۰، قم.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام غلامحسین حقانی، فرزند محمد، تا مقطع اجتهاد به تحصیل حوزوی پرداخت. بعد از انقلاب اسلامی، امام جمعه

بندرعباس شد. وی همچنین دبیر شورای هماهنگی دفتر تبلیغات قم و تهران و دبیر شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی از مردم بندرعباس در مجلس حضور داشت. ایشان همچنین در دانشگاه تربیت معلم به تدریس می‌پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از اسلام پیشرو نهضت ها؛ و برخی از جزوات مؤسسه در راه حق.

حجت‌الاسلام حقانی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در قم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حق‌شناس، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس تهرانی از علماء مبرز و فضلاء بنام و مدرسین کرام معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۳۸ ق در تهران متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح متوسط و عالی را در تهران در خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا تنکابنی و عرفان و معقول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه شاه آبادی خوانده و در سال ۱۳۵۸ که مرحوم ثقهٔالاسلام حاج شیخ محمد حسین زاهد تهرانی (امام جماعت مسجد امین‌الدوله) تهران وفات نمود مومنین مسجد مزبور که غالبا از مقدسین و متدینین و اخیار تهرانند به قم آمده و از آیت‌اللّه بروجردی تقاضا کردند ایشان را بجای آن مرحوم برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرماید.

پس ایشان حسب‌الامر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تا حال حاضر در مسجد مزبور اقامه جماعت و هم بتدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشتغال دارد و نزدیک چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسم حقا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و به پاکدامنی و بی‌آلایشی موصوف و در تربیت و تهذیب اخلاق جوانان محیط خود بسیار ساعی و تربیت یافتگان مکتب او در بازار و حوزه‌های علمی قم و مشهد بسیار است و از روز آشنائی تاکنون مکروهی از وی ندیده‌ام.

از آثار ایشانست: ۱- رساله‌ای در ارث زوجه. ۲- تقریرات فقه مرحوم آیت‌اللّه حجت. ۳- تقریرات اصول آیت‌اللّه خونساری. ۴- تقریرات فقه و اصول آیت‌اللّه بروجردی.

شریک بحثی در قم داشتند بنام مرحوم ثقهٔالاسلام استاد میرزا حسین نظر لوئی تبریزی که از افاضل تلامذه مرحوم آیت‌اللّه حجه و داماد مرحوم ایه اللّه قزوینی بوده بفضل و تقوا موصوف و مشار بالبنان بود و ایشان علاقه تام و ارادات کاملی بوی داشت او را دعوت نمود که به مشهد مقدس ببرد ولی متأسفانه در تهران مرگ ناگهانی او را ربود و در ری در جوار ابن بابویه با همت عالی معظم له دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حقوقی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ مهدی، از مرثیه سرایان و روضه خوانان خوش اعتقاد بود، ارادتی کامل به سادات و اهل علم داشت. در پنجم ربیع الاول سال ۱۳۷۳ به سن قریب به هفتاد وفات یافته، در همان اطاق مدفون گردید.

مرحوم حسام الواعظین در مرثیه و ماده تاریخ فوت برادر قطعه‌ای سروده، از آن جمله است:

هر که در کوی دوست منزل کرد

سر و جان داد و خدمت دل کرد

سال فوتش حسام چون می‌خواست

با حساب جمل مقابل کرد

یکی آمد به جمع و آن گه گفت

مهدی اندر بهشت منزل کرد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حقی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی حقی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۸۱ به بعد در درسهای فقهی حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم آیت الله تبریزی شرکت کردم و همزمان به تدریس درس مکاسب مرحوم شیخ در مدرسه خان و مدرسه امام عصر اشتغال دارم و از سال ۸۳ تاکنون به همراه دوست گرامی جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای سید علی عماد بیرجندی طرحی را که در ارتباط با فقه القرآن با نگاهی متفاوت از آنچه تاکنون رایج بوده آغاز کرده ایم که احتمالاـ برای تکمیل آن بین ۱۰ تا ۱۵ سال نیاز به زمان است و می تواند آثار و نتایج علمی خوبی برای محققان حوزوی در برداشته باشد. طرح مذکور در مرحله فیش برداری و مطالعات اولیه قرآنی قرار دارد و در مراحل بعد نیاز به همکاری و یاری تعداد زیادی از محققان حوزه خواهد داشت که امید است مورد عنایت حضرت ولی عصر قرار گیرد.

تنظیم آثار علمی مرحوم والدم که شامل دست نوشته های فراوان فقهی، تفسیری، کلامی و فلسفی است از دیگر دغدغه های اینجانب است که امیدوارم بتوان سر و سامانی به آنها داده و بخشهایی از آن را به جامعه عرضه دارم، انشاء الله. از سال ۷۷ تا ۸۴ نیز بطور مستمر در حلقه جلسه تفسیر جمعی از بزرگان حوزه که بصورت هفته ای ۲روز تشکیل می شد شرکت کرده و بهره علمی فراوانی از محضر آقایان بردم.همچنین با توجه به نیاز فراوان جوانان و نوجوانان به مفاهیم و معارف ناب قرآن و اهل بیت و کمبود کارهای علمی و بی توجهی به این سنین از سوی محققان حوزه ای، طرح چند جلد کتاب آموزشی موضوعات منتخب قرآن همراه با معانی قابل درک و ابزارهای تفهیم و انتقال این مفاهیم به گروههای سنی ۴ تا ۱۸ سال را در دست تالیف و تحقیق دارم که امیدوارم به تدریج تکمیل و به جامعه عرضه گردد. بخشهایی از این موضوعات در موسسه حفظ قرآن کوثر و مدارس تابع آن در سالهای گذشته تدریس شده و نتایج مثبت آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و هم اکنون آماده تکثیر و ارائه به سایر مراکز آموزشی کشور است.

حکاک باشی اصفهانی، محمدطاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، حکاک. معروف به آقا طاهر. در تذهیب و تشعیر و نقوش اسلیمی و خوشنویسی مهارت داشت و در اصفهان و تهران می‌زیست. این هنرمند در نقش و تزیین مهرها استاد و از حکاکان تیزنگار زمان خویش بود. وی در حدود نود سالگی در اصفهان وفات یافت و همان جا نیز دفن شد. از آثار ارزنده‌ی او که برای ناصرالدین‌شاه قاجار به فرجام رسانده، تسبیح صد دانه‌ای از لعل بدخشانی است که کلیه دانه‌های آن گرد و دایره‌ای شکل است و در یک طرف آن نام اللّه و در طرف دیگر نام محمد حکاکی شده و رقم «یا طاهر» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۰۴-۹۰۳/ ۲).

حکاک باشی شیرازی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۰ -۱۲۱۰ ق)، نقاش، حکاک و خطاط. وی اصلا شیرازی از منسوبان آقا محمد طاهر حکاک شیرازی بود. میرزا حسین به آذربایجان رفت و مدت چهل سال در تبریز زندگی کرد و همان جا درگذشت. او در خط نستعلیق و حک خواتم و عمل نقاری و کتیبه‌نگاری و سجع مهر و طغراسازی و ترکیب بندی در عصر خود بی‌نظیر بود. از آثار وی مهرهایی است که برای ناصرالدین‌شاه و بسیاری از شاهزادگان و بزرگان رجال به دست او حک شده و آنچه پول در دوره‌ی وی ضرب شده سر سکه‌ی آن را، او کنده است. لقب حکاک باشی به فرمان ناصرالدین به نام او صادر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۱/۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۲۹۱/۳، ۱۵۹/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۹/۲)، المآثر و الآثار (۲۲۰).

حکاک تهرانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، حکاک و خطاط. وی نستعلیق را نیکو و محکم می‌نوشت و در فن حکاکی مهارت کامل داشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۷۳/۲).

حکاک، امرالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، حکاک. از اهالی خراسان و در حکاکی و نگین‌تراشی در عصر خود مشهور بود. در کتاب «بدایع الوقایع» آمده است که: «مولانا دوست محمد خراسانی فرمودند که به خواجه امراللّه حکاک که در خراسان به فهم و هنرمندی مشهور است، از این فقیر مکتوبی نویسند».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۸۴/۱)، بدایع الوقایع (۷۸/۱).

حکاک، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش، حکاک و خطاط. وی برادر حاج میرزا حسین حکاک باشی و از خویشاوندان آقا محمدطاهر حکاک معروف بود. از مردم شیراز و معاصر ناصرالدین‌شاه قاجار بود. او در خط نستعلیق و تقلید آثار و حک مهر و نقاری و کتیبه‌نگاری و تربیت سجع مهر و طغراسازی، مانند برادرش، دست قوی داشت و هنگام تالیف «المآثر و الاثار» (۱۳۰۶ ق)، درگذشته بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۸ -۱۳۷ /۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۵۲/۱).

حکاک، رجبعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و حکاک. از سنگتراشان و حکاکان نامی دوره ناصری بود و در آثاری که از زمان ناصرالدین‌شاه قاجار به یادگار مانده، نام این هنرمند نیز جزو مشغولان سرکاری درباری ثبت شده و مقرری مناسبی نیز جهت این حکاک تعیین گشته بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۸۱/۱).

حکاک، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۹۰ ق)، حکاک. وی نوادەی محمد طاهر حکاک معروف بود و خود نیز حکاکی می‌کرد. میرزا نصراللّه در خط نستعلیق، شاگرد میرزا محمدرضا کلهر بود و اوست که شیوەی میرزا را در حکاکی وارد کرد. وی بعد از چهار پنج سال که نزد میرزا مشق کرد، درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۳۸/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۳۸۷/ ۳).

حکمت بوشهری، علی‌محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ق)، طبیب، شاعر و روزنامه‌نگار. در بوشهر متولد شد و در زادگاه خود و شیراز تحصیل کرد. حکمت در علم طب دست داشت. وی مدیر روزنامەی «آشتی» و صاحب کتابخانه نفیسی بوده است. از اوست:

مطربا بفرست رحمت، عاشقان عود را

وز درود رود آگه کن دل داوود را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۶۷ -۹۶۵ /۵، ۲۹۱ -۲۸۹ /۲).

حکمت، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مورخ، شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۷۱(۱۳۱۰ ق.)، تهران.

درگذشت: ۳ شهریور ۱۳۵۹، تهران.

علی‌اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت‌الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوه‌ی حسن فسایی نویسنده‌ی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت.

علی‌اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ ۱۳۳۷ ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۶ ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال ۱۳۰۹ به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصل گردید و به تهران بازگشت.

مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، ۱۲۹۹؛ رییس اداره‌ی کل معارف، ۱۳۰۷؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، ۱۳۱۲ -۱۳۰۰ (بازگشت به تهران در شهریور ۱۳۱۲)؛ کفیل وزارت معارف، ۱۳۱۲؛ وزیر فرهنگ، ۱۳۱۷ -۱۳۱۳؛ رییس دانشگاه تهران، ۱۳۱۷ -۱۳۱۴؛ وزیر کشور ۱۳۱۸؛ وزیر بهداری، ۱۳۲۰؛ وزیر دادگستری، ۱۳۲۲؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال ۱۳۲۵؛ وزیر مشاور؛ ۱۳۲۶ و ۱۳۳۲ وزیر امور خارجه، ۱۳۲۸ - ۱۳۲۷؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (۱۹۵۰) و دهلی نو (۱۹۵۶)؛ سفیر کبیر ایران در هند ۱۳۳۶ -۱۳۳۲؛ وزیر مختار در تایلند، ۱۳۳۵؛ وزیر امور خارجه، ۱۳۳۸ -۱۳۳۷؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، ۱۳۳۳ -۱۳۲۴؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، ۱۲۴۴؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین ۱۳۰۴ منتشر شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد ۱۳۵۱ کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گابیگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.

از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، ۱۲۹۹؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، ۱۳۲۵؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، ۱۳۱۸؛ نشان درجه‌ی اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ ۱۳۲۸، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، ۱۳۲۹؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.

فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، ۱۳۳۳)، حروف مقطعه‌ی قرآنیه یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (۱۳۳۱، نشریه مجله «مهر»)؛ تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدهٔ الابرار خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد براون، در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمه‌ی جلد سوم تاریخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمده است: چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران، (۱۳۲۷)؛ شادباش نوروزی (مجموعه اشعار، ۱۳۲۶)؛ پارسی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، ۱۳۲۳)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شکسپیر (دو جلد، لاهور، ۱۹۵۷ م.)؛ پنج درام از شکسپیر (دو جلد، تهرن، ۱۳۳۳)؛ دوستداران وطن، تقویم معارف از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ (تحصحیح و تحشیه)؛ جام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسی؛ رساله در باب علیشیر نوایی (۱۳۲۶)؛ ایران در فرهنگ جهان (۱۳۲۶)؛ شعر معاصر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، ۱۳۳۹)؛ راه زندگی (اثر نیکلا حداد مصری، ۱۳۴۶ ق.)؛ شرح حال و منتخب جامی (ظاهرا همین کتاب با نام زندگی جامی شاعر ایرانی در سال ۱۳۲۰ هم به چاپ رسیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، ۱۲۲۰ -۱۳۱۹)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژوملیت با لیلی و مجنون نظامی (۱۳۱۷)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح مجالس النفائس علیشیر نوایی؛ رساله در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ نقش فارسی بر احجار هند (کلکته، ۱۹۵۷ م.، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۸)؛ شکونتلا یا انگشتر گمشده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، ۱۳۳۶)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، ۱۳۴۱)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، ۱۳۴۱)؛ اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب (۱۳۴۰، چاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (۱۳۱۶)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شکسپیر، ۱۳۲۱)، الف لیله و لیله (مقدمه کتاب به قلم حکمت، ۱۳۱۵)؛ گلزار حکمت جلد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسمی وزارت معارف از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵. سخن حکمت شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمه‌ی سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (۱۳۳۷، نشریه‌ی ۵۱۵ دانشگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته

از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی‌اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور ۱۳۵۹ برابرچهاردهم شوال ۱۴۰۰ ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی » به خاک سپرده شد.

فرزند احمدعلی خان حشمت‌الممالک است که در ۱۲۷۲ در شیراز تولد یافت. حشمت‌الممالک از مستوفیان شیراز بود. حکمت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز گذرانید و در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی مطالعاتی نمود و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران وارد شد و ضمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در ۱۲۹۷ وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با کمک عده‌ای از دوستان و همفکران خود، به زعامت علی‌اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردند. تا ۱۳۰۹ در وزارت معارف خدمت می‌نمود و مشاغلی مانند ریاست کارگزینی، بازرسی و اداره کل معارف را تصدی می‌نمود. در این سال به تشکیلات جدید داور در دادگستری وارد شد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتی به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپا وارد دانشکده‌ی حقوق و ادبیات گردید و درجه‌ی لیسانس از هر دو رشته گرفت. مأموریت دیگر حکمت در اروپا، مطالعه در امر آموزش و پرورش دانشگاه بود. وی در این مدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال می‌داشت.

حکمت در شهریور ۱۳۱۲ به تهران احضار شد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتدا کفیل و بعد وزیر معارف و رئیس دانشگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه ۱۳۱۷ از خدمت معاف شد.

دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی‌اصغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.

حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند ۱۳۱۷ در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۱۹ بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.

در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور ۱۳۲۰، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.

در ۱۳۲۲ در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۶ وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در ۱۳۲۷ وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در ۱۳۳۷ در کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید. علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیرکبیر بوده است.

حکمت در سال ۱۳۱۴ که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز ۱۷ دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید. اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.

حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.

او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.

دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی- پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتوح رازی و دیگری از خواجه عبداللّه انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکمت، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۶۶، تهران.

علیرضا حکمت از خاندان حکمت شیرازی، تحصیلات خود را در شیراز و تهران به پایان رسانید. در پی حوادث دوران پیشه‌وری به شوروی پناهنده شد. در آنجا در دانشگاه مسکو به تحصیل پرداخت و در رشته‌ی ادبیات به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد و رساله‌ی پایان‌نامه خود را درباره‌ی «شعر ابن یمین فریومدی» نوشت.

حدود سال ۱۳۵۰، بود که توانست از دولت ایران اجازه بازگشت بگیرد و چون به کشور آمد به خدمت در وزارت علوم و آموزش عالی پرداخت.

علیرضا حکمت پس از بازگشت کتابی درباره‌ی تاریخ آموزش و پرورش در ایران باستان نوشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکمت، میرزا باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۳ ش)، مدرس، مترجم و شاعر. در تبریز متولد شد. پس از فراگیری نحو و معانی و بیان و منطق، زبان فرانسه را در مدرسه‌ی کمال تبریز آموخت. پس از آن مدتی نیز نزد عبدالحسین فیلسوف و مویدالحکما کسب علم کرد. سپس به تهران آمد و با گذراندن امتحان ورودی وارد دارالفنون شد، اما به علت فوت پدر، تحصیل را رها کرد و به تبریز بازگشت و مدرسه‌ی حکمت را در تبریز دایر کرد. بعد از آن به تهران آمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد. وی در سرودن شعر توانا بود. از آثار او: «اخلاق حکمتی»؛ «اخلاق نوباوگان»؛ «تاریخ طبیعی، گیاهشناسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۳ -۱۱۲ /۳)، مولفین کتب چاپی (۶۳ -۶۲/۲).

حکمت‌نیا، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محمد باقر حکمت‌نیا آذرشهری از علماء معاصر آذرشهر است (در قصبه شاه آباد غرب کرمانشاه) در سال ۱۳۳۵ قمری در آذرشهر متولد شده و تا سن سیزده سالگی در محل خود پرورش یافته آنگاه در معیت برادر رضاعی خود آیه‌الله حاج سید اسدالله مدنی (مقیم خرم‌آباد) از آذرشهر بقم آمده و تا سن هیجده سالگی دوره سطح خود را بپایان رسانیده و در صراط تزکیه نفس و تهذیب اخلاق کوشیده و چندی در تهران توقف و چندی هم در شهر ری بتدریس و سرپرستی طلاب مدرسه برهانیه اشتغال داشته تا گاهیکه از طرف مرحوم آیه‌الله مجاهد کاشانی بمنظور مبارزه با منحرفین و جلوگیری از تبلیغات مسمومانه بهائیت اعزام بخلخال گردیده و پس از آن مدتی در تبریز اقامت نموده و بتبلیغ و خدمات مذهبی پرداخته و با تشکیل انجمن تبلیغات اسلامی خدمات شایانی انجام داده است تا در سال ۱۳۸۵ قمری که باز بقم برگشته و چند سالی در حوزه تدریس فقه و اصول و تعلیم اعتقادات نموده و شاگردان چندی تربیت تا سال ۱۳۴۶ شمسی که بنا بر دعوت و اسرار بعضی از اهالی محترم شاه‌آباد غرب برای ارشاد فرق مختلف اسلامی در آن سامان بآنجا منتقل و شروع بتبلیغات نموده و خدماتی انجام داده‌اند که ذیلا مینگارم.

۱- ساختمان حجراتی در کنار مسجد شاه‌آباد بعنوان مدرسه علمیه و تربیت طلاب و مبلغین برای دهات اطراف.

۲- راهنمائی و اعزام مبلغین دینی بدهات اطراف شاه‌آباد غرب در ایام محرم و ماه مبارک رمضان.

۳- تصرف زمینی که گمراهان میخواستند در گوشه‌ای از شهر آنرا تبدیل به محفل کنند بنام مسجد امام علیه‌السلام.

۴- بنیانگذاری مسجدی در کنار بقعه شاهزاده محمد که زیارتگاه عمومی است.

۵- تعمیرات و تجدید بنای صحن و دیوار اطراف احمد بن اسحاق قمی در سرپل ذهاب با همکاری برخی از علماء و تجار کرمانشاه.

۶- تجدید بناء مسجد کرند با همکاری جمعی از متدینین و یکنفر از تجار کرمانشاه.

۷- رفع اختلافات مذهبی که میان فرق اهل حق و خانقاهیان و مؤمنین با بیانات جالب و تشکیل جلسات برای آقایان اهل حق و ارشاد آنان بمبانی شیعه و تبدیل نام (جمخانه) آنان به مسجد حق و تبدیل نام خانقاه به (مسجد مرتضی علی).

۸- اقامه نماز جمعه و خدمات ارزنده دیگر در شاه‌آباد و اطراف آن.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حکیم الممالک، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۳ ق)، طبیب، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به حکیم الممالک. پدرش از پیشخدمتان فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه بود. پس از مرگ پدرش، شغل او به میرزا علینقی رسید و او با حفظ این سمت، پس از افتتاح مدرسه دارالفنون در آنجا علم طب را آموخت. در سال ۱۲۷۲ ق ضمن این که نایب دوم سفارت ایران در فرانسه بود، به تکمیل علم طب پرداخت. پس از مراجعت، از ندیمان و نزدیکان شاه شد و در سال ۱۲۸۴ ق به لقب حکیم الممالکی نایل گردید و همواره با شاه در سفر و حضر همراه بود. حکیم الممالک مدتی به حکومت بروجرد و بختیاری منصوب شد، در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگ، همراه وی بود و بعدها به حکومت اراک و سپس به ریاست کل اداره‌ی معادن منصوب شد. وی شعر را نیکو می‌سرود و در سفر ناصرالدین‌شاه از تهران به خراسان، مسئول نوشتن سفرنامه‌ای شد که به «روزنامه‌ی حکیم الممالک» معروف شد. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی زبده الحکمه» دکتر پولاک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۲۹ -۳۲۷ /۲)، شرح حال رجال (۵۰۹ -۵۰۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶)، مولفین کتب چاپی (۶۰۳ -۶۰۲ /۴) المآثر و الآثار (۱۹۴).

حکیم الهی لواسانی، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ش)، ادیب و فاضل. در خانواده‌ای اهل علم و ادب در تهران متولد شد. پس از تحصیل در رشته‌ی فقه و اصول به شغل وکالت پرداخت. در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۷۹/۶).

حکیم الهی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۹۳ ق)، خطاط، مذهب، مترجم و شاعر، متخلص به حکمت. معروف به موتمن دیوان مشیر الکتاب. در تهران متولد شد. نزد پدر تحصیل علم کرد و نزد میرزا علی محمد صفا به فراگیری خط پرداخت. وی در تهران درگذشت و در صفاییه دفن شد. الهی، نسخ و ثلث را خوب می‌نوشت و در تذهیب و نقاشی و حجاری و نجاری نیز مهارت داشت. حکیم الهی در سالهای ۱۳۱۵ - ۱۳۱۴ ق بنا به دستور وزیر علوم، دو نسخه از ترجمه‌های کتب خارجی را برای کتابخانه‌ی سلطنتی نوشت. وی طبع شعر نیز داشت و بیشتر اشعارش به صورت قصیده و اغلب در مدح ائمه (ع) بود. اثر به جای مانده از وی: «لطیفه العرفان، الهی نامه»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۲/۳)، مولفین کتب چاپی (۶۰۹ -۶۰۸ /۴).

حکیم طباطبائی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یوسف فرزند بزرگ آیت‌اللّه حاج سیدمحسن طباطبائی حکیم قدس‌اللّه سرهما از آیات عظام و حجج اسلام نجف اشرف بوده است.

مجله مکتب اسلام (۱۲) سال سی‌ام می‌نویسد روز بیست و هفتم رجب روز بعث پیامبر گرامی اسلام در حالی که مردم در صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه الصلوه والسلام مشغول راز و نیاز و ابراز تهنیت و تبریک بودند ناگهان در سرتاسر شهر منتشر شد که فرزند ارشد مرجع بزرگوار و فقیه عالیقدر حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم، آیت‌اللّه حاج سیدیوسف طباطبائی حکیم دعوت حق را لبیک گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

انتشار این خبر غم و شادی را به هم آمیخت هر چند از دوران تسلط بعثیها عراق و بالاخص قسمت سوافل فرات روز خوش و شادی به خود ندیده بودند اما همین شادی که با فرارسیدن بعث منجی بشریت دست داده بود با غم و تلخی به هم آمیخت و تاثر و تاسف حوزه علمیه نجف و علماء بزرگ و بیوت علمی و دیگر طبقات را به خود گرفت.

حاج سید یوسف حکیم رحمه‌اللّه در سال ۱۳۲۲ هجری قمری در نجف اشرف دیده به جهان گشود و در دوران جوانی ادبیات و منطق و سطوح عالی را از اساتید متخصص حوزه علمیه نجف فراگرفته آنگاه از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّه حاج آقا ضیاءالدین عراقی و والد ماجدش آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن

حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی مـدظله العـالی فقهـا و اصولا ـ استفاده نموده تا به مـدارج عالیه اجتهاد رسیده و در رشته سـلوک و اخلاقیات از محضر عالم ربانی آیت‌اللّه حاج سید علی قاضی رحمه‌اللّه بهره‌مند شده و به مقام معنویت نائل گردیده بود.

مرحوم حاج سید یوسف در دوران مرجعیت گسترده والد بزرگوارش قسمتی از زحمات علمی مرجعیت را به دوش داشت و بررسی استفتاآت و پاسخ به اشکالات بر عهده او بود زیرا بر اثر حضور ممتد در درس مرحوم آیت‌اللّه حکیم در صحن مقدس و مسجد هندی اقامه جماعت می‌کرد و شیفتگان فقه و اصول را با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت.

وقتی والـد ماجـدش از دنیـا رفت او بـا اصـرار مردم بر نشر رساله و قبول مرجعیت روبرو شـد ولی زهـد و پارسائی او و وجود مرجع بزرگواری چون حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله العالی (در حوزه علمیه نجف) باعث شد که این مسئولیت را نپذیرفت.

از بعضـی از دانشـمندان شـنیدم که چون آیت‌اللّه العظمی حکیم رحلت نمود مرحوم حاج سـید یوسف به واسـطه داشتن محبوبیت و موقعیت خـاص بین مردم عراق بالا‌خص مقلـدین والـد بزرگوارش، مواکب عزا و دسته‌جات و عشـایر عرب از اطراف و اکناف که برای شـرکت عزاء و تسـلیت مراجع تقلیـد نجـف و حـوزه علمیه هزار سـاله نجـف و به ویژه بیت جلیـل حکیم به نجف آمـده بودند اطراف بیت و دارالعلم آن مرحوم جمع گردیـده و پس از عرض تسـلیت و سوگواری خطاب به آن مرحوم کرده و فریاد می‌زدنـد و حمـاسه می‌کردنـد (سـید یوسـف قلـدناک سـید یوسـف قلـدناک) یعنی ای آسـید یوسـف مـا شـما را تقلیـد می‌کنیم و پس از پـدر بزرگوارت رجوع به شما نموده و رشته تقلید شما را به گردن خود بسته‌ایم.

پس آن مرحوم برای قداست نفس و تزکیه روح و پاکی طینت و تهذیب اخلاقی که ذاتا داشت و از اسـتادش مرحوم آیت‌اللّه قاضی آموخته بود. از آنان تشـکر نموده و فرمودنـد اما با بودن مجتهـد و مرجع تقلیـدی چون آیت‌اللّه العظمی حاج ابوالقاسم خوئی دامت برکاته مرجعیت به مانند من نمی‌رسد همه باید به ایشان رجوع کنیم.

مصائب وارده بر آن مرحوم

نگارنده گوید: بزرگی روح و عظمت نفس و معنویت آن بزرگوار از صبر و ثبات و استقامت و پایداری آن مرحوم در برابر مصائب وارده و آزار و شـکنجه‌های روحی که از نـاحیه بعثیهـا و صـدام تکریتی لعنهم اللّه معلوم می‌شود زیرا اگر یکی از آنهـا بر کوه وارد می‌شـد آن را متلاشـی کرده و از پـای درمی‌آورد امـا بنـابر فرمایش حضـرت امام محمـدباقر صـلوات اللّه علیه «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین و تقدیر المعیشه والصبر علی النائبه» چون به کمال و تمام کمال نائل شده بود به گفته بیانیه مکتب اسـلام. در دوران زنـدگی خود فشارهای سـختی از جانب حکومت بعث عراق متحمل شـد حتی در بیست و هفتم ماه رجب ۱۴۰۳ قمری همه خاندان آیت‌اللّه حکیم را از پیر و جوان بـا وضع فجیعی دسـتگیر کردنـد و به بغـداد فرسـتادند و پس از مـدتها بـازداشت گروهی از آنان از جمله مرحوم حاج سـید یوسف آزاد شده و در بیمارسـتان بستری شد و از آن به بعد ماموران امنیتی لحظه‌ای اطراف بیت او را ترک نکردند و حتی نزدیکترین افراد به ایشان نمی‌توانستند با وی تماس بگیرند.

داغهای جانفزاء آن مرحوم

مرحوم حـاج سـید یوسف قـدس‌اللّه سـره پس از بـازگشت از بغـداد و محصور شـدن بعثیهـا مصـائب و داغهای پیاپی دیـده و تحمل نموده‌انـد که از آنهاست شـهادت دو تن از فرزنـدان جوان و فاضـلش بنام ۱– حاج سـید کمال حکیم ۲– حاج سـید وهاب حکیم و شهـادت چنـد تن از برادران گرامیش که در یـک روز در بغـداد خراب از طرف حکومت ظالمانه بعث به فیض شـهادت رسـیدند به نامهای یاد شده:

۱– آیت‌اللّه حاج سید عبدالصاحب حکیم.

۲– حجهٔ‌الاسلام حاج سید علاء حکیم.

۳– حجهٔ‌الاسلام حاج سید محمدحسین حکیم قدس‌اللّه اسرارهم و لعن‌اللّه اعدائهم و قاتلیهم.

و پس از چنـد سـال برادر مبارز دیگرش مرحوم آیت‌اللّه زاده حاج سـید مهـدی حکیم را که همواره مورد تعقیب بعثیها و از وطن و زادگـاهش آواره بود در یکی از کشورهـای آفریقـائی (سودان) ترور و شـهید کردنـد که جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضـرت معصومه علیهاسلام در مسجد بالاسر مدفون گردید.

و آن مرحوم همواره تحت نظر مـامورین بعث بوده و چنـد بـار می‌خواسـتند که ایشـان را به بغـداد منتقل کننـد که با اعتراض شـدید آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله مواجه شده و منصرف از انتقال ایشان شدند.

رحلت آن بزرگوار

سرانجـام آن فقیه نـبیه و شخصـیت بزرگ علمی و دینی در روز بیست و هفتم رجب ۱۴۱۱ قمری در سن هشـتاد و چهار سالگی در نجف اشـرف در حالیکه شـهرهای عراق زیر بمباران نیروهای چند ملیتی به سـرکردگی امریکا بودند و هزاران زن و کودک و پیر و جوان بر اثر این بمبارانها جان می‌باختند. با دلی پر از غصه و اندوه از دنیا رفته و به نیاکان پاکش پیوست.

آثار علمی آن مرحوم

۱– بحث حول علم الاجمالی

۲– خیارات

۳– ابحاث فی التفسیر

این آثـار را برخی از اربـاب فضـل از شـاگردان ایشـان به نام حاج سـید محمـدصادق حکیم و آقا سـیدطاهر احسائی به رشـته تحریر آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حکیم، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن السید احمد بن سید علی‌اکبر بن سید حسین بن سید علی بن سید محمد ابن السید طیب بن السید نورالدین بن العلامه السید نعمت‌اللّه جزایری موسوی از علماء معاصر است در نیاوران شمیران.

تولد ایشان در دوشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ قمری برابر ۹ تیر ماه ۱۳۰۵ شمسی در شوشتر واقع شده و در کودکی دروس ابتدائی را خوانده و به تحصیل صرف و نحو پرداخته و از محضر آیتین آقا سید محمدحسن آل‌طیب و آقا سید محمدجعفر مروج سطوح اولیه را فراگرفته و به قم عزیمت نموده و پس از خواندن قسمتی از سطوح وسطی به نجف اشرف مهاجرت و سطوح نهائی را از حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمدتقی ایروانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری بپایان رسانیده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی شرکت نموده و بالغ بر یک سال و نیم از محضر آنان استفاده کرده سپس به اهواز مراجعت و چندی بتدریس علوم ادبی فقه و اصول اشتغال داشته و در سال ۱۳۴۰ شمسی منتقل به تهران و در مسجد جامع (حصار بوعلی) نیاوران به اقامه جماعت و ترویجات دینی مشغول می‌باشد.

آن جناب دارای اجازه روایتی از مرحوم آیت‌اللّه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.

تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- ترجمه حقوق زن در اسلام مطبوع تهران.

۲- ترجمه حقوق و حدود آزادی زن در اسلام.

۳- مناسک یا راهنمای اعمال حج چاپ هشتم.

۴- راهنمای تجزیه و ترکیب و قواعد صرف و نحو عربی چاپ ششم.

۵- سخنان حضرت موسی بن جعفر چاپ اول.

۶- پدر و فرزند چاپ سوم.

۷- فلسفه و اسرار حج چاپ دوم.

۸- الهام از گفتار علی علیه‌السلام چاپ سوم.

۹- درسهائی از مکتب امام صادق علیه‌السلام.

۱۰- حواشی متفرقه بر بعضی از کتب درسی مانند هدایه و صمدیه و سیوطی و شرح لمعه و غیره مخطوط.

۱۱- اربعین حدیث چهل حدیث اخلاقی و دینی و اجتماعی مخطوط.

۱۲- (تعجب) ترجمه کتاب التعجب کراچکی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حکیمی – محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد حکیمی در چهاردهم فروردین ۱۳۵۴ (۱۳۱۴ ق) (استاد، تاریخ درگذشت خویش را به اصحاب سرش گفته است (و «سر اهل السر مما لا یباح»)؛ اما امید است که با دعای همان اصحاب سر، آن تاریخ به تأخیر افتد و استاد دیرتر بزید. ان ذلک علی الله یسیر.)، در مشهد زاده شد. پدرش، حاج عبدالوهاب حکیمی (م ۱۳۶۹ ش)، که از یزد به آستان امام رضا – ع – پناه برده بود، از محترمین بازار مشهد و متشرع و اهل مراقبه بود و از شبهات می‌گریخت. حکیمی در سال ۱۳۲۰ به مکتب و سپس به مدرسه رفت. پس از فرا گرفتن قرآن و صد کلمه (از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی –ع– با ترجمه‌ی منظوم)، و نیز مقداری از دیوان حافظ، درسهای دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه فرا گرفت. درسال ۱۳۲۶ به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد وارد شد و بیست سال در آنجا به علم اندوزی و خود سازی پرداخت. هشت سال به درسهای مقدمات و سطح و دوازده سال به درس خارج اشتغال داشت و در جنب آن، پانزده سال به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت.

ادبیات عرب را نخست در نزد چند تن از طلاب فاضل، و بار دیگر در نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی (م ۱۳۵۵ ش)، فرا گرفت و تقریرات همه‌ی دروس او را نوشت. اصول فقه و فقه را در محضر آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی (م ۱۳۵۰ ش)، که خویشاوندش بود، و آیت الله علی نمازی شاهرودی (م ۱۳۶۴ ش)، و دیگر دروس سطح و مقداری از خارج را، از جمله خارج کفایه، در محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی (م ۱۳۳۹ ش)، آموخت. همچنین دوازده سال از افاضات آیت الله شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۴۶ ش)، بهره برد و جلدین کفایه و خارج فقه و نیز درس معارف اعتقادی و اجتهادی و فلسفه (شرح اشارات و اسفار) و نقد فلسفه را از محضر او فرا گرفت و ضمن تماشای رواق اشراق، همراه مشائیان تمشی کرد. ده سال نیز در درس خارج فقه واصول آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (م ۱۳۵۴ ش)، حاضر شد و تقریرات درس اصول وی را بتفصیل و تقریرات برخی از دروس فقه را باختصار نوشت.

شرح باب حادی عشر را از بعضی از فضلا، و شرح تجرید را در محضر شیخ عبدالنبی کجوری (م ۱۴۱۹ ق)، و شرح منظومه را از شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای (م ۱۳۳۳ ش)، آموخت، در پی آموختن علوم مرسوم حوزه، در سری هم در علوم دیگر کشید

که مبادا چیزی را فروهشته باشد: نجوم و تقویم را در نزد حاج شیخ اسماعیل نجومیان (م ۱۳۵۶ ش)، و اوفاق و رمل را از محضر حاج سید ابوالحسن حافظیان (م ۱۳۶۰ ش)، و حاجی خان مخیری (م ح ۱۳۵۰ ش)، و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت.
گزافه نیست اگر بگویم از کوچکی آثار بزرگی در مشی حکیمی نمایان بود و: بالای سرش ز هوشمندی می‌تافت ستاره‌ی بلندی. شاهد اینکه در نوزده سالگی، هنگامی که درسهایش در نزد ادیب ثانی پایان یافته بود، قصیده‌ای به عربی، در بیش از چهل بیت، پاس مقام استاد را، سرود و در شب نوروز ۱۳۳۳، به وی پیشکش کرد. آنکه که آن ادیب اریب، آن قصیده‌ی عربی را، از آن طلبه‌ی نوجوان دید، انگشت تعجب به دهان گرفت و او را، علی رؤوس الاشهاد، برکشید و «متنبی جوان» خواند. (شرح این موضوع خواهد آمد.).
نیز گفتنی است که استاد حکیمی دو جلد کفایه را در طی یک سال تحصیلی در نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. شیخ استاد چندان از ذکاوت وسرعت انتقال وی شگفت زده شده بود که گفت: «تاکنون کسی با این استعداد ندیدم که جلدین کفایه را در یک سال بخواند». (معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۲.).
این را هم بگوییم چندی پس از آنکه حکیمی شرح منظومه را به صورت اجتهادی و انتقادی، در نزد محامی بادکوبه‌ای فرا گرفت، وی دیگر او را نه «حکیمی»، که «حکیم» می‌خواند و می‌گفت: «یا»ی نسبت را از نام حکیمی بردارید؛ او دیگر نه «حکیمی»، که «حکیم» است.
همچنین روزی آیت الله میلانی، در هنگام درس اصول، پس از اینکه بسمله گفت و خطبه خواند، چشم چرخاند و شاگرد جوانش را، که در گوشه‌ای نشسته بود و در دیدگاه استاد نبود، ندید. سکوت کرد و سکوت مجلس را فرا گرفت که مگر چه شده آقا درس را متوقف کرده است! آنگاه فرمود: آقای حکیمی نیستند. افلاطون تا ارسطو حاضر نمی‌شد درس را شروع نمی‌کرد؛ می‌گفت عقل در مجلس درس حاضر نیست.
آری، آن «متنبی جوان»، در نزد ادیب ثانی، و آن «حکیم»، در نظر محامی بادکوبه‌ای، «ارسطوی دوم» و «عقل مجلس درس»، در نزد آیت الله میلانی بود. و دانستنی است که حکیمی جوانترین فرد در درس میلانی بود و همگان از او پیشنه‌ی علمی و حوزوی دیرینه‌تری داشتند. حتی در آن جمع، فاضلانی بودند که حکیمی برخی از متون مقدمات و سطح را نزد آنان خوانده بود.
این را نیز بگویم که استاد حکیمی قدم در سی سالگی نگذاشته بود که علامه شیخ عبدالحسین امینی (م ۱۳۴۹ ش)، در نامه‌ای که از نجف برایش نوشت، وی را با عنوان «العلامهٔ الجلیل» مورد خطاب قرار داد. در این نامه، که با عبارت «با هزاران شوق دیدار» آغاز شده، استاد حکیمی به همکاری مطبوعاتی دعوت گردیده و در آن آمده است:
زیاد از حد مایلم که از قلم و قدم شما خدمات شایانی نسبت به مولا بوده باشد و شما شریک این اعمال گردید که تحقیقا موجب توفیق است. لذا این زحمت را به عهده‌ی جناب عالی می‌گذارم؛ والا رفقای زیادی در تهران هست که با جان و دل حاضرند که این خدمات را عهده‌دار شوند. و این تصدیع، رمز محبت حقیر است نسبت به شما. (این نامه‌ی بدون تاریخ در حدود ۱۳۴۱ نوشته شده و تصویری از آن در نزد اینجانب هست.).
در همین سالها بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۴۸ ش)، در ضمن اجازه‌ی روایی به استاد حکیمی، از وی با القاب «الفاضل الکامل البارع الاریب والاستاد المحقق الماهر الادیب» یاد کرد. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۶۷. تاریخ ابن اجازه رجب ۱۳۸۲، برابر با آذر ۱۳۴۲ است.) و این اجازه کتبی، پس از اجازه‌ی شفاهی‌ای بود که شیخ در حرم مطهر امام رضا –ع– در جمادی الاول ۱۳۸۲ به استاد حکیمی داده بود.
هیچگاه استاد حکیمی از زندگی آموزشی خود حکایت نکرده است؛ فقط در یک – دو جا، آن هم جایی که می‌خواسته است خاطر نشان کند که با علم اصول مخالف نیست، بناچار، از تحصیلاتش، آن هم فقط تحصیلات اصولی خویش، سخن گفته است:
در ایام تحصیل، کفایه و مقداری از درس خارج را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خواندم، و مقداری خارج کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی. و هفت سال در درس خارج اصول آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳ ق – ۱۳۹۵ ق)، حاضر می‌شدم و همه‌ی درس را با دقت می‌نوشتم؛ به طوری که هیچیک از شاگردان ایشان در آن دوره به این تفصیل نمی‌نوشتند. سپس مقداری از مطالب را (از باب «اوامر»)، به عربی برگردانم و در صدد تنظیم و تألیف تقریرات اصول ایشان بر آمدم. بخشی از مقدار عربی شده را نزد ایشان بردم، دیدند و پسندیدند و بسیار تشویق و ترغیب کردند که همه، به همان صورت، آماده شود تا به چاپ برسد. و خود اظهار می‌داشتند که اگر این تقریرات تدوین یابد و تعریب گردد و به چاپ برسد، در شمار بهترین و مهمترین کتب علم اصول جای خواهد گرفت...
باری، این امور بود، لیکن اینجانب پس از تأمل در اینکه در علم اصول فقه کتابهای بسیاری نوشته شده است، و اصول آیت الله میلانی نیز مفصل است، و همچنین پس از اینکه استاد دیگر، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، به چاپ کتابهایی در اصول و تقریرات اصولی، افزون بر آنچه هست، رضایت خاطری ندارند، از ترجمه‌ی کامل و چاپ و عرضه‌ی آن تقریرات منصرف گشتیم. (مکتب تفکیک، ص ۳۶۹–۳۶۸. همچنین استاد در همین باره مرقوم داشته‌اند: «کتاب اصولی را که از افاضات مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م ۱۳۹۵ ق)، با تحریراتی از خودم، شروع به نوشتن کردم و مقداری را خدمتشان بردم، پس از ملاحظه فرمودند: «اگر این کتاب را تکمیل کنید و چاپ شود کفایه را نسخ می‌کند.» معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۳.).
استاد حکیمی سالها در لباس روحانیت بود، (حکیمی تا سال ۱۳۴۵، که در حوزه‌ی مشهد بود، کسوت روحانیت داشت، اما لباسش را سنگین نکرده بود. به جای قبا یک پالتوی ساده می‌پوشید و عمامه‌اش به دستار شبیه بود.) اما هرگز روحانیت را حرفه‌ی خود نکرد. زیرا پس از آنکه لباس روحانیت به تن کند، لباس زهد و اعراض به تن کرده بود. سرانجام در سال ۱۳۴۵، با رضایت استادش، شیخ مجتبی قزوینی، از حوزه و لباس روحانیت بیرون آمد، اما همواره نگاهش به حوزه است و مخاطبش، نسلهای جوان.
حکیمی جوان، در حوزه علمیه‌ی خراسان، در محضر استادانی زانو زد که، همه و همه، پروا پیشه بودند و از دنیا رسته و پشت کرده به جاه و مقام. هر یک، جهانی در گوشه‌ای بودند و همنشین خدا (گفته‌اند: «رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند»، اما از این برتر

هم در امکـان است و می‌توان گفت رسـد آدمی به جـایی که همنشین خـدا شود. این، ادعـایی از جانب انسان نیست، بلکه ارتقایی است که خداونـد به آدمی ارزانی داشـته و فرموده است: انا جلیس من ذکرنی.) و خـدازی («خـدازی»، از ساخته‌های اسـتاد حکیمی است و آن را معادل کلمه‌ی «متألّه» نهاده و در توضیح آن نوشـته است: «انسانی که در شـناخت خـدا و توجه به خـدا و عبادت خـدا غرق است؛ برای خـدا هست و برای خـدا زنـدگی می‌کنـد...» خورشـید مغرب، ص ۱۹۲. به عبارت دیگر، خـدازی کسـی است که ترجمه‌ی این آیه باشـد: قـل ان صـلاتی و نسـکی و محیـای و ممـاتی لله رب العـالمین. سوره‌ی انعـام (۶)، آیه‌ی ۱۶۲.) و بـه دور از تعلقـات دنیوی و مریـد بازی و آقا منشـی و اشـرافیگری علمی. اسـتاد حکیمی، حکایتهایی از مشـی و منش ساده و مردمی آنان نقل می‌کند که امروزه افسانه و مثل شده است و مانند آنها را در کتابهای گذشتگان می‌توان یافت. (شرح حال شماری از این استادان در کتاب مکتب تفکیک آمده است.).

از میان آن اسـتادان، آنکه بیش از همه بر حکیمی تأثیر گـذاشت و در معماری شخصیت علمیش نقش داشت، شـیخ مجتبی قزوینی بود. وی، به گفته‌ی اسـتاد حکیمی، یکی از سه رکن مکتب تفکیـک (مکتب تفکیـک به نظریه‌ای گفته می‌شود که قائل به تفکیک دین از فلسـفه و عرفـان است. شـرح آن بیایـد.) در قرن چهـاردهم هجری بود و صاحب کشف و کرامات و مشـرف شـده به آسـتان حضـرت ولی عصـر – عـج – و داری اخلاق باطنی و اهل عبادات و ریاضات و مسـغرق در خلسات. (برای تحقیق بیشتر درباره‌ی وی رجـوع شود به: محمـد علی رحیمیـان، متـأله قرآنی شـیخ مجتبی قزوینی خراسـانی، مقـدمه‌ی محمـد رضـا حکیمی (چـاپ اول: قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲).) حکیمی دوازده سال از محضر او درس آموخت، اما چهل سال است که به مکارم اخلای او رطب اللسان است و هنوز خود را مرید وی می‌داند.

اسـتاد حکیمی در کتاب خورشـید مغرب، از چهار تن از متقدمان و چهار تن از معاصـران یاد کرده است که به محضـر آن حضـرت مشـرف شدند. چهار فرد اخیر عبارتند از: سـید موسـی زر آبادی (م ۱۳۵۳ ق)، میرزا مهدی اصـفهانی (م ۱۳۶۵ ق)، شـیخ علی اکبر الهیان (م ۱۳۸۰ ق) و شـیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۸۶ ق). (ر.ک: خورشـید مغرب:، ص ۲۰۵.) از این چهـار تن، دو فرد اخیر، اسـتاد حکیمی بودند و دو فرد نخست، استاد استادان او.

به هر رو، حکیمی در محصـر اسـتادانی زانوی ادب زد که، به یافت او، به محضـر حضـرت ولی عصـر – عج – حضور یافته بودند. از این روست که وی، شاهکـار خـویش را (جلـد سـوم تـا شـشم الحیـاهٔ (کتـاب مزبور، تـألیف اسـتاد حکیمی و محمـد حکیمی و علی حکیمی، از دانشوران حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان، است. این کتاب همواره به اسـتاد نسبت داده می‌شود و ما نیز در کتاب حاضر، برای رعـایت اختصـار، گاه چنین کرده‌ایم؛ اما به گفته‌ی اسـتاد، الحیاهٔ «تألیف مشترک» است.)، به این چهار چهره تقـدیم و از آنان چنین یـاد کرده است: «عالمان بزرگ ربانی»، «متألهان سترگ قرآنی»، «سره سازان معارف وحیانی»، «پیراینـدگان بنیادهای تعقل قرآنی»، «متعقلان ژرفکـاو» و «مربیان تأثیر آفرین». (ر.ک: ترجمه‌ی الحیاهٔ، ج ۳، ص ۴–۳. گفتنی است از آنجا که ترجمه‌ی الحیاهٔ را اسـتاد حکیمی، بـا دقت بسـیار، ویراسـته و بـا متن آن تطبیق داده، در سراسـر این کتـاب بـدان ارجاع داده شـده است. به هر حال، ترجمه‌ی الحیاهٔ، اعتبار اصل کتاب را دارد و، مضافا اینکه، گاه مطالبی افزون بر اصل، به خامه‌ی استاد حکیمی، در آن آمده است.).

هنگامی که حکیمی مـدارج عالی علمی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشـهد گذراند، دو راه در پیش داشت: یا مانند دیگر همدرسان خود در حوزه بماند و به تدریس فقه و اصول بپردازد و، النهایه، سـر از مرجعیت در آورد، و یا اینکه پلی از حوزه به جامعه و جوانان بزند و خوراک فکری برای آنان فراهم آورد و، النهایه، به آنجا برسد که اینک رسیده است.

گـذشت که اسـتاد حکیمی، ماننـد همـدرسان خود، در حوزه نمانـد و پلی از حوزه به جـامعه زد و، به عبـارت خویش، «هجرت الی التکلیف» کرد. وی در خرداد ۱۳۴۵، هنگامی که از سـی سالگی گذشـته بود، از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تهران آمد، و در واقع، از همه‌ی القاب و مقامات و مزایا و عناوین حوزه چشم پوشید.

اسـتاد حکیمی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در چنـد مؤسـسه‌ی فرهنگی انتشاراتی در تهران، از جمله بنیاد فرهنگ ایران، شـرکت سـهامی انتشـار و مؤسـسه‌ی انتشـارات فرانکلین، اشـتغال داشت. (برخی از همکـاران حکیمی در انتشـارات فرانکلین عبـارت بودنـد از: احمد آرام، احمـد سـمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، نجف دریابنـدری، جهانگیر افکاری، اسـماعیل سـعادت، عبدالمحمد آیتی، غلامعلی حـداد عـادل و عبدالحسـین آذرنـگ. کریم امامی، از مسؤولان این انتشارات، در مصاحبه‌ای گفته است: برخی از کارکنان فرانکلین کسانی بودند که به علت فعالیتهای سیاسـی به زندان رفته بودند و در سازمانهای دولتی نمی‌توانستند شاغل شوند. مؤسسه‌ی فرانکلین این افراد را می‌پـذیرفت و سـاواک هم تقریبـا راضـی بود که اینها در فرانکلین مشـغول به کار شونـد. زیرا می‌خواست در جایی کار کننــد کـه آمــد و رفـت و روابطشـان زیر نظر باشـد. یکی از کسـانی کـه تحـت نظر سـاواک بـود، آقـای محمـدرضا حکیمی بـود. عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشـی (به کوشـش)، «سلسـله گفت و گوها پیرامون نشر ئو فرهنگ»، بخارا (شماره‌ی ۲۲–۲۱، آذر ذ اسفند ۱۳۸۰)، ص ۱۵۷.) او، بـدرستی و از سـر اجتهاد، تشـخیص داده بود که بایـد در مؤسـسه‌های فرهنگی داخل شد و تا آنجا که می‌توان «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.» همچنین محض احتیاط و برای اطمینان بیشتر، از دو مرجع تقلید (آیت الله خمینی و آیت الله خوئی)، اجازه گرفت. پس از چند سال فعالیت هم که می‌خواست کناره بگیرد، با اسـتاد مطهری مشورت کرد و او نه تنها کناره‌گیری را صـلاح نـدانست، بلکه «حرام» شـمرد. بـدین ترتیب بـا اطمینـان بیشتر به کـار مشـغول شـد و در آن مـدت با صـتحیح محتوایی شماری آثار و تعلیقه نگاری بر چند کتاب مهم، ضمن کار اداری، «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.»

همکاران حکیمی در آن مؤسـسه‌ها، او را یک روحانی بی عمامه می‌دانستند که بر نمی‌تابد کتابی منتشر شود و کلمه‌ای خلاف دین در آن باشـد. به گفته‌ی یکی از همکـاران او در انتشارات فرانکلین: «محمـدرضا حکیمی همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را معطوف به این می‌کرد که هیچ اصلی از اصول اسلام نقض نشود و نکته‌ای خلاف واقع در نوشته نباشد.»

در خود ذکر است که تدریس اسـتاد حکیمی در دانشگاه تهران، در دوره‌ی دکترای ادبیات، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، و بنا به دعوات دکتر عبدالحسـین زرین کوب بود. در آغاز در حدود سی نفر در این دوره ثبت نام کردند؛ اما دیری نگذشت که بیش از سیصد نفر در کلاسـهای اسـتاد حضور می‌یافتنـد. وی برای نخستین بار به جای متونی چون تاریخ ابن خلکان، که رایج بود، نهج البلاغه را متن

درسی قرار داد. استقبال دانشجویان از این کلاس و مرعوبیت ساواک از این ازدحام، منجر بدان شد که با دخالت پلیس و ساواک، تعطیل شود.

همچنین گفتنی است که استاد حکیمی، در پی هجرت تکلیفی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به جرم فعالیت علیه رژیم شاه، در سال ۱۳۴۵، چند بار در وی و مرند و سلماس و ارومیه بازداشت و زندانی شد. وی آخرین بار در سال ۱۳۵۷ دستگیر و در کمیته‌ی تهران زندانی گردید.

در آثار حکیمی، تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، بیشتر از قیام و پیکار سخن رفته و از موضوعات دیگری هم که سخن گفته شده، قیام و پیکار نتیجه گیری و بدان دعوت شده است. (از جمله رجوع شود به: فریاد روزها، سرود جهشها، بیدارگران اقالیم قبله و امام در عینیت جامعه.) آهنگ و جهت کلی کتابهای او، تا آن تاریخ، «قیام» است و گفته‌ها و نوشته‌های دیگر مقدمه و زمینه و برای آن است. اما از سال ۱۳۵۷ بدین سو، آهنگ و جهت کتابهای حکیمی تغییر کرد و به «قسط» تبدیل شد. (از جمله رجوع شود به: کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه سازی قرآنی و الحیاهْ (بویژه جلد سوم تا ششم).) وی از آن هنگام همواره از قسط سخن گفته و سخنهای دیگر را همچون مقدمه‌ی آن قرار داده و، در واقع، قسط را ترجیع بند سخنان خود ساخته است. بنابراین چکیده‌ی همه‌ی نوشته‌های حکیمی و آهنگ و پیام آن، در یک عبارت، عبارت است از: «قیام به قسط».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

حکیمی فلاطوری، عبدالجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پروفسور عبدالجواد حکیمی فلاطوری در سال ۱۳۰۴ در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود. بعد از طی کردن دوران دبستان همزمان با فراگیری علوم متوسطه در جرگه حوزویان درآمد. عبدالجواد در شرح حال احوال خود چنین می گوید: « یادم هست یک زمستان را با کوزه ای شیره و روزی یک یا دو قرص نان به سر می آوردیم ولی غرق در اندیشه و خواندن و اندوختن شده بودیم. همان پیمانی که امیرالمؤمنین (ع) از دانشمندان امّت گرفته بود که لحظه ای در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستم رسیده قرار و آرام نداشته باشید، سرلوحه زندگی خود کرده بودیم. فلاطوری در ۲۱ سالگی برای تکمیل اندوخته های علمی خود به تهران رفت و از محضر فرهیختگانی همچون حاج شیخ محمد تقی آملی و حاج شیخ محمد علی شاه آبادی بهره برد. سپس در پی مباحثی با دانشمند بزرگ حاج شیخ محمد رضا کلباسی پیرامون کتاب جواهر الکلام داشت به اخذ اجازه روایت و گواهی اجتهاد از محضر ایشان نائل آمد. ایشان در سن ۳۰ سالگی به آلمان هجرت نمود و با تحصیل در رشته هایی همچون فلسفه- علوم تربیتی و تطبیق ادیان به درجه دکترا نائل آمد. او به چندین زبان از جمله آلمانی، یونانی، لاتین مسلط بود. در آلمان یک مرکز تحقیقات شیعه شناسی پایه گذاری کرد و مهم¬ترین منابع فقهی اصولی، کلامی و فلسفی شیعه را در آن گرد آورد. وی تمام کتابها را که حدود ۴۰۰۰ جلد بود شخصاً خریداری کرده بود.

فلاطوری در شناساندن دین مبین اسلام به نحو صحیح در آن کشور اقدامات مؤثری انجام داد. ۶۰ کتاب و مقاله به زبان آلمانی، ۱۵ مقاله به زبان فارسی، ترجمه کتاب های تاریخی از فعالیت های دیگر وی می باشد. وی همواره به این حدیث پیامبر اکرم صلی ا... علیه و آله تأکید داشت که: « هر کس علم(علوم حقیقی و معارف واقعی) را به جز در قرآن بجوید خداوند او را به گمراهی افکند». همچنین در مصاحبه های خویش به این نکته اشاره می نمود که موفقیتش در تبلیغ اسلام در غرب به این جهت بوده که به خود قرآن کریم استناد می کرده است. او می‌گفت: «من اگر در اروپا تبلیغ اسلام می کنم که بحمدالله مقبول افتاده حتی یک ذره ا ز اندیشه عقلی را در تبیین اسلام نمی آورم. خود قرآن بهترین بیان کننده اسلام است. دوری ما از قرآن اَسفبار است»

از جمله خدمات بسیار مهم فلاطوری کاری بود که درباره اصلاح کتاب های درسی مدارس کشورهای غربی انجام داد. چنان که کتاب های درسی ۱۷ کشور اروپایی را از پیش داوری های مغرضان و نادانان پاکسازی نمود. وی به استعمارشناسی توجه داشت و ضرورت آن را به خصوص برای شرق اسلامی درک می¬کرد. از این رو به افکار سید¬جمال الدین و تجربه های او ژرف می نگریست. وقتی به او پیشنهاد شده بود که به ایران بیاید و فلسفه و جامعه شناسی تدریس کند در پاسخ بی‌درنگ گفته بود: «من اگر بیایم قرآن تدریس می¬کنم، نهج البلاغه تدریس می کنم.»

استاد فلاطوری نهج البلاغه را شرح قرآن می دانست و درباره آن می گفت: «علی (ع) چون شمع می سوزد تا سوختنش چراغ هدایت دیگران قرار گیرد. آری سخنان مولا شارح کلام الله است و شرح دهنده قرآن و دقایق و اسرار آن».

به حق در مورد وی گفته شده که« فلاطوری غریب زیست و غریب مرد». ایشان در سال ۱۴۱۷ هـ.ق در شهر کُلن آلمان وفات کردند و پیکرش بنا به وصیت او به اصفهان منتقل شد و در تخت فولاد در کنار مزار فقیه و حکیم بزرگوار آیت الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب به خاک سپرده شد.

حکیمی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل حکیمی شاهرودی از علماء و وعاظ معاصر شاهرود است.

وی در شاهرود در حدود ۱۲۲۴ ه تولد یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در محل خود از آقایان و مدرسین آموخته و برای تکمیل به مشهد مقدس عزیمت و سطوح عالی را از اساتید بزرگ مشهد فراگرفته و هم به درس خارج آیات عظام و مراجع فخام شرکت و بعد به وطن برگشته و از راه منبر ترویج دین و نشر احکام و معارف اسلامی نموده و بنابر دعوت بعضی از مؤمنین چند سالی در گرگان رحل اقامت افکنده و به امامت و تبلیغ دین اشتغال ورزیده ولی یک دو سالی است که به شاهرود معاودت و مانند سابق به افاده و افاضه مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حکیمی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حکیمی در سال ۱۳۲۳ه.ش در تهران متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی ومتوسطه،برای تحصیل دررشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد و پس از مدتی تدریس در مدارس، برای ادامه تحصیل دررشته تعلیم و تربیت به انگلستان رفت و پس از دریافت درجه فوق لیسانس و بازگشت به ایران، به تدریس در مراکز تربیت معلم پرداخت. وی اکنون (۱۳۸۳ه.ش) بازنشسته است و به کار مورد علاقه خود که همان تحقیق و تالیف درزمینه ادبیات معاصر انقلابی ایران و تاریخ تمدن است، می پردازد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات دینی و معاصر

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمود حکیمی در شهریور ماه سال ۱۳۲۳ه.ش در محله میدان خراسان درتهران در خانوده ای مذهبی متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود حکیمی پس از طی تحصیلات متوسطه موفق به دریافت مدرک کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم شد. وی پس از و مدتی تدریس در مدارس تهران، به انگلستان رفت و پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، به تدریس در مراکز تربیت معلم مشغول شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمود حکیمی از روزگار تحصیل به ادبیات فارسی و تاریخ تمدن علاقه داشت و با این گرایش به مطالعه آزاد می پرداخت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود حکیمی سالها در مدارس تهران به عنوان معلم زبان انگلیسی ، و پس از بازگشت از انگلستان به عنوان مدرس تعلیم و تربیت درمراکز تربیت معلم به تدریش اشتغال داشته و اکنون نیز مدتی است بازنشسته شده و به تحقیق و تالیف می پردازد.

فعالیتهای آموزشی : محمود حکیمی سالها تدریس زبان انگلیسی مدارس تهران را به عهده داشته، و پس از بازگشت ازانگلستان نیز استاد تعلیم و تربیت دردانشگاههای تربیت معلم بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه، تحقیق و تالیف و سرودن اشعاری با مضمون ادبیات معاصر و انقلابی ایران و تالیف کتبی پیرامون تاریخ تمدن از کارهای روزمره محمود حکیمی است.

آرا و گرایشهای خاص : محمود حکیمی در آثار ادبی خود مدافع ادبیات انقلاب ایران است و نیز در تاریخ تمدن به اخلاق گرایی و اصنافی چون صوفیان و پهلوانان توجه خاصی دارد.

جوائز و نشانها : فرهنگسرای نوجوانان درمنطقه ۱۸ شهرداری تهران کتابخانه ای رابه نام محمود حکیمی نام گذاری کرده است که در سال ۱۳۸۲ ه.ش توسط شخص محمود حکیمی افتتاح شد. --

آثار :

۱ تاریخ تمدن جهان باستان یا داستان زندگی انسان

ویژگی اثر : مجموعه ای است ۲۱جلدی که اولین جلد آن در سال ۱۳۶۰ه.ش و جلد بیست ویکم آن در ۱۳۸۲ه.ش منتشر شده است.

۲ غرب بیمار

ویژگی اثر : غرب بیمار نخستین کتاب محمود حکیمی بود که در سال ۱۳۵۱ه.ش منتشر شد.

۳ مبانی ادبیات دینی کودکان و نوجوانان

ویژگی اثر : این کتاب آخرین و جدیدترین اثر اوست که با همکاری مهدی کاموس آن را به نگارش در آورده است.

۴ همراه با عارفان ، عیاران و جوانمردان

ویژگی اثر : کتابی است شامل شرح حالهای بزرگان عرفان، عیاران .جوانمردانی چون پوریای ولی و غلامرضا تختی.

حکیمیان، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد حکیمیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را به ترتیب در مدارس قوامی ، آقا و رازی شهرستان یزد با موفقیت گذراندم و در سال ۱۳۵۷ شمسی در رشته صنایع غذایی دانشگاه شیراز پذیرفته شدم . پس از انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی یزد مشغول به خدمت به جامعه روستایی و انقلابی ایران اسلامی شدم . در سال ۱۳۶۰ با پذیرش در مدرسه حقانی قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی گردیدم . پس از بازگشایی دانشگاهها از تحصیل انصراف دادم و تا سال ۱۳۶۳ را در مدرسه حقانی تحت برنامه مدرسه ، علوم حوزوی از قبیل ادبیات ، اصول ، منطق و معانی و بیان را گذراندم . با آغاز درس شرح لمعه در سال ۱۳۶۳ ازدواج کردم و برای مدت ۱۰ سال به دلیل مشکلات، در حوزه علمیه یزد – مدرسه خان – شرح لمعه ، رسائل ، کفایه ، مکاسب و حدود ۳ سال خارج زکات و خمس را گذراندم و در سال ۱۳۷۳ بار دیگر به قم مراجعت نمودم که بحمد الله تا کنون توفیق شرکت در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام و مراجع تقلید آقایان حاج شیخ جواد تبریزی (درس فقه) ، حاج شیخ وحید خراسانی (اصول) ، حاج شیخ فاضل لنکرانی (حج) ، حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی (اصول) را پیدا کردم . شایان ذکر است که در طول تحصیل بخشهایی از کتابهای اصول فقه مرحوم مظفر در اصول ، کتاب شرح لمعه در فقه ، کتاب مکاسب شیخ در فقه المعاملات را نیز تدریس کرده ام .

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۷۳ همزمان با رجعت به قم از طریق کنکور سراسری در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول شدم که مدرک لیسانس را با معدل ۴۹/۱۸ در طول مدت ۳ سال و مدرک فوق لیسانس را نیز بلا فاصله با معدل ۳۹/۱۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۹ از عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان (دین موجل و آثار و احکام آن در حقوق ایران) دفاع نمودم . این پایان نامه به عنوان سطح ۳ حوزه علمیه قم نیز پذیرفته شد و هم اکنون مشغول به نوشتن رساله سطح ۴ دروس حوزه علمیه قم تحت عنوان (ضمان قهری در فقه امامیه) می باشم و تحصیلات دانشگاهی را نیز در دانشگاه تهران و پردیس قم در رشته حقوق خصوصی ادامه داده و با گذراندن موفقیت آمیز امتحان جامع دکتری مشغول مطالعه موضوع رساله دکتری حقوق خصوصی می باشم . متذکر می گردد که اینجانب در چندین سال اخیر در دانشگاههای (پیام نور قم ، مفید قم ، مرکز جامعةالاسلامیه قم) مشغول به تدریس دروس دانشگاهی رشته حقوق در موضوعات حقوق مدنی ، حقوق تجارت ، متون فقه ، آیات الاحکام و اصول بوده و هستم و هم اکنون مسئولیت گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را نیز عهده دار می باشم.

حلبی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دکتر علی اصغر حلبی از محققان ، مولفان و مترجمان پرکار و کوشای معاصر است و در میان آثار پرشمار او چندین اثر قرآنی دیده می شود که یاد خواهد شد . علی اصغر حلبی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۲۳ در اردبیل متولد شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را همراه با مقدمات عربیت و فقه و اصول و منطق و فلسفه در مدارس قدیم همان شهر پیش استادان فرا گرفت . او دارای لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران است . سپس چند سال برای ادامه ی تحصیلات عالی به دانشگاه ادینبوره [ادینبورگ] در اسکاتلند سفر کرد و در سال ۱۳۵۹ / ۱۹۸۰ از همان دانشگاه درجه ی دکترای فلسفه و فرهنگ اسلامی گرفت . آثار کتابی ایشان اعم از تالیف و ترجمه نزدیک به چهل اثر است . از آن میان این آثار قرآن پژوهانه است : آشنایی با علوم قرآنی ، تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی ، ترجمه ی تفیر کبیر فخر رازی که ۴ تا ۵ جلد آن تاکنون (زمستان ۱۳۸۳) منتشر شده است و سرانجام ترجمه ی قرآن مجید که معرفی و نقد آن موضوع این مقاله است . در حال حاضر دکتر حلبی به تدریس در دانشگاه های تهران و تحقیق و تالیف آثار ارزشمند اشتغال دارد .

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

حلبی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمودین صدیق المحدثین مرحوم حاج شیخ غلامرضا معروف به حلبی واعظ از دانشمندان مبرز و وعاظ نامی معاصر است در تهران تولد ایشان در روز یکشنبه ۱۳ جمادی‌الاولی ۱۳۱۸ قمری در مشهد مقدس واقع شده و تحصیلات مقدماتی قرآن و کتب فارسی را در مکتبهای بعضی از معلمین نموده و ادبیات نحو و اشتقاق و معانی

بیان را خدمت مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و منطق را خدمت مرحوم حاجی محقق و شرح لمعه را خدمت مرحوم میرزا محمدباقر مدرس رضوی و مقداری از قوانین را خدمت مرحوم حاج میرزا جعفر شهرستانی که از مشاهیر مدرسین مشهد بودند تحصیل نموده آنگاه مدت دو سال دروس عقلی را نزد اساتید بزرگ فلسفه مانند مرحوم شیخ حسن کاشانی و مرحوم شیخ اسدالله یزدی و مرحوم حاج فاضل خراسانی خوانده سپس مدت چهار سال خدمت یگانه استاد فیلسوف عصر مرحوم آقا بزرگ شهیدی قدس سره اشارات و اسفار و بعضی دیگر از کتب فلسفه را تحصیل کرده.

پس از آن سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌الله آقاشیخ محمد نهاوندی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد کفائی و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین قمی قدس سره تحصیل نموده و پس از آن مدت چهار سال در محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی حاضر شده و از اقیانوس علم و عرفان آن بزرگوار اغترات غرفه‌ای نموده و پس از واقعه جان گداز مسجد گوهرشاد که در سال ۱۳۱۳ شمسی واقع گردید مدت هشت سال مشغول امور فلاحتی شده و پس از انقلاب محور و آزادی محراب و منبر مجددا مراجعت به شهر نموده و از تحصیل و تدریس محروم فقط به امر منبر قناعت نموده تا در سال ۱۳۳۱ شمسی که به تهران هجرت و تاکنون که سال ۱۳۵۲ خورشید پست ساکن تهران و از طریق منبر به خدمات دینی و ترویج معارف اسلامی و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

مولف گوید. علامه حلبی از گویندگان نامی و خدمتگذاران سامی عصر حاضر است و اخلاص شدیدی بساحت مقدس حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه الشریف دارد و مبارزات علمی بسیاری با فرق ضد ولایت و منحرفین نموده و با مجادلات حسنه جماعت زیادی را برگردانیده و هدایت به پیروی از ائمه اثناعشر علیهم‌السلام نموده‌اند از آثار ایشانست انجمن جوانان که برای جلوگیری کردن از تبلیغات سوء فرقه ضاله و مبارزه کردن با آنها تاسیس و افراد بسیار مبرزی تربیت که بحمدالله تاکنون صدها نفر از منحرفین از طریقه حقه را به راه حق هدایت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حلیمی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین حلیمی درسال ۱۳۱۹ درشهر همدان به دنیا آمد .وی پس از ورو د به مدارس جدید و اتمام دوره دانشسرای مقدماتی همدان و اخذ مدرک متوسطه در رشته ادبیات فارسی به معلمی پرداخت . او در دانشکده هنرهای زیبا در رشته نقاشی به تحصیل پرداخت . بـه منظور ادامه تحصیل و کسب اطلاعات جدید عازم فرانسه شد . وی با ورود به دانشکده هنرهای تزیینی پاریس (آرـدکو) و همچنین در دوره فوق لیسانس هنرهای تجسمی دانشگاه سوربن تجربیات تازه ای را شروع کرد . ابتدا از دوره فوق لیسانس رشته گرافیک (کمونیکاسیون ـ ویزوئل) فارع التحصیل شد ، پس از آن فوق لیسانس هنر های تجسمی و بعد دکتر ای سیکل سوم را از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۶۰ به اتمام رساند و بلافاصله به ایران مراجعه کرد .نامبرده در حال حاضر دانشیار دانشکد ?هنرهای زیبای دانشگاه تهران می باشد . کتاب"اصول و مبانی هنرهای تجسمی"تالیف،محمد حسین حلیمی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : هنر

رشته : هنرهای تجسمی

گرایش : گرافیک

والدین و انساب : محمد حسین حلیمی درسال ۱۳۱۹ درشهر همدان به دنیا آمد . وی در یک خانواده سنتی و مذهبی چشم به جهان گشود و از هفت سالگی نزد پدر بزرگش مرحوم میرزا غلامحسین اسلامبوالچی که در انواع علوم و فنون وارد بود پرورش یافت .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد حسین حلیمی در۱۳۱۹ ه.ش درهمدان متولدشد . دوران کودکی وی مصادف با آخرین سالهای حکومت رضا شاه و روی کار آمدن محمد رضا شاه پهلوی بوده است . درآن روزگار بسیاری از دانشجویان و هنرمندان ایرانی برای تحصیل به اروپا ، به ویژه فرانسه می رفتند . نظام علمی و فرانسه بردانشگاههای کشورنیز اثر گذار بوده است .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد حسین حلیمی پس از ورو د به مدارس جدید و اتمام دوره دانشسرای مقدماتی همدان و اخذ مدرک متوسطه در رشته ادبیات فارسی به معلمی پرداخت . پس از وقفه ای چند ساله برای تکمیل معلومات خود به دانشگاه را ه پیدا کرد و در دانشکده هنرهای زیبا در رشته نقاشی به تحصیل پرداخت و از آنجا فارغ التحصیل شد . پس از آن مجددا در چند مرکزهنری به تدریس پرداخت . با وجود در آمد خوبی که کسب می کرد ،از سال ۱۳۵۴ جهت مطالعه و ادام ?تحصیل مقیم پاریس گردید و درج ?کارشناسی ارشد در دو رشت ?هنرهای تجسمی و گرافیک را به ترتیب از دانشگاه سوربن و مدرس ?عالی هنرهای تزئینی پاریس اخذ نمود و در سال ۱۳۶۰ تز دکترای خود را در زمین ?زیبایی شناسی و علوم هنر در دانشگاه سوربن گذراند

استادان و مربیان : محمد حسین حلیمی یکی از یگانه معلم خود را ، پدربزرگش مرسوم میرزا غلامحسین اسلامبوچی می داند که به وی خوشنویسی و برخی از فنون را آموخت . وی در مدرسه آر-دکو ، رنگ شناسی را زیر نظر یکی از استادان صاحب نام « ژان

فیلیپ لانکلو « تحقیق می نمود و ارزشهای زیبایی شناسی خط اسلامی را در دانشگاه سوربن تحت نظر «الکساندرپاپادوپولو » تکمیل می کرد .وی همچنین از محضر اساتید و هنرمندان بزرگی همچون مرحوم حسین زرین خط و مرحوم میرخانی و مرحوم یحیی کارگر و شماری دیگر از اساتید هنرمند ایرانی و خارجی استفاده نموده است.

وقایع میانسالی : محمد حسین حلیمی در پاریس در دو زمینه تحقیقاتی فعالیت می کرد . یکی از زمینه های کار ایشان «رنگ شناسی » بود که در مدرسه آر•دکو زیر نظر یکی از استادان صاحب نام با عنوان «شعررنگ درمعماری اسلامی ایران » انجام می شود . تحقیقدیگر در رابطه با ارزشهای زیبایی شناسی خط اسلامی بود که به طور گسترده برروی عملکرد زیبایی شناسیخط در مسجد جامع اصفهان در دانشگاه سوربن انجام می گرفت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد حسین حلیمی به غیر از تدریس به فعالیتهای گرافیکی و عکاسی که خود آموخته بود می پرداخت و نیر با فعالیتهای گرافیکی ،نقاشی و عکاسی زندگی خود را اداره می نمود .نامبرده در حال حاضر دانشیار دانشکد؟ هنرهای زیبای دانشگاه تهران می باشند

فعالیتهای آموزشی : محمد حسین حلیمی پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته ادبیات فارسی پرداخت .همچنین پس از دریافت درجه لیسانس در دانشکده هنرهای تزیینی ، انسیتو تربیت مربیان هنری و مدرسه عالی ساختمان به تدریس پرداخت . دکتر حلیمی پس ازمرجعت از فرانسه به ایران نیز در دانشگاه فارابی ، مجتمع دانشگاهی هنر و بالاخره دانشکده هنرهای زیبا به تدریس ادامه داد .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تحقیق درباره زیبایی شناسی و نظریات مربوط به آن از مشغولیت های اساسی محمد حسین حلیمی بوده است .

شاگردان : بسیاری از فارغ التحصیلان رشته هنرهای تجسمی از دانشگاه تهران ،شاگردان محمد حسین حلیمی می باشند .

آرا و گرایشهای خاص : محمد حسین حلیمی معتقد است ویژگی های ارتباط تصویری در عالم سیاست ، اقتصاد، فرهنگ مذهب و افکار و عقاید مختلف امکان سازندگی و تخریب را بصورت گسترده در اختیار دارد .در واقع این زمینه هنری و فنی به مصداق اسلحه ای است که با آن مبارزه نامرئی انجام می شود . برای مقابله با این اسلحه باید همان اسلحه را بنحو بهتر شناخت وبرای مقابله بکار برد . درنتیجه رشته معلمی ، هنری گرافیک یابا عنوان جدیدش «کمونیکاسیون ویزوئل »اهمیت مشخص (در عرصه تبلیغات) پیدا می کند . وظیفه یک هنرمند گرافیست را جامعه و نظام اجتماعی و فکری و عقیدتی که درآن حاکم است مشخص می کند . برخلاف یک هنر مند نقاش که می تواند برای خود کارکند ، یک گرافیست اگر به این شکل کار کند ممکن است مورد استقبال جامعه قرار بگیرد و یا نگیرد و در هر صورت جامعه تکلیفش را روشن می کند . در هنر گر افیک دو عامل را می توان دید ، اول این است که هنرمند به مراحل بالایی از تواناییهای فنی ،فرهنگ و هنری رسید ه باشد و عامل دوم هم این است که جامعه توانایی استفاده از آن را داشته باشد ،زیرا اگر چنین رشدی نباشد هنرمند به میل خود و با باورهای خود کار می کند و نتیجه کارش بهمان اندازه که تصور می شود مفید و سازنده است برعکس می تواند مضر و مخرب هم باشد . دکتر حلیمی نقاشی را حرفه اول خود می داند و مایل است تا آثاری را که ارتباط مستقیم با فکر و عقیده و دل دارد از طریق نقاشی مطرح نماید .

جوائز و نشانها : کتاب"اصول و مبانی هنرهای تجسمی"تالیف،محمد حسین حلیمی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------------------------
----

آثار :

۱ اصول و مبانی هنرهای تجسمی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«اصول و مبانی هنرهای تجسمی»: اصول و مبانی هنرهای تجسمی (جلد اول)؛ دکتر محمدحسین حلیمی؛ تهران: ۱۳۷۲. امروزه هنرهای تجسمی را یکی از بهترین و مؤثرترین وسیله های ارتباطی می شناسند و آن را به صورت زبان همگانی و بین المللی در آموزش و پرورش، در زمینه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و به طور کلی در تمامی فعل و انفعالات فکری مورد استفاده قرار می دهند. هنرهای تجسمی عالی ترین تجلیات زبان بصری شمرده می شود که با آن می توان فراتر از زمان سیر کرد و آینده و افقهای دور را تجسم و تصویر نمود. در این کتابب با معرفی عناصر اولیه تجسمی و بررسی آنها، برخی مثالهای طبیعی یا آثار هنری برای نمونه برگزیده و ارائه شده است. سپس اصول و قواعد را که حاکم بر آثار هنری می باشد حتی المقدور معرفی و با بیان امکانات شکل پذیری و شکل آفرینی عناصر، خصوصیات بصری و بیان تصویری هر کدام مطرح شده است. شاید بتوان گفت که تاکنون در این زمینه کتابی به این جامعیت منتشر نشده است و اولین کتاب علمی و آموزشی هنر می باشد که با آثار دانشجویان ایرانی منتشر می شود. این امر می تواند برای دانشجویان عامل محرک و بسیار خوبی باشد و از سویی برای نویسندگان سرمشقی مناسب. کتاب حاضر با توجه به نیازهای دانشجویان ایران در دو جلد تدوین شده است و می تواند در رفع نیاز جامعه و مراکز آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد.

۲ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

۳ سمبل کتاب درخت زندگی حضرت رسول «ص»

۴ شهر اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۵ شیوه های نقاشی

۶ طراحی آرم دانشگاه علوم پزشکی همدان

۷ طراحی آرم مرکز هنرهای تجسمی

۸ طراحی آرم نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

۹ طراحی پوستر اولین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۴-۲۲ آبان ۱۳۶۶

۱۰ طراحی پوستر کنفرانس بازسازی مناطق

۱۱ مرکز فرهنگی امیر المومنین

۱۲ هنر و رنگ

ویژگی اثر : ترجمه

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :

۱www.ketabesal.ir۲مصاحبه با دکتر محمد حسین حلیمی ، هنرهای زیبا ،آبان و آذر ۱۳۶۸۳مهدی پروین زاد ، شهید چمران هنری مردعرصه ای دانش و حماسه وعرفان ، ماهنامه کیهان فرهنگی ، سال بیستم ، خرداد ۱۳۸۲ ، شماره ۲۰۰ ، ص۱۴

حمادراویه، ابوالقاسم

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۵۶/۱۵۵ -۹۵ ق)، مورخ، لغوی و شاعر. اصلش از دیلم بود. در عهد بنی‌امیه در کوفه می‌زیست. وی در عصر خود، در روایت اشعار و اخبار و وقایع از مشاهیر طراز اول بود. او بایـد ولیـد بن یزیـد و مهـدی عباسـی مجالست داشت و برای ولیـد اشعار نیکو می‌سرود. او همچنین دارای حافظه‌ای قوی بود، به طوری که روزی چندین قصیده از قصاید جاهلی را بدون آنکه کلمه‌ای از کلمات شعای اسلام در آن باشد، برای خلیفه می‌خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲ -۳۰۱ /۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۸۲، ۱۱۳/۱۶۰ -۱۴۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۸۶۴/۱)، روضات الجنات (۲۳۷ -۲۳۵ /۳)، ریحانه (۲۹۹ -۲۹۸ /۲)، سیرالنبلاء (۱۵۸ -۱۵۷ /۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۵۵ -۱۵۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۰ -۲۶۹ /۳)، لسان المیزان (۶۶۴ -۶۶۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ حماد بن شاپور)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۵۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲ -۱۳۷ /۱۳)، وفیات الاعیان (۲۱۰ -۲۰۶ /۲).

حمدی، برهان‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، شاعر، محقق.

تولد: ۲۴ ذیقعده سال ۱۳۲۳ ق. (۱۲۸۲)؛ سنندج.

درگذشت: ۱۲ آذر ۱۳۶۶.

شیخ برهان‌الدین حمدی فرزند حاج شیخ عبدالمجید عرفان پس از ختم قرآن و خواندن کتاب‌های اخلاقی، دینی و ادبی فارسی، مقدمات علوم (صرف و نحو) را نزد پدر فراگرفت و سپس در محضر اساتیدی چون ملا صادق منبری، شیخ حبیب‌الله کاشتری (ادبیات عرب) و ملا عبدالعظیم مجتهد (علم حکمت و کلام) به تحصیل علوم پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۱۲ به دریافت اجازه‌ی فتوا و اجتهاد و تدریس علوم اسلامی نایل گردید (این اجازه از طرف ملا محمد صادق نیری صادر شد و دو استاد دیگرش ملا عبدالعظیم کاشتری و شیخ حبیب‌الله کاشتری آن را تأیید کردند .) وی ابتدا در مسجد رشید قلعه بیگی (نزدیک بازار والی سنندج) به تدریس آموزش و پرورش درآمد و پس از سی و سه سال خدمت به سال ۱۳۴۸ بازنشسته شد. در این مدت ایشان در دبیرستان‌ها و دانشسراها مدرس ادبیات فارسی و عربی بودند. مدتی نیز ریاست دبیرستان شاهپور سنندج (شهید قصری فعلی) را که در آن زمان تنها دبیرستان شش کلاسه سنندج بود بر عهده داشت. وی همچنین اصول کلامی چون مواقف قاضی عضدالدین ایجی و شرح میر سید شریف جرجانی و بحث در تفسیر جلالین و بیضاوی را تدریس می‌کرد. بعدها قریب سه سال به ریاست اداره‌ی اوقاف کردستان منصوب شد. پس از رسیدن به بازنشستگی به دعوت هیئت امنای دانشگاه رازی در دانشکده‌ی تربیت دبیر سنندج به عنوان استاد فارسی برگزیده و مشغول گردید. ایشان کتابخانه‌ی خود را که شامل تعداد بسیاری از کتب نفیس خطی و چاپی بود به کتابخانه‌ی شهر سنندج واگذار نماید. ترجمه‌ها و تألیفات ایشان به شرح زیر هستند: ترجمه مشکوهٔالانوار امام محمد غزالی، ترجمه رسالهٔ الطیر ابن سینا شامل رسالات «فلسفه نماز» و کتاب مرآت الفلسفه در یک جلد به نام فلاسفه و خداشناسی؛ مرآت الفلسفه طنطاوی؛ ترجمه‌ی رساله‌ی حی بن یقضان ابن سینا؛ شیخ اشراق و ابن طفیل؛ ترجمه‌ی عقاید نسفی؛ ترجمه‌ی متسطاب الاربعین فی اصول الدین امام محمد غزالی. آثار چاپ نشده‌ی وی عبارتند از: ترجمه‌ی قصائد سه گانه: لامیه‌ی العرب شنفری و لامیهٔ العجم طغرایی و لامیهٔ الکرد عرفان از: حاج شیخ عبدالحمید (پدر برهان‌الدین حمدی)؛ ترجمه‌ی قصیده‌ی «بانت سعاد کعب ابن زهیر» و چند رساله دیگر.

شیخ برهان‌الدین حمدی روز دوشنبه دوازدهم آذر ۱۳۶۶ به سبب بیماری معده و روده و ضیق‌النفس جان سپرد.

جنازه‌ی وی در قبرستان تایله سنندج در جوار اقوامش دفن گردیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حمزه‌ی اصفهانی، ابوعبدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۰/۳۵۰ -۲۷۰ ق)، مورخ و ادیب. در اصفهان تولد یافت. مدتی در طلب علم سفر کرد و اکثر ایام عمر را در زادگاهش گذراند. اگرچه، غالبا به عنوان یک مورخ مشهور نام برده می‌شود اما، وی بیشتر به ادب و لغت توجه داشته است. مشهورترین اثر وی «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است، که نمایانگر تفکر شعوبی نویسنده می‌باشد. چه، نامهای ایرانی را به صورت اصلی آن نگاشته است، حال آنکه اغلب مورخان آنها را معرب کرده‌اند. دیگر آثار وی: «التنبیه علی حدوث التصحیف»؛ «کبار البشر»؛ «الامثال»؛ «تاریخ اصفهان».[۱]

اصفهانی، ابوعبدالله بن حسن (و. حدود ۲۷۰- ف. حوالی ۳۶۰ -۳۵۰ ه.ق.) وی مؤلف کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (سنی ملوک...)، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب المثال است که همه آنها در دست است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۲۴۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳/۱)، تاریخ در ایران (۳۵ -۳۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۶/۱)، الذریعه (۲۶۵/۱۷ ،۲۸۸ -۲۳۳ /۳)، ریحانه (۱۴۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۱/۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۵ ،۱۱۷ -۱۱۶)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۳۰)، کشف الظنون (۱۴۶۴ ،۳۰۱ ،۲۸۲ ،۱۶۸)، لغت نامه (ذیل/ حمزه)، معجم الادباء (۱۳۶ -۹۴ /۱۳)، معجم المولفین (۷۸/۴)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۳/۴).

حمیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. پسندیده دین) ابوبکر بن عمر بن محمود بلخی قاضی و نویسنده معروف (ف. ۵۹۹ ه.ق.). وی قاضی بلخ بود و شهرت او مخصوصا به وسیله تألیف «مقامات حمیدی.» (ه.م.) است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حمیدی بلخی، حمیدالدین عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۹ ق)، ادیب و شاعر. در شهر بلخ می‌زیست و در آنجا سمت قاضی القضاتی داشت و او بود که به انوری بعد از داستان هجو بلخ و غوغای عوام در آن شهر پناه داد. انوری قطعات و قصایدی در مدح قاضی حمیدالدین گفت. قاضی حمیدالدین شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «مقامات حمیدی» که حمیدالدین آن را به پیروی از مقامات بدیع‌الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری و به تقلید از روش و مضامین آنها در بیست و چهار مقاله و خاتمه نگاشت؛ «وسیله العفاه الی اکفی الکفاه»؛ «حنین المستجیر الی حضره المجید»؛ «روضه الرضا فی مدح ابی‌الرضا»؛ «قدح المغنی فی مدح المعنی»؛ «الاستغاثه الی اخوان الثلثه»؛ «منیه الراجی فی جوهر التاجی»؛ «مثنوی سفرنامه‌ی مرو». مصحح دانشمند «فضائل بلخ» در تعلیقات خود بر آن کتاب بعد از بحث مستوفی در باب نسب و خاندان قاضی حمیدالدین می‌نویسد: پس با در نظر گرفتن روایات سابق، باید نام مولف «مقامات حمیدی» را ابوبکر حمیدالدین ابوبکر محمود بن عمر بن احمد بن محمد بن ابوذر محمودی دانست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۰ -۹۵۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸)، تذکره الشعراء (۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۷/۱)، الذریعه (۹/۲۲)، ریحانه (۸۱ -۸۰ /۲)، سبک‌شناسی (۳۲۹ -۳۲۸ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۲ -۳۲۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۷۹)، فضائل بلخ (تعلیقات، ۴۰۳ -۳۹۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۵۳)، الکامل (۹۰/۹)، کشف الظنون (۱۷۸۶)، گنج و گنجینه (۲۰۰ -۱۹۵)، لباب الالباب (۲۰۰ -۱۹۸ /۱)، لغت نامه (ذیل/ حمیدالدین محمودی)، مولفین کتب چاپی (۶۴۸/۵)، مجمع الفصحا (۵۹۵ -۵۷۳ /۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۵۹)، مقامات حمیدی (مقدمه)، هفت اقلیم (۶۷ -۶۴ /۲)، یادگار (س ۱ ش ۷، ص ۲۵).

حمیدی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم حمیدی

محل تولد : خشت فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۳/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب در تاریخ ۱۲/۳/۱۳۳۱ در محلی بنام خشت از توابع استان فارس در خانواده ای روحانی مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی و ابتدائی را در محل پشت سر گذاشته، دوران دبیرستان را در محل دیگر که تا زادگاهم ۱۰ کیلو متر فاصله داشت با دوچرخه تا سیکل به اتمام رساندم. در خرداد ماه ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه قم شدم(به لحاظ اینکه اجداد و پدرم همه روحانی بوند) مقدمات را نزد اساتیدی مربوطه خصوصا جناب آقای فلاح زاده فرا گرفتم- شرح لعمه را نزد سرور مکرم جناب آقای علوی گرگانی و موسوی تبریزی تلمذ نموده – قوانین خدمت جناب آقای دوز دوزانی بودم.

رسائل مرحوم شیخ انصاری را از محضر استاد اعتمادی بهره بردم. مکاسب را نزد حضرات آقایان موسوی تبریزی و ستوده فرا گرفتم. کفایه را نزد آقایان ستوده و سید علی محقق داماد بهره مند شدم. تا زمان در س خارج از محضر همه آیات عظام گلپایگانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی استفاده فراوان بردم. شرح منظومه را خدمت آقای محمد گیلانی و اسفار را در محضر مرحوم سید رضا صدر و حسن زاده آملی و انصاری شیرازی فرا گرفتم.

تا قبل از انقلاب بر حسب وظیفه در ایام تبلیغ (رمضان، محرم،صفر) به امر خطیر تبلیغ مشغول بودم. دوران انقلاب بر حسب وظیفه به توزیع اعلامیه، رساله حضرت امام و شرکت در راهپیمایی و.... سرگرم بودم. بعد از پیروزی انقلاب در سمت های مختلف انجام وظیفه می نمودم: مدت ۱۵ سال در سمت امام جمعه، مدت ۶ سال به عنوان نماینده امام در جهاد سازندگی شهرستان کازرون فارس، مدت ۶ سال در دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور میمه و وزران از توابع اصفهان تدریس می نمودم (ضمناً در همین سنوات مسؤلیت امامت جمعه و مسؤلیت دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد میمه را به عهده داشتم).

در دوران دفاع مقدس جمعاً ۵ سال و اندی در جبهه های جنگ حضور داشتم. مدت سیزده سال مدیریت و تدریس در حوزه های علمیه کازرون، اندیمشک، فارسان را به عهده گرفته بودم. همه اینها وقتی لذت بخش و خوب است که مورد قبول خداوند تبارک و تعالی قرار گرفته و معصومین علیهم السلام راضی و خشنود باشند از ما و اعمال ما فعلاً هم در مدیریت (حوزه علمیه) به عنوان ناظر و بازرس و مدیریت مدرسه خوابگاهی امام حسین علیه السلام مشغول انجام وظیفه هستم. در حوزه علمیه قم هم مشغول تدرّیس و تحصیل هستم.

حمیدی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاههای شیراز، تهران و مشهد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات، تاریخ، جغرافیا، شعر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی و تحقیق.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حمیدیان، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حویزی، خلف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۴ ق)، متکلم، محدث، ادیب و شاعر امامی. معروف به سید خلف. وی از معاصران شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی بود و والی حویزه، حویزی مردی زاهدپیشه و در انجام فرائض و نوافل بر خود سخت‌گیر بود. در نجف دفن شد. از آثار وی: «الاثنی عشریه فی الصلوه»؛ «برهان الشیعه»، در امامت؛ «الحق المبین»، در منطق؛ «البلاغ المبین»، در احادیث قدسی؛ «الحجه البالغه»، در کلام؛ «سفینه النجاه»؛ «الموده فی القربی»؛ «النهج القویم»، در کلمات امیرالمومنین علی (ع)، «حق الیقین»، در کلام؛ دو «دیوان» به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۳۴ -۳۳۰ /۶)، الذریعه (۱۶۸/۲۱ ،۳۰۰/۹، ۴۰/۷، ۲۵۸/۶)، روضات الجنات (۷۰۴ -۶۹۹ /۳)، ریحانه (۸۹ -۷۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۰)، معجم المولفین (۱۰۵/۴).

حویزی، عبد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۳ ق)، ادیب و شاعر. نزد حکام بصره تقرب داشت و تا آخر عمر در کنف حمایت آنها زندگی کرد. وی مدتی نزد شیخ بهایی تلمذ کرد. از آثارش: «دیوان» شعر، به سه زبان ترکی، فارسی و عربی؛ «قطر الغمام»؛ «حاشیه تفسیر بیضاوی»؛ «المعول فی شرح شواهد المطول»؛ «مناهج الصواب فی علم الاعراب»؛ «رساله فی الرمل»؛ «کتاب فی الحکمه»؛ «کلام الملوک ملوک الکلام»؛ «کتاب فی العروض»؛ «کتاب فی نحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۶/۴)، ایضاح المکنون (۴۹۹/۱)، الذریعه (۲۴۲/۲۳ ،۲۳۸/۲۰ ،۲۵۰/۱۱ ،۶۹۰/۹، ۱۸۹/۶)، روضات الجنات (۲۱۱ -۲۱۰ /۴)، ریحانه (۹۰ -۸۹ /۲)، معجم المولفین (۲۶۶/۵)، هدیه العارفین (۵۸۶/۱).

حویزی، عبدالعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، فقیه، محدث، مفسر، ادیب و شاعر امامی. معروف به عبدالعلی عروسی. در حویزه متولد شد و در شیراز ساکن. وی استاد سید نعمت‌اللّه جزایری و معاصر شیخ حر، عاملی و علامه مجلسی است. از آثار وی: شرح «لامیه العجم» طغرایی؛ «نورالثقلین»، تفسیری روایی از قرآن، در چهار مجلد؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۶ -۳۶۵ /۲۴ ،۶۹۰/۹)، روضات الجنات (۲۷ -۲۵ /۵)، ریحانه (۱۲۴/۴ ،۸۹/۲)، فوائد الرضویه (۲۳۷)، معجم المولفین (۲۶۵/۵).

حویزی، فرج اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۰ -۱۰۳۱ ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگار خویش دست داشت و تالیفاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال‌نویسان او را به داشتن فضل ستوده‌اند. از آثار وی: «ایجاز المقال فی معرفه الرجال» درباره‌ی رجال، در دو مجلد؛ «تذکره العنوان» که به پیروی «عنوان الشرف» شرف‌الدین اسماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۱/۵)، اعیان الشیعه (۳۹۵/۸)، ایضاح المکنون (۴۹۹، ۲۷۵ /۱)، الذریعه (۲۷۶/۲۲ ،۸۱۸/۹، ۴۸۷/۲)، روضات الجنات (۳۴۱ -۳۹۹ /۶)، ریاض العلماء (۳۳۷/۴)، ریحانه (۹۴/۲)، فوائد الرضویه (۳۴۹)، لغت نامه (ذیل/ فرج اللّه)، معجم المولفین (۵۹/۸)،هدیه العارفین (۸۱۶/۱).

حیدری فر، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حیدری فر

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی به حوزه علمیّه ولی عصر(عج)در تبریز وارد شدم و با رسالت سربازی امام زمان(عج)آشنا شدم پس از گذراندن سطح مقدّماتی در سال ۱۳۵۷ به حوزه علمیّه قم هجرت کردم و پس از دو سال هنگام اشتغال به دروس پایه ۷ و ۸ فعلی،با شروع جنگ تحمیلی به جبهه های نور رفتم و حدود اواخر سال ۱۳۶۴ به حوزه برگشتم و دوباره ادامه تحصیل دادم.

مجموعا حدود شش سال سطح را به پایان رساندم و در درس خارج حضرت آیات منتظری و فاضل لنکرانی و مؤمن قمی و تبریزی و وحید خراسانی درس تفسیر و جوادی آملی درس فلسفه ای و حسن زاده آملی شرکت کردم. در مراکز گوناگون آموزش حوزه و دانشگاه فیض حضور داشتم و نقش معلّمی ایفا می کردم و می کنم.

با مراکز پژوهشی گوناگون قم بحمدالله در ارتباط و همکاری نسبتاً خوبی دارم. افاضل پایان نامه نویس را در آماده سازی پژوهش نامه خوب راهنمایی می کنم و با آنان به مشورت می نشینیم به توفیق اللهی حدود ۲۰ سال است که در خدمت حضرت استاد علّامه آیه جوادی آملی و آثارایشان هستم و رد بسامان سازی آن مدد می رسانم. نوشته هایی نیز دارم که هنوز رخصت چاپ نیافته است و امیدمی رود بسترمناسبی برای چنین نوشته هایی فراهم گردد تا نانوشته هایی نیز رخ نماید!

حیدری نیک، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حیدری نیک

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره های ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی ، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی درسال ۵۷ دیپلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم . با تعطیلی دانشگاه ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی ، در سنگر جبهه ها مشغول فعالیت شدم . در سال ۱۳۶۰ همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه ها) فعالیت می کردم . تا سال ۶۳ در آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم ، مدرسه رضویه شدم . از سال ۶۳ تا ۶۶ علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می کردم و در نهایت دروس مقدمات ، سیوطی ، حاشیه ، مغنی ، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی ، عرفان ، طالقانی ، هادوی ، کدیور ، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم .

از سال ۶۶ تا ۷۰ لمعه ، اصول فقه ، رسائل ، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام : صلواتی ، محمدی ، هادی زاده ، پایانی ، اعتمادی ، شب زنده دار ، محقق داماد ، استادی ، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم . از سال ۷۰ به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی ، تبریزی ، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده ام . در ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال ۷۰ تا ۷۴ از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم . از سال ۷۲ تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده ام . همچنین از سال ۸۰ تا ۸۲ در مرکز تخصصی مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال ۸۲ تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم . به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان ، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می کنم . افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و ۹ ربیع دراعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته ام .

از سال ۷۲ تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع

هرمزگـان ، پزشـکی بنـدر عبـاس ، بین المللی و پزشـکی قزوین ، میرزا کوچـک خـان رشت ، خواجه نصـیر الـدین طوسـی و علامه طباطبـایی ، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسـخگویی به شـبهات پرداخته ام . از سـال ۷۶ تا کنون به همراه عـده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم .

در زمینه نشر فرهنگ شیعه درزمینه نویسندگی نیز فعالیتم را از سال ۷۰ تا کنون شروع کرده ام . ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزانگان و دانشـمندان شـیعه را نوشـته و بعـد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشـریه های دانشـجویی به نشـر دیـدگاه هـای خود ادامه دادم . تـا اینکه در سال ۸۰ با همکاری عـده ای از دوسـتان در مرکز تخصصـی مهدویت به انتشار فصـلنامه انتظار مشـغول شدم و در بعضـی از شـماره های این نشـریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشـته تحریر درآوردم . هم اکنون چنـد کتاب پیرامون صـلح امام حسن (ع) ، پیشـینه تاریخی انتظار ، تاریخ تحلیلی اسـلام در دست نگارش داردم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می رسد .

حیدری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شـیخ حسین بن العابد الزاهد شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره‌های درخشان و زبانهای گویای حوزه علمیه قم به شمار می‌رود.

در سال ۱۳۲۲ خورشـیدی در کاشان متولـد شـده و در اوان کودکی در معیت مرحوم والدش به قم مهاجرت نموده و پس از دوران کودکی و تحصیلات ابتدائی در سن ۱۲ سالگی به تحصـیل مقدمات و ادبیات پرداخته و در معیت برادرش در همان اوان برای تبلیغ مسافرت به اطراف نموده و در همه جا با پیروزی و اسـتقبال مردم مواجه می‌شـد و در سن ۱۷ سالگی به یزد رفته و مدت دو سال در آنجا توقف و به تحصیل پرداخته و ضمنا در مساجد بزرگ آنجا چون مسجد حظیره و مسجد برخوردار و مسجد میر چخماق و غیره منبر رفته و مردم را از بیانـات سودمنـد خود بهره‌منـد کرده، آنگاه مراجعت به قم نموده و سـطوح نهائی در خـدمت آیت‌الله سـلطانی خوانده و پس از آن به دروس خارج آیات عظام شده و می‌شود.

مولف گویـد: آقـای حیـدری واعظ در اغلب شهرسـتانهای ایران مخصوص تهران به عنوان تبلیغ مسافرت نموده و خاطرات مهمی از این مسافرتها دارد.

خدماتی از این راه به اسلام و قرآن نموده است دارای تالیفات ارزنده مطبوع و غیر مطبوع زیر می‌باشد:

۱- چرا به نوروز با بدبینی می‌نگریم، جزوه کوچکی است درباره‌ی نوروز و عید داری آن و اعمال آن و نظریات علماء در این باره.

۲- یکدوره اصول و فروع استدلالی بسیار ساده.

اما آثار غیر مطبوع ایشان از این قرار است:

۱- گوناگون یا هزار و یک رنگ

۲- جهان نوین در حکومت حضرت مهدی ارواحنا له الفداء.

۳- دیوان اشعار جمع‌آوری شده از شعراء مشتمل بر توحید مدایح غزلیات پند و اندرز.

۴- دیوان اشعاری که خود سروده است.

۵- فلسفه وجوب خمس.

۶- شرح منظومه حکمت که در این باره قسمتی از اشعار عربی منظومه به اشعار فارسی برگردانیده شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حیدری، خسرو

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه

نـام کامل : خسـرو حیـدری - متولـد : ۲۳ شـهریور ۱۳۶۲ - سـن : ۲۵ سـال - زادگـاه تهران، ایران - قـد : ۱۷۴ سانتی‌متر اطلاعات باشگاهی :

باشگاه کنونی : استقلال تهران - شماره پیراهن : ۲ - پُست : هافبک راست باشگاه های جوانان :

۱۳۷۹ - ۱۳۸۲ استقلال تهران باشگاه های حرفه ای :

۱۳۸۲ - ۱۳۸۵ پاس تهران

۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ ابومسلم مشهد

۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ پاس همدان

۱۳۸۷ - تا کنون استقلال تهران خسـرو حیـدری (زاده ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ در تهران) یـک بـازیکن فوتبـال ایرانی است. او هم‌اکنون عضو باشگاه استقلال تهران است.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

حیدری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حیدری بهنوثیه

محل تولد : شهر بابک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

عباس حیدری بهنوثیه در سال ۱۳۴۴ در یکی از شهر های تابع استان کرمان ، به نام شهر بابک متولد شده پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شد . دوره مقدمات و سطح حوزه را طی کرده و مدت دوازده سال درس خارج فقه و اصول را گذرانده است. اساتید او در فقه و اصول عبارتند از آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله سید محمد رضا مدرسی مشار الیه همزمان با فقه و اصول از مباحث فلسفی نیز بهره برده است ، منظومه سبزواری را نزد حجةالاسلام و المسلمین دکتر پرنده غیبی و نهایهٔ الحکمهٔ را نزد آیت الله موسوی گرگانی گذرانده است مباحثی از اسفار ملا صدرا را نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی تلمذ نموده است. همزمان با مباحث حوزوی ، زبان انگلیسی را تا سطح عالی آن فرا گرفته است. وی پس از شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۷۴ و به دست آوردن رتبه هفتاد و هفت ، همزمان در دو رشته پزشکی و علوم سیاسی (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شد اما تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی ادامه داد و اکنون دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه تهران و مشغول تدوین پایان نامه است.علاوه بر پایان نامه دکتری با عنوان «زبان، سیاست و دولت در عصر مشروطه» دو پایان نامه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد با عناوین «نظام سیاسی از دیدگاه فارابی» و «تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی» را تدوین و دفاع نموده است.

حیدری، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزالله حیدری

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در رشته ادبی درتهران ، در کنکور شرکت نمودم و در رشته علوم تربیتی قبول شدم و تا دو سال در دانشکده علوم تربیتی پارس (در مجموعه دانشگاه علامه (ره) فعلی) تحصیل نمودم و با شناخت حوزه علمیه قم و درک ضرورت دروس حوزوی دانشگاه را ترک کردم اما مطالعات را در رشته علوم تربیتی و روانشناسی ادامه دادم . دروس مقدمات و سطح را در مدرسه رضویه و فیضیه و مسجد امام نزد اساتید محترم آقایان حبیبی ، مولوی نیا ، اشتهاردی ، سلطان محمدی ، گیلانی ، دکترضیایی ، مدرس افغانی ، کوه کمره ای ، مرحوم آیت الله ستوده ، گنجی ، مرحوم استاد علی صفایی حائری و درس خارج را نزد آیات عظام مکارم شیرازی ، نوری همدانی ، مازندرانی و تفسیر را نزد آیت الله جوادی آملی گذرانده ام .

کارهای تحقیقی و نوشتن کتاب و پاسخ به پرسش های کتبی و شفاهی در موسسه در راه حق و ارائه مقالات به مجلات و همکاری با مرکز فرهنگی وابسته به نهاد رهبری در دانشگاه ها ، تدریس در دانشگاه (دروس عمومی) و تبلیغات در مناسبت های مرسوم ، عمده اشتغالات اینجانب است .

عمده مطالعاتم در تفسیر ، حدیث ، ابعاد اخلاقی اجتماعی مکتب اصیل اسلام و تشیع و استخراج روش های کاربردی درمعارف و سازندگی اخلاقی می باشد .

حیدری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن العابد الزاهد الورع حاج شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره‌های علم و دانش و فضیلت معاصر است در راوند کاشان.

وی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و پس از تعلیمات ابتدائی دوره مقدمات و ادبیات را در کاشان نزد اساتید بزرگ آن شهر فراگرفته و سپس مهاجرت به اصفهان و با جدیت تمام تفسیر و درایه و هیئت جدید را خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی خوانده و علم کلام و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللّٰه صدر کوپائی و علم تفسیر و اخلاق را نیز خدمت مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی فراگرفته.

ادبیات و شوارق را از مرحوم ادیب بجنوردی آموخته سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و مکاسب و کفایه را از آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌اللّٰه آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی بهره‌مند شده و به درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته تا سال ۱۳۵۱ قمری که بنابر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنابر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یثربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می‌نمایند.

معظم له دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می‌باشند که هنوز به طبع نرسیده است.

وی نیز طبع روان و ذوقی سرشار دارند و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حیرت بخارایی، محمد اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۵۴ ق)، مترجم و شاعر، متخلص به حیرت. وی مترجم معروف «تاریخ ایران»، تالیف سر جان ملکم، از انگیسی به فارسی است. حیرت در بمبئی وفات یافت و در قبرستان ایرانیان آن شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۳۱/۱).

خاتمی اردکانی، روح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا روح‌الله خاتمی اردکانی از علماء عصر اردکان دارای مقام علم و عمل و تقوا میباشد، معظم له در اردکان متولد شده و پس از خواندن ادبیات در یزد و اردکان باصفهان آمده و سطوح عالی و مسائل و مکاسب و غیره را نزد علماء اصفهان خوانده و مهاجرت بقم نموده و چندین سال از محضر مؤسس حوزه آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی طاب‌الله ثراه استفاده نموده آنگاه باردکان مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام سیدالمرسلین علیه و علی آله صلوات المصلین و وظائف دینی و روحی پرداخت. وی والد حجه‌الاسلام والمسلمین خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران است.

مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان.

تولد: ۱۰ رمضان ۱۳۲۴ ق.، اردکان.

درگذشت: ۱۰ آبان ۱۳۶۷.

آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی دوران طفولیت در اردکان طی کرد، همان جا به مکتب رفت و تا سیزده سالگی فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال ۱۲۳۴۲ ق. به اصفهان رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی آن شهر به تحصیل مشغول شد. از جمله اساتید ایشان در این مرحله حاج میرزا علی آقای شیرازی و شیخ محمد خراسانی و در فقه و اصول به ترتیب آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی، آقا سید علی نجف‌آبادی و ایت‌الله رحیم ارباب بودند. در سال ۱۳۵۴ ق. از اصفهان به اردکان بازگشت. آیت‌الله خاتمی قصد داشت به نجف برود که مقدور نگردید. با شروع جنگ جهانی دوم، ایشان به همراه عده‌ای طلبه دیگر مدرسه‌ای را در اردکان ترمیم کردند که به تدریج به حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان تبدیل شد.

(ح ۱۳۶۷ -۱۲۸۵ ق)، عالم دینی. در خانواده‌ای روحانی در اردکان به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، پس از آن برای تکمیل تحصیلات خود به اصفهان رفت و از محضر اساتیدی چون حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج رحیم ارباب، حاج سید علی نجف آبادی و سید محمد نجف‌آبادی بهره‌ها گرفت و چندین سال در حوزه‌ی درس آیت‌اللّٰه حایری یزدی در قم کسب فیض کرد. سپس به اردکان بازگشت و به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و در این شهر تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. از آثار وی

«آینه‌ی مکارم» است.[۱]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۲۵ –۲۴)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۹، ص ۶۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷ –۶۶/ ۳ ،۲۹۱/ ۱).

خاتمی بروجردی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدرضا بن العالم الجلیل و الزاهد النبیل حاج شیخ حسن خاتمی بروجردی از علماء مبرز معاصر شهر ری و اصدقاء این نویسنده است. وی در سال ۱۳۴۱ قمری در بروجرد متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و اولیات و مقدمات را در بروجرد خوانده و به قم آمده و با آشنائی و رفاقت با مرحوم والدش حدود دو سالی در قم با این نویسنده محشور و مأنوس بوده و قسمتی از سطوح وسطی را نزد حقیر و دیگران خوانده و در ماه ذی القعده الحرام ۱۳۶۱ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر اساتید بزرگ چون آیت‌اللَّه حاج شیخ غلامحسین اردبیلی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی (صاحب تقریرات) استفاده نموده و در مدت کوتاهی در اثر استعداد ذاتی و مطالعه و زحمت گوی سبقت از اقران ربوده و بدرجه سامیه اجتهاد رسیده و از آیات عظام نجف و قم چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حجت مفتخر به اجازه اجتهاد گردیده و در سال ۱۳۶۵ قمری مراجعت به ایران و قم نموده و مدت سه سالی در قم بتدریس فقه و اصول پرداخته و در سال ۱۳۷۰ قمری بنابر استدعاء این حقیر برای تدریس مدرسه علمیه برهانیه شهر ری منتقل باین شهر شده و تا هم‌اکنون بتدریس و اقامه جماعت و تبلیغات دینی اشتغال دارد.

مرحوم والدش حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن کمره‌ای خاتمی از علماء محترم بروجرد و دوستان خالص حقیر بود و محبت تامی نسبت به این کمترین داشت ذکرش در علماء بروجرد گذشت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خاتمی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد خاتمی

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۲/۱۸

زندگینامه علمی

سید احمد خاتمی در هجدهم اردیبهشت ۱۳۳۹ در سمنان متولد شد، پدرش مرحوم سید مهدی خاتمی انسانی متعهد و متدین بوده و در میان اقوام، معروف به تقوی و غیرت دینی بود وی در سال ۱۳۶۴ از دنیا رفت. ما در ایشان خانم طیبه سادات خاتمی، بانویی متدین، مؤمن و مأنوس با قرآن و ادعیه است و هم اکنون (آذر ۱۳۸۳) در قید حیات است. خاندان خاتمی از سادات معروف سمنان‌اند و جد اعلای آنان مرحوم سید هاشم همواره مورد علاقه و محبت مردم بوده که همچنان مردم ذکر خیر او را دارند. سید احمد خاتمی در سال ۱۳۵۱ تحصیل علوم حوزوی را در مدرسه علمیه صادقیه سمنان آغاز کرد و به مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را نزد اساتید آن حوزه به پایان برد و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و جهت استحکام بیشتر دروس اکثر درسهایی را که در حوزه سمنان خوانده بود نزد ادیب بزرگ مرحوم مدرس افغانی که به تازگی از نجف آمده بود، مجدداً تکرار کرد و سپس دروس سطح را از اساتید بزرگ حوزه همانند مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اشتهاردی، آیت الله خزعلی، آیت الله بنی فضل و... به پایان برد و سپس در درس خارج حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، محمد فاضل لنکرانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی و... شرکت کرده و به مدّت هفده سال در درس خارج فقه و اصول این حضرات شرکت نمود.

در فلسفه و کلام از حضرات آیات: شیخ یحیی انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، جوادی آملی، ابراهیم امینی بهره برده است. در تفسیر از حضرت آیت الله مشکینی، آیت الله خزعلی بهره‌مند شده است و در درس نهج البلاغه از آیت الله حسین نوری همدانی بهره برده است او از درس فلسفی «شناخت» از محضر شهید آیت الله مطهری بهره‌مند شده است و در فن خطابه از محضر خطیب گرانقدر مرحوم حجهٔ السلام و المسلمین آقای شیخ محمد تقی فلسفی استفاده نموده است. تدریس وی از سال ۱۳۶۴، تدریس دروس حوزوی را به صورت عمومی شروع کرده است. اگر چه قبل از آن به طور خصوصی چند دوره کتب مقدمات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی و...) را تدریس کرده بود. تا کنون ۴ دوره معالم الاصول، ۷ دوره اصول الفقه، ۳ دوره شرح لمعه، ۲ دوره مکاسب، ۳ دوره رسائل و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول پنجمین دوره تدریس کفایهٔ الاصول است. وی مدت ده سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد، دوره اول تدریس خارج اصول را به اتمام رسانده و اینک (آذر ۱۳۸۳)

مشغول تدریس دوره دوم خارج اصول است و از کتابهای فقهی بخشهایی از کتاب قصاص و دیات و تقریبا تمام کتاب الحج را تدریس کرده و اینک اشتغال به تدریس خارج کتاب صلوهٔ دارد.
در این مدت صدها طلبه از محضر وی بهره‌مند شده و همچنان استفاده می‌کنند. وی در کنار تدریس علوم مصطلح حوزوی از سال ۱۳۶۵ به تدریس سیره پیامبر و امامان (آذر ۱۳۸۳) در روزهای تعطیل (پنج شنبه‌ها) رو آورد که در سال ۱۳۸۰ یکدوره از این دروس به پایان رسید و اینک سه سال است که پنج شنبه‌ها تفسیر زیارت جامعه را دنبال می‌کند. وی در سال ۱۳۶۷ به دستور برخی از بزرگان حوزه درس تفسیر شروع کرد و اینک شانزدهمین سال این درس است که هر شب پس از نماز مغرب و عشاء، در مدرس امام مدرسه فیضیه دائر است و تا کنون تفسیر ۸ جزء قرآن به پایان رسیده (تفسیر جزء آخر و ۷ جزء اول) و اینک مشغول تفسیر هشتمین جزء قرآن کریم (سوره انعام) می‌باشند. تا کنون ۱۶۶۰ جلسه تفسیری داشته‌اند، درس تفسیر نهج البلاغه نیز در ایام تعطیل داشته‌اند که حدود دو سال است بحث موضوعی «امام علی (ع) و مخالفان حکومت» را از نگاه مولی در نهج البلاغه دنبال می‌کنند.
خوشبختانه نوار کاست این درسها (گرچه نه به کیفیت عالی) موجود است. وی کار اصلی خود راتدریس دانسته و سخت علاقه‌مند به آن است به گونه‌ای که در ایام تحصیل به هیچ وجه کار دیگری را جای آن قرار نمی‌دهد. در سخنرانیهای وی هم قرآن و هم روایات و هم مسائل سیاسی در حد نیاز هست. وی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی تا کنون صدها برنامه اجراء کرده است و امت مسلمان ما استقبال خوبی از خطابه‌های وی داشته و دارند. سید احمد خاتمی به عنوان استاد راهنما و داور در رسالهٔ سطح چهار و سطح سوّم حوزه و نیز به عنوان استاد راهنما در مؤسسه پژوهشی امام خمینی و دانشکده شهید محلاتی سپاه خدمت می‌کنند و تا کنون رساله متعددی را در عرصه معارف دینی، فعالیتهای سیاسی، راهنمایی و ساماندهی کرده است. سید احمد خاتمی قبل از پیروزی انقلاب همگام با رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی در ستیز با رژیم منحط پهلوی بود و با ایراد خطابه‌های حماس علیه آن رژیم سیاه نقش مفیدی در روشنگری مردم ایفاء کرد و بعد از پیروزی انقلاب عمده راهی را که برای خود برگزید کار فرهنگی بود که از طریق تدریس ق، خطابه، تألیف آنرا دنبال کرد. وی موضع سیاسی خود را" موضع ولایت فقیه "قرار داده است تا زمانی که امام راحل در قید حیات بودند همراهی با آن امام بزرگوار و اینک همراهی با مقام معظم رهبری مدظله العالی وجهه همت اوست. وی در کنار کار فرهنگی در عرصه‌هایی که نیاز بوده است موضع‌گیری‌های مناسب سیاسی داشته که در روزنامه و جرائد کشور منعکس شده است. او در طول۸ سال دفاع مقدس در مواقع مورد نیاز در جبهه‌های حاضر شده و به وظیفه خود عمل نموده است.سید احمد خاتمی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، عضو کمیسیون حوزه آن جامعه نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان رهبری، عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان، عضو هیأت مدیره مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، عضو شورایعالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، عضو شورای سیاستگذاری فرهنگی آن مجمع می باشد.

خاتمی، بیوک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیوک خاتمی از ائمه جماعت و فضلاء معاصر زنجانست وی در حدود ۱۳۴۸ قمری در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت کرده و سطوح و متون درسی را به پایان و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام حوزه استفاده نموده.
آنگاه مراجعت به وطن و تا اکنون به خدمات دینی از نماز جماعت و ترویج شعائر و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
از باقیات الصالحات ایشانست فرزند برومندش زبدهٔالمحصلین و ثقهٔالمحدثین آقای آقا شیخ علی خاتمی که از جوانان روشنفکر و گویندگان بلیغ و شایسته حوزه و زنجانست که در محرم و صفر و ماه رمضان و بسیاری از اوقات دیگر از ایام مذهبی در تهران و حومه مجالس وعظ و سخنرانی دارند و دارای استعداد سرشاری در این فن می‌باشند و آینده درخشانی دارند و در حال حاضر دروس سطح نهائی را تحصیل می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خاتون آبادی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برادر ایشان: مرحوم حاج میرزا ابوالفضل خاتون‌آبادی، عالم زاهد مقدس، و فقیه جامع، مدرس مدرسه‌ی ملا عبدالله، و امام جماعت در آن مدرسه و مسجد ساروتقی در بازار، و مورد وثوق و اعتماد قاطبه‌ی اهالی اصفهان بود، و در شب دوشنبه ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۸۸ در طهران وفات یافته، جنازه با احترامات لازمه به قم منتقل شده، در آن ارض اقدس مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امام جمعه طهران، فرزند محمّد محسن خاتون آبادی، عالم فاضل محقّق جلیل، در ۱۲۱۵ در اصفهان متولّد شده، و در ۱۲۳۷ به طهران مهاجرت نموده، و از سال ۱۲۶۳ پس از فوت عموی خود مرحوم آقا میر محمّد مهدی امام جمعه (اوّلین امام جمعه طهران از خاندان خاتون آبادی) به منصب امام جمعگی منصوب شده، و در سال ۱۲۷۱ وفات یافته، و در مقبره ی سر قبر آقا طهران مدفون گردید

کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱- البلدان المفتوح عنوة ۲- رساله عملّیه ی فارسی، مطبوع ۳- منتخب الفقه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، عبدالباقی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمد حسین (بن میر عبدالباقی بن میر محمد حسین) معروف به میر عبدالباقی صغیر، در برابر میر عبدالباقی سابق الذکر که او را کبیر گویند. از علمای اجلاء بوده، مانند دو برادرش میر علی نقی و حاج میرزا حسن امام جمعه و در اصفهان می‌زیسته، و هم در این شهر وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمد صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر عبدالواسع. عالم فاضل جلیل‌القدر و عظیم‌المنزلهٔ.

از سلسله‌ی سادات خاتون‌آبای، و خود داماد ملا محمد باقر مجلسی، و از شاگردان علامه‌ی مجلسی و ملا میرزای شیروانی بوده، و پس از فوت علامه مجلسی، شیخ الاسلام اصفهان، و سپس امام جمعه‌ی اصفهان گردید، و مقام امام جمعگی اصفهان از آن تاریخ تاکنون در اولاد او باقی است.

و موقعی که فتح علی شاه قاجار مسجد شاه طهران را ساخت یکی از اولاد او را به طهران برده، مقام امام جمعگی آنجا را به او مفوض داشت، که تاکنون در اولاد اوست.

کتب زیادی تألیف فرموده، از آن جمله است: ۱ – احوال ملائکه ۲ – اسرار الصلاهٔ ۳ – اصول العقاید ۴ – اسماء علمای سنی که شیعه شده‌اند ۵ – ایمان و کفر ۶ – انوار المشرقهٔ ۷ – تفسیر سوره‌ی اخلاص ۸ – تفسیر سوره‌ی فاتحه ۹ – تحفهٔ الصالحین ۱۰ – تقویم الشرعی ۱۱ – تقویم المؤمنین ۱۲ – التهلیلیهٔ، در حکم تهلیل آخر اقامه ۱۳ – تکمله‌ی مرآهٔ العقول ۱۴ – الجامع فی اصول العقائد – جامع العقاید، شاید همان شماره قبل باشد ۱۵ – حدائق المقربین، در احوال ملائکه و غیره (فهرست مفصل این کتاب در فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان به شماره‌ی ۲۵ مذکور است) ۱۶ – ذریعهٔ النجاح، در اعمال سال ۱۷ – رساله در عصمت ائمه علیهم‌السلام ۱۸ – رساله در ثبوت هلال در اول رمضان و شوال – رساله در حکم اخلاق ۲۱ – شرح بر من لایحضر ۲۲ – شرح استبصار ۲۳ – شرح حدیث «الهلال اذا طلب فی الشرق» از تهذیب شیخ ۲۴ – منهج الشیعهٔ ۲۵ – خلف الوعد از مسائل فرعیه؛ و غیره.

فوت صاحب عنوان را در ماه صفر سال ۱۱۱۶ [یا ۱۱۲۶] نوشته‌اند، و قبرش در نجف در ایوان علما می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

و در جنب قبر اوست قبر میر محمّد کاظم، عالم فاضل زاهد، از سلسله خاتون آبادی‌ها، متوّفی در ذیقعده ۱۲۶۲ مادّه تاریخ وفاتش را ضیاء شاعر اصفهانی گوید:

ضیاء گفت از بهر تاریخ او

مکان آمد او را بخلد برین

برادرش: مرحوم آقا میرزا ابوالحسن خاتون آبادی نیز از علمای کاملین بوده و در حدود سال ۱۳۳۰ وفات یافته، در تکیه خاتون آبادی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، محمد مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امام جمعه‌ی طهران، فرزنـد سـید مرتضـی بن مهدی بن میرمحمد حسـین خاتون آبادی (۱۱۸۵ – ۱۲۶۳) اولین امـام جمعه‌ی طهران، مؤلف: ۱– تکملهٔ حیاهٔ [القلوب] در امامت ۲– شرح نهج‌البلاغه به فارسی، در ۵ مجلد؛ و غیره.

اولاد و اعقاب و خاندانش در طهران ساکن، و تاکنون منصب امامت جمعه در اولادش باقی است. مزار سر قبر آقا طهران، منسوب به صاحب عنوان است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتونی بجلی، ابوطاهر حسین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۳۲ ق)، شاعر، کاتب. ملقب به موفق الـدین، موفق الـدوله، معین الملک و معین الدین. وی از بزرگان دولت سـلجوقی بود. سبب شـهرت او به خاتونی، ظاهرا از آن رو است که چنـدی متصـدی امور و مسـتوفی گوهر خاتون، همسـر محمـد بن ملکشاه سلجوقی بود. از دوران کودکی و نوجوانی او اطلاعی در دست نیست. بنـابراین، می‌توان گفت که ابوطـاهر از ابتـدای کـار خود تا پایان عمر در دربار سـلجوقی خدمت کرد و به کار دبیری و خدمت دیوانی مشغول بود. در شهر ساوه کتابخانه‌ای بزرگ به ابوطاهر منسوب بود، وی کتابخـانه‌ی ارزشـمند خود را وقف جـامع سـاوه کرد. این کتابخـانه‌ی معتبر احتمالاـ در حمله‌ی مغول از میان رفت. ابوطاهر نزد بزرگانی چون ابومظفر، محمـد ابیوردی و ناصح‌الـدین ابوبکر احمـد ارجانی تحصـیل کرد. ادیبان و شاعران آن روزگار که، او را مـدح گفته‌انـد، از او با عنوان اسـتاد الموفق یاد کرده که از وی «دیوانی» بر جای نمانده است، ولی در تذکره‌ها و برخی از کتابهای ادب، لغت و تاریخ، ابیاتی از او نقل شده و صاحب «الذریعه» به نقل از «آثار البلاد» قزوینی، «دیوانی» را به وی نسبت داده است. برخی از اشـعار فارسی ابوطاهر خاتونی را عمادالدین کاتب به عربی ترجمه کرد. دولتشاه سمرقندی در «تذکرهٔ الشعراء» از دو کتـاب او نـام می‌برد. یکی کتـاب «مناقب الشـعراء»، که در احوال شاعران پارسـی گو است؛ دیگری «تاریـخ آل‌سـلجوق» که به ذکر احوال سـلاطین و امرای این سلسـله اختصاص داشـته و متضـمن مشاهـدات شخصـی ابوطاهر بوده، و از آثار دیگر وی «شکارنامه‌ی ملکشاه» که مؤلف «راحهٔ الصدور» آن را به خط مؤلف دیده است. آنچه به نام ابوطاهر باقی است رساله کوتاهی است به زبان عربی با عنوان «تنزیر الوزیر الزیر الخنزیر»، در لعن و ذکر مثاب نصیرالملک وزیر سـلطان محمد بن ملکشاه. در بعضی از تذکره‌ها و برخی تواریخ اسم او را اصم یا معین‌الدین اصم گفته‌اند، و چنین برمی‌آید که شـهرت او به اصم به سبب سنگینی گوشش بود، و ظاهرا در دوره سلطنت سنجر یعنی در اواخر عمر به این نام معروف شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۹ –۸۷)، دایرهٔ المعارف فارسـی (۳۲ /۱)، الذریعه (۲۷۷ /۹)، سـخن و سخنوران (۵۱۷ –۵۱۵)، کشف الظنون (۱۸۴۲)، لغت‌نـامه (ذیل/ ابوطاهر خاتونی)، مجمع الفصـحا (۱۴۲ ،۱۴۱ /۱)، المعجم فی معـاییر اشـعار العجم (۲۸۶ – ۱۲۲)، یادگار (س ۴، ش ۵، ص ۱۸ –۷).

خادم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برتریـن کشـتی گیر ایران پس از پیروزی انقلاـب اسـلامی، در سـال ۱۳۵۰ در مشـهد مقـدس متولـد شـد. رسول و امیررضـا (برادر بزرگترش) از نوجوانی به کشتی علاقمنـد بودنـد و زیر نظر پدرشان، محمد خادم (نایب قهرمان جهان در سال ۱۹۶۳) تمرینات خود را آغاز نمودنـد. خادم خیلی زود مراحل پیشـرفت را پیمود و در سال ۱۹۹۰ در نوزده سالگی برنده مدال نقره بازی های آسـیایی در وزن ۶۸ کیلوگرم شـد. او تنها کشتی گیری است که در پنج وزن مختلف (۶۸، ۸۲، ۹۰، ۱۰۰، ۱۳۰ کیلوگرم) پیراهن تیم ملی را در رقابت های بین المللی بر تن کرده است.

در سال ۱۹۹۱ در رقـابت هـای قهرمانی آسـیا در دهلی نو به مـدال طلای وزن ۸۲ کیلوگرم رسـید و در همین سـال در مسـابقه های جهـانی وارنـا حضور یـافت که با قبول دو باخت، حـذف شـد. پس از تجربه وارنا، رسول در المپیک ۱۹۹۲ موفق شـد به مرحله نیمه پایـانی راه یابـد و پس از قبول شـکست مقابل کوین جکسون از ایالات متحـده، با پیروزی ۶–صـفر مقابل گشتونر از آلمان به مدال برنز المپیک دست یابد. در جهانی ۱۹۹۳، در وزن ۱۰۰ کیلوگرم به روی تشک رفت که موفقیتی به دست نیاورد.

از سال ۱۹۹۴ تا المپیک ۱۹۹۶، او بر تمامی حریفان خود غلبه کرد و با پیروزی بر مخاربک خادارتسف از روسیه (برنده هفت مدال طلای جهان و المپیک) در سه فینال پی در پی، صاحب دو مدال طلای جهان (۱۹۹۴، ۱۹۹۵) و یک مدال طلای المپیک ۱۹۹۶ شد.

مدال طلای خادم در بازیهای المپیک ۹۶ به ۲۸ سال انتظار ورزش ایران برای کسب مدال طلا در بازی های المپیک پایان داد.

چهره اسـتثنایی کشتی ایران به علت آسـیب دیدگی از کشتی قهرمانی دوری کرد ولی با اصـرار جامعه کشتی در وزن ۱۳۰ کیلوگرم مسابقه جهانی ۱۹۹۸ تهران حضور یافت. در این رقابت ها هرچنـد وزن وی از ۱۰۵ کیلوگرم ***** نمی کرد ولی با هوش سرشار

خود تـا دیـدار پایـانی پیش رفت و در این مرحله به الکسیس رودریگوئز از کوبـا بـاخت و بـا مـدال نقره جهـان از صـحنه قهرمـانی خداحافظی نمود.

در سال ۲۰۰۲ که ایران بـار دیگر میزبان مسابقه های قهرمانی جهان بود، رسول به عنوان مـدیر تیم ملی یکی از ارکان قهرمانی ایران شـد ولی پس از کنـاره گیری امیررضـا خادم از ریاست فدارسیون کشتی، رسول هم ار کشتی کناره گیری کرد و در سال ۱۳۸۱ در انتخابات شورای شهر تهران شرکت نمود و با رای مردم تهران به شورای شهر راه یافت.

●مهمترین افتخارات رسول خادم

▪بازیهای المپیک

– ۱۹۹۲ (بارسلونا) – مدال برنز در ۸۲ کیلوگرم

– ۱۹۹۶ (آتلانتا) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

▪مسابقه های قهرمانی جهان

– ۱۹۹۴ (استانبول) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

– ۱۹۹۵ (آتلانتا) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

– ۱۹۹۸ (تهران) – مدال نقره در ۱۳۰ کیلوگرم

▪بازیهای آسیایی

– ۱۹۹۰ (پکن) – مدال نقره در ۶۸ کیلوگرم

– ۱۹۹۴ (هیروشیما) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

▪مسابقه های قهرمانی آسیا

– ۱۹۹۱ (دهلی نو) – مدال طلا در ۸۲ کیلوگرم

– ۱۹۹۲ (تهران) – مدال طلا در ۸۲ کیلوگرم

– ۱۹۹۳ (اولاباتور) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

– ۱۹۹۵ (مانیل) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

– ۱۹۹۶ (شیائوشین) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

خادمی شیرازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـد خادمی دارابی شـیرازی فرزنـد مرحوم حاج شـیخ عبداللّه دارابی از افاضل دانشـمندان و ائمه جماعت معاصـر شـیراز و مبلغین اسـلام و مروجین معارف تشیع و بالاخص حضـرت بقیه‌اللّه اعظم حجه بن الحسن المهـدی ارواحنا فـداه می‌باشـد و در مسـجد فلکه اطلس شیراز اقامه جماعت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند. ایشان در سال ۱۳۴۶ قمری برابر ۱۳۰۶ شمسی در داراب به نام قریه الخیر علیا به دنیا آمده.

در نوجوانی وارد مدرسه علمیه داراب که در تحت تصدی و سرپرستی مرحوم حجهٔالاسـلام حاج شـیخ علی‌اصـغر نجفی رضوان‌اللّه علیه قرار گرفته و بعد از مدتی عزیمت به شـیراز نموده و در حوزه علمیه شیراز مقدمات را شروع و بعد از مدتی هجرت به قم نموده و در قم از محضـر مرحوم آیت‌اللّه مرعشـی نجفی قدس‌اللّه سـره مکاسب و کفایه را اسـتفاده نموده و نیز از محضـر آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس اللّه سـره مکاسب و کفایه را اسـتفاده نموده ونیز از محضـر آیت‌اللّه سـلطانی کسب فیض کرده سپس مهاجرت به نجف اشـرف کرده و حدود سه سال اقامت و از محضـر آیات عظام. حوزه علمیه هزار ساله نجف بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به قم نموده و مورد عنـایت و لطف مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان‌اللّه علیه قرار گرفته و بنـابر دعوت عـده‌ای از مردم شـیراز از طرف آن مرحوم اعزام به شـیراز شـده و بیش از بیست سـالست که در آنجـا از برکـات حضـرت ولی اللّه اعظم عجل‌اللّه فرجه الشـریف به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات خالصه اشتغال دارند. دارای تألیفات سودمندی هستند که ذیلا می‌نگارم.

آثار علمی و تألیفات آقای خادمی

۱– نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف

۲– خورشیدی که از مکه طلوع می‌کند

۳– خورشید ناپیدای فاطمه سلام‌اللّه علیها (چهل حدیث)

۴– حجت منتظر و دعاء

۵– غیبت امام عصر (ع) یا پنهانی خورشید عدالت

۶– مکتب مهدی و تکامل جهانی

۷– خورشید هشتم امامت

۸– کتاب رجعت– که در نیمه شعبان ۱۴۱۱ قمری منتشر گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خادمی کوشا، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی خادمی کوشا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۶/۱۵

زندگینامه علمی

کلیه تحصیلات قرآنی (پیش از دبستان) و ابتدائی و ... در شهر قم بود که با تشویق پدر که خود از صنف روحانیت می باشد به حوزه وارد شد . آغاز ورود به حوزه ۱۳۶۵ بود که از سال دوم آغاز به تدریس در موضوعات نحو و منطق نمود و در موضوعات متفرقه به مطالعه پرداخت.در ایام تابستان به همراه دوستان برخی از موضوعات درسی را آموزش دیده و از سال ۶۸ در درس لمعه استاد وجدانی فخر شرکت نمود و در کنار دروس حوزه اقدام به تحصیلات نیمه کاره مانده فرهنگی نموده و دیپلم را گرفت.از سال ۱۳۷۴ در درس خارج اساتید بزرگی چون استاد آیت الله تبریزی، سبحانی، شبیری زنجانی، مکارم، فاضل شرکت نمود که بیشتر مدت را از درس استاد تبریزی استفاده نمود.

در سال ۷۳ و ۷۴ به صورت رسمی در برخی مراکز حوزه شروع به تدریس نموده و از سال ۷۶ تا کنون مشغول تدریس فقه و اصول در مدارس شهید صدوقی، معصومیه، آیت الله گلپایگانی، مدرسه خان، که از سال ۷۹ به تدریس سطوح عالی(رسائل، مکاسب و کفایه) مشغول گردید.همزمان با درس و تدریس در حوزه مدتی نیز در مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول گردید و در سال ۷۹ نیز برای آموزش زبان عربی در مرکز آموزش دفتر تبلیغات شرکت نمود و پس از این ایام در موضوعات علوم قرآنی به مطالعه و تحقیق گذراند و در برخی مراکز قرآنی مانند مرکز تخصصی تفسیر، مدرسه عالی بنت الهدی، موسسه امام خمینی(ره) در رشته علوم قرآنی به تدریس پرداخت ولی همچنان در رشته فقه و اصول در حوزه علمیه به درس و تحقیق و تدریس ادامه داده و هم اکنون نیز به این مهم اشتغال دارد.با توجه به علاقه زیاد به خدمت در نشر فرهنگ اهل بیت(ع) در سال ۱۳۷۸ اقدام به نوشتن کتاب جوان در پرتو اهل بیت(ع) نمود که عمدتا برای روشنگری و جلوگیری از سودجویی برخی سیاست مداران از توانایی جوانان بود این کتاب به نام مشکلات ... تا سال ۱۳۸۰ چاپ نشد و پس از تحویل آن به بوستان کتاب با هزینه ناشر در سال ۸۲ از چاپ خارج گردید البته به غیر از این نوشتار برخی نوشتار دیگر همچنان چاپ نشده باقی است.

خادمیان، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس خادمیان

محل تولد : زرین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس خادمیان متولد سال ۱۳۴۷ شهرستان زرین شهر اصفهان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی زرین شهر شده و بعد از طی دوران مقدمات و بخشی از سطح عازم حوزه علمیه مقدسه قم شدم که بعد از اتمام سطح حدود ۵ سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام سبحانی و مکارم حفظهما الله شرکت داشته و همراه آن موفق به گذراندن دوره تخصصی کلام موسسه امام صادق (ع) گشته و بعد از آن دوره تخصصی مهدویت بنیاد مهدی موعود (عج) را طی کردم. و به دنبال آن موفق به دریافت پایان نامه سطح چهار حوزه در موضوع جهانی شدن و مهدویت گردیده ام و به همین جهت اکثر پژوهشها و مقالات در همین راستا چینش شده است. و در کنار پژوهش و تحصیل در سال ۱۳۸۱ موفق به گرفتن مجوز تدریس در گرایش معارف و تاریخ اسلام از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها شده ام که به دنبال آن مشغول خدمت در امر تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله آزاد اراک و آشتیان و تحصیلات تکمیلی جامعه الزهراء قم شده ام و فعلا در کنار تحصیل و پژوهش، عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن(در موضوع مهدویت) می باشم. در ضمن سابقه تبلیغ بیش از ۲۰ سال در طرح هجرت و دانشگاه و شهرهای گوناگون را دارم. ضمناً دوره تخصصی مذاهب اسلامی را هم در سال ۱۳۷۸–۸۱ گذرانده ام و همین طور دوره تربیت کودکان را، به همین جهت اکثر ارتباط تبلیغی در سطوح جوانان انجام پذیرفته است.

خارزنجی نیشابوری، ابوحامد احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۸ ق)، ادیب و لغوی. در خارزنـج نیشابور متولـد شد و از امامان بی همال ادب خراسان در روزگار خود بود. به بغداد سـفر کرد و توانایی او در علم لغت مورد تحسین علمای آن سامان قرار گرفت. از آثارش: «کتاب التفصـله»؛ تفسیر ابیات «ادب الکاتب»؛ «تکمله العین».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۰/۱)، روضات الجنات (۲۳۰ -۲۲۹ /۱)، ریحانه (۱۰۷ -۱۰۶ /۲)، کشف الظنون (۱۴۴۳ ،۴۸)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۲۰۸ -۲۰۳ /۴)، معجم المولفین (۸۵/۲)، هدیه العارفین (۶۳/۱).

خازن اصفهانی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر و منشـی. در نوجوانی کتابـدار صاحب بن عباد بود. به عللی چند ترک خدمت صاحب کرد و به سـفر در بلاد عراق، شام و حجاز پرداخت تا به اصـفهان بازگشت و با وساطت اسـتاد ابوالعباس، بار دیگر به خـدمت صاحب رسـید. وی با ابوبکر خوارزمی مراسله داشته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۷/۷)، لغت نامه (ذیل/ ابومحمد خازن).

خاقانی، سلمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۳۳۲ ق، سوق الشیوخ (از شهرهای ناصریه عراق).

درگذشت: ۲۴ بهمن ۱۳۶۶، قم.

آیت‌الله شیخ سلمان خاقانی، فرزند شیخ عبدالحسین آل خاقانی، پس از طی دوران کودکی در زادگاه خود در سال ۱۳۴۵ ق. جهت تحصـیل به نجف اشـرف هجرت نمود و در حوزه‌ی آن شهر تحصیلات خود را شروع کرد. نخست درسهای مقدماتی نظیر صرف و نحو منطق، معانی و بیان و سـطوح اصول را نزد برادر بزرگ خود شیخ عبدالمنعم خاقانی فراگرفت. سپس مراحل عالیه‌ی تحصیلات خـود را آغـاز نمـود و از محضـر اساتیـدی چـون آیت‌الله محمدحسین اصـفهانی، آیت‌الله محمـدجواد بلاـغی، آیت‌الله محمـدعلی کاظمینی، آیت‌الله باقر زنجانی و آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی استفاده نمود.

آیت‌الله خاقـانی فعالیت‌هـای فرهنگی- ادبی خود را از سـنین جوانی آغاز کرد. در آغاز این فعالیت‌ها از حرکت‌هایی ماننـد تأسـیس انجمن «منتـدی النشـر) و انجمن «رابطـهٔ الادبیه» و بالاـخره «کلیه الفقه» و تأسـیس مجله‌هـای اجتماعی، سیاسـی و ادبی ماننـد «البیان» «النجف» و غیره بود که توسط افرادی مانند سید هبهٔالدین شهرستانی و شیخ محمدرضا مظفر و دیگر نویسندگان و متفکران آن روز نجف تشکیل شده بود. آیت‌الله خاقانی در بسیاری از این امور شرکت می‌جست.

هنگـامی که آیت‌الله امین عاملی حرکت اصـلاح طلبانه خود را برای تنزیه عزاداری‌ها و مجالس سوگواری اباعبـدالله الحسـین (ع) از شوائب وارده و زوائد منافی با شرع و دین اعلان نمود، ایشان به همراه دوستان خود به دفاع از این حرکت پرداخت.

آیت‌الله خاقانی در سال ۱۳۷۵ ق. پس از درگذشت پدرش که از علما و ائمه‌ی جماعت خرمشـهر بود در این شـهر سکونت گزید و نزدیک به سـی سال به ارشاد و هدایت مردم و دستگیری از مستمندان پرداخت. شهرت و آوازه او از ایران به عراق به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رسید و در آنجا نیز مریدانی داشت.

آیت‌الله خاقانی در طرفـداری از وحدت اسـلامی کوشا بود و فعالیت‌هایی در این زمینه از سـخنرانی و پشتیبانی و فعالیت‌هایی در این زمینه از سـخنرانی و پشتیبانی از دارالتقریب بین‌المذاهب الاسـلامیه در قاهره انجام داد. لیکن در عین حال از مدافعان تشیع و مذهب اهل‌بیت (ع) بود و همواره با قلم خود از این مکتب دفاع نمود.

کتاب‌هایی که از ایشان بر جای مانـده عبارتند از: طریق المعرفهٔ، در اعتقادات که مکررا در عراق و بیروت به چاپ رسیـده است، مع الخطوط العریضـهٔ لمحب الـدین الخطیب؛ بین‌الحق و الباطـل؛ السنهٔ و الشـیعه فی المیزان کتـابی در رد گفته‌هـای احسـان ظهیرالهی؛ دیوان شعر (گفته می‌شود این کتاب در جربان دفاع مقدس از میان رفت).

خـانه‌ی وی در این خرمشـهر قرار داشت. در روزهـایی که این شـهر مورد تجاوز عراق قرار گرفت، خانه او پناهگاه آورگان بود. در آن روزها مردم را به مقاومت دعوت می‌نمود لیکن بعدها که خانه‌ی او هدف مستقیم توپ‌ها و خمپاره‌های عراق قرار گرفت مجبور به ترک دیار گشته و چندی در اهواز و سپس در قم مستقر شد. در گیراگیر جنگ نه تنها خانه‌ی او را غارت شد بلکه اموال مسجد او را نیز به تاراج بردند. قسمتی از کتابخانه‌ی نفیس او به یغما رفت و در بصره به حراج گذاشتند و قسمت دیگر آن، مدت‌ها در زیر

خاک‌ها مدفون بود و پس از آزادی خرمشهر به قم منتقل گشت. در این جریان قسمتی از دست نوشته‌ی او از جمله دیوان اشعارش از میان رفت.

آیت‌الله خاقانی به عربی شعر می‌سرود، به ویژه در مدح پیامبر (ص) یا معصومین (ع).

آیت‌الله پس از هفتاد و شش سال زندگی، بالاخره در شب بیست و چهارم بهمن ۱۳۶۶ (برابر با بیست و پنجم رجب ۱۴۰۸ ق.) درگذشت و پس از مراسم تشییع، در یکی از حجره‌های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خالصی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر خالصی

محل تولد : قائن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

نام من، محمد باقر، شهرتم خالصی، پدرم مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس، در شب جمعه ۱۹ شوال سال ۱۳۶۱ مطابق با آبان سال ۱۳۲۱ در روستای بیهود از توابع شهرستان قائن که در جنوب خراسان قرار دارد، بدنیا آمدم. روستای نامبرده کوهستانی و از نظر آب و هوا معتدل ولی کم درآمد و مردم آن بزحمت می‌توانند مؤونه یعنی خرجی سال خود را بدست آورند پدرم پس از اتمام مقدمات ادبی و سطوح عالیه حوزوی در شهر قائن و سپس در مشهد چند سالی بقصد ادامه تحصیل در نجف سکونت کرد و از محضر علمای بزرگ آن زمان همچون آیه الله اصفهانی و آیه الله عراقی و آیه الله خوانساری و آیه الله غروی به تلمذ پرداخت و پس از اینکه مریض شد به دستور آیه الله اصفهانی بقصد معالجه به ایران مسافرت کرد و مدتی در تهران ماند و سپس به روستای بیهود آمد.

پدرم پس از ازدواج با مادرم به مشهد مهاجرت کرد و چند سالی در مشهد ساکن شد و در مسجدی در محله نوغان به امامت جماعت پرداخت. یادم هست که در سن ۶ سالگی مرا وادار کرد که نصاب الصبیان را بخوانم و به من دستور داد که قطعاتی از آن راحفظ کنم ولی در همان روز اول شروع بنصاب بخاطر اینکه مقدار معینی درس را خوب حفظ نکرده بودم مرا کتک زد پدرم بخاطر اموری که شرح آن طولانی است دو مرتبه بروستای بیهود برگشت و در این زمان بود که مرا به مدرسه دولتی فرستاد که دروس جدیده را فرا گیرم. من در یکسال چهار کلاس به فاصله چند ماه سپری کردم که شرح آن طولانی است. هنگامی که پدرم این مطلب را دید گفت: حیف است که بمدرسه دولتی بروی، در نزد خودم دروس حوزوی بخوان و مرا وادار کرد که امثله و شرح آن را نزد وی شروع کنم و پس از شروع به جامع المقدمات در سن هشت سالگی در همان روستا مرا معمم کرد. و پر واضح است که بچه‌ای در سن من با عمامه و قبا در بین مردم روستا چقدر مورد مسخره قرار می‌گرفت خصوصا که با همان عمامه و قبا با بچه‌ها بازی هم بکند. در هر حال در سن ۱۳ چهارده سالگی مرا به خوره مشهد برد. و در مدرسه ابدالخان اسکان داده در سال‌های اول تحصیل بخاطر استعداد ذاتی و ساده انگاشتن مطالب علمی چندان در بحث و مطالعه که لازمه درک عمیق علم است اهمیت نمی دادم ولی آنچه که مرا از این روش باز گرداند و بطرف جدیت و زحمت سوق داد درس استاد علامه مرحوم ادیب نیشابوری قدس سره بود. ادیب شخصی موقر و مسلط بر مطالب علمی بویژه مطالب ادبی بود.

خلاصه تدریس استادانه و شیرین جلوه دادن علم و دانش و علاوه بر آن تحقیق و توضیح و تبیین مطالب علمی، مرا دگرگون کرد. در سال ۱۳۴۰ پدرم مرا به قم آورد و در مدرسه فیضیه اسکان داد من در قم رسائل و مکاسب را خواندم و پس از خواندن مقداری از کفایه به همراهی یکی از دوستان که از قبل در نجف ساکن بود به نجف رفتم که این قصه بسیار جالب و تفصیل شنیدنی دارد که این مختصر جای بیان آن نیست در نجف پس از اتمام کفایه پا به درس خارج فقه و اصول گذاشتم و توفیق حضور درس محقق و علامه بزرگ استاد الفقها آیه الله سید ابوالقاسم خوئی را پیدا کردم و علاوه بر]آن[درسهای دیگری را شروع کردم که دارای تفصیل است. در نجف که بودم بخصوص قبل از تاهل بسیار موفق و اوقات مستغرقی داشتم و شبانه روز یا در درس و یا تدریس و یا نوشتن و یا مطالعه می‌گذشت و می‌توانم بگویم بهترین اوقات عمرم زمان سکونتم در نجف بود افکارم یا در تحصیل و تحقیق و یا در عبادت سپری می‌شد ولی این شادی و توفیق با اصرار پدرم به مهاجرت به ایران به آخر رسید زیرا مهاجرتم به ایران و در آخر سکونتم در قم مسیر زندگی و برنامه اشتغالات مرا در حدی تغییر داد که این نیز خود جریان مفصلی دارد. مطلبی که در زمان سکونتم در نجف پیش آمد ورود مرحوم امام خمینی رحمه الله علیه به نجف بود. شنیدم که ایشان با مرحوم آقا مصطفی وارد بغداد شده‌اند و از آنجا بکاظمین رفته‌اند و من سعی و کوشش کردم که همراه یکی از دوستان اولین ماشین از طلاب ایرانی را راه انداختیم و به دیدار ایشان به کاظمین رفتیم و این امر نیز جریان مفصل و شنیدنی دارد.

گفتم پدرم اصرار ورزید که من از نجف به ایران و به محل سکونت ایشان یعنی سرایان بروم ولی من از این امر جدا "اکراه داشتم ولی بر اثر اصرار و ابرام ایشان پذیرفتم که به ایران بیایم ولی سکونت در سرایان را نپذیرفتم و از ایشان خواهش کردم که محل سکونتم در ایران را به خودم واگذارد باز اصرار کرد که در مشهد ساکن شوم ولی من به جهاتی که جای ذکر آن نیست قم را

اختیار کردم و از سال ۱۳۵۰ در قم ساکن شدم و در قم علاوه بر اشتغالات علمی برنامه تبلیغ و منبر و سخنرانی نیز پیش آمد که آنهم به برنامه‌هایم افزوده شد که این نیز شرح مفصلی دارد. در ابتدای امر تصمیم گرفتم که بدرس دو نفر که آن زمان در قم شاخص و مورد قبول بودند مدتی حاضر شوم تا اگر حضور در درس آنها بیشتر از تحقیق و بررسی خودم استفاده داشته باشد ازآن استفاده کنم و آن دو نفرآیه الله گلپایگانی و شریعتمدای بودند. البته اولی خارج حج و دومی خارج مکاسب تدریس می‌کردند. ولی پس از یکسال درس‌های آنـد ورا ترک کردم و بتحقیق و بررسی فقهی و اصولی شخصی ادامه دادم و در ضمن به تدریس مکاسب و رسائل و برهه‌ای هم کفایه و برهه‌ای هم خارج اصول در منزل پرداختم که حاصل تدریس اخیر قاعده لاـ ضرر و استصحاب و تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید شد که قاعده لاضرر بنام رفیع الغرر عن قاعده لا ضرر به چاپ رسید ولی سایر مباحث تا بحال با اینکه آماده چاپ است چاپ نشده ولی تدرس بخاطر پیش آمدن مریضی پدرم و سپس فوت ایشان و پی‌آمدهای رنج آور و بی حد ناگوار آن به تعویق افتاد و سپس تعطیل شد. امیدوارم خداوند توفیق عنایت فرماید تا دوباره شروع شود.

خالق پور، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید خالق پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید خالق پور در سال ۱۳۵۶ تحصیلات خود را در حوزه علمیه مشهد آغاز نمودم. با راهنمائی یکی از نوادگان مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه ، سال اول دروس حوزوی را شروع نمودم و در ادامه تا لمعتین در یکی از مدارس مشهور و معتبر مشهد معروف به مدرسه موسوی نژاد تحصیلات خود را ادامه دادم . دوره تحصیل ما همزمان بود با انقلاب اسلامی و حقیر نیز همچون سایر طلاب با موج خروشان مردمی چون قطره ای ناچیز همراهی داشتم ؛ با پیروزی انقلاب و اوصافی که از تفسیر مقام معظم رهبری شنیده بودم و امتیازات ویژه ای که در قم برای ادامه تحصیل وجود داشت به قصد قم درسال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد حضرات آیت الله ستوده ، مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و بخشی از کفایه آیت الله اعتمادی، آیت الله علوی گرگانی (مکاسب) آیت الله انصاری شیرازی و آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی جهت درس فلسفه و تفسیر؛ پس از آن وارد دروس خارج حوزه شدم که یک دوره کامل اصول نزد آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و بخشی از فقه نزد آیات عظام تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و علوی گرگانی داشتم.

همزمان با تحصیلات خارج فقه و اصول، بخاطر اشتیاقی که به تفسیر داشتم وارد دوره سوم رشته تخصصی تفسیر شدم که این دوره را با موفقیت طی چهار سال سپری نمودم و فارغ التحصیل گشتم اکنون نیز علاوه بر تحصیل و تحقیق با طلاب غیر ایرانی مرکز جهانی علوم اسلامی مباحثی تحت عنوان تدریس دارم.

خالقی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود خالقی

محل تولد : زرند کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

درس های حوزه را به طور معمول خوانده و به خاطر علاقه مندی به مباحث تفسیری در مهرماه سال ۷۶ تهیه و پخش برنامه ای قرآنی تحت عنوان (مائده آسمانی) را به صدای مرکز کرمان پیشنهاد دادم که بحمدالله تعالی مورد موافقت مسئولین وقت سازمان مذکور قرار گرفت و از آن زمان روزانه تاکنون در حال پخش است که به اواسط سوره انفال رسیده ایم.

حدود نیمی از این برنامه ۲۵ دقیقه ای به بیان مباحث تفسیر ترتیبی قرآن کریم اختصاص دارد و توسط بنده اجرا می شود.پس از گذشت دو سه سال از اجرای این برنامه با تقاضای شنوندگان مباحث پخش شده جزء سوم قرآن کریم به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. آیات ۹۳ تا پایان سوره آل عمران نیز جلد بعدی کتاب را به خود اختصاص داد و جلد سوم نیز

مشتمل بر آیات اول تا ۷۰ سوره نساء طی سال های ۷۹ تا ۸۱ منتشر شده است.

متاسفانه به خاطر کثرت اشتغالات اینجانب به امور اجرایی معاونت آموزش مرکز ، فرصت تهیه و نگارش مباحث بعدی به دست نیامده است.امیدواریم تا پایان تابستان سال جاری ۲ جلد دیگر این مباحث آماده شود و در نهایت به حول و قوه الهی به انتشار یک دوره تفسیر قرآن کریم برگرفته از تفاسیر موجود با تکیه بر مباحث اجتماعی و اخلاقی و به صورت ساده و روان که قابل استفاده برای عموم مردم باشد موفق شویم. انشاءالله

خان صنمی، شعبانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبانعلی خان صنمی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

تقریبا هفده ساله بودم که با ترک دبیرستان وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدماتی را ابتدا در مدرسه آیه الله گلپایگانی و سپس در مدرسه حقانی و بالاخره در مدرسه رسالت تا پایان لمعتین فرا گرفتم رسایل را نزد آقای اعتمادی و کفایه و مکاسب را نزد آقای ستوده و مقداری نیز آقای دوز دوزانی به پایان بردم.حلقات اصول الفقه، شهید صدر، به اضافه بخشهایی از شرح نهج البلاغه (جلد اول ۱۳ و ۱۴) و بحار الانوار(کتاب العشره) را به عنوان متون عربی نزد شاگرد آن مرحوم، استاد سید مهدی نبوی- دام ظله- آموختم.از دروس خارج، قسمتهایی از فقه و اصول را در محضر حضرات آیات، فاضل، وحید و روحانی، میرزا جواد آقا تبریزی...حاضر شدم اما بیشترین استفاده را که سالها به طول انجامید از درس فقه و اصول آیه الله کوکبی داشته ام، شاید یک دوره کامل از درس اصول ایشان را درک کرده باشم.

آثار علمی :

کتاب علمی مشاهدات امیر مؤمنان (ع) در ۲ جلد توسط نشر الهادی در سال ۷۳ به چاپ رسید، کتاب علمی خاطرات امیر مؤمنان(ع) در واقع همان کتاب قبلی است که با اضافات و تغییراتی در یک مجلد توسط دفتر تبلیغات (بوستان کتاب) چاپ شد که امسال پنجمین چاپ آن منتشر شد.

کتاب علمی خاطرات امام صادق(ع) که در آستانه چاپ است.کتاب دیگر که در واقع رساله دکترا با عنوان، پدیدهٔ حصر مذاهب اربعه ی زیر نظر دانشگاه فردوسی مشهد، واحد فقه و حقوق در حال تکمیل و آماده دفاع می باشد.در سال ۷۸ به فعالیت در بخش های آموزشی پژوهشی دانشگاه دعوت شدم اما به دلیل این که ملبّس نبودم نتوانستم از مدارک رسمی حوزه که منوط به پوشیدن لباس بود، استفاده کنم. از این رو برای تهیه مدارک لازم از طریق خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، ابتدا در سطح مربی شرکت کرده پذیرفته شدم و با این مدرک عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قم شدم. و پس از گذشت ۳ سال مجددا در امتحانات تخصصی خبرگان، در مرتبه استاد یاری قبول شدم. و در حال حاضر بیش از یکسال است که در حال نوشتن پایان نامه فوق الذکر هستم.

خان محمدی، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم خان محمدی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب کریم خان محمدی در سال ۶۱ پس از اخذ پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه زنجان شدم .در سال ۶۷ پس از اتمام پایه ۶ (لمعتین) به حوزه علمیه قم منتقل شدم . تا سال ۷۰ ضمن اتمام رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) به صورت متفرقه شبانه و دبیرستان رزمندگان دیپلم گرفتم . از سال ۷۰ به صورت مخفیانه به دانشگاه رفتم و در سال ۷۰ در کنکور سراسری قبول و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به رشته جامعه شناسی مشغول گشتم و در سال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد از همان دانشکده فارغ التحصیل و به همراه دروس حوزه شروع به تحقیق و پژوهش و همگام با آن تدریس نمودم . در درس آیات عظام

مکارم و سبحانی شرکت می کردم . دروس آیت الله جوادی مفسر بزرگ که هنوز هم غیر حضوری اشتغال دارم .
از سال ۷۸ پژوهش را شروع نمودم و اکنون بیش از ۲۰ مقاله در مجلات علمی به چاپ رسانده ام . در مقطع دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز در زمینه اصول و هنجارهای ارتباطی قرآن مشغول پژوهش هستم . طرح پژوهشی (مفهوم شناسی جامعه شناسی اسلامی) توسط نگارنده با کارفرمایی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام (حمید پارسانیا) در دست اجرا است .علاقه پژوهشی اینجانب ارائه آموزه های دینی به زبان روز و تلفیق علوم دینی با دست آوردهای جدید علمی است . کلیه مقالات منشر شده به جز چند مورد از متون دینی بهره گرفته است .

خانلربندپیی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، منشی و خطاط. وی منشی الممالك شاه قاجار بود و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۴/۱).

خاوری شیرازی، فضل‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خاوری. در شیراز به دنیا آمد. بعد از کسب کمالات ندیم فرمانروای فارس شد. پس از چندی به تهران آمد و به دربار فتحعلی‌شاه راه یافت و عهده‌دار مشاغلی چند شد. خاوری طبعی روان داشت و انواع شعر بخصوص قصیده و غزل را نیکو می‌سرود. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «ذوالقرنین یا تاریخ صاحبقرانی»، در تاریخ قاجار؛ منظومه «یوسف و زلیخا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۴۳ -۵۳۵ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۰ -۴۱۴ /۲)، الذریعه (۴۵ -۴۴ /۱۰ ،۲۸۸/۹)، روضه الصفا (۱۲۹ -۱۲۸ /۱۰)، سفینه المحمود (۵۶۳ -۵۵۷ /۲)، شرح حال رجال (۱۷۸/۶)، طرائق الحقائق (۳۳۱ -۳۳۰ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۲۴۶ -۹۴۵ /۲)، مجمع الفصحا (۲۸۹ -۲۸۵ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۵۵)، نشریه‌ی دانشکده‌ی تبریز (س ۱۶، ص ۲۶۰ -۲۵۷)، نگارستان دارا (۸۰ -۷۸).

خاوری کاشانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر. معروف به فخرالواعظین. وی در سال ۱۳۲۹ ق روزنامه کاریکاتوری و انتقادی تند را با نام «میزان» در تهران تاسیس کرد. سید احمد پس از انحلال مجلس، خاوری به گوشه‌ی انزوا پناه جست و با وجود شکستگی جسمی و افسردگی روحی در برابر مخالفان مردانه ایستادگی کرد. روزنامه «ثریا» که ابتدا در قاهره چاپ می‌شد، بعدها به سردبیری خاوری در کاشان منتشر گردید. با وجود آنکه خاوری در دوران زندگی اشعار فراوانی سروده، چون شخصا علاقه به نگاهداری و تدوین آنها نداشته لذا، دفتر و دیوان مدونی هم فراهم نکرده است. خاوری در ایام عزلت و گوشه‌گیری آخر عمر شاهکار ادبی خود را به نام مثنوی «زشت و زیبا» در یکهزار و پانصد بیت به رشته نظم درآورد. از دیگر آثار وی: مثنوی «محمود در مذمت تریاك».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بیداری ایرانیان (۲۳۰/۲)، جراید (۲۴۴/۴ ،۱۵۶ -۱۵۵ /۲)، الذریعه (۸۱۲/۹)، مولفین کتب چاپی (۳۸۴/۱)، یغما (س ۱۳- ص ۱۴۹ -۱۴۷).

خائفی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز خائفی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در شیراز از مادر زاده شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامهٔ تحصیل وارد دانشکده ی ادبیات همان شهر گردید . و به دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی، و به تدریس در دبیرستان های شیراز اشتغال ورزید . سپس عازم تهران گردید و دوره ی فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید و به سمت

مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته ی پیکار با بی سوادی منصوب شد . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنربه خدمت پرداخت و یک چند ریاست کتابخانه ی ملی فارس را عهده دار بود و اکنون ضمن تدریس در دانشگاه های آزاد و پیام نور شیراز و چند شهر استان فارس ، سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد . پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد و از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود .گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : پرویز خائفی نوه میرزا اسماعیل خائف ،شاعر معروف و عالم متبحر شیراز ،که فلسفه ملاصدرا را تدریس می کرد و هم صاحب دیوان شعر بود.وی با شوریده شیرازی معاصر بود ه و هر دو از نعمت بینایی محروم بوده اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز خائفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید و پس ازدریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی توفیق یافت ، به تدریس در دبیرستانها شیراز اشتغال ورزید ،آنگاه عازم تهران گردید و دوره فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید.فعالیتهای ضمن تحصیل : پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز خائفی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد ، مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته پیکار با بی سوادی گردید . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ وهنر انتقال یافت و یک چند نیز ریاست کتابخانه ملی فارس را عهده دار بود واکنون سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیزمی باشد .فعالیتهای آموزشی : پرویز خائفی پس از اخذ لیسانس ادبیات فارسی ، به تدریس در دبیرستان های شیراز به تدریس پرداخت .بعدها وی در دانشگاه های آزاد ، پیام نور شیراز و چند شهرستان استان فارس پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز خائفی از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود و آثار منظوم و مقالاتش همواره در روزنامه و مجله های کشور به چاپ رسیده است .آثار : از لحظه تا یقین (شعر) ، این خاک طربناک (شعر) ، باز آسمان آبی است (شعر) ، بازگشت یادنامه میرزا ی کاظمی ، پند سعدی ، حافظ در اوج ، حصار(شعر) ، مقا له ها و مقابله ها ، نگاهی به غزل حافظ

خائفی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله خائفی

محل تولد : بندرانزلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱۱/۱۴

زندگینامه علمی

معظم له در یک خانواده مذهبی و متدین و زاهد که با گذشت چند دهه هنوز زبانزد خاص و عام می باشد در ۱۴ بهمن سال ۱۳۰۹ شمسی در شهرستان بندر انزلی دیده به جهان گشود. دوران طفولیت و کودکی را تحت تعلیم و تربیت پدر و مادری والامقام و وارسته و پرهیزگار سپری نموده و با فرا رسیدن به سن مدرسه تحصیلات ابتدائی و مقداری از دوره متوسطه را در همان شهر سپری نموده بود که بخاطر علاقه فراوان به تحصیل علوم اسلامی و تشویق پدر بزرگوارشان در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شد و پس از پایان رساندن دوره مقدماتی علوم حوزوی برای کسب مقامات بالاتر عازم حوزه مقدسه قم شده و با تمام کردن دوره سطح از محضر اساتید بنام وقت در درس خارج فقه و اصول مرجع عالیقدر حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی (رحمهٔالله علیه) حاضر شده و بهره های فراوان برده ولی عطش درونی ایشان معظم له را در سال ۱۳۴۳ همراه با تبعید پیر و مرادش امام خمینی (ره) به نجف اشرف کشاند که از جمله اولین کسانی بود که برای استقبال امام از نجف به کاظمین آمده بودند. در نجف اشرف از محضر اساتید والامقامی همچون آیهٔ الله العظمی خوئی (ره) به مدت ۲۷ سال، مگر یک روز که آن هم علتی داشت. و به صورت مکاتبه ائی از حضرت آیهٔالله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری(قدس الله اسرارهم) بهره های فراوان نموده که در همان دوران اول به مقام اجتهاد نائل گشتند که در آذر ماه سال ۱۳۷۰ شمسی به وطن عزیز و اسلامی ایران برگشتند و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند و در طول این سالها طلاب و فضلای زیادی از کشورهای مختلف عربی از درس خارج فقه و اصول عربی ایشان و همچنین دوستان زیادی نیز از بحث خارج فقه فارسی ایشان که هنوز هم بحث خارج بیع ایشان در مدرس امام فیضیه و بحث اجتهاد و تقلید معظم له که در دفتر ایشان ادامه دارد و مخصوصا از سیره زاهدانه عملی ایشان بهره مند هستند. لازم به ذکر است که حضرت ایشان در تمامی دوران زندگی و طول عمر شریفشان در حال تحصیل و تدریس بوده و هستند که نتیجه آن تحقیقات گسترده ایشان خصوصا در فقه و اصول بصورت متن و حاشیه و تقریرات موجود می باشد که بخشی از آن به زیور طبع آراسته شده و بخش دیگر آماده چاپ و بسیاری بصورت دست نوشته و جزوات موجود است. کتابهای راهنمای ارث و سیستم قضائی اسلام در سال های ۴۳ و ۴۲ چاپ شده و کتاب ارزشمند "بحوث فی ولایهٔ الفقیه "در سال ۱۳۷۸ در اختیار اهل علم قرار گرفته است. همچنین خاطراتی از استاد خود مرحوم امام (ره) به زبان عربی توسط انتشارات کوثر به زیور طبع آراسته گردیده است. جواب با ذکر ادله بر استفتا ئات مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ایشان آماده برای چاپ گردید". الربا و تحلیه با لحیل اشرعیه "و شرح بر رسائل ثلاث و حاشیه بر رساله مناسک حج و ... موجود است که انشاءالله جامعه علمی از آن بهره مند خواهند شد. فعالیتهای تدریسی استاد در طول تحصیل تاکنون ادامه داشته که در طی سپری شدن هر مرحله ای از درس مراحل پائین را تدریس می نمودند که از جمله آنها تدریس کتابهای سیوطی، معالم، شرح لمعه و مکاسب و کفایتین و الان درس خارج می باشد که الحمدلله طلاب و فضلائی اکنون از سفره

علمی ایشان متنعم هستند.

خجسته‌ی کاشانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خجسته. معروف به ندیم‌باشی. وی دبیری نیکو خط و خوش اخلاق بود. نزد عموی خویش، ابوالقاسم‌خان، فروع قواعد و قوانین ادبی و عربی را فراگرفت. خجسته در سرودن شعر مایل به شیوه‌ی منوچهری بود و اغلب قصاید و مسمط او را به نیکویی پاسخ گفته است. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۸۰، ۲۹۰ /۹)، شرح حال رجال (۱۸۹ -۱۸۸ /۶)، لغت نامه (ذیل/ خجسته‌ی کاشانی)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مجمع الفصحا (۲۷۹ -۲۴۸ /۴).

خجندی، صدرالدین، عبداللطیف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۳ ق)، شاعر و ادیب. وی از خانواده‌ی خجندیان اصفهان است که در آن شهر صاحب ریاست بوده‌اند. صدرالدین از بزرگان زمان خویش بود که علاوه بر منصب صدارت او را شعری بود مطبوع و در تازی و پارسی و نظم و نثر قدرت او کامل. وی به دست اسماعیلیه کشته شد و اشعاری از او در تذکره «لباب الالباب» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۴۰۴، ۳۱۶ -۳۱۵ /۱)، لغت نامه (ذیل/ خجندی).

خداداد، بهزاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درسال ۱۳۶۰درتهران متولدشد.وی فرزند اول خانواده ودارای مدرک کارشناسی تربیت بدنی است.او در رشته های ژیمناستیک وفوتبال نیز فعالیت داشته بطوری که اولین مقام های خودرا دراین دو رشته کسب کرده است.وی ازسال ۱۳۷۰ به رشته تکواندو علاقه مندشدودرسال ۱۳۷۱رتبه سوم مسابقات آموزشگاهی تهران راکسب کرد.اوکه قهرمان مسابقات تکواندو می باشد ودرتهران سکونت داردازاواخرسال ۱۳۷۶به عضویت تیم ملی درآمدوزیرنظر استادانی چون پرویز زمانی،غلامحسین ذوالقدر،مرتضی کریمی ومرتضی بهرامی نژاد به فعالیت وتمرین پرداخت.مشوقین اصلی بهزاد والدین وسپس مربیان تیم ملی وباشگاهی اوبودند.

مقام های جهانی نامبرده درسطوح مختلف عبارتند از:

نفردوم جام جهانی بزرگسالان آلمان (۱۹۹۸)

نفردوم جام جهانی مسابقات بزرگسال المپیک سیدنی(۱۹۹۹)

نفرسوم مسابقات ارتشهای جهان (۱۹۹۹)

نفراول تورنمنت بلژیک-بروکسل(۲۰۰۰)

نفراول جام ساکسون آلمان ومسابقات قهرمانی جهان درآلمان (۲۰۰۱)

نفراول جام پارک پوکان آلمان(۲۰۰۲)

نفر اول جام اپن فرانسه(۲۰۰۲)

نفرسوم جام جهانی توکیو(۲۰۰۲)

نفردوم مسابقات قهرمانی جهان درآلمان(۲۰۰۳)

منابع زندگینامه :http://taekwondo-chagi.blogfa.com

خدامی، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله خدامی

محل تولد : امام زاده قاسم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی را در روستای خودمان که امام زاده قاسم از توابع رزن میباشد گذراندم .آن هم در یک کلاسی که پنج پایه ابتدایی درآن تدریس می‌شد. البته باید به این مطلب اشاره کنم که وقتی پایه ای بالاتر می رفتیم معلم را در دیکته گفتن ومشق دیدن کمک می‌کردیم .دوره راهنمایی را در روستای همجوارخودمان یعنی نیر گذراندم که آیت الله نیری که در دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی می‌باشد اهل روستای نیر می‌باشد. دوره دبیرستان رادرشهرستان کردهٔ درجزین گذراندم و سال ۱۳۷۲ دیپلم گرفتم و با عشق وعلاقه ای که به حوزه داشتم با اینکه درس خوبی دردبیرستان داشتم آمدن به حوزه را بردانشگاه ترجیح دادم واز داشتن این توفیق خدای را شاکرم. تا پایان پایه ششم درحوزه ای بنام نبی اکرم(صلی الله علیه وآله وسلّم) تهران گذراندم در شرایط پذیرش این حوزه فقط داشتن دیپلم بود که در آن زمان این شرایط کمتر در حوزه رعایت می‌شد . سال ۱۳۷۷وارد حوزه علمیه قم شدم و یک سال بعد از ورودم به حوزهٔعلمیه قم وارد تخصصی تبلیغ شدم. درطی سه سال و نیم موفق به اخذ سطح ۲ تبلیغ شدم و بعد از کارشناسی ارشد مشغول شدم که امسال سال آخر کارشناسی ارشد تبلیغ را می گذرانم که البته سال دیگر هم باید مکالمه یاد بگیریم چون گرایش تبلیغی من در کارشناسی ارشد خارج کشور می‌باشد . البته باید به نکته ای اشاره کنم از همان سال های ابتدائی که نوشتن انشاء شروع شد بهترین انشاء را می نوشتم حتی در راهنمایی و دبیرستان هم در نوشتن انشاء رقیبی نداشتم و تمام معلم های انشاء که داشتم دردوران ابتدائی وراهنمایی ودبیرستان هر جلسه مرا می بردند پای تخته تا ببینند این دفعه چه نوشته ام و در کار شعر هم از همان کودکی با نوشتن شعر علیه مضرات سیگار شروع کردم چون معلم درباره سیگار موضوع داده بود من هم بعد از نوشتن موضوع انشاء آنرا به شعر درآوردم . درحوزه هم این استعداد خدادای را رها نکردم . بیشترین اوقات من به نوشتن است .حتی تمام دروس را دسته بندی می‌کنم و یا کتابی که خوب باشد خلاصه نویسی می کنم . وظیفه اصلی خود را درحوزه خواندن درس و مشغول بودن به تبلیغ می دانم چون رسالت اول و آخر ما طلبه ها باید تبلیغ دین باشد .

خداوردی، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر خداوردی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

طبق رویه معمول در سن ۷ سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و در سال ۱۳۷۷ از دبیرستان چمران اسلامشهر،تهران،در رشته علوم انسانی فارغ التحصیل شدم سپس به مدرسه علمیه قائم(عج)چیذر رفته و تحصیلات حوزوی را شروع نمودم،طی ۳ سال با ادبیات عرب(نحو و صرف) در حد مطلوبی آشنا شدم و بعد از آن ازدواج نمودم طی ۲ سال فقه و اصول مقدماتی(لمعه و اصول فقه)را گذراندم و در همین ایام بود که با جنجال یکی از حضرات دانشگاهی به نام آقای آغاجری به پژوهش در زمینه تقلید دست زدم که بعد از قریب به ۳ سال با نام،اصلاح اصطلاح، به عنوان کتاب به چاپ رسید در این میان مدتی به دانشگاه رضوی مشهد رفته... رشته حقوق،اما به دلایلی انصراف داده و به قم آمدم و به فقه و اصول مشغول شدم.

نام برخی از اساتید:

۱. استاد فخار طوسی/فقه(مکاسب)/۱۳۸۲

۲. استاد فاطمی/اصول فقه/رسائل/۱۳۸۲

۳. استاد نکونام/فقه/مکاسب/۱۳۸۲

۴. آیهٔ ا... یوسف صانعی/فقه/خارج مکاسب/۱۳۸۳

خدایی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا خدائی

محل تولد : پلدختر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا خدائی به سال ۱۳۵۱ در شهر پلدختر که اینک شهرستان شده به دنیا آمدم، بخش عمده تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در همان جا سپری نمودم. پس از مراجعت از جبهه با مطالعه آثار و اندیشه های فیلسوف و متفکر گران .... مرحوم استاد مطهری رضوان الله علیه عطش طلب علوم دینی در جانم شعله ور گردید تا آنجا که علی رغم قبولی در دانشگاه شهید چمران اهواز رشته دبیری زبان انگلیسی آن را رها نموده و در سال ۱۳۷۱ راهی حوزه علمیه ولی عصر عج الله شهرستان آشتیان شدم.

پیشرفت علمی و معنوی حقیر در مدرسه صاحب الامر آشتیان به گونه ای بود که خیلی سریع مورد رضایت خاصی حضرت آیت الله آشتیانی (میرزا ابوالقاسم) قرار گرفتم. به طوری که وی پس از استماع نخستین منبر بنده فرمودند اگر می دانستم در بین طلاب مدرسه چنین استعدادهایی وجود دارد دیگر از قم روحانی دعوت نمی کردم.

دلبستگی ام به علوم عقلی و برهانی آنچنان بود که با وجود تحصیل در پایه دوم در درس بدایهًْالحکمه شرکت می کردم و در این بحث گوی سبقت را با فیض باری از سایر دوستان می ربودم. به طوری که روزی استاد درس بدایهْ الحکمه آیت الله باغبانی به حقیر فرمودند شما از این به بعد نیازی به حضور در کلاس من ندارید و می توانید فلسفه درس بدهید.در سن ۲۴ سالگی موفق به تدریس کتاب معالم الاصول برای حوزه علمیه بروجرد شدم . هم چنین مواد گوناگون ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه و اصول را در حوزه تدریس نموده ام.با مطالعه سیره بزرگانی هم چون مرحوم مفتح و استاد مطهری از همان ابتدا ارتباطم را با دانشگاه برقرار ساختم و اینک مدت شش سال است که در دانشگاه مشغول تدریس می باشم..

اما بیشترین استفاده علم ام را از جشمه جوشان و زلال حکمت و تفسیر آیت الله جوادی آملی برده ام.

همان طور که در جدول مربوط آورده ام تحقیقات بدیهی در زمینه علم و موجود در قران انجام داده ام که انشاء الله برخی از انها به زیور طبع آراسته خواهند شد.هم چنین می افزایم که مراحل گوناگون علمی کسب مجوز تدریسی در مواد اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و نیز متون اسلامی را در معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری طی نموده ام و هم چنین مدارج علمی عضویت در هیات علمی دانشگاه را طی نموده ام.

خدمتی، ابوطالب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب خدمتی

محل تولد : تکاب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوطالب خدمتی فرزند یحیی درسال ۱۳۵۰ در یک خانواده مذهبی در حومه شهرستان تکاب به دنیا آمدم . پس از طی دوران ابتدایی و راهنمایی ، با تشویق و راهنمایی پدر بزرگوارم وارد حوزه علمیه شدم . درسال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان بناب شدم و در مدت چهار سال دروس مقدمات حوزه را به اتمام رسانده و آماده هجرت به حوزه علمیه مبارکه قم شدم . لیکن به دلیل نیاز حوزه و با صلاحدید استاد بزرگوارم حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالمجید بنابی ، مدت یک سال برای تدریس در حوزه و کمک به ایشان در اداره حوزه ، در شهرستان بناب ماندگار شدم .

سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شده و درس رسائل و مکاسب و کفایه را محضر اساتید گرامی حضرات آیات و حجج اسلام : سید احمد خاتمی ، مرحوم محامی ، اعتمادی و... فرا گرفتم . همزمان در درس تفسیر حضرت استاد آیت الله جوادی آملی (مد ظله) نیز شرکت می کردم . از سال ۱۳۷۱ نیز در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات : مکارم شیرازی ، جعفر سبحانی ، جوادی آملی ، شیخ جواد تبریزی ، وحید خراسانی و... شرکت کرده و از محضر آنان مستفیض شدم . همزمان با تحصیل در دوره خارج فقه و اصول ، دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی گذرانده و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی شدم .

همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، فعالیت های پژوهشی و آموزشی خود را نیز آغاز کردم ، (تدریس را از سال ۱۳۶۹ و پژوهش را از سال ۱۳۷۱) که به لطف الهی ادامه دارد . در زمینه تدریس علاوه بر تدریس ادبیات عرب ، منطق و اصول فقه در مقاطع مختلف حوزوی ، در مدیریت به ویژه مدیریت اسلامی ، مدیریت تبلیغ و مدیریت مساجد نیز فعالیت داشته ام . در زمینه پژوهش نیز ، علاوه بر تحقیق در موضوعات مختلف دینی ، تحقیق در مورد مدیریت اسلامی و مسائل و موضوعات مرتبط با آن ، موضوع اصلی پژوهش هایم بوده است .

خدیوجم، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۳۰۶، مشهد.

درگذشت: ۲۵ مهر ۱۳۶۵، مشهد.

سید حسین خدیوجم، فرزند سید علی (از مردم اشکذر یزد) یزدی‌الاصل، پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ دیپلم ادبی و در سال ۱۳۳۸ لیسانس خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد گرفت و از دانشگاه سن ژوزف بیروت در رشته‌ی ادبیات عرب به اخذ درجه دکتری نایل گردید.

وی مدت‌ها در دبیرستان‌های شهر زادگاهش به تدریس اشتغال داشت. سپس به تهران منتقل گردید و در پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران به تدریس پرداخت. پس از آن به عنوان محقق در کتابخانه‌ی ملی و بنیاد فرهنگ مشغول به کار شد. مدتی نیز رایزن فرهنگی ایران در افغانستان بود.

سید حسین خدیوجم سال‌هایی از عمر خود را به تحقیق و مطالعه در کتابخانه‌های مختلف دنیا، به ویژه کشورهای عربی گذراند.

از استاد خدیوجم بیش از سی جلد کتاب در زمینه تحقیق و تصحیح و ترجمه به جا مانده است. وی از محققان آثار غزالی در ایران بود و مهمترین اثرش در اینباره تصحیح و ترجمه‌ی احیاء علوم الدین غزالی است در هشت جلد که برای آن پانزده سال عمر صرف نمود.

از آثار اوست: تصحیح کیمیای سعادت (در دو جلد)؛ جواهر القرآن و وجد و سماع (از امام محمد غزالی)؛ تصحیح حقایق الاخبار ناصری (تألیف محمد جعفر خورموجی)؛ احیاء علوم الدین غزالی (ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، در هشت مجلد، ۱۳۵۹ – ۱۳۵۱)؛ ترجمه احصاء العلوم (ابونصر فارابی، ۱۳۴۸)؛ ترجمه آن روزها (ترجمه کتاب الایام اثر طه حسین، ۱۳۴۸)؛ عقاید فلسفی ابوالعلاء فیلسوف معره (از عمر فروخ، ۱۳۴۲)؛ هم آهنگی مردم (از احمد بن ابی یعقوب اسحاق یعقوبی، ۱۳۴۳)؛ استخراج آب‌های پنهانی (از ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب الکرجی، ۱۳۴۵)؛ روز مادر (با همکاری مهستی بحرینی، ۱۳۴۲)، گفت و شنودی فلسفی در زندان ابوالعلاء معری (از طه حسین، ۱۳۴۴)؛ کوشش در چاپ کتاب روضه خلد (از مجدالدین خوافی و به تصحیح مهدی فرخ، ۱۳۴۵)؛ کتاب از نظر شاعران و نویسندگان (۱۳۴۵)؛ روش صحیح نسخه‌های خطی (از صلاح‌الدین المنجد، ۱۳۵۶)؛ مفاتیح العلوم (از ابوعبدالله محمد بن یوسف کاتب خوارزمی، ۱۳۴۶)؛ جبر و مقابله (از محمد بن موسی خوارزمی ۱۳۴۸)؛ مسیر طالبی یا سفرنامه‌ی ابوطالب خان اصفهانی (۱۳۵۲)؛ معجم شاهنامه (تألیف محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، ۱۳۵۳)؛ واژه‌نامه‌ی حافظ (۱۳۵۹)؛ وی همچنین در چاپ کتاب هفتاد سالگی فرخ در سال ۱۳۴۴ با مجتبی مینوی همکاری داشت.

خدمت مطبوعات را از سال ۱۳۴۰ آغاز کرد و با نشریه‌های «سخن»، «نگین» و «راهنمای کتاب» همکاری داشت. به عربی، انگلسی و تا حدودی فرانسوی نیز آشنا بود و به بیشتر کشورهای اروپایی و عربی و شمال آفریقا سفر کرد.

حسین خدیوجم در مشهد درگذشت و پیکرش در کنار بقعه‌ای که مشهور به گور غزالی است به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خرازی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن خرازی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محسن خرازی در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای مذهبی و مورد علاقه مردم متدیّن و علمای بزرگ تهران به دنیا آمد، پدرش حاج سید مهدی خرازی نام داشت و اصل و نسب آنها اصفهانی است که به تهران مهاجرت کرده‌اند و از سادات گرامی اصفهان و تهران بوده‌اند و نسب آنها به امام سجاد(ع) و امام حسن مجتبی(ع) می‌رسیده است. آیت‌الله سید محسن خرازی دروس دوران ابتدایی را در تهران در مجتمع فرهنگی برهان فرا گرفت و سپس تحت تربیت و آموزش آقا شیخ محمد حسین زاهد قرار گرفت. او که در مسجد امین الدوله تهران ونیز در مسجد جامع تهران نماز می‌گزارد، به تربیت نوجوانان می‌پرداخت و تأثیر عمیقی در دل آنان می‌نهاد. با درگذشت او، استاد خرازی به بازار تهران رفت و مدتی به کسب و کار پرداخت، امّا به زودی بازار را رها کرد و به حوزهٔ درسی آیت‌الله مجتهدی پای نهاد و بسیار مورد عنایت و علاقه او قرار گرفت. با فراگیری دروس مقدماتی، عزم سفر به حوزه علمیه قم کرد تا در محضر استادان مبرّز و برجسته آن حوزه، تحصیلات خود را تکمیل کند؛ البته در این باره نباید نقش سفارشهای آیت‌الله رفیعی(ره) را نادیده انگاشت. این گونه بود که به همراه آیت‌الله رضا استادی در سال ۱۳۳۶ به قم آمد و با او در یک جا سکونت گزید و به تحصیل پرداخت. در قم باقیماندهٔ دروس ادبیات را به پایان رسانید و سپس به

فراگیری دروس دورهٔ سطح در زمینه‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام پرداخت و از سال ۱۳۴۱ به بعد، به درس خارج بزرگان و آیات عظام مشرف شد. در طی این سالها از دروس اخلاق استادان مهذّب و باتقوای حوزه نیز بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله خرازی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان و علمای فراوانی را درک کرد او که در تهران تحت عنایت آقا شیخ محمدحسین زاهد قرار داشت، پس از ارتحال او به نزد آیت‌الله مجتهدی رفت و همواره مورد محبت او قرار می‌گرفت. در قم نیز باقیمانده دروس مقدمات را نزد آیت‌الله فشارکی آموخت و در درس شرح لمعه آیت‌الله شیخ محمد تقی ستوده شرکت می‌کرد. رسائل را نزد آیت‌الله شیخ مصطفی اعتمادی و آیت الله حاج شیخ محمد شاه آبادی و مکاسب را نزد آیت الله میرزا علی مشکینی و کفایهٔ الاصول را نزد آقایان آیت‌الله حاج سید محمد باقر سلطانی و حاج شیخ محمد شاه‌آبادی و حاج شیخ علی تنکابنی فلسفی فرا گرفت. همچنین برای آموختن فلسفه، کلام و عقاید به نزد آیت‌الله شیخ محمد شاه‌آبادی می‌رفت و استفاده فراوانی برد. او از سال ۱۳۴۱ به بعد در درس خارج عالمانی چون آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی سید محمد محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی سید حسن فرید اراکی(ره) شرکت کرد و در درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی اراکی(ره) تا اواخر عمر ایشان حضور داشت. آیت‌الله خرازی در سالهای فراگیری سطوح با حضرات آیات و حجج اسلام محمد حسن ممدوحی، غلامحسین حقانی، سید مجتبی زنجانی، سید جمال الدین دین پرور مصاحبت و مباحثه داشت و در حال فراگیری دروس خارج با حضرات آیات آقایان استادی و مصلحی و غلامرضا سلطانی مباحثه می‌نمود و با حضرات آیات مظاهری، مصباح و سید محمد خامنه‌ای رابطه دوستی داشت، امّا دوستی که از آغاز تاکنون در کنار او بوده آیت‌الله رضا استادی است. آیت‌الله محسن خرازی در عرصه‌های علمی و فرهنگی، خدمات بسیاری را به انجام رسانده است. از مهم‌ترین خدمات او در این عرصه، تأسیس «مؤسسه در راه حق» بود. در آن روزگار مسیحیت توانسته بود با ابزارهای موجود با محصلان دبیرستانی مسلمان ارتباط برقرار کند و آنان را به مسیر گمراهی و ضلالت بکشاند. رژیم پهلوی نیز خود به گونه‌ای از تشکیلات مسیحیت حمایت می‌کرد و نسبت به موضع‌گیریهای حوزه علمیه، حساسیت خاصی نشان می‌داد. در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی آیت‌الله خرازی با توجه به اهمیت مبارزه با افکار انحرافی مسیحی و نیز نظر به ضرورت ایجاد تشکیلات منسجمی برای مبارزهٔ همیشگی با افکار التقاطی مؤسسه در راه حق را بنیان نهاد. این مؤسسه ضمن برقراری ارتباط با جوانان، به حل شبهات و مشکلات آنان می‌پرداخت و اصول اعتقادی را با سبک نوین مطرح کرده آنان را با مبانی و مبادی علوم اسلامی و اصول تشیع آشنا می‌ساخت. در ثمردهی این مؤسسه تلاش با اخلاص و بی چشمداشتِ مادیِ بزرگانی همچون آیت‌الله استادی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله سلطانی را نباید از یاد برد. این مؤسسه بعدها در چند قالب مشغول به کار شد که مسؤولیت بخش آموزش به عهده آیت‌الله مصباح یزدی، مسؤولیت بخش پژوهش به عهدهٔ حضرات آیات مظاهری، استادی، مصلحی و سلطانی و نیز مسؤولیت بخش معارف به عهده برخی از فضلا و استادان حوزه نهاده شد. این موسسه در آن زمان مورد علاقه و عنایت امام خمینی(ره) و دیگر مراجع و هم اکنون نیز مورد عنایت و حمایت مقام معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید است و با جدّیت تمام به راه خود که شناساندن اسلام واقعی به جوانان و مبارزه با تحریف و التقاط و انحراف است می‌پردازد. از دیگر فعالیتهای آیت‌الله خرازی در این عرصه، همکاری با مجمع فقهی اهل بیت، دربارهٔ مسائل جدید فقهی است که این همکاری تا هم اکنون نیز ادامه دارد. آیت‌الله خرازی از سالهای تحصیل دورهٔ سطح به تدریس نیز می‌پرداخته و از حدود ۲۰ سال پیش تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول برای طلاب نیز اشتغال داشته است. آیت‌الله خرازی تاکنون کتابها و رساله‌های گوناگونی نگاشته است. آیت‌الله سید محسن خرازی در پیش و پس از انقلاب اسلامی حامی انقلاب بوده و همواره بر رهبری امام خمینی(ره) و پس از او مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد. شرکت در پاره‌ای از تظاهرات و تماس با برخی از مراجع تقلید آن زمان برای آزادی گروهی از زندانیان که جانشان در خطر بود از فعالیتهای مهم ایشان در سالهای پیش از انقلاب است. او در سال ۱۳۵۹ به دعوت اعضاء جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم به عضویت آن نهاد درآمد و تاکنون در پیشرفت حوزه علمیه، نقش بسزایی را ایفا کرده است. همچنین با پیشنهاد جامعه مدرسین به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در دورهٔ دوم و سوم از استان تهران درآمد. آیت‌الله سید محسن خرازی هم اکنون در قم حضور دارد و به تدریس و تربیت طلاب مستعد و جوان می‌پردازد.

خراسانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی در تهران متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح نزد والد ماجد و دیگران از اعلام تهران به قم مهاجرت کرده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و دیگران کسب فیض نموده آنگاه به تهران مراجعت و در مسجد مرحوم حاج شیخ عبدالحسین (مسجد آذربایجانیها) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و گفتن درس اخلاق پرداخته تا در سال ۱۳۹۱ ق که از دنیا رفته است.

از تألیفات ارزنده و آموزنده آن جناب است کتاب (سفینه النجاه) فی المهلکات و المنجیات در چندین مجلد که در سال ۱۳۶۹ قمری بطبع رسیده است.

از باقیات الصالحات آن مرحوم است: فرزند ارجمندش حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ محسن خراسانی که سالها در قم کسب علم و فضلیت نموده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان در مسجد مزبور بامامت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ محسن خراسانی از فضلاء معاصری است که بعلم و تقوا و متانت و اخلاق حمیده موصوف و

بهترین یادگار و خلف صدق و صالح آن پدر بزرگوار است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل خراسانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

ابوالفضل خراسانی دارای تحصیلات سطح ۴ رشته تخصصی کلام اسلامی از حوزه علمیه قم وکارشناسی ارشد فلسفه وکلام اسلامی از دانشگاه باقرالعلوم قم .حدود ۸ سال سابقه تدریس درحوزه ودانشگاه و۸ سال سابقه پژوهشی در مرکز فرهنگ ومعارف قرآن کریم ودائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی ، دارای مقاله دردائرۀ المعارف قرآن کریم وتألیف بهداشت زندگی در پرتو قرآن ،احادیث وعلم روز و همکاری با نشریه معارف عقلی وکارشناس برنامه پارسایان رادیو معارف وکارشناس گفتمان دینی در سازمان تبلیغات اسلامی وسابقه تبلیغ وارشاد ۱۵سال .

خراسانی، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، ادیب، نوازنده و دانشمند. معروف به مدرس کبیر. از دانشمندان بنام اصفهان بود و شاگردان و مریدان زیادی داشت. بنا به قول گوبینو وزیر مختار فرانسه در ایران در کتاب «سه سال در آسیا»، وی در موسیقی خیلی ورزیده بود و تار را خیلی خوب می‌نواخت. ولی به جهت حرمت موسیقی هنر را مکتوم می‌کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۸۵/۱)، سرگذشت موسیقی (۱۹/۱)، شرح حال رجال (۲۳۸/۲) المآثر و الآثار (۱۸۳).

خراسانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین فرزند عالم ربانی و خطیب سبحانی حاج شیخ محمدعلی خراسانی نجفی از افضال وعاظ و گویندگان حوزه علمیه نجف اشرف می‌باشند. وی در روز سوم جمادی‌الثانی سال ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در حجر تربیت پدر بزرگوارش پرورش یافته قرآن را در مدت شش ماه نزد خواهرش آموخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید آنجا فراگرفته است.

و از همان اوان کودکی ابیاتی را که والده‌اش صبیه مرحوم حاج شیخ مهدی کاشانی مقسم شهریه مرحوم آقا سید محمدکاظم یزدی به او آموخته بود در منابر قرائت کرده و مورد تشویق و تحریص ایشان به منبر رفتن می‌گردید تا در سن ۱۴ سالگی اشتغال به این امر داشت و والد مرحومش ایشان را ترغیب به تحصیل علم می‌نمود.

پس مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر شیرازی و برادر گرامیش حاج شیخ محمدتقی واعظ زاده و آقای شیخ علی‌اکبر کرمانی و آقا شیخ علی میامه‌ای و حاج شیخ ذبیح‌اللّٰه قوچانی و حاج سید احمد اشکوری داماد آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و حاج سید علی قوچانی و حاج شیخ محمد حسین دهاقانی و حاج شیخ فاضل استرآبادی و حاج سید محمد حسن شیرازی نوه میرزا بزرگ شیرازی و حاج سید سجاد علوی گرگانی و آقاسید محمدباقر محلاتی خوانده و پس از آن به درس خارج فقه و اصول و تفسیر آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله المعارف شرکت و استفاده نموده و بسیاری از دروس ایشان را در فروع علم اجمالی و بسیاری از کتاب صلوه وصوم و زکوه و حج و غیر آنها را به رشته تحریر درآورده و نیز یکدوره کامل اصول ایشان را نوشته و یک دوره دیگر به صورت حاشیه بر دوره اول مرقوم داشته و همینطور از اساتید دیگری که از آنها استفاده نموده آیات یاد شده زیرند:

۱- آیت‌اللّٰه حاج شیخ هاشم آملی

۲- آیت‌اللّٰه حاج سید محمود شاهرودی

۳- آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی

۴- آیت‌اللّٰه حاج میرزا باقر زنجانی

۵- آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم

۶- آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی

۷- آیت‌اللّه حاج سید محمد هادی میلانی

۸- آیت‌اللّه حاج سید نصراللّه مستنبط

داماد بزرگ آیت‌اللّه الظمی خوئی که غالب تعطیلی‌های ماه رمضان و ایام عاشوراء و غیره از ایشان استفاده نموده است. و ایشان در ضمن تـدریس سـطوح در ایـام عاشوراء و غیره در منازل آیات عظام منبر رفته و تبلیغ دین و ترویـج احکام و نشـر معارف و مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام نموده و ایفاء وظیفه می‌نمایند.

برادر بزرگوارشان جناب حجهٔ‌الاسـلام حاج شیخ محمدتقی واعظ زاده که حدود بیست سال از ایشان بزرگتر و اکنون حدود هشتاد و هفت سال از سن مبارکشان می‌گـذرد در نجف اشـرف اقامت و به وظایف دینی و روحی اشـتغال دارنـد و آن جناب از شاگردان مرحوم آیت العظمی اصـفهانی و آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و بالاخص آیت‌اللّه العظمی خوئی می‌باشد.

و ایشان نیز مانند والدشان از طریق منبر ایفاء وظیفه نمودند و مردم را متوجه به خاندان رسالت علیهم‌السـلام می‌نمایند و ایشان دارای سه فرزند روحانی می‌باشند.

۱- میرزا احمد که در قم اشتغال به تحصیل دارند.

۲- آقا شیخ قاسم و آقا شیخ علی که این دو در نجف اشرف اشتغال به تحصیل علم و کمال دارند.

مترجم محترم پس از تسـفیر به ایران از طرف بعث شوم عراق چنـدی در قم اقامت و چنـدین سال است که رسـما در مشـهد مقـدس اقامت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خراسانی، عبدالکافی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س شـشم ق)، کـاتب. وی اهـل خراسـان بود و چنـان که در مطاوی کتاب «اسـکندر نامه» برمی‌آیـد، این کتاب را وی از روی چند نسخه استنساخ کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۲۹)، سبک شناسی (۱۳۱ -۱۲۸ / ۲).

خراسانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی خراسانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصـیلی ۶۸-۶۹ پایه دهم حوزه را به پایان رسانـدم و سـپس در دروس خارج شـرکت کردم همزمان با اشـتغال به دروس پایانی دوره سـطح در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت می‌کردم . در همین سالها دوره عالی زبان انگلیسـی موسسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات را به پایان رساندم.در سال ۷۰ به دعوت نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سـنت بلوچسـتان به زاهدان رفتم و به مدت ۵ سال مـدیریت مـدارس دینی اهل سـنت بلوچسـتان را عهده دار بودم در این سالها به اقتضای مسوولیت با متون درسی اهل سنت آشنائی اجمالی پیدا کردم .

همچنین چند متن آموزشـی از جمله «آشـنائی با انقلاب اسـلامی» و «آشـنائی با اخلاق اسـلامی» و «آشـنائی با مذاهـب اسـلامی»را به عنوان درسـهای جنبـی مـدارس اهـل سـنت تـدوین و تنظیم کردم . در این سالهـا برخی از اشـتغالات دیگر علمی همچون حضور در همایش‌های وحدت نیز وجود داشت.در اسـفند ۷۶ به قصـد ادامه تحصـیل و پژوهش به قم مراجعت کردم و از همان تاریـخ فعالیت پژوهشـی خود را بـا مسـئولیت گزینش مـدخل‌های دائره المعـارف آغـاز کردم و پس از مـدتی در سـال ۷۷ مسـئولیت بخش تدوین مقالات دائره المعارف و جانشین ریاست دائره المعارف را عهده دار شدم .

در این سالهـا که طرح دائره‌المعـارف قرآن کریم در مرکز مطرح شـده بود ، آن را سازمانـدهی کردم و ضـمن کار مسـئولیت علمی هیأت‌های تحریریه را به مـدت ۳ سال مستقیما عهده دار بودم از سال ۸۰ مـدیریت دائره‌المعارف قرآن کریم را عهده دار شدم قابل ذکر است که دائره‌المعـارف قرآن کریم بزرگـترین دائره‌المعـارف قرآنی و اولین دائره‌المعـارف در جهـان اسـلام است که پیش‌بینی

می‌شود در ۲۵ جلد منتشر شود.در سال ۸۳ مدیریت مرکز فرهنگ و معارف قرآن که بزرگترین مرکز قرآن پژوهی در کشور است را عهده دار شدم و همزمان مسئولیت گروه دائرالمعارف‌ها و نیز گروه تفسیر موضوعی را به عهده دارم. این مسئولیت‌ها همچنان ادامه دارد.

خراسانی، محمد جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد متقی، از ائمه‌ی جماعت اصفهان، در ۲۵ رجب ۱۲۷۱ متولد، و در ۱۳۵۲ وفات یافته، در تخت فولاد نزد قبر پدر مدفون گردید.

آقای حاج شیخ مهدی نجفی، عالم زاهد جلیل معاصر درباره‌ی او می‌فرماید: لم ار مثله فی الوثاقهٔ و الجلالهٔ و العبادهٔ.

مشار الیه از جمله کسانی است که به شرف زیارت حضرت بقیهٔ الله الاعظم امام عصر – عجل الله تعالی فرجه – مشرف گردیده است.

وی را تألیفاتی است: ۱– رساله ای در شرح حال جد و پدر خود، مختصر ۲– رساله ای در تعبیر خواب ۳– رساله ای در رویاهای صادقه و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خراسانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد حسین بن العالم العلام الشیخ محمد علی خراسانی در اوائل جوانی از خراسان مهاجرت به تهران نموده و پس از خواندن اولیات و سطوح عالیه از محضر علامه آشتیانی بزرگ و اعلام دیگر استفاده کرده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و مورد توجه دانشمندان و مردم تهران گردیده و در مدرسه مروی حوزه تدریس سطوح و متون فقه و اصول داشته و کثیری مانند مرحوم علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و دیگران از وی استفاده نمودند و در مسجد حاج سید عزیزاللّٰه بازار اقامه جماعت و ترویج دین و نشر معارف جعفری در منبر می‌کردند تا در سال ۱۳۴۷ ق که مشرف به مکه برای مناسک حج گردیده و بعد از فراغ از اعمال و مناسک حج در ۱۷ ذی‌الحجه دعوت حق را لبیک گفته و در جوار خانه خدا در مقبره حضرت ابیطالب علیه‌السلام بخاک رفته است هنیئا له و طوبی له.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر خراسانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در شهرستان دامغان در خانواده‌ای مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم. پدرم از فعالان قبل از انقلاب که بعد از انقلاب هم در فعالیت‌های جمعی حضوری فعال داشت. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در دامغان گذراندم که البته غالباً در مقاطع تحصیلی از شاگردان ممتاز محسوب می‌شدم. سال ۶۷ وارد حوزه علمیه که ۶ سال در حوزه علمیه دامغان مشغول به تحصیل بودم و از سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. که پایه‌های تحصیلی به اتمام رسید و قریب ده سال در درس خارج حضرات آقایان مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی(ره)، نوری همدانی، سبحانی و لاریجانی حاضر و استفاده بردم. سال ۷۹ در رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) مشغول به تحصیل شدم که از همان ابتداء انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه را به اتفاق جمعی از دوستان راه‌اندازی نمودیم. که بعد از مدتی با فعال شدن سایر انجمن‌های علمی به عنوان دبیر انجمن‌های علمی دانشگاه انتخاب که در همین راستا طرح برگزاری همایش نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و دبیرخانه طلبه دانشجویی نهضت نرم‌افزاری پایه‌گذاری گردید. چندین سال به عنوان مسئول دبیرخانه و طرح و برنامه ستاد کنگره شهدای روحانی سراسر کشور مشغول به فعالیت بودم که در کنار این فعالیت‌ها از تبلیغ و تدریس در مناطق مختلف نیز غافل نبودم. در حال حاضر از محققین مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات

اسلامی هستم که با فعال شدن مجمع عالی حکمت اسلامی به عنوان مدیر اجرایی مجمع انتخاب شدم. در حین فعالیت در دانشگاه دو ماهنامه علمی دانشجویی نسل بعد را راه‌اندازی نمودیم و در خلال برگزاری یادواره‌ها، نشریه خبری اجتماعی دیگری نیز راه اندازی گردید. در حال حاضر مجوز تدریس درس انقلاب اسلامی و ریشه‌ها از سوی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صادر که به علت دور بودن مراکز آموزشی مورد پذیرش اینجانب تاکنون واقع نشده است. در حال حاضر علاوه بر فعالیت‌های اجرایی به امور پژوهش و تحقیق به ویژه در حوزه علوم قرآنی مشغول می‌باشم.

خراسانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجواد بن المرحوم حجهٔالاسلام و العالم العلام الشیخ محسن بن العالم الجلیل الشیخ (محولاتی) خراسانی از علماء ابرار معاصر تهران است.

وی در سال ۲۵ ماه ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و حجر مادر علویه‌اش صبیه مرحوم سید المحدثین آقا سید محمد محولاتی واعظ مشهد مقدس پرورش یافته و دوران تحصیل را تا سطوح در مشهد مقدس نزد ادباء و فقهاء آنجا خوانده و در سال ۱۳۵۱ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه بزرگ آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه آقا میرزا آقا اصطبهاناتی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید محمد حسین بروجنی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی و مقداری آیت‌اللَّه حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۱ ق به ایران مراجعت و قریب یکسال و نیم در مشهد و محولات توقف و در سال ۱۳۶۳ ق منتقل به تهران و تاکنون که سال ۱۳۹۴ قمریست در خیابان جوادیه (سر آسیاب دولاب) اقامت و در مسجد (حوادیه) آن به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تألیف کتت مفیده اشتغال دارند.

تألیفات و آثار علمی معظم له از این قرار است:

۱- تفسیر مبسوطی از قرآن مجید ۲- کشف الایات ۳- کشف اللغات و تفسیر لغات قرآن ببعض دیگر ۴- کشف مطالب الایات ۶- کشف مطالب القرآن ۶- ظواهر الاثار در اخلاق ۷- نخبه القضاء ۸- ترجمه حدیث اهلیلجه ۹- مقتل الحسین علیه‌السلام ۱۰- تاریخچه احوال حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم ۱۱- اربعینیات ۱۲- خلاصه وقایع و علائم ظهور ۱۳- منظومه در اصول عربی ۱۴- شرح منظومه مذکور ۱۵- تقریرات اصول ۱۶- رساله در بحث از تقلید اعلم ۱۷- رساله‌ای در طلب و اراده و دفع شبهه جبر ۱۸- منظومه عربی در رجال موافق خلاصه علامه مطبوع ۱۹- دیوان عربی در مدایح و مراثی اهلبیت عصمت علیهم‌السلام ۲۰- دیوان فارسی در تظلم بحضرت ولی عصر (عجل) و پندیات ۲۱- البدعه و التحرف یا آئین تصوف مطبوع ۲۲- رضوان اللَّه اکبر در نقض خرابات و خانقاه مطبوع ۲۳- حجت قوی در ابطال مثنوی ۲۴- مهدی منتظر مطبوع ۲۵- معارف الشیعه که از بهترین تألیفات معظم له و جامعه تشیع است نظما و شرحا چاپ افست و ده‌ها رساله دیگر عربی و فارسی.

سنت سنیه آن جناب

از سنن سنیه ایشان تشرف به مشهد مقدس است پیاده که چند سال است با عده‌ای از مؤمنین و علاقمندان اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام از تهران حرکت و حدود چهل شبانه روز در راه و ترویج عملی و لسانی نموده و در تمام منازل اقامه جماعت و تبلیغ احکام فرموده تا به مشهد مقدس و بدون تظاهرات دو سه روزی توقف و مراجعت می‌کنند.

نگارنده گوید: گرچه مادیون و اهل دنیا و یا مردم قشری این روش را نمی‌پسندند و می‌گویند عصر فضا و جت و کیهانست و باید هر کاری را برقی انجام داد ولی غافلند از این که سیر الی اللَّه و هجرت بسوی حق هرچه رنج و تعبش بیشتر باشد ثواب و اجرش زیادتر است.

در حالات حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام مخصوصا حضرت امام حسین مجتبی و حضرت سیدالشهداء علیهماالسلام مسطور و ماثور است که بیش از بیست مرتبه به حج مشرف شدند و با داشتن همه گونه وسیله آن روز خود پیاده می‌رفتند، تا جائیکه قدم‌های مبارکشان در اثر پیاده‌روی و تصادف با خار مغیلان و غیره مجروح می‌شد و وقتی اصحاب علت تحمل این مشقت را می‌پرسیدند پاسخ (افضل‌الاعمال احمزها) می‌شنیدند و چه خوب گفت حافظ شیرازی.

در بیان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

اوتاد و ابدال و رجال الغیب مسافرتهای مشاهد مشرفه را ماشیا حافیا انجام می‌دهند. حقیر در ماه رمضان سال ۱۳۶۸ ق که در دامغان بودم مرد نابیناء حافظ قرآنی را دیدم که پیاده به مشهد مشرف میشد و از آذربایجان پیاده آمده بود وقتی به او گفتم که تو نابینائی این کوهها و دره‌ها و فراز و نشیب‌ها و راه پر خطر را چگونه پیموده و میروی در جوابم گفت: (الذی خلقنی فهو یهدین) انشاءاللَّه داستان او را در ذکر دامغان در جلد چهارم خواهم نگاشت.

مرگ زائر مشهد و عنایت حضرت رضا علیه السلام

مناسب دیدم در اینجا حکایتی را که آیت‌اللَّه و عالم ربانی آقای حاج میرزا حسن لواسانی سلمه‌اللَّه در کتاب کشکول خود ذکر کرده خلاصه آن را نقل نمایم. گوید: مرد موثقی حکایت کرد که سه نفر از جوانان ثروتمند نجف اشرف خدمت یکی از علماء مبرز که در همسایگی وی بودند رفته و گفتند پدر ما حدود چهل سال است که تنها با یک الاغ به مشهد مقدس می‌رود و پنج ماه

سفرش طول میکشد و حالا دیگر پیر و ناتوان و نیروی او کاسته شده ولی باز امسال هم عازم حرکت است هر چه ما او را منع می‌کنیم که از این مسافرت با این کیفیت باز داریم قبول نمیکند خواهش داریم شما بمنزل ما آمده و نصیحت فرمائید که از مسافرت خودداری کند زیرا می‌ترسیم در راه تلف شود پس آن عالم بمنزل آن شخص آمده و اظهار می‌کند فلانی شنیده‌ام عازم مشهد مقدس هستید می‌گوید آری انشاءاللّه، آقا شروع بسخن کرده مطالبی را ذکر میکند که آن مرد را منصرف نماید پس آن شخص عرض میکند فرمایش شما درست و صحیح است لکن اصرار من بر این سفر جهت دارد من عرض می‌کنم و غرض خود را میگویم و با این هدف اگر منعم می‌فرمائید نمی‌روم. فرمودند بگو پس گفت آقا جان سی سال قبل رفیقی داشتم که با او این مسافرت را انجام میدادم پس در یکی از سفرها آن مرد مریض شد و در راه فوت نمود و من متحیر بودم که او را چکنم نه آب داشتم او را غسل دهم و نه کفنی که او را کفن کنم و نه برایم به تنهائی میسور بود که او را تجهیز نمایم و ترسیدم که اگر او را همانطور بگذارم و بده و آبادی نزدیک روم و مردم را خبر کنم، درنده‌ای او را بخورد پس وی را در زیر سنگ پنهان کرده و به آبادی که سر راه بود رفتم و اهل آنجا را خبر داده و از آنها کمک خواستم گفتند حالا که شب است صبر کن صبح با تو می‌آئیم و او را تجهیز می‌کنیم.

پس شب را در آن محل مانده و صبح باتفاق چند نفر از جوانهای آن ده آمدیم تا محل فوت او و هرچه تفحص کردیم اثری از وی نبود خیال کردم درندگان او را از زیر سنگ درآورده و برده‌اند شروع بگردش در آن بیابان کردیم و من متحیر بودم چه شده که ناگاه دیدم شخص بزرگواری در کنارم ایستاده و نفهمیدم آیا از آسمان آمد و یا از زمین و فرمود فلانی (و اسم مرا برد) برای چه ناراحت و سرگردانی. جریان را گفتم فرمود راحت باش که من دیشب او را تجهیز نموده و دفن کردم و اینهم قبر اوست و اشاره کرد به نقطه‌ای و دیدم صورت قبر است و بعد فرمود تو هم به هدف رسیدی گفتم چگونه من بمقصدم رسیدم و حال آن که هدفم مشهد و زیارت حضرت رضا علیه‌السلام است فرمود اگر صاحب قبر را میخواهی که نائل شدی و اگر قبر را میخواهی برو گفتم آقا جان شما کیستید فرمود من ابوالحسن علی بن موسی الرضا هستم به شیعیان ما خبر بده که هر کدام در مسیر و طریق زیارت ما از دنیا بروند ما می‌آئیم و او را تجهیز می‌کنیم و اگر تو می‌خواهی برگرد بوطنت و اگر میخواهی برو به مشهد پس خودم را بقدم مبارکش انداختم که ببوسم پس کسی را ندیدم شروع کردم بگریه و افسوس از این که چگونه این دولت مستعجل و فیض بزرگ از دستم رفت و حالا از آن تاریخ من هر سال مشرف می‌شوم که شاید در راه اجلم برسد و به فیضی که رفیقم نائل شد منهم نائل شوم.

حالا با این کیفیت اگر شما مرا منع می‌کنید می‌پذیرم. آن عالم جلیل فرمودند خیر منعت نمی‌کنم بلکه من هم رفیق سفر شما هستم و بسیار گریست و با آن شخص مسافرت نمود چند سالی تا هر دو در راه سفر مشهد از دنیا رفته و بفیض و هدف مقدسشان رسیدند. هنیئا لهم رزقنا اللّه زیارتهم و شفاعتهم آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ثقه‌ی جلیل، و فقیه مجتهد عادل عامل، از اجله‌ی علما و فقها و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان بوده، عمری به زهد و عبادت گذرانیده، در ۱۳۵۷ وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خراسانی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید یوسف قاینی از علمای کاملین، و ائمه‌ی جماعت در اصفهان بوده، و تاکنون علم و روحانیت از خاندان او منقطع نگردیده.

از معاصرین سید حجهْ الاسلام رشتی، و معزز و محترم نزد او بوده، و در اصفهان تدریس می‌نموده.

کتب زیر از اوست:

۱- حاشیه بر حاشیه‌ی ملا میرزا جان ۲- حاشیه بر مدارک ۳- الکواکب الضیائیهْ، در شرح بر زبده‌ی شیخ بهائی در اصول، در دو ملجد بزرگ.

در شب ۲۴ ربیع الاول سال ۱۲۴۶ در اصفهان وفات یافته، جنب فاضل هندوی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خرده فروش کاشانی، مقصود، مولانا مقصود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۸۷ / ۹۸۳ ق)، شاعر و ادیب. اهل کاشان بود و به شغل خرده فروشی اشتغال داشت. اما در «تاریخ نظم و نثر» و تذکره‌ی «روز روشن» وی به قریه خرده کاشان نسبت داده شده است. او برادر باقر خرده فروش غزلسرا است. در علم سیاق دست داشت و شاگرد میر حیدر معمایی و میر غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. به آورده‌ی صاحب تذکره‌ی «روز روشن» با میر غیاث‌الدین منصور به حج و زیارت مشرف شد. مقصود کاشانی با ملا محتشم کاشانی همعصر بود و این دو قصایدی در هجو یکدیگر سروده‌اند. او سرانجام در خانه‌اش در یزد به دست دزدان به قتل رسید. صاحب «الذریعه» مقصود کاشانی خرده فروش و مقصود کاشانی متبحر در علم سیاق را یکی نمی‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۶)، تحفه سامی (۲۶۸ -۲۶۷)، تذکره‌ی روز روشن (۷۵۹ -۷۵۸)، الذریعه (۱۰۹۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۰ -۸۶۹)، لغت نامه (ذیل/ مقصود کاشانی)، مجمع الخواص (۲۱۴ -۲۱۳)، هفت اقلیم (۴۷۸ -۴۷۷/ ۲).

خرم دل، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قرآن شناس (مفسر و مترجم قرآن کریم به فارسی) صاحب نظر و سختکوش معاصر ، جناب آقای دکتر مصطفی خرم دل از استادان دانشگاه کردستان در سنندج و متولد در مهاباد در سال ۱۳۱۵ ش ، و از علمای اهل سنت . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاهش طی کرده ، و همزمان به آموزش علوم دینی به شیوه ی حوزوی و سنتی نیز پرداخته است . در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه تهران ، در رشته ی زبان و ادبیات عرب ، مدرک کارشناسی (لیسانس) گرفته ، و همزمان با دانشجویی به خدمت در آموزش و پرورش هم اشتغال داشته است . در سال ۱۳۵۲ از همان رشته و همان دانشگاه ، مدرک فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) گرفته ، و در سال ۱۳۵۸ به دریافت درجه ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی از دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نایل آمده است . سپس چندی در دانشسرای عالی سنندج در دانشکده ی تربیت دبیر ، و سرانجام در دانشگاه کردستان به تدریس و پرورش دانشجویان و آموزگاران و دبیران پرداخته و سرانجام در سال ۱۳۶۷ ش بازنشسته شده ، و در حال حاضر ، مدتی است که به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مهاباد) اشتغال دارد . دکتر خرم دل در زمینه های گوناگون علوم اسلامی ، به ویژه قرآن ، دارای چند تالیف و ترجمه است . از جمله :

۱ ـ تفسیر نور که چون ترجمه ی قرآن کریم هم به صورت قابل تمایز از مواد تفسیری در دل آن مندرج است ، توانستیم آن را جزو ترجمه های امروزین به شمار آوریم و همانند ترجمه های مستقل و به همان شیوه معرفی و ارزیابی کنیم .

۲ ـ نگارش تفسیر المقتطف (به زبان عربی)

۳ ـ ترجمه ی تفسیر اجتماعی و انقلابی و تحرک انگیز و بیدارگر فی ظلال القرآن ، اثر سید قطب (۱۹۰۶ ـ ۱۹۶۶ م) (از بزرگان اخوان المسلمین مصر که در راه آرمان انقلابی و اسلامی خود ، به دستور ضد بشری جمال عبدالناصر اعدام شد) از عربی ، که ترجمه ی ناقصی از آن به قلم شادروان احمد آرام انجام گرفته و به طبع رسیده است . تا کنون (فروردین ۱۳۸۱) ، دو ، و احتمالاً سه جلد از آن چاپ شده که دو جلد اول شامل ترجمه ی تفسیر سوره های فاتحه ، بقره ، آل عمران ، و نساء است . (دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی ، مقاله ی « خرم دل ، دکتر مصطفی » ، نوشته ی قرآن شناس کوشا و مترجم قرآن کریم به فارسی (نشر فرزان ، ۱۳۷۷ ، معرفی شده در همین کتاب) و نیز (مقاله ی تفسیر نور در همین دانشنامه) . برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

خرمشاهی، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهاءالدین خرمشاهی، متولد ۱۳۲۴، قزوین

– انصراف از رشته پزشکی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ۱۳۴۲

– اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۷

– دکترای کتابداری از دانشگاه تهران

– نویسنده بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله

– سردبیر نشریه فرهنگ از ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۰

– تألیف بیش از ۱۲ جلد کتاب درباره حافظ و حافظ شناسی

– ترجمه قرآن کریم با ۴ هزار یادداشت در ذیل صفحات و واژه نامه ای با ۱۲ هزار لغت

– تألیف فرهنگ شش جلدی انگلیسی – فارسی «واژه پژوهی»

– برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان

حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرهٔ المعارف تشیع.
تعبیری را درباره بهاءالدین خرمشاهی بپذیریم که می گوید: «خرمشاهی در میان نسلی که در سالهای دهه بیست متولد شدند، در سالهای دهه چهل به دانشگاه رفتند و در دهه پنجاه به کار تألیف و تحقیق و ترجمه پرداختند، بی شک بی نظیرترین و برجسته ترین چهره شناخته شده است. کارنامه پر بار و پربرگ او شگفت انگیز است. بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله زاییده پویش و پژوهش بی وقفه و عاشقانه اوست. آن هم در زمانه ای که کار تحقیق و تألیف با ناکامی و نابسامانی بسیار همراه است. استادان دانشگاه جز به تدریس نمی پردازند و کمتر فرصت تحقیق و پژوهش دارند. محققان و نویسندگان ما هم آنچنان درگیر گرفتاریهای پیچیده مادی و گذران معاشند که امکان پژوهش ندارند. در این زمانه عسرت اگر هم نویسنده ای به پرکاری و کثرت آثار شهره شده، کارش را نازل و قدرش را ناچیز می دانند و شعار «کوچک زیباست» را سر می دهند...» بسیارند نویسندگانی که دقت و سرعت را در هم آمیخته اند و هم کمیت و هم کیفیت کارشان درخشان است. خرمشاهی در زمره همین نویسندگان است. آثارش گسترده سرشار از تنوع است، نکته یاب و باریک بین است، کوشا و کوشنده و جستجوگر است. لطف بیان دارد و زبانش جذاب و شیرین و دلنشین است. پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است، شاعر و مترجم و مصحح و منتقد و ویراستار و دایرهٔ المعارف نویس است. و هر چند یکبار خود را «مؤلف و مترجمی پراکنده کار» نامیده، اما متفنن نیست. بی شک در دو حوزه تخصصی قرآن پژوهی و حافظ پژوهی کم نظیر است. بهاءالدین خرمشاهی متولد فروردین ۱۳۲۴ قزوین است و در آستانه ۶۰ سالگی می گوید: «من به چند روایت و اختلاف در روز دوازدهم فروردین ۱۳۲۴ دیده به جهان گشودم. سالهای ابتدایی عمر و تحصیلم را در دبستان رزبان و دو دبیرستان دیگر سپری کردم. رشته طبیعی خواندم. ولی همه عشقم به ادبیات فارسی و علوم قرآنی و علوم اسلامی معطوف بوده و هست.» پدرش اولین معلم علم و ادب و شیوه زندگانی اوست. و اگر عربیتی آموخته باشد از فضل پدر بوده است. از نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر و از ویراستاران دایرهٔ المعارف حاضر. تفسیر مورد بحث در یک مجلد به قطع بزرگ رحلی و شیوه ادبی دایرهٔ المعارفی شامل تمام قرآن کریم است مؤلف پس از درج هر یک صفحه از مصحف شریف، در ستون مقابل ترجمه فارسی آن را آورده سپس کلمات مشکله و متشابه و غریب هر آیه و مفاهیم کلیدی و مسائل و عبارات دشوار را ذیل آن توضیح می دهد. این ترجمه همراه با تفسیر از سوی مؤسسات انتشاراتی نیلوفر و جامی به طبع رسیده و نزدیک به انتشار است. در پایان این تفسیر واژه نامه قرآنی – فارسی و چند مقاله در زمینه تاریخ قرآن و عدم تحریف آن و مسائل دیگر قرآن پژوهی درج گردیده است. مؤلف از جمله محققین شیعه است که چهار اثر در زمینه قرآن پژوهی و تفسیر نگاشته است که سه دیگر آن عبارتند از: ۱) فرهنگ موضوعی قرآن مجید در یک مجلد به زبان عربی و فارسی با همکاری استاد محقق توانا آقای کامران فانی این اثر شامل تدوین کلمات قرآن بر اساس موضوعی است. شیوه ساده مؤلفان در تنظیم کلمات و لغات قرآن، به ترتیب حرف اول کلمه بر اساس ابجدی یا دقیقتر بگوئیم ابتثی است – و نه بر رسم فرهنگهای کهن عربی که از روی ماده اصلی کلمات تنظیم یافته است. لذا مبتدیان و علماء و محققین یک سان بدون زحمت، خواسته خویش را در اندک زمان به دست می آورند. این اثر نزدیک به هشت هزار مدخل از موضوعات قرآنی را با ذکر نام سوره و شماره آیه در برابر آنها دربردارد. طبع اول این اثر در ۱۳۶۴ ش از سوی نشر فرهنگ معاصر (تهران)، و طبع دوم آن در ۱۳۶۹ ش از سوی انتشارات الهدی صورت گرفته است. ۲) قرآن پژوهی : در یک مجلد به زبان فارسی، شامل هفتاد بحث و تحقیق قرآنی است که توس ط نشر مشرق در تهران در ۱۳۷۲ ش طبع گردیده است. ۳) تفسیر و تفاسیر جدید در یک مجلد به زبان فارسی (تهران، کیهان، ۱۳۶۴ ش) این اثر توس ط عصام حسن به عربی ترجمه گردیده و در بیروت توسط انتشارات دارالروضهٔ طبع و نشر گردیده است (۱۹۹۱/۱۴۱۱ ق). درباره پدرش می گوید: «اولین معلم قرآنی و عربی من پدرم بود. گاهی در ایام تحصیل در دانشگاه بین من و پدرم نامه های عربی رد و بدل می شد که ایشان از این کار بسیار به وجد می آمدند. هر چند که عربی هر دوی ما عجمی بود.» خرمشاهی در سال ۱۳۴۲ ایام دبیرستان را به پایان می رساند و با شرکت در اولین دوره کنکور رد می شود. چرا؟ می گوید: «من می بایست امتحان ادبی می دادم در حالی که دانش آموز رشته طبیعی بودم. اما با خواندن کتابهای ادبی در سال بعد موفق شدم در دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز، در رشته ادبیات فارسی قبول شوم. در ضمن در حد فاصل ردی اول و قبولی دوم یک سال فاصله زمانی وجود داشت که من در همان خلال به دانشگاه ملی (آن روزگار) که در همان سال تأسیس شده بود رفتم (۱۳۴۲). وجه تسمیه ملی برای این دانشگاه بیشتر به علت پرداخت شهریه اش بود. لاجرم پدرم از یکی از نزدیکان وام گرفت تا من بتوانم وارد دانشکده پزشکی شوم و شهریه سنگین ۵ هزار تومانی اش را پرداخت نمایم. اما این رشته دانشگاهی برای من چندان دوامی نداشت چرا که من دلی درگیر ادبیات و سری در سودای عربیت داشتم و لاجرم از رشته پزشکی انصراف داده و سال بعد با قبولی در کنکور وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم.» او در دانشگاه تهران، نزد اساتیدی چون دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر فره وشی، استاد پورداوود، استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی، دکتر سید صادق گوهرین، دکتر مهدی محقق، دکتر سید جعفر شهیدی و... تلمذ می کند. با این همه خودش دکتر عبدالحمید بدیع الزمانی را دومین معلم قرآنی خود می داند و می گوید: «هر هفته در محضر و کلاس او سؤالاتی که در حین قرائت قرآن برایم موضوعیت می یافت مطرح می کردم.» بهاءالدین خرمشاهی در سال ۱۳۴۷ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ التحصیل می شود و پس از گرفتن لیسانس ادبیات، رشته کتابداری را انتخاب می کند و پس از آن به انجمن حکمت و فلسفه می رود. از مهمترین علایق زندگی بهاءالدین خرمشاهی قرآن است و قرآن پژوهی. درباره اش می گوید «اصلاً بدین صورت نیست که هر کسی تحصیلکرده باشد بتواند قرآن را بفهمد و گاهی حتی از عهده روخوانی قرآن نیز برنمی آیند تا چه رسد به فهم عبارات و تفسیر قرآن، که در حقیقت این روند روخوانی و فهم عبارات و تفسیر مستلزم یک عمر جهد و ممارست و عشق و علاقه است که عمری پنجاه ساله می طلبد تا شخص از عهده آن برآید. بنده شاید به تقریب حدود چهل سال از عمرم را صرف این کار کرده ام و فعالیتهای مستمری در حوزه قرآن پژوهی و حافظ پژوهی نمودم و با یک نگاه اجمالی در می یابم که حتی همین مدت طولانی نیز هنوز چندان کافی نیست و عمر بیشتری می طلبد تا به فهم دقایق و رموزات قرآن و حافظ، توأمان، پی ببریم. و با آن که ده کتاب قرآنی و پانصد مقاله قرآن پژوهانه نوشته ام هنوز فکر می کنم که از آن آب و گل اولیه بیرون نیامده ام. از خداوند بزرگ مسألت

دارم تـا مـا قرآن را مهجور نگیریـم. چرا کـه مهجور گرفتن قرآن چنین نیست کـه مـا قرآن را نخوانیم یـا که کم بخوانیم، بلکه مهجوریت قرآن زمانی آغاز می شود که به مفاد قرآن توجه نکنیم و در آن تدبر ننماییم.»

برخی از تألیفات او عبارتنـد از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داسـتان دیگر (ترجمه)، عرفـان و فلسـفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریـخ فلسـفه (ترجمه)، کتیبه ای بر بـاد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبـان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرهٔ المعارف تشیع.

خزائلی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی خزائلی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج شـیخ محمـد علی خزائلی فرزنـد عبد الله در ۲۶ دی مـاه ۱۳۳۴ هجری شمسـی در خـانواده ای زحمتکش و کشاورز و مـذهبی وابسـته به روحـانیت در شهرسـتان شـهید پرور و مهـد علم و ایثـار ، نجف آبـاد چشم به جهـان گشود و در دامن مادری پاکـدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصـطفایی ، تربیت و پروش یافت و ازآغاز نوجوانی علاقه وافری به روحـانیت اصـیل و متعهـد و مراکز دین و مساجـد و حـوزه هـای علمیه داشت و در ضـمن فراگیری علوم جدیـد ، در کـار کشـاورزی همراه بـا پـدر بزرگوارش شـرکت داشت. پس از اتمـام دوره راهنمایی (سال ۱۳۴۹) در سن شـانزده سالگی ، تشـنگی و شوق زایـد الوصف به معـارف دینی و نامساعـد بودن اوضـاع اجتمـاعی آن زمـان و کـافی نبودن محیـط مـدارس دولتی برای تـامین خواسته های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس اخلاق ، عقاید ، صـرف ، نحو ، ادبیات ، منطق ، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضـر اساتید بزرگواری نظیر : مرحوم آیت الله حاج شـیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصـفهان ، حاج دایی خود حجه الاسـلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی ، مرحوم سید محمد باقر حسنی ، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت ، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال ۱۳۵۵ راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر ، آیات : فاضل هرندی ، سـتوده ، سـید علی محقق داماد و سـید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس حوزوی تحصـیلات متوسـطه را به انجام رسانیـد و موفق به اخذ دیپلم گردید . پس از گذراندن سـطح عالی علوم حوزوی شـروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه ، اخلاق ، عرفان (کتاب های منظومه ، منطق و حکمت ، اسفار ، فصوص الحکم و مصباح الانـس ، علم هیئت) را از محضـر حضـرات آیـات : مرحوم ایزدی ، انصـاری شـیرازی ، گرامی ، جوادی آملی ، محمـدی گیلانـی و حسن زاده آملی به طور کامـل در سالیـان متمـادی فرا گرفت و علم رجـال و درایه را خـدمت اساتیـد بزرگوار ، آیـات : آقا موسـی شبیری زنجانی ، جعفر سـبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسـیرقرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی ، و حضرات آیات : خزعلی ، مشکینی و جوادی آملی بود .

خارج فقه و اصول را مدت قریب ۲۵ سال خدمت حضـرات آیات عظام : گلپایگانی ، حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج شیخ حسینعلی منتظری ، حاج شـیخ محمد فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی و مکارم شـیرازی بود و سـرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصـه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد . مبارزات و فعالیت های سیاسی : ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسـی و اجتماعی و مبارزاتی بود . در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگوگیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم سـتم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسـخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چنـدین بار تحت تعقیب و به زنـدان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسـلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشـتند و در زنـدان و تبعیـد به سـر می بردند به نشـر و تکثیر رساله های عملیه حضـرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت . هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم ، شب و روز در فرصت های مناسب سـعی می کرد با هدایت حجه الاسـلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد .

در شهرسـتان هـای مختلف کشور به خصوص منـاطق محروم به تشـکیل کلاس هـای روشـنگرانه و آگـاهی بخش برای نوجوانان و جوانـان عزیز میپرداخت و بـا عشق و علاقه و ایمـانی که به تبلیغ و ارشـاد داشت در منـاطق دزفول و شـهر کرد و اصـفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت . طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعـدادی از آنها به شـهادت رسـیدند و تعـدادی هم اکنون بحمـد الله از فضـلای آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند .

نـامبرده بـا عشق و ایمـانی که به تبلیغ و ارشـاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسـلامی و قرآن و مقـدمات انقلاب و افکار

عـالی علمـای بزرگ و راسـتین آشـنا نمـود . بارهـا از طرف مـاموران سـاواک و چماقـداران رژیم سـتم شـاهی در هجوم به مسـاجد شهرسـتان های محروم مثل شهرسـتان بن شـهر کرد ، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شبانه از آن محـل در شب تاسوعـا بـا لبـاس مبـدل فراری داده شـد . اما اسـتاد در این راسـتا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپـایی نظـام عادلانـه الهی و اسـتقرار آزادی قلم و بیـان و انـدیشه در چارچوب حکومت اسـلامی داشت از هیـچ تلاش و کوششـی فروگـذار نکرد ، و بـا اسـتقلال و اراده قـوی شب و روز در کنـار تحصـیل و تـدریس در حوزه و دانشـگاه ، مراکز علمی ، محافـل و مساجـد و مراکز تبلیغی به مبـارزه خود علیه رژیم طـاغوت ادامه داد تا بحمـد الله انقلاب اسـلامی به پیروزی رسـید . با شـروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چنـد نوبت به یاری رزمندگان عزیز- که بسـیاری از آنان هم اکنون متنعم به نعم الهی در بهشت برین انـد شـتافت و انجام وظیفه نمود . بعـد از پیروزی انقلاب نیز در سـنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت .

تـدریس : سابقه تـدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شـروع شـد و هر چه ر ا فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شـهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات ، فلسـفه ، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به ۳۰ سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرسـتان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند . ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسـفه و کفایه را تـدریس نموده است و الان ۹ سال است مشـغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شـیخ و فلسفه هستند . همچنین نزدیک ۱۶ سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند .

خزعلی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم خزعلی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۴/۱/۱

آیـهٔ الله ابوالقـاسم خزعلی، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسـی در بروجرد، از توابع اسـتان لرسـتان چشم به جهـان گشود. پـدرش مرحوم غلامرضا، به شـغل ندافی روزگار می‌گذراند و بسیار شیفته خاندان پیامبر (ص) بود؛ به گونه‌ای که شبها فرزند خود را به روضه‌های مخفی و منبرهای اسـتادان با سواد آن روزگار می‌برد تا بذر عشق و محبت به قرآن و اهل بیت : در دل و جان فرزندش شکوفه بزند. اوضـاع اقتصـادی خـانوادهٔ آیـهٔ الله خزعلی نابسامـان بود تا آنجا که مادرش، مرحوم ربابه، مجبور بود محصولات غـذایی خانگی، از قبیل ترشی تهیه کند و آن را بفروشد تا کمکی برای مخارج خانواده باشد. آقای خزعلی ده ساله بود که به همراه خانواده و برخی از بسـتگان به مشهد مقدس مهاجرت کرد و در آنجا روزگار گذرانید. دوران تحصیل آیهٔ الله خزعلی، در ۶ یا ۷ سالگی به مکتب خانهٔ محلـهٔ «سـرسوزنی» در بروجرد رفت. معلّم او فردی بود به نام «سـید جعفر شـیرازی» که در مسـجد محلّه درس می‌گفت. با هجرت به مشـهد به دبسـتان رفت و پس از قبولی در امتحـان، در کلاس چهـارم ابتـدایی مشـغول به تحصـیل شـد و همواره از شاگردان نمونهٔ کلاس بود. پس از پایان رسانـدن کلاس شـشم ابتـدایی، به دبیرسـتان رفت. در آن زمان در مدارس، زبان فرانسوی تدریس می‌شد؛ وی نیز به فراگیری زبـان فرانسه مشـغول بود که بعـدها آن را رهـا کرد. در سن ۱۷ سـالگی ـ هم زمان با سـقوط حکومت رضاشاه و اشـغال ایران از سوی متفقین ـ به کار نوشتن دخل و خرج مغازه‌ای و توزیع جنسها بین کسبه سرگرم بود تا از این راه، به امرار معاش خانواده کمک کند که ناگهان، بارقه‌های اشتیاق به علوم حوزوی و تحصـیل حوزهٔ علمیهٔ مشـهد دل و جانش را شعله ور ساخت؛ به گونه‌ای که کار و کسب را وانهاد، به تحصـیل علوم دینی روی آورد. مقدمات را در حوزه مشـهد فرا گرفت و برای تحصـیل سطوح به سـراغ اسـتادان ممتاز آن دیار رفت. دو سال قبل از ازدواج راهی قم شد تا از محضر بزرگان آن شهر مقدس نیز بهره گیرد و برای نخستین بار در درس خارج فقه آیهٔالله بروجردی (ره) و خارج اصول امام خمینی (ره) حاضـر شد که این مسأله تا سالها ادامه داشت. همچنین وی در زمینهٔ فلسـفه و تفسـیر نیز از اسـتادان بسـیاری در حوزه علمیه قم بهره برد. اسـتادان و دوستان آیهٔ الله خزعلی در طول دوران تحصـیل خود از محضـر استادان ممتاز و وارستهٔ بسیاری بهره برده است. نخستین استاد وی، مرحوم سید جعفر شیرازی بود که در مکتب خانه به ایشان قرآن و مسائل مذهبی را آموخت. وی از اینکه نخستین اسـتادش یکی از فرزندان پاک حضرت زهرا ٣ بوده اظهـار خرسـندی می‌کنـد و آن را به فـال نیک می‌گیرد. با شـروع به تحصـیل در حوزهٔ مشـهد، صـرف و نحو را نزد شـیخ علی اکبر دامغانی فرا گرفت و کتاب مغنی اللبیب را نزد محقق قوچانی خواند. معالم و لمعه و قوانین را نزد سـید احمد یزدی آموخت. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مرحوم شـیخ هاشم قزوینی و بخشـی از کفایه را نزد شـیخ مجتبی قزوینی فراگرفت. این دو، از اسـتادان ممتاز حوزه علمیه مشـهد در علم و عمـل بودنـد که آثار علمی و معنوی ایشان، هنوز در میان شاگردانشان و در رشـد و تعالی حوزه علمیه مشـهد بـاقی است. آیـهٔ الله خزعلی در قم، در درس خـارج فقه آیـهٔ الله بروجردی (ره) و درس خـارج فقه حضـرت امام خمینی (ره) شرکـت کرد. وی همچنیـن مـدتی در درس آیـهٔ الله بهجـت حاضـر شـد و از محضـر ایـن مرد بزرگ نیز کسب فیض کرد. در بخش فلسـفه، اشارات را نزد مرحوم حاج شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی خواند و در درس منظومه و اسفار علامه طباطبایی حاضر شد. آیهٔ

الله خزعلی در دوران تحصیل و مبارزه با طلاب و فضلای بسیاری همراه بود که از میان آنان می‌توان به شهید آیهٔ الله مطهری، شهید آیـهٔ الله بهشتی و آیـهٔ الله ربانی شـیرازی اشاره کرد.فعالیتهای علمی و فرهنگی آیـهٔ الله خزعلی در سالهای تحصـیل و مبارزه خدمات فرهنگی و علمی شایانی به جامعه اسلامی ارزانی داشته است. مهم‌ترین خدمت فرهنگی ایشان در دورهٔ طاغوت، تنویر افکار عمومی و آگاه کردن جوانان مستعدّ و انقلابی از خطرهای موجود، همچون جریانهای التقاطی و تز اسلام منهای روحانیت و مبارزه با جریان روشنفکری غیر متعهّد بود. وی در سخنرانیهای خود همواره بر اسلام ناب و اصیل پای می‌فشرد و جوانان را به اُنس با علما روحانیّت شیعه و پرهیز از فراگیری اسـلام از دست دیگران دعـوت می‌کرد. در زمینـهٔ فعالیتهـای علمی، تنهـا اثری که از وی به چـاپ رسـیده، تفسیر سـورهٔ فاتحـهٔ الکتـاب است. همچنین او بر شـعرهای عینیّه ابن ابی الحدیـد دربـارهٔ امیرمؤمنـان ۷ شـرحی نگاشـته است و در زمینه‌هـای قرآنی نیز تلاشـهایی انجام داده است. بیشتر مطالعات و فعالیتهای ایشان دربارهٔ قرآن و نهـج البلاغه است. بخش زیادی از زندگی آیهٔ الله خزعلی به مبارزه با رژیم طاغوت مصـروف شده است. او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد، نوجوانی ده ساله بود که فردای حـادثه، بـا پـدرش در محل حاضـر شـده بود و خود می‌گویـد فجایع رژیم پهلوی چنان بود که بر من تأثیر گـذاشت و آن شب، تب کردم! از آغازین حرکتهای ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسـنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دستگیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید. در ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی، آیهٔ الله خزعلی همواره در کنار امام (ره) بود و از جمله، حامـل پیـام ایشان برای علمای نجف آباد شـد. همچنین وی در هیجـدهم فروردین ماه ۱۳۴۳ به دیـدار امام رفت. امام (ره) به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشـته بود مبنی بر اینکه امام با دسـتگاه شاه کنار آمده و آزاد شد. این مطلب باعث تأثر امام شـده بود در جلسه‌ای که چنـد روز بعـد در فیضـیه تشکیل شده بود، آیهٔ الله خزعلی به دسـتور امام بر سـر منبر رفت و ماهیّت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سـخنرانی، در آن روزگار، به دلیل حماسی و مستحکم بودن، مشهور شـد. آیـهٔ الله خزعلی در طول دوران رژیم شاه، یک بار در زنـدان قزل قلعه زنـدانی شـد و سه بار تبعیـد شـد. تبعید نخست ایشان به گناوه و دامغان بود که سه سال به طول انجامید. تبعید دوم به زابل بود و در تبعید سوم پنهان شد و روی نشان نداد. در این زمان بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای در مخفیگاه به دیدار ایشان رفته و با هم از نزدیک آشنا شدند. آیهٔ الله خزعلی در گزارشهای ساواک، روحانی افراطی، اخلال گر طرفدار خمینی نامیده شده بود. در تبعید سوم وی پنهان شده بود تا ساواک نتواند او را دسـتگیر کند. در این هنگام خبر شـهادت فرزنـدش در قم به دست او می‌رسـد. آیهٔ الله خزعلی در تشـییع جنازهٔ فرزندش شـرکت می‌کند. او هرگز در تشییع فرزندش، اشک نریخت و خدا را در آن مصـیبت سپاس می‌گفت. امضای آیهٔ الله خزعلی در بسـیاری از بیانیه‌ها در مرجعیت امـام (ره) و لزوم مبـارزه بـا رژیم شـاه به چشم می‌خورد. همچنین وی در دوره طاغوت، همکاری نزدیکی با جامعـهٔ مدرسـین حوزهٔ علمیه قم و اعضای آن داشته است و در مبارزات آن مرکز با رژیم شاه به طور جدی شرکت می‌کرده است. از دیگر فعالیتهای او در پیش از انقلاب اسـلامی، حمل پیامهای امام (ره) به آیهٔ الله سید کاظم شریعتمداری و همچنین دریافت پاسخ آیهٔ الله شریعتمداری به امام(ره) بوده است. حضـرت آیهٔ الله خزعلی پس از پیروزی انقلاب اسـلامی نیز فعالیتهای گسترده‌ای برای پیشبرد انقلاب انجام داده است. وی در این سالها، همواره یار صـدیق امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسـلامی، حضـرت آیهٔ الله خامنه‌ای بوده و همواره مردم را به پیروی از ولایت مطلقـهٔ فقیه، و شـناخت هوشـمندانهٔ توطئه‌های دشـمن و نیز مبارزه با خط نفاق تشویق می‌کرده است. آیهٔ الله در طول دوران جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره مایهٔ دلگرمی رزمندگان اسلام بوده است.

خسروان، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد حسـین خسروان در سال ۱۳۱۸ در سبزوار بدنیا آمد.از آنجایی که برای ورود به مدرسه سـنش به حد نساب نمی رسـید پـدرش سن او را چنـد سال بزرگتر یعنی ۱۳۱۳ گرفته بود.او پس از اخذ دیپلم تحصـیلات دانشـگاهی خود را در دانشـگاه فردوسی مشـهد شـروع کرد و موفق به اخذ مدارک به ترتیب کارشناسی،کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی شد.ایشان تا کنون حدود نیم قرن است که در آموزش و پرورش (تربیت معلم) ودانشگاهها به تدریس مشغول است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انسـاب : پـدر و مـادر محمـد حسـین خسـروان دار فـانی را وداع گفتنـد. وی جمعا چهار برادر و سه خواهر به نامهای علی رضا،علی اکبر،محمد حسین و محمد حسن و فاطمه زهرا،فاطمه صغری ،فرخ هستند.

خاطرات کودکی : محمـد حسـین خسـروان کودکی را در سبزوار گذرانـد او به خواندن قران و مطالعه برخی کتابهای موجود ،مانند گلسـتان ،عـاق والـدین و غیره می پرداخت.دکـتر خسـروان به همراه برادران و خواهران خود در منزل به بازیهـای کودکـانه مشـغول بودند که وی از این دوران خاطرات خوبی را بیاد دارد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد حسین خسروان در خانواده ای مذهبی که به ائمه اطهار دلبسته بودند بدنیا آمد.

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : محمـد حسـین خسـروان از سن چهـار سـالگی به مکتب رفته و قرآن و آمـوزه هـای دینی و همچین چنـدین کتاب از جمله عاق والدین،گلسـتان و غیره را خوانده است.او دوران ابتدایی و متوسـطه را را در سبزوار طی کرد.ایشان پس از اخذ دیپلم در آموزش و پرورش سبزوار به امر تدریس مشـغول شد.دکتر خسـروان کارشناسـی ،کارشناسـی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه فردوسی مشهد گذراند.

خـاطرات و وقـایع تحصـیل : محمـد حسـین خسـروان از دوران تحصـیل چنین خـاطره ای را بیاد دارد: دوران متوسـطه دوران عجیبی

بود.عده ای با چاقو و پنجه بوکس به کلاس می آمدند.می بایست موی سر کوتاه باشد،سال آخری ها زیر بار نمی رفتند.بیاد دارم که آخرین جلسه امتحان بود که رئیس فرهنگ یک سلمانی آورده بود،که در هنگام نوشتن ورقه ،سر ما را به صورت چهار راه در آوردند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : تمام فعالیت های محمد حسین سروان در راستای تحصیل و ورزش بوده است.

همسر و فرزندان : دکتر محمد سین خسروان متاهل است.وی درباره همسرش چنین متذکر میشود:همسر من خردمند و خانه دار است. تام هم و غمش این بوده و هست که مایه آرامش باشد ،به بهداشت و غذا اهمیت زیادی قائل است. ایشان دارای دو پسر و دو دختر دارد که همگی آنها دارا تحصیلات دانشگاهی می باشد.

فعالیتهای آموزشی : محمد حسین خسروان حدود نیم قرن است که در کسوت معلمی و استادی به تدریس می پردازد. او تا کنون بیش از ۲۰۰ رساله کارشناسی ارشد و دکترای را راهنمایی کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد حسین خسروان در کنار تدریس به تحقیق و مطالعه در زمینه های ادبی و غیره می پردازد.

همفکران فرد : دکتر خسروان خود را با همکاران دانشگاهی خود همفکر می داند.

چگونگی عرضه آثار : محمد حسین خسروان بیش از ۳۰ جلد کتاب و مقاله متشر کرده است. ---

آثار :

۱ افسانه خیر و شر

ویژگی اثر : تالیف

۲ اوج و انحطاط سبک هندی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدحسین خسروان ناشر: سخن گستر - ۱۳۸۳.این کتاب چکیده رساله دکتری دکتر خسروان است

۳ تو نیکی می کنی و در دجله انداز

ویژگی اثر : تالیف

۴ خزان و بهار

ویژگی اثر : این اثر مثنوی گرانقدر را نیز با تهیه چند نسخه خطی به بازار عرضه شد.مطالب و حکایت بسیار نغز و ارزنده دارد.نثر شیوا و روان است.

۵ داستانهای باستان

ویژگی اثر : تالیف

۶ گلشن توحید

ویژگی اثر : نسخه خطی بود که بر اثر تلاش فراون چند نسخه خطی از کتابخانه های اینجا و آنجا فراهم آورده و به زیور چاپ آراسته شده.منظوم است بیتی از مثنوی مولوی است. و شاهدی" دده "در پنج بیت آن را شرح کرده است.

۷ مضمار دانش

ویژگی اثر : تالیف

خسروپناه، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین خسروپناه

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالحسین خسروپناه دزفولی در سال ۱۳۴۵ در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود وی در کنار دروس متوسطه (رشته تجربی) از سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ در مقطع سطح سوم فارغ التحصیل شد دروس حوزوی، را در مقطع سطح سوم از محضر اساتید مجرب در حوزه علمیه دزفول از جمله آیات مکرم آقای قاضی دزفولی، تدین نژاد، مدرسیان، سبط شیخ انصاری بهره برد، از ویژگیهای حوزه علمیه دزفول این بود که علاوه بر دروس رسمی حوزه علمیه به تدریس کتب دیگر ادبی و فقهی و اصولی از جمله شرایع الاسلام، حلقات شهید صدر، قوانین و شرح مطول پرداخته می‌شد وی در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را درحوزه علمیه قم آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی در حوزۀ علمیه قم حدود ۱۲ سال بهره برد. وی در کنار دروس خارج به دروس تخصصی کلام اسلامی نیز اشتغال داشت و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای کلام اسلامی با رتبه اول از مؤسسه امام صادق علیه السلام فارغ التحصیل شد و پایان نامه خود را با عنوان انتظارات بشر از دین به اتمام رساند تحصیل فلسفه و تفسیر از دیگر ویژگیهای تحصیلی وی است که از سال ۱۳۶۴ تاکنون ادامه داشته و از محضر اساتیدی چون آیت الله تدین‌نژاد ، آیت الله حسن‌زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت

الله سبحانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاده هـای فراوان برده است. وی از سال۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ در کنار تحصیلات حوزوی و کلاسیک در سالهـای دفاع مقـدس به فعالیتهای نظامی پرداخت و در عملیاتهای مختلف به عنوان دیـده بان و... شـرکت جست ، از دیگر فعالیتهـای ایشـان می توان برگزاری جلسـات قران در مساجـد دزفول برای جوانان و نوجوانان را نام برد ایشان ازسال ۱۳۷۰ در کنار تحصیل به فعالیت پژوهشـی اشتغال ورزید و فعالیت‌های فردی و جمعی را دنبال کرد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشی اصـطلاح نـامه فلسـفه مرکز مطالعـات تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ مدیریت اداره پژوهشـی نهاد مقام معظـم رهـبری در دانشگاه‌ها و از سـال ۱۳۷۷ تـا ۱۳۸۲ مـدیریت اصـطلاح نـامه عرفـان دایرهٔ المعـارف علوم عقلی و از سـال ۱۳۷۹ مدیریت گروه فلسـفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۹ جانشین مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم را به عهـده داشت، وی از سال ۱۳۶۲ در کنار تحصـیل به تدریس دروس حوزه اشـتغال داشـته و تا کنون در مدارس علمیه دزفول و قم و مؤسـسه امام صادق و مؤسسه امام خمینی جامعهٔ الزهراء به تدریس ادبیات، فقه ، اصول ، فلسفه و کلام مشغول بوده و هست و نیز از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تربیت معلم دزفول و دانشگاههای شهید چمران اهواز، شهید بهشتی تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانشگاه مذاهب به تدریس دروس فلسفی و کلامی اشتغال داشته و از سال ۱۳۷۱ در کنگره‌ها و همایش‌های علمی داخلی وخارجی شرکت جسته و مقالات دارای امتیاز خود را قرائت کرده است

خسروشاهی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن العلامه الورع آیه الله حاج سید مرتضی خسروشاهی از علماء اعلام معاصر تبریز است.

وی در بیست و دوم ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق در تبریز متولد شده و در مهد علم و شرف تربیت یافته و سطوح را در تبریز نزد والد خود و مرحوم آیه الله انگجی به پایـان رسانیـده و برای تکمیـل مبانی علمی به قم مهاجرت نموده و در درس مرحوم آیه الله حایری یزدی و آیه الله حجت و بالاـخص مرحوم آیه الله حاج سـید محمـد تقی خونساری حاضـر شـده تا به مـدارج علم و کمال ارتقا یافته و ضـمنا سالهـا در حوزه علمیه تـدریس فقه و اصول و کلاـم اخلاـق نموده تا بعـد از فوت مرحوم والـدش به تبریز مراجعت و تا هم اکنون به اقامه جماعت در مسجد والدش و به تدریس فقه و اصول در حوزه تبریز اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خسروشاهی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضـی بن العالم الجلیل السـید احمد بن العلم العلام و الحجه الاسـلام محمد بن العلامه السـید علی ابن آیه الله السید ابوالحسن خسروشاهی از علماء اعلام و مجتهدین عظام آذربایجان و تبریز بوده‌اند، معظم له در تاریخ ۱۴ شوال ۱۲۹۹ قمری در نجف الاشرف متولـد شـده و سـپس باتفاق والـد ماجدش به تبریز آمده و مشـغول تحصـیل گردیده و مقدمات و قسـمتی از فقه و اصول را در تبریز فراگرفته و در سن بیست سـالگی برای ادامه تحصـیلات عزیمت به نجف نموده و پس از تکمیل تحصـیل و نیل به مقام عالی اجتهاد دوباره به تبریز برگشته و دهها سال مشغول انجام وظائف علمی و معنوی از قبیل تدریس طلاب و وعظ و ارشاد در مسجد خود و امر به معروف و نهی از منکر شدند.

در سال ۱۳۱۳ شمسـی آن جناب به اتفاق جمعی دیگر از علماء تبریز به علت مخالفت با بعضـی از بـدعتها به سـمنان تبعید و زندانی شـده و بعد از چندی آزاد و به همراهی جمعی از علماء که با وی بودند به مشـهد مقدس مشـرف و عده‌ای از آنها اقامت و معظم له پس از چندین ماه اقامت بنابر تقاضا و اصـرار مردم آذربایجان به تبریز مراجعت نموده و در مسـجد بزرگ خود به مبارزه با دشـمنان اسـلام پرداخته مخصوصـا در زمـان فتنه پیشه‌وری‌هـا بـدون ترس و واهمه با خطابه‌های آتشـین خود وظیفه خود را در برابر خائنان و دشـمنان بـدین مقـدس انجام دادنـد و این مبارزات ایشان تا اندازه‌ای توده‌ای‌ها را عصـبانی و ناراحت نمود که تصـمیم قتل ایشان را گرفتند که در روز (عید خون) که بنا داشـتند عده‌ای از علماء و رجال آذربایجان را بکشـند ایشان را هم بقتل آورند که شب معهود بلطف پروردگار پیشه‌وری و یارانش فرار و آن فرقه مضمحل گردیده و آقایان مذکور از خطر آزاد شدند.

سید مرتضـی متولد ۱۲۹۹ ق بن العـالم الجلیـل حـاج سـید احمـد آقـا از علمـاء طراز اول و فقهاء طبقه اولای تبریز عالمی تقی نقی و فاضـل و فقیهی بـارع و جـامع و در امر بمعروف و نهی از منکر متصـلب و در حفـظ قـوانین دینیه و نـوامیس شـرعیه و حرمـات الهیه متعصب و خشن بوده‌انـد، آن جنـاب در شـشم مـاه رجب ۱۳۷۲ ق بـدرود حیـات گفت و از خود آثـار چنـدی از تألیفات و پسـران دانشمندی بجای گذارد.

تألیفات آن جناب

۱- فوائد الافهام فی شرح قواعد الاحکام که جلد طهارتش تمام شد.

۲- نثارات الکواکب علی خیارات المکاسب.

۳- اهداء الحقیر معنی حدیث الغدیر که به طبع رسیده است و چندین رساله دیگر.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خسروی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خسروی همدانی فرزند مرحوم علی حسین از فضلاء مبلغین و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و دانش و ولایت و بینش آراسته و موصوفند.

ایشـان در سال ۱۳۴۱ قمری در سایان در جزین همـدان متولـد شـده و در محل خود پس از خوانـدن دروس فارسـی اشـتغال به علوم عربیت نموده و بعـد عزیمت به همدان کرده و در حوزه همدان مدت ۱۸ سال از اساتید و آیات عظام شهرسـتان استفاده نموده و در چهلمیـن روز درگـذشت آیـت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقفـامه بـه قـم آمـده و بـا تشویـق و تاکیـد بعضـی از آیـات گذشـته رضوان‌اللّه تعالی علیه وآیت‌اللّه العظمی گلپایگانی مدظله و مرحوم آیت‌اللّه حاج شـیخ راضـی نجفی تبریزی اسـتفاده نموده و از راه منبر و تبلیغ احکام اسلام و معارف فقه اهل بیت علیهم‌السلام خدمات بسیاری در قم و یزد و همدان و سایر نقاط نموده و می‌نماید.

نگارنـده گویـد: جنـاب حـاج آقـای خسـروی واعظی متعـظ و خطیبی بلیغ و ادیبی اریب و عـالمی عامـل و اهل ولایت و اخلاص به خانـدان رسـالت است منبری آموزنـده و سازنـده دارد که مسـتمعین و شـنوندگان را تحت‌تـاثیر حـال و قـال خود قرار می‌دهـد خود می‌گریـد و دیگران را می‌گریانـد یـا در منزل آیـات عظـام قم و مجـالس و محافل مـذهبی ایام محرم و صـفر و فاطمیه و زینبیه و ماه رمضـان که مـاه عبـادت و دعـا و تبلیغ است با سـخنان دلنشـین خود همه را مجـذوب می‌نمایـد مخصوص در موقع خوانـدن مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام.

چند سالی در ایام شـهادت صدیقه صـغراء نایبه الزهراء زینب کبری علیهاالسلام در منزل بنده سخنرانی نموده و عموم مردم خصوص دانشمندان حاضر را مستفیض می‌فرمودند.

تألیفاتی درباره چهارده معصوم علیهم‌السـلام دارد که می‌فرمودنـد به هیـچ از نوشته آثارم دلبسـتگی نـدارم چون عمل خالص کساد است مگر اسـامی شـهداء کربلا روحی لهم الفـداء که در مـدتی که اشـتغال به تشویق مؤمنین برای تکمیل کاشـیکاری مسـجد اعظم داشـتم به خواهش حقیر از آیت‌اللّه زاده بروجردی حشـره‌اللّه مع اجداده سـلام‌اللّه علیهم اجمعین دسـتور فرمودند در دیوار مسجد به یادگار ماند که در قم سابقه نداشته که امید دارم قبل از رسیدن اجلم به فریادم برسند.

آقای خسـروی دارای فرزندانی می‌باشـند که یکی از آنها به نام آقا شـیخ علی خسروی از طلاب و محصلین حوزه علمیه‌اند و دو نفر دیگر آنان به نام آقا شـیخ مرتضـی خسـروی شـهید جنگ تحمیلی و دیگر به نام آقا شـیخ مهدی خسـروی شـهید و مفقود الجسد از قربانیان حوزه علمیه‌اند جزاه اللّه اجر الصابرین.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خطاط، نسرین دخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکـتر نسـرین دخت خطـاط ،مترجم و محقق زبـان فرانسه ،در سـال ۱۳۲۳ در تهران بــدنیا آمـد. وی پس از طی دورهـای ابتـدایی و متوسـطه ، در دانشـگاه تهران در رشـته زبـان و ادبیات فرانسه ادامه تحصـیل داد. او در سال ۱۳۴۷ درجه کارشناسـی اش را از همین دانشگاه دریافت کرد و در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشـته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسـی ارشد) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصـیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسـی آغاز کرد و درسال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبـان و ادبیـات فارسـی اش را دریـافت کرد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه, دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : زبـان و ادبیات فرانسـهوالدین و انساب : نسـرین دخت خطاط فرزنـد عزت الله خطاط است.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : نسـرین دخت خیاط دوران متوسـطه اش را در دبیرستان آزرم تهران در رشته طبیعی و در فاصله سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۲ سپری کرده و سپس در دانشـگاه تهران در رشـته زبـان و ادبیـات فرانسه ادامه تحصـیل داد. او در سـال ۱۳۴۷ درجه کارشناسـی اش را از همین دانشـگاه دریافت کرد و در فاصـله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشـته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسـی ارشد) ادامه تحصـیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصـیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشـته زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد و درسال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را دریافت کرد. موضوع پایان نامه او، بررسی یکی از رمان های گوسـتاو فلوبر نویسـنده مشـهور قرن ۱۹ فرانسه است که در ایران او را بیشـتر به واسـطه کتـاب «مـادام بوآری» می شناسـندهم دوره ای هـا و همکـاران : نـام نسـرین دخت خطـاط همچنین نـام مهوش قـدیمی، همکـار و یار قـدیمی اش را به یاد می انـدازد. این دو توانسـته انـد با همکاری و همیاری یکـدیگر آثار بسـیارخوب و وزینی را در عرصه ادبیات پژوهش تـدوین و ترجمه نماینـد که «تاریـخ ادبیات فرانسه» (جلـد پنجم: قرن بیسـتم) پیدایش رمان فارسـی نوشـته کریسـتف بالایی از آن جمله استمشاغل و سمتهـای مورد تصـدی : سوابق کـاری و مـدیریتی نسـرین دخت خطاط به قرار زیر است: اسـتاد و مـدیر گروه زبان و ادبیات فرانسـه دانشـگاه شـهید بهشتی نـائب رییس انجمن ایرانی زبـان و ادبیات فرانسه سـردبیر نشـریه PLUME (قلم) عضـو هیـات تحریریه مجله

پژوهشی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران عضو کمیته تخصصی سمت فعالیتهای آموزشی : نسرین دخت خطاط» از سال ۱۳۵۴ در دانشگاه شهید بهشتی یا همان دانشگاه ملی به تدریس واحدهای درسی رشته زبان و ادبیات فرانسه و درس های ذیل پرداخت: – تاریخ ادبیات، – نقد ادبی ، – امثال و تعبیرات، – مکالمه متون نظم و نثر، و نویسندگان بزرگ معاصر پرداخته است که این همکاری همچنان ادامه دارد و بسیاری از شاگردان او حالا از مترجمان و محققان به نام هستند. او هم اکنون با سمت استادیار در دانشگاه شهید بهشتی مشغول تدریس است و در نهمین کنگره جهانی استادان زبان فرانسه در کشور ژاپن که در سال ۱۳۷۵ برگزار شد، با ارائه مقاله ای در باره این زبان شرکت داشت و عضو هیأت برگزارکننده این کنفرانس بود. معروفترین مقالاتی که تاکنون از او به چاپ رسیده اند عبارتند از: – آموزش ادبیات فرانسه، تألیف لقمان، ۱۳۷۱ – تألیف روش سمعی و بصری، تألیف لقمان ، ۱۳۷۱ – روش آموزشی متون ادبی ، رشد ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی می باشد که در در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد (تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی) به تدریس می پردازد. وی همچنین استاد راهنما در پروژه های مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد(ادبیات فرانسه و تطبیقی در زمینه نقد مضمونی ، تخیل و زبانشناسی) می باشد. آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی زبان و ادبیات فرانسه و تطبیقی: تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی جوائز و نشانها : – مؤلف برجسته و نمونه سال ۱۳۷۱ منتخب از سوی دانشگاه الزهرا – تقدیر از طرف دانشگاه شهید بهشتی بخاطر کتاب نقد ادبی در سال ۱۳۷۴چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات منتشر شده در مجلات و ژورنالهای علمی : بیش از ۲۱ مقاله نسرین دخت خطاط» تاکنون کتابهای متعددی را نیز در زمینه ادبیات و ادبیات پژوهشی منتشر نموده که معروفترین آنهاعبارتند از: «فرانسه نیمه تخصصی جلد یک و دو (با همکاری) این دو کتاب را مرکز نشر دانشگاهی در سالهای ۱۳۶۳ منتشر کرد که در سال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ شد. از دیگر کتابهای او می توان به کتاب «امثال و تعبیرات» اشاره کرد که با همکاری دیگر نویسندگان توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۵ چاپ شد و درسال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ گردید. نقد ادبی ، آموزش سمعی و بصری، ترجمه تاریخ ادبیات قرن بیستم ، پیدایش رمان معاصر از دیگر کتابهای مشهور اوست. از دیگر کتابهای مهمی که درچندساله اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی منتشر شده است و نسرین دخت خطاط نقشی کلیدی در پدیدآمدن آن ایفا نموده کتاب و یا به عبارت بهتر فرهنگ توصیفی نقد ادبی است که فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده و روانه بازار کرده استآثار : ۱ آموزش زبان فرانسه به روش سمعی و بصری ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی ۲ امثال و تعبیرات، ترجمه تاریخ ادبیات قرن بیستم (ترجمه) ، پیدایش رمان فارسی (ترجمه) ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم –کتاب «پیدایش رمان» فارسی ازجمله کتاب های اثرگذار در سالهای اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی است. کتابی که در سه بخش تدوین شده است و این بخش ها عبارتند از: «پیدایش رمان فارسی»، «رمان در اواخر قرن نوزدهم» و «رمان در قرن بیستم» در این کتاب کریستف بالایی تلاش می کند تا با مطالعه ای تطبیقی ادبیات فارسی را با ادبیات ترک، عرب و ادبیات پنجاب مقایسه نموده وجوه مشترک آنها را بررسی کند. او نحوه پیدایش رمان های تاریخی را ملهم از رمان های اروپایی می داند و بحران های سیاسی، اجتماعی و روشنفکری ادبیات نوین ایرانی را از ابتدای قرن نوزدهم میلادی ارزیابی می کند. او در بخشی از کتاب می نویسد: «خسروی حقیقتاً تحت تأثیر آثار الکساندر دوما ــ کنت دو مونت کریستو و سه تفنگدار، که به فارسی ترجمه شده بودند قرار دارد... جالب آن است که بسیاری از مشروطه طلبان این دوره همچون نویسنده [خسروی] فوق از خاندان مستبد قاجاری، شاهزادگان و اشراف زادگان هستند. او به همین دلیل مجبور به اختفا و سپس تبعید می شود.»۴ پیدایش رمان معاصر (ترجمه) ، تاریخ ادبیات فرانسه ویژگی اثر : (جلد پنجم: قرن بیستم) نوشته پیربرونل و ایوه بلانژه، وانیل کوتی، فیلیپ سلیه و میشل تروفه، از زبان شناسان و محققان برجسته فرانسه است که نسرین دخت خطاط چنانکه پیش از این آمد آن را به همراه دکتر مهوش قویمی یار دیرینه و همکار آشنای خود ترجمه کرده است. کتاب مذکور که کتابی درسی نیز محسوب می شود توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) در پاییز به چاپ رسید. کتاب فوق ترجمه پنجمین و آخرین بخش از یک دوره کامل «تاریخ ادبیات فرانسه» اثر پیر برونل و همکاران او محسوب می شود که بخش های پیشین آن را مترجمان و محققان دیگری ترجمه کرده بودند.۶ فرهنگ توصیفی نقد ادبی ویژگی اثر : این کتاب که از فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده است.۷ نقد ادبی ویژگی اثر : سمت، چاپ پنجم۸ نقد ادبی ، فرانسه نیمه تخصصی

خطی بحرانی، ابوالبحر جعفر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۸ ق)، ادیب و شاعر. در قطیف متولد شد، به بحرین رفت و از آنجا به اصفهان سفر کرد و نزد شیخ‌بهایی تحصیل کرد. ابوالبحر در شیراز درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۴/۲)، اعیان الشیعه (۱۵۸/۴)، الذریعه (۲۹۹/۹)، ریحانه (۱۴۳ –۱۴۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ جعفر)، معجم المولفین (۱۴۶/۳).

خطیب

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دمشقی. جلال‌الدین محمد بن عبدالرحمن شافعی قزوینی خطیب جامع دمشق و دانشمند (ف. ۷۳۹ ه.ق.) از آثار او تلخیص المفتاح و ایضاح است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

خطیب اسکافی، ابوعبدالله محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۱/۴۲۰ ق)، فقیه، ادیب و لغوی. در اصفهان متولد شد. وی نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و در این فن سرآمد و همچنین در نحو و لغت و ادب نیز مشتهر. به گفته سمعانی، ابتدا از اصحاب رای بود و پس از آن اصحاب حدیث شد. خطیب از ابوبکر قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید و ابومنصور سمعانی از وی روایت می‌کرد. از آثارش: «مبادی اللغه العربیه»؛ «نقد الشعر»؛ «لطف التدبیر فی سیاسه الملوک»؛ «دره التنزیل و غره التاویل فی الایات المتشابهه»؛ «شواهد سیبویه»؛ «غلط کتاب العین»؛ «العزه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۲/۷)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳ /۲)، کشف الظنون (۱۹۷۳، ۱۵۷۹، ۱۵۵۵، ۱۴۲۸ -۶۹۱)، لغت نامه (ذیل/خطیب)، معجم الادباء (۲۱۵ -۲۱۴ /۱۸)، معجم المولفین (۲۱۱/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۳۷/۳)، هدیه العارفین (۶۴/۲).

خطیب تبریزی، ابوزکریا یحیی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۲ -۴۲۱ ق)، ادیب لغوی و شاعر. معروف به خطیب. در تبریز متولد شد و در بغداد ساکن. ابوالعلاء معری، ابوالقاسم الرقی، ابومنصور جوالیقی و ابوبکر احمد بن علی، صاحب تاریخ بغداد، از استادان او بودند. در جوانی سفری به مصر کرد و پس از چندی به بغداد بازگشت و به تدریس و تولیت کتابخانه و ریاست علوم ادبی نظامیه آن شهر مشغول شد. در بغداد درگذشت. از آثار وی: شرح «حماسه‌ی» ابی‌تمام؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «شرح سقط الزند»؛ «تهذیب غریب الحدیث»؛ «الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «الملخص»؛ «تفسیر القرآن و الاعراب».[۱]

تبریزی، ابوزکریا یحیی بن علی بن محمد شیبانی از بزرگان لغت و ادب عرب (و ۴۲۱- ف. ۵۰۲ ه.ق.). اصل وی از تبریز است ولی در بغداد نشو و نما یافت و به مصر رفت و سپس به بغداد بازگشت و بدانجا درگذشت. از کتب او شرح دیوان الحماسهٔ لابی تمام در ۴ جزو بزرگ، تهذیب اصلاح المنطق لابن السکیت، شرح سقط الزند للمعزی، اعراب القرآن و غیره است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۹۷/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۸/۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۹ -۳۷)، دایرهٔالمعارف فارسی (۹۰۶/۱)، ریحانه (۱۴۶/۲)، سیرالنبلاء (۲۷۱ -۲۹۶ /۱۹)، الکامل (۲۵۸/۸)، کشف الظنون (۱۹۹۱، ۱۸۰۸، ۱۷۴۱، ۱۷۴۰ -۱۵۶۳، ۱۳۷۷، ۱۳۳۰، ۹۹۲، ۸۱۲، ۷۷۰، ۶۹۲، ۴۴۶، ۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۲۱۵ -۲۱۴ /۲)، وفیات الاعیان (۱۹۶ -۱۹۱ /۶)، هدیه العارفین (۵۱۹/۲).

خطیب رهبر، خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر خلیل خطیب رهبر در سال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی در شهر کرمان دیده به جهان گشود.ایشان در سال ۱۳۳۶مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران اخذ کرد.در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۴۵ به درجه استادی ارتقاء یافت. وی در سال ۱۳۵۹ پس از ۳۷ سال خدمت آموزش به افتخار بازنشستگی نایل آمد. تصحیح کتاب" مرزبان نامه " ایشان ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : خلیل خطیب رهبر تحصیلات ابتدائی و دوره دانشسرای مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند و در سال ۱۳۲۴ برای ادامه تحصیل در دانشسرای عالی به تهران آمد. در سال ۱۳۲۸ بارتبه اول به احراز درجه لیسانس در رشته زبان

فارسی و گرفتن مدال درجه اول علمی نائل آمد و به دبیری پرداخت. در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی سرافراز گشت

استادان و مربیان : خلیل خطیب رهبر در سالهای تحصیل در دانشکده ادبیات، علاوه بر استفاده از محضر استادان بزرگ دانشگاه تهران از قبیل استاد فقید همایی، از محضر شادروان استاد محمدعلی ناصح رئیس دانشمند انجمن ادبی ایران بهره ها برد و در مدت سی و هشت سال آموزش در محضر استاد ناصح، بسیاری از متون نظم و نثر کهن را آموخت و از ذهن توانا و طبع وقاد استاد در حل مشکلات یاری جست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خلیل خطیب رهبر در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۴۵ به درجه استادی ارتقاء یافت. در سال ۱۳۵۹ پس از ۳۷ سال خدمت آموزش به افتخار بازنشستگی نایل آمد

جوائز و نشانها : خلیل خطیب رهبر در سال ۱۳۲۸ بخاطر احراز رتبه اول در مقطع لیسانس در رشته زبان فارسی مدال درجه اول علمی را از آن خود کرد.همچنین تصحیح" مرزبان نامه " ایشان ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --
----

آثار :

۱ تصحیح دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی

۲ تصحیح گلستان سعدی

۳ تصحیح مرزبان نامه

ویژگی اثر : این کتاب برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره سوم انتخا کتاب سال می باشد.-آشنایی با کتاب: «مرزبان نامه» یکی از آثار ارزنده نثر فنی فارسی، باز نگاشته خامه نویسنده و گوینده و ادیب توانا سعدالدین وراوینی است که در نیمه اول قرن هفتم میان سالهای ۶۲۲ – ۶۱۷ از گویش طبری باستان به زبان پارسی دری آراسته به صنایع لفظی و معنوی و اشعار تازی و پارسی امثال و اخبار نقل شده پس از دویست و اندسال که از تاریخ تألیف آن توسط مرزبان بن رستم، یکی از شاهزادگان طبرستان می گذشت، در جامه نو به منصه ظهور آمد. مرزبان نامه از لحاظ شیوه نثر نویسی، پیرو سبک نصرالله بن عبدالحمید منشی ترجمان کلیله و دمنه از عربی به فارسی است. مرزبان نامه دارای یک مقدمه و نه باب است. شیوه داستان پردازی در مرزبان نامه، همان شیوه معهود در ایران و هند. یعنی بیان پند و انتقاد از زبان جانوران و گیاهان است تا شنوندگان را نوشداروی تلخ نصیحت ناگوار نیفتد و فرمانروایان خود کامه را خرده گیری آشکار، به آزار و شکنجه اهل قلم بر نینگیزد. برای تصحیح و تعلیق مرزبان نامه، قریب هفت سال صرف وقت شده است و در ۷۹۵ صفحه، در سلسله انتشارات دانشگاه شهید بهشتی نشر یافته است.

۴ دو رساله در باب حروف اضافه و ربط و مقالاتی در باب مباحث دستور فارسی

۵ گزیده اشعار رودکی و فرخی

۶ گزینه نثر فارسی (سه جلد)

۷ مجموعه ای از نثر فارسی قدیم و جدید

خطیب قزوینی، جلال‌الدین، ابوالمعالی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۳۹ -۶۶۶ ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به خطیب دمشقی. اصل او از قزوین است. وی به روم و مصر و شام سفر کرد. مدتها قاضی‌القضاه آناتولی، قاضی بلاد مصر و قاضی خطیب دمشق بود. وی اقوال اوقاف را صرف نیازمندان و درویشان می‌کرد. خطیب قزوینی شیرین‌سخن بود و به ادبیات عربی و ترکی و فارسی کاملا مسلط بود. در دمشق درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «الایضاح»، در شرح «التلخیص»، در معانی و بیان؛ تلخیص «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «السور/ الشذر المرجانی من شعر الارجانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۶/۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۵ -۲۹۳ /۳)، روضات الجنات (۸۱ -۸۰ /۸)، ریحانه (۱۴۸/۲)، کشف الظنون (۲۱۰)، الکنی و الالقاب (۲۱۶ -۲۱۵ /۲)، معجم المولفین (۱۴۶ -۱۴۵ /۱۰)، مینو در (۲۴۳، ۱۲۰ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۳ - ۲۴۲ /۳)، هدیه الاحباب (۱۳۲).

خطیب کرمانشاهی، زکی، محمد زکی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۱۵۹ ق)، عالم امامی، واعظ و ادیب. پدر و مادرش اهل سنت بودند. وی در هشت سالگی از نزد ایشان رفت و به اسماعیل خان حاکم همدان پناهنده شد و تحت نظر وی تربیت شد. وی پس از طی مراتب علمی شیخ‌الاسلام و امام جمعه کرمانشاه شد و جمع بسیاری در اثر مواعظ او هدایت یافتند. در اواخر عمرش به امر نادرشان، قاضی لشکر بود و پس از مدتی در اثر بدگویی

اطرافیان به امر وی کشته شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۶/۷)، ریحانه (۱۵۰/۲).

خطیب، هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از خطبا و وعاظ و دانشمندان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. در ۲۰ شوال ۱۲۹۶ وفات یافته، و جنب مقبره‌ی بابا قاسم، نزدیک طوقچی مدفون گردیده.

ماده تاریخ وفاتش این است:

سال وفات خطیب رفت چو هفتاد روز

هادی نام و نشان گفت خرد یا غفور

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خطیبی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین خطیبی در سال ۱۲۹۵ در تهران متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون ، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد. خطیبی مشاغل مختلفی چون: دبیردبیرستان ، رییس کتابخانه دانشکده حقوق ؤ استاد دانشکده ادبیات تهران ، معاون و ریاست رونامه رسمی کشور ، عضو هیات مدیره جمعیت هلال احمر مرکز و... را به عهده داشته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین خطیبی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون ، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد.

استادان و مربیان : ملك الشعرای بهار ، فروزانفر ، پورداوود و علی اصغر حکمت از جمله استادان حسین خطیبی بودند.

هم دوره ای ها و همکاران : حسین خطیبی از جمله نخستین کسانی بود که به همراه دکتر معین ، دکتر خانلری و دکتر ذبیح الله صفا در دوره دکترای ادبیات فارسی پذیرفته شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین خطیبی به مدت تقریباً سه سال (از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳) رئیس کتابخانه دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران را به عهده داشت. پس از آن گذشته از وظایف دانشگاهی معاونت و سپس ریاست اداره روزنامه رسمی کشور در مجلس شورای ملی به او محول شد. استاد دکتر خطیبی از ششم شهریور ماه ۱۳۲۶ به سمت افتخاری مدیر عاملی شیر و خورشید سرخ سابق و هلال احمر فعلی منصوب شد و این سمت را به مدت سی و دو سال ـ تا بهمن ۱۳۵۷ ـ بدون دریافت هیچ گونه حقوق و پاداشی عهده دار بود که نتیجه آن احداث صدها بیمارستان و درمانگاه و زایشگاه و آموزشگاههای پرستاری و بهیاری و پرورشگاه ایتام و دیگر موسسات خیریه و امدادی بود.

فعالیتهای آموزشی : حسین خطیبی پس از اخذ لیسانس به پیشنهاد استاد ملك الشعرای بهار ساعتی چند از درس استاد به واگذار شد. او همچنین پس از دریافت درجه دکترا به دانشیاری کرسی سبك شناسی دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۳۰ که استاد ملك الشعرای بهار صاحب کرسی درگذشت ، این سمت رسماً به او واگذار گردید که آن را تا اواخر سال ۱۳۵۷ برعهده داشت و به این ترتیب با احتساب دورهٔ دبیری دانشگاه که از سال ۱۳۱۷ آغاز شد ، جمعاً چهل سال در سمت تدریس انجام وظیفه کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین خطیبی ادیب ، روزنامه نگار و شاعر می باشد ، با آنکه در شاعری توانا و در کار نظم تبحر دارد ، هیچگاه به شعر و شاعری متظاهر نبوده است. وی دارای آثار و تالیفاتی نیز می باشد. ----------------------
----

آثار :

۱ فن نثر در ادبیات فارسی

ویژگی اثر : جلد اول این کتاب چاپ و در دانشگاه های کشور تدریس می شود.

۲ منظومه ای در چندهزار بیت در مورد زبان پر ارج فارسی

منابع :
۱اثر آفرینـان (زنـدگی نـامه نـام آوران فرهنگی ایران) ، زیر نظر: دکتر سـیدکمال حاج سـیدجوادی ، با همکاری: دکتر عبدالحسـین نـوایی ، ج ۲ ، تهران: انجمـن آثـار و مفـاخر فرهنگی ایران ، ص ۳۵۱۲سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سیدمحمدباقر برقعی ، ج ۲ ، قم: نشرخرم ، ص ۱۲۹۲۳شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شـفق ، ج اول ، تهران: انتشارت سـنایی ، ص ۳۲۶

خطیبی، حسین، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵/۱۲۹۴ ش)، ادیب، روزنامه‌نگـار و شـاعر. در تهران متولـد شـد. وی تحصـیلات ابتـدایی و متوسـطه را در دبیرسـتان ثریا و مـدرسه‌ی دارالفنون، شـعبه‌ی ادبی به پایـان رسانیـد. سـپس دوره‌هـای مختلف عـالی دانشـکده‌ی ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذرانـد و در سال ۱۳۲۴ ش موفق به اخـذ دکتری زبـان و ادبیات فارسـی شـد. ملک‌الشـعراء بهار، فروزانفر، پور داوود و علی‌اصـغر حکمت از اسـتادان او بودنـد. خطیبی پس از آن مشاغل مختلفی را عهـده‌دار بود، از جمله: دبیر دبیرسـتان شـرف، رییس کتابخانه‌ی دانشـکده‌ی حقوق، استاد دانشکده‌ی ادبیات تهران، معاون روزنامه‌ی رسمی کشور عضو هیات مدیره‌ی جمعیت هلال‌احمر مرکز. از آثار منظوم وی: «منظومه‌ای در چند هزار بیت در مورد زبان پر ارج فارس»؛ و از تالیفات او: «فن نثر در ادبیات فارسی».[۱]

از دانشـمندان زبـان و ادبیـات فارسـی و اسـتاد دانشـگاه، در سال ۱۲۹۵ ش در تهران تولـد یـافت. پـدرش آشـیخ محمـدعلی سال‌ها نایب‌التولیه و مـدرس مدرسه‌ی خان مروی بود و امور مدرسه و طلاب و موقوفات را اداره می‌کرد. خطیبی وقتی به سن رشد رسید، تحصیلات خود را آغاز نمود و به کسوت روحانیت درآمد. در سال ۱۳۰۶ آقا شیخ محمدعلی درگذشت. تولیت و مدیریت مدرسه به دیگری واگذار شد و خطیبی به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و دیپلم خود را از آن مدرسه اخذ نمود. در سال ۱۳۱۳ وارد دانشکده‌ی ادبیات تهران شد و در رشـته‌ی زبان و ادبیات فارسـی و فلسفه دانشنامه گرفت و در ۱۳۱۶ که دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسـی در دانشـگاه تهران تأسیس شد و عده‌ی معین، صفا و خانلری دانشجویان اولین دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی بودند. دروس دوره‌ی دکترا را در سال ۱۳۱۸ پایان برد و به تألیف و تنظیم رساله‌ی دکترای خود پرداخت و ظرف پنج سال تاریخ تطور نثر فارسی را به رشته‌ی تنظیم درآورد و پس از مرحوم ملک‌الشعرای بهار، اولین تحقیق درباره‌ی سبک‌شناسی در نظم و نثر فاسی به وسیله‌ی او پورداوود، علی‌اصـغر حکمت، بهمنیار و فروزانفر با قید بسـیار خوب پذیرفته شد و سـمت وی از دبیری دانشگاه به دانشـیاری تبدیل یافت و مسـتقلاً تدریس سبک‌شناسـی را در دانشـکده‌ی ادبیات عهده‌دار شد. در سال ۱۳۳۰ پس از درگذشت بهار، کرسـی و مقام استادی وی به خطیبی تفویض گردید و از آن تاریخ تا دوران کناره‌گیری به تدریس تاریخ تطور نظم و نثر و دستور زبان فارسی در دوره‌ی لیسانس و دکترا اشتغال داشت.

دکتر خطیبی در کنار شـغل دانشـگاهی، مشاغل دیگری را نیز عهده‌دار شد. چندی ریاست کتابخانه دانشکده‌ی حقوق با او بود، بعد مـدیریت روزنـامه‌ی رسـمی کشور را عهـده‌دار شـد. در دوران حکومت دکـتر محمـد مصـدق مـدیرکل دفتر نخست‌وزیری بود و تا سقوط مصدق در سمت رئیس کابینه با مصدق همکاری نزدیک داشت. در سال ۱۳۴۲ در دوره‌ی بیست و یکم مجلس شورای ملی از لار او را به مجلس فرسـتادند و در همـان دوره به نیـابت ریـاست رسـید. در ادوار بیست و دوم و بیست و سـوم و بیست و چهـارم همچنـان وکیل و نایب‌رئیس اول مجلس بود. دکتر حسـین خطیبی در سال ۱۳۲۸ مدیرعامل شـیر و خورشید سرخ شد. در آن تاریخ شیر و خورشـید سازمان کوچک و غیرفعالی بود. خطیبی توانست در مدتی کوتاه جمعیت مزبور را به سـرعت توسـعه دهد به طوری که ده‌ها بیمارستان و درمانگاه، پرورشگاه، مؤسسات خیریه و امدادی دیگر در سطح کشور تأسیس و دائر شد.

خطیبی یکی از افراد انگشت‌شـماری است که بـا زبان‌هـای فارس قـدیم و پهلوی آشـنائی دارد. وی در میانسالی با دختر سید محمد آیت‌اللّه‌زاده کاشانی ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] رجال ماذندران (۱۶۰/۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۹۷ -۱۲۹۲ /۲)، مولفین کتب چاپی (۷۳۳/۲).

خلخالی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابراهیم بن المرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی بـا دو برادر ارجمنـدش جنابـان حجهٔالاسـلام آقای حاج سـید جواد و حجهٔالاسـلام حاج سـید علی کاظمی موسوی، در تهران به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

والـد معظم ایشان مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سـید محمـد کاظم بن سـید الجلیل آقا سـید زین‌العابدین در حدود سال ۱۲۷۰ قمری هجری در قریه (کیوی) از قراء خلخال متولد گردیده و مرحوم والدش که از اجله سادات و اهل تقوا و شـخص متهجد و مورد احترام مردم بوده در خـدمت والـد خود از تبریز مهـاجرت به خلخـال نموده و دارای هفت فرزنـد ذکور که پنـج نفر از آنان از علماء مبرز و روحانیین بزرگوار با اسامی زیر بوده‌اند:

۱- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی مترجم معظم ما.

۲- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد موسوی خلخالی مقیم و متوفی نجف (ترجمه وی در اعلام نجف خواهد آمد)

۳- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید حسن موسوی خلخالی مقیم تبریز.

۴- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید فاضل موسوی خلخالی مقیم رشت (ترجمه ایشان در ضمن ترجمه فرزند برومندش حاج سید محمد مهدی خواهد آمد)

۵- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید حسین موسوی خلخالی مقیم رشت و متوفی تهران ۱۳۹۳ مدفون قم.

و نامبردگان فوق هر یک در دوره حیات خود شخصیت بارز علمی و تقوائی و اجتماعی بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱ -۱۲۵۱ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و مصحح. مشروطه‌خواه و همکار سید رضای شیرازی بود که در تحریر و نشر روزنامه‌ی روزانه‌ی «مساوات» همکاری داشت. امروز خلخالی بیشتر به خاطر چاپ نسخه مورخ ۸۲۷ ق «دیوان» حافظ مشهور است. وی در تهران درگذشت. آثار او: «حافظ نامه»؛ «به یکدیگر محبت کنید»؛ «حرص باعث هلاکت است» که هر دو از تولستوی است و از ترکی ترجمه شده؛ «شارل و عبدالرحمان»، اثر جرجی زیدان.[۱]

عبدالرحیم (سید) نویسنده و دانشمند (ف. ۱۳۲۱ ه.ش./ ۱۳۶۱ ه.ق.). وی از آزادیخواهان و مشروطه طلبان و همکار سید محمدرضا شیرازی در تحریر و نشر روزنامه مساوات (منتسب به حزب دموکرات در تهران) بود. خلخالی دیوان حافظ را از روی نسخه مکتوب به سال ۸۲۷ ه.ق. تصحیح و منتشر کرده است.

در حدود ۱۲۹۰ ه.ق در خلخال متولد شد. در اوایل عمر برای تحصیل به رشت مسافرت نمود و سالیان دراز در آنجا به تحصیل زبان و ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و فلسفه مشغول بود. بعد برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و تا ابتدای مشروطیت به طور نامنظم به مطالعه و تحصیل اشتغال داشت. در تهران در اثر رفت و آمد در محافل مختلف با گروه‌های سیاسی آشنا شد و برای استقرار مشروطیت به تلاش و تکاپو افتاد. پس از صدور فرمان مشروطیت به همراهی سید محمدرضا مساوات روزنامه‌ی معروف و تندرو و هتاک مساوات را دائر کردند و تحقیقاً لبه‌ی تیز حملات این روزنامه متوجه محمدعلی شاه بود و یک بار نیز کار آنها به عدلیه کشید ولی گذشت محمدعلی شاه باعث شد مدیر و سردبیر روزنامه مجازات نشوند. پس از به توپ بستن مجلس و اعلام حکومت نظامی و دستگیری عده‌ای از مخالفین حکومت، سید عبدالرحیم خلخالی به اتفاق سید محمدرضا مساوات مخفیانه از تهران فرار کردند. مساوات در تبریز به فعالیت خود علیه استبداد ادامه داد ولی خلخالی به قفقاز مسافرت کرد و در آنجا دست به فعالیت زد و مدتی نیز نزد حاج میرزا عبدالرحیم طالبوف بود و از آنجا به عشق‌آباد رفت.

در ۱۳۲۷ ه.ق به رشت آمد و فعالیت خود را مجدداً آغاز نمود و با معزالسلطان و یپرم و سپهدار که از سران فعالیت در گیلان بودند آشنا شد. پس از سقوط محمدعلی شاه و فتح تهران وارد مرکز شد و به هر کدام از مخالفین محمدعلی شاه کاری داده شد از جمله خلخالی در وزارت دارائی استخدام گردید و ریاست دیوان محاسبات را به او سپردند ولی به علت عدم اطلاع وضع دیوان محاسبات را آشفته‌تر کرد و ناچار او را تغییر دادند و در خزانه‌داری سمتی به او سپردند. بعد به ریاست مالیه غار و فشاپویه منصوب شد.

در جنگ بین‌الملل اول در زمره رجال و معاریف و آزادی‌طلبان به کرمانشاه رفت و مدتی نیز در اسلامبول و کرکوک اقامت گزید تا به تهران بازگشته به شغل خود در وزارت مالیه اشتغال ورزید. در سال ۱۳۰۶ ش داور او را به عدلیه انتقال داد و مدتی مستشار دیوان عالی جزای عمال دولت بود. وقتی داور به وزارت مالیه رفت، او نیز همراه او به وزارتخانه‌ی مزبور بازگشت و ریاست اداره‌ی بازرسی کل را به او سپردند.

خلخالی از ادباء و علاقمندان به ادبیات فارسی بود. به حافظ ارادت خاصی داشت. یکی از نسخه‌های قدیمی دیوان حافظ که گویا سی و پنج سال بعد از وفات حافظ کتابت شده بود، در اختیار آن مرحوم بود. پس از تصحیح آن را انتشار داد. چند ترجمه نیز از نوشته‌های تولستوی فیلسوف روسی از او باقی مانده است. وفات او در سال ۱۳۲۱ ش اتفاق افتاد. روی همرفته مردی ادیب، باسواد، آزادی‌خواه و نیک‌نفس بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۰۸/۴)، شرح حال رجال (۲۶۲/۲)، مولفین کتب چاپی (۸۲۳ -۸۲۲ /۳)، یادگار (س ۳، ش ۵، ص ۴۴ -۴۳).

خلخالی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد مهدی بن المرحوم آیت‌اللّه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی (متوفی سال ۱۳۴۶ ق در تبریز) از علماء محترم معاصر تهران است وی پس از فوت مرحوم والدش در سن چهار سالگی باتفاق والده ماجده‌اش از رشت مهاجرت به نجف اشرف

نموده و در بیت علم و فضیلت مرحوم عم گرامش آیت‌اللّه آقای آقا سید محمد خلخالی «قده» پرورش یافته و علوم مقدماتی را فراگرفته و سطوح را از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و دروس خارج را چندی از محضر استاد بزرگ آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شید محسن حکیم فراگرفته و سپس از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی فقها و اصولا استفاده نموده و تمحض بدروس ایشان یافته و مورد عنایت مخصوص آیت‌اللّه خوئی مد ظله العالی از جهت فراگرفتن دقائق علمی و مبانی رشیقه معظم له قرار گرفته و مدت چهارده سال تمام از سال ۱۳۷۰ ق تا سال ۱۳۸۴ ق از بحثهای عمومی و خصوصی آن جناب برخوردار شده و در سال مزبور به تهران مسافرت نموده و بنا به تقاضای جمعی از اهالی تهران در مرکز کشور عاصمه جهان تشیع توقف نموده و اقامت ایشان در تهران موجب تاثر عمیق استاد معظم آیت‌اللّه خوئی دام ظله گردید و در ضمن نامه تأثرات خود را بمعظم له ابلاغ داشتند زیرا وجود ایشان را در حوزه علمیه نجف اشرف لازم می‌دانستند و اکنون در تهران نیز به بحثهای علمی اشتغال داشته و در مسجد صدریه واقع در خیابان رسام میدان خراسان اشتغال به اقامه نماز جماعت و انجام خدمات دینی دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای بشرح زیر می‌باشند.

۱- یک دوره حاشیه کفایه در اصول غیر مطبوع.

۲- تقریرات درس آیت‌اللّه العظمی خوئی در مکاسب.

۳- تقریرات دوره کامل اصول معظم له.

۴- تقریرات درس طهارت شرح بر عروةالوثقی بنام فقه‌الشیعه که دو جلد آن بطبع رسیده و بقیه اجزاء آن آماده طبع است.

۵- شرح عروةالوثقی کتاب الحج.

۶- رساله‌ای در رضاع و تقیه تقریرات آیت‌اللّه خوئی.

و اما والد معظم ایشان حضرت آیت‌اللّه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی از اجله علماء و مشهور بتقوی و از شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی و شریعت اصفهانی بودند و در سال ۱۳۳۷ ق پس از نیل بدرجه رفیعه اجتهاد از نجف اشرف به شهرستان رشت عزیمت نموده و مورد علاقه و توجه عموم گیلانیها واقع گردیده و در مسجد معروف حاج سمیع بامامت جماعت و تدریس اشتغال داشتند و پس از چند سال اقامت در رشت اخیراً کسالتی عارض شد و برای معالجه به تهران و سپس برای تغییر هوا به تبریز حرکت نموده و در آنجا دار فانی را در سال ۱۳۴۶ ق وداع گفته و مدفن معظم له در شهر تبریز در امامزاده معروف به سید ابراهیم قرار دارد.

و آثاری از فقه و اصول تقریر اساتید بزرگ و یا تألیف خود ایشان غیر مطبوع باقی گذارده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلعتبری، حسام الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسام الدین خلعتبری لیماکی

محل تولد : تنکابن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ بعد از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و بیش از ۲۰ سال به درس و تحقیق و تدریس مشغول شدم .طی ۱۰ سال نخست سطح را به پایان رساندم و از پایان نامه سطح ۳ دفاع کردم و حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم و سبحانی شرکت کردم.در سال ۱۳۷۰ در مرکز آموزش های علمی و فرهنگی موسسه امام خمینی(ره) در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در مدت ۵ سال این دوره را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۳ در اولین دوره امتحانات دروس معارف اسلامی که توسط معاونت امور اساتید معارف برگزار شد شرکت کردم و در دو گرایش تدریس اخلاق و تربیت اسلامی و معارف اسلامی موفق شدم.از سال ۱۳۷۱ تاکنون در دانشگاههای مختلف مانند تهران، علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، بین الملل و آزاد اسلامی تدریس کردم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشم.در ضمن در دوره دکترای phd در دانشگاه باقرالعلوم قم در رشته مبانی نظری اسلام پذیرفته شدم و الان مشغول تحصیل هستم.

خلیفه سلطانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل زاهد، در ۱۳۳۴ وفات یافته، در صحن تکیه میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خلیفه نیشابوری، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۵۰ –۶۹۰ ق)، مترجم. وی اهل نیشابور بوده و چنانکه دکتر شفیعی کدکنی در مقدمه‌ی «تاریخ نیشابور» تصریح دارند، به سال ۷۱۷ ق در تبریز بوده و در خدمت محمود بن عمر نجاتی نیشابوری، از ادیبان برجسته‌ی عصر، به تلمذ اشتغال داشته است. خلیفه تاریخ مفصل و چند جلدی نیشابور ابن البیع الحاکم را ترجمه و تلخیص کرد. این کتاب چند بار چاپ شده است که بهترین چاپ آن به وسیله دکتر شفیعی با مقدمه و تعلیقات مفصل نشر یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۸۳)، تاریخ نیشابور (۴۷ –۴۳).

خلیقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۲۶ ق.، قریه‌ی ماسان (از توابع کامیاران).

درگذشت: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲، سنندج.

ملا حسن خلیقی، فرزند عبدالخالق کوله ساره‌ای، پس از رسیدن به سن تمیز قرآن و مقدمات فارسی و عربی را در محضر پدرش آغار کرد و پس از مدتی برای کسب دانش بیشتر به قریه آفریان سفلی رفت و در حضور ملا فیض‌الله زردویی تلمذ نمود. چندی بعد مجددا به زادگاهش ماسان بازگشت و نزد پدر به تکمیل معلومات پرداخت. به موازات تحصیل، به مطالعه و تحقیق در مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی مشغول گردید. در این مورد از عبدالقادر مولانایی که استاد مثنوی‌دان بود استفاده و به ویژه اشعاری را از مثنوی حفظ کرد، علاوه بر اشعار مولوی آثار سعدی و حافظ و متونی از کلیله و دمنه و تاریخ معجم و کتب ادبی دیگر را به خاطر سپرد، تا اینکه به کمک و راهنمایی‌های پدرش در ادبیات فارسی پیشرفت نمود و برای تکمیل تحصیلات راهی سنندج شد و با سید عنایت‌الله هویه‌ای ملاقات کرد. همراه با ایشا ن به قریه‌ی هویه رفت و مدتی در محضر او علوم پایه (صرف و نحو و منطق و غیره...) را فراگرفت. بعد به ماسان مراجعت و در بین راه گذارش به قریه‌ی دولاب ژاورود افتاد و در آنجا نیز چند ماهی در خدمت ملا غفور دولابی استفاده نمود. آنگاه به ماسان بازگشت و نزد پدرش کتاب جمع الجوامع را در اصول به اتمام رسانید و به منظور ادامه و تکمیل علوم و اخذ اجازه‌ی افتاء و تدریس به سنندج رفت و چندی نزد ملا حبیب‌الله کاشتری و ملا عبدالمجید اصولی کسب فیض نمود و عاقبهٔالامر در مدرسه‌ی مسجد ملا جلال سنندج از محضر حاج ملا محمد مدرس گرجی اجازه گرفت و ملا عبدالعظیم مجتهد و ملا محمد مفتی و شیخ کاشتری و سایر استادان اجازه او را تصدیق و مهر تایید زدند. آنگاه به ماسان بازگشت و پس از توقف کوتاهی به سمت مدرس و امام قریه نجف‌آباد منصوب و مشغول تدریس گردید. چند سال بعد در قریتین سرچی و دیرمولی (یکی پس از دیگری) مدرس شد و با جدیت به حل مسائل شرعی رفع اختلافات مسلمانان می‌پرداخت. بعدها نیز یازده سال در قریه کوله ساوه ورمشت (ناحیه گاورود) در خدمت مردم بود و عاقبت به زادگاهش ماسان رفته اداره‌ی مدرسه و قضاوت حوزه‌ی علمیه‌ی ماسان را بر عهده گرفت. در اواخر عمر به علت کهولت سن به سنندج نقل مکان نمود و در آنجا سکونت گزید.

ملاـ حسن خلیقی سال‌ها به کار تدریس مشغول بود یه ویژه تحفه شیخ ابن حجر و صحیحین بخاری و مسلم (فقه و حدیث) را تدریس می‌کرد و تعلیقاتی بر آنها دارد.

ملا حسن خلیقی در هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ دار فانی را وداع و پیکرش در بهشت محمدی سنندج دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلیلی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ –۱۲۷۲ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و مترجم. در نجف متولد شد. وی مقدمات علوم عربی و ادبی را در همان شهر فراگرفت. به دنبال پیدایی نهضت ضد انگلیسی در عراق به مبارزه علیه انگلیسی‌ها پرداخت و از طرف آنها به اعدام محکوم شد ولی، از عراق به ایران گریخت و در روزنامه‌ی «رعد» مشغول به کار شد. پس از فرار سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد، از ایران، خلیلی روزنامه «اقدام» را بنیان گذاشت، که چندین بار به خاطر قلم تند و گزنده‌ی آن توقیف شد. او در تهران درگذشت. آثار وی: «ترجمه‌ی قسمتی از شاهنامه»، به عربی؛ «ترجمه‌ی بیت به بیت بیشتر کلیات سعدی»، به عربی؛ «روزگار سیاه»؛ «اسرار شب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۲۹ -۲۲۶ /۱)، شرح حال رجال (۱۳۰ -۱۲۹ /۶)، مولفین کتب چاپی (۶۵۰ -۶۴۷ /۳).

خلیلی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام : محسن نام خانوادگی : خلیلی تاریخ تولد : ۲۵ بهمن سال ۱۳۵۹ محل تولد : تهران (منطقه نازی آباد) باشگاه های قبلی : پاس – جوانان شریعتی – بانک ملی – سایپا شماره پیراهن : ۹

پُست : حمله او یک خواهر و یک برادر دارد که خودش فرزند وسط خانواده است . محسن در دوران طفولیت نیز عاشق فوتبال بوده وفوتبال خودرا در زمین های خاکی نازی آباد آغاز کرد. سطح تحصیلاتش دیپلم است و مجرد است و به زودی قصد ازدواج نیز دارد . محسن آدم پول دوستی نیست اما معتقد است پول تا جایی که باعث زندگی خوش و بدون دغدغه باشد خوب است . محسن خلیلی در یک خانواده تماما استقلالی متولد شده است و به گفته ی خودش تنها او بوده که از دوران بچگی علاقه زیادی به پرسپولیس داشته و تمامی بازی های این تیم بزرگ را نگاه می کرده و حتی برای بازی های حساس این تیم نیز به استادیوم می رفته . تمام کسانی که محسن را ازنزدیک دیده اند معتقدند خیلی آدم خوش اخلاق و شوخ طبعی است و معمولا خودش را برای کسی نمی گیرد و معتقد است از همین مردم است که به این محبوبیت رسیده است . محسن سقف آرزوهایش بازی در تیم های رئال مادرید و بارسلونا است . از بین مهاجمان زمان خود از فرشاد پیوس الگو برداری می کند و خیلی ها نیز معتقدند محسن فرشاد جدید پرسپولیس است . استیل این بازیکن سبک بازی اش تکنیکش و حتی نوع زدن ضربات آخرش و از همه مهمتر شم گلزنی بالا-یش باعث شده خیلی ها اورا آقای گل تازه پرسپولیس بماند . حتی اگر بخواهیم خرافاتی نگاه کنیم این دو بازیکن در یک منطقه زندگی می کردند و از همان جا نیز فوتبالیست شدند و به احتمال زیاد باید منتظر پوشیدن پیراهن شماره ۱۷ از سوی این بازیکن به یاد فرشاد آقای گل باشیم . محسن خلیلی سابقه ی آقای گلی را نیز دارد . چند سال پیش او به همراه جواد کاظمیان در یک تیم بازی می کرد و آنجا آقای گل مسابقات شد . شباهت بزرگ دیگر محسن خلیلی با فرشاد پیوس گلزنی به تیم استقلال است . فرشاد پیوس نیز معمولا در دربی ها و با پیراهن پرسپولیس به استقلال گل میزد . همچنین در تیم های دیگر و حتی تیم های عربی نیز سابقه باز کردن دروازه استقلال را دارد .

خلیلیان، محمدجمال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جمال خلیلیان اشکذری

محل تولد : اشکذر یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جمال خلیلیان اشکذری تحصیلات حوزوی را در تابستان سال ۱۳۵۶ در یزد شروع نموده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی(از اول سال ۱۳۵۸) به حوزه علمیه قم آمدم و تا سال ۱۳۶۴ دوره سطح را به پایان رسانده و به همراه آن از سال ۱۳۵۹ دوره سطح معارف و فلسفه موسسه در راه حق را نیز گذراندم از سال ۱۳۶۸ در کنار درس خارج فقه و اصول دوره کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد رشته اقتصاد را گذرانده و در سال ۱۳۷۵ از پایان نامه خود دفاع نمودم از سال ۱۳۷۶ در کنار دروس حوزوی مقطع دکترای اقتصاد را شروع نموده و در اوائل سال ۱۳۸۳ از رساله خود در زمینه شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام دفاع نموده و در حال حاضر به تدریس و تحقیق در رشته اقتصاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول بوده و در درس خارج فقه حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمایم.

خلیلی‌فر، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۶ فروردین ۱۳۵۹، تهران.

حسین خلیلی‌فر، فرزند شیخ ابراهیم خلیلی از وعاظ گیلان و از همرزمان میرزا کوچک‌خان جنگلی، بود. حسین خلیلی‌فر تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان رسانید و جهت ادامه‌ی تحصیل در دانشسرای مقدماتی کشاورزی کرج ثبت نام نمود و پس

از اتمام دوره‌ی دانشسرا با اخذ مدال علمی حائز رتبه‌ی اول گردید و سپس تحصیلات خود را در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا در داشسرای عالی ادامه داد و در سال ۱۳۲۲ موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا گردید.

از مهر ماه سال ۱۳۲۳ از طرف وزارت فرهنگ وقت به دبیری دبیرستان‌های اهواز منصوب و شروع به کار نمود. در سال ۱۳۲۵ به ریاست فرهنگ خرمشهر منصوب گشت و پس از پنج سال خدمت در آن شهرستان به تهران منتقل شد و مسئولیت اداره‌ی تألیف و ترجمه در اداره‌ی کل نگارش را به عهده گرفت.

در سال ۱۳۳۰ همزمان با اوج‌گیری مبارزات ملی برای با انتشار مجله‌ی «دانستیها» گام‌های مؤثری در تنویر افکار عمومی برداشت. به موازات فعالیت‌های سیاسی در امور آموزشی و تألیف کتاب‌های درسی و شرکت در مجامع بین‌المللی مخصوصا در رشته‌ی جغرافیا آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته است. وی همچین در نخستین کنگره‌ی جغرافیدانان ایران شرکت داشت.

آثار خلیلی‌فر به شرح زیر است: ترجمه‌ی کتاب اکتشاف دریاها (از رنه لنگدره)؛ تألیف کتاب جغرافیا از قدیم تا امروز (۱۳۳۰)؛ انتشار «سالنامه‌ی فرهنگ خرمشهر» از ۱۳۲۴ مدت پنج سال، انتشار مجله‌ی «دانستنیها» از سال ۱۳۳۰ که خود صاحب امتیاز آن بوده است، کتاب جغرافیای کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی؛ کتاب جغرافیای سه ساله راهنمایی تحصیلی؛ مشارکت در تألیف کتاب‌های دروه‌ی دبیرستان؛ تألیف جغرافیا برای دانشسراها و کلاس‌های تربیت معلم.

حسین خلیلی‌فر، صبح روز شانزدهم فرودرین ۱۳۵۹ پس از یک دوره طولانی بیماری درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خمامی زاده، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر خمامی زاده یکی از دانشمندان معاصر گیلان است . اوبه مشاغل همچون معلمی ودبیری اشتغال داشته است . وی در حال حاضر کتابدار کتابخانه ملی گیلان است .گروه : علوم انسانیرشته : کتابداریتحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر خمامی زاده درسال ۱۳۰۸ شمسی پادرمدرسه گذاشت . وقتی که او کلاس ششم ابتدایی بود ، امتحانات به صورت استانی برگزار شد .خاطرات و وقایع تحصیل : جعفر خمامی زاده نقل می کند که درامتحان شفاهی جغرافیا ،نقشه ای که روی تابلو بود ،نقشه گنگ (نامفهوم) بود . یعنی قاره ها سیاه و رودخانه ها سفید بوده و چیزی روی آن نوشته نشده بود و خودمان باید درهمان نقشه ، کشورها و یا رودخانه ها و یا شهرها را مشخص می کردیم .استادان و مربیان : یکی از معلمان جعفر خمامی زاده دردوران ابتدایی ، سید آقا بزرگ شوشتری است که با عبا و عمامه سرکلاس می آمدند . یکی دیگراز دبیران او دردوران دبیرستان ، سید محمد تائب بود که تعلیمات دینی و عربی تدریس می نمودند .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جعفر خمامی زاده روزگاری دردبیرستان شهید بهشتی (شاهپور سابق) تدریس می کرد .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دبیرستان فرهنگیان یکی از مراکزی است که جعفر خمامی زاده درتاسیس آن شرکت داشته و از بانیان آن به شمار می آید . این دبیرستان به همت فرهنگی ها ی رشت و با هزینه شخصی کسانی همانند جعفر خمامی زاده بنا شده است .آرا و گرایشهای خاص : جعفر خمامی زاده بر این باوراست که درگذشته شاگرد اول های دانشگاه ها غالبا از گیلان بودند . امروزه متاسفانه این طور نیست تا یکی دوسال قبل ما از این نظر درتبه های نزدیک به آخر استان ها بودیم . الان درزمانی که دانش آموزان کشور ما درالمپیاد ها شرکت می کنند و مقام می آورند ، من ندیده ام که کسی از گیلان دراین المپیاد ها شرکت کرده باشد . ا وامیدوارست که گیلان بازهم درررده های بالای علمی مقامش را حفظ کند .آثار : ترجمه برنج گیلان ویژگی اثر : این کتاب تالیف رابینواست۲ ترجمه دریای خزر ویژگی اثر : این کتاب پایان نامه آقای دکتر مفتخم پایان است که خمامی زاده به هنگام برگرداندن به فارسی چیزهایی به آن افزوده است۳ ترجمه فهرست روزنامه های فارسی ویژگی اثر : این کتاب تالیف رابینو است۴ ترجمه کتاب ولایات دارالمرز ایران ـگیلان ویژگی اثر : وجه تسمیه این کتاب آن است که اعراب پس ازشکست ایرانیان و فتح بقیه سرزمین های ایران تا قزوین آمدند اما نتوانستند وارد گیلان شوند و آنجا را تصرف کنند .۵ ترجمه گویش گیلکی ویژگی اثر : این کتاب تالیف آرتور کریستن سن است۶ ترجمه وضعیت نوغان درایران ویژگی اثر : این کتاب تالیف را بینواست

خمیجانی فراهانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار رشته: زبان‌شناسی همگانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خمینی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از تولد تا ۱۵ خرداد

وقتی که در روز بیست و چهارم اسفند هزار و سیصد و بیست و چهار هجری شمسی دیده به جهان گشود و نگاهش به چشمان پرجاذبه و سرشار از معنویت پدر افتاد، گوئی که از همان لحظه، سرنوشت زندگانی این نوزاد با سرنوشت شگفت‌انگیز پدر، برای همیشه و جدائی‌ناپذیر گره خورده است.

نخستین صدائی که در این عالم شنید آوای ملکوتی اذان بود که از زبان «روح‌الله» در گوش او طنین توحید می‌افکند. نامش را احمد برگزیدند، و چه نام بامسمائی: قرهٔ العین امام و محمود همه آنان که دل به خمینی سپرده‌اند؛ و دیدیم آن روز هنگامی که رسانه‌ها از بیماری احمد خبر دادند مردمانی فداکار و بیشمار برای اهداء قلبهای خویش به این چهره‌ی محمود و محبوب انقلاب خمینی صف کشیدند و آن حماسه را آفریدند که قلم از وصفش عاجز و توصیفش جز با زبان عشق و مرکب اشک و بودن در آن فضای وصف‌ناشدنی ممکن نیست.

هنگامی که او به دنیا آمد، وطن مظلوم و اسلامی، چهارمین سال حکومت خیانت پیشه دومین عامل بیگانه از خاندان منفور پهلوی را می‌گذرانید.

چهار سال پیش از این قوای متجاوز متفقین خاک میهن را اشغال، و در یک بازی جدید، محمدرضا پهلوی را بر اریکه سلطنت استبدادی نشاندند.

دو سال قبل از تولد احمد، امام خمینی که با دید تیزبین خویش دورنمای تیره و تاریک فرداهای ملت مظلوم ایران در سی و هفت سال آینده را مشاهده می‌کرد، اثر بزرگ سیاسی خویش را بنام «کشف الاسرار» تألیف و منتشر ساخت و در آن آشکارا از ایده‌ی تشکیل حکومت اسلامی سخن گفت و مبارزه در مسیر تحقق آن را، تنها راه نجات از سیطره‌ی حکومتهائی دانست که نصب و عزلشان جز در مسیر تأمین اهداف بیگانگان نبود.

سال بعد «اردیبهشت ۱۳۲۳»انتشار نخستین بیانیه سیاسی امام خمینی در دعوت مردم ایران و حوزه‌های علمیه به قیام در راه خدا، نشان از آن داشت که او زمان انجام رسالت تاریخی خود و دست زدن به قیام هم جانبه‌اش را ارزیابی می‌کند.

«حاج آقا روح‌الله» اینک در زمان ولادت احمد نامی پرآوازه در حوزه علمیه قم بود. مجتهد برجسته‌ای که مجلس درس فقه و اصول و فلسفه و عرفان او محفل انس فرهیختگانی چون شهید مطهری و امثال او بود. امام خمینی در کنار استاد عالیمقامش آیت الله العظمی حائری یزدی (ره) در تأسیس حوزه علمیه قم مشارکتی فعال داشت.

بدین ترتیب دوران طفولیت «احمد» در محیطی می‌گذرد که محفل روحانی خانواده خمینی کبیر را بحث از چگونگی انجام تکلیف الهی در آن فضای آشفته گرما می‌بخشد. نیمه‌های شب زمزمه مناجات ملکوتی پدر و آوای قرآن از زبان آن عارف بالله شنیده می‌شود و روزها سخن از علم و جهاد است، سخن از چگونگی نجات مردم مظلوم ایران از یوغ شاهان ستمگر، و سخن از کشف اسرار است.

احمد در دامن مادری پرورش می‌یابد که بحق او را «بانوی بزرگ انقلاب اسلامی» و بانوی صبر و استقامت لقب داده‌اند همان بزرگواری که خداوند لیاقت آن را عطایش کرده تا همسر و همدم و انیس دل شخصیتی چون امام خمینی باشد. زنان نسل انقلاب، اسوه‌ای چون او دارند که این چنین در صحنه‌های سخت گذشته و حال انقلاب، پیشتازان نهضت خمینی‌اند. دامن پرمهر بانوی فاضله و فداکار: «خدیجه ثقفی بود که فرزندانی چون «مصطفی و احمد» پرورانید و آنان را برای یاری دین خدا در آن هنگام که خمینی کبیر قیام الهی خویش را آغاز کند، از هر جهت مهیا ساخت. در محیط خانوادگی که احمد در آن رشد کرده است برخلاف فرهنگ حاکم بر اغلب خانواده‌های مذهبی آن دوران از فرمانفرمائی مقتدرانه‌ی پدر و تحمیلها و اجبارهای والدین در امور شخصی فرزندان اثری نیست. چارچوب برخوردهای تربیتی امام همان شرع انور است که در آن به شخصیت فرزند و آزادی عمل او در محدوده‌ی شرع بهای لازم داده می‌شود. محیط خانوادگی آنان بنا به شواهد و مدارک فراوان و نقلهایی که خوانده و شنیده‌ایم فضایی آکنده از محبت، سادگی و مسئولیت‌پذیری و آزادی عمل بوده است و بطور طبیعی در چنین محیطی رفتارها و راهنماییهای دلسوزانه‌ی والدین، تنها به عنوان معیارهایی در مسیر انتخابهای دائمی و آگاهانه و آزادانه فرزندان عمل می‌کند. و این خود فرزندانند که مسئولیت انتخاب و تعیین مسیر آینده و سرنوشت خویش را - به تناسب موقعیت‌های سنی و رشد عقلانی و عاطفی هر دوره - برعهده می‌گیرند.

او از کودکی بسیار پرتحرک و سرشار از جنب و جوش بود، نه از کودکان منزوی. سری پرشور و دلی غوغائی داشت. گوئی که در پی گمشده‌ایست که ابتداء هر چه می‌گردد کمتر می‌یابدش و با چنین احساس و نیازی ناشناخته بود که بعد از دوره‌ی ابتدائی، ادامه تحصیل در علوم جدیده را برگزید.

سال سوم دبیرستان به ورزش فوتبال روی آورد و همزمان با تحصیل، عضو تیم فوتبال قم شد و مدتی نیز کاپیتان این تیم بود. او در رشته طبیعی از دبیرستان حکیم نظامی قم دیپلم گرفت.

۱۵ خرداد سرآغاز تحولی بزرگ در زندگی احمد

قیام تاریخی پانزده خرداد سال ۴۲ که در پی دستگیری امام خمینی در سحرگاه پانزده خرداد اتفاق افتاد، نقطه عطف مبارزات مردم ایران و سرفصل انقلاب اسلامی، و سرآغاز هجرت و تحولی بزرگ در زندگانی «احمد» قهرمان فصل‌های آینده نهضت امام خمینی بود.

شاهد فریادهای حق طلبانه امام بودن و سرآسیمگی و ددمنشی رژیم شاه را دیدن و دستگیری پدر بزرگوار را هنگام نماز شب مشاهده کردن، و در پی آن، فریادهای «یا مرگ یا خمینی» زنان و مردان پیشتاز نهضت را شنیدن و با آنان همصدا گشتن.

احمد در سحرگاه سیزد آبان ۱۳۴۳ دوباره شاهد محاصره منزل پدر، از سوی صدها کماندوی اعزامی از مرکز و دستگیری رهبر قیام، در حال مناجات و نماز شب، بود. حضرت امام به اهل بیت خویش سفارش می‌کند که در آن لحظه مداخله نکنند و در برابر آنچه که مقدر الهی است شکیبا باشند، روح خدا خمینی کبیر را سراسیمه به تهران برده و از آنجا یکسره به نخستین تبعیدگاهش

ترکیه می‌برند. رنجهای دوران غربت و تبعید در خاندان خمینی آغاز می‌شود. «مصطفی» در غیاب پدر پاسداری از ارزشهای انقلاب را برعهده دارد و دیگر اعضای خاندان نیز هر یک رسالت خویش را در این طریق مقدس به خوبی ایفا می‌کنند.
دیری نمی‌پاید که فرزند برومند امام، آیت الله حاج آقا مصطفی نیز دستگیر و پس از چندی نزد پدر به تبعیدگاه ترکیه و سپس عراق روانه می‌شود. کارگزاران رژیم شاه گمان می‌کنند آخرین سنگر را فتح کرده و پرونده‌ی نهضت را بسته‌اند، غافل از آن که خداوند حکیم و قادر، نگاهبان نهضتی است که آن عارف الهی بنیان نهاده است، و این خداست که راه استمرار آن را هموار خواهد کرد.
این ایام آغاز ارتباطهای گسترده احمد با چهره‌های برجسته روحانیت و عناصر مبارز و قشرهای دیگر جامعه است. او چندی است که گمشده خویش را با آگاهی و تجربه شخصی و شناخت عمیق یافته است. نور اندشیه و راه و رسم خمینی عزیز چون خورشیدی تابناک بر پهنه قلوب حق جویان تابیده است و به ویژه نسل جوان را به بازیابی خویش و موقعیت فرهنگ و دین و کشور خود در آن زمانه پرآشوب فراخوانده است. با داشتن حجتی آشکار چون «خمینی» که هیچ نقطه‌ی ابهامی در سراسر زندگی و اهدافش نیست، گرد جهان گردیدن و از حقیقت پرس و جو کردن آئین خردمندان نیست، و احمد در نسل خویش نخستین کسی است که پیمان بسته تا پایان عمر در این راه مقدس گام نهد و جانفشانی کند.
حضور یادگار امام بعد از تبعید پدر و برادر، در منزلی که کانون قیامش لقب داده‌اند و حضور تنی چند از محدود یاران وفاداری که هنوز ساواک به شناسایی و بازداشت آنان موفق نشده است، سبب گردیده تا مشعل قیام در این جایگاه شریف خاموش نگردد.
نخستین سفر مخفیانه به عراق و واکنش ساواک
وقتی که در بامداد سیزده آبان ۴۳ سپاهیان اعزامی شاه و مأمورین امنیتی، امام خمینی را برای اعزام به تبعیدگاه می‌بردند آنچنان سراسیمه و وحشتزده بودند که اجازه ندادند تا حضرت امام وظایف خطیر «احمد» را در روزها و سالهای آینده بازگو کند. بدین سبب، احمد از همان روزهای اولیه‌ی تبعید امام در پی آن بود تا در اولین فرصت به محضر پدر بشتابد و تکلیف را از او بجوید. نخست، راهی به ذهنش خطور می‌کند که اشاره آنرا از زبان بی‌تکلف و صمیمی خود او بشنویم که می‌گوید: «آمدم تهران و تیم شاهین دعوتم کرد راستش خواستم به وسیله‌ی آن تیم از ایران خارج شوم و بعد برنگردم، ولی انتخاب نشدم و بحق که انتخاب نشدم، چون سایرین بهتر از من بودند. چون در این مسئله [رفتن به خارج] شکست خوردم، آن وقت خودم دست به کار شدم و یواشکی روانه عراق شدم، از راه آبادان...» (روزنامه اطلاعات ۶۱/۲/۷ مصاحبه با یادگار حضرت امام).
احمد در ایام نخستین اقامت کوتاه مدتش در نجف اشرف (در سال ۴۴ و ۴۵) تکمیل معارف دینی را در آنجا پی می‌گیرد و از محضر امام و برادر ارجمندش کسب فیض می‌کند، و حدود ۵ ماه بعد – و طبعا بنا به توصیه حضرت امام – کانون گرم خانواده را به قصد انجام رسالتش در ایران ترک گفته و مخفیانه راهی وطن می‌شود. در مسیر بازگشت در مرز خسروی بازداشت و به سازمان امنیت آنجا منتقل می‌شود و چنانکه اسناد فوق که تنها چند سند از صدها اسناد مبارزات او در پرونده‌های ساواک می‌باشند، نشان می‌دهند او در بازجوئیهایش زیرکانه مأمورین را فریب می‌دهد هویتش در مرز برای ساواک در این مرتبه شناخته نمی‌شود و پس از آزادی، از طریق کرمانشاه و همدان راهی قم می‌شود.
یادگار امام در زندان قزل قلعه (بازگشت از سفر دوم)
احمد پس از بازگشت از عراق، تلاش خستگی‌ناپذیر خود را در تحصیل علوم دینی و دیدار از خانواده‌های زندانیان و تبعیدیان و انتقال پیامها و سفارش‌های امام به منسوبین و مبارزین و نمایندگان شرعی امام در ایران و تنظیم امور بیت امام در قم، ادامه می‌دهد. در پایان همین سال (۴۵) دوباره عازم عراق می‌شود و این بار مخفیانه از طریق خرمشهر به آن سوی مرز می‌رود و پس از یک هفته مخفی‌کاری و طی طریق، خود را به نجف اشرف که قبله‌گاه مبارزین گردیده بود می‌رساند.
در همین سفر است که او رسما به سلک روحانیت درمی‌آید و «عمامه» را که نشانی است بر مسئولیت‌پذیری و تقدس راه انتخاب شده، به دست مبارک امام خمینی بر سر می‌نهد. در این سفر نیز او ضمن فراگیری سفارشها و وصایای مبارزاتی حضرت امام، از فرصت استفاده کرده و از محضر درس پدر و برادر بزرگوار و دیگر اساتید حوزه نجف بهره می‌گیرد.
حضرت حجت الاسلام و المسلمین احمد خمینی اینک لیاقت آن را یافته است تا رابط رهبری انقلاب با مبارزین مسلمان در کانون قیام یعنی ایران اسلامی باشد و از اینرو پس از چندی با ره‌توشه‌هایی گرانبها و پیامهای مبارزاتی امام به ایران رهسپار می‌شود. این بار نیز به هنگام عبور از مرز در روز هشتم تیر ماه سال ۱۳۴۶ دستگیر می‌شود.
حضرت حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی – رض – پس از تحقیق و مشورت با حضرت امام و دیگر اعضای خانواده در تاریخ ۱۳۴۸/۷/۱۱ با دختر فاضله حضرت آیهٔ الله سلطانی طباطبائی که از خاندانهای شریف و محترم روحانیت در قم می‌باشند که اعقابشان نسل در نسل از مجتهدین بنام حوزه‌ها بوده‌اند، ازدواج نمود و ثمره‌ی این وصلت مبارک سه فرزند پسر: جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید حسن خمینی و جناب حجهٔ الاسلام حاج سید یاسر خمینی و آقای سید علی خمینی می‌باشند. این عزیزان نور چشمان حضرت امام و مورد مهر و عطوفت آن حضرت بوده‌اند و مطمئنا دعای خیر امام خمینی و پدر نامداری همچون حاج احمد آقا و مادر فداکارشان بدرقه راه پرمسئولیت آنان است.
سفر به مکه، عراق و لبنان
سومین سفر یادگار امام خمینی به نجف اشرف با دستی پر از اخبار مربوط به استمرار مبارزه در ایران و مشتعل بودن مشعل قیام در حوزه‌های علمیه صورت می‌گیرد. «احمد» فرزند برومند امام در سال ۱۳۵۲ ایران را به سوی سه مقصد مهم ترک می‌کند: زیارت خانه‌ی خدا و کسب ره‌توشه‌های معنوی برای جهاد در سالهای دشوار آینده؛ زیارت مشاهد مشرفه در عراق و بوسه زدن بر ضریح مطهر مولا ـ علی (ع) مظهر عدالت و صبر و مظلومیت، و عقده گشودن دل در جوار تربت سالار آزادگان و شهیدان (ع) و یاران باوفایش، و زیارت دیگر اماکن متبرکه‌ی آن دیار و دیدار با مرجع و امام و پدر بزرگوار خویش: «حضرت روح‌الله» و دیدار با مادر و برادر، که دست ظلم دودمان پهلوی – و البته – دست جنایتکار آمریکا، آن اولیای خدا را به دیار غربت روانه ساخته است؛ و

سومین مقصد: سفر به لبنان و دیدار با فرزندان نهضت خمینی در آن سامان.

«احمد» چنانکه از خدا خواسته بود این سفر پرموفقیت را نیز همچون گذشته به انجام رسانید. او سخنهای فراوانی با پدر، از انتقال مسائل نهضت گرفته تا طرح سؤالات مربوط به دروس علمی و طرح مسائل حوزه‌ها و غیره داشت که در این سفر بازگو نمود، کسب فیض و تکلیف کرد و از امام خویش وظایف و مأموریتهای مقدس را برای سالهای آینده آموخت و برگرفت، و در لبنان با امام موسی صدر مسائل منطقه و وضعیت شیعیان و مبارزه‌ی افتخارآمیزی که در پیش روی داشتند را به ارزیابی نشست و در تماس با شهید چمران و عناصر مبارزی همچون جلال‌الدین فارسی، پیگیری اهداف نهضت امام در آن سامان را به بحث گذاشت و مدت اندکی نیز در پایگاه نظامی شهید چمران آموزش نظامی دید و در اواخر سال ۱۳۵۲ به ایران بازگشت.

احمد و هجرتی دیگر (چهارمین و آخرین سفر به عراق)

سال ۱۳۵۶ سالی تعیین کننده در نهضت امام خمینی است. در این سال وقایعی به وقوع پیوست که هر یک در اوج بخشیدن به ابعاد انقلاب اسلامی و جهانی کردن نهضت امام و تمهید مقدمات پیروزی ۲۲ بهمن سال بعد تأثیر بسزایی نهادند و از جمله‌ی این وقایع که خود تقدیری است شگفت از مقدرات الهی، هجرت تاریخی یادگار امام از ایران به نجف اشرف و وقایع پس از آن و هجرت او به همراه «امام انقلاب» از نجف به پاریس است.

همراه با امام در هجرت به پاریس

هجرت سرنوشت‌ساز امام خمینی از نجف به پاریس، آغاز فصل فروپاشی ارکان رژیم سلطنتی در ایران و بصدا آورنده‌ی زنگهای شکست آمریکا در حساسترین و امن‌ترین پایگاهش بود. در این هجرت و ماجرای شگفت نیز، «احمد» مشاور و همراه پدر بود. و این نقش تا بدان حد آشکار و مؤثر بوده است که حضرت امام خمینی – سلام الله علیه – حتی در وصیتنامه جاودانه‌ی خویش نیز از آن یاد کرده و تصریح می‌فرماید که تنها مشاور آن حرکت تاریخی و تاریخ‌ساز «احمد» بوده است.

سوگ امام، داغ بی‌التیام احمد

کسی که عشق را، و خمینی را، و مردم ایران را، و قدرشناسی آنان را، و رابطه خمینی و احمد را، و عشق احمد به خمینی را بشناسد، نیک می‌داند که داغ جگرسوز رحلت امام در شبانگاه ۱۳ خرداد ۶۸ با دل رنجدیده‌ی احمد چه کرده است. او ۱۳ سال رنج مبارزه در غیاب پدر تبعیدی خویش را به شوق روزگار وصل تحمل کرده است و وقتی که در سال ۵۶ به نجف اشرف رسید یوسف‌وار خود را در آغوش یعقوب انقلاب و پدر غمخوار اسلام انداخت و رنجهای دوران جدایی را گریه کرد و از آن پس لحظه‌ای از امام جدا نبود. هنوز شیرینی وصال محبوب را کامل نچشیده بود که فرزند ارشد خمینی بزرگ و امید امام و مردم، استاد و مراد عزیزش مصطفای انقلاب را دست ستم از آنان گرفت. تحمل داغ مرگ برادر، آنهم عزیزی چون مصطفی که آیتی از علم و حلم و حکمت و نمونه‌ای از خصائل و فضائل پدر بود و داغ کسی که دوران سخت مبارزه در غربت را با او تقسیم کرده بود، بسی دشوار و ناممکن می‌نمود. به گفته‌های پدر ایمان کامل داشت وقتی که از زبان پدر شنید که این «لطف خفیه الهی» است تحملش افزون شد، چند روز بیش نگذشت که پیش‌بینی پدر – که گویی آینده را نیک می‌بیند – محقق گشت و شهادت برادر آغازی شد بر قیامی که تا دست آمریکا را از ایران اسلامی قطع نکرد، فرونخفت. و در تمام این ادوار او با پدر بود. وجودش برای امام، و هوش و کیاست و لیاقتش جای خالی مصطفی را پر می‌کرد. امام انقلاب با مشورت او تصمیم به هجرت به پاریس گرفت. همراه پدر به فرانسه رفت، ۵ ماه در آن روزهای پر از حادثه و ماجرا لحظه‌ای از امام جدا نشد. ۱۲ بهمن در آن سفر شگفت و خطرخیز به ایران آمد. هنوز شب سیاه حکومت جور به پایان نرسیده بود و ۱۰ روز به طلوع فجر انقلاب باقی بود. آمریکا ۱۰ روز فرصت داشت تا طرح کودتای خونینی که ژنرالهایش قبلا تدارک دیده بودند، عملی سازد. اما سخنان بیاد ماندنی امام در بهشت زهرا، و پس از آن فرمان عزل دولت طاغوت و تعیین دولت انقلاب، و پس از آن حماسه‌ی نبرد دلاورانه‌ی ۲۱ و ۲۲ بهمن ماشین جنگی شاه و آمریکا را از کار انداخت. در تمام ساعات این ده روز که هر لحظه‌اش بیم صدها خطر و حادثه‌ی شوم بود، احمد پروانه‌وار گرد امام می‌چرخید. از آن روز فریاد و تکبیر، و از آن یوم الله کبیر، ۲۲ بهمن، تا اینک که دقایقی از ساعت ۱۰ بعدازظهر ۱۳ خرداد در سال ۶۸ می‌گذرد و جهان اسلام و فرد فرد ملت ایران بعد از شنیدن خبر سختی حال امام روی دل به جماران دارند و فریاد صدها هزار مؤمن در مساجد و معابر به دعا و تضرع بلند است که مبادا آن مصیبت عظمی اتفاق افتد، او از آن روز تا این ساعت بی‌وقفه و مدام شب و روز در کنار امام، و با امام بوده است و اینک این احمد خمینی و این تنها پسر باقیمانده از عزیز عزیزان، و این داغدار مرگ مصطفی است که در راهروی بیمارستان بقیة الله جماران دل دریائی‌اش را به خدا سپرده تا مبادا در این لحظه‌های سخت، تحمل از کف بنهد و مسئولیتی که در قبال مردم و عاشقان خمینی و خواهران و مادر فداركاش دارد فراموش کند.

در ارتباط با تحصیلات و بعد علمی یادگار امام چنانکه در ابتدای این کتاب نوشتم ایشان پس از اخذ دیپلم در رشته علوم طبیعی به تحصیل علوم دینی روی آورد، البته پیش از آن و توأم با تحصیل علوم جدید، نیز به فراگیری مقدمات علوم حوزوی پرداخته بود مطالعه کتب ادبی و سیاسی و دینی و فقهی و افزایش اطلاعات علمی در رشته‌های مختلف از جمله علاقمندیهای همیشگی ایشان بود و بدین لحاظ باید گفت او تا پایان عمر از هر فرصتی در این جهت استفاده‌ی کافی برده است.

فراست و تیزهوشی از جمله امتیازاتی است که تمام آشنایان آن مرحوم به آن معترفند و به همین سبب نیز دو دوره‌ی مقدماتی و سطح حوزه‌ی علمیه را با سرعت و در حد بسیار مطلوبی نزد بزرگان حوزه علمیه قم طی کرد و همزمان با تحصیل به تدریس سطوح قبلی نیز اشتغال داشت و پس از آن دروس خارج فقه و اصول را نزد اعاظم حوزه‌ی علمیه فراگرفت. مشوق و پشتوانه‌ی اصلی پشرفتها و موفقیتهای تحصیلی ایشان، نظارت دائمی پدر بزرگوارشان بوده است.

حضرت امام با وجود اقامت در نجف، هیچگاه از توجه به پیشرفت تحصیلی ایشان غافل نبوده و چنانکه در نامه‌های امام خطاب به ایشان (گنجینه‌ی دل، مصاحبه با آیة الله محمدی گیلانی.) ملاحظه می‌کنیم اولین مسأله‌ای که بعد از تذکرات اخلاقی در صدر سایر مسائل مرتبا متذکر شده‌اند همین امر می‌باشد. اشراف حضرت امام برگذران تحصیل دوره سطح و موفقیت در پیگیری دروس خارج فرزندشان و همچون تدریس موفق ایشان را در همین نامه‌ها به وضوح می‌توان دید. مرحوم حاج احمد آقا وقتی که برای پیگیری

امر مبارزه و کسب علم از محضر درس خارج فقه امام در سال ۱۳۵۶ به نجف هجرت نمود در سطحی از علوم حوزوی قرار داشت که در آنجا مکاسب و کفایه می‌گفت، مطمئنا اگر فرصتها امکان ادامه‌ی تدریس ایشان را می‌داد و اگر اشتغالات فوق‌العاده ایشان پس از هجرت به پاریس و همراهی با امام در جریان مسائل پیش از پیروزی انقلاب نمی‌بود، همان اشتغالاتی که امکان تدریس و افاضه علوم حوزوی را از امام نیز در این سالها گرفتند؛ با توجه به هوش سرشار و مدارج متقنی که او در مراحل مقدماتی و سطح و خارج فقه و اصول طی کرده بود در این وادی نیز همچون وادی مبارزه و سیاست و انقلاب، چهره‌ی تابناک روشنی‌بخش حوزه‌های علمیه می‌شد. بعد از رحلت حضرت امام علیرغم محدودیتها و مشغله‌ای که هنوز استمرار داشت، فرصتی اندک پیش آمد تا ساعاتی را به تدریس ادبیات عرب و مکاسب و کفایه بپردازند. این حقیر نیز توفیق یافتم حدود ۱/۵ سال از محضر درس کفایه ایشان استفاده برم. با آن که کوچکتر از آنم که نسبت به سطح درس ایشان و قیاس آن با دروس سایرین اظهارنظر بکنم اما انصافا و باتوجه به این که قبلاـ در حوزه‌ی علمیه در محضر درس بزرگانی که هم اینک دروس خارجشان زینت بخش حوزه‌ی علمیه قم می‌باشد و در عداد مراجع تقلیدند چندی حاضر بوده‌ام باید گفت که درس کفایه آن مرحوم سرشار از نکته‌بینیها و دقتهایی عالمانه و مجتهدانه بود که غالبا مورد غفلت دیگران قرار می‌گیرد.

تسلط او بر مبانی فقه و اصول در ضمن درس کاملا مشهود بود و تا نکته‌ای را عمقا تفهیم نمی‌کرد رد نمی‌شد. خصلت امانتداری ایشان در درسشان نیز کاملاـ محرز بود و به همین سبب مقید بودند قبل از درس اقوال و آراء دیگر اصولیین را در موضوع مورد بحث ببینند و لذا درسشان توأم با نقد و تطبیق بود. خودشان می‌فرمودند و ما نیز شاهد بودیم که گاه چندین ساعت برای دریافت علت اختلاف رأی مرحوم آخوند (صاحب کفایه) با دیگر اصولیین و یا اختلاف آراء شارحین کفایه دربرداشت از عبارت کفایه، به کتب و اقوال اصولیین مراجعه دقیق می‌کردند.

بعضی از اساتیدی که مرحوم حاج احمد آقا نزد آنان علوم حوزوی را فراگرفته است عبارتند از:

حضرت آیهٔ الله العظمی امام خمینی (خارج فقه)، آیهٔ الله حاج آقا مصطفی خمینی (خارج اصول)، آیهٔ الله فاضل لنکرانی (خارج فقه) آیهٔ الله موسی زنجانی (خارج فقه) آیهٔ الله محمدی گیلانی (شرح منظومه)، آیهٔ الله رضوانی (اسفار)، آیهٔ الله ابطحی کاشانی (سطح و خارج)، آیهٔ الله خلخالی (سطح) و آیهٔ الله طباطبائی.

ایشان علاوه بر فقه و اصول، به مباحث فلسفی و عرفانی علاقه‌ای وافر داشت و سالها از محضر درس بزرگان، شرح منظومه و اسفار آموخته بود و به دیگران نیز تعلیم داده در باب منطق و فلسفه غرب نیز مطالعات گسترده‌ای داشت و مکتبهای فلسفی و سیاسی معاصر غرب را می‌شناخت و نقد می‌کرد.

در شعر و ادب فارسی نیز پر مطالعه بود و بخصوص اشعار عرفانی حافظ و مولانا و سعدی و حضرت امام را بخوبی می‌شناخت و غزلیات فراوانی از حافظ و سعدی را حفظ بود.

در تفسیر معانی اشعار عرفانی بزرگان ادب فارسی، نظریات کارشناسی و متقنی داشت که گاه اهل فن را بشگفتی وامی‌داشت. ذوقی لطیف و شاعرانه داشت و از هنر و رشته‌های هنری استقبال می‌کرد و در برخی از آنها نیز سررشته داشت.

در وادی سیاست با آن که مدرک سیاسی نگرفته بود؛ به اعتراف دوست و دشمن یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان سیاسی جمهوری اسلامی و بلکه جهان اسلام بود. در پیش‌بینی اهداف و عملکردهای آتی دشمنان و شناخت مسائل جهانی چنان بود که کمتر موردی در جلسات مهم تصمیم گیری‌ها می‌توان یافت که وی به استدلال بر نظریه خویش پرداخته باشد و آگاهان حاضر در جلسه و حتی کارشناسان متخصصی که قبلا در آن مسأله نظر مخالف داشته‌اند به رأی ایشان گرایش نیابند. نقش راهگشای نظریات او را در جلسات سرانه سه قوه و شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام قبلا از زبان رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی نقل کردم.

شناخت وی از جریانات و افراد و گروه‌های سیاسی پرشمار تاریخ معاصر ایران و آشنایی به مبانی و مواضع و شیوه‌های سیاسی هر یک از آنان و حتی شناخت او از چهره‌ها و اشخصا ذی‌نفوذ در هر یک از این جریانات و نقاط ضعف و قوت آنها و همچنین شناختش از جریانهای داخل روحانیت و حوزه‌های علمیه و آشنایی او با بسیاری از پدیده‌های سیاسی تاریخ معاصر جهان و احزاب سیاسی عمده در کشورهای بزرگ به حدی بود که به جرأت می‌توان گفت وی از نادر افرادی بود که در این جهت، هم از قدرت درک و تحلیل بسیار بالایی برخودار بود و هم آگاهیهای فراوان و عمیقی از افراد و چهره‌ها و احزاب و ایدئولوژی‌های آنان داشت و باید گفت که حافظه او در مسائل سیاسی روز، دائرةالمعارفی جامع و کم‌نظیر بود.

بیماری و رحلت جانگداز یادگار امام

صبحگاه روز ۲۱ اسفند ۱۳۷۳ خبر بستری شدن یادگار امام، نخست موجی از نگرانی در جماران و دقایقی بعد در شهر تهران و پس از آن در سرتاسر ایران پدید آورد و ساعاتی بعد با پخش خبر، به طور رسمی از صدای جمهوری اسلامی، در ایران غوغایی برپا شد که تنها نمونه آن را در پخش خبر بیماری امام دیده بودیم. گزارشات بعدی حاکی از آن بود که عارضه قلبی و تنفسی ناگهانی در حالت خواب سبب ایست کامل قلب و تنفس برای لحظاتی گردید و همین امر موجب بروز سکته مغزی شده است. خانواده‌ی معزز و رنجکشیده‌ی آن مرحوم، که خود در یکایک رنجهای دوران مبارزه و فداکاری‌های یادگار امام سهمی برابر با او داشته است، به محض اطلاع، درخواست کمک می‌کند و با توجه به مجاورت منزل با بیمارستان تخصصی قلب و عروق (بقیهٔ الله) بلافاصله امدادگران حاضر شده و پس از اقدامات ضروری امدادی، به فوریت او را به بیمارستان منتقل می‌کنند و با استفاده از تجهیزات کامل سی. سی. یو فعالیتهای فوری پزشکی آغاز می‌شود و لحظاتی بعد اطباء متخصص و برجسته، از تخصصهای مختلف به محض شنیدن خبر، سرآسیمه خود را بر بالین آن عزیز می‌رسانند و کار تشخیص و مداوا با سرپرستی جناب آقای دکتر عارفی و نظارت و همکاری آقای دکتر طباطبائی (متخصص قلب، و برادر همسر گرامی حاج احمد آقا) آغاز می‌شود. عزیزی که ناباورانه هم‌اکنون روی تخت بیمارستان در حالت اغما خوابیده است نورچشم ملت ایران و یادگار خمینی کبیر و پشتوانه‌ای مستحکم برای نظام و انقلاب است. رهبر معظم انقلاب اسلامی و ریاست جمهوری اسلامی و رئیس مجلس شورای اسلامی و بسیاری از مسئولین و

بلندپایگان کشور بی‌درنگ به عیادت فرزند شایسته امام و انقلاب می‌شتابند. اقشار مختلف مردمی که خبر را پیش از دیگران شنیده‌اند بسوی جماران در حرکتند. تیم پزشکی با بسیج امکاناتی که از سوی مسئولین امر دستور آن صادر شده است هر آنچه که در توان دارد به کار می‌گیرد و همزمان، انواع آزمایشهای ممکن و متداول در پزشکی را برای تشخیص منشأ عارضه‌ی قلبی انجام می‌دهد. کلیه گزارشات پزشکی حاکی از آن است که جز ایست ناگهانی قلب و متعاب آن اختلال شدید در دستگاه تنفسی و سپس سکته‌ی مغزی چیز روشن دیگری به چشم نمی‌خورد.

فضای عمومی کشور با پخش اخبار صادقانه ولی نومید کننده‌ی تیم پزشکی چنان غمگرفته و حزن‌آلود می‌شود که توصیف آن جز با بودن در آن فضا و همنوا شدن با مردم ممکن نیست و قلم از بیانش عاجز است. مردم دسته دسته و فوج فوج برای برپایی مراسم دعا و تضرع به درگاه خداوند عازم مساجد و اماکن مذهبی می‌شوند. کوچه‌های جماران و خیابانهای اطراف آن در تمام ساعات شاهد بسیجیان و خانواده‌های شهدا و دلدادگان کوی خمینی است که خانه و کاشانه را رها کرده و سر بر دیوار نهاده و بغض خویش را آهسته گریه می‌کنند مبادا کسی تصور کند که دیگر تفسیر کلام خمینی را از «احمد» نخواهد شنید. احمد تجسمی است از روح زیبای خمینی.

پنج روز سرتاسر ایران و هر جا که در جهان نام مبارک خمینی به بزرگی برده می‌شود، دستهای میلیونها انسان مؤمن به دعا و فریاد استغاثه بلند، و صدای هق هق گریه از دلهای شکسته در کوچه پس کوچه‌های جماران بتدریج بلندتر، و فضای حزن‌انگیز ایران هر لحظه اندوهبارتر، و دلهره و اضطرابها هر آن افزونتر، و نذر و نیازها فراوان و بیشمار می‌شدند. سیل نامه‌ها به جماران و دفاتر مسئولین نظام و صدا و سیما سرازیر بود، مردمانی که قدر خمینی و قدر خاندان او و نضهت الهی او و یارانش را می‌شناختند ایثارگرانه و با التجاء و التماس خواستار اهداء قلب و اعضای حیاتی بدن به فرزند امامشان بودند.

به خدا سوگند که راست گفت حضرت روح الله آن جا که فرمود: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده‌ی میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله، صلی الله علیه و آله، و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی، صلوۀ الله و سلامه علیهما، می‌باشند» (وصیتنامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی.).

در میان نامه‌های رسیده مواردی به چشم می‌خورد که یکایک افراد خانواده با ذکر مشخصات کامل خود و گروه خونی و اطلاعات پزشکی مربوط به قلب و کلیه و ریه‌ی خویش و با اعلام اینکه به بیمارستان مراجعه کرده و از سلامت اعضای خود اطمینان یافته‌اند و با دادن شماره تلفنهای متعدد از خود و همسایگان و منسوبین مصرانه خواستار اعلام نیاز تیم پزشکی شده‌اند تا به محض اطلاع در بیمارستان حاضر شده و قلبشان را تقدیم فرزند امام کنند. و تنها مکاتبه نبود، افراد متعددی همه روزه در جلو بیمارستان صف کشیده بودند تا نوبت را از دیگران در اهداء قلب خویش بستانند! براستی جز در مکتب عشق و ایمان به ولایت کدام فرهنگی و ملتی را این چنین بزرگوار و وارسته سراغ دارید؟ با وجود اعلامهای مکرر رادیو مبنی بر عدم نیاز به اهداء قلب، مراجعه این قبیل فداکاران و اصرار آنها بر تماس با پزشکان تیم و سماجت آنها در اهداء قلب بدانجا کشیده بود که کار را بر مأمورین و مسئولین بیمارستان و نیروی انتظامی دشوار ساخته بود.

با طولانی شدن مدت بیماری و حالت بحرانی یادگار امام و پخش خبرهای موذیانه‌ی رادیوها و خبرگزاری‌های بیگانه، دشمنانی که از هر فرصتی برای ضربه زدن به وحدت و همدلی مردم استفاده می‌بردند شایعات بی‌اساس را دامن می‌زدند و از سوی دیگر شدت علاقه عاطفی مردم به فرزند امام و جوانی ایشان و غیرمترقبه و ناگهانی بودن بیماری وی و عدم امکان عیادت عمومی از ایشان به دلیل رعایت اجتناب ناپذیر مراقبتهای بهداشتی ویژه در بخش قلب زمینه سازی طبیعی پذیرش برخی از این شایعات را نزد ساده‌لوحان فراهم می‌ساخت و البته سود آن را دشمن می‌برد. که باید برای این بیماری مزمن فرهنگی با کار عمیق فرهنگی چاره‌ای اندیشیده شود و راه بر سوء استفاده‌ی دشمن در چنین شرایطی مسدود گردد.

به هر حال پس از پنج روز، تلاش خستگی ناپذیر تیم پزشکی نتیجه‌ای نبخشید و «احمد خمینی» همان کسی که نامش، و یادش و تصویرش و فداکاری‌های بیمانندش تا ابد در کنار نام مبارک «امام خمینی» در قلب و روح و روان عاشقان انقلاب اسلامی پرجلوه و پراثر باقی خواهد ماند، ندای حق را در شامگاه ۲۵ اسفند ۱۳۷۳ لبیک گفت و به آرزویی که در تمام ایام بعد از رحلت امام برای آن لحظه شماری می‌کرد یعنی ملاقات با پدر در پیشگاه حضرت حق، رسید و جهانی از مؤمن‌ترین بندگان خدا را در سوگ خویش عزادار ساخت. «انا لله و انا الیه راجعون».

فریاد شیون و زاری دوباره از جماران برخاست، ایران در رثای سردار نامدار نهضت خمینی کبیر یکپارچه می‌گریست. و چه سوزناک و جانگداز گریه می‌کردند مردمانی که دیگر عطر خمینی را از وجود نازنین احمد در فضای جماران، و صدای دل‌انگیز یادگار عصر حماسه‌ی خمینی را نخواهند شنید، پرچمهای سیاه عزا بر در و دیوار شهرها آویخته شد.

فردای آن روز (صبح ۷۳/۱۲/۲۶) دهها هزار تن از پیروان امام از سراسر کشور به تهران آمده بودند تا در مراسم وداع با پیکر مطهر یادگار امام و تشییع و تدفین آن عزیز با صدها هزار زن و مرد تهرانی در ادامه‌ی راه او و دفاع از ارزشهایی که او مدافع آنها بود و تجلیل از خدمات بی‌حد و حصر فرزند امام به انقلاب و نظام اسلامی همصدا شوند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

خندق آبادی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل الشیخ محمد خندق‌آبادی تهرانی از گوینده نامی و وعاظ گرامی و مبارز معاصر در تهران

بوده‌اند.

در حدود سال ۱۳۳۸ قمری در تهران متولـد و در بیت علم و کمال تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را در تهران خوانده و در خدمت برادر ارجمندش حجه‌الاسـلام والعالم العلام آقا شیخ جواد خندق‌آبادی به قم آمده و سطوح را نزد معظم‌له و مدرسین دیگر به پایان رسانیـده و بـه درس خـارج آیـت‌الله العظمی بروجردی و آیـت‌الله العظمی امـام خمینی شـرکت نمـوده آنگـاه به تهران مراجعت و به خـدمات دینی و روحی مخصوص تبلیغ دین و ترویـج آئین از طریق منبر پرداخته و بـا بیـدادگریها مبارزاتی نموده و بر علیه مخالفین ولایت اهل‌بیت عصمت و طهارت منبرهای آتشین و پرحرارتی رفته و مصایبی کشیده و صدماتی دیده است.

مولف گویـد: مرحوم خنـدق‌آبادی از رفقاء نزدیک این نویسـنده بود که در موقع توقفش در قم با برادر ارجمندش مراوده زیادی با حقیر داشتند و در روزهای جمعه در منزلم منبر می‌رفتند و تمرین منبر را در منزل حقیر نمود و وقتی قرض بسیاری پیدا کرد و برایش طاقت‌فرسا بود آمد روز جمعه‌ای در منزل حقیر و گفت دعا کنید که من در اضـطرار و مضیقه قرار گرفته‌ام. بنده به رفقا گفتم امروز تنهـا حـاجت مـا فرج و اداء قروض آقـای خنـدق‌آبادی باشـد و پس از خوانـدن دعـاء نـدبه توسـل بـه حضـرت ولی عصر عجـل‌الله فرجه‌الشـریف پیدا نموده و فقط اصـلاح حال و اداء قروض وی را در نظر گرفته و دعا نمودیم و رفقاهم حال مخصوصی در تضرع و گریه و دعـا داشـتند و پس از پایـان مجلس که رفقـا بیرون رفتنـد بنـده هم برای کـاری از منزل بیرون رفتم در اثنـاء راه یکی از رفقا رسید با خوشحالی گفت بشارت که دعاء امروز اثر کرد و تمام قرضهای آقای خندق‌آبادی من حیث لایحتسب اداء شد.

مرحوم خنـدق‌آبادی در تهران محبوبیت خاصـی میان مردم پیـدا کرده بوده و منابر بسـیاری در مساجـد و محافل تهران داشت در اثر ابتلائی که پیـدا کرده بود مبتلا به سـکته مغزی شـد ولی شـفا یافت و اطباء وی را از منبر رفتن و بلند سـخن گفتن منع کردند ولی او می‌گفت من نوکر امام حسـین علیه‌السـلام و سـرباز حضـرت صاحب‌الزمان علیه‌السـلام هستم و می‌خواهم تا آخرین لحظه زندگی و آخرین نفسم در سر خدمت و پست سربازی باشم و در موقع انجام وظیفه از این جهان بروم بالاخره هم به هدفش رسید زیرا در نیمه شب بیست و یکم ماه رمضان سال ۱۳۸۸ قمری در بالای منبر خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی تهران در هنگام قرآن به سر گرفتن و یک یاالله گفتن سکته قلبی نموده و از منبر به زیر افتاده و به مولایش حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام واصل گردید.

فرزندان برومندی دارد که از آنها جناب آقای آقا شـیخ محمد خندق‌آبادی از اهل منبر تهران و موصوف به فضل و دانش می‌باشند. جنازه آن مرحوم را با تشییع کم سابقه‌ای حمل به شهر ری و در مقبره ابن‌بابویه در کنار قبر مرحوم والدش به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خندق‌آبادی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج شـیخ جعفر بن العـالم الجلیـل حـاج شـیخ احمـد بن العلامـه المرحوم آخونـد ملا محمـد کاشانی ره از علماء بزرگوار و وعاظ عالیمقدار معاصـر است در تهران که سـمت اسـتادی بر بسیاری از گویندگان حاضر دارد. وی عالمی ناطق و واعظی عامل و محدثی بصیر و مفسری خبیر می‌باشد.

در سال ۱۲۱۰ قمری در تهران متولد شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و پس از فراغت از علوم مقدماتی و ادبیات از اول بلوغ به تحصـیل علم فقه و اصـول و حکمت نزد اساتیـد بزرگ پرداخته و شـوارق و اسـفار و منظومه را نزد مرحوم حـاج شـیخ علی نوری و میرزا مهدی آشتیانی خوانده و رسائل شـیخنا الانصاری را با قسـمتی از اسـفار از محضر آیت‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و قسـمت مهمی از فقه را از مرحوم والد و برادر ارجمندش مرحوم حجه‌الاسـلام آقا شـیخ محمد خندق‌آبادی آموخته و از سن بیست سالگی به تبلیغ دین و وعظ و خطابه پرداخته و تاکنون که هشـتاد و سه سال از عمر شـریفش می‌گذرد متجاوز از شصت سالست که به این سـمت مفتخر می‌باشد و هم مدت سـی سالست که در مسجد خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی تهران به اقامه جماعت اشتغال دارد. دارای تالیفـات ارزنـده‌ای می‌باشـد که در اخبـار و احادیث و تفاسیر اهل‌بیت عصـمت علیهم‌السـلام نوشـته و نگارنـده آنها را دیـده‌ام خداونـد توفیق طبع و نشر آن را به ایشـان عنـایت فرمایـد. آنجناب حقا از برکات زمین و علماء راسـخین و در ولاء اهل‌بیت رسـالت علیهم‌السـلام بسیار ثابت و شدیـد می‌باشـد. خداونـد امثال آنجناب را باقی بـدارد و دهان و قلم و دست یاوه‌سـرایان وهابی مسلکی که اهانت به خدمتگذاران کهن سال دین و ولایت می‌کنند شکسته و پر از آتش نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خواجویان، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

مدرس.

تولد: ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت: ۱۳ آبان ۱۳۷۲، مشهد.

محمدکاظم خواجویان پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه تحصیل، به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد راه یافت و

در سال ۱۳۴۱ به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس تاریخ از آن دانشکده نایل آمد. پس از آن، با سمت دبیری به کار در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و مدتی در آباده‌ی فارس تدریس کرد و چندی بعد برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و طی سال‌های ۱۳۵۶ – ۱۳۵۴ دوره‌های فوق لیسانس و دکترای رشته‌ی مطالعات اسلامی را به پایان برد.

دکتر خواجویان از سال تحصیلی ۱۳۵۷ –۱۳۵۶ به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و چندی پس از آن ریاست دانشکده‌ی ادبیات این دانشگاه را پذیرفت. دکتر خواجویان نزدیک به نه سال در این سمت باقی بود و پس از آن نیز تا درگذشت، در سمت معاون دانشجوایی دانشگاه مشهد انجام وظیفه کرد. همزمان با آن، عضویت هیئت امنای دانشگاه‌های شمال شرق کشور را داشت و به ویژه سرپرستی شورای برنامه ریزی گروه تاریخ وزارت فرهنگ و آموزش عالی را نیز عهده‌دار بود. این شورا اقداماتی برای بهبود کیفیت وضع مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام داد.

دکتر محمدکاظم خواجویان درس‌های تاریخ صدر اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ ائمه را در بخش تاریخ دانشکده‌ی مشهد تدریس می‌کرد و ضمنا به امور اجرایی– اداری دانشگاه فردوسی نیز می‌رسید. وی همچنین از نخستین سال‌های فعالیت کانون نشر حقایق اسالم در مشهد زیر نظر استاد محمدتقی شریعتی به فعالیت‌های مذهبی در این کانون پرداخت. عضویت در هیئت مدیریه «انصار الحجه» (مؤسسه‌ی خیریه‌ای که برای رسیدگی به وضع یتیمان فالیت داشت)؛ فعالیت در انجمن حمایت از زندانیان مشهد؛ عضویت در هیئت امنای اداره‌ی اوقاف مشهد از دیگر فعالیت‌های اجتماعی دکتر خواجویان بود.

دکتر خواجویان در زمان ریاست خویش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، کوشش بسیار کرد تا فضای علمی– پژوهشی دانشکده را سرزنده نگاه دارد. بسیاری از پژوهشگران به تشویق و یاری وی به کارهای پژوهشی پرداختند. وی همچنین نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی پژوهش‌های تاریخی بنیاد گذارد که از سال ۱۳۶۸ با نام «فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی» منتشر شد. مقالات پژوهشی وی در این فصلنامه و نیز مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» مشهد به چاپ رسیده است.

دکتر خواجویان درباره‌ی تشیع پژوهشی انجام داد که بنا بود در سلسله انتشارات سازمان «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها) چاپ گردد.

دکتر محمدکاظم خواجویان در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۷۲ در مشهد به علت سکته‌ی قلبی درگذشت.

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خواجوئی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب و واعظ، شاعر متخلص به «بهاء» از اعقاب اوست.

فوتش در ۱۳۱۶ روی داده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خواجه نوری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و حقوقدان. تحصیلات مقدماتی خویش را در تهران و مدرسه‌ی سن‌لویی فراگرفت. در فرانسه و بلژیک در رشته‌های پست و تلگراف و اقتصاد و حقوق اداری تحصیل کرد و به ایران بازگشت و عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی شد. وی مدیر روزنامه‌ی «جوانان» بود که بیش از یک ماه انتشار نیافت. او همچنین مدیریت روزنامه‌ی «ندای عدالت» را نیز بر عهده داشت. خواجه نوری از نخستین کسانی است که برای شناساندن روانشناسی جدید و روانکاوی به فارسی زبانان کوشید. آثار وی: «روانکاوی یا طریقه سهل برای شناختن احساسات مخفی خود و دیگران»، که نخستین اثر در این زمینه است؛ «سیمای شجاعان»؛ «اهمیت و ضرورت رهبر و مدیر برای آینده‌ی ایران»، فارسی و انگلیسی؛ «بازیگران عصر طلایی»؛ «چهره‌های درخشان تاریخ»؛ «محمد علی فروغی مشهودات گفتنی»؛ «عقاید لله آقا یا مکاتیب هفتگی».[۱]

نویسنده و روانشناس، روزنامه‌نگار و رجل سیاسی، در ۱۲۷۵ در تهران متولد شد. پدرش حبیب‌اللّه لشکرنویس و برادرش میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله بود. پس از انجام تحصیلات ابتدائی وارد مدرسه‌ی سن‌لوئی شد و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را پایان داد و زبان فرانسه را یاد گرفت و به استخدام در وزارت پست و تلگراف درآمد. ضمناً با مطبوعات همکاری نزدیک داشت. در ۱۳۰۱ امتیاز نشریه‌ی نامه‌ی جوانان را گرفت و یک شماره آن را انتشار داد ولی انتشار همان شماره سر و صدای زیادی بلند کرد و مردم از وی به دادگستری شکایت بردند زیرا در آن روزنامه از کشف حجاب و آزادی زنان مطالب و اشعاری مندرج شده بود. دادگستری، خواجه نوری را به شش ماه حبس محکوم نمود و از ادامه‌ی انتشار روزنامه جلوگیری کرد. در ۱۳۰۲ از طرف وزارت پست و تلگراف برای تحصیل به اروپا اعزام شد و چند سالی در رشته‌ی تلگراف تحصیل نمود. پس از بازگشت به ایران، مدیر دایره‌ی کارآموزی و نشریات وزارت پست و تلگراف شد و چندی در آن سمت باقی ماند. مجدداً برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در

دانشگاه بروکسل جامعه‌شناسی و حقوق خواند. پس از بازگشت، حرفه‌ی وکالت دادگستری پیشه گرفت و ضمناً به عضویت انجمن شهر تهران برگزیده شد و مرتباً در مطبوعات تهران مقالاتی در زمینه‌های اجتماعی می‌نوشت.

پس از شهریور ۱۳۲۰ امتیاز روزنامه‌ی عدالت را گرفت و چندی آن را انتشار می‌داد تا اینکه با کمک عده‌ای از دوستان، مبادرت به تشکیل حزب عدالت نمودند. علی دشتی، جمال امامی و خواجه نوری از مؤسسین حزب مزبور بودند. خواجه نوری روزنامه‌ی عدالت را تبدیل به ندای عدالت نمود و روزنامه‌ی مزبور ارگان حزب ملی‌گرای عدالت شد و سردبیران آن دکتر جعفر جهان و دکتر احمد هومن بودند.

حزب عدالت در صحنه‌ی سیاسی آن روز به علت عضویت عده‌ی زیادی از نمایندگان مجلس، قدرت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و مرتباً پشت سر هم چند کابینه را سر کار آورد. در تبلیغات منصوب شد، سپس معاونت نخست‌وزیری هم ضمیمه‌ی کار او گردید. در کابینه‌های ساعد، بیات، و صدر نیز همان سمت را داشت. در ۱۳۲۵ مجدداً در کابینه‌ی احمد قوام، به معاونت نخست‌وزیری و ریاست اداره کل تبلیغات منصوب شد. در ۱۳۲۷ برای بار سوم در نخست‌وزیری ساعد، آن سمت را احراز نمود. در انتخابات مجلس سنا که در سال ۱۳۲۸ در ایران برای اولین بار انجام گرفت کاندیدای سناتوری شد. در انتخابات دور اول جزء ۷۵ نفر بود و در دوره‌ی دوم در زمره‌ی ۱۵ سناتور انتخابی تهران قرار گرفت و پس از افتتاح مجلس از سناتورهای پرکار و پرنطق بود و تقریباً جزء چند سناتوری بود که مجلس را می‌گردانیدند.

در دوران نخست‌وزیری مصدق، از مخالفین بود. پس از وقایع ۳۰ تیر نیز به دولت رأی نداد و در مسئله‌ی نفت و راه‌حل آن در مجلس سنا نطق‌های مفصلی ایراد نمود. پس از انحلال مجلس سنا، از طرف مصدق به اروپا رفت و پس از بازگشت با سرلشکر زاهدی فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد تا اینکه در نیمه‌ی دوم ۱۳۳۲ در دوره‌ی دوم مجلس سنا مجدداً به سناتوری رسید. و در مجلس پیرامون تمام لوایح دولت به بحث و انتقاد می‌پرداخت و از ابراز عقیده خودداری نمی‌نمود. در حکومت اقبال، به هنگام طرح لایحه‌ی ساواک، محکم ایستاد و چندین جلسه در مضار این سازمان سخن گفت و دولت را از تشکیل چنین سازمانی برحذر داشت ولی همین نطق باعث شد او را کنار بگذارند و دیگر کاری به او واگذار نشود.

خواجه نوری نویسنده‌ای توانا و محققی پرتوان بود. در کنار مشاغل سیاسی خود، دست از تألیفات و ترجمه برنداشت. بیشتر شهرت و معروفیت او بر اساس انتشار جزوات بازیگران عصر طلائی شد. او مدعی گردیده بود کلیه‌ی کسانی که در دوران رضاشاه مصدر شغلی بوده‌اند، شرح حالشان انتشار خواهد یافت. او توانست چند نفری را که عبارت بودند از آیرم، تیمورتاش، امیر خسروی، طهماسبی، دبیراعظم بهرامی، مدرس، داور، سپهبد امیراحمدی، علی سهیلی، علی دشتی، علی وکیلی را انتشار دهد و بقیه متوقف شد. ولی مهمتر از همه شرح حال سربازیگر عصر طلائی بود که در آن تاریخ همه تشنه‌ی خواندن آن سرگذشت بودند. آگهی‌های مکرر در این زمینه انتشار می‌یافت ولی هیچ موقع به چاپ نرسید. یکی از نزدیکان خواجه نوری که به قول او اعتماد کامل دارم، برای نگارنده حکایت کرد که روزی محمدرضا شاه، خواجه نوری را احضار می‌کند و می‌گوید چون نوشته‌های شما بسیار جالب است، قبل از انتشار سربازیگر عصر طلائی نوشته‌ی خودتان را بدهید من بخوانم. خواجه نوری هم امتثال امر می‌کند و نوشته را به شاه می‌دهد. پس از مدتی برای او پیغام می‌فرستد فعلاً موقع انتشار این مطالب نیست. این نوشته نزد من امانت خواهد بود تا در موقع لازم برای چاپ در اختیار بگذارم.

غیر از جزوات بازیگران عصر طلائی که هنوز تجدید چاپ می‌شود، آثار دیگری دارد مانند محبوس باغ فردوس، مشهودات گفتنی در دو جلد، اولین برخورد، روانکاوی و کتاب سیمای شجاعان نوشته‌ی کندی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا از ترجمه‌های اوست. در کار نمایشنامه‌نویسی هم دستی داشت. نمایشنامه‌ی عظمت ایران و نمایشنامه‌ی یک ایرانی در مقابل زن به زبان فرانسه از کارهای خواجه نوری می‌باشد. هزار سؤال بجا و هزار سؤال بیجا و یادداشت‌های للهآقا از دیگر آثار اوست. گاهی بر حسب تفنن شعر هم می‌سرود. وی در روانشناسی و روانکاوی هم دستی داشت. در ۱۳۷۰ درگذشت.

محقق.

تولد: اسفند ۱۲۷۹، شیراز.

درگذشت: فروردین ۱۳۷۰.

ابراهیم خواجه‌نوری چون پدرش را در یک سالگی از دست داد زیر نظر برادر بزرگش ابوتراب نظم‌الدوله تربیت شد. تحصیلات مقدماتی را در تهران آموخت. در روزگار جوانی روزنامه‌ی «نامه جوان» را منتشر کرد ولی پس از چاپ اولین شماره به زندان افتاد و چهار ماه زندانی بود و اتفاقا همان وقت بود که میرزاده‌ی عشقی هم محبوس بود.

پس از آن به اروپا رفت ومدت هشت سال در بروکسل درس خواند و در حقوق و علوم اداری دیپلم گرفت و پس از بازگشت به ایران ابتدا مدیر مدرسه‌ی عالی پست و تلگراف شد و سپس به وکالت دعاوی مشغول گردید.

پس از شهریور ۱۳۲۰ وارد سیاست شد. یکی از تأسیس کنندگان حزب عدالت بود. روزنامه‌ی این حزب نامش «ندای عدالت» بود و خواجه نوری صاحب امتیاز و یکی از نویسندگان آن بود. این روزنامه به مدت یک سال و نیم منتشر شد. (۴۰۸ شماره در تهران، پنج بار در هفته، ۱۳۲۴ -۱۳۲۳). در همین دوران نگارش بازیگران عصر طلایی را شروع کرد. جزوه‌هایی بود در شرح حال معروف‌ترین رجال سیاسی دوره احمدشاه قاجار و رضاخان. وی چندی معاون نخست وزیر (در چهار دولت) بود و سپس سناتور شد. ظاهرا چون با لایحه‌ی تشکیل سازمان امنیت مخالفت کرده بود، پس از دوره‌ی اول دیگر انتخاب نشد. به رشته‌ی روان شناسی و مباحث اجتماعی مخصوصا روانکاری دل بستگی داشت. وی چندین کمیته و شورا عضویت داشت.

از تألیفات اوست: اولین برخورد (۱۳۳۹)؛ بازیگران طلایی (۱۳۲۲)؛ چرا انگلستان خفته بود (ترجمه از کتاب جان اف. کندی، ۱۳۴۵)؛ رموز روانی مدیریت (۱۳۴۷)، روانکاوی (۱۳۳۶)؛ سیمای شجاعان (ترجمه از جان اف. کندی، ۱۳۴۰)؛ شگفتی‌های جهان درون (۱۳۴۶)؛ عقاید للهآقا؛ مردان خود ساخته؛ مکتوب (۱۳۳۴)؛ زندانی باغ فردوس.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین ایران (۳۱۷)، شخصیتهای نامی (۱۸۵ -۱۸۴)، مولفین کتب چاپی (۵۶ -۵۴ /۱).

خوارزمی ادیبی، ابوسعید احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۶ ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از اهالی خوارزم بود و در فصاحت و بلاغت و نگارش مهارت داشت از خوشنویسان طراز اول به شمار می‌رفت و پیش از زمان یاقوت حموی می‌زیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۰۰ /۱)، معجم الادباء (۱۳۵ -۱۳۱ /۲).

خوارزمی، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۳ ق)، شاعر و ادیب. مشهور به طبرخزی. نسبت وی بدان سبب است که پدرش از خوارزم بود و مادرش از طبرستان. وی که خواهرزاده‌ی محمد بن جریر طبری است در خوارزم متولد شد، از زادگاهش به شام رفت و مدتی در حلب ساکن شد. در راه بازگشت در ارجان (بهبهان)، به دیدار صاحب بن عباد رفت و داستان این ملاقات مشهور است و پس از آن به نیشابور آمد و در آن شهر مسکن گزید و همان جا درگذشت. ابوبکر در حفظ اشعار و ایام و اخبار عرب و لغت عرب یگانه روزگار خود بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ مجموعه‌ی «رسایل» خوارزمی که به داشتن محاسن بدیعی ممتاز است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۲/۷)، اعیان الشیعه (۳۷۹ -۳۷۷ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۰ -۶۳۹ /۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۶۹ - ۶۸ /۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۸۵)، الذریعه (۲۴۵، ۲۴۱ /۱۰، ۹۸۵، ۳۷ /۹)، روضات الجنات (۱۹۳/۷)، ریحانه (۱۸۵ -۱۸۳ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۹۸/۱)، سیرالنبلاء (۵۲۶/۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴/۴)، الکامل (۱۶۱/۷)، کشف الظنون (۹۰۲، ۷۷۰)، الکنی و الالقاب (۲۲/۱)، لغت نامه (ذیل/ ابوبکر)، معجم المولفین (۱۲۰ -۱۱۹ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۹۶ -۱۹۱ /۳)، وفیات الاعیان (۴۰۳ -۴۰۰ /۴)، هدیه العارفین (۵۷/۲).

خوارزمی، ابوعلی حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۲ ق)، فقیه، ادیب و شاعر شیعی. ملقب به ضریر. پدرش از مردم نیشابور بود که به خوارزم مهاجرت کرد. حسن در این شهر نشو و نما یافت. از جمله آثار وی: «تهذیب دیوان الادب»؛ «تهذیب اصلاح المنطق»؛ «زیادات اخبار خوارزم»؛ «محاسن من اسمه الحسن»؛ «دیوان» شعر، دو مجلد؛ «دیوان رسائل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۱۳ -۳۱۲ /۵)، الغدیر (۳۰/۴)، کشف الظنون (۱۰۸)، معجم الادباء (۱۹۱/۹)، معجم المولفین (۲۹۶/۳)، الوافی بالوفیات (۲۷۲ -۲۷۱ /۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۵/۱).

خوانساری صدر، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۵ ق)، روزنامه‌نگار. از چهار سالگی در مدرسه‌ی آلیانس اصفهان به تحصیل پرداخت و با اینکه در هفت سالگی پدرش را از دست داد، دوره‌ی اول متوسط را در اصفهان گذراند و پس از آن به تحصیل علوم دینی پرداخت. در بیست و دو سالگی به تهران آمد و وارد دارالفنون شد و دوره‌ی دوم متوسطه را در آنجا به پایان برساند. سپس وارد مدرسه‌ی حقوق شد پس از فراغت از تحصیل با سمت مستنطقی عدلیه به خدمت دولت درآمد. در سال ۱۳۱۹ ش از کار دولتی کناره گرفت و به وکالت عدلیه پرداخت. در ضمن آن، روزنامه‌ی «قیام ملی» را منتشر کرد. آثار وی: «حقوق زن در اسلام و اروپا»؛ «مرد نامتناهی، علی بن ابی‌طالب (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۸/۳)، مولفین کتب چاپی (۶۴۶ -۶۴۴ /۲).

خوانساری، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برهان الدین ابواسحاق ابراهیم بن زین الدین ابی الحسن علی بن جمال الدین ابو یعقوب یوسف بن یوسف بن علی خوانساری اصفهانی.

از اجلّه شاگردان شیخ علی کرکی، و از او اجازه دارد. تاریخ اجازه ۹۲۴ می‌باشد.

در الذریعهٔ (۲۱۲:۱) نقل از ریاض العلماء گوید که آن را در پشت کتاب کشف الغمهٔ به خطّ کرکی دیده‌ام.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، زین‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ زین‌الدین علی بن عین علی خوانساری از اکابر علما و فضلا بوده، و در مدتی امامت جمعه‌ی اصفهان را داشته، و در سال ۱۱۶۷ وفات یافته، و در قبرستان آب بخشان مدفون شده، بقعه کوچکی داشت.

وی را تألیفاتی است از آن جمله است: ۱ – رساله در رد بر ملا حیدر علی شیروانی در نجاست غیر امامی ۲ – رساله‌ای در رد بر ملا محمد شفیع تبریزی در موضوع نماز در لباس ابریشم؛ و غیره.

اولاد مرحوم شیخ زین‌الدین دو دسته‌اند:

اول: اولاد پسری، که آقا محمد صاحب عنوان باشد.

دوم: اولاد دختری که حسین علی شاه و سعادت علی شاه و جمعی دیگر باشند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از منبریان معروف، و روضه‌خوانان مشهور اصفهان بوده، و در شدت مرضی نیز ترک ذکر مصیبت ننموده، در روز ۷ محرم سال ۱۲۹۳ وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه آباده‌ای مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را پرتو شاعر گوید:

از پی تاریخ آن پرتو سرود

یا حسینی گفت پس دم درکشید

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری، عطاء الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۲۹ ربیع الاول ۱۲۶۶ متولّد، و در ۶ جمادی الاولی ۱۳۳۵ وفات یافته. وی مؤلّف فهرستی است بر کتاب روضات الجنات.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، علی اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی علی اکبر، عالم جلیل، از شاگردان و خواص اصحاب سید حجهٔ الاسلام، و مورد اعتماد و وثوق ایشان بوده، به طوری که آن بزرگوار پس از ساختن مسجد سید، مشارالیه را به امامت مسجد میرزا باقر منصوب نموده است.

پس از وفات او، جنازه به نجف اشرف منتقل شده، در وادی السلام مدفون گردید.

وی از شاگردان و مجازین از سید صدرالدین عاملی بوده (و در شب جمعه ۱۴ محرم ۱۲۶۳ وفات یافته است).

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوراسگانی، محمد اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آخوند ملا احمد، از علما و اجلّا و ائّمه ی جماعت در شهر بوده، و در ۲۴ ذی حجه سال ۱۲۸۴ وفات یافته، در تخت فولاد در سمت جنوبی بقعه ی فیض مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خورشید مریوانی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز دهه چهارم قرن چهاردهم هجری، از زنان ادیب و هنرمند. وی دختر شیخ معروف که لوس و از سادات «ته راته وەن» بود. پدرش به دلیل ناملایمات روزگار از مریوان به سنندج مهاجرت کرد و خاتون خورشید در کودکی در خانه یکی از خوانین محترم اردلان به سر برد و او وسایل تحصیلش را فراهم نمود تا جایی که به ادبیات فارسی احاطه یافت و با منطق و زبان و ادبیات عربی نیز آشنا شد.

وی کتابی درباره آداب خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت فرزند از ابتدای ولادت تا هنگام بلوغ به زبان فارسی تألیف کرد و یک دیوان شعر نیز از او به جا مانده که هیچکدام چاپ و منتشر نشده‌اند. این بانو در زمینه نقش و نگار و نوع رنگ‌آمیزی قالی و تهیه رنگهای متنوع آن شهرت داشته و نقشه‌های او را هم‌اکنون در کردستان «خورشیدی» می‌خوانند. خاتون خورشید مادر شاعر معروف کرد «قانع مریوانی» بود. وی قطعه شعری نیز به زبان کردی سورانی دارد که در نصیحت دخترش سروده است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۵۵ -۱۵۴ / ۲.

خوش جمال فکری، سارا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سارا خوش جمال فکری در سال ۱۳۶۷ در رودبار متولد شد

وی دو برادر و یک خواهر بزرگ تر از خود دارد که همگی آنها ورزشکار بوده اند. پدر و مادرش معلم هستند و کمک آنها باعث شد که سارا در سن۱۶ سالگی وارد دانشگاه شد و در رشته فیزیک ادامه تحصیل دهد. به خاطر حضور در اردوهای مختلف مجبور شد که رشته فیزیک را رها کند و در حال حاضر دانشجوی ترم دوم تربیت بدنی است. حدود۹ سال است که تکواندو را تحت نظر خانم آذر مهر پیگیری میکند ودر ۵ سال گذشته به صورت دائم در اردوهای تیم ملی حضور یافته است. در حال حاضر دان ۳ تکواندو دارد

از عناوینش می توان به مقام دوم پایتخت های کشور های اسلامی ، مقام دوم مسابقات چین، مقتم دوم مسابقات کره، سوم مسابقات لبنان، مقام دوم مسابقات هلند، مقام اول دهه فجر و سر انجام مقام ۳ مسابقات آسیایی و کسب سهمیه المپیک اشاره کرد

سارا خوش جمال فکری امروز سی ام مرداد ۱۳۸۷ در آوردگاه المپیک پکن بعد از شکست اولین حریف خود در دیدار دوم مقابل حریفی از چین تایپه بعد از سه راند مبارزه و مساوی شدن نتیجه در راند طلایی نتیجه را واگذار کرد و در عین شایستگی حذف شد

منابع زندگینامه :http://taekwondo-chagi.blogfa.com

خوشنویس، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر خوشنویس

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد جعفر خوشنویس (معروف به جعفر الهادی) سال ۱۳۲۵ در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد و به علت انتساب و ارتباط وی به خاندان دینی و علمی و تمایل شدیدی که به تحصیل و کسب علوم اسلامی داشت پس از طی چند سال در مکتبخانه و در مدارس رسمی به حوزه علمیه پیوست و دروسی را در سطح مقدمات (نحو و صرف و بلاغت) و مراحلی از علم کلام و تفسیر و فقه ، باب

حادی عشر و مجمع البیان و تبصره علامه و عروه و شرایع الاسلام و لمعه و معالم و اصول و فن نگارش عربی به سبک معاصر را نزد اساتید معروف و مبرز حوزه گذراند.پس از ورود حضرت امام (قدس سره) به عراق و به دلایل سیاسی به لبنان رفته و حدود ۵ سال در بیروت به کارهای فرهنگی و تبلیغی از قبیل سخنرانی نگاشتن و نشر مقالات مذهبی در مجلات و روزنامه های اسلامی و شیعی از قبیل : العرفان و الحیاه (بین سالهای ۱۳۴۹–۱۳۵۳ هجری شمسی) پرداخت .

سپس بـه بحرین هجرت کرده و پس از مکث ۹ ماه در آن کشور که همراه با امامت جماعت و سخنرانی به عربی و فارسی در مجالس مذهبی و اجتماعی و نوشتن و نشر مقاله ، و ایراد سخنرانی هایی از طریق رادیوی منامه در مناسبتهای دینی شیعی بود به ایران آمد و در اواخر سال ۵۴ به حوزه علمیه قم وارد شد و در درس کفایه حضرت آیت الله سبحانی در مسجد فاطمی شرکت کرد و به مدت ۱۵ سال به فراگیری علوم مختلف در زمینه فقه ، اصول ، رجال ، درایه ، فلسفه ، علوم قرآنی و کلام تطبیقی و تلمذ نزد دانشمندان عالیقدر : فقید سعید ستوده (قدس سره) و موسوی تبریزی ، دوزدوزانی ، و فقید سعید حقی تبریزی پرداخت.درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) آیت الله العظمی تبریزی ، آیت الله العظمی وحید خراسانی ، آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، آیت الله کوکبی ، آیت الله سبحانی استفاده نمود.

از اوائل ورود به حوزه شریف قم به تدریس پرداخت و به تعلیم زبان عربی ، فن نویسندگی معاصر ، خطابه در کنار فقه ، اصول ، عقائد و تاریخ اسلامی مشغول شد.ایشان به خاطر رغبت و علاقه ای که به نشر فرهنگ اسلامی علی الخصوص بین جوانان داشت به خطابه و ایراد سخنرانی در محافل و مجالس به زبان عربی و فارسی پرداخت و به مرور زمان یکی از فعالیتهای عمده وی تبلیغ از طریق منبر قرار گرفت.در همین راستا بر اثر دعوتهای مختلف به مناطق گوناگون در خود ایران و در دیگر کشورهایی مانند لبنان ، سوریه ، بحرین ، دبی ، شارجه ، چین ، مالزی ، سنگاپور ، سریلانکا ، تایلند ، ساحل العاج ، کرواسی ، مکررا سفر کرده و در میان مردم مختلف به سخنرانی پرداخت .به علت تسلط ایشان در دو زبان عربی و فارسی هم در عراق (پیش از حکومت منفور بعث) و قبل از هجرت از عراق و پیش از سالهای (۱۳۴۹–۱۳۵۴ ه.ش) از رادیوی سراسری عراق و همچنین در ایران (پس از انقلاب مبارک اسلامی) در کانال رادیویی ۱، ۲، ۳ فارسی و عربی سراسری و رادیوی قرآن و رادیوی محلی قم و اهواز و کیش و کردستان و سیستان و بلوچستان سخنرانی ، میزگرد و مصاحبه های متعددی در مسائل گوناگون اسلامی و اجتماعی داشته ، همچنین نظیر این برنامه ها از تلویزیون المنار حزب الله لبنان از وی پخش شده است.تدریس در دانشکده شهید محلاتی سپاه قم به مدت چهار سال و مدتی در دانشگاه شریف صنعتی تهران و جامعهٔ الزهراء قم و موسسه مذاهب اسلامی نیز داشته اند. از همان آغاز جوانی بر اساس علاقه به نویسندگی به نوشتن و نشر کتاب و مقاله هایی به دو زبان عربی و فارسی در مجلات گوناگون داخلی و خارجی همچون : القرآن یهدی ، ذکریات المعصومین ، نداء الاسلام ، منابع الثقافه الاسلامیه (عراق) و المواقف (بحرین) رساله القرآن ، پیام قرآن ، پرسمان (قم) و البصائر و رساله الحسین و میقات الحج (ایران) و الشهید (لندن) و دعوهٔ الحق (مغرب) المرشد (سوریه و لبنان) پرداخت. وی عضو هیئت علمی مقام معظم رهبری و جامعه اهل البیت العالمیهٔ و دبیر کمیته تبلیغ و معارف مدارج علمی حوزه است و اینک مدیر مرکز تخصصی آموزشی علوم حدیث (درخیابان معلم) وابسته به حوزه علمیه قم می باشد.

خونساری، فضل‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فضل‌اللّٰه بن العالم الجلیل آقا سید علی‌اکبر خونساری خواهر زاده و داماد آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید احمد موسوی خونساری مد ظله از علماء بزرگوار معاصر تهران است.

وی در خونسار متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و اولیات را در آنجا خوانده و به اصفهان مسافرت و یکسال در آنجا درس خوانده و در سال ۱۳۴۷ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه به اتمام رسانیده و حدود دو سال در حوزه درس آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی حاضر و استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم یک دوره اصول مرحوم آیت‌اللّٰه حجت را دیده و از محضر آیت‌اللّٰه خونساری بهره‌مند شده و حدود نوزده سال فقه و اصول و علوم عقلیه و فلسفه و فلکیات را از آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید احمد خونساری مد ظله دائی بزرگوار خود بهره‌مند شده و هم از ابحاث عرفان و فلسفه مرحوم آیت‌اللّٰه شاه آبادی استفاده نموده تا سال ۱۳۶۵ قمری که بر حسب تقاضا و اصرار جمعی از اهل تهران ساکن (خیابان شاه) برای اقامه جماعت در مسجد سجاد آن خیابان و ترویج دین مبین و ادامه بوظائف روحانیت مهاجرت به تهران نموده و تاکنون در آن محیط اشتغال به خدمات دینی و تدریس فقه و اصول دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدباقر بن العلامه التقی آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خونساری از علماء معاصر تهرانست وی در قم متولد و اولیات و سطوح را از مدرسین قم فراگرفته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللّٰه اراکی و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی استفاده نموده آنگاه

مهاجرت به نجف و از مراجع آن سامان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و دیگران استفاده و چند سالی است مراجعت به ایران و در خیابان گرگان تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد شمال خیابان مزبور و ترویجات و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد علی بن العلامه الورع آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی موسوی خونساری از علماء فعال و مروج معاصر تهران است. وی نیز مانند برادرش در قم متولد و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و اولیات و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده نموده آنگاه بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین تهران رحل اقامت به آن سامان انداخته و در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه خیابان فرودگاه نزد کارخانه پپسی کولا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارد و در فن منبر نیز مهارت و استادی کامل دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خویی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، صوفی، منشی و شاعر. در خوی به دنیا آمد. مدتی برای تحصیل علم ظاهر و باطن به مسافرت و سیاحت پرداخت و در اصفهان از محضر شیخ محمدحسین و شیخ زین‌العابدین حسن علیشاه، و رییس سلسله‌ی نعمت الهی کسب فیض کرد. نزد آخوند ملاعلی نوری، که حکیم عصر بود حکمت آموخت و بعد از چندی سیر و سلوک و تحصیل، به خدمت محمدشاه رسید و منشی خاصه و کاتب اسرار و محرم او شد. در اواخر عمر، از کار دنیا ملول شد و انزوا گزید. سرانجام در تهران درگذشت. میرزا مهدی در نظم و نثر توانا بود و از اشعارش مقداری قصاید و غزلیات و مثنویات بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۷۵۹ -۱۷۵۵ /۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۵ -۳۶۴)، گنج شایگان (۴۳۷ -۴۳۶)، مجمع الفصحا (۹۱۹/۵- ۹۲۷).

خوئی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن خوئی بن آیه الله حاج سید ابوالقاسم بن آیه الله حاج سید مهدی بن حجه الاسلام سید صادق حسینی خوئی قدس سره دائی معظم آیه الله العظمی فقیه اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام فی عصره و جامع العلوم و الفنون فی دهره العلامه الکبری ابوالمعالی سید شهاب الدین النجفی مرعشی مدظله العالی از علماء بنام تبریز بوده‌اند.

سلسله نسب آن بزرگوار با نسب مرحوم آیه الله حاج سید حسین کوهکمری و آیه الله حجت کوهکمری یکی می‌شوند و منتهی می‌شوند بسید حسن که در زنوز نزدیک شهر مرند قبرش مزار مؤمنین می‌باشد و نسب سید حسن هم منتهی به حضرت علی اصغر فرزند حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام منتهی می‌گردد. و آیه الله سید مهدی جد آقا سید حسن از اعاظم تلامذه شیخنا الانصاری بوده و آیه الله آقا سید ابوالقاسم والدشان از تلامذه فاضل شربیانی و آیه الله حاج شیخ محمد حسن مامقانی بوده است.

مترجم معظم در سال ۱۲۸۹ در شهر تبریز متولد شده والده ایشان مخدره صالحه بانو حاجیه همای خانم صبیه مرحوم حاج منجم بانی پل معروف به پل منجم در شهر مذکور می‌باشد.

اساتید ایشان والدشان و عموی مکرمشان آیه الله آقای حاج سید رضا خوئی و سایر علماء تبریز بوده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و سالهای متمادی در درس مرحوم آیه الله حاج سید کاظم یزدی صاحب عروه و آیه الله شریعت تلمذ نموده و پس از وفات آن دو بزرگوار به تبریز آمده و به تدریس و اقامه جماعت و بیان عقاید و احکام دینیه پرداخته.

اجتهاد و روایتی

دارای اجازات عدیده از آیه الله یزدی و آیه الله شریعت و آیه الله فیروزآبادی و آیه الله آقا شیخ زین العابدین مرندی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می‌باشد:

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

۱- مجالس المواعظ کتابی است به نحو مجلس مجلس ۲- شرح زیارت عاشورا ۳- شرح صحیفه سجادیه ۴- شرح دعاء سمات ۵- حاشیه بر عروه الوثقی ۶- غایه القصوی.

در سال ۱۳۷۹ قمری وفات نموده و پس از مدتی که در مزار سید ابراهیم امانت سپرده شده بود حمل به نجف اشرف و در وادی السلام در قبرستان خانوادگی مدفون گردید. دارای دو پسر به نام آقا سید باقر که از تجار و ساکن مشهد مقدس است ۲- آقا سید عبدالکریم ساکن تبریز و داماد مرحوم آیه الله حاج میرزا مهدی انگجی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خوئی، عبدالصمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالصمد ابن المرحوم آقا میرزا مجتبی ادیب خوئی طاب ثراه (معروف به اولاد ملا محمدباقر خوئی) در سال ۱۳۲۷ ه. ق در شهر تهران متولد و در پنج سالگی در خدمت والدین خود عازم خوی شده و در آنجا تحصیلات ابتدائی و مقدمات عربی را نزد والد ماجدش خوانده و سطوح وسطی را نزد علمای بزرگ شهر خوی فراگرفته و در سن ۲۱ سالگی در مدرسه نمازی شهر خوی بتدریس طلاب مشغول و بواسطه پیش آمد بعضی از حوادث بقصبه شبستر عزیمت و مدت یکسال و نیم از محضر آیت‌اللّٰه شبستری استفاده نموده و آنگاه به تبریز آمده و در مدرسه طالبیه مشغول تدریس طلاب علوم دینیه شده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید مرتضی خسرو شاهی رسائل و مکاسب را فراگرفته و در سال ۱۳۵۰ ه.ق مهاجرت به قم نموده و مدت چهارده سال و نیم در حوزه مقدسه قم از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید محمد تقی خونساری و اندکی هم از محضر آیت‌اللّٰه بروجردی استفاده کرده و مقداری از حکمت و فلسفه را هم نزد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی مازندرانی خوانده و در مدرسه دارالشفا و فیضیه به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و عده‌ای بسیار از طلاب و محصلین در حوزه دروسش شرکت و بامور مدرسه دارالشفا هم رسیدگی می‌کردند تا در سال ۱۳۶۳ ق. ه که از طرف حضرت آیت‌اللّٰه العظمی میلانی مد ظله انتخاب و با تصویب و موافقت آیات عظام قم اعزام به منطقه اسکرومیلان گردیده و سالهای متمادی در آن ناحیه که در تحت تسلط و نفوذ حزب منحله و منفوره توده‌ای‌های آذربایجان بود خدمات شایسته‌ای انجام داده و در مقابل حملات و تهمتها و اهانت‌های آن فرقه ضاله مقاومت و با عنایت حق جلت قدرته و الطاف حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه الشریف تحمل شداید نموده و انجام وظائف محوله دینیه را از قبیل: تشکیل مدرسه علمیه دینیه و جمع‌آوری طلاب از اطراف و قراء آن صفحات در قصبه میلان و اعزام منبریهای طلاب را بدهات و قراء برای ترویجات دینی نموده‌اند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان بسیار جدی و ساعی در امور دینی و از مروجین و خدمتگزاران بلیغ می‌باشد در مدت اقامتشان در میلان آثار بسیاری از قبیل ساختن حمام‌ها و مفروش کردن مساجد دهات و قراء آن سامان و تربیت طلاب و اعزام آنان به قم و غیره انجام داده‌اند تا در سال ۱۳۷۹ ق که جناب آقای حاج سید حسین مدنی (ابن عم مکرم حضرت آیت‌اللّٰه المیلانی دام ظله) متولی مسجد حضرت ابوالفضل علیه‌السلام جوادیه تهران از حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی اعلی اللّٰه مقامه کسب اجازه نموده و ایشان را به تهران دعوت و امامت مسجد مزبور را بعهده ایشان گذارده و تا حال حاضر حدود پانزده سال است در منطقه بزرگ و حساس جوادیه راه آهن بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند و خدمات شایسته‌ای انجام داده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین بن العالم الجلیل آقا سید کبیر خوئی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی پس از تولد و پرورش در بیت علم و کمال و خواندن مقدمات و سطوح متوسط به قم مهاجرت نموده و سطوح نهائی را از مدرسین حوزه بپایان رسانیده آنگاه از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و بمدارج عالیه رسیده و بعد بنابر درخواست عده‌ای از دوستان و مومنین تهران منتقل به تهران گردیده و در مسجد سلمان واقع در خیابان شهباز تهران به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای خوئی مزبور از بنی اعمام مرحوم علامه متتبع میرزا حبیب‌اللّٰه هاشمی خودی صاحب شرح نهج‌البلاغه مطبوع می‌باشد، عالمی متین و دانشمندی باتقوا و متانت و دارای تالیفاتی می‌باشد.

مرحوم والدش حجهٔ‌الاسلام آقا سید کبیر خوئی نیز از علماء محترم شهرستان خوی دارای تألیفات بوده که از آنها رساله‌ای بنام مثل و اندرز بسعی آن جناب بطبع رسیده است.

آن مرحوم در سال ۱۲۹۳ ق در شهرستان خوی محله شاهانه متولد و در سوم ذی القعده ۱۳۶۸ قمری در اثر تصادم از اسب همسایه‌اش بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خیابانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۹۷ ق)، عالم دینی و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. در کودکی به روسیه رفت و پس از بازگشت به تحصیل مقدمات و علوم متداول زمان چون هیات و حکمت و طبیعیات پرداخت و بعد از چندی به سلک روحانیت درآمد و امام جماعت مسجد کریم خان محله خیابانی تبریز شد. پس از اوج‌گیری جنبش مشروطه به این جنبش پیوست و نماینده‌ی انجمن ایالتی آن شهر شد. در دوره دوم مجلس به نمایندگی مردم تبریز انتخاب شد و در مدت نمایندگی خود با اولتیماتوم روسیه علیه ایران و قرار داد ۱۹۱۹ م وثوق‌الدوله مخالفت کرد. خیابانی در تبریز روزنامه‌ی «تجدد» را بنیان گذاشت و با نوشتن مقالاتی موفق به ساقط کردن دولت وثوق‌الدوله شد. وی در آذربایجان قیام و جنبشی راه انداخت که بوسیله مخبرالسلطنه سرکوب شد و خود نیز در این کشمکش کشته شد.[۱]

از آزادیخواهان معروف آذربایجان در عهد مشروطیت است. وی در ۱۲۹۷ ه.ق در تبریز متولد شد. تحصیلات خود را در رشته‌ی علوم معقول و منقول ادامه داد و به کسوت روحانیت درآمد. پدرش پیشه‌ی تجارت داشت و بیشتر تجارت او با روس‌ها بود. قریب سی سال تجارتخانه‌ای در روسیه دائر کرده بود. شیخ محمد چندی نزد پدرش در روسیه باقی ماند. زبان روسی را فراگرفت و به تبریز بازگشت و امام مسجد کریم‌خان تبریز شد. هفته‌ای چند بار در مسجد منبر می‌رفت و سخنان تندی بر زبان می‌راند و از مشروطه و آزادی دفاع می‌نمود. در بین مردم تبریز خیلی زود وجهه خوبی پیدا کرد. در دوره‌ی دوم که جوانی سی‌ساله بود، به وکالت مجلس انتخاب گردید. در تهران به تبعیت از تقی‌زاده، وارد حزب دموکرات شد. وقتی مجلس دوم تعطیل شد، او به تبریز و سپس به روسیه رفت و چند سالی دیگر در روسیه باقی ماند. در آن ایام حکومت تزار در حال احتضار بود و مردم روسیه علیه خانواده‌ی سلطنتی قیام کرده بودند ولی هنوز انقلاب به ثمر نرسیده بود. خیابانی تحت تأثیر جنبش‌های سیاسی در روسیه قرار گرفت و به تبریز بازگشت و حزب دموکرات را در آنجا تأسیس کرد و روزنامه‌ای به نام تجدد انتشار داد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که در دوران حکومت وثوق‌الدوله آغاز شد، شیخ به نمایندگی برگزیده شد. خیابانی منتظر فرصت بود تا اینکه قرارداد ۱۹۱۹ منتشر شد. وی قرارداد را بهانه قرار داده، علیه حکومت مرکزی قیام کرد و تمام تبریز را به تصرف خود درآورد و مخبرالسلطنه والی و سران حکومت را در تبریز به اسارت کشید. در همین ایام مشیرالدوله به جای وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء شد و برای جلوگیری از بحران به مخبرالسلطنه اختیارات نظامی داد. بین شیخ و قوای دولتی جنگ مسلحانه شروع شد و سرانجام شیخ در همان موقع به قتل رسید و طومار زندگی‌اش در سن ۴۲ سالگی پیچیده شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۱۴، ۲۱۱ -۲۰۸ /۲)، تاریخ جراید (۱۰۶ -۱۰۵ /۲)، شرح حال رجال (۱۹۸ -۱۹۶ /۶).

خیام‌پور، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۳۱۶(۱۲۷۷ ق.) تبریز.

درگذشت: ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، تهران.

عبدالرسول خیام‌پور، فرزند محمد تاهباز، پس از تحصیلات مقدماتی به تهران عازم و در سال ۱۳۰۶ به اخذ گواهینامه از دوره ادبی مدرسه دارالفنون نایل آمد. پس از سه سال خدمت دبیری در دبیرستان شاهپور اهواز در تهران وارد دانشسرای عالی شد و در فلسفه و ادبیات لیسانس گرفت چون در امتحانات رشته‌ی مزبور درجه‌ی اول را حائز شد، به دریافت یک قطعه نشان علمی درجه‌ی اول نایل گردید. پس از آن به سمت دبیری منصوب گردید. بعدا عهده‌دار مشاغل زیر شد: متصدی و مدیر دفتر دانشکده‌ی معقول و منقول، مدیر دبستان ایرانیان در استانبول از سال ۱۳۱۶ الی ۱۳۲۵ (در این مسافرت پس از چهار سال تحصیل در دانشکده‌ی ادبیات از شعبه‌ی ترمولوژی استانبول لیسانسیه شد و در تیر ۱۳۲۵ به ایران بازگشت)، معلم دستور ادبی و فلسفه در رشت؛ استاد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات تبریز از مهر ۱۳۲۶؛ وی همچنین به معاونت دانشکده‌ی ادبیات رسید. وی در خرداد ۱۳۲۹ نیز به ریاست کتابخانه‌ی دانشکده نیز منصوب شد . در پانزدهم تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد و با توجه به موقعیت علمی ایشان، به پیشنهاد دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه تبریز از تاریخ دهم دی ۱۳۴۸ به مقام استادی ممتاز نایل آمد.

دکتر عبدالرسول خیام‌پور در شهریور ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان کرد و از آن پس به جز یک سالی که در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت، تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب فرهنگ سخنوران (تبریز، ۱۳۴۰، تهران، ۱۳۷۲، ۱۳۶۸) کرد و در سال‌های آخر عمر به علت بیماری از هر گونه فعالیت فرهنگی نیز محروم شد.

فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: مجمع الخواص (به قلم صادق افشار، ترجمه از ترکی جغتایی به فارسی، ۱۳۲۷)؛ رساله‌ی عربی برای فارسی (اقتباس و ترجمه از المنجد ۱۳۳۶)؛ دستور زبان فارسی (۱۳۳۳ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ یوسف و زلیخا (۱۳۳۹)؛ فرهنگ سخنوران (۱۳۴۰)؛ نگارستان دارا (تألیف عبدالرزاق دنبلی، ۱۳۴۲)؛ ریاض الوفاق (تألیف ذوالفقار علی، ۱۳۴۳)؛ تذکره اختر (تألیف احمد گرجی، ۱۳۴۳)؛ مصطبه خراب (به قلم احمد قاجار، ۱۳۴۴)؛ حدیقه امان‌اللهی (نوشته میرزا عبدالله سنندجی، ۱۳۴۴)؛ تذکره‌ی روضهٔ السلاطین (به قلم محمد بن امیری فخری هروی، ۱۳۴۵)؛ سفینهٔ المحمود (نوشته‌ی محمود میرزا قاجار، ۱۳۴۶) جزوه‌ای تحت نام شیوه انتقاد در مجله راهنمای کتاب (آذر ۱۳۳۹)؛ حالات اسم در فارسی

امروزی (۱۳۳۲)؛ خاقانی شروانی (۱۳۲۷). وی همچنین سلسله مقالاتی تحت عنوان «غلط مشهور» تحریر کرده است که در سیزده شماره از شماره‌های سال اول و دوم نشریه «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» به چاپ رسیده است.

(۱۳۵۸ –۱۲۷۷ ش)، محقق، مصحح، استاد دانشگاه و نویسنده. در تبریز متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از سه سال تدریس در اهواز برای ادامه‌ی تحصیل به تهران بازگشت و موفق به دریافت لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد، سپس در دارالفنون و دیگر دبیرستانها به تدریس پرداخت. از سال ۱۳۱۶ ش به مدت نه سال سمت مدیری دبستان ایرانیان را در استانبول بر عهده داشت و در ضمن خدمت، موفق به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول شد. پس از مدتی تدریس در دانشکده‌ی ادبیات تبریز، به سمت ریاست کتابخانه و سپس معاونت دانشکده انتخاب شد. در سال ۱۳۴۸ ش بازنشسته شد و به دلیل خدمات علمی و پژوهشی به مقام استادی ممتاز نایل آمد. از آثار وی: تالیف «فرهنگ سخنوران»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «رساله‌ی یوسف و زلیخا»؛ ترجمه و تصحیح و تحشیه‌ی «نگارستان دارا» و «مصطبه‌ی خراب» و «تذکره‌ی روضه السلاطین» و «سفینه المحمود» و «ریاض الوفاق».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۳، ص ۲۴۵ –۲۴۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۸ –۲۴۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (مقدمه)، مولفین کتب چاپی (۸۴۹ –۸۴۷/ ۳).

خیرخواه، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خیر خواه

محل تولد : روستای طوسکلاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد خیرخواه دوره تحصیلات ابتدایی را در روستای زادگاهم طوسکلا از توابع شهرستان نکاء گذرانده ام و تحصیل در مقطع راهنمایی را درشهرستان های ساری(مرکز استان مازندران) و گرگان (مرکز استان گلستان) انجام دادم و در سال ۱۳۵۷ همزمان با انقلاب اسلامی به جهت علاقه زیادی که به تحصیل علوم دینی داشتم وارد حوزه علمیه رستمکلاء (حومه بهشهر) شدم که زیر نظر عارف کامل و عالم عامل حضرت آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (رضوان الله تعالی علیه) تاسیس و اداره می شد و دروس آغازین صرف و نحو (ادبیات عرب) را در آن حوزه نورانی فراگرفتم. لازم به ذکر می دانم که فضای تحصیلی در آن حوزه با دو ویژگی تعلیم و تزکیه ممتاز بود و مرحوم آیت الله ایازی با تعلیم و تربیت هزاران تن از طلاب فاضل و روحانیون ارجمند که بسیاری از آنان خود از اساتید شایسته و از محققان و پژوهشگران پرتلاش هستند در توسعه علم و فرهنگ دینی نقش بسیار مفید و ماندگاری را ایفا نمودند.اینجانب در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتاب مغنی اللبیب (در ادبیات) را نزد مرحوم استاد مدرس افغانی(ره) و کتاب مطول (در معانی وبیان و بدیع) را محضر آیت الله فشارکی و کتاب رسائل (در علم اصول) را نزد آیت الله اعتمادی و کتاب مکاسب (در فقه) را محضر آیت الله بنی فضل و مرحوم آیت الله پایانی و کتاب کفایهٔ الاصول آخوند خراسانی را محضر مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و دروس خارج اصول و فقه را محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی(ره)، صالحی مازندرانی(ره)، ناصر مکارم شیرازی، و جوادی آملی افتخار حضور یافتم. به جهت علاقه خاصی که به مطالعه و پژوهش در علوم قرآن و تفسیر داشتم و نیز به جهت اهمیت ویژه ای که خود این دانش در مقایسه با دیگر علوم دارد، وارد این رشته تخصصی شدم که با شرکت کنندگان در آن با شرایط ویژه ای و با دو مرحله امتحان گزینش می شوند در این دوره که به مدت چهار سال به طول انجامید از محضر اساتید بزرگوار و حضرت آیت الله معرفت استفاده کردم و موضوع پایان نامه اینجانب (بررسی مترادف در قرآن کریم) است. و همزمان و به موازات حضور در دوره تخصصی تفسیر جهت عینیت بخشیدن به مطالعات و پژوهشهای قرآنی وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در قم شدم و این مرکز که از مهمترین مراکز مطالعات تحقیقی و کاربردی در محور موضوعات قرآنی است متشکل از بخش ها و واحدهای مختلفی از جمله دائرهٔالمعارف قرآن کریم، پاسخ به پرسش ها و شبهات قرآنی، تفسیر راهنما، قرآن و علم، واحد فرهنگ قرآن و... می باشد و اینجانب به اتفاق جمعی از همکاران گرامی در واحد فرهنگ قرآن قریب به ده سال است که به تحقیق و پژوهش در مفاهیم قرآنی مشغول هستیم که با منطق نظم الفبایی تدوین می شود و برای این منظور بیش از دو هزار مدخل که با بیشتر از صد هزار نمایه توسعه می یابد بر مبنای معارف برگرفته از قرآن کریم و تفاسیر در قالب برداشت های قرآنی و با راهکارهای کاملا تعریف شده و ضابطه مند مورد تحقیق قرار می گیرد. این پژوهش که با نام (فرهنگ قرآن) آغاز شده و ادامه دارد در حقیقت پروژه ای عظیم و در عین حال بی سابقه در حوزه علوم قرآن و تفسیر است که از سوی حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی ارائه شده است و به وسیله تلاش های مستمر و دلسوزانه جمعی از همکاران همدل و همراه این مرکز انجام می گیرد و به سامان می رسد که بنده نیز به عنوان عضوی کوچک از آن مجموعه بزرگوار محسوب می شوم. تحقیق مذکور که به مثابه یک موسوعه بزرگ از مفاهیم قرآنی است در حدود ۲۵ جلد خواهد بود که ۱۰ جلد آن تا کنون از چاپ خارج شده است و در دسترس علاقمندان مطالعات قرآنی قرار گرفته است و بقیه مجلدات آن نیز در شرف نهایی شدن قرار دارد. اینجانب

جدای از تحقیق جمعی فوق مقالاتی را در موضوعات علوم قرآنی، کلامی، معارف دینی و اجتماعی برای دایرةالمعارف قرآن کریم و مرکز مطالعات حوزه علمیه قم و برخی از نشریات نوشته ام.

داداش زاده، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی داداش زاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۷۱ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل – استان مازندران – شدم .بعداز مدتی وارد حوزه علمیه قم جهت ادامه تحصیل شدم ودرهمین میان به تدریس ادبیات عرب ومنطق پرداختم . ودرسالهای ۷۵– ۷۶ به عنوان شاگرد ممتاز،شناخته شدم و مورد تقدیر نماینده ولی فقیه قرار گرفتم . درسال ۷۸ رتبه سوم درپایه هشتم را کسب نمودم وسرانجام درپایه دهم رتبه اول رابدست آوردم و مورد تقدیر قرار گرفتم . همزمان باورود به درس خارج حضرات آیات، به تدریس پرداخته ، وکتاب بدایة الحکمة، نهایةالحکمة، رسائل، را تدریس نمودم وبعد ازمدتی وارد تخصصی تربیت مدرس شده وبه ادامه تحصیل درگرایش فقه واصول پرداختم واز آن مرکز نیز رتبه اول رابدست آوردم.درمیان تحصیل دررشته فقه واصول وفلسفه وتفسیر،ازآنجایی که احساس نمودم حملاتی برعقاید شیعه میشود و لکن کتابهای فارسی که به این شبهات بپردازد چندان نبود دست به ترجمه برخی ازکتب دردفاع ازکیان تشیع زدم که مورد استقبال بالا قرارگرفت وبا تیراژ فراوان چاپ و منتشرگردید که دوعنوان ازاین کتب ،رویکردعقلانی برباورهای وهابیّت ،وسلفی گری درگذرتاریخ بود .ودرادامه تحصیلات هم اکنون دررشته علوم حدیث باگرایش کلام وعقاید دردانشکده علوم حدیث قم درکارشناسی ارشد مشغول به تحصیل می باشم .

دادبه، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر دادبه درسال ۱۳۲۵ در یزد متولد شد. وی دارای لیسانس فلسفه و حکمت (۱۳۴۷) ، فوق لیسانس (۱۳۵۰)و دکتری همان رشته (۱۳۵۹) از دانشگاه تهران می باشد. وی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و بسیاری مجامع علمی وادبی کشوراست. وی در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار درعرصهٔ ادبیات عرفانی و فلسفهٔ اسلامی معرفی شد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفه و حکمت اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اصغر دادبه پس از اخذ دیپلم در زادگاه خود یزد، به تهران آمد و پس از لیسانس ۱۳۴۷، فوق لیسانس ۱۳۵۰و دکتری رشته حکمت و فلسفه را درسال ۱۳۵۹ از دانشگاه تهران دریافت کردو وی ادامه زندگی علمی خود را به تحقیق و تدریس سپری می نماید.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری در رشته حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۹ از مقاطع مهم زندگی تحصیلی علی اصغر دادبه می باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اصغر دادبه درحین تحصیل در دورهٔ دکتری در دانشگاه تهران، در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس نیز مشغول بوده است.وقایع میانسالی : علی اصغر دادبه پس از اخذ مدرک دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۹، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی در سال ۱۳۸۱ دردومین همایش چهره های ماندگار در زمینهٔ ادبیات عرفانی برگزیده و معرفی شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اصغر دادبه پس از اخذ دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۹ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی پیش از این نیز دردانشگاهها و موسسات آموزشی از سال ۱۳۵۳ مشغول به تدریس بوده است.فعالیتهای آموزشی : علی اصغر دادبه از سال ۱۳۵۳ به تدریس در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی اشتغال داشته است. اما پس از اخذ مدرک دکتر در سال ۱۳۵۹، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد و به تدریس دروس ادبی، حافظ شناسی و کلام اسلامی و فلسفه هنر پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اصغر دادبه در کنار تدریس، به مطالعه و تحقیق در زمینهٔ ادبیات عرفانی ایران و تالیف کتبی دراین زمینه اشتغال دارد.آرا و گرایشهای خاص : علی اصغر دادبه از جمله فلاسفه و حکمایی است که توجه خاصی به ادبیات به ویژه ادبیات عارفانه و حکیمانه فارسی دارد.جوائز و نشانها : علی اصغر دادبه در سال ۱۳۸۱، در دومین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار درعرصه ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی معرفی شد.

آثار : ۱ تجلی آرای کلامی درشعر نظامی ۲ تصحیح دیوان نجیب کاشانی ۳ فخررازی ۴ فرهنگ اصطلاحات کلامی ۵ کلیات فلسفه ۶ مفهوم رندی در شعر حافظ

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دادجو، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله دادجو

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله دادجو در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم در هنگام ورود به حوزه علمیه تلاش کردم در عین پیشرفت علمی و فقهی با علوم جدید نیز آشنایی داشته باشم لذا در آن زمان توفیق اخذ دیپلم علوم تجربی را پیدا کردم.سپس در راستای ارتقای علوم دینی پس از پایان سطح به درس خارج بزرگان دین شرکت کرده و بیش از ۱۲ سال موفق شرکت در دروس خارج فقه و اصول شدم ضمنا در رشته تخصصی کلام اسلامی به تحصیل پرداخته و سرانجام پایان نامه ام را با عنوان تحلیل و بررسی پدیده وحی به پایان برده و دفاع نمودم و موفق به کسب مدرک سطح چهار دکتری شدم از سال ۱۳۸۲ مشغول به تدریس در دانشگاهها هستم و مقالاتی نیز از حقیر به چاپ رسیده و اکنون در حال تألیف کتابی هستم. البته در برخی از حوزه های علمی حوزه علمیه و به طور آزاد نیز توفیق تدریس داشته ام.از جهت تبلیغی نیز تاکنون به لطف خدا موفق به تبلیغ بوده ام.

دادمرزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی دادمرزی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی (شهید مفتح) تهران دیپلم گرفتم . همان سال به طوررسمی وارد حوزه علمیه مجتهدی شدم . همزمان در همان سال در رشته علوم انسانی در کنکور سراسری شرکت کردم و در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم . در سال ۱۳۶۸ فارع التحصیل شدم و در همان سال در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران در مقطع ارشد قبول شدم ؛ در سال ۷۰ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان حکمیت در دعاوی خانوادگی مدرک ارشد خود را اخذ نمودم . در همان سال در کنکور اعزام به خارج برای مقطع دکتری قبول شدم . در سال ۶۹ جهت تکمیل دروس حوزوی به قم مهاجرت کردم و در حوزه مشغول اتمام دوره سطح شدم و عمدتا این مقطع را در محضر دروس مرحوم آیت الله شمس شاگردی نمودم .

از سال ۱۳۷۲ وارد درس خارج فقه و اصول شدم که به لطف حق همچنان در این مقطع به تحصیل اشتغال دارم . همکاری خود را با دانشگاه قم از سال ۷۰ - ۶۹ شروع نمودم و در هر حال حاضر عضو هیات علمی رسمی قطعی آن دانشگاه و مامور به تحصیل در مقطع دکتری رششته حقوق خصوصی هستم. پیش از این نیز مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم بوده ام. در طول اقامت در قم با جامعهٔ الزهراء (س) ، دفتر تبلیغات واحد خواهران ، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ، مرکز جهانی علوم اسلامی ، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه ، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و دانشگاه آزاد نراق همکاری و عمدتا تدریس داشته ام . در حال حاضر تنها در دانشگاه قم تدریس می نمایم و با واحد خواهران حوزه علمیه قم جهت نگارش چند جلد کتاب و نیز با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برای نگارش کتاب همکاری دارم. درسال ۱۳۷۲ نیز دوره کار آموزی وکالت دادگستری خود را در تهران به هدف آشنایی با دانش حقوق در عرصه محاکم به پایان رساندم و لذا با پایان یافتن دوره کار آموزی و علی رغم این که محل دفتر وکالت اینجانب از سوی کانون وکلای مرکز، شهر تهران معین شده بود عملاـ به جهت تحصیلات حوزوی از اشتغال به این حرفه منصرف شدم .

حوزه پژوهش های اینجانب فقه ، اصول ، حقوق قراردادها و حقوق خانواده می باشد . به زبان های عربی و انگلیسی نیز تسلط و آشنایی دارم . موضوع رساله سطح چهار این جانب شروط خلاف کتاب و سنت درعقد نکاح دائم است .عنوان رساله دکتری من نیز نظریه ریاست بر خانواده در روابط زوجین می باشد.

دارا بکلایی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل دارابکلائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۱برای شروع تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم تا ۱۳۵۰ مقدمات، سطوح متوسط و سطوح عالی را با موفقیت به اتمام رساندم از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری(ره) و مرحوم حاج میرزا هاشم اصلی(ره) و آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته شرکت داشتم. به موازات ادامه تحصیل هر کتابی را که به اتمام می رساندم به تدریس آن به صورت خصوصی و عمومی در حوزه علمیه می پرداختم. در سال ۱۳۵۲ همزمان با ادامه دروس خارج فقه و اصول در نخستین برنامه هفت ساله آموزشی- پژوهشی موسسه در راه حق- که اینک به موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی تغییر نام یافت- زیر نظر آیات: مصباح یزدی، مظاهری، خرازی، استادی و دکتر احمدی دامت برکاتهم، شرکت کردم از سال ۱۳۶۱ همزمان با بازگشایی دانشگاههای کشور برای تدریس دروس معارف، توسط آیت الله مصباح و دکتر احمدی به دانشگاهها معرفی شدم و در نخستین ترم در دانشگاه اصفهان و از آن به بعد در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس دروس اشتغال داشتم که هنوز هم ادامه دارد از سال ۱۳۶۵ با دعوت آیت الله میرمحمدی، ریاست وقت دانشکده الهیات- به دانشکده الهیات راه یافتم و تا سال ۱۳۷۸ دروس مختلف: فقه، اصول، کلام، تفسیر، منطق، فقه الحدیث، احادیث فقهی، تاریخ حدیث، درایه، حقوق خانواده، مبادی فقه و اصول، متون فقهی، تفسیری و ... تدریس کردم. در تابستان سالهای ۷۵ الی۸۳ برای تدریس دروس فلسفه حقوق، فلسفه سیاست و ... از سوی استاد مصباح به " طرح ولایت "دعوت شدم و دروس یاد شده و غیر آنها را تدریس کردم. چند ترم نیز در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی و دانشکده سپاه قم- به تدریس فلسفه حقوق، مبانی حقوقی، فلسفه سیاست، حقوق و سیاست در قرآن و ... اشتغال داشتم. از سال ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه شاهد نیز به تدریس دروس معارف، متون، تفسیر، منطق و ... اشتغال دارم. از سال ۱۳۶۱ همزمان با تدریس در دانشگاه در دفترهمکاری حوزه و دانشگاه- که اخیرا به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تغییر نام یافت- به مدت ۲۰ سال به کارهای تحقیقاتی اشتغال داشتم، حاصل آن تالیف تعدادی کتاب و تعدادی مقالات و جزوات سمیناری و تحقیقاتی می باشد که در بخش سوابق پژوهشی آمده است. در سال ۱۳۷۵ با گذراندن امتحانات عمومی و تخصصی و مصاحبه علمی و دفاع از رساله به اخذ مدرک دکتری در حد استادیاری از وزارت علوم واحد خبرگان بدون مدرک موفق شدم و از سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی شدم. اوائل انقلاب، اوج فعالیتهای منافقین در لاهیجان و سیاهکل با دعوت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قربانی- امام جمعه وقت لاهیجان- به لاهیجان رفتم و حدود ۶ ماه در مدارس مختلف منطقه برای پاسخگوئی به سوالات: اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و ... حضور داشتم در این برنامه بسیاری از گروهکها و منافقین شرکت می کردند که با موفقیت خوبی به پایان رسید. در سال ۶۱-۶۰ در آموزش ضمن خدمت به تدریس عقائد، ولایت فقیه، اقتصاد و... اشتغال داشتم. بطور کلی حقیر در حدود نیم قرن به تحصیل، تدریس، تحقیق، تالیف و پژوهشی، تبلیغ و ارشاد اشتغال داشتم. آخرین عنوان علمی حقیر عبارت است از : اجتهاد حوزوی و دکترای دانشگاهی در فقه و اصول و مبانی حقوق.

دارا، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل دارا

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای جلیل دارا در سال ۱۳۵۷هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملاـ آگاه به مسائل مذهبی در یزد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۶ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت واز محضر درس

اساتیدی همچون آیت الله مصباحی مقدم، آیت الله زنجانی، آیت الله علیدوست و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد.
وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام و در مقطع دکترا رشته علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد، با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد و سالهای متمادی است که در دانشگاه آزاد واحد مرکزی تهران، دانشگاه شهید بهشتی و وزارت کشور به تدریس مشغول می باشد.وی درطول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل" دمکراسی جدید " و "مشارکت سیاسی در اسلام " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

دارابی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۴ ق)، عالم، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به عندلیب. معروف به حاج آخوند. در مدینه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «زیاره المفجعه»؛ «دیوان» اشعار؛ «بیت‌الاحزان».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۰۳)، الذریعه (۷۷۲/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۳/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶/۵)، مرآت الفصاحه (۴۲۸).

دارینی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد دارینی

محل تولد : دارین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد دارینی در سال ۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان دارین از توابع سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وارد حوزه علمیه سبزوار گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله معرفت، آیت الله حجتی، آیت الله واعظی خراسانی و... بهره ها برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"هدایت و مبانی آن در قرآن "دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، مشغول است. و در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

داریوش، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز داریوش، (۴ اسفند ۱۳۰۱ – ۱۵ اسفند ۱۳۷۹) نویسنده و مترجم ایرانی است. زندگینامه:

پرویز داریوش، در روز ۴ اسفند ۱۳۰۱ خورشیدی مشهد به دنیا آمد. اما تحصیلات‌خود را در تهران به پایان رسانید. بعد از اخذ دیپلم در مدرسه نظام، برای‌تحصیلات عالی راهی آمریکا شد. مدتی در ادبیات انگلیسی، روانشناسی وفلسفه به تحصیل پرداخت، سپس به طور ناقص آن را رها کرد! در سال ۱۳۲۸ به ایران بازگشت و در وزارت امور خارجه و اداره گمرک به عنوان‌مترجم آغاز به کار کرد. فعالیت ادبی خود را از همان سال‌ها آغاز کرد. در مدرسه، هم‌کلاس ایرج افشار، پژوهشگر و از بزرگان کتاب‌داری ایران بود و در سال‌های بعد از صمیمی‌ترین دوستان جلال آل احمد. بعضی از رمان‌های بزرگ ادبیات جهان را او به فارسی

برگردانده. با مروری بر ترجمه‌های وی می‌توان به این نکته اشاره نمود که داریوش با ترجمه آثاری همانند خیزاب‌ها و خانم دالووی از ویرجینیا وولف، وی را به خوانندگان فارسی زبان معرفی کرد. پرویز داریوش در روز ۱۵ اسفند ۱۳۷۹ خورشیدی در بیمارستان ایران مهر تهران درگذشت ترجمه:

سیمای مرد هنرآفرین در جوانی اثر جیمز جویس ،

دوبلینی‌ها اثر جیمز جویس ،

سیذارتا اثر هرمان هسه ،

اسپرلوس اثر هرمان هسه ،

ماجراهای تام سایر اثر مارک تواین ،

آوای وحش اثر جک لندن ،

ماه و شش پشیز اثر سامرست موآم ،

داشتن و نداشتن اثر ارنست همینگوی،

به راه خرابات در چوب تاک اثر ارنست همینگوی ،

موش‌ها و آدم‌ها اثر جان اشتاین بک ،

چمن‌زارهای بهشت اثر جان اشتاین بک ،

ماه پنهان است اثر جان اشتاین بک ،

مائده‌های زمینی اثر آندره ژید ،

پرواز شبانه اثر آنتوان دو سنت‌اگزوپری،

وزارت ترس اثر گراهام گرین ،

سایه گریزان اثر گراهام گرین ،

خیزاب‌ها اثر ویرجینیا وولف ،

خانم دالووی اثر ویرجینیا وولف ،

تسخیر ناپذیر اثر ویلیام فاکنر ،

جف سیاهه اثر تئودور درایزر ،

عشق جاودانی است (۴ جلد) اثر لیوینگ استون ،

انجیل یهودا اثر هنریک پاناس ،

سرگذشت اندیشه‌ها اثر وایت هد ،

موبی دیک (وال سفید) اثر هرمان ملویل،

داریوش، هژیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده، مترجم، فیلمساز، منتقد، استاد.

تولد: ۱۳۱۷، بندرانزلی (پهلوی).

درگذشت: اوایل مهر ۱۳۷۴، پاریس.

هژیر داریوش پس از پایان تحصیلات در رشته‌ی کارگردانی فیلم از مدرسه‌ی سینمایی ایدک فرانسه و ساختن فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» (۱۳۴۰) در فرانسه، به ایران بازگشت و همزمان فعالیت در زمینه‌ی مستندسازی و مطبوعات سینمایی را آغاز کرد. البته فعالیت مطبوعاتی را در واقع از سال ۱۳۳۲ با همکاری مجلات «شاهکارها» و «امید ایران» آغاز کرده بود. از آن تاریخ به طور مداوم به عنوان منقد فیلم با بسیاری از نشریات از جمله مجلات «علمی»، «ستاره سینما»، «فیلم و هنر»، «پست تهران» همکاری داشته است. او در معرفی فیلم‌هایی چون «شب»، «کسوف»، «زندگی شیرین» و... که در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ نمایش می‌یافتند و همچنین آشنایی علاقه‌مندان جوان با این نوع فیلم‌ها در مجله‌ی «هنر و سینما» نقشی مؤثر داشت. از مهمترین فیلمهای کوتاه او در این دوره می‌توان به فیلم داستانی «جلد مار» (۱۳۴۲) با بازی فخری خوروش و جمشید مشایخی و «خیابان» (۱۳۴۶) با بازی خسرو شجاع‌زاده اشاره کرد. در حیطه‌ی مستندسازی مهمترین فیلم داریوش «گود مقدس» (۱۳۴۵) است که در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کوتینادامپزو (ایتالیا) جایزه‌ی ویژه‌ی هیئت داوران را به دست آورد. دیگر فیلم‌های کوتاه او عبارتند از: «چهره‌ی ۱۳۴۴) ۷۵)؛ «ولی افتاد مشکل‌ها»، «حماسه‌ی عشقی شب جمعه» (۱۳۴۶)؛ «رنگ بی‌نیرنگ»، «مجسمه‌سازی در ایران» (۱۳۴۶)؛ «جام آسیا» (۱۳۴۷). داریوش همچنین در فیلم «هاشم‌خان» (محمد زرین‌دست، ۱۳۴۵) نقش کوتاهی بازی کرد. همچنین او در سال ۱۳۵۱ فیلم «بیتا» را کارگردانی کرد. استفاده‌ی مبتکرانه از سکوت در این فیلم به تأثیرپذیری داریوش از سینمای نوین اروپا- به قول خودش «فیلم‌های ساکتی که دیده و پسندیده است» باز می‌گردد.

هژیر داریوش در سال ۱۳۵۱ (مدتی قبل و بعد از آن شاید) مدیر جشنواره‌های رادیو تلویزیون بوده است. از جمله فعالیت‌های دیگر او عبارتند از: تدریس کارگردانی در مدرسه‌ی عالی تلویزیون و سینما (اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰)؛ مسئول برگزاری سمینار یونسکو در زمینه فیلم‌سازی مستند آسیا، دبیر عامل جشنواره‌ی بین‌المللی کودکان و نوجوانان (۱۳۴۵)، دبیر کل نخستین جشنواره‌ی فیلم‌های

جوانان آسیا، دبیر کل جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران، عضو هیئت داوران جشنواره‌های بین‌المللی تائورمینا، قاهره، کودکان و نوجوان تهران، جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران.

هژیر داریوش برای مدتی در سال ۱۳۵۸ به فرانسه مهاجرت کرد و مشاور هنری و طراح برنامه‌ی هنری و سینمایی دانشگاه تولوز بود. عنوان‌های فیلم‌های او به این شرح هستند: «خیابان» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «حماسه‌ی عشقی شب جمعه» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «مجسمه‌سازی در ایران» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «جلد مار»، «گود مقدس»، «چهره‌ی ۷۵» (فیلم کوتاه)؛ «ولی افتاد مشکل‌ها» (فیلم کوتاه)؛ «رنگ بی‌نیرنگ»، «جام آسیا» (مستند کارگردان، ۱۳۴۸)؛ «هاشم‌خان» (بازیگر، ۱۳۴۵)؛ «بیتا» (کارگردان، ۱۳۵۲).

جوایز وی عبارتند از: فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» برنده‌ی دیپلم افتخار در جشنواره‌ی سن‌سپاستیان شد. «جلد مار» فیلم کوتاه دیگری بود که برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم کوتاه از طرف کانون فیلم ایران گردید. «گود مقدس» او برنده‌ی جایزه‌ی ابتکار در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های فولکوریک در سیه‌تا ایتالیا گردید و جایزه‌ی ابتکار و دیپلم افتخار شهر ماریس در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های جهانگردی، «جام آسیا» جایزه‌ی مخصوص هیئت داوران و جام نقره در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کورتینودامپزو ایتالیا را از آن خود کرد. فیلم کوتاه دیگر او به نام «چهره ۷۵» برنده‌ی جایزه‌ی دوم، لوح نقره در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های تلویزیونی در برلین شد. وی در موقع تهیه‌ی فیلم «گل شیطان» معاون ترنس یانگ بود.

هنرشناسی فیلم از جمله تألیفات اوست.

هژیر داریوش به دلیل حمله‌ی قلبی درگذشت و در گورستان پرلاشز پاریس به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

داعی الاسلام، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۶ ش)، روزنامه‌نگار، زبانشناس، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به داعی. وی از سادات نیاکی بود که در لاریجان متولد شد. در آمل و تهران و اصفهان صرف و نحو عربی و فارسی و سایر علوم را فراگرفت و در همان سالها مجله‌ی «الاسلام» را جهت مناظره با عیسویان در اصفهان دایر کرد. داعی پس از آموختن زبان انگلیسی به بمبئی رفت و ضمن فراگیری زبان اردو مجله‌ی «دعوت الاسلام» را به دو زبان اردو و فارسی منتشر ساخت و در سمت استادی در دانشکده حیدرآباد دکن نیز به تدریس ادبیات فارسی پرداخت. وی با زانهای پهلوی، اوستا، گجراتی و سانسکریت آشنا بود. برای مدتی اندک به ایران آمد و مجددا به هندوستان مراجعت کرد و همان جا وفات یافت. وی طبع شعر نیز داشت و در شاعری پیرو سبک هندی بود. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب «نادر شاه»، از انگلیسی به فارسی؛ ترجمه «و ندیداد»، به فارسی؛ «فرهنگ نظام»؛ «دیوان» شعر؛ «شعر و شاعری عصر جدید ایران»؛ «فرهنگ نویسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۴۱ -۲۳۳/۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۸۷ -۱۸۵)، ریحانه (۲۰۹ -۲۰۸/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۴ -۱۷۲/۳)، شرح حال رجال (۲۵۶ -۲۵۵/۵)، گلزار معانی (۲۳۹ -۲۳۱)، فهرستواره ی کتابهای فارسی (۹۱۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۰ -۲۲۷/۴).

داعی دزفولی، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۶ -۱۱۵۸ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به داعی. اصل وی از شوشتر و از طوایف سادات مرعش بود. از فرزندزادگان خواجه علی سیاهپوش است. وی از شاگردان سید محمدباقر حجةالاسلام و آقا محمد بیدآبادی بود. قسمتی از اشعارش توسط خودش تدوین یافت و قسمتی از آن شیخ میرزا جعفر انصاری در دو مجلد، شامل غزلیات و توسط قصاید و رباعیات گردآوری شد. از دیگر آثارش: «تخمیس الفرزدیقیه»؛ «مجمع الاخبار و تذکره الابرار»، در تعیین قبور اولاد ائمه (ع) در دزفول؛ «دیوان» شعر. آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی گوید که به نظر من رساله‌ی «آب حیات» از تالیفات اوست. از اوست:

جوانی چه آورد و پیری چه برد

بت خردسال و می سالخورد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۴ -۳۱۳/۹، ۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷۱ -۷۷۰/۱۳)، فرهنگ سخنوران (۳۲۸)، لغت نامه (ذیل/ داعی دزفولی)، مجمع الفصحا (۲۹۲/۴)، مصطبه‌ی خراب (۶۱ -۶۰).

داعی علوی حسینی، ابوالخیر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، محدث و وعظ. وی مولف کتاب «آثار الابرار و انوار الاخیار»، در حدیث است که شیخ منتجب‌الدین آن را به واسطه‌ی استاد خود سید مرتضی بن مجتبی رازی از خود داعی حسینی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۴/۶)، الذریعه (۵/۱)، ریحانه (۲۰۸/۲)، فهرست منتجب‌الدین (۷۱).

داعی نژاد، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی داعی نژاد

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمدعلی داعی نژاد سال ۱۳۴۲ درشهرستان دزفول متولد گردید. او پس از اخذ دیپلم فنی درسال ۱۳۶۱، در حوزه علمیه دزفول برخی دروس مقدماتی را گذرانده و در حوزه علمیه شیراز و سپس اراک و در نهایت قم به تحصیلات حوزوی ادامه داد. در دروس خارج اصول و فقه آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی شرکت کرده و فلسفه را (بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، شرح اشارات، شفا و اسفار) از دروس اساتیدی همچون آیت الله جوادی آملی، مصباح یزدی، انصاری شیرازی، و فیاضی استفاده نموده و عرفان را (تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس) از دروس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی بهره مند گردید. مباحث کلامی همچون الهیات و شرح تجرید را از دروس آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی فرا گرفته و به مطالعه گسترده در زمینه فلسفه غرب، کلام جدید و اندیشه سیاسی پرداخت. از سال ۱۳۷۲ تاکنون به مدت ۱۴ سال در دانشگاه های شهید بهشتی، دانشگاه تهران، دانشگه علوم بزشکی شهید بهشتی و در طرح ولایت به تدریس معارف پرداخته و چندین سال در حوزه علمیه قم (موسسه امام خمینی(ره) ، مدرسه الهادی و مرکز جهانی) به عنوان مدرس، استاد راهنما، استاد مشاور و استاد داور فعالیت دارد. از سال ۱۳۷۰ تاکنون به مدت ۱۴ سال به پژوهش و مدیریت پژوهشی در مراکز متعددی اشتغال داشته است مراکزی چون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (عضو هیأت علمی و مسئول بخش مدخل یابی دائره المعارف علوم عقلی)، دفتر تبلیغات اسلامی (عضو گروه اصطلاح نامه فلسفی)، دفتر مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه (معاونت پژوهشی) موسسه طه (مدیر نمایه سازی مجلات و روزنامه ها) مرکز جهانی (عضو گروه کلام)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (عضو و مدیر گروه حلقه نقد و حکمت و دین پژوهی)، نهاد اساتید در دانشگاه ها (ارزیاب و داور پایان نامه های اساتید معارف اسلامی)، نهاد رهبری در دانشگاه ها (مسئول گروه کلام) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مدیر مرکز پاسخگوئی تلفنی به سوالات دینی) و سردبیری مجله صباح، سردبیر مجله بازتاب اندیشه و سردبیری کتاب اندیشه. از ایشان تا کنون مقالات متعددی در مجلاتی مانند معرفت، حکومت اسلامی، صباح، بازتاب اندیشه، دانشگاه اسلامی، حکومت اسلامی، برگ سبز، آفتاب و در روزنامه هایی مانند جمهوری اسلامی، کیهان و رسالت منتشر شده است.

داماد، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید حسن، از فضلای اهل منبر و اتقیا، در ۱۳ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۴ وفات یافته، در بقعه مدفون گردید.

علّت شهرت ایشان به داماد آن است که پدرش داماد مرحوم حاج میرزا محمود کلباسی بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دامغانی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا عباس دامغانی از علماء و مروجین تهران و ساکن (کوچه دردار) خیابان ری و مورد توجه مردم آن حدود بوده است وی در سال ۱۳۱۰ قمری وفات نموده است.

دارای فرزند عالمی بنام آقای شیخ محمود که داماد عالم جلیل آقا شیخ باقر بن ملا محمد رفیع تهرانی بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دامغانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۰ ق)، عالم، ادیب و شاعر. وی از شاگردان برجسته‌ی آقا سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و هم دوره‌ی حاج ملا علی کنی بوده و با ملاـ آقای دربندی مکالماتی داشته است. او پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا به ایران بازگشت و در دامغان و مشهد به انجام وظائف دینی پرداخت. در «المآثر و الآثار» از وی به عنوان مجتهد و عالم ربانی عصر ناصری نام برده شده است. وی از خود اشعاری به جای نهاده و کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» را به خط خویش نگاشته است.[۱]

محمدرضا بن حبیب‌اللّه دامغانی عالمی ادیب و فاضلی اریب بوده است. وی در کربلا نزد بزرگان علم تلمذ نموده و بعد به ایران برگشته و در دامغان و مشهد در سال ۱۲۸۸ قمری به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشته است. اشعاری دارد که از آنهاست:

ستبقی خطوطی فی القراطیس برهةً

و ایدی کتاب الخطوط تراب

و ما الدهر الا عیشهٔ بعد عیشهٔ

و ما العیش الا قیعهٔ و سراب

و لا خیر فی الدنیا فان حلالها

علیه حساب و الحرام عقاب

آن بزرگوار بعد از سال ۱۲۹۰ قمری از دنیا رفته است رحمهٔ‌اللّه‌علیه.

جناب آقای شاه‌چراغی در کتکاب ارمغان دامغان (مخطوط) خود گوید: مرحوم حاج میرزا رضا مشهور به شریعتمدار از علماء بزرگ و مقتدر و باکفایت و معاصر دوره ناصری و از شاگردان مبرز آقا سید ابراهیم صاحب ضوابط و هم‌دوره مرحوم حاج ملا علی کنی معروف بوده است و با مرحوم ملا آقا دربندی مکالماتی داشته‌اند الی آخره.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۱ -۵۵۰، ۵۴۲ -۵۴۱ /۱۳، قرن ۷۲۸/۱۴)، قصص العلماء (۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۴/۵)، المآثر و الآثار (۱۷۰).

دانا سرشت، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۶۸.

علی‌اکبر داناسرشت (صیوفی)، فرزند حاج علینقی و نوه‌ی حاج علیقلی صرافباشی زنجانی بود. سال‌های کودکی و دوران تحصیل اولیه‌ی علی‌اکبر داناسرشت مقارن با جنگ با جنگ اول جهانی بود. پس چندی خانواده‌اش به شهر زنجان کوچید. در آنجا به مدرسه ابتدایی- معروف به اسعدیه به سرپرستی مترجمن همایون- رفت تا وقتی که دوباره به تهران آمد. در این سال‌ها همچنین به یادگیری قرآن کریم و زبان عربی پرداخت. سپس با احساس نیاز به فراگیری علم جدید به علوم ریاضی روی آورد و نزد اساتیدی چون سید حسن مشکان طبسی و سید جلال تهران به تحصیل این علوم پرداخت و از آن زمان تا پایان عمر به تحقیق در این زمینه‌ها اشتغال داشت.

علی‌اکبر داناسرشت در طی عمر خود آثاری را ترجمه کرد که از میان آنها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: روان شناسی یا علم النفس شفاء (ترجمه جلد ششم شفاء، چاپ دوم، ۱۳۳۰)؛ رسالهٔ الغفران یا بهشت و دوزخ معری (ابوالعلاء معری، ۱۳۲۴)؛ تحقیق ماللهند، قسمت فلسفه (ابوریحان بیرونی، ۱۳۳۴)؛ بر سنگ سفید (آناتول فرانس، ۱۳۲۶)؛ آثار الباقیه (ابوریحان بیرونی، ۱۳۲۱). از آثار دیگر اوست: تاریخ فلاسفه‌ی اسلام (۱۳۱۵)؛ افکار سهروردی و ملاصدرا یا خلاصه‌ای از حکمهٔ الاشراق و اسفار.

داناسرشت بر اثر سکته‌ی مغزی درگذشت.

(۱۳۶۸ -۱۲۹۰ ش)، ریاضی‌دان و مترجم. وی نوه‌ی حاج علی قلی صرافباشی زنجانی بود که در تهران متولد شد و ایام کودکی خود را در زنجان سپری کرد. از اوان کودکی زبان عربی را فراگرفت و به تحصیل علوم ریاضی نزد استادانی چون سید حسن مشکان طبسی، سید جلال تهرانی و بغایری پرداخت و فقه را نزد محمدرضا تنکابنی فراگرفت. وی معاصر با احمد بیرشک و غلامحسین مصاحب بود و به گفته دکتر نجم‌آبادی وی اولین بیرونی شناس بود. بر اثر سکته مغزی در تهران در گذشت. آثار به جای مانده از وی: ترجمه‌ی «خلاصه حمکه الاشراق و اسفار»؛ «آثار الباقیه»؛ «روانشناسی یا علم النفس شفاء»؛ «تاریخ فلسفه اسلام».[۱]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۱، ص ۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۵ -۶۴۴ /۱).

دانش اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۶۲ -۱۲۹۰ ق). نویسنده. مترجم و شاعر، متخلص به دانش. در خانواده بازرگان پیشه در شهر استانبول متولد شد. در آنجا زبان فارسی، ترکی و فرانسه را در مکتب رشدیه، دبستان ایرانیان و مدرسه فرانسویان آموخت و مدتی عضو هیات تحریریه روزنامه ترکی «اقدام» بود و مدت مدیدی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه استانبول بود. وی در استانبول یا آنکارا درگذشت و در اسکودار دفن شد. از وی چندین تالیف به زبان فارسی و ترکی باقی مانده است. از جمله: «ترجمه رباعیات عمر خیام»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «تعلیم لسان»، ترکی و فارسی؛ «خرابه‌ی مداین»؛ «زرتشت نامه»؛ «سوهان»؛ «نوای صریر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۷/۹)، ریحانه (۲۱۱ -۲۱۰ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، شرح حال رجال (۷۹/۵)، لغت نامه (ذیل/ دانش)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷ -۷۳۶ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۵۳ -۵۰).

دانش آشتیانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن العالم الجلیل المتقی الشیخ محمدتقی بن العالم الورع آخوند ملا احمد آشتیانی از علماء اخیار و فضلاء ابرار حوزه علمیه قم است که علم خود را مقرون به عمل و توام با حلم و وقار نموده است.

تولد آن جناب در سال ۱۳۲۹ قمری در آشتیان واقع شده و در مهد تربیت پدر متقی خود که از علماء آن سامان بود پرورش یافته و در سن ۱۴ سالگی تحصیلات مقدماتی را فراگرفته و در سال ۱۳۴۴ قمری به قم آمده و به واسطه سوابق دوستی والدش با مرحوم آیت‌الله میرزا محمد فیض در تحت تربیت علمی و اخلاقی ایشان قرار گرفته و چند سالی را در منزل آن بزرگوار به سر برده و با راهنمائی آن مرحوم از روز اول در محضر فضلاء و دانشمندان راه یافته و تکمیل مقدمات را نزد بعضی از فضلاء عصر نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب تهرانی و منطق را از آیت‌الله آقا سید مهدی کشفی تهرانی فراگرفته و سطوح را از آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و قسمتی از سطح را از مرحوم آیت‌الله حجت و عمده آن را با تمام سطح مکاسب از مرحوم آیت‌الله خونساری بهره‌مند گردیده و قسمتی از کفایه را از آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری خوانده و چند سالی هم در درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر شده و پس از فوت آن مرحوم از محضر بزرگان حوزه چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله فیض و آیت‌الله خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۵۸ قمری به اصرار مردم آشتیان به آنجا مسافرت و اقامت نموده و به ترویج دین پرداخته و چند ماهی را هم در سال به قم به سر برده تا در ورود آیت‌الله العظمی بروجردی که رسما برای تکمیل مبانی علمی و استفاده از محضر علمی آن نابغه زمان و علامه دوران بـه قم مهاجرت و به درس آن مرحوم شرکت و مورد توجه مخصوص معظم‌له قرار گرفته و تولیت کتابخانه مسجد اعظم را به ایشان محول و تا هم‌اکنون به این سمت باقی و خدمات شایانی به این کتابخانه نموده و رقم کتب را به حدود شصت هزار رسانید.

آثار مرقومه ایشان علاوه بر جزوات درسی به قرار ذیل است:

۱- مقالات علمی و اجتماعی و اخلاقی که در پاره‌ای از مجلات و جرائد منتشر گردیده است.

۲- رساله‌ای به نام دو سرمایه نفیس در ترجمه (الثقلان) که شرح حدیث مشهور به ثقلین است که با حواشی نوشته و طبع شده.

۳- رساله‌ای به نام سقیفه در ترجمه کتاب (السقیفه).

۴- نشریه کتابخانه مسجد اعظم در دو مجلد به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دانش آشتیانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدحسین دانش آشتیانی (برادرزاده آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالقاسم دانش) از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در آشتیان متولد شده و در بیت تقوا و دیانت و عنایت عم گرامش پرورش یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و قسمتی از مقدمات در سال ۱۳۶۳ ق به قم مهاجرت و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده.

آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری حاضر شده و سالها از محضر و درس آنان فقهاً و اصولا استفاده نموده و در سال ۱۳۷۸ ق به امر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به محلات قم مسافرت و حدود

ده سالی در آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۹۰ قمری که به تهران منتقل و در خیابان ژاله سکونت و در مسجد آنجا در نزدیکی میدان ژاله به امامت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای دانش از فضلاء بارع و مهذب حوزه علمیه قم است و بیش از سی سال است که با ایشان رفاقت و دوستی داشته و دارم فاضلی متین و عالمی مبرز و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد. و آثار و خدمات ایشان بناء مسجد بزرگ و باشکوه و غسالخانه‌ای در محلات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

دانش پژوه، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی دانش پژوه در ۳۰ فروردین سال ۱۲۹۰ ، در شهر آمل متولد گردید. پس از سپری کردن دوران کودکی ، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر آغاز کردودر سن هجده سالگی با فوت پدر برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کند. بعد از دو سال رحل اقامت ، به سبب گرفتاری های زندگی نتوانست در قم بماند و به شهر آمل برگشت ودر نزد علمای این شهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران شد. چهار سالی در مردسه سپهسالار قدیم به تحصیل پرداخت ، سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران درآورد و در سال ۱۳۲۰ به اخذ درجه لیسانس از این دانشکده نائل آمد. پس از فارغ التحصیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به کار شد. لیسانس حقوق دانش پژوه به او اجازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات موقعیت خود را تحکیم بخشد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته علمی آن شد. استادمحمدتقی دانش پژوه از سال ۱۳۳۴ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. وی سرانجام در روز ۲۷ آذر سال ۱۳۷۵ ، در تهران درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : محمد تقی دانش پژوه، فرزند میرزا احمد درکایی لاریجانی ، که ار مجتهدان و فقهای به نام آمل و لاریجان بوده است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدتقی دانش پژوه روزگار کودکی و جوانیش را در رفت و آمد میان روستای ناندال و شهر آمل گذراند ، بین خانه پدری و شهری که در آن به مدرسه می رفت. خوشنویسی از دیر باز یک حرفه فامیلی برای محمدتقی محسوب می شد که طی نسلها در خانواده او ادامه یافته بود . نیاکان او به همین شغل در دربار شاهان قاجاریه اشتغال داشته اند ، و لذا از این راه خانواده او از همان زمان آشنا به علم و معرفت و با نوشتن و کتابت مانوس بوده اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی دانش پژوه پس از سپری کردن دوران کودکی تحصیل آغاز کرد و مقدمات ادبی را پس از خواندن « عم جزء » ، « قرآن کریم » ، « دیوان حافظ » و « نصاب الصبیان » را فراگرفت و در این راه از محضر پدر و دیگر عالمان آن بهره فراوان برد. در سن هجده سالگی با فوت پدر برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کند. بعد از دو سال رحل اقامت ، به سبب گرفتاری های زندگی نتوانست در قم بماند و به شهر آمل برگشت ودر نزد علمای این شهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران شد. چهار سالی در مردسه سپهسالار قدیم به تحصیل پرداخت ، سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران درآورد و در سال ۱۳۲۰ به اخذ درجه لیسانس از این دانشکده نائل آمد.

خاطرات و وقایع تحصیل : یک روز حاجی میرزا احمد درکایی (پدر محمدتقی دانش پژوه) دست پسرش را گرفت و او را به مدرسه جدیدالتاسیسی در شهر آمل برد تا نامش را در آنجا بنویسد. اما شرط نام نویسی او را آموختن « شرح الفیه سیوطی » به محمد تقی قرار داد. مدرسه نپذیرفت و میرزا احمد هم فرزند جوانش را مجدداً به خانه آورد و همان دروس حوزه های قدیم را به او توصیه نمود. در همین احوال و در شهر آمل بود که محمدتقی شروع به آموختن زبان فرانسه کرد.

استادان و مربیان : محمدتقی دانش پژوه تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش حاج میرزا احمد فراگرفت. او در همین دوران از محضر درس بزرگانی چون میرزا عبدالله طبرسی حضور یافت که موضوع درسش آثار فلسفی سبزواری بود. دانش پژوه در حوزه علمیه قم از محضر استادانی همچون میرزا ابوالفضل گلپایگانی در درس « القوانین المحکمه » میرزای قمی و حضرت آخوند ملا علی همدانی و آیت الله مرعشی نجفی در درس « شرح لمعه » استفاده کرد. استاد در باره محضر درس آیت الله مرعشی نجفی زنجانی چنین می گوید: « هنوز لذات نوادر اادبی را که از آیت الله مرعشی می شنیدم در کام ذهنم هست . او بعد از دوسال اقامت در قم ، به آمل برگشت و در نزد ابوالقاسم فرسیوی و آقا محمد عروی دینه ای « مکاسب » و « رسائل » شیخ مرتضی انصاری را فراگرفت. چهار سالی در مدرسه سپهسالار قدیم از محضرمیرزامهدی آشتیانی در درس فلسفه بهره برد .

همسر و فرزندان : محمد تقی دانش پژوه در سال ۱۳۰۷ ازدواج نمود.

زمان و علت فوت : محمدتقی دانش پژوه در ۲۷ آذر سال ۱۳۷۵ ، در تهران درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی دانش پژوه پس از فارغ التحصیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به کار شد. لیسانس حقوق دانش پژوه به او اجازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات موقعیت خود را تحکیم بخشد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته علمی آن شد.

فعالیتهای آموزشی : محمدتقی دانش پژوه از سال ۱۳۳۴ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس منطق و تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق در دوره لیسانس و فوق لیسانس پرداخت و در دوره دکترا نیز تدریس عرفان اسلامی را آغاز کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ورود محمدتقی دانش پژوه به دانشگاه سرآغاز ورود او به عرصه تحقیق و پژوهش بود. او در همین راستا و به منظور کسب اطلاعات کتاب شناسی و نسخه شناسی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد ، نجف ، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شهرهای مدینه و مکه در عربستان سعودی در سال ۱۳۴۵ و به شهرهای مسکو ، لینگراد سابق ، تفلیس ، دوشنبه ، تاشکند ، بخارا ، سمرقند و باکو در شوروی سابق و شهرهای پاریس و مونیخ ، لین ، اترخت و استانبول در اروپا و شهرهای کمبریج ، بوستون ، پرنیسول ، آن آربرمیشیگان، شیکاگو و نیویورک در آمریکا سفر کرد. یادداشتهایی که در این سفرها برداشت آنچه مربوط به کشورهای عربی بود در نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده است و یادداشت هایش درباره نزدیک به شش هزار کتاب در مجلد هشتم نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده است.

آرا و گرایشهای خاص : در زمینه فهرست نگاری کار محمدتقی دانش پژوه فقط منحصر به این نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه ها بپردازد بلکه سعی کرده با توجه همه جانبه به آنچه در یک صد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهدی که در خودمان و از میان اصل نسخه ها بر می آید ، قواعد و فنون فهرست نگاری را تنظیم و حتی اسلوبی روشمند و متناسب را عرضه کند . او با توجه به مبانی فهرست نویسی از میان چهل پنجاه هزار نسخه متفاوت الشکل دقایقی را به دست آورده که برخی از آنها بع نظر فهرست نگاران نیامده بود. --

آثار :

۱ « النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی » شیخ طوسی

۲ « معتقد الامامیه » صدرالدین شیرازی

۳ «تاریخ الوزراء» قمی

۴ «جامع الحکمه » کاشانی

۵ «رساله امامت» خواجه طوسی

۶ «کسراصنام الجاهلیه» صدرالدین شیرازی

۷ آثار درویش طبسی

۸ آثار علوی

۹ اخلاق محتشمی

۱۰ اسرار شهریاری

۱۱ الاقطاب القطبیه

۱۲ المنطقیات الفارابی(جلد سوم)

۱۳ النجاه ابن سینا

۱۴ بحرالفوائد

۱۵ تاریخ اسماعیلیه کاشانی

۱۶ تاریخ نگاری فلسفه

۱۷ تبصره مساوی

۱۸ تحفه

۱۹ ترجمه « ادب الوجیز و تولی و تبری »از خواجه نصیر طوسی

۲۰ ترجمه « مختصر نافع » محقق حلی

۲۱ ترجمه «النکت الاعتقادیه» شیخ مفید

۲۲ ترجمه شرایع

۲۳ تصحیح التواریخ رشیدی

۲۴ تصحیح زبده التوارخ کاشانی

۲۵ جام جهان نما

۲۶ جامع التواریخ

۲۷ جاویدان خرد

۲۸ چند نسخه خصوصی دیگر

۲۹ حل مشکلات رساله معینیه

۳۰ دفتر ۱۱ و ۱۲ نشریه دانشگاه تهران

۳۱ ذخیره شهاب الاخبار

۳۲ رساله المعینیه

۳۳ روزبهان نامه

۳۴ سه گفتار خواجه طوسی

۳۵ سوانح الافکار رشیدی

۳۶ شرح شهاب الاخبار

۳۷ شرح فارسی شهاب الاخبار

۳۸ شرح فصوص

۳۹ طب ابن هندو

۴۰ فرمان مالک اشتر

۴۱ فرهنگ ایران زمین

ویژگی اثر : با مشارکت منوچهر ستوده ، مصطفی مقربی ، عباس زریاب خویی ، ایرج افشار

۴۲ فصول خواجه نصیر طوسی

۴۳ فلسفه اشراق (حیات النفوس)

۴۴ فهرست کتاب های خطی کتابخانه مجلس سنا

۴۵ فهرست کتاب های خطی کتابخانه ملی ملک وابسته به آستا قدس رضوی

ویژگی اثر : با همکاری محمد باقر حجتی ؛ احمد منزوی ، تهران ۱۳۵۲-۱۳۵۴ دوجلد ، دو جلد

۴۶ فهرست کتب اهدایی مشکوه به دانشگاه

۴۷ فهرست ملی ملل (جلد نهم)

۴۸ فهرست موسیقی

۴۹ فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم

۵۰ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه امامزاده عبدالعظیم

منابع :

۱آینه میراث ، سال اول ، شماره دوم ، پاییز ۱۳۷۷ ، ص ۷۵۲روزنامه همشهری ، شماره ۲۰۵۸ ، ۲ اسفند ۱۳۷۸۳گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۶ ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص۲۷۴

دانش تبریزی، نجفعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، ادیب و روزنامه‌نگار. وی در فقه و اصول و احادیث و اخبار و علوم ادبی اطلاع کامل داشت. دانش معاصر با ناصرالدین شاه قاجار بود و در ۱۲۷۳ ق از آذربایجان به استانبول رفت و با میرزای سنگلاخ همنشین شده و اشعاری را که شعرای آن عهد در مدح سنگلاخ گفته بودند جمع‌آوری و به عنوان «مجمع الاوصاف» چاپ کرد. در آن جا تا ۱۳۰۳ ق کنسول ایران بود. وی در این مدت از ۱۲۹۲ ق اقدام به تاسیس روزنامه‌ی هفتگی «اختر» کرده و مدت بیست و یک سال آن را انتشار داد، تا اینکه پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، روزنامه‌ی مزبور از طرف دولت عثمانی توقیف شد. در ۱۳۰۳ ق منصب سرتیپی گرفت و نایب و مترجم اول گردید و یک سال بعد سمت سر کنسولی ایران در مصر را عهده‌دار شد تا این که در ۱۳۰۸ ق به تهران آمد و جزو صاحب منصبان وزارت خارجه گردید و تا پایان عمر در همین سمت باقی ماند تا درگذشت. آثار وی: «مجمع الاوصاف»؛ «مشکوه الحیات فی تفسیر الایات»، «تفسیر آیه ذوالقرنین»؛ «میزان الموازین فی امر الدین»، در رد «میزان لحق» هانری مارتن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۴۴ -۱۴۳)، الذریعه (۳۲۸ -۳۲۷/۲۳، ۲۰/۲۰، ۳۱۵/۹)، شرح حال رجال (۳۳۰/۴)، المآثر الآثار (۱۹۸ -۱۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۳ -۵۴۲ /۶).

دانش تفرشی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۵۰ ش)، خطاط:، منشی و شاعر، متخلص به دانش. ملقب به ضیاء لشکر و مستشار اعظم. معروف به بلور. در تفرش به دنیا آمد. از کودکی نزد ملا عبدالحمد یزدی و میرزا علی محمد به تحصیل زبان عربی و ادبیات فارسی پرداخت و تعلیم خط

گرفت. در یازده سالگی قصیده‌ای در هفتاد بیت به رشته‌ی نظم کشید که سبب شهرتش شد. از آن پس به دبیری میرزا یوسف خان مستوفی الممالک منصوب شد، آنگاه سالها در همین سمت در شهرهای مختلف، در دستگاه ظل‌السلطان و ناصرالملک و میرزا علی‌اصغر خان اتابک به خدمت اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۵ ق «تذکره‌ی صدر اعظمی» را در شرح شاعران معاصر اتابک نگاشت و در سال ۱۳۱۹ ق فکاهیات خود را به نام «دیوان حکیم سوری» به چاپ رسانید. در سال ۱۳۲۷ ق به شیراز رفت و چندی ریاست عدلیه و دفتر ایالتی آن شهر را به عهده داشت. تقی خان در نوشتن اقسام خط توانا بود و نمونه‌هایی که از خط او به جا مانده، بیانگر استادی وی است. وی مدعی بود که قانون اساسی ایران را به دستور مظفرالدین شاه یک شب تا صبح نگاشته است. دانش در تهران درگذشت. او در مجموع بیست و دو جلد کتاب نگاشته که همه‌ی آنها به خط اوست و این آثار غیر از «تذکره‌ی نون والقلم»- که در شرح حال خطاطان ایران است- همگی منظوم‌اند و صد هزار بیت شعر را شامل می‌شود. مهمترین آنها عبارت‌اند از: «دیوان» اشعار، مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات و پهلویات؛ «نوشین روان»؛ «مثنوی اکسیر اعظم»؛ «فردوس برین» و چند اثر دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۵۰ -۴۸)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰۱ -۸۰۰ /۲ -۳۰۹ -۳۰۶ /۱)، الذریعه (۳۱۵، ۲۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۸ -۱۷۶ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۳۸ -۱۳۳۳ /۲)، شرح حال رجال (۴۶ -۴۵ /۵)، فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷ -۲۱۶ /۲).

دانش، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۱۸، دزفول.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام سید محمدکاظم دانش، فرزند سید محمود، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. پیش از انقلاب اسلامی، به معلمی اشتغال داشت و عضو هیئت تحریریه‌ی «مکتب اسلام» بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام جمعه و مسئول کمیته انقلاب اسلامی شوش شد. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم شوش و اندیمشک بود.

از آثار اوست: سیمای فداکاران (در دو جلد)، قورباغه‌ها و غازهای مهاجر. مقالاتی از وی نیز در «مکتب اسلام» به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام دانش در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش دربهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دانش‌پژوه، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، محقق.

تولد: ۳۰ فروردین ۱۲۹۰، آمل.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۷۵، تهران.

محمدتقی دانش‌پژوه، فرزند میرزا احمد، مدرک لیسانس خود را از دانشکده‌ی معقول و منقول دریافت کرد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه‌ی مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه‌ی مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته‌ی علمی آن شد.

استاد در سال ۱۳۴۸ به مقام دانشیاری نیمه وقت دانشکده‌ی الهیات و در سال ۱۳۴۹ به مقام دانشیاری تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران ارتقا یافت.

استاد برای کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی به کشورهای عراق، عربستان سعودی، شوروری، ترکیه، انگلستان، فرانسه و آمریکا سفر کرد و در کنگره‌های عملی در سطح ملی و بین‌المللی فعالانه شرکت جست و نتایج تحقیقت علمی خود را به اهل علم عرضه داشت و سرانجام در سال ۱۳۵۵ بازنشسته شد. وی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

دکتر دانش‌پژوه علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی، سال‌ها در مقام استادی، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری، به تدریس می‌پرداخت. حاصل یک عمر تلاش وی حدود ۳۴۰ مقاله تألیف تحقیقی است که در مجله‌های مختلف و از جمله «هنر و مردم» و «یغما» و «سخن» و «وحید»، «راهنمای کتاب» نشریه «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» و «معارف اسلامی») به چاپ رسیده‌اند.

از آثار اوست: آثار درویش طبسی؛ آثار علوی؛ اخلاق محتشمی؛ ترجمه‌ی ادب الوجیز و تولی و تبری از خواجه طوسی؛ اسرار شهریاری؛ الاقطاب القطبیه؛ تصحیح التواریخ رشیدی؛ المنطقیات الفارابی (جلد سوم)؛ تصحیح النهایهٔ و ترجمه‌ی آن؛ بحر الفوائد؛

تاریخ اسماعیلیه کاشانی؛ تاریخ الوزراء قمی؛ تاریخ‌نگاری فلسفه؛ تبصره مساوی؛ تحفه؛ جامع التواریخ؛ جامع الحکمه کاشانی؛ جاویدان خرد؛ چند نسخه خصوصی دیگر؛ حل مشکلات رساله‌ی معینیه (نشریه‌ی ۳۰۴ دانشگاه)؛ دفتر ۱۱ و ۱۲ نشریه‌ی دانشگاه تهران؛ ذخیره شهاب الاخبار؛ رساله المعینیهٔ (عربی، نشریه‌ی ۳۰۰ دانشگاه)؛ رساله‌ی امامت خواجه طوسی (عربی، نشریه ۳۰۲ دانشگاه)؛ روزبهان نامه تصحیح زبدهٔ التواریخ کاشانی؛ سوانح الافکار رشیدی (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۷)؛ سه گفتار خواجه طوسی (نشریه‌ی ۲۹۶ دانشگاه)؛ ترجمه شرایع (جلد چهارم)؛ شرح شهاب الاخبار؛ طب ابن هندو؛ فرمان مالک اشتر؛ فرهنگ ایران زمین (با مشارکت منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، عباس زریاب‌خویی، ایرج افشار)؛ فصول خواجه‌ی طوسی (نشریه‌ی ۲۹۸ دانشگاه به اهتمام وی)؛ شرح فصوص؛ فلسفه‌ی اشراق (حیات النفوس)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (۱۳۵۶، جلد یکم)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی (با همکاری محمدباقر حجتی، احمد منزوی، تهران، ۱۳۵۴ -۱۳۵۲، دو جلد)؛ فهرست کتب اهدایی مشکوهٔ به دانشگاه (در نشریه‌های مختلف)؛ فهرست ملی ملل (جلد نهم)؛ فهرست موسیقی؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی مقدسه‌ی قم(۱۳۵۵)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی امامزاده عبدالعظیم (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه امام جمعه کرمان، اهدایی احمد جوادی، ۱۳۴۴، به جای شماره‌ی اول سال سیزدهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات) ؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه وقفی اصغر مهدوی، ۱۳۴۱)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه وقفی علی اصغر حکمت، ۱۳۴۱، ضمیمه سال دهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران محمدباقر حجتی با تحقیق و نظارت دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ -۱۳۴۵)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران (۱۳۴۰)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبای کشور (با همکاری یحیی ذکاء ۱۳۴۲، جلد سوم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی سازمان لغت‌نامه دهخدا (۱۳۴۲)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (۱۳۴۱، مستخرج از دفتر دوم نشریه‌ی کتابخانه‌ی دانشگاه تهران)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار (تهران، ۱۳۴۶ -۱۳۱۵، پنج جلد)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی تبریز (۱۳۴۸ و ۱۳۵۰، جلد چهارم)؛ کسر اصنام الجاهلیه صدرای شیرازی، مجموعه فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شهرستان‌های ایران (۱۳۵۳ -۱۳۵۱، سه جلد)؛ مرقع سازی و جنگ سازی (مشهد، ۱۳۶۰)، ترجمه مصادقه الاخوان ابن بابویه (۱۳۲۵)؛ معتقد الامامیه، منطق ابن مقنع، میکروفیلم دانشگاه تهران (جلد یکم)؛ نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی رشت (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ نسخه‌های خطی نشریه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران (۱۰ ،۱۳۵۸ -۱۳۳۹ جلد، گاهنامه)؛ ترجمه‌ی نکت اعتقادیه شیخ مفید؛ نکت الاعتقادیه (شیخ مفید، ۱۳۲۴)؛ نوادر التبادر؛ وزارت در عهد سلاجقه از عباس اقبال؛ یک پرده از زندگی شاه تهماسب؛ یواقیت العلوم.

وی در تهران درگذشت و کالبد وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (قطعه‌ی خاص هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

(۱۳۷۵ -۱۲۹۰ ش)، نسخه شناس، محقق و مصحح. وی مقدمات ادبی را پس از خواندن نزد میرزا علی بارفروش در مدرسه‌ی حاج علی‌اکبر کوچک در آمل و نزد پدرش فراگرفت. از دیگر استادان وی در آمل شیخ ابوالحسن آملی واعظ، میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی و آقا میرزا عزیزاللّه طبرسی بودند. در هجده سالگی بعد از فوت پدر، به تهران آمد. وی از محضر استادانی چون میرزا ابوالفضل گلپایگانی، میرزای قمی، آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه مرعشی بهره برد. دانش‌پژوه در مدرسه‌ی سپهسالار از مضحر میرزا مهدی آشتیانی «شفاء»، «اسفار» و «مکاسب» را آموخت. در ۱۳۲۰ ش موفق به دریافت لیسانس شد. از ۱۳۱۹ ش در کتابخانه دانشکده حقوق مشغول به کار شد. از ۱۳۲۱ ش به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال ورزید و سپس به دبیری دانشگاه پرداخت. از سمتهای دیگر وی معاونت کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق، ریاست کتابخانه‌ی کتب خطی دانشگاه، ریاست کتابخانه‌ی مرکزی، مشاورت فنی کتابخانه مرکزی، عضویت کمیته‌ی کتابخانه‌ی مرکزی بود. در سال ۱۳۴۸ ش دانشیار نیمه‌وقت دانشکده‌ی الهیات و در تاریخ ۱۳۴۹ ش دانشیار تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات شد. در سال ۱۳۳۴ ش شورای دانشگاه تهران وی را برای تدریس درسهای درایه الحدیث و فرهنگ ایرانیان دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شایسته دانست. در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس به تدریس منطق، تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق و در دوره‌ی دکتری به تدریس عرفان اسلامی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثار وی: فهرستهای مختلف کتابخانه‌ی دانشگاه تهران و مجلس سنا؛ ترجمه‌ها: «النکت الاعتقادیه»؛ ترجمه «مصادقه الاخوان»؛ «رساله المعینیه»؛ تصحیح: «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و تصحیح متون متعدد و مقالات مختلف در مجلات وزین.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] راهنمای کتاب (س ۱۸، ش ۹ -۸ -۷، ص ۶۸۸ -۶۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۹ -۲۱۷/ ۲).

دانشور، سیمین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، داستان‌نویس، مترجم، محقق، مدرس دانشگاه و روزنامه‌نگار. در شیراز دیده به جهان گشود و تا پایان دوره‌ی متوسطه در مدرسه‌ی مهرآیین شیراز تحصیل کرد. پس از آن وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۸ ش با نگارش رساله‌ی «علم الجمال در ادبیات فارسی» موفق به دریافت درجه‌ی دکتری ادبیات فارسی در این رشته‌ی تحصیلی شد. سپس به آمریکا رفت و از دانشگاه استنفرد کالیفرنیا درجه‌ی فوق دکتری تخصصی در رشته‌ی زیبایی شناسی اخذ کرد. پس از بازگشت به ایران تدریس در رشته‌های باستان شناسی و تاریخ و هنر دانشگاه تهران و زیبایی شناسی در هنرستان عالی موسیقی و هنرهای زیبا پرداخت. وی

همچنین عضو هیات نویسندگان مجله‌ی «علم و زندگی» و «کتاب ماه» و مدیر مجله‌ی «نقش و نگار» نیز بود. سیمین با جلال آل‌احمد ازدواج کرد و همپای او به فعالیتهای فکری و فرهنگی پرداخت. از آثار وی: تحقیقات: «شناخت و تحسین هنر»؛ داستانها: «سووشون»؛ «آتش خاموش»؛ «شهری چون بهشت»؛ «به کی سلام کنم»؛ «غروب جلال»؛ «جزیره سرگردانی»؛ ترجمه‌ها: «سرباز شکلاتی»؛ «دشمنان»؛ «بئاتریس»؛ «داغ ننگ»؛ «بنال وطن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :چون سبوی تشنه (۲۱۰ –۲۰۹)، کیان (س ۶، ش ۴۴، ص ۶۷ –۶۶)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۶، ص ۱۱ –۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۷ –۳۸۶ /۳).

داودی لیمونی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید داودی لیمونی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعید داودی لیمونی در سال ۱۳۵۳ شمسی وارد حوزه علمیه شهر رستم کلا (بهشهر) شدم و تا قسمتی از رسائل را در محضر مرحوم آیت الله ایازی خواندم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و رسائل را از محضر آیت الله اعتمادی و مکاسب را از محضر حضرات آیات دوزدوزانی ، مرحوم پایانی و مرحوم ستوده بهره گرفتم. کفایتین را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده خواندم و در درسهای خارج حضرات آیات مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی و لنگرودی شرکت کردم و مدت ده سال (به طورمتناوب) از این آقایان بهره گرفتم. هر چند بیشترین بهره اینجانب از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (۸ سال) بوده است.

بدایهٔ الحکمه را از محضر استاد فیاضی و نهایهٔ الحکمه را از محضر آیت الله مصباح یزدی بهره گرفتم و مدت دو سال در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در درسهای تفسیر آیت الله جوادی آملی به مدت ۳ سال شرکت کردم دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به مدت چهار سال گذارندم و در این دوره از اساتید گرامی ، حضرات آیات : مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، مرحوم طاهر شمس، محقق داماد، شب زنده دار و توفیقی بهره مند شدم.درسال ۱۳۸۱ پایان نامه سطح چهار را در رشته تفسیر با عنوان «جایگاه زن در قرآن کریم» دفاع کردم و مدرک سطح چهار را گرفتم.از سال ۱۳۷۱ در محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین شرح نهج البلاغه پرداختیم که تا کنون (اردیبهشت ۱۳۸۵) هفت جلد ازآن به چاپ رسیده و همچنان ادامه دارد (به نام پیام امام امیرالمومنین علیه اسلام)در این مدت بیش از ده مقاله برای روزنامه ها، مجلات، سمینارها و ... تدوین کردم که به چاپ رسیده است.

علاوه بر تدریس ادبیات و فقه و اصول که چند سال بدان پرداختم، سه سال در دانشگاه آزاد اسلامی اراک در رشته تفسیر و نهج البلاغه تدریس می کردم و اکنون به مدت چهار سال است که در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به تدریس اشتغال دارم همچنین به مدت چهار سال است که در تدوین موسوعه فقهی مقارن زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین مقالات می پردازیم که جلد اول آن به پایان رسیده است و چند سالی است که در مرکز مدیریت حوزه علمیه بخش مدارج علمی، راهنمایی و داوری پایان نامه های سطح ۳ و ۴ را به عهده دارم.علاوه بر آن در تدوین کتب و مقالات دیگر به فعالیت مشغول هستم.

داودی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمود داودی نژاد اراکی در سال ۱۳۲۰ شمسی در داودآباد اراک متولد شده و پس از رشد به اراک آمده و در مدرسه مرحوم آقا ضیاءالدین مقدمات را از مرحوم حاج شیخ قنبر رفیعی خوانده و در سال ۱۳۳۸ شمسی به قم آمده و سطوح را از حجهٔالاسلام آقای ستوده و آقای صلوتی و آقای مشکینی و آیت‌اللّٰه سلطانی بپایان رسانیده و دروس خارج را از محضر استاد مشکینی و حجهٔالاسلام منتظری و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی استفاده نموده آنگاه در سال ۱۳۵۱ شمسی حسب الامر آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی بکرشته شهریار که در جنب علیشاه عوض واقع است عزیمت نموده و تاکنون در مسجد آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

داور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر، از رجال دوره رضاشاه پهلوی (ف. ۱۳۱۵ ه.ش.). وی به وکالت مجلس شورای ملی، وزارت عدلیه و وزارت مالیه رسید و در بهمن ۱۳۱۵ ه.ش.خودکشی کرد. از آثار او «حقوق جزائی» است که توسط آقای ساسان نماینده سابق مجلس شورای و وکیل دادگستری تدوین شده و به چاپ رسیده است.

نماینده متنفذ مجلس شورای ملی، رهبر حزب سیاسی، روزنامه‌نگار، وزیر فوائد عامه، وزیر دادگستری، وزیر دارائی.

علی‌اکبر داور فرزند کلبعلی خازن‌خلوت در ۱۲۶۴ ش (۱۸۸۵ م) در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی با سعی و کوشش پدرش وارد مدرسه دارالفنون شد و به تحصیل در حرفه‌ی پزشکی پرداخت ولی پس از مدتی از رشته‌ی مزبور انصراف حاصل نموده ادبیات و فلسفه و تاریخ و سایر رشته‌های علوم انسانی را تحصیل نموده و در ۱۲۸۸ ش (۱۹۰۹ م) فارغ‌التحصیل شد و فعالیت سیاسی خود را در حزب دموکرات که حزبی تندرو و انقلابی بود آغاز کرد و در همان سال با کمک حزب دموکرات وارد وزارت دادگستری شد و اولین شغلی که به او ارجاع شد عضویت شعبه چهارم دادگاه شهرستان بود. داور در این سمت جدیت زیادی به کار برد و خود را کارمندی لایق و جدی و پرکار معرفی کرد و در نتیجه وزیر دادگستری او را به ریاست اجرا که از دشوارترین و پرمسئولیت‌ترین مقامات آن زمان بود، با ماهیانه ۷۵ تومان حقوق تعیین کرد. داور در این سمت احکام دادگستری را علیه زورمند و توانگر و اشراف و مالکین اجرا کرد و همین مسئله سر و صدای زیادی بلند نمود و وزیر دادگستری ناچار شد تا شغل او را تغییر دهد و سرانجام داور دادستان تهران شد در حالیکه ۲۵ سال بیشتر نداشت. او اکتفا به کار دادستانی نکرد و برای اینکه از پشتوانه‌ای هم برخوردار باشد عضو هیئت تحریریه روزنامه تندروی شرق که مدیر آن سیدضیاءالدین طباطبائی بود گردید.

داور قریب یک سال دادستان تهران بود که از شغل خود استعفا داد و در ازاء سرپرستی فرزندان حاج ابراهیم پناهی بازرگان روشنفکر تبریز عازم سویس شد تا تحصیلات خود را تکمیل نماید. مدت توقف داور در اروپا یازده سال طول کشید و در این مدت علاوه بر دوره‌ی متوسطه، در رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی به اخذ درجه‌ی لیسانس نائل گردید و دوره‌ی دکترای حقوق را نیز پایان داد ولی قبل از تصویب رساله‌ی دکترا به ایران بازگشت. داور در اروپا علاوه بر تحصیل به یک سلسله فعالیتهای سیاسی به نفع کشور خویش دست زد و حزبی به نام حزب ملی ایرانی تاسیس نمود و هنگام انعقاد قرارداد اوت ۱۹۱۹ بین ایران و انگلیس که منظور نظارت دولت انگلستان بر امور مالی و نظایم ایران بود، در مقام مبارزه با قرارداد برآمد و با نشر سلسله مقالات و مصاحبه با روزنامه‌های سویس، مخالفت شدید خود را با قرارداد ابراز می‌کرد.

پس از کودتای ۱۲۹۹ (ژانویه ۱۹۲۱) داور به علت آشنائی و همکاری سابق با سیدضیاءالدین عامل سیاسی کودتا، عازم ایران شد تا سهمی از تغییرات و تحولات نیز نصیب او شود. ولی وقتی وارد ایران شد سیدضیاءالدین برکنار و از ایران تبعید شده بود. ناچار برای پیشرفت کار خود برنامه‌ریزی کرد و به وکالت دادگستری پرداخت. در آبانماه ۱۳۰۰ ش (نوامبر ۱۹۲۱) داور وارد وزارت فرهنگ شد و اولین سمت وی ریاست تعلیمات عمومی بود و بعد رئیس کل معارف شد. در همین هنگام خود را کاندیدای نمایندگی مجلس نمود و سرانجام در تیرماه ۱۳۰۱ ش (ژوئیه ۱۹۲۲) از ورامین تهران به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در همان ایام امتیاز روزنامه‌ای به نام مرد آزاد را از وزارت فرهنگ اخذ نمود و به انتشار آن مبادرت کرد و تنی چند از جوانان تحصیل‌کرده و اروپادیده را به یاری طلبید. روزنامه‌ی «مرد آزاد» در آن روز از بهترین روزنامه‌های تهران بود. علاوه بر سر مقاله‌های تند و آتشین که توسط داور نوشته می‌شد، غیر از اخبار کامل داخلی و خارجی و مذاکرات مجلس، چند رمان شیرین هم پاورقی روزنامه قرار داشت و این روزنامه در مدت کمی اسم و شهرت خوبی پیدا کرد به طوری که تمام متجددین آن زمان، روزنامه را می‌خواندند. تقریبا تمام نویسندگان عبارات ساده و کوتاه و روشن یادداشتهای روزنامه‌ی داور را تقلید می‌کردند.

داور پس از رسیدن به مقام نمایندگی مجلس و دائر نمودن روزنامه معتبر، برای پیشبرد مقاصد خود به اقدام دیگری دست زد و آن را تشکیل یک حزب سیاسی تندرو بود. داور برای تشکیل حزب خود متجاوز از پانصد نفر از جوانان پرشور و تحصیلکرده را به دور خود جمع کرد. مرامنامه و اساسنامه حزب را نوشت و نام رادیکال بر آن نهاد و منظور از این کلمه، اصلاح کلیه امور و شئون کشور از بن و ریشه بود. حزب رادیکال مدیر روزنامه هم بود مورد توجه قرار گرفت. داور در مجلس غیر از همکاری با گروه اصلاح‌طلبان با عده‌ای از دوستان خود هسته‌ی مستقلی برای کمک و مساعدت به رضاخان سردار سپه وزیر جنگ تشکیل داد و در حقیقت باید گفت تخم ترقی سریع را در مغز سردار سپه، داور کاشت.

داور در انتخابات دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی از دو منطقه کاندیدا شد. یکی ورامین و دیگری شهرستان لار بود. سرانجام وکالت لار را پذیرفت در حالیکه پنج نفر هم از اعضاء حزب رادیکال به نمایندگی مجلس انتخاب شده بودند. در این مجلس داور با عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) و فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) نزدیک شد و این نزدیکی به قدری زیاد بود که آن سه نفر نام مثلث سیاسی گرفتند.

در نخستین روزهای مجلس پنجم، قبل از آنکه اعتبارنامه‌ها به تصویب برسد، یکمرتبه در سرتاسر ایران طوفانی بلند شد. سیل تلگراف و نامه به سوی مجلس سرازیر گردید و همه‌ی مردم خواستار رژیم جمهوری شدند. چند روزی طرفداران رژیم جمهوری در تهران و شهرها تظاهرات کردند ولی یکمرتبه تظاهرات تغییر جهت داد. سید حسن مدرس و روحانیت در مقام مخالفت با جمهوری برآمدند و در نتیجه سردار سپه از آن فکر عدول نمود. داور در آغاز سال ۱۳۰۳ (مارس ۱۹۲۴) جزو آن عده‌ای بود که با جمهوری موافقت نکردند و در سفر جنگی سردار سپه به خوزستان نیز از مخالفین بود و در مجلس نطقی که پایه‌ی آن مخالفت بود ایراد کرد و از جمله گفت سردار سپه باید کلیه عملیات خود را از صلح و جنگ در خوزستان به تصویب مجلس برساند. نطق داور

به اندازه‌ای تند و علیه سردار سپه بود که سرتیپ مرتضی یزدان‌پناه حاکم نظامی تهران طی مخابره تلگراف رمز تقاضا کرد اجازه‌ی اعدام داور و دوستان او داده شود.

وقتی سردار سپه موفقانه از سفر خوزستان بازگشت، داور به تلاش افتاد تا موجبات رضایت خاطر او را فراهم آورد و در نتیجه به فکر افزایش قدرت او افتاد. سرانجام طرح فرماندهی کل قوا را تهیه و زمینه را برای تصویب آن فراهم ساخت و در بهمن‌ماه ۱۳۰۳ ش (فوریه ۱۹۲۵) فرماندهی کل قوا از سلطان احمدشاه منتزع و به سردار سپه رضاخان نخست‌وزیر داده شد. داور یکی از طراحان خلع سلطان احمدشاه و پادشاهی رضاشاه پهلوی بود. او طرحی به عنوان ماده واحده تهیه کرد و به امضاء اکثر نمایندگان مجلس رسانید. طرح مزبور خلع سلطان احمدشاه و واگذاری حکومت موقت به رضاخان پهلوی و تشکیل مجلس موسسان برای تصمیم‌گیری نهائی درباره‌ی سلطنت دائمی بود. طرح مزبور در ۹ آبان ۱۳۰۴ ش (اول نوامبر ۱۹۲۵) در جلسه‌ی علنی مجلس مطرح گردید. مدرس لیدر اقلیت در مقام مخالفت برآمد و داور پاسخ او را داد به طوری که مدرس از جلسه خارج شد. مخالفین طرح هر کدام که صحبت کردند یکی از نمایندگان پاسخ می‌داد تا نوبت به دکتر محمدمصدق رسید. وی نطقی مفصل و مستدل ایراد کرد و با پادشاهی رضاخان پهلوی مخالفت نمود. داور به نطق مفصل مصدق پاسخ داد و ایرادات او را پاسخ گفت و سرانجام طرح انقراض قاجاریه به تصویب رسید. پس از تصویب طرح، داور مسئول تشکیل مجلس موسسان شد تا مجلس مزبور چند اصل از اصول قانون متمم اساسی را تغییر دهد و سلطنت ایران را به رضاشاه و اعقاب او تفویض نماید. مجلس موسسان در آذرماه ۱۳۰۴ (دسامبر ۱۹۲۵) تشکیل شد و داور مخبر کمیسیون رسیدگی به موضوع اصلاح قانون اساسی شد و این وظیفه‌ی دشوار را انجام داد و این مسئله بر نفوذ و شهرت او افزود.

وقتی رضاشاه به سلطنت رسید، محمدعلی فروغی را نخست‌وزیر کرد و علی‌اکبر داور در آن کابینه وزیر فوائد عامه و تجارت شد و در همان روزهای نخست، مقدمات راه‌آهن را در ایران فراهم کرد و مدرسه‌ای به نام مدرسه‌ی تجارت تاسیس نمود.

در انتخابات دوره‌ی ششم مجلس، داور مجددا از لار به وکالت تعیین شد و همزمان با افتتاح مجلس، محمدعلی فروغی از نخست‌وزیری کنار رفت و حسن مستوفی جای او را گرفت و وزارت داور هم منتفی شد. داور چند ماهی در مجلس باقی ماند تا اینکه در بهمن‌ماه ۱۳۰۵ ش (فوریه ۱۹۲۷) حسن مستوفی نخست‌وزیر، کابینه‌ی خود را ترمیم کرد و در ترمیم، علی‌اکبر داور به سمت وزیر دادگستری تعیین شد.

داور وزیر جدید عدلیه، روز بیستم بهمن‌ماه ۱۳۰۵ ش کلیه تشکیلات قضائی را در تهران منحل کرد و یک هفته بعد نیز تشکیلات قضائی را در شهرها تعطیل نمود. روز ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۰۵ ش (۱۸ فوریه ۱۹۲۷) لایحه امتیازات خود را طی یک ماده واحده و یک تبصره به قید دوفوریت به مجلس شورای ملی تقدیم نمود و پس از یک بحث طولانی در همان جلسه تصویب شد. اختیارات حاصله شامل قانونگزاری، اصول تشکیلات و استخدام بود. روز پنجم اردیبهشت ۱۳۰۶، دادگستری جدید در کاخ برلیان در حضور رضاشاه افتتاح شد. شاه طی نطق کوتاهی اهمیت دادگستری را بیان کرد و فرامین عده‌ای از قضات جدید را توزیع نمود. آنگاه فرمانی خطاب به حسن مستوفی نخست‌وزیر صادر نمود و فرمان مزبور حاکی از الغاء کاپیتولاسیون برای حفظ شئون و اخلاق مملکت بود.

داور وزیر جدید دادگستری برای گردش کارهای قضائی به سه ابزار کار احتیاج داشت. اصول تشکیلات قضائی بود، بعد به قضات مطلع و پاکدامن و تحصیلکرده نیاز داشت، دیگر آنکه بایستی به سرعت قوانینی تهیه و به مرحله‌ی اجرا بگذارد.

داور کمیسیون‌هائی برای تدوین قوانین جدید از افراد مطلع و برجسته که تحصیلات عالی داشتند تشکیل داد و به سرعت قوانین مورد لزوم را تهیه و به موجب اختیارات داور به تصویب کمیسیون دادگستری مجلس رسانید و مورد عمل قرار می‌دادند. داور مجموعا در دادگستری ۱۲۰ قانون به تصویب رسانید. اولین اقدام وی قبل از افتتاح دادگستری نوین، تهیه و تصویب قانون استخدام قضات و صاحب‌منصبان پارکه (دادسراها) و مباشرین ثبت اسناد بود که در اسفند ۱۳۰۶ ش (مارس ۱۹۲۸) در ۵ ماده آماده و تصویب شد و به موجب همین قانون به استخدام قضات و دادسراها و ثبت اسناد پرداخت.

داور، قضات را به چند طریق انتخاب نمود: ۱- عده‌ای از قضات سابق دادگستری را که صلاحیت برای خدمت داشتند با رتبه‌های جدید به خدمت دعوت نمود. ۲- عده‌ی زیادی از کارمندان تحصیلکرده دولت را که تحصیلات عالی داخلی و خارجی داشتند به وزارت دادگستری انتقال داد و در این انتقال سهم وزارت امور خارجه و سپس وزارت دارائی بیش از سایر وزارتخانه‌ها بود. ۳- عده‌ای از نمایندگان ادوار مختلف مجلس را به خدمت دعوت کرد. ۴- از میان روحانیون و مدرسین حوزه‌ی علمیه، جمعی را به خدمت پذیرفت مشروط بر اینکه از لباس روحانیت خارج شوند و بعد برای تربیت قاضی و مامور ثبت اسناد کلاسهائی تشکیل داد که حقوق مختلف در آن تدریس می‌شد.

داور در نخستین روزهای افتتاح دادگستری، ویژگیهای دادگستری نوین را چنین توجیه کرد:

۱- تشکیلات جدید دادگستری روی اصلی بنا شد که حتی‌الامکان تمام کارکنان آن از اشخاص پاکدامن و آشنا به علوم جدید باشند ولی ممکن است بعضی از آنها صددرصد کمال مطلوب نباشد بنابراین ممیزی در آن منتفی نیست.

۲- انحصار قوه قضائیه و حکومت به دست دولت و تمرکز آن در تشکیلات مملکت است تا تامین حقوق مختلفه عمومی بلامانع امکان‌پذیر شود. برای اجرای این منظور حق حکومت از محاضر شرع خارج از دادگستری سلب شده و به جای آن محاکم رسمی شرعی مرکب از حکام شرعی که مستخدم دولت و موظف به رعایت نظامات دولتی هستند تشکیل گردیده است.

۳- در قوانین جدید وسائل جلوگیری از ایجاد دعاوی و نیز تهیه موجبات تسهیل کار محاکم که بتوانند به موجب اسناد صحیح حق را از باطل تمیز دهند پیش‌بینی شده و به موجب قانون ثبت املاک اجباری است. با این ترتیب از طرفی معاملات غیرمنقول در نتیجه ثبت اسناد، چنان اعتباری خواهد یافت که تاکنون در ایران سابقه نداشته است. همینکه سندی به ثبت رسید هیچ ادعائی از هیچکس نسبت به آن سند پذیرفته نیست. از طرفی به واسطه‌ی ایجاد دفاتر (ثبت اسناد رسمی) استیفای حقوق انواع قراردادها و معاملات ثبت شده در این دفترها بدون مراجعه به دادگاه به عمل می‌آید.

۴- برای اعتبار دعاوی مدت و زمان قائل شده و قانون مرور زمان که از اهم قوانین قضائی است مورد اجرا واقع خواهد شد.

۵- چون تامین آسایش افراد منوط بـه مجازات مجرمین است، این منظور مهم نیز به وسیله دادگاههای جزا و دیوانهای جنائی دادگستری عمل می‌شود.

۶- عدلیه قوانین جامع و مفیدی تهیه کرده که هر قاضی موظف است بر مبنای آن حکم صادر کند. قضات نمی‌توانند عقاید فقهی را ملاک صدور حکم قرار دهند.

داور هنگامی که به وزارت دادگستری تعیین شد، اختیاراتی از مجلس برای مدت چهارماه گرفت ولی در مدت مزبور نتوانست محاکم دادگستری را در سطح کشور دائر کند، لذا در خرداد ماه ۱۳۰۶ از مجلس تقاضای تمدید اختیارات نمود و برای مدت چهار ماه دیگر اختیارات او تمدید شد.

از قوانین مهمی که داور به تصویب رسانید، جلد اول قانون مدنی بود که در ۹۵۵ ماده تهیه و پس از تصویب مورد اجرا واقع شد. از دیگر قوانین، قانون اصول تشکیلات، قانون محاکمات نظامی، قانون محاکمه وزراء، قانون تشکیل دیوان کیفر، قانون تشکیل دادگاه انتظامی قضات، قانون تشکیل دفاتر اسناد رسمی، قانون ثبت اسناد و املاک، قانون مجازات عمومی، قانون تجارت و قانون محاکم شرع را باید نام برد. مهمترین اقدام داور در دادگستری، لغو کاپیتولاسیون بود که در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷(۱۱ مه ۱۹۲۸) ملاک عمل قرار گرفت.

داور مجموعا در کابینه‌های حسن مستوفی و مهدیقلی هدایت نزدیک به هفت سال وزیر دادگستری بود و غیر از تاسیس دادگاه‌ها و دادسراها در سطح کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک را به وجود آورد؛ دفاتر رسمی ازدواج و طلاق و دفاتر اسناد رسمی تشکیل داد؛ مدرسه عالی حقوق و کلاس قضائی تاسیس نمود ؛ وکالت دادگستری را در چهارچوب قانون تعیین نمود و مبادرت به این شغل موکول به اخذ پروانه از وزارت دادگستری گردید ؛ برای قضات لباس متحدالشکل و نشان تعیین کرد ؛ هیئت بازرسی برای رسیدگی به کار وزارتخانه‌ها و شهرداریها تعیین نمود ؛ عده‌ی زیادی از قضات را برای تکمیل تحصیلات به اروپا فرستاد؛ تمام کسانی که جزو محصلین دولتی به اروپا اعزام شده و علم حقوق تحصیل نموده بودند به خدمات قضائی منصوب نمود.

داور در بهمن‌ماه ۱۳۱۱ در راس یک هیئت عازم اروپا شد تا به شکایت دولت انگلستان به جامعه ملل پاسخ دهد. توضیح آنکه دولت ایران قرارداد خود را با شرکت نفت ایران و انگلیس به طور یکطرفه لغو نمود و دولت انگلستان از این اقدام ایران به جامعه ملل شکایت برد. داور در جامعه ملل در مقابل سر جان سیمون وزیر امور خارجه انگلیس قرار گرفت و ضمن نطق مفصلی حقانیت ایران را در لغو قرارداد توجیه کرد و سرانجام جامعه ملل بدون رسیدگی از لحاظ ماهوی قراری صادر نمود که طرفین قرارداد موضوع را دوستانه و خارج از جامعه ملل حل و فصل نمایند. داور در این ماموریت قدرت بیان و استدلال خود را ثابت کرد و سرانجام پس از مذاکرات مکرر و متوالی بین شرکت نفت ایران و انگلیس و نمایندگان ایران، قرارداد ۱۹۳۳ برای مدت شصت سال جانشین قرارداد دارسی شد. داور در این مذاکرات نقشی برجسته داشت.

کابینه‌ی مهدی‌قلی هدایت در شهریور ۱۳۱۲ ش (۱۲ سپتامبر ۱۹۳۳) سقوط کرد و محمدعلی فروغی به ریاست دولت تعیین گردید. در کابینه‌ی جدید شغل داور تغییر کرد و از وزارت دادگستری بـه وزارت دارائی تعیین و معرفی گردید. نخستین اقدام داور در وزارت دارائی، انتقال عده‌ای از قضات دادگستری به وزارت دارائی و انتصاب آنها به مشاغل حساس و کلیدی بود و از این طریق شریان وزارت دارائی را به دست گرفت و مشغول مطالعه در سازمان و رویه دارائی کشور شد. داور پس از مطالعه به این نتیجه رسید که برای متعادل کردن بودجه و درآمد بیشتر رویه بازرگانی دولتی را اعمال نماید و انحصارات را توسعه دهد. لذا شروع به ایجاد سازمانهائی به سبک شرکتهای سهامی کرد و یک قسمت از فعالیت اقتصادی کشور را که معمولا بایستی بخش خصوصی انجام دهد توسط همین شرکتها به دست گرفت. وقتی این شرکتها قوام گرفت، به فکر معاملات پایاپای افتاد و برای این منظور دو کشور را انتخاب کرد و آن دو کشور عبارت بودند از شوروی و آلمان. در نتیجه با آن دو کشور قراردادهای تهاتری منعقد نمود و قرار شد شوروی به ایران قند و شکر، قماش، آهن‌آلات، سیمان و ماشینهای کشاورزی بدهد و متقابلا ایران به آن کشور پنبه، پشم، پوست، برنج، کتیرا و خشکبار صادر نماید. در مورد معاملات با آلمان به علت استقرار حکومت هیتلر، مشکلاتی به وجود آمد که بعدها حل شد.

داور برای انجام صحیح معاملات پایاپای، یک شرکت مرکزی تاسیس کرد تا صادرات ایران را استاندارد نموده و واردات را نیز به نحو صحیح توزیع نماید.

داور در سال دوم وزارت دارائی خود، به خدمت مستشاران بلژیکی در گمرک ایران خاتمه داد و امور آن را به دست ایرانیان سپرد. داور در دوران وزارت دارائی دست به یک سلسله اقدامات اصلاحی زد مانند افزایش سرمایه بانک ملی ایران، ایجاد سیلو در تهران و شهرستانها، توسعه‌ی صادرات تریاک، تشکیل شرکت بیمه و بالاخره امضای امتیاز نفت خاور و شمال خاوری ایران به یک شرکت آمریکائی بود.

در آذرماه سال ۱۳۱۴ ش (دسامبر ۱۹۳۵) حوادثی در مشهد به وقوع پیوست که ناشی از تغییر کلاه بود و در نتیجه اسدی نایب‌التولیه آستان قدس رضوی مسبب حوادث شناخته شد و به اعدام محکوم گردید و محمدعلی فروغی نخست‌وزیر هم به علت قرابت و وساطت از اسدی، مغضوب و خانه‌نشین شد. در این هنگام داور تنها بازمانده بازیگران خلع قاجاریه و سلطنت رضاشاه پهلوی که ارشد وزیران کابینه بود، علی‌القاعده با توجه به سوابقی که داشت می‌بایستی از طرف شاه به نخست‌وزیری منصوب شود ولی شاه محمود جم را به داور ترجیح داده و مقام نخست‌وزیری را به او تفویض نمود و داور کماکان در کابینه‌ی جدید متصدی وزارت دارائی شد. این موضوع در روحیه‌ی داور اثر نامطلوبی گذاشت و احساس کرد شاه با او میانه‌ای ندارد و قریبا به سرنوشت دوستان سابق خود مانند تیمورتاش، فیروز فیروز و جعفر قلی اسعد دچار خواهد شد. این فکر از یک طرف و فشار شاه برای برنامه‌های تازه اقتصادی که داور مبتکر آن بود، او را از پای درآورد و سرانجام تصمیم به خودکشی گرفت و فکر خود را در شب ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۱۵(۱۰ فوریه ۱۹۳۷) به مرحله‌ی اجرا درآورد و با خوردن مقداری تریاک به زندگی خود خاتمه داد.

(ح ۱۳۱۵ –۱۲۶۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران متولد شد. در مدرسه‌ی دارالفنون به تحصیل پرداخت و پس از گرفتن دیپلم به خدمت عدلیه درآمد و به جهت اینکه در شغل خود به مقاطع بالاتری دست یابد برای ادامه‌ی تحصیل (به همت حاج ابراهیم پناهی) به سویس رفت و در رشته‌ی حقوق، موفق به دریافت دکتری شد. وی حدود ده سال در اروپا تحصیل کرد و در ضمن آن به فعالیتهای سیاسی نیز مشغول بود. وی با رضا شاه پهلوی معاصر بود. داور در اروپا اعلامیه‌هایی را که به نام حزب ملی ایرانی در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ م منتشر می‌شد با تیتر عین– لام– بر امضاء می‌کرد. او در ۱۳۰۰ ش به ایران بازگشت و به سمت رییس وزارت عدلیه و مالیه منصوب شد و پس از آن حزب رادیکال را پایه‌گذاری کرد و با انتشار روزنامه‌ی «مرد آزاد» به طور جدی وارد معرکه‌ی سیاست شد. او در دوره‌های چهارم تا ششم نماینده‌ی مجلس شد. در مجلس پنجم یکی از تهیه کنندگان ماده‌ی واحده‌ی خلع قاجاریه از سلطنت بود و از جمله کسانی بود که تلاش بسیاری برای به سلطنت رساندن سردار سپه کرد. داور با خوردن مقدار زیادی تریاک خودکشی کرد، در حالی که روزنامه‌ها علت مرگ او را سکته اعلام کردند. وی دو روز قبل از خودکشی مورد عتاب و تهدید رضاشاه واقع شده بود. جنازه‌ی وی را در صفاییه‌ی تهران دفن کردند. آثار وی: «اصول محاکمات اصلاح شده به موحب ماده‌ی واحده»؛ «حقوق جزایی»؛ «قانون جزا».[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (۳۳۴ –۳۱۴/ ۶)، تاریخ جراید (۲۰۲ –۲۰۱/ ۴)، دایرةالمعارف فارسی (۹۵۵/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۶ –۱۸۲/ ۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۱ –۳۵۰/ ۱)، شخصیتهای نامی (۱۹۴ –۱۹۲)، شرح حال رجال (۴۲۹ –۴۲۷/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸ –۵۰۷/ ۴).

داور شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ –۱۲۵۱ ق)، فقیه، عارف، حکیم، تذکره‌نویس، شاعر، متخلص به داور. در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شاعری استاد فرصت شیرازی و قدسی مشهدی. از آثار وی: «اصلاح الفاظ»؛ «حاشیه‌ی تفسیر صافی»؛ شرح «زیارت عاشورا»؛ «ضیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شرح الاربعین»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «گنج گوهر»؛ «العشره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث.[۱]

(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. ۱۲۵۱– ف. شیراز ۱۳۲۵ ه.ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار العجم (۳۳ –۲۶)، ایضاح المکنون (۶۸۸، ۴۶۱، ۲۶۵، ۱۰۱ /۲، ۹۰ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۳ – ۲۴۷ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷ –۴۹۳/ ۲)، الذریعه (۲۶۸ –۲۶۷، ۱۲۷/ ۱۵، ۱۰۸۸، ۱۰۸۷ –۳۱۹، ۹/)، ریحانه (۳۶۰ – ۳۵۹ /۵)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۱ –۲۷۰ /۶)، هدیه العارفین (۴۶۹/۲).

داوری شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۳/۱۲۸۲ –۱۲۳۸ ق)، خطاط، نقاش، ادیب و شاعر، متخلص به داوری. در شیراز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی و آداب سخنوری و خوشنویسی را در محضر پدر و برادر مهتر خود وقار، آموخت و فنون نقاشی و چهره‌نگاری و نیز زبان و ادبیات ترکی را از شخصی به نام حاجی اسداللّٰه فراگرفت. داوری در سرودن انواع مختلف شعری بویژه قصیده مهارت داشت. خطوط هفت گانه را خوش می‌نوشت و در نستعلیق قوی‌دست بود. صاحب «طرائق الحقائق» مدت دو ماه نزد وی تعلیم خط گرفته است. او همچنین در هنر نقاشی بخصوص آبرنگ، شیرین قلم و صاحب ابتکار بود و تذهیب و آرایش تصاویر را نیکو می‌دانست. دیوان بیگی، مولف «حدیقه الشعراء»، وی را «شمس القلاده‌ی» خاندان وصال دانسته است. از کارهای هنری این استاد، تذهیب و نقاشی «شاهنامه‌ی» فردوسی است که بعدها توسط لطفعلی خان شیرازی و میرزا آقای نقاش تکمیل شد. داوری در زادگاه خود درگذشت و در کنار میرزای سکوت، در حرم شاهچراغ به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی در حدود پانزده هزار بیت دانسته‌اند. در بعضی منابع «رساله‌ای در عروض» و کتابی در «معانی و بدیع» و «فرهنگ» بزرگی به زبان ترکی به وی نسبت داده‌اند. از آثار چهره‌پردازی وی: چهار قطعه تصاویر آبرنگی از قیافه رجال برجسته‌ی دوره‌ی ناصری که در مرقعی با خطوط متنوع ترتیب یافته است؛ تصویر محمد شفیع وصال که بر روی تشکی نشسته است. از خطوط او: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم:؟... و انا العبد... محمد المتخلص بداوری ابن المرحوم وصال... سنه‌ی ۱۲۶۷»؛ یک نسخه «لوایح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «... فی سنه‌ی ۱۲۷۶... و انا العبد داوری بن وصال»؛ یک نسخه «چهار مقاله‌ی» نظامی عروض، به قلم کتابت خوش، با رقم: «...

حرره داوری بن وصال غفر له، سنه‌ی ۱۲۷۹»؛ یک نسخه «سحر حلال»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... داوری بن وصال ۱۲۸۲».
چهار اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.[۱]

محمد متلخص به داوری سومین پسر وصال از شاعر از قرن سیزدهم (و. ۱۲۳۸– ف. ۱۲۸۲ ه.ق.). وی در ۱۲۷۹ در تهران بود و در شیراز به بیماری دق درگذشت و در بقعه شاه چراغ شیراز مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۶۰ –۳۵۹)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۱۶ –۷۱۲ /۳)، احوال و آثار نقاشان (۷۱۵ –۷۱۳ /۲)، اطلس خط (۵۶۶ –۵۶۵)، بزرگان شیراز (۳۶۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۷ –۲۰۵ /۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۷/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۷ –۲۵۶)، حدیقه الشعراء (۶۱۳ –۶۰۴ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷ –۵۰۶ /۲)، الذریعه (۳۲۰ –۳۱۹ /۹)، ریحانه (۳۲۷ –۳۲۶ /۶، ۲۱۲ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۲ –۳۵۱ /۱)، شرح حال رجال (۱۸۸ –۱۸۶ /۶)، طرائق الحقائق (۳۷۹ –۳۷۶ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۱ –۱۰۰۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۴)، لغت نامه (ذیل/ داوری شیرازی)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۲ –۷۸۱ /۵)، مجمع الفصحا (۲۹۹ –۲۹۳ /۴)، مرآت الفصاحه (۲۱۱ –۲۰۸)، مکارم الآثار (۱۰۷۰ –۱۰۶۹ /۴).

داوودی کهکی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا داوودی کهکی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا داودی، در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم که به مقدمات و سطح پرداختم. در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه در راه حق–دروس عمومی– شدم. که پس از دو سال به موسسه امام خمینی(ره) منتقل شد، این دروس آشنایی با مبانی علوم انسانی بود که تا ۱۳۷۷ به طول انجامید. از سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد رشته تخصصی علوم قرآنی و تفسیر در موسسه امام خمینی(ره) را آغاز کردم. همزمان با گذراندن این رشته، در دوره کاروززی تحقیق که زیر نظر یکی از اساتید برگزار می‌شد شرکت کردم که در موضوع تفسیر موضوعی به مطالعه و تشکیل پرونده می‌پرداختیم. پس از پایان دوره نوبت به نگارش پایان‌نامه رسید، که موضوع پایان نامه اینجانب «شادابی و نشاط از دیدگاه آیات و روایات تفسیری» بود و به مدت یک سال از خرداد ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲ به طول انجامید. پس از دفاع پایان‌نامه که با امتیاز عالی و نمره ۱۸ پذیرفته شد در سال ۱۳۸۳ در دوره تربیت مربی اخلاق زیرنظر حجت الاسلام دکتر آقاتهرانی شرکت کردم و در پایان دوره یکسال، تحقیقی پایانی با عنوان «نگاهی به آثار تربیتی بینش در منابع اسلامی» به نگارش درآوردم. در سال ۱۳۸۴ هفته‌ای یک روز تدریس در دانشگاه آزاد گرمسار را آغاز کردم که درس‌های متون اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن و تاریخ صدر اسلام و اخلاق اسلامی را در آنجا تدریس کردم. به جهت نبود کتاب درسی مناسب برای تفسیر قرآن جزوه‌ای را خودم تهیه کردم و تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره و اسراء را در آن جای دادم. همزمان با آن و داشتن کار اجرایی کتابخانه علوم قرآنی، چند مقاله نیز به نگارش درآوردم که در لیست مقالات آمده است.

دایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی دایی متولد ۱ فروردین سال ۱۳۴۸، بازیکن ایرانی و از مشهورترین بازیکنان تاریخ تیم ملی فوتبال ایران است. تا پایان جام جهانی ۲۰۰۶ بازیکن اصلی و کاپیتان تیم ملی ایران بود. دایی ۱۰۹ گل ملی در کارنامه خود دارد و با فاصله زیادی بهترین گلزن بازی‌های ملی در تاریخ فوتبال جهان است.

دایی سابقه بازی در تیم‌های آلمانی همچون بایرن مونیخ را دارد و به همراه این تیم به نایب قهرمانی جام باشگاه‌های اروپا دست یافته‌است.

●باشگاهی

دایی، فوتبال را از باشگاه‌های کوچک شهر اردبیل همچون استقلال اردبیل و شهرداری اردبیل آغاز کرد . اوپس از قبولی در دانشگاه صنعتی شریف و اقامت در تهران به تیم تاکسیرانی تهران پیوست. او سپس به بانک تجارت پیوست و در این تیم بود که او مورد توجه بیشتری قرار گرفت و برای اولین بار به تیم ملی دعوت شد.

دایی بعدها به پرسپولیس تهران و سپس السد قطر پیوست و از این این تیم راهی اروپا شد و همراه با کریم باقری به آرمینیا بیله‌فلد باشگاه آلمانی و خداداد عزیزی به اف سی کلن پیوست. مقصد بعدی او بایرن مونیخ آلمان بود. فرانس بکن‌بائر رییس باشگاه

بایرن مونیخ علی دائی را برای این باشگاه انتخاب کرد و وی را مهاجمی در سطح جهانی قلمداد کرد. حضور دایی در بایرن مونیخ آلمان نقطه اوج فوتبال او بود، زیرا پیش از آن حضور بازیکنی ایرانی در یک باشگاه معتبر نظیر بایرن مونیخ سابقه نداشت. دایی به همراه بایرن مونیخ تا فینال جام باشگاه‌های اروپا رفت و در نهایت مدال نقره آن بازی‌ها را به دست آورد. گرچه دایی در بازی فینال به میدان نیامد.

او سپس به هرتا برلین آلمان پیوست و با پوشیدن پیراهن ۹ از اصلی‌ترین بازیکنان این تیم بود. دایی با هرتا برلین هم در جام باشگاه‌های اروپا بازی کرد و دو بار دروازهٔ چلسی و یکبار دروازهٔ آث میلان را گشود. حضور موفق علی دائی در باشگاه‌های اروپایی راه را برای بسیاری از بازیکنان آسیایی از جمله هیده توشی ناکاتا و مهدی مهدوی کیا گشود.

علی دایی با باشگاه سایپا به عنوان بازیکن و سرمربی تیم سایپا فعالیت خود را آغاز کرد. این تیم توانست در خرداد ماه ۸۶ قهرمانی ششمین لیگ برتر را به دست آورد. او همزمان با قهرمانی سایپا در روز ۲۸ می ۲۰۰۷(۷ خرداد ۱۳۸۶) بازدن گل قهرمانی سایپا که آخرین گل اقای گل جهان بود از بازی کردن فوتبال برای همیشه خداحافظی کرد.

علی دایی در سال‌های اخیر همواره بازیکن اصلی ایران و کاپیتان این تیم بوده‌است. او بیشترین بازی ملی و بیشترین گل زده تاریخ تیم ملی را دارد (گل‌های زده او در میان تمام تیم‌های جهان نیز اول است.)

او در جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ امارات به همراه باقری و عزیزی از بهترین ستارگان ایران بود.

او در بازی معروف ایران و استرالیا در بازی پلی اف مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه پاس گل دوم ایران را برای خداداد عزیزی ارسال کرد و این گل باعث راهیابی ایران به جام جهانی شد.

او به همراه ایران در دو جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و ۲۰۰۶ آلمان به میدان آمد و تا به حال در۵ بازی ایران در این بازی‌ها شرکت کرده‌است. این پاس دایی بود که زمینه‌گذار گل مهدوی‌کیا به آمریکا در جام جهانی ۹۸ شد.

از نقاط اوج دوران ورزشی دایی را می‌توان روز ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ دانست. او در این روز و در مسابقات مقدماتی راهیابی به جام جهانی ۴ بار دروازه لائوس را گشود تا نام خود را به عنوان اولین فوتبالیست تاریخ جهان که ۱۰۰ گل در بازی‌های ملی به ثمر رسانده ثبت کند.علی دایی در لیگ برتر ایران در سال ۱۳۸۶ به عنوان سرمربی و بازیکن توانست تیم سایپا را به قهرمانی برساندو توانایی های خود را به رخ منتقدان بکشد و بر افتخارات خود بیافزاید.

●تیم‌های باشگاهی

▪سلمان آباد اردبیل، تاکسی‌رانی، بانک تجارت، پرسپولیس (ایران)

▪آرمینیا بیله‌فلد، بایرن مونیخ، هرتابرلین (آلمان)

▪السد (قطر)

▪پرسپولیس، صبا باتری (ایران)

▪سایپا تهران

●بهترین گلزن در بازی‌های بین‌المللی

وی یکی از بهترین گلزنان تاریخ فوتبال و نفر اول در لیست گلزنان بین‌المللی است. او هم‌چنین بهترین گلزن در تاریخ بازی‌های آسیایی است. در دور مقدماتی جام جهانی سال ۱۹۹۸ هم، او با به ثمر رساندن ۳۸ گل در ۵۶ بازی در رتبه‌ی اول قرار داشت.

در سال ۱۹۹۶ با به ثمر رساندن ۲۰ گل، دایی به عنوان بهترین گلزن در بازی‌های بین‌المللی توسط فدراسیون تاریخ و آمار فوتبال (IFFHS) معرفی گردید. در ضمن دایی اولین گلزن آسیایی جام باشگاههای اوروپا است ازجمله گلهای بیادماندنی او دوگل اوبه چلسی وتک گل او به میلان ACدر لیگ قهرمانان اروپا که باعث صعودتیم هرتابرلین به مرحله بعد لیگ قهرمانان شد

●زندگی شخصی

علی دایی در اردبیل متولد شد. او بعدها به دانشگاه صنعتی شریف راه یافت و لیسانس خود را در رشته متالورژی دریافت کرد. همچنین وی به تازگی ازدواج کرده‌است. علی دائی علاوه بر فوتبال در تجارت نیز مردی موفق بوده‌است. وی گرداننده چندین شرکت بزرگ و رستوران‌های متعدد است. این فوتبالیست ایرانی طی سالهای اوج فوتبال خود بارها در مسابقات فوتبال به میدان رفته‌است، از جمله در دیدار ستارگان فوتبال جهان و تیم منتخب بوسنی با همراهی روبرتو باجو و دیگر ستاره‌های افسانه‌ای فوتبال.

او همچنین همراه بامادلین آلبرایت و دیوید بکام باسازمان یونیسف همکاری داشته‌است.

دایی همچنین دارای تابعیت دوگانه ایرانی و آمریکایی است.

●عضویت درفیفا

علی دائی توانست برای اولین بار یک بازیکن ایرانی باشدکه عضوکمیته بین المللی فوتبال فیفا گردد و فوتبال ایران را درعرصه بین‌المللی مطرح کند

او در سال ۱۳۸۷ به عنوان سرمربی تیم ملی ایران انتخاب شد .

دبستانی کرمانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دانشمند، نویسنده و روزنامه‌نگار و سیاست‌پیشه، در حدود ۱۲۶۲ در کرمان تولد یافت. پدرش آقایوسف از اعاظم، دانشمندان و بزرگان کرمان بود.

دبستانی و برادرش مجدالاسلام کرمانی، تحصیلات مقدماتی خود را بیشتر نزد حاج شیخ ابوجعفر کرمانی و ملا عبدالله راینی و ناظم‌الاسلام کرمانی آموختند و روح آزادیخواهی و آزادفکری ناظم‌الاسلام در این دو برادر تاثیر زیادی بخشید. او در جوانی لقب امین‌الاسلام گرفت. زبان و ادبیات عرب را در حد کمال آموخت و زبانهای فرانسه و انگلیسی را نیز فراگرفت.

بعد از مشروطیت به انتشار روزنامه‌ی فرهنگ مبادرت نمود و با کمک عده‌ای از روشنفکران کرمان، حزب دموکرات را در آنجا بنیان نهاد و سالها در سیاست کرمان مدخلیت داشت و یکی از مبارزین جدی با حکام و متنفذین محلی بود.

در ۱۳۰۶ بنا به دعوت علی‌اکبر داور، خدمت قضائی را قبول کرد و چندی در سمت مستشار استیناف همدان انجام وظیفه نمود. در انتخابات دوره‌ی هفتم از کرمان به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و هفت دوره‌ی متوالی کرسی نمایندگی کرمان را برای خود حفظ نمود. بعد از ۱۳۲۰ از کار سیاست کناره‌گیری کرد و به خدمات اجتماعی پرداخت.

وی مردی ارزشمند بود. شعر به زبان عربی نیکو می‌سرود. صریح و تند بود. در سخنرانی ید طولایی داشت. با تاریخ و ادب ایران و عرب و اروپا بسیار آشنا بود. در دوره‌ی سیزدهم که باز میل به وکالت داشت، مخالفین او طوماری تهیه نموده و او را مفسد فی‌الارض و مهدورالدم خواندند و همین طومار اثر خود را بخشید و به مجلس راه نیافت. نام خانوادگی دبستانی ابتدا درگاهی بود ولی سرتیپ درگاهی رئیس شهربانی او را مجبور ساخت که نام خانوادگی خود را تغییر دهد. وفات او در ۱۳۴۳ در سن ۹۰ سالگی اتفاق افتاد.

(ح ۱۳۴۴ –۱۲۵۵ ش)، روزنامه‌نگار. ملقب به شیخ محمود امین‌الاسلام. در کرمان متولد شد. تحصیلات مقدماتی خو را نزد حاج شیخ ابوجعفر کرمانی، ملا عبداللّه راینی و ناظم‌الاسلام کرمانی آموخت. زبان فرانسه و انگلیسی را می‌دانست و به عربی آشنایی کامل داشت و از حافظه‌ی قوی برخوردار بود و مطالعات تاریخی فراوان داشت. وی از آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان در تهران و کرمان بود و در واقعه‌ی پیدایش حزب دمکرات در کرمان، از اعضای فعال و برجسته‌ی حزب محسوب می‌شد. از دوره‌ی هشتم مجلس به نمایندگی مردم کرمان در مجلس شورای ملی انتخاب شد و تا دوره دوازدهم نماینده بود ولی به علت مخالفتهای شدید با وی در دوره‌های بعد، از انتخاب شدن محروم ماند. او که به سبب انتسابش به خاندان درگاهقلی بیک، لقب درگاهی یافته بود برای این که از آسیب سر تیپ محمد درگهی)(رئیس شهربانی) مصون بماند. نام خانوادگی خود را به دبستانی تغییر داد. و به کرمان بازگشت و در املاک موقوفه‌ی خاندان خود به کشت و برداشت مشغول شد، تا این که در شهریور ۱۳۲۰ ش به خدمات اجتماعی پرداخت و به سمت ریاست شیر و خورشید برگزیده شد و سرانجام در کرمان درگذشت. او مدتی مدیر مسؤول روزنامه‌ی «نامه‌ی فرهنگ» کرمان بود.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۷۳ –۲۷۲ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۱ –۱۹۸ /۳)، یغما (س ۱۸، ص ۲۱۷ –۲۱۳).

دبوسی، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۲ ق)، ادیب، فقیه و مدرس و عالم شافعی. دبوسیه شهری بین سمرقند و بخارا است. وی از شاگردان محمد بن عبدالعزیز قنطری و ابوسهل ابیوردی و ابومسعود بجلی است. در ۴۷۹ ق برای تدریس در نظامیه وارد بغداد گشت و مجلس آراست و عهده‌دار تعلیم شد. از او تعبیر به امام و شیخ شافعیه کرده‌اند. گذشته از قرائت و فقه و حدیث و اصول و لغت، در کلام و مناظره نیز پیشگام بود. هبه‌اللّه سقطی و ابوالعز قلانسی و عبدالوهاب انماطی از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۹۳ –۹۱ /۱۹)، الکامل (۱۵۲/۸)، لغت نامه (ذیل/ دبوسی)، مدارس نظامیه (۱۴۱ ،۱۲۹)، معجم البلدان (۴۹۹/۲).

دبیر الممالک، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط و مترجم. سمت ژنرال آجودانی و مترجمی صدر اعظم را داشت و چون به زبان فرانسه و آلمانی آشنا بود، چند کتاب را به فارسی ترجمه کرد و در وزارت امور خارجه هم سمتی داشت. اسماعیل خان خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. وی تا تاریخ تالیف «تذکره‌ی خوشنویسان» سپهر هنوز در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶/۱).

دبیران، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۶۶ ش)، روزنامه‌نگار. معروف به دبیرزاده ملایری. در ملایر متولد شد. پس از طی تحصیلات معمولی به مشاغل دولتی پرداخت. در بیست و دو سالگی علاقه زیادی به راهنمایی و تشویق مردم برای حفظ ملیت و تحریک حس میهن پرستی داشت، به همین جهت اغلب اوقات در انجمنها و معابر و مساجد به ایراد نطق‌های مهیجی در این زمینه می‌پرداخت. در سال ۱۲۹۹ ش روزنامه‌ی «سهیل» را در ملایر تاسیس کرد ولی به علت بالا بودن هزینه‌ی چاپ و همچنین حرکت مهاجران ایرانی به طرف استانبول تنها دو شماره از آن انتشار یافت و روزنامه تعطیل شد و دبیران مهاجران به استانبول رفت. وی پس از بازگشت به ایران موفق به انتشار مجدد روزنامه ادبی و اخلاقی و ملی «سهیل» نشد. دبیران مدتی در وزارت دادگستری اشتغال داشت و مدتی نیز به مسافرت در غرب از طرف وزارت دارایی پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۵۰ -۴۹ /۳)، زندگی نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۲/۳).

دبیران، حکیمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، ۱۳۴۸ و ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

پژوهشگر در بخش لغت فرهنگستان زبان ایران در سال ۱۳۵۰، تدریس در دانشگاههای مختلف کشور، استاد اعزامی به دانشگاه پنجاب لاهور (اورینتل کالج) پاکستان (کرسی زبان و ادبیات فارسی) به مدت دو سال، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام تحقیقات ادبی، عرفانی، تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد، عضویت در هیأت امنای دانشگاههای منطقه ۲ تهران و نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی در شورای فرهنگی اجتماعی زنان، نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی در کمیته هماهنگی تربیت معلم و عضو شورای عالی برنامه‌ریزی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

لغت و شعر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبی، بررسی متون، مذهبی، شرح غزلیات عرفانی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دبیرمقدم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر محمد دبیرمقدم در سال ۱۳۳۲ شمسی در کاشان متولد شد.ایشان دارای مدرک دکترای زبانشناسی از دانشگاه ایلینوی(اربانا) امریکا می باشد.دکتر دبیر مقدم در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. ایشان در زمینه های مختلف ازجمله زبانشناسی نظری، زبانشناسی فارسی، معنی شناسی و کاربردشناسی زبان فعالیت پژوهشی داشته و مقالات متعددی نیز به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر کرده است. کتاب" زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی "تالیف، محمد دبیرمقدم ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد دبیر مقدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کاشان و تهران گذراند. تحصیلات دانشگاهی را

در رشتهٔ زبانشناسی تا مقطع فوق لیسانس در دانشگاه تهران سپری کرد. آنگاه عازم امریکا شد و دکترای زبانشناسی را از دانشگاه ایلینوی(اربانا) امریکا اخذ نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد دبیر مقدم در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. ایشان در زمینه های مختلف ازجمله زبانشناسی نظری، زبانشناسی فارسی، معنی شناسی و کاربردشناسی زبان فعالیت پژوهشی داشته و مقالات متعددی نیز به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر کرده است.

جوائز و نشانها : کتاب" زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی "تالیف، محمد دبیرمقدم ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار :

۱ زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی» زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی/ تألیف محمد دبیر مقدم.- تهران: سخن، ۱۳۷۸.- ۵۸۰ص: نمودار. واژه نامه. کتابنامه:ص[۵۲۷ —] ۵۴۵. اثر حاضر به توصیف عمده ترین رویکرد زبانی در نیم ?دوم قرن بیستم میلادی می پردازد. دستور زایشی (Generative Grammar) مکتبی مسلط و غالب در زبانشناسی نظری امروز است که با ارائ ?مجموعه ای از نظریه های زبانی، انقلابی در زبانشناسی و علوم شناختی به وجود آورده است. کتاب مشتمل بر دوازده فصل است و مؤلف محترم تلاش کرده است به منظور برطرف نمودن خلاء نظری موجود در زبانشناسی امروز ایران، با اتکاء به منابع دست اول و گفتگوی حضوری و تبادل نظر با برخی از زبانشناسان صاحبنظر و تأکید بر جنب ?آموزشی کتاب، زمین ?لازم را برای دانشجویان و پژوهشگران به منظور فهم بهتر متون تخصصی فراهم آورد. کتابنام ?مفصل، معادل سازی برای اصطلاحات تخصصی و واژه نام ?دو سوی ?فارسی و انگلیسی از دیگر امتیازات این اثر است. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

دبیری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی دبیری زرندی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانند.

وی در زرند متولد شده و برای تحصیل به قم آمده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح رحل اقامت به تهران افکنده و سطوح را از مدرسین و علماء تهران به پایان رسانیده و نیز از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام استفاده نموده و اکنون در یکی از مساجد غرب تهران (خیابان سی متری) به اقامه جماعت و ترویجات مذهبی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دبیری‌نژاد، بدیع‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۴، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات و زبان‌شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخی، ادبی، کارنامه ساسانیان، سبک نثر آثار تاریخی دوره مغول در ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ادبی، تاریخی، فرهنگی، دوره مغول، دوره سلجوقی، پیش از اسلام و پس از اسلام.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دختر صاحب بن عباد

قرن:۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن چهارم هجری، از زنان فاضل و ادیب شیعه. وی از پدر دانشمندش ادب و دانش آموخت. صاحب، علاقه فراوانی به او داشت و نیز به دلیل محبت و احترام به سادات علوی دخترش را به ازدواج یکی از سادات علوی به نام ابوالحسین علی بن الحسین معروف به اخومسمعی درآورد. دختر صاحب پسری به دنیا آورد که نامش را عباد نهادند. وقتی بشارت تولد نوزاد را به صاحب دادند چند قصیده سرود که مطلع یکی از آن‌ها چنین است:

الحمدللّه حمداً دائماً ابدا

قد صار سبط رسول‌اللّه لی ولدا

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: دایرةالمعارف تشیع، ۴۲۳ / ۳؛ ریاحین‌الشریعه، ۲۲۹ –۲۲۸ / ۴؛ النساءالمومنات، ۲۶۶.

درب امامی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید عبدالعلی موسوی. عالم فاضل، و محدث کامل، از موثقین اهل منبر و محدثین اصفهان به شمار می‌رفت.

در عصر روز ۳ شنبه ۲۱ ذی حجهٔ الحرام سال ۱۳۷۲ به سن متجاوز از نود سال وفات یافته، در این اطاق مدفون گردید.

از آثارش کتاب «ثمرات الحیات» در دو مجلد، در مواعظ و اخبار به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درخشان، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ –۱۲۹۷ ش)، نویسنده و شاعر. وی اصلا همدانی بود. تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی به پایان برد. سپس در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و مدتی نیز در دانشگاه آنکارا به تدریس پرداخت. وی تا پایان عمر به تحقیق و مطالعه در زمینه‌ی زبان و ادبیات فارسی و معارف اسلامی پرداخت. برخی از آثار وی: «بزرگان و سخن‌سرایان همدان»؛ «سبک نثر فارسی از قرن چهار تا چهارده»؛ تصحیح «دیوان ناصر بخاری»؛ «ینبوع الاسرار فی نصایح الابرار»؛ «المستخلص یا جواهر قرآن»؛ «تفسیر جزء سی‌ام قرآن مجید یا عم جزو»؛ «دیوان اشعار کسایی مروزی»؛ «مرآت الحیاه»؛ و تالیف «مقامات رضا (ع)» و «تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی».[۱]

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

زندگینامه

دکتر شادروان مهدی درخشان در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲، موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۹ به مرتبه‌ی استادی دانشگاه تهران ارتقاء یافت.

مرحوم دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاههای تهران و آنکارا با جدیت و تلاش تمام به تحقیق و تدریس پرداخت و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. از وی ۱۱ جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن‌سرایان و معارف اسلامی به یادگار مانده است. همچنین از ایشان حدود ۳۰ مقاله به زبانهای فارسی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد: رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴.

مرتبه علمی:

تدریس در دبیرستانهای دامغان، تهران، دانشگاههای تهران و آنکارا، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، تصحیح و شرح دیوان ذوالفقار شروانی، تصحیح انتقادی تحفه‌الملوک، ترکیب‌سازی در مخزن‌الاسرار نظامی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بزرگان و سخن‌سرایان همدان، سبک نثر فارسی، کسائی مروزی (تحقیق در احوال و اشعار)، درباره زبان فارسی، فن بدیع، تأثیر معارف اسلامی در ادبیات، تصحیح دیوان ناصر بخارائی، تصحیح ینبوع‌الاسرار فی نصائح‌الابرار، المستخلص یا جواهرالقرآن (عربی- فارسی)، تفسیر جزء سی‌ام قرآن کریم، مقام رض (در شرح حال امام رضا (ع))، مرآت حیات در عرفان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

پیرامون کلمه شیخ و سید، خالص استرآبادی، دیوان منصور حلاج از کیست؟، تسمیه پسر بنام پدر، رساله ذهبیه، دو اثر نویافته از صائب تبریزی، ایران‌شناسی، مقلدان بوستان، تکرار قافیه در شعرهای حافظ، سبک نثر بلعمی و غیره.

مدرس.

تولد: ۱۲۹۷، همدان.

درگذشت: ۱۳۷۲، تهران.

مهدی درخشان بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲، موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته‌ی زبان ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۹ به مرتبه استادی به دانشگاه تهران ارتقا یافت. دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاه‌های تهران و آنکارا پرداخت و دانشجویانی را تربیت نمود. از وی یازده جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن سرایان و معارف اسلامی به یاگار مانده است. همچنین از ایشان حدود سی مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجلات داخلی (ماهنامه‌های «آموزش و پرورش» و «کیهان فرهنگی»، نشریه‌ی «دانشکده ادبیات و علوم انسانی»، روزنامه‌های «کیهان» و «اطلاعات») و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. از جمله کتاب‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تصحیح دیوان ناصر بخارایی؛ دیوان اشعار کسایی مروزی؛ درباره‌ی زبان فارسی؛ بزرگان و سخنسرایان همدان (جلد اول، ۱۳۴۱، این کتاب به صورت دو جلد در سال ۱۳۷۴ چاپ شده است).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۴ -۱۲ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۷/۶).

درزی عزیزی، محمداسحاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمداسحق درزی عزیزی فرزند حجهْالاسلام آقا شیخ محمدمهدی بن العالم الجلیل آقا شیخ محمداسماعیل درزی (که از تلامذه سیعد العلماء بوده است) از دانشمندان معاصر و مقیم قریه (بهنمیر) مازندران می‌باشد.

وی در سال ۱۳۵۰ قمری متولد شده و مقدمات را از مرحوم والدش که از شاگردان آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسن مازندرانی معروف به شیخ کبیر صاحب حاشیه (فرائدالاصول) آموخته و پس از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۲۲ شمسی در مدرسه مولانا و مدرسه صدر بابل تحصیلات مقدماتی خدمت حاج شیخ علی موحد نموده و در سال ۱۳۲۷ شمسی به قم مهاجرت و چندی از آقای اعتماد تبریزی و پسرعموی خود آقا شیخ محمدحسین شریف‌زاده استفاده نموده.

ولی به واسطه کسالت شدید و امریه مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی برای معالجه به بیمارستان فیروزآبادی ری رفته و پس از بهبودی به حوزه درس عالم ربانی و آیت سبحانی مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد کوهستانی پیوسته و مقداری از فقه و اصول و تفسیر را در آنجا خوانده و مورد لطف مخصوص آنجناب قرار گرفته.

و بعد در سال ۱۳۳۴ شمسی مجدداً به امر آن مرحوم به قم آمده و به درس استاد علی مشکینی و آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر سلطانی و علامه طباطبائی و آیت‌اللَّه حاج شیخ ابوالفضل زاهدی و درس هیئت مرحوم حاج شیخ محمد اردبیلی و رجال و فقه مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ شمسی بنابر دعوت اهالی بابلسر و زادگاهش قریه (عزیزک) که از مضافات بابلست به آنجا آمده و به امر مرحوم آیت‌اللَّه کوهستانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدباقر آیت‌اللَّه‌زاده مازندرانی به قصبه (بهنمیر) اقامت و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و

خدمات دینی اشتغال دارند

قصبه (بهنمیر) زادگاه جد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ولی‌اللّه مدرس مازندرانی بوده ولی حدود یکصد و پنجاه سال از روحانی خالی بوده (با اینکه محیط آن حدود چهل هزار نفر جمعیت داشته است) از این جهت فرقه ضاله بهائیه در آنجا رخنه کرده و فعالیت زیادی نموده و در غالب شئون زندگی مردم خلط و آمیزش پیدا کرده بودند.

ایشان وظیفه خود دانسته که امریه آقایان را اطاعت و در آنجا ایفاء وظیفه نمایند و به حمداللّه موفق شدند در طول ۱۵ سال اقامتشان در آنجا جلوی نفوذ و پیشرفت آن حزب منفوره مردوده را گرفته و تعداد ۱۷ خانوار را که عددشان ۶۷ نفر می‌شود از زن و مرد ارشاد و هدایت نموده و برگردانند.

و خلاصه مبلغین ضال و مضل آنها را مجاب و محکوم نموده و شر رفت و آمدشان را از آن منطقه دور نمایند در سال ۱۳۴۲ شمسی مشرف به مکه معظمه و وراد در بیت‌اللّه الحرام شده و با یکی از وزراء کشور سودان مباحثه در خلافت نموده و او را ملزم ساخته و نیز در سال ۱۳۴۷ شمسی با یکی از دانشمندان مصری گفتگو و او را مجاب ساخته‌اند.

آقای عزیزی دارای آثار خیر چندی می‌باشند که از آنهاست.

۱- کتابخانه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف در (بهنمیر).

۲- بناء پل آهنی جهت رابطه چند قریه و مسجد و تکایا و غیره.

دارای اجازات عدیده‌ای در امور حسبیه و روایتی از آیات عظام قم مانند آیت‌اللّه العظمی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی آمیرزا هاشم آملی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی عراقی و آیت‌اللّه العظمی میلانی مشهد مقدس می‌باشند.

از آثار قلمی ایشانست کتاب کشف‌الحقایق رد بر بهائیت و بابیت و ازلیت که مخطوط می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درزی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر علی درزی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبانشناسی همگانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی دکتر علی درزی به قرار زیر است: زبانشناسی. دانشگاه تهران ؛ ۱۳۷۵-تا کنون زبانشناسی مقدماتی. دانشگاه ایلی نوی، امریکا ؛ ۱۹۹۳-۱۹۹۶ زبان فارسی. دانشگاه ایلی نوی، امریکا ؛ ۱۹۹۳-۱۹۹۶

آثار :

۱ دانش زبان

ویژگی اثر : (ترجمه). نشر نی ۱۳۸۰

۲ درآمدی بر زبانشناسی معاصر

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ویلیام دیلینی اوگریدی، مایکل دابروولسکی، مارک آرنف، علی درزی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۳ دی، ۱۳۸۶

۳ زبان و مسائل دانش

ویژگی اثر : (ترجمه). نشر آگه ۱۳۷۸

۴ زبانشناسی در میان فرهنگها

ویژگی اثر : (ترجمه). جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم ۱۳۶۷

۵ شیوهٔ استدلال نحوی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی درزی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۱۹ شهریور، ۱۳۸۵

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

درگاهی، میثم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میثم درگاهی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه واقع در خ شهید رجایی(جامعه علمیه امیر المومنین) شدم. دروس مقدمات را در همان مدرسه با اساتید مجربی همچون محمد حسین کبیریان، شیخ محمد رضا کرباسی به پایان رساندم.در سال ۱۳۸۰ به علت علاقه وافر و زیادی که به قرآن داشتم مشغول به حفظ قرآن کریم شدم و یک سال درس های حوزه را رها کرده و فقط مشغول حفظ قرآن و مفاهیم و مفردات قرآن شدم و به حول و قوه الهی در سال ۱۳۸۱ قرآن را به پایان رساندم. درسال ۱۳۸۲ به توفیق تلبس لباس مقدس روحانیت شدم و از آن سال تا به حال مشغول به تبلیغ در سازمانهای راه آهن، آتش نشانی، ایران خودرو و در مساجد شدم، در سال ۱۳۸۴ به قم آمدم و ادامه تحصیل را در قم مشغول هستم.

درگزی، صید علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۲ -۱۲۷۲ ق)، ادیب و شاعر. از طایفه‌ی چاپشلو از خوانین و از فضلاء و ادباء و از نسابه‌های معروف خراسان بود. وی مدتها نزد میراز مهدی گیلانی متخلص به خدیو تلمذ کرد و فنون ادب را از وی آموخت. از شاگردان خان مزبور عبدالجواد معروف به ادیب نیشابوری بوده و تا زمانی که صید علی‌خان زنده بود نامبرده فوق‌العاده مورد تکریم و احترام ادیب می‌بود. وی از معاصران ملک‌الشعراء بهار، صدرالاطباء و سلطان العلماء بوده است و تنها کسی است که بوسیله‌ی ادیب نیشابوری سبک فصحای قدیم را احیا نمود و از این حیث از شخصیتهای بزرگ ادب معاصر ایران است. وی حافظه‌ای نیرومند داشت بطوری که پنجاه هزار بیت اشعار فارسی و عربی و ترکی در حفظ داشت و بهتر از هر کس به سبک خراسانی آشنا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۲۳ / ۶)، صد سال شعر خراسان (۳۶۸ -۳۶۵).

دروازه‌ای تبریزی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم تبریزی مشهور به (دروازه‌ای) ابن المرحوم آیت‌اللّه العلامه السید مهدی قدس سرهما از مشاهیر و بزرگان علماء تبریز بوده که در زهد و جلالت شان و مکارم اخلاق و کرم اعراق نادره دوران و از لحاظ علم و قدرت و حلاوت بیان و تربیت صدها تن افراد فاضل و دانشمند مشار الیه بالبیان و در حسن اخلاق و معاشرت و سلوک و رفتار فایق بر اقران.

معظم له در ۱۳۱۳ ق در یکی از بیوتات سیادت و علم و روحانیت متولد و بعد از فراگرفتن مقدمات علمی در جلسات درس مشاهیر علماء تبریز از جمله مرحوم والدش آیت‌اللّه حاج سید محمد مولانا شرکت نموده سپس مدتها در حوزه درس بزرگان فقهاء و دانشمندان اسلامی تبریز از جمله مرحوم علامه بزرگوار و فقیه عالیقدر آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی حاضر و به دریافت مدرک کتبی اجتهاد از معظم له نائل بعدا مجتهدا به نجف اشرف عزیمت نموده و در حوزه‌های علمی و درسی بزرگان فقهاء از جمله مرحوم آیت‌اللّه علامه کمپانی اصفهانی و علامه آقا ضیاءالدین عراقی شرکت نموده ولی به جهت فوت والدش و استدعا اهالی تبریز نتوانسته زیاد در نجف بماند لذا به وطن مراجعت و مشغول خدمات دینی و تدریس در قسمتهای مختلفه علمی مانند ادبیات و تفسیر و کلام و فقه و اصول بوده است.

مرحوم دروازه‌ای علاوه بر مهارت در رشته‌های فقه و اصول در ادبیات عربی نیز ید طولائی داشته و تدریس کتابهای معروف ادبی مانند مغنی و مطول و مقامات حریری را از حفظ می‌خواند و از اشعار و کلمات بزرگان این فن به قدری استادانه استشهاد می‌کرد و تمثل می‌جست که شنونده را به اعجاب و تحیر وامی‌داشت.

وی در حلاوت بیان و قدرت و شیوائی منطق اعجوبه دهر بود در جلسه تفسیر افاضل و اهل علم شرکت می‌کردند و هم افراد عامی و تحصیل نکرده و عجب است که مطالب متنوع تفسیر را طوری القا می‌نمود که همه استفاده می‌کردند و از خرمن علمش خوشه‌چینی می‌نمودند.

از آن مرحوم نوشته‌جات زیادی در رشته‌های مختلف علمی به یادگار مانده که متأسفانه تا حال اقدام به طبع و نشر آن نشده از جمله حواشی بر لمعتین مرحوم شهید و حاشیه مکاسب و حواشی بر مغنی و مطول والتفسیر الوجیز و اللطائف الادبیه و تحفهٔ الاخیار فی علائم آخر الاعصار و رساله فی الصلوهٔ (که کتابی است عربی علمی و استدلالی) و دیوان شعر عربی.

آن مرحوم در اواخر عمر به جهت کسالت مزاج و ابتلاء به مرض قلب و اعصاب به قصد معالجه به تهران مهاجرت نمود ولکن معالجه‌ها مؤثر واقع نگردید بالاخره نهم ماه رجب ۱۳۸۱ ق با یک سکته قلبی دعوت حق را لبیک گفته و جنازه‌اش را با تشییع و تجلیل کم‌نظیر حمل به قم و در مقبره اتفاق در قبرستان نو به خاک سپردند و مجالس عدیده در قم و تهران و تبریز از طرف مراجع و علماء برای بزرگداشت ایشان برقرار شده و شعراء اشعار نغز و جالبی در سوکش سرودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درودی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی درودی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوران تحصیلات دبستان ، متوسطه و دبیرستان (در نظام قدیم آموزش و پرورش) را در طول یازده سال در تهران گذراندم و در سال ۱۳۵۶ در رشته ریاضی از دبیرستان جاویدان فارغ التحصیل شدم ، سپس به جهت علاقه به رشته نقشه کشی در دوره شبانه دانشکده هنرهای زیبا به طور آزاد ، دوره مقدّماتی نقشه کشی را پشت سر گذاشته و به خاطر جو فرهنگی نامساعد دانشکده از گذراندن دوره پیشرفته آن منصرف گردیدم و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیّه مقدّسه قم برای فراگیری علوم دینی آمدم و پس از فرا گرفتن برخی از دروس مقدّماتی مانند جامع المقدّمات و ... پس از چند ماه به حوزه ملا جعفر معروف به مجتهدی تهران بازگشتم و پس از اتمام برخی از دروس از قبیل کتاب سیوطی، مجددا با شکل گیری شورای مدیریت حوزه علمیّه قم در سال ۶۱ ـ ۶۰ به مدرسه رضویه قم برای ادامه تحصیل رفتم و بقیه دروس دوره ادبیّات عرب را که شامل کتاب منطق ، حاشیه و کتاب مختصر با استاد موسوی گرگانی و کتاب مغنی را با استاد طالقانی به پایان رساندم و کتاب معالم را با استاد سیّد احمد خاتمی در آن مدرسه خواندم سپس در حوزه عمومی قم، کتاب قوانین و بخشی از کتاب لمعه را با آیت الله راستی کاشانی و الباقی لمعه را با مرحوم استاد محامی و آیت الله اشتهاردی و نیز کتاب اصول فقه ۱ و ۲ را با استاد سید احمد خاتمی و کتاب رسائل را با استاد اعتمادی و کتاب های مکاسب محرمه و بیع و خیارات را با اساتید محترم صلواتی و مرحوم پایانی و کتاب کفایتین را با اساتید مرحوم ملا صالح مازندرانی و پایانی خواندم. سپس از سال ۷۰ ـ ۶۹ به درس خارج برخی از آیات مانند مرحوم مصطفی نوراللهی، مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، جوادی آملی و استاد گنجی رفتم. در همین سال دروس عمومی مؤسسه در راه حق را آغاز کردم و در سال دوم آن همزمان به عنوان محقق به مرکز تحقیقاتی اسلامی در سپاه راه یافتم. سپس در مدیریت کمک آموزشی آن هم به عنوان دبیر هیات تحریریه سرویس عقیدتی برخی از مجلات سپاه (امید انقلاب ، پیام انقلاب و آشنا) که حدودا "تا سال ۷۲ ـ ۷۱ همکاری کردم. و مقالات گوناگونی در زمینه های فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی نوشتم. در سال ۷۱ـ ۷۰ با آغاز رشته آموزشی گروه مدیریت در بنیاد تخصصی باقر العلوم زیر نظر آیت الله مصباح یزدی حفظه الله پس از آزمون کتبی و مصاحبه مشغول به تحصیل گردیده و در سال ۷۷ با نگارش پایان نامه علمی، دوره کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف و مدیریت دولتی را به اتمام رساندم.

دری مهریزی یزدی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴/۱۳۳۱ -۱۲۸۱ ش)، عالم دینی و خطیب. از شاگردان آیت‌اللّه شاه‌آبادی و آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی بود. دری در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه شهر ری دفن شد. از آثارش «چهار شب جمعه»، در رد بهائیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۷۰ -۶۹)، الذریعه (۳۱۳/۵).

دریاب، باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باقر دریاب

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ابتدای تحصیل اینجانب در نجف اشرف بود مرحوم والد ما حاج شیخ حسن اصفهانی رحمهٔ الله علیه که از شاگردان مرحوم آقا ضیاء عراقی و مرحوم آقای نائینی رحمه الله و در نجف از اوان مبارزات سکونت داشت. از۱۲ سالگی در سلک روحانیت در آمدم

یعنی مشرف به پوشیدن لباس مقدس روحانیت شدم. مقدمات را نزد ابوی محترم و برخی دیگر از دروس را همانند حاشیه ملا عبد الله و سیوطی و مغنی را نزد اساتید دیگر خواندم. بخشی از مغنی و بخشی از مطول را نزد مرحوم مدرس افغانی رحمهٔ الله علیه خواندم. بخش مهم لمعتین را نزد مرحوم حجهٔ الاسلام روشنی که یکی از ممتحنین حوزه علمیه قم بودند و آن زمان در نجف بودند خواندم.

لمعه جلد دوم(رحلی) و مکاسب هم مکاسب المحرمه و هم کتاب البیع را نزد آیت الله شیخ مسلم داوری حفظه الله که فعلا یکی از علمای قم هستند و درس خارج می دهند خواندم اصول الفقه مرحوم مظفر را نزد سید جعفر علم الهدی که یکی از علمای قم هستند خواندم. رسائل را نزد آیت الله شیخ حسن قدیری اصفهانی که فعلا یکی از علمای قم هستند در نجف خواندم. کفایتین را نزد آیت الله انواری که یکی از شاگردان خوب حضرت آیت الله العظمی خوئی(ره) بودند خواندم. شرح تجرید را نزد آقای حسین پاکستانی که فعلاـ یکی از علمای قم و نجف هستند خواندم در سن ۱۸ سالگی سطح را تمام کردم. لازم به ذکر است در نجف اشرف و همچنین در قم پس از آن که طلبه به رتبه بالاتری ارتقاء می یابد، رتبه قبل را تدریس می کند که ما هم از این قاعده مستثنا نبودیم و دروس قبلی را تدریس می کردیم. مثلا وقتی رسائل می خواندیم اصول فقه تدریس می کردیم یا دروس قبلی آن را و همچنین هر درس بالاتری را که می خواندیم درس قبلی را تدریس می کردیم در ضمن دروس اخلاق از قبیل تدریس کتاب شریف منیهٔ المرید، معراج السعاده و .... تدریس می شد در آنها هم شرکت می کردیم. در نجف درس اخلاق آیت الله مرحوم شیخ مجتبی لنکرانی(ره) شرکت می کردیم. و نیز درس اخلاق شهید محراب حضرت آیت الله مدنی قدس الله نفسه الزکیه شرکت می کردیم. ضمناً در دروس جنبی همچون درس تفسیر توسط حجهٔ الاسلام سید علی مؤمنی حفظه الله و حجهٔ الاسلام سید کاظم سراجی— بعضاً درآیه و تجوید نیز شرکت کردم در نزد مرحوم حاج محمد دریوان (طلای نجف اشرف)، تمرین منبر و خطابه و نویسندگی را نیز در نجف آموختم که اساتیدی مجرب همچون حجج اسلام نعمتی، برقعی، و دیگران ما را با این فنون آشنا ساختند. بحمد الله تا سن ۱۸ سالگی موفق شدیم در اکثر زمینه ها تحصیلات خود را به پایان برسانیم ،از سن ۱۸ سالگی به بحث خارج رسیدیم. ابتداء از محضر آیت الله سید میرزا حسن بجنوردی رحمه الله بهره مند شدیم و سپس در درس آیت الله العظمی سیستانی حضور بهم رسانیدم. حدوداً در سالهای ۵۲–۵۳ می شد.

سپس جوان ترین درس که در نجف شروع شد درس شهید آیت الله سید عبد الصاحب حکیم(ره) بود که توسط صدام به شهادت رسید. حدود یکسال در آن درس شرکت کردم. سپس به درس حضرت آیت الله شهید سید محمد باقر صدر رضوان الله تعالی علیه حضور بهم رساندم و بهره‌های فروانی بردم. الحق و الانصاف که این انسان هم از نظر علمی و هم از نظر عملی خود را ساخته بود/ – چون بیان فوق العاده خوبی داشت و از ابتکارات جدیدی در درسش برخودار بود– در فقه و اصول ایشان هر دو شرکت می کردم. تواضع، محبت، بزرگواری، تقوی، کیاست و... از وجود این انسان می باریـد و اواخر روزهای چهارشنبه را اختصاص داده بودنـد به درس موضوعی تفسیر که تفسیر موضوعی بود و می گفتند البته چند جلسه بیش نبود که از طرف هیئت حاکم وقت ممنوع شد. به هر حال درس عالی بود. این انسان عالی مقام آن قدر عاشق امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بود. که شب ۲۳ بهمن ۵۷ که ما در نجف دردرس ایشان حاضربودیم تقریباً بیش از نیم ساعت سخنرانی کردند.

تنها درس ایشان تعطیل شد و بجای درس سخنرانی کردنـد و فرمودند امروز کفر بر اسلام پیروز گردید احدی ها در جنگ احد و بدری ها در جنگ بدر و .... امروز برکفر و شرك پیروز گردیدند. و خلاصه مقداری از انقلاب و امام گفتند. (لازم به ذکر است در نجف آن زمان در مسائل سیاسی جز امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و مقداری شهید صدر کسی جرات نداشت وارد مسائل سیاسی بشود، سال ۵۷–۵۸ پس از پیروزی انقلاب وارد قم شدم ادامه بحث خارج را در محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی فقه و اصول رابه پایان رساندم بیش از پانزده سال درس ایشان حاضر شدم– منظومه سبزواری نزد آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد آیت الله جوادی آملی– خواندم ونیز تدریس دروس حوزوی از قبیل اصول فقه و رسائل و مکاسب وکفایتین و... داشتم.

دزفولی شوشتری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ –۱۲۶۰ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به حقیر. ملقب به خلیفه. در دزفول به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات مدتی در محضر علمای زادگاهش تلمذ کرد تا به درجه کمال رسید. او را برای خطابه تشویق کردند و وی در این سنگر تـا پایان حیاتش باقی مانـد. از آثار وی: «تحفه الابرار»، در مدایح و مراثی و خطب؛ «احسن المقال»، در قصص و حکایات؛ «مخزن الـدرر»، شعر، که در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسید؛ «دفینه الاحباب»، در حوادث و اتفاقات دوران حیاتش؛ «دیوان» شعر به نام «دیوان حقیر دزفولی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۲۲۶ –۲۲۵ /۲۰ ،۲۵۸/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۹/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱ –۶۹۰ /۲).

دزفولی شوشتری، محمدطاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۳۲۱ ق)، ادیب و فاضل. او از دانشمندان و ادیبان بود. از جمله آثار وی ترجمه «اللهوف» سید ابن‌طاووس، ترجمه‌ای است شرح گونه که دلالت بر دانش و اطلاعات گسترده صاحب عنوان دارد. وی در سال ۱۳۲۱ ق این اثر را به انجام رسانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷۰ -۹۶۹ /۱۴).

دزفولی کاظمی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۵۵ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. وی در نجف از محضر میرزای شیرازی (قبل از هجرتش به سامراء) و شیخ محمدحسن کاظمی بهره برد و اجازه روایت گرفت. آنگاه به کاظمین بازگشت و در راس امور قضاء و حکم و تدریس قرار گرفت. از آثارش: «منتهی الامل»، در شرح «القواعد» حلی، در لفقه؛ «وسیله النجاه»؛ رساله‌ی عملیه برای مقلدین؛ شرح «الکافیه» ابن حاجب، در نحو، به نام «شقائق المطالب»؛ «اشعار»ی در مواعظ و اخلاق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۵ -۱۹۴ /۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۰/۱۴)، علماء معاصرین (۹۶ -۹۵)، فوائد الرضویه (۴۳۱)، معجم المؤلفین (۱۲۸/۹)، هدیه العارفین (۳۹۰/۲).

دزفولی، علی‌محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌محمد واعظ دزفولی از فضلاء محترم این شهرستانست وی در دزفول متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات به قم مهاجرت نموده و سطوح را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و دیگران فراگرفته و در درس خارج آیات عظام شرکت و پس از نیل به مقام عالی علم و ادب به وطن مراجعت و تاکنون از راه منبر و تبلیغ احکام و اقامه جماعت به خدمات دینی اشتغال دارند و معظم له عالمی ناطق و فاضلی زاهد و متقی و مورد علاقه و توجه مردم دزفول و غیره می‌باشند در ماه رجب ۱۳۹۴ قمری توفیق زیارت و ملاقاتشان را در حرم مطهر حضرت رضا علیه الصلوة والسلام پیدا نمودم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۵۲ -۱۲۷۳ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. در محضر عمویش شیخ محمد طاهر، شاگرد شیخ انصاری، و دیگر علمای بزرگ چون آخوند خراسانی شاگردی کرد تا به درجه والائی دست یافت. آیت‌اللّه شهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است. در بروجرد درگذشت و در جوار امامزاده ابوالحسن دفن شد. از آثارش: «جهد المقل»، در پاسخ سوالها، فقه استدلالی ملمع؛ «فیض الباری» شرح «مکاسب» محقق انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه «فصول» در علم اصول؛ «کلمه التقوی»، رساله فتوائیه؛ رساله‌ی عملیه ای فارسی که منتخب «منهج الرشاد» است؛ قسمتی از «اشعار» وی به همراه «مخزن الدرر» در بمبئی چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۰/۹)، تاریخ بروجرد (۵۵۱ -۵۴۹ /۲)، الذریعه (۱۲۴/۱۸، ۴۰۶/۱۶، ۱۵۷ -۱۵۶ /۶، ۳۰۲/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۴/۱۴).

دزماری قراچه داغی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۶۶ ق)، عالم و خطیب. زمانی که وی کتاب «مصابیح القلوب» شیخ حسن سبزواری را ملاحظه کرد با خود پنداشت که بهتر آن است که این کتاب بسط یابد و فواید بیشتری بدان الحاق شود، لذا کتابی بزرگ با مطالبی سودمند به نام «مصابیح القلوب»، به فارسی، در چندین فصل، پدید آورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۰/۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۸/۱۳).

دستجردی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب الشریعهٔ، عالم فاضل، و ادیب شاعر متخلص به «سودایی» معروف به حاج آخوند فرزند ملا عبدالرزاق بن اسماعیل.

از شعرای معروف و فضلای مشهور اصفهان است. در غره‌ی محرم ۱۲۸۱ در قریه‌ی دستگرد خیار متولد گردیده، و نزد آقا میرزا محمدباقر [چهارسوقی] و جمعی دیگر از علما (آقا نجفی مسجد شاهی، میرزا محمد حسن نجفی) تحصیل نموده، و از استاد نامبرده به کسب اجازه مفتخر گردیده.

کتب و رسائل زیر از اوست:

۱ - اجمالی در احوالات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲ - ترجمهٔ الدرر، ترجمه‌ی کلمات قصار حضرت علی علیه‌السلام ۳ - خمسه‌ی طیبه، مجموعه‌ی اشعار خود در مناقب و مرائی ۴ - دیوان قصاید و غزلیات ۵ - دیوان غزلیات و رباعیات ۶ - شمس و قهقهه، به بحر خسرو و شیرین نظامی ۷ - ضیاء الابصار فی احوال الاطهار ۸ - گلزار، نام قسمتی از اشعار اوست، و به طبع رسیده ۹ - ملتقط اللغهٔ، و در آن ۱۵ هزار لغت عربی به فارسی ترجمه شده است ۱۰ - منظومه‌ی انوار سهیلی، معروف‌ترین اثر اوست، و به همین جهت به ناظم السهیلی معروف بود، و نام فامیلی خود را «انواری» نهاد.

در ۱۳۵۲ وفات یافته، در قریه‌ی دستگرد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دستغیب شیرازی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم، خطیب.

تولد: ۱۲۹۰ (عاشواری ۱۳۲۲ ق.) شیراز.

شهادت: ۲۰ آذر ۱۳۶۰، شیراز.

آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز به پایان برد و تحصیلات عالی و خارج را نزد اساتید آن زمان در نجف اشرف مانند آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمدکاظم اصفهانی و نیز آیت‌الله میرزا آقا اصفهانی گذراند. پس از گرفتن گواهی‌های متعدد اجتهاد از مراجع نجف اشرف به شیراز مراجعت نمود و به فعالیت در امور دینی و اجتماعی پرداخت.

آیت‌الله دستغیب مسجد جامع عتیق شیراز را که مخروبه شده بود با همکاری مردم تجدید بنا کرد و آنگاه اسباب تجدید حیات حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز را مهیا نمود.

سابقه مبارزاتی آیت‌الله دستغیب به زمان حاکمیت رضاشاه برمی‌گردد. همچنین ایشان در قیام خونین و تاریخی پانزده مرداد ۱۳۴۲، در انسجام مردم و حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز نقش به سزایی بر عهده داشت. ایشان در مسیر این مبارزات چندین بار دستگیر و محبوس یا تبعید شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله دستغیب به عنوان نماینده‌ی اول استان فارس، به عضویت مجلس خبرگان درآمد و در تدوین قانون اساسی نقش مؤثری داشت. آنگاه به درخواست مردم فارس طی حکمی از سوی حضرت امام خمینی (ره)، به عنوان امام جمعه شیراز منصوب شد. وی همچنین ریاست حوزه علمیه‌ی فارس و نمایندگی امام خمینی (ره) را در آن استان به عهده داشت.

آیت‌الله دستغیب خطیب و نویسنده‌ای توانا بود. شیوه بیان او بسیار روان و بی‌تکلف بود. در همه آثار آیت‌الله دستغیب آیات و روایات بسیار دیده می‌شود. فهرست آثار ایشان به این شرح است: قلب سلیم (متمم گناهان کبیره، ۱۳۵۱)؛ حقایقی از قرآن (در تفسیر سوره شریفه قمر، ۱۳۵۴)؛ معراج؛ ماه خدا؛ صدیقه کبری؛ داستان‌های شگفت؛ هشتاد و دو پرسش (۱۳۳۷)؛ گناهان گبیره (دو جلد، ۱۳۶۰)؛ تفسیر سوره شریفه نجم؛ سید الشهداء (ع)؛ معاد؛ قلب قرآن؛ صلوهٔ الخاشعین؛ گناهان کبیره (دو جلد ۱۳۶۰)؛ استعاذه؛ شرح حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی مخطوط؛ ازدواج اسلامی و تعداد زیادی از کتب تفسیر و در علوم اسلامی. و آثاری که برخی از آنها چاپ نشده، از جمله شرح و حاشیه بر کفایه و رسائل و مکاسب و تفسیر سوره‌های متعددی از قرآن مجید.

آیت‌الله دستغیب در بیستم آذر ۱۳۶۰ بر اثر توطئه منافقین در شیراز به شهادت رسید.

حاج سید عبدالحسین بن آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی مجتهد بن آیت‌اللّه العظمی هدایهٔ‌اللّه دستغیب شیرازی از دانشمندان و آیات بنام معاصر شیراز است.

وی در حدود سال ۱۳۲۸ قمری متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سیدمیرزا آقا

اصطهباناتی استفاده کامل نموده و با دریافت اجازات عدیده اجتهاد و غیره به شیراز مراجعت و در مسجد جامع (عتیق) به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تنویر افکار پرداخته و خدمات شایان ارزنده‌ای نموده است.
نگارنده گوید آیت‌اللّه دستغیب از علماء با معنویت و خدمتگذار عصر حاضر است زهد و تقوای معظم له زبانزد خاص و عام و مورد علاقه همگانند از آثار و خدمات اجتماعی ایشان ساختمان و تعمیر اساسی مسجد جامع شیراز که از بناهای عمرو لیث صفار و بیش از هزار سال از تاریخ بنیاد آن می‌گذرد و به واسطه مرور و دهور سال رو به ویرانی گذارده و مسکن مار و مور و حشرات گردیده که معظم له اقدام به تعمیر آن نموده و به طور اساسی آن را مرمت نموده که گویا تازه بنا شده است.
۱- کتاب قلب سلیم که کتاب قطور و بزرگی است در رشته اخلاق و بسیار نفیس و ارزنده می‌باشد و در قم بطبع رسیده است.
۲- حقایقی از قرآن ۳- معراج ۴- ماه خدا ۵- صدیقه کبرا علیهاالسلام ۶- کتاب داستانهای شگفت ۷- هشتاد و دو پرسش ۸- گناهان کبیره (مطبوع) ۹- سوره نجم ۱۰- سیدالشهداء ۱۱- معاد ۱۲- صلوهٔ الخاشعین مطبوع ۱۳- شرح و حاشیه بر کفایهٔالاصول ۱۴- حاشیه بر رسائل شیخ مخطوط می‌باشد.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه دستغیب از روحانیون فعال و همواره وجودشان موجب ترویج احکام بوده و علاوه بر تدریس فقه و اصول بحث تفسیرش سالهاست که ادامه داشته و گروه کثیری هر شب از فرمایشاتشان بهره‌مند می‌گردند.
(ح ۱۳۲۸ ق- شهادت ۱۳۶۰ ش)، عالم دینی و مجتهد. در شیراز نشو و نما یافت و پس از فراگیری ادبیات و سطوح به نجف رفت و از محضر آیات عظام حاج شیخ کاظم شیرازی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل برد و به دریافت اجازات اجتهاد نایل شد. سپس به شیراز بازگشت و مسجد جامع عتیق را که از بناهای عمرو لیث صفاری است مرمت کامل کرد و در آنجا به اقامت جماعت و تبلیغ دین و خدمات مذهبی پرداخت. از آثار وی: «قلب سلیم»؛ «حقایقی از قرآن»؛ «هشتاد و دو پرسش»؛ «گناهان کبیره»؛ «معاد».[۱]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۳/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۴ -۴۴۳/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۹/ ۳).

دستغیب شیرازی، محمدباقر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۱۳۳۶ -۱۲۶۲ ش)، مجتهد و واعظ شیعی. در شیراز متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. پدرش روحانی بود و او نیز بعد از اتمام تحصیلات به وعظ و منبر پرداخت. وی در دوره‌های چهارم و پنجم از طرف مردم بندرعباس به مجلس راه یافت. و به مبارزه با استبداد و ظلم پرداخت. در اواخر عمر به شیراز بازگشت و در همان شهر درگذشت و در امامزاده سید میرمحمد دفن شد. از وی کتابخانه‌ای مشتمل بر یک هزار جلد کتاب در جوار مزارش به جای مانده است. از آثار قلمی وی «التوسل الحسینی» است که نظیر «اللهوف» است.[۱]
حاج سید محمدباقر بن میرزا هدایت‌اللّه مجتهد دستغیب متوفی ۱۳۳۶ شمسی هجری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۱ -۵۲۹ /۲)، الذریعه (۴۸۸/۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۷/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۳/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴/۲).

دستغیب، ابوالمحمد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا ابوالمحمد دستغیب شیرازی ادیب و دانشمند و شاعر ماهر این سلسله.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دستغیب، محمدصادق

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدصادق بدرالدین دستغیب بن سید محمود ابن آیت‌اللّه سید محمدرضا بن العلامهٔ میرزا هدایهٔ‌اللّه از وعاظ و گویندگان معاصر شیراز است.
وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز متولد و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از تحصیل دروس جدید به تحصیل علوم قدیمه در محضر مرحوم والدش و آیت‌اللّه میرزا جمال‌الدین محلاتی پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد حاج علی به اقامه جماعت و هم از راه منبر و وعظ و خطابه خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دستگردی، حسن وحید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد قـاسم. فاضـل محقّق، و ادیب اریب، و شـاعر گران مایه، از محقّقین و متتبّعین در ادبیّات فارسـی است. در سال ۱۲۹۸ در قریه دستگرد خیار متولّد، و در شب ۲۱ ذی حجهٔ الحرام سال ۱۳۶۱ در طهران وفات یافته، در مقبره امام زاده عبداللّه مدفون گردید.

در اصفهان خدمت جمعی از علما و ادبا همچون: آخوند ملّا محمّد کاشی، و آخوند گزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و مرحوم جهانگیر خان قشـقائی، و میرزا یحیی مدّرس بید آبادی تحصـیل نموده، و در اوایل مشـروطیت در زمره آزادی خواهان وارد شده، و در این راه کوشـش ها نموده، سپس به طهران منتقل شده، و از سال ۱۳۳۸ مجلّه ادبی «ارمغان» را انتشار داده که تا حین الفوت مرتّباً انتشـار یـافته، و پس از مرگ ایشـان به همّت فرزنـد دانشـمندش آقای محمود وحیـد زاده متخلّص به «نسیم» که از دبیران و صاحب منصبان عالی رتبه وزارت آموزش و پرورش است تاکنون منتشر می‌شود.

در اوایل «لمعه» و سپس «وحید» تخلّص می‌نمود، و در روزنامه‌ها به طور مستعار، «ناظر اصفهانی» می‌نوشته. کتب زیر از اوست:

۱- انقلاب ادبی ۲- دیوان قصایـد و غزلیّات ۳- ره آورد وحیـد، دو مجلـد ۴- سرگذشت اردشیر ۵- سـفینه بهترین اشعار ۶- مجلّه ارمغان ۷- هزار اندرز نظامی، جمع آوری از اشعار نظامی گنجوی ۶- یخچالیه، جلد دوم؛ و غیره.

مشارالیه در طیّ بیست و سه سال انتشار مجلّه ارمغان چندین مجلّد کتاب ادبی نیز به طبع رسانید که از آن جمله است:

۱- تذکره نصـر آبادی ۲- تحفه سـامی ۳- دیوان ادیب الممالک فراهانی ۴- تصـحیح و تحشـیه و طبع خمسه نظـامی، و افزودن دو مجلّد بر آن (سبعه نظامی). ۵- دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دشت بیاضی کوهستانی، عبدالکریم محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، ادیب. از معاصـران جلال‌الدین اکبرشاه بود. وی اشعار «نصاب الصبیان» فراهی را با اضافات منظومی که پدرش، فصیح محمد به قصد تکمیل نصاب سروده بود، شرح کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۱۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۵).

دشتکی شیرازی، نظام‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۵ ق)، حیکم، ادیب و شاعر. ملقب به سـلطان الحکماء و سید العلماء. وی پدر بزرگ سید علی خان مدنی شیرازی بود. از تالیفات وی: «اثبات الواجب الصغیر»؛ «اثبات الواجب الکبیر»؛ «اثبات الواجب الوسیط».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۳/۱)، ریحاه (۲۰۱ -۲۰۰ /۶).

دشتی فارسی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۹/۱۲۹۸ -۱۲۴۶ ق)، ادیب، حکیم و شـاعر، متخلص به دشتی. وی اهـل دشتسـتان بود از طـایفه حاجیـان. در محضـر پـدرش و دیگر فاضـلان شـره علوم ادبی و تـازی را آموخت پس از فوت ضابـط دشتی به حکومت آن نواحی رسـید، در دوره‌ی حکومتش به دستگیری از مستمندان و فقیران پرداخت. از جلمه آثارش: «دیوان» شعر؛ «نمکدان»؛ «طریق السلوک»؛ «کلام الملوک».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشـعراء (۶۲۲ -۶۲۱ /۱)، دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۵۴۶ -۵۳۸ /۲)، الذریعه (۳۱۳/۲۴، ۱۱۱/۱۸ ، ۳۲۶/۹)، فارسـنامه‌ی ناصری (۱۳۳۶/۲)، مؤلفین کتب چـاپی (۴۷۱ -۴۷۰ /۵)، مرآت الفصاحه (۲۱۵ -۲۱۴)، مکارم الاثار (۱۲۸۹ - ۱۲۸۸ /۴).

دشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فرهیخته، حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد دشتی در سال ۱۳۳۰ ش (۱۳۷۰ ق) در مازندران به دنیا آمد و پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی به آموختن علوم دینی روی آورد. وی پس از تلاش و پشتکار فراوان، در بیست سالگی به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: میرزا هاشم آملی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی اردبیلی و عبداللّه جوادی آملی راه یافت و مبانی حکمت و فلسفه را از استادان فن آموخت. حجت‌الاسلام دشتی پس از آن به تالیف و تدریس و تحقیق روی آورد تا اینکه در سال ۱۳۶۷، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین(ع) را بنیان نهاد و با کمک گروهی از محققان، کتاب‌های ذیل را فراهم نمود: فرهنگ سخنان معصومین در ۱۵ جلد، تحلیل تاریخی سیاسی معصومین در ۱۴ جلد و سیره امام علی(ع) در ۱۵ جلد، ترجمه نهج البلاغه، فرهنگ واژه‌ها، موضوعات کلی و معارف نهج‌البلاغه در ۴ جلد، اسناد و مدارک نهج‌البلاغه و ده‌ها اثر دیگر. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکسره به تلاش و کوشش در راه احیای شعائر دینی می‌پرداخت و همواره به تبلیغ دین در شهرهای مختلف کشور و تدریس در نهادهای انقلابی و دانشگاه‌ها و سخنرانی همت گماشت تا این که در بازگشت از سفر تبلیغی خویش از کاشان در ۵ اردیبهشت ۱۳۸۰ دچار سانحه تصادف شد و پس از گذشت ده روز، در نیمه همان ماه برابر با ۱۱ صفر ۱۴۲۲ق در پنجاه سالگی بدرود حیات گفت و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

دشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد دشتی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال اول راهنمایی را در خرداد ماه ۱۳۵۶ در شرایطی در شهر نیشابور به پایان رساندم که از طرف مدرسه راهنمایی ناصری جهت شرکت در اردوی تابستانی رامسر با هزینه دولت دعوت شدم. این دعوت که نوعی پاداش محسوب می‌شد و از هر مدرسه تنها یک نفر به این اردو دعوت میشد برای بنده به عنوان یک نوجوان روستایی بسیار مطلوب و مسرت بخش بود ولی منوط به اجازه پدرم بود لیکن پدرم به رغم اینکه جهت امضای رضایت نامه به شهر آمد به جهت مسائلی که پیش آمد و در واقع از الطاف خفیه الهی بود به من اجازه شرکت در این اردو را نداد گمان میکنم اگر در آن اردو که گفته می‌شد با حضور ولیعهد طاغوت برگزار می‌شود شرکت کرده بودم طلبه نمی‌شدم. به هرحال با آغاز سال تحصیلی ۵۶ – ۵۷ بنده به والدینم عرض کردم دیگر به مدرسه نمی روم و اگر بناست درس بخوانم می‌خواهم به حوزه علمیه بروم که این تقاضای بنده با استقبال پدر و مادرم مواجه شد و از مهرماه ۱۳۵۶ در حالی که در شهرهای مثل نیشابور و حتی شهرهای بزرگتر کمترین نفسی علیه حکومت به گوش می‌رسید و جو خفقان و پلیسی بر همه جا حاکم بود ، وارد حوزه علمیه کهنسال نیشابور یعنی مدرسه گلشن شدم طولی نکشید که در پی درگذشت مشکوک مرحوم حاج آقا مصطفی و برگزاری مجالس ختم آن مرحوم و در همان حال دست به دست گشتن عکسها و نوارهای سخنرانی حضرت امام ره فضای سیاسی کشور ملتهب و رفته رفته راهپیماییهای خیابانی و سخنرانی های اعتراض آمیز علیه طاغوت آغاز گردید که بنده نیز همچون دیگر طلاب و دانشجویان و دیگر اقشار جامعه در این برنامه شرکت می کردم تا اینکه انقلاب اسلامی به صورتی غیر مترقبه و تنها در سایه الطاف الهی و به گونه ای معجزه آسا به پیروزی رسید لحظاتی آنچنان شیرین و معنوی و به یاد ماندنی که قلم و زبان از بیان آن قاصر است. مهرماه ۱۳۵۷ در حالی که انقلاب به اوج خود نزدیک می‌شد وارد حوزه علمیه جدید التاسیس فضل بن شاذان شدم که از نظم و فعالیت علمی بهتری برخوردار بود و تا سال ۱۳۶۰ در این مدرسه به تحصیل مشغول بودم و در همان حال با شروع جنگ تحمیلی آموزشهای نظامی را به طور محدود توسط برادران سپاهی فرا گرفتم. سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مشهد شدم ولی شلوغی مشهد و عوامل مزاحم تحصیل آزارم می‌داد لذا از سال ۱۳۶۱ با راهنمایی برخی دوستان و اساتید وارد حوزه علمیه مهدیه خوانسار شدم که از نظم و شرایط تحصیلی بسیار مطلوبی برخوردار بود گرچه به دلیل ناهمخوانی دروس ناچار به تکرار برخی دروس شدم که البته خالی از فایده هم نبود در همان سال ۶۱ معمم شدم و برای نخستین بار جهت تبلیغ به جبهه رفتم واز آن پس تا پایان جنگ در ایام تبلیغ و در طی فرصت هایی که پیش می‌آمد جهت ادای وظیفه شرعی خود به جبهه اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۶۴ در حالی که بخشی از رسائل و مکاسب را خوانده بودم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و در کنار دروس عمومی حوزه در موسسه در راه حق شرکت کردم و در همان حال در رشته ادبیات و علوم انسانی از آموزش و پرورش دیپلم گرفتم دوره لیسانس الهیات و معارف اسلامی و فوق لیسانس رشته تاریخ را در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذراندم و از سال ۱۳۸۰ پس از طی مراحل کنکور و گزینش در همان موسسه به گذراندن دوره دکتری رشته تاریخ اسلام مشغول شدم که اینک رو به پایان است. در طی این سنوات از سال ۱۳۶۸ به طور مرتب در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و به مدت یک سال در درس خارج فقه مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی ره و

یک سال درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۸ به جهت کثرت اشتغالات درسی و پژوهشی در رشته تاریخ دروس خارج حوزه را ترک کردم. درطی دوران طلبگی چه نیشابور و چه در مشهد و چه در خوانسار کم و بیش در زمینه دروس حوزوی (صرف و نحو و منطق) تدریس داشتم پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد تاریخ در نهادهای مختلف حوزه علمیه قم نیز به کار تدریس و پژوهش و راهنمائی پایان نامه های طلاب و دانش پژوهان اشتغال داشته و دارم .

دغولی سرخسی، ابوالعباس محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۵ ق)، لغوی، فقیه و محدث. از پیشوایان فقه و لغت و روایت در سرزمین خراسان بود. مدتی در نیشابور اقامت گزید و از محمد بن یحیی ذهلی و عبدالرحمان بن بشر و اقران آنها بهره‌ها برد و در عراق و حجاز از محمد بن اسماعیل احمسی خدیث نوشت و از زعفرانی و سعدان بن نصر و احمد بن سیار و محمد بن عبداللَّه قهزاد و محمد بن مشکان و محمد بن مهلب سرخسی و عبداللَّه بن‌هاشم طوسی و ابوزرعه رازی حدیث روایت کرد. ابوحاتم بن حبان و ابواحمد بن عدی و یحیی بن عمرو بستی و ابوبکر جوزقی وابوعلی نیشابوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌خزیمه گوید که چون ابوالعباس دغولی دانشمندی ندیده است. از آثار وی: کتاب «الاداب»؛ «فضائل الصحابه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۶۲ –۵۵۷ /۱۴)، الوافی بالوفیات (۲۲۶/۳).

دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۲/۴۰۵ ق)، عالم، عارف، مفسر، واعظ و شاعر. در نیشابور به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. از اکابر عرفا و جامع اصول شریعت و فنون طریقت به شمار می‌رفت. در بیان احادیث و اخبار دستی توانا داشت و در تفسیر و تاویل آیات بصیر و بینا بود. از کثرت شوق و ذوق و درد و گریه که داشته او را شیخ نوحه‌گر می‌گفتند. کلمات معروفه‌ای نیز از وی به یادگار مانده است. گویند خواجه عبداللَّه انصاری مناجات مشهور خود را از کلمات این عارف ربانی اقتباس نموده است. ابوالقاسم عبدالکریم قشیری داماد و شاگرد وی بود. دقاق در نیشابور وفات یافت و او در مدسه‌ی خو در سمت قبله‌ی کهن دز دفن کردند. از آثار وی: «تاویل بعضی از آیات قرآنیه»؛ «خلافت»؛ «زهد»؛ «مواعظ»، که بر سیصد و شصت مجلس مشتمل می‌باشد؛ «کتاب الضحایا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۴)، تاریخ نیشابور (۲۲۶، ۲۲۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (مقدمه، ۲۹)، ریحانه (۲۲۳ –۲۲۲ /۲)، طبقات الصوفیه هروی (۶۳۱ –۶۳۰)، کشف الظنون (۱۴۳۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۹/۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۰۶)، معجم المؤلفین (۲۶۱/۳)، نفحات الانس (۲۹۹ –۲۹۷)، وفیات الاعیان (۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶ /۳)، هدیه الاحباب (۱۳۵)، هفت اقلیم (۲۲۵/۲).

دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، ادیب. گویند در موعظه و تذکیر حقایق و دقایق بی‌نظیر و مداح خواجه عمید فخرالدین حمید بود و طبع عالی داشته و لوای فصاحت و بلاغت می‌افراشته. از جمله آثارش: «حنین الاوطان»؛ «بختیار نامه» را به او نسبت می‌دهند؛ «سندباد نامه» نیز که دو تهذیب دارد یکی از وی است دیگری از ظهیری سمرقندی.[۱]

مروزی، شمس‌الدین محمد بن علی، عالم و واعظ و شاعر اواخر قرن ششم ه. وی تا پایان قرن مذکور زنده بود. و هم اوست که سندباد نامه را به نثری مصنوع و مزین تحریر کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۲/۲)، الذریعه (۳۲۷/۹)، لباب الالباب (۲۱۵ –۲۱۲ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۲/۵)، مجمع الفصحا (۶۴۷/۲)، هفت اقلیم (۱۳/۲).

دقیقی، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۵ -۳۴۵ ق)، عالم، ادیب و نحوی. از پیشوایان علمای نحو و از شاگردان ابوعلی فارسی و ابوالحسن رمانی و ابوسعید سیرافی بود، و مراجع استفاده‌ی جمعی کثیر. دقیقی در تیه درگذشت. از تالیفات وی: شرح «الایضاح» ابوعلی فارسی؛ «شرح الجرمی»، در نحو؛ «العروض»؛ «المقدمات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۴/۵)، ایضاح المکنون (۵۴۱، ۴۵۱ /۲)، روضات الجنات (۲۳۱ -۲۳۰ /۵)، ریحانه (۲۲۴/۲)، کشف الظنون (۲۱۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۹/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۳۴۵ و ۴۱۵)، معجم الادباء (۵۷ -۵۶ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۴/۷)، هدیه ا لاحباب (۱۳۵)، هدیه العارفین (۶۸۶/۱).

دکتر، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، طبیب و مترجم. پس از بازگشت از اروپا به میرزا رضای دکتر معروف شد. وی هنگامی که در دارالفنون در رشته‌ی طب تحصیل می‌کرد، از شاگردان دکتر پولاک اطریشی بود و چهار سال و نیم نزد وی مشغول به آموختن این علم بود. او همچنین مدت چهار سال در اروپا به تحصیل طب پرداخت. پس از بازگشت به ایران طبیب مخصوص و معلم زبان فرانسه سلطان مسعود، پسر بزرگ ناصرالدین شاه شد. سپس همراه علاءالدوله به عثمانی رفت و پس از بازگشت با سمت حکیم باشی گری با علاءالدوله، که به عنوان حاکم زنجان انتخاب شده بود، به زنجان رفت و بعد به تهران مراجعت نمود و به جای دکتر شلیمر هلندی معلم طب دارالفنون گردید. از شاگردان وی: میرزا علی‌اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء، ابوالحسن خان و سید احمد نصرالاطباء می‌باشند. از آثار وی: ترجمه‌ی کتاب «پاتولوژی»، تألیف گویزل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (۲۸۵/ ۱)، شرح حال رجال (۹۸ -۹۷/ ۵).

دلوی استوایی، ابوحامد احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۴ -۳۵۸ ق)، ادیب و فقیه شافعی اشعری. اصل وی از استواء، از نواحی نیشابور، است. از ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوالعباس احمد انماطی و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی حدیث شنید، سپس وارد بغداد شد و از دارقطنی و همطبقه‌ی او حدیث روایت کرد و در آن شهر مسکن گزید. دلوی از جانب قاضی ابوبکر باقلانی، مدتی در عکبرا قضاوت کرد. در فقه شافعی مذهب، و در اصول اشعری مذهب بود. به گفته‌ی خطیب بغدادی، وی ادب شناس بود و از ادبیت و رعیت حظی تمام داشت، اما حدیث اندکی روایت کرده است. یاقوت حموی گوید که بسیاری از کتابهای ادبی موجود، به خط اوست. در بغداد درگذشت و در قبرستان شونیزیه دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۳۷۸ -۳۷۷ /۴)، ریحانه (۲۲۷/۲)، سیر النبلاء (۵۸۲/۱۷)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۳۹ - ۳۸ /۵)، الوافی بالوفیات (۳۵۱/۷).

دماوندی، عبدالرحیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد یونس اصفهانی کربلائی، عالم فاضل مصنف، از علما و ائمه‌ی جماعت حائر حسینی، در حدود سال ۱۱۶۰ در کربلا وفات یافته.

کتب زیر از اوست:

۱ - شرح حدیث حقیقت ۲ - مفتاح اسرار حسینی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دوانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده ارجمند و خطیب دانشمند حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی دوانی از مشاهیر گویندگان و معاریف نویسندگان و اساتید

اهل منبر و وعظ و خطابه و عالمی کامل و فاضلی عامل و ادیبی ادیب و شاعری حسیب و محققی فرزانه است.
وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در «دوان» نزدیک کازرون که تا شیراز بیست فرسنگ فاصله دارد و زادگاه فیلسوف نامی جلال‌الدین دوانی می‌باشد به دنیا آمده و در سن ۸ سالگی از موطن خود به آبادان نزد ارحامش که در آنجا ساکن بودند رفته و ۷ سالی در آنجا اقامت و دروس مقدماتی را در این شهر آموخته و سپس مهاجرت به نجف نموده و در تحت رعایت و توجهات مخصوص مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی حدود ۴ سال و نیم در نجف اشرف اقامت و به فرا گرفتن علوم دینی از ادبیات و سطوح وسطی در خدمت مدرسین بزرگواری چون آقا شیخ کاظم تبریزی و آقا شیخ علی کاشانی و حاج شیخ علی‌آقا فلسفی و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا طبسی و غیرهم پرداخت و ضمنا خود به تدریس دروس خوانده اشتغال داشته تا در سال ۱۳۲۷ شمسی به واسطه کسالت عارضه عازم ایران و پس از زیارت حضرت رضا علیه‌السلام در محرم آن سال در شهر (نهاوند) برای نخستین بار سرگرم وعظ و تبلیغ گردیده و در همان شهر با صبیه مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا نهاوندی از احفاد مرحوم استاد کل آقا محمدباقر وحید بهبهانی ازدواج و ناگزیر رحل اقامت در قم افکنده و بقیه سطوح را از دانشمندان حوزه چون آیت‌الله صدوقی یزدی و آیت‌الله لاکانی و آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی به پایان رسانیده و دروس معقولی شرح منظومه را هم خدمت آیت‌الله فکوری یزدی و آیت‌الله آقا رضای صدر و قسمتی از اسفار و تفسیر قرآن را از محضر علامه بزرگوار آقای طباطبائی فراگرفته و پس از دادن امتحان در دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله خمینی حاضر و بهره‌مند گردیده است.
در سال ۱۳۳۷ شمسی با همکاری جمعی از افاضل حوزه‌ی علمیه قم مجله درس‌هائی از مکتب اسلام را تاسیس و خود یکی از اعضاء موسس و هیئت مدیره و تحریریه اصلی آن مجله بوده و پس از تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم به عنوان استاد تراجم علماء شیعه مدت ۶ سال اشتغال به تدریس داشته است.
جناب آقای دوانی در مدت ۲۲ سالی که در قم اقامت داشت در محرم و صفر و ماه مبارک رمضان مانند اکثر فضلاء سخنگوی حوزه علمیه در اغلب شهرهای ایران و بعضی جزایر مانند (خارک) و کویت ۷ سال متوالی مسافرت کرده و در همه جا مواجهه به استقبال گرم مردم شده و خدمات ارزنده و آثار خالده‌ای چون تاسیس مساجد و مدارس و نشر معارف اسلامی شیعه نموده و سفری هم به کشورهای عربی کرده که مشاهدات و مطالعات خود را طی کتابی به نام سفری به ممالک عربی خاورمیانه نوشته که هنور به طبع نرسیده است.
آقای دوانی از نویسندگان مشهور امروز به شمار می‌رود و تاکنون ۲۴ کتاب پر ارزش تالیف و تصنیف و ترجمه و منتشر نموده که می‌نگاریم:

۱- شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی.
۲- شرح زندگانی استاد کل وحید بهبهانی.
۳- مقدمه و اصلاح کتاب شاه راه هدایت.
۴- فروغ هدایت ترجمه کتاب مصباح‌الهدایه آیت‌الله حاج سید علی بهبهانی
۵- ترجمه سیزدهم بحارالانوار به نام:(مهدی موعود)
۶- مقدمه و اصلاح و اضافات تاریخ قم مرحوم ناصرالشریعه.
۷- شرح زندگانی آیت‌الله بروجردی.
۸- داستانهای اسلامی جلد اول.
۹- داستانهای اسلامی جلد دوم.
۱۰- نهضت روحانیون ایران.
۱۱- اجتهاد در مقابل نص ترجمه النص و الاجتهاد مرحوم شرف‌الدین عاملی.
۱۲- صحنه‌های تکان‌دهنده در تاریخ اسلام ترجمه مواقف صانحه فی تاریخ الاسلام.
۱۳- داستانهای ما جلد سوم داستان‌های اسلامی.
۱۴- هزاره شیخ طوسی ۲ جلد.
۱۵- شعاع وحی بر فراز کوه حرا.
۱۶- سیمای جوانان.
۱۷- علی علیه‌السلام چهره درخشان اسلام.
۱۸- تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا- فرانسه- سویس- ایتالیا- جزایر دریای مدیترانه.
۱۹- سیری در زندگانی شیخ طوسی.
۲۰- شیعه در اندونزی.
۲۱- در پیرامون همسران پیامبر.
۲۲- موعودی که جهان در انتظار اوست.
۲۳- جهانگردی و جهان گردان نامی.
۲۴- آثار تمدن اسلام در اسپانیا و پرتقال.

مضافا بر آثار مطبوعه مذکوره ایشان مدت بیست سال است که سرگرم نگارش تراجم علماء شیعه و بیوگرافی دانشمندان اسلام بوده‌اند و از سال اول انتشار مجله مکتب اسلام تا سال پنجم را از کلینی تا شهید ثانی نوشتند و اکنون پس از مطالعات عمیق و جمع آوری منابع و مدارک سنی و شیعی وزیدی و اسماعیلی و داخلی و خارجی در بیش از ده جلد به عنوان (مفاخر اسلام) آماده چاپ دارند و کتاب (شرح زندگانی وحید بهبهانی) ایشان مورد توجه خاص آیت‌الله العظمی بروجردی واقع شد و از طرف آن مرحوم به دریافت بهترین جایزه و عالیترین تشویق و تقدیر قرار گرفتند.

و تـا سال ۱۳۹۰ ق در قم اقامت داشتند ولی مـدت ۳ سـال است که در تهران مقیم هسـتند و به کـار تالیف و تصـنیف و تبلیغ مبانی اسلام اشتغال دارند و ایشان گذشته از ذوق و شوق نویسندگی دارای طبع روان می‌باشند و اشعار بسیاری در مدایح و مرائی اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و فقدان مراجع بزرگ و قصاید دیگر سروده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دوریستی رازی، حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، ادیب. پـدرش جعفر از علمـای امـامیه بود وی نیز هماننـد پـدر فردی فاضل و دانشـمند بود و گاهی هم شـعر می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹/۵)، ریاض العلماء (۱۶۹ –۱۶۸ /۱)، ریحانه (۲۳۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۷/۷)، الکنی و الالقاب (۲۳۴/۲).

دولت آبادی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود دولت آبادی نویسـنده معروف معاصر در سال ۱۳۱۹ در دولت آباد بیهق متولد شد و در خانواده ای روسـتایی که از راه کار بر زمین سـخت کویر ؛ روزگار می گذراندنـد بزرگ شـد . کودکی اش در روسـتا سپری شـد . برای تحصـیل به دولت آباد رفت و همزمان به کارهای گوناگونی از جمله کفاشـی و سلمانی گری تا کارگری در کارخانه پرداخت . در ۲۰ سالگی به تهران مهاجرت کرد و برای جـامه عمـل پوشانـدن به دغـدغه هـای اصـلی ذهنش به کـار نوشـتن و بـازی در تئاتر مشـغول شـد و از راه کارگری در چاپخـانه امرار معـاش می کرد . دغـدغه نوشـتن با او قبل از مهاجرت به تهران او را به نوشـتن چنـد داسـتان از سال ۱۳۳۷ واداشت . نخستین داسـتان چـاپ شـده او به نام « ته شب »در سال ۱۳۴۱ در مجله آناهیتـا در تهران چـاپ شـد . از آن پس ؛ کار نوشـتن را به صورت جد و با پشـتکار ادامه داد و از سال ۱۳۴۷ داسـتانهایش در نشریات ادبی و بصورت کتاب به چاپ رسید و برای وی شهرت زیادی را به بار آورد . آثار وی عبارتند از :« ته شب (داسـتان)؛ هجرت سلیمان و مرد (مجموعه داستان) ؛لایه های بیابانی (مجموعه داسـتان) ؛ آوسـنه بابا سـبحان (داسـتان بلند) ؛ تنگنا (نمایشـنامه) ؛ باشبیرو (نمایشـنامه) ؛ گاواره بان (داستان) ؛ ناگریزی و گزینش هنرمنـد (مجموعه مقـاله) ؛ عقیل عقیل (داسـتان) ؛ موقعیت کلی هنر و ادبیات کنونی (مجوعه مقاله) ؛ دیـدار بلوچ (سـفرنامه) ؛ کلیدر (رمان) ؛ جای خالی سـلوچ (رمان) ؛ ققنوس (نمایشـنامه) ؛ آهوی بخت من گزل (داستان) ؛ ما نیز مردمی هستیم (گفت و گو) ؛ کارنامه سپنج (مجموعه داستان و نمایشنامه) ؛ مجموعه مقالات دو جلد و روزگار سپری شده مرد سالخورده (رمان) . »

دولت آبادی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید عبدالکریم بن میر محمد هادی حسینی.

عـالم فاضـل متنفـذ که [به نوشـته‌ی همایی:] به مزیـد کفایت و کاردانی، و حسن محاضـره، و قوت نطق و بیان، از امثال و اقران خود مزیت داشـته، و چون شـخصا متمکن بوده، و علاوه بر آن که به مردم محتاج نبوده، از فقرا و مسکینان نیز دستگیری می‌نموده است، بدین جهت نفوذ فوق‌العاده یافته، و محسود جماعتی از رؤسای محراب و منبر شده [!] و ظل السلطان نیز آتش اختلاف را دامن زده، تا جایی که در ۱۳۰۷ مجبور به مهاجرت طهران شـده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده، و در شوال ۱۳۲۶ وفات یافته، در ابن‌بابویه در اطاق مخصوص مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را طرب گوید:

آه افزود و رقم زد از پی تاریخ فوتش

شد سوی اقلیم باقی هادی راه هدایت

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دولت‌آبادی، صدیقه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۶ –۱۲۵۸ مرداد ۱۳۴۰ ش، از زنان متجدد و نخستین زن روزنامه‌نگار. وی دختر حاج میرزا هادی دولت‌آبادی بود و در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از روحانیون روشنفکر و متجدد زمان خود بود. صدیقه خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را در محیط خانواده فراگرفت و در سن پانزده سالگی با اعتضادالحکما ازدواج کرد و چند سالی در تهران اقامت کرد. در محیط سیاسی پس از مشروطه و در جریان مخالفت جناحهای ملی و مذهبی با قرارداد ۱۹۰۷ م– که کشور را رسماً تحت نفوذ انگلستان و روسیه قرار داده بود– وی با کمک درةالمعالی و سایر زنان همفکر تهرانی خود به قهوه‌خانه‌هایی که از قند خارجی استفاده می‌کردند می‌رفت و آنان را از مصرف قند خارجی برحذر می‌داشت.

در سال ۱۲۹۶ ش پس از درگذشت پدرش به اصفهان بازگشت و نخستین مدرسه دخترانه را در آن شهر دایر کرد. در سال ۱۲۹۷ ش برای زمینه‌سازی بی‌حجابی در بین زنان، «شرکت خواتین اصفهان» و دو سال بعد «شرکت آزمایش بانوان» را تشکیل داد. در سال ۱۲۹۸ ش به منظور آشنایی بانوان به حقوق خانوادگی و اجتماعی خود و نیز آشنایی ایشان با اصول تعلیم و تربیت جدید، روزنامه «زبان زنان» را با سرمایه شخصی خود تأسیس کرد. در سال ۱۳۰۱ ش از راه کرمانشاه، بغداد، بیروت و حلب به پاریس رفت. در سال ۱۳۰۶ ش در رشته تعلیم و تربیت از دانشگاه سوربن پاریس فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۲۶ م در کنگره بین‌المللی زنان در پاریس به نمایندگی زنان ایرانی شرکت کرد و در سال ۱۳۰۷ ش پس از شش سال دوری از وطن به کشور بازگشت. او به دلیل آرمانهای تجدد خواهانه و نیز زمینه‌سازی عملی برای بی‌حجابی، پس از بازگشت از اروپا– که مصادف با تثبیت حکومت رضاشاه بود بدون حجاب در انظار و جامعه ظاهر می‌شد و مخالفت‌های زیادی را علیه خود برانگیخت. در سال ۱۳۱۵ ش به سرپرستی «کانون بانوان» برگزیده شد. کانون مؤسسه‌ای بود که به منظور پیشرفت نهضت آزادی زنان در اردیبهشت ۱۳۱۴ ش تشکیل شد و ریاست عالیه آن نخست با شمس پهلوی (دختر رضاشاه) بود. وی در جنب کانون، دبستان و دبیرستانی مخصوص زنان بزرگسال ایجاد کرد. در سال ۱۳۱۶ ش کتاب آداب معاشرت را نوشت.

او وصیت کرده بود که در مرگش سوگواری نکنند و سیاه نپوشند. وی پس از مدتی بیماری در سن هشتاد و دو سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، دایرةالمعارف فارسی، ۱۰۹۱ / ۱؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۱۱۱ –۱۰۹.

دولت‌آبادی، میرزا یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ –۱۲۴۱ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مورخ، شاعر. در دولت‌آباد اصفهان متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در پنج سالگی به تحصیل خط و سواد مشغول شد از سال ۱۲۵۱ ش که یازده ساله بود به اتفاق خانواده‌اش چندین سفر به عراق عرب، خراسان و تهران کرد و در سال ۱۲۶۰ ش به اصفهان بازگشت و در همین شهر با میرزا آقای کرمانی و شیخ احمد روحی ملاقات کرد. مجددا به عراق رفت و در حوزه درس میرزای شیرازی و محمدتقی شیرازی شرکت کرد و بعد از بازگشت به ایران در اصفهان و تهران نیز در محضر میرزا ابوالحسن زواره‌ی اردستانی، معروف به میرزای جلوه به تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۷۶ ش به استانبول رفت و در آنجا با میرزا حسن خان دانش اصفهانی و حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای آسنا شد و در همین شهر به همکاری دهخدا روزنامه فارسی «سروش» را دایر کرد. دولت‌آبادی در سال ۱۲۸۷ ش به تهران آمد و در چند دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، وی مسافرتهایی نیز به کشورهای اروپایی داشت. در تهران به سکته‌ی قلبی درگذشت. دولت‌آبادی از پیشروان معارف جدید ایران است که هم شعر می‌گفت و هم رمان و داستان می‌نوشت. از آثار وی: داستن «شهرناز»؛ «شجره طیبه»؛ «دوره زندگانی یا غصب حق اطفال»؛ «تاریخ معاصر یا حیات یحیی»؛ «حقیقت راجع به قرارداد مجلس»؛ «نهال ادب»؛ «ارمغان یحیی»؛ «شرح حال میرزا تقی خان امیرکبیر».[۱]

سال تولد: ۱۲۴۱

فوت: ۱۳۱۸

آثار: کتاب شجره طیبه؛ کتاب علی؛ دوره زندگانی یا غضب حق اطفال؛ ارمغان یحیی؛ نهال ادب ایران (شعر)؛ راهنمای انتخاب حقایق؛ تذکر حقیقت؛ داستان شهر ناز؛ سرگذشت درویش چنته؛ لبخند فردوسی؛ کنگره نژادی؛ کتاب اردیبهشت– دو جلد (شعر)؛ شرح احوال قائم‌مقام فراهانی؛ اصفهان و بیگانگان؛ مکتوب به آکادمی تربیت (ترجمه)؛ اراده (ترجمه)؛ آئین در ایران؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب؛ حیات یحیی، ۴ جلد؛ لاوره پرس (کنفرانس)؛ حقایق؛ حقیقت راجع به قرارداد مجلس

مناصب: کارمند دولت– نماینده مجلس شورای ملی– رئیس نشریات وزارت معارف– سرپرست محصلین ایرانی در بلژیک– نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن

میرزا یحیی بن حاج سید هادی دولت‌آبادی در سال ۱۲۴۱ هجری شمسی در قریه دولت‌آباد متولد شده و بعد از تحصیلات مقدماتی به عراق، مصر و حجاز رفته و در انقلاب مشروطه از پیش‌قدمان تغییر رژیم بود. در ظهور استبداد صغیر به استانبول تبعید شد بعداً به تهران آمد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به وکالت نامزد شد. وی نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن بود و در مدت توقف سه ساله در اروپا به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و در مراجعت به ایران به عضویت وزارت معارف منصوب گردید. وی در تأسیس مدارس جدید خدماتی کرده و از پیشروان معارف جدید شمرده می‌شود، ایشان در سال ۱۳۱۸ در تهران وفات یافت.

یحیی (حـاج میرزا)، از رجـال دوره اخیر(ف. ۱۳۱۸ ه.ش.). وی از پیشـقدمان آزادی و مروج فرهنگ جدیـد بـود و چنـد دوره در مجلس شورای ملی سمت نمایندگی داشت. از آثار اوست: کتاب «علی» برای کودکان، «حیات یحیی» در تاریخ معاصر.

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۷۴ –۲۷۱ /۲)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۲ –۲۳۲ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۴ –۲۹۳ /۱)، سخنوران نامی ایران (۵۳۲ –۵۲۴ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۶۶ –۳۹۶۲ /۶)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۰۶، ۹۵۴، ۹۰۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۰ –۸۲۸ /۶).

دولتشاهی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی دولتشاهی در سال ۱۲۷۸ ، در تهران تولـد یـافت. از سن هفت سالگی در مـدرسه ی قاجاریه تحصیلات خود را آغاز کرد و پس از آن در مـدرسه ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریـافت تصـدیق نامه ی فراغت از تحصیل شـد. او همچنین ضـمن تحصیل در مـدرسه سن لویی ، روزهـای یکشنبه به مـدرسه ی صنایع مستظرفه که موسس آن استاد کمـال الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت. استاد پس از فراغت از تحصیل ماموریت یافت که مدرسه ی مستظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده ی استفاده از آن سازد. با وقوع کودتای ۱۲۹۹ فعالیت خود را در مدرسه ی صنایع مستظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال الملک پرداخت. استاد در سال ۱۳۰۶ که استادکمال الملک به نیشابور مسافرت کرد ، به حسابـداری وزارت فرهنگ منتقل شـد ، تا کارهای مـدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشـغول کار گردیـد. استـاد دولتشاهی در مدرسه کمال الملک علاوه بر انجام امور اداری ، به تعلیم شاگردان نیز اشتغال ورزید. او همچنین در دبیرستان های فیروزکوهی ، پهلوی ، خرد و البرز نیز تدریس کرده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : یحیی دولتشاهی از سن هفت سالگی در مدرسه ی قاجاریه تحصیلات خود را آغاز کرد و پس از آن در مدرسه ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریافت تصدیق نامه ی فراغت از تحصیل شد.

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : یحیی دولتشاهی ضـمن تحصیل در مدرسه سن لویی ، روزهای یکشنبه به مدرسه ی صنایع مستظرفه که موسس آن استاد کمال الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت.

استادان و مربیان : یحیی دولتشاهی هنر نقاشی را نزد استاد کمال الملک فرا گرفت و چنانکه استائ محمد علی ناصح می گوید: « وی شیوه نقاشی مکتب استاد کمـال الملـک را بـا ابتکار های دلپـذیر که خود در این زمینه دارد ، جاودانه تر ساخته است.» استاد خرمشتهی در شعر و شاعری نیز از محضر استاد محمدعلی ناصح استفاده نمود.

وقـایع میانسـالی : از مهمترین رویـدادهای زنـدگی یحیی دولتشاهی ، وقوع کودتای ۱۲۹۹ بود که وی در این زمـان مـدرسه صـنایع مستظرفه را در قزوین اداره می نمود و همین امر باعث گردید به تهران بازگردد.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : یحیی دولتشاهی با وقوع کودتای ۱۲۹۹ فعالیت خود را در مـدرسه ی صـنایع مسـتظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال الملک پرداخت. استاد در سال ۱۳۰۶ که استادکمال الملک به نیشابور مسافرت کرد ، به حسابـداری وزارت فرهنگ منتقل شـد ، تا کارهای مـدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشغول کار گردید.

فعالیتهای آموزشی : یحیی دولتشاهی در مـدرسه کمال الملک علاوه بر انجام امور اداری ، به تعلیم شاگردان نیز اشـتغال ورزیـد. او همچنین در دبیرستان های فیروزکوهی ، پهلوی ، خرد و البرز نیز تدریس نموده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : یحیی دولتشاهی پس از فراغت از تحصـیل ماموریت یافت که مدرسه ی مسـتظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده ی استفاده از آن سازد.

سـایر فعالیتهـا و برنـامه هـای روزمره : یحیی دولتشاهی در کار شـعر و شاعری دستی قوی داشـته و در این زمینه آثاری نیز به یادگار نهاده است.

آرا و گرایشـهای خاص : اسـتاد محمـدعلی ناصح در مورد یحیی دولتشاهی چنین می گوید: « در سـرایش سـخن منظوم نیز از لطف ذوق بهره مند است و غزل های شیوا می سراید و مضامین بکر که نمودار فکر هنر آفرین اوست در گفتارش دیده می شود...» اشعار استاد بیشتر در غالب غزل سروده شده است. --

----

منابع :

۱شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج۱ ، تهران: سنایی ، ص ۳۶۵

دهاقانی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۱ ش)، روزنامه‌نگار. معروف به دهقانی. وی از یک خانواده‌ی روحانی بود و در دهاقان اصفهان متولد شد. تخحصیلات خود را در مدارس قدیمی اصفهان به پایان رساند. او به زبان فرانسه، علوم عربی و جامعه‌شناسی آشنا بود و بیشتر مطالعاتش در تفسیر قرآن بود. وی پس از تأسیس مدرسه‌ی صارمیه به تدریس عربی و فارسی مشغول شد، و در ۱۳۴۴ ق روزنامه‌ی «نور شرق» را در اصفهان تأسیس کرد و پس از انتشار این روزنامه وی به نور شرق مشهور شد. پس از آن تا آخر عمر به تدریس در مدارس مختلف اصفهان مشغول شد. سرانجام بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت و جنازه‌اش به تخت فولاد منتقل و در آن جا دفن شد. از وی تالیفات مستقلی چاپ نشده است و اغلب آثار او به صورت مقالات مختلف در روزنامه‌های اصفهان به خصوص روزنامه‌ی «نقش جهان» چاپ می‌شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۱۸ -۳۱۷ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۳/۳).

دهخدا، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۵۸ ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، محقق، مترجم، مصحح و فرهنگ‌نویس. معروف به دخو. در خانواده‌ی قزوینی‌الاصل در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات قدیمی را نزد شیخ غلامحسین بروجردی آموخت و پس از آن وارد مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی تهران شد و مبانی علوم جدید و زبان فرانسه را در آن جا فراگرفت و ضمنا از محضر درس شیخ هادی نجم‌آبادی نیز بهره برد. در ۱۲۸۲ ش به همراه معاون‌الدوله‌ی غفاری، وزیر مختار ایران در کشورهای بالکان، به اروپا رفت و طی دو سال اقامت در وین ضمن تحصیل دانشهای جدید، زبان فرانسه‌ی خود را تکمیل کرد و در همان روزهای آغازین جنبش مشروطه به ایران بازگشت و در انتشار روزنامه «صور اسرافیل» را با میرزا جهانگیر خان شیرازی همکاری کرد و مقالات خودرا تحت عنوان «چرند و پرند» با نامهای مستعار؛ دخو، خرمگس، سگ حسن دله غلام گدا چاپ می‌کرد. دهخدا پس از واقعه به توپ بستن مجلس به استانبول گریخت و از آنجا به اروپا رفت و در سویس با کمک میرزا ابوالحسن خان پیرنیا، معاضدالسلطنه، روزنامه‌ی «صور اسرافیل» را از نو در شهر ایوردون دایر کرد که پس از سه شماره تعطیل شد و وی به ترکیه رفت و در استانبول به انجمن سعادت ایرانیان پیوست و در شمار نویسندگان مجله «سروش» درآمد. دهخدا پس از فتح تهران و اعاده‌ی اصول مشروطه، از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس در دوره‌ی دوم انتخاب شد. وی در دوران جنگ جهانی اول حدود بیست و هشت ماه در یکی از قرای چهارمحال بختیاری منزوی بود و پس از پایان جنگ به تهران آمد و از آن پس از کارهای سیاسی دست شست و مشاغل مختلفی چون ریاست دفتر وزارت فرهنگ، ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران، ریاست تفتیش وزارت دادگستری را عهده‌دار شد. دهخدا پس از قضایای شهریور ۱۳۲۰ ش و برکناری رضاشاه، تا پایان عمر به مطالعه و تحقیق و تالیف مشغول شد و از کارهای سیاسی کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به شهر ری منتقل شد و در ابن‌بابویه دفن گردید. مهمترین آثار او عبارتند از: مقالات «چرند و پرند»؛ «امثال و حکم»؛ «جریده‌ی سروش»؛ «لغت نامه»؛ «دیوان»، شعر؛ تصحیح «دیوان» سیدحسن غزنوی؛ «شرح حال و آثار ابوریحان بیرونی»؛ «روح القوانین»؛ ترجمه؛ «عظمت و انحطاط رومیان»، ترجمه.[۱]

(بخش ۱) علی‌اکبر ابن خانبابا (خان)، دانشمند و لغوی و نویسنده معروف (و. تهران حدود ۱۲۹۷ ه.ق.- ف. ۱۳۵۷ ه.ق./ ۱۳۳۴ ه.ش.) وی نزد شیخ غلامحسین بروجردی به آموختن علوم ادبی پرداخت، وسپس در مدرسه سیاسی مشغول تحصیل شد. چون منزل او در جوار منزل آیةاللّه حاج شیخ هادی نجم‌آبادی بود، دهخدا از این حسن جوار استفاده کامل میبرد و با وجود حداثت سن از محضر آن بزرگوار بهره‌مند می‌گشت. وی در همین ایام به فراگرفتن زبان فرانسوی اشتغال ورزید. بعدها معاون‌الدوله غفاری او را با خود به اروپا برد، و وی دو سال در اروپا و بیشتر در وینه پایتخت اتریش اقامت داشت. در این مدت زبان فرانسوی و معلومات جدید را تکمیل کرد. مراجعت دهخدا به ایران مقارن با آغاز مشروطیت بود.او با همکاری «جهانگیرخان» و «قاسم خان» روزنامه «صور اسرافیل» را منتشر کرد. جذاب‌ترین قسمت آن روزنامه ستون فکاهی بود که به عنوان «چرند و پرند» به قلم استاد و با امضای «دخو» نوشته می‌شد، و سبک نگارش آن در ادب فارسی بی‌سابقه بود، و مکتبی جدید را در عالم روزنامه‌نگاری ایران و نثر فارسی پدید آورد.

دهخدا مطالب انتقادی و سیاسی را با روش فکاهی در طی آن مقالات منتشر می‌کرد. پس از تعطیل مجلس شورای ملی در دوره محمدعلی شاه، دهخدا را با جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید کردند. دهخدا درپاریس با علامه محمد قزوینی معاشر بود. سپس به سوئیس رفت و در «ایوردون» سوئیس نیز سه شماره از صور اسرافیل را منتشر ساخت، و از آنجا به استانبول رفت و با مساعدت تنی چند از ایرانیان که در ترکیه بودند روزنامه‌ای به نام «سروش» به زبان فارسی انتشار داد که حدود ۱۵ شماره منتشر شد. پس از آنکه مجاهدان تهران را فتح نمودند و محمدعلی شاه خلع گردید، دهخدا از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و با استدعای احرار و سران مشروطیت از عثمانی به ایران باز آمد و به مجلس شورای ملی رفت. در دوران جنگ بین‌المللی اول دهخدا در یکی از قرای «چهار محال» بختیاری منزوی بود و پس از جنگ به تهران بازگشته از کارهای سیاسی کناره گرفت و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد و بالاخره تا پایان حیات بیشتر به مطالعه و تحقیق و تحریر مصنفات خویش اشتغال

داشت. وی در تهران درگذشت و مدفن او ابن بابویه است از آثار اوست: ترجمه عظمت و انحطاط رومیان، ترجمه روح القوانین، فرهنگ فرانسه به فارسی، تصحیح یوسف و زلیخا، تصحیح دیوان حافظ، تصحیح دیوان منوچهری، پندها و کلمات قصار (هیچیک از این کتب منتشر نشده). امثال و حکم (۴ جلد، سه بار چاپ شده)، مجموعه اشعار دهخدا، لغت‌نامه دهخدا (دائرةالمعارف فارسی) (لغت‌نامه).

دانشمند و محقق و نویسنده و روزنامه‌نگار، فرزند خانباباخان از ملاکین قزوین است. در ۱۲۵۸ ش در تهران متولد شد. تحصیلات خود را از پنج سالگی شروع کرد و به علوم ادبی و ادبیات عربی و فقه و اصول و ریاضیات قدیم و حکمت تا حدی بصیرت یافت، سپس وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و آن مدرسه را به اتمام رسانید و مدتی نیز نزد آشیخ هادی نجم‌آبادی مجتهد معروف درس خواند. دهخدا قبل از مشروطیت به اتفاق معاون‌الدوله غفاری به اروپا رفت و چند سال در وین اقامت گزید. در این مدت به آموختن زبانهای خارجی و تکمیل معلومات خود پرداخت. در اوایل مشروطیت به ایران آمد و با کمک دو تن از دوستان خود به نام قاسم تبریزی و جهانگیرخان شیرازی، روزنامه‌ی معروف صوراسرافیل را انتشار داد و مقالات دهخدا در آن روزنامه تحت عنوان «چرند و پرند» و با امضای «دخو» سر و صدای زیادی ایجاد کرد و سبک جدیدی در ادبیات فارسی ایجاد شد. دهخدا مطالب سیاسی و جدی را غالبا با عنوان فکاهی در روزنامه انتشار می‌داد. بعد از تعطیل مجلس اول، دهخدا و جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید شدند. در اروپا با کمک عده‌ای از آزادیخواهان چند شماره روزنامه‌ی صوراسرافیل را انتشار داد. بعد به ترکیه رفت و در آنجا روزنامه‌ی سروش را منتشر نمود. بعد از فتح تهران و سقوط محمدعلی شاه، به تهران آمد و در دوره‌ی دوم مجلس از طرف مردم تهران و کرمان به وکالت مجلس انتخاب گردید. بعد از خاتمه‌ی مجلس، سیایست را رها کرد. و به ریاست مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی منصوب شد و سالها ریاست آن مدرسه را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تشکیل یافت، دهخدا به ریاست دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی برگزیده شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در آن سمت مستقر بود. خیلی از رجال و سیاستمداران ایران از شاگردان دهخدا بودند.

دهخدا تالیفات متعددی دارد که برخی انتشار یافته است. از جمله تالیفات انتشار یافته‌ی او امثال و حکم در چهار مجلد است. دیگر از کارهای علمی و ادبی او تصحیح دیوان منوچهری و تصحیح دیوان حافظ و فرهنگ فرانسه به فارسی است. ولی شاهکار خدمات فرهنگی او لغتنامه است که تا ابد نام او را جاویدان خواهد ساخت.

لغتنامه فرهنگ جامعی است از لغات فارسی و عربی و اروپائی مستعمل در فارسی و اعلام که نتیجه‌ی کوشش و تلاش پنجاه ساله‌ی علامه دهخدا است. قریب سه میلیون لغت از روی متون معتبر اساتید نظم و نثر فارسی و عربی در رشته‌های تاریخ، جغرافیا، طب، هیئت، نجوم، ریاضی، حکمت و کلام و غیره فراهم گردیده است.

مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۴ ماده‌ی واحده‌ای به تصویب رسانید و نام لغتنامه را به نام دهخدا تصویب نمود و چاپ آن را مجلس شورای ملی عهده‌دار گردید. در این مجلدات، علاوه بر معانی لغات از نظم و نثر متقدمان شواهدی نیز عرضه شده است. در لغتنامه یک دوره مفصل از دستور زبان فارسی آمده است.

علامه دهخدا گاهی شعر می‌سرود و دیوانی از اشعار وی منتشر شده است. وفات او در اسل ۱۳۳۴ ش اتفاق افتاد و برای اتمام کارهای علمی او سازمانی به نام سازمان لغتنامه‌ی دهخدا تاسیس شد. کوشش و تلاش او تاکنون بی‌سابقه بوده است.

علامه دهخدا با وجودی که سالها دور از سیاست به کار عظیم تحقیقی خود اشتغال داشت، مع‌الوصف در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق و جریان ملی شدن نفت او را یاری و معاونت نمود و قدما و قلما نهضت ملی را تقویت می‌کرد. در همان ایام در بین مردم این مسئله قوت گرفته بود که اگر رژیم ایران به جمهوریت تبدیل شود هیچ‌کس بهتر و شایسته‌تر برای ریاست جمهوری از دهخدا نیست. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دهخدا مورد بغض و کینه قرار گرفت. به هنگام مرگ دستور داده شده بود از او تجلیل نشود. خدمات دهخدا چه به مشروطیت و چه به ادبیات فارسی قابل ستایش بسیار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۳۷ -۱۲۹)، با کاروان حله (۴۰۳ -۳۸۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۵۲ -۵۰ /۴)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۲۶۷ -۲۶۴ /۱)، تاریخ جراید (۱۴۷ -۱۴۶ /۳)، چشمه‌ی روشن (۴۶۷ -۴۶۰)، چون سبوی تشنه (۵۴ -۴۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۴۹۷/۲)، دهخدای شاعر، الذریعه (۳۳۳/۹)، ریحانه (۲۴۲ -۲۴۰ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۳ -۲۴۴ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۸ -۳۵۶ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۸۳ -۱۳۷۹ /۲)، شرح حال رجال (۴۳۰ -۴۲۹ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۹۱ -۱۵۸۹ /۱۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۱۶ -۲۱۵)، گلزار معانی (۲۷۱ -۲۶۴)، لغت نامه (مقدمه/ ۴۱۸ -۳۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۵ -۵۰۸ /۴)، مستدرکات اعیان (۱۱۵ -۱۱۳ /۱).

دهخوارقانی، ضیاء العلوم، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۳۰۳ ق)، نویسنده و مترجم. اثر وی: ترجمه‌ی «تاریخ مسافرت مشرق» یا «سرگذشت فریکت»، نوشته ل. بوسنار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴۷۴۳/۴، ۷۵۱/۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۸/۱).

دهدار شیرازی، احمد فانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۶/۱۰۱۰ ق) ادیب، صوفی و شاعر. در شیراز ولادت یافت و نزد شاه فتح‌اللّٰه شیرازی تحصیل کرد. وی پس از چندی به هندوستان رفت و در دکن و در دربار احمد نگر نزد حاکمان آنجا تقرب یافت و در آنجا از مریدان شیخ حسن نجفی شد و در تصوف به درجه‌ی کمال رسید. مدتی نیز در آن سامان حکومت یافت و سرانجام در سورات درگذشت. از آثار وی: «شرح گلشن راز»؛ «شرح فصل الخطاب»؛ حواشی بر «نفات الانس» و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۶ -۶۵۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۲ -۲۱۱/۱)، الذریعه (۳۵۹/۹).

دهدشتی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمد کاظم دهدشتی از علماء معاصر آبادانست. که پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت پانزده سال در جوار مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اقامت و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ فرا گرفته آنگاه بدرس خارج فقه آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌الله حاضر و مبانی فقه را از این دو اسطوانه علمی فرا گرفته و مبانی اصول را از محضر زعیم اعظم معاصر حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی فرا گرفته و به مباحثات اشتغال داشته تا سال ۱۳۸۱ قمری که عده‌ی از اهالی آبادان طوماری بمحضر مقدس آیه‌الله العظمی شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی قدس‌الله سره مرقوم داشته که مترجم معظم ما را برای ارشاد و هدایت بآبادان اعزام فرمایند. پس حسب‌الامر آقایان مذکور بآبادان آمده و مسجد بزرگی بنام بهبهانیهای مقیم آبادان تأسیس و باقامه جماعت و تنویر افکار و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته است.

از آثار ایشانست کتابخانه‌ای بنام حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه در جنب مسجد مزبور که تاکنون حدود پنجهزار جلد کتاب دارد و هر روزه حدود پنجاه نفر برای مطالعه مراجعه مینمایند و وسائل آسایش از هر جهت آماده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

دهستانی مویدی، حسین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، نوینسده و مترجم. از حال او اطلاع کافی در دست نیست ولی از مقدمه‌یی که بر ترجمه‌ی «الفرجح بعد الشده» نوشته روشن می‌شود که او معاصر و مورد حمایت عزالدین طاهر فریومدی وزیر خرسان در عهد ایلخانان بود. خواجه عزالدین طاهر فریومدی، از عهد حکومت امیر ارغوان آقا ببعد متصرف اعمال دیوانی خراسان بود. زندگانی دهستانی در نیمه‌ی دوم قرن هفتم مسلم است و او کتاب ترجمه‌ی «فرج بعد از شدت» را به نام خواجه عزالدین ترتیب داد. البته این کتاب را اصلا ابوعلی محسن بن علی بن داوود التنوخی به عربی نوشته و عوفی آن را به پارسی درآورده ولی از ترجمه مذکور اثری در دست نیست دهستانی دومین کسی است که کتاب مذکور را به پارسی درآورد وی کتاب خودرا «جامع الحکایات» نامید کتاب او مشتمل بر سیزده باب و هر باب شامل چندین حکایت مفصل و دلپذیر است که ارتباط معنوی با موضوع باب دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۶، ۱۲۳۴ /۳)، الذریعه (۵۰/۵)، گنج و گنجینه (۳۸۴ -۳۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰ -۶۹۹ /۲).

دهشیری، ضیاء الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدضیاءالدین دهشیری فرزند استاد سید یحیی ، در سال ۱۳۰۲ دیده به جهان گشود. وی تحصیلات مقدماتی خود را در یزد به پایان برد و در سال ۱۳۳۴ به دریافت دیپلم ادبی نائل آمد. او برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۷ ، در رشته زبان و ادبیات فرانسه فارغ التحصیل گردید. بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران درآمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت. استاد در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز هم زمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه والدین و انساب : سید یحیی دهشیری پدر سیدضیاء الدین دهشیری ، فردی روحانی و قاضی و از چهره های فرهنگی زمان خود بود.اوضاع اجتماعی و شرایط

زندگی : بیشتر افراد خانواده سیدضیاءالدین دهشیری اهل علم و ادب و عرفان و آگاه به علوم دینی بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدضیاءالدین دهشیری پس از فوت پدر ، نزد دایی خود محمدعلی عالمی (صمصام) تربیت یافت و از طریق وی که از شیوخ طریقت نعمت اللهی در یزد بودبه علوم ادبی و عرفانی و تصوف علاقه پیدا کرد. وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان علمیه دهشیری یزد به پایان برد. استاد دهشیری در سال ۱۳۳۴ به دریافت دیپلم ادبی نایل آمد، و در همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات فرانسه این دانشگاه ادامه تحصیل داد، تا اینکه در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل گردید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدضیاءالدین دهشیری با اشتیاقی بسیار در محافل ادبی که باحضور مرحوم آزاد همدانی و بیضایی کاشانی، شیوای قمی و صمصام یزدی در منزل پدر دانشمندش در کاشان برگزار می شد، حضور می یافت.او همچنین از سال ۱۳۲۰ در جلسات انجمن ادبی یزد که به سرپرستی شیخ محمود فرساد از چهره های سرشناس ادب و عرفان اداره می شد، حضور یافته و اشعار زیبایی در موضوعات مختلف می سرود. دهشیری از سال ۱۳۲۳ فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز و مقالات و یادداشت های علمی و ادبی بسیاری را منتشر کرد.فعالیتهای آموزشی : سیدضیاءالدین دهشیری پس از فارغ التحصیل شدن بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران در آمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدضیاءالدین دهشیری در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز همزمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد. استاد دهشیری علاوه بر نوشتارها و مقالات متعدد و متنوع ، بیشتر از پنجاه مقاله منتشره و مستند علمی، در زمینه های گوناگون ترجمه، عرفان، روانشناسی، تاریخ، زبانشناسی را در نشریاتی همچون : یغما ، مجله دانشکده ادبیات ، سپیده فردا و جراید و مجلات دیگر چاپ و نشر گردید. که برخی از آنها عبارتند از: خویشاوندی زبانها، ترجمه حکمت الهی شیعه در عصر صفویه (اثر هانری کربن)، ترجمه کاخ آپادانای شوش(اثر گیرشمن)، ترجمه سلسله مرعشیه مازندران (اثر رابینو)، ترجمه برگزیده داستانها جمالزاده (اثر رودلف گلپکه)، یادبود ماسینیون.جوائز و نشانها : سیدضیاءالدین دهشیری در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نایل گردید ، و مدال درجه اول این مقطع تحصیلی را دریافت نمود.آثار : ، ابوسعید و ابن سینا ، ادبیات جدید یونان ، ارض ملکوت (ترجمه) ویژگی اثر : اثرهانری کربن۴ اسلام در ایران ، انقلابات ایران ، بحران دنیای متجدد ، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم) ، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم) ، تاریخ اقتصادی ، تاریخ ایران باستان منابع : سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سید محمد باقر برقعی ، ج۳ ، قم: نشر خرم ، ص۱۸۲۱۲ نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۱۷،فروردین ۱۳۸۰ تفسیر آثار برشت ، توحید در شعر فارسی ، سفر اروپاییان به ایران ، سیاست اروپا در ایران ، شناخت اسلام ، طبیعت در شعر فارسی ، عرفان حلاج ، فرهنگ اصطلاحات فرانسه–فارسی ، فلسفه سن توماداکن ، قرآن در اسلام ویژگی اثر : (ترجمه به فرانسه)۲۱ قرآن مجید (ترجمه) ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)۲۲ کارمندان ، کلمبا ، مصائب حلاج ، معنی و ارج زندگی

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سید محمد باقر برقعی ، ج۳ ، قم: نشر خرم ، ص۱۸۲۱۲نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۱۷،فروردین ۱۳۸۰

دهقان چاچکامی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید دهقان چاچکامی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۲ (پس از طی مقطع ابتدایی) وارد حوزه علمیه شهرستان ساری شدم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون مدرس افغانی، مرحوم اسحاقی، مرحوم عبایی خراسانی تا پایه ششم را تلمّذ کردم. رسائل را در خدمت آیهٔ الله اعتمادی و مکاسب را از محضر مرحوم آقای ستوده و کفایتین را در حضور آیهٔ الله صالحی مازندرانی کسب فیض کردم. خارج اصول را در محضر آیهٔ الله فاضل لنکرانی و ادامه آن را پس از تعطیلی درس اصول آیهٔ الله فاضل از محضر آیهٔ الله مکارم و صالحی و مازندرانی بهره گرفتم. در تفسیر قرآن از محضر آیهٔ الله مشکینی، آیهٔ الله جوادی آملی، آیهٔ الله معرفت (علوم قرآنی) و آیهٔ الله خزعلی(علوم قرآنی) بهره مند شدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دروس کلاسیک را به صورت آزاد ادامه دادم و در سال ۱۳۶۶پس از اخذ دیپلم در کنکور سراسری در رشته حقوق پذیرفته شدم. لیسانس و فوق لیسانس را در دانشگاه تهران گرفتم و اکنون در رشته حقوق کیفری و جرم شناسی در مقطع دکتری در حال تهیه رساله در دانشگاه تربیت مدرس هستم.از سال ۱۳۷۲ در رشته تخصصی حقوق و فقه جزایی و قواعد فقهیه در دانشگاه های مختلف تهران، بین المللی امام خمینی(ره) و آزاد قم تدریس داشته ام. و در دروس معارف هم به تدریس رشته های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام و اخلاق اسلامی پرداخته ام.

از سال ۱۳۷۰ وارد عرصه نویسندگی شدم. ابتدا با مرکز تحقیقات شهید محلاتی همکاری داشتم که حاصل آن چاپ دو جلد کتاب درسی با عنوان دانش اجتماعی که در سپاه تدریس می‌شود. دو جلد کتاب هم با موضوع انقلاب اسلامی تدوین و تالیف نمودم که با استقبال گسترده روبرو شده و در دانشگاه تدریس می شود.

از سال ۱۳۷۶ با پژوهشکده حوزه و دانشگاه در زمینه حقوق کیفری همکاری داشتم که حاصل آن چاپ جلد اول کتاب بررسی تطبیق حقوق جزای عملی اسلام و حقوق معوقه است که به عنوان کتاب سال دانشگاهیان در سال ۸۱ و کتاب سال حوزویان در سال ۸۴ انتخاب شده است.پس از طرح گفتمان عدالت و عدالت خواهی در سال های آخر کتابی تحت عنوان تحلیل مفهوم عدالت و شاخه در عدالت اجتماعی تألیف نمودم که طی کمتر از شش ماه چاپ اول آن تمام شد و برای چاپ بعدی به دلیل مسائل مالی اقدامی صورت نگرفته است.در حال حاضر نیز چندین پروژه و طرح تحقیقاتی دردست تکمیل دارم از قبیل بررسی مبانی فقهی و حقوقی آزادی بیان و مطبوعات و قلمرو آن، عدالت جنسیتی در نظام کشوری اسلام، و در آمدی بر مدیریت فرهنگی رسول خدا(ص) و منشأ خانواده در اسلام و غرب.

دهقان، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر دهقان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اکبر دهقان در سال ۱۳۴۳ در مشهد مقدس به دنیا آمدم بعد از کلاس پنجم ابتدایی در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به مدت پنج سال دروس ادبیات معالم معانی بیان منطق و قسمتی از لمعتین را در نزد اساتید محترم آقایان رضوانی، واعظی، صالحی، حجت هاشمی خواندم و در سال ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت چهار سال قسمتی از لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایتین را در نزد اساتید بزرگوار آیات عظام آقایان اشتهاردی، اعتمادی، ستوده خواندم. از سال ۶۷ تا ۸۱ در دروس خارج آیات عظام آقایان شیخ جواد تبریزی، شیخ جعفر سبحانی، شیخ عبدالله جوادی آملی شرکت کرده و در کنار درس خارج به مدت هشت سال از درس تفسیر استاد گرانقدر آیت الله جوادی آملی بهره مند شدم و حدود یک سال و نیم توفیق حاصل شد در جبهه های جنگ در کنار رزمندگان دلاور اسلام بودم. در سال ۶۹ ـ ۷۰ در دوره تربیت مدرس شرکت کرده و به مدت سه سال دروس دانشگاهی را خوانده و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس شده و بعد از آن به مدت دو سال در دانشگاه شهید باهنر کرمان تدریس کردم.

از سال ۷۵ تا کنون ۸۴ همکار استاد بزرگوار جناب آقای محسن قرائتی هستم به مدت ۵ سال است که مسئول ستاد التفسیر حوزه علمیه قم از طرف معظم له می باشم بحمد الله در پرتو مطالعات تفسیری و قرآنی برکاتی برای اینجانب حاصل شده است. از جمله تدریس تفسیر به مدت سه سال در حوزه علمیه قم که هم اکنون ادامه دارد.بیش از ۲۰۰ جلسه مباحث قرآنی و تفسیری در رادیو معارف و رادیو قرآن و رادیو جوان داشته ام که بحمد الله پخش شده است. حدود ۲۰ کتاب در مدت ۱۰ سال است که نوشته ام و ۱۶ تای آن چاپ رسیده و مابقی آن در آستانه چاپ است

دهقان، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین دهقان اشکذری

محل تولد : اشکذر یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ پس از قبولی در امتحانات سال اول راهنمایی وارد حوزه علمیه یزد شدم. با شروع انقلاب اسلامی و حادثه نوزدهم دیماه همان سال حوزه های علمیه با تعطیلات مکرر و طولانی مدت مواجه گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی آغاز گردید.لذا دروس مقدمات حوزه را همزمان با مبارزات دوران انقلاب و حضور در جبهه ها ادامه دادم و همراه با دروس حوزوی سال دوم و سوم راهنمایی را به صورت شبانه به پایان رساندم و وارد دبیرستان گردیدم ولی به علل مختلف تحصیلات دبیرستان را ادامه ندادم.در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و بخش اعظم لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و دروس عمومی حوزه را در محضر اساتید بزرگی مانند وجدانی فخر، اعتمادی، محفوظی، محامد، خاتمی و ... فرا گرفته و سپس

در محضر اساتید و آیات عظام به خارج فقه و اصول مشغول شده و در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، که مشروط به اتمام سطح ۳ و دو سال درس خارج بود پذیرفته شدم و چهار سال همزمان با شرکت در درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید گرانقدری چون حضرات آیات مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، احمدی میانجی، شب زنده دار، طاهر شمس و ... به فراگیری تفسیر و علوم قرآن پرداختم در سال ۱۳۷۳ موضوع «آیات دال بر حجیت خبر واحد» را که یک موضوع اصولی قرآنی بود به واحد مدارج علمی حوزه ارائه دادم و موفق به اخذ گواهینامه سطح ۳ گردیدم.پس از پایان دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن موضوع امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن را به عنوان پایان نامه سطح ۴ انتخاب نموده و طرح تفصیلی آن را پس از فیش برداری و مطالعات مقدماتی به واحد مدارج علمی تحویل دادم ولی پس از تایید طرح با توجه به وجود مشکلات خاص از ادامه آن منصرف گردیدم.از سال ۱۳۷۴ تا کنون ضمن پذیرش برخی از مسئولیت ها در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز جهانی علوم اسلامی به فعالیت های علمی از قبیل تدریس، ویراستاری و نگارش مقاله و ... مشغول می باشم.در طول تحصیل نیز سعی بر این بود که تقریرات دروس سطح و خارج را بنویسم و بیشتر دروس سطح را به صورت پرسش و پاسخ در آورده ام.

دهقانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن دهقانی ساری

محل تولد : کاشان

شهرت : دهقانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیتهای انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دروس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج ۲ حضرت آیهٔ الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیهٔ الله جوادی آملی و آیهٔ الله حسن زاده و آیهٔ الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیهٔ الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیهٔ الله حسن زاده و بخشی را نزد آیهٔ الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحیدخراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس ۷ دوره تدریس نهایهٔ الحکمه — شرح اشارات جلد سوم- رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره- المنطق مظفر و جزء سی‌ام تفسیر قرآن کریم — اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس ۲۲) اقدام به ترجمه و شرح نهایهٔ الحکمه نمودم که تقریبا هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال ۷۷ تا ۸۲ منتشر شد.

دهکردی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۷۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در دهکرد (شهرکرد) متولد شد. پدرش و پدر مادرش هر دو از علمای دهکرد بودند. چند سال در اصفهان نزد آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی و دیگران تحصیل نمود، سپس در عراق خدمت چند نفر از اجله‌ی علما و فقها تحصیلات خود را تکمیل کرد. وی از شاگردان میرزا محمدحسن شیرزای و میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری و از مشایخ روایت آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی بود. پس از بازگشت، در اصفهان به تدریس و تالیف و تبلیغ مشغول شد. متجاوز از سیصد تن از فضلا در مجلس درس او، در مدرسه‌ی صدر، حاضر می‌شدند. وی مرکز فتوی و مراجع مردم بود. در اصفهان درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الوسیله» یا «وسیه النجاه» یا «وسیله المنابر» یا «منبر الوسیله» یا «وسیله المعاد»، در دو قسمت: بخش اول در توحید و عدل و بخش دوم در نبوت و امامت، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ حاشیه بر «وافی» فیض کاشانی؛ حاشیه بر «متاجر» شیخ مرتضی انصاری؛ رساله‌ای در «قبض»؛ شرح بر «شرایع»، در دو مجلد؛ شرح فارسی بر «من لا یحضره الفیه» صدوق.[۱]

سید ابوالقاسم بن سید محمدباقر دهکردی اصفهانی دانشمندی بزرگوار و خطیبی عالیقدر از شاگردان علامه میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و معاصرین وی بوده که پس از تکمیل مبانی علمی به اصفهان برگشته و به انجام وظائف دینی از تدریس و وعظ و ارشاد و اقامه

جماعت پرداخته و در مدرسه صدر اصفهان عده زیادی به درسش حاضر شده و استفاده می‌نمودند و در ماه رمضان جمعیت زیادی برای درک فیض پای منبرش حاضر می‌شدند بسیاری از اعلام معاصر اصفهان از تلامذه و شاگردان ایشانند.

وی در یکشنبه هفتم شوال ۱۳۵۳ ه در سن ۸۱ سالگی وفات نموده تاریخ ولادتش ۱۲۷۲ هجری بوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۱۷/۲)، تذکره القبور (۹۴ -۹۳)، الذریعه (۸۵ ،۸۴ /۲۵ ،۳۵۶/۲۲)، ریحانه (۲۴۴/۲)، علماء معاصرین (۱۶۹ -۱۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶ -۲۴۵ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱۵/۸)، مکارم الاثار (۲۰۱۱ -۲۰۰۷ /۶).

دهکردی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امام جمعه دهکرد، فرزند سید محمّد باقر حسینی. عالم فاضل جلیل، در اصفهان و نجف تحصیل علوم نموده، و در شهرکرد به ترویج دین و شریعت پرداخته، در سال ۱۳۱۰ وفات یافته.

برادرش آقا سید احمد نوربخش در مادّه تاریخ وفاتش گوید:

به تاریخ گویند با پنج تن

بخلد است آقا محمّد جواد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دیاری بیگدلی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی دیاری بیدگلی

محل تولد : بیدگل کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی دیاری بیدگلی فرزند غلامرضا در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در حومه کاشان (بیدگل) چشم به جهان گشودم، تحصیلات ابتدایی و دوره راهنمایی و متوسطه را نخست در زادگاه خود و سپس در کاشان سپری نمودم، در سال ۱۳۵۴ قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، افتخار حضور در حوزه مقدسه علمیه را پیدا نمودم، دروس مقدمات و سطوح عالی حوزه را نزد استادان گرانقدر حوزه علمیه کاشان و قم از جمله حضرات آیات عظام اعتمادی، خراسانی، وجدانی فخر، ستوده و محقق داماد فرا گرفتم، آنگاه از سال ۱۳۶۶ به بعد از محضر استادان معظم و عالیقدر حضرات آیات عظام مکارم شیرازی مظاهری، فاضل لنکرانی، منتظری ، صانعی، جوادی آملی و سبحانی در زمینه های دروس خارج فقه، اصول و تفسیر قرآن کریم کسب فیض نمودم. هم زمان با تحصیلات حوزوی دوره کارشناسی ارشد را در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و دوره دکترای تخصصی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود تحت عنوان نقد و بررسی اندیشه های وارداتی یهود (اسرائیلیات) در تفاسیر قرآن دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۱ تاکنون به عنوان عضو هیأت علمی گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، اشتغال به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دارم .از همان زمان به مدت ۶ سال با گروههای معارف اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران همکاری علمی داشتم و از آن پس نیز برخی از مراکز آموزش عالی از جمله دانشکده علوم قرآنی قم، دانشکده شهید محلاتی قم و مرکز جهانی علوم اسلامی در مدرسه امام خمینی ره مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره و مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم همکاری آموزشی علمی داشته و دارم. علاوه بر تدریس و انجام خدمت موظف خود در دانشگاه و نیز اهتمام به فعالیتهای پژوهشی و نگارش و نشر آثار علمی، تا به حال راهنمایی و مشاوره بیش از چهل پایان نامه را در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری بر عهده داشته ام.

دیانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: کتابداری، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد کتابداری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، دکترا از دانشگاه راتگرز آمریکا در رشته کتابداری و اطلاع رسانی در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهره‌وری از اطلاعات، کتاب‌شناسی، کامپیوتری کردن کتابخانه‌ها، تعیین معیارهای ویژه نوشته‌های نوسوادان، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روش تحقیق، مصاحبه مرجع در کتابخانه، فهرست مقالات حقوق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

کتابداری و اطلاع‌رسانی، مدیریت کتابخانه، نوشته‌های ویژه نوسوادان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیباجی مروزی، ابوالفتح محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۹ -۵۱۷ ق)، ادیب و نحوی. اهل مرو بود. نحو را از پدرش که مردی فاضل بود آموخت. او سرپرست کتابخانه‌ی جامع مرو بود و در همان جا درگذشت. از آثارش: «المحصل» در شرح «المفصل» زمخشری، و شرح «انموذج» زمخشری، هر دو در نحو؛ تهذیب «مقدمه الادب» زمخشری؛ «قانون الصلاحی فی ادویه النواحی»؛ «منافع اعضاء الحیوان»؛ «فلک الادب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷/۷)، ایضاح المکنون (۱۳۶/۱)، کشف الظنون (۱۸۳۴ ،۱۸۲۰ ،۱۷۷۵ ،۱۳۱۰)، معجم المؤلفین (۲۱/۱۰)، الوافی بالوفیات (۹۰ -۸۹ /۳)، هدیه العارفین (۱۰۸/۲).

دیباجی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عرب، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیباجی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید احمد دیباجی حسینی بن السید الجلیل ثقةالاسلام و مروج الاحکام دین المبین حاج سید نصراللّه الدیباجی اصفهانی سدهی (همایونشهری) که منسوب بحضرت سید محمد دیباج فرزند بلافصل حضرت صادق آل‌محمد علیهم‌السلام می‌باشد.

از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر است در رستم‌آباد شمیران تهران. وی در سال ۱۳۵۲ ق- ه متولد شده و پس از دوران کودکی و خواندن دروس جدید و مقدمات در عصر زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی طاب ثراه به قم آمده و سطوح را از اساتید برجسته حوزه فراگرفته و در سال ۱۳۷۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف و بتحصیل پرداخته و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن طباطبائی حکیم و آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمود شاهرودی و زعیم بزرگوار آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مد ظله استفاده‌های شایانی نموده و علوم مختلفه را نزد اساتید عالیقدر تعلم نموده و در علم حدیث و درایه و فن رجال از خریت این فن مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی (صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه) بهره‌های کافی و وافی برده است اجازات چند از آیات عظام و مراجع تقلید روایتی و علمی و

غیره دارد.

ایشان در ماه رجب (۱۳۸۵) از نجف اشرف بقصد مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و از آنجا به تهران تشریف آوردند و در رستم‌آباد شمیران توقف و بنا بدعوت عده‌ای از موجهین و محترمین در مسجد مهدیه رستم‌آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی شایانی اشتغال دارد و ضمناً از درس فقه حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری دامت برکاته استفاده می‌نمایند.

بعضی از آثار علمی و تألیفات ایشان کتب زیر است:

۱- تقریرات فقه.

۲- تقریرات اصول فقه.

۳- زبده المعانی درباره علم بدیع و عروض.

۴- مختصر المنطق.

۵- تفسیر القرآن العظیم.

۶- کشکول در علوم مختلفه در دو جلد

۷- الاجازات الی طرق الاحادیث و الروایات.

۸- تبویب الذریعه در شش مجلد که جلد اول آن چاپ و منتشر شده.

معظم له داماد حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسین زمردی ذاکر تهرانی داماد معظم علامه کبیر تهرانی قده صاحب الذریعه، و برادر ایشان ثقه المحدثین عماد الاعلام صاحب مقالاتی در نامه دانشوران، آقای حاج سید رضا دیباجی واعظ محترم در اهواز. و برادر دیگر ثقهٔالاسلام آقای سید ابوالقاسم دیباجی داماد آیت‌اللّه آقا حاج سید اسماعیل مرعشی از محصلین بارع و گویندگان ماهر حوزه علمیه قم و آثار چاپ شده ایشان کتاب در «آغوش هماهنگی» و پاورقی به کتاب «سیمای بلال حبشی» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دیدوزمی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، مترجم. وی کتاب «قصص الانبیاء» ابوالحسن کسایی را تحت عنوان «نفایس العرایس» به فارسی گزارش کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴)، الذریعه (۲۴۰/۲۴)، کشف الظنون (۱۳۲۸).

دیلمی طبرستانی، سلار، سالار، ابویعلی حمزه عبدالعزیز

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و محدث امامی. ملقب به سلار یا سالار. در فقه و ادب پیشگام بود. سیوطی در «طبقات» خود او را از جمله‌ی ادیبان بنام برشمرده است. ساکن بغداد بود و مورد اعتماد و احترام. شیخ مفید و سید مرتضی از مشایخ او می‌باشند. شیخ ابوعلی طوسی، فرزند شیخ الطائفه، و شیخ منتجب‌الدین و ابوالمکرم مبارک بن فاخر نحوی و ابوالفتح عثمان نحوی و ابوالصلاح حلبی و ابوالفتح کراجکی از شاگردان وی بودند. سلار گاهی به جانشینی سید مرتضی درس می‌گفت. وی در قریه خسرو شاه تبریز درگذشت. سیوطی به نقل از صفدی سال مرگ وی را ۴۴۸ ق می‌داند. از آثارش: «المقنع فی المذهب»؛ «التقریب»، در اصول فقه؛ «المراسم العلویه»، در احکام نبویه، در فقه؛ «الرد علی ابی‌الحسین البصری فی نقض الشافعی»؛ «التذکره فی حقیقه الجوهره»؛ «الابواب و الفصول»، در فقه؛ «المسائل السلاریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۱۷۲ -۱۷۰ /۷)، ایضاح المکنون (۵۵۳، ۲۷۵ /۱)، الذریعه (۱۲۴/۲۲، ۳۵۲، ۲۹۸/۲۰، ۱۸۰، -۱۷۹ /۱۰، ۳۶۵، ۲۴/۴)، ریاض العلماء (۴۴۴ -۴۳۸ /۲)، ریحانه (۵۱ -۵۰ /۳)، فهرست منتجب‌الدین (۸۴)، الکنی و الالقاب (۲۳۸/۲)، لغت نامه (ذیل/ سلار الدیلمی)، معجم المؤلفین (۲۳۵، ۷۹ /۴)، هدیه العارفین (۳۸۰/۱).

دیلمی، حسن بن الحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی حسن بن الحسن الدیلمی عالم فاضل، و حکیم بارع و فقیه. به اتّفاق پدر خود از گیلان به اصفهان مهاجرت نموده، و از معاشرین و مصاحبین و همدرسان افندی مؤلف ریاض العلماء می‌باشد. تألیفاتی دارد از آن جمله شرح صحیفه سجّادیّه است. در ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۱۱۹ وفات یافته است.

مؤلّف تاریخ علما و شعرای گیلان را در نام صاحب عنوان اشتباهی روی داده، زیرا که مؤلّف شرح صحیفه سجادیه نامش: مولی حسین بن حسن است. گوینـد: شرح صحیفه او انتحال از شرح سید علی خان مـدنی است. علاّمه جلیل القـدر مؤلّف الـذریعه (۱۳:۳۵۰) فرماید: من شرح سیّد علی خان را دیدم که به خط خود در حواشی آن، مواضع انتحال را تعیین نموده بود.

مولی حسین گیلانی دایی سید ابوالقاسم بن حسین موسوی خوانساری جدّ صاحب روضات است، و قبرش در بقعه مشارالیه قرار دارد، و آقا میرزا محمّد باقر به مناسبت بودن قبر او در این محل وصیّت به دفن در اینجا نموده است. در اسامی حسین مجدّداً از او نامی برده خواهد شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دیمرتی اصفهانی، قاسم بن محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب نحوی لغوی، مؤلف کتاب ۱ – الابانهٔ ۲ – تفسیر الحماسهٔ ۳ – تقویم الالسنهٔ ۴ – تهذیب الطبع، در نوادر لغت ۵ – غریب الحدیث؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دین‌پرور دربندی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جعفر بن العالم الجلیل آیت‌اللّه السید ابوتراب بن العلامه الورع سید مهدی دربندی تهرانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار تهران بوده و در سال ۱۲۶۳ شمسی در نجف اشرف متولد گردیده و در تحت مراقبت و تربیت والد معظمش پرورش یافته و پس از انقلاب عراق علیه انگلیسها و اخراج آنان باتفاق والدش به ایران آمده و مورد استقبال و اقبال مردم تهران و شمیرانات قرار گرفته و بخدمات دینی و علمی پرداخته والد ماجدشان آیت‌اللّه دربندی علاوه بر داشتن حوزه درس، در مجالس معمولی و مهمانیها به نشر حقایق اسلام و اخبار ائمه اطهار اهتمامی بلیغ داشت و در مجالسش غیر از اخبار و احادیث اهلبیت علیهم‌السلام سخن دیگری نمی‌فرمود.

مترجم ما پس از مراجعت از عراق تحصیلات خود را در نزد والد خود ادامه داده و علاوه بر استفاده‌های علمی تقوا و فضائل و ملکات نفسانی را از آن بزرگوار فراگرفته و با لباس کرباس وطنی و کمال زهد و قناعت و مناعت طبع بخدمات دینی پرداخته و نشر حقایق و معارف اسلام مینمود. نماز جماعتش در شمیرانات و دربند بسیار باشکوه و مخصوصا ماه رمضان پر جمعیت بود و مردم از اطراف برای درک فیض از نماز و محضرش بدربند می‌شتافتند تا هشتم ماه رجب سال ۱۳۴۳ شمسی وفات نموده و با تجلیل زیاد جنازه‌اش حمل بشهر ری و در ابن بابویه مقبره شخصی خانواده‌گیش مدفون گردید.

نگارنده گوید: آن مرحوم ارادت مخصوصی بمرحوم آیت‌اللّه العظمی و مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی داشت خودم ناظر بودم که با آن کهولت و کبر سن با پای برهنه از تهران تا بشهر ری در تشییع جنازه آن مرحوم شرکت داشته و اظهار تأثر و تأسف از فقدان آن مرحوم می‌نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینشاه ایرانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ –۱۲۶۰ ش)، مترجم و نویسنده. از پیشوایان مشهور زرتشتیان بمبئی بود که در سال ۱۲۶۰ ش در بمبئی متولد شد. وی به همراه رابینات تاگور (شاعر معروف هندی) به ایران آمد. او «دیوان حافظ» را به انگلیسی ترجمه کرد و از شعرای معاصر ایران «تذکره‌ای» ترتیب داد و با ترجمه‌ی منتخبی از اشعار آنان چاپ کرد. وی سرانجام در بمبئی درگذشت. از آثار وی: «اخلاق ایران باستان»؛ «پرتوی از فلسفه ایران باستان»؛ «پیک مزدیسنان»؛ «تعلیمات زرتشت»؛ «سخنوران دوران پهلوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دایرةالمعارف فارسی (۱۰۲۹/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۸/۱)، شرح حال رجال (۹۹/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵ – ۷۳ /۳).

دینوری، ابوالقاسم عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۹۰ ق)، ادیب و کـاتب. وی از روسای کاتبان دیوانی خراسان بود که نسب به عباس بن عبـدالمطلب می‌رسانـد. به گفته‌ی ثعالبی تصنیفات او در «محاسن الاداب» به سی جزء می‌رسد. وی همچنین دارای اشعار بسیاری است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۱/۴)، معجم المؤلفین (۶۹/۶).

دینوری، ابوحنیفه احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۸۲ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و ریاضـی‌دان. از مردم دینور بود که در بصره و کوفه علم آموخت و از محضـر پـدر خود و پس از او از ابن سـکیت بیشـترین بهره را برد. وی در علـوم بسـیاری همچـون، نحـو، لغت، هنـدسه، حسـاب و هیئت دست داشت، و صـاحب تـالیف بود. او را ذفنون و از نوادر روزگـار می‌داننـد. روایاتش را صـحه گذاشـته‌اند و وی را مورد اعتماد خوانده‌انـد. او از بزرگـان مـذهب حنفی بـود. از آثـارش: «الاخبـار الطوال»؛ «النبـات»؛ در شـش مجلـد بزرگ؛ «الجبر و المقـابله»؛ «الجمع و التفریق»؛ «البلـدان»؛ «البحث فی حساب الهنـد»؛ «اصـلاح المنطق»؛ «نوادر الجبر»؛ «القبله و الزوال»؛ «الکسوف»؛ «تفسـر الـدینوری»؛ «الانواء»؛ «ما یلحن فیه العامه» یا «لحن العامه»؛ «الشعر و الشعراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۹/۱)، ایضاح المکنون (۶۸۰، ۴۲۱، ۳۲۱، ۲۷۹، ۲۷۷، ۲/ ۳۶۸، ۴۳، ۱/)، تاریـخ ادبیات در ایران (۱۸۸ - ۱۸۷ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۲۹/۱)، الذریعه (۲۳۶/۳، ۱۷۲/۲، ۳۳۸/۱)، روضات الجنات (۱۰۳ -۱۰۲ /۵)، ریحانه (۷۲/۷)، سیر النبلاء (۴۲۲/۱۳)، کظف الظنون (۱۵۴۸، ۱۴۴۶، ۱۴۰۷، ۱۳۹۹، ۹۰۷، ۶۶۴، ۶۱۴، ۴۴۷، ۲۸۰، ۱۰۸)، الفهرست ابن‌نـدیم، ترجمه (۱۳۲)، لغت نـامه (ذیل/ ابوحنیفه)، مجمل فصـیحی (ذیل/ سال ۲۸۲)، معجم الادباء (۳۲ -۲۶ /۳)، معجم المؤلفین (۲۱۹ -۲۱۸ /۱)، الوافی بالوفیات (۳۷۹ -۳۷۷ /۶)، هدیه الاحباب (۱۲)، هدیه العارفین (۵۲/۱).

دینوری، ابوسعد، نصر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۱۱ ق)، ادیب، کـاتب، معبر و شاعر. وی از کاتبان بزرگ بود و عهـده‌دار مناصب نیشابور. زمانی که سـلطان محمود برای پاسخگویی به خلیفه‌القادر باللّه، احتیاج به معتمدی داشت، وی را برگزید. از آثار وی: «روائع التوجیهات من بدائع التشبیهات»؛ «ثمار الانس فی تشبیهات الفرس»؛ «التعبیر القادری» یا «القادری فی التعبیر»، در احکام، که برای خلیفه القادر باللّه در ۳۹۷ ق تالیف کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۲/۸)، کشف الظنون (۱۳۰۵، ۹۱۴، ۵۲۳، ۴۱۷)، معجم المؤلفین (۹۴/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۰/۲).

دینوری، ابوعلی احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۸۹ ق)، نحوی. وی در دینور به دنیا آمد. از شاگردان برجسته مبرد و مازنی و ثعلب بود و در بغداد و بصره درس خواند و در مصر مقیم شد و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «اصلاح المنطق»؛ «مختصر فی ضمائر القرآن»؛ «المهذب» در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۰۲/۱)، روضـات الجنات (۲۰۶/۱)، ریحـانه (۲۵۲ -۲۵۱ /۲)، کشـف الظنون (۱۹۱۴، ۱۰۸۷)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادبا (۲۴۱ -۲۳۹ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۸۶ -۲۸۵ /۶).

دینوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا احمـد آقا مجتهد شخصـی فقیه و اصولی و دارای علوم غریبه و مردی با ورع و متقی و اغلب اشـتغال بتحریر مطالب علمی و عملی داشـت و منزوی از مردم و عابـد و شـب زنـده‌دار و اوضـاع و عـوالم عجیب و غریـبی داشت رضـوان اللّه علیه. کتـابی موسوم به (نظام العالم) دارد بسـیار نفیس و عالی ولی بطبع نرسـیده و تألیفاتی در علوم غریبه دارد و اشـعاری شـیوا گفته و در تاریخ ۱۳۴۷ در اثر مبارزه با بـدع با برادر کوچکش مرحوم آقای حاج میرزا عبـدالعلی آقا مجتهـد به سـمنان تبعیـد و مدتی در آنجا حبس

نظری بودنـد بعـد بارض اقـدس رضوی برده و در تحت مراقبت بودنـد پس از طی مـدت یکسال و نیم دوره‌ی نفی به تبریز مراجعت بعـد از فوت برادر بزرگش آیت‌اللّٰه آقا میرزا صادق آقا مرحوم در مسـجد آن مرحوم اقامه نماز جماعت کرده مقتـدای مردم بود در سال ۱۲۸۳ در تبریز متولد شب دوشنبه ۲۳ شهر ذی‌القعده ۱۳۵۹ بدار بقاء رحلت و در وادی‌السلام نجف اشرف در مقبره مخصوص خودشان مدفون است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحـوم آیت‌اللّٰه میرزا صـادق آقـا مرجـع تقلیـد اهـالی آذربایجـان بود و مردم فریفته تقوی و عمـل و علمیت این مرد برجسـته بودند طوری که با تحریر و تقریر پایان نیابد شاگر آخوند ایروانی و آیت‌اللّٰه فاضل شـربیانی و آیت‌اللّٰه آقا شیخ هادی تهرانی بود در فقه و اصـول متبحر و شخصـی دارای دقت نظر و تحقیـق و صـاحب تألیفـات زیـاد در فقه و اصـول بود منجمله (مقالاـت غرویه) مربوط به مباحث الفاظ در تبریز بطبع رسیده و کتاب (مشتقات) اینهم در تبریز بچاپ رسیده و (کتاب فوائد) در مطالب مختلف از فقه و اصول و تفسیر مطبوع تهران که دوره تبعیـد خود در قم نوشـته شده و کتابهای مفصـله اسـتدلالی در طهارت و صـلوه و غیره دارد که بطبع نرسـیده این شـخص قریب سـی سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس بوده نزدیک پنجاه سال ریاست روحانیت آذربایجان را در دست داشت در اثر مبارزه با بدع سال ۱۳۴۷ به قم تبعید و در سال ۱۳۵۱ شانزدهم شهر ذی القعده الحرام شب جمعه برحمت ایزدی رفته و در رواق حضـرت معصـومه سـلام‌اللّٰه‌علیها در مقـبره مخصـوص مـدفون است اشـعار عـالی عربی در مدائح و مراثی زیر دارد رضوان اللّٰه علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، علاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا علاءالـدین دینوری بن آیت‌اللّٰه العظمی حاج میرزا احمد مجتهد از علماء محترم معاصـر تهرانست. معظم له شـمه‌ای از ترجمه و بیوگرافی بیت جلیل و خاندان اصیل خویش را بشرح زیر مرقوم داشته‌اند:

راقم علاءالدین دینوری پسـر مرحوم آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد دینوری از اولاد محمد دینوری که از اصـحاب حضـرت علی ابن موسـی الرضا علیه‌السـلام بوده وی را بجهت تبلیغ مـذهب حق به آذربایجان اعزام نموده‌اند در قریه (پیر کندی) از قراء حسن‌آباد از محـال قراجه داغ وفـات نموده و در همـان قریه بخـاک سپرده میشود او را مزاری است که اهـالی بزیـارتش میرونـد و نـذوراتی به مرقدش میبرند. والد مرحوم پنج برادر بودند بزرگترین این پنج برادر مرحوم آقای حاج میرزا محسن آقا مجتهد صاحب کتاب (تبیین المحجه الی تعیین الحجه) در تبریز بطبع رسـیده توان گفت یگـانه تـألیفی است در اثبات حجه در سال ۱۲۶۷ هجری این شخص در تبریز متولد و در سال ۱۲۸۸ برای تکمیل معارف دینی به نجف اشرف مشرف و بعد به تبریز مراجعت و به حج بیت‌اللّٰه‌الحرام موفق و در سال ۱۳۴۴ مبتلا بدرد چشم بود در اثر شدت مرض چهارم محرم‌الحرام ۱۳۵۲ دار فانی را وداع و جنازه‌اش به نجف اشرف حمل و جنب قبر والد ماجدش در وادی السـلام دفن میشود. این شخصـیت بزرگ فقیه و اصولی و درستکار و عاقل و مسیس و مورد شور رجال و عقلاء بوده ریاست روحانیت شهر تبریز را داشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم بن العلامه العلام آیه الله حاج میرزا احمد مجتهد بن العالمه الحجه المیرزا محمد مجتهد قراچه داغی تبریزی برادر زاده مرحوم مبرور آیه الله حاج میرزا صادق آقای تبریزی از علماء مبرز معاصـر تبریز و از بیوتات اصـیله و علمیه آذربایجان می‌باشـند که تا هفت پشت تمامی از مراجع اعلام و آیات عظام آذربایجان بوده‌انـد. وی در تبریز متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مبادی علوم سطوح فقه و اصول را خدمت مرحوم والد و دیگران فراگرفته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضـر آیـات عظـام مرحـوم آیـه الله العظمی اصـفهانی و آیه الله ضـیاء الـدین عراقی و آیه الله نـائینی و آیه الله غروی اصـفهانی و دیگران اسـتفاده نمـوده سـپس به وطن مراجعت و به انجـام وظـائف دینی و روحی از قبیـل اقـامه جمـاعت و تـدریس و ترویـج دین پرداخته و تاکنون باین سمت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

دیهیم، گیتی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، تحصیل در زبان‌شناسی فرانسه در دانشگاه سوربن فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی فارسی، آواشناسی فارسی، زبان و زبان‌شناسی فرانسه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

آواشناسی عمومی، آواشناسی فرانسوی، زبان فرانسه و زبان‌شناسی فرانسوی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

واج‌شناسی فارسی، واج‌شناسی فرانسوی، زبان‌شناسی فارسی، زبان‌شناسی فرانسوی، آموزش زبان خارجی، آواشناسی فرانسوی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ذاکری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ذاکرخمی

محل تولد : بردسکن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر ذاکری در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای روحانی در روستای خمی (خمین) در یازده کیلو متری شهرستان بردسکن (و کاشمر) متولد شدم . جدم حاج محمد علی معروف به حاج شیخ از روحانیون مشهور و خوشنام منطقه بود . پدرم نیز روحانی است . تحصیلات را تا ششم ابتدایی در روستا گذراندم و پس از آن در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم . در مدرسه دانش یا عتیق حجره گرفتم . مدیریت این مدرسه به عهده آیت الله محمد صادق سعیدی بود . در آن زمان حوزه علمیه کاشمر از رونق خوبی برخوردار بود . ادبیات و بخشی از اصول و منطق را در کاشمر گذراندم . اساتیدم عبارت بودند از : حجج اسلام :۱. حاج شیخ موذنی ؛ بخشی از جامع المقدمات ۲. مرحوم علومی ؛ نصاب ، بخشی از جامع المقدمات ،شرح نظام و عروه الوثقی ۳. حاج شیخ علی اصغر بلاغی ؛ صمدیه و سیوطی ۴. حاج شیخ فضل الله شریعتی محولاتی ؛ مغنی باب اول و رابع و مختصر المعانی ۵. محمد کاظم سعیدی (برادر بزرگتر ایت الله سعیدی) منطق کبری و اندکی از حاشیه ۶. آقای فرقانی ؛ معالم ۷. حاج شیخ جواد مدرسی ؛ تحریر المعالم که اخیرا چاپ شده بود ، بخش بدیع مختصر . طلاب موظف بودند افزون بر درس های معمول ، مسائل رساله عملیه را حفظ کنند و از روی گلستان سعدی و کتاب کلیله و دمنه مشق نوشته و لغات آن را یاد بگیرند تا هم با ادبیات آشنا شوند و هم تمرین خط داشته باشند .

آیت الله مشکینی پس از تبعید به کاشمر ، در مدرسه حاج شیخ درس تفسیر و نهج البلاغه برگزار می کردند که در آن درسها شرکت می کردم و آشنائیم با نهج البلاغه از اینجا آغاز شد .پس از بازگشت آیت الله مشکینی به قم زمینه ای فراهم شد که گروهی از طلاب کاشمر به قم بیایند و من در سال ۱۳۵۵ به قم آمدم و در منزلی که ایشان در اختیار طلاب گذاشتند ساکن شدم . سپس در امتحان ورودی مدرسه امام صادق (ع) شرکت کردم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا بودم . در مدرسه حجتیه حجره گرفتم . در قم در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی شرکت می کردم که بیشترین تاثیر را در شخصیت من و دیگر طلاب کاشمر داشت . دفتر تبلیغات هم کلاسهایی تشکیل میداد که در آنها اساتیدی مانند : آیت الله شهید بهشتی ، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب اسلامی تدریس میکردند . در سال ۱۳۶۰ در بخش فرهنگی مدرسه عالی تربیتی و قضایی قم شرکت کردم و مدرک لیسانس دریافت نمودم . دوره عالی زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را نیز به پایان رساندم . در سال ۱۳۶۲ سطح را امتحان دادم . در سال

۱۳۶۸ بـا بخش احیـاء آثـار دفتر تبلیغات اسـلامی همکاری کرده و در اسـتخراج رجال کتاب مختلف الشیعه به تحقیق پرداختم . در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ با همکاری دوسـتان به اسـتخراج آیات اخلاقی قرآن پرداختیم که محصول آن در مجله حوزه منتشـر شد . ازسال ۱۳۶۸ عضو مجله حوزه شـدم که تا کنون ۳۵ مقاله در این مجله و ۸ مقاله در مجله فقه و همین مقـدار در دیگر مجلات و به مناسبت نشـست هـا و کنگره هـا نگاشـتم که برخی از آنهـا لوح افتخار جشـنواره مطبوعات را به همراه داشت . افزون بر اسـتفاده از اساتیـد در فقه ، اصول و فلسـفه در دانشـکده شـهید محلاتی چنـد ترم نهج البلاغه تدریس کردم ودر مرکز تربیت نویسـنده و محقق دفتر تبلیغات اسلامی به تدریس تاریخ اسلام پرداختم . با برخی ارگان ها برای داوری کتاب و مقالات پژوهشی مانند دین پژوهان و کتـاب سال جمهوری اسـلامی و برخی کنگره ها همکاری دارم . جهت تبلیغ به مناطق مختلف سـفر کردم و به همین منظور به جبهه های جنوب ، غرب و کردستان رفتم .

اساتید قم : تفسیر : آیات : مشکینی ، خزعلی ، معرفت ، اشراقی سطح : آیات و حجج اسلام : باکوئی ، وجدانی ،علی اصغر باغانی ، مدرس افغانی ، مصـطفی نورانی ، صـلواتی ، دوزدوزانی ،شیخ علی پناه اشـتهاردی ، ستوده . خارج : آیات عظام : فاضل لنکرانی ، مکارم شـیرازی ، منتظری ، تبریزی ، صانعی ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی . فلسفه : آیات و حجج اسلام : انصاری شیرازی ، فیاض ، محمد علی گرامی .

ذبیح زاده روشن، علی نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نقی ذبیح زاده روشن

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در رژیم طاغوت قبل از نظام جدیـد راهنمائی پس از سیکل، سال اول تجربی را گذرانـدم و تحت تاثیر جلسات مذهبی در سال تحصیلی ۵۵ – ۵۴ دو سال قبل از اخـذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم گردیـدم و با جمعی از دوسـتان در مـدرسه ای واقع در گذر خـان تحت نظر مرحوم آیت الله مرتضـی حـائری دروس مقـدمات را گذرانـدیم و در سـال دوم یعنی سال تحصـیلی ۵۶ – ۵۵ وارد مـدرسه آیت الله العظمی گلپایگـانی بنـام الونـدیه واقع در چهـار مردان درس سـیوطی و سـایر دروس جنبی را خوانـدیم. و ضـمنا از دورس جامعه شناسـی و روانشناسـی تربیتی آقای دکترعلی قائمی که در بعضـی از مراکز وابسته به حوزه برگزار می شد شرکت می کردم. در سال سوم تحصـیلی ۵۷ – ۵۶ وارد مـدرسه دیگر آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در صـفائیه گشـته و درس مغنی و سایر دروس جنبی را در آن مـدرسه از محضـر اسـتاد طالقـانی و سایر اساتیـد معظم تلمـذ می نمودم که ناگهان به همراه سایرین با حادثه ارتحـال مرحوم حـاج آقـا مصـطفی فرزنـد برومنـد امـام خمینی (رض) مواجه گردیـدیم. این واقعه که به تعبیر امام خمینی (رض) از الطـاف خفیه حضـرت حق بود موجب اوج گیری مبـارزات مردم رشـید ایران به رهـبری امـام گردیـد و بصورت زنجیره ای حوادث جریانات و خاطرات مردم مختلف ایران را بدنبال داشت و از آن تاریخ دروس حوزوی و درس های

مدارس بخاطر شرکت طلاب در روند مبارزات به کندی پیش می رفت. در سال چهارم تحصیلی یعنی ۵۸ – ۵۷ درس ها به صورت رسـمی برگزار نمی شـد و افراد متعهد حوزه و از جمله امثال حقیر بخاطر تکالیف و وظایف مبارزاتی به انجام وظیفه مشـغول بوده و در همان ایام مختصـرا قسـمتهائی از معالم، اصول فقه، مختصـر المعانی را به صورت آزاد نزد اساتید به صورت خصوصـی درس می گرفتیم و شور انقلاب همه مناطق ایران را فرا گرفته بود. در همان سال مردم ایران شاهد قیامهای ۱۷ شهریور تهران، و جابجائی مهره هـای رژیم فاسـد پهلوی نخست وزیران جمشـید آموزگـار، شـریف امـامی، ازهاری و بختیار و در ادامه انتقال امام خمینی (رض) از عراق به پاریس و سـرانجام خروج مفتضحانه شاه و ورود شکوهمندانه امام خمینی (رض) به ایران و آغاز دهه مبارکه فجر تا پیروزی انقلاب اسـلامی ۲۲ بهمن سـال ۱۳۵۷ و انتخـاب و برقراری جمهوری اسـلامی بودنـد. در سـال تحصـیلی ۵۹ – ۵۸ پس از تاهـل به تحصـیل لمعه و اصـول فقه به صـورت آزاد از محضـر اساتیـد بزرگواری چون آیت الله شـیخ علی پنـاه اشـتهاردی و دیگران اشـتغال داشـتم و در همـان ایام از دروس ضـروری و جنبی مربوط به شـرائط اول پیروزی انقلاب که توسط دفتر تبلیغات بوسـیله آیات عظام آقایان مکارم شـیرازی، سـبحانی، مرحوم شـهید باهنر، تمرین خطابه از مرحوم آقای فلسـفی و تفسـیر آیت الله خزعلی و طاهری خرم آبادی و درس شـناخت شناسـی آیت الله مصـباح یزدی در مهدیه واقع در خیابان چهار مردان و اساتید دیگری ارائه می شد، استفاده می کردیم که بسـیاری از آن جزوات هنوز نزد اینجانب موجود است. در ادامه همین سال های نخست پس از پیروزی انقلاب ضمن آنکه تحت فرمان امام خمینی (رض) طبق وظیفه در اوضاع سیاسـی و اجتماعی شـرکت داشـته و دروس متعدد اصلی و جنبی را می خواندیم و در راستای نیازهای جامعه آن روز در مقابله با تفکر مارکسیستی، ماتریالیستی و لیبرالیستی فعالیت می نمودیم. ما در سال تحصیلی ۶۰ – ۵۹ پس از آغـاز جنگ تحمیلی از طرفی وظیفه داشتیم تا در مقابل شـبهات الحادی کمونیستی، امثال لیبرالی و ضـد انقلابی منافقین و دیگران خود را مسـلح علمی نمائیم و از طرفی به دروس حوزوی که نظام منـد می گردید برسـیم و از جهتی دیگر راهی جبهه های حق علیه باطل باشـیم. پس از اتمام شـرح لمعه در همان سال و یا سال های تحصـیلی بعـد دروس مکاسب محرمه و

رسائل را از محضر اساتیدی چون آیت الله بنی فضل و آیت الله اعتمادی استفاده کرده در سال تحصیلی ۶۲ – ۶۱ بخاطر نیاز جوامع علمی وارد موسسه در راه حق قم گردیدم و درس های مختلف معارف قرآن و فلسفه اسلامی و دروس بدایه و نهایه و زبان انگلیسی ریاضی و مکالمه عربی و دروس مبانی رشته های مختلف علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی و ... را نزد اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی استاد فیاضی، دکتر صدیق، استاد مصباحی، دکتر قائمی و دیگران گذراندیم. پس ازآن دوره چهار ساله، طبق برنامه آن موسسه با تعیین گرایش در دوره چهار ساله دوم در بنیاد باقر العلوم(ع) موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در زمینه اختصاصی تاریخ، دورس تاریخ محض و اسلامی را به صورت پیوسته کارشناسی و کارشناسی ارشد گذراندیم و در سال ۷۴ پس از اتمام این دوره، رساله پایان نامه تحت عنوان (ریشه های روابط علمای تشیع با صفویان) تحت نظر استاد راهنما جناب آقای دکتررضا شعبانی و استاد ناظر آقای دکتر صادق آیینه وند دفاع نمودم و پس از گذراندن دوران طولانی که البته حدود دو سال بخاطر تحولاتی در موسسه رشته ما به انعطال انجامید توانستیم در این سال مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را دریافت نمائیم. در همین دوره طولانی طبق ضرورت برنامه موسسه و بعدا دوره اختصاص آن در بنیاد باقر العلوم موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در دروس حوزوی شرکت می نمودیم و دروس مکاسب بیع و خیارات و کفایه الاصول را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیت الله ستوده گذرانده و ضمنا در امتحانات حوزه نیز شرکت می نمودیم. از آن پس در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام تبریزی، سبحانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی جمعا چیزی حدود ۱۲ سال شرکت داشتم و درس ها را یادداشت می نمودیم. در مدارج علمی حوزه ثبت نام نمودم که طبق برگه ای که در دست دارم برای سطح ۴ موضوع خراج در اسلام را تعیین کردند که هنوز وقت نکرده ام تدوین نمایم شاید کتاب ۴ جلدی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت بجای آن پذیرفته شود.از سال تحصیلی ۷۴ – ۷۳ در دانشگاه آزاد قم، مدرسه غیر ایرانی مرکز جهانی و امام خمینی (رض)، مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء موسسه امام خمینی (رض) و دانشگاه باقر العلوم و بعضی از دانشگاه خارج قم دروس مختلف تاریخ اسلام ۱، ۲، ۳، ۴ تاریخ اروپایی ۱، ۲، ۳، ۴ و تاریخ معاصر ایران، تاریخ تشیع، تاریخ تحول دولت و خلافت، دیپلماسی در اسلام، دروس معارف، (معارف، ریشه های انقلاب، اخلاق، متون، تاریخ اسلام)، تاریخ عصر غیبت، تاریخ تشیع از عصر صفویه تا هم اکنون، جریان شناسی مشروطیت، تاریخ مرجعیت شیعه و دروسی چون روش تحقیق، نحو، تفسیر قرآن و متن اختصاصی تاریخ عربی را تدریس نموده ام و در مرکز پژوهشی موسسه امام خمینی(ره) پروژه تحقیقی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت را در ۴ جلد به اتمام رسانده و اینک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و همکار پژوهشی موسسه امام خمینی (رض) می باشم.

ذکاء الملک اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی کتاب «کامل التاریخ» ابن‌اثیر را ترجمه و به ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین شاه پیشکش کرد، که گویا آن نیز کامل نبوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرستوارهٔ کتابهای فارسی (۵۹۸/۱).

ذوالفقاری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن ذوالفقاری در سال ۱۳۴۵ در دامغان بدنیا آمد.وی دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵ و استادیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد.ایشان برگزیده رتبه دوم پژوهشهای کاربردی در نوزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی سال ۱۳۸۴ است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : حسن ذوالفقاری از نوادگان ذوالفقارخان حاکم منطقه قومس و از فرماندهان و معتمدان فتحعلی شاه قاجار است.

خاطرات کودکی : دوران کودکی حسن ذوالفقاری مثل تمام کودکان با بازی سپری شد.کتاب و کتابخانی را با راهنمایی های معلم کلاس سوم ابتدایی ،سرکار خانم کلانتری شروع کرد.دوران راهنمایی و متوسطه ایشان با وقوع انقلاب اسلامی مقارن بود از آن جهت به سوی کتابهای مذهبی سوق یافت .دکتر ذوالفقاری از ماندگارترین خاطرات کودکی همان بازی های کودکانه و سرخوشی های آن دوران یاد می کند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن ذوالفقاری در خانواده ای متوسط و مذهبی متولد شد. پدرش دارای شغل آزاد بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن ذوالفقاری تحصیلات ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه را در شهر محل زادگاهش به پایان رساندو

در رشته فرهنگ و ادب دیپلم خود را اخذ کرد.تحصیلات دانشگاهی ایشان به ترتیب زیر است: - کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی(دبیری) از دانشگاه بین المللی امام خمینی در سال ۱۳۶۸ - کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی(پژوهشی و آموزشی) از پژوهشگاه علوم انسانی در سال ۱۳۷۰ - دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵ عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد وی با استاد راهنمایی دکتر مظاهر مصفا به شرح زیر است ": بحر طویل فارسی و بحر طویل سرایان" عنوان پایان نامه دکتری دکتر ذوالفقاری با استاد راهنمایی دکتر مظاهر مصفا " : شرح احوال آثار و افکار معروف کرخی"

خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل حسن ذوالفقاری مصادف با وقوع انقلاب اسلامی و همراه با راهپیمایی های شکوهمند مردم بود.وی همچنین شاهد جنگ تحمیلی حق بر باطل بوده و در این جبهه ها حضور فعال داشته است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن ذوالقاری ضمن تحصیل در انجمن های اسلامی ، علمی و دانشجویی عضویت داشتند.وی همچنین در راه اندازی نمایشگاههای کتاب همکاری می کرد.در دوران تحصیلات تکمیلی با بنیاد دایره المعارف اسلامی همکاری می کرد و کم کم به مطبوعات رو آورد و نگارش مقاله ،سردبیری هفته نامه کویر در استان سمنان را بر عهده گرفت.

استادان و مربیان : دکتر شفیعی کدکنی ،دکتر مظاهر مصفا،دکتر علی شیخ الاسلامی ،دکتر زرین کوب ، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، دکتر اسماعیل حاکمی ، دکتر جلیل تجلیل ،دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر غلامحسین یوسفی (از استادان دانشگاه) ،حسین معلم و پرویز ارسطو (دبیر دبیرستان) از دبیران و استان حسن ذوالفقاری می باشد.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد رضا شندی ، دکتر محمد عزوم، دکتر حسین داودی ، دکتر ابراهیم خدایار ،دکتر ناصر نیکوبخت،دکتر روح الله هادی، دکتر غلامحسین زاده، دکتر حسین پاشیده ،دکتر قبادی و دکتر بیگدلی و غیره از همدوره ایهاو همکاران حسن ذوالفقاری هستند.

همسر و فرزندان : حسن ذوالفقاری در سال ۱۳۷۰ با سرکار خانم فرحناز مفیدی (کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی و همکارش) ازدواج کردو حاصل این ازدواج دوفرزند یکی پسر بنام سینا (۱۷ ساله) و دیگری زهرا (۱۳ ساله) است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی حسن ذوالفقاری : ۱. دبیر آموزش و پرورش دامغان (از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۰) ۲. انتقال به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی کتب درسی (از سال ۱۳۷۱ – ۱۳۸۳) ۳. عضویت هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس عضویت در مجامع علمی : ۱- عضو مدخل نگاران بنیاد دایرهٔ المعارف اسلامی ۲- عضو شورای پژوهشی کتابخانه مجلس شورای اسلامی تا سال ۱۳۸۱ ۳- عضو کمیتهٔ علمی المپیاد ادبی ۴- عضو هیأت علمی مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی (از سال ۱۳۷۵ تاکنون) ۵- عضو شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی -۶ همکاری با شورای بررسی متون (داوری) ۷- عضو کمیته کار شورای زبان فارسی و فن‌آوری اطلاعات (معاونت پژوهشی وزارت ارشاد) ۸ – عضو شورای علمی مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس ۹- عضو انجمن علمی ویراستاران ایران ۱۰- عضو انجمن مطالعات ایران شناسی (کرمان) ۱۱-عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران ۱۲-عضو هیأت رییسه انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی ۱۳-عضو انجمن روزنامه نگاران مسلمان ۱۴-عضو صندوق هنرمندان،مصنفان،نویسندگان داوری مجلات علمی : ۱- فصلنامه رشد آموزش زبان ادب فارسی ۲- مجلهٔ فرهنگ مردم به سردبیری سید احمد وکیلیان ۳- دو، فصلنامه پژوهشی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی ۴- فصلنامه پژوهشی ادبی انجمن زبان و ادبیات فارسی

فعالیتهای آموزشی : دروس ارائه شده توسط حسن ذوالفقاری : ۱- دروس تخصصی رشته ادبیات ۲- فارسی عمومی ۳- آموزش ویراستاری ، گزارش نویسی، مکاتبات اداری ۴-ادبیات عامه

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر ذوالفقاری یکی از بانیان بنیاد مطالعات زبان و ادب عامه (در حال تاسیس) و دفتر تدوین ضرب المثل های فارسی (تاسیس از سال ۱۳۸۰) می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیتها حسن ذوالفقاری به شرح زیر است: الف) همکاری با مطبوعات کیهان اندیشه ، ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲ کیهان فرهنگی، آینده، ادبستان مجله ادبیات داستانی، کتاب ماه، اهل قلم، فرهنگ قومس مجله ادبیات داستانی، کتاب ماه، اهل قلم، فرهنگ قومس آیینه میراث، مجلات رشد، کتاب ماه، ادبیات فلسفه، ۱۳۷۰ تاکنون عضو هیأت تحریریه هفته نامه کویر از سال ۱۳۷۸-۱۳۷۰ مدیر داخلی رشد زبان و ادب فارسی از سال۱۳۷۱ تاکنون ب) تولید مواد کمک آموزشی و فن آوری آموزشی ۱- مدیر علمی و نویسندهٔ CD شاهنامهٔ فردوسی (شامل انیمیشن، نقالی، موسیقی، داستان خوانی، ساده سازی، بازنویسی و . . .) مؤسسه تبلیغاتی حور– کانون انفورماتیک ۲- نوارهای آموزش زبان فارسی پیش دانشگاهی، نویسنده و مدیر علمی، دفتر تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش و پرورش(۹ نوار صوتی) ۳- گزارش نویسی، نوار ویدئویی ۱۸۰ دقیقه آموزش اصول گزارش نویسی برای مدیران سراسر کشور، ۱۳۷۶، سازمان مدیریت دولتی ۴- نویسندهٔ متن و محقق فیلم (خورشید برنیزه) گزارش عزاداری‌های دامغان، به سفارش شبکه سحر و دوم ۵- محقق و مدیرعلمی اطلس مصور دامغان شامل ۲۰۰۰ قطعه عکس با زیرنویس فارسی و انگلیسی ۶- مشاور تولید نرم افزار آموزش فارسی اول ابتدایی، شرکت نرم افزار ۷- مدیر علمی و تهیه کننده نرم افزارهای آموزشی کتاب های دوره دبیرستان (۱۳ لوح فشرده)

همفکران فرد : از همفکران حسن ذوالفقاری می توان به افراد زیر اشاره کرد: ۱- دکتر مظاهر مصفا ، استاد گروه ادبیات ، دانشگاه تهران ۲- دکتر شفیعی کدکنی ، استاد گروه ادبیات ، دانشگاه تهران ۳- دکتر تقی‌پور نامداریان ، استاد پژوهشگاه علوم انسانی

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی حسن ذوالفقاری به قرار زیر است : ۱- فرهنگ مردم ۲- ادبیات داستانی ۳- آموزش زبان فارسی

جوائز و نشانها : دکتر حسن ذوالفقاری تا کنون ۱۷ جایزه و لوح تقدیر از جشنواره ها ی داخلی و خارجی دریافت داشته است.از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- برگزیده ی نوزدهمین جشنواره ی بین المللی خوارزمی،۱۳۸۴(فارسی بیاموزیم) ۲- برگزیده ی پنجمین جشنواره ی کتاب های رشد ،۱۳۸۴(کتاب کار و راهنمای زبان فارسی دوم دبیرستان) ۳- برگزیده ی چهارمین جشنواره ی کتاب های رشد،۱۳۸۳(کتاب کار بخوانیم و بنویسیم اول دبستان) ۴-برگزیده ی کتاب تقدیری کتاب سال،

۱۳۸۴(فارسی بیاموزیم) ۵- برگزیده سومین جشنواره کتابهای کمک آموزشی ،تقدیر از تالیف کتاب کار انشا و نگارش ۶- برگزیده پنجمین جشنواره کتابهای کمک آموزشی سپاس از تالیف کتاب زبان فارسی ۱ ۷- برگزیده چهارمین جشنواره کتابهای کمک آموزشی تقدیر از تالیف کتاب کار بخوانیم و بنویسیم ۸- برگزیده مؤلفان استان سمنان در سال ۱۳۸۶ برای تالیف کتاب زبان و ادبیات فارسی

چگونگی عرضه آثار : مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی : ۱۱۱ مقاله مقالات ارائه شده در مجامع علمی : ۸ مقاله طرحهای تحقیقاتی اجرا شده و در دست اقدام :۸ مقاله کتاب (نگارش یا ترجمه) :۲۶ کتاب تعداد عناوین پایان نامه ها کارشناسی ارشد :۹ پایانامه سفرهای خارجی حسن ذوالفقاری : ۱- سفر به اتریش، بازدید از فعالیتهای مدارس ایرانی، ۱۳۸۰ ۲- سفر به نیویورک ، شرکت در پنجمین همایش شورای گسترش زبان فارسی در آمریکای شمالی ، نیوجرسی ، ۱۳۸۰ ۳- سفر به چین، بازآموزی استادان فارسی کرسی‌های فارسی دانشگاههای چین، ۱۳۸۳ --

آثار :

۱ ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات دکتر محجوب)

ویژگی اثر : نشر چشمه، چاپ سوم، ۱۳۸۴

۲ بدیع الزمان نامه(تصحیح)

ویژگی اثر : نشر چشمه(دردست چاپ)

۳ بهرام و گلندام (تصحیح)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۴ پیغام اهل راز

ویژگی اثر : انتشارات پویش معاصر، ۱۳۸۰

۵ چاه وصال (تصحیح و تحلیل و پژوهش)

ویژگی اثر : سراینده میرزا احمد سند، تهران ، اهل قلم ۱۳۷۵

۶ چهل داستان کوتاه از چهل نویسنده معاصر،

ویژگی اثر : تهران، انتشارات نیما، ۱۳۷۸، چاپ سوم، ۱۳۸۴

۷ حافظ به روایت شهریار

ویژگی اثر : تهران ، چشمه ، ۱۳۸۱

۸ حافظ قدسی

ویژگی اثر : انتشارات پویش معاصر، ۱۳۸۰

۹ حسن و دل (تصحیح)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۱۰ خورشید آفرین و فلک ناز(تصحیح)

ویژگی اثر : نشر چشمه(دردست چاپ)

۱۱ داستان‌هاب امثال

ویژگی اثر : نشر مازیار، ۱۳۸۴

۱۲ در قلمرو آموزش زبان وادبیات فارسی

ویژگی اثر : تهران، مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی ، سازمان پژوهش وزارت آموزش و پروش ، ۱۳۷۷

۱۳ راهنمای درست نویسی

ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳

۱۴ زبان و ادبیات عمومی (فارسی عمومی مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌های کشور)

ویژگی اثر : چاپ اول ۱۳۷۸، چاپ سی و سوم، ۱۳۸۴، نشر چشمه

۱۵ سردلبران

ویژگی اثر : نشر مازیار، ۱۳۸۵

۱۶ فارسی بیاموزیم، (آموزش فارسی به ایرانیان خارج از کشور)

ویژگی اثر : جلد، انتشارات مدرسه به همراه نوار و CD

۱۷ فرهنگ جامع ضرب المثل‌های فارسی (موضوعی – کلید واژه‌ای)

ویژگی اثر : انتشارات مازیار، (در دست چاپ) ۴ جلد

۱۸ فرهنگ دانش آموز،

ویژگی اثر : تهران، نشر استادی، ۱۳۷۸

۱۹ قاف غزل

ویژگی اثر : نشر چشمه، ۱۳۸۳

۲۰ کتاب کار انشا و نگارش و ویرایش (۲ جلد)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر، ۱۳۷۵،۱۳۷۵ چاپ دوم ۱۳۸۰

۲۱ کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی (دوره دبستان، دبیرستان و پیش دانشگاهی)، ۲۶ جلد، وزارت آموزش و پرورش (با

همکاری)

۲۲ کوه عجایب (بازنویسی افسانه‌های مردم دامغان)

ویژگی اثر : انتشارات همراه، ۱۳۷۴ (چاپ سوم)

۲۳ مجموعهٔ کتابهای راهنمای آموزش زبان و ادبیات فارسی

ویژگی اثر : ۹ جلد انتشارات فاطمی، ۱۳۸۳

۲۴ معشوق بنارس (تصحیح)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۲۵ مکاتبات اداری

ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲

۲۶ منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی،

ویژگی اثر : تهران، نیما، ۱۳۷۴، چاپ دوم ، ۱۳۸۳

۲۷ مهارت های نگارشی

ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی و در دست چاپ

۲۸ هشت بهشت

ویژگی اثر : کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان،۱۳۸۵

۲۹ وامق و عذرا(تصحیح)

ویژگی اثر : نشر چشمه(دردست چاپ) ---

منابع :

http://www.ksabz.net/article.asp?AID=۵۱۰۶۲۱پرسشنامه تکمیل شده فرهیختگان توسط دکتر حسن ذوالفقاری بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی – بهار ۱۳۸۶۳مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

ذوالقدر، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ذوالقدر رافتخارترین مربی تکواندو است.

او در این چند سال آن قدر مورد توجه فدراسیون پولادگر بودکه حالا همه پذیرفته اند او بیش از سایر همتاهایش با جو و فضای تکواندوی دنیا آشناست. سرمربی تیم ملی تکواندو یکی از مربیان مطرح کنونی جهان هم محسوب می شود. اعتماد به نفس و دلسوزی او زبانزد است، مهم آنکه شاگردانش او را بسیار قبول دارند و کاملا در طول مبارزات از تدابیرش نهایت بهره را می برند . ذوالقدر پیرامون دوره هفدهم مسابقات قهرمانی جهان می گوید: «امیدوارم حوادث دوره پیش در مادرید تکرار نشود.» او که تاب مقاومت در مقابل بی عدالتی های کره ای ها را از دست داده بود، حتی با محرومیت هم مواجه شد، و لیکن رایزنی های گسترده فدراسیون تکواندو باعث شد تا او دوباره به صحنه بازگردد. وی اعتقاد دارد که تیم پرستاره ایران هیچ چیز برای قهرمانی کم ندارد و حتی می توان گفت که این تیم بهترین تیم تاریخ تکواندوی ایران است منابع زندگینامه :-http://taekwondo-chagi.blogfa.com

ذوعلم فشارکی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد باقر. عالم عامل، و فاضل بزرگوار، از شاگردان آخوند محمد حسین فشارکی و داماد ایشان، و امام مسجد یزدآباد. از موثقین علمای اصفهانی، و محبوب القلوب عند الخواص و العوام بود.

تألیفاتی دارد، از ان جمله است: نور الآفاق، در شرح دعای مکارم الاخلاق که بسیار خوب و محققانه نوشته شده، و تاکنون چندین مرتبه به طبع رسیده است، در دو مجلد.

مشارالیه در ۷ ماه صفر سال ۱۳۷۳ در مسافرت در رامسر وفات یافته، جنازه به قم منتقل گردیده، در مقبره‌ی شیخان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ذوقی بسطامی، فتح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۸/۱۲۷۴ ق)، خطاط، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ذوقی. اصلا از طایفه‌ی عرب بنی‌عامر و ساکن بسطام بود. در اوایل دوره‌ی محمد شاه قاجار، برای دیدار دایی خود، حبیب‌اللّه خان عرب، به فارس رفت و در شیراز به تکمیل تحصیلات پرداخت و صاحب دیوان رسائل شد. در ادبیات فارسی و عربی و ریاضیات سرآمد بود. میرزا طاهر، صاحب کتاب «گنج شایگان»، او را آگاه به علم ریاضی، هیئت و حکمت و تاریخ می‌داند. ذوقی تمام خطوط را خوش می‌نوشت. هنگامی که جعفر قلی خان شادلو به ایالت بجنورد و جوین و جاجرم و استرآباد مامور شد، حکیم فتح‌اللّه را به عنوان رییس دفتر رسائل خود به همراه برد. با هدایت صاحب «مجمع الفصحا» چه در شیراز، چه در تهران معاشرت داشت. هنگام تالیف «گنج شایگان» میرزا طاهر (۱۲۷۲ ق) در قید حیات بود و هنگام تالیف «مجمع الفصحا» سال ۱۲۸۸ ق، فوت کرده بود. ذوقی تنها یک دختر داشت که صاحب کمال بود و بسیاری از اشعار شاعران عرب را از بر داشت و با ادبیات عرب آشنا بود و شعر می‌گفت و سلطانی تخلص می‌کرد و خط نسخ را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۳ -۵۶۲ /۲)، تذکره‌ی طلعت (۸۲)، حدیقه الشعراء (۶۴۴ -۶۴۰ /۱)، الذریعه (۳۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۵۵)، گنج شایگان (۱۸۸ -۱۸۲)، لغت نامه (ذیل/ ذوقی بسطامی)، مجمع الفصحا (۳۰۳ -۲۹۹ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۶۶ -۶۵).

ذهبی شیرازی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی هنری لاندر»، دربردارنده‌ی جنگ چین و فرنگیان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۰/۱۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۳۲ ،۱).

راد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد راد ملقب بصیر دیوان ، فرزند حاج میرزا مصطفی بود . او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود . به هنگام تحصیل در این مدرسه و تکمیل تحصیلات به شغل معلمی نیز پرداخت و در مدارس ملی به کار تدریس مشغول شد ، پس از مدتی به خدمات وزارت معارف درآمد . در ضمن ماموریت به رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود . در آنجا به سراغ میرزا کوچک خان جنگلی رفت .میرزا او را مامور دریافت گمرک انزلی کرد . پس از آن مجددا به معلمی پرداخت .و به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستان ها ، بازرس عالی وزارتی ، رییس آموزش ابتداییرا به عهده گرفت . از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۵۸ که به علت ناتوانی جسمی از مشاغل رسمی کناره گیری کرد مستوفی مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق)فعالیت نمود . احمد راد مقاله های بسیاری از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله «یغما » به چاپ رسیده است . از او بیش از سی اثر به یادگار مانده است . وی در ۱۳ مرداد ۱۳۶۳ در تهران دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهوالدین و انساب : احمد راد ملقب به بصیر دیوان ،فرزند حاج میرزا مصطفی بود .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمد راد چهارده ساله بود که پدرش درگذشت وسرپرستی خواهر و برادر و مادررا به عهده او گرفت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد راد تحصیلات خود رادر مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود.وقایع میانسالی : احمد راد در ضمن ماموریت رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود .در آنجا به سراغ میزار کوچک خان جنگلی رفت و میرزا او را مامور دریافت گمرک انزلی کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد راد مدتی تصدی وزارت معارف را به عهده داشت و در این مدت به وی واگذار شد . پس از مدتی به خدمت وزارت معارف درآمد و ماموریتهایی را به شهرهای رشت ،شیراز و مشهد عهده دار شد. درزمان تصدی گمرک انزلی نیزبدون چشم داشت به درآمد گمرک وظایف خود را انجام داد . او همچنین مدتی به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستانها ،بازرس عالی وزارتی ،رییس آموزش ابتدایی خدمت نمود . از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۵۸ که علت ناتوانی خود کناره گیری کرد مستوفی مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) فعالیت نمود .فعالیتهای آموزشی : احمد راد به هنگام تحصیل در مدرسه آلیانس فرانسه وتکمیل تحصیلات به شغل معلمی درمدارس ملی هم پرداخت و این شغل را پس از اتمام تحصیلات ادامه داد .چگونگی عرضه آثار : احمد راد مقاله های بسیاری را از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله (یغما) به چاپ رسیده است .آثار : آگهی دل از آینده ، آیا رمز وراثت کشف شده است ، آیا عمر آدمی به ۱۵۰ سال خواهد رسید ، از اتم چه می دانیم ، از حیوانات هواشناسی بیاموزیم ، از سنجاب تقلید نکنید ، از هر خرمنی خوشه ای ، انسان برتر از انسانها، پیدایش حیات بر روی زمین ، پیروزی بزرگی در زیست شناسی، پیروزیهای تازه در کشف اسرار مغز ، ترقی معجزه آسای ژاپن ، تعیین ارزش اصول اخلاقی هرنسل ، تولد عیسی ، جهانی که در آن زندگی می کنیم ، چرا با بینی نفس می کشید ، چرا جان کلن به خدا ایمان آورد ، حدود قوه ادراک آدمی ، خطرات فرود آمدن بر روی ماه ، خواب دیدن از نظر علمی ، درسی که آموختیم ، دستورهایی برای صد سال عمر کردن ، زخم چگونه

التیام می پذیرد ، زندگی شگفت انگیز موریانه ،ساعت چنداست، صد سال عمرکنیدبا نشاط جوانی ،کشف زبان حیوانات ، گردباد حیرت انگیز جهان ، ممکن است شما جوانتر از آن باشید، نسخه ای برای گوارا کردن زندگی ، نیوتن ، یک ماشین الکترونیک درمغز بشر

منابع زندگینامه : گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ – ۱۳۷۶ ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۳۵۳

رادمنش، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۴ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تجزیه و تحلیل مباحث بلاغی یا ترجمه الصناعتین، تفسیر هنجارهای مربوط به زن در قرآن، تدریس دروس مقدمات تفسیر، متون عرفانی العربی، معارف اسلامی، قواعد عربی، تاریخ فرهنگ عرب به عربی و فارسی و متون عربی، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نمونه‌هائی از متون نثر و نظم قدیم زبان فارسی، گزیده متون نظم و نثر عربی، نحو برای دانشجو، نمونه‌هائی از اشعار شعرای متعهد، نمونه‌هائی از آیات و احادیث، راه و روش تربیت از دیدگاه حضرت علی (ع)، آشنائی با علوم قرآن، ارزشهای اخلاقی در فقه امام صادق (ع) و تفسیر سوره‌های حمد و حجرات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

خلاصه نظریه شیخ عبدالقاهر، مثل در ادب فارسی و جهاد شیعه در صد سال اول، ترجمه دو مقدمه از شیخ عبدالقاهر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رادویانی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب. از وی اطلاعی در دست نیست ولی آنچه مسلم است به شاعران دوره‌ی اول غزنوی قریب‌العهد بود، زیرا آخرین شاعران مذکور در کتاب او که اشعارشان را به استشهاد آورده، گویندگان عهد محمود و مسعودند. تنها اثری که از او مانده کتاب مهمی است در بدیع و محسنات کلام به نام «ترجمان البلاغه» که به خطا آن را از فرخی سیستانی می‌دانستند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۹ -۹۱۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۷ -۶۴۶ /۵).

رازانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسین رازانی بروجردی از فضلاء و دانشمندان معاصر تهران می‌باشند. وی در سال ۱۳۲۲ ق در بروجرد چشم بجهان گشوده و تحصیلات مقدماتی را در بروجرد بانجام رسانیده و برای تکمیل و خاتمه‌ی تحصیل در ابتداء تاسیس حوزه علمیه قم در زمان مرحوم آیت‌اللّه حایری به آن دیار مهاجرت نموده در سلک شاگردان آن مرحوم قرار گرفتند. پس از فوت آن مرحوم به بروجرد مراجعت نموده اشتغال بتحصیل و مباحثات علمی داشتند.

این مرد علمی مجددا در زمان مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم معاودت کرده و در ضمن اشتغال بتدریس به پاره‌ای از اصلاحات و انتظامات حوزه علمیه حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی توفیق یافت.

چند سال قبل مشارالیه مسافرتی به آمریکا کرده و در ضمن تحقیق و بررسی اوضاع مسلمانان و انجام پاره‌ای مراسم دینی و مذهبی حضرات مراجع قم مخصوصا حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای گلپایگانی را بگرفتاری مسلمانان آن منطقه و احتیاج مبرم آنها به رهبران مذهبی متذکر نمود که خوشبختانه از طرف معظم له در این قسمت اقداماتی شده و میشود.

حجهٔالاسلام رازانی پس از مراجعت از آمریکا در طهران ساکن و به اشتغالات علمی و تدریس سطوح عالیه در پاره‌ای از مدارس می‌پردازند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رازی تهرانی، خلیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۰ -۱۱۸۰ ق)، طبیب و ادیب. از آثار وی: «ارجوزه فی نصیحه الاطباء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۲۴/۴).

رازی، ابوالفتح سلیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۷ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب شافعی و محدث. وی در آغاز فنون ادب را به کمال آموخت و پس از چهل سالگی به تدریس پرداخت. او در فقه شاگرد ابوحامد اسفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصیر و احمد بن فارس لغوی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی‌حامد اسفراینی و احمد بن محمد بن صلت مجبر و ابواحمد فرضی روایت می‌کرد. وی به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خطبی و ابومحمد کتانی و سهل بن بشر اسفراینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کردند. گویند: وقتی که در بغداد بود نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را جمع می‌کرد، تا موقعی که از تحصیل علم فراغ حاصل کرد، سپس همه‌ی نامه‌ها را گشود و خواند و به اخبار دردناک مندرج در آنها- که اگر قبلا خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خویشان- وقوف یافت. سلیم در سفر مکه پس از انجام اعمال حج در ساحل جده در دریای قلزم غرق شد. از آثارش: «التقریب» در فروع؛ «روح المسائل»، در فروع؛ «ضیاء القلوب»، در تفسیر قرآن؛ «غریب الحدیث»؛ «الکافی»، در فروع؛ «المجرد»، در فروع؛ «الاشاره»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۶۳۰، ۱۵۹۳، ۱۳۷۸، ۱۲۰۵، ۱۰۹۱، ۹۱۵، ۴۶۶، ۹۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۲۸ -۱۲۷)، معجم المؤلفین (۲۴۳/۴)، الوافی بالوفیات (۳۳۴/۱۵)، وفیات الاعیان (۳۹۹ -۳۹۷ /۲)، هدیه العارفین (۴۰۹/۱).

رازی، ابوزکریا یحیی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۸ ق)، واعظ و زاهد. اهل ری بود. در بلخ اقامت داشت و در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «کتاب المریدین» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۸/۹)، الفهرست لابن الندیم (۲۶۰)، معجم المؤلفین (۲۳۲/۱۳)، هدیه العارفین (۵۱۶/۲).

رازی، ابوعلی حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۸۵ ق)، نحوی و لغوی. وی از ملازمان صاحب بن عباد بود. از آثار وی: «المبسوط فی اللغه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۲۷۰/۳)، الوافی بالوفیات (۲۰۳/۱۲).

رازی، بدرالدین، ابوالمحامد احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۱ ق)، عالم و ادیب حنفی. از آثار وی: «الطائف القرآن»؛ «فضائل القرآن»؛ «اذکار القرآن»، در ادعیه؛ «بذل الحبا فی فضل آل العبا»؛ «الاستدراک»، در حدیث؛ «المقامات»، شامل دوازده مقامه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۰۵ ،۱۹۷ /۲ ،۱۷۴ ،۷۰ ،۵۳ /۱)، ری باستان (۲۸۶/۲)، کشف الظنون (۱۷۸۵)، معجم المؤلفین (۱۵۸/۲)، هدیه العارفین (۹۲/۱).

رازی، زین‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۶۶۶ ق)، فقیه، مفسر، لغوی، ادیب و صوفی حنفی. اصل وی از ری است. طی سفری از مصر و شام دیدار کرد و در پایان عمر، در سال ۶۶۶ ق، در قونیه بود. او در تفسیر قرآن مشهور است. صاحب «ریحانه الادب» و به تبع آن دهخدا در «لغت نامه» رازی را از علمای قرن هشتم و متوفای بعد از سال ۷۶۸ ق دانسته‌اند. از آثار وی: «انموذج جلیل فی اسئله و اجوبه من غرائب آی التنزیل»؛ «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز»؛ «روضه الفصاحه»، در علم بیان؛ «کنوز البراعه فی شرح المقامات الحریریه»؛ «مختار الصحاح»، در لغت که تلخیص «صحاح» جوهری است و در ۶۶۰ ق خاتمه یافته؛ «حدائق الحقائق»، در مواعظ؛ «دقائق الحقایق»، در تصوف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۹/۶)، ایضاح المکنون (۳۸۹/۲، ۴۷۵/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۷ -۲۸۶ /۳)، ری باستان (۳۴۶/۲)، ریحانه (۴۰۵ ،۲۸۸ /۲)، کشف الظنون (۱۰۷۳ -۱۰۷۲ ،۶۳۳ ،۹۲)، لغت نامه (ذیل/ رازی، زین‌الدین)، معجم المؤلفین (۱۱۲/۹)، هدیه العارفین (۱۲۷/۲).

رازی، ضیاءالدین، ابوالقاسم عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۵۹ ق)، عالم، متکلم، خطیب، ادیب و محدث شافعی اشعری. ساکن و خطیب ری بود. وی پدر فخرالدین رازی (وف ۶۰۶ ق) است. علم کلام را از ابوالقاسم انصاری، شاگرد امام الحرمین، فراگرفت. نثر نوشته‌هایش آنقدر زیباست که حریری در «مقامات» خود از آنها بسیار نقل می‌کند. از آثارش: «غایه المرام فی علم الکلام»، در دو مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۳۳۷ -۳۳۶ /۲)، ریحانه (۱۴۹ -۱۴۸ /۲)، معجم المؤلفین (۲۸۲/۷)، هدیه العارفین (۷۸۴/۱).

رازی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۹۴ ق)، طبیب، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد و در همان جا متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت و به تحصیل پرداخت و در حله درگذشت. از آثارش: «تعالیق علی شرح ابن نفیس»، در طب؛ «ارجوزه فی النبض»؛ «حواش علی القانون»؛ و اشعار زیادی از او باقیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۸۹ -۸۸ /۵).

رازی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله رازی, نویسنده, روزنامه نگار و شاعر در سال ۱۲۷۳ هجری شمسی در همدان به دنیا آمد.پس از تحصیلات مقدماتی در ایران, به هندوستان و از آنجا به پاریس رفت و موفق به دریافت لیسانس در رشته حقوق شد, سپس به مصر عزیمت کرد و به نشر مجله های «رستاخیز», «سودمند» و «عصر پهلوی» پرداخت. او پس از مراجعت به ایران, به استخدام وزارت کشور درآمد و به

تدریس تاریخ ایران پرداخت .رازی در اوشان تهران در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی درگذشت و در ابن بابویه دفن شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده, روزنامه نگار و شاعر

والدین و انساب : عبدالله رازی, فرزند ابراهیم است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالله رازی پس از تحصیلات مقدماتی در ایران, به هندوستان و از آنجا به پاریس رفت و موفق به دریافت لیسانس در رشته حقوق شد,

زمان و علت فوت : عبدالله رازی در اوشان تهران در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی درگذشت و در ابن بابویه دفن شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالله رازی پس از اخذ لیسانس خود از پاریس ،به مصر عزیمت کرد و به نشر مجله های «رستاخیز», «سودمند» و «عصر پهلوی» پرداخت. وی با روزنامه‌های «حبل‌المتین», «ایرانشهر», و «فرهنگستان» نیز همکاری میکرد. پس از مراجعت به ایران, مجله «سودمند» و روزنامه «آزاد شرق» را برای مدت کوتاهی منتشر کرد. او به استخدام وزارت کشور درآمد و به تدریس تاریخ ایران پرداخت

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آزادیِ شَرْق، نشریهای هفتگی، به مدیریت عبدالله رازی که از سال ۱۳۲۴ش در تهران منتشر میشد. شمارههای سال اول آن (۱–۳۰، به استثنای شمارههای ۱۵ و ۲۰) و سال دوم (۳۱–۵۱) و سال سوم (۵۶–۷۸) در آرشیو کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران باقی است. در آخرین شمارهٔ موجود، نام اکبر مسعودی شیرازی به عنوان مدیرمسئول آن یاد شده است. آزادی شرق بیانکنندهٔ نظرات سیاسی و اجتماعی رازی است که در مجموع، نوعی التقاط افکار سوسیالیستی و سلطنتطلبی بود. این نشریه مدتی توقیف شد و یک چند به نام آزادی خلق منتشر گردید

چگونگی عرضه آثار : عبدالله رازی شعر نیز میسرود ;اشعار وی در کتابهای ادبی و مجلات آن روزگار چاپ شده است.عبدالله رازی دارای تألیفاتی در تاریخ و ادبیات (شعر و نمایشنامهنویسی) است. وی قبلاً مجلهٔ سودمند را در قاهره به زبان فارسی منتشر میکرد که بعدها به رستاخیز، و سپس عصر پهلوی تغییر نام داد.

رازی، محمد شریف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، در سال ۱۳۰۰ش (۱۳۴۰ق) در خاندانی متدین در شهر ری به دنیا آمد. در سیزده سالگی پدر را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت. وی در هفده سالگی با صلاحدید آیت‌اللّه شیخ محمدتقی بافقی که دوران تبعیدش را در شهر ری می‌گذارند، به قم رفت و به تکمیل سطوح عالی حوزه همت گماشت. حجت‌الاسلام شریف رازی پس از آن رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و مدتی از درس سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد. ایشان همچنین پس از چند ماهی که از دروس آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس استفاده نمود، در قم رحل اقامت افکند و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سیدحسین بروجردی حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. حجت‌الاسلام شریف رازی در سال ۱۳۳۳ش به شهر ری رفت و در مدت اقامت پنج ساله در آنجا، در تاسیس، مدیریت و تدریسِ مدرسه بُرهانیه نقش مهمی ایفا نمود. از آن پس به قم بازگشت و به تالیف و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید. وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسبیه و روایتی دریافت داشت که از جمله آنها، اجازات روایی حضرات آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ علی‌اکبر نهاوندی و سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. حجت‌الاسلام شریف رازی در ضبط تاریخ حوزه‌های علمیه و بزرگان شیعه اهتمامی خاص داشت و با تالیف و نگارش کتاب‌های آثارُالحُجَّه یا دایرةالمعارف حوزه علمیه قم در ۲ جلد و نیز گنجینه دانشمندان درباره شرح حال زندگی علمای معاصر شیعه در ایران و عراق، در ۹ جلد، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. علاوه بر این از شریف رازی آثار با ارزش دیگری بر جای مانده که اختران فروزان ری و تهران، کرامات صالحین، چرا شیعه شدم، مشاهیر دانشمند اسلام، تعلیقه بر وسایل الشیعه در ۵ جلد و تعلیه بر بحارالانوار در ۶ جلد و... از آن جمله‌اند. معظمٌ‌له سرانجام پس از عمری تحقیق و نگارش، در بیست و پنجم فروردین ۱۳۷۹ش برابر با هفتم محرم ۱۴۲۰ق در هفتاد و نه سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

رازینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و قدوه الاعلام آقای میرزا حسن بن حاج رجبعلی رازینی همدانی از علماء اعلام و حجج اسلام حوزه علمیه قم می‌باشد در تاریخ ۱۳۱۶ قمری در قریه رازین همدان متولد شده و در خانواده اصیل و پدر سخاوتمندی تربیت یافته و مقدمات را در آن حدود خوانده و با شوقی فراوان برای ادامه تحصیل به همدان آمده و با فشار و سختی فراوان در همدان توقف نموده و مقدمات و ادبیات را خوانده و به اتفاق برادر خود آقاشیخ علی مهدوی به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید حوزه و بالاخص مرحوم

آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و در شدت و عسرت طاقت‌فرسائی در آن زمان به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۱ ق با مرحوم آیت‌الله حایری به عنوان تبلیغ و تدریس به همدان مراجعت نموده و در اطراف همدان به اقامه جماعت و ارشاد عوام اشتغال یافته تا در سال ۱۳۹۰ هجری که مهاجرت به قم نموده و رحل اقامت افکنده است دارای پنج فرزند ذکور به نامهای ذیل است که همه اهل فضل و کمال و در حوزه به تدریس و درس و بحث اشتغال دارند.

۱- میرزا محمد ۲- میرزا ابوالقاسم ۳- میرزا محمود ۴- میرزا اسماعیل ۵- میرزا علی رضای رازینی ادام‌الله توفیقاتهم و برکاتهم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

راستگو علی آبادی، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر راستگو علی آبادی

محل تولد : جیرفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به علت علاقه به دروس حوزوی وارد حوزه علمیه یزد شدم بعد از دو سال تحصیل آمدنم به قم المقدسه فراهم شده و تحصیلات خویش را در حوزه مقدسه قم ادامه دادم.همراه با دروس حوزوی در سال ۶۸ در رشته اقتصاد بازرگانی دانشگاه مازندران (بابلسر) قبول شدم، دو ترم خواندم که متأسفانه با بحران اقتصادی مواجه شده و ترک تحصیل کردم.تا اینکه بار دیگر در سال ۷۳ در رشته علوم سیاسی شرکت کرده و در دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم قبول شدم. سال ۷۶ لیسانس گرفتم، (که متأسفانه به علت مشکلات اقتصادی توفیق ادامه تحصیلات دانشگاه را تاکنون پیدا نکردم) و در دفتر تحقیقاتی یاسین مشغول به کار شدم تا اینکه در سال ۱۳۷۸ برای تدریس در مدرسه عالی امام خمینی(ره) دعوت شدم و از همان سال تاکنون مشغول به تدریس شدم.همچنین همراه با مدرسه امام(ره) در مراکز حوزوی (تخصصی قضاء و تربیت راهنما و همچنین هوا ـ فضا تهران) مشغول به تدریس هستم.در ضمن در دروس: زبان انگلیسی، اندیشه‌های سیاسی امام(ره) انقلاب اسلامی، دانش سیاسی و اخلاق توفیق تدریس دارم. ناگفته نماند اولین سال ورودم به مدرسه الهادی رفتم و در این مدرسه واقع در خاکفرج به دروس حوزوی خویش ادامه دادم.

راستگو، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن راستگو

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن راستگو در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی در شهر مشهد به دنیا آمد ، او در سال دوم دبیرستان به حوزه علمیه مشهد وارد و سطح را در مشهد و تتمه سطح و دروس خارج حوزه را در قم گذراند او مبتکر برنامه ویژه تعلیم و تربیت کودکان ونوجوانان به صورت کلاس ، اردو ، دروس کلاسیک برای مربیان پرورشی ، مراکز تربیت معلم ،حوزه های علمیه و صدا وسیمای جمهوری اسلامی است (برنامه های بازی با کلمات ، راز دایره ها و عیره) تحقیقات او در زمینه های عقاید ، تعلیم و تربیت ، روانشناسی ، اخلاق ، احکام ، تاریخ ، قصص قرآن، قصص کودکان ونوجوانان ، مشاوره و راهنمایی ، تفسیر قرآن ، مسائل اجتماعی ، ادبیات عرب ، ادبیات فارسی، شعر و برنامه ریزی درسی است.

در زمینه شعر هم آثاری از ایشان می توان دید، ۲ جلد کوچک آی بچه ها آی بچه ها ، گرد آوری کتاب شعر و سرود (سردودهای اسلامی) با همکاری آقای سالاری از آن جمله می باشد. در زمینه قصه هم آثار متعددی را میتوان از ایشان یافت از آن جمله می توان : الیاس پیغمبر خدا ، مهاجرت به حبشه ، با شهامت می پرم و . . .را نام برد. از دیگر فعالیت های ایشان • :همکاری چند ساله با مجله کودک مسلمان در اواخر انقلاب و چاپ دهها شعر و قصه و غیره • مدیریت مرکز تربیت مربی که در این مرکز فعالیت های ذیل قابل توجه است • :تدریس ۲۵ دوره تربیت مربی مقدماتی کلاسداری ، امور اردو داری ، قصه گویی ، روش های برخورد با کودکان ونوجوانان ، مسابقات ، دروس عمومی مبانی تعلیم و تربیت ، مهارتهای تدریس برای طلاب حوزه علمیه قم و ۱۰ دوره در شعبه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان و ۱۳ دوره در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد ، که بیش از ۴۰۰۰ نفر از این اردوها فارغ التحصیل و دهها شاعر کودک ، نویسنده کودک ، برنامه ریز کودک ، طراح برنامه های تلوزیونی ، کارشناس و محقق تحویل جامعه اسلامی

ایران داده شده است .

●کتابهای ره توسه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی کتاب های مختلف وجزوات گوناگون و صدها مقاله و شعر و قصه و تحلیل در نشریات کودک و نوجوان و غیرآنها ثمره این مدیریت بوده است.

●ارتباط با ۱۵۰ سایت کودکان و نوجوانان و بهره گیری از تجارب دیگران مرتبط با سایت های اسلامی دراینترنت ● سفرهای تبلیغی و تحقیقی به عربستان سعودی ، ۱۷ سفر حج و عمره و عتبات ، سوریه ، لبنان ، ترکیه ، پاکستان ، قطر ، امارت متحده عربی ، مراکش ، اسپانیا ، عراق و ....

●همکاری بااکثر نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت در برنامه ریزی بسیاری از تشکیلات فرهنگی و غیره ● ... تدریس موارد زیر در دانشگاههای آزاد اسلامی قم ، دانشکده اصول دینی ، دانشکده ارشاد در قم:

●قصه گویی و نمایش خلاق ● مشاوره و راهنمایی امور عمومی کودکان ونوجوانان ● بررسی تحلیلی قصه های قرآن و تنزیه الانبیا

●نقش ریتم و سرود در تربیت

●نقش مسابقات در پیشبرد مسائل تربیتی ● بررسی سیستم ها ● سخنرانیها فراوان در نماز جمعه های کشور (قبل از خطبه ها)، دانشگاه ها، مراکز تربیت معلم، سمینارهای کشوری و غیره ● جلسات فراوان پرسش و پاسخ تربیتی ، آموزشی ، اجتماعی و غیره را می توان نام برد

راستی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین راستی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله حاج شیخ حسین راستی کاشانی در سال ۱۳۰۶ در شهرستان کاشان در محلّه سلطان امیر احمد (از فرزندان موسی بن جعفر (ع)) به دنیا آمد. مادرش، ربابه بود و پدر وی، علی نام داشت که از راه ابریشم بافی، روزگار می گذرانید و مدتی نیز کارمند دولت بود. زندگی آیهٔ الله راستی کاشانی در خانواده‌ای ساده، امّا متدیّن و دوستدار خاندان پیامبر (ص) آغاز شد؛ شیفتگی پدر او به روحانیّت به حدّی بود که اگر در کوچه خیابان، فرد معمّمی را از دور می‌دید، صلوات می‌فرستاد و در پیشگاهش ادای احترام می‌کرد. آیهٔ الله راستی کاشانی، تحصیلات ابتدایی را تا پایهٔ ششم در شهر کاشان به پایان رسانید. پس از آن، به دلیل نارضایتی پدر از وضعیت دبیرستانهای آن روزگار، به دبیرستان نرفت و در بعضی از تجارت خانه‌ها و مغازه‌ها به کار مشغول شد.

پس از مدتی به سراغ نقاشی طرحها و نقشه‌های قالی رفت و آن حرفه را نزد استادان معروف و مجرّب فرا گرفت؛ امّا به سبب شوق فراوان به کسب معارف اسلامی و علوم دینی، راهی حوزه علمیه کاشان شد. دروس دورهٔ ادبیات و بخشی از دروس سطح را نزد استادان مشهور آن دیار آموخت و سپس، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم، نیز رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان رساند و در کنار آن به تحصیل فلسفه، کلام و تفسیر مشغول بود. پس از آن، عازم نجف اشرف شد تا ضمن باریابی به درگاه مولای متقیان، علی (ع) از محضر استادان آن دیار نیز بهره ببرد که این سفر بیش از بیست و پنج سال به طول انجامید. علت مهاجرت ایشان به نجف اشرف، علاقه فراوان ایشان به تفسیر قرآن کریم واطلاع از جلسات درس تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی آقای خویی بود. آیهٔ الله راستی کاشانی، در طی این سالها، به تدریس درسهای آموخته نیز می‌پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت می‌نمود؛ امّا با شرفیابی حضرت امام(ره) به شهر امیرمؤمنان علی (ع) ، آیهٔ الله راستی درس خود را که طلاب بسیاری در آن شرکت می‌جستند، تعطیل کرد و همراه با شاگردان، در درس امام خمینی(ره) شرکت کرد. آیهٔ الله راستی کاشانی، در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره‌مند بود.

وی در کاشان، دروس دورهٔ ادبیات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را نزد استادانی همچون آیهٔ الله العظمی سید محمد حسین رضوی، آیهٔ الله میرزا حسین فاضل نراقی، آیهٔ الله غروی کاشانی، آیهٔ الله شیخ علی اکبر صمدی و آیهٔ الله حاج شیخ جعفر صبوری قمی فرا گرفت. با ورود به قم، رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیهٔ‌الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیهٔ الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، آیهٔ‌الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی و حضرت آیهٔ الله العظمی حاج سید محمدباقر طباطبایی بروجردی (سلطانی) آموخت و برای آموختن تفسیر، هیئت، فلسفه نزد مرحوم علامه طباطبایی رفت.در دورهٔ تحصیل در نجف نیز، به درس خارج اصول و فقه و تفسیر آیهٔ الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی و آیهٔ الله العظمی میرزا باقر زنجانی رفت. همچنین در درس حضرات آیات حاج سید محسن حکیم و حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، شیخ حسن حلّی، حاج میرزا حسن بجنوردی و حاج سید حسین حمّامی نیز به تناوب شرکت می‌جست. وی برای فراگیری علم حدیث و درایه و بخشی از حکمت و فلسفه به نزد آیهٔ الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری رفت.

از دیگر استادان او در فلسفه و کلام، آیهٔ الله حاج شیخ صدرا می‌باشد. همچنین وی تفسیر را نزد عالم ربانی، آیهٔ الله شیخ محمد

علی سرابی و آیهٔالله العظمی آقای خویی آموخت در این مـدت ایشان از جلسات خصوصـی اخلاق حضـرت آیت‌الله العظمی حاج سیـد جمال گلپایگانی بهره برد. با حضور امام (ره) در حوزه علمیه نجف اشـرف، آیهٔ الله راستی به درس ایشان شـتافت و از محضـر وی بهره‌های بسیار برد. آیهٔ الله راستی مدتی در جلسات فقهی شورای اسـتفتای آیهٔ الله خویی شرکت داشت. آیهٔ الله راستی کاشانی در دوران تحصـیل در قم با آیهٔالله مرحوم حاج شـیخ علی حیدری، آیهٔالله حاج سـید جلال فقیه ایمانی، آیهٔ الله حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی، انس فراوان داشت و در جلسات مباحثه درسـی آنان شـرکت می‌کرد. در نجف نیز با مرحوم آیهٔ الله حاج سید نصر الله مسـتنبط، آیـهٔالله حاج سـید حسن قزوینی، آیـهٔ الله حاج سـید مرتضـی نجومی و آیهٔ الله حاج سـید محمد نوری جلسات مباحثه علمی برقرار می‌کرد که این جلسات سالیان متمادی ادامه داشت. از دیگر دوسـتان نزدیک وی، آیهٔ الله حاج سید اسدالله مدنی، مرحوم آیهٔ الله شـیخ محمـد فکوریزدی و مرحوم آیـهٔالله حـاج سـید مرتضـی خلخالی است. آیـهٔ الله راستی کاشانی با مرحوم آیـهٔ الله حاج سـید عبدالکریم کشمیری، انس فراوانی داشته است.

آیـهٔ الله راستی کاشانی در طول عمر خود، تا کنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است که ذکر همهٔ آنها در این مختصـر نمی‌گنجد. وی حدود پنجاه سال است که به تدریس در حوزه‌های علمیه کاشان، نجف اشـرف و قم می‌پردازد و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورش داده است که برخی از آنان خود، از استادان و فضلایی هستند که در حوزه‌های علمیه ایران و دیگر کشورها به خـدمت به جامعـهٔ تشیع می‌پردازنـد. برخی نیز در پسـتهای مهم و حساس نظام اسـلامی، خدمت می‌نمایند. آیهٔ الله راستی، در زمان حیات امام(ره) به نماینـدگی ایشان برای سامانـدهی امور حوزه و ایجاد تشـکیلات شورای مـدیریت حوزهٔ علمیه قم منصوب شد و مُجاز به تصـرف در امور شـرعیه شد. در این زمینه، وی خدمات شایانی را به سرانجام رسانده است که آثار و برکات آن تـا هـم اکنـون نیز بر جـای مانـده است. آیـهٔ الله راسـتی به پژوهش در زمینه‌هـای گونـاگون دینی، پرداخته که برخی از آنـان در نشـریات کشور به چاپ رسـیده است. وی همچنین تقریرات دروس برخی از اساتید خود را نگاشـته و حواشـی و دستنوشـته‌هایی در زمینه فقه و اصول دارد. اشتغال به درس و علوم دینی، آیهٔ الله راستی را از مبارزه بر ضد طاغوت بازنداشت.

وی از نخستین روزهـای نهضت، به جمع مبـارزان پیوست و همواره بـا اطـاعت از رهنمودهـای امـام خمینی (ره) به افشاگری ماهیت شوم خاندان پهلوی و تلاش برای استقرار نظامی اسلامی با بهره‌گیری از معارف اهل بیت (ع) می‌پرداخت. از جمله فعالیتهای سیاسی وی کـه پیش‌تر، ذکر آن آمـد، تعطیـل کردن درس خـود در نجـف و حضـور در درس امـام(ره) به منظـور مطرح نمـودن و تقـویت نهضت امـام خمینی(ره) بـود. دیگر اینکه وی در سـال ۱۳۴۳، مسـأله تقلیـد از امام خمینی(ره) را به طور جـدی مطرح کرد. آیـهٔ الله راسـتی، بـا عضویت در جـامعه مدرسـین حوزه علمیه قم، جزء فعالان این مجموعه شـد و امضـای او در زیر بسـیاری از اعلامیه‌هـا و بیانیه‌هایی که بر ضد شاه منتشـر می‌شد، به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیتهای وی در زمان رژیم شاه، سفر به آبادان، به نمایندگی از طرف امـام خمینی (ره)، برای حمـایت و پشتیبـانی از اعتصاب کارکنان صـنعت نفت بود. وی از کسانی بود که در مسـجد دانشـگاه تهران متحصن شـد. بـا پیروزی انقلاب اسـلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، فعالیتهـای سیاسـی معظم له پایـان نیافت. و تاکنون به نیز ادامه دارد.

راشد، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، واعظ.

تولد: ۱۲۸۴، تربت حیدریه.

درگذشت: ۱۳۵۹، تهران.

حسـینعلی راشد تحصـیلات مکتبی و طلبگی را در تربت حیدریه و مشهد انجام داد و بعد به نجف رفت. در بازگشت به امور دینی و منبری پرداخت. مـدتی از ایـام را در اصـفهان به این امور پرداخت. از زمـانی که رادیو تأسـیس شـد، برنـامه وعـظ آنجا را در عهـده گرفت. او حدود چهل وعظ هفتگی از رادیو کرد.

وی سال‌های دراز در دانشـگاه تهران (دانشـکده الهیات و معارف اسلامی)، و نیز در مدرسه سپهسالار تدریس کرد. از نوشته‌های او دو فیلسوف شـرق و غرب: ملا صـدرا و اینشتین چند بار چاپ شده است (چاپ اول ۱۳۱۸). مجموعه سـخنرانی‌های او در رادیو، در شش جلد به چاپ رسیده است.

از وعاظ و خطباء و منبری‌های معروف و مشهور ایران، در ۱۲۷۶ در کاریزک تربت حیدریه متولد شد. پدرش شیخ عباس تربتی در کسوت روحانیت و به شـغل وعظ و خطابه اشـتغال داشت. راشـد از ۷ سالگی تا ۱۶ سالگی در تربت حیـدریه مقـدمات زبان و ادب فارسـی و عرب، صـرف و نحو، منطق و معـانی بیان را فراگرفت، سپس وارد حوزه‌ی علمیه مشـهد شـد و نزد حاج‌آقا حسـین قمی و آقـازاده خراسـانی و آقـابزرگ که هر سه از علمـای طراز اول بودنـد، علم اصول و فلسـفه قـدیم را به تفصـیل تحصـیل نمود. در ۲۸ سالگی عازم نجف اشـرف شـد ولی مـدت توقف او طولانی نشـد و به ایران بازگشت. چندی در شـیراز و زمانی در اصـفهان به کار وعظ و خطابه مشغول بود. پس از واقعه‌ی مسـجد گوهرشاد، او را در اصـفهان بازداشت کردند و چندی در زندان به سر برد. بعد به تهران آمـد و در شـرکت مطبوعات اسـتخدام شد که کار او غلطگیری کتابها بود. در آن شـرکت بود که یادداشـتهای خود را تنظیم نمود و تحت عنوان دو فیلسوف شـرق و غرب انتشـار داد. در همـان زمـان در روزنامه‌هـای ایران و اطلاعـات و مجلات مهر و ایران امروز مقاله می‌نوشت. در سال ۱۳۲۰ او را برای ایراد یک سلسله سخنرانی‌های مذهبی به رادیو تهران دعوت کردند و قریب سی‌سال

همه هفته یک سخنرانی از او پخش می‌شد که مجموعه سخنرانی‌های او در مجلات چاپ و نشر یافته است. همزمان با سایر کارها برای تدریس به مدرسه عالی سپهسالار دعوت شد و چندی بعد استاد دانشکده معقول و منقول که بعد الهیات و معارف اسلامی نام گرفت، گردید و در دوره‌ی لیسانس و دکترای فلسفه‌ی قدیم تدریس می‌کرد.

در انتخابات دوره‌ی هفدهم از طرف بازاریان تهران کاندیدای انتخابات شد و بدون اینکه خود در این زمینه فعالیت کرده باشد، به آراء طبیعی مردم به مجلس شورای ملی رفت ولی چون محیط مجلس را مناسب ندید، چند جلسه‌ای بیش در مجلس نماند و خود را کنار کشید.

راشد مردی به تمام معنی دانشمند و روشنفکر و راستگو و ساده‌دل بود. آنچه بدان معتقد بود بر زبان جاری می‌ساخت، منبر را هرگز وسیله‌ی کسب قدرت مادی و معنوی نکرد. در فلسفه‌ی قدیم ید طولانی داشت. در ۱۳۶۰ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

راشدی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب ایرانی قرن پنجم ه.، ازمخصوصان دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود (۴۹۲ –۴۵۰ ه.ق.)، و از معاصران مسعود سعد بود و با او مناظره ادبی داشت. ضح– راشدی را با رشیدی سمرقندی نباید اشتباه کرد.

(س پنجم ق)، شاعر. در غزنین می‌زیست و از شاعران دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود و از معاصران مسعود سعد سلمان بود که با او مشاعره داشت و شغل نقابت سلطان را عهده‌دار بود.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۶ –۴۸۵/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۳)، دیوان مسعود سعد (مقدمه/ یط)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۰/ ۱).

راشدی نیا، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر راشدی نیا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم . در این میان بخشی از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتهاردی استفاده نمودم . از سال ۱۳۷۵در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی ، شیخ جواد تبریزی ، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیرو حکمت حضرات آیات جوادی آملی ، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم . تابه به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بدایهٔ الحمهٔ، المظاهر الالهیهٔ ، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم را تدریس نموده ام . حقیر از سال ۱۳۷۸ بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب ، شرح الهدایهٔ الاثیریهٔ ، رسائل اجوبهٔ المسائل ، المظاهر الالهیهٔ ، رسالهٔ اتحاد االعاقل و المعقول ، زاد المسافر و ... کارنمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالهین منتشر بیابد و همچنین از سال۱۳۸۳ بعنوان همکار علمی در مرکز دائرهٔ المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می کنم.

راشدی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی راشدی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

با اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۸ دروس حوزوی را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) شهرستان خوانسار از توابع استان اصفهان شروع نموده و پس از گذراندن دوره سطح دو سال درس خارج در همان مدرسه در محضر حضرت آیت الله مرحوم تقدیری شرکت کردم و سپس در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و مدت ده سال از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و ناصر مکارم شیرازی بهره جستم. در این میان در دروس تفسیر و فلسفه در حد نیاز شرکت نمودم.

در زمینه تدریس نیز مدت پنج سال دروس مقدماتی را چند بار در مدرسه علمیه خوانسار و معالم الدین و شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری را در حوزه علمیه قم تدیس نمودم. در کنار اشتغال به تحصیل و تدریس در موسسه مجمع الفکر الاسلامی با جمعی از دوستان به کارهای تحقیقاتی پرداختم که آثار شیخ اعظم انصاری در ۲۸ مجلد و شرح لمعه در ۴ مجلد و مطارح الانظار در دو مجلد منتشر شده است. و برخی از آنها به نام کتاب سال برگزیده شده است.در کنار کار تحقیقاتی در کنگره شیخ انصاری و کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد حضرت امام خمینی (ره) در تصحیح مقالات از نظر کیفی و ادبی و برگزاری کمیسیون های بررسی مقالات همکاری داشتم و مدتی نیز به عنوان عضو هیئت علمی با کنگره شهید آیت الله صدر فعالیت نمودم.از سال ۱۳۷۶ وارد موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل البیت علیهم السلام که به فرمان حضرت آیت الله خامنه ای (زید عزه) تاسیس گردیده است شدم و در بخش معاونت تحقیقات دائره المعارف همکاری نمودم و اکنون نیز عضو شورای سرگروه های علمی آن موسسه می باشم که سرپرستی تدوین جلدهای ۱۵ و ۱۸ دائره المعارف به عهده اینجانب می باشد

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۰۲ ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی/ معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل‌بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را ۵۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «درة التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمدصالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است.[۱]

(بخش ۱) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. ۵۰۲ ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التشأتین، الذریعهٔ الی مکارم الشریعهٔ (ه.م.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۷۹/۲)، اعیان الشیعه (۱۶۲ -۱۶۰ /۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۶/۲)، تاریخ گزیده (۶۹۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۶۱/۱)، الذریعه (۳۶۴/۲۱ -۱۲۸/۲۰، ۲۸/۱۰، ۴۶ -۴۵ /۵)، روضات الجنات (۲۱۶ -۱۸۶ /۳)، ریاض العلماء (۱۰۱/۷، ۱۷۲/۲)، ریحانه (۲۹۳ -۲۹۲ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۱ -۳۷۰ /۱)، سیر النبلاء (۱۲۱ -۱۲۰ /۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۲ -۸۱ /۶)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، کشف الظنون (۱۷۷۳، ۱۷۲۹، ۱۶۰۹، ۸۸۱، ۸۲۷، ۷۳۹، ۴۶۲، ۴۴۷، ۳۷۷، ۱۳۱، ۳۶)، الکنی و الالقاب (۲۶۹ -۲۶۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۲/۲)، معجم المؤلفین (۵۹/۴)، هدیه الاحباب (۱۴۰ -۱۳۹)، هدیه العارفین (۳۱۱/۱).

رامتین، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار، مدرس. درتهران متولد شد. تحصیلات عالی خود را در کالج البرز و دانشسرای عالی به پایان رساند. از هنگام تحصیل در کالج در روزنامه‌ی «جوانان» مقالاتی منتشر می‌نمود از شهریور ۱۳۲۰ ش فعالیت مطبوعاتی خود را در مقام سردبیری و نویسندگی ثابت نمود. همچنین داستانها و مقالات فراوانی در روزنامه‌های «آزادگان»؛ «نجات ایران»؛ «مهر ایران»؛ «اختر»؛ «اقدام»؛ «پست طهران»؛ و چند مجله‌ی دیگر منتشر کرد. رامتین علاوه بر نویسندگی مدتی نیز مشغول تدریس در رشته‌ی ادبیات و تاریخ و جغرافیا در دبیرستانهای تهران بود. در وزارت فرهنگ مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. از آثار وی: «چرا تبه‌کار شدم»؛ «خاطرات مریم»؛ «خانه‌های سیاه یا دادگاه استان»؛ «فرمان آتش بس در کوهستان باختر»؛ «مرده باد عشق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۴۱ -۷۳۹ /۲).

رامشی نیشابوری، ابونصر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۹۰/۴۸۹ -۴۰۴ ق)، لغوی، نحوی، شاعر، قاری و محدث، ادبیات را از ابوالعلاء معری آموخت و به طلب قراآت و حدیث سفرها کرد و از اصحاب اصم و دیگران حدیث شنید. او در قراآت و علوم حدیث مبرز شد و در لغت و فنون عربیت حظی وافر یافت. وی در نیشابور املای حدیث می‌کرد و بسیاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. شعر را نیکو می‌سرود، نمونه‌ای از اشعار وی در «معجم الادباء» آمده است. از اوست:

و اذا لقیت صعوبه فی حاجه

فاحمل صعوبتها علی الدینار

و ابعثه فی ما تشتهیه فانه

حجر یلین سائر الاحجار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۹۷ -۲۹۶ /۲)، لغت نامه (ذیل/ محمد)، معجم الادباء (۴۵/۱۹)، الوافی بالوفیات (۱۲۵ -۱۲۴ /۱).

رامهرمزی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۶۰ ق)، حافظ، محدث، قاضی، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌خلاد رامهرمزی. وی سبک جاحظ را دنبال می‌کرد. از پدرش محمد حضرمی و محمد مازنی و حسن عنبری و جعفر فریانی و عبدان اهوازی و ابوالقاسم بغوی حدیث شنید. و به آورده‌ی «تاریخ فارس» از جماعتی از بزرگان شیراز استفاده کرد و جزوه‌ها نگاشت. ابوالحسین صیداوی و حسن شیرازی و محمد بن موسی بن مردویه و قاضی احمد نهاوندی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را از پیشگامان علم اصول الحدیث می‌دانند، که در این زمینه در کتاب معروف خود «الحمدث الفاصل بین الراوی و الواعی» ابواب بسیاری را مطرح کرد. شریف ابومحمد حسن محمدی که از مشایخ طوسی و نجاشی است از شاگردان وی به حساب می‌آید. سالیانی در شهرهای خوزستان عهده‌دار منصب قضاوت بود. او تا سال ۳۶۰ ق در رامهرمز باقی ماند و در همان جا درگذشت. از آثارش: کتاب «الریحانتین الحسن والحسین (ع)»؛ «امام التنزیل فی علم القرآن»؛ «النوادر و الشوادر»؛ «ادب الناطق»؛ «رساله السفر»؛ «الرثاء یا المراثی و التعازی»؛ «الفلک فی مختار الاخبار و الاشعار»؛ «ربیع المتیم فی اخبار العشاق»؛ «کتاب امثال النبی (ص)»؛ «المناهل و الاعطان والحنین الی الاوطان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۳ -۱۲۹ /۵)، ایضاح المکنون (۵۶۵، ۴۴۲، ۳۴۷، ۳۱۵، ۳۰۷، ۲۹۷ /۲، ۵۶۴، ۵۴۸، ۱۲۵، ۱۲۴)، سیر النبلاء (۷۵ -۷۳ /۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸/۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۵۵)، کشف الظنون (۱۶۱۲، ۱۱۲۲)، معجم الادباء (۱۷ -۵ /۹)، معجم المؤلفین (۲۳۵/۳)، مقدمه ابن‌الصلاح (۴)، الوافی بالوفیات (۶۵ -۶۴ /۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۱ -۲۷۰ /۱).

راوندی کاشانی، ضیاءالدین، ابوالرضا فضل‌اللّٰه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۷۰ ق)، عالم، محدث، ادیب و شاعر. دارای علو نسب بود و کمال فضل و حسب را نیز به دست آورد. وی شاگرد ابوالمحاسن رویانی و ابوالبرکات حسینی مشهدی و ابوعلی، فرزند شیخ طوسی و ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد حسنی است و به واسطه‌ی این دو نفر اخیر از شیخ طوسی روایت می‌کند. شیخ منتجب‌الدین و ابن شهر آشوب و پدر خواجه نصیر، شیخ محمد طوسی، از شاگردان وی بوده‌اند و از او روایت کرده‌اند. سمعانی در «الانساب» گوید: «به کاشان که رسیدم به عزم زیارت سید ابوالرضا ضیاءالدین راوندی به خانه‌اش رفتم، بر سر در خانه‌ی او «آیه‌ی تطهیر» را با گچ نوشته بودند، بعد از ملاقات بیش از آنچه شنیده بودم دیدم و احادیث بسیاری از خودش شنیده و نوشتم و چند قطعه از اشعارش را نگاشتم و چند بیتی خودش برایم نوشت». فرزندان و نوادگان او همگی از اهل علم بودند. از آثار وی: «ضوء الشهاب»، شرحی بر «شهاب» قاضی قضاعی؛ «ادعیه السر»؛ «کتاب النوادر»؛ «مقاربه الطیه الی مقارفه النیه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «تفسیر الراوندی» به نام «الکافی»، در تفسیر قرآن مجید؛ «ترجمه العلوی للطب الرضوی»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «الاربعین»، در احادیث؛ «الحماسه»؛ شرح «النهج‌البلاغه»؛ «المورجز الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۰ -۴۰۸ /۸)، ایضاح المکون (۶۵۹ ،۵۳۱ ،۳۴۶ ،۲۵۹ ،۷۴ /۲ ،۳۰۵ ،۲۸۱ ،۵۳ ،۵۲ /۱)، الذریعه (۳۳۷/۲۴ ،۳۷۸/۲۱ ،۲۴۷ ،۲۴۵ /۱۷ ،۱۲۱ -۱۲۰ /۱۵ ،۱۴۳/۱۴ ،۳۵۲/۹ ،۴۲۳/۱)، روضات الجنات (۳۵۲ -۳۵۰ /۵)، ریاض العلماء (۳۷۴ -۳۶۳ /۴)، ریحانه (۱۱ -۹ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۸ -۲۱۷ /۶)، فوائد الرضویه (۳۵۵ -۳۵۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۴۴ -۱۴۳)، الکنی و الالقاب (۴۳۶ -۴۳۵ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالرضا)، معجم المؤلفین (۷۵/۸)، هدیه الاحباب (۱۴۱ -۱۴۰)، هدیه العارفین (۸۲۱/۱).

راوندی کاشانی، عزالدین، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. معاصر با شیخ منتجب‌الدین بود. سید علی خان در «الدرجات الرفیعه» وی را ستوده و گوید: «مدرسه‌ای بی‌نظیر در کاشان بنا نهاد که علماء و فضلا و زهاد و حجاج و خلق بسیاری در آن ساکن بودند. از آثار وی: «تفسر القرآن»، که به «تفسیر عزالدین» معروف است و ناتمام؛ «الطراز المذهب فی ابراز المذهب»؛ «مجمع الطائف و منبع الطرائف»؛ کتاب «غمام الغموم»؛ کتاب «مزن الحزن»؛ کتاب «نثر اللآلی لفخر المعالی»؛ کتاب «الحسیب النسیب»؛ «غنیه المتغنی یا المستغنی یا المستفتی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۱/۸)، الذریعه (۵۵/۲۴ ،۳۲۸/۲۰ ،۶۹ ،۶۰ /۱۶ ،۱۵۹/۱۵ ،۲۱/۷ ،۲۸۲/۴)، ریاض العماء (۱۷۸/۴ ، ۳۱۳ -۳۱۲ /۳)، ریحانه (۱۱/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۰ -۱۹۸ /۶)، فوائد الرضویه (۳۵۵ -۳۵۴)، الکنی و الالقاب (۴۳۶ - ۴۳۵ /۲)، هدیه الاحباب (۱۴۱ -۱۴۰).

راویه دیلمی، ابوالقاسم حماد

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۹۵/۱۶۱/۱۵۵/۱۵۱ ق)، مورخ و لغوی. اصل وی از دیلم بود و در کوفه متولد شد. او از مشاهیر علمای تاریخ و لغت عهد بنی‌امیه بود که در معرفت وقایع و اخبار و اشعار و انساب و لغات عرب، داناترین شخص در طبقه‌ی اول از لغت‌دانان کوفه به شمار می‌رفت. نام پدر وی را میسره و هرمز نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲ -۳۰۱ /۲)، روضات الجنات (۲۳۷ -۲۳۵ /۳)، ریحانه (۲۹۹ -۲۹۸ /۲)، الکنی و الالقاب (۲۷۰ -۲۶۹ /۲)، لسان المیزان (۶۶۴ -۶۶۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ حماد)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۵۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲ -۱۳۷ /۱۳)، وفیات الاعیان (۲۸۲/۵ ،۲۱۲ ،۲۱۰ -۲۰۶ ،۳۶ /۲ ،۴۴۸/۱).

راه نجات، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۶۸ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در آغاز مشروطیت به همراه دایی خود ملک‌المتکلمین در صف آزادی‌خواهان بود در سال ۱۲۹۴ ش روزنامه‌ی «راه نجات» را در اصفهان انتشار داد. وی در سال ۱۳۱۴ ش به مناسبت نوشتن مقاله‌ای به زندان افتاد و روزنامه‌اش توقیف شد. راه نجات پس از شهریور ۱۳۲۰ ش مجددا به انتشار روزنامه‌اش پرداخت. وی کتابی به نام «راه نجات» در ترویج آئین اسلام و مبادی آزادی تالیف کرد که اجازه‌ی چاپ نیافت. راه نجات در اصفهان فوت کرد و در گورستان تخت فولاد دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۱۷ -۳۱۳ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۳/۳).

رایقی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۱ ش)، روزنامه‌نگار. وی در رشت متولد شد. مقدمات علوم قدیمی و جدید را در شهر خود گذراند و پس از آن به سمت آموزگاری و مدیریت مدارس رشت رسید. پس از جریان انقلاب گیلان، همراه با جمعی دیگر از مهاجرین به قزوین رفت. وی در سال ۱۳۰۳ ش امتیاز مجله «فرهنگ» را گرفت و آن را به صورت ماهانه انتشار داد. رایقی در سال ۱۳۰۷ ش به تهران احضار شد و

به مدیریت دبستان سعادت شماره‌ی چهارده منصوب شد. از سایر مشاغل او می‌توان به نمایندگی فرهنگ و اوقاف ساوه و مدیریت دفتر فرهنگ اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۷۷ -۷۶ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۱/۳).

رائین، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۸، بوشهر.

درگذشت: ۹ دی ۱۳۵۸.

اسماعیل رائین پس از گرفتن دیپلم ادبی، به تحصیل در دوره‌ی روزنامه‌نگاری چهار ساله‌ی دانشگاه تهران پرداخت. وی همچنین فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی پست و تلگراف بود و در رشته‌ی رادیو و بی‌سیم نیز از آمریکا دیپلم مکاتبه‌ای گرفت. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۸ با نوشتن مقالاتی در روزنامه‌ی «خلیج ایران» در بوشهر آغاز کرد و از سال ۱۳۲۰ به طور تمام وقت و دائمی به کار در مطبوعات پرداخت. ضمن فعالیت مطبوعاتی خود در نشریه‌های «کیهان»، «اطلاعات»، «آتش»، «ایران»، «خراسان»، «تهران مصور»، «روشنفکر» و «فردوسی» به عنوان نویسنده و خبرنگار کار کرد. به زبان انگلیسی آشنا بود و به بسیاری از کشورهای اروپایی سفر نمود. تألیفات وی نزدیک به بیست کتاب است. از آثار اوست: تصحیح و مقدمه اختناق ایران (تألیف مورگان شوشتر، ترجمه‌ی ابوالحسن موسوی شیرازی، ۱۳۴۵)؛ اسناد و خاطره‌های حیدرخان عمو اوغلی (۱۳۵۸)؛ انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت (ترجمه و تألیف، ۱۳۴۵)؛ انشعاب در بهائیت (۱۳۵۷)؛ اولین چاپخانه در ایران (۱۳۴۷)؛ ایرانیان ارمنی (۱۳۴۹)؛ پسران صولت قشقایی (۱۳۳۳)؛ حقوق بگیران انگلیس در ایران (۱۲۴۷)؛ حیدرخان عمو اوغلی (۱۳۵۲)؛ در کرانه‌های کارون و شط العرب و اسناد تاریخی حاکمیت ایران (۱۳۳۰)؛ دریانوردی ایرانیان دو جلد، ۱۳۵۰)؛ دلالان بین‌المللی نفت، سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی (۱۳۴۷)؛ فراموشخانه و فراماسونری در ایران (سه جلد، ۱۳۴۷)؛ قیام جنگل؛ یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی (۱۳۵۷)؛ میرزا ملکم‌خان؛ زندگی و کوشش‌های او (۱۳۴۹)؛ پیرم‌خان سردار (۱۳۵۰).

وی از اعضای پایه‌گذار اتحادیه‌ی نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و چندین دوره ریاست هیئت مدیره و عضویت در هیئت‌های اجرایی این اتحادیه را به عهده داشت. اسماعیل رائین گاهی مطالب خود را در روزنامه‌ها و مجله‌ها با نام مستعار «بهمن» امضا می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربابه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

حدود ۱۲۹۷ ق، از زنان فاضل، سخنور، محدث و متکلم. وی دختر ملا محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) و آمنه خانم قزوینی و خواهر فاطمه ملقب به قرةالعین بود. او از خاندان علم و دانش بود که بسیاری از مردان و زنان آن از علما و فضلای مبرز زمان خود به شمار می‌رفتند.

وی مقدمات زبان عربی و ادبیات را نزد مردان خانواده و خواهرش قرةالعین فراگرفت و فقه و اصول و تفسیر و حدیث را از پدرش و عمویش ملا محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق)، معروف به شهید ثالث، آموخت. یک دوره حکمت و فلسفه را نزد آخوند شیخ ملا آغا حکمی گذراند و در عرفان نزد عمویش ملا علی برغانی و برادرش میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی تلمذ کرد. هنگامی که به سن رشد رسید با میرزا هبةاللّه رفیعی قزوینی ازدواج نمود.

او در جایگاه درس و وعظ و ارشاد قرار گرفت و به استنباط احکام شرعی می‌پرداخت و با علما مباحثه و مجادله می‌کرد و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و به نظر و احکامش عمل می‌کرد، تا جائی که امید و پناهگاه مستمندان و درماندگان بود. در سخنرانیها و مجالسش فراوان از ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) و درباریان و نزدیکانش انتقاد و بدگویی می‌کرد و هیچگاه ناصرالدین شاه متعرض او نگردید.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۱۰۵ -۱۰۴ / ۴.

ربانی خواه، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی ربانی خواه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۲ در خانواده ای روحانی در شهر قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در شهر قم گذراندم. درسال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه رضویه گذراندم. در دوره سطح از محضر مرحوم آیت الله طاهر شمس و پایانی، و حجج اسلام موسوی تهرانی، پایانی، نکونام، خسروشاهی، هادوی و کدیور بهره بردم.و از دروس خارج آیات عظام شبیری زنجانی (فقه)، وحید (اصول) کسب فیض نمودم . در کنار دروس حوزه به امور پژوهشی و تالیف نیز اشتغال داشته ام. همچنین با برخی از مراکز پژوهشی همکاری داشته و دارم. در حوزه های کتابداری، کتابشناسی، ویرایش و اطلاع رسانی نیز فعالیت داشته ام. در زمینه های یاد شده تدریس نیز کرده ام. در راه اندازی چندین موسسه پژوهشی و کتابخانه تخصصی نیز همکاری داشته ام. همچنین در حوزه های یاد شده خدمات مشاوره ای بسیاری به موسسات پژوهشی داده ام.

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق ربانی خوراسگانی

محل تولد : اصفهان

شهرت : ربانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهر ماه سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال ۷۶ به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی(ره) قم مشغول به تحصیل در رشته جامعه شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی هستم و در حدود ۵ سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیهٔ الله فاضل لنکرانی ، مرحوم تبریزی ، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

ربانی شیرازی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقا میرزا عبدالرحیم شیرازی از علماء و فضلاء به نام حوزه علمیه است. وی در شیراز متولد شده و پس از طی مقدماتی برای تکمیل مبانی علمی و تحصیل کمالات به قم مهاجرت نموده و سطوح و متون فقهی و اصولی را از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد یزدی و دیگران فراگرفته و دروس فقه و اصول استدلالی و تحلیلی را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی. و نیز بعضی دیگر استفاده نموده و به تالیف و مباحثات خصوصی پرداخته است.

از آثار اوست تعلیقات بر وسائل الشیعه از اول طهارت تا آخر دیات که ۱۶ مجلد آن به طبع رسیده و نیز آثار دیگری از تعلیقات بر بحارالانوار و غیره دارد که بعضی مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است.

عالم.

تولد: ۱۳۰۳، دارالفضیله شیراز.

درگذشت: ۱۷ اسفند ۱۳۶۰، بین راه دلیجان- محلات.

آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، فرزند حاج مهدی، ایام کودکی را در مکتبخانه‌ها و جوانی را در مداس علمیه‌ی شیراز به سر آورد. هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که از پدر مستقل شد و حجره‌ای برای خود دست و پا کرد. در جوانی به حزب «برادران» پیوست که به رهبری آیت‌الله آقا سید نورالدین حسینی برای مقابله با تجاوزات استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها به حریم اسلام و روحانیت تأسیس شده بود و رسما به فعالیت‌های حزبی و سیاسی پرداخت. همزمان با آن برای تکمیل اطلاعات دینی خود به مدرسه‌ی علمیه‌ی آقا باباخان رفت. سپس در زمان مرجعیت آیت‌الله سید حسین بروجردی به قم مشرف شد. در قم، چند سالی در

مدرسه‌ی حجتیه سکنی گزید تا آن که ازدواج کرد و به منزلی که در یکی از محله‌های قدیمی قم اجاره کرده بود، نقل مکان نمود. ایشان برای امرار معاش به خرید و فروش می‌پرداخت.

شروع مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی با رضاشاه، ایستادگی در مقابل برنامه کشف حجاب بود. ایشان تصمیم گرفت آیات و روایاتی را که دلالت بر لزوم پوشش برای زن دارد، استخراج نموده و آنها را به صورت اعلامیه‌ای نوشته و بر معابر عمومی نصب نماید. برای کسب اجازه به نزد آیت‌الله آقا سید نورالدین رفت که به وی اجازه داده شد. از دیگر فعالیت‌های او در زمان اقامت در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، مبارزه با فرقه‌های مذهبی و سیاسی نظیر بهاییان و صوفیان دراویش و نیز تبلیغات حزب توده در سال‌های ۱۳۲۰ بود.

آیت‌الله ربانی در مدت اقامت خود در شیراز به مرتبه‌ای از دانش رسید که دیگر ادامه تحصیلش در آن شهر امکان نداشت. از همین روی علیرغم مساعد نبودن شرایط و آماده نبودن زمینه مهاجرت، سرانجام در سال ۱۳۲۷ راهی شهر مقدس قم گردید و بلافاصله در حوزه‌ی درس آیت‌الله بروجردی حاضر شد.

از جمله آثار ایشان به این شرح هستند: تصحیح و تعلیق وسائل الشیعه؛ تصحیح و تعلیق بحارالانوار؛ قضاءالحقوق فی ترجمهٔ الصدوق؛ حرکت طبیعی از دو دیدگاه؛ رساله در عدم تحریف قرآن مجید؛ کتاب صلاهٔ و ادعیه و قرآن و ملابس که به سبک جدیدی نوشته شده است؛ مقدمه بر بحارالانوار و وسایل الشیعه؛ مقدمه‌ی مبانی الاخبار (در ۹۴ صفحه، در ترجمه صدوق علیه‌الرحمه)؛ رساله‌ها و جزوه‌های پراکنده و چاپ نشده.

آیت‌الله ربانی شیرازی برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بود در بین راه دلیجان محلات، اتومبیل حامل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. کمی پس از واژگون شدن اتومبیل حامل ایشان مینی‌بوسی از راه رسید و تنها ایشان را که حتی به مقدار کمتری از بقیه‌ی همراهان خود، دچار آسیب دیدگی و جراحت شده بودند با خود به یکی از درمانگاه‌های شهرستان محلات بردند و مصببین بدون آنکه هیچ گونه رد پایی از خود به جا بگذارند، محل را ترک کرده و متواری شدند. هنوز ساعاتی چند از انتقال به درمانگاه نگذشته بود که درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربانی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر ربانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را نزد مدرس افغانی فرا گرفتم و طی دو سال به پایان رساندم. آن گاه مختصر المعانی و معالم الاصول و اصول الفقه و لمعتین را نزد استاتیدی همچون استاد وجدانی فخر و استاد سبحانی و بعضی اساتید خصوصی می آموختم و در درس اخلاق بعضی آیات عظام شرکت می کردم. از ابتدا علاقه زیادی به تدریس و نوشتن داشتم و در پی فرصتی برای پی ریزی این دو برنامه بودم و جسته و گریخته فعّالیتهای اندکی در این دو زمینه داشتم. کلاسداری یکی دیگر از برنامه های من بود کلاسهای قرآن و عقاید و تاریخ در شهرستان تربت حیدریه و سایر شهرستانهای دیگر از جنبه های زندگیم را سفرهای تبلیغی تشکیل می داد سفرهای مختلف به شهرها و روستاهای کشور اسلامی و عزیزم که با فرهنگ های گوناگون آشنا می شدم . ولی سطح عالی مانند مکاسب و رسائل و کفایه را نزد اساتیدی همچون استاد اعتمادی، دوزدوزانی، ستوده، پایانی، صالحی مازندرانی آموختم.

در سال ۱۳۷۱ رسماً مشغول تدریس دروس دینی در یکی از مدارس حوزه علمیه قم گردیدم و در سال ۱۳۷۵ در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی شروع به تدریس نمودم. و اینک نیز به لطف خدای مهربان اشتغال به تدریس دارم و برکاتی از این طریق نصیبم گردیده. نوشتاری را تقریباً از سال ۱۳۷۴ شروع کردم.مشوق اصلی من در این رشته جناب حجهٔ الاسلام مهدی مهدوی پور بودند که سرپرستی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) را در سازمان تبلیغات اسلامی بر عهده داشتند به تشویق ایشان اوّلین کتاب خود را نوشتم(کتاب معلی بن خنیس معلم استقامت)

بی انصافی است اگر از تشویقات همسرم در این زمینه نامی نبرده باشم به هر حال، روز به روز علاقه مندی به نوشتن و تحقیق در من بیشتر می شد و پس از مدّتی دومین کتابم را جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چاپ رسانید(کتاب خلیل بن احد) و در این بین مقالاتم به لطف خدای مهربان یکی پس از دیگری چاپ می شد ولی اینک نزدیک به بیست مقاله در موضوعات مختلف نوشتم. در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح ۳ را با موضوع عدالت خداوند به رشته تحریر در آوردم و با عنایت الهی رساله ای جالب و تحقیقی به مرحله دفاع رسید و آقایان داور با اعطای نمره ۱۹ اینجانب را بسیار تشویق نمودند و با توفیقی الاباﷲ. اینک به لطف ایزد پاک خود را برای نوشتن پایان نامه سطح چهار(دکترا) آماده می کنم و امیدوارم هم یاریم نماید.

باورم بر این است که طلاب علوم دینی علاوه بر تقوا ورزی طلبگی و سایر شؤن دینی و سیاسی و اجتماعی ناگزیر از چهار نکته می

باشد: تدریس، تحقیق، تبلیغ، تحصیل. باور دیگر من در زندگی علمی طلاب آنست که از پایه ۶ باید رشته تخصصی انتخاب نمایند و علاوه بر رشته عمومی دوره تخصصی را نیز بگذرانند تا پس از مدّتی در جهتی خاص، صاحب نظر گردند.

از دیگر مراحل علمی زندگیم، شرکت در دروس خارج است که به مدّت ۱۳ سال دروس حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت نمودم و بهره ها گرفتم. دیگر از باورهای علمی من این است که طلاب ناگزیر از تسلط یکی از زبانهای خارجی و زبان اینترنت و کامپیوتر هستند تا با اطلاع رسانی سریع تر برای همه مخاطبان خود مفید و نافع باشند در پایان امیدوارم خداوند عمر ما را سرتاسر نور و در جهت نشر معارف اهل بیت (ع) بندگی خودش بنماید.

ربعی، علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۰ -۳۲۸ ق)، نحوی لغوی. اصل وی از شیراز بود ولی در بغداد سکنی داشت. از محضر ابوسعید سیرافی دانش آموخت. سپس به شیراز مهاجرت کرد و از بوعلی فارسی کسب علم کرد و در حدود بیست سال ملازم وی بود، چندی بعد به بغداد بازگشت و در آنجا اقامت گزید تا اینکه دار فانی را وداع گفت در باب وی گفته‌اند: اگر شرق و غرب را بگردید فردی داناتر از وی در علم نحو نمی‌یابید. از آثار وی: «البدیع فی النحو»؛ «التنبیه علی خطا ابن‌جنی فی تفسیر شعر المتنبی»؛ «شرح الایضاح»، در نحو؛ «شرح البلغه»؛ «شرح مختصر الجرمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۴/۵)، ایضاح المکنون (۱۷۲/۱)، تاریخ بغداد (۱۸ -۱۷ /۱۲)، الذریعه (۵۶/۱۴، ۱۱۷/۱۳)، روضات الجنات (۲۳۱/۵)، ریحانه (۳۰۱/۲)، سیر النبلاء (۳۹۳ -۳۹۲ /۱۷)، کشف الظنون (۲۱۲)، الکنی و الالقاب (۲۷۱/۲)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۸۵ -۷۸ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۴ -۱۶۳ /۷)، وفیات الاعیان (۳۳۶/۳)، هدیه العارفین (۶۸۶/۱).

ربن

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(عبر. ربان) طبری از تربیت یافتگان حوزه علمی مرو، و بردین نصرانی- و به قولی بردین یهودی- بوده است (قر. ۲ و اوایل قر ۳ ه.) وی در طب و نجوم و ریاضیات ماهر و از مترجمان معروف عهد خود به شمار می‌رود. از جمله منقولات او نسخه‌ای از «المجسطی» بود از یونانی به عربی که کاملتر از نسخ منقول دیگر بود. وی پدر علی ابن ربن طبری (ه.م.) است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ربیع انصاری اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۸ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. وی در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در این شهر انجام داد. سپس به ارومیه رفت و در آن شهر «روزنامه‌ی کیوان» را منتشر ساخت. از آثار او: «افشای حقایق پاسخ به اعلامیه‌ی ۲۹ آذر سید ضیاءالدین»؛ «جنایات بشر یا آدم‌فروشان قرن بیستم»؛ «سیزده عید وضع اجتماعی زن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۳ -۱۰۲ /۳).

رجاء، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی تحصیلات مقدماتی خود را در دبیرستان ایرانشهر و دارالفنون به پایان رسانید. و پس از طی دوره‌ی ادبی از ادامه‌ی تحصیل بازماند؛ ولی در خارج به تحصیل فلسفه و ادبیات اشتغال ورزید و همچنین به علت ذوق موسیقی و نقاشی در هنگام فراغت به فراگیری این دو رشته می‌پرداخت؛ بعد به کار روزنامه‌نگاری اشتغال ورزید و شغلش مدیریت دایره‌ی مطبوعات اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات کشور بود. در کابینه امینی به معاونت نخست‌وزیری درآمد و امور مطبوعات را زیر نظر گرفت. از آثار وی: «دلیران تیسفون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۳۵ -۳۴ /۶).

رجایی رامشه، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم رجایی رامشه

محل تولد : سمیرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد کاظم رجائی رامشه در شهریور ماه ۱۳۳۹ در شهر حناء «استان اصفهان » به دنیا آمدم . پس از گذراندن دوران راهنمایی به حوزه علمیه شهرضا و در سال ۱۳۵۵ به شهر مقدس قم عزیمت و وارد حوزه علمیه قم شدم .موقعیت زمانی و شور انقلاب در بین طلاب آن زمان تقریباً تمامی طلاب را به صحنه های پر شور انقلاب و پس از آن به جاذبه های دفاع مقدس می کشاند و طبیعی بود که بنده در این مجموعه قرار داشتم .

حدود سالهای ۶۳ وارد مؤسسه درراه حق شدم از گذراندن دروس معارف اسلامی به رشته اقتصاد گرایش پیدا کردم. سال ۶۷ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد نظری را شروع و در سال ۱۳۷۵ از پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان:« قیمت گذاری در اقتصاد اسلامی » با راهنمایی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسین نمازی و مشاوره استاد گرانقدر دکتر سید کاظم صدر دفاع کردم و همان سال وارد مقطع دکتری شدم و سر انجام در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود با عنوان « ماهیت بهره و کارآیی اقتصادی آن » به راهنمایی استاد بزرگوار دکتر پرویز داودی و مشاوره اساتید محترم حجهٔ الاسلام حسن آقا نظری و دکتر عباس شاکری دفاع کردم . در ایام تحصیل افزون بر تدریس دروی اقتصاد، تا حدودی به مطالعه و تحقیق پرداختم که حاصل آن انتشار چندین مقاله ، طرح و دو مجلد کتاب با عنوان های « معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن » و « ماهیت بهره و کارایی آن » می باشد.

رجایی زفره‌یی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۱ ق)، نویسنده، فیقه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به رجا. در زفره به دنیا آمد در اثر سعی و کوشش بسیار در اغلب علوم از قبیل صرف و نحو و رمل و جفر و اعداد سرآمد گردید. وی در قریه‌ی زفره به تدریس و وعظ و تحریرات شرعی روزگار می‌گذرانید. سرانجام در زفره وفات یافت و در همان جا دفن شد. از او آثار فراوان به جای مانده است. از جمله: «اسهل اللغات یا منتخب اللغات»؛ «کتاب الارث»؛ «تجوید و ترتیل قرآن»؛ «دبستان الشعراء»، در عروض و قافیه؛ «قواعد الرمل»؛ «سپهر اللغه»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰۹ -۲۰۷)، تذکره القبور (۱۰۲ -۱۰۱)، الذریعه (۷۴۱، ۳۵۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹).

رجب نیا، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در دبیرستان البرز و دانشسرای عالی به پایان برد. در سال ۱۳۲۲ ش به خدمت فرهنگ درآمد. و مدتی به کار تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. از آثار وی: ترجمه‌های «ابراهام لینکن»، «داوید کاپرفیلد»، «دین برای دیر باوران»، «سازمان اداری حکومت صفوی» و «طب اسلامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۷۶ -۱۷۴ /۶).

رجبی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود رجبی

محل تولد : جاسب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال ۱۳۴۳ به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد.او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجستهٔ آن روزگار به پایان برد. سپس در سال ۱۳۵۰ به درس خارج فقه و اصول استادان برجستهٔ حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازنماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیةالله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته(ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیةالله امینیان و حجةالاسلام و المسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیةالله مقتدایی و معانی و بیان را نزد آیةالله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیةالله طاهری خرم آبادی و آیةالله مؤمن و در درس مکاسب آیةالله ستوده، آیةالله مصلحی اراکی و آیةالله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایةالاصول نیز به درس آیةالله سلطانی طباطبایی(ره) و آیةالله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج آیةالله حاج شیخ کاظم تبریزی(ره)، آیةالله حاج شیخ مرتضی حائری(ره)، آیةالله العظمی وحید خراسانی، آیةالله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیةالله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر رانزد آیةالله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیةالله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطهٔ دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی(ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیتهای علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است او از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» ـ که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد ـ را نام برد او همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) را نیز بر عهده دارد.او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می پردازد.

رحماندوست، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای مصطفی رحماندوست در سال ۱۳۲۹ در همدان متولد گردید. پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی

خود را در رشت ?زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال ۱۳۴۹ تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع نمود. رحمانـدوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهده داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است.ترجمه کتاب" نگهبان چشمه " مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی رحماندوست پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی خود را در رشت ?زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال ۱۳۴۹ تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی رحماندوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهده داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است.

جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" نگهبان چشمه " مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است. ---

آثار :

۱ اسم من علی اصغر است

ویژگی اثر : قصه برای نوجوانان

۲ انتظار را د رکوه، درخت و چشمه می بینم گرد آوری سرودهای بچه ها در بار ?امام زمان علیه السلام می بینیم

۳ بازگشت قصه تاریخی برای کودکان

۴ بسوی خانه

۵ بلبل خوش آواز

۶ جوانه های امید گرد آوری سرودها دربار ?انقلاب و جنگ

۷ چشمه نور مجموعه شعرهای سال ۵۵ تا ۶۱ برای کودکان

۸ خاله خودپسند دو قصه برای کودکان

۹ درسی برای گنجشک

ویژگی اثر : قصه منظومه برای کودکان

۱۰ سربداران نمایشنامه

۱۱ علی کوتوله بالای کمد

ویژگی اثر : قصه منظومه برای خردسالان

۱۲ نگهبان چشمه

ویژگی اثر : ترجمه یک قصه فلسطینی-برگزیده کتاب سال-این کتاب قصه ای فلسطینی است. داستان کتاب، فداکاری دختری است بنام سماء که پاهایش قدرت حرکت نداشته و برای خدمت به مردم نگهبانی چشمه ای را که آب ده را تأمین می کند بعهده می گیرد و سرانجام برای آگاه ساختن مردم به از حمله دزدان (بوسیله بصدا در آوردن زنگی که نزدیک چشمه آویخته شده)، جان خود را از دست می دهد و مردم نیز پاس این فداکاری پرچمی چهار رنگ (پرچم فلسطینی) به یاد او تهیه می نمایند که بر بالای خانه ها نصب می شود و نشانی از مبارزه با بیگانگان است. ---

منابع :

۱www.ketabesal.ir

رحمانی فرد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رحمانی فرد

محل تولد : سبزوار

شهرت : رحمانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از آنجا که در آبادی ما مدرسه نبود و بعد هم که آمد خانواده ما چندان اعتقادی به مدرسه علوم جدیده نداشتند. لذا از سنین کودکی به مکتب خانه رفتم و قرآن و کتاب گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی را در مکتب خانه خواندم و بعد وارد حوزه

علمیه سبزوار شدم و در مدرسه فصیحیه مشغول به تحصیل علوم قدیمه شدم و در همان ایام شبانه تحصیلات کلاسیک را تا سیکل خواندم و در اوایل سال ۱۳۵۳ به قم عزیمت کردم و در دروس اساتید سطح (پایه ۶و ۷) شرکت کردم و همزمان با وارد شدن به حوزه علمیه قم و شرکت در محافل سیاسی و پخش بیانیه ها و نوارها و کتابهای حضرت امام خمینی ره همواره تحت تعقیب ساواک رژیم بودم و در جریان یورش بیرحمانه ماموران شاه به مدرسه فیضیه در سال ۱۳۵۴ دستگیر و پس از ضرب و شتم به زندان اوین منتقل شدم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کارهای تحقیقی و تبلیغی و فرهنگی مشغول میباشم.

رحمانی همدانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد فرزند مالک رحمانی همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست که در تاریخ ۱۳۱۴ شمسی برابر ۱۳۵۵ قمری در جوقیات همدان که دو فرسخ شهر فاصله دارد، متولد شده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن دروس فارسی مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه را در مدرسه مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی عالمی دامغانی خوانده و سطوح وسطی نهائی را در خدمت مرحوم حاج شیخ اسداله حجت همدانی و مرحوم حاج سیدمصطفی هاشمی و حاج شیخ علی انصاری به پایان رسانیده و کفایه‌الاصول را متنا و خارجا و نیز معارج عروه‌الوثقی علامه یزدی و تفسیر را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملاعلی همدانی بهره‌مند گردیده و استفاده کامل نموده است.

و از معنویات و اخلاقیات آن عالم ربانی حظ وافر برده و در سال ۱۳۴۴ شمسی برابر ۱۳۸۵ قمری به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از راه و طریق منبر رفتن به تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداخته و تا حال تحریر این کتاب سال ۱۴۱۱ قمری مفتخر به این خدمت می‌باشد و جدا منبری ولایتی و آموزنده و سازنده دارد. دارای تألیفات مفید و ارزنده است که از آنها کتب زیر است:

۱- الامام علی بن ابی‌طاب علیه‌السلام که به طبع رسیده و مطبوع همگان بالاخص اهل فضل می‌باشد.

۲- فاطمه الزهراء علیهاسلام که جامع و مفیدترین کتاب در فضائل و زندگانی آن حضرت است. و با بهترین کاغذ و جلد منتشر شد.

۳- مقاله تکامل در سایه اهل‌بیت که در گفتار وعاظ به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

رحمانی، نصرت اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرت الله رحمانی در سال ۱۳۰۸ ، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ناصر خسرو ، و متوسطه را در دبیرستان ادیب به پایان رسانید و سپس وارد مدرسه پست و تلگراف شد و تحصیلات خود را در آنجا پی گرفت. پس از اتمام تحصیلات، در آن وزارتخانه مشغول به کار شد. و ضمن آن سالها در چند مجله و روزنامه قلم زد و این شاعر نوپرداز در سال های آخر عمر، به شهر رشت کوچ کرد و سرانجام در تابستان ۱۳۷۹ ، درهمین شهر درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : نصرت الله رحمانی در تهران و در خیابان عین الدوله بزرگ متولد شد. او در یکی از کتاب هایش می نویسد:«نام پدرم گویا اسدالله است!»

تحصیلات رسمی و حرفه ای : نصرت رحمانی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ناصر خسرو و متوسطه را در دبیرستان ادیب به پایان رسانید و سپس وارد مدرسه پست و تلگراف شد و تحصیلات خود را در این مدرسه پی گرفت.

خاطرات و وقایع تحصیل : نصرت رحمانی از دوران تحصیل خود چنین تعریف می کند: « ... از هنرکده نقاشی به خاطر پاره ای بحران ها بیرونم کردند. من هم به مدرسه پست و تلگراف رفتم. روزهای شلوغی بود. مدیر مدرسه ما «پژمان بختیاری» شاعر، استعداد مرا زود درک کرد و روزنامه ی دیواری مدرسه را دراختیار من گذاشت. آغاز کار روزنامه نویسی از همین جا شروع شد... »

فعالیتهای ضمن تحصیل : نصرت الله رحمانی در طول تحصیلات رسمی، مدتی نیز وارده دانشکده نقاشی شد و زیر نظر « عباس کاتوزیان » به فراگیری نقاشی پرداخت.

استادان و مربیان : نصرت رحمانی هنر نقاشی را نزد عباس کاتوزیان فرا گرفت.

وقایع میانسالی : محمود آزاد تهرانی شاعر معاصر و یکی از دوستان نصرت رحمانی ، از عصیان او پس از سالهای کودتای ۲۸ مرداد یاد می کند و می گوید: « نصرت رحمانی شاعری بود که در یک دوره تاریخی خاص سربرآورد و نماینده یک جنبش شد.» م. آزاد در مورد این دوره چنین می گوید: « دوره پرشور جنبش ملی شدن نفت تمام ملت را سیاسی کرده بود ، کودتای ۲۸ مرداد ضربه اصلی را به این جنبش زد ولی ضربه وقتی کاری شد که روشنفکران و مبارزان را زندانی کردند ، به تبعید فرستادند و یک دوره خفقان و تاریک به وجود آوردند. در این دوره رژیم سعی می کرد تا تمام ارزش هایی را که مایه افتخار ملت بود نفی کند و

رمز موفقیت شعر رحمانی در این بود که این شعر در دوره خفقان ، علیه ارزش های حاکم سربرداشت... پیام رحمانی عصیان بود ؛ عصیان علیه ارزش های بورژوازی که پس از کودتا شکل تقدس به خود می گرفت... نثرت در آن دوره به طور مستقیم از زوال ، فروپاشیدگی و انحطاط گفت و در در مقدمه یکی از کتاب هایش نوشت شعر من از آنجا موفق شد که شعر اعتراض بود علیه اشرافیت ... اگر بخواهید دردمندی و فریادی که در شهر رحمانی هست توجه کنید ، همین معنی عصیان و اعتراض است. رحمانی یک آدم سیاسی بود و قبلاً شعرهایش در روزنامه های حزبی چاپ می شد. » نصرت درمجله ی سپید و سیاه اعلام کرده بود که می خواهد شعر را به میان مردم ببرد، به همین منظور به همراه مینا اسدی شاعر دیگری از نو پردازان به قهوه خانه ای در جنوب شهر تهران « میدان شوش » رفتند و هنگام شعر خوانی با بدخویی و مخالفت و عدم پذیرش قهوه خانه نشینان روبرو شدند.

زمان و علت فوت : نصرت رحمانی در تابستان ۱۳۷۹ ، در شهر رشت درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نصرت رحمانی، پس از به پایان بردن تحصیلاتش در وزارت پست و تلگراف مشغول به کار شد. او در مورد وضعیت اشتغال خود چنین می گوید: « ... آن روزها به وزارت پست وتلگراف می گفتند وزارت شازده ها ، راست هم می گفتند چون اولین وزارتخانه ی ایران بود ، شاهزاده ها هم به اصطلاح با سواد بودند ، تخم و ترکه ی قاجار هم که خودتان می دانید ، هرکس از تخم و ترکه ی آنها بود به کارمندی استخدام می شد یا با معرفی آنها. اتفاقاً یکی از همین شازده ها معرف من به مدرسه شد وگرنه راهم نمی دادند آخر سوابق مشعشانه ای داشتم! باری از همان جا به رادیو راه یافتم اما پس از چند سال که کار نکردم و حقوق گرفتم ... پس از چند سال درگیری با رییس قسمتم ، مرا به سرپرستی پست و تلگراف کاشان تبعید کردند ، من هم چون به عقرب علاقه نداشتم ، نرفتم. آنها هم یکی دو سال حقوق مرا پرداختند ، وقتی مطمئن شدند که آدم شدنی نیستم آن شندر غاز را هم قطع کردند. »

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرت رحمانی سالها در چند مجله و روزنامه قلم زد.او علاوه بر نوشتن قصه و رپرتاژ، مسوول صفحات ادبی آن مجلات نیز بود. از مجلاتی که وی با آنها به همکاری می پرداخت مجله فردوسی، امید ایران و سپید و سیاه ، اطلاعات هفتگی و با چند مجله ی دیگر بود.

آرا و گرایشهای خاص : نصرت رحمانی نخست تحت تاثیر سبک و شیوه سرایش فریدون توللی بود، ، اما بعد ها به شیوه زبانی ویژه خود دست یافت. شعرهایش به لحنی تلخ از دردها ، پلیدیها و تباهی های دامنگیر اجتماعی، و از عشقی که در میان به لجن کشیده شده است ، سخن می گوید. از دیدگاه او زندگی سرتاپا سیاه و چرکین است؛ خود وی شعرش را سیاه و چرکین می نامد. اما شاید تعبیر « شعر تلخ » برای آن برازنده تر باشد. شعرش از احساسی نیرومند برخوردار است. زبانش زبانی ساده و گاه حتی تا حد زبان کوی و برزن خودرا همسان می سازد وی نخستین کسی است که واژه ها و اصطلاحات کوچه و بازار را وارد شعر نو کرده است. محمود آزاد تهرانی در باره زبان شعر رحمانی چنین می گوید: « او کلمات عادی را وارد شعر کرد و از به کار گرفتن کلمات مجلل و مطنطن پرهیز داشت و همین ویژگی سبب شد تا نیما بعد از خواندن یکی از شعرهای رحمانی به وجد بیاید و مقدمه ای بر کتابش بنویسد. در آنجا نیما یادآوری می کند که رحمانی با جرات تمام کلماتی را در شعر به کار می برد که دیگران تصورش را هم نمی کنند. » --

آثار :

۱ پیاله دور دگر زد

۲ ترمه

۳ حریق باد

۴ داستان مردی که در غبار گم شد

۵ درجنگ باد

۶ درو

۷ شمشیر معشوقه قلم

۸ کوچ

۹ کویر

۱۰ گزینه اشعار

۱۱ میعاد در لجن

منابع :

۱روزنامه مردم سالاری ، سه شنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۸۰ ، شماره ۷۱۲شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج۱ ، تهران: سنایی ، ص ۳۸۷

رحمدل، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا رحمدل در سال ۱۳۳۰ در لاهیجان بدنیا آمد. وی دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس در

سال ۱۳۷۱ و عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۸ دانشگاه گیلان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انساب : نام پـدر غلامرضا رحمـدل مرتضـی رحمدل و نام مادرشان خانم بزرگ موسی پور است که هردو به دار فانی را وداع گفتند.

خاطرات کودکی : غلامرضا رحمدل قبل از دوره دبسـتان بمدت ۲ سال به یادگیری قران در مکتب خانه پرداخته است.دوره دبستان را در روستا گذراند.مدرسه ایشان توسط یک معلم در شش پایه اداره می شد که این معلم از سواد بیشتری برخوردار نبود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامرضا رحمدل در خانواده ای از نظر اقتصادی ضعیف بدنیا آمد.پدرو مادر وی سواد خواندن و نوشتن نداشـتند.وی قبل از دوران سربازی کار می کرد و بعد از سربازی در سال ۱۳۵۳ یکسال به آموزگار پرداخت و شبانه به تحصیل خود در دانشگاه تربیت معلم ادامه دادند.

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : غلامرضا رحمـدل تحصیلات ابتدایی را در روسـتای محل زادگاهش گذراند .مقطع متوسطه را در دبیرسـتان مهدویه لنگرود ،کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تربیت معلم (بسال ۱۳۵۷) ،کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسـی را در دانشگاه تهران (در سال ۱۳۶۴) و دکتری رشـته زبان و ادبیات فارسـی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامرضا رحمدل از این دورا چنین می گوید: دبستان روستای ما با بخاری هیزومی گرم می شد و دانش آموزان موظف بودند در اولین روز هر هفته یک پشته هیزم و یک بطری نفت با خود به مدرسه بیاورند.

فعالیتهای ضـمن تحصیل : غلامرضا رحمدل در حین تحصیل به شغلی معلمی در روستای چوشل لاهیجان و دبیرستان های منطقه ۱۳ تهران می پرداخت

اسـتادان و مربیان : معلمان و اسـتادان غلامرضا رحمدل در مقاطع مختلف تحصـیل به شرح زیر است: مکتب خانه : طالقانی دبستان : دکتر شـفیعی کد کنی ،کیانی ، انصاری دبیرسـتان : حاج محمدی ،حاج تقوای دانشگاه : دکتر زرین کوب ، دکتر شعار ، دکتر ضیا الـدین سـجادی ، دکتر آموزگار ،دکتر حاکمی ،دکتر رنجبر ،دکتر احمدی بهنام ،دکتر احمدی ، دکتر حریرچی ،دکتر تجلیل ،دکتر سادات ناصری و دکتر بحرالعلومی

هم دوره ای هـا و همکـاران : از همـدوره ایهـای غلامرضـا رحمـدل در دوره کارشناسـی ،خـانم اعظم طالقانی (دختر مرحئم آیه الله طالقانی) و در مقطع دکتری ،دکتر منوچهر اکبری و دکتر کی منش بوده است.

همسر و فرزندان : غلامرضا رحمدل متاهل و دارای همسر بنام دکتر آذرکوشا (پزشک)و ۴ فرزند بنامهای سمانه ،دانشجوی معماری –ساره دانشجوی شیمی – صادق محصل مقطع پیش دانشگاهی و علی محصل کلاس سوم ابتدایی است.

وقایع میانسالی : از وقایع بوقوع پیوسته در این دوران از زندگی غلامرضا رحمدل فوت پدر ، مادر و خواهرش و همچنین به شهادت رسیدن چند نفر از دوستانش می باشد.

مشاغـل و سـمتهای مـورد تصـدی : فعالیتهـای اجرائی: رییس آموزش و پرورش لنگرود ۱۳۶۰–۱۳۶۳ معاون اداری و مالی دانشـگاه آزاد واحد رشت ۱۳۶۴–۱۳۶۶ رییس آموزش وپرورش بنـدر انزلی ۱۳۶۳–۱۳۶۵ معاون جنگ دانشگاه گیلان ۱۳۶۵–۱۳۶۶ رییس دانشـکده ادبیات وعلوم انسانی ۱۳۷۰–۱۳۷۶ معاون دانشـجوئی و فرهنگی دانشگاه گیلان ۱۳۷۴–۱۳۷۵ مسئول بسیج اساتید استان گیلان از ۱۳۸۰ تا کنون عضو شورای فرهنگی عمومی استان گیلان عضو شورای فرماندهی سپاه لنگرود در سال ۱۳۵۹ عضو مسئول حزب جمهـوری اسـلامی لنگرود ۱۳۶۱–۱۳۶۳ مربی دانشـگاه گیلان ۱۳۶۵–۱۳۷۱ اسـتادیار دانشـگاه گیلان ۱۳۷۱–۱۳۸۰ دانشیار دانشگاه گیلان ۱۳۸۰ استاد دانشگاه گیلان از سال ۱۳۸۵ تا کنون

مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : غلامرضا رحمدل مرکز پژوهشـی گیلان شناسـی دانشگاه گیلان را راه اندازی کرده است.

سـایر فعالیتهـا و برنـامه هـای روزمره : غلامرضـا رحمـدل در کنـار تـدریس به سـرودن شـعر و تحقیق می پردازد.ایشان رسـیدگی به امورات زندگی و خانواده را در اولویت کاری خود قرار می دهد.

شاگردان : اساتید فعلی گروه ادبیات دانشگاه های گیلان و آزاد رشت از شاگردان غلامرضا رحمدل هستند.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه: نقد ادبی – ادبیات معاصر – تاریخ اسلام

جوائز و نشانهـا : کسب مقامهای علمی ۱– برنده مسابقه شـعر جنگ و دریافت نامه افتخار از وزیر وقت فرهنگ وارشاد اسـلامی مهر ماه ۱۳۶۰ ۲ – دریافت دیپلم افتخار ۸ سال دفاع مقدس از معاونت فرهنگی سـتاد فرماندهی کل قوا ۱۳۶۸ ۳ – احراز مقام نخست در دومین جشـنواره سراسـری دانشگاهیان ایران ویژه عزت وافتخـار حسینی بهمن ماه ۱۳۸۱ ۴ – احراز مقـام سوم در مسـابقه سراسـری عباس(ع) باب الحوائـج در بخش مقاله خرداد ماه۱۳۸۳ بر گزار کنندگان: صدا وسیما – نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشکاهها ۵– برگزیـده کتاب سال دفاع مقـدس در سال ۱۳۸۶ کتـاب گـذاره های چاه و آه ۶– برگزیـده مسابقه نقـد کتاب سال در ۱۳۸۶ با نام نگاهی به نقد ادبی – از سوی سرای اهل قلم

چگونگی عرضه آثار : غلامرضا رحمـدل دارای ۵ کتاب در زمینه تاریخ اسـلام و ۵ کتاب در زمینه ادبیات فارسـی است.وی دارای ۲۸ مقاله چاپ شده دارد.ایشان دارای سه طرح پژوهشی می باشند. ——————————————————————————————

——————————————————

آثار :

۱ از زمزمه تا فریاد (مجموعه شعر)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۲ از کربلا تا حره (سه سال بعد از عاشورا)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۳ بال بال ثانیه ها

ویژگی اثر : مجموعه شعر–انتشارات دهسرا – رشت ۱۳۸۶

۴ تذکره شهدای کربلا (شهدای انصار)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۵ تذکره شهدای کربلا (شهدای بنی هاشم)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۶ تذکره شهدای کربلا۱و۲

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان (چاپ دوم –۱۳۸۵)–۱۳۸۶

۷ چشیدن دریا ۵۰ مقاله پیرامون تاریخ اسلام

ویژگی اثر : انتشارات حرف نو رشت ۱۳۸۴ چاپ دوم

۸ حماسه آب

ویژگی اثر : در دست چاپ– عاشورا شناسی

۹ حماسه عطش

ویژگی اثر : عاشورا شناسی–پژوهشاهی موضعی پیرامون عاشورا شناسی–انتشارات دهه رشت سال ۱۳۸۶

۱۰ دیدگاههای حکومتی سعدی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۱۱ رجزهای یورشی در کلام حماسه آفرینان کربلا چاپ اول و دوم

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۱۲ رنگ و درنگ اب

ویژگی اثر : پژوهشهای قرانی سال ۱۳۸۵–زیر چاپ

۱۳ سی دی شعر گیلکی بجار کار

ویژگی اثر : تکثیر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس رشت

۱۴ شکفتن توفان

ویژگی اثر : (مجموعه شعر) چاپ اول –انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی–تهران ۱۳۸۶

۱۵ صخره در گلوگاه آب

ویژگی اثر : در دست چاپ – مجموعه شعر

۱۶ عروض

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان چاپ سوم ۱۳۸۵

۱۷ گدازه های چاه و آه

ویژگی اثر : ادبیات انقلاب – مجموعه شعر–انتشارات بنیاد شهید گیلان –۱۳۸۵.کتاب سال دفاع مقدس در کشور –یازدهمین همایش معرفی کتاب سال دفاع مقدس ۱۳۸۶

۱۸ گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)

ویژگی اثر : انتشارات نیستان

۱۹ ما ایستاده ایم

ویژگی اثر : مجموعه اشعار دوران دفاع مقدس–انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس –رشت ۱۳۸۶

۲۰ مجموعه مقالات گیلان شناسی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان --

منابع :

http://staff.guilan.ac.ir/ViewFInfo.asp?vID=۳۱۰E۰C۰۸۱۷۰۴۰۱۲۱پرسشنامه تکمیل شده فرهیختگان توسط دکتر غلامرضا رحمدل بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی – زمستان ۱۳۸۵

رحیم پور، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر مسعود رحیم پور در سال ۱۳۲۹ در شهرستان اهر بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان شناسی کاربردی را از دانشگاه کوئنزلند استرالیا در سال ۱۳۷۶ می باشد.وی از سال ۱۳۵۸ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان انگلیسی دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شده اند و اکنون هم با رتبه دانشیاری در دانشکده فوق فعالیت می کند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مسعود رحیم پور ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان شیخ شهاب الدین به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۰ از دبیرستان همت اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان انگلیسی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی را در سال ۱۳۵۷از دانشگاه اوکلاهماسیتی – امریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۶مدرک دکتری در رشته زبان شناسی کاربردی را از دانشگاه کوئنزلند استرالیا با موفقیت اخذ کرد. عنوان پایاننامه: الف – کارشناسی ارشد: A study of the effect of the Linguistic Approach in Teaching English ب- دکتری: Task complexity Task Condition and Variation in L ۲ oral Discourse

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی مسعود رحیم پور : قبلی: مدیرگروه زبان انگلیسی– معاون دانشکده – مدیر همکاریهای علمی و بین المللی دانشگاه تبریز مدیر گروه زبان انگلیسی– مشاور استاندار ومدیرهمکاریهای بین المللی استانداری آذربایجان شرقی دبیر متنخب کمیته ارتقاء دانشکده – عضو هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات – ویراستار انگلیسی مجله دانشکده علوم انسانی و اجتماعی – عضوسابق شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه – عضو سابق کمیسیون آموزشی دانشگاه– دبیراولین کنفرانس مشترک بررسی مسایل آموزش زبان تبریز ، باکو – ویراستاری ۲ جلد کتاب از انتشارات دانشگاه تبریز

فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی مسعود رحیم پور به قرار زیر است : الف : تدریس ۱- دوره کارشناسی : تدریس ۲۵ سال ۲- تحصیلات تکمیلی: تدریس ارشد و دکتری ۱۰ سال ب : برگزاری کارگاه ها: ۳ فقره کارگاه آموزشی ویژه اساتید دانشگاهها

چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی: تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۲۶مورد تعداد کتابهای تالیف شده : ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۲۰ مورد تعداد پایاننامه های دکتری: ۳ مورد منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

رحیم زاده، ?صفوی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم زاده نویسنده و فاضل ایرانی (ف. ۱۳۳۸ ه.ش./ ۱۳۷۹ ه.ق.). وی در مشهد تولد یافت و تحصیلات ابتدایی خود را در محضر استادان در فنون مختلف در آن شهر شروع کرد. سپس به تهران آمد و وارد جریانات سیاسی شد و ضمنا به تکمیل معلومات خود پرداخت و علاوه بر زبان فرانسوی که در خراسان آموخته بود زبانهای انگلیسی و ترکی را نیز در تهران فراگرفت و تا پایان عمر دست از مطالعه برنداشت و مخصوصا در تاریخ و جغرافیا به تتبع می‌پرداخت. از آثار اوست: کتابی به نام «جغرافیای اقتصادی ایران» و رمانی به نام «شهربانو».

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رحیم غفاری، فتح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در کاشان متولد شد، پس از پایان تحصیلات ابتدایی، دوره‌ی متوسطه را در دارالمعلمین خواند. مدتی مسئولیت اداره‌ی روزنامه‌ی «اتحادیه» را به عهده داشت. اثر او: «دختران بدبخت»، در دو مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۰/۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۲/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۴ –۷۷۳ /۴).

رحیم، فرزانه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۰۳ –۱۲۷۳ ق)، مترجم. در سال ۱۲۹۰ ق که ناصرالدین‌شاه برای نخستین بار به اروپا می‌رفت، حکیم‌الممالک که از همراهان او بود، فرزندش رحیم را برای تحصیل علم در لندن گذاشت، وی پس از پنج سال به ایران بازگشت. به مناسبت ترجمه‌ی کتاب «تاریخ ایران و سلطنت قاجاریه»، ناصرالدین‌شاه به او لقب فرزانه داد که بعدها این لقب نام‌خانوادگی ایشان شد. وی در جوانی درگذشت. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب «تاریخ ایران و سلطنت قاجاریه» تالیف مارخام؛ ترجمه‌ی «سفرنامه دکتر هنری لانسدل»

انگلیسی به ترکستان و خیوه و بخارا؛ ترحمه‌ی «نامه‌های متبادله میان ژنرال کوفمان روسی کلمران ترکستان و امیر شیرعلی خان پادشاه افغانستان (۵۵ نامه)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۰۰ -۹۹ /۶).

رحیم‌زاده‌ی ارژنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۷۹ ش)، مجسمه‌ساز. در کودکی همراه خانواده‌اش از آذربایجان شوروی به مشهد رفت. پس از مدتی برای آموختن مجسمه‌سازی و نقاشی مجددا به آذربایجان آمد، سپس در بیست سالگی به مشهد بازگشت و به شغل دبیری منصوب شد. در سال ۱۳۰۷ ش به تهران آمد و در شهرداری، در بخش زیباسازی شهر مشغول به کار شد. پس از مدتی از سوی رضاشاه به فرانسه اعزام شد و در آنجا به مدت دو سال به آموختن پرداخت و علاوه بر آن بر ساختن چهار مجسمه‌ای که بعدها در میدان سپه، راه‌آهن و بهارستان و در اصفهان نصب شد، نظارت کرد. او اولین مجسمه‌ساز واقع‌گرا در ایران بود و به دلیل فعالیتهای هنری به اخذ دو مدال هنری نایل آمد و سرانجام به علت سکته قلبی درگذشت. از آثار وی: «نمای خارجی کاخ دادگستری»؛ «مجسمه‌ی قدیم فردوسی در میدان فردوسی.»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۴/۳).

رحیم‌زاده‌ی صفوی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۷۳ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در مشهد متولد شد، در همان شهر تحصیل کرد، زبان فرانسوی هیات و نجوم، علوم ادبی و عربی را به خوبی آموخت. سپس به تهران آمد، به بیروت و سویس سفر کرد. در ۱۳۰۱ ش روزنامه‌ی «آسیای وسطی» را در تهران منتشر ساخت، در ۱۳۰۳ ش پس از توقیف «آسیای وسطی» به فرانسه رفت و از راه ترکیه به شوروی مسافرت کرد و به تهران برگشت. در ۱۳۰۷ ش به افغانستان و هندوستان سفر کرد و مدتی سردبیری روزنامه‌ی «حبل المتین» را به عهده داشت. پس از دو سال اقامت در کلکته، به ایران مراجعت کرد و به عنوان مترجم عربی و انگلیسی و ترکی استانبول در اداره‌ی قوانین دادگستری به خدمت مشغول شد. او در سال ۱۳۲۱ ش به درخواست زین‌العابدین رهنما سردبیری روزنامه‌ی «ایران» و در سال ۱۳۲۲ ش بنا به تقاضای ملک‌الشعراء بهار مدت کوتاهی سردبیری روزنامه‌ی «نوبهار» را پذیرفت. سرانجام در تهران وفات یافت. آثاری از او به جای مانده است از جمله: «تاریخ ایران اقتصادی»؛ «داستان نادرشاه»؛ ترجمه‌ی «جنگهای صلیبی»؛ «سرگذشت سه اختر تابناک ایران»؛ «بیژن و منیژه»؛ «داستان شهربانو»؛ «سبک شناسی یا شیوه‌ی خط نوین»؛ «شاه عباس کبیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۲۳۶ -۲۳۵)، تاریخ جراید (۱۷۶ -۱۷۴ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۱ -۲۹۵ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۹ -۱۱۸ /۳).

رحیمی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا رحیمی

محل تولد : فریدون اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های علمی خودم را آغاز کردم. بعد از آن‌که از طریق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دانشگاه مشغول تدریس شدم، کم‌کم در تدریس موفق شدم، جزوه‌های درس بنویسم. در کنار دانشگاه به مدت ۵ سال در حوزه علمیه جعفریه تهران (پاکدشت) مشغول به تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه آزاد اسلامی اراک برای فوق لیسانس قبول شدم و لذا در آنجا هم تدریس می‌کردم، و هم تحصیل بالاخره در سال ۱۳۷۴ با معدل ۱۸.۴۶ فارغ التحصیل شدم و رساله علمی خودم که به نام تقیه در سیره عملی امامان معصوم(ع) بود با نمره ۱۹ دفاع کردم. سپس در دانشکده فنی دکتر شریعتی (تهران) عضو

هیئت علمی شـدم و هم‌اکنون در پایه ۱۴ مربی هیئت علمی هستم به دنبال هیئت علمی شدن موفق شدم کتب و مقالاتی را بنوسیم. الحمدالله زمینه علمی و تحقیقی به خاطر هیئت علمی بودن برایم فراهم است. ان شاءالله کتابهایی که نوشته‌ام به زودی چاپ خواهند شوند.در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شـدم و در مـدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شـدم. در سال ۱۳۶۱ توانستم، پایه۱۰ را به پایـان برسـانم و در درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی(ره)، سبحانی، مکارم شـرکت کنم. فعلاً هم در درس خارج فقه مقام معظم رهبری حضـرت آیت الله العظمی خامنه‌ای شـرکت می‌کنم. بحث کنونی اسـتاد مکاسب محرمه است. ضـمناً در کنار درس حوزه توانسـتم دیپلم بگیرم و در دانشـگاه هم حضور پیـدا کنم و مدارک فوق لیسانس در رشـته الهیات ـ فقه و مبانی اسـلامی بگیریم. هم اکنون از اعضای هیئت علمی دانشـکده فنی شـریعتی (تهران) می‌باشم و بنا دارم به زودی مـدرک سـطح چهار را هم از حوزه علمیه قم بگیرم.

رحیمیان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رحیمیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین رحیمیان در سال ۱۳۵۹ مشغول به تحصیل در علوم حوزوی شدم . پس از اتمام مقدمات ، سطوح عالی را در خدمت حضـرات آقایـان محقـق دامـاد ، آیت الله خزعلی و کفـایه را نزد حضـرت آیت الله فاضـل لنکرانی خوانـدم . خـارج فقه و اصـول را خـدمت تعدادی از اساتید بزرگ و مراجع بوده ام به خصوص حضـرت آیت الله تبریزی که متجاوز از بیست سال در فقه و اصول در خـدمت ایشان بود ه ام فلسـفه را نیز در خـدمت اساتید بزرگوار بویژه حضـرت آیت الله مصـباح اسـتفاده کرده ام.بجز تقریرات فقه و اصول مقالاتی در مباحث اسلامی مثل تقیه، و یا آزادی در اسلام نوشته ام و علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه مسئولیت برخی از مراکز علمی و فرهنگی را داشته ام. در دوره اولین شورای نماینـدگان مقـام معظم رهـبری دردانشـگاهها مسـئولیت نهـاد رهـبری در دانشگاههای کشور را به مدت سه سال عهده دار بودم.

ایجـاد تشـکیلات اساسـی نهـاد مثل تصویب اساسـنامه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تاسـیس بخش گزینش اساتیـد معارف مربـوط به آن دوره است مسـئولیت دفـتر تـدوین متـون درسـی مرکز جهـانی علـوم اسـلامی را نیز مـدتی عهـده دار بوده ام برخی از کتابهـایی که در این دوره تـدوین شـد بحمـد الله امروز در حوزه هـای داخل و خارج ایران متن درسـی طلاب است برخی از آنها با تاییـد و تقریظ بعضـی از فقها و مراجع جایگزین کتابهایی شـده است که سالها در حوزه ها تـدریس می شده است.همچنین از سوی مـدیریت حوزه علمیه قم مسـئولیت تاسیس و ایجاد رشـته تخصصـی تاریخ اسـلام را داشـته ام که هم اکنون این رشـته با تعدادی از طلاب علاقه مند به این رشته به کارخود ادامه میدهد.

رزمجو، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین زرمجو درسال ۱۳۱۱ درمشـهد متولد شد. وی پس از اخذ لیسانس و فوق لیسانس ادبیات فارسـی از دانشگاه فردوسی مشهد، و مدتی تحصیـلات حوزوی و تدریس در دبیرستانهای و مراکز تربیت معلم به تحصیل دوره دکتری در دانشگاه تهران پرداخت. وی پس از فراغت از تحصیل عضو دانشـگاه فردوسـی مشـهد شد. وی سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران و برخی از مسئولیتهای اجرایی در دانشـگاه فردوسی مشهد را برعهده داشته است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فارسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسـین رزمجو پس ازاخذ دیپلم طبیعی دردبیرسـتان فردوسی مشهد،ولیسانس ادبیات فارسی ازدانشگاه فردوسی مشهد۱۳۳۷ومدتی تحصـیلات حوزوی واخذ فوق لیسانس ادبیات ازهمان دانشگاه،وارد دانشگاه تهران شد.وی درسال۱۳۵۸ازرساله دکتری خود تحت عنوان انسـان آرمـانی وکامـل درادبیـات حماسـی وعرفـانی فرسـی دفـاع کرد.خـاطرات و وقـایع تحصـیل : تحصـیل دردوره دکـتری دردانشـگاه تهران واخذمدرک دکتری ادبیات فارسـی ازآنجا ازمقاطع مهم زندگی علمی حسـین رزمجو بوده است.فعالیتهای ضـمن تحصـیل : حسـین رزمجو پس ازاخـذ مـدارک لیسـانس وفوق لیسـانس ادبیـات فارسـی به تـدریس دردبیرسـتانهاومراکز تربیت معلم درمشـهد پرداخت. وی درعین حال به تحصیل علوم حوزوی نیز می پرداخت. استادان و مربیان : دکترشهیدی،دکترمحقق،دکترزرین کوب،دکترناتل خانلری،اسـتادایرج افشارودکتر اسـلامی ندوشن ازاستادان حسین رزمجو دردانشگاه تهران بود ه اند.وقایع میانسالی : حسـین رزمجوپس ازاخذ مدرک دکتری زبان وادبیات فارسـی درسال۱۳۵۸،عضوهیئت علمی دانشـگاه فردوسی مشهد شد. وضمن تصدی برخی مسـئولیت های اجرایی درآنجا به تحقیق وتالیف نیز می پرداخت.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : حسین رزمجو پس

ازاخذ مدرک لیسانس ادبیات فارسی ازدانشگاه فردوسی مشهد،به عنوان معلم وسپس استادمراکز تربیت معلم،به استخدام وزارت آموزش وپرورش درآمد.ازسال۱۳۶۰وی پس ازاخذ مدرک دکترای به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد درآمد وی علاوه برمسئولیت های اجرایی درآن دانشگاه ازجمله ریاست کتابخانه ونیزدانشکده علوم انسانی،سرپرستی کمیسیون ملی یونسکو درایران رانیز برعهده داشته است. فعالیتهای آموزشی : حسین رزمجو ازسال۱۳۲۷ به تدریس دردبیرستانهای مشهد ومراکزتربیت معلم وازسال۱۳۶۰به تدریس دردانشگاه فردوسی مشهد مشغول بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین رزمجو علاوه برتدریس ورسیدگی به امور اجرایی به تحقیق،مطالعه وتالیف کتبی درزمینه ادبیات فارسی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : حسین رزمجو با توجه به تحصیلات حوزوی خود،ادبیات فارسی را بامعیاراخلاق وتربیت اسلامی می سنجید ونیزتزدکتری خودرادرهمین زمینه نگاشته است.چگونگی عرضه آثار : حسین رزمجو بسیاری ازکتب خود را درانتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسانیده است.

آثار : ۱ ابوحامد محمد غزالی ۲ استاد و فرزند برومند او ۳ انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی ویژگی اثر : این اثر رساله دکتری دکتر رزمجو که درسال ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران آنرا تدوین نمود.۴ انسان صالح در تربیت اسلامی، انواع ادبی و آثار در زبان فارسی ۵ برگزیده نثر فارسی ۶ ذکر جمیل سعدی ۷ روزها و رمزها و رازها و .... ۸ روش نویسندگان بزرگ معاصر ۹ زین آتش نهفته ۱۰ شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی ۱۱ شیخ اجل سعدی شیرازی

رسا تهرانی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۸۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس ادب و ثروت تهران به پایان رساند و فقه و حقوق اسلامی را نزد مرحوم میرزا محمود قمی، مدرس مدرسه‌ی صدر و علامه حکمی آموخت. سپس روزنامه‌ی «قانون» را منتشر کرد که بارها توقیف شد و مدیر آن به زندان افتاد. و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش دیگر منتشر نشد. رسا گاهی شعر هم می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۰۵ -۱۰۲ /۴)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳۰۸ -۳۰۵ /۳).

رستگار، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر رستگار در سال ۱۳۲۸ ش. در تهران پا به عرصه هستی گذاشت .وی یکی از مترجمان معاصر است او در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهای هنری و ادبی در زمینه های تئاتر، بازیگری، کارگردانی و نویسندگی می پرداخت ترجمه را از دوران تحصیل در دانشگاه شروع کرد .وی در حال حاضر مقیم اصفهان و عضو شورای دبیران فصلنامه زنده رود می باشد. کتاب"جنایت و مکافات "ترجمه اصغر رستگار، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اصغر رستگار تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران گذراند. ایشان در سال ۱۳۵۳ در رشته ریاضی از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اصغر رستگار در آستان ?فارغ التحصیلی از دانشگاه، در تیر ۱۳۵۰ توسط ساواک بازداشت شد و به ۳ سال حبس محکوم گردید. در فاصله سالهای ۵۳-۱۳۵۰ در زندان چند کتاب ترجمه و آماده چاپ نمود که به غیر از یک کتاب (سیستم وروشهای هنر خلاق) بقیه توسط ساواک ضبط شد. همچنین حرفهای داستان بلند «آبادیهای ویران» که در دست چاپ بود اجاز ?انتشار نیافت و تلاش مترجم برای پس گرفتن آنها و سایر کتب به جایی نرسید.

فعالیتهای ضمن تحصیل : اصغر رستگار در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهای هنری و ادبی در زمینه های تئاتر، بازیگری، کارگردانی و نویسندگی می پرداخت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رستگار در حال حاضر مقیم اصفهان و عضو شورای دبیران فصلنامه زنده رود می باشد.

جوائز و نشانها : کتاب"جنایت و مکافات "ترجمه اصغر رستگار، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

---

آثار :

۱ آتشی که نگرفت، داستان بلند، جک لندن

ویژگی اثر : ترجمه

۲ آفرینندگان جهان نو

ویژگی اثر : ترجمه،مجموعه مقالات درباره زندگی و تحلیل آثار ۹۳ اندیشمند معاصر، با همکاری گروهی از مترجمان

۳ از عشق و سایه ها، رمان، ایزابل آلنده

ویژگی اثر : ترجمه

۴ باد در بیدزاران، رمان نوجوانان، کنت گراهام

ویژگی اثر : ترجمه

۵ تئوری بنیادی هنر تئاتر

ویژگی اثر : ترجمه،کنستانتین استانیسلاوسکی و تعداد زیادی نمایشنامه از این مترجم محترم آثار دیگری در دست چاپ می باشد.

۶ جنایت و مکافات

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «جنایت و مکافات» جنایت و مکافات/ فیودور میخائیلو ویچ داستایوسکی؛ ترجمه اصغر رستگار.- اصفهان: نشر فردا، ۱۳۷۹. اثر حاضر ترجم ?یکی از رمانهای بزرگ نویسند ?بلندآواز ?روس است. داستایوسکی در شمار آن نویسندگانی است که خواندن آثارش برای هر نسل ضروری است. جنایت و مکافات در آغاز رمان تباهی اخلاقی به نظر می آید، ولی این تباهی در عمق خود روشنایی می یابد که آن را جبران می کند. در هم ?شخصیتهای این داستان پیشرفت پوسیدگی در نیک نهادی انسان را مشاهده می کنیم، و ، با این همه، در لحظه ای که به نظر می آید همه گونه نور امیدی در وحشت و اشمئزاز به خاموشی می گراید، ناگهان جرقه ای دوباره جستن می کند. انسان که همانند حیوان درنده ای شده است، ناگهان سرشت فرشته ای خود را باز می یابد. ناتورالیسم مخصوصاً دقت این رمان را در تحلیل روانی به ستایش گرفت. البته داستایوسکی در نوشتن این رمان فارغ از تأثیرات ناتورالیستی نبوده است، ولی او در این رمان مسئله ای را پیش کشیده بود که نویسندگان روس از اندک زمانی پیش به مطالعه آن دست برده و آن را از سنت اروپایی اقتباس کرده بودند، و آن مسأل ?جاودانه ای بود که در نظری ?اومانیستی انسان را در برابر نظری ?صرفاً مذهبی انسان قرار می داد. اگر تولستوی این تقابل دو اندیشه را از درون به حوز ?جهان هستی برون می افکند، و در آنجا تقابل، در عالم نظر، محلی برای فروکش کردن می یابد، داستایوسکی، به عکس، آن را به روح آدمی می برد و در دام درونی فرد مجزا و محصور می کند؛ و در آنجاست که تقابل با شدت تب آلودی به جوش و خروش در می آید. جنایت و مکافات رمانی است که در آن شخصیتها به گونه ای اند که در اطراف آنها جایی برای هیچ چیز دیگر وجود ندارد. هرازگاهی، گوش ?کوچه ای، اضطراب درونیی، و توصیف جزئی دهکده ای، در جهانی که هم ?آن از اندیشه و احساس تشکیل یافته است، طرح وار ترسیم شده است. شاید هیچ گاه باطن پنهان انسان، آن گونه که در این اثر می بینیم، به خلوتی چنین کامل و چنین نومیدانه دست نیافته باشد. ولی اگر در دو کران ?این خلوت، هم یک آرمان قدرت مطلق و هم یک آرمان عشق مطلق وجود دارد. این دو هدف بیرون از انسان است. مترجم محترم ضمن وفاداری به اصل متن، ترجمه ای رسا و سلیس و زیبا و درخور این اثر بزرگ فراهم آورده است. استفاده از زبان محاور ?متناسب با فضای داستان و کاربرد اصطلاحات عامیانه، و تفاوت نمایان آن با بقی ?متن از امتیازات ترجم ?حاضر است. تلاش مترجم در انتقال مضامین کتاب به زبان فارسی با معانی روشن و دلنشین ستودنی است. ---

منابع :

۱www.ketabesal.ir

رستگارفسایی، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۹، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس: شاهنامه فردوسی، متون نظم و نثر فارسی، نقد ادبی و سبک‌شناسی و منظومه‌های غنائی و حماسی. طرح معنی‌شناسی شعر حافظ، طرح دگرگونی آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاههای ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شاهنامه فردوسی، تاریخ و فرهنگ فارس، شعر فارسی، کتاب فارسنامه ناصری به تصحیح و تحشیه استاد که به عنوان کتاب سال ۱۳۶۷ انتخاب شده است، کتاب ۲۱ گفتار درباره شاهنامه و فردوسی که به دریافت لوح تقدیر بهترین کتاب سال ۱۳۷۱ نائل گردیده است.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

فردوسی و شاهنامه، اساطیر ایران، شعر و شاعران ایران، تاریخ و فرهنگ و ادب فارسی، مسائل دانشگاهی و آموزش پیش از دانشگاهی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رسول‌زاده، محمد امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۶۳ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در بادکوبه متولد شد، پس از تحصیلات قدیم و جدید، به فعالیتهای سیاسی و روزنامه‌نگاری پرداخت. ابتدا روزنامه‌ی «تکامل» را بنیاد نهاد، پس از توقیف «تکامل» مدیر روزنامه‌ی «ارشاد» و بعد از توقیف «ارشاد»، عضو هیات تحریریه‌ی روزنامه «ترقی» شد. و پس از آن سردبیر روزنامه‌ی «ایران نو» بود. در نهضت گیلان با مجاهدین به تهران آمد. وی در دوره‌ی دوم نماینده‌ی مجلس شد. در سال ۱۹۴۷ م به ترکیه رفت و در همان کشور درگذشت. از او تالیفات سیاسی بسیار به جا مانده از جمله: «تنقید فرقه اعتدالیون»؛ «سعادت بشر»؛ «عنصر مزدک سیاوش»؛ «ملیت و بلشویزم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۱۱۰ -۱۰۹ /۲)، تاریخ جراید (۳۴۹ -۳۴۷ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۱۵ -۳۰۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۹ -۶۸۸ /۱).

رسولی محلاتی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن السید عباس محلاتی از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند.

وی در محلات که در ۱۸ فرسخی قم است متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی سطوح را فراگرفته و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده نموده و آنگاه بنا بر دعوت مردم امامزاده قاسم شمیران و امریه حضرت آیت‌اللَّه بروجردی عزیمت به آنجا و بوظایف دینی پرداخته تا در ۲۵ جمادی‌الثانی سال ۱۳۸۶ قمری که در سن ۵۹ سالگی بدرود حیات گفته و فرزند صالح و دانشمندی چون مترجم معظم را بجای گذارده که تا هم اکنون در مسجد آن محل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و وظائف دیگر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی محلاتی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید هاشم بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حسین رسولی محلاتی از افاضل دانشمندان و نویسنده‌گان معاصر شمیران و مقیم امامزاده قاسم شمیران میباشند.

وی در ۲۸ ماه رمضان سال ۱۳۴۸ قمری در محلات متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات سطوح عالی را از مدرسین قم چون آیت‌اللَّه صدوقی و حاج شیخ اسداللَّه اصفهانی و حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت‌اللَّه سلطانی و دیگران فراگرفته و از دروس و محضر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی موسوی و غیر هم استفاده نموده و چندی هم در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و خوئی و شاهرودی بهره‌مند تا بمدارج عالیه علم ارتقاء یافته است.

آثار ارزنده از تألیفات و ترجمه کتب مفیده علمی و حدیثی دارد که از آنها کتب زیر است:

۱- تصحیح اثبات الهداه شیخ عاملی (صاحب وسائل الشیعه) در هفت جلد بطبع رسیده است.
۲- ترجمه مقاتل الطالبین که بسعی مکتبه صدوق بطبع رسیده است.
۳- ترجمه مفاتیح الجنان محدث قمی که بسعی مطبوعات فراهانی طبع شده.
۴- ترجمه قسمت آخر اصول کافی طبع اسلامیه.
۵- ترجمه روضه کافی در ۲ جلد طبع اسلامیه.
۶- تحقیق و بررسی مولفات شیخ طوسی و شروح و تعلیقات آنها.
۷- ترجمه ارشاد مفید در ۲ مجلد طبع اسلامیه.
۸- ترجمه سیره ابن هشام در ۲ جلد طبع اسلامیه.
۹- ترجمه الانصاف مرحوم بحرانی طبع قم در یک مجلد.
۱۰- ترجمه صحیفه علویه.
۱۱- کیفر گناه بطبع رسیده است.
۱۲- آداب معاشرت در اسلام.
۱۳- راه مبارزه با گناه.
۱۴- تاریخ انبیاء در ۲ مجلد که علمیه اسلامیه بطبع رسانیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی، محمدعلی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ محمدعلی رسولی اراکی از فضلاء باتقوا و فعال حوزه علمیه قم است که به زیور علم و حلم و حسن اخلاق آراسته است.
وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در کرم‌رود اراک متولد شده و پس از تحصیل ابتدائی با شوق فراوان به مدرسه حاج محمد ابراهیم اراک وارد و به تحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن ادبیات خدمت آقا شیخ قنبر رفیعی به قم مشرف و سطوح را از مرحوم آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله فکور یزدی فراگرفته و در حوزه خارج آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر مدت ۱۸ سال از آن نابغه علم و فقاهت استفاده نموده و در ضمن آن نیز به درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر حاضر و از خرمن علم و فیضشان بهره‌ها برده است.
آقای رسولی در خلال تحصیل و تدریس در اوقات تعطیل ماه رمضان و محرم و صفر برای تبلیغ دین و ترویج مذهب مسافرتهائی به اطراف نموده و آثار و باقیات الصالحاتی از خود گذارده است که به بعضی از آن اشاره می‌شود.
۱- مسجد آبرومند و مجللی در سه بند خوزستان نزدیکی بندر ماهشهر و بندر شاهپور با تمام وسائل آن از خانه‌ای برای امام جماعت آن و غیره.
۲- مسجدی در قریه آجین و دوجین
۳- مسجدی در اطراف ساوه.
۴- مسجد بزرگ کوچه حاج زینل قم که رو به ویرانی نهاده بود ولی اکنون با وضع جالبی تعمیر و بنا و مورد استفاده عموم است.
۵- مسجدی در قریه ثامن ملایر
۶- حسینیه‌ای در هندیجان.
۷- کمک مستقیم و غیرمستقیم در ساختمان چند مسجد در اراک.
۸- رساله‌ئی در لزوم وفا به عهد دارند. و اکنون جلساتی در هیآت مذهبی دارند که برای مردم تفسیر و بیان احکام و اخلاق و معارف می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رشاد، علی اکبر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد علی اکبر رشاد در رمضان المبارک ۱۳۷۷ هجری قمری، برابر با اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۵ هجری شمسی متولد گردید. وی تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفه اسلامی را در نظر استادان برجسته حوزه‌های علمی اسلامی تهران و قم سپری کرد، و اکنون سالهاست به تحقیق و تدریس در زمینه فلسفه، منطق فهم دین، و فقه و اصول اشتغال دارد. علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : پدر علی اکبر رشاد محرم نام دارد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر رشاد تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفهٔ اسلامی را نزد اساتید برجستهٔ حوزه‌های علمی تهران و قم سپری کرد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر رشاد بیش از دو دهه است که در زمینهٔ فلسفه، فلسفه دین، فقه و اصول به تحقیق و تدریس مشغول است. حجهٔ الاسلام رشاد و در حال حاضر سمت‌های زیر را عهده‌دار می‌باشد: عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو هیأت علمی مرکز گفت و گوی ادیان، رئیس انجمن دوستی ایران و یونان، موسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جوائز و نشانها : علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : علی اکبر رشاد جهت حضور و ارائهٔ مقاله در کنفرانس‌های علمی و مجامع فرهنگی به کشورهای متعددی از جمله آلمان، اتریش، آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، انگلستان، پاکستان، روسیه، عربستان، عراق، لبنان، هند، یونان، سوئیس و... سفر کرده است و اکنون نیز اجرا یا نظارت علمی چند تحقیق را بر عهده دارد از جمله، منطق فهم دین ـ تحقیق مبانی و موانع نوفهمی و نظریه‌پردازی دینی ـ سرپرستی تألیف دانشنامه قرآن‌شناسی، ۷ جلد ـ سرپرستی تألیف دانشنامهٔ فرهنگ فاطمی، ۶ جلد ـ نظارت بر تحقیق فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن، ۳ جلد --

----

آثار :

۱ از گفتمان امروز

ویژگی اثر : (در دست ویرایش)

۲ تحقیق معرفت‌شناسی در کلام علوی(ع)

۳ دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام

ویژگی اثر : سرپرست تدوین کتاب فوق،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام زیر نظر علی اکبر رشاد؛ به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.ـتهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی؛۱۲ ج + ۱ ج درآمد،۱۳۸۰]توزیع: ۱۳۸۱[.یکی از آثاری که به همّت شماری از مؤلفان و محققان به مناسبت سال ولایت (۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۰ ش) به زیور طبع آراسته شد، دانشنامهٔ امام علی (ع) است. این دانشنامه مجموعه‌ای است موضوعی دربارهٔ شخصیّت، سیره و اندیشه‌های امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی طالب و حوادث عصر آن حضرت و پس از آن، که در ۶۰۰۰ صفحه و ۱۲ مجلّد سامان یافته و شامل ۱۳۰ مدخل اصلی و حدود ۳۰۰۰ مدخل فرعی است. این مجموعه، زیر نظر آقای علی اکبر رشاد در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی و با همکاری بیش از یکصد و پنجاه تن از استادان و دانشوران حوزه و دانشگاه تألیف گردیده و به عنوان پژوهش برتر حوزهٔ دین‌پژوهی ایران در سال ۱۳۸۰ شناخته شده است. دانشنامهٔ امام علی (ع) ویژگی‌هایی متنوع دارد که مجموع آن‌ها را در آثار مشابه نمی‌توان سراغ گرفت، از جمله: اهتمام ویژه به تجزیه و تحلیل و تبیین مباحث فکری معاصر و قضایای نوپدید با استناد به کلمات و سیرهٔ امام علی(ع)، بررسی مقایسه‌ای پاره‌ای از نظریات معاصر مرتبط با معارف دینی؛ تنوّع موضوعات و جامعیت نسبی مجموعه در بررسی زوایای گوناگون و ابعاد مختلف شخصیّت و اندیشهٔ امام علی؛ همسویی موضوعات مطرح شده در مقالات ضمن رعایت ساختار یکسان؛ تفصیل در تحقیق موضوعات و اجتناب از کلّی گویی، دوری از تقلید و عدم اتّکا به مشهورات و تحلیل‌های شایع و نهراسیدن از نتایج نوپدید، با رعایت احتیاط علمی در تألیف مقالات؛ استقصا و تتبع جامع مضامین خطبه‌ها و رسائل و روایات وارده از حضرت علی در قلمرو و مدخل‌های مورد تحقیق؛ همسانی و یکدستی مجموعه از لحاظ رعایت قواعد علمی پژوهش و نگارش؛ استناد به منابع دست اوّل در موضوعات تاریخی و سیره؛ استفاده از زبان علمی و نثر معیار و پرهیز از شعارپردازی؛ اشتمال بر شبکهٔ معنایی جامع و نمایه‌ها و فهارس موضوعی

۴ دموکراسی قدسی

۵ سرپرستی و هدایت دانشنامه فرهنگ فاطمی(س)

ویژگی اثر : ۶ جلد

۶ سرپرستی و هدایت دانشنامه قرآن‌شناسی

ویژگی اثر : ۴جلد

۷ سنن حاکم بر تاریخ از منظر قرآن

۸ شهود و شیدایی

ویژگی اثر : تأملاتی در فلسفه هنر

۹ شور اشراق (مجموعه مقالات در زمینه شعر و ادب)

۱۰ علم‌النفس اسفار صدرالمتألهین

ویژگی اثر : تصحیح و تحقیق

۱۱ گزیده غزل‌های حکیم فیاض لاهیجی

ویژگی اثر : گزینش، مقدمه و تصحیح

۱۲ نظارت علمی بر تحقیق «فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن

ویژگی اثر : ۳ جلد

رشاد، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج شیـخ محمـدباقر رشاد زنجانی از علماء ابرار و دانشـمندان اخیار و پرهیزکار معاصـر تهران است. وی که حـدود هشـتاد سال از عمرش می‌گـذرد عـالمی متقی و فاضـلی منزوی و از مـدافعین جـدی ولایت و مقیم خیابان عباسـی (خیابان شیر و خورشـید) تهران میباشد.

معظم له بیش از سـی سـالست از طون خود مهـاجرت و رحل اقامت بمرکز کشور و عاصـمه تشیع (تهران) انـداخته و از شـرکت در اجتماعـات و مجـالس و محافـل عمـومی و خصوصـی خودداری و در مسـجد (صـاحب الزمـان عجـل اللّٰه فرجه) به اقـامه جمـاعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی و مبارزه با مخالفین ولایت وهابی مسلکیها و سنی مآب‌ها اشتغال دارد.

رساله‌هـای بسیاری در رد منکرین دعـاء نـدبه و مخالفین ولایت تکوینی اهلبیت رسالت حضـرت مولی الموحـدین امیرالمؤمنین امام الکـل فی الکـل علی علیه‌السـلام و ائمه علیهم‌السـلام بنـام حقیقت ولایـت و غیره تـألیف و بطبـع رسانیـده و بسـهم خود جواب یـاوه سرائیهای بوالفضول‌ها را داده است.

نگارنـده یـک مرتبه موفق بزیـارت این عالم ربانی شـده و از سـیمایش نور خـدا و محبت اهل‌بیت عصـمت علیهم‌السـلام و بالاخص مولای متقیان علیه صلوات اللّٰه المنان را مشاهده کرده و درک فیض نموده‌ام.

محمدباقر بن آیت‌اللّٰه آقا شیخ کاظم بن حاج محمدعلی از علماء زنجانی معاصر تهرانست. وی در در سال ۱۳۱۲ ق در زنجان متولد شـده و پس از پرورش در بیت علم و خوانـدن مقدمات و ادبیات مهاجرت به نجف اشـرف نموده و از محضـر و درس مرحوم علامه یزدی حاج سـید محمدکاظم (صاحب عروهٔ) و بالاخص علامه کوه‌کمری مرحوم آسید محسن شاگرد مخصوص علامه تهرانی حاج شیـخ هـادی ره اسـتفاده سـرشار نموده و پس از آن مراجعت به زنجـان و به خـدمات دینی از قبیـل اقـامه جماعت و تـدریس و غیره اشتغال داشته تا در سال ۱۳۲۱ شمسـی و فتنه (پیشروری) عزیمت به تهران نموده و در خیابان عباسی رحل اقامت افکنده و در مسجد حضـرت (صاحب‌الزمان عجل اللّٰه فرجه الشـریف) آنجا به امامت و ترویـج مذهب و دفاع از حریم ولایت پرداخته و غالباً در انزوا در منزل خویش به مطالعات کتب علمی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه رشاد عالمی بارع و مهذب و متقی می‌باشد.

آثاری که از آنجناب منتشر شده کتب و رسالات زیر است.

۱- وسیله راجع به شعائر مذهبی مربوط به حضرت سیدالشهداء اروحنا له الفداء (سینه‌زنی و غیره)

۲- اکمال الوسیله نظما و نثرا در همان موضوع.

۳- حقیقت ولایت راجع به ولایت تکوینی.

۴- دفع‌الاوهام شرح چند جمله از فرمایش مولای متقیان علی (ع).

۵- برهان قاطع جواب شبهات طباطبائی علیه ما علیه همکار بوالفضول برقعی

۶- ذخیره راجع به استخاره و مشروعیت مهر نماز

۷- نشریه راجع به مأثور بودن و مستحب بودن دعا شریف ندبه

۸- حاشیه به رباب نکاح ریاض (شرح کبیر) مخطوط کتب و حواشی و رساله‌های دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رشتی اصفهانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به معین‌السلطنه، مؤلف سفرنامه‌ی شیکاگو، که در سال ۱۳۱۸ شمسی در پاریس به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رشتی گیلانی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و ادیب. در ادبیات فارسی و عرب دست داشت. کتاب «تحفه الناصریه فی فنون الادبیه»- که منتخباتی است از اشعار عرب و در موضوعهای متفرقه از قبیل مدایح و مراثی و اخلاق- تالیف اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۰/۲)، ایضـاح المکنون (۲۶۰/۱)، الذریعه (۴۷۶ -۴۷۵ /۳)، ریحانه (۳۰۷/۲)، طبقات اعلام الشیعه

(قرن ۴۹/۱۳)، لغت نـامه (ذیـل/ رشتی)، مؤلفین کتب چـاپی (۲۵۱ -۲۵۰ /۱)، معجم المـؤلفین (۱۱۳/۸)، نامها و نامـدارهای گیلان (۱۶).

رشتی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی و ادیب. وی از دیارش به نجف سـفر کرد و به تحصـیل فقه و اصول و حـدیث و کلام پرداخت. مدت دو سال درک محضـر شـیخ انصاری نمود و پس از او به شاگردی شـیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی و سید حسـین کوه‌کمری درآمـد. کسانی چون سـید کاظم یزدی و میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی از شاگردان وی بودند. وی از مـدرسان اصـول و فقه و کلام بـود که به حسن تعبیر و فصـاحت و روشـنی بیـان شـهره بـود. او پس از مـدتها به رشت بـازگشت و عهـده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در امر به معروف و نهی از منکر جدی بود، بحدی که یک بار توسط ناصـرالدین شاه به تهران احضار شـد و سـرانجام آزاد گشت و به رشت بازگشت. او در رشت درگذشت و پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السـلام دفن شد. از جمله آثار وی: «کتاب فی الصرف»؛ «کتب ثلاثه فی الکلام و الفقه و الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۷/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۳ -۳۳۲ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۶/۳).

رشتی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۹ -۱۲۱۲ ق)، فقیه و ادیب. در رشت متولد شد و در کربلا مسـکن گزید. نزد علمای عصـر خویش درس خواند و از شاگردان برجسـته و از نزدیکان شـیخ احمد احسائی بود و تا او به مجلس حاضـر نمی‌شد، شـیخ درس را شـروع نمی‌کرد. وی پس از استادش نایب او و پیشوای فرقه‌ی شـیخیه شد و در ترویج مرام احسائی سـعی بسـیار کرد. سید کلمات شیخ را در مجلس درس بیان و آنها را تاییـد و کلمات مخالفان را رد می‌کرد. او از شـیخ احمد احسائی و سـید عبداللّه شبر و ملا علی رشتی و شـیخ موسـی نجفی اجازه‌ی روایت داشـته است. میرزا ابراهیم شـیرازی و میرزا حسن بن امان‌اللّه دهلوی عظیم‌آبادی در نزد سید کاظم رشتی درس خوانده‌اند. از آثار وی: «رسائل الرشتی» یا «الرسائل و جوابات المسائل»؛ شـرح «قصیده لامیه‌ی» عبدالباقی عمری، در مدح حضرت موسی بن جعفر (ع)؛ «شـرح قصـیده البائیه»؛ «اسرار الشهاده»؛ «اسرار الحج»؛ «اسرار العباده»؛ «الحجه البالغه»، در رد ملل باطله؛ «دلیل المتحرین و ارشاد المسترشدین»؛ «المحجه الدامغه»؛ «اللوامع الحسینیه»؛ «مقامات العارفین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۶۷/۶)، ایضـاح المکنون (۵۳۶، ۴۵۷، ۴۴۲، ۴۶ /۲ ،۴۷۹، ۳۹۲، ۷۵ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۱۴۳/۲)، الذریعه (۱۲/۲۲ ،۲۶۰/۱۰ ،۳۶۰/۸ ،۲۵۹/۶ ،۱۸۱/۵ ،۱۹۲ ،۵۲ ،۴۶ /۲)، روضات الجنات (۱۰۱ -۱۰۰ /۱)، لغت نـامه (ذیل/ کاظم)، معجم المؤلفین (۱۵۷/ ۱۱ ،۱۳۹ -۱۳۸ /۸)، مکارم الآثار (۲۲۰ -۲۰۹ /۱)، هدیه العارفین (۸۳۷ -۸۳۶ /۱)، یادگار (س ۵، ش ۴ و ۵، ص ۱۱۴ -۱۱۱).

رشدیه تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۶۷ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و موسس اولین مدرسه به طرز اروپایی وتعلیم الفبا به شکل نوین در ایران. در تبریز متولد شد. تحصـیلات ابتدایی و علوم دینی را در این شـهر آموخت و به منظور فراگیری اصول تعلیم و تربیت و آشنایی با شیوه‌ی تعلیمات جدید به بیروت و استانبول و ایروان رفت و برای ایرانیان مقیم ایروان مدرسه‌ای تاسیس کرد. ناصرالدین‌شاه در بازگشت از سفر دوم خود از فرنگ به ایران، ضـمن بازدیـد از این مـدرسه، اظهار تمایل کرد که رشـدیه آن را به تبریز منتقل کنـد و او در سال ۱۳۰۵ ق نخستین مدرسه‌ی ابتدایی عمومی را در محله‌ی خیابان تبریز دایر کرد که پس از یک سال تعطیل شد. رشدیه به مشـهد رفت، سپس به تبریز بازگشت و چندین بار به تاسیس مدرسه اقدام کرد که هربار به عللی به تعطیل می‌انجامید. زمانی که امین‌الدوله به صدارت رسـید، از رشدیه خواست که برای تاسیس مدرسه به تهران بیاید. او در سال ۱۳۱۵ ق اولین مـدرسه‌اش را در تهران در باغ کربلایی عباسـعلی دایر کرد، اما این بار هم مـدرسه تعطیل شـد و رشـدیه جبرا به حج رفت. پس از بازگشت از حج، در قم بست نشـست. در نهضت مشروطه به تهران آمد و مجله‌ی مصوری به نام «مکتب» مشـروطه به تهران آمد و مجله‌ی مصوری به نام «مکتب» منتشر کرد. وی به علت نوشـتن مقاله‌ها و شبنامه‌هایی علیه دولت عین‌الدوله در این مجله به مدت دو سال به کلات تبعید شد. از کلات به تهران آمد و در قم ساکن شد و در کلاس درس آیت‌اللّه شـیخ عبدالکریم حایری به فراگیری علوم دینی پرداخت، ضـمنا مدرسه‌ی رشدیه را برای اطفال فقیر و یتیم و کلاسـی ویژه نابینایان دایر کرد. وی در قم وفات یافت و در قبرستان نو (حاج شیخ عبدالکریم) دفن شد.

از او آثار فراوانی به جای مانده است که از آن جمله‌اند: «اصول عقاید یا اتحاد بشر»؛ «کفایه التعلیم»؛ «نهایه التعلیم»؛ «المشتقات»؛ «تبصره الصبیان»؛ «صد درس»؛ «تربیه البنات»؛ «تادیب البنات»؛ «بدایه التعلیم» و «هدایه التعلیم».[۱]

(حاجی) میرزا حسن تبریزی از پیشقدمان نهضت فرهنگی ایران در نیمه اول قر. ۱۴ ه. (و. تبریز ۱۲۶۷ ه.ق.- ف. ۱۳۶۳ ه.ق./ ۱۳۲۳ ه.ش./ ۱۹۴۴ م.). وی از نخستین مؤسسان مدارس جدید در تبریز و تهران و مردی دانشمند و اصلاح‌طلب و مبارز و بلندهمت بود و او را پدر فرهنگ جدید ایران نامیده‌اند. در آغاز جوانی برای فراگرفتن روش تعلیم و تربیت به بیروت سفر کرد و پس از ۳ سال به ایران بازگشت و در تبریز به تأسیس دبستان اقدام کرد ولی با مخالفت گروهی روبرو شد و دبستان وی منحل گردید. در زمان مظفرالدین شاه به تهران آمد و در سال ۱۳۱۵ ه.ق. مدرسه رشدیه را تأسیس کرد. تألیفات متعدد دارد از جمله: بدایعۀالتعلیم، کفایۀ التعلیم، نهایۀ التعلیم و صد درس. روزنامه «طهران» را در پایتخت انتشار داد (شماره اول آن در ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ ه.ق. منتشر شده) رشدیه از سال ۱۳۰۵ ه.ش. در قم مقیم گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۳۶/۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲۷ -۳۱۷ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۶ -۵۵۵ /۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۸۵/۸)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۱۳ -۱۲).

رشید یاسمی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۷۵ ش)، نویسنده، مورخ، ادیب، مترجم و شاعر. در قصبه‌ی گهواره از توابع کرمانشاه متولد شد. پدر او شاعر و نقاش و خوشنویس بود. جد مادری او، شاهزاده محمدباقر میرزای خسروی، نویسنده‌ی داستان «شمس و طغرا» است که دیوان شعرش به همت رشید چاپ شده است. رشید یاسمی تحصیلات مقدماتی را در کرمانشاه به پایان برد، سپس به تهران آمد و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان سن‌لوئی گذراند. از همان هنگام به تشویق نظام وفا که معلم ادبیات او بود، به سرودن شعر پرداخت. پس از تحصیلات، در وزارت معارف، مالیه و دربار به کار مشغول شد. در همین اوان جرگه دانشوری را تاسیس کرد که بعدها با همت ملک‌الشعرای بهار به انجمن دانشکده تبدیل شد. رشید ضمن همکاری با مجله‌ی «دانشکده» با نویسندگان و شعرای آن دوره آشنا شد و با انجمن ادبی ایران همکاری داشت. یک سال پس از کودتا، رشید یاسمی مقالات خود را در روزنامه‌ی «شفق سرخ» به سردبیری علی دشتی منتشر ساخت که همین مقالات موجب شهرت ادبی او گردید. در این مدت زبان‌های عربی و انگلیسی را آموخت و زبان فرانسه را تکمیل کرد. زبان پهلوی را از حوزه‌ی درس استاد هر تسفلد نیک فراگرفت. در سال ۱۳۱۲ ش که دانشگاه تهران تاسیس شد، او در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی با سمت استادی تاریخ اسلام را تدریس می‌کرد. بعدها به عضویت فرهنگستان ایران درآمد. در سال ۱۳۲۲ ش به همراه هیاتی از استادان ایرانی به هند رفت و در سال ۱۳۲۴ ش به منظور مطالعه به فرانسه رفت و پس از دو سال به ایران بازگشت رشید یاسمی تا پایان عمر به عنوان استاد در دانشگاه تهران تدریس کرد. روز یازدهم اسفندماه ۱۳۲۷ ش به هنگام سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات دچار سکته شد و پس از سفری کوتاه به فرانسه و بازگشت به ایران، سرانجام روز چهار شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ ش در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. جز از مقالاتی ادبی و تاریخی و فلسفی و انتقادی که از او در مجلات «نوبهار»، «آینده»، «ارمغان»، «تعلیم و تربیت»، «یغما»، «مهر»... چاپ شده است دارای تالیفات و تحقیقات و تتبعات و ترجمه‌های بسیاری است که از آن جمله: «ادبیات معاصر»؛ «تتبع و انتقاد در احوال و آثار سلمان ساوجی»؛ «احوال ابن‌یمین»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «تاریخ ملل نحل»؛ «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه؛ «تاریخچه نادرشاه»، ترجمه؛ «جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران تالیف براون»؛ «آیین دوست یابی»، ترجمه؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۱۴۵ -۱۳۸)، تاریخ مشاهیر کرد (۳۱۶ -۳۱۰ /۲)، چشمه‌ی روشن (۴۴۸ -۴۴۱)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۳۶۹ -۳۶۸)، الذریعه (۱۳۰۷، ۳۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۲ -۳۲۸ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۳۴ -۱۵۲۸ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۸۲ -۳۷۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸)، گنج سخن (۳۲۶ -۳۰۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰ -۶۹۶ /۴)، یغما (س ۲۶، ش ۸ ص ۴۹۰ -۴۸۷).

رشیدی زاده، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رشیدی زاده

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای حسن رشیدی زاده در سال ۱۳۴۰هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در اراک دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت هرچه تمامتر به پایان رسانید. در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه تهران گردید.پس ازمدتی تحصیل در حوزه علمیه تهران برای کسب فیض از محضر ستارگان مشهد رهسپار آن دیار شد و ضمن انس با بارگاه ملکوتی ثامن الحجج به تحصیل بیشتر پرداخت. پس از مدتی دوباره راه غربت به دیار قم را در پیش گرفت، از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه قم حاضر شد. نامبر ده در طی دوران تحصیل از محضر ستارگان فراوانی خوشه علم و ادب چیده است که برخی از آنان را می توان همچون آیت الله وحید خراسانی، مرحوم آیت الله شیج جوادتبریزی، استاد اعتمادی و ... نام برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و برای تبلیغ مذهب انسان ساز تشیع به کشوورهای متعددی از جمله لبنان، مالزی و... سفر کرده است، سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی مشغول است.وی در زندگی سراسر علمی خویش از نگارش و تألیف غافل نبوده است و آثار متعددی از جمله " حیاط برتر در عالم برزخ"، "حیاط برزخی "و....را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

رضاپور، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم رضاپور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ پس از اخذ دیپلم در اواخر تیرماه وارد حوزه علیمه فیضیه مازندران شهر بابل با مدیریت حاج آقا فاضل استرآبادی شدم. تمام دروس تا لمعه و باب صوم را خدمت ایشان گذراندم و در سال تحصیلی ۶۶-۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادامه دروس سطح را خدمت اساتید بزرگواری مثل حجج اسلام وجدانی فخر ، دوستی زنجانی ، حسینی بوشهری ، محلاتی ، پایانی و سیفی گذراندم. در سال ۶۸ همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته ادیان و عرفان تحصیل کردم و در دوره عربی تا دوره تکمیلی را در کلاسهای آموزشی و دفتر تبلیغات گذراندم ، پس از ۶ سال یعنی در سالهای تحصیلی ۶۹-۷۰ شروع به آموختن دروس خارج کردم و از محضر اساتید بزرگوار حوزه آیات عظام مکارم شیرازی ، دوستی زنجانی، وحید خراسانی ، سید جعفر کریمی و ... بهره بردم و در سال ۱۳۸۶ در آزمون ورودی دانشگاه ادیان و مذاهب شرکت کردم و الان آخرین ترم را گذراندم ان شاء الله بتوانیم با بار علمی بیشتر به مکتب تشیع اثنی عشری و مردم خدمت نمائیم و مورد رضای خداوند قرار گیرید.

رضازاده شفق، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۴/۱۲۷۱ ش)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تبریز متولد شد و زبان فرانسوی و انگلیسی را در مدرسه‌ی کاتولیک و امریکایی تبریز فراگرفت. مدتی مدیریت مدرسه‌ی حیات تبریز را به عهده داشت و در سال ۱۳۲۸ ق روزنامه‌ی «شفق» را در تبریز منتشر کرد، و در سال ۱۳۳۰ ف بر اثر سخنرانیهایی که بر علیه استیلای دولت روس می‌کرد از طرف آن دولت به اعدام محکوم شد و به استانبول گریخت. و از کالج رابرت آنجا به دریافت لیسانس نائل گردید، در سال ۱۳۴۰ ق به ایران بازگشت و بعد از مدت کوتاهی به برلن رفت و در آنجا موفق به دریافت دکترای فلسفه شد. سپس به ایران آمد و در دارالمعلمین عالی به تدریس فلسفه و ادبیات فارسی قبل از اسلام پرداخت او زبانهای روسی، فرانسوی، ترکی، آلمانی و انگلیسی را به خوبی می‌دانست و در دانشگاه تهران ادبیات فارسی و فلسفه تدریس می‌کرد. در اولین دوره‌ی مجلس سنا و دوره‌های چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی نماینده بود. وی در تهران درگذشت و در گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از آثار اوست: «تاریخ ادبیات ایران»؛ «ایران از نظر خاورشناسان»؛ «ستارخان»؛ تدوین «دیوان عارف»؛ «فرهنگ شاهنامه و ملاحظاتی درباره‌ی فردوسی» و ترجمه‌های: «اسکندر مقدونی»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «زندگانی داریوش».[۱]

محقق، خطیب، نماینده‌ی مجلس، سناتور، مولف و مترجم، فرزند آقارضا بازرگان، در ۱۲۷۳ در تبریز تولد یافت. پس از رسیدن به سن رشد، تحصیلات معمول زمان را آغاز کرد و مقدمات را نزد معلمین خصوصی فراگرفت و وارد مدرسه‌ی آمریکائی در تبریز شد و چند سالی در آن مدرسه تحصیل کرد و زبان انگلیسی را به طور کامل فراگرفت و در همان مدرسه به معلمی پرداخت. در جوانی سری پرشور داشت و آزادی‌طلب بود. چندی هم روزنامه‌ی شفق را انتشار داد. روزنامه‌ی شفق در آن ایام روزنامه‌ای تندرو و

آزادی‌طلب بود. چندی غنی‌زاده سردبیری آن را عهده‌دار بود. سال اول این روزنامه ۴۸ شماره منتشر شد. دارای مطالب گوناگون و انتقادی و اجتماعی بود. سال دوم روزنامه از رجب ۱۳۲۹ ه.ق آغاز شد و مجموعا ۴۳ شماره از آن انتشار یافت و از آن پس با پیشامد عاشورای ۱۳۳۰ ه.ق و قتل عده‌ی زیادی از آزادیخواهان آذربایجان به دست روسها، شفق تعطیل شد و مدیر آن به عثمانی رفت و در استانبول در مدرسه‌ی ایرانیان معلم فارسی و تاریخ ادبیات شد و سپس وارد یکی از مدارس استانبول گردید و دیپلم دریافت نمود. رضازاده سپس برای انجام تحصیلات عالی به آلمان مسافرت نمود و قریب شش سال در آن کشور به تحصیل فلسفه پرداخت و درجه‌ی علمی گرفت و ضمنا در مجلات ایرانشهر، مهر، آرمان، شرق و غیره مقالاتی انتشار می‌داد و علاوه بر آن، کتب و رسالاتی نیز در زمینه‌های تاریخی، ادبی، فلسفی و اجتماعی تالیف یا ترجمه نموده است.

رضازاده شفق چندی در مدارس جدیدالتاسیس تهران به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تاسیس گردید، دعوت به کار شد. در آنجا فلسفه و علوم تربیتی تدریس می‌نمود. در ۱۳۱۴ شورای عالی فرهنگ، تحصیلات او را معادل دکترا شناخت و رسما به استادی دانشگاه در دانشکده‌ی ادبیات پذیرفته شد و در همان سال فرهنگستان ایران به منظور اشاعه‌ی لغات فارسی سره به جای لغات بیگانه تاسیس گردید و دکتر شفق عضو پیوسته‌ی فرهنگستان شد. در سال ۱۳۱۷ سازمانی به نام پرورش افکار تاسیس گردید تا پیشرفتهای ایران در زمان گذشته و حاضر با ایراد سخنرانی اساتید به سمع مردم برسد. دکتر شفق در آن سازمان سهمی بسزا داشت. پس از شهریور ۱۳۲۰ و آغاز دموکراسی، شفق از تهران کاندیدای مجلس شورای ملی شد. انتخابات تهران در آن دوره به معنای واقعی آزاد بود و رای مردم سرنوشت آن را تایید می‌کرد. در آن دوره دکتر محمدمصدق، سید محمدصادق طباطبائی، موتمن‌الملک پیرنیا و آیت‌الله کاشانی در زمره منتخبین تهران بودند. دکتر رضازاده شفق نیز از تهران به پارلمان راه یافت و رویه‌ای معتدل پیش گرفت. نطقهای ضروری و فصیح و به موقع او توجه مردم را جلب کرد. در جریان جدائی آذربایجان از ایران، چند نطق مهم ایراد نمود و سرانجام عضو میسیونی شد که به ریاست قوام‌السلطنه برای مذاکره درباره‌ی تخلیه‌ی ایران و عدم حمایت از فرقه دموکرات به مسکو سفر کردند. وجود شفق در آن هیئت بسیار سودمند بود. پس از پایان جنگ بین‌المللی دوم، یک هیئت از ایران عازم آمریکا شد تا در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت نماید از مجلس آقایان دکتر شفق، دکتر عبده و دکتر اعتبار عضو این هیئت بودند.

پس از پایان مجلس چهاردهم، قریب ۱۶ ماه فترت ایجاد شد تا سرانجام انتخابات ایران آغاز گردید. حزب دولتی دموکرات ایران که خالق آن احمد قوام بود، کاندیدای خود را رسما معرفی نمود. دکتر رضازاده شفق کاندیدار نمایندگی مجلس از تهران گردید و سرانجام به مجلس پانزدهم راه یافت. در سال ۱۳۲۸ مجلس سنا در ایران تشکیل شد و دکتر شفق سناتور انتصابی تهران بود. شفق مجموعا پنج دوره نماینده‌ی مجلس سنا بود و عنداللزوم از کابینه‌های دولتی حمایت می‌کرد.

محمدرضا پهلوی نسبت به شفق علاقه‌ای خاص داشت و از او خواست لقبی برای او و فرح پهلوی پیشنهاد کند و سرانجام لقب «آریامهر» برای محمدرضاشاه و «شهبانو» برای فرح انتخاب و مورد قبول شاه واقع شد.

دکتر رضازاده شفق در سال ۱۳۵۱ بیمار و در بیمارستان بستری شد. عمل جراحی او لازم تشخیص داده شد. پروفسور انوشیروان پویان عمل او را انجام داد ولی بهبودی حاصل نشد و پس از چند روز درگذشت و در گورستان بهشت زهرا مدفون گردید.

دکتر قاسم غنی در صفحه‌ی ۲۸ جلد چهارم یادداشتهای خود که اخیرا انتشارات زوار آن را چاپ و توزیع نموده، داوری غیرمنصفانه‌ای درباره‌ی شفق نموده است، می‌نویسد:«دکتر شفق آرام بسیار سمج، پررو و دریده‌ئی است. تمام خصوصیات یک نفر آدم احمق در او جمع است. بسیار خودپسند، مغرور و بی‌حیا است و از جامعه نالان است. بسیار مزاح‌گو و دروغگو و حقه‌باز و متملق و بی‌حیا و پررو است. حیوانی است بس. بسیار بسیار هم بی‌سواد است»

دکتر شفق در آخر سالهای آخر عمر خود در طالقان باغچه‌ای بنیاد نهاد و بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذراند و همسری نیز در آنجا انتخاب کرد و صاحب دختری شد که نامش را گیتی نهاد و اشعار زیادی در وصف این دختر سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۶۱–۵۹)، تاریخ جراید (۷۵–۷۲ /۳)، سخنوران نامی (۳۲۱–۳۱۴ /۲)، شرح حال رجال (۱۰۶–۱۰۵ /۶)، فرهنگ سخنوران (۵۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۹–۴۸۵ /۳).

رضازاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رضازاده متولد اردبیل به سال ۱۳۵۷ است

او که از ۱۵ سالگی شروع به ورزش وزنه برداری کرد بارها با مدال‌هایش برای ایران افتخار به ارمغان آورد و در این سال‌ها بارها رکوردهای جهان و المپیک را بهبود بخشید.

حسین رضازاده قهرمان نامدار وزنه‌برداری ایران و جهان در مرداد ۱۳۸۷ از حضور در بازی‌های المپیک منع شد.

رضازاده دارای یک فرزند پسر به نام ابوالفضل می‌باشد

●افتخارات:

- مدال برنز بازی‌های آسیایی ۱۹۹۸ تایلند
- مدال برنز مسابقه‌های قهرمانی جهان ۱۹۹۹ یونان
- مدال طلای مسابقه‌های قهرمانی آسیا ۱۹۹۹ چین

▪مدال طلای بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی
▪مدال طلای مسابقات ستاره‌های جهان ۲۰۰۱ استرالیا
▪مدال طلای بازی‌های آسیایی ۲۰۰۲ بوسان
▪مدال طلای مسابقه‌های قهرمانی جهان ۲۰۰۲ لهستان
▪مدال طلای ستاره‌های جهان ۲۰۰۲ روسیه
▪مدال طلای جایزه بزرگ ۲۰۰۲ نروژ
▪مدال طلای مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۰۳ چین
▪مدال طلای مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۰۳ کانادا
▪مدال طلای بازی‌های المپیک ۲۰۰۴ آتن
▪مدال طلای مسابقه‌های قهرمانی آسیا ۲۰۰۵ امارات
▪مدال طلای مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۰۵ قطر
▪مدال طلای مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۰۶ دومینیکن
▪مدال طلای بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه

رضایی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ ق)، شاعر، کاتب، معروف به قاری روزمره. وی از کاشان بود با عرفی و غیرتی شیرازی و عارف لاهیجی و اوحدی بلیانی معاصر بود. وی را چون حروف را از مخرج ادا می‌کرده، قاری می‌خوانده‌اند. وی گویا روزگار به کتابت می‌گذرانیده و مردی نکته‌سنج بوده از وطن خود به خراسان سفر کرد در فتنه ازبکان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۰۱، ۵۱۵ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۷ -۵۳۶)، الذریعه (۳۷۰ -۳۶۹ /۹)، ریحانه (۳۱۳/۲)، صبح گلشن (۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۸۴)، مجمع الخواص (۳۱۰)، مکتب وقوع (۱۵۴ -۱۳۸)، هفت اقلیم (۴۷۶ -۴۷۴ /۲).

رضایی موسوی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر رضایی موسوی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید جعفر رضائی موسوی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم . بعد از گذراندن مباحث مقدماتی (ادبیات ، منطق ، معانی بیان و ...) در مدرسه الحجه و در خدمت اساتید حوزه علمیه مشهد تلمذ نمودم.از جمله اساتید بنده ، آیت الله فلسفی ، مرتضوی و مهدی مروارید می باشند . در سال ۱۳۷۲ برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم آمدم و در بحث خارج آیت الله وحید خراسانی حضور داشتم .

رضایی، باسمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

باسمهٔ رضایی در سال ۱۳۳۵ در بغداد به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته کتابداری می باشد. نامبرده هم اکنون در دانشگاههای تهران و آزاد اسلامی به تدریس مشغول است. کتاب " ردهٔ PJA ادبیات فارسی "تالیف باسمه رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : باسمه رضایی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه المستنصریه بغداد شد و در رشتهٔ کتابداری و اطلاع رسانی به اخذ درجه فوق دیپلم نایل گردید. از آن پس در ایران و در

رشتهٔ فوق ادامه تحصیل داد و کارشناسی ارشد خود را با رتبهٔ ممتاز از دانشگاه تهران دریافت داشت.فعالیتهای آموزشی : باسمه رضایی از سال ۱۳۶۳ در کتابخانه دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی مشغول به کار است و از سال ۱۳۷۳ سرپرستی همان کتابخانه را به عهده دارد. همچنین چند سال در دانشگاه آزاد تدریس کرد و در حال حاضر در دانشگاه تهران مشغول به تدریس است.جوائز و نشانها : کتاب " ردهٔ PJA ادبیات فارسی "تالیف باسمه رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : رده PJA ادبیات فارسی ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «رده PJA ادبیات فارسی»: رده PJA ادبیات فارسی، تنظیم و تدوین باسمه رضایی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴. قرنهاست که در ایران، زبان عربی گذشته از پیوند هزار و چهارصد ساله اش با فارسی، زبان دوم ما محسوب می شود، زیرا زبان قرآن و نماز و دین ماست. بنابراین زبان و ادبیات عربی اختصاص به شبه جزیره عربستان ندارد. دانشمندان ایرانی در جهت پرورش و رشد این زبان بسیار کوشیده اند. وجود مجموعه های غنی ادبیات عربی در ایران و سازماندهی این مجموعه ها، تهیه گسترش ادبیات عربی را ضروری می نمود. هدف از این گسترش، ایجاد طرح نوینی بوده است که با رعایت اصول ضوابط رده بندی کنگره، به نیازهای موجود در کشور و کشورهای عربی پاسخ گوید. کتاب، موضوعی و الفبایی است و شیوه تنظیم آن بسیار منسجم و هماهنگ است. نمایه الفبایی دقیق و جامعی دارد که با ارجاع به مدخلهای متن، بازیابی اطلاعات تسهیل می شود. از امتیازات خاص این کتاب آن که، این رده پس از کاربرد آن در کتابخانه ملی صورت گرفته و براساس نمونه های علمی، توسعه یافته و تکمیل شده است .

رضایی، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی رضائی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

دوران تحصیل در مقاطع ابتدائی، راهنمایی و هنرستان صنعتی (مکانیک عمومی) را در شهرستان کرمانشاه گذراندم. از سال ۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا کنون مشغول به تحصیل و تحقیق هستم و مدت ۱۰ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت دارم. اساتیدی که از آنان بهره علمی برده ام عبارتند از: آقایان طالقانی، هادوی، میرباقری، موسوی تبریزی، آیت الله راستی کاشانی، علامه سید منیر الدین حسینی الهاشمی(ره)، آیت الله جوادی آملی.در ادامه فعالیت های علمی همزمان با ورود به حوزه علمیه قم با دفتر فرهنگستان علوم اسلامی آشنا شدم و طی یک دوره ۱۲ ساله آموزشی، پژوهشی موفق به اخذ دکتری در مدیریت تحقیقات شدم و از سال ۷۳ تا۸۱ مدرس رشته مدیریت تحقیقات در دانشگاه بقیه الله (عج) بوده ام و طی دو دوره دکتری PH.D دانشجویان در مقطع فوق لیسانس را پذیرش و تربیت نمودیم و هدایت دو پایان نامه در مقطع PH.D در موضوعات مدیریت شبکه ای تحقیقات، مبانی روش های تحقیق موجود در علوم تغذیه و طرح مبانی جدید با رویکرد مبتنی بر منطق الهی نظام گرا را به عهده داشته ام. از سال ۷۶ تا سال ۸۲ به عنوان کارشناس و مشاور علمی در سازمان مدیریت صنعتی مشغول به فعالیت های علمی در زمینه مدیریت شبکه ای تحقیقات شدم و با فعالیت های علمی مستمر و فشرده و ارتباط های علمی با مجامع بین المللی و دانشگاه های خارج از کشور موفق به انجام کارهای علمی در راستای طرح دیدگاه های جدید و نو شدیم از جمله ارئه طرح و مدل اقتصادی از نگاه اسلام به دانشگاه برانشویک آلمان، طراحی کلیات مدل خصوصی سازی در ایران ۲۰۲۰، و درسال ۲۰۰۰ — ۲۰۰۱ با گرفتن پذیرش از دانشگاه ST.Regis امریکا و همکاری بصورت پروژه علمی درسال ۲۰۰۳ موفق به اخذ دکتری در رشته تحقیق در مدیریت فرهنگی و فوق دکتری دررشته مشاوره در امور توسعه اجتماعی شدم. دانشگاههای امام صادق و شیخ طوسی اصفهان، نیروی انتظامی مشغول به تدریس بوده ام. مسئول گروه بنیادی پژوهشکده توسعه و تکنولوژی جهاد دانشگاهی صنعتی شریف می باشم و مسئول گروه" روش "و عضو هیئت علمی در فرهنگستان علوم اسلامی قم هستم. در ضمن عضو واحد نخبگان و فرهیختگان حوزه علمیه قم می باشم.

رضایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضایی

محل تولد : بیرجند

شهرت : رضایی بیرجندی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۳

زندگینامه علمی

در سوم فروردین سال ۱۳۳۹ شمسی در روستای شاخن بیرجند در خانوادهای مذ هبی چشم به جهان گشود و پس از سپری کردن دوره ابتدایی تحصیلی ، در سال ۱۳۵۰به حوزه علمیه شهرستان بیرجند وارد شد. سپس با گذارندن دوره مقدماتی در سال ۱۳۵۶وارد حوزه علمیه قم شد پس از اتمام دوره سطح توفیق شرکت در دروس خارج نصیبش شد آن گاه دوره های تخصصی فقه اصول را به مدت ده سال از محضر استادان بزرگ حوزه نظیر آیات عظام : جعفر سبحانی . فاضل لنکرانی . وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی فرا گرفت و با سپری ساختن آزمون های حوزوی به تدریس در حوزه علمیه مشغول شد . ضمناً به علت داشتن علاقه وافر به تفسیر و معارف بی بدیل قرآن . مدت هفت سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت کرد و با توصیه معظم له به تدریس تفسیر قرآن پرداخت. همچنین از بحث های فلسفی و عرفانی معظم له و سایر دانشمندان هم بهره وافر برد و ی در سال ۱۳۷۳ با گذراندن دوره تخصصی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به اخذ کار شناسی ارشد در رشته الهیات و معار ف اسلامی نایل آمد و هم اکنون در حال تدوین تز دکترای خویش در مورد (تناسخ) می باشد . شایان ذکر است که با عنایت به پیش آمد معجزه قرن حاضر یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس تهاجم دشمنان به کیان جمهور یاسلامی و وقوع جنگ تحمیلی که مصادف با آغاز جوانی ایشان بود و سرمستی از خم خمخانه خمینی کبیر . علاوه بر حضور در صحنه های گوناگون انقلاب به مدب دو سال از عمر خویش را نیز به صورت مستمر و بعد هم به صورت متفرقه در جبهه های دفاع مقدس و ناطق جنگی گذراند.

رضایی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی رضایی

محل تولد : رهنان اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۲/۱

زندگینامه علمی

محمدعلی رضایی اصفهانی در سال۱۳۴۱شمسی درخانواده ای مذهبی در رهنان اصفهان متولد شد. دوره دبستان وراهنمایی را در محل تولد ودوره متوسطه را در شهر اصفهان در دبیرستان شهید صدیقی(خوارزمی) گذراند، درسال۱۳۶۱وارد حوزه علمیه(مدرسه ذوالفقار) اصفهان گردید وتا یک سال درس خارج را در آن حوزه گذراند.

در سال ۱۳۶۹وارد حوزه علمیه قم گردید وبه مدت ده سال در درس خارج اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، معرفت، صالحی مازندرانی و وحید خراسانی حاضر شد وموفق به گذراندن پایان نامه سطح چهارم (دکتری فقه) شد و همزمان سطح چهارم (دکتری) رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم ودکتری علوم قرآن و حدیث واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی را به پایان رساندند.

رضوانی راد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رضوانی راد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

به فضل الهی سال ۱۳۴۹ شمسی در خرداد ماه وارد حوزه علمیه شدم رسماً و دروس مقدماتی ادبیات و منطق و سطوح اولیه را گذراندم و سطوح متوسط و عالیه را گذراندم و در سال ۱۳۵۵ وارد درس خارج شدم، در همان سال امتحانات سطوح عالیه را گذراندم در امتحان شفاهی کفایه الاصول که در مدرسه حجتیه انجام شد جناب استاد محسن دوزدوزانی نمره ۲۰ را دادند و چند بار تشویق کردند با جمله احسنت و در همان جلسه امتحان مکاسب مرحوم شیخ انصاری را در خدمت مرحوم استاد و آیت الله حاج شیخ احمد پایانی انجام شد ایشان شماره و نمره ۱۹ را دادند که بنده به ایشان عرض کردم از من اشکالی گرفتید چرا یک نمره کم کردید ایشان با شوخی و مزاح از کنار مساله گذشتند. در همین سال در درس مرحوم استاد آیت الله مرتضی حائری تا هفت سال درس خارج فقه شرکت نمودم تحت صلاهٔ مسافر و خمس و خیارات مکاسب را و در مباحث اصولی ایشان از عام و خاص تا

برابری شرکت کردم و ۱۴ سال درس اصول آیت الله وحید خراسانی، هفت سال فقه درس آیت الله حاج میرزاجواد آقا تبریزی ۵ سال فقه درس آیت الله سید کاظم حائری اصول مدت دو سال تقریباً شرکت نمودم.

البته برخی از کتب سطوح عالیه را مکرر خواندم. مثل کفایه الاصول ج ۲ را نزد ۲ استاد خواندم آیت الله سیدعلی محقق داماد و آیت الله جعفر سبحانی مکاسب را نیز دو دور خواندم. اسفار الاربعه صدر المتالهین را تقریباً شش‌ماه خواندم آیت الله جوادی آملی و حاج شیخ حسین انصاری شرح فصوص قیصری و تمهید القواعد ابن ترکه را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم برهان شفا در منطق را نزد آیت الله جوادی آملی الهیات را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم و در همان سالهای اولیه مشغول تدریس بودم از سال ۱۳۵۱ شمسی تاکنون تا عالی‌ترین سطوح را تدریس کرده‌ام. خداوند متعال از همه قبول کند درس تفسیر را نزد آیت الله خزعلی آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. البته در این خلل کارهای علمی از قبیل یادداشت برداری در موضوعات مختلف از قبیل تراجم شرح حال علی و امامت ـ معاد ـ حج و امثال ذلک داشته‌ایم و کتابهایی را از شهید مطهری آیت الله جوادی آملی ـ امام خمینی ـ شهید بهشتی ـ آیت الله مکارم شیرازی تنظیم نموده و پاورقی زدیم و چاپ شده است. از باب نمونه چهار کتاب از کتابهای شهید مطهری ـ انسان کامل ـ عنصر امر به معروف ـ فلسفه اخلاق ـ و یکی دیگر از کتابهای ایشان را شخصاً تنظیم کردیم و جامعه مدرسین در سال‌های ۱۳۶۱ ـ ۱۳۶۲ چاپ کردند. از آیت الله جوادی آملی اسرار عبارات ـ حماسه و عرفان ـ عرفان حج و دیگر کتابها را تنظیم کردیم و چاپ شد و نیز از دیگران خداوند از همه قبول فرماید.

رضوانی فسائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ملقب (به فصیح‌الزمان) و متخلص به رضوانی فرزند سید ابوالقاسم فسائی از خطباء و وعاظ و شعراء عصر قاجار و بعد از آن بوده است. وی در سال ۱۲۴۰ شمسی در شهر فسا متولد و در ۱۶ سالگی به اصفهان رفته و دو سال در آن شهر به تحصیل مقدمات پرداخت سپس به قم آمده و ده سال در این شهر مذهبی و علمی تکمیل علوم عقلیه و نقلیه نموده و در بیست و هشت سالگی به تهران مهاجرت و به وعظ و خطابه پرداخت و در دربار ناصرالدین شاه راه یافت و از او لقب (فصیح‌الزمان) گرفت.

برای نگارنده حکایت کرد که وقتی ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) هدف تیر میرزا رضای کرمانی قرار گرفت و مقتول شد من از ملازمین رکاب بودم و صدر اعظم وی مرده او را به سینه چسبانیده و با او صحبت می‌کرد که مردم ندانند شاه کشته شده تا اغتشاش و بلوا کنند.

و پس از قتل شاه در سال ۱۳۱۳ قمری برای تسلیت ولیعهد مظفرالدین میرزا به تبریز رفت و با وی به تهران برگشت و ملقب به (سلطان الواعظین) شد.

مرحوم فصیح‌الزمان سالهای متمادی در تهران منبر می‌رفت و شور و نشوری برپا می‌کرد و همواره خاص و عام برای استماع اشعار نغز و گفتار سراپا مغزش بر یکدیگر سبقت جسته و استفاده می‌کردند. وی در سال ۱۳۲۴ شمسی در تهران وفات نمود و باسلاف پاک خویش پیوست.

(۱۳۲۴ –۱۲۵۵/ ۱۲۴۰ ش)، شاعر. ملقب به فصیح‌الزمان. در فسا به دنیا آمد. در شانزده سالگی برای تحصیل علم به اصفهان رفت و مدت دو سال در آن شهر به کسب دانش پرداخت و از آنجا به قم رهسپار گردید و قریب ده سال نیز در این شهر به تکمیل علوم عقلی و نقلی اشتغال ورزید. در سی سالگی به تهران آمد و در سلک وعاظ درآمد و چون مردی ادیب بود به دربار ناصرالدین شاه راه یافت و به فصیح‌الزمان ملقب شد. پس از قتل ناصرالدین شاه به تبریز رفت و با مظفرالدین‌شاه آشنایی یافت و از آن جا به اتفاق او به تهران عزیمت کرد و لقب سلطان الواعظین یافت. در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن است. اثر وی «کلیات» اشعار است که منتخبی از آن به نام «گلهای فصیح‌الزمان رضوانی» به کوشش سید هادی حایری در شیراز به چاپ رسیده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۷۱ –۳۷۰/ ۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۱ –۶۱۴/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۵۶ – ۱۵۵۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵)، گلزار معانی (۲۹۵ –۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۴/ ۵)

رضوانی یزدی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۴ ش)، روزنامه‌نگار و شعر. ملقب به امیر رضوانی. وی از مردم یزد بود و ساکن تهران. او موسس و مدیر روزنامه‌ی «گلشن» بود که در تهران چاپ می‌شد از او است:

ما را به جان چو از بهشت آوردند

نه ویژه به مسجد و کنشت آوردند

دنیا به مثل مزرع و ما دهقانیم

ما را اینجا برای کشت آوردند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۶۵ -۱۶۳ /۴)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵)، الذریعه (۳۷۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵).

رضوی برقعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین رضوی برقعی بن السید الجلیل آسید جعفر بن سید محمدتقی بن سید رضی‌الدین از علماء و ائمه جماعت معاصر قم می‌باشد

وی در شب عاشورای سال ۱۳۴۶ قمری برابر ۱۳۰۵ شمسی از مادر علویه متولد شده و از هفت سالگی شروع بتحصیل نموده و پس از خواندن دوره‌ی ابتدائی به خواندن علوم عربیه و دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را در قم نزد فضلاء حوزه علمیه قم تکمیل نموده و در سن ۱۷ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و سطوح عالی فرائد و مکاسب و کفایه را از مدرسین بزرگ نجف چون آیت‌اللّٰه حاج سید اسداللّٰه مدنی و آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالاعلی سبزواری و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و مرحوم حاج میرزا حسن یزدی و آقای حاج شیخ محمدحسین دهاقانی و آقای آشیخ احمد فیاض فراگرفته و قسمتی از منظومه را از مرحوم حکیم ربانی آشیخ صدراء بادکوبه‌ای و هیئت و تشریح الافلاک را خدمت مرحوم آقا شیخ جمیل عرب و مرحوم آقا میرزا محمد اردبیلی آموخته و بعد از فراغت از سطوح به درس خارج سیدالفقهاء والمجتهدین زعیم حوزه علمیه نجف آقای خوئی مدظله و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمود شاهرودی حاضر شده و پس از هفت سال استفاده از محاضر و دراسات آیات عظام نجف به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و پس از ایشان شیخ‌الفقهاء والمجتهدین آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدعلی اراکی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد داماد بهره‌مند گردیده و بعد از آن اشتغال به تدریس متون فقه و اصول و ترویج دین و اقامه جماعت در مسجد سنگ‌بند و مسجد گذرسیدان تا حال حاضر دارند. از آثار قلمی ایشانست تقریرات فقه مرحوم آیت‌اللّٰه حکیم و تقریرات فقه و اصول آیت‌اللّٰه خوئی مدظله

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی خوانساری، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد حسن بن محمد بن میر علی اکبر نقوی در حدود سال ۱۲۲۵ متولد، و در ۱۳ ربیع المولود سال ۱۳۰۷ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

در اصفهان خدمت جمعی از اعاظم علما همچون: میر سید حسن مدرس، و ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا سید محمد شهشهانی تلمذ فرموده، و به آقایان مسجد شاه اختصاص یافته، در محله‌ی مسجد حکیم سکونت، و در مسجد علی اکبر امامت می‌نموده.

وی از جمله کسانی است که به شرف ملاقات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نایل گردیده، و از او کرامات و استجابت دعوات منقول است.

تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱- ترجمه‌ی کتاب انوار نعمانی تألیف سید نعمت الله جزائری که به نام آقا نجفی به طبع رسیده است. ۲- حسام الشیعهٔ که به نام [بعضی از علمای اعلام و فضلای کرام حاضرین مجلس شریف و محفل منیف سرکار شریعتمدار] آقا نجفی به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رضوی، اسحاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علماء باتقوا و در مسجد امام حسن به جماعت نماز می‌گذارد در سال ۱۳۳۲ وفات نمود و در شیخان بزرگ مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رضوی، سیدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین رضوی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۳ متولـد شدم. خانواده ما از سابق روحانی بودند. گرچه پدرم روحانی نبوده است، در خانواده متدین و اصیل رشـد و نمو داشـتم، دروس ابتدایی و راهنمایی و متوسـطه را با موفقیت و درجه عالی گذراندم و در همین مراتب و دوره‌ها به عنوان نفر اول شـهر انتخاب و شناخته شدم. بعد از اتمام دروس کلاسیک با توجه به اصالت خانوادگی روحانی بودن، قدم در عرصه حوزه و روحانیت گذاشـتم و در حوزه علمیه حضـرت ولی عصـر(عج) شهرستان خوانسار در سال ۱۳۵۹ درس حوزه را شـروع کردم و در مـدت خیلی کم دروس ادبیـات عرب را تمـام کردم و درس فقه و اصول را آغـاز کردم به طوری که پس از مـدت ۸ سال در درس خارج فقه و اصول که در شهرسـتان مـذکور برقرار شـده بود شـرکت نمودم و از اسـتاد بزرگ و گرانقدر جناب حاج آقای تقدیری سبزواری بهره بردم.در مـدت مـذکور در کنار درس به تـدریس نیز مشـغول شـدم. و از آن زمان تا حال این تـدریس ادامه دارد و تا بحال کتب لمعتین،رسائل و مکاسب تدریس رسـمی و خصوصـی داشـتم.در کنار تدریس امور مربوطه، مدیریت مدرسه نیز برعهده اینجانب بود که وقت زیادی را صـرف آن نمودم در روزهای جمعه و پنجشـنبه در دانشگاه پیام نور شهرستان مشغول تدریس کتب اخلاقی،تاریخی،مدیریت اسلامی،انقلاب اسلامی، ادبیات عرب بودم و این تدریس در سالهای ۶۵ تا سال ۷۵ ادامه داشت که مجوز تدریس از دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه را نیز داشتم.

در مـدت تدریس، در حوزه نیز رتبه اول و جزء نفرات برتر حوزه بودم.در سال ۱۳۷۳ وارد قم مقدس جهت ادامه تحصیل و استفاده از محضـر شـریف اساتیـد شـدم و بعـد از مـدت کمی اساتیـد دلخواه خودم را یعنی حضـرت آیت الله العظمی وحید خراسانی جهت درس اصول و حضـرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی جهت درس فقه شناسایی و در کلاس درس آنها به تلمذ پرداختم. در کنار بهره مندی از اساتید خارج فقه و اصول به کارهای اجرایی در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسـلامی و تدریس در حوزه جامعهٔ الزهرا و مدارس تحت پوشش مرکز جهانی و تدریس در دانشگاههای محلات و همچنین خوانسار پرداختم و در سالهـای اشـتغال به تحصـیل در حوزه علمیه خوانسار و قم در سالهای اوج مبارزه با طاغوت و سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز فعالیت اجرایی و جبهه‌ای داشتم که انشاء الله خداوند قبول نماید.

رضوی، قمی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۸۳ ق)، عـالم، فقیه و ادیب امامی. در ۱۳۱۳ ق در تهران در بحث و درس علامه سـید عبدالکریم لاهیجی شـرکت کرد. سپس به نجف مهاجرت و در محضـر شـیخ الشـریعه اصـفهانی تلمـذ نمود و از ملا محمـد کاظم خراسانی بهره گرفت. او در حـدود ۱۳۲۶ ق بـه قم رفت و در ۱۳۳۱ ق به حج مشـرف شد و در بازگشت ساکن تهران گردید و به انجام وظائف شـرعی مشغول گشت. از آثارش: «تقریرات» دروس اسـتادانش در فقه و اصول با تصـرفات و تحقیقات؛ کتاب «نهایه المأمول»، در شرح «کفایه الاصول» که شرح مزجی است بر «کفایه» آخوند خراسانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰۵ / ۲۴، ۳۴ / ۱۴، ۸۷۷ / ۹)، ریحانه (۴۸۷ -۴۸۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۳ -۴۱۲ / ۱۴).

رضوی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمـاء متقی فرزنـد مرحوم حـاج سـید اسـحاق و در مسـجد امـام اقـامه نمـاز جماعت می‌نمود. شـرحی بر خطبه حضـرت صـدیقه سلام‌اللّه‌علیها به عربی نگاشته که در تهران به طبع رسیده و در سال ۱۳۳۴ ق فوت نمود و در شیخان مدفون شد.

(۱۳۴۴ -۱۲۸۷ ق)، عالم دینی. از علمای متقی بود. در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن شد. از اثر معروف وی «الدره البیضاء فی شـرح خطبه فـاطمه الزهراء (ع)» که دارای عنـاوین: متن و شـرح و لغت و اعراب و معنی است. هر یـک از قطعـات خطبه تا پایان تحت این عناوین آورده شده است. این کتاب به همت برادرش آقا حسین بن اسحاق رضوی در ۱۳۵۴ ق به طبع رسید.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۹۳/ ۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۵/ ۲).

رضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین ملقب (به علم الهدی) بن سید هبهٔاللَّه بن سید محمد بن سید عبدالحی بن محمد بن عبدالغفار ابن عبدالرزاق بن ابراهیم رضوی کاشانی عالمی جلیل و متقی بوده است.

وی در کاشان متولد و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات و سطوح از مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللَّه و دیگران در کاشان به نجف مهاجرت و از محضر مرحوم آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و غیر آنان از اعاظم علماء و اکابر مدرسین استفاده نموده و در سال ۱۳۵۲ قمری به کاشان مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج پرداخته تا سال ۱۳۸۶ قمری که بدرود حیات گفته است.

دارای تألیفات عدیده مانند بهجهٔالتنزیل در تفسیر و تأویل و (العندبیل) در تمیز بین صحیح و علیل و (المائدهٔ العرشیه) و غیر ذلک بوده است.

نگارنده در سال ۱۳۶۴ قمری که با جنابان فاضلان باذلان آیتین علامتین آقای حاج سید کاظم و آقای حاج سید مهدی اخوان مرعشی و دانشمند گرامی حاج شیخ مرتضی مطهری به کاشان مسافرت کردم از نزدیک آن مرحوم را ملاقات کردمام. آن مرحوم در کاشان مخصوص محله خود بسیار متنفذ و مورد توجه بود و مردم به او علاقه بسیاری داشتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در ۲۶ دی‌ماه سال ۱۳۲۶ شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدرو اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «دربارهٔ ما» بیان گردیده است.

استاد مرتضی رضوی در اواخر سال ۱۳۴۰ پس ازتحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.

فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شر یعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.

استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.

استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.

در سن ۱۹ سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.

استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف عدالت‌گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال ۱۳۴۲ حضور داشتند و تا سال ۱۳۵۶و خیزش نهضت اسلامی ۱۸ بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.

استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال ۱۳۶۳ از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.

استاد مرتضی رضوی در سال ۱۳۶۶ در دوره سوم نمایندگی مجلس شواری اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحلهٔ دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیتهای سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت ، مبنی براینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحلهٔ دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رضی استرآبادی، محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۶ ق)، نحوی و عالم امامی. ملقب به نجم‌الائمه و نجم‌الدین و رضی‌الدین. معروف به رضی و فاضل رضی و شارح رضی. از فراوریان و نام‌آوران علم نحو که در استرآباد متولد و در نجف ساکن شد. از آثار وی: شرح «شافیه» ابن‌حاجب، در صرف، معروف به «صرف رضی»؛ شرح «قصائد سبعه» ابن ابی‌الحدید؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو، معروف به «شرح الکبیر» یا «شرح الرضی» که سیوطی از آن به عنوان کتاب بی‌نظیر نام برده، و براساس این کتاب او لقب شارح رضی گرفته است؛ حاشیه بر «شرح تجرید العقاید الجدیده و الحاشیه القدیمه».[۱]

ع. بخش ۱) رضی‌الدین استرآبادی محمد حسن مشهور به نجم الائمه نحوی معروف (ف. ۶۸۴ یا ۶۸۶ ه.ق.) ازآثار اوست: شرح الکافیهٔ در نحو معروف به شرح رضی (ه.م.)، شرح الشافیهٔ ایضا معروف به شرح رضی (ه.م.)، شرح قصائد سبع ابن ابی‌الحدید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۵۳ -۱۵۱ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۹/۳)، الذریعه (۳۱۳، ۱۳، ۳۰ /۱۴)، ریحانه (۳۱۵/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۵/۷)، کشف الظنون (۱۳۷۰)، الکنی و الالقاب (۳۱۵/۲)، لغت نامه (ذیل/ رضی)، معجم المؤلفین (۱۸۳/۹)، هدیه الاحباب (۱۴۲ -۱۴۱)، هدیه العارفین (۱۳۴/۲).

رعدی آذرخشی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به رعدی. در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان برد، سپس به تهران آمد و از دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی به اخذ لیسانس نایل گشت. در سال ۱۳۱۲ ش به خدمت دولت درآمد و مشاغلی چون مدیر کتابخانه‌ی فنی وزارت فرهنگ، ریاست اداره‌ی کل نگارش، سرپرستی مجله‌ی آموزش و پرورش و ریاست هیات تحریریه‌ی روزنامه‌ی «ایران» را عهده‌دار بوده است. در تاسیس فرهنگستان ایران همکاری داشته و مدتی دبیرخانه آن را اداره می‌کرده است. در سال ۱۳۱۵ ش به مظور تکمیل معلومات به پاریس رفت و در رشته یا ادبیات درجه‌ی دکترا گرفت. وی به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، عربی و ترکی رایج در ترکیه تسلط داشت. سپس به ایران مراجعت کرد و در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد. بعدها به نمایندگی ایران در یونسکو انتخاب شد و به نیابت ریاست آن سازمان رسید. پس از مراجعت به ایران، سناتور انتخابی تهران شد و ریاست دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه ملی را عهده‌دار بود. دکتر رعدی در سرودن شعر توانا بود. قصیده‌ی «نگاه» او مشهورترین و شیواترین قصاید زبان فارسی است که آن را در سال ۱۳۱۴ ش و برای برادر لال خود سرود. از آثار او: رساله‌ی «رستاخیز ادبی ایران»؛ رساله‌ی «جهان‌بینی فردوسی»؛ «تاریخچه‌ی تحول دانشگاه‌ها در ایران»، به زبان انگلیسی؛ «تحقیق در آموزش عالی در زمینه‌ی حقوق عمومی تطبیقی»، به زبان فرانسوی؛ «پنج آینه»، شامل مثنویهایی سیاسی. مجموعه‌ی اشعار او تحت عنوان «نگاه» چاپ و منتشر شده است.[۱]

شاعر و ادیب و محقق و سیاستمدار، در ۱۲۸۸ در شهر تبریز پا به عرصه‌ی وجود نهاد. نیاکانش تفرشی بودند. تحصیلات خود را در تبریز آغاز کرد و در ۱۳۰۶ ش دیپلم گرفت و برای ادامه‌ی تحصیل عازم تهران شد و در مدرسه‌ی عالی حقوق و علوم سیاسی ثبت نام کرد و سرانجام در ۱۳۰۹ درجه‌ی لیسانس در علم حقوق گرفت و به آذربایجان بازگشت و شغل دبیری را پیشه‌ی خود ساخت. چند سالی در تبریز به تدریس ادبیات و تاریخ و جغرافیا مشغول بود تا اینکه به تهران انتقال یافت و ریاست اداره انطباعات وزارت فرهنگ و مدیریت مجله‌ی تعلیم و تربیت به او محول گردید. در ۱۳۱۴ که فرهنگستان ایران تاسیس یافت، رعدی با حفظ سمت به ریاست دبیرخانه‌ی فرهنگستان انتخاب شد. در ۱۳۱۵ علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت، او را برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا فرستاد و در کشور سویس دوره‌ی دکترای حقوق را به اتمام رسانید و در ۱۳۲۱ به ایران بازگشت و به عضویت فرهنگستان و مدیر کلی وزارت فرهنگ و استادی دانشگاه دعوت شد.

دکتر رعدی چندی به کارهای فرهنگی و ادبی اشتغال داشت. مجددا برای مطالعات زبان‌شناسی با سمت وابسته‌ی فرهنگی به انگلستان عزیمت نمود و چند سالی نیز در این زمینه به تحقیق و تتبع پرداخت و به ایران بازگشت. مدتی بازرسی فنی و مشاور عالی بود و بعد به ریاست اداره کل تعلیمات عالیه رسید و سرانجام نماینده و سفیر ایران در یونسکو شد و سالها بدون معارض در آن سمت انجام وظیفه می‌کرد تا اینکه جای خود را به دکتر منوچهر اقبال داد و به تهران احضار شد.

در انتخابات سال ۱۳۴۲ به سمت سناتور انتصابی تعیین گردید و مدت چهار سال سناتور بود. رویه‌ی وی در مجلس سنا و ایراد سخنرانی‌های بی‌جا و بجا و حمله به وزارت فرهنگ و انتقاد از برنامه‌های دولت موجب گردید که پس از اختتام دوره‌ی چهارم مجلس سنا، به وی کار فرهنگی داده شود. از این‌رو به ریاست دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه ملی (شهید بهشتی) منصوب گردید و تا پایان ۱۳۵۷ در آن شغل مستقر بود و سپس بازنشسته شد.

رعدی مردی فاضل و شاعری توانا بود و در ادبیات فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه صاحب‌نظر بود. از نوجوانی شعر می‌سرود و چون اشعارش از مضامین بدیع و سادگی و روانی برخوردار بود، مورد توجه بزرگان علم و ادب قرار گرفت و دانشمندانی چون ادیب‌السلطنه سمیعی، دبیراعظم بهرامی و علی‌اصغر حکمت به او ارج می‌نهادندو در انجام خواسته‌هایش مساعدت فراوان کرده‌اند. اشعار او اعم از قصیده و عزل و چکامه، بالغ بر چهل هزاربیت می‌باشد و تاکنون دو جلد از اشعار او به چاپ رسیده است. دکتر غلامعلی رعدی در عین فضیلت، مردی جاه‌طلب، خودخواه و تندخو بود و خود را بالاتر از همه می‌دانست. در اشعارش بسیاری از

فضلا و ادبا را مورد انتقاد قرار داده است. با هیچ‌کس روح سازش نداشت.

وفات وی در سال ۱۳۷۸ در تهران اتفاق افتاد و سالیانی چند در بستری بیماری بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۵۴ –۵۲)، از صبا تا نیما (۵۶۵ –۵۵۱ /۲)، چشمه‌ی روشن (۶۶۵ –۶۵۵)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۳۷۸ –۳۷۳)، الذریعه (۳۷۵/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۶۵ –۱۵۵۷ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۸۸)، گوهر (س ۱، ش ۸، ص ۷۰۲ –۶۹۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۲ –۷۲۱ /۴).

رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۷ ق)، مورخ و ادیب و شاعر، متخلص به رفعت. مدتی پیش از تولد وی در لکنهو، پدرش مقیم هندوستان شده بود. رفعت به اکثر سرزمینهای هند مسافرت کرد و در «بهوپال» اقامت گزید، و کتابهای بسیاری تصنیف کرد. از وی با نسبتهای شیروانی، انصاری، یمنی یا هندی یاد شده است از آثار وی: «آثار العجم» که با «آثار عجم» فرصت شیرازی تفاوت دارد؛ «تاریخ ائمه»؛ «تاریخ افاغنه» فارسی؛ «تاریخ البواهر»، در عقاید اسماعیلیه که نام اصلی این کتاب «قلائد الجواهر فی تاریخ البواهر» می‌باشد که «تاریخ نکو» نیز می‌گویند؛ «تاریخ بهوپال»؛ «تاریخ دکن» که همان «چار چمن» است؛ «تاریخ سرندیب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۷/۹، ۲۱۶/۳، ۲۳۴، ۲۹۱ /۲)، ریحانه (۳۲۵ –۳۲۴ /۲)، صبح گلشن (۱۸۲ –۱۸۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۸ –۹۸۷ /۱۴)، لغت نامه (ذیل/ رفعت)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۳ –۶۵۲ /۳).

رفعت نژاد، محمدنقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نقی رفعت نژاد

محل تولد : ارومیه

شهرت : رفیعی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه تبریز شدم. بعد از مدتی تحصیل در آن شهر به اتفاق حاج آقا بنایی مسئول حوزه علمیه ولی عصر(عج) بعد از دو سال تلمذ به شهر تهران عزیمت کردم و در آن شهر سه حوزه ومدرسه علمیه را تشکیل دادیم و طلبه های بسیاری جذب شدند که برخی از آنها بسیجیان جان برکفی بودند که به درجه شهادت نایل گشتند (خداوند همه آنان را با سالار شهیدان محشور فرماید).در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه فیضیه سکونت داشتم و همزمان در درس تفسیر استاد جوادی آملی به همراه دروس رسائل و مکاسب و کفایتین از محضر اساتید وقت آقایان اعتمادی، پایانی، ستوده تلمذ می کردم، در سال ۱۳۶۷ بعد از اتمام کفایتین از محضر آیات عظام فاضل لنکرانی(ره) به مدت ۲ سال درس خارج اصول، یک سال خارج اصول آیت الله صانعی و ۱۵ سال ازخارج اصول حاج آقا وحید خراسانی و همچنین به مدت ۱۷ سال از درس خارج فقه آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی(قدس سره) استفاده کردم. در سال ۱۳۷۰ در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن از محضر اساتیدی همچون آیت الله خزعلی، آیت الله معرفت، آیت الله میانجی(ره) و آیت الله محقق داماد، آیت الله استادی و آیات و اساتید دیگر و همچنین از محضر آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده¬های علمی تفسیری داشتم.در مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۶۷ در قسمت دایرهٔ المعارف بزرگ قرآن در قسمت تشکیل پرونده های علمی، تشکیل مدخلهای قرآنی و تفسیری، تشکیل شناسنامه علمی مشغول امور تحقیقی و پژوهشی بودم و متجاوز از ۶۰ پرونده علمی و بیش از ۱۰۰ شناسنامه علمی و همچنین تألیف مقالات در دایرهٔ المعارف فعالیت داشتم. برخی از مدخلها و پرونده های تشکیل داده شده عبارتند از ۱.ابتکار،۲.اختلاف،۳.اسماعیل صادق الوعد،۴.آل لوط،۵.آزمایش ۶.احترام،۷.استثمار،۸.استضعاف۹.اصطفاء،۱۰.استدراج،۱۱. ... . در سال ۱۳۸۲ با دفاع از پایان نامه سطح ۴ با موضوع سنت های املاء و امهال و استدراج در قرآن و احادیث، موفق به اخذ سطح ۴ در رشته تفسیر و علوم قرآن شدم.در کنار تحصیل و تملذ دروس فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن از سال ۱۳۷۴ بنده در دانشگاههای مختلف کشور مشغول تدریس دروس معارف و الهیات بودم از جمله این دانشگاهها عبارتند از دانشگاه ارومیه،دانشکده علوم قرآنی ،دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران،دانشگاه علامه طباطبایی،دانشگاه پیام نور ارومیه و الان در دانشگاه پیام نور قم دروس الهیات را مشغول هستم و در کنار تدریس، فعالیت های علمی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه را در قم و تهران همکاری دارم. ضمناً بنده در سال ۱۳۶۷ در دانشگاه مفید قم مشغول تحصیل در رشته اقتصاد بودم و بعد از گذراندن ۴ ترم به جهت مشکلاتی موفق به ادامه آن نگشتم.

رفیعی پور، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس رفیعی پور

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عباس رفیعی پور علوی علویجه در سال۱۳۳۵ بدنیا آمد . وی در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شد و مقدمات را در آن حوزه از محضر آیت الله مرحوم شیخ عباس ایزدی (امام جمعه سابق نجف اباد) فرا گرفت . سپس برای تکمیل تحصیلات در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و در دروس آیات عظام فاضل لنکرانی و مشکینی شرکت نمود . در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ مدرک تحصیلی سطح ۲ (معادل کارشناسی) از مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۷۹ با کسب مجوز از معاونت امور اساتید نهاد رهبری در دانشگاهها ، تدریس برای دانشجویان دانشگاه علمی – کاربردی علویجه اصفهان را بعهده داشته است ؛ سپس بنا به دعوت صدا و سیمای قم (مرکز پژوهش های اسلامی) از سال ۱۳۸۱ تا کنون با این نهاد بعنوان کارشناس همکاری داشته است .

رفیعی قزوینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مد ظله از مراجع عصر حاضر و اعاظم مجتهدین معاصر است در تهران. وی در حدود سال ۱۳۱۲ ق در قزوین متولد و مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوائل فرائد در آنجا خوانده و پس از آن به تهران آمده و از مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌اللَّه حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌اللَّه آقا شیخ محمد رضا نوری استفاده نموده و حکمت و کلام را نزد حکیم ربانی مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی و مرحوم حاج فاضل و مرحوم میرزا محمود قمی قدس اللَّه اسرارهم تحصیل نموده و فنون ریاضی را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی (از هیئت و هندسه و اسطرلاب و بعضی دیگر از ریاضیات را) فراگرفته تا سال ۱۳۳۸ ق که به قزوین مراجعت و بعد از یکسال معاودت به تهران نموده و فقط به تدریس شرح لمعه و قوانین و شرح منظومه و اشارات در مدرسه عبداللَّه‌خان پرداخته و طلاب آن عصر تهران را که از مدارس دیگر بمحضرش می‌شتافتند افاده نموده تا سال ۱۳۴۰ ق که مرحوم رئیس‌الشیعه آیت‌اللَّه العظمی علامه استاد حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رحل اقامت افکندند، به قم مهاجرت و منحصرا از درس و بحث فقه و اصول معظم له استفاده و خود بتدریس کفایه و رسائل و مکاسب شیخ و اسفار اربعه و شرح منظومه اشتغال تا در ماه رمضان ۱۳۴۴ ق به امر مرحوم آیت‌اللَّه حایری در مسجد بالا سر به منبر تدریس بالا رفته و قریب دویست و پنجاه نفر از فضلاء و طلاب را که حاضر می‌شدند مستفید فرموده و در همان اوان حواشی مفصلی بر شرح منظومه سبزواری که معروفست نوشته و هم تعلیقات بر رسائل شیخ مرقوم نمودند تا سال ۱۳۴۹ ق با اجازه صریح در اجتهاد و حرمت تقلید مراجعت به قزوین نموده و تا سال ۱۳۸۰ قمری در آنجا بتدریس خارج کفایه و اسفار و فقه و اقامه نماز جماعت و تفسیر کلام‌اللَّه مجید اشتغال داشته آنگاه به تهران آمده و تاکنون در مسجد جمعه به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

از تألیفات معظم له است: ۱- رساله در رجعت بقواعد عقلیه ۲- شرح بر دعاء سحر. ۳- حاشیه بر وسیله مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی. ۴- رساله عملیه ۵- حواشی متفرقه.

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اکابر فقهاء و مجتهدین و اعاظم حکماء متألهین و مراجع تقلید معاصر بوده‌اند وی حدود دوازده سال بود که از قزوین زادگاه خویش به تهران منتقل و در مسجد جمعه اقامه جماعت و هم تدریس می‌نمودند تا درروز اول محرم ۱۳۹۵ قمری بعد از کسالت ممتدی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد بالا سر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مدفون گردیدند. نگارنده. گوید آیت‌اللَّه رفیعی که بعضی از مراجع معاصر از تلامذه و شاگردان ممتاز او می‌باشند از اسطوانه‌های علمی و اساتید بزرگ و فلاسفه سترک معاصر بودند و شایسته بود که در حوزه‌های علمیه بزرگ به تدریس و رهبری و اداره آن پرداخته و فضلاء بیشتری تربیت نمایند ولی گویا تقدیر آن مرحوم غیر از این بود و المقدر کائن.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیعی محمدی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر رفیعی محمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصررفیعی محمدی در سال ۱۳۴۴ در شهر مقدس قم درخانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در این شهر گذرانده ودر سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی از دبیرستان صدوق شدم .

در سالهای انقلاب شکوهمند اسلامی در جنبش دانش آموزی وجلسات مذهبی سیاسی با پخش اعلامیه وشرکت در تظاهرات در حد وسع واقتضای سن نوجوانی شرکت داشتم . بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با حزب جمهوری اسلامی شاخه دانش آموزی همکاری می نمودم . درسال ۱۳۶۲ با اخذ دیپلم وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی ۵ سال دوره سطح را تا پایان کفایه به اتمام رسانده کلیه امتحانات ان را با موفقیت گذراندم و در پایه پنجم از امتحانات با کسب رتبه اول در آزمون شورای مدیریت حوزه یک دوره بحارالانوار از حضرت امام خمینی (ره) به عنوان جایزه دریافت نمودم.

دروس سطح را نزد اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر اعتمادی پایانی دوزدوزانی صلواتی راستی کاشانی و ستوده تلمذ نمودم. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ در دروس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی مظاهری وصانعی شرکت داشتم.

همچنین ضمن گذراندن دروس اصلی حوزه دروس جنبی را نیز نزد اساتید متعددی خواندم به عنوان مثال فلسفه (نهایه الحکمه) نزد استاد آیت الله صالحی مازندرانی (ره) علوم قرآن نزد آیت الله معرفت شرح تجرید نزد آیت الله استادی تفسیر نزد آیت الله جوادی رجال نزد آیت الله سبحانی تلمذ گردید.

درسالهایی که به دروس حوزه مشغول بودم موفق به اخذ لیسانس الهیات از دانشکده باقر العلوم وفوق لیسانس از دانشگاه قم گردیده ودر سال ۱۳۷۳ با قبولی در آزمون دکتری در رشته علوم قرآن وحدیث در تهران مشغول تحصیل در این دوره شدم .سال ۱۳۷۷ بادفاع از رساله موفق به اخذ دکتری با رتبه عالی گردیدم.

رفیعی، حمیدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید الله رفیعی

محل تولد : زابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

درسهای ابتدائی وراهنمائی را در محل تولد استان زابی افغانستان به پایان رساندم وتحصیلات دبیرستانی را در مدرسه ابن سینای کابل به اتمام رسانده و سپس در سال ۱۳۵۵بعد از امتحان کنکور دردانشکده پزشکی دانشگاه کابل در رشته طب عمومی تحصیلاتم را ادامه دادم که متأسفانه بعد از اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی و پیدایش هرج و مرج درکشور مجبور به ترک کشور گردیده و د رسال ۱۳۵۹وارد خاک ایران شدم. برای مدّت سه سال با یکی از گروههای جهادی همکاری فرهنگی داشته و بعد از آن در سال ۱۳۶۳درس حوزوی را از ابتدای جامع المقدمات در مدرسه حاج ابراهیم اراک آغاز نمودم .هرچند در ابتدا با این نوع درسها و محیط نامأنوس بودم ولی بعد از تحمل فشارهای روحی و روانی زیاد خودم را با این محیط و درس منطبق داده که الحمد الله تا حدودی نتیجه داد .و در سال ۱۳۶۷وارد حوزه علمیه قم گردیده ،بعد از اتمام سطوح درسال ۱۳۷۲درس خارج را در کلاسهای آیت الله وحید خراسانی ،آیت الله فاضل لنکرانی آغاز نمودم و یک سال هم در درس خارج آیت الله مکارم شرکت کردم .در سال۱۳۷۳درس تخصصی کلام را درمؤسسه امام صادق (ع) در سطح دکترا آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۶از این مرکز فارغ التحصیل شدم که متأسفانه هنوز هم بنا به دلائلی موفق به اخذ موضوع پایان نامه نشده ام ودر حال حاضر با مرکز مطالعات حوزه و ستاد پاسخگوئی به شبهات دفتر تبلیغات و معاونت تبلیغ و دانشنامه کلام همکاری دارم.

رفیعی، رمضانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضانعلی رفیعی

محل تولد : قوچان

شهرت : علی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۳

زندگینامه علمی

اینجانب رمضانعلی رفیعی (معروف به علی) با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی نظام قدیم در سال ۱۳۴۴ شمسی به قصد تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه فاروج از توابع شهرستان قوچان شدم و طی سه سال جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه منطق را گذراندم.
در سال ۱۳۴۷ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (مدرسه تولیت) که برنامه ای منظم داشت به تحصیل ادامه دادم. برخی از اساتید حقیر در این دوره عبارتند از: (عروه الوثقی) حجت الاسلام افتخاری،(تاریخ اسلام) حجت الاسلام مرحوم حسن نوری (برادر بزرگ آیت الله حسین نوری)،(مغنی) حجت الاسلام طالقانی، (منطق) حجت الاسلام امینیان، (معالم الاصول) حجت الاسلام مقتدایی و ...

سپس به مدرسه سعادت تحت اشراف آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده منتقل شدم و کتب و دروس ذیل را تحت نظر و اشراف و خدمت اساتید حوزه گذراندم: لمعتین حجج اسلام سید ابوالفضل موسوی، باکویی، آیت الله فاضل لنکرانی، معانی بیان: امینی شیرازی، اصول فقه: حجت الاسلام باکویی، باب حادی عشر: حجت الاسلام عبد القائم شوشتری، تفسیر و اخلاق: آیت الله مشکینی، نهج البلاغه: آیت الله حسین نوری، عقاید: آیت الله مکارم شیرازی، شرح منظومه: دکتر احمد بهشتی و آیت الله انصاری شیرازی، رسائل: آیت الله اعتمادی، مکاسب: آیت الله صانعی، مرحوم ستوده و موسوی تبریزی، کفایتین: مرحوم آیت الله سلطانی، رساله تصور و تصدیق ملاصدرا و اسفار اربعه: آیت الله جوادی آملی .

در سال ۱۳۵۶ در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم، لیکن در سال ۱۳۵۹ برای کارهای تبلیغاتی به قوچان (زادگاهم) رفتم و پس از عهده داری مسئولیت دفتر تبلیغات آن شهر در سال ۱۳۶۰ به سمت فرماندهی سپاه قوچان برگزیده شدم و حدود چهار سال که عهده دار این سمت بودم از تحصیل علوم حوزوی محروم شدم.در سال ۱۳۶۳ مجددا به قم بازگشتم و به تحصیل و حضور در درس خارج معظم له (فقها و اصولا)را ادامه دادم، ضمن آنکه با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نیز همکاری پاره وقت داشتم.با راه اندازی طرح مدارج علمی در حوزه علمیه قم و عهده داری دفتر تبلیغات اسلامی برای این کار در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ مدارج علمی دوره اول خارج (سطح ۳ حوزه معادل فوق لیسانس) شدم و پس از واگذاری این امر به شورای مدیریت حوزه علمیه قم موفق شدم مدرک مدارج علمی سطح چهار (شش سال درس خارج فقه واصول) معادل دکترا را در مورخ ۸/۲/۷۳ اخذ کنم.

تالیفات: حقیر از سال ۱۳۶۴ که همکاری علمی و پژوهشی خود را با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه آغاز کردم ضمن انجام دادن کار پژوهشگری در موضوع تاریخ اسلام و عهده داری مسئولیت های: گروه تاریخ، مدیریت تاریخ و علوم سیاسی، جانشینی معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی و مسئولیت معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی، در طول مدت بیش از ۱۸ سال کار تالیف متون آموزشی در موضوع تاریخ اسلام را شروع کردم که متجاوز از پانزده کتاب در سطوح مختلف علمی و آموزشی است که نمونه هایی از آن به پیوست می باشد. ضمنا از سال ۱۳۷۸ با بخش فرهنگ فقه موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی نیزبه عنوان مسئول بخش بازنویسی و ویرایش همکاری دارم و حاصل آن تا کنون چاپ دو جلد (۱ و ۲) آن بوده است. مدتی نیز با بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قسمت احیاء آثار همکاری داشتم که حاصل آن تحقیق در تفسیر شریف الاصفی مرحوم فیض کاشانی (ج اول) می باشد .

به جز مواردی که یاد شد با فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات اسلامی همچون حصون و مربیان و دیگر نشریات آن نیز همکاری دارم و ضمن عضویت در هیئت تحریریه بعضی از آنها هر از چندگاه، مقالاتی برای این نشریات می نویسم. ضمن آنکه برای پاره ای فراخوانیهای همایش ها نیز مقالاتی نوشته ام.

رفیعی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۵۷ ش)، مؤسس و مترجم. ملقب به نظام‌الدوله. وی خواهرزاده‌ی حسینقلی خان نظام‌الدوله دنبلی بود که بعد از فوت دایی خود، لقب وی را گرفت. او در اروپا تحصیل کرد و در دوره‌های دهم تا سیزدهم، از تبریز به نمایندگی شورای ملی انتخاب شد. نظام‌الدوله به امور اجتماعی شهر می‌پرداخت و در تأسیس دارالایتام تبریز و تشکیلات شیر و خورشید اهتمام داشت. وی در غائله پیشه‌وری به حکومت ارومیه منصوب شد و چون از اقدامات افراطی به دور بود پس از رفع غائله نیز از طرف مردم و دولت مورد تعقیب قرار نگرفت و در تبریز اقامت گزید. از آثارش: «جوان فقیر»، ترجمه؛ «رموز دوستی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۸/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۴۸/ ۲ ،۱۰۷۳ -۱۰۷۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۱/ ۲)، نخبگان سیاسی ایران (۴۸۵/ ۴).

رفیعی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـد علی رفیعی به سـال ۱۳۳۳ در شـهر یزد بـدنیا آمـد.وی مترجم، زبانشـناس، ادیب، نویسـنده و منتقـد و شاعر بود. گروه : علوم انسانی رشـته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : محمد علی رفیعی به سال ۱۳۳۳ در شهر یزد بدنیا آمد. پدرش دکتر عبدالعلی رفیعی از پزشـکان خوشـنام یزد و از خانواده ای اصیل بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد علی رفیعی تحصیلات ابتدایی را در شهر یزد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا پایان اخذ دکترای ادبیات انگلیسی در تهران به انجام رساند. همسر و فرزندان : از محمد علی رفیعی صاحب دو فرزنـد به یادگارمانـده است . وقایع میانسالی : محمد علی رفیعی در فن ترجمه، توانا بود و به دلیل احاطه اش به واژگان و فن و ترجمه، بسیاری از دوسـتان مترجم و زبان شـناس که برخی مطالب و مباحث برایشان گنگ و نارسا بود از او بهره می بردند. دکتر محمدرضا شـفیعی کدکنی در سفر به یزد و آشنایی با دکتر رفیعی و تبحرش در علوم ادبی از جمله زبانشناسی، لب به تحسین وی گشود. زمانی هم دکتر فتح الله مجتبایی پس از مقابله ترجمه جباریت در تاریخ اثر ادوارد براون، با اصل آن قـدرت مترجم و دقت کار وی را مورد سـتایش قرار داد. زمان و علت فوت : محمـد علی رفیعی در روز نهم اردیبهشت ۱۳۷۹ به سرای باقی شتافت.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : محمـد علی رفیعی به غیر از عضویت در کمیته علمی کنگره بزرگـداشت ابوالفضل رشـید الدین میبدی در سال ۱۳۷۴، مشـارکتی فعـال در برپایی آن داشت. همکاری او با مراکز فرهنگ کشور، از جمله فرهنگسـتان زبان و ادب فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، دفتر پژوهش های فرهنگی از دیگر فعالیتهای بشمار می رود .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمـد علی رفیعی علاـوه بر فعـالیت هـای اجتمـاعی، در عرصه تعلیم و تـدریس نیز در دانشـگاه هـای کشور از جمله دانشـگاه آزاد اسـلامی میبـد، دانشـکده معمـاری دانشـگاه یزد، دانشگاه جـامع تکنولوژی یزد و چنـدین مرکز آموزش عـالی تهران حضوری موثر داشت. از جمله در مرکز نشـر دانشـگاهی به تدریس آیین ویراسـتاری پرداخت. دکتر رفیعی زمینه کار پژوهشی و تحقیقاتی بسیاری داشت که از آن جمله می توان به مقاله های او در نشـر یاتی چون مقاله های ارزشـمندی در مجله های وزین و علمی کشور، ماننـد: آدینه، جـامعه سـالم، جهان کتاب، آینـده، نشـر دانش، گتفگو، نگاه نو، نامه فلسـفه، دنیای سـخن، معیار و کیهان فرهنگی از خود به یادگـار نهاد که عمـده آنها در زمینه زبان شناسـی و نقـد عالمانه کتاب ها بوداشاره کرد . دکتر رفیعی به غیر از دانش ترجمه، شاعر نـوگرایی بـود کـه گهگـاه در جملـه دوسـتان به قرائت اشـعاری می پرداخت. وی در سالهـای آخر حیـات عمر خـویش، در چنـدین دانشـگاه و مجمع دانشـگاهی به ایراد سـخنرانی پرداخت که مهمترین آن «نقد شعر فروغ»در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه تهران بود. دکتر رفیعی همچنین موفق شد در سالهای ۶۴-۱۳۶۳ شش شماره پیک کتاب را چاپ و منتشر کند.آثار : انس شپریر ویژگی اثر : مصاحبه و سـخنرانی مـانس اشپر بر که توسط انتشارات تنـدیس ۱۳۶۸ منتشر شد.۲ تـالیف پیـک کتـاب ویژگی اثر : این اثر توسط انتشارات بهجت در سـال ۶۴-۱۳۶۳ در ۶ جلد منتشـر شد.۳ ترجمـه برخـورد تمـدن هـا و بازسـازی نظم جهـانی ویژگی اثر : اثر ساموئـل ها نتینگتون که توسـط دفتر پژوهشـهای فرهنگی در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.۴ ترجمه پایـان جهـان اثر فوکویاما ، ترجمه پژوهش ترکیبی ویژگی اثر : اثر هریس ام کـوپر، که توسـط دفـتر پژوهشـهای فرهنگی در سـال ۱۳۷۹ منتشر شد.۶ ترجمه پژوهش عملی مشـارکتی ویژگی اثر : اثر ویلیـام فوت وایت که توسط دفتر پژوهش هـای فرهنگی در سـال ۱۳۷۸ منتشر شد.۷ ترجمه پنج سال در یک شـهر ایرانی ویژگی اثر : چاپ نشـده۸ ترجمه جبـاریت در تاریـخ ویژگی اثر : این ترجمه توسـط انتشارات مرواریـد رد سال ۱۳۷۹ انتشار یافت.۹ ترجمه سالار مگس ها ویژگی اثر : اثر ویلیام گلدنیگ که توسط انتشارات بهجت در سال ۱۳۶۳ منتشر شد.۱۰ ترجمه فلسفه هـای هنر ویژگی اثر : اثر پیـتر کیـوی کـه توسـط دفـتر پژوهشه هـای فرهنگی در سـال ۱۳۷۹ منتشـر شد.۱۱ ترجمه لبخنـد یوزپلنگ ویژگی اثر : اثر س. ر که چاپ نشـده اسـت۱۲ چین ۱۹۸۰ ویژگی اثر : اثر دیویـد بوناویا که انتشارات تنـدیس وسـکر در سال ۳۶۴ منتشر کرد.۱۳ دسته گلی برای الجرفون ویژگی اثر : اثر دنیل کیز که توسط انتشارات تجربه در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.۱۴ شناخت اثر هنری ادبی ویژگی اثر : اثر انیگـاردن کـه توسـط دفـتر پژوهش هـای فرهنگی در سـال ۱۳۷۹ منتشر شد.۱۵ فراسـوی آزادی ونزلت ویژگی اثر : اثر ب.اف. اسکینر، که توسط انتشارات سکه و تندیس در سال ۱۳۶۴ منتشر شد.۱۶ فیمنیسم در شعر فروغ ویژگی اثر : چاپ نشده۱۷ قبضه قـدرت ویژگی اثر : اثر چسـلا و میلوش که توسـط انتشارات پانوس در سال ۱۳۶۷ منتشر شد.۱۸ مبانی مدیریت ویژگی اثر : استیفن پی را بینمز که بـا همکاری محمـد اعرابی توسط دفتر پژوهشـهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۱۹ مدیریت بـدون کاغـذ ویژگی اثر : ویژگی ترجمه این اثر با همکاری محمد اعرابی و قصر الله مسـتوفی صورت گرفت و توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۲۰ هنر پژوهش موردی ویژگی اثر : اثر رابرت ای اسـتمیک است که توسط دفتر پژوهشـهای فرهنگی در سـال ۱۳۷۹ منتشـر شد.۲۱ هنرشادمـانگی ویژگی اثر : دالایـی لاـ مـا اسـت که انتشـارات تنـدیس در سـال ۱۳۷۸ منتشر نمود.منابع : انتشارات نو اندیش ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،تیر ماه ۱۳۷۹

رکن‌زاده‌ی آدمیت، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۷ ق)، نویسـنده، روزنامه‌نگـار و شـاعر، متخلص به سالـک. در شیراز به دنیا آمـد، پس از تحصیلات ابتـدایی و آشـنایی با زبانهای فرانسوی و انگلیسـی، در اهواز به تدریس پرداخت و بعد به بوشـهر رفت و ضـمن تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی ادبیات فارسـی و عربی، در تجارتخانه‌ای به کار دفترداری و انشاء و داد و سـتد تجارتی پرداخت. سفری به عراق رفت و بعد از بازگشت در شیراز قرائت‌خـانه‌ی آدمیت را تاسیس کرد و به کـار خریـد و فروش کتـاب پرداخت. در سال ۱۳۰۵ ش روزنـامه‌ی ادبی و سیاسـی «آدمیت» را در شیراز منتشر کرد، پس از دو سال انتشار آن و تعطیلی روزنامه، به هندوستان رفت و سپس به تهران آمد و مدتی مدیر

روزنامه‌ی «ایران آزاد» شـد و کتابخانه آدمیت را تاسیس کرد، و بعد از انتقال به کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، به نوشـتن فهرست کتب خطی آن کتابخانه پرداخت و به عضویت پیوسته‌ی انجمن ادبی فرهنگستان ایران درآمد. آدمیت ضمن سرودن شعر، تالیفاتی نیز از خود به جای گذاشته است که برخی از آنها عبارتند از: «رساله‌ی اغلاط مشهوره»؛ «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، در پنج مجلد؛ «دلیران تنگستانی»؛ «فارس و جنگ بین‌الملل»؛ «رساله‌ی کلمات و اصطلاحات جدیده»؛ «منتخبات ایران شهر یا اصول آدمیت»؛ «منتخب برهان قاطع»؛ «منشآت آدمیت»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۰۵ -۱۰۴ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰ -۲۴ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۴۳ - ۳۴۱ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۹ -۷۴۸ /۲).

رکنی دزفولی، عبدالصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعبدالصالح رکنی دزفولی

محل تولد : لارستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

مهرماه سال ۱۳۴۱ وارد قم شدم. (یعنی شش ماه پس از رحلت آیت الله العظمی آقای بروجردی) در حالیکه مقداری از جامع المقدمات را نزد برادرم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری خوانده بودم. قسمتی از سیوطی و مغنی را در حوزه و بقیه آن را نزد آیت الله حاج شیخ احمد جنتی،معالم را نزد آیت الله جنتی،مختصر المعانی را نزد آیت الله حاج شیخ حسن تهرانی،رسائل را نزد آیت الله حاج شیخ احمد آذری قمی وآیت الله محمد محمدی گیلانی،مکاسب را نزد آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی وآیت الله احمدی میانجی وآیت الله محمدی گیلانی، کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و آیت الله آذری قمی و آیت الله وحید خراسانی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی(ره) و آیت الله فاضل لنکرانی(ره)، خارج فقه را نزد آیت الله حاج شیخ کاظم تبریزی و آیت الله حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت الله حاج سیدموسی شبیری زنجانی.تفسیر را نزد آیت الله ابوالقاسم خزعلی و آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، معارف اسلامی را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی خواندم.بدایهٔ الحکمهٔ و اسفار اربعه را نزد آیت الله حاج شیخ عبدالله جوادی آملی، نهایهٔ الحکمه را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، فصوص الحکم را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی و نیز کتاب کلیله و دمنه را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم.ادبیات فارسی املاء و انشاء و مقاله‌نویسی نزد حجهٔ الاسلام والمسلمین آقای علی حجتی‌کرمانی و آیت الله مومن العابدین قربانی و آیت الله دکتر حاج شیخ احمد بهشتی فسائی.زبان انگلیسی را پس از دوران دبیرستان نزد آقای امجدی و آقای رخشانفر که هر دو دبیر دبیرستان بودند و سپس نزد حجهٔ الاسلام آقای خلیلیان که تحصیل کرده انگلستان بود آموختم.اخلاق را نزد آیت الله حاج شیخ علی قدوسی، آیت الله حاج شیخ علی مشکینی اردبیلی(ره) و آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی و آیت الله احمدی میانجی.از بدو شروع به خواندن معالم درس کلاسیک هم شروع کردم و سالی یک کلاس خواندم و پس از ۴ سال موفق به اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان شبانه حکیم نظامی شدم.از سال ۴۵ به تدریج مواجه با کسالت‌های مختلف و عمل‌های متعدد جراحی در اعضاء بدنم انجام شد که سیر مطالعه و فعالیت‌های تحصیلی و تدریسی مرا کُند نمود و در همه حال شاکر درگاه خداوند هستم.

رکنی یزدی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان، و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۳، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، دکترا در سال ۱۳۴۶، عنوان رساله دکترا (تحقیق در تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار در ده جلد).

مرتبه علمی:

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبی، لغوی، پژوهش ادبی در ترجمه آیات قرآنی- التوبه الاولی- از نظر لغوی و برابرهای لغات قرآن، طرح > فهرست کامپیوتری کلمات گلستان شامل: اسم، صفت، فعل و حرف.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، اسلامی با بحثهای اعتقادی و نگرش جدید.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات، عرفان اسلامی در آثار ادبی و مباحث اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رمضان نژاد لری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا رمضان نژاد لری

محل تولد : سیرجان

شهرت : رضا

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا رمضان نژاد در سال ۱۳۵۵ در اطراف شهرستان سیرجان در خانواده ای عشایر متولد شد و با شروع دروس ابتدایی پدر و مادرم برای تحصیلات فرزندانشان وارد شهر شدند و من نیز تحصیلاتم را در شهرستان سیرجان آغاز نمودم . تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اسدالله ستاری گذراندم و بعد تحصیلات راهنمایی ام را در مدرسه راهنمایی امیر کبیر سپری کردم و بعد از آن در هنرستان منتظری همان شهر ثبت نام نمودم و در رشته برق شروع به تحصیل کردم اما متاسفانه به دلیل یک سری مشکلات ترک تحصیل نمودم و در جایی مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۷۴ عازم حدمت مقدس سربازی شدم و سپس در سال ۱۳۷۶ کارت پایان خدمت ۲۴ ماهه را دریافت نمودم و بعد از آن به صورت متفرقه شروع به ادامه تحصیل دادم و مشغول کار در کارخانه پلی اتیلن تک سیرجان نیز بودم . در سال ۱۳۷۸ یا ۱۳۷۷ بود که وارد بسیج اداری شدم و هم اکنون نیز جزء نیروهای فعال بسیج حوزه مقاومت شهید نصیری نجف شهر سیرجان نیز می باشم و جزء مربیان آن نیرو نیز هستم.در اواخر سال ۱۳۷۹ طالب تحصیل علوم دینی و اسلامی شدم و از کار در کارخانه استعفا دادم و در سال ۱۳۸۰ شروع به تحصیل علوم دینی و اسلامی در شهر مقدس قم نمودم چونکه من اضافه سن داشتم در آن زمان ما را پذیرش نکردند و هم اکنون هم با هزینه شخصی و به صورت متفرقه خودم ادامه تحصیل می دهم و بحمد لله تا امروز شش جلد کتاب تالیف نموده ام که چهار تای از آنها چاپ شده و یکی از آنها در دست چاپ نیز می باشد و دیگری را قصد چاپ آن را ندارم.

رنجبر، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان ادبیات فارسی و عربی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی و تربیتی، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی و عربی و تربیتی در سال ۱۳۴۷، دکترای زبان و ادبیات فارسی و عربی در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۵۶، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۶۱ و استاد دانشگاه آزاد اسلامی تهران تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرهنگ و تکنولوژی، تعلیم و تربیت در آثار شعرا و نویسندگان، مسائل دینی و مذهبی، مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی، اخلاق، مسائل ادبی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، اجتماعی، احوال و آثار و افکار شعرا و نویسندگان و دانشمندان، بیان ارزش آثار ادبی و هنری و اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بررسی آثار ادبی، آثار هنری، ارزشهای اجتماعی در آثار ادبی و هنری، شناسایی علما و دانشمندان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رنجبری سلطان احمدی، ایوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ایوب رنجبری سلطان احمدی

محل تولد : سلماس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۵۱ در شهر سلماس متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در مدارس آن شهر خواندم. در سال ۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دوره مقدمات را با ممتازی به پایان رساندم و در دروس سطح عالی کفایه و رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار خواندم. از سال ۷۶ وارد دروس خارج حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی، سبحانی، بهجت ، عابدی، فاضل گلپایگانی شدم.

به مدت ۲ سال در کشور آذربایجان شوروی به عنوان مدرس اعزام به آن کشور شدم و در تخصصی تبلیغ سطح چهار با رتبه ممتازی به پایان رساندم.در مرکز تربیت محقق و نویسنده علوم قرآنی در حد کارشناسی ارشد حدود ۵/۲ سال مشغول تحصیل کردم و در مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان با رتبه ممتازی دوره را به اتمام رساندم.

مدت ۱۵ سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر استفاده کردم و چندین سال است که به عنوان روحانی حج تمتع و عمره مفرده در خدمت زائران بیت اللهی و عاشقان اهل بیت هستم.از سال ۷۲ به صورت رسمی در وقفه های رمضان و محرم و صفر و دهه فجر و ... .به عنوان مبلغ نمونه در خدمت قشرهای مختلف نظامی ، انتظامی، اطلاعاتی و دانشگاهی و حوزوی و روستایی و شهری و ..... برده ام.از محضر ۱۲ مجتهد و مرجع تقلید اجازه نامه کتبی در ...... امور حسبیه که بنده به اذن فقیه جامع الشرائط می باشد و موارد دیگر دارم.

رواقی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رواقی در سال ۱۳۲۰ ، در شهر مشهد متولد شد.در سال ۱۳۳۹ تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا را تا سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران گذراند. دکتر رواقی ، از سال ۱۳۴۹ تدریس متون زبان فارسی شامل شاهنامه ، تاریخ بیهقی و آثار ناصرخسرو را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۵۴ با استفاده از یک فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال ۱۳۵۶ در دانشگاه پل والری مون پلیه ، زبان فارسی را تدریس کرد. دکتر رواقی ، مؤسسه ای فرهنگی به نام برادر شهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده است که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی رواقی، در سال ۱۳۳۹ تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا را تا سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران گذراند.

استادان و مربیان : علی رواقی تحت تعلیم استادانی چون : دکتر احمدعلی رجایی بخارایی ، دکتر غلامحسین یوسفی ، بدیع الزمان فروزانفر ، همایی ، خانلری ، معین ، مجتبی مینوی ، دکتر علی اکبر فیاض و محمد پروین گنابادی قرار داشت.

فعالیتهـای آموزشـی : علی رواقی، از سال ۱۳۴۹ تـدریس متون زبان فارسـی شامل شاهنامه ، تاریـخ بیهقی و آثار ناصرخسـرو را در دانشـکده ادبیات دانشـگاه تهران آغاز کرد. سـپس در سال ۱۳۵۴ بـا اسـتفاده از یـک فرصت مطالعـاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال ۱۳۵۶ در دانشگاه پل والری مون پلیه ، زبان فارسی را تدریس کرد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : علی رواقی، مؤسـسه ای فرهنگی به نام برادر شـهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده اسـت که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد. ---

آثار :

۱ پژوهش و ویرایش قرآن مترجم قدس

۲ تصحیح ترجمه ی مقامات حریری

۳ تصحیح تفسیر قرآن پاک

ویژگی اثر : با مقدمه ی استاد مجتبی مینوی.

۴ تصحیح جلد اول بصایر یمینی

۵ تصحیح فرهنگ تکمله الاصناف

۶ تصحیح مقاصد اللغه و تفسیر ۶ جلدی بصائر یمینی

۷ ذیلی بر فرهنگ های فارسی

۸ زبان فارسی در ماوراءالنهر

ویژگی اثر : در ۲ مجلد.

۹ سبک شناسی یا گونه شناسی ترجمه های قرآن

ویژگی اثر : بر پایه ی بیش از پانزده ترجمه ی قرآن که به حوزه های زبانی گوناگون پیوند دارند.

۱۰ فراهم کردن گزیده ی شاهنامه

۱۱ فرهنگ فارسی تاجیکی

۱۲ فرهنگ مصدر در زبان فارسی

ویژگی اثر : در ۲ مجلد.

۱۳ فرهنگواره ی واژگان قرآنی – فارسی

ویژگی اثر : در ۴ مجلد.

۱۴ همکاری در چاپ دیوان ناصرخسرو

۱۵ ویرایش ترجمه ی قرآن موزه پارس شیراز

ویژگی اثر : دربردارنده ی ترجمه ای از نیمه ی دوم قرآن از سوره ی مریم تا پایان قرآن. ---

منابع :

۱آینه ی میراث ، سال اول ، شماره ی اول ، دی ۱۳۷۶

روحانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسـلام آقای حاج سید محمدعلی بن العلامه الحاج میرزا ابوالقاسم بن العلامه السید صادق الحسینی الروحانی از علماء اخیار و ائمه جماعت مسـجد امام دارای مقام علم و کمال و قـدس و تقوا می‌باشد. عالمی است موفق و سالکی است موید، در غالب زیارات مخصـوصه حضـرت رضـا علیه‌السـلام بـا شوقی وافر به مشـهد رضوی مشـرف و افاضـاتی از حضـرتش دریـافت نموده و می‌نماینـد. نگارنـده در بسـیاری از اوقـات وی را بـا توجهی مخصوص در آن روضه منوره دیـده و التمـاس دعا گفته‌ام. تحصـیلات مقـدمات و ادبیـات و متـون فقه و اصول را از اساتیـد بزرگ حوزه مرحوم والـد خوانـده و از آیت‌الله امـام خمینی و آیت‌الله العظمی بروجردی و پس از فوت ایشان آیت‌الله العظمی شـریعتمداری و دیگران اسـتفاده نموده و ضـمنا مباحثات اصولی و فقهی داشـته و در ظهر و شب هم در مسجد امام علیه‌السلام به جای والد مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحانی قمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۸ –۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در قم متولـد شـد، تا پانزده سالگی در خـدمت پـدرش به تحصـیل مقـدمات پرداخت. سطـوح معقـول را نزد حـاج میرزا ابـوالحسن رفیعی قزوینی و فقـه و اصـول را در محضـر آیـت‌اللّه میرزا سـید علی یـثربی کاشـانی و

آیت‌اللّه حائری یزدی و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری فراگرفت. در ۱۳۴۴ ق به عزم تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار شد و در حوزه‌ی درس و بحث آیت‌اللّه قمی شرکت کرد و بهره‌ها برد. سپس به تهران و قزوین رفت. احتیاج شدید جامعه آن روز به امرتبلیغ وی را بر آن داشت که به وعظ و خطابه روی آورد. او بارها به هندوستان، برای ترویج دین سفر نمود. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثارش: «سر السعاده»، به عربی؛ کتاب «خاطرات»؛ کتاب «تسلیه المریض»؛ کتاب «کفایه النحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سرالسعاده (مقدمه)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۹/۱).

روحانی نژاد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین روحانی نژاد

محل تولد : موسویه بیرجند

شهرت : روحانی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب حسین روحانی نژاد در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی وارد حوزه علمیّه بیرجند شدم. حدود دو سال در آن حوزه به تحصیل ادبیات عرب و فقه نزد مرحوم آیت الله عارفی پرداختم. در سال ۱۳۵۳ – ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه رسالت – که شبیه مدرسه حقّانی و تحت برنامه خاصی بود – به تحصیل ادامه مقدّمات، اصول، منطق، فلسفه، فقه و دروس جدید پرداختم . بخشی از سطح را در آن مدرسه و برخی را در حوزه آزاد خواندم. شرح لمعه را عمدتاً نزد استادان ارجمند آقایان باکوئی و وجدانی فخر رسائل را نزد استاد ارجمند حاج آقا مصطفی اعتمادی، مکاسب شیخ انصاری را نزد حضرات آیات: دوزدوزانی، مرحوم پایانی ، مرحوم ستوده، کفایه را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله فاضل خواندم . در فلسفه از دروس استادان ارجمند فیاضی (بدایه) ، مصباح (نهایه) ، حسن زاده آملی و جوادی آملی (قسمتی از اسفار)، گرامی (قسمتی از نهایه) ممدوحی (قسمتی از بدایه) بهره برده ام. فلسفتنا را در مدرسه رسالت نزد دکتر احمدی خواندم.

چند سالی در تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته ، حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید ، مدّتی در درس فقه آیت الله منتظری و نیز مدّتی در خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت کرده ام. مدّتی هم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی بهجت دامت برکاته حضور یافته ام.

از سال ۱۳۶۳ با مرکز تحقیقات عقیدتی- سیاسی سپاه در قم که اکنون پژوهشکده شده است به صورت پاره وقت همکاری علمی داشتم و این همکاری تا حدود سال ۱۳۷۱ ادامه داشت و برخی جزوات درسی سپاه در زمینه تاریخ اسلام را تدوین کردم؛ از جمله: زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از آغاز تا هجرت، زندگی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام ، و برخی دیگر از ائمه علیهم السلام، معارفی از قرآن ، مقالاتی در مجله مکتب جبهه تحت عنوان اسوه های صدر اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی و ...

سال ۱۳۶۰ مدّتی در سازمان تبلیغات تهران در واحد آموزش به تدوین جزواتی اشتغال داشتم. در زمان دفاع مقدس نیز برای سازمان تبلیغات سنندج، کتابی را درباره فرهنگ و آداب و سنن اقوام آن منطقه – به صورت مشترک با یکی از دوستان – تدوین کردم. سال ۱۳۶۱ در سازمان حج تهران، مسئولیت واحد آموزش دفتر تبلیغات و آموزش حج را بر عهده داشتم و جزواتی را در مورد اسرار حج و تذکراتی به مدیران کاروانها و حجاج ایرانی تنظیم کردم.در اواخر دهه شصت، مدّت یک سال و نیم با بنیاد معارف اسلامی بعثت در طرح تدوین معجم احادیث امام مهدی علیه السلام شرکت داشتم.

سال ۶۸ در نخستین دوره تربیت مدرس دار الشفاء وابسته به دانشگاه قم – شرکت کردم و رساله فوق لیسانس خود را در سال ۷۰- ۷۱ در زمینه اخلاق از نظر نراقی و مقایسه آن با اخلاق خواجه نگاشتم و در سال ۷۱ از آن دفاع کردم.از سال ۷۱ تا ۷۶ به دعوت دانشگاه تربیت معلم تبریز به تبریز رفتم و ۵ سال عضو هیأت علمی دانشکده الهیات بودم، که یک سال آن مدیر کلی دانشجویان شاهد و ایثارگر و سه سال هم ریاست دانشکده الهیات را بر عهده داشتم. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه الهیات را مشغول بوده ام. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه تربیت معلّم به تدریس فقه و اصول و اخلاق و فلسفه اخلاق و دروس عمومی، و در دانشگاه آزاد –واحد تبریز به تدریس تفسیر، فقه، انسانشناسی و تاریخ فقه و ... اشتغال داشتم.

سال ۷۶ به دانشگاه قم منتقل شدم. مدّتی معاون آموزشی دانشگاه بودم و به تدریس فقه و قواعد فقه نیز پرداخته ام در. سال ۷۷ به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتقل شدم. مدّتی دبیری گروه فلسفه، مدتی مدیریت اجرایی دفتر قم، مدّتی مدیریت پژوهش را بر عهده داشتم. حدود ۴ – ۵ سال است که عضو گروه اخلاق و عرفان پژوهشگاه هستم و تا کنون چند کتاب و مقالاتی به رشته تحریر کشیده ام.

روحانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام حاج آقا احمد بن العلامه السید صادق الحسینی الروحانی عالمی فاضل و واعظی کامل و خوش‌مجلس و نیکو محاوره بود در قم متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح معقول را خدمت آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی خوانده و فقه و اصول را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حایری استفاده نموده آنگاه به نجف مهاجرت و چند سالی را از محضر و درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه عراقی و نائینی و اصفهانی و قمی قدس‌اللّه اسرارهم استفاده نموده و بعد مراجعت به تهران و قزوین و از راه منبر و موعظه به تبلیغ دین پرداخته و سفری هم به هندوستان برای ترویج اسلام مسافرت نموده و در سال ۱۳۷۴ به اصرار بعضی از علماء و عده‌ای از مؤمنین در مسجد بنی‌هاشمی واقع در خیابان گرگان به امامت جماعت مشغول گردیده و مردم را از نماز و بیانات خویش بهره‌مند می‌نمود تا در سال ۱۳۸۸ قمری که به رحمت حق واصل و از تهران به قم منتقل و در شیخان نزدیک قبر میرزای قمی مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

روحانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد روحانی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ه.ش وارد حوزه علمیه قم شدم . پس از طی مراحل مقدمات وسطح به درس خارج پرداختم ود رسال ۱۳۷۱ه.ش دررشته تفسیر تخصصی مشغول به تحصیل شدم ومدّت ۴سال زیر نظرآیت الله مکارم شیرازی دردرس های تفسیری مشغول بودم .وحدود پنج سال است که به کارهای پژوهش مشغولم وکتابهائی را هم ترجمه کردم اگر خداوند توفیق عنایت فرماید دوست دارم کارهای تحقیقی وپژوهشی وترجمه های دیگری را هم انجام دهیم .

روحانی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سعید روحانی

محل تولد : قائمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۶/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب سید سعید روحانی در مورخه ۲۰/۶/۴۸ در یکی از روستاهای قائمشهر(اوجابندان) در خانواده مذهبی چشم به جهان گشودم. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رساندم و در یکی از روستاهای مجاور،تحصیلات دوره راهنمایئ را گذرانده وبرای دوره دبیرستان در رشته علوم تجربی رهسپار شهرستان قائمشهر شدم.

در سال ۱۳۶۷ که همزمان با پایان دوره دبیرستان بود به پیشنهاد حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای قرائتی در امتحانات ورودی حوزه علمیّه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون ورودی در مدرسه علمیّه حضرت رسول الکرم(ص) مشغول به تحصیل شدم. دروس مقدّماتی را نزد استاتیدی چون حجج اسلام آقایان غلامعلی صفایی،فلاح زاده،نوبهار،سیّد عبّاس موسوی و آهنگران به پایان رساندم پس از اساتیدی چون حجج اسلام ایّوبی،غرویان،معصومی،نجفی مازندارنی،فقیهی،طاهری مازندارانی،حسینی بوشهری،احدی و موسوی تهرانی بهره مند شدم.

از سال ۱۳۷۷ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر اساتید چون حجج اسلام و المسلمین حسینی خراسانی،سید احمد خاتمی،آیت الله سبحانی و صانعی و شیخ احمد عابدی شاهرودی و نکونام بهره مند گردیم. در سال ۱۳۷۷ به پیشنهاد مسئول گروه تاریخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههای جناب حجّت الاسلام والمسلمین محمّد خردمند مبنی بر تدوین و گرد آوری تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری بر اساس سر فصل نهاد مشغول به تدوین شدم که نتیجه این تلاش پس از ۱۵۰۰ ساعت صرف وقت دو جلد کتاب بود که در ۷۱۰ صفحه در پائیز ۷۸ به چاپ رسیده است.

بنابر در خواست برخی از اساتید دانشگاهها و پراست جدید آن در سال ۷۹ در ۲۳۲ صفحه به چاپ رسید که تاکنون بارها تجدید چاپ شد. در اواخر سال ۱۳۸۰ به پیشنهاد مسئول جدید گروه تاریخ نهاد جناب آقای محمّد نصیری فصل پنجم کتاب تاریخ اسلام،تألیف جمعی از نویسندگان که زیر نظر دکتر صادق آئینه وند در زمستان ۸۱ به چاپ رسید،به بنده واگذار شده بود.
پس از تدریس دو ترم از این کتاب ویراست دوم آن نیز در زمستان ۸۲ از چاپ خارج شد. از آنجایی که کتاب دو جلدی تاریخ اسلام و آثار شهید مطهری چند ترمی متن درس گروه الهیات دانشگاه های پیام نور قرار گرفته بود(و به سبک متن درسی تدریس نشده بود)به پیشنهاد سرپرست محترم گروه الهیات دانشگاه پیام نور مرکز اقدام به تألیف کتاب تاریخ اسلام نمودم که جلد اول آن در بهمن ۸۲ به چاپ رسیده و جلد دوم آن در دست آماده سازی است.
علاوه بر این از سال ۱۳۸۲ تاکنون در دانشگاه پیام نور قم به تدریس دروس چون«مبادی اصول»،«اصول فقه ۲»،«فقه مقارن ۱»،«فقه مقدماتی ۱»،«احادیث فقهی»و«اعراب قرآن»مشغول هستم. حدود ۲ سال نیز(البته از زمان تأسیس)عضو انجمن تاریخ پژوهان حوزه علمیّه هستم. از سال ۱۳۷۹ نیز به در خواست سردبیر محترم فرهنگ کوثر جناب حجت الاسلام والمسلمین محمود مهدی پور اقلام به ارائه مقالات در زمینه های مختلف تاریخی نمودم که بیش از ۱۰ مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است. به امید آن روزی که قدمهای کوچک وناقص ما راهگشا باشد.

روحانی، سید شمس الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شمس الدین روحانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدشمس الدین روحانی پس از تحصیل در دبیرستان علوی ایرانیان در نجف اشرف ، وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدم . سطوح عالیه را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرحوم آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی و مرحوم آیت الله آقای شیخ مجتبی لنکرانی و آیت الله شهید میرزا علی غروی و شهید محراب آیت الله مدنی و آیت الله مرتضوی" حفظه الله "که هم اکنون در مشهد مقدس افاضه می فرمایند و ... گذراندم . در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم .
از آنجا که با برخی از مولفات حضرت آیت الله مکارم شیرازی " دامت برکاته " آشنا بودم و شیفته قلم روان و بیان شیوا و مقام علمی ایشان شده بودم ، توسط یکی از دوستان با معظم له آشنا شدم . حدود ۲۵ سال در محضرایشان و در برنامه های مختلف مدرسه علمیه امام امیر المومنین (ع) همکاری داشته ام .

روحانی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ضیاءالدین بن آیت‌اللَّه حاج سید محمدهادی روحانی در رودسر متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه به قم آمده و ادبیات و مقدمات و متون فقه و اصول را از اساتید و مدرسین حوزه فراگرفته و پس از آن به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و دیگران شرکت نموده و بعد از فوت مرحوم والدش به رودسر مراجعت و تا هم‌اکنون بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

روحانی، فواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده و مترجم. وی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران و تحصیلات عالی را در دانشگاه لندن در رشته‌ی حقوق به پایان رساند. در سال ۱۳۰۶ ش به ایران بازگشت و به عضویت شرکت نفت درآمد. روحانی به مباحث ادبی و فلسفی و خلاقی و هنری علاقه وافری داشت و در زمینه‌ی موسیقی علمی و فلسفه هنرهای زیبا از صاحب نظران کشور بود. وی از موسسان انجن فیلارمونیک تهران و دبیر انجمن بود. روحانی علاوه بر تبحر در زبانهای انگلیسی و فرانسه، به زبانهای عربی و لاتین نیز آشنا بود. از آثار وی: ترجمه‌ای از «الهی‌نامه‌ی عطار» به زبان فرانسه؛ «جمهور» افلاطون، ترجمه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۴۹ -۷۴۸ /۴).

روحانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ هادی روحانی (کله بستی) از ائمه جماعت و علماء معاصر شهرستان بابل است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روحی شیرازی، عنایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۷ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به روحی. ملقب به اعتماد التولیه روحی. وی روزنامه «دارالمعلم» را در سال ۱۳۲۷ ق تاسیس کرد و مدتی نشر داد و بعد مجله ادبی «آرین» را به همراه حسین پرتو منتشر کرد و چندی هم روزنامه «وطن» را می‌نوشت. روحی گاهی شعر نیز می‌سرود. وی زبان انگلیسی را خوب می‌دانست و علم عروض را از صاحب «آثار عجم» آموخته است. از آثار وی: «ادبیات پهلوی»؛ «اعتدالی و دمکرات»؛ «زنگ تفریح»؛ «سردار نامه، داروین و حکمای مشرق زمین»؛ «فال حافظ»؛ «علم ارواح»؛ «تاریخ سلطنت»؛ «فتوحات مسلمین در فرنگ»؛ «تاریخ تعلیم».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۳)، تاریخ جراید (۲۶۳ -۲۶۲ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۳ -۶۴۷ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۰ -۶۳۹ /۴).

روحی کرمانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۷۲/۱۲۶۳ ق)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به روحی. در کرمان متولد شد، تحصیلات اولیه و علوم عربی و فقه و اصول و حدیث را در همان شهر نزد پدر خود فراگرفت. در سال ۱۳۰۲ ق با میرزا آقا خان کرمانی که از مشاهیر زمان خود بود، به اصفهان و تهران و رشت و استانبول سفر کرد و در این شهر به تدریس زبانهای شرقی و تکمیل زبانهای انگلیسی و فرانسوی و ترکی عثمانی مشغول شد. چندی بعد به سفر حج رفت و در مراجعت مدتی در حلب اقامت گزید و مجددا به استانبول برگشت. روحی در مدت اقامت در استانبول با میرزا رضا کرمانی و سید جمال‌الدین اسدآبادی ارتباط داشت و همین رابطه موجب شد بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی، دولت ایران استرداد شیخ احمد و دوستانش را از دولت عثمانی درخواست کند. بعد از تحویل به مقامات ایرانی، هر سه به دستور محمدعلی میرزا، در خانه و در حضور او سر بریده شدند و اجساد آنان را بعدا در قبرستان ششکلان دفن کردند. روحی دارای تالیفات و ترجمه‌هایی است که از آن جمله ترجمه‌های «هشت بهشت»؛ «حاجی بابا اصفهانی» است.[۱]

(شیخ) احمد کرمانی (و. ۱۲۶۳- مقت. ۱۳۱۴ ه.ق.) از تعلیم یافتگان مکتب سید جمال‌الدین اسدآبادی و از پیشوایان نهضت مشروطه است. وی به همراهی میرزا آقاخان کرمانی با ایادی حکومت مطلقه قاجاریه و استبداد شاهزادگان به مبارزه پرداخت و عاقبت در این راه شهید شد. وی نویسنده و شاعر بود و در شعر روحی تخلص می‌کرد. ترجمه ژیل بلاس از فرانسوی به فارسی به قلم او صورت گرفته و کتاب هشت بهشت از تألیفات اوست و نیز ترجمه حاجی بابا را از انگلیسی به فارسی بدو نسبت دهند.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۹۵ -۳۹۴ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۶۴/۱)، الذریعه (۳۸۹/۹)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۳/۱)، شخصیتهای نامی (۲۱۷ -۲۱۶)، شرح حال رجال (۸۴ -۸۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۰۰)، لغت نامه (ذیل/ روحی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۷ -۳۹۵ /۱)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۲۱ -۱۷).

رودباری، ابوعلی احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۲۲ ق)، صوفی، ادیب و فقیه. در رودبار متولد شد. و در بغداد ساکن گردید. او از وزیرزادگان سلاله‌ی کسری بود و نسبش را به انوشیروان می‌رساند. روزی با مریدان جنید بغدادی صحبت کرد و چون کلماتی از او شنید در دل وی محبت اهل

طریقت جای گرفت و ترک مال و منال کرد و در سلک مریدان جنید درآمد. از مسعود رملی حدیث روایت کرد. با ابن‌جلاء و ابوالحسین نوری و ابوحمزه بغدادی صحبت داشت و همنشین بود. فقه را نزد ابوالعباس بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم حربی آموخت. عاقبت به مصر رفت و خود مرجع استفاده علما شد. سرانجام در همان جا درگذشت. بعضی او را جامع سه علم شریعت و طریقت و حقیقت می‌دانند. فرزند خواهرش، احمد بن عطا رودباری، محمد بن عبداللّه رازی، احمد بن علی وجیهی و معروف زنجانی از شاگردان وی می‌باشند. وی تصانیفی نیکو در تصوف دارد. اشعاری نیز از وی به جای مانده است. از کلمات او است: «برترین یقین آن است که حق را در چشمان تو عظمت بخشد و هرچه جز اوست کوچک گرداند، و امید و ترس را در دلت تثبیت کند».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۳۳۳ -۳۲۹ /۱)، تاریخ گزیده (۶۵۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۳)، تذکره الاولیاء (۲۸۸ -۲۸۵ /۲)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۷۳ -۷۲)، حلیه‌الاولیاء (۳۵۷ -۳۵۶ /۱۰)، ریاض العارفین (۴۰)، سیر النبلاء (۵۳۶ -۵۳۵ /۱۴)، طبقات الصوفیه سلمی (۳۶۰ -۳۵۴)، کشف المحجوب (۱۹۸ -۱۹۷)، الکنی و الالقاب (۱۲۵/۱)، لغت نامه (ذیل/ ابوعلی)، معجم البلدن (۸۹/۳)، نفحات الانس (۲۰۷ -۲۰۵).

رودسرابی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن رودسرابی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۳ شمسی در روستای رودسراب از توابع شهرستان سبزوار در یک خانواده روحانی به دنیا آمدم. در سن هفت سالگی به مکتب خانه روستا رفته و با قرآن آشنا شدم. بعداز آشنایی ابتدایی با قرآن در سال ۴۳ ـ ۴۲ با راهنمایی مرحوم پدرم که مدرس ادبیات عرب در حوزه علمیه سبزوار بود به آن حوزه وارد شدم. در حوزه علمیه سبزوار ابتدا کتابهای مقدماتی آموزش خواندن و نوشتن و کتاب نصاب الصبیان به منظور آشنایی با لغات عربی در رأس آموزشها قرار گرفت. پس از آن کتاب جامع المقدمات که صرف و نحو ابتدایی است و کتاب سیوطی و مغنی را به عنوان آشنایی با ادبیات عرب از محضر اساتید آن حوزه در مدت تقریباً چهال سال تدریس نمودم. در سال ۱۳۴۸ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نموده و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی(ره) در ادامه آشنایی با ادبیات عرب به تحصیل معانی بیان، بدیع، کتاب مختصر المعانی تفتازانی و برای آشنایی با فقه و اصول ابتدایی کتاب مختصر النافع و اصول الفقه مظفر و برای آشنایی با عقاید امامیه کتاب اعتقادات صدوق را از محضر اساتید آن مدرسه حجت هاشمی خراسانی، آقای رجائی بیرجندی و آقای نقیبی تربیتی تعلیم گرفتم.

در این دوره که تقریباً سه سال طول کشید هم زمان کارهای فرهنگی تبلیغی را شروع نموده و در ایام تبلیغ به روستاها و شهرستانها اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به قم هجرت نمودم. درابتدا در مدرسه مهدیه تحت اشراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ساکن شدم و بقیه دوران را در مدرسه خان تحت اشراف آیت الله العظمی بروجردی سپری نمودم. در این دوره کتابهای سطح عالی فقه و اصول مکاسب و کفایتین، فلسفه و کلام شرح منظومه و اسفار و شرح تجدید در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله صلواتی، ستوده، تقدیری، سید کاظم حائری، جوادی آملی، محمدی گیلانی، امین نجف آبادی، گذراندم. در سال ۱۳۵۷ در درس‌های خارج حوزه شرکت نموده و در بین درسها در محضر درس آیت الله وحید خراسانی مستقر شده و تا الان ادامه دارد و تقریرات درس اصول ایشان را تقریباً نوشته‌ام.

روزبه، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۳۰۰ ش)، استاد، فیزیکدان، ریاضیدان، ادیب، فیلسوف، فقیه و زاهد. در زنجان به دنیا آمد و تحت تعلیمات عالیه پدرش و عمویش که هر دو عالم و زاهد بودند قرار گرفت. در دبستان و دبیرستان هم از نظر درس و هم از جنبه فضایل اخلاقی دانش‌آموزی برجسته بود. با پایان گرفتن تحصیلات دبیرستانی به کار تعلیم و تربیت در دبستان توفیق زنجان پرداخت. استعداد عالی و روزش کار بی‌نظیرش در زمینه‌ی تعلیم و تربیت او را در این امر بسیار موفق ساخت. در ۱۳۳۰ ش وارد دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران شد. در تصحیلات عالیه هم دانشجویی ممتاز و بی‌رقیب بود. پس از فراغت از تحصیل در رشته‌ی فیزیک تحقیقات خود را در این زمینه‌ی پی‌گیر شد و به عنوان محقق فیزیک شناخته شد. رساله‌ی پایان‌نامه‌ی تحصیلی‌اش در زمینه‌ی «مطالعه در آثار میدان

الکتریکی و رادیاسیون و گاز ازن روی موجودات زنده» بود، و در پایان رساله طرح جدیدی برای استفاده از گاز ازن را در پزشکی ارائه داد. با وجود پیشنهادات مکرر برای احراز کرسی تدریس دانشگاه به سمت دانشیاری دکتر هوشیار، و همچنین عضویت در مجامع تحقیقی غرب همراه مزایای کلان مادی، وی پایه‌گذاری دبیرستان علوی و تدریس در آن را ترجیح داد و تمام عمرش را صرف انسان‌سازی کرد و شاگردانی تربیت کرد که به گفته‌ی خودش هر کدام یک مدرسه‌ی علوی بودند. در کنار تحقیقات گسترده در زمنیه فیزیک استاد روزبه در مساله تعلیم و تربیت نیز نظری صائب و متقن داشت. تسلط کامل وی بر معارف اسلامی و تفسیر قرآن و فقه و اصول چشمگیر بود. «رسائل» و «مکاسب» را به خوبی می‌دانست. با ادبیات عرب و زبان فرانسه کاملا آشنا بود. در بعد اخلاق نیز شخصی نمونه و کم‌نظیر بود. پاکی و صفا و زهد بی‌ریای او، حاکی از شاخص بودنش در این زمینه بود. او انسانی بود که همه‌ی مصلحان جهان آرزوی یافتن مثل او را داشتند. استاد روزبه تالیفات و تحقیقات متعددی در زمینه‌ی علوم مثبته و نیز فقه دارد. حتی در آخرین شب حیاتش به تجدید نظر در این تالیفات مشغول بود. او همگی این آثار را در پایان عمر به یکی از شاگردان فاضلش سپرد تا به چاپ برساند. سرانجام به بیماری سرطان از دنیا رفت و در قم در گورستان نو به خاک سپرده شد. از آثار وی: «خداشناسی»، که توسط جامعه مدرسین منتشر شده است؛ «عربی آسان»، که محصول کار اواخر عمر استاد با همکاری استاد شهید سید کاظم موسوی می‌باشد؛ رسائل بسیاری در علوم و فقه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بیادبود استاد روزبه، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۸، ص ۵۳ -۵۲).

روزبهان بقلی فسایی، صدرالدین ابومحمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۶ -۵۵۲ ق)، صوفی. معروف به شیخ شطاح. در شهر فسا متولد شد، در شیراز تربیت یافت و جامع علوم ظاهری و باطنی بود. وی دکانی داشت که در آن بقل می‌فروخت و به همین سبب به بقلی معروف شد، و نیز به علت داشتن شط حیات زیاد به شیخ شطاح معروف است. وی با شیخ ابوالنجیب سهروردی در شنیدن صحیح بخاری در مرز اسکندریه شریک بوده است. او خرقه از شیخ سراج‌الدین محمود بن خلفه بن عبدالسلام بن احمد گرفته، چندی نزد فقیه ارشدالدین نیریزی شاگردی کرده است. علاوه بر این پنجاه سال در مسجد جامع عتیق مردم را موعظه و ارشاد می‌کرد. از مشایخی که در محضر وی حاضر می‌شدند، علی لالا- و بهاءالدین یزدی و ابوالحسن کرد و شیخ ابوالقاسم خاوی و ابوالفتح نیریزی می‌باشد. از وی بیست و هشت تصنیف در تفسیر، فقه، حدیث و اصول و تصوف به جای مانده است. از جمله: «عبهر العاشقین»؛ «حقایق الاخبار»؛ «العقائد»؛ «مشرب الارواح»؛ «لوامع التوحید»؛ «رساله النفس فی روح‌القدس»؛ «لطائف الایمان فی تفسیر القرآن»؛ «شرح شطحیات»؛ «الموشح فی مذاهب الاربعه»؛ «عرائس البیان فی حقایق القرآن»؛ «الانوار فی کشف الاسرار»؛ «سیر ارواح»؛ «صفوه مشارب العشق».[۱]

(قس. روزبه) ابومحمد بن ابونصر بقلی(ه.م.) شیرازی دیلمی مشهور به شیخ شطاح (و. فسا ۵۲۲- ف. ۶۰۶ ه.ق.) عارف بزرگ بزرگ قرن ششم. وی نزد ارشدالدین ابوالحسن علی نیریزی، فخرالدین مریم، صدرالدین ابوطار احمد بن محمد سلفی علم آموخت. شیوخ وی در ارشاد جمال‌الدین بن خلیل فسایی،جاگیر کردی، سراج‌الدین محمود بن خلیفه، ابوبکر بن عمر بن محمد معروف به برکر بودند و زندگی او بیشتر در شیراز به مجاهده و وعظ و تذکیر گذشت. او در علوم قرآنی و تفسیر و حدیث و فقه و عرفان براعت یافت و مدت ۵۰ سال در جامع عتیق شیراز موعظه کرد. آرامگاه او در محله «بالاکفت» شیراز است. از آثار اوست در تفسیر، لطائف البیان فی تفسیر القرآن، عرائس البیان (ه.م.)، در احادیث: مکنون حدیث، حقائق الاخبار، در فقه: الموشح فی المذاهب الاربعهٔ، در اصول: العقاید،الارشاد،المناهج، در تصوف: مشرب الارواح، منطق الاسرار به بیان الانوار، شرح شطحیات (ه.م.)، لوامع التوحید، مسالک التوحید، کشف الاسرار و مکاشفات الانوار، شرح الحجب و الاستار، سیر الارواح، العرفان فی خلق الانسان، رسالهٔ الانس فی روح‌القدس.

شیخ روزبهان ابومحمد بن ابی‌نصر معروف به شیخ شطاح که مدت ۵۰ سال در شیراز وعظ می‌نمود و در سال ۶۰۶ ق وفات کرد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان شیراز (۲۲۴ -۲۲۰)، بزرگان نامی پارس (۲۴۳ -۲۳۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۷/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۹)، تاریخ گزیده (۶۷۵ -۶۷۴)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۹۳ -۲۸۹)، جستجو در تصوف (۲۲۵ -۲۱۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۷۴ -۱۷۱ /۱)، الذریعه (۲۴۲ /۱۵، ۱۹۰ -۱۸۹ /۱۴، ۳۹۰ /۹)، ریحانه (۳۲۴/۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۷ -۲۲۶ /۱)، شیرازنامه (۱۶۱ -۱۵۹)، طرائق الحقائق (۶۴۱ -۶۴۰ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۹ -۱۱۶۷ /۲)، فرهنگ سخنوران (۴۰۲)، کشف الظنون (۱۱۳۱، ۱۰۷۹، ۱۰۱۱، ۱۹۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۰۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۰ -۲۹۹ /۱)، معجم المؤلفین (۱۷۶ -۱۷۵ /۴)، نفحات الانس (۲۶۳ -۲۶۱)، هدیه العارفین (۳۷۱/۱)، هفت اقلیم (۱۸۳/۱).

روشن تن، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل روشن تن

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۸–۶۹وارد حوزه علمیه تبریز شدم و بعد از دو سال تحصیل در آنجا، سال ۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی و مدرسه معصومیّه مقدمات را به اتمام رساندم. در سال ۷۷ موفق به اتمام سطح شدم و اتمام سطح هم بخاطر شرکت در آزمون به صورت ارتقایی بود سرانجام در سال ۷۹–۷۸ وارد رشته تخصصی سطح ۴ حوزه شدم و سال ۲–۸۱ فارغ التحصیل گشته و هم اینک موضوع رساله سطح ۴ خود را در ردّ آرای یکی از دین پژوهان مهاجر عرب آقای نصرحامد ابوزید در دست طرح و تدوین دارم و انجام می‌دهم لازم به ذکر است که مقالات متعددی را اینجانب تألیف کرده‌ام که بعضی از آنها به چاپ رسیده و برخی به زیور طبع آراسته نشده است و در خلال کارهای علمی دو رساله تصور و تصدیق از صدر المتألهین و قطب شیرازی را ترجمه کرده‌ام که چاپ نشده‌است و هم چنین رساله بحوث فی التوحید و الشرک حضرت استاد آیت الله سبحانی را به عنوان تحقیق درسی ترجمه نموده ام هم زمان با اشتغال به روش سطح در خارج فقه (بیع) حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقیه مرحوم حضرت آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و اصول حضرت آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی شرکت کردم و حاصل آن حضور، تقریراتی است که نگاشته شده است و هم اینک علاوه بر کارهای تحقیقاتی و پژوهشی ضمن تدریس دروس حوزه به کارهای فقهی و تحقیقات فروع فقهی با تنی چند از دوستان مشغول هستم با این امید که مرضی رضای حق تعالی قرار بگیرد. انشاءالله

روشن، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد روشن به سال ۱۳۱۲ ش. در رشت زاده شد.تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان برد و به تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. وی دوره فوق لیسانس را در پژوهشکده فرهنگ ایران گذرانید. محمد روشن از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ به دبیری در دبیرستانهای رشت اشتغال داشت. و از سال ۱۳۵۰ به هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ ایران پیوست. از اسفندماه ۱۳۴۸ که به تهران منتقل گردید با بنیاد فرهنگ ایران همکاری کرد که تا انقلاب اسلامی همکاری خودرا در بخش « فرهنگ تاریخی زبان فارسی» این موسسه ادامه داد. وی به سال ۱۳۵۰ از وزارت آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر منتقل گشت.و از آن پس دربیشتر فعالیتهای فرهنگی داخلی و خارجی اعم از کنگره ها ، سمینارها ، بزرگداشت ها و....حضور داشته است . کتاب"جامع التواریخ"تصحیح ،محمد روشن ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد روشن تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان برد و بر اثر تشویقهای استاد پورداود به تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. وی دوره فوق لیسانس را در پژوهشکده فرهنگ ایران گذرانید.

استادان و مربیان : محمد روشن از محضر استادانی همچون استاد پورداود و دکتر محمد معین استفاده برد.

هم دوره ای ها و همکاران : محمد روشن با سیدمحمد تقی مدرس رضوی از روزگار دانشجویی همکاری داشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همکاری محمد روشن پس از انتقال به تهران از اسفند۱۳۴۸ آغاز گردید و این همکاری با بنیاد فرهنگ ایران همکاری آغاز کرد که تا انقلاب اسلامی در آن موسسه، در بخش « فرهنگ تاریخی زبان فارسی» ادامه داشت. وی به سال ۱۳۵۰ از وزارت آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر منتقل گشت. از سال ۱۳۵۰ به پیشنهاد استاد شادروان مجتبی مینوی در شمار ۵ تن پژوهشگران نخستین بنیاد شاهنامه فردوسی: آقایان دکتر زریاب خویی، دکتر شفیعی کدکنی و دکتر علی رواقی برگزیده شد. محمد روشن از نخستین دوره کنگره تحقیقات ایرانی که از سوی دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۹ بر پا گردید تا هشتمین دوره آن که هریک از سوی دانشگاههای فردوسی مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و ملی سابق (دکتر بهشتی) و بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان ادب و هنر در کرمان عضویت موثر داشت چنان که ۵ دفتر از خطابه های کنگره های بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان ادب و هنر با نظارت و ویراستاری وی منتشر گردید. وی همچنین در کنگره جهانی هزارمین سال تدوین شاهنامه فردوسی که از سوی یونسکو در دانشگاه تهران به سال ۱۳۶۹ بر پا گردید عضویت داشت و برای نخستین بار خدشه دار بودن نسخه خطی شاهنامه فلورانس را که تاریخ مجعول ۶۱۴ دارد و خود توفیق بررسی عین نسخه را در کتابخانه ملی فلورانس یافته بود اعلام داشت. محمد روشن در کنگره جهانی بزرگداشت نهمین سده نظامی در دانشگاه تبریز (تیر ماه ۱۳۷۰) و نیز کنگره خواجوی کرمانی در دانشگاه کرمان (مهرماه ۱۳۷۰) عضویت داشت. وی در کنگره بزرگداشت استاد دکتر معین که از سوی دانشگاه گیلان در اردیبهشت ۱۳۷۰ برگزار گردید ، عضو هیئت اجرائی کنگره را بودو نیز در کنگره گیلان شناسی دانشگاه گیلان، در شهریور ۱۳۷۲ مشارکت داشت.

فعالیتهای آموزشی : محمد روشن از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ به دبیری در دبیرستانهای رشت اشتغال داشت. و از سال ۱۳۵۰ به هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ ایران پیوست و در دوره های فوق لیسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی و دوره فوق لیسانس رشته تاریخ و زبان شناسی تدریس کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد روشن در گردآوری مقالات استاد پورداود افتخار همکاری با وی را داشت و درهمان اوان فهرستهای دوازده گانه چهار مقاله نظامی عروضی مصحح دکتر محمد معین و « ایران از آغاز تا اسلامی» ترجمه آن روانشاد را فراهم ساخت . در تمهید مقالات « فرهنگ معین» از همکاران نخستین آن بزرگوار بود. پس از« داستان رستم و سهراب » مصحح استاد مینوی، « داستان فرود» مصحح روشن در بنیاد شاهنامه به مناسبت جشنواره طوس در ۱۳۵۴ منتشر گردید.محمد روشن پس از انتقال به تهران با مجلات ادبی و تحقیقی پیوندی نزدیکتر یافت، چنان که سر دبیری سال ۱۳ مجله « راهنمای کتاب» با وی بود و نیز ستون نقد و بررسی کتابها و مجله های دانشگاهی در مجله سخن را نیز بر عهده داشت.

جوائز و نشانها : کتاب"جامع التواریخ"تصحیح ،محمد روشن ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : نخستین اثر آقای محمد روشن با عنوان تصحیح «تفسیر سور ?یوسف» در سال ۱۳۴۵ منتشر شد. تصحیح «منشآت خاقانی»، «لمعهٔ السراج» ، «محضرهٔ التاج» ، «مرزبان نامه»، «جنگنامه حضرت سید جلال الدین اشرف» و «بخشی از تفسیری کهن» را در سالهای بعد به طبع رساند. تصحیح بخش نخستین «تاریخنام ?طبری» و همچنین «شاهنام ?فردوسی» با شرح واژگان از آخرین آثار آقای روشن است. --

آثار :

۱ بخشی از تفسیری کهن

ویژگی اثر : تصحیح

۲ تاریخنام ?طبری

ویژگی اثر : تصحیح

۳ تفسیر سوره یوسف

ویژگی اثر : این کتاب به تشویق دکتر محمد معین تالیف شدو به سال ۱۳۴۵ از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. این اثر در چاپ سوم بر مبنای متن کتاب « قصه یوسف» نام گرفت که به سال ۱۳۶۷ از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر گردید.[کتاب گیلان ،گروه پژوهشگران ، به سرپرستی سید ابراهیم اصلاح عربانی، ص ۷۰۵]

۴ جامع التواریخ

ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«جامع التواریخ»: جامع التواریخ (۴ جلد)؛ رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳. یکی از آثار گرانبها و ارجمند زبان فارسی در زمینه تاریخ که خوشبختانه از چنگال حوادث روزگار مصون مانده و به دست ما رسیده جامع التواریخ است. بخش بزرگی از این کار سترگ، بی مانند و بخشهای دیگری از آن نادر و کم نظیر به شمار می آید. مانند قسمتهایی از جلد اول که مؤلف به شرح وقایعی که خود در دوران اقامت در دربار مغولان شاهد آن بوده پرداخته. همچنین بخشهای مهمی از جلد دوم مانند تاریخ اغوزان، چین، هند و بودا، فرنگ و پایان، اسماعیلیان و نزاریان که در جای خود از نظر شیو ?تاریخ نگاری در جهان اسلام بدیع و بی نظیر است. مجلد اول و دوم کتاب به اصل متن جامع التواریخ و تمامی مجلد سوم به انعکاس نسخه بدلها اختصاص یافته است. فهرست آیه های قرآن، عبارتها و اشعارعربی و فارسی، واژه ها و ترکیبات و نام کسان و مکانها نیز در مجلد چهارم منعکس شده است. از ویژگیهای این کتاب این است که مصححان، با اعراب گذاری روی نامها و واژه های ترکی، مغولی، عربی و فارسی تاریکیها و ابهامات را برای خوانندگان کتاب از میان برده اند. همچنین ارائ ?تصاویری ازنسخه های قدیمی «جامع التواریخ رشیدی» و نیز وجوه مختلف زندگی اجتماعی و هنری مغولان، بر اعتبار و گیرایی کتاب افزوده است

۵ جنگنامه حضرت سید جلال الدین اشرف

ویژگی اثر : تصحیح

۶ حدیقه الحقیقه سنائی

۷ دیوان سید حسن غزنوی

۸ شاهنام ?فردوسی

ویژگی اثر : تصحیح

۹ شجره طیبه

۱۰ مثنویهای حکیم سنائی

۱۱ محضرهٔ التاج

ویژگی اثر : تصحیح

۱۲ مرزبان نامه

ویژگی اثر : تصحیح

۱۳ معهٔ السراج

ویژگی اثر : تصحیح

۱۴ منشات خاقانی

منابع :

۱www.ketabesal.ir۲کتاب گیلان ،گروه پژوهشگران ، به سرپرستی سید ابراهیم اصلاح عربانی، ص ۷۰۴

روشنی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حسین روشنی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران و داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ هدایت‌اللَّه وحید گلپایگانی می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۵ ق در (گوگد) که یکی از مضافات گلپایگان است متولد و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت (چندی در مدرسه دارالشفاء هم حجره نگارنده بودند) و در حوزه علمیه سطوح را از مدرسین عالی حوزه خوانده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و بعضی آیات دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۷۴ ق به تهران منتقل و تاکنون در مسجد خیابان ایرانمهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای روشن از دانشمندان متقی و با متانت و موصوف بورع و محامد اخلاق و آداب می‌باشد و هرگز از وی مکروهی ندیده و نشنیده‌ام ادام اللَّه توفیقه و کثر اللَّه آثاره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میر سید احمد روضاتی اصفهانی بن مرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید محمد باقر بن مرحوم علامه فقیه آیت‌اللَّه آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی ابن مرحوم علامه کبیر شهیر آیت‌اللَّه اقا سید محمد مسیح بن مرحوم علامه مشهور در آفاق آیت‌اللَّه العظمی آقا سید محمد باقر خونساری صاحب کتاب معروف (روضات‌الجنات) از علماء معاصر تهران است. وی در هفتم ماه رجب سال ۱۳۴۷ ق در اصفهان بدنیا آمده و پس از تحصیلات علوم جدید بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و سطوح عالی را در اصفهان خوانده آنگاه به قم آمده و کفایه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری فراگرفته و بدرس خارج مرحومین آیتین خونساری و حجت شرکت نموده و در خلال آن شرح تجرید و شرح شوارق لاهیجی را از حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج احمد خونساری مد ظله استفاده نموده و از محضر و درس فقه و مقداری اصول آیت‌اللَّه العظمی بروجردی اعلی اللَّه مقامه بهره‌مند گردیده و تقریرات دروس ایشان را برشته تحریر درآورده خصوصا مسئله لباس مشکوک را بصورت رساله جداگانهای بنام (السبیل المسلوک فی اللباس المشکوک) نوشته و پس از ده سال اقامت در قم باصفهان مراجعت و بتدریس معالم و شرح لمعه در مدرسه صدر و اقامه جماعت در مساجد اجداد خود مانند (مسجد البادران هنگام ظهر و مسجد خیابان هنگام شب و مسجد شیخ بهائی هنگام صبح) و بیان درس تفسیر قرآن کریم برای مؤمنین اشتغال داشته سپس بر حسب تصادف به تهران آمده و جمعی از مومنین و نماز گزاران (مسجد الرحمن) واقع در شمال تهران از معظم له برای اقامه جماعت در آن مسجد تقاضا نموده و ایشان هم اجابت و تا این تاریخ بانجام وظیفه اشتغال دارد.

نگارنده گوید: علامه روضاتی معاصر را از اولی که در حوزه علمیه قم دیده و آشنا شده اهل مطالعه و تألیف و تصنیف یافتم همواره موفق بوده و میباشد و از تالیفاتی که از آن جناب بطبع رسیده کتب زیر می‌باشد:

۱- کتاب (المستدرکات علی روضات الجنات) که مدت ۱۲ سال در تألیف آن رنج برده و هر چه از قلم جدش در اصل کتاب ساقط شده از تراجم دانشمندان شیعه و سنی همه را با مدارک متقن تا عصر حاضر استدراک نموده که با اصل روضات طبع میشود.

۲- کتاب (مناهج المعارف یا فرهنگ عقاید شیعه) که اصل کتاب از تألیفات جد اعلای وی مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا ابوالقاسم خونساری معروف به میر کبیر است که از شاگردان علامه مجلسی صاحب بحارالانوار بوده و یکدوره اصول دین را بفارسی در کمال تحقیق تألیف فرموده و این کتاب در (۳۰۰ صفحه) بطبع رسیده و نصف از کتاب پاورقی‌های مبوسط ایشانست و مقدمه مبسوطی مشتمل بر شرح حال مؤلف و خاندان و فرزندان او نوشته است و کتاب بسیار نفیسی میباشد.

۳- (سلسله المخطوطات) و آن عبارت از چاپ کتابهای دانشمندان قدیم است که چاپ نشده بضمیمه مقدمه و پاورقیها که دو نمونه آن بطبع رسیده است:

۱- کتاب (النهریه) که چهار رساله فقهی است با مقدمه و پاورقی ایشان که در سال ۱۳۷۷ ق بطبع رسیده.

۲- کتاب (زواهر الجواهر) که با مقدمه و تذییل ایشان در سال ۱۳۷۹ چاپ شده است.

۳- کتاب (گفتگوی شیعه و سنی) که تاکنون دو مرتبه چاپ شده است.

۴- کتاب (فلسفه روزه) که نیز دو مرتبه بطبع رسیده است.

۵- کتاب (میزان‌الانساب) که اصلش از تألیفات جد وی مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمد هاشمی چهار سوقی صاحب (کتاب مبانی الاصول) با مقدمه و تذییل زیادی از ایشان در سال ۱۳۷۳ ق چاپ شده است.

۶- کتاب (فوائد منطقی) با شرح کبرای منطق که اصل آن تألیف اسفرائینی با مقدمه و پاورقی در سال ۱۳۸۵ در اصفهان چاپ شده است.

۷- مقدمه مبسوطی بر کتاب سفینه البحار مرحوم محدث قمی.

۸- مقدمه بر کتاب رسائل شیخ انصاری.

۹- مقدمه بر کتاب حاشیه جواد بر قوانین که بطبع رسیده است.

۱۰- ندای شیعه از انتشارات (مسجد الرحمن) که تاکنون چندین شماره آن بنامهای زیر چاپ شده: ۱- چرا امام حسین علیه‌السلام قیام فرمود. ۲- چرا ما باید فقط مسلمان باشیم ۳- بررسی کوتاهی از شخصیت حضرت زهراء علیهاسلام. ۴- چرا ما باید فقط شیعه باشیم.

۱۱- کتاب (شیعه و ترقیات شگفت‌آور آنان) که در طی ۱۲ شماره از روزنامه چهل ستون از شماره ۱۴۲ تا (۱۵۵) سال هزار و سیصد و هفتاد و چهار قمری در اصفهان چاپ شده است.

اما تألیفات چاپ نشده آن جناب از این قرار است:

۱- السبیل المسلوک در لباس المشکوک.

۲- (مغانم الفصول فی شرح معالم الاصول) که شرح مزجی بر کتاب معالم الاصول است و مرحوم علامه رازی در (جلد ۱۴ کتاب الذریعه ص ۷۰) و در حرف میم هم در جلد ۲۱ ص ۲۹۳ آن را ذکر کرده است.

۳- رساله در عدالت.

۴- سیر علم الاصول فی مختلف العصور که تاریخچه‌ای است از علم اصول.

۵- موقظ الاعلام فی تراجم الاسره و الاقوام در سه مجلد تألیف نموده و شرح حال و تراجم سه خاندان بزرگ در آن ذکر شده و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی هم در کتاب (مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال در صفحه‌ی ۶۴ آنرا معرفی کرده است).

۶- کتاب (المشایخ و الاساتذه) که شرح حال اساتید و مشایخ اوست و مرحوم صاحب الذریعه در جلد ۲۱ ص ۳۹ آن را یاد کرده است.

۷- کتاب محاسن الاجازات فی سلسله الروایات که نیز آن مرحوم در جلد ۲۰ ص ۱۳۳ آنرا تعریف نموده.

۸- کتاب (سیره صاحب الروضات و حیاته العلمی)

۹- کتاب (علماء الاسره) که شرح حال علماء خاندان خود را نوشته است.

۱۰- کتاب مناظرات مذهبی در ۳ مجلد که جلد اول آن بنام (گفتگوی شیعه و سنی) چاپ شده است.

۱۱- صوفی بازی در ۲ جلد رد بر صوفیه.

۱۲- پاسخ پرسشها در سه مجلد که جلد اول آن (فلسفه روزه) بچاپ رسیده.

۱۳- فرهنگ منظوم یا شرح نصاب.

۱۴- فلسفه نماز.

۱۵- در پیرامون کتاب فلسفه روزه.

۱۶- کتاب ماحرای (ریش و سبیل) در اثبات حرمت ریش تراشی نوشته است.

۱۷- گمراهان باب و بهاء.

۱۸- کتاب (الفوائد الثمینه) در دو مجلد که صاحب الذریعه در جلد ۱۶ صفحه‌ی ۳۲۹ یاد کرده است.

۱۹- قلائد العقیان ترجمه سوره حمد از تفسیر تبیان شیخ طوسی.

۲۰- ترجمه مسکن الفوائد شهید ثانی.

۲۱- کتاب (الوجوه الکشره فی ترجمه ابن العشه که شرح حال عجیب و غریب ابن العشره است و مختصر آنرا در مقدمه (زواهر الجواهر) بطبع رسیده است.

۲۲- حواشی بر کتب درسی.

۲۳- حواشی بر کتب رجالی.

علامه روضاتی معاصر دارای بیست و سه اجازه روایتی جامع و غیره از آیات عظام و مشایخ کرام اجازه گذشته و معاصرین میباشد که برای رعایت اختصار از ذکر آنان خودداری نمودم و شرح حال و مآثر و آثار آن جناب را اکثر نویسندگان رجالی حاضر در کتب خود ذکر کرده‌اند و ترجمه و شرح احوال خاندان و اسلاف جلیل ایشان زینت‌بخش کتب رجالی میباشد و ما بعضی از آنها را در باب اصفهان نگاشتیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه، عالم فاضل، از ائمه جماعت مورد وثوق و احترام مردم، در ۱۳۰۸ متولّد، و در ۱۲۷۹ وفات یافته، در

بقعه تکیه گلزار مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

روضاتی، محمد هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۵ محرّم ۱۳۱۹ متولّد، و در ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۳۵۶ در شطّ کوفه غرق شده، و در نزد عمّ بزرگوار خود در وادی السلام مدفون گردید.

عالم و فاضل و محقّق بوده، امید ترقیّات زیاد درباره او می‌رفته، لکن اجل مهلتش نداده

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- حاشیه فرائد الاصول ۲- حاشیه بر مکاسب ۳- حاشیه بر مغنی ۴- حاشیه بر کشف المراد در شرح تجرید الاعتقاد، که قسمتی از آن در اصفهان به طبع رسیده ۵- اجزای متفرّقه‌ای در اخلاق، تاریخ، تفسیر و مواعظ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رویانی کجوری بخاری، جلال‌الدین، ابوالفتح نصرالله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۳۳ -۷۶۶ ق)، صوفی و لغوی شافعی. در کجور رویان به دنیا آمد. به قاهره رفت و با امرا و بزرگان همنشینی کرد. کتبهای نفیس فراوانی جمع‌آوری کرد. وی در روزگار خود به نام و شهرتی رسید. در قاهره درگذشت و در خانه‌اش دفن شد. از آثارش: «اعلام الشهود بحقایق الوجود»، در تصوف؛ «غنیه الطالب فیما اشتمل علیه الوهم من المطالب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۳/۸)، معجم المؤلفین (۹۶/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۳/۲).

رهبری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رهبری

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن رهبری فرزند بزرگ خانواده فقیر و بی سواد امّا متدین و متشرع از تبریز بودم. مرحوم پدرم حسین از سواد فقط خواندن قرآن را میدانست و از اعداد تا سه رقمی ها را امّا در عین حال به علّت رفت و آمد با اهل علم و علاقه مندی به حضور در مساجد و محافل مذهبی و پای منابر، به قدری با مسائل فقهی و شرعی آشنائی داشت که محل رجوع اهالی محل بود.

شش ساله بودم که قرآن را با همان سبک و سیاق و حجی کردن قدیمی، در مدّت یک سال تمام به من آموخت و چه نیکو آموخت. به ۷ سالگی که رسیدم مسئله ثبت نام من در کلاس اوّل ابتدائی مطرح شد، پدرم از رفتن من به مدارس دولتی سخت پرهیز داشت که مبادا با فرهنگ غربی رژیم شاهنشاهی تربیت شوم و به دنبال محیط آموزشی غیر دولتی و با مدیریت اسلامی برایم بود. مدرسه ای با این خصوصیات پیدا شد امّا عدم توانائی پدرم از پرداخت شهریه ۲۰۰ ریال آن، قضا را تغییر داد. درس نخواندنم بر درس خواندنم ترجیح داده شد تا مقداری بزرگ شده و در حرفه ای مشغول به کار شوم امّا با اصرار همسایگان، پدرم به شرطی با ورود من به مدرسه دولتی موافقت کرد که یکی از علمای بزرگ تبریز جواز آن را صادر کند. به یاد دارم که مرحوم آیت الله حاج میرزا علی اصغر چایچی اجازه دادند تا کلاس ششم ابتدائی تحصیل نمایم.

دوره ابتدائی را تمام کردم اما باز در ادامه تحصیل با مشکل شرعی مواجه شدم گریه و زاری ام برای ادامه تحصیل بی فایده بود مگر اینکه به فکرم رسید در خانه تحصن نموده و از رفتن به کارگاه خیاطی که تابستانها می رفتم خودداری کنم. کتک کاری های پدر را تحمل کرده و بست نشینی را چند روز ادامه دادم. مغازه خیاطی پدرم محل اطراق و رفت و آمد روحانیون محل بود او موضوع را با یکی از آنها در میان می گذارد و برای نصیحت من از او کمک می خواهد، او می گوید: آقا شیخ حسین! من خودم دیپلم مدارس دولتی هستم آیا بی دین شده ام ؟ مگر کارگران همه با دین هستند و درس خوانان همه بی دین؟ و ... این سخنان پدرم را آگاهی بخشیده و نرم کرده بود تا اینکه قرق شکست و من وارد دبیرستان شدم. در دوره دبیرستان با تشویق یکی از مداحان

اهل بیت(ع) که شعر هم می سرود ابتدا به شعر گفتن و سپس برای خوب شعر گفتن به مطالعات خارج از کتب درسی کشیده شدم. مقاتل را می خواندم و به نظم می کشیدم اما چون استعداد شعر را در خود کمتر دیدم آن را رها نموده و مطالعه را سرعت بخشیدم. تدریس قرآنم در یک هیئت عزاداری جوانان، نا گزیر از یاد گیری دروس حوزوی ام کرد. در کنار دروس حوزوی به صورت متفرقه حضور در دوره های تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه را نیز شروع کردم. در سال ۱۳۶۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی وارد دانشگاه تبریز شدم. زمینه های قبلی و تحقیقات دانشگاهی، قلم به دستم کرد و زمینه های مذهبی، قلمم و درس و تحقیقم را به سوی مسائل دینی سوق داد. تا جایی که از اساتیدی که در دسترسم بود استفاده کردم و آنجا هم که استاد نیافتم متوسل به تکنولوژی روز شدم. نوار اساتید،(سی دی) دروس فقه و اصول، برنامه های درسی رادیو قرآن، اینترنت و کتابها ، استادی مرا عهده دار شدند. از سال ۱۳۷۹ دوره کارشناسی ارشد را در رشته مدیریت دولتی ادامه دادم. تا به حال دو جلد کتاب و ۳۰ مقاله تحقیقی نوشته ام که ۱۸ مقاله چاپ گردیده و بقیه در نوبت چاپ مجلات تخصصی بوده و یا برای مجموعه مقالاتم آماده می شوند.

اکنون ۳ جلد کتاب «مقالات قرآنی»، «مقالات فقهی» و «علم امام » را آماده چاپ دارم که در صورت مساعدت شرایط، اقدام خواهم کرد انشاءالله. در مقالاتم همواره دنبال مسائل جدید و کار نشده بوده ام تا مشکلی از مشکلات فقهی و قرآنی را طرح و راه کاری برای آن ارائه نموده باشم. تلاش کردم که دنبال مسائل تکراری و حل شده نباشم و تا جایی که تحقیق اجازه می دهد تک صدایی در موضوعی را بشکنم و زمان و مکان را دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد معرفی کنم. تعدادی از مقالاتم را به کنگره های ملی و همایشهای بین المللی ارائه کردم که خوشبختانه مورد پذیرش و ارائه واقع شده و در مجموعه مقالات آن کنگره ها به چاپ رسیده است که در فهرست مقالات بدان اشاره کرده ام. فکر می کنم که زندگی علمی من یک پیام خاص خود دارد و آن اینکه کارایی و تولید فکر و اندیشه دینی در خارج از متن رسمی حوزه هم امکان تحقق دارد.

رهنما، تورج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته ادبیات آلمانی، علوم تربیتی و ادبیات مقایسه‌ای از دانشگاه مونیخ آلمان و تدریس در دانشگاه زالتسبورگ اتریش به مدت دو سال بعنوان استادیار.

مرتبه علمی:

استاد رشته زبان و ادبیات آلمانی در دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات آلمانی، عضویت در انجمن بین‌المللی اشتفان تسوایگ در وین، استاد راهنمای ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات آلمانی و فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

ادبیات آلمانی و فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رهنما، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۲، نجف.

درگذشت: ۱۲ تیر ۱۳۶۸، تهران.

زین‌العابدین رهنما، فرزند شیخ‌العراقین مازندرانی، در رشته‌های علوم ادبی، فلسفی و اصول فقه اسلامی تحصیل نمود. خدمت مطبوعاتی خود را قبل از سال ۱۲۹۹ آغاز کرد و در این مدت مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «ایران»، مجله‌ی «راهنما»، و روزنامه‌ی «راهنما» بود. چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در دوره‌ی رضا شاه مدتی خانه نشین و بعدا به خارج از

کشور تبعید گردید. پس از حوادث شهریور ۱۳۲۰ به ایران بازگشت. در تهران می‌زیست، تا به سفارت ایران در فرانسه و سپس به سفارت سوریه در لبنان انتخاب گردید. وی همچنین مدتی وزیر کشور و مدتی نیز معاون نخست وزیر بود. به فرانسوی و انگلیسی و عربی و ترکی آشنا بود و به دریافت نشان درجه اول «همایون» نایل آمد. به آمریکا و کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی سفر کرد و از تألیفات وی می‌توان از کتاب‌های پیامبر (داستان تاریخی- مذهبی، ۱۳۱۶، خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسوی ترجمه شده است)؛ امام حسین؛ داستان اجتماعی ژاله؛ ترجمه و تفسیر قرآن (چهار جلد)؛ ترجمه‌ی حقوق در اسلام (تألیف دکتر مجید خدوری) و ترجمه‌ی قانون در خاورمیانه نام برد.

(۱۲۷۳ ق- ۱۳۶۸ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در نجف به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشته‌های علوم ادبی، فلسفه و اصول فقه اسلامی به تهران آمد و به فعالیتهای ادبی و سیاسی پرداخت. در ۱۳۰۲ ش مدیریت روزنامه «ایران» را عهده‌دار شد. این روزنامه که به صورت روزانه چاپ می‌شد، سالها روزنامه‌ی درجه اول کشور به حساب می‌آمد. زمانی که رهنما به خارج از ایران تبعید شد، امتیاز روزنامه‌ی «ایران» به دیگری منتقل گردید، اما پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ش که رهنما به ایران بازگشت، مجددا اداره‌ی روزنامه را خود بر عهده گرفت. او به زبانهای عربی و فرانسوی تسلط کامل داشت. از وی تالیفات و ترجمه‌ای چند بر جای مانده است از جمله: «پیامبر، زندگانی حضرت رسول اکرم»؛ «امام حسین»؛ «ترجمه و تفسیر قرآن»؛ «قانون در خاورمیانه»؛ «ژاله، رمان اجتماعی»؛ «حقوق در اسلام».[۱]

روزنامه‌نگار، مورخ و محقق، سیاستمدار، فرزند شیخ علی شیخ‌العراقین و داماد شیخ عبدالله از بزرگان و روساء و اقطاب سلسله‌ی معروف صوفیه، در ۱۲۶۸ ش تولد یافت. قسمتی از تحصیلات خود را در تهران و قسمتی را در عراق در تاریخ، فقه، اصول و حکمت و ادبیات فارسی و عربی به پایان برد. پس از ورود به ایران، کار روزنامه‌نگاری را پیشه خود ساخت. چندی با مطبوعات مختلف همکاری داشت، سرانجام در سال ۱۲۹۹ ش مدیریت روزنامه‌ی نیمه‌رسمی ایران به او سپرده شد. روزنامه‌ی ایران به طور یومیه انتشار می‌یافت و از لحاظ کیفیت چاپ و کاغذ، ممتاز بود. پس از مدتی کوتاه، نفوذ روزنامه‌ی ایران در تمام محافل هویدا شد و تحقیقا روزنامه‌ی رسمی ایران بود. سرمقاله‌های روزنامه در خطمشی سیاسی دولت اثر داشت. رهنما تدریجا خود را منتسب به سردار سپه که قدرتی در کشور شده بود، نمود و روزنامه‌ی خود را در جهت منویات او تنظیم نمود.

در سال ۱۳۰۲ به زور سرنیزه سردار سپه در دوره‌ی پنجم از تبریز به وکالت مجلس انتخاب شد و به خلع سلسله‌ی قاجاریه رای داد. در مجلس موسسان هم عضویت یافت. در ۱۳۰۶ از طرف مخبرالسلطنه هدایت که وزیر فوائد عامه بود، به معاونت آن وازرتخانه برگزیده شد. چند ماهی در آن سمت انجام وظیفه کرد، بعد از آنکه مخبرالسلطنه به رئیس‌الوزرائی رسید، رهنما به معاونت رئیس‌الوزراء منصوب شد. دو سال در آن سمت بود که در دوره‌ی هشتم، از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی نهم همچنان سمت نمایندگی داشت و روزنامه‌ی ایران نیز به صورت یومیه انتشار می‌یافت. در ۱۳۱۴ بعضی از مطالب روزنامه‌ی ایران مورد پسند رضاشاه واقع نشد. سرلشکر آیرم هم مرتبا گزارش‌های نامساعدی از رهنما و روزنامه‌اش به شاه می‌داد. سرانجام رهنما مورد غضب واقع شد. از او سلب مصونیت کردند و او را به زندان قصر بردند و امتیاز روزنامه‌ی ایران را لغو کردند و کلیه‌ی دارائی و اثاثیه و مطبعه را به مجید موقر واگذار نمودند و امتیاز روزنامه‌ی ایران نیز به نام او صادر شد. رهنما چند ماهی در زندان بود تا بالاخره موی سفید و روی سیاه مخبرالسلطنه موثر افتاد، رضاشاه شفاعت او را پذیرفت و دستور آزادیش را از زندان صادر کرد، مشروط بر اینکه خاک ایران را ترک کند. رهنما به سرعت خاک ایران را ترک کرد در عراق اقامت گزید و تا شهریور ۱۳۲۰ در عراق و لبنان به سر می‌برد. پس از استعفای رضاشاه، برای پس گرفتن مطبعه روزنامه‌ی خود به تهران آمد و علیه مجید موقر طرح دعوی نمود. سرانجام امتیاز روزنامه‌ی ایران مجددا به او واگذار شد و در عوض امتیاز روزنامه‌ی مهر ایران را به موقر دادند. روزنامه‌ی ایران مجددا حیات خود را از سر گرفت ولی کار اداره‌ی آن با حمید رهنما بود. زین‌العابدین رهنما بعد از شهریور ۱۳۲۰ به سمت وزیرمختار ایران در دولت موقت فرانسه درویشی و سپس پاریس منصوب شد و چندی نیز سفیر ایران در کشورهای لبنان و سوریه بود. مدتی هم معاونت نخست‌وزیری و ریاست انتشارات و تبلیغات را عهده‌دار گردید.

رهنما بدون شک یکی از فضلای درجه اول ایران است. وی به ادبیات فارسی و ادبیات زبانهای عربی و فرانسه کاملا مسلط بوده است. علاوه بر دوره‌ی منظم روزنامه‌ی ایران که حاکی از ذوق و قدرت نویسندگی اوست، تالیفات زیادی عرضه نموده است. کتاب معروف او به نام پیامبر و کتاب امام حسین (ع) و تفسیر و ترجمه قرآن مجید از آثار انتشار یافته‌ی او می‌باشد. در ۱۳۶۸ درگذشت. حین الفوت یک قرن کامل را پشت سر گذاشته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۳۱۶ -۳۱۵/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۱ -۳۴۷/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۶ -۲۶۴/ ۳)، نشر دانش (س ۹، ش ۴، ص ۹۹).

رهنما، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱ -۱۲۵۲ ش)، روزنامه‌نگار. معروف به ملا باشی. وی در شیراز متولد شد و تحصیلات خود را در دارالعلم آن شهر به پایان رساند و بر ادبیات فارس و علوم معقول و منقول و فقه اسلامی و علم اصول تسلط یافت. در سال ۱۳۲۵ ق و در صدد مشروطیت روزنامه‌ی «رهنما» را در تهران منتشر کرد که یک سال بعد تعطیل شد و مجددا پس از شهریور ۱۳۲۰ ش به وسیله‌ی فرزندش مهدی رهنما انتشار یافت. رهنما پس از برقراری مشروطیت در وزارت عدلیه (دادگستری) به خدمات مهم قضایی اشتغال داشت. وی در

تهران وفات یافت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۳۷ –۳۳۴ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۲/۳)، شرح حال رجال (۱۴۰ –۱۳۹ /۶).

ری شهری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ری شهری

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۸/۱

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی نیک، مشهور به «ری‌شهری» در آبان سال ۱۳۲۵ در شهرری در خانوده‌ای متدین دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، درسال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه شهرری (مدرسه برهان) شد و در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به قم رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، مدارج تحصیل را تا سطوح عالی در حوزه علمیه قم طی کرد. حجت الاسلام ری شهری، سطوح عالیه را نزد اساتید بزرگی چون حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی و حاج سید محمد باقر طباطبایی تلمذ نمود و دروس خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۴۷ در شرایطی آغاز کرد که حوزه علمیه قم از فیض حضور امام خمینی (ره) بی‌بهره بود، بنابراین خارج اصول را از محضر حضرات آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کرد و خارج فقه را از محضر حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ جواد تبریزی، مرحوم حاج سید محمدرضا گلپایگانی و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری بهره برد.

حجت الاسلام ری شهری از ابتدای نهضت اسلامی، بویژه تحت تأثیر جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با اهداف و دیدگاههای حضرت امام (ره) آشنا شد و در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۴۴ توسط ساواک مشهد دستگیر و به زندان محکوم شد. وی در سال ۱۳۴۵ ضمن تمرد از شرکت در جلسه دادگاه تجدید نظر ساواک، به نجف اشرف رفت و پس از مدت یکسال به ایران بازگشت و حدود ۱۸ ماه در حوزه علمیه مشهد به تحصیل پرداخت. در همین زمان مجدداً تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و در دادگاه تجدید نظر بار دیگر به زندان محکوم شد.حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۵۶ به دلیل سخنرانی علیه رژیم شاه در حسینیه اصفهانی‌های آبادان، توسط ساواک ممنوع المنبر شد. وی به دلیل سخنرانی علیه رژیم در نهاوند آبادان، مشهد، هرمزگان و زابل مورد تعقیب ساواک بود و تظاهرات مردم هرمزگان و زابل در رابطه با قیام سراسری مردم ایران علیه رژیم، پس از سخنرانیهای او صورت گرفت.

حجت الاسلام ری شهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی دزفول، بهبهان، گچساران، بروجرد، رشت و گنبدکاووس خدمت کرد و سپس به اهمیت حفظ و اصلاح نیروهای مسلح، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با توطئه های ضد انقلاب دراین رکن مهم، در اواسط سال ۱۳۵۸ به ریاست دادگاه انقلاب ارتش منصوب شد. وی با توجه به شرایطی که قانون اساسی برای تصدی وزارت اطلاعات معین کرده بود (بویژه شرط اجتهاد)، نخستین وزیراطلاعات در جمهوری اسلامی ایران بود که با کسب آراء اکثریت قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ به این سمت منصوب گردید.حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۶۸ به دادستانی کل کشور منصوب شد و تا اوایل سال ۱۳۷۰ در این سمت خدمت کرد و همزمان در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۶۸ از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دادستان ویژه روحانیت منصوب شد. حجت الاسلام ری شهری همچنین در سال ۱۳۶۹ به فرمان رهبر فرزانه انقلاب به تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی (علیه السلام) منصوب گردید. انتصاب وی دراین سمت، آغاز تحول اساسی درعمران و توسعه این مجموعه مهم مذهبی بوده است. وی در انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان رهبری، به عنوان داوطلب منفرد شرکت کرد و از سوی مردم استان تهران برگزیده شد، همچنین در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، کاندیداتوری او از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و سایر گروههای سیاسی مورد حمایت قرار گرفت و با رأی قاطع مردم بار دیگر به نمایندگی این مجلس انتخاب گردید.

حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۷۰ به سمت نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج منصوب شد که این مسئولیت هنوز ادامه دارد. حجت الاسلام ری‌شهری بنیانگذار اولین و بزرگترین مجموعه فرهنگی در حدیث و علوم مربوط به آن است. وی در اواسط سال ۱۳۷۴ به همراه جمعی از شخصیتهای صاحب نام سیاسی و مذهبی، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را بنیان نهاد. این جمعیت پس از طی مراحل قانونی رسمیت یافت و هیئت مؤسس آن، به اتفاق آراء، حجت الاسلام ری‌شهری را به سمت دبیرکل جمعیت انتخاب کردند. این جمعیت پس از چند سال حضور مؤثر، خیلی زود عرصه سیاسی کشور را ترک کرد. اوج فعالیت جمعیت دفاع از ارزشها به هنگام نامزد کردن دبیر کل خود برای ریاست جمهوری هفتم بود. حجت الاسلام ری‌شهری هم‌اکنون، ضمن تحقیق و تدریس و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی است. از وی تاکنون بیش از ۳۰ کتاب پژوهشی در۵۹ جلد منتشر شده است.

ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۰ -۱۳۱۳ ق)، فقیه، حکیم، ادیب و ریاضیدان. وی در ۱۳۲۸ ق از اصفهان به نجف مهاجرت کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث پرداخت و در ریاضیات سرآمد اقران شد وی به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نشر احکام پرداخت. او در گلگیت نزدیک کشمیر از دنیا رفت. کتابخانه نسبتا غنی از وی باقی ماند. او تالیفاتی چند به نظم و نثر دارد. که از آن جمله می‌توان به «سفائن البحار»، به فارسی، منظوم؛ «بحر الحساب»، به فارسی؛ «اعجاز المهندسین»؛ رساله‌ی «الجبر و المقابله»؛ رساله «قابلیه التقسیم»، در اعداد؛ رد «ابطال الرمل»؛ و «تسهیل القسمه» اشاره کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴/۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۵/۱).

ریاضی هروی، نصرت‌الزمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۱۹، مشهد.

درگذشت: ۲ تیر ۱۳۶۷، مشهد.

نصرت‌الزمان ریاضی هروی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی از سال ۱۳۴۲ در دبیرستان خراسان به تحصیل زبان و ادبیات فارسی پرداخت و بیست و شش سال به کار معلمی پرداخت.

نصرت‌الزمان ریاضی هرروی در سال ۱۳۶۵ فرهنگ فارسی تحفهٔ الاحباب را با همکاری همسرش فریدون تقی‌زاده طوسی همراه با تعلیقات منتشر ساخت و گزیده‌ای از کتاب تجارب الامم منسوب به حمدالله مستوفی را از یگانه کتابخانه‌ی ایاصوفیه آماده‌ی چاپ ساخته بود. سه مجموعه حاوی خاطرات و نیز چندین مقاله در باب دستور زبان فارسی در نشریه‌های استان خراسان از وی به چاپ رسیده است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ریاضی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۳۱۲، دره‌گز.

درگذشت: ۲۰ مهر ۱۳۷۳، در سانحه هوایی.

محمود ریاضی دوره ابتدایی و چند سالی از دوره‌ی متوسطه را در دره‌گز طی کرد و سپس به مشهد آمد و دوره‌ی متوسطه را در آنجا به پایان رسانید. این امر همزمان با ملی شدن صنعت نفت بود. وی وارد مبارزات سیاسی شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدتی به دانشکده‌ی افسری رفت و سپس وارد دانشکده‌ی فنی شد. در سال ۱۳۴۱ فارغ‌التحصیل شد. وی مطالعات خود را ادامه داد و در صنعت برق کارشناس شد.

محمود ریاضی در این اواخر شروع به ترجمه داستان تمدن جهان از آغاز تا سال ۱۹۹۰ نوشته جی. ام. رابرتس کرده بود. ترجمه‌ی متن اصلی کتاب پایان یافته بود. وی مشغول پانویس‌های کتاب بود که اجل امانش نداد.

در سال ۱۳۴۹ او و دکتر کاظم سامی و سایر همفکرانش اقدام به تأسیس انتشارات چاپخش کردند. محمود ریاضی همچنین با مؤسسات نشر دیگر نیز همکاری داشت.

فهرست آثار ترجمه و تألیف شده وی به این شرح هستند: ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ (تألیف پل کندی)؛ روسیه، غرب و چین (ایزاک دویچر)؛ زندگی سیاسی استالین (ایزاک دویچر، با همکاری علی اسلامی)؛ سیری در بلوغ (ایزاک دویچز)؛ (پایگاه‌های استراتژیک امپریالیسم)؛ (عظیم حسین)؛ سلاح اقتصادی استعمار جدید (بانوف، با همکاری نظام الدین قهاری)؛ چشم‌اندازهایی بر آزادی و برابری در جهان سوم (سی. جی. ویرافتاری)؛ انقلاب ناتمام روسیه (ایزاک دویچر)؛ نظری به درون شیلی آینده (اوارد بوراشتاین)؛ اروپا و عقب ماندگی آسیا (دوجلد، والتر رادفی)؛ آمریکا و جهان سوم (جان س. گیزلینگ)؛ موسولینی (دنیس مک اسمیت)؛ بحران انرژی (مایکل تانزر)؛ روان شناسی عشق ورزیدن (اینیاس لپ، با همکاری دکتر کاظم سامی)؛ تحلیل کوتاه از امپریالیسم (تألیف)؛ فاصله عقب ماندگی (جی. بی. کرن)؛ اسطوره‌های انقلابی در جهان سوم (ژراز شالیان)؛ چه کسی جیمی کاتر را اداره می‌کند، ظلمت در نیمرز (آرتور کویستر، با همکاری علی اسلامی)؛ اقتصاد تسلیحاتی و جنگ (آندره گوندر فرانک).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ریحان یزدی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

درگذشت: زمستان ۱۳۶۷، تهران.

سید علیرضا ریحان یزدی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست اداره‌ی اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: احوال و آثار محمد بن جریر طبری (۱۳۳۵)؛ اصول الصرف (دو جلد)، اصول النحو (۱۳۴۰)؛ ترجمه تعبیر رؤیا (از ابن سینا، ۱۳۱۶)؛ نظامی شاعر داستان سرا (۱۳۳۷)؛ ماجرای تغییر خط (۱۳۳۸)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچه‌ی اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید» و «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۰ ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تصحیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّٰه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[۱]

سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.

آقای ریحان محرم ۱۳۳۰ قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.

وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

آثار قلمی ریحان از این قرار است: ۱- آئینه دانشوران ۲- درس انشاء یا علم بیان ۳- بازرگانی محمد (ص) ۴- تفسیر ریحان ۵- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی ۶- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد ۷- داماد کربلا.

آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.

نگارنده در دو سفری که در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۰ قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّٰه توفیقه.

وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.

تولد: ۱۳۳۰، ق.، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۶۳ -۲۶۲ /۲)، آیینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۲۲/۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵ -۵۴۱)، الذریعه (۱۹/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۷، ۴۵۱ /۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۶ -۵۶۵ /۴).

ریحان، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۷۴ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ریحان. در تهران به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی را در این شهر به پایان رساند. سپس به مشهد رفت و نخستین اشعار خود را در روزنامه‌ی «نوبهار» به چاپ رساند. سپس به تهران آمد و با انجمن و مجله‌ی «دانشکده» به همکاری پرداخت. وی در اوایل سال ۱۲۹۷ ق روزنامه‌ی ادبی و فکاهی «گل زرد» را منتشر کرد، سپس در سال ۱۳۳۹ ق روزنامه‌ی سیاسی «نوروز» را انتشار داد که چون مقاله‌ای بر ضد حکومت وقت در آن روزنامه نوشته بود، پس از انتشار دو شماره توقیف شد و ریحان را چند ساعتی در دارالمجانین بازداشت کردند. ریحان شرح این گرفتاری را به عنوان «یک شب در دارالمجانین» در مجله‌ی «نوبهار» و نیز در خاطرات خود آورده است. وی پس از این واقعه به مدت بیست و پنج سال به خارج از ایران سفر کرد. ریحان زبان فرانسوی را خوب می‌دانست و در سرودن انواع شعر مهارت داشت. وی در اواخر زندگانی به ایران بازگشت و در تهران سکونت گزید و در همین شهر وفات یافت. منتخبی از اشعار او به نام «باغچه‌ی ریحان» و «دیوان» اشعارش چاپ و منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۴۹۱ -۴۸۸)، تاریخ جراید (۱۶۰ -۱۵۷ /۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۲۷ -۲۲۶)، الذریعه (۳۹۷/۹)، سخنوران نامی (۲۵۸ -۲۴۴ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۶۴۹ -۱۶۴۴ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۳ -۸۳۲ /۶)، یغما (س ۱۲، ش ۷، ص ۳۳۳ -۳۳۱).

ریحانی، ابوالحسن علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۹ ق)، لغوی، ادیب و نویسنده. ایرانی‌الاصل و ساکن بغداد و معاصر و مورد احترام مامون عباسی بود، و از دانشمندان و حکمت دانان بنام، که او را در فن بلاغت تالی جاحظ خوانده‌اند. با آن همه فضل و کمال به زندقه متهم شده و در آثار خود تحت تاثیر فرهنگ ایرانی بوده است. از آثار وی: «الایقاع»، «التدرج»؛ «الزمام»؛ «العقل و الجمال»؛ «صفه الدنیا»؛ «الموشح»؛ «النمله والبعوضه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۵/۵)، ایضاح المکنون (۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۲، ۲۶۸، ۲۶۴، ۲۶۲ /۲ ،۳۷۹ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷/۱)، تاریخ بغداد (۱۹ -۱۸ /۱۲)، روضات الجنات (۱۹۱ -۱۹۰ /۵)، ریحانه (۳۴۹/۲)، کشف الظنون (۱۴۶۸)، لسان المیزان (۵۷/۵)، لغت نامه (ذیل/ علی ریحانی)، معجم الادباء (۵۶ -۵۱ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۵/۷)، هدیه العارفین (۶۶۹ -۶۶۸ /۱).

ریزی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلا و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان، در ۱۲۹۱ وفات یافته، قبرش در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رئیس الواعظین، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و واعظ کامل، سالها در اصفهان مردم را موعظه و ارشاد نموده، از شاگردان میرزا محمّد حسن نجفی، و حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی، و آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی و دیگران بوده.

در سال ۱۳۳۱ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

فرزندش: مرحوم آقا حسن رئیس زاده فاضل و ادیب و شاعر بوده، و «رئیسی» تخلّص می‌نموده. واعظی صالح بود.

در ۲۶ شوال ۱۳۸۶ وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رئیسی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی رئیسی بن السید الجلیل حاج سید مصطفی رئیس‌الذاکرین گرگانی از افاضل دانشمندان معاصر گرگانست وی در گرگان

متولـد شـده و در حجره والـد ماجـدش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در آنجا خوانده و پس از فراگرفتن سـطوح فقه و اصول برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشـرف نموده و از دروس خارج و محضـر آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و مراجع دیگر اسـتفاده نموده و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی از قبیل امامت و تدریس و اداره عده‌ای از محصلین علوم دینیه گرگان پرداخته و تا حال تحریر اشتغال به انجام وظائف دینی و روحی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رئیسی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی بن مرحوم آقا شیخ حسین (معروف به شیخ رئیس) از علماء معاصر قوچان است. وی در سال ۱۳۱۲ قمری در قوچان متولـد شـده و مقدمات فارسـی و عربی را در قوچان تحصـیل کرده و فقه را نزد مرحوم آقا شـیخ محمد کبیر آموخته آنگاه به نجف اشـرف مشرق شده و سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و خارج را خدمت آن مرحوم و آقا ضیاءالـدین عراقی خوانـده و بعـد به قوچان مراجعت و به تـدریس فقه و اصول پرداخته و پس از چنـدی به مشـهد مقدس عزیمت و رحل اقامت افکنـده و تاکنون حدود سـی سالست که در ارض اقدس به تدریس مکاسب و رسائل و کفایه و امامت در مسـجد امین مشهد اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زابلی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید رضا بن مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید محمد امین‌الرعایا زابلی از علماء معروف معاصر شهرستان کرج است، وی در سال ۱۳۲۲ ق در شهر زابل متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سن ۱۸ سالگی با معیت برادر بزرگشان مرحوم حجهٔالاسلام آقا سـید حسن زابلی جهه تحصـیل به مشهد مقدس مشرف و در مدرسه باقریه ساکن و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و پس از چنـد سـال برای تکمیـل مبـانی علمی مهـاجرت به نجف اشـرف نموده و در مـدرسه قوام اقـامت و از محضـر آیات عظام مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصـفهانی و ضـمناً مباحث اخلاقی و سـلوکی جمال السالکین و سـید العارفین آیت‌اللّه آقا سـید علی آقـای قاضـی طباطبائی اسـتفاده نموده آنگاه به امر مرحوم آیت‌اللّه اصـفهانی منتقل بسامرای و چنـدی سـرپرستی مـدرسه علمیه مرحـوم میرزاء شـیرازی را بعهـده گرفته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصـفهانی به قم آمـده و مورد لطف و محبت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قرار گرفته و به امر آن بزرگوار برای ارشاد و هدایت مردم کرج به این شهرسـتان عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا اکنون در مسجد اعظم خیابان کشاورز آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام مشغول میباشند.

دارای فرزندان برومندی هستد که همگی در پستهای حساس روحانیت اشتغال بخدمات دینی دارند و آنها از این قرار می‌باشند:

۱- جناب حجهٔالاسلام آقا سید محمد زابلی که اکنون در مدرسه سپهسالار قدیم به تدریس و مباحثات اشتغال دارند.

۲- جناب حجهٔالاسلام آقای سید علی زابلی مقیم نجف که از تلامذه و مشترکین مباحث آیت‌اللّه العظمی خوئی هستند.

۳- جناب حجهٔالاسلام آقا سید ابوالحسن زابلی که در بروجرد سکونت و به اقامه جماعت و تبلیغات احکام دین اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

زابلی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صدرالدین زابلی از علماء بنام و محترم این شهرستانست و اکنون با کهولت سن به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند. برادر ارجمندشان حجهٔالاسـلام والمسـلمین آقای حاج آقا بزرگ زابلی نیز از علماء این شهرستانست که تا حال تحریر در قید حیات و در آن سامان به خدمات دینی و روحی مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زارع، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیز الله زارع

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب عزیزالله زارع فرزند خلیل متولد ۱۳۴۰ از شهر آمل در سال تحصیلی ۳ـ۱۳۵۲ برای تحصیل علوم حوزوی وارد مدرسه علمیه مسجد جامع آمل شدم مقدمات دروس حوزوی مانند گلستان سعدی و نصاب الصبیان و برخی از کتاب‌های جامع المقدمات را در آن مدرسه فراگرفتم و چون مدرسه آن زمان از نظر مدیریت دچار مشکلاتی بود و برنامه مدونی برای طلاب وجود نداشت سال آینده به مدرسه مسجد هاشمی آمل رفتم عدم استاد و فضای مناسب آموزشی و مشورتی که با حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی(ره) داشتم سبب شد به حوزه جعفریه رستمکلای بهشهر که تحت اشراف حضرت آیت الله ایازی رضوان الله تعالی علیه اداره می‌شد بروم و در سال ۷ـ ۱۳۵۶ به حوزه مقدسه علمیه قم آمدم و چون در قم مواجه شدیم با تعطیلی حوزه به جهت قیام و انقلاب و تظاهرات خیابانی، غالباً درس‌ها را تا لمعه جلد اول نزد اساتید خصوصی می‌خواندم کتابهای که قبل از لمعه جلد اول خوانده شد عبارتند از جامع المقدمات، سیوطی، حاشیه ملاعبدالله، منطق مظفر جلدین اصول فقه مغنی باب رابع، معالم الاصول و جلد دوم لمعه را در درس حضرت استاد وجدانی فخر(ره) شرکت کردم. رسائل شیخ انصاری را نیز در محضر معظم له خواندم. بیشتر مکاسب شیخ را در محضرت آیت الله پایانی بودم و بخشی را نیز از نوار مکاسب آیت الله ستوده استفاده کردم. کفایه الاصول را نزد آیت الله صالحی مازندانی و بخشی را نزد حضرت آیت الله پایانی خواندم.

همراه دروس سطح حوزه درس فلسفه را نیز از بدایهٔ الحکمهٔ شروع کردم و بعد از آن نهایهٔ الحکمهٔ را خواندم و سپس بخشی از کتاب منطق و فلسفه شرح منظومه حاجی سبزواری فراگرفتم مدتی در فلسفه شرح منظومه از درس حضرت استاد آیت الله انصاری شیرازی استفاده می‌کردم.

سپس به اسفار ملاصدرا پرداختم بعضی از مجلدات آن را در درس حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی و بعضی دیگر را از محضر حضرت استاد جوادی آملی فراگرفتم همزمان جلد سوم اشارات را در محضر حضرت استاد حسن‌زاده آملی می‌خواندم.

بعد از خواندن مجلداتی از اسفار به درس مصباح الانس ابن فناری حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی پرداختم که متأسفانه به سبب ایجاد مزاحمت بعضی جهالِ مخالفِ درس عرفان برای شاگردان شناخته شده کارت ورود به جلسه درس تهیه شده است و بعد از اینکه مدتی با کارت ورود به جلسه درس برقرار بود. استاد به جهت پایه این از مزاحمت‌ها درس را تعطیل نموده‌اند و شاگردان را از این نعمت عظمی محروم شده‌اند.

تمام کتاب تمهید القواعد ابن ترکه را در عرفان نظری را با نوارهای درسی حضرت استاد جوادی آملی خواندم و بخشی از شرح فصوص الحکم قیصری را نیز با نوارهای استاد جوادی آملی و استاد حسن‌زاده آملی خواندم و باقیمانده را نیز مترصد فرصتی هستم که بخوانم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی سالهای زیادی شرکت کردم و چون مباحث فقهی معظم له در ابواب عبادات بود چهار سال نیز در درس فقهی حضرت آیت الله وحید خراسانی که در معاملات (خارج (بیع مکاسب) بود شرکت نموده‌ام. با تشکیل مرکز تخصصی فقه ائمه اطهار تحت اشراف آیت الله فاضل لنکرانی بعد از قبولی امتحان شفاهی دوره تخصصی فقه را در حد اجتهاد متجزی در آن مرکز گذراندم و اکنون مشغول تحقیقات فقهی در برخی از موضوعات می‌باشم و تدریس تفسیر المیزان را نیز در مدرسه آیت الله بروجردی (خان) مشغولم و بحمدالله از جهت تبلیغ و منبر نیز چه در قم در بیوت و دفاتر علما و چه در خارج قم و چه در اوقات مخصوص تبلیغ مانند ماه مبارک و محرم الحرام و دهه آخر صفر و چه در غیر آن، وقتم بسیار مشغول است. چند سالی در صدای جمهوری اسلامی استان مازندران تحت عنوان درس‌های از نهج البلاغه یا تبیین اسمای ماه مبارک رمضان مباحثی از این کمترین پخش می‌شد.

در سال ۱۳۶۲ رساله این تحت عنوان اخلاقی در دوجهان بینی اسلام و کمونیسم نوشته‌ام که مدتی جزوه درسی سپاه پاسداران استان کردستان قرار گرفته است و نسخه آن نیز موجود است در سال ۱۳۷۶ نیز مقاله‌ای از این حقیر تحت عنوان حوزویان طائفان بیت الله انفسی در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است.

زاغولی مروزی، ابوعبدالله محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۹ –۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، مفسر، لغوی و فقیه شافعی. منتسب به زاغول از قرای پنج ده مرو رود بود در انجا به دنیا آمد و در مرو سکنی گزید و اشتهار یافت. نزد ابوبکر محمد سمعانی و موفق بن عبدالکریم هروی فقه آموخت و از ابوالفتح نصر بن ابراهیم حنفی و ابومحمد بغوی و عیسی بن شعیب سجزی حدیث شنید. وی تمام عمر خویش را در طلب و گردآوری حدیث و تالیف و تصنیف به سر آورد. او در لغت صاحب نظر بود. سفری به هرات کرد و در آنجا شاگردانی تربیت کرد. ابوسعد عبدالکریم سمعانی و پسرش ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی از شاگردان وی می‌باشند. زاغولی بیش از چهارصد مجلد مشتمل بر تفسیر و حدیث و فقه و لغت را گردآورد و آن را «قید الاوابد» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۳/۶)، سیر النبلاء (۴۹۳ –۴۹۲ /۲۰)، کشف الظنون (۱۳۶۷)، معجم المؤلفین (۲۵۴/۹)، الوافی بالوفیات

(۳۷۳/۲)، هدیه العارفین (۹۴/۲).

زال

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پسر سام بود. از این پهلوان در اوستا نامی نیست. پدرش سام او را بر اثر سپیدی موی در شیرخوارگی از خود دور کرد و بر کوه البرز نهاد، تا در همانجا تباه گردد. اما سیمرغ که در اوستا نامش Merequ Saena مرغوسئن است، او را بدید و برداشت و به آشیان خود برد، و چون فرزندان خویش بپرورد، و سرانجام به پدر بازگردانید. این پهلوان در شاهنامه زال زوردستان نام دارد، و بنا به قول فردوسی زال افزون از هزار سال زندگی کرد! و رستم پسر او بود اما سیمرغ یا مرغوسئن به قول اوستا، مرغی فراخ بال است، چنانکه در پرواز خود پهنای کوه را فراگیرد و لانه‌ی او بر درختی در دریای Vurukasha (و روکشه) یا دریای فراخکرت که ظاهرا دریای خزر است قرار دارد. این درخت درمان بخش است، و تخم همه گیاهان در آن نهاده شده. نام سیمرغ به پهلوی سین مورو آمده است.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

زال‌زاده، امیرابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: اسفند ۱۳۲۵.

درگذشت: اسفند ۱۳۷۵.

امیرابراهیم زال‌زاده فرزند جلیل به روزنامه‌نگاری و نویسندگی می‌پرداخت. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زاهد علایی بخاری، ابوعبداللّه، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۶/۵۴۵ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املای حدیث می‌کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علائی» است که بیش از هزار جزء می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۴۵۸، ۴۵۴)، معجم المؤلفین (۱۳۳/۱۰)، الوافی بالوفیات (۲۳۲/۳)، هدیه العارفین (۹۱/۲).

زاهد قمی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی بن شیخ ابراهیم بن شیخ محمدعلی قمی نجفی از علماء نامی و زهاد سامی و معروف به (زاهد قمی) معاصر ما بوده است وی در ۲۷ رمضان در سال ۱۳۸۰ ق در تهران از دختر علامه شیخ مشکور نجفی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در تهران خوانده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نموده و از ابحاث میرزا حبیب‌اللّه رشتی و علامه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه حاج میرزا حسین خلیلی و علامه آسید محمدکاظم یزدی و آشیخ رضا همدانی صاحب (مصباح الفقیه) استفاده نموده و به مدارج علم و کمال رسیده و بیشتر به علم و عبادت و زهد و قناعت پرداخته و در مسجد هندی اقامه جماعت نموده و خود نگارنده مدتها ناظر و شاهد بودم که وجوه آیات عظام و علماء اعلام و مراجع کرام مانند آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی و حاج شیخ موسی خونساری و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج سید محسن حکیم و آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آسید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی حاج ابوالقاسم خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و آشیخ عبدالکریم جزایری و صدها نفر امثالهم به وی اقتدا نموده و درک جماعت او را فوز و فیض عظیم می‌شمردند

آن مرحوم در درس اخلاق ناسک و سالک بزرگ الی‌اللّه آخوند ملا حسینقلی همدانی متوفی (۱۳۱۱) شرکت و استفاده سرشار نموده و روش آن عالم ربانی را گرفته و علم حدیث و درایه را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری بهره‌مند شده است دارای تألیفات

عدیده می‌باشد که صاحب الذریعه آن را کتابش ذکر کرده است و از آنهاست کتب زیر:
۱- شرح التبصره در ده جلد بزرگ ۲- صلوهٔ المسافر بحث فقهی استدلالی. ۳- تقریرات استادش میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی.
۴- الرجال- تراجم اسانید کافی ۵- الاجاره ۶- الکشکول در چندین جزء دارای فرزندان صالح و برومندیست که ذیلا می‌نگارم.
۱- علامه فاضل مرحوم آقا شیخ حسن قمی داماد شیخ مشکور صغیر که در راه کربلا بدست قطاع الطریق در حیاهٔ والدش مقتول گردید.
۲- شیخ شریف که به مرض سل در زندگی پدرش در تهران وفات و در مقبره‌ی ابن‌بابویه مدفون شده است.
۳- شیخ محمد نیز در زمان پدرش وفات نمود و او اهل فضل و تقوا بود.
۴- حجهٔالاسلام والعالم العلام حاج شیخ موسی که از معاودین و اعلام معاصرین قم می‌باشد.
۵- حاج محمدجعفر که از اخیار تجار و اصناف می‌باشد.
۶- یک دختر که همسر علامه شیخ محمد مؤمنی قوچانی نجفی بوده است.
آن مرحوم در سال ۱۳۶۶ ق مبتلا به کسالت شده و در بغداد و تهران معالجه نموده ولکن مفید نشده تا در شب چهارشنبه ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳۷۱ ق وفات نموده و در جوار مولی‌الموحدین مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زاهد گیلانی ثانی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۹ ق)، عالم، ادیب، عارف، شاعر و خطاط. وی عموی محمدعلی حزین لاهیجی، صاحب «تذکره المعاصرین» بود. نسبش با چهارده واسطه به شیخ زاهد گیلانی می‌رسد. او مقدمات علوم را در لاهیجان نزد پدرش و ملا علی نوری فراگرفت و در شاعری و خوشنویسی و ترسل مهارت یافت. هفت قلم را نیکو می‌نوشت و خوشنویسان اصفهان از نمونه‌های خط او که به آنجا می‌رسید، بهره می‌بردند. هنگامی که با پدر خود به لاهیجان سفر کرده بود، مدت یک سال نزد عموی خود به تحصیل مشغول شد و «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی را نزد او فراگرفت. وی سپس به خدمت حسینعلی شاه رسید و به هدایت مردم مامور شد. شیخ ابراهیم از پیروان سلسله‌ی نعمت‌اللهیه بود. او در لاهیجان درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «المختلف» علامه، به نام «رافع الخلاف»؛ حاشیه بر «کشاف» به نام «کاشف الغواشی»؛ رساله‌ای در توضیح «کتاب اقلیدس»؛ «القصائد الغراء»، در مدح آل‌عباء (ع)؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹ -۸ /۱)، اعیان الشیعه (۱۸۱/۲)، تذکره المعاصرین (۲۴۶ -۲۴۵، ۱۱۶ -۱۱۳)، الذریعه (۲۳۹، ۸۶/۱۷، ۶۰/۱۰، ۳۹۹/۹)، ریاض العارفین (۲۶۱ -۲۶۰)، ریحانه (۳۵۷ -۳۵۶ /۲)، طرائق الحقائق (۲۲۳/۳)، لغت نامه (ذیل/ زاهد)، معجم المؤلفین (۵۳/۱)، مکارم الآثار (۷۵۰/۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۸).

زاهد، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب‌اللّه داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین قمی سبط مرحوم محقق قمی صاحب (قوانین‌الاصول) از علماء قم مقیم شاهی بودند.
و آن مرحوم به زهد و تقوا و قدس و ورع و فضل و دانش موصوف و معروف بودند تولد ایشان در قم واقع و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگرن استفاده نموده.
و پس از پایان مراتب علمی و عملی در شاهی اقامت و به اقامه جماعت و خدمات دیگر دینی اشتغال تا در شب چهارم ماه ربیع‌الثانی ۱۳۷۴ ق وفات و جنازه‌اش حمل به قم و در قبرستان شیخان در نزدیکی قبر میرزاء قمی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زاهدی، ملامحمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ملا محمود زاهدی از وعاظ برجسته و توانمند قم بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی همسر و فرزندان : محمود زاهدی (ره) پنج پسر داشت. سه نفر از آنها که اهل علم و روحانی بودند، عبارتند از:- ۱آقا حسین زاهدی؛ که دانشمندی خوش حافظه و قریب الاجتهاد بود و در جوانی دار دنیا را وداع گفت. مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری که از استادانش بود، در تشییع جنازه او گریه می‌کرد. سرانجام جنازه وی را در قبرستان شیخان، نزدیک مرقد مطهّر زکریا بن آدم و در ناحیه شرقی

آن، به خاک سپردند.- ۲آقا مصطفی زاهدی(ره)؛ به زبان فرانسه تسلط کامل داشت.- ۳حضرت آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی که شرح زندگی اش را در این مقاله می‌خوانیم. او وصیت کرد که پیکرش را در قبر برادرش آقا حسین دفن کنند و به این وصیت عمل شدوقایع میانسالی : محمود زاهدی در این باره خود می گوید: «در کتابخانه‌ام، بی خبر نشسته بودم که خبر آوردند، مردم شما را برای نمایندگی و وکالت مجلس شورا برگزیده‌اند.» او با اجازه مراجع تقلید آن عصر، روانه مجلس شد و در دفاع از حق، عدالت و حریم تشیّع علوی به خوبی از عهده این مسؤولیّت مهم برآمده؛ ولی به خاطر دفاع از حق، استعفا داد و مجلس را ترک کرد.زمان و علت فوت : محمود زاهدی سرانجام در ۸۷سالگی، در سال ۱۳۵۱ه. ق هنگامی که فرزندش آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی حدود ۴۱سال داشت، رخت از جهان بربست. مردم به صورتی کم نظیر، جنازه‌اش را به حرم مطهّر حضرت معصومه(س)آوردند و پس از طواف، در صحن عتیق، مقابل بقعه محمد شاه به خاک سپردند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن سلوک و مقبولیّت عمومی ملامحمود موجب شد قمی‌ها او را به عنوان نماینده شان در مجلس شورای ملی در دوره دوم مشروطیّت، برگزیدند و جالب اینکه وی از این امر خبر نداشت و مردم به طور خودجوش، متوجّه او شدند و چنین تصمیم گرفتند که محمود زاهدی را که – بیان شیوا و رسا در دفاع از حق و عدالت داشت و درد آشنا و دلسوز مردم بود. – به مجلس بفرستند. وی در یک قسمت از مسجد امام، اقامه نماز جماعت می کرد و مرحوم آیت الله العظمی شیخ ابوالقاسم قمی(ره) در قسمت دیگر نماز می‌خواند. یک روز پس از نماز ظهر، دید مردم در نماز جماعت او بیشتر از مأمومین آیت الله شیخ ابوالقاسم قمی(ره) شرکت کرده‌اند، برخاست و به مردم گفت: «به من اقتدا نکنید، به آیت الله العظمی حاج شیخ ابوالقاسم قمی اقتدا کنید.» آنگاه صحنه را برای توجه بیشتر به مقام مرجعیت و تقوای آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی، ترک کرد. به این ترتیب با نفس خود مبارزه کرد و تجلیل از عالم ربّانی زمان آیت الله العظمی شیخ ابوالقاسم قمی را آشکار ساخت.در زمان ناصرالدین شاه بین ظلّ السلطان، حاکم اصفهان و آیت الله آقا نجفی، مرجع تقلید آن عصر که در اصفهان می‌زیست، رابطه خوبی برقرار نبود. آیت الله حاج ملّا محمود، (پدر آیت الله العظمی حاج میرزا ابوالفضل زاهدی) به اصفهان رفت و با سخنرانی‌ها و ظرافت‌های خاصی، کار را به جایی رساند که در خانه ظلّ السلطان برای آیت الله آقا نجفی(ره) دعا کرد و همین امر برای واعظان دیگر نیز سنّت شد و موجبات افزایش قدرت و شوکت آیت الله آقای نجفی و تضعیف دستگاه ظلّ السلطان را فراهم ساخت.فعالیتهای آموزشی : محمود زاهدی ، مجتهد بود، مجتهدی که منبر می‌رفت با وعظ و خطابه پرمحتوا و شیوا، عام و خاص را بهره‌مند می کرد. علمی صحبت می کرد. از ویژگی‌های او در منبر، «شجاعت خوانی» بود. او با این شیوه، شجاعت خاندان رسالت، از جمله امام حسین(ع)و حضرت عباس(ع)و امام سجّاد(ع)را بازگو می کرد و مردم سییل آسا به پای منبر او می‌آمدند تا شجاعت خاندان رسالت را از زبان او بشنوند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علت منبری شدن محمود زاهدی ، این بود که در آن عصر در مجلسی که علما و مراجع قم حاضر بودند، یک روز منبری نیامده بود؛ از ایشان می‌خواهند که به منبر برود. وقتی تسلّط ایشان را بر مباحث و مطالب دینی با استدلال و تمسّک به آیات و روایات مشاهده کردند، برای جلوگیری از رونق کار افراد ضعیف و کم اطلاع، ایشان را تشویق کردند تا در مکان‌های حساس و پر جمعیت به منبر برود، به این ترتیب او واعظ معروف شهر شد.آرا و گرایشهای خاص : محمود زاهدی ، از وعاظ و شخصیتهای برجسته و توانمند قم بود و همه مردم، خاص و عام، از گفتار متین و پرمحتوایش استفاده می کردند. او به ویژه از ذوقی سلیم و طبعی سرشار از استعداد و خلّاقیت برخوردار بود. و قصاید و اشعار پرمحتوا و روانی در مدح و سوگ خاندان رسالت می‌سرود. آیت الله حاج ملّا محمود، مردی غیور، ملّا و صاحب نفوذ بود. سخن درباره حافظه، استعداد، اطلاعات وسیع در علوم مختلف، توانمندی و کفایت در امور اجتماعی و سیاسی ایشان بسیار استچگونگی عرضه آثار : محمود زاهدی چهار جلد کتاب در مواعظ و مطالب سودمند بر جای ماند که با شیوه‌ای زیبا، متنی روان، سلیقه‌ای خوب و نتیجه گیری‌های ارزشمند، تدوین شده است. همچنین در اواخر عمر، کتابی در فضیلت صلوات تألیف کرد.آیت الله آقای حاج ملّا محمود(ره) ادیب زبردست بود و در سرودن شعرهای متین و پرمحتوا تسلّط فراوان داشت. وقتی به مکه رفت، وضع ایرانیان را در جدّه، نامناسب دید، ضعف و ناتوانی سفیر ایران در جده را مشاهده کرد. لذا به انتقاد از او پرداخت. زمانی که به ایران بازگشت، قصیده‌ای غرّا پیرامون سفرش به حج، نامناسب بودن وضع ایرانیان در جده و انتقاد از سفیر ایران، سرود. این قصیده بین مردم گسترش یافت و سرانجام به گوش ناصرالدین شاه رسید. شاه از انتقاد به سفیر خود ناراحت شد و از ایشان خواست تا اشعارش را منتشر نکند

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم./ بخش زندگینامه علماwww.hawzah.net

زجاجی گرگانی، ابوالقاسم یوسف

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۵ –۳۵۲ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و محدث. اصل وی از همدان و ساکن گرگان و استرآباد بود. به واسطه‌ی پیشه‌ی آبگینه‌سازی و فروش آن به زجاجی معروف شد. از ابواحمد غطریفی و ابواسحاق بصری و دیگران حدیث استماع کرد. از آثار وی: شرح «الفصیح» ثعلب کوفی، در لغت؛ «عمده الکتاب»، در فقه؛ «عمده البیان»؛ کتاب «خلق الانسان»؛ کتاب «خلق الفرس»، که گروهی آن را تصنیف کرده و زجاجی نیز از آن جمله است؛ کتاب «اشتقاق الاسماء»؛ «الریاحین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۶/۹)، روضات الجنات (۱۷۱/۱)، ریحانه (۳۷۰/۲)، کشف الظنون (۱۳۹۱ ،۱۲۷۲ ،۱۱۷۱ ،۷۲۳ ،۷۲۲)، لغت نامه (ذیل/ زجاجی)، معجم الادباء (۶۱/۲۰)، معجم المؤلفین (۳۱۲/۱۳)، هدیه العارفین (۵۵۰/۲).

زجاجی نهاوندی، عبدالرحمان

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۰ –۳۳۷ ق)، ادیب، نحوی. در نهاوند به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابراهیم بن محمد زجاج، نفطویه، اخفش صغیر، محمد یزیدی و ابوبکر بن درید کسب دانش کرد و در طبریه درگذشت. از آثار وی: «الجمل الکبیر کبری»؛ «الایضاح الکافی»؛ «الامالی»؛ «شرح الالف و اللام للمازنی»؛ کتاب «اللامات یا اللامیات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۹/۴)، روضات الجنات (۲۸ – ۲۷ /۵)، ریحانه (۳۶۹/۲)، سیر النبلاء (۴۷۶ –۴۷۵ /۱۵)، الکامل (۳۳۷/۶)، کشف الظنون (۱۵۳۵، ۱۳۹۶، ۹۴۷، ۶۰۳، ۲۱۰، ۴۸)، الکنی و الالقاب (۲۹۶ –۲۹۵ /۲)، لغت نامه (ذیل/ عبدالرحمان)، معجم المؤلفین (۱۲۴/۵)، وفیات الاعیان (۱۳۶/۳).

زجاجی، عبدالرحمن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمن نحوی (ف. ۳۳۷ ه.ق./ ۹۴۹ م.) وی در نهاوند متولد شد و نزد زجاج در بغداد تعلیم گرفت و بدو منسوب گردید. در دمشق و ایله تدریس کرد. او راست: کتاب «الجمل» در نحو که آن را در مکه تألیف کرد و نسخه آن در برلین است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زرآبادی، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلیل حسینی فرزند عالم جلیل سید موسی فرزند سید علی فرزند سید مهدی فرزند میر بزرگ ابن میر بابا بن میر فاضل که منسوب و منتهی به جناب زید شهید فرزند امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌شود. در یازدهم ذیقعده الحرام ۱۳۳۱ قمری در شهر قزوین سالروز میلاد مسعود حضرت رضا علیه‌السلام به دنیا آمده و در بیت علم و ورع پروش یافته و در حجر و دامن مادر موسویه با فضیلت دختر عالم متقی حاج سید احمد تنکابنی تربیت شده و مقدمات و ادبیات را در خدمت والد ماجدش خوانده و پس از رحلت آن بزرگوار در تحت سرپرستی و ارشاد مجسمه تقوا و ورع عالم زاهد مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر الهیان که از نوادر عصر در محیط قزوین بودند و تربیت روحی و معنوی قرار گرفته و در همان ایام نیز از انفاس قدسیه و رهنمودهائی دائی بزرگش استاد اخلاقش مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی صاحب بیان لقرآن بهره‌مند گردیده و سطوح را در قزوین در خدمت آیات عظام حاج سید ابوالحسن رفیعی و حاج آقا سید هبه‌اللّه کلانتری و حاج سیدمحمد تنکابنی به پایان رسانیده و در سال ۱۳۶۷ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر و دروس اعلام قم چون مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آقا سید محمد حجت و حاج سید محمدتقی خونساری و حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی استفاده کرده و از درس و بحث اصول امام خمینی (ره) مدت ۸ سال حداکثر استفاده را نموده و همینطور مدت هفت سال از اسفار و تفسیر علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان مستفیض شده تا سال ۱۳۷۷ قمری که با مرحوم آیت‌اللّه بروجردی مدت سه سال در آستانه اشرفیه لاهیجان اقامت و سرپرستی حوزه علمیه آن سامان و مراجعات حومه را به عهده داشته و در سال ۱۳۸۰ قمری به قزوین مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اسلام اشتغال دارند. دارای اجازات عدیده اجتهاد و روایتی از آیات گذشته و حاضرین می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زردی، ابوعمرو احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۸ ق)، ادیب و لغوی. وی اهل زرد یکی از روستاهای اسفراین بود که در فن بلاغت و معرفت اصول و ادب سرآمد اقران روزگار خویش بود. وی از ابوعوانه اسفراینی حدیث شنید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (۱۵۲)، رواضت الجنات (۲۴۲ –۲۴۰ /۱)، ریحانه (۳۷۲/۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد).

زرگریان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، روزنامه‌نگار. وی مدیر روزنامه «ندای اکباتان» بود. مدتی در تهران با انتشار روزنامه‌ای به نام «بوعلی» به فعالیت اجتماعی پرداخت و مدت پانزده سال در همدان به خدمت مطبوعاتی و نشر مقالات خود و طبع کتابهای علمی و ادبی و شرح حال بزرگان و شاعران و نویسندگان و احیای سخنوران همدان اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۶۸/۲).

زروندنی رحمانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد زروندی رحمانی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۶ در روستای زروند از بخش طاغون کوه نیشابور در خانواده ای مذهبی متولد شدم . در طول سه سال تحصیلی موفق شدم تا کلاس پنجم ابتدائی را با نمره های خوب به پایان برسانم . سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیه گلشن در نیشابور رفته ، امثله و شرح آنرا ظرف مدت هفت- هشت روز تمام کردم . بعد از نه ماه وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه ای بنام مدرسه آقای موسوی نژاد که از بهترین مدارس دارای برنامه مشهد بود ، پذیرفته شدم . اولین استاد بنده در همان روستای خودمان جناب آقای شیخ قاسم شور گشتی بود .

دروس مقدماتی و بخشی از دروس سطح را در مشهد خواندم از جمله بخش اول رسائل را خدمت استاد عزیز مرحوم شهید هاشمی نژاد تلمذ نمودم و مکاسب محرمه را خدمت مقام معظم رهبری خواندم .

سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم . سال ۵۶-۵۵ بود که در مدرسه خان مستقر شدم و از اساتید متعددی استفاده کردم ؛ بخشی از مکاسب را نزد آیت الله صانعی خواندم و بخش باقیمانده رسائل را خدمت آقای اعتمادی گذراندم . کفایه را نیز نزد حضرات آیات فاضل ، سلطانی ، سبحانی و مظاهری تلمذ نمودم . در تفسیر، درس آیت الله خزعلی و آیت الله مشکینی شرکت کردم .اما اساتیدی که درس خارج را خدمتشان تلمذ کردم عبارتند از : آیات عظام وحید خراسانی (حدود بیست و دو- سه سال خارج فقه و اصول) ، شیخ جواد تبریزی (هفت- هشت سال خارج فقه) ، میرزا هاشم لاریجانی (مدت کوتاهی خارج اصول) و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی .دروس فلسفه (منظومه ، نهایه الحکمه ، اسفار ، فصوص الحکم و اشارات) را نزد حضرات آیات محمدی گیلانی ، حاج شیخ یحیی انصاری دارابی ، مصباح یزدی ، جوادی آملی و حسن زاده آملی خواندم .

از الطاف الهی این بوده که این توفیق را داشته ام و از همان سالهای اولی که وارد حوزه علمیه مشهد شدم ، تدریس را شروع کردم و تا کنون علاوه بر دروس مقدمات ، دروس سطح از جمله رسائل ، مکاسب ، کفایه ، بدایه و نهایه را سالهای سال تدریس کرده ام . در حال حاضر علاوه بر چندین جلد کتاب (که در دست چاپ می باشد) ، افزون بر نود و پنج مقاله در مجله تخصصی فقه و مجلات دیگر از بنده چاپ شده است .

زریاب خویی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در خوی متولد شد. پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه به قم رفت و از محضر علمای آن دیار از جمله شیخ صادق فراحی، محقق داماد، سید احمد خسروشاهی، امام خمینی، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری و سید محمد حجت کوه کمره‌ای بهره جست. سپس وارد دانشکده‌ی الهیات شد و پس از دریافت درجه‌ی لیسانس به آلمان رفت و از دانشگاه ماینس در رشته‌ی تاریخ دکترا گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و در ۱۳۴۱ ش به دعوت پروفسور هنینگ به آمریکا رفت و در دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) به تدریس پرداخت. پس از دو سال به ایران آمد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر زریاب مورخ، محقق و مترجمی جامع‌الاطراف بود و بویژه در معارف ایران و اسلام و فلسفه و تاریخ و ادبیات عرب و زبان شناسی صاحب نظری متبحر بود و به سبب تسلط به زبانهای عربی، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی به منابع دست اول دسترسی داشت. زریاب در بسیاری از مجامع علمی ایرانی مثل: انجمن فلسفه، بنیاد فرهنگ، فرهنگستان تاریخ و بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی عضو بوده و با بنیادهای دایرةالمعارف نویسی همکاری داشت و مقالات بسیاری برای آنها و مجلات ادبی گوناگون می‌نوشت. وی همچنین در مجامع بین‌المللی از جمله: انجمن بین‌المللی شرق شناسی در آلمان و انجمن

بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان عضو بود. در تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «آیینه‌ی جام»؛ «تاریخ ساسانیان»؛ «بزم آوزد»؛ تحریر «روضه الصفا» و ترجمه‌های: «تاریخ فلسفه» ویل دورانت؛ «لذات فلسفه»، ویل دورانت؛ «تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان»؛ تئودور نولدکه؛ «ظهور تاریخ بنیادی»، نوشته‌ی فردریش مانیکه؛ «دریای جان» نوشته‌ی ریتر.[۱]

مترجم، استاد، نویسنده، محقق.

تولد: ۲۲ تیر ۱۲۹۸، خوی.

درگذشت: ۱۴ بهمن ۱۳۷۳.

عباس زریاب‌خویی، فرزند علی، تحصیلات مقدماتی علوم جدید و قدیم را در شهر خویی به پایان رساند و برای ادامه‌ی تحصیل در سال ۱۳۱۶ بـه شـهر قـم عزیمـت نمـود و سال‌هـا از محضـر اساتیـدی چـون حضـرت امـام خمینی (ره)، آیت‌الله سـید محمـد بهجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی استفاده نمود.

دکتر زریاب‌خویی بعد از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد برای تکمیل تحصیلات خویش وارد دانشگاه الهیات شد و پس از اخذ درجه‌ی لیسـانس، به آلمـان رفت و در رشـته‌ی تاریـخ و فلسـفه از دانشـگاه «مـاینز» به اخـذ درجه‌ی دکـتری نایـل آمـد. همچنین به فراخوان دانشگاه «برکلی» آمریکا پاسخ مثبت داد و مدتی به همکاری با کارشناسان زبان‌های ایرانی و زبان فولکوریک پرداخت.

دکتر عباس زریاب‌خویی پیش از انقلاب اسـتاد رشـته‌ی تاریخ و رییس گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و ترکی عثمانی و اسلامبولی آگاه بود. وی سال‌های متمادی در دانشگاه‌های مختلـف بـه تـدریس اشـتغال داشت و مـدتی نیز بـا دائرهٔالمعـارف بزرگ اسـلامی و دائرهٔالمعـارف مصـاحب و بنیـاد دائرهٔالمعـارف همکاری داشت و مقالاتی را به رشـته‌ی تحریر درآورد. آثار مهم ایشان عبارتند از: ترجمه‌ی فلسفه (ویل دورانت، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی لـذات فلسـفه (ویـل دورانت)؛ ترجمه‌ی تاریـخ ساسانیـان (نولـد که)؛ تـألیف بزم آورد؛ تـألیف آئینه جـام؛ تحقیق و تصـحیح کتـاب الصیدنه فی الطب اثر ابوریحان بیرونی (این کتاب در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب شد)؛ تألیف تاریخ بنیادی؛ آیینه جام (شرح مشکلات دیوان حافظ؛ این کتاب در سال ۱۳۶۹ عنوان کتاب برگزیده‌ی سال را از آن خود ساخت)؛ سیره‌ی رسول اکرم (ص)؛ تهـذیب و تلخیص روضهٔالصفا. کتاب‌هـایی که اسـتاد در حـال نشـر داشت، عبـارت بودنـد از ترجمه‌ی دریـای جان اثر هلموت ریتر و ترجمه‌ی کتابی که قرار بود به مناسبت کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری منتشر شود.

پیکر دکتر زریاب‌خویی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کلک (ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۹۲ -۲۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴/۳)، یکی قطره باران (۱۴ -۱).

زریاب، ابوالحسن علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۰ ق)، موسیقیدان، نوازنده، ادیب و شاعر. ملقب به زریاب و معروف به بصری. از موسیقیدانان بنام ایرانی بود که محل تولد وی را برخی شـهر ری دانسـته‌اند. او هنر موسـیقی را در بغـداد از اسـحاق موصـلی فراگرفت و در این هنر مهارت یافت. شـهرتش تا بدانجا رسـید که به دربار خلیفه هارون‌الرشـید راه یافت و به واسـطه‌ی وسعت اطلاعات علمی و ادبی و مهارت در فن موسیقی مورد توجه قرار گرفت و رقیب اسـحاق موصلی شد. از این رو اسحاق او را وادار کرد که از بغداد رخت بربندد، زریاب هم ابتدا به سوریه و مصـر و سـپس به انـدلس رفت و حکم بن هشام، امیر اندلس، از وی اسـتقبال نمود. او مدرسه‌ی بزرگی برای تعلیم و توسـعه‌ی فن موسـیقی مشـرق زمین در اندلس دایر کرد و دامنه‌ی فعالیت خود را گسترش داد. زریاب در نواختن عود و در سبک و شیوه‌ی آواز تصـرفاتی کرد که باعث سـهولت یادگیری شاگردان شـد. وی در قرطبه درگذشت. همانطور که مکتب ابراهیم موصـلی و فرزندش، اسحاق، و خاندان موصلی در بغداد مشهور بود، مکتب او نیز در اسپانیا شهرت فراوان یافت و منشا اثر در کشورهای ساحلی آفریقا و نیز در موسیقی اروپا شد. زریاب از ادب نیز بهره‌ی وافی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۰/۵)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۶۱۴، ۵۷۲)، تاریخ موسیقی (۱۲۶ -۱۲۳، ۱۱۶ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۱۹/۲)، لغت نامه (ذیل/ زریاب).

زرین قلم مشهدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. وی در مشـهد متولد شد. تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه را در همان شـهر به اتمام رسانید و بعد به تهران آمد و همکاری‌اش را با جراید آغاز کرد. روزنامه‌ی سـیمای «مرزبان» و روزنامه‌ی فکاهی «حاجی مراد» را منتشـر کرد. وی عضو رسـمی انجمن ادبی فرهنگستان است و انجمن خراسان را در تهران بنیان نهاد. از آثار اوست: «تبهکاران»؛ «سرزمین بحرین از ادوار باستان تا امروز»؛ «فجایع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۵۶ –۲۵۵ /۴).

زرین کوب، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیـد زرین کوب ، در اول فروردین ماه سال ۱۳۱۵ ، در بروجرد زاده شـد. تحصـیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان آورد و سپس وارد دانشسـرای مقدماتی در تهران شد. پس از اخذ دیپلم ، به کار معلمی در شـهر بروجرد پرداخت(۱۳۳۴) . بعد از آن برای ادامه تحصـیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ در رشـته ادبیات فارسی موفق به دریافت مدرک لیسانس شد. پس از دریافت مدرک لیسانس در دبیرسـتانهای این شـهر مشغول به کار شد. پس از آن او تحصیلات خود را دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه داد. وی تا سال ۱۳۴۸ فوق لیسانس خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت داشت و تحصیلات دوره دکتری را نیز به پایـان برد. حمیـد زرین کوب . او که برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نموده بود ، در جهت دانش انـدوزی هیچگاه از تلاش بـاز نایسـتد و تـا مرحله دکتری به تحصـیلات خود ادامه داد. پس از آن در سـال ۱۳۴۹ به اسـتخدام دانشگاه مشهد درآمد و تا سال ۱۳۵۶ در این دانشگاه به افـاضه پرداخت ؛ از آن پس به دانشگاه تهران منتقـل گردیـد و تـا پایـان عمر در دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشـگاه به تدریس و تحقیق اشـتغال داشت. استاد حمید زرین کوب در شباهنگام بیست و پنجم مردادماه ۱۳۶۶ چشم از جهان فروبست و به سوی سرای جاوید رخت بر بست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : حمید زرین کوب تحصیلات مقدماتی را در بروجرد به پایان آورد و سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. بعد از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ در رشته ادبیات فارسی موفق به دریافت مدرک لیسانس شد. پس از آن او تحصیلات خود را دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه داد. وی تا سال ۱۳۴۸ فوق لیسانس خود را در رشـته ادبیـات فارسـی از دانشگاه تهران دریـافت داشت و تحصـیلات دوره دکتری را نیز به پایان برد. زرین کوب در سال ۱۳۵۲ از رسـاله دکتری خود با عنوان « بررسـی و نقـد فنی و تاریخی در باب صـنایع بـدیعی ـ با توجه به سـیر تکاملی تشبیه در شـعر فارسـی ـ رودکی تا ازرقی » با موفقیت دفاع کرد.

همسر و فرزندان : حمید زرین کوب در سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد.

زمان و علت فوت : حمیـد زرین کوب در شـباهنگام بیست و پنجم مردادماه ۱۳۶۶ چشم از جهان فروبست و به سوی سـرای جاوید رخت بر بست.

فعالیتهای آموزشـی : حمید زرین کوب پس از دیپلم ، به کار معلمی در شهر بروجرد پرداخت(۱۳۳۴) . او که برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نمـوده بود ، پس از دریـافت مـدرک لیسـانس در دبیرسـتانهای این شـهر مشـغول به کـار شـد. اسـتاد در جهت دانش انـدوزی هیچگاه از تلاش باز نایسـتد و تا مرحله دکتری به تحصیلات خود ادامه داد. پس از آن در سال ۱۳۴۹ به استخدام دانشگاه مشـهد درآمـد و تا سال ۱۳۵۶ در این دانشگاه به افاضه پرداخت و از آن پس به دانشـگاه تهران منتقـل گردیـد و تـا پایـان عمر در دانشـکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. وی در سال ۱۳۴۶ به دریافت مرتبه « دانشیاری » از دانشگاه تهران نائل گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از جمله فعالیت های دیگر حمید زرین کوب سـرپرستی و سـردبیری مجله ادبیات دانشگاه مشهد بودکه از نمونه هـای آن ، انتشار « مجموعه سـخنرانی های دومین کنگره تحقیقات ایرانی » (جلـد اول ۱۳۵۱ ، جلد دوم ۱۳۵۲) و « مجموعه سـخنرانی های اولین و دومین هفته فردوسی » (۱۳۵۳) را می توان نام برد. دو سال پس از اخـذ مدرک دکتری ، اسـتاد به همراه تعدادی دیگر از اسـتادان دانشگاه مشـهد ، از طرف این دانشگاه برای انجام یک دوره علمی و مطالعاتی به آمریکا سفر کرد. حمیـد زرین کوب در طی سـال هـا مطـالعه ، تحقیقو تـدریس ، به تـالیف و تصـحیح پرداخت و در کتب و مقالاتش ، دیـدگاه ها و نظریات خود را به دوستداران ادب فارسی عرضه نمود.

آرا و گرایشـهای خاص : حمید زرین کوب بر بیشتر مباحث ادبی تسـلط و آگاهی کامل داشت. او همچنانکه در علم بدیع و بلاغت غور می نمود ، در شـناخت ادبیات معاصر ایران یک صاحبنظر بود؛ و همانطور که در تاریخ ادبیات و سبک شناسی تبحر داشت ، به مباحث زیبا شناسـی ، نقد ادبی و داسـتان نویسـی نیز مشتاقانه مشـغول بود. نیز آشـنایی کامل او با زبان های عربی و انگلیسـی ، این امکـان را برای او فراهم می ساخت تا با نظریات و انـدیشه های متفکران و نویسـندگان بزرگ ، به طور مسـتقیم آشـنا شود و روز به روز بر غنای علمی خود بیفزاید. تسـلط او بر ظرایف و رموز زبان فارسـی ، به اضافه قریحه ادبی و آشـنایی با زبان های بیگانه ، او را آماده می ساخت تا بتواند به عنوان یک مترجم نمونه ، خود را به جامعه علمی و ادبی ایران معرفی کند؛ چیزی که هیچگاه مجال آن نیافت. ---

آثار :

۱ تصحیح دیوان مجمر اصفهانی

۲ چشم انداز شعر نو فارسی (مقدمه ای بر شعر نو ، مسایل و چهرهای آن)

ویژگی اثر : این کتـاب در واقع بحثی است درباره شـعر امروز فارسـی ، خاصه از جهت محتوایی و بنیان های فکری شاعران ایران از مشـروطیت تا عصـر حاضـر. گذشـته از این ، نویسـنده از عوامل دیگر شعری مانند وزن و قالب و صورت های خیال انگیز شاعرانه و

ارزش و اعتبار آنها در شعر هر یک از شاعران سخن به میان می آورد و خاصه کوشش می کند شعر را از دیدگاه خود شاعران نیز مورد بررسی قرار دهد.

۳ فرهنگ اصطلاحات نقد و بلاغت

۴ قلندر نامه خطیب فارسی یا سیرت جمال الدین ساوجی

ویژگی اثر : این کتاب با تصحیح و توضیح و تعلیقات دکتر زرین کوب به چاپ رسید ، منظومه ای مربوط به قرن هشتم هجری است که شامل ۱۷۷۰ بیت می شود. این مثنوی در باب زندگی سیدجمال الدین ساوجی مجرد و دیگر پیران معروف قلندر است. این کتاب از جهت روایاتی که در آن راجع به قلندران و قلندریه ـ مخصوصاً در باب سیدجمال الدین ساوجی و برخی یاران او ـ آمده است. با مطالعه این کتاب با آداب و سنت های قلندریه و عقاید و شیوه زندگی آنها آشنا می شویم.

۵ نقد ادبی

ویژگی اثر : دکتر زرین کوب این کتاب را برای وزارت آموزش و پرورش تالیف نمود ؛ چندین سال جزو برنامه درسی سال چهارم متوسطه در رشته فرهنگ وادب تدریس می شد ، اما ظاهراً به دلیل دشوار بودن فهم برخی مباحث آن برای دانش آموزان ، پس از چندی از برنامه درسی حذف گردید. این کتاب مدتی است که از طرف دانشگاه پیام نور به عنوان کتاب درسی تعیین و تجدید چاپ شده است. --
-

منابع :

۱ماهنامه کلک ، شماره ۵۳ ، مرداد ۱۳۷۳ ،ص ۲۴۰

زرین کوب، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در بروجرد دیده به جهان گشود . دکتر زرین کوب تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان برد .سپس در کنار تحصیل در دوره متوسطه به تشویق و ترغیب پدر که مردی متشرع و دیندار بود ،اوقات فراغت را صرف فراگیری علوم دینی و حوزه ای نمود ،و ضمن تحصیل فقه و تفسیر و ادبیات عرب،به شعر عربی هم علاقمند شد .گرچه تا پایان سال پنجم متوسطه در رشته علمی تحصیل می کرد با این حال کمتر کتاب تاریخ و فلسفه و ادبیاتی بود که به زبان فارسی منتشر شده باشد ،واو آن را در مطالعه نگرفته باشد .به دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر برای ادامه تحصیل به تهران رفت. اما این رشته ادبی را برگزید و در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد،و با وجود آنکه کتابهای سالهای چهارم و پنجم متوسطه ادبی را قبلا نخوانده بود در میان دانش آموزان رشته ادبی سراسر کشور ،رتبه دوم را به دست آورد.با بازگشایی مجدد دانشگاهها در سال ۱۳۲۰ ،دکتر عبدالحسین زرین کوب در امتحان ورودی دانشکده حقوق شرکت کرد.با آنکه پس از کسب رتبه اول ،در دانشکده ثبت نام هم کرده بود،اما به الزام پدر ،ناچار به ترک تهران شد . در همان ایام ،علی اکبر دهخدا که ریاست دانشکده حقوق را به عهده داشت ،از اینکه چنین دانشجوی فاضلی را از دست می داد ،اظهار تاسف کرده بود. سرانجام اشتیاق به تحصیل بار دیگر او ر ا به دانشگاه کشاند .در سال ۱۳۲۴ ،پس از آنکه در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول ،و دانشکده ادبیات حایز رتبه اول شده بود ،وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. به هر تقدیر ،عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۲۷ به عنوان دانشجوی رتبه اول از دانشگاه فارغ التحصیل شد،و سال بعد وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران گردید و درسال ۱۳۳۴ از رساله دکتری خود با عنوان (نقد الشعر ،تاریخ و اصول آن) که زیر نظر بدیع الزمان فروزانفر تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد .

دکتر زرین کوب در سال ۱۳۳۰ درکنار عده ایی از فضلای عصر همچون عباس اقبال آشتیانی ،سعید نفیسی ،محمد معین،پرویزناتل خانلری ،غلامحسین صدیقی و عباس زریاب ،برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایره المعارف اسلام (E1)طبع هلند،دعوت شد .

دکتر زرین کوب در ایام تحصیل در تهران ،چندی نزد حاج شیخ ابوالحسن شعرانی به پرداخت و با مباحث حکمت و فلسفه ،آشنایی بیشتر یافت .از همان روزگار با فلسفه های معاصر غربی نیز آشنا شد و بعد به مطالعه در باب تصوف نیز علاقمند گردید. استاد که از قبل با زبانهای عربی ،فرانسوی و انگلیسی آشنا شده بود در سالهای جنگ دوم جهانی ،با کمک بعضی از صاحب منصبان ایتالیایی و آلمانی که در آن ایام در ایران به سرمی بردند،به آموزش این دوزبان پراخت .در سال ۱۳۲۳ نخستین کتاب او به نام (فلسفه ،شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری درایران) در بروجرد منتشر شد ،در حالی که در این هنگام ،حدود چهار سال یا کمی بیشتر از تاریخ تالیف کتاب می گذشت .

دکتر زرین کوب پس از آنکه به الزام پدر دانشکده حقوق را ترک گفت ،به زادگاه خود بازگشت ،و در خرم آباد و بعددر بروجرد به کار معلمی پرداخت ،کاری که به تدریج علاقه جدی بدان پیدا کرد .در دوران معلمی ،از تاریخ و جغرافیا وادبیات فارسی گرفته تا عربی و فلسفه و زبان خارجی و حتی ریاضی و فیزیک و علم الهیات ،همه را تدریس کرد .دکتر زرین کوب پس از اخذ درجه دکترا ،از سوی استاد فروزانفر ،برای تدریس دردانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال ۱۳۳۵ با رتبه دانشیاری ،کار خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام ،تاریخ ادیان ،تاریخ کلام و مجادلات فرق ،تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم پرداخت .پس از دریافت رتبه استادی دانشگاه تهران (۱۳۳۹ ش) دکتر زرین کوب چندی نیز در دانشسرای

عالی تهران ،ودوره دکترا ادبیات فارسی دانشگاه تهران و در دانشکده هنرهای درماتیک به افاضه پرداخت.در سالهای ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹ در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاههای کا لیفرنیا و پرنیستون به تدریس علوم انسانی دانشگاه تهران انتقال یافت و در دو گروه تاریخ و ادبیات مشغول به کار شد .

دکتر زرین کوب در ۲۴شهریور ۱۳۷۸ به دلیل بیماریهای قلب و چشم و پروستات در گذشت. آثار دکتر عبدالحسین زرین کوب ۱-دو قرن سکوت/ ۲-تاریخ مردم ایران پیش از اسلام/ ۳-تاریخ مردم ایران بعد از اسلام/ ۴-بامداد اسلام/ ۵-کارنامه اسلام/ ۶-ارزش میراث صوفیه/ ۷-پله پله تا ملاقات خدا/ ۸-سرنی /۹-با کاروان حله/ ۱۰-پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد ....

زرینچه، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد زرینچه (زاده ۱۳۴۵ تهران) بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه استقلال تهران است. جواد زرینچه مدافع ـ هافبک سرعتی و تکنیکی دههٔ هفتاد ایران بود.

او تاکنون در تیم‌های لکوموتیو، بوتان، ژاندرمری، کشاورز، استقلال، صباباتری بازی کرده و در تیم صنعت نفت آبادان و آلومینوم اراک مربی بوده‌است.زرینچه ۱۴ سال برای باشگاه فوتبال استقلال بازی کرد.

زرین‌کوب، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، استاد.

تولد: ۱ فروردین ۱۳۱۵، بروجرد.

درگذشت: ۲۵ مرداد ۱۳۶۶.

حمید زرین‌کوب تحصیلات مقدماتی را در بروجرد به پایان آورد. سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. پس از اخذ دیپلم به بروجرد بازگشت و از سال ۱۳۳۴ شغل مهمی را آغاز کرد. پس از چندی برای ادامه‌ی تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشته ادبیات فارسی شد. در بازگشت به تهران، به کار معلمی پرداخت و تا پایان عمر همچنان به تعلیم و تربیت ادامه داد. تحصیلات فوق لیسانس و دکترای ادبیات فارسی را در تهران (۱۳۴۸) به پایان رسانید و رساله‌ی دکترای خود را در باب «صنعت بدیع و سیر تکاملی تشبیه در زبان فارسی» عرضه کرد (۱۳۵۲). در سال ۱۳۵۱ از جانب دانشگاه مشهد به عنوان سردبیر مجله «دانشکده‌ی ادبیات» انتخاب گردید. در همان سال‌ها زرین‌کوب جهت تحقیق و مطالعه به آمریکا سفر کرد و در دانشگاه جرج تاون یک چند در مسائل مربوط به نقد ادبی به مطالعه پرداخت. وی بیست سال آخر عمر را به تدریس در دانشگاه تهران و در دانشگاه مشهد در تدریس تاریخ ادبیات، سبک شناسی نظم و نثر و تعلیم و تحقیق در باب ادبیات معاصر پرداخت. در سال‌های آخر عمر به علوم بلاغت علاقه‌مند شد و به تحقیق در کتاب‌های تفسیر و معانی و بیان پرداخت. وی در این زمینه مقالاتی هم تهیه کرد که ظاهرا می‌خواست آن را همراه با بحثی در باب تاریخ قرآن و بلاغت منتشر سازد ولی عمر او کفاف نداد. از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: چشم‌انداز شعر نو فارسی (شامل مقدمه‌ای بر شعر نو، تحقیقی درباره‌ی شاعران نوپرداز معاصر، ۱۳۶۲)؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات ادبی و بلاغت و بدیع (در حال نشر)؛ جلد دوم چشم‌انداز شعر معاصر (بحث درباره‌ی شاعران معاصر که به شیوه‌ی سنتی شعر می‌سروده‌اند، این کتاب برای چاپ آماده بود)؛ تحقیقات وی در باب تاریخ ادبیات و سبک شناسی نظم و نثر (آماده‌ی نشر). همچنین به درخواست وزارت آموزش و پرورش کتابی در باب نقد ادبی در سال ۱۳۷۱ (پس از فوت وی) توسط دانشگاه پیام نور به چاپ رسیده است. هنگام وفات نیز به کار تنظیم کتاب خود در باب سبک شناسی نظم و نثر فارسی قبل از عهد مغول اشتغال داشت. مقالات تحقیقی وی نیز در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» به چاپ رسیده است.

دکتر حمید زرین‌کوب به زبان عربی و متون ادبی آن آشنایی کافی داشت. از زبان انگلیسی قسمتی از کتاب ادبیات عرب تألف الکساندر گیپ را ترجه کرده بود که به سبب نشر ترجمه‌ای از آن، از ادامه‌ی کار منصرف شد.

دکتر حمید زرین‌کوب بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ززونی، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۲ ق)، نحوی. از جمله آثار وی: شرح «تلخیص المفتاح» قزوینی، در معانی و بیان؛ شرح «لب الالباب» اسفراینی، در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۵۴۵، ۴۷۴)، معجم المؤلفین (۲۸۵/۱۰)، هدیه العارفین (۱۷۴/۲).

زعیم‌الدوله تبریزی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ق)، عـالم، نویسـنده و روزنامه‌نگـار. مشـهور به رییس الحکمـاء و دکترا میرزا مهـدیخان زعیم‌الـدوله. اهل تبریز بود. از استانبول به مصر رفت و در قاهره اقامت گزید و در آن جا به انتشار روزنامه فارسی «حکمت» مبادرت کرد. کتابی به زبان فارسی در اصول و فرع ادیـان جهان نگاشت و در آن کتاب به تفصـیل در رد فرقه بابیه سـخن گفته است. وی نیز مفصـلی در رد و تاریـخ بابیه نوشـته و آن را «باب الابواب» نامیـد. سپس از آن کتاب، کتاب مختصری در تاریخ بابیه انتخاب کرد و آن را «مفتاح باب الابواب» نامیـد. سـپس از آن کتـاب، کتـاب مختصـری در تاریـخ بـابیه انتخـاب کرد و آن را «مفتـاح بـاب الابواب» نامیـد. از دیگر آثار وی: «فرهنگ مهدی»؛ «جهان‌نمای مهدی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :از صبا تا نیما (۲۵۱/۱)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۵۸۳، ۱۹۷، ۸۷)، تاریـخ جراید (۲۳۰ -۲۲۸ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۹)، شرح حال رجال (۷ -۶ /۴)، علماء معاصرین (۱۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۱ -۳۹۹ /۶).

زکریای قزوینی، عمادالدین محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زکریای قزوینی. عمادالدین محمود(ف. ۸۶۲ ه.ق.) وی در ادب و شـعر صاحب قریحه بود و به جغرافی آشـنایی و علاقه تام داشت. از تألیفات اوست: عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، آثارالبلاد و اخبارالعباد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زکی زاده زمانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا زکی زاده زمانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ در خانواده ای مذهبی در شهر رضا،شهر ستان اصفهان چشم به جهان گشودم. در سال ۱۳۶۶ تحصیلات ابتدایی را در شهر رهنان و در سال ۱۳۷۲ تحصـیلات راهنمایی را نیز در همانجا به پایان بردم. و در سال ۱۳۷۵ تحصیلات دوره متوسط را نیز در دبیرسـتان شـهید دسـتغیب رهنان به پایان رسانـدم . در سال ۱۳۷۶ دروهٔ پیش دانشـگاهی را تمـام نمودم و یـک هفته قبـل از کنکور تصـمیم بر گرایش علوم حوزوی گرفتم که البته بـا مخالفت زیاد نیز روبرو شـدم به هر حال تصـمیم قطعی را گرفته بودم و به محض دادن امتحـان کنکـور پست کردن رشـته هـا،دیگر راه حوزه را در پیش گرفتم. در سـال ۱۳۷۷ با عنایات حضـرت ولی عصر ارواحنا الفدا وارد حوزه علمیّه دار الحکمه در شهر اصفهان شدم که ازلحاظ سطح علمی مقامی والا را داشت.

در آنجـا در محضـر اساتیـد بزرگوار همچون حـاج آقـا کشـکولی،حـاج آقا یزدیانپور و آیت الله مهـدوی و حاج آقا مجیـد مهـدوی و...دروس خود را شـروع نمودم و علاوه بر آن در زمینه حفظ قرآن نیز وارد شـدم و موفق به حفظ ۱۰ جزء از قرآن شدم که البته به علّت مشـکلاتی این حفـظ را ادامه نـدادم.در همان سالها بود که از اولین دروس حوزوی دست به قلم بردم و کتابهای حوزوی را به شکلی نموداری و تلخیصـی و بعـدا شـرح و تفسیر می نوشـتم. و بـا مشورت اساتیـد بزرگ آن رشـته هـا همچون حاج آقا سـنایی و دیگران مورد تشویق قرار گرفتم. در دروان حفظ قرآن،روی به نوشتن مباحث قرآنی آوردم و کتابی به عنوان احسان به پدر مادر در آینه قرآن و روایـات را تنظیم نمودم که در زیر آن عنوان محقّق را برای خود انتخـاب نمودم که بـا خنـدهٔ بسـیار دوسـتان واطرافیـان مواجه شدم ولی به هر حال شوقی و انگیزه ای وصف ناشدنی برای نوشتن پیدا کردم.

در دومین اثر خود به نام«ظلم از دیگاه قرآن و روایات»به اصـطاح دستم بیشتر روانتر شد و موفّق شدم طی چهار ماه کتاب را به پایان رسانم و مقام اول را در کتاب برتر مرکز تحقیقات امیر المؤمنین به اسـلام بـدست آوردم. سومین اثر خود را چنین شـروع نمودم. در فکر موضوعی کـار نشـده و نایاب در حوزه،و شـبهات آن،فکر میکردم و شب معراج پیامبر صـلی الله علیه و اله را در ۳ جلد در سال ۱۳۸۱ به پایان رسانیـدم که با اسـقبال خوب اساتیـد نیز روبرو شـدم و برای انتشار آن،مطلب عربی و مباحث دیگر را حذف نمودم و آن را در یـک جلـد به نـام«معراج پیامبر صـلی الله علیه و اله»به چاپ رسانیـدم که با اسـتقبال بی نظیری مخاطبان طی چهار ماه،چاپ دوم آن نیز صورت گرفت.

در سال ۱۳۸۳ به لطف و عنایات الهی وارد حوزهٔ علمیّهٔ قم شـدم و طی چندماه اول ازذوق و شوق نمی دانسـتم چه کنم؛دریایی که فقط غوّاص ما هر وزیرک می خواهـد؛از همان روزهای نخستین وارد مرکز تحصصـی علوم حـدیث شدم و گویا آرامش خود را در این رشته؛وضوح حس می نمودم برای همین تلاشـی بی حد خود را در این رشته صرف نمودم و به لطف الهی تحقیقات خوبی در این رشـته انجام دادم که مورد تعجب و تشویق بسیار اساتید این رشته قرار گرفتم و هم اکنون نیز در این رشته مشغول به تحصیل می باشم.

زکی نیشابوری، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۹۲ -۳۱۷ ق)، محـدث و ادیب. وی از ابن بلال و محمـد بن حسـین قطـان و ابن قوهیـار و عبـداللّه بن یعقوب کرمـانی و ابوطاهر محمدآبادی و دیگران حدیث شنید. ابوعبداللّه حاکم نیشابوری و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی از وی حدیث روایت کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۳ -۵۲ /۱۷).

زلالی خوانساری، محمدحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۷ -۱۰۲۴ ق)، شاعر، متخلص به زلالی. وی در خوانسار متولد شد و همعصر شاه عباس اول صفوی و ملک‌الشعرای دربار وی بود. در غزل و قصـیده اسـتاد و شاگرد میرزا جلال اسیر بود و میرداماد و شـیخ بهایی را مدح می‌کرد. شهرت وی به سبب هفت مثنوی است که از او به جا مانده. از آثارش: «شعله‌ی دیدار»؛ «محمود و ایاز»؛ «حسن گلوسوز»؛ «آذر و سمندر»؛ «سلیمان نامه»؛ «ذره و خورشـید»؛ «می و میخـانه» مجمـوعه‌ی ایـن هفـت مثنـوی به نـام «هفت سیاره» یـا «هفت آشـوب» یـا «سـبعه‌ی سـیاره» هم خوانـده می‌شود.[۱]

(ع. منسوب به زمخشـر) جـاراللّه، ابوالقـاسم محمود بن عمر بن محمـد خوارزمی (و. زمخشـر ۴۶۷- ف. ۵۳۸ ه.ق.)، اسـتاد تفسیر و حدیث و نحو و لغت و علوم بلاغی. وی امام عصر خود و مورد احترام فضلا و علما بوده. سبب اشتهار او به جاراللّه آن است که وی مدتی مجاور کعبه بود. زمخشری معتزلی بود، و از آثار اوست: «الکشاف فی تفسیر القرآن» (ه.م.)، مقدمهٔ الادب (ه.م.)

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشـکده‌ی آذر (۱۰۵۵ -۱۰۵۱ /۳)، تاریـخ ادبیات ایران، براون (۱۶۹/۴)، تاریـخ ادبیات در ایران (۹۷۶ -۹۶۵ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۳۴ -۲۳۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۷۶/۱)، الذریعه (۱۵۹ ،۱۰۶ /۱۹ ،۴۰۴ /۹ ،۱۵ /۷)، ریحانه (۳۷۹ - ۳۷۸ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۴۱۶ -۴۱۵ /۱)، گنج سخن (۸۴ -۸۱ /۳)، لغت نامه (ذیل/ زلالی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۴/۲)، هفت اقلیم (۴۸۵ -۴۸۴ /۲).

زمان، ساعد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۳۴.

درگذشت: ۱۳۷۳.

ساعـد زمـان از زبـان فرانسوی به فارسـی ترجمه می‌کرد. بیشتر آثـارش در انتشـارات ققنوس به چـاپ رسـیده است. از آثـار اوست: بهداشت و زیبایی پوست: درمان طبیعی و گیاه درمانی بیماریهای پوستی (اثر جی. سـی. مارشینا، تهران، ۱۳۷۳)؛ بهداشت و زیبایی مـو؛ مراقبت‌هـا و درمـان طـبیعی برای مـو و پوست سـر (اثر ژان داریگـل، تهران، ۱۳۷۳)؛ بیست تست برای شـناخت خـود (میشـل و فرانسـواز گوکلن، تهران، ۱۳۷۴)؛ تـأثیر از فاصـله (پـل ژاکو، تهران، ۱۳۷۲)؛ چگـونه بر ترس و اضـطراب خـود غلبه کنیم: راهنمـای عملی برای بازیابی اعتماد به نفس و آرامش (ژرژ باربارن، تهران، ۱۳۷۴؛ پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۳ منتشـر شد)؛ چگونه بهتر بخوابیم (پیر فلوشر؛ تهران، ۱۳۷۴، پیش از این تاریـخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۱ منتشـر شـد)؛ یازده تست برای شـناخت دیگران (میشل و فرانسواز گوکلن، تهران، ۱۳۷۴)؛ چگونه حافظه برتر داشـته باشیم (روبرت تـوکه، تهران، ۱۳۷۳)؛ چگـونه خـود را بـا غـذا درمـان کنیم- راهنمـای عملی رژیم غـدایی خانوادههـا (ایـوجی. شـارل و ژان لوک داریگـل، تهران، ۱۳۷۴، پیش از این تاریـخ، این کتـاب تحت عنـوان مشـابهی در سـال ۱۳۷۱ منتشـر شد)؛ در انتظار کودکی هسـتم (لـورانس پرنو، تهران، ۱۳۷۳ ،۱۳۷۰)؛ درمـان خجـالت در سه هفته (ژان شـارتیه، ۱۳۷۳ :،۱۳۷۱)؛ درمـان طبیعی بیماریهی تنفسی

(آندره پاسبک، تهران ۱۳۷۴ ،۱۳۷۲)؛ درمان طبیعی بیماریهای چشمی (آندره پاسبک، تهران، ۱۳۷۳)؛ درمان طبیعی بیماریهای گردش خون (آندره پاسبک، تهران، ۱۳۷۴ –۱۳۶۸)؛ درمان طبیعی بیماریهای گوارشی (آندره پاسبک، تهران، ۱۳۷۴ ،۱۳۷۲)؛ درمان طبیعی یبوست (ژان لوک داریگل، تهران، ۱۳۶۹)؛ رنگها: برای سلامتی شما؛ روش عملی رنگ درمانی با استفاده از خواص درمانی رنگها (ژرارداد، تهران، ۱۳۶۹)؛ فلزات: برای سلامتی شما؛ استفاده از خواص فیزیکی؛ شیمیایی و مغناطیسی فلزات نظیر دستبندهای مسی و هومئوپاتی... (ژرژ فور؛ تهران، ۱۷۳۰)؛ کاربرد عملی طب فشاری (ژاژرد اد؛ تهران، ۱۳۷۵ ۱۳۶۸)؛ گیاهان دارویی (ژان ولاگ و ژیری استدولار، تهران، ۱۳۷۰)؛ ویتامینها و ویتامین درمانی (کلود بینه، تهران، ۱۳۷۳)؛ یاد بگیریم چگونه بر خود مسلط شویم (ار. اسیرینگر، تهران ۱۳۶۹).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زمانی، محمد هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هاشم زمانی

محل تولد : مرودشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از انقلاب اسلامی بنابر ضرورت درک اسلام و باورهای صحیح به حوزه علمیه قم آمدم و دروس حوزه را شروع کردم و از همین ابتدا به قرآن و مباحث تفسیری پرداختم و در کنار آن به مباحث علمی و پژوهشی می‌پرداختم و در سال ۶۷ در جبهه به اسارت عراق درآمدم و در آنجا در حد توان به ترویج قرآن و مباحث اعتقادی پرداختم و در سال ۶۹ پس از آزادی از اسارت در مرکز قرآنی مشغول به کار شدم و در ضمن برنامه نویسی کامپیوتر به تحقیق در مباحث قرآنی می‌پرداختم تا اینکه در سال ۷۵ پس از طرح‌های بسیاری که برای رسیدن به اطلاعات منسجم و دقیق ریختم و هیچکدام پایدار نبود به طرحی تحت عنوان «نور فرقان و سیر اندیشه» دست پیدا کردم که جامع و بنیادی بود و توانستم برای رسیدن به آن به طرح پروژه‌هایی بپردازم و اطلاعات زیادی تهیه کنم و در سال ۷۹ به تأسیس مؤسسه‌ای تحت عنوان «نور فرقان» اقدام کردم تا فعالیت و پژوهشها موجه و نتایج آن جهت اطلاع رسانی میسر باشد.مدتی کوتاه در معاونت پژوهشی حوزه خواهران مشغول بودم و مدتی در معاونت پژوهشی جامعهٔ الزهرا و نیز دو ترم برای خواهران حوزوی درس قرآن و تفسیر آن و عدم تحریف قرآن را بحث داشتیم و نیز در نمایشگاههای قرآنی بسیاری شرکت کردم و اکنون هم سه سال است که در نمایشگاههای قرآن شرکت می‌کنم در نمایشگاه بین‌المللی قرآنی در مصلی تهران دو بار غرفه داشتیم و نیز در قم در دانشگاه مفید هفته پژوهش و نیز در نمایشگاه حوزه در عرصه بین‌الملل و نیز در هفته کرامت در نمایشگاه رضوی شرکت داشتیم و اکنون نیز در معاونت پژوهشی حوزه بحث توسعه علوم را دنبال می‌کنیم.

زمانی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن زمانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از تحصیلات ابتدائی از سال ۱۳۴۹ هجری شمسی تحصیلات حوزوی را در شهرستان حیدریه آغاز کردم و ۴ سال در حوزه علمیه هراتی تحصیل کردم.سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیه العظمی گلپایگانی ادامه تحصیل دادم. دروس سطح را در خدمت اساتید مانند حجج اسلام : صلواتی، حسن تهرانی، ستوده ، سید علی محقق داماد ، کریمی جهرمی، شریعتی کاشانی ، صانعی و موسوی تهرانی فراگرفتم.از سال ۶۱ درس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار حضرات آیات : فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی ، صانعی ، منتظری ، وحید خراسانی و گلپایگانی نزدیک ۱۵ سال گذراندم.در این دوره تحصیلی ۵ جلد اصول فقه استدلالی را که مشتمل بر بیش از نیمی از علم اصول فقه است را تألیف کردم که هنوز به صورت مخطوط است وانگیزه این کار سنگین آن بود که اجتهاد واقعی و اتخاذ آراء در مسائل فقهبدون اجتهاد و اتخاذ آراء در مسائل اصول فقه ممکن نیست.سپس رساله فقهی اجتهادی پیرامون (طهارت اهل کتاب و مشرکین) را بعنوان رساله کارشناسی ارشد قرار داده و تالیف کردم.فلسفه اسلامی را با خواندن کتب : منظومه سبزواری، نهایه الحکمه، اشارات بوعلی، مجلداتی از اسفار ملا صدرا، و فلسفه

جامعه تاریخ نزد اساتید بزرگواری چون: شهید مطهری، آیه الله جوادی آملی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، محمدی گیلانی، نکونام و فیاضی فرا گرفتم.عرفان اسلامی را با تلمذ و تحصیل کتاب: فصوص الحکم محی الدین و مصباح الانس نزد عارف رهپیموده استاد حسن زاده آملی فرا گرفتم.جهت فرا گیری زبان انگلیسی، چون از کلاس ششم ابتدائی به حوزه علمیه منتقل شده بودم، تمام کتب درسهای زبان راهنمائی ، دبیرستان و کارشناسی دانشگاه را در طول یکسال نزد استاد محرم خانی گذراندم. سپس دوره ۴ جلدی زبان را در مرکز آموزش زبان مرکز آموش عالی باقر العلوم (علیه السلام) سپری کردم تا آمادگی حضور در کلاس های زبان دوره ارشد و دکترای دانشگاه را بیابم.سپس در کنکور ورودی کارشناسی ارشد (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و پس از قبولی و گذراندن دوره تحصیلی فارغ التحصیل شدم و رساله پایان نامه من با نمره ۲۰ حائز بالاترین رتبه دانشگاه شد.سال ۷۷ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث همان (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و سال ۸۰دوره آموزشی را با معدل ۷۸/۱۸ به پایان رساندم.

در آن سال عضو هیئت علمی گروه علمی قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی قم شده و تا کنون به تدریس برای طلاب غیر ایرانی مشغولم.در طول دوران تحصیل مشغول تدریس رشته ها ودروس ادبیات عربی، منطق، فلسفه، معارف، اقتصاد اسلامی، اخلاق، نظام تربیتی، فقه مقارن، علوم قرآن و قرآن و مشرکان در حوزه ها و مدارس و دانشگاه های مختلف بوده ام.

زمانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود زمانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ پس از گذراندن دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان شهرضا به مدیریت و سرپرستی جناب مستطاب حجت الاسلام غدیر علی ممیز شدم و در مدت ۳ سالی که در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم دوره مقدمات و قسمتی از کتاب شرح لمعه و اصول الفقه مرحوم مظفر را گذراندم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطح را تا سال ۱۳۶۷ از محضر اساتیدی چون مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و حضرت مستطاب شیخ مصطفی اعتمادی و سید موسوی تهرانی (مد ظلهما) بهره بردم. در سال ۱۳۶۷ وارد مرحله درس خارج شدم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام فاضل و تبریزی(از سال ۶۷ تا ۶۹) بهره بردم، از سال ۶۸ به مدت یک سال دوره اصول و فقه استاد وحید خراسانی بهره بردم. در رشته فلسفه نیز از سال ۶۳ کتب فلسفی رایج در حوزه ها را از محضر اساتیدی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، محمد علی گرامی، علی زمانی(عموی بنده) و فیاضی دامت برکاتهم استفاده بردم. در رشته هیئت و نجوم نیز از محضر جناب استاد حسن زاده آملی و علی زمانی بهره بردم. از آنجا که آشنایی با علوم جدید را لازم می دیدم بین سالهای ۶۵ تا ۶۹ دوره متوسطه را تابستانها به صورت متفرقه گذراندم و در سال ۶۹ موفق به اخذ دیپلم شدم. در سال ۷۰ برای آشنایی با مباحث جدید کلامی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته" دین شناسی "از اساتید آن مرکز استفاده بردم و در سال ۷۶ با ارائه پایان نامه ای تحت عنوان" ترجمه کتاب مفهوم معجزه و نقد آن "دوره کارشناسی ارشد را به پایان بردم. در سال ۷۶ برای تقویت بنیه علمی در زمینه فقه و اصول وارد موسسه بقیه الله (عج) شدم و از محضر اساتید آن موسسه استفاده بردم. در کنار تحصیل به تحقیق در زمینه هایی که در سطور قبل به آن اشاره شد، پرداخته ام که حاصل آن چندین کتاب و رساله می باشد که ذکر خواهم کرد و همچنین به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم.

زمخشری، ابوالقاسم محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۸ -۴۶۷ ق)، مفسر، محدث، نحوی، متکلم، لغوی و شاعر حنفی معتزلی. ملقب به جاراللّه. نسبت وی به زمخشر، از آبادیهای خوارزم است در زمخشر به دنیا آمد. او در ادب و لغت عرب و فقه و حدیث و تفسیر استاد و متکلم معتزلی بود و شعر را بسیار نیکو می‌سرود. در ضمن مسافرتهای خود مدت مدیدی در مکه اقامت کرد و به همین مناسبت به جاراللّه (همسایه‌ی خدا) معروف شد. به بغداد نیز سفر کرد و در آنجا از نصر بن بطر و دیگران حدیث شنید. ادب را از ابومضر محمود بن جریر ضبی اصفهانی و ابوالحسن علی بن مظفر نیشابوری فراگرفت و از ابومنصور نصر حارثی و ابوسعد شقانی حدیث روایت کرد است. ابوطاهر سلفی و زینب دختر شعری از زمخشری با اجازه روایت کرده‌اند اسماعیل بن عبداللّه خوارزمی و ابوسعد احمد بن محمود و دیگران از وی اشعارش را

نقل کرده‌اند. سرانجام در جرجانیه‌ی خوارزم درگذشت. از آثار متعددش: «الکشاف عن حقایق التنزیل»، در تفسیر قرآن؛ «الامالی»، در نحو؛ «الانموذج»، در نحو؛ «مقدمه الادب»، در لغت؛ «اساس البلاغه»، در لغت؛ «اعجب العجب فی شرح لامیه العرب»؛ «اطواق الذهب»، در مواعظ و خطب؛ «الجبال و الامکنه و المیاه»؛ «دیوان» خطب؛ «دیوان» شعر؛ «دیوان» رسائل؛ «دیوان» تمثیل؛ «الرائض فی علم الفرائض»؛ «روس المسائل»، در فقه؛ «ربیع الابرار»، در ادبیات؛ «سوائر الامثال»؛ شرح «ابیات الکتاب» سیبویه؛ شرح مشکلات «المفصل»؛ «ضاله الناشد»؛ «القسطاس»، در عروض؛ «المجاز و الاستعاره»؛ «متشابه اسامی الرواه»؛ «المستقصی»، در امثال عرب؛ «معجم الحدود»؛ «المفرد و الموتلف»، در نحو؛ «المقامات»، در اخلاق؛ «المنهاج»، در اصول؛ «النصائح الکبار یا کبری»؛ «النصائح الصغار»؛ «الکلم النوابغ»، در مواعظ؛ «الاحاجی النحویه»؛ «المفصل»، در نحو؛ «الفائق فی غریب الحدیث».[1] برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (۵۵/۸)، ایضاح المکنون (۸۶/۲،۶۷/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۷ ،۱۰۲ ، ۹۲)، التفسیر و المفسرون (۴۸۲ –۴۲۹ /۱)، دایرۀالمعارف فارسی (۲۲۲۲ –۲۲۲۱ /۲ ، ۱۱۸۰ /۱)، روضات الجنات (۱۱۸/۸)، ریحانه (۳۸۲ –۳۷۹ /۲)، سفرنامه ابن‌بطوطه (۵۷۱ ،۴۳۶ /۱)، سیر النبلاء (۱۵۶ –۱۵۱ /۲۰)، الکامل (۸/۹)، کشف الظنون (۱۹۷۸ ،۱۹۵۵ ، ۱۸۹۰، ۱۸۷۷، ۱۸۳۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۱، ۱۷۷۴، ۱۷۳۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۴، ۱۶۰۷، ۱۵۸۴، ۱۵۳۹، ۱۴۷۵، ۱۴۲۷، ۱۴۰۷، ۱۳۹۶، ۱۳۲۶، ۱۲۱۷ ، ۱۲۰۶ ،۱۰۸۵ ،۱۰۸۲ ،۱۰۵۶ ،۱۰۲۲ ،۱۰۰۹ ،۹۱۵ ،۸۹۵ ،۸۳۲ ،۸۳۱ ،۷۹۱ ،۷۸۱ ،۶۱۶ ،۱۸۵ ،۱۶۴ ،۱۱۷)، الکنی و الالقاب (۳۰۰ – ۲۹۸ /۲)، لسان المیزان (۶۵۳ –۶۵۱ /۶)، لغت نامه (ذیل/ زمخشری)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷ –۶۶ /۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۸)، معجم الادباء (۱۳۵ –۱۲۶ /۱۹)، معجم البلدان (۱۶۶ –۱۶۵ /۳)، معجم المؤلفین (۱۸۷ –۱۸۶ /۱۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۲۹ –۲۲۸)، وفیات الاعیان (۱۷۴ –۱۶۸ /۵)، هدیه الاحباب (۱۴۶ –۱۴۵)، هدیه العارفین (۴۰۳ –۴۰۲ /۲).

زمردیان، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان‌شناسی از دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۳۹، دکترا در رشته زبانشناسی عمومی از فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی عمومی، گویش‌شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

گویش‌شناسی، زبان‌شناسی عمومی، فرهنگ واژه‌های اروپائی در فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی عمومی و گویش‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زنجانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ابوالفضل زنجانی برادر حجهٔالاسلام حاج شیخ علی شمس زنجانی از دانشمندان فاضل و باتقوای حوزه علمیه قم است. وی در حدود سال ۱۳۴۰ قمری در زنجان متولد شده و پس از خواندن دروس مقدماتی در سال ۱۳۵۸ ق به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و نهائی را خدمت آیت‌اللّٰه حاج سید احمد زنجانی و مدرسین سطوح قم خوانده و پس از آن از محضر و درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه شریعتمداری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به امر زعماء و مراجع عظام حوزه علمیه قم به صحنه مهاجرت و به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و فضائل امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم صلوات المصلین اشتغال دارد.

نگارنده گوید. مترجم محترم ما از فضلاء پرهیزکار می‌باشد در سال ۱۳۶۱ ق باتفاق ایشان و جناب حجهٔالاسلام حاج سید

قوام‌الدین موسوی زنجانی مسافرتی از طریق (صلوات) به عتبات عالیات نموده که خاطرات شیرین آن سفر پس از گذشت سی و سه سال هنوز از خاطرم نرفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زنجانی، ابوالمناقب محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۵۶ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و لغوی شافعی. وی در بغداد متوطن بود. مدتی نیز نیابت قاضی القضاتی را بر عهده داشت تا عزل شد. در نظامیه به تحصیل و تدریس پرداخت. وی درایام فتح بغداد به دست هلاکو کشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فی غرائب المقال»، در فروع فقه شافعی؛ «ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح» جوهری، در لغت؛ «تفسیر القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۰۷۳، ۹۸۱)، معجم المؤلفین (۱۴۹ -۱۴۸ /۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۵/۲).

زنجانی، برات

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی در دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آثار ادبی نظامی گنجوی، تدریس متون نظم و نثر ادبیات، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تصحیح و شرح و تلخیص.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علمی و نقد ادبی، تحقیق در لغت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زنجانی، عبدالواسع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۱ -۱۲۳۵ ق)، فقیه، اصولی، امام جمعه، مجتهد و واعظ. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود. پس از پدرش تولیت مجسد فتحعلی‌شاه قاجار را بر عهده داشت. وی در زنجان وفات یافت و در بقعه‌ی پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «الرد علی رساله التکفیر» یا «رساله تکفیر الرومی»؛ وی حدود ده جلد کتاب در مواعظ دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۸ -۱۹۷ /۱۰، ۱۷۷، ۱۰۰ /۶، ۲۷۲ /۱)، ریحانه (۳۸۷/۲)، طبقات اعلام الشیعه قرن (۸۰۴/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۴)، معجم المؤلفین (۲۱۵/۶).

زنجانی، عزالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۸ ق)، فقیه، اصولی و امام جمعه. در شهر زنجان به دنیا آمـد، بعد از فراگرفتن مقدمات و ادبیات عرب نزد استادان ادبیات، چون آقا میرزا علی‌اصـغر فصاحتی، به همراه اسـتاد رضا روزبه، منطق «حکمه الاشـراق» و «معیار العلم» غزالی را نزد پـدرش تحصیل نمود. بعـد از فراغت از کتابهـای سـطوح، «رسائـل» و «مکاسب» و قسـمت عمـده‌ای از «طهاره» شـیخ انصاری را نزد آقا شـیخ حسـین زنجـانی که از مجتهـدین زنجـان و از شاگردان آخونـد خراسانی بود، خوانـد. «کفایه الاصول» را در خـدمت حاج شـیخ عبـدالکریم خویینی زنجانی فراگرفت و پس از دو سال تحصیل آن کتاب به درس خارج اصول پدرش، سید محمود امام جمعه، که تحت عنوان «تقریرات» کاظمینی بود، حاضر شد. در شهریور ۱۳۲۰ به قم رفت و به درس خارج فقه و اصول آیهًاللَّه حجت حاضر شد، و شبها به درس خارج اصول آیـهًاللَّه صـدر و آیهًاللَّه خوانساری شـرکت نمود، و در معقول «اسـفار» را به همراه اسـتاد شـهید مطهری و آیهًاللَّه حاج سید محمدعلی طباطبایی تبریزی نزد امام خمینی (ره) خواند، و با ورود علامه طباطبایی به قم در نزد ایشان ادامه داد. وی سپس فقه و اصول را در نزد آیـهًاللَّه بروجردی تکمیـل کرد و «تقریرات» ایشان را به رشـته تحریر درآورد. آنگاه به نجف رفت و در حوزه درس آیهًاللَّه حکیم و آیهًاللَّه آقا سـید عبدالهادی شـیرازی حاضر شد. پس از چندی به زنجان بازگشت و به تبلیغ و نشر احکام دینی و تدریس و امامت جماعت پرداخت. از آثار وی: تاسیس کتابخانه به سبک جدید و مساجد گوناگون در زنجان؛ تشکیل انجمنهای تبلیغی. از آثـار علمی‌اش «تقریرات» اصول آیـهًاللَّه بروجردی؛ شـرح قسـمت اعظم «وسـیله»؛ حواشـی متفرقه در «منظومه‌ی حکمت»؛ تحریر «کفایه الاصول»؛ کتابی در تصوف؛ «رساله‌ی عملیه»؛ تحریر «الوسیط»، در فقه، به سبک استدلالی؛ تحریر کتاب «خمس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۱ -۲۳۹ /۵).

زنجانی، عزالدین، ابوالفضائل ابراهیم

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۵۵ ق)، نحوی، صـرفی و فقیه شافعی. از آثارش: «الکافیه»، در حساب؛ مختصر شـرح رافعی بر کتاب «الوجیز» ابوحامد غزالی که آن را «نقـاوه (فتـح) العزیز»، در فروع فقه شـافعی، نامیـده است؛ «العزی»، در تصـریف به نـام «تصـریف زنجـانی»؛ «الکافی» در شـرح «الهادی»، در نحو تصریف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۲۰۰۳، ۱۱۳۹، -۱۱۳۸، ۴۱۲)، معجم المؤلفین (۵۷/۱)، هدیه العارفین (۱۲/۱).

زنجانی، عزالدین، عبدالوهاب

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۶۶۰/۶۵۵ ق)، عالم، دانشـمند، ریاضـیدان و ادیب. در تبریز مسـکن گزیـد و مـدتی در موصل به سر برد و در بغداد وفات یافت. او در علوم نحو، لغت، صـرف، معانی و بیان عروض دانا بود و از علوم نقلی و عقلی بهره‌مند. خواجه نصیرالدین طوسی کتاب «تذکره» در علم هئیت را به خواهش او تصـنیف کرد. او به خراسان و ماوراءالنهر سفر کرد و سرانجام به تبریز باز آمد. وی در بغداد درگذشت. آثار وی: «العزی تصریف» در صرف؛ «الهادی» و شرح آن در نحو، «معیار النظار فی علوم الاشعار»؛ «المضنون به علی غیر اهله»؛ تصـحیح «المقیـاس فی تفسـیر القسـطاس» در عروض؛ «رساله‌ی الوفق التام»؛ رساله‌ی کوچکی درباره‌ی چگونگی به کار بردن اسطرلاب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :الاعلام (۳۳۰/۴)، اعیـان الشـیعه (۱۳۲/۸)، ایضـاح المکنـون (۵۱۷/۲)، دایرهًْالمعـارف فارسـی (۱۷۳۱/۲)، روضات الجنات (۱۶۶ -۱۶۵ /۵)، ریحـانه (۳۸۷ -۳۸۶ /۲)، زندگینامه‌ی ریاضـیدانان (۳۰۸ -۳۰۷)، کشـف الظنون (۲۰۲۷، ۱۸۶۹، ۱۷۳۸، ۱۵۷۸، ۱۳۲۶)، لغت نامه (ذیل/ زنجانی، عزالدین زنجانی، عبدالوهاب)، معجم المؤلفین (۲۱۶/۶)، هدیه العارفین (۶۳۸/۱).

زنجانی، عزیزالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۵ ق)، عالم دینی، فقیه، محـدث، رجالی، ادیب و شاعر. در زنجان به دنیا آمـد. پس از تحصـیل مقدمات در زادگاهش به قزوین رفت و در آنجا به تحصـیل ادامه داد. در ۱۲۷۸ ق به عراق رتف و در نجف اشـرف نزد شـیخ انصاری و علامه سید حسین ترک کوه‌کمری و میرزای شـیرازی تحصـیلات خود را تکمیـل کرد. در ۱۲۸۸ ق به زنجـان بازگشت و پس از وفات پـدرش مرجع ریاست شـرعی شد و منصب قضا و افتاء بدو رسید. وی دارای تصانیف بسیاری است که از جمله آثارش: «لطائف الکلام فی الاوانی

الـذهب و الفضه من الاحکام»؛ «مفتاح الظفر»، در نماز سـفر؛ «التحیه المبارکه»، در احکام سـلام؛ شـرح «دعاء کمیل»؛ «جواب السوال عن آیات بدء الخلق و آیه رد الشمس لسلیمان»؛ «الصبح الصادق»، به فارسی، در مسائل اجتماعی و وظائف سلطان؛ «معارج الرضوان فی مصائب الامام العطشان»؛ تعلیقات بر «الرسائل»؛ حواشـی بر «الریاض»؛ «رساله فی حرمه الخمر»؛ وی قصایدی به عربی و فارسی نیز داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۳/۹)، الذریعه (۳۲۱/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱ -۸۰ /۱۴)، علماء معاصرین (۳۴۰ -۳۳۹)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، مکارم الآثار (۱۵۰۳ -۱۵۰۲ /۵).

زنجانی، علی نقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر محسن جدّ سادات موسوی زنجان و اصـفهان است که نواده او حاج میرزا علی نقی به اصـفهان، مهاجرت نموده است و در این شهر پس از وصول به مقامـات عـالیه علم و اجتهاد به تـدریس و اقامه ی جماعت در مسجد خیاطها که آن را مسـجد زنجانی ها نیز گویند اشتغال جسته، دارای تألیف و تصنیف بوده.

در ماه صفر سال ۱۲۵۸ وفات یافته، در تخت فولاد، جنب فاضـلان مدفون گردید. دارای خطّی نیکو بوده و حواشـی بر کتاب ذریعهٔ الضراعه تألیف محقّق فیض کاشانی در سال ۱۲۲۱ نگاشته. نسخه ی آن در کتابخانه آستانه ی رضویّه موجود است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زندی، فریدون

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریـدون زنـدی یکی از بازیکنـان فوتبـال ایرانی است. این بازیکن دو رگه ایرانی_آلمانی متولـد ۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ در شـهر امدن آلمان است .وی دارای قد ۱۸۴ سانتیمتر است. او از اواخر سال ۲۰۰۴ و پس از اصرار مقامات فدراسیون و تقاضای انبوه ایرانی‌ها به تیـم ملی فوتبـال ایران پیـوست. او پیش از ایـن برای تیـم ملی زیر ۲۱ سـال آلمـان بـازی کرده بود. وی نخستین بـار در زمان برانکو ایوانکوویـچ به تیم ملی ایران دعوت شد. اولین بازی ملی خود را در مقابل تیم ملی بحرین انجام داد. اولین گل ملی خود را در برابر آذربایجان به ثمر رسانـد.وی سابقه بازی در باشگاههای المان و قبرس را دارد.قاط قوت زنـدی عبارت انـد از : سـرعت در تصـمیم گیری خلاقیت مهـارت در بـازی تکضـرب و سـانتر از جنـاحین. زنـدی در زمـان مربیگری «برانکـو ایوانکویـچ» به تیم ملی ایران پیـوست و بـا تـوجه به چپ پـا بودن و مهـارت هـای هجومی اش تـوانست مهره ی قابـل اتکـایی برای تیم ملی ایران باشـد. زنـدی همچنین قـابلیت فوق العاده ای در اجرای ضـربات ایستگاهی و شـروع مجـدد دارد. گل های زیبای ملی زنـدی در مقابل جمهوری آذربایجـان و چیـن مویـد ایـن مطلب است. وی همچنین تـا به حـال دو گـل از روی نقطه ی کرنر برای تیم هـای باشگاهی اش در قبرس به ثمر رسانده است.

زنوزی تبریزی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و طبیب. وی در نجف از شاگردان شـیخ مهـدی نجفی و شـیخ انصاری و فضال ایروانی بود. به تبریز بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. وی پدر میرزا عبدالحسـین، فیلسوف‌الدوله، و میرزا رضـی و میرزا ابوالحسن بود. پس از مرگ پیکرش را به نجف بردنـد و در وادی‌السـلام به خاک سپردند. از آثارش: «کتاب الحج»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «اصـل البراءه»؛ «استصحاب»؛ «المتین فی الامامه علی نمط الالفین»، در امامت؛ شرح مبسوطی بر «تائیه» دعبل خزاعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، ریحانه (۳۹۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۰۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶/۹).

زواره‌ای، ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مفسـر، فقیه، محدث و ادیب امامی. وی از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب بود در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صـفوی در اصـفهان می‌زیست. وی از اکابر شاگردان محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعالی، سید غیاث‌الدین جمشید

زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالوهاب استرآبادی بود. تفسیر را از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی روایت کرد. زواره‌ای استاد ملاـ فتح‌اللّه کاشانی مفسر معروف است. از آثار وی: «ترجمه الخواص» یا «تفسیر زواری»، در تفسیر قرآن، تالیف شده در سال ۹۴۶ ق؛ شرح «نهج‌البلاغه» به فارسی به نام «روضه الابرار»؛ ترجمه‌ی «کشف الغمه» بهاءالدین عیسی اربلی به نام «ترجمه المناقب»؛ ترجمه‌ی «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکرائم»؛ ترجمه‌ی «عده الداعی» ابن‌فهد حلی به نام «مفتاح النجاح»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایان رسانید؛ ترجمه تفسیر منسوب به امام عسگری (ع) به نام «آثار الاخیار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن‌طاووس به نام «طراوه اللطائف»؛ «مرآت الصفا»، در زیارات؛ «مجمع الهدی»، در تاریخ پیامبران، تلخیص «احسن الکبار فی مناقب ائمه الاطهار» ورامینی به نام «لوامع الانوار الی معرفه ائمه الاطهار»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۶/۸)، ایضاح المکنون (۵۲۸، ۴۵۹، ۴۳۶، ۴۱۳ /۲، ۲۸۱/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۲۶ -۱۶۲۳ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، الذریعه (۸۸/۲۵، ۳۵۵/۲۱، ۳۶۲، ۳۶۱- ۱۸/ ۱۵۹/۱۵/۲۸۵/۱۱، ۲۲۷/۷، ۳۱۵/۵، ۱۴۰ -۱۳۹، ۷۵ /۴)، روضات الجنات (۳۶۲ -۳۶۱ /۴)، ریاض العلماء (۳۹۶ -۳۹۴ /۳)، ریحانه (۳۹۳/۲)، سبک شناسی (۳۰۳ -۳۰۲ /۳)،طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰ /۱۵۲)، الکنی و الالقاب (۲۰۰/۲)، هدیه العارفین (۷۴۵/۱).

زوزنی، ابوالقاسم اسعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۲ ق)، ادیب، شاعر، منشی، محدث، معروف به بارع. اصل وی از قریه‌ی زوزن ناحیه‌ای بین نیشابور و هرات بود. مدتی در عراق و بعد در نیشابور ساکن بود و از بزرگان خراسان و عراق به شمار می‌رفت. وی در نیشابور درگذشت. در «ریحانه» سال وفات وی ۴۰۲ ق آورده شده. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۴/۱)، ریحانه (۳۹۴/۲)، لغت نامه (ذیل/ اسعد)، معجم الادباء (۹۶ - ۹۰ /۶).

زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۰ ق)، فقیه، مفسر، محدث و ادیب. وی در نواحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت و در بخارا از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فقه» و «ادب» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۹۳/۹).

زوزنی، ابوعبداللّه حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۶ ق)، نحوی، اصولی، ادیب. معروف به زوزنی. وی از پیشوایان نحو و لغت و علوم عربی بود. که در زوزن متولد شد. از آثارش: «ترجمان القرآن»؛ «شرح المعلقات السبع»؛ «شرح معلقه‌ی طرفه بن عبد»؛ «شرح معلقه‌ی لبید»؛ «المصادر».[۱]

(منسوب به زوزن) ابوعبداللّه حسین بن احمد. در لغت و نحو و عربیت نامبردار بود (ف. ۴۸۶ ه.ق.) از آثار او کتاب المصادر (ه.م.) (لغت)، شرح سبعه معلقه و ترجمان القرآن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۴۹/۲)، ایضاح المکنون (۳۳۲/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۹/۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۸۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۹۴/۱)، روضات الجنات (۱۴۵/۳)، ریحانه (۳۹۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۲/۱)، کشف الظنون (۱۷)، الکنی و الالقاب (۳۰۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوعبداللّه و حسین)، معجم المؤلفین (۳۱۰ -۳۰۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۳/۲)، یادداشتهای قزوینی (۵۵ -۵۴ /۵).

زوشکی، شمس‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۹۷ ق)، مجلد و مذهب. از این هنرمند، اثری بر جای مانده، که در داخل یک شمسه‌ی تودرتوی شکل گنبدی است و به خط رقاع رقم دارد: «رسم شمس‌الدین بن ضیاءالدین الزوشکی ۶۹۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۴۸/۱).

زیارتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد زیارتی فرزند مرحوم سید محمدصادق زیارتی سمنانی در سال ۱۲۸۰ شمسی در روستای زیارت از توابع مهدی شهر سمنان به دنیا آمده و دروس ابتدائی و مقدمات را نزد والد ماجدش و نیز پدر همسرش خوانده و بعد عزیمت به تهران نموده و چند سالی مقدمات و ادبیات و سطوح را از اساتید و مدرسین آن سامان در مدرسه سید نصرالدین و مدرسه فخریه (مروی) استفاده کرده و بعد به قم عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشغول تکمیل مبانی علمی فقه و اصول شده و از محضر آیات عظام حوزه چون آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خونساری و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّٰه العظمی حایری مؤسس یزدی و دیگران استفاده نموده، تا به مدارج علمی اجتهاد رسیده و به تهران آمده و در مدرسه خان مروی یاد شده به تدریس فقه و اصول و غیره مشغول شده تا در سال ۱۳۶۶ قمری که به سنگسر (مهدی شهر) برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و بالاخص مبارزه با فرقه ضاله (بهائیه) پرداخته و مجاهدات طاقت فرسائی نموده و صدمات و لطمات طاقت‌فرسائی متحمل شده و از آشنا و بیگانه مصائبی را به جان خریده و مدتی هم از طرف دولت طاغوتی به تحریک منافقین و فرقه گمراه تبعید به کاشان شده و پس از چندی آزاد و به تهران آمده سپس به محل خود برگشته و به وظائف خویش مشغول گردیده تا در روز بیست و هفتم ذی‌حجه سال ۱۴۰۰ قمری برابر سال ۱۳۵۹ شمسی در سن هفتاد و هشت سالگی در تهران از دنیا رفته و با تشییع و تجلیل کم‌سابقه‌ای حمل به سنگسر (مهدی شهر) و در حسینیه المهدی (ع) آنجا مدفون گردیده است.

آثار و باقیات الصالحات ایشان

۱- حسینیه المهدی (مهدی شهر)

۲- غسالخانه قریه زیارت

۳- تجدید بناء مسجد پامنار مهدی شهر

۴- تجدید بناء مسجد صاحب الزمان

۵- حمام ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف

دارای دو فرزند روحانی می‌باشند که به خدمات فرهنگی و علمی و دینی اشتغال دارند.

۱- آقای سید حمید روحانی زیارتی مؤلف کتاب نهضت امام خمینی در دو مجلد بزرگ .

۲- حاج سید محمدعلی روحانی زیارتی که در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل مبانی علمی دارند.

بیوگرافی آقای زیارتی به قلم یکی از فرزندان ایشان در سالگرد درگذشت ایشان

از درگذشت مجتهد عالیقدر حضرت آیت‌اللّٰه آقای حاج سیداحمد زیارتی یکسال می‌گذرد.

ابر عالمی که عمر گرانبهای خود را در خدمت به اسلام، نشر احکام، ترویج دین و هدایت انسانها ارشاد مسلمانها گذراند و از مبارزه با کفر و الحاد، انحراف و گمراهی و سیاهی و تباهی هیچگاه باز نایستاد.

آیت‌اللّٰه زیارتی در مورخه ۱۲۸۲ در دهکده‌ی زیارت چشم به جهان گشود. تقریبا در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل علوم اسلامی راهی حوزه علمیه‌ی قم گردید و از محضر پر ارج علمای عظیم‌الشان عصر خویش چون حضرات آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و حاج سید محمدتقی خوانساری و حاج فاضلی قمی (اعلی اللّٰه مقامهم) به کسب فضائل علمی پرداخت و دیری نپائید که قوه استنباط و مقام اجتهاد را احراز کرد. در سال ۱۳۲۰ به تهران منتقل و در مدرسه مروی به تشکیل جلسات علمی، اسلامی، برگزاری نماز جماعت و تدریس پرداخت و نیز عهده‌دار تولیت مسجد مروی شد. علیرغم استقبال شایان توجهی که اهالی تهران به ویژه دانش‌پژوهان مدرسه دارالفنون از جلسات ارزنده ایشان به عمل می‌آورند طبق دستور صریح قرآن که اعلام می‌دارد (فلولا نفر من کل فرقهمنهم طائفه...).

در سال ۱۳۲۲ مهدی‌شهر سمنان که به صورت پایگاه مخوف و مرکز مرموزی برای حزب صهیونیستی بهائیت درآمده بود مهاجرت کرده و به یاری شهروندان بی‌پناه خویش که از هر طرف مورد هجوم دشمنان اسلام و دین‌سازان بین‌المللی قرار گرفته بودند شتافت و یک تنه در برابر راهزنان عقیده و ایمان که با به راه انداختن بساط بهائیگری و صوفیگری می‌خواستند ریشه اسلام را از بیخ و بن برکنند ایستاد و به روشنگری پرداخت و چراغ هدایت را فرا راه توده‌های مستضعف مسلمان نهاد و دست آنان را گرفته یکی پس از دیگری به صراط مستقیم رهبری نمود و از کجروی، کج‌اندیشی و غلطیدن در سراشیبی انحراف و انحطاط جلوگیری کرد.

بدخواهان، کج‌اندیشان، زراندوزان، دین‌سازان و دزدان عقیده و ایمان که با مبارزه منفی و قاطع آیت‌اللّٰه زیارتی بایکوت. ایزوله و منفور شده بودند به توطئه‌چینی دست یازیدند و با همکاری مزدوران دولتی به پرونده سازی واهی علیه ایشان پرداخته نقشه تعقیب و محکومیت ایشان را فراهم ساختند که منجر به مهاجرت ایشان به تهران در سال ۱۳۳۱ گردید. لیکن از آنجا که آیت‌اللّٰه زیارتی هماره مشمول الطاف خداوندی و عنایات ویژه حضرت ولی عصر امام زمان عجل‌اللّٰه تعالی فرجه الشریف قرار داشتند در این برهه حساس توانستند با پشتکار و پایداری و اتکال بر لایزال این توطئه خائنانه دشمنان اسلام را خنثی سازند و پیروزمندانه و مقضی

المرام به مهدی شهر بازگردند و رسالت مقدس خود را در ارشاد توده‌ها و ریشه‌کن ساختن کجرویها و کج‌اندیشی‌ها دنبال کنند و «سنگسر» کفرخیز و فسادانگیز را به «مهدی شهر» اسلام پناه بدل سازند و اهالی محل را هرچه بیشتر از گروه‌های کافر پیشه و منحرف دور داشته به اسلام آشنا و اولیای خدا متوجه کنند و دهها نفر دانشمند در مسائل دینی تربیت نمایند.

آقای زیارتی علاوه بر ارشاد و هدایت توده‌ها به عمران و آبادی شهر نیز اهتمام ویژه‌ای داشتند و با امکانات محدود و با کمک مردم مستضعف و مستمندی که با دسترنج خود ایشان در مسائل عمرانی یاری می‌کردند توانستند سه باب حمام، دو مسجد، یک حسینیه، یک غسالخانه، و یک داروخانه تأسیس نمایند و بدین وسیله تا حد امکان وسائل رفاه و آسایش اهالی را فراهم سازند.

حزب صهیونیستی بهائیت که هیچگاه از توطئه و دسیسه علیه اسلام و ایران بازنمی‌ایستد، در سال ۱۳۳۸ با همدستی بعضی از خوانین محل به منظور ضربه زدن به اسلام در مقام تأسیس کانون فساد و جاسوسی به اسم «مشرق الاذکار» در مرتفع‌ترین مکان شهر برآمدند که با همت مردم مسلمان و غیور شهر درهم کوبیده شد و پس از سالها کشمکش سرانجام در سال ۱۳۵۱ بار دیگر عنایت ویژه حضرت امام مهدی منتظر شامل حالی اهالی گردید و آن مکان حساس در اختیار مسلمانان قرار گرفت که به اراده آیت‌اللَّه زیارتی ساختمان حسینیه باشکوهی در آن مکان به نام آن حضرت تأسیس شد که اکنون مرکز نشر و تبلیغ اسلام و محل مراسم هفتگی نماز جمعه می‌باشد.

آقای زیارتی طبق فرامین اسلامی با رژیم ضد اسلامی ایران موضع آشتی‌ناپذیر و استواری داشت و نه تنها هرگونه مراوده و ارتباط با مقامات دولتی را مردود و محکوم می‌شمرد بلکه حتی عقد طلاق در محضرهای دولتی را جایز نمی‌دانست و در طول عمر پر افتخار خویش هرگز با مقامات مزدور رژیم پهلوی ارتباط برقرار نکرد در مراسم رسمی دولتی شرکت ننمود و علیرغم فشار همه جانبه‌ی ساواک از دعاگوئی و مدیحه سرائی برای رژیم به شدت خودداری کرد و دست رد بر سینه‌ی نامحرم زد. این موضع انعطاف‌ناپذیر و سرسختانه آیت‌اللَّه زیارتی در برابر رژیم طاغوت و ضربه‌های سنگینی که بر حزب صهیونیستی بهائیت وارد کرده بود موجب گردید که بار دیگر توطئه ننگین و خائنانه‌ای علیه ایشان به مرحله‌ی اجرا درآمد و در تاریخ اسفند ماه ۱۳۵۴ بدون محاکمه و اثبات بزه به ۲ سال تبعید در کاشان محکوم گردید و بر اثر کسالتی که در تبعیدگاه دچار شد برای همیشه زمین‌گیر و سرانجام در تاریخ ۲۷ ذیحجه ۱۳۹۹ به رحمت ایزدی پیوست.

انا لله و انا الیه راجعون

ذیحجه ۱۴۰۰- آبان ۵۹

باقیات الصالحات مرحوم زیارتی

در سنگسر مکان مناسب و مرتفعی به نام (قلعه) از قرنها پیش برای مسلمانان محل دعا و خیرات و عزاداری ماه محرم بوده در سال ۱۳۱۰ ش منکرین امام زمان عجل‌اللَّه تعالی فرجه بقصد لطمه به دین مبین اسلام در خفا با نیرنگ و تشبث آنجا را به ثبت رسانیدند و در سال ۱۳۳۸ به عنوان کانون ضد اسلامی مشغول بنائی شدند که از جانب عموم مسلمین سنگسر منهدم گردید و پس از یکسال کشمکش بالاخره شورای عالی ثبت پرونده ثبتی قلعه را باطل اعلام نموده و کار به دادگستری کشید.

چون مبارزه دینی محض بود حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای بروجردی اعلی‌اللَّه مقامه و حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری ادام‌اللَّه عزه و حضرت آیت‌اللَّه آقای حاج سید احمد زیارتی ادام‌اللَّه عزه در امر آن توجهات مخصوصه فرمودند در مدت ۱۴ سال جریان محاکمات که دوران اضطراب و درماندگی مؤمنین سنگسر بود جز دعا و استغاثه به درگاه پروردگار و توسل به حضرت ولی عصر عجل‌اللَّه تعالی فرجه که فریادرسی از شیعیان شیوه آن بزرگوار است راهی نبود پس از سالها تلاش الحمدلله در سال ۱۳۵۱ رای قطعی بر حقانیت مسلمین صادر گردید و قدرت اعجاز حضرت حجه منتظر (فرزند برومند فاتح قلعه خیبر) در تمام مراحل مشهود بوده است پیروان و دوستداران آن حضرت برای بزرگداشت این موهبت عظمی و افتخار بی‌همتا و برای عرض ادب به ساحت مقدس حضرت بقیه‌اللَّه لازم دانستند ساختمان حسینیه مجلل و باشکوه که جلوه‌گر معجزه نمائی آن حضرت باشد بنا نمایند تا آن نور دیده اهل ایمان به آستان تابناک جد گرامی خود حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام اهداء نماید امید است این خدمت ناچیز قبول حضرتشان باشد و به یادگار معجزه امام زمان برای قرون و اعصار بماند.

و سنگسر به نام نامی حضرت مهدی منتظر (ارواحنا فداه) مهدی شهر نامیده شود. «انشاءاللَّه تعالی».

خاطره نگارنده (از مهدی‌شهر)

نگارنده گوید: در ماه رمضان ۱۳۶۷ قمری برای تبلیغ به شهمیرزاد واقع در یک فرسخی (۶ کیلومتری) مهدی‌شهر که در آن وقت معروف به سنگسر بود رفته بودم و در آن موقع هشتاد درصد (۸۰ درصد) مردم آنجا منحرف و پیروی مرام سخیف و کثیف باب و بهاء بودند و در شهمیرزاد هم چندین خانواده از آنان بودند پس همه روز بر علیه آنان سخنرانی کرده و بدعتها و انحرافات آنان را فاش نموده و تبلیغ می‌نمودم و آنها ناچار مبلغی برای مناظره با من از محفل خود خواستند و وی که مرد سالخورده‌ای بود و می‌گفت کرارا به حیفا وعکا رفته‌ام بحمداللَّه و فضله در یک مجلس مباحثه و مناظره محکوم شده و عده‌ای ازآنها برگشته و یا در مرامشان متزلزل شدند و پس از ماه رمضان که عازم مراجعت گردیدم و عده‌ای بسیار برای مشایعتم آمدند و چون از شهمیرزاد خارج و به سنگسر (مهدی شهر) رسیدم جماعتی به استقبال آمده و مرا به گرمی از ماشین پیاده نموده و به منزلی بردند و می‌گفتند شما یک ماه در شهمیرزاد افاضه نموده یک شب هم به ما می‌رسد.

پس از ورود به منزل آنان و وضع آنجا و قیافه آنها ناگهان ملهم شدم که شاید اینها بهائی و منحرف از اسلام باشند و نقشه‌ای برای کشتن من داشته باشند وحشت عجیبی به من دست داد تفال به قرآن مجید زدم تا مطلب برایم روشن گردد پس چون قرآن را گشودم این آیه آمد «ان الملاء یأتمرون بک لیقتولک» به تحقیق که این گروه نسبت به تو سوء قصد دارند و نقشه می‌کشند که تو را بکشند. پس فورا از آن محفل بیرون آمده و فرار را برقرار اختیار نموده و خود را به خدا و حضرت ولی‌اللَّه اعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء سپرده و به راه آهن سمنان آمده و با وسیله قطار به مشهد رسانیدم و از حضرت رضا علیه الصلوه والسلام تشرف مکه را خواستم پس من حیث لا- یحتسب موفق و مشرف در مراجعت به ایران پایم که در اثر درد کوتاه و مرحوم

دکتر علوی که طبیب معالجم بود و می‌گفت پایت باید عمل جراحی شود چون استخوان پای سیاه و ۷۰ درصد حتما از ساق بریده و یا سی درصد کوتاه خواهد شد در اثر توسل به باب الحوائج الی اللّه حضرت موسی ابن جعفر علیهماالسلام شفا یافت.

و داستان سنگسر هم قبل از آمدن مرحوم آیت‌اللّه زیارتی بسنگسر (مهدی‌شهر) بوده است و الحمدلله علی العافیه و التوفیق.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زیبایی نژاد، محمد رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا زیبایی نژاد

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۰ موفق به اخـذ مـدرک دیپلم در شـیراز شـدم در این سال دروس سال اول حوزه علمیه به صورت آزاد فراگیری شد. سال ۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شـدم . سال ۶۱ – ۶۲ در مـدرسه علمیه رسالت و پس از آن در مـدرسه رضویه . از سال ۶۴ به مدت ۱۱ سال مشـغول به تدریس ادبیات (جامع المقدمات، سـیوطی، مغنی) و در مدارس رضویه، معصومیه، حقانی و مرعشـیه بودم . شـرکت در ده ها سـمینار و همایش به عنوان سـخنران و یا شـرکت در میزگرد در موضوعات مختلف از جمله فعالیت های انجام شده از سال ۷۶ تا کنون بوده ، بعلاوه تدریس در دوره های آموزش مباحث زنان برای طلاب سطح ۳ حوزه، خواهران، دانشجویان، اساتید حوزه و دانشـگاه و اعضـای نهادهـای تخصصـی زنـان از جمله این فعالیتهـا ، از سـال ۷۷ تـا کنـون بوده است. (حـداقل ۵ دوره آموزشـی) همکاری با پژوهشـگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان عضو شورای علمی دانشنامه زینب فاطمی (س) و مسئول گروه زن در این دانشنامه از سال ۸۱ از جمله فعـالیت هاست. در سال های ۷۴، ۷۵ و ۸۰ به دلیل احساس خلأ در آثار دین شناسـی و فقدان متنی که مسیحیت را در نگاه مسیحی و در نگاه اسلامی به صورت مقایسه ای تبیین کند مطالعات شخصی در آثار اسلامی (آیات ، روایات و متون) و آثـار مسـیحی انجام دادم که نتیجه آن ۲ جلـد کتاب در این موضوع شـد. در سال ۷۸ هم پیشـنهادات تالیف کتابی را برای حوزه علمیه خواهران در موضوع زن ارائه شـد که نتیجه آن تدوین یک جلد کتاب (با همکاری حجه الاسـلام محمد تقی سـبحانی) بود. در سال ۱۳۶۷ رتبه دوم پایه ۷ حوزه در سال ۱۳۶۸ رتبه اول پایه ۸ حوزه شدم. همچنین ایشان در سال ۷۷ مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان وابسته به مرکز مدیریت حوزه علمیه فروزان هستند

زیدی، احتشام

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیداحتشام عباس زیدی

محل تولد : هند

شهرت

تابعیت : هندوستان

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۵/۵

زندگینامه علمی

عالم دینی و ادیب شاعر تخلص ب"حشم. "ولد فی مدینه جونپور الهندیه. حصل علی اللیسانس(۱۳۹۶ ق) و الماجستیر(۱۳۹۹ق) فی اللغه الفارسیه و آدابها من جامعه بنارس. قدم الی مدینه قم لدراسه العلوم الدینیه سنه (۱۴۰۴ ق)، فتلمذ فی مختلف المراحل الحوزویه لعـده اساتـذه، منهم: الشـیخ حسن زاده الآملی، الشـیخ علی پناه الاشـتهاردی، الشـیخ محمد تقی بهجت، الشـیخ علی المشـکینی. عین عضوا فی الهیئه الاداریه لمجله " التوحیـد "الاردیه الصادره عن منظمه الاعلام الاسـلامی. قصـد امیرکا عـده مرات لتبلیغ تعالیم الدین الحنیف. یسکن حالیا مدینه قم و یبذل نشاطات ثقافیه مختلفه فی التدریس و الترجمه.

زیغر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن چهاردهم هجری، از زنان ادیب ترک. وی در زبانهای ترکی عربی و فارسی و فرانسوی و یونانی استاد بود و از او چهار اثر ارزشمند بجا مانده است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعلام‌النساء، ۴۴ / ۲.

زین العابدینی مرندی، موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسی زین العابدینی مرندی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت : زین العابدینی

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۱۲/۱/۱

زندگینامه علمی

موسی زین‌العابدینی فرزند مرجع زاهد و عارف شیخ هادی که از نوادگان شیخ بهائی عاملی است در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در شهر نجف اشرف به دنیا آمده ام. پدرم متولی امر تربیتی و آموزشی مرا از همان بدو کودکی به عهده گرفت و خواندن و نوشتن قرآن را به من آموخت که من ۶ ساله بودم. از نوجوانی صرف و نحو و تمامی سطوح را تا انتهای آن نزد پدرم به پایان رساندم. و علاوه بر ایشان مکاسب را نزد محقق بزرگوار شیخ حسن یزدی و کفایه را نزد استاد محقق شیخ فاضل قائنی خواندم. درس خارج اصول را به مدت ۱۰ سال حدود یک دوره و نصف و خارج فقه اکثر ابواب فقه را نزد مرجع عالی قدر سید ابوالقاسم خوئی و حدود ۵ سال نزد امام خمینی(ره) خارج فقه خواندم. مسائل مستحدثه را نزد محقق بزرگ شیخ حسین حلی و بعضی ابواب فقه را نزد سید عبدالهادی شیرازی و بعضی از علوم دیگر را مثل عروض، هیات، طب و غیر اینها را نزد استاد عالی مقام شیخ مرتضی گیلانی به پایان رساندم. و اجتهاد خویش را از پدرم شیخ هادی زین العابدینی و حضرت آیت الله العظمی خویی بحمدالله گرفتم. از همان سنین جوانی تألیف و نوشتن کتاب را آغاز کردم. البته تقریرات تمامی دروس خارج را به دقت می‌نگاشتم و نگهداری می‌نمودم. ولی متأسفانه بعد از اینکه ما را از نجف اشرف بر روی مرز ایران قرار داده و اجازه ندادند حتی مدارک هویتی و سجله‌های خود و خانواده ام را بردارم تمامی زندگی و مایملک اعم از پول و وسائل شخصی خانه و کتابهای چاپی و خطی و تقریرات علمی اینجانب را صد افسوس و صد افسوس و... به یغما بردند ـ البته حدود دو سال به جرم مبارزه سیاسی در زندانهای عراق مثل ابوغریب و غیره محبوس بودم تا با توسل به حضرت ثامن الحجج(ع) از حبس رهائی یافتم. شرح منطق به صورت تعلیقی و زندگانی و سرگذشت علمی و تاریخی داوود بن الحسن(ع) حدود ۵۰۰ صفحه بود و نیز در زندگانی کمیل بن زیاد و حیات علمی او در زمان امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب(ع) دیوان شعری هم درباره زندگانی و مدح ائمه اطهار(ع) نوشتم و سرودم از بیشتر علماء نجف اجازه در امور حسبیه داشتم و اکثر مراجع قم نیز اجازه حدیث یا امور حسبیه را به بنده مرحمت نموده اند. مدت ۸ سال برای تبلیغ به منطقه کوت که شهر بسیار مهم ولی از لحاظ علمی و شرعی ضعیف بود، که در مدت ۸ سال تأسیس مسجد ، حسینیه ، مدرسه و تربیت جوانان بسیار زیاد با پشتوانه مراجع آن زمان سیدمحسن حکیم و سید ابوالقاسم خوئی کار مهمی بود و بیشتر وقتها با شهید سعید محمدباقر صدر در امور اداره فرهنگی این شهر که بین بغداد و بصره واقع شده مشورت می‌نمودم و ایشان از حامیان اصلی اینجانب بودند. سال ۱۳۵۹ بعد از انقلاب اسلامی ما را به عنوان ایرانیان مقیم عراق از نجف بدون اخطار قبلی و به بهانه‌ای، حضور ما در کلانتری را خواستند و بعد از اینکه در کلانتری (امنیت نجف) حاضر کردند با تمامی عموها و بسیاری از علمای نجف با ماشینهای ارتشی، لب مرز ایران و عراق قرار داده و تمامی اموال و کتابها را مصادره نموده و یا به آتش کشیدند.و کار تبلیغی و علمی خود را در تهران منطقه دولت آباد شهر ری مجدداً آغاز نمودم و تا سال ۷۷ در تهران به کار تدریس و تبلیغ در حوزه قائم ـ مروی ـ دانشگاه امام صادق حسینیه معیری که با همت اینجانب برای عراقیها تأسیس شد که زمین آن تاکنون به اسم اینجانب است و از سال ۷۷ به بعد بر اثر بدی هوای تهران به قم منتقل شدم. و به تدریس در حوزه گلپایگانی و فرصتی دست یافت تا خیلی از تألیفات خویش را به اتمام برسانم. که اکثر تألیفات اینجانب هنوز به عللی که خدای سبحان صلاح دیده و می‌داند چاپ نگردیده بجز کتاب احسن المقال فی حکم الصلاهٔ علی النبی و آله که اهل خیری آن را به چاپ رسانید.

زین العابدینی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی زین العابدینی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی زین‌العابدینی فرزند شیخ موسی، بعد از گذراندن دوره دبیرستان به حوزه علمیه مجتهدی(ره) در تهران توفیق حضور یافتم. از همان ابتدا سال دوم حوزه به صلاحدید حضرت استاد مجتهدی به تدریس مشغول بودم و تاکنون نیز مشغول تدریس می‌باشم؛ صرف و نحو، بلاغت،اصول،فقه،بدایهٔ الحکمه،نهایهٔ الحکمه،مکاسب محرمه،رسائل، کلیات فی علم الرجال،درایهٔ الحدیث و عقائد (آیت الله سبحانی) از جمله درسهایی است که در تهران و قم به تدریس آنها مشغول بوده و هستم. والان مشغول تدریس مکاسب،رجال،درایه به صورت رسمی از شورای مدیریت می‌باشم.

زین‌الدینی، عنایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید عنایت‌الله زین‌الدینی بن السید الاعلام آقا سید سیف‌الله مدفون در قریه رشیدی چاپلق در تاریخ ۲۵ شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۳۱۵ قمری متولد شده و پس از پایان کودکی در حجر تربیت پدر معظم خود بتحصیل فارسی پرداخته و بعد از فراغت از آن مقداری از مقدمات را نزد وی استفاده کرده آنگاه باراک آمده و مقدمات را نزد مرحوم حاج ملا عبدالحمید انجدانی که یکی از علماء نحو بوده استفاده و مقداری از سطح را خدمت مرحوم آقای حاج شیخ عباس اردیس آبادی مدرس که یکی از علماء جلیل و از صاحبان مقامات عالیه و کرامت باهره بوده خوانده و پس از چند سالی در سال ۱۳۴۱ بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و بعضی دیگر استفاده کرده و ثانیا باراک برگشته و از محضر مرحوم سلطان العلماء و مرحوم آیه‌الله میرزا ابوالحسن مجتهد بهره‌مند شده و مدتی هم از محضر مرحوم آیه‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی خارج فقه و اصول را استفاده کرده و اکنون بالغ بر چهل و پنج سال است که در اراک اقامه جماعت دارد و هم بتبلیغ احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام مشغول می‌باشد. فرزند ارجمند ایشان آقای عزالدینی از علماء و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم هستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ژوزف، ادوارد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، مترجم و نویسنده. در کرمانشاه متولد شد و در مدرسه‌ی آلیانس تحصیلات متوسطه را به پایان رساند. پس از آن به تهران آمد و به تکمیل زبان فرانسه و انگلیسی و مطالعه‌ی فلسفه عمومی و ادبیات فارسی پرداخت. وی متخصص در امور مالی و بانکی است. پس از خدمت در بانک عثمانی و ملی و کشاورزی در سال ۱۳۲۱ ش به سمت مشاور مالی وزارت پیشه و هنر منصوب شد. در سال ۱۳۲۵ ش برای امور تجارتی به اروپا رفت. بعدها ریاست هئیت مدیره عامل شرکت سهامی بیمه ملی را به عهده گرفت.

از آثار وی: «بابا گوریو»، ترجمه؛ «زن سی ساله»، ترجمه؛ «نخجیران»، داستان دفتر اول مثنوی.[۱]

مولوی‌شناس نامدار، مولف و مترجم، موسیقی‌دان و موسیقی‌شناس، عتیقه‌شناس، بانکدار؛ پدرش مرحوم ابراهیم‌خان مترجم سلطان، در ۱۲۸۲ ش در شهر کرمانشاه متولد شد. در شش سالگی به مدرسه رفت و آنگاه وارد مدرسه‌ی آلیانس فرانسه در کرمانشاه شد و در همین مدرسه زبان فرانسه را به حد کامل فراگرفت. در ۱۳۰۴ ش به موسیقی روی آورد و در زمره شاگردان سرهنگ رکن‌الدین مختاری که ریاست شهربانی غرب را برعهده داشت درآمد و در آموختن طریقه‌ی علمی موسیقی بسیار کوشید و در ۱۳۰۸ وقتی به تهران آمد نزد استاد ابوالحسن صبا رفت و مدتها با وی در شیوه‌های علمی ویولن و پیانو کار کرد و علاوه بر آن با موسیقی‌دانان اروپائی که در ایران اقامت داشتند حشر و نشر یافت و بار اطلاعات علمی خود را در موسیقی افزایش داد و در این هنر سرآمد اقران شد.

ادوارد ژوزف کار اداری خود را در بانکداری شروع کرد. ابتدا وارد بانک عثمانی شد و چند سالی در آنجا به سر برد. پس از تاسیس بانک ملی ایران بدانجا رفت و مراحلی از ترقی را پیمود و شهرتی در بانکداری پیدا نمود. در دوران وزارت دارائی هژیر، به وزارت دارائی رفت و چندی نیز ریاست حسابداری بانک کشاورزی را عهده‌دار بود. سرانجام در سال ۱۳۳۱ که بانکداری در ایران به سرعت رو به ترقی بود ریاست هیئت مدیره و مدیرعاملی بانک صادرات و معادن را عهده‌دار شد و سازمانی شایسته که متضمن رفاه مشتریان بود در آن بانک پیاده نمود. در تاسیس سایر بانکها نیز مشارکت داشت. زمانی نیز به ریاست بیمه ملی ایران منصوب شد ولی شغل اصلی او بازرگانی و تجارت بود و در امور بازرگانی آنچنان شهرت پیدا کرد که غالب موسسات تجارتی در کارهای خود با او مشورت می‌نمودند.

ادوارد ژوزف از هوش و ابتکار و ذوق و توانایی بسیار برخوردار بود. زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، عربی، عبری و ارمنی را به خوبی تکلم و کتابت می‌کرد.

در جوانی به مثنوی روی آورد. او نیکو می‌دانست مثنوی گنجینه‌ی بزرگ ایران است و دست زدن به آن کار هر کسی نیست ولی بـا توانائی کامل قدم بدین وادی نهاد و یا سرسلسله عارفان جهان مولوی پیوندی ناگسستنی برقرار ساخت به طوری که یکی از

مولوی‌شناسان نامدار ایران شد و آثار بسیار سودمندی از خود به یادگار گذارد.
ژوزف مترجمی زبردست بود. دو کتاب معتبر از بالزاک ترجمه کرد: یکی کتاب باباگوریو بالزاک بود و دیگری کتاب معروفش به نام زن سی‌ساله که هر دو کتاب در دفعات مختلف توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. ناگفته نماند ژوزف از بنیانگذاران بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران بود. او موسیقی‌شناس و موسیقی‌دان بود و با همت خستگی ناپذیرش انجمن فلامونیک تهران را برای رونق موسیقی کلاسیک غربی در ایران بنیاد نهاد.
از هنرهای دیگر او، خطی خوش داشت و چندی این هنر را نزد استاد فراگرفته و در شناخت خط استادان پیشین، مهارت داشت. در شناخت هنرهای تجسمی نظرش صائب بود. در ارزیابی سکه‌های باستانی، تمبر و مهر اسم استادی کم‌نظیر بود.
و اما کتبی که پیرامون مثنوی نوشته است به این شرح است: ۱- نخجیران: شرح داستانی از مثنوی شریف ۲- طوطیان: شرح داستانی از مثنوی شریف ۳- پوپک ۶ شرح داستانی از مثنوی شریف ۴- شیدای خام: شرح داستانی از مثنوی شریف ۵- آهنگ شریف: شرح داستانی از مثنوی شریف ۶- ناشنوایان: شرح داستانی از مثنوی شریف، و بالاخره چوپان، تشنگان، شرح داستانی از مثنوی شریف؛ هفت‌بند نای شرح چهار داستان و راز میداس شاه و نظامی گنجه‌یی و بالاخره پروین اعتصامی و اندیشه‌های او.
از ادوارد ژوزف مقالات مختلفی در طول زمان در زمینه‌ی تخصصی او در مطبوعات ایران انتشار یافته. وی ربع قرن زندگانی پربار خود را در خارج از کشور به سر برد و سرانجام در دی‌ماه ۱۳۷۲ ش در سن ۹۰ سالگی در دیار غربت درگذشت. در بزرگداشت این ادیب و مولوی‌شناس و هنرمند معروف، مراسم بسیار باشکوهی برگزار گردید و در ۱۳۷۳ یک سال پس از مرگش یادنامه‌ای منتشر ساختند که ادوارد ژوزف را آنچنان که بود معرفی کردند.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۱۷ -۵۱۶ /۱).

سادات فخر، محمد محسن

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد محسن سادات فخر در سال ۱۳۳۴در شهر مشهد به دنیا آمدم تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه مشهد مقدس از سال ۱۳۴۹ آغاز در سال ۱۳۵۳ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم. در سال‌های ۱۳۶۵ ـ ۱۳۶۸ با پژوهشکده باقرالعلوم همکاری پژوهشی در پروژه موضوع نگاری تفسیر مجمع‌البیان آغاز گردید.ثمره همکاری یاد شده نشر کتاب مفتاح مجمع البیان از انتشارات اسوره ۱۳۸۳ می‌باشد. نیمه دوم سال ۱۳۶۹ تقریباً همکاری رسمی با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آغاز گردید. پروژه موضوع نگاری تفاسیر قرآن مجید ۸۰ دوره کامل تفسیر قرآن از مفسران بزرگ شیعه و اهل‌سنت در سه فاز، محور همکاری مستقیم با مرکز یاد شده بود در سال ۱۳۷۲ به مدیریت گروه معجم نگاری تفاسیر انتخاب و پژوهش ادامه یافت. طرح گروه فرهنگنامه‌ها در مدیریت جدید پیشنهاد و موضوع‌نگاری تفاسیر در فاز اول با حجم بیست دوره تفسیر کامل در دو فرم کتاب (فرهنگ موضوعی تفاسیر) و نرم‌افزار صراط آماده عرضه گردید.طرح نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۷۲ در گروه فرهنگنامه‌ها آغاز گردید او در سال ۱۳۷۷ بیش از دو هزار و پانصد کتاب قرآنی، نمایه سازی گردید. نمایه‌های موضوعی (چکیده‌های عنوانی) تعداد کتاب‌های یاد شده در حجم بیش از یکصد و بیست و پنج نمایه موضوعی، ترکیبی تقریباً تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های پژوهشی قرآنی، تفسیری، علوم قرآنی و معارف دینی را شامل می‌شود.اطلاعات یاد شده در بانک اطلاعات مرکز فرهنگ و معارف قرآن علی القاعده موجود می‌باشد.بعد از دوره شش ساله مدیریت علمی گروه فرهنگنامه‌ها و انجام پروژه‌های فاز اول موضوع‌نگاری تفاسیر و نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی همکاری در شورای علمی گروه فرهنگنامه‌ها ادامه دارد.

سادات ناصری، حسن

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب و محقق.
تولد: ۱ اردیبهشت ۱۳۰۴، تهران.
درگذشت: ۱۴ بهمن ۱۳۶۸، کابل (افغانستان).
سید حسن سادات ناصری پس از اخذ دیپلم متوسطه از دبیرستان شرف در تهران، به ترتیب دوره‌ی لیسانس تاریخ و فوق لیسانس ادبیات فارسی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به پایان برد. در سال ۱۳۸۲ به دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی راه یافت و پایان‌نامه‌ی خود را با عنوان «ارتباط فکر حافظ و مولانا» به راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر اختیار کرد و در سال ۱۳۴۸ از آن دفاع نمود. بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ در شهر قم به معلمی اشتغال داشت و همانجا در محضر برخی از اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم مستفیض شد. در سال ۱۳۴۵ رسما به عضویت در هیئت علمی در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درآمد. وی همچنین به اقتضای طبع شعر می‌سرود. ضمنا فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال ۱۳۲۵ از طریق همکاری با نشریاتی از جمله مجلات

«وحید»، «یغما»، «ارمغان» و «آموزش و پرورش» آغاز کرد.

آثار دکتر سید حسن سادات ناصری به شرح زیر است: بدیع و قافیه، برای دبیرستان‌ها (در نظام قدیم آموزشی، با همکاری دکتر محمد خزائلی، ۱۳۳۴)؛ شرکت در هیئت مؤلفان یک سلسله کتب درسی دبیرستانی (در نظام قدیم آموزشی) که عبارتند از: قرائت و دستور زبان فارسی و همچنین فارسی و دستور زبان برای سال‌های اول تا سوم دبیرستان، گل‌های ادب (برای پنج سال اول دبیرستان‌ها، با همکاری دکتر خزائلی، بدیع الزمان کردستانی، دکتر هدایت نیرسینا، میرمیرانی)؛ تصحیح، تحشیه و تعلیق تذکره‌ی آتشکده آذر (از لفطعلی بیگ آذر بیگدلی، در هفت مجلد که سه جلد آن منتشر شده است، به ترتیب: بخش نخست در ۱۳۳۶، بخش دوم در ۱۳۳۸ و بخش سوم در ۱۳۴۰)؛ اهتمام در طبع اشعار علی اصغر حکمت به نام سخن حکمت؛ تصحیح و طبع دیوان ملا محمد رفیع واعظ قزوینی، (۱۳۵۹)؛ تألیف دو کتاب درسی برای دبیرستان (در نظام جدید آموزشی) به نام‌های فنون و صنایع ادبی، برای سال دوم رشته‌ی فرهنگ و ادب (۱۳۶۳)؛ و قافیه و صنایع معنوی برای سال سوم رشته فرهنگ و ادب (۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع دیوان لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، با همکاری دکتر غلامحسین بیگدلی؛ تصحیح نهج‌البلاغه؛ اهتمام به چاپ قرآن کریم؛ تصحیح دیوان محتشم کاشانی؛ تصحیح دیوان حافظ؛ تألیف کتاب سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران در دوره‌ی اسلامی (یک مجلد آن از آ تا س در سال ۱۳۵۳ منتشر شد)؛ صناعات ادبی در دو مجلد؛ تصحیح و چاپ دیوان کامل صائب تبریزی در ده مجلد؛ همچنین چند اثر دیگر از وی اعم از زیر چاپ یا آماده‌ی چاپ هست، از جمله تصحیح و طبع قصص الخاقانی، اثر ابن داود قلی ولیقی شاملو، تألیف کتاب هزار سال تفسیر فارسی، تصحیح و تحشیه‌ی بخش‌های چاپ نشده آتشکده‌ی آذر(از بخش چهارم به بعد)؛ ارتباط افکار حافظ و مولوی.

در سفری که سید حسن سادات ناصری به دعوت مقامات فرهنگی کشور افغانستان، برای بازدید مراکز فرهنگی و بررسی چگونگی وضع آموزش و پژوهش زبان و ادب فارسی در آن کشور، در هفتم بهمن ۱۳۶۸ در حدود ساعت ۷ / ۵ بعدازظهر در اثنای ضیافت شامی که از سوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران به افتخار هیئت مذکور برپا شده بود، ناگهان و بی‌هیچ سابقه‌ی قبلی دچار حمله‌ی قلبی گردید و جان سپرد. پیکر وی در ابن‌بابویه تهران به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سادات، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا میرزا حسن دکمه چین. عالم فاضل، امام جماعت مسجد علی قلی آقا، در بعد از ظهر چهارشنبه ۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۷۸ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ساداتی نژاد، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمهدی ساداتی نژاد

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمهدی ساداتی‌نژاد در سال ۱۳۴۸ در خانواده ای مذهبی در سفیدشهر از شهرهای اطراف کاشان متولد شده و تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه کاشان شدم و دروس مقدمات و سطح را در حوزه علمیه امام خمینی(ره) و سپس مدرسه مرحوم آیت الله یثربی به پایان برده و در سال ۱۳۶۷ در کنکور سراسری در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران پذیرفته شدم.در سالهای تحصیل در حوزه علمیه به صورت داوطلب دروس دبیرستان را به عنوان مقدمه ورود به دانشگاه ادامه دادم. در سال ۶۷ همزمان با ورود به تهران جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم(ع)شهری و مدرسه برهان شدم و دروس سطح و خارج را در این دو حوزه ادامه دادم. در سال ۱۳۷۱ در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ در آزمون دکترای علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پذیرفته و مشغول تحصیل شدم. همزمان به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در گروه معارف اسلامی از سال ۱۳۷۴ مشغول تدریس دروس معارف اسلامی بوده ام و تا کنون افتخار همکاری و تدریس در دانشگاه های مختلف را داشته ام.

ساروی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ساروی از علماء اعلام و فضلاء بنام از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و اقران او بوده و در ساری به خدمات دینی از تدریس و تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر و خدمات دیگر اشتغال داشته تا بعد از ۱۳۲۰ ق وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر ساروی از علماء ساری مازندران بوده و در عهد ناصرالدین شاه در ساری به خدمات دینی از امامت و غیره اشتغال داشته است و بعد از ۱۳۰۶ ق وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساریخانی، عادل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عادل ساریخانی

محل تولد : اراك

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آغاز کودکی علاقه وافری به آموختن در خود احساس می کردم به همین دلیل خانواده ام به دلیل نبود امکانات آموزشی در روستا به شهر تهران هجرت کردند و دوران ابتدایی و راهنمایی را غالبا با رتبه اول پشت سر نهادم. در سال سوم راهنمایی در تمام مناطق سیزده گانه تهران آن زمان به عنوان دانش آموز نفر اول انتخاب شدم تلاش دولت آن زمان این بود که مرا به عنوان استعداد درخشان به یکی از کشورهای اروپایی اعزام کند که این امر با مخالفت خانواده ام مواجه شد از سال اول دبیرستان در کنار دروس دوره دبیرستان تحصیلات حوزوی را در همان تهران در مدرسه مروی آغاز کردم سالهای سوم و چهارم دبیرستان اینجانب با اوج گیری انقلاب و پیروزی آن مقارن بود که به دلیل انجام وظایف انقلابی مقداری کمتر به کارهای علمی می رسیدم ولی پس از اخذ دیپلم در رشته تجربی بلافاصله به حوزه علمیه مقدسه قم عزیمت کردم و به شکل شبانه روزی به تحصیلات حوزوی مشغول و دوران مقدمات و سطح را در حدود شش سال به پایان رساندم و به دلیل احساس نیاز به آموزش زبان انگلیسی دو سال تمام را تحت نظارت مرکز زبان خارجی دانشگاه تهران و دانشکده زبانهای نیروی هوایی در مرکز زبان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه به آموزش زبان انگلیسی اشتغال داشته و دوره عالی زبان را با موفقیت به پایان رساندم پس از آن به درس خارج فقه و اصول و آموزش فلسفه اشتغال یافتم و جمعاً حدود ده سال دروس خارج فقه و اصول اعاظم حوزه شرکت می کردم.از همان زمان به تدریس دوره های ادبیات ، فقه و اصول همت گماشته و در حال حاضر چندین سال است که فقه را در سطح عالی و با مرکز قرار دادن متن جواهر احکام در حوزه تدریس می نمایم . و در دانشگاههای مختلف نیز فقه و متون انگلیسی را قریب به ۱۵ سال تدریس می کنم . به دلیل احساس نیاز به آموزش علوم جدید در کنار فعالیت های علمی حوزه در سال ۱۳۶۷ وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۷۱ لیسانس حقوق دریافت و در همان سال در دوره کارشناسی ارشد دانشگاههای تهران ، شهید بهشتی و تربیت مدرس با رتبه بالا قبول شدم ولی به عللی دانشگاه تربیت مدرس را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و در سال ۱۳۷۵ به عنوان نفر اول دوره خودم از پایان نامه فوق لیسانس دفاع کردم و پایان نامه ام با درجه عالی و نمره ۵/۱۹ مورد تصویب قرار گرفت . در همان سال بلافاصله در دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس و به عنوان نفر اول قبول شدم و پس از حدود شش سال تلاش همه جانبه در سال ۱۳۸۱ توانستم از تز دکتری خود دفاع نمایم. از آن سال به بعد به تدریس فقه جزایی در حوزه و دانشگاه اشتغال دارم و در این زمینه حدود ۱۰ مقاله به زبانهای انگلیسی و فارسی و پنج کتاب به چاپ رسانده ام برای آشنایی علمی و عینی باسیستم قضایی و مشکلات آن پروانه وکالت پایه یك اخذ و مدتی در کنار فعالیتهای علمی به کار عملی نیز اشتغال داشتم. در حال حاضر نیز به تدریس در دانشگاه و حوزه علمیه قم اشتغال دارم و به پژوهش نیز همت می گمارم . در سال ۱۳۸۴ به دعوت مرکز پژوهشهای فلسفه و ارزشهای دانشگاه کاتولیك امریکا به آن کشور سفر کردم و در طی اقامت سه ماهه در آن جا علاوه بر ادامه مقاله به تحقیق و پژوهش اشتغال داشتم و از مراکز علمی متعدد بازدید کردم.

ساعی، مهروز

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مهروز ساعی بیست و دو سال سن دارد

او در رشته ی تربیت بدنی تحصیل و از هفت سالگی تکواندو کار می کند

او دو برادر به نامهای هادی و مهران دارد هادی ساعی که دیگر نیازی به معرفی ندارد و آخرین مدالی که رای ایران کسب کرد مدال طلا بازیهای المپیک پکن بود. به گفته ی مهروز ، مهران نیز برای اردوی تیم ملی تکواندو انتخاب شد اما بخاطر مسائل کاری ورزش را ادامه نداد. مهروز هم مانند هادی در رقابتهای دوحه مدال برنز کسب کرد منابع زندگینامه :-http://taekwondo-chagi.blogfa.com

ساعی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران متولد ۲۱ خرداد ۱۳۵۵ در شهر ری، قهرمان تکواندو جهان و المپیک است. او با به‌دست آوردن دو مدال طلا و یک مدال برنز، پرافتخارترین ورزشکار ایرانی در تاریخ بازیهای المپیک است. خواهرش، مهروز ساعی نیز عضو تیم ملی تکواندو بانوان ایران و یکی از زنان نامدار

ورزش زنان ایران است است. هادی ساعی عضو شورای شهر تهران نیز است. بازی‌های المپیک

•طلای پکن ۲۰۰۸

•طلای آتن ۲۰۰۴

•برنز سیدنی ۲۰۰۰

مسابقات جهانی

•طلای ادمونتون ۱۹۹۹

•طلای مادرید ۲۰۰۵

•نقره گارمیش-پارتنکیرچن ۲۰۰۳

•برنز پکن ۲۰۰۷

بازی‌های آسیایی

•طلای بوسان ۲۰۰۲

•برنز دوحه ۲۰۰۶

مسابقات آسیایی

•طلای بانگکوک ۲۰۰۶

•نقره امان ۲۰۰۲

او تمرین تکواندو را از ۷ سالگی آغاز کرد و از رده سنی نوجوانان تاکنون به طور مستمر در تیم ملی تکواندو ایران حضور داشته‌است. ساعی برنده مدال طلای المپیک آتن، مدال برنز المپیک سیدنی در دسته ۶۸ کیلوگرم و مدال طلای المپیک پکن است که اولین مدال و مدال طلای ایران در ورزشی غیر از کشتی و وزنه برداری در المپیک بودند.

قد او ۱۸۲ سانتیمتر و وزنش ۷۹ کیلوگرم است

مقام‌ها

•ارتش‌های جهان ۱۹۹۵

•ارتش‌های جهان کرواسی ۱۹۹۶

•بازی‌های غرب آسیا ۱۹۹۷

•جام جهانی آلمان ۱۹۹۸

•مسابقات جهانی ادمونتون، کانادا ۱۹۹۹

•انتخابی المپیک سیدنی ۱۹۹۹

•جام جهانی فرانسه ۲۰۰۰

•المپیک سیدنی ۲۰۰۰

•جام جهانی ویتنام ۲۰۰۱

•قهرمانی آسیا و اقیانوسیه ۲۰۰۲

•جام جهانی ژاپن ۲۰۰۲

•بازیهای آسیایی بوسان ۲۰۰۲

•مسابقات جهانی گارمیش-پارتنکیرچن، آلمان ۲۰۰۳

•انتخابی المپیک آتن ۲۰۰۴

•المپیک آتن ۲۰۰۴

•مسابقات جهانی مادرید ۲۰۰۵

•قهرمانی آسیا تایلند ۲۰۰۶

•بازی‌های آسیایی دوحه ۲۰۰۶

•مسابقات جهانی پکن ۲۰۰۷

•المپیک پکن ۲۰۰۸

فعالیتهای سیاسی و اجتماعی

هادی ساعی در دی ۱۳۸۲، پس از وقوع زمین‌لرزه بم مـدال‌های خود را (یک مـدال برنز المپیک و دیگر مدالهای کسب شده‌اش تا آن زمان) را برای کمک به زلزله زدگان اهدا کرد ساعی در سال ۱۳۸۵ در سومین دوره انتخابات شورای شهر تهران شرکت کرد و به مقام پنجم انتخابات رسید و به شورای شهر تهران راه یافت

سالاری فر، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا سالاری فر

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در شـهر قزوین متولـد شدم. پس از چند ماه همراه خانواده به مشـهد مقدس منتقل شدیم. پس از سه سال به اصـفهان رفتیم. تـا سال ۱۳۶۵ در اصـفهان سـکونت داشـتم و از آن سال تا کنون (۱۳۸۴) در قم زنـدگی می کنم.در سـال ۱۳۶۰ در اصفهان مـدرک دیپلم ریاضـی فیزیـک را اخـذ نمودم. از دبیرسـتان در کنـار دروس دیگر به تحصـیلات حوزوی مشـغول بودم. پس از سال ۱۳۶۳ به طور تمام وقت به دروس حوزه مشـغول شـدم. درسال ۱۳۶۵ با امتحان لمعتین، به درس درحوزه علمیه قم مشـغول شـدم. از سال ۱۳۷۰ به درس خارج اشتغال داشتم. یک دوره اصول نزد آیت الله سید علی محقق گذراندم. درس خارج نیز نزد ایشان و برخی اساتیـد دیگر حوزه تلمذ نمودم. از سال ۱۳۷۰ به دروس روان شناسـی در سـطح کارشناسـی و کارشناسی ارشد اشتغال داشتم. پایان نـامه ام مربوط به مقـایسه دیـدگاه اسـلام با برخی دیـدگاههای روان شناسی در بحث خانواده است.اکنون به تحقیق در حوزه روان شناسـی و اسـلام و ساعـاتی تـدریس روان شناسـی اشـتغال دارم. عمـده تحقیقات من به حوزه های روان شناسـی اجتماعی، خانواده درمانی و بهداشت روانی با توجه به منابع اسلامی مربوط می شود.

سالاری نژاد، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسعود سالاری نژاد

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد مسـعود میر سالاری نژاد در سال ۱۳۶۴ مـدرک دیپلم مکانیک خود را از هنرسـتان فنی شـهداء اهواز اخـذ نمودم و از همان سال در مدرسه علمیّه امام صادق نیروگاه قم مشـغول به تحصـیل علوم حوزوی شدم .همزمان باتحصـیل دروس سطح حوزه به رشـته اقتصاد دانشگاه مفید همت گماشتم و پس از اندکی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم . در سال ۱۳۷۸ به عنوان مـدیر دفتر تحقیقات نور رایانه منصوب و نسبت به پژوهش و تحقیق در مباحث ادبیات فارسـی آشـنائی پیدا کردم و مشغول به تحقیق شدم . در سال ۱۳۷۹نسبت به تولیدچند رسانه ای مثنوی معنوی و کارهای تحقیقاتی این پروژه تحت عنوان مدیر و متکفل پروژه ،همت گماشـتم ودر سال ۱۳۸۱ کارهای تحقیقاتی پروژه شاهنامه فردوسـی را مـدیریت نموده و در دو لوح فشـرده به جامعه فرهنگی عرضه نموده ام . همچنین بعضی از مقالات و نوشته های موجود در این دو پروژه از اینجانب می باشد.

هم اکنون هم نسبت به تولیـد نرم افزار چنـد رسـانه ای حافظ شـیرازی و کارهای تحقیقاتی آن و پیگیریهای متعـدد با مراکز علمی ، پژوهشـی « مرکز حافـظ شناسـی و انجمن شاعران تهران » مشـغول به کار هسـتم. همزمان با همکاری با مرکز به دروس خارج اسـتاد سبحانی «اصول » و استاد مکارم «فقه» مشغول می باشم.

سالاری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سالاری

محل تولد : قاینات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در تیر ماه سال ۱۳۴۶ در خانواده ای متوسط، مـذهبی شـغل پدرم کشاورز و مادرم خانه دار در روسـتای دهشک از توابع بخش نیم بلوک قاینات، واقع در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شهرستان قاین دیده به جهان گشودم.وقتی به دنیا آمدم برادر دو ساله ام که محمد نـام داشت به علت مریضـی سـرخجه از دنیـا رفته بـود، پـدرم شناسـنامه برادر فـوت شـده ام را به من اختصـاص داد و دیگر برای من شناسـنامه ای نگرفت بنابراین من با همان شناسـنامه برادرم که دو سال از من بزرگتر است درسال تحصیلی ۵۱ ـ۵۲ دو سال زودتر از موعد به مدرسه رفتم .

تحصیلات (دوران کودکی، نوجوانی و جوانی)دوران ابتدایی را در روستای محل ولادتم با موفقیت گذراندم. سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسـلامی ایران کلاس اول راهنمـایی را در روسـتای بیهود و دوم راهنمـایی را در شهرسـتان قاین و سوم راهنمـایی را درخضـری مرکز بخش نیم بلوک بـا موفقیت گذرانـدم و سپس بـا توجه به علاقه ی شدیـدی که به روحانیت داشـتم تحصـیلات جدید را ترک نمودم و در سال تحصیلی ۶۰ ـ ۶۱ وارد حوزه علمیه قاین شدم و دو سال بعد برای ادامه تحصـیل به حوزه علمیه گناباد مهاجرت نمودم و دو سال در این حوزه، بقیه دروس مقدمات را نزد اسـتادان محترم مدرسه علمیه امام رضا علیه السـلام گذراندم در سال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصـیل وارد حوزه علمیه مشـهد مقـدس شدم و تحصـیلات حوزه را در مدت ده سال اقامت در این حوزه تا اتمام سطح گذراندم.از سال ورود به حوزه مشهد همزمان با تحصیل حوزوی به صورت داوطلب آزاد دوره دبیرستان را نیز هر سـاله امتحان می دادم که سـرانجام درسال ۱۳۶۷ موفق به اخـذ دیپلم در رشـته فرهنگ و ادب از آموزش و پرورش نـاحیه ۲ مشهد شدم در سال ۱۳۶۸ در آزمون سراسری دانشگاه پیام نور در رشته زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شدم و در مقطع کارشناسی به تحصـیل پرداختم. ضـمنا در همان سال ازدواج کردم که حاصل این ازدواج هم اکنون چهار فرزند می باشد، دو پسـر و دو دختر می باشد.سـر انجام در سال ۱۳۷۴ موفق به اخـذ درجه لیسانس (کارشناسـی) از دانشـگاه پیام نور مرکز مشـهد گردیدم.در سال ۱۳۷۴ به قصد ادامه تحصـیل از مشـهد به قم مهاجرت کردم و تا سال ۱۳۸۱ در حوزه علمیه قم دروس خـارج فقه و اصول را نزد آیـات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، یوسف صانعی و علوی گرگانی ادامه دادم و بهره های فراوان بردم.

دروس تفسـیر قرآن آیت الله جوادی آملی و اخلاق آیت الله مشـکینی و آیات الاحکام آیت الله محمد یزدی نیز دروس جنبی حوزه قم بود که از محضر این بزرگواران نیز بهره مند شدم .

در سال ۱۳۷۶ در کنکور سراسری کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی پذیرفته شدم و در واحد مرکزی تهران به تحصیل پرداختم و سرانجام در سال ۱۳۷۸ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی شدم واز پایان نامه ای با موضوع «اخلاق و تربیت اسـلامی در دیوان عطار نیشابوری» و با نمره ممتاز دفاع کردم.تدریس در آموزش و پرورش را در مقطع (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) از سال ۱۳۷۶ در مشـهد آغاز کردم و در قم ادامه دادم و هم اکنون نیز چندساعتی را در مقطع دبیرسـتان در شـهر خضری ادبیات فارسـی تدریس می کنم.تدریس در مقطع دانشـگاهی را با دروس معارف اسلامی «۱ و ۲» و اخلاق اسـلامی، از سال ۱۳۷۲ در دانشـگاه آزاد اسـلامی واحد تهران مرکزی آغاز نمودم و در سال های ۱۳۸۱ تا کنون در دانشـگاه آزاد اسلامی شهرهای قاین و گنابـاد در دانشـکده علـوم پزشـکی گنابـاد ادامه دادم و هم اکنون نیز بـا علوم پزشـکی هم در زمینه تـدریس و هم به صورت عضـو پایگاه تحقیقات جمعیتی دانشـکده علوم پزشکی همکاری دارم از ۲۵ فروردین سال ۱۳۸۱ از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) و با حکم شورای سیاسـتگذاری ائمه جمعه سراسـر کشور به سـمت امام جعه بخش نیم بلوک در (شهر خضری دشت بیاض) منصوب گردیدم و تا هم اکنون مدت حدود چهار سال است که در این سمت انجام وظیفه می نمایم.

سالاری، مظفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مظفر سالاری

محل تولد : –

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

از دوم دبستان عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده و همواره با کتاب و کتابخوانی انس والفت داشته ام . از سال ۶۷ همراه با شرکت در کلاس های ادبی و هنری دفتر تبلیغات ، اداره کتابخانه ادبی آن جا را پذیرفتم . از سال ۷۱ همکاری ام را با مجله سلام بچه ها به عنوان مسئول داستان آغاز کردم و دو سال بعد با همین عنوان با مجله «پوپک» نیز همراه شدم . برای بچه ها داستان ، نمایشنامه ، فیلمنامه ، نقد و مقاله های آموزشی فراوانی نوشته و شاگردان زیادی تربیت کرده ام . در آن زمان که به طور مرتب نقد می نوشتم ، در سه سال پیاپی در جشنواره مطبوعات کانون در زمینه نقد برگزیده شدم . کتاب ها و داستان هایم بارها برگزیده جشنواره ها شده و مورد تقدیر قرار گرفته است . رمانم با نام «نیمه شبی در حله» می تواند الگویی باشد برای نگارش داستان با صبغه دینی" . نیمه شبی در حله "نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی ، برگزیده کتاب سال ولایت و کتاب سال سلام بچه ها و پوپک در سال ۸۳ بوده است . بارها داور کتاب سال بوده و با عناوین کارشناس ، عضو هیات علمی ، مشاور و مدیر در امور ادبی و هنری دعوت به همکاری شده ام . به دلیل خدمات فرهنگی و تولید و تدریس داستان طی سال ها ، در دهمین کنگره شعر وقصه طلاب ، برگزیده ویژه شناخته شدم . از سال ۸۳ با معرفی شورای فرهنگ عمومی و حکم وزیر فرهنگ و ارشاد به عنوان عضو هیات نظارت بر کتاب کودک و نوجوان ، در تدوین آیین نامه نظارت ، همکاری موثر داشته ام . نخستین جلد از مجموعه پنج جلدی داستان نویسی قدم به قدم با نام «گشایش داستان» در سال ۸۳ از من به چاپ رسیده و مورد استقبال قرار گرفت . در کنار مسئولیت هایی چون معاونت فرهنگی هنری دفتر تبلیغات ، سر دبیری فصلنامه «آفرینه» را نیز به عهده دارم و به ترجمه و تفسیر قرآن برای بچه ها و نگارش دایرهٔ المعارف موضوعی قرآن برای ایشان نیز می اندیشم .

سالک کاشانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌حاج محمد اسماعیل عالم فاضل زاهد جامع واعظ کامل. در حدود ۱۳۲۸ در کاشان متولد گردید، پس از تحصیل مقدمات به قم مهاجرت نموده، در آنجا در محضر جمعی از اساتید وقت بـه تکیل معلومات خود پرداخته، و به درس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری حاضر شده، و اختصاص به آیهٔ الله مرعشی نجفی یافته، سپس به مناسبت عدم سازگاری آب و هوای قم به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر متوطن شده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت و ارشاد و هدایت مردم پرداخته؛ واعظی شیرین بیان، و سالک طریق حق بوده. الحق می‌توان او را انسان واقعی و مسلمان حقیقی دانست.

در شب غره‌ی ربیع‌الاول سال ۱۳۸۹ وفات یافته، در تخت فولاد در بقعه‌ی تکیه‌ی آقا سید محمد لطیف خواجوئی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سالکی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد فرزند رکن‌الاسلام معروف بسالکی بابلی از فضلاء این شهر بوده و در زمان مرحوم آیه‌الله العظمی حایری برای تحصیل و تکمیل مراتب علمی بقم آمده و پس از چند سال با احراز مقامات فضل و دانش از حیث فقه و اصول و حکمت و ادبیات مراجعت ببابل نموده و از راه منبر و وعظ و خطابه و تبلیغات و مبارزات با منحرفین خدماتی انجام داده تا در چند سال قبل از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سالمی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم سالمی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۷۱وارد حوزه علمیه قم شدم و درمدرسه شهیدین وسپس رضویه و امام محمد باقر (ع) مقدمات را تا لمعتین و اصول فقه به اتمام ودر مدت بسیار کوتاهی سطوح را به پایان رساندم.

از سال ۱۳۷۸خارج فقه، اصول، رجال، درایه، کلام و تفسیر را نزد استاد گرانقدر و محقق عالی مقام سیفی مازندرانی شروع و تا به الان ادامه دارد.

همزمان با تحصیل درسهای مرسوم حوزه رادر سطوح مختلف تدریس کرده و به طور رسمی در دو مدرسه عالی امام خمینی (ره) و شهیده بنت الهدی مشغول تدریس دروسی مانند مبانی علم رجال، درایه، منبع شناسی حدیثی شیعه و اهل سنّت، تاریخ حدیث، فقه حدیث و شیعه شناسی با دو زبان فارسی و عربی هستم که متن برخی از آنان را خود تهیّه و تدوین نمودم و در ضمن تحصیل و تدریس به تحقیق و تدوین در حوزه های فقه، اصول، رجال، منابع حدیثی و ادبیات پرداخته ام و تنها اثری که موفق به چاپ و نشر آن شدم کتاب الاسلام والحریه می باشد.

سام

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام او در اوستا SAMA (سامه) و آن نام خاندانی است، نه نام کسی. اما در روایات پهلوی نام دو تن از دلیران سیستانی است: یکی پدر اثرط که در گرشاسبنامه‌ی اسدی طوسی به صورت شم آمده است، و باید اصل آن سام باشد، و دیگر نواده‌ی گرشاسب و پدر زال می‌باشد. سام در شاهنامه از پهلوانان دربار منوچهر و نوذر بود.

(است. سیاه. نام خانواده‌ای ایرانی) جهان پهلوان ایرانی نواده گرشاسپ جهان پهلوان پدر زال و جد رستم جهان پهلوان.

(شم) پدر اثرط، جد گرشاسپ جهان پهلوان.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

سام میرزای صفوی، ابونصر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۷۵/۹۷۴ -۹۲۳ ق)، تذکره‌نویس، خطاط و شاعر، متخلص به سامی. وی در مراغه متولد شد دومین فرزند شاه اسماعیل و برادر شاه طهماسب بود. در زمان پدر نخست حکمران گیلان و سپس حکمران خراسان شد و در هرات استقرار یافت اما چندی پس از مرگ شاه اسماعیل معزول شد و بر شاه طهماسب طغیان کرد و در جنگی در قندهار شکست خورد و از آنجا به طبس گیلکی رفت. وی پس از چندی امان نامه دریافت کرد و به دربار بازگشت و چندی به این نحو می‌زیست تا این که از شاه طهماسب درخواست کرد که از التزام رکاب معذورش بدارد، شاه طهماسب تلویت بقعه شیخ صفی‌الدین و حکمرانی اردبیل را به او داد. سام میرزا سالها بعد بار دیگر بر شاه طهماسب شورید و به مدت شش سال در قلعه قهقهه زندانی شد و سام در همان قلعه در زیر آوار زلزله درگذشت. از جمله آثارش: «تحفه‌ی سامی»؛ «دیوان». شعر. سام میرزا همچنین خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و از خطوط وی، یک قطعه به قلم نیم دو دانگ متوسط به زر تحریردار موجود است، با رقم: «...کتبه غلام شاه، سام».[۱]

صفوی پسر شاه اسماعیل و برادر شاه طمهاسب صفوی (ف. ۹۴۰ ه.ق.). وی در فنون شعر و انشا مهارت داشت و کتاب «تحفه سامی» که تذکره‌ایست از شعرا تألیف اوست. در سال ۹۳۹ ه.ق. از طرف برادرش به حکومت خراسان منصوب شد و در سال ۹۴۰ بر برادر شورید و در همان اثنا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۳ -۶۲ /۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۲۲۸/۱)، از سعدی تا جامی (۶۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۹۸/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۵۷ -۱۵۵ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۹ -۳۷۸)، تحفه سامی (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۸ -۱۷۶)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۴۶/۱)، الذریعه (۴۲۴ -۴۲۳ /۹)، روضه السلاطین (۷۱)، ریحانه (۱۵۱/۲)، سخنوران آذربایجان (۳۶ -۳۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۰)، فرهنگ سخنوران (۴۳۵ -۴۳۴)، لغت نامه (ذیل/ سام میرزا)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۶/۳)، مجمع الخواص (۲۴)، مجمع الفصحا (۵۹ -۵۸ /۱)، نتایج الافکار (۳۳۲ -۳۳۱).

سامت قزوینی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱- ز ۱۳۶۲ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قزوین متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در قزوین به قم رفت و مدت پنج سال در آن شهر نزد استادانی چون آیت‌اللّه شیخ یحیی مفیدی و آیت‌اللّه شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی تلمذ کرد. پس از آن به نجف سفر کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در فقه و از آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی در اصول و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نمود. در سال ۱۳۶۲ ق به قزوین مراجعت نمود و به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد ملا باشی و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی از آیت‌اللّه اصفهانی دارای اجازه‌ی اجتهاد و روایت بود. از آثارش: «تقریرات» مباحث آیت‌اللّه اصفهانی، در طهارت و بیع و حج؛ «تقریرات» اصول آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی یکدوره‌ی کامل؛ «تقریرات» مباحث فقه میرزا ابوالحسن

مشـکینی در «صـلاه» و مبـاحث اصـول در «حجیـت ظـن» و «اصـل برائـت»؛ «تقریرات» مبـاحث فقـه آیـت‌اللَّه نـایینی، در «خیـارات»؛ «تقریرات» آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی، در «غصب» و «قضاء» و «زکوه».[۱]

میرزا عبـدالرحیم بن العـالم الجلیـل والفاضل الجمیل میرزا حسن از احفاد ملا محمـد رفیع‌الـدین واعظ قزوینی صاحب (کتاب ابواب الجنان) در مواعظ و اخلاق متوفی ۱۰۸۹ ق می‌باشد.

معظم له از علمـاء و ائمه جمـاعت محترم معاصـر قزوین و دانشـمندان بنام آن سامانست. وی در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۱ ق در شهرستان قزوین متولد شده و پس از رشد مدت پنج سال در قزوین تحصیل و بعد از آن به قم مسافرت نموده و مدت پنج سال در قم توقف و از محاضـر آیـات و مدرسـین حوزه ماننـد آیت‌اللَّه آقـا شـیخ یحیی مفیـدی و آیت‌اللَّه حـاج شـیخ میرزا ابوالفضـل زاهـدی و مرحوم آیت‌اللَّه میرزا محمد همدانی اسـتفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه اصـفهانی فقهـا و آیت‌اللَّه عراقی آقـا ضـیاءالدین اصولا-و آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه آقا میرزا ابوالحسن مشـکینی و آیت‌اللَّه حاج آقا شـیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری مراجعت به قزوین و تا هم‌اکنون به خـدمات دینی و اقامه نمـاز جمـاعت در مسـجد سـلطانی و مسـجد ملاباشـی و تـدریس فقه و اصول و غیر ذلـک اشـتغال دارد. و دارای اجـازات روایتی و اجتهادی و غیره از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و غیره می‌باشد.

آثـار علمی ایشان از این قرار است ۱- تقریرات مباحث مرحوم آیت‌اللَّه اصـفهانی در طهارت و بیع و حج ۲- تقریرات اصول مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی یک دوره کامل ۳- تقریرات مباحث فقه مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی در صلوهٔ و نیز اصول ایشان در حجیهٔ ظن و اصل برائت.

۴- تقریرات مباحث فقه مرحوم نائینی در خیارات.

۵- تقریرات مباحث فقه مرحوم آقا ضیاء عراقی در غصب و قضاء و زکوهٔ و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینهٔ دانشمندان (۱۶۲ -۱۶۱ /۶).

سامعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر حسین سامعی در سال ۱۳۳۲ ش. در تهران متولّد شد .ایشان دارای مدرک دکترای زبان شناسی از دانشگاه تهران می باشـد.دکتر سـامعی مسؤول واژه‌گزینی در فرهنگسـتان زبـان و ادب فارسـی بوده است.وی علاـوه بر کـار تحقیقـاتی در دانشگاه نیز تدریس می‌کرده است.در حال حاضـر، نامبرده به دعوت دانشگاه هاروارد، برای یک دورهٔ تحقیقی یک ساله عازم امریکا شده و در ایالت جورجیا در دانشگاه Emory مشغول تدریس زبان فارسی است. کتاب "فرهنگ معاصر هزاره "تالیف حسین سامعی (یکی از مؤلفان)، در دوره بیسـتم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : حسین سامعی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) و فوق لیسانس و دکترا با درجهٔ ممتاز در رشتهٔ زبان شناسی از دانشگاه تهران شد.

هم دوره ای هـا و همکـاران : حسـین سامعی از سال ۱۳۶۴ با دکتر علی محمـد حق شـناس و سـرکار خانم انتخابی در تهیـهٔ فرهنگ هزاره در مؤسسهٔ انتشاراتی فرهنگ معاصر همکاری داشته است.

فعالیتهـای آموزشـی : دکتر سامعی مسؤول واژه‌گزینی در فرهنگسـتان زبان و ادب فارسـی بوده است.وی علاوه بر کار تحقیقاتی در دانشـگاه نیز تـدریس می‌کرده است. از دیگر سوابق ایشـان همکاری با مرکز نشـر دانشـگاهی است. در حال حاضـر، دکتر سامعی به دعوت دانشـگاه هـاروارد، برای یـک دورهٔ تحقیقی یـک سـاله عـازم امریکا شـده و در ایالت جورجیا در دانشگاه Emory مشغول تدریس زبان فارسی است.

جوائز و نشانها : کتاب"فرهنگ معاصر هزاره "تالیف حسـین سامعی (یکی از مؤلفان)، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اســـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـــگ و ارشـــاد اســـلامی ،بـــه عنـــوان کتـــاب ســـال برگزیـــده شـــد. منـــابع زنـــدگینامه :http://iranologyfo.com/

سامی شیرازی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، نویسـنده، محقق و اسـتاد دانشـگاه. در شـیراز متولد شد پس از تحصـیل مقدمات در رشته ادبیات و باستان شناسی و تاریخ بخصوص قسـمت قبل از اسـلام مشـغول تحصـیل و تفحص شد و در این رشـته تخصـص پیدا کرد و از دانشـگاه آزاد آسیایی درجه دکتری افتخاری دریافت کرد آنگاه وارد خـدمت وزارت فرهنگ شد مدتی ریاست کارپردازی و ساختمانهای فرهنگی فارس

و تعمیرات ابنیه‌ی تاریخی را داشت از سال ۱۳۱۸ ش به ریاست علمی و حفاری تخت جمشید به ادامه کاوش در خرابه‌های استخر و تپه‌های مرودشت و حفاری در پازارگاد اشتغال داشت همچنین در سال ۱۳۳۶ ش به ریاست اداره باستان شناسی فارس منسوب شد از بدو تاسیس دانشکده‌ی ادبیات شیراز سمت استادی تدریس باستان شناسی دانشکده مزبور را داشت و همچنین مدتی سرپرستی آرامگاه خواجه حافظ و تعمیر ابنیه تاریخی فارس و اداره‌ی امور کاوش در آثار قدیمی و حفاری در پازارگاد را بر عهده داشت از آثار وی: «آثار باستانی جلگه‌ی مرودشت»؛ «پارس در عهد باستان»؛ «پازارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران»؛ «تمدن هخامنشی»؛ «مقام دانش در ایران باستان»؛ «شیراز، شهر سعدی و حافظ و شهر گل و بلبل».[۱]

باستان‌شناس، ایران‌شناس.

تولد: ۱۲۸۹(۱۳۲۸ ق.)؛ شیراز.

درگذشت: ۲۲ مرداد ۱۳۶۸، شیراز.

علی سامی، فرزند آقا بزرگ، از شاعران و نقاشان شیراز و صاحب کتاب مقامات معنوی (۱۳۲۹) است. علی سامی پس از تصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌ی شعاعیه، در سال ۱۳۰۸ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ به سمت آموزگار و سپس به عنوان دبیر تاریخی و جغرافیا در مدارس شیراز مشغول تدریس شد و پس از آن به مدیری مدرسه‌ی و تصدی دانشسرای مقدماتی پسران در ۱۳۱۴ ارتقا یافت، از سال ۱۳۱۵ نیز به تعمیرات ابنیه‌ی تاریخی شیراز پرداخت. در همین زمان، آرامگاه حافظ ساخته شد و موزه‌ی پاریس و آرامگاه خوجوی کرمانی و مسجد جامع عقیق مرمت شدند.

پس از خروج هیئت علمی دانشگاه شیکاگو که حفاری علمی تخت جمشید را به عهده داشت، از سال ۱۳۲۱ به سمت ریاست بنگاه علمی تحت جمشید منصوب شد. در همین مدت کاوش‌های علمی پاسارگاد و تپه‌های ماقبل تاریخ اطراف مرودشت انجام گرفت. ایشان در سال ۱۳۲۶، علاوه بر ریاست بنگاه علمی تحت جمشید به سمت ریاست اداره‌ی باستان شناسی فارس منصوب شد و تدریس در دانشگاه را نیز آغاز کرد تا سال ۱۳۴۹ ادامه داشت.

علی سامی عضو چند مجمع علمی و فرهنگی و اجتماعی بود که اهم آنها عبارتند از: سردبیر روزنامه‌ی «عدل» (شیراز)؛ رییس شورای نویسندگان و خبرنگاران استان فارس، عضو کنگره‌ی ایران شناسی، عضو کنگره خاور شناسی تاجیکستان، دبیر و عضو انجمن قلم شیراز، رییس و دبیر کانون دانش پارس (این کانون در سال ۱۳۳۱ به همت خود وی بنیاد نهاده شد)؛ دبیر و عضو انجمن آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت انجمن آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت آثار باستانی، عضو و رییس هیئت امنا در آستانه‌ی حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ)؛ عضو کمیسیون ترجمه و تألیف دانشگاه شیراز، عضو و رییس کمیته‌ی دائمی دانشکده‌ی ادبیات شیراز، عضو هیئت مدیره بنگاه حمایت زندانیان شیراز (از سال ۱۳۴۳)؛ عضو و دبیر شورای عالی جهانگردی.

علی سامی دارای درجه‌ی دکترای افتخاری از کشور هندوستان (دانشگاه آزاد آسیایی) بود و نشان‌های همایون درجه‌ی ۴ و مدال درجه‌ی ۱ و سپاس درجه‌ی ۲ (به سبب فعالیت‌های مطبوعاتی) به وی داده شده بود.

دکتر علی سامی بیش از سی جلد کتاب نوشت که مهمترین آنها عبارتند از: آثار تاریخی جلگه‌ی مرودشت (۱۳۳۱)؛ پارس در عهد باستان (ضمیمه‌ی نشریه‌ی شماره سه «کانون دانش پارس»، ۱۳۳۳)؛ پارسکده (۱۳۵۰)؛ پاسارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران (۱۳۳۰)، این کتاب بعدا در سال ۱۳۷۵ تحت نام پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی ذولقرنین به کوشش و بازنگری دکتر غلامرضا وطن‌دوست از سوی بنیاد فارس شناسی به چاپ رسید)؛ تاریخ پارس در عهد باستان (۱۳۳۴)؛ تاریخ پیدایش خط و تحول آن در شرق باستان و ترجمه کتیبه‌های میخی و پهلوی (۱۳۲۹)؛ تمدن ساسانی (جلد اول، ۱۳۴۲)؛ تمدن ساسانی (جلد دوم، ۱۳۴۴)؛ تمدن هخامنشی (جلد اول، ۱۳۴۱)؛ تمدن هخامنشی (جلد دوم، ۱۳۴۸)؛ روزها و یادها (جلد اول، ۱۳۶۰)؛ روزها و یادها (جلد دوم، ۱۳۶۲)؛ شرح آثار باستانی تخت جمشید (با همکای سید محمدتقی مصطفوی، ۱۳۳۵)؛ شرح آثار تاریخی شیراز (به زبان انگلیسی، ترجمه نارمن شارپ، ۱۳۳۵)؛ شرح آثار تخت جمشید (به زبان انگلیسی، با ترجمه رالف نارمن شارپ، ۱۳۳۵ که نه بار تجدید چاپ شد)؛ شرح کاوش‌های پاسارگاد (به زبان انگلیسی، ترجمه شارپ، ۱۳۳۵)؛ شیراز، دیار سعدی و حافظ، شیراز: شرح مفصل آثار باستانی و سیر فرهنگ و هنر در ادوار گوناگون (۱۳۳۷)؛ شیراز شهر جاویدان (۱۳۶۳)؛ شیراز شهر گل و بلبل، تاریخچه شیراز و شرح آثار باستانی شیراز (۱۳۳۷)؛ گزارش‌های باستان شناسی (جلد دوم، ۱۳۳۱)؛ گزارش‌های باستان شناسی (جلد چهارم، ۱۳۳۸)؛ گزارش‌های کاوش‌های علمی پاسارگاد (ضمیمه‌ی جلد اول گزارش‌های باستان شناسی، ۱۳۲۹)؛ مقام دانش در ایران باستان (۱۳۳۳)؛ نقش ایران در فرهنگ اسلامی (۱۳۶۵).

از وی همچنین مقالاتی در مجله «دانشکده‌ی ادبیات»، «مهر»، «هنر و مردم»، «فروغ تربیت»، «اطلاعات ماهانه»، «بررسی‌های تاریخی» و روزنامه‌های «بهار ایران»، «عدل»، «گلستان» و «پارس» شیراز به چاپ رسیده است.

آثار دیگری که علی سامی به رشته‌ی تحریر درآورده است ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح هستند: جلد چهارم تمدن هخامنشی، جلد سوم و چهارم تمدن ساسانی، تمدن قدیم فلات ایران و تمدن پیش از هخامنشی، تاریخ تمدن جهان، بهار جاویدان مشتمل بر یک سلسله مقالات ادبی و تحقیقات باستان شناسی در ایران.

از اشیای کشف شده توسط علی سامی، تعدادی در موزه‌ی ملی ایران (ایران باستان)، قسمت مربوط به هخامنشیان نگه‌داری می‌شود که از آن جمله است: سر شاهزاده هخامنشی از سنگ لاجورد و بشقاب سنگی به خط آرامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲ -۴۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۵ -۲۶۳ /۴).

ساوجی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللّه ساوه‌ای از علماء و دانشمندان ساوه می‌باشند.

وی در ساوه متولد و برای تحصیل به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیات دیگر قم استفاده و در حدود ۱۳۶۷ قمری به ساوه مراجعت و به اقامه جماعت و سایر خدمات دینی پرداخته تا مبتلا به سکته ناقص شده و چند سالی در بستر کسالت افتاده تا به اجل محتوم و موعود از دنیا رفته است.

فرزند ارجمندش حاج شیخ محمود ساوجی مدتها در قم از محضر آیات عظام مرحوم خوانساری استفاده کرده و بعد به نجف مشرف و چندی هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و دیگران بهره‌مند شده آنگاه به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، صدرالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران و ادیبان صاحب هوش و ذکاوت و استاد در علم عروض و قافیه عهد ایلخانان مغول بود. وی به روزگار هلاکو خان در شام مسکن داشت و در همان دوره به اتهام ساحری کشته شد. از آثار وی: قصیده‌ی «حسنا» در علم عروض و قافیه به نظم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ برگزیده (۶۹۶ -۶۹۵)، حبیب السیر (۱۰۸ -۱۰۷ /۳)، لغت نامه (ذیل/ ساوجی).

ساوجی، فضل الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، ادیب، طبیب و خطاط. وی پدر ابوالفضل ساوجی و از خاندان شاملو و از اعقاب حسن‌خان شاملوی معروف، والی هرات است. میرزا فضل‌الله، خود از مشاهیر اطبای ساکن تهران بود و فتحعلی‌شاه او را به سمت معلمی علی‌خان ظل‌السلطان، دهمین فرزند خود، منصوب داشت. از خطوط، علاوه بر نستعلیق، ثلث و نسخ را نیز خوش می‌نوشت. او را به داشتن سجایای اخلاقی و مراتب فضل و کمال یاد کرده‌اند و بعضی شاعران عصر، مانند شباهنگ، در اشعار خود وی را ستوده‌اند.او در تهران درگذشت و جنازه‌اش را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش، قطعه‌ی سیاه‌مشقی است که به قلم چهار دانگ خوش نوشته شده و رقم «ذلک فضل‌الله» دارد؛ قطعه‌ای به قلم شش دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «یا هو، در نهایت افسردگی و بیدماغی نوشته شد، کتبه الحقیر لله، فضل‌الله ۱۲۵۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۷۳ -۵۷۲ / ۲)، شرح حال رجال (۱۷۸ / ۶)، حدیقه الشعراء (۱۵۱۳ -۱۵۱۲، ۱۵۰۸ / ۳)، طرائق الحقائق (۵۸۴ -۵۸۳ / ۳)، مجمع الفصحا (۹۰۱ / ۵)، گنج شایگان (۵۰۹).

ساوجی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، ادیب و خطاط. از خاندان میرزا ابوالفضل ساوجی و در زمره‌ی دانشمندان عصر خود بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: ترجمه‌ی فارسی یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «ترجمه‌ی این صحیفه‌ی کامله‌ی شریفه‌ی سجادیه که بقلم معجز رقم استاد کل آقا زین‌العابدین اصفهانی است... بتحریر این حقیر بانجام رسید. و انا العبد الراجی محمد الساوجی سنه ۱۲۷۸»؛ یک قطعه، به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «الحقیر محمد الساوجی غفر له ۱۲۸۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۴۱ -۷۴۰/ ۳).

سبحانی نیا، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی سبحانی نیا

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی سبحانی نیا از سال۱۳۶۶ همزمان با تحصیل در سال چهارم دانشگاه رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دروس سطح حوزه را شروع نمودم. دروس سطح را تا سال ۱۳۷۶ به پایان رساندم. از اساتید برجسته اینجانب در دوره سطح، اساتید معزز آقایان حجج اسلام اسحاق نیا، پرنده غیبی، عالی، مومنی، مسعودی، غرویان، دوزدوزانی و عراقچی می باشند. از سال ۱۳۷۶ در درس خارج آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی و استاد مکارم شیرازی و استاد مددی حاضر شده و مدت کوتاهی نیز در درس استاد آیهٔ الله شبیری زنجانی شرکت نموده ام.

از سال ۱۳۷۱ با مرکز تحقیقات دارالحدیث به فعالیت های فرهنگی علمی همکاری را شروع نموده و این همکاری تا به امروز در حوزه های مختلف ادامه داشته است. مدتی در بخش تاسیس کتابخانه تخصصی حدیث تلاش کرده و مسولیت داشتم . سپس چند سال در گروه موسوسعه نگاری در بخش تحقیقات با آن مرکز همکاری داشته و تحقیق و عناوین متعددی را بر عهده داشته ام. و هم اکنون نیز در دانشکده علوم حدیث ضمن مسئولیت اجرایی به تحصیل در مقطع دکتری اشتغال دارم. ضمناً در سال ۱۳۸۰ نیز در آزمون کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی دانشکده تربیت مدرس قم پذیرفته شده و مدرک کارشناسی ارشدخود را در سال ۱۳۸۳ اخذ نمودم.

سبحانی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا سبحانی نیا

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ هجری برای آغاز درس های طلبگی به شهر مقدس قم آمدم و دروس مقدماتی را در مدارس کرمانی ها و رضویه گذراندم. در ادبیات از اساتید بزرگواری چون جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای عالی بهره بردم و لمعه و اصول را نزد اساتید گرانقدری،همچون آقای قاروبی تبریزی و خسرو شاهی تلمذ کردم. درس مکاسب و رسائل را نیز از حضرات حجج اسلام و آیات عظام آقایان حسینی خراسانی،علیدوست،موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی،جاودان و عالی(دامت برکاتهم) بهره بردم.از سال ۱۳۷۸ در دروس خارج حوزه از محضر علمای بزرگ حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی(ره) و مددی(حفظهم الله تعالی) بهره ها ی فراوان بردم. در کنار درس های طلبگی در موسسه فرهنگی دارالحدیث توفیق خدمت به حدیث را یافتم و هر چند در سال های اولیه کمتر به کارهای علمی و پژوهشی موفق می شدم، اما از سال ۱۳۷۸ با گذراندن واحدهایی از درس تربیت مربی حدیث در کنار کارهای پژوهشی و تحقیقی حدیث وارد عرصه تدریس علوم حدیث شدم. در مجموعه با برکت موسوعه نگاری دارالحدیث توفیق همراهی با محققان این مرکز جهت نشر کتب حدیثی تحت اشراف جناب آیه الله ری شهری(دام عزه) را داشتم. تدریس در دانشکده های اصول دین قم، حدیث شهری و رشته تخصصی حدیث حوزه علمیه قم و جامعهٔ القرآن کریم قم در رشته های علوم حدیثی و معارف حدیثی از خدمات حقیر بوده است. همکاری و مشاوره و راهنمایی با طلاب محترم حوزه و دانشجویان دانشکده های علوم حدیثی و قرآنی از افتخارات بنده بوده است.هم اینک در موسسه دارالحدیث در بخش تخریج و مصدر یابی احادیث خدمتگزار دوستانم هستم و افتخار خدمتگزاری به حدیث معصومین (علیهم السلام) بهتر از هرافتخاری است.

سبزواری، پیرشمس الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پیر شمس الدین سبزواری درحدود ۵۷۰ هجری قمری درسبزوار متولد شد .پدرش از مبلغین اسماعیلی و گماشته امام قاسم شاه اسماعیل بود .بنابراین پیر شمس از کودکی تحت تعلیمات فلسفی و مذهبی اسماعیلیه قرار گرفت و در سفرهای پدر به بدخشان

وتبت همراه وی بود . وی پس از وفات پـدر ،از سوی امـام اسـماعیلی بعنوان «حجت» منصوب شـدو برای تبلیغ به سند وهنـد اعزام گردیـد. آنجا فعالیت های تبلیغی بسیار وسیعی رادر ایالات وسیع هند و تبت و مناطق دیگر به راه انداخت و بسیاری از مردم را به مذهب اسـماعیلی در آورد. اصـلی ترین عامل موفقیت پیر شـمس الدین گرایش های صوفیانه و اشـعار هندی وی بود که مردم را به خود جذب می کرد. او در سال ۷۵۷ هجری قمری درگذشت و فرزندانش راه وی را ادامه دادند.گروه : علوم انسانیرشـته : الهیات و معارف اسـلامیوالدین و انساب : صـلاح الدین پیر شـمس الدین سبزواری گماشته امام قاسم شاه (امام اسماعیلی در هند)بود .اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : صـلاح الدین پیر شـمس الدین سبزواری گماشـته امام قاسم شاه بود و با سلسـله مغولان تاج مبارزه می کرد. یکبـار هم پیر معین الـدین حسن سبزواری اجمیری در سبزوار و در سال ۵۶۰ هجری قمری دیداری باوی کرده بود. تحصـیلات رسمی و حرفه ای : پیر شمس الدین سبزواری از کودکی تعلیمات مذهبی و فلسفی مذهب شیعه اسماعیلی را از پدر خود آموخت و به سـرعت در این علوم به مهارت بسیاری دست یافت. خاطرات و وقایع تحصیل : پیر شمس الدین سبزواری در ۱۹ سالگی به همراه پدر به بدخشان رفت .ومدتی را در تبت بود و دوباره به سبزوار بازگشت . همسـر و فرزندان : مهمترین باز مانده وی پسـر و جانشین پیر شمس الدین سبزواری ،«نصیر الدین » (۷۶۴–۶۲۵)بود که در پنجاب و اوچ به تبلیغ پرداخت .از نصـیر الدین هفت پسر بنام های پیر صدرالدین ،سید رکن الدین،سید بدرالدین ،سید شمس الدین دوم ،سید نورالدین ،سید غیاث الدین . سید نصیر الدین قلندر شاه باقی ماندنـد وتعلیمات وی را ادامه دادنـد. زمان و علت فوت : پیر شـمس الـدین سبزواری در ۷۵۷در گـذشت و در مولتان به خاک سپرده شـد.برخی مورخین مدت عمر وی را ۱۱۵ سال نوشـته اند. یکی از نوادگان پیر شمس ،که نامی از وی در منابع نیامده است ، مقبره ای را برای او بنا نمود . مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : پیر شـمس الـدین سبزواری پس از وفات پدرش از سوی امام قاسـم شاه بعنوان حجت منصوب شد. و برای تبلیغ از دیلم به سندو هند اعزا م گردید.وی مدتی به سفرهای تبلیغی درباره مذهب اسماعیلی در بـدخشان و تبت پرداخت و درغزنه از سوی شـاهزاده آنجا به بـدخشان به سـفارت رفت .وی درسال ۷۱۵ به کشـمیر رفت و قبایل چـاک و چانگـاد را اسـماعیلی مـذهب نمود ، در سال ۷۲۵ به مولتـان سـفر کردو بسیاری از پیروان فرقه مومن شـاهی را به مـذ هب اسـماعیلی گرایش داد . پس از آن به تبت. گیلگیت و حـدود هیمالیـا رفت وبه غزنه بـازگشت ،در سال ۷۲۷ به اوچ شریف (مقصد سفارت خود) رسید. امراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پیر شمس الدین سبزواری در سفرهای دورو دراز خود در هند در هر جا بویژه در پنجاب و کشـمیر مریدانی یافت و برای آنان خانقاهی برای عبادت بنام »خانه «تاسیس نمود. شاگردان : دو تن از مریـــدان پیر شـــمس الـــدین ســـبزواری کـــه در ســـفر وی از اوچ بـــه راجســـتان همراه وی بودنـــد ،ویمراس (vimras)و سوربهان(surrbhan) نـام داشـتند . زنی عارفه بنام جی جی دوی(gigi devi) نیزاز مریـدان وی بود. آثـار : گینـان ویژگی اثر : شامل تعالیم مهمی از تصوف و مذهب اسماعیلی و نماد گرایی است . وی توصیف زیبایی از طبیعت را همراه با فلسفه دینی در آثار خود در آمیخته است . و خدمات بسیاری رانیز به رشد زبان اردو نموده است.۲ منظومه اشعار هندی تحت عنوان گبریس ویژگی اثر : اشـعاری است درباره مذهب اسماعیلی که پیر شمس الدین آن را در گجرات سرود و باخواندن آن با آواز خوش در معبد هندوان بسیاری از آنان را اسماعیلی مذهب کرد.این منظومه به سبک شعر گجراتی سروده شده و بیانگر فرهنگ مردم گجرات در آن زمان نیز می باشد.

سبزواری، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۶ ق)، قاری، خطیب و شاعر. معروف به خطیب قاری سبزواری. وی در عصـر شاه سلیمان صفوی از خطیبان مشهد رضوی به شمار می‌رفت. او در علم حروف و اعداد تبحر و به عرفان تمایل داشت. از آثار وی: «مطالع الاسـرار»، در شرح «مشارق الانوار» شیخ حافظ رجب برسـی، که به دسـتور شاه سلیمان صفوی نوشته شد؛ «ابواب البیان»، فارسی، در خطب و مواعظ که در ۱۰۸۶ ق نگارش یافته؛ شرح «حدیث الاسماء و بیان حدوثها» یا شرح «حدوث الاسماء المروی فی الکافی»؛ «الخطب» به عربی و فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۰۱ –۱۰۰ /۵)، الذریعه (۱۴۲ –۱۴۱ /۲۱ ،۱۸۷/۱۳، ۱۸۴/۷، ۷۴/۱)، ریاض العلماء (۳۰۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۲/۱۱)، معجم المؤلفین (۲۲۷/۳).

سبزواری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بنده به سال ۱۳۰۴ هـ. ش در سبزوار و در خانواده ای فرهنگی متولد شدم . اجدادم اهل شعر و شاعری بودند، به خصوص پسر دایی پدرم ، تجّلی سبزواری که از شاعران توانا بود . پدرم نیز با وجود نابینایی شـعر می گفت. من از همان دوران طفولیت ، ذوق شاعری داشـتم و چیزهـایی می سـرودم . به تدریـج با تشویق و راهنمایی های پـدرم این سـروده ها رنگ شـعر گرفت . تقریباً از کلاس سوم متوسـطه بود که می توانستم به خوبی بسرایم . در زمانی که متفقین به ایران آمدند اشعارمن رنگ و بوی خاصی به خود گرفت . در آن زمان سـروده های زیادی داشـتم که متأسـفانه طی جریاناتی از بین رفت. به هرحال مدتی در اسـتخدام وزارت آموزش و پرورش بودم. پس از آن به کارهـای مختلف دیگری پرداختم، زمـانی که در بانـک مشـغول به کار بودم به تهران منتقل و در آنجا با مجامع

مختلف ادبی آشنا شدم . نتیجه این رفت و آمدها ، اشعاری در زمینه های سیاسی و اجتماعی بود. طی جریان انقلاب کم کم شعرهای من حال و هوای مذهبی به خود گرفت . در جریان ساخت سرودهای انقلابی هم پیشقدم بودم . مدتی هم در جبهه حضور داشتم و اشعاری نیز در رابطه با جنگ تحمیلی سروده ام ، از همان زمان تاکنون به طور مداوم با صدا و سیما همکاری دارم ، همچنین با دیگر سازمان های اسلامی . به هر حال از زمانی که خودم را شناختم ، هیچ گاه شعر بیهوده نگفتم و هنرم را در راهی صرف نکردم که پشیمان باشم. حمید سبزواری (حین ممتحنی) ، شاعر معاصر ایران است . حمید شاعری است ازنسل دیروز . نسلی که با ما همنفس وهم آوا است ،اما پژواک صدایش تا قرن هادرامتداد زمان جاری خواهد بود ، پس شعراو شعرآینده نیز هست . او شاعری است که آیندگان قدر و منزلت او را بیشتر خواهند شناخت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : پدرحمید سبزواری ،«عبد الوهاب » پیشه ور و ساده ای بود که قریحه شعری داشت . جدش ،ملا محمد صادق ممتحنی ،شاعری مردمی بود که «مجرم » تخلص می کرد و آثارش درسفری به مشهد و درحمله راهزنان به یغما رفت .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حمید سبزواری قبل از مدرسه قرآن را در خانه و نزد ماردش آموخته بود . او بعدا به مدرسه شیخ حسن داورزنی رفت .

خاطرات و وقایع تحصیل : حمید سبزواری دردوره نوجوانی درسبزوار زندگی می کرد . درسبزوار کتابفروشی به نام خسروی بود . او شعرهای حمید را چاپ کرده و فروخت . حمید می خواست اینکار را درتهران نیز انجام بدهد لیکن این امر صورت نگرفت و وی از این لحاظ خوشحال است .

فعالیتهای ضمن تحصیل : حمید سبزواری درنوجوانی شاهد فرهنگ ستیزی ،خشونت و سرکوب احساسات مذهبی مردم توسط رضا شاه پهلوی بود . چهارده ساله بود که سرودن شعر را آغاز کرد . حمیدجوان در آن سالها به هر حزب و گروهی که فکر می کرد حامل حقیقت یا حامی محرومانند سری می زد اما ه سرعت در می یافت که آن سراب ها هیچگاه نمی توانند عطش عدالت خواهی و شوق استقلال جویی او را سیراب کنند و سرخورده کنارمی کشید .

استادان و مربیان : مادر حمید سبزواری ، شاید اولین استاد وی بود . او جامع المقدمات را نزد میرزا حبیب جوینی خوانده است . حاج آقا محمد علی محمدی نیز ازدیگر استادان وی بود .

وقایع میانسالی : دراثر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حمید سبزواری متواری و مخفی شد . لیکن بعدا خود را به شهربانی سبزوار معرفی کرد و چهار سال دروضعیت بلا تکلیفی و تعلیق طی کرد تا سرانجام تبرئه شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حمید سبزواری ابتدا به شغل معلمی مشغول بود . او سپس کارمند بانک بازرگانی درتهران شد و سپس به شاعری وری آورد .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت حمید سبزواری ،شاعری می باشد . شعر حمید ،شناسنامه زمان مند انقلاب است ، زیرا کمتر حادثه یا رویدادی است که انعکاس از آن درشعر او نباشد . شاعر با حساسیت ویژه خویش ،هر رویداد مهم تاریخ معاصرایران رابا گل واژه های شعرش درحافظه زمانه نقش کرده است تا آیندگان ازیاد نبرند که نسل گذشته درچه شرایط دشواری از آرمان ها و انقلابش دفاع کرده است .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حمید سبزواری هنگامی که دربانک بازرگانی مشغول بود یک نشریه ای داخلی راه انداخت . نشریه ای داخلی که علاوه بر اخبار بانک و مسایل اقتصادی ،جدول وصفحه شعر ، داستان هم داشت .

همفکران فرد : یکی از همفکران حمید سبزواری ،فخر الدین حجازی می باشد که ازدوران جوانی با هم دوست بودند .

آرا و گرایشهای خاص : حمید سبزواری درمیان شعرای متقدم ،کار مسعود سعد سلمان و ناصر خسرو را بیشتر می پسندد . در میان شعرای معاصر نیز فرخی و نسیم شمال دراو تاثیر گذار بوده اند. --

آثار :

۱ به رنگ آمده دشمن

۲ سرود درد

۳ سرود سپیده

۴ سرودی دیگر

۵ فریاد نامه

۶ کاروان سپیده

۷ گزیده ادبیات معاصر

۸ یاد یاران

منابع :

۱مهدی پروین زاد ،روایتگر حماسه های انقلاب /گفتگو با استاد حمید سبزواری ، کیهان فرهنگی ،سال نوزدهم . شهریور۱۳۸۱ ، پیاپی ۱۹۱، ص۱۳

سبزواری، عبدالصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالصالح سبزواری از علماء و ائمه جماعت معاصر است در تویسرکان. وی در بیت علم تولد و پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیات عظام مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تویسرکان مراجعت و تاکنون بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سبزواری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر فقیه سبزواری از علماء معاصر سبزوار و در اول ماه شعبان ۱۳۳۴ ق در سبزوار متولد و در خدمت والد خود به نجف مشرف و در آنجا قرآن و دروس فارسی را مقداری خوانده و با آن مرحوم مراجعت به سبزوار نموده و مقدمات و ادبیات عربی را از اساتید بزرگ مثل مرحوم محقق نوقانی و ادیب نیشابوری و ادیب بجنوردی فراگرفته و سطح فقه و اصول را از محضر مرحوم حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ محمد نهاوندی و آقای حاج شیخ محمد قوچانی و آقای حاج میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفته و فلسفه و کلام را از مرحوم سیدالحکماء آقای میرزا ابوالقاسم الهی و آقای شیخ سیف‌اللّه ایسی و خارج را از محضر حجهٔالاسلام والمسلمین مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی فقیه سبزواری والد بزرگوار خود فراگرفته. و در سال (۱۳۱۷ شمسی) به دریافت تدریس علوم معقول و منقول از وزارت معارف نائل گردیده و فعلا در شهرستان سبزوار موطن اصلی خود اشتغال به اقامه جماعت در شبستان جدیدالبناء مرحوم والدشان در مسجد جامع و تدریس فقه و اصول در مدرسه مرحوم حاج ملا هادی و مدرسه محمدیه دارند و رهبری مسلمین و انجام امور شرعی اهالی سبزوار و مؤمنین آن سامان را عهده دارند و مورد توجه و اعتماد عموم طبقات و قاطبه سبزوار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضای بن سید ابوالحسن سبزواری از علماء و ائمه‌ی جماعت معاصر سمنانست.

وی پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح عالی و نهائی و استفاده از محضر آیات عظام و مراجع فخام و نیل به مقام علم و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه علامه حایری برای اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام به سمنان آمده و در حال حاضر در مسجد شاه (سلطانی) به امامت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبوحی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالله واعظ تهرانی طاب ثراه از وعاظ و گویندگان مشهور تهران که در عصر خود ریاستی بر وعاظ مرکز و اهل منبر داشت واعظی بود دانشمند و خطیبی بود ارجمند و در زمان خود مجاهدی فداکار و از مخالفین سرسخت مشروطه و از شاگردان و خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله شهید نوری بود که تا آخرین لحظه‌اش با کمال صراحت از مشروطیت و مشروطه‌خواهان و مجلسین انتقاد می‌کرد.

منبری داشت جامع و با بیان صریح و بدون هیچ ترس و بیمی امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود بسیار خوش مجلس و خوش محاوره و قابل استفاده و غالب منابرش مهیج قلوب و محرک افراد و بسیاری از منابرش انقلابی بود و جوش و حرارتی به شنوندگان می‌داد خاطراتی نگارنده از آن مرحوم دارم که اگر بخواهم آنها را بنویسم و خاطرات دیگران را درباره آن مرحوم یک کتابی خواهد شد.

دو خاطره از آن مرحوم در بیداری و خواب دارم که چون جنبه آموزندگی و تنبه دارد می‌نگارم.

۱- در شهر ری در ایام فاطمیه سال ۱۳۱۲ شمسی در منزلی ده روز منبر رفت و جمعیت بسیاری از مردم ری و تهران برای استفاده می‌آمدند. نگارنده که در آن تاریخ بیش از دوازده سال نداشتم در روز وفات حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله علیها در آن مجلس رفته و مجذوب بیانات پرشور و مهیج ایشان بودم تا رسید به روضه و فریاد زد که مردم چرا ساکت و آرامید مگر نمی‌دانید این

ساعت چه ساعتیست همانا این ساعت موقع احتضار حضرت فاطمه سلام‌الله علیهاست که صدای شیون مردم برخاست و من که از اول منبر ایشان منقلب بودم ناگاه صیحه‌ای زده و مدهوش شدم و در آن حال دیدم انوار خمسه طیبه علیهم‌السلام را که در آن مجلس حاضر شده و مردم را مورد لطف خود قرار داده‌اند مردم از وضع من منقلب شده و مجلس به هم خورد و من بعد از ساعتی به هوش آمدم و دیدم مردانی از اشراف و اعیان ری اطراف مرا گرفته و مرا ماساژ و مالش می‌دهند و من دست و پایم و زبانم به حالت فلج آمده و چند روزی با این وضع بودم و مردم می‌آمدند و از من استفسار کرده و دست بر بدن من می‌مالیدند و می‌گفتند نظر کرده شده است.

۲- در شب دوشنبه جمادی‌الاولی ۱۳۷۱ در قم خوابیده بودم در عالم خواب مجلس بزرگی دیدم که مرحوم حاج میرزا عبدالله واعظ بالای منبر و از همان منبرهای پراحساسات رفته و ناگهان فریاد زد چرا مردم آرام و ساکت نشسته‌اید مگر نمی‌دانید. امشب چه شب است شب وفات و شهادت مسلم بن عقیل نایب خاص حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است برخیزید عزاداری کنیم این جمله را گفت و از منبر به زیر آمده در حالی که او و یا دیگری فریاد می‌زد (مات ولی الحجه مات الحجه) و این جمله را گفت و همه می‌گفتند من با وحشت از خواب پریده و مترصد حادثه‌ای گردیدم تا ظهر آن روز که بلندگوها و رادیو ایران اعلام کرد آیت‌الله حجت از دنیا رفته و تعبیر خواب مزبور را همان روز دیدم که چگونه علماء و محصلین می‌گریستند و می‌گفتند (مات ولی الحجه مات الحجه) آن مرحوم در سال ۱۳۸۳ قمری از دنیا رفته و جنازه‌اش چندی در ری امانت و بعد حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سپانلو، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی سپانلو در سال ۱۳۱۹ در تهران متولد گردید. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی و دارالفنون به پایان برد و در رشته ادبی دیپلم گرفت ، آنگاه به دانشکده حقوق راه یافت و در سال ۱۳۴۲ فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس از دانشکده تهران نائل آمد. سپانلو پس از پایان تحصیلات کار مطبوعاتی را برگزید. او در بیست سالگی به شعر و شاعری پرداخت و توانست آثار متعددی به چاپ رساند. در سال ۱۳۴۰ به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت. او در سال ۱۳۴۰ به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت. در سالهای پس از انقلاب ، چندی در بعضی از دانشکده ها به تدریس ادبیات فارسی قدیم و معاصر ، مکتبهای ادبی و تاریخ ایران مشغول شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر محمدعلی سپانلو، حسین سپانلو کارمند بانک ملی ، اهل شعر و ادب و دارای خطی خوش بود و از هنر نقاشی نیز بهره داشت. در عین حال که قرآن و زیارتنامه را با خطی خوش می نوشت ، به موسیقی علاقمند بود و دستگاههای موسیقی را به خوبی می شناخت.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدعلی سپانلو در یکی از محله های قدیم تهران (خیابان ری) قدم به عرصه هستی نهاد ، خود می گوید: « کودکی و نوجوانی من در خیابان ری و بعد محله عباسی گذشت. من به یک تعبیر از بچه های خالص تهرانی هستم. در جزو میراث مادر بزرگ یادگار پرستم ، عکس هایی از پنج پشت پدران من هست که همه اهل تهران بوده اند. این تهرانی بودن من به نظرم معنی خاصی دارد... »

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدعلی سپانلو تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی و دارالفنون به پایان برد و در رشته ادبی دیپلم گرفت ، آنگاه به دانشکده حقوق راه یافت و در سال ۱۳۴۲ فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس از دانشکده تهران نائل آمد.

هم دوره ای ها و همکاران : از جمله دوستان محمدعلی سپانلو می توان به افرادی چون نادر ابراهیمی ، اسماعیل نوری علا ، مهرداد صمدی ، بهرام بیضایی ، غفار حسینی ، احمدرضا احمدی و مریم جزایری اشاره کرد.

همسر و فرزندان : محمدعلی سپانلو با خواهر دوست شاعرش اسماعیل نوری علاء ازدواج کرد.

وقایع میانسالی : محمدعلی سپانلو در سال ۱۳۵۳ ممنوع القلم شد و تا سال ۱۳۵۶ این ممنوعیت ادامه داشت تا اینکه سرانجام کتاب «هجوم» که مدتی در چاپخانه مانده بود منتشر شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدعلی سپانلو چندی در بخش خصوصی به عنوان مدیر تبلیغات یا ویراستار کار کرده است.

فعالیتهای آموزشی : محمدعلی سپانلو در سالهای پس از انقلاب ، چندی در بعضی از دانشکده ها به تدریس ادبیات فارسی قدیم و معاصر ، مکتبهای ادبی و تاریخ ایران مشغول شد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمدعلی سپانلو در سال ۱۳۴۰ به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدعلی سپانلو پس از پایان تحصیلات کار مطبوعاتی را برگزید. او در بیست سالگی به شعر و شاعری پرداخت و توانست آثار متعددی به چاپ رساند.

آرا و گرایشهای خاص : آثار نخستین محمدعلی سپانلو قصیده به سبک خراسانی و غزل به شیوه عراقی بود و در میان شعرای معاصر شعر شهریار را می پسندید ، کم کم به شعر نیمایی از طریق پل ارتباطی شهریار ، حمیدی ، توللی و... گرایش یافت و در زمینه شعر نو و شعر کلاسیک هر دو کار کرد و امروز بیشتر به قالب مثنوی گرایش دارد. --

آثار :

۱ آه بیان

ویژگی اثر : مجموعه شعر ـ ۱۳۴۲

۲ پیاده روها

۳ حکومت شب

۴ خیابانها ، بیابانها

۵ رگبارها

۶ ساعت امید

۷ سند باد غایب

۸ قایق سواری در تهران

۹ محاصره

ویژگی اثر : ترجمه ـ نوشته آلبر کامو

۱۰ مردان

ویژگی اثر : مجموعه ۵ قصه

۱۱ منظومه خاک

۱۲ منظومه خانم زمان

۱۳ نبض وطنم را می گیرم

۱۴ هجوم

منابع :

۱سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سید محمدباقر برقعی ، ج ۳ ، قم: نشر خرم ، ص ۱۷۲۴۲شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج اول ، تهران: انتشارت سنایی ، ص ۴۶۴

سپنتا، ساسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ساسان سپنتا، فرزند شادروان عبدالحسین‌خان سپنتا، اولین فیلمساز کارگردان فیلم ناطق ایرانی است که یکی از موسیقی‌دانان و پژوهشگران و محققین بزرگ می‌باشد. وی آموزش موسیقی را ابتدا نزد زنده‌یاد استاد ابوالحسن صبا آغاز و پس از چندی نزد استاد محمود تاجبخش رفت و مدتی را از مکتب وی بهره گرفت و با نواختن ساز ویولن آشنایی پیدا کرد. سپس نزد زنده‌یاد روح‌اللّه خالقی و شادروان استاد علینقی وزیری رفت و مدتی را در کلاس این بزرگان علم موسیقی سپری کرد و علم موسیقی را آموخت.

دکتر ساسان سپنتا، طی ساهای ۱۳۳۶ به بعد مقالات جامع و متعددی درباره هنر موسیقی ایران در مجلات مختلف به خصوص مجله موزیک ایران و ماهنامه موسیقی به چاپ رسانید که بسیار سازنده و راهگشا بود. وی در سال ۱۳۵۱ دکترای خود را تحت عنوان بررسی فونتیکی خصوصیات واج‌های زبان فارسی دریافت داشت و تاکنون متجاوز از شصت مطلب و مقاله تحقیقی از وی راجع به موسیقی و ادبیات و زبانشناسی به چاپ رسیده است و از کارهای بزرگ و تاریخی وی، باید از آثار استادان موسیقی عصر ناصرالدین‌شاه یاد کرد که او این آثار را از استوانه‌های مومی «فتوگراف» که طی بیش از حدود شصت- هفتاد سال متروک مانده و در حال زوال و از بین رفتن بود، با زحمات فراوان و طاقت‌فرسا و تمهیدات و ابتکارات فنی بازیافت صوتی کرد و برای گنجینه موسیقی اصیل و سنتی ایران از خود به یادگار گذاشت.

از آخرین آثار این مرد بزرگ هنردوست تألیف کتاب «تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران» است که حدود چهارصد و هشتاد صفحه می‌گردد که از آثار گرانبها و تحقیقی در تاریخ ضبط موسیقی و تحول آن در ایران می‌باشد.

دکتر ساسان سپنتا در کنگره بین‌المللی «باربد» که در شهر «دوشنبه» تاجیکستان برگزار گردیده بود، به عنوان اولین سخنران در مورد موسیقی ایران در زمان ساسانیان و این موسیقیدان ایرانی صحبت کرد و از طرف هیئت برگزاری این مراسم رئیس جلسه کنگره نیز انتخاب شد که موجب شناخت هرچه بیشتر موسیقی ایران به جهانیان گردید. دکتر سپنتا دو فرزند به نامهای داریوش و دانش دارد که امید است مثل پدربزرگ و پدر خود، منشاء خدمات بزرگ فرهنگی و هنری به وطن خود ایران گردند.

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه تهران، گواهی‌نامه تخصصی در رشته بی‌سیم و ارتباطات رادیوئی از آمریکا، تحصیل موسیقی نزد استادان فن و طی دوره هنرستان عالی موسیقی محلی.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای تهران و اصفهان، مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه دورهام انگلستان، مؤسسه بین‌المللی لینگافن لندن، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی و مطالعات الکترواکوستیک زبان، تعیین فورماتهای واجها (صامتها و مصوتها) در زبان فارسی و ثبت و سنجش طیف گفتاری زبان فارسی، سنجش الگوهای آهنگ کلام و نواخت در زبان فارسی، بازسازی گفتار زبان فارسی با دستگاههای الکترواکوستیک.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی و هنر بویژه موسیقی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، ادبیات و هنر موسیقی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سپنتا، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۲۸۶/۱۲۸۲ ش)، نویسنده، فیلمساز، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران متولد شد، سالهای کودکی و نوجوانی را تحت نظارت دایی‌اش محمدحسین شیرازی که از فضلا بود، گذراند. تحصیلات خود را در مدرسه‌های سن‌لویی، مدرسه زرتشتیان تهران، استیورت مموریان کالج اصفهان و کالج امریکایی تهران انجام داد او از شانزده سالگی مقاله‌نویسی را شروع کرد. در سال ۱۳۰۶ ش از راه بوشهر به هند سفر کرد و چند سالی با دین شاه دانشمند پارسی حشر و نشر داشت و به تالیف و ترجمه پرداخت. او در همین سال نخستین روزنامه‌اش را با نام «دورنمای ایران» در بمبئی منتشر کرد که بعد از مدت کوتاهی تعطیل شد. بار دیگر روزنامه‌ای در بمبئی تحت عنوان «جنگل» منتشر کرد که چاپ آن هم بیش از دو شماره نکشید «پیام راستی» آخرین روزنامه‌ای است که در هند منتشر کرد. سپس از هند به عراق رفت و به ایران بازگشت و در اصفهان مقیم شد و در سال ۱۳۲۲ ش هفته‌نامه‌ی «سپنتا» را در آن شهر انتشار داد که نشر آن تا سال ۱۳۳۵ ادامه داشت. سپنتا به هنگام اقامت در هند کتابهایی راجع به تاریخ و ادبیات ایران تالیف کرد که در آنجا چاپ شده است و علاوه بر آن، چندین فیلم با ناطق فارسی تهیه کرد از جمله: «دختر لر»، «چشمهای سیاه»، «شیرین و فرهاد»، «فردوسی»، «لیلی و مجنون». او زبانهای پهلوی قدیم و انگلیسی را به خوبی می‌دانست. سرانجام در اصفهان بدرود حیات گفت و در همان شهر به خاک سپرده شد. از جمله تالیفات او است: «پرتوی از فلسفه‌ی ایران باستان»؛ «زرتشت که بود و چه کرد؟»؛ «پیام راستی»؛ «اخلاق ایرانیان باستان»؛ «منتخباتی از اشعار دهقان سامانی»؛ «نوآموز مزدیسنا»؛ «اشک سپنتا» و «اسرار جنگل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۰۲ -۳۰۰ /۲)، تاریخ سینمای ایران (۸۳ -۶۳)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۳۷ -۲۳۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶ -۵۲ /۳)، الذریعه (۴۲۹/۹)، شرح حال رجال (۱۳۸/۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹ -۲۱ /۴)، سخنوران نامی معاصر (۱۷۳۵ -۱۷۳۲ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۵ -۷۳۴ /۳).

سپه وند، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۲۸ سال پیش آخرین پسر خانواده سپه وند به دنیا آمد. ششمین پسر هم کم کم قد کشید و بزرگ شد. او هم مثل بقیه پسران و دختران ورزش را فراموش نکرد. اول هم از فوتبال شروع کرد و بعد هم دو و میدانی اما هیچکدام از این دو رشته او را مجذوب خود نکرد. حتی کوهنوردی، تیراندازی و جودو هم که به بقیه برادرانش اهل آن بودند. برای او اما بوکس چیز دیگری بود. مثل رحیم. هر وقت که رینگ بوکس را می دید چشمانش برق می زد. به همین خاطر دیگر نتوانست و شروع کرد. ۱۲ ساله بود در بوکس زیر نظر مرحوم ایرج ملک حسین پور استارت زد.

البته با برادرش نیز کار می کرد. تا اینکه به اینجا رسید اما سپه وند قبل از اینکه عضو خانواده ورزش باشد. در یک خانواده نوازنده به دنیا آمده است. خانواده ای که همه فرزندانش در آن ساز می زنند. صدای کمانچه، عود، سنتور، دف، تنبک، تار و تنبور گوش هر اهل دلی را نوازش می دهد. البته از بین همه برادرانش تنها یک نفر اهل ورزش نیست. با این حال مادر مخالف سرسخت ورزش مورد علاقه اش است. خودش می گوید: تنها کسی که مخالف ورزش حرفه ای ما است مادرم است. به خاطر اینکه همیشه نگران مصدومیت ما است. نگاه ویژه

سپهوند، بوکسوری امیدوار

مرتضی سپه وند بوکسور وزن ۶۴ کیلوی ایران بعد از دو دوره حسرت خوردن، بالاخره خودش المپیکی شد. او که در المپیک های ۲۰۰۰ سیدنی و ۲۰۰۴ آتن حریف تمرینی المپیکی ها بود در سومین حضورش در اردوی المپیکی ها، یکی از سه ورزشکار ایرانی است که باید در پکن روی رینگ برود. سپه وند که خیلی ها پکن را اولین و آخرین المپیک او می دانند آن هم به خاطر شرایط زندگی و سنی اش، از حالا یکی از سه مدال را برای او کنار گذاشته اند چرا که معتقدند این شرایط انگیزه او را بالا برده تا حدی که مدال المپیک او دور از دسترس نیست. از طرفی رییس فدراسیون معتقد است او با مدالی که می گیرد شرایط زندگی اش هم تغییر می کند. احدی مربی اختصاصی اش اطمینان دارد جسارت، خونسردی و سرعت اش در المپیک به او کمک می کند تا مقابل حریفانش کم نیاورد اگرچه بوکسور ۶۴ کیلویی ایران تا به حال مدال جهانی ندارد اما وقتی جسارت وخونسردی به تکنیک های او اضافه می شود آن وقت با بوکسورهای مطرح دنیا برابری می کند. اگر لطف خدا شامل حال او شود و چاشنی شانس و قرعه نیز به آن اضافه شود آن وقت شاید بوکس ایران نیز بی نصیب از مدال نماند.

۴ سال پیش وقتی به المپیک نرفت همان موقع با خودش عهد کرد تا در المپیک بعدی باشد. در المپیک ۲۰۰۸ پکن. او می خواست حداقل یک بار مبارزه روی رینگ المپیک را تجربه کند و کرد. به همین خاطر همه تمریناتش را برای گرفتن سهمیه متمرکز کرد. برای مرتضی سپهوند بوکسور وزن ۶۴ کیلوگرم شیکاگو شهر آرزوها بود. او که برای اولین بار همراه تیم ملی پا به مسابقه های جهانی می گذاشت در رقابت با حریفان هموزنش کار را یکسره کرد با سهمیه ای که گرفت. در وزن او ۶۴ بوکسور در این رقابت ها حاضر شده بودند. او نفر پنجم شد. در حالی که ۸ نفر اول المپیکی می شدند. سپهوند در بازی اول با بوکسور مقدونیه روبه رو شد و برد تا در مسابقه دوم مقابل حریف اوکراینی اش قرار بگیرد اما او نیز مقابلش تاب نیاورد و باخت تا در شب سوم مسابقه با بوکسور رومانیایی مبارزه کند. حریف رومانیایی نیز به مرتضی باخت اما چهارمین حریف سپهوند، بوکسور قزاقستانی بود همان قهرمان جهان، مرتضی به او باخت اما سهمیه را هم گرفت. اولین سهمیه بوکس ایران برای المپیک پکن.

سپهر کاشانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۰۷ ق)، ادیب، دانشمند، مورخ و شاعر، متخلص به سپهر. ملقب به لسان‌الملک و مشهور به لسان سپهر. محمد در کاشان متولد شد و پس از تحصیل علوم قدیمی، عروض و قافیه را آموخت. در بیست سالگی به خواهش ملک‌الشعراء- فتحعلی خان صبا- به تهران آمد و به تشویق او به تالیف کتابی در علم قافیه پرداخت، اما این کتاب با فوت صبا ناتمام ماند و میرزا محمدتقی به کاشان برگشت. در آنجا محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه حکمران کاشان او را به ندیمی خود برگزید و به او تخلص سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی‌شاه به تهران احضار گردید و به سلک اعضای دیوان درآمد. سپهر در عهد محمدشاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» ماموریت یافت. این کتاب تاریخ عمومی است که تا سال ۱۲۷۳ قمری امتداد یافته است. سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری علوم از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظی وافر داشت. وی در تهران درگذشت و پیکرش به نجف اشرف منتقل شد. از دیگر آثار و تالیفات وی: «آینه‌ی جهان‌نما»؛ «اسرارالانوار» فی مناقب الائمه‌ی اطهار (ع)؛ «براهین العجم فی قوانین المعجم»؛ «جنگ فی التواریخ» و «دیوان» اشعار.[۱]

(بخش ۱) (میرزا) محمدتقی بن (ملا) محمدعلی کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر، نویسنده و مورخ عهد قاجاری (ف. ۱۲۹۷ ه.ق.). وی پس از تحصیل مقدمات علوم قدیم به شعر و عروض و قافیه پرداخت، و در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت صبا ملک‌الشعرای فتحعلی شاه رسید، و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه مشغول شد، ولی این امر با فوت صبا (۱۲۳۸ ه.ق.) ناتمام ماند و میرزا تقی به کاشان برگشت. و به خدمت محمود میرزا پسر فتحعلی شاه حکمران کاشان رسید و تخلص سپهر را از او گرفت. در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد، و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» (که دوره تاریخ جهان از زمان آدم تا عهد مؤلف است) پرداخت. کتاب قافیه او به نام «براهین العجم» مشهور است. سن وی به هنگام مرگ از ۸۰ سال متجاوز بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حدیقه الشعراء (۷۴۷ -۷۴۶ /۱)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۲۶۲/۱)، الذریعه (۸ -۶ /۲۴ ، ۴۳۰ -۴۲۹ /۹، ۱۶۶ - ۱۶۵ /۵، ۸۱/۳، ۴۲/۲، ۵۱/۱)، ریحانه (۱۳۲ -۱۲۹ /۵)، سفینه المحمود (۳۶۰ -۳۴۱ /۱)، شرح حال رجال (۳۲۱ -۳۱۹ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳۹ -۴۳۸)، لغت نامه (ذیل/ سپهر کاشانی)، المآثر و الآثار (۱۸۸ -۱۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۳ -۲۴۹ /۲)، مجمع الفصحا (۴۰۰ -۳۵۰ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۸۴ -۸۲)، نگارستان دارا (۸۸ -۸۷)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۰/۸)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۹۶).

سپهر، عباس قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۸ ق)، منشی و مترجم. وی برادر اعیانی لسان‌الملک دوم است. وی در سال ۱۲۸۷ ق منشی وزارت خارجه و در سال ۱۲۹۳ ق رئیس اجرایی دفتر وزارت خارجه شد. از طرف دولت مامور ترجمه‌ی «وفیات الاعیان» ابن‌خلکان گردید که موفق به اتمام نشد، این ترجمه ناقص به نام «مشکوه الادب ناصری» مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۳۷/۵)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۵۶/۱).

سپهر، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی سپهر

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این سطور مختصری از دوران زندگی به اصطلاح علمی من – محمد علی سپهر همدانی- است و در شهر همدان در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی متولّد شدم و در سال ۱۳۲۹ شمسی به دبستان رفته و تا سال ۱۳۴۰ به تحصیلات ابتدائی و متوسّطه به سبک قدیم در رشته ریاضی اشتغال داشته و در ضمن از سال ۱۳۳۷ ش همراه دروس کلاسیک به تحصیل علوم اسلامی مشغول شده از مقدمات ادبیات شروع کرده و تا سیوطی (شرح بر الفیه نحو، در حوزه علمیه همدان اشتغال داشتم و بالاخره سال بسیار خوبی در زمان ریاست مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس سره برای ما بود و شبهای پنجشنبه از درس اعتقادات حضرت آیت الله مکارم شیرازی که در آن زمان در مدرسه حجتیه برگزار می شد استفاده کرده و شبهای جمعه و روزهای جمعه در مجلس اخلاقی مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج سید حسین فاطمی که از بهترین و شاگردان حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بود و همچنین مجلس شاگرد دیگر ایشان در مسائل اخلاقی دینی مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی مستصرفن می شدم و بالاخره تا تتمیم دروس متوسطه در سال ۱۳۴۱ شمسی دیپلم ریاضی قدیم را گرفته و سپس به طور مداوم وارد دروس حوزه علمیّه قم شدم و همانطور که در حوزه مرسوم بود کسی نمی پرسید از کجا آمده ای و به کجا میروی تاکنون به طور آزاد دروس ادبیّات مختصر المعانی را نزد دکتر سیّد ابراهیم میر باقری و حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی و معن البسیت را در محضر حجهٔ الاسلام و المسلمین شیخ محمد رضا آدینه ونـد خرم آبادی معروف به نحوی و محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن گلستانی تهرانی برجسته و معالم را (من ادله الی آخره) در محضر آیت الله حاج آقا رضا استادی تهرانی خواندم و در سال ۱۳۴۲ منطق شمسیه را بدون استاد مباحثه نموده و در سال ۱۳۴۳ شرح لمعتین را خدمت اساتید عالیقدر حضرات آیات جناب آقای حاج شیخ غلامرضا صلواتی ،آقای شیخ محمد علی گرامی قمی و مرحوم آقای حاج سیّد محمّد علم الهدی خراسانی و آقای حاج شیخ محمّد عمانی همدانی و آقای حاج شیخ علی ثابتی همدانی خواندم و در تابستان همان سال خدمت حضرت آیت الله شهید مدنی آذر شهری اولین شهید محراب قدس الله نفسه الزکیه ارث شرح لعمه را خوانده بودم و بتدریج د ر سالهای بعد درس قوانین حضرت آیت الله شیخ مصطفی اعتمادی تا نواحی حاضر شدم بحشی از درس منظومه را نزد آیت الله مؤمن قمی و آیت الله شیخ محمد علی گرامی خوانده و ابتدا درس رسائل را خدمت آیت الله آقای اعتمادی سابق الذکر حضور پیدا کردم. درس توحید صدوق را در خدمت آیت الله جوادی حدود سالهای ۵۳ و ۵۲ حاضر شدم و پانزده روز یکبار در جلسهای در منزل که برای سؤالات بود در خدمت آیت الله علّامه بزرگوار طباطبائی قدس سره تفسیر بزرگ حاضر می شدم و استفاده ها می بردم و در محضر آیت الله العظمی شیخ محمد تقی بهجت استفاده اخلاقی و درک فیض حضور نمودم اما درس خارج در حدود سال ۱۳۴۹ رسماً در دروس خارج حوزه با دلهی زایـد الوصف حضور پیدا کردم ولی متأسفانه استا به زندان و تبعید میرفت یا محروم میشد حدود سه سال فقه و اصول درس خارج خمس در فقه و خارج اصول تا اجتماع امر ونهی در خدمت استاد آقای آیت الله العظمی وحید خراسانی خارج اصول از بر است تا آخر معتال و تراصیح را در خدمت ایشان حاضر شدیم و در محضر آیت الله العضمی گلپایگانی قدس سره خارج فقه حج را بخشی حاضر شدم و درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری قدس سره با عشق تمام به صفای ایشان حضور پیدا کرده و بخش عظیمی ضلل کتاب صلاهٔ مسافر را در محضر ایشان استفاده بردم و بخشی از خیارات و مکاسب را در سالهای بعد از انقلاب مستفیض شدم و قسمت عظیمی از خارج اصول حضور یافتم و از محضر درس مرحوم آیت الله العظمی شریعتمداری دو سال خارج طهارت را حاضر شدم البته قبل از انقلاب سال ۱۳۵۴ و قبل از حادثه نوزده دی ۵۶ درس اصول آیت الله شبیری زنجانی یک سال و پی از انقلاب از درس مرحوم آیت الله گلپایگانی و مرحوم آیت الله العظمی فقید سعید حاج میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره متضاد شهادات بخشی از درس خارج اصول دورهٔ دوم بخشی از خیارات ، مکاسب و طهارت عروهٔ را اسفتاده بردم و ازدرس اصول مرحوم آیت الله فانی اصفهانی نیز بهره گرفتم از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۵ از خدمت آیت الله العظمی تبریزی استفاده ها بردم و در جلسهٔ

استفتاء ات ایشان به خواستهٔ خود ایشان حضور یافته و در نگارش جواب سؤالات در زمان مرجعیت ایشان خدمت می نمودم و استفاده های فراوان از درس خصوصی فقه بهمراه فضلاء و سن در محضر ایشان داشتم(درس خصوصی برای فضلات گردانشان در منزل داشتند که به دعوت ایشان حاضر شدم) تفهره الله برحمته و استکنه بجبوحهٔ جنانه. رد سال ۱۳۶۱ به خواستهٔ گارگزان قضا و فریاد استغاثهٔ هل من معین شورای عالی قضائی آن روز اجابت گفته مدتی در قضاوت و زمانی دوجوابگوئی استفتاء است قضات و بخشی در حوزه معاونت شوار به نظارت کار قضات تا سال ۱۳۶۴ اشتغال داشته و سپس به حوزهٔ علمیهٔ بازگشتم و بتدریج همانطور که سابقاً سطوح را تدریس میکردم با جدیت بیشتر به تدریس شرح لمعه، رسائل و مکاسب تا حدود و بیست سال پرداختم سال ۱۳۸۴ درس خارج فقه را شروع کردم. ناگفته نماند که از سال ۱۳۷۲ در مرکز تحقیقات کامپوتری علوم اسلامی در قسمت فقه و اصول به اصطلاح مرکز به تحقیق پرادختم و تا کنون ادامه دارد در دفتر حوزه دانشگاه جزوات علمی بهرماهی بعضی از فضلاء نگاشتم و در همان سالهای حدود ۱۳۷۲ ؟؟؟؟؟؟ که نمیدانم سرنوشت جزوات پژوهشی ما دوستانمان چه شد و الحمد لله رب العالمین ۲۵/۱۰/۸۵.

ستارزاده، عصمت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۲۹۰، تبریز.

درگذشت: ۲ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

عصمت ستارزاده دوران تحصیلات ابتدایی را در دارالمعلمات تبریز (که بعدها دانشسرای مقدماتی نامیده شد) طی نمود. کلاس ششم ادبی را به طور متفرقه امتحان داد. سپس در رشته‌ی ادبیات در دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ لیسانس شد.

وی همچنین از سال ۱۳۱۶ به عنوان معلم به وزارت فرهنگ پیوست. در مدت سی و دو سال خدمت در این وزارتخانه، مراتب مختلف را در فرهنگ از قبیل نظامت، مدیریت، کفالت دانشسرای مقدماتی و دبیری را در شهرهای تبریز، اراک، اصفهان و تهران پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۴۴ با مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی و با رساله «شعرای ترک مقلد نظامی» به راهنمایی دکتر نفیسی فارغ‌التحصیل شد.

دکتر ستارزاده با توجه به آشنایی‌اش با زبان ترکی اسلامبولی، شروع به ترجمه آثار از این زبان پرداخت. برای تحقیق در این زمینه بارها به شهرهای مختلف ترکیه سفر کرد و با مراجعه به کتابخانه‌های مهم داخلی، به نسخه‌های مهم و مورد علاقه خود دست یافت. نخستین کتاب وی ترجمه شرح سودی بر حافظ است در چهار مجلد (این کتاب در سال ۱۳۵۰ به عنوان بهترین کتاب سال انتخاب شد) و کتاب بعدی ترجمه شرح کبیر انقروی بر مثنوی در شش جلد است. از ایشان چند کتاب منتشر نشده باقی مانده است، از آن جمله است: تفسیر سودی بر گلستان سعدی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ستوده نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا ستوده نیا

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم گردید. از یک سال قبل از انقلاب در حوزه علمیه صدر بازار و همزمان با دبیرستان شروع به تحصیلات حوزوی نمود. پس از دیپلم به طور جدی به دروس حوزوی پرداخته و تا سال ۱۳۷۱ عمده دروس حوزوی شامل ادبیات عرب، فقه واصول، منطق و فلسفه را به پایان رسانید. در این دوران علاوه بر تحصیل به تدریس دروس حوزوی نیز پرداخت.شایان ذکر است که در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ در دوران دفاع مقدس با وجود امکان استفاده از معافیت تحصیلی حوزه علمیه، به طور داوطلب به خدمت سربازی اعزام گردید. با عنایت به سیاست نزدیکی و وحدت حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۷۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل آکادمیک شد. بدون هیچ وقفه در سال ۱۳۷۵ موفق به ورود در دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث شد و پایان‌نامه را با عنوان «بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی» با نمره ۲۰ دفاع نمود.این پایان‌نامه در زمره پایان‌نامه‌های برگزیده در سال ۱۳۷۸ به وسیله وزارت ارشاد به چاپ رسید. بلافاصله در همان سال در دوره دکتری پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ پایان‌نامه دکتری را با عنوان «تاثیر قرائات بر تفسیر» دفاع نمود.

ستوده، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی منقول در سال ۱۳۳۸ همراه با اخذ شهادتنامه‌های علوم قضائی و علوم تربیتی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی در زبانهای باستانی در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۴۹، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون، استاد دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی، کارشناسی کتب مرجع در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تحمیدیه در ادب فارسی، سیمای رستم در شاهنامه، تصحیح انتقادی بوستان سعدی، فرهنگ فارسی به چینی و بالعکس و همکاری در تألیف بخشی از حرف میم لغت‌نامه دهخدا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تحقیق در متون نظم و نثر فارسی و روش آموزش زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ستوده، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر ستوده در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود.دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد.ایشان در دانشکده های الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بودند تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل آمدند. کتاب"از آستارا تا استارباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر ستوده دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی در سال ۱۳۱۹ دورهٔ تحصیلی دانشکدهٔ افسری را نیز به اتمام رسانید و مفتخر به دریافت درجهٔ افسری گردید

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر ستوده در سال ۱۳۲۰ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس پرداخت و آنگاه از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۰ در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی به تدریس جغرافیای تاریخی اسلامی و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس کتیبه‌های اسلامی و تاریخ خطوط اسلامی در رشتهٔ باستان‌شناسی پرداخت و در پایان این سال بازنشسته گردید.

جوائز و نشانها : کتاب"از آستارا تا استارباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار : منوچهر ستوده صاحب آثار فراوانی در تألیف و تصنیف و تصحیح است -------------------------
----

آثار :

۱ آثار و احیاء (متن فارسی دربارهٔ فن کشاورزی)

ویژگی اثر : تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی – مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبهٔ تهران با همکاری دانشگاه تهران ۱۳۶۸

۲ از آستارا تا استاراباد

ویژگی اثر : تألیف – دورهٔ هفت جلدی – اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۷ – ۱۳۴۹ –این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است

۳ استوناوند دژ ۳۵۰۰ ساله

ویژگی اثر : با همکاری مهندس محمد مهریار – احمد کبیری – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۴ تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس

ویژگی اثر : تألیف محمد ابراهیم کازرونی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۵ تاریخ خانی

ویژگی اثر : تألیف علی بن شمس‌الدین لاهیجی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۶ تاریخ رویان

ویژگی اثر : تألیف مولانا اولیاء الله آملی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸

۷ تاریخ گیلان

ویژگی اثر : تألیف ملا عبدالفتاح فومنی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹

۸ تاریخ گیلان و دیلمستان

ویژگی اثر : تألیف سید ظهیرالدین مرعشی – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۴۷

۹ تاریخ مازندران

ویژگی اثر : تألیف ملا شیخ علی گیلانی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۱۰ راهنمای قطغن و بدخشان

ویژگی اثر : تألیف محمد نادرخان تهذیب کوشککی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۱۱ روزنامهٔ سفر گیلان دستخط ناصرالدین شاه قاجار

ویژگی اثر : مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۱۲ صیدنه

ویژگی اثر : تألیف ابوریحان بیرونی – ترجمهٔ ابوبکر بن علی بن کاشانی – شرکت افست ۱۳۵۸

۱۳ فرهنگ نایینی

ویژگی اثر : گردآوری – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۵

۱۴ قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز

ویژگی اثر : ۱۳۴۵ --
--

منابع :

۱www.ketabesal.ir

ستی‌النساء

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۲۷ ذوالحجه ۱۰۵۶ ق، از زنان فاضل، پزشک، ادیب و سخنور. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی (۱۰۳۶ ق)– ملک‌الشعرای دربار جهانگیر (۱۰۳۷ –۱۰۱۴ ق) پادشاه بابری هند– بود. همسرش حکیم نصیرالدین کاشی نام داشت که از وی فرزندی نیاورد. در سال ۱۰۳۴ ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد اما دو سال بعد برادرش درگذشت و او پس از این واقعه سرپرستی دو دختر کوچک او را برعهده گرفت. هنگامی که این دو دختر بزرگ شدند و به سن ازدواج رسیدند خواهر بزرگ را به ازدواج عنایت‌اللّه شیرازی ملقب به عاقل خان و خواهر کوچک را به ازدواج حکیم ضیاءالدین ملقب به رحمت خان درآورد. به نوشته پادشاه نامه ستی‌النساء خانم به دلیل «کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات» منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان (۱۰۶۸ –۱۰۳۷ ق) واقع شد و به درجه‌ی مهرداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آرابیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم

درگذشت. شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش نمود و او تا پایان عمر این وظیفه را انجام داد.

در روز ۱۳ ذوالحجه ۱۰۵۶ ق، برادرزاده‌ی کوچک ستی خانم در اثنای وضع حمل درگذشت. ستی خانم به دلیل اندوه فراوان به مدت یازده روز در خانه‌ای بیرون از ارگ درالسلطنه لاهور سوگواری نمود. چند روز بعد شاه جهان به همراه دخترش جهان آرابیگم برای عرض تسلیت به خانه وی رفتند و به او تسلی دادند و وی را به ارگ آوردند ولی چند روز بعد به دلیل تالمات وارده درگذشت. شاه جهان از مرگ او بسیار اندوهگین گردید و برای تدارک کفن و دفن او ده هزار روپیه داد و موقتا او را در لاهور دفن کردند. یکسال و اندی بعد جنازه‌اش را به اکبرآباد برده و در ضلع غربی مقبره همسرش (تاج محل) دفن کردند. به دستور شاه جهان مرقدی برایش ساختند که سی هزار روپیه هزینه داشت و برای مخارج مقبره، دهی وقف کرد که سالانه سه هزار روپیه درآمد داشت. مولف شاه جهان نامه از او به «رابعه‌ی دوم» نام برده و برخی تذکره‌ها اسم او را نیز ستی خانم نوشته‌اند.[۱]

(وف ۱۰۵۶)، پزشک و ادیب. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی ملک‌الشعرای دربار جهانگیر پادشاه بابری هند بود. در سال ۱۰۳۴ ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد. وی به دلیل کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان واقع شد و به درجه‌ی مهرداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آراء بیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم درگذشت شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش کرد. ستی خانم بعد از درگذشت برادرزاده‌ی کوچک که در اثنای وضع حمل درگذشت بر اثر اندوه زیاد خود نیز دار فانی را وداع گفت وی به دستور شاه جهان در ضلع غربی مقبره‌ی همسرش دفن شده است و بعدها به دستور شاه جهان مقبره‌ای برایش ساختند.[۲]

خواهر طالب آملی (ف. ۱۰۳۶ ه.ق./ ۱۶۲۶ م.). وی پس از مرگ برادر سرپرستی فرزندان او را بر عهده داشت. منظومه «طالبا» (ه.م.) را که به لهجه طبری است بدو نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: پادشاهنامه، ۶۳۰ / ۶۲۸ /۳؛ شاه جهان‌نامه، ۷۷ / ۲؛ کاروان هند، ۷۷۲ -۷۷۰ / ۱؛ میخانه، ۵۰۹؛ نزهةالخواطر، ۱۶۱ / ۵.

[۲] تذکره‌ی میخانه (۵۰۹)، کاروان هند (۷۷۲ -۷۷۰/ ۱)، مشاهیر زنان (۱۲۲ -۱۲۱).

سجادی تبار، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین سجادی تبار

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسین سجادی تبار در سال ۱۳۴۳ شمسی در روستای تیل از توابع شبستر استان آذربایجان شرقی متولد شدم و تحصیلات کلاسیک را تا دیپلم در منطقه شبستر به اتمام رسانده در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تبریز شدم و تاسال ۱۳۶۶ دروس حوزه را تا اتمام لمعه و اصول فقه درآنجا تحصیل نمودم.در سال ۱۳۶۶ بهمن ماه وارد حوزه علمیه مقدس قم گشتم و دروس حوزوی را با جدیت تمام پی گیری نموده و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام: طاهری خرم آبادی، سید احمد خاتمی، اعتمادی، پایانی، محقق داماد، وجدانی فخر استفاده نموده و باقیمانده دروس سطح را تا سال ۱۳۷۰ تحصیل نمودم، و از آن زمان به بعد در درس خارج اساتیدی چون آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.همزمان با تحصیل دروس حوزه در دوره آموزش عالی دفتر تبلیغات نیز ۴ سال مشغول به یادگیری بودم و ضمنا رشته تخصصی کلام را نیز به مدت ۴ سال تحصیل نمودم . به خاطر شوق و اشتیاق فراوان به تحقیق از سال ۱۳۶۸ با پژوهشکده باقر العلوم (ع) سازمان تبلیغات اسلامی همکاری را شروع کردم که ابتدا در قسمت فهرست نویسی کتب اسلامی مشغول شده و از سال ۱۳۷۱ با ایجاد گروه حدیث جهت تحقیق و تالیف کتب حدیثی همکاری را به این بخش کشانده و با دیگر دوستان در این زمینه به تلاش و تحقیق پرداختیم .

سجادی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸/۱۳۱۷ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ذره. در مدرسه‌ی اقدسیه تهران تحصیل کرد و از مدرسه‌ی سیاسی تهران دیپلم گرفت. در سنین جوانی با روزنامه‌ی «گل زرد» به مدیریت یحیی ریحان، و رزنامه‌ی «نسیم شمال» به مدیریت اشرف‌الدین حسینی همکاری می‌کرد. به نهضت جنگل پیوست و از یاران صمیمی میرزا کوچک خان شد، اما بعدا از دوستان احسان‌اللّٰه خان

شد و به همراه او ایران را ترک کرد. وی در جنگل روزنامه‌های «ایران سرخ»، «انقلاب سرخ» و «کامونیست» را منتشر کرد. ذره پس از خروج از ایران به شوروی رفت، و تا پایان عمر استاد کرسی زبان فارسی دانشگاه مسکو بود. در مسکو درگذشت و در گورستان مسلمانان آن شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۰۰/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۴ -۲۶۳ /۳).

سجادی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران اینجانب حاج سیّد احمد سجّادی در سوّم اسفندماهِ سال یکهزار و سیصد و چهل و چهار در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان بدنیا آمدم.

پدرم از معتمدین محل و کارگر کارخانه بافناز بود و مادرم، بانوی عفیفه ای که به امور منزل و تعلیم و تربیت فرزندان اهتمامی والا داشت.

اینجانب دارای سه برادر و یک خواهرهستم که هر یک، محور زندگی و خانواده‌ای دیگر شده اند.

من تحصیلات ابتدایی، را در دبستان مشتاقْ ودوره راهنمایی را در مدرسه جمشید طی کردم و ودر همان ایام، از نزدیک شاهد وقایع انقلاب بودم و با آنکه در سنین نوجوانی به سر می بردم ، دربسیاری از راهپیمایی‌ها شرکت جسته و تمامی شعارهای مردم را در دفتری ثبت ، که تاکنون نیز آن را حفظ نموده ام

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه اصفهان گردیدم و همزمان در جبهه‌های نبرد نیز شرکت نموده و حدود ۲۰ماه به طور متناوب در میان رزمندگان اسلام حضور داشته و در عملیات‌های مختلف و متعدّدی ایفای نقش کردم و در عملیات «محرم» و «خیبر» از ناحیه پا و صورت مجروح شدم.

حضور در حوزه علمیّه اصفهان فرصتی بود تا از محضر اساتید بزرگی همچون حجت الاسلام و المسلمین حاج علی‌اکبر فقیه، حجت الاسلام و المسلمین حاج سید ابوالحسن مهدوی، آیت اللّه حاج سیّد احمد امامی، آیت اللّه حاج سیّد حسن امامی، آیت اللّه حاج حسن صافی، آیت اللّه حاج محمد ناصری، آیت اللّه حاج سید محمد علی صادقی، آیت اللّه حاج عباسعلی ادیب و آیت اللّه العظمی حاج حسین مظاهری کسب فیض کرده و علاوه بر آن، از سال ۱۳۶۳ به تدریس در حوزه‌های علمیه در زمینه‌های ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول مشغول گردیدم.

اینجانب در سال ۱۳۶۸ در جشن نیمه شعبان به دست مبارک مرحوم حضرت آیت اللّه سید محمدعلی صادقی قدس سره مفتخَر به لباس روحانیّت گشته و منصب امام جماعت را در مسجد حضرت جوادالائمّه و پس از آن در مسجد امام حسن مجتبی (واقع در اصفهان، خیابان کاوه، خیابان ۱۵ خرداد) عهده‌دار شده و تا مهر ماه سال ۱۳۸۷ این افتخار قرین زندگیم بود.

از سال ۱۳۷۰ فعّالیّت‌های علمی خود را با ارائه مقاله به روزنامه‌ها و سپس مجلّه‌های مختلف آغاز نمودم و در حال حاضر علاوه بر مقالات فراوانی که ازمن در زمینه‌های مختلف علمی و مذهبی در دست است، در زمینه تألیف کتاب نیز کتاب‌های متعدّدی از جمله عناوین زیر از اینجانب بچاپ رسیده است که ذیلاً به برخی از کتابهای تألیف شده توسط حقیر اشاره می‌نمایم:

۱ «– فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه » (در ۳ جلد) : در این کتاب با سبکی جدید به موضوع‌نگاری صحیفه مبارکه سجّادیّه پرداخته ام و اثری زیبا با بیش از ۹۰۰ موضوع اصلی ۱۰/۰۰۰ زیر موضوع در سه جلد به همراه متن کامل صحیفه سجّادیه و ترجمه آن ارائه نموده‌ام.

۲ – «اسرار دلبران» : این کتاب تأملی بر زیارت جامعه کبیره است که در آن برای هر یک از فرازهای این زیارت، توضیحی مختصر و شرحی کوتاه و مرتبط با آن صورت گرفته است.

۳ – «پرچم‌داران سعادت» : این کتاب تدبّری در زیارت جامعه کبیره بوده که در آن با تکیه بر آیات و روایات و استدلال‌های عقلی و نظری به توضیح فرازهای زیارت پرداخته و به بیش از نهصد آیه، روایت و حدیث در ۵۰۰ صفحه اشاره نموده‌ام.

۴ – «نجوای عارفانه» : این کتاب شرح دعای امام زین‌العابدین علیه‌السلام در روز عرفه است که دعای چهل و هفتمِ کتاب صحیفه مبارکه سجّادیه می‌باشد. مؤلّف، این کتاب را در ۱۸۰ صفحه به تألیف رسانده ام.

۵ و۶ «میراث حوزه علمیه اصفهان » (دفتر اوّل و دوّم): این کتاب ها احیاء و عرضه میراث مکتوب حوزه علمیه اصفهان است که در هر جلد به یکی از محورهای تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، فلسفه، کلام و دیگر ساحت‌هایی که تلاش علمی قلمزنانِ این خطّه در آن حیطه بوده، اختصاص می‌یابد. دفتر اوّل این اثر به اهتمام اینجانب و جناب آقای رحیم قاسمی و دفتر دوّم نیز به تلاش من و جناب آقای مجید هادیزاده به رشته تحریر درآمده است.

۷ – «لغت‌نامه و ترجمه صحیفه سجّادیه» : این کتاب در ۳۸۴ صفحه، ترجمه روان و سلیس و در عین حال علمی از صحیفه مبارکه سجّادیه است که اینجانب در ذیل متن دعا و ترجمه آن، اقدام به ترجمه لغات صعب و دشوار این کتاب گرانسنگ نموده ام.

۸ – « صحیفه سجّادیه به روایت ابن اشکیب»در این کتاب به روایتی نادره از صحیفه پرداخته و با روایت مشهوره مقابله کرده ام که با مقدمه ای مفصل به چاپ رسید و به همراه CD منتشر شده است

هم‌اکنون نیز در زمینه صحیفه سجّادیّه تحقیقات جالب و وافری به انجام رسانیده ام که بزودی به چاپ خواهم رساند و کتاب «قرآن پژوهان اصفهان» را در حال نشر است و مراحل پایانی «کتاب شناسی وقف» را در حال انجام دارم که به زودی در چهار مجلد چاپ خواهد گشت.

علاوه بر کتاب های فوق‌الذکر، از بین مقالاتی که توسط حقیر به رشته تحریر درآمده، به اختصار به مقالات زیر اشاره می‌نمایم:

۱ – «بایسته‌های صحیفه سجادیه» : مقاله‌ایست ۱۶ صفحه‌ای که متضمن پیشنهادات یازده گانه‌ای به اندیشمندان و صحیفه پژوهانِ شیعی جهت احیا و ترویج کتاب مقدّس و دعایی صحیفه مبارکه سجّادیه است.

۲ – «دعا در نبردهای نامتقارن» : مقاله‌ای ۱۷ صفحه‌ایست که از تعریف دعا و نیاز بشر امروز به آن، نیاز مبارزان به دعا و سنت ائمه علیهم السلام در نبردها و جنگ‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ام.

۳ – «سبک‌شناسی صحیفه مبارکه سجادیه» : این نوشتار در ۶۴ صفحه، پیرامون سبک و سیاقی است که در لابلای دعاهای صحیفه سجادیه به چشم می‌خورد .

شایان ذکر است علاوه بر فعالیّت علمی ، اینجانب در سال ۱۳۷۷ از سوی زعیم حوزه علمیه اصفهان ، حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) به سِمَت مدیر عامل «مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیّه اصفهان» منسوب شدم که تا کنون موفّق به تولیدِ سی و پنج نرم‌افزار گشته ام که در تمامی آنها، علاوه بر مدیریت پروژه ، تحقیقات و پژوهش نرم افزار بر عهده ام بوده است. از جمله نرم‌افزارهایی که حقیر امر تولید، تحقیق و پژوهش آن را به عهده داشته‌اند، می‌توان به نرم‌افزارهای زیر اشاره نمود:

۱ – «طنین وحی» : متن، ترجمه و صوت قرآن کریم ، یک دوره کامل قرائت قرآن به روش تحقیق ، معجم و امکان جستجو در آیات قرآن به روش های مختلف ، هفت ترجمه فارسی و انگلیسی (ترجمه های فارسی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، دکتر عبدالمحمد آیتی، آقای محمد مهدی فولادوند و ترجمه منظوم آقای امید مجد و ترجمه های انگلیسی پیکتال، یوسف علی و شاکری) ، امکان مقایسه ترجمه ها با یکدیگر ، املای لاتین قرآن

۲ – «امثال» : ارائه ترجمه و مفاهیم قرآن کریم بـا ابزار تصاویر ثابت و متحرک با موضوع مثل‌ها و تشبیه‌های قرآن کریم و نمایش تابلوهای نقاشی رنگ و روغن متناسب با موضوع هر یک از امثال قرآن به همراه تفسیر مربوط به آیه و نیز اشعار مرتبط با آن و بیش از ۶۰ دقیقه انیمیشن متناسب با مفهوم آیات.

۳ – «دانش‌نامه جامع نهج‌البلاغه» : حاوی متن کامل نهج البلاغه با تطبیق با یازده نسخه معتبر به همراه ۲۵۰ جلد شرح و ۴۱ عنوان ترجمه ، نمایش ۱۶۰۰۰ موضوع متنوع ، لغت نامه و توضیح لغات به فارسی و عربی به صورت فعال در متن ، نمایش مصادر خطبه ها، نامه ها و حکمت ها به صورت فعال در متن ، معرفی اعلام و شخصیت های نهج البلاغه با زندگی نامه هر یک به صورت فعال در متن ، لیست آیات قرآن به صورت فعال در متن با امکان تلاوت آیه ، امثال نهج البلاغه به صورت فعال در متن با توضیح مفصل برای هر یک ، نمایش قدیمی ترین نسخه خطی نهج البلاغه به صورت تطبیق یافته با متن ، امکان مقابله ترجمه ها و شرح های نهج البلاغه با یکدیگر

۴ – «دانش‌نامه جامع صحیفه سجادیه» : شامل ۳۷ جلد ترجمه و ۵۲ جلد شرح ، متن ۲۵ جلد کتاب پیرامون دعاها و سخنان امام سجّاد (علیه السلام) و نمایش هزاران موضوع متنوع با روش ساختار درختی با قابلیت جستجو ، کتابخانه جامعی پیرامون سخنان امام سجاد علیه السلام شامل ۱۲۰ جلد کتاب و مقاله ، کتابشناسی صحیفه سجّادیه ، معجم کامل الفاظ صحیفه سجادیه ، آیات و احادیث مرتبط با صحیفه سجادیه.، لیست آیات موجود در صحیفه سجادیه ، لغت نامه صحیفه سجادیه به صورت فعال در متن

۵ – «مدینه العلم» : حاوی متن ۳۳۰ کتاب و مقاله پیرامون حضرت محمّد (صلی الله علیه وآله) در موضوعات تاریخِ زندگانی، تاریخ اسلام، فضائل، سیره و سخنان، امکان مشاهده تمامی فهرستهای کتابها به صورت یکجا ،

۶ – «باب العلم» : شامل متن ۸۸۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت علی علیه السلام با موضوعیّت سخنان ، سیره ، فضائل ، تاریخ ، ساختار موضوعی جامع پیرامون تمامی اطلاعات و مطالب ، معرفی ۱۴۹۰۰ کتاب، مقاله و پایان نامه

۷ – «ریحانه» : متن ۲۰۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت زهرا (علیها السلام) و ساختار موضوعی پیرامون آن حضرت، شامل نسب، زندگانی، سیره و... .

۸ – «کریمانه» : شامل متن ۱۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسن (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ و... .

۹– «سفینه‌النجاه» : شامل متن ۷۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسین (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، مقاتل، شعر، عاشورا و...

۱۰ – «شمس الشموس» : شامل متن ۳۲۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام رضا (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ ، بارگاه ملکوتی و ...

۱۱ – «موعود» : شامل متن ۶۲۶ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت مهدی علیه‌السلام و نیز روایات، احادیث و دعاهای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام ، معرفی ۴۰۰۰ عنوان کتاب، مقاله و پایان نامه

۱۲ – «به سوی حقیقت» : متن ۶۰۰ جلد کتاب و مقاله برای آشنا ساختن مردم با اسلام ناب و مکتب تشیع و نیز پاسخگویی به اشکال‌ها و شبهه‌های مغرضانه وهابیت.

۱۳ – «بصائر »: ارائه ترجمه تصویری برخی از آیات شریفه قرآن کریم با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک (فیلم و انیمیشن) با موضوع آیات و نعمتهای الهی. به همراه ترجمه، ترتیل و احادیث ائمّه اطهار (علیهم السلام) در خصوص آیه شریفه مورد نظر و شرح نکات علمی و شگفتی‌های خلقت پیرامون آیه شریفه مربوطه.

۱۴ – «مشاهیر» : معرفی بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از شهرگان و نامداران ایرانی در زمینه‌های علمی، هنری، سیاسی، صنعتی و... به صورت طبقه‌بندی شده بر اساس حرف الفبا، جنسیت، قرن و تخصص همراه با زندگی‌نامه مختصر و معرفی آثار آنان.

۱۵ «فیض تمام»: متن کامل قرآن کریم همراه با ترجمه و تفسیر نمونه ، متن کامل نهج البلاغه همراه با ترجمه و شرح کامل ابن میثم ، متن کامل صحیفه سجادیه همراه با ترجمه و شرح دیار عاشقان ، امکان جستجوی دقیق در متون هر سه کتاب مقدس بصورت یکجا و جداگانه ، امکان جستجو در ترجمه ها و شرح ها ، تلاوت کامل متن نهج البلاغه و صحیفه سجادیه ، امکان چاپ و انتقال متن به دفترچه یادداشت ، معجم الفاظ به همراه لغتنامه فعال در متون

۱۶ – «دانش‌نامه جامع وقف » شامل متن ۱۳۴۲ جلد کتاب و مقاله پیرامون وقف

علاوه بر نرم‌افزارهای مذکور، نرم‌افزار «امام امام صادق علیه السلام » و نیز «رد بهائیت» در این مرکز با مدیریت و پژوهش اینجانب در دست کار می‌باشد.

حقیرعلاوه برانجام فعّالیّت‌های علمی که باعث گردیده به افتخارات متعددی همچون «خادم قرآن استان اصفهان» در سال ۱۳۸۳ و«خادم قرآن کشور» در سال ۱۳۸۴ (با لوح تقدیر به امضاء ریاست جمهور و به دست ایشان)، «خادم نیایش» درسال ۱۳۸۵ (با لوح تقدیر به امضاء آیت الله زنجانی و آیت الله مظاهری و حجت الاسلام خاتمی و استاد گرجی و به دست حجت الاسلام خاتمی) و«خادم نمونه فرهنگ عمومی استان اصفهان» در سال ۱۳۸۶ (با لوح تقدیر به امضاء امام جمعه اصفهان آیت الله طباطبائی نژاد و به دست ایشان) مفتخر گردم، مدیریت برخی از نهادهای علمی و فرهنگی را نیز عهده دار بوده ام که از آن جمله می توان به مسئول نمایندگی ولی فقیه در مراکز سپاه استان اصفهان از سال ۱۳۷۰ تا۱۳۷۷ ، مسئول موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان اصفهان از سال ۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۶، مشاور امور روحانیون استاندار اصفهان از سال ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۸۶ اشاره کرد.

اینجانب هماکنون علاوه بر مدیر عامل مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان ، مشاور پژوهشی سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه بوده و مدیرموسسه فرهنگی و اطلاع رسانی راسخون می‌باشم که سایتWWW.RASEKHOON.COM یکی از فعالیت های آن موسسه است.

شایان ذکر است حقیر در کنار فعالیتهای علمی، مدیریتی و مسؤولیتهای فوق‌الذکر، به عنوان عضو هیئت علمی در همایش‌های« بزرگداشت فیض الاسلام» سال ۱۳۸۳ و دبیر علمی «بزرگداشت آیت اللّه العظمی سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی» سال ۱۳۸۸، و عضو هیئت مدیره «موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان» و عضو اصلی هیئت مدیره «شرکت چاپ و انتشارات اسوه» می‌باشم و علاوه بر سخنرانی در محافل مذهبی ، علمی وهمایش های فرهنگی ، در برنامه های مختلف رادیو اصفهان به عنوان کارشناس دینی (از جمله در اکثر اعیاد مذهبی و عزاداری ها و تمامی صبح ها قبل و بعد از اذان) به ایراد سخن می پردازم.

واخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سید احمد سجادی

سجادی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب.

تولد: ۱۲۹۸، مشهد.

درگذشت: ۳ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

ضیاءالدین سجادی، فرزند حاج سید مصطفی سرابی، تحصیلات مقدماتی، دبیرستان و دانشسرای مقدماتی را در زادگاهش گذراند و سپس در کلاس‌های دبستان و اول دبیرستان به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۴ با کسب رتبه‌ی نخست، موفق به گرفتن درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد. در سال ۱۳۳۴ دکترای این رشته را از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران گرفت. در سال ۱۳۳۵ به خدمت آن دانشگاه درآمد. در دوران خدمتش در مراکز مختلف آموزش عالی تدریس کرد و پس از بیست و سه سال خدمت در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد. وی عضو شورای نویسندگان برنامه‌های انتشارات رادیو بود و تهیه و اجرای برنامه‌های ادبی و مذهبی در رادیو ایران را به عهده داشت. به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی نیز آشنا بود.

از آثارش: تصحیح و تعلیق دیوان خاقانی شروانی (تهران، ۱۳۳۸)، تصحیح و تعلیقات مجموعه نامه‌های خاقانی شروانی (تهران، ۱۳۴۶)، شرح قصیده‌ی مسیحیت (از شمس‌الدین محمود لاهیجانی، تهران، ۱۳۵۱)، در مکتب استاد (گفتارهایی درباره‌ی زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۴۵)، کوی سرخاب تبریز و مقبرةالشعراء (تهران، ۱۳۵۴)، سخنان گزیده درباره‌ی فردوسی و شاهنامه (تهران، ۱۳۵۴)، انسان در قرآن کریم (تهران، ۱۳۶۰)، شرح احوال و آثار ابن عمید (تهران، ۱۳۶۶)، تصحیح و شرح مثنوی ختم‌الغرائب خاقانی (تهران، ۱۳۴۳)، دیباچه‌نگاری در ده قرن (تهران، ۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف (تهران، ۱۳۷۲)، گزیده‌ی اشعار خاقانی (همراه با شرح، تهران، ۱۳۵۲)، گزیده اشعار سنایی با مقدمه و توضیحات (تهران، ۱۳۴۸)، مباحث و دستوری فرهنگ لغات قرآن (تهران، ۱۳۵۸)، سیری در اندیشه و شناخت (تهران، ۱۳۶۶). وی با همکاری مؤلفان دیگر، یک دوره کتاب فارسی و دستور و تاریخ ادبیات فارسی را به رشته‌ی تحریر درآورد (تهران، ۱۳۳۵)، مبحث شرح حال شاعران در کتاب‌های کارنامه‌ی بزرگان ایران (۱۳۴۰) و فرهنگ امیر کبیر نیز از دیگر کارهای اوست. وی همچنین مقاله‌هایی در موضوع‌های ادبی، تاریخی و مذهبی در مجله‌ها و نشریات مختلف و از جمله در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران» به چاپ رسانید. آخرین اثری که از وی منتشر شد، دو جلد فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی است.

دکتر سید ضیاءالدین سجادی بر اثر یک عارضه‌ی قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی در بیمارستان دی در تهران درگذشت و پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سجادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد سجادی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد سجادی نژاد فرزند مرحوم حاج سید عباس. بعد از گرفتن ششم ابتدایی بر اساس علاقه شدید خودم به دروس حوزوی به همراه پدرم به شهرستان دامغان آمدیم. مرحوم والد که دائیشان حضرت آیهٔالله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بود و در مشهد مقدس اشتغال به تدریس داشت. و علماء و بزرگان دامغان او را کاملا می شناختند من را به آیت الله ترابی،آیت الله شاهچراغی،آیت الله خدایی و آیت الله نصیری معرفی نمود. مدت دو سال در مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیک ساکن و از محضر آن بزرگواران استفاده نمودم.سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به همراه دو نفر از دوستان و هم بحثی هایم بنامهای حاج شیخ احمد فوادیان استاد فعلی و مدیر مدرسه دامغان عازم شهر مقدس قم شدیم. پس از امتحان اولیه و گزینش مدرسه کرمانیها در قم مدت پنج سال تحت برنامه خاص از محضر اساتیدی همچون استاد مظاهری،استاد احمدی میانجی،استاد شریعتی،استاد محمدی ری شهری،استاد نعیم آبادی،استاد فهیم کرمانی،سید یحیی موسوی،حاج شیخ حسین جاویدی استفاده کردم.پس از آن در امتحانات حوزه شرکت و بعد از قبولی برای ادامه دروس سطح حوزه علمیه از محضر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده مکاسب و کفایتین،از محضر حاج شیخ حسن تهرانی رسائل واز محضر سید محمد جواد ذهنی تهرانی رسایل را به اتمام رسانده و در امتحانات حوزه علمیه شرکت کرده و بعد از قبولی وارد دروس سطوح عالیه شدم.از محضر آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی(ره)خارج اصول،از محضر آیت الله مکارم شیرازی خارج اصول،از محضر آیت الله علی مشکینی(ره)فقه و تفسیر و اخلاق،از محضر آیت الله انصاری شیرازی فلسفه و حکمت،واز محضر آیت الله نوری همدانی مبحث قضا در اسلام و از محضر سید شهاب الدین مرعشی و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی دروس خارج فقه را فراگرفته و تا کنون ادامه دارد. فعلا از محضر استاد دکتر احمد عابدی فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسیررا بیش از ۲۰ سال است که زانوی ادب بر زمین زده و تلمذ نموده ام.فعالیت سیاسی – علمی:در این ایام بدلیل اینکه جناب استاد فهیم کرمانی عده ای از طلاب را کاندید و راهنمائیهای لازمه را داده بودند که یکی از آن افراد این حقیر بود برای بردن کتاب حکومت اسلامی حضرت امام خمینی(رضوان الله تعالی علیه) به شهرستانهای مختلف و پخش اطلاعیه های مرحوم حضرت امام (ره) مورد شناسایی و تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم. لذا مدت ۴ ماه در باغات روستایمان زرین آباد دامغان مخفی بودم بمحض آمدن به قم مورد تعقیب مجدد قرار گرفته.ومجدد تا چندین ماه به تهران رفتم.تا اینکه بنا به پیشنهاد رفقایم معمم شده و به شهرستانها و روستاهای مختلف برای تبلیغ و ارشاد می رفتم بدلیل منبر سیاسی در نطنز مورد تعقیب قرار گرفتم و بنا بدستور سرلشکر محققی محکوم به اعدام غیابی شدم که بعد از پیروزی انقلاب حکم اعدام در ژاندارمری شهرستان دامغان نشانم دادند.در جریان حمله کماندوهای رژیم سفاک پهلوی به چهار مدرسه قم،فیضیه،حجتیه،خان و رضویه. نیمه شب به مدرسه خان هجوم ساواکیها شروع شد در حجره شماره ۱۱ که من ساکن بودم. یک فرد ساواکی که داخل حجره برای تفتیش شد و من به او اعتراض کردم که چرا با کفش پا روی زیلویی که متعلق به امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) هست پای می گذاری آن مرد ملعون مرا طلب کرد وقتی جلویش رفتم آنچنان سیلی به صورتم زد که سرم بدیوار حجره خورد و مدهوش شدم بعد از سه شبانه روز فهمیدم در بیمارستان آیت الله گلپایگانی هستم باز برای مدت کوتاهی به روستایمان رفتم. چون اگر قم بودم شناسایی و دستگیر می شدم در دامغان به کانون جوانان برای سخنرانی طبق دعوت مرحوم شهید سید حسن شاهچراغی رفتم در آنجا هم دستگیرشده و بعد از ۴۸ ساعت با وساطت علماء دامغان آزاد شدم.سپس به قم آمدم و در منازل دوستان بسر می بردم تا اینکه کم کم طنین انقلاب اسلامی با تظاهرات مردم به رهبری حضرت امام(ره) و سایر علماء قم شروع شد.اینجانب نیز شرکت در راهپیمائیها و بعضا سخنرانی های آتشین و بیان اعلامیه هارا وظیفه خود می دانستم. بعد از انقلاب طبق دعوت شهید عزیز حاج سید قاسم موسوی دامغانی(ره) برای تدریس و مدیریت حوزه علمیه و امام جمعه موقت مدت ۳ سال در رامهرمز اهواز بودم.بعد از آن طبق دعوت موسوی کرمانی بعنوان معاونت آیت الله محمد حسین کرمانی نماینده حضرت امام(ره) در سازمان عقیدتی- سیاسی شهربانی به مدت ۵ سال معاونت دوائر و شعب اداره عقیدتی سیاسی شهربانی در تهران را عهده دار بودم. سپس با رفتن آن بزرگوار از شهربانی من هم به قم آمده طبق دعوت آیت الله احمد علی احمدی شاهرودی و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن نعیمی مدت ده سال بعنوان استاد دروس اخلاق و تربیت ریشه های انقلاب معارف ۱ و ۲، و صیتنامه الهی و سیاسی حضرت امام(ره) و بعنوان مسئول دفتر فرهنگ اسلامی در دانشگاههای آزاد اسلامی دامغان و شاهرود مشغول خدمت بودم. در دوران دفاع مقدس در این زمان با بیش از هیجده ماه حضور در جبهه های حق علیه باطل را داشتم. طبق دعوت کتبی فرمانده محترم لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام) شهید خرازی و فرمانده محترم لشکر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در جنوب و غرب بانه، مریوان و سقز و ... مشغول به تبلیغ و بیان احکام برای رزمندگان اسلام بودم. بدلیل اینکه فرزندانم بزرگ شده بودند و مستاجری برای ما مشکل آفرین شده بود به قم آمده و بعد از ۲۴ ساعت طبق دعوت جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری در قسمت مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت کتابخانه مشغول خدمت شدم که تا کنون ادامه دارد و بحمدالله در این فاصله ۱۴ساله در سفری که مقام معظم رهبری به قم داشتند و سوال معظم له از تولیت آستانه مقدسه آقای مسعودی که شما راجع به وکلاء ائمه اطهار(ع) که در قم مدفونند و علماء و بزرگانیکه در حرم مطهر، شیخان و ... چه کردید؟ آیا آنها را احیاء کرده اید؟ لذا

تولیت آستانه دو نفر را کاندیـد احیاء این امر خدا پسندانه کرد که جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور بعنوان مسئول و این حقیر بعنوان مـدیر اجرایی و ارزیـاب و عضـو شـورای سـتارگان شـدیم.عصـاره این امر ۲۵ جلـد کتـاب با نام مبارک"ستارگان حرم "می باشـد که چـاپ شـده و در مراکز مختلف علمی بعنوان منبع از آنها استفاده می شود. و روزهای چهار شنبه تلویزیون از همین کتـاب هـا بیوگرافی راویـان،محـدثان،وکلاء و علماء را شـرح می دهـد.ضـمنا بیش از ۱۴ مقـاله تحت عنوان زندگینامه علماء ربانی که به تحقیق و نگارش اینجانب در ستارگان حرم و گلشن ابرار چاپ گردیده است. خدمات اجتماعی:۱-در فاصله سی و سه سال تبلیغ و ارشاد در مناطق مختلف شهرها و روستاهای ایران تاسیس بیش از بیست کتابخانه با کتابهای متنوع برای مردم مخصوصـا نسـل جوان. ۲-ایجـاد حمـام بهـداشتی برای روسـتا به صورت نمره.۳- ترمیـم راههـای روسـتا و ایجـاد پـل در چند روستا.۴-کمک به فقرای آبرومند بیش از دویست مورد.

سجاوندی غزنوی، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۰ ق)، مفسر، قاری، فقیه حنفی، ریاضیدان و شاعر. وی از دانشمندان و عالمان بزرگ قرن ششم هجری است که با سلطان سنجر سلجوقی معاصر بود و آثار بسیار ارزشمندی در تفسیر و علوم دینی تالیف کرد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود، اشعار چندی نیز از وی در تـذکره‌ها نقـل اسـت. از جملـه آثـارش: «انسـان عین المعـانی» در تفسـیر و مختصـر آن «عین المعـانی فی تفسـیر السـبع المثـانی»؛ «ذخـایر الثمـار فی اخبـار السـید المختـار»؛ «التفسـیر»؛ «الایضـاح فی الوقـف و الابتـداء»، در مجلـدی بزرگ که دلیـل تبحر سجاونـدی در علم قرآن است؛ «علـل القراآت»، در چنـد مجلـد؛ «غرائب القران»، در تفسـیر لغات مشـکل آن؛ «السـراجیه» «یا فرائض سجاوندیه»، که شـرحهای بسـیاری بر آن نوشـته شده و مشهورترین آنها «شرح سید شریف جرجانی» است؛ «التجنیس»، در حساب و ریاضـیات. در منـابع مختلف، کنیه و لقب او چون نـام و نام پـدرش محل اختلاف است و به صورتهای مختلف ابوعبـداللّه، ابوطاهر، مجدالدین و سراج‌الدین ذکر شده است.[۱]

ابوالفضل محمد بن ابویزید طیفور عزنوی، از دانشمندان علم قرائت در قرن ششم (ف. ۵۶۰ ه.ق.). از آثار معروف وی کتاب وقوف است در شـرح موادر وقف در قرآن، کتـاب الوقف و الابتـداء در شـرح انواع وقف، کتاب الموجز در شـرح بعض انوع وقف، کتاب انسان عین المعانی در تفسیر سبع المثانی، نسخ همه کتابهای مذکور در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۴۸/۷)، دایرةالمعارف فارسـی (۱۲۷۵ -۱۲۷۴ /۱)، الذریعه (۳۱/۱۶)، ریـاض العارفین (۱۷۴)، ریحانه (۴۴۳ -۴۴۲ /۲)، کشـف الظنون (۱۱۸۲ ،۸۵۲، ۳۵۳)، الکنی و الالقـاب (۳۰۸/۲)، لبـاب الالباب (۲۸۳ -۲۸۲ /۱)، لغت نـامه (ذیل/ سجاوندی و احمد)، معجم المؤلفین (۲۳۳/۱۱ ،۱۱۲/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۷۸/۳)، هدیه الاحباب (۱۴۸)، هدیه العارفین (۱۰۶/۲).

سجستانی، ابوحاتم سهل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۵ -۲۴۸)، نحوی، لغوی، قاری، محدث و شاعر. وی شاگرد ابوزید انصاری و ابوعبیده بن مثنی و اصمعی و ابوعامر عقدی و دیگران بود. او قرآن را از یعقوب حضرمی فراگرفت. «کتاب» سیبویه را دو مرتبه بر اخفش خواند. در زمره‌ی شاگردانش از ابن‌درید و ابوالعبـاس مبرد یـاد شـده است. رشـته‌ی اصـلیش آثـار شاعران قـدیم و اصـطلاحات و عروض و لغت و غرائب و علوم قرآنی بود. محـدثینی چون ابوداوود و نسایی در «سـنن» خود و ابوبکر بزاز در «مسـند» خود و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند بطوری که هر روز دیناری به تصدق می‌داد و هر هفته قرآنی ختم می‌کرد. وی شـعر را نیکو می‌سرود. دارای سی و هفت کتاب است که از آن جمله: «اعراب القران»؛ «اختلاف المصاحف»؛ «الاضـداد»، کتاب «المعمرین من العرب»؛ «ما یلحن فیه العامه»؛ «المقصور و الممـدود»؛ «المقـاطع و المبـادی»؛ «القراآت»؛ «الفصـاحه»؛ کتـاب «خلـق الانسـان»؛ «المـذکر و المونث»؛ کتـاب «الطیر»؛ «الوحوش»؛ «الحشـرات»؛ «النبات»؛ «النخله»؛ «الشوق الی الوطن».[۱]

(ع. سیسـتانی) ابوحاتم سـهل بن محمد بن عثمان بن یزید جشمی، عالم لغوی، نحوی و مقری (ف. ۲۵۵ ه.ق./ ۸۶۴ م.). او در بصره میزیست و از علـوم قرآنی و عروض اطلاع وافی داشت. الکتـاب سـیبویه را نزد اخفش آمـوخت و از اصـمعی و ابویزیـد انصـاری و ابوعبیـده معمر بن مثنی روایات بسـیار در لغت و اقسام ادب دارد. ابن دریـد و مبرد شاگرد اوینـد. او راست: کتاب الشـمس و القمر، کتاب فی النحو، کتاب الشوق الی الوطن، کتاب الوصایا، کتاب مایلحن فیه العامهٔ، کتاب الطیر، کتاب المذکر و المؤنث. (سهل)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۱۰/۳)، ایضاح المکنون (۳۵۱ ،۳۵۰ ،۳۴۲ ،۳۲۲ ،۳۰۷ ،۲۹۲ ،۲۹۰ ،۲۸۹ ،۲۸۵، ۲۶۲ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴/۱)، تهـذیب التهذیب (۲۳۴ -۲۳۳ /۴)، الجرح و التعـدیل (ج ۲، ق ۲۰۴/۱)، دانشـنامه‌ی ایران و اسـلام (۱۰۲۲/۸)، روضات الجنات (۹۰ -۸۸ /۴)، ریحانه (۴۴۴ -۴۴۳ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۱۰۳ -۱۰۲ /۱)، سیر النبلاء (۲۷۰ -۲۶۸ /۱۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۰۰)، کشف الظنون (۱۷۸۱ ،۱۵۷۷، ۱۴۶۹، ۱۴۶۶، ۱۴۶۲، ۱۴۵۷، ۱۴۵۴، ۱۴۵۲، ۱۴۵۲، ۱۴۴۹، ۱۴۴۶، ۱۴۳۹ ،

۱۴۳۶، ۱۴۲۹، ۱۴۲۳، ۱۳۸۸، ۱۳۸۷، ۱۳۸۳، ۱۱۸۹، ۱۲۳، ۱۱۵، ۳۳)، الکنی و الالقـاب (۴۵ -۴۴ /۱)، لغت نـامه (ذیل/ ابوحاتم)، معجم الادباء (۲۶۵ -۲۶۳/۱۱)، معجم المؤلفین (۲۸۶ -۲۸۵ /۴)، وفیات الاعیان (۴۳۳ -۴۳۰ /۲).

سحاب، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم سحاب در ۲۰ فروردین سال ۱۲۶۶ شمسی در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. استاد ابوالقاسم سحاب در شهرستان تفرش دیـده به جهان گشود. وی تعلیمات مقـدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود ، بیش از سه سالی نگـذشت که سـحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه شد. سپس جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات ، شبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شد. سحاب ، به جهت حسن شـهرت و تـدریس در مـدرسه ی آلیـانس و به سـفارش نصـیرالدوله ، وزیر معارف به مـدیریت مـدرسه ی نهاونـد مأمور شـد. پس از مدتی به پیشـنهاد علی اکبرخان سـروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسـرکان) ، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشـنهاد گردید. سـحاب بنا به وظیفه ی اداری در شـغل منشـی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشت. همچنین از سوی آن وزارتخـانه به عنوان مسـئول تحریر تصـدیق نامه های مـدارس مأمور شـده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درآمـد. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در وزارت معارف داخل می گردد. وی معاونت کتابخانه ملی و مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است. سـحاب در روز ۲۱ دی ۱۳۳۵ به سرای باقی شتافت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمدزمان و حوا نام پدر و مادر ابوالقاسم سحاب می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالقاسم سحاب، تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود و علاوه بر آموختن عم جزء ، نصاب الصبیان ، جامع المقدمات و کتب دیگر از مکتب ملاحسین شاهمیری معروف به کربلایی حسین ، در گوشه و کنار با مطالعه ی کتاب های متفرقه ، مطالب آنها را به خاطر سپرده و بر معلومات خویش می افزود. در همین اثناء ، ابوالقاسم به صـلاحدید خـانواده ، مـدتی را نزد مشـهدی عبـدالرحیم و در مکتب وی واقع در حیـاط معین الملکی ، متولی باشـی ارض اقـدس (مشـهد) در تفرش به شاگردی پرداخته و نزدیک به یک سال را در همراهی با اسـتاد سپری کرد. آنگاه پس از فراگیری عربی و خط و یادگیری معالم ، برای آموختن فقه به مطالعه و مباحثه نزد امام جمعه پرداخته و « شـرح لمعه » شـهید ثانی را بدین شکل فراگرفت. از این رو ، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و در علوم اسلامی چنان مسلط شد که مورد مشورت اهـل علم و دانش قرارگرفته و با توانایی هرچه تمام تر در مسائل فقهی و اصول بحث و فحص می کرد. سـحاب پس از مـدتی با راه یافتن به کتابخانه ی سناءالدوله ، ضمن بهره مندی از آنها با کتب و مدارک خارجی آشنا شد و در عین حال ، از تلاش های خویش در راه تکمیـل یـافته ها و تحصـیلات خود ذره ای نمی کاست و لـذا ، هم زمان با فراگیری زبان فرانسه ، به کامل کردن تحصـیلات درس هـای ادبی و عربی خـود مبـادرت می ورزد. در ایـن هنگـام ، وی دریـافت کـه دیگر محیـط کوچـک تفرش نمی توانـد طبع بلندپرواز او را قانع ساخته و خواسته های او را تأمین نماید. از اینرو به تهران آمد و در محضر علمای طراز اول آن شـهر ، من جمله شیـخ علی نـوری ، شـیخ بـاقر معزالـدوله و دانشـمندان دیگر ، بـه تکمیـل معلومـات خـود پرداخت. او کـه در ایـن زمـان ، بـه همت سناءالـدوله جهت تحصـیل به مـدرسه ی آلمانی تهران راه یافته بود ، بنا به برخی ضوابط قانونی مـدرسه از راه یافتن بدان جا محروم گشـته و در نتیجه ، به اتفاق میرزاحسـین خان و اسماعیل خان (پسران دبیرلشکر و سناءالدوله) وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه ، واقع در خیابـان پسـتخانه شـد. آن مـدرسه زیرنظر مسیو ویژور فرانسوی اداره می شـد و سـحاب نیز نزد وی به تکمیـل آموخته های زبان فرانسـه ی خـود اقـدام کرد. او پس از چنـدی درصـدد برآمـد کـه برای تحصـیل کلام و اصـول و فقـه ، از محضـر اسـتاد حـاجی سیدعبدالرحیم دماوندی بهره جوید. بنابراین مدتی را نزد استاد به فراگیری و مذاکره در باب شوارق و شرح لمعه پرداخته و سپس ، جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات ، شبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس هـای شـبانه ی آن حاضـر شـده و از محفـل اسـتادانی چون : دکـتر محمودخـان ، دکـتر مهـدی خـان و میرزا غلامحسـین خان رهنما و دیگران بهره مند می شد. وی همچنین در کلاس های مزبور ، شیمی ، طبیعیات و فیزیک را فراگرفته و در محله ی عرب ها نیز به تحصـیل فرانسه ، دفترداری و ... مشـغول شـد. پس از آن ، بعـد از به پایان رساندن مباحثه شوارق در محضـر اسـتاد عبـدالرحیم دماونـدی ، تصـمیم می گیرد در طبیعیات جواهر و اعراض وارد شـده و یک دوره از این فن را به مباحثه و مطالعه بپردازد. بعد ، بر آن می گردد برای ورود به رشـته ی فلسـفه و حکمت ، از وجود عالمانه ی میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی که در آن موقع از برجسته ترین استادان فلسفه تهران بود ، بهره جوید. وی در خدمت استاد ، ضمن مطالعه ی کلمات مکنونه ی مرحوم فیض و منظـومه و اسـفار حـاجی سـبزواری ، بـه فراگیری شواهـدالربوبیه ملاصـدرا پرداخت. سـحاب ، زبـان انگلیسـی را نیز زیرنظر مسیو جاسموس و مسیو ژان دوشن فرانسوی ، رئیس مدرسه ی آلیانس تهران فراگرفت.فعالیتهای ضمن تحصیل : ابوالقاسم سحاب، علاوه بر عشق فراوان به فراگیری ، بهره مندی از هنرهای زمانه از جمله ، خوشنویسی را پیشه ی راه خود ساخته بود. به همین جهت در سن پـانزده سـالگی ، عزم خود را برای آموختن هنر مزبور راسـخ سـاخت و نزد معلمی به نـام میرزا عباسـقلی به تعلیم خط پرداخت و در اندک مدتی ، خود در هنر خطاطی و نوشـتن خطوط مختلف نسـتعلیق ، نسخ ، ثلث و شکسـته نستعلیق مسلط شد. پس از آن در ایام ۱۹ سالگی به تشویق میرزا اسدالله خان ، پیشکار فخیم الدوله حاکم کردستان به آموختن زبان عربی روی آورد و مساعی خود را در این راه به کار گرفت. از دیگر توانمندی های سـحاب ، ذوق و قریحه ی سرشار وی در سرودن اشعار ژرف و علاقه ی فوق العاده به مطـالعه و فراگیری سـروده هـای شـعرای مشـهور بـود. وی تحت تـأثیر تشویـق هـای میرزا اسـماعیل خـان دبیر در تفرش ، به نوشـتن

مصنفات و مؤلفات خود همت گماشت.استادان و مربیان : استادان و مربیان ابوالقاسم سحاب عبارت بودند از : ملاحسین شاهمیری ، مشهدی عبدالرحیم ، میرزا عباسقلی ، میرزا موسی خان سناءالدوله ، شیخ علی نوری ، شیخ باقر معزالدوله ، مسیو ویژور ، حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی ، دکتر محمودخان ، دکتر مهدی خان ، میرزا غلامحسین خان رهنما ، میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی ، مسیو جاسموس ، مسیو ژان دوشن ، دکتر حسین حجازی و میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی.همسر و فرزندان : معصومه ، همسر ابوالقاسم سحاب و مرحوم عباس سحاب ، پدر کارتوگرافی ایران ، عذرا ، صغری و بهجت خانم ، فرزندان شادروان استاد ابوالقاسم سحاب می باشند.زمان و علت فوت : پس از نزدیک به ۶۰ سال فعالیت علمی و فرهنگی ، دست تقدیر بر حیات ابوالقاسم سحاب سایه افکند و در سپیده دم ۲۱ دی ۱۳۳۵ به دیار معبود و سرای باقی شتافت و در مقابل بارگاه حضرت معصومه (س) ، کنار حوض به خاک سپرده شد و آیت الله مرعشی نجفی بر جنازه ی او در صحن یادشده نماز خواند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالقاسم سحاب، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله ، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سامان ، به آنجا فرستاده شد. استاد در سمت جدید ، در نهایت جدیت امور محوله را انجام داد و خدماتش مورد توجه قرار گرفت. از اینرو ، به پیشنهاد علی اکبرخان سروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسرکان) ، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید که در تاریخ ۲۸ ثور ۱۳۳۸ قمری ، حکم مزبور از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای او صادر شد. سحاب در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۶ از سوی وزارت معارف و اوقاف به سمت عضویت در هیئت ممتحنه ی مدارس ابتدایی مرکز انتخاب و اندکی بعد ، به همان سمت در مدرسه ی دارالفنون منصوب گردیده و در پی آن ، امتحانات شاگردان مدارس ابتدایی آن را برگزار می کند. سپس در ۸ فروردین ۱۳۰۷ به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشته و به موجب اخطار رسمی کابینه ، این وزارتخانه در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۰۷ جهت تهیه ی سواد نظامنامه ی شورای عالی معارف دعوت می شود. اما به جهت کثرت کار اداری و موانع زیاد از حضور به آن شورا خودداری می کند. همچنین استاد در اول مهر ۱۳۰۷ از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درمی آید. یک سال بعد ، در ۱۹ فروردین ۱۳۰۹ به موجب حکم رئیس محاسبات وزارت معارف و اوقاف ، از شغل منشی گری پاکنویس آن اداره به سمت مدیریت ارتقاء یافته و مدیریت آرشیو این وزارتخانه به وی واگذار می شود. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در تاریخ ۴ مهر ۱۳۱۰ در وزارت معارف داخل می گردد. وی در سال ۱۳۱۷ ، معاونت کتابخانه ملی و در سال ۱۳۲۳ ، مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : ابوالقاسم سحاب، به هنگام حضور در مکتب نخستین استاد خویش ، ملاحسین شاهمیری ، به علت توانایی های فوق العاده علمی و درسی خود و نیز به پیشنهاد مشارالیه ، امر تدریس برخی از نوآموزان کلاس را برعهده گرفت. او اگرچه در ازای آموزش کودکان مکتب ، از دادن شهریه معاف بود ، اما پرداختن به این مهم ، در واقع نخستین دل مشغولی و شغل وی را نیز تشکیل می داد و بر این اساس بود که از همان زمان ، او لذت توأمان دانش آموزی و معلمی را چشید و تا آخرین روزهای زندگی نیز در تداوم آن تلاش می کرد. به علاوه ، پس از تسلط وی به علوم عقلی و نقلی و همچنین فقه ، اصول و کلام ، تفسیر و حکمت در مدتی کوتاه ، کار تدریس خصوصی بسیاری از فرزندان خانواده های تفرشی نیز به او واگذار شد. در رمضان سال ۱۳۲۶ قمری ، به واسطه ی اقدامات محمدعلی شاه و دستگیری مشروطه طلبان و حاکم شدن استبداد صغیر ، پسرهای میرزا محمدخان دبیرلشکر (میرزا عیسی خان دبیرلشکر و میرزا موسی خان سناء الدوله) که از مشروطه طلبان تهران بودند ، به ناچار به تفرش برگشته و در این زمان ، سناءالدوله امر آموزش فرزندان خود و یکی از پسران دبیرلشکر را به سحاب که در این هنگام ۲۲ سال داشت ، واگذار می نماید. شخصیت فرهیخته دبیرلشکر و سناءالدوله از یک سو و توانمندی های فوق العاده ی سحاب از طرف دیگر ، سبب شد تا وی زیرنظر سناءالدوله به فراگیری زبان های اروپایی و به ویژه ، زبان فرانسه و نیز آموختن علوم جدید و حساب و جغرافیا و ... همت بگمارد و در مدتی کوتاه چنان پیشرفت کند که خود به معلمی توانا جهت متعلمین خود مبدل گردد. در این زمان ، پس از ورود به مدرسه ی آلیانس فرانسه ، هم زمان با تحصیل نزد مسیو ویژور ، به تدریس در آن نیز مشغول بود. هم زمان ، بر آن می گردد با تشکیل دبستانی در خیابان فرمانفرما ، شغل رسمی خود را معلمی قرار داده و از این راه نسبت به تأمین معاش خود اقدام نماید. اندکی بعد و هم زمان با به پایان رسیدن جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۷ شمسی (۱۹۱۸ م.) به جهت تصمیم دولت مبنی بر خریداری کردن مدارس ملی و تبدیل آنها به مدارس ابتدایی مجانی و متوسطه ی غیرمجانی ، به ناچار از تدریس در ساعات بعدازظهر مدرسه ی سیروس که در این زمان تحت ریاست میرزا محسن خان قریب اداره می شد ، صرف نظر کرده و بر میزان همکاری خود با مدرسه ی آلیانس افزود. طولی نکشید که به واسطه ی حسن اداره کردن کلاس ، مسیو ویژور تدریس در کلاس نهم را نیز از وی خواستار شد. در این هنگام بود که به جهت بازدید نصیرالدوله ، وزیر معارف از مدرسه ی مزبور ، باب مراوده و آشنایی با وی گشوده شد ؛ بعدها به آموزش در مدرسه ی تدین می پردازد و در پی آن به سفارش نصیرالدوله به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سرزمین به آنجا فرستاده شد. پس از بازگشت از سفر نهاوند ، در مدارس آن روز تهران از جمله مدرسه ی شرف ، مدرسه ی ایران ، مدرسه ی سیروس و کمالیه به آموزش دانش آموزان مشغول شد. استاد در فروردین ۱۳۰۶ به جهت تعلیق عبدالله خان مرندی ، به جای ایشان به آموزش در مدرسه ی کمالیه می پردازد. [سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابوالقاسم سحاب، ضمن ادامه ی تدریس در مدارس تهران ، به نگارش مقالات فراوانی برای بسیاری از نشریات آن روز همچون طوفان هفتگی ، تهران ، ستاره جهان ، شفق سرخ ، قانون ، تجدد ایران ، حبل المتین کلکته ، رستاخیز ، عصر گلشن ، تهران ، مجله ی تعلیم و تربیت و مطبوعات دیگر ادامه داد. وی از بهار سال ۱۳۰۵ به جهت عدم همراهی اولیای وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و اختلال در امور آن ، مبادرت به همکاری با مطبوعاتی نظیر : گلشن ، اقدام و شفق کرده و ضمن تهیه ی خبر و ترجمه ی مطالب آنها ، امور معیشتی و زندگی خویش را بدین شکل تأمین می کند. در همین رابطه ، علاوه بر نوشتن مقالات و ترجمه ی خبرهای روزنامه ی ترقی ، از مرداد همان سال با روزنامه های اطلاعات ، فرخی و طوفان نیز همکاری می کند. وی مدیریت داخلی مجله ی علم و تربیت را نیز برعهده داشت. در عین حال ،

به همراهی شیخ عبدالعزیز جواهرالکلامی به جمع آوری و استنساخ مجموعه ای راجب به کتابخانه های ایران اقدام می ورزد. به علاوه ، در ادامه ی بی مساعدتی های وزارت معارف ، جهت گذراندن زندگی در امر کسب وارد می گردد.جوائز و نشانها : ابوالقاسم سحاب، نظر به مراتب لیاقت و کاردانی خود ، در ۲۶ آذر ۱۳۱۹ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۳ از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ، به دریافت دو قطعه نشان علمی درجه ی یک و دو نائل گردید.آثار : استنساخ « نخبه التواریخ » میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی ، تاریخ خجسته ویژگی اثر : این مجموعه ، حاوی اطلاعات پرباری درباره ی شرایط اجتماعی و اقتصادی سال های اول سده ی ۱۴ هجری شمسی و به ویژه ، دهه های اول سلطنت خانواده ی پهلوی است.۳ درباره ی وزارت معارف ایران ویژگی اثر : در این مجموعه ، شرح حال و اقدامات و آثار ۴۳ نفر از وزرای معارف ایران تهیه و ضبط شده که می تواند به عنوان مرجع مناسبی مورد استفاده قرارگیرد.۴ زندگی حضرت امام حسن عسگری (ع) ، زندگی حضرت امام علی النقی (ع) ، زندگی حضرت سیدالشهدا (ع) ، فلسفه و اسرار حج ،مشارکت در تدوین و تنظیم « دیوان دبیر تفرشی »

منابع زندگینامه :روزنامه ی اطلاعات ، ۱۴ اسفند ۱۳۷۹ ، صص ۴-۲

سحرخوان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سحرخوان

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد سحرخوان در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای مذهبی در کاشان به دنیا آمدم بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به خاطر جو مذهبی خانواده و شرکت در جلسات مذهبی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله بشری شدم. دروس مقدمات ج اول و اصول فقه و لمعه را در کاشان نزد اساتید بزرگوار خواندم و در سال ۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۶۰ با خانواده ای محترم از سادات ازدواج کردم که ثمره ازدواج یک پسر و دو دختر می باشد که مشغول تحصیلات حوزوی می باشند همزمان با شروع جنگ در حد توان در جبهه حضور پیدا کردم و بیشترین برنامه تبلیغی اینجانب همکاری با حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه بوده است و مدت یکسال به عنوان مسئول حوزه نمایندگی گچساران مشغول بوده ام از سال ۱۳۷۰ در دوره سوم تخصصی تفسیر شرکت کرده و در سال ۷۴ به پایان رسید و در سال ۷۶ تاکنون با مرکز فرهنگ و معارف قران در گروه دائرة المعارف ها به عنوان محقق و دبیر گروه همکاری می کنم و در سال ۸۲ با مرکز تحقیقاتی اسراء همکاری علمی دارم. دروس فقه و اصول را از اساتید بزرگوار آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله فاضل لنکرانی ، آیت الله تبریزی، آیت الله معرفت و آیت الله سبحانی و آیت الله وحید خراسانی بهره مند شده ام. خداوند انشاء الله به ما توفیق بیشتر عنایت فرماید و اساتید بزرگوار را خیر عنایت فرماید و از ما راضی نگه دارد.

سخنور، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۱، دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه لیل در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

تدریس دروس تخصصی ادبیات انگلیسی در دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات انگلیسی، طرح هنر نمایش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات نمایشی، فنون و صناعات ادبی و نقد ادبی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

نظریه‌پردازی در ترجمه، نقد ادبی، نمایش و تاریخ ادبیات انگلیسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سدهی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و واعظ. او واعظی کامل و کثیر التالیف بود. پس از اعمال حج در مکه وفات یافت و در قبرستان ابوطالب مدفون گردید. از آثارش: «بدایع الاخبار»، در اخلاق؛ «بشاره الابرار فی احوال شیعه الکرار فی دار القرار»؛ «برهان الرساله»، در اثبات نبوت خاصه؛ «حسام الشیعه»، در اثبات امامت امیرالمومنین (ع)، در چهار مجلد هر مجلد هزار بیت؛ «خصائص الایام»، در وقایع ایام سال؛ «دلائل الربوبیه»؛ «لمعات الانوار»؛ «نفائس الاخبار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۳/۲)، الذریعه (۲۳۹/۲۴، ۳۴۴/۱۸، ۲۵۰/۸، ۱۶۶، ۱۲/۷، ۱۱۴، ۹۵، ۶۱ /۳)، ریحانه (۴۵۳ -۴۵۲ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲/۱۴)، علماء معاصرین (۳۶۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۱/۲)، معجم المؤلفین (۱۲۰/۸).

سدهی اصفهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۸ ق)، عالم دینی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ضیائی. معروف به حاج آقا بزرگ. نسبش به محمد دیباج، فرزند امام جعفر صادق (ع) می‌رسد. وی شاگرد سید میرزا محمدهاشم چهار سوقی و آقا نجفی و جمعی دیگر از علما بود. علاوه بر فقه و اصول در حکمت و نجوم و ریاضیات و طب و علوم غریبه تبحر داشت. شعر را نیز نیکو می‌سرود. او امام جمعه‌ی سده اصفهان بود. در سن نود و چهار سالگی درگذشت و در انتهای شبستان مسجد جامع فروشان سده دفن شد. از او آثاری در علوم گوناگون باقی مانده، و در «اخلاق» و «تقلید» و «فقه» و «معاملات» و «طب» و «ختوم و ادعیه» و «مقتل» رساله‌هائی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۳۸ -۴۳۷)، ریحانه (۴۵۴ -۴۵۳ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۴۱/۱۴).

سدهی میردامادی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و روحانی متنفذ، از شاگردان آقا میرزا محمدهاشم و آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی و حاج میرزا بدیع و دیگران بوده، در سده در مسجد ملامحسن امامت می‌نموده، و در رجب ۱۳۴۲ به سن قریب به هفتاد وفات یافته، در مقبره‌ی ملا محسن در محله‌ی شمس‌آباد قریه‌ی خوزان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سراج

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، حجار. از آثار وی: کتیبه‌ی هلال دوم اطراف دیوار مشبک بقعه‌ی پیربکران در اصفهان، به خط ثلث برجسته که در اطراف سنگ «آیة‌الکرسی» و بر جانب غربی آن «صلوات بر دوازده امام» حجاری شده، با رقم: «... فی لیله الثلثا عاشر شهر ربیع‌الاول، ثلث و سبعمائه عمل سراج» (۷۰۳ ق). آرامگاه پیربکران- از زهاد قرن هشتم هجری- مشتمل بر رواق و صحن و سردر و مقبره می‌باشد که این بنا در دوره‌ی الجایتو ایلخان مغولی (۷۱۶ -۷۰۳ ق) بنا شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۸۵۲)، احوال و آثار نقاشان (۲۱۷/۱)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران (۲۰)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۲۶۳).

سراج اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و حکاک. وی در فن حکاکی خاتم بی‌نظیر بود و شعر نیز می‌سرود. او به حسن اخلاق نیز معروف بود. در اصفهان درگذشت. از اوست:

از ضعف به هر جا که نشستم وطن شد

از گریه به هر سو که گذشتم چمن شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۶/۳)، احوال و آثار نقاشان (۲۱۷/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۴ -۱۴۳)، الذریعه (۴۳۶، ۲۶۰ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۴۴)، لغت نامه (ذیل/ سراج حکاک).

سراج، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ رضا معروف بسراج تهرانی از علماء و وعاظ مبرز معاصر تهرانست. وی در حدود سال ۱۳۳۲ ق در تهران متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات و سطوح از اساتید و علماء تهران به قم آمده و سطوح نهائی را از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی و دیگران استفاده و پس از آن مدتی از درس و محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری مستفیض و پس از فوت آن مرحوم مستقیما و منقطعا از خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری بهره‌مند شده و در سال ۱۳۶۲ قمری مراجعت به تهران و در خیابان شهباز ساکن و بناء مسجد سلمان را نموده و چندی در آنجا به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال داشته و بعد تعمیر مسجد سرچشمه را نموده و به آنجا آمده و تاکنون در آنجا مشغول خدمات دینی می‌باشند.

نگارنده گوید: جناب آقای سراج از مصادیق (عالم ناطق مستعمل لعلمه) زمان ما و بیانی نافذ و منبری جامع و مفید و در ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام شدید و در گریانیدن مستمعین بسیار قوی و کم نظیر است. مجالس و محافلی را که اداره می‌کند پر شور و هیجان و انقلابی و کثیر البکاء خواهد بود.

در امر بمعروف و نهی از منکر لسانی صریح و بیانی ملیح دارد. در دوره سال و بالاخص دو ماه محرم و صفر و ایام فاطمیه ایفاء وظیفه نموده و معارف و حقایق دینی را با منطقی مؤثر بیان و تنویر افکار و قلوب می‌نمایند، و بیش از چهل سال است که باین سمت موفق و مفتخر است و صدها کیلوگرم از چشم مردم مسلمان و شیعه اشک در مصائب اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام گرفته است. جزاه اللّه عن اهلبیت نبیه خیرالجزاء.

قال الصادق علیه‌السلام فی دعاء ندبه... فعلی الاطائب من اهل‌بیت محمد و علی صلی اللّه علیهما و آلهما فلیبک الباکون و ایاهم فلیندب النادبون و لمثلهم فلتذرف الدموع الی آخره.

از آثار ایشان ترجمه و تفسیر قرآن مجید است که در تهران به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سراج، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم سراج

محل تولد : فیروز کوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدابراهیم سراج در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه امام صادق(ع) شهرستان دماوند شدم. پس از گذراندن دروس مقدمات در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را گذراندم و در سال ۱۳۷۲ به تحصیل دوره خارج حوزه پرداختم و از دانش حضرات آیات،مکارم شیرازی،وحید خراسانی،فاضل لنکرانی(ره)و برخی اعاظم دیگر بهره‌مند شدم. در کنار تحصیلات حوزوی و تألیف کتب، به تدریس علوم اسلامی در دانشگاه نیز مشغول شده‌ام که به لطف خداوند با ارتباط نیکویی که با دانشجویان برقرار نمودم، توفیق انتقال مفاهیم ناب دینی و رفع شبهات از آنها را یافتم که اکنون نیز این ارتباط تداوم دارد.لازم به ذکر است که در خلال تدریس در دانشگاه، موفق به نگارش مقالات متعددی شده‌ام از جمله: آفاتی که جوانان را تهدید می‌کند،پیامبر اکرم(ص) از دیدگاه اندیشمندان غیرمسلمان،شناخت صهیونیزم،انسان شناسی،استقامت در سیره پیامبر اعظم(ع)،که

مقاله اخیر را برای یکی از همایش‌ها ارسال نموده‌ام که حائز رتبه گردیـد و از مقالات منتخب محسوب شـد.امیدوارم خداوند متعال توفیقات خویش را بر این حقیر و همه ره پویان راه علم و ایمان افزون فرماید.

سرائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمـد سـرائی ابن المرحوم حـاج محمـد رضا از مشاهیر علماء و اعاظم دانشـمندان معاصـر تبریز است. وی در سال ۱۳۲۹ ق در قریه سرای از مضافـات تـبریز در یکی از خانواده‌هـای بـا تقـوا و معنـویت بـدنیا آمـده و بنـابر اقرار والـد ماجـده‌اش در سراسـر دوران شیرخوارگی او را با طهارت و وضو شیر داده و در پرورش وی سـعی بلیغ نموده و در سال ۱۳۴۳ ق برای تحصیل به شهرستان تبریز آمـده و مقـدمات علوم را در محضـر اساتید ارجدار فراگرفته سـپس به قم مشـرف شده و علوم و فنون مختلفه را از مدرسـین بزرگ حوزه علمیهماننـد حضـرت آیه الله العظمی آقای نجفی مرعشـی و آیه الله لنکرانی و مرحوم آقا شـیخ جواد تبریزی فرزند آیه الله آقا میرزا صـادق آقـا و دیگران اسـتفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشـرف کرده و از محاضـر آیات عظام حوزه نجف چون مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا عبدالهادی شـیرازی و آیت الله العظمی حکیم و آیت الله العظمی آقا سید محمود شاهرودی و آیت الله آقا میرزا بـاقر زنجـانی بهره‌منـد شـده تـا به مـدارج عـالیه علم و کمال و اجتهاد ارتقاء یافته و از آیات مـذکوره نائل باخـذ اجازه اجتهاد گردیده پس از آن مراجعت به وطن و بنابر اصـرار بسیاری از مردم متدین تبریز اقامت در دار الایمان تبریز نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویـج دین و تبلیغ احکام و تـدریس علوم پرداخته و بحمـد الله تاکنون موفق به خـدمات مـذکوره می‌باشـد. آثار معظم له از این قرار است:

۱- تربیت مبلغ و طلاب علوم دینیه و تکفـل مخـارج ضـروری عـده‌ای از آنـان که تربیت شـدگان مکتب ایشان از روحانیون فعال و خدمتگزار در نقاط مختلف آذربایجان و غیره می‌باشند.

۲- دو فرزند برومند و فاضل معظم له بنام: ۱- آقا میرزا عبدالرحیم ۲- آقا شیخ اسحق سرائی داماد آیت الله باقری بنابی که در حوزه علمیه قم بتدریس متون فقه و اصول اشتغال دارند.

۳- مسافرت به ممالک مختلف اسـلامی برای تبلیغ و ارشاد بالاخص مکه معظمه که چندین بار رهبری مردم تبریز را داشـته و خالصا تعلیم مناسک حج را نموده‌اند.

۴- بناء منازلی برای علماء و اهل علم که در اثر تبلیغات و فعالیتهای ایشان انجام یافته است.

۵- نجـات بسـیاری از مردم مسـتمند و بینوا در زمـان قحطی که بـامر مرحوم آیه الله العظمی اصـفهانی در شهرسـتان هریس انبار بیت المال تشـکیل داده و حقوق واجبه ثروتمنـدان را از قبیل: زکوه، رد مظالم و غیره در آن جمع و بین بیچارگان و فقراء تقسـیم و بدین وسیله آنان را از خطر مرگ و هلاکت بحول و قوه الهی مصونیت دادند.

۶- بناء و تأسـیس حمام در چندین قریه و آبادی که فاقد حمام بود و مردم نمی‌توانستند وظائف تطهیر خود را انجام دهند و همچنین لوله کشی و اجراء نهر آب در بعضی از آبادیهای اطراف تبریز و سرای.

۷- شهریه بطلاب و محصلین آذربایجانی حوزه علمیه قم که چند سالی موفق باین خدمت بودند.

۸- مبارزه با وهابیها و منحرفین دیگر و مجادله حسنه با آنها که موجب ارشاد و هدایت عده‌ای از آنها شدند.

نگارنده گوید: آن طوری که از دانشـمندان متدین و بی غرض تبریز و غیره شـنیدم آیت الله سرائی دانشمندی خدوم و متقی و پارسا و موصوف بفضـل و کمال و معنویت می‌باشـد و در میان مردم آذربایجان و بالاخص تبریز و محل خود محبوبیت خاصـی دارنـد، از خداوند بزرگ توفیق و عزت این گونه افراد خدمتگزار روحانی حقیقی را مسئلت می‌نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سرباز بروجردی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به سـرباز. اصـلش از خرم‌آباد فیلی بود. به مناسبت آن که در بروجرد تولد و تمکن یافت به بروجردی مشـهور شـد و چون در فوج نظام صاحب منصب بوده، تخلص سـرباز را برای خود برگزیـد. در انواع شـعر دست داشت و دیوانی در مراثی به نام «اسـرار الشـهاده» از او بازمانـده که دو مرتبه در تبریز چاپ شده است، «دیوان» اشـعارش قریب پنج هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۵۴ -۷۵۳ /۱)، الذریعه (۴۶/۲)، ریحانه (۱۰/۳)، سفینه المحمود (۳۷۲/۱)، المآثر و الآثار (۲۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۵/۱)، مصطبه‌ی خراب (۷۷ -۷۶).

سرباز زاده، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد سرباز زاده

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب احمد سرباززاده (اهری) در سال ۱۳۴۸ طلبگی را شروع نمودم . ۱ سال در اهر، ۳ سال در تبریز و از سال ۵۲ به شهر مقدس قم مشرف شدم و در مدرسه حجتیه حجره گرفتم و معمم شدم . از همان تبریز تدریس ادبیات (مقدمات و سیوطی) را شروع کردم و در قم هم توام با تدریس به دروس اساتید سطح ، آقایان: آیت الله اعتمادی ، اشتهاردی و صلواتی و در منظومه، آقایان: احمد بهشتی و محمدی گیلانی و درس خارج آقایان: آیت الله کوکبی و شیخ جواد تبریزی و شیخ کاظم تبریزی و آیت الله سید محمد روحانی و ... مشغول شدم .

همیشه مشغول تدریس همه دروس سطح ولو خصوصی بودم. چند سال درجامعهٔ الزهراء تدریس نمودم و چند سال در مدرسه مرعشیه و مدرسه آیت الله گلپایگانی .

از سال ۶۰ و ۶۱ توام با کارهای قبلی تحقیقات را شروع نمودم . حدود ۶ سال در موسسه دایرهٔ المعارف شیعه ۲۰۰ اثر لغوی و فقهی اصطلاحات فقهی را بین ۳ صفحه ای الی ۱۲ و۱۵ صفحه ای تحقیق نمودم که در اوائل بحوث فقهی کتاب نفیس دائرهٔ المعارف شیعه درج و چاپ می شود .

سرخسی ابوالعباس، احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۸۶ ق)، فیلسوف، حکیم، عالم، ادیب و شاعر. معروف به ابن الفرائقی. از درخشانترین چهره‌های حکمت و از بهترین شاگردان اسحاق کندی، فیلسوف نامدار عرب بود. وی در علوم مختلف فلسفه ریاضیات، نجوم، طب، موسیقی، منطق و کیمیا و جغرافیا و تاریخ، حدیث و شریعت، دارای فرهنگ و آگاهی ژرف بود. سرخسی در اول کار معلم معتضد، شانزدهمین خلیفه‌ی عباسی بود. لیکن، علی رغم این که معلم معتضد و رفیق و مشاور او بود، طولی نکشید که به اتهام الحاد کار به قتل سرخسی انجامید و نیز گفته شده که وی در اثر بی دقتی و سبکسری معتضد کشته شد. در علم نحو و شعر نیز یگانه بود. از احمد برقی روایت کرد و احمد بن اسحاق ملحمی و محمد بن ابی‌هراز از او روایت کرده‌اند. ابن ابی‌اصیبعه متجاوز از ۵۰ کتاب و رساله از او نام می‌برد که از آن جمله است: «ادب النفس»؛ «موسیقی الکبیر»؛ «المدخل فی الطب»؛ «اختصار کتاب باری ارمینیاس»؛ «اختصار کتاب انالوطیقاالاولی»؛ «اختصار کتاب آنالو طیقاالثانیهٔ»؛ «کتاب النفس»؛ «کتاب الاغشاش و صناعهٔ الحسبهٔ الکبیر اللهو» و «لهو و ملاهی»؛ «کتاب فی وصایا فیثاغورس»؛ «کتاب نزههٔ الفکر الساهی»؛ «کتاب السیاسهٔ الصغیر»؛ «کتاب المدخل الی صناعهٔ النجوم»؛ «کتاب المسالک و الممالک»، «النوم و الرویا» و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۷ /۱)، تاریخ بغداد (۱۳۹ /۵)، تاریخ الحکماء قفطی (۱۱۱ -۱۱۰)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۶۴ -۶۰)، سیر النبلاء (۴۴۹، ۴۴۸ /۱۳)، فلاسفه شیعه (۱۵۵ -۱۴۹)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۷۳ -۴۷۲)، کشف الظنون (۱۹۴۷، ۱۶۶۴، ۱۶۱۳، ۱۶۴۲، ۱۴۷۰، ۱۴۶۸، ۱۴۶۷، ۱۴۶۵، ۱۴۵۴، ۴۹)، معجم المؤلفین (۱۵۷ /۲)، الملل و النحل (۳۶۶ -۳۶۵)، الوافی بالوفیات (۸ -۵ /۷)، مجمع الفصحا (۲۱۷ /۱)، معجم الادباء (۱۰۲ - ۹۸ /۳)، لسان المیزان (۱۸۲ -۱۸۹ /۱).

سرخه‌ای، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللَّه آقای حاج شیخ زین‌العابدین بن المرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین سرخه‌ئی از مشاهیر علماء و مجتهدین معاصر تهران است. وی در تاریخ ۱۴ ذی‌الحجه ۱۳۰۷ ق در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم اولیات و ادبیات و سطوح را خدمت مرحوم والد و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ باقر معزالدوله و حجهٔالاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی خوانده و کلام را از مرحوم حاج شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه بهبهانی بهره‌مند گردیده و چندی در مشهد مقدس از درس و بحث آیت‌اللَّه زاده کفائی مرحوم آقا محمد و مرحوم حاج فاضل استفاده نموده آنگاه مجتهدا به نجف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه التقی میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا استفاضه نموده آنگاه به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی علیه‌السلام اقامت و تاکنون بوظائف دینی از اقامه نماز جماعت و

تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

دارای آثار علمی و اجتماعی که ذیلا توضیح می‌دهم می‌باشد.

۱- حاشیه مبوسطی بر کفایهٔالاصول.

۲- حواشی بر شوارق.

۳- احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده یحیی که بکلی ویران و از بین برده بودند و ایشان قیام و مقاومت و اقدامات جدی نموده تا آن را برگردانیده و بهتر از اول تجدید و بناء گنبد و صحن و سرای عالی نمودند که مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس اللَّه سره بمعظم له فرمودند شما با این عمل حق عظیمی بر حضرت رسول و اهلبیت عصمت علیهم‌السلام داری.

۴- تعمیر و توسعه مسجد امامزاده یحیی علیه‌السلام.

(تو ۱۳۰۷ ق)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد پدر خود و سپس نزد حاج شیخ باقر معزالدوله و حاج شیخ مسیح طالقانی خواند و کلام را از آقا شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفت و از محضر آیت‌اللَّه بهبهانی نیز بهره‌مند گردید. چندی در مشهد از درس و بحث آیت‌اللَّه‌زاده آقا محمد کفایی و حاج فاضل استفاده نمود. آنگاه در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و از محضر میرزا محمدتقی شیرازی در کربلا بهره‌ها گرفت. سپس به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده‌ی یحیی است. از آثار علمی‌اش: حاشیه‌ی مبسوطی بر «کفایه الاصول»؛ حواشی بر «شوارق».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۱ -۴۸۰/ ۴).

سردار اسعد،علیقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج علیقلی‌خان بختیاری «سردار اسعد»، در ۱۲۴۷ ه.ق در چهارمحال بختیاری متولد شد. وی پسر سوم حسینقلی‌خان هفت‌لنگ ایلخانی بختیاری است که در سال ۱۲۹۹ ه.ق به دست مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ناصرالدین‌شاه حکمران اصفهان، کشته شد.

علیقلی‌خان دوران کودکی و جوانی را طبق یک خانواده گذرانید و مقدماتی از ادبیات را قرار گرفت و در سواری و تیراندازی سرآمد اقران شد. پس از کشته شدن پدرش، مدتی در زندان ظل‌السلطان به سر برد تا با مساعدت میرزا علی‌اصغر خان اتابک از زندان آزاد و به تهران وارد شد و با رتبه و مقام سرتیپی، فرماندهی عده‌ای از سواران پایتخت به او واگذار گردید. در ۱۳۱۳ مدت چهل روز تا ورود مظفرالدین میرزا به تهران، حفاظت کاخ گلستان به عهده‌ی علیقلی‌خان بود و اتابک ماموریتهای دیگری نیز به او واگذار می‌نمود. پس از کنار رفتن ظل‌السلطان از حکومت اصفهان، سردار اسعد گاهگاهی به بختیاری می‌رفت و امور مربوط به ایل را سرکشی می‌نمود. در ۱۳۲۱ پس از فوت برادرش اسفندیارخان، به او از طرف مظفرالدین شاه لقب سردار اسعدی داده شد. سردار اسعد غالبا از آن تاریخ در اروپا می‌زیست و به مطالعه و مجالست با فضلاء و دانشمندان اشتغال داشت.

در جریان مشروطیت ایران و دوران سلطنت محمدعلی شاه، سردار در اروپا بود ولی در استبداد صغیر به ایران آمد و با دوهزار از سواران بختیاری به اصفهان وارد شد و پس از آنکه اصفهان به تصرف او درآمد، به سمت تهران روانه گردید و پس از چند روزی توقف در قم، به تهران نزدیک شد و با توافقی که قبلا با سپهدار تنکابنی نموده بود، اردوی سپهدار تنکابنی و سردار اسعد در یک روز به هم رسیده و به یکدیگر پیوستند و روز جمعه ۲۷ جمادی‌الاخر ۱۳۲۷ وارد تهران گردیدند. قوای قزاق تاب مقاومت نیاورد و در زدوخورد کوتاهی تسلیم شدند و قوای بختیاری و سپهدار، تهران را فتح نمودند و از این نظر است که به سردار اسعد و سپهدار، در فاتح تهران می‌گویند.

لیاخوف فرمانده قزاق و حاکم نظامی تهران، تسلیم خود را اعلام نمود و محمدعلی شاه در سفارت روس در زرگنده تحصن اختیار کرده، و روز ۲۸ جمادی مجلسی مرکب از علماء و وزراء و اعیان و وکلای سابق و تجار، در بهارستان منعقد گردید. محمدعلی میرزا از سلطنت خلع و احمدمیرزای دوازده‌ساله را به نام سلطان احمدشاه قاجاریه سلطنت اعلام نمودند. در همان جلسه، علیرضاخان عضدالملک به نیابت سلطنت و محمد ولی‌خان سپهدار تنکابنی به وازرت جنگ و حاجی علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری به وزارت داخله انتخاب شدند.

در کابینه‌ای که سردار اسعد وزیر داخله بود، مستوفی و ناصرالملک و صنیع‌الدوله و سردار منصور عضویت داشتند و کابینه بدون سرپرست بود. در دوران این کابینه حوادث مهمی در ایران به وقوع پیوست. تشکیل محکمه‌ی انقلابی و اعدام عده‌ی زیادی از رجال مانند حاج شیخ فضل‌الله نوری و مفاخرالملک در این دوره صورت گرفت.

سردار اسعد برای اینکه به وضع وزارت داخله سر و صورتی بدهد، میرزا احمدخان قوام‌السلطنه را به معاونت خود برگزیده و سازمانی برای آن وزارتخانه به وجود آورد. در تاریخ ۹ مهر ۱۲۸۸ سپهدار تنکابنی به نخست‌وزیری رسید و سردار اسعد همچنان وزیر داخله کابینه بود. در آذر همان سال کابینه‌ی سپهدار ترمیم شد. سردار باز در راس وزارت داخله باقی بود. در ۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۹ در کابینه‌ی سوم و چهارم سپهدار، مرحوم سردار اسعد به وزارت جنگ رسید.

پس از مرگ عضدالملک نایب‌السلطنه، سردار اسعد کاندیدای نیابت سلطنت بود و در مجلس طرفدارانی داشت. لیکن ناصرالملک مورد توجه قرار گرفته و این منصب را احراز نمود. سردار از آن تاریخ مستقیما در کارها وارد نشد ولی در تمام کابینه‌ها نظر سردار ملحوظ می‌گردید و عده‌ی زیادی از سران بختیاری به توصیه‌ی سردار اسعد به مقام وزارت و حکومت رسیدند. در قیام مجدد

محمدعلی شاه و سالارالدوله، سردار اسعد و ایل بختیاری نقش مهمی داشتند. سردار اسعد در سال ۱۳۳۷ درگذشت و با تشریفات نظامی او را در اصفهان به خاک سپردند. پس از فوت او فرزندش جعفرقلی‌خان سردار بهادر لقب سردار اسعد گرفت. سردار اسعد از افرادی بود که اهل علم را تشویق و ترغیب می‌نمود و به هزینه‌ی شخصی خویش، چندین کتاب را ترجمه و چاپ کرد. تحریر تاریخ بختیاری به توصیه‌ی او بوده است.

(حاج) علی‌قلی‌خان از رؤسای معروف بختیاری (و. ۱۲۷۴- ف. تهران ۱۳۳۶ ه.ق.). لقب سردار اسعدی را ابتدا برادر بزرگتر او- یعنی اسفندیار خان- داشت و پس از فوت اسفندیار خان، این لقب بدو داده شد. وی مشروطه خواه و یکی از دو فاتح مشهور تهران در عهد محمدعلی شاه قاجار و مظهر اخلاق نیک بود. پس از فوت او لقب سردار اسعد به پسرش جعفرقلی خان- که ابتدا سردار بهادر لقب داشت داده شد.

(۱۲۹۶ -۱۲۳۶ ش)، مترجم. در اصفهان به دنیا آمد، یکی از روسای معروف بختیاری و یکی از دو فاتح مشهور تهران در عهد محمدعلی‌شاه قاجار بود. مدتی در اصفهان در زندان ظل‌السلطان بود، سپس به کمک میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان از زندان خلاص شد و به تهران آمد، به پاریس رفت و مدتی در آن شهر مقیم بود. سپس به اصفهان رفت و نهایتا به تهران برگشت. در زمان حیات چند بار به نمایندگی مجلس شواری ملی و وزارت رسید. وی در تهران وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان دفن شد. از جمله ترجمه‌های او: «بولینا- غاده الانگلیس»؛ «پل و ورژینی»؛ «تاریخ حمیدی- سلطان عبدالحمید عثمانی»؛ «دختر فرعون»؛ «دیل گابریل»؛ «روکامبول»؛ «شرح حال هانری سوم»؛ «عشاق پاریس»؛ «ماد موازل مارگریت»؛ «هرمس مصری»؛ «سفرنامه‌های برادران شرلی»؛ «ترجمه عهدنامه‌ی حضرت امیر». کتاب «تاریخ بختیاری» از تالیفات اوست.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۱۰۸۴ -۱۰۷۷/ ۵)، تاریخ برگزیدگان (۲۰۰ -۱۹۸)، تذکره القبور (۱۳۲ – ۱۳۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۶ -۲۷۵/ ۱)، شخصیتهای نامی (۱۰۱ -۹۹)، شرح حال رجال (۴۵۱ -۴۴۸/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۴ -۵۷۱/ ۴)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۱ -۹۹).

سرشار تهرانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباد الله سرشار تهرانی

محل تولد : میانه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مذهبی و متدین در سال ۱۳۲۴ شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریانات سال های ۴۱ ، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال ۱۳۵۳ شمسی ـ همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر به ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السید الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، اینجانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تاکنون در شهر مقدس قم ساکن هستم. تاکنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

سرکاراتی، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : بهمن سرکاراتی (۱۳۱۶ ـ تبریز) و دارای دکتری زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی است.وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب واستاد و مدیر گروه رشتهٔ زبان‌های باستانی در دانشگاه تبریز است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

گرایش : زبان‌های باستانی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : – لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز ۱۳۳۹ – دکترای زبان شناسی و زبان های باستانی از دانشگاه تهران ۱۳۴۹

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – مدیر گروه رشتهٔ زبان‌های باستانی ، دانشگاه تبریز – استاد زبان شناسی و ادبیات فارسی دانشگاه های تهران، مشهد و تبریز – عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و زبان فارسی دانشگاه تبریز – محقق برجسته زبان و ادیان باستانی ایران زمین – عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

آثار :

۱ اسطور ?بازگشت جاودانی

ویژگی اثر : ترجمه–۱۳۷۸

۲ اوستا و هنر نو

ویژگی اثر : تالیف

۳ دین ایرانی بر پای ?متن‌های معتبر یونانی

ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۷۷

۴ سایه‌های شکارشده

ویژگی اثر : (شامل ۲۰ مقاله)، ۱۳۷۸

۵ کارنام ?شاهان در روایات سنّتی ایران

ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۵۰ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سرکوهی دارابی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بن شیخ زکریا (نصیرالاسلام) انصاری سرکوهی دارابی از علماء معاصر شیراز است. وی در سرکوه داراب متولد شده و پس از پرورش در خدمت مرحوم والدش که از علماء مجاهد و مبارز گذشته بوده و بدست فرقه ضاله بهائیه شهید گردیده و خواندن مقدمات و ادبیات متون فقه و اصول را از علماء شیراز و غیره به پایان رسانیده تا به مدارج عالیه علم رسیده و به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد وکیل شیراز و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سرور شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، طبیب، ادیب و شاعر، متخلص به سرور. در شیراز متولد شد. پزشکی حاذق بود و در فنون عربی و ادبی استاد. «قانون» شیخ‌الرئیس را درس می‌گفت و شعر را نیکو می‌سرود. کتاب «رشحات الفنون» در ادبیات تالیف او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۱۶)، الذریعه (۴۴۳ –۴۴۲ /۹)، ریحانه (۱۹ –۱۸ /۳).

سرور، مولائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سروری کاشانی، محمد قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۶ ق)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به سروری. وی در اصفهان می‌زیست و در آن شهر با جهانگرد مشهور ایتالیایی پیترو دلاواله دیداری داشته. در سال ۱۰۳۲ ق به هند مسافرت کرد. دربار شاه جهان را درک کرد. سپس به زیارت کعبه رفت و در راه درگذشت. از آثارش «مجمع الفرس»/ «فرهنگ سروری»/ «لغت فرس سروری» است که ابتدا نوشته‌ای ساده و کوتاه بوده که حاجی خلیفه از آن به عنوان «سهل و مختصر» یاد کرده است ولی بعد از تفحص در آثار شاعران قدیم و یاری جستن از شانزده فرهنگ پارسی به سال ۱۰۰۸ ق کتاب خود را به نام شاه عباس تدوین کرد. سروری تحریر سومی از «مجمع الفرس» فراهم کرد و آن را «خلاصه المجمع» نامید و به نام اعتمادالدوله حاتم بیک وزیر شاه عباس پرداخت. از وی اشعاری نیز در دست است.[۱]

محمدقاسم بن (حاج) محمد کاشانی متخلص به سروری نویسنده و شاعر قر. ۱۱ ه. پدرش کفشدوز بود و خود نیز در جوانی در رشه چخشور دوزان اصفهان بود و سپس روی به تحصیل دانش نهاد و به سبب حافظه بسیار قوی و دقت و مهارت در صف اهل فضل درآمد. به قول صاحب عرفات العاشقین حدود سی هزار بیت از اشعار متقدمان و متأخران در حفظ داشت. کتاب لغت فارسی او به نام «مجمع الفرس» معروف است و آن به طبع رسیده (مجمع الفرس.)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۱/۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۴ -۳۸۰ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۸ -۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۹۰/۱)، الذریعه (۳۸ -۳۷ /۲۰، ۴۴۳ /۹)، ریحانه (۱۹/۳)، سرآمدان فرهنگ (۴۵۱/۱)، صبح گلشن (۲۰۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۶ -۲۶۵)، فرهنگ سخنوران (۴۵۰)، فرهنگهای فارسی (۱۳۲ -۱۲۴)، کاروان هند (۵۵۴ – ۵۵۰ /۱)، کشف الظنون (۱۵۵۸)، لغت نامه (ذیل/ سروری)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۴/۴).

سعادت، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل سعادت زبان شناس و مترجم آثار فلسفی در سال ۱۳۰۴ در خوانسار متولد شد. در سال ۱۳۲۲ راهی گلپایگان و سپس عازم تهران شد و در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته زبان فرانسه و انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. سعادت مدرک کارشناسی ارشد زبان شناسی خود را در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه تهران گرفت .سعادت عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال ۷۸ و مدیر دانشنامه زبان و ادب فارسی می باشد. درسال ۱۳۸۶ به عنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشان درجه یک دانش به ایشان اهدا شد. کتاب " در آسمان "ترجمه اسماعیل سعادت ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

والدین و انساب : پدر اسماعیل سعادت احتمالا هنگامی که او در حدود شش سال سن داشت فوت کرده است .

خاطرات کودکی : اسماعیل سعادت به نقل ازدوران کودکی بیان می دارد : یادم می آید که یک روز صبح که به مکتب می رفتم ،در را ه به چند تا از بچه های هم سن و سال خودم برخوردم که بازی می کردند . من بی اختیار در بازی آنها شرکت می کردم و آن قدر از این کار لذت می بردم که کیفم را در سوراخی دردیوار باغی کنار کوچه پنهان می کردم .ظهرکه شد کیفم رابرداشتم و به خانه رفتم . دو سه روزی کارم این بود تا اینکه یکی از بستگان نزدیکم مرا در راه دید . توجه گریز پایی من شد ، مرا به مکتب برد و آهسته درگوش معلم چیزی گفت و پیدا بود که سفارش کرد که تقصیر مر اانادیده بگیرد . به پدرم هم که مرد سختگیری بود چیزی نگفت . ولی همین باعث شد که سال تحصیلی بعد مرا به دبستان دولتی بردند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل سعادت که تحصیلات مکتبی داشت تحصیلات رسمی خودرا از کلاس دوم ابتدایی شروع کرد که دراین زمان هشت ساله بوده است . او در سیزده سالگی دوران ابتدایی را به پایان رسانید و کلاس اول و دوم دبیرستان را درخوانسار مشغول شده و درهر دو سال شاگرد اول شده است لیکن سال سوم دبیرستان در خوانسار دایر نشده واو بلاتکلیف ماند . وی بعدا به اصفهان رفته و در دبیرستان حکیم نظامی ثبت نام کرد و آن سال تحصیلی را دراصفهان گذرانید و سال بعد درگلپایگان دردانشسرای مقدماتی ثبت نام کرده و آنجا نیز شاگرد اول شد . وی سال بعد رابا راهنمایی دکتر مشایخ فریدنی دردانشسرای تهران ثبت نام کرد و در سال تحصیلی۲۴-۱۳۲۳ از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ التحصیل شده و در سال دوم تدریس خود در تهران توانست به دانشگاه برود و دررشته زبان و ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۱ فارغ التحصیل شد . وی سال بعد که رشته زبانشناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دایر شد ، ثبت نام کرده و ادامه تحصیل داد لیکن درسال آخر تحصیلی بورس از طرف یونسکو به او داده شد و او به فرانسه رفت و این وقفه درتحصیل ، ترک تحصیل محسوب شده و او نتوانست تحصیلات خود را به پایان برساند .

خاطرات و وقایع تحصیل : اسماعیل سعادت که در مکتب درس خوانده بود تعریف می کند که در مکتب رسم بود که وقتی شاگردی مثلاـ رخصت می گرفت یعنی از ملاـ اجازه می گرفت که آن روز بچه ها تعطیل باشند .یکی از شیرین ترین روزهای سعادت و دوستانش همین رخصتهابود که به عده شاگردها و به تناسب ارتقای تحصیلی آنها تکرار می شد .

فعالیتهای ضمن تحصیل : اسماعیل سعادت درضمن تحصیل دانشگاهی ، تدریس هم می کرد .او می بایست هجده ساعت در هفته

تدریس می کرد .

استادان و مربیان : آقا شیخ محمد باقر مهدوی در دوران دبیرستان و دبستان معلم فارسی و عربی اسماعیل سعادت بوده است که تشویق هایش در توفیق های تحصیلی اسماعیل خیلی موثر بوده و سعادت همیشه او را به یاد داشته و از وی به نیکی یاد می کند . دکتر بروخیم ،عیسی سپهبدی ،خانم نفیسی .خانم پاکروان و مادام رهاوی نیز استادان سعادت در دوران دانشگاه بودند . آقا شیخ محمد حسن رفیعی یک معلم روحانی بود که اسماعیل سعادت در تعطیلات تابستان پیش او به تحصیل می پرداخت . اسماعیل پیش وی گلستان سعدی و نصاب صبیان را آموخته است .

هم دوره ای ها و همکاران : بیشتر همکلاسی های ابتدایی اسماعیل سعادت ترک تحصیل کردند و دنبال کسب و کار پدرشان رفتند . اصولا در آن زمان تا آنجا این فکر غالب بود که هر پسری پس از یاد گرفتن خواندن و نوشتن و حساب کردن ،باید همان شغل پدرش را دنبال کند . از این الحاظ بزرگتر های اسماعیل نیز اختیار او را داشتند و از قضا آنهامخالف تحصیلات اسماعیل بودند .سعادت در دوران دانشگاه با کسانی چون ابوالحسن نجفی ،هوشنگ اعلم و عبد الله توکل همدوره بوده است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل سعادت زمانی که درسال ۱۳۲۴ از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ التحصیل شد به شغل آموزگاری در تهران مشغول شد و در سال ۱۳۳۱ که تحصیلات دانشگاهی را به پایان رسانید از آموزگاری به دبیری ارتقاء یافت . سعادت دربنگاه ترجمه و نشر کتاب هم فعالیت داشته و ویرایش کتابها را برعهده داشته است .او درموسسه فرانکلین هم فعالیت داشته است . به طور کلی اسماعیل سعادت حدود هفت سال دربنگاه ترجمه و نشر کتاب کارکرد و بعد از آن هم مدتی در اداره مجله راهنمای کتاب با آقای ایرج افشار ، مدیر مجله همکاری داشت . سپس به انتشارات فرانکلین رفته و بعد از آن نیز در مرکز تهیه مواد خواندنی برای نو سوادان به سرپرستی ایرج جهانشاهی مشغول به فعالیت شده است . او عهده دار سر دبیری مجله پیک دانش نیز بوده است و درهمان وقت معاون انتشاراتی مرکز تهیه موا د خواندنی برای نو سوادان بود . سعادت ویراستاری و سر دبیر مجله معارف نیز می باشد که از سوی مرکز نشر دانشگاهی چاپ می شود .وی عضو شورای عالی و ویرایش زبان فارسی صدا و سیما بوده است. او به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در سال۱۳۷۷ انتخاب شده و در آن میان ، مدیریت دانشنامه زبان و ادبیات فارسی به او محول شده است .

فعالیتهای آموزشی : اسماعیل سعادت بیشتر درموردویرایش و ترجمه فعالیت کرده است . نقل می کند ویرایش از جهت فعالیت ذهنی جدا از ترجمه نیست ، مترجم خوب می تواند ویراستار خوبی هم باشد و بالعکس . چون از نظر نوع کار ، چندان تفاوتی با هم ندارند مثلا وقتی که متنی راویرایش می کنند ، آن را جمله به جمله با متن اصلی مقابله می کنند . یعنی هر مرحله متن را که می خوانند اول در ذهن خودتان آن را ترجمه می کنند ،بعد ترجمه ذهنی خود را با ترجمه متر جم مقایسه می کنند و اگر تفاوتی باشد درجمله متر جم تصرف می گردد .

آرا و گرایشهای خاص : اسماعیل سعادت درمورد توجه معتقد است که ترجمه سه رکن اساسی دارد و متر جم باید بر این سه رکن مسلط باشد تا بتواند خوب ترجمه کند ،یکی زبان مبدا است ،دیگری زبان مقصد است و سوم موضوع متنی که باید ترجمه شود . تسلط بر زبان مبدا وموضوع زودتر و آسان تر حاصل می شود تاتسلط برزبان مقصد . در تر جمه متون ادبی و به طور کلی متون مربوط به علوم انسانی ،مترجم باید با روح زبان مادری خود خوب آشنا باشد و شم زبانی کافی داشته باشد و متون ادبی زبان مادری خودرا بسیار خوانده باشد تا بتواند دقایق متن زبان مبدا را که دریافته است به زبان مادری خود منتقل کند . دردانستن زبان مبدا فهم زبان و آگاهی از دقایق آن لازم است ام در برگرداندن این دقایق به زبان مادری ،علاوه بر آن ،خلاقیت هنری هم لازم است یعنی ذهن باید بیشتر از فعالیتی که برای ادراک چیزی لازم است فعالیت کند وبه جولان در بیاید تا بتواند چیزی را که در عالم خارج نیست هست کند . آن هم به گونه ای که اهل زبان مقصد بتوانند معنی متن رابه همان خوبی که اهل زبان مبدا می فهمند ،بفهمند . اسماعیل سعادت به ترجمه آثار کلاسیک فلسفی مانند آثار ارسطو علاقه خاصی دارد چون او آن آثار ر ابا فلسفه اسلامی مرتبط می داند و مقصد است که فلاسفه اسلامی درتفکر است فلسفی شان به آثار آنها نظر داشته اند .

جوائز و نشانها : - برنده جایزه بهترین ترجمه به خاطر ترجمه کتاب « میکل آنژ» در سال ۱۳۳۴ و در همان سال مجله سخن که بنیانگذارش پرویز خانلری بود، جایزه ممتاز خود را به این کتاب اهدا کرد. - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۴به خاطر کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۸ به خاطر کتاب در کون و فساد ارسطو - دریافت نشان درجه یک دانش بعنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی درسال ۱۳۸۷ - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره نوزدهم کتاب سال به خاطر ترجمه کتاب " در آسمان "

چگونگی عرضه آثار : چاپ و انتشار جلد دوم دانشنامه زبان و ادب فارسی، عضویت پیوسته در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فعالیت در پروژه فرهنگ آثار اسلامی از جمله برنامه‌های اسماعیل سعادت است. - ترجمه و تالیف و ویرایش مقالات مجله های پیک در سالهای خدمت در مرکز انتشارات آموزش - ترجمه و تالیف مقالات در مجله سخن ، راهنمای کتاب، اموزش وپرورش، نشر دانش و معارف ---

---

آثار :

۱ ترجم ?ایزابل

ویژگی اثر : از آندره ژید

۲ ترجم ?زندگی میکل آنژ

ویژگی اثر : ترجمه،تالیف :رومن رولان

۳ ترجمه آثار میکل آنژ

ویژگی اثر : این کتاب تالیف رومن رولان است واولین ترجمه اسماعیل سعادت می باشد که در سال ۱۳۳۴ به چاپ رسید . این

کتاب برنده جایزه ادبی مجله سخن که بنیانگذار آن پرویز خانلری بود شد ه و بهترین ترجمه سال ۱۳۳۴ شناخته شده است .

۴ ترجمه ابوسلیمان سجستانی منطقی او مانیست بزرگ قرن چهارم هجری

ویژگی اثر : این مقاله توسط عبد الرحمان بدوی تهیه و تدوین یافته است

۵ ترجمه اخلاق

ویژگی اثر : این کتاب تالیف جرج ادوارد مور است

۶ ترجمه از وجوه و نظائر مقاتل بن سلیمان و حکیم ترمذی تا تفسیر امام صادق (ع)

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۷ ترجمه از وولف تا کانت

ویژگی اثر : بخش اول از جلد ششم تاریخ فلسفه کاپلستون، سروش ۱۳۷۲

۸ ترجمه اسپینوزا

ویژگی اثر : این کتاب تالیف راجر سکروتن است ض

۹ ترجمه انرژی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف آیزا ک آسیمون است

۱۰ ترجمه ایزابل

ویژگی اثر : آندره ژید

۱۱ ترجمه بخشی از سیر فلسفه در جها ن اسلام

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ماجد فخری است

۱۲ ترجمه بکر زدایی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله سخن به چاپ رسیده است

۱۳ ترجمه پل نویا

ویژگی اثر : این مقاله تالیف دانیل ژیماره است

۱۴ ترجمه تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کاپلستون است و بخش اول از جلد ششم توسط اسماعیل سعادت ترجمه شده است .

۱۵ ترجمه تاریخ و فلسفه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف بریه است و شامل هفت جلد می باشد که جلد های اول و دوم و چهارم آن توسط اسماعیل سعادت تر جمه شده است .

۱۶ ترجمه تفسیر قرآنی و پیدایش زبان عرفانی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۱۷ ترجمه تفسیر قرآنی وزبان عرفانی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف پل نویا است

۱۸ ترجمه تلخکامیهای سوفی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کنتس دوسگور می باشد .

۱۹ ترجمه خیمه شب بازی درهند

ویژگی اثر : این مقاله درمجله سخن به چاپ رسیده است

۲۰ ترجمه در کون وفساد

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ارسطواست

۲۱ ترجمه درآسمان

ویژگی اثر : این کتـاب تـالیف ارسـطو می باشـد .این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیـده شـد. آشـنایی با کتاب : «در آسـمان» در آسـمان/ ارسـطو؛ ترجمه اسـماعیل سـعادت.- تهران: هرمس، ۱۳۷۹ . بیست و یـک، ۳۰۶ ص: مصور. واژه¬نـامه. کتابنـامه: ص [۲۹۹]- ۳۰۶. ترجمه امّهات متون فلسـفی یکی از نیازهای فرهنگی ماست. به دلیل تأثیری که فلسف ?ارسـطو در تکوین فلسف ?اسـلامی داشـته، ترجم? آثار ارسـطو برای اهل فلسف ?ما بسـیار ضـروری است. در آسـمان، به رغم اسـتطرادهای اجتناب ناپذیر، یکی از منظم ترین، روشن ترین و سامـان یـافته ترین رسـاله هـای مجموع ?ارسـطویی است. این رسـاله، که درمورد ویژگیهـای اجسام جهان تحت قمر و دیگر انواع تغییرات آنهـا، با اطلاعات دقیقتر در کون و فساد و کائنات جوّ، و در بخش کیهان شـناختی خود، با کتاب لامبـدای متافیزیک، کامل می شود، تصویر تمام نمایی از جهان جسـمانی به دست می دهـد. موضوع این رساله بررسـی حرکت انتقالی (حرکت مکانی) در اطلاـق آن بر موجوداتی است که کـلّ جهان هستی را تشـکیل می دهـد و مشـیِ کلّی رساله تمایز اساسـی میانِ «جهان فوق قمر» شامل فلک ثوابت و افلاک سـیارات مختلف، از یک سو، و «جهان تحت قمر» از سوی دیگر است که از زمین ما تا منطق ?بلافاصله واقـع در زیر قمر امتـداد می یابـد. مـترجم محـترم، این رسـاله را از روی دو ترجم ?فرانسـوی (ژ. تریکو و پـل مورو) و یـک ترجم? انگلیسـی (ج. ل. اسـتاکز) و با توجه به ترجم ?عربی آن (عبـدالرحمن بـدوی) به فارسـی برگردانده است. البته در ترجم ?فارسـی از ترجم ?فرانسوی تریکو پیروی کرده، ولی در مواردی که ترجم ?تریکو را روشن نیافته از دو ترجم ?دیگر فرانسوی و انگلیسی یاری گرفتـه و ترجمه ای امین و قابـل اعتمـاد فراهم سـاخته است. از امتیـازات این ترجمه، یادداشـتهای آخر کتـاب است که مـترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامهای آن برپای ?ترجمه های فرانسوی و انگلیسی این رساله ترتیب داده است. مترجم در عین تقید

به شیوایی و رسایی، دقت را فدای سادگی بیان نکرده و اگر گاهی تعقیدی در این ترجمه دیده می شود، به دلیل پیچیدگی متن اصلی و بیان ارسطو است. از دیگر ویژگیهای ترجم ?حاضر این است که اصطلاحات کتاب همان اصطلاحاتی است که در فلسف? اسلامی به کار رفته و مترجم معادلهای انگلیسی و فرانسوی غالب اصطلاحات را هم در پانوشت ذکر کرده است. در متنی چنین سنگین، رعایت نقطه گذاری درست یک اصل اساسی است، که مترجم این اصل را بسیار خوب رعایت کرده است. دو واژه نام? کتاب («فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی به فارسی» و «فارسی به فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی») بر فاید ?ترجمه افزوده است

۲۲ ترجمه درسایه آفتاب

ویژگی اثر : نشر دریانورد ، ۱۳۸۰

۲۳ ترجمه رسالت کتابخانه

ویژگی اثر : این مقاله تالیف آندره موروامی باشد

۲۴ ترجمه رساله اسما الله فخررازی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژرژ قنواتی است

۲۵ ترجمه رساله دراصلاح فاهمه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف اسپینوزا می باشد .

۲۶ ترجمه رساله کتاب الصفات ابوسعید خراز

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۲۷ ترجمه زندگی ارسطو

ویژگی اثر : این مقاله توسط دیوگنس لائریتوس تالیف یافته است

۲۸ ترجمه زندگی ارسطو درآثار تذکره نویسان سریانی و عرب

ویژگی اثر : این مقاله تالیف هرمان کروست است

۲۹ ترجمه زندگی افلوطین و ترتیب و توالی رساله هایش

ویژگی اثر : این مقاله تلیف فرفوریوس است

۳۰ ترجمه زندگی و آثار تا گور

ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب به چاپ رسیده است

۳۱ ترجمه ژان غرغرو، ژان خنده رو

ویژگی اثر : کنتس دوسگور، هرمس ۱۳۸۱

۳۲ ترجمه ساختار و واژگان تجربه عرفانی

ویژگی اثر : این مقاله ترجمه پل نویا است

۳۳ ترجمه سرود نیبلو نگن

ویژگی اثر : این کتاب حماسه قوم ژرمن است

۳۴ ترجمه سیری دررساله های ابوسعید خراز

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۳۵ ترجمه شیر و جادوگر

ویژگی اثر : این کتاب تلیف سی . اس لویس می باشد

۳۶ ترجمه ظهور کرامیه درخراسان

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ادموند بوزورث است

۳۷ ترجمه عصر بدگمانی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ناتالی ساروت است ض

۳۸ ترجمه فلسفه ابو سلیمان سجستانی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف فهمی جدعان است

۳۹ ترجمه فن ترجمه انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلام

ویژگی اثر : این مقاله تالیف عبدالرحمان بدوی است

۴۰ ترجمه کشفیات نوین در روان پزشکی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کلیفورد آلن می باشد .

۴۱ ترجمه کودکان وحشی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژرژبلون است

۴۲ ترجمه گرولوس ،نخستین کتاب ارسطو

ویژگی اثر : این مقاله تالیف هرمان کروست میباشد

۴۳ ترجمه گفت و گو درباره مرگ

ویژگی اثر : این مقاله تالیف لودویک اسکنازی است

۴۴ ترجمه گوشه ای از داستان سفرهای فیلسوفان یونانی به ایران

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ماریا دزیسکا است

۴۵ ترجمه ماجرای دریفوس

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژان بلوک میشل بوده وشامل یادداشتهای روژه مارتن دوکارمی باشد

۴۶ ترجمه مرگ الیویه بکی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف امیل زولا می باشد و در مجله سخن چاپ شده است

۴۷ ترجمه مسئله اختیار در تفکر فلسفی و پاسخ معتزله به آن

ویژگی اثر : این کتاب درباره آراء معتزله درباره مساله اختیار است درتقابل با آراء مذاهب کلامی دیگر

۴۸ ترجمه مونتنی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف پیتربوک است

۴۹ ترجمه میکروبها

ویژگی اثر : این کتاب تالیف آیزاک آسیموف است

۵۰ ترجمه نظریه مثل ومسئله معرفت در فلسفه اسلامی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ابراهیم مدکور است

۵۱ ترجمه نهضت ترجمه در جهان اسلام

ویژگی اثر : این مقاله نگارش ابراهیم مدکوراست

۵۲ ترجمه وویرایش فرهنگ آثار

ویژگی اثر : این کتاب درپنج جلد می باشد

۵۳ دانشنامه زبان و ادب فارسی

ویژگی اثر : انتشارات زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴

۵۴ رای بعد از مای نکره

ویژگی اثر : این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است

۵۵ زبان فارسی،ممیز ذیروح ازغیر روح

ویژگی اثر : این مقاله درفصلنامه نشردانش به چاپ رسیده است

۵۶ کدام عذرا؟

ویژگی اثر : این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است

۵۷ یادی از حجه الاسلام غزالی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله معارف به چاپ رسیده است

۵۸ یادی از فخرالدین رازی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله معارف به چاپ رسیده است --

منابع :

iterature_verse/c۵c۱۱۸۳۲۹۲۵۴۳_esmaeel_saadat_p۱.php۲http://www.ketabnews.com/detail-
۷۱۲۵-fa-۰.html۳www.ketabesal.ir۴کیمیای سعادت ، گفتگو با اسماعیل سعادت ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،سال
چهارم ، شماره هفتم ،اردیبهشت ۱۳۸۰ ، پیاپی ۴۳ ، ص ۴

سعادت، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فضل‌اللّه بن مرحوم التقی الزکی آقا اسماعیل بن العالم الجلیل ملا- عبدالصانع بن ملا- محمدباقر گیلانی رشتی. از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۲۹۴ شمسی در رشت متولد شده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در آنجا از آیت‌اللّه حاج سید حسن بحرالعلوم و دیگران خوانده و در سال ۱۳۵۲ قمری مهاجرت به قم نموده و مکاسب و کفایه را در خدمت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی به پایان رسانیده و هم از مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌اللّه حاج سید احمد زنجانی استفاده کرده.

سپس در درس خارج آیت‌اللّه العظمی حجت و حاج سید محمدتقی خوانساری و بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت نموده و پس از چند سال به امر آن مرحوم به رشت آمده و در صالح‌آباد رشت نزدیک سبزه‌میدان به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و مسجد و مدرسه آنجا را تعمیر و آباد نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به جهت پاره‌ای از مصالح رحل اقامت به تهران افکنده و تاکنون در مسجد محله (حمام گلشن) که قبلا مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد لواسانی بودند به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای سعادت که داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم حجتی گیلانی دانشمندی وارسته و مانند اسمش موصوف به فضل و تقوا دارای اثر نفیسی در موضوع حج می‌باشند که هنوز بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سعادت، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد علی بن السید الاجل الحاج سید محمد هاشم بن العالم الجلیل عبدالهادی بن العالم العلام السید محمد بن السید هاشم بن السید ابوالحسن بن السید هاشم بن العلامه الفقیه المجتهد السید عبدالله بلاد بحرینی مشهور بسعادت از فضلاء کرام و علماء اعلام شهرستان بهبهان و اصدقاء این نگارنده است و ولادتش در بهبهان واقع شده و در خاندانی اصیل و نجیب و شریف تربیت یافته والدش گرچه تاجر و در کسوه روحانیت و از اخیار بهبهان بشمار میرود.

آقای سعادت بعد از فراغت از دروس جدید بتحصیل علوم قدیمه پرداخته و مدت ده سال در مدرسه عالی سپهسالار و مدارس تهران مقدمات و ادبیات و سطوح را خوانده آنگاه بنجف اشرف مشرف و ده سال هم در حوزه هزار ساله نجف از محضر آیات عظام و بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مدظله کسب فیض و استفاده فقه و اصول نموده آنگاه بایران مراجعت و چند سالی است در وطن مألوف و مسقط الرأس خود بهبهان باقامه جماعت و ترویجات دینی و وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.

دو هجرت بزرگ از بهبهان و آثار آن

جناب مترجم ما آقای سعادت برای نگارنده نقل کردند که دو نفر دانشمند بزرگوار برای خدا از بهبهان مهاجرت کردند و بریاست دنیوی و دینی رسیده‌اند.

اول- علامه کبیر آیه‌الله وحید فی‌العالمین آقا محمد باقر وحید بهبهانی و جریان هجرتش از این قرار است که این بزرگوار در مسجد خود نماز میخواندند و عالم دیگری که از جهت معلومات رتبه شاگردی او را هم نداشتند در محله‌ی دیگر نماز میخواندند جماعت او بسیار بودند پس کدخدای محل آقا باقر میرود و مردم آن محل و محله‌های دیگر را بزور و تهدید و غیره میآورد بطوریکه مسجد پر شده و مردم در خارج مسجد میایستند و چون آقای آقا باقر میآید و آن مردم را میبیند تعجب میکند که چطور این مردم اجتماع نموده‌اند، پس کد خدا نزدیک آمده و ابراز میکند که آقا این مردم را من جمع کرده‌ام که نماز شما پر جمعیت‌تر از نماز فلان آقا باشد، آقای آقا باقر ناراحت شده ولی چیزی نمیگوید، نماز مغرب را خوانده و ببهانه تجدید وضو بمنزل آمده و میگوید من رفتم کربلا و نماز عشا را در بقعه بشیر و نذیر که در یکفرسخی بهبهانست میخواند و با زحمت فراوان خود را بکربلا رسانیده و در اثر این مجاهده با نفس کم کم کارش بجائی میرسد که وحید علی‌الاطلاق گردیده و مرجع کل فی‌الکل میگردد.

دوم- آیه‌الله العظمی حاج سید اسماعیل موسوی بهبهانی که در مسجدی نماز خوانده و در مقابلش آیه‌الله حاج سید محمد صالح طباطبائی در مسجد دیگر و همواره میان مریدان وی و مریدان آقا نزاع و اختلاف بوده تا جائیکه شبی مریدان آن آقا بروی مریدان وی آب گل و خاک پاشیده و آنها را توهین و اذیت میکنند.

مردم خدمت آقا سید اسمعیل رسیده جریان را گفته و اجازه میخواهند که متقابلا آنها را مورد حمله قرار دهند پس آقا سه روز مهلت میخواهد و در این سه روز تمام اموال خود را جمع کرده و مردم را دعوت میکنند آقا قصد حمله بآنها دارد وقتی حاضر میشوند میفرمایند بهبهان یک شهر کوچکی است و برای آن یک عالم مانند آیه‌الله آقا میر محمد صالح کافی است و من در اینجا وجودم بیهوده است، من بنجف خواهم رفت و هرچه مردم اصرار کردند نپذیرفت بنجف رفته و در درس شیخناالانصاری شرکت کرده و مورد توجه آن بزرگوار میشود تا وقتیکه ناصرالدین شاه مشرف شده از جناب شیخ عالم و مجتهدی برای تهران میخواهد شیخ انصاری ایشان را معرفی کرده و شاه ایشان را بتهران آورده و یکی از علماء و مراجع بزرگ تهران شده و بیت بهبهانی را در تهران تشکیل میدهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعید تهرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۷ ق.، تهران.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۷۴، قم.

حضرت آیت‌الله شیخ حسن سعید تهرانی، فرزند آیت‌الله میرزا عبدالله چهل ستونی تهرانی و نوه آیت‌الله العظمی حاج میرزا مسیح تهرانی (از مراجع دوران قاجار که در واقعه قتل گریبادوف مرجع و پناه مردم به حساب می‌آمد) بود. ایشان علوم مقدماتی را در حوزه‌های علمیه قم و تهران تحت تربیت و نظارت پدرشان فراگرفت.

سپس در بیست و پنج سالگی به دانشگاه رفت و لیسانس معقول و منقول گرفت و سپس در سال ۱۳۷۰ ق. به نجف اشرف رفت و در دورس آیات عظام حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله خویی به خصوص آیت‌الله شیخ حسین حلی شرکت جست و تقریرات دروس فقه و اصول آنها را نگاشت (چندین مجلد تقریرات دروس آیت‌الله حلی به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۸۵ ق. به تهران آمد و ضمن امامت جماعت مسجد جامع چهل ستون تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم، به

خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتاب‌های دینی چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی، تأسیس بنای کتابخانه و مدرسه چهل ستون و گنجینه قرآن کریم پرداخت. این کتابخانه بـا بیش از چهل هزار نسخه‌های خطی و چاپی یکی از مهمترین کتابخانه‌های مساجد تهران می‌باشد.

آیت‌الله سعید برای تبلیغ اسلام و تشیع کوشش فراوان کرد و دهها کتاب به زبان‌های مختلف برای بیان اندیشه‌های تشیع و عقاید شیعی و ولایت به کشورهای مختلف فرستاد. از وی در طول عمر خویش دهها کتاب به زبان فارسی و عربی باقی مانده است. مهمرتین آثار ایشان عبارتند از: اسلام از دیدگاه قرآن و عترت؛ اصول دین (آبان ۱۳۳۳)؛ افکار پریشان یا مقالات سعید (۱۳۲۶)؛ تقریرات علامه حلی؛ ترجمه نورالابرار من حکم انیرالمؤمنین علی (ع) (۱۴۱۲ ق.)؛ حسین (ع) ازدیدگاه وحی (۱۳۹۶ ق.)؛ حکومت از دیدگاه قرآن و عترت (۱۳۹۹ ق.)؛ حیات یابی (ترجمه احیاءالمیت به فضایل اهل‌بیت، ۱۳۶۷)، خدا و رمضان (۱۳۹۱ ق.)؛ خدا و ولی الامر (۱۳۹۲ ق.)؛ خدا و مهدی (۱۳۹۴ ق.)؛ دایرۀالمعارف قرآن (۱۲ مجلد، به فارسی و عربی) سیره رسول‌الله (ص) سنت الهی است (۱۴۰۶ ق.)، غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت (۱۳۶۱)؛ فاطمه زهرا (س)؛ دژ شکست ناپذیر وحی در طول زمان (۱۳۶۱)؛ ما با خدا کار داریم (۱۴۰۶ ق.)؛ مکتب امام حسن (ع) (۱۴۰۲ ق.)؛ مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع (۱۴۱۲ ق.)؛ مسئولیت (۱۴۰۹ ق.)؛ مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب (۱۴۰۴ ق.)؛ نگهبان مکتب توحید (کتابنامه مکتب مهدی عج) (۱۴۱۵ ق.)؛ نگهبان مکتب ما (۱۴۱۰ ق.)؛ نموداری از حکومت علی (ع) (۱۴۰۳ ق.)؛ ولایت فقیه ره‌آورد غدیر (۱۳۹۹ ق.).

آثار عربی وی به این شرح است: الفقه تشریعه و تنبیه و استنباطه (۱۳۸۰ ق.)؛ الرسول یحدثنا (۱۳۹۴ ق.) الرسول یدعوکم (۱۳۹۸ ق.)؛ الرسول الشیعه (۱۳۹۸ ق.)؛ دلیل عروالوثقی (تقریرات بحث‌های آیت‌الله شیخ حسین حلی، دو جلد: جلد اول ۱۳۷۹ ق. جلد دوم ۱۳۸۲ ق.)؛ شیعتنا (۱۴۰۲ ق.)؛ موسوعـۀ المکاسب (تألیف شیخ مرتضی النصاری، تقریر شیخ حسن حلی، کاتب تقریر شیخ حسن سعید، چهار جلد با تفریظ).

آیت‌الله سعید سرانجام در بیست و یکم دی ۱۳۷۴ (نوزدهم شعبان ۱۴۱۶ ق.) در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در شهر قم در مقبره‌ی شیخان (ره) به خاک سپرده شد.

حاج حسن آقا سعید بن العالم الجلیل آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبداللّٰه مسیح تهرانی از افاضل علماء معاصر تهرانست.

تولدش در تهران واقع شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد مدرسین آنجا بپایان رسانیده آنگاه از محضر آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و بالاخص آیت‌اللّٰه حلی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و تقریرات استاد حلی را در شرح عروه بنام مدارک العروه برشته تحریر و طبع درآورده و به تهران مراجعت و در مسجد جامعه بجای والد خود به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تدریس پرداخته است. از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه مسجد جامعه و نشریه‌های آن است.

(۱۴۱۶ -۱۳۳۸ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. او از فرزندزادگان میرزا مسیح تهرانی است. در تهران به دنیا آمد. پس از خواند دروس کلاسیک و مقدمات و ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به محضر آیت‌اللّٰه حیکم و آیت‌اللّٰه خویی راه یافت. او به ویژه از آیت‌اللّٰه حلی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علم و کمال رسید. آنگاه به تهران بازگشت و در مسجد جامع تهران به ترویج دین و تدریس پرداخت. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثار ایشان تاسیس کتابخانه مسجد چهلستون جامع تهران در ۱۳۸۰ ق و نیز گنجینه‌ی قرآن حاوی نسخ گوناگون کهن و جدید قرآن در همان جا. این کتابخانه هم‌اکنون با بیش از چهل هزار جلد کتاب یکی از ذخایر گران‌بهای کتب اسلامی است. از دیگر اقدامات وی انتشارات وسیع و گسترده به صورت نشریات متعدد به زبانهای مختلف برای کشورهای شرق و غرب جهان بود. از آثار علمی وی: «الرسول یحدثنا»؛ «الرسول یدعوکم»؛ «الرسول و الشیعه»؛ «شیعتنا»؛ «الفقه فی تشریعه و تبیینه و استنباطه» «دلیل العروه الوثقی»، تقریرات بحثهای استادش آیت‌اللّٰه حلی؛ نشریه «دائرۀالمعارف قرآن کریم»؛ «اسلام از دیدگاه قرآن و عترت»؛ «اصول دین»؛ «حسین از دیدگاه وحی»؛ «خدا و اولوالامر»؛ «فاطمه الزهرا (ع)»؛ «نموداری از حکومت علی (ع)»؛ «مهدی (ع) راهگشاری عالم غیبت».[1]

حاج شیخ حسن فرزند عالم ربانی حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبداللّٰه سعید تهرانی (معروف به جهل ستونی) ابن آیت‌اللّٰه حاج میرزا مسیح که ترجمه‌اش اجمالا در جلد چهارم ص ۴۸۳ گذشت معظم‌له در سال ۱۳۳۷ قمری در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم در تهران مقدمات را خوانده وسپس در قم به تحصیل سطوح عالیه پرداخته و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام حوزه علمیه نجف مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و شاهرودی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّٰه خوئی استفاده نموده و با مدارک عالیه علمی به زادگاه خود تهران مراجعت و در مسجد جامع به خدمات دینی و وظائف روحی و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و نشر معارف اسلامی و قضاء حوائج محتاجین حتی‌المقدور پرداخته و تا این تاریخ ۱۳۹۹ قمری به فعالیت اشتغال و سرپرستی عده‌ای از طلاب تهران را به عهده دارند و کتابخانه مسجد جامع که از تاسیسات معظم‌له است یکی از مجامع علمی تهران و پایگاه‌های خدمات اسلامی است آثار گرانقدری دارند که به آن اشاره می‌شود.

۱- دلیل‌العروه دو جلد مطبوع.

۲- شرح مکاسب سه جلد.

۳- اصول دین.

۴- افکار پریشان.

۵- همه در انتظار اوبند چاپ شده.

نویسنده گوید: آیت‌اللّٰه سعید تهرانی دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و بیانی شیوا می‌باشد در منزلش طبق سنت نیاکانش همه ساله از اول محرم تا سوم عاشورا مجلس تبلیغ و سوگواری منقد و گویندگان فاضل و دانشمند و آگاه در پیرامون معارف اسلامی و مکتب خاندان رسالت ایراد سخن نموده و طبقات مختلف و بالاخص علماء تهران که همه روزه شرکت می‌کنند زیب بخش مجلس ایشانند.

خدمات و فعالیتهای آقای سعید بسیار و این مختصر ظرفیت شرح آن را ندارد ادام اللَّه توفیقه همه ساله در ایام موالید ائمه معصوم علیهم‌السلام مخصوص حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام و حضرت سیدالشهداء و حضرت بقیه‌اللَّه عجل اللَّه فرجه جزوه‌هائی آموزنده به دان مناسبت طبع و نشر می‌نمایند جزاه‌اللَّه عنهم خیرالجزاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار حضرت آیت‌اللَّه سعید (ره)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۳/ ۴).

سعید تهرانی، عبداللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۰۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در تهران به دنیا آمد. مدتی در تهران نزد علمای دین چون شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح تهرانی و میرزا هاشم شفتی و حاج آقا بزرگ و حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تحصیل علوم دینی کرد. در ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌اللَّه نایینی و آیهٔ‌اللَّه شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید احمد کربلایی استفاده نمود. در ۱۳۳۳ ق به تهران مراجعت و بعد از فوت پدرش چند سالی مسجد جامع تهران را امامت می‌کرد. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و از آیت‌اللَّه حائری و آیت‌اللَّه کبیر بهره‌ها گرفت. در ۱۳۵۶ ق به تهران بازگشت و به تدریس و انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی: حاشیه بر «مکاسب»؛ هفت رساله در «مبداء و معاد» و جمع «کتاب و سنت و عقل تفسیر»؛ رساله‌ای در «مشتق»؛ «سنن النبی (ص)».[۱]

آیت‌اللَّه مرحوم حاج میرزا عبداللَّه ابن آیت‌اللَّه حاج میرزا مسیح مشهور بحاج میرزا بزرگ ایلچی کش از طراز اول علماء معاصر تهران بوده است در سال ۱۳۰۵ ق در تهران متولد شده و نزد علماء تهران چون مرحوم آقای شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح طالقانی و میرزا هاشم شفتی و آقای حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تلمذ نموده و در سال ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه معظمه به نجف در آن سامان رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه شریعت و آیت‌اللَّه آقا ضیاء عراقی و عالم ربانی حاج سید احمد کربلائی و غیر هم استفاده نموده و در سال ۱۳۳۳ ق مراجعت به تهران و پس از فوت مرحوم والدش (در سال ۱۳۳۴ ق) چند سالی امامت مسجد جامع تهران را نموده تا سال ۱۳۴۲ ق که آیات بزرگ و مراجع عالیقدر شیعه از عراق تبعید به ایران شدند وی باستقبال آنان شتافته و در خدمت آنان به قم آمده و بافاضه و استفاضه از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر پرداخته تا سال ۱۳۵۶ ق پس از فوت آیت‌اللَّه حایری به تهران مراجعت نموده و تا سال ۱۳۹۱ قمری به اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر دینی و اجتماعی اشتغال داشته تا در ذی‌الحجه سال مزبور در سن ۸۶ سالگی وفات نموده و جنازه‌اش حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه موسوی بعنوان امانت بخاک سپرده شد تا در شرایط مناسب و رفع موانع به نجف منتقل گردد. از آثار ایشان است:

۱- حاشیه بر مکاسب ۲- هفت رساله در مبدء و معاد و جمع کتاب و سنه و عقل و تفسیر ۳- اصول فلسفه ۴- رساله‌ای در مشتق ۵- سنن النبی (ص) ۶- متفرقات دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۵۸/۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۹ -۲۰۸)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۵۳/۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴/ ۴۸۲- ۴۸۳).

سعیدای گیلانی، محمد سعید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، حکاک، خطاط و شاعر. معروف به سعیدا و بی‌بدل خان. او از خاندان بازرگانان و متمکن بود. در فن نقاشی و طراحی، طلا و نقره و جواهرشناسی عدیل نداشت. شعر و بخصوص ماده‌ی تاریخ را بسیار خوب می‌گفت. سعیدا در زمان جهانگیر پادشاه به هند رفت و به داروغگی زرگرخانه‌ی شاهی منصوب شد و در عهد شاه جهان نیز همان خدمت را بر عهده داشت و بی‌بدل خان ممتاز شد. تخت مرصع شاهجهانی معروف به تخت طاووس در مدت هفت سال به سرپرستی وی ساخته شده است. زندگیش تا سال ۱۰۴۷ ق، که ماده‌ی تاریخ بنای مسجدی را در قطعه شعری آورده است، معلوم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۴۶ -۷۴۵ /۳)، احوال و آثار نقاشان (۸۲۵ -۸۲۴ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۷)، الذریعه (۴۵۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۵۸ -۴۵۷)، کاروان هند (۵۶۰ -۵۵۸ /۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۵۵).

سعیدی زاده، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول سعیدی زاده

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

شیخ رسول سعیدی زاده فرزند طاهر از محققان و پژوهشگران مقیم مشهد در غروب آخرین روز خرداد سال ۱۳۴۴ هـش مصادف با سالروز تولد خاتم پیغمبران در یکی از محلات قدیمی شهر رشت به نام پلکو (جنب کوچه مهدیه فعلی) متولد گردید.

پدر و مادرش هر دو اهل رشت و اجدادش از حومه آنجا بودند. پدر او یک کارگر ساده و مادرش زنی زحمت کش بود، که در میانسالی به خاطر تحمل کار و سختی زیاد از حد زندگی جان بر کف نهاد و دار فانی را وداع گفت. سعیدی زاده متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر و نیز جانباز انقلاب اسلامی می باشد.

او تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در زادگاهش خواند و سپس درسال ۱۳۶۲ هـش، برای فراگیری دروس حوزوی وارد مدرسه علمیه جامع رشت شد. پس از طی دروس مقدماتی درسال ۱۳۶۶ هـ. ش، به مشهد مهاجرت و در آنجا سطح و بعد خارج فقه و اصول را به مدت شش سال متوالی خواند. هم زمان دروس مقدمات حوزوی را در مدرسه آیت الله خوئی تدریس نمود. در کنار درس های حوزه به تحصیلات دانشگاهی تمایل یافت و توانست درسال ۱۳۷۲ هـ. ش، در رشته کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش، در رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد فارغ التحصیل شود. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد او «خاندان های معروف سادات با تکیه بر خاندان علمی» است.

از جمله اساتیدی که حق بزرگی در تربیت او دارند می توان به آیات عظام شیخ محمد ازدی لاکانی، سید مجتبی رودباری، سید علی اکبر بنی هاشمی، سید حسن مرتضوی شاهرودی، سید جواد فقیه سبزواری و استاد رضا زاده نام برد.وی مسافرت هایی به کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و عربستان انجام داده که حاصل آن چند سفرنامه مکتوب است.

سعیدی زاده در کنگره های داخلی چندی از جمله مشارکت در شیراز، مسکن در اصفهان، دومین و نیز سومین کنگره دیدگاه های اسلام در پزشکی در مشهد، میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا (س) در مشهد، بزرگداشت علامه سید عبدالحسین شرف الدین در قم، بزرگداشت عالمان فرزانه نهاوندی در نهاوند همدان و بزرگداشت حکیم متاله سید جلال الدین آشتیانی در مشهد و غیره شرکت نمود.

سعیدی کازرونی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالوهاب سعیدی کازرونی متولد ۱۲۴۹ و متوفی ۱۳۲۴ شمسی فرزند سید حسن از شعراء و ادباء این سامانست رساله منظومی بنام (هادی السبیل) دارد که طبع شده.

(۱۳۲۴ -۱۲۴۶ ش)، ادیب و شاعر، متخلص به سعیدی. وی در کازرون متولد شد. علوم ادبی فارسی و عربی را آموخت و در قصیده و غزل مهارت داشت و بیشتر علاقه به سرودن هزل داشت. و مدتی در بوشهر زیست. از آثار وی: «هادی السبیل»؛ «دیوان» شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶۷ -۱۶۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶/ ۴).

سعیدی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷ -۱۲۷۵/۱۲۷۴ ش)، عالم، محقق، مترجم و نویسنده. وی در قریه‌ی نوزاد از توابع بیرجند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه‌ی نوزاد گذراند سپس با خانواده‌اش به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی شوکتیه‌ی این شهر به فراگیری علوم ریاضی، طبیعی، هیئت و نجوم و همچنین زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی به خدمت در بانک مشغول گردید. ابتدا در مدرسه‌ی شوکتیه به تدریس پرداخت و سپس به تهران آمد و با همکاری دکتر سید جعفر شهیدی مجله‌ی «فروغ علم» را منتشر ساخت. پس از ایجاد دولت پاکستان، بارها به آن مملکت سفر کرد و با آراء و اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری آشنا شد و زبان اردو را آموخت وی در تهران وفات یافت. از سعیدی در حدود شصت اثر در زمینه‌های تالیف و ترجمه بر جای مانده که از آن جمله‌اند: «عمار یاسر»؛ «عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن»؛ «اقبال شناسی»، ترجمه؛ «فرد و اجتماع»؛ «برنامه‌های انقلاب اسلامی»؛ «اول اخلاق مابعد تمدن آنها»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۷، ص ۱۲ -۳ و س ۵، ش ۹، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۴ -۷۰۲ /۴)، نشر دانش (س ۹، ش ۱، ص ۱۰۳).

سعیدی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد کاظم بن المرحوم حجهالاسلام آشیخ غلامحسین بن‌العلام آخوند ملا محمد فرشه‌ای از علماء اعلام معاصر آمل است که در این شهرستان بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۰۹ شمسی هجری در قریه فرشه بالا ولایت کاشمر خراسان متولد شده و مقداری از ادبیات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و سطوح را در کاشمر فرا گرفته و بمشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین بزرگ مشهد استفاده نموده و در سال ۱۳۴۱ شمسی بنابر دعوت و تقاضای عده‌ای از مؤمنین آمل مهاجرت باین شهر نموده و رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات روحی و دینی اشتغال دارد. آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان از این قرار است:

۱- تشکیل کتابخانه مجهز در محیط مسجد جامع. ۲- اداره حوزه علمیه آمل. ۳- تشکیل انجمن درس قرآن که تاکنون شصت شعبه در شهر و حومه آن دارد و در تمام شعبات هفته دو شب تشکیل جلسه داده و برنامه‌های مذهبی را از درس تفسیر و مسائل احکام و اعتقادات اجراء مینمایند. ۴- تأسیس دو دستگاه پایگاه تبلیغات معارف جعفری بنام سالن انجمن درس قرآن شهرستان آمل شماره ۱ و شماره ۲.

اما تألیفات ایشان: ۱- رساله‌ای در عدم تحریف قرآن که ناظر کتاب فصل الخطاب حاجی نوری رحمه‌الله است. ۲- رساله‌ای در اعجاز عموما و در اعجاز قرآن خصوصا. ۳- کتابی بنام خطریکه اسلام را تهدید میکند که در آن کتاب از نیرنگهای کلیسا و استعمار پرده برداشته شده و خطراتی که از طرف اقلیت‌های مذهبی متوجه اسلام است شرح گردیده است. ۴- ترجمه کتاب المحاسن والمساوی ابراهیم بن محمد بیهقی بنام خوبیها و بدیها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعیدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۲۶۸، تهران.

درگذشت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱.

محمد سعیدی، فرزند محمدعلی، تحصلات مقدماتی را در مدرسه‌ی تربیت و سپس زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمه را نزد استادان فن آموخت. نخستین مقاله‌های او در روزنامه‌ی «شفق سرخ» چاپ شد. در مجله‌های «آینده» و «مهر» و غیره مقاله می‌نوشت. مدت سه سال مجله «راه نو» را انتشار داد و مدتی نیز بر انتشار مجله «ایران آباد» نظارت داشته است. به سمتهای سناتوری، کفالت وزارت راه، معاونت نخست وزیر و سرپرستی انتشارات و رادیو رسید. علاوه بر مقاله‌های وی در مطبوعات، آثاری را ترجمه کرده است. از جمله ترجمه‌های او است: آخرین روز یک محکوم (ویکتور هوگو، ۱۳۰۶)؛ اخلاق روحی (ساموئل اسمایلز، ۱۳۰۸)؛ انسان در تکاپوی تمدن (اوین پالو، ۱۳۳۵، این کتاب به این نام نیز منتشر شده است: تاریخ جهان یا انسان در تکاپوی تمدن)؛ ایفی ژنی (گوته)؛ بادبزن خانم و بندر مرسالومه؛ اهمیت ارنست بودن (اسکار وایلد، ۱۳۳۶)؛ تاریخ عرب (فیلیپ حتی، ۱۳۳۶)؛ جنگ‌های ایران و روم (پروکوپیوس، ۱۳۱۱)؛ چهار نمایشنامه- الکترا؛ زنان تراخیس؛ فیلوکتتس؛ آژاکس- (سوفوکل، ۱۳۳۵)؛ خطابه‌ی ویکتور هوگو بر سر قبر ولتر (۱۳۳۳)؛ خلیج فارس از قدیمی‌ترین ازمنه تا قرن بیستم میلادی (سرهنگ سرآرنولد ویلسون، ۱۳۱۰)؛ راز آفرینش انسان (ا. گریسی موریس، ۱۳۳۴)؛ زیر درختان زیرفون (آلفونس کار، ۱۳۳۵)؛ سه نمایشنامه- اودیپوس شاه، اودیپوس در کولولوس، آنتی‌گون (سوفوکل، ۱۳۳۴)؛ فروید، شرح حال (استفان تسوایک، ترجمه به نام مستعار)؛ کریستف کلمب (ساموئل الیوت وریس، ۱۳۳۸)؛ لردکرزن (۱۳۲۲)؛ ماکدولین یا در سایه‌ی درختان زیرفون (ترجمه از عربی متن آلفونس کار، ۱۳۰۶)؛ مقالات اجتماعی (آرتور بریزیان، ۱۳۲۲)؛ هلن، هیپولیت، ارنست، ایون (اوریپید، ۱۳۳۸)؛ سالومه و هلن؛ و آثار دیگری از تری‌پید و افلاطون. از جمله تألیفات وی می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: امیر کبیر (۱۳۳۵)؛ خاطرات سفر آمریکا (۱۳۳۶).

وی به دریافت نشان همایون و چندین نشان دیگر نایل آمده است.

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تهران متولد شد. زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمی را در نزد استادان فن آموخت. نویسندگی را با نخستین مقالات در روزنامه‌ی «شفق سرخ» شروع کرد. و با آن که به کار سیاست می‌پرداخت اما از مطالعه و تحقیق غافل نبود. از جمله مشاغل سیاسی وی معاونت وزارت راه و سرپرستی اداره‌ی تبلیغات و معاونت نخست‌وزیری بود. وی چند سالی نیز مدیریت مجله «راه نو» را داشت. از آثار وی، ترجمه‌ها: «آخرین روز یک محکوم»؛ «اخلاق روحی»؛ «تاریخ عرب»؛ «امیر کبیر»؛ «راز آفرینش انسان»؛ «مقالات اجتماعی».[۱]

در ۱۲۸۰ در تهران تولـد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در مدرسه‌ی ادب وارد کالج آمریکائی‌ها شد و دوره‌ی آنجا را به اتمام رسانیـد. سپس به مـدرسه‌ی سن‌لوئی رفت و دوره‌ی آنجا را نیز پایان داد. خـدمات اداری خود را از وزارت فوائد عامه شـروع کرد و سرانجام در وزارت راه به مقامـات بلنـد رسیـد. مـدتی معـاون وزارت راه و زمانی سرپرست آن وزارتخانه بود. مـدتی نیز نه چنـدان طولانی ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات و معاونت نخست‌وزیری را در نخست‌وزیری سپهبد زاهـدی عهـده‌دار گردید. در سال ۱۳۴۲ به سناتوری تهران رسید و مجموعا سه دوره‌ی چهارساله در مجلس اعیان عضویت داشت. در ۱۳۵۴ به مجلس سنا راه پیـدا نکرد و به معاونت شـریف امامی در بنیاد پهلوی منصوب شـد. سـعیدی نویسـنده‌ای محقق و مترجمی دقیق و پرکار و نکته‌سـنج بود. آثار زیادی از او چاپ و انتشار یافته است. از جمله کتابهای خلیج‌فارس، جنگهای ایران و روم، تاریخ عرب، سفرنامه‌ی آمریکا و بالاخره شعله‌های نبوغ را می‌توان نام برد که با قلمی شیوا و روان ترجمه شده است. وی مدتی مجله‌ی راه نو را انتشار می‌داد که از مجلات معتبر و خوانـدنی زمـان خود بود. از نوجوانی در زمینه‌های ادبی و تاریخی با مطبوعات همکار داشت. در ۱۳۶۵ در آمریکا درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۰۴-۵۰۰/ ۵).

سعیدی، نیره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۹۹ ش)، نویسـنده، مترجم و شاعر. وی در تهران متولـد شـد. تحصیلات ابتدایی و متوسـطه را در مدرسه‌ی ژاندارک به پایـان رسانـد، سـپس از دانشسـرای عـالی تهران در رشـته‌ی ادبیات فرانسه و فارسـی موفق به اخـذ لیسانس گردیـد. به منظور ادامه‌ی تحصـیلات به پاریس رفت و بعد از چند سال به ایران بازگشت. وی به مدت دو سال مجله‌ی «بانو» را به مدیریت خود در تهران نشر داد که نخستین نشـریه‌ی اختصاصـی بانوان محسوب می‌شود. او دو دوره به نماینـدگی مردم تهران در مجلس شورای ملی برگزیـده شد. و از اعضای موسـس شورای عالی جمعیت زنان بوده است. مقالات و اشـعار او در نشـریات کشور به چاپ رسیده است. وی در تهران وفـات یـافت. از آثار او است: ترجمه‌ای از آثار لافونتن به نام «قصه‌های لافونتن» (برنـده‌ی جایز یونسـکو)؛ ترجمه‌ی «شـطرنج باز»؛ ترجمه‌ی «کازانوا» و مجموعه‌ی شعر به نام «ترانه‌ی من».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :زنان روزنامه‌نگار و اندیشـمندان ایران (۱۵۰ -۱۴۶)، زنان سـخنور (۳۶۸ -۳۶۰ /۳)، کارنامه‌ی زنان مشـهور ایران (۲۳۱ -۲۳۰)، مجموعه‌ی گلها (۴۱۶ -۴۱۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۱ -۶۷۰ /۶).

سکاکی خوارزمی، سراج‌الدین، ابویعقوب یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۲۶ -۵۵۵/۵۵۴ ق)، ادیب، نحوی. مشـهور به سـکاکی و موصوف به علامه. محـل تولـد وی خوارزم بود. حنفی معـتزلی بود و از ادبای بزرگ عهد سـلطان محمد خوارزمشاه و معاصـر ابن‌حاجب. در نحو، صرف، منطق، کلام، بیان، شعر، عروض و معانی و قوافی توانا بود. می‌گوینـد در بدایت حال شـغل آهنگری داشـته و در سـی سالگی به فراگیری علم روی آورده و در علوم غریبه نیز دست داشـته است. وی در خوارزم درگـذشت. قبر او در کنـار آب تیکه می‌باشـد.از جمله آثـار او: «مفتاح العلوم»، که دوازده علم از علوم عرب را در آن آورده است و شروح بسیاری بر آن نوشته شده است؛ رساله‌ای در «علم مناظره».[۱]

سراج‌الـدین ابویعقوب یوسف خوارزمی، از ادبـای معروف عربیت قرن شـشم و هفتم (و. ۵۵۵- ف. ۶۲۶ ه.ق.) مؤلف کتاب «مفتاح العلوم» (ه. م.) وی در انواع علوم مخصوصا علوم ادبی و بالاخص علوم بلاغی متبحر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۹۴/۹)، تاریـخ ادبیات در ایران (۲۹۳ -۲۹۲ /۳)، حبیب السیر (۸۱ -۸۰ /۳)، روضات الجنات (۲۰۲ -۲۰۰ /۸)، ریحانه (۴۴ -۴۲ /۳)، سـرآمدان فرهنگ (۴۶۸/۱)، کشف الظنون (۱۷۶۳ -۱۷۶۲)، الکنی و الالقـاب (۳۱۶/۲)، لغت نامه (ذیـل/ ابویعقـوب)، معجـم الادبـا (۵۹ -۵۸ /۲۰)، معجـم المـؤلفین (۲۸۲/۱۳)، هـدیه الاحبـاب (۱۵۰)، هـدیه العـارفین (۵۵۳/۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۴۸/۳).

سلاجقه، پروین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پروین سلاجقه در سال ۱۳۴۰ در شـهر بافت از توابع کرمان به دنیا آمد .ایشان دارای دکتری رشـته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد اسـلامی واحد علوم و تحقیقات (در سال ۱۳۸۰) می باشد.نامبرده هم‌اکنون عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

است و به عنوان استادیار با دانشگاه‌های دیگر همکاری دارد.وی از دوران دبستان ادبیات را دوست داشت و در دوران دانشجویی هم تالیفات و ترجمه های داشته است. کتاب «از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)» تالیف پروین سلاجقه، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

خاطرات کودکی : پروین سلاجقه تا سن ۱۳ سالگی در بافت از توابع کرمان زندگی کرد. پس از آن به کرمان رفت و تا ۱۸ سالگی در آن شهر ماند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین سلاجقه دوره ابتدایی و راهنمایی را در شهر بافت گذراند و دوره دبیرستان را در مدارس بهمن یار و دانشسرای مقدماتی دختران طی کرد. در سال ۱۳۶۵ در مقطع کارشناسی در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد و در سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ دوره کارشناسی ارشد را در همان رشته در دانشگاه آزاد اسلامی گذراند وی در سال ۱۳۷۶، بعد از ورود به دانشگاه علوم تحقیقات در مقطع دکتری. در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ مدرک در رشته ادبیات فارسی شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : پروین سلاجقه از دوران تحصیل خود چنین می گوید:هنر و ادبیات را از دوره دبستان دوست داشتم. در دبیرستان در زمینه ادبیات بسیار فعال بودم و سرودن شعرهای اولیه خود را از آن دوره شروع کردم. تالیفاتم از دوره‌ای که دانشجوی دکتری بودم شروع شد.

استادان و مربیان : پروین سلاجقه از آقای توحیدی –یکی از دبیران در کرمان –به عنوان فردی تاثیر گذار در زندگی علمی خود یاد می کند.

همسر و فرزندان : پروین سلاجقه متاهل است.

وقایع میانسالی : پروین سلاجقه همزمان با کار بر روی پایان نامه دکتری اش، فعالیت‌های جدی‌تری را همچون نوشتن مقالات متعدد در جراید و مجلات و فصل‌نامه‌های تخصصی را شروع کرد.وی در باره چنین می گوید "فعالیت‌هایم در زمینه نقد و نظریه ادبی در نقد شعر و رمان و در زمینه ادبیات کودک ادامه پیدا کرد. سپس مجموعه نقدی به نام «نقد شعر معاصر» را انجام دادم که اولین شماره این مجموعه با عنوان «امیرزاده کاشی‌ها» –که نقد شعر احمد شاملو بود– به چاپ رسید. همزمان با چاپ این کتاب، در نخستین جایزه نقد ادبی ایران و منتقد برتر ایران، از طرف خانه نقد ایران و بنیاد هنرمندان و نویسندگان، در زمینه نقد شعر معاصر و کهن جایزه دریافت کردم. سپس کتابی از من به نام «از این باغ شرقی» به چاپ رسید که حاصل تلاش‌های زیاد من در چند سال گذشته بوده است".

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پروین سلاجقه هم‌اکنون عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز است و به عنوان استادیار با دانشگاه‌های دیگر همکاری دارد و به عنوان راهنما و مشاور در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد فعالیت می‌کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پروین سلاجقه در کنار فعالیت های خود به شعر، رمان، دانش نقد ادبی کلاسیک و مدرن علاقه‌مند است.

جوائز و نشانها : کتاب «از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)» تالیف پروین سلاجقه، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. ---

آثار :

۱ از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)

ویژگی اثر : تالیف پروین سلاجقه– تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۸۵. ۶۰۸ صفحه .این کتاب در سال ۱۳۸۶ ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است

۲ بنفشه کوچولو

ویژگی اثر : تالیف،کتابی فانتزی است.

۳ درآمدی بر زیبایی شناسی شعر

ویژگی اثر : تالیف–این کتاب در دانشگاه تدریس می شود.

۴ شماره از نقد شعر معاصر (شعر فروغ فرخزاد)

ویژگی اثر : در دست چاپ

۵ صدای خط خوردن مشق

ویژگی اثر : تالیف

۶ فرهنگ تحلیلی متیف، نشانه و نماد در شعر سبک هندی

ویژگی اثر : آماده چاپ

۷ کتاب دیگری با عنوان «دنیای قشنگ پوپو» که فانتزی است و تعداد زیادی مقاله.

ویژگی اثر : در دست چاپ

۸ مجموعه مقالات در زمینه نقد شعر

ویژگی اثر : در دست چاپ

۹ مجموعه نقد شعر

ویژگی اثر : آماده چاپ

۱۰ مجموعه نقد مقالات رمان

ویژگی اثر : در دست چاپ ---

منابع :

۱http://www.ibna.ir/vdcjo۸ev.uqemtzsffu.html

سلامی بیهقی نیشابوری، ابوعلی حسین احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۰ ق)، مورخ. وی از مردم‌خوار بیهق بود و از ملازمان و کاتبان ابوبکر محمـد بن مظفر بن محتاج و فرزندانش بود یگانه اثر وی کتابی است به نام: «التاریخ فی اخبار ولات خراسان».[۱]

ابوعلی حسین بن احمد بن محمد بیقهی نیشابوری از بزرگان قر.۴ ه. مولد و منشأ او خوار بیهق بود. وی در سلک ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد ابن مظفر بن محتاج و پسرانش بود و او را تصانیف بسیار است از جمله کتاب «التاریخ فی اخبار ولاهٔ خراسان».

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] سرآمدان فرهنگ (۴۶۸/۱)، لغت نامه (ذیل/ سلامی).

سلطان المتکلمین، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۵۳ ق)، عالم دینی، رجالی و واعظ. مدتها در تهران و مشهد به وعظ و خطابه می‌پرداخت. از وعاظ مشروطه طلب بود، و همه‌ی طبقات از منبرش سود می‌جستند. وی دارای تالیفات چندی است. از جمله آثارش: «زبده المآثر»، در شرح حال برادرش حاج ملا باقر واعظ تهرانی و ذکر تالیفات او؛ منظومه‌ی «تریخ ام‌المصائب سیدتنا زینب بنت امیرالمومنین (ع)»، به فارسی، در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اساس السیاسه فی تاسیس الریاسه»، در ابتـدا عهـدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر شـرح داده شـده و سـپس سایر اخلاق و آداب ریـاست بیان شـده؛ «بشارات الامه»، در موالیـد ائمه (ع)، که در ابتـدای آن اصول عقایـد مفصلا بیان شـده؛ «ترجمه موسی المبرقع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۳۲/۱۲، ۱۶۶/۴، ۲۶۳، ۱۱۲ /۳، ۷/۲)، شـرح حال رجال (۱۹۸/۵)، ریحانه (۶۲ -۶۱ /۳)، علماء معاصرین (۳۶۸ -۳۶۷)، معجم المؤلفین (۵۸/۹).

سلطان الواعظین شیرازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۱۴ ق)، عـالم دینی، متکلم، نویسـنده و واعظ. در تهران به دنیا آمـد. مقـدمات را در مـدرسه پامنار تهران فراگرفت و در ۱۳۲۶ ق همراه پدرش به عراق رفت و مدت دو سال در کربلا توقف کرد و سـطوح متوسطه را نزد فاضل مرندی و شهرستانی خواند و در خـدمت پـدر به کرمانشـاه رفت و به تبلیغ شـریعت پرداخت. او برای تکمیـل علم و دانش و انجـام وظـائف و افاضه و استفاضـه مسافرتهائی به عراق، سوریه، فلسطین، اردن، مصـر و هندوسـتان نمود و با بسـیاری از دانشـمندان یهودی و مسـیحی و علمای هنـد و همچنین با قادیانیها و بهائی‌ها مناظرات ینی و مـذهبی کرد که مهمترین آنها دو مناظره‌ی بزرگ وی، در ۱۳۴۵ ق، یکی با برهمائیان در حضور قائد بزرگ هند، گاندی، در دهلی، و دیگری با دو عالم بزرگ سـنت و جماعت حافظ محمد رسید و شیخ عبدالسلام در مدت ده شب و هر شب هشت ساعت، در شـهر پیشاور پنجاب بود. جریان مناظره‌های وی در تمام جراید آن زمان هند درج گردید. سلطان الواعظین در تهران درگـذشت و در قم دفن شـد. از آثارش: «شـبهای پیشاور»، در یک هزار و پنجاه صـفحه، گزارش مجلس مناظره‌اش در پیشاور؛ «صد مقاله سلطانی»، در بر یهود و نصارا؛ «گروه رستگاران یا فرقه‌ی ناجیه»، در دو مجلد.[۱]

معروف به سـلطان الواعظین شیرازی طاب الله ثراه عالمی کامل و واعظی عامل از جمله ستارگان درخشنده و مشعلهای فروزان حوزه علمیه قم است

وی فرزنـد ارجمنـد مرحوم حاج سـید علی‌اکبر (اشـرف الواعظین) معروف به اکبر شاه می‌باشـد در ماه ذی‌القعـده الحرام سال ۱۳۱۴ قمری در تهران متولـد شـده و در حجر والـد ماجـد تربیت کامل یافته و مقـدمات اولیه را در مـدرسه پامنار تهران خوانـده و در سال ۱۳۲۶ قمری با والـد مبرورش مشـرف با عتاب عالیات شده و مدت دو سال در کربلا توقف و تحصـیلات سـطوح متوسـطه را در نزد مرحوم فاضـل مرنـدی و شهرسـتانی خـاتمه داده و در خـدمت پـدر به کرمانشـاه مراجعت و به وظائف تبلیغاتی از طریق منبر مشـغول گردیده و برای تکمیل علم و کمال و انجام وظائف و افاضه و اسـتفاضه مسافرتهای بسیاری به بلاد اسلامی عراق و سوریه و فلسطین و اردن و مصر و هندوستان نموده و با طوائف بسیاری از یهود و نصاری و هنود و منحرفین از دین از قبیل بهائیها و قادیانیها مناظرات

دینی و مذهبی نموده که اهم آنها دو مناظره بزرگ در سال ۱۳۴۵ قمری در هندوستان بوده است.

۱- در دهلی (پایتخت امروز هندوستان) با دانشمندان و براهمه بت‌پرستان هند در حضور زعیم و قائد هند (گاندی) معروف که به اثبات حقانیت دین مقدس اسلام و خاتمیت پیغمبر عظیم‌الشان مسلمین خاتمه پذیرفت که در تمام جرائد آن زمان درج گردیده است.

۲- مجلس مناظره بزرگی با حضور دویست نفر تقریبا از رجال و بزرگان فریقین (شیعه و سنی) در شهر پیشاور پنجاب هند (پاکستان امروز) با دو عالم بزرگ از هشت ساعت انجام داده شد که مخبرین چهار روزنامه و مجله بزرگ گفتگوی طرفین را نوشته و در جرائد و مجلات خود نشر می‌دادند که در پایان شب دهم شش نفر از اکابر بازرگانان و اصناف و ملاکین و اشراف پیشاور فی المجلس مذهب حقه جعفریه را اختیار نمودند و همان مناظرات که در مجلات و روزنامه‌های پاکستان چاپ شده با تجدید نظری به امر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به صورت کتابی بزرگ به نام شبهای پیشاور به طبع رسیده است.

مرحوم سلطان الواعظین که با این نگارنده صداقت تام و محبت زیادی داشت و گاه گاهی موفق به زیارتش می‌شدم وی را عالمی بلندهمت و منیع‌الطبع و کریم‌النفس می‌دیدم حدود ده سال در اثر کسالت قلبی از منبر ممنوع و به کلی خانه‌نشین و قادر بر حرکت نبود ولی باز در همین بازنشستگی از راه تالیف خدمات ارزنده نمود و آثار مفیده‌ی گذاشت که ذیلا می‌نگارم.

۱- کتاب شبهای پیشاور در یکهزار و پنجاه صفحه که تاکنون بیش از بیست مرتبه به طبع رسیده و موجب استبصار هزاران نفر سنی ایران و افغان و پاکستان و غیره شده است.

۲- صد مقاله سلطانی رد بر یهود و نصاری مکرر به طبع رسیده است.

۳- گروه رستگاران جلد اول در بیش از پانصد صفحه.

۴- گروه رستگاران جلد دوم در بیش از پانصد صفحه.

مرحوم سلطان‌الواعظین در ماه شعبان سال ۱۳۹۱ ق در تهران وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و با تشییع آبرومندی که از طرف آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله از آن جناب شد در مقبره ابوحسین مدفون گردید حشره الله مع اجداده الطاهرین و رزقنا الله شفاعته یوم الدین.

پس از فوتش جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حایری تهرانی مرحوم ثقه‌الاسلام حاج سید جواد سه‌دهی را که از منبریهای برجسته تهران بودند در خواب می‌بیند که در باغ بسیار بزرگی با وضع بسیار خوشی است می گوید آقای سه‌دهی چطوری می گوید بسیار خوبم و از وقتی که آقای سلطان‌الواعظین آمده است به هر کدام از ما یکدرجه داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۵۴ -۱۵۰ /۲)، الذریعه (۲۰۶/۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۷ -۳۷۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۷ -۵۰۶ /۵).

سلطان محمدی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل سلطان محمدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل سلطان محمدی پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی درمقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم و با فرا گرفتن دروس مقدماتی ، دروس سطح را در نزد استادان معظم آقایان : وجدانی فخر ، اعتمادی ، قدیری ، بنی فضل ، صالحی مازندرانی و استادی به پایان بردم و در سال ۱۳۶۹ به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم و اکنون بیش از پانزده سال است که در درس خارج فقه حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نموده و از محضر علمی ایشان استفاده می نمایم هم چنین در سال ۱۳۶۸ در موسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) در دوره کارشناسی علوم سیاسی پذیرفته شدم . پس از گذراندن این دوره در سال ۱۳۷۳ با مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی دفتر تبلیغات ، در حوزه تحقیق و پژوهش ابتدا در واحد اطلاع رسانی (نمایه سازی مجلات کتب و روزنامه ها) و سپس در پژوهشکده اندیشه سیاسی وابسته به این مرکز در گروه فقه سیاسی با گرایش فقه سیاسی ، تاریخ اندیشه عالمان شیعی ، احادیث و روایات اهل بیت (ع) به همکاری و فعالیت های تحقیقی و پژوهشی پرداختم که این همکاری در قالب پروژه های تحقیقی تا کنون ادامه یافته است .

محصول دوازده سال تلاش علمی اینجانب چهار کتاب و تعدادی مقاله بوده که در موضوعات گوناگون به نگارش درآمده و غالب آنها به چاپ رسیده است و برخی در دست تحقیق است .

سلطان‌العلماء بستکی، عبدالرحمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۹۳ ق)، ادیب، مفتی و شاعر و. در قصبه‌ی بستک (از بخش‌های شهرستان لار) متولد شد. علوم متداول را از اساتید آن دیار آموخت و به منظور تکمیل معلومات خود به بندر لنگه و از آن جا به بصره رفت و از بصره به حجاز و در آنجا فقه و اصول را آموخت، آنگاه به مصر رفت و سپس به سوریه و مراکش و تونس و ترکیه و هندوستان مسافرت کرد و در علوم ادبی و دینی و فلسفه و اصول و منطق و معانی و بیان و فلسفه‌ی یونانی تبحر یافت. وی در سرون اشعار فارسی و عربی توانا بود. پس از این سفر و سیاحت طولانی به بستک برگشت و مدرسه‌ای تاسیس کرد و به تدریس مشغول شد و از جانب ناصرالدین‌شاه ملقب به سلطان‌العلماء شد. او اجبارا از بستک به بندر لنگه رفت و مدت چهل سال در آنجا به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت و سرانجام در همان شهر وفات یافت.از تالیفات او است: «الفوایـد الصمدیه»، به عربی و در نحو؛ «بدیعیه»، به عربی در بدیع؛ «رحبیه»؛ «سلطان الرسائل»؛ «شرح قطر» به عربی؛ «ظهور الحقایق»؛ «کشاف الحقایق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۷۶ -۱۷۳ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷ -۶۶ /۲).

سلطان‌العلمای خراسانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۳۲۶ ق)، روزنامه‌نگار. معروف به روح‌القدس. وی مدیر روزنامه‌ی «روح‌القدس» بود که به مناسبت نام روزنامه، به «روح‌القدس» معروف گردید. سلطان‌العلماء از مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان بود که در سال ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «روح‌القدس» را در تهران و به مدت یکسال منتشر کرد. بیشتر مقالات این روزنامه علیه استبداد و خصوصا شخص محمدعلی‌شاه بود و به همین جهت دفتر روزنامه که در خیابان چراغ برق بود، به وسیله‌ی قشون استبداد اشغال شد. وی بعد از واقعه‌ی به توپ بستن مجلس در ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ق، زندانی شد و پس از شکنجه‌ی بسیار او را خفه کرده، جنازه‌اش را به چاه انداختند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۸۲۰ -۸۱۹، ۴۴۰)، شرح حال رجال (۴۴/۲).

سلطان‌القراء

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. شاه قرآن خوانان) (شیخ) عبدالرحیم بن شیخ ابوالقاسم (و. تبریز ۱۲۵۵- ف.تبریز ۱۳۳۶ ه.ق.). وی در علم تجوید در عصر خود استاد بود و فاضل ایروانی و شیخ فرج‌اللّه بن حاج محمد تبریزی جزو شاگردان او بودند. از تألیفات وی رساله‌ای است در علم تجوید موسوم به «درالمنثور» و رساله‌ای دیگر در تجوید و حاشیه بر مقدمه شمس‌الدین ابوالخیر که هیچیک به طبع نرسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سلطان‌زاده پسیان، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی برادرزاده‌ی کلنل محمدتقی خان بود و شرح حال عمومی خود را نوشت و در مجله‌ی «ایرانشهر» به چاپ رسانید. وی در دارالفنون ادنبورک در رشته‌ی تاریخ تحصیل نمود. از آثار وی: «بسوی باختر»؛ «حسن یا جاده‌ی رزین سمرقند»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۹۲۶/۲).

سلطانی بسطامی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۲۹۶ ق، از زنان ادیب، شاعر و خوشنویس. وی تنها فرزند میرزا فتح‌اللّه ذوقی شاعر بود. پدرش در تعلیم و تربیت او همت گماشت. خواندن و نوشتن را در کودکی آموخت و خوشنویسی و شعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. گویند اشعار عربی

زیادی از دوره جاهلی از حفظ داشت و دیوانی نیز فراهم آورده بود.

در اوایل جوانی با پسر محمد ناصر خان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله ازدواج کرد. چنانکه از اشعار این بانو پیداست از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته است. از اشعار اوست:

اول چنین نوشت قضا سرنوشت ما

کاخر خم شراب شود خاک و خشت ما

عشق آمد و عقل رفت و دیوانه شدیم

وز کعبه روان به سوی بتخانه شدیم

این روزه و این نماز آید به چه کار

ما را که حریف جام و پیمانه شدیم

در سینه توست کینه ما

مهر تو نهان به سینه‌ی ما

دیدی که چه سان گرفت الفت

با سنگ تو آبگینه‌ی ما

مهرت که بها فزونش از جان

یکتا گهر خزینه‌ی ما[۱]

(س سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. وی چون تنها فرزند خانواده بود، پدرش در تعلیم و تربیت او اهتمام تمام داشت. خواندن و نوشتن را در کودکی آموخت و خوشنویسی و شعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. اشعار عربی زیادی از دوره‌ی جاهلی از حفظ داشت و «دیوانی» نیز فراهم آورده بود. در اوایل جوانی با پسر محمد ناصر خان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله، ازدواج کرد. چنانکه از اشعار این بانو پیداست، از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته است.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منبع: حدیقهٔالشعراء، ۲۱۶۸ -۲۱۶۷ / ۳.

[۲] حدیقه الشعراء (۲۱۶۸ -۲۱۶۷/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۴۶۳)، مشاهیر زنان (۱۲۶ -۱۲۵).

سلطانیه‌ای، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط، ادیب و فقیه. وی از علوم متداول مانند فقه و حدیث و لغت و تجوید و قرائت و ادب بهره‌مند و خطشناسی ماهر بود و همگی خطوط را خوش می‌نوشت. در کتابت و انشاء رتبه‌ی اعلی داشت و بعضی از کتابهای حدیث فقه و ادعیه را به خط خود نشوت و تصحیح و تحشیه کرده است. میرزاعلی بسیاری از فرمانهای دیوانی و قباله‌ها را به خود نوشته و امر قضای سلطانیه به او محول بوده است. به گفته‌ی صاحب «احوال و آثار خوشنویسان» صاحب عنوان در تاریخ تألیف «گلستان هنر» (ح ۱۰۵۲ ق) زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۶۹ -۴۶۸ / ۲).

سلغر شاه سلغری

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. برادر اتابک ابوبکر پادشاه فارس بود و را فریباش خان می‌خواندند و در حسن صورت و سیرت و کمال و جمال نظیر نداشت. چون می‌دانست که دخالت در امور ملکی مایه تزلزل خاطر برادر می‌شود. در بیرون شهر شیراز سرابستانی بنیاد کرد و آن را صبوح‌آباد نام نهاد و از دخالت در امور برادر خودداری کرد. وی عاقبت توسط برادر خود کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۶۳)، الذریعه (۴۵۶/۹)، لغت نامه (ذیل/ سلطان سلغرشاه)، مجمع الفصحا (۵۷/۱).

سلفی اصفهانی، صدرالدین، ابوطاهر احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۶ -۴۷۸ ق)، حافظ، محدث، فقیه، نحوی و لغوی شافعی. شهرت وی به سلفی به خاطر نام نیای بزرگش سلفه- معرب سه لبه- می‌باشد. در اصفهان به دنیا آمد. در طلب حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد و اکثر مشایخ حدیث را ملاقات کرد. لغت را از

خطیب تبریزی فراگرفت و چون به بغداد رفت فقه را نز الکیا هراسی آموخت. وی از ابومطیع صحاف و ابوطالب احمد کندلانی و احمد بن محمد بن ابی‌بکر بن مردویه و احمد بن محمد بن محمد بن بشرویه و احمد بن محمد بن قولویه حدیث روایت کرده است. او همچنین از زنان بسیاری در اصفهان حدیث شنید. از وی حافظ محمد مقدسی و محدث سعدالخیر و ابوالعز محمد ملقابادی و علی بن ابراهیم سرقسطی و طیب مروزی و ابوسعد سمعانی و قاضی عیاض و عمر میانشی و حماد حرانی و محمد بن عبدالغفار همدانی و جعفر بن علی همدانی و محمد بن ابراهیم فارسی و حسان مهدوی و بسیاری دیگر حدیث روایت کردند. ابوالحسن علی بن سلار وزیر ملوک فاطمیه در مصر مدرسه‌ای در اسکندریه برای او تاسیس کرد و وی را عهده‌دار تدریس در آن مدرسه نمود. علماء از دور و نزدیک به محضرش شتافتند و از وی بهره بردند. او در سرحد اسکندریه درگذشت. از آثارش: «الاربعین البلدانیه»، در حدیث؛ «السداسیات»، در حدیث؛ «المشیخه البغدادیه» یا «معجم شیوخ بغداد»؛ «معجم مشیخه اصفهان»؛ «السلفیات من اجزاء الاحادیث» یا «اجزاء السلفیات»، انتخابهایی از «اصول» ابن شرف انماطی و «اصول» ابن الطیوری؛ «السلماسیات» یا «مجالس پنج گانه» از املاهای ابوطاهر سلی؛ «شرط القراءه علی الشیوخ»؛ «معجم السفر»؛ «الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۹/۱)، ایضاح المکنون (۵۰۸/۲)، تذکره القبور (۱۲۵ -۱۲۴)، روضات الجنات (۲۷۶/۱)، ریحانه (۶۵ - ۶۴ /۳)، سیر النبلاء (۳۹ -۵ /۲۱)، الکامل (۱۵۲/۹)، کشف الظنون (۱۶۹۶، ۱۰۴۴، ۹۹۷، ۹۹۶، ۹۸۲، ۵۸۷، ۵۴)، الکنی و الالقاب (۳۲۱ -۳۲۰ /۲)، لسان المیزان (۴۵۱ -۴۵۰ /۱)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۷۶ -۷۵ /۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۷۲ -۶۸ /۱۹)، الوافی بالوفیات (۳۵۶ -۳۵۱ /۷)، وفیات الاعیان (۱۰۷ -۱۰۵ /۱)، هدیه العارفین (۸۷/۱).

سلماسی، ابوالفتح مسعود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۹ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از سلماس از شهرهای آذربایجان است. از آثارش: شرح «المقامات»؛ شرح «الجمل»، در نحو؛ وی خطبه‌ها و نظمی زیبا داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۰/۸).

سلمی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای باستانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸ و دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی ایران از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نظارت بر تحقیقی تحت عنوان اعلام شاهنامه (اسامی اشخاص)، تدریس دروس فارسی میانه، زبان اوستا، تاریخ زبان فارسی، شاهنامه، تاریخ بیهقی، اساطیر ایران و روش تحقیق و مرجع‌شناسی، آئین نگارش و فارسی عمومی و مقدمات زبان‌شناسی در دانشگاه شهید چمران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی کتاب غم‌نامه رستم و سهراب، پنج خیم آسرونان، نقد و بررسی رزمنامه رستم و اسفندیار، چند نکته در دیوان ناصرخسرو.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سلیم، عبدالامیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:- مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای باستانی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سلیمان اف، معصوم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معصوم سلیمان اف

محل تولد : جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معصوم سلیمان اف بعد از اتمام مدرسه ۱۰ کلاسی، در سال ۱۹۸۴ میلادی وارد دانشگاه نفت و شیمی باکو، (رشته شناسایی بسترهای نفت و گاز و غیره با روشهای ژئوفیزیکی) وارد شدم و در سال ۱۹۹۱ و دو سال سربازی در وسط، دانشگاه را تمام کرده بعد از شش ماه به ایران آمده و وارد مدرسه علمیه شدم. الآن مشغول نهایه الحکمه در سطح ۳ موسسه فلسفه و کلام امام صادق(ع) هستم.

سلیمی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالفضل سلیمی نیز یکی از علماء و ائمه جماعت زنجانست که در این شهر به خدمات دینی از امامت و ترویج دین و غیره اشتغال و مانند شهرتش سلیم‌النفس و پرهیزکار می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۶ ق)، فقیه حنفی، مفسر، محدث و واعظ. اهل سمرقند بود. در ۵۴۲ ق به مکه رفت و در بازگشت مدتی در بغداد ماند. در سمرقند از دنیا رفت. از آثار وی: «الجامع الکبیر» یا «جامع الفتاوی»؛ «الفقه النافع»؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب»؛ «ریاضه الاخلاق»؛ «مصابیح السبل»، در دو مجلد، در فروع فقه حنفی؛ «الملتقط فی الفتاوی الحنفیه» به نام «مال الفتاوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳ -۲۲ /۸)، ایضاح المکنون (۱۶۸/۲)، کشف الظنون (۱۹۲۱، ۱۸۱۳، ۱۶۹۷، ۱۵۸۰، ۷۱۷، ۵۷۱، ۵۶۵)، معجم المؤلفین (۱۳۷/۱۲).

سمسار، محمداحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۷۴، تبریز.

درگذشت: اوایل فروردین ۱۳۶۰، آمریکا.

محمداحمد سمسار تحصیلات خود را در استانبول به پایان برد و سپس به آمریکا رفت و در آنجا ماند و سال‌ها به تدریس ترکی در دانشگاه‌های آن کشور پرداخت.

از تألیفات او فهرست نسخ خطی عربی و فارس وترکی، مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس موجود در کتابخانه‌ی آزاد فیلادلفیا است ه در سال ۱۹۳۷ در فیلادلفیا انتشار یافته است. در این فهرست یک صد و چهل و نه نسخه فارسی معرفی شده است. دیگر مقدمه‌ای

است بر کتاب طوطی‌نامه‌ی ضیاء نخشی نوشت. البته ترجمه انگلیسی طوطی‌نامه هم از محمداحمد سمسار است.
(تو ح ۱۳۶۰ -۱۲۷۴ ش)، محقق. وی در تبریز متولـد شـد، تحصـیلات ابتدایی را در این شـهر و تحصـیلات عالی را در اسـتانبول به پایان برد و حدود سال ۱۳۱۰ ش به امریکا رفت و سالها به تدریس زبان و ادبیات ترکی در دانشگاه‌های آن مملکت اشتغال داشت. وی در آمریکا وفات یافت. از تالیفات او «فهرست نسـخ خطی عربی و فارسـی و ترکی مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس» موجود در کتابخـانه‌ی آزاد فیلادلفیـاست که در سال ۱۹۳۷ م در فیلادلفیـا انتشـار یـافت. در این فهرست یکصـد و چهل و نه نسـخه‌ی فارسـی معرفی شـده است. دیگر از آثـار وی مقـدمه‌ای است بر چـاپ «طوطی نـامه» ضـیاء نخشـی و دیگر ترجمه‌ی این کتـاب است به زبان انگلیسی.[۱]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :
[۱] آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۱).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر عبدالرحیم

قرن:۷
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۵۳۷- ح ۶۱۷ ق)، محـدث، فقیه و ادیب شافعی. از کودکی تحت تربیت پـدر قرار گرفت. پـدرش او را در پاره‌ای از سـفرها همراه کرد و تـا آنجـا که تـوانست برای او حـدیث خوانـد و او را به فراگیری فقه و حـدیث و ادب واداشت تـا اینکه از هر خرمن خوشه‌ای برچیـد. او «صـحیح بخاری» و «سـنن ابی‌داود» و «جامع ابی‌عیسـی» و «مسـند ابی‌عوانه» و «تاریـخ فسوی» و «الحلیه» و «مسـند الهیثم» و «صحیح مسلم» را سماعی روایت می‌کند. او از رییس اسعد مهروی و ابوالبرکات عبداللّه فراوی و ابوسعد عبدالوهاب کرمانی و وجیه شحامی و ابوالفتوح خرکوشـی و جنیـد قاینی و ابوالوقت سـجزی و ابوالاسـعد ابن القشـیری و محمـد بن عبداللّه شـیرازی و حسن بن محمد سـنگبستی و سـعید بن علی شـجاعی و عبدالسلام هروی و بسیاری دیگر در بخارا و سمرقند و هرات و نیشابور و مرو شهرهای دیگر حدیث شـنید. ابوبکر محمد حازمی و برزالی و ابن الصـلاح و ابن النجار و ابن هلاله و شـرف مرسـی و احمد غرافی و گروهی دیگر از وی حدیث شـنیدند. او سـرانجام شـیخ مرو شد و به مقام پیشـگامی شافعیان آن شـهر رسـید. پدرش «عوالی» را در دو مجلد برای او گفـت و «معجـم» را در هیجـده جزء برایش پرداخت. این کتابهـا به نـام «العـوالی من مسـموعات الفراوی» و «معجم الشـیوخ» گردآوری شده است.[۱]
فخرالدین ابوالمظفر عبدالرحیم بن عبدالکریم فقیه و عالم بزرگ خراسان و از خاندان سمعانی (و. ۵۳۷- ف. ۶۱۴ یا ۶۱۶ ه.ق.)
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] سرآمدان فرهنگ (۴۸۳ -۴۸۲ /۱)، سیر النبلاء (۱۰۹ -۱۰۷ /۲۲)، کشف الظنون (۱۱۷۹)، لسان المیزان (۳۳۹ - ۳۳۸ /۴)، المسـتفاد من ذیل تاریـخ بغـداد (۱۵۸ -۱۵۷ /۱۹)، معجم المـؤلفین (۲۰۷ -۲۰۶ /۵)، الوافی بالوفیـات (۳۳۱/۱۸)، هدیه العارفین (۵۶۰/۱).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر منصور

قرن:۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۴۸۹ -۴۲۶ ق)، مفسر، محدث و واعظ. در مرو به دنیا آمد. در ابتدا نزد پدرش، که از پیشـگامان مذهب حنفی بود، فقه آموخت تا این که فقیهی برجسـته شـد و از ارکـان مـذهب حنفی به شـمار آمـد. او از شاگردان ابوغانم کراعی و ابوبکر ترابی و عبدالصـمد بن مامون و ابوصالح موذن و ابوعلی شافعی و ابوالقاسم زنجانی بود. پس از سـی سال در سفر حج به مذهب شافعی گرایش پیدا کرد و ازین رو پس از مراجعت به وطن مورد طعن و آزار مردم مرو قرار گرفت و کار به کارزار کشـید. اما وی بر مذهب شافعی پای فشرد و امـام شافعیـان گشـت و موافق آن مـذهب تـدریس کرد و فتـوی داد و تالیفـات بسـیاری در فقـه شـافعی از خـود بجـای گـذاشت. فرزندانش و عمر بن محمد سرخسـی و ابونصـر محمد کاشانی و محمد سنجی و ابونصر غازی و ابوسعد بن بغدادی از شاگردان وی می‌باشـند. و از وی روایت کرده‌انـد. او در تفسـیر، فقیه و اصول و حـدیث آثاری دارد که از آن جمله‌انـد: «الاصـطلام»، که شـهرتی عالمگیر داشت؛ «القواطع»، در اصول فقه؛ «الانتصار»، در حـدیث، در رد مخالفین؛ «المنهاج اهل/ لاهل السنه»، در رد قدریه؛ «تفسـیر القرآن» یا «تفسیر السمعانی»؛ «الف حدیث عن مائه شیخ»؛ «الرهان»، حاوی هزار مساله از مسائل خلافیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۴ -۲۴۳ /۸)، ریحانه (۷۶/۳)، سیر النبلاء (۱۱۹ -۱۱۴ /۱۹)، کشف الظنون (۱۸۷۰، ۱۳۵۷، ۴۴۹، ۲۰۲، ۱۷۳، ۱۵۱، ۱۰۷)، لغت نامه (ذیل/ منصور)، معجم المؤلفین (۲۰/۱۳)، هدیه العارفین (۴۷۳/۲)، وفیات الاعیان (۲۱۱/۳).

سمعانی مروزی، تاج الاسلام، ابوبکر محمد بن مصنور

قرن:۵
جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۱۰ -۴۶۶ ق)، عالم، فقیه، محدث و واعظ شافعی. در مرو به دنیا آمد. در نیشابور و اصفهان و همدان و کوفه و حجاز و بغداد حدیث شنید. او در مدرسه‌ی نظامیه بغداد وعظ گفت. سرانجام در مرو اقامت گزید. وی بسیار املای حدیث می‌کرد و صد و چهل مجلس املاـ در جامع مرو داشت و همراه مواعظ احادیثی که از اساتید خود چون پدرش و ابوالخیر صفار و ابوالقاسم زاهری و عبداللّٰه طاهری و ابوالفتح هاشمی و نصراللّٰه بن احمد خوشنامی و عبدالواحد قشیری و ثابت بن بندار و محمد بن عبدالسلام انصاری و ابوغالب عدل و ابوبکر، نوه‌ی ابن‌مردویه، و ابوالفتح حداد شنیده بود، بیان می‌کرد. سلفی و ابوالفتوح طائی و ابوطاهر سنجی از شاگردان وی می‌باشند. او رئیس شافعیان در مرو بود. پیش از وفات اشعار خود را تماما شست و محو کرد. سرانجام در مرو درگذشت و او دارای آثاری در زمینه‌ی حدیث و وعظ می‌باشد که از آن جمه کتاب «الامالی» «امال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۲/۷)، ریحانه (۷۶/۳)، سیر النبلاء (۳۷۳ -۳۷۱ /۱۹)، الکامل (۲۷۷/۸)، الکنی و الالقاب (۳۲۳/۲)، معجم المؤلفین (۵۳ -۵۲ /۱۲)، الوافی بالوفیات (۷۵/۵)، وفیات الاعیان (۳۱۱ -۳۱۰ /۳).

سمنانی، ابوالحسین عبداللّٰه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۳ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. از اسحاق بن راهویه و عیسی بن زغبه و محمد بن حمید رازی و ابوکریب و عمرو بن علی فلاس و محمد بن هاشم بعلبکی و همطبقه آنان حدیث شنید و او در این راه سفرهای بسیار کرد. علی بن حمشاد و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن صالح بن هانی و ابوعمرو بن حمدان و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای تصانیف بسیار نیکویی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۹۵ -۱۹۴ /۱۴)، طبقات الحفاظ (۳۱۲).

سمندریان، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید سمندریان (زاده ۱۳۱۰ در تهران) کارگردان تئاتر است. کارگردانی تئاتر صحنه‌ای:

۱- «دوزخ» اثر ژان پل سارتر سال اجرا ۱۳۴۱ بازیگران: جمیله شیخی ـ رکن الدین خسروی ـ پرویز کاردان ـ عزت پریان ۲- «اشباح» اثر هنریک ایبسن سال اجرا ۱۳۴۲ بازیگران: جمیله شیخی ـ محمد علی کشاورز ـ عباس غفوریان ـ اسماعیل دادفر ـ عزت پریان ۳- «مرده‌های بی‌کفن و دفن» اثر ژان پل سارتر سالهای اجرا ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷ بازیگران: محمد علی کشاورز ـ منوچهر فرید ـ پرویز فنی زاده ـ اسماعیل محرابی ـ پری صابری ـ جمشید مشایخی ۴- «طبیب اجباری» اثر مولیر سال اجرا ۱۳۴۳ بازیگران: محمدعلی کشاورز ـ پرویز فنی‌زاده ـ اسماعیل محرابی ـ مسعود فقیه ـ شکوه نجم‌آبادی ـ سعید پورصمیمی ۵- «هرکول و طویله اوجیاس» اثر دورنمات سال اجرا ۱۳۴۴ بازیگران: پرویز صیاد ـ محمد گودرزی ـ محمد حفاظی ـ ثریا قاسمی ـ عباس یوسفیانی ـ سیروس ابراهیم‌زاده ـ فریده صابری ۶- «ملاقات بانوی سالخورده» اثر فردریش دورنمات سال اجرا ۱۳۵۱ بازیگران جمیله شیخی ـ آذر فخر ـ اکبر زنجانپور ـ محمود هاشمی ـ علی رامز ـ غلامرضا طباطبائی ۷- «نگاهی از پل» اثر آرتور میلر سال اجرا ۱۳۴۸ بازیگران: اکبر زنجانپور ـ سوسن تسلیمی ـ خسرو فرحزادی ـ اسماعیل دادفر ـ پروین دولتشاهی ۸- «مرغ دریایی» اثر آنتوان چخوف سال اجرا ۱۳۵۶ بازیگران: جمیله شیخی ـ محمدعلی کشاورز ـ قاسم سیف ـ هما روستا ـ جمال اجلالی ـ محمد مطیع ـ منوچهر فرید ـ سرور رجائی- آتیلاـ پسیانی ـ سروش خلیلی و.... ۹ ـ «کرگدن» اثر اوژن یونسکو سال اجرا ۱۳۵۱ بازیگران: عزت ا... انتظامی ـ پرویز صیاد ـ اسماعیل دادفر ـ محمد حفاظی ـ مهدی فخیم‌زاده ـ پروین دولتشاهی ـ فریده صابری ـ عباس یوسفیانی ـ محمود شیبانی و.... ۱۰- «بازی استریندبرگ» اثر فردریش دورنمات سال اجرا ۱۳۵۱-۱۳۷۸ بازیگران: محمدعلی کشاورز ـ اسماعیل شنگله ـ هما روستا ۱۱- «دایره گچی قفقازی» اثر برتولت برشت سال اجرا ۱۳۷۷ بازیگران: سعید پور صمیمی ـ آزیتا حاجیان ـ سهراب سلیمی ـ حسن پورشیرازی ـ آرمان امید ـ جمال اجلالی و.... ۱۲- «باغ وحش شیشه‌ای» اثر تنسی ویلیامز سال اجرا ۱۳۴۲ بازیگران: پرویز فنی‌زاده ـ شهلاـ ریاحی ـ پری صابری ـ عباس مغفوریان ۱۳- «آندورا» اثر ماکس فریش سال اجرا ۱۳۴۶ بازیگران: سعید پورصمیمی ـ ثریا قاسمی ـ محمدعلی کشاورز ـ منوچهر فرید ـ پرویز پورحسینی ـ جمیله شیخی ـ اسماعیل دادفر ـ جمشید مشایخی ـ منوچهر فرید ـ پری امیر حمزه ـ اسفندیار شهیدی و.... ۱۴-«ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی» اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۶۸ بازیگران: رضا کیانیان ـ احمد آقالو ـ میکائیل شهرستانی ـ هما روستا ـ نورالدین استوار ـ جمال اجلالی ـ رضا عمرانی ـ قاسم زارع و.... ۱۵- «لئوکادیا» اثر ژان آنوی سال اجرا ۱۳۴۳ بازیگران: پرویز پورحسینی ـ سعید پورصمیمی ـ محمدعلی کشاورز ـ محمد حفاظی ـ شکوه نجم‌آبادی - عصمت صفوی

کارگردانی تئاتر رادیویی:

حمید سمندریان در رادیو صدای ایران تعدادی نمایشنامه را ترجمه کرده که کارگردانی آن را نیز به عهده داشته‌است: ۱- غروب

روزهای آخر پاییز نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۲- پنچری نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۳- همزاد نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۴- اقدامات وگا نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۵- فیزیکدانها نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۶۶

تله تئاتر:

آثار اجرا شده در تلویزیون ملی ایران (تله تئاتر) که ترجمه و کارگردانی این آثار به عهده حمید سمندریان بوده‌است: ۱- غروب روزهای پائیز اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ ۲- بازی استریندبرگ اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۱ ۳- خمره اثر لوئیجی پیراندللو سال ۱۳۵۳ ۴- جراحی پلاستیک اثر پی‌یر فراری سال ۱۳۴۰ ۵- پلوفت (شبح کوچک) اثر ماریا کل راماشادو سال ۱۳۴۰ ۶- ساعت شش در خیابان آتن اثر روژه فردیناند ۷- به‌سوی دمشق اثر اگوست استریندبرگ سال ۱۳۸۱ حمید سمندریان به دعوت پرفسور رگن‌برگ استاد دانشگاه مونیخ و کارگردان تئاتر به انستیتو گوته دعوت شد و نمایشنامه‌های بسیاری را با بازیگران آلمانی روی صحنه برد. این همکاری بین سالهای ۵۱ تا ۵۷ ادامه داشت. ۱- شهاب آسمانی اثر فردریش دورنمات ۲- چگونه رنجهای آقای موکین پوت برطرف می‌شود اثر پیتر وایس ۳- پنچری اثر فردریش دورنمات ۴- سانتا کروز اثر ماکس فریش ۵- راهب و راهزن اثر هاینریش بول ۶- خوزه اثر هاینریش بول ۷- خشم شدید فلیپ هوتس اثر ماکس فریش ۸- بالماسکه دزدان اثر ژان آنوی ۹- دوزخ اثر ژان پل سارتر ۱۰- ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی اثر فردریش دورنمات ۱۱- توراندخت اثر هیلدس هایمر ۱۲- مرده‌های بی‌کفن و دفن اثر ژان پل سارتر : ترجمه

حمید سمندریان در باب ترجمه آثار نمایشی در جامعه تئاتری: ۱- غروب روزهای پاییز اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۰ ناشر مروارید ۲- پنچری اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ ناشر مروارید ۳- ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ نشر پیروز ۴- دایره گچی قفقازی اثر برتولت برشت سال ۱۳۴۱ چاپ مجدد ۱۳۷۸ ۵- اقدامات وگا و همزاد اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۶- ملاقات بانوی سالخورده اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ چاپ مجدد ۱۳۷۸ نشر قطره ۷- رومولوس کبیر اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۶۹ مرکز هنرهای نمایشی ۸- باغ وحش شیشه‌ای اثر تنسی ویلیامز سال ۱۳۴۲ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۹- لئوکادیا اثر ژان آنوی سال ۱۳۴۳ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۰- هرکول و طویله اوجیاس اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۳ ۱۱- آندورا اثر ماکس فریش سال ۱۳۴۷ انتشارات روز ۱۲- فیزیکدانها اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۰ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۳- خشم شدید فلیپ هوتس اثر ماکس فریش سال ۱۳۵۰ چاپ مجدد ۱۳۷۰ نشر مرکز هنرهای نمایشی ۱۴ ـ فرشته‌ای به بابل می‌آید اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۲ ۱۵- چگونه رنجهای آقای موکین پوت بر طرف می‌شود سال ۱۳۵۳ ۱۶- مکبث اثر ویلیام شکسپیر سال ۱۳۵۵ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۷- بازی استریندبرگ اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۱ چاپ مجدد ۱۳۷۴ نسل قلم

سمیعی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد سمیعی (گیلانی) در بهمن ۱۲۹۹ در محله قدیمی سنگلج تهران تولد یافت و پس از چند ماه ، با خانواده خود روانه رشت شد. پس از طی مقطع ابتدایی و متوسطه در گیلان ، در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد، ولی پس از یکی دو ماه ، آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد و در همین رشته موفق به اخذ درجه دکترا شد. وی در زمان تحصیل به دلیل مشکلات مالی ، در راه آهن دولتی ایران اشتغال یافت، و توانست در کنار کار ، تحصیلات خود را نیز به پایان برد. از جمله فعالیت های سمیعی در طول تحصیل و بعد از آن ، ورود به مسائل سیاسی بود که به همین خاطر چندین مرتبه توسط ماموران رژیم پهلوی دستگیر شد. سمیعی علاوه بر فعالیت در راه آهن به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت. پس از انحلال موسسه انتشارات فرانکلین ، در سازمان ویرایش و تولید فنی ، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود ، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هئیت مدیره ، مشغول به کار شد. پس از پیروزی انقلاب وی با چندین موسسه فرهنگی به همکاری پرداخت ؛ او همچنین به مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران) ، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. دکتر سمیعی همچنان به فعالیت های فرهنگی خود با موسسات و پژوهشکده ها ادامه می دهدو آثاری چند نیز تاکنون عرضه نموده است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ویراستاری

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد سمیعی پس از تولد یافتن در تهران با خانواده به رشت رفته و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت گذراند و در خرداد سال ۱۳۱۸ دوره دبیرستان را با احراز رتبه اول در گیلان به پایان رساند. در شهریور همان سال، برای ادامه تحصیلات به تهران رفت و در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد. ولی پس از یکی دو ماه آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۲۱ با احراز رتبه اول و اخذ مدال درجه یک علمی، دوره لیسانس، خود را به پایان رساند. ضمن تحصیل در دانشکده ادبیات دوره درسی انستیتوی روزنامه نگاری را نیز گذراند. از سال ۱۳۳۴، از فعالیتهای سیاسی کناره گرفت و به تحصیل و فعالیتهای فرهنگی پرداخت. پس از حدود چهارده سال دوری از محیط دانشگاهی، بار دیگر در دوره دکتری ادبیات

فارسی نام نویسی کرد و طی دو سال، هشت شهادتنامه از ده شهادتنامه این دوره را گذراند. در ۱۳۵۵ ، در کنکور فوق لیسانس زبان شناسی همگانی دانشگاه تهران با رتبه اول پذیرفته شد و در ۱۳۵۸ (با معدل ۳/۸۹ از ۴/۰۰ به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل گشت.

استادان و مربیان : احمد سمیعی در حوزه درسی استادانی چون ملك الشعرای بهار، بدیع الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، کاظم عصار. فاضل تونی، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر محمد باقر هوشیار و دکتر رضازاده شفق، شرکت جست. همچنین با استادانی چون رشید یاسمی، مطیع الدوله حجازی، خانبابا بیانی، عبدالرحمن، فرامرزی گذراند.

وقایع میانسالی : فعالیتهای سیاسی احمد سمیعی از اواخر سال ۱۳۲۳ آغاز شد و تا ۱۳۳۴ ادامه یافت. مجموعا" سه سال و چهار ماه در زندان سیاسی به سر برد و حدود پنج سال به فعالیت مخفی و نیمه علنی پرداخت و در همین مدت، یك سال و نیم را در کشورهای اروپایی گذراند. در سال ۱۳۴۲، دستگاه حکومتی که بر اثر وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، فشار به فعالان سیاسی را شدت بخشیده بود، به اتهام فعالیتهای سیاسی سابق، وی را به سه سال زندان محکوم کرد که شش ماه آن را بیشتر گذرانده بود و تا پایان سال ۱۳۴۵ به مدت دو سال و نیم دیگر را در زندان سیاسی به سر برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد سمیعی مدتی در راه آهن دولتی ایران اشتغال داشت. سپس به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت و کتاب های متعددی را ویرایش کرد. بر اثر انحلال موسسه انتشارات فرانکلین، در سازمان ویرایش و تولید فنی، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هیئت مدیره، مشغول به کار شد. پس از انقلاب اسلامی ، سازمان ویرایش و تولید فنی منحل شد و او سالهای پس از انقلاب را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دایره المعارف اسلام، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی ، انتشارات سروش ، به خدمات ویرایشی پرداخت. وی از ۱۳۷۰ به عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب شد و مسئولیت سر دبیری نامه فرهنگستان را به عهده گرفت. وی، علاوه بر این، در حال حاضر، عضو گروه ویرایش و از مترجمان فرهنگ آثار در انتشارات سروش، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیمای جمهوری اسلامی و مشاور علمی پژوهشگاه علوم انسانی (موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی) است.

فعالیتهای آموزشی : احمد سمیعی دوره های کتاب داری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دروس زیبا شناسی، مکاتب ادبی و آیین نگارش تدریس می کرد. در عین حال مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران)، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. وی در دوره های کوتاه مدت و میان مدت آموزش ویراستاری موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، نیروی هوایی، موسسه امام جعفر صادق (ع) قم، موسسه باقر العلوم قم، مرکز نشر دانشگاهی ، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت ارشاد اسلامی نیز دروس «ویرایش زبانی» و «آیین نگارش» را بر عهده گرفت. تدریس «مکتب های ادبی » در چند دوره کلاس کتاب داران کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان. تدریس (شاهکارهای ادبی یونان باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (شاهکارهای ادبی رم باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (متون ادب فارسی) در دانشگاه تربیت معلم. تدریس (آیین نگارش) در دانشگاه تربیت مدرس. سردبیری مجموعه سخن پارسی(۱۱ عنوان). دبیری (داخلی) مجله سپیده فردا (دانش سرای عالی) در سالهای ۱۳۳۶-۱۳۳۷. مشاور ویرایشی موسسه مطالعات علمی و فرهنگی . مسئول بخش ویرایش انتشارات علمی و فرهنگی(پنج سال). ویراستار ارشد مرکز نشر دانشگاهی. تدریس متون ادب فارسی،سبك شناسی،آیین نگارش در دانشگاه گیلان(۷ سال). تدریس متون ادب فارسی و سبك شناسی در دانشگاه آزاد گیلان (۵ سال). تدریس دروس (ویرایش زبانی)، آیین نگارش در دوره های دو ساله ویرایش مرکز نشر دانشگاهی. عضویت هیئت علمی مجمع علمی آموزش زبان وادب فارسی.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد سمیعی با مجلات سپیده فردا، ارگان دانش سرای عالی، و با سازمان لغت نامه دهخدا همکاری داشت. در سال ۱۳۴۱ به معرفی راه آهن، در دوره پنج هفته ای سمینار آموزشی مدیریت در زیبا کنار (گیلان) و همچنین دوره یك هفته ای بازآموزی تابستان ۱۳۴۲ در همدان شرکت کرد. وی ، همزمان، سردبیری مجموعه سخن پارسی را نیز به عهده داشت و یازده عنوان آن را، که به صورت کتاب درسی دانشگاهی در آمدند، سرپرستی کرد. ضمن خدمات ویرایشی، بامجلات کتاب امروز، پیك جوانان، ماهنامه آموزش و پرورش همکاری مستمر داشت و در مجلات فرهنگ و زندگی ، رودکی ، الفبا، ققنوس پویه، پیام یونسکو مقالاتی (تالیف و ترجمه) از وی به چاپ رسید. ---------------------------------------

----

آثار :

۱ ترجمه برادرزاده راموو هنرپیشه کیست؟

ویژگی اثر : اثر دیدرو

۲ ترجمه چومسکی

ویژگی اثر : اثر جان لاینز

۳ ترجمه چیزها

ویژگی اثر : اثر ژرژ پرك

۴ ترجمه خیال پروری ها

ویژگی اثر : اثر روسو

۵ ترجمه دلدار و دلباخته

ویژگی اثر : اثر ژرژ ساند

۶ ترجمه ساخت های نحوی

ویژگی اثر : اثر چومسکی

۷ ترجمه سالامیو

ویژگی اثر : اثر فلوبر

۸ ترجمه کنفوسیوس

ویژگی اثر : اثر کارل یاسپرس

منابع زندگینامه :منابع :

۱نشریه بخارا-شماره ۱۵-آذر و دی ۷۹

سمیعی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، مترجم. از آثار وی: «پرومته‌ی سست زنجیر»، ترجمه؛ «پیر دختر»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۰۴/۴).

سناجیان، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۷۱.

از آثار اوست: ترجمه کتاب آیین دوست یابی در اسلام (اثر محمد الحیدری، ویراستار حسین الهی قمشه‌ای، تهران، ۱۳۷۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سنجی، ابوداوود سلیمان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۷ ق)، حافظ، محدث، مورخ، نحوی، ادیب، و شاعر. نسبتش به سنج، یکی از توابع مرو، می‌رسد. وی در لغت و فنون مهارت بسزایی داشت. تمامی آن علوم را از اصمعی و دیگر اساتید وقت فراگرفت. به عراق و حجاز و یمن و مصر کرد و به بغداد رفت و با حافظان حدیث آنجا به مذاکره پرداخت. او از نضر بن شمیل و عبدالرزاق بن همام و حسین بن حفص اصفهانی و عثمان بن عمر بن فارس و عمرو بن عاصم و بسیاری دیگر حدیث شنید. مسلم و ترمذی و نسائی، صاحبان سه «صحیح»، و همچنین ابوحاتم رازی و ابن‌خراش و محمد بن عقیل بلخی و ابن ابی‌داوود از وی حدیث روایت کرده‌اند. پاره‌ای از رجال‌شناسان او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. از آثار وی کتابی در «تاریخ» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۵۲ -۵۱ /۹)، تهذیب التهذیب (۱۹۹/۴)، الجرح و التعدیل (ج ۲ ق ۱۴۷/۱)، ریحانه (۹۱/۳)، معجم المؤلفین (۲۷۶/۴).

سند، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سند

محل تولد : بحرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود چهار سال و نیم سن داشتم که به دبستان رفتم . پانزده سال و نیم داشتم که دیپلم گرفتم. سپس عازم لندن شدم و فوق دیپلم

هندسه را در سال اول گرفتم. در سال دوم موارد اضافی را فرا گرفتم تا در دانشکده تخصصی امپریال وارد شوم ولی در نزدیک اواخر سال دوم تصمیم به رفتن به حوزه علمیه قم را گرفتم. با ورود به حوزه ، با تمام جدیت ، شبانه روز و پنجشنبه و حتی جمعه و تعطیلات ، همیشه مشغول تحصیل بودم و همه متون قدیمه مانند قوانین، شرح نظام، مطول و شمسیه و هیئت چغمین و عروقی و غیره را فرا گرفتم البته کتابهای مقدمات را خودم به تنهایی فرا گرفتم چون در دبیرستان جزو مواد درسی بود و با آنها آشنا بودم.

در مدت سه سال و نیم ، سطوح عالیه را به اتمام رساندم که البته ساعات کاری این سه سال و نیم معادل ساعتهای درسی حوزه در هفت سال برآورد میشود . سپس درسهای خارج آقایان روحانی و میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی ، در بیع و اصول الفاظ و صلاهٔ و اصول عملیه و فلسفه اسفار و سپس بخصوص نزد آقای جوادی آملی و اشارات هم پیش آقای حسن زاده آملی و همراه این سالها درسهای آقای گلپایگانی که درقضاء و شهادات و حدود بود را، در تعطیلات فرا گرفتم و قضا و شهادات آقای تبریزی و همچنین طهارت و غیره آنها .

در اواخر حضور درسی دو سال نزد آقای علامه فانی اصفهانی اصول فشرده و بیع و مکاسب محرمه و قضاء و خلل صلاهٔ و غیره همچنین بحثهای تعطیلی آقای روحانی شرکت داشتم که در خلل صلاهٔ و قواعد اصولی بود و در اواخر سه سال فقه طهاره و اصول عملیه و جلسه استفتاء آقای تبریزی شرکت داشتم سپس بدستور استاد آقای روحانی و میرزا هاشم آملی شروع به تدریس بحث خارج نمودم.البته شروع تدریس بحث خارج فقه و اصول همگام با دو سال اخیر حضور اینجانب در درسهای آقایان بود و همینطور تدریس منظومه ملا هادی مرتبه دوم بود. سپس اشارات بوعلی و سپس شفاء بوعلی و سپس اسفار که چندین جلد آنرا تا بحال تدریس داشتم و همینطور یک دوره عقاید در امامت در طی چهار سال، همینطور تدریس مسائل مستحدثه در تعطیلات پنج شنبه و جمعه که اکنون هم ادامه دارد و بحث کتاب حج دو دوره (خلاصه و مفصل) در تعطیلات داشتم و دوره اصول از اول الفاظ تا آخر استصحاب ، در طی ۱۲ سال . بسیاری از این بحثها بچاپ رسیده و در زمینه مسائل مستحدثه متعدد و بسیاری از شاگردان حاضر در بحث بدرجه تدریس کفایه و مکاسب و رسائل بلکه تدریس تقریرات رسیده و بسیاری از آنها دارای تالیفات متعدد در زمینه های مختلف هستند.در زمینه مقالات و سخنرانی ها در شهرها و کشورهای مختلف شرکت داشته ام.

سنگ تراش، صدرالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حجار. از آثار وی: کتیبه‌ی فوقانی سنگ آرامگاه قاضی صفی‌الدین محمد، در اصفهان، که به خط ثلث برجسته حجاری شده و چننی رقم نهاده:«وفات العالم الربانی... محمد ابن عمده لقضاه ... فی منتصف شهر شعبان المعظم سنه خمس و تسعین و تسعمائه... عمل صدرالدین سنگ‌تراش». به خط نستعلیق برجسته بر جانب جنوبی سنگ آرامگاه، سال وفات قاضی صفی‌الدین محمد و بر جانب شمالی سنگ آرامگاه اشعاری حجاری شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۷۶۱ -۷۶۰)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۵۳۵ -۵۳۴).

سوریان، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران حمید سوریان در سال ۱۳۶۴ در شهر ری به دنیا آمد

وی در رشته کشتی فرنگی فعالیت می‌کند و اولین مربی او حاج عبدالله زارع بود .

سوریان در سال ۸۴ و ۸۵ به عنوان برترین کشتی‌گیر فرنگی کار ایران انتخاب و صاحب عنوان قهرمان قهرمانان سال ۸۶ شد .

وی در تیم ملی کشتی فرنگی و در وزن ۵۵ کیلوگرم داری ۴ مدال طلای کشتی فرنگی قهرمانی جهان است .

سوریان در سال ۲۰۰۵ موفق شد هم در مسابقات قهرمانی جوانان جهان و هم در قهرمانی بزرگ‌سالان، قهرمان دنیا شود .

حمید سوریان، در سال ۱۳۸۷ و در مسابقات المپیک در وزن ۵۵ کیلوگرم کشتی فرنگی، به مقام پنجم رسید .

وی در مسابقات جهانی کشتی در مسابقات سال ۲۰۰۵ ، ۲۰۰۶ ، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ موفق شد به قهرمانی جهان و مدال طلا دست‌یابد .

«حمید سوریان» به عنوان قهرمان قهرمانان ورزش ایران در سال ۸۶ برگزیده شد

سه چهاری، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دیگر از معروفین سلسله‌ی شیخ زین الدین است: مرحوم ملا محمد هاشم سه چهاری، از منبریان اصفهان، واعظ صالح کامل، در ماه صفر ۱۳۶۱ وفات یافته، در تکیه‌ی شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سه دهی واعظ، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم سید الذاکرین وثقه المحدثین حاج سید جواد سه‌دهی از منبریهای معروف تهران بودند و در مرثیه و روضه خواندن نفس بسیار گرم و حال بسیار خوبی داشتند منبری بسیار موثر و مهیج داشت و کمتر مستمعی بود که تحت‌تاثیر و نفوذ منبر او قرار نگیرد و یا در موقع روضه خواندن ایشان نگرید مسجد بزازهای تهران در ایام عاشورا شاهد منبرهای داغ و پرشور و حرارت آن مرحوم می‌باشد. غالبا خودش می گریست و دیگران را نیز می گریانید جدا با حال و بااخلاص بود و نمی‌شد نگارنده در پای منبر و روضه خواندن وی منقلب نشوم در سال ۱۳۸۷ قمری در تهران وفات نموده و با تشییع مجللی به شهر ری منتقل و در صحن مطهر در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی مدفون گردید.

جناب حجه‌الاسلام حاج آقا مهدی حایری تهران می‌فرمود خواب دیدم وارد حسینیه جواهری تهران شدم و دیدم مجلس روضه برقرار است و مرحوم حاج سید جواد سه‌دهی منبرند و بسیار باشور و حرارت روضه می‌خوانند و مردم گریه می کنند وقتی از منبر آمده و خواست برود من جلو رفتم و گفتم آقا حال شما چطور است گفت بسیار خوبم و از وقتیکه حاج سلطان الواعظین شیرازی آمده‌اند به هر کدام از ما منبریها یک درجه به احترام ایشان داده‌اند.

مرحوم سه‌دهی فرزندان چندی دارند که در میان آنان دانشمند گرامی و واعظ نامی آقای حاج سید محمود سه دهی از گویندگان و وعاظ جوان تهرانند و منبری آموزنده دارند که در محرم و صفر و ماه رمضان و اوقات دیگر به این شغل خطیر اشتغال و در اوقات دیگر به شغل تجارت فرش مشغول می‌باشند. وی در تهران متولد و پس از خواندن دروس جدید به قم آمده و مقدمات و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ فراگرفته و چندی از محضر آیت‌الله العظمی خ... و دیگران استفاده کرده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به تهران مراجعت و تاکنون به انجام وظائف دینی و تبلیغی و اجتماعی مشغول می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سه دهی واعظ، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمدعلی سه‌دهی که سالها خدمتگذار آستان ولایت و مانند مرحوم برادر و والد ماجدش از راه منبر به خدمات دینی و روحی اشتغال داشتند ولی چندین سالست که با لباس مقدس روحانیت و اسلاف و نیاکان خود در سلک تجارت فرش اشتغال و بسیار ظریف و خوش محاوره و مجلس و در رفاقت صدیق و در صداقت شفیق می‌باشند و با جناب مستطاب واعظ نامی معاصر آقای حاج سید محمد موسوی رفیق صمیمی و خالص و با معیت و مصلحت وی مسافرتهای مهمی به خارج کشور اروپا و افریقا و امریکا و هند و پاکستان نموده و خاطرات شیرینی دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سه‌دهی واعظ، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید ابوالقاسم سه‌دهی بن السید الجلیل والعالم النبیل السید محمدعلی حسینی تهرانی عالمی فاضل و واعظی کامل و کثیر التالیف بود در سال ۱۳۳۹ قمری پس از اعمال حج در مکه معظمه وفات یافت و در قبرستان معلی (قبرستان ابوطالب) مدفون گردید.

دارای تالیفات عدیده و مفیده می‌باشد که ذیلا می‌نگارم.

۱- بدایع الاخبار در اخلاق ۲- بشاره الابرار در احوال شیعه الکرار فی دار القرار در چهل هزار بیت ۳- برهان الرساله در اثبات نبوت خاصه ۴- حسام الشیعه در اثبات امامت امیرالمومنین علیه‌السلام.

۵- خصایص الایام در وقایع الایام.

۶- دلائل الربوبیه که به طبع رسیده است ۷- لمعات الانوار مطبوع ۸- نفایس الاخبار و غیره.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سهراب، هدایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۴ ش)، مترجم و نویسنده. تحصیلات خود را در کالج آمریکایی تهران به پایان رسانید و مدتی با سمت دبیری در دبیرستان دولتی کرمان اشتغال داشت. بعدها وارد خدمت ارتش شد و در سال ۱۳۳۶ ش بعد از چهل و پنج سال خدمت در نقاط مختلف ایران بازنشسته شد. ازآثار وی: «اصول تعلیمات اخلاقی کنفوسیوس»، ترجمه؛ «در جبهه‌ی باختر»، ترجمه؛ «راهنمای شوهر جوان در مرحله‌ی ازدواج»، ترجمه؛ «راهنمای معلمین برای مدارس و مراکز تعلیماتی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۷۶ -۷۷۵ /۶).

سهروردی، ابوالفتوح یحیی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۹- مقتول ۵۸۷ ق)، حکیم، صوفی، متکلم، ادیب، فیلسوف. ملقب به الموید بالملکوت و شیخ اشراق. وی در سهرود از توابع زنجان متولد شد. شهاب‌الدین یحیی سهروردی را غالبا شیخ اشراق یا المقتول یا شهید می‌نامند. وی اصول فقه را نزد شیخ مجدالدین جیلی استاد فخرالدین محمد رازی در شهر مراغه آموخت و مراتب عالیتر را در اصفهان نزد طاهرالدین قاری به پایان رساند. و چون در بسیاری از موارد با قدما خلاف اندیشیده و علی‌الخصوص در اصطلاحات خود از الفاظ و اصطلاحات دینی زرتشتی بسیار استفاده کرده است، متعصبان قوم، او را بالحاد متهم داشته و علماء حلب خون او را مباح شمردند. وی آثار متعدد به زبان فارسی و تازی دارد. وی بزرگترین فیلسوفی است که حکمت اشراق در آثار و روش فلسفی او به کمال رسید. وی تنها از افلاطون و پیروان طریقه‌ی او متاثر نبود بلکه از فلسفه‌ی متداول در ایران خاصه‌ی فلسفه‌ی متمایل به عرفان که در طریقت زردشت دیده می‌شود نیز استفاده کرد، که همان طریقه‌ی خسروانی است. وی منطق، بصائر ابن‌سهلان ساوی ر نزد ظهیرالدین قاری خوانده است. و در سفری که به ماردین از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی عارف و حکیم رسیده وی به فرمان صلاح‌الدین ایوبی و به تحریک متعصبین در سن سی و هشت سالگی در حلب به قتل رسید. از آثار عربی وی: «البارقات الالهیه»؛ «التلویحات»؛ «التنقیحات»؛ «حکمه الاشراق»؛ «رساله فی اعتقاد الحکما»؛ «طوارق الانوار»؛ «قصه الغربه الغربیه»؛ «لوامع الانوار»؛ «الالواح العمادیه»؛ «المقاومات»؛ «المشارع و المطارحات»؛ «اللمحات» یا «اللمحه»؛ «الهیا کل النوریه»؛ «المبداء و المعاد» و غیره. از آثار فارسی او: «آواز پر جبریل»؛ «پرتونامه»؛ ترجمه «رساله الطیر» ابن‌سینا؛ «رساله العشق»؛ «روزی با جماعت صوفیان»؛ «صفیر سیمرغ»؛ «عقل سرخ»؛ «لغت موران»؛ «یزدان شناخت».[۱]

یحیی بن حبش بن امیرک ملقب به شهاب‌الدین و شیخ اشراق و شیخ مقتول و شهید و مکنی به ابوالفتح، حکیم معروف و محیی حکمت اشراق (و. سهرورد ۵۴۹- مقت. ۵۸۷ ه.ق.). وی حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و به قوت ذکا وحدت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از امور علمی اطلاع یافت، و چون در بسیاری از موارد خلاف رأی قدما گفته و از حکمت ایرانی و اصطلاحات دین زردشتی استفاده کرده، متعصبان او را با لحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباح شمردند. صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای مصر و شام فرمان داد تا او را به قتل رسانند و وی در حبس در ســن ۳۸ سالگی خفه شد. سهروردی آثار متعدد به فارسی و عربی دارد. مهمترین آنها از این قرارند: منطق التحلویحات، کتاب التلویحات، کتاب المقاومات، کتاب المشارع والمطارحات، حکمهٔ الاشراق (ه.م.) رسالهٔ فی اعتقاد الحکماء قصهٔ الغربهٔ الغربیهٔ، آواز پر جبرئیل، رسالهٔ العشق، لغت موران، صفیر سیمرغ، ترجمه رسلالهٔ الطیر ابن سینا، اللمحات، الیهاکل النوریهٔ، الالواح العمادیهٔ، المبدأ و المعاد، طوارق الانوار، البارقات الالهیهٔ، لوامع الانوار، روزی با جماعت صوفیان، عقل سرخ، پرتونامه. از غالب کتب او نسخ متعدد در دست است و بخش مهمی به طبع رسیده. سهروردی حکمت اشراق (ه.م.) را احیاء کرده به کمال رسانید. فلسفه او التقاطی است و در آن آثاری از اصول عقاید حکمای یونان به خصوص افلاطون و نوافلاطونیان و حکمای قدیم ایران (فهلویون) و اصول دین زردشت در آن به خوبی نمایان است. این فسلفه به حکمت اشراق معروف است و پس از او شارحان وی (شهر زوری و قطب‌الدین شیرازی) و حکمایی مانند صدرالدین شیرازی و هادی سبزواری عقاید او را دنبال کردند و به تأیید و توضیح آن پرداختند. سهروردی درباره مشرب عرفانی خود گوید: بیشتر نظرات من فقط زاده فکر نیست. بلکه بر اثر ریاضت و راهنمایی ذوق حاصل شده است. پس چون از راه برهان به دست نیامده و از راه عیان حاصل شده به تشکیک مشککی از میان نمی‌رود. طریق من طریقی است که همه سالکان راه حق و امام الحکمه افلاطون پیش گرفته و به یاری ذوق به حل بسیاری از مشکلات توفیق یافته‌اند. وی قایل به اصالت ماهیت است و وجود را امری اعتباری و عقلی می‌داند و ماهیت را که اصل است و همه عالم از آن تشکیل یافته است چهار قسم ذکر می‌کنند: زیرا یا نور است یا ظلمت، و هر یک از این دو یا جوهر است یا عرض. اما نور جوهری شامل نفوس (یا به تعبیر خود او انوار اسفهبدی) و عقول است و مراتبی دارد که بالاترین آنها نورالانوار است که آن را به اسامی نور مقدس، نور محیط، نور اعلی، نور اعظم و غیره خوانده است. منشأ و مبدأ همه نورهاست. نورالانوار کامل است، و ورای آن هیچ چیز دیگر موجود نیست بنابراین نورالانوار در واقع همان روشنی بی‌پایان است که در اوستا بدان اشاره رفته و از آن به اهورامزدا تعبیر شده است. به عبارت دیگر نورالانوار علهٔ العلل، مبدأ کل و خالق عالم است و همه چیزها از اشراقات او هستند و محتاج بدو. از نورالانوار فقط یک نور مجرد مستقیما پدیده آمده است. این نور نخستین را سهروردی نور اقرب و نور عظیم (بهمن) خوانده است. از نور اقرب یک فلک- که فلک‌الافلاک باشد و نور مجرد دوم- حاصل شد، و از این نور، نور و فلک دیگر به وجود آمد، و به همین ترتیب تا نور نهم و فلک نهم. فلک نهم- که آخرین فلک است- زمین خاکی را در برگرفته است، و نور

مربوط به این فلک در قلب انسان و مغز سر او پرتو افکن شده و ادراک معقولات را برای وی میسر ساخته است. این انوار نه گانه با مصدر و مبدأ کل آنها که نورالانوار است همان است که فارابی و ابن سینا عقول عشره خوانده و همه را صادر از فیض الهی دانسته و آخرین آنها را عقل فعال نامیده‌اند.در نظر سهروردی نور عرضی روشنیهای محسوس است چون نور آفتاب و ستارگان و آتش. ظلمت جوهری عبارتست از اجسام، یعنی اشیائی که قابل اشاره و محل اعراضند و شیخ آنها را برزخ نام داده است. ظلمت عرضی چیزهایی هستند که بر اجسام عارض توانند شد، چون رنگ و بو و طعم و سبکی و سنگینی و جز آن که شیخ از آنها به لفظ «هیئت» نیز تعبیر کرده است. سهروردی در کتاب کلمهٔ التصوف گوید: «در میان ایرانیان گروهی بودند که به حق رهنمایی می‌کردند و حکیمانی دانشمند بودند که به مجوس شباهتی نداشتند، و بر آن طریق گامزن نبودند، و ما حکمت نوریه شریف آنان را، که ذوق افلاطون و کسانی که بیش از او بودند، گواه آن است، در کتاب موسوم به حکمهٔالاشراق و مانند آن، زنده گردانیدیم، و کسی بر من در تدوین مانند آن پیشی نجسته است.» و در حکمهٔ الاشراق نویسد: «... و برین بنا نهاده شده است قاعده اشراق در نور و ظلمت که طریقه حکمای ایران مانند جاماسب و فرشوشتر و بزرگمهر و حکیمان پیش از او بود.» و در کتاب المشارع و المطارحات آورده: «و اما نور طامس که به مرگ اصغر می‌کشد: آخرین کسانی که درباره آن در دست آگاهی داده‌اند، از گروه یونانیان حکیم بزرگوار افلاطون، و از بزرگانی که در آن پژوهش کرده و نامش در تاریخها به‌جا مانده هرمس، و در پهلویان «گلشاه» موسوم به «گیومرث» و همچنین از پیروان او افریدون و کیخسرو باشند.»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۷۰ -۱۶۹ /۹)، ایضاح المکنون (۶۰۷، ۵۰۳ /۲ ،۳۳۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۷ -۹۹۶، ۳۰۵ - ۲۹۷ /۲)، تاریخ فلاسفه (۳۸۱ -۳۶۸)، تاریخ فلسفه در اسلام (۵۶۰ -۵۲۹ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۴ - ۴۴۳)، ترجمه‌ی تتمه صوان الحکمه (۱۰۴ -۱۰۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۳۸۴/۱)، الذریعه (۱۵۳ -۱۵۲ /۱۳، ۲۷۷/۲۵، ۵۵۴/۹)، روضات الجنات (۱۹۷/۸)، ریاض العارفین (۲۱۱)، ریحانه (۳۰۰ -۲۹۸ /۳)، سیر النبلاء (۲۱۱ -۲۰۷ /۲۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱۹ - ۵۱۸)، کشف الظنون (۱۵۶۰، ۷۱۹۷، ۶۸۴، ۴۸۲، ۳۶۱، ۱۵۹)، الکنی و الالقاب (۳۲۶/۲)، لسان المیزان (۵۱۱ -۵۱۰ /۳)، لغت نامه (ذیل/ابوالفتوح)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۶ -۸۲۳ /۶)، مجمع الفصحا (۸۱۹/۲)، معجم الادبا (۳۲۰ -۳۱۴ /۱۹)، معجم المؤلفین (۱۹۰ -۱۸۹ /۱۳)، نفحات الانس (۵۸۶ -۵۸۴)، الوافی بالوفیات (۳۲۳ -۳۱۸ /۲)، وفیات الاعیان (۲۷۴ -۲۶۸ /۶)، هدیه العارفین (۵۲۱/۲)، هفت اقلیم (۲۰۱/۳).

سهیلی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی آموزش زبان انگلیسی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه آمریکائی بیروت در سال ۱۳۴۶، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۵ و فوق تخصص فراگیری زبان اول و دوم از دانشگاه واشنگتن در سیاتل در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام تحقیقات زبان‌شناسی و تدریس دروس زبان‌شناسی و دستور زبان انگلیسی و زبان‌شناسی همگانی در دانشگاههای اصفهان، تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

آواشناسی زبان انگلیسی، شناخت لغت در زبان انگلیسی، دستور زبان انگلیسی، روشهای تدریس زبان انگلیسی، فرهنگ مطبوعاتی، آموزش و سنجش زبان انگلیسی، طبقه‌بندی زبانها و زبان‌شناسی نو.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، زبان‌شناسی فارسی، فراگیری و تدریس زبان انگلیسی و فارسی، آواشناسی از دید بوعلی سینا.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سهیلی خوارزمی، ابوالحسن احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۸ ق)، ادیب و شاعر. وی مدتی وزیر ابوالعباس مامون خوارزمشاه بود، سپس ترک وزارت گفت و به بغداد رفت و در سامراء درگذشت. حسن بن حارث حسونی «کتاب سهیلی» خود را به نام وی تالیف کرد. از آثار او: «الروضه السهیلیه فی الاوصاف و التشبیهات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴، ۳۰۴/ ۱)، تاریخ علوم عقلی (۲۰۸)، ریحانه (۱۰۱/۳)، شاعران بی‌دیوان (۴۲۱ -۴۲۰)، کشف الظنون (۹۲۶)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۳۴ -۳۱ /۵)، معجم المؤلفین (۱۰۹/۲)، هدیه العارفین (۷۲/۱).

سیاح سپانلو، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، مترجم و نویسنده. در وزارت دارایی به عنوان عضو دفتر وزارت دارایی خدمت کرد و عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی شد. از آثار وی: «حسابدار نوین، تعریف اصول ساده»؛ «در غرب خبری نیست»، ترجمه، «راپرت ماژورهال به دکتر ملیسپو»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۲۴ -۷۲۳ /۶).

سیاح، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، پزشک، مدرس، نویسنده و مترجم. در تهران متولد شد در سال ۱۳۲۸ ش به سویس رفت و تا مدت نه سال در مدرسه‌ی ابتدایی و متوسطه لوزان مشغول به تصحیل شد. تحصیلات عالی را در دانشکده‌ی پزشکی پاریس و فرانکفورت به پایان رسانید و پایان نامه‌ی خود را در باب کانونهای عفونی دو ریشه‌ای از تصویب گذرانید و در سال ۱۳۳۷ ش به ایران بازگشت، و عهده‌دار مشاغل مختلفی از قبیل استاد کرسی بیمایهای دندان، جراح دندانسازی بیمارستانها، استاد مدرسه‌ی عالی دندانسازی، ریاست دندانسازی بیمارستانهای دولتی گردید. از آثار وی: «امراض دهان و دندان»؛ «بیماریهای دندان»؛ «بیماریهای دهان»؛ «ژوزف فرشه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۲۶ -۲۲۵ /۵).

سیار، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۰۲، مشهد.

درگذشت: ۱۲ دی ۱۳۷۲، تهران.

غلامعلی سیار، فرزند سید عبدالله، پس از خاتمه‌ی تحصیلات متوسطه دارالفنون در سال ۱۳۲۳ به فرانسه رفت. هفت و سال و نیم در آن کشور بود و از دانشگاه پاریس به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی حقوق نایل آمد. پس از بازگشت به ایران به خدمات اداری در وزارت کار و امور اجتماعی و تدریس در دانشگاه تبریز پرداخت. سپس به وزارت امور خارجه منتقل گردید و مدارج متعددی را در آن وزارتخانه طی کرد. آخرین سمت وی سرکنسولی ایران در برلین غربی بود. در مرکز با مقام رایزنی درجه‌ی یک ریاست اداره‌ی دوم سیاسی (مربوط به کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی) را بر عهده داشت (پیش از سال ۱۳۵۷). دکتر سیار از مترجمین بود. آثاری چون گرسنه اثر کنوت هامسن نروژی، و دکاکولا-از شارل لوونس کانادایی، امپراطوری گسسته از هلن کاررردانکوس فرانسوی، یک سیاره و چهار پنج دنیا از اکتاویو پاز مکزیکی، جلد پنجم تاریخ عمومی جهان از کارل گریبرگ سوئدی و رمانتیسم در فرانسه از فیلیپ وان تیژم فرانسوی را به فارسی ترجمه کرد. آخرین کتابی که در بستر بیماری ترجمه می‌کرد چهره‌ی آسیا تألیف رنه گروسه خاورشناس فرانسوی بود.

سیار به جز ترجمه به داستان نویسی و مقاله‌پردازی هم می‌پرداخت و در مجلات ادبی تهران یک رشته‌ی داستان‌های کوتاه و نقد ادبی منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیاری اصفهانی، ابوعبداللّٰه احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، محدث و کاتب. در دستگاه آل‌طاهر، در زمان امام حسن عسگری (ع)، کاتب و دبیر بود. محمد بن یحیی و علی بن محمد حنانی از وی حدیث شنیدند. برخی از رجال‌نویسان وی را محدثی ضعیف و غیر قابل اعتماد و کتبش را اکثرا مراسیل می‌دانند. از آثارش: «الغارات»؛ «النوادر»؛ «ثواب القرآن»؛ «الطب»؛ «کتاب القراآت» یا «التنزیل و التحریف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اختیار معرفه الرجال (۶۰۶)، الاعلام (۲۰۲/۱)، اعیان الشیعه (۱۱۷ -۱۱۶ /۳)، الذریعه (۳۲۱/۲۴، ۵۲/۱۷، ۱۳۶/۱۵، ۱۹/۵ ،۴۵۴/۴)، رجال ابن‌داود (قسم ۴۲۳ -۴۲۲ /۲)، رجال برقی (۶۱)، رجال الطوسی (۴۲۷ ،۴۱۱)، رجال النجاشی (۲۱۱/۱)، ریحانه (۱۰۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸ -۴۷ /۴)، الفهرست طوسی (۴۴)، الکنی و الالقاب (۳۲۷/۲)، لسان المیزان (۳۸۲ - ۳۸۱ /۱)، معجم رجال الحدیث (۲۸۴ -۲۸۲ /۲)، معجم المؤلفین (۱۰۹/۲)، هدیه الاحباب (۱۵۳).

سیاری، ابوالحسین احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، نحوی، لغوی و ادیب امامی. او دایی ابوعمر زاهد ملقب به مطرز است. ابوعمر، از طریق سیاری، از مبرد و ابن مسروق طوسی و ناشی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۶۹/۲)، تاریخ بغداد (۱۳ -۱۲ /۴)، روضات الجنات (۲۱۶/۱)، ریحانه (۱۰۳/۳)، الکنی و الالقاب (۳۲۸/۲)، لغت نامه (ذیل/احمد)، هدیه الاحباب (۱۵۳).

سیاسی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۷۴/۱۲۷۳ ش)، روانشناس، مولف و استاد دانشگاه. وی در تهران متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس خرد و سلطانی، برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه رفت و از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی پاریس به اخذ درجه‌ی دکترا با قید درجه‌ی بسیار عالی نایل گردید و به ایران بازگشت و فعالیتهای فرهنگی خود را از استادی دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی ادبیات آغاز نمود. وی چندین بار رییس دانشگاه تهران شد. از جمله خدمت موثر او می‌توان از تهیه‌ی لایحه‌ی قانون تربیت معلم، تعلیمات عمومی اجباری و مجانی، جدا کردن دانشگاه از وزارت فرهنگ، تاسیس مجدد دانشکده‌ی معقول و منقول، ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه و تاسیس کوی دانشگاه نام برد. او به کشورهای انگلستان و فرانسه و ایتالیا و آمریکا و کانادا سفر کرد. وی در تهران وفات یافت. از دکتر سیاسی تالیفات متعددی به جا مانده است از جمله: «علم النفس یا روانشناسی»؛ «علم النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید»؛ «علم اخلاق»؛ «مبانی فلسفه»؛ «منطق و فلسفه»؛ «هوش و خرد»؛ «روانشناسی شخصیت»؛ «ایران در تماس با مغرب زمین» به زبان فرانسوی و برنده‌ی جایزه از آکادمی فرانسه؛ «طریقه تست» و «مقالات» متعددی که در جراید و مجلات به چاپ رسیده است.[۱]

محقق، مؤلف، رییس دانشگاه تهران.

تولد: ۱۲۷۳(۱۳۱۳ ق.)؛ تهران.

درگذشت: ۴ خرداد ۱۳۶۹، بیمارستان جم تهران.

علی‌اکبر سیاسی، فرزند محمدحسن، پس از اتمام تحصیلات در مدارس خرد و سلطانی و دانشکده‌ی علوم سیاسی تهران، در روزگار احمد شاه قاجار در امتحانات اعزام دانشجو شرکت کرد، شاگرد اول شد و برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در فرانسه به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه سربن نایل شد (موضوع پایان‌نامه‌ی وی «ایران در برخورد با غرب» بود.) طی تحصیل در فرانسه، رساله‌ی دکترای وی مورد توجه فرهنگستان علوم فرانسه قرار گرفت و یکی از جوایز آن فرهنگستان در سال ۱۲۹۳ م. به وی اعطاء شد.

علی‌اکبر سیاسی تحت تأثیر جریان‌های فکری و اجتماعی ناشی از زندگی در اروپا با چند تن از دوستانش که در فرنگ تحصیل کرده بودند حزب ایران جوان را تأسیس کرد. دکتر سیاسی یکی از اعضای هیئت عامله‌ی حزب و از نویسندگان روزنامه‌ی هفتگی «ایران جوان» بود. وی پس از بازگشت از سفر اول اروپا به تدریس در سه مدرسه‌ی دارالفنون، نظام و علوم سیاسی پرداخت. در همین دوران مترجمی سفارت فرانسه در تهران را هم به عهده داشت. در آن مدرسه‌ها، در آغاز کار، زبان فرانسوی و سپس

روان‌شناسی تدریس می‌کرد. در همان هنگام با مجله‌ی «آینده» نیز همکاری داشت.

علی‌اکبر سیاسی پس از تأسیس دانشگاه تهران به استادی این رشته نایل آمد. بعدها که انجمن روان شناسان ایران تأسیس شد به ریاست آن انجمن برگزیده شد و نیز رییس مؤسسه‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران بود. دکتر سیاسی مدت دوازده سال ریاست انتخابی دانشگاه تهران را به عهده داشت. انتشارات دانشگاه تهران در دوره‌ی ریاست و در سال‌های آغازین کار او تأسیس شد و دکتر پرویز ناتل خانلری طراح و مجری امور آن شد. او همچنین ریاست انجمن ایرانی و فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را بر عهده گرفت و در مقام رییس کانون ایران جوان نیز کوشید تا مجموعه سخنرانی‌های فرهنگی و پژوهشی ایراد شده در آن دو مؤسسه به چاپ برساند.

دکتر سیاسی ریاست دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و نیز دانشسرای عالی تا پیش از جدا شدن آن- که بیش از بیست سال طول کشید- بر عهده داشت. تأسیس مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» نیز از فعالیت‌های او بود. وی وزیر فرهنگ احمد قوام و علی سهیلی، وزیر مشاور در هیئت دولت مرتضی قلی بیات (سهام‌الدین)، وزیر فرهنگ در هیئت دولت ابراهیم حکیمی و وزیر امور خارجه در هیئت دولت ساعد بود. در هیئتی که برای امضای منشور سازمان ملل متحد به سانفرانسیسکو اعزام شد عضو بود. در پایه‌گذاری امور یونسکو همکاری داشت و یکی دو بار به نمایندگی ایران در اجلاسیه‌های آن مؤسسه‌ی جهانی شرکت کرد. عضو شورای تبلیغات و عضو فرهنگستان ایران و شورای عالی فرهنگ و جز اینها بود. دکتر سیاسی، ده سال پایانی عمر را در اروپا و امریکا زندگی می‌کرد.

علاوه بر مقالات وی در نشریات داخل و خارج، از آثار وی است: اصول روان شناسی (۱۳۱۷)؛ روان‌شناسی پرورشی (۱۳۲۰، این کتاب به کرات بین بیست تا سی بار به چاپ رسیده است)؛ علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ نمایشنامه‌های عشق و وطن؛ ماهیار یک قربانی دیگر؛ عشق و تجدد؛ ایران در تماس بامغرب زمین (به زبان فرانسوی)؛ دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا برلین (۱۳۲۹)؛ روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ علم اخلاق (نظری و عملی) (۱۳۳۶)؛ منطق و روش‌شناسی (۱۳۳۶، چند بار چاپ شده است)؛ مبانی فلسفه (۱۳۳۶)؛ علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ منطق و فلسفه (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ هوش و خرد (۱۳۴۱، چاپ‌های مکرر دارد)؛ روان‌شناسی جنایی (۱۳۴۲)؛ گزارش یک زندگی (جلد اول، لندن ۱۳۳۶).

در ۱۲۷۴ ش در تهران متولد شد و پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه عالی سیاسی مشیرالدوله شد و دانشنامه گرفت. در ۱۲۹۰ دولت ایران قریب بیست نفر از جوانان کشور را تحت سرپرستی ریشارد برای ادامه تحصیل به اروپا فرستاد، از جمله علی‌اکبر سیاسی در زمره‌ی آن بیست نفر بود. در این سفر برای هر کدام از محصلین نام خانوادگی انتخاب شد و چون علی‌اکبر رشته‌ی سیاسی خوانده بود نام خانوادگی سیاسی را برای خویش انتخاب کرد. پس از ورود به پاریس وارد دانشسرای روان شد و به تحصیل در رشته‌ی علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت و مدت تحصیل وی مجموعا پنج سال به طول انجامید و در ۱۲۹۶ به ایران بازگشت و به استادی مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در ۱۲۹۸ علاوه بر تدریس به سمت مستشار و مترجم سفارت فرانسه در تهران برگزیده شد و قریب دو سال در آن سمت انجام وظیفه نمود. سیاسی پس از بازگشت از اروپا در فکر تغییراتی در شئون تغییراتی در شئون مختلف کشور افتاد و با مشارکت عده‌ای از دوستان خود جمعیتی به نام ایران‌جوان تاسیس کرد. هسته‌ی اصلی این جمعیت غیر از سیاسی عبارت بودند از، حسن مشرف نفیسی، اسمعیل مرآت، محمدوحید تنکابنی، محسن رئیس، جواد عامری. اساسنامه‌ای که خیلی مترقی و تند بود تهیه کردند از جمله در مرامنامه آنها آمده بود: تجزیه امور مدنی از مسائل روحانی، الغاء کاپیتولاسیون، الغاء محاکم خصوصی و ارجاع کلیه امور به محاکم عمومی، تجدیدنظر در قراردادهای گمرکی، ایجاد راه‌آهن، ایجاد مدرس عمومی و اجباری برای پسران و دختران و چند مورد دیگر.

جمعیت ایران‌جوان پس از مدتی روزنامه‌ای به نام جمعیت که به طور هفتگی منتشر می‌شد دائر کردند که شماره اول آن دوازده صفحه بود و مطالب متنوعی در آن نوشته شده و چندین کاریکاتور هم در آن شماره به چشم می‌خورد. وقتی سردار سپه قدرت گرفت، اعضاء موسس ایران‌جوان را پذیرفته و مرامنامه آنها را مطالعه و مورد تصویب و اجرا قرار داد.

علی‌اکبر سیاسی در ۱۳۰۸ مجددا برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در رشته‌ی روانشناسی دکترا گرفت و رساله‌ی وی با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب استادان قرار گرفت و جایزه‌ای نیز از طرف دانشگاه به او داده شد. سیاسی در ۱۹۳۱ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ ریاست تعلیمات عالیه به او واگذار شد و در دارالمعلمین عالی نیز به تدریس روانشناسی و فلسفه پرداخت.

در ۱۳۱۳ پس از تاسیس دانشگاه تهران وی به استادی روانشناسی در دانشکده ادبیات منصوب شد و در سال بعد عضو پیوسته فرهنگستان جدیدالتاسیس ایران شد. در ۱۳۲۱ به ریاست دانشکده ادبیات برگزیده شد و در مرداد همان سال در کابینه‌ی احمد قوام وزارت فرهنگ را عهده‌دار شد. سیاسی در این سمت قانون تعلیمات اجباری را از مجلس سیزدهم گذرانید و برای دانشگاه تهران که ضمیمه وزارت فرهنگ بود استقلال گرفت و از طرف روساء دانشکده‌ها به ریاست دانشگاه مستقل تعیین شد.

پس از بلوای ۱۷ آذر ۱۳۲۱ قوام‌السلطنه تمام روزنامه‌ها و مجلات کشور را تعطیل کرد و مدیران آن را به زندان افکند و دکتر سیاسی وزیر فرهنگ وقت لایحه‌ی جدیدی به قید دوفوریت به مجلس داد و ضمن لغو تمام امتیازات برای صاحب امتیازی مطبوعات، اصول جدیدی را در نظر گرفت که یکی داشتن دیپلم متوسطه و دیگری بضاعت مالی بود.

پس از سقوط کابینه‌ی احمد قوام، علی سهیلی به نخست‌وزیری منصوب شد و پست وزارت فرهنگ مجددا به دکتر علی‌اکبر سیاسی تفویض گردید. در ۱۳۲۳ در کابینه‌ی مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) به وزارت مشاور برگزیده شد. در ۱۳۲۶ در کابینه‌ی ابراهیم حکیمی برای بار سوم وزیر فرهنگ شد و بالاخره در کابینه‌ی ساعد به وزارت امور خارجه معرفی گردید. و در ۱۳۲۵ عضویت هیئت نمایندگی ایران را در سازمان ملل عهده‌دار گردید.

دکتر علی‌اکبر سیاسی مجموعا مدت ۱۲ سال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۳۳ به موجب طرحی که از طرف یکی از نمایندگان به مجلس داده شد، انتخاب ریاست دانشگاه از روسای دانشکده‌ها سلب و قرار شد وزیر فرهنگ سه نفر از اساتید

دانشگاه را که رتبه‌ی آنها از ۹ کمتر نباشد به شاه پیشنهاد کند و شاه یکی از آنها را انتخاب کند. لذا جعفری وزیر فرهنگ وقت، سه نفر را پیشنهاد نمود. نفر اول دکتر منوچهر اقبال بود که به ریاست دانشگاه انتخاب گردید. دکتر اقبال برای تقدیر از خدمات دکتر سیاسی به وی مقام ریاست افتخاری دانشگاه تهران را داد.

دکتر علی اکبر سیاسی پس از کنار رفتن از ریاست دانشگاه، تلاشی برای کارهای دولتی به عمل نیاورد و همچنان با استادی و تدریس در دانشکده ادبیات امرار وقت می‌کرد و سرانجام بازنشسته شد و به مقام استادی ممتاز رسید.

دکتر سیاسی دارای تالیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد، از جمله می‌توان کتابهای مبانی فلسفه علی‌النفس یا اصول روانشناسی، نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی و چندین کتاب درسی و چند ترجمه را نام برد. او اصول روانشناسی جدید را در ایران بنیاد نهاد، از اینرو به نام بنیانگذار و پدر روانشناسی جدید در ایران معروف می‌باشد. وی در جوانی با دختر صمصام‌الملک بیات ازدواج کرد و صاحب چند فرزند شد که ارشد آنها دکتر هدایت سیاسی هم‌اکنون استاد دانشکده بهداشت است.

سیاسی در اواخر عمر در خارج از ایران می‌زیست و کتابی به زبان فارسی تحت عنوان گزارش یک زندگی نوشته و انتشار داد که در حقیقت شرح حال و زندگینامه‌ی او بود. در اواخر ۱۳۶۸ به ایران بازگشت و در ششم خرداد ۱۳۶۹ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۳۱۱ -۳۱۰)، کلک (س ۱۳۶۹، ش ۳، ص ۳۲ -۲۹)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۱ -۵۱۸ /۴)، نشر دانش (س ۱۰، ش ۴، ص ۱۰۴).

سیاه، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، حکاک. حکاک و نگین‌تراش معروف دوره ناصری بود. از سال ۱۲۶۰ تا ۱۲۸۰ ق به حکاکی و نگین‌تراشی اشتغال داشت. بهترین و زیباترین آثار نگین‌تراشی این زمان، اثر دست این هنرمند معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۸۲ -۸۱ /۱).

سیاهپوش، سید جواد، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، عالم، ادیب و شاعر. پدرش سید محمد زینی از معاصران سید مهدی طباطبایی بود. سید جواد از اخباریان متعصب و از شاگردان میرزا محمد اخباری بود. او دارای خطی نیکو بود. چون پدرش درگذشت او را به قصیده‌ای رثاء گفت که در «دیوان» وی ثبت است. از آثار وی: «معراج الاسرار»، در تصوف؛ «دوحه‌الانوار فی الرائق من الاشعار»؛ در ادب، در چند جزء؛ شعری در رثای شیخ محسن اعسم؛ «دیوان» اشعار؛ قصیده‌ای در رثای شیخ خالد نقشبندی که سید محمود آلوسی بزرگ آن را شرح کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲/۶)، اعیان الشیعه (۲۸۱ -۲۸۰ /۴)، الذریعه (۲۲۸/۲۱، ۲۰۸/۹، ۲۷۳/۸)، ریحانه (۱۰۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۰ -۲۸۹ /۱۳)، معجم المؤلفین (۱۶۸/۳)، مکارم الآثار (۱۳۲۰ -۱۳۱۹ /۴).

سیبویه اصفهانی، ابونصر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، نحوی. از بزرگان علم و ادب بود. از ابن فارسی روایت کرده و عموی سمعانی نیز از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۱۰ -۱۰۹ /۳).

سیبویه ثانی، برهان‌الدین ابراهیم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۰ -۹۱۷ ق)، نحوی و ادیب، عارف، شاعر و مفسر. از عارفان و نام‌آوران عرفان و مشاهیر سلسله‌ی نقشبندیه است. که در نحو و ادبیات عرب و متون شعری یگانه‌ی روزگار خود بود. در حین مسافرت به مکه به دست خوارج کشته شد. از آثار وی: «انبیاء

نـامه»؛ «التـائیه»، در نحو معروف است به «نهـایه البهجه»، که آن را شـرح کرده به نام «معیار الادب فی شـرح نهایه البهجه»؛ «تائیه» در نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری به نام «موزون المیزان»؛ «تفسیر قرآن» از اول تا سوره‌ی یوسف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۸ -۱۲۷ /۲)، ایضاح المکنون (۵۱۵/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶)، الذریعه (۵۰۶/۹، ۲۰۲ -۲۰۱ /۳)، ریحانه (۱۱۱ -۱۱۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۷)، کشف الظنون (۱۹۰۱، ۲۶۷)، معجم المؤلفین (۳۸/۱)، یغما (س ۶، ص ۱۵۴ - ۱۵۲).

سیبویه کربلائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمـد فرزنـد ملا علی‌اکبر سـیبویه حایری کربلائی از مخلصـین اهل‌بیت و مبلغین احکام و مروجین اسـلام و خدام مخلص اهل‌البیت علیهم‌السلام بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌الصلوه والسلام است. ایشان در بیستم ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ قمری در کربلا به دنیا آمـده و در بیت علم و حـدیث تربیت یافته و پس از خوانـدن دروس مقـدماتی و ادبیات سـطوح را نزد والـد ماجدش و عموی بزرگوارش مرحوم حاج شـیخ محمـدعلی سـیبویه که از علماء محترم کربلا بودنـد خوانـده و سـطوح نهائی و خارج فقه را از مرحوم علامه فقیه حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی که از مجتهدین و علماء مبرز کربلا بودند استفاده نموده و در سال ۱۴۰۰ قمری برابر با ۱۳۵۹ شمسـی از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر و رانده به ایران شده پس از ورود رحل اقامت به تهران انداخته و تا حال تحریر کتاب ۱۴۱۲ قمری در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ذکر مصائب خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان حضـرت ابی‌عبداللّه الحسـین علیه الصـلوه والسـلام از طریق منبر اشـتغال دارند و جدا مخلصانه و خالصانه این وظیفه را ایفاء می‌کنند و لذا اثر عمیقی در مستمعین و شنوندگان خود می‌گذارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سیبویه یزدی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسـین فرزنـد عالم ربانی حاج شـیخ محمدعلی فرزند آخوند ملا عباس یزدی ابرندآبادی از دانشـمندان کربلا بوده که دولت بعث عراق او را با ده‌ها هزار نفر دیگر به ایران رانده و ایشان رحل اقامت در مشـهد مقدس انداخته و تأسـیس مدرسه علمیه‌ای به نام امـام حسـین علیه‌السـلام نموده و به خـدمات دینی در آنجا از اقامه جماعت و تـدریس و اداره عـده‌ای از طلاب و محصـلین اشـتغال دارند.

جـد ایشان آخونـد ملا عباس در ابرنـدآباد یزد متولـد شـده و پس از خوانـدن مقدمات به اتفاق آقا سید محمدکاظم یزدی که با او رفـاقت تـامی داشته به اصـفهان هجرت نموده و قسـمتی از سـطوح در آنجـا خوانـده و مهاجرت به کربلا نموده و چنـدی که اقامت داشتند کسی از شخصیت ایشان مطلع نبوده تا آنکه کم‌کم مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر حجت کربلائی و آیت‌اللّه حاج سید اسماعیل صدر متوجه و مطلع می‌شوند از آمدن ایشان.

پس از ایشان دیدن کرده و تجلیل می‌کنند پس از آن شـروع به تدریس و اقامه نماز جماعت در صـحن شـریف و بعضـی از مساجد کربلاـ می‌نماینـد و بعـد از آن برادر بزرگوارش مرحوم آخونـد ملاـعلی سـیبویه از ابرنـدآباد یزد عازم کربلا شـده و در آنجا اقامت نموده و پس از چنـدی قبـل از برادرش مرحوم ملاعبـاس از دنیا می‌رونـد و لقب سـیبویه اختصاص به ایشان داشت و پس از فوتشان علماء کربلا لقب مـذکور را به ایشان دادنـد و این نام خانوادگی اولاد و اعقاب ایشان گردیـد و خلاصه هر دو آن بزرگوار از علماء مبرز و مجتهـدین بزرگ کربلا بودنـد و مرحوم آخونـد ملاعلی سـیبویه عقیم و بـدون اولاد بود و مرحوم آخوند ملاعباس دارای دو فرزند عالم و دانشمند به نام:

۱- حاج شیخ علی‌اکبر والد ماجد حاج شیخ احمد سیبویه مقیم تهران.

۲- حاج شیخ محمدعلی سیبویه والد ماجد مترجم ما بودند.

و این دو بزرگوار حاج شـیخ علی‌اکبر و حاج شـیخ محمـدعلی از علماء مبرز کربلا بوده‌انـد که در حوزه کربلا اشـتغال به تدریس و امامت در صحن شریف و مسجد می‌نمودند.

و مرحوم حاج شـیخ محمـدعلی دارای فرزنـدانی بودنـد که بیشتر آنها در حال کودکی از دنیا رفتند و دو فرزند فاضل و دانشـمند از ایشان به نام:

۱- حاج شـیخ محمدحسن سـیبویه که دانشـمندی فاضل و ارزشمند بودند و پس از سفر به ایران در اثر ناراحتیها و صدمات وارد در مشهد بیمار شده و از دنیا رفته و در صحن نو مشهد مقدس مدفون شدند.

۲- مترجم ما جناب حاج شـیخ حسـین سیبویه که در کربلاء معلی به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی و مقدماتی و سـطوح را از مدرسـین کربلا بالاخص مرحوم والدشان و حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و حاج شیخ محمدرضا جرقوئی اصـفهانی و حاج شیخ محمدعلی منتظری و حاج شیخ محمد خطیب و دیگران خوانده سپس عزیمت به نجف اشرف نموده

و سطوح عالی را از محضر حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آقا سید احمد اشکوری و حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای و بعد به درس مرحوم میرزا باقر زنجانی و بعد از آن به درس میرزا حسن بجنوردی سپس درس آیت‌اللّه العظمی و العلامه الکبری خوئی مد ظله و آقای خمینی استفاده نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و غیره پرداخته و مدرسه‌ای به نام امام حسین علیه‌السلام تأسیس و عده‌ای از محصلین و طلاب مشهد را تربیت و تعلیم می‌دهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سیبویه، ابوبشر، ابوالحسن عمرو

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۹۴ –۱۶۰)، نحوی. ملقب به امام نحویان. در بیضاء شیراز متولد شد و در بصره نشو و نما یافت و در بصره و بغداد اقامت گزید. ابتدا به طلب فقه و حدیث پرداخت. سپس متون عربیت را نزد خلیل بن احمد و یونس بن حبیب و عیسی بن عمر و اخفش اکبر فراگرفت و قطرب و اخفش اصغر و اخفش اوسط و دیگر بزرگان از شاگردان وی بودند وی با کسایی معاصر بود و مناظره داشت. محل مرگ وی را در بصره، ساوه، بیضاء آورده‌اند. درباره عظمت علمی و فکری سیبویه سخن بسیار گفته شده و کتاب فراوان نگاشته شده او را اولین کسی می‌دانند که علم نحو را گسترش داد. از آثار او: «الکتاب» یا «کتاب سیبویه».[۱]

(معر، سیب کوچک یا بوی سیب) ابوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر (یا قنبره) فارسی بیضاوی و سپس عراقی مصری ملقب به سیبویه (و. بیضاء (فارس) ۱۴۸ ه.ق./ ۷۶۵ م.– ف ۱۸۰ ه.ق./ ۷۹۶ م.) وی اعلم مردم در نحو عربی بود و او را پیشوای مذهب بصریان در نحو دانند چنانکه کسائی را پیشوای کوفیان دانند، کتاب مشهور او به نام «الکتاب» در نحو است. قبر وی اکنون در محله سنگ سیاه شیراز می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۲/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶/۱)، تاریخ بغداد (۱۹۹ –۱۹۵ /۱۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۲ –۲۱۱ /۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۳۹۷ –۱۳۹۶ /۱)، الذریعه (۲۶۱/۱۷)، روضات الجنات (۳۱۰ –۳۰۵ /۵)، ریحانه (۱۰۹ –۱۰۸ /۳)، سیر النبلاء (۳۵۲ –۳۵۱ /۸)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۷۱/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۸۴)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۹۰ –۸۹)، الکنی و الالقاب (۳۳۰ –۳۲۹ /۲)، کشف الظنون (۱۴۲۷ –۱۴۲۶)، لغت نامه (ذیل/ سیبویه)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۱۷۹)، مجموعه مقالات کنگره سیبویه، معجم الادباء (۱۲۷ –۱۱۴ /۱۶)، معجم المؤلفین (۱۰/۸)، وفیات الاعیان (۴۶۵ –۴۶۳ /۳)، هدیه الاحباب (۱۵۴ –۱۵۳).

سید العراقین (عبدالحسین)

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا عبدالحسین خاتون آبادی فرزند آقا میر محمد مهدی بن حاج میر معصوم بن حاج میرزا محمد علی بن میر ابوالمحسن بن میر محمد اسماعیل [بن میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل] مدرس کبیر خاتون آبادی. پدرانش عموما از علمای بزرگ اصفهان، و رؤسای این شهر بوده، و به مناسبت سکونت در محله‌ی پاقلعه (از محلات اصفهان) به سادات پاقلعه معروف شده‌اند.

مرحوم سید العراقین در سال ۱۲۹۴ در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، سپس جهت تکمیل به عراق عرب رفته، سال‌ها در نجف اشرف از محضر اساتید بزرگ آنجا در فقه و اصول استفاده نموده، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل گردیده، به اصفهان مراجعت نموده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت، و فصل خصومات، و ترویج دین پرداخته.

سرانجام در شب چهارشنبه ۱۰ شوال ۱۳۵۰ وفات یافته، در تکیه‌ای مخصوص در مجاورت تکیه‌ی خاتون آبادی‌ها مدفون گردید. (پس از آن جمعی کثیر از فضلا و علما در مجاورت او در بقعه و خارج آن مدفون شدند که ذیلا به نام برخی از آنها اشاره می‌شود.

مرحوم سید العراقین آخرین مدرس معروف مدرسه‌ی چهارباغ به شمار می‌رفت که پس از فوت او، به مناسبت چندی، سال‌ها مدرسه تعطیل، و خالی از طلبه و محصل بوده، و امورات وقفی آن زیر نظر اداره‌ی اوقاف اداره می‌شد، تا پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ مجددا مدرسه به تصرف وقف داده، و حق به من له الحق بازگشت. سپس طلاب در آن ساکن شده و به تحصیل مشغول شدند، و به حمدالله تاکنون دایر، و صبح و عصر جلسات تدریس فقه و اصول حکمت و ادب در آنجا دایر است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سید امامی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، پزشک، روزنامه‌نگار و نویسنده. در برلن تحصیل طب نمود و عملیات طبی را در بیمارستان دولتی شارتیه انجام داد. در سال ۱۳۱۰ ش به تهران مراجعت کرد. سه دوره به نمایندگی مجلس از تبریز انتخاب شد. مدت ده سال مجله‌ی پزشکی و بهداشتی «تندرست» را منتشر می‌کرد. از آثار وی: «سالک»؛ «مالاریا».[۱]

فرزند سید کاظم امام جمعه و متولد ۱۲۸۰ در تبریز است. تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی پزشکی در فرانسه به اتمام رسانید و وارد دانشگاه تهران شد و مقام استادی دانشکده‌ی پزشکی گرفت و مدتی نیز در وزارت بهداری معاونت کل آن وزارتخانه را بر عهده داشت.

در دوره‌ی شانزدهم از طرف مردم تبریز به مجلس رفت و در ادوار هیجدهم و نوزدهم دارای همان سمت بود. دو دوره هم از تبریز برای سناتوری انتخاب شد. وی مدتی به انتشار مجله‌ی پزشکی تندرست مبادرت کرد. در سن ۶۸ سالگی فوت نمود. وی داماد امیراسعد ذوالفقاری بود. در اواخر عمر به حرفه‌ی طبابت اعتنائی نداشت و غالبا وقت او صرف اداره‌ی مستغلات و املاکش می‌شد. مردی بود که برای خود زندگی می‌کرد و از ثروت خود حداکثر بهره‌برداری مالی را می‌نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۴۰۸ -۱/ ۴۰۷).

سید انزابی‌نژاد، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سید هاشمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمد سیدهاشمی

محل تولد : کاظمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمد میرهاشمی از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم، همزمان نیز شبانه تحصیلات را در مقطع دبیرستان در رشته فرهنگ و ادب به اتمام رساندم. (۶۶ ـ ۱۳۶۵) در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مقطع کارشناسی (رشته فلسفه و کلام اسلامی) شرکت نموده و در تابستان سال ۱۳۷۵ فارغ‌التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۶ بعد از ارائه یکسال امتحان درس خارج فقه و اصول در مشهد رهسپار حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ و نیز سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی در برخی دانشگاهها مانند باقر العلوم(ع) تربیت مدرس قم شرکت نموده ولکن علی رغم قبولی در مراحل بعدی شرکت نکردم. از سال ۱۳۸۰ به بعد تاکنون به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی در برخی دانشگاههای آزاد و جامع علمی کاربردی تدریس داشته‌ام. از سال ۱۳۸۳ به بعد در عرصه تحقیق و پژوهش فی الجمله فعالیتی داشته‌ام برخی از آثار حقیر (که البته به مرحله چاپ نرسیده است) به شرح ذیل می‌باشد: الف) اخلاق اسلامی ب) مجموعه مقالات اصول کاربردی آیین زندگی ج) معادشناسی د) اعتقاد به منجی عدالت گستر و آثار آن ه) مطلق گرایی در اخلاق. در سال ۱۳۸۴ با اخذ موضوع پایان‌نامه از شورای مدیریت حوزه علمیه قم رساله خود را با عنوان مطلق‌گرایی در اخلاق تحت راهنمایی استاد راهنما جناب آقای دکتر عباسی به اتمام رسانده و اکنون رساله سطح ۳ حوزه بنده در نوبت دفاع قرار دارد. از حدود سالهای ۱۳۸۲ به بعد به عنوان مشاور در برخی واحدهای دانشگاهی در حوزه‌های مختلف مذهبی، اعتقادی، خانوادگی، مشاوره و رسماً در برخی جلسات جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی فعالیت داشته‌ام. در تمام این مدت تاکنون در دروس خارج فقه و اصول (حضرت آیت الله وحید خراسانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت داشته‌ام). در سال تحصیل جاری (نیمسال دوم ۸۶ ـ ۸۵) در جامعهٔ الزهراء قم تدریس برخی دروس را نیز به عهده دارم. از زمان تدریس در دانشگاهها (باعنوان رتبه اول استادیاری) مشاوره برخی دانشجویان را در تحقیقات آنها (استاد مشاور) برعهده داشته‌ام.

سیدحسینی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا سیدحسینی درسال ۱۳۰۵ در اردبیل زاده شد. وی علوم ارتباطات دور را در مدرسه پست و تلگراف و تهران آموخت وی در مدرسه عالی ارتباطات دور فرانسه و نیز در دانشگاه U.S.C آمریکا مدتی تحصیل کرد و به تدریس در آموزشکده تئاتر پرداخت. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دایرهٔ المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می کند. کتاب"ضد خاطرات "ترجمه وی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فارسیگرایش : ترجمه ادبیوالدین و انساب : رضا سیدحسینی ازسادات شهرستان اردبیل می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا سیدحسینی دورهٔ دبیرستان را در زادگاهش و تحصیلات تخصصی در رشته مخابرات را در آموزشگاه عالی پست و تلگراف تهران فراگرفت. سپس به فرانسه رفت و در مدرسه عالی ارتباطات دور و سپس دردانشگاه U.S.C آمریکا به تحصیل فیلم سازی مشغول شد. وی پس از بازگشت به میهن زبانهای فرانسه و فارسی را به طور عمیق تر نزد عبدالله توکل، پژمان بختیاری و ناتل خانلری فرا گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : سفرها و اقامت رضا سیدحسینی در فرانسه و آمریکا از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا سیدحسینی در کنار مطالعه رشته فیلم سازی، به طور جدی به مطالعه آثار ادبی ملل گوناگون می پرداخت و ترجمه های فراوان و ارزشمندی از آنها به عمل آورد که وی را در این زمینه مشهور کرد. وی کار ترجمه را از شانزده سالگی آغاز کرده است. از زبانهای فرانسه و ترکی استامبولی و انگلیسی ترجمه می کند. در سال ۱۳۳۴ کتاب «مکتبهای ادبی» را تألیف کرده است که اغلب در رشته های ادبی دانشگاهها تدریس می شود. عبالله توکل را (که به اتفاق او چند کتاب از آثار اشتفان تسوایک و بالزاک و آندره ژید را ترجمه کرده) و نیز مرحوم پژمان بختیاری را اولین معلم های خودش در کار ترجمه می داند، اما رشد ادبی خود را مدیون دکتر پرویز خانلری است که سالیان دراز در مجلهٔ سخن (به عنوان دستیار و سر دبیر) در واقع شاگرد مکتب او بوده است.استادان و مربیان : رضا سیدحسینی زبان فرانسه و فارسی را نزد استادانی همچون عبدالله توکل، پژمان بختیاری و دکتر پرویز ناتل خانلری به طور عمیق تری فرا گرفته بود.وقایع میانسالی : رضا سیدحسینی پس از بازگشت از آمریکا و فرانسه به میهن مدتی به تدریس در آموزشکده تئاتر پرداخت. وی سالهای متمادی سردبیر مجله سخن و فعال در اداره مخابرات و رادیو و تلویزیون بو. و در کنار آن به طور جدی به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون به زبان فارسی مشغول بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : برخی از مشاغل رضا سیدحسینی عبارتند از : –عضو هیأت علمی دایره‌المعارف اسلامی –مدرس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات در آموزشکده تئاتر – سردبیر مجله سخن –فعالیت دراداره مخابرات و رادیو و تلویزیون –مترجم ادبیات ملل به زبان فارسی فعالیتهای آموزشی : رضا سیدحسینی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا مدتی در آموزشکده تئاتر به تدریس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات می پرداخت.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی دایرهٔ المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می کند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه وترجمه آثار ادبی مشهور ملل گوناگون به ویژه ملتهای فرانسوی زبان از امور مورد علاقه رضا سیدحسینی بوده و هست.همفکران فرد : رضا سیدحسینی در زمینه ترجمه آثار ادبی ملل در کنار بزرگانی چون نجف دریا بندری و احمد آرام قرار می گیرد.آرا و گرایشهای خاص : رضا سیدحسینی از جمله مترجمینی است که عمدتا به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون علاقمند است.جوائز و نشانها : رضا سیدحسینی درسال ۱۳۸۰در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه ترجمه برگزیده و معرفی شد.همچنین کتاب"ضد خاطرات "ترجمه وی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان سر ویراستار کتا" فرهنگ آثار (معرٌفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز ")بوده اند که کتاب فوق در دوره بیست و یکم کتاب سال انتخاب شده است.

آثار : آن سوی کوهستان و ، گرما را بکشند ویژگی اثر : ترجمه، از یاشار کمال (به اتفاق جلا ل خسروشاهی)۲ آنسوی کوهستان ۳ امید ۴ امید ویژگی اثر : ترجمه،از آندره مالرو۵ بهانه ها و بهانه های تازه ۶ تاریخ رمان مدرن ۷ تونیوکروگر ویژگی اثر : ترجمه، اثر توماس مان۸ جادهٔ تنباکو و غوغای ژوئیه ویژگی اثر : ترجمه، از ارسکین کالدول۹ چشم انداز ادبیات جهان ۱۰ دایره المعارف فرهنگ آثار ویژگی اثر : استاد رضا سید حسینی سرپرستی دایره المعارف فرهنگ آثار را برعهده دارد.۱۱ در تنگ ویژگی اثر : ترجمه، اثر آندره ژید (به اتفاق عبدالله توکل)۱۲ در تنگ ۱۳ در دفاع از روشنفکران ۱۴ ضد خاطرات ویژگی اثر : ترجمه، خاطرات از آندره مالرو (به اتفاق ابو الحسن نجفی)،این کتاب در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب ضد خاطرات: در تاریخ ادبیات جهان هیچ نویسندهٔ دیگری را نمی توان نشان داد که مانند آندره مالرو که زندگیش با این همه حوادث بزرگ و این همه آثار بزرگ آمیخته باشد...زمانی آندره ژید در بارهٔ او گفته بود: «هر بارکه مالرو دهان باز می کند نبوغ سخن می گوید». مالرو ضد خاطرات را در سالهای آخر عمرش نوشته است و این کتاب درواقع حاصل عمر پر بار او است و بر پایهٔ خاطراتی که از مراحل مختلف زندگی خود دارد، از قبیل اسارت در زندانهای آلمانی، و ملاقات با بازرگانی از قبیل نهرو، مائو و دیگران نوشته است. اما کتاب فقط خاطرات نیست و خود او دربارهٔ آن چنین می گوید: «من از کتابم شرح حال را به عمد کنار گذاشته ام . این کتاب متکی بر کارهای روزانه یا یادداشتهای متفرق دیگر نیست، بلکه بر اساس عناصر مشخصی از تجربه ام کوشیده ام تا شخص را، یا پاره هایی از تاریخ را ، باز یابم. رویداد و شخص را به گونه ای وصف کرده ام که گویی به خودم مربوط نیست.» ۱۵ طاعون ویژگی اثر : ترجمه، از آلبر کامو۱۶ فرهنگ آثار (معرٌفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز) ویژگی اثر : سرویراستار ،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: فرهنگ آثار (معرٌفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز)/]ترجمه و تألیف[تحت نظر هیأت علمی: اسماعیل سعادت، احمد سمیعی (گیلانی)، رضا سیّدحسینی، ابوالحسن نجفی، به سرپرستی رضا سیّدحسینی.ـ تهران: انتشارات سروش، ۶ ج]

۴ ج تاکنون[، ج ۴، ۱۳۸۱. این اثر شش جلدی ثمرهٔ همکاری پژوهشگران ایتالیایی و فرانسوی است. بانی آن والنتینو بومپیانی بوده و انتشار چاپ نخست آن از ۱۹۵۳ آغاز شده است. مقالات این فرهنگ عرصه‌ای وسیع را در بر می‌گیرند: رمان، شعر، نمایشنامه، خاطرات، مجموعهٔ نامه‌ها، دانشنامه، انواع علوم و فنون، ادب و فلسفه، حقوق، علوم تجربی، علوم انسانی، تاریخ و هنر و آثار مذهبی، از متون باستانی مصر و چین گرفته تا شاهکارهای روزگار ما. اعضای هیأت علمی همهٔ مدخل‌های این فرهنگ را مطالعه و آن‌ها را به سه درجه تقسیم کردند که از آن میان مقالات کم‌ارزش و بی‌اهمیت (مقالات درجهٔ سه) حذف شد و نیز مقالات مربوط به آثار موسیقی کنار گذاشته شد و به جای آن‌ها مقالات مهم دیگری از فرهنگ ادبی آلمانی معروف کیندلرز دربارهٔ آثار شاعران و نویسندگان ملل جهان سوم انتخاب و ترجمه شد. مهمترین آثار ایرانی و اسلامی نیز در مقالاتی تألیفی معرفی و به صورت الفبایی در داخل فرهنگ قرار گرفت. و بدین ترتیب معرّفی و تحلیل و نقد قریب بیست هزار جلد کتاب‌های متعدد فرهنگ‌های گوناگون و ملل مختلف صورت پذیرفت. این فرهنگ عصاره و زبدهٔ همهٔ کتاب‌ها و همهٔ آثار ذوقی و علمی بشر را در بر دارد و ضرورتش برای انسان امروز نه تنها به حکم گسترش دامنهٔ آن در زمان است بلکه به سبب شمول قلمرو آن در مکان نیز هست. هدف این کار بزرگ مطلقاً آن نبوده است که خواننده را از خواندن اصل آثار معاف کند، بلکه برعکس، هدف اساسی این بوده است که ابزاری برای کشف نگرش اجمالی و انتخاب این آثار به دست خواننده دهد و بدین¬گونه او را به مراجعهٔ مستقیم به خود آثار برانگیزد ۱۷ مکتب های ادبی

سیدعلوی، میرابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر ابراهیم سیدعلوی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال ۱۳۱۸ ه.ش برابر با یکم شوال ۱۳۵۸ ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شد ه ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقرسلطانی (طباطبایی) حدودا در سال های ۱۳۳۳ ش الی ۱۳۴۰ش سال وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمنا دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتح و غیرهم. و تقریبا پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۵۰ ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتح دیپلم مدرسی در رشته معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفت. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتا ب هایی تالیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیک یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیدی ساروی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سیدی ساروی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۲/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روزهـای سبز اردیبهشت ۱۳۴۳ در سـاری شـهری که همسـایه دریا و کشتزاران است وعطر شالیزار درآن می وزد چشم به جهان گشودم. اولین کاری که در عمرم کردم این بود که با آمـدنم پـدر و مادرم را به گریه انداختم و بعد فامیلهای دیگر را (باغی که نکوست از بهارش پیداست) تا یازده سالگی در کوچه های آکنده از عطر درختان نارنج به دنبال سـنجاقک و پروانه می دویدم. رگهـای برگهـا را می شـمردم و لطافت پرهای سار و سبز قبا را با نگاهم لمس می کردم. با اینکه آن روزها هم شـهر نشـین بودم اما گوشم با شیهه اسب و زنگوله گوسفندان آشتی داشت.در سال ۱۳۵۳ برای فرو نشاندن تشنگی روح به حوزه علمیه قم وارد شدم . تا سال ۱۳۵۹ برگهای دفتر عمرم خالی از رنگ شعر و ادب و هنر است. از همان سال حرفهایی از چشمه روحم جوشیدند و در جویبار شعر جاری شدند . در یک برخورد از نوع معمولی با اسـتاد " صادق موسوی گرمارودی " آشنا شدم و ایشان به پاکسازی و پالایش این چشـمه پرداخت . در مـدت یکی – دو سـال هر بـار که خـار جفـا در پای دل می رفت و یا پرنـده شادی بر شاخسار احساس می خوانـد چشـمه می جوشـید و چنـد نفری هم از شـنوندگان رادیو " ساری " و خوانندگان مجلات آن روزها از ان نوشـیدند .از سال ۱۳۶۲ باز به تشویق همان اسـتاد به ترجمه روی آوردم که تا امروز ۴۰ تایشان در قفسه های کتابفروشـی ها و کتابخانه ها نشسته اند. این شـعله هر چند وقت یکبار از زیر خاکستر پراکنده کاریها سـر بر می کشد و تا فاصـله ای را روشن و درون عده ای – وبیشتر بچه هـا – را گرم می کنـد . سال ۱۳۶۳ بـود که پس از مـدتی کلنجـار رفتن بـا روحم او را به دوربین فروشـی بردم و از پشت "ویزور" دوربین دنیا را نشانش دادم . آن قدر خوشـش آمد که از آنروز تا الآن همیشه از آنجا به عالم و آدم نگاه می کند . تا حالا هم بیش از ۱۲ جایزه عکاسـی به من هـدیه کرده است. معطل کارهای دیگری هم شـده ام که هرگز این پراکنـده کاریها را به کسـی توصیه نمی کنم .

سیدیونسی، ودود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نسخه شناس، محقق.

درگذشت: ۱۸ دی ۱۳۵۹.

میرودود سیدیونسـی رییس کتابخـانه‌ی ملی تبریز بود. از جمله فعالیت‌های او تصـحیح کتاب روضـهٔالکتاب و حدیقـهٔ الکتاب تألیف ابوبکر بن الزکی المتطبب القونیوی الملق بالصـدر است که به اهتمـام وی در سـال ۱۳۴۹ در تبریز نشر شـده است. مقاله‌هایی به قلم وی در نشـریه‌های «کتابخانه‌ی ملی تبریز» و «دانشـکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز» به چاپ رسـیده است. از آثار اوست: فهرست کتابخـانه‌ی ملی تبریز: کتب خطی اهـدایی مرحوم حاج محمـد نخجوانی (سه جلـد، تبریز، ۱۳۶۲، ۱۳۵۳، ۱۳۴۸). انتشار دو دیوان صـائب (یکی در سال ۱۳۵۶ و یکی در سـال ۱۳۵۷) و گنجینه‌ی شـیخ صفی‌الدین اردبیلی (۱۳۴۷) از جمله فعالیت‌های دیگر سید یونسی بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیرافی، ابوسعید حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۸ ق)، ادیب، نحوی حنفی. معروف به قاضـی سـیرافی. اصـل وی از سـیراف فارس بود. پـدرش مجوسـی بود و بعـد اسـلام آورد. ابوسـعید در عمـان فقه آموخت. و در بغـداد علـوم قرآنی و نحو را تـدریس می‌کرد قرآن را نزد ابوبکر مجاهـد و لغت را نزد ابن‌دریـد و نحو را پیش ابن‌سـراج فراگرفت. سـید رضـی نحو را نزد او آموخت. مـدتی قاضـی بغداد بود و از راه کسب امرار معاش می‌کرد. در بغداد درگذشت و در مقبره خیزران دفن شد در برخی منابع آثار وی را به فرزندش نسبت داده‌اند. از آثار وی: «الاقناع»، در نحو؛ «اخباره النحویین البصیریین»؛ «صنعه الشعر»؛ «البلاغه»؛ «شرح کتاب سیبویه»؛ «شرح مقصوره ابن‌درید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۱ -۲۱۰ /۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۹۵ -۳۹۴ /۳۸۰ -۳۵۱)، تاریخ بغداد (۳۴۲ -۳۴۱ /۷)، دانشنامه ایران و اسلام (۸۳۷ -۸۳۶ /۶)، روضات الجنات (۷۰ -۶۶ /۳)، ریحانه (۱۴۳/۳)، سیر النبلاء (۲۴۸ -۲۴۷ /۱۶)، الفهرست لابن ندیم (۹۳)، کشف الظنون (۱۹۸۰، ۱۸۰۸، ۱۴۷۰، ۱۴۲۷، ۱۱۰۷، ۱۵۰، ۱۴۰)، الکنی و الالقاب (۳۴۰ -۳۳۹ /۲)، لسان المیزان (۴۰۸ -۴۰۷ /۲)، لغت نـامه (ذیـل/ حسـن)، معجم الادبـا (۲۳۲ -۱۴۵ /۸)، معجـم البلـدان (۳۳۵/۳)، معجـم المؤلفین (۲۴۲/۳)، الوافی بالوفیـات (۷۴/۱۲)، وفایت الاعیان (۷۹ -۷۸ /۲)، هدیه العارفین (۲۷۱/۱).

سیرافی، ابومحمد یوسف

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۵ -۳۳۰ ق)، نحوی، لغوی ادیب و اخباری. اصل وی از سیراف بود و در بغداد متولد شد و نزد پدرش کسب علم کرد و خود نیز درس می‌داد و به تکمیل کتابهای پدر پرداخت. از آثارش: «شرح ابیات سیبویه»؛ تکمله کتاب «الاقناع»؛ شرح ابیات «الغریب المصنف» ابی‌عبید؛ شرح ابیات «المجاز»، ابی‌عبید؛ شرح ابیات «اصلاح المنطق»، ابن‌السکیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۸/۹)، روضات الجنات (۷۰/۳)، ریحانه (۵۷۹/۷)، سیر النبلاء (۲۴۸ -۲۴۷ /۱۶)، کشف الظنون (۱۲۰۹ ، ۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۳۴۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ یوسف)، معجم الادبا (۶۰/۲۰)، معجم المؤلفین (۲۹۱/۱۳)، وفیات الاعیان (۷۴ - ۷۲ /۷)، هدیه العارفین (۵۴۹/۲).

سیستانی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید زین‌العابدین حسینی سیستانی از علماء محترم و ائمه جماعت جامعه گوهرشاد مشهد و مورد احترام و وثوق مردم مشهد بودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سیستانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر عالمی جلیل و فاضلی باکمال از دانشمندان سیستان بوده و در آنجا قیام به وظائف شرعی از اقامه نماز جمعه و نشر احکام و هدایت و ارشاد انام نموده و در حدود ۱۳۲۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سیف اللهی، حجت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر حجت الله سیف اللهی نه کران در روستای نه کران یکی از توابع اردبیل بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته آمار از دانشگاه پاریس ۶(پی یر و ماری کوری) است که پس از اخذ مدرک دکتری رشته مذکور از سال ۱۳۵۳ در دانشگاه ابوریحان و شهید بهشتی به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۸۱ به افتخار بازنشتگی نائل آمد.نامبرده از سال ۱۳۷۷ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به تدریس مشغول می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : آمار (تحلیل داده ها)

والدین و انساب : پدر و مادر حجت الله سیف اللهی نه کران فوت شده اند. ایشان دارای سه برادر است که بترتیب در اردبیل ،رامسر و اراک زندگی می کنند.

خاطرات کودکی : حجت الله سیف اللهی نه کران از دوران کودکی خود چنین می گوید": پنجم ابتدایی را در روستای نه کران اردبیل طی کرده ام . در زیر چراغ نفتی در خانه و در مغازه پدرم درس می خواندم و روزها نیز کنار رودخانه کار می کردم و کلاس ششم ابتدایی را در بخش نمین به پایان رسانیدم.در دوران تحصیل خود همیشه شاگرد اول بودم".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر حجت الله سیف اللهی نه کران در روستای نه کران مغازه داشت و به کار کشاورزی نمی پرداخت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حجت الله سیف اللهی نه کران ۵ سال دوره ابتدایی را در روستای نه کران و ششم ابتدایی را در نمین و سه سال اول متوسطه را آستارا و دو سال دانشسرا را در تبریز ،۴ سال در رشته ریاضی در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخته است. ایشان دوره کارشناسی ارشد را در موسسه آموزش عالی آمار و انفورماتیک و دوره تحصیلات تکمیلی و دکتری رشته آمار را در دانشگاه پاریس ۶(پی یر و ماری کوری) گذرانده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : حجت الله سیف اللهی نه کران از دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد": در کلاس دوم ابتدایی کتاب ها بزبان ترکی بود و از آذر ۱۳۲۵ به بعد به فارسی تبدیل شد. من برای ششم ابتدایی هر زور صبح از روستای خود به نمین می رفتیم و طوری که در مدرسه بسته می شد و عصر نیز بر می گشتیم.سه سال متوسطه را در آستارا بودم در آن موقع در آن شهر کتاب پیدا نمی شد و بایستی از اردبیل خریداری می شد".

فعالیتهای ضمن تحصیل : حجت الله سیف اللهی ننه کران پس از طی دو سال دانشسرای مقدماتی در مهر ۱۳۳۵ در ننه کران به عنوان آموزگار استخدام شدند.او دو دیپلم طبیعی و ریاضی را بطور متفرقه در اردبیل و تبریز اخذ کردند و در سال ۱۳۴۳وارد دانشگاه تهران در رشته ریاضی گردیدند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر طاهری ،دکتر تارمست،دکتر هاشمی پرست از همدوره ایهای حجت الله سیف اللهی ننه کران می باشند.

همسر و فرزندان : حجت الله سیف اللهی ننه کران در سال ۱۳۴۳ با همسر خود (دبیر بازنشسته) ازدواج کرد که ماحصل این ازدواج سه فرزند ،۲ دختر و یک پسر می باشد.

فعالیتهای آموزشی : حجت الله سیف اللهی ننه کران از مهر سال ۱۳۳۵ به مدت ۱۹ سال در دبیرستانها ننه کران و تهران به تدریس مشغول بودند در سال ۱۳۵۴ با مدرک کارشناسی ارشد رشته آمار در دانشگاه ابوریحان و پس از اخذ مدرک دکتری رشته آمار در دانشگاه شهید بهشتی تا سال ۱۳۸۱ به تدریس پرداخت.نامبرده در مهر همان سال (۱۳۸۱) بازنشسته گردیدند. ایشان در ضمن از ۱۵ شهریور سال ۱۳۷۷ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی اشغال دارند.

جوائز و نشانها : حجت الله سیف اللهی ننه کران بدلیل ترجمه کتاب ،تالیف مقاله و طرحهای پژوهشی در دانشگاه شهید بهشتی لوحهای تقدیر و جوایز نقدی متعددی دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : حجت الله سیف اللهی ننه کران دارای سه طرح پژوهشی در دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

آثار :

۱ آمار ریاضی

ویژگی اثر : ترجمه

۲ تحلیل داده ها

ویژگی اثر : ترجمه

۳ خلاصه درس و فرمولهای آمار و احتمال ریاضی

ویژگی اثر : ترجمه منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

سیف آزاد، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۴۳ ق)، روزنامه‌نگار. وی در سال ۱۹۰۱ م مجله‌ی «صنایع المان و شرق» را در برلین به زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی، ترکی، هندی و آلمانی منتشر کرد. این مجله مصور و رنگی بود. سپس روزنامه‌ی «آزادی شرق» را ابتدا در برلین تا سال ۱۳۴۳ ق و پس از آن در تهران انتشار داد. وی روزنامه‌ی «ایران باستان» را به سال ۱۳۱۱ ش در تهران، به قطع بزرگ و تصاویر رنگی منتشر کرد که تا سال ۱۳۱۴ ش ادامه داشت پس از آن سیف آزاد مجددا به اروپا رفت و بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ به ایران بازگشت و «ایران باستان» را مجددا منتشر کرد. او هم چنین مجله «راهنمای بانوان» را در برلین به زبانهای فارسی و انگلیسی و فرانسوی بطور ماهیانه انتشار می‌داد. «ایران باستان» روزنامه‌ای سیاسی و اقتصادی بود که هدف آن شناساندن ایران به خارجیان و ایرانیانی که در خارج از ایران زندگی می‌کردند خصوصا پارسیان مقیم هندوستان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۲۹ -۱۲۷ /۳، ۳۳۸ -۳۳۷ /۲، ۳۳۴ -۳۳۰، ۱۴۹ -۱۴۸ /۱).

سیفائی، عبدالغفار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۶.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: ضرب‌المثل‌های محلی اوز فارس (۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیفی فمی تفرشی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: اسفند ۱۳۰۹، فم در تفرش.

درگذشت: ۹ تیر ۱۳۷۲، تهران.

مرتضی سیفی فم تفرشی تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رساند و در مهر ۱۳۳۰ وارد دانشکده‌ی افسری شهربانی شد. در سال ۱۳۴۵ در رشته‌ی زبان انگلیسی و در سال ۱۳۵۱ در رشته‌ی علوم تربیتی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و برای دریافت درجه‌ی فوق لیسانس، موضوع «جامعه، پلیس و تعلیم و تربیت» را برگزید.

مرتضی سیفی فمی تفرشی به بررسی مسایل جغرافیای تاریخی علاقه‌مند بود. وی پس از انقلاب با درجه‌ی سرهنگی بازنشسته شد و فرصتی یافت تا به خواندن و پژوهیدن بیشتر روی بیاورد.

از آثار اوست: سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان؛ نظم و نظمیه در دوره‌ی قاجاریه؛ پلیس خفیه ایران با مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچه‌ی شهربانی ۱۳۲۰ -۱۲۲۹، نگاهی به ایران (با همکاری فخرالدین حسینی تنکابنی)؛ ترجمه‌ی تاریخ ایران (نوشته‌ی سرجان مالکم با همکاری ابراهیم زندپور)؛ تهران در آیینه‌ی زمان- بخش اول؛ مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه. از جمله کتاب‌هایی که وی برای چاپ آماده ساخت می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نگاهی به جنگ‌های جهانی اول و دوم در تاریخ مدنیت اروپا، مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچه‌ی شهربانی از ۱۳۴۲ تا انقلاب اسلامی ایران.

مرتضی سیفی فمی تفرشی بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیفی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر سیفی

محل تولد : بابلسر

شهرت : سیفی مازندرانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی،در برخی از شهرهای استان مازندران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلالگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.

پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت.ایشان با توجه به اینکه مسئوول تبلیغات لشکر ۲۵ کربلای مازندران بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص به پرداختن عمیق به این علوم می دادند. در سال ۱۳۶۰ افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان، بیناست. پس از چنگ تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال ۱۳۷۲ در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می باشند.

سیمای کاشانی، محمدرضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۵ ق)، حکیم، ادیب و خطاط. او از اجداد میرزا محمدتقی سپهر لسان‌الملک کاشانی است که در عهد شاه سلطان حسین صفوی می‌زیسته و از این سلطان به لقب عضدالدوله مفتخر شده است. سیما از حکمت الهی و نظم و نثر فارسی و تازی بهره‌مند بود و خطوط هفت‌گانه را خوش می‌نوشت. او در فتنه‌ی افغان در اصفهان به قتل رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۲۹/۳)، مکارم الآثار (۵۸۱/۲).

سینی اصفهانی، امیراحمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

گواه و امضا کننده دیگر سند و سایر برادران و بزرگان امضا کننده سند مورخه ۹۱۷ هجری قمری تنها سردار غیر قزلباش دلیر و توانای شاه اسماعیل و سیاستمدار برجسته که از مردان بزرگ و ایراندوست و معاند با اقوام ترک و تاتار و مغول و فرمانده جنگ با ازبکان در منطقه سمرقند و بخارا در ناحیه قلعه قریشی و غجدوان سنه ۹۱۸ و مورد علاقه و احترام شاه اسماعیل بوده که او را ملقب به نجم بیک و در تواریخ به غلط به نجم ثانی معروف شده که صحیح آن به نظر نویسنده نجم سینی بوده و در جنگ با عبیداللّه بیک ازبک در قلعه قرشی و غجدوان در ۹۱۸ هجری قمری در اطراف بخارا که فرمانده بوده است به علت عقب‌نشینی امرای قزلباش به خراسان و تَرک میدان نبرد توسط ظهیرالدین محمّد بابر متحد شاه صفوی که به همکاری با رئیس امیر احمد مأمور شده بود و همین حرکت سبب کشته شدن بایرام‌خان بیک قرامانی از فرماندهان مورد علاقه امیر احمد (نجم سینی) و شکست وی در میدان نبرد و کشته شدن امیر احمد (امیر نجم سینی) به دست عبیداللّه ازبک در سال ۹۱۸ هجری قمری گردید و به همین دلیل و عناد دیگران، احسن‌التواریخ و عالم‌آرای عباسی با بیان و استناد به سختگیریهای بیش از حد امیر نجم، این سردار رشید را از روی دشمنی و کینه و به ناحق ضمن تأیید روستایی بودن، وی را «حق ناشناس» لقب دادند.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سینی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمدعلی حسینی. واعظ صالح، متوفی در رجب ۱۳۷۷، مدفون در جنب برادر [سید مهدی بدری].

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شاپور، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز شاپور متولد پنجم اسفند ماه ۱۳۰۳ شهر قم که شناسنامه اش را در تهران گرفتند ، دوران ابتدائی را در مدرسه " دقیقی " گذراند . وی دیپلم خود را از دبیرستان " دارائی " گرفت . و در دانشگاه تهران به اخذ لیسانس اقتصاد نائل آمد .او در مدرسه صنعتی آن سالها شاگرد علی اسفندیاری (نیما یوشیج) بود . بعدها با فروغ فرخ زاد که در آن زمان شانزده ساله بود ازدواج کرد (۱۳۲۹) . بعدها فروغ از این حادثه با عبارت " عشق و ازدواج مضحک " یاد کرد .

رابطه زناشوئی این دو به خاطر دخالتهای نزدیکان در سال ۱۳۴۳ به جدائی ختم شد و حاصل این ، پسری به نام کامیار بود ، که فروغ در اشعار خود به او اشاره کرده ، و شاپور نیز از کامی به عنوان نام مستعار استفاده می کرده .

شاپور در طی سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۴ معاونت دارائی اهواز را به عهده داشت . او کارش را ابتدا با مجله توفیق در صفحات " دارالمجانین " و " سبدیات " شروع کرد .یک بار هم در همان سالها داستان هفته نامه توفیق ، مال شاپور بود . در این داستان ، یک ماهی گربه ای را تحت تعقیب قرار داده بود .

شاپور زمانی که ساکن خوزستان بود ، نوشته هایش در روزنامه های محلی آنجا چاپ می شد ، حدود سالهای ۳۱و ۳۲ .

در توفیق هم از سال ۳۷ نوشته هایش با نامهای مستعار کامی ، کامیار و مهدخت به چاپ رسید .

تولد کاریکلماتور در ۲۱ خرداد ۱۳۴۶ در نشریه خوشه به سردبیری احمد شاملو بود . و این واژه را " کاریکلماتور " نیز شاملو نامگذاری کرده بود .

اولین کتاب کاریکلماتور را انتشارات نمونه چاپ کرد ، در سال ۵۰ که در برگیرنده طرحها و نوشته های شاپور از سال ۳۷ تا ۵۰ بود .

این کتاب را انتشارات مروارید در سال ۵۵ تجدید چاپ کرد . کتابهای دیگر شاپور از این قرار است :

ـ کاریکلماتور ۲ انتشارات بامداد سال ۱۳۵۴

ـ کاریکلماتور ۳تحت عنوان " با گردباد می رقصم " انتشارات مروارید سال ۱۳۵۴

ـ کاریکلماتور ۴ انتشارات مروارید سال ۱۳۵۶

ـ کاریکلماتور ۵ انتشارات پرستش سال ۱۳۶۶

ـ موش و گربه عبید زاکانی با طرحهای پرویز شاپور انتشارات مروارید ۱۳۵۲

ـ فانتزی سنجاق قفلی انتشارات پویش ۱۳۵۵

ـ تفریحنامه (طرحهای مشترک بیژن اسدی پور و پرویز شاپور) انتشارات مروارید ۱۳۵۵

ـ شاپور در دو نمایشگاه نیز شرکت داشته است ،یکی به طور مستقل در گالری زروان در سال ۱۳۵۴ ، و یکی هم به طور جمعی در نگارخانه تخت جمشید در سال ۱۳۵۶ با بیژن اسدی پور و عمران صلاحی .

شاپور هرگز دوباره ازدواج نکرد و تا آخر عمر همراه با کامیار و دکتر خسرو شاپور برادرش در یک خانه قدیمی زندگی می کرد و سرانجام پیر انرژیک طنز ایران در چهاردهم مرداد سال ۱۳۷۸ در بیمارستان طوس تهران درگذشت .

اصلا" بهتر است از نوشته های خود او درباره زندگی خصوصیش بدانید ، پس متن زیر را بخوانید :

عباس شهریاری ۷:۴۳ AM زندگی نامه شاپور به زبان خودش : ما خانواده گربه دوستی هستیم . از قدیم ، همیشه گربه توی خانه مان داشتیم . یادم می آید که زمستانها این گربه ها می آمدند و با ژستهای مختلف روی کرسی می نشستند . گاهی خوابیده بودن ، یک وقت نشسته بودند و یک وقت هم با هم بازی می کردند . این است که من با خطوط تن گربه خیلی آشنا هستم و میتوانم بکشمش ، در صورتی که فیل را نمیتوانم بکشم .

گربه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد : موش و ماهی . میتوانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

توی نوشته هایم هم همینطور است . مثلاـ به" رنگین کمان" میپردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم . بعد رهایش میکنم . یک وقت یادم میآید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت . تصویر چیزها در آب . مثلا گفته بودم : وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد . ماهیها صلوات فرستادند یا فرض بفرمایید در زمستان وقتی تصویر درخت در آب افتاد آنقدر ماهی گلرنگ روی شاخه هایش نشست که مثل درخت بهاری غرق شکوفه شد .

به طور کلی حس میکنم که توانسته ام خودم را بشناسم . از بچگی . خیام را از بربودم . از رباعیات خیام . که از نظر حجم خیلی هم کم است . مفاهیم زیادی گرفته بودم . خیلی بیشتر از آنچه که شاید آدم از خواندن یک دیوان پر از قصیده های بلند میگیرد . هروقت چیزی میدیدم که جلب نظرم را میکرد و میآمدم درباره اش با پدر و مادرم صحبت میکردم . حرفم را نمی فهمیدند . حتی چند بار سر این موضوع کتک خوردم . حرفم را میخوردم و جویده جویده صحبت میکردم . خلاصه از همان اول عامل کوتاه نویسی و کوتاه گویی با من بود .

شاد هم سعی کرده ام که" شاعرانه "ها در نوشته هایم بیشتر باشند. برای اینکه حس کرده ام که هم گفتنشان برایم آسان تر است و هم مردم بیشتر دوستشان دارند . اما من خودم بیشتر آنهایی را دوست دارم که جنبه طنزشان قوی تر است .

من همیشه نگران آن هستم که از من بپرسند طنز یعنی چه ؟ چه بسا شبها از ناراحتی و نگرانی این سئوال خوابم نبرده است .

در لحظه ای که کار می کنم ـ چه نوشتنی چه کشیدنی ـ احساس آرامش عجیبی دارم و لحظات جهنمی برایم به لحظات بهشتی تبدیل می شوند . مثلا" وقتی با سنجاق قفلی بازی می کنم ، دیگر یاد بدهکاریهایم نمی افتم و کیف می کنم از اینکه توانسته ام مثلا" ۱۵۰ کار مختلف با یک سنجاق قفلی کوچولو بکنم .

وقتی آدم کار می کند هم لحظات را خوش گذرانده و هم وقتی شب احیانا" در آینه نگاه می کند ، می تواند به خودش بگوید : " آفرین ، شاپور " !!

ـ یک روز این مدادهای « ماژیک » رنگی را دیدم و خیلی خوشم آمد . یک دسته خریدم و آوردم خانه . بعد ، یک روز مادرم و اهل خانه تصمیم گرفتند بروند مسافرت ، به زیارت . چون قبلاً یک بار دزد به خانه مان زده بود ، قرار شد من بمانم و مواظب خانه باشم . تا آن وقت ، طرح هایم را بیشتر توی کافه ها و تریاها می کشیدم . وقتی اجباراً توی خانه ماندم ، چون میز بزرگتری وجود داشت و من هم جای بیشتری داشتم که ماژیکهایم را پخش کنم ، توانستم طرح های رنگی بکشم .این طور بود که رنگ به طرح های منراه یافت .

ـ من طرح کشیدن را با سنجاق قفلی شروع کردم ،هم از جهت این که واقعاً قیافه اش را خیلی دوست دارم ، همیشه در ذهنم هست ، و هم این که در واقع ،طراحی از آن کار نسبتاً آسانی بود . سنجاق قفلی صورت ساده ای دارد و می شود باهاش بازی کرد .

ـ چیزهای هستند که در ذهن من می مانند ، مثلاً از جبری که اجباراً در مدرسه خواندم ،چیزی که بخاطرم مانده ، دسته رادیکال است .

ـ یک مقدار اشیاء دیگر هم توی ایستاده اند و نوبت آنها هم می رسد . به طور کلی ،من ساختمانم طوری است که نمی توانم درباره یک شیء حق مطلب را ادا نکنم . حالابه سنجاق قفلی پرداخته ام و تا آنجا که امکان دارد ، حقش را تضییع نمی کنم !

شادمان، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

زهرا شادمان یکی از استادان به نام رشته کتابداری است . او پس از اخذ مدرک دکتری از دانشگاه سوربن پاریس به ایران بازگشته و درمشاغل مختلفی به فعالیت پرداخته است . مشاغل مهم وی دراین دوران عبارتند از : عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات و برنامه

ریزی علمی و آموزشی ، مرکز خدمات کتابداری (درمرتبه رهبری پژوهش و سرپرستی مرکز) ، مدرس مدعو کتابداری دانشگاه تهران ، ، عضو هیات علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفلا ، عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق ، مشاورکتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته مارک ایران ومشاور ورئیس کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی .گروه : علوم انسانی رشته : کتابداریگرایش : فهرست نویسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا شادمان تحصیلات ابتدایی ، متوسطه و دانشگاهی خودرا تامقطع لیسانس در رشته ادبیات فرانسه درتهران گذراند . سپس جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه گشت . او درسال ۱۳۴۷ موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس کتابداری از مدرسه عالی پاریس شده و در سال ۱۳۴۸ دکترای ادبیات تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس اخذ نمود .هم دوره ای ها و همکاران : زهرا شادمان زمانی در کتابخانه سنای سابق مشغول به فعالیت شد که کیکاوس جهانداری رئیس آن کتابخانه بود . شادمان به عنوان مشاور کتابخانه هفته ای یک روز درآن جا حضور داشت . او دراین دوران بخش فهرست نویسی را درآنجا راه اندازی کرد . خانم جمیله دبیری ، مهوش شاهق ، مهرانگیز صمدی ، شهلا رجالی ،مرحوم آقای طاهری عراقی و کامران فانی از همکاران شادمان درکتابخانه سنای سابق بودند. شادمان ، کیکاوس جهانداری را کتاب شناس بسیار خوبی می داند که توانسته است مجموعه بسیار خوبی را انتخاب و تهیه کرده بود . احسان یار شاطر ، عباس زریاب خویی و قریشی (اهل پاکستان) از جمله کسانی بودند که از مجموعه کتاب های کتابخانه سنای سابق به نحو مفیدی استفاده می کردند . خانم حکمی وراستین و کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی ، آقای مظاهر و تفضلی و خانم سلطانی هم در مر کز خدمات کتابداری از جمله همکاران شادمان بودند . همچنین آقای نیکنام نیز از جمله همکاران شادمان درکتابخانه ملی بود..وقایع میانسالی : زهرا شادمان معتقد است که معمولا درساعات کاراداری با کسی حرف نمی زند ،مگر این که ارجع به کا رباشد . بنابراین خاطرات او ، خاطره کاربود ، آن هم کار با آدم هایی که اعتقاد به کارشان داشتند . وی کاربا این آدم ها را همیشه لذت بخش می داند . اولین خاطره شادمان راجع ه نقل و انتقال کتابخانه ها ، مربوط به جابه جایی مرکز خدمات کتابداری است. که از خیابان خردمند به ساختمانی نبش خیابان کاخ (فلسطین جنوبی) و خیابان شاهرضا (انقلاب فعلی) منتقل گردید . در آن زمان تمام کارکنان مرکز خدمات کتابداری که ۲۷الی ۲۸ نفر بودند ، با ماشین های شخصی کلیه کشوهای برگه دان ها را پس ا بسته بندی حمل کردند . تجربه بعدی او در کتابخانه ملی بود که قرار شد مجموعه ایران شناسی آن را از ساختمان نبش خیابان فلسطین به ساختمان نیاوران انتقال دهند . شادمان و خانم راستین قبل از انجام جابجایی ، جای جدید را بررسی کردند ، طوری که تمام فضاها را اندازه گیری کرده و تمام اتاق های کارمندان را تعیین نمودند . همچنین مخازن را تعیین نموده و چگونگی نصب آنها را بررسی کردند . آنها حتی بسته بندی کتابها را نیز خود نشان برعهده داشتند . شادمان نقل می کند که وقتی لیسانس گرفته بود اصلا کار بلد نبود ، طوری که کار را صددر صد تجربی آموخته است . او می گوید : وقتی کار به من دادند و گفتند که انجام بده از شرمندگی این که بلد نبودم ،تمام ابزار کار فهرست نویسی رابه منزل می بردم و مطالعه می کردم و درنتیجه با پشتکار و مطالعه خودم و با راهنمایی های خانم سلطانی کاریاد گرفتم .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهر اشادمان که به زبان های فرانسه و انگلیسی مسلط می باشد ، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی ، مرکز خدمات کتابداری (در مرتبه رهبری پژوهش و سرپرست مرکز درار سالهای ۱۳۵۸و ۱۳۵۹) ، مدرس مدعوو کتابداری دانشگاه تهران ، عضو هیئت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفال ، عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق ، مشاور کتابخانه ملی جمهوری اسلامی دربرنامه احداث و تجهیز ساختمان کتابخانه ، عضو کمیته مارک ایران ومشاور رئیس کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی است . شادمان درباره روحیه کاری خود نقل کرده است ؛تنها هنری که داشت این بود که برای صفات خوب و پسندیده افراد ارزش قائل می شد و آنها وقتی متوجه صفت ارزشمند خود می شدند جهت حفظ و تقویت آن کوشش می کردند .آرا و گرایشهای خاص : زهرا شادمان درمورد کار و زندگی ، براین عقیده است که هر کس با ارزش کارخود ، شناسایی و موفقیت پیدا می کند ، نه با روابط سببی و نسبی . ازاین روی او به همگام تصدی امورات کتابخانه سنای سابق از استخدام اشخاص به صورت سفارشی و فامیلی دوری کرده و تنها به شایستگی او توجه داشته است تا میزان بهره وری بالارود . شادمان فهرست نویسی رایک کارمشاوره ای می داند . بدان علت تمام کارمندان کتابخانه مجلس سنای سابق دوریک میز کار می کردند ، تا سنخیت رفتاری باهم داشته باشند وهمه اصل کار باشند . شادمان درباره کتابخانه عقیده دارد که آن چه آدم را کتابدار می کند علاقه به کار ، پشتکار و داشتن یک راهنمای خوب است .

منابع زندگینامه :هما افراسیابی ، مصاحبه باخانم دکتر زهرا شادمان ، پیام بهارستان ، شماره ۱۹و ۲۰ ، سال دوم ،دی و بهمن ۱۳۸۱ ، ص۲۴

شادمان، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدضیاءالدین شادمان ورزشکار و سیاست‌مدار ایران دوران محمد رضا شاه پهلوی بود.

شادمان در پانزدهم آذر هزار و سیصد و دو شمسی در محله پامنار بدنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه رودکی تهران و تحصیلات متوسطه دبیرستان را در دارالفنون تهران گذراند. پس از پایان تحصیلات در دانشکده حقوق دانشگاه تهران راهی اروپا شد و دوره دکترا دانشکده حقوق دانشگاه سوربن پاریس را به پایان رسانید. پایان‌نامه دکترا او در زمینه اتحادیه کارگری در ایران بود.

شادمان قهرمان کشور در رشته‌های والیبال و بسکتبال و عضو تیم ملی بسکتبال ایران و با تیم ایران در بازیهای بازی‌های المپیک

تابستانی ۱۹۴۸ لندن شرکت نمود. او بعدها رییس فدراسیونهای والیبال و بسکتبال کشور، عضو کمیته ملی المپیک ایران و معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران بود. دکتر محمد بنایی بنیان گذار پیش آهنگی در ایران و مدرس دانشگاه ورزش در معرفی شادمان چنین گفته‌است: «ضیاء شادمان ورزشکاری قوی، مردی درستکار، وطن پرست به حد اعلی، خوش محضر و دوست داشتنی است. ورزش ایران به این مرد مدیون است.»

سید ضیاءالدین شادمان در تیم ملی بسکتبال ایران در المپیک لندن

شادمان استاد انستیتوی علوم بانکی، دوره فوق‌لیسانس رشته بیمه، و اولین مترجم مقررات بین‌المللی والیبال و بسکتبال و نویسنده آیین‌نامه‌های این ورزش‌ها بود. او ترجمه‌هایی در مورد مطالب تاریخی برای نشریات مختلف داشته است. مترجم کتاب به پا خواستگان بود.

او سالها در رادیوی ایران مشغول به کار بوده است. او مسیول تهیه و اجرای برنامه روزانه اخبار ورزشی رادیو ایران و اولین مفسر و گزارشگر مسابقات ورزشی بطور زنده بوده است. از کارهای او تهیه برنامه هفتگی «رضا شاه در پیشگاه تاریخ»، تهیه برنامه هفتگی «شهری در دل شهر ما»، تهیه برنامه روزانه «چرا کارفرما نشویم» و عضو هیت ۵ نفری انتخاب بهترین برنامه‌های سال رادیو ایران بود.

شادمان در زمان عهده داری شهرداری تهران

او بعنوان کارمند وزارت دارایی شروع بکار نمود و سپس معاون سازمان جیره‌بندی گردید. از سمتهای اجرایی او می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

* عضو هیت مدیره و معاون مدیر عامل شرکت سهامی بیمه ایران
* مدیر کل وزارت دارایی
* مدیر عامل فروشگاه فردوسی
* نماینده حوزه جیرفت در مجلس شورای ملی
* نماینده مجلس و عضو هیت رییسه مجلس شورای ملی کارپرداز اول
* شهردار تهران: دوران ریاست او بر شهرداری تهران را می‌توان یکی از پرماجراترین شهردارهای تهران نامید. شادمان بسیاری از مدیران و کارکنان شهرداری را اخراج نمود. حاشیه‌های این اقدام در نهایت دامن او را گرفت و او مجبور به استعفا از این سمت شد.
* استاندار استان مرکزی
* معاون نخست‌وزیر در امور اجتماعی
* وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر در امور پارلمانی
* موسس و دبیر انجمن تحصیلکرده‌های اروپا
* قائم مقام تولیت آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم

شادمان پس از انقلاب ۱۳۵۷در تبعید می زیست. اما در این سالها دست از فعالیت برنداشت. او در در طی سال‌های دور از وطن به اشاعه و معرفی فرهنگ و ادب فارسی می‌پرداخت. راه اندازی انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران، انجمن حافظ خوانی، و برقراری گردهم آئی های متعدد و تورهای دسته جمعی برای مهاجرین ایرانی ساکن در خارج از کشور گوشه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی او در دوران تبعید او بود. شادمان در ۲۲ اسفند ۱۳۸۷ در مونترال، کانادا در گذشت.

خیابان شادمان تهران به افتخار این فرد نامگذاری شده‌بود.

شاکر اردکانی، سید اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل شاکر اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۲/۱۸

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد اسماعیل شاکر اردکانی فرزند سیّد حسن متولد ۱۸/۱۲/۱۳۵۶ در اردکان یزد هستم .پدر بنّا و سخت در کار و کسبش کوشا و پر کار است و مادرم خانه دار.از میان ۶ فرزند پدرم،فرزنددوّم هستم.از ابتدای نوجوانی علاقه زیادی به علوم دینی و مجالس امام حسین(علیه السلام)داشتم.پس از گرفتن سیکل تصمیم بر رفتن به حوزه گرفتم امّا عده ای به من گفتند دیپلم بگیر و بعد برو در دبیرستان به رشته علوم تجربی مشغول شدم و با وجود آنکه قبول شدم ،سال اوّل را ادامه نداده، به حوزه رفتم و در اردکان طلبه شدم و از محضر اساتیدی چون مرحوم حاج شیخ علی بهجتی و حاج شیخ محمّد شاکری و حاج سیّد مهدی حسینی نژاد و همچنین از استادانی دیگر مثل حاج شیخ علی محیطی،حاج شیخ رضا جعفری،حسین ثقفی،مجید جعفری،شیخ رضا مختاری،شیخ علی جدیدی و.... استفاده نمودم.

پس از اتمام سطح (پایه ششم) به قم آمدم و دروس حوزه را ادامه دادم و همراه آن به رشته تخصصی تبلیغ ادامه تحصیل دادم

واکنون نیز به کارشناسی ارشد آن مشغولم.

شاکری، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۷ ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار مدیر روزنامه‌ی «خسروی» و عضو اداره‌ی پست و تلگراف کرمانشاهان بود. وی در سال ۱۳۳۷ ش بازنشسته شد. از آثار او: «تذکره‌ی مختصر شعرای کرمانشاه»؛ «تاریخچه‌ی مطبوعات کرمانشاه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۴۰ –۳۳۹ /۱) مؤلفین کتب چاپی (۵۷ –۵۶ /۲).

شاکری، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شاکری زواردهی

محل تولد : قم

شهرت : شاکری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شاکری زواردهی ،فرزند عیسی متولد ۱۳۴۵ محل تولد قم ،دوران دبستان و راهنمایی را در شهرستان بابل گذراندم و به خاطر فضای مذهبی خانواده روحانی بودن علاقه وافری به طلبه شدن پیدا کردم لذا در سال آخر سوم راهنمایی تصمیم گرفتم به حوزه بروم وارد حوزه شدم چند ماهی را در مدرسه علمیه صدر[خاتم الانبیاء] بابل گذراندم و از آنجائی که امکانات لازم فراهم نبود وارد حوزه علمیه قم شدم در سالهای اول در کنار دروس فقه در دبیرستان هم تحصیل می کردم و در این سالها توانستم دیپلم را اخذ نمایم ، با اخذ دیپلم تصمیم گرفتم در کنکور سراسری شرکت کنم ، با اینکه خیلی مطالعه نکرده بودم و بدون آمادگی قبلی در کنکور با رتبه عالی قبول شدم ، ولی پس از مدتی احساس کردم این کار ممکن است باعث دور شدن من از حوزه علمیه شود لذا با مشورت اساتید از دانشگاه صرف نظر کرده و در دروس حوزوی متمرکز شدم . دوره سطح را در نزد اساتید بزرگوارحوزه که خیلی از آنان در قید حیات هستند گذراندم اگر چه دو بزرگواری که بسیار بر بنده حق دارند و در شکوفایی فکر و اندیشه ام نقش داشته در قید حیات نیستند آیهٔالله وجدانی فخر که لمعه و شرح آن را محضر ایشان تلمذ کردم و دیگر مرحوم آیهٔالله پایانی که مکاسب را در نزد ایشان آموختم. با پایان یافتن سطح به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم. خارج فقه را در نزد حضرت آیهٔالله العظمی شیرازی– مدظله – به مدت هفت سال استفاده بردم و خارج اصول را در نزد حضرت آیهٔالله العظمی سبحانی– مدظله – به مدت شش سال – یک دوره گذراندم .

به موازات درس خارج در رشته کلام اسلامی مقطع سطح چهار [دکتری] قبول شدم و به مدت چهار سال در این مراکز از اساتید بهره گرفتم،و بعد در آزمون تخصصی تربیت مدرس مهدویت حوزه علمیه قم با گرایشی کلامی قبول شدم و یک دوره مهدویت خواندم . دراین سال در کنار تحصیل به تدریس خصوصی گرفته با عمومی پرداختم و ده سا ل اخیر را مرتب به عنوان مدرس حوزه در مدارس برادران و خواهران و مراکزتخصصی مشغول و در دانشگاه هم درعلوم معارف اسلامی چند سال مشغول تدریس می باشم . یکی از رسالتهای مهم روحانی تبلیغ دین بود که به مدت ۱۵ سال به عنوان مبلغ از روستاها گرفته ،شهرها و تا دانشگاه ها ،ازتبلیغ سنتی ،غیر سنتی و کلاسیک توفیق داشته ام . درعرصه پژوهشی چند مقاله و کتاب دارم که برخی از آنان قبول درسی می باشند.

شاکرین، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا شاکرین

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ تحصیل در حوزه علمیه اصفهان را آغاز نموده و درسال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس خارج را از سال ۱۳۶۲ آغاز نموده و از محضر اساتیدی چون آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله وحدی خراسانی بهره جستم. درس فلسفه را نیز از محضر استاد فیاضی آیت الله مصباح یزدی، و آیت الله جوادی آملی کسب فیض نموده و همراه با دروس رسمی به مطالعه فردی پرداخته و عمدتا از آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده تا به حریم دایره مطالعات خود را بسط داده و عمدتا در عرصه مباحث فلسفی و کلامی، بویژه کلام جدید مطالعات خود را گسترش داده ام اکنون نیز در این زمینه به فعالیت خود ادامه می دهم.

شانه‌ساز شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲/۱۳۳۰ ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب و ریاضیدان. به جهت شغل پدر به نام شانه‌ساز شهرت یافته بود. وی از بزرگان علمای امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی قزوینی حلی و از شاگردان میرزای شیرازی بود. سالها در محضر استاد در سامراء بود و سپس به شیراز بازگشت. پس از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم پرداخت. وی در مدرسه‌ی قوام شیرازی تدریس می‌کرد، بویژه در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. آقا شیخ بزرگ تهرانی از شاگردان او بود. آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی از وی روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»؛ رساله‌ای در «اللباس المشکوک»؛ «اثبات سیاده الشریف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۰۳/۲)، الذریعه (۲۹۴/۱۸، ۱۶۴/۶)، ریحانه (۱۶۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۱).

شاه آبادی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الاسلام «مهدی شاه آبادی» در سال ۱۳۰۹ هـ ش در دوران اوج اختناق رضاخانی در خانواده‌ای روحانی، در شهر مقدس «قم» دیده به جهان گشود. پدرش حضرت آیت الله العظمی «میرزا محمدعلی شاه آبادی» از فقها و عرفای نامدار دوران خود بود. وی استاد عرفان امام خمینی (ره) و نیز تعداد دیگری از علمای بزرگ معاصر بود. مهدی در سن چهارده سالگی در معیت پدر بزرگوار خود عازم تهران شد و به مدت دو سال مشغول فراگیری مقدمات قرآن در مکتب خانه امامزاده یحیی گردید. وی در سن شش سالگی به همراه دو تن از برادرانش به دبستان «توقیق» رفت و در مدت شش سال دوره دبستان را پشت سر نهاد. مهدی همزمان با تحصیل در دبستان، در درس پدر بزرگوار خود در منزل حاضر شده و به فراگیری صرف و سایر مقدمات ادبیات عرب پرداخت. در سال ۱۳۲۳ هـ ش در حالیکه او چهارده ساله بود، برای فراگیری علوم قدیمه به مدرسه مروی رفت و پس از چهار سال تحصیل در این مدرسه در سن هیجده سالگی ملبس به لباس روحانیت گردید. شیخ مهدی در سال ۱۳۲۸ هـ ش از نعمت پدر، معلم و مراد خود محروم گردید. دو سال پس از وفات پدر برای ادامه و تکمیل دروس اسلامی عازم حوزه علمیه قم گردید و از محضر اساتید معظم قم کسب فیض نمود.

در سال ۱۳۳۴ هـ ش وی پس از اتمام دوره سطح، در درس خارج فقه و اصول حضرت امام (ره) و سایر علمای عظام در«قم» حاضر گردید. دو سال بعد او به منظور تشکیل خانواده، با خانم «آیت الله زاده شیرازی» از نوادگان میرزای بزرگ شیرازی (صاحب فتوای تنباکو) وصلت نمود که حاصل این ازدواج شش فرزند می‌باشد.

با آغاز مبارزات سیاسی – مذهبی امام خمینی(ره) در سالهای اوایل دهه چهل، شهید شاه آبادی نیز به منظور یاری زعیم و مقتدای خود وارد عرصه مبارزه علیه رژیم پهلوی شد. تبلیغ رهبری و مرجعیت امام (ره) اولین وظیفه‌ای بود که وی بر عهده گرفت و به رغم خطرات و مشقات این راه، در جهت تحقق آن رنجهای بسیاری را متحمل شد. وی به همراه خانواده خود برای تبلیغ دین و شناساندن مقام والای امام (ره) در ایامی که حوزه‌های علمیه تعطیل بودند، به مناطق دور افتاده مسافرت می‌کرد. او با صبر و استقامت و رفتار پاک و بی‌آلایش خود، قلوب بسیاری از مردم مناطق مختلف را از عشق و محبت نسبت به اسلام و افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) مملو می‌کرد. در کنار این فعالیتها، او ضمن تهیه و توزیع اعلامیه‌های امام خمینی (ره) در بین انقلابیون سراسر کشور، به همراه برخی دیگر از روحانیون، نقش مواصلاتی بسیار قوی با امام (ره) داشت و برای ایجاد هماهنگی‌های لازم بین مراجع عظام و حضرت امام (ره) نقش فعالی را بر عهده گرفت.

در سال ۱۳۵۰ به «تهران» عزیمت نمود و با دعوت اهالی «رستم آباد»در« شمیران»، امامت مسجد این منطقه را بر عهده گرفت. با حضور وی دراین منطقه، فعالیتهای فرهنگی و مبارزات سیاسی انقلابیون منطقه، وارد مرحله جدیدی گردید و او به عنوان رهبر

مسلمانان انقلابی شرق «شمیران» شناخته شد. فعالیتهای انقلابی او موجب جذب جوانان مسلمان و پرشور منطقه به فعالیتهای سیاسی – مذهبی شد و از پایگاه مسجد رستم آباد، انقلابیون جهت فراگیری آموزش‌های نظامی و یا دیدار با حضرت امام (ره) به خارج از کشور هدایت می‌شدند.

مبارزات و فعالیتهای او باعث گردید ، به عنوان یک روحانی مبارز و فعال از سوی دستگاه امنیتی رژیم پهلوی مورد شناسایی قرار گیرد و با حساسیت ساواک نسبت به وی در طول سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ هـ.ش به پنج بار زندانی و یک بار تبعید محکوم شد. در طول دوره‌های بازداشت و بازجویی، شهید «شاه آبادی» از جمله انقلابیونی بود که به رغم تحمل شکنجه‌های سخت و طاقت فرسا از سوی دژخیمان رژیم، از ارائه هر گونه اطلاعات و اخباری که موجب شناسایی و دستگیری دوستان و همرزمانش می‌شد، خودداری می‌ورزید. دوران تبعید وی نیز در شهر بانه استان کردستان که از مناطق سنی نشین کشور بود، سپری گردید. روحیه بالا، اخلاق اسلامی و رفتارهای انسان دوستانه وی با اهالی منطقه و نیز ارتباط و مصاحبت با برادران اهل تسنن و به خصوص شرکت در نمازهای جماعت مساجد آنان، باعث ایجاد رابطه عمیق بین آنان گردید. انس وی با مردم و بویژه علمای اهل سنت منطقه، در راستای تحقق اهداف مبارزات علیه رژیم و روشنگری مردم، تاثیر بسزایی داشت. بر اثر فعالیتهای انقلابی گسترده و شبانه روزی حجت الاسلام« شاه آبادی »در منطقه، رژیم به منظور جلوگیری از تشدید فعالیتهای انقلابیون، از ادامه تبعید وی منصرف شده و او پس از شش ماه تبعید آزاد گردید.

آخرین دوران زندان شهید «شاه آبادی» در سوم بهمن ۱۳۵۷ هـ ش و در آستانه ورود حضرت امام (ره) به میهن خاتمه یافت. وی به همراه سایر انقلابیون نقش فعالی در بازگشایی فرودگاههای کشور داشت. نقش او در کمیته استقبال از امام خمینی(ره) و نیز اداره بیت ایشان در تهران در کنار سایر انقلابیون برجسته، قابل توجه بود. وی در روزهای نزدیک به پیروزی انقلاب با صدور فرمان تاریخی امام (ره) در خصوص لغو حکومت نظامی روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، ماموریت خطیر ابلاغ این پیام به مراکز و اماکن انقلابیون را بر عهده داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیتهای حجه الاسلام شاه آبادی وارد مرحله جدیدی گردید. با صدور فرمان امام (ره) مبنی بر تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی(سابق) و به دعوت آیت الله «مهدوی کنی»، وی به عضویت شورای مرکزی این نهاد درآمد و علاوه بر مسئولیت یکی از ستادهای کمیته «شمیرانات»، در تشکل و سازماندهی این نهاد انقلابی نقش برجسته‌ای داشت. در اسفندماه ۱۳۵۸ هـ‌ش و در آستانه برگزاری انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی، حجه الاسلام شاه آبادی به نمایندگی از سوی جامعه روحانیت مبارز، تلاشهای گسترده‌ای را برای ائتلاف گروههای انقلابی و حزب اللهی انجام داد که ثمره آن انعقاد ائتلاف بزرگ بین جامعه روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. پس از این ائتلاف نامزدهای گروههای انقلابی از جمله شهید «شاه آبادی» به مجلس راه یافته و اکثریت مجلس اول شورای اسلامی را در دست گرفتند.

در سال ۱۳۵۹ هـ‌ش حضرت امام (ره) فرمانی در خصوص ضرورت بررسی عملکرد بنیاد مستضعفان صادر نمودند. هیائی جهت این بررسی تشکیل شد که حجت الاسلام «شاه آبادی» از اعضای موثر و فعال هیئت بررسی کننده، بودند. نتیجه این بررسی پس از تهیه و تدوین به محضر امام (ره) عرضه شد. با پایان یافتن دوره نمایندگی مجلس اول شورای اسلامی که شهید شاه آبادی به خصوص در کمیسیون قضایی آن نقش مهمی داشت و در آستانه برگزاری انتخابات مجلس دوم، وی به اصرار جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی، نامزد نمایندگی مجلس شد و با کسب اکثریت آراء به عنوان نماینده مردم تهران برگزیده شد. در فاصله بین پایان کار مجلس اول و آغاز به کار دوره دوم مجلس شورای اسلامی، شهید شاه آبادی طبق روال هیشگی خود که از زمان آغاز جنگ تحمیلی انجام می‌شد، برای بازدید از مناطق جنگی عازم منطقه جنوب گردید. وی در روز پنجشنبه ۶/۲/۱۳۶۲ هـ.ش در منطقه جزیره مجنون، در خطوط مقدم جبهه نبرد، بر اثر انفجار گلوله‌های توپ دشمن به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

منابع زندگینامه : لوح فشرده چند رسانه ای تولید شده توسط بنیاد شهید وامور ایثارگران در مورد شهید

شاه رکنی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۳ تیر ۱۳۲۳.

درگذشت: ۸ اسفند ۱۳۷۵.

سید احمدشاه رکنی فرزند سید عبدالحسین است. از آثار اوست: تئوری حمایت (دبلیو ام. کوردن، ۱۳۷۱). پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شاه عبدالعظیمی اصفهانی، محمد طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد طاهر بن العالم الجلیل الشیخ محمد کاظم اصفهانی دانشمندی جلیل و عالمی متبحر بوده. وی از اصفهان مهاجرت به

نجف اشرف نموده بعد از آن که مقدمات علوم را در وطن خود خوانده و در نجف بدرس مرحوم آیت‌اللّه فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و غیر آنها حاضر شد و از آنان نائل به دریافت اجازه اجتهاد گردید به ایران بازگشت نموده و در شهر ری جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام رحل اقامت افکند و بانجام وظائف دینی از تدریس و اقامه جماعت و نشر احکام اشتغال یافت و در ترویج دین و تعظیم شعائر شرع مبین اهتمام بسیار نمود و مورد توجه و اقبال مردم قرار گرفت و مرجعی بزرگوار گردید تا در سال (۱۳۱۰) قمری هزار و سیصد و ده وفات نمود.

مرحوم والدش شیخ محمد کاظم نیز از علماء مبرز اصفهان و صاحب تألیفات و تصنیفات بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۳۰۴ ق)، عالم دینی و ادیب. از نوادگان میرزا جان، ملقب به میرزا هدایت حسینی شاه عبدالعظیمی بود. در نجف به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت و نزد پدر تحصیلات خود را شروع کرد. گذشته از پدر، در محضر علمای زمان خود مراتب علمی خویش را در علم و ادب کامل ساخت. او نه تنها در فقه و اصول که در ادبیات نیز تبحر داشت. وی نه ماه پس از پدر درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثار وی: «الوللو المرتب فی اخبار البرامکه و آل المهلب»؛ «لولوه لولوه»؛ «ملهی الحبیب»؛ «مصباح الداعی»، در ادعیه ماثوره و اذکار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۴/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۶۳ -۷۶۲/ ۱۴).

شاه عبدالعظیمی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، فقیه و زاهد. در شهر ری متولد شد، و در همان جا پرورش یافت. قسمتی از علوم مقدماتی را خواند و در سال ۱۲۷۲ ق به نجف سفر کرد و مقدمات و سطوح را کامل نمود. از محضر شیخ انصاری استفاده برد و سپس به درس فقه و اصول و حدیث و رجال آیت‌اللّه شیخ ملا علی خلیلی رفت و مدتی نیز در محضر آیت‌اللّه میرزای شیرازی در نجف حاضر شد. وی از آیت‌اللّه خلیلی، که پدرزنش بود، استفاده‌ها نمود تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. پس از فوت استادش، آیت‌اللّه خلیلی، به سامراء رفت و باز به محضر آیت‌اللّه میرزای شیرازی رسید. آنگاه به نجف بازگشت و مورد توجه و اقتدای عموم مردم گشت. وی در حالی که از زیارت حرم سیدالشهداء (ع) باز می‌گشت، در طویرج درگذشت و در نجف در ایوان طلای علوی، جنب مقبره‌ی علامه حلی به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «الایقاد»؛ «الایقاظ»؛ «الاربعون حدیثا»؛ «موعظه السالکین»؛ «الجوهره»، منتخبات سه‌گانه از «الکافی» موسوم به «مستند الفقهاء» و از «التهذیب» موسوم به «اتمام المستند»؛ «حلیه الزائرین»؛ «حلیه المعاشرین»؛ «منتخب الخلاصه»، در رجال؛ «لب التفسیر»؛ «وجیزه» در فضائل ضیافت؛ «غرفه المعجزات»؛ «منتخب کتب الرجال الاربعه»، «رجال الطوسی» و «الفهرست للطوسی» و «رجال النجاشی» و «رجال الکشی». از او آثار خطی بسیاری نیز باقی مانده که می‌توان در «طبقات اعلام الشیعه» از آنها نشانی گرفت.[۱]

السید محمدعلی بن السید الجلیل السید میرزا محمد بن میرزا جان معروف به میرزا هدایهٔ‌اللّه حسینی شاه عبدالعظیمی نجفی قدس اللّه سره فقیهی پرهیزکار و عالمی بزرگوار بود در ۱۷ جمادی الاولی هزار و دویست و پنجاه و هشت در زاویه مقدسه شهر ری متولد شده و در آنجا پرورش یافته و اولیات و قسمتی از علوم مقدماتی را خوانده و در سال ۱۲۷۲ قمری در سن ۱۴ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را به پایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم شیخنا الانصاری استفاده کرده آنگاه بدرس فقه و اصول آیت‌اللّه آقا شیخ علی خلیلی و آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی حاضر شده و از این دو بزرگوار و بالاخص آیت‌اللّه خلیلی که ابوالزوجه و جد امی فرزندانش بود استفاده کامل نموده تا بدرجه سامیه علم و اجتهاد و اخلاق رسیده و پس از فوت استادش مهاجرت بسامری نموده و از محضر آیت‌اللّه مجدد شیرازی باز بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به نجف نموده و شهرت بزرگی در علم و کمال و تقوی و مقامات معنوی و موثق در نزد عوام و خواص مردم گردیده و در صحن شریف علوی اقامه جماعت داشته و عموم مردم حتی محتاطین بوی اقتداء نموده و روش او را برنامه عملی خویش قرار می‌دهند و آن جناب در ظاهر و باطن از علماء ربانی و مروجین شریعه اسلامی و در زهد و اعراض از دنیا مافوق توصیف و تعریف و با این حال به تألیف و تصنیف اشتغال داشت تا در ماه رمضان ۱۳۳۴ قمری در حالی که از زیارت مخصوص حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام برمی‌گشت در طویرج در منزل فرزندش مرحوم آیت‌اللّه سید محمدحسین که مرجع مردم طویرج بود از دنیا رفته و حمل به نجف و در ایوان طلای علوی علیه صلوات المصلین مدفون گردید.

استاد بزرگوارم حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله می‌فرمود که آن بزرگوار دارای کمالات نفسانی و مقامات معنوی بود و ملائکه نقاله که مرده‌ها را از مکانی بمکان دیگر می‌بردند با چشم خود دیده و قصه‌ی آن چنین بوده که ایشان حجره‌ای در صحن مطهر داشته که غالب شبها در آن بیتوته می‌نموده تا یکی از شبها مشغول عبادت بوده می‌بیند اشخاصی آمدند قبری در صحن

نبش کرده و جنازه‌ای را بیرون آورده و بردند بعد فردای آنشب تحقیق میکند معلوم میشود یکنفر فاسق و ستمکاری بوده است.
تألیفات بسیار ارزنده‌ای مطبوعا و مخطوطا دارد که در جزء چهارم اعلام‌الشیعه ص ۱۵۲۳ مذکور است.
دارای هفت فرزند عالم و دانشمند بزرگوار بنامهای زیر بوده است.
۱- آیت‌اللّٰه سید محمدحسین شاه عبدالعظیمی
۲- آیت‌اللّٰه سید محمد رضا شاه عبدالعظیمی.
۳- آیت‌اللّٰه سید محمدتقی شاه عبدالعظیمی
۴- آیت‌اللّٰه سید محمد کاظم شاه عبدالعظیمی
۵- آیت‌اللّٰه زین‌العابدین شاه عبدالعظیمی
۶- آیت‌اللّٰه سید محمدباقر شاه عبدالعظیمی
۷- آقای آقا سید احمد که اهل تقوا بوده است
۸- صبیه تقیه که همسر آیت‌اللّٰه آقا سید مرتضی کشمیری بوده است و آن مرحوم دارای سه خواهر کریمه بوده که هر کدام همسر آیتی از آیات عظام روحانی بوده‌اند.
۱- همسر آیت‌اللّٰه حاج سید عزیزاللّٰه تهرانی
۲- همسر آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمدباقر قمی
۳- همسر آیت‌اللّٰه آقا سید محمدحسین همدانی
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۵۱/۲۵، ۲۷۰/۲۳، ۴۴/۱۶، ۸۱/۷، ۲۹۲/۵، ۵۰۳/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳۴ -۱۵۳۱ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۲۷ -۶۲۵ /۴).

شاه منصوری، عباس

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید عباس شاه منصوری مقیم حیدرآباد دکن (امام جماعت دربار حسینی آنجاست) وی بعد از غائله مسجد گوهرشاد ۱۳۵۳ ق به هندوستان رفته و در حیدرآباد مورد توجه مرحوم نظام حیدرآباد قرار گرفته و متعهد رهبری شیعیان ایرانی آن سامان گردیده است.
دارای چند زبان انگلیسی وارد و فارسی و غیره می‌باشد. نوشته‌هائی از ایشان به زبان اردو و فارسی در مجلات و روزنامه‌های حیدرآباد به طبع رسیده است در جلوی دربار حسینی که مسجد و عزاخانه شیعیان حیدرآباد است در شب آخر ماه محرم آتش بسیاری نمودند که طول آن پنج متر و عرضش سه متر بود دیدم با چشم خود که دسته سینه زن از دربار بیرون آمد و چند مرتبه در حال سینه زدن و نوحه خواندن اطراف آن آتش گردیده آنگاه عده‌ای از آنها وارد آتش شده و از این طرف به آن طرف دویده و به سلامت بیرون آمدند در حالی که ما از حرارت آتش ناراحت بودیم با اینکه بین ما و آتش بیش از ده متر فاصله بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاه منصوری، علیرضا

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علیرضا شاه منصوری خراسانی از علماء و ائمه جماعت محترم تهران است. وی در حدود سال ۱۳۲۷ ق در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات، ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه مشهد استفاده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّٰه شاهرودی و دیگران کسب فیض نموده و بعد به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در مسجد (حجت) واقع در سر آسیاب دولاب باقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و تفسیر قرآن و نشر معارف و حقایق اسلام مشغول می‌باشد.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما از علماء باتقوا و فضیلت و دانشمندان موصوف بورع و دارای مقام معنوی و با حرارت و متعصب و غیور در دین می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاهچراغی، حسن

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.

تولد: ۱۳۳۱، دامغان.

درگذشت: ۱ اسفند ۱۳۶۴، حادثه انفجار هواپیما.

سید حسن شاهچراغی، فرزند سید مسیح، تا خارج فقه و اصول به تحصیل پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ریاست دفتر دادستانی کل انقلاب و نمایندگی دادستان کل انقلاب در هیئت بررسی عملکرد بنیاد مستضعفان بود. همچنین در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی نماینده مردم دامغان بود. وی مدتی نیز سرپرست مؤسسه‌ی «کیهان» بود. از جمله فعالیت‌های تحقیقی وی، تقریرات و تحقیقاتی فقهی و فلسفی در زمینه‌ی نهج‌البلاغه بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شاه‌چراغی، مسیح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسیح شاه‌چراغی که در صداقت و وثاقت بی‌نیاز از توصیف است و اکنون در مدرسه مرحوم حاج فتحعلی بیک در زمره مدرسین و مورد وثوق اساتید فن مخصوصاً حضرت آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدکاظم مهدوی دامغانی نزیل مشهد مقدس می‌باشند ایشان در حال حاضر در یکی از مساجد دامغان به اقامه جماعت و ترویج احکام بیان واجبات و محرمات اشتغال دارند. وی والد شهید سید حسن شاه‌چراغی نماینده‌ی شهید حسام دامغان می‌باشد همچنین فرزند دیگر ایشان جناب عمدهٔالطلاب آقای حج آقا سعید شاه‌چراغی می‌باشند که هم‌اکنون در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به تحصیل و تهذیب مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جعفر شاهرودی از علماء اعلام تهران بوده‌اند.

وی در شاهرود متولد شده و پس از خواندن مقدمات به مشهد مقدس رفته و مقداری سطوح را در آنجا خوانده و از آنجا در سال ۱۳۴۱ ق به قم مهاجرت نموده و سالها از محضر عالم ربانی مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و اساتید دیگر حوزه قم استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرده و چندین سال از درس و بحث مرحوم آیت‌اللَّه العظمی نائینی و آیت‌اللَّه عراقی و آیت‌اللَّه العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و اجتهاد رسیده و صاحب رای و فتوا گردیده و در سال ۱۳۶۴ ق مراجعت و چند ماهی در شهر ری توقف آنگاه به تهران منتقل و بنابر اصرار و تقاضای مردم سلسبیل تهران رحل اقامت بدانجا انداخته و بخدمات دینی و روحانی و اقامه جماعت در مسجد خیابان شیر و خورشید و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی مشغول گردیده تا در ماه ربیع‌الاول ۱۳۹۳ ق که دعوت حق را اجابت گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: آن مرحوم از دانشمندان و مراجعی بود که بزیور علم و حلم آراسته و دارای معنویت و صفاء قلب و تزکیه نفس و بر کنار از تظاهرات و هواهای نفسانی بوده است.

خواب و مکاشفه آن مرحوم

برای این نویسنده فرمودند در اوقاتی که در شاهرود تحصیل می‌کردم شبی حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف را در خواب دیدم که در صحرائی تشریف دارند و شیخ بزرگواری در کنار آن حضرت ایستاده است که مورد لطف و توجه مخصوص آن بزرگوار است قیافه او را در خاطر سپردم و چون از خواب بیدار شدم برای این که او را پیدا کنم به مشهد مقدس رفته و چند سالی توقف و جستجوی آن شخص را نمودم او را در مشهد نیافتم پس به قم آمده و در تکاپوی او گردیدم تا روزی در مدرسه فیضیه آمده و لب ایوان یکی از حجرات نشستم و دیدم بعضی از آقایان طلاب به آن حجره می‌روند متوجه شدم که در اینجا جلسه درس است نگاه کردم ببینم مدرس کیست دیدم آقائی که درس میگوید و درسش مفاتیح فیض است قیافه‌اش بنظرم آشناست چون دقت کردم فهمیدم این همان شخصی است که در خواب در کنار حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه دیده بودم پرسیدم این آقا کیست گفتند عالم ربانی آقای حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزیست پس خدمتش رسیدم و تا مرا دیدند گویا مدتها آشنائی داشته‌اند مرا با خود بمنزل برده و از وجود ذیجود و بیاناتش استفاده کامل نمودم تا شبی در عالم رویا و مکاشفه دیدم درهای آسمان برایم باز تا در ظل عرش و آقای حاج میرزا جواد آقا در آنجا بمناجات و قنوت می‌باشند و من از قرب او در تعجب بودم که ناگاه از صدای درب منزل متنبه شده و برخاستم و آمدم در را گشودم دیدم یکی از دوستانست در حال گریه گفت بیا که آقا از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی طاب اللَّه ثراه یکی از دانشمندان فعال و خدوم معاصر شهرستان شاهرود می‌باشند.

ایشان در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت فقاهت و مرجعیت پرورش یافته و اولیات و ادبیات و سطح متوسط و عالی را از اساتید و مدرسین نجف بالاخص برادر بزرگوارش آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد شاهرودی استفاده نموده و از دراسات خارج فقه و اصول والد ماجدش بهره‌مند شده و متصدی بسیار از امور مرجوعه و مربوطه به پدر بزرگوارش از قبیل پرداخت حقوق و شهریه طلاب و محصلین حوزه علمیه نجف و رسیدگی به امور آنان را متعهد بوده تا بعد از رحلت معظم‌له در سال ۱۳۹۴ قمری که از طرف دولت ظالمانه بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و چندی در قم اقامت تا بنا بر دعوت بسیاری از مردم محترم شاهرود منتقل به وطن مالوف خود و در مسجد مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید عباس شاهرودی (ره) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام گردیده و منشاء خدمات بسیاری شده‌اند که از آنهاست تأسیس بیمارستانی به نام حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شاهرودی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ مهدی شاهرودی مقیم بهشهر از علماء آنسامان بوده و دارای موقعیت و عظمت مخصوصی بودند و تا پایان عمر باقامه جماعت و ترویج احکام اشتغال داشته است.

فرزند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد شاهرودی اول عالم معاصر بهشهر است. وی پس از پایان تحصیلات و استفاده از محضر بزرگان علمی نجف اشرف و غیره به بهشهر مراجعت و بجای مرحوم والدش در مسجد جامع باقامه جماعت و ترویج دین و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شاهین، داریوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شادروان داریوش شاهین یکی از دین پژوهان متجدد و امروزین و راسخ در عقیده و علم و ایمان بود . در سال ۱۳۷۶ این بنده در گرماگرم تدوین دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی بودم که با وزیدن نفحات توفیق رحمانی ، در سال ۱۳۷۷ از سوی نشر دوستان در ۲ جلد ، مشتمل بر ۳۶۰۰ مقاله از جمله بالغ بر نزدیک به ۸۰۰ زندگینامه ی قرآن پژوهان از قاری و مقری و مفسر و خوشنویس و غیره منتشر شد . با بنده ۱۶ ـ ۱۷ مولف جوان همکاری می کردند که اگر یاری الهی به صورت یاری بندگان پاکدلش در نمی آمد ، تدوین و جمع و نشر آن مرجع مشکل گشا ممکن نبود . یکی از مشکل گشاییهای ساده ی این مرجع کوتاه اما جوابگو این بود که شرح حال خود نوشت دست کم دویست تن از مترجمان و مفسران و سایر قرآن پژوهان را در برداشت . به یادم هست که دو سه بار به منزل آقای داریوش شاهین تلفن زدم که لطف کنند و زندگینامه ی خود نوشتی برای درج در آن دانشنامه بنویسند ، بی علاقگی و اکراه از لحنش آشکار بود . زیرا در سالها شاید دهه ها پیش که من بچه بودم ، روزی در پشت ویترین کتابفروشی ها ترجمه ای از قرآن کریم دیدم که ترجمه ای گسترده و آزاد بود که انگلیسی ها به آن نوع ترجمه Para phrase یا نقل به معنا ، بدون قابلیت مطابقه ی واو به واو با متن اصلی که برای رسایی بیشتر و همه فهمی و مردم پسندی است ، گویند؛ و ایشان رو ی جلد و صفحه ی عنوان ترجمه ی خود از قرآن کریم نوشته بودند : « ترجمه و نگارش داریوش شاهین » ، بنده و شاید بسیاری ها تکان خورده بودند که مگر قرآن کریم می تواند نگارش کسی جز خداوند باشد ؟ و بنده اشاره وار در یکی از مصاحبه ها و مقالات خود از این مسئله به شگفتی یاد کرده بودم که ایشان آن را حمل بر تمسخر کرده بودند .

همین است که به درخواست من پاسخ مثبتی ندادند و حاصل این شد که تهیه ی یک صفحه شرح حال از ایشان برای جامعه ی علمی دشوار است .

خوشبختانه ، هنگامی که این بزرگ مرد پرکار با کارنامه ی فرهنگی پربارش درگذشت (چهارم آبان ماه ۱۳۸۰) یک زندگینامه ی کوتاه و پر اطلاع نیز همراه با آگهی نامه ی مربوط به اعلام وفات او منتشر شد ، که در آن چنین اطلاعاتی آمده است : از داریوش شاهین بیش از ۳۰۰ جلد تالیف ، ترجمه ، مجموعه های مختلف و داستان در عرصه ی ادبیات ، شعر و مذهب به یادگار مانده است . در بخش مذهب شادروان شاهین به ترجمه ی نهج البلاغه به زبان انگلیسی توفیق یافت . کتابی به نام یکصد گوهر شامل کلمات قصار حضرت علی (ع) ، به انتخاب و کوشش او تدوین و به پنج زبان ترجمه شده است . او چندین دهه هم برای رادیو نویسندگی و تهیه ی مطلب می کرد . دیگر از آثار او تاریخ ایران در یکصد قرن است که نه صرفاً تاریخ سیاسی ، بلکه اجتماعی و هنری و فرهنگی ده هزار ساله ی ایران است و به انگلیسی هم ترجمه شده است . در عین حال و این همه پرکاری قلمی ،

آن بزرگوار به مدت سی سال در مرکز توسعه ی صادرات ایران خدمت کرد و از همان جا پس از ۳۰ سال بازنشسته شد .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

شایگان، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ –۱۲۸۱ ش)، استاد دانشگاه، حقوقدان و مترجم. در شیراز متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس شریعت و شعاعیه زادگاهش به تهران آمد، وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و بعد از اتمام دوره‌ی آن مدرسه، برای تکمیل تحصیلات در رشته‌ی حقوق به فرانسه رفت و دکترا گرفت. پس از بازگشت به کشور در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و سالیان دراز معاون دانشکده بود و پس از آن به معاونت وزارت فرهنگ و نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ ش مدتی زندانی شد و پس از آزادی به امریکا رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت. دکتر شایگان شعر هم می‌گفت ولی به ندرت. از آثار وی: «مقدمه‌ی حقوق مدنی ایران»؛ «امیدهای نو» برتراندراسل، ترجمه.[۱]

فرزند سیدهاشم مولی رهی شیراز، متولد ۱۲۸۰ است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در موطن خود انجام داد و به شغل فرهنگی پرداخت. ضمن اشتغال به کار معلمی ، یک دوره‌ی کامل فقه و اصول و حکمت را نزد اساتید روز تلمذ نمود. حوالی سال ۱۳۰۳ به تهران آمد و دوره‌ی مدرسه‌ی عالی حقوق را گذراند. در سال ۱۳۰۷ جزء اولین دسته محصلین دولتی اعزامی به خارج شرکت کرد و به اروپا رفت و درجه‌ی دکترای حقوق از دانشگاه پاریس دریافت نمود. چندی هم در انگلستان به تحصیل حقوق و فلسفه پرداخت. در ۱۳۱۳ به ایران آمد و دانشکده‌ی حقوق که تازه بنیاد گرفته بود، او را به سمت دانشیاری برای تدریس حقوق مدنی استخدام کرد. پس از چندی از طرف علامه علی‌اکبر دهخدا رئیس دانشکده، به معاونت مشارالیه انتخاب گردید. در سال ۱۳۱۷ ولیعهد وقت از دانشکده‌ی حقوق بازدید کرد و شایگان معاون دانشکده نطقی ایراد نمود که سراپا تملق و مداهنه بود. در همان سال به عضویت سازمان پرورش افکار برگزیده شد. شایگان در کنار شغل استادی، به کار وکالت دادگستری هم پرداخت و در چند وزارتخانه از جمله وزارت دارائی مشاوری حقوق داشت. در ۱۳۲۴ که قوام‌السلطنه روی کار آمد و ملک‌الشعرای بهار را به وزارت فرهنگ معرفی کرد، شایگان معاون وزیر فرهنگ شد و در ترمیم کابینه که دکتر فریدون کشاورز وزارت گرفت، او کماکان معاون بود. در ترمیم سوم کابینه‌ی قوام، به وزارت فرهنگ منصوب گردید و کمتر از یک سال در آن سمت استوار شد ولی کار عمده‌ای نتوانست انجام دهد. چون سایر وزیران از تمام امکانات استفاده کرد. بعد از کنار رفتن از کابینه با دکتر مصدق پیوند دوستی زد و عضو جبهه ملی شد و در جبهه هم مقام دبیری یافت. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم به اتفاق مصدق و چند نفر دیگر از اعضاء جبهه ملی، از تهران وارد مجلس شد. در تمام مدت نقش اقلیت داشت. نطقها و ایرادات وی در مجلس منطقی و مستند و محتوای بیشتری از سایر نمایندگان اقلیت داشت. در دوره‌ی هفدهم هم از تهران به مجلس رفت. داعیه‌ی ریاست مجلس و مقامات دیگر او را پرجوش و خروش کرد. بعد از کنار گذاردن آیت‌الله کاشانی از ریاست مجلس، بین او دکتر عبدالله معظمی کشمکش شروع شد. رای مخفی گرفتند. معظمی ۳۹ رای و شایگان ۳۵ رای آورد، درنتیجه با چندین رای اضافی، معظمی بر کرسی ریاست تکیه زد.

شایگان در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از رادیو تهران نطق جالبی ایراد نمود یعنی همان روزی که شاه از رامسر به بغداد و رم رفته بود و گفت آن متاعی که بایستی به تهران بیاید، به بغداد رفت و خیلی مطالب تند دیگر و زمینه را کاملا- برای ریاست جمهوری خود فراهم می‌نمود که کودتای ۲۸ مرداد به تمام تخئیلات و آرزوهای او خاتمه داد. یک روز در اختفاء به سر برد. روز دوم در معیت دکتر مصدق و دکتر صدیقی به باشگاه افسران رفتند یا بردند و خود را در اختیار دولت گذاشت. چندی در باشگاه افسران بازداشت بود، بعدا به لشکر ۲ زرهی منتقل شد و محاکمه‌ای برای او ترتیب دادند و همزمان با دکتر مصدق، او را هم به دادگاه کشیدند. در محکمه‌ی فوق‌العاده به رهبر جبهه ملی احترام گذاشت و طوری عمل کرد که همه او را تحسین می‌کردند و سرانجام حکم محکومیت او برای مدت ده سال صادر شد. دو سال در زندان به سر برد که مورد عفو واقع شد. پس از آزادی، چندی در تهران می‌زیست تا اجازه‌ی خروج از کشور گرفت و آمریکا را برای ادامه‌ی زندگی انتخاب کرد. در آنجا ساکت نماند و فعالیت خود را علیه رژیم پهلوی ادامه داد و وجود او پایگاهی برای دانشجویان مقیم آمریکا بود. وفات او در سن ۸۰ سالگی در آمریکا اتفاق افتاد. شایگان مردی دانشمند، حقوقدان، ادیب و در عین حال خودخواه، لجوج، عوام فریب و پرتوقع بود. غالبا در اعلامیه‌های انتخاباتی، خود را «سقراط ایران» معرفی می‌کرد. هنگام تدریس فوق‌العاده قدرت استادی را نشان می‌داد و کلاسش محل اجتماع شیفتگان علم و دانش بود. مطالب حقوقی را با امثله سیاسی و اجتماعی شیرین‌تر می‌کرد. وی طبع شعر هم داشت و شعر نیکو و محکم می‌سرود. معروفترین شعرش «وطن چیست» می‌باشد که حتی در کتب درسی هم ثبت شده است. وی در جوانی با خانواده‌ی شیبانی وصلت کرده بود. دختر ذکاءالسلطنه شیبانی همسر او بود. شایگان در بین دوستان و دانشگاهیان، به «شراب شور» شهرت گرفته بود.

شاعر، حقوقدان، محقق.

تولد: ۱۲۸۱، شیراز.

درگذشت: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰، آمریکا.

سید علی شایگان، فرزند حاج سید هاشم، پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌های شریعت و شعاعیه شیراز، و نیز فراگیری ادبیات فارسی و زبان عربی در مدارس قدیمه، در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران به تحصیل پرداخت و لیسانس حقوق را گرفت. سپس در سال ۱۳۰۶ با دانشجویان دوره‌ی اول به پاریس رفت و تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق در آنجا به پایان

رسانیـد و در سـال ۱۳۱۲ موفـق به دریـافت دکـترای حقوق شـد. پس از بـازگشت به ایران در دانشـکده‌ی حقوق دانشـگاه تهران به تدریس مشـغول شد. سال‌ها معاون دانشـکده‌ی حقوق بود. بعدها وی کرسـی استادی حقوق مدنی را در دانشگاه تهران احراز نمود. سپس به معـاونت وزارت فرهنـگ رسـید و مـدتی در کـابینه‌ی قوام‌السـلطنه به عنوان وزیر فرهنـگ بود، همچنین در دوره‌ی هفـدهم مجلس شورای ملی نماینـده‌ی تهران شـد. وی از بنیان‌گذاران جبهه‌ی ملی به شـمار می‌آمد. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زندان افتاد و سرانجام پس از آزادی از زنـدان به آمریکا رفت و همان جا ساکن شد در ضـمن در دانشـگاه‌های آنجا نیز تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۵۸ برای مدتی کوتاه به ایران آمد سپس به آمریکا مراجعت کرد.

در جوانی مـدتی به معلمی پرداخت و زمـانی که در شـیراز بود در انجمن سالار شـرکت می جست. گاهی شـعر می‌گفت. اشـعارش حاوی مضامین وطن دوستی و تشویق به تحصیل دانش و به مبارزه با جهل و بی‌سوادی است.

فهرست آثار شایگان به شرح زیر است. حقوق مدنی ایران (چند بار تجدید چاپ شده است)؛ ترجمه‌ی کتاب امیدهای نو در جهانی که در حال تغییر است (تألیف رتراند راسل، از انگلیسـی به فارسی، تهران، ۱۳۳۶.) کتاب خاطرات او تا هنگام فوتش به طبع نرسیده بود.

سید علی شایگان سرانجام به سال ۱۳۶۰ در آمریکا درگذشت و پیکرش را برای دفن به ایران منتقل نمودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۹۳۸)، دانشـمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۷ -۲۳۴ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۷۴- ۲۷۵).

شباب کرمانشاهی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲ -۱۲۳۲ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شـباب. محمـدجواد در کرمانشاه متولـد شد و در زادگاه خود به تحصـیل علم پرداخت. در سال ۱۳۰۴ ش روزنامه‌ی «فصاحت» را در کرمانشاه تاسیس و تا سال ۱۳۰۹ ش منتشـر کرد. وی شاعری توانا بود و در سرودن قصـیده و غزل مهـارت داشت. جنـازه‌اش را به نجف انتقـال دادنـد و در آنجا دفن کردنـد. از آثار وی: «شـکر سـتان»، شـعر؛ «مخزن اللئالی»، شـعر؛ «کلیات» اشـعار شـباب متجاوز از پنجاه هزار بیت، شامل منظومه‌های: «نشاط شباب»، «چشمه‌ی نوش»، «دبستان معرفت»، «تیر شهاب»، «پریشان»، «لسان العاشقین» و «کیمیای سعادت»؛ «مرثیه چراغ برق»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۲ -۸۱ /۴)، الذریعه (۵۰۶ -۵۰۵ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۱۶ -۱۹۱۲ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۷ -۴۱۶ /۲).

شبستری، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد شـبستری عالمی جلیل و متقی از شاگردان علامه شـیخ مرتضی انصاری و علامه کوه‌کمری و مقرر درس مرحوم آیت‌اللّه سید حسین کوه‌کمری مذکور بوده و تألیفاتی در فقه و اصول و حاشیه بر مکاسب شیخ دارد در صحن شریف علوی امامت می‌نمود و در حدود ۱۳۰۵ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شبیری، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد موسـی شبیری زنجانی فرزنـد مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سـید احمد زنجانی مدفون در صـحن مطهر حضـرت معصومه (س) از افاضل مدرسـین و متتبعین و محققین حوزه علمیه قم می‌باشند که در تاریخ هشتم ماه مبارک رمضان ۱۳۲۶ قمری در قم چندماه بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللّه والدشان در این شهر مقدس متولد شده.

این بیت را والدشان برای تعیین تاریخ ولادت حقیر سروده‌اند:

سال تاریخ ولادت عجب الهامم شد

از مبارک رمضان هشت کم هنگام سحور

مبارک رمضان که با ۱۳۵۴ مطابق است بعد از کم کردن هشت با ۱۳۴۶ قمری که سال تاریخ ولادت است موافق خواهد شد ضـمنا در این بیت به ماه و روز و ساعتند نیز اشاره شده است مانند «هنگام زوال رابع شهر صفر» که برای تاریخ ولادت خودشان سروده‌اند.

باری ایشان بعـد از گذرانـدن دروس ابتـدائی در مدارس جدیده در سال ۱۳۵۹ قمری به مقـدمات علومی دینی اشـتغال پیدا کردم و

چون دروس مقدماتی چندان جاذبیت نداشت و از طرفی در آن زمان رغبت عمومی به ورود در مدارس دینی نبود و هم بحثی نداشتم حدود یکسال به طور غیر جدی به درسها اشتغال داشتم بعد از یکسال در اثر یافتن بعضی از هم بحثی‌ها که از مستعدین درجه اول بودند و جاذبیت دروس غیر ابتدائی با جدیت تمام در مدت نسبتا کوتاهی دروس مقدماتی و سطوح را به پایان برده و در سال ۱۳۶۳ قمری در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه صدر حاضر شده و مقداری از بحث خبر واحد را نوشته سپس بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم در محرم ۱۳۶۴ در درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت کرده و همچنین مدتی در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت و مختصری در بحث خارج فقه ایشان حاضر گردیدم و مقداری از تقریرات اصول از اوائل درس را نوشته استاد عمده ایشان مرحوم آیت‌اللّه داماد بوده که حدود بیست سال از بحث فقه و قریب یکدوره از درس اصول آن مرحوم بهره‌مند گردیده و کتاب طهارت و خمس و زکاه و صوم و حج را به استثناء مقداری از بحث طهارت که به مناسبت سفر عراق تعطیل شده از محضرشان استفاده کرده و مقدار بسیار کمی نیز از بحث دوره اول کتاب صلاه را مستفیض شده است.

در سال ۱۳۷۴ قمری به عتبات عالیات مشرف شده و در درس فقه آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم قدس سرهما و درس اصول آیت‌اللّه خوئی مدظله شرکت کرده بعد از حدود هفتاد روز به ایران مراجعت کرده و در سال ۱۳۷۵ بار دیگر به عتبات مشرف شده حدود ۶ ماه در دروس آیات مزبور حاضر گشته و در رمضان آن سال مقداری از مبحث رضاع را از بحث تعطیلی آیت‌اللّه خوئی استفاده کرده ضمنا مختصری در قم از منظومه سبزواری را پیش مرحوم علامه طباطبائی خوانده و کمی هم مباحثه کرده ولی چون به این علم مانوس نبوده درس و بحث در مدت کوتاهی تعطیل شده همچنین مقداری جبر و هندسه را با یکی از اعاظم دوستان خود بحث کرده است.

اما اساتید ایشان قبل از ورود به درس خارج زیادند برای نمونه نام مبارک چند تن از آنان را متذکر می‌شویم.

۱- مرحوم آیت‌اللّه والدشان که اولین استاد و آخرین اساتید سطوح عالیه ایشان بودند قسمتی از مقدمات و کمی از کفایه را پیش ایشان خوانده.

۲- محقق بزرگوار آقای سید مرتضی علوی اصفهانی داماد آیت‌اللّه گلپایگانی مدظله که استاد مطول ایشان بودند و از نظر تعمق و حسن تقریر نظیر ایشان را در موضوع مزبور ندیده‌اند.

۳- رهبر فقید انقلاب مرحوم آیت‌اللّه خمینی که قسمت عمده مبحث برائت شیخ انصاری را نزد ایشان خوانده و گاهی به بحثهای خارج از کتاب نیز می‌پرداختند.

۴- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حائری که قسمتی از بیع مکاسب شیخ و مقدار کمی از بحث ظن و استصحاب فرائد و مختصری از کفایه را پیش ایشان خوانده درس اگرچه اسماً درس سطح حساب می‌شد ولی واقعا درس خارج بوده است.

تألیفات معظم‌له

ایشان با اینکه صفحات زیادی را در فقه و اصول و حدیث و تراجم و رجال و انساب و غیره نوشته است و تقریرات درس عده‌ای از اساتید را نگاشته ولی در اثر کثرت تشکیک و تجدیدنظر که آفت بزرگی است برای حفظ مواریث علمی این آثار مدون نشده فقط مقدار کمی به عنوان مقاله چاپ شده و متاسفانه قسمت زیادی در اثر عدم اهتمام مفقود گردیده و مقدار موجود هم اغلب مسوده است. از خداوند متعال توفیق تبییض و تکمیل آنها را مسئلت می‌نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شجاعی پور، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شجاعی پور

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۵/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب علی شجاعی پور در تاریخ ۱۰/۵/۱۳۲۳ هجری شمسی در شهر اراک پای به عرصه وجود گذاشتم پس از سپری نمودن دوران کودکی در دبستان امیرکبیر به تحصیل علوم ابتدایی پرداختم و دوران تحصیل متوسطه را در دبیرستان صمصام الملک بیات تا سال چهارم دبیرستان گذراندم و به علت فوت پدر و وضع اقتصادی نامطلوب خانواده مجبور به ترک تحصیل شدم که جهت تامین مخارج خانواده به کارگری بپردازم پس از مدتی به صورت معلم روز مزد در اداره فرهنگ اراک به خدمت روستا در آمدم و چون در بعضی از روستاها تنها معلم روستا بودم کلاسهای شش پایه یعنی از کلاس اول تا ششم که در یک اتاق بودند را اداره مینمودم و مدت ده سال در روستاها به خدمت شریف معلمی اشتغال داشتم و چون شغل معلمی نیازمند مطالعه و کسب معلومات لازم بود به ادامه تحصیل مشغول شدم و دیپلم دانشسرای مقدماتی را در کوتاهترین مدت اخذ نمودم و چون با این پایان نامه نمی توانستم به دانشگاه راه یابم لذا در اواخر رژیم ستمشاهی و اوائل رژیم مقدس و انقلاب اسلامی موفق به اخذ دیپلم کامل گردیدم در این ایام هنگام با همکاران فرهنگی انجمن اسلامی معلمان را تشکیل ویکی از اعضای فعال انجمن بودم که با همکاری دو تن از همکاران دیگر از سهمیه یک روز نفت استانها و از سهم آموزش و پرورش مشغول ساختن مدارس در روستاهای محروم شدیم و

تعداد ۲۵ مدرسه با فضاهای مختلف و مناسب روستا در سختترین شرائط و شروع اشغال عراق و نبود مصالح ساختمانی ساخته شد و چون افراد فامیل این جانب اکثرا در قم ساکن بودند و تمایل اینجانب به زندگی در قم و شروع تحصیلات حوزوی به قم منتقل گردیدم و از مهرماه ۱۳۶۰ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم ضمن تحصیل در حوزه در آزمون سراسری دانشگاهی شرکت و در رشته روانشناسی و مشاوره در دانشگاه شهید بهشتی رحمت الله علیه پذیرفته شدم و با زحمات فراوان ایاب و ذهاب و مشکلات خانواده و وضع مشکل اقتصادی موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته مذبور گردیدم و ناگفته نماند که در ایام جنگ تحمیلی بنا به ضرورت تابستانی در جبهه های دفاع مقدس شرکت مینمودم که مجموعا یک سال را در جبهه ها حضور داشتم و به وظایف رزمی تبلیغی مشغول بودم وپس از پایان دوره کارشناسی در دبیرستان امام صادق علیه السلام به وظیفه مشاوره و تدریس مشغول گردیدم از سال ۱۳۷۵ به دعوت معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی در صدای مشاور به خدمت شهروندان محترم قم در آمدم و به دلیل نیاز خانواده ها و جوانان به آموزش و اطلاع رسانی مسائل خانوادگی و مسائل جنسی پرداختم و چون با مشکلات تربیتی کودکان توسط خانواده ها آشنا گردیدم مبادرت به تالیف جزوات لازم به منظور آشنایی و آگاهی دادن به خانواده ها نمودم و در همایش های مربوط به مشاوره از دیدگاه اسلام در استان یزد و قم و همایش انجمن مشاوران ایران در تهران که یکی از اعضای این انجمن میباشم شرکت نمودم و بنا بر ضرورت و احساس وظیفه و مسئولیت دوره های زیادی در رای گیری ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس به عنوان ریاست حوزه های انتخابیه فعالیت داشتم و در دوره پنجم نمایندگان مجلس کاندید نمایندگی در شهرستان شدم که به علت مشکل اقتصادی موفق به تبلیغ و معرفی خود نگردیدم و در طول مدت خدمت در مسئولیت مشاوره به خدمت شهروندان محترم به کمک نوجوانان و جوانان و خانواده ها مشغول گردیدم و تحصیلات حوزوی را هم تا دو سال شرکت در دروس خارج ادامه دادم که ان شاالله و با توفیق پروردگار تصمیم دارم که تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را تا پایان درس خارج و دکترای رشته تخصصی ادامه دهم

شجاعی سمنانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد شجاعی سمنانی والد ماجد حجهٔالاسلام و مروجالاحکام حاج سید حسین شجاعی معاصر از علماء و ائمه جماعت و اهل منبر سمنان بوده.

و در حدود ۱۳۷۰ قمری به تهران منتقل و مدتی در حیات مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ علی‌اکبر برهان و بعد از وفات او در مسجد آن مرحوم بنام مسجد لرزاده اقامه جماعت نموده و در حدود ۱۳۸۰ قمری بدرود حیات گفته است.

و اکنون فرزند ارجمند و فاضلش آقای حاج سید حسین شجاعی مذکور در تهران در مسجد امیرالمؤمنین خیابان عباس‌آباد اقامه جماعت و به تبلیغ و ارشاد از راه منبر اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شجاعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید حسین بن العالم الجلیل و المحدث النبیل حاج سید محمد سمنانی واعظی بزرگوار و گوینده‌ای عالیقدر است در سمنان متولد شده و پس از تحصیلات جدید مهاجرت به قم نموده و ادبیات و سطوح را خدمت حجه‌الاسلام حاج شیخ جواد خندق‌آبادی و مدرسین دیگر تکمیل و به دروس خارج آیات عظام بروجردی و آیت‌الله مجاهد... و دیگران حاضر شده و از هر گلستان گلی و از هر خرمن خوشه‌ها به دست آورده و به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و از راه منبر و اقامه جماعت در مسجد امیرالمومنین علیه‌السلام خیابان شمالی عباس آباد تاکنون اشتغال دارد و در هیئت الغدیر و سایر هیئات و جلسات انجام وظیفه و دفاع از حریم ولایت می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شجاعی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید قاسم شجاعی تهرانی از وعاظ نامی و گویندگان مشهور معاصر است که در تهران متولد شده و در بیت علم و سیادت تربیت یافته و تحصیلات جدیده را تا متوسطه تکمیل نموده و سطوح را از نزد حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی و علماء دیگر خوانده و بیشتر در تحت تعلیمات و راهنمائی استادی چون خندق‌آبادی مزبور به وضع منبر و تبلیغ و خطابه آشنا شده و در اثر داشتن استعداد ذاتی و نبوغ فکری در اندک مدتی به درجه و مرتبه وعظ و خطابه ارتقاء یافته تا هم اکنون

که یکی از خطباء مشهور و وعاظ معروف تهران می‌باشد منبری آموزنده دارد و مورد توجه عموم طبقات می‌باشد.
مولف گوید: مترجم محترم گذشته از مقام سخنوری اصولا ریشه‌دار و اصیل و از خاندان مجد و شرافت و دارای عفت و نجابت و مبرا از آلودگی‌های اخلاقی و محلی به ملکات فاضله و دوستی و صداقت است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شجاعی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود شجاعی سلیمانی (زاده 9 ژوئن ۱۹۸۴ برابر با ۱۹ خرداد ۱۳۶۳ شمسی، در شیراز) فوتبالیست ایرانی است. که هم‌اکنون عضو باشگاه اوساسونا است و سابقه عضویت در تیم ملی فوتبال ایران را نیز دارد.[۱] مسعود شجاعی معمولاً در نقش بازیکن میانی و هافبک راست بازی می‌کند. فوتبال حرفه‌ای را در تیم صنعت نفت آبادان شروع کرد، و پس از آن به تیم سایپا انتقال یافت. اولین بازی ملی او مقابل تیم لائوس در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۰۶ بود. او در جام جهانی ۲۰۰۶ او در بازی مقابل آنگولا به عنوان بازیکن تعویضی وارد میدان شد.
شجاعی دو سال پس از این که در الشارجه بازی کرد با چند پیشنهاد اروپایی از ایتالیا و بوندس‌لیگا مواجه شد اما در نهایت در تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۸۷ قراردادی سه ساله با تیم اوساسونای اسپانیا بست.[در همین رابطه] پیش از شجاعی نکونام به عنوان اولین بازیکن ایرانی شاغل در لالیگا به این تیم پیوسته بود. دوران ملی
شجاعی با درخشش در تیم سایپا برای اولین به تیم ملی امید ایران دعوت شد. پس از آن برانکو ایوانکوویچ او را به تیم ملی دعوت کرد و شجاعی اولین بار ماه نوامبر سال ۲۰۰۴ اولین بازی ملی‌اش را در بربر لائوس انجام داد. پس از آن شجاعی از تیم ملی دور بود تا این که در جریان اردوی تدارکاتی تیم ملی ایران در سوئیس که خود را برای جام جهانی آمادی می‌کرد، شجاعی دوباره به تیم ملی دعوت شد. با این حال شجاعی در جام‌جهانی تنها در بازی سوم ایران و در شرایطی که محمد نصرتی به دیلی مصدومیت نمی‌توانست به عنوان بازیکن جایگزین وارد زمین شد. مسعود شجاعی در زمان مربیگری علی دایی در تیم ملی ایران در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی به تیم ملی دعوت شد و چند بازی انجام داد.

شجره اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ –۱۲۷۸/۱۲۷۱ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به ناهید و شجره. پدر وی متخلص به بزمی از وعاظ اصفهان بود. شجره در قریه‌ی سامان چهارمحال بختیاری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش فراگرفت. پس از فراغت از تحصیل در قهفرخ و زادگاهش به تدریس پرداخت. پس از مدتی ابتدا به اصفهان و سپس به تهران منتقل شد. و در کالج آمریکایی البرز به تحصیل و تدریس پرداخت و پس از اتمام دوره‌ی متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق شد. و همین زمان به نوشتن مقاله در روزنامه‌های «کیهان» و «ایران» پرداخت. شجره پس از اخذ لیسانس وارد دادگستری شد. وی شعر کم می‌سرود، اما در سرودن انواع شعر توان بود. در تهران درگذشت. برخی از آثار وی: «تحقیق در رباعیات خیام»؛ «تعبیر رویا و روانشناسی امروز»، ترجمه؛ «شخصیت مولوی»؛ «علم معاش»؛ «قوای روحی و آئین فرمانروایی»؛ «گلزار ایران»، مجموعه‌ی مقالاتی در باره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران» آن روز طبع می‌شد؛ «مقدمه بر جغرافیای اقتصادی».[۱]
شاعر.
تولد: ۱۳۱۷(۱۲۷۹ ق.)، قریه سامان چهارمحال.
درگذشت: ۲۷ فروردین ۱۳۶۱.
سید حسین شجره، فرزند سید عبدالرسول واعظ تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان فراگرفت و تحصیلات عالی را در کالج آمریکایی تهران (البرز) به پایان برد. همچنین دوره‌ی دانشکده‌ی حقوق را گذراند و به شغل دبیری و قضاوت پرداخت. مدت‌ها در قهفرخ ساکن بوده و به آموزش و پروش کودکان و نونهالان اشتغال داشت، بعدا به اصفهان و از آن پس به تهران منتقل شد و در خدمت وزارت دارایی داخل گردید. در زمانی که ساکن بختیاری بود «ناهید» تخلص می‌نمود (چنانچه در کتاب تذکره شعرای چهارمحال و جنگ بهترین اشعار به همین تخلص مذکور است). در اصفهان «شیوا» تلخیص می‌کرد (چنانکه در کتاب نامه‌ی سخنوران، از او به همین تخلص یاد شده است). وی در همه نوع شعر می‌گفت اما طبعش بیشتر به سرودن مثنوی و قصیده مایل بود. اشعار و مقاله‌های او در جراید کشور چاپ و نشر شده است.
از آثار اوست: تحقیق در رباعیات خیام فیتز جرالد (کریستین سن، ۱۳۲۰)، رساله‌ای در تعبیر رؤیا و روان‌شناسی امروز، شخصیت مولوی (۱۳۱۶)، روان‌شناسی، علم معانی، دوست‌یابی، ترجمه‌ی رساله‌ی وجودیه خیام، ترجمه رساله‌ی کون خیام، علم معاش (۱۳۲۲)، مقدمه بر جغرافیای اقتصادی (۱۳۲۸)، قوای روحی و آیین فرمانروایی (چاپ دوم، ۱۳۳۴). علاوه بر اینها، کتابی درباره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام و تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران»، تحت عنوان «گلزار ایران» به چاپ رسید و همچنین مقالاتی زیر عنوان «در محفل انس چه شنیدم» که در روزنامه‌ی «کیهان» طبع گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۸، ش ۵، ص ۲۸۳ -۲۸۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۹۶ -۲۹۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۲۰ -۱۹۱۷ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲ -۵۳۱، ۴۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۱ -۷۶۰ /۲).

شجونی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ جعفر شجونی گیلانی از فضلاء برجسته و وعاظ شایسته و گویندگان نامی معاصر تهران است وی در گیلان متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و سطوح را نزد مدرسین قم به پایان رسانیده و چندی از محضر آیات عظام بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده نموده آنگاه به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و به ترویج دین و تبلیغ احکام و مبارزه با بیدادگری‌ها و پیکار با منحرفین اشتغال دارد.

منبری مهیج و بیانی تحریک‌آمیز دارد در تهران و حومه آن شهرت بسزائی پیدا نموده و مورد علاقه بسیاری از مردم پایتخت گردیده است.

نوشته‌هائی در موضوعات مختلفه دارد که تاکنون موفق به طبع و نشر آن نشده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شرافت، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار. وی مدیر و موسس روزنامه‌ی ماهانه‌ی «شرافت» در تهران بود. مندرجات «شرافت» از آن جهت قابل اهمیت است که به زبان عامیانه بود و مقالاتی در آن تحت عنوان «مشهدی» نوشته می‌شد که در عوام خیلی موثر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید و مجلات (۵۹ -۵۸ /۳).

شربیانی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شربیانی از بیت آیه الله العظمی مرحوم فاضل شربیانی نجفی و از علماء فضلاء معاصر تبریز است سالها در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل علوم داشته و از محضر مرحوم آیه الله العظمی حجت و آیه الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به تبریز مراجعت و باقامه جماعت و تدریس و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد. موصوف به فضل و کمال و محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شرعی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین دارابی شیرازی معروف به شرعی از علماء محترم و ائمه جماعت شهرستان دینی قم بوده‌اند. وی در داراب متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات به شیراز آمده سطوح را از علماء فارس فراگرفته و مهاجرت به قم نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه به پایان رسانیده سپس در حوزه درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی حائری یزدی و آیت‌اللّٰه حجت و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمد فیض قمی شرکت نموده و به درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب از ورودش به قم حاضر و استفاده نموده و در پائین شهر قم در مسجد رضویه اقامه جماعت و تبلیغ احکام نموده تا در سال ۱۳۹۱ ق وفات و در قبرستان شیخان مدفون گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شرعی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی شرعی

محل تولد : داراب فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله حاج شیخ محمد علی شرعی در اسفند ماه ۱۳۱۴ خورشیدی در داراب فارس دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بخاطر تقوی و عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم السلام) از محبوبیت خاصی در میان اهالی داراب برخوردار بود. پدرش مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی شیرازی که از علمای بزرگ و مبارز آن نواحی محسوب می‌شد تحصیلات خود را در نجف ادامه داده بود و پس از بازگشت به ایران ابتدا در داراب و بعد از چندی در قم ساکن گردید. مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین در قم نیز از اهتمام به تحصیل باز نماند و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام مرحوم خوانساری، مرحوم صدر و مرحوم بروجردی بهره فراوان برد و تا پایان عمر به تدریس علوم حوزوی اشتغال داشت. عشق و علاقه این بزرگمرد به اهل البیت (علیهم السلام) بویژه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) زبانزد خاص و عام بود و در مصائب آن حضرت بسیار بی تابی می‌نمود بگونه‌ای که صفحات جلد دهم کتاب بحارالانوار که در باره حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است با قطرات اشک ایشان درآمیخته است.

از وی چند مرثیه و منقبت به زبان فارسی و عربی بر جای مانده است. حضرت آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در دامان چنین پدری پرورش یافت و در نخستین ماههای زندگی به همراه پدر در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و همزمان با فشار و اختناق حکومت رضاخان از داراب به قم آمدند. آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در پنج سالگی شروع به آموختن قرآن نمود و پس از آن گلستان سعدی و بخشی از کلیله و دمنه را نزد مرحوم حاج شیخ علی انصاری «دشتی» فرا گرفت سپس شرح امثله و صرف میر را نزد مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید محمود یثربی آموخت.

با تشویق و ترغیب پدر دانشور خود تمام نصاب الصبیان و تهذیب المنطق را حفظ نمود و عموم مطالب صمدیه و الفیه را نیز به خاطر سپرد سپس سیوطی را نزد حاج شیخ احمد زرندی و حاج شیخ حسین مؤمن شیرازی فرا گرفت و بخشی از مغنی را نزد آقای ربانی خراسانی که از شاگردان مبرز مرحوم ادیب نیشابوری بود و معانی و بیان را از حاج شیخ رحمهٔالله فشارکی آموخت. علاقهٔ به ادبیات بویژه درک دقیق و درست از شعر و کاربرد آن در نشر مفاهیم مذهبی و اخلاقی موجب گرایش و بزرگداشت وی از هنر منظوم متعهد گردید و در این رویکرد که تا هم اکنون باقی است باید تأثیر قریحهٔ ادبی و علاقه و توجه پدر وی ـ مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ را به شعر و فنون ادبی موثر دانست و لذا در تابستان برخی از سالها که به مشهد مقدس می‌رفت و از محضر علمی و ادبی زنده یاد مرحوم ادیب نیشابوری بهره می‌برد. آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی شرح لمعه را نزد آیهٔالله ستوده و آیهٔالله شب زنده‌دار و بخشی از آن را نزد پدر خود فرا گرفت وی چندی نیز آداب و فنون مناظره را به شیوه متکلمان در معیت آیهٔالله طاهری خرم آبادی و حجهٔالاسلام شهید حق دان و حجهٔالاسلام مرعشی از محضر آیهٔالله شب زنده‌دار آموخت و پس از فراگیری شرح تجرید از آیهٔالله شیخ ابوالحسن شیرازی، از درس آیهٔالله تقدیری برای آموختن شرح منظومه استفاده نمود.

سپس قسمتی از رسائل و مکاسب را از محضر آیهٔالله مشکینی و بخشی از کفایه را نزد آیهٔالله منتظری و بیشتر آن را از آیهٔالله سلطانی و آیهٔالله حرم پناهی آموخت. با اتمام این دوره در درس خارج حضرت امام خمینی (قدس سره) حضور یافت و مسائل مستحدثه را از محضر ایشان فرا گرفت و همزمان در درس آیات عظام گلپایگانی و شریعتمداری و حاج شیخ کاظم فاروبی شرکت می‌نمود. ایشان در طی سالهای تحصیلی خود با بسیاری از شخصیت‌های علمی و سیاسی مراوده و دوستی داشتند که از آن جمله می‌توان به حضرات آیات احمدی میانجی، سیدمهدی روحانی، راستی کاشانی، مظاهری اصفهانی، عندلیب شیرازی، شیخ حسین امراللهی و مرحوم آیهٔالله صدرالدین حائری شیرازی و برادر ایشان آیهٔالله محی الدین و نیز آیهٔالله مجدالدین محلاتی اشاره کرد.

دامنهٔ ارتباطات مردمی آیهٔالله شرعی تا اقصی نقاط کشور گسترده است. ایشان با بسیاری از تجار متدین، کارمندان شریف و جوانان فعال و حق طلب از هر قشر و طبقه‌ای ارتباط فکری و عقیدتی داشت که غالباً به صمیمیت وی و ارادت آنها منتهی می‌گردید. در این راه و روش به عنوان عالمی روحانی و مبارزی پرتلاش علیه نظام منحوس پهلوی با عده کثیری از علمای بزرگ شهرستانها ارتباط و آشنایی پیدا نمود همچنان که رشته مودّت میان وی و عموم دوستان پدرش ـ مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ برقرار ماند که از آن جمله می‌توان به دوستی و مراودهٔ وی با آیهٔالله حاج شیخ محمدرضا کاظمی در کرمانشاه و آیهٔالله سیداسماعیل هاشمی در اصفهان اشاره نمود.

حضرت آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی از معدود دانشوران حوزوی است که عمر با برکت وی در نشر و گسترش معارف خاندان عصمت و طهارت : و ارائه خدمات گوناگون فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی و تربیتی سپری شده است که در این قسمت به برخی از تلاشهای علمی و فرهنگی این روحانی خستگی‌ناپذیر اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. وی تدریس علوم حوزوی را از اولین سالهای طلبگی خود آغاز نمود و در این راه از تدریس هیچ درسی استنکاف نورزید. سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبدالله، لمعه، معالم الاصول و اصول مظفر و... را به شیوهٔ علمای سلف صالح تدریس نمود و برای تربیت شاگردان و طلبه‌های فاضل، مبارز، با اخلاق ازانجام هیچ تلاشی رویگردان نبود. وی به خوبی می‌دانست که نیروی انسانی در هر جامعه‌ای برترین و مهمترین سرمایهٔ ارتقا و اعتلای آن است بنابراین تمام تلاش خویش را برای فراهم نمودن شرایط مساعد تربیت بکار گرفت و پس از بازسازی مدرسهٔ رضویه با پیشنهاد شهید آیهٔالله قدوسی به اداره آن همت گماشت تا گوشه‌ای از نابسامانی‌های آموزشی و درسی طلاب را سامان دهد. از جمله فعالیت‌های ایشان در مدرسه رضویه افزون بر ارائه یک سیستم منظم آموزشی، برگزاری سلسله جلسات علمی و اعتقادی بود. آیهٔالله شرعی پس از آشنایی با مرحوم شهید مطهری در زندان ساواک به همراه تنی چند از فضلای حوزه توانست

مقدمات حضور و تدریس ایشان را در قم و در مدرسه رضویه فراهم آورد.

سلسله دروس اعتقادی و فلسفی شهید مطهری دو روز در هفته برگزار می‌گردید. این درسها که با استقبال کم نظیر طلاب قم مواجه می‌شد پاورقی‌های جلد چهارم و پنجم کتاب «روش رئالیسم» را تشکیل می‌دهد. آیهٔالله شرعی با توجه به لزوم ایجاد تشکیلات منسجم در حوزه‌های علمیه برای ارتقای وضعیت علمی و آموزشی طلاب و فراهم نمودن زمینه‌های لازم در مبارزه با رژیم طاغوت، مدیریت مدرسه رضویه را بر عهده گرفت و سالهای متمادی در آنجا به کار و تلاش پرداخت. در آن ایام جریانهای انحرافی وابسته به سیاستهای فرهنگی غرب و وهابیت قصد داشت با نفوذ به حوزه‌های علمیه اذهان طلاب جوان را منحرف سازد تا بتواند از آنها در مقاصد گوناگون استفاده نماید.

این جریانها توسط برخی روحانی نمایان در مدرسه رضویه رخنه کرده بود. آیهٔالله شرعی با هوشیاری و اشراف کامل، به مبارزه غیر علنی با آنها پرداخت و با بر پایی جلسات مناظره از فضلایی همچون آیهٔالله مصباح یزدی و حجج اسلام حاج شیخ محمدرضا آشتیانی و حاج شیخ جعفر امامی استفاده نمود تا شبهات ایجاد شده را پاسخ گویند. این جلسات به قدری مفید و جذاب بود که تحسین بسیاری از اساتید حوزه را برانگیخت. آیهٔالله شرعی پس از رفع شبهات از اذهان طلاب جوان به طرد و تصفیه عناصر التقاطی همت گماشت و مدرسه رضویه را از این بلیّه رهایی بخشید. در بررسی خدمات گوناگون آیهٔالله شرعی باید مجموعهٔ آنها را در دو دورهٔ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داد. اعتقاد راسخ وی به حقانیت مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و پیروزی حق بر باطل در فرجام امور، رویکردی آینده شناسانه را به وی ارزانی داشته که براساس آن به بسیج تمامی نیروها و امکانات جامعه برای اعتلای کلمهٔ حق و امحاء باطل کوشیده است و در راه تحقق آرمانهای الهی و حفظ و گسترش ارزشهای دینی به انجام هر گونه خدمت و قبول هر رنج و مصیبتی دل می‌سپارد.

زندانی شدن در زندانهای ساواک، تلاش در هماهنگ سازی نیروهای طرفدار حق، ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای آحاد مردم، تشویق و ترغیب قشرهای گوناگون به دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی، شهادت فرزندش حجهٔالاسلام شهید محمدتقی شرعی در جبهه‌های جنگ تحمیلی و... مجموعه‌ای از عملکردهای باورمند وی را نشان می‌دهد. بارزترین ویژگی آیهٔالله شرعی را باید در امیدواری و امیدبخشی نسبت به تحقق وعده‌های الهی دانست و ظلم ستیزی وی را نیز همدوش آن دید. آیهٔالله حاج شیخ محمد علی شرعی را می‌توان یکی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی معاصر دانست. جمع‌آوری مجموعه‌ای از خاطرات این دانشی مردنستوه می‌تواند بسیاری از زوایای سیاسی و اجتماعی دیروز و امروز ایران اسلامی را آشکار سازد. مبارزه مداوم وی بر علیه نظام طاغوت موجب شد تا در عاشورای سال ۱۳۴۲ که برای تبلیغ به مشهد اردهال رفته بود توسط ژاندارمری دستگیر و برای بازجویی به نراق منتقل گردد.

پس از چندی وی را در ساواک قم مورد بازجویی قرار دادند. سپس به پادگان عشرت‌آباد فرستادند و چندی او را در زندان انفرادی نگه داشتند. پس از انتقال به بند عمومی زندان از محضر عالمان مبارزی چون آیهٔالله بهاءالدین محلاتی، آیهٔالله خادمی اصفهانی، آیهٔالله قاضی تبریزی و... استفاده‌های فکری و معنوی نمود. آیهٔالله شرعی از زندان پادگان عشرت آباد به زندان شهربانی تهران منتقل گردید. در ایام پانزدهم خرداد این زندان محل بازداشت اهل منبر و وعاظ معروفی همچون حضرات آیات شهید مطهری، شهید هاشمی نژاد، مرحوم فلسفی وآیهٔالله مکارم شیرازی و... بود.

آشنایی آیهٔالله شرعی در این زندان با شهید مطهری ثمرات بسیاری برای نهضت و مردم را در پی داشت. وی در این ایام با برخی از دوستان خود روزنامهٔ «انتقام» و «بعثت» را چاپ و منتشر می‌نمود که ماهیتی سیاسی داشت و مسائل مهم آن روزها را تحلیل می‌کرد تا حوزه و روحانیت را از آنچه در اطرافشان رخ می‌داد آگاه نماید. در ادامه اینگونه فعالیتهای سیاسی بود که آیهٔالله شرعی توانست با تهیه یک دستگاه چاپ و تکثیر، سخنرانیهای مرحوم امام (قدس سره) را در میان افراد انقلابی منتشر سازد که یکی از شاخص‌ترین این موارد چاپ و نشر سخنرانی مشهور حضرت امام (قدس سره) در پانزدهم خرداد سال ۴۲ می‌باشد. پس از موضع‌گیری صریح امام (قدس سره) در برابر کاپیتولاسیون، آیهٔالله شرعی با همکاری حجهٔالاسلام سیدمحمود دعایی اعلامیه آن مرجع نستوه را در اندک زمانی چاپ کرد و در کمترین زمان ممکن به صورت هماهنگ در سراسر کشور توزیع نمود. پی‌گیری ساواک برای جستن عاملان این حرکت انقلابی منجر به بازداشت آیهٔالله شرعی و جمعی از فضلا گردید.

وی را ابتدا به زندان قزل قلعه و سپس به زندان قصر منتقل نمودند. در گیرودار همین دستگیری بود که مأموران ساواک به سرکردگی جلاد معروف آن یعنی سرهنگ ازغندی به خانهٔ آیهٔالله شرعی یورش بردند. جلاد ساواک قصد ورود به اطاقی را داشت که زنان خانواده در آن حضور داشتند و می‌کوشیدند تا اسناد مربوط به روحانیون مبارز را برای مصون ماندن از این هجوم ناگهانی به منزل همسایگان منتقل نمایند. سرهنگ ازغندی که قصد داشت با ایجاد ارعاب وارد اطاق شود با فریاد و سیلی خشم آهنگ آیهٔالله شرعی روبرو شد. همین ابراز شجاعت موجب شد تا فرصت کافی برای پنهان سازی اسناد انقلابی فراهم آید. شهید حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی در سالها بعد می‌گفت: من شجاعت و شهامت را از آن سیلی که پدرم در حال اسارت به جلاد ساواک نواخت، آموختم. آیهٔالله شرعی در ایام هجرت حضرت امام (قدس سره) به نجف اشرف به سوریه رفت تا از آنجا به عراق برود و به دیدار امام (قدس سره) نائل شود.

هدف وی از این سفر پرسش از امام (قدس سره) در باره شرکت در انتخابات و چگونگی برخورد با این موضوع در ایران بود. وی که نتوانسته بود ویزای عراق را تحصیل نماید پرسش‌های خود را در سوریه در یک نوار ضبط نموده و آن را به همراه نامه‌ای که با همفکری آیهٔالله سیدمنیرالدین حسینی در قم تهیه و برای انتقال به سوریه در یک دستگاه رادیو جاسازی شده بود توسط آقای علی جنتی فرزند آیهٔالله جنتی به دست امام (قدس سره) در عراق رسانید و پس از مدتی کوتاه پاسخ امام (قدس سره) را مبنی بر تحریم انتخابات دریافت نمود. آیهٔالله شرعی با شروع سلسله دروس ولایت فقیه توسط مرحوم امام (قدس سره) در نجف، مجموعهٔ نوارهای این دروس را پس از انتقال به قم با جمعی از دوستان مورد مطالعه و مباحثه قرار داده آن را منتشر ساختند. با شروع انقلاب اسلامی ایران و هجرت امام (قدس سره) از نجف به پاریس ارتباط تلفنی وی با امام (قدس سره) برقرار گردید و ایشان مطالب و نقطه

نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به وسیله یک شبکه گسترده و سرّی به کلیه علما و فضلای مبارز در سراسر کشور منتقل می‌نمودند.

وی در هماهنگ سازی علمای بزرگ شهرستانها با نهضت اسلامی تلاش مضاعفی را بکار بردند که از آن جمله می‌توان به ملاقاتهای ایشان با آیهٔالله ارباب در اصفهان اشاره نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام تلاش آیهٔالله شرعی این مبارز خستگی‌ناپذیر به حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی معطوف گردید و در مسؤولیت‌های گوناگون تصویر روشنی از فراست و شهامت و تلاش خداجویانه روحانیت حق طلب شیعی را به منصه ظهور رساند که در پی به برخی از آن خدمات اشاره می‌شود: الف: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ستاد انقلاب اسلامی در قم ایجاد گردید که فرامین حضرت امام (قدس سره) را در رفع معضلات و مشکلات کشورابلاغ و پیگیری می‌نمود.

آیهٔالله شرعی با قبول ریاست این ستاد در روزهای بحرانی آغاز پیروزی، با همکاری آیهٔالله شیخ محمد یزدی به رفع مشکلات مردم در اقصی نقاط کشور و دفع غائله‌های سیاسی از جمله در گنبد و کردستان همت گماشت. زنده یاد شهید چمران با حمایت همین ستاد مردمی و انقلابی آشوب کردستان را سامان بخشید و نیروهای اعزامی از جوانان غیور قم نیز غائله گنبد را پایان دادند آیهٔالله شرعی در این ستاد نمایندگانی را برای نظارت و تقویت عملکرد قوه قضائیه گسیل داشت و با صدور بیش از ۱۳ هزار حکم به عنوان بازوی اجرائی حضرت امام (قدس سره) در سراسر کشور عمل نمود. ب: عده‌ای از مدرسین و فضلای حوزه علمیه قم در دوران استیلای رژیم طاغوت با هدف حمایت از مواضع سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره) و نشر افکار و آثار آن قائد بزرگ به تأسیس جامعه مدرسین همت گماشتند. آیهٔالله شرعی در اولین سالهای تأسیس جامعه مدرسین به پیشنهاد و درخواست آیهٔالله ربانی شیرازی به عضویت آن درآمدند و در تمام فعالیت‌های سیاسی آن فعالانه شرکت داشتند. آیهٔالله شرعی تا هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین می‌باشند. ج: با شروع جنگ تحمیلی ایشان تمام توان و تلاش خویش را به تقویت جبهه‌های نبرد معطوف نمود و در تهیه تجهیزات انفرادی و جمعی برای رزمندگان و ارسال آنها به خطوط مقدم صمیمانه کوشید. فرزند ارشد وی حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی که از چهره‌های بسیار با استعداد و موفق حوزوی محسوب می‌شدند و از اوان نوجوانی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پدر خویش شرکت مؤثر داشتند در روز میلاد حضرت امام محمدتقی (ع) به فیض شهادت نائل آمدند.

حضرت آیهٔالله شرعی این داغ جانگداز را تحت‌الشعاع جشن شادی میلاد با سعادت حضرت جوادالائمه (ع) قرار دادند و در آن سال و هر سال جشن میلاد نهمین پیشوای معصوم (ع) را با شکوه خاصی برگزار نمودند بی گمان یکی از برازنده‌ترین القاب برای این عالم مجاهد عنوان «ابوالشهید» است و از همین حرکت عاشقانه و عالمانه میزان ارادت و اخلاص وی را به ساحت مقدس ائمه هدی (علیهم السلام) به خوبی می‌تواند دریافت. د: حضرت آیهٔالله شرعی برای دو دوره به عنوان نماینده مردم قم به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. در دوره اول از اعضای کمیسیون دفاع مجلس بودند و در طی آن دوره با همکاری دیگر اعضای کمیسیون، اساسنامهٔ ارتش و سپاه را تدارک دیدند. در این دوره است که ایشان سعی بلیغی را برای حفظ و ارتقای جایگاه ولایت فقیه در اساسنامه‌های نیروهای مسلح بکار بردند و به این مهم توفیق یافتند. در دورهٔ دوم نمایندگی، وی به عضویت در کمیسیون اصل ۹۰ پیوست و ۲۳ هزار پروندهٔ راکد و جاری را در طی این دوره به فرجام رساند.

تغییر اساسنامهٔ کمیسیون اصل ۹۰ و اقتدار بخشیدن به این کمیسیون همراه با ساماندهی سیستم بایگانی و اداری آن از دیگر خدمات ماندگار ایشان محسوب می‌شود. حضرت آیهٔالله شرعی با توجه به توانایی و استعداد زنان در کسب علوم حوزوی و لزوم آموزش علمی و دینی برای آنان و نیز ارائه الگوی عینی در این امر، در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه‌ای جهت آموزش حوزوی دختران دست یازیدند که این تلاش به رغم کارشکنی‌های رژیم طاغوت و بی اعتنایی برخی از علمای آن عصر با مساعدت و همکاری شهید آیهٔالله قدوسی به نتایج موفقیت‌آمیز رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران حضرت امام (قدس سره) هیأت موسسی را برای تشکیل حوزهٔ علمیه خواهران تعیین فرمودند که حضرات آیات و حجج اسلام مشکینی ، فاضل، موسوی اردبیلی، جنتی، شرعی ، توسلی و شیخ حسن صانعی از زمرهٔ اعضای آن هیأت بودند. در این دوره تلاش آیهٔالله شرعی با پشتوانهٔ تجارب قبل از پیروی انقلاب و همفکری دیگر اعضای هیأت موسس به ایجاد جامعهٔالزهرا(س) انجامید.

همچنانکه کوشش پیگیر وی موجب ایجاد وحدت رویه و نظارت کامل شورای عالی حوزه علمیه بر حوزه‌های علمیه خواهران شد. و: حضرت آیهٔالله شرعی برای بی نیاز کردن جامعه زنان در مراجعه به پزشکان مرد و نیز ایجاد الگوی عینی در آموزش علوم پزشکی برای بانوان به تأسیس دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم مبادرت نمودند. ایجاد این دانشگاه نتایج گوناگونی را در پی داشت که از آن جمله می‌توان با جذب تخصص‌های پزشکی در قم، فارغ التحصیل شدن بیش از پانصد پزشک زن در تخصصهای گوناگون، ایجاد دانشگاهی تخصصی ویژهٔ بانوان به عنوان ایجاد نمونه عینی و تحقق امکان پذیری نظام آموزشی همگن اشاره نمود. ز: با مراجعت حضرت امام (قدس سره) به قم و ازدهام هر روزهٔ هزاران نفر از اقصی نقاط کشور، برای زیارت آن رهبر بزرگ در اطراف منزل ایشان، لزوم ایجاد مرکز و مکانی جهت پذیرایی و رفاه این زائرین، حضرت آیهٔالله شرعی را بر آن داشت تا به ایجاد فضایی مناسب برای اسکان و پذیرایی مردم اقدام نماید. به همین منظور با همکاری حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سیدرضا برقعی «از مؤلفان کتب درسی آموزش و پرورش» به خریدن و مهیا نمودن زمین وسیعی با تأسیس امکانات رفاهی مبادرت ورزید. امکانات و اماکن فراهم آمده را که با گذشت زمان وسعت می‌یافت بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) نامید و به تهیه اساسنامه و تعیین هیأت امناء برای آن اقدام نمود.

این مؤسسه آموزشی و رفاهی تا هم اکنون در تهران، قم، مشهد و تنکابن منشأ خدمات فراوانی شده است. ح: مدرسه عالی قضایی قم که پس از چند سال به دانشگاه قم تبدیل گردید و با همت و پایمردی رجل علمی و دینی ایجاد شده بود با توجه به سوابق خدمات فرهنگی و تأثیرگذاری حضرت آیهٔالله شرعی درگسترش مراکز علمی و دینی، ایشان از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان یکی را از اعضای هیأت امنای این دانشگاه انتخاب شده و در طی ۴ سال از راهبردها و تجربه‌ها و تلاشهای مؤثر وی

بهره‌مند گردیدند. ط: اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برخی از خیرین با مساعدت و همکاری آیهٔالله سیدعلی محقق برای تهیه مسکن جهت طلاب علوم دینی به تأسیس شهرک مهدیه اقدام نمودند. شورایعالی مدیریت حوزه‌های علمیه هیأت امنایی را از بازاریان متدین و روحانیون دلسوخته برای ایجاد این شهرک تعیین نمود که حضرت آیهٔالله شرعی از آن جمله می‌باشد این شهرک هم اکنون با بیش از هزار واحد مسکونی پذیرای طلاب ایرانی و خارجی است تا در دوران تحصیل با آرامش خاطر به کسب علوم دینی بپردازند. شهرک مهدیه با همت و تلاش هیأت امناء و پیگیری مداوم حجهٔالاسلام والمسلمین شیخ مهدی صباحی گسترش روز افزون داشته هم اینک دو هزار و هفتصد واحد مسکونی دیگر به همراه مراکز فرهنگی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در حال ساخت است. ی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نماز جمعهٔ قم در مسجد امام اقامه می‌گردید و پس از پیروزی و توجه روز افزون آحاد مردم به شرکت در این عبادت سیاسی، اقامهٔ نماز جمعه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) و سپس در دبیرستان امام صادق(ع) انجام می‌پذیرفت.

لزوم ایجاد مصلای وسیعی برای اقامه این نماز عبادی و سیاسی حضرت آیهٔالله شرعی را بر آن داشت تا با همکاری و تلاش آقایان حاج حسن صبوری و حاج ابوالفضل عباسی به ایجاد مصلای بزرگ قم اقدام نماید. ایشان هم اکنون از اعضای هیأت امنای ستاد اقامه نماز جمعه قم می‌باشند. ک: جمعیت مبارزه با فقر که با نظارت آیهٔالله حاج شیخ مرتضی حائری در قم تأسیس گردیده بود و آیت الله موسوی همدانی و آقای سید محمود طباطبایی از اعضای بسیار فعال آن بودند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به وضع معیشتی فقرا و ایتام کمکهای شایانی می‌نمود. حضرت آیهٔالله شرعی که از اوایل تأسیس این جمعیت به همکاری با آن پرداخته بود و با سخنرانی‌های پرشور خویش آحاد مردم و خیرین را به یاری رساندن این جمعیت تشویق و ترغیب می‌کردند از آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری و سید محمود طباطبائی خواستند تا برای ایتام ویژگی خاصی را قائل شوند.

این پیشنهاد مورد قبول مؤسسین واقع گردید و در اولین قدم زیر نظر مرحوم آیهٔالله حائری به انتشار قبض‌هایی مبادرت نمودند که به جلب حمایت‌های مردمی برای ایتام اختصاص داشت. پس از آن، جمعیت سرپرستی ایتام قم توسط آقای زاهدی به تأسیس مدرسه‌ای برای ایتام اقدام نمود حضرت آیهٔالله شرعی که از اعضای هیأت امنای این جمعیت می‌باشند در جلب نظر شخصیت‌های علمی و دینی و مشارکت خیرین برای ساماندهی اوضاع معیشتی و تربیتی ایتام تلاش وافری را به منصه ظهور رسانده‌اند. ل: در اوایل جنگ جمعی از جوانان پرشور قم به تأسیس هیأتی برای عزاداری سالار شهیدان با عنوان حسینیه شهدا اقدام نمودند. این گروه با برپایی چادری در فضایی باز به انجام مراسم عاشورا مبادرت کردند. این حسینیه با حضور و مشارکت آیهٔالله شرعی و جمعی از جوانان پرشور و انقلابی و همکاری مداح اهل بیت (ع) سید احمد شمس از رونق خاصی برخوردار شد و هر ساله بر امکانات آن افزوده گشت. شهید حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی در زمرهٔ جوانانی بود که در این حسینیه عاشقانه خدمت می‌نمود. در طی سالهای گذشته حسینیه شهدای قم موفق به ساختن بنایی مناسب در فضایی بسیار وسیع گردید و حضرت آیهٔالله شرعی با تعیین هیأت امنایی برای آن کوشیده‌اند تا این حسینیه نیز مرکزی برای تربیت جوانان در راه تعمیق و گسترش ارزشهای والای شیعی گردد. در سال ۱۳۷۰ حضرت آیهٔالله شرعی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را در مشهد مقدس تأسیس نمودند.

این مؤسسه که با انجام بیش از هشتاد پروژهٔ تحقیقاتی خرد و کلان یکی از فعال‌ترین دفاتر پژوهشی کشور در حوزهٔ علوم انسانی است در کارنامهٔ خود کارکرد بیش از یکصد و هفتاد نفر از اساتید حوزه و دانشگاه را در طی یک دهه نشان می‌دهد. پژوهشکده‌های معارف، جغرافیا، آینده‌شناسی، ادبیات و هنر از دفاتر اقماری این مؤسسه بودند که با تلاش پژوهشگران خویش به احیاء تراث ادبی و دینی و نقد و نظر در حوزهٔ جغرافیای انسانی و آینده‌شناسی ایران و جهان مبادرت می‌ورزید. هزاران برگه تحقیقاتی به همراه دهها مقاله و کتاب از خروجی‌های علمی این مؤسسه محسوب می‌شود. اهتمام حضرت آیهٔالله شرعی به ایجاد زیرساخت‌های علمی و فرهنگی و تهیه راهبردهای اجرایی در حفظ و نشر معارف علوم موجب پدید آمدن «کانون تفکر» در مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا گردید. اعضای این کانون که بطور موازی با شورای عالی پژوهش به تشکیل جلسه می‌پردازند از مبرزترین اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشند پایگاه اینترنتی این مؤسسه برای پاسخگویی مستدل به شبهات معاندین مکتب علوی در شرف ایجاد است. حضرت آیهٔالله شرعی با تأسیس انتشارات تاسوعا زمینهٔ پشتیبانی چاپ و نشر آثار تحقیقاتی و فرهنگی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را فراهم نمودند. این انتشارات تاکنون آثاری از تراث ادبی و دینی را به جامعه علمی ارائه نموده است

شرف جهان قزوینی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۶۸ -۹۱۲ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. در جوانی مقدمات دانش و ادب را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به شیراز رفت و نزد امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی و خواجه جلال‌الدین محمود شیرازی، به کسب دانشهای معقول همت گماشت. علمای معاصر او به فضلش گواهی داده‌اند. شرف جهان در خط و انشا و شعر و حتی در موسیقی و آواز سرآمد زمان بود و خط را به روش خواجه عبدالحی منشی می‌نوشت. وفات وی در قزوین اتفاق افتاد و در مزار شاهزاده حسین به خاک سپرده شد. وی به غیر از «دیوان» شعر، صاحب «ساقی نامه»ای است که به مدح شاه طهماسب ختم شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۸۷ -۱۱۷۴ /۳)، حسن التواریخ (۶۹۹ -۶۹۸، ۵۳۳)، ایضاح المکنون (۵۱۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۱ -۶۷۹ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۶ -۸۲۵، ۴۴۰ -۴۳۹)، تذکره‌ی میخانه (۱۶۸ -۱۵۱)، الذریعه (۵۱۶ -۵۱۵ /۹)، ریحانه

(۱۸۸/۳)، عالم آرای عباسی (۱۷۸/۱)، قزوین در گـذرگاه هنر (۲۲۱ -۲۲۰)، گلستان هنر (۴۹)، مجمع الخواص (۴۰ -۳۹)، مجمع الفصحا (۴۴/۴)، مینودر (۴۷۳ -۴۷۲ /۲)، نتایج الافکار (۳۶۹ -۳۶۸).

شرف شفروه اصفهانی، شرف‌الدین عبدالمومن، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، فقیه، واعظ و شاعر. مشهور به شفروه و شرف اصفهانی. وی از خاندان بسیار معروفی از مردم اصفهان بوده که همه به مناسبت نـام جـدشان به شـفروه معروف بوده‌انـد. وی در زبان فارسـی و عربی مهارت داشت. وی از قران جمال‌الـدین عبـدالرزاق و رفیع‌الـدین لنبـانی بود. در خـدمت اتابک شـیرگیر لقب ملک‌الشـعراء داشت و می‌گوینـد که او جمال‌الـدین و مجیرالـدین بیلقانی را اهـاجی رکیـک گفته است. از ممـدوحان وی اتابک مشـیرگیر برادر اتابک ارسـلان از سـران دولت سـلاجقه‌ی عراق بوده است. از جحمله مولفـاتش: «اطبـاق الـذهب فی المواعظ و الخطب». که به زبـان منشیانه فصـیح و به زبان عربی نگاشـته شـده است؛ «دیوان» اشعارش مشتمل بر هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۵۰ -۹۴۸ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۴۳ -۷۴۰ /۲)، تاریخ گزیده (۷۳۷ -۷۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۲)، تذکره الشعراء (۱۷۲ -۱۷۰)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۴۶۴/۲)، الذریعه (۵۱۳/۹، ۲۱۶/۲)، ریاض العارفین (۲۱۳ -۲۱۲)، ریحانه (۱۹۳ -۱۹۲ /۳)، فرهنگ سـخنوران (۴۹۹ -۴۹۸)، کشـف الظنون (۱۱۶)، لبـاب الالباب (۲۷۳ -۲۶۸ /۱)، لغت نـامه (ذیل/ شفروه) هفت اقلیم (۳۶۶ -۳۶۱ /۲)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۴ -۲۱۳ /۵).

شرف‌الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، واعـظ، فقیـه اصـولی، متکلـم و محـدث حنبلی. معروف بـه ابـن حنبلی واعـظ. اصـل وی از شـیراز است. از پـدر فقه آموخت و از ابوطالب بن یوسف، حدیث. وی را شـیخ حنبلیان دمشق گویند. از آثارش وقف مدرسه‌ی بزرگ شریفیه در کنار جامع دمشق است. از آثار علمی‌اش: «البرهان»، دراصول دین؛ «رساله فی رد الاشعریه»؛ «المفردات»؛ «المنتخب»، در اصول فقه حنابله.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۶۸، ۵۲۹ /۲)، سیر النبلاء (۱۰۴ -۱۰۳ /۲۰)، معجم المؤلفین (۲۲۴/۶).

شروانی، عبداللطیف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نویسـنده، ادیب. معروف به افلاطون. وی مولف رسـاله‌ای به نـام «حـل ما لا ینحل» در شـرح قصـیده ابوالمفاخر رازی شاعر قرن ششم در مناقب امام هشتم (ع) که مولف به خطا آن را از امام فخرالدین رازی دانسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۰۳).

شریعت اصفهانی، فتح‌اللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۶۶ ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شـیرازی می‌رسد. اصل وی از شـیراز بود که در اصـفهان به دنیا آمد. در اصـفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیـدر علی اصـفهانی و ملا احمـد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شـیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصـفهانی درس خواند. سپسی به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشـت. در ۱۳۱۳ ق بـه حـج رفت و بعـد از مراجعت به درس و تـالیف و فتـوی پرداخت و مرجـع تقلیـد اغلب شـیعه‌ی امـامیه‌ی گردیـد. وی از شـیخ محمـد طه نجـف و سـید مهـدی قزوینی و صـاحب «روضـات الجنـات» و برادرش میرزا محمدهاشـم چهارسوقی و شـیخ محمدحسـین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شـیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلـد نگاشـته است. از آثارش: «ابانه المختار

فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدیر فی حل العصیر»؛ «اناره الحالک فی قرائه ملک و مالک»؛ حاشیه «فصول»؛ «قاعده‌ی الواحد البسیط»؛ قاعده‌ی «ضرر»؛ قاعده‌ی «طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه. یا «قاعده‌ی صدور»

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۴ -۳۳۳ /۵)، اعیان الشیعه (۳۹۲ -۳۹۱ /۸)، الذریعه (۶/۲۵، ۱۰۴ -۱۰۳، ۴۴/۱۵، ۱۸۸/۱۰، ۱۹۵/۷، ۵۹/۱)، ریحانه (۲۰۷ -۲۰۶ /۳)، شرح حال رجال (۱۷۵/۶)، علماء معاصرین (۱۲۴ -۱۲۲)، فوائد الرضویه (۳۴۵)، معجم المؤلفین (۵۳ -۵۲ /۸)، مکارم الآثار (۱۸۱۹ -۱۸۱۶ /۵).

شریعت، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فرزند آیت‌اللَّه العظمی مرحوم حاج ملا فتح‌اللَّه شریعت اصفهانی عالم معاصر کراچی می‌باشند.

وی در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در نجف اشرف متولد شده و در حجر والد ماجدش که از مراجع بزرگ تقلید و مدرسین و زعماء روحانیت نجف اشرف بودند پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء و اساتید نجف آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی شرکت و استفاده نموده تا حدود سال ۱۳۷۰ قمری که بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی پویا به کراچی مهاجرت و رحل اقامت افکنده و تاکنون شاغل وظائف دینی می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شریعت، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده:-، دانشگاه: علوم و صنایع دفاع

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم و صنایع دفاع.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرهنگ بسامدی گلشن راز، فرهنگ بسامدی گلستان، فرهنگ اصطلاحات دستور زبان فارسی، فرهنگ بسامدی دیوان پروین اعتصامی، تدریس دروس ادبیات فارسی، متون نظم و نثر، دستور زبان فارسی در دانشگاههای اصفهان، علوم و صنایع دفاعی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

املای صحیح، دستور زبان فارسی و انگلیسی تطبیقی، کاملترین صرف و نحو عربی، تجزیه و ترکیب اشعار گلستان زمینه بحث درباره آئین نگارش، ترجمه نهج‌البلاغه، جمله و جمله‌سازی، سخنان پیر هرات، پروین، ستاره آسمان ادب ایران و چندین عنوان دیگر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

دستور زبان فارسی، انتقاد درباره دیوان عطار، صفت مرکب، لفظ" افتادن "در لغت‌نامه، دگر گونیهای لفظ در مثنوی مولوی، اظهار نظر درباره حافظ، فرهنگ‌نویسی، لغات و ترکیبات نو، کهن‌ترین کتاب دستور زبان فارسی، انتقادی بر مرصادالعباد، نقد کتابهای دبیرستانی، قدرت ترکیبی زبان فارسی، انتقادی بر ترجمه تفسیر کمبریج، ویژگیهای دستوری سیاست‌نامه، تأثیر زبانهای خارجی در زبان فارسی معاصر، نثر معاصر فارسی، ضمیر و کاربرد آن در دیوان حافظ و مقالاتی چند درباره دستور زبان فارسی.

تولد: ۱۳۱۵.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از آثار اوست: کتاب املا (اصفهان، ۱۳۴۹ -۱۳۴۷، ۲ جلد)؛ پاسخ تمرین‌های مبادی العربیه یا کاملترین صرف و نحو عربی (رشید شرتونی، ۱۳۷۲)؛ پروین ستاره‌ی آسمان ادب ایران (اصفهان، ۱۳۶۶)؛ ترجمه و راهنمای مبادی العربیه (رشید شرتونی، اصفهان)؛

جواهر الاسرار و زواهر الانوار: شرح مثنوی مولوی (کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی، اصفهان)؛ دستور زبان فارسی (ویرایش سه، ۱۳۶۴)؛ زمینه بحث دربـاره‌ی آیین نگارش (چاپ‌های متعـدد، ۱۳۶۴)؛ سـخنان پیر هرات (عبدالله انصاری، به کوشـش شریعت، ۱۳۶۵)؛ گزیده تفسیر کشف الاسرار (ابوالفضل رشیدالدین میبدی، به اهتمام)؛ متن و ترجمه کتاب تعرف (ابوبکر محمد بن ابراهیم کلابادی، ۱۳۷۱)؛ نهج‌البلاغه، سخنان امیرالمؤمنین (ع) (تألیف شریف رضی، ۱۳۷۴).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۴۹ ق)، عالم، فقیه اصولی، رجالی و ادیب. وی در کربلا متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. به همراه پدر به سفر در شـهرهایی همچون کرمانشاه، تهران، استراباد، مشهد رضوی و سرانجام تهران پرداخت. در خلال سفر از پدر علوم عربی و سطوح فقـه و اصـول را فراگرفـت. پس از درگـذشت پـدر و رسـیدن به سن بلـوغ به نجـف رفت و در محضـر درس و بحث شـیخ مرتضـی انصاری و شـیخ مشـکور حولاوی و شـیخ محسن خنفر و شـیخ راضـی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در بیست و سه سالگی به دریافت درجه‌ی اجتهاد نائل شد. وی از شـیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمـد و به مرجعیت عـام و خـاص رسـید. در عین حـال به تـدریس و تصـنیف نیز پرداخت. از آثـار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسـرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «ینابیع العقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شـرح «شـرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصـره المستبصـرین»، در شـرح «التبصـره»؛ «معراج المومنین»، در شـرح «الالفیه» شهید؛ «النفلیه»، در نماز؛ «ادعیه الوباء و الطـاعون و جملـه من الامـراض و بعض العـوذات و الاحـراز»؛ «تحفه الممالـک فی ترکیب الفیه ابن مالـک»؛ «اثبـات الفرقه النـاجیه»؛ «رساله فی سند دعاء الخضر»؛ «مجمع الاراء و الادله»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، الذریعه (۲۸۹/۲۵، ۱۷۷/۲۴، ۲۳۴، ۱۶۲ -۱۶۱ /۲۱، ۱۵ -۱۴ /۲۰، ۲۳۵/۱۲، ۴۷/۱۱، ۴۷۲/۳، ۴/۲، ۹۸/۱)، ریحـانه (۲۱۱ -۲۱۰ /۳)، شـرح حـال رجال (۲۲۴/۶)، طبقـات اعلام الشـیعه (قرن ۳۹۲ -۳۹۱ /۱۴)، لغت نـامه (ذیل/ شریعتمدار)، معجم المؤلفین (۲۱۳/۹)، مکارم الآثار (۱۳۵۰ -۱۳۴۹ /۴).

شریعتمداری، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسـین شـریعتمداری معروف به برادر حسین، روزنامه‌نگار ایرانی اصولگرا و مدیر مسئول روزنامه کیهان و همچنین انتشارات کیهان است. وی توسط سید علی خامنه‌ای – رهبر جمهوری اسلامی ایران – به این سمت انتخاب شده است در ماه مه سال ۲۰۰۶، روزنامه فاینتشال تایمز در فهرستی از تأثیرگذارترین تفسیرگران در کشورهای متفاوت، او را به‌عنوان «تأثیرگذارترین تفسیرگر» ایرانی معرفی کرد.

روزنامه کیهان در دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری از محمود احمدی‌نژاد حمایت نمود.

معاونت بخش اجتماعی وزارت اطلاعات

حسین شریعتمداری در مقاله‌ای در تاریخ ۵ دی ۱۳۷۸ روزنامه کیهان که خود مدیر مسئول آن بود نوشت:

دعوت از اینجـانب برای بحث و گفت و گو بـا زنـدانیان گروهکی از جـانب حجت الاسـلام مجیـد انصاری صورت گرفته بود...آن هنگام را اینجانب جزو پربرکت ترین ایام عمر خود می‌دانم که بر اثر آن تعـداد قابل توجهی از عناصـر گروهکی بریـده از انقلاب و مردم به آغوش انقلاب و ملت بازگشتند.

وی در دوران وزارت حجت الاسـلام علی فلاحیان در وزارت اطلاعات جمهوری اسـلامی، مسئول بخش معاونت اجتماعی وزارت اطلاعات بود.

دکتر فرهـاد بهبهانی در کتاب در مهمانی حاج‌آقا وی را به عنوان یکی از بازجوها نام می برد که در زنـدان برادر حسـین نامیـده می شده است. و شریعتمداری نیر در پاسخ می گوید:

بنده هیچگاه بازجو نبوده‌ام ولی بارها ابراز تاسف کرده و می‌کنم که چرا ثواب بازجو بودن در نظام جمهوری اسـلامی ایران در نامه اعمال من ثبت نشده است.

جوایز روزنامه‌نگاری

•حسـین شـریعتمداری موفق شد تا به همراه محمدکاظم انبارلویی سـردبیر روزنامه رسالت، جایزه بهترین و منصف‌ترین منتقد دولت محمود احمدی‌نژاد را در مراسم اختتامیه نمایشگاه مطبوعات، از آن خود کند.

شریعتمداری، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد صادق بن السید الجلیل السید حسن بن العالم النبیل السید محمد شریعتمداری (برادر آیت‌اللّه حاج سید کاظم شریعتمداری) از علماء اعلام معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۳۲۵ قمری در تبریز متولد شده و در کودکی وی مرحوم والدش حجهٔالاسلام آقا سید حسن در سال ۱۳۳۲ قمری وفات نموده و ایشان در حجره والده فاضله عفیفه‌اش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را در تبریز خوانده آنگاه به قم مهاجرت و مقداری از محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری و پس از وی از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده و مشرف به نجف اشرف شده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیات دیگر بهره‌مند گردیده و بواسطه عدم مساعدت هوای نجف مجبور بمراجعت و در قم بتدریس فقه و اصول نهائی پرداخته تا ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی که چند سالی هم در جلسات فقه و اصول آن جناب شرکت نموده تا سال ۱۳۷۲ قمری که به تهران منتقل و به خدمات دینی پرداخته و چندی هم در مشهد مقدس تدریس خارج فقه و اصول نموده و باز بواسطه عدم سازگاری آب مشهد به تهران بازگشت و تاکنون در خیابان مولوی قریب چهار راه گمرگ شاهپور به اقامه نماز جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

معظم له دارای اجازات اجتهادات مطلق و صریح که اساتیدشان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید محمد حجت و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و سایر اساتید که تصریح باجتهاد ایشان نموده‌اند و بصحه برادر بزرگوارشان آیت‌اللّه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و سزاوار بود که حوزه‌های علمی بالخصوص حوزه مقدسه قم از افاضات ایشان مستفیض باشند ولکن مع الاسف در اثر ضعف مزاج و عدم مساعدت آب و هوای قم فعلا در تهران و حوزه علمیه از فیض آن جناب محروم است و لعل اللّه یحدث بعد ذلک امرا. آثار قلمی و علمی ایشان عبارت است از حواشی بر جواهر و قسمتی از کفایه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریعتمداری، نور الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدنورالدین شریعتمداری

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ شمسی وارد حوزه شوشتر شدم و از مقدمات تا سطح عالی را در مدت ۷ سال در خدمت مرحوم آیت الله سید محمد حسن آل طیب و مرحوم آیت الله سید محمد موسوی جزائری به پایان برده و در سال ۱۳۴۷ وارد حوزه نجف اشرف گشته و در درس خارج امام خمینی (قدس سره) و آیت الله العظمی خوئی و سید عبدالاعلی سبزواری و سید محمد جعفر مروج مولف منتهی الدرایه شرکت نمودم و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و از دروس خارج اساتیدی مانند آیات عظام شیخ کاظم تبریزی و علامه فانی اصفهانی و وحید خراسانی و میرزا هاشم آملی بهره ها بردم . از سال ۱۳۷۲ شرکت در درس خارج را رها ساختم و در سال ۱۳۷۴ به اخذ اجازه اجتهاد از دو نفر از مراجع و بزرگان حوزه علمیه گشتم .

در سال ۱۳۵۰ شمسی که وارد حوزه علمیه قم شدم تدریس سطح را شروع نمودم و تا سال ۱۳۷۶ تدریس سطح را به تدریس خارج فقه مبدل کردم و از همان سال تا امسال (سال ۱۳۸۴) به تدریس خارج فقه اشتغال دارم . تحقیق و نویسندگی را از همان دوران اشتغال به فراگیری سطح شروع کردم ؛ درس را پس از فراگیری از استاد خلاصه می کردم و می نوشتم و زمانی که در نجف اشرف به محضر اساتید می رفتم درس های خارج را به زبان عربی می نوشتم و تقریرات درس فقه و اصول اساتید را نگاشتم که اکنون موجود است .

بیش از ۶۰ مقاله علمی در علوم مختلف به زبان فارسی و عربی به مناسبت کنگره ها و همایش ها به نگارش درآمده که بسیاری از آنها در مجموعه مقالات به چاپ رسیده و در جلسه ارئه شده است و یا در برخی از مجلات و جزوه ها به چاپ رسیده است.

تدریس در دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام به مدت ۵ سال ، فقه سیاسی در کارشناسی ارشد ، تدریس در مرکز جهانی در مدرسه حجتیه ، سطح عالی مکاسب و کفایهٔ الاصول و تفسیر موضوعی به مدت ۶ سال ، ارزیابی بیش از صدها مقاله در ارتباط با کنگره ها و همایش ها و مجلات و موسسات پژوهشی ، همکاری با موسسه مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع فقه و فقه و حقوق وابسته به دفتر تبلیغات و موسسه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) و همکاری با نوشتن و ارزیابی مقالات فقهی و اصولی موسوعه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) که ۵ جلد از آن تا کنون به چاپ رسیده است . نوشتن قواعد اصولی در یک جلد و قواعد فقهی در دو جلد قواعد اصولی صد قاعده و قواعد فقهی در بیست قاعده با همکاری برخی از محققین و فضلای حوزه علمیه قم ، همکاری با موسسه مجمع فقه به مدت ۱۰ سال ، عضو هیئت علمی و عضو هیئت تحریریه مجله فصلنامه علوم سیاسی و نگارش مقاله هایی در آن مجله ، تدریس فقه تطبیقی برای کسانی که به عنوان روحانی حج امتحان داده و برگزیده شده اند ، همکاری با موسسه نشر آثار امام خمینی (ره) با مقالات گوناگون و ارزیابی مقالات وارده در ارتباط با کنگره ها و نگارش مقالات علمی فقهی و اصولی ؛ تفسیر ،

هر شب پس از اقامه نماز جماعت در مسجد تکیه یزدیهای بازار قم و استاد راهنما شدن در بسیاری از پایان نامه های مرکز جهانی و حوزه علمیه قم و دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام از سال ۱۳۴۰ ، در آغاز در شوشتر اشتغال به امامت جماعت و تبلیغ در ایام ماه محرم وصفر و رمضان داشته و پس از ورود به قم نیز تا امسال ادامه داشته و در ضمن سپری کردن یک عمر در نگارش و تحقیق ، خداوند فیض اقامه جماعت و تبلیغ را نیز به من عنایت کرده است .

شریف تبریزی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ -۱۲۸۶ ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر، متخلص به تائب. معروف به مساله‌گو. او در مشهد رضوی ساکن بود. علم و ادب را فراگرفت و یکی از فضلای بنام زمان خود شد. شیخ اسماعیل به تالیف و تصنیف در فنون مختلف پرداخت و آثار بسیاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت. در مشهد درگذشت و در باغ رضوان دفن شد. از آثار وی: «عقاید الاسلام»، در اصول خمسه، که گویا ترجمه‌ی «عقاید الاسلام» ترکی منسوب به مقدس اردبیلی است؛ «مرآه المتقین»؛ «مجلات المحققین»؛ «البلاغ المبین»؛ «معیار الفهم و منشار الوهم»؛ «تذکره المتقین»؛ مثنویهای «انصاف نامه»؛ «بلبل نامه»؛ «تحفه نامه»؛ «تزویج نامه»؛ «توحید نامه»؛ «ثمره‌ی فوادیه»؛ «حیرت نامه»؛ «سعادت نامه»؛ «محبت نامه»؛ «نماز نامه» و مثنویهای مختلف دیگر؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۱/۲۱، ۲۸۴، ۲۲۸، ۲۲۷- ، ۱۱/۲۰، ۸۵- ۸۳/ ۱۹، ۲۸۱/۱۵، ۱۸۱/۱۲، ۲۶۵/۱۱، ۱۶۳/۹، ۴۶/۴، ۱۴۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۶/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۱۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۰ -۵۷۹ /۱).

شریف تهرانی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در طی دوران تحصیل در مدرسه‌ی سن‌لوییی و مدرسه‌ی علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق در انجمن ادبی دانشکده عضویت داشته است. در سال ۱۳۰۴ ش در مجله‌ی «ندای قدس» و چندی بعد به سردبیری روزنامه‌ی «جنت» که به مدیریت حسن کسرائی اداره می‌گردید اشتغال داشت. بعدها وارد خدمات دولتی گردید و عهده‌دار مشاغل مختلف شد. از آثار وی: «تئاتر مکتب عشق»؛ «خونبهای ایران یا عشق و کشیبائی»؛ «مکتب عشق»؛ «ممانعت از حق مظاهر تصرف عدوانی و رفع مزاحمت»؛ «نازبخت»؛ «نوای نی»؛ «نوشکفته‌ها»؛ «همای و همایون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۴۶۶ -۴۶۴ /۴).

شریف زاده نجفی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در خصوص ولادت مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی نتوانستیم به نقطه‌نظر مطمئنی دست یابیم، اما بر اساس قرائن و شواهد، هنگام رحلت، بیش از هشتاد سال از عمر آن مرحوم می‌گذشت؛ لذا تاریخ تولد ایشان حدود سال ۱۲۷۸ هجری شمسی و در نجف اشرف می‌باشد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر - علی محمدشریف زاده نجفی - از روضه‌خوان‌های نجف اشرف بوده و سال‌ها قبل از یزد به نجف مهاجرت کرده است. بر این اساس، اگرچه حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی هیچ دوره از عمر خود را در یزد سپری نکرده، اما به نوعی ریشه در دل این دیار داشته و شاید این نکته در انتخاب شهر «ابرقو» از میان شهرهایی که از حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ درخواست روحانی داشته‌اند، بی‌تأثیر نبوده است.مادر ایشان - بانو سلطان بیگم - علویه باکرامتی بوده که با حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی؛ نسبت داشته و آن مرجع بزرگ به کرامت و بزرگواری‌اش اذعان داشته و آن بانو مشمول عنایات ایشان بوده است.خاطرات کودکی : مادر محمد جوادشریف زاده نجفی در ایامی که حاج شیخ محمد جواد، نوزاد و یا طفلی نوپا بوده است، خوابی می‌بیند. خواب را برای حضرت آیت‌اللّه محمد کاظم یزدی بازگو و ایشان هم رؤیای این بانو را چنین تعبیر می‌کند که فرزندش مجتهد می‌شود. سپس سجّاده‌ای به ایشان می‌دهد تا فرزندش بر آن نماز بگزارد. حاج شیخ محمد جواد سال‌ها این سجّاده را با خود داشت و حتّی پس از آمدن به ابرقو هم بر آن نماز می‌خواند. متأسفانه این سجّاده در یکی از مساجد مفقود گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سنین عمر محمد جواد شریف زاده نجفی ، از دو مرحله عمده تشکیل می‌شود: روزگار تفقّه و عصر تبلیغ.اول: سال‌های حضور در نجف اشرف و کربلای معلّا، یعنی از تولد تا حدود سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ هجری شمسی، صرف‌نظر از ایام کودکی، آنچه طی این سال‌ها وجهه همت ایشان را تشکیل داده، تلاش برای نیل به کمالات اخلاقی و علمی، و استفاده هر چه بیشتر از معادن معنوی و علمی این دو شهر مقدس می‌باشد. بدون

شک تنفس در فضایی که معطّر به قبور ائمه طاهرین (ع) باشد، مستلزم توفیق بالایی است. آری، در چنین فضایی مس وجود، کیمیا گردد و پربها.علاوه بر این بهره معنوی، حضور در پای درس بزرگانی همچون آیات عظام: سید محمد کاظم یزدی و سید ابوالحسن اصفهانی و پس از ورود به کربلا استفاده از محضر حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی، همچنین اجازه اجتهاد و اخذ وجوهات از همین بزرگواران و بزرگانی دیگر همچون آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید حسین بروجردی، دستاورد این دوره از عمر مرحوم حاج شیخ محمد جواد است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، پس از رحلت حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی خواستند که ایشان به سامرا برود و در مدرسه‌ای که متعلق به مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی بوده است، تدریس نماید. حاج شیخ محمد جواد این درخواست را پذیرفت و به سامرا رفت ولی پس از چهار الی پنج ماه مجدداً به نجف برگشت و بعد از اقامتی کوتاه، به کربلا مهاجرت نمود و تا زمان رحلت حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، در این شهر ماند. پس از رحلت این مرجع بزرگ – که زمزمه مرجعیت حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی به گوش رسید. – ایشان به نجف برگشت ولی اقامتش چند ماهی بیشتر طول نکشید که آن مرحوم قصد مسافرت به مشهد نمود و در قم سرنوشت دیگری برای ایشان رقم خورد که بدان خواهیم پرداخت.وقایع میانسالی : چگونگی آمدن حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی از نجف به ابرقو، شرح مفصلی دارد که اجمال آن، بدین قرار است:مرحوم حاج شیخ محمد جواد در سال ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ جهت رفتن به زیارت ثامن الائمه – امام رضا (ع) – وارد شهر قم شد و مسافرخانه «قبله» را به عنوان اسکان موقت انتخاب کرد. بزرگواری ایشان توجه صاحب مسافرخانه را به خود جلب کرده، به طوری که از ایشان درخواست کرد اتاقی در منزل خود – که به افرادی معدود اختصاص می‌داده – در اختیار آن مرحوم و همراهان قرار بدهد.در یکی از این روزها، برخی طلبه‌ها که یا از شاگردان آن مرحوم بوده و یا از مراتب علمی و کمالات اخلاقی ایشان در نجف و کربلا اطلاع داشته‌اند، از آمدن ایشان به قم باخبر شده، مراتب را به اطلاع حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ می‌رسانند و ترتیب دیداری میان این دو بزرگوار در بیت حضرت آیت‌اللّه بروجردی داده می‌شود.در این ملاقات، از جمله سؤالات حضرت آیت‌اللّه بروجردی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد، این بوده است که آیا شما توان تدریس مکاسب و کفایه را دارید؟ مرحوم حاج شیخ محمد جواد جواب می‌دهد: «بحول اللّه؛ (توان تدریس این دروس را دارم.)»سپس سؤالاتی تخصصی از ایشان پرسیده می‌شود و چون آن مرجع بزرگوار به توانمندی مرحوم حاج شیخ محمد جواد در این زمینه، اطمینان پیدا می‌کند، درخواست مردم ابرقو را – مبنی بر یک روحانی مجتهد و پرهیزکار که توان تدریس مکاسب و کفایه را داشته باشد. – خدمت ایشان ارائه می‌دهند و مصرانه از آن مرحوم اجابت این درخواست را می‌طلبند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد به رغم میل باطن و در جهت امتثال امر حضرت آیت‌اللّه بروجردی اعلام آمادگی کرده و ایشان نیز ظاهراً ذیل همان برگه، مرحوم حاج شیخ محمد جواد را به اهالی ابرقو معرفی می‌کنند.در پایان این دیدار قرار می‌شود که روز بعد، حضرت آیت‌اللّه بروجردی به دیدار ایشان بروند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد صاحب منزل را در جریان می‌گذارد و صاحب منزل که این تشریف‌فرمایی را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانسته، درصدد تدارک پذیرایی برمی‌آید و کوچه و منزل را آب و جارو می‌کند.روز بعد، آن مرجع بزرگوار با درشکه به محل سکونت ایشان رفته و در واقع دید و بازدید این دو مرد الهی تکمیل می‌گردد. مرحوم حاج شیخ محمد جواد سپس به مشهد رفته و پس از زیارت ثامن الحجج (ع) مجدداً به قم بر می‌گردد و بلافاصله عازم ابرقو می‌شود و در ابتدای راهی قرار می‌گیرد که مرحله دوم عمر ایشان را رقم می‌زند.زمان و علت فوت : نوروز سال ۱۳۵۸ هجری شمسی، آخرین بهار را فراروی دیدگان محمد جواد شریف زاده نجفی قرار داد.علاقه به ثامن الائمه – امام علی بن موسی الرضا (ع) – آن مرحوم را به ارض اقدس طوس کشاند، تا برای آخرین بار ترجیع بند ارادت خود را ارزانی آن آستان کند.همراه ایشان در این سفر می‌گوید:با این که هنوز بنا بود در مشهد بمانیم، اما برخلاف انتظار، ایشان گفتند: باید برگردیم تهران! حاج شیخ محمد جواد در تهران به منزل فرزندش رفت و ما هم در شهر ری به خانه بستگانمان رفتیم.پس از یک روز، بیماری مختصری بر آن مرحوم عارض شد، پیغام داد: بلیطی که برای رفتن از تهران به ابرقو گرفته‌اید، خودتان استفاده کنید، مورد نیاز من قرار نمی‌گیرد. (نقل به مضمون) و فرمودکه این‌ها مورد استفاده‌ام قرار نمی‌گیرند. سپس ادامه داد: فردا اذان صبح به این جا بیاید.ما به شهر ری برگشتیم اما با کلی نگرانی. اصرار بر این که هر چه زودتر به تهران برویم، بیماری ایشان، عدم ضرورت استفاده از بلیط، این که فردا وقت اذان صبح ما را ببینند و... این افکار تا ساعت ۱۲ شب ما را به خود مشغول کرده بود. در این ساعت فرزند ایشان تلفن کرد که پدرمان به رحمت خدا رفتند. این‌ها نشانه‌ای بر آگاهی آن مرحوم از نزدیک شدن زمان رحلت خود بود.فرزند ایشان می‌گوید:حدوداً نیمه شب ملاحظه کردم که پدرم آهسته چیزی می‌خوانند. گوش خود را نزدیک دهان ایشان بردم، دیدم مشغول خواندن زیارت عاشورا هستند. پس از چند دقیقه، شهادتین را بر زبان آوردند و دیگر چیزی نگفتند. ما ابتدا فکر کردیم که ایشان خواب رفته‌اند، اما پس از چند دقیقه که سراغشان رفتیم، ملاحظه کردیم در حالی که رو به قبله خوابیده‌اند، از دنیا رحلت کرده‌اند. وقتی با ابرقو تماس تلفنی گرفتیم تا این خبر را به اطلاع مردم برسانیم، ملاحظه کردیم که برخی از دوستان و مأمومین از رحلت مرحوم پدرم اطلاع دارند!قضیه از این قرار است که سیدی از ارادتمندان ایشان در عالم رؤیا می‌بیند آجری از زیر گلدسته مسجد امامزاده فرو افتاد. آن سید خواب خود را به رحلت مرحوم پدرم تعبیر می‌کند و با عده‌ای نیز این مطلب را در میان می‌گذارد، لذا وقتی که با آنان تماس گرفتیم، این خبر برایشان غیر منتظره نبود. پدرم برای دفن خود ما را بین سه مکان مخیّر کرده بود که به ترتیب عبارت بودند از: حضرت عبدالعظیم (ع) ، قبرستان بقیع قم و بهشت زهرای تهران، که با توجه به جوانب قضیه، ایشان را در قبرستان بقیع قم در مسیر جمکران به خاک سپردیم. گویی عارف گمنام بر آستان مقدس صاحب الزمان (ع) چشم دوخته و انتظار دیدار با آخرین یادگار پیامبران را دارد.مردان الهی از دنیا نمی‌روند، بلکه از سرای فرش به عالم عرش نقل‌مکان می‌کنند. کوته نگری است اگر تربت کیمیا اثر آنان را در دل زمین بجوییم، باید به اندرون سینه مردان راه نقبی زد تا اشک دیده از مزار آنان متبرک سازیم.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحله دوم از عمر مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، ۳۲ الی ۳۳ سال پایانی عمر ایشان را رقم می‌زند، یعنی از سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ لغایت ۱۳۵۸ هجری شمسی و زمانی که از طرف حضرت آیت‌اللّه بروجردی به ابرقو عزیمت نمود و در این خطه به تبلیغ دین، اقامه جماعت و تشکیل مجالس روضه پرداخت؛ این

دوره از عمر آن مرحوم، فرصت انجام رسالتی است که خداوند متعال بر دوش عالمان ربّانی نهاده و در روایات «زکات علم» قلمداد شده است.این دو مرحله، مکمل یکدیگرند و مجموعه‌ای واحد را تشکیل می‌دهند، نه اندوختن کمالات علمی و معنوی بدون تبلیغ و انذار، ایفای تام و تمام رسالت عالمان دینی است، و نه تبلیغ دین بدون کسب علم و تهذیب نفس، دل و جانی را نشاط معنوی می‌بخشد. دو مرحله‌ای که عنوان گردید، در زندگی مرحوم حاج شیخ محمد جواد کاملاً ـ قابل تبیین است.فعالیتهای آموزشی : اهالی ابرقو، به محض اطلاع از تصمیم مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، برنامه استقبال از ایشان را تدارک دیدند، بدین منظور عده‌ای از ابرقو به شهرستان آباده – در ۷۲ کیلومتری ابرقو – عزیمت کرده و آن مرحوم را با سلام و صلوات به ابرقو آوردند.ایشان پس از ورود به ابرقو، در منزل یکی از اهالی در محله «دروازه میدان» موقتاً اسکان نمود و تا ۴ – ۵ روز رفت و آمدها ادامه داشت. پس از این چند روز، آن مرحوم با توجه به مفاد درخواست، سراغ جلسه درسی و بحث را گرفت و پس از آن که مشخص شد جلسه در یکی از مساجد شهر است، شخصاً با دو کتاب «مکاسب» و «کفایه» در محل درس حاضر گردید تا در اولین جلسه، سطح کلاس را ارزیابی و تدریس را آغاز کند. آنچه در همان اوایل به عنوان نتیجه‌ای نه چندان مطلوب و خوشایند عاید آن مرحوم شد، پایین بودن سطح علمی کلاس درس بود، به طوری که موجب گله ایشان گردید. متأسفانه در ادامه، از همان رونق اندک اولیه هم کاسته شد و چندی بعد این کلاس کلًا تعطیل گردید. از آن پس، اقدامات ایشان از تشکیل درس و بحث بیرون آمد و به شکلی ادامه یافت که بدان خواهیم پرداخت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل حوزه درسی در مدرسه «هندی» – در کربلای معلا – و تربیت شاگردان دیگر دستاورد ارزشمند مرحله اول یعنی روزگار تفقه عمر آن مرحوم می‌باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از آن که جلسه درس محمد جواد شریف زاده نجفی منحل گردید، آنچه بیشتر ذهن آن مرحوم را به خود مشغول کرد، این بود که فعالیت‌های خود را بر محور تبلیغ، روضه، اقامه جماعت، محاسبه وجوهات و مواردی این گونه قرار بدهد. ایشان در ابتدا برنامه نماز جماعت خود را در مسجد جامع ابرقو قرار داد، با بروز برخی موانع، این برنامه را به مسجد امامزاده و داخل امامزاده و برخی مساجد دیگر منتقل نمود. علت این تغییر مکان‌ها را باید در بروز بعضی موانع دانست، و این علاوه بر مشکلات جنبی بود که پیش می‌آمد، تا جایی که ایشان چشم انداز خوبی از موفقیت پیش روی خود ندید!مجموعه این عوامل، آن مرحوم را وادار نمود با مراجعه به حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ از معظم له بخواهد که ایشان را از ماندن و اقامت در ابرقو معذور بدارد!اما مرحوم آیت‌اللّه بروجردی کسی نبود که این‌ها را دلیلی موجه برای خالی کردن میدان بداند، وانگهی چه کسی بهتر از مرحوم حاج شیخ محمد جواد می‌توانست نیازهای متنوع دینی یک شهر را پاسخگو باشد؟بر همین اساس، درخواست آن مرحوم مقبول واقع نشد و چون بنا را براستخاره گذاشتند، مراجعت ایشان به ابرقو و ماندن در این شهر، بسیار خوب آمد.مرحوم حاج شیخ محمد جواد، دوباره به ابرقو برگشت، با این نیت که این بار به صورت جدی‌تر به مجالس وعظ و روضه، اقامه جماعت، حساب و کتاب وجوهات شرعیه و مواردی از این نمونه بپردازد. پس از بازگشت، حدود دو سال را در برخی از روستاهای ابرقو از جمله «مهر آباد» و «نصرت آباد» سپری نمود که دلیل آن را باید بروز همان مسائل و موانعی دانست که به کلیت آن، اشاره شد.مدتی بعد تنی چند از ارادتمندان، از آن مرحوم خواستند تا در مسجد امامزاده اقامه جماعت نماید و آنها تضمین کردند که مسأله‌ای خاص بروز نکند. خوشبختانه این قضیه مشکل را حل کرد و از آن پس، این مسجد به صورت ثابت محلّ اقامه جماعت ایشان گردید. قابل ذکر است که مرحوم حاج شیخ محمد جواد، در مدت سی و چند سال اقامت در ابرقو، سه، چهار بار به عراق جهت زیارت عزیمت نمود و هر بار در کربلا در مسجدی به نام مسجد «بازار داماد» اقامه جماعت داشت.آرا و گرایشهای خاص : چیزی که باور مردم را نسبت به محمد جواد شریف زاده نجفی روز به روز بیش‌تر و ارادت آنان را به آن مرحوم افزون‌تر می‌ساخت، ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.آنچه مردم در وجود این عالم پارسا می‌دیدند، پرهیزکاری بود و دوری از زر و زیور دنیا؛ عشق و محبت به ثقلین یعنی قرآن و عترت (ع) بود و بخشش و سخاوت؛ برخوردهای بزرگوارانه بود و آزادگی و وارستگی. همین ویژگی‌های ملکوتی، ارادتمندان آن مرحوم را واداشته که با گذشت بیش از بیست سال از رحلت ایشان، هنوز هم برای شادی روحش صلوات بفرستند. – ایشان به رعایت آداب سفره مقید بود. در ابتدای هر لقمه غذا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» و در پایان هر لقمه «الحمدللّه ربّ العالمین» می‌گفت.– غذا را با دست راست می‌خورد.– مقید بود که رو به قبله بخوابد.– هرگز با صدای بلند نمی‌خندید، خنده ایشان عموماً تبسّم بود.– به نماز اول وقت و رعایت پرهیزکاری توصیه فراوان می‌کرد.– هنگام منبر چنان غرق در آیات و روایات می‌شد که مکرر آستین‌های پیراهن را بالا می‌زد و وقت منبر از دستش خارج می‌گردید؛ به طوری که گاهی وقت‌ها مستمعین به ایشان تذکر می‌دادند که منبر طولانی شد. البته از آنجا که ایشان اصولاً آخرین کسی بود که در مجالس منبر می‌رفت، وقت دیگر روضه‌خوان‌ها به خاطر طولانی بودن منبر ایشان گرفته نمی‌شد.– ایشان برای شرکت در برخی مراسم از جمله عزاداری عاشورا و رفتن به اقامه نماز عید فطر، با پای برهنه اقدام می‌نمود.– نسبت به قرائت صحیح خطبه عقد ازدواج، فوق العاده حساس بود.– از آن جا که ممکن بود کسانی از تأیید با دستخط ایشان سوء استفاده کنند، آن مرحوم نسبت به این کار وسواس عجیبی داشت. یکی از ارادتمندان از ایشان پرسیده بود: «مگر شما قلم ندارید که کسی را تأیید و توصیه‌ای فرمایید؟» البته ایشان یک بار مطلبی را تأیید و امضا کرده بود و آن مربوط به «اصلاح ذات البین» بوده است.– ادعیه روزهای ماه مبارک رمضان را هر سه وعده با معنای فارسی برای مستمعین می‌خواند.– نسبت به کتاب «اقبال» مرحوم «سید بن طاووس» توجه خاصی داشت و می‌گفت:«هرکس اقبال سید را ندارد، اقبال ندارد!– یک لحظه دیده نشد که ایشان بدون ذکر باشد. منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماwww.hawzeh.net

شریف عسکری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا ابوالحسن بن العلامه المتتبع آیت‌اللّه حاج میرزا محمد عسکری تهرانی از علماء محترم معاصر شمیرانست.

وی در حدود سال ۱۳۲۴ قمری در سامرای متولـد شـده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و از محضـر مرحوم والدش و علماء دیگر سامرای چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمود شیرازی و غیره استفاده نموده و پس از فوت والد ماجد و فرزند برومندش مهاجرت به ایران و چند سالی در قم رحل اقامت افکنده و از محضـر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمـدتقی خونساری بهره‌منـد گردیده و در حدود ۱۳۷۸ ق به تهران منتقل و در شـمیران سـکونت و در مسـجد ایسـتگاه رضائی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای شـریف عسـکری از دانشمندان غیور و متقی و موصوف بورع و پارسائی و نسبت بمرحوم آیت‌اللّه مجاهد حاج سیـد ابوالقـاسم کاشـانی قـدس اللّه سـره ارادت خاصـی داشت و جنـازه آن مرحـوم را از تهران بـا پـای برهنه تشـییع نمـوده و بحقیر می‌فرمود آقای کاشانی مجهول القـدر در تهران بود زیرا من شاهد و ناظر بودم که با آن مقام علمی چه فداکاریها و مبارزاتی بر علیه انگلیسها نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریف نژاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای شریف نژاد از علماء محترم و خدمتگزار بابل میباشد که باقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شریف‌زاده گلپایگانی، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف، مترجم.

تولد: ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

هوشـنگ شـریف‌زاده گلپایگانی بعـد از گذرانـدن دوره‌ی ابتـدایی و متوسـطه وارد دانشـگاه تربیت معلم شد و پس از پایان دوره‌ی لیسانس برای ادامه‌ی تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و از دانشگاه چلسی به دریافت فوق لیسانس آموزش علوم نایل آمد.

مشاغل فرهنگی وی عبارت بودند از: دبیر فیزیک، کارشناس مسئول بخش فیزیک سازمان کتاب‌های درسی، علاوه بر مسئولیت‌های مذکور در فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان، مجله‌ی «دانشمند» و مجله‌ی «گنجینه» به ویراستاری و مشاورت اشتغال داشت.

علاوه بر مقاله‌های شـریف‌زاده در نشـریه‌های علمی، آثارش عبارتند از: تألیف کتاب‌های درسـی علوم دوره‌ی راهنمایی (سه جلد با همکـاری دیگران)؛ تـألیف کتاب‌هـای راهنمـای تـدریس علـوم دوره‌ی راهنمـایی (سـه جلـد بـا همکـای دیگران)؛ تـألیف فیزیک دانشسـرای مقـدماتی با همکاری دیگران؛ تألیف سه جلـد فیزیک دوره‌ی دبیرسـتان (نظام قدیم)؛ ترجمه‌ی کتاب در قلمرو مکانیک (اسـتاتیک و دینامیـک) (دو جلـد)؛ ترجمه کتـاب در جهان علم؛ ترجمه‌ی کتاب‌های طرح فیزیک هاروارد (شـش جلـد با همکاری دیگران؛ برگزیده‌ی هشـتمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ ترجمه و ویرایش نگاهی به تاریخ علم (برای نوجوانان، با همکاری دیگران).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شریفی اقدم، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شریفی اقدم

محل تولد : شریف آباد قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

محمود شـریفی اقدم در شـریف آباد قزوین متولد شد، او دروس ابتدایی در همانجا خواند وسپس وارد حوزه علمیه قزوین شد، پس از خواندن جامع المقدمات در سال ۱۳۴۶ عازم حوزه علمیه قم شد، سال اول را درمدرسه علمیه مرحوم آیت الله گلپایگانی (ره) بود

و سیوطی را همانجا خواند ، در همان سال وارد مدرسه منتظریه(حقانی) شد و سطح را در آنجا تمام کرد و درس خارج فقه و اصول رادر محضر اساتیدی چون حضرات آیات : مرحوم احمدی میانجی ،محمدی گیلانی ، شهید آیت الله قدوسی ، شهید مفتح ، جنتی ، صانعی ، آذری قمی ، مؤمن ، مصباح و راستی ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دعوت شهید آیت الله قدوسی(ره) به مدرسه رفاه و سپس به دادسرای انقلاب اسلامی مرکز رفته و به عنوان دادیار انقلاب مشغول خدمت شد. سپس به عنوان دادستان انقلاب اسلامی گنبد منصوب شد ، پس از حدود دو سال دوباره به تهران آمده و مسؤلیت گزینش دادستانی محل را پذیرفت، آنگاه به دعوت آیت الله جنتی وارد سازمان تبلیغات اسلامی شد، ابتدا به عنوان معاون فرهنگی آن سازمان مشغول کار شد و سپس در سال ۱۳۶۹ به قم منتقل شد و پس ازتاسیس پژوهشکده باقرالعلوم(ع) توسط ایشان وتعدادی از فضلاء مسئولیت آن مرکز را پذیرفت، ایشان هم اکنون مشغول پژوهش در حدیث وامور فرهنگی هستند.

شریفی کرمانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۱۶ –۹۸۰ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به شریفی. وی ناظم سه فقره قصیده ثائیه می‌باشد. از آثار وی: نظم «کافیه‌ی نجومیه» ابن‌حاجب؛ نظم «شافیه‌ی صرفیه‌ی» ابن حاجب؛ «موزون المیزان» که نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۲۵/۹، ۲۰۲/۳)، ریحانه (۲۲۰/۳)، معجم المؤلفین (۱۹/۱)، هدیه العارفین (۲۹/۱).

شریفی، عنایت

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنایت شریفی

محل تولد : سیاهکل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ تحصیلات ابتدایی را آغاز و در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیّه قم شدم و به مدّت هشت سال دوره مقدّمات و سطح را در دروس: ادبیّات عرب، منطق، فلسفه اسلامی، اصوف فقه و فقه و ... گذراندم. در سال ۱۳۷۰ دروس خارج فقه و اصول فقه را آغاز و بعد به مدت هشت سال از محضر حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، جوادی آملی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی بهرهمند شدم.

در سال ۱۳۷۳ همزمان با تحصیل خارج فقه و اصول فقه و همکاری تحقیقاتی با مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، در مرکز تخصصی تبلیغ حوزه علمیّه قم پذیرفته شدم و پس از هشت سال تحصیل و تدوین رساله علمی سطح چهار با عنوان «روابط فقه و اخلاق» و دفاع از آن با کسب امتیاز خوب و نمره ۴۳/۱۶ فارغ التحصیل شدم. و به مدت پنج سال است که با دانشگاههای علامه طباطبایی تهران، تربیت معلّم تهران و علوم پزشکی ایران در تدریس معارف اسلامی(۱و۲) ، اخلاق و تربیت اسلامی، تاریخ اسلام و متون اسلامی همکاری دارم و هم اکنون به عنوان هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی مشغول تدریس در آن آموزشگاه می باشم. ضمنا به مدّت پانزده سال است که با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام دفتر تبلیغات اسلامی همکاری تحقیقاتی و پژوهشی دارم

شریفیان، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین شریفیان درسال ۱۳۰۵در بندر تاریخی بوشهربه دنیا آمد . عبد الحسین شریفیان دوران ابتدایی و متوسطه رادر بوشهر سپری کرد .وی موفق به اخذ دیپلم دررشته ادبی شد .در فروردین ماه ۱۳۲۹ به خدمت سربازی رفت و دوره نظام را دردانشکده افسری سپری کرد.ایشان پس از دوسال خدمت سربازی را به پایان رساند و همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد . اما اونتوانست تحصیلاتش راتا پایان ادامه دهد و در همان سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصیل کرد . از وی آثار متعددی که ترجمه و منتشر شده وجود دارد از جمله نخستین اثراو «رمان شوم» که به طور مستقل کار ترجمه آن را انجام داده است .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : ترجمهوالدین و انساب : عبدالحسین شریفیان درسال ۱۳۰۵در بندر تاریخی بوشهربه دنیا آمد . نام مادرش شهر بانو و نا پدرش غلام است . پدر وپدر بزرگش ناخدا و

اهل سیر و سفر دریایی و کشتیرانی بودنـد . پـدر بزرگش ناخدای یکی از کشتی ها حاج معین التجار (از رجال اقتصادی وسیاسی مشـهور بوشهر و ایران در فاصله سالهای قبل از انقلاب مشروطه تا سقوط رضا شاه پهلوی) بود و در خط دریایی خرمشهر (محمره) و اهواز (ناصری) دردوران قاجار مشغول به کار بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبد الحسین شریفیان درسال ۱۳۱۲ پا به مدرسه گذاشت و دوران ابتدایی را درتابسـتان فردوسـی و متوسطه را در دبیرسـتان سـعادت بوشـهر سپری کرد .درسال۱۳۲۸ موفق به اخذ دیپلم دررشـته ادبی از این مـدرسه شـد .در فروردین مـاه ۱۳۲۹ به خـدمت سـربازی رفت و دوره نظام را دردانشـکده افسـری سپری کرد.ایشان پس از دوسال خدمت سـربازی را در سال ۱۳۳۱ به پایان رساند و همان سال وارد دانشـگاه تهران شد و در رشـته زبان و ادبیات انگلیسـی مشغول به تحصیل شد . اما ایشان نتوانست تحصیلاتش راتا پایان ادامه دهد و در سال ۱۳۳۲ سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصـیل کرد .خاطرات و وقایع تحصـیل : دوران جوانی و نوجوانی عبد الحسین شریفیان مصادف بود با شهریور ۱۳۲۰ و سـقوط و فرار شاه پهلوی از ایران و اشغال ایران و بندر بوشهر ،توسط قوای متجاوز متفقین .بوشهر در آن سالها به تصرف نیروهای متجاوز انگلیسـی درآمد و تعداد زیادی نظامی هندی و انگلیسی دربوشهر مستقر شدند. در سال ۱۳۳۲به دلیل سفرهای متعدد کاری برای شـرکت ژاپنی ،اسـتاد شـریفیان نتوانست تحصیلاتش را تا پایان اخذ لیسانس ادامه دهد و نااار شد درسال دوم تحصیل ،دانشگاه را برای همیشه ترک کنـد و وارد دانشگاه اصلی یعنی زنـدگی شود.اسـتادان و مربیـان : عبـد الحسین شـریفیان درهنگـام تحصـیل درمـدرسه سـعادت شـاگرد شاعر مشـهور سـید محمـد طاهر دشتی ملقب به (شـفیق شـهریاری) بود.از دیگر اساتیـد می توان از میرزا محمد رحیم خان بوشـهری(اسـتاد زبان انگلیسـی) ، سید مهدی سعادت (از فعالان و مروجان هنر تئاتر در مدارس بوشهر) نام برد . از اساتید اسـتاد شـریفیان دردوران تحصیل می توان به مرحومان دکتر لطف علی صورتگر (مترجم و ادیب معروف دردهه ۳۰و ۴۰) و دکتر علاء الدین پاسارگارد (مولف و مترجم صاحب نام) و دکتر پرویز ناتل خانلری (محقق معروف زبان و ادبیات فارسـی و سـر دبیر مجله ادبی سخن) نام برد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبد الحسین شریفیان به عنوان مترجم در دانشکده توپخانه منصوب شـد و در کنار وظیفه مترجمی ، اطلاعات و خصوصا دایره لغات انگلیسـی خود را گسترده دادو کاملا بر تکلم این زبان مسـلط شـد. درهمین سالها یعنی سال ۱۳۳۱ بود که به تشویق روزنامه نگار برجسته بوشـهری مرحوم عبد الرحیم جعفری شروع به تر جمه برخی از داسـتان های کوتاه انگلیسـی کرد . استاد شریفیان کارترجمه کتابهای ادبی ،هنری ،رمان ،اسطوره و تاریخ رابه طور جدی و حرفه ای از اواخر دهه چهل خورشـیدی و درخدمت شرکت انتشاراتی فرانکلین آغاز کرد .چگونگی عرضه آثار : عبد الحسین شریفیان از جمله مترجمانی است که حجم زیادی از آثار رمان نویس ژرف انـدیش هرمان هسه را به فارسـی ترجمه کرده و از این نظر سـهم به سزایی در شـناسایی و معروفی این نویسـنده المـانی به مردم ایران و خصوصا نسل جوان ،بر عهـده دارد وایشان علاوه بر هرمان هسـه ،آثـاری از سـامراست موام ، روزنبرگ ،ویلیـام شـایرر،ویلیام فاکنر ،جک لنـدن ،ریچارد رایت ،گوسـتاوفلوبر ،تئودور داستایوسـکی ،جـان تولنـد ،هاواردفـاست ،آنـدره ژیـد،برونو آپستز ،همونـداینس ،چـالزدیکنز و.....رابه فارسـی ترجمه و منتشر کرده است.آثـار : آخرین تابسـتان لینگزور ویژگی اثر : از هرمان هسه در ۱۳۷۸۲ آدولف هیتلر ویژگی اثر : از جان تولنـد در دو جلد از تهران ۱۳۷۳۳ اسـاطیر جهـان ویژگی اثر : دردوجلـد اسـت ،دونـاروزنبرگ در تهران ۱۳۷۹۴ اسب قربـانی ویژگی اثر : ویلیـام فـاکنر۵ اسطوره بین النهرین ویژگی اثر : از رابرت گریوز۶ اسطوره یونان ویژگی اثر : کتاب مرجع اسطوره ها دردو جلد است از رابرت گریوز۷ اعجوبه ویژگی اثر : از هرمان هسه در ۱۳۷۷۸ الاغ طلایی ویژگی اثر : از آپولیوس درسال ۱۳۷۹۹ ایزابلا ویژگی اثر : از آندره ژید۱۰ بازی مهره ی شـیشه ای ویژگی اثر : از هرمـان هسـه در تهران ۱۳۱۸۱۱ برهنـه میـان گرگهـا ویژگی اثر : از برونواپـتز درتهران ۱۳۶۹۱۲ پایبنـدی هـای انسـانی ویژگی اثر : سامراست موام ،تهران ۱۳۶۴در دو جلد۱۳ پیـتر کامنتسـید ویژگی اثر : از هرمـان هسـه در تهران ۱۳۷۴۱۴ تر جمه سـقوط جمهوری سوم ویژگی اثر : شـرح شکست فرانسه در جنگ جهانی دوم به قلم ویلیام شایرر،تهرا ن ۱۳۵۲۱۵ ترجمه پسـرک سـیاه پوست ویژگی اثر : این اثر نوشـته ریچـارد رایت را به فارسـی ترجمه کرد و درهفته نـامه محلی دریـا کنـار (به سردبیری عبـد الرحیـم جعفری) به چـاپ رسانـد .۱۶ ترجمـه میراث شـوم ویژگی اثر : نخسـتین اثری کـه بـه طورمسـتقل به فارسـی برگردانـد و منتشـرکرد .این رمـان نوشـته سـالتیکوف شـچدرین رمـان نویس رئـالیست روسـی بود . این کتاب در قطع جیبی توسـط سازمان کتابهای جیبی در ۳۴۴صفحه و باشـمارگان پنج هزار نسخه درسال ۱۳۴۶درتهران چاپ و منتشـر کرد .۱۷ تعطیلات وحشت زا ویژگی اثر : از ریـارد رایت درسال ۱۳۴۸۱۸ جوان خام ویژگی اثر : از داستایوسـکی در تهران ۱۳۶۸۱۹ خاورمیانه نفت و قدرت های بزرگ ،آن شریدان ویژگی اثر : تهران ۱۳۵۲۲۰ خورشید تابان ویژگی اثر : از جک لندن۲۱ دائره المعارف آکسفورد ویژگی اثر : در دو جلد درباره رویدادهاو شخصیتهای تاریخی از پیش از تاریخ تا اواسط قرن بیستم۲۲ داستانهای پنج دهه (سفرهای رویایی) ویژگی اثر : از هرمـان هسـه در تهران ۱۳۷۷۲۳ درتنگ است ویژگی اثر : آنـدره ژید۱۳۸۲۲۴ دره ماه ویژگی اثر : جک لنـدن۲۵ دمیـان ویژگی اثر : از هرمـان هسه در تهرا ن سال۱۳۷۴۲۶ دوست مشترک مـا ویژگی اثر : از چارلزدیکنز ، تهران ۱۳۶۹۲۷ دیروز و امروز ویژگی اثر : سامراست موام ،تهران ۱۳۸۲۲۸ روشنایی ماه اوت ویژگی اثر : ویلیام فاکنر۲۹ زیردریایی در قطب ویژگی اثر : از همونداینس۳۰ سرزمین مردم ایسلند ۳۱ سرزمین مردم پاکستان ۳۲ سرزمینی که خداوند به قابیل داد ویژگی اثر : از همونداینس۳۳ سفربه سـوی شـرق ویژگی اثر : از هرمـان هسه در تهران ۱۳۷۸۳۴ سـلطان انگشـتری ویژگی اثر : از تول کین۳۵ سمفونی کلیسایی ویژگی اثر : از آنـدره ژید۱۳۸۲۳۶ سیری در اسـاطیر یونـان و روم ویژگی اثر : ادیت همیلتون ،تهران ۱۳۷۶۳۷ ظهور زرتشت ،اگر جنگ ادامه یابـد ویژگی اثر : از هرمان هسه ۱۳۷۹۳۸ کنولپ ویژگی اثر : از هرمـان هسه در تهران ۱۳۷۸۳۹ لویی چهاردهم ویژگی اثر : از سـری کتابهای تاریـخ تمـدن ویل دورانت ویراست دوم تهران ،۱۳۶۸۴۰ مادام آرنو ویژگی اثر : از گوسـتاوفلوبر۴۱ مجموعه داسـتانهای کوتاه ویژگی اثر : از سامراست موام در چهار جلـد است .۴۲ مسخ اووید ۴۳ نار سـیسوس و گولدموند (نرگس و زرین دهان) ویژگی اثر : از هرمان هسه۴۴ همشهری تام پین ویژگی اثر : از همونداینس۴۵ واتیکان و اروپای عصر جاهلیت ویژگی اثر : از ویلیام منچستر در سال ۱۳۸۲

شعار، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر شعار، پژوهش گر ادبی، مصحح، مترجم ایرانی.

زندگی:

جعفر شعار در ۱۳۰۴ در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانش گاهی خود تا مقطع کارشناسی ادبیات فارسی و لیسانس زبان فرانسه را در همان شهر و در دانش گاه تبریز به پایان رساند. در تهران به تحصیل خود در ادبیات فارسی ادامه داد و در ۱۳۴۲ درجهٔ دکتری در زبان ادبیات فارسی گرفت. مدارج و مشاغل:

۶ سال عضویت در سازمان لغت‌نامه دهخدا.

استادی دانشگاه تربیت معلم پس از سال‌ها تدریس در دانش گاه تهران و دانش‌سرای عالی.

همکاری با مرکز دایرهٔالمعارف بزرگ اسلامی. آثار: تصحیح و شرح

تاریخ یمینی.

سیاست‌نامه.

گزیدهٔ اشعار ناصرخسرو.

سفرنامه ناصرخسرو.

جوامع الحکایات و لوامع الروایات : ترجمه

سفرنامه ابن حوقل. سایر:

پژوهشی در دستور فارسی.

شعاع‌الملک شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹/۱۲۷۶ ق- ۱۳۲۴/۱۳۲۳ ش)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شعاع. ملقب به شعاع‌الملک. در شیراز متولد شد. پس از پایان تحصیلات متداوله‌ی زمان به سرودن شعر پرداخت. در قصیده‌سرایی و ماده تاریخ و مطایبه و هجا توانا بود وی با فرصت‌الدوله و شوریده‌ی شیرازی جواد کمپانی و میرزا حسین مشیری همعصر بود و در مدت زندگانی به گردآوری کتب خطی دلبستگی شایانی داشت و از خود کتابخانه‌ی بسیار نادری بر جای گذارد. در شیراز وفات یافت. علامه قزوینی سال تولد وی را به اشتباه ۱۲۷۶ ق آورده است. از آثارش: «تذکره‌ی شعاعیه»، «تذکره شکرستان فارس»؛ «اشعه‌ی شعاعیه»؛ «دیوان» اشعار نزدیک به سی هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۹)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۴ -۲۵۵ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۵ -۲۶۸ /۳)، الذریعه (۵۲۶/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۸/۴)، سخنوران نامی (۳۱۳ -۲۹۸ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۴۷ -۱۹۴۲ /۳)، شرح حال رجال (۲۳۳ -۲۳۲ /۶)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۲ -۷۶۱ /۲)، مرآت الفصاحه (۳۰۵ -۳۰۰)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۵ -۱۹۴ /۸)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۵۵، س ۵، ش ۳، ص ۵۳ -۵۲).

شعری اصفهانی، طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۵/۱۲۷۰ -۱۲۲۴ ق)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شرعی. ملقب به دیباچه نگار. از اولاد شیخ زاهد گیلانی بود. در اصفهان به دنیا آمد. پدرانش در اصفهان جزو مشایخ و قضات آن شهر بوده‌اند. در جوانی به همراه شیخ صالح برادرش به تهران رفت و در مدرسه‌ی دارالشفا به تصحیل ادب مشغول شد و در زمره‌ی ادبا و شعرا درآمد. او کتابی به نام «گنج شایان» به اشاره‌ی اعتضادالسلطنه به نام میرزا آقا خان نوری صدر اعظم تالیف کرد و ملقب به دیباچه نگار گردید. جلد اول این کتاب به سال ۱۲۷۳ ق به اتمام رسید. برخی منابع وفات وی را ۱۲۷۰ ق آورده‌اند که با سال تالیف کتابش مغایرت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۷ -۷۳ /۲)، حدیقه الشعراء (۸۴۷ -۸۴۲ /۲)، الذریعه (۲۳۸/۱۸، ۵۲۷/۹)، ریحانه (۲۲۵/۳)، شرح حال رجال (۱۲۸/۵، ۱۸۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۹/۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۵)، گنج شایگان (۵۷۸ - ۵۶۶)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۵ -۵۸۴ /۳)، مجمع الفصحا (۵۳۳ -۵۳۲ /۵)، مکارم الآثار (۷۸۰ -۷۷۹ /۳)، یادگار (س ۲، ش ۱، ص ۵۹، س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۷).

شعوانه

قرن:۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دوم هجری، از زنان زاهد، عابد و عارف. به نوشته عبدالرحمان جامی (۸۹۸ –۸۱۷ ق) وی از ایرانیان ساکن ابله بود و با آواز خوش خود مردم را وعظ می‌کرد و زاهدان، عابدان و صاحبدلان در مجلس وی حاضر می‌شدند. او از زمره‌ی زنان مجتهد، خداترس، گریان و گریاننده از خوف الهی بود. به گفته جامی شعوانه غالبا می‌گریست و زنان با وی می‌گریستند. وی را گفتند «می‌ترسیم که از بس گریه چشم تو نابینا شود، گفت در دنیا کور شدن از گریه، بسیار مرا دوست‌تر است از کور شدن از عذاب النار». از اوست که «چشمی که از لقاء محبوب خود بازماند و به دیدار وی مشتاق باشد بی‌گریه نیک نمی‌ماند.»

عارفان بزرگی مانند ابوعلی فضیل بن عیاض بر علو مقام و زهد وی گواهی داده‌اند.[۱]

(س دوم ق)، واعظ و عارف. وی از ایرانیان ساکن ابله بود و با آواز خوش خود مردم را وعظ می‌کرد و زاهدان، عابدان و صاحبدلان در مجلس وی حاضر می‌شدند. او از زمره‌ی زنان مجتهد، خداترس، گریان و گریاننده از خوف الهی بود. وی غالبا می‌گریست و زنان با وی می‌گریستند. عارفان بزرگی مانند ابوعلی فضیل بن عیاض بر علو مقام و زهدی وی گواهی داده‌اند.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منابع: اعلام‌النساء، ۳۰۰ –۲۹۹ / ۲؛ تاریخ مشاهیر کرد ۶۶ / ۱؛ نفحات‌الانس، ۶۱۸ –۶۱۷.

[۲] مشاهیر زنان (۱۳۶)، نفحات الانس (۶۱۶ –۶۱۵).

شفا، شجاع‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده و مترجم. بعد از تحصیلات متوسطه در مدرسه علمیه به خواسته پدرش وارد دانشکده‌ی طب شد؛ ولی پس از مدتی چون این رشته با روح وی سازگار نبود از ادامه‌ی آن منصرف شد. در ۱۳۱۸ ش به فرانسه رفت و در رشته ادبیات مشغول به تحصیل شد؛ ولی پس از شروع جنگ مجبور به رفتن به بیروت شد پس از اتمام تحصیلات عالیه در بیروت در ۱۳۲۰ ش به تهران بازگشت و در اداره‌ی تبلیغات به خدمت اشتغال یافت. از آثار وی: «ایران در ادبیات جهان»، که این کتاب جایزه‌ی اول سخن را دریافت کرد و بهترین ترجمه‌ی سال شناخته شد. «آهنگهای شاعرانه»، ترجمه؛ «افسانه خدایان»؛ «بازگشت»؛ «اوراق زرین، ادبیات جهان» ترجمه؛ «شاخه یاس»، شانزده داستان از شانزده نویسنده؛ «سایه ایام»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۴۱۰ –۴۰۲/ ۳).

شفتی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد رضا بن العالم العلام والحجه الاسلام الحاج السید محمد باقر الثانی بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج السید اسدالله بن سید الفقهاء والمجتهدین و حجه‌الاسلام والمسلمین آیه‌الله فی العالمین الحاج السید محمد باقر الشفتی الاصفهانی المشهور بحجه‌الاسلام المطلق (صاحب مسجد السید در خیابان بیدآباد) از علماء عاملین معاصر اصفهانست.

تولدش در اصفهان واقع و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و پس از طی دوران صبا و دروس فارسی، مقدمات و ادبیات را در نزد مرحوم والد گرامش و دیگران خوانده و سطوح وسطی و عالی را از علماء اعلام و مدرسین کرام اصفهان فرا گرفته و خارج فقه و اصول را نیز از آیات عظام آن سامان استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش که در سال ۱۳۳۳ ق واقع شده، بجای ایشان در مسجد جدشان باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و تاکنون در آنجا اشتغال بوظائف مقرره دینی و روحی دارند.

نگارنده گوید: گرچه تاکنون توفیق زیارت معظم‌له را از نزدیک نیافته‌ام ولکن بطوریکه از ثقات و دانشمندان قم و اصفهان شنیده‌ام آنجناب از علماء ربانی و آیات سبحانی و متصف بصفات روحانی و دارای مقامات معنوی میباشند و در خاطر دارم که در تابستان ۱۳۹۳ ق که برای امری باصفهان رفته بودم صبح برای اداء فریضه بمسجد سید رفته و در کناری انتظار وقت را میکشیدم که دیدم ایشان با چند نفر از دوستانش وارد بصحن مسجد شده و با حال مخصوصی شروع بزیارت استغاثه حضرت بقیه‌الله عجل‌الله فرجه‌الشریف... سلام‌الله الکامل التام... نموده و دعاء بر فرج آن بزرگوار نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شفتی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدباقر مشهور (به حجهٔ‌الاسلام شفتی) صاحب (مسجد سید) اصفهان بن سید محمدتقی بن سید محمد زکی بن محمدتقی

بن شاه قاسم بن امیر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم ابن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی‌القاسم بن حمزهٔ بن الامام موسی الکاظم (ع) از فحول علماء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده است.

تولد آن بزرگوار در سال ۱۱۷۵ قمری در نواحی طارم علیاء زنجان در قریه‌ای که به آن (چرزه) می‌گویند در ده فرسخی شفت واقع شده و در سن هفت سالگی منتقل به شفت شده.

و پس از ده سال در سن ۱۷ سالگی و سال ۱۱۹۲ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در کربلا به درس وحید علی‌الاطلاق و استاد اکبر علامه محمدباقر بهبهانی و پس از آن علامه سید علی صاحب ریاض استفاده کرده.

و بعد به نجف مشرف و از محضر علامه بزرگ سید مهدی بحرالعلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند شده و مسافرتی به کاظمین نموده و از حضرت علامه سید محسن اعرجی مستفیض گردیده و پس از هشت سال توقف در عراق در سال ۱۲۰۰ ه به ایران برگشته و در قم از محضر مدقق بزرگوار میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین‌الاصول) استفاده نموده.

و از آنجا به کاشان عزیمت و از محضر و دروس اخلاقی ملا مهدی نراقی صاحب (جامع‌السعادات) کامیاب شده و در سال ۱۲۰۶ ه به اصفهان وارد و رحل اقامت افکنده و افاضل طلاب و علماء در گردش جمع و از درس و بحثش استفاده نموده و شهرت عالمی پیدا و به ریاست عامه و مرجعیت تامه رسیده و بسط یدش تا اجراء حدود الهی رسیده و شمشیری که با آن ده‌ها حد الهی را جاری کرده است.

اکنون در بیت آن بزرگوار در دست حفیدش حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج سید رضا شفتی باقی و موجود است و تاریخ روحانیت شیعه یاد ندارد که این موقعیت برای احدی از علماء و مراجع شیعه غیر آنجناب پیدا شده باشد و این نبود مگر حسن باطن و سلامت نفسش (اللّه اعلم حیث یجعل رسالته).

از خصایص آن بزرگوار سخاوت وجودش بود که هیچ صاحب حاجتی به ایشان مراجعه نمی‌کرد مگر اینکه فوراً حاجتش را روا می‌ساخت و هیچ مستحقی نزد او نمی‌رفت مگر اینکه او را مستغنی و مستطیع و توانگر می‌کرد حکایاتی از کرم و عطاء او شنیده‌ام که اینجا مجال ذکر آن نیست.

از اقران و اصدقاء خالص او عالم ربانی و آیت سبحانی علامه بزرگ حاج ملا محمدابراهیم کلباسی بود که با آن همه عظمت سید را بر خود مقدم می‌داشت و حتی حکم او را بدون وضو نمی‌گرفت.

آن بزرگوار در یکشنبه دوم ربیع‌الثانی ۱۲۶۰ هجری از دنیا رفت و در مقبره خودش در زاویه مسجدش (مسجد سید اصفهان) در محله بیدآباد مدفون گردید.

آثار خالده سید

۱- مسجد عظیم و زیبای او در در محله بیدآباد خیابان مذکور که از مساجد مهمه و معروفه اصفهان و بلکه ایرانست.

۲- کتاب (مطالع‌الانوار) در شرح شرایع که پنج جلد آن بیرون آمده

۳- جوابات المسائل در دو مجلد.

۴- تحفهٔ‌الابرار رساله عملیه فارسی

۵- قضاء و شهادات.

۶- زهرهٔ‌الباهره در اصول فقه و ده‌ها رساله و تعلیقات دیگر.

دارای ۶ فرزند بزرگوار بودند که تمامی از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.

۱- حجهٔ‌الاسلام ثانی علامه جلیل‌القدر آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسداللّه.

۲- آیت‌اللّه آسید ابوالقاسم شفتی

۳- آیت‌اللّه آسید محمدعلی

۴- آیت‌اللّه میرزا زین‌العابدین

۵- آیت‌اللّه آسید جعفر

۶- آیت‌اللّه آسید مؤمن.

در حال حاضر دو نفر از احفاد آن بزرگوار در قید حیاتند و در مسجد او (مسجد سید) بجای نیاکان خود اقامه جماعت می‌نمایند.

(۱۲۶۰ -۱۱۷۵ ق)، علام امامی، فقیه اصولی، ادیب نحوی و رجالی. معروف به حجهٔ‌الاسلام. در قریه‌ای از قرای رشت از نواحی طارم علیا به دنیا آمد و در هفت سالگی به شفت منتقل شد. وی در اصفهان سکنی کرد. از شاگردان بهبهانی، بحرالعلوم، صاحب «ریاض»، کاشف الغطاء، ملا مهدی نراقی و میرزای قمی است. شفتی از بزرگان علمای امامیه بود که در فقه، اصول، ادبیات، رجال، حدیث، درایه، ریاضی و هیئت تبحر داشت و در اخلاقیات از نوادر بود. پس از سفر علمی طولانی به شهرهای مختلف در اصفهان مقیم شد و اهل علم و دانش‌پژوهان گردش جمع شدند و ریاست و زعامت به طور کامل به وی منتقل شد. حاج محمد ابراهیم اصفهانی قزوینی و میرزا محمد رضوی و ملا محمدعلی محلاتی و سید فضل‌اللّه استرآبادی و شیخ علی نخجوانی و سید محمدتقی زنجانی و ملا محمد رفیع گیلانی و حاج عبدالباقی کاشانی و سید محمدعلی ابرقویی از شاگردان و راویان وی بودند. وی در اصفهان درگذشت و در مسجدی که خودش در کوی بیدآباد اصفهان بنا نهاده و به مسجد سید مشهور است، و دارای مدارس و حجره‌هایی برای طلاب می‌باشد، دفن شد. از آثارش: کتاب «السوال و الجواب»؛ «مطالع الانوار»، در فقه که شرح «شرایع» محقق است؛ «تحفه الابرار»، به فارسی، در احکام شرعیه؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ رسائلی در «فقه» و «رجال» که بطور تحقیقی نگاشته شده است؛ «الزهره البارقه فی احوال المجاز و الحقیقه»؛ «قضاء و شهادات استدلالی»؛ «وجوب اقامه‌ی حدود در زمان غیبت بر فقها و مجتهدین»؛ «اصحاب الاجماع»؛ «تمییز مشترکات الرجال»؛ «الاجازات»؛ «آداب الصلاه اللیل و فضلها».[۱]

شفتی، سید محمدباقر بن تقی موسوی شفتی از بزرگان علمای امامیه (ف. اصفهان ۱۲۶۰ ه.ق.). وی فقیه اصولی، ادیب نحوی،

رجالی و ریاضی و شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم سید مهدی و کاشف الغطاء شیخ جعفر و ملا مهدی نراقی و میرزای قمی و غیره بود. آثار عمده او عبارتند از: آداب صلوهٔ اللیل و فضلها، الاجازات، الاستقبال فی شرح مبحث القبلهٔ من التحفهٔ، اصحاب الاجماع، اصحاب العدهٔ للکینی، تحفهٔ الابرار در احکام شرعی (فارسی)، تمییز مشترکات الرجال و رساله‌های بسیار در تحقیق حال رجال حدیث امامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۸/ ۹)، الذریعه (۱۴۹/ ۱۱ ،۱۲/ ۲ ،۸۱/ ۱)، روضات الجنات (۱۰۲ -۹۶/ ۲)، ریحانه (۲۶/ ۲)، شرح حال رجال (۳۰۵ -۳۰۴/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶ -۱۹۲/ ۱۳)، الکنی و الالقاب (۱۷۴ -۱۷۳/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ حجهٔالاسلام)، معجم المؤلفین (۹۶/ ۹)، مکارم الآثار (۱۶۱۴/ ۵).

شفیعی دارابی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد شفیعی دارابی

محل تولد : ساری

شهرت : شفیعی مازندرانی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حجت الاسلام سید محمد شفیعی دارابی (معروف به شفیعی مازندرانی) متولد ۱۳۲۸ در دارابکلی ساری است و پدرش ازکشاورزان مازندران است و پدر بزرگش از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود پس از گذراندن تحصیلات ابتدیی وارد حوزه علمیه داراب کلا شد و دوره مقدمات و بخشی از دوره سطح را در انجا گذراند و از محضر آیت الله شیخ محمد باقر داراب کلیی بهره برد سپس در حدود سال ۱۳۴۸-۱۳۴۹ به حوزه علمیه قم پا نهاد و دوره هی سطح و خارج را در انجا تا اجتهاد ادامه داد او از استادانی مانند آ یات عظام، محمدی گیلانی ، سبحانی ، مکارم شیرازی ، مصباح یزدی ، صالحی مازندرانی ، فاضل لنکرانی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، آیت الله العظمی گلپیگانی ، میرزا هاشم آملی ، وحید خراسانی و اراکی علوم منطق، اصول فقه، فلسفه، تفسیر، رجال و غیره آموخت همچنین اجازه نقل حدیث و اجازه اجتهاد از چند مرجع تقلید دارد و همچنین دارای درجه علمی که جهت تبدیل به استاد یاری که پرونده از سوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم به تهران انتقال یافته است دکتری علوم حوزوی از حوزه علمیه قم و فوق لیسانس فلسفه و کلام از وزارت علوم دارد در حوزه و دانشگاه به تدریس و تحقیق میپردازد عضو هیئت علمی و مدیر گروه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم بوده و ساکن قم است کتاب مینویسد و شعر میسرید انتشارات (فرهنگ آفتاب) را دارد و به عنوان عضو علمی با دیره المعارف فقه شیعه همکار است که زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی تدوین میشود فهرست اثار او به رقمی نزدیک به هشتاد میرسد .

شفیعی دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خطیب و واعظ. در دزفول به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما کرد. ادبیات را از فضلای آن شهر فراگرفت. در ۱۳۴۴ ق به اهواز مهاجرت کرد و در آن شهر ساکن شد و در محضر سید ابراهیم شوشتری و سید اسداللّه دزفولی و شیخ میرزا جعفر انصاری و دیگران به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او دارای اجازه از جماعتی بود که از آن جمله شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی را می‌توان نام برد. وی از خطبای بنام آن شهر و وعاظ معروف آنجا بود. از آثارش: «شاه راه هدایت»، در اثبات امامت شاه ولایت، در ترجمه‌ی «مصباح الهدایه» حاج سید علی موسوی بهبهانی؛ «تنزیه سید الانبیاء فی کتب الانبیاء»؛ «تنزیه العلماء»؛ «فضائح الصوفیه»؛ «اتمام الحجه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۶۴ -۷۶۳/ ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۸/۳).

شفیعی کدکنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

شفیعی کدکنی

زندگینامه

دکتر محمد رضا کدکنی در سال ۱۳۱۸ هـ ش در کدکن از روستاهای قدیمی بین نیشابور و تربت حیدریه به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در مشهد گذراند و از آن پس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد شد و به تحصیل پرداخت و لیسانس خود را در این رشته دریافت کرد. دکتر شفیعی، همزمان با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در حوزه علمیه مشهد به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و ادبیات عرب را نزد اساتید معظم این حوزه فراگرفت. او در زمانی که در مشهد به تحصیل اشتغال داشت از اعضای موثر و فعال انجمنهای ادبی به شمار می رفت و از همان آغاز نوجوانی آثارش در مطبوعات خراسان با نام مستعار ش م سرشک به چاپ می رسید. در سالهای بعد از ۱۳۳۲ هـ ش با همکاری تنی چند از جوانان شاعر و اهل ادب انجمن ادبی تشکیل دادند که بیشتر طرفداران شعر نو و ادبیات داستانی و ترجمه ادبیات فرنگی بودند که دکتر علی شریعتی نیز از جمله اعضای آن انجمن بودند. استاد شفیعی پس از عزیمت به تهران در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس خود را گذراند و سپس دوره دکترای زبان و ادبیات عرب را نیز پشت سر گذاشت. او مدتی در بنیاد فرهنگ ایران و کتابخانه مجلس سنا به کار اشتغال ورزید و سپس به عنوان استاد دانشکده ادبیات تهران در رشته سبک شناسی و نقد ادبی به کار مشغول شد. دکتر شفیعی همچنین مدتی را بنا به دعوت دانشگاههای آکسفورد انگلستان و پرینستون آمریکا به عنوان استاد به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. از دکتر شفیعی تا کنون دهها نوشته و مقاله و تألیفات بسیاری به چاپ رسیده است.

ویژگی سخن

دکتر شفیعی از استادان بارز و متبحر ادبیات معاصر ایران و از محققین بزرگ به شمار می رود که در نقد شعر و ادب فارسی صاحب نظر است و در شعر و شاعری نیز مقام والایی دارد و صاحب سبک و شیوه خاصی است که او را به عنوان شاعری پیش رو می شناسند و یکی از ویژگیهای شخصیتی دکتر شفیعی این است که وی در محافل ادبی به ندرت ظاهر می شود و بیشتر در انزوای اهل ادب به سر می برد. معرفی آثار آنچه که از آثار و تاألیفات دکتر شفیعی به چاپ رسیده است عبارتند از: زمزمه ها، شب خوانی، از زبان برگ، در کوچه باغهای نیشابور، از بودن و سرودن، مثل درخت در شب باران، بوی جوی مولیان، صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر، ادوار شعر فارسی، شعر معاصر عرب، گزیده غزلیات شمس، حزین لاهیجی زندگی و زیباترین غزلهای او، شاعر آینه ها، بیدل و سبک هندی، اسرار التوحید از محمد بن منور، حالات و سخنان ابو سعید، ابو روح میهنی، مختار نامه، مجموعه رباعیات عطار، مرموزات اسدی در مرموزات داودی نجم الدین رازی، ترجمه تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا از نیکلسون و بسیاری دیگر که نامی از آنها نبردیم.

گزیده ای از اشعار

حتی به روزگاران این مهربانتر از برگ در بوسه های باران بیداری ستاره، در چشم جویباران

آیینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل لبخند گاهگاهت، صبح ستاره باران بازآ که در هوایت خاموشی جنونم فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز کاین گونه فرصت از دست دادند بی شماران گفتی: به روزگاری مهری نشسته گفتم بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران بیگانگی ز حد رفت، ای آشنا مپرهیز زین عاشق پشیمان سر خیل شرمساران پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند دیوار زندگی را زین گونه یادگاران وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران * * * خونریزی خزان چه گونه دوست ندارم من این دیاران را که هر شقایقش آیینه ای است یاران را تمام هستی من در شط سحر جاری است چو یاد آورم آن روشنی تباران را سپیده آینه گردان روحشان بادا که روشنایی دگر داد روزگاران را بهار زخمی این باغ، دلکش است هنوز اگر چه نغمه به لب خشک شد هزاران را قبای میر غضب سبز و خنجرش سرخ است مخور فریب دروغ این سیاهکاران را به هوش باش که خونریزی خزان کو شد که روح باغ فراموش کند بهاران را * * * هزاره دوم آهوی کوهی تا کجای می برد این نقش به دیوار مرا؟

تا بدانجا که فرو می ماند چشم از دیدن و لب نیز ز گفتار مرا * * * لاجورد افق صبح نیشابور و هری است که در این کاشی کوچک متراکم شده است می برد جانب فرغانه و فرخار مرا * * * این چه حزنی است که در همهمه کاشیهاست جامه سوگ سیاووش به تن پوشیده است این طنینی که سرایند خموشیها، در عمق فراموشیها و به گوش آید از این گونه به تکرار مرا * * * گرد خاکستری حلاج و دعای مانی شعله آتش کرکوی و سرود زرتشت پوریای ولی آن شاعر رزم و خوارزمی می نمایند در این آینه رخسار مرا * * * تا کجا می برد این نقش به دیوار مرا؟ تا درودی به سمرقند چو قند و به رود سخن رودکی آن دم که سرود کس فرستاد به سر اندر عیار مرا * * * شاخ نیلوفر مرواست گه زادن مهر کز دل شط روان شنها می کند جلوه از این گونه به دیدار مرا * * * سبزی سرو قد افراشته کاشمر است کز نهان سوی قرون می شود در نظر این لحظه پدیدار مرا * * * چشم آن آهوی سر گشته کوهی است هنوز که نگاه می کند از آن سوی اعصار مرا * * * بوته گندم روییده بر آن بام سفال باد آورده آن خرمن آتش زده است که به یاد آورد از فتنه تاتار مرا * * * کیمیا کاری و دستان کدامین دستان گسترانیده شکوهی به موازات ابد روی آن پنجره با زیور عریانیهاش که گذر می دهد از روزن اسرار مرا * * * نقش اسلیمی آن طاق نماهای بلند و آجر صیقلی سر در ایوان بزرگ می شود بر سر، چو صاعقه، آوار مرا و آن کتیبه که بر آن نام کس از سلسله ای نیست پیدا و خبر می دهد از سلسله کار مرا * * * عجبا کز گذر کاشی این مزدک پیر هوس کوی مغان است دگر بار مرا گر چه بس ناژوی واژونه در آن حاشیه هاش می نماید به نظر پیکر مزدک و آن باغ نگونسار مرا

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شفیعی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شفیعی

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۷ در بوئین میاندشت از توابع شهرستان فریدن اصفهان بدنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی در زادگاهم ، در سال ۱۳۵۰ به موجب انسی که با قرآن داشتم با حوزه آشنا شدم و در سال ۱۳۵۲ به حوزه علمیه قم راه یافتم.بخش اعظم دروس سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی(قدس سره) فرا گرفتم و از اساتیدی چون آیات عظام طالقانی ، استادی ، صلواتی ، مقتدائی و تهرانی بهره بردم . بخش دیگر دروس سطح را در خدمت اساتید بزرگوار: اعتمادی و مرحوم آیت الله ستوده بوده در محضر آیت الله امینی و جناب دکتر بهشتی با علوم عقلی آشنا شدم .در سال ۱۳۶۵ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت جستم . سال ۱۳۷۰ نقطه عطفی در زندگی علمی من بود ، زیرا به توفیق الهی ، مفتخر شدم در جلسات خصوصی درس تفسیر حضرت استاد که برای پاسخگویی به شبهات تفسیری تشکیل می شد حضور یابم و مباحث عمیق تفسیری را از معظم له فرا بگیرم . به موازات تدرس به تدریس نیز ابتدا به صورت خصوصی و سپس در برخی مدارس می پرداختم . در تدریس به توصیه حضرت استاد بیشتر تفسیر و علوم قرآنی را مورد توجه قرار دادم . همزمان به کارهای تحقیقاتی نیز روی آوردم . تصحیح برخی متون نسخه های خطی جزو کارهای اولیه اینجانب بود . به توصیه یکی از دوستان فاضل و محقق رسما "نخستین مقاله خود را به رشته تحریر در آوردم که در یکی از مجلات قرآنی به چاپ رسید . در سال ۱۳۷۳ به موسسه "اسرا " راه یافتم و به تدوین ، نگارش و تنظیم کتب حضرت آیت الله جوادی آملی پرداختم . طی این مدت ، از تالیف مقاله، مشاوره دادن و فعالیتهای تبلیغی نیز غافل نبودم و در فرصتهای پیش آمده رسالت ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را با قلم و بیان به دوش می کشیدم. در همین ارتباط از سال ۱۳۶۳ مسئولیت امامت موقت جمعه زادگاهم را نیز پذیرفتم و گهگاه در برنامه" بر کرانه نور "رادیو معارف پاسخگوی سوالات دروس تفسیر حضرت استاد جوادی آملی هستم. هم اکنون علاوه بر تدریس در دو موسسه قرآنی نیز مشغول انجام وظیفه هستم .

شفیعی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۳۱ تیر ۱۲۹۳، فرخشهر (قهفرخ).

درگذشت: آذر ۱۳۷۲، تهران.

محمود شفیعی، متخلص به «کیوان»، دروس ابتدایی و متوسطه را در فرخشهر و اصفهان فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و تا پایان عمر هم در تهران زندگی کرد. وی به اخذ درجه‌ی لیسانس در حقوق و درجه‌ی دکتری در ادبیات فارسی نایل آمد. چند سالی در بانک ملی ایران به خدمت مشغول بود. سپس در دانشگاه‌های ملی، اراک و اصفهان و مدرسه عالی پارس به تدریس ادبیات مشغول شد.

از آثار اوست: شاهنامه و دستور (برنده جایزه بهترین کتاب سال ۱۳۴۶)؛ دانش و خرد؛ شیوه‌ی خط و دستور زبان فارسی. وی اهل شعر و شاعری هم بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شکرخواه، یونس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یونس شکرخواه از متخصصان ایرانی در زمینه دانش ارتباطات و از مترجمان در این رشته به زبان فارسی است.

یونس شکرخواه (زاده ۲ تیر ۱۳۳۶ هجری خورشیدی در مشهد)، مدارک کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، کارشناسی ارشد ارتباطات و دکترای علوم ارتباطات را در کارنامه دانشگاهی خود دارد. او عضو هیات موسس و عضو هیات مدیره انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، عضو گروه چندرسانه‌ای فرهنگستان هنر و عضو کمیسیون اطلاعات در کمیسیون ملی یونسکو در ایران است و در دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی ایران و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها و دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران تدریس می‌کند.

او از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۷ به عنوان دبیر بخش بین‌الملل و عضو شورای تیتر در روزنامه کیهان کار کرده‌است. شکرخواه، هم‌اکنون رئیس موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپا در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و سردبیر نشریه اینترنتی همشهری آنلاین است.

کتاب‌شناسی:

تألیف:

•واژه‌نامه پژوهش‌های ارتباطی و رسانه‌ای، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱.

•تکنولوژیهای ارتباطی و جامعه اطلاعاتی، تهران: انوشه، ۱۳۷۹.

•مبانی خبرنویسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

•مجموعه مقالات خبرنویسی مدرن، تهران:روابط عمومی و امور بین‌الملل توانیر، ۱۳۸۰.

•واژه‌نامه ارتباطات، تهران: سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

•خبر، تهران: مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، چاپ هشتم، ۱۳۸۳.

•خبرنویسی مدرن، تهران: خجسته، ویراست دوم، ۱۳۸۱. چاپ دوم، ۱۳۸۴

•روزنامه نگاری سایبر: جامعه‌اطلاعاتی و آزادی بیان، تهران: ثانیه، ۱۳۸۴.

•سبک‌های خبرنویسی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی وزارت‌علوم، ۱۳۸۵.

•انفجار بزرگ خاموش، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.

ترجمه:

•وینکلر، جیمز، عصر اقیانوس آرام، ترجمهٔ یونس شکرخواه، تهران: کیهان، ۱۳۶۵.

•جی. بارکلی، گلن، ناسیونالیسم قرن بیستم، ترجمهٔ یونس شکرخواه، تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹.

•جی. ویلسون، لاری و مولانا، حمید، گذر از نوگرایی، ترجمهٔ یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها،۱۳۷۱.

•مولانا، حمید، جریان بین‌المللی اطلاعات، ترجمهٔ یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱

•جاشواس، گلداستین،خیابان سه طرفه: کنش و واکنش استراتژیک در سیاست جهانی، ترجمهٔ یونس شکرخواه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.

•جیکس، جان، شمال وجنوب، مترجمان یونس شکرخواه و احمد صدارتی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم ۱۳۷۲.

•لوپیکوپی، خوان پنه، سپید در اندلس، ترجمهٔ یونس شکرخواه، تهران: برگ، ۱۳۷۳.

•شیلر، هربرت،اطلاعات و اقتصاد بحران، ترجمهٔ یونس شکرخواه، تهران: آفتاب، ۱۳۷۵.

•بلاکمن، مالوری، اسم رمز، ترجمهٔ یونس شکرخواه، تهران: آتش، ۱۳۷۷.

•آنگلیس، سارا، ارتباطات، ترجمهٔ یونس شکرخواه، تهران: آتش، ۱۳۷۸.

•دان، سوزان، شیوه‌های مصاحبه در مطبوعات، مترجمان یونس شکرخواه،علی کسمایی، تهران:روزنامهٔ ایران، ۱۳۸۱.

•هربرت، جان، هربرت،روزنامه نگاری جهانی، مترجمان یونس شکرخواه،علی کسمایی،(تهران:روزنامهٔ ایران، ۱۳۸۳.

ویرایش:

آسیموف، آیزاک، مکانی دیگر، ترجمهٔ اسکندر جهانبانی، ویرایش یونس شکرخواه، تهران:آتش، ۱۳۷۸.

گفتگو:

•سیدآبادی، علی‌اصغر، دنیای مجازی در گفتگو با یونس شکرخواه، تهران: نشر اگر، ۱۳۸۴.

مقدمه‌نویسی:

•معماریان، امید، مهارت‌های ارتباطی، مقدمه یونس شکرخواه، تهران:مرکز امور مشارکت زنان،۱۳۸۳.

•پویا، علیرضا، خبر و خبررسانی در قران کریم، مقدمه یونس شکرخواه، تهران:انتشارات دانشکده صدا و سیما،۱۳۸۴.

•دی–تول بروس و دیگران، نرم‌خبر و سخت‌خبر، ترجمهٔ محمدرضا نوروزپور ، مقدمه یونس شکرخواه، تهران:انتشارات ثانیه، ۱۳۸۴.

شکری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی شکری

محل تولد : ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد علی شکری۲سال در مدرسه امام عصر (عج) وسه سال در مدرسه الهادی(ع) ویک سال در مدرسه رضائی ویک سال در مدرسه معصومیه (س) مشغول تحصیل بودم وهم اکنون پایه ۹و۱۰را به صورت آزاد مشغول تحصیل هستم . چند سال را به

صورت ارتقائی خواندم با طلاب زیادی هم بحث بودم من جمله :علی حاتمی,سید پور آذر,اکبر نجفیان ,مجید غلامی ,مرتضی عالی پور ,سیدهادی زمانی ,داود میرزائی ,محمد حسن زاده و...وهمچنین ازاساتید فراوانی بهره برده ام من جمله استاد فروزانفر,استاد کوشا,استاد شکوری ,استاد سنائی ,ستاد پور رضا,استاد علی محمد خراسانی ,استاد گنجی ,استاد جوادی آملی ,استاد حیاتی ,استاد رضوی ,استاد متقی و...که خدا حفظشان کند ود رزمینه تفسیر وکلام ونحو وصرف وفقه واصول وحدیث ونهج البلاغه زیاد کار کردم .

شکری، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: مهر ۱۳۲۳، رودسر (بازکول).

درگذشت: ۹ آذر ۱۳۶۶، تهران.

یدالله شکری پس از طی تحیلات ابتدایی و متوسطه در رودسر و تهران، مدارج تحصیلات عالیه را در دانشگاه تهران در رشته‌ی ادبیات فارسی و دانشسرای تربیت معلم گذراند و از محضر استادانی چون بدیع الزمان فروزانفر، محمد معین، جلال‌الدین همایی، عبدالحمید بدیع‌الزمانی و احمدعلی رجایی بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۵۳ نیز پایان‌نامه تحصیلی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران دریافت کرد. در سال ۱۳۶۱ موفق به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد.

فعالیت علمی و تحقیقاتی او از همکاری با بنیاد فرهنگ ایران آغاز گردید. در سال ۱۳۵۲ در تدوین کتب درسی گروه ادبیات فارسی دانشکده مکاتبه‌ای- که خود از بنیان‌گذاران آن گروه بود- با استاد همایی و محمد پروین گنابادی همکاری کرد. در سال ۱۳۶۰ به عضویت هیئت مؤلفان لغت‌نامه فارسی درآمد. او عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی بود و همزمان در دانشگاههای تربیت معلم، تربیت مدرس، شهید بهشتی و دانشکده‌ی صدا و سیما اشتغال به تدریس داشت. در مرکز نشر دانشگاهی نیز مسئول گروه ادبیات فارسی بود.

یدالله شکری در تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی سهم ویژه‌ای داشت. آثار چاپ شده‌ی او عبارتند از: تصحیح عالم‌آرای صفوی؛ منتخب تاریخ جهانگشا؛ منتخب دیوان سراج‌الدین قمری؛ گزیده‌ی تاریخ بیهقی؛ گزیده‌ی دیوان سنایی. دیوان کامل سراج‌الدین قمری (که رساله‌ی دکترای او بود) و کتاب فارسی و آیین نگارش (۲) از جمله عناوینی است که وی در دست چاپ داشت. همچنین گردآوری فرهنگ و اصطلاحات عرفانی را نیز با همکاری جمعی از دانشجویان پژوهشگر خود آغاز کرده بود. مقالاتی از او در مجله‌ی «دانشگاه تربیت معلم» و مجموعه مقالات کنگره‌ی تحقیقات ایرانی چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شکسته، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ ق- ۱۳۲۳ ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، متخلص به شکسته. در روستای ازغند از توابع تربت حیدریه متولد شد. علوم ادبی و عربی را در مشهد و در محضر ادیب نیشابوری فراگرفت. مرتضی میرزا از مشاهیر خراسان و مردی مورد احترام مردم بود. در سمتهای شهرداری، فرمانداری و کفالت ایالتی و رییس کمیسیون تقسیم آبهای سرحدی ایران و روس خدمات صادقانه‌ای انجام داد و در سال ۱۳۰۵ ش در مشهد اداره‌ی ثبت احوال را دایر کرد. وی مردی آزادی‌خواه و وطن‌پرست بود و روزنامه‌ای به نام «خورشید» در مشهد دایر کرد. از دیگر کارهای وی ایجاد مدرسه‌ی دخترانه فروغ در مشهد در زمان تصدی کفالت استان خراسان بود. وی شاعری توانا بود و در نقد شعر مهارت داشت. در تهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۵۵ -۲۵۴ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۹۴ -۱۹۸۷ /۳)، صد سال شعر خراسان (۳۳۳ -۳۲۳).

شکورزاده بلوری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن فرانسه، اخذ دو نشان علمی درجه ۱ و ۲ و دو جایزه هنری در نقاشی و طراحی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فرانسه، فرهنگ عامه خراسان، علوم اجتماعی و مردم‌شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فرانسه، فرهنگ عامه (فولکلور)، زبان و ادبیات فارسی، عقاید و رسوم مردم خراسان مهمترین اثر ایشان فرهنگ اصطلاحات و معارف اسلامی به زبان فرانسه می‌باشد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فرانسه، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ عامه (فولکلور) و علوم معارف اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شکیباپور، عنایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف، مترجم.

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۱۳۶۳.

عنایت‌الله شکیباپور در اداره‌ی حسابداری وزارت دارایی مشغول به کار بود. از آثار اوست: احتراق بمب (اثر موریس لبلان، دو جلد)؛ از جهان تا ابدیت (موریس مترلینک، ۱۳۴۰)؛ اعترافات (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ بیگانه (آلبر کامو، ۱۳۴۸)؛ پرنده‌ی آبی (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ تبعید و حکومت وجدان (آلبر کامو)؛ توده‌ی طلا (اثر موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ جادوگر قرون وسطی (اثر ژول میشل، ۱۳۳۷)؛ اسکلت سبز (اثر ادوارد بروکر، ۱۳۳۵)؛ اصول نامه‌نگاری و انشاء (۱۳۳۹)؛ برگزیده‌ی لغات کلیله و دمنه (۱۳۳۹)؛ پرنس تالیران (ولاگور گایت، ۱۳۳۶)؛ ترانه‌های غم‌انگیز (اثر کنستانس)؛ جدال بی‌هدف (جان اشتاین بک)؛ جنایتکار مخوف (اثر پرنسون دوترای، ۱۳۳۹)؛ چگونه از خود دفاع کنیم (و. ه.کولینگریسچ، ۱۳۳۸)؛ حرمسرای خسرو پرویز (۱۳۳۵)؛ خانه‌ی مرگ (موریس لبلان، ۱۳۳۹)؛ در اوج قدرت (بالزاک، ۱۳۴۰)؛ در برابر خدا (موریس مترلینک، ۱۳۴۴)؛ دلباخته؛ دندان ببر (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ دنیای دیگر (موریس مترلینک)؛ راز بزرگ (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ راه‌های اختیار (ژان پل سارتر، ۱۳۴۴)؛ زندگی زنبور عسل (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ زندانی بیگناه؛ زنگ‌های ساعت (موریس لبلان، ۱۳۰۶)؛ ژاندارک (موریس مترلینک، ۱۳۳۳)؛ سایه‌ی انسان‌ها (ژان پل سارتر)؛ سر تنگ بلور (موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ سنگ معجزه (موریس لبلان، ۱۳۰۶)؛ شادی‌ها و ناکامی (آلبر کامو، ۱۳۵۶)؛ طاعون (آلبر کامو، ۱۳۵۱)؛ عروس زندان (ژرژ ماری)؛ قصر مرموز (موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ قهرمان ونیز (میشل زاکو، سه جلد، ۱۳۳۳)؛ کف شناسی (۱۳۱۲)؛ گرازیلا- یا سوز و گداز عشق (آلفونس دولامارتین، ۱۳۴۰)؛ گلوله‌ی خون (جیمز هادلی چیز، ۱۳۴۱)؛ گنجینه‌ی ناچیز (موریس مترلینک، ۱۳۴۵)؛ مجادله‌ی آرسن لوپن و شرلوک هلمز (موریس لبلان، ۱۳۳۹)؛ مجموعه‌ی سری (۱۳۳۵)؛ مرد خاکستری (پونسون دوترای، ۱۳۳۹)؛ مرگ و زندگی (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ مرگ و زندگی به ضمیمه‌ی «اعجاز مریم مقدس» اثر کلودل (موریس مترلینک، ۱۳۹۹)؛ مکافات (موریس مترلینک)؛ هستی و نیستی؛ پدیده‌شناسی عالم هستی (ژان پل سارتر)؛ ۸۱۳ عملیات خارق‌العاده‌ی آرسن لوپن (موریس لبلان، دو جلد، ۱۳۳۴)؛ زهرا (ولتر، ۱۳۳۷)؛ مورچگان (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ نوسترا داماوس از آینده جهان خبر می‌دهد (ادوارد م. پ، ۱۳۳۵)؛ ورتر (گوته، ۱۳۳۵).

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده. در اداره‌ی حسابداری وزارت دارائی مشغول به خدمت بود. از آثار وی: «احتراق بمب»، ترجمه؛ «از جهان تا ابدیت»، ترجمه؛ «پرنه‌ی آبی»، ترجمه؛ «ژاندارک»، ترجمه؛ «کشف شناسی»؛ «مرگ و زندگی»، ترجمه؛ «مورچگان»، ترجمه؛ «اصول نامه‌نگاری و انشاء»؛ «برگزیده‌ی لغات کلیله و دمنه».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۶۴۴ – ۶۴۰/ ۴).

شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳/۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، منطقی، ادیب و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحرالعلوم فقه و اصول خواند. شلیله از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مشهدی روایت کرده است. سید عبداللّه بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت و در کرند همان جا درگذشت. با پایان گرفتن جنگ جهانی جنازه‌ی به امانت گذاشته شده‌ی وی به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب طوسی در مقبره‌ی خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «العقد الفرید فی مقاصد المفید و المستفید»؛ «لولوه المیزان»، ارجوزه‌ای در منطق که در ۱۳۱۷ ق از نظم آن فراغت یافت، و شرح آن به نام «منتقی الجمان»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبداللّه»، در منطق؛ «حاشیه القوانین»؛ «غایه المامول»، در فقه و اصول؛ «رساله فی الاجتهاد و التقلید»؛ «منتقی الشیعه فی احکام الشریعه»؛ «فرائض الفقه»، ارجوزه‌ای در ارث؛ کتابی در «صلاه المسافر»؛ «المختصر الشافی فی العروض و القوافی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۰/۸)، الذریعه (۸/۲۳، ۳۸۲/۱۸، ۱۰۸/۸، ۴۹۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۵۸ -۱۲۵۵ /۱۴)، معجم المؤلفین (۲۰۳ -۲۰۲ /۶).

شمس اصفهانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۴ ق)، ادیب. وزیر غیاث‌الدین کیخسرو و عزالدین کیکاوس از سلجوقیان روم بوده و از ادیبان نامی زمان خود. سرانجام به دستور رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم کشته شد. او به زبان عربی و فارسی شعر نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۵۱).

شمس الادبا، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۴۲ ش)، شاعر، ادیب و عارف. ملقب به شمس‌الادبا. پس از تحصیل صرف، نحو، منطق و معانی و بیان به تحصیل علم کلام و فلسفه و حکمت پرداخت. شمس‌الادبا چندی در راه عرفان و تصوف گام نهاد و خدمت بزرگان طریقت رسید تا دست ارادت به پیر و مرشد خود حاج ملا سلطان علیشاه گنابادی داد. وی شاعری توانا و ادیبی دانشمند بود و به فن شعر و ادب آگاهی کامل داشت. پس از فوت در حضرت عبدالعظیم و در جوار مزار سعادت علیشاه اصفهانی به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعاری از او متجاوز از سی هزار بیت بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۰۲۸ -۲۰۲۷ /۳).

شمس المشرق خوارزمی، ابوالقاسم محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۱ ق)، ادیب. مشهور به شمس المشرق. در علم لغت و ادب از سرآمدان روزگار خود بود. در علم فقه و خلاف نیز دست داشت و به جهت کثرت حفظ و فصاحت لفظ به او جاحظ ثانی می‌گفتند. وی مدتی در خوارزم و از معاصران خوارزمشاه بود و نزد او محترم و معزز. در پایان عمر به فلسفه روی آورد و به همین جهت منفور عامه شد، به مرو رفت و در همان جا خود را ذبح کرد و مکتوبی به خط خودش یافتند: «هذا ما عملته ایدینا فلا یواخذ بغیرنا». از ابونصر قشیری و دیگران حدیث شنید و گویند املای حدیث نیز می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۱/۳)، لغت نامه (ذیل/ محمود)، معجم الادباء (۱۲۶/۱۹).

شمس المعالی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷ ق)، ادیب و طبیب. او اغلب در دستگاه دوستعلی خان معیرالممالک که بعدها ملقب به نظام‌الدوله شد، به سر می‌برد. وی مردی فاضل و طبیبی حاذق بود. در تهران درگذشت. میرزا صادق خان ادیب الممالک قطعه‌ای در رثا و تاریخ وفات وی ساخته است که در «دیوانش» درج است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۵۷/۶).

شمس زنجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی شمس (حایری) زنجانی (برادر معظم ایشان) از دانشمندان فعال و مبرز معاصر است در مشهد مقدس. وی در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در زنجان و قم در عصر ریاست و زعامت آیت‌اللّه العظمی اصفهانی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح فقه و اصول را از مدرسین آنجا خوانده آنگاه بدرس خارج آیت‌اللّه اصفهانی و آیات دیگر مانند آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده تـا به مـدارج علم و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصـفهانی به ایران مراجعت و چنـد سالی در تهران به خـدمات دینی اشتغال داشـتند ولی چند سالیست که منتقل به مشـهد مقدس و مجاورت حضـرت ثامن ائمه (ع) را اختیار و بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شمس منشی نخجوانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشـتم ق)، ادیب و فرهنگ نـویس. معروف به شـمس منشـی. وی فرزنـد هنـدوشاه نخجـوانی است از عهـد جوانی در خـدمت سلاطین زمان راه جست و از آن جمله مدتی در خدمت سـلطان ابوسـعید بهادر و وزیرش غیاث‌الدین محمد کار می‌کرد و سپس در دستگاه سلطان ویس جلایر وارد شد و کتاب خود «دستور الکاتب فی تعیین المراتب» را به نام او تمام کرد. موضوع این کتاب بحث دربـاره‌ی ترسـل و انشـاء و قواعـد دبیری اسـت. کتـاب دیگری بـه نـام «صـحاح المعجـم یـا صـحاح الفرس» اسـت و به اسم خـواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی، تالیف شد. «صحاح الفرس» بعد از «لغت فرس» اسدی قدیمی‌ترین کتاب لغت فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۳ –۱۳۰۰ /۳)، تجارب السلف (مقدمه)، الذریعه (۱۲ –۱۱ /۱۵ ،۱۶۵/۸)، فرهنگ‌های فارسی (۴۱ –۳۶)، کشف الظنون (۱۰۷۴ ،۷۵۴)، گنج و گنجینه (۴۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۲/۵).

شمس، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید شمس

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سعید شمس فرزند محمد در سال ۱۳۴۵ در یکی از بزرگترین محله‌های شهرسـتان مسجد سلیمان به دنیا آمده خانواده ما از قشـر کم در آمـد و پـایین‌تر از متوسـط بود پـدرم خیـاط بود. دوران ابتـدایی را در دبسـتان نوروز در همان محله گذرانـدم و دوران راهنمـایی را در مـدرسه ابو ریحـان بودم که سـال دوم راهنمایی درگیری‌های انقلاب آغاز شـد با همان سن پایین در حـد خودم در تظاهراتهـا شـرکت می‌کردم. در سال ۱۳۵۹ همزمـان بـا آغاز جنگ تحمیلی وارد هنرسـتان فنی شـریف واقفی شهرسـتان شـده و در دوران دو سال تحصـیل، عضو فعال انجمن اسـلامی بودم. سپس جذب اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی که آن زمان کانون انجمن دانش‌آموزان بود شـده و مسـئولیت کتابخانه را عهـده دار شـدم. علت این علاقه وافر اینجانب از دوران کودکی به کتاب بود که برخلاف کودکـان هم سن و سـال خودم همواره از پـدرم درخواست می‌کردم برایم کتاب بخرد. در سال ۱۳۶۱ هنرستان را رها کرده وارد حوزه علمیه المهـدی در مسـجد سـلیمان شـدم. ابتـدا دروس مقدماتی را در این مدرسه فراگرفتم از جمله اساتید اینجانب استاد میری، واعظی، شیروانی، مهریزی و... بودند.

شمس‌العلماء، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. آفتاب دانشمندان) (حاج میرزا) محمد حسین قریب ملقب به شمس‌العلماء و متخلص به ربانی (و. گرکان (از توابع آشتیان) ۱۲۲۲ ه.ش.- ف. ۱۳۰۵ ه.ش./ ۱۳۴۵ ه.ق.). وی مقدمات علوم را در زادگاه خود گرگان آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات به قم شتافت و در آنجا به تحصیل فقه و اصول و حدیث و تفسیر و ضمنا به تتبع در ادبیات فارسی و عربی پرداخت. از آنجا سفری به عتبات کرد و سه سال علمای عصر به تحصیل و تکمیل علوم دینی اشتغال داشت، و بعد از مراجعت به ایران مدتی نیز نزد میرزا علی‌محمد صفا که از خطاطان معروف آن زمان بود به تعلیم خط اشتغال داشت و خط نستعلیق را به شیوه استاد خود می‌نوشت. درسال ۱۲۶۶ ه.ش. برای تعلیم زبان و ادبیات فارسی به آقاخان (سوم) از ایران یک تن استاد خواستند. شمس‌العلماء بدین خدمت نامزد گردید و به هندوستان (بمبئی) رفت. از سال مزبور تا سال ۱۲۷۵ ه.ش. در آنجا به تعلمی و تربیت آقاخان و ترویج دیانت اسلام مشغول بود. در سال اخیر به سبب ناسازگاری آب و هوا و علاقه به موطن خود به ایران بازگشت و بنا به دعوت مخبرالسلطنه هدایت در مدرسه علمیه و مدرسه نظام سابق و سپس در مدرسه علوم سیاسی به تدریس زبان و ادب فارسی پرداخت. در سال ۱۲۸۴ ه ش. با کسب اجازه از وزارت معارف به ترکستان و استانبول و قفقاز مسافرت کرد و به زیارت بیت‌اللّه الحرام مشرف گردید، و پس از مراجعت به ریاست مدرسه علمیه منصوب شد. ضمنا چند ساعت در مدرسه علوم سیاسی و دارالفنون به تدریس فارسی و عربی اشتغال داشت و تا پایان عمر از تدریس دست نکشید. از سال ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۸ به تألیف کتاب «ابدع البدایع» در فن بدیع مشغول بود و آن به طبع رسیده. در سال ۱۲۹۳ به عضویت دیوان عالی تمیز (دیوان کشور) منصوب شد و در ۸۳ سالگی وفات کرد. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود و کتابهایی در معانی و بیان و منظومه‌ای در فقه و اصول پرداخته که تاکنون به طبع نرسیده. جنازه وی را در ابن‌بابویه دفن کرده‌اند (از یادداشت سرلشکر قریب، قزوینی. یادگار ۳ :۵ ص ۵۶)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شمیسا، سیروس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیروس شمیسا "در ۲۹ فروردین ۱۳۲۷ در شهر رشت متولد شد، از پدر و مادری فرهنگی و رئیس دبیرستان. پس از اخذ دیپلم به دانشگاه شیراز رفت و چند سالی پزشکی خواند. سپس تغییر رشته داد و در همان شیراز لیسانس ادبیات فارسی گرفت. در آنجا با مرحوم مسعود فرزاد محشور بود و در درس اساتید آمریکایی —که در گروه زبان و ادبیات انگلیسی تدریس می‌کردند —حاضر می‌شد. همچنین در مدرسه ی خان نزد حجت‌الاسلام آقای حسینی، جامع‌المقدمات و مقداری از سیوطی را خواند. ویراستار مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران شد و در دانشگاه آزاد ایران استخدام شد. پس از اخذ فوق لیسانس، به خدمت سربازی رفت و در ضمن خدمت، دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی را هم خواند و در سال ۱۳۵۷ رساله‌ی خود را نزد دکتر خانلری دفاع کرد. پس از اتمام دروس دانشگاهی، به تحصیلات حوزوی ادامه داد و برخی از کتب را مانند شرح منظومه، رسائل، قوانین، مغنی، مطول، جوهر النضید و غیره را نزد دکتر سید جعفر سجادی خواند. سپس عضو گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی شد که هنوز در این سمت باقی ست.

دکتر"سیروس شمیسا "پژوهش گر و نویسنده ای فعال و تواناست که تاکنون بیش از ۴۰ عنوان کتاب در کارنامه ی خود دارد. "شاهد بازی در ادبیات فارسی "در سال ۱۳۸۱ منتشر، و در همان سال توقیف و جمع آوری شد. کتابی جسور و جدید، که در شکستن تابوهای ایرانی همتا ندارد. خود" شمیسا "در مقدمه ی کتاب می گوید: (عجیب است که با این گستردگی مطلب در ادبیات و تاریخ ما تاکنون نوشته ی مستقلی در این باب فراهم نیامده است. شاید علت قبحی است که در این موضوع است. این کتاب هم ممکن است به مذاق عده یی خوشایند نباشد اما چه می توان کرد؟) و کتاب به مذاق عده یی خوشایند نیامد و توقیفش کردند.

همان گونه که از نام کتاب و نقاشی ی روی جلد آن پیداست،همجنس گرایی — مردانه — در ادبیات فارسی موضوع پژوهش این کتاب است. خود می گوید: (اساساً ادبیات غنایی فارسی به یک اعتبار ادبیات همجنس گرایی است. در این که معشوق شعر سبک خراسانی و مکتب وقوع در دوره تیموری، مرد است شکی نیست. اما ممکن است خواننده غیر حرفه یی در مورد ادبیات سبک عراقی مثلاً غزلیات امثال سعدی و حافظ دچار شک و تردید باشد. اما حدود نصف اشعار این بزرگان هم صراحت دارد که در باب معشوق مذکر است زیرا در آن ها آشکارا از واژه های پسر و اَمرد و خط عذرا و سبزهٔ ریش و این گونه مسائل سخن رفته است. اما بخش اعظم آن نصف باقی مانده هم در مورد معشوق مذکر است منتها خاصیت زبان فارسی طوری است که مثلاً به علت عدم وجود افعال و ضمایر مذکر و مؤنث ایجاد شبهه می کند. باید دانست که مسائلی چون رقص و زلف و خال و خدّ و قد و دامن و تیرنگاه و ساقیگری و امثال این ها که امروزه به نظر می رسد در مورد زنان است در قدیم مربوط به مردان هم می شده است. بدین ترتیب فقط بخش کمی از اشعار قدماست که می توان در آن ها به ضرس قاطع معشوق را مؤنث قلمداد کرد.)

"شمیسا "اولین محققی ست که در این باره به چاپ پژوهش هایش می پردازد. چاپ این کتاب نه تنها برای حکومت که برای بسیاری از پژوهشگران متعصب و عرفا و دراویش ایرانی هم گران آمد.

صوفیان پسرهای نوبالغ را کنار خود می نشاندندو از دیدن روی آن ها حظ می بردند. این کار خود را شاهد بازی نام گذاشتند که

یعنی در روی زیبایی که خدا آفریده جلوه ای از او می بینیم. که این کار هنوز هم در برخی نقاط در جریان است. نام کتاب برگرفته از این سخن است.

کتاب" شاهدبازی در ادبیات فارسی "در هشت فصل و هر فصل در چندین بخش نوشته شده:

فصل اول: سابقه نظربازی — افلاطون، عشق افلاطونی، رساله عشق ابن سینا، شاهدبازی در ادبیات عرب، شاهدبازی در هند، و ... .

فصل دوم: دوره غزنویان — زلف ایاز، معشوق لشکری یا لعبت سپاهی، معشوق بنده یا لعبت سرایی، ریش معشوق یا سبزه عذار، قابوسنامه و عشق به غلامان، فرخی سیستانی، و ... .

فصل سوم: دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان — سلاطین و وزرا، سلطان سنجر و امردان، نزهة المجالس، مناظرهٔ بین لواط کار و زناکار، سبک آذربایجانی، اسماعیلیه، و ... .

فصل چهارم: صوفیان و شاهد بازی — صوفیان امردباز، احمد غزالی، عین القضاة، اوحدالدین کرمانی، عراقی، شیخ روزبهان بقلی، محمد غزالی، سهروردی، احمد جام، شمس تبریزی، مولانا، و ... .

فصل پنجم: شاعران معروف سبک عراقی — سعدی، حکایاتی از بوستان و گلستان، حافظ، عبید زاکانی، و ... .

فصل ششم: دورهٔ تیموریان و اوایل صفویه — جامی، محتشم کاشانی، رسالهٔ جلالیه، وحشی بافقی، مهر و مشتری، ترسا بچگان، و ... .

فصل هفتم: دورهٔ صفویه و افشاریه و زندیه — دورهٔ صفویه، رستم التواریخ، پلشت شدن زبان، و ... .

فصل هشتم: دورهٔ قاجار — ملیجک و ناصرالدین شاه، ایرج میرزا، دورهٔ پهلوی، معشوق دوجنسی،امکانات زبانی،

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شورش فسایی، مختار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳/۱۳۳۲ –۱۳۰۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شورش. از دودمان کریم خان زند بود. شورش در شهر فسا به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز و تهران با عسرت به پایان رسانید و چون از نظر مادی نتوانست مخارج تحصیل خود را فراهم سازد بناچار وارد مدرسه‌ی نظام شد. در سال ۱۳۲۷ ش وارد دانشکده‌ی حقوق شد و در رشته‌ی قضایی به تحصیل پرداخت، اما به علت سخنرانی درباره‌ی قتل محمد مسعود، مدیر روزنامه‌ی «مرد امروز» یکسال از تحصیل محروم گردید و پس از آن دوباره به ادامه‌ی تحصیل پرداخت تا سرانجام موفق به اخذ لیسانس شد. در سال ۱۳۲۹ ش امتیاز روزنامه‌ی «شورش» را گرفت و به نشر آن پرداخت. در سال ۱۳۳۲ ش به زندان افتاد و در همان سال در جراید خبر فرار و خود سودی او را منتشر ساختند. وی با صاحب «سخنوان نامی معاصر ایران» دوستی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۲۳ –۳۲۰ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۰۳۸ –۲۰۳۴ /۳).

شوشتری، عبدالقائم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حقیر در روز نیمه ذی الحجه ی سال ۱۳۶۵ هـ.ق، روز تولد امام دهم حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام، در شهر قوچان متولد شدم. سیر و سلوک بنده از اینجا شروع شد: حدود ۱۳ ساله بودم که حس خداجویی در من بیدار شد، با کمال تشنگی از خود می پرسیدم راه وصال حضرت باری تعالی چیست؟ در سال ۱۳۳۹ شمسی بنده طلبه شدم و در مدرسه نواب مشهد مشغول تحصیل گردیدم و در کنار درس و بحث حوزوی به مطالعه کتبی که درباره ادیان و مذاهب و طرائق بود، مطالعه و تحقیق می نمودم. نخستین استاد اخلاق بنده، مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی احمدی سینائی بود که ایشان مؤکداً به تخلیه و تحلیه ۱ که مقدمه تزکیه نفس است توصیه می فرمودند. طی یک مقدمه با عارف مرتاض حضرت سید ابوالحسن حافظیان آشنا شدم و در خدمت ایشان علم اعداد و علم رمل و جفر ناقص و بعض از ختومات را تعلیم گرفتم، ولی پس از چندین سال به دلائلی دفتر را پاره کردم و به رودخانه ماربره (از سرشاخه های رود دز) ریختم و بخود گفتم: یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت صحبت آن مونس جان مار را بس ادبیات عرب را نزد عارف والامقام استاد حجت الاسلام هاشمی آموختم. ایشان اولین کسی بود که برای بنده درس عشق خدا را آموخت و من سخت مشتاق این راه شدم. چون حوزه قم را غنی تر از حوزه مشهد دیدم، محل تحصیلم را از مشهد به قم تبدیل کردم. روزی خدمت حضرت آیت الله بهجت مشرف شده و شرح الحال اجمالی خود را به ایشان گفتم. ایشان فرمودند: من فعلاً به شما کتابهای مفیدی ۲ را معرفی می کنم. به خاطر علاقه زیادم به ایشان، بعضی نمازهای یومیه را در مسجد فاطمیه و به امامت ایشان اقامه می کردم و همیشه سعی می کردم پس از نماز مصاحبت ایشان را از مسجد تا منزل از دست ندهم و همچنین در کلاس درس خارج ایشان، قبل از شروع درس، از فرمایشات اخلاقی و معنوی معظم له استفاده می نمودم. دستورات ایشان اکثراً سفارش به انجام واجبات و ترک محرمات و انجام بعضی مستحبات و ترک مکروهات بود و در بین مستحبات دوام در طهارت و نافله شب و نماز جعفر طیار را بیشتر سفارش می فرمودند. در همین سالها از خرمن علم و عرفان آیت الله العظمی حاج

سید رضا بهاءالدینی نیز بهره مند می شدم و مانند کلب اصحاب کهف اکثر روزها خدمتشان حاضر و استفاده می نمودم. ایشان همیشه شاگردان خود را به تفکر و تعقل تشویق می فرمودند. همچنین از جلسات منوَّر و منوِّر حضرت آقای حاج سید حسین یعقوبی قائنی نیز بهره مند گشته و از کیفیت سلوک عاشقان عملاً مطلع شدم. در همین ایام به درس منظومه و اشارات حضرت علامه آیت الله حسن زاده آملی، عالم عارف، دریای بیکران علم و معرفت حاضر شده و از ایشان هم بهره ها گرفتم. ایشان شاگردان خود را به تحصیل علوم مختلف دینی تشویق می کردند. همزمان با تحصیل در قم در فرصت هایی به مشهد نیز تشرف می یافتم و خدمت بزرگ مردی سلمان گونه، حضرت آقای شیخ عبدالکریم حامد استفاده می کردم که هنر ایشان موشکافی مسائل اخلاص بود. ایشان در مقام تربیت شاگردانش بر محور اخلاص ۳ بسیار سفارش می فرمود. عطش شدید من در جستجوی استاد کامل ، با پیشنهاد برخی دوستان و مکاشفه ای به یافتن حضرت آقای حاج اسماعیل دولابی انجامید و همزمان خدمت حضرت علامه طباطبایی صاحب المیزان می رسیدم که درباره ایشان فقط می گویم: یک دهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم مدح آن والا ملک توضیحات: ۱- «تخلیه» عبارت است از پاک نمودن و تطهیر قلب از بدی ها و آلودگی های گناهان و غبار غفلت و اخلاق ناپسند و اعمال بد و «تحلیه» عبارتست از آرایش قلب به اطاعت و عبادت حضرت حق و جذب صفات حسنه و کریمه. ۲- آن کتابها عبارتند از: جامع السعادات ملامهدی نراقی و تذکره المتقین شیخ محمد بهاری و تفسیر شیخ حسن نجفی اصفهانی. ۳- «من اخلص لله اربعین یوماً فجر الله ینابیع الحکمه من قلبه الی لسانه: هرکس چهل روز خودش را برای خدا خالص گرداند، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری گرداند.»

شوشتری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا شوشتری از علماء و ائمه جماعت سامره بودند و در حرم مطهر عسکریین اقامه جماعت می‌نمودند تا در سال ۱۳۹۲ قمری وفات کردند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوقی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مؤلف.

تولد: همدان.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۷، لندن.

سید عباس شوقی از دبیرانی بود که سال‌های بسیار به تدریس مشغول بود. وی عهده‌دار ریاست فرهنگ در برخی از شهرها بود و چندی هم در اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ خدمت می‌کرد و از هم قلمان مجله‌های «آموزش وپرورش»، «جهان نو» و «یغما» بود و برای آنها مقالاتی می‌نوشت. از تألیفات او دشت گرگان، ترجمه‌ی تاریخ فلفسه در اسلام (تألیف دبور)؛ ترجمه‌ی آراء و عقاید (از گوستاو لوبون)؛ ترجمه‌ی بنیاد انواع (چارلز داروین)؛ ترجمه‌ی در تربیت (از برتراند راسل، ۱۳۲۸) چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شوکت شیرازی، شمس الدین حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۵۴ ق)، مورخ، مترجم و شاعر، متخلص به شوکت. شوکت در تهران متولد شده و چندی در اصفهان و از آن پس در عتبات عالیات تحصیل کرد. نامبرده سالها منشی اول سفارت عثمانی در تهران بود. از آثار او: «تاریخ اسکندر» و «تاریخ شارل دوازدهم پادشاه سوئد» را به وی نسبت می‌دهند. در «فارسنامه‌ی ناصری» تخلص او شکوه شیرازی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۸۵ -۸۸۳ /۲)، الذریعه (۵۵۱/۹)، شرح حال رجال (۳۳۴/۱)، فارسنامه ناصری (۱۱۷۱/۲)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۵/۲)، مجمع الفصحا (۵۳۵/۵)، مرآت الفصاحه (۲۲۵)، مکارم الآثار (۳۰۳/۲)، یغما (س ۷، ش ۴، ص ۱۶۲).

شه ناصر، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌عبدالله خان لله باشی بن مهدی قهپایه‌ای. ادیب و شاعر متخلص به «شاه ناصری» قسمتی از دیوان اشعار او به نام «تحفهٔ الجاوید» به طبع رسیده. در ۱۲۹۷ در قریه‌ی حریصه متولد، و در ۱۳۸۴ وفات یافته است.

این خاندان، خود را از اولاد شاه ناصر مدفون در مزرعه‌ی شنانه‌ی جبل قهپایه می‌دانند.

شاعر توانا آقای برنا در ماه تاریخ وفات او گوید:

پی سال تاریخ برنا سرود

شده در جنان شاه ناصر مکین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهاب منشی، شهاب‌الدین محمد، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، ادیب. وی کتابی به نام «همایون نامه» در انشای فارسی، به نام خواجه غیاث‌الدین پیر احمد وزیر نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۶۰)، کشف الظنون (۲۰۴۶).

شهابی شیرازی، اعظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شهابی. تحصیلات خود را در شیراز به پایان رساند. وی از کارمندان وزارت کشور بود و مدتی نیز شهردار فیروزآباد فارس و بخشدار قیر و کارزین و جویم بود. وی در سال ۱۳۳۰ ش امتیاز روزنامه «شهاب اعظم» را گرفت و شش سال نشر داد و روزنامه‌ی وی که محتوای سیاسی- اجتماعی و ادبی داشت یکی از جراید مفید شیراز محسوب می‌شده است. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «شراره‌های بی‌اثر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۶۹ -۳۶۵/ ۳).

شهابی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۲۸۷.

درگذشت: پاییز ۱۳۶۷.

علی‌اکبر شهابی مدتی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست اداره‌ی اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: احوال و آثار محمد بن جریر طبری (۱۳۳۵)؛ اصول الصرف (دو جلد)؛ اصول النحو (۱۳۴۰)؛ ترجه‌ی تعبیر رؤیا (از ابن سینا، ۱۳۱۶)؛ نظامی شاعر داستانسرا (۱۳۳۷)؛ ماجرای تغییر خط (۱۳۳۸)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچه‌ی اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید»، «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.

(۱۳۶۷ -۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و محقق. در تربت حیدریه متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش و نزد پدر و برادر، علامه محمود شهابی، به انجام رساند. سپس برای ادامه تحصیلات به شهرهای مشهد، اصفهان و تهران سفر کرد تا اینکه از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران با احراز رتبه‌ی اول موفق به دریات مدرک لیسانس در رشته‌ی منقول شد و از همان زمان خدمات فرهنگی خویش را آغاز نمود و به تدریس در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و دانشکده‌ی الهیات مشهد پرداخت. در خلال این مدت به کسب مدرک دکتری نایل آمد. وی مدتی نیز عهده‌دار سمتهای وابسته‌ی فرهنگی ایران در افغانستان و مدیر کل اوقاف کشور در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد بود. دکتر شهابی در شمار پژوهندگان و محققان معارف اسلامی بود. از آثار وی: «اصول النحو»، عربی؛ «اصول الصرف»، عربی؛ «اصول روانشناسی تربیتی»؛ تصحیح «رساله‌ی صناعیه‌ی» میرفندرسکی؛ «نظامی شاعر داستانسرا»؛ «روابط ادبی ایران و هند و تاثیر روابط ایران و هند در ادبیات صفویه»؛ «تاریخ وقف در اسلام»؛ «همبستگی تشیع و تصوف»؛ «شیعه شناسی»؛ ترجمه «تعبیر رویا»، بوعلی‌سینا.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۵- ش ۹- ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۴ -۵۲۲/ ۴)، نشر دانش (س ۱ ،(۱۳۶۷) ۹، ص

۱۰۳).

شهباز، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. وی در مازندران بدنیا آمد و فارغ‌التحصیل از کالج آمریکایی اصفهان و دانشکده‌ی ادبیات در رشته‌ی زبان خارجه بود به آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی مسافرت کرد و معاونت رادیوی صدای آمریکا در ایران را بر عهده گرفت و متجاوز از پانزده سال سابقه‌ی مطبوعاتی داشت. از آثار وی: «افسانه‌های اپرا»؛ «بر باد برفته»، ترجمه؛ «خاطره‌ی یکدوست»؛ «راه بی‌پایان»، ترجمه؛ «سر گذشت من»، ترجمه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶ -۵۴۳ /۲).

شهرزاد، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۷۷ ش)، مترجم و نمایشنامه‌نویس. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات اولیه را از مدرسه‌ی سن‌لوئی آغاز کرد و زبان فرانسه را در آنجا آموخت. وی کم کم به ترجمه قطعاتی از ادبیات فرانسه پرداخت و پس از آن به نمایشنامه‌نویسی روی آورد. از فرط علاقه به داستانهای هزار و یک شب نام شهرزاد داستان‌گوی معروف هزار و یک شب را بر خود نهاد. شهرزاد، هنرپیشگانی را که نقش نمایشنامه‌های او را بر عهده داشتند تشویق می‌کرد و می‌کوشید قهرمانهای ساخته‌ی خود را هرچه بهتر و با شکوهتر نشان دهد خود وی بارها به صحنه آمد و در سال ۱۳۰۸ ش که نمایشنامه «مجسمه‌ی مرمر» را نوشت خود با موفقیت در نقش اول آن ظاهر شد. در اواخر عمر وارد خدمات دولتی شد و سرانجام در صبح روز بیستم شهریور ماه ۱۳۱۶ ش خودکشی کرد. از آثار وی: ترجمه‌ی «سالمه‌ی» اثر ساکاروایلد؛ «افسانه‌ی عشق»؛ «اصلی و کرم»؛ «کمربند سحرآمیز»؛ «نمونه آثار پوشکین به یادگار صدمین سال وفات شاعر».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۴۳۷ -۴۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۰/۳).

شهرستانی حایری، ضیاءالدین محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۱۵ -۱۲۵۶ ق)، محقق، فقیه، حکیم، ادیب و شاعر امامی. میر قوام‌الدین معروف به میر بزرگ مدفون در آمل از سادات مرعشی مازندرانی نیای بزرگ وی است. او در کرمانشاه متولد شد. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. او از شاگردان شیخ محمدحسین اردکانی در فقه و اصول بود و به دریافت اجازه از از وی نایل گشت. هئیت و نجوم را از میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا علام هروی حائری فراگرفت. در ۱۳۰۵ ق به زیارت مشهد رضوی رفت و چون به تهران آمد مورد استقبال عموم واقع شد و تدریس در مدرسه‌ی صدر قزوینی به وی تفویض گشت، اما او به کربلا بازگشت و در آنجا مرجعیت جمعی از شیعیان را بر عهده گرفت. شهرستانی در کربلا درگذشت و در رواق حسینی نزدیک دیوار شهداء دفن شد. از دوازده سالگی شروع به تالیف نمود، و حدود هشتاد اثر از خود به جای گذاشت که از آن جمله‌اند: «الاستصحاب»؛ «اصول الاصول» در تلخیص «الفصول»؛ «غایه المسول و نهایه المامول»، در علم اصول؛ «العنصر المتین»، که حاشیه «قوانین الاصول» است؛ «تحقیق الادله»، در اصول فقه؛ «الحجه البالغه و النعمه السابقه»؛ در اثبات حضرت حجت (عج)؛ «جنه النعمی»، در امامت؛ «تاریخ شهرستانی»؛ «تذکره النفس»؛ «تسهیل المشاکل»، در نحو؛ «تقویم الکواکب»؛ «الکوکب الدری»، در معرفت تقویم؛ «مواقع النجوم»، در هئیت؛ «اللباب فی الاسطرلاب»؛ «زوائد الفوائد»، در متفرقات؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق» به نام «مهذب التهذیب»؛ «لباب الاجتهاد»؛ «لب اللباب» لب «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی؛ منظومه «خوان نعمت»، در بیان نعمتهای الهی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۸/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۲/۹)، الذریعه (۲۹۰ ،۲۷۴/۱۸، ۲۳۶/۱۴، ۱۳۸/۱۲، ۲۶۴/۸، ۲۷۵/۷، ۲۵۸/۶، ۴۴۱ ، ۳۷۶، ۱۸۳، ۱۷۱/۴، ۱۹۱/۲۵، ۲۹۳/۲۳، ۲۲، ۱۱/۱۶، ۱۶۱/۵، ۴۸۱/۳، ۱۶۸، ۱۹/۲، ۴۶/۱)، ریحانه (۲۷۳ -۲۷۲ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۳۱ -۶۲۷ /۱۴)، الکنی و الالقاب (۳۷۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۱ -۸۷۰ /۲)، معجم المؤلفین (۲۵۷/۹)، مکارم الآثار (۱۵۳۸ -۱۵۳۶ /۵)، هدیه العارفین (۳۹۷ -۳۹۶ /۲).

شهرستانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در نجف به دنیا آمـد، و در همان شـهر نشو و نما یافت. پدرش، سـید علی‌اصـغر، از علمای بزرگ نجف و از مشاهیر دانشـمندان عراق و سلسله‌ی شهرستانی بود. پس از گذراندن دوران سطوح از محضر آیت‌اللّه شیخ ابوالحسـین مشکینی و آیت‌اللّه نـایینی و آیت‌اللّه آقـا ضـیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شـیخ محمـدحسن اصـفهانی و آیت‌اللّه آقـا سـید ابوالحسن اصـفهانی اسـتفاده نمود تـا به مـدارج کمال رسـید. وی از همه اساتیـدش دارای اجازه اجتهاد بود. وی سالهای متمادی در مدرسه‌ی فیروزآبادی تهران به تدریس فقه و اصول اشـتغال داشت و در مسـجد سـنگی مولوی اقامه جماعت می‌نموده است. از آثار وی: «تقریرات» درس اسـتادش مشکینی؛ شرح «وقت و قبله لمعه»؛ «تضویح الکفایه»، در شرح «کفایه الاصول»؛ رساله «الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم»؛ رساله‌ای در «عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری».[۱]

حاج سـید احمد شهرسـتانی ابن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج سـید علی اصـغر شهرسـتانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهرانست.

وی در ۱۹ ذیقعده‌الحرام ۱۳۲۴ قمری در نجف اشـرف متولـد شـده و در مهـد علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران سـطوح از محضـر مرحوم آیت‌اللّه مشـکینی و آیت‌اللّه نـائینی و آیت‌اللّه آقـا ضـیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شـیخ محمدحسـین اصـفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سـید ابوالحسن اصـفهانی اسـتفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسـیده و از نامبردگان در سال ۱۳۵۰ مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و موفق بجمله‌ای از تحریرات و تألیفاتی که ذیلاً می‌نگارم گردیده است و آنها از این قرار است:

۱- شـرح وقـت و قبله لمعه که در سـال ۱۳۴۶ قمری فارغ شـده ۲- توضـیح الکفایه شـرح بر کفایه الاصول ۳- رساله الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم در سال ۱۳۵۲ قمری فراغت یافته ۴- رساله در عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری در سال ۱۳۵۴ اتمام یافته است.

نگارنـده گویـد مترجم گرامی مـا آقای شهرسـتانی از علماء با تقوا و فضیلت و دارای مکارم اخلاق و محامـد آداب است و سالهای متمـادیست که در مـدرسه فیروزآبادی در خیابان سیروس بتـدریس فقه و اصول اشـتغال دارنـد و در مسـجد سـنگی واقع در خیابان مولوی اقـامه جماعت نموده و بنشـر معارف اسـلامی و وظائف روحی و دینی موفق می‌باشـند و بیت جلیل معظم له از بیوتات اصیله روحانیت و سـر سلسـله آنها مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا شهرسـتانی بزرگ بوده که بر جنازه مرحوم آیت‌اللّه علامه بحرالعلوم نماز خوانده و در سال ۱۲۱۶ وفات و ترجمه‌اش در اغلب کتب رجالی موجود و اعلام این طایفه ذکرشان در کتب تراجم منتشر و از آنها مرحوم والد ماجدش حجهٔالاسـلام والمسـلمین علم الاعلام آیت‌اللّه حاج سـید علی اصغر شهرستانی از علماء بزرگ نجف و مشاهیر دانشـمندان عراق و سلسـله شهرسـتانی بوده و ترجمه‌اش در اعیـان الشیـعه آیت‌اللّه حاج سـید محسن امین و اعلام‌الشیـعه آیت‌اللّه آقا بزرگ تهرانی و سایر کتب مسطور است.

فرزنـد آن بزرگوار جناب حجهٔالاسـلام آقای حاج سـید احمـد شهرسـتانی از افاضل این دودمانست که سالها در قم از محضـر آیات کسب فیض و علم و کمال نموده و اکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زنـدگینامه :[۱] الـذریعه (۳۲/۱۵، ۱۷۰/۱۴، ۴۹۴/۴)، طبقـات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ ۱۵۷۲/۱۴)، گنجینه‌ی دانشـمندان (۴۹۸ -۴۹۶ /۴).

شهرستانی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالرضا شهرسـتانی از دانشـمندان متقی و علماء بزرگوار و ائمه جماعت حرم مطهر سالار شـهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السـلام بوده که به تفسـیر دولت شوم عفلقی بعث عراق در سـال ۱۳۹۷ قمری به ایران آمـد و حل اقامت در مشـهد مقدس جوار سرسیر ارتضا علی بن موسی الرضا علیه الصلوه والسلام افکنده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

این بزرگوار از بیت جلیـل شهرسـتانی است که در میان آنان آیات عظامی چون آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا سید علی شهرسـتانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید هبه‌الدین شهرستانی و عالم ربانی آیت‌اللّه سید احمد شهرستانی و ده‌ها نفر دیگر برخاسته‌اند.

در سال ۱۲۲۹ قمری هجری در کربلاـ معلی به دنیـا آمـده و در بیت علم و سـیادت پرورش یافته و ادبیات و مقـدمات را در خـدمت اساتیـد آن سامان به پایان رسانیده و سـطوح عالی فقه و اصول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی شـیرازی و آیت‌اللّه حاج شیـخ یوسف بیارجمنـدی شـاهرودی و آیت‌اللّه حـاج شـیخ محمـدرضا جرقویه اصـفهانی و آیت‌اللّه حـاج سـید محمـدهادی میلانی قدس‌اللّه اسـرارهم اتقان نموده و سـپس تأسـیس سه یا چند دیگر از افاضل کربلا تأسیس مجله اجوبه المسائل الدینیه (پاسخ سوالات دینی) نموده و در مدت بیست سال ۱۴ جلد از آن جوابها را تدوین و منتشر ساخته است.

معظم‌له دارای تألیفات بسـیار دیگری می‌باشـند که مهمترین آنها ۴ جلـد مقادیر الهدی در شـرح عروه‌الوثقی است که چند جزو آن صادر شده است.

۲- المعارف الجلیه فی تبویب المسائل الدینیه.

۳- النیروز فی الاسلام.

۴- السجود علی التربیه الحسینیه.

۵- الصلوه معراج المومن.

۶- الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.

۷- نوروز در تاریخ و دین

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شهرستانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلای معاصر این سلسله، در محله‌ی تلواسکان ساکن، و در یکی از مساجد آنجا امامت می‌نمود، و گاهی منبر تشریف برده و مردم را موعظه می‌نمود. در شب ۳ شنبه ۱۰ ربیع‌الثانی سال ۱۳۸۷ وفات یافت. [و در حوالی تکیه‌ی ملک مدفون گردید.]

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهریاری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شهریاری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حمید شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند و در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. وی همان سال به حوزه علمیه قم رفت و دروس سطح حوزه را در مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام –قدس سره- جوائزی دریافت کرد. وی در کنار تحصیل، به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه و اصول اشتغال داشت و پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول استادانی همچون آیهٔ الله سید کاظم حائری و مرحوم آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت.

در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب آشنا شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه. به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم- علیه السلام- همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان «شورا در فتوا» به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل شد. شهریاری از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورد. شهریاری، دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند و با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت) ، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. استاد شهریاری به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهریکندی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، روستای قاجر (اطراف مهاباد).

شهادت: ۲ فروردین ۱۳۶۱، مهاباد.

ملا کریم شهریکندی مقدمات را تا سیزده سالگی از پدر آموخت. پس از فوت پدر، به منظور ادامه‌ی تحصیل همراه برادرش ملا علی از شهریکند به روستای قروچا رفت و در آنجا در محضر ملا شیخ عمر مدرس به آموختن علوم اشتغال ورزید، چندی بعد نیز درسش را در قریه قراگوز ادامه داد. استادان او عبارت بودند از: ملا سید حسن مدرس روستای باغچه له‌ر؛ ملا عبدالله محمدی امام جمعه سقز؛ ملا علی بوغده کندی (از فضلای بوغده کند)؛ ملا شیخ حسن شیخی عارف روستای شیلخر و ملا علی ولزی استاد روستای حمامیان از توابع بوکان. در سال ۱۳۱۸ به حوزه‌های علمی مهاباد روی آورد و مدت یک سال از محضر ملا صدیق صدقی استفاده علمی نمود و بالاخره تحصیلات عالیه خود را در خدمت ملا حسین مجدی در مسجد بازار به پایان رسانید و اجازه‌نامه‌ی خود را از او دریافت نمود. در سال ۱۳۲۱ به امامت و تدریس قریه خلیفه لیان از توابع سلدوز نقده انتخاب شد و به آنجا رفت. مدتی بعد از طرف اهالی نقده به امامت و خطابت اهالی سنی نقده تعیین شد و به آن شهرستان رفت. اما پس از چند ماه به اصرار و استدعای اهالی خلیفه لیان برای بار دوم به آن قریه مراجعت کرد.

در سال ۱۳۳۱ به مهاباد رفت و مقیم شد، بلافاصله به عنوان مدرس مدرسه علوم دینی و امام جماعت مسجد مولوی از طرف اهالی مهاباد برگزیده شد و به تدریس مشغول شد. وی مدت بیست سال به تدریس در مدرسه علوم دینی و در دبیرستان‌ها مشغول بود و دانشجویان در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی و دکترای ادبیات فارسی و عربی و حقوق و الهیات از او کمک می‌گرفتند. او با مراکز علمی دنیای اسلام مخصوصا دانشگاه الزهراء در قاهره ارتباط داشت. و حتی از طرف این دانشگاه جوایزی به او اهدا شد. وی بر زبان و ادبیات عربی و کردی و فارسی تسلط داشت، مخصوصا در تفسیر قرآن و تاریخ ایران و اسلام صاحب نظر بود.

وی سرانجام ساعت یک بعدازظهر روز دوشنبه دوم فروردین ۱۳۶۱ هنگامی که پس از ادای نماز ظهر از مسجد مولوی خارج می‌شد، به سبب اصابت سه گلوله به پیکرش شهید گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهشهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به سیّد الاسلام، فرزند [سید ابوالحسن بن]سید ابراهیم بن سید عبدالصمد حسینی. عالم فاضل، از علمای متنفّذ اصفهان، و امام مسجد صفا در محلّه شهشهان بود.

در ۲۵ محرّم سال ۱۳۵۷ وفات یافته، در داخل بقعه ی میر سید محمّد شهشهانی، عمّ امجد خود مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را چنین گفته‌اند:

خواست چو تاریخ فوت بانوی محزونه گفت

شد سوی جنّت روان سیّد اسلامیان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شهید ثالث، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید حاج ملا محمدتقی برغانی که از علماء بزرگ عالم تشیع بوده و در امر فقاهت و بحث ید طولائی داشته.

و بالنتیجه در اثر بحث با مخالفین در سال ۱۲۶۳ قمری در محراب مسجدی که خود آن مرحوم در قزوین بنا کرده بود (به نام مسجد جامع صغیر) و از مساجد معظم شهرستان قزوین بوده و خودش در آن مسجد اقامه جماعت می‌نموده است در موقع اذان صبح به تحریک فرقه ضاله بابیه و پیروان شیخ احمد احسائی به شهادت رسید در سال ۱۲۶۴ قمری.

و قبر آن مرحوم در جنب مزار حضرت شاهزاده حسین بن علی بن موسی‌الرضا (ع) می‌باشد و روی ارادتی که مردم قزوین به آن عالم جلیل‌القدر داشتند مقبره مجللی بنا کردند و فعلا هم مزار او مورد توجه عموم اهالی شهرستان قزوین و علاقمندان به فضل و علم و روحانیت می‌باشد.

آن بزرگوار دارای ده پسر بوده‌اند که تمامی از علماء مبرز و دانشمندان بافضیلت قزوین به اسامی زیر بوده‌اند.

۱- حجهٔالاسلام والمسلمین آقا محمد امام جمعه ۲- حجهٔالاسلام والمسلمین آقا عبداللّه امام جمعه ۳- حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ صادق معروف به حاج مجتهد ۴- حجهٔالاسلام آقا میرزا ابوالقاسم ۵- حجهٔالاسلام مرحوم آقا شیخ کاظم ۶- ثقهٔالاسلام آقا میرزا محمود ۷- ثقهٔالاسلام آقا شیخ جعفر ۸- ثقهٔالاسلام مرحوم آقا شیخ باقر ۹- ثقهٔالاسلام آقا تقی ۱۰- حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ عیسی. اعقاب آن مرحوم در قزوین و تهران و برغان و کربلا و حله بسیارند آثار خیر ایشان در قزوین مسجد آن مرحوم است که به نام مسجد شهیدی معروف است و مرحوم آقا شیخ مرتضی امام جمعه و مرحوم آقای حاج شیخ عبدالحسین امام جمعه در آن اقامه نماز جمعه و جماعت می‌نمودند و فعلا حفید آنجناب حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ عبداللّه امام جمعه در آن اقامه جمعه و جماعت می‌نمایند آثار علمی شهید ثالث از این قرار است.

۱- عیون‌الاصول ۲ جلد ۲- منهج‌الاجتهاد فقه استدلالی دوره کامل ۲۴ جلد ۳- شرح بر شرح لمعتین ۱ جلد ۴- رساله‌ای در نماز

جمعه ۵- رساله‌ای در دیات ۶- مجالس المتقین.

مرحوم شهید اجازات عدیده‌ای از فقهاء مراجع بزرگ خود داشتند که برخی از آن را می‌نگارم ۱- اجازه به خط العلامه خریت الفقاهه شیخ جعفر النجفی صاحب کتاب کشف‌الغطاء ۲- اجازه به خط العلامهٔ الفقیه السید محمد بن العلامهٔ صاحب الریاض و هوالمعروف بالسید المجاهد.

۳- اجازه به خط محقق الشهیر به علامهٔ بن مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شهید خراسانی، محمد مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌هدایهٔ الله، از علما و کاملین بوده، در سال ۱۱۵۲ متولد، و در رمضان ۱۲۱۸ در مشهد شهید گردیده. مؤلف حاشیه‌ای بر شرح دروس شهید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهیدی خراسانی، حبیب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حبیب بن آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم شهیدی و نواده مرحوم علامه میرزا مهدی شهید از علماء بزرگ و ادباء عالیقدر مشهد مقد است وی در سال ۱۲۶۶ ق متولد شده و مقدمات را در مشهد تکمیل و با عتاب عالیات مهاجرت و از محضر میرزا بزرگ شیرازی و میرزاء رشتی و فاضل دربندی و دیگران استفاده نموده تا سرآمد اقران گردیده و در حدود ۱۳۰۰ ق با دریافت اجازه اجتهاد به وطن خویش و مراجعت و به ترویج دین و احکام شرع مبین از طریق منبر و موعظه و درس و بحث پرداخته تا در ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ قمری به رحمت حق پیوست و در حرم مطهر پشت سر مبارک مقبره خانوادگی مدفون گردید. از آثار او دیوان بزرگی است که قسمتی از آن به نام گنج گهر به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی صالحی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمود شهیدی صالحی در سال ۱۲۶۴ ، در قزوین بچشم به جهان گشود. وی پس از تحصیلات مقدماتی و حوزوی سرانجام مدرکی معادل عنوان لیسانس وعظ و خطابه ، از دانشکده معقول و منقول دریافت کرد. شهیدی از سال ۱۳۱۶ فقط به وعظ و خطابه قناعت کرد. او در این مدت به مطالعه کتاب های تاریخی و ادبی به خصوص شعرای بزرگی چون عارف ، فرخی یزدی ، عشقی ، نسیم شمال و نوشته های دهخدا و بیست مقاله علامه قزوینی پرداخت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : میرزا محمود شهیدی صالحی (فخرالاسلام) ، (۱۳۴۸ ـ ۱۲۶۴) یکی از چهر فرزند میرزا علی اصغر (فخر الاسلام) است ، که خود از نوادگان پسرس مجتهد بزرگ حاج ملا محمد صالح برغانی ، برادر کوچک تر شهید ثالث ، بانی مدارس صالحیه قزوین و کربلا معلی بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا محمود شهیدی صالحی در مدرسه مکتب خانه خانوادگی صالحیه مقدمات لازم را برای دست یابی به مراحل بالا فراگرفت. او در مدرسه التفاتیه و سردار جدید محضر علمای بزرگی را درک نمود. او پس از فوت والدین و برادر مدت ۱۰ سال به سیر آفاق و انفس پرداخت و در حوزه ی های علمیه ی بسیاری همچون اصفهان ، کرمان ، یزد ، شیراز ، مشهد ، گناباد ، بیرجند و دیگر شهرهای خراسان و حتی سیستان ، مازندران ، همدان ، تبریز و کردستان به تحصیل پرداخته و با شخصیت های فرهنگی مهمی آشنا گردید و با شنیدن نکته ها و گفته ها از افواه رجال به زادگاه خود بازگشت. وی سرانجام مدرکی معادل عنوان لیسانس وعظ و خطابه ، از دانشکده معقول و منقول دریافت کرد.استادان و مربیان : میرزا محمودشهیدی صالحی محضر استادانی چون عیسی بن الشهید ، ملاـعلی اکبر سادهنی ، ملا محمد طاهری ، حاج شیخ عیسی لهاردی و ملا ملک محمد را درک نمود.همسر و فرزندان : میرزا محمودشهیدی صالحی در سال ۱۳۱۶ با دختر عموی خود ، که او هم نتیجه ی شهید ثالث بود ، ازدواج نمود و در فرزند به یادگار گذاشت.وقایع میانسالی : میرزا محمودشهیدی صالحی با آنکه وارث بلافصل موقافات کلان اجدادی بود ، به این کار دست نزد و در حاشیه به احقاق حق طلاب و احیای آثار و اصلاح و اجرای منویات ، واقف بود. او سال های بسیرای را در مبارزه با مسوولین اوقاف و معارف و عدلیه ، و دیگر ادارات مربوطه گذرانید، ولی آنچه که می خواست امکان داشت.زمان و علت فوت : میرزا محمد شهیدی صالحی در روز دهم بهمن ۱۳۴۷ ، در سن ۸۲ سالگی درا فانی را وداع گفت و در صحن جدید امامزاده حسین دفن گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا محمود شهیدی صالحی از سال ۱۳۱۶ فقط به وعظ و خطابه قناعت کرد. او در این مدت به مطالعه کتاب های تاریخی و ادبی به خصوص شعرای

بزرگی چون عارف ، فرخی یزدی ، عشقی ، نسیم شمال و نوشته های دهخدا و بیست مقاله علامه قزوینی پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص۱۹۵

شهیدی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج عبدالله بن العلامه العلام الحاج شیخ عبدالحسین امام جمعه بن العلامه شیخ مرتضی شهیدی بن میرزا محمدتقی امام جمعه بن آقا عبدالله بن العلامه الکبری حاج ملاتقی شهید داماد معظم مرحوم مبرور سیدنا الحجه العلامه المحقق الایه العظمی آقا سید محمد حجت رحمت‌الله از علماء اعلام و فضلاء کرام حوزه و خواص اصحاب حضرت آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله موصوف به فضل و متانت و تقوا و مناعت است، در محرم‌الحرام ۱۳۴۰ قمری در قزوین متولد شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را در قزوین نزد مرحوم والد و دیگران خوانده و آنگاه در سال ۱۳۶۱ قمری مهاجرت به قم نموده است، و مخفی نیست که ایشان ایدالله از بیوتات اصیله و ریشه‌دار قزوین و حفید مرحوم مبرور علامه قمقام و المجاهد الفهام الایه الحجه الحاج ملا محمدتقی شهید ثالث صاحب تالیفات عدیده مفیده می‌باشد.

وی پس از مهاجرت به قم سطوح عالی را نزد مدرسین و اساتید حوزه تکمیل نموده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت شرکت کرده و پس از ورود آیت‌الله العظمی بروجردی بالغ بر ۱۸ سال نیز به درک و بحث آن مرحوم حاضره شده و پس از فوت آن مرحوم به حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی ایده‌الله پیوسته و تا هم اکنون که متجاوز از ده سال است از رفقاء صادق و اصحاب خاص آن جناب و مورد توجه و عنایت مخصوص آیه‌اللهی می‌باشند.

وی در سال ۱۳۷۲ ق به افتخار مصاهرت و دامادی سیدنا الاستاد آیت‌الله حجت نائل گردیده و مورد عنایت و توجه مخصوص آن بزرگوار گردیدند.

آثار قلمی ایشان: ۱- تفسیر سوره یوسف ۲- کتابی درباره معراج می‌باشد معظم‌له بعد از فوت مرحوم والد در آستانه مبارکه حضرت سلطان محمد که از اولاد حضرت صادق علیه‌السلام اقامه جماعت می‌نمودند و بنا بر پیشنهاد و تقاضای اهالی قزوین ظهرها را در مسجد جدشان (مسجد شهیدی) اقامه جماعت می‌نمایند و چون آستانه مبارکه امامزاده سلطان محمد رو به انهدام و ویرانی گذارده بود به سعی و کوشش معظم‌له اصولا تجدید ساختمان شده و در جنب مزار آن امامزاده حسینیه‌ای هم در دست ساختمان دارند قسمتی از ترجمه مرحوم والد و نیاکانشان را در ضمن علماء شهرستان قزوین در جلد سوم خواهم نگاشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شهیدی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن العالم الجلیل المرحوم الحاج سید هاشم گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی عالمی فعال و در ترویج دین جدی و صاحب تألیفات عدیده می‌باشد. ترجمه مفصل آنجناب در اول کتاب (درد و درمان) یا امراض جامعه و علاج آن ترجمه کتاب (الامراض الاجتماعیه و علاجها که در سال ۱۳۷۷ قمری در تهران چاپ شده و نیز در اول کتاب (راهنمای سعادت) ترجمه کشف المحجه سید بن طاوس که در سال ۱۳۸۲ نیز در تهران منتشر شده است مسطور و اجمال آن اینست.

وی در سال ۱۳۱۸ قمری در گلپایگان متولد شده و مقدمات را در نزد اساتید محل خوانده و در سال ۱۳۳۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد علماء اعلام آن آستان عرش بنیان مانند مرحوم آیت‌اللّه مشکینی فراگرفته و بسامری مشرف و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۲ قمری که مرحوم والدش فوت نموده به ایران مراجعت و پس از یکسال توقف در گلپایگان به اصفهان مسافرت و از محضر علماء اعلام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد صادق بهره‌مند شده و در سال ۱۳۴۵ قمری مجددا به نجف اشرف مشرف و از محضر مقدس مرجع وقت آیت‌اللّه عراقی آقا ضیاءالدین و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ قمری استفاده کامل نموده و در ماه رجب ۱۳۴۹ بشهر رنگون عاصمه (برما) (هند و چین) مسافرت نموده تا اول سال ۱۳۶۱ قمری در آنجا بانجام وظائف دینی و تبلیغ احکام اسلامی اشتغال داشته و در اثناء جنگ جهانی دوم و حمله دولت ژاپن به آن دیار پس از متواری بودن دو ماه در جنگلها بفضل خداوند متعال از آن بلیه رهائی یافته و به ایران مراجعت و در شهر اراک بانجام وظائف دینی پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری پس از زیارت عتبات عالیات به تهران آمده و تا حال حاضر بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

معظم له در سال ۱۳۷۶ قمری بمنظور شرکت در جشن چهاردهمین قرن ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که در پاکستان منعقد شده بود بدعوت انجمن یادگار مرتضوی کراچی باتفاق عده‌ای از علماء اعلام و وعاظ محترم که از آنها بود علامه فن وعظ و سخنوری جناب استاد فلسفی واعظ مسافرت به پاکستان نموده و در آن جشن بزرگ و باشکوه که یک هفته در کراچی برقرار بود و هر شب حدود سی هزار نفر افتخار حضور داشتند و از تمام بلاد اسلامی هم عده‌ای از علماء و وعاظ و خطباء و

محترمین شرکت کرده بودند حاضر بوده و پس از شرکت در جشن شهر (لاهور) و (حیدرآباد) سند که بهمین منظور منعقد بود از طریق عراق و توفیق زیارت عتبات عالیات به ایران مراجعت و تا اکنون در غرب تهران میدان قزوین و خیابان غفاری و مسجد آن به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام اشتغال دارد.

تألیفات و آثار قلمی ایشان از این قرار است.

۱- کتاب درد و درمان ترجمه کتاب الامراض الاجتماعیه و علاجها.

۲- (راهنمای سعادت) ترجمه کتاب کشف المحجه ۳- کتاب (نسیم الصباح) ترجمه و شرح دعاء صباح ۴- کتاب (ادعیه و تهلیلات) من الایات البینات و این کتب بتمامه بطبع رسیده است.

(تو ۱۳۱۸ ق)، الم دینی، مدرس و فقیه امامی وی در گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات را در نزد اساتید آن شهر فراگرفت. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و سطوح را نزد علمای بزرگ آن شهر همچون آیت‌اللّه مشکینی آموخت. سپس به سامراء رفت و از محضر آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق، که پدرش درگذشت، به مولدش بازگشت سپس به اصفهان رفت و نزد بزرگانی چون یت‌اللّه سید محمدصادق تلمذ کرد. در ۱۳۴۵ دوباره به نجف بازگشت و از محضر آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خوانساری استفاده‌ها نمود. وی سفری به هند و چین (برمه) نمود و در آنجا به تبلیغ احکام اسلامی پرداخت، سپس به ایران بازگشت. مدتی در اراک به انجام وظائف دینی مشغول بود. پس از سفری به عتبات به تهران آمد و به وظائف دینی پرداخت. وی به همراه عده‌ای از علما و خطبا در ۱۳۷۶ ق در کنگره‌ی چهاردهمین قرن ولادت امیرالمومنین (ع) در کراچی پاکستان شرکت کرد. از آثار وی: کتاب «درد و درمان» که ترجمه‌ی کتاب «الامراض الاجتماعیه و علاجها»؛ «راهنمای سعادت»، ترجمه‌ی کتاب «کشف المحجه»؛ کتاب «نسیم الصباح» ترجمه و شرح «دعاء صباح»؛ کتاب «ادعیه و تهلیلات من الایات البینات».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۶ -۴۹۴/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳/ ۲).

شهیدی،جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب و فقه و اصول در حوزه علمیه بروجرد، ادامه تحصیلات فقه و اصول، سطح و خارج در نجف اشرف تا مرحله اجتهاد، گواهینامه مدرسی از وزارت فرهنگ، کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، کارشناسی و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح لغت‌نامه فارسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات، تاریخ اسلام، سیره امامان و معصومان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ اسلام.

(تو ۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، مولف، مترجم و مصحح. وی در بروجرد در خانواده‌ی عالمان دین دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خویش فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رهسپار شد. برای تحصیلات حوزوی به عراق رهسپار شد و به مدت هفت سال در آنجا به تکمیل علوم دینی پرداخت. پس از آن به ایران بازگشت و یک سال بعد، از جانب علامه‌ی دهخدا برای همکاری در لغت‌نامه دعوت شد و در ضمن آن، به تدریس در دبیرستانهای تهران و اخذ مدرک کارشناسی از دانشکده‌های ادبیات و الهیات پرداخت. در سال ۱۳۴۰ ش موفق به گرفتن درجه‌ی دکترای ادب فارسی دانشگاه تهران شد موضوع پایان نامه‌ی وی درباره‌ی «شرح مشکلات دیوان انوری» است که به کرات چاپ شده است. پس از آن ضمن تدریس در دانشکده‌ی ادبیات ابتدا به معاونت موسسه لغت نامه‌ی دهخدا منسوب شد و پس از آن به ریاست آن. وی تاکنون سفرهای علمی بسیاری به کشورهای مختلف از جمله: مصر، عراق، الجزایر، چین و آمریکا داشته است و در سال ۱۳۷۳ ش از دانشگاه پکن به دریافت درجه‌ی استادی افتخاری نایل شد. دکتر شهیدی علاوه بر تبحر و استادی در زمینه‌ی لغت‌نویسی و دایرۀالمعارف نگاری در عرصه‌های تاریخ اسلام و ترجمه‌ی آثار دینی و شرح و تصحیح متون نیز استاد بوده است. آثار وی را می‌توان در سه بخش تقسیم‌بندی کرد. الف- تالیف:

«جنایات تاریخ»؛ «علی از زبان علی (ع)»؛ «تاریخ تحلیلی اسلام»؛ «زندگانی حضرت فاطمه (ع)»؛ «زندگانی علی بن الحسین (ع)»؛ «آشنایی با زندگانی امام صادق (ع)»؛ «شرح مثنوی شریف». ب- تصحیح: «آتشکده‌ی آذر»؛ «دره‌ی نادره»؛ «براهین العجم». ج- ترجمه: «ابوذر غفاری»؛ «شیرزن کربلا»؛ «انقلاب اسلامی».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۱۳۶۳، ش ۱، ص ۱۲ -۳، ش ۲، ص ۲۰ -۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۳ -۳۲۲/ ۲)، نامه‌ی شهیدی.

شیبانی کاشانی، ابوالنصر فتح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ -۱۲۴۲/۱۲۴۱ ق)، شاعر، ادیب، نویسنده و صوفی. متخلص به شیبانی. خاندانش در کارهای لشکری و دیوانی عهد قاجار تصرف و دخالت داشتند. شیبانی در کاشان متولد شد. در جوانی در خدمت محمد شاه و منادمت پسرش ناصرالدین‌شاه درآمد و برخی از اشعارش در مدح آنان و دیگر شاهزادگان قاجاریه است. مدتی نیز منشی حسام‌السلطنه در هرات بود. در فارس به خدمت رحمتعلی‌شاه رسید و از او کسب فیض کرد. مدتی در بلخ، هرات، خراسان و تهران سفر کرد و سرانجام به کاشان رفت و در عشق‌آباد مدرسه و صحن و عمارتی ایجاد کرد و همان جا گوشه‌ی عزلت گزید. پس از مدتی مردم بر او شوریدند. شیبانی به دادخواهی به تهران آمد. نزدیک دروازه‌ی قزوین خانه و خانقاهی بنا کرد. وی در نظم و نثر دست داشت. و از شعرای بنام دوره‌ی بازگشت بود که به سبک خراسانی اشعاری انتقادی می‌سرود. در تهران درگذشت و در همان خانقاه خویش به خاک سپرده شد. از آثار و تالیفات وی، «بیانات شیبانی»؛ «تنگ شکر»؛ «جواهر مخزون»؛ «درج درر»، یا «درج گهر»؛ «دیوان» اشعار؛ «زبده الاسرار»؛ «الالی مکنون»؛ «فتح و ظفر»؛ «گنج گهر»؛ «کامرانیه».[۱]

ابوالنصر فتح‌اللّه بن محمد کاظم بن محمد حسین شیبانی کاشانی شاعر (و. ۱۲۴۱ ه.ق./ ۱۸۲۵ م.- ف. ۱۳۰۸ ه.ق./ ۱۸۹۰ م.). خاندانش عهده‌دار امور لشکری و دیوانی عهد قاجاری بودند، و او خود در جوانی در خدمت محمد شاه درآمد و به مدح وی و پسرش ناصرالدین شاه و فرزندان شاه اخیر پرداخت. شیبانی سالها در سلک اهل تصوف بود و در نظم و نثر هر دو دست داشت و از آثار خود مجموعه‌هایی به نام «درج درر» «گنج گهر»، «زبدهٔ الآثار»، «فتح و ظفر»، «مسعودنامه»، «تنگ شکر»، «شرف‌الملوک»، «کامرانیه»، «یوسفیه»، «خطاب فرخ»، «مقالات سه‌گانه»، «فواکه السحر»، «جواهر مخزون»، «الآلی مکنون»، «نصایح منظومه» ترتیب داد. وی از شاعران بزرگ دوره بازگشت ادبی است و مهارت او بیشتر در نظم قصاید به روش شاعران قدیم خاصه گویندگان قرن پنجم است. منتخبی از آثار منظومش در استانبول به طبع رسیده، و درج درر او نیز جداگانه چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۴۴ -۱۳۳ /۱)، حدیقه الشعراء (۹۳۶ -۹۲۸ /۲)، الذریعه (۵۶۳ -۵۶۲ /۹)، سبک شناسی (۲۹۱/۳)، شرح حال رجال (۵۵/۳)، طرائق الحقایق (۴۲۶/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۲۸)، گنج سخن (۲۴۸ -۲۴۰ /۳)، لغت نامه (ذیل/ فتح‌اللّه)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۶ -۷۷۵ /۴)، مجمع الفصحا (۵۳۰ -۴۸۹ /۵)، مکارم الاثار (۱۱۸۱ -۱۱۸۰ /۴)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۷/۸)، یادگار (س ۵، ش ۳، ص ۶۸ -۶۶).

شیبانی، علی اشرف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، نویسنده و مترجم. در کاشان متولد شد تحصیلات خود را در مدرسه‌ی آمریکایی به پایان رساند و در وزارت مالیه و وزارت راه مشغول خدمت شد وی همچنین در موسسات خصوصی اشتغال یافت. از آثار وی: «بار سیب»، ترجمه؛ «دخترک سیاه در جستجوی خدا»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۴۵۱/۴).

شیخ الاسلام، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا رحیم شیخ الاسلام، از علمای اصفهان، و صاحب ریاست و مقام، و دارای منبر و محراب بوده، و در سلخ ذی حجه سال ۱۲۷۵ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شیخ بهایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهاء الـدین محمـد بن عزالـدین حسـین بن عبدالصـمد بن شـمس الـدین محمـد بن حسن بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی (جباعی) معروف به شیخ بهائی در سال ۹۵۳ ه.ق ۱۵۴۶ میلادی در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل در ناحیه شام و سوریه در روستایی به نـام" جبع "یـا" جباع "می زیسته و از نژاد" حارث بن عبـدالله اعور همـدانی "متوفی به سال ۶۵ هجری از معاریف اسلام بوده است.

ناحیه" جبل عامل "همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیارند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگ از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است.

بهاءالدین در کودکی به همراه پدرش به ایران آمد و پس از اتمام تحصیلات، شیخ الاسلام اصفهان شد. چون در سال ۹۹۱ هجری قمری به قصد حج راه افتاد، به بسیاری از سرزمینهای اسلامی از جمله عراق، شام و مصر رفت و پس از ۴ سال در حالی که حالت درویشی یافته بود، به ایران بازگشت.

وی در علـوم فلسـفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت، مجموعه تألیفـاتی که از او بر جـای مانـده در حـدود ۸۸ کتـاب و رساله است. وی در سـال ۱۰۳۱ ه.ق در اصـفهان درگـذشت و بنـا بر وصـیت خـودش جنـازه او را به مشـهد بردنـد و در جوار مرقـد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام جنب موزه آستان قدس دفن کردند. شخصیت ادبی شیخ بهایی:

ـ بهائی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدیـد آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشـنایی داشـته است. عرفات العاشـقین (تألیف ۱۰۲۲ـ ۱۰۲۴)، اولین تذکره ای است که در زمان حیات بهائی از او نام

برده است.

بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدّمه ای ممتّع در شـرح احوال بهـائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری وجـدی که مثنوی منحول « رموز اسم اعظم » (ص ۹۴ ـ ۹۹) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست.

اشعار فارسی بهائی عمدتاً شامل مثنویّات، غزلیّات و رباعیّات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سـعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شـیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهـد و تصوّف و عرفـان است. ازمثنوّیـات معروف شـیخ می توان از اینهـا نام برد: «نان و حلوا یا سوانـح سـفر الحجاز»، این مثنوی ملمّع چنانکه از نام آن پیداست در سـفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سـروده شده است و بهائی در آن ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است. او این مثنوی را به طور پراکنـده در کشکول نقل کرده و گردآورنـدگان دیوان فارسـی وی ظاهراً به علت عدم مراجعه دقیق به کشکول متن ناقصی از این مثنوی را ارائه کرده اند.

«نـان و پنیر»، این اثر نیز بر وزن و سبک مثنوی مولوی است؛ «طوطی نـامه» نفیسـی این مثنوی را که از نظر محتوا و زبـان نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی است، بهترین اثر ادبی شیخ دانسته و با آنکه آن را در اختیار داشته جز اندکی در دیوان بهائی نیاورده و نام آن را نیز خود براساس محتوایش انتخاب کرده است.

«شیر و شکر»، اولین منظومه فارسـی در بحر خَبَب یا مُتـدارک است. در زبان عربی این بحر شـعری پیش از بهائی نیز مورد اسـتفاده بوده است. « شیر و شکر » سراسر جذبه و اشتیاق است و علی رغم اختصار آن (۱۶۱ بیت در کلیات، چاپ نفیسی، ص ۱۷۹ ـ ۱۸۸؛ ۱۴۱ بیت در کشکول، ج ۱، ص ۲۴۷ ـ ۲۵۴) مشحون از معارف و مواعظ حکمی است، لحن حماسی دارد و منظومه ای بدین سبک و سیاق در ادب فارسـی سـروده نشـده است؛ مثنویهایی ماننـد «نان و خرما»، «شـیخ ابوالپشم» و «رموز اسم اعظم» را نیز منسوب بـدو دانسته اند که مثنوی اخیر به گزارش میر جهانی طباطبائی (ص ۱۰۰) از آنِ سید محمود دهدار است. شیوه مثنوی سرایی بهائی مورد اسـتقبال دیگر شعرا، که بیشتر از عالمان امامیّه اند واقع شده است. تنها نثر فارسی بهائی که در دیوان های چاپی آمده است، « رساله پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش » است.

بهـائی در عربی نیز شاعری چیره دست و زبان دانی صاحب نظر است و آثار نحوی و بـدیع او در ادبیات عرب جایگاه ویژه ای دارد. مهمترین و دقیقترین اثر او در نحو، « الفوائد الصـمدیّه » معروف به صـمدیّه است که به نام برادرش عبدالصـمد نگاشـته است و جزو کتب درسـی در مرحله متوسـط علم نحـو در حوزه هـای علمیّه است. اشـعار عربی بهـائی نیز شایـان توجه بسـیار است. معروفـترین و مهمترین قصیده او موسوم به « وسیله الفوزوالامان فی مدح صاحب الزّمان علیه السلام » در ۶۳ بیت است که هر گونه شبهه ای را در اثناعشـری بودن وی مردود می سازد. بهائی در ارجوزه سرایی نیز مهارت داشت و دو ارجوزه شیوا یکی در وصف شهر هرات به نام « هراتیه یا الزّهره » (کشکول، ج۱،ص ۱۸۹ ـ ۱۹۴) و دیگر ارجوزه ای عرفانی موسوم به « ریاض الارواح » (کشکول، ج۱، ص۲۲۵ ـ ۲۲۷) از وی بـاقی مانـده است. دوبیتیهـای عربی شـیخ نیز از شـهرت و لطـافت بسـیاری برخوردار بوده که بیشتر آنهـا در اظهار شوق نسبت به زیارت روضهٔ مقدّسه معصومین علیه السلام است.

شیخ محمدرضا فرزند شیخ حرّعاملی (متوفی ۱۱۱۰) مجموعه لطیفی از اشـعار عربی و فارسی شیخ بهائی را در دیوانی فراهم آورده است. اشعار عربی وی اخیراً با تدوین دیگری نیز به چاپ رسیده است. بخش مهمی از اشعار عربی بهائی، لُغَز و معمّاست.

از بررسـی شـیوه نگارش بهائی در اکثر آثارش، این نکته هویداست که وی مهارت فراوانی در ایجاز و بیان معمّا آمیز مطالب داشته

است. وی حتی در آثار فقهی اش این هنر را به کار برده که نمونه بارز آن «رسائل پنجگانه الاثناعشریه »، است. این سبک نویسندگی در « خلاصه الحساب، فوائد الصمّدیه، تهذیب البیان و الوجیزه فی الدرایه » آشکاراتر است. بهائی تبحّر بسیاری در صنعت لغز و تعمیه داشته و رسائل کوتاه و لغزهای متعدّد و معروفی به عربی از وی بر جا مانده است. مانند:

« لغزالزبده » (لغزی است که کلمه زبده از آن به دست می آید)، « لغزالنحو »، « لغزالکشّاف »، « لغزالصمدیه »، « لغزالکافیه » و « فائده ». نامدارترین اثر بهائی الکشکول، معروف به «کشکول شیخ بهائی» است که مجموعه گرانسنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب بهائی محسوب می شود.

بهائی در شمار مؤلفان پر اثر در علوم مختلف است و آثار او که تماماً موجز و بدون حشو و زواید است، مورد توجه دانشمندان پس از او قرار گرفته و بر شماری از آنها شروح و حواشی متعدّدی نگاشته شده است. خود بهائی نیز بر بعضی تصانیف خود حاشیه ای مفصّل تر از اصل نوشته است. از برجسته ترین آثار چاپ شده بهائی می توان از اینها نام برد: «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین» (تألیف ۱۰۱۵)، که ارائه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن (آیات الاحکام) و حدیث است. این اثر دارای مقدمه بسیار مهمی در تقسیم احادیث و معانی برخی اصطلاحات حدیثی نزد قدما و توجیه تعلیل این تقسیم بندی است. از اثر مذکور تنها باب طهارت نگاشته شده و بهائی در آن از حدود چهارصد حدیث صحیح و حسن بهره برده است؛ «جامع عباسی»، از نخستین و معروفترین رساله های علمیّه به زبان فارسی؛ « حبل المتین فی اِحکام احکام الدّین » (تألیف ۱۰۰۷) در فقه که تا پایان صلوه نوشته است و در آن به شرح و تفسیر بیش از یکهزار حدیث فقهی پرداخته شده است؛ « الاثنا عشریه » در پنج باب طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم و حج است. بهائی دراین اثر بدیع، مسائل فقهی هر باب را به قسمی ابتکاری بر عدد دوازده تطبیق کرده است، خود وی نیز بر آن شرح نگاشته است.

«زبده الاصول» این کتاب تا مدتها کتاب درسی حوزه های علمی شیعه بود و دارای بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم است. « الاربعون حدیثاً » (تألیف ۹۹۵) معروف به اربعین بهائی ؛ « مفتاح الفلاح » (تألیف ۱۰۱۵) در اعمال و اذکار شبانه روز به همراه تفسیر سورهٔ حمد. این اثر کم نظیر که گفته می شود مورد توجه و تأیید امامان معصوم علیه السّلام قرار گرفته است.

«حدائق الصالحین» (ناتمام)، شرحی است بر صحیفهٔ سجادیه که هر یک از ادعیهٔ آن با نام مناسبی شرح شده است. از این اثر تنها الحدیقه الهلالیّه در شرح دعای رؤیت هلال (دعای چهل و سوم صحیفهٔ سجادیه) در دست است.

«حدیقهٔ هلالیّه » شامل تحقیقات و فوائد نجومی ارزنده است که سایر شارحان صحیفه از جمله سیّد علیخان مدنی در شرح خود موسوم ریاض السالکین از آن بسیار استفاده کرده اند. همچنین فوائد و نکات ادبی، عرفانی، فقهی و حدیثی بسیار در این اثر موجز به چشم می خورد. بنا بر قول کلیهٔ کسانی که در احوال شیخ سخن گفته اند. وی نزد پدر تفسیر ، حدیث و عربیت و امثال این ها راآموخت و پس از محضر استادان دیگر از جمله مولانا عبدالله مدرس(۱) یزدی حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را نزد ملاعلی مذهّب و ملا افضل قاضی مدرس و ملا محمد باقرین زین العابدین یزدی ریاضی را آموخت و در طب از حکیم عماد الدین مسعود کسب فیض نموده ». (نفیسی : ۱۳۶۸ ، ص ۱۷) بهاءالدین محمّد عاملی در عصر خود ، چه در دانش و چه در اخلاق از مردان بزرگ جهان به شمار می رفت .

وی در علوم ریاضی و نجوم و هیأت استاد مسلم عصر خود بود وپس از یکصد سال که این علم در ایران رواجی نداشت . برای نخستین بار در اواخر قرن دهم و ابتدای قرن یازدهم هجری قمری این علوم را درهرات آموخته است و بار دیگر در ایران رواج داد .

خدمات شیخ بهائی:

در عرف مردم ایران، شیخ بهائی به مهارت در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند. و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.

در احاطه وی در مهندسی مساحی تردید نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و قرای مجاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهائی مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادیها داده اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست.

دیگر از کارهای علمی که به بهائی نسبت می دهند طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن ۹ فرسنگ است و به ۱۱ جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم

بهائی می دانند.

دیگر از کارهای شیخ بهائی، تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته اند.

یکی دیگر از کارهای شگفت که به بهائی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای که هنوز در اصفهان مانده و به حمام شیخ بهائی یا حمام شیخ معروف است و آن حمام در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع است و مردم اصفهان از دیر باز همواره عقیده داشته اند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شمعی گرم می شد و در زیر پاتیل گلخن فضای تهی تعبیه کرده و شمعی افروخته در میان آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدتهای مدید همچنان می سوخت و آب حمام بدان وسیله گرم می شد و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش خواهد شد و گلخن از کار می افتد و چون پس از مدتی به تعمیر گرمابه پرداختند و آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر از آن پس نتوانستند بسازند. همچنین طراحی منار جنبان اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود. استادان شیخ

بهائی:

آن طور که مؤلف عالم آرا آورده است، استادان او بجز پدرش از این قرار بوده اند": تفسیر و حدیث و عربیت و امثال آن را از پدر و حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را از مولانا عبدالله مدرس یزدی مؤلف مشهور حاشیه بر تهذیب منطق معروف به حاشیه ملا عبدالله آموخت. ریاضی را از ملا- علی مذهب ملا- افضل قاضی مدرس سرکار فیض کاشانی فرا گرفت و طب را از حکیم عماد الدین محمود آموخت و در اندک زمانی در منقول و معقول پیش رفت و به تصنیف کتاب پرداخت".

مؤلف روضات الجنات استادان او را پدرش و محمد بن محمد بن محمد ابی الطیف مقدسی می شمارد و گوید که صحیح بخاری را نزد او خوانده است. علاوه بر استادان فوق در ریاضی، بهائی نزد ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی مؤلف کتاب مطالع الانوار در هیئت و عیون الحساب که از ریاضی دانان عصر خود بوده نیز درس خوانده است. شاگردان شیخ بهایی :

برای پی بردن به مقام علمی و میزان دانش شیخ، کافی است بدانیم که متجاوز از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم هجری قمری از وی علم آموخته و بهره برده‌اند و بعضی از آنان، اشخاص زیر هستند:

۱- صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف معروف.

۲- ملا محمد محسن بن مرتضی بن محمود، معروف به فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی.

۳- ملا عزالدین فراهانی مشهور به علینقی کمره‌ای، شاعر معروف قرن یازدهم .

۴- ملا محمدباقر بن محمد مؤمن خراسانی، معروف به محقق شیخ الاسلام.

۵- شیخ جواد بغدادی، مشهور به فاضل جواد، صاحب شرح خلاصهٔ الحساب و زبدهٔ فی الاصول.

۶- ملا محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، صاحب روضهٔ المتقین(م ۱۰۷۰) .

۷- سید عزالدین حسینی کرکی عاملی، مشهور به مجتهد مفتی اصفهانی. سخنی در تاریخ وفات شیخ

در مورد تاریخ وفات شیخ بهایی اقوال گوناگونی وجود دارد، صاحب «تاریخ عالم آرای عباسی» که از مآخذ مورد اعتماد است، می‌گوید که در شب چهارم شوال سال ۱۰۳۰ ه.ق بیمار شد و هفت روز رنجور بود، تا این که در شب ۱۱ شوال درگذشت، و چون وی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند.

صاحب روضات الجنات می‌گوید که چون شیخ درگذشت، پنجاه هزار نفر بر جنازه وی نماز گزاردند و در تاریخ فوت وی گفته‌اند: «بی سر و پا گشت و شرع و افسر فضل اوفتاد.» مقصود از «بی‌سر و پا گشت شرع» این است که شین و عین از آغاز و آخر شرع می‌افتد، و «راء» می‌ماند که ۲۰۰ باشد، و «افسر فضل اوفتاد»، یعنی «فاء» از آغاز آن ساقط می‌شود و «ضاء» که ۸۰۰ و «لام» که ۳۰ باشد می‌ماند و روی هم رفته، ۱۰۳۰می‌شود.

صاحب کتاب تنبیهات می‌گوید که سال یک هزار و سی هجری، مریخ در عقرب راجع شد، و شیخ پس از یک هفته مریضی به رحمت ایزدی پیوست.

اعتماد الدوله میرزا ابو طالب در تاریخ رحلت وی گفته است:

رفت چون شیخ از این دار فنای گشت ایوان جنانش ماوای دوستی جست ز من تاریخش گفتمش «شیخ بهاء الدین وای» که از جمله آخر بدون همزه «بهاء»، عدد ۱۰۳۰ به دست می‌آید.

صاحب مطلع الشمس می‌گوید که در چهارم شوال سال ۱۰۳۰ هجری شمسی مریض گشت و در سه‌شنبه دوازدهم رحلت نمود و جسد شریفش به مشهد نقل شد.

صاحب امل الآمل در مورد تاریخ وفات شیخ گوید که از مشایخ خود شنیدم که در سال ۱۰۳۰ هجری قمری درگذشت.

ولی صاحب قصص العلماء تاریخ درگذشت وی را سال ۱۰۳۱ هجری قمری ذکر کرده است.

صاحب سلافهٔ العصر، تاریخ وفات شیخ را دوازده روز مانده از شوال سال ۱۰۳۱ هجری قمری نوشته است، و در کتاب دیگر خویش موسوم به حدائق الندیه فی شرح الفوائد الصمدیه در دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ هجری قمری ذکر کرده است و ممکن است در چاپ کتاب اول تحریفی شده باشد. به طور کلی آنچه از این اقوال برمی‌آید، وفات شیخ در دوازدهم شوال سال۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ هجری قمری اتفاق افتاده است و چون صاحب تاریخ عالم آرای عباسی که نظرش معتبرتر از دیگران است، و همچنین کتاب تنبیهات که تالیف خود را چند ماه بعد از آن واقعه نوشته است، سال ۱۰۳۰ را ذکر کرده‌اند، از این رو گفته کسانی که وفات شیخ را در این سال نوشته‌اند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

در این صورت وفات شیخ در دوازدهم ماه شوال سال ۱۰۳۰ ه.ق در شهر اصفهان روی داده است.

وقتی شیخ بهایی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند. نمونه اشعار :

تا کی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

خواهد که سرآید غم هجران تو یا نه

ای تیره غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه

رفتم به در صومعه عابد و زاهد
دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد
در میکده رهبانم و در صومعه عابد
گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه
روزی که برفتند حریفان پی هر کار
زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار
من یار طلب کردم و او جلوه گه یار
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه
هر در که زنم صاحب آن خانه تویی تو
هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو
در میکده و دیر که جانانه تویی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
مقصود تویی ...کعبه و بتخانه بهانه
بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید
پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
دیوانه منم ..من که روم خانه به خانه
عاقل به قوانین خرد راه تو پوید
دیوانه برون از همه آئین تو جوید
تا غنچهء بشکفتهء این باغ که بوید
هر کس به بهانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
بیچاره بهایی که دلش زار غم توست
هر چند که عاصی است ز خیل خدم توست
امید وی از عاطفت دم به دم توست
تقصیر" خیالی "به امید کرم توست
یعنی که گنه را به از این نیست بهانه
نصایح شیخ بهایی به فرزندش
اگر پیامبر هم باشد از زبان مردم آسوده نیست.
اگر بسیار کار کند، می‌گویند احمق است.
اگر کم کار کند، می‌گویند تنبل است.
اگر بخشش کند می‌گویند افراط می‌کند.
اگر ثروت اندوزی کند، می‌گویند بخیل است.
اگر ساکت و خاموش باشد می‌گویند لال است.
اگر زبان‌آوری کند، می‌گویند وراج و پر روست.
اگر روزه بدارد و شب‌ها نماز بخواند می‌گویند ریاکار است.
و اگر نماز نخواند می‌گویند کافر و بی دین است.
پس فرزندم نباید به حمد و ثنای مردم اعتنا کرد و جز از خداوند نباید از کسی ترسید . منبع :
سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
سایت مشاهیر ، سایت شهید آوینی
کشکول شیخ بهایی
فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص ۲۱۱

شیخ‌الاسلام تبریزی، محمود

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۱۳۱۰ -۱۲۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب امامی. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری کتب مقدماتی، عربی و

فارسی، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنفر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در ۱۲۸۲ ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ‌الاسلامی رسید. شیخ‌الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه‌ی شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود بجای گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف و از آنجا به مکه کرد و در حال حج‌گزاری از دنیا رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درایه الحدیث»؛ «دکه القضاء»، در شهادت و قضاء؛ «رساله‌ی مشتقات»؛ «حقایق القوانین» که حاشیه‌ی «قوانین الاصول» است؛ «تمییز الصحیح من الجریح»، در تعادل و تراجیح؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفه الکشاف»، حاشیه بر «کشاف» زمخشری؛ «مفتاح البسمله»؛ «منتهی المقاصد»، در علم نحو؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «غایه الاملین»، در حل مشکلات آیات؛ «المنهل الصافی»، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله‌ای در «عدم حجیت اصول مثبته»؛ «عجب العاجب»، در مساله اجرت بر واجب؛ «ابداء البداء»، در حقیقت قدر و قضا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۵/۸)، اعیان الشیعه (۱۰۷/۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۸)، الذریعه (۲۳۰/۲۳، ۴۱/۲۱، ۶/۱۶، ۲۲۰/۵، ۶۴/۱)، ریحانه (۲۹۸ -۲۹۶ /۳)، علماء معاصرین (۴۴ -۴۰)، معجم المؤلفین (۱۸۱/۱۲)، مکارم الآثار (۱۱۲۵ -۱۱۲۳ /۴).

شیخ‌الاسلامی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ‌الرئیس دامغانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن ملا علی‌اصغر معروف به شیخ‌الرئیس دامغانی از علماء و وعاظ و گویندگان نامی دامغان و بلکه ایران بوده‌اند تولد ایشان در روز دوشنبه نیمه شعبان ۱۲۸۹ قمری بوده آقای شاه‌چراغی در (ارمغان دامغان) گوید. من کراراً منبر ایشان را در دامغان دیده‌ام از وعاظ و خطباء ناطق و نامی بودند در عصر خودش یگانه و بی‌نظیر و بهره کاملی از صوت داشتند نه تنها در دامغان مشهور بودند بلکه اشتهار ایشان در شهرستانهای دیگر مخصوص استان مازندران و بالاخص در عصر مرحوم برهانی حاج سید حبیب‌اللّه رستم کلائی و پدرش حاج سید کریم به آن حدود زیاد دعوت می‌شدند و مردم شهرستان سمنان هم به ایشان علاقه زیادی داشتند. مرحوم شیخ‌الرئیس عالمی باوقار و وزین و مقتدر و بسیار بلند طبع و بی‌اعتنا بودند از معقول هم بی‌بهره نبودند و تدریس ادبیات هم می‌کردند.

در حاشیه جلد یازدهم بحار کیفیت تحصیل و اساتید خود را بیان کرده است.

خارج فقه را خدمت حاج آقا سید علی ساروی خوانده شرح منظومه حاجی و شوارق و بعضی از کتب منطقیه را خدمت جناب استاد حاج شیخ علی نوری تهرانی و آقا شیخ باقر تهرانی و آقا سید علی شیرازی تلمذ نموده و شرایع و تفسیر صافی را خدمت آقا شیخ اسماعیل سرخه‌ای سمنانی خوانده است (درباره خویش گفته است).

شیخ‌الرئیس شیخ محمدعلی ولی

در شهر خویش بود بمانند بوعلی

در علم و عقل و نقل بدی خواجه زمان

عرفان او شبیه بشیخ شبستری

الحق برای وعظ و نصیحت برای خلق

کمتر به روزگار نشان داشت منبری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیخ‌الرئیس قاجار، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/۱۳۳۶ -۱۲۶۴ ق)، خطیب، عالم و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به شیخ‌الرئیس. در تبریز متولد شد. مقدمات علوم را در تهران و مشهد تحصیل کرد و حکمت قدیم را در تهران در محضر آقا علی مدرس فراگرفت سپس به عتبات سفر کرد و در مجلس درس میرزای شیرازی در سامرا حضور یافت به تهران بازگشت و پس از چندی ناصرالدین‌شاه لقب شیخ‌الرییس را به او داد و مامور خدمت در آستان قدس رضوی گردید. در خراسان با آصف‌الدوله حاکم آن ولایت درافتاد و از راه عشق‌آباد به استانبول رفت و در

آنجا به عضویت انجمن اتحاد اسلام درآمد و مورد توجه سلطان عبدالحمید قرار گرفت و کتاب «اتحاد اسلام» را برای او نوشت. بعد از چندی به ایران بازگشت و در نهضت مشروطه با مشروطه‌خواهان همراهی کرد و در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس به نمایندگی مردم مازندران انتخاب شد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در صحن حضرت عبدالعظیم دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «اتحاد اسلام»؛ «کتاب الابرار»؛ «منتخب النفیس»؛ «رساله نقد فرقه‌ها»؛ «فصل الخطاب»؛ «سفرنامه‌ی استانبول».[۱]

قاجار، ابوالحسن میرزا متخلص به حیرت ابن شاهزاده محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه و نواده فتحعلی شاه (و. تبریز ۱۲۶۴ ه.ق.- ف. ۱۳۳۶ ه.ق.). وی سالها به کسب علوم متداول مشغول بود و در شمار دانشمندان عهد درآمد. او بر نظم و نثر پارسی تسلط داشت و دیوانش در بمبئی به چاپ رسیده. وی از آزادیخوانان مشهور بود و بعد از بمباران مجلس (زمان محمد علی شاه) در باغشاه محبوس گردید.

سال تولد: ۱۲۶۴ ق.

فوت: ۱۳۳۶ ق.

آثار: کتاب منتخب‌النفیس؛ اتحادالاسلام؛ الابرار؛ دیوان حیرت؛ سفرنامه استانبول؛ رساله نقد فرقه‌ها؛ نافع و سراج لامع؛ فصل الخطاب؛ نافع‌الافهام و رافع‌الاوهام

مناصب: رئیس کتابخانه آستان قدس در زمان ناصرالدین شاه، نماینده مجلس در دوره دوم

ابوالحسن میرزا معروف به شیخ‌الرئیس و متخلص به حیرت پسر محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه از ادبا و خطبای قاجار در سال ۱۲۶۴ ق در تبریز متولد و در سال ۱۳۳۶ ق. در تهران درگذشت و در محوطه آرامگاه ناصرالدین شاه مدفون گردید. شیخ‌الرئیس در زمان ناصرالدین شاه چندی در خراسان متوطن بود ولی به واسطه اختلافاتی که با آصف‌الدوله شیرازی والی خراسان پیدا کرد رهسپار بلاد عثمانی گشت. در ربیع‌الاول ۱۳۰۴ ق. به فرمان ناصرالدین شاه به ایران بازگشت. پس از استقرار مشروطیت و مرگ مظفرالدین شاه با آنکه وی از تبار قاجار بود در منابر و مساجد علناً از شاه بدگویی می‌کرد. بعد از انهدام مجلس و مشروطیت وی نیز از جمله کسانی بود که دستگیر و در باغشاه محبوس گردید. بعد از فتح تهران به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

مناصب: ریاست اصطبل سلطنتی (۱۳۳۹)؛ ریاست اداره کل شکاربانی و گاراژ سلطنتی (۱۳۴۴)؛ ریاست کل سازمان فنی و خدمات عمومی دربار (۱۳۴۷)؛ آجودان کشوری محمدرضا شاه (۱۳۵۳)؛ ریاست فدراسیون فوتبال؛ مدیرکلی وزارت دربار؛ مدیرعامل انجمن سلطنتی اسب؛ سرپرستی امور انتظامی و اجرایی دربار؛ مسئول رادیو نجات ایران (قاهره) (بعد از انقلاب)؛ ریاست دفتر فرح پهلوی (در حال حاضر)

آثار:

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۵۳۰ -۵۲۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۲۲ -۱۵۲۱ /۲)، الذریعه (۲۷۵ -۲۷۴ /۹)، ریحانه (۳۲۳ -۳۲۱ /۳)، شرح حال رجال (۴۳ -۴۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۸ -۱۵۶ /۱).

شیخانی، علی باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی باقر شیخانی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در یکی از روستاهای استان گیلان در اطراف رشت به دنیا آمده و از سن هفت سالگی به مدرسه رهسپار گردیدم و در سال ۱۳۶۱ در رشته اقتصاد اجتماعی دیپلم گرفتم.

در سال ۱۳۶۱ برای فراگیری علوم دینی رهسپار شهرستان رشت شده و در حوزه علمیه امام صادق (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به تحصیل پرداختم اما پس از یک سال به شهر تهران رفته و در حوزه علمیه شهید بهشتی مشغول به تحصیل شدم اما پس از یک سال به دلیل اختلاف در مدیریت مدرسه آن را ترک گفته وارد حوزه علمیه ولیعصر (عج) وابسته به برادران باقری بنابی شده و تا سال ۶۶ در آن حوزه علمی تا پایان جلد اول لمعه را فرا گرفتم

در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و از محضر اساتید بزرگوار آن بهرهمند گردیدم و در ابتدا اصول فقه مرحوم مظفر را نزد استاد علی محمدی خراسانی فرا گرفتم همچنین برخی از ابواب جلد دوم لمعه را نزد ایشان و استاد شب زنده دار و استاد احمد خاتمی و مرحوم وجدانی فخر تلمذ نمودم پس از آن مکاسب محرمه و کتاب بیع را نزد مرحوم احمد پایانی و کتاب رسائل را نزد استاد اعتمادی فرا گرفتم و کتاب خیارات مکاسب را نزد استاد عباس محفوظی فرا گرفتم و پس از آن کتاب کفایه را نزد مرحوم صالحی مازندرانی و استاد مهدی هادوی آموختم.

در ضمن این سالها به دروس فلسفه منظومه استاد احمد بهشتی و درس اسفار استاد جوادی آملی و استاد حسن ممدوحی و استاد نکونام شرکت جستم.

از سال ۷۱ به بعدتا کنون در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت داشته و در دروس خارج فقه اساتید بزرگوار مشکینی ، بهجت ، محقق داماد ، موسوی اردبیلی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی، و نوری همدانی شرکت جسته بهرهمند گردیدم.

همچنین در سال ۷۲ در اولین دوره رشته تخصصی تبلیغ شرکت جسته و با موفقیت به پایان رسانده و مشغول تالیف پایان نامه سطح چهارم آن می باشم همچنین در رشته تخصصی مذاهب اسلامی دوره پنجم آن شرکت جسته در سال ۸۱ به پایان رسانده ام.

شیخ‌بهائی، بهاءالدین، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۱/۱۰۳۰ –۹۵۳ ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شیهد ثانی، و عبداللّه بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی– مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعداللّه، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین ناینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در «ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زبده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره».[۱]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک ۹۵۳ ه.ق./ ۱۵۴۶ م.– ف. اصفهان ۱۰۳۱ ه.ق./ ۱۶۲۲ م.) پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ به ایران مهاجرت کدر و بهاءالدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به ۸۸ کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است:

دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصهٔ‌الحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (بعربی)، کشکول که مجوعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله واشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۲۷ –۹۲۶ /۳)، الاعلام (۳۳۴/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۷۹ – ۲۷۷ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴۷ –۱۰۳۹ /۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۱۵ –۵۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۲ –۱۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۱ –۱۵۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۵۰۶ –۴۹۵)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۱۵۲۲/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۹)، الذریعه (۷۷/۱۸، ۹۸۳، ۱۴۳، ۹/ ۲۴۱، ۲۴۰– ۶/ ۲۲۵، ۲۲۴– ۲۱۱، ۲۰۳، ۱۹۵، ۱۷۳، ۱۶۸، ۱۰۳، ۸۸، ۳۹، ۶/ ۳۰۲، ۳۰۱– ۶۳، ۶۲– ۵/ ۵۰۹، ۴۹۸، ۲۰۰، ۱۸۶، ۱۸۵– ۴/ ۴۲۵، ۳۶، ۳۵– ۳/ ۴۲/۲، ۱۱۸، ۱۱۷– ۱۱۵، ۸۵، ۱/)، روضات الجنات (۸۰ –۵۴ /۷)، ریاض العارفین (۴۹ –۴۵)، ریاض العلماء (۹۷ –۸۸ /۵)، ریحانه (۳۲۰ –۳۰۱ /۳)، زندگینامه ریاضیدانان (۱۷۲ –۱۷۰)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۲/۱)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴ –۳۸۳)، شخصیتهای نامی (۲۷۳ –۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ –۸۵ /۱۱)، عالم آرای عباسی (۱۵۷ –۱۵۵ /۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۱ –۳۱۰)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷)، فقهای نامدار شیعه (۲۲۸ –۲۰۹)، فوائد الرضویه (۵۲۱ –۵۰۲)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۲۹ –۴۱۵)، کارنامه بزرگان (۳۲۵ –۳۲۴)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲ –۴۲۱ /۵)، مجمع الخواص (۴۱ –۴۰)، مجمع الفصحا (۱۵ –۱۲ /۴)، مطلع الشمس (۳۸۸ –۳۸۶ /۲)، معجم

المؤلفین (۲۴۲/۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶ -۳۵۳)، نتایج الافکار (۱۰۵ -۱۰۳)، یغما (س ۱۳، ص ۱۴۶ -۱۴۳).

شیدا، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند اسحاق. ادیب و شاعر و نویسنده‌ی محقق، در علم و فضل ممتاز بود. در ۱۴ ذی حجه‌ی سال ۱۲۹۹ در شهرکرد متولد، و در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و ادب، در فقه و اصول و منطق و کلام و حدیث و تفسیر تحصیل نموده که از آن جمله است: آخوند کاشی، و آقا شیخ مرتضی ریزی، و میرزا حسین همدانی، و در خط از شاگردان میرزا فتح الله جلالی بود.

سال‌ها در اصفهان انجمن ادبی تأسیس نموده، و شعرا را دور هم جمع نموده، و به ترویج شعر و ادب، و تصحیح اشعار گویندگان پرداخت، و مدت ۱۴ سال بدین مهم اقدام نموده، و در ضمن آن به نشر مجله‌ی ادبی «دانشکده» اقدام نموده، لکن متأسفانه در دو دوره‌ای که مجله را منتشر ساخت جمعا بیشتر از ۱۲ شماره منتشر نشد.

مرحوم شیدا پس از یک عمر کار و کوشش و رنج و مشقت، سرانجام در شب ۳ شنبه ۱۴ جمادی الاولی سال ۱۳۶۹ وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شیدای بلخی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادبی، شاعر و منجم. وی از نزدیکان و مولانا قوام‌الدین بلخی بود. در علوم نقلی و عقلی استاد بوده و تدریس فقه و تفسیر می‌کرده و شاگردان بسیاری داشته از آن جمله سید بهاءالدین حسن نثاری بخارایی در هئیت و نجوم شاگرد وی بوده و در استخراج تقویم مهارت داشته. وی در نظم و نثر فارسی نیز دست داشته و کتابی در تقلید «گلستان» سعدی نوشته و پیروی از سعدی می‌کرده است. وی در هجو نیز استاد بوده. گویا در جوانی وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۶)، فرهنگ سخنوران (۵۳۰).

شیدای یزدی، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۹ ق)، لغوی و شاعر. اصل وی از یزد بود و از بزرگان سادات و فضلای عالی مقام بود و از حافظه‌ای قوی برخوردار، بسیار مبادی آداب و نظیف و صاحب اخلاق و صادق و پاک اعتقاد بود. زمانی آشفتگی دماغ او را به شیدایی کشاند، اما بهبود یافت. در علم لغت ممتاز و باهنر بود. از اشعار او، جز آنچه در «تذکره‌ی وامق» آمده، چیزی در دست نیست و بیشتر آنها در منقبت حضرت امیرالمومنین است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۷۹ -۱۷۸)، حدیقه الشعراء (۹۴۴ -۹۴۲ / ۲)، سفنیه المحمود (۴۸۴ -۴۸۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۱ -۵۳۰)، مجمع الفصحا (۵۴۰ -۵۳۹ / ۵).

شیدوش

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پسر گودرز پهوان ایرانی (داستان):

«چو شیدوش و رهام و گستهم و گیو چو خراد و فرهاد و برزین نیو...»

(شا. بخ ۴:۸۹۰)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شیرازی، جهانگیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۹۴ /۱۲۹۲ /۱۲۹۱ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. مشهور به صوراسرافیل. در شیراز و در خانواده‌ای تهیدست متولد شد و پس از فراگیری علوم مقدماتی به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون به تحصیل علوم جدید پرداخت. جهانگیرخان در همین دوران به مجلس آقا شیخ هادی نجم‌آبادی راه یافت و تحت تأثیر منش آزادیخواهانه‌ی او قرار گرفت و همراه با برآمدن جنبش مشروطیت، وی نیز به عضویت انجمن‌های سری آزادیخواهان درآمد و از اعضای فعال حزب سوسیال دموکرات ایران و از پیشروان و بنیانگذاران انقلاب مشروطیت شد. او در سال ۱۳۲۵ ق به یاری میرزا قاسم‌خان تبریزی روزنامه «صوراسرافیل» را منتشر ساخت، و علامه دهخدا با امضای دخو، ستون چرند و پرند آن را می‌نوشت. این روزنامه علاوه بر ساده‌نویسی و شیوه جدید ادبی تأثیر بسزایی در بیداری مردم داشت و به همین دلیل جهانگیرخان مورد کینه‌ی دشمنان ملت بود و یک روز بعد از به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه دستگیر و در باغ شاه به دستور وی اعدام شد و جنب باغ شاه دفن گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۹۴ ،۷۸ -۷۷ ،۲۲ /۲)، تاریخ جراید (۱۴۷ -۱۲۹ /۳)، تاریخ بیداری ایرانیان (۴۱۱/۳ ،۳۹/۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۹۶۳ -۹۶۲ /۵ ،۱۶۰ -۱۵۳ /۲)، شخصیتهای نامی (۲۸۹ -۲۸۷)، شرح حال رجال (۴۲۹/۲ ، ۲۸۳/۱).

شیرازی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله شهید سید حسن شیرازی : سال ۱۳۴۵ قمری با ولادت طفلی مبارک از این نسل پاک خاندان شیرازی ها با ریگر به خود بالید و مردمان بسیاری را به دعای شکر وادار کرد .

پس از گذراندن دوران کودکی در جوار بارگاه امیرالمومنین علیه السلام عشق به مکتب اهلبیت علیهم السلام سید حسن را به تحصیل در علوم حوزوی کشانید تا با اقتدا به اجداد پاک و مطهرش آینده ای روشن را برای خود رقم زند . سالها گذشت و او روح و جانش را با اشتیاق در زیر آبشار علوم آل الله شستشو داد تا مفتخر به اجتهاد گردید آن شهید والا مقام در حیات پر افتخارش در ممالک متعددی از جمله سوریه و لبنان و عراق و مصر سعی وافر در خدمتی خالصانه به اسلام نمود و سالیانی دراز دلیرانه به مبارزه با ظلم وستم پرداخت و بارها تا مرز شهادت پیش رفت

او در عراق با انتشار مجلات و تالیف کتب مختلف به زبان عربی ضمن ایجاد تحول در نحوه فراگیری ادبیات عرب نقشی سبز در اعتلای سطح فرهنگی مردم شیعه عراق ایفا نمود در همین سالها به مخالفت با جریانهای ضد دینی که در عراق شکل میگرفت میپرداخت و مقالالت کوبنده ای را منتشر میساخت.

در سوریه با تاسیس حوزه علمیه زینبیه خدمت بزرگی به مسلمانان این کشور نمود و در همین راستا توانست با فعالیتهای گسترده و نگرشی عالمانه در راستای اصلاح فرقه های علی اللهی و اهل حق که از عقاید منحرفی برخوردار بودند خدمت شایانی از خود به یادگار گذارد .

ایشان در لبنان با تاسیس پایگاه علمی و فرهنگی و سازمانی به ام جماعهٔ العلما برگ زرین دیگری بر افتخارات خود افزود و همچنین تاسیس مدرسه الام المهدی از دیگر اقدامات ایشان بود در لبنان.

چندی بعد به دعوت بازرگان مهاجر لبنانب به کشور ساحل عاج رفته و در اندک زمان توقف خود در انجا اقدام به ساهت بنای مرکز اسلامی نمود

ایشان همچنین در نبرد با حزب بعث که در سوریه شکل گرفته بود به مبارزه علنی و آگاهی بخشی به توده های مردم روی آورد و در این راهم متحمل سختیهای بسیار گشت . اما سرانجام در روز جمعه ۱۲ اردیبهشت سال ۵۹ انگاه که تصمیم داشت در مجلس یادبود شهید محمد باقر صدر شرکت کند مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکر ایشان پس از انتقال به قم و خواندن نماز توسط آیت الله العظمی مرعشی نجفی در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد

شیرازی، زنددخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۳۱ -۱۲۸۸ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. وی در شیراز به دنیا آمد و در دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت پس از پایان تحصیلات، مجمع انقلاب نسوان را بنیان نهاد و مجله‌ی «دختران ایران» را انتشار داد. سپس از شیراز به تهران آمد و به ادامه‌ی انتشار مجله‌اش پرداخت، مدتی بعد به شیراز بازگشت و تا پایان عمر در آن شهر ماند. در شیراز وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۸۱ -۲۸۰ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۶ -۶۶۵ /۲)، زنان سخنور (۲۱۹/۱)، مجموعه‌ی گلها (۳۶۲/۱).

شیرازی، صالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۵ ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در سال ۱۲۳۰ ق، وی به اتفاق چهار نفر دیگر، به فرمان عباس میرزای نایب‌السلطنه و وزیرش قائم مقام به سرپرستی میجردارسی، برای تحصیل به لندن فرستاده شدند. میرزا صالح پس از یادگیری زبانهای انگلیسی و فرانسه و لاتین و تاریخ و طبیعیات و آموختن فن چاپ و حکاکی و تهیه‌ی حروف مقطعه و شیشه‌گری و ساختن مرکب، به ایران بازگشت. عباس میرزای نایب‌السلطنه او را به سمت مترجم و مستشار خود پذیرفت و دستگاه چاپی را که با خود به ایران آورده بود در تبریز به کار انداخت. میرزا صالح، پس از اینکه وزیر تهران شد، میرزا اسداللَّه نامی را برای یاد گرفتن صنعت چاپ به پطرزبورگ فرستاد. میرزا صالح نخستین ایرانی است که به جمعیت فراماسونری داخل شده و تا درجه‌ی استادی ارتقا یافته است. وی پس از بازگشت به ایران، اولین تشکیلات فراماسونری را در ایران بنیان نهاد و هموست که اولین روزنامه را در ایران به نام «کاغذ اخبار» یا «طلیعه» در تهران با چاپ سنگی و به خط نستعلیق منتشر کرد. وی با هیاتی که ریاست آنرا خسرو میرزا، پسر هفتم عباس میراز نایب‌السلطنه، داشت، به دربار سمت مترجمی و رابط بین دربار و وزرای مختار خارجه را داشته و به ماموریتهای متعدد سیاسی فرستاده شده است. از تالیفات او «سفرنامه»ای است که در آن کلیه‌ی وقایع سفر خود به انگلستان و ایام اقامت و دوران تحصیلش را در آنجا نوشته است. نسخه‌ی اصل این سفرنامه در کتابخانه‌ی موزه بریتانیا موجود است. وی اهل فضل و کمال و بسیار تیزبین و نکته‌سنج بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۱ -۲۳۰/ ۱)، تاریخ جراید (۳ -۲ / ۱)، شرح حال رجال (۱۷۹ -۱۷۵/ ۲)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۵۴ -۴۹، ش ۷، ص ۷)، یغما (س ۶، ش ۸۷ ص ۳۱۸ -۳۱۳).

شیرازی، مجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجد فرزند مرحوم میرزا احمد اصطهباناتی از خطباء نامی و وعاظ گرامی معاصر شیراز مقیم تهرانست.

وی در حدود ۱۳۲۵ ق در اصطهبانات متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به شیراز آمده و دروس معقول و منقول را از مدرسین آن سامان آموخته و برای خدمت به دین و ارشاد مسلمین رشته منبر را اختیار و از این طریق تبلیغ اسلام و نشر معارف مذهب جعفری نموده و مردم را متوجه به مقام ولایت کلیه حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌نماید و چند سالیست که به منظور خدمت بیشتری مهاجرت به تهران نموده و در مرکز عاصمه تشیع به خدمات تبلیغی اشتغال دارد و حقا منبری شیرین و جامع و ارزنده و آموزنده دارند.

نگارنده در ماه رجب ۱۳۹۴ ق که برای عتبه بوسی سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیهم‌السلام به مشهد مشرف شدم چند روزی در مدرسه حضرت آیت‌اللَّه العظمی میلانی از بیانات سودمند و جامع ایشان در پیرامون ولایت استفاده نمودم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزّالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در ۱۵ جمادی الاولی سال ۱۲۳۰ ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از ۲۰ سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوارُ الفِقاهَه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی تُستَری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده‌اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ‌فضل‌اللَّه نوری، میرزا حسین نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می‌توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتابٌ فی الطَّهارَه، نِجاةُ العِباد، رسالـةٌ فی الرَّضاع و رسالَةٌ فی المُشْتَق می‌باشد. میرزا در سال ۱۳۱۲ ق در ۸۲ سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیرازی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نورالدین بن میرزا ابوطالب بن محمدهاشم حسینی شیرازی از مشاهیر دانشمند معاصر شیراز بوده‌اند.

وی در شیراز متولد و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده نموده و چون در سال ۱۳۴۲ ق مرحوم والدش به رحمت ایزدی پیوست به شیراز مراجعت و در مسجد وکیل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ و ارشاد مسلمین پرداخته و جمعیتی بنام برادران و حزب نور تشکیل داده و خود بنام نایب‌الامام شهرت یافته بود.

آیت‌اللّه شیرازی مذکور مضافاً بر مقام رفیع اجتهاد به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنا بود و خط زیبائی داشت و شعر هم نیکو می‌گفت و در امور اجتماعی ید طولائی داشت.

وی در سال ۱۳۶۷ قمری مسافرتی به قم و تهران و ارض اقدس با صدها نفر از حزب برادران نموده که بسیار پرصدا و باهمیت بود. و آن مرحوم با اینکه شب و روزش مستغرق خدمات بود تالیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که به آنها اشاره می‌شود.

۱- اسلام و جهان امروز

۲- اصل الاصول در دو جلد

۳- تفسیر قرآن مجید

۴- حاشیه بر عروةالوثقی

۵- حکمت الهی

۶- سیاست اسلام

۷- علم خطابه و منبر

۸- علم رجال و درایه

۹- علم کلام

۱۰- مثنوی و تالیفات دیگر.

در سال ۱۳۶۷ قمری سال فوت مرحوم حاج شیخ کاظم فوق‌الذکر شخصیت برجسته‌ای که حقاً مجسمه فضائل و کمالات بود از شیراز حرکت و با صدها نفر از حزب برادران شیراز وارد شهر دینی و علمی قم گردید. آیت‌اللّه حاج سید نورالدین که در فارس و خصوص شیراز مشهور بود (نایب‌الامام) می‌بودند از رجال علم و بیان و قلم و سیاست و کیاست عصر ما و از علماء طراز اول شیراز و بلکه کلیه ایران است.

در سال مزبور به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام و بعضی اقدامات دینی با حدود پانصد نفر از جمعیت حزب برادران که در تحت ریاست و رهبری آنجناب بود از فارس حرکت و با عظمت بسیاری به اصفهان و از آنجا به قم وارد و به منزل مرحوم آیت‌اللّه صدر نزول فرموده و مورد تجلیل مراجع عظام حوزه علمیه واقع شده و پس از چند روز به تهران و شهر ری عزیمت و از آنجا به مشهد و پس از مدتی مراجعت به شیراز نمودند و در تمام ایاب و ذهابش مجللانه وارد و حرکت فرمودند در موقع ورود به تهران یکسره به مسجد شاه آمده و بادها هزار نفر نماز جماعت و پس از آن به منبر رفته و بیانات حاد و پرحرارتی ایراد نموده و بعضی از پیشنهادهای دینی به دولت وقت نمودند. خود نگارنده، در موقع ورودشان به ری و تهران حاضر و ناظر احساسات مردم شیراز و تهران بودم.

معظم له از اساطین علم و سیاست زمان ما بودند از تلامذه مبرز مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه میرزا علی آقای شیرازی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و صاحب تألیفات و تصنیفات و جمعیت متجاوز از ده هزار نفر حزب برادران بودند که در شیراز خدماتی نموده‌اند در شیراز از دنیا رفته و در مقبره مخصوص خود در مقابل بیت‌العباس که از آثار اوست مدفون شده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۳ ق.، شیراز.

درگذشت: ۱۳۶۶.

ابن یوسف شیرازی تحصیلات سنتی قدیمی را در شیراز و سپس در اصفهان و قم و مشهد دیده بود و درجه‌ی دانشکده‌ی معقول و منقول را هم دریافت کرد و در مدرسه‌های سپهسالار (جلد دوم، ۱۳۱۵ و ۱۳۱۸)؛ فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (جلد سوم، ۱۳۲۱ ق.)؛ نهج‌البلاغه چیست (ترجمه و نوشته هبةالدین شهرستانی، ۱۳۱۶)؛ مقاله «صدرالدین شیرازی» ترجمه‌ی نوشته‌ی ابوعبدالله زنجانی- که در روزنامه‌ی «ایران» منتشر شد. ابن یوسف شرازی از پیشروان فن فهرست‌نویسی است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شیرجعفری، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم شیر جعفری

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال۱۳۶۵هجری شمسی پس از اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی از تهران برای ادامه تحصیل وارد قم شدم و دروس مقدمات را تا سه سال در مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) طی نمودم و سپس تا اتمام کفایتین را به صورت آزاد با دروس جنبی سپری کردم و پس ازآن چندین سال در دروس خارج فقه واصول اساتیدی چون :آیت الله جعفر سبحانی ،آیت الله مکارم شیرازی ،آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم .

شیروانلو، فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۳۱۷، تهران.

درگذشت: ۳۰ بهمن ۱۳۶۷.

فیروز شیروانلو تحصیلات متوسطه‌ی خود را در مدرسه‌ی البرز به پایان رساند و به انگلستان رفت و در دانشگاه لیدز در رشته‌ی جامعه‌شناسی هنر به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، نخستین کارش طراحی و ویرایش کتاب در مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین بود. در همان زمان بود که پس از یک دوره فعالیت سیاسی به زندان افتاد و پس از آزادی، «دفتر نشر و تبلیغات نگاره» را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۵۷ مشاغلی را عهده‌دار بود. تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و فرهنگسرای نیاوران در نتیجه فعالیت‌های وی مقدور شد. همچنین در تشکیل موزه‌های فرش، هنرهای معاصر، آبگینه و برگزاری نمایشگاه‌های متعددی از هنر گذشته و معاصر ایران، سهم داشت.

در کنار این فعالیت‌ها همچنان به کار ترجمه و تألیف آثاری در زمینه‌ی هنر و اجتماع و دو کتاب از ارنست فیشر مشغول بود. مجموعه‌ای از آثار وی به شرح زیر است: ابعاد هنر نگارگری در ایران؛ اوستا (۱۳۵۷)؛ بررسی مسائل و نیازهای کودکان و نوجوانان (۱۳۵۰)؛ چهارمحال و بختیاری (۱۳۵۶)؛ خاستگاه اجتماعی هنرها (مجموعه مقالات، ۱۳۵۷)؛ خاستگاه زبان دری (سهیل افنان)؛ شناخت، تفکر و زبان در روند تکامل اجتماعی (تألیف ارنست فیشر، ۱۳۵۰)؛ ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی (تألیف ارنست فیشر، ۱۳۴۸)؛ کارآسایی در جوامع صنعتی و سنتی، گسترده و محدوده‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (مجموعه مقالات، ۱۳۵۵)؛ مبانی مقابل فرهنگ، فراغت و کارآسایی، مشارکت، تعهد و جوانان، نگاهی به نگارگری در ایران (بازیل گری، ۱۳۵۴)؛ نهضت‌های فکری جوانان در متن فرهنگ جهانی. وی مقاله‌هایی برای مجموعه‌ی «دفتر زمانه» در سال‌های ۱۳۴۶ الی ۱۳۴۹ و نیز برای مجله‌ی «تماشا» از سال ۱۳۵۲ به بعد می‌نوشت یا ترجمه می‌کرد.

از نخستین کارهای او به هنگام بازگشت به ایران، شناساندن و ترویج طراحی کتاب بود. وی در زمینه‌ی ویرایش کتاب از متقدمان بود و توانست تحولی در زمینه‌ی تولید کتاب فیلم و نقاشی متحرک ویژه‌ی کودکان و نوجوانان پدید آورد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صابر اصفهانی، صابر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ۱۰۷۰ / ۱۰۶۴ ق)، شاعر و واقعه‌نویس. میرصابر از سادات اصفهان بود که در روزگار سلطنت جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) به هندوستان رفت، گرچه در تذکره‌ی «روز روشن» ورود او به هندوستان در عهد شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۳۷ ق) ذکر شده است. در آنجا مدتی به امر وقایع‌نگاری منطقه‌ی گجرات و دکن اشتغال داشت و در برهان‌پور درگذشت. یکی از آثار خیری که از او سر زده، فرستادن استخوانهای عرفی پس از سی سال قمری، در ۱۰۲۷ ق، از لاهور به نجف اشرف است. بیشتر اشعاری که از وی به جای مانده، در قالب رباعی است. صاحب «الذریعه»، صابر اصفهانی را با صابر زواره‌ای یکی می داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۵۴)، تذکره‌ی میخانه (۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵)، الذریعه (۵۷۳، ۵۷۲ / ۹)، کاروان هند (۶۶۸ -۶۶۷ / ۱).

صابر قاجار، محمد هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۶ ق)، شاعر و ادیب. در کرمانشاه به دنیا آمد و به فراگیری علوم مختلف پرداخت و در ادبیات فارسی و عربی تبحر پیدا کرد. محمد هادی در نگارش خط شکسته و همچنین مراسلات آمیخته به امثال و اشعار و اخبار و آیات مهارت داشت و گاهی هم از سر تفنن غزل می سرود. به گفته‌ی صاحب «حدیقه الشعراء» وی در ۱۲۹۶ ق زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۵۵ -۹۵۴ / ۲).

صابری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و قدوه الاعلام آقای حاج شیخ احمد بن غیاث‌الدین صابری همدانی از افاضل دانشمندان و اکابر نویسندگان حوزه علمیه قم است در سال ۱۳۰۴ شمسی در یکی از مضافات همدان متولد شده و پس از طی دروس ابتدائی در محل خود در سال ۱۳۲۰ به همدان رفته و در مدرسه آیت‌الله آخوند ملاعلی مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال ۱۳۲۴ شمسی عزیمت به قم نموده و سطوح عالی را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری سطوح عالی را به اتمام رسانیده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌الله حجت رحمه‌الله شرکت در درس وی نموده و تقریرات آن مرحوم را تنظیم و مهذب کرده و سپس در درس زعیم فقید آیت‌الله العظمی بروجردی فقها و اصولا شرکت نموده و آنها را به رشته تحریر آورده و به نظر شریفشان رسانیده و مورد تشویق و تمجیدشان قرار گرفته و در همان اوقات هم به درس آیت‌الله گلپایگانی حاضر شده و آنها را هم ایضا به عنوان تقریرات نوشته و به طبع رسانیده است.

در سال ۱۳۴۳ شمسی برحسب دعوت شیعیان ترکیه از طرف حوزه علمیه قم به عنوان نماینده مذهبی به کشور ترکیه اعزام گردیده و مدت ۷ سال در استانبول اقامت و منشاء آثار بزرگ و تحول و خدمات شایان مذهبی گردیده است.

مباحثات و مناظراتی با علماء اهل سنت ترکیه و بالاخص علماء حنفی استانبول مانند عمر نصوح انجام داده تا جائی که طرف را به زانوی تسلیم درآورده که بگوید

مگر کسی از علی به خلافت اعلی بوده ولی چه باید کرد اختلافی واقع شده و قابل رفع نیست آنگاه تقاضا نمود که کتابی درباره شخصیت امام صادق علیه‌السلام و مذهب جعفری تالیف نموده و به نظر وی یعنی عمر نصوح مفتی قدیم استانبول برساند و این کتاب هم برحسب خواهش این مفتی و وزارت امور داخله ترکیه نگارش یافته است.

جهت ارشاد گروه علویین کشور ترکیه که بالغ بر ۱۴ میلیون نفرند تصمیماتی اتخاذ کرده و چندین کتابی در این زمینه پرداخته و برای معرفی اهل بیت مذهب جعفری سعی بلیغ نموده نشریه به نام اهل‌بیت به همت عده‌ای از نویسندگان علاقمند به خاندان رسالت هر ۱۵ روزی منتشر می‌ساخت.

علامه صابری مترجم محترم در کشور ترکیه قدمهای بزرگی برای پیشرفت اهداف مقدس اسلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان رسالت برداشت که اگر ایادی مرموز استعمارگران و دشمنان اسلام و اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام گذارده بود نتایج مهمی گرفته شده بود و بعید نبود که میلیونها نفر از علویین که از شیعیان پر حرارت و محبت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و اولاد معصوم اویند و بسیاری از افراد دیگر به حقیقت واقف شده و پیرو حضرت صادق و ائمه اثنی‌عشر علیهم‌السلام شوند.

ولی در سال ۱۳۵۰ شمسی بر اثر مشکلات و فعالیتهای دستگاههای ضد دین ناچار شد ترکیه را ترک گفته و به ایران برگردد، و فعلا در شهر قم ساکن و به اشتغالات علمی و دینی و تالیفات پرداخته است.

ایشان را تالیفات و آثار ارزنده‌ایست که ذیلا نگاشته و به نظر اهل علم و ادب می‌رسانم:

۱- کتاب محمد و زمامداران پیرامون نامه‌های سیاسی پیغمبر اسلام ابتکاری دینی انتقادی سیاسی که مکرر چاپ شده است.

۲- الهدایه الی من له الولایه در موقعیت اجتماعی فقهاء به عربی چاپ شده و آن تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی است.

۳- حول قصیده البرده که در اول قصیده برده که شیخ عبدالحسین وکیلی قمی تخمیس نموده چاپ شده است.

۴- تاریخ همدان در سه جلد در تراجم علماء و شعراء و ادباء و تاریخ بنای همدان.

۵- الطریق المسلوک فی حکم اللباس المشکوک تقریر درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی که به نظر آن مرحوم رسیده و تمجید نموده‌اند.

۶- نخبه الاشارات فی احکام الخیارات تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی.

۷- نصایح الاباء للابناء نصایح پدران را به فرزندان از انبیاء و حکماء و امامان و پادشاهان جمع‌آوری در این کتاب نموده است.

۸- حماسه الشهید اشعار و تمثیلات حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام به ضمیمه دیوان منسوب به آن حضرت که از کتاب خانه‌های اسلامبول به دست آورده.

۹- رساله لاضرر تقریر بحث مرحوم آیت‌الله محقق داماد.

۱۰- صلوه مسافر تقریر بحث آیت‌الله بروجردی.

۱۱- خداشناسی مجموعه بحثهائی که در انجمن جوانان استانبول ایراد شده است.

۱۲- راه روشن در اسلام راه اهل‌بیت که به ترکی لاتین در استانبول چاپ شده.

۱۳- روزه در اسلام در فوائد طبی و روحی روزه و مسائل لازم اتفاقی بین فقهاء به ترکی لاتین چاپ شده.

۱۴- شخصیت امام صادق علیه‌السلام این کتاب مجموعه بحثهائی است درباره مذهب جعفری نوشته شده و پاسخ اشکالات به مذهب جعفری و تحقیق در اختلافات اصولی و فروعی است اصل کتاب فارسی و به ترکی لاتین ترجمه شده.

۱۵- رساله‌ای در عشق و حقوق درباره حقوق زن از نظر اسلام.

۱۶- طوبی الاخبار در اخباری که مصدر به لفظ طوبی است کتابی است بسیار ظریف.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صابری، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صابری

محل تولد : همدان

شهرت : صابری همدانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیۀالله احمد صابری همدانی در سال ۱۳۰۲ روستای بیوک آباد از توابع همدان و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. نام پدرش غیاثعلی بود و روستای او همواره زیستگاه علمای بزرگ بوده یکی از اجداد مادری ایشان حاج محمد شفیع بیوک آبادی که رساله‌ای در عرفان نوشته و همچنین عارف بزرگ و فقیه بزرگوار مرحوم حاج محمد جعفر مجذوب در آنجا می‌زیسته است. آیۀالله صابری همدانی تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از آن به دبستان رفت. دورۀ دبیرستان رانیز تا کلاس چهارم گذراند و کتب گلستان، کلیله و دمنه و... را به خوبی فرا گرفت. در سال ۱۳۱۹ به حوزه علمیه همدان عزیمت کرد و در مدرسۀ آخوند سکونت داشت. او دروس دورۀ مقدمات و بخشی از دروس سطح را در همدان به پایان برد و سپس به علت تعطیلی بسیار حوزه علمیه همدان و کمبود استاد به حوزه علمیه مشهد رفت. در مشهد به نزد مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی رفت و نامۀ استاد خود حاج میرزامحمدعلی دامغانی را به او نشان دهد. در آن نامه درخواست شده بود که وی در مدرسه مرحوم دامغانی به تحصیل ادامه بدهد. حاج شیخ کاظم دامغانی نیز وی را مورد احترام قرار داد و به او سفارش کرد به حوزه علمیه قم برود؛ زیرا آن حوزه برای ترقی او مناسب‌تر بود. او نیز مدتی در مشهد ماند تا اینکه مقدمات سفر او به قم فراهم آمد. او در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم وارد شد و از محضر استادان آن دیار عالم خیز در رشته‌های فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و عرفان و... بهره‌های بسیار برد. او در سالهای تحصیل خود بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه را حفظ کرده بود. همچنین به ادبیات علاقه ویژه‌ای داشت و بسیاری از اشعار فارسی و عربی را از بر کرده بود.آیۀالله صابری همدانی در سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات و سطح خود را در حوزه علمیه همدان در محضر استادانی چون حاج سید مصطفی هاشمی، حاج میرزا محمدعلی دامغانی، حاج شیخ محمد حسین بهاری، حاج میرزا ابوالقاسم ربانی شاهنجرانی، حاج میرزا اسدالله حجت و حاج شیخ علی انصاری به پایان برده بود. مدتی در مشهد به درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی رفت و سپس در قم در درس آیۀالله سلطانی طباطبایی(ره)، آیۀالله العظمی بروجردی(ره)، آیۀالله العظمی امام خمینی(ره)، آیۀالله العظمی گلپایگانی(ره) و آیۀالله العظمی محقق داماد(ره) حاضر شد و از آن بهره‌های بسیار برد وی همچنین مدت قابل توجهی از محضر حضرت آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری کسب فیض نمود. او در زمینۀ علوم عقلی نیز به محضر علامه سید محمدحسین طباطبایی(ره) رفت. همچنین او در سالهای تحصیل خود در دروس اخلاق امام خمینی(ره)، حاج آقا حسین قمی(ره)، حاج آقارضا بهاءالدینی(ره)، علامه طباطبایی(ره) و آیۀالله العظمی گلپایگانی(ره) شرکت می‌کرد تا همواره علم خود را با عمل توأم سازد. همچنین همنشینی با شهید آیۀالله مدنی در شکل‌گیری شخصیت او بسیار موثر بود. آیۀالله صابری همدانی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروسی را که آموخته بود، با آنها مباحثه می‌کرد که از میان آنها از مرحوم آیۀالله احمدی میانجی می‌توان یاد کرد.آیۀالله صابری همدانی تا به امروز خدمات بسیاری در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او از نخستین سالهای تحصیل خود، به امر تدریس اشتغال داشت و در حوزه علمیه همدان و قم، شاگردان بسیاری را تربیت کرد. او کتب دورۀ مقدمات و سطح را تدریس کرده است.او در ایام تبلیغ، به مناطق گوناگون کشور سفر کرده و ضمن ارشاد گروههای گوناگون مردم، در بسیاری از مناطق مسجد یا حسینیه بنا کرده است. همچنین برای تبلیغ به کشورهای استرالیا، آذربایجان، ترکیه، انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، یونان، آلمان، هلند، ژاپن، چین، پاکستان، هندوستان و روسیه سفر کرده و در مجامع گوناگون به سخنرانی پرداخته است. بسیاری از این تألیفات ایشان به زبانهای لاتین و روسی ترجمه شده است.او همچنین مقالات فراوانی به زبانهای گوناگون و در زمینه‌های مختلف نگاشته که برخی در مجله «حکومت اسلامی» به چاپ رسیده است وی تقریرات زیادی از اساتیدش نوشته که به چاپ رسیده است. آیۀالله صابری همدانی همواره در صحنه‌های گوناگون مبارزه با رژیم شاه حضور فعال داشته است. او در جوانی با شخصیت نواب صفوی و واحدی آشنا شده بود، همواره می‌کوشید که روحیۀ آن مبارزان را در خود بپروراند و حماسۀ دینی و مذهبی را با علم توأمان

سازد. کتاب «از فیضیهٔ ۴۲ تا فیضیه ۵۷» از جمله کتابهایی است که نقش بسزایی در نهضت اسلامی داشته و پس از پیروزی انقلاب بارها تجدید چاپ شده است. آیهٔالله صابری دراین کتاب وقایع پانزده خرداد ۱۳۴۲ و بسیاری دیگر از وقایع را با قلمی حماسی نگاشته، به گونه‌ای که هر خواننده‌ای با خواندن آن احساس شور و شعف بسیار می‌کند. آیهٔالله صابری همدانی در سالهای مبارزه بر ضد رژیم شاه، همواره از خط امام خمینی(ره) دفاع می‌کرده و در راه تحقق نظام اسلامی از هیچ گونه تلاشی دریغ نورزیده است. او پس از انقلاب نیز خدمات شایانی را به انجام رسانده است

صابری، کیومرث

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کیومرث صابری فومنی در سال ۱۳۲۱ در یکی از روستاهای صومعه‌سرا در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش کارمند جزء اداره دارایی و مادرش از سادات ترک‌نسب و از معدود زنان باسواد روستا بود که بعد از فوت پدر به مکتب‌داری پرداخت. کیومرث در کنار شاگردی دکان خیاطی، تحصیل را ادامه داد و در ۱۸ سالگی در روستای کسما معلم شد.

وی در سال ۱۳۴۰ در کنکور رشته سیاسی دانشکده حقوق تهران قبول شد و در سال ۱۳۴۵ شعرهایش در مجله توفیق با امضای "گردن‌شکسته‌ی فومنی" چاپ می‌شد. البته اولین نوشته‌هایش در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در مجله امید ایران به چاپ رسیده بود.

گشایش ستون "دوکلمه حرف حساب" در روزنامه اطلاعات و طنز جسورانه او نام « گل‌آقا » را بر سر زبان‌ها انداخت. سفر او به حج در سال ۱۳۶۳ و نوشتن ستونی طنز با عنوان داستان‌های جعفرآقا در خبرنامه این سفر، او را پس از بازگشت از حج، به کار کردن روی طرح این ستون واداشت که درنهایت ۲۳ دی‌ماه سال ۶۳ عنوان "دو کلمه حرف حساب"و نام مستعار "گل‌آقا" را برای خود برگزید و طنزهایش را در روزنامه اطلاعات به چاپ رساند.

طنز سیاسی که تقریبا از سال ۵۹ به این سو تعطیل شده بود، با شکل‌گیری این ستون طنز دوباره احیا شد. ابوالفضل زرویی نصرآباد – طنز نویس – درباره طنز گل‌آقا معتقد است: در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب به‌خاطر شروع جنگ و مسائلی از این دست طنزپردازان بیشتر سعی می‌کردند به مسائل غیر سیاسی بپردازند و مردم به دلیل دغدغه‌های معیشتی حوصله طنز خواندن نداشتند و کسی هم جرأت نزدیک شدن به طنز سیاسی را نداشت. در این دوره بروز و ظهور قلمی به اسم گل‌آقا بین مردم شادمانی زیادی را ایجاد کرد؛ زیرا آنها شاهد نوعی نگارش طنز بودند که تا حالا ـ تجربه نکرده بودند؛ آن هم طنزهای بسیار محکم سیاسی با رویکردی عامه‌فهم و پر گوشه و کنایه که با روحیه هر ایرانی موافق بود.

خود وی در جایی عنوان کرده بود که ما با کسی جنگ و دعوا نداریم؛ هر کسی، مقامی، رییسی، مدیر کلی، معاونی، وزیری که مایل نیست درباره‌اش مطالبی بنویسیم، البته کتبا به ما بنویسد و ما نوشته‌شان را روی چشم می‌گذاریم؛ منتهای مراتب کار خودمان را می‌کنیم و شرط کار هم همین است که هر کس کار خودش را بکند و حالا حالاها میل به کشک ساییدن هم نداریم؛ زیرا که آمده‌ایم بمانیم.

طنز فومنی اغلب به انتقاد از مسؤولان، مشکلات معیشتی مردم و واگویی مشکلات اقتصادی بود. گیتی صفرزاده – سردبیر ماهنامه گل‌آقا – طنز فومنی را عاری از کینه، نفرت و تهمت و همراه با مهربانی دانست که قصد ترمیم داشت. فومنی صابری در سال ۵۸ به اولین مسؤولیت دولتی خود یعنی مدیر کلی دفتر آموزش بازرگانی و حرفه‌یی وزارت آموزش و پرورش رسید که با سرآمدن دوره دولت موقت، دوره مدیر کلی او هم به سر رسید؛ اما هنگامی که دوست صمیمی او یعنی شهید رجایی به نخست وزیری و ریاست جمهوری رسید، صابری به مشاورت فرهنگی نخست وزیر و رییس جمهور منصوب شد؛ ولی شوق نوشتن و قلم، بر قدرت سیاسی پیروز شد و در سال ۶۲ از مشاغل سیاسی کناره گرفت.

او می‌گفت: به هیچ جناحی وابسته نیستم و سعی می‌کنم با مردم و انقلاب به صداقت رفتار کنم؛ اینها و بسیاری از مسائل دیگر موجب می‌شود تا با همان لحن محکمی انتقاد کنم که یک موافق حمایت و جانبداری می‌کند. با این همه من هم از تیر اتهام جان سالم به در نبرده‌ام؛ بارها به مقابله با من برخاسته‌اند، اما من کار خود را کرده‌ام.

زرویی نصرآباد نیز به این جنبه شخصیت صابری فومنی تأکید دارد و پایبندی وی به اخلاقیات را در کلام و نوشتار از خصوصیات بارز گل‌آقا می‌داند.

مؤسسه فرهنگی گل‌آقا علاوه بر انتشار هفته‌نامه گل‌آقا، نشریات بچه‌ها گل‌آقا و ماهنامه گل‌آقا را نیز منتشر می‌کرد که صابری فومنی شعرهای طنز و کاریکاتورهای مجموعه‌های منشتر شده را به‌صورت کتابهایی منتشر کرده بود.

وی همچنین چهار جلد از دو کلمه حرف حساب را به‌صورت کتابی درآورده بود.

اولین شماره هفته‌نامه گل‌آقا در ۲۳ دی ۶۹ منتشر و آخرین شماره آن در سیزدهمین سال انتشار در سال ۸۱، پس از آن دیگر منتشر نشد و صابری فومنی بنا به علتی اعلام نکرده، انتشار این نشریه را متوقف کرد. او قول داده بود عاقبت روزی دلیل تعطیل کردن هفته‌نامه را به شرطی که عمری باقی بود، بگوید که اجل به او مهلت این کار را نداد.

شعرهای طنز صابری برای بچه‌ها که با شعرهای او بزرگ شدند و بزرگسالان که با شعرهایش زیستند، همیشه باقی بوده و خواهد ماند.

وی هر چند مدت، مجموعه‌ای از مطالب یا کاریکاتورهای منتشرشده در گل‌آقا را در قالب کتاب یا سالنما منتشر می‌کرد. روحش شاد

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۹ -۳۷۳ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در بوشنج به دنیا آمد.نه ساله بود که به دنبال قتل پدرش، که از وعاظ بزرگ نیشابور بود، اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر بن احمد فقیه سرخسی و ابوحسین خفاف و ابوالعباس تابوتی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن فرات و دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات و سرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث گفت. صابونی در معره‌ی نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی او را امام مسلمین تعریف می کند و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظه‌ی سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبدالغافر، در «السیاق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون ابوطیب صعلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد ابوبکر بن فورک در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامه‌ی نماز کرد.سرانجام در نیشابور درگذشت. وی تصانیف بسیاری از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»، «الفصول فی الاصول»، «الاربعین»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۶۸۸)، الاعلام (۱۹۸ / ۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۹۹ / ۱)، انساب سمعانی (۵۰۶ / ۳)، ریحانه (۱۹۸ / ۷)، سیر النبلاء (۴۴ -۴۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۸۳ -۲۸۲ / ۳)، العبر (۲۹۴ / ۲)، الکامل (۸۱ / ۸)، کشف الظنون (۵۳)، لغت نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (۱۹ -۱۶ / ۷)، معجم المؤلفین (۲۷۶ -۲۷۵ / ۲)، النجوم الزاهره (۶۳ / ۵)، الوافی بالوفیات (۱۴۴ -۱۴۳ / ۹)، هدیه العارفین (۲۱۰ / ۱).

صادق نوبری تبریزی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. در تبریز به دنیا

آمد. تحصیلات متوسطه را در تبریز، در ۱۳۱۲ ش، به پایان رساند. سپس وارد دانشکده‌ی کشاورزی کرج شد و موفق به اخذ مدرک مهندسی کشاورزی گردید و پس از آن قسمت قضایی دانشکده‌ی حقوق را به پایان رساند. وی عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله نویسندگی مجله‌ی «کشاورزی» وزارتخانه بود. از آثار وی: «گلهای کرج»، شعر؛ «گوشه‌ای از دانشگاه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۸۴، ۲۷۶۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۶۴ -۹۶۳ / ۲).

صادقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کتابدار. نام وی صادق بیک و از ایل افشار بود، ادیب و دانشمند (و. تبریز ۹۴۰ ه.ق.) وی بیست ساله بود که پدرش به قتل رسید و صادقی مدتی با امرای افشار به سر برد و در عهد شاه اسماعیل دوم وارد کتابخانه دولتی شد، و از طرف شاه عباس بزرگ به منصب کتابداری سرافراز گردید. وی در نظم و نثر فارسی و ترکی دست داشت و به نقاشی و طراحی علاقمند بود. نقاشی را به نزد مظفر علی نقاش (خواهرزاده بهزاد) فراگرفت. وی تذکره‌ای به نام «مجمع الخواص» در احوال معاصران خویش به ترکی نوشته که به فارسی ترجمه شده و به طبع رسیده. از آثار دیگر اوست: «زبدهٔ الکلام» (شامل قصایدی در منقبت و مدح)، مثنوی «فتحنامه عباس نامدار» «شرح حال» (مثنوی شامل مقالات و حکایات به وزن مخزن‌الاسرار نظامی و بوستان سعدی)، مثنوی سعد و سعید (به وزن خسرو و شیرین)، غزلیات پارسی و ترکی (به ترتیب حروف تهجی)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صادقی اردستانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صادقی اردستانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۷/۱

صادقی پناه، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن صادقی پناه

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۶/۲۱

زندگینامه علمی

سال ۷۵–۸۰ همراه با اساتید بزرگوار دوره کارشناسی تاریخ را گذراندم و در سال ۸۰ در مقطع ارشد قبول شدم و الحمدالله در سال ۸۲ به پایان رسید در مقطع کارشناسی پایان نامه مواضع تجدد خواهی بر اساس مذاکرات پنجم مشروطه نگاشته شد و در مقطع ارشد پایان نامه بررسی زندگانی سیره امام حسن مجتبی(ع) درمکاتب تاریخی نوشته شده و در حوزهٔ علمیه قم در سال ۸۲ رساله سطح ۳ بررسی زندگانی و سیره امام حسن مجتبی درمدینه نوشته شد. مقالات متعدد مطبوعاتی در زمینه های مختلف تاریخی سیاسی– اجتماعی در بین سالهای ۷۸–۸۱ نوشته شد و در مطبوعات مختلف به چاپ رسید.

تدریس در حوزه و دانشگاه از سال ۷۸ تا سال جاری ادامه دارد قابل ذکر است اینجانب از سال ۱۳۶۸ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه روی توان شدم و همراه با گذراندن دروس حوزوی دیپلم رشته انسانی را نیز گرفتم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۴ در دانشگاه نیز شرکت نموده و موفق به ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه گردیدم هم اکنون از نظر تحصیلات حوزوی مشغول تدوین رساله از سطح ۴ حوزه می باشم و از نظر دانشگاهی نیز جهت آزمون دکتری آماده می شوم.

البتّه جهت انجام راهنمایی ومشاوره برای طلاب گرامی موارد متعددی را به عهده داشته ام.

صادقی، علی اشرف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صادقی، علی اشرف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی‌اشرف صادقی (۱۳۲۰ ـ قم) دارای دکتری زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه سوربن فرانسه است. وی هم اکنون مدیر گروه فرهنگ‌نویسی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی‌و عضو هیئت‌علمی و استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران می باشد. کتاب" زبانهای ایرانی "ترجمه وی ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : پدر علی اشرف صادقی فرهنگی بود و خانواده پدری اش عمدتا همه از روحانیون بودند.پدربزرگش –اشرف الواعظین– واعظ معروف قم و جدش حاج ملاـ محمد صادق مجتهد بود.خاطرات کودکی : علی اشرف صادقی از دوران کودکی چنین اذعان دارد": در خانواده ای بزرگ شدم که از همان دوره ابتدایی شوق کتاب خواندن را در من برانگیخت.معلم کلاس اول ابتدایی ام ،پدرم بود.چون ایشان فرهنگی و مدیر مدرسه و معلم بود این است که کلاس اول را پیش او خواندن و از همان ابتدا خیلی برای من مایه گذاشت ودر خانه هم به من کمک می کرد.من خواندن و نوشتن را سریع یاد گرفتم".تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: دیپلم ادبی از دبیرستان حکیم نظامی قم دارای لیسانس ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در ۱۳۴۱ (بعنوان شاگرد اول فارغ التحصیل شد و با بورس دولتی در سال ۱۳۴۲ به کشور فرانسه اعزام گردید) دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه سربن (پاریس) در ۱۹۶۷ (۱۳۴۶).خاطرات و وقایع تحصیل : علی اشرف صادقی در دوران تحصیل در دبیرستان کتاب برهان قاطع نوشته مرحوم دکتر معین را مطالعه می کرد.او در توضیحات دکتر معین و متن برهان قاطع مقدار زیادی اشتباه دید و به ایشان این اشتباهات را رساند. دکتر معین هم در توضیحات آخر جلد پنجم این توضیحات را به اسم دکتر صادقی اضافه کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اشرف صادقی در کنار تحصیل در فرانسه در رشته زبان شناسی عمومی به کلاسهای زبانهای قدیم ایران مانند زبان پهلوی و زبان اوستا می رفت و استفاده می کرد.ایشان از همان دوران مقطع متوسطه به

زبان فارسی علاقه منـد بود او در کنـار دروس دبیرسـتان کتابهـایی همچون برهـان قاطع (مرحوم دکتر معین چهار جلـد) را مطالعه میکرد.اسـتادان و مربیان : علی اصغر فقیهی دبیر دبیرستان و دارای کتابهای متعدد در تاریخ آل بویه و تاریخ قم و امثال اینها است.از دیگر اساتیـد علی اشـرف صادقی می توان به چنـد تن اشاره کرد: مرحوم بـدیع الزمان فروزانفر ،مرحوم اسـتاد جلال همایی ،مرحوم اسـتاد پورداود،دکـتر خـانلری،دکتر صـفا،دکتر معین،دکتر حسـین خطیبی،دکتر حسن منوچهر،دکتر صـادقی گوهرین فاسـتاد ،اسـتاد محمـد تقی مـدرس رضـوی ،مرحـوم میر جلال الـدین محـدث ارموی،مرحوم مجتبی مینوی و دکـتر صـادق کیـاهم دوره ای هـا و همکـاران : غلامرضا ارژنگ از همکلاسیهای علی اشـرف صادقی بودنـد.دکتر کیا،دکتر ماهیار نوابی ،دکتر میلانیان ،دکتر باطنی و دکتر تفضـلی از همکاران ایشان بشـمار می آیند.همسر و فرزندان : علی اشرف صادقی در سال ۱۳۵۰ در سن ۳۱ سالگی با یکی از دانشـجویان دانشـکده ادبیـات(رشـته زبـان انگلیسـی) ازدواج نمود.وقـایع میانسالی : علی اشـرف صادقی در سال ۱۳۴۸ پس از اخذ دکتری رشـته زبان شناسی به استخدام در گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سـمتهای مورد تصدی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: ۱. عضو شورای ویرایش زبان فارسـی در صدا و سیما ۲. عضو شورای علمی دائره‌المعـارف بزرگ اسـلامی ۳. مـدیر و مؤسـس مجلـه زبان‌شناسـی از ۱۳۶۳ تـاکنون ۴. اسـتاد پـایه ۲۰ گروه زبان‌شناسـی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸ ۵.مدیر گروه فرهنگ‌نویسـی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۶. عضو پیوسـته فرهنگسـتان زبان و ادب فارسـی از سال ۱۳۷۰ مراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : علی اشـرف صـادقی در سال ۱۳۶۳ مجله زبـان شناسـی را راه انـدازی کرد.جـوائز و نشانهـا : از علی اشـرف صـادقی در سـال ۱۳۸۰ در نخسـتین همـایش چهره هـای مانـدگار به عنوان چهره مانـدگار عرصه زبـان و ادبیـات فارسـی تجلیـل به عمـل آمـد.از دیگر افتخارات ایشان انتخـاب کتـاب" زبانهـای ایرانی "ترجمه وی ، در دوره هیجـدهم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران(از طرف وزارت فرهنـگ و ارشاد اسلامی)،به عنوان کتاب سال می باشد.چگونگی عرضه آثار : از دکتر صادقی ۵ کتاب و ۱۳۰ مقالهٔ علمی به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسوی منتشر شده است.آثار : ۱ تدوین بخشـی از حرف" گ "لغت نامه دهخدا ویژگی اثر : تدوین۲ ترجمه دو فصل از کتـاب زبان‌شناسـی نـوین، نتایـج انقلاب چامسـکی ویژگی اثر : از ن. ایمیث و د. ویلسـون، تهران، آگـاه، ۱۳۶۷.۳ ترجمه کتاب زبانهـای ایرانی ویژگی اثر : از ی. اورانسـکی، تهران، سـخن ۱۳۷۸.این کتـاب ، در دوره هیجـدهم انتخـاب کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی ،به عنوان کتـاب سـال معرفی و برگزیـده شـد. آشـنایی با کتاب: «زبانهای ایرانی» زبانهـای ایرانی / یوسـف میخائیلوویـچ اُرانسکی؛ ترجـم ?علی اشـرف صـادقی –. تهران: سـخن، ۱۳۷۸. – ۲۰۸ص. جدول. کتابنامه: ص[۱۸۳ –] ۲۰۰؛ همچنین به صـورت زیرنـویس. این اثر از جمله کوششـهای ارجمنـدی است که برای طبقه بنـدی زبـانها وگویشـهای ایرانی صورت پـذیرفته است. کتـاب حاضـر در پنـج فصـل سامان یافته است. در ابتـدا اطلاعاتی درباره خانواده زبانهای ایرانی ارائه می دهـد و سـپس به زبانهـای ایرانی باسـتان، ایرانی میانه و ایرانی نو می پردازد و در خاتمه، کلیاتی راجع به طبقه بنـدی تـاریخی و گـویش شـناختی این زبانهـا بیـان می کنـد. مترجم محترم، این کتـاب را از روی ترجم ?فرانسوی اصـل کتـاب به فارسـی برگردانده و به منظور رفع برخی نارساییها و سـهوها، متن کتاب و به ویژه آوانویسیهای آن را با اصل روسی کتاب مقابله کرده است که مبیّن دقت و رعایت امانت در ترجمه است. اضافه کردن سالهای قمری در کنار سالهای میلادی، برخی توضـیحات و ذکر بعضـی منـابع مهم و اساسـی (علاـو بر متن گسترش یـافت ?کتابنـام ?پایـان کتـاب توسط مترجم فرانسوی) از دیگر اقـدامات ایشان است. ۴ تصیح ترجمه الابانه، شـرح السامی فی الاسامی ویژگی اثر : ضـمیمه شـماره ۱۰ نامه فرهنگستان، ۱۳۷۹. ۵ تصیح خلاصهلغت فرس اسدی ویژگی اثر : تهران، ضـمیمه شـماره ۹، نامه فرهنگستان، ۱۳۷۹. ۶ تصیح فرهنگ فارسـی مدرسه سپهسالار، منسوب به قطران ویژگی اثر : تهران، سـخن، ۱۳۸۰. ۷ تصـیح لغت فرس اسـدی ویژگی اثر : بـا همکـاری دکتر فتـح‌الله مجتبـائی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۵۸ تکوین زبان فارسی، تهران ویژگی اثر : دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۷۹ دستور زبان فارسی برای رشته فرهنگ و ادب آموزش و پرورش ویژگی اثر : بـا همکـاری غلامرضـا ارژنـگ، ۳ جلـد ۷–۱۳۵۵.۱۰ فارســی قمی ویژگی اثر : قـم، بـاورداران، ۱۳۸۰. ۱۱ گردآوری یادنامه دکتر احمـد تفضـلی ویژگی اثر : تهران، سـخن، ۱۳۷۹۱۲ مسائل تاریخی زبان فارسی ویژگی اثر : تهران، سـخن، ۱۳۸۰.۱۳ نگاهی به گویشنامه‌های ایرانی ویژگی اثر : تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.

منـابع زنـدگینامه :جشن نـامه دکتر علی اشـرف صادقی ،پژوهشـهای زبان شناسـی در ایران (۱) به اهتمـام امیر طبیب زاده ،انتشـارات هرس،تهران ۱۳۸۲۵چهره های ماندگار ،بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی مشاهیر ایران ،به اهتمام محمد اسعدی ،انتشارات زمان و جهان فرهنگ تهران ۱۳۸۲

صادقیان، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: یزد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه یزد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

متون قدیم زبان فارسی و علوم بلاغی، نقد و بررسی شعر و ادبیات، تدریس متون فارسی و صرف و نحو عربی و معانی در دانشگاههای شیراز، تربیت معلم و یزد از سال ۱۳۵۱، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تصحیح روزمه خسروان، طراز سخن در معانی و بیان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبی و تاریخی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صاعدی فراوی نیشابوری، ابوعبدالله محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۰ -۴۴۱ ق)، مسند، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در نیشابور به دنیا آمد. «صحیح» مسلم را از ابوحسین عبدالغفار بن محمد فارسی و «جزء» ابن نجید را از عمر بن مسرور زاهد استماع کرد و از ابوعثمان صاوبنی و از ابوسعد کنجرودی و حافظ ابوبکر بیهقی و محمد بن علی خبازی و ابویعلی اسحاق صابونی و احمد بن منصور مغربی و عبدالله بن محمد طوسی و ابوالقاسم قشیری و ابوسعید محمد خشاب و محمد به عبدالله عدوی هروی و نصر بن علی طوسی حاکم و علی بن یوسف جوینی و اسماعیل بن مسعده بن اسماعیلی و ابوالولید حسن بن محمد بلخی و قاضی محمد بن عبدالرحمان نسوی و امیر مظفر بن محمد میکالی و دیگران حدیث شنید. مدتی ملازم امام الحرمین بود و از وی فقه آموخت. خود نیز مدتی در حرمین شریفین اقامت گزید و به فقیه حرم مشهور گردید. ابوسعد سمعانی و یوسف بن آدم و ابوالعلاء عطار و ابوالقاسم بن عساکر و ابوالخیر قزوینی و منصور بن عبدالمنعم فراوی و ابوالفتوح محمد فاطمی و موید بن محمد طوسی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور از دنیا رفت. از آثارش: «المجالس فی الوعظ و التذکیر»، که به آورده‌ی ذهبی بیش از هزار مجلس املاء است؛ «اربعون حدیثا»، کتابی در «فروع الفقه» شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۲۹ / ۲)، سیر النبلاء (۶۱۹ -۶۱۵ / ۱۹)، شذرات الذهب (۹۶ / ۴)، العبر (۴۳۹ -۴۳۸ / ۲)، الکامل (۳۵۶ / ۸)، معجم البلدان (۲۴۵ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۲۷ / ۱۱)، الوافی بالوفیات (۳۲۳/ ۴)، وفیات الاعیان (۲۹۱ -۲۹۰ / ۴)،هدیه العارفین (۸۷ / ۲).

صاعدی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۶ ق)، خطیب، فقیه، قاضی و محدث. خطیب نیشابور و قاضی خوارزم بود. از برجستگان خاندان صاعدی است. وی از پدر و جد و سایر نزدیکانش حدیث شنید. او گرچه بسیار حدیث شنیده، اما احادیث کمی را روایت کرده است. او و اعظی شیرین‌بیان بود. نام وی در «هدیه العارفین» تحت عنوان نیشابوری کرمانی آمده است. گفته‌اند که کتابی در مناقب ابوحنیفه و احادیث وی نوشته است. از دیگر آثارش «الاجناس»، در فروع است که دستجردی، در بغداد، پاره‌ای از آن را روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۱)، النجوم الزاهره (۲۰۱ / ۵). هدیه العارفین (۴۲۱ / ۱).

صافی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم صافی در سال ۱۳۲۷ در شهر گلپایگان به دنیا آمد. ایشان دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی در گرایش علوم کتابداری و ادبیات شبه قاره است و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : علوم کتابداری و ادبیات شبه قاره

والـدین و انسـاب : پـدر قـاسم صـافی، مصـطفی صافی دارای تحصـیلات قـدیمی، شاعری خوش قریحه (متخلص به مصـفا) و عضـو وزارت آموزش و پرورش بود . او از استعداد نقاشی و خوشنویسی بهره داشت و در سن ۸۳ سالگی در سال ۱۳۶۵ دار فانی را وداع گفت. پدرش مشهدی احمد از دانایان ، خوش نویسان و نویسندگان و رئیس انجمن شهر گلپایگان بود و در سال ۱۳۰۸ درگذشت. پـدربزرگ پـدری قاسم صافی ملاعباس از علما و دانشـمندان بنام بود و نام مادر قاسم صافی فاطمه تدین، دارای تحصیلات قدیمی بود که در سال ۱۳۸۲ در سن ۹۰ سالگی درگذشت. نام پدربزرگ مادری قاسم صافی، میرزا محمدصادق از علمای بنام عصر خود بود. سلسله نسب مادری او به حضرت شیخ بهائی رحمهٔ الله علیه می رسد.

خـاطرات کودکی : قـاسم صافی در دوران کودکی به حضور و همکاری در مجالس اعیاد بخصوص ولادت حضرت ولی عصر بها می داد و چون آوایی رسا و صـدایی خوش داشت در مسجد محل اذان می گفت. ایشان از نوجوانی تا به امروز که ۶۰ سال از عمر او می گـذرد هزینه تحصیل و معاش را خود برعهـده داشته است. دکتر صافی از دوران تحصیل چنین می گویـد ": ناظمین دوره ابتدایی و متوسطه ، افرادی وحشت آور بودند. پیوسته با شلاق و ترکه و لگد به جان محصلان می افتادند... در اواخر دوره متوسطه، دبیری باغیرت و نترس در برابر ناظمین که روزگاری شاگرد آنان بود به پاخاست و با هدایت محصلان و راهپیمایی دانش آموزان ، مراسم آتش سوزی شـلاق به پا کرد و ناظمان را خلع سـلاح نمود ".از دیگر خاطرات کودکی ایشان می توان به صعود دکتر صافی با دوستانش به کوه بلنـد و سنگلاخ الونـد واقع در گلپایگان اشاره کرد که در ابتدای پایین آمدن از کوه ناگهان سقوط می کند و بعـد از معلق زدن مسـافتی، کنـار تخت سـنگی، سـالم متوقف می شود به طوری که نـاظرین از سـلامتی وی بهت زده می شونـد. او چندبار در حوادث دیگر، مرگ را در یک قدمی خود تجربه کرده است.

اوضاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : قاسم صافی در خانواده ای متولد شد که از لحاظ فرهنگی، مذهبی در سطح بالا و از نظر مالی متوسط بودند. ایشان دارای دو خواهر و پنج برادر است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : قاسم صافی بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در گلپایگان، برای ادامه تحصیل به تهران رفت و در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی و علوم کتابداری به تحصیل پرداخت و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد.ایشان همچنین دوره آموزش روابط بین المللی و رایزنی و دیپلماسی در وزارت امورخارجه را گذرانده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : قاسم صافی از دوران تحصیل در دانشگاه تهران خاطرات زیادی به یاد دارد که می توان به یک مورد از آنها اشاره کرد": در سال ۱۳۴۷، کنفرانسی درباره امام محمدغزالی به وی موکول می شود. قسمت عمده ای از کتاب غزالی نامه اثر استاد جلال الدین همایی و نیز قسمتهایی از کیمیای سعادت و احیاء العلوم و اشعار مانده از این فیلسوف و عارف نامی را به شیوه خطابه ایراد می کنـد که جلال آل احمـد را بسیار تحت تأثیر قرار می دهـد به نحوی که با تشویق های مکرر به جای او پاسخگوی پرسشهای احتمالی حاضران می شود خطاب به دانشجویان می گوید: این جوان کتابی را با ظرایف سخنوری از حفظ بیان کرد به وی توصیه می کنم با این حافظه ای که دارد قرآن را حفظ کند".

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : قاسم صافی ضمن تحصیل، به ورزش باستانی، شنا و کوهنوردی می پرداخت و در نشستها و سخنرانیهای علمی و مذهبی شـرکت می کرد. وی همچنین کتابدار کتابخانه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران و کتابدار کتابخانه وزارت کار و امور اجتماعی بود.

اسـتادان و مربیان : جلال آل احمد، دکترامیرحسین آریانپور، دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکترمحمدجعفرمحجوب، دکترلطفعلی صورتگر، دکتر عباس اکرامی، دکترسـیدمحمداکرم شاه ، دکترغلامحسین شکوهی، استادمحمد تقی جعفری، استاد حسینعلی راشد، دکترعلی شریعتی، دکترسید علی افقه، دکتر هدایت الله نیرسینا، دکتر ماهیار نوابی از استادان و مربیان قاسم صافی بوده اند

هم دوره ای ها و همکاران : استاد محمدتقی دانشپژوه، استاد احمد منزوی، محمدعلی سپانلو ، دکتر مظفر بختیار، دکتر جلیل تجلیل، دکـتر اسـماعیل حـاکمی، دکـتر سـیدمحمدمهدی جعفری، دکترمحمـد ابراهیـم باسـتانی پـاریزی، دکـتر علیمحمـد کـاردان، دکـتر ناصـرالدین صاحب الزمانی، دکتر علی اکبر عنایتی، دکتر ناهیـد بنی اقبال، دکتر منوچهر محسـنی، دکتر حسـین لسان، دکتر رجبعلی مظلومی، ، دکتر جهانشاه صالح، پروفسور فضل الله رضا، دکتر هوشنگ شریفی، دکتر پزشکپور مستشفی، دکتر شاهرخ امیر ارجمند، دکتر عبدالحسین مشکوهٔ الـدینی، دکتر محمدمهـدی ناصـح، دکتر سبط حسن رضوی، دکترناظرزاده کرمانی، دکتر مظاهر مصـفا، سیدمحمد خاتمی و دکتر زریاب خویی از هم دو ره ای ها و همکاران قاسم صافی می با شند.

همسر و فرزندان : قاسم صافی متأهل و دارای دو فرزند دختر و پسر می باشد — عالیه، دارای تحصیلات مهندسـی صـنایع غذایی- علیا، دانشـجوی داروسازی در دانشگاه شـهید بهشتی- شـهاب الدین دانشجوی کارشناسـی ارشد دانشـگاه تهران در رشته مهندسی طراحی محیط زیست.

وقـایع میانسالی : از قاسم صافی در سال ۱۳۵۴که کارشـناس امور فرهنگی و مدیر مجله دانشکده در دانشگاه تهران بود، خواسته شد در جلسـات مربوط به چگونگی و نشـر کتـاب " ایران عناصـر سـرنوشت " که تبلیغاتی برای رژیم پهلوی توسط پروفسور رولُف بنی انجام می گرفت شـرکت کنـد. هرچند منافع شـغلی و مادی زیادی دربرداشت لیکن چون با روحیات ایشان سازگاری نداشت امتناع کرد و به اسـتناد سـرپیچی از اوامر اعلیحضـرت و ? ...حکم اخراج ایشان از مقام مافوق خواسـته شـد. معاون دانشـجویی و آموزشـی دانشگاه و برخی از استادان از دکتر صافی حمایت کردند و مقدر شد ایشان به تدریس و پژوهش روی آورد. دکتر از ایام انقلاب و از سـرپرستی رایزنی فرهنگی و مرکز تحقیقـات فارسـی ایران در راولپنـدی و اسـلام آبـاد پاکسـتان و مسائل روابـط بیـن الملـل و از زندگی خود، داستانهای زیادی به خاطر دارد.

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : - کارشـناس تحقیقات و انتشارات دانشگاه تهران و مدیر مجله دانشکده نشریه مرکزی دانشگاه- رئیس اداره خـدمات کتابداری و مشاور کتابخانه مرکزی و مرکز اسـناد دانشگاه تهران- سـردبیر مجله کتابداری- دیپلمات فرهنگی ایران در پاکسـتان — مشـاور معـاونت روابـط بین المللی وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی و مسئول دبیرخانه اجرایی گسترش زبان

فارسی و ایران شناسی – عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران و شورای مجلات علمی این دانشگاه، عضو کمیته تحقیقات علمی و کمیته علمی کتابخانه ها.

فعالیتهای آموزشی : قاسم صافی در دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی و مراکز تربیت معلم در دوره های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در رشته های علوم انسانی و کتابداری حدود ۱۵ هزار ساعت تدریس کرده است. وی مدتی نیز استاد افتخاری دانشگاه های جی سی و پنجاب لاهور پاکستان در دوره تحصیلات تکمیلی و مدرس دوره بازآموزی زبان فارسی در دهلی بوده است. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط قاسم صافی: تاریخ ادبیات ایران و جهان ، زبان و ادبیات فارسی، آشنایی با متون فارسی نمایشی، آیین نگارش و گزارش نویسی، مرجع شناسی و شیوه تحقیق، روش تحقیق و تدوین پایان نامه، روش ها و تکنیک برنامه ریزی آموزشی ، کلیات روش تدریس، کلیات کتابداری.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : قاسم صافی دبیرخانه شورای اجرایی گسترش زبان فارسی در معاونت روابط بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بنا نهاد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : قاسم صافی در کنار تدریس به تألیف کتاب و مقاله و مطالعه پیرامون رشته تخصصی خود می پردازد. ایشان همچنین در نگارش و اجرای برنامه های فرهنگی در سیما و ویرایش انتشارات دانشگاهی همکاری کرده است. نویسندگی و اجرای برنامه های آیینه اندیشه، هنر و اندیشه و هفت گنبد در سیما از فعالیت های اوست.

آرا و گرایشهای خاص : – اعتقادات و گرایشات قاسم صافی به شرح زیر است: تأکید بر تسامح و تساهل و مذاکره و تبادل نظر در نظام کاری و اجرایی و ارتباطات جهانی– ارزش نهادن به مبانی عرفان و شخصیت های عرفانی و ناقدان مصلح اجتماعی و ترویج اصول اخلاقی– اعتقاد به حاکمیت قانون در نظام سیاسی و اداری با معیار قرار دادن حق در امور نه صرفاً توجه به نظر مقامات یا شخصیت اشخاص– بکارگیری متخصص ترین، مجرب ترین و با تقوی ترین نیروی انسانی هر ارگان در رأس ادارات مربوط به آن–احترام به شهروندان و صیانت از آنها در مسیر صداقت پیشگی، مردم نیازاری و عدالت گستری ?نظارت و هدایت در عملکرد کارکنان و مسئولین و شناسایی ریشه های انحراف و برطرف کردن بسترهای وقوع جرم به جای برخورد تهدیدآمیز و ناگهانی.

چگونگی عرضه آثار : قاسم صافی دارای ۲۵ کتاب تألیفی و بیش از ۵۰ مقاله و گزارش علمی است ---------------------
----

آثار :

۱ آیین نگارش و ویرایش

ویژگی اثر : تألیف، نشر ویرایش،۱۳۸۴.

۲ از چاپخانه تا کتابخانه(مراحل کتاب نویسی– چاپ سپاری– کتابداری و کتابخوانی).

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ، چاپ نهم، ویراست دوم ، ۱۳۸۴.

۳ بهار ادب(تاریخ زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند و پاکستان)

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

۴ تحقیقی در زمینه کاربرد فراغت دانشجویان

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴

۵ رساله معارف(دربیان کیفیت توجه اتم با احوال و آثار صدر الدین قونوی)

ویژگی اثر : تألیف، حسینیه ارشاد، ۱۳۷۸

۶ روش تالیف و نقد و اصلاح

ویژگی اثر : تألیف، نشر مؤلف ، ۱۳۶۴

۷ سرزمین و مردم پاکستان

ویژگی اثر : تألیف، حسینیه ارشاد ?۱۳۷۸

۸ سفرنامه پاکستان

ویژگی اثر : تالیف,کلمه ,۱۳۶۶

۹ سفرنامه سند (از کراچی تا شهر خاموشان)

ویژگی اثر : تالیف,انتشارات دانشگاه تهران ,۱۳۸۵

۱۰ عکسهای قدیمی از رجال — مناظر– بناها و محیط اجتماعی ایران

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، چاپ پنجم ۱۳۸۴

۱۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه سندالوجی

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه جی سی ، ۱۳۸۶

۱۲ قلمرو اندیشه جلال آل احمد

ویژگی اثر : تالیف,دانشگاه تهران ,۱۳۶۴

۱۳ کارت پستالهای تاریخی ایران

ویژگی اثر : تألیف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸

۱۴ گفتگو با ایرانشناسان و استادان ادب فارسی

ویژگی اثر : تألیف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰

۱۵ گلزار ادب (تاریخ زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان)

ویژگی اثر : تألیف، زیرچاپ

۱۶ گنجینه خطی وهنری تالپوران

ویژگی اثر : تألیف، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۳

۱۷ مجموعه گفتارهایی درباره چند تن از رجال ادب و تاریخ ایران

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷

۱۸ مرجع شناسی عمومی فارسی وعربی

ویژگی اثر : ، انتشارات سپهر سخن و چاپار ، ۱۳۸۵، ویراست دوم،۱۳۸۶

۱۹ مقدمات روشهای مطالعه و پژوهش

ویژگی اثر : تألیف، نشر ویرایش،۱۳۷۹.چاپ یازدهم، ویراست دوم، ۱۳۸۷

۲۰ نامه ها ونوشته های محمد جلال الدین طباطبایی زواره ای اردستانی باشرح احوال وآثار و محیط اجتماعی او

ویژگی اثر : تالیف,دانشگاه تهران ,۱۳۷۴

منابع زندگینامه : http://dbfm.ut.ac.ir:۷۷۷۷/tunapp/tunserv/tun.ProfCV?۱func=shortcv&ProfId=۱۵۵۶۳&pLang=۱۱۸۳۰۱۲تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر قاسم صافی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی –تابستان ۱۳۸۶

صافی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صافی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ در شهرستان قم در خانواده ای مذهبی و روحانی متولد شدم. بعد از تحصیلات متوسطه در سال ۷۳ وارد حوزه شدم از سال ۷۱ شروع به حفظ قرآن کردم در سال ۷۸ بیش از ۲۸ جزء را حفظ کردم و بهمین دلیل بیشتر فعّالیّتها در زمینه حفظ قرآن و تربیت حافظ بوده در مراکزی مثل مهد قرآن و مجتمع های فرهنگی و سازمان تبلیغات. در سال ۸۱ با آشنایی با جامعه القرآن الکریم قم بعنوان مسئول شعبه ازنا چهارده ماه در این شهرستان مشغول به تربیت حافظ بوده و زمینه یک مقالات رمزگردانی آیات مشابه فراهم شد و بعد از بازگشت به قم با انتشار آن مقالات در نشریه که هنوز ادامه دارد در دوره های تربیت مربی جامعه القرآن بعنوان مدرس رمزگردانی مشغول بوده و با اصرار جامعه القرآن الکریم انشاء الله تبدیل به کتاب خواهد شد.

صافی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد ملقب به صافی ابن ملا عباس گلپایگانی عالمی فقیه و مصنفی ادیب و فاضلی جلیل از حسنات معاصر ما بوده‌اند. ایشان در ۱۲۸۸ در گلپایگان متولد شده و پس از پرورش در سال ۱۳۰۵ قمری به اصفهان مهاجرت و از محضر حکیم قشقائی میرزا جهانگیر خان و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمدعلی توسرگانی و سید محمدباقر درچهی و آقانجفی اصفهانی و غیرهم حدود ده سال استفاده نموده و در سال ۱۳۱۶ ق به گلپایگان مراجعت و به تدریس و تصنیف و سایر امور پرداخته تا به رحمت حق پیوسته است

از آثار اوست (گنجینه گهر) و (گنج عرفان) و (مصباح‌الفلاح) و (نفایس‌الوفان) و غیره و از باقیات الصالحات است دو فرزند دانشمند و بزرگوارش بنام آیت‌اللّه حاج آقا علی صافی که از مدرسین بزرگ حوزه علمیه و ۲ حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج آقا لطف‌اللّه صافی صاحب (منتخب‌الاثر) و تالیفات دیگر که در ج ۲ ص ۱۸۸ و ۱۸۹ گنجینه ایشان را یاد نمودیم

حجهٔ‌الاسلام آشیخ محمدحسن بن ملا محمدحسین گلپایگانی عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان آقا نجفی اصفهانی و غیره بوده و در حدود ۱۳۱۵ وفات نمود

(تو ۱۳۶۸ –۱۲۸۸ ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. در گلپایگان به دنیا آمد و در همان شهر نشوونما یافت. در حدود ۱۳۰۵ ق به اصفهان رفت و در محضر درس حکیم معروف، میرزا جهانگیرخان قشقایی، و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمد علی تویسرکانی و سید محمد باقر درچه‌ای و آقا نجفی اصفهانی و برادرانش، آقا نورالله و ثقه‌الاسلام، حاضر شد و حدود ده سال در آن شهر به کسب علم پرداخت. او همچنین در تهران نزد شیخ فضل‌الله نوری تلمذ کرد. در ۱۳۱۶ ق به گلپایگان بازگشت و به تدریس و تصنیف و سایر امور دینی پرداخت. وی در قم مدفون است. از آثار منظوم و منثور وی: «گنجینه‌ی گهر» یا سخنان پیغمبر (ص)،

شعر؛ «گنـج عرفان» یا سـخنان امیر مومنان (ع)؛ «مصـباح الفلاح و مفتاح النجاح»؛ «نفایس العرفان»؛ «دیوان» شـعر، حـدود پانزده هزار بیت؛ «صـافی نـامه» یا «فیض ایزدی»، در پاسـخ احمـدی؛ «بشارت میلادیه»؛ «اشـعار شـیوا»، در رد باب و بها؛ «گنـج دانش»، پنـدنامه، شعر.[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۴۱ / ۲۴، ۱۱۶ / ۲۱، ۲۳۹ / ۱۸، ۵ / ۱۵، ۵۸۵ / ۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۲ –۳۳۱ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۲ –۴۲۱ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۱ / ۲).

صالح، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن صالح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳در شـهر قم به دنیا آمـدم سال ۱۳۵۷به تهران رفته تحصـیلات ابتدایی را در مدرسه فلق شهرسـتان شـمیرانات و دوران راهنمایی را در مدرسه مهدی و دوران متوسـطه را در هنرستان فنی فیضیه در رشته راه و ساختمان به پایان رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه ملا محمـد جعفر معروف به مـدرسه علمیّه آیت الله مجتهـدی شـده و مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را فرا گرفتم.

همزمـان با ورود به حوزه در سال ۷۲ وارد دانشـگاه شده دررشـته الهیات ادامه تحصیل دادم. با ورود به دانشگاه نشریه معراج قلم را در بسـیج دانشـجویی منتشر کرده به صورت سراسری در سطح دانشگاه های کشور توزیع شد. سال ۷۳ به حوزه علمیّه قم وارد شده دروس مقدماتی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴اولین مقاله خودم را قلمی نمودم . آن زمان در حالی که مشغول به تحصیل کتاب مغنی بودم با مرحوم دکتر محمّد حسین روحانی مناظره مطبوعاتی انجام داده پیرامون آیاتی از قرآن کریم مباحثه مکتوب انجام دادیم.

حاصل این نقد و پاسـخهای آن در فصـلنامه بینات به چاپ رسـید. چاپ این نوشتار سر آغازی میمون و مبارک در امر نویسندگی و پژوهش بود و از آن زمـان تـا به امروز مقالات و کتب متعـددی را به زیور طبع آراسـته ام. پس از پایان دروس مقـدّمات بخشـی از رسائل و مکاسب را از محضـر آیت الله رسولی تهرانی وبخشـی را نزد آیت الله موسوی خوئی فرا گرفتم. کفایه را از درس حضـرت حجّت الاسـلام و المسـلمین سیّد احمد خاتمی و شـرح اشارات را از محضـرحجّت الاسلام و المسلمین فیاضی و نیز شرح اسفاررا از محضـر ایشان استفاده نمودم. پس از اتمام دوره سطح دردرس فقه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و درس اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

ازهمـان سالهای نخست طلبگی به واسـطه شـدت علاقه ای که به حضـرت آیت الله جوادی آملی داشـتم به صورت مـداوم در درس تفسیر ایشـان شـرکت کرده بیش از هزار نوار درس ایشان را پیاده و تایپ کردم. هم اینک نیز به عنوان کارشـناس مسائل سیاسـی و تاریخی در جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم مشغول به فعّالیّت بوده در کنار آن نیز مشغول دروس خارج فقه و اصول می باشم.

صالحپور، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله صالحپور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگی نامه اینجانب مدت ۵۰ سال به عنوان واعظ شهیر شهر در مجالس و مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان عزاداری کرده ام و افتخارم این است که توانسـته ام عمرم را در این راه سپری می کنم از طرف دانشگاه های اصفهان و تهران و مراکز حوزه ی علمیه های قم و اصفهان و دانشگاه های آزاد شهرضا، مجلسی، دهاقان، پیشنهادهایی برای تدریس ارائه شد که اینجانب منبر را بر تدریس ترجیح دادم بنابراین زندگینامه اینجانب وقف حسـین بن علی علیه السـلام آقا و سـرورمان شده است و در اکثر شهرسـتان های ایران منبر رفته ام.

صالح‌رشتی، صالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۳۱۱ق.، رشت.

درگذشت: ۱۱ فروردین ۱۳۵۹.

سید صالح صالح، فرزند سید عبدالوهاب صالح ضیاء بری، در سال ۱۳۲۲ ق.، از عتبات به رشت مراجعت نمود. در آن وقت رشت از مرکز حوزه‌ی علمیه بود و آقا سید عبدالوهاب نیز به جمع مدرسین حوزه‌ی علمیه رشت پیوست. سید صالح به همراه پدرش پس از صدور فرمان مشروطیت و تأسیس انجمن‌های ملی و ایالتی جدید در رشت، در اکثر این انجمن‌ها سمت ریاست و نیابت ریاست را داشتند و فعالانه شرکت می‌کردند. در جریان استبداد صغیر به همراه پدرش، بیش از یک ماه در مشهد تبعید بود و پس از مراجعت به گیلان، ناگزیر به اقامت در ضیاءبر شد.

پس از التیماتوم روس در سال ۱۲۹۰، و پیاده شدن قوای روسی در انزلی، نکراسف کنسول روس دستور بر هم ریختن چاپخانه‌های جراید ملی را داد. مأموران وی در یورش و حمله به خانه‌ی مجاهدین و علماء به خانه سید صالح ریختند و تمامی اوراق و اسناد و مکاتبات را به آتش کشیدند. در این واقعه تألیفات اجداد سید صالح از میان رفت و خود او را به همراه عده‌ای دستگیر و از راه پیله بازار به انزلی و از آنجا به کشتی به بادکوبه فرستادند و در زندان قرامات محبوس کردند.

در اوایل ماه صفر ۱۳۳۰ ق. برابر با بهمن ۱۲۹۰، زندانیان را به رشت آوردند و در کنسولگری روس زندانی کردند. سپس آنها در دادگاهی که از قزاقان ساخلوی رشت تشکیل شده بود، محاکمه کردند. در این محاکمه چند نفر به اعدام محکوم شدند که سید صالح نیز جزو آنها بود، ولی همان شب محکومیت، هیئتی برای تشکیل دادگاه و رسیدگی به موضوع به رشت آمد. حکم را نقض و هر یک را به نحوی محکوم به تبعید یا زندان کردند.

در ۱۹ صفر همان سال (۱۲۹۰)؛ سید صالح به همراه پدرش از راه بادکوبه، راستوف، اودسا و دریای سیاه به استانبول فرستاده شدند و به مدت پنج سال به حال تبعید در خارج از ایران بودند. پس از دو ماه توقف در استانبول، به بیروت و دمشق رفتند.

در دوره‌ی نهضت جنگل که اتحاد اسلام نامیده می‌شد و تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت، سید صالح در تشکیلات قضایی آن بود. پس از انحلال سازمان اتحاد اسلام، و جنگل، دولت ایران تشکیلات قضایی جنگل را محترم شمرد و از جمله سید صالح را به خدمت قضایی پذیرفت.

سید صالح در سال ۱۲۹۷ رسما وارد وزارت عدلیه شد و در اواخر حیات به ریاست شعبه‌ی دیوان عالی کشور رسید. در زمان سرپرستی اداره‌ی حقوق وزارت دادگستری، مجموعه قوانین موضوع کشور را تدوین و به چاپ رساند.

ترجمه‌ها و مقاله‌های او در مطبوعات گیلان و تهران از قبیل مجله‌ی «فرهنگ»، مجله‌ی «فروغ»، و روزنامه‌های «بدر منیر» و «صورت» چاپ رشت و مجله‌ی «ماه نو» چاپ تهران، انتشار یافته است. سید صالح طبع شعر هم داشت و گاهی به فارسی و گیلی اشعاری می‌سرود.

سید صالح در یازدهم فروردین ۱۳۵۹ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صالحی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد صالحی

محل تولد : خمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

جواد صالحی هستم در ششم شهریور سال ۱۳۵۰ در روستای قلعه بردی از توابع الیگودرز متولد شدم.پیشه مردم آن منطقه، در آن زمان، دامداری و کشاورزی بود، گرچه اکنون معدنکاری هم به آن اضافه شده است.تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم، با معلمانی که از آب زلال تر بودند و آقایان گودرزی، جوادی و عسکری. و تا سوم راهنمایی را هم در مدرسه شهید مفتح الیگودرز طی کردم. پس از آن، متأثر از شهید رحمان حیدری سر به تحصیل در حوزه سپردم، چند سالی درشهرستان الیگودرز و سپس راهی دیار قم. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ را در این شهر سکنی گزیدم.همه این ایام را با مطالعه شعر و ا دبیات فارسی و کلام جدید طی کردم و در کنار آن، سطح حوزه را تمام کردم و چند سالی هم مدیر واحد فرهنگی و ادبی دفتر تبلیغات بودم. از سال ۱۳۸۰ هم به تهران کوچیدم و همراه با دوستان، از جمله دکتر دیباجی و صادق رحمانی، با رادیو فرهنگ همکاری کردم. این همکاری همچنان ادامه دارد...در سال ۷۷ اولین نوشته من، که نقدی بود بر مجموعه اشعار خانم فاطمه راکعی، با اسم مستعار در

روزنامه کیهان منتشر شد. پس از آن هم چند بار دیگر، به همان شیوه، برای آن رونامه مطلب نوشتم و این آغازی بود بر همکاری با روزنامه ها(جمهوری اسلامی، اطلاعات، و یکی دو مورد).چند باری هم برای مجلات(آینه پژوهش، اربستان و...) مطلب نوشتم. شعرهایی هم اینجا و آنجا، در همین ایام، می خواندم یا نشر می دارم. در این مدت، چندین نقد و مطلب هم برای مجله شعر تحریر کردم.از تو می گویم ای بشارت مشکل، عنوان بلند کتاب مختصری است که گزیده ای از شعرهای مرا دربر می گیرد و توسط نشر همسایه در سال ۱۳۸۱ منتشر شد.گزیده نقد و نوشته های گذشته را هم تدوین شده که اگر شد به علاقمندان به این گونه مباحث تقدیم شود. آنچه را که پس از سال ۸۱ سروده ام نیز در دفتری گرد آورده ام که شاید همین روزها در معرض داوری شعر دوستان قرار دهم.

صالحی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن صالحی حاجی آبادی

محل تولد : حاجی آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن صالحی حاجی آبادی در سال ۱۳۴۸در روستای نمونه کشور،حاجی آباد از توابع نجف آباد اصفهان متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در همان روستا گذراندم وبعد از گرفتن سیکل وارد حوزه علمیه نجف آباد شده وهمزمان با آن به جبهه های جنگ اعزام شدم. در سهای مقدماتی صرف ونحو تا معالم را در آن حوزه سپری کردم وسپس وارد حوزه علمیه قم شدم ودروس لمعه واصول به بالا-را نزد اساتیدی چون آقایان : حسینی خراسانی ،صفائی ،طاهری مازندرانی ،و...گذراندم . سپس به درس آیت الله علوی بروجردی شرکت کرده ولی به علت بیماری وجانبازی چند سالی از دروس حوزه محروم شده وتوفیق شرفیابی نزد اساتید را نداشته ود راین سالها بیشتر به ادبیات فارسی ،قصه ،داستان وشعر کودک ونوجوان ودفاع مقدس پرداختم وهم اکنون در این زمینه ها بیشتر فعالیت می نمایم .

صالحی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا سید محمد صالحی امام جماعت مسجد جامعه بابلسر سالهای متمادی است که در این منطقه که تابستان تاریکی از جهت مسافرین دریائی دارد بوظائف دینی و روحی خود اشتغال دارد.

معظم‌له از سادات اصیل و نجیب و ریشه‌دار بابلسر است که در خاندانی توانگر و متمکن بدنیا آمده و والدش که در سلک تجار و مالکین محترم آن سامانست ویرا برای تحصیل علوم قدیمه پس از فراغت از علوم روز و جدید تشویق نموده و ایشان مدتی در بابل آنگاه مراجعت بمشهد مقدس نموده و سطوح وسطی و نهائی را نزد مدرسین حوزه مشهد خوانده و بعد از آن بقم آمده و چند سالی از محضر آیات عظام و مراجع کرام حوزه آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی گلپایگانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و سایرین فقها و اصولا استفاده نموده و بعد بوطن مراجعت و تاکنون بانجام وظائف و خدمات دینی مشغول میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

صالحی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۰، اردبیل.

درگذشت: ۱۳۷۲.

محمود صالحی در کودکی پدر خویش را از دست داد و حاج صالح، نیای او، تربیت و حمایت از وی را به عهده گرفت. وی تحصیلات ابتدایی خود را در شهرستان اردبیل انجام داد و برای ادامه‌ی تحصیل خود به تهران آمد و علوم شرعیه را در سطح، در مدرسه‌ی مروی تهران به پایان رساند. آیت‌الله ابوالحسن شعرانی از استادان او بود.

محمود صالحی فعالیت مطبوعاتی خود را قبل از سال‌های سی آغاز کرد. امتیاز روزنامه‌ی «بهار آذربایجان» در ۱۳۳۰ صادر شد. بعد

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ «بهار آذربایجان» تعطیل شد. این نشریه پس از بیست و پنج سال تعطیلی، سرانجام پس از انقلاب اسلامی، مجددا منتشر شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صائغ رامهزری، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ۳۱۲ ق)، نحوی، لغوی و شاعر. در نحو، لغت، ادب و شعر استاد بود و شعر را نیک می‌سرود. ابوهاشم بن ابوعلی جبائی نزد او تلمذ کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۳۴۳ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۶۷ -۶۵ / ۱۴).

صبا، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۸۵ ش)، فهرست‌نویس، روزنامه‌نگار، مترجم، نویسنده و استاد دانشگاه. از نوادگان فتحعلی‌خان صبا بود. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های فرانکوپرسان، دارالفنون و سپس علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه دانشجویان اعزامی به اروپا، به فرانسه رفت و در پاریس از دانشکده‌ی حقوق درجه‌ی دکتری دریافت کرد. همچنین دوره‌ی مدرسه‌ی عالی شارت را که مخصوص تعلیمات مربوط به آرشیو، بایگانی و کتابداری است، در آن دیار گذراند و دیپلم آنجا را کسب کرد. صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است. وی در روزنامه‌هایی چون: «شفق سرخ»، «نوبهار»، «عصر اقتصاد» و «کیهان» مقالات متعددی نوشته و مدت ده سال سردبیر مجله‌ی «بانک ملی ایران» بود. او مؤسس انجمن دوستداران کتاب بود و شماری از آثار پیشینیان را به سبکی زیبا و دلپسند انتشار داد. صبا استاد کرسی آمار دانشکده حقوق و استاد بایگانی و روش تحقیق در دانشکده‌ی ادبیات بود. او کتابسشناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد و کتابهای فرانسه راجع را به ایران را فهرست کرد و مطالبی راجع به ایران در ادبیات فرانسه گردآوری کرد. از دیگر آثار او: «آزلزین»، ترجمه؛ «اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی»؛ «اصول بایگانی»؛ «اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی‌و خصوصی»؛ «گلهای حافظ»، ترجمه؛ «یکی بود یکی نبود»، ترجمه. از جمله‌ی خدمات دکتر صبا پایه‌گذاری کتابخانه‌ی بانک ملی ایران بود.[۱]

کتاب شناس.

تولد: ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۷۱، سن‌دیه‌گو (آمریکا).

محسن صبا تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های «فرانکو پرسان» و دارالفنون و سپس مدرسه‌ی علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه گروهی از محصلین اعزامی به فرانسه رفت و توانست دانشکده‌ی حقوق پاریس را بگذراند و درجه‌ی دکتری دریافت کند. همچنین مدرسه‌ی عالی شارت را در آن دیار ببیند و دیپلم آنجا را به دست بیاورد. مدرسه‌ی شارت مخصوص تعلیمات مرتبط به آرشیو، بایگانی و کتابدای است و صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است.

کار علمی وی در پاریس که منجر به دریافت درجه‌ی علمی و دکتری شد گردآوری فهرستی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی بود که به زبان فرانسوی درباره‌ی ایران در سراسر جهان نشر شده بود. دکتر صبا برای به سرانجام رسانیدن این کار مدت‌ها در کتابخانه‌های فرانسه به جستجو پرداخت تا عاقبت کتاب‌شناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد که در سال ۱۹۳۶ در پاریس به چاپ رسید. صبا پس از بازگشت به ایران نخست در بانک ملی ایران به کار پرداخت. از اقدامات مهم او پایه گذاری و مجموعه‌سازی کتابخانه‌ی بانک ملی در سال ۱۳۱۶ است. دکتر صبا توانست فهرست کتابخانه‌ی ملی را در سال ۱۳۲۴ به چاپ برساند. صبا مدت ده سال ریاست اداره‌ی آمار و بررسی‌های اقتصادی همان بانک را داشت و در این مدت بود که مجله‌ی «بانک ملی» زیر نظر او منتشر می‌شد که به مقاله‌های تخصصی آماری و اقتصادی اجتماعی اختصاصی داشت. کم‌کم همزمان با ادامه‌ی کار در بانک، به تدریس در دانشگاه پرداخت و به استادی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی رسید، تا این که پس از سی سال تدریس بازنشسته شد.

وی کتابی درباره‌ی فن کتابداری در سال ۱۳۳۳ منتشر نمود. وی کتابی هم درباره‌ی بایگانی و کتاب دیگری درباره‌ی آمار اقتصادی نوشت. وی همچنین انجمن دوستداران کتاب را تأسیس نمود. دکتر صبا پس از تشکیل یونسکو نخستین کتابداری بود که به دعوت آن مؤسسه‌ی سفری به اروپا رفت (سال ۱۳۳۲) و تحولات جدید کتابداری را پس از جنگ دید. گروه ملی کتابشناسی ایران وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را با همکاری دکتر مهدی بیانی، محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار تأسیس نمود. دکتر صبا بر سه کتاب منتشره این گروه مقدمه دارد (کتاب شناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا از ایرج افشار، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران از محمدتقی دانش‌پژوه و فهرست مقالات فارسی جلد اول از ایرج افشار). تأسیس کمیته بایگانی ملی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو در سال ۱۳۳۸ کار دیگری بود

که با همکاری دیگران انجام داد. از آثار اوست:

Bibliographie francaise de Iran paris ۱۹۳۵

Tehran ۱۹۵۱ Tehran ۱۹۶۶ (english)

Biblioraohy of Tehran ۱۹۶۵

فرهنگ بیان انـدیشه‌ها (تهران، ۱۳۶۶)؛ صـدای انسانی (از ژان کوکتو، تهران، ۱۳۳۸)؛ یکی بود یکی نبود (از فرانسـیس دوکرواسه، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۳۸)؛ گل‌هـای حافظ (از هانری گی، با نقاشـی‌های لیلی تقی‌پور)؛ ترجمه‌های کوتاه دیگر دارد که در فهرست‌های کتاب‌های چاپی تألیف خانبابا مشار به نامهای آرلزین، آنترموز، تیستین، ستارگان، گردش آمده است، مسافرت به ایران (از الکسـیس سولتی کف دیمیتریویج، تهران، ۱۳۳۶)؛ زیبایی‌های ایران (آنـدره دولیه دولند، تهران، ۱۳۵۵)؛ اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تهران (۱۳۳۳)؛ اصول بایگانی (۱۳۳۳)؛ اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی (۱۳۳۴).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینـده (س ۱۹، ش ۳ -۱، ص ۲۳۴ -۲۲۳)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۴ -۱۸۳ / ۴)،کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۱ -۲۲۹ / ۵).

صباحی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر و منشـی. وی از شاعران و منشیان هرات بود که در روزگار اکبر شاه گورکانی (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و در آن سامان ملازم بیت‌الانشاء شد. پس از مدتی اقامت در هندوستان، به زادگاهش بازگشت. صباحی علاوه بر مهارت در فن انشاء، در سرودن شعر، بویژه غزل نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۴)، تذکره روز روشن (۴۶۹).

صباربیارانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۹۵، بیساران (از قراء دهستان ژاورود، سنندج).

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۵۸.

علی بن احمـد بن محمـد مشـهور به «صـبار» پس از دوران کودکی به درس خواندن علاقه‌مند شد، لذا نزد ملای زادگاهش قرآن را فراگرفت و کتب اخلاقی و دینی را آموخت. برای تکمیـل معلومـات به روسـتاهای مجـاور (هویه و اویهنـگ) که مرکز نشـر دین و دارای مـدرس و مـدرسه بودنـد رفت. مدتی در محضـر سـید عنایت مدرس هویه و اسـتادان دیگر مدارس ژاورود و اورمان اسـتفاده نمود و مقـدمات فقه و علوم صـرف و نحو و منطق را آموخت. سـرانجام به قصد تکمیل و تحصـیل علوم به عراق رفت و به سـلیمانیه وارد شـد، و در مـدرسه‌ی مولانا خالـد و مـدارس دیگر این شـهر مشغول درس گردید. بعد به کرکوک رفت و در مدرسه‌ی خانقاه طالبانی مشـغول تحصـیل شد. پس از فراغت از تحصـیل و دریافت شـهادتنامه یا اجازه افتاء و تدریس مدت‌ها در سلیمانیه و بغداد به خدمت دولتی مشغول گردید و به موازات کار و اشتغال زبان انگلیسی را یاد گرفت. در حدود ۱۳۲۵ به ایران بازگشت و در سنندج اقـامت گزیـد. بـا گذرانـدن امتحان به دریافت دیپلم معقول و منقول نایل شـد. در وزارت آموزش و پرورش اسـتخدام گردیـد و در دبیرسـتان‌ها به تـدریس زبـان انگلیسـی و فقه پرداخت. پس از بیست و پنـج سال خـدمت تـدریس و تعلیم بالاخره در سال ۱۳۵۰ به بازنشسـتگی نایـل شـد. از آن بـه بعـد بـه مطـالعه و تحقیـق و ترجمـه و تـألیف پرداخت، کتاب‌هـای التقریب (فتـح القریب)؛ ده روز زندگانی حضـرت محمد (ص)؛ سفینهٔ‌النجاهٔ، قصهٔ‌الایمان؛ فقه السنه؛ فلسفه‌ی علم قرآن و اسرائیلیات را ترجمه کرد که دو کتاب اول در زمان حیات مترجم چاپ گردید.

ملا علی صباربیارانی در اردیبهشت ۱۳۵۸ در حالی که از بیماری آسم و تنگی نفس رنج می‌برد، جان سپرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صبحی مهتدی، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۱ ش)، نویسنده. در شهر کاشان به دنیا آمد. نیای او، حاجی ملا علی اکبر، از دانشمندان مسلمان بود. در شش سالگی نزد پدر کتب مذهبی می‌خواند و روزها نزد زنی خواندن و نوشتن فارسی یاد می‌گرفت. سپس در آموزشگاه تربیت بهاییان به تحصیل

پرداخت و در بیرون از آموزشگاه نزد مبلغین بهایی تحت تأثیر آنان قرار گرفت.

پس از مدتی، پدرش او را به قزوین فرستاد و در آنجا با یکی از مبغلین بهایی به زنجان و از زنجان به آذربایجان و از آنجا به تفلیس و باکو و عشق‌آباد و بخارا و سمرقند و تاشکند و مرو سفر کرد و بعد به ایران بازگشت و از فرقه‌ی بهایی تبری جست و مورد کینه و دشمنی آنان قرار گرفت. تا این که در ۱۳۱۱ ش در آذربایجان با مشهدی محمد حسن آقا محبوب علیشاه، از اقطاب سلسله‌ی نعمت‌اللهی، در مراغه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و در جرگه‌ی درویشان درآمد. وی سالها آموزگاری مدرسه‌ی سادات و آموزگاری مدارس آمریکایی و غیره را به عهده داشت. او در ۱۳۱۹ ش گفتارهای خود را در رادیو آغاز نمود. و از آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرایی و قصه‌خوانی می‌کرد وی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت، اما بی‌نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران وفات یافت و در مقبره‌ی ظهیرالدوله به خاک سپرده شده.از تألیفات وی: «افسانه‌ها»؛ «افسانه‌های باستانی ایران و مجار»؛ «افسانه‌های بوعلی»؛ «افسانه‌های کهن»؛ «پیام پدر»؛ «داستانهای ملل»؛ «داستانهای دیوان بلخ»؛ «کتاب صبحی»؛ «خاطرات صبحی درباره‌ی بهاییگری».[۱]

فضل‌اللّه بن محمد حسین مهتدی (ف. تهران ۱۳۴۱ ه.ش. / ۱۹۶۲ م.) وی نواده حاج ملاـ علی کاشانی است. پدرش در تهران بازرگان بود. در شش سالگی از مادر جدا شد. چون به سن رشد رسید به آموزشگاه تربیت رفت و در آنجا نزد میرزا عزیزاللّه خان مصباح مقدمات علوم را فراگرفت. بیست ساله بود که از راه آذربایجان به قفقاز و گرجستان و از آنجا به ترکیه و بیروت و فلسطین سفر کرد و چند سال در آن نواحی اقامت داشت. سپس به ایران بازگشت و نزد شریعت سنگلجی به تحصیل پرداخت و در مدرسه آمریکایی به تدریس زبان فارسی مشغول شد. در سال ۱۳۱۹ ه.ش. به رادیو ایران معرفی گردید و مدت ۲۰ سال برنامه جالب توجه «قصه کودکان» را شخصا اداره کرد. وی رسایلی راجع به داستانهای ملی و خارجی منتشر کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۱۴۹ –۱۴۸)، از نیما تا روزگار ما (۴۶۴ –۴۶۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۳ / ۲ ،۱۳۳۹، ۱۲۳۶، ۶۳۴، ۲۹۵، ۲۹۳، ۲۹۲ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۸ –۸۵۷ / ۴).

صبحی، فضل الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فضل‌الله صبحی مهتدی ،در شهر کاشان به دنیا آمد.وی سالها آموزگاری مدرسه سادات و آموزگاری مدارس آمریکایی و غیره را به عهده داشت. او در ۱۳۱۹ش گفتارهای خود را در اردیو آغاز نمود. واز آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرائی و قصه خوانی میکرد وی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت, اما بی نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران در سال ۱۳۴۱ش وفات یافت و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده و داستانگوی کودکان

والدین و انساب : فضل‌الله مهتدی شناخته شده به صبحی، نوهٔ حاج ملا علی‌اکبر از روحانیان کاشان بود. پدرش محمد حسین در تهران پیشه بازرگانی داشت

خاطرات کودکی : صبحی شش ساله بود که پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند. این رخداد، برای او بسیار ناگوار بود. فضل‌الله و خواهرش با پدر و نامادری زندگی می‌کردند. صبحی در خاطرات کودکی‌اش می‌نویسد: هفته‌ای یک بار، شب‌های آدینه به دیدن مادر می‌رفتیم. شب در آغوش مادر می‌خفتیم و مادر برای ما افسانه‌های شیرین می‌گفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فضل‌الله صبحی مهتدی در شش سالگی نزد پدر کتب مذهبی میخواند و روزها نزد زنی خواندن و نوشتن فارسی یاد میگرفت. سپس در آموزشگاه تربیت بهائیان به تحصیل پرداخت و در بیرون از آموزشگاه نزد مبلغین بهائی تحت تأثیر آنان قرار گرفت. پس از مدتی, پدرش اورا به قزوین فرستاد و در آنجا با یکی از مبلغین بهائی به زنجان و از زنجان به آذربایجان و ا آنجا به تفلیس و باکو وعشق آباد و بخارا و سمرقند و تاشکند و مرو سفر کرد و بعد به ایران بازگشت .

استادان و مربیان : پدر صبحی او را برای آموزش نزد زنی بنام آقا بیگم می‌فرستاد.

وقایع میانسالی : صبحی در سال ۱۳۰۵، پس از اقامت دوازده ساله نزد عبدالبهاء و تحریر و انشای مکاتبات وی، به ایران اعزام گردید. در ایران تغییراتی در فکر و اندیشه او پدید آمد و با توجه به عملکرد رهبری بهایی‌گری که خود شاهد عینی آن بوده، از آن فرقه جدا شد و اسلام آورد و به نشر اندیشه انسان دوستانه و اخلاق اسلامی و به بیان حقایق بهایی‌گری پرداخت. این تغییرات فکری --- روحی یکی از برجسته‌ترین مبلغان بهایی‌گری سبب آن شد که وی از طرف بهاییان تکفیر و تفسیق شود. چنان‌که خود نگاشته پس از این رویه‌ای خصومت‌آمیز با وی در پیش گرفتند، تصمیمات بسیاری در مورد وی اتخاذ گردید و حتی دایره فشار را بر خانواده‌اش هم گستراندند و از سوی پدر – که بهایی بود – هم طرد گردید. صبحی علی‌رغم آنکه بسیار به سختی افتاده بود، چندی سکوت اختیار کرد تا بلکه موجب فراموشی موضوع گردد و زندگی گوشه‌گیرانه‌ای در پیش گیرد، ولی بهاییان دست از وی برنداشتند و در اذیت و آزارش کوشیدند تا اینکه وی برای دفاع از خود و بیان حقایق و علل برگشت خود از بهایی‌گری، مجبور شد شرح دگرگونی و خاطرات دوران بهایی‌گری و فعالیتهایش را بنگارد و ناگفته‌های درون این فرقه را فاش نماید. هرچند وی از بهاییت به آغوش اسلام بازگشت و پرده از کار سران آن برداشت – همچنان که خود نوشته – اما بغض و عداوتی با اهل بهاییه

نداشت و تلاش نموده است از منظر فردی آشنا به حقایق، موضوع را طرح و مورد بحث قرار دهد و در این راستا باید نگرش و دوری وی از حبّ و بغض شخصی را ستود و از این‌رو در صداقت و امانت وی نمی‌توان تردید روا داشت. برهمین اساس کتاب او روایتی جالب، جذاب و خالی از یکسونگری عنادآمیز است که نه از طرف مقابل ایشان، بلکه از جانب یکی از مبلغان برجسته و محرم اسرار و منشی مخصوص عبدالبهاء، کاتب وحی! و واسطه فیض حق و خلق! به نگارش درآمده است، آن هم نه از سر عناد و خصومت، بلکه از سر کشف حقیقت. علی‌رغم رویگردانی کامل صبحی از بهاییت، چون مورد اعتماد و محرم‌اسرار عبدالبهاء (عباس افندی) بود، همه اسرار را افشا نمی‌سازد و خود در این باره چنین استدلال می‌کند که: (تمام این اسرار را که عبدالبهاء به صرف اعتماد و راستی و درستی من مکتوم نمی‌داشت، افشا نمی‌نمایم تا گذشته از اینکه نفس عمل محمود و ممدوح است، ظن او نیز بر امانت من نزد اهل خرد فاسد نگردد و هم در نزد آزادمردان از مردی و اهلیت دور نباشیم.)

زمان و علت فوت : فضل‌الله صبحی مهتدی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت, اما بی نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران در سال ۱۳۴۱ش وفات یافت و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زندگی صبحی بسیار پرماجرا و مملو از فراز و نشیب‌های عجیبی است. او شرح زندگی خود را در (کتاب صبحی) و (پیام پدر) به تفصیل نوشته است و چنانکه خود شرح می‌دهد، سالیان درازی را در قفقاز، عشق‌آباد، بخارا، سمرقند، تاشکند و مرو گذرانده و سپس به ایران آمده و در ایران هم تقریباً به اغلب نقاط سفر کرده و در همه جا به عنوان مبلغ با هوش بهائیان به شمار رفته است.صبحی پس از خاتمه جنگ جهانی اول، برای دیدن عبدالبهاء از راه بادکوبه و استانبول و بیروت به حیفا رفت و در آنجا مقرب درگاه شد و سالها کاتب عبدالبهاء گردید. وی پس از سالها، بنابه عللی که در کتابش شرح داده، از این دار و دسته سیاسی وابسته به استعمار بین‌المللی، کناره گرفت و در عسرت مادی فراوانی به سر برد تا آنکه سرانجام به عنوان آموزگار استخدام شد و بعدها در اداره انتشارات و رادیو، برنامه کودکان را تنظیم می‌کرد و برای بچه‌ها قصه‌های شیرینی می‌گفت که مورد توجه همگان بود.صبحی در جمع‌آوری قصه‌ها و آداب و رسوم ایرانی، زحمات زیادی کشید و به همین جهت به عضویت (انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی) انتخاب شد. صبحی اهل قلم و ادب و هنر بود و خط بسیار خوش و زیبایی داشت وی در ۱۳۱۱ ش در آذربایجان با مشهدی محمد حسن آقا محبوب علیشاه, از اقطاب سلسله نعمت‌اللهی, در مراغه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و در جرگه درویشان درآمد. او در ۱۳۱۹ش گفتارهای خود را در اردیو آغاز نمود. واز آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرائی و قصه خوانی میکرد

چگونگی عرضه آثار : بعضی از تالیفات او چندین بار تجدید چاپ شده و بعضی هم به زبان‌های خارجی از جمله: لمانی، چکی و روسی ترجمه شده است --

------

آثار :

۱ افسانه‌ها

ویژگی اثر : (در دو جلد ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵)

۲ افسانه‌های باستانی ایران و مجار

ویژگی اثر : (۱۳۳۲)

۳ افسانه‌های بوعلی

ویژگی اثر : (۱۳۳۳)

۴ افسانه‌های کهن

ویژگی اثر : (در دو جلد ۱۳۲۸ و ۱۳۳۱)

۵ پیام پدر

ویژگی اثر : (۱۳۳۵)

۶ حاج ملا زلفعلی

ویژگی اثر : (۱۳۲۶)

۷ خاطرات صبحی در باره بهائیگری

۸ داستانهای دیوان بلخ

ویژگی اثر : (۱۳۳۱)

۹ داستانهای ملل

ویژگی اثر : (۱۳۲۷)

۱۰ دژ هوش‌ربا

ویژگی اثر : (۱۳۳۰)

۱۱ عمو نوروز

ویژگی اثر : (۱۳۳۹).

۱۲ کتاب صبحی

ویژگی اثر : (۱۳۱۲ - ۱۳۴۲)

صبری حلوایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید صبری حلوایی

محل تولد : آذرشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۸

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۵ هفتم مهر در آذرشهر متولد شدم. هفت سالگی وارد دبستان بیژن آذر شهر شدم. سال۱۳۴۷ وارد دبیرستان آذرشهر شدم.سال ۱۳۵۱ وارد دبیرستان توحید شیراز شدم. ۱۳۵۶ در رشته طبیعی دیپلم گرفتم. سال ۱۳۸۳ در جشنواره مبتکران ـ مخترعان ـ نو آوران و ممتازین دانشجوی بسیجی به عنوان ممتاز علمی شناخته شدم در همان سال و همان جشنوار با کسب مقام اول پروژه کارشناسی ارشد ممتاز پروژه نیز معرفی شدم سال ۱۳۸۴ برگزیده مؤلف نمونه در همایش اهل قلم سازمان صدا و سیما تجلیل شدم. در پاییز سال ۱۳۸۴ به عنوان برگزیده کنگره بین‌المللی روابط عمومی و در بهار همان سال برگزیده کنگره بین‌المللی جنبش نرم‌افزاری که در سالن اجلاس سران سال ۸۴ برگزار شد معرفی شدم.

در جشنواره‌های گوناگون تحقیقاتی سازمان صدا و سیما رتبه‌های پژوهش برتر را اخذ نمودم از جمله:

الف: جشنواره هفتم شیراز اردیبهشت ۷۶ با پژوهش بیوگرافی شهید آیت الله قاضی.

ب: در جشنواره ۱۲ یزد با پژوهش نهضت خدمات رسانی.

ت: در جنشواره ۱۳ تبریز با پژوهش نهضت پاسخگویی به مطالبات مردم.

ج: در جشنواره ۱۴ که در اصفهان برگزار شد ۳ عنوان پژوهش تا مرحله عالی داوری راه یافت با عناوین.

۱. معراج. ۲. مشارکت عمومی. ۳. کندوان بهشت گمشده

ث: در جشنواره ۱۵ با پتروشیمی تحت عنوان و ماه بشکافت شق القمر معجزه پیامبر اعظم(ص)

فعلاً مدیر مسئول و صاحب امتیاز هفته نامه تبریز می‌باشم.

صبری، خلیل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، شاعر، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار. در سنندج به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به انجام رسانید و همزمان با آن به تصحیل علوم قدیمه نیز می‌پرداخت. پس از اتمام دوره‌ی متوسطه، موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته‌ی معقول و منقول گردید سپس به مشاغل زیر پرداخت: ریاست دادگاه، ریاست هیأت بازرسی، سرپرستی برنامه‌ی عشایر کرد و عضویت در شورای عالی عشایر. وی همچنین مؤسس روزنامه «صاعقه» بود.از آثارش: «روش دادرسی»؛ «طبقات الایات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۲۴۶ –۲۲۴۴ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۵۰ ،۱۷۸۰ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱ –۳۰ / ۳).

صبوری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی‌اکبر بن المرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمد صبوری قمی از علماء معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۴۴ قمری در قم متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و متون فقه و اصول را از علماء آن سامان تکمیل و چند سالی از محضر و درس خارج آیات عظام نجف مانند آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده و به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از چند سالی به تهران منتقل و در حوزه علمیه تهران (مدرسه مروی) بتدریس پرداخته و ضمنا شروع بتعمیر اساسی مسجد خیابان ناصر خسرو واقع در (در اندرون) که رو به ویرانی گذارده بود نموده و با مقاومت و استقامت عجیبی در مقابل سوداگران مسجد را با همت و مساعدت مردم خیر تهران و اصناف خیابان مزبور بصورت آبرومندی بنا و اکنون در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای صبوری از علماء فعال تهران و مورد توجه آیات عظام قم و نجف اشرف و تهران می‌باشد. آثار علمی چندی دارند که از آنها رساله‌ای در حکم و حرمت تراشیدن ریش است که در نجف بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

صحافیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی صحافیان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مهدی صحافیان در سال ۱۳۴۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد . از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت استاد در ایام تحصیل از محضر ستارگانی بزرگ همچون آیت الله مرتضوی،آیت الله مروی، آیت الله اشرفی و... کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"تقابل عقل و عشق در متون منصوب فارسی "دفاع کرد.ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است. نامبرده ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر پژوهش در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد مشغول می باشد.

صحبت، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) لاری (ملا) محمد باقر متخلص به صحبت، شاعر ایرانی (و. حدود ۱۱۶۲ ه. ق- ف. ۱۲۵۱ ه.ق.) وی از مردم بیرم لار (از توابع فارس) است. در آغاز در مدرسه قریه رونیز به تحصیل پرداخت. سپس به شیراز رفت و به فراگرفتن علوم مشغول شد. آنگاه به لار بازگشت و به امامت جماعت و تألیف رسایل پرداخت. وی در تاریخ و لغت فارسی و عربی و فنون ادب مهارت داشت. دیوان او حاوی بیش از ۳۰۰۰۰ بیت است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صحفی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صحفی، متولد سال ۱۳۱۳ شمسی در قم.

تحصیلات خود را در رشته‌ی علوم دینی در نزد اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم آیت‌اللّٰه صدوقی یزدی، آقای آقا میرزا علی مشکینی، سید موسی صدر، آقای سلطانی، آیت‌اللّٰه گلپایگانی و محضر درسی مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی انجام داد.

از سال ۱۳۴۱ شمسی بنا به دعوت شرکت سهامی سیمان فارس و خوزستان به درود منتقل و دفتر مذهبی آن شرکت و کتابخانه‌ی کارخانه سیمان را تأسیس نمود.

دفتر مذهبی سیمان درود یک سلسله نشریات علمی- مذهبی دارد که دو ماه یکبار منتشر می‌شود و به طور رایگان برای درخواست کنندگان سراسر کشور و خارج آن ارسال می‌دارد و کتابخانه‌ی سیمان، از کتابخانه‌های ممتازی است که در حدود پنج هزار جلد کتاب در رشته‌های مختلف دارد و به طور متوسط ماهیانه سه هزار نفر برای استفاده به آنجا مراجعه می‌کنند.

تالار ولی عصر (عج) و مسجد کارخانه سیمان هم جزء مجتمع مذهبی این شرکت است که به تمام وسائل، از تهویه‌ی مطبوع و سالن مجلل و مبلمان تمیز برای برگزاری کنفرانسها و مجالس علمی- مذهبی آماده است.

او علاوه بر سخنرانیهای مذهبی به تألیف و نشر حقایق اسلامی اشتغال داشته و تاکنون کتب زیر را نگاشته و منتشر نموده است:

۱- تعالیم آسمانی اسلام، در سه جلد.

۲- قصص قرآن، در دو جلد.

۳- سفر آسمانی، یک جلد.

۴- داستانهای تاریخی اسلامی، یک جلد.

۵- تحفهٔ الادبا یا بهار شعر و ادب، یک جلد.

و چندین کتاب را ترجمه نموده از آن جمله

۱- زندگانی رهبران اسلام (ترجمه‌ی انوار البهیه مرحوم محدث قمی ره).

۲- زندگانی اباعبداللّٰه الحسین (ترجمه‌ی اللهوف علی القتل الطفوف سید بن طاووس ره).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صحفی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صحفی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره مقدماتی (ادبیات عرب ، منطق و معانی بیان) را در مدرسه ناصریه مقابل مسجد جمعه قم نزد اساتید متعدد و مختلف گذراندم . قسمتی ازفقه را از محضر استاد فقید شهید صدوقی و سپس از محضر استاد آیت الله مشکینی و بخشی از اصول را از محضر استاد شهید امام موسی صدر و آیت الله سلطانی و دیگر اساتید استفاده نمودم . دردروس خارج آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی امام خمینی و دیگر مراجع را شرکت داشته ام . از تفسیر علامه فقید طباطبایی و دروس علامه بزرگوار نیز استفاده کردم .

صحیحی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از تحصیل دوره‌های ابتدایی و متوسطه به فرانسه رفت و در دانشسرای آنجا به تصحیل پرداخت. پس از اخذ مدرک بـه ایران بـازگشت. وی علاوه بر اشتغال بـه تـألیف و ترجمـه، به تـدریس مبـاحث تعلیم و تربیت و روانشناسی در دبیرستان فلاحت (کشاورزی) مشغول شـد. از آثار وی: «دستور آموزش برای دانشسرای مقدماتی»؛ «دستور تعلیم حساب مقدماتی»؛ «سفر هشتاد روزه بدور دنیا»، ترجمه؛ «کتاب فرانسه»، به مشاکرت وارسته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۵ -۲۶۱۴، ۲۰۰۱ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۶ -۴۸۵ / ۲).

صخری خوارزمی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۴۰۶ ق)، ادیب و شـاعر. وی از مفـاخر خـوارزم است که در ادب و فنـون شـاعری بسیار توانـا و زبردست بود. در جوانی به خـدمت صـاحب بن عبـاد رسـید و پس از کسب فضایـل به دربـار خوارزم بـازگشت. او را در فن نثر از اقران بـدیع الزمـان همـدانی دانسته‌اند. از آثار وی «دیوان» شعر، و چندین رساله می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۴۱۷ -۴۱۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، معجم الادباء (۳۱ -۱۹ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۱۲ / ۲).

صدر اصفهانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ش)، واعظ و خواننده. وی در خانواده‌ای روحانی، در اصـفهان به دنیا آمد. پدرش از خطبای با قریحه‌ی زمان خود و در اصل اهل خوانسار بود. عبدالحسین تحصیلات قدیم و جدید را در اصـفهان فرا گرفت. سپس به تهران رفت و با صدای خوشی که داشت از وعاظ و خوانندگان معتبر شد. صدر آواز دو دانگ را در حد اعلی می‌خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۶۷۹ -۶۷۸۲، ۴۰۱ / ۱).

صدر الافاضل خوارزمی، ابومحمد، قاسم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۷ -۵۵۵ ق)، ادیب، نحوی، فقیه حنفی و شاعر. مقلب به مجدالدین. وی در خوارزم به دنیا آمد. از ادبای نامی عصر خود که در نحو و خطب و فنون شعری و علوم ادبی و عربی وحید دهر بود. وی در فتنه‌ی تاتار کشته شد. از تألیفات وی: «بدایع الملح»؛ «التوضیح»، در شرح «مقامات» حریری؛ «الزوایا فی الخبایا»، در نحو؛ «شرح الابنیه»؛ شرح «الاحاجی» زمخشری؛ شرح «مفصل» زمخشری که سه گونه است: شرح وسیط و صغیر و کبیر به نامهای «سبیکه»، «مجمره» و «تجمیر»؛ «شرح النموذج»؛ «عجائب النحو»؛ «لهجه الشرع»، در شرح الفاظ فقهی؛ «المحصل»، در بیان؛ «ضرام السقط»، در شرح «سقط الزند»، شرح مشکلات «دیوان» ابوالعلاء معری.[۱]

(ع. پیشوای دانشمندان بخش ۲) قاسم بن حسین بن احمد خوارزمی نحوی حنفی مکنی به ابومحمد و ملقب به مجدالدین، ادیب ایرانی (مقت. ۶۱۷ ه.ق.). وی در نحو و خطب و فنون شعر و علوم ادبی عرب کم نظیر بود. اوراست: بدایع الملح، التجمیر (شرح کبیر کتاب مفصل زمخشری)، التوضیح (در شرح مقامات)، السبیکهٔ (شرح وسیط کتاب مفصل)، (الزوایا فی الخبایا) (نحو)، شرح الابنیهٔ، شرح الاحاجی (تألیف زمخشری)، ضرام السقط (شرح سقط الزند ابوالعلاء معری) و غیره. وی در فتنه مغول به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۸ / ۶)، ریحانه (۴۲۴ -۴۲۳ / ۳)، کشف الظنون (۱۷۹۰، ۱۷۸۹، ۱۷۷۵، ۱۶۱، ۹۹۳، ۹۹۲- ۹۵۶، ۲۳۰)، الکنی و الالقاب (۴۱۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر الافاضل)، معجم الادباء (۲۵۳ -۲۳۸ / ۱۶)، معجم المؤلفین (۹۸ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۸۵)، هدیه العارفین (۸۲۸ / ۱).

صدر الواعظین آزادانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

واعظ صالح زاهد، در رمضان ۱۳۶۰ به سن متجاوز از هفتاد سالگی وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدر حاج سید جوادی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. از مسئولین روزنامه‌ی اطلاعات بود. از آثارش: «داستانهای شگفت انگیز»، ترجمه؛ «گنجینه‌ی نثر فارسی»؛ «مقایسه سعدی و حافظ» از نظر غزلسرایی و سبک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۸۸ -۳۰۸۷، ۲۷۸۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۰ -۵۷۹ / ۲).

صدر، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال صدر

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال صدر در سال ۱۳۴۹ در شهرستان محلات متوّلد شدم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همانجا به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمّیه شدم و از محضر اساتیدی چون سیدطه مقدّسی، معصومی، عظیمی و دیگران بهره بردم. پس از اتمام دوره مقدّمات به شهرستان قم آمدم و در حوزه علمیّه قم ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۷۹ در مرکز تخصّصی تبلیغ مشغول به تحصیل شدم. درسال ۱۳۸۲ به عنوان روحانی مستقر از طرف سازمان تبلیغات اسلامی به شهرستان بومهن عزیمت نمودم و علاوه بر تبلیغ به تدریس و تحقیق مشغول شدم. در همان سال از طرف امام جمعه بومهن به سمت امام جمعه موقت آن شهرستان برگزیده

شدم وهم اکنون در همانجا مشغول تدریس و تحقیق و تبلیغ می باشم.

صدر، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، مترجم و نویسنده. وی پس از تحصیل دروه‌های مقدماتی به اخذ دکترای حقوق موفق شد. پس از آن به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و مشاغل متعددی را عهده‌دار شد که از آن جمله: وزارت کشور در کابینه‌ی منصور و هویدا و وزارت دادگستری در کابینه‌ی هویدا. دکتر صدر در امر ترجمه دست داشت و با همکاری کاظم صدر، برادرش، کتاب «تاریخ سیاست خارجی ایران» را به فارسی ترجمه کرد. از دیگر آثار وی: «تأسیسات و سازمانهای بین‌اللمل»؛ «چنبر مار»، ترجمه.[۱]

فرزند سید محسن صدرالاشراف، متولد ۱۲۹۱ ش است. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق تهران شد و دوره‌ی دانشکده را پایان داد. در ۱۳۱۴ از طرف دولت برای تکمیل تحصیلات تخصصی به اروپا رفت و از دانشگاه پاریس درجه‌ی دکترا گرفت و در ۱۳۱۸ به ایران بازگشت و به استخدام در وزارت کشور درآمد. پس از دو سال به وزارت امور خارجه انتقال یافت. چندی در تهران و چندی در خارج به سر برد. از مشاغل ابتدائی او رایزنی سفارت بلگراد و رایزنی سفارت اسپانیا بود. در ۱۳۲۷ زمانی که هژیر به نخست‌وزیری رسید، او را به ریاست دفتر خود برگزید. در کابینه‌های ساعد و منصورالملک هم دارای همان سمت بود. در ۱۳۲۹ به وزارت خارجه بازگشت. مدیر کل اداره عهود و حقوقی شد. در ۱۳۳۲ مدیرکل سیاسی وزارت کشور گردید و در ۱۳۳۶ به معاونت پارلمانی و سیاسی آن وزارتخانه معرفی شد. یک سال بعد از معاونت وزارت کشور به معاونت وزارت امور خارجه انتقال یافت. تا سال ۱۳۳۹ در آن مقام بود تا به سمت سفیرکبیر ایران در ژاپن تعیین و به آن کشور عزیمت نمود. قریب سه سال در ماموریت ژاپن بود تا به تهران احضار و به عضویت شورای عالی وزارت خارجه منصوب شد.

در ۱۳۴۲ در کابینه‌ی حسنعلی منصور، به سمت وزیر کشور معرفی گردید. در ۱۳۴۳ در کابینه‌ی امیرعباس هویدا دارای همان سمت بود. یک سال بعد در ترمیم کابینه ، شغل او تغیر کرد و به سمت وزارت دادگستری تعیین شد. قریب چهار سال وزیر دادگستری بود. بعد از وزارت دادگستری جذب بخش خصوصی شد و در بانک بازرگانی و چند شرکت وابسته به آن بانک، ریاست هیئت مدیره و مشاوری حقوقی را عهده‌دار بود. ضمنا با سمت استادی در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه ملی تدریس می‌نمود. وی کتبی چند در علم حقوق انتشار داد که هم‌اکنون در دانشگاه تدریس می‌شود. وفات او در شهریور ۱۳۷۹ در تهران اتفاق افتاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آنشا (۳۵۹)، روزشمار تاریخ (۱۹۷، ۱۸۳، ۱۶۹ / ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۱۵، ۷۱۴ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۰ -۴۱۹ / ۲).

صدر، حیدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۳۰۹ در سامرّاء متولّد شده، و در ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۳۵۶ در کاظمین وفات یافته.

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱- الاوضاع اللفظیّهٔ ۲- حاشیه ی کفایه ۳- رساله فی المعانی الحرفیه ۴- رساله در تبعیض احکام به علّت تبعیض اسباب ۵- شبههٔ الحیدریّه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدر، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی مشهور در همه آفاق به (امام موسی صدر) فرزند برومند آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید صدرالدین ابن العالم الجلیل آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و سبط آیت‌اللّه العظمی ازهد الفقهاء والمجتهدین حاج آقا حسین طباطبائی قمی یکی از ستارگان فروزان و چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم است که سالها در مغرب خاوری طلوع نموده و در آسمان لبنان و سوریه و فلسطین نورافشانی می‌کند آن جناب در حدود سال ۱۳۴۳ قمری در مشهد مقدس به دنیا آمده و در سال ۱۳۴۹ در معیت والد خویش به قم مهاجرت و به تحصیل دروس ابتدائی اشتغال یافته و در بیت علم و شرف پرورش یافته و پس از پایان دروس جدید به تحصیل علوم عربیه منقول و معقول پرداخته و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته سپس از محضر مرحوم والد ماجد و دیگر آیات چون آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده علوم عقلی و نقلی نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد و اتقان رسیده سپس عزیمت به نجف اشرف و چندی هم از محاضر آیات عظام آنجا بهره‌مند شده و

پس از رحلت آیت‌اللّه العظمی حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین زعیم و مرجع شیعیان لبنان بنابر دعوت رسمی بیت شرف‌الدین و شیعیان لبنان برای زعامت و سرپرستی شیعیان مهاجرت به لبنان نموده و با آگاهی و کیاست و فراست موهبتی از عهده مسئولیت سنگین زعامت به خوبی درآمده و محبوب‌القلوب مردم عالی و دانی آن سامان گردید و به اکثریت نزدیک به اتفاق به ریاست مجلس اعیان (سنا) شیعیان لبنان انتخاب و رهبر بزرگ و قائد اعظم مردم مستضعف در آن منطقه گردیده و خدمات ارزنده چشمگیری نموده وصیت و صوتش به شرق اقصی و اوسط و بلاد باختری رسیده و در ردیف یکی از سیاستمداران به نام معاصر درآمده و محسود حکومت طاغوتی و محمدرضا پهلوی گردیده که چرا و برای چه یکی از روحانیون و آیت‌اللّه زادگان قم به این پایه عظمت و سیاست برسد که کلیه روساء جماهیر اسلامی غربی مصر و لیبی و مراکش و تونس و سودان و گینه و سعودی و سوریا و عراق از او دعوتهای رسمی نموده و مراسم استقبال و تجلیل را انجام دهند و این موقعیت چنان دولت طاغوتی ایران را به وحشت انداخت که برای اسقاط او از انظار مردم دست به افتراء به وسیله عوامل ساواک در جرائد و روزنامه‌ها اکاذیبی جعل که از موقعیت معظم‌له بکاهد غافل از آن که به گفته شاعر:

چراغی را که ایزد برفروزد

هر آنکس پف کند ریشه‌اش بسوزد

این نویسنده که قسمتی از فعالیتهای و خدمات ایشان را در جلد سوم گنجینه نوشتم اداره نگارش و عمال روسیاه سازمان امنیت (باصطلاح خودشان) کتاب را توقیف که با شرح حال و ترجمه و عکس آقای صدر قابل نشر نیست و چند ماهی مرا اسیر و بالاخره با حذف شرح زندگینامه و آثار معظم‌له کتاب را ناقص و اجازه نشر داد. خدا روی همه آنها مخصوصا روحانی‌نما را سیاه و در دادگاه انقلاب به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نماید.

باری امام موسی صدر از مفاخر عالم تشیع معاصر و افتخارات کشور ایران بلکه مسلمین جهان است که با لباس روحانیت (عمامه و عبا و قبا) در عداد بزرگترین شخصیتهای سیاسی جهان و با چندین زبان زنده از عربی و فارسی و فرانسوی و انگلیسی و غیره آشنائی کامل و سخن می‌گوید. و دارای مدارک علمی از اجتهاد و دکترا و غیره می‌باشد.

آثار و خدمات و باقیات الصالحات این رادمرد علم و سیاست به اندازه‌ای است که ذکر آن در این مختصر نگنجد بلکه کتاب مستقلی لازم دارد و قسمتی از آن رد مجلدهای لبنانی و غیره یاد شده است. ولی متاسفانه که دست استعمار امپریالیسم صهیونیستی اسرائیل و آمریکا و جبهه‌های طاغوتی شرقی و غربی – راست گرایان و چپ گرایان خخاوری و غیره این نادره دوران را به توسط دولت لیبی (سرهنگ قزافی) به عنوان دعوت رسمی از لبنان به لیبی برده و از ماه رمضان ۱۳۹۸ قمری برابر ۱۹۷۸ میلادی تاکنون که ماه رجب ۱۳۹۹ برابر مه ۱۹۷۹ مسیحی است اثری از ایشان نیست و هرچند تاکنون از لبنان و سوریا و کشورهای اسلامی و بالاخص ایران به لیبی و غیره مراجعه شده ردپائی پیدا نشده و دولت لیبی مدعی است که ایشان به رم رفته‌اند و حال آن که کشور ایتالیا و رم از ورودشان به آن کشور تکذیب می‌کند. خلاصه جهان تشیع در فقدان و هجران این عزیز گمشده خود که برای ریاست جمهوری اسلامی ایران برازندگی و شایستگی دارد در سوک و غم فرورفته و همه روز چشم انتظار دوخته تا از لیبی و یا کجا ظاهر و پیدا شود.

نگارنده که بیش از چهل سال سال است افتخار دوستی و ارادت به بیت جلیل صدر و بالاخص ایشان را دارم و آخر عهدم با ایشان را فراموش نمی‌کنم در شب جمعه هفدهم ذی‌حجه ۱۳۹۷ قمری بود در مسجدالحرام نزدیکی حجراسمعیل که مرا در آغوش مهر گرفته و ساعتی با هم سخن گفتیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صدراء محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۶ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در اراک به دنیا آمد و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده‌ی سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفت. در اوایل تأسیس حوزه،شانزده ساله بود که به قم رفت و سطوح را در قم تکمیل کرد و از اول دوره‌ی دوم درس اصول آیت‌الله حایری و درس فقه ایشان که «خیارات مکاسب» بود استفاده نمود. همچنین از درس آیت‌الله یثربی بهره برد و سطح و «کفایه» را در خدمت آیت‌الله میراز محمد ثابتی همدانی خواند و مقداری از «فرائد» را خدمت آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آبادی همراه «منظومه‌ی حکمت» خوانده و همچنین «مکاسب» را خدمت این دو استاد استفاده کرد و نیز از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از «منظومه‌ی حکمت» و «رسائل» شیخ را بهره گرفت. وی دارای طبعی موزون و ذوقی کامل بود. از آثارش. تأسیس کتابخانه در مسجد اراکیهای مقیم تهران و جمع‌آوری کتب برای آن بود. از آثار علمی او: «الغرائب» یا «مظهر العجائب فی غرائب الامام علی بن ابی‌طالب (ع)»، در چند مجلد؛ «ابوطالب و فرزندانش»، در اثبات ایمان ابی‌طالب از طرق اهل سنت، دو مجلد؛ «الکعبه و ولیدها»؛ «توشه‌دان گدا»؛ «جهاز عروس و داماد»؛ «ادب گفتار»؛ «ادب کردار»؛ «تناثر النجوم فی ارض الطفوف»؛ «دیوان» شعر؛ «افاضه الحرمین»؛ «سراح الحاج»، منظومه‌ای در عمل حج؛ «منهاج الحاج»، مختصری در حج استدلالی، رساله‌ای در «رد عشره‌ی مبشره»؛ «انقلاب اسلامی قرن ۱۴»؛ «صراط مستقیم کی و کجاست؟».[۱]

حاج شیخ محمدتقی صدراء اراکی از علماء اعلام و مبلغین گرام و وعاظ به نام معاصر است در تهران در حدود سال ۱۳۱۹ ق در اراک متولد شده و در آنجا مقدمات و ادبیات را آموخته و سطوح را در نزد مرحوم سلطان‌العلماء اراکی و آیت‌الله آقانور و علماء دیگر حوزه علمیه حوزه اراک خوانده و پس از انتقال حوزه علمیه از اراک به قم مهاجرت به قم نموده و چندین سال از محضر

مرحوم آیت‌الله حایری و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به وطن مراجعت و بالغ بر بیست سال اقامت جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی کرده و به واسطه بعضی از جهات و دعوت عده‌ای از مردم اراک مقیم تهران و دیگران مهاجرت کلی به تهران نموده و در خیابان گرگان در مسجد آبرومندی به اقامه جماعت و در هیئت محترم بنی‌فاطمه که از هیئات باعظمت و مجد تهران و مجالس و مسجد دیگر تهران و شهر ری و حومه تهران و روی به منبر رفته و داد سخن داده انجام وظیفه دینی می‌نمایند.

مولف گوید: معظم‌له از وعاظ با فضل و منبری بسیار آموزنده و مفید دارد و عموم طبقات از منابر وی استفاده کرده و بهره‌مند می‌شوند. دارای طبع شعر و ذوق سرشاریست و اشعاری در مراثی و مدایح و مواعظ و نصایح دارد و نیز دارای تالیفاتی می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است.

شیخ محمدتقی بن العالم المجاهد المحامی حاج شیخ محمدباقر از علماء مبرز و خطباء نامی و مبلغین سامی اراکی مطهر تهران است.

ایشان در سال ۱۳۲۶ ق در اراک به دنیا آمده و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفته و در سال تاسیس حوزه علمیه قم که آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی مؤسس و بنیان‌گذار حوزه به اصرار قمین و تهرانین از اراک به قم هجرت کردند و چهل شب تمام ائمه جماعت قم نماز جماعات خود را تعطیل و به ایشان اقتدا نمودند و مواجه با اصرار و ابرام قمیین و تهرانیین شدند که باید در قم توطن فرموده و حوزه علمیه اراک را به قم منتقل فرمائید. و ایشان مردد بودند و استخاره کردند که آیا حوزه علمیه را به قم انتقال دهند یا نه پس تفال به قرآن زدند پس باز قرآن مانند همیشه معجزه کرد از آن معجزه‌هائیکه فراموش شدنی نیست زیرا این آیه آمد (و اتونی باهلکم اجمعین) که یوسف به پدر و برادرت پیام داد که من عزیز مصر شدم و همه با خانواده‌هایتان نزد من بیائید و کسی را باقی نگذارید.

مرحوم آقای حایری هم به مفاد همین آیه برای حوزه علمیه اراک نوشتند که همه‌تان با زن و بچه حرکت کنید.

مترجم ما در آن موقع شانزده ساله بود و والدش راضی به مسافرت نمی‌شد و از مرحوم آیت‌اللّه حایری سئوال شده بود ایشان ادامه تحصیل را برای مشتغل واجب عینی می‌دانستند بنابراین تصمیم می‌گیرند که بدون اجازه والدشان به قم بیایند ولی خوشبختانه راضی شده و گریه شوق و رضا نموده پس به قم عزیمت و پس از ورود در سلک مهاجرین الی‌اللّه در آمده و سطوح را در قم تکمیل و از اول دوره دوم درس اصول آیت‌اللّه حایری و درس فقه‌شان که (خیارات مکاسب) بود حاضر و استفاده نموده و پیش از آن صبح‌ها در درس مرحوم آیت‌اللّه یثربی که از مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی بوده بهره‌مند شده و سطح کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد ثابتی همدانی خوانده مقداری از فرائد را هم خدمت آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی با منظومه حکمت خوانده و همچنین مکاسب را خدمت این دو بزرگوار استفاده نموده و نیز از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از منظومه حکمت و رسائل شیخ را استفاده نموده و در سال ۱۳۴۳ ق که آیات عظام نجف (مرحوم اصفهانی و نائینی و غیره که تبعید به ایران و قم شده و شروع به تدریس نمودند نسبت به مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی ارادتی شدید داشته‌اند...

سلطنت غاصبانه طاغوتی رضاخان (زندیق) پیش آمد و با آنکه همه طلاب امتحان داده و دارای جواز بودند مامورین جهنم اهل بهشت را تا (در بهشت) علی بن جعفر و حتی خود بهشت (که فرمودند یک در بهشت در قم باز می‌شود) تعقیب می‌کردند و چون مامورین که داخل مدرسه فیضیه می‌شدند طلاب از طبقه دوم اطاق‌ها خود را در رودخانه پرتاب می‌کردند.

عوامل جنایتکار رضاخان به دستور وی با بودن آیت‌اللّه العظمی حایری و قمی و اصفهانی و سایر آیات کشف حجاب (یا کشف عورت) نموده و حرم حضرت ثامن‌الائمه علیه و علیهم‌السلام را به توپ و تفنگ بسته و هرکس از اهل علم که مأمنی سراغ داشت به آنجا گریخته و مابقی هم در قم در هر دقیقه و ساعتی مواجه با گرگان آدم‌نمای از عمال جنایت‌کار دولت می‌شدند آقای صدرا در آن موقع از روی اضطراب به اراک رفته و به جهت اداره یتیمانی که عهده‌دار مخارج آنها بود به منبر و وعظ پرداخته و از این راه هم خدمت به عائله والدش نموده و هم بهترین خدمات را در ارشاد مردم به شرع بنماید.

سال ۱۳۵۷ شمسی پیش آمد و فرمان اتحاد شکل و پوشیدن کت و شلوار و کلاه پهلوی به سر گذاردن صادر شده و با گذرانیدن از مجلس شوم قانونی کردند و با هزاران دسایس و وسائل عده‌ای از پوشیدن لباس متحدالشکلی به نام محدث مجتهد – مدرس طلبه‌ای واجد یکی از سه رتبه باشد و متصدی امور حسبیه و امام جماعت و هاخام یهود و کشیش نصاری و مرید زردشتی که تمام آنها هم باید جواز مخصوص از وزارت معرف و علوم آن روز داشته باشند.

خلاصه شرح زندگینامه معظم‌له بسیار و در خور کتاب جداگانه‌ای است و تا جائیکه برای نگارنده امکان داشت فشرده آن را انتخاب و اقتباس نموده و در اختیار عموم قرار دادم مترجم گرامی در شهرستان اراک به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف اسلامی و بالاخص مکتب ولایت پرداخته و خدمات چشمگیری در شهر و حومه آن نموده و آثار خالده‌ای از خود به جا گذارده و پس از آن سفری به تهران نموده و در آنجا روی اصرار و ابرام اراکی‌های مقیم پایتخت اقامت در آن سواد اعظم را اختیار و در مسجد همشهریهای خود به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و باقیات الصالحاتی از خود مانند تاسیس کتابخانه و جمع آوری کتابهای مختلف سودمند و مفید دینی تا حدود نه مغازه کوچک و بزرگ برای تامین مخارج آب و برق و خادم مسجد و مازاد آن برای امام مسجد ساخته و تا کنون از آن بهره‌برداری می‌شود.

آقای صدرا دارای بیانی جامع و قاطع و آموزنده هستند و بسیاری از گم‌گشتگان دینی از مواعظ و اندرزها و خطابه‌های ایشان به راه آمده و متنبه شده و پابند دین و نماز و مبانی دینی گشته‌اند.

دارای طبعی موزن و ذوقی کامل و جالب و ادیبانه و خردمندانه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۰۱ -۱۹۴ / ۸ ،۳۸۰ -۳۷۹ / ۲).

صدرالاسلام، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

والدین و انساب : نسب حاجی میرزا سید محمد ملقب به صدر الاسلام متخلص به خاک به امام جعفر صادق (ع) و از جانب مادر به فتحعلیشاه قاجار می رسد . سلسله شجره نامه «صدرالاسلام» یک نسخه درکتابخانه امام رضا(ع) و نسخه ای دیگر درقم در کتابخانه حضرت معصومه (ع) موجود می باشد .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدرسید محمد صدرالاسلام ، حاجی میرزا عبدالحسین نایب صدرقزوین و پدربزرگش میرزا سید عبدالله صدر دیوان خانه تهران بود که درزمان سلطنت ناصر الدین شاه درسال ۱۲۷۸ ه.ق دروزارت عدلیه ضیاءالملک متصدی شغل صدارت دیوانخانه عدلیه تهران بود . صدر دیوانخانه ازمشاغل مهم دوره قاجاریه بود . کسی که در منصب این شغل قرار می گرفت درحقیقت رییس محکمه یا دادگاه وزارت عدلیه محسوب می شود و رسیدگی به امور ملکی و شرعیات را انجام می داد و اجداد صدر الاسلام پشت اندر پشت لقب صدارت وسمت خطابت و حضور درمجالس بزم و سرور دربار قاجار را داشته اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد صدرالاسلام پس از آنکه دربار قاجار راترک گفت در قزوین و مدرسه حاجیه آقاسی درخیابان دولت خانه صفویه مشغول تحصیل علوم رسمی مقدماتی شد . بعد از این مقطع به تحصیل فقه و اصول پرداخت و سپس درصدد تحصیل علوم غریبه برآمد .او دراین سالها به تهران ، کرمانشاه ، همدان ، کربلا ، نجف، مکه سفر نموده و برتجربیات خود افزود . او همچنین مدتی نیز به تحصیل الهیات پرداخت .استادان و مربیان : سید محمد صدرالاسلام درالهیات حاجی میرزا ابوالقاسم تفرشی بود .همسر و فرزندان : سید محمد صدرالاسلام بانورسته خانم دختر میرزا مسعود شیخ الاسلام ازدواج نمود او ۷ پسر داشت ۵ تن از پسران او هرگز دارای اولاد نشدند ویکی از آنها که احد نام داشت ازدواج نکرد و بعدها مفقود اثر شد . فقط یکی از پسران اوبه نام آمیر مهدی دارای ۴ فرزند شد که پس از فوت او فرزندانش تحت نکاست و سرپرستی صدرالاسلام درآمدند.وقایع میانسالی : درجریان انقلاب مشروطه سید محمد صدرالاسلام از مخالفین سرسخت مشروطه به شمار می رفت درهنگام مشروطه عده ای از رجال و اعیان قزوین طی تلگرافی به محمد علی شاه خواستار برچیده شدن بساط مشروطیت شدند که امضای صدر الاسلام نیز درزیر این تلگراف به چشم می خورد . در جنگ جهانی دوم که رس ها قزوین را به اشغال خود درآورده بودند ، روزی به باغ صدرالاسلام ریختند و کلیه جواهرات و عتیقه جات قدیمی او را به تاراج بردند . این حادثه تاثیر ناگواری برروحیه او به جای گذاشت و به همین نظر ۷ سال پایانی عمر خودرا درپریشانی خیال گذراند.زمان و علت فوت : سید محمد صدرالاسلام درسال ۱۳۲۷ ه.ش درسن ۸۶ سالگی درگذشت و درخانقاه خودبه خاک سپرده شد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محمد صدرالاسلام درابتدای جوانی به تبعیت از شغل اجدادی ، مدتی خطیب حضورمخصوص ناصر الدین شاه جهت خواندن خطبه خاص ساعت تحویل سال نو بود . او این سمت را بعدها ترک گفت و به تحصیل کمالات معنوی همت گماشت . او اگر چه یکباره دیگر درزمان غیبت برادر بزرگش حاجی میرزا علی نایب صدر به دربار ناصر الدین شاه راه یافت . لیکن پس از قتل این شاه قاجار به ناچار ترک خدمت نموده و به کشاورزی پرداخت .فعالیتهای آموزشی : سید محمد صدر الاسلام درخانقاه الهیه به تدریس فقه .اصول ،منطق و طب پرداخت .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید محمد صدر الاسلام خانقاهی به نام الهیه را جهت فعالیت های آموزشی و دستگیری از فقیران دایرکرد و او همچنین خانقاهی دیگردر خارج از شهرقزوین ایجادکرد و این خانقاه اگرچه امروز درداخل شهرقرار دارد ولی آثاری از آن به جای نمانده است .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید محمد صدرالاسلام مدتی عضو انجمن بلدیه بود . این انجمن despite دردوره مشروطه ازمیان اصناف و سرشناسان شهرانتخاب می شد و وظیفه امور شرعی رسیدگی به خواربار را عهده دار بود . اما فعالیت این انجمن به دلیل فقدان بودجه کار موثری را به انجام نرساند .صدرالاسلام به پرورش گل نیز علاقه بسیار دشاات و در وسط باغ باصفا و پرگل و درخت خو د، استخری قرار داده بود و دوستانش برای او از خارج تخم گل می آوردند . آثار : دیوان صدرالاسلام ، شرح الصدور فی حقایق الامور ،قانون الریاضه فی سبیل الهدایه ، منظومه زور عشق

منابع زندگینامه :مشاهیر قزوین ، پژوهش و تالیف : مهدی نورمحمدی ،قزوین : سایه گستر .سال ۱۳۸۱، ص ۱۸۷-۱۹۱

صدرالاطباء حسینی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولف کتاب «فصول العلاج» در ۱۳۳۵ وفات یافته، قبرش نزدیک فاضلان.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالذاکرین، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۱ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به واله. در شهر و دیارش به صدرالذاکرین معروف بود. وی یکی از مشاهیر وعاظ و خطیبان بزرگ و از اهل فضل و ادب و کمال بود. از صدرالذاکرین آثار مفید و سودمندی باقی است که همگی دلالت بر گستردگی دانش و مهارتش دارد. در شعر نیز صاحب ذوق و ماهر بود.از آثارش: «توان روان» یا «چهل حدیث در فضائل امیرالمؤمنین (ع)»، به نظم، فارسی؛ «الدیباجه الموضونه فی تضمین الآیات المؤذونه»؛ «دیوان» شعر یا «دیوان» واله افشار، به فارسی و مرتب بر اساس حروف الفبا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۵۵ / ۹ ،۴۷۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۹۶۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۸-۳۰۷ / ۴).

صدرالذاکرین، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد طباطبائی، از روضه خوان‌های معروف اصفهان، متوفی به سال ۱۳۱۰، و مدفون در مقبره‌ی سر قبر آقا.

ماده‌ی تاریخ وفاتش را که طرب گفته این است:

چو رخت بست ز دار فنا به عالم قدس

ز مرگ او ز طرب خاست شور و ناله و شیون

نوشت خامه‌ی مسکین برای سال وفاتش

به صدر محفل جنت نمود منزل و مسکن

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۷ ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبیعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج‌الشریعه، را تنقیح کرد. ازآثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۴ / ۴)، ریحانه (۴۳۴ -۴۳۳ / ۳)، کشف الظنون (۲۰۲۱ ،۱۲۷۰، ۲۰۱۱، ۱۰۴۷، ۴۹۶، ۴۱۹)، الکنی و الالقاب (۴۱۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبیدالله)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۶)، هدیه العارفین (۶۵۰ -۶۴۹ / ۱).

صدراللهی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن صدرالهی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

ایجانب حسن صدراللهی در سن ۸سالگی به مدرسه ابتدای رفتم و در روستای صالح آباد و وکلاء محمد آباد دوران ابتدائ را سپری کردم وچند سالی در محیط روستا (حاجی آباد)مشغول کارهای روستای شدم در همان ایام اشعاری را سرودم .اشتیاق زیادی به طلبه شدن داشتم و بارها مطرح می کردم ولی موافقت نمی کردند تا اینکه روزی اشعاری در رابطه با حضرت امام حسین (ع)و حضرت مسلم سرودم شب امام را در خواب دیدم به من فرمود:اگر می خواهی موفق به طلبگی شوی برو در اخر مفاتیح دعای حاجت را عمل کن ،صبح که بیدار شدم نمی دانستم مفاتیح چه کتابی است از روحانی محل به نام آقای راسخی سئوال کردم فرمودند:همین کتاب دعا است .مفاتیح تهیه کردم درآخر آن دعائی است که هر کس حاجتی دارد بنویسد ودر رقعه ای از گل

بگذارد ودر آب جاری بیاندازد خداوند حاجت اورا روا می کند .

آنچه در مفاتیح دستور داده شده عمل کردم ،پس از مدتی پدرم بر اساس اصرار بنده رفت خدمت یکی از علماءشهر ،به نام خدائی استخاره کرد آن عالم فرمود آیه علم آمده سریع اقدام کن ،پدرم دست مرا گرفت ودردست آن عالم فاضل گذاشت .مدت چهار سال در دامغان مدرسه حاج فتحعلی بیک مشغول تحصیل شدم آن عالم خیلی به بنده احترام می گذاشت .پس از دوسال روانه قم شدم ودرمدرسه حجّتیه در پارک ۸اطاق ۷۳با آقای رفیعی که از طلاب فاضل ومتدین بود هم حجره شدم .در واقع او مربی خوبی برای من بود شخصیت طلبگی من درآن زمان شکل گرفت .خاطرات خوشی از آن دوران دارم خداوند جزای خیر به آقای رفیعی دهد.

زمانیکه در قم بودم دوران پرفرازو نشیبی داشتم گاه مریضی وگاه بی پولی ،تا جائی که برای امرار معاش در تهران بعضی از تعطیلات کارگری می کردم .وایام هفته درقم درس می خواندم .روزگار سختی بود.در دوران قبل از انقلاب شور خاصی در رابطه با نشر احکام اسلامی داشتم لذا در قم وشهرستانها کلاسهای قرآن . عقائد سیاسی برگزار می کردم همین امر باعث شد که ساواک مرا تعقیب کند در کرمانشاه، دزفول، دامغان مورد تعقیب قرار گرفتم تا اینکه در یزد خدمت شهید محراب صدوقی رفتم مشکل را بیان داشتم که امنیت ندارم ایشان پرونده ای ترتیب داد که طلبه یزد هستم این کار در واقع راه گم کردن برای ساواک بود وهمین کار باعث شد که ساواک نتواند مرا دستگیر کند در این دوران خاطرات تلخ و شیرینی دارم که مجال نوشتن نیست .پس از پیروزی انقلاب احساس می شد که وضعیت تغییر کرده .دیدگاههای انحرافی به وجود آمده وروزبه روز رشد می کند .لذا به فکر افتادم مطالعه عمیقی راجع به کمونیسم واصطلاحات سیاسی داشته باشم .این کار انجام گرفت .دفترهای مخصوصی در این زمینه ها نوشتم درسالهای اول انقلاب ،موسسه در راه حق یک گروه هفتاد نفره به نام گروه (دال)گزینش کردند که دوران بسیار خوبی بود. تا حدودی با ادبیات فارسی ،تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق،فلسفه غرب اشنا شدم .با دیدن این دوره وتکمیل ان با مطالعه ، وارد عرصه تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق وغیره شدم .وهمین مطالعات باعث شد به دانشگاه راه پیدا کنم .

مدّت ۱۳سال در دانشگاه حقوق ،فقه ،اصول ،ادبیّات عرب تدریس کردم تا این که در سال ۷۸همسرم دچار عارضه قلبی شد لذا نتوانستم به دانشگاه ادامه دهم .د رحوزه مشغول تحقیق شدم وبعضی از نقدهای اینجانب به دیدگاها در حوزه نشر شد.تا اینکه دفتر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (محمد جواد فاضل)از بنده دعوت کرد که بخشی درمرکز فقهی راه اندازی کنم تحت عنوان شبهات فقه واصول .

این کار ابتکاری را شروع کردم شبهات ابواب فقه بر اساس کتاب شرایع جمع اوری شد به اضافه شبهات جدید .شبهات در اختیار دانش پژوهان قرار میگیرد .پس از بررسی خلاصه جواب به نام محقق ثبت می شود وهم اکنون عضو گروهی هستم که در زمینه های علمی فعّالیّت دارند ودر کنار جامعه مدرسین هستم .

صدرالمحدثین، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم میرزا عبدالحسین صدرالمحدثین، از وعاظ معروف اصفهان بلکه ایران به شمار می‌رفت. در حدود سال ۱۳۱۰ در اصفهان متولد گردیده، و در نزد جمعی از فضلای این شهر تحصیل نموده، به طهران رفته، آنجا نیز چندین سال به تحصیلات جدید و قدیم پرداخته، و به ترویج دین پرداخته، در نهضت تجددخواهی و دگرگونی وضع قدیم به صورت تمدن جدید، و تشکیل شرکت‌ها و تأسیس کارخانجات، در اصفهان و سایر شهرهای ایران، مردم را با بیانات شافیه و سحر کلام خویش مشغول می‌داشت.

در اواخر عمر، سودا بر مزاج ایشان غلبه یافته، در حدود سال ۱۳۶۷ در شیراز خود را در چاه انداخته، وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالمحدثین، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم میرزا محمود صدرالمحدثین از منبریان معروف اصفهان بوده که در نقل مطالب و ذکر مصائب سلیقه‌ای مخصوص داشت، و به حسن صوت و لحن زیبا شهرت داشته، و به همین علل در عداد روضه خوانان طراز اول به شمار می‌رفته، در ۲۳ رجب ۱۳۳۲ وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

احمد افزای و گو به تاریخش

مرد صدر المحدثین محمود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالمعالی شیرازی حائری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۶ ش)، نویسنده و مترجم. در تربت حیدریه وفات یافت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «یوسه‌ی عذرا»، ترجمه؛ «کشف الاسرار»، ترجمه؛ «مبدا ترقی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۳۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۹ / ۲).

صدرایی اشکوری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، فقیه، خطیب و واعظ. سبط سید محمد صدرایی حسینی است. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۴۵ ق به اتفاق پدرش از نجف به ایران آمـد و در شـهر لنگرود ساکن شـد. بعـد از آن به قم رفت و ادبیات را نزد شیخ محمـد رضا اعمی و شیخ ابوالقاسم نحوی خوانـد و سطوح را از آقـا شیخ عباس تهرانی و آقا نور خمینی و ادیب تهرانی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی آموخت. معقول را خدمت امام خمینی و سطوح عالی را در خدمت آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد تقی خواسناری و آیت‌الله سید احمـد خوانساری و میرزا محمـد همـدانی و «اسـفار» و «خلاصه الحساب» را خـامت شـیخ ابراهیم نجف‌آبادی و تفسیر را نزد اشراقی بزرگ و حاج سید تقی اصفهانی و رجال و حدیث را نزد شیخ عبدالرحیم فصول خواند. سپس به تدریس ادبیات و سطوح پرداخت. دروس خارج را از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری فرا گرفت و مـدت یک سال در حوزه‌ی درس فقه و اصول آیت‌الله بروجردی شرکت نمود تا به مـدارج عالیه علم و اجتهاد رسـید. صـدرایی از مراجع بزرگی همچون آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صـدر اجازه‌ی اجتهاد گرفت، آن‌گـاه بـه مـوطن خـود گیلان بـازگشت و بـه خـدمات دینی و تبلیغـات مـذهبی پرداخـت. از آثـارش: «حقـایق اسـلام»، مجمـوعه سخنرانیهـای صـدرایی در رادیو تهران؛ «وظائف ایرانیان در موقع انتخابات»؛ کتاب «معارف اسـلام»؛ «پرتو حق در زنـدگانی علی بن ابی‌طـالب (ع)»؛ رسـاله‌ای در «رد مـذهب و مرام کمونیسم و عقایـد کـارل مـارکس و لنین ومکتب دیالکتیـک مارتیـالیست»؛ تفسـیر «سوره‌ی یس»؛ «روح اسلام»؛ «رساله نبویه»، در رد اعتراضات مسیحیان به دین اسلام؛ «سفر نامه‌ی مکه»؛ «بوستان اسلامی»؛ «دیوان» شعر به نام «گلزار احمدی»؛ «هفته نامه‌ی طلوع اسلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۲-۳۸۰ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۵ -۲۹۴ / ۴).

صدرایی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، نویسنده.

تولد: ۱۲۸۱، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۲، تبریز.

ابوالقاسم صدرایی در مدرسه‌های اتحادیه نوبر، فیوضات تمدن و محمدیه تحصیل نمود. در سال ۱۳۰۰ وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و در کلاس‌های متوسطه تبریز به اشتغال داشت. تا سال ۱۳۱۶ در دارالمعلمین تبریز و دبیرستان فردوسی و دارالمعلمات تبریز و سپس به دبیری دانشسرای ایران دخت و شاهدخت انجام وظیفه نمود. در سال ۱۳۲۵، به ریاست دانشسرای دختران تبریز منتقل و سه سال بعد به ریاست دایره‌ی تبلیغات و انطباعات اداره‌ی فرهنگ تبریز انتقال یافت و ضـمنا در دانشسرای پسران و دبیرستان فردوسی نیز معلم بود. وی مدت پانزده سال سردبیری و مدیریت و کفالت روزنامه‌ی «تبریز» را به عهده داشت و همچنین در این بین سردبیری روزنامه‌ی «آریا» و سردبیری و مدیریت روزنامه‌ی صدای آذربایجان را دارا بود. طبع شعری هم داشت و اشعاری هم می‌سرود. از آثار وی است املاء فارسی نو (تبریز، ۱۳۱۵)؛ انگشتر الماس (دو جلد)؛ تاریخ ایران (تبریز، ۱۳۴۷ ق.)؛ تاریخ فرهنگ آذربایجان (دو جلـد تبریز، ۱۳۳۴ -۱۳۳۲)؛ ترش و شـیرین (تبـریز، ۱۳۱۹)؛ تفریحـات علمی (دو جلـد)؛ جغرافیـا (دوره‌ی اول، ۱۳۴۳)؛ دختران سپهر (چهـار جلـد تبریز)؛ دسـتور نگارش؛ املاء (تبریز، ۱۳۱۹)؛ دسـتور نویسـندگی (تبریز، برای کلاس پنجم و شـشم، ۱۳۳۳)؛ شهر کـامرانی (تبریز)؛ نوای دل (مجموعه‌ی شـعر، تبریز، ۱۳۲۳)؛ نوشـتن (مجموعه بیست داستان ادبی، با مشارکت مهدی روشن ضمیر، عبدالعی کارنگ، تبریز ۱۳۳۶).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صدرائی اشکوری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمدعلی بن العالم البارع الکامل حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله السید موسی الموسوی اشکوری و سبط العالم الجلیل السید محمد صدرائی حسینی بنی کلائی لاهیجانی از گویندگان نامی و مشاهیر خطباء و وعاظ معاصر گیلان می‌باشد.

در سال ۱۳۳۰ ق در نجف اشرف که روز جمعه ۱۷ شوال‌المکرم بود متولد شده و در سال ۱۳۴۵ به اتفاق والدش از نجف اشرف به ایران آمده و در شهر لنگرود سکونت نموده و مترجم ما پس از شش ماه توقف به قم مهاجرت نموده و ادبیات را در نزد مرحوم شیخ محمدرضا اعمی و حاج شیخ ابوالقاسم نحوی خوانده و سطوح را از آقای آقا شیخ عباس تهرانی و آقای آقا نورخمینی و مرحوم آقای ادیب تهرانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس علی شاهرودی و معقول را خدمت آیت العظمی امام خمینی و سطوح عالی را در خدمت آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی مرحوم خونساری و آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خونساری و مرحوم میرزا محمد همدانی و اسفار و خلاصه‌الحساب را خدمت آقا شیخ ابراهیم نجف‌آبادی و تفسیر را نزد مرحوم استاد اشراقی بزرگ و مرحوم حاج سید تقی اصفهانی و رجال و علم حدیث را نزد مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم فصولی خوانده و به تدریس ادبیات و سطوح پرداخته و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری و آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی حاج سید محمد تقی خونساری و مدت یک سال هم در درس فقه و اصول زعیم اعظم شیعه آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و از مراجع بزرگ چون آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حجت و خونساری و صدر و آیات دیگر رضوان‌الله علیهم نائل به اجازه اجتهاد شده و برای خدمات دینی و تبلیغات مذهبی به وطن خود گیلان معاودت و در رشت مرکز استان گیلان رحل اقامت افکنده و از راه منبر و قلم به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

دارای تالیفات ارزنده و مفیده‌ای می‌باشد که بعضی از آن مکرر به طبع رسیده و برخی مخطوط می‌باشد و آنها از این قرار است:

۱- جلد اول از کتاب حقایق اسلام سخنرانیهای (صدرائی اشکوری در رادیو تهران) طبع شده.

۲- جلد دوم از کتاب حقایق اسلام سخنرانیهای (صدرائی اشکوری در رادیو تهران) طبع شده.

۳- کتاب وظائف ایرانیان در موقع انتخابات.

۴- کتاب معارف اسلام که نیز به طبع رسیده.

۵- کتاب پرتو حق در زندگانی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام که بیش از چهار مرتبه به طبع رسیده.

۶- رساله در رد مذهب و مرام کمونیسم و عقاید کارل مارکس و لنین و مکتب دیالیک تیک ماتریالیست.

۷- تفسیر سوره یسین و تحقیقات علمی در اطراف آن.

۸- کتاب با من به خوزستان بیایید جنایات انگلیسها و خیانت عمال آنها.

۹- کتاب روح اسلام که سوال و جوابیست که ایشان داده‌اند.

۰۱- رساله نبویه در رد اعتراضات مسیحیین به دین اسلام و به پیغمبر اسلام صلوات‌الله و سلامه علیه با کتاب عهدین عتیق و جدید و دلائل عقلی و نقلی و اثبات تحریف تورات و انجیل مخطوط.

۱۱- سفرنامه مکه مشتمل بر مباحثه با علماء مذهب اربعه شافعی مالکی حنفی حنبلی و مشاهدات در ممالک اسلامی مخطوط.

۱۲- کتاب بوستان اسلامی مشتمل بر مقالات متنوعه خود که در جرائد دینی و سیاسی تهران و ولایات طبع شده.

۱۳- دیوان اشعار بر قصائد- مرائی- غزلیات به نام گلزار احمدی در ۳۷۶ صفحه وزیری به طبع رسیده است.

۱۴- هفته‌نامه طلوع اسلام که در هر هفته منتشر می‌شود و در آن همه‌گونه مطالب دینی، اخلاقی، سیاسی، انتقادی، فرهنگی، اجتماعی مرقوم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صدردانش، حسامی، ثریا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار.

درگذشت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

ثریا صدردانش رشته‌ی اقتصاد را در فرانسه و بلژیک خوانده بود. از سال ۱۳۴۶، هنگامی که ۲۱ ساله بود، کار حرفه‌ای را در روزنامه‌ی «کیهان» آغاز کرد و تا هنگامی که درگذشت، در این روزنامه به فعالیت مشغول بود. طی ۲۶ سال فعالیت، در اغلب زمینه‌های مطبوعاتی کار کرد و سال‌ها علاوه بر نوشتن نقد فیلم، مترجم و نویسنده‌ی مطالب سینمایی بود که طی سال‌های آخر عمرش، این زمینه از فعالیت را در نشریات هفتگی «امید» و «بشیر» ادامه داد. ثریا صدردانش، در «کیهان» دبیر صفحه «دانش و پژوهش» بود که طی سال‌ها مرتب مقاله می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صدرهاشمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۸۴ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و مورخ. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم قدیم و جدید در ۱۳۱۶ ش موفق به دریافت لیسانس از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات گردید. سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد، از جمله: ریاست یکی از دبیرستانهای زنجان، بازرس فنی، ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان. صدر هاشمی موفق شد که قبر صائب تبریزی را در اصفهان شناسایی کند و در این باره مقاله‌ای بنویسد. در ضمن او روزنامه‌ی «چهلستون» را به طور هفتگی به مدت پنج سال منتشر کرد. از آثار وی: «تاریخ جراید و مجلات ایران»؛ «تاریخ تمدن اسلام و عرب»، ترجمه؛ «تاریخ کربلا و حائر حسین (ع)»، ترجمه؛ «شعر و شاعری در عصر صفوی»؛ « عشاق قندهار»، ترجمه؛ تصحیح «قصص الخاقانی»، در تاریخ صفویه، اهتمام در چاپ «تذکره الانساب»، در انساب خاندان مجلسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید و مجلات (۱/ سه- هفت)، تذکره القبور (۴۹۱)، الذریعه (۱۰۷ - ۱۰۶ / ۱۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۸ -۱۹۷ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۲۱۵۱ / ۲ ،۷۴۰ ،۶۹۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۶ -۵۳۵ / ۵)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۳۸ -۳۴).

صدقیانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، مترجم.

تولد: ۱۳۰۲، سبزوار.

درگذشت: ۱۳۶۲.

محمد تقی (امیر) صدقیانی پس از طی دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید. وی از سال ۱۳۲۵ با سمت خراسان استخدام شد. سپس از سال ۱۳۳۱ در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه مشهد و از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.

از جمله آثار وی است: ترجمه کتاب شیوه‌های نقد ادبی (با همکاری غلامحسین یوسفی، این کتاب برگزیده‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال شد)، جزوه‌های گرامر انگلیسی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صدقیانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی صدقیانی در سال ۱۳۰۲ در شهر سبزوار دیده بـه جهان گشود .پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید.ایشان در دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد و بعد در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت.وی در سال ۱۳۶۲ دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت. ترجمه کتاب "شیوه‌های نقد ادبی " مرحوم محمد تقی صدقیانی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی صدقیانی پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید.زمان و علت فوت : محمدتقی صدقیانی در سال ۱۳۶۲ دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی صدقیانی از سال ۱۳۲۵ با سمت دبیر تاریخ و ادبیات انگلیسی در فرهنگ خراسان استخدام شد. سپس از سال ۱۳۳۱ در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه مشهد و از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "شیوه‌های نقد ادبی " محمد تقی صدقیانی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : مرحوم صدقیانی به تاریخ و ادبیات و گرامر زبان انگلیسی تسلّط کامل داشت. جزوات گرامر انگلیسی که بوسیلهٔ ایشان تهیه و تدوین شده بود گویای این مدّعاست. کارهای ترجمه آن مرحوم بیشتر به صورت پراکنده موجود است و به ندرت چاپ و منتشر شده است. مهمترین اثر ترجمه‌ای نامبرده ترجمه کتاب شیوه‌های نقد ادبی است که با همکاری و مساعدت دوست دانشمند خود دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید. آثار : شیوه‌های نقد ادبی ویژگی اثر : ترجمه-با همکاری و مساعدت دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید-این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

صدوقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم اسلامی.

تولد: ۱۲۸۷(۱۳۲۷ ق.)، یزد.

شهادت: ۱۱ تیر ۱۳۶۱، یزد.

آیت‌الله محمد صدوقی، از احفاد شیخ صدوق صاحب من لا یحضره الفقیه، در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و تحت سرپرستی آیت‌الله حاج شیخ محمد کرمانشاهی (پسر عموی وی) قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را نز اساتید آن شهر فراگرفت و در سال ۱۳۴۸ ق. به اصفهان رفت و در آنجا مدتی به تحصیل مشغول شد. سرمای تاریخی ۱۳۴۸ ق. اصفهان باعث شد از اصفهان به یزد رود و مجددا در ذی‌الحجه سال ۱۳۴۹ ق. برای پایان تحصیل با خانواده‌ی خود به قم حرکت نمود. اساتید سطوح عالیه وی عبارت بودند از آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله سید حسن صدر، آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای. وی پس از اتمام دروس سطح و مقارن با شروع مدارج عالیه و نیل به درجه اجتهاد، شروع به تدریس اصول فقه و سایر دروس پرداخت. همچنین سرپرستی حوزه را از حیث امور مالی حوزه و رتق و فتق امور متفرقه طلاب را به عهده داشت. آیت‌الله صدوقی در دورانی که فدائیان اسلام مبارزه خود را آغاز کردند، از آنها حمایت نمود و حتی سید مجتبی نواب‌صفوی و سید عبدالحسین واحدی را در منزل خود پناه داد. در سال ۱۳۷۱ ق. بعد از پایان تحصیل جهت دیدار خانواده خود به یزد عزیمت نمود و همان جا ساکن شد.

از جمله خدمات آیت‌الله صدوقی ایجاد مراکز فرهنگی و خیریه‌ای مانند مسجد حظیره، کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم خان، مدرسه صدوقی در مشهد و مؤسسات خیریه در قم و اماکن دیگر است.

مجموعه اطلاعیه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان توسط مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب حضرت آیت‌الله صدوقی از قبل از انقلاب اسلامی تا زمان شهادت در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسدیده است.

آیت‌الله صدوقی، در یازدهم تیر ۱۳۶۱ (برابر با دهم رمضان ۱۴۰۲ ق.) پس از ادای نماز جمعه در یزد و در میان مردم به دست منافقین شهید شد.

آقای حاج شیخ محمد صدوقی بن العالم الجلیل میرزا ابوطالب بن العلامه میرزا محمدرضا مجتهد کرمانشاهی اول عالم و دانشمند معاصر یزد می‌باشد.

پدران این عالم بزرگوار که از احفاد صدوق‌الطائفه جناب ابی‌جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق صاحب من لایحضره الفقیه و صدها کتاب دیگر همگی از دانشمندان مبرز و علماء زبردست شیعه بوده‌اند.

جد دوم ایشان مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدمهدی فرزند آخوند ملا محمد کرمانشاهی در زمان فتحعلیشاه قاجار از کرمانشاه مهاجرت به یزد نموده و خاندان صدوقی یزد را تشکیل داده است.

تاریخ ورود ایشان به یزد در دست نیست ولی سال فوت به موجب لوح قبری که در مزار بزرگ یزد معروف به (جوی هرهر) است از این قرار است.

هذا مغرب شمس الهدایه و الکمال و مغیب بدر الحکمه و الافضال قطب فلک العرفان و نقطه دائره المعرفه و الایقان مجمع الخصوصیات العلیه و منبع الافاضات السنیه جامع مراتب الحکمه و الاجتهاد و حاوی مسالک الهدایه و الرشاد افضل الفضلاء السابقین و اعلم العلماء اللاحقین فی بیضه الاسلام والدین و محکم احکام رب العالمین الذی کان فی مقام التحقیق نطوق کیف و هو من نجل الصدوق عمده المحققین و زبده المدققین الواصل الی جوار رحمه‌اللّه الملک الغنی مولانا ملا محمدمهدی الکرمانشاهی اعلی‌اللّه مقامه فی شهر جمادی‌الثانیه من شهور ۱۲۳۶:

و در سفرنامه مرحوم آیت‌اللّه آقا محمدعلی بن آیت‌اللّه علی الاطلاق آقا محمدباقر وحید بهبهانی این جمله قید شده است که در یزد وارد بر آقای آخوند ملا محمدمهدی کرمانشاهی شده و شرح مفصلی در خصوص یزد و اخلاق اهالی آن نگاشته است.

خلاصه مترجم معظم ما در هشتم صفر سال ۱۳۲۶ قمری در یزد متولد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در نزد اساتید آن شهرستان تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۸ به اصفهان عزیمت و چندی در آنجا در خدمت استادان آن سامان درس خوانده و سرمای تاریخی زمستان و طاقت فرسای سال ۴۸ که در اسفهان و سایر شهرستانهای ایران حکمفرما شده ایشان را مجبور کرد که از اصفهان به یزد مراجعت و مجددا در ذی‌الحجهٔ ۱۳۴۹ ق برای پایان تحصیل با عائله خود به قم حرکت نموده و اساتید سطوح عالیه را درک و از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر و آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه اسرارهم استفاده نموده و هم سطوح عالیه را تدریس تا در سال ۱۳۷۱ ق برای دیدن ارحام به یزد عزیمت نموده و با استقبال کم‌نظیری وارد یزد و پس از چند روزی تصادفا پدر همسر ایشان مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا میرزا محمد کرمانشاهی که از علماء و ائمه جماعت یزد بودند وفات و به درخواست و اصرار مردم یزد عزم رحیلش بدل به اقامت گردیده و تا حال تحریر مرجع بزرگ و مطلق امور دینی مردم یزد و حومه آن می‌باشند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه صدوقی از دانشمندان کم‌نظیر معاصر ما در فضل و اخلاق و علم و عمل و تقوی و دیانت و پاکدامنی و اصالت خانوادگی و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و صفات حمیده و فضائل نفسانی می‌باشند و اکنون سرپرستی حوزه علمیه یزد را به عهده دارند و به عموم محصلین مدارس یزد ماهیانه و شهریه می‌پردازند.

آثار و باقیات الصالحات بسیاری در یزد و نقاط دیگر دارند که به آنها اشاره می‌شود.

۱- مسجد حظیره که با طرز جالب و زیبائی تعمیر نموده و اکنون در آن در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند.

۲- کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم‌خان

۳- تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه مزبور که در شرف ویرانی بود.

۴- مدرسه صدوقی در مشهد مقدس رضوی

۵- موسسات خیری در شهرستان قم و اماکن دیگر.

دارای فرزند برومند فاضلی به نام ثقهٔالاسلام و زبده الفضلاء الکرام آقای آقا شیخ محمدرضا صدوقی می‌باشد که از جمله محصلین مهذب حوزه علمیه قم و در روحیات و فضائل اجتماعی نسخه ثانی آن پدر بزرگوارند.

و نیز دامادهای دانشمند چندی دارند که در میان آنان حضرت مستطاب حجهٔالاسلام و عمادالاعلام آقای حاج شیخ محمود جعفری تبریزی مشهور همگان و در میان اصحاب و خواص یاران آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری در فضل و تقوا و پاکدامنی مشارالیه بالبنان می‌باشند.

نگارنده گوید: جناب آقای جعفری که بیش از سی سالست ایشان را می‌شناسم و در زمان حیات و ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت ره از خواص اصحاب و ملازمین آن مرحوم بودند و به درس فقه و اصول ایشان شرکت داشتند از همان تاریخ موصوف به تقوا و متانت بودند و هیچ مکروهی از ایشان ندیده و نشنیده‌ام و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حجت بنابر خواسته آیت‌اللّه شریعتمداری متصدی بعضی از کارهای معظم‌له گردیده و تاکنون موفق و مورد توجه و علاقه عموم محصلین و زعماء و مراجع حوزه علمیه و بالاخص زعیم روشن و مرجع بزرگواری چون آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری مدظله العالی می‌باشند.

(۱۳۶۱ -۱۲۸۷ ش)، عالم دینی و فقیه. گویند اجدادش از فرزندزادگان شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی بوده‌اند. در یزد به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در مدرسه عبدالرحیم‌خان نزد اساتید زمان تلمذ نمود. در ۱۳۴۸ ق به اصفهان رفت و چندی در خدمت استادان آن شهر درس خواند. زمستان همان سال از اصفهان به یزد مراجعت کرد و در ۱۳۴۹ ق برای تکمیل تحصیلات با خانواده‌ی خود به قم رفت و اساتید سطوح عالیه را درک و از محضر درس آیت‌الله حائری و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت استفاده نمود و همچنین سطوح عالی را تدریس کرد. ساله مقسم شهریه آیت‌الله صدر و آیت‌الله بروجردی بود. از ۱۳۷۱ ق در یزد اقامت گزید و مرجع امور دینی مردم گشت. وی پس از ایراد خطبه‌های نماز جمعه یزد بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. از آثار وی: تعمیر مسجد حظیره، احداث کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عبدالرحیم‌خان؛ تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه‌ی عبدالرحیم خان، احداث مدرسه‌ی صدوقی در مشهد مقدس رضوی؛ ایجاد موسسات خیریه در شهرستان قم و اماکن دیگر. از آثار علمی‌اش: «حدیث کساء»؛ «قصد السبیل»، در امر بین الامرین.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۳۹۳ -۳۹۱ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۵ -۴۴۲ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۷ -۵۳۶ / ۵).

صدیق اعلم، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، مؤسس دانشگاه تهران، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در ۱۲۹۰ ش عازم فرانسه شد و در ۱۲۹۷ ش دوره‌ی دانشسرای و رسای را به اتمام رساند و از دانشگاه پاریس، دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی ریاضی گرفت. چندی نیز در دانشگاه کمبریج به مطالعه و تدریس پرداخت. در ۱۲۹۷ ش به ایران مراجعت کرد و تا ۱۳۰۹ ش مشاغل مختلفی را به عهده داشت، از جمله: بازرس مدراس متوسطه و عالی، ریاست فرهنگ گیلان، ریاست تعلمیات عالیه، معلمی دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی و مدرسه‌ی حقوق، و مدتی نیز مدیر داخلی روزنامه‌ی «مرد آزاد» بود. در ۱۳۰۹ ش به دعوت دانشگاه کلمبیا برای مطالعه‌ی فرهنگ آمریکا به نیویورک رفت و از آن دانشگاه موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در فلسفه گردید و پس از بازگشت به ایران مأمور تأسیس دانشگاه تهران شد و تا ۱۳۱۹ ش ریاست و استادی دانشسرای عالی، دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی علوم به عهده‌ی وی بود. او چندین بار به وزارت فرهنگ انتخاب شد. وی سرانجام در تهران درگذشت. از آثارش: «اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری»؛ «اصول تعلیم و تربیت»، ترجمه، «تاریخ فرهنگ اروپا از آغاز تا عصر حاضر»؛ «حقوق بین‌الملل»؛ «شرح حال و شخصیت و آثار فردوسی»؛ «صنایع ایران در گذشته و در آینده»، ترجمه؛ «یکسال در آمریکا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۰ / ۱۵ ،۱۷۹ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۵ -۲۰۰ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۳۴۵۱ / ۲ ۲۵۱ ۲۴۹، / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴ -۶۵۰ / ۴).

صدیق الحکماء، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. از آثار وی: «اصول طب جدید»؛ «حفظ الصحه»؛ «هدایه التلقیح»؛ «معرفه السل»، ترجمه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (۱۱۷۸، ۲۵۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴ -۱۷۳ / ۳).

صدیق، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون گذارند و در ۱۳۰۹ ش به فرانسه رفت. تحصیلات پزشکی را تا آخر سال دوم در بوردو و بقیه را در پاریس به پایان رساند. او پس از نگارش پایان‌نامه خود درباره‌ی «نگاهداری و اصلاح نژاد انسانی» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل شد. سپس در رشته‌ی بهداشت و بیماری کودکان مدت یکسال و نیم تحصیل کرد و گواهینامه تخصصی از آموزشگاه پرورش کودکان پاریس دریافت نمود. پس از آن از طرف دولت انلگستان برای تحقیق، به الجزیره رفت و پس از شش ماه توقف در آن کشور، در ۱۳۱۷ ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری بهداشت کودکان در دانشسرای عالی منصوب شد. وی بعدها به دانشیاری کرسی بهداشت و پس از آن به سمت استادی بی‌کرسی دانشکده‌ی پزشکی انتخاب گردید. از آثار وی: «بهداشت غذایی،بهداشت نسل»؛ «فن بچه‌داری».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (۲۴۶۷ / ۲ ، ۵۴۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۰ -۸۵۹ / ۴).

صدیقی یار، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود صدیقی یار

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۹/۴

زندگینامه علمی

پس ازگرفتن مدرک سیکل به دروس علوم دینیه مشغول وتادرسیوطی درمدرسه امام صادق (ع)ورامین مشغول به تحصیل شدم تا در زمان جنگ جهت نگهداری ازپدرم هشت ماهی در دروسم فاصله افتاد ولطما تی را دیدم و به پیشنهاد یکی ازدوستانم به مدرسه عبدالعظیم واقع درشهرری رفتم واز عوا مل فی النحومجدداً دروس خودراآغازکردم وبعد ازاتمام ادبیات عرب وشروع به تحصیل اصول وفقه به تدریس دردروس پایه مانند صرف ،تصریف ،صرف ساده وعوامل فی النحومشغول شدم تا اینکه با مشکلات جدیدی مواجه شدم و یکسالی ازدروس حوزه دورافتادم واین وضع به خاطر جبران عقب ماندگی ها وتکمیل دروس و.... وبدون هیچ شهریه ای به قم امدم وبا داشتن یک فرزند وهمسر وبا سختی امتحانات خودرابه صورت متفرقه دادم وشهریه خودرا وصل نمودم و در کنار آن در مؤسسه ای که قبل از وصل شهریه درآن کارمی کردم مشغول کار تحقیقات رجالی وحدیثی بودم که بعداز مدتی از آنجا بیرون آمدم ودرجای دیگری که هم کار علمی درآن به چشم میخورد وهم از لحاظ مادی با تعداد چهار فرزند تأمین می شدم درکناردروس خود مشغول شدم وحتی دردروس تخصصی تبلیغ دو سال مشغول بودم وبه خاطر لطمه خوردن دروس اصلی حوزه ام که ناقص مانده بود انصراف دادم والان مشغول به کار درمجله مبلغان هستم وهم مشغول به تحصیل، و سطح ۲ حوزه را دارا هستم .

صدیقی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

طراح، نقاش، پیکرتراش.

تولد: ۱۲۷۶، تهران (محله‌ی عودلاجان).

درگذشت: ۲۰ آذر ۱۳۷۴، تهران بیمارستان آبان.

ابوالحسن صدیقی، فرزند میرزا باقر صدیق‌الدوله نوری، در هفت سالگی در مدرسه‌ی اقدسیه و پس از آن در مدرسه‌ی آلیانس تهران درس خواند. در آخرین سال تحصیلی به خاطر علاقه به نقاشی، مدرسه‌ی آلیانس را رها کرد و در مدرسه‌ی کمال‌الملک به فراگیری نقاشی پرداخت. وی از شاگردان کمال الملک در نقاشی بود که پس از پایان دوره‌ی نقاشی به مجسمه‌سازی روی آورد و خود به پیکرتراشی مشغول شد.

صدیقی در سال ۱۳۰۷ به اروپا رفت و بیش از چهار سال در مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس در رشته‌ی پیکرتراشی به تحصیل

مشغول شد. وی در سال ۱۳۱۱ پس از بازگشت به ایران، با حکم کمال‌الملک ریاست مدرسه‌ی صنایع مستظرفه را (که بعدها مدرسه‌ی هنرهای زیبا نام گرفت) بر عهده گرفت. بعد در ایجاد اولین مدرسه‌ی معماری در سال ۱۳۱۸ با کمک مدرسان خارجی در محل کنونی سازمان برنامه (میدان بهارستان) کوشش کرد و بعد با همکاری استاد علی‌محمد حیدریان و مهندس محسن فروغی و آندره گدار در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۱۹ در ایجاد «هنرکده» در مدرسه‌ی مروی، واقع در نزدیکی میدان شمس‌العماره شرکت کرد. اما پیش از آن که هنرکده به محوطه‌ی دانشگاه تهران منتقل شود، از همکاری کناره‌گیری کرد و از آن پس تنها به کار پیکرتراشی پرداخت و علاوه بر مجسمه‌ی معاریف ایران، آثاری از صورت بستگان و نزدیکان خود (بین سالهای ۱۳۰۳ تا ۱۳۳۷) و همچنین نقش برجسته نمای وزارت دادگستری (۱۳۲۱)؛ صحنه‌هایی از شاهنامه‌ی فردوسی در زروخانه‌ی بانک ملی ایران (۱۳۲۵)؛ مجسمه‌ی عدالت در وزارت دادگستری (۱۳۳۳) و باز صحنه‌هایی دیگر را به وجود آورد. در بین طرح‌ها و نقاشی‌هایی که در کتاب آثارش چاپ شده، چهره‌ای از حافظ نیز مشاهد می‌شود که به دلایلی به تندیس تبدیل نشده است.

از آثار دیگر اوست: مجسمه‌ی ایستاده‌ی سعدی در شیراز (۱۳۳۰)؛ مجسمه‌ی ایستاده از ابن سینا از سنگ مرمرین در همدان (۱۳۳۳)؛ مجسمه‌ی ایستاده‌ی فردوسی از سنگ مرمر در تهران (۱۳۱۲)؛ مجسمه‌ی نشسته‌ی فردوسی از سنگ مرمر در شهر توس (۱۳۴۷)؛ تندیس میرزا تقی‌خان امیرکبیر (۱۳۲۲ و ۱۳۵۵)؛ رستم (۱۳۲۵)؛ مجسمه‌ی نادر در باغ نادری در توس مشهد (۱۳۳۵)؛ کمال‌الملک (۱۳۴۷)؛ مجسمه‌ی نیم‌تنه از عمر خیام در پارک لاله تهران (۱۳۴۹ و ۱۳۵۴)؛ یعقوب لیث (۱۳۶۵) و سیاه نی‌زن یا حاج مقبل، دو نیم‌تنه چپ و راست از یک سیاه مراکشی؛ نیم‌تنه از یک دوره‌گرد پیر؛ نیم‌تنه ابوالقاسم مستخدم استاد کمال‌الملک، نیم‌تنه استاد کمال‌الملک، و تمام تنها از برادرزاده‌ی خود ایشان و نیم‌تنه‌ی ننه حسین خدمتکار. وی همچنین تندیس‌هایی را به سفارش برخی از نهادها از جمله بانک سپه، بانک ملی ایران، بانک مرکزی، دانشگاه تهران، سازمان تربیت بدنی، وزارت نفت، شهرداری تهران، جمعیت هلال احمر خلق نمود.

از جمله جوایز و نشان‌هایی که به وی اهداء شد، می‌توان از نشان درجه‌ی یک و لوح تقدیر انجمن شرق شناسان فرانسه (پاریس)؛ مدال طلای درجه یک هنر از دولت بلژیک (۱۹۵۷)؛ دیپلم افتخار و نشان هنر از سوی دولت فرانسه توسط رییس آکادمی فرانسه (۱۹۵۹)؛ نشان درجه‌ی یک هنر از رییس جمهوری ایتالیا (۱۷۹۲) نام برد. کیسیون ملی یونسکو نیز همت محمد پارسی و هادی سیف کتابی در سال ۱۳۷۳ در آخرین سال حیات او به پاس خدماتش چاپ و منتشر کرد و استاد در ۹۸ سالگی توانست پیش از فوت، آثارش را یک جا و در مجلدی مشاهده کند.

استاد صدیقی در ۲۰ آذر ۱۳۷۴ در بیمارستان آبان تهران درگذشت و در قطعه‌ی هنرمندان (قطعه‌ی شماره‌ی ۸۸) بهشت زهرا به خاک سپره شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صدیقی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، جامعه شناسی، محقق.

تولد: آذر ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۷۰.

غلامحسین صدیقی، فرزند حسین اعتضاد دفتر، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران در مدارس علمیه، آلیانس و دارالفنون گذراند و سپس در سال ۱۳۰۹ برای ادامه‌ی تحصیل جزو دومین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا به فرانسه رفت. در آنجا پس از گذراندن دوره‌ی دانشسرای سن‌کلو و دانشگاه پاریس به اخذ لیسانس و دکترای ادبیات در رشته‌ی فلسفه و جامعه‌شناسی نایل آمد. رساله‌ی دکترای او با عنوان جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری در سال ۱۹۳۸(۱۳۱۷) به زبان فرانسوی در پاریس به چاپ رسید (این کتاب در سال ۱۳۷۲ در تهران به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و با درجه‌ی دانشیاری در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ فلسفه‌ی قدیم و جامعه‌شناسی پرداخت، مدتی بعد هم به مقام استادی دانشکده‌های ادبیات معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) نایل آمد. چندی نیز مدیر کل دانشگاه و چند دوره نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات در شورای دانشگاه بود. او همچنین در تأسیس انجمن آثار ملی مؤثر بود، و بعدها به ریاست انجمن رسید. او عضو کمیسیون ملی یونسکو و کنگره هزاره ابن سینا بود، و از ۱۳۲۶ الی ۱۳۲۹ در تنظیم مدخل‌های حروف «پ» و «ث» لغت نامه دهخدا فعالیت کرد، در واقع او یکی از پنج نفری بود که همراه خان بابا بیانی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین و عبدالحمید اعظمی زنگنه پس از تصویب ماده واحده مربوط به چاپ لغت نامه در چاپخانه مجلس شورای ملی در اواخر ۱۳۲۴ به همکای با دهخدا انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۰ در هیئت دولت دکتر محمد مصدق به عنوان وزیر پست و تلگراف منصوب شد و پس از مدتی تا سال ۱۳۳۲ وزیر کشور این هیئت دولت بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر گردید و مدت پانزده ماه در زندان به سر برد. اما پس از آزادی چهار بار دیگر هم به زندان افتاد.

از جمله فعالیت‌های وی در زمینه‌ی فرهنگی تأسیس مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ است. این مؤسسه در سال ۱۳۵۱ به دانشکده‌ی علوم اجتماعی تبدیل شد.

دکتر غلامحسین صدیقی همچنان در طول سال‌های عمر خود چندین بار نماینده ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت و یونسکو انتخاب شد. تألیفات وی از این جمله است: از طائیس تا سقراط، گزارش سفر هند (۱۳۲۶)؛ چاپ متن عربی رساله‌ی

سرگذشت ابن سینا و چند رساله‌ی دیگر منسوب به ابن‌سینا. وی همچنین مقدمه‌ای بر کتاب اصول حکومت آتن (تألیف ارسطو و با ترجمه و تحشیه‌ی باستانی پاریزی) نوشته است.

دکتر غلامحسین صدیقی پس از تحمل یک دوره بیماری در نهم اردیبهشت ۱۳۷۰ درگذشت.

از فلاسفه و دانشمندان و استادان مسلم دانشگاه است. در ۱۲۸۴ ش تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و فقه و اصول و ادبیات در تهران به اخذ دیپلم نائل آمد و از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیلی به فرانسه اعزام شد و در رشته‌ی فلسفه لیسانس و دکترا اخذ کرد. پس از مراجعت به ایران به دانشیاری و سپس استادی دانشکده‌ی ادبیات برگزیده شد و سالیان دراز در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در ۱۳۳۰ در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق،ابتدا وزیر پست و تلگراف و بعد وزیر کشور بود و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در آن سمت باقی ماند. پس از سقوط مصدق، دو روزی به حال اختفاء می‌زیست تا اینکه به اتفاق مصدق و شایگان، خود را به حکومت جدید معرفی کرد، چند روزی در باشگاه افسران، سپس در زندان لشکر ۲ زرهی زندانی بود. همزمان با محاکمه‌ی مصدق در دادگاه نظامی او هم محاکمه شد و چندی در زندان بود و او را از کار دانشگاهی اخراج کردند ولی مجددا به کار خود بازگشت و شغل استادی را تا سنین بازنشستگی ادامه داد. ریاست گروه فلسفه و روانشناسی با او بود.

دکتر غلامحسین صدیقی مردی به تمام معنی صدیق و متقی و دانشمند و در عین حال سختگیر و بدون گذشت بود. در وطن‌خواهی و علاقه‌ی او به کشور هیچ‌کس تردید ندارد. او عضویت جبهه ملی را پذیرفت و تا پایان عمر بدان عقیده باقی ماند. در اواخر دوران حکومت شاه هر موقع سخن از نخست‌وزیر ملی می‌شد، نام صدیقی مترادف آن بود. شاه در روزهای سقوط به او متوسل شد تا سکان شکسته‌ی کشتی حکومت را به دست او بسپارد ولی روی شرایط پیشنهادی توافق نشد. شاه در خاطرات خود اشاره می‌کند که شرایط او مورد قبول واقع نشد لیکن واقعیت مطلب این است که صدیقی از زیر بار مسئولیت فرار کرد. زیرا اوضاع و احوال روز خواستار عدم قبولی او بود. وی صاحب تالیفاتی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد. در سال ۱۳۷۱ در تهران درگذشت و از طرف مردم تشییع جنازه‌ی باشکوهی به عمل آمد.

(۱۳۷۰ –۱۲۸۴ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه، رییس انجمن آثار ملی. در تهران به دنیا آمد. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه‌های آلیانس و دارالفنون در ۱۳۰۸ ش به فرانسه اعزام شد. او پس از اخذ دیپلم ادبیات از دانشسرای عالی سن کلود، تحصیلات دوره‌ی دکترا را در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه سوربن آغاز کرد و با تقدیم رساله‌ی خویش تحت عنوان «جنبش‌های دینی ایرانیان در قرن‌های دوم و سوم هجری» دوره‌ی دکترای خویش را به پایان برد. به ایران بازگشت و به خدمت دانشگاه درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد: معلم جامعه‌شناسی و تاریخ فلسفه، نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در شورای دانشگاه، عضو هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس بین‌المللی تلعیم و تربیت در ژنو و بعد با همین سمت در لندن، عضو هیأت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در هندوستان، ریاست نمانیدگی در سومین کنفرانس سازمان تربیتی و علمی یونسکو به جهت شایستگی علمی و فرهنگی مدتها عضو هیئت تحقیقی انجمن آثار ملی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «از طالس تا سقراط»؛ «گزارش سفر هند». دکتر صدیقی برای مدتی هم با علی اکبر دهخدا همکاری علمی و فرهنگی نمود و تألیف و تنقیح دو جزء «لغت‌نامه» را بر عهده گرفت به پایان رساند. او همچنین در تصحیح تألیفات فارسی منسوب به ابن‌سینا شرکتی فعال داشت.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۴ –۱، ص ۱۷۳ –۱۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۰ –۶۷۹ / ۴).

صدیقی، فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای خارجی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صرامی، سیف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیف الله صرامی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی با دیپلم ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه ذوالفقار شدم. تا حدود شش ماهی که در آنجا بودم مقدمات را از سیوطی و المنطق که در فاصله دو سال آخر دوره دبیرستان به آن رسیده بودم تا مغنی و اصول استنباط رساندم. اواخر سال ۶۰ توفیق حضور در حوزه علمیه قم ، مدرسه امام صادق(ع) را یافتم. در آنجا حدود یک سال بقیه مغنی،

مختصر المعانی و تا اواسط شرح لمعه و اصول فقه را تمام کردم.

تا اواخر سال ۶۶ دروس مقدمات و سطح را تقریبا به اتمام رساندم و توفیق متناوب و البته جسته و گریخته ای در تدریس همان دروس تا سطح شرح لمعه را داشتم. از اواسط سال ۶۸ شاگرد درس خارج فقه و اصول بودم، در حالی که در خلال دروس مقدمات و سطح چند دور درس فلسفه را هم تجربه کرده بودم بدایه الحکمه، نهایهٔ الحکمه و شرح منظومه اسفار را هم در حد ج ۱ و ۶ در سال های ۶۷ تا ۶۹ خواندم.سال ۶۹ دوره فوق لیسانس تربیت مدرس دانشگاه قم را در الهیات و معارف اسلامی آغاز کردم که در سال ۷۳ به پایان رسانیدم.از سال ۶۹ با شرکت در تهیه برخی فیش های بحار الانوار برای تدوین نرم افزار های مربوط در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی همکاری خود را با مرکز تحقیقاتی، با پیش زمینه ای در برخی از کارهای تحقیقاتی شخصی آغاز کردم. پس از مدت کوتاهی با تشکیل معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری محترم به آن پیوستم. حاصل کار با آن معاونت تا سال ۶۷ غیر از مدیریت گروه فقه دو کتاب احکام حکومتی و مصلحت و احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر بود.

از سال ۷۵ همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (ابتدا با عضویت در شورای علمی آن و از سال ۷۶ تاکنون به عنوان مدیر گروه مسائل فقهی حقوق آن) را آغاز کردم .

از اساتید حوزوی بیش از همه از محضر حضرت آیت الله استاد شیخ جواد تبریزی (مد ظله العالی) و پس از ایشان حضرت آیت الله استاد سید کاظم حائری (مد ظله العالی) بهره برده ام. از محضر اساتید گرانقدر حضرت آیت الله مددی و حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ مهدی گنجعلی نیز در درس هایی با روش مباحثه و گفتگو بهره های فراوان برده ام. توفیق تدریس دروس سطح را نیز به تناوب و البته به شکل خصوصی داشته ام.

صرفی پور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی صرفی پور

محل تولد : قم

شهرت : صرفی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۰ وارد حوزه علمیه قم (مدرسه کرمانیها) شد. اگر چه قبل از ورود رسمی به حوزه نزد پدرش تا لمعه تحصیل نمود . بعد از دوران مقدمات رسمی وارد دروس فقه و اصول شده و نزد آقایان آیهٔالله اشتهاردی، اعتمادی، ستوده سطح را تمام نمود. دروس خارج را از دروس آیات عظام مکارم، تبریزی و فاضل بهره برد. تاکنون در حوزه های علمیه شهرستانهای اندیمشک، اسدآباد، مینودشت و صحنه وپلدختردروس حوزه را تا لمعه و اصول ورسائل ومکاسب تدریس نموده است.

همچنین مسائل اخلاقی و اعتقادی و تاریخی و سیره ائمه را در این شهر ها برای گروه های مختلف مردم تبیین نموده است. ودر دانشگاه آزاد نیز تدریس داشته اند.تاکنون ۲۷ جلد کتاب تالیف نموده و بیش از ۵۰ جلد کتاب اماده نشر می باشد. وتقریبا بیست مقاله آماده عرضه دارند همچنین بیش از سیصد جلسه رادیویی در رادیو لرستان ازایشان به عنوان کارشناس دینی برنامه های معارف اسلامی ضبط و پخش و یا برای پخش منظور شده است.

صعلوکی نیشابوری، ابوسهل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۹ -۲۹۶ ق)، فقه شافعی، مفسر، ادیب، نحوی، صوفی و شاعر. شیخ خراسان در زمان خود بود. در اصفهان به دنیا آمد. وی به بصره رفت و چندین سال در آن شهر تدریس نمود و چند سال نیز در اصفهان اقامت داشت. سرانجام در ۳۳۷ ق به نیشابور آمد و سپس خانواده‌ی خود را به آنجا منتقل کرد. او بیش از سی سال کرسی درس و فتوی نیشابور را در اختیار داشت. صعلوکی از ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و احمد ماسرجسی و احمد محمدآبادی و ابن ابی‌حاتم و ابن‌انباری و محاملی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، ابوطیب، و فقهای نیشابور در محضر وی فقه آموختند. ابوسهل مصاحب ابواسحقاق مروزی بود و گفته‌اند که از وی فقه آموخت. گویند که او شبیلی را نیز درک کرده بود. نسوی وی را پیشگام علم تصوف می‌داند. ابوبکر صیرفی گوید که اهل خراسان همچون ابوسهل را هرگز نخواهند دید و صاحب بن عباد گفت که ما همچون ابوسهل ندیده‌ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده است. به هر حال او در شریعت و طریقت یگانه‌ی روزگار خود بود. وی در نیشابور درگذشت. ثعالبی اشعار بسیاری را به او نسبت داده است. «الفوائد» روایتهایی از اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۶۵۸)، الاعلام (۲۰۷)، الاعلام بوفیات اعلام (۲۵۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰ -۵۳۹ / ۳)، ریحانه (۴۴۶ -۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۳۹ - ۲۳۵ / ۱۶)، شذرات الذهب (۷۰ -۶۹ / ۳) طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، العبر (۱۳۲ / ۲)، الکنی و الالقاب (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صعلوکی)، النجوم الزاهره (۱۴۱ -۱۴۰ / ۴)، نفحات الانس (۳۱۸ -۳۱۷)، الوافی بالوفیات (۱۲۵ -۱۲۴ / ۳)، وفیات الاعیان (۲۰۵ -۲۰۴ / ۴).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه و لغوی. پدرانش حنفی و خود شافعی و مذهب بود و از بزرگان آنها. از یحیی بن محمد ذهلی و علی بن حسن دارابجردی و محمد بن عبدالوهاب فراء و محمد بن ایوب رازی و عبدالله بن احمد بن حنبل و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. او در نیشابور به تدریس فقه و حدیث مشغول بود. برادرزاده‌اش،ابوسهل صعلوکی، و ابوعبدالله اخرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید که از وی حدیثی شنیدم. او رد فقه و لغت از پیشگامان بود و در حدیث صاحب تصنیف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات اعلام (۲۳۱ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۱ -۵۴۰/ ۳)، سیر النبلاء (۳۹۱ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۱۰۸ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۹۶ / ۷).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب سهل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۴ / ۳۸۷ ق)، محدث، فقیه، متکلم و ادیب شافعی. مفتی نیشابور بود و پدرش نیز قبل از او این سمت را داشت. علم و فضل و دیانت او را ستوده‌اند و گفته‌اند که مرجع فقهای نیشابور بود. فقه را از پدرش، ابوسهل محمد بن سلیمان،و حدیث را از ابوالعباس اصم و ابوعلی رفاء آموخت. سپس مجلس درس آراست. در مجلس او افزون بر پانصد دوات برای نگارش بیانات او فراهم می‌کردند. حاکم نیشابوری و ابوبکر بیهقی و ابونصر محمد شادیاخی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الفوائد» که گردآوری مسموعات اوست؛ «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب»، که همان طبقات شافعیه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰ / ۳)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۷۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰ / ۳)،روضات الجنات (۹۴ / ۴)، ریحانه (۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۰۹ -۲۰۷ / ۱۷، شذرات الذهب (۱۷۳ -۱۷۲ / ۳)، طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، العبر (۲۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۴۵)، الکنی و الالقاب (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم المؤلفین (۲۸۴ / ۴)، نفخات الانس (۳۱۸)، الوافی بالوفیات (۱۳ -۱۲ / ۱۶)، وفیات الاعیان (۴۳۶ -۴۳۵ / ۲)، هدیه العارفین (۴۱۲ / ۱).

صغانی، رضی‌الدین، ابوالفضائل حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۵۰ -۵۷۷ ق)، فقیه حنفی، محدث، نحوی و لغوی. اصل وی از صغان یا چغان مرو از ولایات ماوراءالنهر است که در لاهور به دنیا آمد و در غزنه نشوونما یافت.به بغداد رفت و سفری به یمن نمود و سرانجام تا پایان عمر در بغداد ماندگار شد. او در مکه از ابوالفتوح نصر بن صحری و در یمن از قاضی خلف حسن‌آبادی و در بغداد از سعید بن محمد بن رزاز حدیث شنید. او در زبان عربی سرآمد همعصران خود بود، و از مشاهیر فقها و محدثین به شمار می‌رفت. در اکثر علوم ریاست علمی داشت. حوزه‌ی درس او مرجع استفاده‌ی افاضل زمان بود. صغانی از مشایخ اجازه‌ی روایتی سید احمد بن طاووس و فرزندش سید عبدالکریم بن طاووس و علامه‌ی حلی است. از آثار وی: «مجمع البحرین»، در لغت، در چندین مجلد؛ «العباب»، معجمی در لغت که برای ابن‌علقمی، وزیر مستعصم نگارش کرده است؛ «الشوارد»، درلغت؛ «الاضداد»؛ «مشارق الانوار»، در حدیث، که برای مستنصر عباسی تألیف کرده است، شرح «صحیح» بخاری بطور مختصر؛ «التکمله علی الصحاح» یا تکمله الصحاح»؛ «در السحابه فی مواضع وفیات الصحابه»؛ «بیان الاحادیث الموضوعه» یا «الدررالملتقطه فی بیان الاحادیث الموضوعه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۲ / ۲)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، روضات الجنات (۹۱ -۸۹ / ۳)، ریحانه (۴۰۹ -۴۰۷ / ۳)، سیر النبلاء (۲۸۴ -۲۸۲ / ۲۳)، شذرات الذهب (۲۵۰ / ۵)، العبر (۲۶۵ / ۳)، کشف الظنون (۱۹۸۰، ۱۸۳۲، ۱۸۰۸، ۱۷۷۶، ۱۷۰۵، ۱۶۸۸، ۱۵۹۹، ۱۴۶۱، ۱۴۳۸، ۱۴۲۴، ۱۳۹۴، ۱۳۹۲، ۱۲۵۰، ۱۱۲۱، ۱۰۸۷،۱۰۷۲، ۱۰۶۷، ۱۰۶۵، ۷۳۱، ۵۵۳، ۳۹۵، ۲۵۱، ۱۱۶، ۸۷)، الکنی و الالقاب (۳۱۸ -۴۱۷ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (۱۹۱ -۱۸۹ / ۹)، معجم المؤلفین (۲۷۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۲۷ -۲۶ / ۷)،

الوافی بالوفیات (۲۴۳ –۲۴۰ / ۱۲).

صفا، ذبیح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۹۰ ش در شهمیرزاد از قراء سمنان متولد شد. دوران اولیه را در شهر بابل به سر برد و در همانجا گواهینامه دوره‌ی ابتدائی را دریافت کرد. تحصیلات متوسطه را در تهران به اتمام رسانید و در ۱۳۱۲ دیپلم ادبی گرفت و وارد دارالمعلمین عالی شد و در ۱۳۱۵ لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی گرفت. پس از انجام خدمت سربازی به دبیری زبان و ادبیات فارس پرداخت. در عین حال در دوره‌ی دکترای ادبیات به تحصیل اشتغال ورزید و دکترا دریافت کرد و رساله‌ی خود را تحت عنوان حماسه‌سرائی در ایران نوشت و با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب واقع شد و به عنوان دانشیار به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات پرداخت و پس از پنج سال توقف در رتبه‌ی دانشیاری به مقام استادی کرسی زبان و ادبیات فارسی منصوب گردید.

دکتر صفا از سال ۱۳۲۰ به سمت معاونت و بعد کفالت اداره دانشسراهای مقدماتی در وزارت فرهنگ برگزیده شد و در ۱۳۲۲ به ریاست اداره تعلیمات عالیه و تعلیمات متوسطه و ریاست دانشسراها منصوب گردید. در همان زمان عضو هیئت مدیره شیر و خورشید سرخ و دبیرکلی کمیسیون ملی یونسکو را در ایران عهده‌دار شد و در این سمتها ماموریتهای زیادی به اروپا پیدا کرد. وی از جوانی شوق و ذوق مطبوعاتی داشت. در ۱۳۱۲ معاون سردبیر مجله‌ی مهر شد و در ۱۳۱۵ سردبیر مجله‌ی مذکور گردید. در ۱۳۲۰ امتیاز مجله‌ی سخن را گرفت و یک سال آن را انتشار داد و بعد از یک سال امتیاز سخن را به دکتر خانلری واگذار نمود و خود امتیاز روزنامه‌ی شباهنگ را دریافت کرد و چهارسال متوالیا روزنامه را منتشر کرد. مدتی نیز مدیریت مجله‌ی ارتش با او بود و بعد مدیر مجله‌ی ادبی دانشکده ادبیات شد.

دکتر صفا مدتی نیز ریاست دانشکده ادبیات را بر عهده داشت. از آثار و تالیفات او می‌توان کتب زیر را نام برد: حماسه‌سرائی در ایران، تاریخ مختصر تحول نظم و نثر فارسی، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تاریخ ادبیات در ایران (سه جلد)، گنج سخن، یادنامه خواجه نصیر طوسی، جشن‌نامه ابن‌سینا، ترجمه‌ی مرگ سقراط از آثار لامارتین، مزداپرستی در ایران قدیم، آئین سخن در معانی و بیان فارسی و چندین آثار و تصحیح دیگر. صفا در سال ۱۳۷۸ در خارج از کشور درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

صفار بخاری، ابونصر اسحاق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۰۵ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اهل بخارا بود. او در ادبیات عرب، در شناخت نکات و دقائق آن، و همچنین در فقه و حدیث یگانه‌ی زمان خود بود. ابوسعد سمعانی در «تاریخ مرو» و حاکم نیشابوری در «تاریخ نیشابور» و خطیب بغدادی در «تاریخ بغداد» به شرح حال او پرداخته‌اند. او احادیث بسیاری در انواع علوم فراگرفت و در ۴۰۵ ق، در سفر حج، در بغداد، از نصر بن احمد بن اسماعیل کنانی، صاحب جبرئیل سمرقندی، حدیث روایت کرد. ابوعلی حسن بن علی بن مذهب بغدادی از شاگردان و راویان صفار است و استادش را بسیار ستوده است. صفار در اواخر عمر به حجاز رفت و ساکن طایف شد و قبر وی در آنجاست. صفار شعر را نیکو می‌سرود. او در لغت و ادبیات تصانیفی دارد که از آن جمله است: «المدخل الی سیبویه»، در نحو؛ «المدخل الصغیر»، در نحو؛ «الرد علی حمزه فی حدوث التصحیف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۴۸ –۵۴۷ / ۳)، تاریخ بغداد (۴۰۳ / ۶)، ریحانه (۴۵۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسحاق)، معجم الادباء (۶۹ –۶۶ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۳۰ / ۲).

صفارزاده، طاهره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.

- طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم ،متولد ۱۳۱۵ سیرجان
- لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران
- ادامه تحصیل در انگلستان و سپس آمریکا در دانشگاه آیووا

▪کسب درجه MFA

▪استخدام در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۹

▪رئیس دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات

▪دکترا در رشته نقد تئوری و عملی ادبیات جهان

▪برگزیده شدن در «فستیوال بین المللی داکا» در سال ۶۷ به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا،

«▪استاد نمونه» سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی

«▪خادم القرآن» پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم »، سال ۸۰

سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته های مختلف دانشگاهی

▪قصه ، پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱

▪شعر ، رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱

Brella the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م.= ۱۳۴۷ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، ۱۳۵۰ ، سفر پنجم، ۱۳۵۶ ، حرکت و دیروز، ۱۳۵۷ ، بیعت با بیداری، ۱۳۵۸ ، مردان منحنی ، دیدار صبح، ۱۳۶۶ ، در پیشواز صلح، ۱۳۸۵ ، گزیده ادبیات معاصر، ۱۳۷۸ ، هفت سفر، ۱۳۸۴ ، روشنگران راه، ۱۳۸۴ ، اندیشه در هدایت شعر، ۱۳۸۴

●اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه

▪اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸

ترجمه های نامفهوم، ۱۳۸۴

▪ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، ۱۳۷۹

▪ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه – متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰

▪ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲

▪ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵

▪لوح فشرده قرآن حکیم (سه زبانه – متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۳ (نشر دوم) کامل وجزء ۳۰.

▪دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۱

▪دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۳

▪مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، ۱۳۸۴

دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به ۳ زبان زنده دنیا است. صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم به سال ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده ای متوسط چشم به جهان گشود.اجدادش از عرفای مقید به مقابله با ظلم و عدالت پروری بوده اند.پدر و خواهرش هم اهل تصوف بودند . در خانواده، برپایی مجالس ذکر و دعا بویژه در اظهار ارادت به حضرت علی علیه السلام متداول بود.خانواده اش پیشینه عرفانی داشتند وهمین امر سبب شد که او از همان آغاز نگاهی ویژه به پیرامونش داشته باشد.قبل از آنکه به مدرسه برود تجوید و قرائت و حفظ قرآن کریم را در مکتب محل آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذرانید.

از کودکی ذوق نویسندگی و عشق به مطالعه آثار ادبی داشت ودر دبستان به عنوان شاعر شناخته شده بود.در این زمینه آموزگاران و بعد دبیران او را بسیار تشویق می کردند.

نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که در روزنامه دیواری مدرسه به ثبت رسید و نخستین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

در ششم ادبی شاگرد اول شد و با جرأت در امتحان ورودی دانشگاه در رشته های حقوق و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی که مناسب آن دیپلم بود شرکت کرد و در هر سه قبول شدو چون تردید در انتخاب داشت خانواده اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت . مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت .در دانشگاه آیووا ، هم در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد.MFAدرجه ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام طرح های ادبی متنوع به مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می پردازند.دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه های آمریکا با پایه دکتری انجام می پذیرد.در زبان عربی استعداد خاصی داشت و چنانکه در مقدمه «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید»گفته است: «در دوره دبیرستان و به تشویق یک استاد دلسوز و دانشمند، عربی پایه را خوب فرا گرفتم و هرگز رابطه ام با آموختن آن زبان قطع نشد چه کلاس های عادی و چه درس خصوصی را در محضر استادانی تلمذ می کردم که قرآن شناس بودند .خودم بر این عقیده هستم که بروز و شکوفایی استعداد من در زبان عربی به دلیل این بود که تجوید و قرائت قرآن کریم را در کودکی در سن ۶ سالگی آموخته بودم .»

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی «شعر امروز جهان »، «نقد ادبی» و «نقد عملی ترجمه » را انتخاب کرد و در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته های زبان خارجی موجب گله مندی گروه های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت شد. دکتر طاهره صفارزاده پایه گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه » در دانشگاه های ایران محسوب می شود.دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی »، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته های زبان و ادبیات اقدام کرد. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره مندی هایی از این آموزش جدید دست یافت .صفارزاده از ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی ، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت .پس از انقلاب اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه »اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه » مفید افتاد.

دکتر طاهره صفارزاده به عنوان کارشناس ترجمه معتقداست: «در ترجمه دانستن موضوع یا مطلب مورد ترجمه مقدم بر دانستن زبان مبدأ و مقصد است .این خطر بزرگی است که متخصص رشته علوم انسانی ، حتی رشته مهندسی متن پزشکی را و بالعکس یک پزشک متن جامعه شناسی را ترجمه کند ، چون که اصطلاحات خاص مجموعاً زبان علمی یک رشته را تشکیل می دهند. » بر اساس این فکر دو تمرین «ترجمه تخصصی »و «معادل یابی برای واژگان تخصصی» در کتابهای زبان برای رشته های دانشگاهی به پیشنهاد او گنجانده شد.

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی ، حکومت پسند نبود.سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت.و در ایام تنهایی و مشاهده پاره ای خیانت های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد.

کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. از مجموعه شعرهای او می توان به : رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱ brelld the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م. ۱۳۴۷ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان،سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح،گزیده ادبیات معاصر، هفت سفر، روشنگران راه و اندیشه در هدایت شعر، اشاره کرد.

اشعار صفارزاده با نظر به مسائل سیاسی و اشاره به وقایع مهم جهان دارای خط فکری خاصی است.در همه آثارش به جریان های سیاسی ایران و جهان نظر دارد.صفارزاده با استفاده از زبان محاوره، اصطلاحات عامیانه، حتی مطرح کردن شعارها، تلاش می کند به شعر و زبان مردمی نزدیک تر شود.شاید به همین دلیل، از آوردن واژه ها و اسامی، از زبان های بیگانه خودداری می کند.

شعر صفارزاده دارای اندیشه های شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می شود.در شعر صفارزاده، فرصت ها گرانبهاترند و خواننده با شاعری مواجه می شود که اسلوب را در زبانی فشرده و با بار بیشتر از لحاظ اندیشه و تفکر می بیند.او با استفاده از تعابیر مذهبی و قصص و آیات قرآن کریم به صورت تلمیح و جهان مداری و سیاست محوری، رنگ و بوی خاص به اشعارش بخشیده است.خودش می گوید: شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ وقت حکومت پسند نبوده است.

صفاری، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر و مترجم. در رشت به دنیا آمد و در کالج آمریکایی تهران تحصیل کرد. او طبع شعر نیز داشت و در حدود هزار و پانصد بیت شعر سروده است. اثر وی: «بدبختی روشنفکران»، ترجمه.[۱]

تولد: ۱۲۹۶، رشت.

درگذشت: آبان ۱۳۶۹، تهران.

رحیم صفاری مدرسه‌ی کالج آمریکایی را گذرانیده بود و چندی در امور سیاسی و اجتماعی با جنبه‌های ملی فعالیت داشت. از نوشته‌های چاپ شده‌ی او ترجمه‌ی بدبختی روشنفکران اثر اشتفان زوایک است (تهران، ۱۳۲۸). چند نوشته رساله‌ی سیاسی هم منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی (۴۷۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۴ -۱۱۳ / ۳).

صفاری، سعدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعدی صفاری

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعدی صفاری در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای تسمکلایه از روستاهای منطقه الموت قزوین در خانواده‌ای ساده و متدین به دنیا آمدم، تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا گذراندم. سپس وارد حوزه علمیه قزوین شدم (۱۳۶۳) یکسال در حوزه علمیه صالحیه درس خواندم و همان سال عازم جبهه شدم. همزمان با درس حوزه دروس دبیرستان را نیز به صورت متفرقه ادامه دادم، سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. چون مدتی از سال قبل را در جبهه بودم و بخشی از آن سال را نیز مشغول درس‌های دبیرستان بودم درس‌های حوزه را از اول شروع کردم.پس از اتمام دیپلم اقصاد و سال چهارم حوزه ازدواج کردم و همزمان در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته ادبیات فارسی دانشگاه کِلان قبول شدم اما به دلیل دوری مسافت یک ترم مرخصی گرفتم و بعد از آن از رفتن به دانشگاه منصرف شدم و درس‌های حوزه را ادامه دادم، ولی به دلیل مشکلات اقتصادی ناچار شدم به منطقه الموت برگردم و مشغول کارهای تبلیغی باشم. اما شوق ادامه تحصیل مرا وادار کرد دوباره به قم برگردم و تا جایی که ممکن است ادامه دهم پس از پایان دهم در دروه کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس نیز شرکت کردم و همزمان با دروس خارج حوزه در کارشناسی ارشد مدرسی الهیات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم فارغ التحصیل شدم.در طول این مدت ماه‌های مبارک رمضان محرم و ایام تابستان را در مناطق مختلف کشور بالاخص ستاد مشترک سپاه در تهران مشغول به تبلیغ بوده‌ام. پس از پایان کارشناسی ارشد تربیت مدرس با اخذ مجوز تدریس از نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه به تدریس در دانشگاه آزاد تفرش مشغول شدم، قابل ذکر است که قبل از آن در حوزه علمیه صدوق قم نیز تدریس می‌کردم و در حال حاضر نیز به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور بوئین زهرا هفته‌ای سه تا چهار روز در آن دانشگاه تدریس دارم و در کنار تدریس گاهی مقالاتی را نیز می‌نویسم که یکی از آنها به چاپ رسیده است.

صفاهانی، حبیب الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلّف کتاب «شرح اسماء اللَّه الحسنی»، معاصر با شاه عباس ثانی صفوی، کتاب خود را در سال ۱۰۶۱ به نام این پادشاه نوشته است.

بیشتر از این از حالاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صفای تبریزی، فضلعلی مولوی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ / ۱۳۳۷ -۱۲۷۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به صفا. پدرش ملاباشی آذربایجان بود. وی در تبریز به دنیا آمد. به تحصیل مقدمات و صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه و تجوید و قرائت و حساب و نجوم نزد آقا میر علی زنوزی پرداخت. سپس فقه و اصول را فرا گرفت. استادان وی در فقه و اصول میرزا محمد حسن زنوزی و حاج میرزا محمد علی ملاباشی آذربایجان، برادرش، بودند. او تفسیر و کلام را نزد پدرش آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات عالیه به عتبات سفر کرد و در محضر علمای بزرگ حاضر شد و سرانجام به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از فاضل شرابیانی و فاضل ایروانی و ادرکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی نائل گردید. در ۱۳۰۷ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخت. در ۱۳۲۴ ق از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در ۱۳۳۶ ق برای معالجه به اروپا رفت اما اقامت طولانی وی مفید واقع نشد و در برلین درگذشت و در گورستان مسلمین آنجا دفن شد. فرزندزادگان وی به نام مولوی مشهورند. از آثارش: «احکام الاراضی الخراجیه»؛ «استصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «حدایق العارفین»، در جمع آیات و اخبار کتب اربعه؛ شرح «قصیده‌ی عینیه» سید حمیری؛ «مصباح الهدی فی حقیقه التقیه و البداء»؛ «کلید دانش»، در صرف فارسی؛ «ریاض الازهار»؛ «سفرنامه»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی؛ قصیده‌ی «لامیه السفر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۹۹ -۲۹۸)، الذریعه (۱۰ / ۱۴ ،۲۷۱ / ۱۲ ،۶۰۸ / ۹ ،۲۸۹ / ۶)، ریحانه (۴۵۱ -۴۴۸ / ۳)، علماء معاصرین (۱۲۱ -۱۲۰)، فرهنگ سخنوران (۵۵۷)، مکارم الآثار (۲۱۹۶ -۲۱۹۲ / ۶)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۱۱۶ -

۱۱۰).

صفای شهمیرزادی، ذبیح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۸ –۱۲۹۰ ش)، محقق، مترجم، مصحح، نویسنده، ادیب، شاعر و استاد دانشگاه. وی در شهمیرزاد سمنان به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان جا و بابل گذراند، سپس به تهران آمد و تحصیلات خود را در تا درجه‌ی دکترا ادامه داد و به استادی دانشگاه ادبیات رسید و با نوشتن مقالات ادبی و تاریخی در مجلات «مهر»، «ایران امروز» و «تعلیم و تربیت» و غیره استعداد خود را نشان داد. وی مدیریت سال اول مجله‌ی «سخن» و مدیریت سال پنجم و هفتم مجله‌ی «مهر» را نیز بر عهده داشته و تأسیس روزنامه‌ی «شباهنگ» نیز از اقدامات اوست. او مدتی دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران و زمانی رییس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود. دکتر صفا در سالهای آخر عمر در شهر لوبک (آلمان) می‌زیست.از آثارش: «تاریخ ادبیات در ایران»، در پنج جلد؛ «حماسه‌سرایی در ایران»؛ «تاریخ علوم عقلی»، «در تمدن اسلامی تا قرن پنجم هجری؛ «مزداپرستی در ایران قدیم»، ترجمه؛ تصحیح «دیوان عبدالواسع جبلی»؛ «جشن‌نامه‌ی ابن‌سینا»؛ «آیین سخن در معانی بیان»؛ «تربیت معلمین روستایی»، ترجمه؛ «شاهکارهای ادبیات فارسی»، در جند مجلد؛ «فلسفه لایب نیتس»؛ «گنج سخن»؛ «مرگ سقراط»، ترجمه؛ «نگهبانان ایران»؛ «یادنامه‌ی خواجه نصیر»؛ «مادر دیوانه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۳۶۸ –۳۶۷)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۰۰ –۲۲۹۵ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۳۴۴۳، ۲۸۴۸ ، ۲۷۰۰ / ۲ ،۱۲۲۱ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴ –۸۰ / ۳).

صفائی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین نخبه العلماء العاملین آقای حاج شیخ عباس بن العلامه الکبری و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی حایری قمی (صاحب حاشیه بر کفایه) از علماء اعلام و دانشمندان عظام شهرستان قم معروف به فضل و کمال موصوف به علم و تقوا در سال ۱۳۲۲ ق در شهر سامرا متولد شده و تحصیلات خود را بیشتر نزد والد بزرگوار خود خوانده و هم از محضر آیت‌الله العظمی حایری استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم والدش در سال ۱۳۵۸ ق به جای آن مرحوم در (مسجد نو) واقع در خیابان شیخان به اقامه جماعت و ترویجات دینی قیام نموده و تاکنون که نزدیک هفتاد سال از سن شریفش می‌گذرد به تدریس و تالیف و سایر خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صفرعلی پور، حشمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حشمت الله صفرعلی پور

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران ابتدائی و راهنمایی از محضر پدر روحانی آیت الله سیدمجتبی میبدی (که خداوند درجات ایشان را متعالی فرماید) بهره‌ها گرفتم و قبل از انقلاب از امام خمینی(ره) تقلید می‌نمودیم دو رساله بدون جلد ایشان را داشتیم. دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به صورت پاره‌وقت در حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه از محضرات آیات و از جمله آیت الله اشرفی اصفهانی شهید محراب در معارف و اخلاق و تفسیر بهره‌مند می‌شدم و در سال ۱۳۶۰ ه . ش به طور رسمی تحصیل علوم حوزوی را در قم آغاز نمودم و تمامی کتابهای درسی اصلی سطح و جنبی مرسوم در حوزه را نزد اساتید برجسته و مشهور فراگرفتم و در ادبیات از مدرس افغانی و صنایع بدیع و منحصر المعانی و مطول از حاج آقای علوی گرگانی و ادیب دوم حجت هاشمی (به مدت شش ماه در مشهد مقدس) تلمذ نمودم و در منطق و فلسفه بدایهٔ الحکمه و منطق مظفر و حاشیه را نزد آیت الله ربانی گلپایگانی و نهایهٔ الحکمه و شرح منظومه را نزد آیت الله ممدوحی آموختم و باب حاوی عشر را تلمذ نموده و شرح تجرید را مطالعه و گاهی بحث می‌نمودم و تابستانها گاهی به تدریس ادبیات و اصول اشتغال داشتم و در تفسیر از محضر آیت الله جوادی آملی، معارف و نهج‌البلاغه از آیت

الله مکـارم شـیرازی و در دروس اخلاـق از محضـر آیات عظام همچون آیت الله بهاء الـدینی(ره) و آیت الله مظاهری بهره می گرفتم. شرح لمعه را نزد آیت الله شب زنـده‌دار، محامی، اسـتادی و سـید احمـد خاتمی آموختم و رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیت الله اعتمادی، پایانی و اسـتادی فراگرفتم. رجال و ملل و نحل و درایه را نزد آیت الله سبحانی و علم حـدیث و سیره رانزد آیت الله سـید احمـد خاتمی بهره گرفتم. در سال ۶۶ به دست آیت الله بهجت حفـظ الله ملبس شـدم و در این میـان به صورت تبلیغی در جبهه‌های نـبرد غرب و جنـوب حضور پیـدا می‌نمودم. دروس خـارج فقه و اصول را بیشـتر از محضـر آیت الله العظمی فاضـل لنکرانی و وحید خراسـانی تلمـذ نمودم برقی از کتابهـای مبـاحث خـارج فقه و اصول را نزد آیت الله شـیخ جواد تبریزی(ره) و آیت الله جوادی آملی استفاده نمودم.از سال ۷۰ با مراکز تحقیقاتی قم همکاری داشتم و در کنار دروس حوزه به تحقق و تألیف در زمینه عقائد و امامت و ولاـیت پرداختم و آثـاری را تـألیف و به چـاپ رسانیـدم و در زمینه کتاب‌شناسـی اختصاصـی امـام حسـین(ع) به صورت گزارشـی، تخصصـی و کاربردی بیش از دو سال در کتابخانه‌ها و مراکز تخصصی تحقیق نمودم و کتاب «کتابشناسی اختصاصی امام حسین(ع) را تـدوین و در اختیـار علاقمنـدان و محققـان قرار دادم و ثواب معنوی آن را هـدیه به مقـام معظم رهبری حضـرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نمودم. پایان‌نامه سـطح سوم به عنوان معادل فوق لیسانس در موضوع خیار عیب در سال ۷۳ و پایان‌نامه سطح سوم به عنوان مدرک رسـمی کارشناسی ارشد در موضوع نقش علم اجمالی در اصول را در سال ۸۱ به پایان رسانیدم و هم اکنون پایان‌نامه مقطع دکتری و سـطح چهارم در دست تدوین دارم. در ضـمن چند سال در ایام تبلغ از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها توفیق حضور در جمع دانشـجویان دانشگاههای دولتی و آزاد مختلف تهران و شهرستاها را پیدا نموده‌ام و از معاونت امور اساتید در دانشگاهها مجوز تدریس دارم.

صفری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، نویسـنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد و به شغل قضاوت اشتغال داشت. از آثار وی: «زندگانی بیسمارک»، ترجمه؛ «عروس مرو، کیانوش دختر یزدگرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۹۸، ۱۴۸۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹ / ۴).

صفوت، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۶ –۱۲۹۸ ق)، نویسنده، محقق، ادیب و شاعر. ملقب به صفوت. وی در تبریز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی، فقه، اوصل، منطق و حکمت را از محضـر علمـا و دانشـمندانی چون سـید علی یزدی، میرزا علی لنکرانی، میرزا نصـیر قره‌بـاغی، آقا ضـیاء عراقی، سـید ابوالحسن اصـفهانی و سـید کـاظم عصار فرا گرفت و به درجه اجتهاد رسـید. سالهای جوانی در سلک روحانیت بود و در ضـمن به وعظ می‌پرداخت. بعد از مدتی از لباس روحانیت خارج شد و به اسـتخدام فرهنگ درآمد و در مشاغل مختلفی مثل ریاست اوقاف، کفیل اداره‌ی کل فرهنگ آذربایجان و سـرپرست دانشسرای تبریزی انجام وظیفه کرد. صفوت پس از چهل سال فعالیتهای فرهنگی، مجاورت شـهر قم را برگزید و اوقاتش در این شهر، مصروف تألیف آثار ادبی و تاریخی و اخلاقی می‌شد. او سرانجام در همان شهر در گـذشت. از آثار وی: «منابع الحکم»، در اخلاق؛ «دانش و پرورش نیازمند هوش و سـنجش است»؛ «دسـته گل»، منتخب از دیوان عبرت؛ «تاریـخ فرهنـگ آذربایجـان»؛ «مرآت الاعتبـار فی احوال رجـال الاعصـار»؛ «داسـتان و دوسـتان» یا «تـذکره‌ی ادباء و شـعرای آذربایجان»؛ «نعم الرفیق» یا «خل شفیق لارائه الطریق»؛ «چهارده معصوم– تربیت در اسلام»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۴ / ۲۴، ۱۶۱۳ / ۹، ۱۷۱ / ۸) زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۹ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۳۷ – ۲۳۳۴ / ۴)، شرح حال رجال (۲۴۴ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۲ –۲۹۹ / ۴).

صفوی ایجی، قطب‌الدین، ابوالخیر عیسی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۵۵ / ۹۵۳ –۹۰۰ ق)، عالم و محقق شافعی، نحوی، منطقی و صوفی.

او را به مناسبت جـد مادریش، صـفی‌الدین ایجی، صـفوی گوینـد. موطن او هنـد بود. ابتدا نحو و صـرف و سـپس فقه و پس از آن «رساله صغری و کبری» سید شریف را در منطق نزد پدر فراگرفت. آن‌گاه ملازم شیخ ابوالفضل کازوانی رد گجرات شد و در حضر او «مختصر» و «مطول» را خواند و از او به دریافت اجازه نایل شد. پس از آن مدتی در خدمت ابوالفضل استرآبادی درآمد. سپس به مجـامع علمی راه یـافت و آوازه فضـل او پیچیـد. وی جلال‌الـدین دوانی را نیز درک کرد. سـپس به مجـامع علمی راه یافت و آوازه

فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس چند سالی مجاور مکه شد. او در ۹۳۹ ق از شام و بیت‌المقدس دیدار کرد و در دمشق مجلس درس آراست و جماعتی از اهل دمشق و حلب از او اخذ علم کردند. دو سفر نیز به عثمانی (ترکیه) نمود. سرانجام به مصر رفت و در آنجا سکنی گزید. ابن‌عماد، صاحب «شذرات الذهب»، او را از اعجوبه‌های دوران می‌داند. از آثارش: مختصر «النهایه» ابن‌اثیر، در غریب الحدیث؛ « شرح الغره» سید شریف، در منطق؛ «تفسیر» سوره‌ی عم تا آخر قرآن؛ رساله‌ای در «حمد»؛ شرح حدیث اول از «صحیح» بخاری؛ شرح «الکافیه» ابن‌حاجب، در نحو؛ حاشیه بر «شرح الکافیه» جامی؛ حاشیه بر «شرح جمع الجوامع» محلی؛ «شرح الفوائد الغیاثیه»، در معانی و بیان؛ شرح «الشفا» قاضی عیاض.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۴ / ۵)، ایضاح المکنون (۱۰ / ۱)، شذرات الذهب (۲۹۸ -۲۹۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۸۹ ،۱۳۷۴ ، ۱۳۷۱ ،۱۲۹۹ ،۱۱۹۸ ،۱۰۵۴ ،۸۵۳ ،۵۹۵)، هدیه العارفین (۸۱۰ / ۱).

صفی الدین ارموی، ابوالمفاخر عبدالمومن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۳ -۶۱۳ ق)، موسیقی‌دان، خطاط و ادیب. اصلش از بلخ بود، اما خاندانش در ارومیه به سر می‌بردند و او رد همان جا به دنیا آمد. در کودکی به بغداد رفت و در آنجا نشوونما یافت. وی در مدرسه‌ی مستنصریه به تصحیل عربی و علوم دینی و ادب و ریاضی پرداخت و در نظم اشعار و علم انشا و تاریخ و حسن خط شهرت یافت و در علم و عمل موسیقی بی‌مانند شد. در آخرین سال خلافت مستعصم (م ۶۵۶ ق) ندیم و عودنواز و کتابدار و کاتب او بود و بعدها به خدمت هلاکو درآمد. به قول بعضی از محققین، در خط همپایه‌ی یاقوت مستعصمی و ابن‌مقله بود، اما در موسیقی، پس از اسحاق موصلی، کسی به پایه‌ی او نرسیده است. صفی‌الدین یکی از سه موسیقی‌دان بزرگ ایران و عالم اسلام است، که نخستین ایشان، ابونصر فارابی و دیگری، خواجه عبدالقادر غیبی مراغه‌ای است. صفی‌الدین پیشقدم نظریه‌ی معروف (فرضیه‌ی منتظم) است که در آن گامها به هفده فاصله تقسیم می‌شود. وی سازی به نام مغنی اختراع کرد که ترکیبی‌از قانون و رباب و نزهه بود، حتی برخی اختراع ساز نزهه را هم به او نسبت داده‌اند. صفی‌الدین شاگردان بنامی تربیت کرده است که از آن جمله‌اند: شیخ شمس‌الدین سهروردی، علی ستایی و حسین زامر. وی در سالهای پایشان عمر به زندان افتاد و همان جا درگذشت. از آثار وی: «رساله الایقاع»، به فارسی، در پنج فصل؛ «الادوار فی حل الاوتار»، که جمعی از دانشمندان و علمای فن به ترجمه یا شرح آن به زبان فارسی پرداخته‌اند؛ «رساله فی علوم العروض و القوافی و البدیع»؛ «رساله الشرفیه فی النسب تألیفیه»، که به عربی و به نام شرف‌الدین‌هارون، فرزند خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی، نوشته شده است و اختصارا «کتاب الموسیقی» خوانده می‌شود.[۱]

ارموی، عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر دانشمند و موسیقی‌دان ایرانی (و. ارومیه حدود ۶۱۳ ه.ق. - ف. ۹۶۳ ه.ق.) در کودکی وی را به بغداد بردند و او در آن شهر به تحصیل پرداخت و پس از آموختن فقه شافعی به روزگار مستنصر به مستنصریه پرداخت و به سبب خوشنویسی در کتابخانه خلیفه به خطاطی مشغول شد. سپس به نواختن عود پرداخت و به سبب مهارتی که در این راه یافت ملازم و ندیم مستعصم آخرین خلیفه عباسی گردید و مالی فراوان به دست آورد و بیشتر آن را صرف عشرت خویش و احسان بر یاران کرد. هنگامی که هولاکو بغداد را فتح نمود صفی‌الدین نزد او رفت و به سبب هنر موسیقی در دستگاه‌خان مغول احترامی یافت. سپس به ریاست دارالانشاء علاءالدین عطاملك جوینی رسید. آنگاه به تبریز شد و به دستور شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان پسرش شرف‌الدین هارون را تعلیم موسیقی داد و رساله «شرفیه» را به نام وی تألیف کرد. زندگانی او در پایان عمر آشفته گردید و به سختی روزگار می‌گذرانید و به سبب وام بسیار به حکم قاضی به زندان افتاد و در سن ۸۰ سالگی درگذشت. وی در عربیت و نظم شعر و انشاء و تاریخ و خلاف و موسیقی مهارت داشت و خط منسوب را کسی مانند او نمی‌نوشت. از آثار او رساله «شرفیه» و «کتاب ادوار» (هر دو به عربی) مشهور است. رساله‌های او در روزگار خود وی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۹۳۷ م. «بارون اولانژه» آنها را به فرانسوی ترجمه و طبع کرده است. موسیقی‌دانان ادوار بعد از رسایل وی استفاده بسیار بردند. او را مخترع سازی به نام «مغنی» دانسته‌اند و گویند آن ترکیبی از «قانون» و «رباب» و «نزهه» بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۳۵ -۳۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۲ -۲۷۱ / ۳)، تاریخ برگزیدگان (۵۵۳ -۵۵۲)، تاریخ موسیقی (۱۸۸ -۱۸۲ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۲ ،۱۴۷ -۱۴۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۵۱ -۷۴۹ / ۲)، حبیب السیر (۱۰۷ / ۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۷ -۲۳۶)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۷۴ -۱۵۷۳ / ۲)، دستور الوزراء (۲۷۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۴ -۶۲)، معجم المولفین (۱۹۸ / ۶)، هدیه العارفین (۶۳۰ / ۱).

صفیر، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمدعلی صفیر ، دانشمند و شاعر شهیر در سال ۱۲۹۴ شمسی در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. استاد صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و

برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران تحصیلات خود را پی گرفت. استاد صفیر پس از فارغ التحصیل شدن ، به تعلیم و تربیت روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات پرداخت. استاد سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر سیدمحمدعلی صفیر ، حجت الاسلام سیدحسین حائری از دانشمندان مقیم قم بود. پدربزرگ او نیز ، آیت الله سیدمحمدعلی حسینی تنکابنی از علمای مشهور و از مجاهدین و مبارزین در پیشرفت فتوای تحریم تنباکو بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدمحمدعلی صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران در گروه نخستین دوره ی دانشجویان قرار گرفت.

استادان و مربیان : سیدمحمدعلی صفیر در حوزه علمیه قم برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت.

زمان و علت فوت : سیدمحمدعلی سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و پیکرش در قطعه ی ۸۸ بهشت زهرا (قطعه ی فرهیختگان) به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : سیدمحمدعلی صفیر پس از فارغ التحصیلی از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران ، به تربیت و تعلیم روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات گذراند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سیدمحمدعلی صفیر در تأسیس مراکز فرهنگی و دینی ، یار و یاور علامه شیخ مهدی سراج انصاری بود و بعد از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ ، اقدام به تأسیس « انجمن تعلیمات اسلامی ایران » نمودند. وی از جمله در کار تأسیس بنای حسینیه ارشاد و به همراه آقایان محمد همایون ، دکتر ناصر میناچی و میرعبدالحمید ادبی در بخش فرهنگی آن تلاش کرد که قسمت اعظم کتیبه های حسینیه و مسجد ارشاد با بهره وری از دیدگاه های استاد صفیر انجام یافت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدعلی صفیر در کنار کارهای فرهنگی ، به دفاع از حریم تشیع و پاسخ شبهات و ایرادها در کنار علمای تهران همت گماشت. وی در فتنه ی کسروی ، همراه با آیت الله شیخ محمدحسن طالقانی رسماً علیه او در دادگاه شکایت نمود. استاد علاوه بر هنر استادی در انواع شعر در کارهای هنری نظیر خطاطی ، نقاشی ، طراحی و کاشی کاری نیز دست داشت. همچنین در فراگرفتن چند زبان کهن و خارجی کوشش نمود و زبان هایی چون عربی ، فرانسه ، عبری و پهلوی را به خوبی می دانست. در بسیاری از مساجد ایران و بلکه خارج ایران ، آثار طبع هنری او روی کاشی کاری ثبت و حک شده ، که از جمله ی آن مراکز مذهبی چون مسجد هدایت ، مسجد جامع نارمک ، حسینیه ارشاد ، مرقد مطهر حضرت رقیه (ع) در شام ، چند مسجد در هندوستان و پاکستان می توان نام برد. وی به امر علامه سیدمحمود طالقانی ، شعرهای کتیبه ی سردر حسینیه ارشاد و سردر بزرگ مسجد هدایت را سروده است.

آرا و گرایشهای خاص : سیدمحمدعلی صفیر در اشعار خود به « صفیر » تخلص می کرد. در زمان دکتر محمد مصدق و بنا بر پیشنهاد او ، تصویبنامه ای از هیئت دولت گذشت که نام خانوادگی صفیر مختص به وی باشد تا آن که شعرهایش با نام خانوادگی این شاعر یکسان و جاودانه شود. استاد صفیر دارای طبعی بلند و همتی زیاد و پشتکار و مجاهدت و استقامت در راه حق و حقیقت بود. در کلام و سخن گفتن ، صداقت و صراحت داشت. --

آثار :

۱ تاریخ مختصر ایران

۲ ترجمه ی دیوان اشعار امام علی (ع)

۳ تصحیح انجیل برنابا

۴ تصحیح دیوان شیخ محمود شبستری

۵ خردنامه

ویژگی اثر : اثر منظوم ، در پند و اندرز.

۶ درس دین

۷ دیوان اشعار

ویژگی اثر : با بیش از پانزده هزار بیت.

۸ ماتمکده ی شهید شیرخوار

ویژگی اثر : منظومه ای در صد بیت ، در رثای عبدالله رضیع (ع). --

منابع :

۱مجله ی آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ی ۵۴ ، بهمن و اسفند ۱۳۷۷ ، ص ۱۱۴

صلاحی، عمران

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عمران صلاحی در دهم اسفندماه ۱۳۲۵ در امیریه تهران بدنیا آمد.مادرش متولد سمنان و پدرش از اردبیل بود. تحصیل را در ۷ سالگی در دبستان صنیع الدوله(قم) آغاز کرد و پس از آن در سال ۱۳۳۵ در دبستان قلمستان(تهران) وسپس در سال ۳۷ در دبستان شهریار و دبیرستان امیر خیزی(تبریز) ادامه داد. نخستین شعر خود را در مجله ی اطلاعات کودکان در سال ۱۳۴۰چاپ کرد. پدر خود را در همین سال از دست داد.

اما بهتر است این دوران را از زبان خودش با عنوان (چه روزگار خوشی داشتیم) بشنویم:

"نامم عمران است و فامیلم صلاحی. نام کوچکم را عمویم مراد انتخاب کرده است؛ از قرآن و سوره آل عمران. ترک ها به من می گویند عیمران و فارس ها گاهی با کسره و اکثرا با ضمه صدایم می کنند. ناشران و مترجمان گاهی گیج می مانند که هرکس هرطوری دوست دارد بنویسد و بخواند.نامم را به لاتین با اِ بنویسند یا با اُ.

... دهم اسفند ۱۳۲۵ در تهران متولد شده ام؛ چهارراه گمرک امیریه. البته نه وسط چهارراه اگر چه گفته اند خیرالامور اوسطها.و اما زندگی ادبی و هنری من. قدیم ترین شعر و نوشته ای که از خودم پیدا کرده ام، تاریخ پنج شنبه ۳۰/۱۱/۱۳۳۷ را دارد. برخلاف تصور خواننده، خیلی غم انگیز است. بخشی از آن را بخوانیم؛ «از تهران حرکت کردیم و پس از یک روز به تبریز رسیدیم... در خیابان چهارم اردیبهشت، دربند کیوان، یک اتاق کوچک کرایه کردیم به ۲۶ تومان. هفت نفر بودیم. بعد از چهار روز، خواهر کوچکم پروین به یک مرض سخت دچار شد... در روز چهارشنبه ۲۹/۱۱/۱۳۳۷ پروین در بستر مرگ بود. صبح روز پنج شنبه به سختی نفس می کشید. بعدازظهر همان روز بعد از آنکه ناهار را خوردیم، من در بیرون توپ بازی می کردم. ناگهان پسر همسایه مان به من خبر داد که مادرت چنان گریه می کند که نمی تواند روی پاهای خودش بایستد. با عجله دویدم تا به خانه رسیدم. دیگر کار از کار گذشته بود. نفس پروین بند آمده بود و چشم هاش باز بود...» دیگر بقیه اش را نمی آورم. به قول ایرج میرزا؛ ببند ایرج ازین گفتار غم دم / که غمگین می کنی خواننده را هم. بعد از این نوشته سوزناک چند بیت هم شعر گفته بودم که بیت اولش این بود؛ کجا رفتی ای پروین / می خندیدی چه شیرین.اولین شعرم پاییز سال ۱۳۴۰ در مجله اطلاعات کودکان چاپ شد، به نام «باد پاییزی» که یک مثنوی بود و اینطور شروع می شد؛ باد پاییزی بریزد برگ گل / بلبلان آزرده اند از مرگ گل. هنوز آن مجله را دارم. در صفحه جدول و سرگرمی همان مجله مسابقه ای گذاشته بودند و سوالاتی طرح کرده بودند که هرکس به آنها پاسخ درست می داد جایزه می گرفت. یکی از سوالات این بود؛ «فرستنده باد پاییزی کیست؟» که منظور فرستنده شعر باد پاییزی بود. من این باد را از تبریز فرستاده بودم! در آخر شعر آورده بودم؛ ای خدا راضی مشو این باد بد / برگ گل های مرا پرپر کند، که همین طور هم شد یا نشد! آخر پاییز، پدرم به سفری همیشگی رفت. من آن وقت ۱۵ ساله بودم".

تحصیل در دبیرستان وحید(تهران) در سال ۱۳۴۱ و پس از آن در سال ۴۵ به همکاری با روزنامهٔ توفیق پرداخت و همانجا با پرویز شاپور آشنا شد. در سال ۱۳۴۷ چاپ اولین شعر نیمایی در مجلهٔ خوشه به سردبیری احمد شاملو را به همراه داشت. در سال ۴۹ کتاب "طنز آوران امروز ایران" با همکاری بیژن اسدی پور ــ فوق دیپلم مترجمی از دانشگاه تهران ــ را منتشر کرد.در سال ۱۳۵۰ به خدمت نظام وظیفه در تهران ، تبریز ، کرمانشاه ، مراغه رفت.

در زندگی خود نوشت صلاحی در مورد این سالها آمده است:

"بعد از مرگ پدر، به تهران آمدیم و ساکن جوادیه شدیم. با دوچرخه قراضه ای از جوادیه به دبیرستان وحید در خیابان شوش می رفتم. روزی دوچرخه ام پنچر شد. سر راهم در جوادیه دوچرخه سازی بود. برای پنچرگیری به آنجا رفتم. دیدم در و دیوار پر از شعر است. از دوچرخه ساز پرسیدم شعرها مال کیست؟ گفت مال خودم. دوچرخه ساز، شاعر بود و اسمش رحمان ندایی. با هم دوست شدیم و رفت و آمد پیدا کردیم. به خانه هم می رفتیم و شعر می خواندیم؛ هم از خودمان و هم از دیگران. او به انجمن ادبی صائب می رفت. از طریق او، خلیل سامانی (موج) دعوتنامه ای برای من فرستاد. او دبیر انجمن بود و استاد عباس فرات رئیس انجمن. جلسات انجمن هفته ای یک بار تشکیل می شد؛ در ایستگاه اناری نواب کوچه ماه. اولین بار که به انجمن رفتم در بسته بود و هنوز هیچ کس نیامده بود. دیدم از سر کوچه پیرمردی با کلاه لبه دار و بارانی و کیفی چرمی دارد می آید. پیرمرد آمد و دم در ایستاد و از من پرسید «با کی کار داشتی؟» گفتم؛ «با آقای موج.» خودش را معرفی کرد و گفت؛ «من فرات هستم. فرات بی موج نمی شود. الان موجش هم می رسد.» دو دقیقه بعد «موج» هم آمد. سامانی برای اینکه نشانی را فراموش نکنیم، آن را در دو بحر می خواند؛ «کوچه ماه، پلاک سی وسه» و «کوچه ماه، کاشی سی وسه». که هنوز به یاد من مانده است. این هم از تاثیرات وزن است. از همان انجمن صائب پایمان به انجمن های دیگر باز شد. یک شب که از انجمن آذرآبادگان واقع در امیرآباد می آمدم با حسین منزوی آشنا شدم. جوانی لاغر که دانشجوی دانشگاه تهران بود و در خانه عمویش در جوادیه زندگی می کرد و چه عموهای نازنینی، مثل پدر منزوی. از آن به بعد همه در انجمن های ادبی من و منزوی را با هم می دیدند. یک شب که پول نداشتیم از کلبه سعد تا جوادیه پیاده آمدیم و من این بیت را سرودم؛ با منزوی پیاده روی می کنیم ما / خود را بدین وسیله قوی می کنیم ما! کاظم سادات اشکوری می فرماید؛ دستت چو نمی رسد به عمران / دریاب حسین منزوی را! روزی یکی از بچه های شیطان جوادیه با سنگ، زد یکی از پره های دوچرخه ام را شکست و پا به فرار گذاشت. من شعری نوشتم از زبان بچه جوادیه و با همان امضا فرستادم برای روزنامه فکاهی توفیق. روزنامه را نمی خریدم. از روزنامه ای که توی جوی آب پیدا کرده بودم، نشانی اش را نوشته بودم. یک روز که از مدرسه به خانه آمدم، نامه ای به دستم دادند. حسین توفیق نوشته بود شعر و کاریکاتورت در فلان شماره چاپ شده است هرچه زودتر خودت را به ما برسان. یک روز عصر با همان دوچرخه قراضه از مدرسه رفتم به اداره توفیق در خیابان

استانبول. از سال ۱۳۴۵ عضـو هیـات تحریریه روزنـامه توفیـق شـدم و در آن مکتب پرورش یـافتم. اسـامی مسـتعارم در توفیـق، بچه جـوادیه، ابوطیـاره، ابوقراضه، مـداد، زرشـک، زنبور و چنـد امضـای دیگر بود. من خود را خیلی مـدیون برادران توفیق می دانم. چه روزگار خوشی داشتیم.در توفیق با پرویز شاپور آشنا شدم. از طریق شاپور با اردشیر محصص آشنا شدم. دوستی من با شاپور تا آخر عمر او ادامه داشت. سال ۴۵ در زندگی هنری من نقطه عطفی بود؛ سرودن شعر نو به فارسی و ترکی، همکاری با توفیق، آشنایی با شاپور".

در سال ۵۲ به همکـاری بـا گروه ادب امروز رادیو به دعوت نـادر نـادرپور پرداخت و به اسـتخدام رادیو تهران در آمـد.در سال ۵۳ انتشار کتاب "گریه در آب"را داشت و در همان سال با هایـده وهاب‌زاده ازدواج کرد.در سال ۱۳۵۵ کتاب "قطاری در مه" را منتشر کرد. سال ۵۶ انتشار کتاب "ایستگاه بین راه" را داشت. نمایشگاه مشترک کاریکاتور با پرویز شاپور و بیژن اسـدی‌پور در نگارخانه تخت جمشـید و شعر خوانی در ۱۰ شب کـانون نویسـندگان ایران نیز از کارهـایی است که عمران صـلاحی در همان سال به همراه داشت.

اولین فرزند او به نام یاشار در سال ۵۷ به دنیا آمد. انتشار کتاب "هفدهم" و سفر به ترکیه ، یونان ، بلغارستان از وقایعی است که در سال ۵۸ با آن مواجه بود.دومین فرزندش به نام بهاره در سال ۶۱ بدنیا آمد و در همان سال کتاب "پنجره دن داش گلیر" را به ترکی منتشر کرد. در سال ۶۷ گشایش صـفحهٔ "حالا حکایت ماست" در مجله دنیای سـخن و مسـئولیت نگارش در آن قسمت را به عهده گرفت. در سالهـای ۷۰ ،۷۳ و ۷۴ به ترتیب انتشـار کتـاب " رویاهـای مرد نیلوفری"، انتشار ویژه نامـهٔ مجلـهٔ "عاشـقانه" در آمریکا و انتشار کتاب "شاید باور نکنید" در سوئد را در کنار سایر دست آوردهایش همراه داشت.سال ۷۵ پس از بازنشستگی از صدا و سیما به همکاری با گل‌آقا و همکاری با شورای عالی ویرایش پرداخت.

از خود صلاحی کوتاه درباره ی دوران بعد از سربازیش بشنویم:

"بعد از اینکه از سربازی آمدم، به دعوت نادر نادرپور، به همکاری با گروه ادب رادیو تلویزیون پرداختم. در رادیو با محمد قاضی، رضا سیدحسـینی، حسینعلی هروی و دیگران آشنا شدم. در گروه ادب امروز، بخش های طنز را می نوشتم. برنامه مستقلی هم داشتم به نـام «زیر دنـدان طنز». از نادرپور هم خیلی آموخته ام. یادش گرامی باد. برنامه های ماهانه گروه ادب هم با حضور مشاهیر ادبیات جلوه و جذابیت خاصـی داشت.شب های شعر کانون نویسندگان که در باغ گوته برگزار می شد برای من فراموش نشدنی است. من در شب دوم شعر خواندم و خیلی تشویق شدم.از سال ۱۳۶۴ با چند نفر از دوستان شاعر و نویسنده جلساتی داشتیم که سه شنبه ها به ترتیب الفبا در منازل تشـکیل می شد. جلسات سه شـنبه تقریبا ۱۱ سال به طول انجامیـد. از سال ۶۵ با شاعران ترک زبان بیشتر آشـنا شـدم. دوشـنبه ها در قهوه خانه ها جمع می شـدیم و شـعر می خوانـدیم البته به ترکی. دیگر از چه بگویم و از که بگویم. از منوچهر آتشـی بگـویم کـه حقی بزرگ به گردن من دارد، از حمیـد مصـدق بگـویم که همیشه «از مـا به مهربـانی» یـاد می کرد، از سـیمین بهبهـانی بگویم که مثل مادرم دوسـتش دارم و به او افتخار می کنم. واقعا نمی دانم از که بگویم. خوبان همه جمع انـد بروم و کمی اسفند دود کنم".

او در سال ۷۷ کتاب های " یک لب و هزار خنده" و "حالا حکایت ماست"و در سال ۷۸ گزینهٔ اشعار را به چاپ رساند. همچنین در این سال در ۶ شـهر کشور سوئد سـخنرانی هایی را ایراد کرد. وی در سال ۷۹ کتابهای " آی نسـیم سحری"،"ناگاه یک نگاه"،"ملا نصرالدین"، از گلستان من ببر ورقی" و " باران پنهان" و در سال ۸۰ ،کتاب‌های "هزار و یک آینه" و "آینا کیمی" به ترکی را منتشر کرد. وی همچنین قرار بود" تفریحات سالم"، "طنز سـعدی در گلسـتان و بوستان "و" زبان‌بسته‌ها ("منتخبی از قصه‌های حیوانات به نظم) را منتشر کند.

و بالاخره عمران صلاحی در شب ۱۱ مهر ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفت.

در مراسم تشییع پیکر او جواد مجابی درباره ی او می گویـد ": عمران هیـچ از مرگ نمی گفت. همواره از زندگی می گفت و می سرود... ورای شـیرینی کلامش زهری جریان داشت که از واقعیت ناگزیر می تراود و او چرب دستانههر دو منظر را یکجا به ما نشان می دهـد... او همچون ذات زنـدگی، دیگران را در خود ایمن و شاد می خواست. نمی میرنـد کسانی که چونعمران عین شادی انـد. عمران تمام عمرش را با مردم کوچه زیست".

همچنین در این مراسم محمود دولت آبادی گفت " :او خود زنـدگی بود. درخشان و دل زنـده ... چه بی مهر شده است اینزندگانی غمبـار ما و این آژنگ های نشسـته بر پیشانی آدمیان که انگار به عادت سـخت وسـمج در آمـده است که انگار حس شوخی و شاد زیستن – آنگونه که عمران – رفتاری نابهنجارمی نماید. در این هنجار، آری عمران انسانی متفاوت بود"...

صلح جو، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی صلح جو ، متولد سال ۱۳۲۳ در قزوین ، از ویراستاران و مترجمان باتجربه و خبره و از معلمان ویراستاری در دوره های آموزش ویرایش است .گروه : علـوم انسـانی رشـته : زبـان شناسـی عمومی گرایش : ویراسـتاری تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : تحصـیلات رسـمی علی صـلح جو به قرار زیر است: – کارشناسـی رشته زبان و ادبیات انگلیسی،مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی،۱۳۵۴ –

کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی،دانشگاه تهران،۱۳۵۹همسر و فرزندان : علی صلح جو متاهل و دارای چهار فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای علی صلح جو به قرار زیر است: – نمونه خوان،موسسه انتشارات فرانکلین از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴ – ویرستارفموسسه انتشارات فرانکلین از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ – ویراستار موسسه دایره المعارف فارسی مصاحب از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ – ویراستار دانشگاه آزاد اسلامی از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ – ویراستار مرکز نشر دانشگاهی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۲ – ویراستار مجله پیام یونسکو از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ – دبیر اجرایی مجله زبان شناسی از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰ – ویراستار دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۷۳ تا کنون – عضو هیئت تحریریه مجله مترجمفعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی علی صلح جو به ترتیب زیر است: تدریس دروس ، زبان شناسی،ترجمه ،ویرایش از سال ۱۳۶۲ تا کنون در دانشگاههای شهید بهشتی،آزاد اسلامی،پیام نور،جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران،مرکز نشر دانشگاهی دانشکده حدیث و انتشارات سروش .چگونگی عرضه آثار : علی صلح جو از ویراستارانو مترجمین و مولفین در پیرامون زبان،فرهنگ و تارخ و غیره است که از ایان تا کنون ۱۲ مقاله منتشر شده است.آثار : ۱ آموزش بدمینتون ۲ (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: آذر آقایاری، علی صلح جو (ویراستار)، ژاله معماری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ آموزش بسکتبال (۱) (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن محمدزاده جهتلو، علی صلح جو (ویراستار)، خلیل نسودی رضایی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۳۱ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۳ اصول آموزش تنیس روی میز ۱ (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدرضا رمضانپور، علی صلح جو (ویراستار)، بهمن تاروردی زاده (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۵ اسفند، ۱۳۸۶ ۴ اصول آموزش فوتبال (۱): رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی ویژگی اثر : پدیدآورنده: قدرت الله باقری راغب، علی صلح جو (ویراستار)، ابوالفضل فراهانی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۴ آبان، ۱۳۸۶ ۵ پژوهش و نگارش ویژگی اثر : پدید آورنده :علی صلح جو،نشر آگاه ۱۳۶۸۶ تاریخ زبان فارسی (رشته زبان و ادبیات فارسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهری باقری، علی صلح جو (ویرایشگر)، حسن انوری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۷ ترجمه متون ادبی (رشته مترجمی زبان انگلیسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمود علی محمدی، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۴ آبان، ۱۳۸۶ ۸ چگونه تحقیق کنیم؟ (رشته های کارشناسی ارشد علوم انسانی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: لورن بلکستر، کریستینا هیوز، ملکم تایت، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، عیسی ابراهیم زاده (مترجم)، محمدرضا سرمدی (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۲ شهریور، ۱۳۸۵ ۹ خواهر وسطی ویژگی اثر : پدیدآورنده:میریام میس،مترجم(علی صلح جو)،ابن سینا ۱۳۴۶۱۰ درآمدی به اصول و روش ترجمه ویژگی اثر : پدیدآورنده: کاظم لطفی پورساعدی، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی – ۱۲ تیر، ۱۳۸۵ ۱۱ راهنمای آمادگی جسمانی برای زندگی سالم ۱ (رشته تربیت بدنی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: مت رابرتس، بهروز ژاله دوست ثانی (مترجم)، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، محمدرضا اسد (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۱ مهر، ۱۳۸۵ ۱۲ رشد و تکامل حرکتی (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن خلجی، علی صلح جو (ویراستار)، مریم سیف نراقی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۲ مهر، ۱۳۸۶ ۱۳ روشها و فنون در آموزش علوم، برای کارشناسان و معلمان علوم تجربی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهتاش اسفندیاری، علی صلح جو (مترجم) ناشر: مدرسه – ۱۳۸۲ ۱۴ زبان شناسی نوین:نتایج انقلاب چامکسی ویژگی اثر : پدیدآورنده :دیردری ویلسن،مترجم(علی صلح جو–ترجمه مشترک)۱۳۶۷۱۵ زبان و ذهن ویژگی اثر : پدیدآورنده: نوآم چامسکی، کوروش صفوی (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: هرمس – ۱۷ خرداد، ۱۳۸۴ ۱۶ زبان و زبان شاسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: الکساندر کنداتف،مترجم(علی صلح جو)،ایران یاد ۱۳۶۳۱۷ فرستادگان نور ویژگی اثر : پدیدآورنده: امیده صدارت، جیمز توئیمن، علی صلح جو (مترجم)، مریم بیات (مترجم)، مرجان انصاری (مترجم) ناشر: سخن – ۱۳۸۲ ۱۸ فرهنگ اصطلاحات انگلیسی – فارسی و چگونگی کاربرد آنها ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو، حسین وثوقی ناشر: رهنما – ۱۳۸۲ ۱۹ فرهنگ اندیشه نو(مقالات زبانشناسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده :مازیار،مترجم(علی صلح جو) فن مطالعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: لیندافریل انیس، علی صلح جو (مترجم)، احمد سمیعی(گیلانی) (ویراستار) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی – ۰۶ آذر، ۱۳۸۶ ۲۱ گفتمان و ترجمه ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو ناشر: نشر مرکز – ۰۵ اسفند، نظریه های ترجمه در عصر حاضر ویژگی اثر : پدید آورنده :هرمس ،مترجم(علی صلح جو) ۱۳۸۰۲۳ نکته ای ویرایش ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو ناشر: نشر مرکز – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۲۴ نمادها و نشانه ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: آلفرد هوهنه گر، علی صلح جو (مترجم) ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات – ۰۸ آبان، ۱۳۸۶ ۲۵ نمونه های نثر ساده انگلیسی (رشته مترجمی زبان انگلیسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو (ویراستار)، محمود علی محمدی (ویراستار)، بهروز عزبدفتری (گردآورنده) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۹ اسفند، ۱۳۸۶

صمدی شاه آباد، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر صمدی شاه آباد

محل تولد : تفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۴/۱۷

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علیمه یزد شدم پس از گذراندن مقدمات و مقداری از سطح در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم مشرف شدم و نزد اساتید ذکر شده بهره مند شدم. از آنجا که از ابتدا به امر منبر و تبلیغ علاقه زیادی داشتم به این امر مقدس روی آوردم که به لطف خداوند در این زمینه موفق بودم به گونه ای که در شهرهای مختلف کشور منبر رفته و می روم و گاهی ایام تبلیغی را از یکسال قبل وعده می دهم . در قم نیز در بیوت رهبری ، آیت الله فاضل و مکارم نیز گاهی منبر رفته و می روم ۰ سفرهایی به خارج از کشور مثل امارات بحرین جهت تبلیغ رفته ام۰ سفرهایی از طرف بعثه مقام معظم رهبری به عربستان و سوریه جهت تبلیغ رفته ام . در کار تالیف نیز علاقه دارم که تا کنو ۵ جلد کتاب و ده ها مقاله نوشته ام و تالیفاتی نیز در دست دارم

صمصامی مهاجر، رضا قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۲۶۷ ش)، مترجم. ملقب به رفیع الملک. تصحیلات وی رشته ادبیات، دوره‌ی علوم جدید متوسه، و سمت رسمی او مدیریت عتیقات و موزه‌ی ملی بود. از آثار وی:«عود ارواح»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۵۴ / ۲)، مولفین کتب چاپی (۲۱۱ -۲۱۰ / ۳).

صمصامی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه‌ی علوم سیاسی وارد خدمت وزارت خارجه شد و عهده‌دار مشاغل مختلفی چون دبیری و کارداری سفارتهای روسیه و افغانستان شد. از آثار وی: «آخرین خانواده‌ی امپراطور روس»،ترجمه؛ «سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی بین‌المللی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۹۷ -۱۸۹۶ / ۲، ۱۷ / ۱)، مولفین کتب چاپی (۷۲۶-۷۲۵ / ۴).

صناری خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۹ ق)، فقیه، مفسر، نحوی و لغوی. ادبیات را نزد شیخ ابوعلی ضریر نیشابوری آموخت و فقه را در خوارزم نزد ابوعبدالله وبری فراگرفت. آن‌گاه به بخارا رفت و فقه خویش را در محضر فقهای آن دیار تکمیل نمود. سپس به جرحانیه (خوارزم) بازگشت و سرانجام در قریه‌ی مذانه از قرای خوارزم سکنی گزید و عهده‌دار امور مذهبی‌آنجا گشت و در مسجد جامع آنجا هر صبح جمعه وعظ می‌گفت. او لغات غریب و اشعار مشکل بسیاری را در حفظ داشت. وی در مذانه درگذشت. از آثارش کتاب «شماریخ الدرر»، در تفسیر قرآن مجید می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۸ / ۵)، ریحانه (۴۷۰ -۴۶۹ / ۳)، کشف الظنون (۱۰۱۹، ۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۶۴ -۶۳ / ۱۴)، معجم المولفین (۱۴۹ / ۷).

صناعی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، مترجم، محقق، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۷، اراک.

درگذشت: شهریور ۱۳۶۴، لندن.

محمود صناعی که اشعار خود را با عنوان «هونر» (فرود) و «هونر» (م) منتشر می کرد، پس از پایان تحیلات متوسطه در کالج آمریکایی تهران از دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات پارسی و حقوق لیسانس گرفت. پس از چند سال تدریس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران در سال ۱۳۲۴ برای تکمیل

تحصیلات خود عازم انگلستان گردید و در دانشگاه لندن به تحصیل در رشته‌ی حقوق و فلسفه و روان‌شناسی مشغول شد و به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی روان‌شناسی نایل شد. در سال ۱۳۳۳ به عضویت انجمن بین‌المللی پسیکوآنالیز انتخاب گردید. مدتی به سمت رایزن فرهنگی ایران در انگلستان خدمت کرد. وی همچنین عضو هیئت نظارت تألیف تاریخ ایران در کمبریج بود پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد و به مقام‌های ریاست دانشسرای عالی تهران و معاونت وزارت فرهنگ نیز رسید.

دکتر محمود صناعی همچنین موفق به تأسیس و پایه‌گذاری مؤسسه‌ی روان‌شناسی در دانشگاه تهران شد. وی در این مؤسسه کتابخانه‌ای حاوی کتابهای مربوطه و نشریات ادورای گرد آورد. او بیش از ده سال پیش از فوتش به انگلستان عزیمت کرد و در لندن ساکن شد.

علاوه بر مقاله‌هایی که در مجله‌های «ایران امروز»، «سخن»، «یغما»، «راهنمای کتاب» و «مهر» منتشر می‌کرد و مقاله‌هایی به زبان انگلیسی در مجله‌های جهانی منتشر می‌ساخت، فهرست آثار انتشار یافته وی به شرح زیر است: یادی از استاد (هرلدلسکی، ۱۳۳۲)؛ ترجمه‌ی چهار رساله افلاطون (۱۳۳۶)؛ آزادی فرد و قدرت دولت؛ آزادی و تربیت (۱۳۳۹)؛ اصول روان‌شناسی (نرمال ل. مان چاپ دوم، ۱۳۴۲)؛ پنج رساله از افلاطون (۱۳۳۴)؛ در آزادی (جان استوارت میل).

دکتر محمود صناعی در شهریور ۱۳۶۴ در لندن درگذشت.

در سال ۱۲۹۷ تولد یافت. پس از انجام تحصیلات متوسطه وارد دانشکده‌ی ادبیات شد و لیسانسیه در رشته‌ی فلسفه و علوم‌تربیتی شد. بعد به اروپا رفت و در دانشگاه لندن فلسفه و علوم‌تربیتی و روانشناسی تحصیل کرد و درجه‌ی دکترا گرفت . چندی در دانشکده‌های انگلستان تدریس می‌نمود، سپس به دعوت دولت ایران به تهران آمد و استاد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات تهران شد. مدتی ریاست دانشسرای عالی با او بود. بعد به معاونت وزارت فرهنگ و تعلیمات عالیه منصوب گردید. چندی هم وابسته‌ی فرهنگی ایران در لندن بود. صناعی در سال ۱۳۴۵ مجددا به روانشناسی به زبانهای انگلیسی و فرانسه می‌باشد. مردی بود به تمام معنی دانشمند و با فضل در روانشناسی و روانکاوی صاحب بصیرت. وقتی که در تهران اقامت داشت، مطبی دائر نمود و بیماران روانی را معالجه می‌کرد. در سال ۱۳۶۵ درگذشت.

(تو ۱۲۹۷ ش)، مترجم و نویسنده. در اراک بـه دنیا آمد. تصحیلات خود را در کالج آمریکایی تهران و دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی حقوق به پایان رسانید و در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات فارسی و زبان خارجه و حقوق به اخذ لیسانس توفیق یافت. پس از چند سال تدیس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران، جهت تکمیل تحصیلات به انگلستان رفت و پس از اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه لندن به تحصیل پسیکو آنالیز (روانکاوی) پرداخت و در ۱۳۳۳ ش به عضویت انجمن بین‌المللی آن رشته انتخاب گردید. مقالات متعددی که وی در مسایل مختلف روانشناسی اجتماعی انتشار داد، او را در زمره‌ی متخصصین بین‌المللی این فن درآورد. صناعی مدتی رایزن فرهنگی سفارت ایران در انگلستان بود. از آثار وی: «آزادی و تربیت»؛ «اصول روانشناسی»، ترجمه؛ «پنج رساله از افلاطون»، ترجمه؛ «چهار رساله‌ی افلاطون»، ترجمه؛ «در آزادی»، ترجمه؛ «یادی از استاد»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کتابنامه‌ی نخسین دهه‌ی انقلاب (۲۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸ -۴۷ / ۶).

صندلی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۹ / ۴۸۴ ق)، متکلم، واعظ و فقیه حنفی معتزلی. از اهالی نیشابور بود. با سلطان طغرل بیگ به بغداد رفت، سپس به نیشابور بازگشت و به زهد و سلوک روی آورد و از دیدار سلاطین روی برتابید. روزی ملک شاه سلجوقی در مسجد جامع نیشابور او را دید و از او به علت عدم رفت‌وآمد به دربار گله کرد. صندلی در جواب گفت: عرض ما آن است که شما با زیارت علماء از اخیار ملوک باشید نه این که ما با زیارت ملوک از اشرار علماء. از آثارش «تفسیر القرآن» را می‌توان نام برد. در «هدیه العارفین» صندلی به صورت صیدلی و در «معجم المولفین» به صورت صندیلی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۷۰۷)، الاعلام (۸۲ -۸۱ / ۵)، ریحانه (۴۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المولفین (۶۷ / ۷)، هدیه العارفین (۶۹۳ / ۱).

صنعانی اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل، و واعظ کامل، در بسیاری از علوم و فنون صاحب نظر بوده، در اصفهان مردم را موعظه می‌فرموده، در ۱۱۵۰ در شهر صنعاء یمن ساکن شده، و هم در این شهر وفات یافته است.

قبرش در جنوبی شهر صنعاء زیارتگاه است

مادّه تاریخ وفاتش را ادیب احمد بن حسین الرکیحی گفته است:

هذا صریح الواعظ المتقی

علّامهٔ العصر فصیح اللسان

ناداه رضوان بتاریخه

یا خلد ابراهیم اسنی الجنان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صنعتی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد علی اکبر صنعتی در سال ۱۲۹۵ ش در کرمان به دنیا می آید وازآغاز کودکی تا اواخر زمان درگذشت خود یعنی بهار ۸۵ منشاءخدمات و آفرینش های بزرگ و ماندگار در فرهنگ و هنر ایران بود . علی اکبر از همان کودکی ذوق نقاشی را در خود احساس می کند. سرانجام پس از تحصیلات ابتدایی حاج اکبر او را نزد پسرش به تهران می فرستد. طی ۱۲ سال درمدرسه کمال الملک نزد استادان نام آوری چون ابوالحسن خان صدیقی ، علی محمد حیدریان ، حسین خانشیخی و علی رخسار آمورش می بیند.

در سال ۱۳۱۹ به درجه لیسانس در نقاشی نائل می شود در همان سال به کرمان می آید و برحسب وظیفه وادای دین نسبت به پرورشگاهی که در آن پرورش یافته بود تعداد ۴۰ تن از کودکان یتیم پرورشگاه راانتخاب نموده و به آنها تعلیم نقاشی می دهد که تعدادی از آنها در این زمینه به موفقیت دست یافتند. درسال ۱۳۲۴ به تهران می رود و با کوشش عبدالحسین صنعتی زاده موزه ای در میدان توپخانه ساخت هو به شیر خورشید واگذار می کند . این موزه به عنوان اولین موزه مردمی در سال ۱۳۲۵با برگزاری نمایشگاهی افتتاح و با استقبال بسیار زیادی روبرو گردید. مجموعه هایی از مجسمه های انسان و حیوان و اشیاء , در پرداختی واقع گرایانه و در اندازه هایی تا چندین برابر اندازه طبیعی , با شرح و تفسیر ونام ها روایات,اسطوره ها و قصه های بسیار مشهوری که الهام بخش آنها بوده اند از جمله آثار این موزه هستند . دیگری نیز در سال ۱۳۳۰ در خیابان کالج توسط وی دایر شد که تماماً اختصاص به نمایش آثار خود استاد داشت. که برخی از آن آثار در مهرماه ۱۳۵۶ جهت افتتاح موزه کرمان به این شهر منتقل شدند.

در سال ۱۳۵۲ ش عبدالحسین صنعتی زاده پسر حاج اکبر از دنیا می رود و چهار سال بعد از مرگ وی با کوشش نوه حاج اکبر (همایون صنعتی زاده) و جمعی از دوستداران هنر موزه هنرهای معاصر (موزه صنعتی) افتتاح میگردد. در این موزه تعدادی از تابلوها ومجسمه های استاد نمونه های ارزنده دیگری از آثار هنرمندانی مانندکمال الملک و شاگردان او و همچنین سایر هنرمندان معاصر ایرانی و خارجی به صورت دائم به نمایش گذارده گردید. آنچه مسلم است به خاطر نیت پاک و خیرخواهانه و خدمات ارزنده و انسانی حاج اکبرصنعتی زاده و بزرگداشت و احترام نیم قرن هنرآفرینی و خلاقیت هنری استاد سیدعلی اکبر صنعتی این محل دائر می شود که هنوز هم با توجه وسیع شیفتگان استاد و هنر او مواجه است .

صنوبری قزوینی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر فرزند آخوند میرزا جانی قزوینی معروف به صنوبری از علماء مبارز و مجاهد شهرستان قزوین بوده است تولدش در دیال آباد از مضافات قزوین در سال ۱۲۹۰ قمری اتفاق افتاده و در بیت ورع و تقوای پدر روحانیتش مرحوم آخوند میرزا جانی پرورش یافته و مقدمات را در قزوین خوانده و نیز سطح فقه و اصول را در این شهرستان از مدرسین و علماء بزرگ به پایان رسانیده و پس از آن در سال ۱۳۱۸ قمری عزیمت به نجف اشرف کرده و حدود ده سال تا ۱۳۲۸ هجری قمری اقامت فرموده و از محضر آیات عظام آن سامان چون حضرت آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدهادی تهرانی و آیت‌اللّه حاج شیخ ملا فتح‌اللّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به وطن خود قزوین مراجعت و به خدمات دینی از قبیل اقامه نماز جماعت و نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و مبارزه با ستمگران و منحرفین از ولایت خاصه مرام کثیف بهائیت و بابیت پرداخته و غالب خود لباس رزم پوشیده و در خط مقدم با آنان جنگیده و مبارزه می‌نمود.

آن مرحوم حدود دویست آبادی را در منطقه ساوج بلاغ تا تاکستان قزوین و نیز بخشی از قزوین را در زیر پوشش تبلیغی خود داشت و امور شرعی مردم این سامان را به عهده داشت و به خاطر مبارزه با طاغیان زمان و خشونت با دشمنان و شدت در امر به معروف و نهی از منکر مشهور و زبانزد همه بود و جدا مجاهدی نستوه بود در زمان خود و دائما برای دفاع از حریم اهل‌بیت علیهم‌السلام و عوامل حکومت مستبد آن زمان مبارزه می‌نمود و با این اوصاف مردی متعبد و عالمی متهجد و اهل حال و اهل مستحبات و ساعی در قضاء حوائج بندگان خدا بود.

اجازات چندی از آیات عظام نجف اشرف دارند کمه نزد این نگارنده موجود و عبارات و عنایات آنان را نسبت به آن مرحوم می‌نگارم و از نقل تمام آن پوزش و معذرت می‌خواهم.

۱– آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی صاحب کفایه درباره ایشان چنین فرموده چون جناب مستطاب عمده العلماء

الاعلام آقای آقا شیخ محمـدباقر قزوینی سـلمه‌اللّه تعالی که سالها در نجف اشـرف مقیم و مشـغول تحصـیل علم و کمالات نفسانیه بوده و به کمال صـلاح و سداد آراسـته و به مدارج علم و کمال نائل می‌باشـند و سـزاوارند که ترویج دین و شـریعت سید المرسلین صلی اللّه علیه و آله نمایند...

۲- آیت‌اللّه حـاج شـیخ محمـد هـادی طهرانی نجفی دربـاره ایشان گویـد: مخفی بر عموم اخوان ایمانی و اخوان روحانی وفقهم اللّه تعـالی نیست که جنـاب مسـتطاب علم الاعلام رکن الفقهـاء عین العلمـاء قـدوه المحققین و عمـده المـدققین العالم العامل و المحقق الکامل سرکار شریعتمدار آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌اللّه تعالی نجل مرحوم مبرور آخوند ملا میرزاجان طاب ثراه...

۳- آیت‌اللّه مرحوم شریعت اصفهانی قدس‌اللّه سره بعد از حمد و ثناء الهی و درود بر حضرت رسالت پناهی درباره معظم‌له فرماید: و بعـد فـان العـالم العامل و الفاضل الفاصل الباذل ابالفضائل والفواضل صاحب القریحه القویمه و السلیقه المسـتقیمه الورع المهـذب الصفی والتقی النقی الزکی المولی محمدباقر القزوینی.

۴- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی الحسینی القزوینی شهیر به سید آقا قزوینی رحمه‌اللّه در شان ایشان فرماید:

چون جنـاب مسـتطاب شـریعتمدار عمـده العلمـاء العظـام العالم العلام المحجه المسـدد زین الفقهاء الکرام آقای آقا شـیخ محمـدباقر سلمه‌اللّه تعالی بکمال سداد آراسته...

از باقیات الصالحات او فرزنـد ارجمنـد و پرهیزکاری وی حاج میرزا ابوالفضل صـنوبری برادر خوانـده این نگارنـده است که جـدا به زیور ورع و تقوا آراسـته و به محامـد آداب و محـاسن اخلاـق متصف می‌باشـد زیرا که وی سالها از محضـر و بیانات حکیمانه عابد صالح مرحوم آقا شـیخ رجبعلی خیاط اسـتفاده کرده و خاطرات سازنده و آموزنده از آن مرحوم دارد که برای نمونه یکی از آنها را می‌نگارم.

وی برای نگارنده نقل نمود که مسـجد خیابان اکباتان سابق (ملت) امام جماعتی داشت سـید و عالم که به زیور تقوا و ورع آراسته و بسـیار بزرگوار بود که من گاهی موفق به شـرکت نماز او شـده و به وی اقتدا می‌کردم. او مریض شد و از دنیا رفت و من در مجلس فاتحه و یادبود او شـرکت کردم و چون چنـد روزی از درگـذشت او گذشت روزی در یکی از خیابانهای آن منطقه (سـعدی) دیدم که او در حاشیه آن خیابان می‌آید تعجب کردم با خودم گفتم این آقا که از دنیا رفته بود آیا رجعت کرده و زنده شده پس به سوی او رفتم که از او سوال کنم از من گذشت دیگر او را ندیدم.

پس به منزل آمـده و پس از خوردن غذا خوابیدم در عالم خواب به منزل جناب شـیخ رجبعلی رحمه‌اللّه رفتم و پس از تعارفات به او گفتم فلان سـید را می‌شناسید فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم در پیاده‌رو فلان خیابان می‌آید رفتم به سوی او که بپرسم شما رجعت کرده‌ای به او نرسیدم.

فرمود: ابوالفضل باید یک سور (یعنی ولیمه و غذا) بدهی گفتم چرا گفت آقا امام زمان روحی فداه بوده.

پس از خواب برخاسـتم و به سوی منزل جناب شـیخ رفتم و چون به منزل او رسیدم دیدم آماده است که به جائی برود. گفتم داداش فلان سـید پیش نماز مسجد اکباتان را می‌شناسید. فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیـدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم زنده شده و در فلان خیابان راه می‌رفت. گفت ابوالفضل باید یک سور بدهی گفتم چرا گفت او آقا امام زمان روحی فداه بود باید به صورت آن آقا دیدی.

پس خواب خود را با بیداری و گفتار او را در خواب بیداری مطابق یافتم.

حفیـد آن مرحوم آقـا حاج اسـمعیل صـنوبری در حال حاضـر قائم مقام آقای ری شـهری تولیت آسـتانه مبارکه حضـرت عبـدالعظیم حسنی است که در حال حاضر افتخار خدمتگذاری به آستانه را دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

صور اسرافیل، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزاتقی‌خان تبریزی، ابتدا در دربار مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز اشتغال ورزید و بعدها به منشیگری ولیعهد منصوب شد. در کودکی تحصـیلات خود را خیلی خوب انجام داد، خط و ربط خوبی به هم زد مخصوصا در کارهای مالی سررشته‌ی زیادی پیدا کرد. در ابتـدای مشـروطیت در زمره‌ی آزادیخواهان قرار گرفت و به اتفاق میرزا جهانگیرخان و علی‌اکبر دهخدا، روزنامه‌ی معروف صوراسـرافیل را دائر کردنـد و در مقام مبارزه با محمدعلی میرزا برآمدند. در اسـتبداد صـغیر لیاخوف مامور دسـتگیر آنها شد. میرزا قـاسم و دهخـدا بـه اسـتانبول فرار کردنـد ولی میرزا جهـانگیر دسـتگیر و بـه دار آویختـه شـد. میرزا قـاسم بعـد بـه برلـن رفـت و به آزادیخواهان پیوست و چنـد شـماره روزنامه‌ی صوراسـرافیل را در آنجا انتشار داد. بعـد از فتـح تهران و سـقوط محمدعلی میرزا، به ایران آمـد و از طرف مجلس به نمایندگی برگزیده شد و به حزب اجتماعیون پیوست. در دوره‌ی سوم از ساوجبلاغ شـهریار نماینده بود و در مهاجرت در دولت موقتی رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه وزیر داخله شـد، بعـد به آلمان رفت و مـدتی در آن کشور زیست. در دوره‌ی چهارم از نخست‌وزیری منصوب گردید. در ۱۳۰۴ به معاونت و کفالت وزارت داخله تعیین شد تا سرانجام در کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه‌ی هـدایت ابتـدا کفیل و بعـد وزیر پست و تلگراف و تلفن بود. در ۱۳۰۹ از کابینه اخراج شـد. پس از مـدتی حکمران اصـفهان گردید. حکومت او در اصـفهان از نظر شـهری منشاء خدماتی بود و شـهر اصـفهان به سـرعت رو به آبادی نهاد و حکومت گیلان شغل بعدی او بود تا اینکه در ۱۳۱۷ شـهردار پایتخت شد و یک سال در این سمت بود تا در اثر ابتلاء به بیماری فلج، از کار کنار رفت و تا آخر عمر در منزل بستری بود. وفاتش در ۱۳۲۷ ش اتفاق افتاد و حین‌الفوت هفتاد سال داشت. دو همسر انتخاب نمود

و فرزندان متعددی دارد که هیچکدام ترقیات پدر را نکردند.

میرزا قاسم صوراسرافیل مردی آزاده، پاکباز و هنرمند بود. در اوایل جوانی در کارها قاطعیت به خرج می‌داد ولی بعدها خیلی ملایمت پیدا کرد و تغییر او از وزارت پست و تلگراف هم به مناسبت ملایمت او بود. تا زمانی که حیات داشت، مردم آذربایجان به او اعتماد و علاقه‌ی خاصی داشتند و غالبا منزل او مرکز تجمع آذربایجانی‌ها بود.

(میرزا) قاسم‌خان از رجال دوره مشروطیت و پهلوی (و. ۱۲۹۹ ه.ق- ف. ۱۳۶۸ ه.ق. ۱۳۲۷ ه.ش/ ۱۹۴۹ م.) وی با همکاری جهانگیرخان صوراسرافیل و علی‌اکبر دهخدا، روزنامه صوراسرافیل (۲- صوراسرافیل) را تأسیس کرد و با انتشار مقالات مستند ضد مخالفان مشروطه کوشید و در جوانی از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس رسید و دو دوره وکیل بود. پس از بمباران مجلس به اروپا رفت و سه سال در آنجا توقف کرد تا آزادی‌خواهان بر محمدعلی شاه غلبه کردند و او به تهران بازگشت. وی در ۱۳۴۲ ه.ق./ ۱۳۰۳ ه.ش. در اولین کابینه رضا شاه پهلوی به کفالت وزارت داخله منصوب شد و در اول ذی‌الحجه ۱۳۴۵ در کابینه مخبرالسلطنه ابتدا کفیل و سپس وزیر پست و تلگراف گردید. در ۱۳۵۲ ه.ق/ ۱۳۱۲ ه.ش. والی اصفهان و مدتی هم حمکران گیلان شد و در ۱۳۵۸ ه.ق. شهردار تهران گردید.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صوراسرافیل، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۱- جهانگیر (خان) شیرازی ابن (آقا) رجبعلی مؤسس و مدیر روزنامه «صوراسرافیل» (و. شیراز ۱۲۹۲ ه.ق./ مقت. ۱۳۲۶ ه.ق. - ۱۲۸۷ ه.ش./ ۱۹۰۸ م.) وی از خانواده‌ای تهی‌دست برخاسته بود و در اوان کودکی پدرش درگذشت و عمه‌اش سرپرستی او را در تهران به عهده گرفت. در سن ۵ سالگی به شیراز بازگشت و در آنجا به تحصیل پرداخت. مقدمات ادبیات و منطق و ریاضی را نزد استادان زمان فراگرفت و به سال ۱۳۱۱ ه.ق. مجددا با عمه‌اش به تهران آمد و در دارالفنون و مدارس دیگر به تحصیل علوم و فنون جدید پرداخت. در این هنگام نهضت آزادی‌خواهی آغاز شده بود، جهانگیر به انجمنهای سری و مجامع مخفی راه یافت و با بزرگان سیاست ایران آشنا شد و خود از ارکان عمده آزادی‌طلبان به شمار آمد. در سال ۱۳۲۴ ه. ق. آزادی‌خواهان به برقراری مشروطیت در ایران نائل آمدند. محمد علی شاه پس از جلوس به مخالفت با مشروطه قیام کرد. جهانگیرخان با همراهی چند تن از دانشمندان (از جمله علی‌اکبر دهخدا) به مقاومت برخاست و روزنامه صوراسرافیل را ایجاد کرد. پس از اشغال مجلس، جهانگیرخان به وسیله قزاقان دستگیر شد و او را به باغ شاه بردند و خفه کردند. ۲- روزنامه صوراسرافیل در سال ۱۳۲۵ ه. ق. در تهران تأسیس کرد و شماره اول آن در روز پنجشنبه ۱۷ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ ه. ق./ ۱۱ خرداد ۱۲۸۶ ه.ش. منتشر شد. اولین شماره نامه هفتگی صوراسرافیل ۱۴ ماه پس از آنکه: «دولت علیه ایران رسما در عداد دول مشروطه قرار گرفت...» از طبع خارج گردید و به دست مردم رسید و گویا آن اولین روزنامه‌ای بود که رسما در کوچه و بازار به دست روزنامه فروشها و غالبا به وسیله اطفال به فروش می‌رفت. این روزنامه با پول و سرمایه میرزا قاسم‌خان تبریزی که بعدها وزیر پست و تلگراف و غیره شد، و با پیشنهاد و کوشش و رنج و مسئولیت میرزا جهانگیرخان شیرازی و با همراهی میرزا علی اکبرخان دهخدا اداره و منتشر می‌شد. جهانگیرخان این روزنامه را چنانکه در سرمقاله اولین شماره‌اش آمده: «در تکمیل معنی مشروطیت و حمایت مجلس شورای ملی و معاونت روستائیان و ضعفا و فقرا و مظلومین...» انتشار می‌داد. در آغاز صوراسرافیل هفته‌ای یک بار منتشر می‌شد. در چهارمین شماره آن حملات تندی نسبت به روحانیون و متعصبان شده بود و از این رو مدت یک ماه و نیم از انتشار آن جلوگیری کردند. پس از گفتگوهای بسیار قرار شد که آزاد شدن روزنامه منوط به نوشتن توبه نامه‌ای باشد. جهانگیرخان بدین کار تن در نمی‌داد تا آقای تقی‌زاده مقاله‌ای تحت عنوان «دفاع» که دو شماره روزنامه را گرفت و نوشت و دوباره روزنامه منتشر شد و این کار ادامه داشت تا جهانگیرخان به شهادت رسید و روزنامه تعطیل گردید. پس از آن هم در تاریخ ۱۳۳۷ مجددا سه شماره به وسیله مرحوم دهخدا در «ایوردون سوئیس» انتشار یافت و سپس شعله آن خاموش گردید. تا آن زمان ادبیات فارسی عموما و روزنامه‌ها خصوصا سبک نگارش قدیم را مراعات می‌کردند و عبارات مسجع و مقفی و با اطمطراق می‌نوشتند. روزنامه صوراسرافیل به زبان مردم عهد نوشته می‌شد و حتی از آوردن اصطلاحات و لغات عامیانه ابا نداشت و از این رو در سبک نثر فارسی معاصر تأثیری بسزا کرد. مهمترین مقالات علی‌اکبر دهخدا بود که تحت عنوان «چرند پرند» منتشر میشد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صورتگر، لطفعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۲۷۹ ش)، شاعر، نویسنده، مترجم، استاد دانشگاه. جد وی، آقا لطفعلی از نقاشان هنرمند و چیره‌دست قرن سیزدهم هجری بود که کارهای او در موزه‌های پاریس و لنینگراد موجود است و بهای گزافی دارد. صورتگر در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در شیراز به پایان رسانید، سپس به هند رفت و تحصیلات متوسطه را در آنجا به پایان رسانید سپس به ایران بازگشت و به خدمت ادارات دارایی و فرهنگ درآمد و مجله «سپسده‌دم» را در شیراز تاسیس کرد. در ۱۳۰۶ ش باری ادامه تحصیل به لندن رفت

و در رشته‌ی زبان و ادبیان انگلیسی دکترا گرفت. صورتگر پایان‌نامه‌ی دکتری خود را درباره‌ی «نفوذ ادبیات ایران در ادبیات انگلستان در قرن پازدهم و شازدهم میلادی» نوشت. بعد از بازگشت به تدریس ادبیات فارسی و انگلیسی پرداخت و چندی نیز ریاست دانشگاه شیراز را عهده‌دار بوده وی چندی نیز مدیر مجله‌ی «آموزش و پرورش» بود و عضو فرهنگستان. صورتگر سفرهایی به کشورهای روسیه، آمریکا، پاکستان کرده و به مدت یک سال در دانشگاه کلمبیا سمت استادی داشته است. تا این که وفات یافت و در شیراز به خاک سپرده شد. از آثارش: «عشاق ناپل»، ترجمه؛ «سخن سنجی»؛ «تاریخ ادبیات انگلیسی»؛ «علم اقتصاد»؛ «دیوان» شعر؛ «ادبیات توصیفی ایران»؛ «ادبیات غنایی ایران»؛ «برگهای پراکنده»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۶۸ -۶۷)، تاریخ جراید (۳۰ -۲۸ / ۳ ،۲۷۴ / ۱)، چشمه‌ی روشن (۵۳۳ -۵۲۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸۳ -۴۶۸ / ۳)، الذریعه (۶۲۰ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۸ -۲۱۷ / ۴)، سخنوران نامی (۳۴۸ -۳۴۱ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۶۹ -۲۳۶۴ / ۴)، سواد و بیاض (۵۸۶ -۵۸۳)، شخصیت‌های نامی (۲۹۱ -۲۹۰)، صدف (۵۱۰ - ۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۳۱)، گلزار معانی (۴۳۲ -۴۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۲ - ۱۳۰ / ۵)،یغما (س ۲۲، ش ۷، ص ۴۱۲ -۴۱۱).

صهبا، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم صهبا, در سال ۱۲۹۰ در یکی از روستاهای تربت حیدریه به دنیا آمد.این استاد دانشگاه, روزنامه نگار وشاعر ،پس از اتمام تحصیلات متوسطه ،برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید, وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری, سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی میسرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد.وی به تدریس در دانشکده افسری پرداخت در ۱۳۲۴ش وارد وزارت دارایی شد. وی اولین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی«باباشمل» آغاز کرد و اشعارش با نام مستعار شیخ سُرنا و ابرام سرپا منتشر میکرد.ایشان در سال ۱۳۷۷ش دارفانی را وداع گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : روزنامه نگار وشاعر

والدین و انساب : ابراهیم صهبا, فرزند مهدی است.وی در یکی از روستاهای تربت حیدریه به دنیا آمد.پدرش از خوانین و مالکین بود که بر اثر ناملایمات و رنجهای فراوان زادگاهش را ترک گفت و به بیرجند کوچ کرد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : صهبا تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در مدرسه شوکتیه بیرجند فراگرفت و مدت یکسال هم در آنجا تدریس کرد. برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید, وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری, سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی میسرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد

زمان و علت فوت : صهبا در سال ۱۳۷۷ش دارفانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : وی به تدریس در دانشکده افسری پرداخت در ۱۳۲۴ش وارد وزارت دارایی شد. وی اولین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی«باباشمل» آغاز کرد و اشعارش با نام مستعار شیخ سُرنا و ابرام سرپا منتشر میکرد. در همین روزنامه بود که با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها رد وبدل شد. صهبا از موسیقی نیز بهره مند بود و تار می نواخت.

همفکران فرد : با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها رد وبدل شد. --

آثار :

۱ انسان و شعر وماه

۲ دفتر صهبا

۳ ساغر صهبا

صهبا، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۷ -۱۲۹۱ / ۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به صهبا. در یکی از روستاهای تربت‌حیدریه به دنیا آمد. پدرش از خوانین و مالکین بود که بر اثر ناملایامات و رنجهای فراوان زادگاهش را ترک گفت و به بیرجند کوچ کرد. هصبها تصحیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در مدرسه‌ی شوکتیه بیرجند فراگرفت و مدت یک سال هم در آنجا تدریس کرد. برای

ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید، وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری، سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی می‌سرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد و به تدریس در دانشکده‌ی افسری پرداخت در ۱۳۲۴ ش وارد وزارت دارایی شد. ول الوین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی «بابا شمل» آغاز کرد و اشعارش را با نام مستعار شیخ سرنا و ابرام سرپا منتشر می‌کرد. در همین روزنامه بود که با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها ردوبدل شد. صهبا از موسیقی نیز بهره‌مند بود و تار می‌نواخت. از آثارش: «دفتر صهبا»؛ «ساغر صهبا»؛ «انسان و شعر و ماه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۳۷۵ -۲۳۷۰ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۲۹۲)، صد سال شعر خراسان (۳۶۵ -۳۶۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۳۱).

صهری، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جمال‌الدین صهری بن السید الجلیل السید جعفر میردامادی سه‌دهی واعظ کامل و عالم فاضل و ادیب شاعر بودند در اصفهان که چندی در خوزستان و مدتی هم در تهران اقامت داشتند در سال ۱۳۲۱ ق در قریه ورنوسفادران از قراء ثلثه سده (خمینی‌شهر) حاضر متولد گردیده و در اصفهان خدمت اساتید تحصیل نموده سپس به جهت ارشاد و هدایت مردم به منبر رفته والحق واعظی بلیغ و شیرین‌بیان بود و چون به آنچه می‌گفت خود معتقد بود بیانش بیشتر موثر واقع می‌شد محبوبیتی غریب داشت و مورد احترام و اکرام عموم طبقات بالاخص علماء و خطباء بود سرانجام در بعد از ظهر پنجشنبه هفتم ربیع‌الثانی ۱۳۸۸ قمری وفات یافته جنازه روز جمعه با تجلیل کامل مشایعت عموم طبقات بر سر دست به سده (۹ کیلومتری اصفهان) منتقل شده در مقبره خانوادگی جنب پدرش مدفون گردید دیوان و غزلیاتش به نام الفین صهری غیرمطبوع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صیدلانی نیشابوری، ابوصادق محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ ق)، فقیه، مسند و ادیب. از نوادگان شاذان نیشابوری است. از ابوالعباس اصم و ابوعبدالله بن اخرم و ابوبکر صبغی حدیث شنید. بیهقی و رییس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد موذن از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۴۰۱ / ۱۷).

صیدلانی، ابوسعد محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. وی از شاعران ذولسانین عهد خود بود که برخی از اشعار عربی وی در «دمیه القصر» باخرزی مضبوط است. از شعر فارسی وی نیز نشانی در «لغت فرس» اسدی طوسی می‌توان جست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۴ / ۷)، شاعران بی‌دیوان (۵۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ صیدلانی).

صیمری، ابوعنبس محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۵ ق)، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. از آثار وی «اصل الاصول»، در هیأت و نجوم است که متضمن بسیاری از اقوال ایرانیان در مسایل نجومی می‌باشد. او شاعری توانا بود. به بغداد رفت و ندیم متوکل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۷۷ / ۳)، تاریخ علوم و فلسفه‌ی ایرانی (۴۹۲)، النجوم الزاهره (۸۶ / ۳).

ضبی اصفهانی، ابومضر محمود

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۸ / ۵۰۷ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و طبیب. ملقب به فریدالعصر. وی نخستین کسی بود که مذهب کلامی معتزل را در خوارزم رواج داد. چون ضبی در صرف و نحو و لغت عرب استاد زمان خود و در انواع علوم ضرب‌المثل بود. افراد بسیاری بر گردش جمع شدند و مذهب او را پذیرا گشتند. او مدتی در خوارزم اقامت نمود و مردان بزرگی چون زمخشری و جمعی دیگر از بزرگان را در محضر خود تربیت کرد و آنها از علوم و معارف و مکارم اخلاق وی استفاده کامل کردند. ضبی در مرو درگذشت. زمخشری در سوگ او مرثیه گفت. از آثارش: «زاد الراکب»، مجموعه‌ای در شعر، ادب و اخبار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۲ / ۸)، ریحانه (۳۳۵ / ۴)، کشف الظنون (۹۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)،معجم الادباء (۱۲۴ -۱۲۳ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۵۷ -۱۵۶ / ۱۲).

ضیا بادی قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق). عالم دینی و واعظ. در ضیاباد قزوین به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در قزوین خوانده و به قم مهاجرت نمود. در مدرسه‌ی فیضیه سکونت اختیار کرد و سطوح وسطی و عالی را نزد مدرسین بزرگ حوزه خواند و چندین سال در درس خارج آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی و امام خمینی و دیگران شرکت نمود. آن‌گاه به تهران آمد و به انجام خدمات دینی و اقامه نماز پرداخت. آثار آموزنده‌ای دارد که یکی از آنها «قساوت» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۳ / ۲).

ضیاء العلماء، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۳۰۳ ق)، روزنامه‌نگار. از اهالی تبریز بود. وی از خاندانی توانگر و خود جوان دانشمندی بود که گذشته از دروس قدیمه به زبانهای اروپایی نیز تسلط داشت. طرفدار مشروطه‌خواهان آذربایجان بود. در ۱۳۲۴ ق پس از کسب امتیاز هفته‌نامه‌ی «اسلامیه» به نشر آن به صورت چاپ سنگی اقدام نمود. مدتی هم ریاست دادگستری تبریز را به عهده داشت. روسها او را به همراه هفت نفر دیگر، در روز عاشورا، در تبریز به دار آویختند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۷۰ / ۱)، شرح حال رجال (۱۴ / ۵، ۵۹ -۵۸ / ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴۷۴۳ / ۴، ۷۵۱ / ۱)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۶۸ / ۱).

ضیاء الواعظین، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۶۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. اصلش از یزد بود و در شیراز به دنیا آمد و تا بیست و پنج سالگی در همان جا به تحصیل اشتغال داشت. پس از آن به هندوستان رفت و مدتی با مدیر روزنامه‌ی «حبل المتین» در کلکته همکاری کرد.پس از بازگشت به وطن در ۱۲۹۵ ش در شیاز به زندان انگلیسی‌ها افتاد. پس از آزادی به تهران آمد و در ۱۳۰۰ ش روزنامه‌ی «ایران آزاد» را تأسیس کرد و در نتیجه نشر مقالات انتقادی شدید، به هندوستان تبعید شد. اما چون به شیراز رسید به کمک مردم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب و در ۱۳۰۲ ش رهسپار تهران شد و در همان سال مدرسه‌ی صنعتی شیراز را تأسیس و روزنامه‌ی «ایران آزاد» را مجددا منتشر کرد. وی در دوره‌ی پنجم دوباره به سمت نمایندگی مجلس انتخاب شد. در ۱۳۱۱ ش از سیاست کناره گرفت. اثر وی: «اولین راپرت مدرسه‌ی صنعتی فارس» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۲۴ -۳۱۸ / ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۰ -۴۸۹ / ۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۳۹ -۲۳۷ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲ -۷۱ / ۱).

ضیاء، سوسن

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سوسن ضیاء در سال ۱۳۱۸ ش. در تهران متولد شد.وی یکی از مترجمان معاصر در حوزه ادبیات کودکان است.ایشان هم اکنون با مجله رشد کودک و مؤسس ?پژوهشی کودکان (دنیا) همکاری دارد، و عضو و هنرجوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می باشد. کتاب"شهربانو "ترجمه سوسن ضیاء، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوسن ضیاء تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ژاندارک به پایان رساند و در این مدرسه زبان فرانسوی را آموخت و موفق به دریافت دیپلم زبان فرانسوی گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوسن ضیاء هم اکنون با مجله رشد کودک و مؤسس ?پژوهشی کودکان (دنیا) همکاری دارد، و عضو و هنرجوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می باشد.

جوائز و نشانها : کتاب"شهربانو "ترجمه سوسن ضیاء، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ بازیهای ورزشی در مهدکودک نشر کارگاه کودک

ویژگی اثر : ترجمه

۲ ریاضیات و بازی برای کودکان پیش دبستانی نشر کارگاه کودک

ویژگی اثر : ترجمه

۳ شهربانو نشر چشمه

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:«شهربانو» شهربانو/ سوزان فیشر استیپلز؛ ترجم ?سوسن ضیاء.- تهران: نشر چشمه، کتاب وَنوشِه، ۱۳۷۹. ۲۴۷ ص. خانم سوزان فیشر استیپلز روزنامه نگاری است که سالها در پاکستان زندگی کرده و کویر چولستان را درجنوب این کشور دیده است. کویر چولستان بخشی از کویر بزرگ تَهَر هند در خاک پاکستان است و نویسنده توانسته با مردمان قبیله نشین آن کویر دیدار کند. شهربانو، اولین کتاب داستانی این خانم نویسنده است که آن را به مردم چولستان تقدیم می کند. او در این داستان زیبا که تصویری ملموس و هنرمندانه از شرایط اجتماعی ارائه می دهد، موفق شده است چهر ?دختری نوجوان را ترسیم کند که چگونه در میان آرزوی ساختن زندگی اش به دست خویش و پیروی از قوانین مذهبی و آیین دیرپای قبیله ای سرگردان است. مترجم محترم این اثر که مخاطب آن گروههای سنی دوره های راهنمایی و سالهای دبیرستان است، به خوبی از عهد ?ترجمه برآمده و ضمن وفاداری به سبک اثر، متنی سلیس و خوشخوان ارائه کرده است.

۴ گربه ای که ناخواسته سخن می گفت نشر فارابی

ویژگی اثر : ترجمه

۵ یک مشت ستاره نشر چشمه

ویژگی اثر : ترجمه --

منابع :

۱www.ketabesal.ir

ضیاءالدین یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۱۹ -۸۸۲ ق)، دانشمند. وی اهل جام و از شاگردان علامه تفتازانی بود و در علوم معقول و منقول زمان خود استادی و مهارت داشت. در تبریز درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد. ضیاءالدین در خوشنویسی نیز دست داشت و خط نستعلیق را به شیوه‌ی میرعلی هروی خوش می‌نوشت. پدرش، جامی، کتاب «بهارستان» و رضی‌الدین لاری شرح خود بر کتاب «نفحات الانس» را برای خواجه ضیاءالدین یوسف نوشته‌اند.[۱]

یوسف بن عبدالرحمن جامی (شاعر معروف) (و. ۸۷۳ ه.ق.). جامی شرحی را که بر کافیه ابن صاحب در نحو نوشته و معمولا به «شرح جامی» معروف است به اسم همین فرزند خود ضیاءالدین به «الفوائد الضیائیة» نامزد کرده و نیز تحفةالاحرار خود را خطاب به همین فرزند- که در آن هنگام چهار سال داشت- به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۲ / ۳)، از سعدی تا جامی (۷۷۴، ۷۶۳) بهارستان جامی (مقدمه/ ۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۵، ۴۷۰ / ۴)، حبیب السیر (۳۸۶ / ۳)، رشحات عین الحیات (۲۸۵ –۲۸۳ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین)، نفحات الانس (مقدمه/ شانزده چهل و دو).

ضیاءنور، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، عالم ربانی.

تولد: ۱۲۹۹، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۶۴(۷ ربیع‌الاول ۱۴۰۶ ق.).

فضل‌الله ضیاءنور، فرزند حجت‌الاسلام حاج رضا ضیاءنور از واعظان اصفهان، از کودکی به فراگیری علوم و معارف اسلامی پرداخت. پس از مدتی علوم و معارف اسلامی از قبیل ادبیات، منطق، فقه و اصول و مخصوصا فلسفه و عرفان را پشت سر گذاشت. از جمله استادان وی می‌توان به این اسامی اشاره نمود: حاج میرزا علی واعظ شیرازی، آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا کلباسی، حاج صدرالدین هاطلی کوپایی، حاج شیخ محمدحسین عالم نجف‌آبادی، آیت‌الله حاج‌آقا رحیم ارباب، آیت‌الله سید محمدرضا خراسانی، ملا محمدعلی حبیب‌آبادی، حاج حسین خادمی، آیت‌الله حاج شیخ احمد فیاض، حاج شیخ محمود مفید.

استاد ضیاءنور ابتدا در کسوت روحانیت بود و علاوه بر تعلیم و تعلم، به منبر هم می‌رفت. در سال ۱۳۳۶ برای مطالعات جدید و علوم دانشگاهی و تدریس در دانشگاه و وزارت فرهنگ اصفهان نیز اقدام نمود. علاوه بر تدریس، به تحقیق درباره‌ی عرفان و تصوف اسلامی و شاعران ادب فارس به ویژه مولانا و حافظ پرداخت و کتابی به نام وحدت وجود تهیه کرد که آماده چاپ است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ضیابادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج سید محمد ضیابادی قزوینی از فضلاء وعاظ و گویندگان معاصر تهران است به فضل و تقوا و نطق و بیان موصوف و به متانت و متاعت متصف می‌باشد در ضیاآباد قزوین تولد یافته و مقدمات و ادبیات را در قزوین خوانده و به قم مهاجرت نموده و در مدرسه فیضیه سکونت اختیار و سطوح وسطی و عالی را نزد مدرسین بزرگ حوزه خوانده و چندین سال در درس خارج آیات عظام بروجردی و گلپایگانی و آیت‌الله العظمی امام خمینی و دیگران شرکت کرده و از خرمن پرفیض هر کدام خوشه‌ها و بهره‌ها چیده و برده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و در خیابان شهباز اقامت و از طریق منبر به خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

مولف گوید: این نگارنده بیش از بیست سال است که با آن جناب سابقه آشنائی و دوستی دارم مکروهی از وی ندیده‌ام. جدا واعظی متعظ و خطیبی بلیغ و عالمی ناطق و مستعمل لعلمه است.

آثار آموزنده‌ای دارد که یکی از آنها به نام قساوت به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ضیایی دزفولی، محمد رشید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۷– ح ۱۳۳۲ ق). فقیه. ادیب و شاعر. متخلص به ضیایی. تحصیلاتش را در دزفول گذراند. سپسی به نجف رفت و تحصیلات خود را در آنجا در محضر شیخ انصاری و میرزای شیرای چندین سال ادامه داد. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به دزفول مراجعت نمود و به تدریس مشغول شد. چندی هم در خرم‌آباد و بروجرد اقامت کرد. سپس به عراق رفت و بعد از ۱۳۰۰ ق مجددا به دزفول بازگشت و به تدریس و ترویج علوم اسلامی و انجام وظایف شرعی پرداخت. او بسیار زاهد و پرهیزگار بود به حدی که هیچ‌گاه از وجوه خیراتی استفاده نکرد و از دست‌رنج و کسب و کار خود روزگار می‌گذراند. میراز هادی دزفولی از شاگردان اوست. وی در مقبره‌ی استاد خود سید حسین بن عبدالکریم گوشه در دزفول دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر که به نام «اشعار ضیایی دزفولی». در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۰ / ۹). الذریعه (۶۳۲ / ۹). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵–۷۲۴ / ۱۴). مؤلفین کتب چاپی (۱۲۶ / ۳).

ضیایی دهخوار قانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. اثر وی ترجمه‌ی «شوالیه دو مزون روژ» از الکساندر دوما (پدر) است که در دو جلد، در ۱۳۰۶ ش. در تهران منتشر شد و چاپ دوم آن در ۱۳۳۶ ش صورت گرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۷۴ / ۲). مؤلفین کتب چاپی (۷۷۱ / ۲).

ضیایی فر، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید ضیائی فر

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را همراه با سال چهارم دبیرستان در کاشان آغاز کرد، پس از اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شد. دروس سطح را سال ۱۳۴۶ به اتمام رسانید و به مدّت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و چند سالی نیز از این سال ها را به تحصیل کلام و فلسفه پرداخت تدریس در حوزه دانشگاه از زمره فعالیت های علمی اوست و اکنون نیز در برخی مراکز به تدریس اشتغال دارد و مهمترین برنامه علمی وی تحقیق است که از سال ۱۳۷۰ آغاز و تاکنون ادامه دارد به علاوه از سال ۱۳۷۷ تاکنون مدیر گروه پژوهش «فلسفه فقه و حقوق اسلامی» پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علیمه قم و عضو هئیت علمی و شورای پژوهشی این پژوهشکده است. همچنین راهنمایی و مشاوره برخی از پایان نامه‌ها را بر عهده داشته است.

ضیایی مرندی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۷۵ ق)، مترجم، مفسر، شاعر، متخلص به ضیایی. ملقب به ناظم الملک. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات و فراگیری فنون شعر و ادب از استادان زمان خود. وارد خدمات دولتی گردید و در وزارت خارجه به خدمت اشتغال ورزید و با زبان فرانسه آشنایی کامل یافت. ضیایی در اواخر عمر به قم مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را در روضه‌ی حضرت معصومه (س) دفن کردند. از آثار وی: «حقیقت‌نامه»، شعر، ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمومنین (ع) به امام حسن (ع)؛ «دیوان»؛ «سیاست نامه»، شعر، که ترجمه‌ی عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر است؛ «قصیده‌ی مولودیه»؛ «وصیت‌نامه‌ی حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین (ع)»، شعر؛ تفسیر «سوره العصر»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۴۲). الذریعه (۶۳۳ / ۹ .۳۳۸ / ۴). ریحانه (۱۲۴ -۱۲۳ / ۶). زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۰ / ۴). سخنوران نامی معاصر (۲۳۷۹ -۲۳۷۶ / ۴). شرح حال رجال (۲۸۵ / ۱). فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۶۵ .۲۵۵۰ .۲۰۵۳ / ۲ .۱۵۴۶ -۱۵۴۵ .۱۱۹۶ / ۱). مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸ -۴۴۷ / ۲).

ضیایی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ضیایی نجف آبادی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در استان خوزستان، شهرستان آبادان در یک خانواده کارگری متولد شدم، در سال ۱۳۳۵ (پدر ۵ کلاس سواد ـ مادر ۲ کلاس قرآنی) دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان (در رشته ریاضی) را با تلاش و کوشش بسیار و با موفقیت پشت سر گذاردم در سال ۱۳۵۶ به خدمت نظام رفتم و یک سال بعد به فرمان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی یادگان را ترک کردیم و پس از پیروزی انقلاب شکوه‌مند اسلامی به فرمان امام دوباره به پادگانها برگشتیم و به پاس این لبیک‌گویی به فرمان امام(ره) یک سال تشویقی گرفته و از خدمت نظام بیرون آمدم. و چندی بعد به فرمان امام(ره) وارد «جهاد سازندگی» شدم ۲۷/۳/۵۸ و با عشق و علاقه خدمت به روستائیان در این نهاد انقلابی به خدمت مشغول شدم در سال ۱۳۶۱ پس از شکسته شدن حصر آبادان به اصفهان هجرت نمودم و در کنار کار به تحصیل در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان (دروس حوزوی) مشغول به تحصیل شدم و پس از تمام کردن جامع المقدمات به مدرسه علمیه صدر بازار رفته و «سیوطی» را فراگرفتم و در سال سوم به مدرسه علمیه امام صادق(ع) رفته و «مُغنی» (باب اول و باب رابع) را فراگرفتم. در سال ۱۳۶۴ تصمیم گرفتم وارد دانشگاه شوم در رشته علوم انسانی ثبت نام نموده و با تلاش و کوشش بسیار موفق شدم در دانشگاه علامه طباطبایی تهران قبول شوم و از مهرماه سال ۱۳۶۵ مشغول به تحصیل در رشته علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی شدم. در سال ۱۳۶۹ (بهمن ماه) مقطع کارشناسی را با معدل ۷۵/۱۶ به پایان رساندم و تصمیم گرفتم به حول و قوه الهی در مقطع کارشناسی ارشد نیز شرکت کنم، سرانجام پس از دوبار شرکت در کنکور سراسری موفق به قبولی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی در رشته برنامه‌ریزی آموزشی شدم. از مهرماه سال ۱۳۷۲ مشغول به تحصیل شدم و در تاریخ ۷۵.۳.۲۵ این مقطع تحصیلی را نیز با معدل ۱۷.۷۷ به لطف خدا پشت سر گذاشتم. (شایان ذکر است در زمان تحصیل، همکاری فعال با انجمن اسلامی دانشگاه، بسیج دانشجویی و جهاد دانشگاهی داشتم). با توکل بر خدا تصمیم گرفتم آخرین قدم را نیز بردارم و در مقطع دکترا وارد شوم که متأسفانه رشته تحصیلی مرا در داخل نداشتند و باید در خارج از کشور ادامه می‌دادم که به دلیل شرایط زندگی (با داشتن سه فرزند) عملاً نتوانستم وارد این مقطع شوم. تصمیم گرفتم با تقویت زبان انگلیسی، در آزمون وزارت علوم جهت عضویت در هیأت علمی دانشگاهها شرکت کنم که با لطف و عنایت خدا و تلاش شبانه‌روزی موفق شدم در سال ۱۳۷۷ در امتحان مربوط به عضویت در هیأت علمی دانشگاهها، موفق شدم و از آن سال به عضویت هیأت علمی موسسه آموزشی عالی علمی ـ کاربردی وزارت جهاد کشاورزی درآمدم. در این سالیان علاوه بر تدریس دروس عمومی و تخصصی به انجام طرح‌های تحقیقاتی، مقاله‌نویسی و تألیف کتاب نیز پرداخته‌ام و در کنار آن مسئولیتهای اجرایی نیز داشته‌ام که به حول و قوه الهی توانسته‌ام به تکالیف و وظایف محوله به خوبی عمل کنم. همواره عشق به یادگیری مطالب بیشتر در زمینه تخصصم و علوم دیگر در وجودم زبانه می‌کشد و از خداوند سبحان می‌خواهم این عشق و علاقه را همواره در وجودم مستدام بدارد و بتوانم در وهله اول برای خود ، خانواده و فرزندانم و در وهله بعد جامعه‌ام (محیط کاری و دانشجویان دختر و پسری که با آنها سر و کار دارم) مفید و مثمر ثمر باشم.

ضیائی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای دکتر ضیائی از فضلاء معاصر است در آستانه.

وی سالهای متمادی در قم اقامت داشته و از آیات عظام گذشته چون مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از پایان تحصیلات به گیلان مراجعت و در آستانه رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

وی از اعضاء موثق انجمن ضد بهائیت است و در این رشته مطالعات بسیاری دارد و افراد زیادی از مبتدیها و حتی افراد متعصبی را ارشاد و از انحراف نجات و براه هدایت رهبری و از خرافات و موهومات بهائی گری خلاص و رهائی بخشیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ضیغمیان، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین ضیغمیان

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در فروردین ماه سال۱۳۴۴به دنیا آمدم .مرحوم والد از روحانیون کرمانشاه بودند.پس از طی دوران ابتدائی و راهنمائی که

مصادف با انقلاب شکوهمند اسلامی بود و بعد دفاع مقدس که دراین زمان بود به علّت حضور در جبهه حق علیه باطل وقفه ای چند ساله در راه تحصیل اینجانب گردید. که خداوند را شاکرم توفیق حضور هر چند کم ارزش در کنار رزمندگان اسلام را داشتم.پس از ایام دفاع مقدس و بعد از قبول قطعنامه از آنجائی که علاقه ای وافر به حوزه داشتم وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) (حوزه حضرت آیت الله بروجردی)کرمانشاه گردیدم.

همزمان دروس دبیرستان را هم تا مقطع دیپلم علوم انسانی گذراندم . و پس از اتمام لمعتین به قم هجرت نمودم .در قم نیز از اساتیدی همچون حجج الاسلام آقایان علوی.ابراهیمی .نکونام .موسوی تهرانی .ربانی .حسینی قزوینی .الهی زاده .عزیزالهی .بهره مند گردیدم .و در دروس خارج آیات عظام مکارم .سبحانی و دکترعابدی بهره مند شدم. وهم اکنون در درس آیت الله مکارم حضور دارم. اینجانب وقتی در دوره راهنمائی تحصیل می نمودم سه جزوه پیرامون مسئله دروغ .چگونه بید بود وغیره با امکانات تکثیر مدرسه نوشتم و در بین دانش آموزان توزیع کردم.

در سالهای اخیر چند زندگینامه علماءومقالاتی برای ستارگان حرم نوشتم . و یک جلد کتاب پیرامون موانع استجابت دعا وکتاب لاله های زاگرس پیرامون زندگی چهار تن از شهدای اطلاعات عملیاتی نبی اکرم(ص)و کتابی هم در رابطه با علماء و کرامات آنها در دست تألیف دارم که هنوز در مراحل اولیه چاپ قرار دارد. وهمچنین مقاله ای هم تحت عنوان عید قربان دردست چاپ می باشد.

طارمی زنجانی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۶۳ ق)، عالم، فقیه امامی، اصولی، متکلم و نحوی. در آب‌بر، از نواحی طارم، به دنیا آمد. وی ابتدا در زنجان به تحصیل پرداخت، سپس به قزوین رفت و در خدمت علامه‌ی وقت سید علی قزوینی، صاحب حاشیه‌ی «قوانین». مقدمات و مراتب علمی را فرا گرفت. برای تکمیل تحصیلات به عتبات مشرف شد. در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و فاضل ایروانی و فاضل مامقانی و میرزای شیرازی حاضر شد و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در حالی که از بزرگان علماء شده بود. به زنجان بازگشت و به تدریس و تألیف و امامت جماعت پرداخت. وی رد زنجان درگذشت و در جوار سید ابراهیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاصول الجعفریه». در عقاید، به فارسی؛ «افضل المجالس فی المواعظ و المصائب»، که مقتلی است به فارسی؛ «تکمیل الایمان نی اثبات وجود صاحب الزمان». به فارسی؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «ربیع المتهجدین»، در نماز شب؛ «الارث» و «الدیات»، به فارسی؛ «شرح الاحتشام»، در شرح «نهج‌البلاغه»؛ «مشکل الرجال فی منتهی المقال»؛ «شرح الصمدیه»؛ «منتخب العلوم». در صرف و نحو؛ شرح «الدره» سید مهدی بحرالعلوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۹ / ۴). الذریعه (۲۸۵ / ۸ .۴۱۸ / ۴ .۲۵۹ .۱۸۰ -۱۷۹ / ۲ .۴۴۳ / ۱). ریحانه (۳۸۶ -۳۸۵ / ۲). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۹ / ۱۴). علماء معاصرین (۸۹). معجم المؤلفین (۱۶۸ -۱۶۷ / ۳). مکارم الآثار (۱۷۱۷ / ۵).

طارمی، نجم‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مترجم. وی از بزرگان دربار میرانشاه بن تیمور (م ۸۱۰ ق). بود. طارمی در فن انشاء تلسط داشت و به فرمان آن پادشاه کتاب «کامل التواریخ» ابن‌اثیر را به فارسی ترجمه کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۵۶). حبیب السیر (۵۵۰ / ۳).

طاعتی رشتی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار. وی در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن شهر به پایان رسانید و سپس به تهران آمد و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی وارد دانشسرای عالی گردید و به دریافت لیسانس نائل شد و از آن پس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر ادبیات به رشت عزیمت کرد و پس از پنج سال به تهران بازگشت و ضمن تدریس در دبیرستان‌ها، دوره‌ی دکتری ادبیات را به پایان رسانید. وی مدتی اشعارش را در روزنامه‌ها و جراید به چاپ رسانید و مدتی نیز سردبیری روزنامه‌ی «سازمان» را به عهده داشت و از همکاران دهخدا در تألیف «لغت‌نامه» بود. از آثارش: رساله‌ی «دینداری، دکانداری نیست»؛ «حدیث سعدی»؛ «دفاع اتسالینگراد/ لنینگراد»؛ تصحیح لغت‌نامه‌ی «صحاح الفرس»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۳۶ / ۹ .۳۸ / ۸). سخنوران نامی‌معاصر (۲۳۹۱ –۲۳۸۷ / ۴). کتاب گیلان (۵۸۰ / ۲). مؤلفین کتب چاپی (۸۸۷ –۸۸۶ / ۳). نامها و نامدارهای گیلان (۳۱۱ –۳۱۰).

طالب شیرازی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. در علوم ادبی مهارت و در علوم عربی دست داشته است. خط شکسته را پاکیزه و شیرین می‌نوشت. در چند سال آخر عمر به صدارت دیوان خانه‌ی عدلیه‌ی فارس منصوب شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۸۹ –۱۰۸۸ / ۲).

طالبلو، وحید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه :

نام کامل : وحید طالب لو – متولد : ۵ خرداد ۱۳۶۵ – سن:۲۷ سال – زادگاه تهران، ایران – قد ۱۸۵ سانتی متر وضعیت کنونی :

باشگاه کنونی : استقلال تهران – شماره پیراهن: ۱ – پُست : دروازه بان(فوتبال) باشگاه‌های جوانان :

۱۳۸۲–۱۳۷۶ – استقلال تهران باشگاه‌های حرفه‌ای :

۱۳۸۲ تا کنون – استقلال تهران تیم ملی :

۱۳۸۵ – تا کنون ۱۰ بازی ملی آغاز محبوبیت :

او در بازی اول تیم فوتبال استقلال تهران در فصل ۸۴–۸۵ لیگ برتر فوتبال ایران با مهار ضربه پنالتی علی دائی که ان زمان در صباباطری بازی می‌کرد ، از محبوبیت خاصی نزد هواداران استقلال برخوردار شد. زیرا هواداران استقلال معتقدند که علی دائی هیچ وقت در طول دوران فوتبالش نتوانسته‌است به این تیم گل بزند و پنالتی‌ای که وحید طالب لو از وی گرفت، مهم ترین شانس علی دائی برای رسیدن به این مهم بوده‌است، هر چند علی دائی بعدها با ذکر این که در یکی از تیم‌های سابقش در لیگ‌های قبل از لیگ آزادگان به استقلال تهران گل زده‌است، ادعای هواداران استقلال را رد کرده‌است.البته این ادعای دایی توسط عده زیادی از اهالی فوتبال من جمله گزارشگران این رشته پرطرفدار رد شد. آن بازی نهایتا با نتیجه ۴ بر یک به سود استقلال تهران به پایان رسید.

بهترین پنالتی گیر :

او در فصل ۸۴–۸۵ لیگ برتر فوتبال ایران با مهار سه ضربه پنالتی در طول فصل به عنوان بهترین پنالتی گیر ایران معرفی شد. او در فصل ۸۵–۸۶ نیز با مهار ضربه پنالتی مهرزاد معدنچی در دیدار با پرسپولیس تهران بر محبوبیت خود نزد هواداران استقلال افزود.

او در فصل ۸۶–۸۷ و در مسابقات جام حذفی کشور در مسابقه استقلال–ذوب آهن از مرحله یک شانزدهم نهائی جام حذفی که به ضربات پنالتی کشیده شده بود ، با مهار ۳ ضربه از ۴ ضربه پنالتی بازیکنان ذوب آهن، باعث صعود تیمش به مرحله بعدی شد. او در مرحله بعدی این مسابقات و در مصاف استقلال با راه آهن نیز که با نتیجه مساوی ۲ بر ۲ به ضربات پنالتی کشیده شد، با مهار ۳ ضربه پنالتی باعث صعود استقلال به مرحله نیمه نهائی جام حذفی شد. در مرحله نیمه نهائی نیز بازی تیم‌های استقلال تهران و فولاد خوزستان پس از تساوی ۱–۱ در وقت قانونی و اضافی به ضربات پنالتی کشیده شد و باز هم وحید طالب لو با مهار ۲ پنالتی از بازیکنان فولاد خوزستان توانست باعث پیروزی تیم استقلال و رساندن این تیم به فینال این مسابقات شود.

محبوبیت در نزد پرسپولیسی‌ها

او از معدود بازیکنان استقلال است که تا حدی در نزد هواداران پرسپولیس محبوبیت دارد.

عابدزاده دوم

بسیاری از کارشناسان فوتبال پس از موفقیت دو ساله وحید طالب‌لو از سال ۸۴ تا سال ۸۶ در مسابقات داخلی و ملی فوتبال او را با احمدرضا عابدزاده اسطوره دروازه بانی فوتبال ایران مقایسه می‌کردند و او را عابدزاده دوم می‌نامیدند.

قهرمانی با استقلال تهران

او در فصل ۸۴–۸۵ با درخشش خود در دروازه تیم استقلال تهران یکی از عوامل قهرمانی این تیم در آن سال شمرده می‌شود. او در بازی سی‌ام استقلال تهران با برق شیراز که در حضور ۱۰۰ هزار هوادار استقلال تهران برگزار شد و به برد ۴ بر ۱ استقلال تهران و هم چنین قهرمانی این تیم برای اولین بار در لیگ برتر فوتبال ایران منجر شد، با مهار ضربه پنالتی محسن پاک نیت در دقیقه ۸۳ بر محبوبیت خود نزد هواداران استقلال افزود و همچنین اسم خود را به عنوان یکی از بازیکنان تأثیر گذار بر این قهرمانی به ثبت رسانید.

لیگ برتر فوتبال ایران فصل ۸۶–۸۷

او که به عنوان یکی از برترین دروازه‌بانان ایران شناخته می‌شود در لیگ برتر فوتبال ایران فصل ۸۶–۸۷ دچار افت شدیدی شد که

بسیاری از کارشناسان فوتبال علت این افت را عدم حضور رقیبی در حد وحید طالب‌لو در کنار او و همچنین عدم آرامش او می‌دانند. لازم به ذکر است که اشکان نامداری دروازه بان سابق تیم صنایع اراک ذخیره وحید طالب لو در استقلال تهران است. بسیاری از کارشناسان اشکان نامداری را نه تنها رقیب جدی برای وحید طالب لو نمی‌دانند بلکه او را در حد تیم استقلال تهران نیز نمی‌دانند.

تنبیه طالب‌لو توسط سرمربی

وحید طالب‌لو پس از بازی با تیم صنعت نفت آبادان که با باخت ۳ بر ۲ تیمش در تهران پایان گرفت، با انتقاد فیروز کریمی سرمربی این تیم مواجه گردید و فیروز کریمی او را به همراه تنی چند ار بازیکنان به نشانه تنبیه بعد از پایان بازی در زمین دواند.دروازه‌بان تیم فوتبال استقلال تهران، پس از انتقاداتی که از سوی فیروز کریمی نسبت به وی صورت گرفت و تنبیه انجام شده، اعلام کرد دیگر به این تیم باز نخواهد گشت. فیروز کریمی کار خود را از پسندیده ترین کارهای ممکن نام برد. او پس از صحبت با فتح‌الله‌زاده مدیر عامل باشگاه استقلال از تصمیم خود منصرف شد و پس از یک روز عدم حضور در تمرینات تیم استقلال، به این تیم بازگشت.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵–۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در جام حذفی ۸۷–۱۳۸۶ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸–۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

طالبوف تبریزی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۹ / ۱۳۲۸ ق)، نویسنده، مترجم. وی در تبریز به دنیا آمد. شانزده یا هفده ساله بود که تبریز را ترک کرد و به تفلیس رفت و به کسب و کار و تحصیل پرداخت. در اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه، طالبوف نیز که از مجرای زبان روسی اطلاعاتی به دست آورده بود. از راه نوشتن به بیداری مردم و انتقاد از استبداد پرداخت. چنان که بعد از صدور فرمان مشروطیت از طرف مردم آذربایجان به نمایندگی مجلس انتخاب شد اما به دلیل نامعلومی از قبول وکالت سر باز زد. او مسلمان باعقیده‌ای بود و مراسم حج را بجا آورد ولی با این همه هرگز پایبند اوهام نشد. مردی وطن‌پرست و میهن‌دوست بود. در اواخر عمر برای درمان چشمش به برلین رفت و پس از بازگشت درگذشت. از آثارش: «سفینه‌ی طالبی» یا «کتاب احمد»؛ «مسالک المحسنین»؛ «مسائل الحیات»؛ «پندنامه مارکوس قیصر روم». ترجمه؛ «رساله‌ی فیزیک»؛ «نخبه‌ی سپهری»، که خلاصه‌ای از «ناسخ التواریخ» است در احوال رسول اکرم (ص)؛ «ایضاحات در خصوص آزادی»؛ «سیاست طالبی»؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «هیئت جدید».[۱]

(حاج ملا) عبدالرحیم بن (استاد) ابوطالب نجار تبریزی سرخابی، نویسنده و دانشمند (و. ۱۲۵۰– ف. تمرخان شوره ۱۳۲۸ ه.ق.) وی در حدود ۱۶ سال به تفلیس رفت و به تحصیل زبان روسی و ادبیات آن پرداخت و متدرجا نزد رجال و دانشمندان روسیه به درستکاری و راست گفتاری شناخته شد و سپس در تمرخان شوره – دارالحکومه داغستان– اقامت کرد و مورد احترام جمیع مسلمانان و جزایشان گردید و خانه‌اش مقصد امرا و علما و اعیان و ملجاء نیازمندان و مستمندان شد. وی یکی از نسختین نویسندگان فارسی است که ایرانیان را به تألیف رمانهای علمی و تآتر و ترجمه علوم و فنون و هنرهای زیبا و مکارم اخلاق به زبان ساده آگاه کرد، و این امر روز به روز بر اعتبار و منزلت او نزد همه می افزود. از آثار اوست: «کتاب احمد»یا«سفینه طالبی»در سه جلد،«پندنامه قیصر»،«مسالک المحسنین»،«مسائل الحیاة»،«فیزیک» و «تاریخ مختصر اسلام» (قزوینی. وفیات معاصرین یادگار ۵ شماره ۵ –۴)، «نخبه سپهری» در احوال حضرت رسول، ترجمه پندنامه مارکوس، هیئت جدیده ترجمه از فلاماریون، ایضاحات در خصوص آزادی، سیاست طلبی و غیره (لغ.)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین ایران (۱۲۷ –۱۲۶، ۱۰۲)، از صبا تا نیما (۳۰۴ –۲۸۷ / ۱)، پژوهشی در نثر و نظم دوره‌ی بازگشت ادبی (۱۲۹ –۱۲۵)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۹۱ –۱۹۰ / ۱)، چون سبوی تشنه (۳۴۲، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۰ / ۲)، الذریعه (۲۵۶ / ۹۵ / ۲۴، ۳۴۵ / ۲۰، ۲۶۳ / ۱۷، ۱۹۹ / ۳)، ریحانه (۱۷ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶ / ۳)، شخصیت‌های نامی (۳۰۲ –۳۰۱)، شرح حال رجال (۲۶۳ –۲۶۲ / ۲)، صد سال داستان‌نویسی (۲۵ –۲۴ / ۲ –۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۰۱ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ طالبوف)، مکارم الآثار (۲۰۲۴ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۶ –۸۲۴ / ۳)، یادگار (س ۵، ش ۵ –۴، ص ۸۶)، یغما (س ۴، ش ۵، ص ۲۲۱ –۲۱۴).

طالبی نیا، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید طالبی نیا

محل تولد : خوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب هنگامی که در کلاس چهارم در رشته ریاضی فیزیک نظام قدیم درس می خواندم شیفته حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۲ قدم در آن نهادم مقدمات را در حوزه علمیه بناب در محضر اساتیدی همچون

استاد صدر کریمی (صرف و نحو) استاد آتش زر (منطق) استاد طباطبایی (فقه) استاد سیدی (اصول) و استاد معظم بنابی (اخلاق و شرح لمعه) به پایان رساندم. آنگاه در مهر ماه سال ۱۳۷۸ عازم حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر بزرگانی همچون آیت الله احمدی میانجی، آیت الله استادی، استاد حسینی بوشهری، استاد سید احمد خاتمی، استاد لطفی کاشانی، استاد علیدوست، استاد سجادی امین، استاد در گاهی تبریزی و ... به پایان رساندم و از دروس خارج حضرات آیات بهجت، وحیدخراسانی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی ،نوری همدانی و فروغی اردبیلی بهره بردم. در کنار دروس رایج حوزه، در مقطع کارشناسی ارشد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز تحصیل کرده ام. هم اکنون یکی از مدیران رادیو معارف هستم.

طالقانی، ابوالخیر، احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۰ -۵۱۲ ق)، قاری، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در قزوین متولد شد. در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. از ملکداد عمرکی و محمد بن یحیی نیشابوری و ابوعبداللّٰه فراوی و عبدالغافر فارسی و عبدالجبار خواری و زاهر شحامی و ابن‌قشیری و ابن‌بطی در قزوین و نیشابور و بغداد فقه و حدیث آموخت. مدتی ساکن بغداد بود و در نظامیه و جامع قصر تدریس می‌کرد. موفق‌الدین عبداللطیف و ابن‌القرشی و رافعی از شاگردان وی بودند. با ابن‌جوزی واعظ مشهور، به نوبت، هر کدام یک روز، مجلس وعظ منعقد می‌نمودند. خلیفه وقت در مجلس موعظه حاضر و پس پرده می‌نشست و جمع زیادی از مردم در مجلسش ازدحام می‌کردند. روز عاشورایی بر منبر بود، مردم از وی خواستند که بر یزید لعن کند و او امتناع ورزید، لذا مطرود آنان گشت و به قزوین بازگشت و در همان جا درگذشت. وی تصنیفات مختصر و مفصل بسیاری در تفسیر و حدیث و فقه دارد. از آثار وی: «التبیان فی مسائل القران»، ردی بر حلولیه و جهمیه؛ «خصائص السواک»، که در «معجم المؤلفین» «خصائص السوال» آمده است؛ «حظائر القدس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۳/۱)، ریحانه (۹۳/۷)، سیر النبلاء (۱۹۳ -۱۹۰ /۲۱)، کشف الظنون (۳۴۱،۷۰۵)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۴۸ -۴۶ /۱۹)، معجم المؤلفین (۱۶۸ -۱۶۷ /۱)، نامه‌ی دانشوران (۳۰۳ -۲۸۷ /۸)، هدیه العارفین (۸۸/۱).

طالقانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید احمد بن العلامه السید محمدتقی بن السید الجلیل السید احمد بن السید العلام السید محمد بن السید احمد حسینی اوزانی طالقانی تهرانی یکی از مشاهیر علماء معاصر و مراجع امور دینی مردم تهران بودند در گذر قلی خیابان (خیام).

وی در سال ۱۳۰۲ ق در تهران متولد شده و در بیت مجد و شرف پرورش یافته و مقدمات را از فضلاء عصر خود فراگرفته آنگاه از محضر جماعتی از علماء اعلام تهران مانند علامه آقا سید هادی طالقانی و دیگران از مدرسین مدرسه مروی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ ق که والدش آیت‌اللّٰه آقا سید محمدتقی وفات نمود در مسجد پاچنار بجای ایشان به اقامه جماعت و مرجعیت امور پرداخته تا سال ۱۳۸۲ قمری که بدرود زندگی گفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسن طالقانی بن العالم الجلیل آخوند ملا عبداللّٰه طالقانی از مشاهیر علماء و معاریف دانشمندان تهران بودند. در سال ۱۲۸۷ ق متولد شده و در سن ده سالگی باتفاق والد ماجدش به تهران منتقل و در مدرسه حاج رجبعلی خان مشغول بتحصیل شده و پس از خواندن مقدمات واجبات در سن ۱۶ سالگی باصفهان مسافرت نموده و در آنجا از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّٰه حاج محمدباقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی) و آیت‌اللّٰه ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده نموده و دروس

عقلی و فلسفی را از مرحوم میرزا جهانگیرخان حکیم قشقائی و مرحوم حجهْالاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و بعد از بیست سال توقف در آن سامان برای دیدار والدین مسافرتی به تهران نموده سپس مراجعت به اصفهان و بعد از چند سال توقف ثانی و تدریسی و تدرس در اوائل مشروطیت به تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه دارالشفا و محمودیه مشغول بتدریس فقه و اصول گردیده و در مسجد سیف‌الدوله که اکنون به مسجد طالقانی معروف است در خیابان شاه‌آباد به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۷۱ ق که دعوت حق را در سن ۸۴ سالگی لبیک گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل بقمر و در مسجد بالا سر در جوار حضرت معصومه علیهاسلام بخاک سپرده شدند.

نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّٰه طالقانی مجسمه تقوا و فضیلت و پیکره زهد و پارسائی و دارای ملکات فاضله و اخلاق حسنه و در تهران بالاخص محیط شاه‌آباد محبوبیت خاصی داشته و مورد توجه و علاقه مردم بودند.

از آثار علمی ایشان رساله‌ای در لباس مشکوک و رساله‌ای در غصب بیادگار مانده است.

(۱۳۷۱ -۱۲۸۷ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در ده سالگی به اتفاق پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج رجبعلی‌خان مشغول تحصیل شد و پس از خواندن مقدمات،در شانزده سالگی به اصفهان رفت و از محضر درس آیت‌الله محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و آیت‌الله ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده‌ها نمود. دروس عقلی و فلسفی را از میرزا جهانگیرخان حکیم قشقایی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شد. بعد از بیست سال توقف در آن سامان، برای دیدار والدین به تهران آمد. سپس به اصفهان مراجعت کرد و بعد از چند سال تدرس و تدرس به تهران بازگشت و در مدرسه‌ی دارالشفاء و محمودیه مشغول به تدریس فقه و اصول گردید و در مسجد سیف‌الدوله (طالقانی) نیز به اقامه‌ی جماعت و ترویجات دینی پرداخت. فضائل اخلاقی وی مورد توجه خاص و عام بود. پس از درگذشت، پیکرش در مسجد بالاسر قم در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ای در «لباس مشکوک»؛ رساله‌ای در «غصب».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۷ -۵۰۶ / ۴).

طالقانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمدرضا آل محمد طالقانی از علماء اعلام قم و قدماء حوزه علمیه است که به فضل و کمال موصوف و سالهاست در قم به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد نسب این بزرگوار به امامزاده سید نصرالدین مدفون در تهران در خیابان خیام دارای قبه و بارگاه می‌باشد می‌رسد و آن جناب با مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالحسن طالقانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد طالقانی و کلیه اعلام طالقان که در تهران و نقاط دیگرند بنی‌اعمام و از یک سلسله می‌باشند.

ولادت ایشان حدود ۱۳۳۰ قمری در طالقان واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات به تهران و از آنجا به قم مهاجرت نموده و پس از تکمیل سطوح از آیات عظام و مدرسین والامقام حوزه به درس مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی به درس مرحومین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بعد بالغ بر هیجده سال از ابحاث علامه الکبری و زعیم الاعلی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمهم‌الله استفاده نموده و ضمنا در محل خود به ترویج دین و اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

نسب شریف ایشان و کلیه سادات طالقانی تهران و قم منتهی به امامزاده سید نصرالدین تهران و از او به امامزاده واجب‌التعظیم و لازم‌التکریم جناب ابوالحسن سلطان علی بن امام الهمام ابی‌جعفر محمدالباقر علیه‌السلام مدفون در مشهد قالی کاشان شهید در روز هفدهم مهرماه (هفدهم پائیز) می‌شود و همه ساله در روز مذکور ده‌ها هزار نفر از اطراف بلاد در آن محل حاضر شده و مراسم خاصی را از برداشتن قالی و غیره انجام می‌دهند و نگارنده چندین مرتبه در آن مراسم شرکت داشته و ناظر بوده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طالقانی، محی‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محی‌الدین طالقانی بن السید الجلیل سید کاظم از علماء با فضل و تقوای معاصر تهران بودند که در یکی از قراء طالقان بدنیا آمده و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته و پس از طی مقدمات در محل در سن شانزده سالگی به تهران آمده و ادبیات و سطوح را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و ابوالزوجه خود مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن طالقانی مذکور خوانده و در سال ۱۳۴۲ قمری مهاجرت به قم نموده و مدت ۹ سال از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی حایری بهره‌مند گردیده علم اصول و اخلاق را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی حکمی قمی فراگرفته و در شوال ۱۳۵۱ ق بنابر تقدیر الهی که مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن طالقانی وفات نمود برای انجام وصیت ایشان به تهران آمده و پس از انفاذ وصیت مجددا معاودت به قم نموده و در آن موقع جماعتی از محترمین محله قنات آباد تهران به قم آمده و از مرحوم آیت‌اللّٰه حایری تقاضای ایشان را نموده و آن مرحوم هم وی را ملزم برفتن تهران نمودند و ایشان پس از ورود به آنسامان تا آخر عمر به انجام وظائف دینی و روحی پرداخته

و در مسجد مقدس اقامه جماعت نموده و نشر معارف اسلام و مذهب جعفری نموده است.

از آثار ایشان است: ۱- شرح زیارات وارث ۲- شرح دعاء ندبه ۳- رساله مفتاح السعاده ۴- رساله در اثبات افضلیت مومنین عجم بر عرب.

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. در یکی از روستاهای طالقان به دنیا آمد. از کودکی به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از طی مقدمات در طالقان، در شانزده سالگی به تهران آمد و ادبیات و سطوح را از میرزا طاهر تنکابنی و آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی، پدر همسر خود، فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به قم مهاجرت کرد و مدت نه سال از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حایری بهره‌مند گردید. علم اصول و اخلاق را از آیت‌الله شیخ مهدی حکمی قمی فراگرفت. برای مدت کوتاهی به تهران آمد ولی دوباره به قم بازگشت.اما به درخواست مردم قنات‌آباد تهران و الزام آیت‌الله حایری، مجددا به تهران آمد و در محله قنات‌آباد به انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: شرح «زیارت وارث»؛ شرح «دعاء ندبه»؛ رساله‌ی «مفتاح السعاده»؛ رساله در «اثبات افضلیت مؤمنین عجم بر عرب».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۵۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۱۲ -۵۱۱ / ۴).

طالقانی، نظر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۴۰ ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشتراط الحس فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا».[۱]

ملا نظرعلی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محققی مدقق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا الانصاری قدس اللّه اسرارهم بوده است.

وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال ۱۳۰۶ ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوة والسلام مدفون گردیده است.

از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است ۱- اجتماع الامر والنهی ۲- اشتراط الحس فی قبول الشهاده ۳- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۴- حجیهٔ الخبر الواحد ۵- رساله‌ای در فنا ۶- کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است ۷- مناط الاحکام.

مرحوم آیهٔاللّه حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می‌نویسد که مرحوم حاج ملانظر علی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می‌گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به وی نمی‌رسد.

پس شبی با خود فکر می‌کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیهٔاللّه حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می‌گوید او هم‌نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.

نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می‌گوید تو که آخوند درباری نیستی می‌خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود می‌گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نمود و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیادتر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.

بالاخره پس از مدتی فکر می‌گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می‌باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد از بنده گنهکار نظر علی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.

نامه‌ی طالقانی به خدا

بسم اللّه الرحمن الرحیم

پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرین او معروض می‌گردد این بنده مبتلا به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضیقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.

۱- منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.

۲- همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم‌نظیر باشد.

۳- یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.

۴- یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمدم.

۵- یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.

۶- یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.

۷- فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم

آدرس- مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.

حجره دوم نظرعلی طالقانی

پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می‌برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می‌باشد می‌گذارد.

و متوکلا علی اللّه برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می‌خوابد اتفاقا همان روز ناصرالدین شاه به عزم شکار از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگرآباد) واقع است می‌رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می‌شود پس شاه دستور توقف می‌دهد تا باد ساکت و گرد و غبار نشسته و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گردهبادی رسیده به کالسکه شاه می‌خورد پس شاه چشم خود را بسته که خاک در او نرود احساس می‌کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرابرده آن را می‌گیرد و می‌بیند که نامه‌ای می‌باشد.

پس باد ایستاده و گرد و غبار نشسته شاه نامه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس‌الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می‌دهد.

وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می‌کردند که چرا شاه از رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته‌اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمداللّه به شکارگاه نرسیده به صید خود رسیدیم و به بهتر از آنچه می‌خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.

پس نامه را از جیب بغل خود درآورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می‌دهد و می‌گوید ندانم بچه زبان و بیانی شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و نیازمندیهای او را بنماید.

پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به در مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر علی طالقانی را می‌طلبد.

تمام طلبه‌ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می‌خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده است وقتی این تشریفات مخصوص را می‌بیند قدری تسکین او می‌شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جائی قبلا آماده شده بود به امر شاه می‌نشیند.

پس شاه می‌گوید اسم شما چیست می‌گوید.

- نظر علی.

- اهل کجائی.

- طالقان.

آیا نامه‌ای برای کسی و جائی نوشته‌ای بعد از مدتی می‌گوید آری برای خدا دیشب نامه‌ای نوشتم نامه‌ات را کجا گذاردی می‌گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده‌ام.

پس شاه‌نامه را درآورده می‌گوید آیا این است نامه تو می‌گوید آری پس باز شکر خدا نموده و به وزرا می‌گوید کیست که در رفع حوائج ایشان شرکت نماید.

پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می‌خواند.

۱- منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.

۲- همسر جوان زیبا- یکی از وزراء عرض می‌کند قبله گاها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.

۳- یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.

۴- یک کالسکه... سومی می‌گوید این را هم من تقبل نمودم.

۵- یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می‌گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.

۶- یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.

۷- فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیخ را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می‌کند و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می‌کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید ولکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال ۱۳۰۶ ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۷۸ / ۲۲، ۲۳۴ / ۱۷، ۱۵۹ / ۱۵، ۶۲ / ۱۶، ۲۶۹ / ۱)، علماء معاصرین (۲۸ -۲۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷ -۱۳ / ۶)، المآثر و الآثار (۱۷۴)، مکارم الآثار (۱۱۲۹ / ۴).

طالقانی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محی‌الدین طالقانی از علماء دانشمندان معاصر تهران است. تولدش در تهران واقع شده و پس از پرورش در بیت علم و سیادت و خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر بزرگان و مراجع و مدرسین حوزه کسب علم و فضیلت نموده آنگاه به تهران مراجعت و بخدمات دینی و روحی پرداخته و در جای مرحوم والدش نیز اقامه جماعت و رهبری مردم آن محیط را بعهده دارند، دارای تألیفات عدیده و آثار بسیاریست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج آقا یحیی عبادی طالقانی بن العالم الجلیل آیت‌اللّه مرحوم حاج شیخ محمدحسن طالقانی از علماء بنام و افاضل کرام معاصر تهرانست در سال ۱۲۹۵ شمسی در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید تا پایه سیکل اول متوسطه شروع بتحصیل علوم عربی و دینی نموده و مقدمات را در تهران خوانده و برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۳ قمری بامر مرحوم والدش مهاجرت به قم نموده و ادبیات را خدمت مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و سطوح را محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید میرزا آقای ترابی دامغانی و آیت‌اللّه العظمی مرعشی و آیت‌اللّه حاج سید احمد زنجانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد لواسانی تکمیل نموده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه صدر حاضر شده و چند سالی هم از فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده کرده تا بدرجات سامیه علم رسیده و در سال ۱۳۷۱ قمری به تهران مراجعت و پس از فوت مرحوم والد در مسجد آن مرحوم که در خیابان ظهیرالاسلام شاه‌آباد واقع است به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب حجهٔالاسلام آقای عبادی از دانشمندان باتقوا و متانت و مانند والدش بملکات فاضله اخلاقی و کمالات نفسانی و معنوی متصف و موصوف می‌باشند.

آثار علمی ایشان از اینقرار است ۱- رساله‌ای در جبر و تفویض ۲- اثبات امر بین‌الامرین ۳- تقریرات و دراسات مرحوم آیت‌اللّه حجت مباحث الفاظ در اصول و لباس مشکوک در فقه.

آثار خیر آن جناب بسیار من جمله ۱- تعمیر اساسی مسجد طالقان ۲- تعمیر مسجد کوچک سراج‌الملک واقع در خیابان ملت ۳- تکمیل مسجد حسین‌آباد لویزان ۴- مساعدت به تأسیس دبستان اسلامی کنی در حسین‌آباد مزبور.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاووسی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی ایران از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۵ و ارتقاء به درجه استادی در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گویش‌شناسی، فرهنگ و زبانهای پیش از اسلام، بررسی نارسائیهای دستور و دستورنویسی در دوره‌های دبیرستان، تدریس زبانهای خارجی و زبانشناسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان فارسی و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

زبانها و فرهنگ ایران پیش از اسلام، فرهنگ و ادبیات فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طاهر، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا طاهر در سال ۱۳۰۷ شمسی در قمشه (شهرضای کنونی)متولد شد. وی در رشته معقول و منقول دانشگاه تهران با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد. وی ضمن تدریس در مدارس شهرضا، به مطالعه و تحقیق و ترجمه متون از عربی به فارسی پرداخته. آثاری نیزبه طبع ونشر رساند در اندک مدتی به عنوان محققی دقیق در جامعه دانشگاهی مطرح شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تصحیح تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا طاهر پس از تحصیلات مقدماتی . متوسطه . رشته معقول و منقول را به عنوان تحصیلات دانشگاهی برگزید و درسال ۱۳۳۷ موفق به اخذ مدرک لیسانس از دانشگا ه تهران شد .هم دوره ای ها و همکاران : غلامرضا طاهر توسط دکتر خانلری به کار در بنیاد فرهنگ ایران دعوت شد واوبه فعالیت دراین بنیاد مشغول گردید . استاد ایرج افشار یزدی نیز در تهیه اکثر نسخ خطی و تسهیل مراحل چاپ مصححات استاد طاهر ،کمک شایانی به وی نمود. وقایع میانسالی : غلامرضا طاهر در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۷۷ دچار عارضه سکته مغزی شد و این مساله باعث شد که زبانش از تکلم افتاده و دست راست و پای چپش نیز تحرک خودرا از دست دهد . در این ایام و در بستر بیماری استاد طاهر جز مطالعه قرآن کریم ،حوصله مطالعه کتاب و نشریات دیگر نداشت . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامرضا طاهر علاوه بر از تدریس در دبیرستان های شهر رضا ، از سال ۱۳۵۳ به دانشگاه اصفهان دعوت شد و تا سال ۱۳۵۷ با آن دانشگاه همکاری کرد. پس از تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی ایشان در دانشگاه های واحد دهاقان ،نجف آباد ،شهرضا و دانشگاه پیام نور شهرضا فعالیت علمی و آموزشی خود را ادامه داد. فعالیتهای آموزشی : غلامرضا طاهر پس از اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران به مدت ۳۰سال دبیر دبیرستانهای شهرضا بود . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نقدهای دقیق و مقالات علمی غلامرضا طاهر همواره درمجلاتی چون یغما و راهنمای کتاب و یاد نامه های بزرگان و پس از انقلاب اسلامی در مجلات آینده و پژوهشنامه آستان مقدس رضوی به چاپ می رسید . شهرت او باعث گشت تا دکتر خانلری شرایط انتقال وی را از آموزش و پرورش به بنیاد فرهنگ ایران فراهم آورد ولی او تنها دو روز در آن بنیاد به سر برد و چون روحیه خود را با حال و هوای تهران مساعد ندید آن جا را ترک کرد و به زادگاه خود برگشت . آثار : تالیف فرهنگ لغات طبی یونانی در کتاب های فارسی ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۷۴ توسط مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسید .۲ ترجمه پنج داستان کوتاه ویژگی اثر : این اثر از زبان عربی ترجمه شده و در نشریه یغما از سال ۲۲تا سال ۳۱ آن منتشر شده است .۳ ترجمه رمان اللقاد ویژگی اثر : اثر میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .۴ ترجمه رمان الیوم الاخیر ویژگی اثر : اثری از میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .۵ تصحیح قانون ادب لغت عربی به فارسی ویژگی اثر : این اثر تالیف حبیش تفلیسی از دانشمندان قرن ششم است و تصحیح انجام شده در سه جلد توسط بنیاد فرهنگ ایران در سالهای ۱۳۵۰و ۱۳۵۱ شمسی منتشر شد.۶ تصحیح لطایف الحقایق ویژگی اثر : تالیف خواجه رشید الدین فضل الله همدانی است که در سال ۱۳۵۵ توسط کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در دو جلد منتشر شد.۷ حدود چهل مقاله و نقد ویژگی اثر : این آثار عمدتا در نشریه های مختلف ادبی و یادنامه ها به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه :نگاهی به المختارا ت من المرسائل ،مسعود تاکی ،کتاب ماه ادبیات و فلسفه مهر ماه ۱۳۷۹ شماره ۳۶

طاهری اهوازی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. ملقب به شوکت الوزاره. در ۱۳۱۳ ش موفق به اخذ گواهینامه از کالج آمریکایی تهران گردید و بعد وارد خدمت فرهنگ شد. وی علاوه بر دبیری زبان انگلیسی، نظامت دانشسرای پسران را نیز دارا بود. از آثار وی: «حاجی بابا در لندن»، ترجمه؛ «سه یار دبستانی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۴۵ / ۲ ،۱۱۴۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۲ -۵۵۱ / ۱).

طاهری آزاد، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر طاهری آزاد

محل تولد : بردسیر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر طاهری آزاد در سال ۱۳۳۵ در بردسیر کرمان متولد شده و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه شـدم و در سـال ۱۳۶۰ شـروع به درس خارج نمودم که از محضـر اساتیـد حضـرات آیات وحیدخراسانی ، فاضـل لنکرانی، و مکارم شیرازی بهره جستم .

طاهری شاهرودی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمـدباقر فرزنـد عالم جلیل مرحوم حاج شیخ محمـدحسن طاهری شاهرودی (امام جمعه) شهرسـتان شاهرود از افاضـل دانشمندان آن سامان و مدرسین حاضر حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان در تاریـخ ۱۳۱۱ شمسـی برابر ۱۳۵۰ قمری بـه دنیـا آمـده و در بیت علم و دانش پرورش یـافته و پس از خوانـدن مقـدمات و ادبیات در شاهرود به قم عزیمت نموده و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید حوزه علمیه به پایان رسانیده و برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشـرف نموده و از محضـر آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حکیم و آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی آقـای حکیم و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حـاج سید محمود شـاهرودی فقهـا و اصولا و نیز آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده.

و بعـد از رحلت والد ماجدش در سال ۱۳۳۷ قمری به شاهرود آمـده و پس از مـدت کوتاهی توقف باز به نجف و ادامه به تحصـیل داده و جمعا حدود بیست و دو سال در شاهرود و قم و نجف اشـرف جدیت و کوشـش در راه علم و دانش نموده تا به مدارج عالیه رسـیده و پس از آن به وطن مـالوف برگشـته و به انجـام وظـائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویـج دین و تـدریس فقه و اصول پرداخته و پس از پیروزی انقلاب و تبـدیل حکومت شاهنشـاهی به جمهوری اسـلامی به سـمت امـام جمعه‌ای شاهرود منصوب گردیـده و تا حال تحریر و تألیف این کتاب به خـدمات یاد شـده اشـتغال دارنـد و ضـمنا از سال ۱۴۰۸ قمری برابر ۱۳۶۶ شمسـی برای تـدرس به حوزه‌ی علمیه قم آمـده و جز روزهای پنجشـنبه و جمعه و ایام تعطیل که بایـد در شاهرود ایفاء وظیفه کند در قم در مدرسه علمیه آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی به تدریس سطح عالی و خارج مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری عراقی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق.

تولد: ۱ اسفند ۱۳۲۲، اراک.

درگذشت: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۰، تهران.

احمد طاهری عراقی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۴۴ موفق به اخذ دانشـنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشـگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۵ شـروع به کـار در بنیـاد فرهنگ ایران نمود. پس از طی دوره‌ی نظام وظیفه، در مرکز خـدمات کتابداری مشغول به کار شد و در سال ۱۳۵۱ برای تحقیق در رده‌بندی کتب اسـلامی ابتدا عازم مشهد و سپس مصر شد. وی تا سال ۱۳۴۸ با این مرکز همکاری داشت.

در سال ۱۳۵۶ به دانشـگاه ادینبورو انگلسـتان وارد شد و تحصـیلات عالیه خود را همانجا ادامه داد. ضمنا در این دانشگاه به تدریس مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و دیوان حافظ نیز مشـغول بود. در سال ۱۳۶۱، موفق به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی ادبیات عرب شد و دو سال بعد در مهر ۱۳۶۳ به ایران بازگشت و با بنیاد دایرهٔالمعارف اسلامی شروع به همکای نمود. در این مدت وی در انتشار هشت شـماره از نشـریه‌ی «تحقیقات اسـلامی» (در پنج دفتر) همکاری داشت. از سال ۱۳۶۴، نیز شـروع به تدریس متون نمود. ضمنا ایشان در سرپرستی انتشار نخستین جزوه‌ی دانشـنامه‌ی جهان اسـلام (حرف ب، جزوه اول) به عهـده داشت و مقدمات چندین جزوه‌ی دیگر را نیز فراهم آورد.

از جمله آثار وی، علاوه بر مقاله‌های وی که در «نامه‌ی انجمن کتابداران ایران»، و «نشـر دانش» و «معارف» و «مقالات و بررسـیها» و مقاله‌های وی که در دانشنامه‌ی جهان اسلام («ب در زبان عربی» و «ب در عرفان اسلامی») به چاپ رسیده‌اند، می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: رده بنـدی دهدهی دیوئی: اسـلام (۱۳۶۳، ۱۳۵۳)؛ رده BP: اسـلام (علوم دینی اسـلام در نظام رده‌بندی کتابخانه‌ی کنگره) (۱۳۵۸)؛ مقدمه و حواشـی و تصحیح رساله‌ی قدسیه، از کلمات بهاءالدین نقشبند (از خواجه احمد پارسا، ۱۳۵۴)؛ رده‌بندی دهـدهی دیوئی: زبان‌هـای ایرانی (۱۳۶۶() ۱۳۵۰) رده‌بنـدی دهـدهی دیوئی: ادبیـات ایرانی (۱۳۶۳، ۱۳۵۱)؛ همکاری در تصـحیح نصیحهٔ الملوک غزالی (به تصحیح جلال‌الدین همایی، ۱۳۵۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طاهری قمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا احمدعلی طاهری سبط علامه آخوند ملا محمدطاهر قمی از فضلاء معاصر است در بردسیر کرمان ایشان در حدود ۱۳۴۲ قمری در بلده طیبه قم به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی بتحصیل علوم و عربی پرداخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید قم مانند مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران فراگرفته و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی خمینی و غیرهم فراگرفته و پس از پایان به درس خارج آیات نظام مخصوص آیهٔاللّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ی کامل نموده و به امر معظم له عزیمت به (بردسیر کرمان) و تا حال تحریر که نزدیک بیست سالست که در آن سامان به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام اشتغال دارند.

آنجناب همسر سبط مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی (مؤسس) حوزه علمیه قم و داماد آیت‌اللّه حاج شیخ محمد تویسرکانی (و شوهر خواهر حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد غروی سبط حایری می‌باشد) و به تقوا و فضل و متانت موصوف و در بردسیر و میناب و منطقه استان کرمان خدمات تبلیغی بسیار نموده و منشأ آثار بزرگی شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری قمی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی طاهری قمی نیز از افاضل مبلغین و فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند که اکنون از طرف آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی در (قروه کردستان) اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال دارند تولد ایشان نیز در قم واقع و سالیان دراز از محضر آیات عظام بروجردی و مرعشی نجفی و گلپایگانی و غیرهم استفاده و برای تبلیغ مسافرتها به کویت و بحرین و پاکستان و هندوستان و غیره نموده است در مرم سال ۱۳۸۸ قمری ایشان را در کراچی ملاقات و در انجمن ایرانیان آنجا از طریق منبر و موعظه مردم را ارشاد و تبلیغ می‌نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا جلال طاهری اصفهانی از علماء مجاهد و مبرز معاصر اصفهان است تولد ایشان در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در حسین‌آباد اصفهان که اکنون جزو شهر شده است واقع شده و دروس فارسی و مقدمات و ادبیات را در اصفهان خوانده و در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی شرکت و از محاضر و دراسات نامبردگاه و بعضی دیگر استفاده کامل نموده و چون در میان اقران خود به ذکاوت و خوش‌فهمی معروف بوده از بعضی همگنان گوی سبقت ربوده و در حوزه علمیه جلسات بحث و تدریس گذارده تا بعد از تبعید نایب‌الامام که به اصفهان مراجعت و به اقامه جماعت و تدریس و مبارزه با بیدادگران و رژیم طاغوتی پرداخته و چندین بار گرفتار عمال جنایتکار شاه مخلوع و به زندان افتاده و آزاد گردیده تا در سال گذشته (۱۳۹۸ ق) که منزلش مورد حمله مامورین و سربازان مغولی و چنگیزی (محمدرضا پهلوی) سواللّه وجهه- گردیده و گرفتار آن جلادان شده که این بار مردم اصفهان قیام و دولت را محکوم و پشتیبانی خود را به روحانیت و امام ملت اعلام و آزادی ایشان را خواسته و حتی قربانیها داده و خونهای جوانان عزیز و رزمندگان خود را اهداء و او را آزاد نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طاهری، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حبیب‌اللّه طاهری گرگانی از علماء و ائمه جماعت معاصر گرگانست.

وی در گرگان متولد شده و مقدمات و ادبیات را در آنجا آموخته آنگاه به قم عزیمت و به تحصیل سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از اساتید و مدرسین حوزه به پایان رسانیده و پس از آن از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند و به نجف مهاجرت و از محضر دروس آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیات دیگر استفاده نموده پس از آن به وطن مراجعت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و غیره اشتغال و منشأ آثار و خدمات بزرگی در گرگان گردیده‌اند

و ایشان افتخار مصاهرت با آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی را نیز دارا می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن طاهری

محل تولد : خرم‌آباد

شهرت : طاهری خرم آبادی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی در روز اول خرداد ماه ۱۳۱۷ هجری شمسی در خرم‌آباد به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید حیدر طاهری خرم‌آبادی از شاگردان برجستهٔ مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و از دوستان نزدیک حضرت امام(ره) و آیت‌الله گلپایگانی(ره) بود که پس از سالها تحصیل و بهره بردن از محضر عالمان بزرگ حوزه علمیه اصفهان، مشهد و قم با درخواست مردم شریف خرم آباد به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر به رتق و فتق امور مردم همت گماشت. از ویژگیهای بارز مرحوم حاج سید حیدر برخورداری از محبوبیت فراوان بین مردم و علمای شهر، حلم و بردباری و عدم علاقه به زخارف دنیا و مادیات بود. آیهٔالله سید حسن طاهری خرم آبادی که شیفتگی زائدالوصفی به پدر داشت، در سن ۹ سالگی مجبور به بردوش کشیدن داغ هجرت پدر شد و این یتیمی زودهنگام در پرورش و استواری آیندهٔ او تأثیر بسزایی داشت. وی از خاطرات شیرین همراهی با پدر، خاطره سفر به عتبات عالیات را ذکر می‌کند که در آن، ضمن باریابی به حرم ملکوتی ائمهٔ هدی، به محضر علمای بزرگ آن دیار نیز شرفیاب شدند. مادر او نیز که زنی پاکدامن و از طائفهٔ اشعریون قم بود، در حدود سال ۱۳۶۰ شمسی دار فانی را وداع گفت. آیهٔالله طاهری خرم آبادی تحصیلات خود را در یکی از دبستانهای خرم آباد آغاز کرد. وی اصرار داشت که با لباس روحانیت به مدرسه برود؛ اما بسیاری از معلمان شدیداً با این مسأله مخالف بودند که پشتیبانیهای مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید احمد طاهری، عموی ایشان، آنها را وادار به سکوت می‌کرد. وی در همان دورهٔ دبستان، با دیگر شاگردان مدرسه به مناظره در باره مسائلی چون علم و ثروت می‌پرداخت و گاهی که نماز جماعت برپا می‌شد، امامت آن را به عهده می‌گرفت. با پایان یافتن دوره ابتدایی، به مدرسه علمیه کمالیه رفت و طی دو سال جامع المقدمات و سیوطی را فرا گرفت. سپس به همراه مادر خود، به قم عزیمت کرد تا تحصیلات حوزوی خود را در آن دیار عالم پرور ادامه دهد. در نخستین روز سکونت در قم، به حرم مطهر حضرت معصومه(س) آمد و در کنار صحن بزرگ، مشغول وضو گرفتن شد که ناگاه چهره‌ای ملکوتی، او را به خود جلب نمود که در حال بازگشت از حرم بود. بی اختیار از یکی از طلاب پرسید: این آقا کیست؟ و او پاسخ داد: حاج آقا روح الله خمینی! بدین ترتیب از همان آغاز ورود به قم، شیفته امام(ره) شد و بعدها، به سبب رفاقت نزدیک امام(ره) با پدرش، مورد تفقد و عنایت ویژه ایشان قرار گرفت. در همان سال اول ورود به قم، مغنی، حاشیه ملاعبدالله و مقداری از سیوطی که باقی مانده بود فرا گرفت. در سال بعد معالم الاصول و شرح شمسیه و در دو سال بعد از آن، لمعه، قوانین و مطول را آموخت و در سال پنجم رسائل و مکاسب شیخ انصاری را آغاز کرد. ظرف سه سال آن کتابها را به همراه جلد اول کفایه به پایان برد و جلد دوم کفایه را هم زمان با رفتن به درس خارج امام(ره) شروع نمود. مقداری از درس خارج قضا را در محضر آیهٔالله العظمی بروجردی فرا گرفت که به دلیل فوت ایشان، از ادامهٔ آن باز ماند. هم زمان در درس بیع امام شرکت می‌جست و پس از تبعید امام نیز به درس مرحوم آیهٔالله داماد و آیهٔالله حاج آقا مرتضی حائری یزدی رفت. حضرت آیهٔالله طاهری خرم آبادی در دورهٔ تحصیل خود از محضر استادان و عالمان برجسته‌ای کسب فیض نمود که حوزه‌های علمیه خاطرهٔ مبارزات و مجاهدتهای آنان را هرگز از خاطر نمی‌زداید. وی با ورود به قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد آقای هاشمی رفسنجانی فرا گرفت. برای تحصیل معالم الاصول و مطول به نزد آقای شب زنده‌دار رفت و لمعه را نزد مرحوم حاج آقا حسین جزایری از فضلای خرم‌آباد، آقایان باقری کنی و ستوده خواند و رسائل شیخ انصاری را نزد آقایان مکارم شیرازی، شب‌زنده‌دار، مشکینی و سبحانی فرا گرفت و برای آموختن مکاسب محرمه با آقای حاج سید علی محقق داماد به مباحثه پرداخت کتاب بیع را نیز نزد آیهٔالله خزعلی فرا گرفت. کفایهٔالاصول را نیز در محضر مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی (جبل عاملی) و مرحوم سلطانی (طباطبایی) آموخت. برای تحصیل درس خارج، به درس مرحوم آیهٔالله بروجردی و مرحوم امام خمینی رفت. ایشان در باره ویژگی علمی امام(ره) می‌فرمایند: «بحث ایشان، شاگرد پرور بود و فکر را به کار می‌انداخت. تنها نقل عبارت دیگران نبود. درس ایشان تفاوت زیادی داشت با کل درسهایی که ما تا آن موقع در حوزه دیده بودیم. الان هم معتقدم که نوشته‌های فقهی و اصولی ایشان قابل طرح و استفاده و درخور دقت است. البته نمی‌خواهم بگویم که نظری فوق نظرات ایشان نیست. شاگردان ایشان همان موقع به نظرات ایشان اشکال می‌گرفتند و خود ایشان هم مشوّق بود؛ اما نظرات ایشان در همهٔ ابعاد به قدری عمیق و دقیق است که همیشه قابل طرح و بحث خواهد بود. از نظر علمی می‌توان گفت که حضرت امام در ابعاد مختلف فقهی، اصولی، فلسفی و عرفانی در عصر خویش فقیه و اندیشمندی استثنایی بود. حضرت امام از یک نبوغ و استعداد بالایی برخوردار بود. بدون هیچ گونه مبالغه‌ای می‌توانم بگویم بعد از معصومین(ع) حضرت امام یک انسان استثنایی بود». آیهٔالله طاهری خرم آبادی، پس از تبعید امام، در درس آقایان گلپایگانی، شیخ مرتضی حائری و داماد شرکت نمود و از محضر مرحوم حاج آقا

حسن فرید اراکی بهره‌های فراوان برد. در بخش فلسفه نیز، ایشان منظومه ملاهادی سبزواری را نزد مرحوم آیهٔالله حاج آقا مصطفی خمینی و آیهٔالله امینی آموخت. اشارات و الهیات شفا را نزد آیهٔالله جوادی آملی و مقداری از اسفار را نزد مرحوم علامه طباطبایی فرا گرفت. بخشی از اسفار را نیز در محضر آیهٔالله شهید مطهری خواند. ایشان در دوره سطح با آقایان سید احمد مرعشی، سید علی محقق، عمید زنجانی به مباحثه می‌پرداخته است و از هم مباحثه‌ایهای دورهٔ تحصیل درس خارج، از آقایان مؤمن، حسینی کاشانی، ربانی املشی و حاج حسن تهرانی نام می‌برد. آیهٔالله طاهری خرم آبادی، در سالهای متمادی حضور در حوزه علمیه قم، خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به این حوزهٔ سترگ تقدیم داشته است. در بخش تدریس، ایشان بسیاری از کتب دوره سطح را به نوآموزان حوزه درس داده است و هم اکنون نیز به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول است و طلاب و فضلای بسیاری را به جامعهٔ علمی و فقهی کشور ارزانی داشته است. در کنار تدریس، از سالهای پیش از انقلاب تاکنون، در نشریات گوناگونی، مقاله‌های جامع علمی و سیاسی خود را به چاپ رسانده است که برخی از آنها به صورت کتاب منتشر شده است.برخی از کتب ایشان در دست چاپ است که از آنها می‌توان به کتابی در ردّ شبهات وهابیهٔ و کتابهایی چون منابع مالی اسلام در حکومت اسلامی و کتاب الخمس و ذبایح اهل کتاب و کتاب ولایهٔ الفقیهٔ اشاره کرد. زندگی عالمان مجاهد در عصر ما، همواره با مبارزه با رژیم منحوط پهلوی همراه بوده است. آیهٔالله طاهری خرم آبادی نیز، چون دیگر عالمان عصر خویش و مانند پیر و مراد و مقتدای خویش، حضرت امام خمینی(ره) حکومت ننگین پهلوی و سکوت در مقابل ستمهای آن را برنمی‌تابید و روز و شب را به مبارزه با آن می‌گذراند. سخنرانیها، نامه‌ها و اعلامیه‌ها، به زندان رفتنها و شکنجه شدنهای وی نقش مهمی را در پیشبرد انقلاب و پیروزی آن ایفا می‌کرد که ذکر نمونه‌ها و شرح آن، در این مختصر نمی‌گنجد. در سال ۱۳۴۱، شاه و عوامل آن، لوایح ششگانه‌ای را با ظاهر اصلاحات و ایجاد رفاه برای مردم تدوین کردند و می‌خواستند آن را به رفراندوم بگذارند. امام(ره) که به خوبی از حیله‌ها و عوامفریبی‌های شاه اطلاع داشت، مخالفت خود را با لوایح اعلام نمود و به آیهٔالله طاهری خرم آبادی نیز دستور داد که به خرم آباد برود و مسائل مطرح شده را با علما و مردم آن دیار در میان بگذارد. تلاش آیهٔالله طاهری خرم آبادی در آن روزگار برای رساندن پیام امام(ره) و گرد هم آوردن علمای خرم آباد و تصمیم‌گیری برای مسائل پیش آمده، نقطهٔ عطفی در مبارزات ایشان می‌باشد. همچنین ایشان پس از مدتی به قم رفت و گزارش مذاکرات علما و جریانهای پیش آمده در شهر را به اطلاع امام(ره) رساند. وی در اوایل سال ۱۳۴۲ به منظور تبلیغ و در آستانه ماه محرم، تصمیم به عزیمت به کاشان گرفت و آن را با امام(ره) در میان گذاشت. امام(ره) موافقت فرمودند و پیامهایی برای علمای کاشان با موضوعیت جریانهای پیش آمده و ضرورت مبارزه با رژیم شاه، دادند. وی ضمن رساندن این سخنرانیهای مهم و افشاگرانه‌ای را در ایام ماه محرم انجام داد که شور عجیبی در مردم کاشان ایجاد کرد و ساواک و عوامل رژیم پهلوی را هراسناک ساخت. همچنین سخنرانی وی پس از حادثه پانزدهم خرداد در حرم مطهر حضرت معصومه(ع) در حمایت از امام(ره) و محکوم کردن جنایات رژیم، در کارنامه مبارزاتی او می‌درخشد. در طول سالهای مبارزه، آیهٔالله طاهری خرم آبادی، بارها و بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفت و بارها تبعید یا زندانی شد. اما بینش صحیح وی از انقلاب و همچنین اطاعت محض از امام(ره) و علاقهٔ وافر به ایشان، تبعید و زندان و... را بر ایشان هموار می‌ساخت. ایشان هدف امام خمینی(ره) از نهضت را اینگونه بیان می‌کند: «از پای درآوردن حکومت سلطنتی در حد ساقط کردن آن و یا ضعیف کردن آن، به عنوان هدف میان مدت برای همه روشن بود. اما هدف نهایی نمی‌خواهم بگویم برای همه، ولی برای بسیاری از مبارزان نیز مجهول بود. به هر حال تا قبل از مطرح شدن مباحث ولایت فقیه حضرت امام، بحثی در مورد نظام جایگزین رژیم شاهنشاهی نشده بود. مباحث امام افق مبارزه را وسیع‌تر کرد و یک هدف مشخص و روشن را برای نهضت ترسیم کرد و آن، حکومت اسلامی و مسأله ولایت فقیه بود». آیهٔالله طاهری خرم آبادی، در حدود سال ۵۶ به عضویت رسمی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد، هر چند پیش از آن نیز در فعالیتهای مبارزاتی با اعضای این مرکز همکاری داشت. فعالیتهای سیاسی آیهٔالله طاهری خرم آبادی به پیش از انقلاب محدود نیست. ایشان پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز در مسؤولیتهای گوناگون به ایفای نقش پرداختند و خدمات ارزشمندی را در عرصه‌های گوناگون به انجام رساندند

طاهری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فخر الدین بن آیت‌اللَّه حاج سید محمد جعفر بن العالم الجلیل السید محمد طاهر طاهری شیرازی از علماء و ائمه جماعت معاصر شمیرانست و در مسجد دزایشیب به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

ایشان در شیراز تولد و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سالها از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت عده‌ای از مؤمنین شمیران و تصویب آیت‌اللَّه بروجردی بشمیران منتقل و در مسجد مزبور ایفاء وظیفه مینماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محسن بن العالم الجلیل الشیخ طاهر طاهری قمی از علماء محترم معاصرند در شهر ورامین، وی در سال ۱۲۸۹ شمسی در شهر مذهبی قم متولد شده و پس از رشد و فراغت از دوره تحصیلات فارسی در سال ۱۳۰۴ شمسی درسن ۱۵ سالگی مشغول بتحصیل علوم دینیه گردیده و حدود ۱۳ سال سطوح وسطی و نهائی و غیره را در خدمت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی و مرحوم آقای ادیب تهرانی و آیت‌اللّه آقا سید کاظم گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری و غیره به پایان رسانیده و مدت سه سال از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه عالم ربانی آقا سید محمد حجت و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه فیض و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۲۰ شمسی بنابر دعوت و اصرار جمعی از مردم متدین و اصناف شهر ورامین مهاجرت به این شهر نموده و تاکنون که مدت سی و سه سالست در مسجد بزرگ ورامین (مسجد خاتم‌الانبیاء) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

آثار آن جناب از این قرار است:

۱- تأسیس مسجد بزرگ که در آن اقامه جماعت می‌نمایند.

۲- تشکیل حوزه علمیه

۳- جامع التفاسیر

۴- راهنمای مبلغین و غیره

ایشان از غالب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازه روایتی و امور حسبیه می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر طاهری از ائمه جماعت حاضر شاهرودند و در مسجد مصلی به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن آیت‌اللّه حاج سید محمد جعفر طاهری (مجتهد) شیرازی برادر دانشمند طاهری مذکور است، وی نیز در شیراز متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح وسطی به قم عزیمت نموده و غالبا شریک تحصیل برادر خویش بوده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه مرعشی و دیگران بپایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم زعیم اعظم حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده دروس خارج نموده و بنا بر تقدیر و تقاضای جماعتی از مردم متدین تجریش و امریه حضرت آیت‌اللّه بروجردی مهاجرت به آن سامان نموده و تا هم‌اکنون در مسجد تکیه (پائین) به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، مترجم، منتقد.

تولد: ۱۳۱۳، اهواز.

درگذشت: ۲۱ اسفند ۱۳۶۹، تهران.

هوشنگ طاهری دارای مدارج دکترای تاریخ هنر از اتریش، مهندسی اقتصاد کشاورزی از آلمان و تحصیل موسیقی در کنسرواتوار وین بود. در سال ۱۳۴۶ به ایران آمد و در زمینه‌ی هنر و ادب، به نقد، پژوهش و آموزش پرداخت. با مطبوعات همکاری داشت. ابتدا دبیر هنری مجله «سخن» بود. سپس سردبیر آن شد. طاهری در دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک، دانشکده‌ی صدا و سیما و مجتمع دانشگاهی هنر در رشته‌ی سینما تدریس می‌کرد.

او از پیشگامان ترجمه‌ی فیلمنامه‌های آثار مدرن سینما بود. از آثار اوست: رئالیسم در ادبیات هنر (از ژان پل سارتر)، هنر اسلامی (از ارنست کونل)، خاکستر و الماس (از یرژی آندره یوسکی)، داستان‌های نوین آلمانی، تاریخ سینمای هنری (نوشته اولریش

گرگور و انو پاتالاس، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین کتاب سال در رشته هنر، ۱۳۷۰)، توت فرهنگی‌های وحشی (اینگمار برگمن)، زندگی (اکیرا کوروساوا)، صحرای سرخ (میکل آنجلو آنتونیونی)، ام M– قاتل (فرتیس لانگ)، مهر هفتم (اینگمار برگمن)، ویریدیانا (لوئیس بونوئل)، هنر اسلامی (ارنست کوئل)، همچون در یک آینه (اینگمار برگمن)، هیروشیما، عشق من (آلن رنه مارگریت دوراس).

طاهری سال‌ها ویولن می‌نواخت و نقاشی را می‌ستود، مجموعه‌ای نفیس از تابلوها و کتاب‌های نقاشی را گرد آورده بود. اهل شعر و داستان بود. شعرهایی سروده بود و آنها را برای دوستان می‌خواند. همچنین نقدهایی بر فیلم‌های سینمایی نوشته بود. درباره‌ی سینما مطالبی برای مجلات یا روزنامه‌ها ترجمه می‌کرد یا تألیف می‌نمود. ضمنا در تلویزیون برنامه «سینما» را تهیه و اجرا می‌کرد. وی از جشنواره‌ی سوم سینمای آزاد به بعد یکی از داوران سینمای آزاد بود.

هوشنگ طاهری در تهران در بزرگراه آیت‌الله صدر بر اثر تصادف درگذشت. پیکر وی در آرامگاه خانوادگی‌اش در امامزاده‌ی عبدالله به خاک سپرد شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طائی همدانی، ابوالفتوح محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۵ –۴۷۵ ق)، حافظ، محدث و واعظ. در همدان به دنیا آمد. در خراسان و عراق و جبال از فید بن عبدالرحمان شعرانی و عبدالرحمان بن حمد دونی و ظریف بن محمد نیشابوری و ادیب محمد بن ابی‌العباس ابیوردی و اسماعیل بن حسن سنجبستی فرائضی و عبدالغافرین بن محمد شیروی و علامه ابوالمحاسن رویانی و ابوالقاسم بن بیان رزاز و شیرویه دیلمی و ابن‌طاهر مقدسی و ابومحمد حسین بن مسعود بغوی و تاج‌الاسلام ابوبکر سمعانی حدیث شنید و نزد محیی السنه بغوی و تاج‌الاسلام سمعانی فقه آموخت. محمد بن عبدالله بن بناء صوفی و ابوعبدالله حسین بن زبیدی و برادرش، حسن، و گروهی در بغداد از وی حدیث شنیدند. وی در همدان درگذشت. اثر وی کتاب معروف «الاربعون حدیثا» یا «الاربعین فی ارشاد السائرین الی منازل الیقین» یا «الاربعین الطائیه». که چهل حدیث از چهل شیخ و استاد و هر یک از احادیث از یکی از صحابه پیامبر (ص) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۳۷۴ / ۲). سیر النبلاء (۳۶۲ –۳۶۰ / ۲۰). شذرات الذهب (۱۷۵ / ۴). العبر (۲۵ / ۳). کشف الظنون (۵۶). معجم المؤلفین (۲۵۱ .۱۸ / ۱۱). النجوم الزاهره (۳۱۸ / ۵). الوافی بالوفیات (۱۴۴ / ۱). هدیه العارفین (۹۳ / ۲).

طباطبایی اردکانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۱(۱۳۱۵ ق.)، اردکان (قریه گزلازقرا، سفلای اردستان).

درگذشت: ۱۳ مهر ۱۳۷۲، تهران.

سید محود طباطبایی اردکانی دارای درجه‌ی کارشناسی در رشته‌ی فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشته‌ی فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ دکتری شد.

وی از سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامه طباطبایی (در رشته‌ی ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی نیز به عهده وی بود.

از آثار ایشان است: فرهنگ جامع اردکان؛ بررسی گویه و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی؛ تاریخ تحلیلی اسلام؛ گزیده و شرح تاریخ بلعمی.

دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دار فانی را وداع گفت.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

زندگینامه

دکتر شادروان سید محمود طباطبائی اردکانی در سال ۱۳۱۵ دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران شد. سپس به ادامه‌ی تحصیلات عالی پرداخت. و سرانجام در سال ۱۳۴۷ در رشته فرهنگ اسلامی موفق به اخذ مدرک دکترا گردید. وی در سال ۱۳۵۳ به عضویت هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی نائل آمد و سرانجام به مرتبه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی ارتقاء یافت.

آقای دکتر طباطبائی اردکانی در تمام دوران دانشگاهی خود به پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکانی پرداخت. از ایشان ۵ جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام به جای مانده است. از وی حدود ۷ مقاله درباره‌ی ادبیات و علوم

انسانی و تاریخ اسلام در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

عضویت در هیات علمی دانشگاه ابوریحان سابق در سال ۱۳۵۳، پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکان، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی و تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات و علوم انسانی، تاریخ اسلام.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبایی فر، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس طباطبایی فر

محل تولد : نطنز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس طباطبایی فر درسال ۱۳۴۱درروستای اوره از شهرستان نطنز درخانواده ای روستایی به دنیا آمدم ودرسال ۱۳۵۹ از دبیرستان امام خمینی نطنز دیپلم گرفتم ویک سال بعد با مشورت بعضی بستگان روحانی ام (که بین سپاه پاسداران و حوزه مردد بودم) عازم قم شدم یک سال بطور آزاددرس خواندم یرا هنوز حوزه مدیریت منسجم نداشت سال بعدمدارس حوزه وطلاب تحت پوشش مدیریت حوزه قرارگرفت ومن نیزدرمدرسه مبارکه رضویه مشغول شدم وپس ازاتمام مقدمات وشروع سطح ،دردرس اساتیدی مانند آیت الله راستی کاشانی (شرح لمعه) وجدانی فخر – محامی– واستاد علوی سرشکی(خصوصی) بهره بردم وعلم اصول را نیز نزد آقایان هادوی تهرانی وصالحی مازندرانی وسپس مکاسب رانزد مرحوم آیت الله پایانی شروع کردم ورسائل را نزد آیت الله راستی وپس ازبیماری وتعطیلی درس ایشان از اساتید دیگرازجمله استاد محمدی خراسانی استفاده نمودم ودرکفایه آیت الله قدیری شرکت نمودم وضمناً برای اینکه ازتعطیلات سود برده باشم بعضی از قسمتهای رسائل کفایه ومکاسب را ازطریق نوار مرحوم آیت الله ستوده استفاده وبا دوستان بحث میکردیم .درس خارج رانیز یک سال اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم وبا ورودبه رشته تخصصی کلام که عصرها برگزار می شد از درس ایشان محروم شدم لذا مدتی اصول آیت الله وحید رفتم ومقداری نیزآیت الله سبحانی وحدود هفت سال فقه آیت الله مکارم ویک سال آیت الله سبحانی نیز شرکت کردم سه سال نیز از بحث خارج اصول استاد علوی سرشکی استفاده نمودم (نصف دوره)که بسیار برای من پربهره بود اما ایشان فقه واصول را رها نمودند وبه مباحث فلسفی وکلام جدید پرداختند واین درس نیز تعطیل شد اما بحث خارج ایشان (هفته ای یک جلسه)دارند که شرکت مینمایم وبحث ها نوشته وچاپ میشود .ضمناً ازپایه چهارم درایام تبلیغی خصوصاً محرم ورمضان به امر تبلیغ میپردازم درزمان جنگ برای تبلیغ به جبهه ها نیزرفتم که امیدوارم خداوند توفیق تبلیغ دین را برایم حفظ نماید .مدتی پس از اتمام تخصصی کلام تدریس مباحث اعتقادی درمدارس را شروع کردم وچند سالی است (هفت یا هشت سال)که این برنامه را دارم والان نیز درجامعةالزهرا(سلام الله علیها)به تدریس مباحث کلامی مشغولم .

طباطبایی قمی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده و مترجم. در قم به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی را در قم و متوسطه را در دبیرستانهای تهران و انزلی و کرمانشاه و قزوین به پایان رسانـد و در ۱۳۱۸ ش موفق به اخـذ دیپلم شـد. سـپس دوره‌ی دانشـکده‌ی کشاورزی کرج را گذرانـد و مهنـدس کشاورزی شد. بعد به دانشـکده حقوق رفت. پس از آن به اروپا عزیمت نمود و پس از گرفتن دکترای حقوق در دانشـگاه ژنو یک سال نیز به صورت مستمع آزد در دانشگاه لندن جهت بررسی فلسفه‌ی حقوق به سر برد و در راه مراجعت به ایران مدت شش ماه در دانشـگاه فؤاد اول در قاهره برای مطالعه در منطق ارسـطو مشـغول تحصـیل شـد. در تهران به وکالت دادگستری و مشاورت قضایی و وکـالت بعضـی از بانکهـا اشـتغال داشت. از آثار وی: «مبانی اقتصادی مسائل اجتماعی»؛ «مختصـری از فلسـفه ابن‌سـینا و نفوذ آن در غرب»؛ «مقدمه‌ی تئوری کلی و فلسفه‌ی حقوق»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۹۱، ۲۹۵۹، ۲۸۶۹ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۸-۵۸۶ / ۴).

طباطبایی نایینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهـاردهم ق)، نویسـنده و مـترجم. از صـاحب منصـبان اداره‌ی کـل گمرکـات بود. بعـد به کتابخـانه‌ی مجلس انتقـال یـافت. از آثارش: «جیر جیرک»، ترجمه؛ «گامی لرزان رو به جهان شناخته نشده‌ی قرآن»؛ «لومن»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۳۰، ۲۷۰۶ / ۲، ۱۰۹۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸ / ۳).

طباطبایی یزدی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۵۶ / ۱۲۴۷ ق)، عـالم دینی، فقیه، اصـلوی، لغوی، شـاعر و مرجع بزرگ. در کسـنویه از قراء یزد به دنیا آمـد. مقـدمات و سطوح را نزد علمای اصـفهان فراگرفت و تحصـیلات خود را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای طراز اول آنجا همچون صاحب «روضات الجنات» و شـیخ محمـد باقر بن محمـد تقی اصـفهانی نجفی و میرزا محمـد هاشم چهار سوقیان ادامه داد، تا به درجه‌ی اجتهاد رسـید. سپس برای تکمیل معلومات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس شـیخ راضی نجفی و میرزای بزرگ شیرازی حاضـر شد، پس از درگذشت میراز به تدریس علوم اسـلامی پرداخت و سالها حوزه‌ی درسش از مهمترین حوزه‌های نجف بود. علامه یزدی در سـرودن شـعر به فارسی و عربی مهارتی تمام داشت. او در نجف درگذشت در جنب در طوسی صحن علوی به خاک سپرده شـد. از آثارش، احـداث ابنیه خیریه و مـدارس و مساجـد است. مـدرسه سید در نجف از جمله‌ی آثار او است. از آثار علمی‌اش: «العروه الوثقی»، که رساله‌ای است فتوایی، مشـتمل بر سه هزار و دویست و شـصت مسأله که در عراق و ایران و هندوستان به چاپ رسید و حاج شیخ عباس محدث قمی آن را به فارسی ترجمه نموده و «غایه القصوی» نامیده و بسیاری از مراجع تقلید بر آن حواشـی نوشـته‌اند؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی» و «تعادل و تراجیـح»، حاشـیه بر «متاجر» یا «مکاسب» شـیخ انصاری؛ رساله‌ای در «احکـام ظـن»؛ رسـاله‌ای در «منجزات المریض»؛ «السؤال و الجـواب»، در فقه؛ «الاستصـحاب»؛ «الصـحیفه الکـاظمیه»؛ «بسـتان نیـاز و گلستان راز»، در مناجات، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۴ / ۷)، الذریعه (۲۵۲ / ۱۵، ۱۰۸، ۳ / ۲۵، ۲)، ریحانه (۳۹۳ -۳۹۱ / ۶)، شرح حال رجال (۲۵۱ -۲۵۰ / ۶)، علماء معاصـرین (۱۱۴ -۱۱۳)، فوائـد الرضویه (۵۹۷ -۵۹۶)، لغت‌نـامه (ذیل/ یزدی)، معجم المؤلفین (۱۵۶ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۳۲۴ -۱۳۲۱/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰ -۲۶ / ۵).

طباطبایی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۲۷۰ ش)، نویسـنده و روزنامه‌نگار. در شـیراز به دنیا آمـد. در کودکی به همراه پدر به تبریز رفت و چندی در آنجا ماند و به تحصیلات ابتدایی پرداخت. سپس به همراه پدر به تهران آمد و پس از چندی به زادگاه خود بازگشت. در این زمان که مصادف بود با زمزمه‌های نهضت مشروطیت ضیاءالدین نیز به نوشتن مقالاتی در روزنامه‌های محلی پرداخت و پس از مدتی روزنامه‌ای به نام

«ندای اسلام» در شیراز منتشر ساخت. پس از انتشار روزنامه‌ی مذکور به تهران آمد و وارد محفل مشروطه‌خواهان شد و پس از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان روزنامه‌ی «شرق» را به اتفاق چند تن از دوستانش انتشار داد. سید ضیاءالدین در این روزنامه مقالات تندی می‌نوشت در نتیجه چند تن از وکلای مجلس علیه او اقامه‌ی دعوا کردند و روزنامه بسته شد. وی پس از این قضیه به اروپا رفت و بعد از مدتی بازگشت و به ترتیب روزنامه‌های «برق» و «رعد» را منتشر کرد، البته در روزنامه‌های فوق مطالبی را می‌نوشت که مورد نظر و حمایت دولت انگلستان باشد. سید ضیاءالدین در ۱۲۹۹ ش به نخست وزیری رسید و پس از صد روز از این مقام کنار گذاشته شد و به اروپا رفت و سرانجام در ۱۳۲۲ ش به ایران بازگشت. سید ضیاءالدین در ۱۳۲۵ چند ماهی بازداشت بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از معتمدین محمد رضا پهلوی شد و سرانجام در تهران درگذشت. از آثار قلمی او: «شعائر ملی»؛ «تلیمات مدنی»؛ «قرآن شریف»؛ «تفسیر روشن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۶، ش ۱۲ -۹، ص ۷۴۵ -۷۳۶)، تاریخ برگزیدگان (۲۴۹ -۲۴۷)، تاریخ جراید و مجلات (۶۶ -۶۱ / ۳ ، ۳۲۱ -۳۲۰، ۱۴ -۱۱ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۳/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۸ -۲۴۷ / ۴)، شرح حال رجال (۱۲۸ - ۱۲۲ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۲ -۵۷۱ / ۳).

طباطبایی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۱ -۱۲۴۶ ق)، مصحح، ادیب و نویسنده. ملقب به وکیل‌الرعایا و اعتضادالممالک و معروف به حاجی وکیل. در تبریز به دنیا آمد.

از خانواده‌های مشهور آن شهر بوده که سالیان دراز و کالت رعیت و مالیات آذربایجان را به عهده داشته. وی به خواسته‌ی امیر نظام گروسی والی آذربایجان «کلیله و دمنه» را تصحیح کرد. نادر میرزای قاجار «تاریخ و جغرافیای تبریز» را به اصرار وی تألیف کرد. میرزا کاظم کتابخانه‌ی مفصل و نسخه‌های خطی زیادی داشت. وی کتابی در انساب آل ابی‌طالب نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه رجال و مشاهیر (۲۶۹ / ۴)، شرح حال رجال (۱۸۱ -۱۸۰ / ۶، ۱۴۹ / ۳).

طباطبائی نجف‌آبادی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر طباطبائی متخلص به هاشمی از علماء و ائمه جماعت و روحانیون خدوم معاصر شهرستان نجف‌آباد می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۲۹ قمری هجری در یکی از روستاهای کرون نجف‌آباد به نام احمدرضا چشمه به دنیا آمده و از سن چهار سالگی در مکتب خانه‌ای مشغول به تحصیل شده و تا سن چهارده سالگی دروس فارسی و قرآن را آموخته آنگاه با تشویق جدشان مرحوم آقا سید اسداللّه رحمه‌اللّه برای تحصیل علوم عربی به اصفهان آمده و در مدرسه جده بزرگ سکونت و خدمت مدارس آن مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ محمد حسن عالم نجف‌آبادی سطوح متوسط فقه و اصول را خوانده آنگاه به عللی به زادگاه خود مراجعت و پس از چند سال مجددا برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه شهرستان نجف‌آباد مهاجرت نموده و در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ابراهیم ریاضی نجف‌آبادی مشغول به تکمیل مبانی علمی گردیده و رسائل و ریاض و کفایه‌الاصول را خوانده و از محضر آن بزرگوار استفاده اخلاقی و تربیتی نموده است.

در حال حاضر ایشان در مسجد صفای نجف‌آباد به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند. و مورد توجه خاص و بسیاری از مردم این منطقه می‌باشند که در اجراء عقود شرعیه به ایشان مراجعه می‌نمایند دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.

۱- ارکان دین درباره اصول عقاید (توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد) که در سال ۱۳۶۳ به طبع رسیده است.

۲- باغستان که کشکولی است از احادیث و روایات مختلفه که مخطوط مانده است.

۳- دیوان شعر بنام دیوان هاشمی.

۴- دیوان انقلابی هاشمی که هر دو به طبع رسیده است.

۵- کلیات دیوان هاشمی

جناب آقای حاج سیدجعفر طباطبائی خاطرات آموزنده‌ای دارند که اگر به رشته تحریر آوردند به صورت کتاب مفید و سازنده‌ای خواهد بود.

دارای هفت فرزند می‌باشند که سه تن آنان در حوزه علمیه اشتغال به دروس خارج فقه و اصول دارند و یکی از فرزندانشان به نام سید محمدعلی در عملیات محرم به فیض شهادت رسیده‌اند و آقازادگان مقیم حوزه علمیه قم نامبردگان زیرند:

۱- جناب آقا سید محمدرضا

۲- جناب آقا سید محمدباقر

۳- جناب آقا سید محمدصادق حفظهم اللّٰه تعالی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی یزدی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صدرالدین فرزند عالم جلیل و سید نبیل حاج سید احمد مهریزی یزدی یکی از چهره‌های درخشان استان یزد و حوزه علمیه قم می‌باشند که در دوره دوم مجلس جمهوری اسلامی نماینده محترم مردم استان یزدند، تولد ایشان در روز جمعه نهم دی‌ماه ۱۳۲۲ شمسی در مهریز یزد واقع شده و پس از رشد و تربیت در سال ۱۳۳۵ شمسی در مدرسه مصلی مشغول به تحصیل گردیده و پس از یکسال در سال ۱۳۳۶ شمسی مهاجرت به قم نموده و ضمن فراگرفتن درسهای حوزه تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم ادامه داده و با آغاز انقلاب به رهبری آیت‌اللّٰه خمینی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی فعالیتهای سیاسی خود را شروع کرده و بارها مورد تعقیب رژیم گذشته قرار گرفته و در رابطه با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۵ شمسی مخفیانه به عراق مسافرت و به نجف اشرف مشرف گردیده و پس از بازگشت به قم در همان سال به حوزه درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد شرکت و ضمنا فعالیتهای سیاسی خود را از طریق سخنرانی و سرود اشعار و تنظیم و تکثیر اعلامیه دنبال کرده و در آذر سال ۱۳۵۷ شمسی سفری به پاریس نموده و به محضر امام راحل راه یافته و نامه‌ها و اعلامیه‌هائی که همراه داشت تقدیم ایشان نموده و بعد از چند روز به منظور رسانیدن پیام انقلاب از پاریس به شهرهای لندن و هامبورگ و قاهره و دمشق و عمان مسافرت و از اردن با لباس مبدل و ناشناس به فلسطین اشغالی رفته و از شهرهای بیت‌المقدس و قدس خلیل و بیت‌اللحم دیدن نموده و طی تماس با جوانان فلسطینی به تشریح مواضع انقلاب اسلامی پرداخته و پس از آن مسافرت به عربستان و عمره مفرده بجا آورده و در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ شمسی از طریق ترکیه به ایران برگشته و مدت چندین ماه در دفتر امام راحل در قم مشغول رسیدگی به برخی از مراجعات بوده و در طول اقامت خود در قم گذشته از اشتغال به تدریس به تألیف و ترجمه آثاری توفیق یافته که برخی از آنها به چاپ رسیده و آنها را می‌نگارم.

۱- حماسه جاوید

۲- فرهنگنامه حج و عمره دو جلد

۳- پرچم پیروزی حق

آقای طباطبائی به زبان عربی تسلط و به زبان انگلیسی آشنائی دارد و نیز چندین مسجد و حسینیه و کتابخانه و غیر آنها از آثار خیر را بنا و باقیات الصالحاتی از خود به یادگار گذارده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از پنج پسر مرحوم حاج سید محمود است وی نیز از علماء متقی قم بود و در صحن نو اقامه جماعت می‌نمود در سال ۱۳۳۴ در قم مرحوم و در شیخان مدفون گردید.

یکی از برادران ایشان مرحوم سیدالعباد آقای حاج سید ابراهیم طباطبائی بود که نگارنده او را زیارت کرده بودم سیدی پارسا و متورع و از صلحاء و اخیار قم بود کراراً به مکه و عتبات عالیات مشرف گردیده بود در حدود سال ۱۳۶۰ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

طباطبائی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس طباطبائی ابن العلامه الاستاذ آیت‌اللّٰه السید محمد طباطبائی فشارکی الاصفهانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر و داماد آیت‌اللّٰه حاج میرزا احمد آشتیانی می‌باشد.

تولد این بزرگوار و مرحوم برادرش حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید علی‌اکبر طباطبائی داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی آشتیانی در سامره بوده و در سنین کودکی پدر بزرگواری چون علامه فشارکی معروف بسید استاد را از دست داده و در مهد علم پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح از محضر مراجع بزرگ استفاده نموده تا بدرجه سامیه علم و کمال ارتقاء یافته و مهاجرت به تهران نموده و بتدریس در مدرسه مروی و انجام وظائف دینی و روحی تا هم اکنون اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه طباطبائی دانشمندی متین و عالمی با معنویت است و در بی هوائی و سادگی و احتراز از سر و صدا و تأسی بمرحوم والدش سید استاد نموده که هر چه شاگردان مبرز وی چون مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حایری و دیگران به وی اصرار می‌کردند که رساله عملیه بنویس و فتوا بده زیرا پس از آیت‌اللّٰه مجدد شیرازی متعین است که شما از دیگران

اعلم هستید در جواب میفرمود: آری من خود را مجتهد و از اقرانم افضل می‌دانم ولی رساله نمی‌دهم و هرگز خود را در معرض مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداوند می‌فرماید: تلک الدار الاخره نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبه للمتقین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طباطبائی، عبدالعزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالعزیز فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید جواد طباطبائی یزدی (حفید و نوه آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه‌الوثقی و حاشیه مکاسب و غیره) که در تاریخ بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۳۴۸ برابر با چهارم آبانماه ۱۳۱۸ شمسی در نجف اشرف متولد شده و پس از طی مراحل مقدمات علوم اولیه ادبی را نزد حاج سید هاشم حسینی تهرانی و حاج سید جلیل طباطبائی یزدی و شرح منظومه را خدمت آیت‌اللّه حاج سید عبداالاعلی سبزواری و اسفار را خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ صدراء بادکوبه‌ای خوانده و سطوح فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ ذبیح‌اللّه قوچانی و حاج میرزا حسین نبوی کاشمری و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی علامه فانی اصفهانی و حاج شیخ علی سرابی و حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و خارج علم تفسیر و فقه و اصول را از محضر استاذ الاساتید آیت‌اللّه العظمی خوئی دام ظله العالی آموخته و همین طور چند سالی در دروس خارج آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی حاضر شده و استفاده نموده و در این اثناء مدت بیست و پنج (۲۵) سال از محضر پر فیض دو استاد بزرگ مرحوم علامه مجاهد امینی صاحب الغدیر و علامه رازی حاج شیخ آقا بزرگ صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه بهره‌مند گردیده و از تربیت یافتگان مکتب این دو بزرگوار بشمار آمده است.

پس به کمک مرحوم علامه امینی در پیشبرد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف اشرف فعالیتهای موثر و چشمگیری داشته و نوشتن فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه نیز به عهده ایشان بوده است.

در اسفند ماه ۱۳۴۹ شمسی و ذی‌حجه ۱۳۸۹ قمری برای شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی از طرف دانشکده مشهد مقدس دعوت شده و از نجف به ایران آمده و در کنگره شرکت کرده و بنابر درخواست کتابخانه آستانه قدس حدود یکسال در مشهد مانده و نسخه‌های خطی فقه و اصول و حدیث آنجا را نوشته و باز به نجف بازگشته و تا سال ۱۳۵۶ برابر ۱۳۹۶ قمری در نجف به فعالیتهای علمی و مذهبی خود ادامه داده تا در تاریخ یاد شده به ایران آمده و در قم اقامت نموده و همچنان به فعالیتهای مذهبی و علمی خود ادامه داده است.

و اکنون در حوزه علمیه قم وجود مغتنم و مفیدیست و در مسائل کتابشناسی و نسخه‌شناسی و حدیث و رجال و غیره نویسندگان و مولفان کتب و محققان متون و موسسات علمی و بنیادهای فرهنگی به ایشان مراجعه و از وجودشان استفاده می‌برند و نسبت به همه با گشاده‌روئی و ملاطفت جواب و پاسخ مثبت داده و راهنمائی و کمک می‌نمایند و بالاخص موسسه آل‌البیت قم که یک موسسه تحقیقاتی معروف است روابط بیشتری با ایشان دارند و آن جناب هم به این موسسه کمکهای زیادی می‌نمایند.

مسافرتهای ایشان

مترجم محترم ما به منظور بازدید کتابخانه و استفاده از نسخه‌های خطی و احیاء عکسبرداری از بعضی از آنها علاوه از کتابخانه‌های عمومی و شخصی ایران به کشورهای حجاز و اردن و سوریه و ترکیه و لبنان و انگلستان نیز مکرر سفر کرده و از کتابخانه‌های کشورهای مزبور استفاده‌های شایانی نموده است و در هر یک از مسافرتها خاطراتی را مرقوم داشته‌اند.

تألیفات ایشان

۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.

۲- فهرست قسمتی از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.

۳- معجم اعلام‌الشیعه

۴- علی ضفاف الغدیر

۵- تعلیقات بر طبقات اعلام الشیعه

۶- مستدرک الذریعه

۷- تعلیقات بر الذریعه

۸- تهذیب الذریعه

۹- مکتبه العلامه الحلی فهرست تألیفات علامه حلی و نسخه‌های خطی آن.

۱۰- المهدی علیه‌السلام فی السیره النبویه

۱۱- اهل البیت فی المکتبه العربیه

۱۲- الحسین والسنه

۱۳- نتایج الاسفار

۱۴- قید الاواید

تصحیح متون

۱- فهرست شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه قمی

۲- فهرست شیخ طوسی

۳- مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد بن حنبل

۴- الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی تألیف ابوالخیر قزوینی مطبوع در سال ۹۲.

۵- ترجمه الحسن و الحسین علیهماالسلام از طبقات ابن‌سعد

۶- مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا مطبوع در سال ۸۶.

۷- رساله ذهبی در حدیث الغدیر

شرکت در کنگره‌های علمی

۱- هزاره شیخ طوسی در مشهد

۲- هزاره نهج‌البلاغه شریف رضی در تهران

۳- کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام در مشهد

۴- کنگره حسین (ع) در لندن

۵- کنگره و هزاره حادثه غدیر خم در لندن

اجازات ایشان

معظم‌له از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله اجازات روایتی و غیره دارند و خود نیز به چندین نفر اجازه روایتی داده‌اند.

فقیه.

تولد: ۱۳۰۸(۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۴۸ ق.)، نجف.

درگذشت: ۸ بهمن ۱۳۷۴(۷ رمضان ۱۴۱۶ ق.)، قم.

آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سید هاشم حسینی تهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالعلی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فسلفه در نجف فراگرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمری و آقای حاج شیخ ذبیح الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنکرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فراگرفت. در فقه نیز از آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله العظمی ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و علامه عبدالحسین امینی صاحب الغدیر آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین موسوعه‌ی بزرگ شیعی یعنی الذریعه با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانه‌ی امیرالمومنین نجف که توسط علامه‌ی امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانه‌ی آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعه‌ی رجالی شیعه یعنی معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی یزدی متصدی مدرسه‌ی سید در نجف گردید و سال ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در ۱۳۹۶ ق. نجف را به قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از سوی مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.

مشایخ اجازه‌ی ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله العظمی خویی.

کتاب‌های ایشان از این قرار است: اساتید و مشایخ شیخ طوسی؛ اضواء علی الذریعهٔ؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد؛ الشیعه و هجمات الخصوم؛ الغدیر فی التراث الاسلمی (کتابنامه غدیر هم، بیروت، ۱۳۱۴ ق.)؛ الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربهٔ فی مکتبات ترکیا؛ المهدی (ع) فی السنهٔ النبویهٔ، انباء السماء برزیهٔ کربلا؛ اهل‌البیت علیهم‌السلام فی المکتبهٔ العربیهٔ (معرفی و توصیف کتاب های عربی اهل سنت در فضایل اهل‌بیت، دو جلد)؛ تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعهٔ (اولین نوشتار استاد در ۱۳۷۷ ق.)؛ حیاهٔ الشیخ یوسف البحرانی، علی ضفاف الغدیر(چاپ نشده)؛ فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، فهرس المخطوطات العربیهٔ فی مکتبهٔ امیرالمؤمنین (ع) العامهٔ فی النجف الاشرف؛ فهرس المخطوطاعت تبریز؛ فهرس المنتخب من مخطوطات لندن؛ فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز؛ فهرس کتب الحدیث فی مکتبهٔ الامام الرضا (ع)، فهرس کتب الفقهیه فی مکتبهٔ الامام الرضا (ع)، فهرست کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز؛ فی رحاب نهج‌البلاغهٔ (کتابنامه نهج‌البلاغه)؛ قید الاوابد و جمع الشوارد؛ ما ینبغی نشره من الثراث (معرفی کتاب های ارزنده مخطوط)؛ مخطوطات اللغهٔ العربیهٔ؛ مستدرک الذریعهٔ، معجم اعلام الشیعهٔ؛ مکتبهٔ العلامهٔ الحلی (که خلاصه آن در مقدمه ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ نتائج الاسفار (چاپ نشده). کتاب هایی که به قلم ایشان تصحیح شد؛ از این قرار است: فهرست منتخب الدین رازی؛ الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی؛ ترجمهٔ الحسن و الحسین (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد؛ مقتل امیرالمؤمنین (ع)؛ الحسین (ع) والسنهٔ (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع)، ترجمهٔ امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر، طریق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه (حافظ ذهبی)؛ عقدالدرر فی اخبار المهدی المنتظر (سلمی شافعی دمشقی)؛ فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین (حموی جوینی)؛ فهرست تصانیف کراجکی (آماده چاپ)؛ فهرست شیخ طوسی، فهرست شیخ منتخب الدین الاربعون المنتهی من مناقب المرتضی (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛

مطالب السئول (زیر چاپ)؛ مناقب امیر المؤمنین (ع) (احمد بن حنبل).
آیت‌الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان ۱۳۷۴ به سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه (س) مدفون است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبائی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا مصطفی ابن العالم الجلیل السید جواد طباطبائی قمی از دانشمندان نامی و وعاظ گرامی دارای مقام فضل و دانش و جامع معقول و منقول و فروع و اصول و صاحب مرتبه حسب و نسب و سیادت و وجاهت بین مردم می‌باشد.
در سال ۱۳۲۷ قمری در قم به دنیا آمده و پس از رشد و خواندن مقدمات و مشرف به مشهد مقدس شده و پانزده سال توقف سطوح عالی و خارج را از مرحوم ادیب نیشابوری و ادیب ثانی و حاج محقق نوغانی و والد خود و حاج شیخ محمد رضای زنجانی و آیت‌الله العظمی قمی و آقازاده کفائی استفاده نموده و معقول را خدمت مرحوم آقابزرگ حکیم و فرزند وی آقا مهدی حکیم خوانده و در سال ۱۳۵۶ مشرف به کربلاء شده و مدت شش سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی قمی و آیات دیگر آنجا استفاده نموده و در سال ۱۳۶۳ قمری مراجعت به قم و پس از ۶ سال توقف و تدریس علوم عقلی و نقلی مهاجرت به تهران و تاکنون در مسجد امیرالمومنین علیه‌السلام مهرآباد اقامه جماعت و هم به وظائف روحی و دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند و ایشان داماد مرحوم محدث بزرگوار و عالم متقی حاج شیخ عباس محدث قمی می‌باشند.
دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله و خصال حمیده می‌باشند. برادر ارجمندش آقای حاج اصغر آقای طباطبائی داماد مرحوم آیت‌الله حاج میرزا سید حسن برقعی قمی از فضلاء اهل منبر است که سالها در نجف سرپرست فرهنگی ایرانیان مقیم نجف را داشته و هم‌اکنون در تهران از راه فرهنگ و هم منبر خدماتی انجام می‌دهند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طبرستانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد علی طبرستانی یکی از علماء ممتاز و محترم معاصر بابل است.
وی نیز سالها از محضر آیات و مراجع بزرگ استفاده نموده آنگاه بوطن خود بازگشت و بانجام وظائف از قبیل اقامه جماعت و تدریس و گفتن تفسیر و غیره تاکنون اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبرسی، ابوذر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ اباذر بن‌المرحوم العالم الربانی آشیخ محمد طبرسی از علماء اخیار و فضلاء ابرار این شهرستان است و در سال ۱۳۰۰ شمسی تقریبا متولد شده و پس از آموختن تحصیلات ابتدائی و مقدماتی در خدمت والد مرحوم و عم کرام و دائی فاضلش آقای آقا محمد تقی دانش پژوه در سال ۱۳۲۴ مسافرت بتهران نموده و پس از طی دوره شش ساله مدرسه سپهسالار و دانشکده الهیات با دریافت لیسانس مهاجرت بقم نموده و از محضر مدرسین بزرگ آیه‌الله فکور یزدی و آیه‌الله سلطانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۰ شمسی بعد از مراجعت از سفر بیت‌الله الحرام بوطن خود آمل برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات مذهبی و ترویج احکام پرداخته و تاکنون باین سمت افتخار دارد.
مؤلف گوید مترجم معظم از بیوتات اصیله و ریشه‌دار و از خاندان زهد و تقوا و علم و فضیلت است و دارای مقام حسب و نسب میباشد.
والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام و ملجاءالانام آقای آقای شیخ محمد طبرسی از علماء مبرز آنسامان بوده و در سن ۶۶ سالگی در سال ۱۳۱۶ شمسی از دنیا رفته است و عموی بزرگوار ایشان مرحوم آیه‌الله آقا شیخ عزیزالله طبرسی از علماء موجه و محترم آنسامان بوده و در ۱۳ محرم الحرام ۱۳۸۷ قمری در سن ۸۳ سالگی رحلت نموده است.
دائی فاضل و دانشمندش آقای میرزا محمد تقی دانش پژوه نیز از افاضل شمال است و بعد از فوت والدش چند سالی در قم استفاده نموده تا سال ۱۳۱۰ شمسی که بتهران آمده و فلسفه را از مرحوم آیه‌الله میرزا مهدی آشتیانی فرا گرفته و دوره دانشکده الهیات را هم طی نموده و کرسی استادی را اشغال نموده و هم متخصص در کتاب شناسی در ایران میباشند.

و از این خاندانست مرحوم مبرور دانشمند پارسا و مجتهد فقیه حاج میرزا احمد درکائی بن العلامه میرزا مهدی فقیه که از شاگردان آیه‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی و سالها در آمل مشغول تدریس و ترویج دین بوده و در سن ۸۳ سالگی در ماه رمضاه ۱۳۴۷ قمری بدرود زندگی نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن‌شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبرییل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در ۵۲۳ ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکاف الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری درتفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج الموالید»؛ «الآداب الدینیه»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللئالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو.[۱]

(ع. معر. تفرشی) ۱- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین ۴۸۰ - ۴۶۸ ه.ق.- ف. ۵۴۸ ه. ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد مجلسی در ریاض‌العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال ۵۲۳ ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوای مخصوص دارد. مشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع‌البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه.م.) در تفسیر، الآداب الدینیهٔ للخزانهٔ المعینیهٔ در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج الموالید در تاریخ و انساب، العمدهٔ در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللآلی در کلمات قصار علی ۴ و غیره. ۲- رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. ۶ ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حناط دانسته‌اند)، مکار الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرارالامامهٔ (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).

الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.

اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند ۱- مجمع‌البیان در تفسیر قرآن ۲- الوسیط (تفسیر متوسط) ۳- الوجیز (تفسیر مختصر) ۴- جوامع الجامع ۵- الاداب الدینیه للخزانهٔ المعنیه ۶- غنیهٔ العابد ۷- منیهٔ الزاهد ۸- تاج الموالید ۹- کنوز النجاح ۱۰- عدهٔ السفر ۱۱- عمدهٔ الحضر ۱۲- النور المبین ۱۳- الفائق ۱۴- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.

بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم‌الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوهٔ‌الانوار در ادعیه است.

بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال ۵۲۳ قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال ۵۴۸ قمری از دنیا رفت.

جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.

و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبدالّله خان ازبک افغانی قتل عام کردند

صاحب روضات گوید از صاحب ریاض‌العلماء منقولست که میان همه طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.

نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.

پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه

پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد

فوائد الرضویه ص ۳۵۲

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۵۳ –۳۵۲ / ۵)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۰۱ –۳۹۸ / ۸)، تأسیس الشیعه (۳۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۹ / ۲)، الذریعه (۲۴ / ۲۰ ،۲۴۹ –۲۴۸ / ۵ ،۲۴۲ ،۲۴۰/ ۲ ،۱۸ / ۱)، روضات الجنات (۳۴۹ –۳۴۲ / ۵)، ریحانه (۳۶ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۹۱ –۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷ –۲۱۶ / ۶)، فوائد الرضویه (۳۵۲ –۳۵۰)، کشف الظنون (۱۶۰۲ ،۱۲۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (۶۷ –۶۶ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۹۴–۱۹۳)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۸۰ –۲۷۷ / ۵).

طبری، ابوطیب طاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۰ –۳۴۸ ق)، قاضی، محدث، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر شافعی. در آمل به دنیا آمد. چهارده ساله بود که فقه آموخت. در آمل از ابوعلی زجاجی و در گرگان از ابواحمد بن غطریف و در نیشابور از ابوالحسن ماسرجسی و در بغداد از دارقطنی و علی سکری و شیخ ابوحامد اسفراینی حدیث شنید. ساکن بغداد شد و در آنجا به تدریس و افتاء و قضاوت مشغول گردید. ابواسحاق شیرازی که از شاگردان اوست گوید که در تحقیق و اجتهاد و فکر و نظر بالاتر از ابوطیب ندیده است و خطیب بغدادی گوید که استاد ما ابوطیب شخصی پرهیزگار، عارف به اصول و فروع، محقق و خوش‌برخورد بود. گویند که او و برادرش فقط یکدست لباس داشتند و هرگاه یکی از آن دو از منزل خارج می‌شد دیگری مجبور می‌شد در منزل بماند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. اغلب اشعارش به طریقه‌ی فقه و مسائل فقهی می‌باشد. وی در اصول و مذهب و علم خلاف و جدل کتابهای بسیاری تألیف کرد.از آثارش: شرح «مختصر» المزنی، در یازده جزء، در فقه شافعی؛ شرح «فروع» ابن‌حداد مصری؛ کتابی‌در «طبقات الشافعیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۱ / ۳)، انساب سمعانی (۴۷ / ۴)، تاریخ بغداد (۳۶۰ –۳۵۸ / ۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۵ / ۲)، روضات الجنات (۱۴۶ –۱۴۵ / ۴)، ریحانه (۴۶ –۴۵ / ۴)، سیر النبلاء (۶۷۱ –۶۶۸ / ۱۷)، العبر (۲۹۶ / ۲)، الکامل (۸۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۶۳۸ ،۱۶۳۵ ،۱۲۵۷ ،۱۱۰۰ ،۴۲۴) ، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر)، معجم المؤلفین (۳۷ / ۵)، النجوم الزاهره (۶۵ / ۵)، الوافی بالوفیات (۴۰۴ –۴۰۱ / ۱۶)،وفیات الاعیان (۵۱۵ –۵۱۲ / ۲)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۱).

طبری، احسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، شاعر، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۵، ساری.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۶۸، تهران.

احسان طبری، فرزند فخر طبری ملقب به فخرالعارفین، در شش سالگی به مکتب سید عبدالمجید رفت و قرآن را تعلیم گرفت و خواندن و نوشتن آموخت. نصاب‌الصبیان و کتاب‌های جودی و جوهری را نیز خواند. در هفت سالگی به مدرسه‌ی احمدیه رفت و پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به علت تبعید پدرش به تهران به اتفاق مادرش به آن شهر عزیمت کرد و دوره‌ی دبیرستان را هم به انجام رسانید، آنگاه به دانشکده‌ی حقوق راه یافت و فارغ‌التحصیل شد. در خلال تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به فراگرفتن علوم ادبیه و عربیه پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد اساتید کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی یافت.

در سنین جوانی به سبب آشنایی با تقی ارانی به مارکسیسم گروید و در سال ۱۳۱۶ همراه با ۵۲ تن دیگر به زندان رضاشاه افتاد و همزمان با تبعید رضا شاه به جزیره موریس، از زندان رهایی یافت، سپس در فعالیت‌های حزب توده شرکت داشت، مدتی سردبیری روزنامه‌ی (رهبر) به صاحب امتیازی ایرج اسکندر را در تهران به عهده داشت (۱۱ بهمن ۱۳ –۱۳۲۲ آذر ۱۳۲۵)؛ پس از چندی به اراک تبعید شد و در سال ۱۳۲۵ در کنگره‌ی نویسندگان در تهران شرکت کرد. در پس ترور نافرجام شاه در سال ۱۳۲۷ و اعلام غیر قانونی بودن حزب توده، در سال ۱۳۲۸ به اعدام محکوم شد، ناگزیر از ایران خارج شد و به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در آکادمی مسکو به تحصیل پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و به مقام استادی رسید، در این مدت وی در رادیو مسکو کار می‌کرد و سرانجام پس از نه سال فعالیت در این کشور به آلمان شرقی رفت و در شهر لایپزیک اقامت گزید. در برلین دوره‌ی

آکادمی علوم اجتماعی را گذرانـدن و به دریافت مقام علمی «دکتر هانیل» در فلسـفه دست یافت و سال‌ها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس اشـتغال داشت. وی با زبان‌های عربی و پهلوی و روسـی و آلمانی و انگلیسـی و فرانسوی و ترکی آذری و ترکی اسلامبولی آشنایی داشت و در تخصش در زمینه‌ی تاریخ فلسفه و ادبیات بود.

در سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج گیری قیام مردم و انقلاب اسلامی به ایران آمد و فعالیت‌های سیاسی خود را با بازگشایی حزب توده از سر گرفت. در سـال ۱۳۶۲ بنا به تشـخیص مصادر امور، فعالیت حزب توده مغایر مصالـح جمهوری اسـلامی شـناخته و به اتفاق کادر رهبری حزب دسـتگیر و زندانی شد. وی در زندان به اشتباهات خود و حزب اعتراف کرد و کتاب کژراهه (خرداد ۱۳۶۶) را در این زمینه نوشت.

احسان طبری در روزهای پایانی عمر خود نیز مشـغول به نگارش اثری موسوم به آورنـدگان انـدیشه‌ی خطا بود که حاوی کنکاشـی است در اندیشه‌های احمد کسـروی، صادق هدایت و سـید حسن تقی‌زاده اما این امر با بسـته شدن کتاب عمر وی به سـبب نارسایی کلیوی در سال ۱۳۶۸ به انجام نرسید و نیمه تمام ماند.

احسان طبری همچنین به داستان نویسی نیز می‌پرداخت. افسانه‌های تمثیلی وی با نثر شبه کلاسیک آن و با استفاده از اساطیر ایرانی و اروپـایی در خـدمت تبلیـغ مرام سیاسـی خاصـی اسـت. از جملـه داسـتان‌های او می‌تـوان به این عنوان‌هـا اشـاره کرد: شـکنجه و امید (۱۳۲۶)؛ مجمـوعه‌ای از قطعـات ادبی او و در دوزخ (۱۳۲۷)؛ خـدایان از بنـد رسـته (بـا امضای طباطبا که ظاهرا از اوست، ۱۳۳۱)؛ حمـاسه‌ی گئومـات (چـاپ شـده در کشورهای اروپایی شـرقی، نمایشـنامه تاریخی منظوم)؛ فرهاد چهارم (داسـتان، اسـتکهلم، ۱۹۷۷ ۱۳۵۶)؛ خانواه برومند (داسـتان)؛ چشـمان قهرمان باز است (مجموعه داسـتان)؛ پنجامه (مجموعه داستان)، چهره خانه (داستان)؛ دهه نخستین (داستان)؛ رانده ستم (داستان).

از احسان طبری سه مجموعه شـعر به نام‌های از میان ریگ‌ها و الماس‌ها و دریچه پاییز و در سال ۱۳۶۰ مجموعه شعری به نام ترانه‌ی خوابگونه (مجموعه شعر نو) طبع و نشر کرد.

علاـوه بر آثار فوق می‌توان به عنوان‌های دیگری نیز اشاره نمود: آنتی دورینگ (فردریک انگلس)؛ الفبای مبارزه (اسـتکهلم، ۱۹۷۷ ۱۳۵۶)؛ انسـان و پراتیـک اجتمـاعی و رفتار فردی وی (در زمینه اخلاق)؛ ایران در دو سـده‌ی واپسـین (مجموعه‌ای از دو کتاب بنیاد آموزش انقلابی و بررسی‌ها درباره برخی از...، ۱۳۶۰)؛ برخی بررسی‌ها درباره‌ی جنبش‌ها و جهان‌بینی‌های اجتماعی در ایران (چاپ شـده در کشورهـای اروپای شـرقی، ۱۹۷۰ ۱۳۴۸)؛ برخی مسائـل حـاد انقلاـب ایران؛ بررسـی چنـد مسـئله‌ی اجتماعی؛ بررسـی‌های اجتمـاعی و تاریخی؛ بنیاد آموزش انقلابی (چاپ شـده در کشورهای اروپای شـرقی، ۱۹۷۱ ۱۳۵۰)؛ جـامعه ایران در دوران رضاشاه (یـک تحلیل عمومی، چاپ شـده در کشورهای اروپای شـرقی، ۱۹۷۷ ۱۳۵۶)؛ جـامعه و جامعه شناسـی؛ چهره‌ی یک انسان انقلابی (برخی از مسائیـل اخلاقی و انسان‌شناسـی، ۱۳۶۰)؛ دانش و بینش (در زمینه عرصه هـای نوین علمی)؛ دربـاره منطق عمـل، دو مقـاله درباره‌ی تبلیغات (۱۳۶۱)؛ دو هفته در اتحاد جماهر شوروی (با همکاری نورالدین کیانوری)؛ دوزخ شـغالشاه رؤیای چینی (۱۳۲۷)؛ رد تئوری همگرایی (سیاسـی)؛ زایش و تکامـل تئوری انقلابی؛ فروپاشـی نظام سـنتی و زایش سـرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجـار تـا آسـتانه‌ی انقلاب مشـروطیت (چاپ شـده در کشورهای اروپای شـرقی، ۱۹۷۵ ۱۳۵۴)؛ سـفر جـادو؛ سیمای یک انقلابی؛ شنـاخت و سـنجش مارکسـیسم (۱۳۶۸)؛ شـمه‌ای دربـاره‌ی شـناخت ایران و جهـان؛ گفتگو بـا یـک روشـنفکر مأیوس (نمایشـنامه)؛ نوشته‌های فلسفی و اجتماعی.

(۱۳۶۸ -۱۲۹۵ ق)، اسـتاد دانشـگاه، نویسـنده، مترجم و شـاعر. در سـاری به دنیـا آمـد. قبـل از هفت سالگی به یادیگری علوم دینی پرداخت. دوران دبسـتان را در ساری گذراند. بعد از تبعید پدرش به تهران، او نیز به تهران آمد و دوره دبیرستان را به انجام رسانید، آن‌گـاه به دانشـکده حقـوق رفت و فارغ‌التحصـیل شـد. وی در همـان وقت به فراگرفتن علـوم ادبی و عربی پرداخت و در مـدرسه‌ی سپهسالار نزد اسـتادان فن کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی کامل یافت. در ۱۳۱۶ ش به همراه گروه پنجاه و سه نفر یـاران دکتر تقی آرانی زنـدانی شـد. بعـد از آزادی به حزب توده پیوست و از برجسته‌ترین اعضـای آن حزب شـد. وی به علت تبلیغـات کمونیستی از جانب رژیم پهلوی به اعـدام محکوم شـد و ناگزیر به شوروی پناه برد و در آنجا به تحصـیل پرداخت. پس از آن به برلین رفت و در آنجـا موفق به کسب دکترای فلسـفه شـد و سالها در دانشـگاههای آلمان به تـدریس پرداخت. وی به زبانهای روسـی، آلمـانی، انگلیسـی، فرانسه و ترکی تسـلط کـافی داشت. بع داز انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بـه ایران بـازگشت. در ۱۳۶۲ دستگیر و زندانی شد. احسان طبری از بزرگترین نظریه‌پردازان مارکسـیسم در ایران و جهان بود. از حافظه و اسـتعداد شگرف برخوردار بود، و در زمینه‌ی شـعر کلاسیک و نو و داستان و رمان و تحقیقات فلسفی و بررسیهای لغوی و فرهنگ عامیانه و مسایل سیاسی و اجتماعی اطلاعات عمیقی داشت. از آثار وی: «فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری »؛ «شناخت و سنجش مارکسیسم»؛ «خانواده برومند»؛ «روشـنفکر مأیوس»؛«زایش و تکامل تئوری انقلابی»؛ «رانده‌ی سـتم»؛ «دهه نخستین»؛ «کژراهه»؛ «حماسه گئومات»؛ «از میان ریگها و الماسـها»، مجمـوعه‌ی شـعر؛ «ترانه خوابگـونه»، مجمـوعه‌ی شـعر؛ «آنـتی دورینـگ»، ترجمه؛ «شـکنجه و امیـد»؛ «در دوزخ»؛ «رویـای چینی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سـخنوران نامی معاصر (۱۵۵ -۱۴۸ / ۱)، کیهـان فرهنگی (س ۶، ش ۲، ص ۵۶)، مازندران، شـرح حال رجال معاصر (۱۴۸ -۱۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱۴ -۳۱۳ / ۱).

طبری، محیی‌الدین عبدالقادر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۳ -۹۷۶ ق)، عالم و ادیب شافعی. در مکه به دنیا آمد. در دوازده سالگی قرآن کریم و «الفیه» ابن‌مالک و «اربعین» نووی را حفظ کرد و در پانزده سالگی شروع به تحصیلات علمی نمود. ادبیات، فقه، تفسیر، حدیث، طب، منطق، هیئت و حکمت را از بزرگان زمان خویش فراگرفت. طبری نظم و نثر نیکویی داشت و خطیب و مفتی مکه بود. وی در مکه درگذشت. از آثارش: «عیون المسائل من اعیان الرسائل »؛ «الاساطین فی حج السلاطین»؛ شرح «المقصوره الدریدیه» به نام «الآیات المقصوره/ الرایات المنصوره علی الابیات المقصوره»؛ «کشف النقاب عن انساب الاربعه الاقطاب»؛ «افحام المجاری فی افهام البخاری»؛ «حسن السریره فی حسن السیره»، در سیره پیامبر (ص)؛ «سل السیف علی حل کیف»؛ «کشف الخافی من کتاب الکافی»، در علم عروض و قافیه؛ «عرائس الابکار و غرائس الافکار»، در تفسیر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۸ / ۴)، ایضاح المکنون (۶۴۶، ۳۷۹، ۳۶۸، ۱۳۵،۳۵۹، ۱۱۹، ۹۷، ۲۲ / ۲ ،۴۰۴، ۱۰۸، ۶۸، ۷ / ۱)، ریحانه (۴۶ / ۴)، الکنی و الالقاب (۲۰۵ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقادر)، معجم المؤلفین (۳۰۳ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۰ / ۱).

طبسی واعظ، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۲ ق)، عالم دینی، فقیه و خطیب. معروف به مسأله‌گو. از مشاهیر اهل منبر در تهران و مورد توجه خاص و عام، به ویژه نیکان و اهل تقوی، بود. از آثارش: ترجمه‌ی «الطرائف فی مذهب الطوائف» سید ابن طاووس؛ ترجمه‌ی «کشف المحجه لثمره المهجه»، سید ابن طاووس؛ «منهج السداد»، در ترجمه «نجاه العباد» شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، با حواشی شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی و میرزا محمد حسین شهرستانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۱ / ۲۳ ،۱۳۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۵ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۶ -۴۹۵ / ۳).

طبسی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم طبسی از علماء معاصر شهرستان طبس می‌باشد وی در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آسید ابوالحسن اصفهانی ره و آیات دیگر استفاده و در زمان حیات استادش به طبس آمده و تا اکنون به اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۶ ق)، عالم و مترجم. وی از علمای اوایل قرن دهم هجری است که کتاب «الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم» را به فارسی، به خواست برخی از سروران خود، در ۹۲۶ ق ترجمه کرده است و در آن یادآور شده که طبق مذهب اهل حق بسم‌الله جزئی از سوره به حساب می‌آید، مگر در سوره‌ی برائت، و در پایان متذکر شده که ملا عبدالعلی بیرجندی این کتاب را در ۹۰۱ ق شرح کرده است.[۱]

ملا احمد بن حاج محمد طبسی سکاکی مترجم کتاب الدر النظیم در خواص قرآن عظیم که در سال ۹۳۶ هجری بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۸۵ / ۸ ،۱۰۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ / ۶).

طبسی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ غلامرضا طبسی واعظ از مفاخر خطباء و معاریف وعاظ و گویندگان حوزه علمیه قم بوده و در عصر خودش آوازه شهرتش به تمام کشور ایران و ممالک مجاور عراق و افغان رسیده بود، تولدش در سال ۱۳۱۳ ق در طبس که از بلاد استان خراسانست واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات در سال ۱۳۴۱ ق به قم آمده و سطوح را در نزد مرحوم میرزا

همدانی و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی خوانده و در سال ۱۳۴۵ ق مسافرت به یزد و سایر بلاد نموده و منابر مهیج و پرشور و حرارتی رفته که در همه جا سخن از منبر سحرآمیز او در میان بوده است، و این چنانچه در جلد دوم کتاب آثار الحجه ص ۱۳۶ نگاشتیم در اثر کرامت و توجه مخصوص حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام بوده که به این موهبت الهی رسیده بود تفصیل آن را در کتاب مزبور بخوانید.

خلاصه: مرحوم طبسی با آن شهرت عجیب دولت معجل بود زیرا از اول شهرت و طلوعش تا هنگام غروب و افول عمرش بیش از هشت سال نشد در سال ۱۳۵۲ ق در سبزوار بدرود حیات گفته در اثر کسالت سل ریوی و جنازه‌اش حمل به مشهد و در مقبره پیر پاره دوز که از اوتاد خراسان بوده مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طبسی، محمدتقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج محمدتقی طبسی از شاگردان محقق آقا جمال‌الدین خونساری صاحب کتاب (ادعیهٔ الاسابیع) و ترجمهٔ مهج‌الدعوات و ترجمه ادعیهٔ الاسابیع بوده که به امر شاه سلطان حسین صفوی نموده است و حاشیه بر مدارک نوشته و در سال ۱۱۲۵ ق وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبیب تهرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، پزشک و مترجم. پدرش در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه طبابت می‌کرد. میرزا محمد کتاب «وبائیه در طب» را که مربوط به یکی از اطبای اروپایی بود ترجمه و تهذیب کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷ /۳۳۴۹ / ۲) مؤلفین کتب چاپی (۴۶۲ -۴۶۱ / ۵).

طرازی بغدادی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۲ ق)، مسند، محدث، فقیه و ادیب حنبلی. مسند خراسان و از بزرگان نیشابور بود. از ابوالعباس اصم و ابوحامد احمد بن علی بن حسنویه و ابوبکر محمد بن مؤمل و ابوعمر و بن مطر و دیگران حدیث شنید. ابوبکر خطیب بغدادی و صاعد بن سیار و ابوسعد علی بن عبدالله بن ابی‌صادق و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابونعیم حافظ از او اجازه روایت داشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۴ / ۱)، سیر النبلاء (۴۱۰ -۴۰۹ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۲۵ / ۳)، العبر (۲۴۸ / ۲).

طرفه، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی طرفه

محل تولد : دشت آزادگان

شهرت : طرفی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱۰

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفه مشهور به شیخ علی طُرفی ۱- نسب ۲- معرفی نیای پدری ۳- زندگینامه ۱- نسب شیخ علی طرفی حاتم طایی شخصیت معروف تاریخ که به بخشش و کَرَم مشهور است از دیار یمن است. و از عشیره بزرگ طِیّ. فرزند او عدی بن حاتم از یاران خاص پیامبر اسلام و امیرالمومنین بود. عدی سه پسر داشت به نام های طُرفه، طارف و طریف که هر سه در جنگ صفین در رکاب امام خود به دست سپاه معاویه به شهادت رسیدند. داستان ایمان آوردن عدی، تعریف کم نظیر پیامبر از او و همچنین داستان هایی که از فداکاری ها و ارادت او و فرزندانش نسبت به خاندان عصمت و طهارت خبر می دهند بسیار است. خانواده عدی پس از اسلام آوردن به خدمت پیامبر مکرّم اسلام به مدینه آمدند و پس از دوره حیات ظاهری ایشان و در

دوره حکومت امیرالمومنین به کوفه هجرت کردند. عشیره بزرگ بنی طُرُف که از بنی طِیّ هستند اکنون در یمن، عراق و جنوب خوزستان زندگی می کنند. حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفی) فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از همین عشیره اند. از افتخارات این خانواده همین بس که همه اجداد آنان از بزرگان و علمای مخلص و مجاهدند و به ارادت به اهلبیت و مردمی بودن شهره اند.. ۲- همه قبیله من عالمان دین بودند... حاج شیخ علی طرفی فرزند شیخ عیسی فرزند شیخ سالم فرزند شیخ محمد... آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از فقهای مجاهد و بزرگ خوزستان است. ایشان در جوانی به عشق معارف اهلبیت علیهم السلام به نجف اشرف هجرت کردند و نزدیک به ۲۰ سال از عمر پر برکتشان را صرف تحصیل علوم حقه شیعه کردند. آیت الله طرفی پس از کسب اجازه اجتهاد و به درخواست مردم دیار خود و دستور مراجع عظام نجف به ایران بازگشتند و به ارشاد اهالی خوزستان پرداختند. ایشان از سال ۴۱ با حضرت امام آشنا شده و به نهضت پیوستند. حاج شیخ عیسی طرفی نماینده حضرت امام و اولین امام جمعه دشت آزادگان و امام جمعه موقت آبادان بودند. محبوبیت ایشان میان مردم عرب و عجم خوزستان زبانزد است. شیخ سالم پدربزرگ حجت الاسلام شیخ علی طرفی از بزرگان و عالمان مجاهد و مردمی بوده است که در واقعه معروف جهاد عشایر بنی طرف علیه غاصبان انگلیسی حضور داشته است. شیخ محمد پدر شیخ سالم از علمای بزرگ و مخلص و صاحب کرامت بوده است. در سفری که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام میرفته، به سختی بیمار می شود و حضرت را در راه زیارت کرده و از ایشان شفا می گیرد. و با مرکبی که حضرت به ایشان عطا فرموده بودند راه طولانی مشهد را در اندک زمانی با طیّ الارض می پیماید. مقبره ایشان در دشت آزادگان واقع در همیلی نزدیک مقبره سید خلف است. ۳- نگاهی کوتاه به زندگی روحانی مبارز و رزمنده بسیجی، نماینده امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظله) و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه) ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفه) دهم مهرماه سال ۱۳۲۸ دیده به جهان گشود. پدرش علامه مجاهد حضرت آیت الله حاج شیخ عیسی طُرفی از علمای خوزستان و یاران حضرت امام بودند که از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) ضمن ارتباط مستمر با ایشان، به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداختند و بارها از سوی ساواک مورد بازجویی قرار گرفتند. پس از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی(ره) به عنوان نماینده در آبادان، سوسنگرد، بستان و هویزه انتخاب شدند. حاج شیخ عیسی طُرفی دوشادوش رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه حاضر می شدند و با سخنرانی های پرشور خود در دل های بسیجیان شوق مجاهدت و ایثار در راه خدا را افزون می کردند. ایشان سرانجام در سال ۶۱ بر اثر عارضه قلبی به ملکوت اعلی پیوستند و به وصیت خودشان در میان شهدای جنگ در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شدند. حجت الاسلام حاج شیخ علی طُرفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا دوم دبیرستان در آبادان سپری کرد و سال های پایانی دبیرستان را در سوسنگرد به آخر رساند. از خاطرات شیرین ایشان در سنین نوجوانی، ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) به همراه پدرشان است. در این باره چنین می گویند: اولین بار سال ۴۱ به همراه مرحوم والد با حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در بیت ایشان واقع در محله یخچال قاضی قم ملاقات کردم. چهره امام و بیان ایشان چنان جذاب و زیبا بود که مجذوب ایشان شدم. من در آن زمان ۱۳ساله بودم و همان ملاقات در روح و جان من تأثیر عمیقی گذاشت به طوری که عاشق امام و سخنان و خط مشی انقلابی ایشان شدم. به گفته حجت الاسلام طُرفی، از همان زمان که مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طُرفی با امام در شهر مقدس قم ملاقات کردند، خانه ایشان کانون گرم انقلاب و سیره امام، الگوی جاویدان زندگانیشان شد. این سیره عملی از آغاز نهضت مقدس حضرت امام تا مرحله پیروزی و تا به امروز تداوم دارد. وی پس از اخذ دیپلم، برای گذراندن دوره نظام وظیفه به شهرهای تهران، کرمان و شیراز اعزام شدند و پس از طی دوران خدمت سربازی، حدود سال ۱۳۵۰ جهت تحصیلات حوزوی به شهر مقدس قم هجرت کرد. اوج فعالیت انقلابی حجت الاسلام طُرفی از زمان شروع نهضت و در دوران طلبگی در شهر مقدس قم متبلور گردید. در آن زمان ضمن تماس و ملاقات با عده ای از پیروان و شاگردان حضرت امام و منتسبین به بیت شریف ایشان از جمله: آقای اعرابی داماد امام، به مبانی نهضت امام آگاهی یافته و خود یکی از مبلّغین و مروّجین آن شد و با شرکت در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه و... به انجام وظایف انقلابی پرداخت. در سال های ۵۶ و ۵۷ به منظور آگاهی بخشی به مردم مانند رساندن اعلامیه و نوار سخنرانی های انقلابی، به صورت مستمر به شهرهای خوزستان به ویژه آبادان سفر می کردند و در مساجد، مجالس، محافل و نشست های سرّی با ایراد سخنرانی، آخرین مواضع انقلاب را تبیین می کردند. اهم فعالیت های ایشان در سال های قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را مرور می کنیم: • شرکت در راهپیمایی ها، از جمله شرکت در اولین راهپیمایی انقلابی ۱۹ دی قم. • تهیه نوارهای سخنرانی و اعلامیه های انقلابی و ارسال آن ها به آبادان و سایر شهرها. • تهیه وسائل تکثیر اعلامیه و ارسال آن به آبادان • تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم برای جوانان در آبادان و آگاهی بخشی انقلابی در خلال جلسات. • سخنرانی های انقلابی در مساجد و محافل مردمی. • سازماندهی و راه اندازی راهپیمایی در مناطق شهری و روستایی. • تسخیر رادیو تلویزیون آبادان در ابتدای انقلاب. حجت الاسلام طُرفه پس از انقلاب وظایف انقلابی خود را پی گرفت. برخی از این فعالیت ها چنین است: • تشکیل ستاد عشایر آبادان و نظارت بر کمیته های محلی که مشتمل برکمیته های مهم مرزی اروندرود بود. • حل مشکلات اجتماعی و اختلافی با تشکیل کمیته ای به نام کمیته حل اختلاف که جایگزین برخی از شعب دادگستری به صورت موقت بود. • مبارزه با قاچاق. • مبارزه با گروهک های منافق و کمونیست و انهدام پایگاه های آنان که به عناوین مختلف از قبیل چریک های اقلیت و اکثریت در آبادان فعالیت داشتند. • مدیریت رادیو نفت ملی آبادان. • تشکیل مجمعا لخطبای آبادان. • تشکیل مجمعا لشعرای آبادان. • تأسیس مرکز الثقافی (مرکز فرهنگی) آبادان. • راه اندازی محافل شعر و ادب انقلابی به زبان عربی و ضبط و پخش آن از صدا و سیما. حاج شیخ علی طُرفی در مدت هشت سال دفاع مقدس و غیورانه از مرزهای ایران عزیز، دوشادوش رزمندگان حضوری آگاهانه داشتند. پاره ای از فعالیت های ایشان در سال های دفاع و پس از آن چنین است: • حضور در جبهه ها از اولین روز شروع جنگ تحمیلی تا پایان آن به عنوان نیروی رزمی و فرهنگی در رادیو و کمیته انقلاب اسلامی • بیش از ۱۲ سال نماینده حضرت امام و رهبری و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه). • تهیه سلاح و مهمات جنگی و تدارک نیازمندی های جبهه رزمندگان عشایر آبادان. • حضور مستمر درخطوط مقدم نبرد. • رئیس ستاد پشتیبانی جنگ دشت آزادگان و

تهیه و ارسال کمک های مردمی برای رزمندگان اسلام. ٭ نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سوسنگرد، بستان و هویزه. ٭ نماینده جامعه روحانیت در بنیاد مسکن. ٭ رئیس جمعیت هلال احمر دشت آزادگان. ٭ رییس ستاد اعزام روحانیون به جبهه دشت آزادگان. ٭ سرپرست امور فرهنگی جهادسازندگی آبادان در دوران جنگ. سایر سوابق و مسئولیت های علمی، فرهنگی و سیاسی حجت الاسلام طُرفی: ٭ بیش از ۳۰ سال تحصیل و تدریس در حوزه های علمیه و همچنین افتخار تلمذ سطوح نزد استادانی چون: مدرس افغانی، تهرانی، سید علی علوی، شیخ حسین قطیفی، بحث خارج نزد آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، سید کاظم حایری. ٭ بنای بیش از ۴۰ باب مسجد و بنای حوزه علمیه و مصلای دشت آزادگان. ٭ مسئول بخش عربی رادیوهای استان خوزستان. ٭ مسئول بخش عربی صدای سپاه پاسداران استان خوزستان. ٭ سرپرست اداره اوقاف و امورخیریه آبادان. ٭ رئیس شورای حل اختلاف دادگستری آبادان. ایشان صاحب تألیفات متعددی هستند که از آن جمله کتابب «آبادان در تاریخ اسلامی» و «مساجد آبادان» به چاپ رسیده است. و تألیفات دیگرشان از جمله «طیّ قبیله المؤمنه»، «نامه ی امام جعفر صادق علیه السلام به دولتمردان» ، «الزرع و الزراعه» و «الاخلاق الاسلامی»، «دیوان اشعار عربی و فارسی» در شرف چاپ هستند. و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاهٔ و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا أبی القاسم محمّد و علی أهل بیته الطّیّبین الطّاهرین المعصومین المنتجبین و اللّعن الدّائم علی أعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

طسوجی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۲ / ۱۲۲۹– شهادت ۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، مفسر، محدث، ادیب و شاعر. نسبتش به طسوج آذربایجان می‌رسد. در کربلا به دنیا آمد. مادرش دختر علی مرادخان زن بود. نیای بزرگش ملا عبدالنبی طسوجی از نوابغ علما در دولت زندیه بود. در کربلا نشوونما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. در ۱۲۵۴ ق برای تحصیل، سفری به اصفهان کرد و در ۱۲۵۷ ق به نجف بازگشت و در محضر بحث و درس شیخ انصاری حاضر شد. وی از دانشمندان بزرگ از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری بود. او در قضیه‌ی نجیب شاپا در کربلا شهید شد. در شهادتش مرثیه سروده شد و ماده تاریخش «شد شهید اشقیا افسوس وی» بود.از آثار وی: کتاب «کشکول»؛ حواشی متفرقه بر «ریاض»؛ «تفسیر»، ناتمام؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «الرحله الی الحجاز» یا «سفرنامه‌ی حجاز»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹ / ۳)، ریحانه (۵۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷ / ۱۳)، مکارم الآثار (۸۵۹ / ۳).

طسوجی، عبدالنبی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۰۳ –۱۱۱۷ ق)، فقیه، اصولی، ریاضیدان، ادیب و شاعر. پدر وی بنا به روایتی اوجاق قلی از نوادر عهد شاه سلطان حسین صفوی بود. ملاعبدالنبی در خوی متولد شد. علوم عقلیه، فنون عربیه و ادبیه را در لاهیجان نزد سید محمد لاهیجانی فراگرفت. به مشهد رفت و نزد ملارفیع گیلانی علوم فقه و اصول و ریاضی و معقول را تکمیل نمود. سپس به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. میرزا حسن در فوت او ماده تاریخی سروده بود. از جمله آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «شرح نهج‌البلاغه»؛ «حاشیه‌ی تفسیر تونی»؛ «شرح معانی الاخبار»؛ «الردعلی نواقض الرافض»؛ «تحفهٔ السالکین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۶ /۸)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۷)، الذریعه (۱۳۴، ۱۴/ ۷۲، ۲۳۳/ ۱۰، ۲۸۱/ ۴)، ریحانه (۵۷ –۵۶ /۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴ /۶)، معجم المؤلفین (۲۰۱ /۶)، مکارم الآثار (۱۵۱ –۱۵۰ /۱).

طسوجی، ملک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ملک موسوی که جامع معقول و منقول و دارای علوم غریبه بوده و در حدود سال ۱۳۵۲ قمری در طسوج وفات نموده و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.

سید ملک ملکی (طسوجی) از علماء و ائمه جماعت معاصر شیراز است.

وی در بیت علم و فضیلت دیده به جهان گشوده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و به درس خارج آیات عظام حوزه بالاخص آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه. العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّٰه العظمی خمینی شرکت و از خرمن علوم آنان استفاده و بهره‌های کافی برده و پس از رحلت آیت‌اللّٰه بروجردی منحصراً از درس و بحث آقای شریعتمداری بهره‌مند شده تا در سال ۱۳۹۴ قمری که حسب‌الامر معظم له به شیراز عزیمت و در مسجد امام حسین (ع) (خیابان شاه شیراز) به اقامه جماعت و گفتن درس تفسیر و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای ملکی که داماد عموی گرامش حجةالاسلام والمسلمین حاج سید عباس ملکی طسوجی است. از افاضل وارسته این بیت است مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید ملک موسوی طسوجی از علماء بزرگ و بنام طسوج بودند و در حدود سال ۱۳۵۲ قمری وفات و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.

و برایش مقبره‌ای بنا و فرزند برومند و بزرگش آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد جمال که از علماء اعلام نجف و شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و غیرهما می‌باشند مرتجلا در مدفن والد ماجد خود دوبیتی انشاد نموده و به کاشی بالای درب مقبره‌اش کتیبه شده است که در اینجا می‌نگارم.

زر جمال‌الدین فی هذا المقام

فهو للاسلام قد کان امام

فاراد اللّه ان یرفعه

فزهی کالنجم فی وادی‌السلام

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طغرایی اصفهانی، ابواسماعیل حسین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۳– شهادت ۵۱۸ / ۵۱۵ / ۵۱۳ ق)، شاعر، ادیب و نویسنده. ملقب به مؤیدالدین، عمید فخر الکتاب. معروف به طغرایی. وی از استادان بزرگ شعر و ادبیات عرب است که در خانواده‌ای که نسب خود را به ابوالاسود دؤلی می‌رسانید، در اصفهان تولد یافت. نسبت طغرایی به جهت اشتغال او به منصب طغرانویسی یا نگارش فرمان‌های رسمی حکومتی بود. ابتدای امر در نزد خواجه نظام‌الملک به سر برد و در قصاید خود او را مدح گفت. در ۵۰۵ ق دیوان طغرا و انشاء سلطان مسعود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی به وی واگذار شد و در همین سال به سبب گرفتاری که در بغداد برای او پیش آمد، قصیده‌ی معروف «لامیه العجم» را سرود و همین قصیده از اسباب عمده اشتهار او در ادب عربی است. طغرایی در جنگی که میان سلطان مسعود با برادرش سلطان محمود، در نزدیکی همدان درگرفت، اسیر و به دست وزیر سلطان محمود به ناحق کشته شد. از دیگر آثار وی: «ارشاد الاولاد»؛ «ترکیب الانوار»؛ «جامع الامرار»؛ «حقایق الاستشهادات»؛ «ذات الفوائد»؛ «الرد علی ابن سینا»؛ «مفاتیح الرحمه و مصابیح الحکمه»؛ «دیوان» طغرائی.[۱]

(ع.) ابواسماعیل مؤیدالدین حسین بن علی اصفهانی از جمله فاضلان و ادیبان دوره سلجوقی (و. ۴۵۳– مقت. بین ۵۱۳ و ۵۱۶ ه.ق). وی وزارت مسعود بن محمد بن ملکشاه را داشت و مشیر و صاحب تدبیر او بود. او را دیوان شعری به عربی بوده است که قصیده معروف «لامیهٔ العجم» از جمله قصاید آن دیوان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۸ –۲۶۷ / ۲)، اعیان الشیعه (۱۳۰ –۱۲۷ / ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۹ –۱۰۳۸ / ۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۵۲۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۲۶ / ۲)، الذریعه (۳۰۳ –۳۰۲ / ۲۱ ،۲۷۲ –۲۷۱ / ۱۸ ،۱۱۹ –۱۱۸ / ۱۷ ،۲۷۵ – ۲۷۴ / ۱۳ ،۶۴۹ –۶۴۸ / ۹)، روضات الجنات (۱۸۳ –۱۸۱ / ۳)، ریحانه (۵۹ –۵۷ / ۴)، سیر النبلاء (۴۵۵ –۴۵۴ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴۳ –۴۱ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۸۷ –۸۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰ / ۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۷)، کشف الظنون (۱۷۵۵ ،۱۵۳۷ ،۸۳۸ ،۸۲۱ ،۷۹۸ ،۶۷۲ ،۵۳۴ ،۳۹۴ ،۶۸)، الکنی و الالقاب (۴۵۰ –۴۴۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین طغرائی، طغرائی، فخر الکتاب)، معجم الادباء (۷۹ –۵۶ / ۱۰)، معجم‌المؤلفین (۳۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۰ / ۲)، النجوم الزاهره (۲۲۰ / ۵)، الوافی بالوفیات (۴۳۹ –۴۳۱ / ۱۴)، وفیات الاعیان (۱۹۰ –۱۸۵ / ۲)، هدیه العارفین (۳۱۲ –۳۱۱ / ۱).

طلائی، محمد حسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا محمّد خراسانی. عالم فاضل، و فقیه کامل، در کیمیا رنجها کشیده و کتابها تألیف نموده که از آن جمله است: ۱– شرح رساله جابر بن حیان ۲– شرح شذور الذهب ۳– شرح مفتاح جلدکی؛ و غیره.

در سال ۱۱۲۹ وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید.

پدرش ملّا احمد خراسانی هندی نیز از فضلا معدود بوده، و در سال ۱۱۱۰ وفات یافته، و در آب بخشان مدفون بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طوبی نایینی، محمدثانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۴ ق)، شاعر و ادیب. در مـدتی که پدرش کار وزارت یا انشاء می‌کرد، او نیز نیابت نایین و سـرحد داری بلوچ و راهداری را در دست داشت. طوبی مردی ادیب و صاحب قلم بود. اشعار عربی و فارسی وی در زمان حیاتش بالغ بر سی هزار بیت بود که به دلیل عدم جمع‌آوری خود در زمان حیات، بعد از مرگش فقط توانستند در حدود دو هزار بیت از اشعار وی را جمع‌آوری کنند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۳۲ –۱۱۲۹ / ۲).

طوبی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۴ ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شـاعر، متخلص به طوبی. از منجمـان و ادیبـان بنام روزگار خود بودکه در سـخنوری توانا و در علم هیأت اسـتاد بود. طوبی در اصفهان درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۳)، الذریعه (۶۵۱ / ۹)، ریحانه (۶۲ / ۴).

طوسی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوجعفر محمـد بن حسن ملقب به شـیخ‌الطائفه، از بزرگترین علمای دینی شیعه (و. طوس ۳۸۵– ف. نجف ۴۶۰ ه.ق.). وی در ۴۰۸ ه.ق. از طوس به بغـداد رفت و چهـل سـال بعـد به نجف شـد. تحقیقـات او در حـدیث و تفسـیر و فقه و رجـال و کلام و ادب مرجع علمای شـیعه میباشد. او صاحب تألیفات مهم در مسایل مذهبی شیعه است که از جمله آنهاست: کتاب تبیان (ه.م.)، استبصار (ه.م.)، تهذیب الاحکام، العدهٔ فی اصول الفقه، کتاب الرجال، کتاب الغیبهٔ، فهرست کتب الشیعهٔ و اسماء المصنفین، النهایهٔ، کتاب الخلاف، کتاب الجمل والعقود، کتاب یوم دلیلهٔ، تلخیص شافی، المفصح در امامت، مناسک الحج، مقتل الحسین، اخبار مختار و غیره.

(۴۶۰ –۳۸۵ ق)، فقیه، عـالم، مولف دو کتاب از کتب اربعه شـیعه و بنیانگـذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف. معروف به شـیخ‌الطائفه و امام الفرقه بعد الائمه (ع). در ۴۰۸ ق در بیست و سه سالگی از خراسان وارد عراق شد. پس از چهل سال از بغداد به علت ترس از فتنه‌ای که در آن زمـان (۴۴۸ ق) در بغـداد درگرفته بود و کتابهـای شـیخ و خـانه‌ی او را طعمه‌ی آتش خویش کرده بود، به نجف اشـرف مهـاجرت کرد. او بر کرسـی کلام می‌نشست و جوابگوی خـاص و عـام در تمامی مسائل حتی در امامت بود. آن کرسـی از جانب خلفـاء به او عرضه شـده بود و مخصوص یگـانه‌ی دوران بود. شـیخ طوسـی بینان‌گـذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف است که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گـذرد. وی شاگرد شـیخ مفیـد و ابن‌غضائری و ابن‌عبدون و ابن ابی‌جید قمی و سـید مرتضـی و علی بن شـبل بن راشد و حسـین بن قاسم علوی و احمد بن ابراهیم قزوینی و هلال بن محمد حفار و احمد بن محمد اهوازی و جعفر بن حسین قمی و ابـوعلی بـن شـاذان و بسیای دیگر از اسـاطین علـم و دیـن است. شـاگردان دانشـمند و مجتهـد وی متجـاوز بر سـیصد تن از شـعیه و بی‌شـماری از عامه بودنـد. فرزنـدش شـیخ ابوعلی حسن بن شـیخ، صاحب کتاب «المجالس»، از شاگردان و راویان او است. در میان شاگردان او آدم بن یونس نسـفی، ابوصـلاح حلبی، شیخ‌الاسـلام حسن بن بابویه قمی، محی‌الـدین حسن همـدانی، ابومحمـد حسـن جبهانی، حسین بن فتح واعظ جرجانی، ابوصـمصام حسینی، سـلمان بن حسن صـهرشتی، ابوالصلت محمد بن عبدالقادر، سعدالدین ابن‌براج، شـیخ علی سبزواری، شـیخ عبیـداللّه بن بابویه قمی، غازی بن احمـد سامانی، کردی بن عکبری فارسـی، ابوالحسن دیباجی، محمد وراق، شـیخ ابوجعفر حلبی، ابوسـعد منصور آبی، جمال‌الدین محمد طبری، ناصرالدین رضی حسینی، محمد بن حسن فتال و بسـیاری دیگر را می‌تـوان نـام برد. در هفتـاد و پنـج سـالگی در نجف درگـذشت و در منزل خویش که اکنون مزار معروفی است به خاک سپرده شد. خانه‌اش و مسـجدش که یکی از معروفترین مساجد نجف است و همچنین آثار باقی مانده از او، تاکنون برجاست.

از آثـار علمی وی: در تفسـیر: «التبیـان»؛ «الجـامع لعلوم القرآن»؛ در حـدیث: «تهـذیب الاحکـام» یا «التهـذیب»؛ «الاسـتبصار»؛ در فقه: «المبسوط»؛ «الخلاف»؛ «الایجاز»، در فرائض؛ «الجمل و العقود»، در عبادات؛ «الاقتصاد»، در عقاید و عبادات؛ «النهایه»؛ در علم اصول و رجال: «العـده» که ملا خلیل آن را شـرح کرده است؛ «الفهرست» که در آن «اصول» و نگارشـهای اصـحاب و تصانیف آنها آورده شده «و شیخ سلیمان ماحوزی آن را مرتب و شرح کرده و «معراج الکمال الی معرفه الرجال» نامیده است؛ «الابواب» که به نام «رجال شیـخ» یـا «رجـال الطوسـی» معروف است؛ «اختیـار رجـال الکشـی» یـا «اختیـار معرفه الرجـال». از دیگر آثـار او: «التلخیص للشافی» و «المفصـح»، هر دو در کلام و امامت؛ «هـدایه المسترشـد و بصـیره المتعبـد»؛ «کتاب الغیبه»؛ «مناسک حـج»؛ «المجالس»، در اخبار که «امالی» اوست؛ مقتل الحسین (ع)»؛ «اخبار مختار»؛ «مصباح المتهجد»، در اعمال سال.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۵/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۶۷ –۱۵۹/ ۹)، ایضاح المکنون (۷۲۲، ۵۷۳، ۴۵۴، ۴۲۴، ۳۳۵، ۲۸۶، ۲۷۶، ۲۶۶، ۲۱۲، ۹۵/ ۲، ۶۰۴، ۳۱۴، ۳۱۸، ۲۲۳/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۸/ ۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۶ –۲۵)، تاسیس شیعه (۳۱۳)، تاریخ علم کلام در ایران و جمان اسـلام (۲۵۹ –۲۵۶)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۴۸۵ –۴۸۳)، دایرهٔالمعارف الاسلامیه (۳۷۸ –

۳۷۶/ ۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۶۳۴/ ۲)، الذریعه (۲۳۵/ ۷، ۱۴۵/ ۵، ۳۳۱ -۳۲۸/ ۳، ۴۸۶، ۲۶۹، ۱۴/ ۲، ۳۶۵/ ۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۰۶/ ۱)، رجال النجاشی (۳۳۳ -۳۳۲/ ۲)، روضات الجنات (۲۳۱ -۲۰۱/ ۶)، ریحانه (۳۲۸ -۳۲۵/ ۳)، سیر النبلاء (۳۳۵ -۳۳۴/ ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲ -۱۶۱/ ۵)، طبقات خلفاء و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (۳۹۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۹)، فقهای نامدار شیعه (۷۹ -۶۷)، فوائد الرضویه (۴۷۳ -۴۷۰)، الفهرست للطوسی (۱۶۱ -۱۵۹)، قرآن پژوهی (۱۷۵ -۱۷۳)، قصص العلماء (۴۱۶ -۴۱۴)، الکامل (۱۰۶/ ۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۲ -۱۲۱)، کشف الظنون (۱۹۷۳، ۱۵۸۱، ۴۵۲)، الکنی و الالقاب (۳۹۷ -۳۹۴/ ۲)، لسان المیزان (۵۲/ ۶)، لغت نامه (ذیل/ ابوجعفر طوسی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۶ -۴۰۲/ ۵)، مجالس المومنین (۴۸۲ -۴۸۰/ ۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۶۰)، معجم المؤلفین (۲۰۲/ ۹)، معجم رجال الحدیث (۲۴۷ -۲۴۳/ ۱۵)، منتخب التواریخ (۱۹۰ -۱۸۹)، الوافی بالوفیات (۳۹۴/ ۲)، وقایع السنین و الاعوام (۲۶۸)، هدیه الاحباب (۹)، هدیه العارفین (۷۲/ ۲).

طوسی، ابوابراهیم اسحاق

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۵۵ -۵۶۴ ق)، قاری، محدث، ادیب و دانشمند. در مراکش ادب آموخت. قسمتی از «صحیح» مسلم را از دایی مادرش، ابوعبدالله بن زرقون، استماع کرد و قراآت هفت‌گانه را نزد علی بن هشام جذامی آموخت. او از ابومحمد بن عبیدالله حدیث شنید و از ابوعبدالله بن خلیل قیسی، آخرین شاگرد ابوعلی غسانی، اجازه روایت داشت. ابوجعفر بن زبیر از شاگردان وی بود. طوسی هر روز قرآنی ختم می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۰۱ -۳۰۰ / ۲۳)، الوافی بالوفیات (۳۹۸ / ۸).

طوسی، ابومحمد احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۹ ق)، حافظ، محدث و واعظ. معروف به بلاذری صغیر. او از محمد بن ایوب بن ضریس و تمیم بن محمد حافظ و عبدالله بن محمد بن شیرویه و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم گوید که او یگانه‌ی دوران خویش در حفظ و وعظ بود و مشایخ بزرگ همچون حافظ ابوعلی در محضرش حاضر می‌شدند و از حدیث‌خوانی او فرحناک می‌شدند و هیچ‌گاه درباره‌ی اسناد یا اسمی و یا حدیثی بر او خرده نگرفتند. او در طابران طوس از دنیا رفت. از آثارش تخریج «صحیحی» به سبک «صحیح» مسلم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۶ / ۱۶)، شذرات الذهب (۳۴۹ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۶ -۳۶۵)، العبر (۵۶ / ۲).

طوسی، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله طوسی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر آموزش قرآن کریم را نزد پدر بزرگوارم آموختم آنگاه برای تحصیل وارد مدرسه ابتدایی واقع در محل تولدم در یکی از روستاهای ییلاقی در مناطق جنگلی و خوش آب و هوای مازندران , بخش هزار جریب ساری شدم تا پایه سوم ابتدایی را گذراندم سپس توسط برادر بزرگوارم جناب حجت الاسلام شیخ محمد علی طوسی به شهر مقدس قم آمدم از پایه چهارم ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در این شهر مشغول به تحصیل بودم خرداد سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و سال بعد یعنی ۱۳۶۳ به حوزه علمیّه قم وارد شدم . شروع به تحصیلات حوزوی از برکات زندگی حقیر بود . آشنایی با مراکز علمی حوزوی و اساتید و کارشناسان حوزوی و افتادن در وادی علم و تحصیل و تحقیق برای بنده بسیار مغتنم بود .

سال ۱۳۶۷ یعنی وقتی مشغول به گذراندن سطح ۴ حوزه بودم وارد بخش آموزش مؤسسه در راه حق شدم که بعدها به بنیاد باقر العلوم (ع) و سپس به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت . پس از اتمام دوره عمومی در سال ۱۳۷۱ دوره تخصصی در رشته تربیتی را آغاز کردم . پس از اتمام دوره تخصصی در سال ۱۳۷۶ از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی با عنوان روش های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن با نمره عالی ۵/۱۸ دفاع کردم . فراغت از تحصیلات دوره های مؤسسه

همزمان بود با درخواست های برخی دوستان و نیز اساتید برای فعّالیّت در بخش های مختلف آموزشی و پژوهشی که حقیر با فعالیت در مراکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیّه قم موافقت کردم و بعنوان مسئول گروه تربیت و مشاوره ادامه داشت . همزمان به اتفاق یکی از دوستان دست به ترجمه مجموعه مقالات تخصصی علوم تربیتی از یکی از منابع خارجی شدیم به صورت کتاب با عنوان گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی چاپ و منتشر گردید .

با افتتاح واحد تربیت مربی اخلاق در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به سرپرستی و هدایت حضرت استاد حاج آقای دکتر تهرانی ، حقیر جذب آنجا شدم و از اولین گروه آموزشی آن واحد بودم سال بعد از آن خود نیز بنا به درخواست و لطف و عنایت استاد وارد فعّالیّت های واحد شده و سپس به عنوان مسئول واحد تربیت مربی اخلاق تا کنون مشغول به انجام وظیفه هستم .

همزمان با فعال بودن در واحد تربیت مربی اخلاق فعالیت هایی نیز در حوزه آموزش و پرورش داشتم.

طوسی، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۱، برنده بورس فولبرایت از طریق آزمون سراسری دبیران زبان انگلیسی و تحصیل در دانشگاه جورج تاون آمریکا در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد در زبانشناسی و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲ و درجه دکترا در آموزش زبان از انگلستان در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد در گروه زبان و ادبیات انگلیسی.

ابداع:

۱۵ اختراع در زمینه‌های مانع‌یاب زیردریائی برای شناورها و کمک مکانیک پارک اتومبیل.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مهارتهای مطالعه، خودآموزی تندخوانی، اصول عملی نوشتن مقاله و رساله.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

آموزش زبان انگلیسی، روشهای تدریس، ارزشیابی مسائل و مشکلات دانشگاهها، اصول و روش تحقیق و تربیت نیروی متخصص برای بازسازی کشور.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طوطی اهری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، ادیب و نویسنده. از ادیبان و سخنوران آذربایجان بود. از آثارش: منظومه‌های «سبیکه المعانی فی المصادر و المعانی» و «توقیعات التقویم»می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۴۷ -۲۴۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۳۳ / ۲ ،۹۷۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۵ -۵۸۴ / ۲).

طهماسبی، سامان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سامان طهماسبی چهاردهم مردادماه ۱۳۶۴ در سنندج به دنیا آمد. از ۱۵ سالگی کشتی را زیر نظر جمشید خیرآبادی شروع کرد. تنها

پسر خانواده در حالی وارد دنیای ورزش شد که هیچ کدام از افراد خانواده او ورزشکار نبودند.

سامان در ابتدای حضورش در کشتی با حضور در مسابقه های مختلف توانست به مقام های قابل قبولی دست پیدا کند و پس از آن به دعوت حسن یوسفی افشار به تیم ملی نوجوانان دعوت شد.

حضور او در تیم جوانـان و پس از آن کشتی هـای قابـل قبول سامـان باعث شـد که او به یکی از مهره های خوب وزن ۸۴ کیلوگرم تبـدیل شود. او اکنون با المپیکی شدن خود را در ابتدای راه می داند و قصد دارد با حضور در میدان های بزرگ افتخارهای زیادی را برای ایران به دست بیاورد.

فهرست افتخارات

–۲۰۰۶ قهرمانی جهان، گوانگ ژو، برنز

–۲۰۰۶ عضو تیم ملی در بازی های آسیایی دوحه

–۲۰۰۷ قهرمانی آسیا، قرقیزستان، طلا

–۲۰۰۷ قهرمانی جهان، باکو، برنز

– ۲۰۰۸ کاپ آزوماش، اوکراین، برنز

– ۲۰۰۸ المپیک پکن ( )

به دنبال مدال المپیک

سامـان طهمـاسبی بـا دعوت محمـد بنـا به اردوی جوانان آمـد. او خیلی زود توانست پله های ترقی را طی کنـد و در تیم بزرگسالان جای ثابتی پیـدا کنـد. اکنون با ۲۳ سـال سن یکی از مهره هـای اصلی تیم کشـتی فرنگی برای کسب مـدال در بـازی هـای المپیک محسوب می شود.

البته با درخششی که این فرنگی کار در سالیان گذشـته داشت بایـد امیـدوار بود که این کشتی گیران به یکی از سـکوهای المپیک دست پیدا می کند.

کسب سهمیه در اولین مرحله

در مسابقـات جهـانی بـاکو که مرحله نخست گزینشی ها بود، سامان طهماسبی با غلبه بر ماتسوموتو(ژاپن)، نناد زوگاج(کرواسـی)، فالکون آسترادا(کوبا)، جان فیشر(آلمان)، کیم جانگ ساب(کره جنوبی) و یک شکست مقابل برادلی ورینگ(امریکا) روی سکوی سوم ایستاد تا سهمیه المپیک را بگیرد.

برنامه مسابقات

۲۳ مرداد:

بعد از ظهر، سامان طهماسبی در ۸۴ کیلوگرم کشتی فرنگی، وزن کشی خواهد کرد تا حریفانش را در جدول بشناسد.

۲۴ مرداد:

در آخرین روز از مسابقـات کشتی فرنگی المپیک ۲۰۰۸، سامان طهماسبی در اسـتادیوم دانشکده کشاورزی پکن، روی تشک زرد خواهد رفت.

حریفان اصلی

نظمی آولوجا کاپیتان تیم ملی کشتی فرنگی ترکیه، آلکسـی میشـین کاپیتان تیم ملی کشتی فرنگی روسـیه، برادلی ورینگ(امریکا)، بدری خاسایا(گرجستان)، دنیس فوروف(ارمنستان)، آرا آبراهامیان(سوئد)، ملونین نومونوی(فرانسه)، شینگو ماتسو موتو(ژاپن) و ...

تذکر: این مطلب ازگزارش روزنامه ایران ورزشی دوشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۷ تلخیص شده است

•رئیس هئیت کشتی کردستان می گوید برکناری او غیر قانونی است

•تمجید رئیس هیات کشتی کردستان از نامه احمدی نژاد

•انتقاد مربی کردستانی از نتایج کشتی فرنگی ایران در المپیک

•حذف کشتی‌گیر کردستانی از بازیهای المپیک پکن در دومین دیدار

•طهماسبی تنها المپیکی کردستان در کاروان ورزشی ایران

طهمانی مروزی، ابوالعباس عیسی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۳ / ۲۹۲ ق)، محدث، ادیب، کاتب و لغوی. پیشگام اهل لغت و از بزرگان مرو بود.از اسحاق بن راهویه و علی بن حجر و گروهی دیگر حـدیث شـنید. به بغـداد رفت و از عمر بن محمـد بخاری و راهویه و علی بن حجر و گروهی دیگر حـدیث شـنید. به بغـداد رفت و از عمر بن محمـد بخاری و احمد بن بکر تغلبی و یعقوب بن جراح حدیث روایت کرد. محمدبن مخلد و عبدالباقی بن قانع و احمد بن خضر و یحیی بن محمد عنبری و عمر بن علک از وی حدیث شنیدند.

ابوسـعید ابن الاعرابی گوید که در بازار یحیی از طهمانی حدیث شنیده است. خطیب بغدادی او را فردی مورد اعتماد توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سـمعانی (۸۸ / ۴)، تاریخ بغداد (۱۷۱ –۱۷۰ / ۱۱)، سیر النبلاء (۵۷۲ –۵۷۱ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲۱۱ –

۲۱۰ / ۲)، العبر (۴۲۴ / ۱)، النجوم الزاهره (۱۷۷ / ۳).

طهوری، عبدالغفار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خادم نشر.

درگذشت: ۱۹ آذر ۱۳۷۴، تهران.

عبدالغفار طهوری کار خود را در کتابفروشی دانش آغاز کرد و سپس خود را از سال ۱۳۳۱ دست به کار نشر کتاب زد. نخستین کتابی که منتشر کرد، فرهنگ فارسی تألیف محمد کیوان پورمکری (دکتر محمد مکری) بود. فردوس المرشد فی اسرار الصمدیه به تصحیح ایرج افشار که در سال ۱۳۳۳ توسط انتشارات غفوری منتشر شد. وی کتابفروشی خود را نخست در مغازه‌ای در خیابان شاه‌آباد سابق باز کرد و پس از چندی به رو به روی دانشگاه تهران نقل مکان کرد.

از جمله فعالیت‌های وی چاپ و صد و پنجاه جلد کتاب به نام مجموعه زبان و فرهنگ ایران بود. از آثار دیگر او مختصری از شرح حال و منتخبی از اشعار دهخدا (۱۳۳۳) است. مجموعه کتابفروشی او نیز بیشتر شامل کتاب‌های عرفان و ادبیات فارسی است.

عبدالغفار طهوری در پی سکته‌ی مغزی در سال ۱۳۷۴ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طیب اصفهانی، جلال‌الدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف کتاب «دستورالجلالی» در طب به زبان عربی، از فضلای قرن ۱۲ و ۱۳. نسخه‌ی کتاب مورخ به سال ۱۲۷۵ به خط محمد حسن بن محمدرضا نائینی به شماره‌ی جزو کتب کتابخانه‌ی پزشکی طهران موجود است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طیب اصفهانی، محمد سعید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌محمد صادق، مترجم کتاب «رجوع الشیخ الی صباه فی القوهٔ علی الباه» تألیف مولی احمد بن سلیمان مشهور به ابن‌کمال پاشا متوفی به سال ۹۴۰ قمری می‌باشد. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی علیه‌السلام موجود است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ظاهری اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۹۷ -۲۵۵ ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر. مذهب ظاهری بدو و به پدرش منسوب است. پدرش پیشوای دینی بود. اصلش از اصفهان است اما در بغداد به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت. چون نحیف و رنگ‌پریده بود به او گنجک لندوک می‌گفتند. ابن‌حزم گوید که در هفت سالگی قرآن را از بر کرد و در ده سالی قادر به مذاکره‌ی شعر و ادب بود. با ابوالعباس بن سریج در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مشاعره داشت. بعد از پدر متصدی کرسی فتوا شد گر چه عده‌ای او را برای این مقام جوان می‌دانستند اما او شایستگی خو را اثبات کرد. در مجلس درس او چهارصد قلمدان مشاهده می‌شد. او از پدرش و عباس دوری و ابوقلابه رقاشی و احمد بن ابی‌خیثمه و محمد بن عیسی مدائنی حدیث روایت می‌کرد. نفطویه و قاضی ابوعمر محمد بن یوسف از شاگردان وی می‌باشند. از آثار وی: «الزهره»، در ادبیات و غرائب و نوادر، که آن را زیر نظر پدرش نگاشت؛ «الانذار»؛ «الاعذار»؛ «التقصی»، در فقه؛ «الوصول الی معرفه الاصول»؛ «الایجاز»؛ «اختلاف مصاحف الصحابه» یا «اختلاف مسائل الصحابه»؛ «الفرائض»؛ «المناسک»؛ «الانتصار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۵ / ۶)، انساب سمعانی (۱۰۰ / ۴)، ایضاح المکنون (۶۲۰ / ۱)، تاریخ بغداد (۲۶۳ -۲۵۶ / ۵)، تذکره القبور (۳۱۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۵۹ -۵۵۷ / ۳)، ریحانه (۷۱ / ۴)، سیر النبلاء (۱۱۶ -۱۰۹ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲۲۶ / ۲)، العبر (۴۳۳ / ۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۵، الکامل (۱۳۷ / ۶)، کشف الظنون (۲۰۱۴، ۱۴۲۳، ۱۳۹۹، ۱۳۹۴، ۹۶۲، ۱۷۳)، الکنی و الالقاب (۴۵۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌داوود)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۲۹۷)، مروج الذهب (۶۸۹ / ۲)، معجم المؤلفین

(۲۹۷ -۲۹۶ / ۹)، النجوم الزاهره (۱۹۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۶۱ -۵۸ / ۳)، وفیات الاعیان (۲۶۱ -۲۵۹ / ۴).

ظاهری، خلیل

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۳ -۸۷۲ ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در ۸۴۰ ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک»و خلاصه آن به نام «زبده کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبیر»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضیئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر،در چندین مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۷ / ۲)، ایضاح المکنون (۵۹۶ / ۲ ،۴۶۰ / ۱)، ریحانه (۴۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۵۲۳، ۱۴۹۶، ۹۵۳، ۳۰۵، ۹۷)، معجم المؤلفین (۱۲۰ / ۴).

ظفر ایلخان بختیاری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، مترجم. در چهار محال بختیاری به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در یران و تحصیلات تکمیلی در امور سیاسی و اجتماعی را در لوزان سویس، و انگلستان انجام داد. از ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ ش به حکومت یزد منصوب و همچنین چند دوره (از دوره‌ی چهارم تا هشتم) به وکالت مجلس انتخاب شد.وی در کابینه‌ی سپهبد زاهدی به سمت وزیر مشاور عضویت داشت. از آثارش: «سفری به سرزمین دلاوران»، ترجمه؛ «زندگی و افکار و عقاید سقراط»، ترجمه؛ «شاهزاده خانم بعلبک»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روزشمار تاریخ ایران (۳۵، ۱۹، ۱۸ / ۲ ،۴۰۹، ۲۷۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۶ -۷۰۵ / ۲)، نخبگان سیاسی ایران (۴۷۱ / ۴).

ظفری، ولی‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نگارش و تدوین یک دوره تاریخ ادبیات ایران، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پژوهشی درباره شاعران، زندان‌ها و انواع شکنجه‌ها تا قبل از انقلاب اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

پژوهشی درباره مقلدان سعدی، اشعار و امثال کلیله، نکته‌هایی درباره مسعود سعد سلمان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ظهیر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) حسن بن ظئر مکنی به ابوعلی فارسی، فقیه و لغوی و نحوی (ف. قاهره ۵۹۸ ه.ق). مولد اودهی به نام نعمانیه بود و از آنجا به شیراز رفت و به فارسی شهرت یافت. وی در فنون علوم و قراات عشره و تفسیر قرآن عالم و در فقه و حدیث و کلام و منطق و حساب و هیئت و طب مبرز و در لغت و نحو و عروض و قوافی و روایت اشعار عرب چیره‌دست بود و در هر فنی از این فنون کتابی را از برداشت. اوراست: کتابی در شرح الصحیحین، اختلاف الصحابهٔ و التابعین و فقهاء الانصار که به پایان نرسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ظهیر کازرونی، علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۱- ح ۶۹۷ ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، لغوی و شاعر. از رجال دوران مغول بود که در عراق زندگی می‌کرد. خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد که از آن جمله: «روضه الاریب»، در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب»، در حساب؛ «الملاحه فی الفلاحه»؛ «النبراس المضیء» یا «نبراس المفتی»، در فقه شاعفی؛ «الذروه العلیا فی سیره المصطفی (ص)»؛ منظومه «الاسدیه»، در لغت؛ «التنزلات» کازرونی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۵ / ۵)، ایضاح المکنون (۷۱۵ ۷۱۴ / ۲ ،۳۲۸ / ۱)، ریحانه (۷۶ / ۴)، کشف الظنون (۱۹۲۳، ۱۰۱۳، ۹۲۳، ۴۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۲۳۲/ ۷)، هدیه العارفین (۷۱۵ / ۱).

ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۲۶ ق)، عالم امامی، متکلم، حکیم متأله، ادیب و شاعر. پدرش میرزا قوام‌الدین حسین در عهد شاه طهماسب در همدان عهده‌دار منصب قضاوت و متصدی امور شرع بود، بدین جهت میرزا ابراهیم به قاضی‌زاده نیز مشهور است. وی به همراه پدرش مدتی در قزوین بود لذا توانست در محضر میر فخرالدین سماکی تلمذ کند و علوم عقلی را فراگیرد. چون به همراه پدر به اصفهان رفت، شاگرد میرزا مخدوم اصفهانی شد. وی تحصیلات را در فقه و ادب و حکمت و کلام و بلاغت ادامه داد تا سرآمد شد. مراتب علمی او با زهد و تقوی توأم بود. حدیث را از شیخ بهائی فراگرفت و از او اجازه‌ی روایت دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد بن نعمت‌الله عاملی ملاقات کرد و از او نیز اجازه‌ی روایت دریافت کرد. او بعد از وفات پدر قاضی همدان شد، لیکن اکثر اوقات خود را در درس و مطالعه و مباحثه می‌گذراند. شیخ بهایی او را بر میرداماد ترجیح می‌داد و مکاتباتی بین آن دو جریان داشت. ظهیر همدانی از دانشمندان بزرگ عصر خود بود و جمع کثیری از علمای زمان از محضر وی استفاده کردند. مجلسی اول، علامه ملا محمد تقی، از وی اجازه‌ی روایت گرفت. او تألیفات و تصنیفات بسیار دارد که از آن جمله است : رساله‌ی «اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ «انموذجه الابراهیمیه»، تلعیقات بر دو کتاب «شفا» و «نجاه» ابن‌سینا؛ حاشیه بر «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه بر «شرح جدید تجرید»؛ حاشیه بر «کشاف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹ / ۱)، اعیان الشیعه (۱۲۹ -۱۲۸ / ۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۱۳ -۲۰۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۴)، الذریعه (۱۱۳ ،۱۱۰ ،۱۱ / ۶ ،۴۰۹ / ۲)، روضات الجنات (۴۳ -۴۲ / ۱)، ریاض العلماء (۱۳ -۹ / ۱)، ریحانه (۷۴ -۷۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ -۱۲ / ۱۱)، فوائد الرضویه (۵)، الکنی و الالقاب (۵۱ -۵۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم)، معجم المؤلفین (۲۳ / ۱)، هدیه العارفین (۲۹ / ۱).

ظهیر ی سمرقندی، بهاء الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، ادیب. از مترسلان و کاتبان بزرگ ایران و از وزیران خاندان خانیه یا آل‌افراسیاب بود. مدتی صاحب دیوان

رکن‌الدین قلج طمغاج‌خان بن مسعود بن حسین از پادشاهان این سلسله بود. عوفی او را با لقب الصدرالاجل یاد کرده و اسم او را در باب «وزراء و صدور» آورده است. لقبش را در تذکره‌ها ظهیرالدین آورده‌اند اما او خود، به تصریح، بهاءالدین ذکر کرده است. از آثار او: «اغراض السیاسه فی اعراض الریاسه»، در آداب سلطنت، که پس از ۵۵۲ ق نوشته است؛ «سمع الظهیر فی جمع الظهیر». از دیگر آثار او نگارش «سندبادنامه»به نثر مزین به فارسی ادبی است که آن را به نام قلج طمغاج‌خان نوشته است. این کتاب از داستانهای عروفی است که ظاهرا از هند به ایران آمده و در زمان ساسانیان به پهلوی ترجمه شده و رودکی آن را به نظم آورده است. تهذیب دیگری از این کتاب به زبان پارسی، به وسیله شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی مروزی در اواخر قرن ششم ق انجام گرفته است.[۱]

بهاءالدین محمد بن علی بن محمد بن عمر کاتب سمرقندی دبیر طمغاج‌خان ابراهیم (اواخر قرن پنجم ه.) و مترجم سندباد نامه (ه.م.) به فارسی است. وی آن ترجمه را در حدود ۶۰۰ به پایان برده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۳ -۹۹۹ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۴۸ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۲۴ / ۲)، کشف الظنون (۱۰۰۳، ۱۰۰۲، ۱۳۰)، گنج و گنجینه (۲۴۶ - ۲۴۰)، لباب الالباب (۹۲ -۹۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد)، مع موسوعات رجال الشیعه (۱۶۲ -۱۶۱ / ۱).

ظهیری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا حسن ظهیری امام جماعت مسجد سیمان ری از علماء و دانشمندان این شهر است ولی تولدش در تهران و بعد از خواندن مقدمات و اولیات به عراق مهاجرت نموده و مدتها در نجف و کربلا اقامت و از محضر آیات عظام آن سامان فقها و اصولا استفاده کرده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در سال ۱۳۶۶ قمری مراجعت به تهران و در مدرسه مروی بتدریس و مباحثات پرداخته تا در حدود سال ۱۳۷۶ قمری که برای امامت مسجد مزبور انتخاب و تاکنون در آنجا از طریق محراب و منبر به ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ظهیری، مختار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار ظهیری از علماء و ائمه جماعت امروز شهرستان رشت می‌باشد. وی در گیلان متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح اولیه به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را تکمیل آنگاه به درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت نموده و به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و به رشت مراجعت و در مسجد بیستون رشت به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عابدزاده، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدرضا عابدزاده (زاده ۴ خرداد ۱۳۴۵ در آبادان) دروازه‌بان سابق تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه پرسپولیس تهران و باشگاه استقلال تهران است. احمدرضا عابدزاده هم اکنون به عنوان مربی دروازه بانان باشگاه پرسپولیس تهران مشغول به فعالیت است. سالهای اولیه دهه ۶۰ در تیم هلال احمر اصفهان بازی می‌کرد.و پس از آن سال ها در تیم تام اصفهان زیر نظر حسین چرخابی بازی کرد.. پنج بار اسمش از منتخب جوانان خط خورد ولی سماجت وی باعث شد تا سال ۱۳۶۴ جوانان اصفهان همراه با عابدزاده بازی کنند. ۱۸ سال بیشتر نداشت که به اردوی تیم ملی جوانان دعوت شد و در اواخر همین سال عضو ثابت تیم ملی گردید. در ۱۳۶۸ به تهران آمد و پیراهن استقلال تهران را به تن کرد وی در همین سال ازدواج کرد. وی سپس به تیم سپاهان اصفهان رفت و بعد به تیم پرسپولیس تهران منتقل شد و از دوم دی ماه ۱۳۷۳ رسما به حفاظت از دروازه پرسپولیس تهران پرداخت. وی دارای ۷۸ بازی ملی و۵۲ گل خورده می‌باشد که از این جهت یک رکورد جالب توجه‌است. وی در بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه یکی از ارکان موفقیت تیم ملی فوتبال ایران در راه صعود به جام جهانی بود. اوج شهرت احمد رضا در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن اتفاق افتاد که با وجود آسیب دیدگی از ناحیه ی انگشتان دست، با مهار ۳ پنالتی در فینال مسابقات در برابر کره شمالی ایران را به قهرمانی آسیا رساند. چاپ کتاب زندگی‌نامه: زندگی‌نامه احمدرضا عابدزاده در قالب یک کتاب با نام زندگی‌نامه حرفه‌ای عقاب آسیا در دست انتشار است. این کتاب زندگی‌نامه ورزشی و شخصی احمدرضا عابدزاده، دروازه‌بان افسانه‌ای فوتبال ایران است. که

به عقاب آسیا معروف بود. این کتاب نوشته محمد ناصری است.

عابدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عابدی

محل تولد : کندوان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بسمه تعالی

تولد و تحصیلات

در سال ۱۳۵۲ ش در روستای کندوان از توابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی متولد شدم پدرم بنا و مادرم خانه دارو از خانواده اهل علم بود. از جمله آیت الله شیخ نصرت الله بنارواني که دایی آنان شمرده می شد. بعد از چند سالی به میانه نقل مکان کردیم و دوره ابتدایی، راهنمایی و اول دبیرستان را همان جا خواندم و وارد حوزه علمیه میانه شدم و به فاصله کمتر از چند ماه در سال ۶۹ به حوزه علمیه مسجد الدوله تهران رفتم. در تهران در مدارس ایلچی بیک (شهید باهنر) و رضائیه و در نهایت مروی هم تحصیل کردم و تا لمعتین را در این مدارس خواندم. استادان دوره مقدمات آقایان میرحسینی، فاضل، عبدالمجید رشیدپور (استاد اخلاق) و... بودند لمعه را هم با اساتیدی چون مرحوم پاکتچی، تقوایی و ... خواندم.ظاهرا در سال ۷۳ به حوزه علمیه قم آمدم. در مدرسه فیضیه و آنگاه دارالشفا ساکن شدم با حضرات اساتید اعتمادی، وجدانی فخر، موسوی تهرانی، دریاباری، رمضانی، و.... دروس را تا سطح خارج ادامه دادم. در سال ۸۱ وارد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شدم. و از محضر اساتیدی چون آیت الله معرفت، بهشتی، و آقایان فاضل گلپایگانی، عبدالهی (همکار تفسیر نمونه) دکتر رضایی اصفهانی، نصیری و نعمتی پورفر و .... در دروس مختلف تفسیر استفاده بردم همزمان به درس خارج آیات مکارم و سبحانی حاضر شدم و ۲ سال به درس خارج ادامه دادم. ۲.۵ سال هم درس خارج جناب استاد سروش محلاتی حاضر شدم و درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر و بخشی از قصاص را خواندم.آنگاه به درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی هم توفیق حضور یافتم.و اینک هم در دروس آیات مکارم، وحید و جوادی توفیق حضور دارم.در طی سالهای حضور در حوزه به امر تبلیغ هم اهتمام دانسته ام و در داخل و خارج قم به تبلیغ پرداخته ام. و همزمان فعالیتهایی در حوزه کتاب و مطبوعات هم داشته ام.

عابدی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود عابدی در سال ۱۳۲۳ ش در چادگان - یکی از روستاهای آن روز شهرستان فریدن - به دنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی می باشد.ایشان اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است.کتاب"کشف‌المحجوب "تصحیح وی ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود عابدی تحصیلات ابتدایی و بخشی از متوسطه را در زادگاه خود- فریدن- به انجام رساند و پس از طی دورهٔ دانشسرای مقدماتی در سال ۱۳۴۲ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. ضمن خدمت در آموزش و پرورش، دورهٔ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه اصفهان به پایان برد و مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا را در سالهای ۱۳۵۴ - ۱۳۶۳ در دانشگاه تهران پشت سر گذاشت.پایان‌نامهٔ دکترای وی تصحیح انتقادی نفحات‌الانس جامی بود که در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد.

استادان و مربیان : محمود عابدی از محضر استادان بزرگی چون: دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر زرین‌کوب، دکتر پرویز خانلری، دکتر خلیل خطیب رهبر، دکتر احمد مهدوی دامغانی و دکتر مظاهر مصفا و ... بهره‌ها برد و در کارهای پژوهشی‌اش همواره به تأثیر نفس و عظمت تحقیقات استادان یاد شده می‌اندیشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود عابدی هم اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است

جوائز و نشانها : پایان‌نامهٔ دکترای محمود عابدی تصحیح انتقادی نفحات‌الانس جامی بود که در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد. همچنین کتاب"کشف‌المحجوب "تصحیح وی ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : محمود عادبـذی افزون بر سـخنرانیها و مقالات متعدد در زمینه‌های تصوف و عرفان، بخصوص حافظ و شـعر او، دارای آثار گرانسنگی است. ---
----

آثار :

۱ ترجمهٔ کهن عهدنامهٔ مالک اشتر

ویژگی اثر : تصحیح

۲ تکلمهٔ نفحات‌الانس

ویژگی اثر : تصحیح

۳ جستجویی در نهج‌البلاغه

ویژگی اثر : ترجمه

۴ خردنمای جان‌افروز

ویژگی اثر : تصحیح

۵ درویش گنج بخش

ویژگی اثر : تالیف

۶ علم و علم‌آموزی در اسلام

ویژگی اثر : تالیف

۷ کشف‌المحجوب

ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتـاب سـال معرفی و برگزیـده شـد. آشـنایی بـا کتاب کشف‌المحجوب کشف‌المحجوب / تألیف علی بن عثمان هجویری؛ مقـدمه، تصـحیح و تعلیقات محمود عابدی. - تهران: سـروش، ۱۳۸۳. هفتـاد و چهار، ۱۱۵۶ ص. کشف‌المحجـوب اثر کم نظیر ابوالحسن علی بن عثمـان هجویری یکی از ارزشـمندترین متون صوفیـانه فارسـی است که در سـدهٔ پنجم هجری به رشـتهٔ تحریر درآمـده است. این اثر علاـوه بر شـرح بسـیاری از اصول تصوف و آداب صوفیان، در گزارش فرق صوفیه و کشف حقایق بعضـی از احکام و آداب دینی و آیینی صوفیان فصولی دارد که در نوع خود بی سابقه و در میان منابع اصـلی تصوف بی مانند است. افزون بر اینکه وسـعت دایرهٔ واژگـان در این اثر به انـدازه‌ای است که برای محققـان گونه‌هـای زبـان فارسـی حوزهٔ حیـات مؤلف و عصـر او، بررسی و مطالعهٔ آن امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از کشف‌المحجوب دست نوشته‌های متعددی در کتابخانه‌های تاشکند، لاهور، هنـد و برخی از کشورهای دیگر جهان موجود است و این امر از فراوانی خواننـدگان و علاقه‌منـدان این کتاب حکایت دارد. این اثر نخستین بار به سال ۱۳۸۳ ه . ٔق در شـهر لاهور چاپ و پس از آن نیز بارها به طبع رسـیده است که از میان آنها طبع لنینگراد با تصـحیح والنتین ژوکوفسـکی، مدرس زبان فارسـی دارالفنون سن پترزبورگ قابل ذکر می‌باشد و همین چاپ نیز بارها در ایران به صورت افست منتشـر شـده است. تصـحیح جدیـد این اثر به همت جناب آقای دکتر محمود عابدی بر اساس نسـخه‌های معتبر و قابل توجه، همراه بـا مقـدمه و تعلیقات ارزشـمند و رفع کاستیهای چاپهای پیشـین این کتاب، صورت گرفته است و تلاش مصـحح محترم برای ارائه تصحیحی دقیق و سودمند از این اثر قابل ستایش می‌باشد

۸ کلمات علیهٔ غرا

ویژگی اثر : تصحیح

۹ مطلوب کل طالب

ویژگی اثر : تصحیح

۱۰ نفحات‌الانس

ویژگی اثر : تصحیح

۱۱ نهج‌البلاغه از کیست

ویژگی اثر : ترجمه

عابدینی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عابدینی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمـد عابدینی فرزند یدالله متولد ۱۳۳۸ در نجف آباد اصـفهان در خانواده ای کشاورز متولّد شدم از طرف مادرم نسبم به

مرحوم آیـهٔالله میر سیّدعلی آیت نجف آبادی می رسد. به همین جهت مادر و دایی هایم که نوادگان مرحوم میر سیّدعلی بودند به درس خواندن من اصـرار داشتند، از جهت دیگر کشاورزی و رسیدگی به اموری از این قبیل مطرح بود به همین جهت معمولاً درس خواندن منحصـر به مدرسه بود و بیشتر وقت خارج از مدرسه به کمک پدر در امر کشاورزی می گذشت معمولاً شـبهای زمستان را در جلسات قرآن و حضور در مسجد و خواندن مقدمات صرف کردم. در سال ۱۳۵۶ دیپلم گرفتم و در کنکور شرکت کردم و پس از قبولی در دانشگاه در رشـته فیزیـک به تحصـیل پرداختم. در همـان تابسـتان اولین کلاس آموزش قرآن را تشـکیل دادم و تمامی دوسـتانی که با هم درس می خوانـدیم و دیپلم گرفتیم در آن کلاس شـرکت کردند و روخوانی قرآن را فرا گرفتند. پس از ورود به دانشگاه نیز بنده خود را به دفاع از قرآن و اسلام می دانستم. جو خاص آن زمان و وجود جوانان فراوانی که کمونیست شده بودند و بنـده و دوسـتانم بـا آنـان بحث می کردیم و نـا توانی از پاسـخ به شـبهات آنان، نیاز به خوانـدن فلسـفه را برایمان یقینی ساخت ولی مبارزه با شاه به شـکلهای گوناگون از جمله تشـکیل نمایشگاه های کتاب در شهرهای مختلف از جمله شهرهای استان چهارمحال و تـدارک تظاهرات و نیز درسـهای دانشگاه فرصت پرداختن به فلسفه را از ما گرفت با پیروزی انقلاب و افتادن بیشتر دانشگاه ها به دست کمونیسـتها و التقاتیها به منظور انقلاب فرهنگی، دانشگاه تعطیل شـد و بنـده فرصت را برای فلسـفه خواندن غنیمت شـمردم با چنـد تن از دوسـتان خدمت مرحوم آیهٔالله ایزدی امام جمعه نجف آباد که از شاگردان خاص مرحوم آیهٔالله علامه طباطبائی و از هم دوره ای های مرحوم شـهید مطهری بود رسـیدیم و تقاضای فلسـفه کردیم و ایشان نپـذیرفت و فهم فلسـفه را منوط به خواندن منطق دانست.

از روی ناچـاری به قم رفـتیم که روز ورود به قم مصـادف شـد بـا حمله عراق به ایران. در درسـهای فلسـفه نظیر منظومه شـرکت می کردیم ولی کامل نمی فهمیدیم، یکی از اسـتادان حاضر شد تنها پنجشنبه ها چهار ساعت برایمان فلسفه بگوید که باز مناسب نبود و ذهنمان کشـش نداشت. شروع جنگ و بی برنامگی ما و تعطیل شدن هر روزی درسهای حوزه و بی پولی و ... دوباره ما را به نجف آباد کشانـد این بار اسـتاد حاضـر شـد برای ما بدایـهٔ الحکمه بگوید و ما نیز تصـمیم به خواندن منطق گرفتیم و منطق مظفر را شـروع کردیم. کم کم برای فهمیدن درست عربی به خواندن کتابهای مقدماتی صـرف و نحو مشـتاق شدیم و کم کم دروس حوزوی را به سبکی که طلاب می خواندند شـروع کردیم، ولی بنده با سـرعت بیشتر و اشتیاق فراوان آنها را با بسیار زودتر از دیگران به پایان بردم. برخی کتابها را با استاد خواندم و برخی را خودم مطالعه کردم، برخی را با مباحثه و برخی را ضمن تدریس فرا گرفتم.

از جمله اساتیـدمان مرحـوم شـیخ محمّـدعلی صـفر نـورالله بـود که هـدایه، عوامـل ملامحسن، مقـداری سـیوطی و مغنی و مقـداری تحریرالوسـیله را نزد او خوانـدم. در عرض این دروس، بدایـهٔالحکمه، منطق مظفر، مقـداری اصول فلسـفه و روش رئالیسم با مقداری نهایهٔالحکمه را نزد مرحوم آیهٔالله ایزدی فرا گرفتم. نجف آباد برایم بسـیار مناسب و خوب بود زیرا برخی درسها را که نمی توانستم شرکت کنم دوسـتانم برایم نوار می گرفتنـد و آن را گوش می دادم هرگـاه خبردار می شـدیم که عملیـات است و جبهه رفتن لازم است با توافق یکدیگر درس را تعطیل می کردیم و پس از بازگشت از جبهه از همانجا شروع می کردیم.

در سال ۱۳۶۱ دوباره به قم وارد شـدم و در ایام تحصـیل با عشق و علاقه به درس خوانـدن پرداختم. بقیه اصول و لمعه را نزد آقایان کوه کمره ای، احمـدی میانجی، محامی، و مرحوم وجدانی فخر خواندم و در همان زمان سـیوطی و هدایه را تدریس کردم و بعد به رسائل و مکاسب مشغول شدم و از درسهای آقایان اعتمادی تهرانی و مرحوم پایانی و مرحوم ستوده استفاده کردم و کفایتین را تنها نزد مرحوم آیهٔالله سـتوده خواندم. در طی این مدت تلاش کردم در درس منظومه آیهٔالله انصاری شیرازی و صبح های زود در درس اسفار جلد ۹ آیهٔالله جوادی شرکت کنم.

زمـانی که در نجف آباد بودم گاهی در درس تفسـیر آیـهٔالله ایزدی شـرکت می کردم ولی این شـرکت مرتب نبود اما در قم پس از اینکه حضـرت آیهٔالله جوادی آملی تفسیر قرآن را در مسجد محمدیه شروع کردند در آن شرکت کردم، کم کم جمعیّت زیاد شد و درس به مسـجد اعظم انتقال یافت و بنده همچنان در آن شـرکت می کردم. بالاخره در خرداد ۱۳۶۵ دروس سطح کاملاً تمام شد و در امتحان کفایه شـرکت کردم در واقع شـروع رسـمی طلبگی بنده اواخر شـهریور ۱۳۵۹ بود که تـا خرداد ۱۳۶۵ که حـدود ۶ سال میباشد طول کشـید. بنده علاوه بر درسهای رسمی حوزه که امروزه طی ۱۰ سال می خوانند مقدار زیادی فلسفه و تفسیر نیز اندوخته داشتم و با طلاب مباحثه کرده بودم.

از خاطرات به یاد مانـدنی آن دوران یکی آنکه شبی هنگام مباحثه کفایه به دوسـتان گفتم هرجا مطلب مشـکل است و خود صاحب کفـایه نمی فهمـد می گویـد خـالی از دقـت نیست، دقت کن و ... در اثر همین تـوهین به ایشـان یـک مرتبه تیز فهمیم از بین رفت و فردای آن روز هرچه کردم متن کفـایه را نمی فهمیـدم. فردا شب در سـر مباحثه پیش دوسـتان خود به گناه خود اعتراف کردم و در حرم حضـرت معصومه (س)نیز توبه و انـابه کردم تـا مقـداری از آن فهم و حـافظه برگشت ولی خوب روشن است که پارچه کثیفِ شسـته شـده هیـچ گاه مثل پارچه نظیف نیست. از آن زمان تصـمیم گرفتم به علما و بزرگان اهانت نکنم و به جای اتهام به آنان فهم خود را مورد اتهام قرار دهم.

از خـاطرات آن دوران اینکه گروهی بودیم که در تمـام درسـها تلاش می کردیم قبل از درسـها پیش مطالعه کنیم و به همین جهت تنها خارج درس را گوش میـدادیم و نیازی نمی دیـدیم که تطبیق مطالب با متن را گوش دهیم و به همین جهت از درس خارج می شـدیم، روزی مرحوم آیـهٔالله پایـانی در ضـمن توضیح خارج مکاسب به برخی غلطهای چاپی کتاب اشاره کرد و فرمود می خواهم کسانی که تطبیق با متن را نمی نشینند به درد سر نیفتند از اینکه استاد کار مارا به رسمیت شمرده بود خوشحال بودیم. در تابستانها و ایام تعطیل دروس، برنامه های دیگری داشتیم. تابستان ۱۳۵۶ قبلاً بیان شد. تابستان ۱۳۵۷ را در شهر کرد صرف کردیم. در آن وقت و در ایـام تعطیـل دانشگاه در جاهای مختلف نمایشگاه کتاب می زدیم. تابسـتان ۱۳۵۸ را در جهاد سازنـدگی اسـتان چهارمحال و بختیاری شهرسـتان جونقان و روستاهای اطراف آن به سر بردم و به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. تابستان سال ۱۳۵۹ در بخش اردل و نوقان و روستاهای آن به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. پس از شروع جنگ بیشتر تابستانها یا ایام تعطیل یا ایّام عملیات در جبهه می گذشت.

تابستان سال ۱۳۶۰ به سر پل ذهاب رفتیم ، خوب به یاد دارم که صبح زود هوا هنوز تاریک بود و ما سه نفر طلبه در کوچه های کرمانشاه قدم می زدیم تا به ستاد اعزام نیرو برسیم که خبر شهادت ۷۲ تن را از رادیو شنیدیم و خبر شهادت رجائی و باهنر را نیز در سر پل ذهاب و قبل از عملیّات معروف بازی دراز شنیدیم. تلاش می شد اوقاتمان در جبهه به بطالت نگذرد ، مباحثه تحریر الوسیله، حفظ قرآن، خواندن کتابهایی نظیر پرواز در ملکوت از امام امت محصول تلاش آن دوره است. اگرچه اکنون که به گذشته ها می نگرم باز بسیار وقت تلف کرده ام که امکان بهره برداری بهتر از آنها وجود داشت.

در تابستان ۱۳۶۴ کلاسهایی از سوی شورای سرپرستی طلاب خارجی گذاشته شد و بنده در آن کلاسها شرکت کردم و در امتحان نمره خوبی آوردم و روزی در حظور استادهای عربی و محضر مرحوم استاد آیهٔالله ایزدی به عربی سخن گفتم که اثر شادابی آن به خوبی در چهره استادانم ظاهر بود. به همین جهت و برای کامل شدن تکلم به عربی در تابستان ۱۳۶۵ و اتمام دروس سطح، چهار نفر از آن کلاس به لبنان فرستاده شدیم، ورود ما به لبنان مصادف بود با شروع درگیری های حرکت امل و فلسطینیان. مدرسه رسول اکرم در حومه جنوبی بیروت و در سر راه فرودگاه که محل استقرار ما بود درست در منطقه وسط درگیری بود و خمپاره های طرفین از بالای مدرسه عبور می کرد و چندین مرتبه به مدرسه اصابت کرد.

همه فکر آن جمع چهار نفری این بود که در ضمن کار و فعالیت، تمرین زبان کنیم. از جمله آن کارها ایجاد نمایشگاه کتاب بود که یکی از آنها در جلوی مسجد امام رضا(ع)(محل اقامه نماز توسط آیهٔالله سید محمدحسین فضل الله) به مدت ۱۰ روز برگذار شد.

هرهفته بنده جدا از دوستان به جنوب لبنان، حوزه صدیقین می رفتم و با طلاب آنجا جلسه داشتم و گاهی به روستاهای اطراف نیز می رفتم، در ضمن برخی دروس را برای طلاب تدریس می کردم.پس از پایان تابستان مسئولان مدرسه از بنده و یکی از دوستان خواستند که برای تدریس آنجا بمانیم و خودشان با ایران هماهنگ کردند و زن و فرزندانمان را به لبنان آوردند و یک سال تحصیلی در آنجا ماندیم.

در آنجا صبح ها خدمت آیهٔالله سید محمدحسین فضل الله درس خارج فرا می گرفتم و بقیه روز را به تدریس مشغول بودم روزهایی که درگیری شدید بود و یا روزهای یکشنبه که تعطیلی رسمی لبنان بود و اساتید در دروس خود حاضر نمی شدند من خودم را موظف می دانستم درس آنان و یا درسی جایگزین را تدریس کنم، گاهی اوقات تدریسها به ۱۱ عدد می رسید که ۲ تا ۳ تا از آنها در مدرسه خواهران بود که همسرم مسئولیتش را بر عهده داشت و یکی از آنها درس عدل الهی بود که پس از نماز مغرب و عشا برای دانشجویان می گفتم.

بله از امور بسیار جالب در لبنان این بود که یک کلاس برای دانشجویان هفته ای سه شب گذاشته بودم و کتاب عدل الهی استاد مطهری را توضیح می دادم. حدود ۳۰ تا ۴۰ دانشجو در آن کلاس شرکت می کردند این مقدار دانشجو در آن شرایط بد امنیتی و استمرار آن، چشم همه افراد را خیره کرده بود و می گفتند این گونه کلاسها با این تعداد دانشجو بی سابقه است.

در بین تمامی این برنامه ها از برنامه برای ایرانیان قافل نشدیم و محرم در آنجا منبری گذاشتیم و جلسه ای به زبان فارسی، سخنرانی و مداحی به سبک ایرانی برای مجموع ایرانیهای موجود در بیروت اعم از سفارتی ها یا غیر از آنها داشتیم که بسیار جالب بود و مورد استقبال واقع شد. شب شام غریبان دسته عزاداری به سبک ایرانی با شمع و ... به راه انداختیم و با نوحه سرائی به زبان فارسی به پشت درهای مسجد امام رضا(ع) و سپس مسجدی که مرحوم شمس الدین در آن اقامه جماعت می کرد رفتیم. هر دو مسجد بسته بود و کسی در آنجا نبود، اما جالب اینکه بنده در طول راه زنان بی حجاب زیادی را دیدم که می آمدند روسری از یکی از خانم ها قرض می گرفتند و به سر می کردند و مقداری دسته عزاداری را همراهی می کردند و سپس روسری را تحویل می دادند و می رفتند. این نشان می داد که بی حجابها ضد دین نیستند بلکه علاقه زیادی به دین دارند و شرایط زندگی، آنان را به این وضع در آورده است.

اوایل تابستان ۶۶ لبنان را به قصد ایران ترک کردیم تا دوباره اوایل مهر به آنجا بر گردیم ولی دیگر توفیق یار اینجانب نشد. پس از چند ماهی از ورود به ایران با گروه تفسیر دفتر تبلیغات آشنا شدم و به کار تحقیق در قرآن پرداختم و یکی از پژوهشگران تفسیر راهنما گشتم که بحمدالله در ۲۰ جلد به چاپ رسیده است. از آن زمان تا سال ۷۷ به مدت ۱۲ سال در تفسیر راهنما بودم و گاهی اوقات بخصوص تابستانها روزها یا هفته ها می گذشت که تنها قرآن و تفسیر مطالعه می کردم و خداوند را بر این نعمت بزرگ شاکرم. در این مدت درسهای خارج زیادی از مراجع معظم قم را شرکت کردم.نوارهای درسهای اصول و رجال را گوش دادم و مباحثه کردم نوارهای جلدهای ۶و ۷و ۸ اسفار را گوش دادم و مباحثه کردم،دو دوره رسائل و زیادی از مکاسب را تدریس کردم و ...

در سال ۷۰ با باز شدن دوباره راه خانه خدا و شروع مجدد حج در امتحان زبان دانها شرکت کردم و پس از قبولی ، در همان سال به حج مشرف شدم_ البته پول حج را خودم پرداخت کردم و در واقع امتحان، اولین سفر را بی نوبت کرد_در مسیر بین مکه و مدینه اتومبیل حامل ما به سختی تصادف کرد و چند نفر از زبان دانان شهید و بنده نیز به شدت از ناحیه پاها ضربه دیدم. پس از مراجعه به ایران و بدتر شدن روز به روز کوفتگی پا، مجبورم کرد که چند ماهی در خانه بمانم و هیچ راه نروم این زمان فرصت خوبی بود برای شروع به نوشتن که اولین مقاله عربی در مورد طهارت اهل کتاب نوشته شد. پس از خوب شدن و فعالیتهای دوباره بیرون از خانه، دیگر نوشتن رها نشد و در هر فرصتی قلم بر کاغذ رفت و مقاله های متعدد نوشته شد که از سال ۷۴ یکی پس از دیگری در مجله کاوشی نو در فقه و سایر مجلات به چاپ رسید که لیست ناقصی از آنها تهیه شده است.

در دوره چهارم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت کردم و مدرک کارشناسی ارشد دریافت کردم و در همان زمانها و شروع اعطای مدارج علمی از سوی مدیریت حوزه قم در آنجا نیز امتحان دادم و مدرک سطح چهار گرفتم. در سال ۷۷ با به پایان رسیدن تقریبی کار تفسیر راهنما از رفتن به آنجا خود داری کردم و پس از چند ماهی توفیق راه اندازی «مرکز تحقیقات طب اسلامی امام صادق(ع)» نصیب این جانب شد و توفیق یار شد تا یک دور کتب اربعه حدیثی شیعه را با دقت بخوانم که برایم بسیار مفید بود و

نزدیک است که مسیر آینده تحقیقات و تألیفاتم را رقم بزند.
در تابستان ۸۱ و تقریباً تمام شدن دور فیش برداری از کتب اربعه و اصرار خوانواده برای ترک قم و هجرت به اصفهان و بسیار خوب بودن استخاره های فراوان در این رابطه علی رغم میل باطنی، راهی اصفهان شدم و از اوّل مهر ۸۱ در اصفهان به تدریس در حوزه پرداختم تا خداوند چه بخواهد. برخی از مراجع معظم تقلید بنده را با ورقه اجتهاد، وکالت و امثال آن مورد لطف قرار دادند. تا کنون شش جلد کتاب از این جانب به چاپ رسیده است و امیدوارم بتوانم مقاله های چاپ شده ام را با اصلاح و اکمال برای چاپ آماده سازم، زیرا اکثر مقالات از نوآوری بهره مند است، بویژه مقالات فقهی که شرطش نوآوری همراه با استدلالهای محکم است و به همین جهت برخی از آنها در جشنواره ها برنده شده و جایزه ای نظیر عمره برایم به ارمغان آورده است. برخی مکرر در جاهای مختلف چاپ شده و برخی دستمایه محققان برای طرح های تحقیقاتی گشته است. و خداوند را برای همه این نعمتها شاکرم. و اکنون نیز به طرحی پیرامون احادیث اهل بیت می اندیشم.
شاید بتوان روحیه نو آوی این جانب را –اگر واقعاً موجود باشد– ناشی از دانشجو بودن قبل از انقلاب و برخورد با افکار مختلف در دانشگاه و نیز سفر به لبنان در سخت ترین شرایط و برخورد و تضارب آرا با اکثر گروه های موجود در صحنه و بودن در حوادث گوناگون دانست. از ناکامی های این جانب نداشتن هم مباحثه دائم است، در دوران جنگ با هرکسی هماهنگ و هم طراز شدم تا با هم پرواز کنیم به جبهه رفت و به پروازی دیگر مبادرت ورزید. پس از آن نیز هم مباحثه ها، تدریس در دانشگاه ها،ورود به ارگانها و ...را بر طلبگی صرف و کمی امکانات ترجیح دادند و به همین جهت کارهای تحقیقاتی این جانب به تنهایی انجام می پذیرد و به همین جهت از نظر کیفیت و کمیت روند مطلوبی که خودم آن را می پسندم ندارد و به ویژه که گاهی ویراستاران نیز به ویرانگری می پردازند و غلط گیران نیز بی دقتی می کنند و ناگهان مقاله ای منتشر می شود که ... .
از خداوند منان عاجزانه تقاضا دارم که توفیقی عنایت کند که مجموعه حدیثی مورد نظر بدون هر اشکالی به پایان رسد. از مهر ماه ۸۳ شروع به تدریس ترتیبی قرآن مجید و نوشتن آن به عربی کردم که الحمدلله اکنون یک جزء از قرآن به اتمام رسیده و بیش از دو جلد دست نویس تفسیر موجود است که امید است با توفیق خداوند بتوانم یک دوره تفسیر را به آخر برسانم و در معرض نظر علاقه مندان قرار دهم.

عادل خلعتبری، فخر عظمی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ –۱۲۷۷– وف ۱۳۴۵ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فخری. در تهران به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و سالها به تدریس اشتغال داشت. وی به زبان فرانسه و انگلیسی مسلط بود.او روزنامه «نامه بانوان ایران» را منتشر کرد و علاوه بر آن در شاعری و در نقاشی و موسیقی نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۲۵۷)، اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه (۱۱۹ –۱۱۷)، تاریخ جراید (۲۶۳ / ۴)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (۱۶۰ –۱۵۸)، زنان سخنور (۳۷ –۳۳ / ۲)،سخنوران نامی معاصر (۲۵۹۵ –۲۵۹۳ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۹۲)، کارنامه‌ی زنان مشهور (۱۲۰ –۱۱۸).

عارفچه، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا اسماعیل طبسی خراسانی. پدرش در طبس متولد شده، پس از تحصیل مقدمات علوم جهت تکمیل به اصفهان آمده، و خدمت حجةالاسلام و دیگران تلمذ کرده، و هم در این شهر وفات یافته است، در هارون ولایت مدفون شده. مردی فاضل و متقی بوده و روزگار به کتابت می‌گذرانیده است.

صاحب عنوان در اصفهان متولد شده، و تحصیلات خود را نزد علمای این سامان همچون ملا حسین علی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهشهانی به پایان رسانیده، در عداد خطبا و واعظین بوده.

کتب چندی در مواعظ منبری تألیف نموده که از آن جمله است: ۱ – انیس الواعظین ۲ – زاد العارفین ۳ – زاد المواقف ۴ – زاد الواعظین و غیره.

وی در سال ۱۳۲۲ وفات یافته و در تکیه‌ی آقارضی در تخت فولاد مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عارفچه، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمـد علی عارفچه، واعظ فاضل صالـح، و ادیب شاعر، از فضـلای اهل منبر، و از مرثیه خوانان و مـداحین خانـدان نبوت بود. عمری به زهد و قناعت گذرانید.

در شب جمعه ۱۹ ذی قعدهٔ الحرام سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

کتب زیر از اوست که همه‌ی آنها مطبوع می‌باشد:

۱ – تحفهٔ المعصومین ۲ – دیوان اشعار ۳ – زبدهٔ القصاید ۴ – صد قصیده و زیارات ۵ – منتخب کبیر، در ادعیه و زیارات ۶ – هدیهٔ المعصومین؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاصی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : مصـطفی عاصـی در سال ۱۳۲۴ در تهران بـدنیا آمـد.ایشان دارای مـدرک دکترای رشته زبان شناسـی گرایش کامپیوتر و فرهنگ نگاری از دانشـگاه اکستر انگلستان – ۱۳۶۸میباشد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی فرهنگسـتان زبان ایران و پژوهشـگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی(با درجه علمی دانشیار) می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

گرایش : کامپیوتر و فرهنگ نگاری

والدین و انساب : مصطفی عاصی فرزند سید محمد عاصی است.

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : تحصیلات مصـطفی عاصـی به قرار زیر است: دیپلم ریاضـی از دبیرسـتان دارالفنـون تهران – ۱۳۴۲ لیسـانس (کارشناســی) زبـان و ادبیـات انگلیســی از دانشـکد ه ادبیـات دانشگاه تهران – ۱۳۴۷ فوق لیسـانس (کارشناسـی ارشـد) زبانشناسـی همگانی ازدانشکد ه ادبیات دانشگاه تهران – ۱۳۵۰ دکتری زبانشناسـی با گرایش کامپیوتر و فرهنگ نگاری از دانشگاه اکستر انگلسـتان – ۱۳۶۸ دوره هـای تخصصـی : دوره روش تـدریس زبان انگلیسـی – ۱۳۵۰ دوره هـای آشـنایی با مبانی کامپیوترو سیسـتم های عامل , برنامه نویسی FORTRAN SNOBOL, , ASSEMBLER ,COBOL, RPG و تحلیل سیسـتم ها از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۹در ایران و انگلسـتان دوره های آشـنایی با سیستم شبکه کامپیوتری MULTICS و کاربردمجموعه Office و نرم افزارهـای آمـاری ازجمله SPSS در محیـط Windows ازسـال ۱۳۵۸ تـا سال ۱۳۷۷ (دانشـگاه اکسـتر) دوره هـای ایجـاد و مـدیریت پایگـاه داده هـا و ارایه اطلاعات در شـبکه جهانی اینترنت – ۱۳۷۷(دانشـگاه اکستر) دوره آشـنایی و کـار با نرم افزارهای مدیریت اصطلاحات Trados و Multiterm در دانشگاه وین – ۱۳۸۱

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : پیشینه اسـتخدامی و اداری دکتر عاصـی به ترتیب زیر است : عضو هیأت علمی فرهنگسـتان زبان ایران و پژوهشگاه علوم انسانی از ۱۳۵۰ تا کنون وضعیت کنونی استخدامی : دانشیار پژوهشی پایه ۲۶ و مدیر گروه های آموزشی و پژوهشـی زبان شناسی همگانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عضویت در مجامع علمی : عضو انجمن رایانش ادبی و زبـانی (ALLC) از ۱۳۵۸ عضو انجمن فرهنـگ نگـاری اروپا (EURALEX) از بـدو تأ سیس – ۱۳۶۲ عضـو انجمن فرهنگ نگاری آمریکای شمالی (DSNA) از ۱۳۶۹ عضو انجمن فرهنگ نگاری آسیا (ASIALEX) ازبدو تأ سیس – ۱۳۷۶ عضو انجمن زبان شناسی ایران و مدیر گروه های تخصصی زبان شناسی رایانه ای و فرهنگ نگاری از بدو تأسیس — ۱۳۸۱ عضو گروه های واژه گزینی رایانه وفناوری اطلاعات و زبان شناسی فرهنگستان زبان و ادب قارسی

فعالیتهای آموزشی : پیشینه تدریس : آموزش زبان انگلیسی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ (د ر مرکز آموزش زبان نیروی هوایی ، مرکز آموزش مخابرات و مدرسه زبان‌های خارجی کارآ) تدریس دانشگاهی (در دانشگاههای تهران ، علامه طباطبایی ، الزهرا ، مشهد ، اصفهان ، پزشکی ایران ، آزاد اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی) : زبان انگلیسی و درسهای تخصصی زبان شناسی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری زبانشناسی همگانی ، زبان انگلیسی و فرهنگ و زبانهای باستانی از ۱۳۵۶ تا کنون : زبانشناسی رایانه ای (کامپیوتری) ، فرهنگ نگاری ، مبانی کامپیوتر و کاربرد آن ، اصول دسـتور زبان ، ساختواژه، ساخت زبان فارسی ، مقدمات زبانشناسی ، روش تحقیق ،گویش شناسـی راهنمایی و مشاوره بیش از شـصت پایان نامه دوره کارشناسـی ارشـد و دکتری زبانشناسـی در پژوهشـگاه و دانشگاه های دیگر

مراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : – ایجاد پایگاه داده های واژگانی دوزبانه برای فرهنگ های فارسـی به انگلیسـی از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ – راه‌اندازی پایگاه داده های زبان فارسی در اینترنت – ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : پیشـینه کارهای پژوهشی : شرکت در طرح تهیه فرهنگ مترادفهای فارسی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ شرکت در طرح بررسـی واژه های مرکب در آثار نظامی گنجوی – ۱۳۵۵ شـرکت در طرح تهیه واژه نامه های بسامدی با کامپیوتر از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ شرکت در طرح تهیه واژه نامه های چنـد زبانه و ریشه شناسـی – ۱۳۵۵ شـرکت در گروه های واژه گزینی کامپیوتر ، زبان شناسـی ، متالورژی ، حسابداری و ادب و هنرفرهنگسـتان زبان ایران از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ و فرهنگسـتان زبان و ادب فارسی از سال ۱۳۷۸ تاکنون شرکت در گردآوری و تـدوین کامپیوتری واژه های پیشـنهادی فرهنگسـتان زبان ایران از ۱۳۵۶ تا۱۳۶۰ طراحی ، پژوهش و اجرای طرح " سیسـتم فارسی (" Farsi System)برای پردازش و چاپ متن دوزبانه فارسـی و انگلیسی با کامپیوتر– ۱۳۵۹ سرپرستی و

شرکت در طرح فرهنگنامه جوانان و نوجوانان از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ شرکت در طرح فرهنگ برابرهای فارسی برای واژه های علمی و فنی از ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ اجرای طرح واژه نامه نویسی تخصصی با کمک کامپیوتر (رساله دکتری) از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ سرپرستی و اجرای طرح بررسی کاربرد کامپیوتر در پژوهشهای زبانی از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ شرکت در تدوین استاندارد ملی کد تبادل اطلاعات ۸ بیتی فارسی ا ز ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ شرکت در تدوین استاندارد ملی برای صفحه کلید فارسی کامپیوتر –۱۳۷۳ شرکت و مشاوره در طرح تهیه فرهنگ جامع مدیریت از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ سرپرستی و اجرای طرح ایجاد پایگاه داده های زبان فارسی از ۱۳۷۲تا ۱۳۸۳ شرکت در تدوین استاندارد بین المللی نویسه گردانی فارسی – ۱۳۷۸ شرکت در تدوین استاندارد بین المللی آوانویسی فارسی – ۱۳۷۹ طراحی و اجرای طرح پژوهشی تعیین مؤلفه های زبانی برای بهره گیری در سیستم های بازیابی اطلاعات و متن کاو فارسی — ۱۳۸۲ مأموریتهای علمی و کنفرانس ها : سمینار بین المللی فرهنگ نگاری (اکستر – انگلستان) ۱۳۵۷ مدرسه تابستانی بین المللی فرهنگ نگاری (اکستر – انگلستان) ۱۳۵۹ سمینار واژه گزینی برای اصطلاحات صنعت بیرینگ (تهران) – ۱۳۶۶ نخستین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله – ۱۳۶۹ چهارمین کنفرانس بین المللی فرهنگ نگاری (مالاگا – اسپانیا) با ارائه مقاله – ۱۳۶۹ سمینار زبانشناسی کامپیوتری (مشهد) دو سخنرانی – ۱۳۷۰ دومین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله – ۱۳۷۱ سمینار بررسی نقش اطلاع رسانی در تحقیق و توسعه (تهران) با ارائه مقاله – ۱۳۷۲ ششمین کنفرانس بین المللی فرهنگ نگاری (آمستردام – هلند) با گزارش و پوستر – ۱۳۷۳ سومین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله – ۱۳۷۴ فرصت مطالعاتی در مرکز تحقیقات فرهنگ نگاری (دانشگاه اکستر – انگلستان) ۱۳۷۵ چهارمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله – ۱۳۷۶ فرصت مطالعاتی در مرکز تحقیقات فرهنگ نگاری (دانشگاه اکستر – انگلستان) ۱۳۷۷ نخستین هم اندیشی واژه گزینی و اصطلاح شناسی (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۰ پنجمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله — ۱۳۸۰ نخستین همایش ملی ایران شناسی (تهران) ۱۳۸۱ دومین کنفرانس علوم شناختی (تهران) ۱۳۸۱ آکادمی تابستانی اصطلاح شناسی (دانشگاه وین — اتریش) با سخنرانی – ۱۳۸۱ دومین هم اندیشی واژه گزینی و اصطلاح شناسی (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ نخستین هم اندیشی ترجمه شناسی (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ کارگاه آموزشی ویرایش (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ پنجمین کنفرانس سراسری سیستم های هوشمند (مشهد) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ دومین کارگاه بین‌المللی فناوری اطلاعات و رشته‌های وابسته (WITID ۲۰۰۴) (کیش) باارائه مقاله ۱۳۸۲ نخستین هم‌اندیشی دستور زبان فارسی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی– تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ اولین کارگاه پژوهشی زبان فارسی و رایانه (دانشگاه تهران) با ارائه طرح و شرکت در میزگرد ۱۳۸۳ دومین همایش آموزش الکترونیکی (مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته دانشگاه صنعتی شریف تهران) با ارائهٔ مقاله – ۱۳۸۳ ششمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله — ۱۳۸۳ همایش هفتهٔ پژوهش (پژوهشگاه علوم انسانی — تهران) با ارائهٔ مقاله و کارگاه پژوهشی –۱۳۸۳ اولین همایش بین‌المللی بومی‌سازی مبتنی بر فناوری اطلاعات در حوزهٔ خط و زبان فارسی (مرکز تحقیقات مخابرات — تهران) با ارائهٔ مقاله— ۱۳۸۴ دومین کنفرانس بین‌المللی فناوری اطلاعات و دانش (دانشگاه صنعتی امیر کبیر– تهران) با ارائهٔ مقاله — ۱۳۸۴ نخستین همایش انجمن زبان شناسی ایران (تهران) دبیر همایش –۱۳۸۴ تعداد مقالات ارائه شده در همایشها و منتشر شده در مجلات معتبر علمی :۳۴ مورد تعداد مقالات بزبان انگلیسی:۱۳ مورد آثار :

۱ Information and Documentation – Transliteration of Arabic Characters into Latin Characters– Part۴: Phonetic Transcription of Persian

ویژگی اثر : ۲۰۰۰– .۲۳۳–۴ International Standard: ISO/DIS

۲ Information and Documentation – Transliteration of Arabic Characters into Latin characters – Part ۳ : Persian Language

ویژگی اثر : ۱۹۹۹– .۲۳۳–۳ Simplified Transliteration. International Standard: ISO

۳ استاندارد صفحه کلید فارسی کامپیوتر

ویژگی اثر : (تالیف گروهی) ، شماره استاندارد ملی ایران : ۲۹۰۱ ، تهران ، موسسه استاندارد وتحقیقات صنعتی ایران . –۱۳۷۳

۴ استاندارد کد تبادل اطلاعات ۸ بیتی فارسی

ویژگی اثر : (تالیف گروهی(، شماره استاندارد ملی ایران: ۳۳۴۲ ، تهران ، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران . –۱۳۷۲

۵ استاندارد نحوهٔ ارائهٔ کد زبانها

ویژگی اثر : (تألیف گروهی) ، تهران ، مؤسسهٔ استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. –۱۳۸۲

۶ پیشنهاد شما چیست ؟ برخی از واژه‌های رایانه‌ای

ویژگی اثر : (تالیف گروهی) ، تهران ، فرهنگستان زبان ایران –۱۳۵۵

۷ سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های واژه‌نامه‌های بسامدی

ویژگی اثر : (تالیف گروهی) ، تهران ، فرهنگستان زبان ایران –۱۳۵۵

۸ سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های واژه‌نامه‌های چندزبانی و ریشه‌شناسی

ویژگی اثر : (تالیف گروهی)، تهران ، فرهنگستان زبان ایران . –۱۳۵۵

۹ فر هنگ زبانشناسی

ویژگی اثر : (نرم افزار کامپیوتری) (باهمکاری محمد عبدعلی) ، تهران . –۱۳۷۵

۱۰ فرهنگ جامع مدیریت

ویژگی اثر : (مشاور) ، تهران ، دانشگاه علامه طباطبائی –۱۳۷۷

۱۱ فرهنگ چهارجلدی فارسی — انگلیسی

ویژگی اثر : (۴۱۷۲ صفحه) (با همکاری دکتر منوچهر آریانپور)، تهران، جهان رایانه–۱۳۸۲

۱۲ فرهنگ یک جلدی فارسی – انگلیسی

ویژگی اثر : (۱۶۰۰ صفحه) (با همکاری دکتر منوچهر آریانپور)، تهران، جهان رایانه–۱۳۸۴

۱۳ مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان شناسی ایران

ویژگی اثر : (۳۸۰ صفحه) , تهران , انجمن زبان شناسی ایران

۱۴ واژگان گزیده زبانشناسی

ویژگی اثر : (با همکاری محمد عبدعلی) ، تهران ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی –۱۳۷۵

۱۵ واژه های رایانه(۲)

ویژگی اثر : (تألیف گروهی) مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران–۱۳۸۳

۱۶ واژه های تخصصی رایانه(۱)

ویژگی اثر : (تألیف گروهی) مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران–۱۳۸۰ منابع زندگینامه http://iranologyfo.com/:

عالم نجف آبادی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد فقیه مجتهد عادل، از مدّرسین و ائّمه جماعت اصفهان، و مورد وثوق و احترام کلّیه طبقات، از تلامذه حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند ملا محمّد حسین کرمانی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی و جمعی دیگر بوده، سالها در مدرسه جدّه تدریس می‌فرمود و جمعی کثیر از مستعدّین از محضرش مستفید می‌شدند.

کتب و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات اساتید خود نوشته، و ضمناً کتابی به نام «فضیلهٔ السیادهٔ» درباره سادات و اهمّیّت مقام آنان، و احادیث وارده در این موضوع تألیف فرموده و به چاپ رسیده است.

در شب ۳ شنبه ۱۸ ربیع الاول سال ۱۳۸۴ به سنّ متجاوز از نود و هفت سالگی وفات یافته، در بقعه تکیه کازرونی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عالمی، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل عالمی

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شده ام و دو سال در مدرسه امام مهدی موعود(عج) واقع در میدان توحید، سه سال در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سه سال در مدرسه حسینه گذراندم. دروس سطح را در سال ۱۳۸۰ در مدت ۸ سال به پایان رساندم همزمان در سال ۱۳۷۷ (ع) وارد مؤسسه امام خمینی(ره) شدم و در رشته حقوق کارشناسی گرفتم و در ادامه در سال ۱۳۸۳ وارد تحصیلات تکمیلی در رشته حقوق عمومی ادامه تحصیل می دهم. الان در حال گذراندن ترم آخر کارشناسی ارشد این رشته هستم از سال ۱۳۸۰ در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی و اصول فقه حاج شیخ صادق لاریجانی شرکت نمودم. و از همان سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نموده ام که همه اینها جز درس آیت الله تبریزی ادامه دارد.

تقریباً از سال ۱۳۷۹ در واحد حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهش فرهنگی حوزه همکاری مستمر داشته ام و در پاسخ به سئوالات محاله به این واحد شرکت کرده دستورات دیگری را پاسخ داده ام. و این همکاری هنوز هم ادامه دارد.که تاکنون سه مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است.

عالمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی عالمی از ائمه جماعت و علماء معاصر همدان است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در همدان متولد شده و در بیت علم و کرامت نشو و نما یافته و در سیزده سالگی پدر را از دست داده ولی در همان اوقات با شوقی فراوان در همدان به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و سطوح را در نزد اساتید عالی رتبه به

پایان رسانیده و در سال ۱۳۲۹ شمسی به قم مشرف و اقامت نموده.

و در حدود ده سال از دروس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه امام خمینی و غیرهم استفاده نموده و تقریرات درس آنان را تدوین و تنظیم نموده.

و ضمنا از درس تفسیر علامه گرانمایه و استاد عالیقدر آقای حاج سید محمدحسین طباطبایی بهره‌های وافری برده و نیز قسمتی از معقول منظومه حاجی سبزواری و بحثهایی از علم اخلاق را خدمت بعضی دیگر از اساتید حوزه بهره‌مند شده تا اینکه در اثر عارضه مزاجی حوزه قم را ترک و به درخواست عده‌ای از اهالی همدان از مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و امریه معظم‌له به همدان برگشته.

و در مسجد معروف به خانه دراز به اقامه جماعت و نشر احکام و تدریس سطوح عالیه و تربیت بعضی از محصلین و طلاب پرداخته و تا حال تحریر و تألیف این کتاب اشتغال و چند سالی است که بنا بر خواهش اهالی بازار قرار دارد به اقامه جماعت و تبلیغات وسیعتری مشغول و در ماه رمضان در مسجد مزبور پس از اداء فریضه به وعظ و ارشاد مردم موفق می‌باشند.

دارای تألیفات و آثار و خدمات ارزنده و ارجداری از پرداخت شهریه به طلاب همدان و رسیدگی به امور سادات و بینوایان آبرومند از تهیه خانه برای آنها و سرمایه به بعضی از آنها دادن و تشریک مساعی در (مهدیه) همدان که دارای درمانگاه و بانک قرض‌الحسنه، کمک به ایتام و... می‌باشند. اداماللّه توفیقانه و آثاره. اما تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- نقد و اصلاح در امامت (مطبوع) ۲- بحثی درباره ارتباط حوادث با اعمال انسانها (ناتمام) ۳- شرح زندگانی خود ۴- عقاید الشیعه ۵- رساله در نجاسات اهل کتاب ۶- رساله‌ای در جواز جمع بین صلوتین رد بر اهل سنت ۷- قرآن و اعتقاد به خدا ۸- مجموعه‌ای نفیس.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عامری شهرابی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی عامری شهرابی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی عامری شهرابی درسال ۱۳۴۶ درتهران متولد شدم. پس ازاتمام تحصیلات کلاسیک درسال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شدم وازاساتید بزرگوار حوزه کسب فیض نمود م، همراه با دروس رسمی حوزه دررشته تخصصی کلام نیز مشغول شدم و درسال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل شدم وپایان نامه خود را با موضوع اثبات خلافت بلافصل حضرت علی علیه السلام ارائه دادم. همزمان باتحصیل به تالیف نیز پرداختم که فهرست آثار درصفحات بعد آمده است.

عامری نایینی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران به پایان رساند و در ۱۲۹۷ ش موفق به گذراندن دوره‌ی دبیرستان شد. پس از آن مدت هشت سال سمت دبیری انگلیسی و فارسی و معاونت مدرسه‌ی شبانه‌روزی آمریکایی را عهده‌دار بود. در ۱۳۰۵ ش در وزارت دارایی به سمت مترجمی استخدام شد. سپس به عنوان معلم زبان فارسی و تحصیل علوم اجتماعی و تربیتی در دانشگاه آمریکایی بیروت در آنجا رفت و رد ۱۳۱۰ ش موفق به اخذ لیسانس در رشته فوق گردید و در وزارت معارف به خدمت مشغول شد. از آثار وی: تصحیح «عقد العلی للموقف الاعلی» افضل‌الدین ابوحامد کرمانی؛ «آن سوی منظومه‌ی شمسی»، ترجمه؛ «آهن‌ربا»، ترجمه؛ «اجتماعات حشره‌ها»، ترجمه؛ «از هواشناس بپرس»، ترجمه؛ «برق»، ترجمه؛ «جانداران»، ترجمه؛ «حرارت»، ترجمه، برای کودکان؛ «حیوانات گذشته»، ترجمه؛ «صوت»، ترجمه؛ «گل، میوه، تخم»، ترجمه؛ «مرغان»، ترجمه؛ «نزدیکترین همسایه زمین»، ترجمه؛ «نور»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۱۸، ۲۳۲۴، ۲۲۳۱ / ۲ ، ۱۲۳۰، ۱۱۶۲، ۱۰۰۶، ۴۸۵، ۱۷۶، ۱۱۳ ، ۷۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱ -۵۸۸ / ۴).

عامری، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حدود ۱۲۷۰ ش در نائین متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در موطن خود در تهران مدرسه‌ی آمریکائی را به اتمام رسانیده و به استخدام در وزارت معارف درآمد. بعد به وزارت دارائی منتقل گردید.

عامری در آموزش زبان فرانسه و انگلیسی جدیت کامل به خرج داد و هر دو زبان را به خوبی فراگرفت و تدریجا با مطبوعات آن روز شروع به همکاری کرد. گاهی ترجمه‌های وی و زمانی مقالات او در مطبوعات منتشر می‌شد تا اینکه به عضویت دائمی هیئت تحریریه روزنامه‌ی رعد که مدیریت آن با سید ضیاءالدین طباطبائی بود، درآمد و همه‌روزه مقاله یا ترجمه‌ای از او به چاپ می‌رسید. همزمان با فعالیت در روزنامه‌ی رعد در وزارت مالیه مراحلی از ترقی را پیمود و به معاونت چند اداره رسید.

در حوت ۱۲۹۹ ش که سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد در تهران کودتا کرد و به ریاست دولت انتخاب گردید، عامری را به ریاست دفتر اختصاصی خود برگزید. در اواخر حکومت صد روزه‌ی سید ضیاءالدین، عامری معاون وزارت دارائی گردید و در نتیجه عیسی فیض وزیر مالیه از کار خود کناره‌گیری نمود و محمود جم به جای او وزیر مالیه شد.

در انتخابات دوره‌ی چهارم، عامری از نائین به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. مجلس چهارم در حکومت احمد قوام که بلافاصله پس از سید ضیاءالدین زمامدار شده بود، افتتاح و شروع به کار کرد. به هنگام طرح اعتبارنامه‌ی عامری سید حسن مدرس و سردار معظم خراسانی به مخالفت برخاستند و او را به علت همکاری با سید ضیاءالدین، صالح برای نمایندگی مجلس نداشتند. عامری دفاع مفصلی نمود. سرانجام اعتبارنامه‌ی وی رد شد و نتوانست وارد مجلس شود. پس از استخدام دکتر میلیسپو و ورود وی به ایران در ۱۳۰۱، از همکاران نزدیک او شد. در انتخابات مجلس موسسان برای خلع قاجاریه و تفویض سلطنت به رضاخان پهلوی، از نائین به وکالت مجلس موسسان انتخاب شد و به خلع قاجاریه رای داد.

در انتخابات دوره‌ی ششم مجلس شورای ملی از نائین به وکالت مجلس انتخاب گردید.

در ۱۳۰۵ به معاونت وزارت مالیه منصوب شد. در ۱۳۱۲ علی منصور وزیر طرق، او را به معاونت کل وزارت راه معرفی کرد. بعد معاون راه‌آهن و رئیس حسابداری راه آهن در شمال شد. در سال ۱۳۱۵ علی منصور وزیر طرق، تحت تعقیب عدلیه قرار گرفت. در رابطه با این پرونده، سلطان محمد عامر و عباس آریا معاونین سابق وزارت طرق نیز محاکمه شدند. عامری در این محاکمه تبرئه شد و مدتی کوتاه استاندار آذربایجان غربی بود. سایر مشاغل او عبارت است از: وابسته اقتصادی ایران در آمریکا، عضو هیئت مدیره شرکت فرش، عضو هیئت نظارت سازمان برنامه. وفات او در ۱۳۵۲ اتفاق افتاد. مردی باسواد، حراف، منقد و زرنگ بود. یکی از فرزندان وی به نام هوشنگ عامری که در آمریکا کشاورزی تحصیل نموده بود، مدتی استانداری کرمان را عهده‌دار بود ولی هوش و درایت پدر را نداشت.

(تو ۱۲۶۴ ق)، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. در کالج آمریکایی تهران تحصیل کرد و بعد به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود: نمایندگی مردم نایین در مجلس در دوره‌های چهارم و ششم، معاونت وزارت راه و استانداری آذربایجان غربی. او مدتی به کار روزنامه‌نگاری مشغول بود و چندین شماره روزنامه‌ی «صور» را در تهران منتشر کرد. لازم به ذکر است که عامری مقالاتی را در روزنامه‌ی «رعد» که مدیریت آن با سید ضیاءالدین طباطبایی بود ترجمه می‌کرد و با او دوستی تمام داشت. از آثار وی: «اسرار زندگی»، ترجمه؛ «تاریخ کشورهای متحده‌ی آمریکا»؛ «شرح حال توماس جفرسن سومین رئیس جمهور آمریکا»، ترجمه؛ «قانون تجارت، تقریر».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲-۳۵۱ / ۳).

عامل تهرانی، شرف‌الدین جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، شاعر و ادیب. در نجف به دنیا آمد. در همان جا نشوونما یافت. مبادی و مقدمات را فراگرفت، و در فقه و اصول از محضر شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء استفاده نمود تا از علمای بزرگ گردید، و داماد شیخ اسدالله کاظمی شد. آن‌گاه به تهران آمد و مدتی ماند. سپس به کرمانشاه رفت و در آنجا ساکن شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۶ / ۹، ۱۷۶ -۱۷۵ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۳ / ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۷ -۱۳۶ / ۳).

عاملی، عبدالحسیب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحسیب محمّد، عالم فاضل محقّق کثیر التألیف، نواده میر داماد.

حزین در تذکره خود، [فرزند] وی را در عداد علمای شعرای معاصر خود نام می‌برد.

در سال ۱۱۲۱ وفات یافته، قبرش در تخت فولاد، جنب پدر بزرگوار خودمی باشد، و آثار قبر ظاهر نیست.

کتب زیر از اوست:

۱- تقدیس الانبیاء ۲- الجواهر المنثوره ۳- سدرهٔ المنتهی. (عرفانی فارسی در معارف و اصول دین، در ۱۰۶۲ از تألیف آن فراغت حاصل نموده، و آن را جهت حکیم محمّد داود تألیف نموده است).

۴- شرح دعای سیفی ۵- شرح بر دعای صباح ۵- صراط الزاهدین، در اعمال ماهها ۷- عرش سماء التوفیق، در تفسیر فارسی ۸- الفطرهٔ الملکوتیّهٔ، در شرح اثنی عشریّه [شیخ بهائی] ۹- مسلک النجاهٔ ۱۰- مناهج الشارعین، در اصول دین؛ و غیره از اشعار اوست:

آن ماه دو هفته دلبر جانی من

آن یار عزیز یوسف ثانی من

یک روز نکرد فکر شبهای غمم

یک بار نگفت پیر کنعانی من

وی را سه فرزند برومند است:

۱- میر محمّد اشرف (بعداً بنام و شرح حالش اشاره خواهد شد).

۲- صدر الدین زین العابدین که او نیز عالم و فاضل بوده است.

۳- میرزا صدر الدین محمّد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاملی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی عاملی دزفولی از فضلاء بزرگوار معاصر اهواز می‌باشند وی در دزفول متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت و سطوح را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و دیگران خوانده و از ابحاث خارج آیات عظام بهره‌مند گردیده آنگاه به وطن مراجعت و پس از چندی منتقل به اهواز مرکز استان خوزستان شده و از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی بهبهانی مدظله استفاده نموده و به تبلیغ احکام و ترویج اسلام از راه منبر و غیره پرداخته است. و ایشان مانند رفیق صدیقش حاج شیخ علی محمد سابق‌الذکر عالمی متین و فاضلی کامل و خدوم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عامی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۶ ش)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به عامی. وی رییس دادگاه عالی انتظامی قضاوت وزرات دادگستری بود. از آثار وی: «خرده فرهنگ یا لغت منظوم»، فارسی و فرانسه؛ «سرآغاز»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۵۰ / ۲ ،۱۲۵۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۸ / ۱).

عباد، ابوالحسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پدرش ابی الحسن عبّاد، وزیر و کاتب رکن الدوله بوده، از ابو حنیفه فضل بن حباب و معاصرینش از محدّثین بغداد، روایت احادیث می‌نماید، و ابوبکر ابن مردویه و جمعی از فضلای اصفهان از او اخذ حدیث کرده‌اند.

در هدیّهٔ العباد (: ۱۴) در احوال او گوید: در علم و دانش و پرهیزکاری دارای مقامی بلند، و مرتبه‌ای ارجمند بود، و در السنه مشهور به شیخ امین می‌باشد، و در ابتدای حال به معلّمی اشتغال داشته، و پس از آن کاتب امیر رکن الدوله دیلمی شده، و بعداً او را منصب وزارت داده.

وی را تألیفاتی است: ۱- رساله در آیات الاحکام ۲- رساله احکام القرآن و غیره.

وفات عبّاد را در سال ۵-۳۳۴ می‌نویسند.

درباره ی شرح حال و زندگانی صاحب بن عبّاد کتب و رسائلی مستقلّاً نوشته شده، و در بیشتر از کتب، نام او مذکور است، و اخیراً عالم محقّق جلیل اقای حاج شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب آبادی از علمای معاصر اصفهان، کتابی مفصّل به نام «هدیّهٔ العباد، در شرح حال صاحب بن عبّاد» تألیف فرموده است.

صاحب، در ۴ ذی قعده سال ۳۲۴ متولّد، و در صفر ۳۸۵ در ری وفات یافته، جنازه ی او بر حسب وصیّتش به اصفهان نقل شده، در

دهلیز خانه‌اش مدفون گردید که تاکنون در محلّه ی طوقچی، زیارتگاهی معروف است.

کتب زیر از تألیفات است:

۱- الابانهٔ عن مذهب اهل العدل ۲- التعلیل ۳- تفضیل علی بن ابیطاب علیه السلام ۴- التذکرهٔ ۵- جوهرهٔ الجمهرهٔ ۶- الرسائل الصاحبیّه، که در مصر به طبع رسیده ۷- زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام ۸- الزیدین ۹- الزیدیّهٔ ۱۰- شرح اسماء الحسنی ۱۱- شواهد ۱۲- العروض، در نحو ۱۳- مختصر نهج السبیل ۱۴- المحیط، در لغت، در ۷ مجلّد ۱۵- نهج السبیل؛ و غیره.

مولد صاحب را برخی طالقان قزوین، و عدّه‌ای طالقان اصفهان (طالخونچه) نوشته‌اند.

شیخ صدوق کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را به نام او تألیف کرده، و در اوّل آن دو قصیده از اشعار صاحب که در مدح حضرت رضا علیه السلام گفته است را عیناً نقل می‌کند. همچنین تاریخ قم نیز به نام او تألیف شده.

از قول صاحب نقل می‌کنند که گفته است: در مدح من هزار قصیده ی عربی و فارسی گفته شد و هیچ کدام مرا شاد نکرد همچنان که اشعار ابو سعید رستمی شادم نمود به گفته‌اش:

ورث الوزارهٔ کابراً عن کابر

موصولهٔ الاسناد بالاسناد

یروی عن العباس عبّاداً وزا

رته و اسماعیل عن عبّاد

صاحب عنوان، اوّل وزیری است که به نام صاحب معروف شده، و علّت شهرت او بدین لقب، مصاحبت اوست. بامؤیّد الدوله فرزند رکن الدوله ی دیلمی، و یا مصاحبت با ابن العمید است.

برای اطلّاع بیشتر از حالات او به کتاب نامبرده بالا، و اعیان الشیعه، و الارشاد، و کتب دیگر مراجعه شود.

از اشعار اوست:

أبا حسن لو کان حبّک مدخلی

جهنّم إنّ الفوز عند جحیمها

فکیف یخاف النار من هو مؤمن

بأنّ أمیرالمؤمنین قسیمها

در آثار الوزراء (:۲۰۲) گوید: ابو علی خطیر الاصفهانی و ابوالعباس الضبی، بعد از وفات صاحب عبّاد، فخر الدوله وزارت را به ده هزار دینار بدیشان فروخت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عبادی حویزی، عبدالقاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی، عالم امامی و شاعر. اصل وی از آبادان بود لذا به عبادی مشهور است و چون ساکن حویزه بوده شهرت حویزی نیز داشته است. او از علمای بزرگ اواخر قرن یازدهم یااوایل قرن دوازدهم است. شیخ حر عاملی در «امل الآمل» چند شعر از او نقل کرده و سپس گوید که وی را در حدود ۱۱۰۰ ق در مشهد رضوی ملاقات کرده است. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر»بیضاوی؛ «الفرائد الصافیه علی الفوائد الوافیه»، در نحو، که حاشیه بر «شرح» جامی است؛ «ریاض الجنان و حدائق الغفران»، در فقه؛ «المستمسکات القطعیه الیقینیه»، در کلام؛ «خبر/ خیر الزائر المبتلی بالبلاء فی طریق النجف و کربلا»؛ «صفو صفوه الاصول و نفی هفوه الفضول»، در اصول فقه؛ «العقائد الدینیه»، با براهین عقلی؛ «رفع الغوایه لشرح الهدایه»؛ رساله «النیلوفریه»؛«دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۸۳، ۱۰۳، ۶۸، ۲۶ / ۲ ، ۵۸۰، ۴۴۱ / ۱)، الذریعه (۴۳۸ / ۲۴، ۱۴ / ۲۱، ۱۳۸ / ۱۶ ، ۲۸۳، ۵۱ / ۱۵، ۲۲۷ / ۱۲، ۳۲۱، ۲۴۳ / ۱۱، ۶۹۲ / ۹، ۱۳۸ / ۷، ۴۳ / ۶)، روضات الجنات (۲۱۶ -۲۱۵ / ۴)، ریحانه (۹۳ -۹۲ / ۴)، فوائد الرضویه (۲۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقاهر)، معجم المؤلفین (۳۱۰ -۳۰۹ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۷ / ۱).

عبادی مروزی، قطب‌الدین، ابومنصور مظفر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۷ -۴۹۱ ق)، واعظ، فقیه و محدث. ملقب به امیر و معروف به امیر قطب‌الدین یا قطب عبادی. در روستای سنج عباد، از قراء مرو، به دنیا آمد و بدین جهت به عبادی مشهور شد. وی از نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. او از طرف سلطان سنجر به بغداد رفت و مدت سه سال در جامع قصر و در دارالسلطنه به وعظ پرداخت و مردم بر گردش ازدحام می‌نمودند. او در جامع قصر املای حدیث می‌کرد. ابن‌اخضر و حمزه بن قبیطی و محمد بن مکرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. نیکویی و حسن وعظ وی ضرب‌المثل بود. ابن‌جوزی گوید که او زیبا کلام بود و از مواعظ او مجلداتی گردآوری کرده‌اند. ابوسعد سمعانی گوید

که از او رساله‌ای در «شرب الخمر» دیده است. عبادی در عسکر خوزستان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۲۴ -۱۲۳ / ۴)، ریحانه (۹۳ / ۴)، سیر النبلاء (۲۳۲ -۲۳۱ / ۲۰)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومنصور)، معجم المؤلفین (۲۹۸ -۲۹۷ / ۱۲)، النجوم الزاهراه (۲۹۱ / ۵)، هدیه العارفین (۴۶۳ / ۲).

عباسی فردویی، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب غلامعلی عباسی فردویی درسال ۱۳۳۴شمسی در یکی از روستاهای قم به نام فردو به دنیا آمده و پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال۱۳۵۱به حوزه علمیه وارد شده و د ر مدرسه حضرت آ یت الله العظمی گلپایگانی به تحصیل مشغول شدم. سطح را در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار چون :میر احمدی معروف به طالقانی ،حججی ،نکونام ،حاج آقاحسن تهرانی ، صلواتی ، حاج شیخ مهدی بیگدلی ،امینیان ، مقتدائی ،رضا استادی ،اعتمادی و ستوده به پایان رساندم. فلسفه را نزد اساتید معروف حکمت و فلسفه حضرات آیات :انصاری شیرازی،مصباح یزدی ،صالحی مازندرانی ،و امینی فرا گرفتم .و نیز از سال ۶۴در درس خارج فقه و اصول حضـرات آیـات :فاضـل لنکرانی ،مکـارم شـیرازی ،و جعفر سبحانی شرکت نمـودم. د رسـال ۱۳۶۰موفق به اخـذ مـدرک کارشناسی شـده و در سال ۱۳۷۱بـا ارائه پایـان نـامه خود باعنوان(سیر علم کلام تا قرن سوم) مـدرک کارشناسـی ارشـد الهیات و معارف اسلامی را از دانشگا ه تربیت مدرس دریافت نمودم.

از فروردین ۱۳۷۳تا آغاز مهر ۸۵ به عنوان مدیر مسئول فرهنگی آستانه مقدسه به خدمت مشغول و از آغاز مهر سال ۸۵ به عنوان مدیریت پژوهشی این آستان مشغول به خدمت در این عرصه نورانی هستم. دو سال تبلیغ سیار در مناطق عشایری استان فارس از سال ۵۸-۵۹ از ارزشمندترین سنوات عمر اینجانب بوده است . و نیز د وسال ازسال ۶۱تا ۶۲در منطقه شازند به عنوان کارشناس امور تربیتی در آموزش و پرورش به خدمت مشغول بودم.

تا کنون موفق به تالیف :فروغ آفتاب ،تاریخ علم کلام تا قرن چهارم ،قم در عصر حضور ائمه ،تذکره مشایخ قم ،فلسفه بست و بست نشینی، در پرتو مکتب زهرا (س) و مشروطیت و عبرتها شده ام . امید است با توجها ت حضرت ولی عصر (عج)بتوانم دراین عرصه خدماتی را داشته باشم.

عباسی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی عباسی

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی عباسی در سال ۱۳۶۱ پس از اخـذ دیپلم وارد حوزه علمیه اراک شدم . مدت یک سال در اراک تحصیل نمودم و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شـدم . دوره سـطح را در سال ۱۳۷۰ به پایان رسانـدم . از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱ به مدت ۱۱ سال در درس خـارج فقه و اصول حضـرات آیـات وحیـد خراسـانی , تبریزی , فاضـل لنکرانی و هاشـمی شاهرودی شـرکت نمودم . در سال ۱۳۶۷ همزمـان بـا تحصیلات حوزوی به تحصـیل در رشـته فیزیک در دانشگاه تهران پرداختم و در سال ۱۳۷۱ مدرک کارشناسی فیزیـک با گرایش اتمی دریافت نمودم . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ نیز دوره کارشناسـی ارشد فیزیک را در رشته فیزیک ذرات بنیادی در دانشـگاه تربیت معلم تهران گذراندم . از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ دوره دکترای فلسـفه تطبیقی را در واحد تربیت مدرس دانشگاه قم طی نمودم و در حال حاضر رساله دکترای خود را تحت عنوان ماده در فلسفه و فیزیک زیر نظر آقایان دکتر اعوانی و دکتر گلشنی , آماده دفاع کردم . در سالیان آغازین طلبگی به تدریس ادبیات و منطق و فقه و اصول اشـتغال داشتم . اکنون عمده فعالیت علمی من , تدریس مباحث فلسفی و کلامی در مراکز و مدارس حوزه است . تدریس فلسفه اسلامی , فلسفه غرب , تاریخ فلسفه غرب , کلام اسـلامی , کلام جدید , انسان شناسی , معرفت شناسی , شبهات کلامی در مرکز جهانی علوم اسلامی , موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) , مرکز تخصصی تبلیغ و برخی مراکز دیگر از این جمله است . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ به پژوهش در مباحث حدیثی در مؤسـسه دارالحـدیث اشـتغال داشـتم . حاصـل این دوره , جمع آوری و تـدوین و بیـان نگـاری بیش از ۵۰ کلاسور است که در مبـاحث مختلف به ویژه مبـاحث کلامـی در دارالحـدیث آماده نشـر است . گمان می کنم مجموعه " العمل فی الکتاب و السنه "به تنهایی بیش از ۵ مجلـد خواهد شد . از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ نیز همکاری پژوهشـی نیمه وقتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه داشتم .

در سالهـای اخیر راهنمایی و مشاوره و داوری پایان نامه های متعـددی را در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسـلامی و مؤسسـه امام خمینی (ره) و دانشـگاه مفیـد بر عهـده داشـته ام که تعـداد آنها متجاوز از ۴۰ مورد است. از سـال ۱۳۸۱ در مرکز جهـانی علوم اسـلامی معاونت پژوهشـی این مرکز و مدیریت گروه فلسفه و کلام را نیز بر عهده دارم . یکی از محصولات معاونت پژوهش نشریه اطلاع رسانی پژوهه است که اینجانب به عنوان مـدیر مسئول و عضو شورای علمی آن فعالیت دارم .مسـئولیت گروه حکمت فاطمی دانشنامه حضرت زهرا (س) که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در حال تدوین آن است نیز برعهده اینجانب است .

عباسی، فرج الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج الله عباسی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله عباسـی فرزند اسلام در سال ۱۳۵۰ در روسـتایی به نام داش بلاغ از توابع شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی به دنیا آمـده ام پدرم در خانه افتخار معلمی قرآن کریم را بر بچه های تحصـیل نکرده و نیز ابتدائی تمام کرده ها داشت و خود نیز تا به امروز از افرادی است که همیشه قرآن می خوانـد هرچنـد به برکت نظام مقـدس جمهوری اسـلامی و اهمیت دادن به قرآن کریم، دیگر دانش آموزان نیاز چنـدانی به گذرانـدن روخوانی قرآن را ندارند. بنابراین تولدم در یک خانواده مذهبی و خانه ی قرآنی بود که روحانیتم را مـدیون دعاهای مادری و صوت دلربای قرآنی پـدری می دانم. تحصـیلات ابتدائی را در همان روسـتا و راهنمایی را در روسـتای همجوار به نام آق زیارت به پایان رساندم و با صلاحدید پدر قرآنیم در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امامزاده شهرستان مراغه شده و ادبیات را نزد اساتید بزرگوار حج اسلام آقایان قدسی و نجفی گذراندم و در سال ۱۳۶۹ به حوزه علمیه قم وارد شده و منزلی در مـدرسه مومنیه مرحوم آیـهٔالله العظمی نجفی مرعشـی تهیه کرده و در نزد اساتید حوزه علمیه مرحوم آیه الله وجدانی فخر و نیز آیه الله اشتهاردی به تحصیل شرح لمعه و معالم الاصول را نزد حجه الاسلام مومنی و اصول فقه را در محضر حجهٔالاسلام شفیعی به پایان رساندم و در سال ۷۲ با به پایان رساندن سطح یک حوزه و در سن ۲۲ سالگی تشکیل خانواده دادم و به ادامه درس مشغول شدم.سـطح دو را نزد اساتیدی چون حج السـلام صالحی مازندرانی و طاهری خرم آبادی و علیدوست به تحصیل پرداخته و کفایه را از محضـر استاد نکونام استفاده نمودم. و در سال ۷۸ درس های سطح ۳ را تمـام کرده ولی امتحان پایه دهم به ۷۹ ماند و با توجه به اینکه در آن سال در فلسـفه قبول نشدم در نتیجه قبولی امتحانات کتبی و شـفاهی پایه دهم در سال ۸۱ به پایان رسید.با توجه به تمام شدن تحصـیل سطح سه در سال ۷۸–۷۷ برای شـرکت در درس خارج فقه در درس نکاح حضـرت استاد آیه الله مکارم شیرازی تابه امروز و نیز سه سال در فقه حضـرت اسـتاد آیه الله نوری همـدانی که پس از درس حضـرت مکارم شـروع می شـد و در مسائل روز، قضا و ... از سال ۸۰ تا ۸۲ شـرکت نمودم.برای خارج اصول اول در محضر حضرت استاد آیه الله سبحانی بهره بردم ولی از سال بعد یعنی ۷۹ با صـلاحدید برخی از اساتید به درس خارج حضرت استاد آیه الله وحید خراسانی رفته و تا سال ۸۳ استفاده نمودم.در کنار دروس حوزوی و در سـال ۷۱ به روش تـدریس و تجویـد قرآن دوره تربیت معلم که سازمـان تبلیغـات اسـلامی قم برگزار می کرد شرکت نمودم و کارنامه دوره مقـدماتی را در سال ۷۲ اخذ کردم. ازسال ۷۸ در مقطع کارشناسـی ارشد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآنی دفتر تبلیغات به مدت دو سال و نیم به تحصـیل پرداخته ولی متاسـفانه موفق به نوشتن پایان نامه نشدم. و با توجه به رشته قرآنی به مطـالعه دربـاره موضوعـات قرآنی علاقـه منـد گشـته و موضوعاتی به عنوان تحقیق در کلاس و بعـد از پایان دوره نیز جمع آوری کردم از جملـه: ۱. بررسـی ترجمه سوره مـد در ترجمه هـای موجود و نگـاهی به روش های ترجمه؛۲. سیمای دانشمندان در قرآن و بررسی آیات اولوالالباب و موضوعات مطرح شده در ذیل این آیات؛ ۳. آیات مربوط به صراط مستقیم و جمع آوری آیاتی که به مشخصات صراط مستقیم مرتبط بودند؛ ۴ . رمز عشق و زنگ نفرت: آیاتی که می رسانـد خداوند به افرادی محبت ورزیده و از عـده ای به خـاطر کارهـای ناشـایست نفرت دارد. در سـال ۸۵ ازسـوی معـاونت تبلیغ حوزه علمیه قم در یـک دوره کوتـاه مـدت آشـنائی با تصوف شرکت کردم و از سال ۸۴ در رشـته کلام و دین شناسـی در سـطح کارشناسی ارشد در موسسه تنظیم و نشر آثار حضـرت امام خمینی مشـغول به تحصیل شده و در اسفند ۸۶ به پایان رسـید که مقاله تحت عنوان اجمالی از تاریـخ تحول علم کلام برای تحقیق در کلاس و نیز مقـاله ای ۲۶ صـفحه بـا عنوان کرامت در نظام حقوقی اسـلام در ارتباط با غیر مسـلمانان برای همایش کرامت نوشـته ام که در روزنـامه قـدس چـاپ می شود.در کنـار اینهـا به تحقیقات دیگری نیز پرداخته و در سال ۸۳ به دفتر تبلیغات قسـمت نشـر رسـانه دو مقاله ۱۰ صـفحه ای نوشـتم تحت عنـوان: ۱. اقتـدار جـامعه اسـلامی و راه کارهـای قرآنی ؛ ۲. راه کارهـای فقرزدایی که در سـال ۸۴ در روز نـامه کیهـان به چاپ رسـید.همچنین از سال ۸۳ تـاکنون در مرکز مطالعات و پژوهشـهای فرهنگی حوزه علمیه مشـغول پاسخ گویی کتبی به پرسشها در دو گروه ادیان و مذاهب، قرآن و حدیث می باشم که بیش از ۲۸۰ مقاله سه و چهار صـفحه ای به این مرکز ارائه داده و حدود ۱۱ نمونه نیز در سایت انـدیشه قم وابسـته به این مرکز آمده است که در موضوعات مختلفی همچون بهـائیت، اهـل حق، ماتریـدیه، قادیـانیه، اسـماعیلیه، و ... می باشـند. علاوه بر مقـاله هـای مزبور کتابی نیز با یکی از

محققین برجسته در نقـد مبانی و اندیشه های یکی از فرقه ها را آماده کرده ایم که در آینده نزدیک چاپ خواهد شد.از دی ماه ۸۵ نیز به عنوان همکار گروه قرآن و حـدیث در همین مرکز فعالیت کرده و به مقالات محققان که در پاسخ پرسـش ها آماده می کنند؛ نظارت دارم. برای سـطح ۳ حوزه علمیه نیز پایـان نـامه ی آسـیب شناسـی جامعه منتظر در آئینه روایات نوشته ام که در حال نظارت اسـتاد راهنمـا برای تاییـد به دفـاع می باشـد که در همین جا لازم می دانم از اساتیـد راهنما و مشاور کمال تشـکر را بنمایم. در کنار تحصـیل و تحقیق برای بیـان معارف و احکام در ایام دهه محرم و ماه رمضان به مناطق دیگر هجرت نموده و از سال ۱۳۷۲ به تبلیغ و انجام وظیفه در مناطق مختلف مشغول انجام وظیفه بوده ام و دو سال نیز در طرح هجرت تابستانی به شهرستان مراغه رفته و در قم نیز با پایگاه مسـجد و بسـیجیان فعالیت های دینی و تبلیغی دارم. و به خاطر اشتغال در تحقیقات و درس کلام و دین شناسی در سال ۸۵ و ۸۶ در درس خـارج نکردم ولی از سال ۸۷ در درس اصول آیه الله العظمی سـبحانی و فقه آیه الله العظمی مکـارم موفق به اشـتغال شده ام . باشد که خداوند خدمت در سنگر پاسخ گویی به شبهات را مورد قبول و لطف خویش قرار دهد و از زحمات پدر و مادرم خود تشکر نماید که ما عاجز از انجام وظیفه کامل در این مسیریم و کوتاهی ما را به کرم خویش ببخشد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

عباسی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، محقق، مصحح، مترجم، مؤلف و فرهنگ‌نویس. در مدارس قدیم داخلی و ممالک مختلف خارجی به تصحیل زبانها و ادبیات شـرق و غرب پرداخت و سالیان دراز مشـغول تحقیقات و تتبع در علوم فسفه و اقتصاد و سیاست بود. او با صرف نیم قرن از عمر خویش به بررسـی آثار و ادبیات زبانهای شرقی و غربی به ویژه آلمانی، فرانسه، انگلیسی، روسی، عربی، ترکی، آذری و تألیف و ترجمه‌ی آثار علمی و ادبی گرانبهای متعـددی در زبانهای زنده‌ی خاوری و باختری پرداخت. نگارش چند مجلد «فرهنگ آلمانی به فارسی» و «فرهنگ فارسی به آلمانی»، ترجمه‌ی «سیاست‌نامه‌ی شاردن»، انتشار آثار فلسفی مشاهیر فلاسفه‌ی معاصر، تحقیق و تتبع در متون گرانبهای نظم و نثر پارسی و تازی و احیای نسخه‌های خطی قدیم ایران از آثار این دانشمند پرکار است. در ۱۳۴۱ ش یکی از ترجمه‌هـای او به نـام «جهـانگردی مارکوپولو» برنـده‌ی جایزه‌ی ادبی کتاب سال ایران شـد. از دیگر آثار وی: «انشاء و نامه‌نگاری آلمانی»؛ مقـدمه و حواشـی «برهان قاطع»؛ «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره‌ی مشـروطیت»، ترجمه؛ تصـحیح «دیوان» خاقانی شروانی؛ تصـحیح «لبـاب الالبـاب»؛ «خودآموز مصور آلمـانی»؛ «فلسـفه اجتماع و تاریـخ»، ترجمه؛ «کاپیتال»، ترجمه؛ «مردان بی‌زن»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۹ -۵۵۵ / ۵).

عبدالقاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. بنده چیره شونده (خدای)) جرجانی (گرگانی)، ابوبکر بن عبدالرحمن، ادیب و دانشمند قر. ۵ ه. (ف. ۴۷۱ یا ۴۷۴ ه.ق.). از آثار اوست: «اسـرار البلاـغه» و «دلائـل الاعجـاز» (نخستین کتابهـای مرتب مـدون در معانی و بیان)، «کتاب الجمل» معروف به «جرجانیه » «کتـاب المغنی»، در شـرح ایضـاح ابوعلی فارسـی، مختصـر المغنی به نام «المقتصـد»، «کتاب العـدهٔ » درصـرف، و «شـرح الجمل» در توضیح کتاب الجمل مذکور.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عبداللهی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر عبداللهی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده محمدباقر عبداللهی فرزند رمضانعلی به سال ۱۳۳۵ در خانواده ای متوسط و کشاورز در روستای نیسیان برزاوند اردستان به دنیا آمدم. پدرم کشاورزی خداشناس و دینداری بصیر بود، که به خاطر کردار حکیمانه و رفتار خردمندانه اش مورد تکریم و اعتماد اهالی محل بوده رویاهای صادقه و نمازهای عارفانه اش اسراری بود که کمتر آن را ابراز می کرد یا کسی از آن خبر داشت، مادرم سیده طباطبایی مریم بیگم معلم قرآن بود که از پدر و مادرش که آنها نیز از سلسله جلیله روحانیت و سادات و دارای درجات و کمالات بودند به ارث برده بود.در سال ۱۳۵۳ پس از پایان دوره متوسطه و دبیرستان در رشته ریاضی، برای آغاز دور جدید زندگی و سرنوشت، وارد حوزه علمیه قائم(عج) در ...... تهران به اشراف روحانی عالی مقام حاجی سید علی اصغر هاشمی شدم و در آنجا با اساتید بزرگوار علم و اخلاق و مبارزه همچون شهید مفتح، شیخ علی اندرزگو، حاج شیخ مصطفی ملکی و... آشنا شدم و پس از مدت کوتاهی اقامت برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت نمودم.در این زمان، قرآن‌واسلام و روحانیت بسیار غریب و مظلوم و منزوی بودند. چون از طرفی مکتب الحادی مارکسیستی، کمونیستی پرچم مبارزه علیه استکبار جهانی را بلند کرده بود و خود را طرفدار طبقه محروم و مستضعف قلمداد می کرد و خدا را ساخته ذهن بشری و دین را افیون جامعه معرفی می کرد که ساخته و پرداخته زورمداران می باشد، و از سوی دیگر استکبار جهانی و رژیم طاغوت مانع مهم و سد اصلی در برابر خود را برای چپاولگری منابع ملت ایران را اسلام و روحانیت می دانست. لذا به انواع ترفندها و به هر بهانه ای حوزه و روحانیت را تضعیف می کرد، تا با خاطری جمع و فراغ بال به اهداف استکباری خود جامه عمل بپوشاند. در چنین شرایطی طلبه شدن و به حوزه آمدن یک جهاد بزرگ بود که شهامتی عظیم و ایمانی قوی می طلبید. به هر صورت درسهای حوزه را با حفظ روحیه مبارزه ادامه دادم. درسهای لمعه، اصول، رسائل، مکاسب، کفایه را نزد اساتیدی بزرگواری همچون وجدانی فر، فاضل هرندی، بنی فضل، اعتمادی، پایانی، آل عصفور، رضازاده و... تلمذ کردم. دروس خارج اصول و فقه را در پای کرسی تدریس آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد آقا تبریزی، وحیدخراسانی و فقه القضای اردبیلی و... زانو زدم.و از درسهای تفسیر استاد جوادی آملی توشه ها برگرفتم و از درسهای اسفار و مصباح الانس استاد ذوالفنون حسن زاده آملی نیز خوشه ها چیدم. البته در حاشیه درسهای حوزه به حسب نیاز و ضرورت زمان، مطالعات جانبی و پی گیر و فشرده ای در زمینه های اعتقادی، کلامی، فلسفی، اجتماعی و غیره داشته ام و ضمناً علاوه بر اتمام دروس کلاسیک دوره عالی زبان خارجی (انگلیسی) را گذرانده ام. در کنار دروس حوزه، دروس تخصصی تبلیغی را در گرایش ادیان شناسی به پایان بردم، و در سال ۱۳۸۴ از رساله علمی سطح چهار خود با امتیاز خوب دفاع کردم.کار تحقیقی و پژوهشی خود را از سال ۱۳۷۶ با چندین سوال شروع کردم که ضروری ترین و فوری ترین آنها که باید پاسخ داده می شد این بود که: چرا ملتی که اعتقاد به خدا یگانه با چنین اسمای حسنایی دارد و پیامبری همچون محمد امین(ص) و رهبران معصومی همچون علی(ع) و فرزندانش دارد از نظر اجتماعی، اخلاقی، روابط خانوادگی و... در سطح ملتهای کفر و شرک یا کمتر از آنها باشد. لذا در این زمینه پژوهش و تحقیقی چندین ساله برای یافتن ریشه و علل آن انجام گرفت که نمره آن کتاب ۵۳۰ صفحه ای به نام «بهانه راز» پیرامون ذکر و نقش فردی و اجتماعی آن شد. البته ذکر به معنای قرآنی آن، یعنی حضور و توجه دائمی به خدای متعال، که با این معنی خود قرآن، نماز، پیامبر(ص) و همه چیز می تواند ذکر باشد و انسان را به خدا توجه دهد و به دنبال این کتاب تحقیقی، ده جلد کتاب پالتویی با چشم انداز اعتقادی اخلاقی تألیف گردید که ویژه ائمه جماعات می باشد که ترتیب و تنسیق آنها بر حسب معیارهای حساب شده و دقیق چینش یافته اند که به شرح ذیل می باشند.

۱. صبای وصال (نماز)

۲. گنجی پنهان (آشنایی و دولتی با خدای مهربان)

۳. مراد دل (در جستجوی حق تعالی)

۴. عیار (به معیار و میزان ایمان می پردازد)

۵. طلعت یار (که جهان همه طلعت و جلوه و چهره اوست می پردازد)

۶. محک تجربه (ادعای اسلام و ایمان موقعی سودمند است که در مرحله عمل با احکام پنجگانه به اثبات برسد، می پردازد).

۷. رندان بلاکش (مؤمن بیدار و هوشیار و دورنگر، همیشه در تاب و تب و بی قراری است).

۸. جاودانگی و خلود (بزرگترین دغدغه و آروزی انسان، فرار از نابودی و رسیدن به جاودانگی است).

۹. جان عبادات (ذکر به معنی قرآنی که حضور و توجه دائمی به خدای عزوجل می باشد، جان و روح تمامی عبادات و کارهای مؤمن است)

۱۰. سنتهای الهی (به بیش از چهل سنت و قوانین ثابت و فراگیر و تبدیل و تحویل ناپذیر الهی که در همه زمانها، مکانها و اقوام جاری و ساری است می پردازد).

سه کتاب اول چاپ شده اند و هشت مجلد دیگر آن انشاء الله حداکثر تا دو ماه دیگر به زینت طبع آراسته خواهند شد.

ضمناً مقالات و جزوه های دیگری نیز آماده و یا در حال تألیف می باشند که انشاء الله امید است تا پایان سال جاری به مرحله طبع سپرده شوند.

عبداللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود عبداللهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سال ۱۳۲۶ در اصفهان در خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر اسلام(ص) چشم به جهان گشود. حجهٔالاسلام‌والمسلمین عبداللهی پس از طی کردن دورهٔ دبستان، برای کسب علوم دینی به قم آمد. مشوق اصلی او در این راه، مادر وی بود و نیز برادران وی در کسوت روحانیت به سر میبردند. او با ورود به قم، به مدرسه علمیه علوی رفت. آن مدرسه متعلق به بیت‌آیهٔالله العظمی گلپایگانی(ره) و با سرپرستی و اشراف آیهٔالله شهید بهشتی و مرحوم آیهٔالله ربانی شیرازی اداره می‌شد. وی در آنجا به تحصیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و پس از آن برای آموختن دروس دورهٔ سطح در درس استادان مشهور دورهٔ خود حاضر شد.

با اتمام دورهٔ سطح نیز به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم راه یافت. حجهٔالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای تحصیل خود از استادان برجسته‌ای بهره‌مند شد. او که سیوطی و مغنی را نزد آیهٔالله شیخ حسن تهرانی و حجهٔالاسلام والمسلمین یثربی فراگرفته بود در درس منطق استاد نحوی حاضر می‌شد و مختصر را نزد آیهٔالله دوزدوزانی آموخت. شرح لمعه را نزد آیهٔالله صلواتی فرا گرفت. رسائل را نزد آیهٔالله شاه‌آبادی، آیهٔالله اعتمادی و آیهٔالله العظمی نوری همدانی و نیز مکاسب را نزد آیهٔالله ستوده آموخت و در درس کفایهٔ الاصول آیهٔالله العظمی فاضل لنکرانی حاضر شد. همچنین او در بخش علوم عقلی، فلسفه را نزد آیهٔالله شهید مفتح، شهید استاد مطهری و اسفار را نزد آیهٔالله جوادی آملی و کلام را از محضر آیهٔالله شیخ محمد شاه آبادی فرا گرفت. با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به درس خارج آیات عظام شیخ مرتضی حائری، شریعتمداری، منتظری، اراکی و میرزاهاشم آملی رفت اما بطور عمده در حدود دوازده سال از محضر آیهٔالله شیخ مرتضی حائری بهره برد.

در طی این سالها از شرکت در درسهای تفسیر نیز غافل نماند و در درس تفسیر حضرت آیهٔالله خزعلی شرکت جدی داشت. حجهٔالاسلام‌والمسلمین عبداللهی دارای فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری است. او ضمن تدریس کتب دوره سطح، سالها به تدریس تفسیر برای دوره‌های عمومی حوزه اشتغال داشته و نیز در مرکز تخصصی تفسیر و تبلیغ، به آموزش تفسیر موضوعی پرداخته است. همچنین وی در دانشگاهها فعالیتهای علمی بسیاری از خود برجا نهاده که از جمله آنها تدریس او در دانشکده‌های شهید بهشتی و شهید محلاتی (سپاه پاسداران) را می‌تواند نام برد. حجهٔالاسلام‌والمسلمین عبداللهی از کسانی است که در تدوین تفسیر نمونه همکاری داشته است. تفسیر نمونه تفسیری است که در طول سالیان دراز و با اشراف علمی آیهٔالله مکارم شیرازی و با همکاری بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم تدوین و نگاشته شده است و امروزه در اختیار بسیاری از مردم و جوانان کشور قرار دارد.

همچنین وی تاکنون کتابهای بسیاری نگاشته که از جمله آنها می‌توان به «توحید و توسل» «اخلاق برای همه»، «۲۵ داستان»، در سالهای پیش از انقلاب و نیز کتاب «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» که از جمله تألیفات وی در سالهای اخیر به شمار می‌رود، اشاره کرد. از وی مقالات بسیاری در زمینه‌های گوناگون در مجله نور علم به چاپ رسیده است. همچنین مباحث متعددی در موضوعات عقیدتی که به صورت تفسیر موضوعی در قالب جزوه‌های درسی تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار گرفته است. حجهٔالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای پیش از انقلاب و پس از آن همواره از فعالیتهای سیاسی غافل نمانده است. از فعالیتهای سیاسی وی در پیش ازانقلاب می‌توان به همکاری او با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. او در شهرهای مختلف ایراد سخنرانی کرد.با حضور در فعالیتها و حرکتهای سیاسی به اطلاع رسانی و توزیع رساله و بیانیه‌های حضرت امام پرداخته که از این رو در یکی از سفرهای تبلیغی دستگیر و بازداشت گردید.

عبدالهادی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، دانشمند. در دربار ایلخانان مغول بود و در ۶۹۰ ق غازانخان وی را به ترجمه‌ی کتاب «منافع الحیوان» ابوسعید عبیدالله بن جبرئیل ابن عبیدالله بن بختیشوع طبیب گماشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۳۷)، الذریعه (۳۱۰ / ۲۲).

عبدمنافی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عبدمنافی از ائمه جماعت و مروجین دین و خدمتگذاران مذهب و ولایت اهل بیت عصمت علیهم‌السلام میباشد.

تولد ایشان در تهران واقع و در آنجا از محاضر دانشمندان و علماء اعلام کسب فیض و کمال نموده و بنا بر درخواست و اراده حق

تعالی رحل اقامت بزرگنده افکنده و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد، دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده و مورد توجه مردم زرگنده و قلهک میباشند، فرزند برومند ایشان ثقةالاسلام آقا سید محسن عبدمنافی از محصلین بارع و مودب حوزه علمیه‌اند که بتحصیل علم و کمال اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

عبدی فسوی، ابوطالب احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۶ ق)، نحوی و لغوی. از جمله استادانش ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی و ابوالحسن رمانی بوده‌اند. از آثار وی: شرح «الایضاح»، به فارسی؛ «شرح»«الجرمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۰ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۵۱ / ۲)، ریحانه (۹۸ / ۴)، الکامل (۲۸۰ / ۷)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۲۳۸ -۲۳۶ / ۲)، معجم المؤلفین (۱۷۴ / ۱)، هدیه العارفین (۷۱ / ۱).

عبدی قزوینی تبریزی، محیی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۶ ق)، دانشمند. نخست در قزوین سکونت داشت و سپس به تبریز رفت. وی در حیات پدر به عثمانی رفته به راهنمایی ابن‌المؤید از دانشمندان عثمانی که او نیز از آذربایجان مهاجرت کره بود به دربار سلطان بایزید راه یافت. قزوینی در طول اقامت خود در عثمانی دارای مناصب و مشاغل متعدد بود، از آن جمله: منصب قضای دمشق و حلب، تولیت مدرسه مصطفی پاشای وزیر و مدرسه مغنیسا. وی در ادبیات عرب و علوم دینی و مخصوصا در انشای عربی و فارسی و ترکی دست داشت ولی بیتشر اهتمام او در آوردن محسنات لفظی بود و همه‌ی خطوط را بسیار خوب می‌نوشت. از آثارش: «راسله فی قطع الید»؛ حاشیه بر «فرایض» سجاوندی؛ حواشی بر «امور عامه مواقف» عضدالدین ایجی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۹۱).

عبدی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس عبدی (زاده ۱ تیر ۱۳۳۵ تهران) فارغ التحصیل رشته مهندسی پلیمر از دانشگاه امیرکبیر تهران، پژوهشگر اجتماعی، روزنامه نگار و فعال سیاسی اصلاح طلب است. وی از رهبران دانشجویان حمله کننده به سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ و عضو شورای سردبیری روزنامه‌های سلام و صبح امروز و عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی بوده‌است. عضویت در هیأت هفت نفره فارس، بخش اطلاعات خارجی دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری، مسئول دفتر پژوهش‌های اجتماعی در معاونت سیاسی دادستان کل کشور، معاون فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری و عضویت در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران از دیگر سوابق وی است.

عبشمی‌اصفهانی، ابواحمد معمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۴ -۴۹۴ ق)، حافظ، محدث و واعظ. معروف به ابن فاخر. اهل اصفهان بود و مورد احترام مردم. وی از ابوالفتح احمد حداد و ابوالمحاسن رویانی و ابوعلی احمد بن محمد بن فضل بن شهریار و ابوزکریا بن منده و عبدالواحد دشتج و بسیاری دیگر در اصفهان، و هبه‌الله بن حصین و ابوغالب بن بناء و احمد بن رضوان و عده‌ای دیگر در بغداد حدیث شنید. هفت بار به بغداد مسافرت کرد. او از ابوالحسین بن علاف و اسماعیل بن حسن سنجبستی اجازه‌ی روایت داشت. بزرگانی چون ابوسعد سمعانی و ابن‌عساکر و ابن جوزی و ابوحفص سهروردی از وی روایت کرده‌اند. سمعانی وی را از چهره‌های درخشان اصفهان با اخلاقی نیکو و دستی گشاده و قلبی تپنده برای یاری همنوعان معرفی می‌کند و ابن‌جوزی حدیث‌شناسی وی را می‌ستاید. به آورده‌ی ذهبی وی کتب بسیاری در حدیث و تاریخ و فرهنگ لغت تصنیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۱ -۱۹۰ / ۸)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۸۱ / ۲)، سیر النبلاء (۴۸۷ -۴۸۵ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۱۴ / ۴)، العبر (۴۵ / ۳)، الکامل (۱۰۵ / ۹)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۳۲ -۲۳۱ / ۱۹)، النجوم الزاهراه (۳۶۲ / ۵).

عبشمی‌اصفهانی، مخلص‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۳ -۵۲۰ ق)، فقیه، محدث، نحوی و ادیب. معروف به ابن‌فاخر. پدرش او را به مضحر فامطه جوزدانیه برد تا از او حدیث استماع کند. او همچنان از جعفر بن عبدالواحد ثقفی و اسماعیل اخشید و ابن ابی‌ذر صالحانی و اسماعیل مؤذن و زاهر شحامی حدیث شنید. او به مذهب شافعی کاملا آگاه بود و در نحو و حدیث دستی قوی داشت و محتشم و مورد احترام مردم بود. به بغداد رفت و در آنجا املای حدیث کرد. ابن‌خلیل و ضیاء و ابوموسی ابن‌حافظ و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌درجی و ابن‌بخاری از وی دارای اجازه بودند. در شیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۴۰۶ / ۲)، سیر النبلاء (۴۲۹ -۴۲۸ / ۲۱)، شذرات الذهب (۱۱ / ۵)، العبر (۱۳۵ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۷۱ / ۶).

عتیقی تبریزی، جلال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۱ / ۷۱۸ ق)، واعظ و شاعر. وی از خطیبان و واعظان برجسته‌ی ایرانی در دوره‌ی ایلخانان مغول است که با خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مصاحبت داشت.عتیقی در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالبا در مدرسه‌ی غیاثیه تبریز وعظ می‌کرد. جلال‌الدین به مانند پدرش در سرودن شعر توانا بود و گویا هر دو، عتیقی تخلص می‌کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر.[۱] (بخش ۱) جلال‌الدین عتیقی تبریزی بن قطب‌الدین عتیقی، دانشمند و خطیب و واعظ (ف. ۷۱۸ یا ۷۴۱ ه.ق.). وی مصاحب خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه بود. در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالبا در غیاثیه تبریز (که از ابنیه غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین بود) وعظ میکرد. فرزندان وی نیز معزز و محترم بوده‌اند. عتیق به انوع فضایل و کمالات آراسته بود. دیوان بزرگی از او که در سال ۷۴۴ ه.ق. استکتاب شده در کتابخانه استانبول موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ گزیده (۷۴۵)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۵ -۵۳۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۱ -۲۶۹)، الذریعه (۷۰۷ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۲۴ -۵۱۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۵)، مجالس النفائس (۳۲۹)، هفت اقلیم (۲۲۷ -۲۲۶ / ۳).

عجلی اصفهانی، منتخب‌الدین، ابوالفتوح اسعد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۰ -۵۱۵ ق)، زاهد، واعظ و فقیه شافعی. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و تا پایان عمر در آنجا باقی ماند. از فاطمه جوزدانیه «معجم صغیر» و «معجم کبیر» را استماع کرد و نیز از اسماعیل بن محمد حافظ و غانم بن احمد و ابن‌بطی و گروهی دیگر حدیث شنید. ابونزار ربیعه یمنی و حافظ ضیاء و ابن‌خلیل از وی روایت کرده‌اند.ابن ابی‌خیر و ابن‌بخاری از وی اجازه‌ی روایت داشتند. او املای حدیث می‌کرد و وعظ می‌گفت و شیخ شافعیه در اصفهان و صاحب فتوا بود. وی زاهدی بود که از دست رنج خویش روزگار می‌گذرانید بدین ترتیب که به استنساخ کتب می‌پرداخت و حاصل کار خویش را به فروش می‌رسانید. زمانی ترک وعظ گفت و به تألیف کتاب پرداخت. از جمله آثارش: «آفات الوعاظ»؛ شرح مشکلات «الوسطی» و «الوجیز» غزالی؛ «تتمه التتمه»، در فقه شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۴ / ۱)، تذکره القبور (۸۴)، روضات الجنات (۹ -۷ / ۲)، سیر النبلاء (۴۰۳ -۴۰۲ / ۲۱)، کشف الظنون (۲۰۰۸، ۲۰۰۲، ۱۹۱۳، ۱۳۱)، معجم المؤلفین (۲۴۸ / ۲)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۶)، هدیه العارفین (۲۰۴ / ۱).

عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۴ -۳۷۰ ق)، قاری، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌بندار و مشهور به شیخ‌الاسلام.در مکه به دنیا آمد و قرآن را بر ابوعبدالله

مجاهدی و علی بن داوود دارانی و ابوالحسن حمامی قرائت کرد. عجلی حدیث را در مکه و بغداد و دمشق و بصره و کوفه و حمص و مصر و اصفهان و ری و تستر و فساء و نیشابور و نساء و گرگان از محدثین بزرگ فراگرفت. مستغفری و ابوبکر خطیب و ابوصالح موذن و نصر شیرازی و ابوعلی حداد و محمد دقاق و ابوسهل بن سعدویه و فامطه بنت بغدادی حدیث از وی روایت کرده‌اند. عجل پدر یک شهر مدت طولانی اقامت نمی‌کرد و به شهرهای بسیاری سفر می‌نمود و در هر شهر در مسجد خراب آن سکنی می‌کرد و چون شناخته می‌شد به مکانی دیگر می‌رفت. وی سرانجام در نیشابور درگذشت. او اشعاری در زهد سروده است. از آثارش: «جامع الوقوف»؛ کتابی در «فضائل القرآن». پاره‌ای از رجال‌نویسان وی را همان ابوالفضل رازی، عبدالرحمان بن حسن، صاحب کتاب «اللوامح»، در قراآت، می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۱۸ / ۲)، سیرالنبلاء (۱۳۸ -۱۳۵ / ۱۸)، العبر (۳۰۲/ ۲)، کشف الظنون (۱۲۷۷)، معجم المؤلفین (۱۱۶ / ۵).

عدالت، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۷۲ / ۱۲۷۱ ش)، روزنامه‌نگار. در شیراز به دنیا آمد. از ده سالگی تا اوایل مشروطیت در یکی از حجره‌های مدرسه‌ی‌خان شیراز مشغول تحصیل بود. در ۱۲۹۹ ش امتیاز هفت‌نامه‌ی «عدالت» را در شیراز گرفت و تا ۱۳۰۸ ش به انتشار آن ادامه داد و از آن به بعد به امر زراعت و اداره‌ی املاک موروثی خود پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۷ -۶ / ۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۵ / ۳)، الذریعه (۲۶ / ۱۵)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۱۲ -۳۱۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۳،۸۰۴ / ۲).

عدل، عظمی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. تحصیلات فارسی و فرانسه‌ی خود را از مدرسه‌ی ژاندارک تهران آغاز کرد. پس از اتمام آن به مطالعه‌ی ادبیات ایران و آثار نویسندگان فرانسه پرداخت. وی از مترجمان صاحب ذوق به شمار می‌آمد. بانو عظمی از کشورهای فرانسه و انگلستان و سویس و آمریکا دیدن کرد و گذشته از زبان فرانسه به زبان انگلیسی نیز آشنایی داشت. از آثارش: «ترس از زندگی»، ترجمه؛ «داستانهای دوشنبه»، ترجمه؛ «سرخ و سیاه»، ترجمه؛ «جامه‌ی پشمین»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۵۸ / ۲ ،۱۳۳۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸ -۷۷ / ۴).

عدنانی سادات، عبدالمالک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعبدالمالک عدنانی ساداتی

محل تولد : سادات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر به سنه ۱۳۴۴ در روستایی محروم به نام سادات از توابع استان چهار محال و بختیاری و در خانواده ای بسیار ساده و مذهبی که مذهبیت خود را چون سیادت خویش نسل به نسل از اجداد گرامی از شجره مبارکه محمد و آل محمد(ص) به ارث برده اند به دنیا آمده و پس از شش سال دوران کودکی تحصیلات خود را (جهت محرومیت منطقه و نبودن امکانات مدرسه دولتی) در مکتب خانه سنتی آغاز نموده و پس از مدت دو سال و آمدن سپاه دانش وارد دوره ابتدایی شدم و پس از کلاس دوم ابتدایی به سبب زلزله ای بسیار شدید در سال ۱۳۵۴ که باعث تخریب روستا و پراکندگی مردم و نیامدن معلم و محرومیت محسوس، منجر به چهار سال ترک تحصیل شد ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به برکت بیداری مردم و بینش دینی مجددا در شهرستان بروجن ادامه تحصیل داده و پس از پایان دوران ابتدایی در سال ۱۳۵۹ وارد مدرسه صاحب الزمان شهرستان شهرضا شدم و مقدمات دروس علمیه را شروع نموده و پس از چهار سال جهت ادامه تحصیل در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علیمه قم گردیده که

ابتدا در مدرسه المهدی واقع در خیابان صفاییه که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی اداره می شد از محضر اساتیدی گرامی چون آیت الله سید محمد حسین دیباجی و ربانی گلپایگانی و ... بهره مند شده و پس از سپری کردن دروس مدرسه وارد نظام حوزوی شدم که در این مقطع دروس سطح را از محضر اساتیدی بزرگواری چون حضرت آیت الله رضا استادی و آیت الله وجدانی فر و صالحی افغانی و محسن دوزدوزانی و آیت الله اعتمادی استفاده نمودم و پس از اتمام سطوح مدونه، دروس خارج حوزوی را از محضر آیات عظام آیت الله سبحانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله فاضل لنکرانی، و آیت الله جوادی آملی بهره وافر برده و هم اکنون که سال ۱۳۸۶ را سپری می کنم از افتخار شاگردی مکتب نورانی این عزیزان برخوردار بوده و هستم و امیدوارم خداوند سایه بلند ایشان را طولانی قرار دهد تا بتوان از خرمن پرفیض ایشان بهره کامل گرفت.

و لازم به تذکر است که از سال ۱۳۶۱ همزمان با تحصیلات حوزوی به امر تبلیغ که همان رسالت انبیا عظام است پرداخته که به لطف الهی در زمینه منبر و سخنوری رتبه یکم را به خود اختصاص داده به شماره پرونده ۸۷۴۷ در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم مثبوت است و در این جهت نوار کاست و سی دی هایی هم وجود دارد که امید است مورد استفاده دوست داران اهل بیت(ع) قرار گیرد.

و با توجه به مطالبی که ذکر شد و به واسطه فیض و عنایات خاصه دائمی امام زمان(عج) بیش از ۲۵ سال سابقه تبلیغی در شهرهای مختلف کشور که حتی همین شهرستان مقدس قم از جمله آنها به امر تبلیغ و انجام وظیفه می پردازم و با توجه به اهمیت موضوع تدوین کتبی چند که نتیجه تجربه چندین ساله است پرداخته که این توفیقات را منحصرا از ناحیه پروردگار علیم و رحیم می دانم امیدوارم آنچه که انجام شد و می شود مورد توجه خاص ولی الله الاعظم روحی له الفداء گردد. و همه سعی و کوشش ما مورد تایید امضای سبز و نورانی حضرت واقع شود و خداوند تمام اعمال و کردار و گفتار و رفتار و حرکات و سکنات ما را مورد رضای خویش قرار دهد.

عراقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا ابراهیم. عالمی جلیل و غیور بوده، و در نهی از منکر و رفع ظلم، و اشتغال به تدریس و امور شرعیّه، و طریقه زهد و تقوی ممتاز، و مسجد سلام بوده که جهت او بنا کرده‌اند.

وفاتش در ۱۳۲۳ روی داده، قبرش در تکیه شهشهانی در تخت فولاد.

در نجف از شاگردان حاج میرزا حبیب اللّه رشتی بوده و تقریرات استاد را نوشته، و در اصفهان نیز خدمت آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی و دیگران تلمّذ نموده، و مجاز از چهار سوقی است.

در مدرسه صدر تدیس می‌نموده و جماعتی کثیر از محضرش مستفیض می‌شدند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عراقی، صابر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه رازی در اعلام الشیعه قسم دوم از جزء اول ص ۸۵۰ گوید: وی شیخ آغا صابر بن مولی محمد حسین کوهرودی سلطان آبادی عالمی بارع و فاضل و جلیل، از معاصرین است فقه و اصول و غیر آنرا در نزد عده‌ای از علماء و رجال فضل و اعلام دین خوانده و بعد بوظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج و نشر احکام و غیر آنها پرداخته است، و او از علماء موجه و موثق شهرستان اراک بوده است.

نگارنده گوید: مسجد وی در اراک بنام مسجد حاج آقا صابر از مساجد معموره اراک است که اکنون سلیل و فرید ایشان آقای صابری در آن اقامت جماعت و ترویج دین مینمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا مجتبی بن العلامه الزاهد الحاج آقا محمد العراقی الملقب بزین‌الدین متوفی ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق ابن العلامه الزاهد الورع (صاحب تصنیفات العدیده) الاخوند ملا محمدباقر العراقی الکرهرودی الشهیر بالکبیر متوفی ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ هجری قمری که از طرف مادر به سادات صحیح النسب و جلیل القدر حسینی و از طرف جده امی به مرحوم آخوند ملا محمود میثمی عراقی طاب ثراه (صاحب کتاب دارالسلام و کتب جوامع و قوامع و لوامع در فقه و اصول مفصل) منصوب می‌باشند.

در سال ۱۳۲۳ ق در قریه کرهرود عراق متولـد و در سن ۱۴ سالگی به متابعت مرحوم والد (طبق تقاضای اهالی و امریه علماء عصر) به قصبه کنگاور که در دوازده فرسخی کرمانشاه و هیجده فرسخی همدان است جهت اقامت مهاجرت نموده و تحصیلات ابتدائی و مقداری از سطح را خدمت پدر تلمذ و در سال ۱۳۴۹ قمری به منظور تکمیل به وطن اصلی بازگشته و مدت چهار سال در محضر اساتید فن و حجج اسلام مانند مرحوم آسید محسن هفته‌ای و محقق مدقق آقا شیخ محمدسلطان العلماء تلمذ نموده و در سال ۱۳۵۳ مهاجرت به قم و از آیات عظام حوزه بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی از آیت‌الله مرحومین خوانساری و حجت استفاده نموده و تقریرات و دراسات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق به واسطه فوت مرحوم والد به کنگاور مراجعت و تا هشت سال به ترویج دین و اقامه جماعت پرداخته و مسجد بزرگی با تمام جهات در مدت کوتاهی بنا نموده و ضمنا به تالیف کتابهائی که ذیلا ذکر می‌شود پرداخته تا در ۱۶ محرم‌الحرام ۱۳۷۰ قمری که ثانیا به شهر قم مهاجرت نموده و بنابر مصلحت و امریه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحل اقامت انداخته و به جلسات درس و بحث آن مرحوم حاضر و حسب‌الامرشان در جلسه استفتاء وی شرکت نموده و در ماه رجب ۱۳۷۷ دفاتر و پرونده‌های مربوط به نظام وظیفه آقایان طلاب و مدیریت کتاب خانه فیضیه قم و تولیت مدرسه مهدی قلی‌خان سابق و مدرسه آیت‌الله بروجردی امروز بـه معظم‌له واگـذار و حقا خدمات شایانی بالخصوص نسبت به کتابخانه نموده است.

کتابخانه فیضیه قبل از سرپرستی ایشان در مدت ۴۰ سال از تاسیس آن فقط دارای چهار هزار کتابهای فقهی مندرس و مکرر در قفسه‌های چوبی نیمه تمام به انضمام چند قطعه ذیلوهای رنگ و رو رفته بود، ولی بعد از مدیریت ایشان در مدت کوتاهی رقم کتب به بیست هزار جلد کتاب در فنون مختلف رسید که در قفسه‌های فلزی و وترین مخصوص برای کتب خطی و تا سر حد امکان وسیله آسایش فکری آقایان مراجعه‌کنندگان آماده گردید.

معظم‌له مسافرتهای تاریخی و مذهبی مهمی نموده است از جمله در سال ۱۳۷۷ قمری به رهبری صدها نفر از مردم متدین تهران به سوریه برای حمل ضریح مطهر رقیه بنت‌الحسین علیه‌السلام نموده که شایان اهمیت بوده است، و نیز مسافر فی در معیت و مصاحبت سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری به همدان نموده که تصادف با فوت آن مغفور له شده و جنازه را با آن عظمت فوق‌العاه و تجلیل عظیم به قم آوردند

و اما آثار آن جناب به قرار زیر است:

۱- دومین بشر یا علی بن الحسین الاکبر کتابی است مشتمل بر رجال نامی بنی‌ثقیف و قضایای تاریخی شیرین و در فن خود بی‌نظیر است.

۲- وقایع الایام با سبک نوین.

۳- لیله‌القدر در ذکر دلیل و براهین در اینکه شب قدر شب بیست و سوم ماه رمضان است.

۴- شرح زندگانی آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری در سی‌صفحه که در مجله حکمت طبع شده است.

۵- فهرست کتب کتابخانه مدرسه فیضیه در دو مجلد که در سالهای ۷۸ و ۱۳۷۹ به طبع رسیده است.

از اغلب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازات روایتی و اجتهاد و غیره می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عرفان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدبن عبدالصمد بن عبدالله، نویسنده‌ی ادیب فاضل.

پـدرش از مراغه به اصفهان آمـده، و عرفـان در ۵ شنبه ۱۵ شعبان ۱۳۱۱ در این شهر متولد گردیده، در مدارس اصفهان تحصیل نموده، و خصوصا ادبیات و زبان انگلیسی را خوب آموخته، و از سال ۱۳۴۱ به نوشتن مجله‌ی «عرفان» و سپس روزنامه‌ی «عرفان» همت گماشته، و تا آخرین روزهای حیات آن را انتشار داده، و به مناسبت نام روزنامه، نام فامیلی خود را نیز عرفان گذارده، و بدین نام شهرت یافت.

مرحوم عرفان علاوه بر روزنامه‌نگاری سال‌ها در دبیرستان‌های اصفهان ادبیات فارسی تدریس می‌نمود، و از دبیران دانشمند فرهنگ اصفهان به شمار می‌رفت.

سرانجام در شب ۵ شنبه ۲۲ ماه صفر ۱۳۷۱ به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در تکیه‌ی جهانگیر خان مدفون گردید.

مرحوم آقا سید علی بدیع زاده‌ی هور در تاریخ وفات گوید:

هزار رحمت حق بر روان احمد عرفان

ز ما درود و تحیت به جان احمد عرفان

نوشت خامه‌ی هور از برای سال وفاتش

به سوی قرب کند رو روان احمد عرفان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عرفان شیرازی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در شیراز به دنیا آمد. خدمات اداری خود را در زادگاهش شروع کرد و تا ۱۳۳۸ ق در شیراز به سر برد و در همان سال چهار شماره از مجله‌ی «خاور» را منتشر کرد. پس از آن به تهران آمد و در وزارت دادگستری به خدمت مشغول شد و چند سالی نیز در دادگستری اصفهان کار می‌کرد. سپس به تهران بازگشت و در ۱۳۴۱ ق روزنامه‌ی «آسمان» را منتشر کرد. وی از اعضای عالی‌رتبه‌ی وزارت دادگستری بود. از آثارش: «اطلس تاریخی اسلامی»، ترجمه؛ «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی»، ترجمه؛ «حواء امروز»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۴۱ -۲۴۰ / ۲ ،۱۷۲ -۱۷۰ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹ - ۵۷ / ۶).

عرفان، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۳۶ در خانواده ای مذهبی در شهرضا چشم به دنیا گشودم پدرم یک خیاط مذهبی و مادرم سیده ای از تبار سادات طبائیان(طباطبائی)بود.

شش کلاس ابتدایی را در مدرسه خیام به پایان بردم و سپس به حسینیه سادات رفتم تا دروس دینی را بیاموزم در محضر حجج اسلام حاج سید محمد علی طبائیان (طباطبائی)زارعان، محمدحسین رهایی، حاج شیخ علی تاکی و ... زانو زدم.

سپس به اصفهان رفتم و از استادانی چون حاج آقا حسن امامی و آقای ابراهیمی و آقای فقیهی بهره گرفتم، آنگاه به قم آمدم از فروغ علم گسترانی چونان حضرات اعلام: طالقانی، تهرانی، مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، ابطحی، زاهدی، اعتمادی، خسرو شاهی، پیشوایی تهرانی و آیت الله اسماعیلپور و آیت الله شیخ جواد تبریزی پرتوهایی نه در خور آنان که همساز با فانوس کورسوز خویش برگرفتم.

سالیانی چند ادبیات فارسی، حاشیه، مغنی، معالم، مختصر، مطول، لمعه، مکاسب، و کاربرد علوم بلاغی در قرآن را با سروران مدارس رسالت، کرمانی ها، رضویه، حقانی و موسسه امام خمینی رحمهٔ الله علیه باز گفته ام.

چندین پایان نامه را به مشورت و یا به اصطلاح راهنمایی نشسته ام .

تاکنون به عربستان،عراق،سوریه، سوئد، امارات سفر زیارتی و تحقیقی و تبلیغی داشته ام و تحقیقاتی در دست سامان بخشی دارم از همسر سیده ام پنج فرزند دارم دو پسر و سه دختر، علیرضا در مدرسه کرمانی ها درس می خواندو امیر محسن در مدرسه شهیدین.

کتب:

کرانه ها / سه مجلد

شرح جواهر البلاغه / دو مجلد

شرح و ترجمه تهذیب البلاغه

فرهنگ غلط های رایج

پژوهشی در اعجاز قرآن

خاطر و خاطره

آفت ها و لطافت های جنسی

زبان آگاهی

پدر و مادر در فرهنگ اسلامی

درمان نازائی. مقالات:

ازلابلای متون / حدیث زندگی ۳

رمز و راز شادابی و نشاط در جوانی/ گفت و گو /دیدار آشنا ۲۳

موفقیت و شانس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۱۲

عفت در اندیشه، گفتار و رفتار /حدیث زندگی ۶

اعتماد به نفس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۶

زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۵

عرفانی راد، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن عرفانی راد

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سید محسن عرفانی راد در سال ۱۳۳۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان هشترود دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۵۶، سالهای حکومت خفقان و ظلم رژیم شاهنشاهی بر کشور و حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله وحید، آیت الله موسوی اردبیلی، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر معاونت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی تبریز ، به تدریس دروس معارف اسلامی در این دانشگاه مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل"وحی تعامل خدا و بشر "و "مبدأ و معاد " را به رشته تحریر در آورده و به زیور طبع آراسته است.

عزب دفتری، بهروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان انگلیسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران، دوره فشرده آموزش زبان از دانشگاه جرج تون شهر واشینگتن آمریکا در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد زبان انگلیسی از دانشگاه بیروت در سال ۱۳۴۹، دکترای زبان انگلیسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۹، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه کتاب درسی به زبان انگلیسی، خواندن انگلیسی، زبان‌شناسی مقابله‌ای، زبان‌آموزی کودک. استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:۲

زمینه علمی تألیفات:

آموزش زبان انگلیسی، ادبیات، روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

آموزش زبان، ادبیات، روانشناسی و علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عزت پور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار، مورخ و نویسنده. وی مدیر و صاحب امتیاز هفته‌نامه‌ی «نامه‌ی آزادگان» بود که از ۱۳۰۵ ش انتشار آن آغاز شد. از آثارش: «آثار بزرگارن در اخلاق»؛ «افکار صد مرد نامی»؛ «امیرالمؤمنین علی (ع)»؛ «تاریخ ملل قدیمه‌ی شرق و غرب»؛ «پیغمبر اسلام»؛ «تاریخ نو»؛ «فالهای حافظ»؛ «گلهای خوشبو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۶۰ -۲۵۹ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸ -۴۷ / ۴).

عزیزکیا، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی عزیزکیا

محل تولد : بندر آباد یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۴/۲۳

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی را در دبستان همام روستای بندر آباد در ۳۰ کیلومتری یزد گذراندم سپس در مدرسه راهنمایی طراز یزد و یکسال نیز در دبیرستان ۱۷ شهریور یزد تحصیل نمودم. در مهر ۱۳۵۷ به حوزه علمیه یزد وارد شده و مدت دو سال دروس مقدمات ادبیات و منطق را نزد استادان حوزه از جمله مفیدی فر، حجهٔ الاسلام علاقه بند، میر حسینی، مفیدی، معالی، عجمین فرا گرفتم. در مهر ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و باقیمانده دروس مقدماتی و سطح عالی را گذراندم. در این دوران از اساتیدی چون آقایان اشتهاردی، عبایی، صالحی افغانی، اعتمادی، موسوی تهرانی، ستوده، علوی گرگانی محقق، طاهری حسن آبادی بهره بردم. از سال ۱۳۶۱ هم زمان با دروس حوزوی از برنامه های علمی موسسه در راه حق نیز بهره بردم و از درس های آیهٔ الله مصباح مدظله و دیگر استادان آنجا از جمله آقایان فیاضی، رجبی، میرسپاه استفاده کردم در این سال ها به طور متناوب در درس اخلاق جناب آیهٔ الله مظاهری نیز شرکت می کردم.

در سال ۱۳۶۷ در درس خارج فقه آیهٔ الله میرزا جواد آقا تبریزی(ره) حاضر شده و بیش از هفت یا هشت سال از محضر ایشان بهره بردم. هم زمان طی ۶ سال یک دوره خارج اصول جناب آیهٔ الله مکارم مدظله را درک نمودم، در همین ایام(از ۱۳۶۷- ۱۳۷۳) در دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) شرکت کردم و با معدل ۳۳/۱۸ از پایان نامه حوزه با موضوع آثار اجتماعی دین از دیدگاه قرآن دفاع نمودم.

پس از آن در مؤسسه پژوهشی حوزه دانشگاه طرح پژوهش روش شناسی تفسیر قرآن را با همکاری استادان آن مؤسسه اجرا نموده (در سال ۱۳۷۹ این کتاب منتشر شد.) سپس طرح مکاسب تفسیر را ارائه که با همکاری جناب استاد بابایی اجرا شد(بنده در این طرح حدود پنج مقاله کوتاه و بلند ارائه کردم که در جلد اول مکاسب تقریر در مقاله کوتاه آن منتشر شد و بقیه در آینده منتشر خواهد شد.در سال ۱۳۷۸ در مؤسسه امام خمینی(ره) طرح پژوهشی زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی را اجرا نمودیم که حاصل آن یک جلد کتاب جستاری درهستی شناسی زن در سال ۱۳۸۲ منشر شد. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی دوره دکترای علوم و قرآن و تفسیر موسسه، شرکت و به این دوره راه یافتم و اکنون در حال تدوین رساله پایان نامه این مقطع به عنوان نقش حدیث در تفسیر قرآن هستم. در طی سال های گذشته آثار ناچیزی در زمینه تفسیر و علوم قرآنی به صورت مقاله نگاشته ام. هم چنین دو اثر از مباحث جناب آیهٔ الله مصباح یزدی دام ظله را تحقیق و تدوین نمودم و در زمینه اعجاز قرآن/ مبانی و قواعد تفسیری/روایات تفسیری/متون تفسیری در مؤسسه، مرکز جهانی، جامعهٔ الزهراء مرکز تحقیق تفسیر،مرکز سید الشهداء در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین نمودم. نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم متحیرم که دهقان به چه کار کشت ما را

عزیزی تبریزی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ثقه‌الاسلام والمحدثین مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر عزیزی واعظ تبریزی مقیم تهران از اساتید منبر و خطباء مبرز آذربایجان بوده که در زمان خود شهرت بسزائی داشت و منبر بسیار شیرین و آموزنده‌ئی می‌رفت. و هزارها نفر را بمبانی اسلامی معتقد و به معارف حقه آشنا و صدها نفر را از انحراف برگردانیده بود در امر به معروف و نهی از منکر از هیچکس نمی‌هراسید و در مبارزه با بیدادگریها و ستمگران مسامحه نمی‌کرد در تبریز تولد یافته و سالها در آنجا تحصیل و ضمنا تبلیغ نموده آنگاه به تهران مهاجرت و تا پایان زندگی در آنجا به ترویجات دینی مشغول و خدمات شایسته‌ای انجام داده تا در ماه رمضان در سنین بیش از هفتاد سالگی

وفات نموده و جنازه‌اش حمل به قم و در این زمین مقدس مدفون گردیده است.

خاطرات عجیبی دارد که از آنها این قصه جالب را می‌نگارم.

که ارباب منبر متوجه به مریدان خود شده و مغرور نگردند فرمود همه ساله وقت اول را در ماه رمضان در مسجد تهران منبر می‌رفتم و وقت دوم را در مسجد مروی و سوم را در مسجد ملک بازار در مسجد مجد جوانی همه روزه جلوی منبر هم نشسته و توجه کامل به سخنان من داشت و می‌دیدم گاه‌گاهی آهی کشیده و دست بر دست زده و تظاهر به حالاتی می‌کرد تا در روزهای آخر که خود را به من رسانیده و گفت آقا من جوانی منحرف و گمراه بودم ولی بحمدالله در اثر بیانات شما متنبه شده و توبه نموده و روزه‌هایم را گرفته و نمازهایم را که تاکنون نمی‌خواندم خوانده و مصمم هستم که بعد از ماه رمضان به کربلا رفته و توبه حقیقی نموده و تدارک و جبران گذشته را کنم.

من بسیار مسرور شده و گفتم اگر در این ماه رمضان هیچ عملی نکرده باشم مگر هدایت و ارشاد این جوان مرا کافیست. پس او را دعا گفته و تشویق کردم.

روز آخر مجلس که از منبر پائین آمدم و بانی مجلس تا درب مسجد مرا بدرقه نموده و پاکت حق‌القدم منبر مرا داده و در جیب بغلم گذاشتم و آمدم تا کسی بنشینم و به مسجد مروی بیایم دیدم جوان مذکور جلو آمده و تذکره‌ای به من نشان داد و گفت آقا گذرنامه‌ام را گرفته و فردا به کربلا می‌روم لطفا شما دعائی در گوش من بخوانید البته شما را فراموش نخواهم کرد من او را در بغل گرفته و به گوش راست و چپش دعاء سفر خوانده و التماس دعا گفتم او دست مرا بوسید و گفت آقا لطفا مرا حلال کنید مزاحمت کردم جدا مرا ببخشید وقت شما را گرفتم گفتم حلالت کردم و تو را بخشیدم پس به تاکسی نشسته و به مدرسه مروی آمدم و دست در جیب کرده که پول به راننده تاکسی بدهم دیدم آن جوان تائب جیب مرا زده و پاکت پول و ساعت مرا درآورده است. آن وقت متوجه شدم که یکماه این جوان سارق نقشه لخت کردن مرا کشید و در روز آخر ماه نقشه خود را عملی و با اصرار هم از من حلیت خواسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عزیزی، خداداد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خداداد عزیزی (زاده ۱۳۵۰ در محله طلاب مشهد) بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران و مدیر فنی کنونی تیم پیام خراسان است. او ۴۷ بازی ملی برای تیم ملی فوتبال ایران انجام داده و ۱۱ گل نیز به ثمر رسانده‌است.[۱] او در سال ۱۹۹۶ به عنوان بازیکن برتر کنفدراسیون فوتبال آسیا و در همان سال به عنوان ارزشمندترین بازیکن جام ملت‌های آسیا انتخاب شد و نقش مهمی در صعود ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ داشت.عزیزی فوتبال را با تیم ابومسلم آغاز کرد، با درخشش در لیگ دسته اول کشور در سال ۱۳۷۱ در فوتبال ایران مطرح شد و سال بعد به پاس تهران رفت. از سال ۱۳۷۴ به بهمن پیوست و پس از درخشش در ترکیب تیم ملی فوتبال ایران در جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ و انتخاب به عنوان ارزشمندترین بازیکن این مسابقات و چندی بعد کسب عنوان بهترین بازیکن سال کنفدراسیون فوتبال آسیا به تیم فوتبال کلن در دسته اول بوندس لیگا آلمان پیوست. خداداد تا سال ۲۰۰۰ در این تیم بازی کرد و پس از آن یک فصل در سن‌خوزه ارثکوئیکز در ام‌اس‌ال لیگ حرفه‌ای فوتبال آمریکای شمالی و یک فصل در النصر در لیگ امارات بازی کرد و در سال ۱۳۸۰ به تیم سابق خود پاس بازگشت. اختلاف او با میروسلاو بلاژویچ سرمربی تیم ملی باعث شد تا از ترکیب تیم ملی برای مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲ کنار گذاشته شود. او پس از آن در سال ۱۳۸۴ برای تیم دسته اولی عقاب و در نیم‌فصل دوم لیگ ۱۳۸۵ برای تیم راه‌آهن توپ زد و پس از آن از بازیکنی فوتبال خداحافظی کرد.عزیزی پس از خداحافظی از فوتبال توسط تیم ابومسلم به عنوان رئیس سازمان فوتبال انتخاب شد و بعد به مربیگری و در نهایت سرمربیگری تیم رسید، اما اختلافات او با مدیران باشگاه، صراحت لهجه و نتایج ضعیف تیم موجب شد تا در ابتدای لیگ ۸۶ از سرمربیگری تیم اخراج شود. یکی از عجیب‌ترین اقدامات او در دوران هدایت ابومسلم بیرون آوردن یکی از بازیکنان از ترکیب و ده‌نفره کردن تیم بود. عزیزی در همان سال در اولین دوره المپیاد ایرانیان دوباره به زمین چمن بازگشت و به عنوان کاپیتان تیم استان خراسان رضوی برای این تیم به میدان رفت. او پس از آن مدیر فنی تیم دسته اولی پیام خراسان شد و توانست این تیم را به لیگ برتر کشور بیاورد، او در هفته‌های آغازین فصل ۸۷–۸۸ مربیگری این تیم را برعهده داشت که به دلیل مشکلات مالی تیم از فعالیت خود کناره گرفت.

غزال تیز پای آسیا: در بازی با تیم ملی استرالیا، پس از یک ماراتن طولانی برای رسیدن به جام جهانی ۹۸ فرانسه، خداداد عزیزی برای تیم ملی ایران گلزنی کرد و از آن تاریخ به بعد لقب غزال تیز پای آسیا را گرفت.هرچند که نتیجه بازی ۸ آذر ۱۳۷۶ خورشیدی با تساوی ۲–۲ خاتمه یافت، ولی به علت صعود تیم ایران به جام جهانی برای خیلی از ایرانیها از برد شیرین تر بود و باعث شادی و پایکوبی در سطح شهرهای ایران شد.

عسکری، ابواحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۲ –۲۹۳ ق)، فقیه، لغوی، نحوی و ادیب. در عسکر مکرم از نواحی اهواز به دنیا آمد. در آنجا نشوونما یافت و سپس به بغداد

منتقل شد. او سفرهایی به بصره و اصفهان و دیگر شهرها داشت. از عبدان اهوازی و احمد تستری و ابوالقاسم بغوی و محمد بن جریر طبری و ابوبکر بن درید و ابراهیم نفطویه و عباس بن ولید اصفهانی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. بزرگان حدیث به سویش می‌آمدند تا از او کسب روایت کنند. ریاست عالیه‌ی تحدیث و املاء و تدریس در شهرهای خوزستان در عصر وی بدو منتهی می‌شد. وی در عسکر و تستر و شهرهای اطراف آن نواحی املای حدیث می‌کرد. ابوسعد مالینی و ابوبکر یزدی اصفهانی و ابوالحسن نعیمی و ابوالحسین محمد اهوازی و ابوعلی حسن اهوازی و ابونعیم اصفهانی حافظ و عبدالواحد باطرقانی و احمد بن محمد بن زنجویه و محمد بن منصور تستری و علی بن عمر ایذجی و ابوسعید حسن بن علی تستری سقطی از وی حدیث روایت کرده‌اند. برخی ابوهلال عسکری را خواهرزاده و شاگرد ابواحمد عسکری می‌داند. در «ریاض العلماء» آمده است که عسکری از مشایخ شیخ صدوق است و صاحب «اعیان الشیعه» این را دلیل بر تشیع عسکری دانسته، و بعلاوه شوق صاحب بن عباد را برای دیار وی و رثاء گفتن صاحب را در مرگ او تاکیدی بر تشیع وی آورده است. عسکری در علوم مختلف و فنون گوناگون متبحر بود. همگان زیبایی تألیف و تصنیف وی را ستوده‌اند. از آثارش: «تصحیفات المحدثین»؛ «الحکم و الامثال»؛ «راحه الارواح»؛ «الزواجر و المواعظ»؛ «المختلف و المؤتلف»؛ «التفصیل بین بلاغتی العرب و العجم»؛ «تصحیح الوجوه و النظائر»؛ «المصون»، در ادب؛ «صناعه الشعر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۱ / ۲)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۶۰ / ۱)، اعیان الشیعه (۱۴۸ -۱۴۵ / ۵)، انساب سمعانی (۱۹۳ / ۴)، ایضاح المکنون (۳۳۲ / ۲)، الذریعه (۶۰ / ۱۲)، روضات الجنات (۶۰ -۵۷ / ۳)، ریاض العلماء (۲۰۱ -۲۰۰ / ۱)، سیر النبلاء (۴۱۵ - ۴۱۳ / ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ / ۴)، العبر (۱۶۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۳۷، ۱۴۶۴، ۱۴۰۴، ۹۵۶، ۸۰۱، ۶۷۵، ۴۱۱، ۲۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (۲۵۸ -۲۳۳ / ۸)، معجم البلدان (۱۴۰ -۱۳۹ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۴۰-۲۳۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۴)، الوافی بالوفیات (۷۷ -۷۶ / ۱۲)، وفیات الاعیان (۸۵ -۸۳ / ۲)، هدیه العارفین (۲۷۳ -۲۷۲ / ۱).

عسکری، ابوهلال حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۵ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. وی از مردم عسکر خوزستان بود. نزد دایی خویش، حسن بن عبدالله بن سعید عسکری، کسب علم کرد. از آثار وی: «الصناعتین فی النظم و النثر»؛ «التفضیل بین بلاغه العرب و العجم»؛ «جمهره الامثال»؛ «معانی الادب»؛ «تفسیر العسکری»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۲ -۲۱۱ / ۲)، اعیان الشیعه (۱۴۸ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳ / ۱)، روضات الجنات (۶۰ -۵۷ / ۳)، ریحانه (۳۰۵ -۳۰۴ / ۷)، کشف الظنون (۱۹۸۰، ۱۸۲۳، ۱۵۴۸، ۱۴۶۸، ۱۴۶۴، ۱۴۶۰، ۱۰۸۲، ۶۹۱، ۶۰۶، ۴۷۹، ۴۵۳، ۲۹۳، ۲۳۳، ۲۰۰ -۱۹۹)، الکنی و الالقاب (۱۸۴ -۱۸۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن، عسکری)، معجم الادباء (۲۶۷ -۲۵۸ / ۸)، معجم البلدان (۱۴۰ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۴۰ / ۳)، هدیه العارفین (۲۷۳ / ۱).

عشاقی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین عشاقی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۵/۸ زندگینامه علمی

از حدود سال ۱۳۴۷ همراه با گذراندن دوره دبیرستان وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و در آنجا حدود سه سال به ادبیات و سپس تا پیروزی انقلاب به سطوح پایه در منطق، فقه، اصول و کلام و بعد از آن تا سال ۶۴ به سطوح عالی اصول فلسفه و فقه مشغول بوده ام درسال ۶۴ برای تکمیل تحصیلات مخصوصا فراگیری عرفان به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و در نزد اساتیدی همچون آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی، وحید خراسانی، تبریزی، و شاه آبادی ادامه تحصیل داده و حدود ۹ سال در درس خارج فقه وا صول آن بزرگان شرکت نمودم.علاوه بر تحص

یلات بخش عمده وقتم به تدریس سطوح مختلف مخصوصا علوم عقلی صرف شده است و کتب رایج حوزه را همچون نهایه الحکمه ، شرح منظومه ، شرح اشارات، شوارق الالهام را به طور مکرر و غیر مکرر تدریس نموده ام و اینک چند سالی است به تدریس در سطوح عالیه فلسفه و عرفان مشغولم.در مراکز تحقیقاتی نیز همکاری علمی داشته ام مثل استخراج محتوای متون فلسفی جهت کامپیوتری کردن آنها ، و اصطلاح یابی و مقاله نویسی جهت دائرهٔ المعارف علوم عقلی و غیره

عصار آشفته، عمادالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۲۷۶ ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. برای ادامه‌ی تصحیل به اروپا سفر کرد. اما پس از مدتی از این کار منصرف شده و تنها به یادگیری علم مانیتیسم پرداخت. بعد از بازگشت به ایران به شوق آموزش هیپنوتیسم به هندوستان سفر کرد. در زمانی که پدرش، سید محمد، به خراسان تبعید شد او نیز مدت پنج سال در مشهد نزد پدر زندگی کرد و در ۱۳۰۸ ش امتیاز هفته‌نامه «آشفته» را گرفت. عصار در کارهای فکاهی راصع امضا می‌کرد که عکس عصار است. از او تالیفاتی نیز باقی مانده که عبارتند از: «اسرار حقه‌بازی»؛ «اشتباهات خنده‌آور»؛ «اندیشه یک مغز پوک»؛ «باشرفها»؛ «راهنمای بایگان»؛ «عدالت بشر، درام»؛ «محاکمه‌ی ارواح متفقین در آن دنیا»؛ «محاکمه‌ی تبهکاران جنگ آلمان»؛ «محاکمه‌ی عشق و جنون و شهوت»؛ «والده‌ی آقا مصطفی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۷۷ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲۷ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۹ -۶۱۸ / ۴).

عصار تبریزی، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۲ / ۷۸۳ ق)، دانشمند، شاعر و نحوی، متخلص به محمد. وی در تبریز به دنیا آمد، در علوم ریاضی، فلکیات، رمل و اسطرلاب دانا و باتصوف آشنا بود. سلطان اویس جلایر را مدح می‌گفت. بیشتر در انزوا و خلوت می‌زیست و به شاعری می‌پرداخت و در شعر به صنعت اغراق توجه خاص داشت. آثار وی: مثنوی «مهر و مشتری»، که در بعضی از تذکره‌ها به اشتباه نام آن را «مهر و ماه» بیان کرده‌اند، و در «ریحانه» از هر دو نام برده شده است؛ رساله‌ی «الوافی فی تعداد القوافی»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۲ -۱۳۱ / ۱)، بهارستان (۱۱۷ -۱۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۶ - ۲۷۵)، الذریعه (۱۶ / ۲۵ ،۳۱۵ ،۳۱۴ / ۱۹ ،۱۰۰۰ ،۷۲۴ / ۹)، روضات الجنان (۳۶۶ -۳۶۳ / ۱)، ریحانه (۱۴۰ -۱۳۹ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۵۴۴ -۵۳۳)، صبح گلشن (۲۸۷ -۲۸۶)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، لغت‌نامه (ذیل/ عصار)، مجالس النفائس (۳۵۴)، هفت اقلیم (۲۲۹ -۲۲۷ / ۳).

عصاری طابرانی طوسی، ابومحمد عباس

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۹ ق)، عالم دینی، واعظ و محدث. وی «کشف البیان» ثعلبی را از طریق محمد بن سعید فرخرادی، از مؤلفش، روایت کرده است. از ابوالحسن بن اخرم حدیث شنید. مؤید طوسی و عبدالرحیم سمعانی و ابوسعد صفار از وی حدیث شنیدند. وی در فتنه غز در نیشابور کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۲۸۹ -۲۸۸ / ۲۰).

عصمت تیمور، عایشه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۳۲۰ -۱۲۵۶ ق، از زنان ادیب و متجدد. وی دختر اسماعیل رشدی پاشا پسر محمد تیمور کاشف و از اکراد بود که در مصر به دنیا آمد. عایشه از خردسالی به شعر و ادب تمایل زیادی داشت. پدرش به تعلیم و تربیت او همت گماشت و برای او معلم خانگی گرفت که زبان‌های عربی، ترکی و فارسی را بیاموزد. بعدها عایشه خود در مجامع ادبی حضور یافت و محضر استادان شعر و ادب را درک کرد و در این رشته به پایه‌ای رسید که کمتر زنی تا آن زمان رسیده بود. در نظم و نثر نیز مهارت فراوان یافت.

در سال ۱۲۷۱ ق به همسری محمد توفیق بیگ اسلامبولی درآمد و با او به اسلامبول رفت و به خانه‌داری و بچه‌داری مشغول شد. این امر او را از مطالعه و شاعری بازداشت تا اینکه دخترش، توحیده بزرگ شد و توانست که در خانه‌داری به او کمک کند. در سال ۱۲۸۹ ق پدر و سه سال بعد نیز همسرش وفات یافت (۱۲۹۲ ق) و او ناچار به قاهره بازگشت. از آن پس وقت خود را وقف مطالعه و تکمیل معلومات و گسترش دایره‌ی اطلاعات ادبی خود کرد و در نتیجه کثرت مطالعه و تحقیق و تتبع به حد کمال رسید. دو سال پس از فوت همسرش، دختر او نیز که هیجده سال داشت، ناگهانی و در عین جوانی درگذشت. عایشه در مرگ او هفت سال عزاداری کرد و در اثر تالمات روحی اشعار و مراثی شیوا و سوزناکی به زبان عربی سرود که از لحاظ ادبی شاهکار است. او به

زبانهای عربی، فارسی و ترکی شعر می‌گفته و قصاید بسیاری درباره تعلیم و تربیت جامعه زنان سروده است. عایشه را سرآمد نهضت علمی و ادبی زنان مصر می‌دانند. ترجمه مرثیه‌ی او که در مرگ توحیده سروده چنین است:

«در بامدادی از ماه روزه تا جامهای مرگ به گردش درآمد، قدحهای اشک حسرت نیز به گردش افتاد. آنکه دوستش داشتم رفت و شرنگ غم و غصه را به من چشانید و از فراق او در دلم آتشی برپا شد. آه از این آتشی که در بین دنده‌هایم افروخته شد و سرچشمه زندگانیم را خشکاند. من با غم و رنج چنان خو کرده‌ام که اگر از من دور شود از تاخیرش ناراحت می‌شوم. من حاضر نبودم که زمان کوتاهی دوری عزیزی را تحمل کنم. اکنون که زمان جدایی بسیار نامحدود است چگونه شکیبا باشم؟ فرزندم! تا روزی که در بهشت و آن باغهای سرسبز همیشگی- که حورها آنجا را آذین بسته‌اند- به همدیگر برسیم از جدایی و دوری ناله سر می‌دهم و گریه می‌کنم. همان بهشتی که دوستان در آنجا به همدیگر می‌رسند و در واقع زندگی خوب و آسوده همان است. به خدا قسم از تلاوت قرآن و دعای خیر تا روزی که پرندگان بر شاخه‌های درختان نواخوانی کنند کوتاهی نخواهم کرد.»

ترجمه قطعه‌ای از اشعار تفاخر و و حماسه‌آمیز او چنین است.

«با دست عفت، از عزت و حرمت حجابم نگهداری می‌کنم و با حفظ عصمت و آبرو بر همگان برتری می‌جویم. ادب و تربیت من در سایه اندیشه و روشن و قریحه خردهبین به مرز کمال رسیده است. تحصیل و کسب ادب و دانش برای من- که زنی هستم- ضرری نداشته بلکه موجب شده است که در بین جامعه زنان چون گلی جلوه‌گر باشم. شرم و آزرم و نیز داشتن چادر و نقاب، مرا از ترقی در رسیدن به کمال مطلوب و برتری در میدان مبارزه برای دست یافتن به هدف باز نداشته است. آیینه من صفحات دفتر و کتاب و آرایش و گلگونه‌ام از نقش مداد و جوهر نوشتنی است.

قدرت من در دستهایم است- نه زیبایی و رنگ صورت- و فراست و هوش من برای رسیدن به آینده بهتری است.»

آثار چاپ شده عایشه عبارتند از: دیوان اشعار فارسی و ترکی که یکبار در استانبول و بار دیگر در قاهره به چاپ رسیده است، حلیهٔالطراز، دیوان شعر به عربی، نتایج‌الاحوال فی الاقوال و الافعال، شامل حکایات و داستانهایی درباره دستورهای اخلاقی به زبان عربی، مرآت‌التامل فی الامور، به زبان عربی در ادب و اخلاق. وی در قاهره درگذشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: الاعلام، ۵ / ۴؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۸۴ -۸۱ / ۲؛ معجم‌المؤلفین.

عصیری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی عصیری

محل تولد : آران و بیدگل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمجتبی عصیری فرزند سید محمد متولد اول مرداد ماه سال ۱۳۴۹ ه . ش در خانواده‌ای مذهبی و از نظر اقتصادی متوسط، در منطقه بیدگل کاشان می‌باشم که در سن ۵ سالگی به همراه خانواده پدری جهت سکونت به شهرستان کاشان عزیمت نموده و تحصیلات ابتدائی و راهنمایی خود را در این شهر آغاز نمودم. از همان اوان طفولیت که همزمان با تحصیل در مدرسه ابتدائی بود به علت جوّ خانواده و حرمت و قداستی که در آن نسبت به مقام شامخ روحانیت و این کسوت وجود داشته و همچنین علاقه و ارادت وافری که والدین این جانب، بالاخص پدر که خود به شغل معماری ساختمان مشغول بود توجهم به این سوی جلب گردید. در دومین سال تحصیلی در مقطع راهنمایی بود که فکر روی آوردن به دروس حوزوی به طور جدی به فکرم خطور نمود اما با توصیه بعضی از دوستان جهت تکمیل مقطع راهنمایی مجدداً به ادامه تحصیلات روز مشغول گردیدم و در پایان مقطع راهنمایی چون جهت شرکت در جبهه‌های نبرد حق بر علیه باطل اعزام گردیده بودم تا حدودی از فکر حوزه دور گردیدم و همزمان با حضور در جبهه‌ها تحصیلات دبیرستان را آغاز نمودم. تا اینکه در سال دوم دبیرستان و دومین حضور در جبهه به طور جدی عزم خود را جزم نموده و تصمیم خود را گرفته و در سال ۱۳۶۶ ـ ۱۳۶۷ رسماً وارد حوزه علمیه مقدسه قم گردیدم و در کنار تحصیلات حوزوی دیپلم علوم انسانی و سپس تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی و نیز کارشناسی ارشد را در رشته زبان و ادبیات عرب اخذ نمودم. سپس برای مدت سه سال در دانشگاه به تدریس مشغول گردیدم. اما پس از آن خود را متمرکز و ممحّض در دروس حوزه نموده و پس از پایان دروس سطح حوزه در سال ۱۳۷۷ وارد دروس خارج فقه و اصول گردیده و تا این زمان نیز به این مهم اشتغال دارم و در کنار آن به بعضی از کارهای قلمی و تألیفی نیز اشتغال دارم که از خداوند متعال مزید توفیقاتش را مسئلت دارم.

عضدی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات خود را در کالج اصفهان به پایان رساند و به روزنامه‌نگاری پرداخت و برای بیشتر روزنامه‌های اصفهان مقاله تهیه می‌کرد. در ۱۳۲۸ ش به شیراز رفت و امتیاز روزنامه‌ی «عضد» را گرفت.این روزنامه به طور هفتگی انتشار می‌یافت. از آثار وی: «جنایات جنس لطیف»؛ «حق گرفتنی است».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۸۳، ۱۰۵۲–۱۰۵۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۰ / ۴).

عطاء

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) ابن یعقوب مکنی به ابوالعلاء و معروف به ناکوک، فاضل و شاعر و نویسنده ذواللسانین (ف. ۴۹۱ ه.ق.). وی در دو زبان عربی و فارسی دیوان مشهور داشت، و معاصر سلطان ابراهیم بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عطاء خراسانی، ابوایوب، عطاء

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵ –۵۰ ق)، مفسر، محدث و واعظ. اصل وی از خراسان بود، اما در دمشق و بیت‌المقدس زندگی می‌کرد. از صحابیانی چون ابن‌عباس و ابوهریره و ابودرداء و انس و معاذ بن جبل به طریق ارسال روایت کرده است. او از ابن‌بریده و بسیاری از تابعین چون سعید بن مسیب و سعید بن جبیر و عروه و عطاء بن ابی‌رباح و نافع و عکرمه حدیث شنید. معمر و شعبه و سفیان و مالک و حماد بن سلمه و حتی شیخش، عطاء بن ابی‌رباح، نیز از وی روایت کرده‌اند. گفته‌اند که وی در حدیث مردی مورد اعتماد بود و معروف به فتوا و جهاد. اما بخاری و عقیلی و ابن‌حبان او را از جمله ضعفاء محدثین ذکر کرده‌اند. در اریحا درگذشت و در بیت‌المقدس دفن شد. از آثار وی: «الناسخ و المنسوخ» که بخشی از آن باقی مانده است؛ «التفسیر»، که تنها چند برگ از آن بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :التاریخ الکبیر (۴۷۵–۴۷۴ / ۶)، تهذیب التهذیب (۱۸۶–۱۸۴ / ۷)، الجرح و التعدیل (ج ۳ ق ۳۳۵–۳۳۴ / ۱)، سیر النبلاء (۱۴۳–۱۴۰ / ۶)، شذرات الذهب (۱۹۳–۱۹۲ / ۱)، طبقات ابن‌سعد (۲۶۱ / ۷)، العبر (۱۴۰ / ۱)، کشف الظنون (۴۵۳)، معجم المؤلفین (۲۸۳ / ۶).

عطار همدانی، حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۹ –۴۸۸ ق)، حافظ، محدث و ادیب شیعی. وی به مقام برجسته‌ای از علم و فضیلت دست یافت و شهره‌ی آفاق بود. از محضر علما و راویان بسیاری چون حافظ ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و محمد بن الفضل عزاوی و دیگران بهره گرفت و عده‌ی زیادی از او سود جستند و حدیث شنیدند، چون: شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه و ابن شهر آشوب و موفق به احمد خطیب خوارزم و ابوسعد سمعانی. از آثار وی: «الهادی فی معرفه المقاطع و المبادی و الوقف و الابتداء و الانتصار فی معرفه قراء المدن و الامصار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست منتجب‌الدین (۶۵)، معجم رجال الحدیث (۲۹۱/۴).

عطاری طوسی، مجدالدین، ابومنصور محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۳ / ۵۷۱ –۴۸۶ ق)، فقیه، اصولی و واعظ شافعی. معروف به حفده. اصلش از طوس است و در نیشابور برآمد. از ابوبکر محمد بن منصور سمعانی در مرو و از ابوحامد غزالی در طوس و از محیی السنه ابومحمد حسین بن مسعود بغوی در مرورود فقه آموخت. از بغوی دو کتابش «معالم التنزیل» و «شرح السنه» را شنید و کتابت کرد. در بخارا نزد علامه برهان‌الدین عبدالعزیز بن مازه حنفی تحصیل نمود. سپس به مرو بازگشت و در آنجا ملجس وعظ آراست و مدتی در آنجا مقیم شد تا در فتنه‌ی غز (۵۴۸ ق) به عراق و

از آنجا به آذربایجان و جزیره سفر نمود و به وعظ و تذکار پرداخت و مورد توجه قرار گرفت و به علت حسن وعظش همه بر گرد او جمع شدند. ابوسعد سمعانی گوید: او فقیه و واعظ و فصیح بود واز عبدالغفار شیروی و حافظ ابی لفتیان رواسی و نصار بن احمد عیاضی حدیث شنیده بود. من هم در مرو و نیشابور از او حدیث نوشتم. ابواحمد بن سکینه و ابن‌الاخضر و شمس‌الدین عبدالغفور بن بدل تبریزی بزوری و ابوالمواهب بن صصری و قاضی بهاءالدین یوسف بن شداد و ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی از وی حدیث شنیده‌اند. وی در تبریز درگذشت. در «شذرات الذهب» نام وی به غلط عطاردی ذکر شده است. از آثارش: «اجوبه مسائل»، در فقه و تصوف، که در جواب سؤالهای یوسف بن مقلد دمشقی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۶ / ۶)، سیر النبلاء (۵۴۰ -۵۳۹ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۴۰ / ۴)، العبر (۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۵۰ / ۹)، النجوم الزاهره (۷۱ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۰۳ -۲۰۲ / ۲)، وفیات الاعیان (۲۳۹ -۲۳۸ / ۴).

عطاملک جوینی، علاءالدین، ابوالمظفر عطاء ملک

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۳ / ۶۸۱ -۶۲۳ ق)، مورخ و ادیب. ملقب به صاحب دیوان. وی از خاندان بزرگ صاحب دیوانان جوینی است که در قرن پنجم و ششم و هفتم همواره متصدی مشاغل بزرگ دولتی بودند. از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و به خدمت امیر ارغوان آقا، حکمران خراسان، پیوست، و دوبار به همراه وی به مغولستان سفر کرد و درای سفرها به احوال مغولان آشنایی پیدا کرد. در ۶۵۴ ق که هولاکوخان مغول به خراسان آمد، عطاملک به او پیوست و در جنگ‌های وی با اسماعیلیان الموت و با خلیفه‌ی عباس در بغداد همراه او بود. پس از از چندی از جانب هولاکو به حکومت عراق عرب منصوب شد و حدود بیست سال در این مقام بود. پس از مرگ هولاکو به سعایت مجدالملک یزدی مدتی گرفتار شد. چون آزاد شد در اران یا مغان درگذشت و پیکر او را به تبریز آوردند و در آنجاه به خاک سپردند. از مآثر وی: کشیدن نهری از فرات به جنوب غربی نجف. از آثار علمی وی: «تاریخ جهانگشای»، در سه مجلد در شرح ظهور چنگیزخان و احوال و فتوحات وی و تاریخ خوارزمشاهیان و حکام مغولی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح؛ «تسلیه الاخوان»؛ رساله‌ای در تکمیل «تسلیه الاخوان»؛ «دیوان» شعر.[۱]

جوینی، ملقب به علاءالدین بن بهاءالدین محمد، برادر شمس‌الدین محمد صاحب دیوان، از رجال و مورخان معروف اوایل دوره مغول (و. ۶۲۳- ف. ۶۸۱ ه.ق.) وی از آغاز جوانی وارد کارهای دیوانی شد و از عمال امیر ارغون آقا حکمران خراسان گردید. عطاملک چند بار در خدمت امیر ارغون به قراقروم پایتخت مغولستان سفر کرد و در ضمن همین سفرها درباره احوال مغول و یورتهای اصلی ایشان اطلاع کافی به دست آورد و برای نوشتن تاریخ خود مواد لازم را فراهم کرد. وی در سال ۶۵۴ به توسط امیر ارغون به هلاکو معرفی شد و نزد او تقرب یافت. پس از فوت هلاکو وی و برادرش صاحب دیوان سبب رونق دولت اباقا بودند و عطاملک حکومت بغداد و عراق یافت. مجدالملک مکرر از عطاملک نزد خان مغول سعایت می‌کرد و موجب مزاحمت او و دیگر افراد خاندان جوینی را فراهم می‌ساخت و در نتیجه عطاملک به حبس افتاد ولی با وساطت شاهزادگان و خوانین مغول در ۶۸۰ از حبس نجات یافت و مورد نوازش اباقا قرار گرفت. دشمنان خاندان جوینی باز از پای ننشستند ولی نتیجه نبردند. چون تگودار به سلطنت رسید، حکومت بغداد و عراق را کما فی‌السابق به عطاملک واگذاشت. وی مؤلف تاریخ «جهانگشای جوینی» است. عطاملک این تاریخ را در سال ۶۵۵ ه.ق.- یعنی مقارن تاریخ فتح قلاع اسماعیلیه به دست هلاکو به انجام رسانید. غالب وقایعی را که جوینی راجع به دوره چنگیزی در کتاب خود آورده از معمرانی که با آن ایام هم عصر بوده‌اند شنیده و ضبط نموده و از معتبران مغول نیز کسب اطلاع می‌کرده و گویا از بعضی از نوشته‌های مغول هم استفاده کرده است. تاریخ جهانگشا چنانکه خود مؤلف تقسیم کرده شامل سه جلد است: جلد اول تاریخ شروع کار چنگیزخان و یاساهای چنگیزی و تاریخ قوم اویغور و فتوحات چنگیز در ماوراءالنهر و خراسان و انقراض سلسله خوارزمشاهیان و سلطنت اگتای و گیوک و احوال جوجی و جغتای، جلد دوم در تاریخ سلاطین خوارزمشاهی و قراختاییان و حکام مغول ایران، جلد سوم در تاریخ منگوقاآن و اردوکشی هلاکو به ایران و شرح تاریخ اسماعیلیه تا سال ۶۵۵ که بیشتر قسمت اخیر مقتبس از کتاب «سرگذشت سیدنا» است و شرحی که در باب فتح بغداد منسوب به خواجه نصیر طوسی است غالبا به عنوان ذیل جلد سوم به آخر نسخه‌های جهانگشا الحاق شده. انشاء کتاب مزبور بلیغ و از لحاظ احتوا بر اطلاعات نفیس کم‌نظیر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۲۸۸ -۲۸۶ / ۱)، از سعدی تا جامی (۹۲ -۹۰، ۳۵ -۲۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۳ -۱۲۰۹ / ۳)، تاریخ جهان‌گشای جوینی (۱/ یا- فه)، تاریخ مغول (۴۸۶ -۴۸۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۶، ۹۴)، حبیب السیر (۳/ صفحات متعدد)،دایره‌المعارف فارسی (۱۷۴۳ / ۲)، دستور الوزراء (۲۹۵ -۲۶۷)، الذریعه (۷۲۸ / ۹، ۳۰۰ / ۵، ۲۴۸ -۲۴۷ / ۳)، ریحانه (۴۴۴ / ۱)، سبک‌شناسی (۱۰۰، ۵۳ -۵۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸ -۹۷ / ۷)، گنج و گنجینه (۳۵۴ -۳۴۶)، لغت‌نامه (ذیل/ عطاملک جوینی)، مجمع الفصحا (۸۷۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷ -۷۵ / ۴). هدیه العارفین (۶۶۵ / ۱).

عطایی کوزانی، عنایت

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنایت عطایی کوزانی

محل تولد : فومن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عنایت عطائی فرزند محمّد دوران متوسطه را در رشته ریاضی فیزیک، در سال ۱۳۷۱ به پایان رساندم، و در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیهٔ قم شدم، که تا کنون مشغول تحصیل فقه، اصول و فلسفه هستم.

عظیمی، شمس الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شمس الدین عظیمی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱ زندگینامه علمی

از روحانیون قبل از انقلاب و طلاب مدرسه حقانی (به مدیریت شهید قدوسی) و بعد از آن مؤسسه مرحوم آیت الله گلپایگانی (المهدی فعلی) بوده و همان زمان در کنار دروس حوزوی به تدوین و نوشتاری و مقاله‌نویسی مبادرت می‌نمودم به کتب آن زمان استاد محقق و آیت الله فعلی مکارم شیرازی و مدرس آن موقع حوزه و آیت الله فعلی نوری همدانی علاقه زیادی داشتم روش رئالیسم مرحوم مطهری و ماتریالیسم و دیالکتیک استاد آیت الله فعلی جعفر سبحانی را مطالعه می‌نمودم به مراکز مختلف اعم از روستاها و شهرهای کشور نیز جهت انجام خدمات تبلیغی مهاجرت می‌نمودم دروس سطح را قبل از انقلاب اتمام نموده مدتی در کرمانشاه در درس خارج فقه مرحوم آیت الله میبدی شرکت می‌کردم یک دوره شرح تجدید نزد مرحوم حقی سرابی در مسجد فاطمیه گذرخان (قبل از انقلاب) تلمذ نمودم. سه سال بحث مسیحیت را نزد استاد عبدالقائم شوشتری (الأن از ائمه جمعه هستند) برادر وزیر سابق دادگستری تعلیم گرفتم نزد ایشان دو سال هم تصوف خواندم، یکسال هم مبحث بهائیت و ردّ آن را نزد استاد قدرت الله نجفی خواندم پیوسته از شاگردان ممتاز استاد شوشتری بودم الان بسیاری از شاگردان آن موقع و همدرسان حقیر از مسئولین طراز اول نظام هستند اوائل انقلاب به تهران هجرت نمودم مدتی درس خارج فقه جواهر مرحوم حقی سرابی در مدرسه و مسجد امام حسین(ع) فعلی شرکت نمودم آنگاه در میدان بهارستان (دبیرستان شریعتی روزانه) به تدریس عربی و دینی چهارم دبیرستان و در دبیرستان شهید رجائی و شبانه ابتدایی پاسداران به همان دروس پرداختم مدتی در مرکز نشر دانشگاهی زیر نظر دکتر پورجوادی مصحح کتب و مقابله کتب دینی و غیردینی بودم همان زمان از سری دوازده گانه کتب محمدعلی دخیل از علمای نجف جلد اول آن یعنی الأمام امیرالمؤمنین علی(ع) را به فارسی ترجمه کردم و به بنیاد بعثت تحویل دادم سپس وارد ارتش شدم و ضمن قبول مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر به تدریس اصول عقاید و ماتریالیسم و ریشه‌های انقلاب و خدمات متقابل اسلام و ایران اشتغال داشتم از اساتید مرکز آموزشهای هوایی بودم پس از ارتش به سپاه رفتم و آنجا نیز ضمن داشتن مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر مربی و مدرس بودم یکسال ورامین، یکسال نقده، یکسال سقزّ بودم و سپس به خدمت در سازمان تبلیغات اسلامی درآمدم در دانشگاه خواجه نصیر استاد اخلاق و ریشه‌های انقلاب شدم امام جماعت نیز بودم در سازمان هم ضمن داشتن مسئولیت به نوشتن مقاله و همکاری فرهنگی و تبلیغی ادامه دادم.

پس از ۲۰ سال متارکه رسمی دروس حوزوی مجدداً به قم برگشتم و ضمن انتقال کار اداری از تهران به طور موقت به قم شروع به تجدید و مرور به دروس قبل از انقلاب نمودم سطح ۲ و سطح ۳ را گرفتم و چون فرصت خوبی برایم پیش آمد و تدریس در دانشگاه‌ها هم نیاز به مجوز پیدا کردم مبادرت به امتحان و مصاحبه علمی معاونت اساتید معارف دانشگاه‌ها را نمودم و موفق به اخذ دو مجوز تدریس اخلاق اسلامی و معارف (اندیشه ۲) گردیدم هم اکنون در تهران در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی طی ۱۲ ساعت در هفته (بعد از ظهرها) اشتغال به تدریس دارم هفته‌ای سه روز یعنی روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه در درس خارج فقه (مکاسب محرمه) مقام معظم رهبری شرکت می‌کنم تدوین پایان‌نامه با عنوان (حکمت الهی در ادیان توحیدی) دارم که قائل ارائه می‌باشد جزوه دیگری آماده چاپ تحت عنوان ۱۴ درس اخلاق برای دانشجویان که تقریباً تدریس برای یک ترم دانشگاهی است دارم با هیئت رزمندگان اسلام در تهران در بخش فرهنگی آن همکاری فرهنگی دارم که مصاحبه اخیر حقیر در مجله ماهانه آنها چاپ می‌گردد با مرکز مشاوره جناب دکتر افروز در ارتباط هستم و بیش از ۵ سال است که به بصورت تجربی و روانشناسی و دعا درمانی اسلامی و سنتی خانواده‌ها را سرویس‌دهی مشاوره‌ای می‌نمایم و اخیراً با مرکز مشاوره جهت اخذ مجوز ارتباط برقرار نموده‌ام ناشر نیز هستم تحت عنوان انتشارات مه‌رویان و کتاب شرح کامله کلیله و دمنه را که بیش از هزار صفحه و در یک مجلد و تألیف ۱۴ ساله حجت الاسلام دکتر موسوی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب می‌باشد حدود ۵ الی ۶ ماه است

که چاپ و نشر نموده‌ام و آماده عرضه می‌باشد و در پایان باید بگویم که هم‌اکنون در تهران و قم (بیشتر تهران) اشتغال به کار اجرایی، مشاوره، دعا درمانی، شرکت در درس خارج فقه رهبر انقلاب، تدریس در هفته در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و... دارم.

عفیفی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق.

تولد: ۱۳۰۲(۲۲ رمضان ۱۳۴۵ ق.)، شیراز.

درگذشت: ۱۳۷۵.

رحیم عفیفی در دو سالگی پدرش را از دست داد و دایی او عبدالله عفیفی (از آزادیخواهان خطه فارس) سرپرستی او را به عهده گرفت. تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در شیراز و دوره‌ی دوم را در دبیرستان کشاورزی کرج گذرانید و در خرداد ۱۳۲۰ دیپلم پنج ساله‌ی کشاورزی را به دست آورد و در اداره‌ی کشاورزی شیراز مشغول به کار شد. در همین اوقات دایی او دو روزنامه یکی به نام «فروردین» در نیمه‌ی دوم ۱۳۲۰ و دیگری به نام «سروش» در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۲۱ در شیراز انتشار داد که اداره امور داخلی آنها به عهده وی بود. پس از مرگ دایی در سال ۱۳۲۷ تحصیلات خود را دنبال نمود و با گرفتن دیپلم ادبی در شیراز به تهران منتقل شد و در رشته‌ی ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. در نتیجه در سال ۱۳۳۱ به درجه‌ی لیسانس و در سال ۱۳۳۵ فوق لیسانس و در سال ۱۳۳۸ به درجه‌ی دکترای ادبیات نایل آمد و در سال ۱۳۳۹ پس از گذراندن مقررات مربوط، به سمت دانشیار زبان پهلوی در دانشگاه مشهد انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۸ در سازمان نو بنیاد جنگلبانی ایران مسئول اداره‌ی آموزش و انتشارات و تبلیغات بود و مدیریت ماهنامه‌ای به نام نشریه‌ی «جنگل‌ها» را که مجله‌ای فنی بود به عهده داشت و با همه کمبودهای آن زمان به طور مرتب مدت پنج سال آن را انتشار داد و سرپرستی دو دوره کلاس کمک مهندسی و جنگلبانی را عهده‌دار بود و در سال ۱۳۳۶ نیز مدتی سرپرستی اداره‌ی انتشارات وزارت کشاورزی به وی محول شد.

در سال تحصیلی ۱۳۴۰ –۱۳۳۹ وی در دانشگاه مشهد به تدریس زبان‌های پیش از اسلام (پهلوی، فارسی باستان، اوستایی) و زبان‌شناسی و فرهنگ ایران باستان پرداخت. در سال ۱۳۴۱ به عضویت شورای انتشارات دانشگاه برگزیده شد و از طرف شورای مذکور به سمت مدیر عامل سازمان چاپ دانشگاه انتخاب گردید تا برای تأسیس مؤسسه چاپ اقدام نماید وی همچنین چند دور مدیر گروه آموزشی زبان‌شناسی و زبان‌های پیش از اسلام را عهده‌دار بود و برای تأسیس دوره‌های فوق لیسانس و دکترای زبان‌شناسی در دانشگاه مشهد آیین‌نامه‌های لازم را تهیه نمود و به تصویب رساند. در سال ۱۳۴۲ به منظور بازدید از مؤسسه‌های فرهنگی و دانشگاهی کشورهای همسایه مسافرتی به اتفاق دانشجویان به کشورهای افغانستان، پاکستان و هندوستان نمود و در سال ۱۳۴۶ با استفاده از بورس تحقیقاتی دانشگاه مدت یک سال در کشورهای فرانسه و انگلستان سرگرم مطالعات علمی و تحقیقاتی بود. در کنار تدریس، به تحقیق می‌پرداخت و به تدریج سی و اند گفتار از متون پهلوی را به فارسی ترجمه و با شرح و تفسیر در مدت چهارده سال در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» به چاپ رسانید. کتاب ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیستی را با شرح و تفسیر و واژه‌نامه در سال ۱۳۴۲ به چاپ رسانید و در سال ۱۳۴۳ ارداویرافنامه منظوم زرتشت بهرام پژدو گوینده قرن هفتم هجری را انتشار داد. اثر دیگر عفیفی هوشیدران (متن پهلوی و ترجمه فارسی، ۱۳۴۵) است. وی همچنین کتاب فرهنگ جهانگیری با شرح و حواشی و شواهد گوناگون در سه جلد و ۳۴۰۰ صفحه در سال ۱۳۵۴ –۱۳۵۱ انتشار داد. این کتاب برنده‌ی جایزه‌ی مسافرت تحقیقاتی دانشگاه مشهد به مدت پنجاه روز به اروپا و آمریکا گردید. وی در برخی از کنگره‌ها حضور می‌یافت و سخنرانی‌هایی درباره‌ی فردوسی و دقیقی ایراد می‌کرد که متن آنها جداگانه به چاپ رسیده است. برخی از مقاله‌های ایشان در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد» منتشر شده است.

پس از تشکیل شورای دانشگاه مشهد از طرف شورای دانشکده‌ی ادبیات به عضویت شورای دانشگاه و نیز شورای آموزشی دانشگاه و شورای تحقیقات دانشگاه برگزیده شد و نمایندگی دانشکده ادبیات در هیئت ممیزه دانشگاه نیز به وی محول گردید.

در مهر ۱۳۵۸ تقاضای بازنشستگی کرد. در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ از مشهد به تهران آمد. در این دوره کار تحقیق و مطالعه در آثار ادب فارسی را دنبال نمود. از آثار این دوره فعالیت اوست: تصحیح کتاب بهمن‌نامه (از آثار اواخر قرن پنجم هجری)، مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری (۱۳۷۱)، فرهنگنامه‌ی شعری (شامل ترکیبات، کنایات، اصطلاحات و آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری در سه جلد)، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، واژه‌نامه پهلوی به فارسی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم فرزند حاتم، معروف به «عقیقی بخشایشی»، در سال ۱۳۶۱ ه.ق (مطابق با ۱۳۲۰ ه.ش) در قصبه «بخشایش» (زادگاه مادر پروین اعتصامی، شاعره نامدار) در ۶۵ کیلومتری شرق تبریز، در یک خانواده کشاورز پا به عرصه حیات نهاد. با داشتن علاقه وافر به تحصیل، زادگاه خویش را به عزم تبریز ترک گفته و در مدرسه طالبیه دروس ادبی و مقدماتی را فرا گرفت؛ تا اینکه درسال ۱۳۷۸ ه .ق به قصد ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم گردید. در آن حوزه مبارکه، از محضر اساتید معروف روز، بهره مند شد. دروس سطح را از اساتید هم زبان خویش، آقایان حجج اسلام: شیخ احمد پایانی، حاج میرزا یدالله دوز دوزانی، و استاد جعفر سبحانی و دروس عالیه فلسفه و حکمت و فقه را از محضر اساتید بزرگوار، شادروان علامه طباطبایی و معلم شهید مرتضی مطهری و آیت الله سلطانی، اصول فقه را از محضر امام خمینی (ره) و خارج فقه را از محضر آیت الله العظمی گلپایگانی و برخی دیگر از مراجع معروف و دروس اخلاق و معارف عالیه را، ازمحضر آیت الله العظمی آخوند ملا علی معصومی همدانی، کسب نمود، و از محضر ایشان موفق به اجازه روایتی در مسیر اجازات حاج آقا بزرگ تهرانی گردید.

هم زمان با تحصیلات حوزوی، در دروس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی، و دروس دارالتبلیغ اسلامی قم شرکت جست، تا درسال ۱۳۹۱ ه.ق (۱۳۴۹ ه.ش) موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران و پایان نامه تحصیلی از این موسسه اسلامی گردید. پس از کسب تحصیلات عالیه حوزه و دانشگاه، زندگی او در دو کلمه خلاصه میشود: قلم و قدم،با توجه به شوق و علاقه خاصی که در خود میدید، رشته نویسندگی و خلق آثار قلمی را تعقیب نمود و تاکنون لحظه ای قلم را ترک نگفته است. این رشته را رسما از سال ۱۳۴۰ ه . ش با جراید معروف آن روز، مانند هفته نامه ندای حق، وظیفه، مجله نور دانش و ... آغاز کرده و نخستین تالیفات خود، «نظری به انجیل و تعلیمات مسیحیت» و «همسران رسول خدا (ص) » را در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ نگاشت و در جلسات اسلام شناسی زیر نظر دکتر مفتح به چاپ رسید تا اینکه در سال ۱۳۵۰ ه. ش به عضویت هیات تحریریه نخستین مجله اسلامی حوزه علمیه قم، «درسهایی از مکتب اسلام» برگزیده شد و مقالات مختلفی در زمینه های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی منتشر ساخت.

محصول این همکاری، پدید آمدن خمیر مایه آثار چاپی متحددی است که تعداد آنها، هم اکنون به ۱۱۰ جلد بالغ می شود.که برخی از این آثار به زبانهای زنده جهان، مانند انگلیسی، عربی، فرانسه و اردو و ترکی نیز ترجمه و منتشر شده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۲ سال، در دانشکده های مختلف کشور، به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی، در مرحله کارشناسی ارشد تدریس داشته و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدرس دروس معارف اسلامی می باشد. اخیرا در پی نگارش کتاب «دیداری با مسلمانان جمهوری آذربایجان»، موفق به دریافت درجه «دکترا» از آکادمی علوم آن جمهوری گردیده که از طریق سفارت ایران به صورت رسمی به ایشان اعطا شده است. او در تعدادی از کنگره های بزرگ علمی و ادبی شرکت جسته و مقالاتی را ارائه داده است. ازآن میان کنگره عاشورا، کنگره اوحد الدین مراغه ای و کنگره شیخ شهاب الدین اهری را می توان نام برد. نویسنده کتاب، بر این اعتقاد است که فلسفه وجودی افراد و زکات حیات و بقای آنان، آثار خیر و باقیات صالحاتی است که ازآنان به یادگار می ماند، و اگر جامعه بشری چنین انگیزه ای را در خود حس ننماید، زندگی او بهره روحی و نشاط معنوی نخواهد داشت.

از این رو، به برکت انقلاب اسلامی و خونهای گرانبهای شهیدان، و با همکاری مردم خوب و متدین و فداکار، چند اقدام عملی و قدم خیر فرهنگی و عمرانی را با فضل الهی به مرحله عمل درآورده است، که محض تشویق دیگر عزیزان، در این وجیزه مبادرت به درج آنها می گردد: ۱. احداث دو باب دبیرستان ۱۲ کلاسه به نام دبیرستان امام امیرالمومنین (ع) با همکاری مردم، در سال ۱۳۶۶ ه. ش، در زادگاه خویش، بخشایش که اکنون با فضل الهی جمعی از فارغ التحصیلان آن به دانشگاه راه یافته اند. ۲. احداث یک دستگاه پل بزرگ، به طول صد متر (۱۰ دهنه)، به نام «پل عباسیه» در سال ۱۳۷۰ ه. ش بر روی رودخانه «اوجان چای» در زادگاه خویش، با هزینه بالغ بر یکصد میلیون ریال آن روز، که مسیر عبور بخش نو، جانقور، شیخ رجب تا جاده اهر را تامین می نماید. ۳. احداث و مرمت جاده شوسه ۱۴ کیلومتری در مسیر بخشایش به جاده اهر، در سال ۱۳۶۷ که هم اکنون مورد بهره برداری می باشد. ۴. فراهم آوردن مقدمات جاده کشی ۱۲ کیلومتری راه کردکندی، اشتلق علیا و سفلی و تازه کند، به بخشایش، در محور جاده سراب و اردبیل که در عبور و مرور مردم آن منطقه تاثیر بسزایی دارد. ۵. خرید زمین، به مساحت ۴۰۰۰ متر و پی ریزی دبیرستان ۸ کلاسه به نام «دبیرستان صدیقه طاهره ع» در بخشایش جهت تحصیل دختران، که هم اکنون از سوی اداره کل نوسازی آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، مشغول تکمیل آن می باشند. ۶. ایجاد و احداث یک باب مسجد به نام مسجد عباسیه (ع) در آذربایجان غربی، در محوطه نیروی انتظامی پادگان جلدیان در حومه نقده، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. ۷. اداره انتشارات «نوید اسلام» در قم که تا کنون حدود ۲۵۰ عنوان کتاب در عرصه های تاریخی، اجتماعی،آموزشی فرهنگی، تربیتی و دروس حوزوی، چاپ و نشر داده است و اخیرا مجهز به چاپخانه ای با همان نام (نوید اسلام) گردیده است. ۸. مفروش نمودن حرم مطهر و نوبنیاد حضرت رقیه (س) در سوریه، به عنوان روحانی کاروان، از طریق جلب کمکهای زایران، در سفرهایی که به آن کشور داشته است. ۹. توجه دادن جمعی از مردم شریف جمهوری آذربایجان، به احکام دینی و وظایف الهی و فرایض مذهبی، در سفرهای متعددی که به آن کشور آزاد شده از چنگال کمونیسم داشته است. و چاپ بیش از ۱۵ عنوان کتاب تربیتی و معرفی ائمه اطهار(ع) به زبان کریل نیز داشته ام.

عقیلی، مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌نعیم بن محمد مؤمن عقیلی استرآبادی اصفهانی، متوفی در حدود سال ۱۱۶۰، مؤلف: ترجمه‌ی کتب اربعه‌ی سماویه.

وی از پدر خود و عمویش میرزا رحیم بن محمد مؤمن که هر دو از علمای نامدار می‌باشند روایت احادیث می‌نموده است.

مرحوم میرزا رحیم عقیلی در زمره علمایی است که خط آنان در خطبه‌ی اول کتاب «جامع الرواة» موجود است، و جدش محمد مؤمن داماد لطف‌الله عاملی میسی صاحب مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عکاسباشی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۴ -۱۲۵۳ ش)، عکاس، فیلمبردار و مترجم. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش عکاس‌باشی دربار ناصرالدین‌شاه بود. او از نوجوانی تحصیلات خود را در هنر عکاسی و گراورسازی در پاریس آغاز کرد. پس از مدتی همراه پدر به تهران آمد و ملتزم مظفرالدین‌شاه شد و در ۱۲۷۷ ش، لقب عکاس‌باشی گرفت. میراز ابراهیم‌خان نخستین فیلم را در استاند بلژیک در مراسم جشن گلها فیلمبرداری کرد و سپس همراه شاه به تهران بازگشت. عکاس‌باشی ضمن نمایش فیلم در دربار، گاهی نیز به فیلمبرداری می‌پرداخت. در «تاریخ سینمای ایران» محل وفات وی چابکسر قزوین ذکر شده که به نظر اشتباه می‌رسد و باید چابکسر لاهیجان باشد. از دیگر آثار او، ترجمه‌ی «رساله‌ی لکه‌گیری» از فرانسه به فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ سینمای ایران (۲۲ -۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴ / ۱).

عکاشه، جلال‌الدین فریدون

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر و ادیب، متخلص به عکاشه. وی به دستگاه جلال‌الدین مسعود اینجو (م ۷۴۳ ق) و برادرش شاه شیخ ابواسحاق اینجو اختصاص داشت. او در شعر فارسی و عربی و نظم قصاید مصنوع و موشح دست داشت. از آثارش: قصاید «ربیعیه» و «رحیقیه»؛ مجموعه‌ی «منشآت»، که به چاپ رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۹۱ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۶۵، ۲۱۴).

علاقه‌بند، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا محمدعلی، از محترمین اهل منبر اصفهان بوده، و سال‌ها در این شهر به وعظ و ارشاد و هدایت مردمان پرداخته، در سال ۱۳۲۵ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، قبرش در همین اطاق می‌باشد.

پدرانش همگی اهل علم و منبر اصفهان بوده و در این شهر می‌زیسته‌اند.

دیگر از مدفونین در این اطاق: مرحوم حاج سید مصطفی مؤید الاطباء فرزند میرزا محمد تقی حسینی درب امامی، از پزشکان معروف اصفهان، و از شاگردان حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی و دیگران است. در ۱۳۷۳ به سن متجاوز از نود سال وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علامه حایری، محمدصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدصالح بن العلم العلام الحاج الشیخ میرزا فضل‌اللّه مجتهد حایری مازندرانی متوفی (۱۳۴۶ ق) از مشاهیر علماء و معاریف مجتهدین معاصر ما بوده‌اند که در شهر ساکت و آرام سمنان چون یوسف (ع) و چاه کنعان بسر می‌بردند.

وی در سال هزار و دویست و نود و هفت قمری در کربلا متولـد شـده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و مرحوم والدش در ماده تاریخ ولادت این فرزند برومند گفته (بالخلف الصالح قولوا مرحبا).

علامه حایری ره در دامن پرمهر مادر عفیفه و صالحه‌ای که دختر مرحوم آیت‌اللَّه حاج ملا محمدیوسف استرآبادی صاحب کتاب (صیغ‌العقود) و کتب دیگر تربیت شده و مقدمات را از محضر آخوند ملا عباس اخفش و آخوند ملا علی سیبویه استفاده کرده و در همان اوقات الفیه‌ی ابن مالک را تخمیس نموده و پس از مقدمات به خواندن سطح فقه و اصول پرداخته و به نجف اشرف عزیمت نموده و از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۲۴ قمری در باب مدینه علم از محضر مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی فقه و اصول را استفاده نموده و معقول را از حاج ملا اسماعیل بروجردی حائری فراگرفته و در اوائل بلوغ بسر حد اجتهاد رسیده و پس از تکمیل مبانی فقه و اصول و علوم عقلی در مدت دوازده سال به واسطه کسالت ضعف چشم به ایران آمده و مدتی در تهران به معالجه پرداخته و پس از آن به بارفروش (بابل) فعلی رحل اقامت افکنده و مرجع تقلید جماعتی گردیده و از آنجا اجباراً به سمنان منتقل و تا سال ۱۳۹۱ قمری به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال داشتند و در سال مزبور در سن نود و شش سالگی وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل حمل به مشهد مقدس و در جوار سلطان سریر ارتضا علیه آلاف التحیهٔ والثناء مدفون گردیده است.

مرحوم علامه سمنانی در قدرت ادبی به عربی و فارسی وحید عصر و فرید دهر خود بود و تمام بزرگان و ادباء عراق و ایران او را به استادی تعظیم و تکریم نموده و به نبوغ می‌ستودند بیش از سیصد مجلد تألیف از کتاب و رساله دارد که همه در کتابخانه شخصی ایشان آماده برای چاپ می‌باشد.

فهرست تألیفات و تصنیفات این فقیه اصولی و متکلم رجالی و ادیب اریب و شاعر ماهر و حکیم ربانی در فنون مختلف در کتب تراجم مانند ریحانهٔالادب والذریعه و علماء معاصر و غیره مذکور است.

علامه حایری در فن سرودن قصائد عربی متبنی عصر خود و در سرودن قصائد غزلیات فارسی سعدی زمان بود در انشاد مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع) ید طولائی داشت بلکه از جهاتی بی‌نظیر بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علامه شهریاری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی در حدود سال ۱۳۲۵ ق متولد شده و پس از خواندن فارسی و مقدمات در زادگاه خود و تهران در اوائل تاسیس حوزه علمیه قم مهاجرت به دارالعلم قم نموده و سطوح را در خدمت مدرسین حوزه تکمیل و معقول (شرح منظومه) و غیره را از محضر آیت‌اللَّه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مهدی پائین شهری استفاده و در درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه حایری و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه حجت و غیرهم حاضر و کسب فیض نموده آنگاه برای خدمات دینی و اجتماعی و تبلیغ احکام مراجعت و در علیشاه عوض مرکز شهریار اقامت و تاکنون بانجام وظائف دینی و غیره اشتغال دارند.

دارای اجازات روایتی و غیره از مرحوم ثقهٔالمحدثین حاج شیخ عباس قمی و دیگران می‌باشند.

نگارنده گوید: آقای علامه شهریاری عالمی بصیر و فاضلی روشن ضمیر و دارای طبع روان و ذوق فراوان و خوش مجلس و محاوره می‌باشند. دیوان اشعاری در مدایح و مراثی و نصایح و مواعظ دارند که بنظر آیت‌اللَّه العظمی و العلامه الکبری آقای مرعشی نجفی مـد ظله رسیده و تقریظ جامع و کاملی که مقام علمی و ادبی مترجم معظم را معرفی می‌کننـد بر آن مرقوم فرموده‌انـد ولی متاسفانه تاکنون بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامی هشترودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد علامی بن العلم العلام آقا شیخ محسن علامی از فضلاء آذربایجان مقیم قم می‌باشد.

وی در سال ۱۳۰۲ شمسی در سراسکند که از محال هشترود می‌باشد و در سن پانزده سالگی به تبریز آمده و بتحصیل علوم دینی پرداخته و در سن بیست سالگی مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا فتاح شهیدی صاحب کتاب (هدایه الطالب الی اسرار المکاسب) و کتاب فرائد را محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود دوز دوزانی خوانده و ضمنا بتدریس مطول و لمعه اشتغال داشته و در سن ۲۵ سالگی در سال ۱۳۲۷ شمسی به قم آمده و کفایه را از محضر مبارک آیت‌اللَّه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه العظمی برجرودی شرکت نموده و استفاده کامل کرده و بتدریس رسائل و مکاسب پرداخته و چند سالی است که در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد امام حسین (کوچه شیخ مهدی) ترویج دین اشتغال دارد. معظم له حکمت و فلسفه را هم از محضر آیت‌اللَّه حاج سید ابوالحسن رفیعی و علامه بزرگوار آقای طباطبائی آموخته است.

دارای آثار علمی میباشد که از آنها است:

۱- ایضاح المطالب فی شرح المکاسب که بطبع رسیده است.

۲- جلد دوم غایه الایضاح که دارای پنجاه ماده است.

۳- رساله‌ای در اصول‌الدین که تحقیقی و اجتهادی و استدلالی نوشته‌اند.

۴- کتاب جامع الروایات والمطالب.

۵- تقریرات درس طهاره مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی.

۶- تقریرات بحث بیع مکاسب مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حجت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علامی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مقدمات را تا مغنی و مطول پیش آقای انصاری که مدرس برجسته مقدمات در حوزه تبریز بود خواندم. مغنی و مطول را از محضر آقای شیخ علی اکبر ادیب معروف و متخصص فن و لمعتین را از محضر آیت الله آقای حاج سید مهدی انگجی فرا گرفتم و مکاسب را از محضر حضرت آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شهیدی (ره) صاحب کتاب «هدایه الطالب الی اسرار المکاسب» که مجتهد معروف حوزه علمیه تبریز بود و فرائد را محضر حضرت آیت الله مرحوم آقایی حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی خواندم و آن زمان از اساتید معروف مطول و مغنی بودم جمع کثیری در درس مطولم حاضر می شدند چون عبارات را صحیح و با دقت می خواندم الان هم تدریسم در حوزه علمیه قم از نظر خوب عبارت خواندن مورد تحسین فضلای حوزه است و فضلا بارها گفته اند عبارت خواندن شما در مقام تدریس بی نظیر است.

کفایتین را از محضر حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی (ره) استفاده کردم ، منظومه حکمت و اسفار را از محضر حضرت آیت الله علامه طباطبایی (ره) فرا گرفتم دوازده سال حکمت خوانده ام به منظومه حکمت شرح نوشته ام درعلم حکمت خیلی کار کرده ام فضلای حوزه می گویند درس حکمت در حوزه شروع کنید بی میلی نیستم اگر توفیق رفیق شد درس حکمت در حوزه شروع کنم انشاء الله در درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت الله آقای حجت کبیر پانزده سال شرکت و استفاده کامل نموده ام بعد از وفات این دو بزرگوار باقی دوره درس خارج را از محضر مبارك امام رضوان الله تعالی علیه و آیت الله گلپایگانی و آیت الله داماد تکمیل نموده ام بیش از بیست سال درس خارج فقه خوانده ام.

علامی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد علامی تبریزی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است وی در تبریز متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در مدرسه طالبیه تبریز به قم مهاجرت و سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری حاضر و حدود ده سال استفاده نموده و مورد توجه مخصوص آنجناب گردیده تا سال ۱۳۹۴ قمری که پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسن علامی مذکور به تقاضای اهالی مسجد آن مرحوم و حسب‌الامر آیت‌اللّٰه شریعتمداری به کرمانشاه مهاجرت و تااکنون به اقامه جماعت در مسجد ترکها و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارند

نگارنده گوید: آقای علامی فاضلی ظریف و خوش‌مجلس و محاوره و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و صفا و صداقت می‌باشند

و در مسجد مزبور کتابخانه‌ای برای جوانان تأسیس و شبها جلسه پاسخ به پرسشها بعد از نماز مغرب و عشا دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علایی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۷.

درگذشت: ۱۲ آبان ۱۳۷۲.

علی علایی در ادبیات عرب و فارسی و فرهنگ ایران زمین مطالعاتی داشت. وی مدیر هفته‌نامه‌ی «پیک نوروز» در اردبیل بود. این هفته‌نامه بعد از چند سال انتشار، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توقیف شد. مبارزات قلمی علایی و نقش روشنگرانه‌ی «پیک نوروز» در مشاهیر آذربایجان در فصل «تاریخچه مطبوعات اردبیل» آمده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

علایی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از نویسندگان و مترجمان پرکار معاصر بود. از آثار وی: «از منگلفیه تا شاه»، تاریخ هواپیمایی؛ «چهار سرباز پیاده‌ی ارتش آلمان»، ترجمه؛ «در پناه بودن از خطر حملات هوایی»؛ «فتح آسمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۲۵، ۱۷۵، ۱۷۴- / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۰ -۶۴۹ / ۶).

علائی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدابراهیم علائی از فضلاء اهل منبر و دانشمندان خطباء معاصر می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۲ ق در اراک متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن دروس جدید تا درجه دیپلمی به تحصیل علوم ادبیه و عربیه پرداخته و مقدمات و ادبیات را از مدرسین اراک آموخته و متون و خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّه آقای گلپایگانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسن فرید و دانشمندان دیگر آن سامان فراگرفته و هم به بعضی از زبانهای زنده روز کاملا آشنا شده و بواسطه مطالعه در علوم و فنون مختلفه اطلاعات وسیعی در علوم روز کسب نموده و با اینکه فرهنگ اراک و غیره می‌خواست با دادن حقوق زیادی از مقام استادی وی برای تدریس دبیرستانها استفاده کند معظم له نپذیرفته و رشته منبر و سخنرانی را انتخاب و از این راه در اراک و غیره خدمات بارزی به دین نموده و بسیاری از نسل جوان و روشنفکر آن را ارشاد و از انحراف و مسیر غلط گردانیده است.

جناب آقای علائی از سال ۱۳۹۰ ق منتقل به تهران شده و تا حال حاضر از طریق منبر و وعظ در هیئت محترم (فاطمیون) تهران و مساجد و مجالس دیگر به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

مؤلف گوید: قریب سی سالست که معظم له را از نزدیک می‌شناسم دانشمندی وارسته و واعظی شایسته و ادیبی فرزانه و خطیبی پرمایه و فاضلی خلیق و دوستی صدیق می‌باشد. بیانی ملیح و منطقی صریح دارد.

منبرش اخلاقی و آموزنده و در بحث ولایت و فضائل خاندان رسالت بسیار ارزنده می‌باشد. از خداوند بزرگ موقعیت و پیروزی امثال ایشان را خواسته و برادران دینی را به قدردانی از این گونه خدمتگذاران که زبان گویای شیعه و خلفاء رسول ص هستند توصیه می‌نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علم الهدی شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید علی اکبر واعظ طباطبائی یزدی است که در ۱۳ رجب ۱۲۹۷ متولد گردید، و در شب ۵ شنبه ۱۷ جمادی الثانیه‌ی این سال وفات یافته، جنازه به شیراز منتقل گردیده، در شاه چراغ مدفون گردید.

عالم جلیل، و فقیه محدث، و ادیب جامع، و شاعر کامل بود، و سال‌ها در اصفهان ساکن، و محضرش مجمع افاضل و اماثل بوده، در اخلاق و ملکات نفسانی و قدرت حفظ، عدیم النظیر بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علم، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. از مترجمان پرکار قرن حاضر است از آثار وی: «پیامبر»،ترجمه؛ «راهنمایی نوین اسکی»، ترجمه؛ «شخص نامرئی»، ترجمه؛ «عقیده و عمل»، ترجمه؛ «میراث اسلام» (در سیزده فصل و هر فصل به قلم یکی از مستشرقین)، ترجمه از انگلیسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲ / ۶)، یادگار (س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۴ -۱۲۱، ش ۵، ص ۵۱ -۴۸)، یغما (س ۱، ش ۳، ص ۱۳۲ -۱۲۵).

علماء، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید رضای قمی معروف به علماء از افاضل دانشمندان و قدماء حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان مذهبی قم است.

تولدش در قم واقع شده و سطوح را از مدرسین حوزه بالاخص حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله فراگرفته و بالغ بر ۱۸ سال از ابحاث زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی استفاده کرده و بعد منحصرا به درس خارج آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی حاضر شده و می‌شود.

عالمی ظریف و دانشمندی لطیف و خوش اخلاق و محاوره است همواره چهره‌اش گشاده و لبانش متبسم و در اکثر بحثها و دروس سیدنا الاستاد فقیه اهل البیت علیهم‌السلام آقای مرعشی نجفی سلمه‌الله با ما شرکت داشته و دارند.

برادر ایشانست ثقه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا حسین علماء که نیز از شرکاء درس آیت‌اللهی مرعشی نجفی هستند و از طرف معظم‌له در هفته یکشنبه یا دوشنبه در مسجد جمکران اقامه جماعت نموده مردم را در پیرامون ولایت مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و نیز در شهر قم از طریق منبر ارشاد مردم نموده و بیان احکام و معارف اسلام می‌نمایند و همه روزه ظهر و شب در نماز جماعت آیت‌الله مرعشی شرکت نموده و استفاده می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علم‌الهدی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد بن العالم الجلیل الحاج السید علی بن الحسین معروف بعلم الهدی خراسانی از علماء اعلام و وعاظ کرام معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۸ ق تقریبا در مشهد مقدس متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات (در خدمت آقای ادیب نیشابوری و محقق نوغانی) قسمتی از سطوح را از مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفته آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر و دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه موسوی و مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و در ماه محرم و صفر و ماه رمضان برای تبلیغ احکام و تنویر افکار بنا بر دعوت به شهرستانها و بالاخص بمرکز و عاصمه تشیع (تهران) مسافرت و از راه منبر و بیان خدماتی انجام داده و مورد توجه بسیاری از مردم متدین و دانا و روشن فکر قرار گرفته که از ایشان برای اداره مسجد (صاحب الزمان) انتهای خیابان شاهپور دعوت و از سال ۱۳۹۰ ق تاکنون در مسجد مزبور به اقامه جماعت

و گفتن تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند و در مجالس بسیار دیگری از هیئات مذهبی انجام وظیفه می‌نمایند.

نگارنده گوید: آن جناب دارای منطقی گویا و بیانی شیوا و محامد آداب و محاسن اخلاق و موصوف بفضل و تقوا و با برادر ارجمندش که ترجمه‌اش ذیلا خواهم نوشت ستاره درخشان از آسمان علم قم و خراسان می‌باشند که در محیط تهران به نورافشانی و روشن کردن دلها و افکار روشنگران فروزندگی دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علمی عراقی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمود علمی از علماء محترم و دانشمندان معظم و قدماء مکرم حوزه علمیه قم‌اند که به محامد آداب و محاسن اخلاق و متانت موصوف و و به فضل و تقوا معروف می‌باشند. در ربیع‌المولود ۱۳۲۳ قمری در اراک متولد شده و پس از طی مقدمات در سال ۱۳۴۰ قمری به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مرحوم میرزا محمد ثابتی همدانی و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم آیت‌الله صدر استفاده کرده و به درس و بحث مرحوم آیت‌الله حایری شرکت نموده و پس از فوت آن مرحوم از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالغ بر هیجده سال از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و

چندین سال تصدی امور مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف آن مرحوم با ایشان بوده است و پس از آن مرحوم به آیت‌الله العظمی شریعتمداری پیوسته و تا هم اکنون به مباحثه معظم‌له شرکت می‌نمایند.

حکایت کردند برای نگارنده که در ماه شوال ۱۳۹۲ ق شبی در خواب دیدم که حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف ظهور کرده‌اند پس شرفیاب شدم حضورشان دیدم عده‌ای از آقایان هستند محضرشان که در میان آنها جناب آقای قاضی طباطبائی حاج سید حسین و آقای حاج سید مرتضی برقعی واعظ معروف بود و می‌خواستند قبل از قیامشان منبر بروند پس آقای قاضی گفتند منبر آقا را مقابل قبله بگذارند آقای برقعی گفتند منبر آقا را رو به کشور ترکیه بگذارید که آقا با مردم ترکیه صحبت کنند پس منبر را به سمت ترکیه گذاردند و آقا به منبر رفتند و من از خواب بیدار شدم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علوی بروجردی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین علوی طباطبائی فرزند حجهٔالاسلام و المسلمین مرحوم حاج سید ابوالقاسم علوی دومین داماد آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و از بنی اعمام ایشان از خاندان طباطبائی بروجرد هستند. جد ایشان مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدحسین از علماء بزرگ بروجرد و حوزه علمی ایشان در عصر خودش از حوزه‌های بزرگ بروجرد بوده است.

و نیز جد بزرگ او مرحوم حاج سید ابوتراب از بزرگان سلسله طباطبائی در جود سخا و حسن خلق زبانزد خاص و عام بوده است. مقبره‌اش در نجف اشرف در بقعه مرحوم بحرالعلوم علیه‌الرحمه است.

مترجم گرامی ما در سال ۱۳۰۴ شمسی در بروجرد متولد شده و در دبستان و دبیرستان آن شهر تحصیلات خود را تا دیپلم ادامه داده و بعد از تشرف مرحوم آیت‌اللَّه فقید به قم بفاصله شش ماه به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینی نموده و بعد از فراغت از سطوح در نزد اساتید معظم حوزه هفت سال در محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی حاضر و از خرمن فضیلت آن مرد بزرگ خوشه‌ها چیده و در سال ۱۳۲۸ شمسی بمصاهرت آن بزرگوار مفتخر و پس از فوت آن مرحوم مهاجرت به تهران نموده و در مسجد فخریه تهران بعد از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی به اقامه جماعت و ترویج دین و نشر احکام شرع مبین و تنویر افکار جوانان و روشنفکران پرداخته و تا هم‌اکنون به این خدمات اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آقای علوی علاوه بر تحصیلات جدید و قدیم بزبان انگلیسی نیز تسلط دارند و دانشمندی ادیب و آشنای به ادبیات عربی و فارسی می‌باشند و در نویسندگی نیز توانا هستند.

از آثار مطبوع ایشان کتاب خاطرات زندگانی حضرت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی است که در بیست و پنج هزار نسخه منتشر گردیده.

و دیگر از آثار وی تأسیس حسینیه علوی در خیابان فرهنگ نزدیک به خیابان امیریه می‌باشد که پایگاه و مرکز حساسی برای نشر معارف اسلامی است و در روزهای جمعه از اول آفتاب تا قریب بظهر خطباء و گویندگان بزرگ برای صدها نفر مردم مرکز موعظه نموده و سخنرانی می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید محمدباقر بن سید الاعلام السید علی بن السید حسین علوی مسجد حوضی تهران از علماء معروف تهران بودند و در مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک محله سرپولك اقامه جماعت می‌نمودند و در میان علماء و اهالی تهران بسیار محترم و مکرم و مورد وثوق قاطبه مردم بودند و با مرحوم آیت‌اللَّه بهبهانی صداقت تام و رفاقت تمامی داشتند.

وی در سال ۱۳۰۵ قمری هجری در تهران متولد و در کودکی قرآن و تجوید را از آخوند ملاـعلی فراگرفته و در مدرسه ادب تحصیلات جدید را آموخته و فقه و اصول را نزد آقا میرزا کوچك ساوجی که از علماء مشهور عصر و مدرس مدرسه صدر بودند خوانده و معقول را نزد حکیم دوران و فرید زمان آیت‌اللَّه حاج عبدالنبی نوری طاب ثراه آموخته و پس از فراغ از تحصیل مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده کرده و نائل به درجه اجتهاد شده آنگاه مراجعت به تهران و در مدرسه عبداللَّه خان واقع در بازار بزرگ مشغول تدریس گشته و احکام تجارت و مکاسب را برای تجار بیان نموده و عده‌ای از بازرگانان از محضرش کسب فقه و معارف اسلامی نموده تا در ماه شعبان‌المعظم سال ۱۳۸۶ ق در تهران وفات و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در جوار جد گرام خویش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد رضا بن الایه حاج سید محمدباقر علوی آنف‌الذکر از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۳ ق در تهران تولـد یافته و در مهـد علم و سیادت پرورش نموده و پس از خوانـدن دروس عالیه جدیـد، ادبیات و سطوح وسطی را در تهران آموخته و در سال ۱۳۶۴ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ قم فراگرفته و از دروس خارج مرحومین آیتین علمین آقای حجت و آقای خونساری استفاده نموده و پس از رحلت ایشان از محضر آیت‌اللّه العظمی زعیم اعظم آقـای بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگـانی و علامه معاصر آقای طباطبائی بهره‌منـد شـده و در سال ۱۳۸۶ ق پس از فوت مرحوم والدش به تهران مراجت و در مدرسه سپهسالار قدیم و مسجد حضرت امیر علیه‌السلام به اقامه جماعت و در مدرسه‌ی مزبور بتدریس و ترویج دین پرداخته و هم از محضر مرحوم وحید عصر آیت‌اللّه شعرائی حاج میرزا ابوالحسن قدس اللّه سره هیئت و نجوم و ریاضیات را آموخته و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی شهیدی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا محمّد باقر علوی شهیدی عالم فاضل زاهد، از ائمّه جماعت اصـفهان که به جای پدر در مسجد مقابل مدرسه نیم آورد اقامه جماعت می‌فرمود.

از شاگردان پدر خود، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی درچه‌ای، و میرزا حسین همدانی، و آخوند کاشی بود.

در شب ۲۵ محرم سال ۱۳۸۵ بسنّ متجاوز از هفتاد و پنج وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

علوی فرد، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی علوی فرد

محل تولد : بجنورد

شهرت : عموعلوی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۹/۲۱

زندگینامه علمی

یحیی علوی فرد

یحیی علوی فرد در سـال ۱۳۵۲ در روسـتای باغچق از توابع شهرسـتان بجنورد به دنیا آمـد . سال های ابتدائی مدرسه را در روسـتای محل زندگی گذراند و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه بجنورد شد . او بعد ها به مشـهد رفت و در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه قم شـد . علوی فرد از همین زمـان به صورت جـدی وارد عرصه شـعر کودک و نوجوان شـد . او در جلسـات هفتگی شـعر مرکز تربیت مربی کودکـان و نوجوانـان بـا مـدیریت آقـای تقی متقی شـرکت کرد . علوی در سال ۱۳۷۷شروع به درس خوانـدن در رشـته روان شناسـی در موسـسه آموزشـی و پژوهشـی امـام خمینی (ره) کرد . همچنین در همین سـال همکـاری خود را بـا مطبوعـات کودک و نوجوان آغـاز کرد . نـتیجه کـار او تـا کنون چـاپ صـد هـا قطعه شـعر ، نقـد ادبی و نثر در مجلات کودک و نوجوان است . علوی برخلاف بیشتر شاعران کودک و نوجوان سـعی می کند به قالب چهارپاره بسنده نکند و در قالب های غزل و شعر نیمایی نیز فعالیت دارد . او همچنین به صورت پراکنده شـعر بزرگسال نیز می گوید که در نشـریات مختلف به چاپ رسیده است . عناوین و افتخارات علوی در سال ۱۳۸۰ در پنجمین جشـنواره دو سالانه مطبوعات کودک و نوجوان در رشـته شعر رتبه اول را به دست آورد . همچنین در سال ۱۳۸۱ در جشـنواره شـعر دانشـجویان شاهد رتبه دوم شـعر بزرگسال را کسب کرد . او در سال ۱۳۸۲ لیسانس روان شناسی گرفت . همچنین در این سـال یکی از شـش نـامزد دریـافت جـایزه در ششـمین جشـنواره مطبوعـات کودک و نوجوان بود . در سال ۱۳۸۳ از سوی سازمان صدا و سیما، نویسنده برگزیده گروه کودک و نوجوان معرفی شد . در سال ۱۳۸۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه قم قبول شد و در این سال در جشنواره هنر آسمانی (طلاب سراسر کشور) در بخش کودک و نوجوان مقـام اول را به دست آورد. از شـاعران برگزیـده شـعر فجر در اسـتان قم بود . همچنین کتـاب نوآوری این است برگزیـده ششـمین جشنواره کتاب فصل در سال ۱۳۸۷شـد. فعالیت ها علوی در کنار سـرودن شـعر ، نقـد ادبی را جدی ترین فعالیت خود می شمارد . او در این زمینه با مجلاتی مثل کتاب ماه کودک و نوجوان و ماهنامه سـلام بچه ها همکاری جـدی تری دارد که بعضـی از این نقد ها با اسم مسـتعار (ی. باغچقی) به چاپ می رسد . او مقالات آموزشی در زمینه شعر و نثر ادبی را در مجلات انتظار نوجوان و ماهنامه ملیکا با اسم مستعار (عموعلوی) ارائه می کند . کتاب های چاپ شده از او عبارتند از : فصل ها زیبایند۱۳۸۵

بهار ماندنی ۱۳۸۷ (تقدیر شده اولین جشنواره آخرین منجی)

نوآوری این است ۱۳۸۷(برگزیده ششمین دوره کتاب فصل)

محمد دوباره می آید (زیر چاپ)

و...

یکی از جدی ترین فعالیت های علوی در کنار سرودن شعر و نقد ادبی ، تدریس زیبا نویسی ، مخاطب شناسی در ادبیات کودک و نوجوان، سرود دانش آموزی، و اداره جلسات نقد کارگاهی ادبیات کودک و نوجوان در قم می باشد . سابقه تدریس او در مراکز زیر صورت گرفته است : تدریس و نقد شعر در انجمن ادبی شاهد استان قم از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲

تدریس و نقد شعر در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره در سال ۱۳۸۲

تدریس سرود دانش آموزی در دانشگاه قم در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی قم در سال ۱۳۸۵

و...

او هم اکنون در مقطع فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل است . عضو تحریریه ماهنامه سلام بچه هاست از سال ۱۳۸۴ دبیر بخش ماهنامه انتظار نوجوان است و به مدت ۵ سال سردبیر ماهنامه قاصدک بود . (ماهنامه قاصدک در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما برای برنامه سازان کودک و نوجوان به چاپ می رسد .)

علوی قزوینی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد فرزند عالم جلیل حاج آقا بزرگ علوی قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر دارالمؤمنین قزوین است. در سال ۱۳۰۷ شمسی در بلده طیبه قم متولد شده و تحصیلات مقدماتی و سطوح را در شهرستان قزوین نزد والد بزرگوارش و سایر اساتید گرانقدر آن سامان عموی آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن رفیعی و آقا سید محمد تنکابنی به اتمام رسانیده و در سال ۱۳۳۵ شمسی برابر ۱۳۷۵ قمری عزیمت به قم نموده و از محضر آیات عظام و اساتید بزرگوار آن دیار بهره‌مند گردیده و بالاخص افتخار شرکت در درس و محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه خمینی و نیز حکیم متاله و فیلسوف الهی و مفسر بزرگ قرآن علامه طباطبائی صاحب تفسیر و زین المیزان و عالم ربانی حاج شیخ مرتضی حایری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللّه اراکی و حاج شیخ مرتضی حایری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللّه اراکی و حاج شیخ محمد فکوری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل مراتب علمی مراجعت به قزوین و به تدریس علوم مختلفه دینی و اقامه جماعت در مسجد سلطانی (مسجدالنبی- ص) و مسجد محله مسکونی خود (مسجد شیشه‌گرها) پرداخته و تاکنون اشتغال دارند. از آثار علمی ایشان تقریرات اساتید حوزه علمیه قم می‌باشد.

و از باقیات الصالحات معظم‌له:

۱- بناء حسینیه سیدالشهداء در قزوین است و واقف آن مرحوم آقا میر عبدالباقی است که تولیت آن را با علماء و دانشمندان از خاندان علوی می‌باشد و این حسینیه مدتها به صورت مخروبه درآمده و تعطیل بود که به همت والای ایشان تعمیر و به صورت عالی و باشکوهی درآمده و اکنون مورد استفاده عموم علاقمندان می‌باشد و در آن نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و ترویج احکام و تفسیر قرآن و ذکر احادیث و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

علوی قزوینی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی علوی از دانشمندان و مستخرجین حوزه علمیه قم می‌باشند وی سالها از محاظر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و مرحوم والدش و دیگران فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به قزوین آمده و پس از چندی اقامت مهاجرت به تهران و تا حال تحریر در قسمت غرب تهران به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اصغر ابوترابی علوی سومین فرزند آن مرحوم و دارای مقام فضل و تقوا و مانند مرحوم والدش متعبد و متقی می‌باشند. تولد

ایشان در قم واقع شده و در حجر تربیت چنان پدر بزرگواری پرورش و دوران کودکی را گذرانیده و پس از خواندن دروس فارسی و مقدمات به تحصیل متون فقه و اصول پرداخته و از محضر مدرسین سطوح استفاده نموده و پس از تکمیل آن از دروس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی آقای مرعشی نجفی و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّٰه شریعتمداری و دیگران بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۲ قمری به قزوین وطن اصلی خود منتقل و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن ابی‌تراب بن مرتضی الحسینی القزوینی عالمی جلیل و دانشمندی متقی و پارسا فقیهی عابد و ناسکی زاهد از علماء محترم حوزه علمیه قم بوده است

وی در سال ۱۲۹۱ ق در قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۱۹ مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیتین علمین کاظمین علامه یزدی صاحب (عروة) و آخوند خراسانی صاحب (کفایه) استفاده نموده و در سال ۱۳۳۲ مراجعت به قزوین نموده و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره داشته تا سال ۱۳۴۲ ق که به قم منتقل و به امر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حائری (مؤسس) حوزه علمیه در نشیید حوزه همکاری و تشویق محصلین علوم دینیه نموده و در مسجد بالاسر حضرت معصومه و مسجد عشقعلی اقامه جماعت داشته و هم تدریس بعضی از متون فقهی نموده تا در ۲۸ صفر ۱۳۶۴ قمری بعد از کسالت ممتد بدرود حیات گفته و در مسجد بالاسر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّٰه حائری مدفون شده است.

نگارنده گوید: مرحوم آقای قزوینی از عباد و زهاد علمائی بودند که توفیق زیارتشان را یافتم نسبت بحقیر محبتی داشته و همواره تشویقم بتحصیل علم و تهذیب اخلاق می‌فرمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی گنابادی، سلمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سلمان علوی گنابادی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۸

ورود به حوزه علمیّه ۱۳۷۳

پس از آشنایی با انجمن شعر و قصّه قم مطالعات ادبی من جلوه جدی تری به خود گرفت. و از آن پس در محافل ادبی سراسر کشور و سمینارها و همایش های شعر دعوت شدم و در کنار استاد بزرگ خودم جناب زکریا اخلاقی به عنوان شاعران حوزوی سعی بر این داشتیم که رسالت حوزوی خویش را از رهگذر شعر و ادبیات در محافل جوان انجام دهیم.

در سال ۸۴–۸۵ خدمت مقام معظم رهبری شرفیاب شدم و به فضل الهی اثری که نزد ایشان ارائه شد مورد تحسین و تأیید معظم له قرار گرفت.

گرچه تا کنون کتاب مستقلی از بنده به چاپ نرسیده لکن در نشریات، و کتاب هایی که گردآوری شده آثار شاعران است، اشعار و مقالات زیادی تا کنون از بنده به چاپ رسیده است.

پس از ورود بنده به مؤسسه امام خمینی (ره) مطالعات من شکل دیگری به خود گرفت و بیشتر در حوزه فلسفه و کلام متمرکز شدم. بالطبع فعّالیّت های ادبی نیز کژدار و مریض ادامه دارد لکن از سال ۸۱ (ورود به مؤسسه) تحقیقاتم را در زمینه فلسفه و کلام جدی تر پی گیری کردم لکن این فعالیت ها و تحقیقات بیشتر جنبه های شخصی داشته که تا کنون در صدد انتشار آنها نبوده ام.

گاهی نیز تحقیقاتی – نه در این دو حوزه – داشته ام که آن نیز جنبه شخصی دارد و در صدد چاپ و انتشارش نبوده ام مثل جایگاه شرکت QI در جوامع بین المللی.

علوی مقدم، سیدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد علوی مقدم

تاریخ تولد:۶۶/۵/۳

سال آغاز هنر شطرنج:۱۳۷۲

رنگ مورد علاقه:آبی

آرزوی طلایی:دکترای عمران بگیرم.

مشوق اصلی:خانواده

مهره ی مورد علاقه:وزیر

مدرک تحصیلی:دانشجوی عمران دانشگاه علم و صنعت.

به جز شطرنج علاقه دارم به :کتاب های شعر،موسیقی سنتی،شنا و فوتبال

تاثیر شطرنج بر روی زندگی:باعث شادی روح آدم می شه!!

مربیان:استاد مرتضوی و استاد هرندی.

شطرنج را چه رنگی می بینید:سیاه سفید

فصل مورد علاقه:بهار

مقام های کسب شده:قهرمان زیر ۱۰ ساله های جهان سال۷۶ ،۳ بار نایب قهرمان آسیا در سال های ۸۲ ،۷۷،۸۰ . مقام سوم دانش آموزان جهان،قهرمان رده سنی کشور در سال های ۷۴،۷۶و ۸۰،مقام سوم زیر ۱۸ سال کشور در سال ۷۷.مقام دوم کشور در رده ی سنی زیر ۱۶ سال.عضو تیم ملی در سال ۷۹.دو بار قهرمان مسابقات ابوظبی،یک بار قهرمان مسابقات بین المللی نوجوانان در گرجستان،مقام اول باشگاههای کشور در تیم فرهنگسرای بهمن!

حرف آخر:مسئولان به ورزش شطرنج بیشتر توجه کنند واز مربیان خارجی برای تعداد بیشتری از بچه ها استفاده کنند.

علوی مقدم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای ادبیات فارسی در سال ۱۳۴۹، تدریس ادبیات فارسی در دانشگاههای عین شمس قاهره (مصر) و اسلام‌آباد پاکستان هر کدام به مدت یکسال در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادب و فرهنگ اسلامی و ایرانی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا و ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم بلاغی، تحقیقات ادبی، تفسیر آیات قرآنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادبی، تفسیری، نکته‌های بلاغی قرآنی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

علوی مهر، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین علوی مهر

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین علوی مهر در تیرماه سال ۱۳۴۲ در شهرستان اهواز در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد و در سنین کودکی به بوشهر مهاجرت می کند تحصیلات خود را تا دیپلم در همان شهر گذرانده، سپس با وجود این که در سالهای ۶۱ و ۶۲ در کنکور امتحان داده و پذیرفته می شود اما ترجیح می دهد دروس حوزه را بخواند. وی جهت ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه اصفهان شده و ادبیات عرب را در مدت یک سال و نیم در آن حوزه تمام می کند. سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت میکند. از سال ۱۳۶۳ به ادامه دروس پرداخته و سطوح عالیه را نزد اساتید بارز آن زمان، از جمله آیات وجدانی فخر، اعتمادی، موسوی تهرانی، احمد پایانی، جعفر سبحانی و جوادی آملی به اتمام می رساند. از سال ۱۳۶۸ در درس خارج آیات عظام مکارم شیرازی، وحید خراسانی، و میرزای تبریزی شرکت نموده و در سال ۱۳۷۱ در آزمون ورودی رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته می شوند و در سال ۷۶– ۷۵رتبه ممتاز را کسب می نماید. و با یک سال مرخصی در سال ۱۳۷۷ سطح چهار را به پایان می رساند. ایشان دروس تفسیر را نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت،شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذرانده است. پس از اتمام دوره در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار خود را با نام بررسی تفسیری و کلام آیات وحی با نمره عالی دفاع نموده و موفق به اخذ مدرک سطح ۴ = دکترا شده است. تاکنون دو کتاب از ایشان با نام روش ها و گرایش های تفسیری و تاریخ تفسیر و مفسران چاپ شده که دو کتاب نیز با نام قرآن و دفاع(مبارزه) و بررسی حقیقت و ارکان وحی آماده چاپ دارند افزون بر آن بیش از بیست مقاله از ایشان در مجلات کشور منتشر شده است.

علوی، سجاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد بن آقا سید قاسم علوی گرگانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر گرگانست.

معظم له در سال ۱۳۳۲ قمری در قریه (النگ) از قراء کرد کوه گرگان متولد شده و از سن هفت سالگی شروع به تحصیل مقدمات و قرائت قرآن نموده و در سن پانزده سالگی والدین خود را در مدت یک هفته از دست داده و در تحت نظر حجهٔالاسلام مرحوم ملا محمدهاشم کردکوهی ادامه به تحصیل داده تا سال ۱۳۴۵ قمری که به مشهد مقدس رضوی عزیمت و حدود سه سال در آن سامان از مرحوم فاضل بسطامی و ادیب بزرگ نیشابوری (میرزا عبدالجواد) و آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم و سید بحرالعلوم و مقداری مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده و تکمیل ادبیات سطوح عالی را نموده.

و در سال ۱۳۴۷ ق مهاجرت به قم و مکاسب و رسائل و کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی به پایان رسانیده و طهارت شیخ را هم از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد فیض قمی فراگرفته و حکمت و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی استفاده و از درس خارج صلوهٔ مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و درس اصول آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۳ قمری با توصیه و تصویب مرحوم آیت‌اللّه حایری (مؤسس حوزه) مهاجرت به نجف و محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا برحسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا بر حسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی مراجعت به ایران و چندی در گرگان و زادهگاه خود اقامت و در سال ۱۳۶۶ ق بقصد توطن به قم عزیمت و در حوزه علمیه به تدریس مکاسب و کفایه پرداخته و بعد از چند ماه با اصرار اهالی گرگان و امریه مرحوم آیت العظمی بروجردی به گرگان برگشته و تا حال تحریر در مسجد جامعه به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه علوی گرگانی به واسطه داشتن ملکات فاضله اخلاقی و مقام علم و دانش و قدس و تقوا و بیان شیوا و جامع در مواعظ و نصایح و ملاحت سخن در تفسیر قرآن مورد توجه قاطبه اهالی گرگان و اطراف آن و محبوبیت بخصوص دارد.

دارای فرزندان برومند و دانشمندی می‌باشد که از باقیات الصالحات و مصداق حدیث شریف (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشند و آنها از این قرار است.

۱– جناب حجهٔالاسلام حاج سید محمدعلی علوی که از مدرسین و افاضل حوزه علمیه قم می‌باشند و در ج ۲ ص ۲۰۶ ترجمه اجمالی وی گذشت.

۲– ثقهٔالاسلام آقای آقا سید حسن علوی که از محصلین جدی و بارع حوزه علمیه و آینده درخشانی دارند.

۳– ثقهٔالاسلام آقای آقا سید حسین علوی که از محصلین جدی و یا برادر مذکورش در حوزه اشتغال بتحصیل و از دانشمندان بزرگ آتیه خواهند بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی، سلیمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سلیمان علوی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۴/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید سلیمان علوی در سن بزرگ‌سالی پس از معاف شدن از سربازی در سال ۱۳۴۹ به طور رسمی در سبزوار تحصیلات حوزوی را آغاز و در سال ۲۲/۶/۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و ادبیات را از جامع المقدمات آغاز نمودم دروس معمول حوزه سطح را گذراندم سپس درس خارج آغاز و تاکنون شرکت در درس فقه و اصول ادامه دارد.و در سال ۱۳۶۵ در امتحان پایه ۹ قدیم حوزه موفق شدم.

کاری علمی:

مدتی با دایرهٔ المعارف قرآن و دائرهٔ المعارف فقه فارسی حضرت آیت الله حاج سید محمود شاهرودی همکاری داشتم.مدتی در نهاد مقام معظم رهبری به سوالات شرعی دانشجویان پاسخ می‌دادم.همچنین به سوالات اینترنتی مرکز اینترنتی حوزه پاسخ کتبی می‌دادم.از سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه آزاد اراک شدم و به عنوان کارشناس از دفتر فرهنگ مشغول و از آن تاریخ تا سال ۱۳۸۰ به تدریس مشغول و نیز از مهرماه سال ۱۳۸۵ دوباره به تدریس متون مشغول شدم.و از سال ۱۳۷۸ تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی تهران به طور حق التدریس مشغول تدریس می‌باشم.

تالیف:

تاکنون به لطف الهی موفق کتابی با نام «آوای ملکوتی» تفسیر چهل پیام از زیارت عاشورا تألیف نمایم که در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

علوی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت: ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹، تهران.

عبدالعلی علوی که در شعر «پرتو» تخلص می‌کرد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه اقدسیه به پایان برد، از آن پس به دارالمعلمین (دانشسرای عالی) وارد گردید و به تحصیل پرداخت و به اخذ لیسانس توفیق یافت و علوم عقلیه را نزد اساتید فن آموخت.

پرتو علوی در سال ۱۳۰۰ به عراق و از آنجا به مصر سفر کرد و مدت دو سال در دانشگاه الازهر مصر به تحصیل علوم نقلی پرداخت و از آنجا رهسپار اروپا شد و در برلین وارد مدرسه عالی کشاورزی گردید، اما نتوانست به تحصیل ادامه دهد. ناگزیر به ایران مراجعت کرد و در وزارت دادگستری مشغول به کار شد و چندی نیز در راه‌آهن به کار پرداخت.

پرتو از سال ۱۳۱۸ به هنرسرای عالی انتقال یافت و به تدریس ادبیات و زبان خارجه مشغول شد و پس از سالی چند بازنشسته گردید و چون با زبان‌های عربی و آلمانی و انگلیسی آشنایی داشت، به عنوان مترجم رسمی وزارت دادگستری انجام وظیفه می‌کرد و در ضمن تألیفاتی نیز از وی به یادگار مانده که از آن جمله است: زندگی علی بن ابی طالب (ع) (ترجمه از عربی)، راست و نو، دستور زبان آلمانی (به فارسی)، بانگ جرس (شرح مشکلات دیوان حافظ) و چند اثر دیگر.

در سال‌های ملی شدن صنعت نفت به مبارزه علیه شرکت‌های استعماری پیوست و در این راه به زندان افکنده شد. در شعر بیشتر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

علوی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مشهور به (حاج آقا بزرگ) علوی موسوی بن العلم العلام میر سید محمدباقر بن العلامهٔ السید علی قزوینی صاحب (حاشیه بر قوانین) که ذکرش گذشت از علماء اخیار معاصر قزوین بودند. نسب آن مرحوم منتهی می‌شود به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام.

نسب کمثل الشمس اشرف نوره

فاضائت الاقطار بالنور الجلی

من حیث جدهم النبی محمد (ص)

و ابوهم الکرار حیدرهٔ علی

وی در سال ۱۲۸۱ شمسی در قزوین متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و مقدمات علوم را در آنجا فراگرفته آنگاه به قم عزیمت و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل دراسات و مبانی علمی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت و تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه و ترویج دین پرداخته است.

از خصایص و مزایای آن جناب این بود که از وجوه شرعیه مصرف و اعاشه نمی‌کرد و آن وجوه را در کارهای خیر مصرف می‌نمود مانند بناء مساجد و اعانت به اهل علم و رفع حوائج آنان و صاحبان فضیلت و غیر آنان از آنچه را که رضای امام (ع) را در آنست و برای خود و خانـدان خود چیزی ازاین وجوه نمی‌گذاشت حتی وقتی از دنیا رفت چیزی از مال برای ورثه خود انـدوخته نکرده و نداشت با اینکه مرجع اموال مردم بود.

و کان رحمه‌اللّه حافظاً لـدینه فی حوادث دهره و داعیا الی اللّه بقوله و فعله و صائنا لنفسه عن بعض ما یفتخر به الناس حفظاً لـدینه و تقویهٔ لعقائد الناس و کان موته ثلمهٔ فی الاسلام.

وی روز اربعین ۱۳۹۴ قمری از دنیا رفته و در تشییع جنازه‌اش بسیاری از مردم قزوین از عموم طبقات شرکت و حمل به قم نموده و در قبرستان نو. مرحوم حایری دفن نمودند.

دارای آثاری در مواعظ و اخلاق بوده‌انـد که تـاکنون بطبع نرسیده است. از باقیات الصالحات ایشانست فرزنـد ارجمنـدش جناب حجهٔالاسلام آقای آسید جواد موسوی علوی که در رشته‌ی اسلاف و نیاکان خود و بجای والـد مبرورش به خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علی اکبری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین علی اکبری

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۳۲ در روستایی به نام تقی آباد، از توابع شهر بیرجند (مرکز استان خراسان جنوبی) در خانواده ای مذهبی به جهان دیده برگشودم. پـدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. دوران کودکی را در مهـد مهر و محبت مادر و سایه رافت پدر گذراندم و پس از آن برای فراگیری علم و ادب اجتماعی قـدم به دبستان نهـادم. به لحـاظ اینکه در آن زمان بسیاری از روستاهای کشور ما از جمله روستای ما فاقد دبستان بود، هر روزه دوره ابتدایی را از طی مسافت شش کیلومتر، فاصله تا دبستان را در فصل سرما و گرما ناگزیر بودم. پس از پایان مقطع یاد شـده مقدّمات ورود به حوزه علمیّه فراهم گردید و علیرغم همه وسوسه ها و موانع با عنایت الهی حدود سال ۱۳۴۵ هجری شمسی به حوزه علمیّه شهرستان بیرجند راه یافتم و ادبیات عرب و اخلاق را در کنار حوزه مقدّسه از محضر استاد فرزانه حضرت آیت الله شیخ جواد عـارفی (ره) فرا گرفتم. سـرانجام بعـد از قریب پنـج سال تلمـذ با استیـذان و مشورت از اسـتاد به منظور ادامه تحصیل عازم شـهر مقدس قم گردیده به حوزه مقدّسه قم راه یافتم. البته در آغاز ورود به حوزه مشـکل حجره و شهریه وجود داشت که پس از مهمـانی یـک مـاهه در مـدرسه فیضـیه و موفّقیّت در آزمون خوابگاه، حجره ای در مـدرسه مؤمنیه حضـرت آیت الله نجفی مرعشـی(ره) به بنـده و یکی از دوسـتانم تحویل و مشـکل حجره برطرف گردیـد، چنانکه موضوع شـهریه نیز، پس از یک سال کوشـش و تلاش و شـرکت در آزمون و موفقیت درآن مرتفع شد گر چه به حق در آن یک ساله خدا یار بود و نه تنها در آن ایام بلکه پیش از آن کمک هزینه تحصیل فراهم گردیـد. حـدود پنـج سال در مدرسه یاد شده سکونت داشـته و هر روز آن را صبح و شام، برای حضور در حوزه های درسـی و تلمذ از محضر اساتید، با پای پیاده، مسافت تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) را می پیمودیم و به وقت آمـدن به حجره با خسـتگی از راه و درس و بحث می بایست به تهیه غـذا بپردازیم. زیرا بر خلاف این زمان و امکانـات آن در آن روزها نه چیزی از آشپز و آشپزخانه در مـدارس بود نه از ماشـین لباسـشویی و غیره. البتّه جـد و جهـد و تهجـد، مباحثه های از پیش مطالعه و جدی حتی گاهی پیش از اذان صبح بود حرم و زیارت شب های جمعه و تشرف به مسجد جمکران با پای پیاده از یاد نرفته ترک نمی شد.

چنـانکه امروزه هم برای بسـیاری از طلاب حوزه علمیّه بحمـد الله آن شور و نشاط و اخلاص و گرایش به تزکیه و طهارت هست. به هر حال در این مقطع تحصـیلی، در معانی و بیان از محضر استاد گرانمایه، امین شیرازی، در اصول از اساتید بزرگواری هماننـد استاد عرفانی و سـلیمی و در فقه از محضر اساتیدی همچون استاد گرانقدر فاصل هرندی و عندلیب شیرازی و در منطق نیز از محضر استاد

ارزشمند دیگری چون جناب استاد فقیهی بهره وافر بردم. پس از گذر از این مرحله به حوزه فقه و اصول استدلالی راه یافته مکاسب و رسائل را در محضر اساتیدی فرهیخته حضرات آیات سیّد علی محقق داماد و شیخ علی کرباسی فرا گرفتم.

در تفسیر قرآن کریم پای کرسی فرزانه زمان حضرت آیت الله جوادی آملی زانوی ادب زدم و در عرفان و کلام و فلسفه از اساتید کم نظیر و یا بی بدیل فرهیخته ای همچون آیت الله علامه حسن زاده آملی و انصاری شیرازی بهره ها و نکته ها آموختم و به اندیشه و جانم حیات بخشید. و هم اکنون که بیست و ششمین سال از انقلاب شکوهمند اسلامی را پشت سر می گذاریم، می توان گفت بیست و پنجمین سالی است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات، آیت الله العظمی وحید خراسانی، و شیخ جواد تبریزی و برخی دیگر از اساتید حضور داشته و از محضر پر فیض و دانش بی کران آن برجسته فرزانگان عرصه علم و تقوی همواره روح تشنه ام را سیراب می کنم.

شایان ذکر است که در همه مقاطع تحصیلی جز چند سال نخست آن امر مهم تبلیغ را به یاد داشته، ایفای مسئولیت کرده ام همچنان که از حضور در عرصه تحقیق و پژوهش غفلت نورزیده آن را وظیفه ای در راه جبران کاستی های حوزه های علمیّه شیعی و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جامعه، بلکه جوامع بشری می دانسته ام.

از همین رو است که از سال ۱۳۷۰ فعّالیّت خویش را در این حوزه نیز آغاز کرده، تا سال ۱۳۷۴ به فیش برداری از منابع اوّلیه حول موضوع تاریخ و سیره اهل بیت اشتغال داشته و پس ازآن با عنایات الهی و قرین شدن توفیق، قلم برداشته، ـ هر چند با بضاعت اندکی علمی ـ در پاره ای از موضوعات صفحاتی را به رشته تحریر درآورم.

علی عسگری، سعیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید رضا علی عسگری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از دیپلم در سال ۱۳۶۳ و پس از ترمیم برخی مجروحیتها دوران دفاع مقدس و مسائل جبهه و جنگ در آبانماه سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه شدم و دروس مقدماتی را آغاز کردم در سال ۱۳۷۰ به دلیل احساس نیاز و تعهد به مسائل فرهنگی وارد جامعه مدرسین حوزه علمیه و فعالیت در بخش سیاسی فرهنگی را آغاز کردم و در نشریه گزیده ها به مدت دوسال ونیم فعالیت داشتم در سال ۱۳۷۳ جهت کار پژوهشی حدیثی وارد دارالحدیث شدم که تا سال ۱۳۸۳ ادامه داشت در سال ۱۳۷۴ جهت تحصیل و ارتقای سطح دانش ادبیات عرب وارد دانشگاه مجتمع آموزش عالی (پردیس) و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصیل شدم در سال ۱۳۸۲ در رشته کارشناسی ارشد ادبیات عرب وارد دانشگاه آزاد اسلامی شدم و سال ۱۳۸۴ فارغ التحصیل شدم پایان نامه اینجانب راجع به؛ بازخوانی و جنبش جدید کتاب مقاییس اللغه در سال ۱۳۸۵ و با رتبه عالی نمره ۵/۱۹ مورد قبول واقع شده است

علیاری تبریزی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۳۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزااحمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هریک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در ۱۳۳۳ ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌ی المقال» و «منتهی الآمال»، در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاه الوصول فی علم الاصول»، در شش مجلد؛ «مناهج الاحکام فی اصول الفقه»، شرح مزجی بر «معالم»، در پنج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛

شرح «دعـای سـمات»؛ «نهـج الاعلان فیما یثبت به دخول رمضـان»؛ «الوافیه»، در شـرح «لغز الکـافیه» شیخ بهایی؛ «هـدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲ / ۸)، الذریعه (۱۷ / ۲۵ ، ۴۱۰ / ۲۴ ، ۶۴ / ۲۱ ، ۲۵۰ / ۱۳ ، ۷۶۰ / ۹ ، ۱۶۰ -۱۵۹ / ۳ ،۴۹۶ / ۲)، ریحانه (۱۹۳ -۱۹۲ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۱۲۲ -۱۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۹ -۱۴۷۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۹۷ - ۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی علیاری)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۷).

علیزاده، اکبراسد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر اسد علیزاده

محل تولد : مشکین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب پس از اتمـام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه شهرسـتان اردبیـل وارد شـدم. پس از دو سـال و نیم تحصـیل به جهت موفقیت بیشتر در تحصـیل و اسـتفاده از محضـر اساتیـد مجرب در سال ۱۳۶۴ وارد حـوزه علمیه قم شـدم و دوره سـطوح را از محضر اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر، اعتمادی، تبریزی، پایانی و صالحی افغانی بهره بردم.

پس از اتمـام دوره سـطوح در سال ۱۳۷۲در درس خارج فقه و اصول حضـرات آیات مکارم شـیرازی و صالحی مازنـدرانی شـرکت کردم و همزمـان از درس کلام و فلسـفه اسـتاد علامه جعفر سـبحانی و مصـباح یزدی نیز اسـتفاده می کردم. و در سال ۱۳۷۴ رشته تخصصـی کلام اسـلامی را شروع و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصـیل گردیدم و در حال حاضـر مشغول نوشتن پایان نامه دکترای کلام اسلامی می باشم.

به جهت علاقه فراوان به تألیف و تحقیق، کار تحقیقی خود را از سال ۱۳۷۱ شروع و در حال حاضر بیش از ۶۰اثر تألیفی و تحقیقی اعم از کتاب و مقاله از ما به چاپ رسـیده است. این فعالیت سبب شد در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهشگر نمونه کشور انتخاب شوم و یکی از کتابهایم (سیاسـتهای فقر زدایی در کلام معصومین علیهم السـلام) در اولین جشـنواره فرهنگی صدا و سیما در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهش برتر شناخته شود.

علیزاده، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. آثار وی: «ترکستان»، ترجمه؛ «مدنیت اسلام»؛«مراسلات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۸۲ ، ۲۹۷۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۶ / ۳).

عماد الواعظین، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حـاج میرزا احمـد عمـاد الواعظین نیز از افاضل اهل منبر و اخیار بود، عمری به زهـد و قناعت گذرانیـد، در خـدمت آقا سـید محمود مغنی و آخوند ملا محمد حسـین کرمانی و جمعی دیگر تحصـیل نموده، در صـبح روز جمعه سوم جمادی الثانیه سال ۱۳۸۴ وفات یافته، در جنب پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عماد خراسانی، نسرین دخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

نسرین دخت عماد خراسانی در سال ۱۳۲۷در تهران متولد شد .ایشان تحصیلاتش را در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران آغاز کرد .او تحصیلات خود را در رشتهٔ علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراند.وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات وانتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت کشاورزی می باشد. کتاب"فهرستگان کشاورزی ایران"تالیف سیمین دخت عماد خراسانی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری گرایش : سیستم های اطلاع رسانی تحصیلات رسمی و حرفه ای : نسرین دخت عماد خراسانی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشتهٔ علوم سیاسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و پس از اخذ درجهٔ کارشناسی، تحصیلات خود را در رشتهٔ علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراندمشاغل و سمتهای مورد تصدی : نسرین دخت عماد خراسانی ۲۷ سال است که در وزارت کشاورزی به خدمت اشتغال دارد و علاوه بر آن در مراکز مختلف علمی نیز در دوره های کوتاه مدت، به تدریس کتابداری پرداخته است. وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات وانتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت یاد شده می باشد.جوائز و نشانها : کتاب "فهرستگان کشاورزی ایران"تالیف نسرین دخت عماد خراسانی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : آموزشهای مذهبی در ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی اثر : (ویژه نامه نمایشگاه بین المللی کتاب)۲ خدمت اطلاع رسانی کشاورزی در ایران: یک تجربه ویژگی اثر : مقاله،(نشر کتابداری دانشگاه تهران)۳ فهرستگان کشاورزی ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«فهرستگان کشاورزی ایران»: فهرستگان کشاورزی ایران (۵ جلد)؛ زیرنظر نسرین دخت عماد خراسانی؛ تهران: وزارت کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۲. برای هرگونه پژوهش علمی در زمینه های گوناگون کشاورزی، شناخت و ارزیابی پژوهش های انجام شده در گذشته ضروری است. فهرستگان کشاورزی ایران – شامل کلیه منابع فارسی و غیرفارسی، اعم از کتاب، مقاله، پایان نامه و گزارش مربوط به کشاورزی ایران از دوران قدیم تا سال ۱۳۶۹ – با چنین منظوری تدوین شده و برای نخستین بار است که بدین صورت جامع منتشر می شود. این کتاب در پنج مجلد به شرح زیر تنظیم شده است: جلد اول، مقدمه، کتابها، اسناد و مدارک. جلد دوم، کتابها، اسناد و مدارک. جلد سوم؛ مقاله ها و پایان نامه. جلد چهارم؛ آثار کشاورزی به زبانهای غیرفارسی. جلد پنجم؛ نمایه ها. دسته بندی فوق به گونه ای است که هماهنگی و انسجام مطالب را تضمین کرده است. «فهرستگان کشاورزی ایران» در حکم ابزاری مطمئن است که از طریق آن پژوهشگران می توانند به منابع موجود دسترسی یابند.

عمادالاسلام، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ جمال‌الدین نجفی.

عالم فاضل زاهد دائم‌الذکر، در اصفهان تحصیل نموده، در مسجد منشی الممالک اقامه‌ی جماعت می‌فرمود، و مورد احترام و وثوق عموم طبقات مردم اصفهان می‌بود.

در ظهر دوشنبه ۲۶ جمادی‌الثانیه ۱۳۸۶ به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در تخت فولاد در جنب تکیه‌ی بابارکن‌الدین در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید، و جهت او بقعه‌ی عالی بنا گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عمادالدین کاتب اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۷ -۵۱۹ ق)، مورخ، ادیب و نویسنده. ملقب به عماد و کاتب اصفهانی. معروف به ابن اخی العزیز. در اصفهان به دنیا آمد و در همین شهر نشوونما یافت. در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به آموختن علم پرداخت و در فقه شافعی و فنون ادب و شعر سرآمد شد. سپس به دمشق رفت و به سلطان نورالدین محمود زنگی پیوست و متصدی دیوان انشاء گردید. وی به دو زبان فارسی و عربی می‌نوشت. او در مدتی که در دمشق بود صلاح‌الدین ایوبی را نیز می‌ستود و مورد علاقه‌ی او بود و به همین مناسبت مقامش نزد نورالدین بالاتر رفت و در زمان مستنجد عباسی، به عنوان پیامگزار از دمشق به بغداد رفت و پس از بازگشت به دمشق در مدرسه‌ای که به نام خود او خوانده می‌شود (مدرسه‌ی عمادیه) به عنوان مدرس منصوب شد. اما وی مورد سعایت دشمنان قرار گرفت و کار بر او تنگ شد و ناچار از دمشق به موصل رفت و در آنجا بیمار شد. ولی به محض شنیدن خبر رسیدن صلاح‌الدین ایوبی به دمشق، مجددا به آن شهر بازگشت و در همان شهر درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «خریده القصر و جریده العصر»،در ده مجلد؛ «الفتح القسی فی الفتح القدسی» یا «القدح القسی فی الفتح القدسی» یا «الفیح القسی فی الفتح لقدسی»، گزارشی از فتح شام و فلسطین به وسیله‌ی صلاح‌الدین؛ «البرق الشامی، در تاریخ، در هفت مجلد؛ «دیوان» شعر، در چهار مجلد؛

«نصره الفتره و عصره الفطره» یا «نصره الفتره و عصره القطره»، در تاریخ سلاجقه‌ی عراق؛ «السیل علی الذیل»، در سه مجلد، در تاریخ بغداد؛ «العتبی و العقبی»؛ «نحله الرحله».[۱]

(بخش ۱) کاتب، محمد بن محمد صفی‌الدین بن نفیس‌الدین حامد بن اله مکنی به ابوعبداللَّه، ملقب به عمادالدین کاتب اصفهانی مورخ و ادیب و نویسنده (و. اصفهان ۵۱۹ ه.ق./ ۱۱۲۵ م.– ف. دمشق ۵۹۷ ه.ق/ ۱۲۰۱ م.) وی در جوانی به بغداد رفت و به فرا گرفتن فقه و ادب مشغول گردید، و سپس به خدمت وزیر عون‌الدین بن هبیرهٔ رسید و از طرف او نظارت امور بصره و واسطه را عهده‌دار شد و چون عودالدین درگذشت، کار وی روی به ادبار نهاد لذا آهنگ دمشق کرد و در آنجا از طرف سلطان نورالدین به استخدام دیوان انشاء درآمد. سپس نورالدین او را به روزگار المستنجد جهت رسالت روانه‌ی بغداد ساخت و چون نورالدین فوت کرد عمادالدین به صلاح‌الدین پیوست، و پس از مرگ وی در دمشق اقامت گزید و تا آخر عمر از مدرسه خویش که عمادیه نام داشت دست نکشید. او را تألیفات بسیار است از جمله: خریدهٔ القصر در ده مجلد، قسم شعراء مصر در دو جزوه، البرق الشامی، الفتح القسی فی الفتح القدسی، دیوان رسائل، دیوان شعر، السیل علی الذیل در تاریخ بغداد، نصرهٔ الفترهٔ و عصرهٔ الفطرهٔ در اخبار دولت سلجوقی که آن را فتح بن علی بنداری در یک جزوه مختصر نموده و زبدهٔ النصرهٔ و نخبهٔ العصرهٔ نامیده است و کتاب اخیر به نام تواریخ آل سلجوق نیز مشهور می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۴ –۲۵۳ / ۷)، ایضاح المکنون (۶۲۹ –۹۲ / ۲)، تذکره القبور (۴۵۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۶۷ / ۲)، ریحانه (۲۰۱ –۲۰۰ / ۴)، سیر النبلاء (۳۵۰ –۳۴۵ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۳۳ –۳۳۲ / ۴)، العبر (۱۲۰ / ۳)، کشفاالظنون (۲۰۴۹، ۱۹۵۶، ۱۳۱۶، ۱۱۰۳، ۹۵۴، ۸۰۳، ۷۰۲ –۷۰۱، ۲۸۸، ۲۳۹)، الکنی و الالقاب (۴۸۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عمادالدین کاتب)، معجم الادباد (۲۸ –۱۱ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۰۵ –۲۰۴ / ۱۱)، النجوم الزاهره (۱۶۰ –۱۵۹ / ۶).

عمائی، صدیق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. از آثار وی: «بیعاران پاریس»، ترجمه؛ «اسکندر مقدونی»، ترجمه؛ «پادشاه شکم‌پرست»، ترجمه؛ «فرشته و زاهد»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۸۷، ۲۴۰۶ / ۲، ۵۷۹، ۵۶۱، ۲۱۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶ –۵۴۵ / ۳).

عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۶۰ ق)، مفسر، عالم، ادیب، لغوی و شاعر معتزلی. ملقب به حجه‌الافاضل و فخرالمشایخ و، به آورده‌ی «هدیه العارفین»، معروف به ابن‌عراق و از خاندان بزرگی در سرخس بود. ادب را نزد محمود بن عمر زمخشری فراگرفت و از نزدیکترین شاگردان و اصحاب وی شد. عمرانی از عمر ترجمانی و حسن بن سلیمان خجندی و قاضی عبدالواحد باقرحی حدیث آموخت. او اشتیاق کامل به کسب علم داشت. در اواخر عمر آنچنان سرآمد شد که علمای بزرگ به محضرش می‌آمدند و دانش خود را بر او قرائت می‌کردند و حل مشکلات خویش را از او می‌خواستند. از وی اشعار زیبایی به جای مانده است. از آثارش: «تفسیر القرآن» یا «شماریخ الدرر فی التفسیر الآی و السور»؛ «الاشقاق اسماء»؛ «المواضع و البلدان»، که به نوشته‌ی «کشف الظنون» این دو کتاب یکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۰ / ۵)، روضات الجنات (۲۴۳ –۲۴۲ / ۵)، ریحانه (۲۰۶ –۲۰۵ / ۴)، کشف الظنون (۴۴۶، ۱۰۲)، لغت‌نامه (ذیل/ علی و ابوالحسن)، معجم الادباء (۶۵ –۶۱ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۱۵ / ۷)، الوافی بالوفیات (۹۵ –۹۴ / ۲۲)، هدیه العارفین (۶۹۸ / ۱).

عمومی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عمومی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد:۱۳۴۳ دیپلم:۱۳۶۱ ورود به دانشگاه:۱۳۶۲ و ۲ سال تحصیل رشته ریاضی کاربردی دانشگاه صنعتی اصفهان تحصیل دروس حوزوی به صورت متفرقه از سال ۱۳۶۱ اشتغال رسمی به دروس حوزه از سال ۱۳۶۴ اشتغال به خارج فقه و اصول از سال ۱۳۷۱ در اصفهان هجرت به قم در سال ۱۳۷۴ تحصیل در رشته تخصصی فقه و اصول در موسسه بقیه الله از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ بیش از ۱۸ سال سابقه تدریس در حوزه همکاری علمی پژوهشی با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه از سال ۱۳۸۰همکاری علمی با پژوهشکده باقرالعلوم(ع) تدریس در برخی از موسسات آموزش عالی و بیش از ۱۳ سال حضور تبلیغی در دانشگاهها موفقیت در آزمون علمی شورای نگهبان برای انتخابات خبرگان و در سال ۱۳۸۵ همکاری علمی و هنری با صدا و سیما در تهیه برنامه های قرآنی را دارم

عمید زنجانی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی سبط فیلسوف بزرگ و فقیه جامع آیت‌اللّه میرزا مجید زنجانی از علماء و نویسندگان معاصر تهران است و در مسجد لرزاده به اقامه جماعت و تدریس و ترویجات دینی اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۱۶ شمسی در شهرستان زنجان متولد شده و تحصیلات جدید کلاسیک را با مقدمات علوم دینی در آنجا خوانده و در سال ۱۳۷۰ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را بطرز خصوصی از محضر اساتید با فضل و کمال حوزه فراگرفته و سپس در حوزه درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و ضمنا علوم هیئت و کلام و فلسفه را از اساتید معروف آموخته و در سال ۱۳۴۰ شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضر دو نابغه علمی آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللّه آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌اللّه بهره‌ها برده و دراسات آن دو استاد بزرگ را برشته تحریر و تقریر درآورده و در مراجعت از نجف اشرف در سال ۱۳۴۷ شمسی افتخار مصاهرت با حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله را پیدا و بار دیگر در قم برای ادامه تحقیق و تدریس توقف و شرکت در درس فقه آیت‌اللّه العظمی مرعشی نموده تا سال ۱۳۹۱ ق که بدرخواست جمعی از مومنین تهران برای امامت مسجد لرزاده که یکی از مساجد حساس و بنام مرکز و از آثار مرحوم مبرور آیت‌اللّه عالم ربانی حاج شیخ علی‌اکبر برهان است منتقل به تهران شده و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و ارشاد و امامت و تدریس و خدمات اجتماعی اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده و آثار آموزنده‌ای می‌باشند که بقسمتی از آنها اشاره میشود:

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۲- اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۳- اسلام و حقوق ملل مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۴- حقوق اقلیتها مطبوع از انتشارات صدر

۵- بنیادهای اصیل مطبوع از کتابخانه بزرگ اسلامی.

۶- اسلام و سیستم بیطرفی.

۷- مبانی تفسیر.

۸- رساله‌ای در نکاح کتابیه.

۹- رساله‌ای در ترتب.

۱۰- المنهاج فی شرح وسیله النجاه.

۱۳ -۱۲ -۱۱- سع جلد در قم برشته تحریر آورده که با همکاری چند تن از فضلاء تألیف و نشر گردیده است.

۱۴- مقالاتی در نشریات ماهیانه حوزه انتشار داده است.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات حوزوی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کامپیوتری کردن علوم اسلامی، کامپیوتری کردن قوانین و مقررات، تکنولوژی جدید انفورماتیک، فقه و علوم حدیث، تفسیر و علوم قرآنی، فلسفه و عرفان اخلاق، ادیان و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و سیره، حقوق و قوانین، استاد راهنمای ۳۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حقوق اسلامی، تفسیر و مبانی آن، فقه، فقه سیاسی، اقتصاد اسلامی، تاریخ تصوف و عرفان، حقوق اقلیتها و مبانی انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مباحث مختلف حقوقی، مباحث فقه سیاسی، مسئولیت بین‌المللی ناشی از جریان سلمان رشدی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عمید، حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، فرهنگ‌نویس، نویسنده و روزنامه‌نگار. در مشهد به دنیا آمد و در همان شهر به تصحیل پرداخت. وی در جوانی به عضویت انجمن ادبی درآمد و به کار نویسندگی و فرهنگ‌نویسی پرداخت و مدتها در خراسان به پیشه‌ی روزنامه‌نگاری مشغول بود. عمید مدیر «سالنامه‌ی خراسان» و روزنامه‌ی «طوس» بود. از آثارش: «اسرار مانیتیسم»؛ «بر خرابه‌های تخت جمشید»؛ «غلطهای فاحش فرهنگهای فارسی»؛ «فرهنگ عمید»؛ «نیکوکاران».[۱]

فرهنگ نویس.

درگذشت: شهریور ۱۳۵۸.

حسن عمید عضو انجمن ادبی و از نویسندگان نشریه‌ی «خراسان» و مدیر «سالنامه‌ی خراسان» و روزنامه‌ی «طوس» بود.

از آثار اوست: اسرار مانیتیسم؛ بر خرابه‌های تخت جمشید (۱۳۱۰)؛ سالنامه‌ی خراسان (سال چهارم، ۱۳۱۶، سال پنجم، ۱۳۱۷)؛ غلطهای فاحش فرهنگ‌های فارسی؛ فرهنگ عمید (دو جلد۱۳۴۲)؛ نیکوکاران (بخش اول، مشهد، ۱۳۱۵)؛ فرهنگ نو (۱۳۳۳ ، ۱۳۰۸)؛ فرهنگ کوچک عمید؛ فرهنگ مفصل عمید؛ فرهنگ برگزیده‌ی عمید؛ فرهنگ جیبی عمید (۱۳۳۵)؛ فرهنگ دبیرستانی عمید؛ فرهنگ تاریخ و جغرافیای عمید (۱۳۴۷)؛ طب جدید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۶۸ -۱۶۷ / ۳)، فرهنگهای فارسی (۲۱۲ -۲۰۹)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۶ -۶۱۵ / ۲).

عمید، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود عمید

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۹ در بروجرد در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم در سال ۱۳۶۷ در رشته علوم تجربی در مقطع متوسطه فارغ التحصیل شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های اجتماعی سیاسی حضور داشتم و به عنوان معاون آموزش در انجمن اسلامی دبیرستان و عضو فعال بسیج دانش آموزی انجام وظیفه می کردم به سال ۱۳۶۷ پس از اخذ دیپلم با شوقی فراوان به جرگه تشنگان ولایت و اهل بیت در حوزه علمیه قم پیوستم. در دوره سطح عالی از اساتید گرامی آقایان پایانی، محمدی خراسانی و علوی بهره بردم. از سال ۱۳۷۷ با شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله مهدی هادوی تهرانی از محضر ایشان کسب فیض نموده ام. همچنین مدتی توفیق درک محضر آیت الله شبیری زنجانی را داشتم. به موازات اشتغال به درس خارج در سال ۷۷ مدتی با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما همکاری داشتم. از سال ۸۳ بنابرعلاقه به موضوعات تقریبی با مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی – قم – همکاری پژوهشی داشته و در کنفرانس سالانه وحدت اسلامی به عنوان عضوی از پیکره تقریب شرکت داشته ام. از سال ۱۳۸۴ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس تاریخ اسلام اشتغال دارم. همچنین در خلال این سالها در فن ترجمه متون سنگین ادب و لغت عرب چون قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز پاره ای موضوعات فقهی فعالیت داشته ام که برخی به چاپ رسیده است. نیز به ارائه نکات انتقادی با نگرش جوان پسند پرداخته ام که حاصل آن دست نوشته هایی است که هنوز توفیق تنظیم و چاپ آنها را نیافته ام.

در پایان بر این باورم که می بایست از متون اساسی و جاودانه ای چون قرآن و نهج البلاغه هر ده سال یکبار ترجمه ای روز آمد و متناسب با تحولات و ساختار زبانی به جامعه فرهنگ دوست عرضه شود.

عمیدی نوری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی سپهر و دوره‌ی متوسطه را در شته‌ی ادبی در دارالفنون تمام کرد. در ۱۳۰۷ ش از دانشکده‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد. وی مقالاتی در روزنامه‌های «ستاره‌ی ایران» و «طوفان»، می‌نوشت. مدتی دادیار دادستان تهران و وکیل دادگستری بود. وی صاحب امتیاز روزنامه‌ی «داد» و مدیر روزنامه‌های «پرورش» و «نوروز ایران» بود و تا ۱۳۳۲ ش نیز به سمت وکالت دادگستری اشتغال داشت. از آثار وی: «آذربایجان دمکرات»؛ «تخت جمشید»؛ «جرم و مجازات». لازم به ذکر است که عمیدی نوری یکی از افراد مؤسس اتحادیه مطبوعات ایران بود.[۱]

فرزند محمدرضاخان عمیدالشعراء، متولد ۱۲۸۲ ش است. تحصیلات خود را در ایران انجام داد و از مدرسه‌ی حقوق درجه‌ی لیسانس گرفت و به وکالت دادگستری پرداخت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ روزنامه‌ی یومیه‌ی داد را انتشار داد. این روزنامه در محافل سیاسی تهران برای خود جائی باز کرد، مخصوصا مقالات عمیدی نوری تحت عنوان «پشت پرده سیاست و زیر پرده سیاست» هواخواهان زیادی پیدا کرد. در ۱۳۲۴ که قوام‌السلطنه برای حل مسئله‌ی آذربایجان به مسکو رفت و با استالین و سایر مقامات شوروی مذاکره کرد، عمیدی نیز جزء هیئت قوام‌السلطنه بود و بعد از مراجعت سلسله مقالاتی درباره‌ی این مسافرت و مذاکرات آنجا نوشت که به صورت کتابی انتشار یافت.

در ۱۳۳۰ که مصدق‌السلطنه به ریاست دولت رسید، روزنامه‌ی داد جزء موافقین بود ولی خیلی زود یکی از مخالفین سرسخت مصدق شد. عمیدی نوری با مقالات انتقادی دولت وقت را مورد حمله قرارمی‌داد. چندین بار روزنامه‌ی او توقیف و خود به زندان افتاد. بعد از مرداد ۱۳۲۸ که دولت زاهدی بر سر کار آمد، عمیدی نوری سمت معاونت سیاسی نخست‌وزیر و ریاست اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات را پیدا کرد ولی این سمت او زیاد طول نکشید. در دوره‌ی هیجدهم از طرف مردم بابل به پارلمان راه یافت و در دوره‌ی نوزدهم نیز همچنان وکیل مردم بابل در مجلس شورای ملی بود. عمیدی نوری ضمنا یکی از ثروتمندان درجه اول ایران هم محسوب می‌شود.

کارهای وکالتی چندین بانک و شرکت دولتی با او بود. بعد از ۱۳۲۰ عمیدی نوری وکالت رعایا و زارعینی را قبول کرد که زمینهای آنها توسط اداره‌ی املاک پهلوی ضبط شده بود. به علت جو زمان، دادگاهها احکام خود را به نفع زارعین صادر کردند و زارعین زمینهای خود را تصرف نمودند و در نتیجه عمیدی نوری هم بابت حق‌الوکاله صاحب زمینهای زیادی در مازندران گردید. عمیدی نوری در سال ۱۳۵۹ از طرف دادگاه انقلاب محاکمه و محکوم به اعدام گردید و در همان سال حکم به مرحله‌ی اجرا رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین ایران (۲۸۲ -۲۸۱)، تاریخ جراید (۲۰ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۰ -۱۵۹ / ۱).

عناصری، جابر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جابر عناصری در سال ۱۳۲۴ در شهر اردبیل زاده شد. او از کودکی به تعزیه و شبیه خوانی علاقه مند بود. وی گرچه دکتری خود را در رشته فلسفه از دانش گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : تعزیهخاطرات کودکی : علی عناصری(پدر جابر) بدلیل علاقه و ارادتی که به ائمه اطهار علیهم السلام داشت، هر ساله مراسم عزاداری، شبیه خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می نمود. جابر از کودکی به شبیه خوانی و تعزیه علاقه مند بود. و زیر نظر پدر، مراسم شبیه خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه خوانی را برگزار می نمود، جابر مشق های خود را در پشت نسخه های تعزیه می نوشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جابر عناصری در یک خانواده فرهنگی - مذهبی در اردبیل به دنیا آمد . و بدلیل علاقه پدرش به ائمه اطهار و اجرای مراسم تعزیه و شبیه خوانی در منزل وی، جابر به تعزیه علاقه مند گردید. پدرش نیز یکی از مردان سرشناس اردبیل بود و در نظر مردم بسیار محترم بود. خانه او نیز هر ساله محل برگزای مراسم تعزیه و شبیه خوانی بود. از این رو در همه جای آن آلات و ادوات شبیه خوانی و تعزیه به چشم می خورد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جابر عناصری تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در اردبیل طی کرد و سپس بخاطر عشق به ادبیات عامه، در سال ۱۳۳۹ راهی تهران شد تا ادبیات را در دارالفنون بیاموزد. در سال ۱۳۴۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد.در سال ۱۳۵۲ برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند.خاطرات و وقایع تحصیل : جابر عناصری در سیزده سالگی در دوره دبیرستان یک پژوهش فرهنگی را انجام داد و آنرا بصورت روزنامه دیواری ارائه نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : جابر عناصری در ضمن تحصیل به پژوهش در ادبیات و فرهنگ عامه مشغول بود. چنانکه یک تک نگاری درباره روستایی بنام ججین را در سال ۱۳۴۵ انجام داد و در مجله هنر و مردم به چاپ رساند.

دکتر عناصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردمشناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران و افغانستان پرداخت.استادان و مربیان : جابر عناصری ادبیات را در دارالفنون از جلال الدین شریفیان آموخت . اولین استاد وی درباره هنر و ادبیات عامه، پدرش علی عناصری بود.همسر و فرزندان : همسر جابر عناصری کارشناسی ارشد کتابداری است و همواره او را در یافتن اسناد و مدارک و تحقیق و نقد آنها یاری و تشویق نموده است. فرزندان وی نیز همواره از کودکی با کتاب مانوس بوده و بعنوان شاگردان پدر و دستیاران تحقیقاتی و حتی طراحان جلد کتابهای وی،وی را یاری می نمایند.وقایع میانسالی : جابر عناصری از دوره تحقیقات میدانی خود در گوشه و کنار ایران خاطرات تلخ و شیرینی دارد. یکی از آنها ر زمانی رخ داد که وی با یک دوربین عکاسی جدید و مدرن به یکی از روستاهای آذربایجان شرقی رفته بود. در آنجا به پیرمردی که در حال کشاورزی بود برخورد. دکتر عناصری بدلیل اینکه مبادا پیرمرد را ناراحت کند، بدون اینکه از وی عکسی بگیرد بسرعت از کنار وی گذشت و از چند جوان روستایی که در آن نزدیکی بود عکسهایی تهیه کرد پیرمرد که این صحنه را دید، فریاد زد، عجب روزگاری شده از جوانها عکس می گیرند، ولی از پیرها عکس نمی گیرند.دکتر عناصری نیز از او خواست که هر تعداد عکس می خواهد از او بگیرد. اما پیرمرد آنرا مشروز بر گرفتن عکس دستجمعی با خانواده خود و در لباسهای نو دانست، دکتر عناصری نیز از آنها خواست تا لباس محلی آذربایجان را بپوشند، چند لحظه بعد عکسی زیبا و مردم شناسانه بوجود آمده بود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جابر عناصری علاوه بر سابقه تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک(از سال ۱۳۵۶ ه.ش) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، در حال حاضر(۱۳۸۱ ه.ش) سرپرست برخی گروههای تحقیقی مردم شناسی و مسئول تحقیقات ایلی و عشایری می باشند.فعالیتهای آموزشی : جابر عناصری از بیست و یک سالگی در دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول به تدریس شد(۱۳۵۶ ه.ش) . وی در سال ۱۳۷۷ درجه استادیاری داشت و تا سالهای اخیر به تدریس مشغول بود.[دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،۱۳۷۷، ص ۳۱۹]. از این گذشته وی بعنوان استاد تعزیه شناسی در دانشکده هنرهای زیبای تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جابر عناصری در کنار تدریس و مسئولیت های اداری تحقیق در زمینه ادبیات عامه ، شبیه خوانی و تعزیه را ادامه می دهد.همفکران فرد : مرحوم احمد شاملو(نویسنده دایره المعارف کتاب کوچه در باره امثال ایرانی)، دهخدا(نویسنده امثال و حکم) صادق هدایت(گرد آورنده حکایات و مثل های محلی برخی مناطق ایران) در گرد آوری ادبیات عامه پیشگام بوده اند. اما امروزه کسانی چون صادق همایونی، دکتر محمود روح الامینی، مهرداد وحدتی دانشمند، محسن میهن دوست، محمد- احمد پناهی سمنانی و دکتر علی بلوکباشی در ردیف همفکران جابر عناصری قرار میگیرند که با نگاهی مردم شناسانه یا هنری به هنر و ادبیات عامه می نگرد.آرا و گرایشهای خاص : مهمترین علاقه جابر عناصری ادبیات عامه، شبیه خوانی و تعزیه است. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه دارد. چنانکه وی بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نموده است. وی این روش را ابزاری برای ارتباط نزدیکتر با واقعایت می داند.جوائز و نشانها : تک نگاری درباره روستای ججین اولین پژوهش چاپ شده جابر عناصری بود که از سوی مجله هنر و مردم بعنوان یکی از تحقیقات نمونه انتخاب شد(۱۳۵۲ ه.ش) هنگامی که دکتر عناصری در انگلستان به سر می برد تحقیقاتی با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه ایران و افغانستان انجام داد و در سال ۱۳۵۶ با کسب عنوان دانشجوی برجسته دوره پژوهش به ایران بازگشت.آثار : ویژگی اثر : وی در آثار خود از نگاهی جامعه شناسانه و مردم شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می نگرد. [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر ، تهران: چهارین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص جلد]۲ ادبیات نمایشی مذهبی ، تجلی قرآن در قاب آئینه فرهنگ عامه ایران و ... [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸ . و سه مردمشناسی و روانشناسی هنری، تهران:اسپرک،۱۳۶۶. و سه ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش ،۱۳۷۰. و سه ، شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲] ، دکتر جابر عناصری تا کنون (۱۳۸۱) ۱۲ تعداد ۱۲۰۰ مقاله و ۳۴ کتاب نگاشته اند، که ۲۰ عنوان از کتابهای پژوهشی می باشند و از آن جمله است: شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی(۱۳۷۲) ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان(۱۳۷۰) ویژگی اثر : پژوهشی است میدانی درباره داستانهای شاهنامه که توسط نقالان نقل شده است. [جابر عناصری، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش،۱۳۷۰، صص فهرست]۷ مراسم آیینی و تئاتر(۱۳۵۸) ، مردم شناسی و روانشناسی هنری(۱۳۶۶) ویژگی اثر : دکتر عناصری در کتاب مردم شناسی و روانشناسی هنری به جایگاه قصه های عامیانه در هنر ایران، باورهای عامیانه، تاثیر رسانه های جمعی در گسترش هنر، مباحث رنگ شناسی، سمبولیسم رنگ و ارتباط آن با روانشناسی می پردازد. سپس به روانشناسی هنری وارد شده و بحث های هنر درمانی، تئاتر درمانی و نقش تئاتر در درمان کودکان معلول و ... را مطرح می نماید. [جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، ۱۳۶۶، و نیز، سه، جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: رشد، ۱۳۸۰، صص جلد و فهرست]۹ نسیم خاطرات[صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱] ویژگی اثر : مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده ۱۵۰ مقاله در باره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محل ایران است. [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱]

منابع زندگینامه :جواد عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص جلد۲دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،۱۳۷۷، ص ۳۱۹]۳صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش. ص ۲۰و نیز جابر عناصری، شبیه خوانی الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،۱۳۷۲، صفحات جلد کتاب]۴کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه۱، شماره ۴۰-۳۹(آذر و دی ۱۳۸۰)، ص ۲. و نیز کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه ۲)، شماره ۴۴-۴۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱)،ص ۲

عنایتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدعلی عنایتی بن مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ جعفر عنایتی از علماء معاصر است در گنبد کاووس.

ایشان در سال ۱۳۱۱ شمسی در قریه «رودبار قانچی» از قراء گرگان متولد شده و پس از پرورش و خواندن قسمتی از مقدمات خدمت مرحوم والدش در سال ۱۳۶۵ قمری برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرف گشته و ادبیات و سطوح را در محضر اساتید وقت دانشمند گرانمایه آقای ادیب نیشابوری و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا احمد مدرس یزدی و غیرهما به پایان رسانیده و در سال ۱۳۷۰ قمی به نجف اشرف مهاجرت و در حوزه درس فقه و اصول مرجع عالیقدر آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی حاضر و استفاده نموده و یک دوره تقریر درس اصول و قسمتی از درس مکاسب آیت‌اللّه خوئی مدظله العالی را به رشته تحریر آورده و نیز از محضر مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی حکیم بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۰ قمری به ایران مراجعت و در تهران اقامت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین پرداخته و در سال ۱۳۸۴ قمری با اصرار جمعی از مؤمنین گنبد کاووس به جهت امامت و تبلیغ دین و ارشاد مسلمین بدانجا آمده و تاکنون به خدمات دینی و انجام وظیفه روحی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست بناء مسجد رضوی گنبد که به سعی و اهتمام معظم له و همت مردم خیر گنبد توسعه و تجدید گردیده است.

اکثر اجداد ایشان از علماء زمان بوده است یکی از اجداد ایشان مرحوم حجةالاسلام شیخ زین‌العابدین بن شیخ محمدباقر است که تعلیقات سودمندی بر شرایع محقق حلی نوشته و اکنون در حواشی نسخه نفیسی از شرایع که استنساخ آن هم بخط آن بزرگوار است و در تاریخ هفتم ذی‌الحجه ۱۲۱۷ قمری پایان یافته است در کتابخانه شخصی ایشان موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

عنبری نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۴ ق)، محدث، مفسر، فقیه، لغوی و ادیب. اهل نیشابور بود از ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن عمرو قشمرد و حسین بن محمد قبانی و ابراهیم بن ابی‌طالب و ابن‌خزیمه و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن عبدش/ عبدوس مفسر و ابوعلی حسین بن علی حافظ و ابوحسین حجاجی و حاکم و ابن‌منده و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابوعلی حافظ قدرت حافظه وی و وسعت آن را ستوده و حاکم گوید که ابوزکریا متجاوز از ده سال گوشه‌گیری کرد، او می‌گفت: عالم برگزیننده باید که به بهترین حالت خویش بازگشت نماید، پاکیزه و حلال بخورد. علم را وسیله‌ای برای مال‌اندوزی قرار ندهد و علم برایش زیبایی آورد. مال خود را فضل‌الهی محسوب کند و سپاسگزار خداوندگار خویش باشد. در «معجم الادباء» سال وفات وی ۴۴۴ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۳۴ -۵۳۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۹ / ۲)، العبر (۶۹ / ۲)، معجم الادباء (۳۴ / ۲۰)، النجوم الزاهره (۳ / ۳۵۸).

عنبریان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(خاندان خانواده عنبریان) خاندانی معتبر در نیشابور که غالب افراد آن اهل فضل و علم و دبیر بوده‌اند، از آن جمله است: خواجه امیرک (ف. ۴۴۸ ه.ق.) دبیر ابوالحسن احمد بن محمد بیقهی و برادرش ابونصر و برادر دیگرش ابوالقاسم کاتب نایب ابونصر مشکان (قزوینی. یادداشتها ۶۱ :۶)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عنقای شیرازی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ -۱۲۶۰ ق)، ادیب، خوشنویس و شاعر، متخلص به عنقا. ملقب به ملك الشعراء.در اصفهان به دنیا آمد. مردی درویش‌مسلك بود. وی عموی استاد جلال‌الدین همایی است و بنا به نوشته‌ی او مرگ عنقا بر اثر مسمومیت از قهوه قجری به دنبال مشاجره‌اش با ظل‌السلطان و کتك خوردن از او در ۱۳۰۸ ق روی داده، اما به گفته صاحب «حدیقه الشعراء» عنقا در ۱۳۱۰ ق در اصفهان زنده

بوده است. عنقا در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده که به همت استاد جلال‌الدین همایی منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۹۸)، حدیقه الشعراء (۱۲۳۸ -۱۲۳۶ / ۲)، الذریعه (۷۷۴ -۷۷۳ / ۹)، شرح حال رجال (۲۲۹ / ۶).

عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۳۰ ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه‌ی رسول بود. ولادتش در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت گرفت و آن‌گاه به سفر پرداخت و بسیاری از بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان را دید. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل‌برهان و امام رکن‌الدین مسعود بن محمد امام‌زاده تحصیل کرد. وی مدتی در قندهار در دربار قلج طمغاج‌خان ابراهیم راه داشت و به خدمت پسرش قلج ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشاء آن شاهزاده را داشت. تا اواخر قدرت سلطان محمد خوارزمشاه وی در خراسان و ماوراءالنهر بسر می‌برد و به جمع‌آوری اطلاعات ذی‌قیمت خود که در کتابهای خویش ثبت کرده است، مشغول بود و در اوان حمله‌ی مغول به بلاد سند رفت و خدمت ناصرالدین قباجه از ممالیک غوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباجه به خدمت شمس‌الدین التتمش درآمد و به هندوستان رفت و بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. از آثار مشهور او: «لباب الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در ۶۳۰ ق به پایان رسیده است.[۱]

(منسوب به عوف) سدیدالدین محمد بن محمد بخاری، نویسنده و دانشمند معروف ایرانی در اواخر قر. ۶ و اوایل قر. ۷ (بین ۵۷۲ ه.ق./ ۱۱۷۶ م.- ۶۳۵ ه.ق/ ۳ -۱۲۳۲ م.). وی از اعقاب عبدالرحمن بن عوص صحابی معروف است. جد عوفی امام ابوطاهر یحیی بن طاهر ابن عثمان از علمای حدیث و معرف انساب عرب بود و خال او شرف‌الزمان مجدالدین محمد بن ضیاءالدین عدنان سرخکتی دانشمند و مؤلف تاریخ ملوک ترکستان (خاقانیان) است. عوفی در نیمه دوم قر. ۶ در بخارا به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در همان شهر به انجام رسانید. پس از آن مدتها در بلاد ماوراءالنهر و سیستان و خراسان به سیر و سیاحت و دیدار فضلا پرداخت و تا سقوط خوارزمشاهیان در خراسان به سر می‌برد و گاه به وعظ و تذکیر اشتغال می‌ورزید. مدتی هم صاحب دیوان قلج ارسلان خاقان نصرةالدین عثمان بن ابراهیم بود. مقارن حمله مغول عوفی به سند گریخت و به خدمت ملک ناصرالدین قباجه از ممالیک غوری درآمد، و کتاب لباب‌الالباب (ه.م.) را به نام عین‌الملک وزیر این پادشاه تألیف کرد و سپس تألیف جوامع‌الحکایات (ه.م.) را به نام ناصرالدین قباجه آغاز نمود. ناصرالدین در سال ۶۲۵ ه.ق. از شمس‌الدین التتمش شکست خورد و خود را به رود سند انداخت و غرق شد. جمیع خدم و حشم وی به التتمش پیوستند، از آن جمله عوفی بود که به خدمت وزیر التتمش ابوسعد جنیدی مخصوص گردید و جوامع الحکایات را که نخست می‌خوست به نام ناصرالدین قباجه تألیف کند- به نام این وزیر به رشته تحریر درآورد. عوفی «فرج بعد از شدت» (ه.م.) تألیف تنوخی را هم از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۰ -۱۰۲۶ / ۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰ -۷۷ / ۲)،تاریخ نظم و نثر (۹۸ -۹۷)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۸۵ / ۲)، الذریعه (۱۰۰۱، ۷۷۵ / ۹ ، ۵۰ / ۵، ۴۵ / ۴)، ریحانه (۲۱۹ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۸ -۳۶ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۶۰)، لباب الالباب (ترجمه مصنف/ یب- که)، لغت‌نامه (ذیل/ عوفی)، مجله‌ی دانشکده‌ی مشهد (س ۳، ص ۹۳ -۸۹)، مجمع الفصحا (۱۱۶۸ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۷ -۷۷۶ / ۵).

عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۲۰ ق)، مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی اهل سمرقند از فقهای بزرگ فرقه‌ی اثنی‌عشری در زمان کلینی می‌باشد که در ابتدا مذهب عامه داشت و احادیث آنا را استماع می‌کرد ولی بعد به مذهب شیعه گروید. او از شاگردان شیخ کلینی بود. او از علی بن حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد خالد طیالسی و جماعتی از شیوخ کوفه و بغداد حدیث شنید. شیخ کشی صاحب «رجال» از شاگردان عیاشی است. از دیگر شاگردان عیاشی پسرش جعفر بن محمد است که خود از مشایخ ابومفضل شیبانی است. شاگرد دیگر او حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که راوی جمیع مصنفات عیاشی است. گفته‌اند که وی محدثی مورد اعتماد و یگانه‌ی زمان خویش بود و از نظر علمی و ادبی و اندیشه و ذکاوت در مشرق نظیر نداشت. او مجلسی برای خواص و مجلسی برای عامه مردم برپا می‌کرد. خانه‌اش همانند مسجد،مملو از افرادی چون قاری و کاتب و نیز محدثین و علما بود که در آن عده‌ای به تألیف و مقابله و گروهی به استنساخ و گروهی نیز به تعلیقه و حاشیه‌نویسی مشغول بودند. در طب و نجوم و رویا تبحر داشت و در زمینه‌ی ابواب فقهی و متجاوز از دویست کتاب تألیف کرد که در نواحی خراسان به اشتهار کامل رسید. در فهرست ابن‌الندیم صد و پنجاه و هفت جلد از آثار او ذکر شده است. از آثار وی: «تفسیر علی بن ابراهیم» است؛ «التوحید الصفه»؛ «الصلاه»؛

«الزکوه»؛ «الصوم»؛ «المناسک»؛ «العالم و المتعلم»؛ «الطب»؛ «التجاره و الکسب»؛ «الضقاء و آداب الحکم»؛ «الملاهی»؛ «الجزیه و الخراج»؛ «الطاعه»؛ «حقوق الاخوان»؛ «محاسن الاخلاق»؛ «دلائل الائمه»؛ «الملاحم»؛ «القول بین القولین»؛ «فضائل القرآن»؛ «الانبیاء الائمه»؛ «النجوم»؛ «الرؤیا»؛ «معاریض الشعر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۶ / ۷)، اعیان الشیعه (۵۶ / ۱۰)، الذریعه (۷۷ / ۲۴ ،۱۹۵ / ۲۱ ،۱۲۵ / ۲۰ ،۲۰۹ ،۱۴۰ / ۱۷ ،۲۰۷ ،۱۳۹ ، ۱۳۳ ، ۶۰ / ۱۵ ،۴۴ / ۱۲ ،۳۰۷ / ۱۱ ،۲۳۹ / ۸ ،۴۲ / ۷ ،۱۰۵ / ۵،۲۹۵ / ۴ ،۳۴۸ / ۳ ،۳۵۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۹۷)، رجال النجاشی (۲۵۰ -۲۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۱۲۳ -۱۲۱ / ۶)، ریحانه (۲۲۱ -۲۲۰ / ۴)، سفینه البحار (۳۰۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۶ -۳۰۵ / ۴)، فوائد الرضویه (۶۴۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۳ -۳۶۱)، الفهرست للطوسی (۳۷۱ ،۳۲۰ -۳۱۷ ،۳۰۹ ،۱۲۰)، الکنی و الالقاب (۴۹۱ -۴۹۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالنضر)، معجم المؤلفین (۲۰ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۰۵ -۲۰۴)، هدیه العارفین (۳۳ -۳۲ / ۲).

عیسی بیک

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پدرش از علما و فضلا و محقّقین بوده.

کتب زیر از اوست:

۱- تفسیر قرآن ۲- رساله در وجوب عینی نماز جمعه ۳- رساله در طرز قسم دادن اهل کتاب ۴- رساله در حکم رؤیت هلال قبل از زوال ۶- شرح دروس، ناتمام.

حدود سال ۱۰۷۴ وفات یافته است.

صاحب عنوان در ۱۰۶۶ متولّد، و در ۱۱۳۰ وفات یافته، و از شاگردان علّامه محمّد باقر مجلسی است، و چون مدّتی در مملکت عثمانی ساکن بود بدین لقب شهرت یافته است.

کتب زیر از اوست:

۱- الاجازات، یا مجموعهٔ الاجازات ۲- الامان من النیران فی تفسیر القرآن ۳- بساتین الخطباء، در سه مجلد ۴- ترجمه ی جاماسب نامه ۵- ثمار المجالس و نثار العرایس، مانند کشکول ۶- الدرر المنظومه المأثور، در ادعیه. نام صحیفه ثالثه سجّادیّه است و به طبع رسیده است ۷- رساله در موضوع خواجه گردانیدن ۸- رساله در وجوب عینی نماز جمعه ۹- رساله ی خراجیّه ۱۰- رسم خطوط الساعات و نصف النهار ۱۱- روضهٔ الشهداء، به سه زبان ترکی، عربی، فارسی ۱۲- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، که معروف‌ترین تألیفات اوست، و بین مؤلّفین و نویسندگان کتب تراجم و رجال شهرت دارد، و متأسّفانه تاکنون به طبع نرسیده است، در ده مجلد، ۱۳- شرح اصطلاحات شکل العروس از کتاب اقلیدس ۱۴- شرح الفّیه ی ابن مالک، مفصّل ۱۵- شرح الفّیه ی ابن مالک، مختصر ۱۶- شرح صحیفه ی سجّادیّه و حاشیه بر آن؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عین الملک هویدا، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. عین الملک از کارگزاران دولتی بود که آثار چندی به زبان فارسی نگاشته و یا ترجمه کرده است. وی در ۱۳۳۸ ش به سمت نمایندگی فوق‌العاده به حجاز رفت با برای تجدید روابط ایران و حجاز وارد مذاکره شود. از آثارش: «اسرار سلطانی دربار شاهی»؛ «پسر پاردایان»، ترجمه؛ «داستان آدم جدید»، ترجمه؛ «روکامبول»؛ «مهر فرزندی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۹۳ / ۲ ،۱۳۲۴ ،۶۰۹ ،۲۰۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۸ -۴۹۷ / ۲).

غانمی هروی، ابوالمحاسن مسعود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۳ -۴۶۴ / ۴۲۴ ق)، فقیه، ادیب، محدث، عابد و شاعر. در طوس به دنیا آمد و در نیشابور نشوونما یافت. و نیز گفته شده که در نیشابور به دنیا آمد و در طوس نشوونما یافت. وی از جانب دو صاحب نام: ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن صاحب اجازه بود. از ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصفهانی و گروهی دیگر حدیث شنید و «مسند» هیثم شاشی را از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی استماع کرد. ابن‌عساکر و سمعانی و تاج مسعودی و عبدالرحیم بن سمعانی از او حدیث شنیدند. ابن‌سمعانی همچنین «مسند» شاشی و «رساله‌ی» قشری را از او استماع کرد. ابوسعد سمعانی گوی که او بسایر عابد و زاهد و پرهیزکار بود. بطوری که از سفره‌ی پدرش

چون با حاکمان اختلاط داشت پرهیز می‌کرد. غانمی شاعری چیره‌دست بود و اشعار بدیعی می‌سرود. از آثار وی نظم ابیاتی است به نام «السحریه»، یعنی آنچه که مربوط به وقت سحر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۲۷۹ -۲۷۸ / ۴)، سیر النبلاء (۳۶۰ -۳۵۹ / ۲۰).

غبرایی، فرهاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۶ بهمن ۱۳۲۸، لنگرود.

درگذشت: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۳، لنگرود.

فرهاد غبرایی دارای دیپلم طبیعی (تابستان ۱۳۴۸) از یکی از دبیرستانهای کرمانشاه بود. سپس در شیراز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ از این رشته فارغ‌التحصیل شد. پس از گذراندن خدمت سربازی در بهار ۱۳۵۵ به فرانسه سفر کرد و در پاریس در زمینه کارگردانی سینما به مطالعاتی پرداخت. تا سال ۱۳۵۸ در فرانسه بود و با گروه‌های نمایشی همکاری داشت. سپس به ایران بازگشت و نخستین ترجمه‌ی خود را در سال ۱۳۵۹ منتشر نمود. وی همچنین در زمینه داستان‌نویسی نیز فعالیت داشت و اولین داستان وی به نام آب و خاک در سال ۱۳۵۹ منتشر شد.

فرهاد غبرایی در آذر ۱۳۶۹ به نوشهر نقل مکان نمود. در سال ۱۳۷۲ با دریافت بورسی از وزارت فرهنگ فرانسه در نشست بین‌المللی مترجمان ادبی در آرل فرانسه شرکت جست.

از جمله آثار ترجمه وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شهر شیطان زرد (ماکسیم گورکی، ۱۳۵۹)، شکست (امیل زولا، ۱۳۶۰)، آخرین نفر (الکساندر فادایف، ۱۳۶۱)، آسوموار (امیل زولا، ۱۳۶۱)، معجزه در باد و باران (شوراتزبار، ۱۳۶۱)، جزیره (روبر مرل ۱۳۶۲)، کولابرونیون (رومن رولان، ۱۳۶۳)، چهار مجموعه (پابلو نرودا، ۱۳۶۳)، سفر به انتهای شب (لویی فردینان سلین، ۱۳۶۴)، پایان جهان (پابلو نرودا، ۱۳۶۳)، نقد و بررسی آندره وایدا (۱۳۶۶)، حریم (ویلیام فاکنر، ۱۳۶۷)، زندگی بتهوون (رومن رولان، ۱۳۶۷)، جشن بیکران (ارنست همینگوی، ۱۳۶۸)، کودک سیاه (کامارالی، ۱۳۶۹)، خانواده‌ی پاسکوال دوآرته (کاملیو خوسه سلا، ۱۳۶۹)، فلینی از نگاه فلینی (۱۳۷۱)، یادداشت‌های مالته و ریدز بریگه (راینر ماریا ریلکه، ۱۳۷۱، ظاهرا این اثر ناتمام مانده است)، پیامبران نور (نهال تجدد، ۱۳۷۲، ظاهرا این اثر ناتمام مانده است).

فرهاد غبرایی چندین داستان و چند نمایشنامه و فیلمانه نیز نوشته است، از آن جمله می‌توان به رمان ایختیاندر اشاره نمود. از جمله آثار تألیفی ایشان نیز می‌توان از این کتاب نام برد: گرایش‌های نوین در هنرهای بصری (۱۳۶۹).

فرهاد غبرایی در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۱۳۷۳ به سبب تصادف اتومبیل در جاده‌ی بین تنکابن و چالوس درگذشت و پیکر وی در لنگرود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۹۶ ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به مفتقر. مشهور به کمپانی. اصلش از نخجوان است. نیای او پس از سقوط قفقاز در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آن‌گاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن تویسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره‌ی کامل برد و مدت سیزده سال فقه و اصول را از ایشان و همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی بطور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فنون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محم باقر اصطهباناتی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نحف اشرف درگذشت و در صحن علوی در مقبره‌ی جنب مناره ایوان طلا-دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای مانده است. از جمله آثار وی: «نهایه الدرایه فی شرح الکفایه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «اربع قواعد فقهیه»؛ «الحقیقه الشرعیه»؛ ارجوزه‌ای در «الفلسفه العالیه»؛ ارجوزه‌ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقلید و العداله»؛ «الاصول علی منهج الحدیث»؛ «الوسیله فی اهم ابواب الفقه» یا «رساله‌ی عملیه»؛ «انوار القدسیه»، شعر عربی،بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگانی پیامبر (ص)، عموهایش و ائمه (ع) و فرزندانشان؛ «تحفه الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعر، فارسی، در مدائح و مراثی اهل‌بیت (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۲۸۷ -۲۸۶)، الذریعه (۴۰۰ / ۲۴، ۱۰۸۳ - ۱۰۸۱، ۲۴۷ / ۹، ۱۸۷، ۱۴۸ / ۶، ۴۸۳، ۲۷۱ / ۱)، ریحانه (۹۳ -۹۰ / ۵)، سخنوران نامی معاصر ایران (۲۹۷۷ -۲۹۷۲ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶۲ -۵۶۰ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۹۱

-۱۹۰)، فرهنگ سخنوران (۸۶۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۷ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۷-۷۲۶ / ۲).

غروی تبریزی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸- ز ۱۳۶۳ ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف اشرف ب دنیا آمد و تا ۱۳۵۰ ق در آنجا به تحصیل علوم پرداخت و از محضر اساتیدی همچون آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرد، و در همان سال به تبریز و سه سال بعد به قم رفت، و مدت دو سال از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت در فقه و اصول استفاده نمود. وی دارای اجازاتی از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حجت بود. در ۱۳۶۳ ق به تبریز بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌الله حجت، در اصول فقه؛ کتاب «اسلام و شیعه»، به فارسی؛ کتابی در «امامت حضرت ولی‌عصر (عج)»؛ کتابی در «اخلاق».[۱]

عبدالحسین غروی تبریزی از افاضل دانشمندان و علماء تبریز است.

وی فرزند رکن العلماء الاعلام آیه الله آقا شیخ مرتضی چهره قانی است که در سال ۱۳۲۸ قمری در نجف اشرف تولد یافته و تا سال ۱۳۵۰ در آنجا به تحصیل علوم پرداخته و از محضر اساتید آیه الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرده و در سال مزبور به تبریز آمده و تا سه سال در آن سامان اقامت و در سال ۱۳۵۳ قمری مهاجرت به قم نموده و مدت دو سال درک فیض از محضر آیه الله حایری و آیه الله حجت فقها و اصولا نموده و تا سال ۱۳۶۳ قمری که مراجعت به تبریز و اقامت گزیده و به وظائف دینی و روحانی از قبیل تدریس و اقامه جماعت در مسجد جامع و غیره می‌باشند.

آثار قلمی آن جناب از این قرار است: ۱- کتاب اسلام و شیعه فارسی مطبوع در تبریز.

۲ و ۳- تقریر دروس مرحوم آیه الله حجت اصول و فقه ۴- کتابی در موضوع امامت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه.

۵- کتابی در اخلاق. دارای اجازات اجتهاد از مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله محقق آقا ضیاءالدین عراقی و سیدنا الاستاد آیه الله حجت قدس الله اسرارهم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰ -۳۱۹ / ۳).

غروی علیاری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲ رمضان ۱۳۱۹ ق.

درگذشت: ۱ اردیبهشت ۱۳۶۷، تبریز.

آیت‌الله العظمی علی غروی علیاری تبریزی، فرزند آیت‌الله میرزا محسن از شاگردان آخوند خراسانی و صاحب رساله‌های متعدد اصولی و فقهی بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد جدش آیت‌الله شیخ محمدحسن به فراگیری مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول و عقاید و کلام پرداخت. پس از تکمیل سطوح عالیه، در بیست و دو سالگی عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شد و در مدرسه بخارایی سکونت ورزید و سالیان بسیار در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نایینی، شیخ اسدالله زنجانی، آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محمد حجت، سید ابوتراب خوانساری، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ ابوالحسن مشکینی، میرزا احمد آشتیانی و جمال السالکین آقا سید علی قاضی به تحصیل فنون، اخلاق، فقه، اصول، کلام، رجال، عرفان، حکمت و فلسفه تا سال ۱۳۵۰ ق. پرداخت. وی در جوانی به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی از اساتید معظمش نایل آمد. ایشان در سال ۱۳۵۰ ق. به درخواست جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن علیاری به تبریز بازگشت و به تحقیق، تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و پرورش شاگردان اشتغال ورزید.

از آیت‌الله العظمی غرویی علیاری تبریزی نوشتارهای فراوانی به جای مانده است که عبارتند از: چهارده جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی در منجزات مریض (چاپ شده)، رهن، وصیت، وقف، رضاع، نکاح، صلح، خیارات، اجاره، قضاء، شروط، مسقطات خیار، غضب، زکات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی میرزای نایینی در صلات، بیع، خیارات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در طهارت و صلات؛ دو جلد تقریرات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای در صلات و بیع؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله میرزا علی ایروانی؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله شیخ اسدالله زنجانی در خلل صلاة و منجزات مریض؛ توضیح المسائل؛ شرح عروة الوثقی (از طهارت تا وصیت) در پنج جلد؛ شرح استدلالی ملحقات عروةالوثقی؛ ده جلد رساله‌های فقهی در صلح، عدم شرطیت رجوع در مسافر؛ محاذاةالرجل و المرأة فی الصلاة، جواز نقل المیت بعد الدفن، ربا، نماز جمعه، منجسیة المتنجس، لباس مشکوک، حرمان زوجه از عقار، الفروع السنیة، فروع تقلید؛ شرح وسیلة النجاة (سه جلد)؛ کتاب الطهارة؛ کتاب الصوم؛ کتاب الحج؛ مناسک حج (دو جلد)؛ شرح تبصرد المتعلمین؛ شرح مبسوط مکاسب؛ علل الشرایع و الاحکام؛ شرح فوائد الاصول؛ شرح کفایة الاصول؛ رساله در ترتب رساله در وضع؛ رساله در ملازمه

حکم عقل و شرع؛ قاعده من ملک (و قواعد دیگر)؛ هفت جلد کتاب تقریرات درس اصول آیات عظام: میرزای نائینی (مباحث الفاظ)، آقا ضیاءالدین عراقی (دوره کامل و قاعده لاضرر)، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای (مباحث عقلیه و تعادل و تراجیح)؛ شیخ اسدالله زنجانی میرزا علی ایروانی (اجتماع امر و نهی)؛ اصول عقاید؛ رسالهٔ فی الرجعهٔ؛ تفسیر قرآن (دوازده جلد)؛ مفردات قرآن؛ شرح دعای صباح؛ شرح دعای کمیل؛ شرح دعای سمات؛ شرح دعای افتتاح؛ شرح دعای ابوحمزه ثمالی؛ شرح دعای زیارت جامعه کبیره؛ حل مشکلات الاخبار؛ شرح اربعین حدیث؛ شرح احادیث پیامبر اکرم (ص)؛ شرح احادیث امیرالمومنین در نهج‌البلاغه؛ منهاج الرشاد؛ المواعظ؛ النهجهٔ فی احوال الحجهٔ (ع)؛ الکواکب الحسینیهٔ؛ تقریرات درس آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.

آیت‌الله العظمی غروی علیاری تبریزی در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۶۷(۱۳ ذیحجهٔ ۱۴۱۷ ق.) در نود و هشت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در تبریز، به قم انتقال داده شد و پس از تشییع مجدد و نماز حضرت آیت‌الله بهجت بر آن، در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) (بقعه آیت‌الله داماد) به خاک سپرده شد.

علی بن العلامه الحجه المیرزا محسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبیر آیه الله العظمی الحاج ملا علی علیاری صاحب کتاب مستطاب (بهجه المقال فی تنقیح الرجال) الغروی العلی یاری از علماء اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است. وی در صبح جمعه ۱۲ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۹ قمری هجری در تبریز متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم در خدمت جد امجدش مرحوم آیه الله میرزا محمد حسن سطوح را خوانده و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام چون زعیم الشیعه آیه الله العظمی اصفهانی و مرحوم آیه الله نائینی و آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا سید ابوتراب خونساری و آیه الله میرزا ابوالحسن مشگینی و آیه الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیه الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده عدیده‌ای می‌باشند که بشرح آنها می‌پردازم:

۱- دوره اصول و نصف تقریر بحث آیه الله محقق عراقی

۲- دوره اصول آیه الله میرزا حسین نائینی

۳- اغلب ابواب فقه از تقریرات آیه الله عراقی

۴- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی اصفهانی

۵- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی حجت کوه کمری

۶- تقریرات ابحاث آیه الله ایروانی (قده)

۷- تقریرات ابحاث آیه الله مشگینی (قده)

۸- شرح دعاء سمات ۹- شرح دعاء صباح ۱۰- شرح اربعین حدیث ۱۱- اصول دین مبسوط فارسی ۱۲- رسائل متفرقه در اصول و فقه ۱۳- رساله در ملازمت ۱۴- رساله در جریان استصحاب در اعدام ازلیه ۱۵- رساله در غیبه ۱۶- رساله در خلل، تقریر بحث آیه الله محقق زنجانی ۱۷- رساله در بعض فروع عروه الوثقی ۱۸- رساله در مواکب الحسینیه ۱۹- رساله در رضاع ۲۰- رساله در منجزات مریض ۲۱- رساله در قاعده من ملک و در قواعد دیگر ۲۲- رساله در قاعده لا ضرر ۲۳- رساله در نجاسه متنجس ۲۴- رساله‌ای در لباس مشکوک و چندین رسائل دیگر.

از باقیات الصالحات دیگر معظم له فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام آقا شیخ محمد جواد غروی علی یاری است که اکنون از علماء و دانشمندان مقیم تهران است. وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محاضر آیات عظام خوئی و حکیم و دیگران به مشهد رضوی مسافرت و چندین سال اقامت و از محضر آیه الله العظمی میلانی مدظله استفاده نموده آنگاه به قم منتقل و چند سالی از ابحاث و محاضر آیات عظام نجفی مرعشی و شریعتمداری و گلپایگانی استفاده نموده و دو سالی بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و در مسجد امام زاده زید بازار و مسجد دیگر به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند. آن جناب ترجمه مفصلی از اسره و خاندان علیاری مرقوم داشته‌اند ولی چون در کتب رجالی دیگر مانند علماء معاصر و غیره مذکور بود از ذکر آن خودداری نمودم.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل غروی

محل تولد : باغملک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سن ۷ سالگی احکام دینی و خواندن و نوشتن را در محضر پدر خود فرا گرفتم سپس به مکتب جهت خواندن قرآن و سایر کتاب های دینی مدت ۴ سال مشغول شدم ۲ سال دیگر از محضر پدر استفاده کردم.

در سن ۱۴ سالگی راهی حوزه علمیه اهواز شدم .

مدتی از استادانی مانند سید شمس الدین ، سید عبد الکریم موسوی نجفی ، شیخ مروج (استاد جامع المقدمات امام) سپس از مرحوم سید محمد کاظم آل طیب و از سید اسماعیل مرعشی و مرحوم امامی ، مرحوم علم الهدی و شیخ ابوالحسن انصاری ، مرحوم آیت الله بهبهانی ، آقای شیخ مرتضی انصاری وسایر اساتید محترم مانند مرحوم آیت الله کرمی و... استفاده کردم .

مدتی در حوزه علمیه شوشتر از اساتید بزرگواری از علماء شوشتر مرحوم صاحب قاموس رجال و دیگران بهره وافری بردم .

پس از آن به نیشابوررفتم و مدت چهار سال در نیشابور از اساتیدی مانند مرحوم آقای مروی و ضیائی ، حاج آقا رضا نجفی و آیت الله موسوی نیشابوری استفاده کردم .

بعد از آن به مشهد مقدس رفتم از ادیب خراسانی مرحوم کفایی مرحوم شیرازی میلانی مصباح واعظی مرحوم افتخاری و دیگر اساتید محترمی که در مشهد مقدس بحث داشته اند بهره بردم .

سپس به قم آمدم و از مرحوم آیت الله مرعشی نجفی ، گلپایگانی و مرحوم آیت الله سلطانی هم درس و هم مشی زندگی بهره بردم .

از اساتید فوق الذکر صرف ، نحو ، منطق ، احکام ، اصول ، فقه تا سطح خارج استفاده کردم در قسمت طب از مرحوم والد و از دکتر جزایری و دکتر خراسانی دکتر موسوی و از دکترهای روان شناس استفاده نمودم و در قسمت جامعه شناسی از اساتید بزرگواری استفاده نمودم .

غروی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر غروی که سالها در نجف اشرف اقامت و در خدمت مراجع بزرگ و مدرسین عالیمقام و آیات عظام آنجا تلمذ نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم قدس اللّه سره به قصر آمده و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی در قصر شیرین اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

غروی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن العلامهٔ الورع آیت‌اللّه آخوند ملا محمدعلی رفسنجانی از علماء معاصر رفسنجان برادر بزرگوار مرحوم آیت‌اللّه نجفی سابق‌الذکر است وی در حدود سال ۱۳۰۸ قمری در رفسنجان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را از والدش فراگرفته و مدتی به اصفهان و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام فیروزآبادی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و دیگران بهره‌مند گشته آنگاه مراجعت به وطن نموده و به وظائف دینی و روحی پرداخته و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد و در علم و تقوی نمونه بارز برادر بزرگوارش می‌باشد.

محمدحسین غروی برادر مرحوم مبرور آیت‌اللّه نجفی از علماء اعلام معاصر رفسنجانست

وی در سال ۱۳۰۸ قمری در رفسنجان متولد شده و تا سن ۱۷ سالگی ادبیات و فقه و اصول را از محضر والد ماجدشان که از نوابغ زمان خود بودند و در اکثر علوم تبحری کامل داشتند فراگرفته و سپس عزیمت به اصفهان نموده و در آنجا از محضر اساتید و فحول علمی چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند گزی و آیت‌اللّه ارباب به تکمیل فقه و اصول و حکمت و هیئت پرداخته و در معیت و مصاحبت مرحوم برادرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج سید محمد فیروزآبادی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات اجتهاد در سال ۱۳۴۶ قمری به ایران مراجعت و پس از فوت مرحوم والدشان آیت‌اللّه آخوند ملا محمدعلی طاب ثراه در رفسنجان توقف نموده و تا حد قدرت و استطاعت مشغول ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی و پرورش و تربیت طلاب علوم دینی و تأسیس مدرسه علمی به همراهی مرحوم اخوی خود آیت‌اللّه نجفی گردیده و در ماه رمضان به موعظه و ارشاد مردم پرداخته و تاکنون بحمداللّه به اقامه جماعت و انجام وظیفه اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان از اینقرار است

۱- تقریرات درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی

۲- حکومت عقل در پیرامون خلافت بلافصلی امیرالمؤمنین (ع).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

غروی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳۶۴، احتمالا ترکیه.

محمود غروی تحصیل کرده‌ی ترکیه و محقق و مؤلف کتاب فهرست اسناد تاریخی ایران در آرشیو صدارت عثمانی در استانبول (این تاب در سلسله انتشارات فرهنگستان ادب و هنر ایران به شماره‌ی ۱۵ به سال ۱۳۵۷ منتشر شد) بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غرویان، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن غرویان

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

محسن غرویان در سال ۱۳۳۸ در نیشابور بدنیا آمد و پس از اخذ مدرك دیپلم فنی راه و ساختمان در سال ۱۳۵۷ راهی حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۵۸ رسما شروع به تحصیل علوم حوزوی نمود. وی دروس مقدمات و سطح را به پایان رسانید و در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی- فاضل لنکرانی – شیخ جواد تبریزی – مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برد تا اینکه برای کاندیداتوری در مجلس خبرگان رهبری در دوره سوم در امتحان اجتهاد شرکت نموده و آن را با موفقیت پشت سر گذاشت. ایشان در کنار دروس فقه و اصول در موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) دروس کلام و فلسفه و آشنایی با مکاتب غربی را پشت سر گذاشته و هم اینك عضویت در شورای سردبیری مجله علمی – تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح یزدی بعهده دارد.

محسن غرویان عضو هیئت علمی و استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. از ایشان تاکنون بیش از ۴۰ اثر علمی به صورت کتاب بچاپ رسیده است و مقالات کوتاه و بلند ایشان که در مطبوعات مختلف به چاپ رسیده بالغ بر ۵۰۰ مقاله است . موسسه فرهنگی – انتشاراتی «یمین» به همت ایشان تاسیس شده و تاکنون قریب ۲۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. محسن غرویان با دو زبان انگلیسی و عربی آشناست و تاکنون در همایشها و کنگره های مختلف داخلی و خارجی مقالاتی را به زبانهای فوق ارائه نموده است. ایشان هم اکنون به تدریس خارج اصول و اسفار ملا صدرا اشتغال دارد و در کناراشتغالاتش در حوزه ، در مجامع مختلف علمی – سیاسی با ارائه کنفرانس و سخنرانی به امر تبلیغ می پردازد. وی از سوی بعثه مقام معظم رهبری(دام عزه) به عنوان مبلغ زباندان و عضو هیئت علمی برگزیده شده است. محسن غرویان نویسنده ای است که مستمرا شبهات دینی و فلسفی و اعتقادی را در نشریات و مطبوعات مطالعه می کند و مورد نقد و بررسی قرار می دهد. مجموعه این پرسش و پاسخها تاکنون علاوه بر چاپ در مطبوعات به صورت چهار جلد کتاب نیز بچاپ رسیده است. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای مختلف جهان داشته است:

در سال ۱۳۶۱ برای تبلیغ در مجامع علمی و دانشگاهی به کشورهای فیلیپین- مالزی و هند سفر کرده است .

در سال ۱۳۶۹ برای شرکت در سمینارهای علمی، کلامی و فلسفی به کشور کانادا مسافرت نموده است. چهار سفر بعنوان زباندان و عضو هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری به حج اعزام شده است. علاوه بر این با سفر به کشورهای سوریه و عراق با برخی چهره های علمی و فرهنگی نشستها و گفتگوهای علمی در باب ادیان و ملل و نحل داشته است. محسن غرویان یکی از داوران و صاحبنظران در گزینش کتاب سال در حوزه دین و فلسفه است و بعنوان عضو شورای بررسی کتاب استان قم نیز بر روند چاپ و نشر کتب نظارت داشته است. وی هم اکنون عمدتا به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارد. محسن غرویان بخشی از وقت روزانه خود را صرف پاسخگویی به سوالات و شبهات علمی – اعتقادی می کند و با شماره تلفن ۲۹۳۶۰۵۴ به پرسشهای علاقمندان بخصوص نسل جوان پاسخ می گوید .

غزالی طوسی، مجدالدین، ابوالفتوح احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۰ / ۵۱۷ ق)، عارف، واعظ و شاعر. وی که برادر کهتر امام محمد غزالی طوسی است، در طوس دیده به جهان گشود و در اوان کودکی پدر خویش را از دست داد و در نهایت فقر درویشی زندگی را سپری کرد. احمد اگر چه فقه را فراگرفت اما به زهد

و تصوف گرایش داشت. در طریقت، شیخ او ابوبکر نساج بود و از برجسته‌ترین شاگردان غزالی، باید از عین القضات همدانی، سنائی غزنوی و ابوالنجیب سهروردی نام برد. وی پس از کناره گیری برادرش امام محمد غزالی از تدریس در نظامیه، یک چند به جای او تدریس کرد. غزالی علاو بر این در تصوف نام‌آور بود و صاحب آثار. در وعظ و خطابه نیز استاد بود، مواعظ او در هشتاد و سه مجلس توسط صاعد بن فارس لبانی جمع‌آوری شده است. احمد غزالی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سروده است. در قزوین درگذشت. از آثار وی: «سوانح العشاق»؛ «احیاء الاحیاء» یا «لباب الاحیاء»، در تلخیص «احیاء العلوم» برادرش؛ «الذخیره فی علیم البصیره»؛ «بحر المحبه فی اسرار الموده»؛ تفسیر سوره‌ی یوسف؛«تازیانه‌ی سلوک» یا «رساله‌ی عینیه».[۱]

(ع.) احمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی، فقیه و عارف ایرانی (ف. قزوین ۵۲۰ ه.ق) وی مانند برادر بزرگش محمد غزالی (۲- غزالی) پس از فوت تحت تعهد و نگاهداشت احمد رادکانی قرار گرفت و مقدمات تحصیل علوم دینی را در نزد او آموخت. احمد از جمله‌ی فقهای شافعی بود و به وعظ علاقه داشت و مدت ۱۰ سال (از ۴۸۸ تا ۴۹۸ ه.ق) بجای برادر به تدریس در نظامیه‌ی بغداد اشتغال داشت. در طریقت پیرو ابوبکر نساج بود. ذهبیه او را از کبار سلسله‌ی خود می‌دانند. او راست: لباب‌الاحیاء که اختصار احیاء علوم‌الدین است، الذخیرهٔ فی علم البصیرهٔ- بحرالحقیقهٔ، رساله‌ی عشقیه، سوانح العشاق، مکاتیب، کتاب مجالس شیخ احمد، کتاب الحق والحقیقهٔ.

ضح.- بعضی او و برادرش را غزالی منسوب به غزال یا غزاله قریه‌ای از قرای طوس دانند (۲- غزالی).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۸ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۵۵، ۹ / ۲، ۵۶۶، ۴۴۰، ۱۹۷ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۵ -۹۳۲ / ۲)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۴۲۵ -۴۲۳)، تاریخ گزیده (۶۶۵ -۶۶۴)، تاریخ نظم و نثر (۶۹)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (۱۹۳، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۴ -۱۸۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۰۶ / ۲)، روضات الجنات (۲۸۸ -۲۸۵ / ۱)، شذرات الذهب (۶۴، ۶۰ / ۴)، العبر (۴۱۳ -۴۱۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۵۹۰، ۱۴۱۳، ۱۰۰۹، ۹۸۵، ۹۰۱، ۸۲۵)، الکنی و الالقاب (۴۹۵ / ۲)، لسان المیزان (۴۴۲، ۴۴۰ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۴۱۸ -۴۱۵)، مجالس النفائس (۳۱۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۸۱ -۸۰ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰ -۴۲۹ / ۱)، النجوم الزاهره (۲۲۴ / ۵)، نفحات الانس (۳۸۰ -۳۷۹)، وفیات الاعیان (۹۸ -۹۷ / ۱).

غضبان اصفهانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۷ ش)، نویسنده و مترجم. او از نوادگان میرداماد و از طرف مادر نواده‌ی مرحوم سید عباس مراغه‌ای بود. تحصیلات مقدماتی جدید و قدیم و سطوح را نزد استادانی چون میرزا محمدرضا ایروانی و شیخ موسی خوانساری و سید ابوالحسن اصفهانی فراگرفت. سپس به تهران آمد و وارد خدمات دولتی گردید. از آثار وی: «احمد بن طولون»، ترجمه؛ «ارمانوسه‌ی مصریه»، ترجمه؛ «اقتصاد در اسلام»؛ «امام جعفر صادق»، ترجمه؛ «بنی‌هاشم و بنی‌امیه»، ترجمه؛ «زینب عقیله‌ی بنی‌هاشم، دختر علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ ترجمه؛ «یک معجزه‌ی دائم»، ترجمه؛«اعجاز قرآن»، ترجمه. که دو کتاب اخیر در یک مجلد به چاپ رسیده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۴ / ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۵، ۱۸۸۰ / ۲، ۱۶۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۱ -۳۲۹ / ۲).

غضنفری امرایی، اسفندیار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۷، کوهدشت لرستان.

درگذشت: اواخر فروردین ۱۳۷۲، خرم‌آباد.

اسنفدیار غضنفری امرایی، شاعر، محقق، ادیب لرستانی پس از تحصیل، در خرم‌آباد رحل اقامت افکند اما به دلیل مبارزات سیاسی از سال ۱۳۲۲ الی ۱۳۵۷ غالبا در تبعید به سر برد. از اسفندیار غضنفری تحقیقات گوناگونی درباره‌ی شعر و ادب فارسی و لری بر جا مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غفاری ساروی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین غفاری ساروی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین ساروی فرزند حسین در سال ۱۳۳۳ در ساری متولد شدم. درسال ۱۳۴۸به دلیل علاقه فراوانی که دروس حوزوی داشتم وارد حوزه علمیه شدم و در آنجا به تحصیل و تحقیق پرداختم ولی کار تحقیقات را به طور جد از سال ۱۳۶۶ آغاز و تاکنون ادامه دارد. هم اکنون ننیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول می باشم و در رشته تفسیر قرآن همچنان مشغول فعالیت هستم.

غفاری فر، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن غفاری فر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن غفاری فر در سال ۱۳۶۱ دیپلم را اخذ و در سال ۶۱–۶۲ وارد مدارس علوم مقدس دینی شدم . ابتدا مدت کوتاهی را در تهران ، سپس در بابل و نهایتا در سال ۶۷–۶۸ برای ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم ، تقریبا در همان سال تحصیلی ، دروس سطح را به اتمام رساندم ، البته به جهت شهرستانی بودن و عدم ساماندهی فراگیر حوزه های شهرستانها در آن ایام ، امتحانات حوزوی در سالهای بعد به اتمام رسید . از سال تحصیلی ۶۷–۶۸ تا کنون در دروس خارج حوزه شرکت می کنم ، قابل ذکر است تقریبا از سال ۷۸ به بعد تک درس خارج فقه یا اصول را شرکت می کنم . از سال تحصیلی ۷۱–۷۲ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم. ابتدا دوره پنج ساله عمومی را (طبق طرح قدیم) در سال ۷۵–۷۶ به اتمام رساندم ، سپس از سال ۷۶–۷۷ وارد ارشد جامعه شناسی و طبق طرح قدیم (با سپری نمودن ۸۰ واحد پیش نیاز و بیش از ۳۰ واحد اصلی و دفاع از پایان نامه) در سال تحصیل ۸۰–۸۱ به اتمام رساندم .

قریب به پنج سال در موسوعه فقه اهل بیت(ع) به مدیریت آیت الله شاهرودی در فاصله سالهای ۷۵ –۸۰ همکاری پژوهشی داشتم و قریب به ۶ ماه عضو گروه کارورزی پژوهشی تاریخ معاصر به مدیریت دکتر موسی نجفی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اشتغال داشتم .

به صورت متفرقه با قسمت تحقیقات و پژوهش معارف صدا و سیمای جمهوری اسلامی مستقر در قم ، همکاریهای نظارتی بر کتابها می نمایم که تا کنون نیز ادامه دارد، به عنوان ناظر و یا داور رساله های علمی موسسه های علمی زیر مجموعه حوزه علمیه قم همکاری دارم ، قریب به ۶ ماه عضو گروه پژوهش حوزه جامعه شناسی در موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات بودم.

بیش از ۱۰ عنوان در حوزه های تاریخ اسلام ، تاریخ ایران ، تاریخ تشیع ، مهدویت ، جامعه شناسی ، عقاید ، سیاسی (به ویژه بحث ولایت فقیه) و در مراکز حوزوی ، دانشگاهی و نهادهای انقلابی و گاهی دانش آموزی تدریس نموده ام.

غفاری قزوینی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. وی مرد فاضل و نیکوقریحه‌ای بوده و از تاریخ نیز سررشته داشته است. در پایان عمر به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در راه بازگشت به سرای باقی شتافت. از آثارش: تاریخ «نگارستان»؛ «تاریخ جهان‌آرا».[۱]

(منسوب به عبدالغفار) (قاضی) احمد بن محمد قزوینی، دانشمند و مورخ (ف. ۹۷۵ ه.ق) وی از اعقاب عبدالغفار قزوینی عالم معروف مؤلف کتاب الحاوی الصغیر بود و پدرش قاضی محمد در شهر ری سمت قضا داشته. احمد مردی فاضل و منشی و شاعر و خوش خط و مورخ بود و در نزد امرا و شاهزادگان صفوی محترم می‌زیست و مدتی در دستگاه سام میرزا مقیم بود و در آخر به عزم حج عازم مکه شد ولی در مراجعت در بندر دیبال سند درگذشت. وی مؤلف دو تاریخ است: تاریخ نگارستان، جهان آرا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۰ / ۳)، الذریعه (۳۰۹ –۳۰۸ / ۲۴، ۵۹ / ۹، ۲۴۶ / ۳)، عالم‌آرای عباسی (۹۹، ۸۲ / ۱)،

فرهنگ سخنوران (۶۷۰)، هفت اقلیم (۱۷۸ / ۳).

غفرانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد غفرانی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد غفرانی فرزند خیرالحاج جناب آقای حاج حسین غفرانی از معتمدین شهر خرم آباد کرالان مجاور حضرت رضا(ع) هستند در سال ۶۳ عازم شهر مقدس قم شده تا در جوار حرم حضرت معصومه (س) و حوزه کریمه علمیه به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزم. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه الهادی تحت اشراف حضرت آیهٔ الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری آغاز کردم. به لحاظ نظارت آیهٔ الله مشکینی بر مدرسه زمینه ارتباط بیشتر با ایشان میسر شده و حضرت آیهٔ الله مشکینی حفظه الله کفایت اخلاقی را نیز از مدّنظر نمی گذراندند و تذاکراتی در خلال ارتباط بیان می فرمودند و می توان گفت ایشان استاد اخلاق سالیان ابتدای تحصیل اینجانب است. کتب سطح را نزد عالمان دینی از جمله استاد عالی قدر حجهٔ الاسلام ابوالقاسم علی دوست ، استاد عالی قدر حجهٔ الاسلام علی نکونام، استاد عالی قدر جناب حجهٔالاسلام حاج آقا موسوی تهرانی، جناب استاد حجهٔ الاسلام فتوحی همدانی، آیهٔ الله استاد عراقچی همدانی، جناب استاد حجهٔ الاسلام هادوی تهرانی به پایان رسانده و درس حدیث شناسی را نزد آیهٔ الله احمدی یزدی و کتب خارج خمس و حج را نزد آیهٔ الله سبحانی و کتب مکاسب ، و حج مختصراً نزد آیهٔ الله گرامی و کتاب قضا و تکمله قضاء را نزد آقایان آیهٔالله سبحانی و گرامی فراگرفتم.در خلال تحصیل پاره ای از کتب مقدماتی و تفسیر را نیز به جمعی از دوستان منتقل کردم.

از جمله علاقه ای که در طول تحصیل داشتم، پژوهش و تحقیق و نوشتن مقالات بود که این امر منجر به تدوین جزوات احکام که قابل تدریس است گردید. در این میان مقالاتی اخلاقی و حقوقی و اعتقادی از سال ۷۴ تا به حال به رشته تحریر در آمد و در رسانه های کثیرالانتشار چاپ گردید. این مهم با همکاری مرکز پژوهشها و مطالعات حوزه علمیه قم صورت گرفته است. از دیگر فعالیتهای علمی ، همکاری با شبکه سراسری رادیو معارف است که از سال ۸۱ تا به حال ادامه دارد و در برنامه مشکاهٔ هدایت به عنوان کارشناس به تکلیف خود عمل می کنم. تدریس البته الفیه ابن مالک از دیگر کارهای ماندگار است که برای سایت بنیان انجام گرفت. همکاری با سایت اندیشه وابسته به حوزه علمیه قم نیز از دیگر فعالیتها است. مرکز جهانی علوم اسلامی نیز به لحاظ تکمیل بانک سؤالات و نیز ارزیابی طلاب سطح ۲ به عنوان کارشناس جلساتی دعوت نموده که در این جا نیز به اداء تکلیف اقدام شده است.از دیگر خدمات علمی حضور در حوزه علمیه کوتاه مدت است که از سال ۸۱ تا ۸۵ به عنوان استاد ادبیات اشتغال داشتم. و در این مدت مدیر گروه علمی ادبیات بودم. و عضو شورای عالی حوزه علمیه کوتاه مدت از سال ۸۵ به عنوان کارشناس فقه مرکز پاسخ گویی تلفنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به اداء تکلیف مبادرت می ورزم. مدارسی که به عنوان استاد تدریس داشته ام مدرسه سفیدان، الهادی، معصومیه است.

غفور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۵ ق)، حکاک. مشهور به سید غفور نظام‌الدینی حکاک‌باشی. وی اهل تبریز و یکی از سنگ‌تراشان نامی آن دیار بود. از آثار او: سنگ‌نوشته‌ی یکی از خیابانهای تبریز، با رقم: «... سید غفور حکاک ۱۳۰۶ ش». تاریخ مرگ وی در «مواد التواریخ»، در قطعه‌ای که رضایی، شاعر آذری، برای او سروده چنین است:

... مرسال وفات را رضائی

خود جست هم از (غفور حکاک) ۱۳۵۵

به نظر می‌رسد که شاعر حرف مشدد را بر خلاف معمول، حساب کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۴۰۹ / ۱)، مواد التواریخ (۳۳۰).

غلام ثلعب باوردی، ابوعمر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۵ -۲۶۱ ق)، ادیب و لغوی. چون شغلش گلدوزی روی لباس بود، به مطرز مشهور و چون از بیورد خراسان بود، به باورد منسوب و چون مدتی در خدمت ثعلب نحوی بود،به غلام ثعلب معروف بود. به او ابوعمر زاهد نیز می‌گفتند. از احمد نرسی و موسی بن سهل و شاء و ابوالعباس کدیمی و بشر اسدی و احمد بن زیاد بن مهران سمسار حدیث شنید. ابوالحسن بن رزقویه، ابن‌منده، ابوعبدالله حاکم نیشابوری و قاضی محاملی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. خطیب بغدادی گوید: غلام ثعلب نسبت به معاویه تعصب داشت. او جزوه‌ای به نام فضایل معاویه نوشته بود و تمام شاگردان خود را که برای کسب علوم نزدش می‌آمدند وادار می‌کرد که پیش از گذراندن هر درسی که برای آن آمده بودند ابتدا این جزوه را بخوانند. بسیاری از بزرگان ادب بر او خرده گرفتند و او را حتی در علم لغت از درجه اعتماد ساقط دانستند. ابن‌حجر گوید: «ابن جزوه را من دیدم، بسیاری از مطالب آن جعلی است». عجب از صاحب «ریاض العلماء» و به تبع او صاحب «اعیان الشیعه» است که او را ظاهرا امامی می‌دانند. وی در بغداد درگذشت و روبروی ایوان معروف کرخی دفن شد. او در لغت، از حفظ، در حدود سی هزار برگ املاء کرد. از آثارش: «الیواقیت»، در لغت؛ «رساله‌ای در «غریب القرآن»؛ «غرائب الحدیث»، تصنیفی بر اساس «مسند» احمد حنبل؛ «جزء فی الحدیث و الادب»؛ «تفسیر اسماء الشعراء»؛ «المدخل»، در لغت؛ «القبائل»؛ «یوم و لیله»؛ «اخبار العرب»؛ «العشرات»؛ مستدرکی ب رکتاب «الفصیح» ثعلب به نام «فائت الفصیح»، و شرح آن به نام «شرح الفصیح»؛ «فائت العین»؛ «فائت الجمهره»؛ «المستحسن»؛ «فائت المستحسن»؛ «المرجان»، در لغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۳ -۱۳۲ / ۷)، اعیان الشیعه (۳۹۳ / ۹)، ایضاح المکنون (۳۱۴،۱۵۲ / ۲)، تاریخ بغداد (۳۵۹ -۳۵۶ / ۲)، روضات الجنات (۳۱۷ -۳۱۴ / ۷)، ریاض العلماء (۴۸۰ -۴۷۹/ ۵)، سیر النبلاء (۵۱۳ -۵۰۸ / ۱۵)، کشف الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۵۳ ، ۱۹۸۰، ۱۹۰۳ ، ۱۶۸۰، ۱۴۷۲، ۱۴۶۲، ۱۴۵۸، ۱۴۴۸، ۱۴۴۳، ۱۴۳۱، ۱۴۲۳، ۱۲۷۳، ۱۲۰۵، ۱۱۰۲، ۴۲۶، ۸۸)، الکنی و الالقاب (۱۸۷ - ۱۸۶ / ۳)، لسان المیزان (۳۱۶ -۳۱۴ / ۶)، معجم الادباء (۲۳۴ -۲۲۶ / ۱۸)، معجم المؤلفین (۲۶۷ -۲۶۶ / ۱۰)، النجوم الزاهره (۳۶۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۷۳ -۷۲ / ۴)، وفیات الاعیان (۳۳۳ -۳۲۹ / ۴)، هدیه العارفین (۴۲ / ۲).

غلامرضایی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: یزد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۵، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه یزد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی، شرح متن، سابقه ۱۵ سال تدریس در دانشگاه، استاد مشاور ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کتاب‌شناسی و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات فارسی و نقد کتاب.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

غلامعلی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی غلامعلی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۱ از دبیرستان علوم و معارف اسلامی شهید مطهری تهران فارغ التحصیل شدم در کنار دروس دبیرستان ، دروس حوزوی را نیز از اساتید معزز مدرسه عالی شهید مطهری فرا گرفتم . پس از اخذ دیپلم توفیق حضور در حوزه علمیه مروی (تهران) را یافتم و با امتحان سه پایه نخست به من اجازه دادند در درس های پایه چهارم شرکت کنم . بخشی از ادبیات عرب ، معانی و بیان ، شرح لمعه ، اصول مظفر ، منطق ، فلسفه و بخشی از رسائل و مکاسب را از اساتید بزرگوار آن مدرسه آموختم . بعضی از اساتید گرانقدر اینجانب در آن دوران عبارتند از حجج اسلام و آیات اعلام : مرحوم سید ابوالفضل موسوی تبریزی ، مرحوم پاکتچی ، اصطهباناتی ، رجایی ، کثیری ، تقوایی ، شریتعمداری ، جورابچی (قفقازی) و شریف زاده .

در سال ۱۳۷۴ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مشرف شدم و تا کنون نیز در حوزه علمیه قم مشغول فراگیری علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام می باشم ؛ کتب شریف رسائل ، مکاسب و کفایه را در محضر حضرات آیات و حجج اسلام آقایان مرحوم احمدی میانجی ، نکونام ، اعتمادی ، سید احمد خاتمی ، حسینی خراسانی ، محمدی (فیضیه) و احدی آموخته ام . مدت شش سال است که در دروس خارج فقه آیات عظام آقایان حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج محمد فاضل لنکرانی(ره) ، حاج سید احمد مددی و حاج مهدی گنجی (گنجعلی) شرکت می کنم . بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمه را نیز از جنابان حجج اسلام محمدی همدانی، و حاج مرتضی جوادی آملی فرا گرفتم . همچنین از سال ۱۳۷۵ تا کنون در موسسه تحقیقاتی دار الحدیث به مطالعه و پژوهش پیرامون مباحث حدیث مشغول هستم . در این مدت از کلاس ها و کارگاه های علمی حجج اسلام آقایان استاد عبدالهادی مسعودی ، استاد سید کاظم طباطبایی ، استاد محمد کاظم رحمان ستایش و استاد محمد احسانی فر استفاده کرده ام .

در طول مدت حضور در موسسه تحقیقاتی دارالحدیث با گروه های دانشنامه نگاری ، تفسیر روایی ، تاریخ و سیره و مصدریابی همکاری علمی داشته ام و مدخل های متعددی را تنظیم نموده ام.

غمام همدانی، محمد یوسف‌زاده

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱ -۱۲۵۳ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به غمام. در نجف به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را تا سیزده سالگی در آن شهر گذرانید. سپس به ایران آمد و در همدان ادبیات فارسی و عربی و فقه را از اساتید آن دیار فراگرفت. بعد از ان مدتی به تجارت و خدمت در ادارات دولتی مشغول شد. در آغاز نهضت مشروطه به شمار آزادی‌خواهان پیوست و به تأسیس انجمن اتحاد و انتشار روزنامه‌ی «اتحاد» و «الفت» همت گماشت. در سرودن غزل مهارت خاصی داشت. وی در تهران از دنیا رفت و در مقبره‌ی خانوادگی جنب شاهزاده حسین در همدان دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر که با مقدمه‌ای از موسی نثری به چاپ رسید. لازم به ذکر است که صاحب «سخنوران نامی معاصر ایران» محل تولد وی را کربلا ذکر کرده است.[۱]

(بخش ۱) همدانی، (سید) محمد بن (سید) یوسف، شاعر و عارف ایرانی (و. نجف ۱۲۹۲ ه.ق- ف. مهرماه ۱۳۲۱ ه.ش). وی سمت ارشاد گروهی از متصوفه را داشت. دیوان غزلیات او در سه جلد چاپ شده. غزلهای غمام عارفانه و به سبک حافظ نزدیک است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۷۷ -۷۶)، تاریخ جراید و مجلات (۲۶۸ -۲۶۶، ۴۶ / ۱)، الذریعه (۷۹۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴ -۲۳ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۵۸ -۲۵۵۳ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۷۲)، گلزار معانی (۴۹۸ -۴۹۵).

غندجانی شیرازی، ابومحمد حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۲۸ ق)، ادیب، لغوی و نسب‌شناس. معروف به اسود غندجانی. به آورده‌ی حموی در «معجم البلدان» نسبت وی به غندجان فارس است. او در شناخت روزگاران عرب و اشعار آنها تبحر داشت. هم او گوید که یکی از تصانیف غندجانی را دیده که در آن نوشته بوده: در ۴۱۲ ق تصنیف و در ۴۲۸ ق بر او خوانده شده است. از آثارش: «فرحه الادیب»، در رد یوسف بن ابی‌سعید سیرافی، در شرح «ابیات سیبویه»؛ «اضاله الادیب»، در رد ابن‌اعرابی، در «نوادر»ی که ثعلب روایت کرده است؛ «نزهه الادیب»، رد بر ابوعلی؛ «قید الاوابد»، در رد ابن‌سیرافی، در شرح «ابیات اصلاح المنطق»؛ کتاب «الخلیل» یا «الخلیل»، به ترتیب حروف معجم؛ «السل و السرقه»؛ کتابی در «اسماء الاماکن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۴ / ۲)، ایضاح المکنون (۱۸۶ / ۲)، کشف الظنون (۱۹۳۹ ،۸۷)، لسان المیزان (۳۶۷ -۳۶۶ / ۲)، معجم الادباء (۲۶۵ -۲۶۱ / ۷)، معجم البلدان (۲۴۴ / ۴)،معجم المؤلفین (۱۹۷ / ۳)، هدیه العارفین (۲۷۵ / ۱).

غنی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا سید عبدالغنی‌خان کشاورز و مالک، در سال ۱۲۷۲ ش در سبزوار متولد شد. تحصیلات ابتدائی و مقدماتی را طبق روش آن زمان در مکتب‌خانه آموخت. در سن دوازده‌سالگی پدرش به بیماری وبا درگذشت و از آن تاریخ حضانت وی را دائیش بر عهده گرفت و او را به مدرسه دارالفنون تهران فرستاد. مدت تحصیل غنی در دارالفنون پنج سال به طول انجامید و پس از اخذ دیپلم، زبان فرانسه را به خوبی فراگرفت و برای ادامه تحصیل رهسپار لبنان شد و در مدرسه سن‌ژوزف بیروت به فراگرفتن فن طب پرداخت. در همان ایام زبان انگلیسی و عربی را فراگرفت و وارد کالج آمریکائی شد و دوره‌ی دانشکده‌ی پزشکی را به پایان رسانید و در ۱۲۹۹ در سن ۲۷ سالگی به ایران بازگشت و در سبزوار مطبی دایر نموده و به مداوای بیماران پرداخت و بیمارستانی نیز در آن شهر بنام حشمتیه با سرمایه سالار حشمت دایر نمود.

غنی در سال ۱۳۰۲ برای تکمیل تحصیلات به فرانسه عزیمت نمود و قریب پنج سال به تکمیل تحصیلات پرداخت و در ۱۳۰۷ به ایران بازگشت. وی در آن مدت علاوه بر تکمیل فن پزشکی، دوره مخصوص شناخت نقاشی را نیز گذرانید و علاوه بر آن به مقام والای آناتول فرانس نویسنده و متفکر فرانسوی وقوف یافت و به ترجمه‌ی یکی از آثار او به نام تائیس پرداخت و در ۱۳۰۸ آن را در تهران انتشار داد. در سال ۱۳۰۹ محیط سبزوار را برای فعالیتهای خود کوچک دید و لاجرم به مشهد نقل مکان نمود. مطبی در آنجا دائر نمود و در اندک مدتی بنام پزشک مسیحادم معرف گردید و طبعا با بزرگان و مقامات عالی‌رتبه مشهد دوستی پیدا کرد و سرانجام کاندیدای نمایندگی مجلس شد و در دوره‌ی دهم به نمایندگی مردم مشهد در مجلس شورای ملی انتخاب گردید. در همین ایام به استادی دانشکده‌ی پزشکی انتخاب شد و تاریخ فن پزشکی را تدریس می‌نمود و ضمنا در دانشکده‌ی معقول و منقول به تدریس روانشناسی پرداخت و کتابی در این زمینه به نام معرفه‌النفس نوشته و انتشار داد.

دکتر غنی در ۱۳۱۴ پس از تاسیس فرهنگستان به عضویت آنجا برگزیده شد و از عوامل موثر و متنفذ آن موسسه فرهنگی گردید و شما در ادوار یازدهم، دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی عضویت یافت و مجموعا به مدت ۸ سال نماینده‌ی مجلس بود.

در سال ۱۳۱۷ هیئتی تحت ریاست محمود جم نخست‌وزیر وقت برای خواستگاری فوزیه دختر ملک فواد پادشاه متوفای مصر به قاهره رفت. دکتر غنی نماینده مجلس و استاد دانشگاه از اعضای برجسته‌ی این هیئت بود و با تکلم به زبانهای فرانسه، انگلیسی و عربی در بین رجال مصری موقعیت پیدا کرد.

در اسفندماه ۱۳۱۸ محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران برای ازدواج با فوزیه مصری عازم قاهره شد. همراهان وی عبارت بودند از: حسن اسفندیاری رئیس مجلس، احمد متین دفتری وزیر دادگستری، مظفر اعلم وزیر امور خارجه، محمدعلی مقدم مدیرکل وزارت امور خارجه، دکتر قاسم غنی و عباس مسعودی نمایندگان مجلس نیز همراه ولیعهد به مصر عزیمت نمودند.

دکتر غنی در آذرماه ۱۳۲۲ در ترمیم کابینه‌ی علی سهیلی به جای امان‌الله اردلان به وزارت بهداری تعیین گردید. در فروردین ماه ۱۳۲۳ که محمد ساعد به نخست‌وزیری منصوب شد، دکتر غنی را کماکان در وزارت بهداری تثبیت نمود ولی این کابینه مورد موافقت مجلس قرار نگرفت و ساعد ناگزیر تغییراتی در آن به عمل آورد از جمله دکتر قاسم غنی به وزارت فرهنگ معرفی گردید و تا شهریورماه ۱۳۲۳ وزیر فرهنگ بود.

در مهرماه ۱۳۲۶ دکتر قاسم غنی با سمت سفیرکبیر در مصر عازم قاهره شد. وی در این سفر ماموریت داشت به اختلاف محمدرضا و فوزیه خاتمه دهد. مدت مسافرت غنی در سفارت مصر یکسال بیشتر طول نکشید و در بهمن‌ماه ۱۳۲۷ با سمت سفیرکبیری عازم ترکیه گردید. این ماموریت نیز کمتر از یکسال بود. دکتر غنی در همان ایام دچار بیماری شد و برای درمان عازم آمریکا گردید. تلاش پزشکان برای بهبودی او به جائی نرسید و سرانجام در فروردین‌ماه ۱۳۳۱ به بیماری سرطان درگذشت.

مقام علمی و ادبی دکتر غنی درخور توجه و امعان‌نظر می‌باشد. از جمله از ترجمه‌های وی باید عصیان فرشتگان تائیس و بریان‌پزی ملک‌سیا اثر آناتول فرانس را نام برد. تنقیح و تصحیح و چاپ دیوان حافظ یکی از کارهای دکتر غنی است که با همکاری علامه محمد قزوینی آن را انجام داد. دیوان حافظ غنی یکی از منابع معتبر و مستند اشعار این غزلسرای نامدار به شمار می‌رود.

یکی از کارهای برجسته و ماندگار صاحب ترجمه، یادداشتهای وی می‌باشد که تاکنون دوازده مجلد انتشار یافته است و حاوی نکاتی جالب و باارزش می‌باشد. در این مجموعه غیر از خاطرات دکتر غنی، از بعضی از رجال هم نوشته‌هائی وجود دارد.

آخرین اثر وی کتاب بحثی در تصوف است که در حقیقت دنباله‌ای حافظنامه اوست.

(بخش ۱) قاسم (دکتر) ابن (سید) عبدالغنی پزشک و دانشمند و ادیب ایرانی (و. سبزوار ۱۳۱۶ ه.ق- ف. کالیفرنیا (آمریکا) ۱۳۷۰ ه.ق/ ۱۳۳۱ ه.ش). پس از طی تحصیلات مقدماتی در سبزوار به تهران آمد و در مدرسه‌ی دارالفنون (قدیم) وارد شد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی پزشکی به بیروت رفت و در آنجا دانشکده‌ی طب را به پایان رسانید. و به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد و در زبان و ادبیات عرب احاطه یافت. دکتر غنی در اواخر سال ۱۲۹۹ ه.ش به ایران بازگشت و به سبزوار رفت و سه سال در آنجا به طبابت اشتغال داشت. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به پاریس رفت و با مرحوم محمد قزوینی آشنایی یافت. در سال ۱۳۰۷ ه.ش. به ایران بازگشت و مدت یک سال در سبزوار و چند سال در مشهد به طبابت پرداخت. در دوره‌ای ۱۳ ،۱۲ ،۱۱ ،۱۰ به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در اسفند ۱۳۱۴ به عنوان استاد دانشکده‌ی پزشکی به تدریس دروس بیماریهای عصبی و

تاریخ طب و علم اخلاق پزشکی مشغول گردید، و مدت دو سال در دانشکده‌ی معقول و منقول به تدریس روانشناسی اشتغال ورزید. در این اثنا به عضویت کمیسیون پزشکی فرهنگستان برگزیده شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ در دولت سهیلی به سمت وزیر بهداری و در فروردین ۱۳۲۳ در کابینه‌ی ساعد مجدداً وزیر بهداری و بعد وزیر فرهنگ شد، ولی در اردیبهشت همان سال به سبب کسالت مزاج استعفا داد. در سال ۱۹۴۵ م. به نمایندگی از طرف دولت ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت کرد و پس از آن نیز چند بار در کنفرانسهای مختلف جهان به نمایندگی ایران شرکت جست، و سه سال در ایالات متحده‌ی آمریکا به مسافرت و مطالعه و تحقیق مشغول بود و بر اثر حادثه‌ی اتومبیل در سر حد کشور مکزیک استخوان پایش شکست و چهار ماه و نیم بستری بود. پس از رفع بیماری از طرف دولت ایران به سفارت کبرای مصر منصوب شد. در شهریور ۱۳۲۶ ه.ش. به ایران بازگشت و در آبان ۱۳۲۷ به سمت سفیر کبیر ایران در ترکیه منصوب گردید. مدتی پس از آن برای معالجه به آمریکا رفت ولی مداوا مؤثر نگشت و درگذشت. وی از خدمتگزاران ادب فارسی است. به زبانهای فرانسوی و انگلیسی و عربی احاطه داشت و به افکار بزرگان باختر آشنا بود، به آثار آناتول فرانس علاقه داشت و سه کتاب او را به فارسی روان ترجمه کرد: داستان طائیس، عصیان فرشتگان، بریان‌پزی ملکه‌ی سبا. دکتر غنی علاقه‌ی شدیدی به حافظ داشت و درباره‌ی او تحقیق بسیار به عمل آورد و طرح یک دوره بنام «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ» را ریخت که جلد اول آن راجع به تاریخ عصر حافظ یا تاریخ مفصل فارس و مضافات و ایالات مجاور آن در قرن هشتم و جلد دوم آن که راجع به تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلف آن از صدر اسلام تا عصر حافظ است به چاپ رسیده. از آثار دیگر اوست: رساله در شرح احوال و آثار ابن سینا، معرفهٔالنفس، شرکت در تصحیح رباعیات عمر خیام با مرحوم فروغی، شرکت در تصحیح تاریخ بیهقی با دکتر فیاض، شرکت در تصحیح دیوان حافظ با محمد قزوینی (مجله‌ی دانش ۱۳۳۱ شماره‌ی ۱۰ و ۱۱، لغ.).

(ح ۱۳۳۱ -۱۲۷۲ ش)، پزشک، نویسنده و مترجم. در سبزوار به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در آن شهر گذراند. پس از فوت پدر همراه دایی‌اش به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون به پایان رساند. وی برای ادامه‌ی تحصیلات در رشته‌ی طب به بیروت اعزام و در ۱۲۹۷ ش دوره‌ی دانشکده‌ی پزشکی آنجا را به پایان رسانید. بعد به ایران آمد و پس از سه سال اقامت در سبزوار به فرانسه سفر کرد. پس از یک سال و اندی به وطن مراجعت نمود و پس از چندی دوباره به فرانسه رفت و در ۱۳۰۷ ش مجددا به ایران بازگشت و در سبزوار و مشهد به طبابت پرداخت. پس از مدتی طبابت را کنار گذاشت و به کارهای سیاسی روی آورد. وی در دوره‌های دهم تا سیزدهم از جانب مردم مشهد به نمایندگی مجلس منصوب گردید و در ضمن در دانشکده‌ی طب و علوم معقول و منقول و روانشناسی تدریس می‌کرد. مدتی نیز سفیر ایران در کشورهای ترکیه و مصر بود. سرانجام در ایالات متحده از دنیا رفت. دکتر غنی در طول حیات خود کتبی چند تألیف و ترجمه کرده است. از آثار وی: «ابن‌سینا»؛ «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ»، شامل دو قسمت، قسمت اول «تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارسی و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم» و قسمت دوم «تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلفه‌ی آن از صدر اسلام تا عصر حافظ»؛ «بحثی در تصوف»؛ «بحث در سیاست»؛ «معرفه النفس»؛ «عصیان فرشتگان»، ترجمه؛ «تائیس»، ترجمه؛ «بریان‌پزی ملکه‌ی سبا»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۷، ص ۵۰۳ -۵۰۲، س ۸، ش ۱، ص ۶۲ -۵۹)، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹ -۲۵ / ۵)، شرح حال رجال (۱۷۹ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۹ -۸۹۷ / ۴)، یغما (س ۲۴، ش ۱۰، ص ۶۰۶ -۵۹۹).

غنی‌زاده سلماسی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ / ۱۳۱۲ -۱۲۵۷ ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، مصحح، نویسنده و شاعر. در سلماس به دنیا آمد و در زادگاهش به کسب دانش و ادب پرداخت. وی در اوایل جوانی دورادور با سید جلال‌الدین کاشانی، مدیر روزنامه‌ی «حبل المتین»، مکاتبه داشت و گاهی اوقات مقالاتی برای این روزنامه می‌فرستاد. غنی‌زاده سفری به قفقاز داشت که در این سفر با طالبوف آشنا شد. وی پس از بازگشت از این سفر در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «فریاد» را در شهر ارومیه منتشر کرد و در ۱۳۲۶ ق به تبریز مهاجرت نمود و در روزنامه‌ی «شورای ایران» به چاپ مقالات مختلف همت گماست. مدتی منشی مخصوص ستارخان بود و از طرف او به نمایندگی انجمن ایالتی تعیین شد و با تصویب این انجمن روزنامه‌ای به نام «انجمن» تأسیس شد که اداره‌ی آن را غنی‌زاده و علی‌اکبر وکیلی به عهده داشتند. غنی‌زاده همزمان روزنامه‌ی «محاکمات» را تأسیس و با هفته‌نامه‌ی «شفق» نیز همکاری می‌کرد. وی در ۱۳۲۷ ق روزنامه‌ی «بوقلمون» را منتشر کرد. چون در ۱۳۲۹ ق مأمور تشکیل عدلیه سلماس شد از همکاری با این روزنامه‌ها دست کشید. در ۱۳۳۰ ق که سپاهیان روس وارد تبریز شدند با جمعی از آزادیخواهان آذربایجان به استانبول مهاجرت کرد و در آن شهر علاوه بر نوشتن مقالات و اشعار در روزنامه‌ی «اختر»، که ایرانیان مقیم استانبول انشتار می‌دادند، با زبان و ادبیات ترکی استانبولی آشنا شد. در بحبوبه‌ی جنگ جهانی با تقی‌زاده در تحریر مجله‌ی «کاوه» همکاری داشت. در ۱۳۰۵ ش به ایران بازگشت و در همان سال روزنامه‌ی «سهند» را در تبریز منتشر کرد وی سرانجام در تبریز وفات یافت. از آثارش: مقدمه‌ی «سفرنامه ناصرخسرو»؛ تصحیح «زاد المسافرین»؛ تصحیح «وجه دین»؛ «پالتو»، ترجمه؛ «آدم نامرئی»، ترجمه؛ «دوای خواب»، ترجمه؛ «هیپنوزه یا واهمه»، ترجمه. از آثار منظوم غنی‌زاده جز چند غزل و مثنوی «هذیان» چیزی در دست نیست.[۱]

محمود سلماسی، ادیب و شاعر ایرانی (و. سلماس ۱۲۹۶ ه.ق.- ف. ۱۳۵۳ ه.ق)، وی به استانبول و سپس به برلین رفت و در مجله‌ی کاوه مقالاتی منتشر کرد و بعد به ایران بازگشت و روزنامه‌ی سهند را انتشار داد، او راست: تاریخ آذربایجان، ایرانیان مستعرب. دیوانی از او بنام «آثار منظوم محمود غنی‌زاده» به چاپ رسیده (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۸ -۵، ص ۵۰۴ -۴۹۹)، از صبا تا نیما (۳۳۲ -۳۲۵ / ۲)، تاریخ جراید (۱۹۴، ۸۰ -۷۸ / ۴، ۷۴ -۷۲، ۴۹ -۴۸ / ۳، ۲۶ / ۲، ۲۸۸ -۲۸۶ / ۱)، الذریعه (۷۹۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲ -۳۰ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۶۷ -۲۵۶۴/ ۴) شرح حال رجال (۲۵۷ -۲۵۶ / ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ غنی‌زاده)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹ -۶۸ / ۶)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۹ -۲۱۸ / ۸).

غیاثی طرزی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا غیاثی طرزی

محل تولد : راور کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

جناب استاد غیاثی ضمن معرفی کامل خودتان ،آثار برتر ومنتخب خودتان را که طی ۳۰سال گذشته تالیف کرده اید،معرفی نمایید . بسم ا...الرحمن الرحیم ،اینجانب سید محمد رضا غیاثی کرمانی متولد سال ۱۳۳۸در روستای زیبای «طرز»از توابع شهرستان راور کرمان از سال ۱۳۵۴وارد حوزه ی علمیه شده وتا کنون یعنی سال ۱۳۸۷مدت ۳۳سال است که به تحلیل وتالیف وتدریس اشتغال دارم .تا کنون ۷۰عنوان کتاب تالیف کرده ام که ۷مورد از آنها به عنوان کتاب سال وآثار مکتوب برتر وقابل تقدیر ،شناخته شده اند که عبارتنداز : ۱ـ اختران هدایت (سال ۷۲)،۲ـفضیلت های اخلاقی (سال ۷۸)،۳ـ ابومسلم اصفهانی (سال ۷۹)،۴ـ آیات الاحکام (سال ۸۰)،۵ـ صحیفه کاظمیه (ع)(سال ۸۱)،۶ـ پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی (سال ۸۶)،۷ـ در محضر علامه شعرانی /پرسش ها وپاسخها ی قرآنی (سال ۸۷) لازم به ذکر است ،کتاب پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی دو مرتبه به عنوان کتاب سال برگزیده شده است .یکی در کرمان از سوی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی ودیگری از سوی کمیته ی انتخاب کتاب سال دانشجویی تهران . ـ استادغیاثی،اگر ممکن است نام کتابهای خود را بفرمایید . چون نام بردن از ۷۰ عنوان اولاًـ در خاطرم نیست ودر ثانی از حوصله یک مصاحبه روزنامه ای خارج وبرای خوانندگان عزیز هم خسته کننده است ولذا از ذکر آنها خوداری می کنم ،ولی لازم است که از روزنامه وزین کرمان امروز که همواره ابراز محبت نموده وبه ویژه سردبیر محترم ومسوول وصاحب امتیاز آن،جناب آقای «فتح نجات»که خود فرهیخته ای خدیم علم ونديم قلم هستند ،تشکر کنم که همواره در مسیر نشر فرهنگ دینی کوشا هستند در فرصتی بیشتر در این باره گفتگو خواهیم کرد ،ان شاءا.....

غیاثی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فارابی، ابونصر اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابونصر اسماعیل بن حماد نیشابوری مسکن و مدفن و فارابی الاصل خواهرزاده (اسحق بن ابراهیم) است.

وی در فاراب متولد و به جوهری شهرت یافته و در علم و فطانت و ذکاوت نادره دوران و اعجوبه زمان و بالخصوص در لغت و فنون ادب امام اهل لغت و مرجع علماء عربیه بوده و به جهت تحصیل لغت عرب و اطلاعات بر نکات و حقائق مشکلات و دقائق معضلات آن به بلا در بیعه و مضر و نجد و حجاز و مصر و شام مسافرتها کرده و از سیرافی فارسی و دائی خود اسحق ابن ابراهیم فارابی صاحب (دیوان الادب) و اکابر دیگر عصر خود علوم عربیه و ادبیه را فراگرفته و لغت عرب را از زبان اعرابی که اصلا مراوده بـا اجانب نداشته و مخلوط به کلمات بیگانه نموده اخذ نموده و با اینکه زبان مادری او ترکی بوده از پیشوایان لغت عرب محسوب می‌شود.

وی پس از مسافرتهای کثیره عاقبت به نیشابور برگشته و به تدریس و تألیف پرداخته تا در ۳۳۳ یا ۴۰۰ و یا مابین آن دو رقم از بام

افتاده و مرده است.

از آثار اوست ۱- بیان الاعراب ۲- صحاح اللغه ۳- عروض الورقه ۴- مقدمه نحو و کتاب صحاح او مشهورترین تألیفات اوست که مورد توجه عموم ادباء و دانشمندان است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فارابی، اسحق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسحق بن ابراهیم مکنی به ابوابراهیم از اکابر ادباء قرن چهارم هجری و دائی اسماعیل بن حماد جوهری است.

از تألیفات اوست ۱- بیان الاعراب ۲- دیوان‌الادب ۳- شرح ادب الکاتب وفات او در سال ۳۵۰ یا ۳۷۰ هجری واقع شده.

(وف ۳۷۰ / ۳۵۰ ق)، ادیب و لغوی. از ادیبان دانشور ایرانی است که اصل وی از فاراب ماوراءالنهر بود. فارابی دایی استاد لغوی بزرگ اسماعیل جوهری صاحب «صحاح اللغه» است. از موطن خود به یمن مهاجرت کرد و در زبید اقامت گزید و «دیوان الادب» را در آنجا تصنیف کرد. از آثار وی: «دیوان الادب»، در لغت که آن را به درخواست اتسز خوارزمشاه، در پنج بخش: اسم، فعل، حرف، صرف اسم و صرف فعل نگاشت؛ شرحی بر «ادب الکاتب» ابن‌قتیبه؛ «بیان الاعراب».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۸۵ -۲۸۴ / ۱)، انساب سمعانی (۳۳۱ / ۴)، ایضاح المکنون (۲۰۴ / ۱)، روضات الجنات (۴۴ / ۲)، ریحانه (۲۶۱ / ۴)، کشف الظنون (۷۷۵ -۷۷۴، ۴۸)، معجم الادباء (۶۵ -۶۱ / ۶)، معجم البلدان (۲۵۵ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۲۷ / ۲)، هدیه العارفین (۱۹۹ / ۱).

فارسانی، کمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فارسانی. مشهور به مرتضویان. وی از سادات حسینی پاقلعه‌ی اصفهان است که در فارسان از توابع چهار محال اصفهان به دنیا آمد. در ۱۳۱۷ ش در شرکت نفت مسجد سلیمان مشغول به کار شد. وی مدتی روزنامه‌ی «کارگران خوزستان» را منتشر می‌کرد. او در سرودن شعر دارای قریحه‌ی سرشار بود و به زبان انگلیسی و علوم ادبی نیز آشنایی کامل داشت. از آثارش: «اعجب العجائب و اغرب الغرائب»؛ «امثال و واژه‌های محلی»؛ «انتقادات فارسانی»، شعر؛ «اندرزهای فارسانی»، شعر؛ «تأثیر نگاه»؛ «ترانه‌های فارسانی»، شعر؛ «داستانهای امثال»؛ «دوبیتی‌های فارسانی»، شعر؛ «رباعیات فارسانی»؛ «زن‌شناسی»؛ «کمال الصغیر»؛ «مکر زنان»؛ «نفت ملی گشت»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۴۶ -۳۴۴)، الذریعه (۷۹۹ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳ -۹۱ / ۵).

فارسی ابوالخیر، تقی‌الدین محمد، محمدتقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۹۴۰ ق)، ریاضیدان، منّجم، ادیب، پزشک و شاعر شیعی، متخلص به فهمی. در شیراز می‌زیست و نزد میر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی و فرزد وی میر غیاث‌الدین منصور دشتکی به فراگیری دانش پرداخت. از آثار چاپی او: «آداب السلطنهٔ»، به فارسی؛ «حل التقویم»، به فارسی در نجوم و هیئت. آثار خطی او: «الاحکام الاحکام»، در نجوم به فارسی؛ «اسامی العلوم و اصطلاحاتها» به فارسی در فضیلت علم، حکمت، آداب تعلیم و تعلم، اخلاق و صفات؛ «آغاز و انجام»؛ «طلیعهٔ العلوم»؛ به عربی؛ «بستان الادب»؛ «خلاصه‌ی طلیعهٔ العلوم»، به عربی در علوم ادبی، تفسیر، تصوف و طریقت، حکمت، اخلاق و ریاضیات؛ «انتخاب حل التقویم»؛ «انیس الاطباء»؛ «رساله در هیئت»، به فارسی؛ «رسالهٔ فی حساب القمر»؛ «زبدهٔ الصرف»؛ «شرح رساله‌ی هیئت»؛ «طالع‌نامه»؛ «معرفهٔ سمت القبلهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۶/۹)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۹۶/۱)، الذریعه (۱۸۰، ۱۳۵/ ۱۵ ، ۶۷/۷ ، ۳۵۹، ۳۵۸- ۱۰ ، ۹- ۲/ ۲۹۲، ۲۹۱- ۳۶، ۳۵- ۳۵/ ۱)، ریحانه (۹۴/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱/۱۰)، کشف الظنون (۱۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۸/۱۱).

فارسی فسوی، ابوالقاسم زید

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۷ ق)، نحوی و لغوی. از بسیاری علوم متداول زمان خود آگاهی داشت. مدتی در حلب و دمشق بود و زبان عربی را در آنجا فراگرفت. علم نحو را از ابوالحسن خواهرزاده‌ی ابوعلی فارسی و علم حدیث را از ابوذر هروی آموخت. وی در طرابلس شام درگذشت. از آثارش: شرح «ایضاح ابوعلی»، در نحو؛ شرح «حماسه‌ی ابوتمام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۹ / ۳)، روضات الجنات (۳۷۴ / ۳)، ریحانه (۲۶۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴ -۸۳ / ۵)، کشف الظنون (۶۹۱، ۲۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ زید)، معجم الادباء (۱۷۷ -۱۷۶ / ۱۱)، معجم المؤلفین (۱۹۱ -۱۹۰ / ۴).

فارسی مهر، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی فارسی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ دیپلم ریاضی در تهران گرفته در همان سال در دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی بابلسر در رشته اقتصاد قبول شدم . بعد از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها به سپاه پاسدارن پیوستم . در سال ۱۳۶۱ در تهران طلبه شدم و در سال ۱۳۶۳ به قم آمدم، مقدمات و سطح را به پایان رسانده و خارج فقه و اصول را از دروس آقای مکارم شیرازی استفاده کردم و چند سال نیز از درس خارج فقه آقای جوادی آملی و آقای سید محمود هاشمی بهره بردم . در حال حاضر قدرت استنباط از دلائل شرعی را دارم . در سال ۱۳۶۲ کتاب جامع المقدمات را اصلاح و نو نویسی و زیبا کاری کردیم که چاپ شد و تا چاپ ششم هم رفت . و سپس کتاب تجارب و نکات تبلیغی را نوشتم که حاوی تجربیات تبلیغی خود و مبلغین دیگر بود، چون هیچ کس نبود که اشتباه کاریها و قدرتهای تبلیغی آقایان مبلغین را به دیگران منتقل کند . سپس تجارب مبلغان هنرمند را نوشتم و بعد روش مدیریت و تبلیغ در مناطق تسنن را نوشتم زیرا مناطق تسنن، نیازها و مشکلات و ساز و کارهای دیگری را میطلبد . در زمینه معالجات پزشکی از راه طبیعت تجربیات خوبی دارم، در زمینه روان شناسی به اذن خدا کارآمدی بالایی دارم، در زمینه عرفان عملی هم می توانم نیازمندیها را اشباع کنم . کتابهایی که در حال حاضر نیمه تمام دارم در زمینه نماز و عرفان عملی و تجربیات پزشکی و تجربیات روان شناسی و ... می باشد.

فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۹ -۴۵۱ ق)، حافظ، محدث، لغوی، ادیب، مورخ و فقیه شافعی. از طرف پدر نوه‌ی شیخ بزرگ ابوحسین فارسی نیشابوری و از طرف مادر نوه‌ی شیخ ابوالقاسم قشیری است. او در نیشابور به دنیا آمد. نزد امام الحرمین جوینی اصول علم حدیث و فقه آموخت و از پدرش، اسماعیل، و مادرش، امرحیم، دختر قشیری و جدش ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و جده‌اش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایی‌اش ابوسعد و ابوسعید، فرزندان قشیری، و احمد بن منصور مغربی و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی و احمد بن حسن ازهری و خلقی کثیر، احادیث بسیار استماع کرد، و در علوم مذهبی سرآمد گشت و به غزنه و هند و خوارزم مسافرت کرد و بزرگان را دیدار نمود و از ابومحمد جوهری و ابوسعد کنجرودی و ابوبکر محمد طبری اجازه دریافت کرد. ابوسعد عبدالله بن عمر صفار آخرین کسی است که از وی حدیث روایت کرده است. او را فقیهی محقق و فصیحی خوش‌زبان و ادیبی کامل توصیف کرده‌اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت. از آثارش: «مجمع الغرائب فی غریب الحدیث»؛ «السیاق»، در تاریخ نیشابور که تکمله‌ای بر کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری است؛ «المفهم»، شرح «غرایب صحیح مسلم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷ / ۴)، روضات الجنات (۲۲ / ۸)، ریحانه (۲۷۳ -۲۷۲ / ۴)، سیر النبلاء (۱۸ -۱۶ / ۲۰)، شذرات الذهب (۹۳ / ۴)، العبر (۴۳۶ -۴۳۵ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۰۱۱، ۵۵۸، ۳۰۸)، الکنی و الالقاب (۶۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۶۷ / ۵)، وفیات الاعیان (۲۲۵ / ۳)، هدیه العارفین (۵۸۷ / ۱).

فارسی، ابوعلی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعلی فارسی نحوی صاحب تصانیف کثیره معاصر امیر عضدالدوله دیلمی بود و در سال ۳۷۷ ق در بغداد وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فارسی، جلال الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای جلال الدین فارسی از اسلام پژوهان و مبارزان عصر جدید در راه تحقق و استقرار انقلاب / حکومت / جمهوری اسلامی بوده اند ، و بیش از یک اهل قلم عادی در این راه تلاش کرده اند . او متولد ۱۳۱۲ ش در مشهد مقدس است . در حدود سالهای ۱۳۳۲ ـ ۱۳۳۳ ش نخستین اثر خود را که ترجمه بود منتشر ساخت و با شرکت در حوزه های مخفی نهضت مقاومت ملی ، به بحث درباره ی مسئله ی « کلیسا » و رابطه ی دین و دولت / سیاست / حکومت و پس از آن به تدریس دو اثر انقلابی خود به نامهای نهضت های پیامبران ، و تکامل مبارزه ی ملی پرداخت . سالهای ۱۳۴۰ ـ ۱۳۴۱ را در زندان قزل قلعه سپری نمود و در قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ نیز نقشی فعال داشت . کتاب حقوق بین المللی اسلامی را در سال ۱۳۴۵ ، و ترجمه ی کتاب مشهور تکامل انقلابی اسلام را در سال ۱۳۴۹ منتشر کرد . در خلال همین سالها به لبنان هجرت کرد و با همکاری با جنبشهای انقلابی و آزادی بخش منطقه در حرکت مبارزه ی مسلحانه ی داخل کشور نقش مهمی ایفا نمود . دوره ی درسهایی درباره ی مارکسیسم به دو زبان فارسی و عربی و واحدهای بشری و ترجمه ی ۵ جلد (از ۱۱ جلد منتشر شده) الغدیر و شهدای راه فضیلت هر دو اثر شادروان علامه عبدالحسین امینی ، از آثار فرهنگی ارزشمند دوران هجرت اوست .

در تابستان ۱۳۵۷ از طرف امام خمینی (ره) ، به تنظیم رابطه ی سازمان آزادی بخش فلسطین با انقلاب اسلامی ایران همت گماشت و سال بعد به نمایندگی در مجلس خبرگان انتخاب گردید . مسئولیت دیگر وی عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی بود . وی سپس به عنوان نماینده ی مردم تهران در دوره ی دوم مجلس شورای اسلامی مشغول انجام وظیفه گردید . آثار دیگر او که در سالهای اخیرتر منتشر شده عبارتند از : ترجمه ی قرآن کریم که به آن بیشتر می پردازیم ؛ فلسفه ی انقلاب اسلامی ؛ استراتژی بین المللی ؛ پیامبری و جهاد و حکومت ، پیامبری و انقلاب که این سه کتاب ، یک دوره سیره ی نبوی است به استناد ترتیب نزول قرآن و محتوای آیات تاریخی . یکی از آثار مفید دیگر ایشان واژه های انقلاب اسلامی ایران است که چند سال پیش منتشر شده است ، و به کار ایران شناسان و اسلام شناسان و محققان انقلاب اسلامی و تاریخ عصر جدید ایران می آید .

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

فارمدی طوسی خراسانی، ابوعلی فضل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۷ –۴۰۷ / ۴۰۵ ق)، محدث، زاهد، صوفی و واعظ. در فارمد طوس به دنیا آمد. از مشایخ بزرگ صوفیه خراسان، و به گفته‌ی سمعانی زبان گویای خراسان و شیخ آنجا بود. او از شاگردان امام محمد غزالی و استاد حجه‌الاسلام ابوحامد غزالی است. از ابوعثمان صابونی و دیگران فقه آموخت و از ابوعبدالله بن باکویه و ابومنصور عبدالقاهر بغدادی و ابوحسان مزکی حدیث شنید. عبدالغافر بن اسماعیل و عبدالله بن علی خرکوشی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. فارمدی به نیشابور رفت و مدتی از نزدیکان و مریدان خاص امام ابوالقاسم قشیری شد. سپس در پی تحولات روحی به طوس بازگشت و در آنجا با ابوالقاسم کرگانی آشنا شد و مرید او گردید و سپس داماد او شد. از دیگر استادان وی در تصوف ابوالحسن خرقانی را نیز می‌توان نام برد. فارمدی معاصر شیخ ابوسعید ابوالخیر بود و در مجلس درس وی نیز حاضر می‌شد. مجالس ذکر و موعظه‌ی فارمدی شهرت فراگیر داشت، به این دلیل او را لسان‌الوقت می‌خوانده‌اند. عبدالغافر از او تعبیر به شیخ الشیوخ کرده، گوید که طریقه او در وعظ ممتاز بود و آنچنان نیکو ادا می‌شد که در دلها می‌نشست. او بیشتر دارایی خویش را بر صوفیه انفاق کرد. وی در طوس درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید (۶۶۹ –۶۶۸ / ۲)، انساب سمعانی (۳۳۵ / ۴)، سیر النبلاء (۵۶۶–۵۶۵ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۶ – ۳۵۵ / ۳)، العبر (۳۳۷ / ۲)، کشف المحجوب (۲۱۱)، کیمیای سعادت (۱۵۶ ،۳۵ –۳۴ / ۲)، معجم البلدان (۲۵۹ / ۴)، نفحات الانس (۳۷۵ –۳۷۳).

فاضل اژه‌ای، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، واعظ کامل، فوت صبح چارشنبه ۱۷ صفر ۱۳۲۹.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فاضل استرآبادی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن علی بن ابراهیم معروف به فاضل استرآبادی استاد علماء کربلا صاحب منهج‌المقال (رجال کبیر) و رجال صغیر که وحید بهبهانی تعلیقاتی بر آن نوشته و معروف است که در رجال کتابی بهتر از آن نوشته نشده و هم از تصنیفات اوست شرح آیات الاحکام و حاشیه تهذیب و رسائل مفیده دیگر وفات آن بزرگوار در سیزدهم ذی‌قعده ۱۰۲۸ ق در مکه معظمه واقع و در قبرستان معلی نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری مدفون گردید و در نخبه ماده تاریخش را چنین گفته.

والاسترآبادی فاضل سنی

له الرجال فوئه رضی

و این بزرگوار از افرادی است که به فیض تشرف و زیارت حضرت ولی عصر روحی له الفداء رسیده چنانکه مجلسی ره در سیزدهم بحار نقل نموده از جماعتی از آن بزرگوار که فرمود شبی در مسجدالحرام طواف می‌کردم بر دور خانه کعبه که جوان خوشروئی را دیدم که مشغول به طواف بوده چون به من رسید دسته گل سرخی به من عطا کرد و این در غیر فصل گل بود پس من از او گرفتم و بوئیدم و پرسیدم که ای سید من این گل از کجاست. فرمود از خرابات این بفرمود و پنهان شد و دیگر او را ندیدم سمعانی در انساب گفته خرابات جزیره‌ای در مغرب است در دریای محیط که از آنست جزیره خضراء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فاضل بسطامی، نوروز علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و واعظ. در بسطام به دنیا آمد. در کودکی به مشهد مهاجرت کرد و در خدمت علمای بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نمود تا به درجات بالائی از فضل و کمال رسید. از آثارش: «التحفه الحسینیه»، در بیان حالات حضرت سیدالشهداء (ع) و اهل‌بیت او، در دو مجلد؛ «التحفه الرضویه»، در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع)؛ «سرور العارفین»، در احوال مختار؛ «نجاه لخافقین فی ثواب زیاره الحسین (ع)»؛ کتاب «ذخیره المعاد»، در اخلاق و موعظه و ارشاد؛ کتاب «سراج المتهجدین»، منتخبی از «تحفه الابرار» شیخ حسین اصفهانی؛ کتاب «لولوه البحرین فی ذکر مناقب الحسین (ع)».[۱]

نوروزعلی معروف به (فاضل بسطامی) متوفی ۱۳۰۹ ق عالمی با عمل و فاضلی بی‌بدل از روات اخبار و ناقلین آثار ائمه‌اطهار علیهم سلام‌اللّٰه الملک الغفار بوده وی در بسطام متولد و از کودکی مهاجرت به مشهد نموده و در خدمت علماء بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نموده تا به درجات سامیه فضل و کمال رسیده و چندین کتب تألیف کرده که از آن جمله (تحفه الحسینیه) در دو مجلد در بیان حالات و مراثی حضرت سیدالشهداء و اهل‌بیت طیبات آن جناب و دیگر کتاب تحفه الرضویه در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع) و کتاب سرورالعارفین در احوال مختار و نجات الخافقین در فضیلت زیارت حضرت سید الشهداء و کتاب ذخیره المعاد و کتاب (سراج‌المتهجدین) و کتاب (لؤلؤة البحرین) و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۵۸ –۵۷ / ۲۴ ،۳۷۸ / ۱۸ ،۱۷۵ ،۱۶۱ –۱۶۰ / ۱۲ ،۲۱ / ۱۰ ،۴۳۶ ،۴۳۰ / ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۲ –۱۵۱ / ۷).

فاضل جم، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۹ ق)، عالم، ادیب، خطیب و شاعر، متخلص به فاضل. معروف و ملقب به فاضل جم. وی به روستای جم وزیر در چهار فرسخی سیراف فارس منسوب است. او از شاگردان علامه شیخ مهدی کجوری است که مدتی در شیراز در محضر شیخ حاضر شد و از او کسب اجازه نمود. سپس به عراق مهاجرت کرد و در محضر ملا حسین فاضل اردکانی در کربلا و سید حسین کوه‌کمری در نجف شاگردی نمود تا از سید حسین کوه‌کمری نیز کسب اجازه نمود. او در بسیاری از علوم ماهر و دارای خط بسیار خوبی بود. وی اخلاق نیکویی داشت و شعر را روان می‌گفت. از آثار وی: «جام‌جم فی آثار العجم»، کشکول مانندی است مشتمل بر فواید علمی و تاریخی، از آن جمله ذکر ادوار تاریخی سیراف که امروزه به بندر طاهری معروف است و همچنین ذکر آثار برجسته و قدیمی، مانند مسجدی که در نزدیکی کوه آنجا بنا شده و غیره؛ «ریاض المصائب»، مقتل، در مواعظ و تواریخ و سیر و مصائب؛ «المنشآت اللطیفه» نظم و نثری به فارسی و عربی است که آن را با سفرنامه حجش آغاز و در ضمن آن پاره‌ای از اسرار حج را ذکر کرده و در پایان، منظومه‌ی «لیلی و مجنون» را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۵ / ۶)، الذریعه (۲۷ / ۲۳ ،۳۳۷ / ۱۱ ،۲۳ / ۵)، ریحانه (۲۷۹ / ۴)،طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۲ - ۶۴۱ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل جم).

فاضل کاشانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود معروف به فاضل کاشانی فرزند ملا محمد حسین فاضل فرزند ملا علی‌اکبر فاضل از افاضل وعاظ و مشاهیر خطباء و اهل منبر معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۳۱۱ شمسی برابر ۱۳۵۲ قمری در دارالمؤمنین کاشان به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در مدرسه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا سید علی یثربی خوانده و به دست مبارک آن مرحوم معمم و ملبس به کسوت مقدس روحانیت گردیده و پس از فوت آن بزرگوار در سال ۱۳۸۰ قمری مهاجرت به تهران نموده و سطوح را از مرحوم حاج سید مرتضی لنگرودی امام مدرسه و مسجد حاج ابوالفتوح تهران و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد جناب آقای فلسفی واعظ استفاده نموده و حدود بیست سال از دروس نهائی و خارج آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد غروی کاشانی فقها و اصولا و تفسیرا و حدیثا بهره‌مند گردیده و حظ وافری از مقامات علمی و معنوی معظم‌له رحمه‌اللّٰه برده و بعد به ترویج دین و تبلیغ احکام و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام گرویده و مورد توجه خاص دانشمندان و اهل ایمان خاصه پیروان قرآن و خاندان رسالت صلوات اللّٰه علیهم اجمعین گردیده و تا حال تحریر اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاضل لاریجانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۹۳ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. تحصیلات ابتدایی را در آمل به پایان رساند و سپس به تحصیلات دینی پرداخت. در ۱۳۱۷ ش با سمت دبیر ادبیات و روان‌شناسی در دانشسرای مقدماتی بابل مشغول خدمت شد. بعد از یک سال برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و در ۱۳۲۴ ش از دانشکده‌ی الهیات در رشته‌ی فلسفه‌ی فارغ‌التحصیل شد. سپس به سمت مترجمی در وزارت کشاورزی وارد خدمت شد. وی دارای ذوق شعری بود. از آثار وی: «اسرار انهدام اروپا»، ترجمه؛ «افسونکار»؛ «بمب اتمی»؛ «خطبه‌های محمد (ص)»، ترجمه؛ «سخنان علی (ع)»؛ ترجمه؛«دختران محمد (ص) سخن می‌گویند»، ترجمه؛ «طب و بهداشت در اسلام»، ترجمه‌ی طب النبی»، «طب الصادق»؛ «طب الرضا» و «طب الائمه»؛ «نویسنده»؛ «وفا»؛ «هفت دریا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۶، ۳۳۶۸، ۳۳۲۹، ۲۲۵۴، ۲۲۵۳- ۱۹۴۲، ۱۹۴۲/ ۲ ،۱۳۵۹، ۵۱۶، ۲۹۷، ۱۹۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۳ -۳۹۷ / ۲).

فاضل لنکرانی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد فاضل لنکرانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۴۱ در قم و در میان خانواده‌ای از سلك روحانیت به دنیا آمد. پدرش آیـةالله العظمی فاضل لنکرانی (ره)است. او پیش از تولد فرزند خود در خواب دیده بود که خدا به او پسری عطا می‌کند که به بدن او متصل است که آن را به روحانی شدن فرزند خود تعبیر کرده بود. مادر او نیز از سادات مکرّم قمی است که نقش بسیاری در تربیت و پیشرفت وی داشته است. حجةالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی تحصیلات خود را در قم آغاز کرد و تا پنجم ابتدایی به پایان برد. پس از آن به دلیل تبعید پدرش به یزد، دروس خود را در آنجا پی گرفت و سپس به قم باز گشت. او پس از به پایان بردن سال اول دبیرستان، با مشورت با بزرگان و به دلیل شوق بسیار برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم پا نهاد و همزمان دروس دبیرستان را نیز پی گرفت تا موفق به کسب دیپلم شد. سالهای نخستین تحصیل او در حوزه علمیه قم با راهپیمایی

ملت ایران برای سرنگونی رژیم شاه مصادف شده بود و او که از طلاب مدرسه رسالت بود نیز از خیل عظیم ملت ایران باز نماند و هماره با مبارزه همراه بود. او پس از سالهای اندکی دروس دورهٔ سطح را به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم، از جمله پدر گرامی خود راه یافت. حجهٔالاسلام والمسلمین فاضل لنکرانی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او دروس دورهٔ ادبیات را نزد استاد بیگدلی که هم اکنون نیز از استادان برجسته دورهٔ سطح است، گذراند و در رسائل، به درس آیهٔالله سید رسول تهرانی و آیهٔالله مصطفی اعتمادی راه یافت. برای فراگیری مکاسب نیز به درس آیهٔالله پایانی (ره) رفت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه و اصول پدر گرامی خود ـ حضرت آیهٔالله العظمی فاضل لنکرانی ـ راه یافت و حدود ۱۵ سال از محضر ایشان بهره برد. همچنین در حدود هفت سال در درس خارج فقه و اصول آیهٔالله العظمی وحید خراسانی و در حدود دو سال در درس آیهٔالله سید کاظم حائری شرکت کرد. در بخش دروس عقلی نیز اشارات را نزد آیهٔالله حسن زادهٔ آملی و اسفار را نزد آیهٔالله جوادی آملی فرا گرفت. او در طی این سالها با فضلای بسیاری رابطهٔ دوستی داشت و دروس فرا گرفته را با آنان مباحثه کرد که از میان آنها می‌توان به شیخ عبدالله اسلامی و شیخ علی حکیم را می‌توان نام برد. حجهٔالاسلام والمسلمین فاضل در طول سالهای تحصیل خود هماره به امر تدریس نیز عنایت ویژه‌ای داشت به گونه‌ای که ۵ بار کتاب معالم، ۴ بار کتاب اصول فقه، چند بار کتاب شرح لمعه، ۳ بار کتاب مکاسب و بیش از ۵ بار کتاب کفایه را تدریس کرد و هم اکنون هشت سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد. او در طی این سالها مقالات فراوانی در زمینه‌های فقهی و اصول و... نگاشته که برخی در کنگره‌هایی همچون کنگره شیخ انصاری و مرحوم نراقی و مقدس اردبیلی ممتاز شناخته شده است. همچنین بر کتابهای اصول فقه، مکاسب و کفایه حاشیه‌هایی نگاشته که هنوز به چاپ نرسیده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصه، ادارهٔ مرکز فقهی ائمه اطهار است که در آن طلاب و فضلای بسیاری به تحصیل و پژوهش می‌پردازند و تاکنون کتب بسیاری در آنجا به چاپ رسیده است. از کارهای مهم این مرکز برگزاری لجنه‌های فقهی گسترده است که سهم بسزایی در پیشبرد مباحث فقهی و اصولی داشته است. حجهٔالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل، در طول سالهای مبارزه ملت ایران، هماره با آنان همگام بوده است. او در سنین نوجوانی در روز عاشورا در محفلی مقاله‌ای در باره نهضت امام حسین (ع) و اهداف آن خواند که در همان زمان رئیس ساواک را که خود در جلسه حاضر بود، به خشم واداشت. او که در سالهای تبعید با پدر خود همراه بود، همواره از مسائل مهم نهضت آگاه بود و ظلم رژیم شاه را به چشم خود می‌دید. حجهٔالاسلاموالمسلمین فاضل، پس از پیروزی انقلاب نیز هماره مدافع نظام وانقلاب بود و در سالهای جنگ تحمیلی و پس از آن، به حراست از دستاوردهای نظام، اهمیت ویژه‌ای می‌داد. او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در شهر قم به تدریس و تربیت طلاب می‌پردازد.

فاضل مراغی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. مشهور به فاضل و فاضل مراغی. اصل وی از مراغه و ساکن تبریز بود. وی در نجف از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج سید حسین کوه‌کمری و دیگر بزرگان بود، و تقریرات استادش، انصاری، را در فقه نوشت. به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و کلام پرداخت. در تبریز به بیماری وبا درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «التحفه المظفریه»، به فارسی، در رد حاج محمد کریم‌خان قاجاری کرمانی؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «صیغ العقود»؛ حاشیه بر «تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه»؛ حاشیه بر «صمدیه»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ «تفسیر قرآن»؛ «نکات القرآن و بیان دقائقه»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۱ / ۳)، الذریعه (۱۰۸ / ۱۵، ۱۱۵ / ۱۴، ۲۰۲، ۱۷۴، ۱۵۳، ۳۴ / ۶ ، ۴۷۰ -۴۶۹ / ۳)، ریحانه (۲۸۲ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴ / ۱۴)، علماء معاصرین (۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل مراغی)، معجم المؤلفین (۳۱۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰ / ۱).

فاضل‌زاده بدیع شیرازی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده، مترجم و خطاط. در شیراز به دنیا آمد. در مدرسه‌ی شعاعیه تحصیل کرد. پاره‌ای از مقدمات علوم ادبی و عربی و زبان انگلیسی را در خدمت عم خود، میرزا عبدالصمد بدیع، آموخت. او در هیجده سالگی به عنوان معلم به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. بدیع خط نسخ و شکسته بخصوص نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت و چند جلد کتاب از قبیل: «مثنوی» مولوی و «منتهی الآمال» و غیره را برای چاپ نوشت. او همچنین در دبیرستانهای شیراز معلم زبان انگلیسی بود در ضمن آموزشگاهی برای تعلیم زبان انگلیسی دایره کرده بود. از آثار وی: «اراده‌ی آهنین»، ترجمه؛ «بزرگان ما»، شرح حال و منتخب اشعار فردوسی؛ «دستور زبان انگلیسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۵ -۴۴۴ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۲ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴۹۹، ۱۴۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۶ -۵۵۶ / ۳).

فاضلی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ ابوطالب فاضلی بن حجهٔالاسلام آقا شیخ خلیل بن العلم العلام حاج شیخ عبداللّٰه بن آیت‌اللّٰه آخوند ملا ابوطالب از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۵ قمری در خوی متولد شده و مرحوم والدش از نظر دوراندیشی که به آینده ایشان داشت مشارالیه را بنام جد بزرگوار خود مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند ملا ابوطالب- ره- موسوم کرده ایشان بعد از فراگرفتن علوم مقدماتی فارسی و عربی و قسمتی از سطح در شهرستان خوی و تبریز جهت تکمیل مراتب عالیه بحوزه علمیه قم وارد و بعد از دادن امتحان از کتابین رسائل و مکاسب (مرحوم شیخ انصاری- ره-) و قبولی از طرف اساتید حوزه مدت ده سال از آیات عظام وقت بالاخص از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی اعلی اللّٰه مقامه استفاده نموده بطوری که مباحثی از تقریرات آن مرحوم را در دو قسمت اصول و کتاب صلوه نوشته‌اند بعد در سال ۱۳۷۴ ق بنابر دعوت حضرت بندگان سید الطائفه آیت‌اللّٰه العظمی خوئی دامت برکاته عازم نجف اشرف و قریب نه سال در آستان ملک پاسبان علوی از مباحثات آیت‌اللّٰه خوئی بهره‌های شایانی برده و غیر از عنوان استفاده‌های درسی از ملازمین خاص و مورد علاقه شدید آن بزرگوار بوده بطوریکه خاطرات فراوانی از آن شخصیت بزرگ دارند و اکنون چند سالیست که در یکی از مساجد و محله‌های معروف تهران موسوم به گذر مستوفی (مسجد مستوفی) مشغول انجام وظیفه هستند.

و اما آثار علمی ایشان در دو قسمت خلاصه می‌شود:

(تألیفی)

۱- القضاء فی الاسلام (ناتمام).

۲- الآیات المستشهد بها فی الکتب الادبیه (ناتمام).

۳- خاطرات من از استاد حاضر.

(تقریراتی)

۱- اصول یکدوره تمام تقریرات آیت‌اللّٰه العظمی خوئی

۲- مباحثی از بیع و خیارات تقریرات آیت‌اللّٰه العظمی خوئی

۳- از اول طهاره الی احکام الاموات تقریرات آیت‌اللّٰه العظمی خوئی

اجمالی از احوال اسره فاضلی در ذکر اعلام شهرستان خوی در جلد چهارم خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فاضلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد فاضلی

محل تولد : بیارجمند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۳

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و دروس ابتدائی (حساب و هندسه) پرداخت در سال ۱۳۵۱ در سیزده سالگی به حوزه عملیه گرگان (مدرسه علمیه صالحیه) در محضر اساتید وقت از آن جمله آیت الله حاج سیّد علی رئیسی به آموختن ادبیات (صرف میر، تصریف، عوامل) همت برگماشت؛ سپس در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات حاج شیخ محمد علی مدرس (ره) (صمدیه و سیوطی) ،حاج شیخ فخر الدین وجدانی (ره) (شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری) ،حاج شیخ مصطفی اعتمادی (معالم و رسائل شیخ انصاری) و آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده (ره) (کفایتین) را فرا گرفت. و از سال ۱۳۶۳ به درس خارج حضرات آیات عظام حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، آیت الله وحیدی خراسانی و حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی(ره) حاضر شد و از محضر آنان توشه ها برگرفت و در کنار آن به تدریس، تالیف، تحقیق و تأسیس دست یازید.

در ایام تحصیل و تحقیق خود در دانشگاه نیروی انتظامی تهران و پرندك رباط کریم تدریس می کرد؛ دروسی که وی تدریس می کرد عبارت بودند: متون اسلامی، اخلاق، معارف و احکام تخصصی

بیش از ۱۵ سال سابقه تبلغی در ایام محرم و صفر و ماه رمضان که بیش از ۱۴ ماه آن در جبهه های نبرد حق علیه باطل بوده است.

فاضلی، جابر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صاحب ترجمه ۱- یعنی حضرت حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ جابر فاضلی در سنه ۱۳۳۰ قمری در نجف اشرف موقع اشتغال به تحصیل مرحوم والدش از صبیه مرحوم حاج شیخ عبدالنبی ایروانی که عالم مشهور نجفی بود متولد شده و در سال ۱۳۳۴ به خوی آمده تحصیلات ابتدائی فارسی و عربی را در آنجا انجام داده و در سال ۱۳۵۵ جهت تکمیل علوم به حوزه‌ی علمیه قم وارد سطوح را از مرحوم ادیب تهرانی و مرحوم آقا شیخ مهدی مازندرانی و حضرت آیت‌اللّه نجفی مدظله تحصیل نموده و به دروس خارج آیات اللّه آقای حجهٔ آقای صدر آقای خوانساری رضوان‌اللّه‌علیهم حاضر و استفاده کرده و در سال ۱۳۶۵ به خوی مراجعت و در مسجد خانوادگی‌شان که از آثار اجدادش می‌باشد معروف (حاج بابا) به اقامه‌ی جماعت و تبلیغات دینی مشغول و ضمناً تدریس طلاب علوم دینیه هم می‌نماید.

و در شرح حال علمای ماضین خوی که تألیفات دارند تذکرهٔ نوشته که هنوز بطبع نرسیده و ضمناً بعضی آثار متفرقه قلمی هم دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فاضلی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فاضلی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فاضلی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از به پایان رساندن دبیرستان در رشته ریاضی، فیزیک سال ۶۹ – ۷۰ وارد حوزه شدم و سه سال در مدرسه معصومیه از محضر بعضی اساتید مانند آقایان عاملی، نائینی، حیائی و حسینی ادبیات عربی را فرا گرفتم و سه سال بعد در مدرسه رضویه از محضر اساتیدی چون استاد علی دوست و قاروبی لمعتین را خواندم و اصول مرحوم مظفر را نیز به پایان رساندم. پس از این شش سال با گذراندن دوره سطح وارد درس خارج شدم و خارج اصول را نزد آیت الله کرباسی شروع کردم و دو سال از محضر ایشان بهره بردم در همین سال خارج فقه آیت الله جوادی آملی را نیز شروع کردم و با شرکت در درس ایشان از وجود درس وی نیز بهره بردم. علاوه بر استفاده از محضر این دو استاد درس خارج فقه آیت الله زنجانی نیز در دروسی بود که در دو سال با شرکت در آن درس استفاده لازم از درس ایشان نیز بردم. سال ۱۳۸۴ در درس مرحوم آیت الله العظمی تبریزی حاضر شدم و از وجود با برکت ایشان نیز بهره بردم تا اینکه ایشان به رحمت ایزدی نائل گشت. در این سالها یعنی از سال ۱۳۸۰ تاکنون مشغول انجام کارهای تحقیقی و احیاء آثار بعضی از دانشمندان و بزرگان گذشته شدم و با تصحیح و تحقیق در حدود ۱۰ رساله قرآنی و شرح صحیفه سجادیه شیخ علی اصغر از نوادگان شهید ثانی مشغول فعالیت هستم.

فاطمی جهرمی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی پس از اتمام دوره تحصیلات متوسطه و اخذ دیپلم ،تحصلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی دردانشگاه تهران آغاز و بپایان رسانید.او برای تکمیل معلومات دانشگاهی عازم آمریکا

شده و در رشته آموزش زبان انگلیسی مدرک دکترای خود را اخذ نموده است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : آموزش زبان انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به ترتیب زیر است. لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران فوق‌لیسانس آموزش زبان انگلیسی آمریکا دکتری آموزش زبان انگلیسی آمریکا مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به قرار زیر است: عضو هیات علمی (دانشیار)دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۲ تاکنون مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی به مدت ۱۶ سال معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به مدت ۸ سال معاون آموزشی دانشگاه به مدت ۴ سال فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی : زبان‌شناسی، آواشناسی، متون پیشرفتهٔ نثر ادبی، جامعه‌شناسی زبان، روش تدریس، روان‌شناسی زبان، تجزیه و تحلیل کلام، مقاله‌نویسی چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی : تعداد مقالات علمی منتشر شده:۱۱ مورد تعداد سخنرانی های علمی : بیش از ۳ مورد تعداد طرح‌های تحقیقاتی خاتمه یافته : ۲ مورد آثار : درک متون انگلیسی Reflections on Reading ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۵ ۲ رهیافتی بر آموزش واجهای انگلیسی به فارسی زبانان A Comprehens Sive Pedagogical Approach to Teaching English Phonemes to Persian Students ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۵۳ مروری بر آواشناسی انگلیسی A Survey of English Phonetics ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۰

فاطمی، عمیدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عمیدالدین فاطمی از فضلاء و علماء حوزه علمیه قم است. وی در تویسرکان متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین حوزه خوانده آنگاه به درس خارج مرحوم آیت الله العظمی آقای آقا سید محمد حجت کوهکمری و مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خونساری و حضرت آیت الله العظیم بروجردی بالغ بر ۱۸ سال شرکت نموده و پس از آنان از محضر آیت الله العظمی شریعتمداری و آیت الله العظمی گلپایگانی بهره‌مند و تا هم اکنون در حوزه علمیه قم اشتغال دارند و نگارنده بالغ بر سی سال است که آن جناب را می‌شناسم (و ما رایت منه الا جمیلا) او را عالمی متین و فاضلی محمود دیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فاکر، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا فاکر

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام محمدرضا فاکر در سال ۱۳۲۴ در مشهد مقدس و در میان خانواده‌ای متدین و ارادتمند به ساحت بلند علی بن موسی الرضا (ع) چشم به جهان گشود. حجةالاسلام فاکر به دلیل شغل پدرش، به اتفاق دیگر اعضای خانواده مدتی به اصفهان آمد و در آنجا ضمن طی نمودن دروس دورهٔ ابتدایی، با بخشی از دروس دورهٔ مقدمات حوزه آشنا شد. سپس به مشهد بازگشت و تحصیلات خود را به صورت جدی در کنار مرقد علی بن موسی الرضا (ع) پی گرفت و پس از چندی دورهٔ مقدمات را در خدمت ادیب نیشابوری به پایان برد. او در سال ۱۳۴۳ پس از طی نمودن بخشی از دروس دورهٔ سطح به قم آمد. در قم، باقیماندهٔ شرح لمعه را خواند و سپس در دروس رسائل، مکاسب و کفایهٔ استادان مشهور زمان خود شرکت کرد. سپس به درس خارج رفت و در این میان از شرکت در دروس جنبی، همچون تفسیر نیز غافل نماند. حجةالاسلام فاکر در طول سالهای تحصیل به خدمت استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس مقدمات را بیشتر نزد مرحوم ادیب نیشابوری فرا گرفته بود، برای فراگیری شرح لمعه به نزد مرحوم مدرس یزدی رفت و بخشهایی از شرح لمعه را نزد او آموخت. در قم، باقیماندهٔ شرح لمعه را نزد حضرات آیات صلواتی و دوزدوزانی آموخت و در درس مکاسب آیةالله خزعلی و آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد، ضمن اینکه رسائل را نزد آیةالله العظمی نوری همدانی می‌خواند. حجةالاسلام فاکر در درس کفایه الاصول مرحوم آیةالله سلطانی طباطبایی و آیةالله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد و سپس به درس خارج فقه و اصول راه یافت. او در این دوره بیشتر در درس آیةالله العظمی گلپایگانی (ره) و آیةالله العظمی وحید خراسانی شرکت کرد. همچنین در زمینهٔ تفسیر، به درس آیةالله مشکینی می‌رفت. او در طی سالهای تحصیل در دروس اخلاق استادان خود نیز شرکت جدی داشت. حجةالاسلام فاکر در طی سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای

بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله شهید شیخ عباس شیرازی و حجج اسلام هادی مروی، آقا ضیاء مسجد جامعی و محمد حسین امراللهی را می‌توان نام برد.

حجهٔالاسلام فاکر در سالهای تحصیل خود، بسیاری از دروسی را که آموخته بود، تدریس می‌کرد و پس از آن نیز، سالها به این امر مهم در حوزه‌های علمیه اشتغال داشت. او تقریرات دروس خارج را نگاشته و در طول سالهای تحصیل و پس از آن بارها به مناطق مختلف سفرهای تبلیغی و سیاسی کرده است. حجهٔالاسلام فاکر از مبارزان خستگی‌ناپذیر سالهای پیش از انقلاب و از مدافعان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. او مبارزات خود را در دوره‌ای آغاز کرد که در مشهد به خواندن ادبیات مشغول بود. در آن زمان او بسیاری از اعلامیه‌های امام (ره) را در حجرهٔ خود تکثیر و یا از روی آن می‌نوشت و سپس آن را به طور مخفیانه بر در و دیوار شهر نصب می‌کرد یا به اطلاع دیگر هواداران انقلاب می‌رساند. او نخستین بار در سال ۱۳۴۱ دستگیر و روانهٔ زندان شد و دومین بار در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بازداشت شد و در زندان با حضرت آیهٔالله خامنه‌ای، آشنا شد. رژیم شاه آنها را به بیگاری کشیده بود تا آنها ضمن این کارها، تحمل و صبر خود را از دست بدهند. او دیگر بار در اوایل سال ۱۳۵۲ دستگیر و روانه زندان شد. و تا آخر سال ۱۳۵۵ در زندان بسر برد علت آن هم سخنرانی وی در نهاوند بر ضد رژیم شاه و افشاگری عملکرد آن رژیم مزدور و همکاری با گروه ابوذر بود.

رژیم شاه پس از انتقال وی از مشهد به تهران او را روانه زندان کرد. از فعالیتهای مهم حجهٔالاسلام فاکر طرح مرجعیت امام (ره) به همراه بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم، پس از درگذشت آیهٔالله العظمی حکیم(ره) بود. او در این زمینه، تصمیم گرفت طی سفری به خرمشهر و آبادان و زاهدان و... علمای آن دیار را با تصمیم فوق آشنا کند و برای این کار عزم سفر کرد و ضمن ارائه آخرین اطلاعات و اخبار در بارهٔ نهضت مردم ایران، آنان را از تصمیم علمای حوزه علمیه قم آگاه ساخت. فعالیتهای وی به پیش از انقلاب منحصر نماند. پس از انقلاب نیز وی همواره مدافع نظام بود و مدتی نیز به عنوان نمایندهٔ امام (ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ایفای نقش می‌پرداخت. او چند دوره به نمایندگی از مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی حضور یافت و در سالهای ظهور خط نفاق و لیبرالیسم، همواره به افشای ماهیت پلید آنان می‌پرداخت که از این رهگذر، بارها مورد حمله گروههای به اصطلاح اصلاح طلب قرار گرفت او پس از انقلاب لااقل سه بار مورد سوء قصد ضدانقلاب قرار گرفت که از همه آنها جان سالم به در برد. حجهٔالاسلام فاکر در پیش و پس از انقلاب با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده است و امضاء او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز به چشم می خورد

فالی خوزستانی، ابوالحسن، ابوالحسین مؤدب علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۸ ق)، محدث، نحوی، ادیب و شاعر. او به فاله از توابع ایذج (ایذه) خوزستان منسوب است. وی در بصره مدتی زیست و در آنجا از ابوعمر هاشمی و ابن‌خربان نهاوندی و ابوالحسین بن نجار/ نجاد و دیگر شیوخ آن زمان حدیث شنید.سپس به بغداد آمد و در آنجا ساکن شد. خطیب در «تاریخ بغداد» و ابوالحسین ابن طیوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او نظم نیکویی داشت. فالی در مقبره‌ی جامع المنصور مدفون است. از آثارش: «کتاب الاستقامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۴۲ / ۴)، ایضاح المکنون (۲۶۶ / ۲)، تاریخ بغداد (۳۳۴ / ۱۱)، ریحانه (۲۹۰ -۲۸۹ / ۴)، سیر النبلاء (۵۵ -۵۴ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۷۸ / ۳)، الکامل (۷۹ / ۸)، کشف الظنون (۱۳۸۹)، الکنی و الالقاب (۱۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی فالی)، معجم الادباء (۲۳۰ -۲۲۶ / ۱۲)، معجم البلدان (۲۶۴ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۱ -۲۰ / ۷)، النجوم الزاهره (۶۱ / ۵)، هدیه العارفین (۶۸۸ / ۱).

فامی هروی، ثقه‌الدین ابونضر، ابونصر عبدالرحمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۶ -۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و مورخ. اهل هرات بود و محدث آنجا. از ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون واسطی و قاضی و ابوعامر ازدی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در کهولت به حج رفت و از هبه‌الله بن علی بخاری و ابوالقاسم بن حصین حدیث شنید. ابن‌عساکر و سمعانی و ابوروح عبدالمعز بزاز و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. سمعانی گوید که او دارای شناخت کافی در حدیث و ادب بود و اخلاقی نیکو داشت. از آثارش کتاب «تاریخ هرات» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۴۳ / ۴)، سیر النبلاء (۲۹۹ -۲۹۷ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۴۰ / ۴)، طبقات الحفاظ (۴۷۱)، معجم المؤلفین (۱۴۳ / ۵)، النجوم الزاهره (۲۹۰ / ۵)، هدیه العارفین (۵۱۸ / ۱).

فانی خوارزمی، کمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. وی ظاهرا از مردم قصبه‌ی قسا در خوارزم یا از قاشان ماوراءالنهر بود که نام آن را قاسان هم نوشته‌اند. در خوارزم منصب قضاوت داشت و مردی دانشمند به شمار می‌رفت وی غزل را نیکو می‌سرود. از آثارش: شرح «شواهد مغنی البیب»؛ شرح «شواهد مطول»؛ حاشیه بر «شرح تجرید»؛ شرح «مطالع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۹ -۶۸۸)، تذکره‌ی روز روشن (۶۸۳ -۶۸۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶۸).

فانی یزدی،حسن، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۸۱ ق)، عالم، خطیب، مصنف، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. معروف به سید آقایی. وی ساکن اصفهان بود. از جوانی در تحصیل علم و ادب کوشید، سپس روی به خطابه آورد تا در این فن سرآمد شد. او ادیبی شاعر و نویسنده‌ای پر تلاش بود. فانی در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی ملک از تخت پولاد دفن شد. از آثار وی: «اکسیر الاخبار»، در چهار مجلد: جلد اول در توحید و صفات‌الله، جلد دوم در فضائل ائمه اطهار (ع) و نصوص امامت و بعضی از خطب و مواعظ امیرالمومنین (ع)، و دو جلد دیگر در اخلاق و مواعظ؛ «التوفیقات الالهیه»، در مواعظ ماه رمضاه در سی مجلس؛ «حرز المؤمنین»، در احراز و ادعیه و برخی از نمازهای متفرقه؛ «فلاح الایمان»، به فارسی در مواعظ و مصائب؛ «غوث الامه فی اثبات الغیبه»؛ «عقیده الحق»، در شرح «باب الحادی عشر»؛ «هدایه السالکین»؛ «حبیب العاشقین»؛ «درر اللئالی فی اسرار الموالی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۲۶۰)، الذریعه (۳۰۱ -۳۰۰، ۷۲ / ۱۶، ۳۰۶ / ۴، ۱۵۸ / ۹، ۱۳۳ / ۸، ۳۹۴ / ۶، ۵۰۰ / ۴، ۲۷۸ -۲۷۷ / ۱)، ریحانه (۲۹۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۴ -۳۹۳ / ۱۴)، معجم المؤلفین (۲۱۷ / ۳).

فانی، کامران

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کامران فانی در سال ۱۳۲۳ ، در قزوین به دنیا آمد. با تحصیل در رشته ادبیات ، به رشته کتابداری نیز علاقمند شد و تحصیلات خود را در این زمینه ادامه داد. او پس از قبولی در رشته کتابداری ، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود ، استخدام شد و در سال ۱۳۶۱ که استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمود به عنوان دستیار در خدمت استادش بود و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. کتاب"دایره المعارف تشیع"کامران فانی (ویراستار و مؤلف)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : کتابداریتحصیلات رسمی و حرفه ای : کامران فانی تحصیلات مقدماتی را در قزوین گذراند و با اخذ دیپلم طبیعی در سال ۱۳۴۱ ، وارد دانشکده پزشکی شد. اما پس از گذشت سه سال ، به ادبیات فارسی علاقمند گردید و با ترک تحصیل از رشته پزشکی و موفقیت مجدد در کنکور دانشگاه ، تحصیلات خود را در رشته ادبیات پی گرفت و در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ لیسانس گردید. عشق و علاقه به کتاب سرانجام او را به سوی کتابداری کشاند و توانست وارد دانشکده کتابداری گردد. درسال ۵۲-۱۳۵۰ درمقطع کارشناسی ارشد دررشته کتابداری و در سال ۷۷-۱۹۷۶ درمقطع دکتری دررشته علوم اطلاع رسانی از دانشگاه لاف بارو درانگلستان موفق به کسب این مدارج علمی گردید .خاطرات و وقایع تحصیل : عشق و علاقه به مطالعه درکامران فانی از همان دوران ابتدایی تحصیل وجود داشته ، به شکلی که از همان دوران اول و دوم دبستان ، کتابهای بزرگسالان را مطالعه می کرده او در این باره می گوید: » در آن زمان هنوز ادبیات کودکان رسم نشده بود. ناگزیر کودک کتابخوان همان کتابهایی را می خواند که بزرگسالان می خواندند. در قزوین کتابخانه عمومی وجود نداشت. یکی دو تا مغازه و یا در واقع دکه کتابفروشی بود که کتاب کرایه می دادند ، به شبی « یک قران » که ظاهراً پول کلانی می آمد و همین شد که اجباراً تندخوانی را آموخت. »فعالیتهای ضمن تحصیل : آشنایی کامران فانی با قرآن به سالهای آخر دبیرستان باز می گردد. او در این زمان می توانست به کمک ترجمه های تحت الفظی و زیرنویس قرآن که در آن زمان منحصر به دو ترجمه مرحوم معزی و مرحوم الهی قمشه ای بود ، به فهم ظاهری معانی قرآن برسد.استادان و مربیان : کامران فانی در دوران تحصیل از محضر درس استادانی چون دکتر جعفر شهیدی ، دکتر مهدی محقق ، استاد عبدالحمید بدیع الزمان کردستانی ، امیر حسین یزدگردی و ذبیح الله صفا بهره مند گردید.هم دوره ای ها و همکاران : کامران فانی در دوران تحصیلات دانشگاهی با بهاء الدین خرمشاهی همکلاس بود و این رابطه به دلیل قزوینی بودن هر دو ادامه یافت و همچنان با یکدیگر همکاری نمودند ، چنانکه خرمشاهی در این باره چنین می گوید: « درست نوزده سال پیش بود که در چنین شب یا روزی با جان جانان جناب فانی نشسته بودیم و از هردر سخن می گفتیم ، بحثمان در اطراف داستان « کریستین وکید »

نوشته هوشنگ گلشیری بود که به تازگی منتشر شده بود ، به فانی گفتم نقدی بر این کتاب بنویس و... که گفت خود تو چرا نمی نویسی و خلاصه چند ماه بعد به پایمردی فانی این نقد در مجله سخن چاپ گردید.» مهندس حسین معصومی همدانی دکتر سعید حمیدیان ،حسن انوشه ، ملایری ، ثلاثی و اسدپور بیرانفر از جمله دوستان دیگر فانی بودند.وقایع میانسالی : کامران فانی حتی در دوران سربازی از کتاب و ترویج فرهنگ کتاب خوانی دور نماند ، او این موضوع را این گونه تعریف می کند: « در کنار اروند رود و دهانه فاو و در زیر نخلهای بلند کتابخانه کوچکی درست کردم که اولین تجربه من در کتابداری بود. روزهای گرم و بلند تابستان خوزستان به کندی می گذشت و سربازان و گروهبانان و افسران به بطالت وقت کشی می کردند و روز را به شب می رساندند. به اصرار کتاب داستان و شعر به آنها می دادم ، نخست از خواندن ابا داشتند ، آن را امری شاق می پنداشتند. ولی کم کم شیفته مطالعه شدند. به وضوح می دیدم هر انسانی که سواد خواندن داشته باشد بالقوه دوستدار کتاب و کتابخوانی است ، فقط امکان و فرصت آن را نیافته است. نقش کتابخانه در همین است که چنین فرصتی را به سهولت در اختیار همگان می گذارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کامران فانی پس از قبولی در رشته کتابداری ، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود ، استخدام شد. او به عنوان دستیار در خدمت استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمودبود ، همچنانکه خرمشاهی نیز به این کار پرداخت. اما همکاری با دکتر محقق یک سال بیشتر طول نکشید که دکتر محقق « بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی » را تاسیس نمود اما توصیه و سفارش اکید به فانی و خرمشاهی نمود که این راه را ادامه دهند و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. وی عضوهیئت علمی کتابخانه ملی و سرپرست بخش ایرانشناسی کتابخانه ملی می باشد .فعالیتهای آموزشی : کامران فانی پس از اخذ لیسانس به تدریس زبان فارسی پرداخت. او همچنین در سال ۱۳۵۸ به تدریس ترجمه و تفسیر قرآن در مرکز خدمات کتابداری ایران پرداخت ، که مدت دو سال به طول انجامید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : کامران فانی در سال ۱۳۵۰ سربازی را به اتمام رساند و به انگلستان سفر نمود. شاید آن گونه که خود او بیان می دارد ، برای آموختن زبان انگلیسی این سفر را تجربه نمود. به هرحال پس از آن وی در کنار مشاغل اداری و کار موسسات پژوهشی به کار ترجمه و تالیف کتاب پرداخت.جوائز و نشانها : کتاب"دایره المعارف تشیع"کامران فانی (ویراستار و مؤلف)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : نزدیک به ۱۵۰ مقاله نیز اعم از تألیف و ترجمه کامران فالنی تاکنون در نشریات و مجلات مختلف از جمله سخن، نگین، رودکی، نگاه نو، کلک، بخارا، نشر دانش، کیان، کیهان فرهنگی، جهان کتاب و غیره چاپ شده است. آثار : ترجمه آدمهای ماشینی: روباتها ویژگی اثر : نوشته کارل چابک می باشد۲ ترجمه بخشی از کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی» ویژگی اثر : م. م. شریف، بخشی از کتاب «زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی». ۳ ترجمه خطابه پوشکین ویژگی اثر : نوشته داستایوسکی می باشد۴ ترجمه کتاب سلوک روحی بتهوون ، ترجمه مرغ دریایی ویژگی اثر : نوشته آنتون چخوف می باشد۶ ترجمه موش وگربه ویژگی اثر : نوشته گونترگراس، نویسنده آلمانی و برنده جایزه نوبل ۱۹۹۹. ۷ تریستانا ویژگی اثر : ترجمه،نوشته لوئیس بونوئل، فیلمساز اسپانیایی ۸ جنگ جهانی اول ودوم ، دانشنامه کودکان و نوجوانان ، دایره المعارف تشیع ویژگی اثر : این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است۱۱ رده بندی تاریخ ایران ، رده بندی فلسفه اسلامی ، زردشت : سیاستمدار یا جادوگر ویژگی اثر : این کتاب نوشته هنینگ و ترجمه فانی می باشد۱۴ سرعنوانهای موضوعی فارسی ویژگی اثر : سه جلد می باشد۱۵ سه خواهر ویژگی اثر : ترجمه،نوشته آنتون چخوف ۱۶ علم درتاریخ ویژگی اثر : نوشته جان برنال می باشد که فانی آنرا ترجمه کرده است۱۷ فرهنگ موضوعی قرآن مجید ویژگی اثر : تالیف،با همکاری آقای بهاءالدین خرمشاهی۱۸ گسترش رده بندی تاریخ ایران ویژگی اثر : تالیف۱۹ لنتس و دیتسک، ویژگی اثر : نوشته بوفنر، نویسنده آلمانی ۲۰ مقاله اسطوره شناسی ، مقاله بیت الحکمه و دارالترجمه ، مقاله پایان فلسفه ، مقاله زبان موسیقی ، مقاله زندگی سیدنعمه الله جزایری ، مقاله سیاحت شرق ، مقاله شیوه نقد کتابهای علمی ، مقاله طبقه بندی علوم دراسلام ، مقاله عناوین موضوعی درزبان فارسی ، مقاله فلسفه میرداماد ، مقاله کتب درسی فلسفه درحوزه های علمیه ، مقاله کتب فارسی ابن سینا ، مقاله گفتگوهای تمدنها ، مقاله نقد ادبی

فائزی پور، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی‌اکبر بن مرحوم حاج محمد مهدی تهرانی از افاضل دانشمندی معاصر مقیم قصبه کن تهران می‌باشند.

وی در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و بتحصیل دروس ابتدائی پرداخته و با شوق مفرطی قدم در سلک روحانیت گذارده و از اوائل بلوغ در خدمت مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمدحسین زاهد امام جماعات مسجد امین‌الدوله که از علماء عاملین تهران بود بخواندن مقدمات و ادبیات پرداخته و در سال ۱۳۲۰ شمسی مهاجرت به قم و در مدرسه فیضیه اقامت و سطوح فقه و اصول را از مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر حاضر شده و استفاده کامل نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در میان فضلاء و محصلین تهرانی قم مشار بالبنان گردیده و بتدریس کفایه الاصول و مکاسب اشتغال یافته تا در ماه شعبان سال ۱۳۷۷ قمری که عده‌ای از اهالی کن از حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی تقاضای یکنفر روحانی دانشمند و با تقوا نموده و معظم له ایشان را برای امورات دینی و سرپرستی مؤمنین قصبه کن و حومه آن انتخاب و اعزام نموده و با تجلیل شایسته بمحل مذکور عزیمت و اقامت نموده و تاکنون در

آنجا مشغول به انجام وظائف دینی و روحی می‌باشند.

دارای آثار و تألیفات مفیده و ارزنده میباشند که اشاره به آنها می‌نمایم.

۱- جزوه‌ای در توحید ۲- نبوت عامه ۳- نبوت خاصه ۴- امامت عامه ۵- امامت خاصه ۶- معاد ۷- خاتمیت ۸- جبر و تفویض ۹- جزوه‌ای درباره امام زمان عجل اللّه فرجه الشریف.

نگارنده گوید: مترجم محترم ما از افراد برجسته و دانشمندان متقی و پارسائی است که جمع علم و عمل و محامد آداب و محاسن اخلاق نموده و از اول ورودش در قصبه کن (که پنج محل بزرگ بنام ۱- در قاضی ۲- سر آسیاب ۳- میان ده ۴- اسماعیلون ۵- بالون می‌باشد و همواره در میان آنان اختلاف و نزاع بوده که گاهی بقتل و جرح منجر می‌شده) ایجاد اتفاق و اتحاد و برادری انداخته و به آن چند دسته‌گی خاتمه داده و آنجا را یک محل آرام و دینی نموده است مردم قصبه کن و حومه آن علاقه شدید بایشان دارند و چون هر هفته به مسجد یکی از آن پنج محل برای اقامه جماعت می‌روند مردم محل‌های دیگر هم شرکت نموده و از وجود این عالم ربانی استفاده می‌کنند برادر ارجمند ایشان جناب حجهٔ‌الاسلام و عماد الاعلام آقای حاج اصغر آقای تهرانی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائزی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فائزی

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد فائزی در سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان رودسر دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. علاقه وافرخویش به فراگیری علوم دینی، تشویق خانواده و اطرافیان او را برای تحصیل به مشهد مقدس کشاند و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. وی ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله علمی اردبیلی، آیت الله شاهرودی و آیت الله رضا زاده بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته زبان در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷ از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در مشهد مقدس، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت آموزش و پرورش، در دانشگاه علوم گیلان، دانشگاه آزاد رشت و دانشگاه آزاد لاهیجان مشغول تحصیل می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل (تهاجم فرهنگی، نماز و چرا به فلسفه نیازمندیم) را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

فائق، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ کاظم فائق از علماء اعلام و موصوف به تقوا و ورع تهران بودند و عمری را به قدس و پرهیزکاری و زهد و پارسائی و فضل و دانش و پاکی قلب و صفا و سادگی و متانت و انزوا به آخر رسانیده و بسهم خود ایفاء وظیفه روحی و دینی نموده و در سال ۱۳۹۳ ق بدرود حیات گفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائق، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مصطفی بن المرحوم العالم الجلیل و الفقیه النبیل حاج شیخ کاظم فائق از علماء بارع و ائمه جماعت معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ ق در تهران متولد شده و در حجر علم و فضیلت تربیت و پس از خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین حوزه تکمیل و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و مسافرتهای عدیده بعتبات عالیات کرده و از محضر و دروس مراجع بزرگ نجف مانند آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و اعلام دیگر بهره‌مند شده و به تهران بازگشت و در مسجد مرحوم والدش بنام (مسجد فائق) واقع در کوچه روحی خیابان عین‌الدوله به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فتحی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی فتحی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱۲/۲

زندگینامه علمی

سال (۱۳۶۵-۱۳۵۹) دوره ابتدایی را در زادگاه خود، روستای قلابرسفلی از توابع زنجان، روستایی با قدمت بیش از هزار سال گذراندم به علت محرومیت روستا، یک سال سال سوم ابتدایی معلم نداشتیم لذا در زمستان همان سال، به مکتب‌خانه رفتم و در مدت ۲ یا سه هفته روخوانی قرآن را یاد گرفته و موفق به ختم قرآن شدم و یک هفته هم به کلاس «تنبیه الغافلین» رفتم بعد استاد گفت شما دیگر لازم نیست به کلاس بیایید.

سال (۶۸-۱۳۶۵) روستای ما، مدرسه راهنمایی نداشت. من با ۴ نفر دیگر به روستای دیگر (نیکه کند ضیائی) در حدود ۲۰ کیلومتر روستای خود رفتیم و آن چهارنفر بعد از مدتی فرار کردند و تنها من ماندم و در این مرحله نفر اول یا دوم مدرسه شبانه روزی بودم. با اصرار و رایزنیهای جدی یکی از دوستان دوره راهنمایی که یکسال قبل از من به قم آمده بود، جناب برادر ارجمند جناب حجهٔ الاسلام عبدالله بهرامی علیرغم میل باطنی، به حوزه علمیه قم آمدم، با آن که برای اولین بار بود که قم و فضای حوزه و مدارس علمیه را میدیدم، مدرسه شهیدین را کـه بـا شرایط خاصی، گزینش می‌کرد، برای تحصیل انتخاب کردم. مقدمات و سطح را درمدرسه شهیدن(ره) پایه ششم مدرسه معصومیه با حفظ خوابگاه و موقعیت در شهیدین در این مرحله نیز به لطف الهی نفر اول یا دوم در برخی از پایه‌ها از نظر معدل بودم.

همزمان دوره‌ی دبیرستان را به صورت متفرقه گذراندم. در سطح دو و سه حوزه را نیز به توفیق الهی جزو ممتازین شدم. (در لیست ممتازان شناسایی شده مرکز خدمات) توفیق شرکت در دوره‌ی عالی فقه و اصول تخصصی با اشراف و نظارت، مدرسه‌ی شهیدین(ره) که مباحث به طور تفصیلی نوشته می‌شد و در محضر استاد ارائه می‌گردید؛ اصول: استاد ارجمند حاج آقای علی عندلیب از اساتید یاد شده دروس فقه آیهٔالله شبیری زنجانی نیز به مدت یک سال و نیم شرکت داشته‌ام و اخیراً نیز در درس اصول حاج آقای لاریجانی شرکت می‌کنم.

کارشناسی: رشته معارف اسلامی و علوم قرآنی؛ نفر ممتاز گردیده، توفیق تدریس همزمان با تحصیل در سطح کارشناسی تدریس دروس چون حلقات شهید صدر، درایهٔ و علم الحدیث، علوم قرآن و... در جامعهٔالزهرا و مرکز جهانی علوم اسلامی و در سطح کارشناسی ارشد، تدریس متون عربی (کهن و معاصر)؛ اصول و روش ترجمه قرآن، فن ترجمه، زبان قرآن، علوم قرآن و... در جامعهٔالزهرا و دانشکده علوم قرآنی و...

کارشناسی ارشد: نفر اول گروه با معدل ۸۶/۱۸ موضوع پایان‌نامه: معیارشناسی ارتباط الفبایی آیات قرآن کریم، که با عنوان مبانی و معیارهای تفسیر قرآن به قرآن درموسسه امام خمینی با تکمیل و اصلاحات برای چاپ پذیرفته شده است. از جمله اساتید این دوره‌ها، آیهٔ الله معرفت (ره)، حاج آقای محمود رجبی، حاج آقای یوسفی غروی، دکتر نجارزادگان دکتر رفیعی، دکتر جباری، حاج آقای حسن عرفان، دکتر شمالی و...

(ج) دکتری ۸۷ — ۸۶: همزمان با نگارش پایان نامه به توفیق الهی در آزمون دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم. و در حال حاضر مشغول ترم دوم و از محضر اساتیدی چون دکتر معیدی روشن، حاج آقای رجبی، حاج آقای احمد واعظی، حاج آقای بابائی و جاج آقای مهدوی‌راد، استفاده می‌کنیم. خدا عاقبت ما را به خیر گرداند.

فخر داعی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(سید) محمدتقی گیلانی ملقب به فخرالمحققین و داعی‌الاسلام نویسنده و محقق ایرانی (ف. تهران آذرماه ۱۳۴۳ ه.ش/ شعبان

۱۳۸۴ ه.ق). وی پس از تحصیل نزد شیخ محمد طالقانی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مسیح سمنانی، فاضل تفرشی عازم عراق عرب شد و از محضر آخوند ملاکاظم خراسانی و شیخ عبداللّه مازندرانی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در اوایل نهضت مشروطه با آزادی‌خواهان عراق همکاری کرد. سپس از طرف آخوند ملا کاظم مأمور اداره‌ی انجمن دعوةالاسلام بمبئی گردید. وی علاوه بر وظایف دینی که به عهده داشت به تحقیق و تتبع مشغول بود و زبانهای انگلیسی و اردو را تحصیل کرد و مدت چهار سال در «کالج ایندور» به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. وی پس مراجعت به ایران در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد و کتب ذیل را ترجمه و منتشر کرد: تمدن اسلام و عرب تألیف گوستاولوبون، تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس (دو جلد)، تاریخ عرب و اسلام تألیف امیرعلی، شعرالعجم یا تاریخ منظوم ایران تألیف شبلی نعمانی (پنج جلد)، تفسیر قرآن تألیف سید احمدخان (که سه جلد آن منتشر شده)، تاریخ علم کلام تألیف شبلی نعمانی، مجموعه‌ی مقالات شبلی نعمانی، تاریخ هند تألیف امیرعلی. وی در هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

(وف ۱۳۴۳ ش)، عالم و مترجم. ملقب به فخرالمحققین و معروف به داعی الاسلام. وی از شاگردان آخوند ملا- محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی است که به مقام اجتهاد رسید. در نهضت مشروطه به پیروی از استادانش به حزب آزادیخواهان ایران مقیم عراق پیوست. وی به دستور آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به بمبئی رفت و اداره‌ی امور انجمن دعوه الاسلام آن شهر را بر عهده گرفت و معروف به داعی الاسلام شد. او به زبان اردو و انلگیسی مسلط بود. آن گونه که توانست کتابهایی را به زبان فارسی برگرداند. فخر داعی در کالج ایندور به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. در تهران درگذشت و در قم در کنار آرامگاه میرزایوسف مستوفی و مقابل صحن طلا دفن شد. از آثار وی: «تمدن اسلام وعرب» گوستاولوبون، ترجمه؛ «تاریخ عرب و اسلام» امیرعلی، ترجمه؛ «تاریخ هندوستان»، ترجمه؛ «تاریخ علم کلام» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» یا «تفسیر قرآن سید احمدخان»، ترجمه؛ «سوانح مولوی» شبلی نعمان، ترجمه؛ «شعر العجم» یا «تاریخ ادبیات منظوم ایران» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تاریخ ایران» سرپرستی سایکس، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۰۸، ۲۰۳۲ / ۲ ،۹۳۳ -۹۳۲، ۷۶۸، ۷۲۷ -۷۲۶، ۷۲۴، ۶۷۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۳ -۲۳۱ / ۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۷۱).

فخر رازی، فخرالدین ابوعبداللّه، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۶۰۶ -۵۴۴ ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ‌الاسلام و ابن‌خطیب و ابن‌خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را،از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که قاضی مرند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف‌بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن‌حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد،پس به ماورالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ‌الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات درگذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛«تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع البینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن‌سینا، در طب؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در ۵۷۴ ق به نام علاءالدین تکش‌خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی، در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی.[۱]

رازی، ابوعبداللّه محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری ۵۴۳ یا ۵۴۴- ف. هرات ۶۰۶ ه.ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاءالدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین

شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: نهایهٔالعقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیهٔ، محصل افکارالمتقدمین والمتأخرین (ه.م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزیغ والطغیان، المباحث العمادیهٔ فی المطالب المعادیهٔ، تهذیب الدلائل و عیون‌المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبدهٔ، المعالم، مفاتیح الغیب (ه.م)، نهایهٔالاعجاز (ه.م)، المسائل الخمسون (ه.م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه.م)، الملخص (ه.م)، شرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن‌سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمهٔ، مباحث المشرقیه (ه.م).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۳ / ۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۷ -۱۰۱۶ / ۲)، تاریخ فلاسفهی ایرانی (۴۱۳ -۳۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸ -۱۸۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۴۴ -۳۶ / ۸)، ریحانه (۳۰۱ -۲۹۷ / ۴)، ری باستان (۳۷۷ -۳۷۴ / ۲)، سیر النبلاء (۵۰۱ -۵۰۰ / ۲۱)، شخصیت‌های نامی (۳۶۴ -۳۶۳)، شذرات الذهب (۲۲ -۲۱ / ۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۶۸ - ۳۶۷)، الکامل (۳۰۲ / ۹)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۹۸۸، ۱۹۸۶، ۱۹۷۳، ۱۹۰۵، ۱۸۶۴، ۱۸۴۰، ۱۸۱۹، ۱۷۷۴، ۱۷۵۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۶، ۱۷۱۴، ۱۶۹۷، ۱۶۱۶، ۱۶۱۵، ۱۶۱۴، ۱۵۷۸، ۱۵۷۷- ۱۵۶۱، ۱۴۶۷، ۱۴۴۵، ۱۳۱۲، ۱۱۸۶، ۱۱۴۱، ۱۱۱۳، ۱۰۳۵، ۹۹۳، ۹۸۹، ۹۵۴، ۷۶۰، ۷۳۹، ۷۳۰، ۷۲۵، ۶۳۳، ۶۰۵، ۵۶۵، ۵۱۵، ۴۵۴، ۴۴۹، ۳۵۹، ۳۵۴، ۳۳۳، ۲۶۲، ۲۲۴، ۲۰۴، ۱۲۰، ۹۴، ۸۳، ۶۷، ۶۱)، الکنی و الالقاب (۱۶ -۱۳ / ۳)، لسان المیزان (۴۳۵ -۴۳۰ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۰۶)، معجم المؤلفین (۸۰ -۷۹ / ۱۱)، منتخب التواریخ (۴۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۴ -۶۴۲ / ۵)، النجوم الزاهره (۱۷۶ -۱۷۵ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۵۲ -۲۴۸/ ۴)، وفیات الاعیان (۲۵۲ -۲۴۸ / ۴)، وقایع السنین و الاعوام (۳۳۵)، یادداشتهای قزوینی (۹۵ / ۶).

فخرالمحققین شیرازی، محمد هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۸ ق)، عالم امامی، واعظ، عارف و نویسنده. در اصطهبانات به دنیا آمد و برای فراگیری علوم اسلامی به شیراز مهاجرت کرد. پس از تحصیل معقول و منقول به وعظ و خطابه و تألیف پرداخت. وی به اکثر شهرستانهای ایران برای تبلیغ و نشر مبانی و معارف اسلامی مسافرت کرد. از آثارش: «بستان معرفت» یا «کشکول شیخ‌الاسلامی»، در چند مجلد؛ «دانش‌نامه‌ی شیخ‌الاسلامی»، در اصول معارف، در پنج جلد؛ «فلسفه شهادت» یا «رمز محبت»، به عربی و ترجمه‌ی آن به فارسی.[۱]

شیخ محمدهادی شیخ‌الاسلامی ملقب به فخرالمحققین بن میرزا احمد ملقب به شیخ المحققین اصطهباناتی از فضلاء و عرفا و وعاظ مشهور و نویسندگان معروف معاصر شیراز است.

وی در ۲۵ ذیقعده ۱۳۲۸ ق در اصطهبانات به دنیا آمده و برای تحصیل علم و معرفت به شیراز مهاجرت کرده و پس از تحصیل معقول و منقول به وعظ و خطابه و تالیف پرداخته و با کثر بلاد و شهرستانهای ایران برای تبلیغ و نشر مبانی و معارف اسلامی مسافرت کرده و از راه منبر خدمات ارزنده‌ای نموده است.

تألیفات و آثار عدیده دارد که بعضی مطبوع و برخی مخطوط مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- بستان معرفت یا کشکول شیخ‌الاسلامی چند مجلد است که جلد اول آن بطبع رسیده است.

۲- دانش‌نامه شیخ‌الاسلامی (در اصول معارف پنج جلداست و تاکنون دو جلد آن در توحید و نبوت عامه و نبوت خاصه و امامت و معاد است).

۳- فلسفه شهادت یا رمز محبت (به عربی).

۴- ترجمه فارسی فلسفه شهادت.

معظم له برادر ارجمند جناب حاج آقای مجد واعظ شیرازیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۰۸ / ۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۵ / ۵).

فخرایی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۱۷ ق.، در محله‌ی آفخرا، رشت.

درگذشت: ۱۶ بهمن ۱۳۶۶.

ابراهیم فخرایی، فرزند رضا بازرگان که نام خانوادگی قبلی‌اش رضازاده بود، در پنج سالگی به مکتبخانه شیخ محمد مجدالکتاب به نام «مجلس تعلیم مشق عمومی» در رشت رفت. پس از اتمام این مکتب، در مدرسه‌ی اتفاق مشغول به تحصیل حساب و سیاق و مشق خط و قرآن و عربی و روسی و انگلیسی شد.

در شانزده سالگی از رشت به همراهی یکی از بستگانش از طریق بادکوبه و استانبول عازم بیروت شد. با شروع جنگ جهانی اول،

پیش از آن که به بیروت برسد، عازم شام گردید. در مدت هفده ماهی که در شام بود، در مدرسه‌ای که متعلق به کاتولیک‌های یونانی بود، به تحصیل مشغول شد. زبان عربی را در دمشق فراگرفت. از راه حلب و بغداد و پس از زیارت عتبات عالیات به ایران بازگشت.

در تهران در مدرسه سیروس مدت یک سال درس خواند. پس از سفری به رشت، در دارالفنون به تحصیل ادامه داد. مقداری از دروس طی را نزد دکتر مؤدب‌الدوله نفیسی فراگرفت.

در بازگشت به رشت، با کمک برادرش، به خدمت میرزا کوچک‌خان جنگلی رفت. در آنجا مسئولیت تحریرات شخصی میرزا شد. مدتی نیز به عنوان امین مالیه به ضیاء فرستاده شد. سپس به کسما اعزام شد. و در آنجا مسئول اداره‌ی فرهنگ نهضت جنگل بود. در دوران مسئولیتش، چندین مدرسه در صومعه‌سرا، فومن، ماسوله و شفت ساخت. شرح دورانی که وی با میرزا کوچک‌خان بوده است در کتابی درباره‌ی زندگینامه‌ی سردار جنگل به قلم خود وی آمده است. پس از نهضت جنگل مدتی در اسارت بود. با اعلان عفو عمومی، به انزلی رفت و در آنجا مدیر مدرسه شش کلاسه‌ای شد. اما با توجه به این که میزان حقوق خود و معلمینش پایین بود، دست به اعتصاب زدند، ملاقات با حسن ناصر، پیشکار دارایی گیلان فایده‌ای نداشت، و سرانجام باعث اخراج آنها شد. با این اتفاق، به رشت بازگشت، و در آنجا در سال ۱۳۰۲ امتیاز روزنامه‌ای به نام «پیام» را گرفت که پیش از انتشار روزنامه، با انتشار بیانیه‌ای به نام «طلیعه» روزنامه توقیف شد و درنیامد.

سپس به همکاری با فردی به نامه محمود طلوع پرداخت و روزنامه‌ی «طلوع» را منتشر می‌کرد. مدتی به این ترتیب گذشت، تا به سبب نوشتن مقاله‌ای علیه سرتیپ محمدحسین‌خان آیرم که نماینده‌ی تیپ مستقل در شمال بود، به زندان افتاد.

با عوض شدن رییس معارف گیلان، و بر سر کار آمدن تقی طایر، دوباره به فرهنگ بازگشت و شروع به تدریس در دبیرستان و کلاس ششم دبیرستان نمود. در این دوران برای روزنامه و مجله‌های «فکر جوان»، «صورت»، «فرهنگ» و «پرورش» مقاله می‌نوشت. ضمنا در هفتم دی ۱۳۰۴ امیتاز روزنامه‌ی «رشت» را از شورای عالی معارف رشت گرفت ولی هرگز موفق به انتشار آن نشد. در سال ۱۳۰۶ مجله‌ای به نام «فروغ» دایر کرد که به مدت یک سال و دوازده شماره منتشر شد. در سال ۱۳۰۷، تعدادی جزوه‌ی درسی برای دانش‌آموزان مدارس رشت به نام‌های گنجینه‌ی ادب، اخلاق، تاریخ و تعلیمات مدنی نوشت و انتشار داد. در همین سال به سبب شرکت در یک اعتصاب، از فرهنگ خارج شد و پس از مدتی نیز از شهر رشت نیز نفی بلد شد. به تهران آمد و پس از مدتی، مدیریت مدرسه‌ی منوچهری را به عهده گرفت.

با شرکت در یک دوره‌ی قضایی، وکیل گردید و به رشت بازگشت. اما پس از مدتی حکم امانت محدود صلح قزوین را به وی دادند و مجددا از شهر رشت تبعید شد. از این زمان یعنی سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۳۳ که بازنشسته شد، یا به عنوان رییس دادگستری یا به عنوان بازرس و سمتهای دیگر در شهرهای مختلف خدمت کرد.

در سال ۱۳۳۴، روزنامه‌ی «فروغ» را به جای مجله‌ی «فروغ» منتشر کرد که فقط برای مدت یک سال دوام آورد. مدتی نیز به همراه دیگران حزب جنگل را در رشت تأسیس کرد که مدتی دبیر این حزب بود.

در دوران بازنشستگی به مطالعه و جمع‌آوری یادداشت‌هایش پرداخت و آثاری را منتشر کرد. از آن جمله است: گیلان در جنبش مشروطه (۱۳۵۲)؛ گیلان در قلمرو شعر و ادب (۱۳۵۶)؛ گیلان در گذرگاه زمان (۱۳۵۴)؛ از هر چمن گلی؛ مشاهیر گیلان؛ سردار جنگل (۱۳۴۴)؛ نمادی از یک زیست. وی همچنین یک دوره تاریخ ایران برای سال سوم مدارس ابتدایی (کتاب درسی) در سال ۱۳۰۷ منتشر کرد. ضمنا کتاب ضرب‌المثل‌های گیلکی چاپ نشده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فخری هروی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مترجم و شاعر، متخلص به فخری. در هرات به دنیا آمد و در اوایل عهد شاه‌طهماسب (۹۸۴ –۹۳۰ ق) ب قصد زیارت خانه خدا به سند رفت و در سلک ملازمان میرزا شاه‌حسین ارغون (۹۶۲ –۹۲۸ ق) درآمد و تذکره‌ی «روضه السلاطین» و کتاب «صنایع الحسن» را، در صنایع و بدایع شعری، به نام وی تألیف کرد و پس از درگذشت او به دربار جلال‌الدین محمد اکبرشاه رفت و تذکره‌ی «جواهر العجایب»را که قبلا به نام حاجیه ماهبیگم، همسر میرزا شاه‌حسین، تألیف کرده بود با اندک تغییری به ما هم اتکه، دایه جلال‌الدین اکبرشاه تقدیم کرد. از دیگر آثار وی: دو «دیوان» غزلیات به نامهای: «بوستان خیال» و «تحفه الحبیب»؛ «لطایف‌نامه»، ترجمه فارسی «مجالس النفائس»؛ «جواهر العجایب»، در شرح حال بیست و پنج تن از زنان سخنگو؛ «هفت کشور»، در تاریخ و اخلاق و افسانه؛ «روضه السلاطین»، در ذکر هشتاد نفر از سلاطین و امرا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰ –۱۲۹ / ۴)، تاریخ تذکره فاسی (۱۲۰ –۱۱۸ / ۲ ،۶۴۹ –۶۴۴ ،۴۲۹ –۴۱۷ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸ / ۲)، الذریعه (۸۱۴ / ۹)، روضه السلاطین (مقدمه/ ی- یح)، فرهنگ سخنوران (۶۹۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۶۱ –۲۴۶۰/ ۳)، کاروان هند (۹۹۸ –۹۹۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فخری)، مجالس النفایس (مقدمه/ کح- ل)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۶ –۷۹۵ / ۴).

فدایی یزدی، یحیی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۲ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به فـدایی. وی پس از تحصـیل علوم دینی به اقتفای پدر قدم در میدان شاعری گذاشت. وی به مرض وبا وفات یافت. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۰۵ -۱۳۰۴ / ۲)، الذریعه (۸۱۶ / ۹)، ریحانه (۳۰۴ -۳۰۳ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۶۹۴).

فدشکوئی فسائی، کمال

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا کمال‌الدین محمد بن معین‌الدین محمد فدشـکوئی فسائی معروف به (میرزا کمالا) از فقهاء و فضـلاء قرن یازدهم هجری داماد علامه ملا محمدتقی مجلسی اول بوده و در حدود ۱۱۱۰ قمری وفات نموده است از تألیفات اوست (القیودا الوافیه) فی شرح الشافیه در صـرف و نیز شـرحی منظوم بر قصیده تائیه دعبل خزاعی که در سال ۱۱۰۳ سـروده است و در سال ۱۳۰۷ شمسی در تهران چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فرازی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس فرازی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مرحوم آیه الله آیتی در شهرستان بیرجند شدم در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس مدرسه علمیه سلمانیه شدم و طی ۷ سال حضور در حوزه مشـهد ضمن شرکت در درسهای مدرسه و استفاده از برنامه های خوب مدرسه از محضـر اسـتاد حجت هاشـمی در ادبیات و اساتید چون اسـتاد سائلی، اسـتاد سـید عباس صالحی، استاد آیه الله فقیه سبزواری، آیه الله صالحی و اسـتاد شیخ جواد مروی آیه الله رضازاده و آیه الله فلسفی بهره بردم و در سال ۷۱ به حوزه علمیه قم مشرف شدم. ابتداء از دروس اخلاق آیه الله اشـتهاردی، احمدی میانجی و اسـتاد خاتمی بهره بردم و در درس فقه واصول حضـرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، مکارم شـیرازی، جعفر سـبحانی و سـید احمد خاتمی شـرکت کردم. و در کنار تحصـیل دروس رسـمی حوزه از دروس تفسـیر آیه الله جوادی آملی و استاد خاتمی بهره بردم و به مدت ۴ سال در رشـته تخصصی تبلیغ شرکت کردم که واقعاً دوره طلائی بود زیرا در موضوعات مختلف از اساتید زبده و جوان مانند اسـتاد کرمی، استاد عابدی، استاد ربانی گلپایگانی، استاد نبوی و اسـتاد دشتی اسـتفاده کردم. پس از هجرت به تهران توفیق حضور در درس فقه مقام معظم رهبری و اصول آیه الله هاشمی شاهرودی را پیدا کردم و پس از هجرت به چالوس به عنوان امام جمعه در حوزه علمیه برادران و خواهران و دانشگاه آزاد اسـلامی به تدریس دروس حوزه و معارف و اخلاق پرداختم. ضـمناً در کنار تحصـیل و تدریس و تبلیغ همواره در محضـر اساتید و دوستان از خود بهتر به امر تحقیق نیز پرداخته ام که امید وارم خدای مهربان در این میدان بر توفیقات من بیفزاید انشاء الله ...

فراشبندی، علیمراد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، مورخ، نویسـنده و روزنامه‌نگار. در برازجان به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی و متوسـطه را در دبیرستان فرخی برازجان به پایان رساند. در ۱۳۱۸ ش در اداره‌ی فرهنگ بنادر جنوب وارد خدمت شد و در برازجان به تدریس مشغول گشت. در ۱۳۲۴ ش به اداره‌ی فرهنگ شـیراز منتقل شد. در ۱۳۳۱ ش امتیـاز روزنامه‌ی «خانه‌ی ملت» را گرفت. از آثار وی: «تاریـخ و جغرافیایی برازجان»؛

«دکتر مصدق یا جرج واشنگتن ایران»؛ «نظری به گذشته‌ی ایران»؛ «ایران و ایرانیان»؛ «آمریکاییها را بشناسید»؛ «زندانهای من»؛ «تاریخ مختصر سلسله‌ی قاجاریه»؛ «انگلیسیها را بهتر بشناسید».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۰۹ -۷۰۷ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۱ -۶۰۰ / ۴).

فرامرزی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۸ ش)، مورخ، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در روستای کچویه فرامرزان از توابع لارستان فارس به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر به بحرین عزیمت نمود و در آنجا مقدمات فقه شافعی و نحو را در خدمت پدر آموخت. بعد از مراجعت به ایران به دلیل پیوستگی پدرش با مشروطه‌خواهان مجددا مجبور به ترک وطن و عزیمت به بحرین شد. فرامرزی در بحرین مدتی به تجارت مشغول گشت و در ۱۳۰۱ ش به همراه برادرش به تهران سفر کرد. در ۱۳۲۴ ش مدیریت کل وزارت دارایی را به عهده گرفت. او چند دوره نیز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. وی در ۱۳۰۶ ش به همراه برادرش مجله‌ی «تقدم» و بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش روزنامه‌ی «خاور» را تأسیس و منتشر کرد. از آثار او: «چرا فرانسه شکست خورد»،ترجمه؛ «نتایج سیاسی جنگ بین‌المللی اول»، ترجمه؛ «انگلیسی‌ها در انگلستان»، ترجمه؛ «تاریخ تشکیلات سیاسی و قانونی و قضایی و اقتصادی»، ترجمه؛ «تاریخ بصره»؛ «تاریخ کویت».[۱]

فرزند شیخ عبدالواحد لاری در ۱۲۶۵ در قریه گچویه از بلوک فرامرزیان لارستان به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را نزد پدر خود فراگرفت. در سن جوانی به مشروطه‌خواهان پیوست و با نیروهای استبدادی مبارزه نمود. حاصل این مبارزات یک سال زندان بود. فرامرزی پس از استخلاص از زندان به اتفاق برادرش عبدالرحمن به بحرین رفت و کار معلمی را پیشه‌ی خود ساخت و چون هر دو برادر روح سرکشی داشتند و در آنجا به مبارزاتی دست زدند که ناچار به ایران آمدند.

احمد فرامرزی مدتی در وزارت امور خارجه مترجم زبان عربی بود. چندی در وزارت راه و چند سالی هم در دادگستری شاغل مقاماتی شد. مدتی هم مدیرکل وزارت دارائی بود.

در ۱۳۰۸ ش در تهران مجله‌ی علمی و ادبی و تحقیقی تقدم را انتشار داد و دانشمندانی چون تقی‌زاده و جمال‌زاده عضو هیئت تحریریه آن مجله بودند. پس از ۱۳۲۰ نامه‌ی هفتگی سیاسی و اجتماعی خاور را منتشر نمود و مدتی هم روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را می‌نوشت. در دوره‌ی پانزدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و در ادوار هفدهم و هیجدهم نیز وکیل مردم بوشهر در مجلس بود. مرحوم فرامرزی ادیب و دانشمند و محقق بود. تحقیقات دامنه‌داری درباره‌ی تاریخ و جغرافیای خلیج‌فارس نموده که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط وافی داشت. در اسفندماه ۱۳۴۰ در ۷۳ سالگی درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۳۴ -۱۳۲ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۴ -۷۰ / ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۷ -۵۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۱ -۴۳۰ / ۱).

فرامرزی، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۷۵ ش)، شاعر، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نویس. وی در قریه کچویه فرامرزان لار به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم مقدماتی در زادگاهش به اتفاق خانواده به بحرین رهسپار گردید و برای تکمیل تحصیلات به چند کشور عربی مسافرت کرد و پس از چندی به بحرین بازگشت و به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در تهران به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. اما چندی طول نکشید که از این کار دست کشید و به روزنامه‌نگاری روی آورد و بیست سال سردبیری روزنامه «کیهان» را عهده‌دار بود. وی چندین دوره از طرف مردم لار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. از آثار اوست: «راه زندگی»؛ «داستان دوستان»؛ «مجموعه داستان»؛ «مجموعه‌ی مقالات فرامرزی»؛ «دستور زندگانی»، ترجمه؛ «سرگذشت یک بدبخت»، ترجمه.[۱]

نویسنده‌ی برجسته و روزنامه‌نگار و سیاستمدار معاصر، متولد ۱۲۸۰ ش و فرزند عبدالواحد است. وی تحصیلات خود را در لار و بحرین به اتمام رسانید و در ادبیات فارسی و فقه و اصول و منطق و حکمت صاحب‌نظر شد. از ۲۰ سالگی به خدمات فرهنگی اشتغال ورزید و در مدارس مختلف فارس و تهران به تدریس ادبیات فارسی و عربی مشغول شد. در زمانی که مختار رئیس شهربانی بود، اداره‌ای به نام اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری در شهربانی تاسیس کرد، دشتی ریاست آن اداره را عهده‌دار بود و فرامرزی به ریاست آن اداره منصوب شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در انجا خدمت می‌کرد. آن اداره در حقیقت کار سانسور مطبوعات را انجام می‌داد.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ فرامرزی به کار مطبوعاتی پرداخت و روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را انتشار داد. بعد از چندی، امتیاز روزنامه‌ی کیهان را گرفت و با سردبیری دکتر مصباح‌زاده آن را انتشار داد. در آذرماه ۱۳۲۱ که قوام‌السلطنه امتیاز تمام روزنامه‌ها را باطل

کرد، روزنامه‌ی کیهان هم منحل گردیـد. بعـد از مـدتی مجـددا کیهان به صاحب‌امتیازی دکتر مصباح‌زاده و مـدیریت عبـدالرحمن فرامرزی انتشار یافت. این روزنامه در اثر تلاش و قلم فرامرزی و چند تن دیگر از دوستان به زودی در محافل مختلف ایران معروف شـد و در ردیف بزرگترین روزنامه‌های روز شد. سرمقالاتی که فرامرزی در آنجا می‌نوشت طرفداران زیادی پیدا کرد و مخصوصـا انتقـادات و حملات فرامرزی به دولتها موجبات گرایش مردم به سوی این روزنامه را فراهم نمود. فرامرزی در حزب دموکرات ایران قوام‌السلطنه وارد شد و روزنامه‌ی بهرام را که طرفدار قوام‌السلطنه بود، اداره می‌کرد.

در انتخابـات دوره‌ی پـانزدهم، فرامرزی از طرف حزب دموکرات ایران کاندیـدای نماینـدگی مجلس شـد و از لار به پارلمان رفت. فرامرزی در مجلس پانزدهم با ایراد چند سخنرانی جای خود را باز کرد و در زمره‌ی وکلای متنفذ قرار گرفت. در دوره‌ی شانزدهم نیز کرسی نمایندگی را حفظ نمود. در دوره‌ی هفدهم از ایوانکی و ورامین نماینده شد و در دوره‌ی هیجدهم هم وکیل ورامین بود. در انتخابات زمستانی دوره‌ی بیستم که منجر به انحلال مجلسین شد، فرامرزی به عنوان نماینده‌ی مردم بندر لنگه در مجلس عضویت داشت. از آن تاریخ به بعد، دیگر کاری به او ارجاع نشد تا اینکه در ۱۳۵۱ در ۷۳ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۸، ش ۶، ص ۳۴۲ -۳۴۰)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۰۳ -۲۶۰۰ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶ - ۸۱۴ / ۳).

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اینجانب علی اکبر فرجی سـلطان آباد هشترودی درسال ۱۳۲۶هجری شمسـی درقریه گنجینه کتاب ازتوابه هشترود آذربایجان شرقی دریک خانواده اهل علم به دنیا آمـدم. تمام تحصیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که ازعلما و وعاظآن منطقه به شمار می رفت) ودرسال ۱۳۴۹به قم منتقل شده وپس ازآشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصل مکاسب وکفایه درداراالتبلیغ اسـلامی نیز مشغول تحصیل شدم که درسال ۱۳۵۴سطح راتمام کرده واز دارالتبلیغات اسـلامی فارغ التحصیل شدم. مدت ۲سال در دارالزهراء مشغول تدریس دررشـته های تفسیر قرآن، تاریخ اسلام وادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم باچند نفر ازرفقا لجنه تحقیقی تشکیل دادیم وکتاب نفیس وبسیار ارزشـمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام وحجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق وپاورقی نمودیم ونزدیک به ۴ سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن ۳جلـد چـاپ شـده وبقیه زیر چاپ است (چاپ اول ۱۴۲۵ق ۱۳۸۳ش نشـر دانش حوزه) مقاله ای ازاینجانب درباره اصـلاحات ارضـی که پاسخی به یک نویسنده بود درروزنامه اطلاعات شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۹به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری وفارسی سروده ام که یکی ازاشعارم بعنوان (البلاءللولاء) درآخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده است البته چون اینجانب واعظ ومنبری هستم فعلا اغلب فعالیتم دراین زمینه است

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشترودی

۲۲/۲/۸۶

فرخ خراسانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۶۷(۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۴ ق.)، مشهد.

درگذشت: ۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، مشهد.

سیـد محمود فرخ خراسانی متخلص به «فرخ» فرزنـد سـید احمـد جواهری متخلص به «دانا»، مقـدمات فارسـی و عربی را در مـدارس قدیمه (مکتبی در مجاورت منزلشان) آموخت، الفبای قرآن را فراگرفت و کتاب‌های موش و گربه و حسـنین و عاق والدین و حسین کرد و نصاب الصبیان و گلسـتان سـعدی را خوانـد، امثله و صـرف میر را در یکی از حجره‌های صـحن نو از آخوند مکتبداری به نام ادیب‌السـلطنه آموخت. فنون ادب را (انموذج و هدایـۀ و مغنی و مطول) از محضـر شـیخ محمدحسین سبزواری و پـدر خود (کتـاب گوهر مراد را پیش پدرش خواند) فراگرفت، در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت، بیشتر اشعار وی به سبک خراسانی است.

سال‌ها تصـدی امور آسـتان قـدس رضوی را بر عهـده داشت و چندی نیز کفیل اسـتانداری خراسان بود. وی در همان حال عضویت هیئت مـدیره کارخانه‌ی نخ‌ریسـی و برق خسـروی را نیز داشت. ضـمنا دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی نماینـده‌ی قوچـان بود. در سال‌های آخر عمر در مشـهد انزوا گزیـد و به تأسیس انجمن ادبی فرخ اقـدام کرد. در سال ۱۳۵۳ دانشگاه مشهد به محمود فرخ مقام استادی افتخاری دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی آن دانشگاه را اعطاء کرد.

فهرست آثار وی به شـرح زیر است: تصـحیح و چاپ تاریخ مجمل فصیحی خوافی (سه جلد، ۱۳۳۹)؛ مناظرات و اخوانیات، سفینه‌ی فرخ (دو جلـد، ۱۳۳۲)؛ دیوان اشـعار (شامـل چهـار هزار بیت که به چـاپ نرسیـده است)؛ روضه‌ی خلـد (۱۳۴۵)؛ مثنوی فروزنـده و منتخب آثار و شـرح احوال استاد منشی باشی نصرت (۱۳۳۱)؛ خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصـفهانی معروف به مراغه‌ای

و مثنوی منطق‌العشاق یا ده نامه‌ی احدی (۱۳۳۵). از فرخ چنـد مقاله تحقیقی و ادبی در مجله‌های «آینده» «یغما» «فرهنگ خراسان» و «یادگار» طبع شده است.

ادیب و شاعر توانای معاصر، فرزنـد میرزا احمدخان جواهری خراسانی، در ۱۲۷۴ ش در مشـهد تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقـدماتی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی مشـهد شـد و نزد علمای مشـهور آن زمان از جمله ادیب نیشابوری، ادبیات فارسـی و عربی را به حد کمال رسانیـد و به خدمت آسـتان قدس رضوی درآمد. وی از جوانی در تشـکیل انجمنهای ادبی در مشـهد و همکاری با مطبوعات پیشـقدم بود و اشـعار او در بیشتر جرایـد انتشـار می‌یـافت. فرخ در ادوار دوازدهم و سـیزدهم مجلس شورای ملی که انتخابات هر دو دوره در اوج دیکتـاتوری انجـام گرفته بود، وکیل شـد ولی از آن پس همچنان در آسـتانه مشـغول کار بود. مـدتی نیز کفیل آسـتان قـدس رضوی بود و بیشـتر وقت او صـرف کارهـای ادبی می‌شـد. وی را بایـد یکی از شـعرای بزرگ معاصر دانست، مخصوصـا در قصیده در زمره‌ی چند استاد معاصر می‌باشد. در سن ۸۴ سالگی در مشهد وفات یافت. تالیفات زیادی از او باقی مانده است.

(۱۳۶۰ -۱۲۷۵ ش)، مصحح و شاعر، متخلص به فرخ. در شهر مشهد به دنیا آمد. پدرش از ادیبان خراسان بود. علوم مقدماتی را در مدارس قدیمه‌ی آن شـهر و فنون ادب را در محضر شیخ محمد حسین سبزواری و پدر خود آموخت و در هشت سالگی به نظم شعر پردات. وی دارای مشاغـل مختلفی، از جمله: ریـاست دفتر آسـتان قـدس رضوی، نماینـدگی مردم قوچـان در دوره‌هـای دوازدهم و سیزدهم مجلس شـورای ملی بـود. فرخ در ۱۳۲۳ ش به ازبکسـتان سـفر کرد. از آثارش: «سـفینه‌ی فرخ»؛ تصـحیح «مجمل فیحصی»؛ تصحیح کتاب «روضه‌ی خلد»، مجد خوافی؛ «خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۰ -۳۲۱)، ادبیات معاصر (۷۹ -۸۷)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷ -۶۴ / ۵)، سخنوران نامی (۲۹۹ -۲۹۰ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۲۳ -۲۶۱۸ / ۴)، صدف (۵۴۲ -۵۳۳)، صد سال شعر خراسان (۴۳۱ - ۴۱۸)، فرهنگ سخنوران (۶۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲ -۷۱ / ۶).

فرخی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱: فرخ) یزدی، محمـد بن ابراهیم، آزادیخواه و شاعر (و. یزد ۱۳۰۶ ه.ق- ف. تهران ۱۳۱۸ ه.ش). وی مردی مبارز و منتقد و بی‌بـاک بود. در سال ۱۳۴۰ ه.ق روزنـامه‌ی طوفـان را منتشـر کرد. در دوره‌ی هفتـم از طرف اهـالی یزد به نماینـدگی مجلس شـورا انتخاب شـد. بر اثر افکار سوسـیالیستی محکوم به حبس گردید و در زندان قصـر (تهران) درگذشت. غزلیات تأثرآور و رقت‌انگیزی در زندان ساخته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فردوسی پور، عادل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عادل فردوسی‌پور (مهر ۱۳۵۳ در تهران) روزنامه‌نگار، مترجم، مدرس دانشگاه، تهیه‌کننده، مجری تلویزیونی و گزارشگر فوتبال اهل ایران است. او دارای مدرک کارشناسی ارشد مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف است و هم‌اکنون به ارایه واحد درسی زبان انگلیسـی تخصصـی مهندسـی صـنایع در این دانشگاه می‌پردازد. او پایه‌گـذار، تهیه‌کننده و مجری برنامه ۹۰ که از شـبکه ۳ سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود نیز هست. در سال ۲۰۰۹، هفته‌نامه نیوزویک او را در فهرست پرقدرت‌ترین افراد در ایران در رده نوزدهم جای داد.مجله ورلدساکر به او لقب «جان ماتسن ایران» داده‌است. زندگی

عادل در مهر ماه ۱۳۵۳ در محله شهر آرا تهران زاده شد تحصیل:

عادل دوران دبستان را در مدرسه ذوقی گذراند و با وجوده علاقه بسیارش به فوتبال از درسش دور نشد و دیپلم خود را از دبیرستان البرز با معدل ممتاز گرفت. سـرانجام در رشته مهندسـی صـنایع دانشـگاه صـنعتی شـریف پذیرفته شد و تحصیلات خود را در همین رشته و دانشگاه تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه داد.

کار رسانه‌ای:

روزنامه‌نگاری

او کار رسانه‌ای خود را در سال ۱۳۷۲، با روزنامه‌نگاری در روزنامه ابرار ورزشی به سردبیری اردشیر لارودی آغاز کرد. وی در آن زمـان، دانشـجوی سـال سـوم کارشناسـی بـود و در بخش ترجمه صـفحه فوتبـال خـارجی کـار می‌کرد. او پس از قبـولی در آزمـون گزارشـگری صـدا و سـیما، کمی از روزنامه‌نگاری فاصـله گرفت، اما پس از مـدتی با مجله سـروش جوان، مجله همشـهری جوان و روزنامه جام‌جم به همکاری پرداخت.او برای مجله ورلدساکر نیز مطلب می‌نویسد. گزارشگری:

او در پایـان سال ۱۳۷۳ پس از چنـدین بـار آزمون به صـدا و سـیما راه یافت و در ابتـدا به گزارش برنامه منتخب ورزشـی (برنامه‌ای آرشـیوی از شبکه سوم سـیما که در نیمه شب پخش می‌شود) می‌پرداخت. فردوسـی پور کم کم پیشـرفت کرد و توانست بازی‌های بهتری را گزارش کنـد. او پس از گزارش‌هـای خوبش در جام جهانی ۹۸، تـوانست خود را به همه بشـناساند و از آن پس بود که به

عنوان گزارشگر بازی‌های زنده و مهم انتخاب شد. در آن زمان که تلفظ نادرست نام‌های خارجی در گزارش‌های فوتبال صدا و سیما زیاد اتفاق می‌افتاد، او از معدود گزارشگران مسلط به زبان‌های خارجی بود. او در مراسم اهدای توپ طلای فوتبال ایران نیز جایزهٔ بهترین گزارشگر را از افشین قطبی دریافت کرد.

:تئاتر

فردوسی‌پور در سال ۱۳۸۴ با گروه اجرایی نمایش «فنز» به نویسندگی و کارگردانی محمد رحمانیان همکاری داشت. او در این نمایش صداپیشه یک گزارشگر فوتبال بود. نمایش فنز درباره یک خانواده انگلیسی بود که همگی از طرفداران متعصب تیم منچستر یونایتد بودند. پرویز پرستویی، ترانه علیدوستی، حبیب رضایی، مهتاب نصیرپور و احمد مهرانفر نیز در این نمایش حاضر بودند ترجمه:

فردوسی‌پور سال‌ها پس از تجربه ترجمه در روزنامه ابرار ورزشی، در سال ۱۳۸۸ قراردادی را برای ترجمه کتاب فوتبال در برابر دشمن که درونمایه‌ای فوتبالی–سیاسی دارد با نشر چشمه امضاء کرد

صداگذاری بازی رایانه‌ای:

فردوسی‌پور تعدادی از سری‌های بازی‌های فوتبال تکامل حرفه‌ای و فیفا را به زبان فارسی گزارش کرده‌است.

فردوسی فراهانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، مترجم و شاعر. در قریه ابراهیم‌آباد از توابع اراک به دنیا آمد.وی مدت بیست و شش سال به تحصیل پرداخت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند، از آن پس برای ادامه‌ی تحصیل به شهر قم عزیمت کرد و در حوزه‌ی علمیه به تحصیل اشتغال ورزید. وی صرف و نحو، معانی و بیان، منطق و فقه و اصول را از محضر اساتید فن فراگرفت. پس از آن در اداره ثبت اسناد و املاک به خدمت مشغول شد. در ۱۳۲۸ ش به تهران انتقال یافت و در این شهر ساکن شد. از آثار وی: «اسلام و هیئت»، ترجمه؛ «کمال آتاتورک»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۱ –۷۵ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۰۸ –۲۶۰۴ / ۴)،فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۷۷ / ۲ ،۲۲۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۶ –۶۰۵ / ۱).

فرزاد، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ –۱۲۸۵ ش)، شاعر، نویسنده، محقق، مترجم، استاد دانشگاه و مصحح. در سنندج به دنیا آمد. در کئدکی به اتفاق خانواده از کردستان به تهران مهاجرت کرد و در این شهر سکونت اختیار نمود. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به انجام رسانید و با زبان انگلیسی آشنایی کامل یافت. فرزاد از آن پس به استخدام وزارت دارایی درآمد و به عنوان مترجم مشغول کار شد و در ۱۳۰۸ ش همراه سایر محصلین اعزامی به اروپا به لندن رفت و در رشته‌ی اقتصاد به تحصیل پرداخت. سپس به ایران مراجعت کرد و در وزارت خارجه به عنوان مترجم به خدمت مشغول شد و در ضمن در دانشکده‌ی افسری و دارالفنون به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. فرزاد یکبار دیگر به لندن سفر کرد و در آغاز جنگ بین‌الملل دوم از طرف بنگاه رادیو لندن برای بخش فارسی و ادبی آن موسسه برگزیده شد و چندین سال در آن جا سخنگو بود. پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد دانشگاه شیراز به تدریس مشغول گردید و سرانجام در ۱۳۶۰ ش که جهت معالجه به لندن رفته بود در آنجا درگذشت. فرزاد با صادق هدایت دوستی تمام داشته و با وی در کتاب «وغ وغ ساهاب» همکاری کرده است. از آثارش: «کوه تنهایی»؛ «بزم درد»؛ «گل غم»؛ «دیوان» شعر؛ «رویای ستاره»، ترجمه؛ «مرتد»؛ «داروی محبت»، ترجمه.[۱]

شاعر، نویسنده، مترجم.

تولد: ۱۲۸۵، سنندج.

درگذشت: ۴ مهر ۱۳۶۰، لندن.

مسعود فرزاد متخلص به «فرزاد» فرزند حبیب‌الله فرزاد (انتخاب الملک یا انتخاب‌الدوله) اصفهانی‌الاصل و رییس دارایی و گمرک کردستان بود. با انتقال پدرش از کردستان به تهران توانست تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تربیت و دارالفنون تهران به پایان رسانید. بعد از گرفتن دیپلم از مدرسه آمریکایی در وزارت دارایی به عنوان مترجم استخدام شد. سپس با قبولی در کنکور اعزام محصلین به اروپا، به انگلستان رفت و در دانشگاه لندن به تحصیل علم اقتصاد وادبیات همت گذاشت و پس از بازگشت به ایران به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. فرزاد مدتی هم به تدریس زبان انگلیسی در دانشکده‌ی افسری و دارالفنون پرداخت و در اوایل جنگ جهانی دوم از طرف بنگاه سخن پراکنی بی‌بی‌سی انگلستان برای بخش ادبی آنجا انتخاب شد و استخدام گردید و چندین سال به این شغل در رادیو لندن مشغول به کار بود. اما در اوایل ملی شدن صنعت نفت چون حاضر نشد مقاله‌های ضد ملی را در رادیو بخواند، از آن بنگاه مستعفی گردید و مترجم سفارت ایران در لندن شد و تا مدت‌ها به همین شغل اشتغال داشت. بعدها

در ایران مدت هشت سال در رادیو کار می‌کرد. سپس در سال ۱۳۴۶ به شیراز رفت و در دانشگاه آن شهر به تدریس «عروض» پرداخت. وی موفق شد که تحقیقات خود را درباره‌ی حافظ در ده جلد تحت نام تصحیح انتقادی دیوان حافظ به چاپ برساند و به دانشگاه شیراز اهداء نماید و از سوی دانشگاه شیراز دکترای افتخاری به وی اعطاء شد.

از یازده سالگی به سرودن شعر پرداخت. از آثار منظوم او می‌توان از این عنوان‌ها یاد کرد: وقتی که شاعر بودم (تهران، ۱۳۲۱)؛ کوه تنهایی (تهران، ۱۳۲۶)؛ گل غم (لندن، ۱۹۴۶)؛ بزم درد (تهران، ۱۳۳۲)؛ لبخند بدرود (شیراز، ۱۳۵۵)؛ چامه؛ دیوان اشعار. در شیراز از سال ۱۳۴۶ در برخی جلسات کانون دانش پارس و انجمن هدایت شرکت می‌کرد. از تألیفات وی به زبان انگلیسی باید به این عنوان‌ها اشاره نمود: وزن رباعی، ترجمه غزل‌های حافظ، مردی که فکر می‌کند، ترجمه انگلیسی موش و گربه، تفسیری درباره دو لغت از متن شکسپیر، شعر انگلیسی، الفباء و املاء جهانی،: نقد ادبیات فارسی. وی از دوستان صادق هدایت بود و کتاب وغ وغ ساهاب را این دو نویسنده با همکاری هم نوشتند از فعالیت‌های دیگر اوست: ترجمه رؤیا در نیمه شب تابستان (۱۳۳۵)، و هملت (از آثار ویلیام شکسپیر ۱۳۳۳)، ترجمه کوهولین رستم ایرلندی (از ویلیام باتلر ییتز)، آمون تیلاد(ادکار آلن پو)، اسب سواری (ویلیام کاپر)، بریان خوک (چارلز لام)، پز عالی (هنری)، داروی محبت (هنری)، مرغ حق (داستان)، رؤیای ستاره (چارلز دیکنز)، ریکی تیکی تاوی (ردیار کیپلینگ)، سرو چه می‌گفت (هانز اندرسن)، قلب رازگو (ادگار آلن پو) محبوس شیطان (لرد بایرون، ترجمه با مشارکت جواد شیخ‌الاسلامی، ۱۳۳۳)، مرتد (۱۳۳۳)، ماهالابه (ترجمه)، معلم کم‌آزار؛ مهربانی شوم، نی‌زن پاره پوش (رابرت برونیگ)؛ یعنی که مصاحبه؛ آماده ساختن پنجاه داستان مثنوی مولوی به صورت نمایشنامه که از رادیو پخش شد؛ تحقیقات در عروض فارسی؛ سیل بجنورد؛ حافظ- گزارش از نیمه راه (این کتاب پس از فوت فرزاد به چاپ رسید)؛ نوشتن مقالاتی پیرامون مسائل مختلف ادبی در مجلات کشور از جمله «مهر»، «یغما»، «فرهنگ و هنر»، «تماشا»، «تلاش»، «اطلاعات» و «کیهان».

فرزاد در سال ۱۳۵۵ دچار سکته‌ی ناقص شد و برای معالجه به لندن رفت. پس از بهبودی نسبی به شیراز بازگشت. او در چهارم مهر ۱۳۶۰ برابر با ششم سپتامبر ۱۹۸۱ در لندن درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۸، ص ۶۰۱ -۵۸۸)، انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم تا به امروز (۴۵۹ -۴۵۵)، الذریعه (۱۰۳۸ -۸۲۳ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۳ -۸۲ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۴۴ -۲۶۳۸ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۵ -۱۸۲ / ۶).

فرزام، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حمید فرزام در ۱۳۰۲ درکرمان متولد شد . و پس از اتمام تحصیلات ابتدایی ،به تهران آمد و تحصیلات خودراتا درجه دکتری ادبیات دردانشگاه تهران ادامه داد . سپس بعنوان استاد در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول شد و پس از بازنشستگی درسال۱۳۵۹ به تهران آمد و به تدریس دردانشگاه تهران ، دانشکده اقتصاد و دانشگاه امیر کبیر پرداخت و در همان سال به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد . وی در کنارتدریس به تحصیل در ادبیات عرفانی ایرانی بویژه دراحوال و آثار شاه نعمت الله ولی مشهور است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات فارسی

والدین و انساب : حمید فرزام ،پدرش را درشش سالگی ومادرش را درسیزده سالگی ازدست دادو از طرف مادر بزرگ عموو بستگان حمایت شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی فرزام درکرمان سپری شد . وی دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است . پایان نامه تحصیلی وی درمقطع دکترا ،به راهنمایی استاد فروزانفر و درباره احوال و آثار شاه نعمت الله ولی بوده است .

خاطرات و وقایع تحصیل : حمید فرزام دردوران نوجوانی ،حساس ،زود رنج و بسیار پرتوقع بود ،اما حافظه خوبی داشت .

فعالیتهای ضمن تحصیل : فرزام زمانی که دانشجو دوره دکترا بود ، در دبیرستانی درباغ فردوس ، ادبیات فارسی و عربی درس می داد . علاوه برآن ،ضمن درس از نهج البلاغه و آیات و قرآن کریم هم استفاده می کرد و همزمان ،ابیاتی از مولانا و حافظ می خواند و حالی عجیب و عرفانی پیدا می کرد و اشک درچشمانش حلقه می زد و این حال او ، دانش آموزان را تحت تاثیر قرار می داد که این امر درزمان تحصیل او فعالیت ویژه ای بود .

استادان و مربیان : استادان معروف حمید فرزام عبارتند از : ملک الشعراء ، استاد بهمنیار ، استاد جلال همایی ، استاد عبد العظیم قریب ،استاد اقبال آشتیانی ، استاد سید محمد کاظم عصار و استاد فروزانفر ، استاد معین ، استاد محمد باقر هوشیار . او با استاد بهمنیار نسبت و رابطه خویشاوندی دوری داشت . استاد راهنماییش نیز دردوره دکترا مرحوم فروزانفر بود . ولی بهترین استادی که از جنبه معنوی داشته است شیخ رجبعلی نکوگویان بود که از محضر پرفیض ایشان کسب فیض فراوان کرده است .

همسر و فرزندان : دکتر حمید فرزام دراین باره نقل می کند که : « دراوایل ازدواجم یک روز سرسنگین وبدون خداحافظی با همسر م تقریبا به حالت قهر از خانه بیرون رفتم .آن زمان رییس دبیرستان صباء در تجریش بودم . هنگام غروب با چند نفر از دوستان

وضو گرفتیم و برای نماز مغرب و عشاء آماده شدیم وبه اتاق جناب شیخ نکوگویان رفتیم هنوز یک ربع ساعتی به اذان مغرب مانده بود . جناب شیخ هم وضو گرفتندو آمدند وهمین که نگاهشان به من افتاد با حالت تعجب گفتند :قهر می کنی ؟ باید تحمل داشت زود از میدان در می روی و بلافاصله شعر مناسبی از حافظ خواندند .

وقایع میانسالی : فرزام درسن ۳۰ یا ۳۱ سالگی از ضربان قلب و درد آن ناراحت بود . بدان علت از طریق آقای گویا به استادش شیخ رجبعلی نکوگویا خیاط پیغام فرستاد که من قلبم ناراحت است و مثل اینکه بایـد مرخص شوم . «وقتی که این حرف به گوش شیخ رسید . گفت که از جانب من به فرزام بگویند ناراحت نباش ، موهای سرو صورتت هم سفید می شود یعنی به سن هفتاد و هشتاد هم می رسی و من می بینم .» این سخن شیخ به واقتیت پیوسته و فرزام هشتاد ساله است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر فرزام استاددانشگاه اصفهان و سپس استاد دانشگاه تهران بود. او دردانشکده اقتصاد دانشگاه امیر کبیر نیز تدریس می کرد ه است . وی عضو فرهنگستان زبان وادب فارسی نیز می باشد.

فعالیتهای آموزشی : تـدریس دردبیرسـتان بـاغ فردوس درتهران ، دانشگاه اصفهان ، دانشگاه تهران ،ونیز در دانشکده اقتصاد دردانشگاه امیر کبیر از فعالیتهای آموزشی دکتر فرزام بوده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فرزام در کنار تـدریس در دانشگاه به تحقیق و تالیف و تصحیح متون ادبیات و عرفان ایرانی و فارسی پرداخته است .

شاگردان : دکتر فرزام شاگردان بسیاری داشت . بعضی از شاگردان او ۷۵ ساله هستند او با بعضی از آنها نیز ارتباط می داشت . یکی از آن دانشجویان سید محمد خاتمی می باشد که به منصب ریاست جمهوری ایران رسیده است .

همفکران فرد : یکی از همفکران فرزام ،دکتر گویا بود که درووران تـدریس درباغ فردوس بـا هم آشنا شدنـد . این دوبه حافظ و مولوی عشق می ورزیدند وبه شیخ رجبعلی خیاط ارادت خاصی داشتند .

آرا و گرایشهای خاص : استاد فرزام ادبیات فارسی را دربعد عرفان اسلامی و ایران مورد بررسی قرارداده و نظری تخصصی برعرفان نعمت الهیه وشیخ نعمت الله ولی دارد .

چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثار استاد فرزام از سوی فرهنگستان زبان وادب فارسی و نیز دانشگاه اصفهان منتشرشده است . -----
----

آثار :

۱ احوال وآثار شاه نعمت الله ولی

ویژگی اثر : احوال وآثار شاه نعمت الله ولی کرمانی عنوان پایان نامه دکتری استاد فرزام است که تحت نظر استاد فروزانفر دفاع شده است .

۲ شعر افسانه زندگی

۳ شعری درباره فلسطین

۴ شعری درجواب سلمان رشدی

۵ کتاب تحقیق دراحوال ونقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی

۶ کتاب تعلیم و تربیت دراسلام، اصول اخلاقی اسلامی

ویژگی اثر : این کتاب اثری مشترک است از دکتر علی شریعتمداری (بخش اول کتاب) و دکتر حمید فرزام که توسط انتشارات کانون علمی و تربیتی جهان اسلام منتشر شده است .

۷ کتاب روابط معنوی شاه نعمت الله ولی با سلاطین ایران وهند

ویژگی اثر : این کتاب ضمیمه دوره سلسله ازآثار شاه نعمت الله ولی توسط انجمن کتابخانه ای عمومی اصفهان وابسته به وزارت فرهنگ و هنر منتشر شده است .

۸ کتاب شاه ولی ودعوی مهدویت

ویژگی اثر : این کتاب که ضمیمه ای بنام رساله مهدیه اثر شاه نعمت الله ولی دارد که درسال ۱۳۸۱ منتشر شده است .

۹ کتاب نکته ها و نقد ها

ویژگی اثر : عنوان مجموعه مقالاتی است که شامل (۵۵مقاله ادبی وعرفانی ، تاریخی و مذهبی ،تربیت و اجتماعی و انتقادی است بامقدمه دکترمهدی محقق که در ۱۳۸۰ توسط مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل کانادا چاپ شده است .

۱۰ مسافرت های شاه نعمت الله ولی و ارزش آن از جهات تربیت اجتماعی وسیاسی

ویژگی اثر : این کتاب توسط شخص استاد فرزام (ناشر ـمولف) دراصفهان به چاپ رسیده است . --------------------
----

منابع :

۱[شهلا پروین زاده،نگاهی به آثار استاد حمید فرزام ، کیهان فرهنگی ، ص۲۹]۲مقام عشق وعرفان ،یادنامه جناب شیخ رجبعلی خیاط نکوگویان ، درگفت و گو با دکتر حمید فرزام ، ماهنامه کیهان فرهنگی ، سال بیستم ، شهریور ۱۳۸۲ ، پیاپی ۲۰۳ ، ص۱۷

فرزان بیرجندی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۷۳ ش)، عالم و ادیب. در بیرجند به دنیا آمد. زبان و ادبیات عرب را از «نصاب الصبیان» فراهی آغاز و تا مراحل پایانی ادامه داد. در خلال فرا گرفتن کتب صرفی و نحوی که در مدارس طلاب تدریس می‌شد، از مطالعه‌ی کتبی که درین باره در کشورهای عربی مانند لبنان و مصر تألیف می‌گردید غفلت نداشت و به موازات آن ادبیات عرب را در دوره‌ی جاهلیت به خوبی فراگرفت. وی عضو وزارت فرهنگ بود و دوران خدمات فرهنگی را در سیستان و بلوچستان و خراسان و بوشهر گذرانید و سالها مربی، معلم و رئیس فرهنگ بود. شناساننده‌ی او به جامعه‌ی ادبی ایران سید حسن تقی‌زاده بود و به وسیله او از خراسان به تهران آمد و چندی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و ادبیات پرداخت و با بنگاه ترجمه و نشر کتاب همکاری علمی داشت. وی علاوه بر اطلاعات وسیع در ادبیات عرب، زبان فرانسه را نیز خوب می دانست. در پایان عمر در بابلسر عزلت گزیده بود. در تهران درگذشت و در بقعه‌ی ابوالفتوح رازی در مرقد عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. از وی آثار عمده‌ای باقی نمانده و آنچه نوشته غالبا درباره‌ی کتابهایی است که جامعه ادب به آنها علاقه دارند، مثل «کلیله و دمنه»، «مرزبان‌نامه»؛ «دیوان» حافظ، «مثنوی» مولوی، و در صدر همه‌ی اینها قرآن‌کریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۸، ش ۲، ص ۱۱۹)، از نیما تا روزگار ما (۱۷۰ -۱۶۷)، راهنمای کتاب (س ۱۳، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۹ - ۱۲۲)، سواد و بیاض (۶۱۱ -۶۱۰ / ۲)، یغما (س ۱۹، ش ۸ ص ۳۹۶ -۳۹۴، س ۲۳، ش ۱، ص ۶۱ -۶۰).

فرزانه، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهمن فرزانه (۱۳۱۷) مترجم بیش از ۵۰ کتاب به فارسی بوده و یک رمان نیز نوشته‌است. ترجمه‌های او بسیاری از نویسندگان مطرح جهان را به ایرانیان معرفی کرده‌است.

فرزانه بر زبان‌های ایتالیایی، انگلیسی، اسپانیایی و فرانسوی مسلط بودهو اکنون ساکن شهر رم در ایتالیا است.

زندگی:

بهمن فرزانه در سال ۱۳۱۷ زاده شد و به مدرسه عالی مترجمی سازمان ملل رفت. در سن ۲۶ سالگی نخستین کتاب را از تنسی ویلیامز ترجمه کرد و پس از آن مدتی به همکاری با شرکت‌های فیلم‌سازی ایتالیا پرداخت و فیلم‌نامه‌ای نیز نوشت که به تولید فیلم رسید. فرزانه در انتخاب کتاب برای ترجمه دقت زیادی به کار می‌برد و هنگامی که تصمیم به ترجمه کتابی می‌گیرد کار ترجمه را به طور منظم و در ساعت‌های مشخص انجام می‌دهد. به گفته خودش «من هنوز قدیمی مانده‌ام و هنوز با دست می‌نویسم» و از کامپیوتر استفاده نمی‌کند . او آثار تنسی ویلیامز، گراتزیا کوزیما دلدا ، آلبا دسس پدس، لوئیچی پیراندللو، گابریل گارسیا مارکز، آنا کریستی، اینیاتسیو سیلونه، رولددال، گابریل دانونزیو، واسکو پراتولینی، ایروینگ استون، جین استون و ... را به فارسی برگردانده‌است.

کتاب‌شناسی:

تالیف:

فیلمنامه در نیمه بسته ،

چرک نویس ،

مجموعه داستان سوزن‌های گمشده ،

۲۰۰۸ – رمان سرباز دل ،

ترجمه:

صد سال تنهایی، اثر گابریل گارسیا مارکز ،

بر لبه پرتگاه، از گراتزیا کوزیما دلدا ،

کبوترها و بازها، از گراتزیا کوزیما دلدا ،

عروسک فرنگی ،

حریق در باغ زیتون، از گراتزیا کوزیما دلدا ،

به نوبت ،

عذاب وجدان ،

خاکستر، از گراتزیا کوزیما دلدا ،

خانواده‌ای محترم ،

راز مرد گوشه‌گیر، از گراتزیا کوزیما دلدا ،

چشم‌های سیمونه، از گراتزیا کوزیما دلدا ،

وسوسه، از گراتزیا کوزیما دلدا ،

تازه عروس ،

یک دسته گل بنفشه ،

درخت تلخ ،

محبت ،

راه خطا، از گراتزیا کوزیما دلدا ،

رقص گردنبند، از گراتزیا کوزیما دلدا ،

عشق در زمان وبا ،

هیچ یک از آن‌ها باز نمی‌گردد ،

عشق و جنایت در سیسیل ،

دوازده داستان سرگردان ،

عشق و جنایت در سیسیل، از لوییچی کاپوان ،

عشق‌های بدون عشق، از پیر آندلو ،

اژدهاخانم و دیگر افسانه‌ها، مجموعه داستان از لوئیجی کاپوآنا ،

دوازده داستان سرگردان، از گابریل گارسیا مارکز ،

فرزانه، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۷ مهر ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت: دی ۱۳۷۴.

محسن فرزانه، فرزند اسماعیل فرزانه ملقب به «مکرم‌السلطنه» بود. فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق سیاسی و رساله‌ی پایان‌نامه‌اش درباره‌ی «ژورنالیزم» (روزنامه‌نگاری) بود. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۸ با روزنامه‌ی «اطلاعات» آغاز کرد و در سال ۱۳۱۹ به عنوان اولین خبرنگار در رادیو تهران به فعالیت پرداخت. علاوه بر این با روزنامه‌های «آینده ایران»، «میهن پرستان»، «ایران»، «تجدد ایران»، «آزادگان»، «افکار ایران»، «صدای ایران»، «کیهان»، «نبرد»، «ایران ما»، «مرد امروز» و چند نشریه‌ی دیگر همکاری داشت. از سال ۱۳۲۴ به وکالت در وزارت دادگستری پرداخت. وی به زبان فرانسوی آشنایی داشت.

از تألیفات وی می‌توان از رستاخیز (ترجمه، اثر رنه گروسه)، آسیا بعد از جنگ و زندگی کلاسیک؛ جغرافیا و تاریخ بازیافته‌ی ایران؛ نام راستین آذربایجان؛ مازندران اصیل (۱۳۷۳)؛ قلت جمعیت اقتصاد ایران را تهدید می‌کند؛ لهستان امروزه؛ کمک ایران در راه پیروزی متفقین؛ مردی از نیشابور (در شرح احوال عمر خیام) نام برد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرساد یزدی، محمود مجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۳۰۹ ق)، عالم امامی، ادیب و شاعر. پدرش، مجدالعلماء، صاحب کتاب «هدیه المهدویه» یا «هدایه المهدویه»، از علمای بزرگ اردکان و استاد علوم مقدماتی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. شیخ محمود فرساد در صحرای عدن در راه مکه به دنیا آمد. او قسمتی از علوم مقدماتی را در یزد آموخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت، و از محضر شیخ علی مدرس یزدی اصفهانی استفاده نمود. فقه و اصول را در محضر شیخ عبدالکریم درگزی و حاج سید محمدصادق اصفهانی فراگرفت. سپس به نجف رفت و تحصیلات خود را کامل کرد و به درجه‌ی اجتهاد نایل و صاحب اجازه گردید. وی پس از مراجعت به ایران در یزد ساکن شد. پس از دو سال در ۱۳۴۰ ق به قم رفت. و از محضر حاج شیخ عبدالکریم حایری نیز بهره‌مند گردید و در ضمن به تدریس پرداخت، و از مدرسین طراز اول گردید. بسیاری از فضلا از محضرش بهره بردند. امام خمینی نیز «شرح لمعه» و «قوانین» را در نزد او فراگرفت. وی پس از دو سال توقف در قم به یزد بازگشت و تا پایان عمر آنجا ماند. آقای سید علیرضا ریحان یزدی، صاحب «آینه‌ی دانشوران»، از شاگردان اوست که در یزد منطق را از او آموخته است. آیت‌الله شیخ محمود فرساد در خط و انشاء و شاعری توانا بود، و سالها انجمن ادبی یزد تحت ریاستش در منزلش تشکیل می‌شد، و شعرا و ادبای یزد و سایر شهرها از محضرش بهره‌مند می‌شدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۲۲۴ -۲۲۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۳۰ -۶۲۹)، الذریعه (۸۲۴ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۵۹ -۲۶۵۵ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۰۲).

فرشاد، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشسرای عالی وارد شد و در ۱۳۱۰ ش به دریافت درجه‌ی لیسانس در علوم طبیعی نایل گردید.برای ادامه تصحیل به فرانسه عزیمت نمود و از دانشگاه پاریس به دریافت دکتری در علوم طبیعی موفق شد. در ۱۳۱۶ ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری علوم طبیعی، دانشسرای عالی برگزیده شد و عهده‌دار تدریس دیرین‌شناسی گردید. از آثار وی: «چینه‌شناسی»؛ «دیرین‌شناسی»؛ «فسیل‌شناسی مهره‌داران»؛ «نبرد من»، فلسفه ناسیونال سوسیالیسم، ترجمه.[۱]

فرزند میرزا عبدالوهاب مستشار دفتر آشتیانی، متولد ۱۲۸۶ ش است. تحصیلات خود را در دارالمعلمین مرکزی و دانشسرای عالی به پایان برد و درجه‌ی لیسانس علوم ریاضی دریافت کرد. سپس عازم اروپا شد و در دانشکده‌های علوم رن و پواتیه پاریس به تحصیل پرداخت. ابتدا درجه‌ی لیسانس تعلیم و تربیت گرفت و بعد درجه‌ی دکترا در علوم طبیعی و زمین‌شناسی دریافت نمود. در ۱۳۱۶ به ایران مراجعت نمود و به استادی در دانشکده‌ی علوم و دانشکده‌ی فنی مشغول گردید.

در ۱۳۳۰ در حالی که معاونت دانشکده‌ی علوم را برعهده داشت، به معاونت وزارت فرهنگ منصوب شد و در ۱۳۳۹ ریاست دانشکده‌ی علوم را عهده‌دار گردید و در ۱۳۴۳ به معاونت دانشگاه تهران منصوب شد. چند بار نیز کاندیدای ریاست دانشگاه تهران بود ولی توفیقی نیافت.

دکتر فرشاد در رشته‌ی تخصصی خود دارای تالیفات متعددی است که در دانشگاه تدریس می‌شود. وفات او در سال ۱۳۵۶ اتفاق افتاد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۴۷ -۳۲۴۶، ۲۴۴۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۳ -۸۳۲ / ۴).

فرشته استرآبادی، محمد قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۹۶۰ ق)، مورخ و ادیب. وی در استرآباد به دنیا آمد. در اوایل جوانی به همراه پدر به هند رفت و در احمدنگر مستقر گردید. پدرش تعلیم فرزند نظامشاه را به عهده گرفت. فرشته نیز وارد دربار نظامشاه شد و تا مقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقاء یافت. وی چنان که در مقدمه‌ی کتابش می‌گوید، از احمدنگر خارج شد و به دربار عادل‌شاه در بیجاپور رفت و از طرف سلطان ابراهیم ثانی، عادل‌شاه (۱۰۳۵ -۹۸۷ ق) مأمور نوشتن تاریخی درباره‌ی سلاطین هند شد و آن را با استفاده از کتابهای زیادی در ۱۰۱۵ ق به پایان رسانید و به نام سلطان ابراهیم «گلشن ابراهیمی» نام نهاد. در همین سال از جانب عادل‌شاه به سفارت نزد جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ - ۱۰۱۴ ق) به لاهور رفت و مدتی در آنجا ماند و در این فرصت نیز مطالبی به آن کتاب افزود. از آثار وی «تاریخ فرشته»، است که این کتاب را در ابتدا به نام ابراهیم عادل‌شاه نگاشت و آن را «گلشن ابراهیمی» نامید، سپس نگارش کتاب را تجدید کرد و این بار آن را «نورس‌نامه» نامید ولی عاقبت به «تاریخ فرشته» شهرت یافت. از دیگر آثارش «دستور الاطباء»، معروف به «اختیارات قاسمی»، در پزشکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۱۱ -۱۷۰۹ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۳۳ -۷۳۲ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۱۷)، الذریعه (۳۶۹ / ۲۴ ،۲۲۳ / ۱۸ ،۸۲۴ / ۹ ،۱۵۰ / ۸ ،۲۷۳ -۲۷۲ / ۳)، ریحانه (۳۲۹ -۳۲۸ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۵۸ -۲۷۵۷ / ۲).

فرشته خوسفی قائنی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده، محقق و شاعر، متخلص به فرشته. وی معاصر فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود. فرشته کتابی در مصائب اهل‌بیت (ع)، به نظم فارسی، به نام «ماتمکده» دارد، که مرتب بر چهارده ماتمکده به عدد معصومین (ع) و یک خاتمه است و در آن غیر از سروده‌های خو سروده‌های کسانی چون وصال، جوهری، بیدل، ناجی، هادی و دیگران را نیز آورده است. وی در این کتاب از روایات صحیح و معتبر استفاده کرده و از نقل مطالب نادرست اجتناب نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قاین (۳۵۵ -۳۵۴ / ۱)، الذریعه (۱۷ -۱۶ / ۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۹ / ۵).

فرشیدورد، خسرو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فروزانفر خراسانی، بدیع الزمان محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ -۱۲۷۸- وف ۱۳۴۹ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، محقق، مصحح، مترجم و شاعر. در روستای بشریه از توابع طبس خراسان در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. نسب وی به ملا احمد تونی، از علمای عصر شاه‌عباس، می‌رسید. وی مقدمات علوم قدیمه را در زادگاه خود آموخت و در ۱۳۳۸ ق به مشهد رفت و محضر ادیب نیشابوری را درک کرد و ادب و منطق را نزد او خواند و مدتی نزد میرزا حسین سبزواری تلمذ کرد و اصول و بعضی از مباحث فقه را از حاج شیخ مرتضی آشتیانی فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد، و یک دوره شرح «اشارات» و «شفا» و «کلیات قانون» را نزد میرزا طاهر تنکابنی خواند و نزد آقا حسین نجم‌آبادی تحصیل فقه و اصول کرد. وی قسمت الهیات کتاب «اسفار» را نزد آقا میرزا مهدی آشتیانی، و «شرح چغمینی» را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. فروزانفر، از آغاز ورود به تهران، با ادیب پیشاوری و شمس‌العلمای گرکانی و میرزا لطفعلی صدرالافاضل و میزا رضاخان نائینی و شاهزاده افسر و ذکاءالملک فروغی و علامه محمد قزوینی مأنوس و محشور بود. در ۱۳۰۵ ش به جای شمس‌العلمای گرکانی در مدرسه دارالفنون به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در ۱۳۰۶ ش معلم منطق در مدرسه‌ی حقوق شد و سال بعد معلم زبان عربی و منطق و از ۱۳۰۸ ش معلم زبان و ادبیات فارسی در دارالمعلمین شد. پس از تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول به سمت معاونت آنجا انتخاب و ریاست مؤسسه‌ی وعظ و خطابه را به عهده داشت. از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، استاد تاریخ ادبیات فارسی شد. وی سمت‌های متعددی در دانشکده‌های مختلف داشت. فروزانفر سفرهای متعدد به خارج کشور کرد. از جمله، به دعوت دانشگاه بیروت برای تأسیس کرسی زبان فارسی، به لبنان و برای مشارکت در کنگره اسلامی پاکستان، به لاهور و برای بازدید از مؤسسات فرهنگی و خاورشناسی و زیارت مزار مولانا جلال‌الدین رومی و دیدار از کتابخانه‌های علمی،به ترکیه نیز سفر کرد. وی دانشمندی نکته‌سنج، استادی محقق و مدرسی بی‌نظیر بود. سر انجام بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. از آثارش: «منتخبات شاهنامه»؛ «سخن و سخنوران»؛ «منتخبات ادبیات فارسی»؛ «رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «فرهنگ تازی به فارسی»؛ «خلاصه‌ی مثنوی»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «شرح مثنوی شریف»؛ تصحیح «فیه مافیه»؛ «زنده‌ی بیدار (حی بن یقظان)»، ترجمه؛ «قدیمترین اطلاع از زندگی خیام»؛ «احادیث مثنوی»؛ تصحیح «کلیات شمس» یا «دیوان کبیر». لازم به ذکر است که در مجله‌ی «راهنمای کتاب» نام فروزانفر، جلیل ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۲۹ -۲۷)، از نیما تا روزگار ما (۱۲۶ -۱۲۲)، راهنمای کتاب (س ۱۳، ش ۳ و ۴، ص ۱۶۷ مکرر- ۱۷۰ مکرر، ص ۲۶۷ -۲۶۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۳ -۹۲ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۵۱۹ -۵۱۲ / ۱)، سواد و بیاض (۶۱۷-۶۱۱)، شرح حال رجال (۳۷ -۳۶ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۱۲۸)، کلک (س ۷، ش ۳ -۱، ص ۳۰۶ -۱۸۶)، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (به یاد استاد بدیع‌الزمان فروزانفر)، مستدرکات اعیان (۲۲۷ -۲۲۶ / ۳)، مقدمه‌ی مجموعه‌ی مقالات و اشعار فروزانفر (مقدمه/ سیزده- بیست و پنج)، یغما (س ۲۳، ش ۲، ص ۱۲۵ -۱۲۳).

فروزش، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۶ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در دهکده کوه‌پر از توابع کلاردشت دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی پس از طی تحصیلات ابتدایی جهت ادامه‌ی تحصیل در تهران به محضر استادانی چون حاج شیخ علی نوری حکمی و آقا میرزا طاهر تنکابنی حاضر گشت. فروزش به علوم فقه، منطق، فلسفه و اصول، ادبیات عرب و فارسی و ریاضیات آشنا بود و به اخذ نمره اول در میان داوطلبان دارالفنون در رشته ریاضیات و جغرافیا و تاریخ نائل آمد. در جریان فعالیت‌های سیاسی خویش روزنامه‌ی «نجات ایران» را منتشر نمود که پس از نشر چهار شماره توقیف گردید و به تبع آن فروزش مدتی زیر نظر پلیس در تبعید به سر برد. پس از آن در ۱۳۱۵ ش وارد خدمت اداره کل آمار و ثبت احوال گردید. از شهریور ۱۳۲۰ دوره جدید روزنامه‌ی «نجات ایران» نیز انتشار یافت. از جمله آثارش: «ما و سید ضیاءالدین»، رساله سیاسی؛ «ارمغان جمهوری ازبکستان» یا «یادگار سفر تاشکند».[۱]

درگذشت: اسفند ۱۳۷۱.

زین‌العابدین فروزش مدیر روزنامه‌ی «نجات ایران» بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید و مجلاتی (۲۷۹ -۲۷۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۰ / ۳).

فروغ، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، موسیقیدان، مترجم و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاه خود و شیراز گذراند و در همان وقت از اساتید بزرگ آواز، سید رحیم و سید حسین ساعت‌ساز تعلیم آواز گرفت و با ردیفها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایران آشنا شد. سپس به تهران آمد و در دانشسرای عالی به تحصیل رشته زبان انگلیسی پرداخت و در رشته هنرهای دراماتیک، در آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک فارغ‌التحصیل و به آکادمی پادشاهی موزیک وارد شد. پس از بازگشت به ایران، به مدت پنج سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد و سپس به آمریکا رفت و در رشته ادبیات دراماتیک از دانشگاه کلمبیا دکترا گرفت. سپس به ایران بازگشت و بار دیگر در هنرستان موسیقی به تدریس پرداخت و در همان وقت ریاست اداره هنرهای دراماتیک (از ادارات تابعه اداره‌ی کل هنرهای زیبا) نیز بر عهده‌ی او بود. از آثار وی: «تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا»؛ «نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران» و ترجمه‌های: «علم موسیقی»؛ «نمایشنامه‌ی پدر»؛ «باغ‌وحش شیشه‌ای»؛ «خانه عروسک و اشباح»؛ «فن نمایشنامه‌نویسی» و دهها مقاله در مجلات موسیقی وزارت فرهنگ و هنر وقت.[۱]

مهدی فروغ که یکی از موسقیدانان و صاحبنظران بنام کشور است، به سال ۱۲۹۰ در شهر اصفهان، شهر هنرمندپرور، در یک خانواده‌ی روحانی متولد گشت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان گذراند و در همین زادگاه خود بود که از اساتید بزرگ آواز ایران مرحوم سیدرحیم و سیدحسین ساعت‌ساز تعلیم آواز گرفت و با ردیف‌ها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایران آشنا گردید.

مهدی فروغ پس از مدتی با خانواده رهسپار شیراز شد و تحصیلات دوره‌ی دوم متوسطه را در این شهر به پایان رسانید و پس از آن به تهران آمد و در رشته زبان خارجه از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد و ضمن تحصیل در دانشکده‌ی زبان، سرپرستی انجمن موسیقی نیز به وی محول گردید.

وی با توجه به فعالیت هنری چشمگیری که داشت مورد توجه مقالات دولتی قرار گرفت و برای آشنایی با فرهنگ ملل و موسیقی کشورهای پیشرفته جهت تحصیل عازم انگلستان شد و تحصیلات خود را در رشته هنرهای دراماتیک، در آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک لندن به پایان رسانید و وارد آکادمی پادشاهی موزیک آن کشور شد.

دکتر مهدی فروغ در اواخر جنگ دوم جهانی به ایران بازگشت و مدت پنج سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد، سپس برای مدت چهار سال جهت تحصیل در رشته ادبیات دراماتیک عازم آمریکا گردید و از دانشگاه کلمبیا موفق به دریافت دکترا شد. وی پس از تحصیل در آمریکا مجدداً به ایران بازگشت و در هنرستان موسیقی تدریس استتیک و تلفیق شعر و موسیقی را عهده‌دار و ریاست اداره هنرهای دراماتیک که از ادارات تابعه اداره‌ی کل هنرهای زیبا بود به عهده گرفت.

دکتر مهدی فروغ یکی از بزرگان هنر و ادبیات ایران بخصوص در رشته‌های مختلف هنری می‌باشند که آثار ایشان عبارت است از: ترجمه‌ی «موسیقی» اثر آرون کوپلند، مترجم دکتر مهدی فروغ، تألیف «تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا» ترجمه‌ی نمایشنامه‌ی «پدر» و «باغ‌وحش شیشه‌ای» و کتاب «نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران» و یک سری مطالب و مقالات سودمند و راهگشا در زمینه‌ی موسیقی در مجلات موسیقی وزارت فرهنگ و هنر وقت و مجله موزیک ایران. دکتر مهدی فروغ فرزند هنرمندی دارد بنام علی فروغ که تحصیلات خود را در رشته موسیقی در بروکسل به پایان رسانیده و ویولنیست شایسته‌ای در ارکستر سمفونیک می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ موسیقی (۱۲۶ / ۱)، شخصیتهای نامی(۳۷۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۱۰، ۲۳۴۰ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۶۶)، مردان موسیقی (۲۰۶-۲۰۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۰-۴۱۹ / ۶).

فروغی اصفهانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸-۱۲۶۳ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. پدر ش از رجال دانشمند دوره‌ی ناصری بود. وی علوم مقدماتی را نز پدر آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون و آلیانس به پایان برد و زبان فرانسه را به خوبی آموخت، آن‌گاه به فرانسه عزیمت نود. بعد از بازگشت به ایران معلم دارالفنون و مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و علاوه بر مترجمی، تدریس جغرافیا و تاریخ و علوم طبیعی را نیز عهده‌دار شد. وی در تربیت دانش‌آموزان سلیقه‌ی خاصی داشت و بدین منظور یک مدرسه عالی به نام «دارالمعلمین» در ۱۲۹۸ ش تأسیس کرد که خود، ریاست آن را به عهده داشت. وی همچنین نظارت و سرپرستی مجله‌ی «اصول تعلیمات» را، که از طرف وزارت معارف منتشر می‌شد، به عهده داشت. فروغی پس از نشر شش شماره از آن مجله نام آن را به «اصول تعلیم» تغییر داد. چندی بعد ماهنامه‌ی «فروغ تربیت» را دایر کرد. وی جمعا چهار سفر به اروپا داشت که سفر آخر او به عنوان وزیر محتار ایران در سویس بود. ابوالحسن فروغی عضو فرهنگستان زبان فارسی و استاد دانشگاه تهران بود. در ادبیات و انشای زبان فرانسه بسیار پرمایه و زبردست و در ادبیات فارسی و عربی هم صاحب مطالعات زیاد بود. نثر را خوب می‌نوشت و شعر نیز می‌گفت. سرانجام در تهران درگذشت. آثار وی: مجموعه‌ی «اشعار»؛ اوراق مشوش»یا «مقالات مختلفه»؛ رساله‌ی «تجدد و ملیت»؛ منظومه‌ی «شیدوش و ناهید»؛ «تاریخ شعرا»، با همکاری محمدعلی فروغی؛ «سرمایه سعادت» یا «علم و

آزادی».[۱]

فرزند محمدحسین ذکاءالملک، در ۱۲۶۳ ش (۱۸۸۴ م) در تهران متولد شد. در سن ۶ سالگی تحصیلات مقدماتی را تحت نظارت پـدر و محمـدعلی فروغی برادر مهـترش آغـاز کرد و سپس تحصیلات خـود را در مـدارس دارالفنون و آلیـانس فرانسه ادامه داد و فارغ‌التحصیل شد. آنگاه به زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداخت و چون شوق و علاقه‌ای به فلسفه و عرفان داشت، بیشتر وقت خود را صـرف فلسـفه قدیم و جدید نمود و با مکتبهای فلسفی آشنا شد و در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم آن را تکمیل نمود. فروغی در سن ۱۸ سالگی به روزنامه‌ی تربیت که پـدرش انتشار می‌داد پیوست و مـدیریت داخلی و توزیع روزنامه‌ی مزبور را بر عهده گرفت. پس از تعطیلی روزنـامه‌ی تربیـت که مقـارن طلـوع مشـروطیت بـود، به کـار معلمی و تـدریس پرداخت و در مـدارس علمیه و دارالفنـون ساعاتی از وقت خود را تدریس می‌نمود.

فروغی در ۱۲۹۸ ش بـا کمـک برادرش که ریـاست دیوان عالی کشور را بر عهـده داشت، به تاسیس مـدرسه‌ای به نام دارالمعلمین مرکزی پرداخت و برنامه‌ی آن مـدرسه عینا از مـدارس متوسـطه فرانسه اقتباس شده بود و دوره‌ی آن شـش سال کامل بود و مدرک تحصـیلی آن دیپلم کامل متوسـطه بود. همزمان با تاسیس دارالمعلمین مرکزی، نصیرالدوله (احمد بدر) وزیر معارف وقت، مدیریت مجله‌ی اصول تعلیم را که از طرف اداره‌ی بازرسـی وزارت معارف منتشر می‌شد به ابوالحسن فروغی طبق حکمی واگذار کرد که با کمـک مدرسـین و معلمین مـدرسه‌ی مزبور، مجله را منتشـر سازنـد. این مجله که هزینه‌ی آن را وزارت معارف تامین می‌نمود، یک مجله‌ی فلسـفی و تربیتی و علمی و تـاریخی و ادبی بود. فروغی اعضاء هیئت تحریریه‌ی نشـریه‌ی مزبور را به این شـرح انتخاب نمود: غلامحسـین رهنمـا، ابوالقـاسم بهرامی، عبـدالعظیم قریب و اقبـال آشتیـانی. علاوه بر هیئت تحریریه، فروغی در هر شـماره دو مقاله‌ی فلسـفی داشت. با تمام کوششـی که برای ادامه‌ی کار این مجله به عمل آمـد، مع‌الوصف شـش شـماره بیشتر منتشـر نشـد و در محاق تعطیل قرار گرفت.

پس از تعطیلی مجله‌ی اصول تعلیم، فروغی در سـال ۱۳۰۰ مجله‌ی فروغ تربیت را انتشـار داد که آن هم دوام زیـادی نکرد و از چند شمـاره تجـاوز ننمود. در ۱۳۰۷ ش دارالمعلمیـن عـالی از طرف وزارت فرهنـگ تاسـیس شـد و ابـوالحسن فروغی بـه اسـتادی آنجا منصوب شد.

ابـوالحسن فروغی در سـال ۱۳۱۲ ش بـه سـمت وزیرمختـار ایران در سـویس انتخـاب شـد و یـک سـال در این مـاموریت بـود و بعد نماینـدگی ایران را در جامعه‌ی ملل برعهـده گرفت و سـرانجام در ۱۳۱۴ به ایران بـازگشت و به اسـتادی دانشـگاه تهران و عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان منسوب شد و تا پایان عمر در مشاغل فرهنگی بود.

وفـات وی در ۶ بهمن‌ماه ۱۳۳۸ ش اتفـاق افتـاد. ابوالحسن فروغی تالیفاتی به زبان فرانسه و فارسـی دارد که عبارتنـد از: دو جلـد در اصول حکمت و فلسـفه به زبـان فرانسه، سـرمایه سـعادت، اوراق مشوش و دوره‌هـای مجله اصول تعلیم و فروغ تربیت. وی طبع شـعر داشت و قسمتی از اشعار او به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۸۰ -۷۹)، از نیما تا روزگار ما (۱۵۹ -۱۵۷)، تاریخ برگزیدگان (۳۷۲ -۳۷۱)، تاریخ جراید (۶۹ / ۴ ،۱۹۰ -۱۸۵ / ۱)، الذریعه (۸۲۸ / ۹)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۵ -۹۴ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۰۰ -۲۶۹۷ / ۴)، سرآمدان فرهنگ (۶۱ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۲ -۱۶۱ / ۱)، یغما (س ۱۹، ش ۳، ص ۱۷۲، س ۲۱، ش ۱۰، ص ۵۷۶-۵۷۴).

فروغی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن فروغی در سـال ۱۳۲۳ در شهرسـتان طبس متولّد شـد.وی مدرک دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشـگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۷ دریافت داشته است.ایشان از سال ۱۳۵۸ با درجه اسـتادیاری در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و نامبرده درسال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حال حاضر با پایه ۳۵ اسـتادی در این دانشـگاه مشغول بکار می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه گرایش : ادبیات فرانسه و تطبیقی والـدین و انساب : پـدر حسن ،محمد فروغی متولد ۱۲۹۷،از اولین فارغ التحصـیلان ششم ابتدایی و از اولین آموزگاران شهرسـتان طبس و معلم اغلب فارغ التحصـیلان دوره های گذشته این شهرستان می باشد.ایشان بادانش و حافظه تاریخی فوق العـاده در قیـد حیـات می باشـند.مادرش خانـدار است. او نیز شـش برادر و یک خواهر دارد.خاطرات کودکی " : در منطقه ای محروم ولی در خـانواده ای فرهنگی پرورش یـافتم. آگـاهی فرهنگی پـدرم و اقتـدار مـادرم از ما فرزنـدانی آگاه ،با پشـتکار و موفق آفریـد"اوضـاع اجتمـاعی و شـرایط زنـدگی : حسـن فروغی در خـانواده ای فرهنگی و بـا شـرایط اقتصـادی متوسـط در طبس بـدنیا آمـد.تحصـیلات رسـمی و حرفـه ای : حسـن فروغی در سـال ۱۳۳۶ تحصـیلات ابتـدایی را در دبسـتان میرطبس و در سـال ۱۳۴۲ تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شیبانی همان شهرستان به پایان رساند و در سال۱۳۴۲ موفّق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی گردیـد. ایشان در سال ۱۳۵۲ مقطع کارشناسی رشته زبان فرانسه را در مدرسهٔ عالی ترجمه تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۳ (همزمان با گذراندن چندواحد از دروس ادبی برای تبدیل لیسانس مترجمی به لیسانس ادبیات) به دریافت کارشناسـی ارشد ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس و درسال ۱۳۵۷ به دریافت درجه دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی از دانشگاه سوربن پاریس توفیق یـافت. دکتر فروغی همچنین در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ دورهٔ کارشناسـی علوم اجتماعی را در دورهٔ شـبانهٔ دانشسرای‌عالی تهران به

صورت ناتمام گذرانده و در طول اقامت خود در فرانسه، در سال ۱۳۵۳ موفّق به اخذ دیپلم مهارت آموزش زبان فرانسه به روش‌های سمعی وبصری و در سال ۱۳۵۶ موفّق به اخـذ فوق لیسانس(DEA= دانشوری) جامعه شناسـی از مدرسـهٔ مطالعات عالی پاریس نیز گردیـده است. خاطرات و وقایع تحصـیل " : پس از دو سال توقف در پشت کنکور بخاطر اصـرار خودم در پـذیرفته شدن در رشـته هـای پزشـکی یا مهندسـی و پس از انجام خـدمت سـربازی ،اسـتخدام در آموزش و پرورش و علاقه فراوان به شـغل معلمی تصـمیم گرفتم در رشـته های زبان و یا جامعه شناسی تحصیل کنم که تا در سطح تخصص در دانشگاه هم شد"....فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن فروغی در حین تحصـیل به کار تـدریس در آموزش و پرورش اشـتغال داشت.اسـتادان و مربیان : در ایران ،خانم ها و آقایان : دکتر بروخیم ،دکتر بارویان،دکتر شاهین ،مهندس پایور،دکتر فولادوند در رشـته زبان و ادبیات فرانسه،دکتر غلامعباس توسلی ،دکتر خسـروی ،دکـتر خـوئی ف و غیره در رشـته علوم اجتمـاعی در فرانسه : دکـتر ژاک شوئیه،رئیس وقت دانشـگاه پـاریس سه (سوربن پـاریس جدیـد)و اسـتاد راهنمـای دکـتر حسن فروغی ،دکـتر ژاک ورنـان ،ریمون آرون در رشـته جـامعه شناسـی هم دوره ای هـا و همکاران : همـدوره ایهای و همکاران حسن فروغی در مقاطع مختلف تحصیل و اشـتغال به قرار زیر است: دانشسـرای عالی تهران : آقای محمد نبی حبیبی دانشـگاه شهید چمران اهواز : دکتر عبدالله محتشمی ،دکتر سید علاء الدین گوشه گیر،خانم دکتر المیرا داور ،دکـتر محمودرضـا گشـمرری(؟)،دکـتر مسـعود نـذری دوست ،دکـتر سـید جمـال موسوی شـیرازی و چنـد اسـتاد فرانسوی در اوایل انقلاب.همسـر و فرزنـدان : دکتر حسن فروغی متاهل و دارای همسـر بنام سـرکار خانم زهرا صدقی است. ایشان آموزگار بازنشسـته آموزش و پرورش می باشـد.ماحصـل ازدواج آنهـا سه فرزنـد بنامهـای مریم (پزشـک)،فرامرز(پزشـک) و مرجـان مهنـدس کامپیوتر است.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : در زمینهٔ فعالیت‌های اجرایی، حسن فروغی در دو دوره، از فروردین ۱۳۵۸ تا آذر ۱۳۵۹ و از دیماه ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ مـدیر گروه فرانسه، در سال تحصـیلی ۱۳۵۸تا ۱۳۵۹، دبیرشورای مدیریت دانشـکده زبان‌های خارجی و عضـو شورای دانشـگاه جندی شاپور، و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶، نماینده منتخب اعضای هیأت علمی دانشـکده ادبیات در کمیته ارتقاء بوده است. در زمینـهٔ فعالیت‌هـای علمی- پژوهشـی دکـتر فروغی از سـال ۱۳۷۵ تـا بهمن ماه ۱۳۷۹، عضو شورای پژوهشـی گروه فرانسهٔ سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها بوده و در حال حاضر عضو هیأت تحریریهٔ مجله های دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه شهید چمران، مجلهٔ پژوهش دانشـگاه تهران، مجلهٔ لقمان در مرکز نشـر دانشـگاهی و مجله هنرهای نمایشی دانشگاه تهران می باشد. خلاصه ای از فعالیت های اداری و مدیریتی دکتر حسن فروغی به قرار زیر است: عضو شورای پژوهشـی گروه فرانسه سازمان سـمت از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۵ تا کنون ادامه دارد عضو کمیته علمی هفته پژوهش دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ ۱/۱/۱۳۸۲ دبیر شورای مدیریت دانشـکده زبانهای خارجی دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۵۸تا تاریخ ۱/۱/۱۳۵۹ عضو شورای دانشـگاه شـهید چمران اهواز از تاریخ ۲/۲/۱۳۵۸ تا تاریخ ۲/۲/۱۳۵۹ مدیر گروه فرانسه دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشـگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۳/۳/۱۳۵۸تا تاریخ ۳/۳/۱۳۵۹ نماینده منتخب دانشکده ادبیـات و علـوم انسـانی دانشگاه شـهید چمران اهواز در کمیته ارتقـاء از تاریـخ ۱/۱/۱۳۷۷ تـا کنـون ادامـه دارد عضـویت در هیئت تحریریه مجله دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشـگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۹تا کنون ادامه دارد مدیر گروه فرانسه دانشـکده ادبیـات و علوم انسـانی دانشگاه شـهید چمران اهواز از تاریـخ ۱/۱/۱۳۸۰ تـا کنـون ادامه دارد عضـو هیـات تحریریه مجله دانشـکده ادبیات وعلوم انسانی از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۲ تـا کنون ادامه دارد عضو کمیته تالیف و ترجمه دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشـگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۴ تـا کنون ادامه دارد عضو جامعـهٔ ادبی قرن ۱۸ فرانسه،(پاریس). عضو بنیان گـذار « جامعه ادبی دیدرو»، (پاریس). عضـو جامعه ادبی منتسـکیو، (پاریس). عضو خزانه دار انجمن علمی مطالعات فرانسوی زبان، (ایران). فعالیتهای آموزشـی : فعالیت‌های آموزشـی دکتر فروغی از سال ۱۳۵۸ با درجه اسـتادیاری در دانشـکده ادبیات و زبان های خارجی دانشـگاه شـهید چمران اهواز آغاز و نامبرده درسال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشـیاری و در سـال ۱۳۸۵ به مرتبه اسـتادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حـال حاضـر با پایه ۳۵ اسـتادی در این دانشـگاه مشـغول بکار می باشند. ایشان بسیاری از دروس مقاطع کارشناسی ،کارشناسـی ارشـد در رشـته ادبیـات فرانسـه از جمله ادبیـات فرانسه ،نقـد ادبی،تفسیر متـون ادبی ،روش تحقیقی و ادبیـات تطـبیقی تـدریس می کنـد. سـایر فعالیتهـا و برنـامه هـای روزمره : دکتر حسن فروغی در کنار فعالیت های پژوهشـی و آموزشـی به ورزش و پیگیری اخبـار داخلی و خـارجی و غیره می پردازد.شاگردان : دکتر عادل خنیاب نژاد(؟)، و دکتر ابراهیم سـلیمی (عضو هیئت علمی گروه فرانسه اصـفهان) از دانش آموختگـان حسن فروغی می باشـند.آرا و گرایشـهای خـاص : گرایش های ایشان عبارت است از : ادبیات فرانسه، ادبیات تطبیقی، نقد ادبی، روش تحقیق، تفسیر متون ادبی فرانسهجوائز و نشانها : دکتر فروغی در سال ۱۳۸۱ به عنوان مولف و مترجم برگزیده دانشگاه و در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ به عنوان پژوهشـگر برتر انتخاب شده است.ایشان در سال ۱۳۸۱ به عنوان مولف و مترجم برگزیـده دانشگاه شـهید چمران اهواز مورد تقدیر قرار گرفته است.چگونگی عرضه آثار : بیش از صد پایان نامهٔ کارشناسی و چندین پایان نامه کارشناسی ارشد توسط دکتر فروغی در سال اخیر راهنمایی شده است.آثار : ترجمهٔ کتاب اسلام وتمدن اسـلامی ویژگی اثر : (دوجلد) از آندره میکل، هانری لوران، انتشاراتسـمت ، ۱۳۸۱. این کتـاب به عنوان یک کتاب مبنایی برای تدریس در بیشتر رشـته های دانشکده الهیات به چاپ رسیده است.۲ تفسیر متون ادبی ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.این کتاب ،کتاب درسـی مربوط به سه درس تفسـیر متون در دوره کارشناسـی ادبیات فرانسه که در این دوره تدریس می شود.۳ فرانسـه برای دانشـجویان رشـته علـوم ویژگی اثر : (بـه زبـان فرانسـه)، انتشـارات سـمت، چ اوّل، ۱۳۷۳، (بـا همکاری دکترعبدالله محتشمی و دکترسید علاء الدین گوشه گیر). ۴ یادداشت برداری و روش تحقیق ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، چاپ اوّل ۱۳۸۰ ، چاپ دوم ۱۳۸۲ ، چاپ سوم ۱۳۸۵-این کتاب از کتابهای درسی دانشگاهی است که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه در گروه های آموزشی تدریس می شود.

فروغی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۵۵ ق)، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. ابتدا فدایی، سپس ادیب و سرانجام فروغی تخلص نمود. در جوانی تجارت می‌کرد و چون سرمایه‌ی خویش را در راه تجارت هند به خلیج‌فارس از دست داد. مدتی در بندر لنگه، جهرم،فسا و یزد گذرانید و سپس به کرمان رفت و به خدمت حاکم کرمان، محمد اسماعیل‌خان نوری، وکیل‌الملک، درآمد. مدتی نیز در کرمانشاه اقامت گزید و وارد جمع درویشان شد. در آنجا نیز به مدیحه‌سرایی شاهزاده عمادالدله پرداخت و ادیب تلخص می‌کرد. سرانجام به تهران آمد و در دستگاه وزارت انطباعات و دارالترجمه‌ی میرزا محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه به منشی‌گری پرداخت. در ۱۲۹۱ ق از طرف ناصرالدین‌شاه ملقب و متخلص به فروغی شد. مدتی نیز مدیریت دارالترجمه و دارالطباعه دولتی و مترجمی زبان عربی و فرانسه را عهده‌دار بود و روزنامه‌های دولتی «ایران»؛ «اطلاع»؛ «رسمی»؛ «شرف» معمولا با انشای وی نوشته می‌شد. در ۱۳۱۱ ملقب به ذکاءالملک ش وی روزنامه‌ی «تربیت» را در ۱۳۱۴ ق منتشر کرد. با تأسیس مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی در ۱۳۱۷ ق به استادی مدرسه و در ۱۳۲۳ ق به ریاست آن منصوب گشت. فروغی در ابن‌بابویه شهر ری مدفون شد. آثار وی عبارتند از: «تاریخ سلاطین ساسانی» یا «تاریخ ساسانیان»، ترجمه، با همکاری فرزندش محمدعلی فروغی؛ تصحیح «بوسه‌ی عذرا»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «چرا و به این جهت»، ترجمه؛ «سفر هشتاد روزه‌ی دور دنیا»، ترجمه؛ «عشق و عفت»،به نظم، ترجمه؛ تصحیح «عجز بشر»؛ «علم بدیع»؛ «غرائب زمین و عجایب آسمان»، ترجمه؛ «کلبه هندی»، ترجمه. ضمنا از وی «دیوان» شعر به جای مانده است.[۱]

ملقب به ذکاءالملک (اول)، ادیب و نویسنده (و. اصفهان ۱۲۵۵ ه.ش- ف. ۱۲۸۹ ه.ش/ ۱۳۲۵ ه.ق) ابن آقا محمدمهدی ارباب. وی در جوانی به عنوان تجارت عازم هند گردید، اما کشتی دچار طوفان شد، و مال‌التجاره‌ی او در آب غرق گردید. وی در بندر لنگه پیاده شد و به جهرم و فسا و از آنجا به یزد رفت، و در آن شهر زندانی گردید. سپس به کرمان رفت و تحت حمایت وکیل‌الملک حاکم کرمان قرار گرفت و قصایدی سرود. آنگاه به عزم زیارت عتبات به مغرب شتافت. در کرمانشاه با چند تن از مشایخ و عرفا ملاقات کرد و در زمره‌ی اهل سلوک درآمد، سپس به کربلا و نجف رفت. پس از ورود به تهران مورد نوازش صنیع‌الدوله وزیر انطباعات قرار گرفت و به توسط او به دربار ناصرالدین شاه قاجار معرفی گردید، و به فرمان همایونی تخلص «فروغی» را انتخاب کرد و به مدیریت و مترجمی دارالطباعه منصوب گردید. روزنامه‌های «ایران» و «شرف» و «رسمی» و «اطلاع» که دولتی بودند، غالباً به انشای او نوشته می‌شدند. در ۱۳۰۸ ه.ق به موجب فرمان پادشاه به درجه‌ی اول استیفا و ریاست دارالطباعه رسید. در ۱۳۱۱ ه.ق به موجب دستخط همایونی به لقب «ذکاءالملک» مفتخر شد. روزنامه‌ی «تربیت» از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۵ ه.ق به مدیریت او منتشر گردید. در سال ۱۳۱۷ که مدرسه‌ی علوم سیاسی تأسیس شد وی به معلمی ادبیات آن مدرسه انتخاب گردید و چند کتاب ادبی کلاسیک تألیف و منتشر کرد (بدیع و معانی و عروض و قافیه و تاریخ شعرا). در ۱۳۲۳ به مدیریت مدرسه‌ی مذکور منصوب شد. وی به سن ۷۰ سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۲۴ -۱۱۶ / ۲ ،۳۰۶، ۱۹۸ / ۱)، حدیقه الشعراء (۱۳۴۳ -۱۳۳۸ / ۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۲ - ۳۶۰)، شرح حال رجال (۳۸۸ -۳۸۴ / ۳)، فهرست کتابهای چاپی (۲۳۳۴ ،۲۳۱۱ / ۲ ،۷۱۲ ،۶۶۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مکارم الآثار (۱۴۹۲ -۱۴۹۱ / ۵).

فروغی، محمد علی ذکاءالملک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۹۴ ق)، نویسنده، ادیب، مترجم و دانشمند. فروغی تحصیلات خود را از پنج سالگی نزد پدر آغاز کرد و ظرف مدت هفت سال کلیات زبانهای فارسی، عربی و فرانسه را آموخت و از علوم جدید نیز بهره گرفت. بعد از آن وارد مدرسه‌ی دارالفنون شد و به تحصیل در رشته‌ی طب پرداخت. اما پس از چندی به علت علاقه به فلسفه و ادبیات در این دو زمینه مشغول فعالیت شد. چندی نیز در مدرسه‌ی صدر به تکمیل تحصیلات پرداخت. بعد از این که پدرش هفته‌نامه‌ی «تربیت» را انتشار داد محمدعلی به عنوان سردبیر، نویسنده و مترجم هفته‌نامه مقالاتی در آن نوشت. پس از تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی در ابتدا به عنوان مترجم و سپس به عنوان استاد و معاون مدرسه به خدمت پرداخت. بعد از درگذشت محمدحسین فروغی، محمدعلی ملقب به ذکاءالملک شد و ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی را به عهده گرفت. فروغی در طی زندگانی سیاسی خود چند بار به وکالت مجلس و سفارت رسید و چندین بار وزیر و نخست‌وزیر شد. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. آثار او عبارتند از: «آئین سخنوری در فن خطابه»؛ «حکمت سقراط»؛ «تاریخ ملل شرق»، ترجمه؛ «اصول علم ثروت»؛ «سیر حکمت در اروپا»؛ «تاریخ ساسانیان» یا «تاریخ سلاطین ساسانی»، ترجمه، با همکاری پدرش ؛ «فهرست رجال بزرگ ممالک».[۱]

معروف به ذکاءالملک، فرزند مرحوم محمدحسین‌خان ذکاءالملک اول، متولد ۱۲۹۴ ه.ق در تهران است. پدرش از دانشمندان و محققان و شعراء بلندپایه‌ی عصر ناصری و مظفری است که در وزارت انطباعات اعتمادالسلطنه ریاست قسمت ترجمه و تالیف با او بود. علاوه بر آن بر مترجمان همایونی ریاست داشت و شاعری توانا، ادیبی دانشمند و مترجمی کم‌نظیر بود. غالب کتبی که اعتمادالسلطنه به نام خود چاپ کرده است، قسمت اعظم آن نتیجه‌ی تحقیق و نگارش فروغی است.

محمدعلی فروغی تحصیلات خود را نزد پدرش آغاز کرد. پس از آموزش زبان پارسی به آموختن مقدمات عربی و قرآن و

شرعیات پرداخت. پس از آن ادبیات زبانهای فارسی و عربی را فراگرفت و در آموزش فلسفه و عرفان و حسن خط همت گماشت و ابتدا زبان فرانسه و بعد زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت و وارد دارالفنون ناصری شد. مدتی به علم طب روی آورد، سالی چند در این علم غوطه‌ور بود تا اینکه طبابت را مطابق ذوق خود نیافت و بر فلسفه و عرفان متمایل شد و تحصیلات خود را در این رشته در مدارس معروف آن روز تهران نزد اساتید بزرگی چون میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا طاهر تنکابنی به حد کمال رسانید و چون مسلط به زبانهای خارج بود، از نوشته‌ی فلاسفه‌ی مغرب زمین هم بهره‌مند گردید.

پدرش در سال ۱۳۱۴ ه.ق به انتشار مجله‌ی تربیت همت گماشت. محمدعلی در کار این نشریه دخالتی تام داشت. گذشته از سردبیری آن ترجمه‌هائی از او منتشر می‌شد. در این روزنامه از قانون و مدرسه و تجدد سخن بسیار آمده است و قریب ده سال منظما انتشار پیدا می‌کرد.

در ۱۳۱۷ ه.ق که میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله به تشویق دو فرزند خود موتمن‌الملک و مشیرالملک (بعدها مشیرالدوله) مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی را بنیاد نهاد، محمدحسین فروغی به استادی آنجا برگزیده شد و فرزندش نیز به ترجمه‌ی تاریخ برای دانشجویان پرداخت و پس از چندی معلم تاریخ در مدرسه‌ی سیاسی گردید. پس از مدتی محمدحسین ذکاءالملک به ریاست مدرسه گمارده شد و فرزندش را به معاونت انتخاب کرد. این وضع تا اوایل مشروطیت ادامه داشت. در این سال ذکاءالملک درگذشت و لقب و شغلش را به فرزند ارشد او واگذار کردند. محمدعلی فروغی با لقب ذکاءالملک به ریاست مدرسه عالی علوم سیاسی منصوب گردید. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس اول که در حقیقت مجلس موسسان بود، فروغی برای ریاست دبیرخانه دعوت شد و کار اداری مجلس را انجام می‌داد. سازمان اداری و تاسیس کتابخانه از کارهای اولیه‌ی اوست. در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد صغیر انجام گرفت، محمدعلی ذکاءالملک به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد و پس از چندی به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردید. چند ماهی بیشتر در این سمت نبود که جای خود را به موتمن‌الملک سپرد و خود به نیابت ریاست رسید.

ذکاءالملک در سال ۱۲۹۰ ش در کابینه‌ی صمصام‌السلطنه بختیاری ابتدا وزیر مالیه و بعد وزیر عدلیه شد. در کابینه‌ی بعدی که به ریاست مشیرالدوله تشکیل یافت، همچنان وزیر عدلیه بود. در دوره‌ی سوم وکیل مجلس شد ولی در مجلس باقی نماند تا به ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد و سالیان دراز در آن سمت اشتغال داشت. پس از پایان جنگ بین‌الملل اول، به اتفاق مشاورالممالک انصاری به کنفرانس صلح رفتند ولی موفق به حضور در کنفرانس نشدند و آنها را مودبانه جواب کردند. در ۱۳۰۱ ش ذکاءالملک در کابینه‌ی مستوفی‌الممالک وزیر امور خارجه شد و در جدال مستوفی و مدرس نقشی اساسی داشت و غالبا پاسخ مجلسیان را او می‌داد. در کابینه‌ی بعدی به ریاست مشیرالدوله وزیر مالیه شد. از ۱۳۰۲ تا ۹ آبان ۱۳۰۴ در چهار کابینه‌ی رضاخان سردارسپه، دو بار وزیر خارجه و دو بار وزیر مالیه بود تا سرانجام در ۹ آبان ۱۳۰۴ مجلس پنجم طرح انقراض قاجاریه را به تصویب رسانید و حکومت موقت را به رضاخان پهلوی سپرد تا مجلس موسسان به اصلاح اصول قانون‌اساسی بپردازد. ذکاءالملک در این تاریخ به کفالت نخست‌وزیری و سرپرستی دولت تعیین شد.

مجلس موسسان در آذرماه ۱۳۰۴ امور سلطنت را به رضاخان پهلوی واگذار کرد و محمدعلی فروغی به عنوان اولین نخست‌وزیر سلطنت رضا پهلوی معرفی شد. او قریب شش ماه رئیس دولت بود. تاجگذاری رضاشاه، انتخابات دوره‌ی ششم قانون نظام اجباری و الغاء القاب و قانون ثبت در دوران نخست‌وزیری او انجام یا به تصویب رسید. فروغی در اثر دخالتهای تیمورتاش وزیر دربار تاب مقاومت نیاورد و از شاه اجازه‌ی استعفا گرفت. شاه استعفای او را پذیرفت مشروط بر اینکه کاری در کابینه قبول کند. پس از مذاکرات لازم، قرار شد فروغی در کابینه‌ی بعدی وزیر جنگ باشد ولی کارهای وزارت جنگ را رضاشاه انجام بدهد. جانشین فروغی که پس از لغو القاب حسن مستوفی نام گرفته بود، فروغی را به عنوان وزیر جنگ معرفی کرد و پس از چندی فروغی به اتفاق دو فرزند خود (جواد و محسن) از راه روسیه عازم اروپا شد تا ترتیب تحصیل فرزندان خود را تحت‌نظر علامه محمد قزوینی در پاریس بدهد. برخی از مورخین درباره‌ی این مسافرت مطالب خلاف واقعی عنوان نموده و متذکر شده‌اند که انگیزه‌ی فروغی در این مسافرت صرفا برای ملاقات با سلطان احمدشاه و اخذ استعفانامه از وی و پرداخت مبلغی حدود هفت میلیون تومان بوده است در حالی که مرحوم فروغی در تمام عمر نسبت به این مطلب معترض بود، و قویا آن را تکذیب می‌نمود و اصولا در پاریس بین او و احمدشاه ملاقاتی دست نداده بود. فروغی چند ماهی در پاریس اقامت گزید تا به سمت سفارت کبرای ایران در آنقره تعیین شد و مراتب تلگرافی به او ابلاغ گردید. مدت ماموریتش در ترکیه دو سال به طول انجامید و در ایجاد حسن روابط بین دو کشور زحماتی متحمل شد. ذکاءالملک در سفر ترکیه دوستی و نزدیکی زیادی با رجال ترک پیدا کرد مخصوصا با کمال آتاتورک دوستی او زبانزد بود و همه روزه با رهبر مقتدر و اصلاح‌طلب ترکیه ملاقات و مذاکره داشت.

در ۱۳۰۸ ش با سمت ریاست هیئت نمایندگی ایران در جامعه‌ی ملل به ژنو رفت و به ریاست جامعه‌ی ملل انتخاب شد. جامعه‌ی ملل در دوران ریاست فروغی، قدمهائی برای رفاه مردم دنیا و صلح کشورها برداشت که یقینا فروغی نیز سهم بسزائی در این امر مهم دارد. در ۱۳۰۹ به تهران بازگشت و در کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه هدایت به وزارت جدیدالتاسیس اقتصاد منصوب شد. پس از دو ماه وزارت امور خارجه هم ضمیمه‌ی کار او شد و هر دو وزارتخانه را توامان اداره می‌کرد ولی چند ماه بعد وزارت اقتصاد منحل گردید. فروغی تا شهریور ۱۳۱۲ در پست وزارت امور خارجه مستقر بود.

در شهریور ۱۳۱۲ مهدی‌قلی هدایت پس از شش سال‌ونیم صدارت، از کار کناره گرفت و محمدعلی فروغی به جای او به نخست‌وزیری منصوب شد. در دوران نخست‌وزیری او، کار تاسیس دانشگاه تهران به اتمام رسید. جشن هزاره‌ی فردوسی با شرکت مستشرقان و دانشمندان دنیا در طوس برگزار شد. فرهنگستان ایران هم برای احیاء زبان فارسی بنیان گرفت. در دوران نخست‌وزیری او، رضاشاه برای اولین بار از کشور خارج شد و چند روزی مهمان کمال آتاتورک شد و از نزدیک با ترقیات کشور دوست و همجوار آشنا گردید. فروغی متجاوز از دو سال در راس دولت بود تا واقعه‌ی گوهرشاد پیش آمد. پاکروان استاندار و نوائی رئیس شهربانی، کاسه و کوزه را بر سر محمدولی اسدی نایب‌التولیه شکستند و او را عامل اصلی قیام معرفی کردند. در آن تاریخ یکی از

دختران فروغی، عروس اسدی بود لذا فروغی در مقام شفاعت برآمد ولی آتش غضب رضاشاه تندتر شد، نه تنها شفاعت او را نپذیرفت بلکه فروغی را هم از کار کنار گذاشت، تمام مشاغل او را گرفت و تحت‌نظر نظمیه در منزل خود نیز زندانی شد. تیمورتاش و سردار اسعد در این دوره از نخست‌وزیری او در زندان به قتل رسیدند.

فروغی تا ۱۳۲۰ در انزوا به سر می‌برد تا اینکه پس از حمله‌ی روس و انگلیس به ایران، رضاشاه به سراغ او رفت. در آن ایام پرتلاطم، سکان کشتی نجات ایران را به دست او داد.

فروغی پس از اینکه زمام امور را به دست گرفت، در مقام مذاکره با شوروی و انگلیس برآمد. نتیجه‌ی مذاکرات بر این قرار گرفت که رضاشاه از سلطنت کناره‌گیری کند. ابتدا قرار بود رژیم تغییر نماید و جمهوری به جای سلطنت انتخاب شود ولی پافشاری فروغی موجب شد که رژیم باقی بماند و فرزند شاه طبق قانون اساسی سلطنت کند. از اقدامات فروغی در این دوره تثبیت انتخابات دوره‌ی سیزدهم بود که در زمان رضاشاه و جو دیکتاتوری صورت گرفته بود. قرارداد سه‌جانبه با متفقین که پس از پایان جنگ ایران را تخلیه کنند، از دیگر اقدامات فروغی است. وی در این دوره از نخست‌وزیری خود با مشکلات بزرگی مواجه شد. مورد هتاکی و حمله رادیوهای خارجی و مطبوعات داخلی قرار گرفت. در مجلس به سوی او سنگ پرتاب کردند. رادیوی آلمان او را کلیمی‌زاده خطاب کرد و ایران تیمورتاش در روزنامه‌ی رستاخیز به او نسبت دزدی داد ولی با تمام این مشکلات، فروغی شش ماه دوام کرد و چهار بار کابینه را ترمیم نمود ولی سرانجام در مقابل آن همه مصائب توان خود را از دست داد با وجودی که در مجلس اکثریت داشت، از کار کناره گرفت و خود را مخفی ساخت و زیر بار مسئولیت مجدد نرفت. وکلاء چون از فروغی مایوس شدند، سهیلی را بدان سمت برگزیدند.

فروغی بعد از نخست‌وزیری به وزارت دربار منصوب شد و پس از چندی قرار شد با سمت سفیرکبیر به آمریکا عزیمت کند. برایش پذیرش خواستند، موافقت شد و قبل از حرکت فروغی چون بیمار بود، تقاضا نمود در این ماموریت محمود فروغی فرزند کوچکش که عضویت وزارت امور خارجه را داشت با او همراهی کند. این امر احتیاج به تصویب‌نامه هیئت وزیران داشت. قوام‌السلطنه نخست‌وزیر موضوع را در هیئت دولت مطرح کرد و با مخالفت باقر کاظمی مهذب‌الدوله مواجه شد کاظمی در زمره افرادی بود که تمام ترقیات او مدیون فروغی بود. فروغی او را از کارمندی ساده وزارت امور خارجه به سفارت و وزارت رسانید و همیشه برای حمایت از او مورد ایراد و حتی طعن بعضی دوستان قرار می‌گرفت و انتظار نداشت در آن ایام کاظمی با تقاضای کوچک او مخالفت کند. موضوع چندی در هیئت دولت باقی ماند و اخذ تصمیم به عمل نیامد. فروغی به شدت متاثر شد و بیماری او شدت یافت تا اینکه در آذرماه ۱۳۲۱ در سن ۶۷ سالگی به بیماری سکته درگذشت. فروغی دارای دو چهره‌ی متضاد است، یکی فروغی سیاستمدار، دیگری فروغی دانشمند و ادیب و فیلسوف. در چهره‌ی اول تمام مراحل ترقی و مشاغل مهم مملکت را پشت سر گذاشت. او در طول زندگانی سیاسی خود سه بار نخست‌وزیری، یک بار کفیل نخست‌وزیری، یک بار رئیس مجلس شورای ملی، پانزده بار وزیر امور خارجه، دارائی، جنگ، عدلیه، اقتصاد ملی، یک بار سفیر، وزیر دربار، رئیس جامعه‌ی ملل، رئیس مدرسه‌ی عالی حقوق و بالاخره رئیس دیوان عالی کشور بوده است. ممکن است از لحاظ سیاسی دانسته یا ندانسته اشتباهاتی مرتکب شده باشد. همانطوری که دوستان سیاسی همیشه او را تایید می‌نمودند، دشمنان او را تقبیح کرده نسبتهائی به او بدهند ولی آنچه مسلم است فروغی از پایه‌گذاران سلسله‌ی پهلوی بود و هنگام جلوس پدر و پسر به سلطنت، نخست‌وزیری را در اختیار داشته است.

محمدعلی فروغی دانشمند و فیلسوف و ادیب در قرن اخیر از بزرگان و محققین درجه اول محسوب می‌شود. در جوانی به امر ترجمه اشتغال داشت، چندین جلد تاریخ دنیا را ترجمه و تلخیص می‌کرد که در مدارس آن روز کشور تدریس می‌شد. بعد به تصحیح دواوین شعرا پرداخت. دیوان عمر خیام نیشابوری، دیوان حافظ و دیوان سعدی و از همه مهمتر شاهنامه فردوسی به همت او تصحیح و چاپ شده‌اند که هنوز نوشته‌های او مورد استفاده‌ی دانشمندان است. در تاسیس فرهنگستان و احیاء زبان فارسی جد و جهدی وافر داشت. خود مدتی ریاست فرهنگستان را عهده‌دار بود. مقاله‌ی مستند «پیام به فرهنگستان» نمونه‌ای از طرز فکر او درباره‌ی زبان فارسی است.

پربارترین دوران حیات علمی فروغی از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ است که موفق شد آثار مهمی از خود به یادگار گذارد. سه جلد کتاب سیر حکمت در اروپا و شرح اشارات بوعلی سینا از اهم کارهای او در این دوره است. او فلسفه‌ی شرق و غرب را به خوبی می‌دانست، مع‌الوصف از مشورت و مذاکره با دانشمندان و فلاسفه‌ی شرق خودداری نمی‌کرد. در ایامی که سرگرم تهیه‌ی سیر حکمت در اروپا و شرح اشارات بوعلی سینا بود، غالبا با میرزا طاهر تنکابنی، سید محمد مشکوه و استاد فاضل تونی در مذاکره و تبادل‌نظر بود. فروغی در نویسندگی از پیشقدمان ساده‌نویسی است. مقدماتی که بر بعضی از دواوین نوشته است این رویه را به اثبات می‌رساند. او حتی‌المقدور سعی کرده است از لغات بیگانه پرهیز کند و مطالب خود را در عین استحکام و فصاحت طوری بیان کند که همه بتوانند از آن بهره‌مند شوند. در کتاب آیین سخنوری، این شیوه در حد اعلی جلوه‌گر است. او در اواخر عمر تصمیم به تقریر خاطرات خود گرفت. بیش از ۵۰ صفحه تقریر نکرده بود که اجل مهلتش نداد. این یادداشتها بیشتر درباره‌ی پدرش محمدحسین‌خان ذکاءالملک و رویه‌ی او در تعلیم و تربیت فرزندان و طریقه‌ی تالیفات اوست. انتخاب نام خانوادگی فروغی نیز مربوط به پدر اوست. وقتی پدرش در دربار ناصرالدین‌شاه قطعه شعری سرود و شاه را خوش آمد، لقب فروغی را به او داد که از آن تاریخ در اشعارش تخلص فروغی دیده می‌شود. مرحوم ذکاءالملک اول درباره‌ی لقب فروغی چنین گفته است:

فروغ یافت چو از مدح شاه گفته‌ی من

مرا خدیو معظم لقب فروغی داد

مرحوم محمدعلی فروغی نقاش چیره‌دستی بود. او در جوانی با کمال‌الملک در زمینه‌ی نقاشی کار کرده بود. خود می‌نویسد: من به کمال‌الملک فرانسه درس می‌دادم و او به من تعلیم نقاشی می‌داد. آثاری از او نزد فرزندانش به یادگار باقی است.

ذکاءالملک گذشته از مراحل سیاسی و علمی که در حد اعلاـ قرار داشت، در دوستی و وداد هم سرآمد اقران بود. به خانواده‌ی خویش دلبستگی خاصی داشت. پس از فوت پدرش سرپرستی سه خواهر و یک برادر را عهده‌دار شد. یک خواهر و برادرش

ابوالحسن فروغی تا روز مرگ با ذکاءالملک زندگی می‌کردند و گذشته از اینکه جمع‌المال بودند، هرگز آنها را از خود دور نساخت. یکی از خواهران او همسر سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری بود. خواهر دیگرش به عقد و ازدواج وقارالسلطنه وصال یکی از فرزندان وصال شیرازی درآمد ولی وقارالسلنه در ۱۳۰۵ در میانسالی درگذشت و فروغی مادام که حیات داشت، خواهرزاده‌های خود را چون فرزندان خویش مراقبت می‌کرد.

ذکاءالملک در جوانی با خواهرزاده‌ی نظام‌السلطنه (رضاقلی) ازدواج کرد و ثمره‌ی این وصلت چهارپس و دو دختر بود. همسر او در سنین سی‌سالگی مبتلا به سل شد. تلاش اطباء به جائی نرسید. او را از فرزندانش جدا کردند و در قلهک خانه‌ای اجاره و او را تنها در آن منزل قرار دادند تا تنها پزشک متخصص در سل که پزشک سفارت انگلیس بود، از او عیادت کند. او هفته‌ای یک بار فرزندان خود را از پشت شیشه می‌دید. معالجات پزشکان موثر واقع نشد و آن زن درگذشت. فروغی پس از فوت همسرش، قریب بیست سال زیست و هرگز ازدواج نکرد. در واپسین روزهای عمر به یکی از فرزندان خود گفته بود من پس از مرگ مادر شما هرگز افطار نکردم (منظور این است که زنی ندیدم). فروغی از مال دنیا بهره‌ای نداشت. پدرش در خیابان امیریه نزدیک باغ انتظام‌السلطنه خانه‌ای مشتمل بر بیرونی و اندرونی خریده بود که پس از مرگش فرزندان در آن خانه زندگی می‌کردند. در حوالی ۱۳۰۰ آن خانه را فروغی فروخت و با پس‌اندازی که از حقوق دیوان کشور اندوخته بود در خیابان سپه خانه‌ی بزرگی که چهار هزار مترمربع بود، به مبلغ دوازده هزار تومان خریداری کرد. پس از مرگش این خانه را به وزارت بهداری اجاره دادند و بیمارستانی به نام نجات در آنجا مستقر شد. در ۱۳۳۰ وزارت بهداری این خانه را به مبلغ یک میلیون تومان خریداری کرد ولی ابوالحسن فروغی از قبول سهم خویش خودداری کرد و تمام آن را به فرزندان برادرش داد.

روابط ذکاءالملک با برادر کوچکش ابوالحسن فروغی که از فلاسفه و دانشمندان بزرگ معاصر بود، رفتار پدر و فرزند و معلم و شاگرد بود. فروغی هرگز عادت نداشت مطالب و جریانات سیاسی روز را برای فرزندان خود تعریف کند. اگراز او سئوالی می‌شد مختصر پاسخی می‌داد. از مذاکرات چند ساعته‌ی او و رضاشاه که در همان منزل خیابان سپه اتفاق افتاد، هیچکس اطلاع ندارد.

ذکاءالملک سه تن از فرزندان خود را به اروپا فرستاد. جواد فرزند ارشد او علم سیاست آموخت و داخل وزارت امور خارجه شد و همسر سوئیسی اختیار کرد. در ۱۳۳۵ در حالی که وزیرمختار در سوئیس بود درگذشت. محسن فرزند دومش ابتدا ریاضیات و سپس فن معماری آموخت و الحق در این رشته همتا نداشت. مقامات سیاسی و اداری را تا وزارت طی کرد. مسعود فرزند سوم او علوم سیاسی تحصیل نمود و مشاغلی در طول حیات قبول کرد. محمود اساسا خارج نرفت و تحصیل او در دانشکده‌ی حقوق تهران انجام گرفت و در حقیقت تنها فرزندی که توانست از محضر پدر خود برخوردار شود او بود. به همین دلیل در بین فرزندان ذکاءالملک، محمود تا حدی از علوم فلسفی و ادبی بهره‌مند شده است. دو دختر او هر دو عروس مصباح‌السلطنه اسدی شدند.

دانشگاه تهران چند بار برای بزرگداشت فروغی جشنهائی ترتیب داد. درباره‌ی مقام علمی و سیاسی او سخن بسیار رفت. حبیب یغمائی مدیر مجله‌ی یغما، مجموعه‌ای از مقالات او را تحت عنوان «مقالات فروغی» انتشار داده است. فروغی در جوانی وارد لژ فراماسونی شد و به استاد اعظمی رسید. در سال ۱۳۲۱ درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۹، ش ۹ –۷، ص ۶۸۳ –۶۷۷)، تذکره القبور (۴۴۸ –۴۴۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۸ –۹۶ / ۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۴ –۳۶۳ / ۱)، شخصیت‌های نامی (۳۷۶ –۳۷۵)، شرح حال رجال (۴۵۱ –۴۵۰ / ۳)، گلزار معانی (۵۳۶ – ۵۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸ –۳۳۴ / ۴).

فروغی، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله فروغی

محل تولد : مبارکه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را در شهرستان مبارکه یکی از شهرستانهای استان اصفهان آغاز نمودم و مقارن با انقلاب اسلامی در آن شهرستان موفق به دریافت گواهی نامه دیپلم شدم با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه اصفهان شدم یکی دو سالی در آنجا مقدمات را گذراندم و بعد از آن به شهر مقدس قم هجرت نمودم و در این شهر ادبیات عرب، منطق، فلسفه، فقه و اصول و به تعبیرات حوزوی سطح را در طی چند سال گذراندم و البته همزمان در دانشگاه اصفهان هم تحصیل نمودم و موفق به لیسانس در رشته ادبیات فارسی شدم. حدود ۱۰ سالی است که در دروس خارج آیات عظام شرکت دارم و سال ۸۱ موفق به نوشتن پایان نامه سطح سه در موضوع و نقش تربیتی مساجد در جوامع اسلامی شدم و همچنین یک دوره علمیه قرآن را گذراندم ده سالی است علاوه بر تحصیل، مقالات و آگاهی هم نوشته ام و در بخش آثار آنها را ذکر کرده ام همچنین در مدارس حوزه قم درس آیین نگارش هم تدریس می نمایم.

فره وشی، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۳۰۶، ارومیه.

درگذشت: ۱ خرداد ۱۳۷۱، آمریکا (سانفرانسیسکو).

بهرام فره‌وشی فرزند علی‌محمد فره‌وشی (مترجم همایون) که رییس اداره فرهنگ ارومیه بود، در سال ۱۳۳۲ از دانشسرای مقدماتی اصفهان فارغ‌التحصیل شد. آنگاه ضمن تدریس در دبستان‌های تهران ابتدا در رشته‌ی زبان‌های خارجی و سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در همان سال‌ها هفته‌ای چند روز در محضر سید محمد فرزان حاضر می‌شد و به همراه امیرحسن یزدگردی، محمداسماعیل رضوانی و اقبال یغمایی به مباحثه و تحقیق در دقایق و مشکلات متون فارسی می‌پرداخت. چندی بعد به پاریس رفت و به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان‌ها و فرهنگ باستان ایران از مدرسه‌ی تتبعات عالیه‌ی دانشگاه پاریس نایل گردید و در این مدت از محضر استادان بزرگ پروفسور دو مناش و پرفسور بنونیست بهره‌مند بود. پس از بازگشت به ایران به دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. و از آن به بعد وقت خود را به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و تحقیق در رشته‌ی تخصصی و تألیف کتاب‌های خود پرداخت. در وهله‌ی اول اوقات خود را صرف نشر آثار ابراهیم پورداود که به سبب پیری نیازمند همکار جوان‌تری بود، کرد و بخش دوم گاتها (شامل یادداشت‌های ابراهیم پورداود) را در سال ۱۳۳۶، سینا را در ۱۳۴۰، ویسپر را در ۱۳۴۳ منتشر ساخت. آنگاه فرهنگ پهلوی به فارسی که حاصل بیست سال بررسی متون پهلوی بود در ۱۳۴۶، و فرهنگ به پهلوی را در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسانید. آخرین اثر او ایرانوچ شامل ۲۹ مقاله درباره‌ی ایران باستان در اسفند ۱۳۵۶ منتشر گردید. از آثار دیگر اوست: ترانه‌های شرقی (فرانتس توسن، ۱۳۳۶)، روبنسن کروزئه (دانیل دفو، ۱۳۳۴). وی همچنین مدتی برنامه‌ی «فرهنگ ایران زمین» را در سازمان رادیو و تلویزیون اداره می‌کرد. از کارهای دیگر او اهتمامی است که در چاپ کتاب ایران، کلده و شوش اثر مادام دیولافوا به ترجمه‌ی پدرش انجام داد که در سال ۱۳۶۵ منتشر شد. از وی مقالاتی در مجلات مختلف از جلمه «بررسی‌های تاریخی» و «یمغا» به چاپ رسیده است. دکتر فره‌وشی گرفتار سرطان بود. در اوایل آذر ۱۳۷۰ برای معالجه به آمریکا رفت. در فرودگاه سانفرانسیسکو دچار سکته شد و به اغما رفت. او را به بیمارستان رساندند و پس از چند روز پزشکان شیمی درمانی را آغاز کردند. با ابتلاء به ذات‌الریه سرانجام روز اول خرداد ۱۳۷۱ زندگی را بدرود گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فره وشی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۵۴ ش)، نویسنده و مترجم. مشهور به مترجم همایون. در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در زادگاهش، برای تحصیل عربی و مبانی طب به تهران آمد. وی سفری به استانبول کرد و پس از بازگشت در مدرسه‌ی دارالفنون به فراگیری زبان فرانسه و ریاضیات پرداخت و بعد وارد وزارت فرهنگ شد و کار خود را با سرپرستی دبستان دانش و آموزگاری زبان و ریاضی در مدرسه‌ی کمالیه شروع کرد. او مدارس بسیاری را تأسیس نمود. عمده مشاغل وی عبارتند از: ریاست معارف زنجان، بازرسی عالی فرهنگ، ریاست مدرسه‌ی معقول و منقول چهارباغ اصفهان، سرپرستی مدرسه‌ی ارامنه در جلفا و سرپرستی آموزشگاههای زرتشتیان تهران. او سرانجام در تهران درگذشت. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»؛ «حساب مقدماتی»؛ «حساب سال اول»؛ «حساب مظفری»؛ «حساب نوین»؛ «حل المسائل جبر»؛ «هندسه»؛ «علم الاشیاء»؛ «جغرافیای رهنما»؛ «دستور دانش»؛ «باستان‌نامه»؛ «ایرانی که من شناخته‌ام»، ترجمه؛ «ربنسن سویس»، ترجمه؛ «سفرنامه از خراسان تا کشور بختیاری»، ترجمه؛ «سفرنامه مادام دیو لافوآ»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۸۹ / ۱۲ ،۱۵۳ / ۸ -۷ / ۷ ،۱۷۹ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۴ -۱۱۳ / ۵)، شرح حال رجال (۱۶۵ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۹۶، ۱۹۹۲ -۱۹۹۱، ۱۶۷۷ / ۲، ۱۴۱۸، ۱۲۰۷، ۱۱۷۱، ۱۰۳۶، ۴۴۱، ۴۱۹، ۲۵۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۳ -۵۹۱ / ۴).

فرهاد، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. از آنجایی که بیشتر ترجمه‌های او به نام فرهاد به چاپ رسیده است. معروف به فرهاد بود. پس از تکمیل تحصیلات متوسطه در مدرسه‌ی دارالفنون و گذراندن مسابقه‌ی ورودی وزارت فواید عامه، به

منظـور تحصـیل در رشـته‌ی مهندسـی ساختمـان و راهسـازی به بلژیـک عزیمت نمود و دوره‌ی چهـار سـاله‌ی دانشـگاه آن کشور را بـاموفقیت به پایـان رسانـد و به ایران بازگشت. در ۱۳۱۰ ش به خـدمت وزارت راه درآمـد و سه سـال در دانشـکده‌ی فنی که تـازه تأسیس شده بود تدریس کرد. از ۱۳۲۶ ش که ساخت خطوط راه‌آهن آذربایجان و خراسان شـروع شد، به سمت رییس و مدیر کل اداره‌ی ساختمـان منصوب شـد و مـدتی معـاونت وزارت راه را عهـده‌دار بود. از آثـار وی: «حیات مردان نامی»، ترجمه؛ «اعترافات»، ترجمه؛ «امیدواری در یک شب»، ترجمه؛ «تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تا تاریخ تا دوره‌ی معاصـر»، ترجمه؛ «فروید»، ترحمه؛ «کلئوپاترا»، ترجمه؛ «کوروش‌نامه»، ترجمه؛ «ماری استوارت»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (۱۴۱۲ / ۲ ، ۲۸۰ -۲۷۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۲ -۲۰۰ / ۳).

فرهادیان، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا فرهادیان

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۶/۱

زندگینامه علمی

به نقـل از کتـاب والـدین مسئول و کتـاب یـار مهربـان یادمان نخستین جشـنواره انتخاب کتاب معلم: مولف در سال ۱۳۲۷ در جوار آرامگـاه حکیم و فیلسوف بزرگ شـرق شـیخ الرئیس ابو علی سینا و شاعر شوریـده بابـا طـاهر در شـهر همـدان پـا به عرصه هستی گـذاشت. تحصـیلات را در زادگاهش آغاز کرد و پس از اخـذ مـدرک دیپلم در دانشـگاه علم و صـنعت تهران در رشـته مهندسـی مکانیک و دانشگاه تربیت معلم (دانشسـرای عالی تهران) در رشته مشاوره و راهنمائی تحصیلی (علمی) قبول گردید به دلیل علاقه مندی به تعلیم و تربیت و معارف اسـلامی، دانشـگاه تربیت معلم را انتخاب نموده و با طی دوره دانشگاه زمینه برای ورود به آموزش و پرورش و درآمدن به کسوت شـریف معلمی فراهم شد و در سال ۱۳۵۲ با اسـتخدام در آموزش و پرورش سالهای پر شور و به یاد مانـدنی تـدریس و مشـاوره تعلیم و تعلم در زنـدگی فرهنگی او آغـاز شـد. با ارتباطی که با مرحوم شـهید دکتر بهشتی (ره) داشـت جهت فعالیتهـای فرهنگی قبـل از انقلاب در سال ۱۳۵۳ به سـمت مدیر عامل موسسه آیت فیلم انتخاب گردید. و در اسـفند ماه سال ۱۳۵۷ با تایید و پیشنهاد شهید مرحوم آیت الله مدنی(ره) به سمت مدیر صدا و سیمای استان همدان منسوب گردید و در اسفند سال ۱۳۵۸ به سـمت مـدیر صـدا و سـیمای اسـتان کردسـتان منسوب گردید و در سال ۱۳۶۰ به سـبب احسـاس نیاز و علاقمنـدی به علوم اسـلامی وارد حوزه علمیه قم شـد و بـا علاقه فراوان به فراگیری دروس حوزه پرداخت. وی در طول سالهـای خـدمت در آموزش و پرورش به مطالعه، مشاوره و تحصیل دروس حوزوی اشتغال داشته و ساعاتی به عنوان مشاور و راهنمای دانش آموزان و اولیای آنها نقش مـوثری در پیشـبرد اهـداف تعلیم و تربیت داشـته و مسـئولیت مرکز مشـاوره خـانواده در آمـوزش و پرورش اسـتان قم از دیگر مسئولیتهای وی در آموزش و پرورش بوده است در سال ۱۳۶۷ طی حکمی عضو ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش گردید و در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت و پیش نویس طرح بنیادی تغییر نظام آموزش و پرورش با وزارت آموزش و پرورش مشارکت نمود. در طی این دوران همچنان به دروس حوزه اشـتغال داشـته و به فراگیری درس خارج از اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، فاضل لنکرانی (ره)، مکـارم شـیرازی، وحیـد خراسانی بهره برده است و دوره تخصصـی فلسـفه اسـلامی از منطق منظومه تا فلسـفه و عرفان اسـلامی را گذرانـده است. وی در طول دوره های تحصیل حوزه و خـدمت در آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۹ با تاسیس موسسه فرهنگی تربیتی توحیـد در جهت پیشبرد اهـداف تعلیم و تربیت اسـلامی تلاش نموده و حاصـل سالها فعالیت و مطالعه و تجربه مفید آموزشـی و تربیتی، تـالیف بیست جلـد کتـاب و مقالات مختلف در مجله پیونـد و تربیت و سـایر روزنامه ها و ویژه نامه های تربیتی وابسـته به آموزش و پرورش اقدام نموده است که برخی از این کتابها بارها به چاپ رسیده است و تجدید چاپ مکرر گردیده است و در حال حاضـر کماکان مـدیر موسـسه فرهنگی تربیتی و مجتمع آموزشـی دخترانه و پسـرانه توحید می باشـند و با طرح ارزشـیابی توصیفی، حرکتی نو در جـامعه آموزشـی ایران ایجـاد نموده و اخیرا بـا وزارت آموزش و پرورش در جهت تـالیف کتاب مهارتهای زندگی همکاری مستمر داشته اند. (مهر ۱۳۸۵)

فرهنگ شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۴۲ ق)، خطاط، ادیب، نویسـنده و شاعر، متخلص به فرهنگ. وی چهارمین فرزند وصال شـیرازی است. در شـیراز به دنیا آمـد. در آغـاز جـوانی به تحصـیل علـوم ادبی و فنون ریاضـی پرداخت. علم جفر و رمـل را نیز فراگرفت و زبـان فرانسه را به تشویق

حکیم قاآنی آموخت. فرهنگ شاعری توانا و در آداب سخنوری استاد بود. وی هفت اقلیم را خوش می‌نوشت و در خط ثلث مهارت خاصی داشت. او در شیراز درگذشت و در حرم سید میرمحمد، برادر شاهچراغ، به خاک سپرده شد.از آثار خطی وی: یک نسخه «حدائق السحر» رشید وطواط، به خط نسخ و شکسته کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد الاقل... ابوالقاسم بن... وصال الشاعر...سنه ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مأتین بعد الالف». دیگر آثار وی: شرح «حدائق السحر» رشید وطواط، به طرز چهار مقاله‌ی نظامی عروضی، متجاوز از پانزده هزار بیت: کتاب لغتی به نام «فرهنگ فرهنگ»، شال لغات مصطلحه فارسی، عربی و ترکی؛ رساله‌ی «طب البله» یا «سکنجبینیه»، در مطایبات؛ شرح و ترجمه‌ی کتاب «بارع»، در علم نجوم بالغ بر ده هزار بیت؛ «دیوان» شعر، نزدیک به دوازده هزار بیت، به فارسی و عربی.[۱]

(بخش ۱) ابوالقاسم بن (میرزا) محمدشفیع وصال، شاعر و نویسنده‌ی دوره‌ی قاجاریه (و. ۱۲۴۲ ه.ق- ف. ۱۳۰۹ ه.ق). وی برادر وقار، داوری و یزدانی بود. فرهنگ در کودکی نزد پدر به تحصیل علم و خط پرداخت و پس از پدر نزد وقار برادر بزرگ خویش به تکمیل علوم و ادبیات مشغول گردید و گذشته از شعر و فنون ادبی در تحصیل رمل و جفر و اسطرلاب رنج بسیار کشید و در این فنون استاد شد در سال ۱۲۷۴ با وقار سفری به تهران کرد و دو سال بعد با وی به همراهی حسام‌السلطنه به شیراز بازگشت. سفر دیگری پس از مرگ وقار به شیراز نمود (حدود ۱۳۰۰). وی ناصرالدین شاه و حاج معتمدالدوله فرهاد میرزا، حسام‌السلطنه سلطان‌مراد میرزا، حاج معدل شیرازی را مدح نمود و مانند وقار و دیگر برادران نزد ممدوحان خویش اعزاز و احترام بسزا داشته است. فرهنگ در اشعار خویش مانند داوری و وقار یکی از پیروان سبک خراسانیست. مضامین بکر در اشعار او بسیار است و نوعی تجدد از آنها استنباط می‌شود. برخی از قصاید وی مشحون از لغات فرانسه می‌باشد. و شماره‌ی اشعار او را بالغ بر ۲۰۰۰۰ می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۵۶-۳۵۴)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۰ / ۴، ۳۴-۳۲ / ۱)، اطلس خط (۵۶۶)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۱۰ -۲۰۸ / ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۸ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۳۷۰ -۱۳۶۰ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۳۵ -۱۳۱ / ۴)، الذریعه (۲۱۳ / ۱۶، ۱۸۵ / ۱۳، ۲۰۷ / ۱۲، ۸۲۹ / ۹)، ریحانه (۳۳۴ -۳۳۲ / ۴)،شرح حال رجال (۱۰ -۹ / ۶)، طرائق الحقائق (۳۸۱ -۳۷۹ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۴ -۱۰۱۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۰۴)، گلستان هنر (بیست)، المآثر و الآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۸۱۷ -۸۰۷ / ۵)، مرآت الفصاحه (۴۷۳ -۴۷۱)، مکارم الآثار (۱۱۷۴ -۱۱۷۳ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۳ -۲۷۲ / ۱).

فرهنگیان آستیم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ویراستار، مترجم.

تولد: ۱۳۲۱، کرمانشاه.

درگذشت: ۱۳۵۶.

محمد فرهنگیان فعالیت‌های فرهنگی خود را با همکاری با مجله‌ی «خواندنیها» که در آن با نام مستعار «م.- مار» مقاله‌های انتقادی می‌نوشت. آغاز کرد. از سال ۱۳۴۵ به عنوان ویراستار با مؤسسه‌ی فرانکلین شروع به کار کرد و همزمان برای نشریاتی چون «آیندگان»، «فردوسی» و ماهنامه‌ی «فرهنگ و زندگی» مقاله می‌نوشت. سپس به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفت و به عنوان ویراستار به کار پرداخت. از آنجا به مرکز مطالعه‌ی فرهنگ‌ها رفت و با سمت سازمانی ویراستار ارشد تا سال ۱۳۶۱ در آن مرکز فعالیت کرد.

محمد فرهنگیان در زمینه‌ی ویرایش، ترجمه، نقد ادبی و هنری فعالیت داشت و از جمله کارهای او می‌توان از عنوان‌های زیر یاد کرد: کتابی در نقد آسیا (در مقابل غرب نوشته داریوش شایگان که منتشر نشد)؛ گزارشی درباره‌ی ابیانه و پژوهش و تحقیقی درباره‌ی سرگذشت و آثار تاریخی شهر امام از منطقه‌ی دیلمستان در بلوک رامکوه و تحقیق و پژوهشی درباره‌ی لافت در جزیره قشم. وی این سه رساله را برای مرکز مطالعه‌ی فرهنگ‌ها نوشت. همچنین گفتار تلویزیونی درباره‌ی پیرچک‌چکو ساخته‌ی منوچهر عسگری را هم او تهیه نمود.

در زمینه‌ی ترجمه می‌توان از کارهایی چون نمایشنامه‌ی آسانسور مطبخ از هارولد پینتر که چندین بار چاپ شده و کتاب ویلیام تل برای کودکان و نوجوانان و همچنین از ترجمه‌های چاپ نشده‌ی وی از چیستی علم از چمرز و آنک آن مرد از نیچه را نام برد.

فرهنگیان ویرایش کتاب‌های زیادی را عهده‌دار بوده است، از آن جمله است: فلسفه‌ی هگل (ترجمه حمید عنایت)؛ فلسفه ریاضی؛ حقیقت و ضرورت در ریاضیات؛ انواریه سهروردی؛ کوه‌های سفید و... که همگی به طبع رسیده‌اند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرهودی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، مورخ، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات عالی در مدرسه‌ی علوم سیاسی و

دانشکده‌ی حقوق در ۱۳۱۴ ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و چند سال بعد ریاست فرهنگ مازندران را به عهده گرفت. بعد از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله: ریاست دبیرستان، کفالت اداره‌ی اوقاف، ریاست دفتر وزارتی، ریاست دانشکده‌ی کشاورزی. در ۱۳۲۲ ش به نمایندگی ملجس انتخاب گردید. از آثار وی: «تاریخ قرن نوزدهم»، ترجمه؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «راههای پیشرفت اقتصادی»، ترجمه؛ «فروغ زندگی، پرورش افکار سالمندان و دانش‌آموزان».[۱]

در ۱۲۸۵ تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی عالی سیاسی شد و درجه‌ی لیسانس گرفت. خدمات اداری را از وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی رئیس دفتر وزارتخانه بود، بعد رئیس اداره تعلیمات سالمندان و رئیس تعلیمات عمومی شد. در تالیف کتب درسی هم مداخله داشت. در دوره‌ی چهاردهم در ۱۳۲۲ از دزفول به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی پانزدهم توفیقی پیدا نکرد. چندی سمت مشاوری در وزارت فرهنگ داشت تا اینکه در ۱۳۲۶ هنگام نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی، به معاونت پارلمانی و اداری نخست‌وزیر تعیین گردید. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجددا از دزفول انتخاب گردید و در تصمیمات خود در مجلس از دکتر مصدق پیروی می‌کرد و در آراء خود نظر استصوابی او را می‌گرفت. به همین دلیل مورد توجه او قرار گرفت و به دوران نخست‌وزیری‌اش او را با سمت وزیرمختار رایزن اقتصادی ایران در ایتالیا نمود. فرهودی در این سمت با حکومت مصدق همراهی و همکاری داشت مقالاتی در تایید دکتر مصدق در مطبوعات خارج و داخل انتشار می‌داد. در اواخر حکومت مصدق، با کسب مرخصی به تهران آمد. روزنامه‌های باختر امروز و اطلاعات را اداره می‌کرد. تمام مقالات تند روزنامه‌ها به قلم او بود. پس از ۲۸ مرداد از شغل خود به طور موهن و زننده‌ای برکنار شد. به تهران آمد و به حال انزوا می‌زیست. سرانجام سوراخ دعا را پیدا کرد. دولت از سر تقصیرات او گذشت و به وی شغلی دادند و به معاونت پارلمانی وزارت کشور منصوب شد. چند سالی در آنجا بود تا کنار رفت. چندی بیکار ماند تا اینکه در انتخابات انجمن شهر تهران با کمک حزب ایران‌نوین به عضویت انجمن برگزیده شد. در نخستین جلسه به اتفاق‌آراء رئیس انجمن شهر شد و بین وی و شهردار وقت تهران نزدیکی و دوستی زیادی ایجاد شد و به غالب کشورهای درجه اول دنیا مسافرت کردند.

فرهودی از زمانی که در اروپا اقامت داشت، در دانشگاه سورین ثبت‌نام نمود و دکترای اقتصاد دریافت کرد. وی مردی دانشمند و محقق بود. از جوانی با مطبوعات همکار داشت. عباس مسعودی مدیر روزنامه‌ی اطلاعات در روزهای آخر زمامداری دکتر مصدق، روزنامه را به فرهودی سپرده بود و خود در اروپا به سر می‌برد. فرهودی مقالات تندی علیه شاه و به نفع مصدق انتشار می‌داد. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فرهاد دادستان فرماندار نظامی وقت، عباس مسعودی را برای ادای توضیحات به دفتر خود احضار کرد و علت انتشار آن مقالات را جویا شد. چون جواب قانع‌کننده‌ای نتوانست دریافت کند، او را مورد ضرب و شتم قرار داد و اهانتها به او کرد. از تالیفات ایشان تاریخ عمومی ایران را در سه جلد، ترجمه‌ی تاریخ قرن نوزدهم در دو جلد، و ترجمه‌ی کتاب راه‌های پیشرفت اقتصادی را می‌توان نام‌برد. وی مدتها در دانشسرای عالی جغرافیای اقتصادی تدریس می‌کرد. فرهودی داماد وحیدالملک شیبانی بود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۶۸ -۱۴۶۷ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۹ -۸۳۸ / ۲).

فرهی، عزت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. وی در رشته‌ی زبان در دانشسرای عالی تحصیل کرده و کتابهایی به زبان فارسی ترجمه کرده است. از آثارش: «آبهای بهاری»، ترجمه؛ «اسرار موفقیت»، ترجمه؛ «اشعه‌ی آفتاب و فواید آن»، ترجمه؛ «عشق نخستین»، ترجمه؛ «قوه‌ی عصبی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۹، ۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱ -۵۰ / ۴).

فریار، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، مترجم و نویسنده. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود. در آمریکا به تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی آموزش و پرورش پرداخت و از دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل شد و در ضمن در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد به کار مشغول گشت. وی سپس به دانشگاه تهران منتقل شد و به استادی رسید و مدتی نیز ریاست دانشگاه مشهد را عهده‌دار بود. از آثار وی: «تاریخ صنایع ایران، باستانشناسی»،ترجمه؛ «جرج واشنگتن کارو»، ترجمه؛ «راهنمای صنایع اسلامی»، ترجمه؛ «طوفان»،ترجمه؛ «فسلفه‌ی تاریخ»، ترجمه؛ «روش آموزش و پرورش در چند کشور: انگلستان، سویس و مصر»؛ «کتاب انگلیسی»، برای دوره‌ی دبیرستان، به مشارکت علی پاشا صالح.[۱]

مترجم.

تولد: ۱۲۹۸.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۳.

عبدالله فریار، میرزا آقاخان عصر انقلاب (وکیل مجلس از اردبیل در دوره‌های پنجم و ششم از خلخال)، بود که روزنامه‌ای به همین نام یعنی «عصر انقلاب»، منتشر می‌کرد. تحصیلات وی در ایران و آمریکا صورت گرفته است. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود. در آمریکا به تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی فارغ‌التحصیل شد و در ضمن در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد کار می‌کرد. در موقعی که سازمان مزبور خواست اداره‌ی اطلاعات را تأسیس کند، او را به ریاست آن انتخاب کرد.

از آثار اوست: تاریخ صنایع ایران (کریستی ویلسن، ۱۳۱۷)؛ دکتر جرج واشنگتن کارو (شرلی گراهام و جرج لیپکم، ۱۳۳۲)؛ راهنمای صنایع ایران (م. س. دیماند، ۱۳۳۶)؛ روش آموزش و پروش در چند کشور؛ انگلستان و سوییس و مصر (ترجمه، ۱۳۲۰)؛ طرز اداره آموزشگاه (۱۳۱۷)؛ طوفان (جرج ر. استوارت)؛ فلسفه تاریخ (امری نف، ۱۳۴۰)؛ کتاب انگلیسی (با مشارکت علی پاشا صالح برای سال ششم دبیرستان‌ها، ۱۳۲۳)؛ تخت جمشید (رایش اشمیت، ترجمه با همکاری دیگران، ۱۳۴۲)؛ مردم‌شناسی ایران (هنری فیلد، ۱۳۴۳)؛ معماری اسلامی ایران در دوره‌ی ایلخانان (دونالد ویلبر، ۱۳۴۶).

فرزند میرزا آقاخان عصر انقلاب، در ۱۲۸۸ متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و برای ادامه تحصیلات به انگلستان رفت. ابتدا لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی و اقتصاد از دانشگاه لندن گرفت، سپس عازم آمریکا گردید و از دانشگاه کلمبیا فوق‌لیسانس در علوم‌تربیتی دریافت کرد. آنگاه تحصیلات خود را در همان دانشگاه ادامه داد و درجه‌ی دکترای علوم تربیتی گرفت و به ایران بازگشت. چندی در دانشسرای عالی به استادی اشتغال داشت، مدتی هم بازرس فنی وزارت فرهنگ بود. در سال ۱۳۳۴ در حکومت علاء مدیرکل اداره تبلیغات و معاون نخست‌وزیر شد. پس از سقوط کابینه‌ی علاء به دعوت سازمان ملل به آمریکا رفت و ریاست اداره‌ی آموزش را در سازمان ملل عهده‌دار شد. از مشاغل دیگر وی نمایندگی سازمان ملل با سمت دبیرکلی در پاکستان بود. در آفریقای شرقی و نیجریه نیز دارای همان سمت بود. پس از این ماموریت به ایران بازگشت و به معاونت وزارت علوم و آموزش عالی منصوب گردید. مدتی هم ریاست دانشگاه فردوسی را عهده‌دار بود. آخرین سمت وی در ایران قائم مقامی دبیرکل کمیته‌ی ملی پیکار جهانی با بیسوادی بود. آثار زیادی از اعلم از تالیف و ترجمه از او باقی مانده است که بخشی از آنها عبارتند از: تاریخ صنایع ایران، تخت جمشید، راهنمای صنایع اسلامی، مردم‌شناسی ایران و روش آموزش در چند کشور. دکتر عبدالله فریار در سال ۱۳۵۶ درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۶۵۲ / ۲ ،۷۱۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۰ -۹۷۹ / ۳).

فرید پاک، فرهاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی نایب رییس اداره‌ی بهره‌برداری شیلات در بندر انزلی بود. از آثار وی: «آب و هوای کرانه‌های شمالی ایران»؛ «ماری استوارت»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۵۳ / ۲ ،۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۸ / ۴).

فرید گلپایگانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۰.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: اثبات صانع و مراتب توحید (تهران، ۱۳۶۳)؛ تفسیر سور، اسرا، مؤمنون و ملک (۱۳۶۶)؛ تفسیر سور: حدید، صف، تغابن و رساله‌ای در ولایت (تهران، ۱۳۶۴)؛ تفسیر سوره مبارکه جمعه و تفسیر سوره کریمه منافقون (تهران، ۱۳۶۴)؛ رساله فی صلاة الجمعه و ساله فی التقیه (۱۳۶۴)؛ متمم قانون اساسی اسلام (تهران، ۱۳۶۴)؛ مناسک عمره مفرده (تهران، ۱۳۶۴).

حاج شیخ حسن بن العالم الجلیل و التقی الزکی حاج ملا محمد مهدی گلپایگانی از علماء معاصر تهرانست که در جنوب غربی تهران در مسجد علوی واقع در خیابان رباط کریم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشت.

وی در ماه صفر ۱۳۱۹ ق متولد شده و دوره مقدمات را در گلپایگان خوانده و در سال ۱۳۳۶ ق به شهرستان اراک رفته و دوره سطح را در حوزه علمیه آن شهرستان به پایان رسانیده و در سال ۱۳۴۰ ق که آن حوزه ببلده طیبه قم انتقال یافت جزو مهاجرین آن حوزه به قم مهاجرت نموده و معقول را در نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خوانده و تا پایان سال ۱۳۴۵ ق از محضر مبارک و درس فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی طاب ثراه بهره‌مند شده آنگاه برای اطلاع بر مبانی اساتید بزرگ نجف اشرف به آن مرکز علمی مهاجرت نموده و سه سال از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ چون آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّٰه استاد محقق آقا ضیاءالدین عراقی و فقیه اهل البیت آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللّٰه اسرارهم استفاده کرده

سپس به حوزه علمیه بـازگشت نموده تا سال ۱۳۶۵ ق که برای نشـر معارف و احکام اسـلام باین مرکز تبلیغی تهران انتقال یافته و تا این تاریخ بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

دارای آثار و تألیفات ارزنده و آموزنده‌ای می‌باشد که از نظر اهل ادب و دانش می‌گذرانم:

۱- ترجمه مفتاح الابواب یا تاریخ باب و بهاء که در سال ۱۳۳۴ بطبع رسیده و تاکنون مکرر چاپ شده است.

۲- راه بزرگواری که در سال ۱۳۳۶ بچاپ رسیده و برای دومین بار هم بنام روش بزرگواری منتشر شده است.

۳- قانون اساسی اسـلام که چاپ اول آن در تاریخ ۱۳۴۹/۵/۲۷ منتشـر شد و در تاریخ ۱۳۵۰/۵/۱۰ تجدیـد طبع شده و مورد توجه دانشمندان و محصلین واقع شده است.

۴- ارمغان فرید که در سال ۱۳۵۰ ق منتشر گردیده است.

۵- دشمنی خویشاوندان یا عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید علیه‌السلام.

۶- رساله استدلالی در خمس که هنوز بطبع نرسیده است.

۷- ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید.

(تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه. دوره‌ی مقـدمات را در گلپایگان خواند و در ۱۳۳۶ ق به شهرسـتان اراک رفت و دوره سطح را در حوزه‌ی علمیه آنجا به پایان رسانید. در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و معقول را نزد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خواند و تا پایان ۱۳۴۵ ق از محضـر درس فقه و اصول آیت‌الله حایری یزدی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف رفت و سه سال از محضر آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. سپس به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت. وی در ۱۳۶۵ ق برای نشـر معـارف و احکـام اسـلامی به تهران آمـد. از آثارش: ترجمه «مفتاح الابواب» یا «تاریـخ باب و بهاء»؛ «راه بزرگواری» یا «روش بزرگواری»؛ «قانون اساسـی اسـلام»؛ «ارمغان فریـد»؛ «دشـمنی خویشاونـدان» یا «عداوت خاندان یزید با خاندان حسـین شـهید (ع)»؛ رساله‌ی استدلالی در «خمس»؛ «ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۶ / ۶ ،۵۲۲ -۵۲۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴ -۶۵۳ / ۲).

فزاری مروزی، ابوالموجه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۰ / ۲۸۲ ق)، لغوی، حافظ و محدث. وی محدث مرو بود. از عبدان بن عثمان و علی بن جعد و سـعدویه واسطی و سعید بن منصور و صـدقه بن فضل و سـعید بن هبیره و دیگران حـدیث شـنید. حسن بن محمـد بن حلیم و عبدالرحمان بن ابی‌حاتم و علی بن محمـد حبیبی مروزی و ابوبکر بن ابی‌نصر مروزی و عـده‌ای دیگر از وی حـدیث شـنیده‌اند. گفته‌انـد که او محدثی بزرگ و ادیبی کثیرالحدیث بود. ابوالموجه در مرو درگذشت. وی «السنن» و «الاحکام»، را تصنیف کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الجرح و التعدیل (ج ۴ ق ۳۵ / ۱)، سیر النبلاء (۳۴۸ -۳۴۷ / ۱۳)، طبقات الحفاظ (۲۷۴)، الوافی بالوفیات (۲۹۰ / ۴).

فسایی، حسن حسینی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۳۷ ق)، مقحق، مفسـر، ادیب، صوفی، شاعر و طبیب. از سادات دشتکی شیراز بود. در فسا به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خویش را از دست داد و تحت سـرپرستی مادربزرگ و برادر به کسب علم و ادب پرداخت. در خـدمت میرزا ابوالحسن مجتهد فسایی ابتـدا علوم را و بعـدها «شـرح هـدایه»، «شـرح تجریـد» و «معالم الاصول» و «مطول» را فرا گرفت. سـپس نزد میرزا محمـد علی واحـدالعین «مفاتیح الشـرایع» فیض کاشانی را، در فقه، خواند. بعد از آن سـفری به اصـفهان داشت. پس از بازگشت به شـیراز مدتی نزد شیخ مهدی کجوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ریاضی را فراگرفت. میرزا حسن علم طب را نیز در خدمت میرزا سید علی نیـاز و حاجی میرزا بابا حکیم‌باشـی اصـفهانی آموخت. وی در ۱۲۷۹ ق سـفری بـه تهران و یزد کرد و پس از بـازگشت به شـیراز به معـالجه‌ی بیمـاران پرداخت و شـهرتی کسب کرد. چنـان که پزشـک مخصوص سـلطان اویس میرزا احتشام‌الـدوله پسـر فرهـاد میرزا معتمدالدوله شد. از آثار وی: «فارسنامه ناصری»؛ «تفسیر حسن»؛ «تحفه احتشامی»، دراندرز و نصایح، به نظم؛ «نقشه مملکت فارس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشـمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵۷ -۲۵۱ / ۲)، سبک‌شناسی (۳۶۵ / ۳)، سرآمدان فرهنگ و تاریخ (۲۸۹ / ۱)، شرح حـال رجال (۳۴۲ / ۱)، فارسنامه ناصری (۴۲ -۱۳ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۸)، المـآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۱ -۵۴۰ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۷۱ -۶۸).

فسایی، کمال الدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن معین الدین محمد فسائی شیرازی معروف به میرزا کمالا.

در روضات الجنات(:۵۱۹) و فارسنامه ناصری و ریحانهٔ الادب(۶۳:۶) و دیگری کتب نام او به احترام و تجلیل یاد شده است.

مشارالیه داماد مجلسی اوّل (ملّا محمّد تقی) است، و خود عالمی فقیه، و مفّسر ادیب، و فاضل کامل بوده.

و کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- بیاض کمالی. در الذریعه (صفحه ۱۷۰ جلد سوم) گوید: مجموعه نفیسی است که آن را به عنوان وصیّت به یکی از اولاد و یا شاگردان و یا یکی از دوستان خود نوشته است. در زمان حیات علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی تألیف شده. کتاب زیاده بر هزار سطر است، و در ریحانهٔ الادب گوید بیشتر آن تاریخی و رجالی است.

۲- شرح شواهد مطّول ۳- شرح قصیده تائّیه دعبل خزاعی ۴- القیود الوافیه در شرح شافیه در علم صرف. تاریخ اتمام تالیف رمضان ۱۱۰۸.

قبرش را در بقعه مجلسی در جنب مسجد جامع اصفهان می‌نویسند.

در ریحانهٔ الادب گوید: سال وفات میرزا کمالا به دست نیامد.

در جلد چهارم دانشمندان و سخن سرایان فارس(:۲۴۶) گوید: کمالا-فدشکویی متوفّی در حدود ۱۱۱۰، و سپس شرح حال مختصری نقل می‌کند.

در کتاب فهرست کتب خطّی کتابخانه‌های اصفهان نسخه‌ای از شرح شافیه ابن حاجب تألیف میرزا کمالا معرّفی می‌شود و در آنجا گوید: تاریخ تألیف ۱۱۰۸ و تاریخ کتاب جمعه ۱۸ ربیع المولود سال ۱۱۲۸، و در کنار نسخه حواشی از مؤلف نقل شده، بدین صورت «منه» یا «منه مدّظله العالی» و یا «منه زیدت برکاته» و امثالها که همگی حکایت از حیات مؤلف در سال مرقوم دارد.

در مصفیّ المقال(:۳۷۷) شیخ محمّد بن محمّد زمان کاشی و میرزا ابراهیم قاضی را از شاگردان او معرفی می‌کند.

در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد سنگ قبری است از دانشمندی به نام آخوند کمالا که این دو سطر شعر بر آن منقور است:

آخوند کمالا که به فضل و به کمال

مشهور بد و نداشت مانند و مثال

با عالم قدس رفت و تاریخ آمد

بادا فردوس جای آخوند کمال

جمادی الاولی سال ۱۱۱۰.

اکنون گوییم: صاحب قبر، دانشمندی است غیر از آن دو نفر، که او نیز در اصفهان ساکن بوده و فعلًا بیشتر از این از حالاتش معلوم نیست. (کمال مخفف کمال الدین، و الف آخر آن جهت تعظیم و تکریم است)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فسوی شیرازی، کمال الدین حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حزین در تاریخ خود و تذکره خویش نامی از او برده و گوید: من در خدمت او تحصیل نمودم و او در هنگام محاصره اصفهان به سال ۱۱۳۴ در سن کهولت وفات یافت، و کتب زیرا را از تألیفاتش نام می‌برد

۱- حاشیه بر معالم اصول ۲- رساله در حل شبهات کاتبی قزوینی ۳- شواهد مطوّل؛ و غیره.

و از اشعار او نیز چند بیتی نقل می‌کند که از آنهاست:

بکش بسوز که عاشق شدن جزاش این است

کسی که دل به تو ظالم دهد سزاش این است

حزین گوید: از افاضل شاگردان علامی مسیح الانام فسائی بود کاشف معضلات اوایل و حلال غوامض مسائل بود در علوم منقوله تتبع کامل و در معقولات قسطی وافر حاصل نمود (محل دفن او معلوم نیست)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فشارکی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

استادیار رسمی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۸ تاکنون، تدریس در دانشگاه دورهام انگلستان به مدت یکسال.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی و بلاغت، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

عروض، بلاغت اسلامی، تصحیح متون ادبیات فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فشارکی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آخوند ملا محمدباقر فشارکی بن ملا محمدجعفر از علماء بزرگ و فقهاء و مجتهدین معروف و از مدرسین عالیمقام بوده است.
وی در اصفهان متولد شده و نزد حاج شیخ محمدباقر صاحب حاشیه معالم و در نجف خدمت علماء بزرگ تحصیل نموده و پس از مراجعت در مسجد محله نو و مسجد قطبیه اقامه جماعت و تدریس نموده و عده‌ای کثیر از فضلاء بدرس او حاضر شده و از دراساتش استفاده نموده‌اند.

مرحوم فشارکی اول دانشمندی است که در اصفهان احیای شب جمعه را در تخت فولاد رسم نمود. که با جمع زیادی از فضلاء و اصناف در مسجد مصلای آنجا رفته و شب را بقرائت قرآن و نماز و دعاء کمیل و توبه و انابه می‌گذارنید که پس از وی مرحوم شیخ مرتضی ریزی و پس از ایشان دیگران این سنت سنیه را تا هم‌اکنون اجراء می‌نمایند.

و آنمرحوم پس از نماز در مسجد خود منبر رفته و مردم را با بیانات کافیه و مواعظ شافیه ارشاد می‌فرمودند.

تألیفات عدیده‌ای از خود بیادگار گذارده که ذیلاً می‌نگارم:

۱- آداب الشریعه ۲- آداب نماز شب ۳- اعمال سه ماه (رجب- شعبان- رمضان) ۴- اسباب الفقر والغناء والمغفرهٔ ۵- اصول دین ۶- اربعین ۷- تنزیه المؤمنین ۸- حواشی بر شرح لمعه ۹- حواشی بر فرائد ۱۰- حواشی بر قوانین ۱۱- حواشی بر متاجر ۱۲- ذخیرهٔ العباد ۱۳- رساله‌ای در تداخل اسباب ۱۴- رساله در خیار غبن ۱۵- رساله در حیض ۱۶- رساله در رضاع ۱۷- رساله‌ای در شرط ۱۸- رساله در شهرت ۱۹- رساله در صحت عبادت جاهل ۲۰- رساله در طهارت ۲۱- رساله در عدم جواز حق الرجوع ۲۲- رساله در عدم لزوم تقلید اعلم ۲۳- رساله در غناء ۲۴- رساله در قرعه ۲۵- رساله در منجزات مریض ۲۶- رساله در معرفت اسامی چهارده معصوم ۲۷- رساله در اموری که سبب طول عمرو حفظ از امراض می‌شود ۲۸- رساله عملیه ۲۹- عشریهٔ ۳۰- عنوان الکلام که مطبوع می‌باشد.

آنمرحوم در شب یکشنبه ۲۶ رجب سال ۱۳۱۴ ق وفات و در بقعه تکیه محقق خونساری آقا حسین در تخت فولاد مدفون گردید در مآثر و آثارش ۱۸۴ ذکر او گردیده است.

فرزندش مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا محمدمهدی مشهور به آقا میرزا عالم فاضل و زاهد و خلیق و مهربان و بسیار ساده و با صفا بوده و در دوم جمادی‌الاول سال ۱۳۴۰ ق وفات و در جنب والد مغفورش به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فصیح، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل فصیح در تاریخ دوم اسفند ماه سال ۱۳۱۳ در تهران به دنیا آمد. در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت ؛ وی از پاییز سال ۱۳۲۶ دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ دیپلم طبیعی شد.

در آغاز تابستان سال ۱۳۳۵ از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و لیسانس شیمی را دریافت کرد. وی پس از یک سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولا-، به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد . اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا ، به کار ترجمه برای « موسسه انتشارات فرانکلین » پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه ای از طرف صادق چوبک که خود سال ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود ، در تابستان ۱۳۴۲ به استخدام رسمی شرکت نفت درآمدو به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت مشغول به کار شد. اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا ،توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید. پس از بازگشت به ایران کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (A.I.T AbadanInstitute f Technology))آغاز کرد. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده ، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : زندگی اسماعیل فصیح با جنگ ها و انقلاب های متعدد کشور عجین بوده که در زندگی و کارهای او نیز بی شک آثار عمده نهاده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : فصیح از مهرماه ۱۳۲۰ ، در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت ؛ از پاییز سال ۱۳۲۶ دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ با اخذ دیپلم طبیعی ، تحصیلات این مقطع وی به پایان رسید. در آغاز تابستان سال ۱۳۳۵ از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و موفق به دریافت لیسانس شیمی گردید. وی پس از یک سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولا-، به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد . اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا ،توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید.خاطرات و وقایع تحصیل : شروع تحصیل اسماعیل فصیح با جنگ جهانی دوم به ایران (۱۳۲۰) مصادف بود . او همچنین در اوج انقلاب ملی دکتر مصدق و آشوب های سال ۱۳۳۱ و حکومت چند روزهٔ احمد قوام السلطنه دوره متوسطه تحصیلی را به پایان رساند.هم دوره ای ها و همکاران : اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا با عده ای از بزرگان اهل قلم آن سال ها از جمله : صادق چوبک ، نجف دریابندری ، مهشید امیر شاهی و دکتر غلامحسین ساعدی آشنا شد.همسر و فرزندان : اسماعیل فصیح در سانفرانسیسکو با دختری اروپایی ازدواج کرد، اما متاسفانه این ازدواج پس از گذشت یک سال با مرگ همسرناکام ماند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا ، به کار ترجمه برای « موسسه انتشارات فرانکلین » پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه ای از طرف صادق چوبک که خود سال ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود ، در تابستان ۱۳۴۲ به استخدام رسمی شرکت نفت درآمدو به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت مشغول به کار شد.فعالیتهای آموزشی : اسماعیل فصیح با اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه میشیگان ، به ایران بازگشت و به کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (AbadanInstitute f Technology) A.I.T)پرداخت. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده ، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد.آرا و گرایشهای خاص : از اسماعیل فصیح ترجمه های متعددی انتشار یافته که روشنگر دو زمینه از اشتغال ذهنی او به ادبیات جهانی و همچنین به علم جدید تحلیل رفتار متقابل روانشناختی و حالت های شخصیتی فرد منعکس می سازد ، علمی که امروزه تحت نام(Transactional Analysis) یا (TA)در رشته های بسیار گوناگون روانشناسی ، روان درمانی ، آموزش ، مدیریت و بازسازی شخصیت در جهان کاربردهای متعدد و موثر دارد.آثار : ۱ باده کهن ۲ بازی ها ویژگی اثر : نوشته دکتر اریک برن۳ ترجمه استادان داستان ویژگی اثر : این کتاب شامل سی داستان کوتاه از نویسندگان شهیر جهان ترجمه و انتخاب و بصورت ناشر مترجم انتشار یافت.۴ ترجمه هملت ویژگی اثر : اثر ویلیام شکسپیر۵ ترجمه وضعیت آخر ویژگی اثر : نوشته تامس آ. هریس۶ تولد/عشق/ عقد/مرگ ، ثریا در اغما ۸ خاک آشنا ، خودشناسی به روش یونگ ویژگی اثر : نوشته دکتر مایکل دانیلز۱۰ داستان جاوید ویژگی اثر : این کتاب در مایه کیانی آیین زرتشتی پس از شش سال پژوهش و ویراستاری موبد رستم شهزادی (چاپ اول ۱۳۵۳) توسط انتشارات امیر کبیر بیرون آمد.۱۱ درد سیاوش ، دل کور ، دیدار در هند ، رستم نامه ویژگی اثر : این کتاب نوشته پرفسور ام. ویلمونت باکستون می باشد. که شامل داستان های جاودانی شاهنامه فردوسی به صورت داستان های کوتاه و پیوسته بی نظیری می باشد که اکنون جزو کتب کلاسیک جهان در غرب است .۱۵ زمستان ۶۲ ، شراب خام ویژگی اثر : این کتاب توسط انتشارات فرانکلین و زیر نظر نجف دریابندری و ویراستاری بهمن فرسی انتشار یافت.۱۷ شکسپیر ویژگی اثر : این کتاب شامل زندگی نامه ، مقدمه ای بر کل آثار شکسپیر و همچنین چکیده کلیه سی و هفت نمایشنامه های کمدی ، تاریخی و تراژدی او می باشد.۱۸ شهباز و جغدان ، فرار فروهر ، لاله برافروخت ویژگی اثر : پیش نویس این رمان به زبان انگلیسی تحت عنوان Child Martyrs «بچه های شهید) در مرکز کتب ایرانی دانشگاه آکسفورد زیر نظر دکتر جان گرنی موجود است.۲۱ ماندن در وضعیت آخر ویژگی اثر : نوشته خانم دکتر ام بی. هریس و دکتر تامس آ. هریس۲۲ نمادهای دشت مشوش

فصیحی، ابوالحسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن زید استرآبادی مشهور به فصیحی فاضلی ادیب و نحوی شاگرد شیخ عبدالقار جرجانی و استاد

ملک‌النجاة بود (این چنین استاد و شاگردی که دید) بعد از خطیب تبریزی در مدرسه نظامیه بغداد مدرس بود و چون او را به تشیع متهم نمودند و حقیقت مال از او پرسیدند گفت انکار مذهب خود نمی‌توانم و از فرق تا به قدم خود را شیعه می‌دانم بنابراین او را از تدریس آنجا معزول ساختند و ابومنصور جوالیقی را بجای او تعیین نمودند و بعد از آن شیوه عزلت ورزید و از آمیزش مردم دوری گزید تا در ۱۳ ذی‌الحجه ۵۱۶ در بغداد وفات نمود.

(وف ۵۱۶ ق)، عالم امامی، ادیب، نحوی و شاعر. معروف به ابن ابی‌زید. به دلیل مطالعه‌ی بسیار کتاب «الفصیح» ثعلب نحوی و همچنین تدریس آن ملقب به فصیحی. اصل وی از استرآباد و از شاگردان شیخ عبدالقاهر جرجانی در نحو استاد ملک النحاه، حسن بن صافی، و حیص بیص شاعر بود. وی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد و پس از یحیی بن علی خطیب تبریزی مدتی در مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد نحو تدریس کرد. چون او را به تشیع متهم ساختند و حقیقت را از وی پرسیدند گفت: انکار نمی‌کنم و از فرق تا به قدم خود را شیعی می‌دانم. بنابراین او را از مقام مدرسی معزول و ابومنصور جوالیقی را جاشنین وی ساختند. پس از آن از مردم کناره گرفت و گوشه‌نشینی اختیار کرد، حتی شاگردانش را از خود دور می‌کرد که مبادا آنان نیز از مدرسه محروم شوند. اما شاگردانش در خانه به حضورش می‌رسیدند. حافظ ابوطاهر سلفی اصفهانی از شاگردان، راویان و مجالسان اوست. وی اشعاری در رد ابن‌سکره‌ی نحوی ناصبی، در حرمت متعه دارد، که شیخ ابوالفتوح در تفسیرش «روض الجنان»، آن را ذکر کرده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روضات الجنات (۲۴۰ -۲۳۹ / ۵)، ریحانه (۳۴۳ / ۴)، الکنی و الالقاب (۳۲ -۳۱ / ۳)،مجالس المؤمنین (۵۶۸ - ۵۶۴ / ۱)، معجم الادباء (۷۵ -۶۶ / ۵)، هدیه الاحباب (۲۱۳)، وفیات الاعیان (۳۳۷ / ۳).

فصیحی، ارسلان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ارسلان فصیحی (۱۳۴۰) مترجم و ویراستار ایرانی. ترجمهٔ آثار اورهان پاموک (برندهٔ جایزه نوبل) به فارسی از شاخص‌ترین کارهای او محسوب می‌شود.

:زندگی

فصیحی کار ترجمه را از جوانی شروع کرد و اولین کتاب‌اش که از ترکی به فارسی ترجمه شده بود سفرنامه‌ای بود به شوروی که هرگز منتشر نشد. کتاب‌های دیگری نیز در اوایل دهه ۶۰ ترجمه کرد که هیچ‌کدام چاپ نشد. از جمله کتاب کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران، اواخر قرن نوزدهم–اوایل قرن بیستم.[۱] در سال ۶۱ برای تحصیل زبان و ادبیات به ترکیه رفت و اواخر دههٔ شصت به‌کشور بازگشت و ترجمه را ادامه داد. حدود ۲۰ کتاب از فارسی به ترکی ترجمه کرد که اکثرا جنبهٔ تبلیغی و ترویجی داشتند. داستان‌های کوتاهی هم از یاشار کمال ترجمه کرد. او به ترجمهٔ آثار پاموک قبل از آن که پاموک جایزه نوبل را دریافت کند پرداخت. فصیحی هم‌اکنون سرویراستار انتشارات ققنوس است. تالیف:

۱۳۸۶ - خودآموز ترکی استانبولی (مکالمه - دستور).

ترجمه:

۱۳۷۷ - سلول ۷۲ - اورهان کمال.

۱۳۸۲ - زندگی نو - اورهان پاموک.

۱۳۸۳ - قصه‌های حسن کچل - نورهان آیدینکال.

- ۱۳۷۷قلعه سفید - اورهان پاموک.

- برف - اورهان پاموک.

-۱۳۸۷" بیرون از صحنه - "احمد حمدی تانپینار

-۱۳۸۷" نام من قرمز - "اورهان پاموک

فقاهتی، کمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال‌الدین فقاهتی فرزند آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالرحیم مجتهد زنجانی.

وی در زنجان متولد شده و در بیت علم و فقاهت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در نزد والد ماجد و علماء دیگر زنجان خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر مدرس زنجانی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده.

و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام و غیره تا حال تحریر اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاته و کثر اللّه امثاله.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فقیری، محمدصاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نسخه‌شناس.

تولد: ۱۳۱۹، شیراز.

درگذشت: ۴ فروردین ۱۳۷۰، شیراز.

محمدصادق فقیری از دبیران دبیرستان های شیراز بود. از کارهای پژوهشی او همکاری در تألیف فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ملی پاریس در دو جلد (۱۳۵۱) و همچنین دو جلد فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی حضرت احمد بن موسی «شاهچراغ» با علی‌نقی بهروزی بود. کتاب‌شناسی فریدون توللی در مجله‌ی «آینده» نیز محصول فعالیت تحقیقی او بود. غلطگیری متن حروف چینی شده و تهیه فهرست‌های کتاب انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم به امروز در حدود ششصد صفحه به دست او انجام گرفته است.

فهرستی از کتاب‌ها و روزنامه‌های چاپ سنگی در چاپخانه‌های قدیمی شیراز در دست تألیف داشت که به بیماری مزمنی دچار شد و در بامداد چهارشنبه چهارم فروردین ۱۳۷۰ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فقیه امامی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد فقیه امامی (معروف به امامی) فرزند مرحوم آیت‌اللَّه آقای حاج سید عطاءاللَّه فقیه امامی العریضی در سال ۱۳۱۲ شمسی در اصفهان متولد شده و نسب شریفش به جناب علی بن جعفر عریضی فرزند کوچک امام جعفر صادق علیه‌السلام منتهی می‌شود وی تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان گذرانیده و سطح را در اصفهان نزد اساتید ادبیات و والد ماجدش به پایان رسانده است.

در سال ۱۳۳۲ شمسی از اصفهان به قم آمده و بقیه سطوح عالی را در حوزه علمیه قم خدمت آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر سلطانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان رسانیده و در ۱۴ صفر ۱۳۳۳ شمسی به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی رضوان‌اللَّه علیه شرکت نموده و در همین ایام هم مدتی در جلسه درس مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و مرحوم علامه طباطبائی حاضر و استفاده نموده و در روز چهارشنبه دهم ربیع‌الاول ۱۳۷۶ در جلسه درس خارج مکاسب آیت‌اللَّه العظمی خمینی (که همان روز شروع شده بود) شرکت نموده و نیز از ابحاث خارج اصول معظم‌له استفاده کرده و تقریرات درسهای ایشان را تا روز سه‌شنبه ۱۸ جمادی‌الاولی سال ۱۳۸۴ قمری نوشته است.

در ماه شعبان همین سال به اصفهان مراجعت نموده و اشتغال به تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت و تأسیس کتابخانه و تألیف کتب و رتق و فتق امور مردم فرموده و تا حال تحریر این کتاب و این ارقام چهارشنبه چهاردهم صفرالمظفر ۱۴۱۲ قمری موفق می‌باشند. ادام اللَّه توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیه دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدرضا فقیه دزفولی از علماء محترم و ائمه جماعت مکرم معاصر تهرانست. وی در دزفول متولد شده (و از بیت واسره سادات گوشه‌ی دزفول است) و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن قدس اللَّه اسرارهم و آیات دیگر استفاده کامل نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران آمده و تاکنون در مسجد خیابان جهان پناه به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای فقیه دزفولی عالمی متین و دانشمندی متقی موصوف بفضل و تقوا و محامد اخلاق و مبادی آداب میباشد. معظم له با حضرت آیت‌اللَّه فیض دزفولی قرابت و خویشاوندی دارند.

سید محمدرضا بن آیت‌اللَّه مرحوم حاج سید اسداللَّه دزفولی اجمالی آنجناب در سال ۱۳۳۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح وسطی و نهائی را نزد اساتید بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید علی نوری و خارج را چندی از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از اساتید نامبرده و غیره به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد مهدوی خیابان جهان پناه به خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فقیه زانیانی، مصطفی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد ورع، از علما و ائمه‌ی جماعت اصفهان. در مسجد تکیه‌ی ظلمات امامت می‌فرمود، و مورد وثوق و اعتماد عموم بود، از شاگردان حاج میر محمد صادق مدرس و حاج سید علی نجف‌آباد و دیگران بوده.

در ۲۶ ربیع الاول این سال وفات یافته، در نزدیک تکیه‌ی ملک، در روی سکویی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

الحق بجمع خمسهٔ ارخ و قل

فی الخلد عند المصطفی قد اسکنا

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فقیه قمی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی، در قم به دنیا آمد و در مهد علم و تقوا پرورش یافت. او دخترزاده‌ی آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی قمی بود. پس از طی مقدمات و ادبیات، سطوح را نزد آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و حجت‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی صغیر و آیت‌الله میرزا محمد همدانی خواند و خارج «عروه» را از محضر آیت‌الله فیض استفاده نمود و همچنین مدتی از محضر آیت‌الله حایری بهره‌مند شد. وی عمده دروس تحلیلی خود را از محضر آیت‌الله حجت استفاده نمود. بعد از ورود آیت‌الله بروجردی در شمار اصحاب وی درآمد و حدود هیجده سال از محضر بحثهای فقه و اصول ایشان مستفیض شد و دروس معقول را از محضر آیت‌الله سید ابوالحسین رفیعی قزوینی و امام خمینی بهره‌ها برد. او چندین سال در درس فقه آیت‌الله مرعشی نجفی نیز شرکت کرد. از آثارش: «تقریرات» درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) آیت‌الله حجت.[۱]

حاج سید مرتضی فقیه بن العلامه الورع حاج آقا عباس برقعی رضوی قمی از علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم سبط مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا احمد طباطبائی برادر بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی حاج‌آقا حسین طباطبائی قمی و برادر متعلقه حضرت آیت‌الله العظمی آقا شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله یکی از سه زعیم معاصر حوزه علمیه است.

آن جناب در سال ۱۳۲۱ ق در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و پس از رشد و طی مقدمات و ادبیات سطوح را نزد مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم حجه‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی معروف (به صغیر) و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی خوانده و خارج عروه را از محضر مرحوم آیت‌الله فیض استفاده نموده و نیز مقداری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری بهره‌مند شده و عمده دروس تحلیلی خود را از محضر سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و از موقع ورود آیت‌الله العظمی بروجردی نورالله مضجعه در شمار اصحاب آن جناب درآمده و بالغ بر ۱۸ سال از محضر و ابحاث فقه و اصول آن مرحوم کامیاب و مستفیض شده و دروس معقول را از محضر آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله العظمی... موسوی مدظله استفاده نموده و هم چندین سال به درس فقه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده و در حال حاضر با چند نفر از علماء حوزه حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس مستقیم و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا اسماعیل رحمت‌خواه تبریزی و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن غفاری‌نژاد مباحثه کمپانی دارند و ظهرها هم در حرم مطهر حضرت معصومه علیهاسلام اقامه جماعت دارند.

از نوشته‌های ایشان است: تقریرات درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) مرحوم آیت‌الله العظمی حجه طاب ثراه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۲۳ –۱۲۲ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۸۲ –۲۸۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۰ –۲۱۹ / ۲).

فقیه، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فقیه، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن فقیه جد مادری حجهٔالاسلام سید مجدالدین مترجم عزیز ماست، که از مجتهدین بزرگ شیراز و از شاگردان آیات عظام میرزا نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی بوده و از آنان اجازه اجتهاد داشته، مجلس درس این فقیه گرامی مورد توجه فضلاء بوده است.
مجلهالاسلام که در ایران و کشورهای اسلامی از اول رژیم پهلوی منتشر می‌شد نشانه رشد فکری این فقید بود.
مرحوم حجهٔالاسلام شیخ جمال‌الدین اسلامی و شیخ کمال‌الدین فقیهی فرزندان ذکور این مرحوم می‌باشند و خاندان اسلامی و فقیهی در شیراز از ارحام این مجتهد بزرگند.
مدفن ایشان در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه است. فرزندان این دانشمند بزرگ هم اکنون به خدمات ذی‌قیمت دینی و اجتماعی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیهی آملی، شکرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا شیخ شکرالله بن کربلائی جعفر بن ملاـ فرج‌الله ملقب به فقیه‌نیا و معروف به فقیهی از علماء آمل میباشند. در ۱۳۱۴ خورشیدی در یکی از مضافات آمل بدنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی بشهر آمل آمده و مدت سه سال در مسجد جامع آمل تحصیل سطوح وسطی نموده و آنگاه بمشهد مسافرت نموده و چند ماهی توقف کرده و در سال ۱۳۳۴ شمسی بنجف اشرف مهاجرت نموده و مدت ده سال اقامت و از محضر آیات عظام آنجا بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و در سال ۱۳۴۴ شمسی مراجعت بایران و در شهرستان آمل اقامت نموده و در مسجد جامع باقامه جماعت و خدمات روحی و دینی پرداخته است.
دارای تألیفات ارزنده‌ای میباشد که فهرست آنها را مینگارم:
۱- تفسیر قرآن شریف ۲- شرح استدلالی بر لمعه شهید اول ۳- رساله‌ای در قاعده لاضرر ۴- شرح استدلالی تبصره علامه حلی اعلی‌الله مقامه ۴- کشکول فقیه ۵- شرح دعاء سمات
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فقیهی بروجردی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا بن مرحوم حاج آقا رضا فقیهی بروجردی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است. وی در سال ۱۲۹۳ شمسی در بروجرد متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید مقدمات را در آنجا خدمت مرحوم حجهٔالاسلام آقا میرزا لطف‌اللّٰه فقیهی خوانده و در سال ۱۳۵۱ قمری به قم مهاجرت و سطوح را از حضرت آیت‌اللّٰه العظمی آقا نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی به پایان رسانیده و در دروس خارج آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی آقای حجت و از موقع ورود مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی تا آخر عمر معظم له شرکت نموده و بافتخار مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد تقی خونساری نائل شده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی به تهران منتقل و تا اکنون در مسجد (خلیلی) به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.
از نوشته‌های ایشانست مقداری از تقریرات اصول مرحوم آیت‌اللّٰه حجت قدس اللّٰه سره دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ قم و نجف در امور حسبیه و روایتی و غیره می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فقیهی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی قزوینی از علماء اعلام حوزه علمیه بودند عالمی با فضل و تقوا بود که در سال ۱۳۲۱ قمری در قزوین متولد شده و از کودکی در دامان روحانیت تربیت یافته تا در سال ۱۳۴۴ به قم مهاجرت نموده و در مدرسه حاجی سکونت و مشغول به تحصیل گشته و در ایام تحصیل به اصفهان مسافرت و در مدرسه جده نیز اشتغال داشته و مدت قلیلی هم در نجف در مدرسه صدر توقف و از محضر آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر شده و مدت هیجده سال هم از محضر زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از ایشان چند سالی از طرف حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی برای خدمات دینی و ترویج احکام و اقامه جماعت رحل اقامت به تهران افکنده تا سال ۱۳۸۵ که ترک دنیا گفته و به سرای جاودان شتافته است رحمه‌الله علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیهی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، عالم، مورخ، مترجم و ادیب. در قم به دنیا آمد. ابتدا در مکتب با مقدمات و در محضر پدرش که از روحانیون بود با علوم حوزوی آشنا شد و تا حد متوسطه پیش رفت. آن‌گاه برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشکده معقول و منقول لیسانس گرفت. سپس به سمت دبیر ادبیات دبیرستان حکیم نظامی، کفالت فرهنگ و ریاست دبیرستان حکیم نظامی در قم منصوب شد. وی سالهای متمادی عمر خود را صرف نوشتن کتابهای سودمندی کرد. از اثار وی: سلسله مقالات «ایران در جنگ گذشته»؛ سلسله مقالات «تاریخ قضیه‌ی بحرین»؛ سلسله مقالات «گذشته‌ی خوزستان»؛ «تاریخ آل‌بویه»؛ «تاریخ و عقاید وهابیان»؛ «تاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی»؛ «دستورهای املاء و انشاء»؛ «توحید مفضل»، ترجمه؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی حج»؛ «عضدالدوله دیلمی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۱۰ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۳ -۴۷۱ / ۴)، یادگار (س ۱، ش ۷، ص ۸۰).

فکری ارشاد، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات آلمانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، با استفاده از بورس ویژه دولت آلمان و گذراندن دوره آموزش زبان و ادبیات آلمان در دانشگاه مونیخ، کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، درجه دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵ و تدریس در دانشگاه اصفهان در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبانهای ایرانی و ادبیات تطبیقی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات آلمانی، وضع اجتماعی ایران در زمان ساسانیان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ادبیات فارسی، فرهنگ و زبانهای باستانی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فلاح تفتی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فلاح تفتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

پدرم اصالتا اهل یزدند؛ تفت یزد. اما پیش از انقلاب برای تحصیل علوم حوزوی به قم آمدند و چنین شد که من شدم قمی. ابتدایی

را در مدرسه خدیوی و راهنمایی را در مدرسه علامه حلی و دبیرستان را در هدایت گذراندم. سال ۷۶ دیپلم ریاضی گرفتم. معدلم ۹۸/۱۸ بود. دبیران مدرسه تشویقم می کردند که دانشگاه بروم .اما من می خواستم در فضای حوزه رشد کنم.فضای خانواده و بویژه شخصیت پدرم مرا شیفته حوزه کرده بود. همان سال وارد حوزه شدم و در مدرسه معصومیه درس را شروع کردم.مقررات مدرسه سرعت بیش از حد را اجازه نمی داد ولی با استفاده از تبصره ها و الحاقیه ها پنج ساله دروس مقدمات را گذراندم و سال ۸۱ وارد دروس سطح شدم. سال ۸۴ هم آخرین امتحان شفاهی پایه ده را دادم و از همان سال وارد دروس خارج شدم که این مقطع هم چنان جاری است.

فلاح زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین فلاح زاده

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ ه.ش دروس حوزوی را در مدرسه علمیه حکیم شیراز که زیر نظر شهید محراب، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب اداره می شد شروع کردم. یک سال بعد به قم آمدم و در مدرسه منتظریه (معروف به حقانی) که به مدیریت شهید آیت الله قدوسی اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترم آن مدرسه و برخی دیگر از اساتید حوزه به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۹ دروس دبیرستان را به طور جهشی به صورت شبانه در کنار دروس حوزه امتحان دادم و دیپلم اقتصاد گرفتم. پس از دروس سطح، درس خارج فقه و اصول را به مدت بیش از ده سال خدمت اساتید بزرگ حوزه علمیه قم گذارندم. در کنار دروس فقه و اصول، علوم حدیث، منطق و فلسفه و کلام را نیز به طور متداول در حوزه خدمت اساتید این فن فرا گرفتم. از سال ۱۳۵۸ تحقیق، بازنگری، بازنویسی و تدریس احکام دین را به صورت تخصصی آغاز کردم، تمام ابواب فقه را به سبک جدید بازنویسی و تنظیم و دسته بندی کردم و در کنار آن تدریس احکام را در مدارس علمیه قم و برخی از دانشگاهها آغاز کردم که این روش جدید آموزشی مورد استقبال قرار گرفت و در نتیجه، نگاشته های خود را برای استفاده بیشتر علاقه مندان به چاپ رساندم که با عنایت الهی تا کنون بیش از ۲۰ نمونه آن منتشر شده و برخی از آنها در تیراژ بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. اکنون نیز به امر تبلیغ و نگارش و نیز تحصیل مسائل دینی مشغول و از خدای بزرگ آرزوی توفیق و قبولی اعمال و حسن عاقبت را دارم. انه ولی التوفیق

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا فلاح شیروانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر دوره های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه نمونهٔ دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان- تأسیس ۱۳۶۴) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال ۶۸ در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریبانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضعیف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال ۷۱ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده ۱۰ حوزه را گذراندم (سال ۷۴ تخصصی های پایه ده و درسال ۷۵ عمومیها را امتحان دادم. از سال ۷۴ به درسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق

آموزش منطق غرویان و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفهٔ» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (۷۲) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویان و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (۷۲) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل پیگیری نشد و در سال بعد نهایه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح ۲ سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال ۷۶ در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات(حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال ۷۷ دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمهٔ الاشراق و جلسات فلسفهٔ بود. دروس فقه و اصول پس از پایهٔ ۱۰ با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظهم الله حجهٔ الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجهٔ الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال ۸۲ که با پذیرفتن مسؤولیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلًا برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسؤولیت آن بخش در سال ۸۴ دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی ۸۶ ـ ۸۷ معاونت پژوهشی مدرسهٔ معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (۸۶) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکدهٔ علمی ـ کاربردی باقرالعلوم ع وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغهٔ ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزهٔ اخلاق و عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فلاحتی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول فلاحتی

محل تولد : صومعه سرا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رسول فلاحتی فرزند معصوم متولد سال ۱۳۴۲ شمسی در یکی از روستاهای شهرستان صومعه سرا در سال ۱۳۵۷ با معدل ۱۷ و اندی در دبیرستان بازرگانی رشت سال اول دبیرستان را سپری کردم و با شروع سال تحصیلی ۱۳۵۸ وارد حوزه مقدسه قم شدم و دوم دبیرستان را در این شهر خواندم البته همراه با دروس حوزه. دروس مقدمات را در مدرسه امام صادق (علیه السلام) به اتمام رسانده و شرح لمعه را نزد حضرات آیات وجدانی فخر قدس سره، اشتهاردی و شب زنده دار و اصول فقه را از آیت الله صالحی بهره بردم. رسائل شیخ اعظم را از استاد آیت الله اعتمادی و مکاسب را از حضرات آیات صلواتی، بنی فضل و دوزدوزانی استفاده بردم. کفایه جلد اول را از آیت الله دوزدوزانی، تبریزی و جلد دوم را از حضرت آیت الله ستوده بهره مند شدم. فلسفه را از حضرات آیات جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کرده ام و درس خارج فقه و اصول را به محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، جوادی، تبریزی، مکارم شیرازی، بهجت، باریافته و استفاده کرده ام که بیشتر این ایام در محضر حضرت آیت الله فاضل سپری گردیده است که مباحث خارج حج و اصول ایشان را به عربی به رشته تحریر درآورده ام. حدود سه سال نیز در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام با اشراف آیت الله العظمی فاضل لنکرانی کار فقهی تخصصی انجام داده ام که حاصل آن طرح مباحثی پیرامون مسائل مستحدثه حج بود که مجموعه ای بنام نور الفقه تنظیم گردید. از سال ۱۳۶۵ به تدریس سطوح درسی حوزه مانند شرح لمعه و رسائل و مکاسب و کفایه تا کنون مشغول می باشم. البته به صورت خصوصی بدایه الحکمه و نهایه الحکمه علامه طباطبایی را نیز تدریس داشته ام و هم اینک نیز مشغول تدریس سه کتاب رسائل، مکاسب و کفایه هستم.

فلاحتی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین فلاحتی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسین فلاحتی در سال ۱۳۲۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۴۱ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید. پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله مکارم، آیت الله سید جواد سبزواری و آیت الله واعظ طبسی بهره ها برد. و در سال ۱۳۶۷ به حلقه درس خارج ستارگان مشهد پیوست. ایشان ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر تدریس در دانشگاه آزاد سبزوار، آموزش و پرورش سبزوار و ... مشغول می باشد.

فلاطوری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فیلسوف.

تولد: ۱۳۰۴ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۹ دی ۱۳۷۵.

عبدالجواد فلاطوری از نوادگان آخوند ملا اسماعیل اصفهانی، استاد فلسفه‌ی حاجی سبزواری، است. فلاطوری از ابتدای جوانی علاوه بر تحصیلات دبیرستانی به کسب معارف اسلامی همت گماشت و در شهرهای اصفهان، تهران و مشهد در محضر استادانی نظیر محمدعلی شاه‌آبادی، مهدی آشتیانی، آیت‌الله محمدتقی آملی، آیت‌الله خوانساری، محمدرضا کلباسی و آیت‌الله هادی کدکنی نیشابوری به شاگردی پرداخت .

در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ کتاب جواهر را با آیت‌الله محمدرضا کلباسی مباحثه کرد و از محضر وی به اخذ روایت و گواهی درجه‌ی اجتهاد نایل آمد.

فلاطوری در سال ۱۳۳۳ برای تحصیل روانه آلمان شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت. وی در رشته‌ی «کانت‌شناسی» به درجه‌ی استادی رسید. همچنین در آلمان به تحصیل رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی علوم تربیتی، علوم اجتماعی، و تطبیق ادیان پرداخت. در همین ایام زبان‌های لاتین و یونانی را نیز فراگرفت و پس از نوشتن مقالات و رسایل کوچکتری به نوشتن رساله‌ی استادی خود پرداخت و آن را درباره‌ی «دگرگونی بنیادی فلسفه‌ی یونانی بر اثر طرز اندیشه اسلامی» نگاشت و به درجه‌ی استادی نایل آمد. دکتر فلاطوری استاد دانشگاه کلن آلمان در رشته‌های فلسفه (به شیوه‌ی تطبیقی) و حقوق و کلام و علوم اسلامی و اسلام معاصر بود.

از جمله فعالیت‌های دکتر فلاطوری، تأسیس مرکز آکادمی کلن در سال ۱۳۵۶ بود که دست به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس آلمان زد، و نواقص و کاستی‌های کتاب‌های درسی را در زمینه‌های اسلام و تاریخ اسلام اصلاح کرد و در این ارتباط شش کتاب تألیف شد که به عنوان مرجعی برای نویسندگان کتاب‌های درسی آلمان و دیگر کشورهای اروپا از قبیل فنلاند، فرانسه، پرتغال و اسپانیا شد و خود اروپایی‌ها براساس اقدامات و تألیفات استاد فلاطوری، مطالب کتاب‌های درسی خود را اصلاح بازنویسی کردند.

دکتر فلاطوری برای این که مرکز آکادمی کلن به عنوان یک نهاد علمی جزء دانشگاه قرار بگیرد، آن را از شهر کلن به هامبورگ انتقال داد و از آن پس جزیی از دانشگاه هامبورگ شد. قصد وی این بود که در این مرکز آکادمی، دانشجوی علوم اسلامی تربیت کند و مدرک معتبر نیز بدهد.

دکتر فلاطوری در آلمان به عنوان یک مرجع اسلامی و دانشمند فلسفه و علوم اسلامی مطرح بود. هر زمان که مجلس اروپا در تجزیه و تحلیل و بیان مسایل اسلامی و تفاهم و همفکری و گفت و گوی بین پیروان ادیان اسلام و مسیحیت و یهودیت دچار مشکل می‌شدند، به وی مراجعه می‌کردند و نظرخواهی و راهنمایی می‌خواستند. وی برای ایجاد مباحثه، تفاهم، همفکری، و همکاری بین پیروان ادیان مختلف تلاش می‌کرد. وی در برپایی اجلاسی که پیش از فوتش بین مفتکران و اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در یونان برگزار شد، مسئولیت داشت.

از آثار ترجمه‌ی اوست: تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (تألیف برتولد اشپولر، تهران، ۱۳۴۹).

دکتر عبدالجواد فلاطوری روز یکشنبه نهم دی ۱۳۷۵ هنگام تدریس در کلاس درس بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فلسفی شیرازی، هدایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، و نویسنده‌ی توانا، از قضات دادگستری بوده، در شیراز متولد شده، و هم در آن شهر تحصیل علوم دینی و ادبی، از فقه و اصول و ادبیات عربی و فارسی نموده، در سال ۱۳۰۴ خورشیدی روزنامه‌ی «شوش» را در محمره (خرم شهر فعلی) منتشر نموده، سپس به خدمت وزارت عدلیه وارد گردیده، سالها در دادگستری به شغل قضاوت اشتغال داشته، و از قضات پاکدامن و درستکار به شمار می‌رفته.

سرانجام در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در ضمن مأموریت اصفهان وفات یافته، در این شهر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فلسفی شیرازی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۸ ش)، روزنامه‌نگار و قاضی. در شیراز به دنیا آمد و در همان جا علوم دینی، ادبی و عربی را فراگرفت. وی در ۱۳۰۴ ش به خوزستان رفت و روزنامه «شوش» را در خرمشهر تأسیس و منتشر کرد. پس از مدتی به تهران آمد و در وزارت دادگستری مشغول شد. وی در ضمن مأموریت به اصفهان وفات یافت و در آن شهر به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۶/ ۳)، تذکرةالقبور (۵۳۹ -۵۳۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۵۴ -۱۵۳/ ۴).

فلسفی شیرازی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی فلسفی مرحوم درویش علی دارابی شیرازی از علماء خدوم و ائمه جماعت معاصر شیرازند که در مرکز استان فارس به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

ایشان در سال ۱۳۱۸ شمسی در شهرستان داراب به دنیا آمده و در خانواده‌ای مومن و مسلمان پرورش یافته و پس از تحصیلات ابتدائی به تشویق مرحوم والدش به حوزه علمیه داراب وارد و پس از فراگرفتن مقدمات به همراهی پدر و مادر به شیراز آمده و در مدرسه علمیه خان به ادامه تحصیل پرداخته است.

و مورد توجه و تشویق مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) شیرازی واقع و در خدمت والدین خود عزیمت به کربلا نموده و حدود پنج سال اقامت کرده و ادبیات و سطوح را در خدمت اساتید و مدرسین کربلا چون حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ یوسف بیارجمندی (شاهرودی) فراگرفته و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالیه را در خدمت آیات و مدرسین نجف چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه (شهید) مدنی (امام جمعه شهر تبریز) و نیز مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی سرابی و آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم کوکبی و دیگران به پایان رسانیده و همدوش اساتید سطح به درسهای خارج فقه و اصول حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله الوارف و آیت‌اللّه حاج آقا محمد روحانی و آیت‌اللّه خمینی شرکت و استفاده نموده تا در سال ۱۳۵۰ شمسی که از طرف دولت بعث عراق برابر ۱۳۹۰ قمری به تنهائی از بغداد اخراج و به شیراز وطن اصلی خود آمده و رحل اقامت افکنده و چون با استقبال گرم مردم شیراز بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی مواجه شدند که محل نماز جماعت خود را به ایشان واگذار فرمودند ایشان با همفکری معظم‌له به ارشاد مردم توصیه و جلسات جامعه روحانیت و کارهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و ارشادی بپردازند.

خدمات آقای فلسفی در عراق و ایران

۱- ایشان در ماه ذیقعده ۱۳۸۳ قمری در نجف اشرف به همراهی جمعی از فضلاء نجف اشرف و بزرگان حوزه علمیه دومین مجله ماهنامه فارسی به نام پرتوهائی از اسلام منتشر کردند که متاسفانه بیش از ۱۲ مجله از آن منتشر نشد.

۲- در سال ۱۳۸۵ قمری به نمایندگی حضرت آیت‌اللّه العظمی حکیم رحمه‌اللّه به بغداد جدید آمده و به ارشاد اهالی آن منطقه پرداخته و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات و تدریس علوم اسلامی برای طلاب علوم دینی پرداخته تا اینکه موفق شدند مدرسه سلومیه را در بغداد پایتخت کشور عراق تأسیس نمایند که جمعی از طلاب شیعه در آن به تحصیل مقدماتی پرداخته و بعد برای تکمیل به نجف اشرف عزیمت می‌نمودند.

۳- از آثار پر ارج ایشان تألیف دائرةالمعارف القرآنیه است که طبق لغت آیه شروع نموده و سپس به تفسیر آیه مربوط و ارجاع به کلیه تفاسیر می‌گردد که مع‌الاسف این کتاب با کتابخانه ایشان در بغداد مانده است و تاکنون توفیق چاپ آن را نیافته‌اند و آن حدود پنجاه جلد است که جلد اول و دوم آن فقط در حرف الف است.

آثار علمی مطبوع ایشان

۱- قصه الموجود که داستان وجود و فلسفه آن را با سبک رومانی نوشته و در سلسله منابع الثقافه الاسلام به طبع رسیده است. چاپ

بغداد.

۲- جزوه‌های در فلسفه نماز- چاپ بغداد.

۳- فلسفه روزه.

۴- الامام الحسین و الحرکه الفکریه که در بغداد به طبع رسیده است.

اما خدمات اجتماعی و فرهنگی ایشان در شیراز

۱- تأسیس صندوق قرض‌الحسنه در داراب شیراز.

۲- ماهنامه دینی و ادبی پیام مهدی.

۳- صندوق قرض‌الحسنه مهدی موعود.

۴- خیریه مهدی موعود برای اداره جمعی از فقراء و مستمندان.

۵- کانون ازدواج که دفتر خاصی دارد و زیر نظر عده‌ای از خواهران مومن اداره می‌شود.

۶- خدمات مطبوعاتی مهدی موعود.

از آثار علمی ایشان پنج جلد از مستند الرسول الاعظم صلی اللّه علیه و آله به طبع رسیده است و این موسوعه حدود سی مجلد است که معظم‌له مشغول به تألیف آن هستند.

دیگر از آثار ایشان مدرسه علمی است که جمعی از طلاب و محصلین در آنجا اشتغال به درس و بحث دارند و خود ایشان مشغول به تدریس فقه و اصول در آن می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فلسفی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۹ -۱۳۲۷ ق)، عـالم دینی، خطیب، واعظ، متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمـد. مقـدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیـدی همچون پـدرش، آیت‌الله تنکـابنی، و آقـا شیخ یونس قزوینی و آقـا شیخ علی رشتی، و معقول و فلسفه را از میرزا طـاهر تنکـابنی و آقـا میرزا محمود قمی و میرزا مهـدی آشتیـانی فراگرفت. وی حـدود دو سال در زمان آیت‌الله حایری یزدی در قم اقامت داشت و از محضر اساتیـد حـوزه‌ی علمیه بهره‌منـد شـد.سپس به تهران آمـد و به ادامه تحصیل و مطـالعه‌ی کتب مختلـف و متنـوع پرداخت. وی در منبر و خطبه روش نوینی را پایه‌گـذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود آورد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرتهای تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. در تهران، در پایان جلسه درس، درگذشت و در جوار حضـرت عبدالعظیم حسین در کنار عمو و پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمـد حسین تنکابنی، دفن شـد. آثار علمی و قلمی و منشوری او آموزنـده با نثری جذاب است. عمده آثار وی کـه تحت عنـوان کلی «گفتـار فلسـفی» انتشـار یـافته عبارتنـد از: «کـودک»، از نظر وراثت و تربیت، دو مجلـد؛ «جـوان»، از نظرعقـل و احساسـات، دو مجلـد؛ «بزرگسـال و جـوان» از نظر افکـار و تمایلات، دو مجلـد؛ «آیه‌الکرسـی»، پیـام آسـمانی توحیـد؛ «اخلاق»،از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «معاد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ «شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق»، از صحیفه‌ی سجادیه، سه مجلد.[۱]

حـاج شیخ محمـدتقی فلسـفی بن العلامه العلام و الفقیه القمقـام حجه‌المسـلمین والاسـلام المرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضـا تنکابنی تهران اعرف خطباء عصر و اشهر وعاظ زمان مایند که خود چندی افتخار توقف حوزه علمیه را داشته و حوزه علمیه هم فخر بر این ثمره مفید و اثر ارزنده خود می‌کند.

این رادمرد بزرگ و این نـابغ سترگ که صیت و صوتش عـالم‌گیر شـده و شـهرت و ملاحت سـخن‌وری و سـخنرانیش مسـتغنی از تعریـف مـا و جهـانی گردیـده بخصوص در تحقیقـات علمی و دخول و خروجش به مطـالب و از مطـالب و اداء سـخن و حق مطلب دادنش در این زمان بی‌قرین و در قرون گذشته کم‌نظیر بوده و مبالغه نیست اگر بگویم.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران

بسیار دیده‌ام نه بدین حسن و دلبری

عالمی است محقق و ناطقیست مـدقق مفسـریست خبیر و محـدثیست بصیر متکلمی است فاضل و واعظی است کامل جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بسـیار خوش محاوره و خوش مجلس منزلش مهبط اهل فضل و محفلش مجمع اهل کمال سینه‌اش باز و دستانش گشاده در قضاء حوائج مومنین و بالاخص روحانیین ساعی و در امور خیر مساعی جمیله دارد و از خدمات دینی و اجتماعی فرونمی‌گذارد.

در سال ۱۳۲۷ قمری هجری در تهران متولـد شـده و در خانـدان علم و فضـیلت و مجـد و شـرافت تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیـد بزرگ چون والـد معظم خود و آشیخ یونس قزوینی و آشیخ علی رشـتی و معقول و فلسـفه را از مرحوم میرزا طـاهر تنکـابنی و آقـا میرزا محمود قمی و میرزا مهـدی آشتیانی اسـتفاده نموده و حـدود دو سال هم در زمان مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در قم توقف و از محضـر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شده و بعد به تهران مراجعت و به ادامه تحصیل و مطالعه کتب مختلفه و متنوعه عصـری و قـدماء گردیـده و از هر خرمنی خوشه‌هـا چیـده و از هر گلسـتانی گلها به دست آورده و با آن فکر سـرشار و ذوق فراوان و اسـتعدادی که تنها موهبت خداوندیست (و ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء) خریت ادب و تحریر سخنوری گردیده و خاص و

عام و جاهل متقدم و متجدد را مجذوب بیان سحرآمیز خود به مضمون (و ان من البیان السحر) نموده است.

من نمی گویم که آن شمع جهان

هست پیغمبر ولی دارد بیان

حدود ۶ سال در ماه رمضان و ده شب اول محرم از مسجد سلطانی با دنیای امروز از اسلام و غیره صحبت کرده و حقایق اسلام را با بیانی بس رسا و ملیح خود به زبان عصری به وسیله دستگاه فرستنده به مردم جهان رسانیده و این به خدا فخر اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان اثنی‌عشر روی زمین است.

چندین سال متمادی ظهرهای ماه رمضان در مسجد حاج سید عزیزالله تهران صحبت می کردند دهها هزار نفر از طبقات مختلف، روحانیین و اساتید دانشگاه و دبیران و آموزگاران و محصلین جدید و قدیم و تجار و اصناف برای استماع سخنرانیهای معظم‌له حاضر می‌شدند و چون صحن مسجد و شبستانها و ایوانها و راهروهای مسجد گنجایش آن همه جمعیت را نداشت.

قسمت مهمی از مستمعین در بازار و سراهای اطراف مسجد اجتماع می کردند و متجاوز از سی بلندگو که در نقاط مختلف نصب می‌شد صدا را به همه آنها می‌رسانید.

خاطرات آن مجلس باشکوه فراموش نشدنی است بسیاری از مشکلات دینی در آن مجلس مورد بحث قرار می گرفت و حل می‌شد و بسیاری از افراد منحرف با استماع آن سخنان نافذ به راه می‌آمدند و از سقوط و تباهی رهائی می‌افتند.

علامه فلسفی روش نوینی را در منبر پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی را در فن سخنرانی به وجود آورد روایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهالسلام را که گوهرهای گرانقدر اسلامی است با منطق علمی روز تشریح و توضیح نموده و در نسل تحصیل کرده اثر بسیار عمیق گذارده و کتابهای ایشان نمونه‌ای از این روش نوین است.

در زمان حیات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره سالهای متمادی به دعوت آن مرجع بزرگ و عالیقدر در دهه آخر صفر به قم می‌رفتند صبح‌ها در منزل معظم‌له و شبها در صحن بزرگ قم به دعوت تولیت آستانه برای جمعیت زیادی که در صحن بزرگ و صحن کوچک و صحن موزه و خیابان مجاور صحن و شیخان گرد آمده بودند سخنرانی می کردند سخنان ایشان علاوه بر آثار مفیدی که در افکار تمام مردم می گذارد برای فضلاء طلاب حوزه علمیه که به منبر علاقه داشتند آموزنده و سرمشق بود و از روش ایشان استفاده بسیار می کردند، کلیه مراجع بزرگ تقلید نجف اشرف و قم و مشهد مقدس از گذشته و معاصر عنایت مخصوص و توجه خاصی به معظم‌له داشته و دارند.

خلاصه استاد و علامه فلسفی از نوابغ زمان و از افرادی است که می‌توان درباره شخصیت علمی و اخلاقی او و مسافرتهایش به کشورهای اسلامی حجاز و اعتاب عالیات و پاکستان و شهرهای مهم ایران که برای تبلیغ رفته و منبرهای مهیج و منابر معجزه‌آسا و خدمات دینی و اجتماعی و مبارزاتش با منحرفین و گروه‌های ضد اسلامی کتاب مستقلی نوشت.

از آثار علمی و قلمی این استاد که به طبع رسیده و جهانی را به خود متوجه نموده کتب زیر است که برای تربیت کودکان و راهنمائی نسل جوان بهترین کتاب و آموزنده‌ترین منشوریست که منتشر شده است.

۱- گفتار فلسفی راجع به کودک از نظر وراثت و تربیت در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۲- گفتار فلسفی راجع به جوان از نظر عقل و احساسات در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۳- گفتار فلسفی آیه‌الکرسی یا پیام آسمانی توحید در چهارصد صفحه.

یکی از شعراء معاصر درباره معظم‌له سروده است

او ستاد اوستادان بلاغت (فلسفی)

آنکه نامش زی فلك از عرشه منبر گذشت

ابن‌جوزی گرچه در یك آیه سالی حرف زد

بودی از امروز گفتی وی زمن برتر گذشت

(فلسفی) تنها نه در نطق و بیان باشد فرید

کلك وی از تیغ مردان دلاور در گذشت

در کتاب کودکش بنگر که خودپیرانه گفت

از یونسکو خود کتاب وی مهین دفتر گذشت

ویژه از بهر جوانان این کتاب تازه‌اش

انقلابی کرده خوش برپا که از اختر گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه دانشوران (۶۵ -۶۴)، بزرگان رامسر (۱۷۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۰ -۳۸۷ / ۲).

فلسفی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله فلسفی در سال ۱۲۸۰ ، در تهران متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت. فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در

ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد. گذشته از سمت های اداری و مشاغلی که متذکر گردیدیم ، وی به امر آموزش نیز پرداخته است. او در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود. نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در نشریات به چاپ رسانده است. نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰ ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : نصرالله فلسفی ، فرزند میرزا نصرالله خان سوادکوهی مستوفی (از مستوفیان دربار قاجار) بود که اصل خانواده اش از سوادکوه قزوین است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فلسفی شش روز پس از مرگ پدرش به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فلسفی تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت.

زمان و علت فوت : نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰ ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد.

فعالیتهای آموزشی : استاد فلسفی در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در مجلات تهران از جمله : تعلیم و تربیت ، مهر ، سخن ، شفق سرخ ، اتحاد ، مرز آزاد ، اطلاعات ، شرق ، یغما ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز ، نشریه کتابخانه ملی تبریز و وحید به چاپ رسانده است. وی به روزنامه نگاری هم می پرداخت که از جمله مجلاتی که توسط وی منتشر شده است ، عبارتند از : مدیریت داخلی مجله آینده (۱۳۰۴) ، کفالت مجله پست و تلگراف (فقط سه شماره ، ۱۳۰۴) ، مجله ایران (نشریه کلوپ بین المللی ایران برای تمبر و مجموعه های دیگر از سال ۱۳۰۱ تای ۱۳۱۱) ، مجله تعلیم و تربیت (وابسته به وزارت معارف ، ۱۳۱۳ – ۱۳۱۴) ، مهر (از ۱۳۱۲ به مدت چهارسال ، دوره ی یک تا چهار) ، مدیریت و سردبیری مجله هفتگی امید (۱۳۲۲ ، مدت سه سال) ، همکاری فکری در نشر مجله اطلاعات ماهانه (در سال های ۱۳۳۰ – ۱۳۳۴) ، مجله ایرانیکا به زبان ایتالیایی در دوره ی رایزنی فرهنگی در ایتالیا. فلسفی گاهی شعر هم می سرود و آثار منظومی از وی به یادگار مانده است ، از آن جمله است منظومه ی « بیچارگان » و قصاید و قطعات دیگر. مجموعه ای از اشعار وی در سال ۱۳۵۱ در تهران چاپ و منتشر شده است.

جوائز و نشانها : نصرالله فلسفی در سال ۱۳۵۴ ، عنوان « استاد ممتاز » دانشگاه تهران را یافت. ------------------------
----

آثار :

۱ اصول آموزش و پرورش

۲ تاریخ اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۹.

۳ تاریخ ایران بعد از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.

۴ تاریخ ایران پیش از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.

۵ تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی

ویژگی اثر : انتشار جلد اول در سال ۱۳۱۶.

۶ تاریخ عمومی جهان در قرن های هفدهم تا بیستم میلادی

ویژگی اثر : مشتمل بر دو مجلـــد

۷ تاریخ عمومی در قرن معاصـــر

۸ تاریخ غزنویان ؛ اصول تعلیم و تربیت

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۴.

۹ تاریخ و جغرافیا

ویژگی اثر : مشتمل بر دوازده جلد ، برای تدریس در دبیرستان ها با مشارکت علی اصغر شمیم.

۱۰ ترجمه ی اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۴۱.

۱۱ ترجمه ی تاریخ انقلاب روسیه

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۲ ترجمه ی تاریخ تمدن روم و یونان

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۱۹.

۱۳ ترجمه ی تاریخ تمدن قدیم

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۴ ترجمه ی تاریخچه ی سلطنت قباد و ظهور مزدک

ویژگی اثر : اثر کریستین سن ، با مشارکت احمد بیرشک ، انتشار در سال ۱۳۰۶.

۱۵ ترجمه ی تهران قدیـم

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۶ ترجمه ی داستان توده ی طلا

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۴.

۱۷ ترجمه ی داستان دندان ببر

ویژگی اثر : اثر موریس لبلان ، انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۸ ترجمه ی داستان سر تنگ بلور

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۹ ترجمه ی داستان های کوتاه از نویسندگان بزرگ

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۳.

۲۰ ترجمه ی داستان هشتصد و سیزده

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۲۱ ترجمه ی راز فلورانس

۲۲ ترجمه ی سرگذشت ورتر

ویژگی اثر : تالیف گوتـــه ، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۳ ترجمه ی فرهنگ فلسفی ولتر

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۷.

۲۴ ترجمه ی منتخب اشعار ویکتور هوگو

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۵.

۲۵ ترجمه ی منظومه ی بیچارگان

ویژگی اثر : تالیف ویکتور هوگو ، و به نظم فارسی ، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۶ جغرافیای مفصل ؛ جغرافیای ممالک بزرگ دنیا

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۶.

۲۷ جنگ چالدران

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۲.

۲۸ دوره ی کامل تاریخ ایران

ویژگی اثر : مشتمل بر پنج مجلد برای کلاس های مدرسه های متوسطه.

۲۹ زندگی شاه عباس کبیر

ویژگی اثر : مشتمل بر سه جلد ، انتشار در سال های ۱۳۴۲ ، ۱۳۵۳ و ۱۳۶۴ .

۳۰ شرح حال بزرگان (داریوش و انوشیروان)

۳۱ مجموعه ی هشت مقاله تاریخی

ویژگی اثر : انتشـار در سال ۱۳۳۰. ---

منابع :

۱شـاعران تهران از آغـاز تـا امروز ، تالیف : مجیـد شـفق ، ج ۲ ، تهران : انتشـارات سـنایی ، ص ۸۴۴۲گلزار مشاهیر ؛ زنـدگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران (۱۳۵۸ – ۱۳۷۶) ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۳۱۹

فلسفیان، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید فلسفیان

محل تولد : دهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عبدالمجید فلسفیان با شروع به تحصیل در سالهای اخیر مطالعات خود را به قرآن و نهج البلاغه اختصاص داده ام که در زمینه نهج البلاغه دو کتاب «علی و پایان تاریخ» و «علی و جاری حکمت» را توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران و انتشارات لیله القدر ناشر آثار استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) عرضه شده است که کتاب اول عنوان فرعی آن امام زمان (عج) در نهج البلاغه است و کتاب دوم شرح چهل حکمت از حکمتهای نهج البلاغه می باشد. در زمینه قرآن نوشته هایی همچون پیش زمینه های برداشت از قرآن تفسیر سوره روم، لقمان، قمر و یوسف به رشته تحریر در آمده که هیچکدام به چاپ نرسیده است. و فعالیت دیگری که چند سال اخیر به آن مشغول بوده ام همکاری با دوستان و شاگردان زنده یاد استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) برای نوشتاری کردن سخنرانیهای ایشان در زمینه های مختلف معارف دینی بالاخص مباحثی در حوزه نهج البلاغه از جمله روش برداشت از نهج البلاغه شرح شقشقیه با عنوان مشکلات حکومت دینی شرح حکمت ۱۴۷ با عنوان خط انتقال معارف و شرح خطبه ۳۲ با عنوان روزگار ستمگر و...

فنجکردی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۱۳ / ۵۱۲ / ۵۰۳ -۴۳۳ ق)، ادیب، نحوی و شاعر. ملقب به شیخ‌الافاضل. نسبت وی به فنجکرد از توابع نیشابور می‌رسد. وی معاصر با زمخشری و نزدیک به عصر سید رضی بود و میدانی کتاب «السامی فی الاسامی» را، در لغت، به فارسی، به نام وی تألیف کرده و در سرآغاز کتاب او را در فضل و علم و ادب ستوده است. او را مدون «دیوان» امیر المومنین (ع) می‌دانند. در نیشابور درگذشت. از جمله آثارش:«تاج الاشعار» یا «سلوه الشیعه»، در اشعار حضرت امیرالمومنین (ع)؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۶ / ۸)، الذریعه (۸۴۹ / ۹ ،۲۲۳ / ۱۲ ،۲۰۵ / ۳)، ریاض العلماء (۳۵۴ -۳۵۲ / ۳)، ریحانه (۳۵۷ - ۳۵۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۱ / ۶)، فوائد الرضویه (۲۶۹ -۲۶۸)، الکنی و الالقاب (۳۵ -۳۴ / ۳) ، لغت‌نامه (ذیل/ علی فنجگردی)، معجم الادباء (۲۷۲ - ۲۷۰ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۸ -۲۷ / ۷).

فندرسکی، ابوطالب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به فندرسک) میرزا ابوطالب فرزند ابوالقاسم فندرسکی. شاعر و منشی قر. ۱۲ ه. وی از شاگردان علامه مجلسی است و با میرزا عبداللّه افندی صاحب ریاض‌العلماء و نظایر وی معاصر و در یک حلقه‌ی تدریس با آنان به کسب علم مشغول بود. تألیفات او عبارتند از: ترجمه‌ی فارسی شرح لمعه‌ی شهید، حاشیه‌ی تفسیر بیضاوی، حاشیه‌ی خفری بر شرح تجرید قوشچی سامی که منظومه است، غزوات حیدری که نیز منظومه است، المنتهی در نجوم، نگارخانه‌ی چین که حاوی تمامی مکتوبات و منشات عربی و فارسی اوست.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فوزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فوزی نماینده‌ی (حضرت آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری) از فضلاء خدمتگذار معاصر و دانشمند مجاهد و فعال شهرستان رضائیه است. وی سالها در حوزه علمیه قم کسب علم و کمال نموده و پس از وصول به مراتب عالیه حسب‌الامر آیت‌اللهی برای خدمات دینی در رضائیه اقامت و خدمات ارزنده دینی و اجتماعی بسیاری از قبیل بناء مساجد و حمام و غیره در شهر و حومه آن نموده و اکنون به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف حقه‌ی اثنی عشریه در آن منطقه حساس مرزی که از طرفی مرز اسلام و کفر و از سمتی هم مرز ولایت و تسنن است اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فولادوند، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری ، در اول دی ماه ۱۲۹۹ در اراک متولد شد . او از سوی مادر ، نوه ی حجت السلام حاجی آقا محسن ادراکی و نبیره ی دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است . پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید ، در شهریور ۱۳۲۹ برای ادامه ی تحصیل به ویژه در رشته های شعر و ادب و هنر و زیبایی شناسی ، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته های دلخواه دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد . جناب فولادوند در آبان ماه ۱۳۴۳ (۱۹۶۴ م) به تهران بازگشت و تاکنون که بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش می گذرد ، در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه ، زیباشناسی ، زبان فرانسه ، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرده است . او عضو انجمن فلسفه ی ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان است . مجموعه ی آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است . برخی از آثار چاپ شده ی ایشان از این قرار است :

- ترجمه ی [رباعیات] عمر خیام ، پاریس ، مزون نو ، ۱۹۶۰ ، طبع جدید آن با مقدمه و حواشی و « سخنان تازه درباره ی عمر خیام و رباعیات او » به پیوست آن . تهران ، فروغی .
- هیدا (در جستجوی زیبایی) ، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
- سنفونیها ،چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
- زن در اندیشه ی خدا (به فرانسه)
- دیوان اشعار و نوشته ها (آثار فارسی - بخش یکم)
- ترجمه ی کتاب المنقذ من الضلال (= زندگینامه ی خود نوشت فکری و فرهنگی غزالی ، عنوان ترجمه ی فارسی اش رهنمای گمراهان ، نشریات محمدی)
- نخستین درس زیبایی شناسی . انتشارات دهخدا .
- پاسکال - ونسی - بلندل . مجموعه کتابهای جیبی .
- زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی) . انتشارات کندی . در سالهای اولیه ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، که بنیاد قرآن تاسیس شد ، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته ی معاصر عرب ، نظیر سید قطب ، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است .

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

فولر، رودی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رودی فولر مهاجم سال‌های پیشین تیم ملی فوتبال آلمان یکی از نامدارترین بازیکنان تاریخ فوتبال این کشور است. رودی فولر که نام اصلی او رودولف فولر است تا اواسط دهه ۹۰ میلادی یکی از مهاجمان موفق و درخشان فوتبال آلمان بود. وی از سال ۲۰۰۰ به مدت ۴ سال مربیگری تیم ملی فوتبال آلمان را برعهده داشت. فولر در تاریخ سیزدهم آوریل ۱۹۶۰ در شهر هاناو واقع در ایالت هسن آلمان، در خانواده ای فوتبالدوست چشم به جهان گشود. پدرش که مربیگری تیم جوانان این شهر را برعهده داشت، او را از هشت سالگی همراه خود به تمرین های فوتبال می‌برد. فولر از همان آغاز می‌خواست در خط حمله بازی کند و در این پست از خود استعداد زیادی نشان داد. فولر پانزده ساله بود که توجه مربی تیم دسته دومی کیکرز اوفن‌باخ را جلب کرد. اما مادر فولر می‌خواست که او در کنار فوتبال حتما دوره‌ی کارآموزی خود را در رشته‌ی بازرگانی اداری به پایان برساند. چنین نیز شد و فولر در همان تیم باشگاهی، دوره‌ی کارآموزی خود را همراه با ورزش فوتبال دنبال کرد.

شانزده ساله بود که برای نخستین بار با بازیکنان حرفه‌ای کیکرز اوفن‌باخ شروع به تمرین کرد. وی به عنوان بازیکن حرفه‌ای روی‌هم ۶۷ بازی برای این تیم انجام داد و ۱۷ گل به ثمر رساند. در سال ۱۹۸۰ به تیم دسته‌ی اولی مونیخ ۱۸۶۰ پیوست. باشگاه مونیخی برای این انتقال هفتصد هزار مارک به باشگاه اوفن‌باخ پرداخت و این رقم نشان می‌داد که فولر در همان زمان بازیکن باارزشی به شمار می‌رفته است.

تیم مونیخ ۱۸۶۰ در نخستین سال پیوستن رودی فولر به این تیم چهره‌ی موفقی نداشت و به دسته‌ی دوم سقوط کرد. با اینکه رودی فولر در نخستین فصل بازی‌ها در دسته‌ی دوم ۳۷ گل برای این تیم به ثمر رساند و آقای گل مسابقه های بوندسلیگای دو شد، اما تیم مونیخ نتوانست به لیگ یک راه پیدا کند. از همین رو فولر در سال ۱۹۸۲ به تیم موفق وردربرمن در بوندس‌لیگا پیوست.

فولر در همان سال به تیم ملی فوتبال آلمان دعوت شد و نخستین بازی ملی خود را در نوامبر سال ۱۹۸۰ در مقابل ایرلند شمالی انجام داد. آلمان در میان شگفتی، آن بازی را با نتیجه‌ی یک بر صفر واگذار کرد. اما این شکست، آغاز راهی پرافتخار بود. فولر در سال ۱۹۸۶ با تیم ملی فوتبال آلمان به مقام نایب‌قهرمانی جهان و چهار سال پس از آن در ایتالیا به مقام قهرمانی جهان رسید. وی با همین تیم در سال ۱۹۹۲ نایب قهرمان اروپا شد. رودی فولر در سطح باشگاهی نیز دوره‌های موفقی داشت. وی در نخستین فصل حضورش در وردر برمن، آقای گل مسابقات بوندس‌لیگا شد و در همان سال به عنوان بهترین بازیکن آلمان برگزیده شد. وی

روی‌هم ۱۳۷ بازی برای وردربرمن انجام داد و ۹۷ گل برای این تیم به ثمر رساند.
فولر در سال ۱۹۸۷ به تیم رم پیوست و به مدت پنج سال برای این تیم صاحب‌نام ایتالیایی توپ زد. وی با این تیم یک بار قهرمان جام حذفی فوتبال ایتالیا شد. او ۱۴۲ بازی برای رم انجام داد و ۴۴ گل به نام او ثبت شد.
فولر در سال ۱۹۹۲ به تیم المپیک مارسی فرانسه پیوست و یک سال پس از آن با همین تیم قهرمان باشگاههای اروپا شد.کارنامه فولر در این باشگاه فرانسوی نیز درخشان بود. او در ۵۸ بازی ۲۴ گل وارد دروازه ی حریفان کرد.
فولر در سال ۱۹۹۴ به میهنش بازگشت و این بار در خدمت تیم بایر لورکوزن قرار گرفت. دو سال پایانی فعالیت ورزشی او در این تیم سپری شد و فولر در ۶۲ بازی برای این تیم، ۲۶ بار دروازه‌ی حریفان را فروریخت.
به موازات آن، رودی فولر ۹۰ بار برای تیم ملی فوتبال آلمان انجام داد و ۴۷ گل برای این تیم به ثمر رساند. وی در سال ۱۹۹۴ کفش‌هایش را آویخت، اما این به معنای گسستن پیوندهای او با فوتبال نبود. تیم ملی آلمان در سال ۲۰۰۰ در حالی در چارچوب رقابت‌های جام ملت‌های اروپا شرکت کرد که مقام قهرمانی اروپا را همراه خود یدک می‌کشید. اما این تیم با مربیگری اریش ریبک در همان دور مقدماتی در گروه خود آخر شد و از صعود به دور بعدی بازماند. این برای فوتبال آلمان یک فاجعه و آغاز بحرانی جدی بود.
سرانجام پس از کشمکش‌های فراوان میان مسئولان فوتبال در آلمان، برای تعیین مربی جدید تیم ملی، قرار شد این پست به مدت یک سال در اختیار رودی فولر قرار بگیرد. تیم ملی فوتبال آلمان با مربیگری فولر، توانست بر بحران غلبه کند و در جام جهانی سال ۲۰۰۲ در ژاپن و کره‌ی جنوبی به دیدار نهایی راه یابد. آلمان آن دیدار را در مقابل تیم ملی برزیل با نتیجه‌ی دو بر صفر واگذار و به مقام دومی جهان بسنده کرد. این بزرگ‌ترین افتخار ورزشی رودی فولر در مقام مربیگری بود.
پس از اینکه تیم ملی فوتبال آلمان در مسابقه های جام ملت‌های اروپا در سال ۲۰۰۴ در رقابت‌های گروهی ناموفق ماند و حذف شد، رودی فولر از مقام مربیگری این تیم کناره‌گیری کرد. فولر پس از آن برای مدت بسیار کوتاهی مربی تیم باشگاه رم و بایر لورکوزن بود. او هم‌اکنون مدیر ورزشی باشگاه بایر لورکوزن است.

فومنی اریب، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم اریب فومنی از علماء محترم شهرستان فومن می‌باشد. وی در این شهر متولد شده و در بیت سیادت و شرافت پرورش یافته است. اسلاف و نیاکان آنجناب همه از اشراف و اجلاء گیلان و منطقه فومن بوده‌اند. ایشان مقدمات را در فومن و سطوح را در شهرستان رشت خوانده آنگاه به تهران مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقای حج شیخ محمدرضا تنکابنی (والد ماجد خطیب توانا و واعظ شهیر جناب آقای فلسفی) و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد تنکابنی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به زادگاه خود مراجعت و بیش از چهل سالست که در فومن به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده. در حدود سی سال قبل که برای دیدن یکی از دوستان به فومن مسافرت کردم آنجناب را ملاقات و او را دانشمندی ادیب و مانند شهرتش اریب یافتم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی حایری، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجعفر فومنی حایری از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و ائمه جماعت بزرگوار کربلای معلی بوده است. وی در فومن متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در فومن و رشت مهاجرت به عراق نموده و در نجف و پس از آن در کربلا اقامت و از آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و آیت‌اللَّه العظمی آمیرزا محمدتقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به اقامه جماعت و خدمات دینی و توسل به ذیل عنایت سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللَّه الحسین علیه الصلوهٔ والسلام پرداخته تا در ۱۳۵۷ قمری که به مولایش ملحق و در جوار حضرتش مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جواد بن العالم الجلیل حاج شیخ محمدجعفر فومنی مذکور از علماء فعال تهران بودند. وی در سال ۱۳۳۰ ق در کربلای معلی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات سطوح را در آنجا از مرحوم والدش و دیگران فراگرفته و پس از آن به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی

و دیگران استفاده علمی نموده و در سن ۲۷ سالگی در سال ۱۳۵۷ قمری که والد مبرورش فوت نمود به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان اقامت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن در مسجدش و جلسات مذهبی پرداخته و در اثر مبارزات با فحشاء و منکرات مبتلاء به حوادث و طوفانها گردیده و سوانح و خاطرات عجیبی دیده تا در شب بیست و سوم ماه رمضان ۱۳۸۴ قمری در اثر کسالتهای روحی و جسمی بدرود حیات گفته و با تشییع جنازه کم‌نظیری با دوش مردم عالم‌دوست تهران حمل به شهر ری و در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) در مقبره واقع در قسمت شرقی صحن معروف به مقبره (علائی) مدفون گردید.

آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم

مرحوم فومنی با فداکاریها و پیگیریها و مجاهدات طاقت‌فرسائی که داشت آثار گرانمایه‌ای از مساجد و دبستانهای اسلامی و مجامع مذهبی از خود به یادگار گذاشت که ذیلا اشاره می‌شود.

۱- مسجد نو واقع در خیابان خراسان (شماره ۱)

۲- کودکستان فومنی در خیابان خراسان

۳- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (پسرانه)

۴- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (دخترانه)

۵- مسجد نو شماره (۲) واقع در کوچه نظام

۶- شرکت تعاونی روزی (دهشاهی).

۷- از آثار باقیه وجود فرزندان برومند مخصوص ثقةالاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ حسین فومنی فرزند ارشد ایشان می‌باشد که اکنون به جای ایشان در مسجد نو خیابان خراسان امامت و به خدمات دینی اشتغال دارند.

ایشان در تهران متولد شده و تحصیلات جدی و مقدماتی را در آنجا خوانده آنگاه به قم آمده و چند سالی به تحصیل سطوح وسطی و نهائی مشغول و پس از فوت مرحوم والدش دیگر نتوانست در قم مانده و ادامه به تحصیل دهد ناچار به تهران برگشته و به خدمات دینی و اداره‌ی مؤسسات مذهبی والدش اشتغال دارد و واقعاً مصداق حدیث نبوی (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فهری زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد فهری زنجانی ابن السید الجلیل و العالم النبیل الحاج سید سجاد فهری زنجانی از دانشمندان معاصر تهران می‌باشند. وی در سال ۱۳۰۱ شمسی در زنجان متولد گردید. والد معظم ایشان در مقام منبر (به اعتراف همه شناسایان) شخصیت بارز و منحصر بفرد زنجان بوده و هستند و اکنون اواخر دهه‌ی هشتم یا اوائل دهه نهم عمر را می‌گذرانند.

حجةالاسلام سید احمد فهری تقریبا یکسال پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حائری یزدی به قم مشرف شده و پس از یکسال و اندی توقف در آن دیار و استفاده از درس سطح حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی در سال ۱۳۲۰ شمسی تشرف به نجف اشرف حاصل کرده و از محضر آیات عظام آقای آقا میرزا باقر زنجانی سطحا و خارجا و آیت‌اللّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللّه سید جمال گلپایگانی استفاده خارج نمود.

و پس از استماع یک دوره و نیم درس خارج اصول حضرت آیت‌اللّه خوئی در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت و مدت ۱۴ سال در کرمانشاه اقامت داشته و در مسجد جمعه کرمانشاه اقامه جماعت می‌نمود و ضمنا در زمینه‌ی تبلیغات مذهبی در کرمانشاه که مرکز فرقه‌ی علی‌اللهی‌ها می‌باشد زحمتی فراوان متحمل شدند.

و سپس در سال ۱۳۴۵ به تهران مهاجرت نموده و اکنون نیز در آنجا به انجام وظایف مذهبی اشتغال دارند و در مدت اقامت در تهران آثاری علمی از ایشان به طبع رسیده که ذیلاً می‌خوانید.

۱- کتاب سالار شهیدان در تحلیل انگیزه واقعی امام شهید علیه‌السلام در خروج از مدینه و حرکت بکربلا.

۲- ترجمه‌ی خصال صدوق.

۳- ترجمه‌ی عبداللّه سبا در دو جلد تألیف آقای حاج سید مرتضی عسکری

۴- اسس المنطقیه.

۵- آهی سوزان بر مزار شهیدان ترجمه‌ی «اللهوف علی قتل الطفوف»

۶- معراج روحانی. معظم له در سال ۱۳۸۵ ه.ش وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فهری، سجاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد فهری زنجانی والد ماجد حجةالاسلام والمسلمین حاج سید احمد فهری زنجانی از وعاظ و گویندگان مشهور زنجان

بوده است وی در شهر زنجان متولد شده و قسمتی از مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده و از راه منبر به تبلیغ دین پرداخته تا در سال ۱۳۹۴ قمری که در تهران وفات و در قم به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فهیمی، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزالله فهیمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز الله فهیمی در سال ۱۳۴۰ در بخش خلجستان قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در قم و تهران سپری نمودم و تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان را در تهران گذراندم. بعد از اخذ دیپلم و خدمت سربازی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام صادق (ع) مقدمات را گذراندم و سطح ۲ و ۳ و ۴ را از دروس آزاد حوزه استفاده کردم که نام اساتید محترم حوزه را در جدول آتی ذکر کرده ام. از سال ۱۳۷۰ مشغول درس خارج شدم و پس از ده سال درس خارج رساله سطح ۴ خود را با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در حوزه علمیه قم تدوین نمودم که این رساله در بهار سال ۱۳۸۵ دفاع گردیده است. همزمان با دروس حوزه از زمان اشتغال به سطح ۳ حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته حقوق قضایی در سال ۱۳۷۱ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه شهید بهشتی در همین رشته فوق لیسانس گرفته و رساله علمی خود در زمینه ارث اقلیتهای دینی ایران در مقایسه با قوانین اسلام را تدوین نمودم که بعدها به صورت کتاب مستقل چاپ شد. در سال ۱۳۷۷ بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه شهید بهشتی به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه قم مشغول تدریس شدم که منافاتی با تحصیل حوزوی هم نداشت. در سال ۱۳۸۱ برای تکمیل تخصص دانشگاهی وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران شدم و در رشته دکترای حقوق خصوصی مشغول تحصیل شدم که تا کنون ادامه دارد. تا کنون دهها پایان نامه علمی حوزوی و دانشگاهی زیر نظر اینجانب تدوین شده است و دهها مقاله علمی و نشریات معتبر علمی چاپ گردیده است و پایان نامه علمی سطح ۴ اینجانب نیز با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در معاملات در دست چاپ می باشد. در دانشگاه در رشته حقوق قضایی در سطوح لیسانس و فوق لیسانس در دروس مختلف تدریس داشته ام. در حوزه نیز دروس مختلف فقهی و اصولی مثل لمعه و اصول و مکاسب را تدریس نموده ام.

فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۲ ق)، عالم امامی، محقق، حکیم، منطقی، متکلم، نویسنده، ادیب و شاعر.اصل وی از لاهیجان است، اما چجون مدت زیادی در شهر قم اقامت داشته و در حوزه‌ی علمیه آنجا تدریس می‌کرده به قمی نیز مشهور شده است. وی شاگرد و داماد صدرالمتألهین ملا صدرا محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی است. تخلص یا لقب فیاض را استادش به او داده است، چنان که لقب فیض را به دیگر دامادش ملاـ محسن کاشانی. او از بزرگان علمای شیعه و از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه‌عباس ثانی (۱۰۸۷ -۱۰۵۲ ق) است. وی در مدرسه حضرت معصومه قم تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش فرزندش میرزا حسن لاهیجی صاحب «شمع الیقین» می‌باشد. از دیگر شاگردانش قاضی سعید قمی است. وی در قم درگذشت و همان جا دفن شد. گر چه در برخی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی در ۱۰۵۱ ق ذکر شده اما با توجه به تاریخ تألیف «گوهر مراد» و «سرمایه ایمان» نمی‌تواند درست باشد. وی در حکمت و کلام و منطق صاحب تألیفات سودمندی است. از آثار وی: «گوهر مراد»، در اصول عقاید، به فارسی، که برای شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۸ -۱۰۵۲ ق)تألیف کرده است؛ «سرمایه‌ی ایمان فی اثبات اصول العقائد بطریق البرهان»، که تلخیص «گوهر مراد» است به فارسی؛ «شوارق الالهام»، در شرح «تجرید الکلام»، خواجه نصیر طوسی، به عربی؛ «حاشیه»‌ای بر «حاشیه» شمس‌الدین محمد خفری بر «الهیات شرح تجرید»، که به درخواست شاگردانش ترتیب داد؛ «حاشیه»‌ای بر «حاشیه» ملا عبدالله یزدی بر «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ «حاشیه» بر «شرح الاشارات» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «شرح الهیاکل فی حکمه الاشراق»؛ رساله‌ی «حدوث العالم»؛ «مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام»، ناتمام؛ «الکلمات البیه»، در محاکمه‌ی میان میرداماد و ملاصدرا در اصالت ماهیت میرداماد یا اصالت وجود ملاصدرا، که لاهیجی به نام شاه‌عباس ثانی نگاشته است؛ «دیوان» بزرگ شعر، به فارسی، مجموعه‌ای از قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند در منقبت پیامبر (ص) و ائمه (ع) بویژه امیرالمؤمنین (ع) و در مرثیه‌ی شهیدان کربلا (رض).[۱]

(بخش ۱) لاهیجی، عبدالرزاق بن علی متکلم و حکیم ایرانی (ف. ۱۰۵۲ ه.ق) وی داماد و شاگرد صدرالدین شیرازی بود و در ادب و شعر و کلام دست داشت. از اوست: شوارق دو جلد در شرح تجریدالکلام، گوهر مراد در کلام، سرمایه‌ی ایمان در کلام، شرح

فصوص‌الحکم در تصوف (عربی)، شرح فصوص‌الحکم (به فارسی)، دیوان شعر شامل ۵۰۰۰ بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۸۴۹ –۸۴۶ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۷۱ –۴۷۰ / ۷)، ایضاح المکنون (۵۹ / ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۱ / ۴)، تاریخ علم کلام (۳۲۴ –۳۲۲)، تذکره‌ی پیمانه (۴۱۲ –۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۶)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)، دنباله جستجو درتصوف (۲۵۴ –۲۵۱)، الذریعه (۲۳۸ / ۱۴ ،۱۶۱ / ۱۳ ،۸۵۳ –۸۵۲ / ۹ ،۱۹۰ / ۴)، روضات الجنات (۱۹۴ –۱۹۲ / ۴)، ریاض العارفین (۲۲۷)، ریحانه (۳۶۳ –۳۶۱ / ۴)، سیر در شعر فارسی (۳۸۴)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۶ –۴۰۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۹ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۳۰ –۴۲۹)، فوائد الرضویه (۲۲۹)، فلاسفه شیعه (۳۷۷ – ۳۷۵)، الکنی و الالقاب (۳۷ –۳۶ / ۳)،لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرزاق)، معجم المؤلفین (۲۱۸ / ۵)، منتخب التواریخ (۷۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۲ –۸۴۱ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۴ –۲۱۳).

فیاض، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فیاض در سال ۱۲۶۱، در همدان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد.او پس از بازگشت نجف،در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. پس از آن در اواسط شهریور ماه ۱۳۰۸ ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۱۸) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال ۱۳۲۱) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. استاد محمد فیاض در خرداد ماه ۱۳۵۴ ه.ش دار فانی را بدرود گفته و به رحمت ایزدی پیوست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فیاض تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود همدان پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد. فیاض پس از اشتغال در دانشگاه تهران ، طبق قانون تاسیس دانشگاه سه رساله عربی در معانی و بیان و بدیع و یک رساله در شرح قسمتی از نهج البلاغه به زبان فارسی نگاشت و در نوزدهمین جلسه شورای دانشگاه ، به عنوان دکترای ادبیات شناخته شد.

استادان و مربیان : فیاض پس از اقامت دراصفهان در محضر میرزا جهانگیر خان قشقایی (عالم معروف و جامع علوم معقول و منقول) و آخوند ملاعبدالکریم گزی (سرپرست امور قضایی شهر اصفهان) ، آقا سید محمد باقر درچه ای (از مراجع بزرگ تقلید) به تحصیل مشغول گردید و ضمن آن در درس آخوند کاشی (آخوند ملا محمد کاشانی، حکیم و فقیه و ریاضیدان معروف) و عده دیگری از علمای آن عصر حاضر می شد. پس از سه سال اقامت در اصفهان و نوشتن دو رساله در فقه و اصول در سال ۱۲۸۲ ه.ش (۱۳۲۱ ه.ق) اصفهان را ترک کرد و به موطن خود، همدان، بازگشت. علمایی که فیاض در مجلس درس آنان حاضر می شده عبارت بودند از: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی(صاحب کتاب معروف کفایت الاصول)، آقا سیدمحمد کاظم یزدی (صاحب کتاب مشهور عروه الوثقی)، میرزا فتح الله نمازی شیرازی معروف به شیخ الشریعه یا شریعت اصفهانی، از مشاهیر علمای آن عصر نجف، شیخ عبدالله مازندرانی از مراجع بزرگ دوره مشروطه، آخوند ملامحمد علی نخجوانی، مرجع تقلید شیعیان قفقاز. آخوند ملاعلی امامی خوانساری از مدرسین معروف نجف.

وقایع میانسالی : فیاض در سالهای آخر تدریس دچار ضعف بینایی شد و با اینکه دانشکده ادبیات در آن ایام در باغ نگارستان (شمال میدان بهارستان) قرار داشت و از محل سکونت ایشان چندان دور نبود، اغلب با کمک فرزندان و دوستان به دانشکده می رفت .

زمان و علت فوت : محمد فیاض در خرداد ماه ۱۳۵۴ ه.ش دار فانی را بدرود گفته، به رحمت ایزدی پیوست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد فیاض چندی سرپرست حوزه علمی به نام (مدرسه کوچک) گردید. همچنین به مدت پانزده سال در همدان به عنوان امامت جماعت مسجد برگزیده شد.

فعالیتهای آموزشی : محمد فیاض در یکی از حوزه های علمی همدان به نام مدرسه کوچک به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت. در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. حاج آقا محمد فیاض اواسط شهریور ماه ۱۳۰۸ ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۱۸) به

دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس می کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال ۱۳۲۱) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. فیاض در دانشکده های یاد شده، نهج البلاغه،بیان و زبان عربی تدریس می کرد و در سال ۱۳۳۰ با تصویب شورای دانشگاه کرسی زبان عربی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به ایشان تفویض گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فیاض هنگام اقامت در همدان، علاوه بر مسجد و مدرسه ، بنا به دعوت مشاتاقان در منازل آنان حضور یافته، ضمن اقامه نماز در اول وقت، حاضرین را با معارف دین و شرایط بندگی و تکالیف شرعی آشنا و با نصایح خود راهنمایی و هدایت می کرد، این دوره ها تا پایان اقامت ایشان در همدان برگزار شد و از آن پس بنا به تقاضا و دعوت مشتقان تهرانی، در تهران برگزار گردید. نام وی در دفاتر انجمن ادبی همدان ذکر شده است و دکتر مهدی درخشان استاد فقید دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در کتاب « بزرگان و سخن سرایان همدان» در این خصوص نوشته است: « حاج آقا محمد فیاض علاوه بر مقام فقاهت و اجتهاد دارای ذوقی سلیم وطبعی لطیف است، اشعاری نغز و دلنشین سروده است که بسیاری از آنها از میان رفته. وی در سال ۱۳۰۷ ه.ش. از اعضای برجسته انجمن ادبی همدان بود....» -- ------------------------------------

منابع :

۱فرهنگ همدان،سال دوم، شماره ۸،زمستان ۱۳۷۵

فیاضی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در ۱۳۲۳ ش در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. از جمله: دبیری دبیرستانهای شیراز، کفالت فرهنگ بنادر جنوب، ریاست دانشسرای مقدماتی گلپایگان، ریاست تبلیغات و امور اجتماعی و ریاست آموزش فنی و حرفه‌ای. فیاضی روزنامه‌ی «آیینه جنوب» را مرتب در اهواز منتشر می‌کرد. از آثار وی: «انشاء مخصوصی دبیرستانها و دانشسراها»؛ «روانشناسی آموزش و پرورش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۵۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۴ -۱۶۳ / ۱).

فیروزآبادی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به فیروزآباد) مجدالدین محمد بن یعقوب شیرازی فیروزآبادی مکنی به ابوطاهر، ادیب و لغت‌شناس زبان عربی (و فیروزآباد (فارس) ۷۲۹ ه.ق/ ۱۳۲۹ م.- ف. زبید (یمن) ۸۱۷ ه.ق/ ۱۴۱۵ م.). وی نخست در شیراز و سپس در واسط و بعد در بغداد به تحصیل پرداخت و نیز مدتی در دمشق در محضر درس تاج‌الدین عبدالوهاب سبکی حاضر می‌شد، و با وی سفری نیز به اورشلیم کرد و در آنجا مدت ده سال به تدریس پرداخت، و سپس به آسیای صغیر، قاهره و مکه مسافرت کرد و مدت پانزده سال در مکه ساکن شد. آنگاه به دهلی و پس از پنج سال بار دیگر به مکه بازگشت و دو سال دیگر آنجا اقامت کرد. پس به دربار احمد بن اویس جلایری (بغداد) رفت و سپس سفری به شیراز کرد و در آنجا با امیرتیمور ملاقات نمود و بعد از راه هرمز و خلیج‌فارس به یمن رفت و قاضی‌القضاهٔ یمن شد و دختر سلطان الملک‌الاشرف را به زنی گرفت و سپس بار سوم به مکه رفت و در آنجا مدرسه‌ای برای تدریس فقه مالکی تأسیس کرد و مجدداً به یمن بازگشت و در شهر زبید درگذشت. شهرت وی به سبب تألیف ارجمند اوست در لغت عرب موسوم به القاموس المحیط معروف به قاموس (ه.م).

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فیروزآبادی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۴ -۱۲۵۱ ش)، عالم امامی و نیکوکار. در فیروزآباد از روستاهای ری در خانواده‌ای فلاحت پیشه به دنیا آمد. مقدمات علوم را در تهران فراگرفت و در فقه و اصول از محضر سید علی‌اکبر تفریشی و سید ریحان‌الله کشفی بروجردی و دیگران استفاده برد. سپس به عراق مهاجرت نمود. در نجف از محضر آیت‌الله میرزاحسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی و در کربلا از آیت‌الله سید اسماعیل صدر بهره‌ها برد. آن‌گاه به ایران بازگشت و در زادگاهش به انجام وظائف دینی مشغول شد. از دوران کودکی در اندیشه خدمت به خلق خدا بود و حتی‌المقدور از آنان دستگیری می‌کرد. در اوایل مشروطیت چهار دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. حضورش در مجلس تنها برای دفاع از حقوق ملت بود چنان که یک ریال از حقوق ماهیانه آنجا را تصرف نکرد و حقوق جمع

شده‌ی چندین ساله را با اجازه‌ی مراجع تقلید به بنای بیمارستانی در شهر ری اختصاص داد. وی تا اواخر عمر از رسیدگی به وضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و حتی تا نیمه‌های شب به قسمتهای مختلف بیمارستان سرکشی و از بیماران دردمند بیدار عیادت می‌کرد. وی در مقبره‌ای که در کنار بیمارستان برای خود بنا کرده بود به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بیمارستان هزار تخت‌خوابی، زایشگاه و درمانگاه فیروزآبادی؛ پرورشگاه و دارالایتام؛ مسجد جامع فیروزآبادی؛ مقبره‌ی فیروزآبادی؛ مدرسه‌ی رضائیه؛ مسجدی در فیروزآباد.[۱]

از علمای روحانی معاصر (ف. تهران امرداد ۱۳۴۴ ه.ش). وی از مردان خیر عصر بود و بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری به همت وی تأسیس شده.

مرحوم حاج سید رضا بن السید الجلیل السید هاشم بن السید عبدالکریم الحسینی فیروزآبادی عالمی جلیل و دانشمندی خدوم از مشاهیر علماء متقی و خدمتگزار معاصر ما بود که شب و روز خود را مصروف خدمات اجتماعی بالخصوص طبقات بیچاره‌گان و بینوایان قرار داده و شهرت اخلاق کریمانه‌اش بشرق و غرب عالم رفته.

ولادتش در سال ۱۲۸۸ قمری و یا بنابر نقل صاحب (الذریعه) (در قسم دوم از جزء اول) نقباء البشر (۷۷۹) در سال ۱۲۹۰ قمری در قریه فیروزآباد شهر ری واقع شده و در سال ۱۳۸۵ قمری در سن نود و هشت سالگی در شهر ری از دنیا رفته و در مقبر مخصوص خود جنب مسجد جامع فیروزآبادی و بیمارستانش که از آثار اوست مدفون و اکنون از مزارات عموم مردم ری و تهران میباشد.

وی در خانواده متوسط الحال و نجیب و اصیل فلاحت پیشه‌ای پرورش یافته و از دوران کودکی بفکر خدمت بخلق خدا و بیچاره‌گان بود و حتی المقدور از آنها دستگیری می‌کرد. مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را در تهران و ری در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی‌اکبر تفریشی مدفون در ری و آیت‌اللّه آقا سید ریحان‌اللّه کشفی بروجردی و غیره خوانده آنگاه مهاجرت به عراق نموده و از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی در نجف و آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر در کربلا استفاده نموده سپس مراجعت به ایران و در زادگاه خود (فیروزآباد) به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تعلیم احکام نموده و در اوائل مشروطیت چهار دوره از مردم ری و تهران انتخاب برای مجلس شوراء ملی گردیده و ایشان جهت دفاع از حقوق ملت و خدمت به مردم به مجلس مزبور رفته ولی یک ریال از حقوق آنجا را تصرف ننموده تا چندین سال که حقوقش در صندوق جمع شد باجازه از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی و بعضی دیگر از مراجع اقدام ببناء بیمارستان در شهر ری نمود و خود تا اواخر عمرش از رسیدگی کردن بوضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و نیمه شب به قسمتهای مختلف بیمارستان رفته و از بیماران عیادت نموده و از آنها تفقد می‌فرمود. آثار بسیاری از این عالم بزرگوار مانده که قسمتی از آنها را می‌نگارم:

۱- بیمارستان فیروزآبادی که اکنون بیش از هزار تخت و سه ساختمان سه طبقه بزرگ دارد.

۲- زایشگاه که نیز مجهز به همه گونه وسائل برای آسایش و زایش بانوانست.

۳- درمانگاه فیروزآبادی.

۴- پرورشگاه و دار الایتام برای اطفال بی پدر و بینوا.

۵- مسجد جامع فیروزآبادی که اکنون فرزند ارجمندش حجهٔ‌الاسلام حاج سید محمد فیروزآبادی در آن اقامه جماعت می‌کنند.

۶- مقبره فیروزآبادی جنب مسجد و بیمارستانش.

۷- مسجدی در قریه فیروزآبادی.

۸- مدرسه رضائیه در خیابان سیروس جنب حسینیه و مسجد تکیه رضاقلی خان.

فرزند سیدهاشم فیروزآبادی است. در ۱۲۵۰ در قریه فیروزآباد متولد شد. از سن ده سالگی به تحصیلات قدیمه نزد علمای عصر در تهران پرداخت و مدتی نیز در نجف اشرف علوم معقول و منقول را فراگرفت و پس از مراجعت به ایران، به تکالیف شرعی پرداخت و حوزه‌ی درس دائر نمود. در دوره‌ی سوم که انتخابات مجلس مصادف با جنگ بین‌المللی اول بود، از طرف مردم شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در ادوار ششم و هفتم نیز وکیل مردم شهر ری در مجلس شورای ملی بود. آخرین بار در دوره‌ی چهاردهم وکیل شد. در مجلس به خاطر سن او که از هفتاد تجاوز نموده بود، سر و صدا شد ولی سرانجام اعتبارنامه‌ی او به تصویب رسید. وی در مجلس از وکلای پر سروصدا شد و با تمام لوایح دولت مخالفت می‌نمود. فیروزآبادی مردی خیر و نیکنام بود و در تمام مدت نمایندگی دیناری از مجلس حقوق نگرفت و آن را اختصاص به تاسیس بیمارستانی در شهر ری داد. ابتدا باغ حرمت‌الدوله را در شهر ری با کمک مردم خیر خریداری کرد و یک بیمارستان صدتختخوابی در آنجا احداث نمود، مجددا یک بیمارستان سیصد تختخوابی در جنب آن بنا کرد و سرانجام بیمارستان را به هزار تختخوابی تبدیل نمود. همچنین یک دانشگاه بزرگ و مدرن و مسجد معظمی جنب بیمارستان ساخت و یک پرورشگاه و دارالایتام نیز پی‌ریزی کرد. وفات او در سال ۱۳۴۴ در سن ۹۴ سالگی اتفاق افتاد. روزی که دار فانی را وداع گفت، از مال دنیا چیزی جز دوازده فرزندش باقی نگذاشت. این مرد خیر غالبا هزینه‌ی شخصی خود را صرف بیمارستان می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] شرح حال رجال (۹۸ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸۰ -۷۷۹ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۳۲ -۶۳۱ / ۴)، یاد نامه‌ی آیت‌الله سید رضا فیروزآبادی.

فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۷ / ۸۱۶ -۷۲۹ ق)، عـالم لغوی، ادیب، مفسر، قاضـی و فقیه شـافعی. نسبش به شیخ ابواسحاق شیرازی و به روایتی به ابوبکر صدیق می‌رسید و لذا او خود را صدیقی معرفی می‌کرد. اصل وی از فیروزآباد شیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آن جا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شیراز رفت و از محضـر علمای آنجا اسـتفاده نمود، سپس به بغداد، مصـر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف را از اساتید مکانهای مختلف فراگرفت. در دمشق در محضـر درس ابن‌قیم و تقی‌الدین سبکی و فرضی و شیخ خلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزیدخان عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملک اشرف اسـماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شـد. مـدت بیست سال قاضـی شـهر زبید یمن بود، تا به مقام قاضـی‌القضاتی یمن و درجه‌ی شیخ‌الاسـلامی رسید. و وی در زبید یمن درگذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شـرح حال فیروزآبادی نگاشـته است. از فیروزآبادی حـدود چهل تصـنیف ذکر کرده‌انـد. از آثارش: «قاموس المحیط و القابوس الوسـیط الجامع لمـاذهب مـن کلامـا لعرب شـماطیط»، کـه به «قـاموس اللغه» نیز معروف است، در چهـار جزء، که مهمـترین اثر وی می‌باشـد؛ «اللامع المعلم العجـاب الجامع بین المحکم و العباب»، در شـصت مجلـد که پس از آن آنها را در دو مجلـد خلاصه کرد؛ «بصـائر ذوی التمییز فی لطـائف الکتـاب العزیز»، در دو مجلـد؛ «الجلیس الـانیس فی اسـماء الخنـدریس»؛ «المرقـاه الـوفیه فی طبقـات الحنفیه»؛ «البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغه» یا «البلغه فی تاریخ ائمه اللغه»؛ «سفر السعاده»، در حدیث و سیره نبوی؛ «نغبه الرشاف من خطبـه الکشـاف»؛«نزهـه الاذهـان فی تاریـخ اصـفهان»؛ «تحبیر الموشـین فی مایقـال بالسـین و الشـین»؛«الاسـعاد بالاصـعاد الی درجه الاجتهاد»؛ «الـدرر الغالی/ الـدرر الغوالی فی الاحادیث العوالی»؛ «الدرر النظیم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسیـر؛ «النفحه العنبریه فی مولد خیر البریه (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بانت سعاد»؛ شرح «صحیح» بخاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۰۶، ۸۵، ۸۰ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۶۱ / ۲)، روضات الجنات (۹۷ - ۹۲ / ۸)، ریحانه (۳۶۸ -۳۶۵ / ۴)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۹۳۹، ۱۶۵۷، ۱۴۸۰، ۲۵۳ -۲۵۲، ۱۴۹، ۹۰، ۸۷، ۸۵)، الکنی و الالقاب (۳۹ -۳۷ / ۳)، قاموس المحیط (مقدمه/ ۴۸ -۴۷)، لغت‌نـامه (ذیل/ فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (۱۱۹ -۱۱۸ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۱۳)، هدیه العارفین (۱۸۱ -۱۸۰ / ۲).

فیروزآبادی، یعقوب

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۱- محمد بن یعقوب فیروزآبادی متوفی ۸۱۷ و مدفون در یمن صاحب کتاب (قاموس الاعلام) در لغت که چندین شرح و حاشیه بر آن خورده و تمامی مطبوع می‌باشد منسوب به این شهر است.

وی عالمی فاضل و تحریری کامل بوده در ممالک روم و حجاز و غیرها سـفرها نموده و با قبایل عرب مجالسـتها کرده و هشتاد سال عمر نموده است.

شروحی که به کتاب او خورده به اسامی زیر است.

۱- تاج‌العروس فی شرح القاموس ۲- الجاموس ۳- الفانوس ۴- رجل الطاوس و...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیروزکوهی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن مرحوم ثقهٔ‌الاسـلام آشـیخ محمـدباقر فیرزوکوهی متوفی ۱۳۲۸ شمسـی و ۱۳۶۹ قمری از فضـلاء معاصر است در حومه آمل- وی در سال ۱۳۴۰ قمری در قریه آسور فیروزکوه متولد شده و پس از رشد اصول عقاید و قرآن و کتب فارسـی و غیره را نزد والـدش و مکتب‌دار محـل فراگرفته و در سـال ۱۳۱۱ شمسـی داخل دبسـتان دانش آمل شده و با اسـتعداد زیادی که داشـتند دروس فارسـی جدیـد را در مـدت کوتاهی به پایان رسانیده و در سال ۱۳۱۴ شمسـی مشـغول به تحصیل مقدمات گردیده و در سال ۱۳۱۵ شمسـی به قم مهاجرت نموده و در ایام تحصیلی در آنجا و ایام تعطیل هم در قصـبه آسور به خوانـدن پرداخته و در قم ادبیات مانند مطول و غیره را از مرحوم حجهٔ‌الاسـلام حاج میرزا محمـدعلی ادیب تهرانی فراگرفته و شـرح لمعه را خـدمت آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشـی نجفی خوانده و چندی هم در آمل توقف و بقیه شـرح لمعه را نزد آیت‌اللّه آقای آقا محمد غروی تکمیل نموده و باز به قم آمده و رسائل را از محضـر آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و مرحو آیت‌اللّه حاج شـیخ ابوالقاسم اصـفهانی و مکاسب را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شـیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و بعد مشرف به عراق و در کربلای معلی از درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسـین قمی بهره‌مند گردیده ولی بواسطه موانعی از ادامه و اقامت در آنجا محروم و بوطن برگشته و باز به قم آمده و کفایه را از مرحوم آیت‌اللّه حاج سـید محمـد داماد و آیت‌اللّه العظمی حاج سـید احمـد خوانساری و مقـداری مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا روح‌اللّه کمالونـد خرم‌آبـادی اسـتفاده نموده و بعـد به درس خارج حضـرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شـیخ مهـدی مازنـدرانی و خـارج اصول مرحوم آیت‌اللّه آقـای داماد و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی حاضـر شـده و از محاضـر و خرمن علوم آنان

خوشه‌ها چیده و هم درس تفسیر قرآن را از مرحوم شیخ مهدی ذکور و آیت‌اللّه علامه طباطبائی آموخته و نیز درس معقول منظومه را از استاد منتظری و اسفار را از علامه طباطبائی مستفیض شده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بنابر اصرار عده‌ای از مردم آمل و اهالی محترم محمودآباد که سابقه ممتدی در آنجا داشتند منتقل به محمود آباد شده و از سال ۱۳۴۹ تا حال تحریر در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاته

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیروزمهر، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی فیروز مهر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۶۲ وارد حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) در رستمکلای بهشهر شدم تا سال ۶۴ مقدمات دروس حوزوی را به اتمام رساندم و سال تحصیلی ۶۵ روانه مشهد شدم و تا سال ۶۹ در حوزه مشهد اشتغال به تحصیل داشتم؛ زمستان ۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح حوزوی را ادامه دادم. سال ۷۲ سطح را به اتمام رساندم و به دنبال آن در درس خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی و خارج اصول آیت الله صالحی مازندرانی حضور پیدا کردم و همزمان با آن در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شرکت کردم که سال ۷۷ دوره چهار ساله این رشته علمی را به پایان رساندم و همزمان با تحصیل در این رشته، سال ۷۶ دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم را آغاز کردم که در سال ۷۹ از پایان نامه این دوره دفاع کرده و مدرک این رشته را اخذ کردم. همزمان با تحصیل در تخصصی تفسیر و علوم قرآن و تحصیل در دانشگاه با مرکز فرهنگ و معارف قرآن به عنوان محقق علوم قرآنی همکاری می کردم که تا الآن کم و بیش ادامه دارد.

فیض دزفولی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فخرالدین بن محمدعلی بن عبداللّه بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن مرتضی بن سید حبیب‌اللّه بن سید ولی الدین (گوشه) ابن محمد بن احمد بن سید عبداللّه بن سید شمس‌الدین محمد بن سید تاج‌الدین بن سید شرف‌الدین بن سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید محمود بن سید صدرالدین مظفرالدین بن سید احمد بن سید عبداللّه بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء ابرار معاصر تهرانست.

وی که با بیست و هفت واسطه بامام هفتم منتهی می‌شود در حدود سال ۱۳۱۴ قمری در دزفول متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح، از محضر علماء اعلام دزفول بالاخص آیت‌اللّه معزی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۶۱ قمری به تهران مهاجرت نموده و تاکنون در این عاصمه تشیع به اقامه نماز جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

از باقیات الصالحات معظم له فرزند برومند ایشان جناب حجهْالاسلام آقا سید علی فیض از ائمه جماعت معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۴۹ قمری در شهر و بلده دزفول از مرحومه بی‌بی زهرا بیکم صبیه مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالقاسم موسوی دزفولی متولد و در معیت والدش به تهران آمده و پس از تحصیلات ابتدائی و خواندن مقدمات عربی به قم مشرف گردیده و از محضر مدرسین حوزه بهره‌مند گردیده و جهت کسالت مزاج پدر گرامیش به تهران برگشته و تاکنون در تهران و حومه آن (و صفنارد) بانجام وظائف دینی اشتغال دارد.

دارای آثار عدیده‌ای می‌باشد که ذیلًا توضیح میدهم.

۱- کتاب کربلا یا کانون انقلاب ۲- مقاله‌ای در بعثت نبی اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم ۳- مقاله‌ای در ارتحال و بزرگداشت مرحوم آیت‌اللّه حجت ۴- مقاله‌ای تحت عنوان سعادت واقعی کدام است ۵- شرح مرحوم ضیائی دزفولی (مولی محمد رشید) و چندین مقاله دیگر.

سید فخرالدین بن العالم الجلیل والفقیه النبیل حاج سید محمدعلی فیض دزفولی ایشان در سال ۱۳۱۱ قمری از مرحومه علویه بی‌بی ساره بیگم صبیه مرحوم حجهْالاسلام والمسلمین آسید محمدصادق دزفولی فرزند آسید محمدعلی که برادر عالم عامل عارف آسید صدرالدین کاشف دزفولی صاحب تالیفات عدیده در اخلاق و سیر و سلوک بودند متولد شده و پس از تکمیل مقدمات قسمتی از سطوح را در محضر مرحوم آیت‌اللّه آشیخ محمدمهدی بیگدلی دزفولی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید عبدالمهدی داعی دزفولی استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و آیت‌اللّه آسید ابوالقاسم موسوی دزفولی

پسرعموی خود بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش آیت‌اللَّه آقا سید محمدعلی بن امر و وصیت آن مرحوم به امامت مسجد و تدریس و تسجیل معاملات و خدمات دینی پرداخته و هم فصل دعاوی و خصومات می‌نمودند که شرح و بسط آن بسیار و موجب اطناب است.

آنجناب سفری به عتبات عالیات جهت زیارت و شرکت در درس آیات عظام و مراجع فخام به نجف و ملاقات برادر ارجمند و بزرگتر خود مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه حاج سید اسداللَّه فقیه دزفولی (پدر عیال فرزند گرامیش) که مقیم نجف اشرف بودند نموده و در درس مرحوم آیت‌اللَّه فیروزآبادی و مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه اصفهانی قدس اللَّه اسرارهم شرکت و با دریافت اجازه اجتهاد به دزفول مراجعت نمودند.

معظم له با چند نفر از علماء ربانی که صاحب مقامات معنوی بودند مانند مرحوم آیت‌اللَّه آشیخ حسین آستانه‌ای (صاحب مدرسه علمیه در آستانه لاهیجان) و مرحوم حجهٔالاسلام عارف و عالم ربانی دائی پدر خود حاج سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی و مرحوم عالم عامل و عابد کامل حجهٔالاسلام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی روابط معنوی داشتند.

آن مرحوم مضافاً از مقامات فقهی اطلاعات بسیاری از طب قدیم و گیاه‌شناسی داشت که آن را از دائی خود مرحوم سید محمدعلی سیدالحکماء که قریب پانزده سال در هندوستان به تحصیل طب و گیاه‌شناسی اشتغال داشت فراگرفته بود. و به اذکار و اوراد و توسلات و تزکیه اخلاق اعتقاد تام و اهتمام تمام داشت.

در سال ۱۳۶۱ قمری برای امر خیر برادرش مرحوم حجهٔالاسلام آسید محمدمهدی ضیائیان به تهران آمده و روی جهاتی بنابر توقف و توطن گذارده و قریب ده سال در مسجد حاج ابوالفتح سه راه نایب علی وقع در جنب خیابان مولوی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته سپس آنجا را ترک و در مسجد حجتیه مقابل منزل خود به امامت مشغول و در این اواخر به واسطه کسالت و ضعف مزاج و ضیق نفس از رفتن مسجد محروم و در زمستان به اهواز مسافرت تا در شب جمعه ۱۲ ذیحجهٔالحرام ۱۳۹۴ قمری داعی حق را لبیک گفته و پس از تشییع عظیمی از دزفول وطن و زادگاهش بنابر وصیتش حمل به قم و در وادی‌السلام در آرامگاه مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدمهدی ضیائیان دزفولی دفن گردید

و مجالس عدیده‌ای در قم و تهران و دزفول و اهواز و غیره برای او گذارده شد آن مرحوم از غالب مراجع قم مانند مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خونساری و مرحوم و آیت‌اللَّه صدر و دیگران اجازه روایتی و امور حسبیه داشتند. عاش سعیداً و مات سعیداً حشره اللَّه مع السعداء والشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقا.

از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش حجهٔالاسلام و مروج الاحکام آقای حاج سید علی فیض دزفولی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض کاشانی، محسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۹۱ –۱۰۰۷ ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم‌الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا محمدهادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فلیسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمتألهین، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج کرد. فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهائی و ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و شیخ محمد فرزند صاحب «معالم» حدیث روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله جزایری از وی اجازه‌ی حدیث گرفتند. گستردگی و احاطه‌ی علمی او تا بدانجاست که عده‌ای نسبت به وی، له و علیه، تعصب ورزیدند و مدح و ذمش نمودند. گرچه عده‌ای از مخالفان آن‌گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سویش رفتند و در مقام اعتذار خطاب به او (یا محسن! قد اتاک المسیء) گفتند. فیض در تمام فنون شعری مهارت داشت و اشعار زیبایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان درگذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است. فیض در حدود یکصد و بیست اثر در فنون مختلف دارد، که از آن جملفه: «الصافی»، تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الصفی»، و خلاصه‌ی «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «الوافی»، در حمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشلکات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لباب «وافی» است؛ «مفاتیح الشرایع»، تمامی مهمات احکام و مسائل دوره‌ی فقه؛ «عم الیقین فی اصول‌الدین»، و ملخص آن «المعارف»؛ «عین الیقین فی اصول الدین»؛ «الحق الیقین»؛ «خلاصه الاذکار»؛ «بشاره الشیعه»؛ «المحجه البیضاء فی احیاء الاحیاء»، در علم اخلاق، که در آن «احیاء العلوم» غزالی را مهذب کرد و مطالب حقی آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تایید نمود؛ «الحقائق»، که لباب و ملخص «محجه» است؛ «نقد الاصول»؛ «نوادر الاخبار»؛ «سفینه النجاه»؛ شرح مختصر «صحیفه سجادیه»؛ «من لا یحضره التقویم»؛ «تشریح العالم»، در هئیت؛ «دیوان» شعر؛ «مثنویات»؛ «گلزار قدس»، در مراثی و قصائد و رباعیات و غزلیات.[۱]

(فیض) ملا محسن محمد بن شاه ملقب به محسن و معروف به ملا محسن فیض کاشانی از اجله‌ی علمای امامیه‌ی قرن یازدهم هجری قمری و عهد شاه عباس دوم صفوی است که در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و ادب و علوم عقلی و نقلی متبحر و استاد بوده است. وی در قم اقامت داشت لیکن برای تحصیل به شیراز مسافرت نموده علوم شرعی را از سید ماجد و علوم عقلی را از ملاصدرا و میرداماد دریافته و با دختر ملاصدرا نیز ازدواج کرد. آثارش متجاوز از ۱۲۰ می‌باشد و از میان آنها میتوان: مثنوی آب زلال، ابواب‌الجنان، الاستقلالیه، اصول‌العقاید، اصول‌المعارف، الامالی، انوارالحکمه، الشافی، حاشیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، شراب طهور، من

لا یحضره التقویم، الوافی، نقدالاصول الفقهیه، نوادرالاخبار، والصافی را نام برد. وفاتش در سال ۱۰۹۱ ه.ق در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ایضاح المکنون (۷۰۱، ۶۷۹، ۶۷۴، ۶۱۳، ۵۸۹، ۵۲۱، ۵۰۸، ۴۵۶، ۴۴۲، ۴۰۰، ۳۹۸، ۳۷۹، ۳۷۸، ۲۲۵،۲۲۶، ۲۱۲ ، ۱۴۸، ۱۳۲، ۱۱۹، ۷۵، ۶۳، ۶۰، ۳۹، ۱۹ / ۲ ، ۶۰۶، ۵۵۹، ۵۴۳، ۴۳۳، ۴۰۸، ۴۱۰، ۳۶۳، ۳۳۵، ۲۹۰، ۲۸۷، ۱۸۳، ۱۴۳، ۹۳، ۹۱، ۹۰، ۵۴ ، ۳۲ / ۱)، بحارالانوار (۱۲۴ / ۱۰۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۰ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۶ -۳۲۸ / ۵)، تاریخ برگزیدگان(۳۸ -۳۷)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۰۱ -۱۹۸)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۵۵ -۵۵۱)، تاریخ کاشان (۲۷۸ -۲۷۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۵)، خاته مستدرک الوسایل (۲۳۶ -۲۳۵ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۷۱ / ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۲۵۸ -۲۵۴)، دویست سخنور (۳۱۳ -۳۱۱)، الذریعه (۲۰۵ ، ۹۹ -۹۸، ۷۴، ۱۴ -۱۳ / ۲۵ ، ۳۴۸، ۳۴۴ ، ۲۷۳، ۱۰۳، ۹۸ -۹۷ / ۲۴، ۳۱۷ -۳۱۶ / ۲۳، ۴۳۱، ۴۱۸، ۴۰۶، ۳۷۶، ۳۲۲، ۲۳۲۲۳۱ / ۲۲، ۳۰۳، ۲۸۰ -۲۷۹ ، ۲۱۰، ۱۸۷ / ۱۳۰، ۶۸ - ۶۷ / ۲۱ ، ۲۶۰ -۲۵۹، ۱۴۶ -۱۴۵ / ۲۰ ، ۲۱۰، ۱۴۳ / ۱۹ ، ۲۸۶، ۲۸۲ -۲۸۱، ۲۵۷، ۲۱۸، ۱۲۰ -۱۱۹، ۱۱۹، ۱۱۶ / ۱۸ ، ۷۵ / ۱۷، ۳۹۳ ، ۳۸۵، ۶۶ -۶۵ / ۱۶ ، ۳۷۴، ۳۲۶، ۱۲۷، ۵ / ۱۵ ، ۲۵۲، ۲۴۷ / ۱۴ ، ۳۵۹، ۴۵، ۴۴، ۱۰ -۹ / ۱۳ ، ۲۰۳ -۲۰۲ ، ۱۲۴، ۳ -۲ / ۱۲ ، ۲۴۵ / ۱۱ ، ۸۵۴ -۸۵۳ ، ۶۹۹ / ۹ ، ۲۸۲ / ۸ ، ۲۱۱، ۳۸، ۲۸ / ۷ ، ۱۴۶، ۹۰ / ۶ ، ۱۹۳، ۱۷۲، ۱۲۵،۱۲۶، ۸۵، ۸۲، ۱۷ -۱۶ / ۵ ، ۴۸۱، ۴۷۱، ۴۵۹ ، ۴۰۳ -۴۰۰ ، ۲۳۴، ۲۰۱، ۱۸۹ -۱۸۸ ، ۱۸۲، ۱۱۷، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۰ -۱۰۹ ، ۱۰۶، ۹۶ / ۴ ، ۱۱۶ -۱۱۵ / ۳ ، ۴۸۵ -۴۸۴، ۴۲۵، ۴۰۳، ۳۹۸، ۳۴۹، ۳۱۲، ۲۹۳، ۲۶۱، ۲۴۴، ۲۲۳، ۲۱۲ -۲۱۱ ، ۱۹۸، ۱۷۹ -۱۷۸ ، ۱۲۴، ۳۳ / ۲ ، ۴۲۴، ۴۰۶، ۲۸۴، ۷۷، ۵۳، ۲۴، ۲ / ۱)، روضات الجنات (۹۷ -۷۳ / ۶)، ریاض العارفین (۲۲۶ -۲۲۵)، ریاض العلماء (۱۸۲ -۱۸۰ / ۵)، ریحانه (۳۷۹ -۳۶۹ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۸۳ -۳۸۲)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۴ -۴۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۲ -۴۹۱ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۸۶ -۳۸۵)، فرهنگ سخنوران (۷۲۴)، فلاسفه‌ی شیعه (۵۶۰ -۵۵۶)، فوائد الرضویه (۶۴۲ -۶۳۳)، الکنی و الالقاب (۴۲ -۳۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فیض)، مجمع الفصحا (۴۹ -۴۸ / ۴)، مراقد المعارف (۴۰۵ -۴۰۴ / ۱)، مستدرک اعیان (۳۰۹ -۳۰۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۸ -۷۹۹ / ۵)، نتایج الافکار (۵۴۱)، وقایع السنین و الاعوام (۵۳۶ -۵۳۵)، هدیه الاحباب (۲۳۳).

فیض مرندی، مقصود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۱۵.

درگذشت: ۱۸ آذر ۱۳۶۹.

مقصود فیض مرندی فارغ‌التحصیل رشته‌ی نمایشنامه‌نویسی از دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک است. وی از سال ۱۳۴۱ شروع به همکاری با مطبوعات نمود و به نوشتن داستان‌های فکاهی و ترجمه‌ی آثار ناظم حکمت و عزیز نسین از زبان ترکی پرداخت. در روزنامه‌ی «توفیق» هم با امضای «دیلاق» مطالبی را به چاپ می‌رساند. او همچنین با مجله‌های «سپید و سیاه»، «خواندنیها»، «کاریکاتور»، «اطلاعات هفتگی»، «تهران مصور»، «امید ایران» و برخی نشریه‌های دیگر همکاری می‌کرد.

مرندی دبیر زبان آموزش و پرورش و کارشناس تئاتر کرمانشاه بود و سال‌ها به عنوان معاون هنرستان موسیقی، مجتمع دانشگاهی هنر خدمت کرد. وی در سال ۱۳۶۳ بازنشسته شد.

از ترجمه‌های او می‌توان از خانه‌ی آن مرحوم و آدم عوضی (دو نمایشنامه از ناظم حکمت) و کتاب‌های عزیز نسین نظیر میهمانان خارجی، مرگ مشکوک، پس‌انداز کارمند، یک خارجی در استانبول، جاسنجاقی، مهمان آمریکایی و پرونده‌ی اداری نام برد. او ترجمه‌های مشترکی هم با همسرش پروین صمیمی داشت: وظیفه‌ی ملی؛ اجاره‌نشین؛ زنده باد وطن؛ شهرداد نمونه؛ دم بریده.

مقصود فیض مرندی روز هیجدهم آذر سال ۱۳۶۹ به علت سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فیض، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی فیض

محل تولد : لاهیجان

شهرت : فیض گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله محمدعلی فیض گیلانی در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی در یکی از روستاهای لاهیجان و در میان خانواده‌ای متدیّن به دنیا

آمد. پدرش دروس حوزوی را تا لمعتین به پایان رسانیده بود و به دلیل عارضه لکنت زبان، به کار کشاورزی می‌پرداخت و از همان راه روزگار می‌گذراند. او که به اخلاص و پرهیزگاری مشهور بود مورد اعتماد مردم روستا و مرجع حل مشکلات و اختلافات آنان بود. استاد فیض گیلانی تحصیلات خود را از مکتب خانه شروع کرد و پس از به پایان بردن آن به دبستان رفت. در دبستان به دلیل هوش سرشار و توانایی بسیار، مورد استقبال معلمان قرار گرفت و با تصمیم آنان تحصیلات خود را از سال سوم دبستان آغاز کرد. او سه سال نیز به دبیرستان رفت و پس از آن به تحصیل علوم حوزوی رو آورد. او که تحصیلات حوزوی خود را در سال ۱۳۲۲ آغاز کرده بود، در مدت کوتاهی دروس مقدمات را به پایان رسانید و در محضر استادان بزرگواری دروس دوره سطح را پی گرفت و پس از اتمام سطوح عالی به درس خارج استادان مشهور آن روزگار راه یافت. او در سالهای تحصیل خود، همواره در دروس اخلاق شرکت جدی داشت و می‌کوشید علم خود را با عمل درهم آمیزد و نیز به مطالعه کتابهای جنبی علاقهٔ بسیار داشت. استاد فیض در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری راه یافت. او مطوّل را در محضر شهید آیهٔ الله مطهری (ره) و سیوطی را نزد شیخ اسدالله اصفهانی آموخت. شرح لمعه را در محضر شهید آیهٔ الله صدوقی (ره) و شیخ حسن علی اصفهانی فرا گرفت. دروس رسائل و مکاسب و کفایه را نیز در نزد آیهٔ الله سلطانی طباطبایی (ره) که از استادان بنام آن روزگار بود آموخت. با پایان یافتن دروس سطح و نیز اندکی پیش از آن، به درس خارج آیهٔ الله العظمی بروجردی (ره) رفت و همزمان در دروس خارج امام خمینی (ره) نیز شرکت داشت. استاد اصلی او در دروس خارج امام (ره) بود؛ اما با تبعید آن مرجع حماسه آفرین، وی مجبور شد در دروس دیگر شرکت کند که از جمله آنان درس آیهٔ الله العظمی محقق(ره) بود. استاد فیض، در طی این سالها در دروس اخلاق امام خمینی (ره) شرکت جدّی داشت و با بسیاری از فضلای آن روزگار، رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجهٔ الاسلام و المسلمین امینیان ـ امام جمعه آستانه اشرفیه است. استاد فیض گیلانی در سالهای عمر پربرکت خود، خدمات فرهنگی بسیاری را به انجام رسانیده است، از جمله آن می‌توان به ساخت چند مسجد در مناطق محروم اشاره کرد که خود باعث تحولات عظیمی در آن مناطق شد، او پیش از انقلاب و پس از آن در ایام حجّ در بعثه امام (ره) خدمات بسیاری را برای حجّاج فراهم آورده و در ساماندهی امر حجّ و آشنایی واقعی با احکام و اهداف آن نقش مهمی را ایفا کرده است. او سالها در دانشگاهها به تدریس علوم و معارف اسلامی می‌پرداخته، و مدتی نیز نماینده امام (ره) در دانشگاه الزهرا(س) بوده است. استاد فیض چند کتاب تألیف نموده که هنوز به چاپ نرسیده است؛ از جمله آنان تاریخ و زندگی عالمان لاهیجان است. استاد فیض گیلانی در سالهای حکومت خاندان پهلوی، فعالیتهای مبارزاتی بسیاری را به انجام رسانیده است. او که خود از شاگردان امام (ره) بود همچون دیگر شاگردان آن مرجع بزرگ و نیز همچون مردم ظلم ستیز ایران در مبارزات و تظاهرات بسیاری شرکت کرده است. او در زمان رژیم طاغوت منزلی را که در قم به تازگی خریده بود، به درخواست اطرافیان امام (ره) در خدمت امام (ره) قرار داد. این قضیه، مدتی پس از تبعید امام(ره) به تهران بود. فعالیتهای سیاسی استاد فیض به پیش از انقلاب محدود نشد. وی پس از انقلاب نیز در عرصه‌های گوناگونی به خدمت پرداخت. او در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضور یافت و ضمن تبلیغ مبانی اعتقادی اسلام، انگیزه و شعف رزمندگان را دو چندان می‌ساخت.

فیضی طالب، عزیز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیز فیضی طالب

محل تولد : الشتر لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز فیضی طالب در خانواده ای روستایی با آداب و سنن مذهبی سنتی در اسفند ماه ۱۳۴۴ شمسی چشم به جهان گشودم. دوران ابتدایی را همزمان با اعزام سپاه دانش به مناطق روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۵۱ شمسی آغاز نموده و در سال ۱۳۵۵ شمسی تحصیلات ابتدایی را با موفقیت سپری کردم. دوره راهنمایی را با تشویق برادرم آغاز کرده و برای صعود از نردبان ترقی علمی از روستای زادگاه خود مهاجرت نموده و به شهر خرم آباد (مرکز استان لرستان) هجرت نمودم و تا پایان دوران متوسطه در آن دیار به تحصیل مشغول بودم که به علت اوج جنگ تحمیلی به مدت دو سال و چهار ماه در مناطق جنوب مشغول سپری کردن دوران خدمت وظیفه بودم، همین ایام در امتحان ورودی دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت نموده و در آن آزمون رتبه قبولی کسب نمودم و عملاً در آبان ماه ۱۳۶۷ تحصیل دورس حوزوی را با شیوه جدید در دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد مقدس) آغاز کردم و علاوه بر دروس پایه به مکالمه زبان انگلیسی و عربی تسلط نسبی پیدا نمودم. در سال ۱۳۷۲ همزمان با مهاجرت از شهر مشهد مقدس به قم در کنکور سراسری شرکت و در رشته حقوق دانشگاه مفید پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی گردیدم. پس از یک سال وقفه در سال ۱۳۷۸ در آزمون ورودی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۲ از پایان نامه کارشناسی ارشد که بررسی فقهی ـ حقوقی مبانی ریاست شوهر نام داشت، دفاع کردم. در فاصله ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲ پایه و اساس تحصیلات، دروس حوزوی بود و فعالیتهای دانشگاهی در وضعیت جانبی قرار داشت. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی کانون وکلای مرکز شرکت کردم که پس از موفقیت در آزمون ورودی دوره کارآموزی را سپری کرده و

در اختبـار کتبی و شـفاهی نیز رتبه قبولی دریـافت کردم و در ۲۰/۹/۱۳۸۲ پروانه پـایه وکالت دادگستری را اخـذ نمودم که اکنون با محور قرار دادن دروس حوزوی از پروانه وکالت به عنوان ابزاری برای ارتباط با عالم نظر و عمل بهره می گیرم.

فیوضات، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۵ ق)، روزنامه‌نگار و نویسنده. در تبریز به دنیا آمـد. پس از تحصیل علوم قـدیمه، در مـدارس تبریز به معلمی پرداخت. در ۱۳۲۶ ق مـدرسه‌ی فیوضـات را تأسیس کرد و مـدتی نیز مـدیر مـدرسه بود. فیوضـات در انتشـار روزنـامه‌ی «تجـدد» با شیخ محمد خیابانی همکاری داشت و به نویسـندگی در آن می‌پرداخت. در دوره‌ی چهارم به نماینـدگی مجلس انتخاب شـد، سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمـد و عهده‌دار مشاغل مختلفی گردید. از آثار وی: «الفبای ذهنی»؛ «فیزیک جدید»؛ «مضـرات نوشابه‌ی الکلی و دخانیات»؛ «منهاج النجاه فی تفسیر الصلاه».[۱]

فرهنگی پرتلاش، روزنامه‌نگـار و نویسـنده‌ی انقلابی، نماینـده‌ی مجلس و مرد خیر، در ۱۲۶۷ ش در تـبریز چشم به جهـان گشـود. تحصیلات ابتـدائی خود را در مکتبهای علوم دینی آغاز کرد و بعـد وارد مـدرسه‌ی رشـد و قـدس شد و پس از فراغت تحصیل در همان مدارس به شغل معلمی پرداخت و در ۱۲۸۷ در سن بیست سالگی دبیرستان فیوضات را دائر کرد. در ۱۲۸۹ با مدرسه‌ی حیات که توسط انجمن معارف تبریز دائر شـده بود در یکـدیگر ادغام شدنـد. در این واحـد فرهنگی قریب ۴۰ نفر از دانش‌آموزان یـتیم را جمع‌آوری و از آنها نگهداری می‌کردن. پس از یک سال مدرسه‌ی حیات از مدرسه‌ی فیوضات منفک گردید و مدرسه‌ی فیوضات با همان وضع سابق به حیات فرهنگی خود ادامه داد.

در آن ایام دولت فرانسه سالیانه هزار فرانک به کنسولگری خود در تبریز پرداخت می‌کرد که به مدرسه‌ی کاتولیکها او مدارس ملی ایران که زبـان فرانسه را به محصـلین خـود تـدریس می‌کردنـد کمـک می‌کرد. در ۱۲۹۰ ش کنسـول فرانسه در تـبریز از مـدرسه‌ی فیوضات بازدیـد کرد و چون نظم و ترتیب مـدرسه مورد توجه او واقع شد ، تمام کمک دولت فرانسه را در اختیار فیوضات قرار داد که به هر نحـوی که مقتضـی است بین مـدارس تقسـیم کنـد. در جنـگ بین‌الملـل اول، فیوضـات برای حفـظ مـدرسه و جـان و مـال شاگردان مسـتقیما تحت نظارت کنسولگری فرانسه قرارگرفته و نام مـدرسه به فرانکوپرسان تبـدیل شـد. مـدرسه‌ی فیوضات در سال ۱۲۹۱ دولتی شد و دولت ماهیانه دویست تومان مقرری برای آن در نظر گرفت.

ابوالقاسم فیوضات ضـمن خـدمات فرهنگی چشـمگیر خود از همفکران و همرزمان شـیخ محمد خیابانی بود و در جنبش خیابانی در صف اول آزادیخواهان قرار داشت و روزنامه‌ی تجدد را منتشر می‌کرد.

فیوضات در دوره‌ی چهارم مجلس شورای ملی که انتخابات آن در دوران صدارت وثوق‌الدوله انجام گرفت، از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. مجلس چهارم پس از یک دوره طولانی فترت در سرطان ۱۳۰۰ افتتاح گردید و فیوضات نیز به تهران رفت و در مجلس یکی از مدافعان فرهنگ و توسعه‌ی آن در کشور شد.

پس از پایان دوره‌ی چهارم با سـمت ریاست فرهنگ آذربایجان به تبریز بازگشت و نخستین اقدام وی تاسیس کودکسـتان در تبریز بود که به دست جبار باغچه‌بان انجام گرفت.

فیوضـات پس از مـدتی از ریـاست فرهنـگ آذربایجـان به ریاست فرهنگ فارس گمارده شـد و مـدت شـش سال خـدمت فرهنگی چشـمگیری در آن اسـتان انجام داد. چنـدی هم مـدیر کل فرهنگ خراسان بود و بار دیگر به ریاست فرهنگ فارس برگزیـده شد و مدتی طولانی ریاست اداره کل اوقاف کشور به او سپرده شد و سـرانجام به معاونت وزارت فرهنگ منصوب شد. بالاخره پس از ۸۳ سال عمر که تماما در خـدمات فرهنگی سپری شد در ۱۳۴۹ در تهران درگذشت. مرحوم فیوضات تالیفاتی نیز در زمینه‌های علمی و ادبی به فرهنگ ایران ارائه داده است. از همچنین به زبانهای فرانسه و عربی تسلط داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۳۱، ۲۴۹۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۴ -۲۷۳ / ۱).

قادرپور، شایسته

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران تاریخ تولد:۶۳/۱/۲۱

سال آغاز هنر شطرنج:۱۳۷۳

رنگ مورد علاقه:سفید

آرزوی طلایی:عنوان استاد بزرگی مردان

مشوق اصلی:مادرم،پدرم و همسرم

مهره ی مورد علاقه:همه ی مهره ها را به یک اندازه دوست دارم.

مدرک تحصیلی:کامپیوتر گرایش به نرم افزار دانشگاه آزاد

به جز شطرنج علاقه دارم به :موسیقی پاپ

تاثیر شطرنج بر روی زندگی:به من صبر می دهد.

مربیان:مرحوم بنکدار،آقای مومنی،آقای خاکپور،استاد هرندی،آقای قائم مقامی

شطرنج را چه رنگی میبینید:سفید

فصل مورد علاقه:بهار

مقام های کسب شده:نایب قهرمان زون غرب آسیا،کسب استادی بین المللی در سال ۸۰،قهرمان مسابقات ابوظبی ، دو بار قهرمان کشور در سال های ۷۶ و ۸۱،نایب قهرمان کشور در سال ۸۵،مقام تیمی دوم دانشجویان جهان در نیجریه،مقام سوم تیمی دانشجویان در ترکیه

حرف آخر:آرزوی موفقیت برای همه ی شطرنجبازان!!

قادری سهی، بهزاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهزاد قادری سهی درسال ۱۳۳۱ در شهر زاهدان دیده به جهان گشود. بعد از کلاس اول ابتدایی در زادگاهش به شهر کرمان رفتند و سه سال در آنجا بودند بعد به شهر بجنورد رفتند و سال پنجم تحصیل خود را در آن شهر سپری کردند.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : ادبیات نمایشی والدین و انساب : پدر بهزاد قادری سهی اصفهانی و مادرش اهل سیستان بودند.پدرش همردیف بود؛ یعنی در پست مهندسی ارتش و با لباس شخصی مسئولیت فنی موتورهای برق و آب مناطق را بر عهده داشت. مادرش خانه دار است و از طایفه توکلی های سیستان و بلوچستان است.خاطرات کودکی : خاطرات کودکی بهزاد قادری سهی به زبان خودش: شش سال اول زندگی را در زاهدان زندگی کردم. از همان کودکی با پدرم به سفر می رفتم.. شب های کویری و خرگوش هایی که نور چراغ اتومبیل آن ها را چراغی می کرد، وهم شب های کویر و جیغ و زوزه حیوانات و آدم ها. آنچه سخت در ذهنم جا خوش کرده روز اول دبستان بود، در نمی دانم کجای زاهدان.. سرگشته، از کلاسی به کلاسی دیگر می رفتم. در یک کلاس نقشه پلاس جهان بود: می خواستم بدانم من کجای این جهان هستم! دلهره ای همراه ناامیدی اما شیرین. بعد ها، خودم که به کلاس پنجم رسیدم برای درس جغرافی زمین را نقش زدم که معلمم، آقای عبدالرمضانی، خیلی تشویقم کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهزاد قادری سهی بعد از گذران تحصیلات اولیه خود در شهرهای زاهدان ، کرمان و بجنورد، مقاطع تحصیلات لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۴گذراند و فوق لیسانس ادبیات آمریکا، دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۵۷طی کرد، و دکترای ادبیات نمایشی قرن نوزده و سه دههٔ ۱۹۶۰–۱۹۹۰دربریتانیا به اتمام رسانید.خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع تحصیل بهزاد قادری سهی به زبان خود او: آن روز ها رشته پزشکی خیلی طرفدار و اعتبار داشت. من در کنکور که شرکت کردم، انتخاب اولم زبان وادبیات انگلیسی دانشگاه مشهد بود. وقتی هم که از امتحان برگشتم، به مادرم گفتم"، کاسه بشقاب من را آماده کن، دارم میرم مشهد! "ولی وقتی قبول شدم، فوج دوستان پیش پدرم رفتند که نگذارد من در رشته ادبیات انگلیسی درس بخوانم. ولی او گفته بود"، هرچه خودش می خواهد ".خاطره خوشی که از این دوران دارم، به ویژه دوره کارشناسی، بیرون آمدن از کتابخانه دانشکده همراه با رفتگر و در دیر وقت شب هاست. فعالیتهای ضمن تحصیل : بهزاد قادری سهی تنها مطالعه می کرد و در عین حال تدریس هم می کرد. در دوره کارشناسی ارشد، در شیراز، دانشکده اش کنار حافظیه بود .استادان و مربیان : از استادان بهزاد قادری سهی در دوره تحصیلات تکمیلی به شرح زیر است: دوره کارشناسی: دکتر قنادان، دکتر فرخ، خانم شایگی، استاد حدیدی، استاد صدر، استاد برادران رفیعی دوره کارشناسی ارشد: دکتر بالیتاس، دکتر ویلیام هاروی، استاد یارمحمدی، استاد ابجدیان دوره دکتری: راجر هاوارد، پیتر هیوم، الین جوردن، آنجلا لیوینگستن هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای دکتر بهزاد قادری سهی می توان به دکتر علیرضا امامی، دکتر علیرضا انوشیروانی، دکتر هادی کامیابی، دکتر فارسیان، دکتر جهانبخش لنگرودی اشاره نمود.همسر و فرزندان : بهزاد قادری سهی ازدواج کرده و حاصل این ازدواج چهار فرزند است که: دو پسر (سیاوش و سعید) و دو دختر (مریم و مهردیس). سیاوش در شهریور ۸۶ تخصصش را در رشته پاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران تمام می کند؛ سعید کارشناسی ارشد عمران را تمام خواهد کرد؛ مریم در رشته کارشناسی ارشد گیاهپزشکی درس می خواند و مهردیس دارد خودش را برای ورود به مراحل دیگر زندگی آماده می کند.وقایع میانسالی : شهادت برادر بهزاد قادری سهی به نام حیدرعلی قادری سهی، در سوسنگرد در سال ۱۳۶۰. در گذشت پدرم در سال ۱۳۸۲ در شهرستان بجنورد. انتقال از دانشگاه شهید باهنر کرمان به دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۴.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱– سرپرستی کتابخانه ملی کرمان در بدو تاسیس ۲–سرپرستی گروه زبانهای خارجی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان ۳–معاونت آموزشی دانشکده هنر، دانشگاه کرمان ۴–عضو هیات تحریریه نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۵–عضو شورای تخصصی گروه زبان و ادبیات انگلیسی ۶– عضو هیات امنای تئاتر کرمان به مدت دو سال ۷– عضو هیات ممیزه دانشگاه های جنوب شرق ایران ۹–عضو هیات تحریریه نشریه پژوهش زبان های خارجی، دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران ۱۰– عضو مرکز ایبسن شناسی دانشگاه اسلو–نروژ فعالیتهای آموزشی : ۱– تدریس دروس نقد ادبی، نمایشنامه، مکتبهای ادبی، اصول و روش ترجمه، شعر، رمان، داستان کوتاه و نثر انگلیسی در دانشگاه کرمان از مهر ماه ۵۷ تا ۸۴. ۲–تدریس همین دروس در دانشگاه آزاد کرمان. ۳– تدریس همین دروس در دانشگاه ولی عصر(عج) رفسنجان (به مدت چهار ترم) ۴– تدریس دروس فوق و نیز دروس کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی در دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران ۵– تدریس دروس عصر روشنگری، عصر رمانتیسیسم، و نمایشنامه قرن نوزدهم در مقاطع کارشناسی و کار شناسی ارشد در دانشگاه Essex انگلستان از سال ۱۳۷۲ تا پایان تحقیقاتِ دورهٔ دکتری

(۱۳۷۶). ۶- شرکت در تدوین برنامه دوره دکتری زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ۱- پژوهش در زمینه ادبیات نمایشی ۲-ترجمه و تالیف مقاله و کتاب ۳-راهنمایی پایان نامه و تشویق دانشجویان به استخراج مقاله از آن ها شاگردان : ۱-دکتر پیرنجمالدین، دانشگاه اصفهان ۲-دکتر امید طبیبزاده، دانشگاه همدان ۳-دکتر طاهره احمدیپور، دانشگاه ولی عصر (رفسنجان) ۴-دکتر محمد حسن حفیظی، دانشکاه فلوریدا، آمریکا ۵-دکتر محمد شهابی، دانشگاه آزاد کرمان ۶-دکتر آزاد منش، دانشگاه آزاد کرمان ۷-خانم ناهید فخرشفایی، دانشگاه شهید باهنر کرمان ۸-خانم زهرا میهنخواه، دانشگاه شهید باهنر کرمان (مرحوم) ۹-دکتر رضا پاشا مقیمی، دانشگاه آزاد کرمان همفکران فرد : ۱-آقای اکبر رادی، نمایشنامه نویس ۲-آقای جلال ستاری، نویسنده و منتقد ۳-خانم لاله تقیان، نویسنده و منتقد ۴-آقای یدا... آقاعباسی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان ۵-دکتر حسین پیرنجم الدین، دانشگاه اصفهان ۶-دکتر محمد مرندی، دانشگاه تهران ۷-دکتر آزبیورن اورشیث، دانشگاه برگن-نروژ ۸-دکتر کنوت برینتسول، دانشگاه اسلو- نروژ ۹-دکتر فروده الان، دانشگاه اسلو-نروژ ۱۰-دکتر ویگدیس استا، دانشگاه اسلو-نروژ ۱۱- دکتر پیتر هیوم، دانشگاه اسکس-انگلیس ۱۲-دکتر توماس برتونیو، دانشگاه دولتی نیویورک ۱۳-دکتر جون تمپلتن، دانشگاه نیویورک ۱۴-دکتر کاری مایزر، دانشگاه پنسیلوانیا آرا و گرایشهای خاص : گرایش به مکتب رمانتیسیسم، شیوه جدلی هگلی و تکیه بر ایبسن به عنوان یکی از جدلی اندیشان دوران مدرنجوائز و نشانها : ۱-استاد نمونه دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۷۶ ۲-لوح تقدیر برای ترجمه متون نمایشی در استان کرمان در سال ۱۳۷۸ ۳-نمایشنامه مرد یخین می آید به عنوان ترجمه برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: ۲۶ شهریور ماه ۸۴. ۴-ترجمهٔ مرگ تراژدی به عنوان پژوهش و ترجمهٔ برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: ۲۶ شهریور ماه ۸۴. ۵-لوح سپاس از سوی سفارت نروژ در تهران و مرکز هنرهای نمایشی در سال ۱۳۸۵ برای پژوهش در باره آثار ایبسن. ۶-با چراغ در آینه های قناس، نوشته بهزاد قادری، نشر قطره، ۱۳۸۴، به عنوان کتاب برتر سال در میان کتب دانشگاهی در سال ۱۳۸۴. چگونگی عرضه آثار : بهزاد قادری سهی بیش از ۱۹ طرح نمایشنامه را ترجمه کرده است و عهده دار ۱۰ترجمه مقاله را داشته، وی ۳۹ مقاله در عنوانهای مختلف ارائه داده است.آثار : ۱ Theatres of the Mind ویژگی اثر : B. Ghaderi Sohi,: Revolutions and British Drama, New Delhi, Bahri Publications, ۲۰۰۲.۲ ایبسن ویژگی اثر : بهزاد قادری: آرمانشهر و آشوب، زیر چاپ۳ با چراغ در آینه های قناس ویژگی اثر : بهزاد قادری، ادبیات نمایشی رمانتیسیسم و تئاتر پسا-مدرن، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۴.۴ گذر از تئاتر ارسطویی به درام پسا-مدرن، کرمان ویژگی اثر : بهزاد قادری، انتشارات دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ۱۳۸۲۵ مرگ تراژدی ویژگی اثر : جورج اشتاینر، زیر چاپ. تهران: مرکز هنر های نمایشی. این کتاب بررسی نسبتا جامعی است در باره زوال تراژدی از یونان باستان تا دهه ۶۰ قرن بیستم و یکی از کتب بسیار ارزشمند و مرجع برای دانشجویان و علاقمندان به هنر تئاتر و نمایشنامه نویسی است.۶ هر کسی را اصطلاحی داده اند ویژگی اثر : بهزاد قادری، شش گفتار پیرامون ترجمه متون نمایشی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۲

قاسمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، نویسنده و مترجم. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطن خود گذراند و سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشسرای عالی در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. بعد از فراغت از تحصیل در وزارت فرهنگ عهده‌دار مشاغلی چند از جمله: دبیر دبیرستانهای اصفهان، ریاست دبیرستان کرمان، ریاست چند دبیرستان در تهران، ریاست دفاتر دانشسرای عالی دانشکده علوم و ادبیات، ریاست فرهنگ شهرهای یزد و همدان و کرمانشاه شد. از آثار وی: «این جنگ عجیب آن طور که من دیدم»، ترجمه؛ «بیماری کودکی کمونیسم»، ترجمه؛ «منشأ خانواده و دولت»؛ «حزب توده‌ی ایران چه می‌گوید و چه می‌خواهد»؛ «چند موضوع از اقتصاد»؛ «جامعه را بشناسید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۳ / ۲ ،۱۱۵۶، ۱۱۱۸، ۱۰۰۲، ۵۶۳، ۴۲۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۴ -۴۳۳ / ۱).

قاصر زهانی قاینی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر. مشهور به قاصر. اصل وی از زهان قاین است. تحصیلات خود را در زهان قاین و مشهد به پایان رساند. وی در ایام اقامت خویش در مشهد در مدرسه‌ی خیراتخان با شاعر مرثیه‌سرا عبدالجواد جودی (م ۱۳۰۲ ق) آشنا شد. از آثارش: «تذکره الباکین»؛ «دیوان» شعر؛ کتابت و ترمیم نسخه‌ای از «مثنوی» مولوی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۴۲۲ -۴۲۰).

قاضی اصفهانی، ابوطالب محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۸۵ ق)، مدرس، خطیب، محدث و فقیه شافعی. نزد محیی‌الدین محمد بن یحیی شهید فقه آموخت، و در خلاف نامی شد، و در این طریقه «تعلیقه»ای نگاشت که گویای فضل و برتری وی بر بسیاری از همگنان اوست. او بین فقه و تحقیق جمع کرد. در تدریس یکی از اعجوبه‌ها به شمار می‌آمد. او مدتی در اصفهان تدریس کرد.در وعظ و خطابه نیز چیره‌دست بود. از آثارش «تعلیقه» و «طریقه»، در خلاف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۹۹ / ۱)، سیر النبلاء (۲۲۷ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۸۴ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۸۲ / ۱۲)، وفایت الاعیان (۱۷۴ / ۵)، هدیه العارفین (۴۰۴ / ۲).

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۸ –۳۷۸ ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، مفتی، ادیب و شاعر. در نسای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت، و از قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت. سپس به عراق و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابو بکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در نیشابور و ابوذر هروی در مکه و ابن‌نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمسار در دمشق و ابومعمر اسماعیلی در گرگان حدیث شنید.او مجالس املای حدیث برپا کرد و درباره‌ی احادیث سخن گفت.ابوعبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کردند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت‌های مهم از وی استفاده می‌کردند. امیر طغرل بیگ او را به دارالخلافه‌ی بغداد فرستاد و وی از جانب ملک‌شاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده‌دار امر قضاوت خوارزم کرد و به وی لقب أقضی القضات بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای آثاری در زمینه‌ی «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۴ / ۷)، سیر النبلاء (۴۷۸ –۴۷۷ / ۱۸)، طبقات المفسرین الداوودی (۱۸۱ –۱۷۸ / ۲).

قاضی زاده، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم قاضی زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دبستان و دبیرستان را به سرعت طی کرد و در سال ۱۳۵۶ (۱۶ سالگی) به دانشگاه و در رشته فیزیک مشغول تحصیل شد. همراه با انقلاب فرهنگی به حوزه علمیه قم آمد دروس سطح را نیز در حدود شش سال فرا گرفت و ازسال ۱۳۶۶ به درس خارج اساتید حوزه حاضر شد. وی تا سال ۱۳۸۰ (به مدت ۱۵ سال) از دروس خارج حوزه بهره برد. اهم اساتید وی به ترتیب استفاده زمانی بیشتر عبارتند از: آیت الله تبریزی، آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله منتظری، آیت الله سید محمود هاشمی، آیت الله جوادی آملی (در تفسیر)، آیت الله سید موسی شبیری، آیت الله محمد فاضل لنکرانی و آیت الله وحید خراسانی. گرچه وی اقدامی جهت اخذ مدرک رسمی از حوزه علمیه نکرده است اما در امتحان کتبی و شفاهی مجلس خبرگان در سال ۱۳۷۷ که در سطح تایید تجربی در اجتهاد داوطلبان شرکت و در نامزدی مجلس خبرگان رهبری برگزار می شد شرکت کرده و با درجه عالی موفق به قبولی در امتحانات مربوطه شد. وی درسال ۱۳۷۱ همزمان با تحصیلات فردی در دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم تحصیل کرد و با ادامه آن در مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث در این رشته نیز موفق به اتمام شد. اهم فعالیتهای علمی وی تدریس در حوزه و دانشگاه بوده است. از سال ۱۳۶۰ تدریس حوزوی را با تدریس ادبیات و منطق شروع کرد و در ادامه با تدریس فقه و اصول ادامه داد. در آغاز مدارس رضویه و رسالت محل تدریس وی بود ولی در سطوح عالی حوزه در مدرسه آیت الله گلپایگانی، مسجد امام زین العابدین و مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به تدریس بوده و هست. هم اکنون پنج سال است که به تدریس خارج فقه اشتغال دارد. از سال ۱۳۸۰ نیز تدریس در دانشگاه را آغاز کرد و هم اکنون در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد به تدریس تفسیر و علوم قرآن، حدیث و رجال نیز اشتغال دارد.

قاضی زاهدی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم قاضی زاهدی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا علی قاضی زاهدی متولد سال ۱۳۳۳ شمسی تحت تربیت والد معظم پرورش یافته پس از خواندن دروس ابتدائی و اولیه در گلپایگان برای تحصیل علوم دینیه در سال ۱۳۴۹ شمسی به قم هجرت نموده و مقدمات و سطوح وسطی را در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره در خیابان تهران نزد جمعی از فضلاء و علماء خوانده و بعد از چند سال به مدرسه خان مدرسه آیت الله العظمی مرحوم بروجردی قدس سره رفته و سطوح نهائی فقه واصول را از آیات عظام و حجج الاسلام مرحوم آیت الله ستوده اراکی و سید ابوالفضل موسوی نیریزی (ره) و صلواتی و فاضل لنکرانی و نوری همدانی و سبحانی به تکمیل رساندم و سپس شرکت در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره و مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی قدس سره و نجفی مرعشی تا پایان عمر شریفشان از ابحاث فقهی مستضعفین و اکنون از دراسات آیت الله وحید خراسانی مدظله العالی استفاده و تقریرات ایشان را به رشته تحریر در آورده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و اکنون به عنوان یک واعظ نامی کشور در اکثر شهرهای ایران منبر می روم و مورد تشویق مؤمنین در مجالس سنگین ادای وظیفه اسلامی نمایم و از طریق منبر و خطابه خدمات ارزنده و چشمگیری نموده چند سالی هم در یکی از حجرات صحن تدریس لمعه و مکاسب داشتم و کتابهای خطی نوشتم که امید است بتوانم آنها را به چاپ برسانم.

قاضی سعید، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۳ -۱۰۴۹ ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی. معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملا‌ـ عبدالرزاق لاهیجی و ملا‌ـ رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می‌باشد. در قم درگذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صناعیه» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در ۱۰۹۹ ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماءالله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهل حدیث در معارف که سراسر تحقیقات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصلاه»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و...

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۴۴ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۰ -۳۳۶ / ۵)، الذریعه (۱۳۲ / ۱۸، ۳۴۱ -۳۴۰ / ۱۶، ۱۵۴ -۱۵۳ / ۱۳، ۴۹ / ۷، ۳۹۱، ۱۱۱، ۱۲ / ۶، ۴۷۹ / ۴، ۵۱ / ۲، ۴۳۷ -۴۳۶، ۴۱۸ -۴۱۷ / ۱)، روضات الجنات (۱۲ -۱۰ / ۴)، ریاض العلماء (۲۸۵ -۲۸۴ / ۲)، ریحانه (۴۱۳ -۴۱۲ / ۴، ۵۹ / ۲)، الکنی و الالقاب (۵۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۳۸ / ۱۰).

قاضی طباطبایی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه، مورخ و مصحح. قاضی از ۱۳۳۴ ش متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زبانزد اکثر دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تحشیه «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ حواشی و تعلیقات بر «تجارب السلف». از وی مقالات بسیاری در نشریه‌های کتابخانه‌ی ملی تبریز و دانشکده‌ی ادبیات تبریز به چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه‌ی امروزی»؛

«محضر و محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره‌ی ادبی»؛ «اشتباهات تاریخی تجارب السف»؛ «خاطراتی چند از استاد عبدالرسول خیامپور»؛ «حکم استیناف ضیاءالعلماء» را می‌توان نام برد.[۱]

ادیب، مدرس.

تولد: ۱۲۹۵.

درگذشت: ۱۸ اسفند ۱۳۶۴، تهران.

سید حسن قاضی طباطبایی از سال ۱۳۳۴ متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» و «کتابخانه‌ی ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی تجارب السلف (۱۳۵۱) و تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار (اثر عبدالرزاق بیک دنبلی در دو جلد، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] نشر دانش (س ۶، ش ۳، ص ۸۸).

قاضی طباطبایی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ربانی.

تولد: ۱۲۸۹(۱۳۳۱ ق.)، تبریز.

شهادت: ۱۰ آبان ۱۳۵۸، تبریز.

آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی، فرزند سید باقر از علمای آذربایجان، تحصیلات مقدماتی علوم دینی در مدرسه‌ی طالبیه تبریز و نیز پدر و عمویش اسدالله قاضی طباطبایی گذراند.

ایشان در سال ۱۳۴۷ ق. مقارن با قیام مردم تبریز به سبب شرکت در مبارزات به دستور رضاشاه به همراه پدرش از تبریز اخراج گردید، مدت دو ماه در تهران سکنی گزید و پس از آن محل تبعید آنها به مشهد تعویض گردید و پس از یک سال اقامت در مشهد به آذربایجان مراجعت نمود و به بحث و خدمات دینی دیگر مشغول شد. وی در سال ۱۳۵۹ ق. برای تکمیل درس خود به قم رفت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم استفاده برد از جمله فلسفه و خارج علل اصول را از امام خمینی (ره) فراگرفت. پس از آن تکمیل متون فقه و اصول و علم و علم درایه و رجال را نزد آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای فراگرفت. در همین زمان مدتی نزد آیت‌الله سید حسن صدر به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی با تکمیل سطوح در قم، در سال ۱۳۲۷ عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف گردید. پس از سه سال تحصیل نزد آیت‌الله حکیم، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، علامه محمد حسین کاشف الغطاء آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله حسن بجنوردی به ایران بازگشت به تبریز رفت.

در تبریز، در کنار فعالیت تحقیق و تألیف و امامت دو مسجد، به فعالیت سیاسی به ویژه در فاصله ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ در تبریز به فعالیت علیه رژیم پرداخت. فعالیت‌های سیاسی وی همزمان با قیام مردم در سال ۱۳۴۲ ابعاد دیگری یافت. در سیزدهم آبان همان سال به عنوان رهبر نهضت مذهبی در آذربایجان دستگیر و ابتدا به پادگان زرهی تهران فرستاده شد و سپس در زندان قزل قلعه‌ی تهران به مدت دو ماه و نیم زندانی گردید. پس از آن به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. پس از چند روز با ضمانت برادرش آزاد شد که آزای وی با قید ممنوع‌الملاقات توأم بود و مأموران ساواک در اجرای این امر نظارت داشتند. پس از چهار ماه به قم می روند تا امام خمینی (ره) را در این هنگام آزاد شده بود ملاقات کند.

وی پس از دیدار با امام خمینی به مشهد رفت و از آنجا که هنوز در تبعید بود بی‌اجازه رژیم تهران را ترک گفت و به تبریز رفت در تبریز مورد استقبال مردم قرار گرفت و به همین سبب همان شب در منزلش دستگیر و به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. بعد از مدتی با وساطت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی آزاد شد. سپس به تبریز مراجعت کرد اما این آزادی وی مدت زیادی طول نکشید زیرا پس از چند روز اقامت در تبریز دستگیر شد و به تهران منتقل گردید. در تهران به سبب کسالت مدت شش ماه در بیمارستان مهر بستری و در عین حال تحت مراقبت شبانه‌روزی ساواک بود. پس از مرخصی از بیمارستان در یازدهم آذر ۱۳۴۳ پس از یک سال تبعید و دستگیری‌های مکرر به عراق تبعید شد.

مدت تبعید در نجف فرصتی پیش آورد تا بیشتر به تحصیل بپردازد و همچنین در این مدت با امام خمینی که مدتی قبل از ایشان به عراق تبعید گردیده بود ارتباط نزدیک داشته باشد. آیت‌الله قاضی طباطبایی پس از یک سال و نیم اقامت اجباری در عراق به ایران و تبریز مراجعت نمود اما مبارزه خود را علیه نظام پهلوی به ویژه در مساجد مقبره و شعبان تبریز ادامه داد تا اینکه در روز عید فطر سال ۱۳۴۷، یعنی سی‌ام آذر، به جرم مخالفت با رژیم و اظهار مطلبی علیه رژیم اشغالگر قدس دستگیر و به بافت کرمان به مدت شش ماه تبعید گردید. پس از پایان مدت تبعید از مراجعت آیت‌الله قاضی جلوگیری و مجددا در تیر ۱۳۴۸ به زنجان تبعید شد. اما وی بدون توجه به دستور تبعید به سوی تبریز رفت که در روز یازدهم تیز به بوستان‌آباد در شصت کیلومتری تبریز رسیده بود که رژیم خبردار شد و ایشان را به زنجان بازگرداند. محل استقرار ایشان در زنجان منزل امام جمعه‌ی وقت بود. ایشان همچنان در زنجان تحت نظارت ساواک قرار داشت. مدت تبعید ایشان در زنجان فقط چهار ماه طول کشید و با وساطت علمای بزرگ از تبعید آزاد و در تاریخ بیست و نه آبان ۱۳۴۸ به تهران و سپس در تاریخ ششم آذر ۱۳۴۸ به تبریز مراجعت کرد. در تبریز در کنار تدریس

و تـألیف همچنـان به مبـارزه ادامه داد و در عین حـال دائما تحت نظر ساواک قرار داشت. در این سال‌ها منزل وی یکی از محل‌های توزیع بیانیه‌هـا، نوارها و رساله‌های امام بود. در سال ۱۳۵۶ در تظاهراتی در بیست و نه بهمن به مناسبت چهلم شهدای نوزده دی قم برگزار شـد که در آن رهبری آیت‌الله قاضـی و نفوذ وی در میـان راهپیمایان آشـکار بود. ایشان در مـدت یک سال پیش از انقلاب فعالیت‌های مستمری علیه رژیم پهلوی داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی رهبر انقلاب به امامت جمعه تبریز منصوب و به عنوان نماینده حضرت امام (ره) در تبریز انتخاب شد.

عنوان‌هـای برخی از نوشته‌های ایشـان بـه ایـن شـرح است: الاجتهـاد و التقلیـد (عربی و خطی)؛ الفوائـد (فقهی و تـاریخی)؛ خانـدان عبدالوهاب (فارسـی، خطی)؛ کتاب فی علم الکلام (عربی، خطی)؛ فصل الخطاب فی تحقیق اهل الکتاب (عربی خطی) ؛ السعاده فی الاهتمام علی الزیارهٔ (عربی، خطی)؛ اجوبهٔ الشـبهات الواهیه (فارسـی، خطی)، رسالهٔ فی اثبات وجود الامام (ع) فی کل زمان (عربی، خطی)؛ سـفرنامه بافت (فارسـی، خطی)المباحث الاصولیه (عربی، خطی)؛ حاشـیه بر رسائل و مکاسب شـیخ مرتضی انصاری و کفایهٔ الاصول محمـدکاظم بن حسـین آخونـد خراسانی؛ تقریرات اصول آیت‌الله سـید محمـد حجت کوه‌کمره‌ای؛ تاریـخ قضاء در اسـلام؛ صـدقات امیرالمؤمنین و صـدیقه طاهر علیهماالسـلام؛ حدیقهٔ الصالحین؛ رساله در دلالت آیه تطهیر بر اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، رساله در اوقات نماز؛ رساله در نماز جمعه، رساله در مباهله، رسالـهٔ فی مسألهٔ التربت؛ تعلیقات بر کتاب فردوس اعلی تألیف شـیخ کاشـف الغطاء (عربی و مطبوع)؛ تحقیق درباره روز اربعین حضـرت سیدالشهداء (ع) (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب انوار نعمانیهٔ تألیف آیت‌الله جزایری (عربی و مطبوع)؛ مقدمه مفصل، تعلیقات و مؤخره بر تفسیر جوامع الجامع (عربی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب اسلام صراط المسـتقیم (فارسـی و مطبوع)؛ آثار تاریخی آیت‌الله طباطبایی حکیم قدس سـره (فارسی ومطبوع) تعلیقات بر کتاب کنزالعرفان (عربی و خطی)، مقدمه بر کتاب صـحائف الابرار کاشف الغطاء (ره)، مقدمه بر تنقیح الاصول مرحوم متوفی، مقدمه بر کتاب مرآت الصلوهٔ، پیشگفتار بر علم امام علامه طباطبایی؛ مقدمه بر کتاب معجزه و شرایط آن تألیف محمد آصفی؛ مقدمه بر کتاب جنهٔ الماوی اثر کاشف الغطاء؛ اللوامع الالهیـهٔ فی المباحث الکلامیـهٔ اثر علامه حلی؛ مقـدمه، تصـحیح و تعلیق بر انیس الموحدین اثر علامه حاج مهـدی نراقی؛ تحقیق در ارث زن در دارایی شوهر (تنظیم از بیانـات ایشان) به کوشـش محمـد آصـفی؛ علم الامام (ع) به زبان عربی (ترجمه به فارسـی از محمد آصـفی)؛ مقدمه بر العقائد الوثنیه فی الدیانهٔ النصـرانیه اثر محمد طاهر التنیر، چاپ بیروت (این کتاب در سال ۱۳۹۱ ق. در تهران افست گردیـد)؛ ترجمه مسائل قندهاریـهٔ (اثر شـیخ محمـد حسـین کاشف‌الغطاء)؛ مقالات متعـدد و کثیر در مجلات عربی در صیدا (لبنان).

اجـازه روایت ایشـان را افراد زیر امضـا نموده‌انـد: آیت‌الله مرتضـی چهرگـانی؛ پـدر ایشـان، آیت‌الله محمـدباقر طباطبـایی؛ بانو علویه هاشـمیه؛ آیت‌الله سـید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ آیت‌الله سـید صدرالدین صدر موسوی؛ علامه محمدحسین کاشف الغطاء آیت‌الله سید محسن طباطبایی حکیم؛ آیت‌الله سـید محمد جواد طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله سـید محمد هادی میلانی؛ امام خمینی (ره)؛ علامه آیـت‌الله حسـن بجنـوردی آیـت‌الله العظمی گلپایگـانی؛ آیت‌الله العظمی مرعشـی نجفی؛ آیت‌الله محمـد حسـینی شـاهرودی؛ آیت‌الله عبدالنبی عراقی؛ علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی.

آیت‌الله قاضی طباطبایی در دهم آبان ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید و در مسجد مقبره به خاک سپرده شد.

سیـد محمـد علی قاضـی طباطبـائی ابن العلامـه العلام حاج میرزا باقر آقای قاضـی بن السـید الجلیل و الفقیه النبیل آیه الله حاج میرزا محمـد علی بن العلامه الکبری آقا سـید میرزا محسن آقای قاضـی طباطبائی که ابا عن جـد از علماء و اساتید بزرگ تا بحضـرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام بوده و شرح سلسله نسب ایشان در کتاب خاندان (عبدالوهاب) مشروحا بیان شده است.

وی در سال ۱۳۳۳ قمری در تبریز متولـد و در مهـد علم و شـرف نمو یافته و پس از رشد و تربیت در حجر مرحوم والد ماجد خود و اسـتفاده خصوصـی از ایشان و عم گرامش مرحوم آیه الله حاج میرزا اسدالله قاضـی طباطبائی متوفی ۱۳۴۸ قمری وارد مدرسه طالبیه تبریز شـده و مقـدمات و ادبیات و سـطوح اولیه و وسـطی را با سـطوح عالی نزد مرحوم والـد مکرم خوانده و در سال ۱۳۵۷ در موقع انقلاب و شورش اهالی تبریز به اتفاق والـدش تبعید به تهران و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مراجعت به تبریز نموده تا سال ۱۳۵۹ که برای تکمیل مبانی علمی به حوزه قم مشـرف شده و از محضر اساتید بزرگ حوزه چون آیه الله گلپایگانی بقیه متون فقه و اصول را خوانده و معقول را از محضـر آیات دیگر فراگرفته و پس از آن از محضر مرحوم آیه الله حجت فقها و اصولا و هم درایه و رجال و غیر این‌ها را اسـتفاده نموده و هم از محضر آیه الله صدر و پس از ورود آیه الله بروجردی پنج سالی هم از دروس آن جناب بهره‌مند شده تا سال ۱۳۶۹ قمری که مشرف به نجف گردیده و در آنجا از محضـر آیه الله حکیم و آیه الله حاج شـیخ محمد حسین کاشف الغطاء استفاده‌های متنوع از فقه و اصول و حکمت و غیره نموده تا اواخر سال ۱۳۷۲ که روی بعضی از دسایس دشمنان دین مراجعت به تبریز و به انجام وظائف و خدمات و مجاهدات و مبارزات با بیدادگران و اقامه جماعت و غیر آن پرداخته است.

آن جناب از غالب مراجع عظام و مشایخ کرام عصـر حاضـر از اساتید و غیر هم دارای اجازات جامع روایتی و غیره می‌باشد که برای اختصار از درج آن خودداری می‌نمایم.

تألیفات و آثار قلمی ایشان از مطبوع و غیره بقرار ذیل است:

۱- رساله فارسـی در ترجمه آخونـد ملا عبدالرزاق لاهیجی صاحب گوهر مراد ۲- تقریرات اصـول آیت الله حجت. ۳- تقریرات فقه آن مرحـوم. ۴- تاریـخ قضاء در اسـلام بفارسـی ۵- کتاب صـدقات امیرالمؤمنین و صـدیقه طاهره علیهماالسـلام بفارسـی ۶- حدیقه الصالحین که در ج ۶ کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه ص ۳۷۸ ذکر شد ۷- تقریرات دروس اساتید نجف ۸- المقالات مجلدیست مشتمل بر مقالات عربی که تدریجا در مجله (الفرمان) مطبعه صید المنان منتشر شده. ۹- خاندان عبدالوهاب تراجم انساب خود آن جناب. ۱۰- رساله در شرح و تحقیق درباره حدیث شریف (من صام یوما فی سبیل الله تعالی کان کعمل سنه یصومها) ۱۱- الاجازات که مشتمل بر اجازه علماء و فوائد بسیاریست ۱۲- ترجمه مسائل قندهاریه از تصانیف آیه الله کاشف الغطام مد ظله رحمه الله.

۱۳- کتابی درباره تحقیق از هر کتاب که عبادت از کدام طوائف‌اند و راجع بنجاست اهل کتاب و راجع بانبیاء از نظر اسلام.

۱۴- تعلیقات بر انوار نعمانیه طبع تبریز در ۴ جلد.

۱۵- تعلیقات و اضافات بر کتاب انیس الموحدین علامه نراقی که بطبع رسیده است

۱۶- کتابی درباره تعیین اربعین حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام

۱۷- رساله بسیار لطیفی عربی در اثبات وجود امام علیه‌السلام در هر زمان.

۱۸ سفرنامه بافت.

۱۹- الفوائد در مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی و غیره در جلد بزرگی.

(۱۳۳۳- شهادت ۱۳۹۹ ق)، فقیه، عالم امامی و شاعر. نسب وی به حضرت امام حسن (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. از محضر پدرش، میرزا باقر، و عمویش، حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبایی، استفاده نمود. در مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی یا سطوح عالی را نزد پدرش خواند. در ۱۳۵۷ ق به هنگام انقلاب و شورش اهالی تبریز به همراه پدرش به تهران تبعید شد و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مجددا به تبریز بازگشت. در ۱۳۵۹ ق برای تکمیل مبانی. علمی به حوزه‌ی قم رفت و در محضر استاتیدی چون آیت‌الله گلپایگانی فقه و اصول را خواند و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفت. پس از آن از محضر آیت‌الله حجت در فقه و اصول و درایه و رجال و از محضر آیت‌الله صدر و همچنین به مدت پنج سال از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۶۹ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله بجنوردی و آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در فقه و اصول و حکمت و غیره استفاده نمود، و از اساتیدش صاحب اجازه بود. در ۱۳۷۲ ق به تبریز بازگشت، و به وظایف دینی و اقامه جماعت مشغول شد. از آثار وی: «تقریرات اصول» آیت‌الله حجت؛ «تقریرات فقه» آیت‌الله حجت؛ «تاریخ قضاء در اسلام»، به فارسی؛ «حدیقه الصالحین»؛ «المقالات»، مجلدی مشتمل بر مقالات عربی؛ ترجمه‌ی «مسائل قندهاریه» آیت‌الله کاشف الغطاء؛ «الفوائد»، مشتمل بر «مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی؛ تعلیقات و اضافات بر کتاب «انیس الموحدین» علامه نراقی؛ «تحقیق درباره‌ی روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)»، که در تألیف آن از بیش از چهارصد و پنجاه عنوان کتاب استفاده شده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۸۸ -۳۸۷ / ۶)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸ ص ۴۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۵ -۳۲۲ / ۳).

قاضی عسکر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی قاضی عسکر

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۳/۵

زندگینامه علمی اینجانب سید علی قاضی عسکر در روز پنجم خرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و سه شمسی برابر با ۲۳ رمضان المبارک ۱۳۷۳ هجری قمری در یک خانواده مذهبی در خیابان مسجد سید اصفهان متولد شدم. تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان جعفری وابسته به تعلیمات اسلامی که در محله بیدآباد اصفهان واقع شده بود سپری کردم و دوره راهنمائی را نیز در مدرسه احمدیه که مدیریت آن را یک نفر روحانی به نام حجت الاسلام آقای سید ابوالحسن بدری بعهده داشت گذراندم. پدرم آقای حاج سید مصطفی قاضی عسکر که کارمند کارخانه صنایع پشم اصفهان و از مقلدان حضرت امام خمینی (ره) بود بسیار علاقه داشت تا یکی از فرزندان خود را به حوزه فرستاده تا دروس حوزوی بخواند، از این رو در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و جامع المقدمات را آغاز کرده از اساتید بزرگوار آن حوزه بهره مند شدم. سپس با گذشت یک سال به دلیل آوازه و شهرتی که قم داشت تصمیم گرفتم به قم آمده و در حوزه کهن قم ادامه تحصیل دهم در قم به ترتیب در مدرسه مومنیه واقع در خیابان چهارمردان، مدرسه آیت الله نجفی مرعشی واقع در خیابان ارک قم، مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه سکونت داشتم. دروس مقدماتی را از محضر اساتید بزرگواری از جمله مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای کافی اصفهانی، مرحوم شهید حجت الاسلام و المسلمین آقای سید حسن بهشتی طاب ثراه امام جمعه موقت اصفهان پس از انقلاب که به دست منافقین به شهادت رسیدند، حجت الاسلام و المسلمین آقای حجازی اصفهانی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای یحیی سلطانی و ... فرا گرفتم. سپس به درس مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله خزعلی، آیت الله انصاری شیرازی حاضر شدم و مکاسب را در درس آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و کفایه را در محضر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی بهره گرفتم. و سپس در دروس خارج آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله منتظری، آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی حاضر شده سالها از محضر این اساتید بهره مند شدم در دروس تفسیر و اخلاق از محضر آیت الله مشکینی استفاده کردم در دروس تخصصی مرحوم شهید آیت الله مرتضی مطهری که در مسجد ارک قم برگزار میشد شرکت داشتم و بخشی نیز از محضر آیت الله جوادی آملی استفاده کرده ام و بر اساس تاییدیه مکتوبی که از اساتید بزرگوار و اعزه همچون حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله سبحانی، حضرت آیت الله خاتم یزدی، حضرت آیت الله محمد حسن قدیری و ... دارم بیش از ده سال از دروس خارج حوزه استفاده کردم. بنده از ابتدای تکلیف مقلد حضرت امام خمینی (ره) بودم و از آنجا که پدرم درحادثه ۱۵ خرداد در قم حضور داشت و شاهد حمله کماندوهای رژیم پهلوی به مدرسه

فیضیه و شهادت و مجروحیت طلاب و روحانیون حوزه علمیه بود و با روحانیون مبارزه و تلاشگر مانوس بود بطور طبیعی اینجانب از همان سال اول تحصیل با قیام حضرت امام همراه شدم، در همان سال اول طلبگی در مدرسه ملا عبدالله گاهی شبها نوارهای کاست که از نجف ارسال شده بود را همراه با تنی چند از طلاب آن روز مدرسه که حاوی سخنرانیهای امام خمینی (ره) بود استماع و در توزیع اعلامیه های ایشان مشارکت داشتم، و پس از آنکه به قم آمدم این فعالیتها ادامه یافت و با اکثر چهره های انقلابی حوزه آشنا و همراه شدم.

قاضی، نعمت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۳.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از نعمت‌الله قاضی که نام مستعار در برخی از آثار «شکیب» بود، آثار زیر به جای مانده است: اسلام از دیدگاه تاریخ (تهران، ۱۳۶۷)؛ ایل قاجار در پهنه‌ی تاریخ ایران (۱۳۷۰)؛ برگزیده‌ای از دیوان پروین اعتصامی (تبریز، ۱۳۶۷)؛ به سوی سیمرغ: منظومه منطق الطیر (اثر شیخ عطار نیشابوری به نثر پارسی، با مقدمه، پاورقی، فهرست و چند بحث انتقادی، تهران، ۱۳۶۹، ۱۳۶۲)؛ عشق و مرگ پوشکین (مجموعه چند داستان؛ تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قاضی‌زاده‌ی اردبیلی، ظهیرالدین کبیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۳۰ ق)، عالم، ادیب، فقیه و شاعر. پس از جنگ چالدران سلطان سلیم در بازگشت از تبریز وی را به همراه اسیران با خود به روم برد. وی در نزد او مقام و رتبتی یافت و «وفیات الاعیان» ابن‌خلکان را برای وی به فارسی ترجمه کرد. قاضی‌زاده در انشاء، شعر و خط توانا بود. چون به عقاید شیعه‌ی امامیه گرایشی پیدا کرد او را گرفتند و کشتند و سرش را بر دروازه‌ی زویله قاهره آویختند. از آثارش: ترجمه «وفیات الاعیان»، که در «معجم المؤلفین»، «مختصر وفیات الاعیان» ذکر شده؛ «تاریخ سلطان سلیم»؛ «دیوان» شعر. در «کشف الظنون» اظهرالدین اردبیلی و کبیر بن اویس لطیفی، مشهور به قاضی‌زاده، با احتمال این که یکی باشند جدا از هم ذکر شده‌اند. در «شذرات الذهب» و «معجم المؤلفین» ظهیرالدین قاضی‌زاده اردبیلی بدون ذکر نام و نام پدر آمده است.[۱]

اردبیلی، ظهیرالدین، دانشمند اوایل قر. ۱۰ ه. (مقت. ۹۳۰ ه.ق). وی تا هنگام تصرف تبریز توسط سلطان سلیم عثمانی در آن شهر به تدریس مشغول بود و همراه سلطان مذکور به استانبول رفت و در آنجا برای وی مقرری تعیین شد. سپس به مصر رفت و در سرکشی احمد پاشا به هواداران او پیوست و همراه وی کشته شد. در شعر و انشاء و خوش‌نویسی دست داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان آذربایجان (۲۵۰ -۲۴۹)، الذریعه (۸۷۰ -۸۶۹ / ۹)، شذرات الذهب (۱۷۳ / ۸)، فرهنگ سخنوران (۷۳۵)، کشف الظنون (۲۰۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده اردبیلی)، مجالس النفائس (۳۹۷ -۳۹۶)، معجم المؤلفین (۴۸ / ۵).

قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۸ -۹۱۸ ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی‌زاده و سعدی جلبی و ملازم ملا قادری بود.در ۹۶۳ ق به قضاوت حلب، در ۹۷۱ ق به قضاوت استانبول و در ۹۷۴ ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در ۹۸۳ ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در ۹۸۵ ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان‌محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح القدیر» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۲۰ / ۲)، روضات الجنات (۳۷۸ -۳۷۵ / ۱)، ریحانه (۴۰۹ -۴۰۸ / ۴)، شذرات الذهب (۴۱۵ -۴۱۴ / ۸)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۲۰۳۰، ۲۰۲۲، ۱۷۶۶، ۴۹۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قایقران، سیروس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیروس قایقران : محل تحصیلات : بندر انزلی – شغل پدر : کارمند تربیت بدنی – شغل مادر : خانه دار – دارای ۴ برادر به اسامی آقایان عبدا... ، ناصر ، نادر و حسین و دارای ۲ خواهر – فرزند وی راستین قایقران متولد ۶/۱/۱۳۶۹ ، در حادثه رانندگی فوت نمود. همسر وی خانم افسانه اسدان می باشند. عضو باشگاههای : ملوان و استقلال انزلی ، الاتحاد قطر و کشاورز تهران مربیان وی در گیلان : بهمن صالح نیا ، احمد صومی ، غفور جهانی ، مجید جهانپور ، نصرت ایراندوست مربیان وی در تیم ملی : مرحوم پرویز دهداری ، مهدی مناجاتی ، علی پروین ، ناصر ابراهیمی ، بهمن صالح نیا ، رضا وطنخواه سابقه ملی : وی در ۱۰۰ مسابقه شرکت داشت که ۴۳ بازی ، رسمی بوده است. در ۲۱ بازی کاپیتان تیم ملی بوده و ۱۴ گل برای تیم ملی به ثمر رسانده است که بهترین آنها به تیم کره جنوبی در نیمه نهایی بازیهای آسیایی ۱۹۹۰ پکن بود. اولین بازی ملی را در ۳۰ دی ماه ۱۳۶۳ برابر یوگسلاوی و آخرین بازی ملی را در ۲۶ فروردین ۱۳۷۲ برابر بوسنی انجام داد. اولین کاپیتانی تیم ملی را در ۱۱ آذر ۱۳۶۷ برابر قطر به عهده گرفت. سابقه مربیگری : کشاورز تهران (با این تیم به مقام سوم لیگ کشور رسید) – مسعود هرمزگان افتخارات : قهرمان جام حذفی کشور و گروه مقدماتی آسیا با ملوان – نایب قهرمانی لیگ استانی قدس با منتخب گیلان – مقام سومی در جام ملتهای آسیا ۱۹۹۸ – قهرمان بازیهای آسیایی پکن ۱۹۹۹ زندگینامه : زنده یاد سیروس قایقران در اول بهمن ماه ۱۳۴۰ در محله کلویر بندر انزلی پا به عرصه هستی نهاد. سیروس از همان ابتدای کودکی به فوتبال در زمینهای خاکی کلویر روی آورد و با استعداد درخشانش به عضویت تیم فوتبال منتخب آموزشگاهها در آمد. وی در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۵۶ موفق شد به عنوان یکی از مهرهای اصلی در تیمهای نوجوانان و جوانان ملوان استعدادهای خود را به نمایش بگذارد و با مهارتهای منحصر به فردش ملوان را به رتبه قهرمانی باشگاههای گیلان رساند. وی در سالهای ۵۷ تا ۶۳ افتخارات زیادی را برای ملوان و گیلان به ارمغان آورد مانند دو گلی که وارد دروازه پرسپولیس کرد و یا گل زیبایی که وارد دروازه تیم منتخب مازندران نمود. در این دوران وی به عنوان یک بازیکن استثنایی با ویژگیهای اخلاقی عالی و منش پهلوانی در میان عموم مردم محبوب گردید. وی آنقدر متواضع و افتاده بود که همه افراد به او علاقمند بودند . لبخندهای صمیمی اش هیچگاه از لبان او دور نمی شد و قلبش مانند دریا پاک و بی آلایش بود. سیروس در سال ۱۳۶۳ به تیم ملی دعوت شد و در سال ۶۶ تنها فوتبالیست شهرستانی بود که شادروان دهداری بازوبند پرافتخار کاپیتانی تیم ملی ایران را به بازوان او بست. در سال ۶۷ در جام ملتهای آسیا در قطر ، تیم ملی ایران با رهبری سیروس به مقام سومی دست یافت و در سال ۶۹ تیم ایران را با گلهای زیبایش پس از ۲۰ سال به قهرمانی در بازیهای آسیایی پکن رساند. سیروس در آن دوران نه تنها در ایران بلکه در آسیا و اروپا هم به عنوان یک بازیکن استثنایی مطرح گردید و با وجود داشتن پیشنهاد از تیمهای آلمانی به الاتحاد قطر پیوست. سیروس در اوج شهرت هرگز مغرور نشد و اصالت خود را فراموش نکرد و بعد از مدتی بازی در قطر ، مجددا به تیم اول خود ملوان پیوست و این تیم را قهرمان جام حذفی و راهی مسابقات آسیایی کرد. سیروس در سال ۷۲ به عنوان بازیکن و سپس مربی به تیم کشاورز تهران پیوست و نتایج قابل توجهی بدست آورد. وی سپس به تیم دسته دومی مسعود هرمزگان پیوست و مدتی در آنجا مشغول به مربیگری شد . در سالهای ۷۶ و ۷۷ سیروس بارها تمایل خود را برای بازگشت به ملوان به عنوان بازیکن یا مربی اعلام کرد. اما در اوایل سال ۷۷ که وی برای تعطیلات نوروز همراه خانواده اش به انزلی آمده بود در بازگشت و در حالیکه همراه فرزند، همسر و برادر همسرش در اتومبیل رنوی خود عازم تهران بود در حوالی امامزاده هاشم با کامیون خاور تصادف نمود که منجر به فوت وی و فرزندش گردید. روحشان شاد و قرین رحمت باد. قایقران چرا محبوب شد : وی الگوی جوانمردی و کمک به نیازمندان بود. تنها کاپیتانی که در شرایط آن زمان که همگان شهرستانیها را مورد تمسخر و آزار و اذیت قرار می دادند با خلاقیتها و مهارتهای خود به کاپیتانی تیم ملی رسید. مردی که در عین بزرگی همچنان افتاده و متین بود و درد مردم بینوا را می فهمید. مردی که بسیار پنهانی صدقه می داد و در کارهای خیر شرکت می کرد. وی شبها در تاریکی محض سراغ بینوایان را می گرفت و نانی در سفره شان می گذاشت تا در شبهای بندر هیچ کس گرسنه نخوابد. مردی که چهره سیه چرده اش همیشه با گلخنده ای همراه بود. مردی که به اروپا نرفت تا ثابت کند به عشق صیادانی که هر غروب با پاهای ورم کرده از دریا برمی گشتند انزلی را با دنیا عوض نمی کند. سیروس هیچگاه غرور جلوی چشمانش را نگرفت و خاکی ماند. سیروس عشق خاصی به انزلی و ملوان داشت. خودش می گفت : بهترین مطلبی که درباره من در مطبوعات نوشته شده این است " عجب قایقرانی دارد این ملوان . " سیروس سالها به عشق قوی سپید با یک پیراهن خیس در باتلاق انزلی دوید و اصلا به این فکر نکرد که جز سفید رنگهای دیگری هم در این دنیا هست. او در سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳ یک چمدان افتخار برای ملوان کسب کرد و مهره مار انزلی چیها در میدانهای دوزخی لقب گرفت.سیروس در ۲۳ سالگی به تیم ملی دعوت شد و سه سال بعد بازوبند کاپیتانی تیم ملی را به بازوی خود بست تا به مرد مورد اعتماد دهداری در مستطیل سبز بدل شود. او در مسابقات جام ملتهای آسیا با تیم ملی روی سکوی سوم آسیا ایستاد و ۲ سال بعد هم در پکن با گل زیبایش پرنده خوشبختی را روی شانه های تیم ملی نشاند تا ایران قهرمان آسیا شود. سیروس با غرور بیگانه بود و پس از بازگشت از چین پیشنهادات چرب و نرم ژرمنها را جدی نگرفت و به آن سوب آبها رفت تا مدتی دشداشه پوشهای قطری را با آرپیچی های خود به هوا کند. قایقران فوتبال ایران پس از بازگشت از قطر دوباره پیراهن سفید عزیز را به تن کرد تا با دیگر ملوانان ، قهرمان جام حذفی ایران شود و اینگونه خزر را عاشقتر کند. و حالا چندین سال است که او زیر خاک نمناک بندر خفته است اما هنوز عکسش روی دیوار تمام مغازه های شهر و یادش در قلب تمام آدمهای نجیب شمال ماندگار شده است. خاطرات آنان که با سیروس بودند : پرویز قایقران (پدر) : آیا ورزشکار تا زمانی که زنده است عزیز است ؟ هیچکس از تهران و مرکز استان نیامده که حالی از ما بپرسد یا کمکی به ما بکند. او اولین فرزندم بود. غروب موقع اذان به دنیا آمد. اولین سالی که به

تیم ملی دعوت شد با محمود فکری به تهران رفت و دو روز بعد با گرمکن و بی پول برگشت. چیزی به ما نگفت اما چند روز بعد فهمیدیم که لباسهای آنها را در اردو زدند تا آنها دیگر در تمرینات حاضر نشوند. اخلاقش عالی بود. او از نظر مالی کمکی به من نکرد ولی بعدها متوجه شدم که پولها را به مردم نیازمند می داد. دوستان دورو نگذاشتند که در دوران بازیگری و مربیگری ، آب خوش از گلویش پایین برود. خدا او را بیامرزد. محمد احمدزاده : اغلب دوران ورزشی ام را در کنار سیروس بودم. از نوجوانان ملوان گرفته تا اردوی تیم ملی. ضمن آنکه با هم از ملوان جدا شدیم و به تهران رفتیم.سیروس بچه خونگرمی بود و هیچوقت لبخند از لبانش دور نمی شد. سیروس برای بزرگتر همه چیز داشت اما خودش یک مقدار سهل انگاری می کرد. متاسفانه نسبت به همه چیز بی تفاوت بود. او بچه خاکی و با صداقتی بود و فکر می کرد همه مثل خودش صاف و ساده اند. آخرین بار ۲۰ روز قبل از فوتش او را دیدم. برایم خیلی عجیب بود که متحول شده ، حسرت جوانی اش را می خورد و تازه متوجه دوستیهای خود با این و آن و اطرافش شده بود. می خواست متحول شود و به فوتبال بازگردد. خدا بیامرز پاسهای دقیق و شوتهای سنگینی داشت. او با کاپیتان شدنش حق من و همه شهرستانیها را گرفت. ظاهر و باطنش یکی بود. انزلی را با هیچ شهری عوض نمی کرد. یکسال به تیم ملی دعوت شدم و در اردو خیلی عذاب کشیدم. رقابت سنگین بود و شهرستانیها پشتیبانی نداشتند، تازه فهمیدم که غفور و سیروس چه کشیده اند. اگر آقای گل لیگ نمی شدم مرا دعوت نمیکردند. آنها ما را به زحمت تحمل می کردند. سیروس همیشه با خونسردی و جوانمردی با همه رفتار می کرد. یادش بخیر و روحش شاد. بهمن صالح نیا : من همیشه به نام ملوان افتخار می کنم چرا که نام ملوان عامل شناسایی بندر انزلی در سطح کشور شده است و این امر با زحمات و تلاش بازیکنان بزرگی چون سیروس محقق شده است. از افتخارات دیگر انزلی راهیابی چند بازیکن از این خطه به تیم ملی بوده است که با توجه به اوضاع آن زمان برای شهرستانی ها بسیار ارزشمند بود. من همیشه قایقران را مثل فرزندم دوست داشتم. او با آن چهره خندان و سیه چرده خود به ما پیوست بچه بسیار محجوب و خجالتی بود.او افتخار زیادی برای ما آفرید اما متاسفانه هرگز از تمام توان خود استفاده نکرد. به او گفتم تهران نرو. آنجا آدم ها همدیگر را نمی شناسند و رقابت ناجوانمردانه زیاد است. پیشنهاد کردم به لیگ ترکیه برود.من نمی بخشم آنهایی را که با راه انداختن تیمهای کذایی و بی هویتی چوان کشاورز و بانک تجارت و... باعث از هم پاشیدگی تیمهای اصیل شدند. آرزو دارم جوانان امروز از سوابق و افتخارات سیروس الگو بگیرند . او وقتی تمرین شوت انجام می دادیم توپهایمان را با شوتهایش پاره می کرد. مرحوم دهداری (معلم اخلاق) همیشه می گفت اگر سیروس کمی منظم تر باشد می تواند یکی از بهترینهای فوتبال ما باشد. دهداری توجه خاصی به نظم و اخلاق داشت. بحث من و دهداری با بقیه همیشه این بود که ورزشکار باید از هرجهت الگو باشد راه رفتن، صحبت کردن و... . حتی یکبار مرحوم دهداری قصد نداشت مرحوم قایقران را به اردو ببرد که من مانع شدم. او می گفت این جوان خیلی بی تفاوت است. من سیروس را به اتاقم بردم و ساعتها با او صحبت کردم. سیروس هم در نظم و انضباط همانی شد که می خواستیم و بازوبند کاپیتانی را بدست آورد. سیروس در زمان پروین به دلایل غیر فنی از تیم ملی خط خورد. او را جلوی مغازه مرحوم طلاکار دیدم. گفتم سیروس تو به ما کمک کن ، نه من به تو. تازه از قطر آمده بود گفتم بیا ملوان برای تو برنامه تنظیم می کنم. دوست دارم دوباره تو را در تیم ملی ببینم. سیروس به من قول داد . هرروز صبح خودم به او در کنار دریا تمرین میدادم و شبها به خانه اش سر می زدم. او خیلی در این ایام به ملوان کمک کرد. بهترین خاطره ام ۲ گل زیبایی است که در این دوران به پرسپولیس در انزلی زد . او دوباره به تیم ملی دعوت شد و آن گل زیبا را به کره زد. بعدها در بندر عباس او را دیدم. مدتی بعد پیغام داد که میخواهم به ملوان بیایم و با شما کار کنم که موافقت کردم اما من سال بعد به چوکا پیوستم و .... خدا رحمتش کند و به خانواده اش صبر بدهد. گزیده ای از بیانیه جمعی از هواداران ملوان : سیروس جان ، ظهر روز خاکسپاریت در استادیوم انزلی همه داد زدند " سیروس بیا اینجا ؛ " ولی اینبار تو درون جعبه چوبی و روی دست مردم به پیش آنها رفتی. وقتی احمدرضا عابدزاده خودش را به تو رساند و بغلت کرد و اشک ریخت همه داد زدند " قایقران،قایقران . " سیروس جان ، هنوز هم هواداران با شعار " قایقران ، روحت شاد " پشت تمام حریفان را می لرزانند. سیروس جان، آسوده بخواب. ملوان تو هنوز سرپاست. تمامی مطالب بر گرفته شده از کتاب طلوع و غروب یک قهرمان می باشد...

قاینی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۲۸ ق)، فقیه، دانشمند، ادیب و شاعر، متخلص به انوار. وی در نجف در محضر آقا سید حسین کوه‌کمری تلمذ نمود. پس از تکمیل دروس و رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به قائن بازگشت و در آن جا مرجع امور دینی و سیاسی شد. در اواخر عمر به مشهد رضوی رفت و در آنجا درگذشت و در جوار تربت پاک اما هشتم (ع) در دارالسیاده دفن شد. وی در سرودن شعر مهارت داشته و اشعار زیادی از او بجای مانده است. از آثارش: «اسرار التوحید»، به فارسی، در تفسیر سروه توحید است، که در ۱۳۱۸ ق، به همراه کتاب «لؤلؤه الغالیه» پدرش، به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۹ / ۲)، بزرگان قائن (۵۷ –۵۶)، بهارستان آیتی (۳۲۲ –۳۱۹)، الذریعه (۲۱۸ / ۲۶، ۴۳ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۸ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۹ / ۱).

قاینی، جلال‌الدین جلال

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، عالم دینی، فقیه، واعظ، محدث و مدرس. وی از احفاد نجم‌الدین عمر نسفی است. به گفته‌ی مؤلف «بزرگان قائن» نامش را به اشتباه جلال‌الدین محمد بن ابن عبدالله قاینی، محمد بن محمد قاینی، جلال‌الدین ابومحمد بن نجم‌الدین محمد قاینی، جلال‌الدین محمد بن عبدالله قاینی و غیره ذکر نموده‌اند. در قاین به دنیا آمد. به بخارا رفت و در آنجا مدتی به تحصیل پرداخت. وی شاگرد شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد جزری و محمد بن جلال عبدی و خواجه عبدالله سمرقندی بود و از آنها اجازه‌ی روایت داشت. پس از گذراندن دوران تحصیل به هرات رفت و در دانشگاه و در مقصوره‌ی جامع آنجا به تدریس پرداخت. فصیح‌الدین محمد بن محمد قاینی و محمد بن شیخ محمد جامی، صاحب «ریاض الناصحین»، و جلال‌الدین یوسف اهل، مورخ و محدث سده‌ی نهم هجری، و حسین ابن جمال قهستانی، صاحب «شرح قصیده‌ی ابن‌سینا»، از شاگردان او بودند. وی علاوه بر وعظ و تدریس مدتی نیز منصب احتساب شهر هرات را عهده‌دار بود. در هرات به بیماری طاعون درگذشت و در مدرسه‌ی جغرتان به خاک سپرده شد. از آثار وی: مدرسه‌ی علمیه‌ی جغرتان، که امروزه به صورت مسجد درآمده، و به جامع جغرتان معروف است؛ کتابخانه‌ی بزرگ. از آثار علمی وی: «تبیان الکبائر»؛ «اربعین»، مشتمل بر چهل حدیث؛ «مفتاح الفرائض»؛ «شعب الایمان»، در ادیان و جامعه‌شناسی دینی؛ شرح «نصاب»؛ «اجازات»؛ «نصایح شاهرخ شاهی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۱۲۰ -۱۱۳)، بهارستان آیتی (۱۹۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۸۵)، حبیب السیر (۱۳ / ۴)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۸۳۸)، مزارات هرات (۹۰ -۸۹).

قاینی، خلیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد اشرف. از اهالی قاین، در اصفهان تحصیل نموده، و در قزوین ساکن گردیده، و در سال ۱۱۳۶ وفات یافته.

کتب زیر از اوست:

۱- رساله در رد بر نصاری ۲- شرح رساله‌ی جبر و تفویض منسوب به حضرت هادی علیه‌السلام موسوم به الرسالهٔ الالهیهٔ ۳- شرح حدیث عمران صابی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قائم مقامی، احسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تاریخ تولد:۲۱/۶/۶۱

سال آغاز هنر شطرنج:۱۳۷۰

رنگ مورد علاقه:سفید

آرزوی طلایی:قهرمان بزرگسالان جهان بشوم.

مشوق اصلی:قبلا پدر و مادرم و هم اکنون همسرم.

مهره ی مورد علاقه:رخ

مدرک تحصیلی:کارشناس حقوق قضایی و برای ارشد می خوانم.

به جز شطرنج علاقه دارم به :هر نوع سبک موسیقی ،و ورزشهایی مثل فوتبال،شنا،پینگ پنگ،والیبال،بسکتبال،دوچرخه سواری،کوهنوردی.

تاثیر شطرنج بر روی زندگی:راهنمای بسیار خوبی برایم بوده.درسهایی که انسان از شطرنج در زندگی می گیرد درسهایی است که اگر می خواست آن ها را با تجربه به دست آورد خیلی طول می کشید.شطرنج به عنوان یک سرگرمی به ما یاد می ده که چگونه صبور باشیم و چگونه به دیگران احترام بگذاریم.استقامت را بیاموزیم و برای رسیدن به هدفمان تلاش کنیم.

مربیان:مرحوم بنکدار،آقایان مومنی،حق شناس،رضایی،هرندی،گلیوف،ماگراموف،رائوسیس،زایتسف.

شطرنج را چه رنگی میبینید:سفید و سیاه.

فصل مورد علاقه:زمستان

مقام های کسب شده:۹ بار قهرمان نوجوانان و جوانان کشور و یک بار نایب قهرمان.۵ بار قهرمان بزرگسالان کشور،یک بار نایب قهرمان و یک بار مقام سوم.۵ بار قهرمان مسابقات بلیتس کشور با ۵ بار حضور.دو بار قهرمان نیمه سریع کشور با دو بار حضور.اولین استاد بزرگ تاریخ شطرنج ایران.۴ بار راهیابی به مرحله ی نهایی قهرمانی جهان.فاتح تعداد زیادی تورنمت های بین المللی در سراسر جهان.دو بار کسب مقام سوم دانشجویان جهان یک بار انفرادی و یک بار تیمی.کسب ۶ مدال آسیایی در مقطع

سنی بزرگسالان که مهم ترین آن در سال ۲۰۰۳ در دوحه ی قطر بود.در سال ۲۰۰۴ هم بیشترین پیشرفت را در بین ۱۰۰ شطرنجباز برتر دنیا داشتم.

حرف آخر:آرزوی موفقیت برای همه ی ورزشکاران ایران و با آرزوی صلح در سراسر جهان.

قائم مقامی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، مترجم، نویسنده. در اراک به دنیا آمد. تحصلات خود را تا سوم متوسطه در زادگاهش گذرانید و در ضمن به فراگیری علوم قدیم پرداخت و صرف و نحو عربی و منطق را در محضر ملاـ عبدالحیمد مدرس انجدانی فراگرفت. تحصیلات متوسطه خود را در رشته ادبیات در دارالفنون به اتمام رسانید و از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران در رشته‌ی حقوق قضایی فارغ‌التحصیل شد. آثار وی: «زندگانی سیاسی و مذهبی عمر بن خطاب»، ترجمه؛ «سنگتراش سن پوان»، ترجمه؛ «شبگردان مخوف»، ترجمه؛ «قائم‌مقام در جهان ادب و سیاست».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۰۷، ۲۰۹۱، ۲۰۲۵، ۱۸۵۱ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷ -۸۶/ ۲).

قائم مقامی، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. تحصیلاتش را در رشته‌ی فنون نظامی به پایان رسانید و موفق به گذراندن دوره‌ی دکترای تاریخ در فرانسه شد.وی مجله‌ی «بررسی‌های تاریخی» را در ۱۳۴۵ ش تأسیس نمود که این مجله تا ۱۳۵۷ ش منتشر می‌شد. قائم‌مقامی نویسندگی و تحقیق را با انتشار مقالاتی در مجله‌ی «یادگار» آغاز نمود و مقالاتی در مجله‌های «مهر»، «سخن»، «راهنمای کتاب» و «یغما» نیز منتشر می‌کرد. وی حدود یک سال در پرتقال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گردآورد. او همچنین «منشآت و مکتوبات» قائم‌مقام فراهانی را جمع‌آوری کرد و یکی از افراد متخصص در رشته‌ی تاریخ دوره‌ی قاجاریه بود. از آثار وی: «تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران»؛ «سفرنامه‌ی دمرگان»، ترجمه؛ «تاریخ ژاندارمری ایران»؛ «ایران امروز»؛«بحرین و مسائل خلیج‌فارس»؛ «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی».[۱]

محقق.

تولد: ۱۲۹۷.

درگذشت: ۲۰ تیر ۱۳۶۰.

جهانگیر قائم‌مقاهی تحصیلات خود را در رشته‌ی فنون نظامی تمام کرد. اما سراسر دوران خدمت ارتشی را در امور فرهنگی و تحقیقاتی گذراند و توانست دوره‌ی دکترای تاریخ را در فرانسه بگذراند. وی مجله‌ی «بررسی های تاریخی» را در سال ۱۳۴۵ تأسیس نمود که خود مدت نه سال مدیر آن بود. این مجله تا سال ۱۳۵۷ منتشر شد.

قائم‌مقامی نویسنده و تحقیق را در مجله‌ی «یادگار» و به راهنمایی عباس اقبال آغاز کرد. مقالاتی که در «یادگار» انتشار داد همه در مسائل تاریخی و طوایف ایران است. مقاله‌های دیگر او در مجله‌های «بررسی های تاریخی»، «مهر»، «سخن»، «راهنمای کتاب» و «یغما» انتشار یافته است.

قائم‌مقامی نزدیک یک سال در پرتغال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گردآورد. وی قسمتی از آن مطالب را چاپ کرده است. یک قسمت از تحقیق قائم‌مقامی در جمع‌آوری منشأت و مکتوبات قائم‌مقامی فراهانی است. وی سه مجلد از نامه‌های قائم‌مقامی فراهانی را چاپ کرده است. قائم‌مقامی از محققان تاریخ قاجاریه بود.

از آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تحولات سیاسی نظام ایران از قرن یازدهم هجری تا سال ۱۳۰۱ شمسی (۱۳۲۶)؛ سفرنامه‌ی دمرگان (۱۳۳۵)؛ ناسخ التواریخ (قسمت قاجاریه، ۱۳۳۷)؛ منشئات قائم‌مقامی (۱۳۳۷)؛ بحرین و مسائل خلیج فارس (۱۳۴۱)؛ یک صد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی (۱۳۴۸)؛ اسناد تاریخی وقایع مشروطه‌ی ایران (نامه‌های ظهیرالدوله)؛ نیم قرن تمدن و فرهنگ ایران (۱۳۴۹)؛ مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی (۱۳۵۰)؛ اسناد فارسی عربی و ترکی در آرشیو پرتغال درباره‌ی هرمز و خلیج فارس (دو جلد، ۱۳۵۸ -۱۳۵۴)؛ ایران امروز (۱۳۵۴)؛ تاریخ ژاندارمری ایران (۱۳۵۵)؛ نامه‌های پراکنده‌ی قائم‌مقام فراهانی، بخش یکم (نامه‌های مربوط به جنگ‌های ایران و روسیه، ۱۳۵۷)؛ نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی (درباره‌ی معاهده‌ی صلح ترکمان چاپ و غرامات آن (۱۳۵۸).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۵، ص ۴۰۸ -۴۰۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۳، ۱۹۹۴ / ۲ ،۶۸۴، ۴۶۳ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۷-۴۴۶ / ۲).

قائم‌مقام فراهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ابوالقاسم خان فراهانی قائم‌مقام و صدارت مرحوم فتحعلی شاه قاجار که در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون می‌باشد.

مرحوم خیابانی در ج سوم ص ۲۵۴ ریحانهٔالادب گوید: قائم‌مقام- میرزا ابوالقاسم بن میرزا عیسی بن محمد حسن بن عیسی بن ابی‌الفتح بن ابی‌الخیر حسینی فراهانی تهرانی از افاضل ادباء نامی عهد فتحعلی شاه قاجار که ادیب فاضل منغی کامل شاعر ماهر مترسل دانشمند جامع کمالات صوری و معنوی و در نظم و نثر عربی و فارسی سرآمد امثال و اقران خود بوده و به (ثنائی) تخلص می‌نموده است.

از آثار قلمی اوست انشاء که حاوی مکتوبات و منشآت اوست که مرحوم حاج فرهادمیرزا آن را تدوین و به منشآت قائم‌مقام معروف و به امر اویس میرزا پسر فرهادمیرزا به طبع رسیده.

۲- جلایرنامه که مثنوی فکاهی است و بنام جلایر غلام خود به نظم درآورده ۳- الجهادیه ۴- دیباچه جهادیه صغرای پدرش میرزا عیسی ۵- دیباچه جهادیه کبرای مرحوم پدرش ۶- دیوان شعر.

از اشعار اوست این چند بیت.

گر در دو جهان کام دل و راحت جهانست

من وصل تو جویم که به از هر دو جهانست

در کیش من ایمانی اگر هست به عالم

در کفر سر زلف چو زنجیر بتانست

گر واعظ مسجد بجز این گوید مشنو

این احمق بی‌چاره چه داند حیوانست

گر مذهب اسلام همین است که او راست

حق بر طرف مغبچه درِیر مغانست

او خون دل خم خورد این خون دل خلق

باور نتوان کرد که این بهتر از آنست

آن مرحوم در سال ۱۲۵۱ قمری بدورد حیات گفته و در شهر ری در مقبره ابوالفتوح به خاک رفته است.

(۱۱۹۳- مقتول ۱۲۵۱ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به ثنایی. پدر وی از رجال سیاسی و از مفاخر علمی و ادبی ایران بود که مدتی مقام وزارت و قائم‌مقامی را به عهده داشت. میرزا ابوالقاسم پس از فوت پدر به منصب قائم‌مقامی رسید و در دربار عباس میرزا نایب‌السلطنه مصدر کارهای بزرگی شد. او پس از وفات فتحعلی‌شاه، محمدشاه را به تهران آورد و با حسن تدبیر و لیاقت خود سلطنت او را مستقر کرد و خود اقدام به سرکوب شورشها و آرام کردن اوضاع نمود. قائم‌مقام در زمینه‌های ادبی نیز صاحب استعداد بود وی به سرودن شعر می‌پرداخت.اما بیشترین شهرت او در زمینه‌ی ادبی، در نثر است تا نظم. در نوشته‌هایش از مکتب گلستان سعدی پیروی می‌نمود. نثر قائم‌مقام دارای ویژگی‌هایی از جمله: کوتاهی جمله‌ها، صراحت لهجه و ترک استعاره و همچنین آهنگین بودن جملات می‌باشد. وی سرانجام بدستور محمدشاه در باغ نگارستان به توسط اسماعیل‌خان قراچه‌داغی به قتل رسید. در شهر ری، در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی، دفن شد. از آثارش: «منشآت» قائم‌مقام؛ «دیوان» شعر؛ «جلایرنامه»؛ «الجهادیه»؛ دیباچه‌ای بر «جهادیه‌ی صغری» و «جهادیه کبری» پدرش؛ «عروضیه»؛ «شمایل خاقان»، در تاریخ.[۱]

(میرزا) ابوالقاسم بن (میرزا) عیسی قائم‌مقام فراهانی وزیر عباس میرزا و محمدشاه قاجار (و. ۱۱۹۳ ه.ق- مقت. ۱۲۵۱ ه.ق/ ۱۸۳۵ م.). وی ادیب، منشی، شاعر و در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنائی تخلص می‌کرد. در سال ۱۲۳۷ پس از وفات پدر در تبریز به وزارت عباس میرزا منصوب شد و قائم‌مقام لقب یافت. اما به سعایت گروهی از دشمنان معزول شد ولی پس از سه سال مجدداً در سال ۱۲۴۱ به وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه منصوب گردید. وی، پس از مرگ فتحعلی شاه (۱۲۵۰) وسایل حرکت محمدمیرزا و جلوس او را به تخت سلطنت فراهم کرد و خود صدراعظم ایران گردید. کوششهای بسیار وی در اصلاح امور ایران موجب حسادت عده‌ای از جمله حاجی میرزا آقاسی، میرزا مسلم خویی، میرزا نصراللّه اردبیلی گردید و آنان دسایس مختلف برانگیختند تا شاه در ۳۰ ماه صفر ۱۲۵۱ ه.ق او را به باغ نگارستان (تهران) احضار کرد و در آنجا وی را خفه کردند. جسد قائم‌مقام را در حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. وی در نثر فارسی سبکی خاص ایجاد کرده که مختصات آن از این قرار است: شیرینی بیان و عذوبت الفاظ و حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن تلفیق هر مزدوج از سجعهای زیبا که شیوه‌ی سعدی است، حذف زواید القاب و خودداری از تعریفات خسته‌کننده، ترک استشهادات مکرر شعری از تازی و پارسی مگر به ندرت که آن هم به قدری زیبا و خوش‌ادا که گویی شاعر آن شعر را فقط برای همین مورد گفته و همینطور در استدلالات قرآنی و حدیث و تمثیل، صراحت لهجه، ترک استعاره و کنایه و تشبیبات دور و دراز خسته‌کننده، اختصار و ایجاز، ظرافت و لطیفه‌پردازی که از مختصات کلام سعدی است و قائم‌مقام نیز در این باره دستی قوی داشته. مخصوصاً در آوردن لغات و مصطلحات تازه که استعمالش برای نویسندگان محافظه‌کار دشوار بلکه محال می‌نمود، دست داشت. همچنین عباراتش دارای آهنگ است و به گوش خوشایند می‌نماید. قائم‌مقام موجب تغییر سبک منشات درباری و همچنین نثر معمولی گردید. از آثار اوست: «منشات قائم‌مقام» حاوی نوشته‌ها و انشاءهای او پس از وفاتش فرهاد میرزا معتمدالدوله مجموع آنها را گردآوری کرد و آن به سال ۱۲۹۴ ه.ق به دستور اویس میرزا ابن فرهاد میرزا چاپ و منتشر گردید و بعدها مکرر به طبع رسید، جلایرنامه که مثنویی است فکاهی و انتقادی (انتقاد اوضاع درباریان و نقایص لشکری و کشوری) که آن را به نام جلایر (غلام خود) نظم کرده، و آن ضمن دیوانش چاپ شده،

مقدمه‌ی جهادیه‌ی صغرای پدرش میرزا عیسی، مقدمه‌ی جهادیه‌ی کبرای پدرش، دیوان شعر وی (شامل قصاید و قطعات و رباعیات) که با جلایرنامه بطبع رسیده. او از پیشوایان نثر ساده‌ی دوره‌ی قاجاری است و نوشته‌های وی در نثر دوره‌ی مشروطیت و زبان تخاطب مؤثر افتاده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۷۵ –۶۲ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۲ –۲۰۰ / ۴)، حدیقه الشعراء (۱۴۱۷ / ۲ ،۳۶۴ – ۳۶۱ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۸۲ –۱۹۸۱ / ۲)، الذریعه (۳۶ –۳۵ / ۲۳ ،۲۱۹ / ۱۴ ،۱۰۵۳ ،۸۵۸ ،۱۸۶ –۱۸۵ / ۹)، ریحانه (۳۹۲–۳۹۱ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۶۳ –۳۴۸ / ۳)، سفینه المحمود (۷۵ / ۱)، طرائق الحقائق (۲۷۹ –۲۷۸ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۲۰۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۵۱ –۳۴۸)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (۲۰۴ –۱۹۴ / ۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۴ –۱۴۲)، مکارم الآثار (۱۳۸۲ –۱۳۸۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۶ –۲۷۴ / ۱)، نگارستان دارا (۵۵ –۴۶).

قائم‌مقام فراهانی، عیسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۸ / ۱۲۳۷ ق)، دانشمند، ادیب و شاعر. مشهور بـه میرزا بزرگ قائم‌مقام اول. در ابتدا منشی حاج ابراهیم‌خان اعتمادالدوله‌ی شرازی صدراعظم بود. سپس در ۱۲۱۳ ق به اعتمادالدوله‌ی شیرازی صدراعظم بود. سپس در ۱۲۱۳ ق به سمت وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه و پیشکاری آذربایجان تعیین شد و به تبریز رفت.از جمله کارهای او و عباس‌میرزا فرستادن محصل و هنرآموز به انگلستان برای آموختن بعضی علوم و صنایع جدید بود. وی در تبریز به بیماری وبا درگذشت. از آثارش: «رساله‌ی جهادیه» به نامهای «احکام الجهاد و اسباب الرشاد» و «الجهادیه» که به ترتیب «الجهادیه الکبری» و «الجهادیه الصغری» است، و او آنها را از روی رساله‌های جهادیه‌ی متعددی که علمای زمان می‌نوشتند تحریر و تنظیم کرده و فرزندش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بر آنها دیباچه‌ای نگاشته است؛«دیوان» شعر؛ «اثبات النبوه الخاصه»، به زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۲۱ –۱۴۱۷ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۸۱ / ۲)، الذریعه (۸۵۸ / ۹ ،۲۹۷ / ۵ ،۱۰۱ / ۱)، ریحانه (۳۹۳ –۳۹۲ / ۴)، شرح حال رجال (۵۱۳ –۵۱۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (۸۹۲ –۸۹۱ / ۵)، مکارم الآثار (۱۰۴۱ –۱۰۴۰ / ۴)، نگارستان دارا (۱۱۸ –۱۱۳).

قائم‌مقامی، رضا قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ش)، نویسنده و مترجم. در ارتش خدمت می‌کرد. از آثار وی: «وقایع غرب ایران در جنگ اول جهانی»؛ «جنایات عشق»، ترجمه؛ «دستور اتومبیل‌رانی فرد»؛ «سه روز از زندگی ماری آنتوانت ملکه‌ی فرانسه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۰، ۲۰۴۱ –۲۰۴۰ / ۲ ،۱۴۱۴، ۱۰۵۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۱ / ۳).

قائم‌مقامی، عالمتاج

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

اسفند ۱۲۶۲– پنجم مهر ۱۳۲۵ ش. ملقب به ژاله از زنان ادیب، سخنور و هنرمند. وی در فراهان به دنیا آمد. پدرش میرزا فتح‌الله، از نوادگان پسری میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی صدر اعظم مقتول محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ –۱۲۵۰ ق) و مادرش مریم ملقب به گهر ملک بود. در پنج سالگی خواندن و نوشتن را نزد یکی از فضلای فراهان معروف به جناب، که معلم سرخانه او بود، فراگرفت و بدلیل استعداد زیاد در طول چند سال صرف و نحو، معانی و بیان، منطق، نقد شعر، مقدمات حکمت و نجوم را با شوق و علاقه وافر تحصیل کرد. تا سن پانزده سالگی به همراه خانواده‌اش در فراهان زندگی کرد و سپس به همراه پدرش به تهران مهاجرت نمود.

در سال ۱۲۷۷ یا ۱۲۷۸ ش، در سن شانزده سالگی علیرغم بی‌علاقگی، به اصرار پدرش به ازدواج یکی از خوانین بختیاری بنام علی مرادخان درآمد. تفاوت سن زیاد زن و مرد، روحیه ایلاتی مرد و بیگانه بودن او با عالم ادب و هنر موجب ناسازگاری در زندگی زناشویی آن دو از نخستین ماههای زندگی گردید. در همان سال پدر و مادر ژاله– که حامیان زندگی او بودند– فوت کردند و او مجبور بود که زندگی را با تخلی سپری کند. پس از گذشت ده سال از شروع زندگی مشترک که با گلایه و تلخکامی ژاله همراه بود همسرش نیز فوت نمود و او تا پایان عمر با تنها فرزندش (حسین پژمان بختیاری) زندگی کرد.

ژاله حافظه‌ای قوی داشت. تقریبا سراسر خمسه‌ی نظامی، دیوان امیر خسرو دهلوی، کلیات سعدی و دیوان حافظ را از حفظ داشت. وی از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت. از جمیع صنوف شعری به غزل علاقه داشت.

عشق را نیز جوهر غزل می‌دانست و چون به زعم وی زندگیش از عشق تهی بود لذا هیچگاه غزلی نسرود بلکه قصایدی به سبک خراسانی و به تقلید از ناصر خسرو و مسعود سعد سلمان گفت. وی شاعر رنجها و ناکامیهای خود و همگنان خود بود. در جریان کشف حجاب در دوره رضاشاه، ژاله همصدا با تبلیغات رسمی، به دفاع از حقوق زنان در برابر مردان برخاست. مضمون اغلب اشعارش نیز ستیز با مردسالاری و تشویق زنان به رفع عقب‌ماندگی و کسب علم و دانش است. وی از بیان مکنونات قلبی خود ابایی نداشت و در این باره شباهت زیادی به مهستی گنجوی و مهری هروی دارد.

نخستین بار در سال ۱۳۱۲ ش تعدادی از رباعیات ژاله در مجلات ادبی آن زمان و سپس در مجله ادبی یغما، چاپ و منتشر شد. وی در تهران درگذشت.

قصاید، قطعات، چامه‌ها و چکامه‌های ژاله بالغ بر نهصد و هفده بیت می‌شود که پس از مرگ وی، توسط فرزندش منتشر شد. از اشعار اوست:

گم شد جوانیم همه در جستجوی عشق

اما رهم نداد طبیعت به کوی عشق

از کبر و از غرور دل خرده‌بین من

شد بهره‌ور ز عشق ولی ز آرزوی عشق

من باغبان عشقم از آنرو که سالها

در گلشن امید نشستم به بوی عشق

معشوق ناشناس مرا ای صبا بگوی

دل می‌کشد به سوی تو یعنی به سوی عشق

آیینه گفت در رخ دوشیزه رنگ من

کاین روی دلپذیر شود آبروی عشق

شویی بزرگمرد و گرانمایه داشتم

غافل ز عشق و بی‌خبر از گفتگوی عشق

روی نکو و خوی نکو داشتم چه سود

بیگانه بود همسر خوبم ز خوی عشق

خاطرنشین به دیده او بود ای دریغ

روی نکوی ژاله نه روی نکوی عشق

شادم که بسته شد در هستی به روی من

شاید در دگر بگشایم به روی عشق

پس از مرگ همسرش نیز مرثیه‌ای چنین سرود:

به دل گفتم از دست این بختیاری

گر آسوده گردم شود بخت یارم

جمالم خریدار بسیار دارد

چرا بر به دل رنج بسیار دارم

یکی شوی فاضل گزینم که با او

دو روزی جهان را به شادی گذارم

کنون او به خاک سیه خفت و خیزد

شرار غم از روح امیدوارم

گرانمایه مردی جوانمرد شویی

به سر سایه‌ای بود از کردگارم

ندانستمش قدر و اکنون چه حاصل

گر از دیدگان اشک خونین ببارم

به گرد اندرم بهر تاراج و یغما

سبک حلقه بستند خویش و تبارم

بسی عقده بستند بر کارم اما

کسی عقده نگشود یک ره ز کارم

یکی خواند در خورد اورنگ شاهم

یکی گفت شایان سالار بارم

مرا کبر یا کیش کردند از آندر

که کوچک شود جمله دار و دیارم

نه کارم نکوتر شد آوخ نه روزم

سیه چهره‌تر شد سیه روزگارم

پدر نیست مادر نه شوهر نه اینک

به دوشی ضعیف است سنگینه بارم

پسر رفت و شومرد و هستی تبه شد

توان گفتن اکنون به کف هیچ دارم

که را گویم آخر که آن روی چون گل

چنین کرده در چشم ایام خوارم

که را گویم آخر که با جرم پاکی

فلک زیر پی سوده ناپاکوارم

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: از رابعه تا پروین، ۱۵۱ -۱۴۳؛ زنان سخنور، ۲۴۹ -۲۴۱ / ۱؛ دیوان ژاله قائم‌مقامی.

قائمی مقدم، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا قائمی مقدم

محل تولد : اسفراین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمـد رضا قائمی مقـدم فرزند محمد در بهمن ماه ۱۳۴۴ در روسـتای روئین از توابع شهرسـتان اسفراین در خراسان شمالی در خانواده ای روحانی متولـد شـدم. پـدرم را در سه سالگی از دست دادم و تحت حمایت مادرم و پدر بزرگم که روحانی و منبری محل بود بزرگ شـدم. تحصـیلات ابتـدائی و نیز آشـنایی با قرآن و عربی را در روستا گذرانـدم و تحصیلات راهنمایی را در شـهر اسفراین به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۰ برای تحصیلات حوزوی وارد قم شده و در مدرسه حقانی (شهیدین) پذیرفته شدم تا سال ۱۳۷۰ کلیه دروس سطح و نیز چنـد سالی از درس خارج را زیر نظر مـدرسه شـهیدین گذرانـدم و سپس به صورت آزاد در دروس خارج حوزه شرکت می کردم و از محضـر اساتیدی چون آیات عظام استادی، خرازی، سید کاظم حائری، سبحانی، مرحوم آیهٔ الله تبریزی و...غیره بهره می بردم. دیپلم را نیز همزمـان در طول تحصـیل گرفتم در سـال ۱۳۷۰ همزمان با دروس حوزه برای گذرانـدن تحصـیلات دانشـگاهی وارد برنـامه هـای پژوهشـگاه حوزه و دانشـگاه (دفتر همکـاری حوزه و دانشـگاه سـابق) شـدم که همزمـان با تحصـیل به کار تحقیق نیز مشـغول شـدم و در نهایت در سال ۱۳۷۹ از مقطع کارشناسـی ارشد با گرایش تاریخ و فلسـفه آموزشی و پژوهشـی فـارغ التحصـیل شـدم و هم اکنـون نیز به تحقیـق و بررسـی در حوزه تعلیم و تربیت اسـلامی به ویژه در خصوص روشـهای تربیت در قرآن کریم مشغول هستم. و همزمان مسؤلیت واحد تحقیقات و پایان نامه های جامعهٔ الزهرا(س) را بعهده دارم. دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغـات، روش تحقیق دکتر فرامرز فرا ملکی و آشـنایی بـا دوره هـای کـامپیوتر IcdL را نیز گذرانـده ام. بیشترین تـدریس بنـده در جامعـهٔ الزهرا (س) بوده است که شامـل دروس ادبیـات عرب، اخلاـق اسـلامی، درایه رجـال، روانشاسـی عمومی، اصول (طبقـهٔ اولی) الموجزئی علم الاـصول و... می شود. راهنمـایی چنـدین پایـان نامه را نیز در مرکز جهانی و جامعه الزهرا بعهـده داشته و دارم.

قائمی نیا، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا قائمی نیا

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علیرضا قائمی نیا در سال ۱۳۴۳ در شهرستان ارومیه به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در همانجا به پایان رساندم همزمان در کلاسـهای قرآنی و هیئت های مذهبی شـروع به فعالیت کردم و با شـروع انقلاب اسـلامی در سال ۵۷- ۵۶ به فعالیتهای سیاسـی روی آوردم پس از پیروزی انقلاب اسـلامی علاوه بر تحصـیلات دولتی در دبیرسـتان به تحصیلات حوزوی پرداختم و در سال ۶۱ – ۶۰ برای ادامه تحصـیلات حوزوی وارد حوزه علمیه قم شـدم و تا تحصـیلات درس خارج پیش رفتم و در دروس خارج برخی از مراجع شـرکت نمودم. همراه با تحصـیل سـطح، به صورت تخصصـی در رشـته فلسـفه در موسسه امام خمینی

(ره) شرکت کردم و در سال ۷۹ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته فلسفه شدم و پس از اندکی در رشته دکتری فلسفه در دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و اکنون به تدوین رساله دکترا اشتغال دارم. در تمام این سالها همراه با تحصیل، در مراکز مختلف حوزوی ودانشگاهی به تدریس اشتغال داشته ام و مقالات و کتابهای زیادی را تالیف نموده ام که برخی منتشر شده اند و برخی در دست انتشار می باشند. در ضمن ایشان در حال حاضر سر دبیری مجله ذهن را به عهده دارند.

قائمی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ عبدالرسول قائمی فرزند ثقه‌الاسلام مرحوم شیخ فرج‌الله دیزچه‌ای غفرالله له از مشاهیر علماء معاصر آبادان است.

وی در سوم ماه رمضان هزار و سیصد و بیست یک (۱۳۲۱ ق) متولد شده و در خدمت والدش که یکی از متوسطین اهل علم بوده پرورش یافته و پیش از بلوغ در قریه دیزچه درس مقدمات را خدمت مرحوم آقا شیخ فرج‌الله شریعت که یکی از اعلام محل بوده آموخته و در سن نوزده سالگی باصفهان آمده و سطوح فقه را در محضر حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد درب امامی و آقای آقا شیخ علی یزدی استفاده کرده و در درس خارج آیه‌الله حاج سید محمدرضا خراسانی و آیه‌الله العظمی حاج سید علی نجف‌آبادی و آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی (مقرر درس مرحوم آخوند خراسانی) استفاده نموده و در سال ۱۳۶۴ ق مشرف بمکه معظمه شد و در مراجعت از طریق کویت به آبادان وارد شده و چون عده‌ای از همراهان حجش اهل آبادان بودند چند روزی ایشانرا نگاهداشته و پذیرائی شایانی نموده و در این میان مطلع میشوند که حدود پنجهزار نفر از پیروان کسروی در آنجا هستند و بر خلاف ضروریات دین فعالیت میکنند و نسبت بمقدسات مذهبی جسارت میکنند ایشان تصمیم گرفتند چند شبی در مسجد مرحوم سید علینقی منبر رفته و مسلک کثیف و مرام باطل و مضلّه آن ملعون منحرف را بدون بردن اسم و عنوان بیان کرده تا جائیکه در مدت هشت شب پنجاه نفر از پیروان احمد کسروی توبه نمودند.

پس عده‌ای از متدینین آبادان بمرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی قدس‌الله سره نوشتند که آنکس که بتواند با این گروه گمراه مبارزه کند آقای قائمی است.

و چون ایشان متوجه نامه اهالی آبادان شدند فورا حرکت باصفهان نمودند از طرف مرحوم آیه‌الله اصفهانی جواب آمد که باید آقای قائمی در آبادان بمانند. اهالی جواب نوشتند که ایشان باصفهان رفته‌اند و آدرس او را نوشتند مرحوم آیه‌الله مستقیما به آدرس اصفهان نامه نوشتند که لازم است شما به آبادان بروید و اقامت کنید و سد گمراهان گمراه‌کننده باشید ایشان معذرت خواستند که من مشغول تحصیل و هوای آنجا هم ناسازگار است با مزاج من. نامه‌ی دوم آیه‌الله– ره– آمد که تا شما بخواهید اسلحه تهیه کنید جنگ بر علیه اسلام تمام شده لازم است به آبادان بروید. ایشان عین نامه را به آیه‌الله خراسانی ارائه دادند فرمودند حکم نموده و حکم آیه‌الله اصفهانی لازم‌الاجراء است و باید بروید، پس بر حسب امر مرجع علی‌الاطلاق شیعه آیه‌الله العظمی اصفهانی به آبادان آمده و به مبارزات دامنه داری پرداختند، از چند طریق:

۱– از طریق منبر خرافات و گفتار او را با بیان رسائی که همه عوام نیز استفاده می‌کردند تشریح می‌کرد که خرافات و مبانی او مخالف صریح قرآن مجید و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام است.

۲– مضرات سیاسی برنامه احمد کسروی را بمتصدیان و مأمورین دولت تذکر میدادند و آنها را بعواقب وخیم برنامه‌های وی متوجه مینمودند.

۳– چند نفر از متدینین را دستور دادند در تیپ آنان وارد شده و از برنامه‌های آنها و کیفیت فعالیت آنها اطلاع تا بسهولت بتوان از آنها جلوگیری نمایند.

در یکی از شبها شخص مراقب آمد و در مسجد نو آبادان محل اقامت جماعت آقای قائمی خبر داد که امشب بناست چهل نفر در فلان منزل اجتماع نموده و برنامه کشتن شما را ترتیب دهند ایشان اعتنا نکرده ولی بعد از مغرب غیر از چند نفر پیر مرد و پیر زن همه‌ی مردم بخانه‌ی مزبور حمله کرده و آنها را تنبیه و مجازات و کیفری بسزا دادند تا بعضی از آنان فرار و بخانه‌ی عربها پناه بردند و زنهای عرب با چوب بجان آنها افتاده و آنها را کوبیده و بیرون کردند.

کسروی ملعون پس از اطلاع در تهران شکایت و فعالیت کرد تا عده‌ای از مسلمانان غیور و بعضی از گمراهان پیروان کسروی را بزندان بردند و در زندان نیز تحریکاتی شده تا آن بدبختها را کتک زدند تا مأمورین اتباع کسروی را در یک اطاق گرم زندانی کردند که کشته نشوند و مسلمانان با قید کفالت آزاد شدند و طولی نکشید که بحمدالله انحراف آنان روشن و شکست عجیبی بر آنها وارد و جز معدودی همه توبه کردند و فتنه آنان خوابیده و دیگر اثری از آنان در شهرستان آبادان نیست.

سپس جریان نهضت کمونیستها پیش آمد و آقای قائمی در مقابل آنها قیام نموده و دو مرتبه مسجد ایشانرا سنگباران کردند و ایشانهم بعد از مبارزات منبری و سیاسی در مقابل آنها قیام کرد و در یکشب که ۱۴ نفر آنها قصد خرابکاری در مسجد داشتند مورد حمله مردم متدین شده و مجروحانه فرار کردند و بخواست خداوند و قیام مردانه ملت مسلمان کوبیده شدند.

در تمام قهوه خانه‌های شهرستان آبادان قمارخانه دائر بود و بهمت ایشان فعلا بحمدالله وجود ندارد و البته این پیشرفتها از توجهات حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف بود همانطور که در توقیع شریف آن حضرت است در اکمال الدین صدوق که میفرماید: (بی یدفع البلاء عن اهلی و شیعتی).

در موقع ورود ایشان در آبادان غیر از چهار مسجد خرابه کوچک متروکه بیشتر نبود ولی فعلا از اقدامات علماء فعال و مردم متدین

این شهرستان دارای ۳۳ مسجد مدرن با بهترین ساختمان و نظافت و پرجمعیت میباشد.
علماء آبادان دارای اتحاد و هم‌آهنگی عجیبی هستند و لذا مردم آن در اخوت و یگانگی و حسن معاشرت در ایران کم‌نظیر است و اکنون دوازده سالست که جلسات روزهای جمعه در مساجد این شهرستان دائر و تمام روحانیون شرکت میکنند و هر جمعه بطور سیار در یکی از مساجد است و همچنین دعاء ندبه صبح جمعه با کیفیت جالبی برگزار و ببرکت حضرت ولی‌عصر دائر و منتج نتیجه بوده و میباشد.
یکی از آثار آقای قائمی تأسیس پرورشگاه ایتام است که در سنه‌ی ۱۳۲۷ شمسی تأسیس نموده و فعلا قریب یکصد و شش نفر یتیم را تربیت نموده و چند نفری از همین ایتام از طلاب مبرز شده و در حال حاضر در بعضی از شهرستانها مشغول ترویج و اقامه جماعت هستند و برخی هم کاسب متدین شده و بعضی هم در رشته دکتری وارد و یا سخنگوی رادیو شد و چند نفری از آنها هم با زن و فرزند بمکه مشرف و ۳ نفر از آنها در دبیرستان انصاری که بدست علماء این شهرستان تأسیس شده و بهترین دبیرستانهاست فعلا مشغول تحصیل میباشند.
دیگر از آثار ایشان مدرسه‌ی علمیه است که برای طلاب و وعاظ وارد بنا نموده و تمام وسائل تابستانی و زمستانی را دارد و در محرم و صفر قریب هفتاد نفر از واردین در آنجا اقامت و استفاده میکنند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائمی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد حسن قائمی از ائمه جماعت و علماء اعلام معاصر بابل است که باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائمیان، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، نویسنده و مترجم. تحصیلات عالیه خود را در فرانسه در رشته اقتصاد گذراند. وی از دوستان نزدیک صادق هدایت بود و در ترجمه «مسخ» نوشته‌ی کافکا باوی همکاری داشت و نوشته‌های پراکنده هدایت را گردآوری کرد. در ۱۳۵۴ ش که خانه‌اش آتش گرفت بسیاری از کتابها و دست‌نوشته‌هایش سوخت و این حادثه آن چنان وی را رنجور ساخت که در بیمارستان بستری شد. از آثار وی: «آری بوف‌کور را باید سوزانید»، ترجمه؛ «داستان ویکتور هوگوی وطنی و شاهکار وی»؛ «راهنمای تلفظ کلمات انگلیسی»؛ «زبان انگلیسی پیش خود»؛ «صادق هدایت، نوشته‌ها و اندیشه‌های او»، ترجمه؛ «عبرت بودا»، ترجمه؛ «کارخانه مطلق‌سازی»، ترجمه؛ «گروه محکومین»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خودکشی صادق هدایت (۶۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۲۱، ۱۶۴۱ / ۲، ۱۳۳۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۳ – ۶۲۰ / ۲).

قائنی، حمزه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملاـ حمزه قائینی از علماء شهرستان طبس بوده وی بنابر دعوت امیر محمدحسن خان حاکم از قائن مهاجرت به طبس نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات پرداخته تا هم‌اکنون که بیت او در آنجا موجود می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مدد بن سید حسین بن سید علی مدد بن سید حسین بن میر سید حسن موسوی قائنی از علماء بزرگ و مراجع معاصر بوده است.
تولد آنجناب در (۲۱ محرم ۱۳۰۱ ه) در قریه (سیددان) قائنات واقع شده و مرحوم والدش بعد از سه سال در سنه ۱۳۰۴ ق وفات نموده و برادرش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید علی (متوفی ۱۳۴۲ قمری) وی را متکفل گردیده پس مقدمات و اولیات را از او فراگرفته و

در سال ۱۳۱۶ به قائن آمده و در مدرسه جعفریه اقامت و حدود یکسال توقف نموده و در سال ۱۳۱۷ مهاجرت به مشهد مقدس نموده و از ابحاث شیخ حسن برسی و شیخ حسن کاشی و فاضل سود خروی و فاضل بسطامی و شیخ محمدباقر نوقانی و سید میرزا محمدباقر رضوی و میرزا ابی‌القاسم معین‌الغرباء و آیت‌اللّه آقا سید علی سیستانی و شیخ اسماعیل کوه سرخهی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی و آقا سید اسداللّه قزوینی و آیت‌اللّه آقا میرزا محمد آیت‌اللّه‌زاده خراسانی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ قمری مراجعت به قائن و با دختر عموی خود ازدواج و به زیارت حضرت رضا (ع) مشرف و به زادگاه خود قریه (سیددان) برگشته و تا سال ۱۳۳۲ به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخته و در سال مزبور به تنهائی مهاجرت به عراق نموده و در نجف اشرف به درس علامه یزدی آقا سید محمدکاظم صاحب (عروه) و شیخ‌الشریعه اصفهانی و آقا شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و بالاخص آیت‌اللّه آقا میرزا محمدحسین نائینی حاضر و استفاده‌های سرشاری نموده و تقریرات وی را به رشته تحریر درآورده و متصدی تدریس سطوح عالی شده تا در سال ۱۳۷۵ قمری که به مشهد مقدس معاودت و در مسجد بالای سر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول مشغول شده تا در سال ۱۳۸۴ که به عزم زیارت به عتبات عالیات مشرف و در شب جمعه ۱۸ رمضان سال مزبور وفات و در حجره دوم صحن شریف مرتضوی قسمت شرقی مدفون شده است.

نگارنده گوید: حقیر در آنسال مشرف و در تشییع جنازه آن بزرگوار شرکت نموده و از مسجد بهبهانی جنب وادی‌السلام با حضور مراجع بزرگ مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و هزاران نفر دیگر از عموم طبقات و بالاخص فضلاء و طلاب حوزه نجف تا صحن شریف تشییع مجللی نموده و در جوار جد گرامش به خاک سپرده شدند.

آن مرحوم از آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و نائینی اجازه اجتهاد و از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و علامه سید حسن صدر و سید ابی‌تراب خونساری و میرزا محمد تهرانی عسکری و محدث قمی و سید محسن امین و علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین و علامه تهرانی صاحب (الذریعه) اجازه روایتی داشته‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن قائنی عالمی فقیه و ورع و بزرگوار از اهل خوسف از دهات قائن و بیرجند بوده است وی پس از تلمذ در نجف و مشهدالرضا به خوسف آمده و به وظائف دینی پرداخته تا حدود (۱۳۲۵) قمری که وفات نموده است کتابی در رد بابیه و کتابی در غیبت امام (زمان) (ع) نوشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قدردان قراملکی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن قدردان قراملکی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن قدردان قراملکی در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در محله قراملک تبریز دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تبریز شد ودوره مقدمات و سطح را توانست در پنج سال با موفقیت به پایان رساند. ایشان به مدت دوازده سال از دروس خارج آیات عظام شیخ جواد تبریزی در فقه و جعفر سبحانی در اصول و در فلسفه از محضر استاد جوادی آملی و آیت الله گرامی خوشه چینی کردند. وی در اولین دوره تخصصی علمی کلام مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شرکت کرده و از پایان نامه دکترای خود با امتیاز عالی ۲۰/۱۹دفاع نمود، از ایشان بیش از ده جلد کتاب و سی مقاله چاپ و منتشر شده است. کتاب «خدا و مساله شر» به عنوان کتاب سال حوزه سال ۱۳۷۸ و «قرآن و پلورالیزم» دیگر کتاب سال حوزه ۱۳۸۱ و مقاله «اسلام، قرائتها و امام خمینی (ره) » به عنوان مقاله برگزیده جشنواره مطبوعات کشور در سال ۱۳۷۸ ومقاله «پاسخهای متفاوت به ارتداد» به عنوان مقاله برگزیده اولین جشنواره مطبوعات اسلامی در رشته فقه ۱۳۸۳ برگزیده و انتخاب شد. وی استادیار هیئت علمی گروه کلام ودین پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی است.

قدسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و ادیب و خطاط، از بنیان‌گزاران فرهنگ جدید در اصفهان، در ۲۷ ذی قعده‌ی ۱۳۶۷ وفات یافته.

ماده تاریخ وفاتش را مرحوم هور گوید:

شاهد قدس، روان حسن قدسی شد

شد روانه حسن قدسی در عالم قدس

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قدسی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین زاهد قدسی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین می‌باشند که در این ظهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قدسی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد علی خوشنویس بن محمد کریم.

ادیب فاضل و شاعر، جامع فضایل و کمالات صوری و معنوی، از فرهنگیان اصفهان بود که با تأسیس مدرسه‌ی قدسیه فرهنگ جدید را در این شهر پی‌ریزی نمود.

در شب ۴ رمضان ۱۲۸۷ متولد، و در شب یکشنبه ۵ صفر سال ۱۳۶۶ وفات یافته، در تکیه‌ی تویسرکانی مدفون گردید.

از آثارش کتاب «تحفهٔ الفاطمیهٔ» و کتاب «شرعیات» جهت مدارس جدید به طبع رسیده.

مرحوم نیر در ماده تاریخ وفاتش گوید:

لما فقدت ادیبا قل لرحلته

عبدالحسین اتی فی جنهٔ القدس

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قراب سرخسی هروی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بعد از ۴۱۴ -۳۳۰ ق)، حافظ، محدث، فقیه، زاهد، مقری و ادیب. وی برادر ابویعقوب اسحاق قراب است. از منصور بن عباس و ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد بن غطریفی و ابوعمر بن حمدان و ابواحمد حاکم و مخلد بن جعفر باقرحی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن عیسی عاصمی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در بغداد نزد امام عبدالعزیز دارکی فقه آموخت. ابوعطا عبدالاعلی بن عبدالواحد ملیحی و شیخ‌الاسلام عبدالله بن محمد انصاری و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند. وی در بسیاری از علوم همچون قرائت و حدیث و فقه و معانی قرآن و ادب پیشرو و سردسته زاهدان و متألهان بود. از آثارش: «درجات التائبین و مقامات الصدیقین»؛ «الکافی فی علم القرآن»، در قراآت سبع، در چندین مجلد؛ «الجمع بین الصحیحین»، جمع بین «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم؛ کتابی در «مناقب الامام الشافعی»؛ «الشافی» در قراآت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۸۱ -۳۷۹ / ۱۷)، کشف الظنون (۱۸۳۹، ۱۳۷۹، ۱۰۲۳، ۷۴۵، ۵۹۹)، معجم المؤلفین (۲۵۶ / ۲)، هدیه العارفین (۲۰۹ / ۱).

قراجه داغی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مترجم. وی منشی سلطان جلال‌الدین میرزا، پسر فتحعلی شاه قاجار، بود و مترجم نمایشنامه‌های هفت‌گانه‌ی میرزا فتحعلی آخوندزاده از ترکی به پارسی، تحت عنوان: «تمثیلات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۲۴۱/۱).

قراچه‌داغی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۵۰ ق)، مترجم. وی با ترجمه‌ی «تمثیلات» آخوندزاده معرفی شده و از منشی‌های سلطان جلال‌الدین میرزا، پسر فتحعلی‌شاه، بود. بعد از مرگ شاهزاده در وزارت انطباعات در سمت مترجم ترکی مشغول به کار شد. وی یکی از روشنفکران دوره‌ی قاجاریه بود و با بسیاری از اهل فکر و قلم آن روزگار مراوده و مکاتبه داشت. ترجمه‌ای انگلیسی و فرانسه «تمثیلات» از روی ترجمه فارسی میرزا جعفر به چاپ رسیده است. آثار وی: «تمثیلات»، ترجمه؛ «عروس و داماد»، ترجمه؛ «تاریخ کرید»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایش در ایران (۳۶۷ -۳۶۰ / ۱)، از صبا تا نیما (۳۴۵)، دانشمندان آذربایجان (۴)، شرح حال رجال (۲۴۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۲ -۳۳۱ / ۲).

قربان زاده، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی قربان زاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی قربان زاده متولد ۱۳۵۳ ازشهرستان بابل می باشم. دیپلم خود را دررشته ریاضی فیزیک درسال ۱۳۷۴دریافت نمودم ودرسال ۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه شدم. تحصیلات حوزوی را درشهرستان بابل واز مدرسه علمیه فیضیه مازندران شروع کردم. درسال ۱۳۸۰ وارد حوزه علمیه قم شدم ودر همین سال مدرک اتمام سطح یک را دریافت نمودم و چند سال بعد درسال ۱۳۸۵ مدرک سطح دوم را دریافت کردم . درسال ۱۳۸۵سطح سه را نیزبه پایان بردم. ازسال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴ به مؤسسه فرهنگستان علوم اسلامی وارد شده، دوره آموزشی آن مؤسسه را به پا یان رسانیدم. لازم به ذکراست که فعالیت آموزشی وپژوهشی این مؤسسه درزمینه فلسفه اسلامی وبا گرایش فلسفه شدن اسلامی است. ازسال ۱۳۷۸ وارد عرصه مطبوعات شدم و تا به حا ل چهل مقاله ازاین جانب درمطبوعات اعم از هفته نامه و فصل نامه به چاپ رسیده است. درسال ۱۳۸۴ نخستین کتاب خود را با نام راز آبرومندی به چاپ رسانیدم وسپس درهمین سال به کمک دوتن ازدوستان کتاب نهضت نرم افزاری ازنگاه مقام معظم رهبری را به نگا رش درآوردیم واین کتاب درسال ۸۶ به چاپ رسید درحال حاضردردروس خارج آیات عظام مشغول میباشم.

قربانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ش)، ریاضیدان، نویسنده و مترجم. آثار وی: «جبر برای سال سوم دبیرستانها»؛ «جبر و مثلث سال ششم طبیعی»؛ «حل المسائل مکانیک»؛ «حل المسائل هندسه»؛ «رسم فنی»؛ «متمم هندسه»؛ «هندسه ترسیمی و رقومی»، ترجمه؛ «هندسه‌ی فضایی»؛ «هندسه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۲۱۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۰ -۲۷۸ / ۱).

قربانی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ زین‌العابدین قربانی از فضلاء مبلغین و افاضل نویسندگان معاصر گیلان و لاهیجانست.

وی در حدود سال ۱۳۴۸ ق در لاهیجان متولـد شـده و دروس فارسـی و مقـدمات را در آنجا خوانده و پس از آن به قم مهاجرت و سطوح فقه و اصول از اساتیـد بزرگ حوزه تکمیـل و درس فلسـفه و تفسـیر را از علامه طباطبائی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی خمینی و آیت‌اللَّه شریعتمداری و بالاخص زعیم اعظم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ها نموده و به تألیف و تدریس و تبلیغ دین و نوشتن مقالات دینی در مجله مکتب اسلام پرداخته از آثار ارزنده و تالیفات ارجدار معظم‌له کتب زیر است.
۱- اسلام و صلح جهانی ۲- به سوی جهان ابـدی ۳- بلاهـای اجتماعی قرن ما ۴- زن و انتخابـات (این دو کتـاب اخیر به همکاری آقایان علی حجتی کرمانی و محمـد شبستری و آقای عباسعلی عمیـد زنجانی و حسین حقانی نگارش یافته و کتاب اسلام و صلح جهانی به همکاری آقای حاج سید هادی خسروشاهی ترجمه شده ۵- اسلام و حقوق بشر.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قربانی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر قربانی ده برزوئی

محل تولد : ده برزو

شهرت : قربانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ اوّل فروردین سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار هجری شمسـی با سواد قرآنی و خواندن و نوشتن وارد حوزه علمیّه شدم؛ مدرسه فولاد در تربت حیدریه، صرف میر و شرح المثله را در محضـر اسـتاد شیخ حسن کلّه (قده) فرا گرفتم. کتابهای: ملامحسن، هدایه، قطرالندی و نحو را از محضـر مرحوم آقای بحر آموختم. خط را از هنر شیخ محمود هروی بهره بردم. سیوطی، مغنی، مختصر، منطق (حاشیه ملاعبدالله) و اندکی از اصول فقه مظهر و لمعه را از محضر استاد فرزانه مرحوم صدر الدین ربانی فرا گرفتم. در ضمن، کلاس پنجم ابتـدایی را به صورت شبانه آزاد همزمان خواندم. در سال ۵۷ حدود پنج ماهی زندان وکیل اندر مشـهد زندانی شده و در آنجا از محضـر برخی اساتیـد، ماننـد جناب آقای جواد منصوری مقداری از مسایل سیاسـی و اقتصادی را آموختم. در سال پنجاه وهشت که به قم آمدم ادامه اصول مظفر را از محضـر اسـتاد مصـطفی محقق داماد (جلد اول را)و اسـتاد مرحوم عمّانی (جلد دوم) را فرا گرفته و ادامه درس لمعه را هم از محضـر سرورانی، چون شمّاعی همدانی، نظری و وجدانی فخر و مقدار اندکی از آن را هم در محضـر آیت الله اشـتهاردی فرا گرفتم. بخشـی از کتابهای اصول فقه و لمعه و تفسـیر را هم از محضـر مرحوم اسـتاد محامی و عرفانی کسب فیض کردم. هم زمـان بـا درسـهای فقه و اصول برای تکمیـل مبـاحث ادبیـات و منطق چنـد صبـاحی پـای دروس منطق اسـتاد انصـاری شـیرازی و مطون اسـتاد مرحوم مـدرس افغـانی حاضـر شـدم. اسـتاد محمـد رضا حکیمی که از دیر باز مورد علاقه من بود، درسـی از کتاب الحیات را در حوزه آغاز فرمودند که بنده متأسـفانه در آن شـرکت می کردم و مطالب ارزنده ای تصـمییم می شد. درسهای اخلاق استاد و بزرگوار آیت الله مشکینی هم حال و هوای خاص خود داشت. که بنده از پای بندان به شرکت در آن بودم. بخشی از درسـهای تفسیر ایشان را هم شـرکت کردم. درس اخلاق حضـرت آیت الله بهاءالـدینی روزهای پنجشـنبه در مـدرس زیر کتابخـانه فیضـیه زمزمه محبتی بود که تـا پنجشـنبه دیگر جانم را سـرشار از طراوت می کرد. از حـدود سال ۶۰ رسایل را در محضـر اعتمادی تبریزی در شبسـتان آیت الله گلپایگانی مسـجد اعظم قم هر روز ساعت هفت صبح شرکت کردم؛ اما این درس مصادف با جنگ تحمیلی و ماجرای جانبازی بنـده شد به همین دلیل مقداری طولانی شد و تا سال حدودا ۶۴ طول کشید همزمان با این درس، درس مکـاسب را در محضـر اسـتاد گرانقـدر سـید حسن طـاهری خرم آبـادی حاضـر می شـدم تا بیع و خیارات را به پایان بردم، امّا مکاسب درس کفایتین را در محضـر اسـتاد صالحی مازندارانی رحمهٔ الله آموختم. پس از اتمام دروس سطح عالی خارج اصول را با شرکت در درس حضـرت آیت الله فاضل آغاز کردم. بخشـی از خارج اصول را هم پای درس اسـتاد فرزانه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نشسـتم، در مـدرسه امـام امیر المؤمنین، عصـرها یـک سـاعت به غروب، درس خـارج فقه؛ کتاب الطهاره و بخشـی از کتاب الصلاهٔ و کتاب القضا را(البته کتاب القضاء روزهای چهارشنبه هر هفته) در مسجد اعظم در شبستان آیت الله بروجردی(ره)از محضر حضـرت آیت الله شـیخ جواد تبریزی (ره) به مـدت هشت سال کسب فیض کردم. درس خارج فقه حضـرت آیت الله نوری همـدانی مـدظله را هم حـدود دو سـال شـرکت می کردم و بهره فراوانی بردم، به ویژه که موظف بودیم آن را بـا جمعی از دوسـتان به عربی بنویسـیم و نوشـته ها مان ارزیابی و نقد و بررسـی می شد؛ علاوه بر آن رجال سند هم به دقت تمام بررسی و جرح و تعدیل می شد. این درس در مدرسه آیت العظمی گلپایگانی خیابان ارم (در مدرس بزرگ یا مسجد مدرسه) برگزار می شد و موضوع بحث کتاب الصلاهٔ بود. و سـرانجام؛ درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی که از اواخر جلد اول کفایه، مباحث قطع و علم رجال و مباحث اصول عملیه و تاکنون که بحث تعادل و تراجیح است و هنوز مشغول به آن هستم.

قرشی، جمال‌الدین، ابوالفضل محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، دانشمند و لغوی. وی از علمای مقیم کاشغر بود. از آثارش کتاب «صراح اللغه» یا «الصراح من الصحاح» است که تلخیص و ترجمه‌ی فارسی «صحاح اللغه» جوهری است. وی این کتاب را در ۶۸۱ ق به پایان رساند، سپس ذیلی به عربی بر آن نوشت به اسم «ملحقات الصراح»، که مشتمل بر مطالب تاریخی مهمی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۵ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، ریحانه (۴۴۰ / ۱)، کشف الظنون (۱۰۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفضل)، هدیه العارفین (۱۳۴ / ۲).

قرنی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی بن العالم الجلیل مرحوم آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی منسوب بتابعی جلیل‌القدر شهید راه ولایت جناب اویس قرن رضی اللَّه عنه و رزقنا شفاعته می‌باشد. وی در سال ۱۳۳۳ ق در قریه گوگد متولد شده و پس از رشد و خواند فارسی و مقدمات در گلپایگان در سال ۱۳۵۷ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشی تکمیل نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی استفاده نموده و سپس مراجعت به قم و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده نموده و بمراتب علم و کمال رسیده و حسب الامر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی قدس اللَّه سره برای ارشاد و هدایت و نشر معارف اسلام و تبلیغ احکام به علیشاه عوض شهریار عزیمت نموده و تاکنون به اقامه جماعت در مسجد حاج حسن و خدمات دیگر اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده در فنون مختلفه می‌باشد که آنها را ذیلا می‌نگارم:

۱- سوقات سفر دو جلد مطبوع

۲- اسرار معراج دو جلد مطبوع

۳- منهاج الدموع دو جلد مطبوع

۴- منهاج‌السرور ۳ جلد دو جلد مطبوع و یک جلد آماده طبع

۵- منتهی المقال دو جلد مطبوع

۶- در المنظوم دو جلد مطبوع

۷- آینه عمر دو جلد مطبوع

۸- پیوند دو گل دو جلد مطبوع

۹- منهاج‌الجنان در دعاء دو جلد مطبوع

(تو ۱۳۳۳ ق)، عالم امامی و فقیه. نسب وی به اویس قرنی می‌رسد. در روستای گوگد گلپایگان به دنیا آمد و پس از فراگیری ادبیات فارسی و مقدمات در گلپایگان در ۱۳۵۷ ق به قم مهاجرت نمود و سطوح را در نزد آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی تکمیل نمود. پس از آن به نجف رفت و مدت سه سال از محضر آیت‌الله شیخ محمد علی کاظمینی و آیت‌الله خویی استفاده نمود. سپس به قم مراجعت کرد و از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله بروجردی و مراجع دیگر استفاده نمود. قرنی به دستور آیت‌الله بروجردی برای نشر معارف اسلامی به علیشاه عوض شهریار رفت. از آثارش: «سوقات سفر»، در دو جلد؛ «اسرار معراج»؛ «منهاج الدموع»؛ «منهاج السرور»، در چهار جلد؛ «منتهی المقال»؛ «در المنظوم»؛ «آینه عمر»؛ «پیوند دو گل»؛ «منهاج الجنان»، در دعا.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷۶ -۶۷۵ / ۴).

قرنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد قرنی گلپایگانی از علماء و فضلاء محترم حوزه علمیه قم است در شهر ورامین، وی در گوگد که در یک فرسخی گلپایگان است در حدود ۱۳۳۴ قمری متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در حوزه مرحوم آیت‌اللَّه وحید به قم عزیمت نموده و متون فقه و اصول را از آیت‌اللَّه گلپایگانی و غیره تکمیل و بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر شده و از خرمن علوم آنان کامیاب گردیده تا حسب الامر حضرت آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی بشهر ورامین اعزام و اکنون چند سالیست که در آن رحل اقامت افکنده و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند.

و ناگفته نماند که ایشان با حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ علی قرنی صاحب تألیفات عدیده مطبوعه مقیم علیشاه عوض پسر عمو و منسوب

بتابعی جلیل القدر زاهد حقیقی و شهید راه علوی جناب اویس قرن رضی اللّه عنه که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله اشتیاق ملاقات او را می‌نمود می‌باشند.

در حال حاضر بیش از بیست نفر از شهر ورامین و حومه آن در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند که از مشاهیر آنهاست جناب حجهْالاسلام آقای حاج شیخ احمد علی باغ خواصی ورامینی که بیش از سی سالست در قم سکونت دارد و بفضل و تقوا و حسن اعمال و اخلاق موصوف و معروف می‌باشند. وی در یکی از مساجد قم اقامه جماعت و تبلیغ دین نموده و از محضر آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی منحصراً استفاده نموده و می‌نماید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قریب گرکانی، عبدالعظیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۴ –۱۲۵۸ ش)، ادیب، مدرس، نویسنده و شاعر. وی در قریه‌ی گرکان تفرش از توابع اراک به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را در زادگاه خود در خانه‌ی پدر آموخت. در ۱۳۱۱ ق به تهران آمد و زبان و ادبیات عرب و ریاضی را نزد برادر بزرگش، میرزا غلامرضا، تکمیل کرد. بعد «مطول» را در محضر شیخ باقر تهرانی، قوانین و شرح «مطالع» و هئیت و نجوم را نزد سید محمد جواد قاهانی، علم اصول را در مدرسه‌ی حاج ابوالحسن از سید محمد جمارانی، منطق و حکمت را در مدرسه سپهسالار جدید در محضر میراز طاهر تنکابنی و زبان فرانسه را در مدرسه‌ی دارالفنون آموخت و بعد وارد خدمت وزارت معارف شد و در مدرسه‌ی علمیه که تنها آموزشگاه به طرز جدید بود و در مدرسه‌ی نظام به تدریس پرداخت. از جمله شاگردانش محمد تقی‌خان پسیان شهید و برادر و پسر عمویش، سلطان غلامرضاخان، علیقلی‌خان بودند. وی چندی در مدرسه‌ی دارالفنون و سپس در دانشسرای عالی به تدریس اشتغال داشت. قریب در مقام استادی، در دانشکده‌ی ادبیات تهران، تدریس زبان و ادبیات فارسی را عهده‌دار بود. از جمله آثارش: «بدایه الادب»؛ «بدیع»؛ تصحیح «کلیله و دمه»؛ تصحیح «گلستان»؛ تصحیح «تاریخ برامکه»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «قواعد فارسی در صرف و نحو»؛ «فوائد الادب»؛ «قرائت فارسی»؛ «سخنان شیوا»؛ «کتاب املاء»؛ «دیوان» شعر.[۱]

(بخش ۱) عبدالعظیم، ادیب و استاد دانشگاه تهران (و. گرگان ۱۲۵۷– ف. تهران ۳ فروردین ۱۳۴۴ ه.ش) وی قریب ۶۷ سال به تدریس زبان و ادب فارسی مشغول بود. از آثار اوست: قواعد فارسی (صرف و نحو فارسی، ۳ جلد)، دستور زبان فارسی (۴ جلد)، دستور زبان فارسی به همراهی چهار استاد دیگر (۲ جلد)، بدایهْالادب، فوایدالادب (۶ جلد)، کتاب املاء (۳ جلد)، قرائت فارسی (با همکاری چند تن از فاضلان) ۲ جلد، کتاب فارسی (از انتشارات مؤسسه‌ی وعظ و خطابه)، تصحیح کلیله و دمنه‌ی نصراللّه بن عبدالحمید (که مکرر بطبع رسیده)، تصحیح گلستان سعدی با مقدمه‌ی مشروح، تصحیح بوستان سعدی، تصحیح تاریخ برامکه به ضمیمه‌ی رساله‌ای در احوال برمکیان. وی به سبب زمین خوردن دچار شکستگی استخوان پای چپ شد و بستری گردید و به سبب کهولت و ناراحتی ناشی از شکستگی پا و عمل جراحی به تدریج قوایش به تحلیل رفت و در نتیجه به رحمت ایزدی پیوست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۵۶ –۱۵۴)، الذریعه (۸۸۱ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۰ –۱۶۸ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۸۱۱ –۲۸۰۸ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۴۳)، گلزار معانی (۵۴۲ –۵۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۶ –۸۷۲ / ۳)، یغما (س ۱۸، ش ۱، ص ۵۱ –۴۹).

قریب، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۵ مهر ۱۳۶۶.

ایرج قریب به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی تلسط داشت و وقوف او نسبت به ادبیات جهان از او مردی آگاه ساخته بود. در رادیو نیز به کار اشتغال داشت. پیش از این در امور مطبوعاتی نیز فعالیت داشت. در سالهای پیش از درگذشت، به ترجمه کتاب اشتغال داشت. از آثار اوست: اسکندر کبیر (جان گونتر، ۱۳۳۹).

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قریب، بدرالزمان

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

استاد بدرالزمان قریب در سال ۱۳۰۸ ، در تهران به دنیا آمد. پس از اخذ مدرک لیسانس زبان وادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل در رشته زبان شناسی به دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا راه یافت و در گروه زبان شناسی و مطالعات شرقی ، بـه دریافت درجه ی فوق لیسانس نایل آمد. خانم قریب پس از مدتی با استفاده از بورس شاگردان اول به دانشگاه

کالیفرنیایی برکلی وارد شدو به تکمیل معلوماتش افزود و بالاخره مدرک دکتری زبان های باستان را در سال ۱۳۴۳ از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد. او پس از بازگشت به ایران به عنوان استادیار در دانشگاه شیراز به فعالیت آموزشی مشغول شد.در سال ۱۳۵۰ به دانشگاه تهران منتقل گردید و در آن دانشگاه به مقام استادی نائل آمد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان های باستانی

والدین و انساب : نام پدر بدرالزمان قریب ضیاءالدین و مادرش ضیاءالملوک نواده شمس العلما قریب از عالمان و شاعران به نام بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : بدرالزمان قریب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه ژاندارک طی کرد. پس از آن وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۶ موفق به دریافت مدرک لیسانس زبان وادبیات فارسی گردید. او در سال ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل در رشته زبان شناسی به دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا راه یافت و در سال ۱۳۴۲ ، در گروه زبان شناسی و مطالعات شرقی ، به دریافت درجه ی فوق لیسانس نایل آمد. خانم قریب پس از مدتی با استفاده از بورس شاگردان اول به دانشگاه کالیفرنیایی برکلی وارد شد و با راهنمایی «پرفسور «هنینگ»و پرفسور «مارک درسدن» به تحقیق پرداخت و در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ درجه دکتری از دانشگاه پنسیلوانیا شد.

استادان و مربیان : بدرالزمان قریب در دوران تحصیلات عالیه از محضر استادانی چون بدیع الزمان فروزانفر ، دکتر محمد معین ، استاد جلال الدین همایی ، مدرس رضوی ، ابراهیم پورداود ، دکتر پرویز ناتل خانلری ، دکتر احسان یارشاطر و دکتر صادق کیاء بهره وافر برد. همچنین وی در برکلی نزد پرفسور هنینگ به تحقیق پرداخت و پایان نامه دکتری خود را تحت عنوان « تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی » با راهنمایی پرفسور مارک درسدن تکمیل کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از جمله مشاغل بدرالزمان قریب ،همکاری با بنیاد فرهنگ ایران و دانشگاه میشیگان به عنوان پژوهشگر بوده است. دکتر قریب هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد.

فعالیتهای آموزشی : بدرالزمان قریب پس از اخذ مدرک دکترا از دانشگاه پنسیلوانیا ، در سال ۱۳۴۴ به ایران بازگشت و با عنوان استادیار در دانشگاه شیراز به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۵۰ به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتقل گردید، و در گروه زبان شناسی و فرهنگ و زبان های باستانی این دانشکده با عنوان دانشیار و بعد استاد مشغول فعالیت های آموزشی گردید. او همچنین به عنوان استاد مدعو ، با دانشگاه هاروارد و یوتای آمریکا نیز همکاری نموده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از بدرالزمان قریب تاکنون دوازده مقاله به زبان فارسی ، چهار مقاله به زبان انگلیسی و یک مقاله به زبان فرانسه به چاپ رسیده است که از این تعداد ، ده مقاله درباره زبان سغدی است. همچنین ایراد سخنرانی درباره زبان سغدی ، در کنگره های بین المللی در سال های ۷۶-۱۳۷۵ از جمله فعالیت های علمی وی می باشد. بدرالزمان قریب از هنر شاعری نیز بهره مند است و برخی از اشاعر او در گزینه ها و جنگ های شعر به ثبت رسیده اما هنوز در مجموعه ی منتشر نشده است.

آرا و گرایشهای خاص : بدرالزمان قریب در شعر سبک اساتید کهن را برگزید و به راه آنان رفت و در انواع شعر از قصیده ، غزل ، مثنوی ، دوبیتی و رباعی طبع آزمایی کرده است.

جوائز و نشانها : دو کتاب از آثار بدرالزمان قریب به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شده اند. از جمله کتاب فرهنگ زبان سغدی در سال ۱۳۷۴ و کتاب زبان های خاموش که در سال ۱۳۶۵ منتشر شده است. ---

آثار :

۱ تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی

ویژگی اثر : این کتاب به زبان انگلیسی در سال ۱۹۶۵ منتشر شد-مؤسس ?میکرو فیلم دانشگاهی آن اوبر ـ میشیگان

۲ ریشه های ایرانی باستان در سغدی

ویژگی اثر : مقاله-اکتاایرانیکا ۴، یادنامهٔ ینبرگ، ۱۹۷۵.

۳ زبان های خاموش

ویژگی اثر : این کتاب با همکاری دکتر یدالله ثمره ترجمه گردید و در سال ۱۳۶۵ منتشر شد.-این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد-آشنایی با کتاب «زبان‌های خاموش» کتاب «زبان‌های خاموش»، سرگذشت کوششها و تلاشهای پیگیر و توان‌فرسای دانشمندان را در حل معمای خطوط باستانی بازگو می‌کند و ما را با دقت‌نظر و روشهای علمی و نظام‌یافتهٔ آنان در رمزگشایی این خطوط و نیز تحلیل علمی زبانهای باستانی آشنا می‌سازد. این کتاب در چهار فصل تنظیم گردیده است. در بخش اول، از رمزگشایی خطوط کهن خاور نزدیک از جمله: خط تصویرنگار هیروگلیف مصری، خطوط بین‌النهرین، انواع خطوط میخی بویژه خط میخی فارسی باستان که به گونه‌ای الفبایی بوده و نشانگر تحول شایان توجهی در تاریخ خط میخی است، به تفصیل سخن رفته است. در بخش دوم؛ رمزگشایی دیگر خطوط و زبانهای باستانی از جمله: آسیای صغیر، شمال آفریقا، سوریه، لبنان، فلسطین و نیز زبانهای ناشناختهٔ ایتالیا مورد بحث قرار گرفته است و در بخش سوم؛ اصول و روشهای علمی رمزگشایی خطوط ناخوانده و زبانهای ناشناخته معرفی می‌شود و سرانجام در بخش چهارم؛ چند نمونه از خطوطی که هنوز رمزگشایی نشده‌اند و نیز تلاشهای دانشمندان برای رمزگشایی آنها ارائه می‌شود. پاره‌ای از اطلاعات سودمند دربارهٔ اقوام، اشخاص، مکانها و نیز بعضی مآخذ جدیدتر و آگاهیهای دقیقتر توسط مترجمان به صورت پانوشت با ذکر منبع در پایان کتاب اضافه شده است

۴ طلسم باران به زبان سغدی

ویژگی اثر : مقاله–نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان ۱۳۴۸.

۵ فرهنگ زبان سغدی

ویژگی اثر : این فرهنگ سغدی–فارسی– انگلیسی در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فرهنگ سغدی»: فرهنگ سغدی (سغدی– فارسی– انگلیسی)، بدرالزمان قریب، تهران: فرهنگان، ۱۳۷۴. زبان سغدی از شاخ ?زبانهای ایرانی میان ?شرقی است که از قرن اول تا سیزدهم میلادی در گستر ?جغرافیایی عظیمی، از دریای سیاه تا چین، مردمانی ایرانی تبار بدان تکلم می کردند. این شاخه گروه های مختلفی را در برمی گیرد و از نظر تنوع و حجم ادبیات مهمترین زبان ایرانی میان ?شرقی است. مؤلف این کتاب از بیست سال پیش به گردآوری واژه های سغدی همت گمارده است و حاصل این تلاش، فرهنگی غنی و جامع است که دانشمندان و پژوهشگران می توانند از آن بهره مند شوند. این فرهنگ از دو مقول ?فارسی و انگلیسی و سه بخش تشکیل شده که این سه بخش عبارتند از: بخش اصلی، واژه یاب فارسی، واژه یاب انگلیسی

۶ قانون هم وزنی مصوت ها در زبان سغدی

ویژگی اثر : مقاله–مجله دانشکده ادبیات، ۱۳۵۵.

۷ کتیبه تازه یافته خشایارشاه

ویژگی اثر : مقاله– نشری ?فرهنگ ایران باستان، ۱۳۴۶فمجلهٔ دانشکده ادبیات، ۱۳۴۷،مجلهٔ ایرانیکا آنتیکو، ۱۹۶۷ (انگلیسی)

۸ کشف کتیبه پهلوی در چین

ویژگی اثر : مقاله –مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۱۳۶۴

۹ مآخذ و مدارک پیرامون سرزمین سغد

ویژگی اثر : مقاله–مجل ?بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۹، (انگلیسی)

۱۰ مرز زبانی فارسی باستان و سغدی

ویژگی اثر : مقاله–یادنامهٔ ژان دومنانس، ۱۹۶۹، (انگلیسی)

۱۱ وسنتره جاتکه

ویژگی اثر : داستان تولد بودا به روایت سغدی است که در سال ۱۳۷۱ منتشر شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :۱www.ketabesal.ir۲برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور (از اولین سال برگزاری مراسم تا انتهای برنامه پنجساله) ، ناشر : دفتر شورای جذب نخبگان نهاد ریاست جمهوری ، ص ۱۶۵۳زنان فرهنگساز ایران و جهان ، تالیف: پوران فرخزاد ، ج ۲ ، تهران: انتشارات زریاب ،ص ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷۴سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سیدمحمدباقر برقعی ، قم: انتشارات خرم ، ص ۴۹۲

قریب، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی علوم سیاسی به پایان برد و از دانشکده‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: رایزنی سفارت ایران در پاریس، معاون اداره‌ی حقوقی در وزارت دارایی، رایزنی سفارت ایران در قاهره، ریاست اداره‌ی اول و پنجم سیاسی در مرکز بود. آثار وی: «بنده‌ی فراری»، ترجمه‌؛ «تاریخ سرگذشت بزرگترین سلاطین هخامنشی ایران سیروس یا کورش کبیر»، ترجمه.[۱]

فرزند محمدحسین شمس‌العلماء گرگانی، در ۱۲۷۰ در تهران متولد شد. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و از آنجا فارغ‌التحصیل گردید. در ۱۲۹۳ ش به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و طی خدمت طولانی خود در آن وزارتخانه که قریب نیم قرن طول کشید، مشاغل مختلفی را احراز کرد. چندی در قاهره نایب اول و مستشار و بعد کاردار شد. در سفارت ایران در فرانسه با سمت وزیرمختار، کاردار بود. مدتی مدیریت کل وزارت امور خارجه را بر عهده داشت، سرانجام به سفارت ایران در عربستان سعودی منصوب شد. وفات او در ۱۳۶۵ در تهران در سن ۹۵ سالگی اتفاق افتاد. چند ترجمه از او باقی مانده مانند بنده‌ی فراری اثر جرجی زیدان. قریب یک پسر و سه دختر از خود باقی گذاشت. شمس‌الدین قریب در وزارت امور خارجه به مقام کارداری و مستشاری رسید ولی در میانسالی درگذشت. از بین دختران وی، بدرالزمان قریب در رشته‌ی زبانشناسی و زبانهای باستانی، از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا درجه‌ی دکترا گرفت. چندی در دانشگاه شیراز و سپس در دانشگاه تهران به تدریس زبانهای ایران باستان مشغول شد. دو دختر دیگر وی به نام فخری و مهری، تحصیلات عالیه خود را به اتمام رسانیده در مشاغل فرهنگی خدماتی عرضه داشتند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۱۲، ۵۱۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۴ –۵۷۳ / ۳).

قریشی کوه کمره ای، عبداللطیف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای

محل تولد : کوه کمره

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای فرزند سید علی اکبر فرزند سید جلیل فرزند سید حسین در تاریخ ۱۴ صفر الخیر سال ۱۳۵۰ برابر با ۱۳۱۰ ش در روستای « کوه کمر» در بیت سیادت و معنویت به دنیا آمد. نسب شریفش از طریق سیّد تاج الدین حسن معروف به « سید حسن بابا » صاحب آرامگاه معروف در روستای کوه کمر به امام زین العابدین حضرت سید الساجدین علیه السلام می رسد. علوم مقدماتی را از عالم زاهد آقا میر رسول بن سید عبد الله کوه کمری فرا گرفت و سپس درمعیت پدرش به شهرستان خوی مهاجرت نمود و در مدرسه نمازی سکونت نمود و آنگاه در پیش استادانی همچون : حاج میر علی محدث (مطول)، حاج شیخ جابر فاضلی خویی، حاج شیخ علی مجتهدی خویی، عالم زاهد حاج شیخ حبیب فیاضی خویی، حاج شیخ ابوالفتح خویی (حاشیه و معالم)، آیت الله شیخ صادق خویی (قوانین و رسائل) و آیت الله سید ابراهیم علوی خویی به تحصیل دروس حوزوی همّت گماشت و پس از آن به شهر عش آل محمّد علیهم السلام مهاجرت نمود و دروس فقه اصول و درس خارج را از محضر فرزانگان حوزه علمیّه قم مانند : آیت الله شیخ محمد مجاهدی تبریزی، آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی، علامه سید محمد حسین قاضی طباطبایی، آیت الله سید حسن حجت، آیت الله سید محسن حجت، آیت الله شیخ احمد کافی الملکی (رسائل و مکاسب)، آیت الله شیخ عبد الرحیم مدرس تبریزی (رسائل و مکاسب و کلام)، آیت الله سید حسین مشهور به « حاج آقا حسین بروجردی »، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله حاج سید روح الله خمینی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی فرا گرفت و خود به تحقیق و تالیف پرداخت.

قریشی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۳۱۲.

درگذشت: ۲۶ مرداد ۱۳۶۵.

مهدی قریشی دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته‌ی تمدن و فرهنگ دوره‌ی اسلامی از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران بود.

او در خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۴ شروع کرد و به طور آزاد برای مطبوعات مطلب می‌نوشت. طی فعالیت مطبوعاتی خود با روزنامه‌های «اطلاعات»، «پست تهران»، مجله‌ی «سینما»، «سایه‌ها»، «ستاره سینما»، «سپید و سیاه» و ماهنامه «مردم» به عنوان نویسنده و بیشتر در زمینه‌ی مسائل هنری همکاری داشت و چندی نیز سردبیر «پست تهران سینمایی» بود.

وی پس از رها کردن فعالیت مطبوعاتی به ترتیب به عنوان کارشناس اداره‌ی هنرهای زیبا و معاون رییس اداره‌ی هنرهای دراماتیک مشغول به کار بود. آخرین سمت او بعد از وقوع انقلاب اسلامی، مدیریت کل اداره‌ی رایزنی‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر بود. مهدی قریشی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

از تألیفات او می‌توان از ترجمه‌ی پشت پرده‌ی یمن رنجدیده نام برد.

مهدی قریشی بر اثر بیماری سرطان در بیست و ششم سال ۱۳۵۶ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قزوینی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مولی آغا قزوینی از افاضل خطباء کربلاء بوده و در خطابه ید طولائی داشته و قبل از ۱۳۰۰ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی اصفهانی، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد سـید محمّـد باقر موسوی، از احفاد سـید عبـداللّه مدفون در حوالی قزوین. در حدود سال ۱۲۴۵ متولّد، و در خدمت میرزای بزرگ شیرازی، و آقا سید محمّد فشارکی، و حاج سید اسماعیل صدر تحصیل نموده، و به امر ایشان جهت ترویج دین و نشر احکام به حیدر آباد هند مسافرت نموده و در آنجا شب جمعه دهم ذی قعدهٔ الحرام سال ۱۳۲۷ وفات یافته، و هم آنجا مدفون گردید.

کتب خویش را به دستور استاد اخلاقی خود حاج ملّا فتحعلی عراقی به آب انـداخته و از بین برده است، آنچه باقی مانـده تقریرات فقهیّه اوست.

فرزندش سید حسن نیز از علمای ازکیا بوده، در ذی قعده سال ۱۳۶۵ در حیدر آباد وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی حلی، ابوموسی، ابوالهادی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ / ۱۲۹۷ -۱۲۵۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، کاتب، ادیب لغوی و شاعر. در حله به دنیا آمـد. جد مادری‌اش شـیخ علی بن جعفر کاشف الغطاء است. در مقـدمات شاگرد پـدرش، سـید مهدی بود. آن‌گاه به نجف رفت و فقه را در محضـر دایی‌هایش شـیخ مهدی و شـیخ جعفر، فرزندان علی بن جعفر کاشف الغطاء، و اصول را در محضـر شـیخ مرتضـی انصاری و ملا محمد فاضل ایروانی فراگرفت.. پس از فراگیری فقه و اصول و فلسـفه و حکمت و تاریخ و لغت به حله بازگشت و در کنار پدرش به امور دینی پرداخت و در نزد او به تکمیل تحصیلات مشغول شد تا از وی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. او به نوبه‌ی خود مجلس درسی بنا نهاد و شاگردانی تربیت کرد. در حله درگـذشت و پیکرش به نجف منتقل شد و در صـحن شـریف دفن گشت. در سوک او بیست و دو شاعر بزرگ عرب مرثیه سـرودند و سـید حیدر حلی تمام آنها را در کتابی به نام «الاحزان فی خیر انسان»، گردآوری کرده است. از آثار وی: کتاب «اشراقات»، در منطق؛ «التلویحات الغرویه»، در اصول فقه، با عنوان مختصر «تلویح- تلویح».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :اعیان الشـعیه (۱۸۸ / ۴)، الـذریعه (۴۳۰ / ۴)، ریحـانه (۴۴۸ / ۴)، طبقـات اعلام الشـیعه (قرن ۲۷۱ -۲۶۹ / ۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (۱۵۱ / ۳)،مکارم الآثار (۱۴۲۷ -۱۴۲۵ / ۴).

قزوینی رازی، نصیرالدین، ابوالرشید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س شـشم ق)، عالم امامی و واعظ. اصل وی از قزوین و ساکن شـهر ری بود. او از دانشـمندان بزرگ شـیعه و در زمان خود در بین اقران ممتاز بود. در عصـر او یکی از غلاه اهل تسـنن و نواصب نواحی ری مجموعه‌ای در در مذهب شـیعه نگاشت. علمای شـیعه در آن وقت همگی اذعـان داشـتند که جوابگویی به آن شایسـته عبـدالجلیل قزوینی است. از آثار وی: کتاب «بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایـح الروافض»یا «کتاب النقض» یا «نقض الفضائح»، به فارسـی، که آن را به دسـتور سـید مرتضـی کبیر شـریف‌الدین محمد بن علی دیباجی در ۵۵۶ ق نوشـته و آن را به نام صاحب الزمان (ع) آغاز کرده است؛ «البراهین»، در امامت امیرالمؤمنین (ع)؛ «السؤالات و الجوابات»، در هفت مجلد؛ «مفتاح التذکیر» یا «مفتاح الراحات فی فنون الحکایات»؛ «تنزیه عایشه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۱۲۵)، الذریعه (۲۸۴ -۲۸۳ / ۲۴ ،۳۳۰، ۳۲۲ / ۲۱ ،۲۵۱ / ۱۲ ،۴۵۷ / ۴ ،۱۳۰، ۷۸ / ۳)، ریاض العلماء (۷۳ / -۷۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۵ -۱۵۴/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۲۹).

قزوینی شیرازی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، عالم امامی، واعظ و فقیه اصولی. وی به سـبب مهارت در اصول به اصولی مشهور بود. اصل وی از قزوین است که در پی تحصـیل علم به عتبات رفت و در کربلا سـکنی گزید و حائری نیز نامیده شد. از محضـر آقا محمد باقر وحید بهبهانی استفاده نمود و از او و از سـید بحرالعلوم به دریافت اجازه نایل شد. وی علاوه بر تحصـیل به تجارت نیز می‌پرداخت، در پی تجارت به بصره و از آنجا به شـیراز رفت و در آنجا ساکن شد و در مسجد نو به امامت جماعت پرداخت و تدریس و همچنین وعظ نیز می‌کرد و در طی آن به امر تجـارت نیز مشـغول بود. فرزنـدش، حـاج محمـد حسـین، و حاج علی‌اکبر نواب بسـمل و آقا لطفعلی فگار شـیرازی از شاگردان او هسـتند. در شیراز درگذشت و جنازه‌اش را به عتبات بردند و در کربلا در رواق، پایین پای شهدا، در جوار استادش، آقا محمـد باقر بهبهانی، دفن کردند. از آثار وی: «مصابیح الهدایه»، در شـرح «بدایه الهدایه» شـیخ حر عاملی، در فقه؛ «کشف الغطاء عن

وجوه مراسم الاهتداء»، در اخلاق که مورد قبول اخلاقی بزرگ ملا حسینقلی همدانی بوده و به تمام شاگردانش رجوع به این کتاب را سفارش می‌کرده؛ «ریاض الشهاده و کنوز السعاده فی مناقب الساده و مصائب الغرر المیامین القاده»، مقتل فارسی، و مختصر آن به نام «نورالعیون»؛ «ملخص الفوائد السنیه و منتخب الفرائد الحسنیه»، در تلخیص کتاب «الفوائد الحائریه» استادش آقا محمد باقر بهبهانی، و این ملخص را شرح کرده و آن را « تنقیح المقاصد الاصولیه» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۳ / ۶)، اعیان الشیعه (۱۷۸ / ۹)، ایضاح المکنون (۶۰۱، ۳۱۸ / ۱)، الذریعه (۳۷۴ / ۲۴، ۲۱۰ -۲۰۹ / ۲۲ ، ۹۳ -۹۲ / ۲۱ ، ۴۶ -۴۵ / ۱۸ ، ۳۲۸ / ۱۱ ، ۴۶۵ / ۴)،روضات الجنات (۲۹۶ -۲۹۵ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۵۵ -۳۵۴ / ۱۳)، طرائق الحقائق (۳۴۳ -۳۴۰ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۴، ۱۱۱۹، ۱۱۱۵، ۹۴۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۳ / ۹)، مکارم الآثار (۱۱۰۲ -۱۰۹۹ / ۴)، هدیه العارفین (۳۵۷ / ۲).

قزوینی قمی، زکریا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سامره خدمت حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی قدس سره تحصیل و تلمذ نموده بود و به طوری که شنیده‌ام از معظم له اجازه اجتهاد داشته پس از آن به قم اقامت و مشغول ترویج شرع و امامت جماعت و منبر شد. تا در قم مرحوم و مدفون گردید. آن مرحوم ابوالزوجه مرحوم آیهٔاللّه آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قزوینی قوام الدین، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۰ / ۱۱۴۹ / ۱۱۴۰ ق)، عالم امامی، فقیه، قاضی، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا قوام‌الدین. وی از شاگردان و خواص شیخ جعفر کمره‌ای اصفهانی قاضی و در ۱۱۰۷ ق از علامه مجلسی به دریافت اجازه نایل شد. او مهارت بسیاری در سرودن شعر داشت و کتابهای چندی را به نظم کشید و قصائد و مقطعات در درود بر پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) و اشعار زیادی در مراثی از خود به یادگار گذاشت. او به هنگام بازگشت از مکه درگذشت. از آثار وی: نظم «اللمعه الدمشقیه»، به نام «التحفه القومیه فی فقه الامامیه»؛ «ارجوزه فی الحساب» به نام «نظم الحساب»، نظم «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الاسطرلاب»، نظم «صحیفه الاسطرلاب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی اصول الفقه»، نظم «زبده‌ی» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الطب»، به نام «مفرح القوام»؛ «منظومه البیان»، ارجوزه‌ای در علم بیان؛ «ارجوزه فی التجوید»، که نظم «الشاطبیه» است؛ «ارجوزه فی النحو»، به نام «الصافیه»، که نظم «الکافیه» ابن‌حاجب است؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۷۴ / ۱۰، ۴۱۲ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۱ / ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۶)، تذکره المعاصرین (۱۲۱ -۱۱۹، ۴۶)، الذریعه (۲۱۰ -۲۰۹ / ۲۴، ۴۸۷ / ۹ ، ۲۲۵ / ۷ ، ۴۶۲ / ۳ ، ۵۰۴ ، ۴۹۰ ، ۴۸۵ -۴۸۴ ، ۴۸۲ ، ۴۷۲ -۴۷۱ ، ۴۶۴ ، ۴۶۱ ، ۴۵۵ ، ۴۵۲ / ۱)، ریحانه (۴۹۳ -۴۹۲ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۵۰)، فوائد الرضویه (۶۲۲-۶۲۱)، الکنی و الالقاب (۹۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قوام‌الدین)، معجم المؤلفین (۳۰۴ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۲۱).

قزوینی گیلانی، شمس‌الدین محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۸۸ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ساعی. معروف به نسیم‌شمال. او در قزوین متولد شد. خواندن و نوشتن را نزد شیخ عبدالرحیم قزوینی فراگرفت. مقدمات صرف و نحو و منطق و بیان تا سطوح را از محضر ملا علی طارمی و ملا محمدعلی برغانی صالحی در مدرسه‌ی صالحیه‌ی قزوین آموخت و در حدود سال ۱۳۰۵ ق به عتبات رفت. در کربلا از حوزه‌ی علمی میرزا علامه‌ی برغانی صالحی و میرزا علینقی برغانی صالحی سالها بهره گرفت. در حدود سال ۱۳۱۰ ق به قزوین بازگشت و در زنجان ساکن شد. عرفان و حکمت و ریاضیات را نزد میرزا ابراهیم مسگر زنجانی آموخت بعد به تبریز رفت و در حدود سال ۱۳۱۳ ق به قزوین مراجعت کرد و در مدرسه‌ی صالحیه مشغول تعلم و تعلم شد. در این مدرسه با افکار آزادیخواهان آشنا شد. در سال ۱۳۱۶ ق برای بار دوم عازم کربلا شد و به حوزه‌ی درس استاد خود میرزاعلی برغانی ملحق گردید. با سابقه‌ی ذهنی که داشت مبارزات سیاسی خود را در کربلا فعالانه آغاز کرد. سپس به ایران بازگشت و در رشت به شغل کتابت پرداخت و روزنامه‌ی «نسیم شمال» را از سال ۱۳۲۵ ق تا انحلال مشروطه‌ی اول به طور غیرمرتب انتشار داد. وی در گیرودار کشاکش میان مشروطه‌خواهان به محمدعلی شاه و اطرافیانش در اشعاری که می‌سرود و در روزنامه‌اش چاپ می‌کرد، از زشتکاریهای شاه و طرفداران سلطنت مطلقه به شدت

انتقاد می‌کرد و آنان را به باد مسخره می‌گرفت. با فتح تهران و غلبه‌ی آزادیخواهان به تهران آمد و با کمک مادی و معنوی محمد ولی‌خان سپهسالار در سال ۱۳۲۷ ق انتشار «نسیم شمال» را ادامه داد. از آنجا که روزنامه جنبه‌ی فکاهی و طنزآمیز داشت، بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت و او شهرت زیادی کسب کرد. در شعر زبان محاوره را برگزید و ضمن فکاهی بودن، جنبه‌ی طنزآمیز و انتقادی داشت. در حقیقت سید اشرف‌الدین در نظم فارسی راهی گشود که تا قبل از او کمتر به آن توجه داشتند. گویا در اواخر عمر به جنون مبتلا شد و دستاویزی شد تا او را به تیمارستان انداختند. نسیم شمال در فقر و تنگدستی درگذشت. اشعار وی بیش از بیست هزار بیت است که خود او شماری از آنها را در دفتری که «باغ بهشت» نام دارد، جداگانه منتشر کرده است. از دیگر آثارش: «دیوان» اشعار؛ کتاب مختصری در حکمت که در رشت چاپ شده است؛ «عزیز و غزال»؛ «ارفع نامه»؛ «نهضت بانوان»؛«تاریخ سلاطین ایران»، به نظم که در تهران چاپ شده است؛ «بشارت ظهور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۷۷ -۶۱ /۲)، تاریخ جراید (۳۰۱ -۱۲۹۵ /۴)، چون سبوی تشنه (۶۲ -۵۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۵ /۱)، دویست سخنور (۲۳ -۲۲)، الذریعه (۱۱۸۶ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۷ -۱۸۴ /۱)، سخنوران نامی (۱۶۶ - ۱۴۵ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۴۴ -۳۶۳۹ /۶)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ نیسم شمال)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۳ -۶۲۲ /۱)، مینو در (۷۱۲ -۶۹۷ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۵ -۳۴) یغما (س ۱۳ ش ۳ ص ۱۲۹ -۱۲۱، س ۲۱ ش ۱۲، ص ۷۰۹ -۷۰۶).

قزوینی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید باقر بن سید هادی بن سید میرزا صالح بن سید مهدی بن سید حسن بن سید احمد حسینی الحلی القزوینی از افاضل ادباء بیت خود بوده و در سال ۱۳۰۴ متولد و در سال ۱۳۳۲ وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، بهاءالدین، ابومحمد طاهر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۵ ق)، محدث، نحوی. او به واسطه جماعتی از ثقات از ادیب فاضل مجمع بن محمد بن احمد مسکنی حدیث نقل کرده و کتابهای وی، «شرح الفصیح» و «شرح الالفاظ» و «دیوان النظم» و «دیوان النثر»، را روایت نموده است. رافعی در کتاب «التقریب» وی را ستوده و او را صاحب تصانیف ذکر کرده است. شیخ منتجب‌الدین از شاگردان و راویان شیخ بهاءالدین است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۴ / ۱۳، ۱۱۷۱ / ۹)، روضات الجنات (۱۳۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷ / ۵)، فهرست منتجب‌الدین (۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر).

قزوینی، بهشتی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید بهشتی از اعلام علماء قزوین و ائمه جماعت در مسجد جامع آن بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، تاج‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۵ ق)، قاضی، محدث، فقیه شافعی، مدرس، ادیب و لغوی. اصل وی از قزوین و در بغداد ساکن بود و در مدرسه‌ی نظامیه بغداد تا پایان عمر تدریس می‌نمود. از آثارش: شرح «مصابیح السنه» بغوی؛ «المحیط بفتاوی اقطار البسیط»؛ «الرغاب»، در تصریف؛ «العجاب»، در نحو، و شرح آن؛ «اللطائف»؛ شرح «المقامات الحریری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۸۱ / ۷)، هدیه العارفین (۷۱۹ / ۱).

قزوینی، خلیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۸۹ -۱۰۰۱ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، متکلم و نحوی. اصل وی از قزوین بود. در قزوین به دنیا آمد. وی از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد است. او شریک درس خلیفه سلطان وزیر در درس حاج محمود رنانی و ملا حسین یزدی بود. وی از معاصران شیخ حر عاملی و ملا محسن فیض کاشانی است. ملا خلیل قزوینی استاد علامه مجلسی و آقا رضی‌الدین قزوینی بود. پیش از سی سالگی عهده‌دار تولیت حضرت عبدالعظیم و تدریس در آنجا بود. پس از چندی به مکه رفت و مجاورت آنجا را برگزید. سپس به قزوین بازگشت و شروع به تصنیف و تألیف نمود. در قزوین درگذشت و در مدرسه‌اش دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «مجمع البیان» طبرسی؛ «رموز التفاسیر الواقعه فی الکافی و الروضه»؛ «الصافی فی شرح الکافی»، به فارسی؛ «الشافی فی شرح الکافی»، به عربی؛ «المجمل»، در نحو؛ «الرساله النجفیه»؛ «الرساله القمیه»؛ شرح «عده الاصول» شیخ طوسی یا حاشیه بر «العده»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۹ -۳۶۸ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۵۶ -۳۵۵ / ۶)، الذریعه (۴۸ -۴۷ / ۲۰ ،۵ -۴ / ۱۵ ،۳۶۸ ،۶ -۵ / ۱۳ ،۲۵۱ / ۱۱ ،۱۹۱ ،۱۴۸ / ۶ ،۱۴۲ / ۵ ،۸۲ / ۲)، روضات الجنات (۲۶۲ -۲۵۷ / ۳)، ریاض العلماء (۲۶۶ -۲۶۱ / ۲)، ریحانه (۴۵۲ -۴۵۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴ -۲۰۳ / ۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/ خلیل)، معجم المؤلفین (۱۲۵ / ۴)، مینو در (۱۷۳ / ۲)، هدیه العارفین (۳۵۴ / ۱).

قزوینی، رضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا رضی از علمای محقّقین، و واعظ صالح، و عالم کامل معاصر اواخر صفویّه بود.

در ریحانهٔ الادب (۱: ۵۵) گوید: از شاگردان ملاّـ خلیل قزوینی، و مؤلّف کتب عدیده است، از آن جمله: ۱- ابطال الرمل تاریخ علمای قزوین [=ضیافهٔ الاخوان] ۳- رساله ی شیر و شکر ۴- رساله ی نوروز ۵- ضیافهٔ الاخوان ۶- قبله الآفاق ۷- کحل الابصار ۸- لسان الخواص ۹- هدیهٔ الخلاّن، و غیره.

وفاتش در ۱۰۹۶ رویداده است.

مولی ادهم به مناسبت نام او صاحب عنوان و بستگانش نام فامیلی ادهم انتخاب کردند عالم فاضل محقق بوده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی، شرف‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۴۰ -۶۶۰ ق)، منشی، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. وی در قزوین تولد یافت، پس از تحصیل، به توسط خواجه غیاث‌الدین محمد به خدمت اولجایتو راه یافت و با خواجه به تبریز آمد. چند گاهی نیز در درگاه اتابک نصرهٔالدین احمد لر از امرای فضلویه یا لر بزرگ بود و او را مدح می‌گفت. از جمله آثارش: «المعجم فی آثار ملوک العجم»، که مختصری در ذکر معالی و مآثر پادشاهان قدیم ایران است و به نام اتابک نصرهٔالدین احمد تالیف کرده؛ «الترسل النصرتیه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۵۸ -۱۲۵۶ /۳)، تاریخ در ایران (۱۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۴۶۵ -۱۴۶۴ /۲)، الذریعه (۲۱۸/۲۱ ،۵۱۶/۹ ،۲۸۸ -۲۸۷ /۳)، سبک شناسی (۱۰۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، مجمع الفصحا (۸۰۸ -۸۰۷ /۲)، مینودر (۹۲۳ -۹۲۲ /۲).

قزوینی، صدرالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ صدرالدین قزوینی بن ملا حسن شعبان کردی قزوینی عالمی خطیب و نویسنده‌ای ادیب در تهران بوده و حدود ۱۳۳۰ وفات کرده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۳ / ۶۸۲ –۶۰۵ / ۶۰۰ ق)، عـالم، ادیب، قاضـی، فقیه، محـدث، مورخ، جغرافیـدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصـاری خـادم پیـامبر (ص) می‌رسـد. در قزوین به دنیـا آمـد. در جـوانی به شـام رفت و پس از تحصـیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالـدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن‌طاووس، سید غیاث‌الـدین عبـدالکریم بن احمـد بن طاووس، مجلس او را درک نمـوده است. وی در ۶۵۰ ق قاضی حله و در ۶۵۲ ق قاضـی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود.در واسـط درگـذشت و پیکرش به بغـداد نقـل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شـد. از آثـار وی: «آثـار البلاد و اخبار العباد»، در جغرافی، که ظـاهرا در «کشف الظنون» به نـام «عجـائب البلـدان» نیز آمـده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصـف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سـفلیات به نام سـلطان معزالـدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتـابی مسـتقل است امـا در حقیقت حکم دائره‌المعـارف واحـدی دربـاره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۸۰ / ۳)، تاریـخ ادبیات در ایران (۲۸۱ –۲۷۹ / ۳)، تاریـخ نظم و نثر (۱۴۶)، الذریعه (۲۱۹ / ۱۵ ،۷ / ۱)، روضات الجنات (۳۷۳ / ۳)، ریحانه (۴۵۳ / ۴)، کشـف الظنون (۱۱۲۸ –۱۱۲۷ ،۱۱۲۶ ،۹)، الکنی و الالقـاب (۶۲ –۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۱۸۳ / ۴)، مینودر (۸۳۷،۵ –۳ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۶)، هدیه العارفین (۳۷۳ / ۱).

قزوینی، فتح الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیـخ فتـح الله قزوینی (متوفی سال ۱۰۵۰هـق) از علمـای بزرگ قزویـن بـود. وی پس از آنکه در علـوم عقلی و نقلی به نبـوغ علمی دست یافت ، کرسـی تدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به حلقهٔ درسـی او پیوسـتند. او در خطابه وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشـهور گردیـد. شیـخ فتـح الله آثاری به تالیف رسانـده که عموماً حوزه علوم دینی را در می گیرد.گروه : علوم انسانیرشـته : الهیـات و معارف اسـلامیوالدین و انساب : تبار و ذریه شیـخ فتـح الله به دو شاخه تقسـیم می شونـد: خانـدان شـفائی و خاندان سامت. بقیه خاندان سامت را امروزه در قزوین با شـیخ العلما میرزا عبدالرحیم سامت می شناسـند. اصل این طابفه از قریه صـفی آباد در نواحی قزوین بوده و نخستین شخصی که در عصر صفوی قزوین را مسـکن خویش قرار داده و به تحصـیل علوم دینی پرداخته است. علمـای دیگری نیز از این خانـدان برخواسـته انـد از جمله شیخ عبدالکریم صاحب کتاب نظم الغرر و شـیخ محمد یحیی صاحب ترجمان اللغه و... تحصـیلات رسمی و حرفه ای : شیخ فتح الله قزوینی پس از تکمیل مقـدمات متـداوله ، به فراگیری فنون ادب و علوم عقلی و نقلی مشـغول شـد.استادان و مربیان : شـیخ فتـح الله محضـر درس شیخ بهایی و فخرالدین سماکی قزوینی را در ک نموده است.همسر و فرزندان : شیخ فتح الله قزوینی سرسلسله خاندان واعظ قزوینی و پدر شـیخ ملا رفیع الدین محمد قزوینی متخلص به واعظ و متوفی سال ۱۰۸۹ هـق صاحب کتاب ابواب الجنان است. شیـخ حر عاملی (۱۰۳۳–۱۱۰۴هـق) نیز در امل الآمل شـیخ فتـح الله را پـدر ملا رفیع الـدین محمد دانسته است.زمان و علت فوت : شیخ فتح الله قزوینی متوفی سال ۱۰۵۰هـق می باشد.فعالیتهای آموزشـی : شیخ فتح الله قزوینی پس از آنکه در علوم عقلی و نقلی به نبـوغ علمی دست یـافت ، کرسـی تـدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکنـاف به حلقهٔ درسـی او پیوسـتند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شـیخ فتح الله در خطابه و وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشـهور گردید. او همچنین آثاری به تالیف رسانده که حوزه علوم دینی را در می گیرد.آرا و گرایشهای خاص : شیخ فتـح الله از متکلمان شـیعه و شـیوخ مجتهـدین عصـر خویش در قزوین بود. همچنین او را ردیف عالمان علوم عقلی و نقلی قرار داده اند.آثار : رساله در امامت ،رساله در عرفان

منابع زندگینامه :نسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، به کوشش محمدعلی حضرتی ، دفتر اول ، زمستان ۱۳۷۵ ، ص ۱۶۰

قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد قزوینی در سال ۱۲۵۴ خورشیدی در قزوین متولد گردید. تا سال ۱۳۰۶ ق. که پدرش در حال حیات بود ، مقدمات صرف و نحو را نزد پدر آموخت. پس از فوت پدر تحت سرپرستی شمس العلما شیخ محمدمهدی عبدالرب آبادی قزوینی ، نزد علمای وقت به تکمیـل تحصـیلات پرداخت. قزوینی پس از مـدتی به جهت مطالعـات بیشتر به اروپا رفت و مـدتها در فرانسه ، انگلسـتان و آلمان اقامت داشت. علامه محمد قزوینی در سن ۲۶ سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان ، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنـای اوقـاف گیب دست به کـار تصـحیح و انتشار تاریـخ جهانگشای جوینی زد ، پس از دو سال اقامت در لندن ، در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۴ به پاریس رفت ؛ او در این مـدت به نشـر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم

آن برای چاپ توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت ، و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح کرد. قزوینی یک سال پس از جنگ جهانی اول به آلمان رفت . بعد از خاتمه جنگ در روز ۱۳ دی ماه ۱۲۹۸ (۴ ژانویه ۱۹۲۰) به دعوت میرزا محمدعلی خان فروغی به پاریس برگشت و تصحیح کتبی را که نیمه کاره مانده بود از سر گرفت. در این زمان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد. قزوینی در سال ۱۳۱۸ ، به علت جنگ جهانی دوم فرانسه را ترک کرد و برای اقامت دایم به ایران بازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود. علامه محمد قزوینی در روز جمعه ششم خرداد ماه ۱۳۲۸ ش. در تهران درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : تصحیح متون

والدین و انساب : نام پدر محمد قزوینی، عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی است. عبدالوهاب یکی از مولفین اربعه «نامه دانشوران» می باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر علامه قزوینی از علمای زمان خود بود که در مدرسه دوستعلی خان معیر الممالک ، در تهران به کار تدریس اشتغال داشت. او از جمله کسانی است که با سه تن از دانشمندان دیگر ، در نوشتن « نامه دانشوران » شرکت داشته و بیشتر ترجمه احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب و فقه در کتاب مزبور به قلم اوست.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد تحصیلات علوم متداوله اسلامی را در تهران سپری کرد. قزوینی با وجود آنکه از خانواده علمای دین بود، از همان عهد جوانی در خط تحصیل زبان های اروپایی و آشنا گشتن با طریقه تتبع و تحقیق فرنگیان افتاد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : علامه قزوینی در ایام تحصیل با درس دادن به بعضی از دوستان و آشنایان خود امرار معاش می نمود. از جمله فعالیت های دیگر او در این زمان ترجمه مقالات و کتب از زبان عربی بود که توسط روزنامه تربیت ایشان انتشار می یافت.

استادان و مربیان : محمد قزوینی، صرف و نحو را درخدمت پدرش عبد الوهاب بن عبد العلی قزوینی و در خدمت حاجی سید مصطفی قنات آبادی در مدرسه معیر الممالک و فقه را در خدمت، همسو و شیخ محمد صادق تهرانی و اندکیکمتر در محضر شیخ فضل اللهنوری، کلام و حکمت قدیم را از شیخ علی نوری درمدرسه خان مروی و اصول فقه را نزد ملا محمد آملی در مدرسه خازن الملک، اصول فقه خارج را در محضر افضل المتاخرین میرزا حسن آشتیانی آموخته است. او همچنین از محضر شیخ هادی نجم آبادی نیز بهره برده است، اما بدون تدریس و تدرس کتب رسمی وی از سید احمد ادیب پیشاوری نیز کسب فیض کرده است. شمس العلما شیخ محمد مهدی قزوینی عبدالرب آبادی، میرزا محمد حسین خان اصفهانی (متخلص به فروغی و ملقب به ذکا الملک) نیز از اساتید قزوینی بوده اند.

همسر و فرزندان : محمد قزوینی در سفر دوم خود به پاریس با یک خانم ایتالیایی ازدواج نمود ، که حاصل آن یک دختر بود که برای او به یادگار ماند.

وقایع میانسالی : در اوایل سال ۱۳۲۲ محمد قزوینی بنا به دعوت برادرش (میرزا احمد خان) به لندن سفر کرد، و از کتابخانه بزرگ لندن دیدن کرد. او در این سفر با مستشرقین انگلیسی بسیاری آشنا شد از جمله پرفسور توان (A.A.Bevan)، الس (A.G.Elis)، آمد روز (H.F.Amedroz) و ادوارد براون (E.G.Browne). علامه قزوینی با میرزا عباس خان اقبال آشتیانی نیز مراوده و مکاتبه داشت، همچنین با میر محمد حسین خان عمیدالملک حسابی. [محقق. مهدی، زندگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه ۱۳۷۸، ص ۳۰–۲۹] قزوینی با کازانوا (P.Casanova) و گابریل فران (.FerandG)، مستشرقین فرانسوی نیز آشنا بود. علامه قزوینی، با احمد زکی ولیدی طوغان ، رهانری ماسه، ماسینیون،برتلز، مارکوارت و ادوارد براوان آشنایی داشته است. محمد قزوینی با علی اکبر دهخدا، نویسنده لغت نامه دهخدا، همدوره و دوست بود. همچنین با حاجی سید نصر الله اخوی، حسینقلی خان نواب، سید حسن تقی زاده،میرزا فضلعلی آقا مجتهد تبریزی، سید محمد علی خان جمال زاده، میرزا محمود خان غنی زاده، میرزا حسین خان کاظم زاده (ایرانشهر) میرزا محمد علی خان تربیت، سید محمد رضا مساوات و میرزا ابراهیم پور داود. از دوستان آلمانی محمد قزوینی می توان به مستشرقینی همچون مارکوارت (j.Marquart)، زاخائو(E.Sachau)، موریتز (B.Moritz) هارتمن (M.Hartmann)، مان(o.Mann)، میتوخ (E.Mitwoch)، فرانک (Frank)، بک (S.Beck)، نولدکه(T.Noldeke) اشاره کرد. قزوینی به پاریس نیز مسافرتی داشت که بر اثر آن لبا جمعی از مستشرقین فرانسه آشنا شده است همانند هرتویک درنبورک (Hartwig Dernbourg)، باربیه دومنار (Barbier de Meynard)، میه (A.Meillet) و هوارت (C.Huart) قزوینی در اواخر زندگانی خود می گفت: «... اکنون که تامیل ایام گذشته می کنم و بر عمر تلف کرده تاسف میخورم باز یکی از بهترین تفریحات من مطالعه شرح رضی و مغنی البیب است که برای من احلی من وصل الحبیب است!العاده کالطبیعه الثانیه.»

زمان و علت فوت : محمد قزوینی، روز جمعه ششم خرداد ۱۳۲۸ شمسی مطابق با ۲۸ رجب ۱۳۶۸ قمری، حدود ساعت ده و نیم در کوچه دانش منشعب از خیابان فوردین تهران، چهره در نقاب خاک کشید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد قزوینی در سن ۲۶ سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان ، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنای اوقاف گیب دست به کار تصحیح و انتشار تاریخ جهانگشای جوینی زد ؛ چون بهترین نسخ آن کتاب در کتابخانه ملی پاریس بود، پس از دو سال اقامت در لندن ، در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۴ به پاریس رفت ؛ و از آن تاریخ تا سال ۱۳۳۳ ق. همیشه در پایتخت فرانسه مقیم بود ؛ او در این مدت به نشر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن برای چاپ توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت ، و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح کرد. قزوینی یک سال پس از جنگ جهانی اول ، به دعوت سیدحسن تقی زاده ، که در برلین سرپرستی کمیته ایرانی آلمان را داشت و در آنجا روزنامه کاوه را منتشر می ساخت ، به همراهی حسینقلی خان نواب که به سمت

سفیر ایران در آلمان انتخاب شده بود ، به آلمان رفت و در ۱۸ ذی الحجه ۱۳۳۳ (۲۷ اکتبر ۱۹۱۵) به برلین رسید و تا چندی پس از پایان جنگ در آن شهر مانـد. بعـد از خاتمه جنگ در روز ۱۳ دی مـاه ۱۲۹۸ (۴ ژانویه ۱۹۲۰) به دعوت میرزا محمـدعلی خـان فروغی به پاریس برگشت و تصحیح کتبی را که نیمه کاره مانـده بود از سر گرفت. در این زمان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد ؛ او جمعاً ۱۶ کتاب عکس گرفت و با مقدمه های به ایران فرستاد. قزوینی در سال ۱۳۱۸ ، به علت جنگ جهانی دوم و مشکلاتی که خارجیان مقیم در اروپا گریبانگیر آن شدند ، فرانسه را ترک کرد و ، بعد از سی وشش سال غربت ، در مهر ماه آن سال ، برای اقامت دایم به ایران بازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود.

همفکران فرد : روش محمـد قزوینی در کـار متن شناسـی آن چنـان از دقت نظر برخـوردار بود که بزرگـانی چون فروزانفر ، بهـار ، دهخدا ، اقبال آشتیانی ، مینوی و ... را متأثر ساخت.

آرا و گرایشهای خاص : محمد قزوینی در کار متن شناسی ، استادی زبردست بود. اجتهاد متن شناسی وی نه تنها در متونی که خود تصـحیح کرد ، بلکه در مقالات و رسـائلش نیز به خوبی قابـل درک است. دکتر قاسم غنی همکار علمی قزوینی در تصـحیح دیوان حافظ در مورد وی چنین می گویـد: « مرحوم قزوینی روش تـدقیق و نقـد ادبی را به معاصـرین خود آموخت؛ آفتاب فیاض با برکتی بود که هرکس را مستعد می دید به تربیت و ارشاد او می پرداخت... » -- ---------------------------------------

آثار :

۱ .

ویژگی اثر : علامه محمد قزوینی برای کتابخانه شخصـی خود که اکنون در دانشکده ادبیات تهران محفوظ است برای خود فهرستی تهیه کرده و برای همه کتابهای چاپی و خطی به شیوه ای دقیق کتابداری، اطلاعات لازم را نوشته است که شامل چهار جلد فهرست را شامل می گردد.

۲ بیست مقاله

ویژگی اثر : این کتاب شامل دو جلد است.[ص۴۵]

۳ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم

ویژگی اثر : این اثر تالیف شمس قیس رازی است. [ص۴۲]

۴ تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی

ویژگی اثر : این اثر تالیف علا الدین عطا ملک جوینی است.[صص ۴-۴۳]

۵ تصحیح چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی

ویژگی اثر : این اثر تالیف نظامی عروضی سمرقندی است[ص۴۳]

۶ تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر : این اثر تالیف حافظ شیرازی است.[ص۴۴]

۷ تصحیح کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار

ویژگی اثر : این اثر تالیف معین الدین شیرازی است.[ص ۴۴]

۸ تصحیح مرزبان نامه

ویژگی اثر : این اثر تالیف مرزبان بن رستم است.[ص۴۲]

۹ تصحیح مقدمه قدیم شاهنامه

ویژگی اثر : این اثر تالیف فردوسی لوسی است. [ص ۴۷]

۱۰ رساله ای در شرح حال مسعود سعد سلمان

ویژگی اثر : [ص۴۵]

۱۱ رساله در شرح احوال شیخ ابوالفتوح رازی

ویژگی اثر : این اثر به نام خاتمه الطبع راجع به شـرح احوال مولف کتاب و وصف اجمالی تفسیر حاضر چاپ شده است. [صص ۸-۴۷]

۱۲ رساله ممدوحین سعدی

ویژگی اثر : [ص۴۷]

۱۳ مقاله تاریخی و انتقادی راجع به کتاب نفثه المصدور

ویژگی اثر : این اثر تالیف نور الدین محمد نسوی است.[ص۴۷]

۱۴ مقدمه تذکره الاولیا

ویژگی اثر : این اثر تالیف عطار نیشابوری است.[ص۴۵]

۱۵ مقدمه تذکره الشعرا عوض

ویژگی اثر : این اثر موسوم به لباب الالباب است.[ص۴۵]

منـابع زنـدگینامه :سیمای تاریـخ و فرهنگ قزوین ، نوشته: پرویز ورجاونـد ، ج ۲ ، تهران : نشــر نی ، ص ۱۲۵۴]۲[محقق. مهدی، زنـدگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه ۱۳۷۸، ص ۱]۳[از نیمـا تا روزگار ما ، تالیف: یحیی آرین پور ، ج۳ ، تهران: انتشارات زوار ، ص۱۰۸

قزوینی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد ابراهیم موسوی حایری قزوینی از مشاهیر خطباء و محدثین و مبلغین و مروجین و نویسندگان نامی معاصر و مقیم شهرستان علمی و دینی قم می‌باشند.

در سال ۱۳۴۸ هجری قمری در کربلاء معلی علی من شرفها الصلوه والسلام به دنیا آمده و در مهد فضل و سیادت پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ محمد خطیب و سید محمد صالح قزوینی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد حسن قزوینی معروف به حاج‌آقا و دروس نهائی را از محضر آیت‌اللَّه میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللَّه میلانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد حسن قزوینی صاحب (الامامه الاکبری) استفاده نموده است.

در سال ۱۳۹۳ هجری قمری مهاجرت به کویت و مدت هفت سال اقامت و به خدمات تبلیغی و تالیفی اشتغال داشته و در سال ۱۴۰۰ قمری به قم هجرت و اقامت نموده و چهار مرتبه برای ارشاد و تبلیغ دین به استرالیا سفر نموده و از راه منبر و خطابه چه در خارج و چه در داخل ایران قم و تهران و غیره نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام نموده و خدمات ارزنده و چشمگیری نموده و می‌نمایند.

معظم‌له داماد گرامی آیت‌اللَّه العظمی میرزا مهدی شیرازی می‌باشند دارای پنج فرزند فاضل و برومندند به اسامی زیر که اسباط مرحوم میرزا مهدی شیرازی هستند و همگی در حوزه علمیه اشتغال به درس و تدریس سطوح عالیه دارند.

۱- حاج سید محمد ابراهیم موسوی قزوینی

۲- حاج سید محمدعلی موسوی قزوینی

۳- حاج سید مصطفی موسوی قزوینی

۴- حاج سید محسن موسوی قزوینی

۵- حاج سید جعفر موسوی قزوینی

تألیفات ارزنده دارند که به طبع رسیده و آنها از این قرار است:

۱- شرح نهج‌البلاغه- سه مجلد

۲- علی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۳- فاطمه الزهراء (علیهاالسلام) من المهد الی اللحد

۴- الامام المهدی (علیه‌السلام) من المهد الی الظهور

۵- الامام الجواد (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۶- الامام الهادی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۷- الامام العسکری (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۸- سیره الرسول الاعظم (صلی اللَّه علیه و آله و سلم)

۹- فاجعه الطف

۱۰- الاسلام والتعالیم

و در حال حاضر مشغول به تألیف موسوعه‌ای درباره زندگانی و شخصیت حضرت صادق علیه‌السلام می‌باشند که به ده‌ها جلد خواهد رسید.

تولد: ۱۳۰۸.

درگذشت: ۱۳۷۳.

آیت‌الله محمدکاظم قزوینی صاحب آثار زیر است: اسلام و تعلیمات تربیتی (ترجمه ذکرالله احمدی، قم، ۱۳۷۰)؛ الامام المهدی علیه‌السلام من المهد الی الظهور (بیروت، ۱۳۷۰)؛ الامام الهادی علیه‌السلام من المهد الی اللحد (قم، ۱۳۷۱)؛ عاشورا غمبارترین روز تاریخ (ترجمه و نگارش علیرضا کرمی، قم، ۱۳۷۴)؛ فاطمه‌ی زهرا (ع) از ولادت تا شهادت (ترجمه حسین فریدونی، ۱۳۷۱، ۱۳۶۵)؛ موسوعه الامام الصادق علیه‌السلام (قم، ۱۳۷۲). همچنین در اولین بزرگداشت سالگرد رحلت آیت‌الله قزوینی، کتاب زیر از سوی ستاد مربوطه منتشر گردید: صفحاتی از زندگینامه آیت‌الله سید محمدکاظم قزوینی قدس سره (۱۳۷۴).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، میرزا محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمد طاهر قزوینی ، متخلص به وحید ، از شاعران سده یازدهم و اوایل یازدهم است که در قزوین متولد گردید. وحید به سبب استعداد ذاتی ، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردیدو در فن سیاغ و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدور کوشید. پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد ، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با

لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر ومشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (۱۰۳۸–۱۰۵۲ هـ.ق) و شـاه عباس دوم (۱۰۵۲–۱۰۷۷ هـ.ق) ، کفالت آن خدمت را عهده دار شد. پس از قتل ساروتقی ، اعتمادالدوله – سید علاء الدین خلیفه سلطان – صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد ، و به سال ۱۰۵۵ هـ.ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (۱۰۷۷ – ۱۱۰۵ هـ.ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (۱۱۰۵–۱۱۳۵ هـق) بر این مسند باقی ماند. وحید قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی ، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : میرزا محمد طاهر قزوینی ، متخلص به « وحید » ، از ادبا و فضلا و رجال دوره صفوی و از شاعران سده یازدهم و اوایل دوازدهم هجری است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا محمد طاهر قزوینی به سبب استعداد ذاتی ، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردیدو در فن سیاغ و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدور کوشید.

هم دوره ای ها و همکاران : میرزا محمد طاهر قزوینی با شاعر بزرگ زمان خود ، صائب تبریزی دوستی نزدیک داشت.

وقایع میانسالی : بنا برروایت هدایت در روضه الصفا، میرزا محمد طاهر قزوینی در دوره وزارت شیخ علی خان زنگنه مخذول و منکوب گردید و این وضعیت تا پایان وزارت شیخ علی خان در سال ۱۱۰۱ ادامه داشت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرزا محمد طاهر قزوینی پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد ، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر ومشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (۱۰۳۸–۱۰۵۲ هـ.ق) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲–۱۰۷۷ هـ.ق) ، کفالت آن خدمت را عهده دار شد. پس از قتل ساروتقی ، اعتمادالدوله – سید علاء الدین خلیفه سلطان – صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد ، و به سال ۱۰۵۵ هـ.ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (۱۰۷۷ – ۱۱۰۵ هـ.ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (۱۱۰۵–۱۱۳۵ هـق) بر این مسند باقی ماند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا محمد طاهر قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی ، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است. قصاید وحید را در حدود ۵۷۶۷ بیت ، و غزلیاتش را در حدود ۳۰۰۰۰ بیت ، و رباعیاتش در حدود ۱۰۰ بیت ذکر کرده اند.

آرا و گرایشهای خاص : میرزا محمد طاهر قزوینی که شاعری توانا بود ، در سرودن شعر تلاش می کرد از مزامین تازه استفاده نماید. ابن یوسف شیرازی در مورد اشعار وحید چنین می گوید: « از لحاظ شعر کلیات وحید ارزش و بهای بسیار ندارد ، ولی مثنویات او بی لطافت نیست و جنبه تاریخی دارد. در آخر «عاشق و معشوق» به تعریف تمام اصناف و کسبه اصفهان پرداخته و « مثنوی آلات جنگ» او بسیار جالب نظر و توجه می باشد ، مثنوی « خلوت راز » و « ناز و نیاز » او لطیف و اخلاقی است ... » نصر آبادی نیز در باره وی چنین می نویسد: « با اینکه در تحصیل علوم از احدی استفاده ننموده و هیچ گاه فرصت آن نداشته ، باز به قوت ادراک از جمیع علوم بهرهٔ وافی برده ؛ در ترتیب نظم ، قوهٔ بدیهه اش به حدی است که تا کسی نام بیت برد معمار خاطرش به دستیاری خامه به عمارت آن پرداخته ... » . --

----

آثار :

۱ تاریخ طاهر وحید یا عباسنامه ، یا تاریخ شاه عباس دوم

ویژگی اثر : این کتاب مربوط به وقایع دوران پادشاهی شاه عباس دوم از آغاز تا سال بیسیت و دوم سلطنت او بدست می دهد.

۲ عاشق و معشوق

ویژگی اثر : درحدود هزار و سیصد بیت می باشد.

۳ کلیات شعر وحید

ویژگی اثر : هدایت در تتمه روضه الصفا جلد هشتم می نویسد ، دیوان وحید که مرکب از اشعار ترکی ، عربی و فارسی است در حدود نود هزار بیت می باشد. نصر آبادی دیوان وی را از غزل و قصیده و مثنوی ، قریب به سی هزار بیت ذکر می کند؛ و حزین که دیوان وحید را دیده است ، اشعار او را بیش از ششصد هزار بیت یاد می کند.

۴ مثنوی

ویژگی اثر : در حدود هزار و سیصد و هشتاد بیت که فقط در نسخه کلیات به شماره ۱۱۶۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می باشد.

۵ مثنوی آلات جنگ

ویژگی اثر : در حدود هشتصد بیت است.

۶ مثنوی خلوت راز

ویژگی اثر : درحدود دوهزار و دویست بیت می باشد.

۷ مثنوی در وصف تنبور

ویژگی اثر : بالغ بر شصت و شش بیت می باشد.

۸ مثنوی در وصف عمارت شاهی

ویژگی اثر : بالغ بر شصت و یک بیت می باشد.

۹ مثنوی در وصف نرد

ویژگی اثر : بالغ بر پنجاه و نه بیت می باشد.

۱۰ مثنوی در وصف همایون تپه

۱۱ مثنوی ساغر سرشار

ویژگی اثر : این مثنوی در کلیات وحید قزوینی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره۱۱۶۲ ، فقط هفت بیت آن باقی است.

۱۲ مثنوی فتح قندهار

ویژگی اثر : در حدود چهارصد و هشتاد بیت است.

۱۳ مثنوی گلزار عباس

ویژگی اثر : در حدود ششصد و هشتاد بیت است.

۱۴ مثنوی ناز و نیاز

ویژگی اثر : در حدود سه هزار و دویست بیت است.

۱۵ مجموعه منشآت وحید

ویژگی اثر : در حدود دویست و پنجاه نامه است ، که به مناسبت شغل و مقامی که داشته به امرا و سلاطین و... نگاشته است.

منابع زندگینامه : سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین ، پرویز ورجاوند ، ج ۲ ، تهران : نشر نی ، ۵۶- ۱۳۵۵]۲فرهنگ سخنوران و سرایندگان قزوین (تذکره شعرای قزوین) ، تالیف: سیدمحمود خیری ، به کوشش: نقی افشاری ، قزوین: انتشارات طه ، ص ۲۷۴

قزوینی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هاشم قزوینی از بزرگان علماء و مدرسین معاصر حوزه مشهد بودند ولادت ایشان در قزوین اتفاق افتاده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در قزوین و تهران خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال در آنجا از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده نموده و پس از آن به ایران مراجعت و مجاورت آستان قدس رضوی را اختیار و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه کفائی معروف به آقازاده و اعلام دیگر و بالاخص مرحوم مبرور زین العلماء العاملین و قدوه الفقهاء و المجتهدین آیت‌اللّٰه فی العالمین آقای آقامیرزا مهدی غروی اصفهانی تا آخر عمرش استفاده نموده و خود به تدریس سطوح نهائی و خارج پرداخته و صدها نفر از علماء و دانشمندان معاصر مشهد و نقاط دیگر از محضر و دراساتش بهره‌مند شده‌اند.

نگارنده گوید مرحوم قزوینی مذکور از علماء عظام بل آیات کرام عصر ما و از اساتید حقیر بوده‌اند زیرا جلد اول کفایه را در خدمت ایشان خوانده و در خدمتشان به مباحثه مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا مهدی غروی رحمه‌اللّٰه علیه می‌رفتم و ایشان نسبت به مرحوم میرزا اصفهانی اعتقاد و خلوص عجیبی داشت و همواره بر فقاء توصیه می‌کرد که در بحث میرزا صحبت نکنید بلکه سراپا گوش استماع و استفاده نمائید.

مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید هاشم میردامادی نجفی می‌فرمودند حاج شیخ هاشم از میرزا اگر اعلم (ملاتر) نباشد قطعا کمتر نیست ولی چطور است که آنقدر نسبت به میرزا تواضع و ابراز اخلاص و علاقه می‌کند.

خلاصه بسیار متواضع و فروتن مجتنب از تظاهرات و (مبرء من کل شین) بود.

وی در ۱۳۸۰ قمری فوات و در جوار حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قشقائی، جهانگیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا محمّد خان درّه شوری. از اعاظم حکما و متألّهین، و اجلّه فلاسفه و مرتاضین بوده، در اوایل عمر اندکی تحصیل علوم نموده، به سنّ چهل سالگی به اصفهان آمده و شوق تحصیل علم در او ایجاد شده، به تحصیل معقول و منقول پرداخته، نزد آقا محمّد رضا حکیم قمیشه‌ای و میرزا محمّد حسن نجفی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و عدّه‌ای کثیر از علمای اصفهان افتخار شاگردی او را دارند، و آن حکیم دانشمند از جمیع جهات ممتاز بوده، در علم و اخلاق زکیه بر عموم علما تفوّق داشته، و در مدرسه صدر ساکن بوده، و عمری را به تجرّد و قناعت گذرانیده، و تا آخر عمر، لباس ایلی خود را تغییر نداده، و به عبا و عمامه ملبّس نگردیده.

در ۱۲۲۳ متولّد، و در شب یکشنبه ۱۳ رمضان المبارک سال ۱۳۲۸ در اصفهان وفات یافته، در تکیه آقا سید محمّد ترک، اوّل تخت

فولاد مدفون گردید. وی مؤلّف شرحی است بر نهج البلاغه و اشعاری دارد.

مادّه تاریخ وفاتش را جابری چنین می گوید:

«جهانگیر نزد خدای جهان شد»

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قشیری، ابونصر عبدالرحیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۴ ق)، عالم و واعظ. به علت نسبت به بنی‌قشیر، به قشیری، شهرت یافت. در زیارت حج به بغداد رفت و در آنجا وعظ گفت. به خاطر او بین حنابله و شافعیان اختلاف افتاد، نظام‌الملک برای فرو خوابیدن فتنه او را به اصفهان دعوت کرد و وی به اصفهان رفت و در آنجا مورد اکرام واقع شد. سپس به نیشابور بازگشت و در آنجا به وعظ و تدریس مشغول شد. قشیری در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «المقامات و الآداب».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۰ / ۴)، انساب سمعانی (۵۰۳ / ۴)، العبر (۴۰۳ / ۲).

قصری، ابوغانم عبدالرحیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، ادیب و شاعر. در گرگان کاتب و وزیر منوچهر بن قابوس بن وشمگیر، ملقب به فلک المعالی بود. که به سمت سفارت نزد سلطان محمود غزنوی رفت. وی اشعار نیکویی به عربی دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (۲۸۷ -۲۸۶ /۲)، ریحانه (۲۲۰ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوغانم).

قطاعی شیرازی، محمدطاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۴۶ ق)، قاطع، مذهب، طراح و رسام. از آثار وی قطاعی کتیبه‌ای در مشهد مقدس است. در این اثر استادانه، ابیاتی به نستعلیق زیبا بر روی فولاد سخت قطاعی شده و زمینه‌ی آن، با تزیینات دایره‌ای و اسلیمی مدور، به زیبایی تمام به کناره‌ها وصل گشته است و کاتب آن چنین رقم نهاده: «... قطاعی آن بید اهتمام محمدطاهر ولد استاد مسیح شیرازی به اتمام رسید ۱۱۴۶».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۰۵ -۹۰۴/ ۲).

قطان قزوینی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۵ -۲۵۴ ق)، حافظ، محدث، فقیه و ادیب. محدث و شیخ قزوین بود. به طلب حدیث مسافرتهایی به عراق و یمن نمود و به نقل شاگردش، ابن‌فارس قزوینی، از وی حاصل این سفرها حفظ یکصد هزار حدیث بوده است. او «سنن» ابن‌ماجه قزوینی را از خود وی استماع کرد و همچنین از محمد بن فرج ازرق و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن دیزیل و حارث بن ابی‌اسامه و قاسم بن محمد دلال و یحیی بن عبدک قزوینی و اسحاق بن ابراهیم دبری و حسن بن عبدالاعلی بوسی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. وی بر حسن بن علی ازرق- به حرف کسائی- قرائت نمود و احمد بن نصر شذائی قاری بر قطان قرائت کرد. زبیر بن عبدالواحد حافظ و ابوالحسن نحوی و ابوالحسین احمد بن فارس لغوی و احمد بن علی بن لال و ابوسعید عبدالرحمان بن محمد قزوینی و قاسم بن ابی‌منذر خطیب از وی حدیث شنیده‌اند. ابویعلی خلیلی گوید که وی شیخی عالم به جمیع علوم و تفسیر و فقه و نحو و لغت بود. جماعتی از شیوخ قزوین گفتند که قطان مانند خود در زهد و فضل ندیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (۸۵۷ -۸۵۶ / ۳)، سیر النبلاء (۴۶۵ -۴۶۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۷۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۵۵ - ۳۵۴)، العبر (۷۰ / ۲)، معجم الادباء (۲۲۱ -۲۱۸ / ۱۲)، النجوم الزاهره (۳۶۰ -۳۵۹ / ۳).

قطان مروزی، عین الزمان، ابوعلی حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۸ –۴۶۵ ق)، حکیم، ریاضیدان و ادیب. اصل وی از بخارا بود. در مرو به دنیا آمد. در طب، ریاضیات، ادبیات و علوم دینی سرآمد ولی اشتغال وی بیشتر در علم طب بود. او از شاگردان ابوالعباس لوکری بود. وی در فتنه‌ی غزان کشته شد. قطان در عروض، انساب، طب، هیئت و ریاضی تألیفات متعدد دارد. مهمترین اثر ریاضی او کتاب «گیهان شناخت» یا «کیهان شناخت» و «اختر شناخت» است. از دیگر آثارش: «الدوحه»، در انساب؛ «رسائل»، در طب.[۱]

مروزی، عین‌الزمان ابوعلی حسن بن علی؛ ریاضی‌دان و طبیب و فیلسوف قرنهای پنجم و ششم. اصل وی از بخارا بود و او خود به سال ۴۶۵ در مرو ولادت یافت. تحصیلات علمی وی نزد لوکری (ه.م) صورت گرفت و او در مرو می‌زیست تا در ۵۴۸ در فتنه‌ی غزان به دست آنان کشته شد. قطان در طب و علوم اوایل و ریاضیات و ادبیات و علوم دینی سرآمد زمان خود بود، ولی بیشتر به طب علاقه داشت و در مرو دکانی داشت که در آن به طبابت مشغول بود. مهمترین اثر ریاضی او «گیهان شناخت» (ه.م) است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۲۰ –۲۱۹ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۷ –۹۶۵، ۳۱۳ –۳۱۲، ۲۹۴ / ۲)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۷)، تتمه‌ی صوان الحکمه (۹۱)، الذریعه (۲۵۵ –۲۵۴ / ۱۸ ،۲۷۲ –۲۷۱ / ۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۵)، معجم المؤلفین (۲۶۰ / ۳).

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۶ / ۷۶۶ –۶۹۴ ق)، عالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الدین و قطب المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است او این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الکشاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قوعد الاحکام»علامه حلی؛ رساله در «تحقیق الکلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی.[۱]

رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. ۷۷۶ ه.ق). وی از شاگردان مبرز علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال ۷۱۳ ه.ق در قصبه‌ی ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحرالاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریرالقواعد المنطقیهٔ در شرح شمسیهٔ، تحفهٔالاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحرالاصداف، تحقیق معنی التصور والتصدیق، تقسیم‌العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح‌الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع‌الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۸ / ۷)، اعیان الشیعه (۴۱۳ / ۹)، ایضاح المکنون (۴۰۳ ،۵۶ / ۲ ،۲۳۳ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۹ ،۲۵۶ ،۲۵۴ ،۲۵۳– ۲۴۶ ،۲۴۴– ۲۳۷ ،۱۴۷ ،۴۷ / ۳)، تأسیس الشیعه (۴۰۱ –۴۰۰)، حبیب السیر (۲۲۱ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۲۰۵۹ / ۲)، الذریعه (۱۰۷ / ۲۰ ،۳۵۹ / ۱۸ ،۱۵۶ / ۱۷ ،۶۹ / ۱۴ ،۳۳۷ / ۱۳ ،۱۹۹ –۱۹۸ / ۴ ،۳۸۸ / ۳)، روضات ا لجنات (۴۷ –۳۷ / ۶)، ریاض العلماء (۱۷۲ –۱۶۸ ،۱۵۶ / ۵)، ریحانه (۴۶۷ –۴۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۸۱ –۳۸۰ / ۲)، شذرات الذهب (۲۰۷ / ۶)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۲ –۲۰۰ / ۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۹ –۳۹۸)، فوائد الرضویه (۶۱۸ –۶۱۶)، کارنامه بزرگان (۲۴۵)، کشف الظنون (۱۷۱۶–۱۷۱۵ ،۸۸۶ ،۶۲۶ ،۹۵)، الکنی و الالقاب (۷۱ –۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (۲۱۳ –۱۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۱۶ –۲۱۵ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۹ –۷۱۶ / ۵)، النجوم الزاهره (۷۰ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۱۸ –۲۱۷)، هدیه العارفین (۱۶۳ / ۲).

قطب‌الدین طریثیثی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۸ -۵۰۵ ق)، محدث، مدرس، مفسر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریثیث نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود. نزد پدرش و محمد بن یحیی، شاگرد غزالی، و عمر بن علی، معروف به سلطان، و در مرو نزد ابواسحاق ابراهیم بن محمد فقه آموخت و از هبه‌الله بن سهل سیدی و عبدالجبار خواری حدیث شنید. قطب‌الدین از پدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمد و در روزگار اساتیدش وعظ گفت و فتوا داد. وی مدتی نیز در نظامیه‌ی نیشابور به نیابت از جوینی تدریس کرد. در ۵۳۸ ق به بغداد رفت و وعظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سلطان صلاح‌الدین ایوبی کتاب «عقیده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائل دینی مورد نیاز را گردآوری نمود. سپس در دمشق ساکن شد و با ابونصر قشیری ملاقات کرد. در روزگار فقیه ابوالفتح مصیصی در دشمق مورد توجه قرار گرفت و در مجاهدیه درس گفت و پس از مرگ ابوالفتح تدریس در غزالیه را عهده‌دار شد، سپس راهی حلب شد و در آن جا در دو مدرسه‌ای که نورالدین و اسدالدین بنا نهاده بودند درس گفت. سپس به همدان رفت. مدتی در آنجا تدریس کرد. سرانجام به دمشق بازگشت و درس در غزالیه را از سر گرفت و به شاگردانش فقه آموخت. او هچنین در جاروخیه‌ی دمشق درس گفت، سپس به نمایندگی به بغداد رفت و داماد ابوالفتوح اسفرانیی شد. حافظ ضیاء از وی اجازه حدیث داشت. ابوالمواهب ابن صصری و برادرش حسین و تاج ابن حمویه و دیگران از وی روایت کردند. در دمشق درگذشت. در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره‌ی صوفیه‌ی غربی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۵ / ۸)، سیر النبلاء (۱۰۹ -۱۰۶ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۶۳ / ۴)، النجوم الزاهره (۸۶ / ۶)، وفیات الاعیان (۱۹۷ -۱۹۶ / ۵).

قطب‌الدین کیدری نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۷۶ ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از کیدر از روستاهای بیهق خراسان است. وی شاگرد فضل بن حسن طبرسی و ابن‌حمزه عمادالدین طوسی و معاصر با قطب راوندی بود. نقطه نظرات او در فقه مشهور و در کتابهای «مختلف» و «غایه المراد» و «مسالک» و «کشف اللثام» منقول است. از وی اشعار لطیفی باقی مانده است. از آثار وی: «الحدیقه الانیقه»، اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع)دایر بر آداب و حکم و عبرت و مواعظ؛ «انوار العقول من اشعار وصی الرسول»، که تمامی اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) را گردآوری کرده است؛ «حدائق الحقائق فی تفسیر دقائق أحسن الخلائق»، در شرح «نهج‌البلاغه»، که آن را در ۵۷۶ ق تألیف کرده است؛ کتاب «الاصباح» در فقه؛ «کفایه البرایا فی معرفه الانبیاء و الاولیاء»؛ «مباهج المهج فی مناهج الحجج»؛ «الدرر فی دقائق علم النحو»؛ «البراهین الجلیه فی ابطال الذوات الازلیه»؛ «لب الالباب»، در مسائل کلام.[۱]

کیدری، محمد بن حسین بن حسن بیهقی مکنی به ابوالحسن، دانشمند معروف (ف. ۷۷۶ ه.ق) او راست: الاصباح فی فقه‌الامامیهٔ، انوار العقول من اشعار وصی الرسول ص، البراهین الجلیهٔ فی ابطال الذوات الازلیهٔ، حدائق‌الحقائق که شرحی است بر نهج‌البلاغه، الدرر فی دقائق علم النحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۲۵۰ / ۹)، الذریعه (۱۰۱ / ۹ ،۳۸۲ -۳۸۱ ،۲۸۵ / ۶ ،۸۰ / ۳ ،۴۳۴ -۴۳۱ ،۱۱۸ / ۲)، روضات الجنات (۲۷۸ -۲۷۴ / ۶)، ریحانه (۴۷۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۰ -۲۵۹ / ۶)، فوائد الرضویه (۴۹۴ -۴۹۳)، الکنی و الالقاب (۷۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۳۸ -۲۳۷ / ۹).

قطبی، افشین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

افشین قطبی در پنجم بهمن ماه سال ۱۳۴۳ در شهر شیراز به دنیا آمد ، در سال ۱۳۵۶ به همراه پدر و زن پدرش در حالیکه ۱۳ سال داشت به آمریکا رفت و در یک شهر کوچک در حوالی لس آنجلس ساکن شد.

فوتبال خودش را از سه سالگی در شیراز آغاز کرد و در آمریکا هم پس از یادگیری زبان انگلیسی به بازی فوتبال می پرداخت ، وی در مدرسه" جونیور هایس هود "که در آن درس میخواند به عضویت تیم فوتبال آن مدرسه در آمد و توسط شخصی که پدرش ایرانی و مادرش مصری بود و صاحب یک مدرسه فوتبال هم بود ، به عضویت مدرسه فوتبال در آمد و پس از مدتی به جای بازی در این تیم ، مربی این تیم شد و توانست تیم تحت هدایتش را به مقام اول در کالیفرنیا برساند.

وی هنگامی که به آمریکا رفت به همراه درس خواندن و آموزش فوتبال به کار روزنامه فروشی و باغبانی پرداخت تا بتواند خرج خود را در بیاورد.

وی در ۱۷ سالگی به داشنگاه معروف " یو سی ال " رفت و در این دانشگاه مهم نیز به عضویت تیم فوتبال این دانشگاه در آمد و

تنها ایرانی تیم فوتبال این دانشگاه بود . وی تحت نظر مربی آلمانی این دانشگاه " زیک ایشلید " الفبای حرفه ای فوتبال را فرا گرفت .

وی همزمان با دوران دانشجویی در یک مدرسه ورزش استخدام شد و مربی تیم فوتبال شاگردان ۷ تا ۱۴ ساله را بر عهده داشت.

وی در سال ۱۹۸۶ موفق شد در رشته مهندسی برق الکترونیک از دانشگاه معتبر" یو سی ال "فارغ التحصیل شود. وی برای مدت سه سال سرمربی تیم زنان این دانشگاه را نیز بر عهده داشت.

وی در سن ۲۴ سالگی یعنی در سال ۱۹۸۸ تصمیم میگیرد که مدسه فوتبالی را برای خودش تأسیس کند ، وی در این دو سالی که از فارغ التحصیلی اش در دانشگاه می گذشت موفق شده بود مدرک مربیگری A را از فدراسیون فوتبال آمریکا دریافت کند.

کم کم کار افشین قطبی رونق گرفت به طوری که در روز حداقل ۱۲۰ شاگرد از سن ۶ تا ۱۹ ساله داشت و مجبور شد چند مربی فوتبال را برای مدرسه فوتبالش به خدمت بگیرد و به جز مربیگری در مدیریت مدرسه فوتبالش هم موفق ظاهر شد بطوری که در سال حدود ۱۰۰۰ نفر شاگرد داشت و محبوبیتش در لس آنجلس بیشتر می شد و همین امر باعث شد که قطبی مربیان بزرگی را برای مدرسه فوتبالش بیاورد از جمله " کودیانز " از باشگاه آژاکس استردام هلند و همچنین" بورا میلوتینوویچ "مربی معروف و شناخته شده یوگسلاوی که سابقه پنج حضور در جام جهانی (با تیم های مکزیک در سال ۱۹۸۶ ، کاستاریکا در سال ۱۹۹۰ ، آمریکا سال ۱۹۹۴ ، نیجریه سال ۱۹۹۸ و چین سال ۲۰۰۲) را داشت.

مهمترین شاگر مدرسه افشین قطبی" جان اوبرایان " بود که از ۱۴ سالگی تا ۱۶ سالگی در مدرسه قطبی به یادگیری فوتبال می پرداخت و در سن ۱۶ سالگی به آژاکس رفت و در دو جام جهانی هم برای تیم ملی آمریکا بازی کرد.

افشین قطبی مدرسه فوتبالش را در سال ۲۰۰۲ تعطیل کرد ، چرا که دیگر در آمریکا نبود و نمی توانست باشگاهش را اداره کند

افشین قطبی در سال ۱۹۹۷ به عنوان مربی تیم ملی آمریکا در آمد وی با دعوت سرمربی تیم ملی آمریکا" استیو سمپسون "که مربی وی در دانشگاه بود به این تیم پیوست و در جام جهانی ۱۹۹۸ پس از شکست آمریکا از ایران ، به همراه سرمربی تیم آمریکا از این تیم استعفاء داد.

رفت و آمدهای افشین قطبی به اروپا به خصوص هلند ، باعث آشنایی او با مربیان طراز اول هلندی شد بطوریکه در سال ۲۰۰۱ هنگامی که گاس هیدینک سرمربی تیم ملی کره جنوبی شد این مربی معروف از قطبی دعوت نمود تا آنالیزور وی در تیم ملی کره شود که قطبی نیز از این پیشنهاد استقبال کرد . قطبی به همره گاس هیدینک موفق شدند بهترین نتیجه یک تیم ملی آسیایی را در تاریخ فوتبال جام جهانی به ثبت برسانند چرا که موفق شدند تیم کره جنوبی را در جام جهانی ۲۰۰۲ به مقام چهارمی جهان برسانند.

وی پس از جام جهانی ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۴ به عنوان دستیار مربی تیم سامسونگ بلووینگز انتخاب شد .

وی در سال بعد مجدد دستیار" استیو سمپسون "در تیم فوتبال گالکسی لس آنجلس شد .

در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ قطبی به عنوان دستیار" دیک ادوکات "و همچنین" پیم وربیک " در تیم ملی کره جنوبی انتخاب شد و در سال ۲۰۰۷ موفق شدند پس از شکست تیم ملی ایران در جام ملت های آسیا به مقام سومی برسند.

قطبی از سال ۱۳۵۶ که از ایران خارج شد تا سال ۱۳۸۶ (۳۰ سال) به ایران نیامد .

قطبی در سه جام جهانی حضور داشته و از این لحاظ هیچ مربی ایرانی نتوانسته به چنین جایگاهی دست یابد.

وی در سال ۲۰۰۷ بـه ایران آمد و سرمربیگری تیم فوتبال پرسپولیس تهران را بر عهده گرفت ، و در این مدت تیم پرسپولیس توانست صدرنشین مسابقات شود .عنوانی ه البته تا به امروز دچار نوسانات زیادی شده و باید تا پایان فصل منتظر ماند و دید که آیا قطبی در اولین تجربه سرمربیگری موفق خواهد شد یا خیر؟

از افشین قطبی همچنین به عنوان سرمربی احتمالی تیم ملی ایران یاد می کردند اما در حالیکه فدراسیون با افشین قطبی مذاکرات خوبی را داشت ، به جهت فشار سازمان تربیت بدنی برای انتصاب اجباری امیر قلعه نویی و دلایلی همچون اینکه وی با آلودگی های فوتبال ایران خیلی آشنا نیست و همچنین نتوانسته از پس حواشی تیمی چون پرسپولیس و باند استیلی بربیاید چگونه می تواند از پس بازیکن سالاری موجود در تیم ملی و دلالان گرد تیم بر بیاید به پست سرمربیگری تیم ملی نرسید تا علی دایی که تا روز اخر اصلا بین گزینه ها نبود سپربلای فدراسیون شود و به عنوان سرمربیگری تیم ملی انتخاب شود.

منابع زندگینامه :http://www.iranactor.com/

قلعه نویی، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اردشیر قلعه نویی، معروف به امیر قلعه‌نویی در سال ۱۳۴۲ به دنیا آمد.

اردشیر ۷ ساله بود که خبر دادند پدرش فوت کرده‌است. وی از سیزده سالگی شروع به کار کردن کرد و در کنار کار، فوتبال نیز بازی می‌کرد. در سال ۱۳۶۰ امیر به تیم ملی جوانان دعوت شد که نمایش قابل قبولی هم از خود ارائه کرد و در اسفند ۱۳۶۰ از تیم راه آهن به شاهین رفت. شاهین در آن زمان ملی پوشان زیادی داشت. او اواسط لیگ سال ۶۶ پس از پیروزی ۲ بر صفر برابر پرسپولیس، شاهین را ترک کرد و به السد قطر رفت. امیر زمستان ۱۳۶۷ به تهران بازگشت و این بار سراغ باشگاه استقلال تهران رفت، پای میز قرارداد نشست و پیراهن آبی را بر تن کرد. اولین بازی وی به عنوان بازیکن استقلال در ۱۹ اسفند سال ۱۳۶۷ مقابل پرسپولیس رقم خورد. این بازی که در مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی برگزار می‌شد به پنالتی کشیده شد و اردشیر پنالتی‌اش را از دست داد.

این بـازیکن خلاق تا پایان دوره بازیگری‌اش تنها ۱۹ بـازی ملی انجام داد که اتفاقاً ۱۸ بازی آن در سن ۳۰ سالگی به بعد رخ داد. امیر اولین‌بار توسط ناصر ابراهیمی در سال ۱۳۶۴ به تیم ملی ب دعوت شد. او در اردیبهشت سال ۱۳۶۵ همراه تیم ملی به چین سفر کرد و اولین‌بـار پیراهن تیم ملی الف را بر تن کرد امـا تا سال ۱۳۷۲ هیچگاه مجدداً به تیم ملی فراخوانده نشد. در کارنامه ملی قلعه نویی تنهـا یـک گـل زده آن هم به کویت دیـده می‌شود. او در سال ۱۳۶۸ دچار مصـدومیت شدیـدی شـد و بار دوم در سال ۱۳۷۳ مصدومیت جدی را تجربه کرد. وی سابقه مربیگری در تیم‌های برق تهران، کشاورز، استقلال اهواز و استقلال تهران را دارد. پس از قهرمانی اسـتقلال تهران با قلعه نویی در سال ۱۳۸۵ و نتایـج ضـعیف تیم ملی ایران در مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ و از طرفی خاتمه همکاری ایران با برانکو ایوانکویـچ، شـرایط تازه‌ای برای قلعه نویی مهیا شـد. او به عنوان سـرمربی تیم ملی انتخاب شد و همزمان در ادواری پست‌های مـدیرفنی و رئیس سازمان فوتبال اسـتقلال تهران را نیز بر عهده داشت. تیم ملی ایران با حضور او روی نیمکت در مسابقات جام ملت‌های آسـیا (۲۰۰۷) بـا ضـربات پنـالتی مغلوب تیم ملی کره‌جنوبی شـد و از این رقابت‌ها دست خالی بازگشت. در سال ۲۰۰۷ وی کاندید کسب بهترین مربی سال آسیا شد

قلی‌زاده، احمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولف، مترجم.

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۲۸ خرداد ۱۳۶۸، لس‌آنجلس.

احمدرضا قلی‌زاده تحصـیلات خود را در مدرسه‌های ثریا و ادب و دانش به پایان رسانید و پس از آن به دارالمعلمین وارد شده و از دانشسـرای عالی در رشـته‌ی فیزیک و شـیمی در مقطع کارشناسـی فارغ‌التحصـیل شد. علاوه بر تدریس در دبیرسـتان‌های انوشیروان دادگر و فیروز بهرام در دانشگاه نیز درس می‌داد.

از آثـار اوست: آزمایش‌های علمی (ژوزف لیمپتین، ۱۳۳۴)؛ شـیمی (برای دوره‌ی متوسطه، ۱۳۱۷ –۱۳۱۶)؛ شیمی آلی (بامشارکت دکتر وارطانی، ۱۳۳۰، جلد سوم، ۱۳۱۶)؛ شـیمی فنی خانه‌داری، فیزیک (برای سال سوم دبیرستان‌ها، ۱۳۱۷، با مشارکت علی‌اصغر نوروزیان و هادی رهنما، جلد پنجم، چاپ یازدهم، ۱۳۳۳، جلد ششم، ۱۳۱۹)؛ ماشین‌های خانگی (ژوزف لیمپتین). وی همچنین در ترجمه‌ی کتاب زندگینامه‌ی علمی دانشوران همکاری داشت.

احمدرضا قلی‌زاده در خرداد ۱۳۶۸ در بیمارستانی در شهر لس‌آنجلس آمریکا درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قمشه ای شمس آبادی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن ملّا قاسم از احفاد میرزا حیـدر علی مجلسـی، واعظ کامل جامع، در جمعه ۱۸ ذیحجهٔ الحرام سال ۱۳۷۰ وفات یافته، داخل بقعه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمی طباطبائی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا باقر بن العالم الجلیل آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء اعلام معاصر تهرانست.

وی در ماه ذی الحجه ۱۳۳۵ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و دروس مقدماتی و سطوح را نزد اساتید و علماء مشـهد فراگرفته و سـپس در سال ۱۳۵۳ قمری در خـدمت والـد ماجـدش بعتبات عالیات مهاجرت نموده و در کربلاء معلی اقـامت و از دروس خـارج مرحـوم والـد و آیت‌اللّه العظمی میلانـی (مقیم مشـهد) اسـتفاده نموده و بعـد از آن مـدتی در نجف اشـرف از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی بهره‌مند و نیز چندی از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی مستفیض گردیده آنگاه در سال ۱۳۶۶ قمری بعد از فوت مرحوم والدش آیت‌اللّه العظمی قمی به تهران منتقل و تاکنون بخدمات دینی و روحی و اقامه جماعت در مسجد (نوریان) خیابان شمیران (باغ صبا) و مباحثات علمی و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قمی مشهدی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، فقیه، مفسر، محدث، ادیب و عالم. وی با علامه محقق سبزواری و علامه مجلسی صاحب «بحارالانوار» و فیض کاشانی معاصر بود او از شاگردان علامه مجلسی و از ایشان، در ۱۱۰۷ ق، به دریافت اجازه نایل آمد. شیخ حر عاملی در «امل الامل» او را از فضلای معاصر خود می‌شمارد. از آثار وی: «کنز الدقائق و بحر الغرائب» یا «کنز الحقائق و بحر الدقائق»، در تفسیر قرآن که در حدود یکصد و بیست هزار بیت است و استادش علامه مجلسی در پشت این تفسیر تقریظی، در ۱۱۰۲ ق، نگاشته و در آن او را ستوده است؛ «شرح المنظومه» موسوم به «نجاح المطالب» یا «ارجوزه»، منظومه‌ای در صد بیت، در معانی و بیان، و شرح آن موسوم به «انجاح المطالب فی الفوز بالمارب»؛ رساله در «احکام صید و ذباحه»، به عربی؛ «التحفه الحسینیه»، در ادعیه؛ «سلم درجات الجنه»؛ «شرح الزیاره الرجبیه»؛ «شرح الصحیفه السجادیه»؛ «شرح الترصیف فی علم التصریف»، به نظم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تلامذه العلامه المجلسی (۷۲ -۷۱)، الذریعه (۶۴/ ۲۴ ۱۵۴، ۱۵۳- ۱۵۲، ۱۵۱- ۱۸ / ۱۸، ۹۲ / ۱۴ ،۳۵۶، ۳۰۷ -۳۰۶ ، ۱۴۵ / ۱۳ ، ۲۲۰ / ۱۲ ، ۴۳۰ ،۴۲۹- ۳ / ۳۶۴، ۳۶۳- ۲ / ۴۹۶، ۱)، روضات الجنات (۱۰۶ -۱۰۵ / ۷)، فوائد الرضویه (۶۱۸، ۵۳۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۷ / ۱).

قمی وزوائی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در مآثر و آثار گوید: شیخ محمدحسن قمی وزوائی مقیم دارالخلافه عالمی عادل است و فقیهی فاضل او را با خاندان مرحوم حاج ملا محمد کرمانشاهی که عالمی ربانی بود و با خاقان مغفور، فتحعلی شاه قاجار معاصرت داشت ارتباطی من‌القدیم است «و اختصاص عن الصمیم» در سال ۱۳۱۰ وفات نموده و در شیخان بزرگ قم مدفون شد (وزواء) از بلوک قم است که تا شهر ده فرسخ مسافت دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسحق قمی عالمی جلیل و متقی از شاگردان شیخ انصاری بوده و در سال ۱۳۲۴ قمری وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، سعید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه خونساری در باب سین ص ۳۰۱ روضات الجنات گوید، القاضی سعید بن محمد مفید القمی اوست مولا و فاضل حکیم بارع عارف متشرع ادیب کامل محقق صمدانی که در بعضی از نوشته‌هایش از خود تعبیر به بنده ملتجی به درب صاحبان توحید محمد معروف به سعید نموده است.

دست بازی در مراتب ولایت و عرفان و روش عالی بر طریقه اهل معرفت و وجدان دارد. وی از بزرگان فضلاء حکمت و ادب و حدیث و تأویل و مؤید به روح‌القدس در استنباط نکات و دقایق خفیه و اطلاع بر اسرار و ضمایر و مکاشفات بوده است.

در عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می‌نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است.

بیشتر و عمده تلمذ و شاگردیش در محضر محدث بزرگوار مولانا محمد محسن فیض کاشانی بوده شباهت تامی در مشرب و روش به خواهرزاده‌اش شیخ نورالدین که به منزله پیراهن تن او و زبان وی در ظاهر و باطن بوده داشته است.

تألیفات و آثار ارزنده بسیاری دارد در حدیث و اخلاق که بعضی از آن را اشاره می‌نمایم:

۱- شرح کبیری بر کتاب توحید صدوق در چندین مجلد، ۲- کتاب اربعینیات که در او چهل رساله جمع کرده که از هر کدام چهل باب از بابهای معارف و تحقیقات باز می‌شود و آن از بهترین تصنیفات شیعه است.

قبر شریف این بزرگوار در نزدیک قبر جناب شیخ ابوالحسن علی بن بابویه در کنار خیابان ارم مقابل پارک فعلی شهرداری شهرستان قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن قمی

محل تولد : مامازند ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. اورا که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در ۷سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. درسال ۱۳۵۰ ودر سن ۱۱ سالگی به قم رفت وبه تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او دردوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن ۱۴ سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالیه تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجهٔ الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق وتحصیل وتدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال ۱۳۶۰ در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده وبه مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۵ نفر از خانواده حجهٔ الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

قمی، محمد بن رضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل گوید: آنجناب از فضلاء معاصرین بوده و گوید او راست شرح منظومه در معانی و بیان که یکصد بیت است و آن را «انجاح المطالب» نامیده و صاحب روضات گوید المولی میرزا محمد بن المولی محمد بن رضا بن المولی اسماعیل ابن جمال‌الدین المشهدی القمی مردی فاضل و عالمی عامل و جامع و ادیب و محدث و فقیه و منسر و نبیه و موثق و وجیه و از علماء زمان علامه سبزواری (جناب مولی محمدباقر ابن‌محمد مؤمن سبزواری اصفهانی) و علامه مجلسی (صاحب بحار) و مرحوم فیض کاشانی است او راست کتاب تفسیر کبیر موسوم به «کنزالدقایق و بحرالغرائب» که تقریباً یکصد و بیست هزار بیت است و سبقت نگرفته است او را به این طرز تفسیر احدی از علماء قدیماً و جدیداً و از برای اوست ایضاً کتاب کبیری در اعمال سال به فارسی که خوش طرز و پرفایده است و رساله‌ای به عربی در احکام صید و ذباحه با نهایت استدلال و غیر اینها از کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علماء و وعاظ درجه اول قم بود که در ترتیب مطالب منبری و حسن ابتکار آن ربطی عظیم داشت و منبرش برای عموم خصوصاً طبقه عوام زیاد نافع بود. در سال ۱۲۶۶ در قم متولد شده و در اوائل جوانی تحصیل فقه و اصول نموده و چندی هم در قم امامت جماعت داشت دارای ذوقی سلیم و طبعی سرشار بود و در مراثی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و خاندان مظلوم پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم اشعاری داشت که اکنون نزد فرزند ارجمندش حجهٔ‌الاسلام آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی موجود می‌باشد.

در دوره اول مشروطی از طرف اهالی قم به وکالت مجلس شورا و پارلمان انتخاب گردید و می‌فرمود من در کتابخانه خود بدون اطلاع و خبری نشسته بودم که خبر دادند اهالی شما را به وکالت مجلس انتخاب نموده‌اند. پس در همان دوره اول به تهران عزیمت نمود و در مجلس شرکت کرد.

از آثار آن مرحوم است چهار جلد کتاب که در مواعظ و مجالس منبری ترتیب و تألیف نموده که خیلی با سلیقه و مفید و خوب نوشته‌اند. دیگر در اواخر عمر کتابی هم در فضیلت صلوات مرقوم نموده‌اند در سن ۸۷ سالگی در سال ۱۳۵۱ هجری وفات نموده و در صحن کهنه مقابل بقعه محمد شاه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمیشه‌ای، ابوالفتوح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم و فاضـل حکیم بـوده، و در قرن دوازدهم می‌زیسـته است، و حواشـی بر شـرح اصول کـافی نگاشـته که آن را فرزنـدش محمّد مهدی قمیشه‌ای در نسخه‌ای از کتاب مرقوم، که در تاریخ ۲۶ شعبان سال ۱۱۳۳ از کتابت آن فراغت یافته است، نقل نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمیشه‌ای، مفیدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل ادیب، ساکن اصفهان بوده، و در ۱۲۹۳ وفات یافته، نزدیک خواجوئی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قوام الدین کرمانی، ابومحمد، ابوالفتح مسعود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۴۸ -۶۶۴ ق)، ادیب و فقیه حنفی. در دیارش علوم مقدماتی را فراگرفت و آن‌گاه در ادبیات عرب و فقه و اصول مهارت پیدا کرد و نظم و نثر نیکویی یافت. پس به دمشق رفت و ساکن آنجا شد. سپس مدتی را در قاهره گذرانید و سرانجام به دمشق بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثارش: شرح «کنز الدقائق» به نام «شرح الکنز»، در فروع فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکاشف الذهنی» در شرح «المغنی» خبازی خجندی، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۵ / ۸)، شذرات الذهب (۱۵۸ -۱۵۷ / ۶)، کشف الظنون (۱۷۴۹، ۱۵۱۶)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۲).

قوام السنه اصفهانی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۵ -۴۵۷ ق)، مفسر، حافظ، محـدث و لغـوی شـافعی. معروف به جوزی و قوام‌السـنه جوزی. از ابوعمرو عبـدالوهاب بن منـده و عائشه بنت حسن و ابراهیم بن طیان و قاضـی ابومنصور شکرویه و محمد بن احمد سمسار و احمد ذکوانی و رئیس ابوعبدالله ثقفی و عاصم بن حسن و محمـد زینبی و ابوبکر بن خلف شیـرازی و ابونصـر سـراج و عبـدالرحمان واحـدی در اصـفهان و بغـداد و نیشابور حدیث شـنید. او همچنین سالی را در مجاورت مکه گذرانید و املاء و تصـنیف نمود. ابوسـعد سمعانی و ابوالعلاء همدانی و ابوطاهر سلفی و ابوالقاسم بن عساکر و ابوموسـی مـدینی و ابوسـعد صائغ و عبـدالله بن محمد خباز و ابوالمجد زاهر بن احمد ثقفی و محمود عبدکوی از شاگردان وی در حدیث می‌باشـند. ابوموسـی مدینی او را پیشگام و اسـتاد علمای زمانش می‌داند. یحیی بن منده گوید که در عصـر او مثل او نبود. او در تفسـیر، معانی، اعراب و فقه سرآمد اقران بود. فتاوای او در شهر و روستا شهرت داشت. وی کتاب بسیاری به عربی و فارسی نگاشت. از آثارش: «الجامع»، در تفسیر،سی مجلد؛ «المعتمد»، تفسیری در ده مجلد؛ «الایضاح»، در تفسیر، در چهار مجلد ؛ «الموضح»، تفسیری به فارسـی در چندین مجلد؛ «دلائل النبوه»؛ «التذکره»، حدود سـی جزء؛ «سیر السلف»، در شرح حال صحابه و تابعین؛ «الترغیب و الترهیب»؛«شرح الصحیحین»؛ «المغازی»؛ «اعراب القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۳ -۳۲۲ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۵۶ / ۱)، سیر النبلاء (۸۸ -۸۰ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۰۶ - ۱۰۵ / ۴)، طبقات الحفاظ (۴۶۴ -۴۶۳)، العبر (۴۴۷ -۴۴۶ / ۲)، الکامل (۳۶۹ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۰۴، ۱۷۳۲، ۱۴۰۴، ۷۶۰، ۶۳۱، ۵۷۵، ۵۷۱، ۵۵۸، ۵۵۴، ۴۴۲، ۴۰۰، ۲۱۱، ۱۲۳)، النجوم الزاهره (۲۶۱ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۱ / ۹)، هدیه العارفین (۲۱۱ / ۱).

قوام، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به «قوام‌السـلطنه»، در ۱۲۵۲ ش در تهران متولـد شـد. پـدرش میرزا ابراهیم معتمدالسـلطنه از رجال دوره‌ی ناصری و جـدش

قوام‌الدوله وزیر دفتر استیفا بود. مادرش طاووس‌خانم دختر میرزا محمدخان مجدالملک سینکی صاحب رساله مجدیه و پدر میرزا علی‌خان امین‌الدوله است. قوام تحصیلات مقدماتی را به اتفاق برادرش حسن وثوق نزد معلمین خصوصی فراگرفت، سپس در زمینه‌ی ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی، عروض و قافیه و معانی بیان و ریاضیات قدیم ادامه‌ی تحصیل داد و مدتی نیز در مدرسه‌ی مروی به آموزش فلسفه و حکمت اشتغال ورزید. تلاش او در حسن‌خط موجب شد که در عداد خطاطان درجه‌ی اول روز قرار بگیرد.

قوام وقتی به سن رشد رسید، معتمدالسلطنه شمه‌ای از تحصیلات او و نمونه‌ای از خط او را نزد ناصرالدین شاه برد و برای فرزند خود تقاضای شغل و لقب نمود. شاه وقتی از حسن خط و شیوه‌ی نگارش این جوان واقف شد، او را جزء پیشخدمتان مخصوص قرار داد و ملقب به عنوان دبیر حضور کرد.

در سال ۱۳۱۴ ه.ق میرزا علی‌خان امین‌الدوله دائی او با پیشکاری ولیعهد به آذربایجان رفت و میرزا احمد دبیرحضور را نیز به عنوان منشی و رئیس دفتر مخصوص با خود به این ماموریت برد. چند ماهی پس از این ماموریت، امین‌الدوله به تهران احضار شد و به جای میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان به صدارت رسید و قوام را منشی و رئیس دفتر خود نمود.

عبدالله مستوفی در تاریخ قاجار درباره‌ی این سمت دبیرحضور چنین می‌نویسد: «منشی گری صدراعظم در این ایام هم مثل سابق زیبائی خط و انشاء و امانت و صحت و پشتکار و هوش و فراستی لازم داشت که در همه یافت نمی‌شد زیرا هنوز هم نوشتن نامه به طور مرتجل و بدون پیش‌نویس و قلم‌خوردگی از لوازم کار به شمار می‌آمد. عهده کردن این کار زیردست نویسنده دقیق و صاحب خطی مانند امین‌الدوله کار هر بافنده و حلاج نبوده و آقای دبیرحضور تمام مزایای شغل را از زیبائی خط و انشاء مرتجل و امانت و پشتکار حائز بود».

میرزا احمدخان دبیر حضور مادام که امین‌الدوله صدراعظم بود، در آن سمت حساس قرار داشت. پس از کناره گیری امین‌الدوله، راه اروپا را پیش گرفت و متناوبا قریب ۳ سال در اروپا به تکمیل تحصیلات و آموزش زبانهای خارجی اشتغال ورزید. در ۱۳۲۲ ه.ق عین‌الدوله صدراعظم شد، دبیرحضور را به تهران فراخواند و به او مقام و عنوان وزیر رسائل داد. این سمت در آن ایام در حقیقت معاونت اجرائی و اداری نخست‌وزیر بود. در سفر سوم مظفرالدین شاه به اروپا در زمره‌ی همراهان قرار گرفت. پس از بازگشت به تهران، با دریافت لقب وزیرحضور، رئیس دفتر مخصوص مظفرالدین شاه شد. او در این سمت توانست اعتماد شاه را نسبت به خود جلب کند. قوام در اثر توقف طولانی در اروپا و مطالعه در نوع حکومتها به حکومت قانون و مشروطیت بستگی داشت و از این رو از سنگر دفتر مخصوص، شاه را تشویق به اعطای مشروطیت می‌نمود. اقدامات قوام و اعلم‌الدوله ثقفی پزشک مخصوص در این باره قابل تقدیس است. قوام فرمان مشروطیت را به خط زیبای خود نوشت و آن را برای امضاء نزد مظفرالدین شاه برد و در اثر اصرار سرانجام فرمان را به توشیح رسانید.

قوام در ۱۳۲۴ پس از فوت نریمان‌خان قوام‌السلطنه وزیرمختار ایران در اتریش با اهداء ۲۵ هزار اشرفی برای خود از شاه لقب قوام‌السلطنه گرفت.

قوام از تاریخ صدور فرمان مشروطیت تا فتح تهران، کار دولتی نداشت و گاهی به عنوان میانجی بین مشروطه‌خواهان و مستبدین می‌شد و یا بعضی تندروی‌ها را تعدیل می‌کرد.

پس از خلع محمدعلی میرزا و اداره‌ی کشور وسیله‌ی سپهسالار و سردار اسعد از طرف سردار اسعد به معاونت وزارت داخله منصوب شد. ظاهرا مقام وزارت با سردار بود ولی او عملا هیچگونه مداخله‌ای در کارها نداشت. قوام سازمانی بر اساس کشورهای اروپائی برای وزارت داخله پی‌ریزی کرد و مسئولیتها را مشخص نمود و برای احراز مشاغل ضوابطی تعیین نمود. در مرداد ۱۲۸۹ در کابینه‌ی اول مستوفی‌الممالک، وزارت جنگ را احراز کرد. قوام‌السلطنه در این سمت توانست لایحه‌ی خلع سلاح مجاهدین را از تصویب مجلس بگذراند. همچنین از خودسری‌های بختیاری‌ها و تروریست‌ها جلوگیری کند. ستارخان و فدائیان او که مسلح و غالبا موجب بروز حوادث ناگواری در شهر می‌شدند، خلع سلاح شدند. در زدوخوردی که بین قوای دولتی و فدائیان ستارخان در پارک اتابک به وقوع پیوست، ستارخان گلوله خورد. قوام در همین سمت قیمتی برای سلاح مردم تعیین کرد و با قیمتی مناسب آنها را خرید و تحویل انبار مهمات وزارت جنگ داد.

در ۱۲۹۰ ش در کابینه‌ی دوم محمدولی‌خان سپهدار تنکابنی به وزارت عدلیه منصوب شد و در مرداد همان سال در هیئت دولت صمصام‌السلطنه بختیاری به وزارت داخله رسید و در هر سه ترمیم کابینه در وزارت داخله باقی ماند. در ۱۲۹۱ در کابینه‌ی محمدعلی‌خان علاءالسلطنه وزارت مالیه را عهده‌دار گردید. در ۱۲۹۶ در نخست‌وزیری دوم علاءالسلطنه وزیر داخله شد. در کابینه‌ی سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله همچنان مقام وزارت داخله را حفظ کرد.

در ۱۲۹۶ قوام‌السلطنه به جای کامران میرزا قاجار به ایالت خراسان منصوب شد. پس از ورود به مشهد، خود را فرمانروای کل ایالت خراسان و سیستان خواند. در این ماموریت، قوام‌السلطنه اقدامات چشمگیری برای ایجاد امنیت از طریق تقویت ژاندارمری و شهربانی به عمل آورد و اعتباراتی از مرکز برای تهیه‌ی تفنگ و مهمات دیگر تحصیل نمود. یاغیان و طاغیان را سر جای خود نشاند و به این استان پهناور امنیت نسبی بخشید. در همین ایام موجبات انتقال کلنل محمدتقی‌خان پسیان را برای ریاست ژاندارمری خراسان فراهم نمود و ساز و برگی مناسب و در خور یک واحد نظامی قومی برای او تدارک دید و از هر جهت کلنل را مورد تایید و تشویق قرار داد.

قوام‌السلطنه تا پایان ۱۲۹۹ در استان خراسان مستقر بود. بعد از کودتای ۱۲۹۹و نخست‌وزیری سید ضیاءالدین طباطبائی و صدور ابلاغ اعلامیه‌های تازه نخست‌وزیر از مرکز توضیح بیشتری خواست ولی سید ضیاء که از او بیم داشت، دستور توقیف او را به کلنل محمدتقی‌خان پسیان داد روز سیزده نوروز ۱۳۰۰ هنگامی که قوام با کالسکه‌ی مخصوص خود از باغ ملک‌آباد عازم شهر بود، در مقابل ژاندارمری توسط ماژور اسمعیل‌خان بهادر معاون کلنل دستگیر و زندانی شد و کلنل عهدشکنی خود را نسبت به ولی نعمت خود که سوگند وفاداری به او خورده بود شکست. کلنل پس از دستگیری قوام، اموالش را مصادره کرد و او را تحت‌الحفظ با

گاری پستی به تهران فرستاد و تحویل زندان قصر داد.

در خردادماه ۱۳۰۰ سید ضیاءالدین از ریاست دولت معزول و به اروپا تبعید شد و شهاب‌الدوله شمس ملک‌آراء رئیس تشریفات سلطان احمدشاه فرمان نخست‌وزیری قوام‌السلطنه را در زندان قصر به او ابلاغ کرد.

قوام در چهاردهم خرداد رئیس‌الوزراء شد. در همین کابینه برای جلوگیری از تندروهای سردارسپه، مصدق‌السلطنه را به وزارت مالیه معرفی کرد و از مجلس برای او اختیارات گرفت و در تمام مدت نخست‌وزیری، وزارت داخله را خود متصدی گردید. قوام پس از نه ماه زمامداری و یک سلسله اقدامات بنیادی، در بهمن‌ماه همان سال جای خود را به مشیرالدوله داد ولی مشیرالدوله بیش از چهار ماه نتوانست دولت را اداره کند و کنار رفت و مجلس بار دیگر قوام‌السلطنه را به ریاست‌الوزرائی برگزید. قوام در این دوره از نخست‌وزیری مورد تایید مدرس و اصلاح‌طلبان بود. در این دوره، قوام لایحه‌ی تشکیل بانک ملی و استخدام مستشاران آمریکائی را برای امور مالی تقدیم مجلس کرد. نخست‌وزیری دوم قوام‌السلطنه، حدود هشت ماه طول کشید و مستوفی جانشین او شد.

قوام در ۱۳۰۲ ظاهرا به جرم توطئه‌ای علیه وزیر جنگ تحت تعقیب قرار گرفت و مدتی توقیف بود تا در اثر وساطت عده‌ای از زندان آزاد و رهسپار اروپا گردید و سالها به صورت انزوا و تبعید در اروپا به سر می‌برد تا اینکه در اثر وساطت وثوق‌الدوله و ذکاءالملک فروغی به تهران آمد و دور از کارهای سیاسی در لاهیجان به کشاورزی مشغول شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر قوام وارد صحنه‌ی سیاست شد و خود را کاندیدای نخست‌وزیری کرد. فروغی برای رهائی از تحریکات قوام، او را به عضویت کابینه دعوت نمود ولی قوام نپذیرفت و همچنان در کمین نخست‌وزیری نشست. قوام، محمدرضا پهلوی را جز یک بار در دوران خردسالی ندیده بود. در ۱۳۰۱ که قوام‌السلطنه نخست‌وزیر و سردارسپه وزیر جنگ بود، رضاخان از رئیس‌الوزراء و وزیران برای صرف ناهار در منزل ییلاقی خود که بعدها سعدآباد نامیده شد، دعوتی به عمل می‌آورد. در آن روز سردارسپه فرزند سه‌ساله‌ی خود را نزد قوام‌السلطنه می‌برد و قوام نیز بر حسب رویه رجال و متعینین، کودک را در آغوش گرفته مشتی اشرفی طلا در جیب او می‌ریزد. دیگر از آن تاریخ به بعد، شاه جدید را ندیده بود. توسط شکوه‌الملک پسرعموی خود تقاضای ملاقات می‌کند. شاه او را می‌پذیرد و قوام وقتی وارد اتاق شاه می‌شود، بدون رعایت تشریفات می‌گوید آه چقدر بزرگ شده‌ای. شاه از این جمله که جنبه‌ی تحقیر در آن نهفته بود، از قوام نفرت پیدا می‌کند و همیشه انزجار خود را ابراز می‌کرد. در این ملاقات، شاه از قوام خواهش می‌کند کابینه را تقویت کند. قوام با صدور اعلامیه‌ای شایعه‌ی نخست‌وزیری خود را تکذیب می‌نماید.

در مرداد ۱۳۲۱ مجلس سیزدهم به نخست‌وزیری قوام رای اعتماد می‌دهد و شاه ناچار فرمان نخست‌وزیری او را صادر می‌کند. اشغال ایران از طرف متفقین قحطی و کمبود مواد غذائی، تورم شدید اقتصادی و بیکاری، دولت قوام را با مشکلات بزرگی روبرو ساخت. با وجودی که از تنی چند از رجال صدر مشروطیت در کابینه‌ی خود دعوت کرد، مع‌الوصف نتوانست به اوضاع کشور سر و صورتی بدهد. در ۱۷ آذر همان سال مردم شورش کردند، به داخل مجلس ریختند، عده‌ای از نمایندگان را مجروح ساختند، دکاکین به غارت رفت، ساختمانها به آتش کشیده شد و حتی خانه‌ی قوام‌السلطنه را آتش زدند و حکومت نظامی تمام مطبوعات را منحل کرد و مدیران آنها را به زندان انداخت، فقط نشریه‌ای به نام اخبار روز از طرف دولت منتشر می‌شد که حاوی اخبار جاری روز بود. قوام در محیط اختناق و خفقانی که به وجود آورده بود، نتوانست ادامه حکومت دهد، ناچار از کار کنار گرفت و مجددا صندلی صدارت را به سهیلی داد. مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود به فکر تعیین نخست‌وزیر مقتدری افتاد که بتواند بر مشکلات فائق آید. ماجرای آذربایجان و خراسان و فارس و اصفهان هر کدام در نوع خود مشکل بزرگی بودند. اوضاع درهم‌ریخته‌ی کردستان و تهدید قاضی محمد به استقلال، خود داستانی مفصل بود. در آن ایام موتمن‌الملک ذخیره‌ی سیاسی کشور و قوام‌السلطنه رجل استخواندار، کاندیدای نخست‌وزیری بودند. پس از اخذ رای، آراء آنها برابری می‌کرد و هر کدام پنجاه رای موافق داشتند. سید محمدصادق طباطبائی رئیس مجلس، در رای شرکت کرد و به نفع قوام رای خود را در گلدان انداخت و بدین ترتیب با یک رای اضافی، قوام بر رقیب خود موتمن‌الملک فائق آمد و زمام امور را در دست گرفت. قوام، دو تن از نخست‌وزیران سابق یعنی سهام‌السلطان بیات و دکتر احمد متین‌دفتری را به کابینه برد ولی مجلس مخصوصا فراکسیون حزب توده، با عضویت متین دفتری به شدت مخالفت کردند و قوام ناچار از او صرفنظر کرد و دولت و کشور را به دست سهام‌السلطان بیات سپرد و خود با هیئتی از کارشناسان سیاسی و اقتصادی و مطبوعاتی عازم مسکو شد تا قضیه‌ی آذربایجان را حل کند. قریب ده روز در مسکو به سر برد. در نخستین روزهای اقامت خود به هیچ وجه توفیقی در کار به دست نیاورد، حتی مقامات رسمی شوروی از مذاکره با او خودداری کردند. قوام در مسکو تصمیم به استعفا گرفت که از همانجا به اروپا برود ولی همکاران او را به مقاومت بیشتری ترغیب کردند و مراتب را تلگرافی از موتمن‌الملک مشورت نمودند. موتمن‌الملک پاسخ داد قدری تامل کنید. قوام چند روز توقف خود را در مسکو ادامه داد تا اینکه استالین آمادگی خود را برای مذاکره با قوام اعلام نمود و قرار شد قوام به دیدار استالین برود. قوام این ملاقات را نپذیرفت و پیغام فرستاد که او در راس هیئتی به مسکو آمده و اگر ملاقاتی می‌شود بایستی کلیه اعضاء هیئت او حضور داشته باشند. استالین ناگزیر پیشنهاد قوام را پذیرفت و روز بعد قوام‌السلطنه و هیئت او وارد اتاق کار استالین شدند. قوام در صندلی مقابل میز استالین قرار گرفت و بقیه‌ی اعضاء در روی مبلهای سالن نشستند. در این موقع استالین سیگاری از روی میز برداشته و پس از روشن کردن سیگار، مشغول کشیدن سیگار می‌شود بدون اینکه به قوام سیگار تعارف کند. قوام بلافاصله از جعبه سیگار خود سیگاری بر لب می‌نهد و ظاهرا به دنبال فندک در جیبهای خود می‌گردد. استالین فندک خود را روشن کرده سیگار قوام را آتش می‌زند. مذاکرات قوام و استالین رضایت‌بخش بود و قوام با وعده‌ی واگذاری نفت شمال به روسها در صورت تصویب مجلس شورای ملی، موضوع تخلیه‌ی ایران و خودمختاری آذربایجان را با رهبر شوروی توافق می‌کند. او پس از مراجعه از شوروی چندی بعد کابینه‌ی خود را ترمیم کرده و سه تن از اعضاء حزب توده را داخل کابینه نمود و حزبی به نام دموکرات ایران تاسیس کرد. شاه را موظف کرد در حدود قانون اساسی سلطنت کند و در امر حکومت مداخله ننماید. حتی قسمتی از اختیارات قانونی شاه را محدود نمود مثلا در فرامینی که شاه صادر می‌کرد، همیشه نوشته می‌شد پیشنهاد نخست‌وزیر، قوام دستور داد تمام

فرامین دربار را تعویض نمایند و به جای پیشنهاد «تصویب و موافقت قوام‌السلطنه» را افزود. به هیچ‌وجه به توصیه‌های شاه و خاندان پهلوی ترتیب اثر نمی‌داد، در مجالس رسمی و بازدیدها گاهی دیرتر از شاه حضور می‌یافت و زمانی جلوتر از او حرکت می‌کرد. پس از حل مسئله‌ی آذربایجان و فارس و کردستان، شاه خدمات او را صادقانه ستود و به او عنوان و لقب جناب اشرف که قبلا از طرف سلطان احمدشاه هم داده شده بود، اعطاء کرد. قوام قریب بیست‌ماه بلامنازع حکومت کرد تا سرانجام در اثر فشار افکار عمومی انتخابات دوره‌ی پانزدهم را با دخالت کامل حزب دموکرات ایران انجام داد و ظاهرا تمام سرسپردگان خود را به مجلس فرستاد و در آن مجلس فراکسیونی به نام دموکرات ایران با اکثریت قاطع تشکیل شد. لیدر فراکسیون ملک‌الشعرای بهار بود. شاه پس از حل قضیه‌ی آذربایجان از محبوبیتی که برای او در بین عامه فراهم شده بود، رشک می‌برد و می‌خواست اعاده‌ی امنیت در کشور و سایر اصلاحات توسط او انجام گیرد، لذا در مقام مبارزه‌ی پنهانی با قوام برآمد. ابتدا وزرای نظامی را تحریک کرد که با قوام سرشاخ شوند. قوام هر دو آنها را که سپهبد احمدی و سرلشکر آق‌اولی بودند، از کابینه خارج ساخت. بعد عده‌ای از وزراء را پنهانی تحریک کرد و آنها به حالت اجتماع استعفا دادند و قوام ضرورتی برای رای اعتماد نمی‌دید، مع‌الوصف به اتفاق تنها وزیر کابینه سیدجلال‌الدین تهرانی که مستعفی نشده بود، به مجلس رفت و نطق مفصلی ایراد کرد و تقاضای رای اعتماد نمود. سردار فاخر که چشم به مقام قوام دوخته بود و با شاه سر و سری داشت، موجبات سقوط قوام را فراهم نمود و مآلا اکثریت به او رای عدم اعتماد دادند و نخست‌وزیری او در آذر ۱۳۲۶ ساقط شد. پس از چند روز راه اروپا را پیش گرفت. از آن همه افراد حزب و دوستان و آشنایان، تنها یک نفر در فرودگاه او را بدرقه کرد، آن هم سید جلال‌الدین تهرانی بود.

شاه پس از سقوط قوام ساکت ننشست و به وسیله‌ی ایادی خود مشغول پرونده‌سازی شد تا خدمات قوام را از ذهن مردم خارج کند و خود را قهرمانی ملی قلمداد نماید. اعلام جرمهای متعدد در مجلس و دادگستری به جریان افتاد ولی چون هیچ کدام محتوا نداشت، به جائی نرسید. قوام مدتها در اروپا باقی ماند تا اینکه شاه تصمیم گرفت به قانون اساسی شبیخون بزند و چند اصل آن را به نفع خود تغییر داده، اختیار انحلال مجلسین را برای خود بگیرد، لذا دستور مجلس موسسان صادر شد. قوام‌السلطنه از اروپا عریضه‌ی سرگشاده‌ای برای شاه نوشت و مدلل ساخت که تغییر قانون اساسی نه به مصلحت شاه و نه ملت است، این خونبهای پدران را نباید ملعبه نمود و راهی برای تغییر آن باز کرد. شاه از نامه‌ی قوام برآشفت، جوابیه‌ای تهیه و به امضای حکیم‌الملک وزیر دربار برای قوام فرستاد و تمام مفاسد کشور را متوجه زمامداری قوام‌السلطنه ساخت. قوام پس از چندی، پاسخی به نامه‌ی شاه داد. این نامه را فقط روزنامه‌ی داریا به مدیریت حسن ارسنجانی انتشار داد. از نظر ضبط در تاریخ، نامه‌ی قوام عینا در زیر به نظر می‌رسد. ضمنا شاه عنوان و لقب جناب اشرف را نیز از او سلب نمود.

در جواب عریضه‌ی سرگشاده که چندی قبل به حضور همایونی عرض کرده بودم نامه‌ای به امضای جناب آقای حکیم‌الملک به اینجانب رسید که تاریخ آن ۱۹ فروردین بود و در روزهای آخرین فروردین که به دستور طبیب در جنوب فرانسه بودم به اینجانب ابلاغ گردید. در آن موقع به شهادت جمعی از آقایان قریب بیست روز بیمار و بستری بودم و بعد هم برحسب وقتی که از جراح متخصص اذن گرفته بودم بایستی روز ۲۷ ماه مه (۱۶ اردیبهشت) برای عمل جراحی به لندن می‌رفتم این بود که پس از رفع کسالت برای ویزای گذرنامه به پاریس آمد و روز ۱۶ اردیبهشت وارد لندن شدم. بدیهی است در جریان عمل جراحی امکان خواندن و نوشتن و فرصت ایراد جواب غیرمقدور بود. اکنون که از بیمارستان بیرون آمده با حال ضعف و نقاهت تحت‌نظر طبیب و جراح در لندن اقامت دارم و فرصت محدودی برای مطالعه جراید تهران حاصل است با کمال تعجب ضمن شایعات جراید در روزنامه‌ی اطلاعات ملاحظه شد که اینجانب نامه‌ای به علیاحضرت ملکه مادر به طهران فرستاده و تقاضا کرده‌ام اجازه داده شود به طهران مراجعت نمایم و نیز نوع انتشارات سبب شد که با حال کسالت اولا شایعات مزبور را تکذیب کنم، زیرا در خود گناه و خطائی نمی‌بینم که مورد عفو و اغماض ملوکانه واقع شوم و بنابراین هر وقت طبیب اجازه دهد به وطن عزیز خود مراجعت خواهم کرد و ثانیا چنانچه آقای ابراهیم حکیمی را بی‌جواب می‌گذاشتم مثل این بود که مندرجات آن را تصدیق کرده باشم و از مدلول جواب واضح بود که آنچه را شرح داده‌اند بر حسب ابتکار شخص ایشان نبوده، چه عمری است با ایشان رفاقت و خصوصیت داشته‌ام و در تمام این مدت کلمه‌ای برخلاف نزاکت و احترام از ایشان نسبت به خود نشنیده‌ام. پس مسلم است که آنچه را ایشان امضاء نموده‌اند ابلاغ فرمایشات همایونی بوده. بنابراین روی سخن و در عرض جواب به پیشگاه ملوکانه است نه به جناب ابراهیم حکیمی و چون در خاتمه‌ی نامه ابلاغ نموده‌اند که حسب‌الامر در آتیه از عرض عرایض به حضور همایونی خودداری شود ناچار جواب تقریرات را به وسیله‌ی رجال خیرخواه و جراید به عرض برسانم تا برخلاف اراده مبارک عمل و اقدامی نکرده باشم.

آنچه را در عریضه سرگشاده به عرض رسانده‌ام تنها عقیده فدوی نبوده بلکه نظر علمای اعلام و متفکرین عالیمقام و وطن‌پرستان ایران بوده است که جز خیر و سعادت مملکت و صلاح شخص شخیص سلطنت نظری نداشته‌اند و جای بسی تاسف است که عرایض خیرخواهانه به جای حسن قبول تولید ملال و کدورت نموده تا حدی که قسمت اعظم مشکلات موجود را نتیجه‌ی دوران زمامداری فدوی دانسته‌اند.

اعلیحضرت همایونی اگر اندکی صرف وقت فرموده به تاریخ قرن اخیر ایران مراجعه فرمایند توجه خواهند فرمود که دوران زمامداری فدوی از جهانی مشکل‌ترین و هولناکترین ازمنه تاریخ ایران بوده و اگر فدوی به وظیفه‌ی وطن‌پرستی جرات نموده قبول مسئولیت کرده‌ام و مصدر خدمت بوده یا مرتکب خیانت گردیده‌ام تاریخ ایران و بلکه تاریخ دنیا قضاوت آن را کرده و یا خواهد کرد و جای تعجب و تاسف است که اعلیحضرت که حامی و نگهبان مقام و احترام خدمتگزاران کشور هستند به جای تشویق و تقدیر می‌فرمایند زندگانی پلید خود را باید در گوشه زندان سپری نمایم در صورتی که اگر جسارتی کرده‌ام از این نظر بوده است که چون مملکت را مشروطه و اعلیحضرت را متجدد و شاهنشاه دموکرات می‌دانستم لازم دیدم نظریات عموم را در کمال سادگی و صراحت برای خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت به عرض برسانم لکن از جوابی که امر به صدور فرموده‌اند جا دارد تصور شود که اوضاع امروز با هفتصد سال قبل فرقی نکرده است چنانکه شیخ سعدی گوید «از تلون طبع پادشاهان برحذر باید بود که وقتی به سلامی برنجد و دیگر وقت به دشنامی خلعت دهند» می‌فرمایند اگر فدوی فراموش کرده یا تظاهر به فراموشی می‌نمایم

عواقب سوءسیاست و خیانت‌ورزی فدوی به این کیفیت تجلی می‌نمود که اگر تفضل خداوند و غیرت ملی افراد آذربایجانی همراهی نمی‌کرد و فداکاریهای ارتش دلیر این کشور تحت فرماندهی مستقیم اعلی‌حضرت نبود حال نام آذربایجان از تاریخ کشور زدوده شده بود.

اگرچه عرض ادب پیش یار بی‌ادبی است

زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است

پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن

بسوخت عقل زحیرت که این چه بلعجبیست

هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه

کنون که مست و خرابم صلاح بی‌ادبیست

افسوس و هزار افسوس که نتیجه‌ی جانبازیها و فداکاریهای فدوی را با کمال بی‌رحمی و بی‌انضباطی تلقی فرموده‌اند پس ناچارم برخلاف مسلک و رویه خود که هیچوقت دعوی حسن خدمت نکرده‌ام هر خدمتی را وظیفه‌ی ملی و وطن‌پرستی خود دانسته‌ام در این مورد با کمال جسارت و با رقت قلب و سوز دل به عرض برسانم که به خدای لایزال قسم روزی که تقدیرنامه اعلی‌حضرت به خط مبارک به افتخار فدوی رسید که ضمن تحسین و ستایش فرموده بودند سهم مهم اصلاح امور آذربایجان به وسیله‌ی فدوی انجام یافته است متحیر بودم که چگونه افتخار ضبط و قبول آن را حائز شوم زیرا غیر از خود برای احدی در انجام امور آذربایجان سهم و حقی قائل نبودم و فقط نتیجه‌ی تدبیر و سیاست این فدوی بود که به حمدالله مشکل آذربایجان حل شد و اهالی رشید و غیرتمند آذربایجان با سیاست فدوی یاری و همکاری نمودند و بعد که بحمدالله اعلیحضرت با جاه و جلال تشریف‌فرمای آذربایجان شدند- و برخلاف انتظار اعلیحضرت در بعضی نقاط استفاده‌جوئی و غارتگری شروع شد- با تلگراف رمز عرض کردم اگر نتیجه‌ی زحمات و اقدامات این است، از این تاریخ فدوی مسئول امور آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان معلوم است در آبادی و عمران و رفع خرابی‌ها و خسارتها توجه بیشتری مبذول شده بود که اهالی رنجیده و فلک‌زده‌ی آنجا به اطراف و اکناف پراکنده نمی‌شدند، مال و حشم خود را برای معاش یومیه به ثمن بخس نمی‌فروختند و امروز بعد از چهار سال آذربایجان به صورت بهتر و آبرومندتری عرض‌اندام می‌نمود.

جناب آقای ابراهیم حکیمی با اطاعت امر ملوکانه انواع تهمت و افترا را نسبت به این فدایی ملت و مملکت ابلاغ نموده‌اند پس چرا تکمیل و تصریح ننموده‌اند که تعهدات شوم اینجانب در مسکو چه بود یا اینکه گزارش مسافرت خود را به تفصیل

در مجلس شورای ملی قرائت کردم نقشه‌ی تجزیه‌ی آذربایجان چگونه طرح شده و کی و چه وقت در مجلس شورای ملی لزوم تغییر قانون اساسی را پیشنهاد کرده‌ام و اگر هم وقتی اشاراتی کرده باشم راجع به تفسیر بعضی از مواد قانون اساسی بوده است نه تغییر آن. آن هم به این نظر بوده است که حدود مسئولیت وزراء دستخوش پاره‌ای مداخلات غیرقانونی نشود و امور حکومت من جمیع‌الجهات به وسیله‌ی وزراء و تحت نظارت دقیق مجلس اداره شود و اینکه می‌فرمایند دو نفر از وزرای کابینه را برای تغییر قانون اساسی مامور نموده‌ام برحسب و امر و فرمایش همایونی بوده است که خواستم به عرض برسانند راهی برای تغییر قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. آیا تمام این مقدمات دلیل نمی‌شود که به ترتیبی که به همه معلوم است جمعی را به نام مجلس موسسان دعوت نموده قانون اساسی را تغییر دهند یعنی همان قانون اساسی که اعلیحضرت موقع قبول سلطنت حفظ و صیانت آن را تعهد نموده و سوگند یاد فرموده و کلام‌الله مجید را شاهد و ناظر قرار داده‌اند و مرحوم فروغی رئیس دولت وقت تصریح نموده که اعلیحضرت همایونی طبق قانون اساسی موجود سلطنت خواهند فرمود و اما اینکه می‌فرمایند در کابینه‌ی اول خود از مقام سلطنت انحلال مجلس را درخواست نموده‌ام اولاـ در آن موقع اکثریت مجلس طرفدار فدوی بوده است ثانیا البته در نظر مبارک هست که یک روز فرمودند فلان نماینده‌ی خارجی عرض کرده است فدوی دعوی انحلال مجلس را کرده‌ام و فرمودند اگر اینطور باشد پس من چه کاره هستم فدوی عرض آن شخص را تکذیب کردم و به عرض رساندم نه اعلی‌حضرت همایونی و نه رئیس دولت هیچکدام حق انحلال مجلس را ندارند و با اصرار تمام استدعا نمودم آن شخص را بخواهند و با حضور فدوی مواجهه نمایند تا صحت و سقم مطلب معلوم شود و با اینکه دو مرتبه عرض خود را تجدید کردم اقدامی نفرمودند و استدعای فدوی به دفع‌الوقت گذشت. در نامه‌ی مزبور نوشته شده است اصلاح و تکمیل قانون اساسی با توجه به سنت طبیعی یعنی اصل تکامل و ارتقاء صورت گرفته فدوی با هوش و ذکاوت فوق‌العاده اعلیحضرت چگونه قبول کنم که اعلیحضرت همایونی چنین فرمایشی را فرموده باشند زیرا قانون تکامل و ارتقاء را نمی‌توان بدین طریق تاویل نمود که حقوقی را که بیش از چهل سال قبل ملت ایران دارا بوده اکنون که افکار عموم ملل روشن‌تر و مبانی آزادی در همه جا محکم‌تر و کاملتر شده و برای مردم دنیا در تمام ممالک حقوق بیشتری شناخته شده است حقوق مردم ایران را به عنوان اصل تکامل و ارتقاء یعنی به طور معکوس لغو کرده و قانون اساسی کشور را به نفع قوه مجریه تغییر داد و ملت ایران را از حق مشروع و مسلم خود محروم نمود.

امر فرموده‌اند در عریضه سرگشاده حقوق و حدود مقام سلطنت را بی‌پایه و مایه و بی‌ادبانه و جسورانه تلقی نموده و اگر این حقوق تشریفاتی می‌بود اکنون بنیان نظام کشور از بیخ و بن برکنده شده بود. فدوی آنچه را به عرض رسانده‌ام معمول ممالک مشروطه دنیا و مدلول قانون اساسی ایران بوده است و چنانچه عده‌ای از قضات محترم و عالی‌مقام کشور و متخصصین خارجی را مامور می‌فرمودند که عرایض فدوی را با قانون اساسی موجود تطبیق نمایند صحت و سقم عرایض فدوی معلوم می‌شد و نظری جز این نداشته‌ام که اعلیحضرت سالهای فراوان با کمال محبوبیت بر اریکه‌ی سلطنت برقرار باشند و مقام شامخ سلطنت را آلوده امور حکومت نفرمایند و به معمول سلاطین مشروطه و قانون اساسی ایران از مسئولیت و طرفیت با مردم مصون و محفوظ مانند.

می‌فرمایند ضرورت پاره‌ای اصلاحات از قبیل تمدید مدت مجلس برای جلوگیری از تشنج انتخاباتی که هر دو سال گریبانگیر کشور می‌شود و با افزایش عده نمایندگان مجلس برای تقویت بنیان حکومت ملی به حدی روشن است که محتاج به توضیح نیست.

خاطر مبارک مستحضر است که در قانون اساسی موجود عده‌ی نمایندگان تا دویست نفر پیش‌بینی شده است و برای تمدید مدت مجلس نیز هر وقت از طرف ملت تقاضاهای تمدید شد و آزادیخواهان و صلحای قوم تقاضای مجلس موسسان نمودند و مجلس موسسان در کمال آزادی و بی‌مداخله مامورین دولت تشکیل یافت راجع به تمدید مجلس نیز تصمیم ملت معلوم خواهد شد.
می‌فرمایند که در دوره‌ی زمامداری فدوی حبس و زجر عناصر آزادیخواه به حدی بود که عده‌ای از آنان در توفیقگاه درگذشتند و پاره‌ای دیگر نزدیک به این خطر گردیده بودند. خوب بود یکی از آنان را که در توقیفگاه درگذشته بودند معلوم فرموده بودند به علاوه ایام زمامداری فدوی به حدی با پیشامدهای هولناک مصادف بود که ناچار از بعضی از دوستان عزیز و حتی منسوبین خود با کمال احترام در عمارت شهربانی پذیرائی نمودم لیکن بر خاطر مبارک پوشیده نیست که بعد از فدوی هر امری که واقع شد اشخاص محترم و آزادی‌خواه را به حبس و زجر محکوم و در محبس شهربانی زندانی نمودند و روحانی بزرگواری را مانند آیت‌الله کاشانی که چندی در قزوین با کمال احترام و آزادی مهمان فدوی بودند و با اینکه خودشان میل به توقف فرمودند، تا زنده‌ام از وجود محترمشان خجل و شرمنده‌ام شبانه به آن طرز فجیع گرفتار و از هیچ نوع بی‌احترامی و اسائه ادب به شخص ایشان و مقام روحانیت فروگذار نکردند و ایشان را بدون هیچ دلیل و مدرک گرفتار و تبعید و در قلعه‌ی فلک‌الافلاک زندانی نمودند و بطرزی شرم‌آور از وطن مالوف اخراج و تبعید کردند و چنین فاجعه‌ی بی‌سابقه‌ای را به جامعه و روحانیت وارد ساختند. فدوی عرض نمی‌کنم این جنایت به امر و دستور اعلیحضرت همایونی واقع شده بلکه یقین دارم خاطر مبارک از وقوع آن مکدر و متاثر است لکن عرض می‌کنم بعد از اطلاع چرا مجرم و مسبب را تنبیه و تعزیر نفرموده از خدمت اخراج ننموده‌اند.
می‌فرمایند مردم به خوبی واقف هستند چه کسانی در مدت حکومت خود میلیون‌ها اندوخته ذخیره کرده و چه اشخاصی نیز میلیونها در راه رفاه عموم صرف نموده‌اند و در جای دیگر اشاره به جوازفروشی و رشوه‌خواری فرموده‌اند. اولا اگر اعلیحضرت در تمام اوقات حکومت فدوی چه قبل از سلطنت اعلیحضرت و چه بعد معلوم فرمودند که فدوی اهل رشوه و استفاده بوده‌ام یا اندوخته و ذخیره‌ای در بانکهای داخله یا خارجه دارم تمام دارائی خود را به دولت تقدیم می‌کنم. ثانیا راجع به موضوع جواز چنانکه مکرر به عرض رسانده‌ام در محافل عمومی اظهار داشته و در مجلس شورای ملی به دفعات تصریح کرده‌ام فدوی چیزی از کسی نخواسته‌ام مقداری برنج و غیره اضافه بر احتیاجات کشور بود که اگر خارج نمی‌شد می‌پوسید و ضرر آن به رعیت و ملاک می‌رسید و از طرفی برای آسایش مردم و رفع نگرانی‌ها حزب دموکرات ایران تشکیل شده بود و لازم بود با عجله و شتاب پیشرفت کند این بود که خود مردم برای سرعت جریان و پیشرفت حزب دموکرات ایران و هم برای صرفه دولت و صرفه رعیت و ملاک و پیشرفت امور آذربایجان برای مقداری برنج و جو با تصویب هیئت وزراء اجازه‌ی صدور گرفته و ارز آن را به دولت پرداختند و هدایائی نیز به حزب دموکرات ایران دادند و اینکه می‌فرمایند چه اشخاصی میلیون‌ها در راه رفاه عمومی صرف نموده‌اند این قسمت را هم مردم خوب می‌دانند که این میلیونها را خود دارا بوده‌اند یا از اموال و املاک مردم فقیر و غنی این مملکت اندوخته و بعد که خط آن اموال غیرمقدور شد مقداری از آن را به چه مصارفی رسانده‌اند.
در خاتمه عرض می‌کنم که اعلی‌حضرت همایونی البته عرایض مکرر فدوی را فراموش نفرموده‌اند که فدوی با وضع حاضر داوطلب هیچ نوع منصب و مقامی نبوده‌ام و آنچه را با کمال وضوح و خلوص به عرض رسانده‌ام در راه خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت بوده و باز هم عرض می‌کنم که دوام و بقای سلطنت، و موفقیت، در حفظ و حراست حقوق ملت و احترام به افکار عامه است و در این موقع انتظار عموم از پیشگاه مبارک این است که حقوق ملت طبق قانون اساسی موجود محفوظ بماند و امور کشور به مبعوثین ملت و وزرای مسئول واگذار شود و دولتها مانند همیشه با رای تمایل مجلس انتخاب شوند و اعلیحضرت همایونی طبق روح قانون اساسی سلطنت فرمایند و آنچه برخلاف این منظور در بیست سال سلطنت شاهنشاه فقید معمول بوده از جزئی و کلی منسوح و متروک گردد و از آنچه را هم خلف وعده و نقض عهد است اجتناب شود. بدیهی است با پیروی مراتب فوق عموم افراد ملت را به وفاداری و فداکاری تشویق و ترغیب فرموده و قلوب مردم را به مهر و محبت وجود مبارک تسخیر خواهند فرمود برعکس چنانچه حقوق مردم گرفته شود و دلها شکسته و مجروح گردد جز یاس و ناامیدی عمومی که موجب بغض و عناد و مقدمه مقاومت و طغیان است نتیجه‌ای نمی‌توان انتظار داشت.

ما نصیحت به جای خود کردیم

چند وقتی در این بسر بردیم

گر نیاید به گوش رغبت کس

بر رسولان پیام باشد و بس

۲۵ خرداد از لندن احمد قوام

قوام مدتی در اروپا به معالجه پرداخت و در اوایل ۱۳۲۹ به تهران بازگشت و غالبا ملتزم بستر بیماری بود. در همین سال وثوق‌الدوله برادر او درگذشت. قوام از این حادثه سخت مکدر شد و غالبا وقت خود را در مصاحبت دوستان می‌گذرانید. در ۱۳۳۱ بین مصدق‌السلطنه و شاه اختلافاتی بروز کرد. مصدق خواهان وزارت جنگ بود ولی شاه از واگذاری آن خودداری کرد و مصدق از نخست‌وزیر استعفا داد. شاه برای اینکه حریف گردن‌کلفتی در مقابل مصدق بتراشد، سراغ قوام‌السلطنه رفت. در این کار تلاش اشرف پهلوی برای جلب رضایت قوام چشمگیر بود. قوام‌السلطنه جاه‌طلب که در آن هنگام هشتاد و یک سال از سنش می‌گذشت، داوطلب نخست‌وزیری شد و مجلس با اکثریت ضعیفی به او رای اعتماد داد و فرمان با عنوان جناب اشرف برای او صادر شد. به دنبال استعفای مصدق و روی کار آمدن قوام، مردم به حرکت درآمدند. جبهه ملی از یک طرف، آیت‌الله کاشانی و بازار تهران از طرف دیگر مردم را برای یک قیام خونین آماده کردند. مخصوصا اعلامیه‌ی شدیداللحن قوام که چند بار از رادیو قرائت شد، بیشتر مردم را به حرکت درآورد به طوری که در روز سی تیر ۱۳۳۱ تهران و غالب شهرستانها صحنه‌ی زدوخورد پلیس و مامورین نظامی با مردم بود. در آن روز عده‌ی کثیری در تهران و شهرستانها کشته و زخمی شدند و ناچار در اثر عقب‌نشینی شاه، قوام از سمت خود استعفا داد و مجددا مصدق با اختیارات نظامی زمام امور کشور را در دست گرفت. شاه در کتاب ماموریت برای وطنم در مورد

انتصاب قوام به نخست‌وزیر برای دفاع از خود و رد اعمال خلاف خویش چنین می‌نویسد:

«... من برخلاف نظر باطنی خود احمد قوام را که در گذشته شاغل مقام نخست‌وزیری بود به جای وی به نخست‌وزیر برگزیدم زیرا بزعم عده‌ای قادر بود در برابر دست‌چپی‌ها سخت مقاومت نماید. با روی کار آمدن قوام‌السلطنه حزب توده بلافاصله به طرفداران مصدق پیوستند و دست به تظاهر و آشوب زدند. نظم و قانون مختل گشت و دولت قوام در برابر عناصر اخلالگر و افراطی ناتوان ماند. ضمنا نطقی که قوام در رادیو کرد و در آن مخالفت خود را با احساسات شدید عامه در مسئله‌ی ملی شدن نفت اظهار نمود، اوضاع را وخیم‌تر ساخت. قوام به علت کبر سن بسیار ناتوان و بیمار شده و غالبا در مذاکرات مهم سیاسی به خواب می‌رفت هرچند حقیقتا در حل مسائل به اعمال قدرت معتقد بود ولی من وجدانا نمی‌توانستم اجازه‌ی اتخاذ چنین رویه‌ای را به شخص ناتوانی مانند او بدهم، ناچار پس از چهار روز نخست‌وزیری به صلاحدید من از نخست‌وزیری استعفا داد».

قوام پس از استعفا، مدتی به حالت اختفا می‌زیست و جانش در خطر بود. مجلس هفدهم لایحه‌ی مصادره‌ی اموال او را تصویب کرد و مامورین دولتی به خانه‌ی او رفته و از اموالش صورتبرداری نمودند. قوام بعد از این جریان کاملا- تاب و توان خود را از دست داد و غالبا بیمار بود تا اینکه در تیرماه ۱۳۳۴ در سن ۸۲ سالگی درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در قم مدفون شد.

قوام‌السلطنه در سن بیست سالگی با دختر حاجب‌الدوله دولو قاجار ازدواج کرد و تا آخر عمر صاحب فرزندی از او نشد. در ۱۳۲۶ در لاهیجان با دختر یکی از کشاورزان خود عقد ازدواج بست. حاصل این مزاوجت یک پسر به نام حسین بود که قوام و همسر اصلی‌اش به این کودک علاقه‌ی خاصی داشتند. حسین پس از مرگ پدر، چندی تحت‌نظر دکتر امینی در اروپا تحصیل نمود و با دختر جواد مسعودی ازدواج کرد ولی این ازدواج طولانی نشد و قسمتی از ثروت حسین از بین رفت. او تدریجا به مواد مخدر پناه برد و در استعمال این مواد راه افراط را پیمود تا اینکه در ۳۴ سالگی در اروپا در اثر استعمال مواد مخدر درگذشت.

درباره‌ی قوام‌السلطنه سیاستمدار کهنسالی که قریب ۶۰ سال در صحنه‌ی سیاسی ایران بازیگر ماهری بود، همه‌گونه سخن رفته است. دشمنان او بیشتر از دوستانش توانسته‌اند درباره‌ی او چیز بنویسند یا حرف بزنند.

او مجموعا پنج بار نخست‌وزیر و متجاوز از بیست مرتبه وزیر، یک بار فرمانروای کل خراسان و یک دوره هم وکیل مجلس بوده است. قوام ذاتا مردی مستبد و قانون‌شکن و جاه‌طلب بود، از جنجال و سروصدا لذت می‌برد، همیشه دوران صدارت او با هیاهو و سروصدا توام بوده است ولی در عین حال به وطن عشق می‌ورزید و هرگز خیانتی به زعم خود مرتکب نشد. از تملق لذت می‌برد، به همین دلیل اطرافیان او را همیشه افرا متملق و چاپلوس تشکیل می‌دادند. از ریخت‌وپاش دولتی ابائی نداشت. او مردی به تمام معنا دانشمند بود، از ادبیات و فلسفه و عرفان بهره‌ی کافی برده بود، گاهی برحسب تفنن شعر می‌سرود. اشعار او پرمغز و مشحون از مضامین لطیف ادبی است. البته در سرودن شعر هرگز به پایه و مایه برادرش وثوق‌الدوله نبود. در تحریر واقعا معجزه می‌کرد. نامه‌های او همیشه محکم و مستند و مستدل با کلمات زیبای فارسی و عربی توام بود. معتقدات مذهبی داشت. به اهل علم و روحانیون احترام می‌گذاشت. درب منزل او به روی همه باز بود. زندگانی او از محل عایدات باغهای چای در لاهیجان تامین می‌گردد.

درباره‌ی قوام اظهارنظرهای متعدد و متضادی شده است که در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌کنیم. در یادداشتهای خطی موجود در کتابخانه‌ی مجلس که ظاهرا تالیف حاج میرزا ابوالحسن علوی است و تاریخ تحریر آن ۱۳۳۶ ه.ق می‌باشد، درباره‌ی قوام‌السلطنه چنین آمده است:

«قوام‌السلطنه (میرزا احمدخان) پسر میرزا ابراهیم‌خان معتمدالسلطنه در ایام جوانی جزء پیشخدمتهای ناصرالدین شاه و بعد منشی امین‌الدوله میرزا علی‌خان در موقعی که حکومت آذربایجان را داشته بود بعد در موقع صدارت میرزا علی‌خان امین‌الدوله در حدود ۱۳۱۵ به منشی حضوری صدراعظم معرفی شد و مدتی گذشت. به مناسبت حسن‌خط و نیکوئی انشاء به منشی حضوری مظفرالدین شاه و از لقب دبیرحضوری که داشت به وزیرحضوری مفتخر گردید. در دوره مشروطیت پس از فتح تهران (۱۳۲۷) معاون وزیر داخله شد و به واسطه بروز لیاقت زیادی که در ترتیبات و تاسیسات جدیده به خرج داده به وزارت داخله و وزارت جنگ و وزارت مالیه مدتی مشغول بود و حالیه (۱۳۳۶) در طهران بی‌شغل است. سن او بیش از چهل سال نیست. یکی از رجال قابل ایران است».

در کتاب برگزیدگان تالیف امیرمسعود سپهرم درباره‌ی او چنین آمده است:

«در نظم و نثر صاحب ذوق و چیره‌دست و جامع کمالات و سیاستمداری بزرگ بود و خدمات بسیار ارزنده و فراموش نشدنی به ملت ایران و حتی نسلهای آینده این مملکت انجام داد».

(بخش ۱) احمد، ملقب به قوام‌السلطنه (و. ۱۲۴۹ ه.ش– ف. تهران ۱۳۳۴ ه.ش) وی در دربار مظفرالدین شاه سمت دبیری مخصوص و ریاست دفتر را داشت و فرمان مشروطیت به خط او نوشته شده. قوام در دوره‌ی احمد شاه مدتی والی خراسان بود و پس از تشکیل کابینه‌ی سید ضیاء محبوس شد و سپس در زمان شاه مذکور نخست‌وزیر گردید (۱۳۰۱ –۱۳۰۰ ه.ش)، و چون سردارسپه به نخست‌وزیری رسید، قوام از کار برکنار شد و سپس مجبور به ترک ایران گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ فعالیت‌های سیاسی را مجدداً آغاز کرد و مکرر نخست‌وزیر شد (۱۳۳۱ –۱۳۲۶ –۱۳۲۵ –۱۳۲۴ –۱۳۲۱). آخرین بار فقط ۴ روز نخست‌وزیر بود و بر اثر حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ از کار برکنار شد. وی به بیماری قلبی درگذشت.

(۱۳۳۴ –۱۲۵۲ ش)، خطاط، ادیب و شاعر. ملقب به دبیر حضور، وزیر حضور و قوام السلطنه. وی از رجال نامی عهد مظفری و عصر مشروطیت است. نخست جزو عمله خلوت و پیشخدمتهای ناصرالدین شاه بود. در صدارت عین‌الدوله (سلطان عبدالمجید میرزا) منشی بود. پس از آن به تدریج در مقامات دولتی ترقی کرد، چنان که بارها به وزارت رسید و چندین بار نخست وزیر شد. ژاندارمری در زمان تصدی او در پست وزارت داخله تشکیل یافت. خروج نیروهای شوروی از ایران، بعد از جنگ جهانی دوم، و نیز عدم پشتیبانی شوروی از دموکراتهای آذربایجان، از نتایج اقدامات او دانسته شده است. وی در نظم و نثر صاحب ذوق بود و در خوشنویسی نیز مهارت داشت. فرمان مشروطیت به خط اوست. در تهران درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی خود در قم به خاک سپرده شد. قوام‌السلطنه خط شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و در نستعلیق نیز ماهر بود. از آثار وی: یک مرقع، شامل ده رقعه

مناجات حضرت علی (ع) که به شیوه‌ی میرعماد سیفی قزوینی و به قلم دو دانگ و کتابت عالی نوشته شده، با رقم : «... احمد بن معتمدالسلطنه، فی شهر رجب المرجب سنه‌ی ۱۳۱۱»؛ یک مرقع مشتمل بر قصیده‌ای در مدح مظفرالدین شاه، به قلم چهار دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد»؛ دو قطعه نستعلیق سه دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۴۳ –۴۲ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۳۳ / ۲)، تذکره خوشنویسان معاصر (۹۴ – ۸۸)، شخصیتهای نامی (۴۰۰ –۳۹۸)، شرح حال رجال (۹۹ –۹۴ / ۱)، گلستان هنر (بیست و یک)، نخبگان سیاسی ایران (۱۴۱، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۱۰، ۹۲، ۸۹، ۸۴، ۸۳، ۷۵ / ۳).

قوامی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی قوامی

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر ری در خانواده روحانی چشم باز کردم؛ پدرم حضرت آیت الله میرزا محمد حسن قوام الشریعه. (که این لقب را مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شوانی و مرحوم آیت الله دکتر مشکاهٔ به ایشان داده اند). سطح را در محضر بزرگانی چون آیت الله علامه شوانی و همچنین آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی که شاگرد مرحوم آخوند بودند گذراندم؛ همچنین از حضرت آیت الله العظمی سلطانی طباطبایی، بروجردی وآیات عظام: خوانساری، گلپایگانی و مرعشی نجفی استفاده کرده و تا زمان این بزرگواران به مباحثه بحث خارج فقه و اصول جمعی اشتغال و پس از درگذشت این عزیزان درس خارج فقه و اصول و تفسیر می گویم و چند سالی است که برای تبلیغ داخل و خارج کشور به تربیت مبلغ مشغول هستم. منظومه هایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بصورت فکاهی و در ذم طاغوت به چاپ رسیده است.

قوچانی صغیر، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدعلی بن شیخ محمدرضا بن شیخ محمدعلی بن محمدصادق بن محمد بن اسماعیل بحرانی قوچانی عالمی فاضل و اصلا از بحرین بوده است. جد چارمش محمد بن اسماعیل از بحرین مهاجرت به خراسان نموده و ایشان در سال ۱۳۱۶ ق در قوچان به دنیا آمده است. وی در اوائل عمر به نجف مهاجرت نموده و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر ملا محمدحسین قمشهی بزرگ و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی و دیگران استفاده نموده و بعد از فوت استادش به قوچان آمده و به وظائف دینی از اقامت جماعت و غیره پرداخته تا در یازدهم ماه رمضان ۱۳۴۵ قمری وفات و در مزار سلطان ابراهیم قوچان قدیم مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوچانی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ذبیح‌اللّه قوچانی نجفی از علماء اعلام و فضلاء کرام معاصر این شهرستان است در مشهد مقدس. معظم له در سال ۱۳۲۹ قمری در خیرآباد قوچان متولد شده و در سن ۱۳ سالگی برای تحصیل به قوچان آمده و در مدت سه سال مقدمات و ادبیات را تحصیل کرده و در سال ۱۳۴۵ قمری به مشهد مقدس عزیمت نموده و در حوزه علمیه ارض اقدس به تکمیل سطوح پرداخته و بعد از شش سال توقف در مشهد در سال ۱۳۵۱ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محاضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بعد از بیست سال اقامت در نجف اشرف در سال ۱۳۷۱ قمری به قوچان مراجعت و به امور شرعی از اقامه جماعت و تردس طلاب علوم دینی پرداخته تا در سال ۱۳۸۱ قمری به مشهد مقدس انتقال و تاکنون به خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه ذبیحی قوچانی از دانشمندان وارسته و دارای کمالات نفسانی و معنوی و مهذب و بارع می‌باشند دارای

آثاری از جمله تأسیس مدرسه علوم دینی محمودیه فاروچ و غیره می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوکاسیان، هراند

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۰۶، جلفای اصفهان.

درگذشت: ۱۹ خرداد ۱۳۷۵.

هراند قوکاسیان پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در اصفهان، از دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. وی با تخصص بیهوشی در اصفهان شروع به کار کرد و در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه اصفهان به تدریس اشتغال ورزید. در سال ۱۳۴۵ در کنار تدریس در دانشکده‌ی پزشکی در دانشگاه ادبیات دانشگاه اصفهان در رشته‌ی نوبنیاد زبان و ادبیات ارمنی نیز به تدریس ادبیات ارمنی مشغول گشت.

وی با مجلات «سخن»، «ارمغان»، «صائب»، «نگین» و «هور» همکاری می‌کرد. او با «جنگ اصفهان» نیز همکاری داشت و با همکای محمد حقوقی در ترجمه اشعار شاعران نوپرداز ارمنی در مطبوعات ارمنی زبان کوشش نمود. وی اشعار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو (بامداد) و فروغ فرخزاد را به زبان ارمنی ترجمه کرد.

هراند قوکاسیان کتاب آنوش را که برگزیده‌ای از شعر شاعران ارمنی زبان است در سال ۱۳۴۸ و به مناسبت صدمین سالگرد تولد هرانس تومانیان شاعر ملی ارامنه ترجمه و منتشر نمود. در کتاب آنوش او به معرفی شاعرانی که در واقعه ۱۹۱۵ به شهادت رسیدند و شاعران معروف ارمنستان شرقی و شاعران برگزیده‌ی ارمنستان غربی پرداخت.

دکتر قوکاسیان در سال ۱۳۴۹ دومین کتاب خود را به نام گرونک که حاوی ترجمه‌ی اشعار شاعران ارمنی زبان که خارج از ارمنستان بودند و به خصوص شاعران ارمنی زبان ایرانی مانند گالوست خاننس، آشوت اصلان دو، آرماند و ارشاویر مگرونچ و ... پرداخت.

آخرین کتاب چاپ شده دکتر هراند قوکاسیان به نام گل‌های آفتاب گردان در سال ۱۳۵۵ چاپ گردید که ترجمه‌ی کارهای منثور آرام مورادیان است.

هراند قوکاسیان به اشعار زوریک میرزایانس علاقه داشت و در نظر داشت که مجموعه‌ای از اشعار میرزایانس را در کتاب جداگانه‌ای چاپ کند.

هراند قوکاسیان به علت ناراحتی قلبی در سال ۱۳۶۵ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قومسانی همدانی، ابوالفضل محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۱ -۳۹۹ ق)، محدث، فقیه و ادیب. معروف به ابن‌زیرک. نسب وی به قومسان همدان می‌رسد. شیخ همدان در روزگار خود در فنون علمی یگانه دورانش بود. او از پدرش، ابوالقاسم عثمان، و عمویش، ابومنصور محمد، و دائیش، ابوسعد عبدالغفار و ابن‌خلنجان و علی بن احمد بن عبدان و یوسف بن کج الفقیه و حسین بن فنجویه و دیگران و همچنین با اجازه از ابوالحسن بن رزقویه و ابوعبدالرحمان سلمی حدیث روایت کرده است. اکثر مشایخ بغداد با اجازه از وی روایت کرده‌اند همچون ابوبکر شادان و ابوالحسن رزقویه و دیگران. شیرویه گوید که وی محدثی صدوق و ثقه و دارای شأن و حشمت بود و در تفسیر ید طولانی داشت. او فقیه و ادیبی متعبد بود و دارای حسن خط و عبارت. عمده مشایخ بغداد از وی روایت کرداند. پس از مرگ در رأس کهر دفن شد و قبرش مزار گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (۱۱۷۷ / ۳)، سیر النبلاء (۴۳۵ -۴۳۳ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۴۱ / ۳)،العبر (۳۳۰ / ۲)، معجم البلدان (۴۷۰ / ۴)، الوافی بالوفیات (۸۴ / ۴).

قویمی، مهوش

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای ادبیات نوین فرانسه، کارشناسی زبان‌شناسی و کارشناسی ارشد جغرافیای شهری.

مرتبه علمی:

استادیار تمام وقت دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فرانسه، شعر، تئاتر، رمان، نگارش یک روش نیمه سمعی و بصری برای آموزش زبان فرانسه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

آئین نگارش به زبان فرانسه، املاء فرانسه، انشاء فرانسه، آواشناسی و انواع شعر زبان فرانسه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی و کاربرد آن در ادبیات، زبان‌آموزی و تدریس ادبیات، مقایسه ترجمه‌های مختلف، معرفی نقد نو و منتقدان معاصر، مسائل مربوط به زبان‌آموزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قهپائی، محمد قاسم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر سراج‌الدین قاسم بن محمد قهپائی طباطبائی، از مشایخ علامه‌ی مجلسی، و از شاگردان شیخ بهائی و [مشایخ] مولی ابوالقاسم بن محمد گلپایگانی بوده، وی را تألیفاتی است، از آن جمله است: ۱- تعلیقاتی بر کتب رجال ۲ - رساله در مسأله‌ی بداء ۳ - رساله در فلاحت؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قهرمان، آنالیزه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد بیولوژی و زبان آلمانی از دانشگاههای ابرهارد آلمان و تهران در سال ۱۳۳۳ و دکترای تخصصی علوم طبیعی از دانشگاه ابرهارد آلمان در سال ۱۳۵۴، متخصص در ادبیات آلمان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۴۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترجمه بعضی از آثار ادبی نوین ایران، تحقیق در زمینه صرف و نحو زبان آلمان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

دستور زبان آلمان و تجزیه و تحلیل دستوری متن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

Die Horen، نقد ادبی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قهرمانی، شرف‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۷۹ ش)، نویسنده، فرهنگ‌نویس و مترجم. تحصیلات عالیه خود را در روسیه به پایان رساند سپس وارد خدمات ارتشی شد. سرانجام در یک سانحه‌ی هوایی درگذشت. از وی بیش از سی و هفت اثر به جای مانده است. از آثار وی: «آموزش هوایی تاکتیک هوایی»؛ «استتار توپ»؛ «پیش‌آهنگ خلبان»؛ «خدای می‌رساند»؛ «شاهسون و دیوانه»؛ «هواپیمایی»؛ «ختم غائله سیمیتقو»؛ «بی‌بی گلابی»، ترجمه؛ «جاسوسی و جلوگیری از آن»، ترجمه؛ «حکحومت تزار و محمدعلی میرزا»، ترجمه؛ «قوای سری در جنگ بین‌المللی»، ترجمه؛ «فرهنگ جامع»، روسی به فارسی؛ «فرهنگ جامع»، فارسی به روسی.[۱]

فرزند کیومرث میرزا عمیدالدوله، در ۱۲۷۹ در تهران متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی سن‌لوئی و دارالفنون گردید و سپس مدرسه‌ی نظام را گذرانید و افسر شد و محل اولیه‌ی خدمت او آتریاد همدان بود. وی در زمره افسرانی بود که در معیت میرپنج رضاخان کودتای ۱۲۹۹ را انجام دادند. در ۱۳۰۳ با درجه‌ی ستوان یکمی برای آموزش فن خلبانی به شوروی اعزام شد. پس از پایان تحصیلات با یک فروند هواپیمانی خریداری شده وارد ایران شد و خدمت خود را در نیروی هوائی ادامه داد و درجات نظامی را تا سرهنگی اخذ نمود. در ۱۳۱۹ به معاونت اداری نیروی هوائی منصوب گردید و در ۱۳۲۱ فرمانده نیروی هوائی ایران گردید. دو ماه پس از انتصاب به فرماندهی نیروی هوائی به دعوت دولت انگلیس برای بازدید فرودگاه حبانیه عراق و وضعیت جبهه مصر و آفریقای شمالی با یک فروند هواپیما در معیت عده‌ای از افسران ایرانی و انگلیسی فرودگاه قلعه‌مرغی را ترک نمودند. یک ساعت بعد از پرواز به علت بدی هوا و علل فنی هواپیما سقوط کرد و کلیه سرنشینان آن از جمله سرهنگ شرف‌الدین قهرمانی کشته شدند. از طرف ارتش مراسم نظامی برای تشییع جنازه به عمل آمد و در ظهیرالدوله اجساد مدفون گردید.

قهرمانی مردی فاضل و دانشمند و مترجم بود. در طول حیات آثار زیادی ترجمه و تالیف نمود که متجاوز از سی جلد می‌باشد. اکثر کتب منتشر شده پیرامون موضوعات نظامی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۶۴۲، ۱۸۹ -۱۸۸، ۶۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۹-۴۱۵ / ۳).

قهستانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۶۷ ق)، فقیه حنفی، زاهد، عالم، مدرس، ادیب و شاعر. ملقب به ابوحنیفه‌ی ثانی، به جهت تسلطی که بر فقه حنفی داشت. وی مفتی بخارا بود. مدتی از سوی والیان ازبک به قضاوت بخارا منصوب شد و در آن جا به تدریس و تقریر فقه پرداخت. با ملا عصام‌الدین، از بزرگان سده‌ی نهم هجری، مصاحب بود. تاریخ درگذشتش در مراجع و مآخذ به اختلاف ذکر شده است. او در مزار خواجه بهاءالدین نقشبند دفن شد. از آثارش: «جامع الرموز»، در شرح «النقایه مختصر الوقایه» صدر الشریعه ثانی عبیدالله بن مسعود حنفی، در فقه؛ حاشیه بر حاشیه سید شریف جرجانی بر «شرح الشمسیه»؛ «مقدمه الصلوه» به نظم؛ «رساله در دلالت»به عربی، در منطق؛ حاشیه بر «شرح آداب البحث»؛ شرح «رساله صلوه»، که آن را برای فرزندش کمال‌الدین محمد در ۹۶۷ ق املا نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۳ / ۷)، بزرگان قائن (۶۰۶ -۶۰۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۱۹)، حبیب السیر (۳۶۰ -۳۵۹ / ۴)، شذرات الذهب (۳۰۰ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۷۱).

کاتبی، حسینقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۱ ش)، فرهنگ‌نویس، نویسنده، روزنامه نگار و شاعر، متخلص به جوشغون. در مراغه به دنیا آمد. مادرش شاهزاده اختر، دختر رضا قلی میرزا بن ملک قاسم میرزا بن فتحعلی شاه بود. کاتبی پس از طی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در تبریز، از دانشکده‌ی حقوق تهران موفق به اخذ لیسانس در دو رشته‌ی حقوق قضایی و علوم سیاسی شد. کاتبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ ش سردبیر مجله‌ی «ماهتاب»، وابسته به انجمن ادبی آذربایجان بود و از ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۱ ش اداره‌ی روزنامه‌ی «فریاد آذربایجان» را مستقلا عهده‌دار بود. وی مشاغل مختلفی از جمله: وکالت دادگستری در تبریز و تهران، عضویت کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق و اقتصاد و بازرگانی فرهنگستان زبان و همکاری در تأسیس انجمن کانون مشاوره‌ی حقوقی را بر عهده داشت. از آثار وی: «آذربایجان و وحدت ملی»؛ «اعلان حقوق بشر»؛ «بردگی»؛ «شکوفه‌های ادب»، قصه‌های کوتاه؛ «سی فصل در فن انشاء»؛ «فرهنگ حقوق»، فرانسه به فارسی؛ «نویسندگان بزرگ معاصر دنیا»؛ «حقوق تجارت».[۱]

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۱، مراغه.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۶۹، تهران.

دکتر حسینقلی کـاتبی، فرزنـد بهجت‌الممالـک (رییس اداره‌ی پست و تلگراف مراغه)، در سـال ۱۳۱۶ در رشـته‌ی حقوق قضایی و سیاسـی از دانشـگاه لیسـانس گرفت و در سال ۱۳۱۸ خـدمت دولتی خود را با سـمت مسـتنطق مسـتقل- که چنـدی بعد از بازپرس- نامیده شد در شهرستان خوی آغاز کرد.

نخستین مقـاله‌ی وی زیر عنوان «لبـاس وطنی» در حالی که بیش از هیجـده سال نـداشت، در سال ۱۳۰۹ در روزنـامه‌ی «تبریز» انتشار یافت. کتاب شـکوفه‌های ادب مجموعه‌ای از نوشته‌های ادبی دوران دانشجویی او بود. نوشتن مقاله‌ای با عنوان «آذربایجان و وحدت ملی ایران» که در شـهریور ۱۳۲۱ یعنی درست یـک سال بعـد از اشـغال کشور در تبریز به چاپ رسـید، موجب گردیـد که ایشان به مـدت یازده ماه و یازده روز از سوی نیروی انتظامی روس‌ها، در شـهرهای تبریز، اراک و رشت زندانی شود. وی در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ سـمت سـردبیری مجله‌ی «ماهتـاب» نشریه‌ی وابسته به انجمن ادبی آذربایجان به ریاست ادیب‌السـلطنه سـمیعی را بر عهـده داشت. و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۱ روزنـامه‌ی «فریاد» (دو شماره در هفته) را که در میان روزنامه‌های آن روز شهرسـتان‌ها هم طراز با روزنامه‌ی «پارس» شیراز شمرده می‌شد، مستقلا اداره می‌کرد.

کاتبی شغل وکالت را بر خدمت بر مسند قضا ترجیح داد.ابتدا در تبریز و بعد تا سال ۱۳۶۲ در تهران به وکالت دادگستری پرداخت. حتی با همکاری دو تن از حقوقـدان به نام‌های دکتر محمـدعلی موحد و دکتر احمد تهرانی به تأسیس انجمنی به نام کانون مشاوره حقوقی همت گمـاشت. او در زمینه‌ی حقوق و تجـارت کتاب‌هـای سودمنـدی تـألیف کرد و از دو انتشـار مجله‌ی «کـانون وکلا» به سردبیری محمود سرشار، از نویسـندگان مقالات ادبی آن مجله بود. ضمنا در کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق، اقتصاد، و بازرگانی فرهنگستان زبان تا سال ۱۳۵۷ عضویت و فعالیت داشت.

دکتر کاتبی به سرودن شعر هم علاقه‌مند بود و تخلص خود را «جوشـغون» انتخاب کرد. فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: سـی فصـل در فن انشاء (تبریز، ۱۳۱۷)؛ آذربایجـان و وحـدت ملی ایران (تبریز، ۱۳۲۱)؛ سبک‌شناسـی فارسی (تبریز، ۱۳۲۱)؛ اعلان حقوق بشر (تبریز، ۱۳۲۲)؛ حق و منشاء آن (تبریز، ۱۳۲۳)؛ شکوفه‌های ادب (تبریز، جلد اول، ۱۳۲۶، جلد دوم، ۱۳۳۲)؛ تاریخ مختصـر نثر فارسـی یا نگاهی به سبک‌شناسـی (تبریز، ۱۳۲۷)؛ نویسـندگان بزرگ معاصـر (تبریز،جلد اول، ۱۳۲۸، تهران جلـد سوم، ۱۳۵۲)؛ ادب و ادبیات (تهران، ۱۳۵۶)؛ وکـالت، مجموعه مقالات در فن و وکالت و... (تهران، ۱۳۵۷)؛ حقوق تجارت برای تدریس در دانشـگاه تهران جلـد اول، ۱۳۴۸، جلـد پانزدهم، ۱۳۶۷)؛ عقـود و تعهـدات (تهران، ۱۳۴۹)؛ حقوق و صـنعت (به زبـان فارسـی و فرانسوی، تهران، ۱۳۵۹)؛ از لیبرالیسم تا سوسیالیسم (تهران، ۱۳۵۸)؛ فرهنگ حقوق (فرانسه به فارسی، تهران، جلد اول، ۱۳۳۷)؛ جلد دوم، ۱۳۶۳)؛ زبان باسـتانی آذربایجانی (تهران، ۱۳۶۳)؛ سـلام به شهریار عزیز (تهران، ۱۳۴۳)؛ آذربایجان تابلوسی (تهران، ۱۳۵۸)؛ زبان‌های باستانی آذربایجان (این تحقیق در ناموار‌ه‌ی دکتر محمود افشار به صورت کتابی مستقل در ۱۳۵۹ به چاپ رسید).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینـده (س ۱۷، ش ۴ -۱، ص ۱۹۵ -۱۹۳)، ادبیـات نوین (۳۰۲، ۱۴۸)، الذریعه (۲۹۰/ ۱۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسـی (۳۳۲۹، ۳۰۷۶، ۲۴۲۴، ۲۱۶۰ ، ۲۱۵۹- ۲۰۶۶، ۱۹۳۳/ ۲ ، ۷۴۹، ۴۷۸، ۲۸۶، ۲۳۵، ۲۸/ ۱)، کتابنـامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۴۱ -۹۴۰/ ۲).

کاتوزیان، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۴ ش)، فرهنگ‌نویس و نویسـنده. در تهران به دنیا آمد. از دوران نوجوانی به تحصیل ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی و منطق و ریاضـی و هیئت پرداخت. وی پس از تکمیـل آن علوم، نزد اسـتادانی چون میرزای آشتیـانی و آقا میرزا حسن کرمانشاهی و آقـا میرزا هـاشم رشتی به تحصـیل اصول، فقه، فلسفه، کلام و عرفان مشـغول شـد و ضـمنا در زمینه‌ی تاریـخ و جغرافیا و فیزیک نیز تحقیـق کرد و در هر یـک از علوم مزبور خصوصـا منطق و فلسـفه و عرفـان شـرح و حواشـی نوشت . در ۱۳۲۲ ق با کوشـش فراوان انجمن علمی را تأسیس کرد که از مهم‌ترین آثـار آن انجمن کتاب «لغت انجمن علمی»، از عربی به فارسـی، است. وی همچنین در تأســیس کتابخــانه‌ی ملی نقش مهمی داشــت. او از طرف مردم تهران، در دوره‌ی اول و از طرف مردم تـبریز، در دوره‌ی پنجـم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. از مهم‌ترین تألیفاتش «فرهنگ کاتوزیان» است، مشتمل بر سـی و پنج هزار لغت فارسـی قدیم و جدید و عربی و ترکی و اروپایی معمول در زبان فارسـی. از دیگر آثار وی: «انوار المشعشعین فی بیان شرافهٔ القم و القمیین»، تاریخ قم؛ «تاریخ انبیاء اولواالعزم»؛ «فقه در عبادات و سیاسات»؛ «تاریخ مختصر انبیاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۳۳۲/ ۱۸، ۲۹۲، ۲۱۴ -۲۱۳/ ۱۶، ۴۴۱/ ۲)، زنـدگینامه رجال و مشاهیر (۳۱۸/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۳، ۲۸۱۲، ۲۴۵۲، ۲۴۳۵، ۲۱۴۲، ۲۱۴۱/ ۲ ،۷۴۶، ۶۷۰ ،۳۹۱، ۱۳۸، ۱۳۵، ۱۳۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۱ -۳۴۸/ ۴)، نخبگان سیاسی ایران (۴۹۲، ۴۸۴/ ۴)، یغما (س ۵ ش ۱۰، ص ۴۶۵ -۴۶۴).

کاردن سلمانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا کاردان سلمانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا کاردان سلمانی در سال ۱۳۱۹ در مشهد مقدس به دنیا آمدم. برخی از کتب ادبیات عرب را در مشهد نزد استاد معروف مرحوم «ادیب نیشابوری (ره)» خواندم و حدود سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و کتاب شرح لمعه را نزد استاد مرحوم آقای «ستوده (ره)» و مکاسب را از استاد آقای «خزعلی» و رسائل را از استاد آقایان «نوری و اعتمادی» و کفایه را از آقایان «سلطانی و فاضل لنکرانی» بهره گرفتم و نزدیک یک دوره درس خارج اصول مرحوم «حاج شیخ هاشم آملی (ره)» شرکت کردم و درس خارج فقه «آیهٔ الله گلپایگانی» و «حضرت امام» (قدس سرهما) و بیش از یک دوره خارج اصول «آیهٔ الله وحید خراسانی» و خارج فقه مکاسب ایشان نیز شرکت کردم.

کارن

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کارن در تاریخ نام یکی از خاندان‌های اشکانی است که در امور لشکری و کشوری اشکانیان دخالت بسیار داشته است. ممکن است داستان‌سرایان ادوار بعد کارهای این خانواده را به اعصار پیشتر برده و آن را منسوب به دوره‌های داستانی کرده باشند. بنا به روایت فردوسی کاوه را پسر دیگری به نام قباد بود.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

کارنگ، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

.۱۳۵۸

عبدالعلی کارنگ سال‌های خدمت دولتی را در وزارت معارف گذرانید. وی عضو شورای هیئت مدیره‌ی کتابخانه ملی شهر تبریز بود. آخرین کار او تصحیح قسمت مربوط به آذربایجان وقف‌نامه‌ی ربع شیدی است که به چاپ رسید. وی مقاله‌هایی برای مجله‌های ادبی و تاریخی تهران و تبریز و از جمله «یغما» نوشته است. از آثار اوست: تاتی و هرزنی (۱۳۳۳)، خلخالی یک لهجه از آذری (۱۳۳۴)، ادبیات پارسی (مدرسه‌ای) (با همکاری علی‌اکبر صبا و علی لک دیزجی، ۱۳۳۴)، تاریخ تبریز (تألیف ولادیمیر فدورویچ مینورسکی، ۱۳۳۷)، دستور زبان فارسی (با همکاری علی اکبرصبا و عزیز دولت‌آبادی و چند تن دیگر، ۱۳۳۷)، دستور زبان کنونی آذربایجان (۱۳۴۰)، راز (مجموعه شعر، ۱۳۴۳)، سفرنامه کارری (اثر جملی کارری، ترجمه با همکاری عباس نخجوانی، ۱۳۴۸)، آثار باستانی آذربایجان (دو جلد، ۱۳۵۱)، وقف‌نامه‌ی ربع شیدی (تصحیح قسمت تبریز، ۱۳۵۷).

از وی مقالاتی در مجلات و نشریات «آرش»، «معلم امروز»، «کتابخانه‌ی ملی تبریز»، «سرو»، «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز»، «جهان اخلاق»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «بررسی‌های تاریخی» منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاسمی ساروی تهرانی، نصرت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(توح ۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، پزشک، روزنامه‌نگار، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به نصرت. اصلش از مازندران بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. وی بنابر ذوق و قریحه‌ی ادبی که داشت، همزمان با تحصیل علوم ادبی، به تاریخ و فلسفه پرداخت و از محضر استادانی چون شیخ خندق آبادی و شیخ یداللّه پاک‌نظر و شیخ مهدی نوری بهره‌مند شد و در همان زمان به عضویت انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی فرهنگستان درآمد. کاسمی در ۱۳۱۴ ش از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل شد و پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در زمینه‌ی «قطع عصب سیاتیک حوصلی زنان» نوشت. پس از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: تدریس بیماری‌های عمومی در دانشکده‌ی دندان‌پزشکی، نمایندگی دوره‌ی سوم مجلس

مؤسسان، نمایندگی مردم ساری در دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی، وزیر مشاور در دولت دکتر اقبال، دبیر کل بنیاد نیکوکاری نوریانی، سرپرست مجله «گوهر» و انجمن ادبی گوهر و صاحب امتیاز و مدیر ماهنامه‌ی «دانشکده‌ی پزشکی» بود. دکتر کاسمی در سرودن شعر توانایی خاصی داشت و قصایدش را به سبک خراسانی می‌سرود. از دیگر آثار وی: «غدد مترشحه داخلی و بیماریهای آن»؛ «راه خوشبختی»، در اخلاق و بهداشت، ترجمه؛ «آنچه باید یک پسر جوان بداند»، ترجمه؛ «آنچه باید یک دختر جوان بداند»، ترجمه؛ «مهر مادر»، شعر؛ «امواج»، شعر؛ «سه نامه»، حاوی سه نامه ادبی و فلسفی؛ «چهار صد سال بعد از فردوسی»، در نظم بعضی از وقایع عصر امیر تیمور گورکانی؛ «داستان یوسف»، مثنوی به سبک «حدیقه» سنایی؛ «دائرهٔ المعارف پزشکی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۱۴۷)، الذریعه (۲۶۵/ ۱۲ ،۶۳ -۶۲/ ۱۰ ،۳۱۳/ ۵)، روزشمار تاریخ (۱۱۱ ،۸۴/ ۲ ،۳۱۱/ ۱)، زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی (۸۳ -۳۱/ ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۹۱۹ -۲۹۱۴/ ۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۳۴ -۱۳۰/ ۲)، صدف (۵۵۲ -۵۴۳)، فرهنگ سخنوران (۷۵۴)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۴۶۸ -۴۶۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۴ ، ۲۰۴۴ ،۱۶۲۷/ ۲ ،۱۱۲۶ -۱۱۲۵ ،۳۳۸ ،۶۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰ -۵۶۸/ ۶)، نخبگان سیاسی ایران (۵۱۳/ ۴).

کاسنی نسفی، ابونصر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۳ ق)، فقیه شافعی، عالم، ادیب و شاعر. در ابتدا تنها در ادبیات مهارت داشت. سپس فقه را فراگرفت به طوری که از برجستگان مذهب شافعی گشت. او از ابوحسین محمد بن طالب نسفی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی حدیث شنید. وی در روزگار جوانی در قریه‌ی کاسن درگذشت. از آثارش تصنیف کتاب «تواتر الحجج» یا «تواتی الحجج»، در فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۷ -۱۶/ ۵)، ایضاح المکنون (۳۳۵/ ۱)، معجم المؤلفین (۲۵۰/ ۱).

کاشانی نجفی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷/ ۱۳۳۶ -۱۲۶۸/ ۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مفسر، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در کاشان به دنیا آمد. بعد از گذراندن مقدمات، فقه و اصول و معقول و منقول و ریاضیات را در حوزه‌ی درس پدرش فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد تقی، صاحب حاشیه «معالم»، بهره گرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. در ۱۲۹۲ ق در حالی که جامع جمیع علوم و ماهر در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و ریاضی بود به تهران آمد. در ۱۲۹۶ ق پس از فوت پدرش قائم مقام منصب او گشت و چندین سال ریاست علمی و مرجعیت مذهبی مردم را عهده‌دار بود. در ۱۳۱۳ ق حج گزارد و در بازگشت در نجف سکنی گزید و از علمای آنجا بهره برد و خود حوزه‌ی درس و بحث مستقل تشکیل داد و یکی از علمای بزرگ نجف به شمار آمد. در ۱۳۳۳ ق به همراه علمای مجاهد قیام مردمی ضد انگلیس را اداره و رهبری کرد. او سپس تا پایان عمر در کاظمین ماند و در آنجا درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «التجری»، پیرامون مسائل اصول فقه؛ «الاجزاء»؛ «رسالهٔ فی منجزات المریض»؛ «الاستصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی.[۱]

(حاج سید) مصطفی بن (حاج سید) حسین کاشانی‌الاصل تهرانی المسکن، از بزرگان علمای امامی (ف. ۱۳۳۷ ه.ق). وی سالها در تهران ریاست علمی و مرجعیت عمومی داشت. او بعد از تحصیل مقدمات متداول، فقه و اصول و معقول و منقول و اخلاق و کلام و ریاضیات و رجال را در جوزه‌ی درس پدر خود تکمیل کرد و بعد از وفات او به اصفهان رفت ولی حوزه‌ی علمی آنجا را فراخور استعداد خود ندید. پس عزیمت نجف کرد و در آنجا یکی از مراجع علمی گردید و حوزه‌ی دینی او مرجع استفاده‌ی افاضل بود. وی قریحه‌ی شعر نیز داشت و دیوانی هم در مناقب و مراثی معصومین دارد. او در استصحاب و تجزی و تفسیر مختصر قرآن و حاشیه‌ی ارشاد علامه و حاشیه‌ی شرایع و علامت ظن و قاعده‌ی لاضرر و منجزات مریض، تألیفاتی داشته ولی اکثر آنها تلف شده (ریحانهٔالادب، لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۳۳ -۱۳۲/ ۸)، اعیان الشیعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۱۰)، الذریعه (۱۹/ ۲۳ ،۱۰۵۵/ ۹ ،۱۰۲/ ۶ ،۲۵/ ۲ ،۳۵۰/ ۳ ، ۲۷۵ -۲۷۴/ ۱)، ریحانه (۲۱/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (۴۱۳/ ۱۳)، علماء معاصرین (۱۱۲ -۱۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/ مصطفی)، المآثر و الآثار (۱۶۰)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۳۱ -۱۰۳۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۴۸/ ۱۲).

کاشانی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ملاـ) حبیب‌اللّه بن علی مـدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن ۱۴ ه. (و. ۱۳۴۰ ه.ق). وی عابـد و زاهد و متقی و عرفان مسـلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در ۱۴ سالگی از نحو و صرف عربی و مقـدمات متـداول فارغ شـد و نزد حاج سـید حسـین و بعض دیگر به تحصـیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد شیخ محمد اصـفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسـمت عمده از رسائل شـیخ مرتضـی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خوانـد و مقـداری از حکمت را نزد شـاگردان ملاـ هـادی سـبزواری آموخت و در ۱۶ سالگی به تحصـیل اجازه‌ی روایت و در ۱۸ سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف اسـتاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذرانید و عزت را در عزلـت دیـد و اوقـات خـود را بـه تـألیف و تـدریس مصـروف داشت. او راست: اسـرارالعارفین فی الاخلاـق والمعـارف، اصـطلاحات الصوفیـهٔ، اصـطلاح علـم الجفر، الاـنوار السانحـهٔ فی تفسـیر الفاتحـهٔ، ایضاح‌الریـاض (حاشـیه بر ریاض‌المسائل)، تذکرهٔالشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانهٔالادب، لغ.)

حبیب‌اللّه الشـریف بن ملاـ علی مـدد بن رمضـان سـاوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسـی جلیل و مؤلفی مروج و مکثر در تألیف بوده است. وی در حدود ۱۲۶۲ متولد شده و در سال ۱۳۴۰ ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه یکی از مفاخر دانشـمندان کاشـان و صـاحب تألیفـات عدیـده ماننـد (لباب‌الالقـاب) و (توضیـح‌البیان) و (منتقـدالمنافع) در شـرح مختصـر النـافع در ۱۲ جلـد و (ریاض‌الحکایات) و (عقاید الایمان) و (گلزار) و (شـکایت‌نامه) و (منیهٔ‌الاصول) و (درهٔ‌الجمان) و تذکرهٔ‌الشهداء و ده‌ها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.

آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. ۱- مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا حسین شریف ۲- ثقهٔ‌الاسلام آقا احمد شریف ۳- ثقهٔ‌الاسلام آقا محمدشریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.

دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند ۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید فخرالدین امامت ۲- مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت‌اللّه حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشـد که مرحـوم آخونـد ملاـ حبیب‌اللّه چون در سـنین کودکی والـدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت‌اللّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شـیخ محمد اندرمانی و شـیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شـیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است.

در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.

(ح ۱۳۴۰ -۱۲۶۲ ق)، عالم دینی، عابـد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پـدرش از علمای آنجا بود که مـدتی در قزوین سـکنی گزیـد و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف

و نحو و مقـدمات را از ایشـان آموخت. در شـانزده سـالگی به دریـافت اجـازه‌ی روایتی و در حـدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از اسـتادش سـید حسـین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسـمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضـر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن‌گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شـیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملاـ هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضـر فاضل اردکانی اسـتفاده نمود. او از اغلب اساتیـد خویش صـاحب اجـازه بود. سـپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهـده‌دار شـد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الریاض»، حواشـی «ریاض المسائل»؛ «منتقـد المنافع»، در شـرح «المختصـر النافع»؛ «الانوار السانحهٔ فی تفسـیر الفاتحهٔ»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفین»، در اخلاق و معـارف؛ شـرح هر یـک از دعاهـای: «کمیـل»، «جوشن»، «سـحر»، «صـباح»، «عـدیله» و «زیـارت عـاشورا»؛ «لبـاب الالبـاب فی القـاب الاطیـاب»؛ «نخبـهٔ التبیـان»، در معـانی و بیـان؛ «توضـیح البیـان»، در تسـهیل اوزان؛ «ریـاض الحکایـات»، در قصـص و امثال. کاشانی منظومه‌های بسـیاری در فقه، اصول، عقایـد، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسـی، دارد که «منیهٔ الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۵۵۹/ ۴)، الذریعه (۴/ ۲۳، ۲۷۷، ۲۱۵/ ۱۸، ۲۸۲/ ۱۵، ۲۱۴/ ۱۴، ۳۲۴- ۳۲۳، ۶۷/ ۱۱، ۲۳۱/ ۹، ۹۸/ ۸، ۲۷۱/ ۷، ۴۹۲- ۴۹۱، ۱۸۲/ ۴)، ریحانه (۲۰ -۱۸/ ۵)، طبقات اعلام الشـیعه (قرن ۳۶۱ -۳۶۰/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۲ -۲۵۰/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب‌اللّه)، معجم المؤلفین (۱۸۷/ ۳).

کاشانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عبدالحسین خان ملقب (به ملک المورخین) بن میرزا هدایـهٔ‌اللّه خان بن لسان‌الملک میرزا محمدتقی خان ملقب (به سپهر) بن ملا علی ضرابی کاشانی تهرانی متولد ۱۲۹۰ و متوفی ۱۳۵۲ قمری ادیبی بارع و مورخی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبدالمطلب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، مفسر، طبیب، مورخ و شاعر. مشهور به ادیب کاشانی. سلسله نسب وی به طایفه غفاری و بنا به قول صاحب «گنج شایگان» به ابوذر غفاری می‌رسد. وی در عصر ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) می‌زیست. میرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ی میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی صنیع الملک بود. وی در قواعد عربی، علوم ادبی، تفسیر و علم طب بی‌نظیر بود و همگان او را در فنون مزبور به استادی قبول داشتند. ادیب کاشانی تاریخی نیز تألیف کرده که گویا از بین رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۱۸۰ -۱۱۷۹/ ۲)، شرح حال رجال (۱۵۰/ ۶)، گنج شایگان (۳۴۸ -۳۴۵).

کاشانی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۳۰۳ ق)، عالم دینی، خطیب و مرجع تقلید. در نجف به دنیا آمد. مادرش دختر عالم بزرگ شیخ اسداللّٰه شوشتری است. مقدمات و سطوح را فراگرفت. او در کنار پدرش که از علمای برجسته بود و در بمبئی به وظائف شرعی و تبلیغی می‌پرداخت، نشو و نما یافت و پس از پدر عهده‌دار وظائف وی گشت و مرجع تقلید مردم بمبئی شد. وی سرانجام در همان جا درگذشت. سال تولد او در «طبقات اعلام الشیعه»، ۱۳۳۳ و در جای جای «الذریعه» ۱۳۰۳ ق قید شده است. همچنین در چند جای «الذریعه» و به تبع آن در «مؤلفین کتب چاپی» تحت نام محمد حسین و صاحب کتاب‌های «اسرار الغیبیة» و «برق الخاطف» و «التحقیق الجدید» و «چهار مقاله» ذکر شده است. او را تصانیف بسیاری است که اکثر آنها به زبان گجراتی است. وی «فهرست کتب خزانة الشیخ محمد حسن» را که مشتمل بر فهرست دو هزار کتاب و تألیف موجود در کتابخانه‌اش بود تنظیم نموده و در آن به اثرهای خود که متجاوز از چهل تصنیف می‌باشد، اشاره کرده است. از جمله: «احکام الجمعة»؛ «احکام العیدین»؛ «احکام النیروز»؛ «دین الاسلام»؛ «عقاید النجفی»؛ «فلسفه نماز»؛ «قید شرق و آزادی غرب»؛ «محرم و عاشورا»؛ «معرفة الامام»؛ «مقدمه‌ی منطق»؛ «مناسک النجفی»؛ «نجاة الصائمین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹/ ۲۴ ،۲۷۷، ۱۰۲/ ۲۲ ،۲۴۷/ ۲۱ ،۱۵۰/ ۲۰ ،۲۲۴/ ۱۷ ،۳۹۰، ۳۱۰/ ۱۶ ،۲۸۶/ ۱۵ ،۲۹۱/ ۸ ،۳۱۴/ ۵ ،۴۸۱، ۸۶/ ۳ ،۵۳/ ۲ ،۳۰۳، ۳۰۰، ۲۹۶/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۰/ ۱۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۲۷، ۴۸۵، ۲۰۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱/ ۲).

کاشانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن بن شیخ ابی‌القاسم بن شیخ عبدالحکیم کاشانی مشهور به (نجفی) عالمی مؤلف و مرجعی بزرگوار و امام مسجد (خوجه‌ها) بوده است وی در سال ۱۳۳۳ متولد و در سال ۱۳۸۷ در تهران وفات و در قم مدفون شده است.

نگارنده گوید: این عالم جلیل و مرحوم والدش در بمبئی خدمات بسیار نموده و منشاء آثار زیادی شده و ده‌ها هزار از شیعه‌های اسماعیلی را مستبصر و ارشاد نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن سید اسماعیل بن سید عبدالرزاق- (برادر سید محمدتقی) ابن سید عبدالحی حسینی پشت مشهدی کاشانی عالمی فقیه از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی و علامه سید محمد فشارکی و میرزا محمدتقی شیرازی بوده و در سال ۱۳۱۶ به کاشان مراجعت و در پشت مشهد اقامت و در مسجد حبیب بن موسی امامت و به خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۵۰ که وفات نموده است.

فرزند این بزرگوار مرحوم سید استاد ما آیت‌اللّٰه العظمی آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی شریک بحث مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی حایری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشف شیرازی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۹ ق)، روزنامه نگار. در شیراز سکونت داشت. وی با صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» معاصر بود. کاشف در ۱۳۰۴ ش امتیاز روزنامه‌ی «ظریف» را گرفت و تا ۱۳۰۹ ش انتشار آن را ادامه داد. بنای این روزنامه‌ی فکاهی بر مبارزه‌ی با خرافات و بدعت‌های مذهبی قرار داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۸۹ -۱۸۸/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۱/ ۴).

کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۰ ق)، فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، صوفی، ادیب و شاعر. مشهور به ملا حسین کاشفی یا ملاحسین واعظ. در سبزوار به دنیا آمد. دوره‌ی جوانی را در آن شهر گذراند و در آنجا و نیشابور و هرات نشو و نما یافت. در زمان سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با صوتی خوش آیات قرآن و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب بیان می‌کرد. وی از ملازمان امیر علی شیرنوایی بود. پس از ملاقات مولانا جامی و معاشرت با وی طریقت نقشبندیه را پذیرفت. درباره‌ی مذهب وی اختلاف است، وی را به جهت گرایش به تصوف ملازمت با امیر علیشیر نوایی و نسبت خانوادگی نزدیک به ملا عبدالرحمان جامی سنی مذهب و به جهت نگارش کتاب «روضهٔ الشهداء» و محل رشد و تربیتش سبزوار که از شهرهای اهل تشیع بوده، شیعه مذهب دانسته‌اند. به هر حال وی در هرات به شیعه بودن و در سبزوار به تسنن اشتهار داشت. کاشفی در هرات درگذشت. از آثار وی: «جواهر التفسیر لتحفهٔ الامیر»، به نام امیر علیشیر نوایی؛ «مختصر الجواهر»، تفسیری دیگر در حدود بیست هزار سطر؛ «جامع الستین»، در تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ «المواهب العلیهٔ»، معروف به «تفسیر حسینی»، به نام سلطان حسین بایقرا؛ «روضهٔ الشهداء»، در مقاتل و ذکر مصیبت اهل‌بیت (ع) و واقعه‌ی کربلا، که چون اهل منبر از روی این کتاب می‌خواندند به روضه‌خوان مشهور شدند؛ «الاربعین»، در احادیث موعظه؛ «المرصد الاسنی»، در شرح اسماء اللّٰه الحسنی؛ «اخلاق محسنی»؛ «مخزن الانشاء»، در فن ترسل که برای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی، در ۹۰۷ ق، تألیف نموده؛ «انوار سهیلی»، در تدابیر حکم و آداب از زبان حیوانات، بازنویسی از «کلیله و دمنه» نصراللّٰه منشی، که آن را برای امیر شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان حسین بایقرا نوشت؛ «اسرار قاسمی»، در سحر و طلسمات و کیمیا؛ «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در ذکر صناعات ادبی؛ شرح «مثنوی» مولوی؛ «لب المثنوی»؛ «لب اللب مثنوی»؛ «اختیارات النجوم»، به نام «الواح القمر»؛ «السبعهٔ الکاشفیهٔ»، شامل هفت وسیله در علم نجوم.[1]

(بخش ۱: کاشف) حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال‌الدین، دانشمند و واعظ معروف (ف. ۹۰۶ یا ۹۱۰ ه.ق) وی در علوم دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می‌کرد. او راست: آیینه‌ی اسکندری به فارسی (در استخراج مطلوب و حاوی ۸ جدول و ۲۰ دایره) و آن را جام جم نیز گویند، الاختیارات یا اختیارات النجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)، اخلاق محسنی (ذیل فرهنگ حاضر)، الاربعون حدیثاً در مواعظ بنام الرسالهٔ العلیهٔ فی الاحادیث النبویهٔ (این کتاب به فارسی و حاول ۴۰ حدیث است)، اسرار قاسمی (ذیل فرهنگ حاضر)، انوار سهیلی (ذیل فرهنگ حاضر)، بدائع‌الافکار فی صناعهٔ‌الاشعار، تحفهٔ‌الصلوات (به پارسی)، جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره‌ی یوسف)، روضهٔ‌الشهداء (ه.م) سبعه‌ی کاشفیه (۷ رساله در علم نجوم)، شرح مثنوی، جواهرالتفسیر لتحفهٔ‌الامیر یا عروس (عروس)، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مختصر الجواهر (مختصر جواهر التفسیر یا عروس مذکور)، مخزن‌الانشاء به پارسی، المرصد الاسنی فی شرح اسماءاللّٰه الحسنی، مطلع‌الانوار، المواهب العلیهٔ (مواهب العلیه) (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] از سعدی تا جامی (۶۸۱، ۶۴۷، ۶۴۶، ۶۴۵، ۶۴۴، ۶۴۳- ۶۴۱، ۶۳۹- ۶۳۶، ۶۲۸، ۳۲۹)، اعیان الشیعه (۱۲۴ - ۱۲۱/ ۶)، ایضاح المکنون (۶۷۴، ۴۱۶/ ۲، ۷۶/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۶ -۵۲۳/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۸ -۲۴۵)، حبیب السیر (۳۴۶ -۳۴۵/ ۴)، الذریعه (۱۹۴ -۱۹۳/ ۲۰، ۲۹۱، ۱۹۰- ۱۹۱/ ۱۸، ۱۲۵۲، ۸۹۹/ ۹، ۵۸، ۵۷- ۵۷/ ۵، ۴۵۵/ ۳، ۴۳۰/ ۲، ۵۰/ ۱)، روضات الجنات (۲۲۳ -۲۱۷/ ۳)، ریاض العارفین (۲۳۱ -۲۳۰)، ریحانه (۳۲ -۲۹/ ۵)، طرائق الحقائق (۱۱۴/ ۳)، کشف الظنون (۱۹۱۶، ۱۸۹۶، ۱۶۴۸، ۱۵۷۴، ۱۳۰۵، ۳۹۸)، الکنی و الالقاب (۱۰۵/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشفی)، مجالس المؤمنین (۵۴۸ -۵۴۷/ ۱)، مجالس النفائس (۹۳)، معجم المؤلفین (۳۵ -۳۴/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶ -۸۱۰/ ۲).

کاشمری، حبیب‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حبیب‌اللَّه کاشـمری از علماء و خطباء و محدثین کاشـمر بوده و با نگارنده هم عنایت و محبتی داشـته است وی تحصیلات خود را در کاشـمر و مشهد و نجف اشرف به پایان رسانیده و بیشتر از راه منبر تبلیغ دین و ترویج احکام مبین نموده تا حدود ۱۳۷۰ قمری که وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشمری، واله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

واله کاشمری از فضلاء اخیار و مبلغین ابرار معاصر مشهد مقدس است.

وی در کاشـمر متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و قسـمتی از سـطوح به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سطوح را تکمیل و پس از آن از دروس خارج آیات عظام مشـهد بالاخص آیت‌اللَّه العظمی میلانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا جواد آقای تهرانی و دیگران اسـتفاده نموده آنگـاه به ترویـج دین و تبلیغ احکـام و گفتن تفسـیر قرآن و اقـامه نمـاز جماعت در یکی از مساجـد مشـهد پرداخته و تا حال حاضر به انجام وظائف مذکوره اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم محترم از دانشـمندان و وعاظ با تقوای خراسان و به فضل و ورع موصوف و مورد وثوق و اعتماد مردم مشهد و بالاخص علماء و فضلاء مشهد می‌باشد که بعضی از آیات در نمازشان شرکت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشی، بهاء الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از شاگردان علاّمه ملاّ محمد باقر مجلسی و راوی از ایشان است. در ۱۱۳۷ به دست افاغنه شهید گردیده.

وی را تألیفاتی است: ۱- شرح بر صحیفه کامله سجادیه ۲- شرح بر نهج البلاغه؛ و غیره.

قبرش در چملان (سنبلستان) واقع بود و بعداً که آنجا را تسطیح کردند از بین رفت. نگارنده به زیارت او موفّق شده بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاشی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل کامل، و واعظ جامع، از مشاهیر گوینـدگان و خطبای اصـفهان بوده، در قدرت بیان کم نظیر بوده. در کاشان متولّد بوده و در اصفهان خدمت اساتید و بزرگان تحصیل نموده، و سالها مردم را به مواعظ شافیه ارشاد و هدایت می‌نموده.

در سال ۱۲۹۵ به دسـتور ظلّ السـلطان حاکم جابر اصـفهان کتابی در تفسـیر آیه «اولی الامر» نوشـته، و در آن اولی الامر را حکاّم و سلاطین تفسیر نموده، و آن را به خرج ظلّ السلطان به چاپ رسانیده و منتشر ساخت.

انتشار کتاب در بین علما و مجتهدین سر و صدایی راه انداخته و موجب شد که چند نفر از مجتهدین بزرگ مانند میرزا محمّد حسن نجفی اصـفهانی، و حـاج سـید علی اکبر فـال اسـیری شـیرازی، و آقا میرزا محمّـد باقر چهارسوقی حکم کفر او را صادر کردنـد. در نتیجه، حاج سـید حسن مـدّتی از اصـفهان نفی بلـده شـده و به طهران رفت؛ سپس مجدّداً به اصـفهان مراجعت نموده و در غرّه ربیع الثانی سال ۱۳۲۰ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در اطاقی مخصوص مدفون گردید.

وی علاوه بر کتاب سابق الـذکر، کتابی به نام «منهـج الواعظین» دارد که فرزندش مرحوم آقا اسد اللَّه الواعظین به نام آن اشاره کرده است.

در شـرح حـال آقـا میرزا محمّـد باقر چهار سوقی می‌نویسـند که در امر انشاءات و خطب و نوشـتجات، مسـجّع و مقفّی می‌نوشـته، به حدّی که جواب استفتاء و حکم را نیز چنین می‌نوشته است.

حکم تکفیر حاج سید حسن بدین عبارت بوده است: این سیّد کاشی، مشغول به دین تراشی، یا در متن کفر است یا در حواشی.

آن مرحوم را فرزندانی فاضل و اهل علم و منبر می‌بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاشی، عمادالدین یحیی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۷۴۵ ق)، محدث، ریاضیدان و ادیب. یکی از شاگردان محقق کرکی او را در رساله «مشایخ الشیعهٔ» و شیخ یحیی مفتی بحرانی وی را در «تذکرهٔ المجتهدین» ذکر کرده‌اند. او گذشته از ادبیات و حدیث در علم حساب نیز دانشمندای برجسته بود. در ۷۴۵ ق در یزد می‌زیست و سرانجام در اصفهان درگذشت. شیخ آقا بزرگ تهرانی شرح حال یحیی کاشی را در ذیل علمای قرن دهم آورده است. از آثارش: شرح «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «لباب الحساب» یا «اللباب فی علم الحساب»؛ حاشیه بر شرح رساله‌ی «آداب البحث» فاضل سمرقندی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۲/ ۹)، الذریعه (۸۲ -۸۱/ ۱۴ ،۱۰۹/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۵/ ۱۰)، کشف الظنون (۱۵۴۲ ، ۳۹)، معجم المؤلفین (۱۸۴/ ۱۳).

کاظم‌زاده‌ی ایرانشهر تبریزی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۶۲ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش، در مکتب ملا نصیر و حاج ملا علی واعظ، فراگرفت و سپس به مدرسه‌ی کمال رفت. در آنجا دو زبان عربی و فرانسه را به خوبی آموخت و در ضمن تحصیل، مجلات و روزنامه‌های داخلی و خارجی را نیز مطالعه می‌کرد. او مدتی به قفقاز رفت و سپس برای ادامه تحصیل راهی استانبول شد و در این شهر به آزادیخواهان ایرانی مقیم استانبول پیوست و با آنان اقدام به تأسیس انجمن برادران ایرانی نمود. ایرانشهر در زمان اقامت در استانبول به دانشکده‌ی حقوق رفت و مدتی بعد از طرف کنسولگری ایران در آنجا به مکه رفت. پس از بازگشت رهسپار اروپا شد و موفق به اخذ لیسانس در رشته علوم اجتماعی و سیاسی، از دانشگاه شهر لوون بلژیک گشت. پس از آن مدتی در پاریس به تحصیل پرداخت و ضمنا در مدرسه‌ی عالی اجتماعی فن روزنامه‌نگاری را فراگرفت. او توانست در این شهر سفرنامه‌ی مکه خود را بنویسد و به چاپ برساند. همچنین در پاریس به همراهی علامه محمد قزوینی و استاد پور داوود انجمنی به نام انجمن مصاحبات ادبی و علمی ایرانیان پاریس تأسیس کرد. در ۱۲۹۲ ش به دعوت ادوارد براون به دانشگاه کمبریج انگلستان رفت و به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. کاظم‌زاده در جنگ جهانی اول بنا به دعوت سید حسن تقی زاده، برای شرکت در کمیته‌ی ملی ایران، به برلین رفت و از آنجا به ایران بازگشت و به صف آزادیخواهان پیوست. وی پس از مدتی دوباره به استانبول و از آنجا به برلین رفت و با تقی‌زاده در انتشار روزنامه «کاوه» همکاری کرد. در ۱۳۰۱ ش مجله‌ی «ایرانشهر» را در آن شهر تأسیس و به مدت چهار سال منتشر کرد. او همچنین در آنجا از، طرف وزارت فرهنگ، مدتی سرپرست دانشجویان ایرانی بود. کاظم‌زاده پس از نوزده سال اقامت در آلمان به سوئیس مهاجرت کرد و در آنجا یک مکتب عرفان باطنی تأیسی نمود که پیروان زیادی داشت. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی و عربی تسلط داشت. او همچنین اشعار زیادی نیز سروده است. وی سرانجام در سوئیس درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «رهبرنژاد نو» یا «در جستجوی خوشبختی»؛ «راه نو»، در تعلیم و تربیت؛ «تداوی روحی برای افراد و جامعه»؛ «معارف در عثمانی»؛ «تجلیات روح ایرانی»، در ادوار تاریخی؛ «آثار عتیقه‌ی ایران باستان»؛ «تفسیر معنوی بر دیباچه‌ی مثنوی»؛ «اصول اساسی روانشناسی انسان و ماهیت تکامل او»؛ «راز و نیاز»؛ «رستم و سهراب»؛ «محمد (ص) و تعلیمات عالیه‌ی اسلامی»؛ «راه راست برای صلح بین ملتها»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی مکه»، به فرانسه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار و احوال کاظم‌زاده‌ی ایرانشهر، ادبیات نوین (۵۳)، از صبا تا نیما (۲۳۴ -۲۳۳/ ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۳۲۲)، تاریخ جراید (۳۴۱ -۳۳۷/ ۱)، الذریعه (۱۹۲/ ۲۱ ،۳۱۱ ،۲۳۱/ ۱۱ ،۶۵/ ۱۰ ،۳۵۹/ ۳)، زدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۸ - ۲۳۶/ ۵)، شخصیت‌های نامی (۸۵ -۸۴)، شرح حال رجال (۸۰/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۱۱۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۹۹ ،۳۰۴۲، ۲۹۴۸، ۲۵۷۱، ۲۱۱۴، ۲۰۱۶، ۱۸۰۴، ۱۷۳۰- ۱۷۲۹، ۱۶۶۲، ۱۶۲۸- ۱۶۲۷/ ۲ ،۱۳۷۹، ۱۳۰۹، ۹۳۴، ۸۲۱، ۷۸۷، ۷۰۲، ۴۵۵ ، ۴۲۸، ۲۶۶، ۲۴۹، ۲۴۷/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۵ -۸۴۲/ ۲).

کاظمی خلخالی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۶۵.

از آثار اوست: الحیاهٔ النبیین و المعروفین و حیاهٔ المعصومین (زندگینامه پیامبران معروف و زندگینامه معصومین؛ مؤلف و مترجم؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ ترجمه انسان روح است نه جسد (تألیف رئوف عبید؛ تهران، به صورت دو جلدی و تک جلدی و در سالهای متعدد به چاپ رسیده است)؛ ترجمه تا کرانه‌های عالم اثیری عالی حافه العالم الاثیری (جمیز آرتور فیندلی؛ تهران، ۱۳۷۲ ۱۳۷۰)؛ حدیث اهلیجه (از امام جعفر صادق؛ تهران، ۱۳۶۲)؛ دو هزار حدیث- برگزیده فارسی- عربی غررالحکم و دررالکلم (تهران، ۱۳۷۰)؛ زناشویی راز خوشبختی (تهران، ۱۳۶۶)؛ سفر به کره‌ی مریخ (تهران، ۱۳۷۰)؛ صحیفه‌ی سجادیه (با مقدمه محمدباقر صدر، تهران،

۱۳۶۲)؛ ترجمه طب الرضا (ع)؛ طب و درمان در اسلام (تحقیق از مرتضی عسگری، قم، چاپهای متعدد)؛ کلیات حدیث قدسی (ترجمه کتاب جواهر السنیه تألیف محمدحسین حرعاملی، تهران، ۱۳۶۶)؛ گفتگو با مردگان: حقیقت و شناخت روح اسرار جهان هستی (تألیف شودزموند؛ تهران، ۱۳۷۳ ،۱۳۷۲)؛ گنجینه‌های دانش (تهران، ۱۳۶۴؛ چاپهای دیگری از این کتاب با همکاری به صورت دو جلدی منتشر شده است)؛ مدرسه اسلامی (نوشته محمدباقر صدر، تهران، ۱۳۶۲)، هزار حدیث (از حضرت علی (ع)، تهران، ۱۳۶۲ و چاپهای دیگر در سالهای بعد).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاظمی مومِوندی هرسینی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. مقدمات را در نجف اشرف فراگرفت. چند سالی هم در حوزه‌ی علمیه‌ی قم در محضر اساتید سطح، به خواندن سطح فقه و اصول پرداخت. وی سپس بر اساس احساس وظیفه به تدریس در فرهنگ و آموزش عالی مشغول شد. او از خطبا و مبلغین اسلامی در محیط دانشگاه بود. از آثارش: «نقش اسلام در تمدن بشریت»؛ «مشاعره مذهبی».[۱]

محمدکاظم کاظمی مومِوندی که سالهای اول تحصیل در نجف اشرف بوده و مقدمات را خوانده و چند سالی هم در حوزه علمیه قم در محضر اساتید سطح اشتغال به خواندن سطح و علوم عربیت و فقه و اصول داشته تا در این اواخر به عنوان احساس وظیفه و خدمت به جوانان در فرهنگ مشغول به تدریس گردیدند. نامبرده دارای روحی بلند و زبانی گویا و در محیط دانشگاه و فرهنگ از مبلغین اسلامی بشمار می‌روند و با ایراد سخنرانیهای مذهبی و تشکیل جلسات برای جوانان به خدمات مذهبی خود ادامه می‌دهند.

آثار قلمی ایشان که هنوز چاپ نشده عبارت از ۱– مشاعره مذهبی و ۲– نقش اسلام در تمدن بشریت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۳ –۳۷۲/ ۶).

کاظمی، اقدس

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

اقدس کاظمی در پاییز سال ۱۳۱۸ در روستا ی وشنوه قم متولد شد. وی پس از گذراندن سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد. بعد از ازدواج ، به تشویق همسر با رتبه ی شاگرد اول در سال ۱۳۴۱ دیپلم خود را دریافت کرد. یک سال بعد در رشته فیزیک دانشگاه تهران شرکت کرد. ولی پس از کشته شدن همسرش با دوفرزند کوچک ، ادامه زندگی بر او تنگ گردید و به آموزگاری ادامه داد و سر انجام از مدرسه عالی امور اداری و قضایی قم ، لیسانس حقوق قضایی خود را دریافت کرد. پس از آن کاظمی در پست بازرسی انجمن حمایت زندانیان و ریاست بازرسی کمیته حمایت از مصرف کننده نیز انجام وظیفه کرد. از خدمات مهم اقدس کاظمی تاسیس دبیرستان دخترانه آزرمی دخت « بنت الهدی صدر » در قم گردید . سپس از قم به شمیران انتقال یافت و ریاست مدرسه ایران و آلمان را به عهده گرفت و تا سال ۱۳۵۶ به کار تدریس ادامه داد . وی پس از بازنشستگی کوشید کوشید در کانون وکلا بهکار بپردازد ، اما به سبب تعطیل شدن کانون و مشکلات دیگر این میسر نگردید .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : والدین اقدس کاظمی او را در پنج سالگی به مکتب خانه فرستادند و چون به دانش اندوزی علاقه ی زیادی نشان می دادسرانجام از وشنوه به قم آورده شد و پس از موفقیت در امتحانات لازمه درکلاس سوم دبستان پذیرفته شد و پس از اتمام کردن سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد ، یک سال بعد ازدواج کرد و به تشویق همسر با رتبه ی شاگرد اول در ۱۳۴۱ دیپلم را دریافت کرد .یک سال بعد در رشته فیزیک دانشگاه ،تهران شرکت کرد.و سرانجام از مدرسه عالی امور اداری و قضایی قم لیسانس حقوق قضایی خود را دریافت کرد .

وقایع میانسالی : از اتفاقات مهم دوران زندگی اقدس کاظمی کشته شدن همسرش می باشد . پس از آن با داشتن دو فرزند کوچک ،ادامه ی زندگی بر او تنگ گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقدس کاظمی پس از آنکه لیانس حقوق قضایی را اخذ نمود ، در پست بازرسی انجمن حمایت زندانیان و ریاست بازرسی کمیته حمایت از مصرف کننده انجام وظیفه کرد. پس از انتقال از قم به شمیران نیزمدتی در پست ریاست مدرسه ایران و آلمان قرار گرفت.

فعالیتهای آموزشی : اقدس کاظمی پس از اتمام سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد. کاظمی پس از مرگ همسرمجددا به شغل آموزگاری روی آورد ،و تا سال ۱۳۵۶ به کار تدریس ادامه داد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله اقدامات اقدس کاظمی پس از فارغ التحصیل شدن و قرار گرفتن در مسیر مسولیت پذیری جامعه تاسیس دبیرستان دخترانه آزرمی دخت (بمت الهدی صدر)در قم بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اقدس کاظمی فعالیتهای اجتماعی را پس از اخذ مدرک لیسانس آغاز کرد و نه تنها مسئولیت

امور زنـان قم را پـذیرفت که رسیدگی به خـانواده هـای بی سـرپرست نیز در شـمار وظـایفش قرار داشت .او همچنین پس از مرگ همسـرش به شعر روی آورد. ---

آثار :

۱ آذرین مهر

ویژگی اثر : مجموعه شعری است که از سوی انتشارات (ما)در بهار ۱۳۷۴ به بازار کتاب آمده است .[گلزار مشاهیر،زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۶ ،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی]

منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، به کوشش : پوران فرخزاد، ج ۲ ، تهران: انتشارات زریاب ، چاپ اول ۱۳۷۸ ، ص ۱۳۶۳

کاظمی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه

نام کامل : حسین کاظمی – متولد : ۱۱ مهر ۱۳۵۸ – سن : ۲۹ سال – زادگاه : تهران ، ایران – قد : ۱□۸۰ متر اطلاعات باشگاهی : باشگاه کنونی : استقلال تهران – شماره پیراهن : ۴ – پُست : هافبک دفاعی باشگاه های حرفه ای :

۱۳۷۹ – ۱۳۸۶ سایپا

۱۳۸۳ – ۱۳۸۶ استقلال تهران

۱۳۸۶ – ۱۳۸۷ سپاهان

۱۳۸۷ تا کنون استقلال تهران تیم ملی :

۱۳۸۴ تا کنون بزرگسالان ۸ بازی ملی حسین کاظمی بازیکن فوتبال ایرانی است. او در پست هافبک دفاعی بازی می‌کند. او بعد از ۴ فصل بازی در سایپا در سال ۸۲ همراه با مهدی امیرآبادی از سایپا به استقلال آمد. او ۳ فصل در باشگاه استقلال بازی کرد و بعد به باشگاه سپاهان اصفهان منتقل شد و دوباره بعد از دو فصل بازی در سپاهان به استقلال تهران بازگشت.همچنین ایشان در تیم ملی ۸ بازی انجام داد

شرکت در تبلیغات تجاری

کاظمی در یک تبلیغ تجاری نیز شرکت کرده است. از تصویر او برای نقش بر روی بیلبوردهای تبلیغاتی مبلمان چوب شمال استفاده شده بود.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵-۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

کاظمی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی کاظمی موموندی که در سال ۱۳۲۳ شمسی در شهرستان هرسین متولد شده و پس از تحصیل در مکتب و خواندن چند کلاس در مدارس اسلامی کرمانشاه و قم و گذرانیدن دوره ادبیات و مقدمات در کرمانشاه زیر نظر مرحوم والدشان مدت یکسال در حوزه خرم‌آباد تحصیل نموده و در سال ۱۳۸۱ قمری به قم مهاجرت و در مدرسه فیضیه سکونت و به ادامه تحصیل پرداخته و بعد از طی دوره سطح اکنون نزدیک هفت سالست که در درس آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی شرکت و ضمناً از فرصت ایام تعطیل تابستانی و غیره استفاده نموده و به تألیف و ترجمه بعضی از کتب دینی اشتغال و از این راه خدمات شایانی انجام داده‌اند که ذیلا قسمتی از آثار قلمی ایشان را اشاره می‌نمایم و آن مطبوع و مخطوط می‌باشد.

اما آثار خطوط: ۱- عون‌الادیب فی شرح مغنی اللبیب ۲- شرح فارسی بر معالم ۳- شرحی بر کبری در منطق ۴- شرح بر عوامل ملامحسن ۵- حقایق و اباطیل ۶- اخلاق اسلامی برای همه ۷- ترجمه الدرة الباهرة مرحوم شهید ۸- رساله طهارت اهل الکتاب ۹- رساله ملاک الانفعال فی عدم الانفعال ماءالقلیل.

اما آثار چاپ شده از جزوات و کتابها و رساله‌های کوچک از این قرار است.

۱- آنچه هر مسلمان باید بداند ۲- یکتا خدای جهان‌آفرین ۳- مناظره مسلمان و داروین ۴- گسترش اسلام در جهان ۵- نبوت و عقل ۶- در پرتو اسلام ۷- ارکان اسلام ۸- مفاسد شراب ۹- فلسفه نماز ۱۰- آداب و دستور نماز ۱۱- داستانهای قرآن در ۱۱ جزء ۱۲- راهی به سوی بانک اسلامی ۱۳- نظری به چهره‌ی اگزیستانسیالیسم ۱۴- نقش مدیریت در پیشرفت ملتها ۱۵- چرا و چگونه مسلمان شدند ۱۶- عقاید اسلامی برای همه ۱۷- ترجمه بلاغةالحسین (ع) ۱۸- کربلائی که من دیدم ۱۹- راه سوم در موضوع قیام مقدس حسین بن علی علیهماالسلام ۲۰- اسلام در عصر قضا ۲۱- ترجمه زیارت عاشوراء ۲۲- چهل حدیث.

مضافاً بر آثار مذکوره. ایشان با همکاری جمعی اقدام به تأسیس کتابخانه سیار و نشر یک سلسله جزوه‌های مجانی نموده برای نشر معارف اسلامی در بین جوانان و تاکنون بیش از شش هزار جلد کتاب و بیست هزار جزوه به طور رایگان در اختیار محصلین شهرستانها گذارده‌اند.

از والده محترمه ایشان که زنی پاکدامن و متقی است نقل شده که در ایام شیرخوارگی ایشان هرگز بدون طهارت و بدون وضو پستان در دهانش نگذارده و از این رو امید موفقیت بیشتری به آینده ایشان دارد.

پدر همسر ایشان جناب حجهٔالاسلام آقای حاج میرزا محمدباقر حکمت‌نیا که از افاضل دانشمندان با معنویت است می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی، فرج‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج‌اللّه کاظمی هرسینی از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه بوده‌اند آن مرحوم در سال ۱۳۰۴ ق در نورآباد لرستان به دنیا آمده و تا پانزده سالگی در آن سامان به سر برده و پس از ملاقات میهمان دانشمندی که با او کتاب (معراج‌السعادهٔ) مرحوم نراقی بوده وی به دیدن آن کتاب دل از دنیا کنده و بخصوص از وضع خانواده خود که صدها سال ریاست عشایری و خوانینی آن محیط را داشتند نگران و ناراحت شده و از بستگان و کسان خود فاصله و مدت سه سال با آنها مبارزه و در تحمیلات و فشارهای آنها آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه هرسینی صبر نموده تا سال ۱۳۲۲ از آن فضا و مرکز جهل و ضلالت که یک نفر روحانی و اهل علم نداشتند فرار به هرسین نموده و از آنجا به کرمانشاه و پس از بیرون آمدن از لباس خان‌زادگی و پوشیدن لباس ساده با قافله به سمت عراق رفته و در کربلا ساکن گردیده و حدود سه سال مقدمات را در آنجا تحصیل و پس از آن مشرف به سامرا شده و در شمار ملازمین و خواص اصحاب و تلامذه مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی رضوان‌اللّه‌علیه درآمده و از محضرش استفاده نموده تا موقع جنگ بین‌المللی که به کربلای معلی مهاجرت نمودند ایشان هم در ملازمت معظم له به کربلا آمده و تا بعد از فوت ایشان سال ۱۳۳۸ ق به نجف اشرف عزیمت و از اساتید و مدرسین آن زمان چون مرحوم آشیخ احمد کاشف‌الغطاء و مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی استفاده نموده تا سال ۱۳۵۱ ق که به ایران مراجعت و در لرستان و هرسین و اطراف آن و کرمانشاه مشغول تبلیغ و ترویج و تشویق طلاب و محصلین گردیده و عده‌ای طلبه تربیت و اعزام نموده و خود شب و روز با خوانین ظلم و جور لرستان مبارزه و مخصوص با فرقه ضاله علویون و غلات نورآباد و نواحی کرمانشاه مناظره‌ها نموده و حدود صد هزار نفر را ارشاد و از ضلالت نجات تا سال ۱۳۷۱ ق که برای معالجه و کسالت به تهران وارد و پس از چند ماه به قم عزیمت و رحل اقامت افکنده و حدود ده سال توقف تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بنابر اصرار و تقاضای مردم کرمانشاه به آن سامان مهاجرت و تا پایان عمر در یکی از مساجد معروف شهر که برای ایشان بنا نموده بودند به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته تا سال ۱۳۸۲ قمری که به رحمت ایزدی واصل گردید.

آن مرحوم دارای چهار فرزند مذکور و نه فرزند اناث می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظمی

محل تولد : کرکوک

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر «کرکوک» واقع در شمال عراق و دقیقاً در منطقه «تسعین» متولد شدم و در همانجا دوره ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان را سپری کردم. بعد از آن در دانشکده به عنوان «کلیهٔ التربیه» در رشته شیمی قبول شدم. در این دانشگاه، طلاب به عنوان معلم شیمی در دوره راهنمائی و دبیرستان فارغ التحصیل می شوند ولی در سال ۱۹۹۱م در اثر نافرجامی قیام مردم عراق که در آن شرکت کرده بودم؛ دانشکده را در آخرین ترم ترک کردم و به جمهوری اسلامی پناهنده شدم.

در ایران بعد از دو سال خدمت در لشگر «بدر» در سال ۱۹۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه «شهید صدر» که زیر نظر: (آیت الله حائری) است مشغول تحصیل شدم و بعد از سه سال تحصیل در این مدرسه به مدرسه «اهل البیت» که زیر نظر (شیخ شهید مهدی عطار) بود؛ منتقل شدم. در این مدرسه بقیه کتاب لمعه را تمام کردم و پیش از آن، مکاسب محرمه را با «قسم اول حلقه ثالثه شهید صدر» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۸ بعد از قبولی در امتحان ورودی، مشغول دوره فوق لیسانس در رشته: «فلسفه و کلام» در مدرسه (عالی امام خمینی

ره) مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۱ این دوره را به اتمام رساندم و پایان نامه که با عنوان: «الخلود فی الجهنم عند المفسرین و المتکلمین و الفلاسفه» نوشته بودم و نمره عالی ۱/۱۹ گرفتم که این پایان نامه مورد پسند مرکز جهانی علوم اسلامی واقع شد و آن را در سال ۱۹۸۳ به عنوان کتاب چاپ کرده است.

در سال ۱۳۸۴ بعد از قبولی در امتحان ورودی در دوره دکتری در رشته: «فلسفه اسلامی» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و تا الان مشغول درس در این دوره هستم. قبل از دوره دکتری مشغول یک بحث تحقیقی شدم با عنوان: «تفکر در کتاب و سنت و مقصود از تفکر واژه تفکر نه روش تفکر» و این بحث بعد از فیش برداری فصل بندی شده است و قبل از شروع به نگارش دوره دکتری مطرح شد و مجبور شدم نگارش این بحث را به آینده موکول کنم.

کاظمی، محمدایوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدایوب کاظمی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تا دوم دبیرستان در بیرجند، درس خواندم و دو کلاس آخر دبیرستان را در تهران، همزمان با سال چهارم به عنوان «مربی تربیتی» در منطقه ۱۵ تهران مشغول شدم. در سال ۶۲ که دیپلم گرفتم؛ در دانشگاه قبول شدم اما حوزه را برای ادامه درس انتخاب کردم و همزمان با حوزه در امور تربیتی هم فعالیت می کردم و تا سال ۱۳۷۳ این دو فعالیت، همزمان ادامه داشت و در این سال در رشته تخصصی «تبلیغ» در حوزه قم مشغول شدم. همزمان با تحصیل در رشته مذکور، در پژوهشکده باقرالعلوم به نوشتن مشغول شدم و حاصلش ۳ کتاب بود که دوتای آن چاپ شده است.

تحقیقات زیادی در حدود ۱۵ جلد کتاب جمع آوری کردم که در فرصت مناسب به چاپ برسانم. از سال دوم دبیرستان، شعر می گویم و تاکنون بیش از ده هزار بیت شعر گفته ام و نیز از سال سوم راهنمایی خاطرات روزانه ام را می نویسم. بعد از اتمام دروس تخصصی در دانشگاههای آزاد و دولتی تدریس می کنم و بهترین کارم در زمان فعلی، تحقیق و کار بر روی طرح «اصلاح نظام آموزشی حوزه» است که با گرفتن نظرات بزرگان حوزه، تصمیم در این طرح را به سر منزل مقصود و به نتایج قابل قبولی برسانم. تصمیم دارم تحقیقات و مطالعاتی با کمک نرم افزارهای موجود و کتابهای مرجع درباره بسیاری از موضوعات انجام داده و به جامعه ارائه نمایم.

کاظمیان، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد کاظمیان متولد ۲ شهریور ۱۳۶۱ در کاشان، مهاجم ایرانی فوتبال است که برای باشگاه عجمان در لیگ امارات وبرای تیم ملی ایران بازی می کند.او فوتبال حرفه ای خود را با تیم جوانان سایپا شروع کرد و توانست به تیم بزرگسالان این تیم راه یابد .در آنجا او تعدادی از شاهکارهای خود را به نمایش گذاشت و مربی وقت میراسلاو بلازویچ او را برای تیم ملی فوتبال ایران انتخاب کرد. سپس او در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) به الاهلی امارات پیوست اما او بعد از چند ماه به ایران بازگشت و برای سایپا و بعد از آن سه فصل برای باشگاه پرسپولیس بازی کرد. بعد ازجام جهانی ۲۰۰۶ آلمان او قراردادی قرضی با باشگاه اماراتی الشباب و بعد از یک سال به طور اختیاری قراردادی دائمی را امضا کرد.سپس او یک فصل کامل با باشگاه الشباب تا پایان لیگ در فصل ۲۰۰۷ –۲۰۰۸ قرارداد بست.او در اولین بازی خو در برابر تیم ملی فوتبال چین در دی ماه سال ۱۳۸۰ برای تیم بزرگسالان ایران درخشید و همچنین جواد کاظمیان در ترکیب اصلی تیم ملی فوتبال جوانان ایران در جام جهانی جوانان ۲۰۰۱ در آرژانتین حضور داشت .گل او در مقابل تیم ملی فوتبال ژاپن در رقابت های بازی های آسیایی ۲۰۰۲ در بوسان کره جنوبی به عنوان برترین گل شناخته شد.و او مدال طلای مسابقات به همراه تیم زیر بیست سه سال را به دست آورد.جواد به همراه تیم ملی فوتبال ایران برای شرکت در جام جهانی ۲۰۰۶ به آلمان سفر کردولی شانسی برای بازی بدست نیاورد . او در سال ۲۰۰۷ میلادی دوباره به تیم ملی فوتبال ایران پیوست و توانست در مقابل تیم ملی فوتبال ازبکستان در جام ملت های آسیا ۲۰۰۷ گل به ثمر برساند.او همچنین برای رقابت های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ انتخاب شد ولی نتواست به فهرست ۱۱ نفره تیم راه پیدا کند. گل های بین المللی جواد بعد از به ثمر رساندن گل برای باشگاهش در بعضی مواقع لباس ورزشی خود را بالا- برده وتصویری که بر روی زیر پیراهنی خود چاپ شده است را نمایش می

دهداین تصویر برادرش ا ست که در سال ۱۳۸۳ او را از دست داده است.کاظمیان می گوید هرگز نخواهد توانست خاطره مرگ او را از ذهنش دور کند.

کاظمینی بروجردی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدعلی بن السید الجلیل و العالم النبیل آقای حاج سید طاهر کاظمینی بروجردی از علماء ابرار معاصر تهرانست. وی تولدش در بروجرد واقع شده و در سن هیجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد و به تحصیلات علوم دینی پرداخته و پس از چهار سال به نجف مهاجرت و در مدرسه بادکوبه‌ای‌ها مشغول بتحصیل شده و لکن بواسطه عدم سازگاری هوای نجف با مزاج ایشان مبتلا بکسالت شدید گردیده و با این که مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی عنایت مخصوص بایشان داشتند و در معالجات ایشان کوتاهی ننمودند نتوانستند در آنجا توقف و ادامه بتحصیل دهند پس بامر زعیم عالیقدر اسلام آیت‌اللّٰه اصفهانی بهمراهی حجهٔالاسلام حاج شیخ صادق ایروانی مراجعت به ایران و بروجرد نموده و با کوشش‌ها و دعاهای والد ماجدش پس از چند ماهی بهبودی یافته از بروجرد حرکت به قم نموده و حدود چهارده سال در قم اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی قدس اللّٰه اسرارهم استفاده و در سال ۱۳۷۵ ق به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان بمرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر برهان وارد و در اثر تشریک مساعی آن مرحوم به اقامه جماعت در آن خیابان اشتغال و در مسجد بعد از نمازها بگفتن تفسیر و مسائل احکام و معارف اسلام ترویج دین و تنویر افکار نموده و بعد از چند سال بنابر دعوت بانی مسجد فروتن (مسجد نور) و عده‌ای از محترمین آن حدود بامامت مسجد مزبور منصوب و تا اکنون در آن مسجد که از مسجدهای زیبا و پر جمعیت شرق تهرانست بوظائف دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای کاظمینی که با حقیر عقد اخوت و برادری دارند دانشمندی است متین و بزرگوار و دارای مناعت طبع و سلامت نفس و خدمتگزار بخصوص در تعظیم شعائر دینی (ایحاء اعیاد مذهبی و موالید حضرات معصومین علیهم‌السلام بسیار ساعی و جدی و همواره به ترویجات قولی و فعلی اشتغال دارد و تاکنون کتب آموزنده‌ای تألیف و منتشر نموده‌اند که ذیلا می‌نگارم:

۱- نهایه المقام لابناء الامام بطبع رسیده در سال ۱۳۸۱ ق.

۲- جلد دوم نهایه الکلام فی حق رسول الاسلام در سال ۱۳۸۲ ق بطبع رسیده.

۳- در سال ۱۳۸۴ ق جلد سوم (اسلام از نظر دیگران).

۴- جلد چهارم (منتخب اللئالی در سئوال و جواب و داستانهای اسلامی بطبع رسیده.

۵- جلد پنجم بنام (گنجینه معارف) در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده‌اند.

۶- جلد ششم بنام (منشورات) بطبع رسیده در سال ۱۳۹۰ ق.

۷- جلد هفتم بنام جواهر الولایه در امام شناسی در سال ۱۳۹۲ منتشر کرده‌اند.

۸- جلد هشتم منشورات مقدس نور راجع بشیعه شناسی در نظر فریقین ادام اللّٰه برکاته و توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کاظمینی بروجردی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در بروجرد به دنیا آمد. در هجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد شد و به تحصیلات علوم دینی پرداخت. پس از چهار سال به نجف مهاجرت کرد و در مدرسه‌ی بادکوبه‌ای‌ها مشغول به تحصیل شد. ولی به علت کسالت، با اینکه آیت‌اللّٰه اصفهانی به امر درمان ایشان توجهی خاص داشت، به موطن خود بازگشت. آن‌گاه به قم رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید و از محضر آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه سید محمد تقی خوانساری و آیت‌اللّٰه شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّٰه بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۷۵ ق به تهران آمد و در مسجدی در خیابان خراسان به انجام وظایف مذهبی و گفتن تفسیر و احکام و معارف اسلام و ترویج دین پرداخت. از آثارش «نهایهٔ المقام لابناء الامام»؛ «نهایهٔ الکلام فی حق رسول الاسلام»؛ «اسلام از نظر دیگران»؛ «منتخب اللآلی»، در سؤال و جواب و داستانهای اسلامی؛ «گنجینه‌ی معارف»؛ «منشورات»؛ «جواهر الولایهٔ»، در امام شناسی؛ «منشورات مقدس نور»، راجع به شیعه‌شناسی در نظر فریقین.[۱]

سید حبیب‌الله برهانی بن حاج سید کریم رستمکلائی تاجر معروف مازندران از علماء معاصر شمال بودند. وی مقدمات تحصیلی خود را در حوزه‌های مازندران تکمیل و مدتی در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام اشتغال داشتند و در عصر مرحوم آیه‌الله حایری بقم آمده و از محضر آن بزرگوار استفاده نموده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت و از محضر علمین آیتین آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کرده و سپس بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از جماعت و تبلیغ دین و احکام پرداخته و در امور سیاسی اشتهار پیدا نموده که در تمام مازندران معروف بود. در سال ۱۳۷۶ ق از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل بمشهد مقدس و در یکی از حجرات غربی باغ رضوان مدفون گردیده است.

مرحوم برهانی دارای صفات حمیده و برجسته از قبیل مهمان نوازی و مساعدت بمستمندان و بیچارگان بوده و در سخاوت در حدود خود بسیار کم نظیر بوده است.
فرزندان بسیاری از خود گذارد که بعضی در سلک روحانیت میباشند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۳۱ -۵۳۰/ ۴).

کاغدی اصفهانی، ابوالفضائل عبدالرحیم

قرن:۶
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۵۹۴ -۵۰۱ ق)، محدث، قاضـی و خطیب. از ابوعلی حداد و محمد بن عبدالواحد دقاق و اسماعیل اخشید و فاطمه جوزدانیه حدیث شنید. یوسف بن خلیل از وی حدیث روایت کرد و احمد بن سلامهٔ از وی اجازه حدیث داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعلام بوفیات الاعلام (۴۰۰/ ۲)، سیر النبلاء (۲۴۶/ ۲۱)، شذرات الذهب (۳۱۷/ ۴)، العبر (۱۰۹/ ۳).

کافی خراسانی، احمد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ثقه‌الاسـلام والمبلغین و عماد المله و الدین آقای حاج شیخ احمد فرید العالم الجلیل و العابد النبیل حجه‌الاسـلام والمسـلمین مرحوم حـاج شیخ احمـد کافی یزدی از وعاظ و گوینـدگان نامی و خطباء سامی معاصر تهرانیست که شـهرت و آوازه‌اش از تهران به اکثر شهرستانها رسیده و مورد توجه غالب مردم ایران گردیده است.
تولدش در مشهد مقدس در سال ۱۳۵۰ قمری واقع شده و در حجر تربیت خاندان تقوا و فضیلت نشو و نما یافته و مقدمات و ادبیات را خوانده و از همان اوان شوق و علاقه شدید به منبر و تبلیغ دین داشته زیرا به خاطر دارم در سال ۱۳۶۴ قمری که در مشهد مشرف بودم و روزهـای جمعه در منزل جـد ماجـدش منبر می‌رفتم و ایشـان هم آنجـا بودنـد توجه مخصوصـی به فراگرفتن مطـالب و قضایا داشت. شـبهای جمعه در صـحن مطهر حضـرت رضا علیه‌السلام برای صدها نفر مردم زائر و غیره دعاء کمیل می‌خواند در حالیکه از عمرش بیش از ۱۵ سال نگذشـته بود شور و انقلاب عجیبی در مردم ایجاد می‌کرد در سال ۱۳۶۶ قمری برای تکمیل مبانی علمی در معیت مرحوم جـدش آیت‌الله کـافی مهـاجرت به نجف اشـرف نموده و چنـد شـبی را در منزل شـهر ری حقیر توقف آنگـاه به عراق عزیمت کرده و چند سالی در کنار مشـهد امیرالمومنین علی علیه‌السـلام به تحصـیل پرداخته و از درس و بحث و محضر آیات نجف چون آیت‌الله مدنی و آیت‌الله خوئی و دیگران اسـتفاده نموده و برای تبلیغ مسافرتها به شـرق و غرب و شمال و جنوب کشور کرده و در همه‌جا مورد اسـتقبال و توجه مخصوصـی مردم قرار گرفته تا بالاخره تهران را که عاصـمه تشیع و از هر جهت محل فعالیت است اختیار و رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی و روحی و انجام وظائف مذهبی پرداخته است.
مولف گویـد حـاج آقـای کـافی واعظی دین و خطیبی غیور و در امور دینی متعصب و بسـیار مبـارز و مجاهـد در مقابل انحرافات و منکرات و در جلوگیری از تبلیغـات مسـموم بیگانگـان و وهابی‌هـای وطنی چون دکتر شـریعتی‌ها و برقعی‌هـا و... مجـامله و مسـامحه نکرده و از میـدان آمـدن و مبارزه کردن با آنان هراس و تقیه را روانـدارد. بسـیار موفق و موید و تاکنون هجده سـفر به حج مشـرف شـده و در مـدینه طیبه منبرهای مهمی رفته و از حریم ولایت آل محمـد علیهم‌السـلام و بالاخص حضـرت علی علیه‌السـلام در مقابل اهـل سـنت و وهابی‌هـا دفـاع نموده است. آثار و باقیات الصالحاتی در بسـیاری از اماکن و بلاد گـذارده است که از آنهاست پایگاه شیعیان منتظر به نام مهدیه.
مهدیه تهران
این موسـسه در اول خیابـان ولی عصـر تهران از طرف میـدان راه‌آهن واقع است مسـاحتش از هزار متر متجاوز و مجمع هزارها نفر از مردم متدین و منتظرین حضرت مهدی عجل‌الله فرجه الشریف در شبها و صبحهای جمعه که برای دعاء کمیل شب و دعاء ندبه صبح می‌آیند می‌باشـند و از جهت کم و کیف اولین مجلس دینی ایرانست و در این مجلس از تمام طبقات روحانی و بازاری و لشکری و کشوری و محصـل و آموزگـار و دبیر و غیره شـرکت نموده و رغمـا لانـف منکرین دعاء نـدبه این دعاء را جناب حاجی آقای کافی واعـظ بـا لحنی مهیـج و آتشـین خوانـده و صـدای نـاله و فریاد (یابن الحسـین) حاضـرین به اوج آسـمان می‌رسـد و مردم غالبا توجه مخصوصـی به این سـنگر دارنـد و در این محفـل هزارها نفر به حوائج خود از شـفاء بیماران و رفع پریشانها و گرفتاریها و اداء دیون خود رسیده‌اند.
این موسسه که میلیونها تومان خرج زمین و بناء آن شده تمام مردم متدین تهران داده‌اند.
مهـدیه مرکز تعلیم و تعلم قرآن و عقاید و اخلاقیات و اخبار و احکام اسـلامیست بسـیاری از کارهای خیر و امور اجتماعی و دینی از قبیل تعمیر مساجد و عیادت بیماران سـرطانی و مجذومین و مسـلولین و مصـروعین و بیماران بیمارستانها و رسیدگی به ایتام از همین محل انجام می‌گیرد.
در اغلب اوقات برنامه آن اجراء و بالاخص در ماه رمضان و شـبهای قـدر و در نیمه ماه شـعبان که جشن باشـکوه و کم‌نظیری در آن

گرفته می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کافی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام ومبلغ الاحکام آقای حاج شیخ حسن کافی از وعاظ و گویندگان معروف تهران و خراسانست. تولدش در مشهد واقع و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به تحصیل متون فقه و اصول پرداخته و در رشته منبر مطالعات فراوان نموده تا در این فن تخصصی تحصیل کرده و در ردیف گویندگان نامی درآمده است.

وی در بسیاری از نقاط و شهرستانهای ایران برای امر ارشاد و تبلیغ مسافرت نموده و خدماتی انجام داده آنگاه تهران را که پایتخت کشور است مرکز و محل اقامت خویش ساخته و در دو ماه محرم و صفر و ماه رمضان و اغلب اوقات دیگر سال در مجالس بزرگ و حساسی داد سخن داده و تنویر افکار و نشر آثار و معارف دینی نموده و می‌نمایند.

جناب تاج واعظ لنگرودی نمونه‌ای از منبر و سخنرانی ایشان را در کتاب گفتار وعاظ خود نقل نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کامشاد، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن کامشاد مترجم و پژوهشگر ادبیات فارسی است. حسن کامشاد لیسانس حقوق را از دانشگاه تهران دارد و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه کیمبریج گرفت. زندگی:

حسن کامشاد متولد اصفهان است، او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان و دبیرستان ادب طی کرد پس از دبیرستان با دیپلم ادبی برای ادامه تحصیل به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفت. پس از فارغ التحصیلی به جنوب رفت و مشغول کار در شرکت نفت شد. او در این دوران به فعالیت‌های دست چپی پرداخت و در پی وقایع ۲۸ مرداد مجبور شد به تهران بیاید. او بعدها به دعوت دانشگاه کیمبریج برای تدریس زبان فارسی به انگلستان رفته و در کنار تدریس به تحصیل زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه پرداخت. رساله دکترای او درباره نثر معاصر فارسی بود که بعدها در انگلستان به عنوان Modern persian prose literature به چاپ رسید[۱]. این کتاب سالها بعد توسط او به عنوان پایه‌گذاران نثر جدید فارسی توسط نشر نی منتشر شد. او پس از تحصیل به عنوان استاد زبان فارسی دانشگاه کیمبریج به تدریس پرداخت و همچنین استاد دانشگاه کالیفرنیا و دانشگاه تهران هم بوده است. وی پس از پنج سال تحصیل به ایران بازگشت و سالها در ایران بود تا اینکه از طرف شرکت نفت به لندن رفته و پس از بازنشستگی به تالیف و ترجمه مشغول شد.

کتاب‌های حسن کامشاد : ترجمه

درخدمت تخت طاووس

خاورمیانه

استالین مخوف، خنده و بیست میلیون

عیسی

دنیای فرضی

قبله عالم

سرگذشت فلسفه

دنیای سوفی

تاریخ چیست

ویتگنشتاین – پوپر و ماجرای سیخ بخاری: ده دقیقه جدل میان دو فیلسوف بزرگ

سوگ مادر

دریای ایمان

ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها

سیر نابخردی، از ترویا تا ویتنام

شبح خانم ویل

امپراتور

آخرین امپراتور

روح داروثی دینگلی

الوهیت و هایدگر

تاماس پین

حدیث نفس(زندگینامه) : تالیف

پایه گذاران نثر جدید فارسی (تألیف به دو زبان فارسی

کامکار پارسی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب.

تولد: ۱۲۷۴، فسا.

درگذشت: ۲ شهریور ۱۳۶۲، تهران.

محمد کامکار پارسی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس فسا و شیراز وارد دانشسرای عالی شد و به اخذ درجه‌ی لیسانس نایل آمد. سپس از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی گردید. دکتر کامکار سال‌ها با عنوان دبیری و ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهرستان‌های مختلف، ریاست خانه‌ی فرهنگ ایران در دهلی نو و بمبئی و استاد ادبیات فارسی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور مشغول به فعالیت بود. از وی اشعار و مقاله‌هایی در روزنامه‌ها و مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاوه

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دیگر از خاندان‌های معروف پهلوانی ایران، خاندان کاوه است که افراد آن در شاهنامه، عبارت است از: کاوه و پسرش قارن و قباد است. داستان کاوه‌ی آهنگر و علم او را در قصه‌ی فریدون دیدیم. وی چون از ستم ضحاک به ستوه آمد، چرمی را که بر شیوه‌ی آهنگران هنگام کاربر پیش می‌بست بر سر نیزه کرد و مردم را به یاری خویش خواند و فریدون را به شاهی نشانید، و بیداد ضحاک را پایان بخشید.

کاوه یکی از پهلوانان داستانی است که داستان او ظاهرا در دوره‌ی اشکانی یا ساسانی ابداع شده است. و علت این ابداع وجود درفش معروف کاویانی بوده است. از داستان کاوه در اوستا اثری نیست؛ و در اوستا از درفشی بنام گائوش درفشه Drafsha Gaush ذکر شده، که می‌توان آن را درفش گاو یا گاو درفش معنا کرد. در میان آسوریها بیرقی با صورت گاو وجود داشت و ظاهراً سپاه ایران در روزگار هخامنشی نیز درفشی به همین شکل داشته است، و ممکن است، ذکر این اصطلاح در اوستا موجب پدید آمدن داستان کاوه شده باشد.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

کاوه، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۷۳ ش)، خطاط و ادیب. در شیراز به دنیا آمد. از کودکی به مشق خط پرداخت و از قطعات و آثار استادان پیشین، چون میرعماد، درویش عبدالمجید، کلهر و میر سید حسین خوشنویس باشی تمرین می‌کرد سپس نزد استاد عماد الکتاب رفت و از او بهره‌مند شد و سرآمد شاگردان گردید. وی در ۱۲۹۸ ش وارد وزارت مالیه (دارایی) شد و در سمت منشی مخصوص وزیر، مشغول خدمت گردید. در ۱۳۱۰ ش به وزارت فرهنگ منتقل شد و سالهای متمادی در دبیرستان‌های مختلف تهران به تعلیم شاگردان پرداخت. کاوه در نوشتن خط نستعلیق از خفی و جلی استادی تمام عیار بود و در سیاه مشق و شکسته نستعلیق مهارت داشت. ملک‌الشعرای بهار او را میرعماد عصر می‌دانست. از شاگردان معروف او علی منظوری، عبدالله فرادی، جهانگیر نظام العلماء و محمد سلحشور در خور ذکرند. از آثار وی کتابت: «گلچین اشعار صائب»؛ «آیات منتخبه‌ی قرآن»؛ «تعلیمات دینی»؛ «صرف و نحو»؛ «تاریخ ششم دبستانها و دبیرستانها».[۱]

خوشنویس.

تولد: ۱۳۱۲ ق.، شیراز.

درگذشت: ۶ شهریور ۱۳۶۹، تهران.

علی‌اکبر کاوه، فرزند علی‌محمدخان شیرازی، از کودکی به مشق خط پرداخت. سپس نزد استادانی به تکمیل هنر خود پرداخت. مدتی نیز نزد میرزا محمدحسین سیقی قزوینی (عمادالکتاب) به مشق و به ویژه خط نستعلیق پرداخت.

استاد از سال ۱۲۹۸ به سمت منشی مخصوص وزیر در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد و پس از چندی بر حسب دعوت یحیی

قزاگزلو (اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ وقت از وزارت دارایی به وزارت فرهنگ منتقل گردید و سالهای متمادی در دبیرستان‌های تهران از قبیل: دارالفنون، ثروت، سیروس کالج، شاهدخت، شرف و علمیه به تعلیم خط اشتغال داشت تا اینکه بازنشسته گردید و مجددا بنابر تقاضای اداره‌ی کل هنرهای زیبا در کلاس آزاد خط هنرهای زیبا به تعلیم نوآموزان هنر مشغول شد و نیز ایشان چندی در کلاس کارآموزی خط که از طرف وزارت فرهنگ در عهد دکتر محمود مهران (وزیر فرهنگ وقت) تشکیل شده بود به تعلیم و تربیت مشغول بود. وی سالیان دراز به انجمن خوشنویسان ایران در تهران به تعلیم هنرجویان اشتغال داشت.

از آثار خطی که از وی به جای مانده است می‌توانیم به این عناوین اشاره کنیم: گلچین اشعار صائب؛ آیات منتخبه قرآن؛ تعلیمات دینی؛ صرف و نحو؛ تاریخ ششم دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اطلس خط (۵۹۷ -۵۹۶)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۳۴ -۲۳۰)، تاریخ برگزیدگان (۴۷۶ -۴۷۵)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۳۰ -۱۲۶)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱، ص ۵ -۱).

کاویانپور، طلعت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

طلعت کاویان پور در سال ۱۳۲۳ به دنیا آمد. وی دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران می باشد. با تدریس در دبیرستان خدمات فرهنگی خود را آغاز کرد ،و پس از سالها در حالی که تدریس در دانشگاه را در پیش گرفته بود در هیئت علمی - پژوهشی فرهنگستان زبان ایران پذیرفته شد و به همکاری با فرهنگستان پرداخت و اینک در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس ادبیات فارسی سرگرم است . او همچنین ریاست انجمن حمایت از عقب ماندگان ذهنی و بدنی را به عهده دارد. طلعت کاویان پور ،افزون بر فعالیتهای دانشگاهی ، در سمینارهای ادبی -هنری متعددی شرکت داشته است. از وی تا کنون چندین مقاله ادبی ـ اجتماعی در نشریات معتبر ایران به چاپ رسیده است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : طلعت کاویان پور دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : طلعت کاویان پور ریاست انجمن حمایت از عقب ماندگان ذهنی و بدنی را به عهده دارد.

فعالیتهای آموزشی : طلعت کاویان پور با تدریس در دبیرستان، را آغاز کرد، وی ضمن تدریس در دانشگاه،به عضویت هیئت علمی - پژوهشی فرهنگستان زبان ایران درآمد و به همکاری با فرهنگستان پرداخت. او اینک در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس ادبیات فارسی سرگرم است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : طلعت کاویان پور ،افزون بر فعالیتهای دانشگاهی ، در سمینارهای ادبی -هنری متعددی شرکت داشته است. از وی تاکنون چندین مقاله ادبی ـ اجتماعی در نشریات معتبر ایران به چاپ رسیده است . -------------------

----

آثار :

۱ ستم نامه ی شاهان و درددل بی گناهان

ویژگی اثر : مقاله- ادبستان -۱۳۷۱

۲ شاه نامه فردوسی

ویژگی اثر : مقاله

۳ فردوسی شاعر همه قرنها

ویژگی اثر : مقاله -دانش و فن ،۱۳۷۱

۴ نمونه هایی از نظم و نثر در ادب فارسی از قرن چهارم تا قرن سیزدهم هجری

ویژگی اثر : مقاله -۱۳۷۵-۷۶

۵ واژه های بسامدی و کاربرد آنها در زبان فارسی

ویژگی اثر : مقاله-ادبستان -۱۳۷۲

منابع زندگینامه :

دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، تالیف : پوران فرخزاد ، ج ۲ ، تهران : زریاب ، ص ۱۳۸۱

کاویانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۷ ش)، نویسنده و مترجم. وی رسالات و مقالات زیادی در زمینه اجتماعی نوشت. او از کسانی است که آثار فلاسفه و متفکران یونانی به ویژه افلاطون را ترجمه کرده که در ترجمه‌ی تعدادی از آنها دکتر محمد حسن لطفی نیز مشارکت داشته است

که از آن جمله «دانایی شارمیدس»، «دیانت اتیفرون»، «سقراط در زندان کریتون»، «فن سخنوری گرگیاس» و «نامه‌ی شماره‌ی هفت» را می‌توان نام برد. از دیگر آثار وی: «درس عبرت»، ترجمه؛ «جنگ بزرگ»؛ «راه نجات»؛ «سرنوشت غرب»، ترجمه؛ «مملکت بی‌نقشه و هدف» در دو جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۶/ ۱۶ ،۲۰۵/ ۱۲)، سواد و بیاض (۵۷۲ -۵۷۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۰۶ ،۱۹۷۹/ ۲ ،۱۴۸۸ ،۱۳۴۵ -۱۳۴۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۳ -۱۹۱/ ۳).

کاویانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا هواشناسی و اقلیم، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه یوستوس لیبیگ آلمان در سال ۱۳۴۴، و دکترای تخصصی هواشناسی و اقلیم‌شناسی از دانشگاه فنی هانور در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۷ و دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کانونهای آلودگی برای شهر اصفهان، جغرافیای طبیعی کرمان با تکیه بر ویژگیهای اقلیمی، بررسی اقلیمی سواحل جنوبی دریای مازندران، تدریس دروس اقلیم‌شناسی عملی، اقلیم‌شناسی، میکروکلیماتولوژی و اقلیم کاربردی از دانشگاههای فنی هانور و اصفهان، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقلیم‌شناسی، اقلیم ایران و میکروکلیماتولوژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تغییرات اقلیمی قرن حاضر، بررسی اقلیمی پدیده شرجی در سواحل جنوبی کشور، بررسی کسری اقلیمی آب در مناطق خشک و نیمه خشک ایران، تحلیلی آماری از رژیم بارندگی ایران، تأثیر آبهای تحت‌الارضی بر روی تبخیر سطح زمین و بررسی بیلان آب در زمینهای واجد و فاقد موش گیاهی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کبیر، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مرحوم شیخ محمدتقی از اجله علماء و مجتهدین و فقهاء و مدققین عصر خود بود در علوم ادبیه و حسن خط نیز مقامی عالی داشت در قم خدمت مرحومین شیخ محمدحسن نادی و ملا محمدجواد تحصیل نمود و در نجف نزد علامتین خراسانی مرحوم آخوند و مرحوم سید محمدکاظم یزدی تلمذ نمود.

نگارنده در آثارالحجهٔ ج ۱ ص ۳۹ ترجمه وی را به عنوان ششمین حادثه حوزه‌ی علمیه بعد از تأسیس آن چنین نگاشته‌ام ششمین حادثه‌ای که قم و حوزه علمیه و عالم تشیع دیده رحلت عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی تقی زاهد معروف به فضل وسعه اطلاع و دقت نظر آیهٔ‌اللّٰه العظمی آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی بود که او را بعضی بر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه ترجیح می‌دادند. فضلاء اصحاب ایشان از مراجع امروز به شمار می‌روند.

نگارنده گوید: گرچه این حقیر آن بزرگوار را درک نکردم و به فیض ملاقات و زیارتش نرسیدم ولی از علماء و مراجع بزرگ امروز حوزه که آنجناب را دیده‌اند شنیدم که آن مرحوم دارای نفس قدسی و ملکوتی بود و مرحوم آیهٔ‌اللّٰه حاج آقا حسین قمی می‌فرمود من منکر بودم که در این زمان آدم خوب پیدا شود با شرایط فعلی و فساد عمومی تا آنجناب را دیدم در قم و آیت‌اللّٰه آقا سید مرتضی کشمیری را در نجف اشرف که یقین کردم در این عصر هم انسان کامل و مؤمن حقیقی یافت می‌شود.

در سال ۱۳۵۳ ه.ق دو سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حائری در سن هفتاد سالگی وفات نمود و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر حاج

شیخ عبدالکریم مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کبیر، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام مرحوم آقا حسین بن علامه آیت‌اللّٰه میرزا محمد کبیر از علماء قم و ائمه مسجد امام علیه‌السلام بودند که در شهرستان قم متولد یافته و در مهد علم و تقوا تربیت و از اساتید و مدرسین حوزه چون مرحوم ادیب تهران و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه فیض و مرحوم والدش و هم چندین سال از آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی استفاده نموده تا بعد ۱۳۸۴ قمری بدرود حیات گفته و در جوار پدر بزرگوارش در قبرستان شیخان مدفون شده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کتابی، بدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۲۹۱ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به امید. در اصفهان به دنیا آمد. جد پدری او آیت‌اللّٰه میرزا محمد صادق کتابی اصفهانی، صاحب شرحی بر «شرایع» است و جد مادری وی حاج شیخ محمد علی نجمی می‌باشد. پس از تحصیل در مدارس قدیم اصفهان، در مشهد به تحصیل ادبیات، منطق، فقه، اصول و فلسفه‌ی اسلامی پرداخت. وی «منظومه‌ی» حاج ملا هادی سبزواری را نزد شیخ محمد خراسانی فراگرفت. پس از اخذ دیپلم علمی، در ۱۳۱۶ ش، موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربتی از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات شد. وی به دو زبان عربی و فرانسه تسلط کامل داشت. پس از فراغت از تحصیل ابتدا در اصفهان به تدریس در دبیرستان‌ها مشغول شد و سپس ریاست دبیرستان ادب و چندی معاونت اداره‌ی کل فرهنگ استان اصفهان را عهده‌دار بود. وی در بنیان‌گذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان در ۱۳۳۷ ش و نیز تأسیس کتابخانه‌ی آن نقش مؤثری داشت و سالها نیز در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسه پرداخت. بیشتر با حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمد باقر الفت مصاحبت داشت. از آثارش: «هیپنوتیسم در دسترس همه»؛ «فروغ خاور»، شرح حال و آیین رهبانیت بودا، ترجمه؛ «پیرامون سیره‌ی نبوی»، ترجمه؛ «اخلاق»، ترجمه؛ «آداب المتعلمین»، ترجمه؛ سفرنامه‌ی «به سوی اصفهان»، ترجمه؛ «مکتبهای اصلی فلسفه»، ترجمه؛ «مبانی جامعه شناسی»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[1]

مترجمه، مؤلف.

تولد: ۱۳۳۰(۱۲۹۱ ق.)، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۶۶.

بدالدین کتابی متخلص به «امید» ابتدا در مدارس قدیم اصفهان و یک سال در مشهد به تحصیلات قدیم از ادبیات و منطق و فقه و اصول پرداخت و منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری نزد حکیم همدانی و آقا شیخ محمد خراسانی فراگرفت. در سال ۱۳۱۳ موفق به اخذ دیپلم شد. سپس وارد دانشگاه گردید. در سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی گردید. وی برای ادامه تحصیلات در اروپا برگزیده شد. وی با دو زبان عربی و فرانسوی آشنایی داشت.

پس از فراغت از تحصیل در دانشسرای عالی به زادگاه خود اصفهان بازگشت. ابتدا به دبیری دبیرستان‌ها اشتغال ورزید و سپس ریاست دبیرستان ادب اصفهان را عهده‌دار گردید و مدتی نیز معاونت و کفالت اداره‌ی کل فرهنگ استان را به عهده داشت. وی همچنین در بنیانگذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان به سال ۱۳۳۷ و نیز تأسیس کتابخانه آن نقش داشت و خود سال‌ها در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسوی می‌پرداخت.

از آثار و تألیفات اوست: هیپنوتیسم در دسترس همه (این کتاب که احتمالا اولین اثر او است نخست در روزنامه‌ی «اصفهان» و سپس جداگانه به طبع رسیده است)؛ سفرنامه‌ی به سوی اصفهان (اثر پی‌یر لوتی، ترجمه از فرانسوی، اصفهان)؛ ترجمه فروغ خاور (شرح حال و آیین رهبانیت بودا، اثر هرمان الدنبرگ، اصفهان، سه جلد، ۱۳۳۲ -۱۳۳۰)؛ پیرامون سیره‌ی نبوی (عنوان عربی آن علی هامش السیره، اثار دکتر طه حسین، سه جلد، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی اخلاق (اثر دکتر پیرژانه ترجمه از فرانسوی، اصفهان ۱۳۳۱)؛ ترجمه‌ی رساله «آداب المتعلمین» با مقدمه‌ی کوتاهی راجع به عدم صحت انتساب آن به خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۶، ضمیمه‌ی «سالنامه‌ی دبیرستات ادب»، اصفهان)؛ مقالات وی در مجلات زیر چاپ می‌شد: «سالنامه‌ی دبیرستان ادب اصفهان»؛ «آئینه‌ی پزشکی» و نشریه‌ی «اداره‌ی فرهنگ استان دهم، اصفهان».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الذریعه (۱۵۸/ ۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۱۱/ ۲ ،۶۳۸، ۵۰۵، ۱۳۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۶، ص ۳۷ -۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۹۷ -۹۶/ ۲).

کربکندی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا یوسف بن علی. واعظ صالح، و فاضل ادیب محدث، از فضلای اهل منبر بوده، و به عماد الواعظین شهرت داشته.

در خدمت فضلای اصفهان تحصیل نموده، در ۹ صفر سال ۱۳۲۳ وفات یافته، در بقعه‌ی حاج آباده‌ای مدفون گردید.

از آثارش چندین مجلد کتاب و بیاض در مواعظ منبری و اخبار به صورت مجلس است که در نزد اولادش موجود است.

پدرش: مرحوم ملا یوسف نیز واعظ و صالح بوده، و در ۱۲۹۸ وفات یافته، در بقعه‌ی حاج آباده‌ای مدفون شد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرد هکاری، امةاللّه

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن نهم هجری. از زنان دانشمند و ادیب. وی دختر ابوالعلاـ شهاب‌الدین کردی بود. او به زنان و دختران دروس ادبی و دینی می‌داد. مردانی چون مؤلف الضوءاللامع شاگرد او بوده‌اند. امةاللّه حدود شصت سال زندگی کرد.

بر گرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۲۷ / ۱.

کردبچه، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۲۷ تیر ۱۳۶۷.

مهندس حسین کردبچه رشته‌ی شیمی را در دانشگاه تهران به پایان رسانید. وی چون علاقه به نویسندگی و ترجمه داشت، در روزنامه‌ی «اطلاعات» به ترجمه و نویسندگی پرداخت و بیشتر مقاله‌ها و کتاب‌های تاریخی را از آلمانی و انگلیسی به فارسی برمی‌گرداند که در انتشارات اطلاعات چاپ می‌شد.

وی در مدتی بیش از چهل سال در روزنامه‌ی «اطلاعات» قلم می‌زد.

مهندس کردبچه مدت ده سال سردبیر روزنامه‌ی «اطلاعات» و بیشتر از آن سردبیر «اطلاعات هفتگی» بود. دو جلد سفرنامه‌ی سه سال در دربار صاحبقران (اثر هنریش کارل بورکشن، نام دیگر سفری به دربار سلطان صاحبقران، ۱۳۶۷) و ایران و ایرانیان که قبلا در روزنامه‌ی «اطلاعات» چاپ شده بودند، به صورت کتاب نیز منتشر شد. از آثار چاپ شده دیگرش اصفهان خونین‌شاه صفی است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کرمانشاهی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مترجم. از آثار وی «اظهار سیاحت ایران» است که ترجمه‌ی کتاب «سیاحت نامه‌ی» مانکجی، ملقب به درویش فانی، می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷/ ۲).

کرمانشاهی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۲۸۰ ق)، عالم دینی و واعظ. نیای بزرگش ملا محسن فیض کاشانی است. عالمی جلیل بود. قبل از برادرش آقا محمد مهدی کرمانشاهی (م ح ۱۲۸۰ ق) در کرمانشاه درگذشت. از آثار وی: ترجمه‌ی «مواعظ اصول کافی»، که در ۱۲۵۰ ق آن را نگاشت؛ «بهجة الناظرین»، در اخلاق، که در ۱۲۶۰ ق از تألیف آن فراغت یافت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۸/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۲۵۸/ ۹).

کرمانی حایری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، فقیه، مدرس و واعظ. وی داماد آیت‌اللّٰه کرمانی از علمای بزرگ قم بود. حدود چهل سال در حوزه‌ی علمیه قم از محضر آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه خوانساری و به ویژه هجده سال از محضر آیت‌اللّٰه بروجردی استفاده نمود و پس از ایشان از شرکت‌کنندگان درس آیت‌اللّٰه شریعتمداری شد. وی در راه نشر و گسترش دین و احکام اسلام تلاش‌های بسیار نمود و مورد توجه آیت‌اللّٰه شریعتمداری و آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی بود. از وی آثار علمی فراوانی باقی است، از جمله: «تقریرات» بحث‌های آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه بروجردی؛ تعلیقاتی بر «ایضاح الفوائد» فخر المحققین، که به اتفاق دو نفر از علماء نگاشته است، در چهار مجلد؛ «مجمع الانوار».[۱]

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین کرمانی داماد معظم مرحوم آیت‌الله کرمانی از علماء اعلام و فضلام بنام حوزه علمیه قم است که حدود چهل سال در این حوزه از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالاخص ۱۸ سال از آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن مرحوم هم از شرکاء درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری است و منبری شیرین و مفید دارد و در محرم و صفر و ماه رمضان در تهران همه ساله برای منبر و ترویج دین و تبلیغ احکام می‌روند و از راه منبر خدماتی نموده و می‌نمایند آثار علمی فراوان دارند از قبیل دراسات و تقریرات ابحاث مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی تعلیقاتی بر ایضاح الفوائد فخرالمحققین که به اتفاق دو نفر از فضلاء نوشته‌اند که در چهار مجلد به طبع رسیده است ۲- مجمع‌الانوار مطبوع.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۳ -۲۴۲/ ۲).

کرمانی، حجهٔ العرافین، حمیدالدین، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۲- بعد از ۴۱۲ ق)، منشی. وی از داعیان و کاتبان فرقه‌ی اسماعیلیه و داعی الدعاهٔ خلیفه فاطمی در مصر بود و در روزگار آن خلیفه مسئول دعوت در مشرق بود. او با غلات اسماعیلی که دروزی گشتند به مخالفت پرداخت. از آثار وی: «مجموعهٔ رسائل»، در سیزده رساله که مهم‌ترین آنها نهمین رساله است به نام « مباسم البشارات بالامام الحاکم بامر اللّٰه امیرالمؤمنین» و دهمین رساله به نام «الواعظهٔ»، در رد بر فرغانی اجدع و یازدهمین رساله به نام «الکافیهٔ فی الرد علی الهارونی الحسنی»؛ «راحهٔ العقل»، که از کتاب‌های مهم اوست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۹/ ۱)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۸۳).

کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۸۶ -۷۱۷ ق)، فقیه شافعی، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مدت سی سال در بغداد به نشر دانش مشغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد درگذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچک و یا چهار مجلد بزرگ؛ «ضمائر القرآن»، و مختصر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شرح «مختصر» ابن‌حاجب، به نام «السبعهٔ السیارهٔ»، که در آن هفت شرح جمع‌آوری شده است؛ شرح «اخلاق» قاضی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار مجلد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸ -۲۷/ ۸)، کشف الظنون (۱۸۹۱، ۱۶۶۲، ۱۲۹۹، ۵۴۶، ۱۸۹، ۳۷)، معجم المؤلفین (۱۳۰ -۱۲۹/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۱۷۲/ ۲).

کرمانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فاضـل، مرحوم حاج شـیخ محمـد علی کرمانی از علمای اخیار بوده، در اصـفهان خـدمت جمعی کثیر همچون: حاج ملا جواد آدینه‌ای، و میرزا محمـد علی رنـانی اصـفهانی، و آقـا سـید محمود مغنی، و شـیخ محمـد حسن حکیم شـیرازی، و آخونـد کاشـی، و جهانگیرخـان، و میرزا محمـد علی حکیـم کاشـانی اصـفهانی، و آقـا سـید محمـد بـاقر درچه‌ای، و عبـدالکریم جزی، و میرزا حسـین همدانی (عالم فاضل ادیب، در مدرسه‌ی نیم آورد تدریس می‌نموده، و در سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در صحن درب امام مدفون شده) و آیـهٔالله بروجردی (قبل از مهاجرت به نجف) تحصیل نموده؛ سپس در سال ۱۳۱۹ به نجف مهـاجرت کرده، در آنجا خـدمت: آقا سید محمد کاظم یزدی، و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و آخوند خراسانی تحصیل نموده، و نسبت به اخیر، خصوصیت داشته، و از جمعی از اساتید خود به اخذ اجازه‌ی روایت و اجتهاد نایل گردیده، در ۱۳۳۰ به اصفهان مراجعت فرموده، و مدتی به درس و بحث اشتغال یافته، سپس ترک مباحثه و تدریس نموده، و تقریبا مدت ده سال آخر عمر به طور تجرد و انزوا می‌زیست.

در ذی حجه ۱۲۹۵ متولـد، و در شب جمعه ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۸۰ وفـات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

رسائل عدیده‌ای در مباحث فقه و اصول نوشته، از آن جمله: تقریرات اصولی آخوند خراسانی ۱ – رساله در مبحث الفاظ ۲ – رساله در استصحاب ۳ – رساله در تعادل و تراجیح ۴ – رساله در عدالت ۵ – رساله در بیع ۶ – رساله در مرجحات ۷ – رساله در وضو ۸ – رساله در مسح رجلین ۹ – رساله در دماء ثلاثه ۱۰ – رساله در تعرض استصحاب و ید ۱۱ – رساله در بیع معاطاهٔ ۱۲ – شرح خطبه‌ی نهج‌البلاغه (اول الدین معرفهٔ الله) و حدود بیست رساله و کتاب دیگر.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرمانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ش)، نقاش و مجسمه‌ساز. طراح هنرمند اهل کرمان و سازنده‌ی سردر زیبا و استادانه‌ی باغ ملی تهران بود. این در از برنز ساخته شده و پس از ریخته‌گری ابتدایی، بر روی آن طلای مخصوصـی که به آن طلای ملقمه می‌گفتند، کشیده شده است. وی در هشتاد سالگی در تهران وفات یافته و در همین شهر دفن شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۲۸/ ۲).

کرمانی، مروارید، شهاب‌الدین عبداللّٰه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۲۲ -۸۶۵ ق)، منشی، خطاط، موسیقیدان و شاعر، متخلص به بیانی. از اشراف کرمان و وزیر دربار تیموریان بود. وی در جوانی به خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا رسید و نزد آن امیر بسیار معزز می‌زیست، تا اینکه سمت صدارت یافت و به جای امیرعلیشیر نوایی مهر بر فرمانها و منشورها می‌زد. پس از مرگ امیرعلیشیر، گوشه‌نشینی گزید و به عبادت و کتابت قرآن مشغول شد. هنگامی که شاه اسماعیل صفوی بر خراسان دست یافت، او را فراخواند و شغل وزارت را به وی داد ولی، خواجه از پذیرفتن آن سر باز زد و بنابراین مامور نظم «تاریـخ شاهی» شـد. خواجه عبداللّٰه به اکثر علوم و فنون متداول آشـنا بود و در نظم و نثر مهارت داشت و جملـه‌ی خطوط را خـوش می‌نـوشت. او در موسـیقی و ادوار نیز صـاحب نظر بـود و در سـاختن سـاز قـانون تصـرف کرد. در خطوط اصول، اشـگرد عبـداللّٰه طبـاخ هروی و در خـط تعلیق، از شـاگردان خواجه تـاج سـلمانی بود. از تالیفـات وی، منظومه‌هـای: «تاریـخ شـاهی»؛ «تاریخ منظوم»؛ «خسـرو و شـیرین» و «مونس الاحبـاب» است. از خطوط او قطعه‌ای است به خـط محقق و نسـخ و رقاع که تاریـخ کتابت آن سال ۹۱۲ ق است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۶۱۹ -۶۱۷ /۲)، احـوال و آثـار خوشـنویسان (۳۵۲ -۳۵۰ /۲)، اطلس خـط (۴۰۸ ،۳۲۸ -۳۲۷)، پیـدایش خط و خطاطان (۱۴۰ -۱۳۸)، تاریـخ ادبیات در ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ موسـیقی (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، تاریـخ نظم و نثر (۷۷۷ ، ۲۵۹)، تاریـخ هنرهای ملی (۸۰۳ -۸۰۲ /۲)، تحفه سامی (۱۰۷ -۱۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۶ -۱۲۵)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۵۰ -۱۴۷)، حبیب السیر (۳۲۶ -۳۲۵ /۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۷)، دستور الوزراء (۳۹۷ -۳۹۴)، الذریعه (۲۸۱/۲۳ ،۱۵۱ - ۱۵۰ /۹ ،۱۶۱/۷)، ریحـانه (۲۹۴ -۲۹۳ /۵)، سـتارگان کرمـان (۱۲۱ -۱۱۷)، فرهنـگ سـخنوران (۱۵۲)، کارنـامه‌ی بزرگان (۵۵)، مجالس النفائس (۲۸۱)، مناقب هنروران (۹۷)، مولفین کتب چـاپی (۹۴۸ -۹۴۷ /۳)، نتایج الافکار (۱۰۰ -۹۹)، هفت اقلیم (۲۷۹ - ۲۷۸ /۱).

کرمانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید زین‌العابدین موسوی. عالم فاضل، جهت تکمیل تحصیلات به اصفهان مهاجرت نموده، و در این شهر خدمت حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و با آقایان مسجد شاه ارتباط یافته، در مسجد شیخ لطف‌الله اقامه جماعت می‌نموده.

در سال ۱۳۱۸ فوت شد، جنازه به نجف منتقل گردید.

وی را دو پسر بوده:

۱- آقا سید جعفر، متوفی در ۱۳۵۶، مدفون در تکیه‌ی زنجانی جنب تکیه‌ی کازرونی در تخت فولاد.

۲- آقا میرسید علی، متوفی در ۶ جمادی‌الاولی ۱۳۷۸، مدفون در تکیه‌ی حاج آقا محمد مقدس در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کرمانی، نظر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، عالم دینی و واعظ. در کربلا درگذشت. از آثارش: «انیس النفس»، در مواعظ و اخلاق؛ «لجهٔ اللآلی»، در مواعظ؛ «جامع الشتات»، به سبک «کشکول»؛ «جلیس النفس»، در حکایات و «جلیس الواعظین و انیس الذاکرین»، در قصص انبیاء و مرسلین (ع)، به فارسی؛ «جمال الامهٔ»، در فضیلت صلوات و درود بر پیامبر (ص) و ائمه (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۰/ ۸)، اعیان الشیعه (۲۲۳/ ۱۰)، الذریعه (۲۹۶/ ۱۸، ۱۲۹، ۶۰/ ۵، ۴۶۷/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۰۲/ ۱۳).

کرمانی، نورالدین، ابوالقاسم محمود

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۰۰ ق)، مقری، مفسر، فقیه شافعی و نحوی. معروف به تاج القراء. او عالم در قراآت بود. از آثارش: «لباب التأویل و عجائب التاویل»، در دو مجلد؛ «البرهان فی توجیه متشابه القرآن لما فیه من الحجهٔ و البیان»؛ «عجائب القرآن» یا «الغرائب و العجائب فی تفسیر القرآن الکریم» یا «العجائب و الغرائب» که تحت عنوان «لباب التفاسیر» می‌باشند؛ «الافادهٔ»، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «الایضاح» ابوعلی فارسی نحوی، در نحو؛ شرح «اللمع» ابن جنی ابوالفتح عثمان موصلی، در نحو؛ «العنوان»، در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۴/ ۸)، کشف الظنون (۱۵۶۲، ۱۵۴۱، ۱۱۹۷، ۱۱۷۷، ۱۱۲۶، ۲۴۱، ۲۱۳، ۱۳۱)، معجم الادباء (۱۲۵/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۶۱/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۴۰۲/ ۲).

کرمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین کرمی اسفه

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۴/۱۲

تصویر بزرگتر

زندگینامه علمی

مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان شهرضا گذراندم و سپس وارد شهرستان قم شده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) پذیرش شدم (در سال ۱۳۶۵)، در سال ۱۳۸۵ در مؤسسه «در راه حق» یک دوره صد روزه درباره مباحث نقد و بررسی مارکسیسم را گذراندم. در همان سال و در آزمون ورودی مؤسسه در راه حق برای گذراندن یک دوره ۶ ساله الهیات و معارف اسلامی پذیرش شدم، در این دوره دروس (فلسفه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه اخلاق، منطق شفا و اخلاق) را نزد استاد آیهٔ الله مصباح و پاره ای دیگر از دروس را نزد اساتید دیگر فرا گرفتم.

پس از آن به دوره تخصصی اقتصاد در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) وارد شدم. در سال ۱۳۶۷ همزمان با دروس تخصصی اقتصاد برای انجام پژوهش اقتصاد اسلامی به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که اکنون «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» نام گرفته است راه یافتم و تاکنون در آن پژوهشگاه به پژوهش اشتغال داشته ام. اکنون نیز در مقطع دکترا در رشته اقتصاد پژوهش مشغول به تحصیل هستم. همراه این تحصیلات و پژوهشها، دروس متداول حوزوی را ادامه دادم و پس از اتمام سطح از محضر اساتید بزرگی، خارج فقه و اصول را استفاده نموده ام. در ضمن تحصیل، اقدام به نوشتن رساله شش سال درس خارج نموده و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک آن از حوزه علمیه قم شدم.

کرمی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسف کرمی درسال ۱۳۶۲ در میانه متولد شد.اوهفتمین فرزند خانواده ودارای مدرک تحصیلی دیپلم می باشد . وی از بچگی به تکواندو علاقه مند بوده وفوتبال را نیز بصورت نفریحی بازی کرده است .او از سال ۷۱ در رشته تکواندوفعالیت خودرا آغاز کردبطوری که قهرمان تکواندو در رده نوجوانان استان آذربایجان شرقی شد.وی از سال ۷۸ به عضویت تیم ملی در آمد . مشوقین اصلی او والدین وسپس مربیانش چون آقایان حسین اکرمی ، حسن ذوالقدر ، کریمی ، افلاکی و دکتر بهرامی بودند که در کسب موفقیت نامبرده نقش بسزایی بعهده داشتند

برخی از مقامهای او در سطوح بین المللی عبارتند از :

●کسب مدال طلا در مسابقه بین المللی قبرس (۱۹۹۹)

●کسب مدال طلا وستاره در مسابقات بین المللی ترکیه (۲۰۰۰)

●کسب مدال طلا در مسابقات جهانی نوجوانان ایرلند جنوبی(۲۰۰۰)

●کسب مدال طلا در مسابقات بین المللی آلمان – جام پاکال (۲۰۰۰)

●کسب مدال طلا در مسابقات بزرگسالان آسیا – اقیانوسیه (۲۰۰۱)

●کسب مدال طلا در مسابقات بین المللی آلمان (۲۰۰۱)

●کسب مدال طلا در مسابقات بین المللی لبنان (۲۰۰۲)

●کسب مدال طلا در مسابقات جام جهانی ژاپن (۲۰۰۲)

●کسب مدال طلا در مسابقات المپیک پلیس های جهان – اسپانیا (۲۰۰۲)

●کسب مدال طلا در مسابقات قهرمانی ارتش های جهان – کرواسی (۲۰۰۳)

●کسب مدال طلا و ستاره مسابقات جایزه بزرگ – هلند (۲۰۰۳)

●کسب مدال طلا در مسابقات قهرمانی بین المللی بلژیک (۲۰۰۳)

●کسب مدال طلا در مسابقات قهرمانی جهان – آلمان (۲۰۰۳)

●کسب مدال طلا در مسابقات ستارگان جهان – کره (۲۰۰۳)

●کسب مدال نقره در مسابقات انتخابی المپیک – فرانسه (۲۰۰۳)

منابع زندگینامه :http://taekwondo-chagi.blogfa.com

کرنبائی، ابوعلی هشام

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۲۱۶ ق)، لغوی. اصل وی از کرنباء اهواز است. وی با اصمعی و امثال او همنشین بود و از این رهگذر بهره‌ها برد. او در لغت و تاریخ و اشعار عرب عالمی توانا به حساب می‌آمد. فضل بن حباب از وی روایت کرده است. از آثارش: «الحشرات»؛ «الوحوش» یا «الوحش»؛ «النبات»؛ «خلق الخیل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۳۴۸، ۳۴۲، ۲۹۰ / ۲)، روضات الجنات (۱۷۸ -۱۷۷ / ۸)، الفهرست لابن الندیم (۱۰۵)، معجم الادباء (۲۸۵/ ۱۹)، معجم المؤمنین (۱۴۷/ ۱۳).

کریمان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۲ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه و ادیب. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۲۲ ش

موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشسرای عالی گردید. در ۱۳۲۴ ش برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم رفت. در سن ۱۳۳۵ ش موفق به دریافت دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. خدمات تدریسی و تعلیمی خود را از دبستان آغاز نمود و تا تدریس در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی (ملی سابق) پیش رفت و در این زمان تحقیقاتی نیز انجام داد. وی فعالیت‌های زیادی در زمینه‌ی جغرافیای تاریخی و رسم نقشه‌ها داشت. دکتر کریمان از مؤلفان «دایرهٔ المعارف تشیع» بود. از آثار وی: «جغرافیای شهرستان قم»؛ «طبرسی و مجمع البیان»، در دو مجلد؛ «ری باستان»، در دو مجلد؛ «قصران»، در دو مجلد؛ «آثار بازمانده از ری»؛ «تهران در گذشته و حال»؛ «سیره و قیام زید بن علی». علاوه بر اینها بیش از هشتاد مقاله و رساله در موضوعات دینی و علمی و ادبی و تاریخی نوشته است.[۱]

محقق، استاد.

تولد: ۱۷ آبان ۱۲۹۲، حومه‌ی تهران (رودبار قصران).

درگذشت: ۳۰ آذر ۱۳۷۲.

حسین کریمان دارای کارشناسی در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی در سال ۱۳۳۲ بود. در سال ۱۳۲۴ برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم مهاجرت نمود. در سال ۱۳۳۵ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه‌ی دکتری گردید.

از آن پس به تدریس و تحقیق در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ به کسب درجه‌ی دانشیاری و در سال ۱۳۴۶ به مقام استادی رسید.

اهم تألیفات وی به شرح زیر است: فرهنگ‌نویسی در ایران و فرهنگ‌هایی که تاکنون نوشته شده است (۱۳۲۲ -۱۳۲۱)؛ قم را بشناسید (۱۳۲۸)؛ طبرسی و مجمع البیان؛ ری باستان؛ برخی از آثار بازمانده از ری قدیم (۱۳۵۰)؛ تهران در گذشته و حال (۱۳۵۵)؛ قصران (۱۳۵۶)؛ سیره و قیام زید بن علی (۱۳۶۴، این کتاب در چهارمین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده در رشته‌ی تاریخ اسلام انتخاب شد)؛ تصحیح و تعلیق دیوان شمس به اتفاق دکتر یزگردی و با اشرف فروزانفر.

حسین کریمان در سن هشتاد سالگی به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۴۹، ۱۸۱۲/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۳)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۸، ص ۱۱ -۳، س ۱۰، ش ۹، ص ۶۵).

کریم‌پور، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۱۵، چهارمحال بختیاری.

درگذشت: ۱۳۶۳، فرانسه.

کریم کریم‌پور پس از طی دوران تحصیلی ابتدایی و دبیرستان در شهرکرد و اصفهان، لیسانس ادبیات فارسی را از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران گرفت و سپس برای ادامه‌ی تحصیلات خود به خارج از کشور رفت و با اقامت پنج سال در انگستان و سه سال در فرانسه دکترای تاریخ سیاسی را از دانشگاه سربن پاریس دریافت کرد و به ایران مراجعت نمود و نزدیک به دوازده سال در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به تدریس اشتغال داشت. آخرین سمت اداری او مدیر کل مطبوعات کشور بوده است.

وی علاوه بر زبان فارسی به زبان‌های انگلیسی فرانسوی، عربی، آلمانی و اردو تسلط کامل داشت و مقالاتی به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تحت عنوان «برداشتی تازه از سلسله‌ی صفویه و علل زوال آن سلسله» به رشته‌ی تحریر درآورده است که در مراجع مختلف دانشگاهی مورد توجه و استناد قرار گرفته‌اند.

کریم کریم‌پور در سال ۱۳۶۳ برای ادامه‌ی تحقیقات علمی و دیدار خانواده‌اش به فرانسه رفت که در آن کشور دچار حادثه شد و زندگی را بدرود گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کریمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی در ۱۳۲۹ ش مدیر باشگاه دوچرخه‌سواران اراک بود. از آثار وی: «زن پاکدامن»، ترجمه؛ «عصر اعتقاد»، ترجمه؛ «عشق و پول»، ترجمه؛ «بانک جهانی و مؤسسات وابسته به آن»، ترجمه؛ «واژه‌های کلیله و دمنه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۴۵، ۲۳۱۵، ۲۳۰۹، ۱۸۴۰ -۱۸۳۹/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۷ -۴۳۶/ ۱).

کریمی، بانو

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات و فرهنگ ایران، تدریس دروس متون نظم و نثر فارسی از قبیل فردوسی، نظامی، سنایی، صائب و کلیله و دمنه در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شرح و تفسیر دویست و یک غزل صائب و جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات سیدالدین محمد عوفی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

موضوعات ادبی همانند مقالاتی در یغما و سخن، نقدی بر فرهنگ صائب.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کریمی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی کریمی ۱۷ آبان سال ۱۳۵۷ در کرج به دنیا آمد.

کریمی در باشگاه‌های نفت تهران، فتح تهران، سایپا تهران، پرسپولیس، الاهلی امارات، القطر قطر، السیلیه قطر و بایرن مونیخ سابقه بازی دارد. او اولین‌بار در سال ۱۹۹۸ در بازی مقابل کویت در بازی‌های آسیایی بانکوک با پیراهن تیم ملی به زمین آمد. کریمی در بازی‌های دور سوم انتخابی جام جهانی ۲۰۰۸ نیز کاپیتان تیم ملی ایران بود که بعد از تیم ملی کنار ماند. وی همیشه پیراهن شماره ۸ را به تن می‌کند. علی کریمی در سال ۲۰۰۵ به باشگاه بایرن مونیخ آلمان پیوست. او پس از علی دایی و وحید هاشمیان سومین بازیکنی بود که در این باشگاه معتبر مشهور به هالیوود بازی می‌کرد.

علی کریمی خیلی زود توانست در جمع نامداران این باشگاه نظیر میشاییل بالاک، سباستین دایسلر، مارتین دمیکلیس، مهمت شول و زی روبرتو برای خود جایگاهی ثابت دست و پا کند. در بازی با هامبورگ وی مصدوم شد و نتوانست در بازی‌های جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان در اندازه‌های واقعی خود ظاهر شود. کریمی همچنین از جمله بازیکنان ایرانی محسوب می‌شود که در لیگ قهرمانان اروپا بازی کرده‌است و در مقابل سالزبورگ اتریش یک گل به ثمر رساند. علی کریمی متاهل است و دو فرزند پسر دارد. پست تخصصی کریمی خط میانی و بازی سازی است. افتخارات علی کریمی: مرد سال فوتبال آسیا در سال ۲۰۰۴

دو بار قهرمانی جام حذفی امارات با تیم الاهلی دبی

قهرمانی لیگ و جام حذفی ایران با پرسپولیس

قهرمانی بازی‌های آسیایی بانکوک با تیم ملی ایران

قهرمانی غرب آسیا با تیم ملی

قهرمانی جام بین قاره‌ای آسیا – اقیانوسیه با تیم ملی ایران

کریمی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کزازی، میرجلال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد میرجلال الدین کزازی در دیماه ۱۳۲۷ در کرمانشاه در خانواده ای فرهیخته و فرهنگی که بنیادگذار آموزش نوین در این سامان است، چشم به جهان گشود. خوگیری به مطالعه و دلبستگی پرشور به ایران و فرهنگ گرانسنگ و جهانی آن را از پدر که مردی آزادمنش و فراخ اندیش و مردم دوست بود به یادگار ستاند. دوره دبستان را در مدرسه آلیانس کرمانشاه گذرانید و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشنایی گرفت. سپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادب پارسی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال ۱۳۷۰ به اخذ درجه دکتری در این رشته نائل آمد.او اینک عضو هیأت علمی و استاد در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است.ایشان برنده جایزه نخستین در پژوهشهای بنیادین در هیجدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی ،برای نوشتن زنجیره ای از کتاب بنام " نامه باستان – " بهمن ۱۳۸۳ است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر میرجلال الدین کزازی سید محمود کزازی (فرزند سید احمد کزازی) است. سید احمد کزازی برادر سید حسین کزازی (آزادیخواه که در دوره های دوم وسوم نماینده مجلس بود و در سال ۱۳۴۰ قمری رئیس معارف و فواید عامه کرمانشاه گردید و یک سال بعد بعلت تاسیس مدرسه دخترانه در این شهر به شهادت رسید)است. نیا کان دکتر کزازی از کزاز استان مرکزی بودند از این روی نام کزازی بر خاندان ایشان مانده است.

خاطرات کودکی : میرجلال الدین کزازی از پدر خود بعنوان اولین آموزگارش یاد میکند و از وی که نمونه برجسته ای از فرهیخته ایرانی است به نیکی یاد میکند.او روزهای تعطیل را در دهستانهای زنگیشاه ، هولان و شلان سپری می کند.روزهای کودکی دکتر آمیخته است با گشت و گذار در چشمه ساران ،کوهها ،هامونهای سبز و غیره.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : میرجلال الدین کزازی در خانواده ای فرهنگی و فرهیخته و از نظر اقتصادی در وضعیت متوسطی بدنیاآمد. از آنجایی که از خانواده ای سرشناس بودند در میهمانی های باشکوه با بزرگان و فرهیختگان روزگار خود آشنا می شد و از وجود آنان بهره می برد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرجلال الدین کزازی دوره دبستان را در مدرسه آلیانس کرمانشاه گذرانید و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشنایی گرفت. سپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادب پارسی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال ۱۳۷۰ به اخذ درجه دکتری در این رشته نائل آمد

فعالیتهای ضمن تحصیل : میرجلال الدین کزازی در کنار تحصیل از سالیان نوجوانی نوشتن و سرودن را آغاز کرده است و در آن سالیان با هفته نامه های کرمانشاه همکاری داشته و آثار خود را در آنها به چاپ می رسانیده است. در جلسات انجمن ها و جشنهایی که در مدرسه به بهانه های مختلف برگزار می شد بعنوان سخنران سخنرانی میکرد یا شعر می خواند.وی همچنین با همکاری دو تن از از دانش آموزان که یکی از آنها خوشنویس بود و دیگری نگارگر ، روزنامه دیواری بنام " نائره ها " پدید آوردند.

استادان و مربیان : دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر عبدالحسین زرین کوب ،دکتر مظاهر مصفا ،دکتر شفیعی کدکنی و دکتر اسماعیل حاکمی والااز استادان میرجلال الدین کزازی بودند.

همسر و فرزندان : میرجلال الدین کزازی در سال ۱۳۵۴ با همسر خود سرکار خانم پیوند پیوکانی ازدواج کردایشان دارای چهار فرزند می باشد: – دکتر امیر صدر الدین ،پزشک – مهندس امیر رهام ،کارشناس برق و الکترونیک – ستی آناهیت ،کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی – ستی ماندان ،کارشناس باستان شناسی

وقایع میانسالی : میرجلال الدین کزازی اینک عضو هیأت علمی در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است. او افزون بر زبان فرانسوی که از سالیان خردی با آن آشنایی یافته است، با زبانهای اسپانیایی و آلمانی و انگلیسی نیز آشناست.چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است. او گهگاه شعر نیز می سراید و نام هنری اش در شاعری" زروان "است. ترجمه او از" انه اید ویرژیل "برنده جایزه بهترین کتاب سال شده است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی و استاد دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبائی است.

فعالیتهای آموزشی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبایی می باشد . چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است. سوابق تدریس دکتر کزازی به ترتیب زیر است: تدریس تمام وقت : – دانشگاه رازی کرمانشاه از سال ۱۳۵۵ – ۱۳۵۸ – دانشگاه علامه طباطبایی – دانشکده های ادبیات فارسی و زبان های خارجی از سال ۱۳۵۸ – ۱۳۸۶ – دانشگاه بارسلون اسپانیا تدریس زبان پارسی ، ایران شناسی و شیعه شناسی ازسال ۱۳۷۶ – ۱۳۷۹ تدریس پاره وقت : – دانشگاه تربیت معلم تهران – دانشگاه سراسری گیلان – دانشگاه سراسری یزد – دانشگاه آزاد اسلامی – واحد اراک – دانشگاه آزاد اسلامی – واحد ساوه – دانشگاه آزاد اسلامی – واحد کرمانشاه

آرا و گرایشهای خاص : میرجلال الدین کزازی در نوشتار و گفتارش پارسیگرایی را دنبال می کند.

جوائز و نشانها : – برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دوره نهم)برای ترجمه کتاب" انه اید" در سال ۱۳۶۹ – برنده جایزه نخستین در پژوهشهای بنیادین در جشنواره بین المللی خوارزمی ،برای نوشتن زنجیره ای از کتاب " نامه باستان – " بهمن ۱۳۸۳ – چهره برگزیده در نخستین همایش تجلیل از برگزیدگان استان – نشان زرین و سپاسنامه از بزرگترین انجمن ادبی و فرهنگی یونان ، پارناسوس ، به عنوان برجسته ترین ایرانی در گسترش و شناسانیدن فرهنگ و ادب یونان زمستان ۱۳۸۴ – پژوهشگر برگزیده در دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۵ – چهره ماندگار فرهنگ و ادب ایران در پنجمین همایش آن به سال ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : آثار میرجلال الدین کزازی به ترتیب زیر است: – تعداد تالیفات : ۲۵ تالیف – تعداد کتب ترجمه شده : ۱۳ ترجمه – تعداد کتب ویرایش و تصحیح شده : ۶ کتاب – تعدا مقالات منتشر شده ک بیش از ۱۰۰ مقاله ------------------ --

آثار :

۱ آب و آیینه (مجموعه مقاله)

۲ آتا لا ورنه

ویژگی اثر : ترجمه اثر شاتو بریان–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۶ چاپ دوم : نشر مرکز – سال ۱۳۶۷ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۶۹ چاپ چهارم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۰" آتالا و رُنه "در بر گیرنده دو داستان جداگانه از نویسنده چیره دست و مشهور فرانسوی" شاتوبریان "است. دکتر کزازی در دیباچه مفصل این کتاب ، زندگینامه شاتوبریان را بر پایه نوشته های وی ، بویژه کتاب گرانسنگ" یادمانهای آن سوی گور "بررسی کرده و سرچشمه های دو داستان آتالا و رُنه را به دست داده است.

۳ آنه اید

ویژگی اثر : ترجمه اثر ویژیل،چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۹ ،ترجمه،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «انه‌اید»: آشنایی با آثار ادبیات کلاسیک جهان به ویژه حماسه‌های برجستهٔ ملتها مورد علاقه هر دانش پژوهی است، انه‌اید یکی از بارزترین آثار ادبی جهان است که به زبان لاتین نوشته شده است و مترجم آن را به شیوه زیبا و رسایی به زبان فارسی ترجمه کرده است چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۱ "انه اید "اثر ویرژیل ، حماسه سرای بزرگ لاتین است که برای اولین بار توسط دکتر کزازی به فارسی ترجمه شده است. انه اید ، یکی از سه اثر بزرگ پهلوانی در فرهنگ و ادب اروپایی است. دو حماسه دیگر" ، ایلیاد "و" اُدیسه "است. انه اید را می توان همچون اُدیسه ، دنباله ای بر ایلیاد شمرد". انه "بزرگزاده ای تروایی بوده است که از آتش و خون جان به در برده و در جستجوی سرزمینی نوید داده شده در دریاها و خشکی ها سرگردان شده است.

۴ ادیسه

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۹ چاپ چهارم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۳" اُدیسه "اثر دیگر هومر ، یکی دیگر از سه گانه های ادب پهلوانی اروپایی است که توسط دکتر کزازی به پارسی ترجمه شده است.

۵ از دهلی نو تا آتن کهن

ویژگی اثر : این کتاب را نشر نویسنده در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است. کتاب چهار سفرنامه را در دارد که سه از آنها پیشتر در روزنامه ها و ماهنامه های فرهنگی به چاپ رسیده است. این سفر نامه به شیوه کتابهای روزهای کاتالونیاو دیدار با اژدها نوشته شده است.

۶ از گونه ای دیگر

ویژگی اثر : مجموعه مقالات–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ چاپ دوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۰" از گونه ای دیگر "مجموعه ای فراهم آمده از چهار جستار یا مقاله است که خمگی در زمینه فرهنگ و ادب نوشته شده اند. گفتارهای این دفتر که برخی از آنها برای اولین بار در این اثر به چاپ رسیده اند و بعضی پیش تر در گاهنامه ها نشر شده اند ، در چند زمینه پیوسته با هم و جملگی بر زمینه فرهنگ ایرانی و میراث معنوی آن است.

۷ ایلیاد

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۷ چاپ چهارم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۳" ایلیاد "شاهکار" هومر "اثری است که بارها به زبانهای اروپایی ترجمه شده است. پس از ترجمه" انه اید "و استقبال اهل فرهنگ و ادب از این اثر ، دکتر کزازی به درخواست دانشوران ، دو نامه دیگر پهلوانی در ادب اروپایی ، ایلیاد و اودیسه را نیز به همان شیوه به پارسی ترجمه کردند.

۸ بدایع الافکار فی صنایع الاشعار

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش–نشر مرکز – سال ۱۳۶۹" بدایع الافکار فی صنایع الاشعار "کتابی است از ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری ، نویسنده و دانشور پرکار ایرانی در سده نهم هجری. این کتاب که در آرایه های سخن نوشته شده است ، پرمایه ترین کتاب در دانش" بدیع "است. در دیباچه مفصل کتاب ، تاریخچه بدیع نویسی و بدیع سرایی در پهنه ادب پارسی ، از نخستین کتاب بدیعی" ترجمان البلاغه "تا واپسین که" مدارج البلاغه "است ، توسط دکتر کزازی نوشته و بررسی شده است. در بخش گزارش های کتاب نیز ، این کتاب با دیگر کتاب های بدیعی سنجیده شده است.

۹ بهار خسرو

ویژگی اثر : نشر مرکز – سال ۱۳۷۴" پیترو چیتاتی ، "از ایران شناسان دلبسته و علاقمند به تاریخ و فرهنگ ایران است. وی در این اثر بدیع ، شاعرانه و دل انگیز ، به شیوه ای داستانگونه ، نماها و چشم اندازهایی از تاریخ و فرهنگ ایران را بررسی و به زیبایی ارایه کرده است.

۱۰ پارسا و ترسا

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی – سال ۱۳۷۶" پارسا و ترسا "گزارشی است از داستان شیخ صنعان ، عطار. این چامه که از دشوارترین و پیچیده ترین چامه های خاقانی است ، توسط دکتر کزازی از سه دیدگاه ویژه واژه شناسی ، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی شده است.

۱۱ پرنیان پندار

ویژگی اثر : سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول : انتشارات سمت – سال ۱۳۷۶ چاپ سوم : انتشارات سمت – سال ۱۳۸۵ "سراچه آوا و رنگ "کتابی است که دکتر کزازی آن را در" خاقانی شناسی "نوشته است. در این اثر ، دوازده قصیده ، یک ترکیب بند ، شانزده غزل ، نُه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها ، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی ، ریشه شناسی ، زبانشناسی سنجی ، باورشناسی ، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.

۱۲ پند و پیوند

ویژگی اثر" : پند و پیوند "در حقیقت ، جلد دوم کتاب دیرمغان است که در آن ، دکتر کزازی به شیوه ای نو به گزارش غزل های حافظ پرداخته است و غزلهای خواجه را بر پایه زیبا شناسی و باورشناسی بررسی و گزارش کرده است.

۱۳ تَرجُمانی و تَرزَبانی (هنر ترجمه)

ویژگی اثر : نشر جامی – سال ۱۳۷۴" تَرجُمانی و تَرزَبانی "حاصل کند و کاوها ، درنگ ها و دیدگاه های دکتر کزازی درباره هنر ترجمه است که در چند جستار فراهم آمده است و در آن شیوه های گونه گون ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۴ تلماک

ویژگی اثر : ترجمه اثر فنلون–نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ جایگاه تلماک ، اثر گرانسنگ" فنلون "را در ادب و فرهنگ فرانسه ، تنها می توان با" گلستان "سعدی و" قابوسنامه "سنجید و برابر نهاد. سات های بسیار ، تلماک را در آموزشگاه های فرانسه همچون گلستان به قصد آموختن ادب و اخلاق و آیین به نوآموزان می آموخته اند و فنلون چون آموزگاری فرزانه ، در چهره نمادین" مانتور ،" فرزند جوان اولیس ، تلماک را اندرز می داده است.

۱۵ تندبادی از کنج (شاهنامه شناسی)

۱۶ توانهای نهانی در آدمی

ویژگی اثر : نشر نی – سال ۱۳۷۲ این کتاب ، سومین اثری است که دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی به زبان فارسی ترجمه کرده است". کالین و ویلسن "نویسندگان این کتاب ، با دیدی سنجیده ، روانشناسانه و دانشورانه ، پدیده های فراروانشناسی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده است.

۱۷ جهان اشباح

ویژگی اثر : ترجمه اثر مرورودین–انتشارات عطایی – سال ۱۳۷۰" جهان اشباح "کتابی در زمینه فرا روانشناسی است که دو نویسنده "دانیل هامر "و" آلکس رودَن "آن را نوشته اند. در این اثر ، پدیده های" فرا روانشناسی "به گونه ای گسترده و فراگیر بررسی شده است. جهان اشباح ، دومین ترجمه دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی است.

۱۸ جهان پس از مرگ

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر دنیای کتاب – سال ۱۳۶۱ چاپ دوم : نشر دنیای کتاب – سال ۱۳۷۱" جهان پس از مرگ "اثر نویسنده نامدار انگلیسی" سر آرتور کُنان دویل "خالق کارآگاه معروف" شرلوک هلمز "است. کنان دویل در سال های واپسین زندگی ، به پدیده روحگرایی دلبستگی یافت و این اثر ، رهاورد همان سال هاست. کتاب از دو بخش پژوهش ها و داستان ها پدید آمده است و هر یک از داستان ها بر پایه یکی از آزمون ها و پدیده های روحگرایی نوشته شده است.

۱۹ خاقانی شروانی

ویژگی اثر : این کتاب را دفتر پژوهشهای فرهنگی در مجموعه" از ایران چه می دانم "؟به سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است و هشتادو پنجمین کتاب از این مجموعه است. در این کتاب ،نویسنده به شیوه ای نوآیین و در پیکره داستانی دلکش،زندگانی و شعر خاقانی را بسر رسیده است تا خواننده که بیشتر از جوانانند با شور و شراری افزونتر کتاب را بخوانند و با این چامه سرای بزرگ آشنا بشوند.

۲۰ در دریای دری

ویژگی اثر : در بزرگداشت شاعران ایران"–دُرّ دریای دَری "کتابی کم نظیر در ادب پارسی است. این کتاب گزارش درازآهنگی است از قصیده ای بلند که دکتر کزازی آن را در ۲۷۸ بیت سروده است و چنین آغاز می شود : هر که او را شور معنی گستری است زیب شعرش دُرّ دریای دَری است در این چامه بلند ، سرگذشت شعر پارسی از آغاز تا روزگار ما نموده شده است. علاوه بر آن ، زندگینامه ، نکات ویژه زندگی و نیز شیوه سخنوری هر شاعر بیان گردیده است. نویسنده در مقدمه گسترده خویش بر این اثر ، مطالب جالب و مفیدی در زمینه" چیستی هنر "و نیز" چگونگی آفرینش هنری "آورده است که در جای خود ، روزنی به جهان پر رمز و راز هنر است. در دریای دری در سال ۱۳۶۸ به همت نشر مرکز بچاپ رسیده است.

۲۱ دستان مستان

ویژگی اثر : این کتاب را نشر نویسنده در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است. دستان مستان گزیده ای از سروده های میر جلال الدین کزازی است .که در دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ سروده شده اند.

۲۲ دیدار با اژدها

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش – انتشارات نشر قطره ۱۳۸۰–دیدار با اژدها ،روزنگار سفر کوتاه دکتر کزازی به چین سرزمین افسانه ای آسیا است. این اثر که از دید شیوه و قالب یکسره با روزهای کاتالونیا همسان و دمساز است ،پیوندهای فرهنگی تاریخی ایران و چین مورد بررسی قرار داده است.

۲۳ دیر مغان

ویژگی اثر : دیر مغان (حافظ شناسی) نشر قطره – سال ۱۳۷۵" دیر مغان "گزارش بیست غزل حافظ است ، از آغاز دیوان وی و بر پایه زیباشناسی و باورشناسی. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است از نگاهی متفاوت ، غزل های خواجه شیراز را بنگرد و آنها را بر پایه زیباشناسی و باورشناسی که دیگر حافظ پژوهان کمتر بدان پرداخته اند ، بکاود و بررسد. نویسنده وعده کرده است که در آینده ، بقیه اشعار حافظ را به همین شیوه مورد کند و کاو قرار دهد.

۲۴ دیوان خاقانی

ویژگی اثر : نشر مرکز – سال ۱۳۷۵" دیوان خاقانی "ویرایشی نو از دیوان سخن سالار بزرگ شروان است. این ویرایش بر پایه نسخه های چاپی و برخی برنوشته ها ، به انجام رسیده است. دکتر کزازی در این ویرایش جدید ، تاریکی ها ، دشواری ها و بی اندامی های متن را که از ریخت و ضبط نادرست بیت ها مایه گرفته است برطرف کرده و هرجا که نسخه بدل ها" پچینها" ناکارآمد بوده است ، به یاری دانش های ادب ، چون : واژه شناسی ، سبک شناسی ، زیبا شناسی و جز آن کوشیده است که ریخت و صورت درست به دست داده شود. ویراستار دیوان خاقانی ، همه جا در پانوشت ، دگرگونیهای رخ داده در متن را با برهان باز نموده است.

۲۵ دیوان میرزا محمد باقر حسینی سپاهانی

ویژگی اثر : نشر مرکز – سال ۱۳۷۶" دیوان میرزا محمدباقر حسینی سپاهانی "سخنور توانا و کم شناخته سده یازدهم و دوازدهم هجری ، بر پایه نسخه ای منحصر به فرد ویراسته شده است. در دیباچه کتاب نیز سبک هندی در شعر فارسی و همچنین سروده های سخنور و پیوند او با دیگر سرایندگان این سبک بررسی و باز نموده شده است.

۲۶ رباعیات خیام

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۱ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۴" رباعیات خیام ، "همچون غزلهای سعدی ویرایشی تازه از چارانه های این شاعر و اندیشمند بزرگ ایرانی است که با شیوه ای نو نقادی شده است

۲۷ رخسار صبح

ویژگی اثر : گزارش چامه از خاقانی با دیباچه ای بلند در شناخت او–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۷۴" رخسار صبح "کتابی است حجیم و هفتصد صفحه ای در گزارش قصیده ای بلند و دلپسند از خاقانی. به تقریب ، نیمی از این کتاب ، شامل دیباچه مفصلی است در شرح زندگانی و شیوه شاعری این قصیده سرای بزرگ ایران. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است بر پایه سروده ها و نوشته های خاقانی ، زندگی وی را بررسی کرده و روشنایی هایی بر بخش های تاریک و ناشناخته زندگی وی بیندازد. دکتر کزازی در این کتاب ، همانند کتاب های" سوزن عیسی "و" پارسا و ترسا "کوشیده است تا این چامه بلند خاقانی را بر بنیاد واژه شناسی ، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی کند.

۲۸ روزهای کاتالونیا

۲۹ رویا ، حماسه ، اسطوره (شاهنامه شناسی)

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۲ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵" رؤیا ، حماسه ، اسطوره "آنچنانکه از عنوان آن برمی آید ، سه قلمرو پر رمز و راز و جاودانه رویا ، حماسه و اسطوره را در بر می"یرد. این اثر ، در حقیقت پایان نامه و تز دکتری نویسنده است که به قول قدما" به زیور طبع آراسته شده است."

۳۰ رویدادهای شهر سنگی

ویژگی اثر : ترجمه اثر اسماعیل کاداره–نشر مرکز – سال ۱۳۷۰" اسماعیل کاداره "در این اثر داستانی ، به شیوه ای دلنشین و شاعرانه ، خاطرات دوران کودکی و نوجوانی خویش را به رشته تحریر درآورده است. وی از نویسندگان نامدار آلبانیایی است که اکنون به شهرتی جهانی دست یافته است. یکی از داستانهای او با عنوان" سردار سپاه مرده "به بیش از پانزده زبان دنیا ترجمه شده است. دکتر کزازی با ترجمه این اثر ، اسماعیل کاداره را به جامعه فرهنگی ایران شناسانده است.

۳۱ زیبا شناسی

ویژگی اثر : در دو جلد

۳۲ زیبا شناسی سخن(۲) معانی

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۰ چاپ ششم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵" معانی "جلد دوم از مجموعه سه جلدی "زیباشناسی سخن پارسی "است که زبان شکرین و شیوای پارسی را بر پایه این دانش بررسی و کاویده است.

۳۳ زیبا شناسی سخن(۳)بدیع

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۳ چاپ پنجم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵" بدیع "سومین جلد از مجموعه" زیباشناسی سخن پارسی "است. جلدهای اول و دوم این مجموعه عهده دار بررسی دو دانش دیگر زیباشناسی ادب پارسی ، یعنی" بیان "و "معانی "هستند.

۳۴ زیباشناسی سخن پارسی –۱– بیان

ویژگی اثر : جلد اول – بیان (زیباشناسی سخن پارسی) چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ چاپ هفتم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵ این کتاب نخستین جلد از دوره سه جلدی" زیباشناسی سخن پارسی "است که در موضوع دانش بیان نوشته شده است. دکتر کزازی این اثر را به شیوه کتاب های آموذشی برای دانشجویان دانشگاه ارایه کرده است.

۳۵ سراچه آوا و رنگ

ویژگی اثر : سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول : انتشارات سمت – سال ۱۳۷۶ چاپ سوم : انتشارات سمت – سال ۱۳۸۵ "سراچه آوا و رنگ "کتابی است که دکتر کزازی آن را در" خاقانی شناسی "نوشته است. در این اثر ، دوازده قصیده ، یک

ترکیب بند ، شانزده غزل ، نُه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها ، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی ، ریشه شناسی ، زبانشناسی سنجی ، باورشناسی ، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.

۳۶ سه داستان

ویژگی اثر : ترجمه اثر گوستاوفلوبر–نشر مرکز – سال ۱۳۶۷" گوستاو فلوبر "نویسنده بلند آوازه و آفریننده آثار برجسته ای چون: "مادام بواری "و" سالامبو "است. فلوبر ، این اثر را در سال های پایانی زندگانی خود نوشت. سال هایی که نویسنده را در تلخکامی و اندوهی ژرف فرو برده بود. کتاب شامل سه داستان" ساده دل" ، "افسانه ژولین ، تیمارگر پاک "و" هرودیا "است.

۳۷ سوزن عیسی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی – سال ۱۳۷۶" سوزن عیسی "گزارشی است از چامه ترسایی خاقانی که از پیچیده ترین و دیریاب ترین چامه های اوست. در این کتاب دکتر کزازی ، قصیده بلند ترسایی را چونان" رخسار صبح "در سه بخش واژه شناسی ، زیبا شناسی و ژرفا شناسی بررسیده است و هرگاه نیازی نبوده که بیت ها را از آن سه دیدگاه بررسد ، تنها از دو دید نخستین کاویده است.

۳۸ سیلوی

ویژگی اثر : ترجمه آثار ژراردو نروال–نشر مرکز – سال ۱۳۷۰" سیلوی "داستانی نه چندان بلند از" ژرار دونروال "است. وی از نویسندگان سخنور و نامدار فرانسوی در سده نوزدهم بوده است. ژرار دونروال چونان شوریده سرانی که زندگی را به سودای یافتن آنچه یافت نمی شود ، سپر کرده اند ، سراسر زندگانی را در پی نازنینی گشت که هرگز در عالم خاکی به دست نمی آید. از اینرو ، به دنبال آنچه در عالم واقع به دست نمی آمد و در دسترس نبود ، به خواب و رویا پناه برد و سر در پی این سودا نهاد و در رویا گم شد.

۳۹ غزل های سعدی

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش –چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۱ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۴" غزلهای سعدی "ویرایشی تازه از غزلهای شاعر و سخنور توانا و نامی ایران است که برپایه نسخه های چاپی ، به شیوه ای سخن سنجانه و دانشورانه ، توسط دکتر کزازی انجام گرفته است.

۴۰ گزارش دشواریهای دیوان خاقانی

۴۱ گزیده ای از سروده های شیخ الرئیس قاجار

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش–نشر مرکز – سال ۱۳۶۹" شیخ الرئیس قاجار "از نوادگان فتحعلیشاه قاجار ، شاهزاده ای دانش دوست و سخنور بود که به کسوت روحانیت و درویشی درآمد. دکتر کزازی کتاب حاضر را بر پایه چاپ سنگی" منتخب نفیس از آثار شیخ الرئیس ، "طبع شده در سال ۱۳۱۲ هجری ویراسته است و در مقدمه کتاب ، زندگی و آثار وی را بررسی و شرح کرده است.

۴۲ مازهای راز

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۰ چاپ دوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۰" مازهای راز "جستارهایی است در شاهنامه فردوسی و در برگیرنده شش مقاله درباره شاهنامه است. نخستین جستار" ، نمادشناسی اسطوره در داستان ضحاک "است که به همایش جهانی بزرگداشت فردوسی که در دی ماه ۱۳۶۹ در تهران برگزار شد ، پیشکش شده است.

۴۳ نامه باستان

ویژگی اثر : انتشارات سمت در سال ۱۳۷۹–نامه باستان ویرایش و گزارشی است که از شاهنامه فردوسی که نخستین جلد آن در سال ۱۳۷۹ منتشر شده . این جلد از اثر ،آغاز شاهنامه تا پایان زال و پادشاهی منوچهر را در بر میگیرد.نامه باستان بر پایه بر نوشته فلورانس و چاپ مسکروژول مول و خالقی و مطلق انجام گرفته است.

۴۴ نامه باستان در هشت جلد

ویژگی اثر : این کتاب را سازمان سمت در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است و هشتمین جلد از زنجیره ای است از کتاب در ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی با نام نامه باستان.

منابع زندگینامه

:h.persianblog.ir/۲http://parsisaray.blogfa.com/۳http://www.kazzazi.com۴www.ketabesal.ir۵:

پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر میر جلال الدین کزازی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی– بهار ۱۳۸۶۶سید محمد باقر برقعی ، سخنوران نامی معاصر ایران ، ج ۳ ، ص ۱۶۵۰

کسایی، ابوالحسن علی بن حمزهٔ بن عبداللّه بن بهمن بن فیروز اسدی فارسی

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۸۹ ق)، قاری، ادیب، لغوی و نحوی. یکی از قراء سبعه است. اصلش از ایران بود که در یکی از روستاهای کوفه به دنیا آمد و در بغداد سکنی گزید. وی در تلاوت مدتی شاگرد حمزه یکی دیگر از قراء سبعه بود و موافق حمزه قرائت می‌کرد، ولی عاقبت قرائت مخصوصی اتخاذ نمود. حفص و ابوعمر دوری از راویان مشهور قرائت او هستند. جمعی دیگر نیز همچون نصیر رازی و قتیبهٔ بن مهران اصفهانی و احمد بن ابی‌سریج و عیسی بن سلیمان شیزری و ابوحمدون طیب نیز قرائت او را روایت کرده‌اند. کسائی از

شاگردان امام جعفر صادق (ع) شمرده شده و از اعمش و سلیمان بن ارقم و سفیان بن عیینه و ابوبکر بن عیاش حدیث روایت کرده است. او در ادبیات و نحو و لغت نیز از پیشگامان عراق بود. نحو را از معاذ هراء و یونس نحوی و خلیل بن احمد عروضی فراگرفت. فراء و ابوعبید قاسم بن سلام و جمعی دیگر از شاگردان او به حساب می‌آیند. شافعی گوید که هر که خواهد در نحو متبحر شود پس باید که بر سفره‌ی کسایی نشیند. هارون الرشید احترام ویژه‌ای برای او قائل بود و دو پسرش امین و مأمون را به دست وی سپرد تا ادب آموزند. با هارون الرشید به ایران آمد و در ری در قریه‌ی ارنبویه درگذشت. در سال مرگ وی اختلاف است و سالهای ۱۹۳، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۰ و ۱۹۷ ق به عنوان سال وفات ذکر شده است. از آثارش: «معانی القرآن»؛ «القراآت»؛ «النوادر» کبیر، اوسط و اصغر؛ مختصری در نحو؛ «المصادر»؛ «الوقف و الابتداء فی القرآن»؛ «متشابه القرآن»؛ «مقطوع القرآن و موصوله»؛ «الحروف»؛ «العدد»؛ «اختلاف العدد»؛ «الهجاء»؛ «اشعار المعایات و طرائقها»؛ «الهاآت المکنی بها فی القرآن»؛ «لحن العامه»؛ «نسب رسول‌اللّه (ص)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۴-۹۳/ ۵)، اعلام بوفیات الاعلام (۱۲۲/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۳۴-۲۳۳/ ۸)، ایضاح المکنون (۳۵۰، ۳۴۵، ۳۳۶، ۳۳۲، ۳۲۲، ۳۱۳، ۲۸۹/ ۲ ،۴۸/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶ ،۶۸/ ۱)، تاریخ بغداد (۴۱۵ -۴۰۳/ ۱۱)، تهذیب التهذیب (۲۶۷/ ۷)، دایرة المعارف فارسی (۲۲۱۹/ ۲)، الذریعه (۱۳۹/ ۲۴ ،۱۵/ ۱۹)، روضات الجنات (۱۸۹ -۱۸۶/ ۵)، ری باستان (۴۱۹/ ۲ ، ۴۳۹ -۴۳۸/ ۱)، ریحانه (۵۶ -۵۲/ ۵)، سیر النبلاء (۱۳۴ -۱۳۱/ ۹)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۱۲-۱۱۱ ،۶۴ ،۶۰ ،۵۳ -۵۲)، کشف الظنون (۱۷۳۰)، الکنی و الالقاب (۱۱۳ -۱۱۲/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی، کسائی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۱۸۹)، معجم الادباء (۲۰۳ -۱۶۷/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۸۴/ ۷)، وقایع السنین و الاعوام (۱۵۳)، هدیة العارفین (۶۶۸/ ۱)، هفت اقلیم (۱۱۴/ ۱).

کسائی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید غلامرضا کسائی داماد مرحوم آیه‌الله مجاهد امینی صاحب‌الغدیر که سالها مقیم کربلا بودند و در سال ۱۳۹۱ قمری مانند هزارها نفر دیگر از دانشمندان و طبقات دیگر از طرف دولت بعثی عراق اخراج و راهی بایران شده و در قم رحل اقامت افکنده و بدرس آیه‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی شرکت نموده و در ماه ذی‌القعده الحرام ۱۳۹۳ قمری رحلت و در قم مدفون گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

کسروی اصفهانی، ابوحسین علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، حافظ، فقیه شافعی، ادیب، نحوی و شاعر. اصل وی از اصفهان و ساکن بغداد بود. معلم هارون، فرزند ابوالحسن علی بن یحیی بن ندیم، بود. او سپس به ابی النجم بدر معتضدی والی اصفهان، در زمان معتضد عباسی، پیوست. وی راوی شعر و تاریخ و سیر، و بر کتاب «العین» خلیل بن احمد مسلط بود. بین کسروی و ابن المعتز عبداللّه نامه‌نگاری و مراجعات بسیار بوده است و اشعار زیادی را سروده به هم ارسال می‌کردند. کسروی در عهد خلافت معتضد (۲۸۹ -۲۷۹ ق) از دنیا رفت. سال مرگ وی در «کشف الظنون» و «هدیهٔ العارفین»، ۳۳۰ ق ذکر شده است. از آثارش: «الخصال»، مجموعه‌ای از اشعار و حکم و امثال؛ «الاعیاد و النواریز»؛ «تأویل الاحادیث المشکلات الواردهٔ فی الصفات»؛ «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»، که در «هدیهٔ العارفین»، «مجاوبات الخلان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۶۳/ ۲ ،۲۲۰/ ۱)، ریحانه (۵۸/ ۵)، الفهرست لابن الندیم (۲۱۴)، کشف الظنون (۱۳۹۴، ۷۰۵)، لغت نامه (ذیل/ علی کسروی)، معجم الادباء (۹۶-۸۸/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۴۷/ ۷)، هدیهٔ العارفین (۶۷۸/ ۱).

کسروی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۹- مقتول ۱۳۲۴ ش)، مورخ، ادیب، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات عرب را در مدارس قدیم و زبان انگلیسی را در مدرسه‌ی آمیریکایی تبریز فراگرفت. وی بعدها در همان مدرسه به تدریس پرداخت، و در آنجا با مبلغان مسیحی، در دفاع از اسلام، مباحثات می‌کرد. بعد از اعضاء حزب دمکرات شد و به تهران تبعید گردید. او مدتی به کار در دادگستری پرداخت و مناصبی را نیز عهده‌دار بود. از ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ ش به نشر روزنامه‌ی «پرچم» پرداخت. در دانشکده‌ی الهیات نیز به تدریس تاریخ اشتغال داشت ولی به سبب بدگویی‌هایی که از شعر و شاعری و عرفان و ادب

ایرانی کرده بود با استادی او مواقت نشد. وی با زبان پهلوی و ارمنی و فرانسه آشنایی داشت. کسروی در زمینه‌های مختلف ادب، تاریخ، اجتماع، اقتصاد و مذهب عقاید مخصوص به خود داشت. آنچه او در باب نقد ادبی و بررسی شعر شاعران ایرانی و به خصوص ادب و شعر صوفیه، به ویژه حافظ و مولوی، نوشته از نوعی خشکی طبع و عدم آگاهی از جوهر هنر و زیبایی‌های آثار ادبی سرچشمه گرفته است و بر روی هم دیدگاه نقد او با اینکه دیدگاهی اجتماعی است، اما در مجموع نماینده‌ی ضعف تشخیص او در شناخت آثار ادبی است. آرای او در نقد مذهب شیعه مسایلی بود که پیش از وی بر قلم بعضی از نویسندگان اهل سنت جاری شده بود و علمای شیعه نیز پاسخ آنها را داده بودند اما او با زبانی که از بی‌نزاکتی و هتاکی خالی نبود همان انتقادها را رواج داد. وی عضویت انجمن آسیایی همایونی و انجمن جغرافیایی آسیایی و عضویت آکادمی آمریکا را داشت. کسروی یکی از پرکارترین نویسندگان دوره‌ی اخیر است که متجاوز از هفتاد کتاب و رساله، علاوه بر مقالات بسیار، از وی منتشر شده است. او سرانجام در یکی از محاکم وزارت دادگستری به وسیله‌ی گروهی از فداییان اسلام به قتل رسید. از آثار او در زمینه‌ی تاریخ: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»؛ «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»؛ «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»؛ «شیخ صفی و تبارش»؛ «شهریاران گمنام»؛ «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»؛ «تاریخچه‌ی چپق و قلیان»؛ «نادر شاه». در زمینه‌ی مذهب: «آیین کژی»؛ «ورجاوند بنیاد»؛ «در پیرامون اسلام»؛ «در پیرامون روان»؛ «صوفیگری». در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی: «کار و پیشه و پول»؛ «در راه سیاست»؛ «فرهنگ چیست؟»؛ «افسران ما». در زمینه‌ی مسایل مربوط به زبان شناسی و دستور: «آذری یا زبان باستان آذربایگان»؛ «زبان پاک»، دستور زبان؛ «زبان فارسی»؛ «نامهای شهرها و دیه‌های ایران». زمینه‌ی نقد ادبی و مباحث هنری: «حافظ چه می‌گوید»؛ «در پیرامون ادبیات»؛ «در پیرامون شعر و شاعری».[۱]

(بخش ۱) (سید) احمد بن (حاجی میر) قاسم، دانشمند، مورخ، زبانشناس و اصلاح‌طلب ایرانی (و. تبریز ۱۲۶۹- مقت. تهران ۱۳۲۴ ه.ش). تا چند پشت وی اهل علم و مورد توجه مردم تبریز بوده‌اند. کسروی در رشته‌های تاریخ، لغت، زبان و دین تحقیق کرده و طرفدار جدی اصلاح و تصفیه‌ی مذهبی و مخالف سرسخت تصوف و عرفان بود. وی طرفدار جدی ملیت ایرانی بود و از به کار بردن لغات عربی دوری می‌جست و در برابر آنها لغات و اصطلاحات و ترکیباتی از ریشه فارسی ساخته بود و خود آنها را به کار می‌برد. کسروی مردی رک‌گو و مبارز و در عقاید خود استوار بود. روزنامه‌ای به نام «پرچم» و مجله‌ای به نام «پیمان» منتشر می‌کرد که ناشر عقاید وی بودند. کسروی در روز دوشنبه‌ی بیستم اسفند ماه ۱۳۲۴ ه.ش به وسیله‌ی خنجر و اسلحه‌ی کمری به دست برادران امامی- از فدائیان اسلام- به قتل رسید. تألیفات کسروی از ۷۰ جلد متجاوز است که اهم آنها از این قرار است: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»، «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»، «شهر یاران گمنام»، «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»، «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»، «شیخ صفی و تبارش»، «نامهای شهرها و دههای ایران»، «قانون دادگری»، «زبان پاک» «تاریخچه‌ی چپق و غلیان»، «مشعشعیان»، «ترجمه‌ی کارنامک اردشیر بابکان»، «ترجمه‌ی (تلخیص) پلوتارخ»، «زبان آذری»، «پیدایش آمریکا»، «ده سال در عدلیه»، «صوفی گری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۲۷۴، ۲۷۲)، از نیما تا روزگار ما (۱۰۲ -۹۰)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۸ -۷ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۳۴۹ -۳۴۱)، تاریخ جراید (۹۷ -۹۳/ ۲)، چون سبوی تشنه (۲۳۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۲۲۰/ ۲)، الذریعه (۱۹، ۳/ ۲۴، ۲۶۶ -۲۶۵، ۲۶۱/ ۱۴، ۳۳/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۳ -۲۶۵/ ۵)، شرح حال رجال (۲۲-۲۱/ ۵)، شخصیت های نامی (۴۰۶ -۴۰۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۵، ۳۴۵۴، ۳۳۵۴، ۳۲۴۰، ۳۲۱۶، ۳۰۱۸، ۲۷۳۵، ۲۷۳۳، ۲۵۹۱، ۲۵۸۷، ۲۵۸۴، ۲۴۲۴، ۲۴۱۵، ۲۲۳۳، ۲۱۹۳، ۲۱۸۶، ۲۱۸۴، ۲۰۶۴، ۱۹۷۹، ۱۸۵۶، ۱۸۲۲، ۱۸۲۱، ۱۶۲۸/ ۲، ۱۴۸۵، ۱۳۸۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۵، ۱۳۷۴، ۱۳۵۹، ۱۳۴۵، ۱۳۱۹، ۱۲۹۶، ۱۲۵۰- ۱۲۴۹، ۱۱۸۱، ۱۱۷۳، ۱۱۴۵، ۱۱۳۴، ۱۱۱۶، ۱۰۵۰، ۹۷۱، ۷۶۹- ۷۶۸، ۷۵۱، ۶۹۷، ۶۹۶، ۶۸۱، ۶۳۶، ۶۳۳، ۶۲۲، ۶۱۴، ۵۹۴، ۵۸۳، ۵۸۲، ۵۴۵، ۵۲۹، ۴۷۰، ۴۶۶، ۳۷۸، ۳۳۵، ۲۹۷، ۱۷۲، ۸۵، ۷۷، ۲۹/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد، کسروی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۶ -۴۳۷/ ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۲۶/ ۸).

کسمایی یزدی، شمس جهان

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۶۲ ش)، شاعر و روزنامه نگار. در یزد به دنیا آمد. وی به همراه همسرش، که تاجر بود، به عشق آباد روسیه رفت. در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشت و در تبریز سکنی گزید. از همان آغاز به گروه نویسندگان نشریه‌ی «تجدد» به مدیریت تقی رفعت پیوست و در تحرکات اجتماعی و انقلابی آن روزگار آذربایجان مشارکت فعال داشت. وی به زبان‌های روس و ترکی و فارسی آشنا بود. بانو شمس جهان در مجله «آزادیستان» قطعه شعری با پاره‌هایی فارغ از قید تساوی و قافیه بدی معمول پیشینیان منتشر کرد که تقلیدگونه‌ای از اشعار اروپایی بود و جزو نخستین نمونه‌های تجدد در شعر فارسی به شمار می‌آید. از او پانصد بیت شعر و آثار پراکنده‌ای از نثر به جای مانده است. با روی کار آمدن رضا شاه وی گوشه‌نشین شد و سالهای پایانی عمر خود را در تهران گذراند و سرانجام در همین شهر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۴۵۷/ ۲)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۹۵ -۶۹۳)، چون سبوی تشنه (۸۵-۸۳)، زنان سخنور (۱۰۴ - ۱۰۳/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶۳).

کسمایی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۹ ش)، مترجم، نویسنده و روزنامه نگار. وی در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی، تحصیلات خود را در رشته‌ی معقول و منقول ادامه داد. پس از کسب لیسانس، برای ادامه تحصیل در رشته‌ی روزنامه نگاری، به مصر رفت و در این فرصت توانست در زبان عربی تبحر یابد. نویسندگی را با کار در روزنامه‌ی «امید» آغاز کرد. وی در شمار قدیمی‌ترین روزنامه‌نگاران و مدتی سردبیر مجلات «صبا» و «وحید» بود و سرانجام به همکاری با روزنامه‌ی «اطلاعات» پرداخت و فعالیتی نزدیک به پنجاه سال با این روزنامه داشت. کسمایی به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و عربی مسلط بود و علاوه بر تألیفاتش تعدادی کتاب نیز ترجمه کرده است. وی سرانجام در هفتاد و سه سالگی درگذشت. از آثارش: «عشق بزرگان»، ترجمه و تألیف؛ «بالتازار»، ترجمه؛ «خدایان عشق اشک می‌ریزند»، ترجمه؛ «دنبال زن»، ترجمه از عربی؛ «روانشناسی در خدمت بشر»، ترجمه؛ «گلهای وحشی»، ترجمه؛ «مرد خون آشام»، ترجمه؛ «احوال و آثار فرانکلین»؛ «از چند نویسنده‌ی بزرگ دنیا»؛ «پریچهرگان تاریخ»؛ «جهنم دره»؛ «علل شکست آلمان، جاسوس انگلیسی»؛ «قرن دیوانه»، بحران تمدن فرهنگ و نادانی‌های دوران دانش.[۱]

مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۹، تهران.

درگذشت: ۱۶ بهمن ۱۳۷۲.

علی‌اکبر کسمایی پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی و کسب مدارک لیسانس در رشته‌ی ادبیات، تحصیلات خود را در رشته‌ی معقول و منقول پی گرفت.

خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۶ با مؤسسه‌ی «اطلاعات» آغاز کرد. مدتی نیز نمایندگی و نویسندگی روزنامه‌ی «اطلاعات» را در مصر بر عهده گرفت. کسمایی از پایه‌گذاران مجله‌ی «اطلاعات هفتگی» بود و طی خدمت مطبوعاتی خود با روزنامه‌ها و مجلات (و از جمله «جوانان») به عنوان نویسنده و منتقد همکاری داشت. مدتی سردبیری روزنامه‌ی «امید» و زمانی نیز سردبیری مجلات «صبا» و «وحید» را به عهده داشت. مدت‌ها نیز برنامه‌های مختلف رادیو ایران، از جمله «برنامه جوانان» را اداره می‌کرد. در ترجمه هم دستی داشت. علاوه بر آن چندی رییس اداره‌ی انتشارات هواپیمایی ملی و پس از آن رایزن مطبوعاتی ایران در قاهره بود. در سال ۱۳۲۲ به سبب تألیف کتاب آئین کامیابی به عنوان بهترین کتاب سال به دریافت جایزه‌ی سلطنتی نایل آمده است. از دیگر تألیفات کسمایی می‌توان از جهنم دره؛ قرن دیوانه؛ عشق بزرگان؛ گل‌های وحشی؛ روان‌شناسی در خدمت بشر؛ و نیشخندهای آناتول فرانس (ترجمه) نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۱۵۰، ۱۴۲، -۱۴۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۳۴۰، ۳۳۱۶، ۲۹۸۸، ۲۷۶۸، ۲۶۹۳، ۲۵۳۰، ۲۳۳۱، ۲۳۰۵، ۲۱۹۳، -۲۱۹۲، ۱۷۶۰/ ۲، ۱۴۵۶، ۱۲۵۳، ۱۰۹۰، ۶۰۳، ۴۴۷، ۱۶۹، ۱۲۵، ۸۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، کلک (س ۵، ش ۵۱ و ۵۲، ص ۲۶۱)، کیهان فرهنگی (س ۱۰، ش ۱۱، ص ۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۷ -۵۳۵/ ۴).

کشاورز صدر، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۸۱ ش)، حقوقدان، ادیب و نویسنده. در محلات به دنیا آمد پس از اتمام تحصلات وارد دادگستری و شغل قضاوت شد. وی در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم نماینده‌ی خرم‌آباد در مجلس شورای ملی بود و از اواخر ۱۳۲۹ ش به همکاری با دکتر مصدق پرداخت و از زمره‌ی یازده نماینده‌ای بود که طرح ماده‌ی واحده‌ی ملی کردن نفت را به مجلس پیشنهاد کردند. او همچنین مدتی استانداری تهران و گیلان و اصفهان را به عهده داشت. سرانجام در تهران بر اثر حمله‌ی قلبی درگذشت. از آثارش: «از رابعه تا پروین»؛ «مکتب سعدی»؛ «عقاب کمازان یا کریم خان زند»، از مرگ نادر... تا شکست علیمردان خان؛ «آیین و رویه دادرسی مدنی»؛ «آیین و رویه دادرسی کیفری»؛ «وزیران محبوس و مقتول».[۱]

در ۱۲۸۱ ش متولد شد. پدرش آقا سید محمد کوچک در دستگاه امیر مفخم بختیاری، سمت پیشکاری داشت. سید محمد علی تحصیلات خود را در حد مدرسی انجام داد و از مدرسه عالی حقوق لیسانس گرفت و به خدمت قضاوت مشغول شد. تمام مراحل قضائی را طی کرد. مدت‌ها دادستان و رئیس دادگستری در شهرستان‌ها بود. در ۱۳۲۵ مدیر کل بازرسی وزارت دادگستری شد. در دوره‌ی پانزدهم از خرم‌آباد به وکالت مجلس رسید و در دوره‌ی شانزدهم این سمت را حفظ کرد. در دوره‌ی اخیر ابتدا از حکومت رزم‌آرا طرفداری می‌نمود، بعد به دکتر مصدق نزدیک شد و عضویت جبهه ملی را پذیرفت ولی با تمام این احوال، در دوره‌ی هفدهم به مجلس راه پیدا نکرد و در عوض، دکتر مصدق او را به کار اجرائی گمارد. ابتدا استانداری گیلان را به او دادند، سپس استانداری اصفهان به او واگذار شد. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اصفهان بود، مورد تعرض عده‌ای قرار گرفت. چون جانش در خطر بود در منزل دکتر حکمی چند روز به حالت اختفا می‌زیست، سرانجام دستگیر شد. مدتی در زندان بود تا آزادش کردند. تدریجا به شغل وکالت دادگستری اشتغال ورزید و در جبهه ملی هم فعالیت می‌کرد. در کار وکالت با هدایت‌الله متین دفتری نوه‌ی دختری مصدق همکاری داشت و چون هم فکر سیاسی هم بودند، دست به اقداماتی زدند که مورد تعقیب قرار گرفته و مدتی در

بازداشت بسر برد. وفات او در ۱۳۵۵ اتفاق افتاد. کتابی از وی به نام از رابعه تا پروین که شرح حال زنان شاعره است، و کتاب عقاب کامازون و چند تألیف دیگر باقی مانده است. چند ماهی نیز در فترت مجلس پانزدهم و شانزدهم از طرف ساعد نخست‌وزیر وقت، رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۱/ ۲ ،۵۳۴، ۱۷۱، ۸۸/ ۱)، کیان (س ۶، ش ۳، ص ۵۶ -۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷/ ۵).

کشاورز، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، پزشک، استاد دانشگاه، روزنامه نگار و نویسنده. در انزلی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در رشت و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان برد. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه عزیمت نمود و از دانشکده‌ی پزشکی پاریس موفق به اخذ درجه‌ی دکترا، در طب کودکان شد و پس از چندی معاونت بیمارستان اطفال را در پاریس بر عهده گرفت. سپس به ایران آمد و به سمت دانشیاری دانشکده‌ی پزشکی تهران منصوب شد و بعد از پنج سال به استادی دانشکده‌ی پزشکی رسید. وی در دوره‌ی چهاردهم مجلس، از طرف مردم بندر انزلی، نماینده مجلس و عضو فراکسیون حزب توده بود. در ۱۳۲۴ ش برای شرکت در جشن بیست ساله‌ی تأسیس دانشگاه آسیای میانه به تاشکند مسافرت کرد. وی مدیر روزنامه‌ی «رزم» بود و همچنین در ۱۳۲۵ ش به وزارت فرهنگ منصوب شد. از آثارش: «آداب پرورش کودکان»؛ «دانستنیهای کودکان»، راهنمای پدران و مادران برای تربیت اخلاقی کودکان.[۱]

در ۱۲۸۶ ش در گیلان تولد یافت. پدرش وکیل‌التجار گیلانی حرفه‌ی تجارت داشت و دو دوره هم به وکالت مجلس رسیده بود. کشاورز پس از اخذ دیپلم به اروپا رفت و در رشته‌ی پزشکی در پاریس ادامه تحصیل داد و تخصص خود را در زمینه‌ی کودکان دریافت نمود. پس از مراجعت به ایران به دانشکده پزشکی دعوت شد و مقام دانشیاری گرفت و در چند بیمارستان نیز ریاست بخش اطفال با او بود. وی به علت علاقه‌ی شدید به فن خود و مطالعات زیاد، در تهران فوق‌العاده مورد توجه واقع شد و همه روزه مطب وی پر از بیمار بود. واقعا در علم پزشکی اعجاز می‌کرد و پزشک دربار هم بود. در نیمه دوم ۱۳۲۰ که حزب توده بنیاد گرفت، دکتر فریدون کشاورز به آن حزب پیوست و یکی از فعالین درجه اول حزب مزبور گردید. امتیاز روزنامه‌ای به نام رزم گرفت که گاهی یومیه و زمانی به صورت هفتگی انتشار می‌یافت که افکار و عقاید و فعالیت‌های حزب توده در آن منعکس می‌شد. در دوره‌ی چهاردهم از طرف حزب توده کاندیدای نمایندگی مجلس شد و از بندر انزلی به وکالت مجلس رسید. در سال ۱۳۲۵ در کابینه‌ی ائتلافی قوام‌السلطنه به وزارت فرهنگ معرفی گردید و چند ماهی که در رأس آن وزارتخانه قرار داشت، تمام مشاغل وزارتخانه را به افراد حزب توده واگذار نمود. پس از ۱۳۲۷ که حزب توده غیرقانونی اعلام گردید، وی توقیف و به زندان رفت و محکومیت یافت و سرانجام در ۱۳۲۹ از زندان فرار کرد. کشاورز چند سال پس از فرار خود از حزب توده کناره گرفت و حتی در مقام منازعه با آنها درآمد و افشاگری کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]ادبیات نوین (۲۸۷ -۲۸۶)، الذریعه (۴۴/ ۸)، روز شمار تاریخ (۱۹۳/ ۲ ،۳۰۲، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۱/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۴۷، ۲۳/ ۱)، کتاب گیلان (۵۹۷/ ۳، ۶۷۴/ ۱)، من متهم می‌کنم (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۷ -۸۳۶/ ۴)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ (۴۰۲ -۴۰۱).

کشاورز، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۷۹ ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش در مدرسه‌ی کشاورزی و سپس در مدرسه‌ی آلیانس فرانسه در تهران به پایان برد. وی در نوجوانی برای روزنامه‌ها و مجلات رشت مقاله می‌نوشت. کشاورز مدتی با کنسولگری روس در رشت همکاری داشت و زبان روسی را همان جا آموخت. او علاوه بر زبان‌های ترکی، روسی و فرانسه با زبان‌های انگلیسی و عربی نیز آشنا بود. وی مدتی معلم زبان فارسی در مدرسه‌ی مبلغین آمریکایی رشت بود. از اقدامات فرهنگی او تأسیس انجمن فرهنگی در رشت بود. وی پس از چندی به تهران آمد و در کنگره‌ی نویسندگان سمت منشی داشت و در همان جا با دهخدا و بهار و نیما یوشیج آشنا شد. او بیش از هفتاد سال از عمرش را به تألیف و ترجمه گذراند و کتابهای زیادی از زبان‌های روسی و فرانسه به فارسی ترجمه کرد. عاقبت در تهران از دنیا رفت. از آثار وی: «تاریخ ماد»، ترجمه؛ «امضای مرموز»، ترجمه؛ «بلا»، ترجمه؛ «دشمنان»، ترجمه؛ «اشکانیان»، ترجمه؛ «ترکستان نامه»، ترجمه؛ «عشق بی پیرایه»، ترجمه؛ «نهضت سربداران در خراسان»، ترجمه؛ «اسلام در ایران»، ترجمه؛ «حسن صباح»؛ «گیلان»؛ «هزار سال نثر پارسی»، در پنج مجلد؛ «چهارده ماه در خارک».[۱]

نویسنده، محقق، مترجم.

تولد: ۱۲۷۹، رشت.

درگذشت: ۱۳۶۵ ۱۸، تهران.

کریم کشاورز در مدرسه‌ی کشاورزی رشت و بعدها در آلیانس فرانسه در تهران تحصیل کرد. وی فعالیت فرهنگی خود را با مقاله‌نویسی در روزنامه‌های رشت آغاز کرد و توانست در آن شهر انجمن فرهنگ رشت را دایر کند. احاطه‌ی اصلی کشاورز به زبان روسی و فرانسوی بود. علاوه بر این به زبان گیلکی، ترکی، انگلیسی و عربی آشنایی داشت. کشاورز بیش از هفتاد سال از عمر خود را به ترجمه و تألیف گذرانید و اصولا گذران زندگی او از این راه بود.

کریم کشاورز از اعضای هئیت رئیسه «نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران» بود. داستان‌های مجموعه فی مدهٔ المعلوم (۱۳۵۵) حاصل دوران تبعید او در یزد (در سال‌های آخر حکومت رضاشاه) است. از آثار ترجمه اوست: آبیاری در ترکستان (بارتولد، ۱۳۵۰)؛ آشغالدونی (کارولینا ماریاژروس، ۱۳۵۱)؛ اشکانیان (دیاکونوف، ۱۳۴۴)؛ افسانه‌های کردی (رودنکو، ۱۳۵۲)؛ امضای مرموز (ژرژ سیمنون، ۱۳۴۱)؛ باران سیاه (ماسودزی ایبوسه، ۱۳۵۶)؛ بازی مرگ (استانلی گاردنر، ۱۳۴۲)؛ بلا (میخائیل لرمانتوف، ۱۳۲۵)؛ تاریخ ماد (ایگور میخائیلوویچ لرمانتوف، ۱۳۴۵)؛ تاریکی گرتلی (۱۳۴۵)؛ حسن صباح (برای نوجوانان، ۱۳۴۵)؛ چهارده ماه در خارک (۱۳۶۳)؛ خاطرات جنگ (شارل دوگل، ۱۳۴۲)؛ دشمنان (ماکسیم گورکی، ۱۳۲۶)؛ دوبروسکی (پوشکین، ۱۳۲۴)؛ دوران کودکی (ماکسیم گورکی، ۱۳۳۰)؛ رساله‌ی سلطانعلی مشهدی در خوشنویسی (۱۳۵۶)؛ روستائیان، روشنی‌ها، داستان مرد ناشناس (چخوف، ۱۳۲۳)؛ زارع شیکاگو (مارک تواین، از متن ترجمه شده‌ی فرانسه، ۱۳۲۹)؛ شبی در چهارراه (ژرژ سیمنون، ۱۳۴۱)؛ شهریار کوهسار (ادمون آبو، ۱۳۴۳)؛ عشق بی‌پیرایه (وانداوسیلوسکایا، ۱۳۴۶)؛ قربانعلی بک و نه داستان دیگر (محمد قلی‌زاده، ۱۳۵۵)؛ قهرمان دوران (میخائیل لرمانتوف، ۱۳۳۱)؛ کار دو طناب (ژرژ سیمنون، ۱۳۴۲)؛ کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول (ایلیا پاولوویچ پطروشفسکی، ۱۳۴۱)؛ کودکی، نوباوگی جوانی (تولستوی، ۱۳۴۵)؛ گزیده‌ی مقالات تحقیقی (بارتولد، ۱۳۵۸)؛ گیلان (برای جوانان، ۱۳۴۷)؛ لبخند بخت (گی دوموپاسان، ۱۳۴۱)؛ لنین (ماکسیم گروکی، ۱۳۲۳)؛ مقدمه‌ی فقه اللغه ایرانی (ارانسکی، ۱۳۵۸)؛ موژیک‌ها (آنتوان پاولویچ چخوف، ۱۳۲۳)؛ موضوع روسیه (کنستانتین سیمونوف، ۱۳۲۶)؛ نهضت سربداران در خراسان (پطروشفسکی، ۱۳۴۱)؛ وجدان گمشده (ترجمه داستان‌هایی از روسی، ۱۳۵۵)؛ هزار سال نثر فارسی پنج جلد، (۱۳۴۵)؛ یادداشت‌های حسنک یزدی در سفر گیلان (۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۸ ش ۶، ص ۳۳۸ -۳۳۴)، الذریعه (۲۷۰/ ۱۵ ،۱۷۱/ ۸)، روزشمار تاریخ (۲۷۹/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۳۴، ۳۱۸۸، ۳۱۸۵، ۲۸۲۴، ۲۸۰۰، ۲۶۸۹، -۲۶۸۸، ۲۶۲۹، ۲۵۸۲، ۲۵۷۳، ۲۳۰۵، ۲۰۹۴، ۱۸۲۰/ ۲، ۱۴۸۶، ۱۴۶۴، ۱۴۶۱ -۱۴۶۰، ۱۴۳۴، ۱۲۳۹، ۱۱۷۳، ۷۴۴، ۵۱۳، ۴۴۰، ۲۳۸/ ۱)، کتاب گیلان (۷۴۱/ ۳، ۷۱۴، -۷۱۳، ۲۸/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۵)، کلک (س ۲، ش ۲۰، ص ۲۰۶ -۲۰۳)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸ ص ۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳ -۷۱/ ۵).

کشاورزی، آرش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیوگرافی آرش کشاورزی :

متولد : ۲۷/۱۱/۶۵

قد : ۱۹۸

وزن :۹۱ (اضافه وزن داره)!!

محل تولد : اسلامشهر

ساکن : تهران

اصالت : سراب

تحصیلات : دیپلم ریاضی

کشفی بروجردی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن العالم الجلیل السید محمد بن العلامه الورع السید ریحان‌اللّه بن العالم العلام و الحجه القمقام الایه العظمی السید جعفر کشفی بروجردی (صاحب کتاب تحفه الملوک و اجابت المضطرین و کتب دیگر از علماء اعلام و دانشمندان کرام معاصر تهرانست.

وی در ماه رجب ۱۳۲۱ قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت و رشد در مهد علم و سیادت و شرف و اصالت و خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح در تهران به قم مشرف شده و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری استفاده کرده آنگاه به نجف مهاجرت نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و کسب فیض نموده و به تهران مراجعت و

در مسجد سراج‌الملک واقع در خیابان امیرکبیر به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تا حال حاضر که قریب سی و پنج سال است بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد. از آثار ایشانست تفسیر سوره یوسف علیه‌السلام و تقریرات اساتید قم و نجف.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشفی بروجردی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی کشفی بن العلامه التقی السید ریحان‌اللَّه بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه السید جعفر کشفی بروجردی از علماء گذشته تهران و عموی مترجم سابق‌الذکر است که در سال ۱۳۱۶ قمری در تهران متولد شده و پس از تحصیل علوم جدیده نزد ادیب تهرانی و آقا شیخ علی رشتی به تعلیم علوم ادبی و عربی پرداخته و در سال ۱۳۴۱ قمری به قم آمده و خدمت حاج شیخ فاضل و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه رفیعی قزوینی و مرحوم میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی تلمذ نموده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللَّه موسس حایری استفاده کرده تا پس از فوت آن مرحوم که به تهران مراجعت و به ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول و علوم ریاضی و تفسیر که در حوزه علمیه هم اشتغال داشت پرداخته و اثرات و خاطرات نیکوئی از خود در دل مردم تهران باقی گذارد تا سال ۱۳۶۷ قمری داعی حق را اجابت و با تجلیل فراوان جنازه‌اش حمل به قم و در قبرستان آیت‌اللَّه حایری مدفون گردیده است.
نگارنده گوید: مرحوم حاج سید مهدی کشفی مانند اسلاف پاکش از علماء مروج و پرهیزکار زمان خود بوده و شاگردان متدین و با تقوائی تربیت نموده و اجدادش دارای مقامات کشف و معنویت بودند مخصوصا مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید جعفر کشفی که صاحب تألیفات عدیده مفیده و واجد مراتب کمال و کرامت بودند و در بسیاری از کتب تراجم شرح احوالش مسطور می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشفی جزی، روح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۷۶ هجری شمسی و متوفی به سال ۱۳۴۱ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری سرطان در سن ۶۳ سالگی دار فانی را وداع گفت و در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان مدفون می‌باشد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه دیانت اصفهان زیر نظر مرحوم میرزا عباس نحوی و صرف و نحو و فقه و اصول را در محضر علمای طراز اوّل اصفهان مانند مرحوم میرزا شیخ علی یزدی و سیّد عبدالباقی و میرزا احمد اصفهانی و آقا عبدالجواد آدینه شروع و به پایان رسانیده و قسمتی از درس خارج را نیز نزد مرحوم آخوند ملّا عبدالکریم گزی فرا گرفته است. از سال ۱۳۰۳ به خدمت آموزش و پرورش که در آن موقع به وزارت معارف و اوقاف موسوم بوده، درآمد. بعداً به سمت نماینده فرهنگ شهرستان لار و داراب فارس و کازرون و اصطهبانات منصوب شد. او مجدداً به اصفهان منتقل شد و از سال ۱۳۲۸ به سمت رئیس اداره اوقاف نجف‌آباد منصوب و تا پایان سال ۱۳۳۷ یعنی پایان خدمت اداری و بازنشستگی در این شهرستان خدمت نموده است.
آن مرحوم علاوه بر مطالب علوم جدید و حوزوی در فن شعر و شاعری و شعرشناسی و تحقیق و تتبع در ادبیات فارسی و عرب شأن و مقامی‌والا داشته و در هنر خطشناسی و خوشنویسی که از میراث اجداد والامقام و دانشمند خویش بوده بهره کافی داشته و قسمتی از اشعار و حتی از قصاید و غزلیات آن مرحوم توسط فرزندان دانشمند و برومند ایشان آقایان: آقا سیّد مهدی و سیّد محمّدعلی و آقا ریحان و دکتر سیّد محمود کشفی جزی، تحت عنوان «تحفه کشفی»، به زیور طبع آراسته شده و از آثار دیگر ایشان تحت عنوان «تلخیص الأغانی» با حاشیه و برداشتهای شخصی ایشان و برگزیده‌های دیگر اعم از مطالب نظم و نثر فارسی و عربی و عرفان و یادداشت‌های دیگری موجود است که امید است با همت فرزندان ایشان، آنها نیز به زیور طبع آراسته گردند و افتخارات دیگری بر افتخارات گذشته پدر مغفور خود بیافزایند و نسبت به غنای هر چه بیشتر ادبیات فارسی و عربی و اصلاح مطالب تدوین شده در رساله‌های خویش و استنساخ شده نظیر رساله «کسر اصنام جاهلیه» از رساله «سه اصل» و «تفسیر منشئات ملّاصدرا» که توسط آن مرحوم با خط شیوا و ذوق خاص بازنویسی و حاشیه زده شده است و چند نمونه خطی دیگر که ضمیمه همین یادداشتها شده، راه را برای مطالعه علاقمندان و دانش‌پژوهان دیگر در این راستا هموار نماید.
باید توجه داشت که آن مرحوم از سادات کشفی دارابی و از سادات صحیح‌النسب منطقه داراب و اصطهبانات فارس می‌باشد. پدرش مرحوم سیّد محمود کشفی ابن سیّد مصفی بن سیّد الجلیل ابی‌الحسن جعفر معروف به علاّمه کشفی و مادرش مرحوم طوبی‌بیگم کشفی مدفون در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان، دختر مرحوم آقا سیّد سینا کشفی ابن سیّد جعفر کشفی بوده که بنابر آنچه در شجره‌نامه ذکر شده، با ۳۷ واسطه به امام همام حضرت موسی بن جعفر می‌رسد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

کشفی دارابی بروجردی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۶۷ -۱۱۸۹ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در ۱۲۰۸ ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبهٔ المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملا عبداللّه بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت. از آثار وی: «اجابهٔ المضطرین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفهٔ الملوک»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیهٔ»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایهٔ الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوک»، در عدالت سلطان؛ «نخبهٔ العقول فی علم الاصول»؛ «سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر.[۱]

مرحوم سیّد جعفر کشفی دارابی از اعاظم علماء قرن ۱۳ سیزدهم (۱۲۶۷-۱۱۹۱ هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوایف و صراط المستقیم فی سلوک الخلایف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال ۱۳۵۷ می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی‌بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سیّد جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادر فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سیّد محمّدمهدی بحرالعلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی‌نظیر و در ردیف اعاظم علمای امامیه در قرن ۱۳ هجری محسوب می گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است. در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال ۱۲۶۷ در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سیّد علی عارف کشفی و سیّد موسی نجل مرحوم سیّد جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمّد صالح کشفی خوشنویس قرن ۱۱ هجری که در صفحه ۷۱ کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۱۰۳)، اعیان الشیعه (۸۵/ ۴)، ایضاح المکنون (۶۳۱، ۵۸، ۴۸/ ۲، ۲۵۹/ ۱)، تاریخ بروجرد (۳۰۶ - ۳۰۳، ۲۹۶ -۲۸۰، ۲۷۳، ۲۷۲ -۲۷۲/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۰ -۸۸/ ۲)، الذریعه (۹۷/ ۲۴، ۳۲۷، ۳۲۶ -۴۹/ ۲۳، ۲۲۵/ ۲۱، ۸۹ -۸۸/ ۱۸، ۱۰۵/ ۱۵، ۲۵۹/ ۱۴، ۲۳۲/ ۱۲، ۱۷۷، ۱۷۶ -۱۷۶/ ۱۰، ۹۱۱/ ۹، ۴۷۱، ۸۷/ ۳، ۱۲۱، ۱۲۰ -۱۲۰/ ۱)، ریحانه (۶۱ -۶۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۲ -۲۴۱/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۴۵۵/ ۳)، فارسنامه (۱۲۶۰/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ دارابی)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۷۹ -۱۰۷۸/ ۳)، مکارم الآثار (۱۸۵۸ -۱۸۵۵/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳ -۳۳۲/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۲۵۶/ ۱).

کشمیری زاده شیرازی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۹ ش)، روزنامه نگار. اهل فارس بود. در هفده سالگی وارد مدرسه‌ی ژاندارمری شیراز شد. وی با رکن زاده آدمیت، صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، دوستی داشت. چندی در شهربانی کل کشور و وزارت دارائی خدمت کرد و در ۱۳۱۲ ش به تهران آمد و در ۱۳۱۴ ش از خدمات دولتی کناره‌گیری کرد. وی در ۱۳۲۶ ش سردبیر روزنامه‌ی «ندای ایران» شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۰/ ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۵/ ۵).

کشمیری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شید محمد رضی رضوی کشمیری که اکنون از ائمه جماعت تهران می‌باشند.

تولد ایشان در نجف اشرف واقع شده و در حجر چنان پدر متقی و عالمی پرورش یافته و علوم معموله را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه نجف آموخته و به تألیف پرداخته تـا در این تحولات و انقلابات اخیر عراق که ناچار به مهاجرت به ایران گشته و در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین از طریق بیان و قلم اشتغال دارد و از آثاری که از ایشان به طبع رسیده کتب زیر است.

۱- التحفهٔ الرضویه فی مجربات الامامیه دو بار به طبع رسیده.

۲- الاولیات من الحادثات والمستحدثات ج ۱ به طبع رسیده.

۳- لماذا اخترناالدین الاسلامی ج ۱ به طبع رسیده.

و کتب دیگری که در شرف طبع می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری‌زاده شیرازی، نصرهٔ الملوک، نصرت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۶ ش)، معلم، مترجم و روزنامه نگار. اجدادش همه دارای فضل و دانش و عرفان بودند. وی همسر محمد رضا کشمیری زاده می‌باشد. در ۱۳۲۰ ش از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات خارجی فارغ‌التحصیل و در وزارت فرهنگ استخدام شد و در مدارس شیراز به تدریس پرداخت. وی از معتقدان نهضت ملی نفت ایران بود. او در ۱۳۲۶ ش امتیاز روزنامه‌ی «ندای ایران» را گرفت. از دیگر آثارش: «چگونه می‌توان خوشبخت بود»، ترجمه؛ «سرگذشت خانواده‌ی ویک فیلد»، ترجمه؛ «گلهای خندان»، قانون تعلیم و تربیت نوزادان از قنداقه تا حد بلوغ، ترجمه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۲ -۲۴۱/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۶۷ -۲۷۶۶، ۱۹۶۷/ ۲، ۱۱۱۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۰/ ۶).

کشمیهنی مروزی، ابوالهیثم محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۹ ق)، فقیه، محدث، ادیب و زاهد. اصل وی از کشمیهن مرو است به عراق و حجاز سفر کرد و درک محضر شیوخ بسیاری نمود. وی «صحیح» بخاری را در فربر به کرات از ابوعبداللّٰه فربری شنید و آخرین کسی است که آن را به عالی‌ترین اسناد روایت کرد، لذا در شرق و غرب شهرت یافت. او در مرو از عمر بن احمد جوهری و در سرخس از ابوالعباس محمد بن عبدالرحمان دغولی و در نیشابور از ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم و در ری از ابوحاتم و سقندی و در بغداد از ابومحمد جعفر بن محمد خلدی و در کوفه از ابوالحسن علی بن محمد شیبانی و در مکه از ابوسعید احمد بن محمد اعرابی و جماعتی دیگر چون (عبداللّٰه بن) محمد بن ابراهیم مروزی داعونی و محمد بن احمد بن عاصم و اسماعیل بن محمد صفار حدیث شنید. ابوذر هروی و ابوعثمان سعید بن محمد بحیری و ابوالخیر محمد بن ابی‌عمران صفار و ابوسهل محمد بن احمد حفصی و کریمه مروزیه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۷۶/ ۵)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۸۹/ ۴۰۰-۳۸۱)، سیر النبلاء (۴۹۲ -۴۹۱/ ۱۶)، شذرات الذهب (۱۳۲/ ۳)، العبر (۱۷۸ -۱۷۷/ ۲).

کعبی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس کعبی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ‌الاسلام و المسلمین کعبی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در منطقه «لشکرآباد اهواز» و در میان خانواده‌ای متدین و معتقد به مبانی مستحکم اسلام به دنیا آمد. عشق به اهل بیت (ع) و روحانیت شیعه از وی انسانی متدین و مجاهد ساخته و در همان دوران

نوجوانی او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مدارس اهواز سپری نمود. شرکت وی در مجالس و محافل مذهبی و حضور علمایی همچون: «حاج شیخ صالح طرفی» و «مرحوم حاج سید عبدالمطلب جزایری» در مسجد جامع لشکرآباد سبب شد تا در سن سیزده سالگی و بنا به توصیه پدر، همزمان با تحصیل در مقطع دبیرستان به مدرسه علمیه «آیهٔالله کرمی» رفته، دروس حوزوی را فرا گیرد.

وی در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه اهواز رفته به صورت رسمی تحصیلات حوزوی خود را پی می‌گیرد. با اوج گیری انقلاب و حضور جدی در مبارزات پیش از انقلاب و نیز فعالیتهای پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی وقفه‌ای چند ساله در سیر درسی ایشان ایجاد می‌شود اما در سال ۱۳۶۰ مجدداً تحصیلات حوزوی را پی گرفته برای استحکام بنیهٔ علمی خود، دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی اهواز بازآموزی می‌کند. در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت کرده و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج حضرات آیات: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «صافی گلپایگانی»، «جعفر سبحانی»، «سید کاظم حائری» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شرکت کرد.

حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی با اهتمام ویژه‌ای که به مباحث تفسیری و معارف اسلامی داشت از محضر حضرات آیات: «مشکینی»، «جوادی آملی»، «مصباح یزدی» و «مظاهری» کسب فیض نمود. وی در طول سالهای تحصیل خود در درسهای اخلاق شرکت می‌جست و به تهذیب نفس (به عنوان مهمترین دغدغه درسی خود) اهمیت بسیار می‌داد. حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی همزمان به تحصیل در دانشگاه نیز پرداخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مجتمع آموزش عالی قم و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به پایان رساند.

حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی فعالیتهای بسیاری را در زمینه تدریس و تألیف به انجام رسانده است. او تدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شروع کرده و تاکنون به تدریس دروس بسیاری از جمله تدریس کتابهای: (لمعه، رسائل، مکاسب، حلقات اصول شهید صدر و نیز شش سال خارج فقه و اصول) توفیق یافته است. همچنین مباحثی نظیر: (علوم حدیث، درایه، نهج البلاغه، تاریخ اسلام، ولایت فقیه، فلسفه و فقه روابط بین‌الملل) را بارها تدریس فرموده‌اند. استاد کعبی در دانشگاه نیز دروسی همچون: (فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، نظام حقوقی در اسلام، دولت و نظام سیاسی در اسلام، حقوق کار و ...) را بارها تدریس کرده است. وی همچنین بیش از پنجاه دوره حقوق اساسی را تدریس کرده است.

او در زمینه مباحث فقهی و حقوقی دارای تألیفات بسیاری است که از آن جمله می‌توان به کتاب: «الحصیله فی حکم الجهاد الابتدائی فی عصر الغیبهٔ»، «احکام المیت»، «النظام القانونی فی الاسلام مقارناً بالنظم الوضعیهٔ المعاصرهٔ»، «فلسفه سیاست» و ... اشاره کرد. بسیاری از جزوات و دست نوشته‌های ایشان به عنوان کتب درسی در مراکز حوزوی و دانشگاهی در حال تدریس است. جزواتی نظیر: «علوم الحدیث و الدرایهٔ»، «مصادر الحدیث»، «مجموعه درسهایی از نهج البلاغه»، «ضمانت اجرائی قانون اساسی»، «تبیین ولایت فقیه از منظر فقهی، حقوقی و سیاسی». ارائه مقالات علمی در همایشها، ضمن طرح راهکارهای مناسب در حل برخی معضلات و پرسشهای فقهی و حقوقی از ویژگیهای بارز استاد کعبی است. بیشترین این مقالات در زمینه‌های فقهی و حقوقی بوده که از جمله آنها می‌توان به «نوآوریهای فقهی آیهٔالله نائینی و آیهٔالله شیخ فضل الله نوری»، «کنکاشی در اختیارات رهبری»، «شیوه مجازات اسلامی و اجرای علنی حدود» و «دبیر علمی همایش مردم سالاری دینی» که مجموعه مقالات آن در دو مجلد منتشر گردید، اشاره کرد.

او در کارنامه خود، سفرها و مصاحبه‌های علمی بسیاری را به ثبت رسانده که «حضور در کنفرانس دین و توسعه دانشگاه بیروت» و «انجام مصاحبه و مناظره با آقای تیموتی ویلیام واترز استاد دانشگاه هاروارد در کنفرانس حقوق بشر» از آن جمله‌اند. فعالیتهای علمی و فرهنگی، استاد کعبی را از فعالیتهای گوناگون در عرصه سیاست باز نداشته است. او که همواره پایبندی خود را به امام (ره)، نظام و ارزشهای انقلاب اعلام داشته از سنین نوجوانی در فعالیتهای مبارزاتی پیش از انقلاب حضوری جدی داشته است. پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی در زمینه محرومیت زدایی و توزیع زمین برای خانه سازی محرومان و نیز مبارزه با گرانفروشی حضوری جدی داشت.

با شروع جنگ تحمیلی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و فعالیت‌های فرهنگی و نظامی خود را در بخش عربی سپاه آغاز کرد. در سال ۱۳۶۰ به لبنان رفت و همراه با شهید سید عباس موسوی دبیرکل سابق حزب الله لبنان و سیدحسن نصرا... به سازماندهی تشکیلات حزب الله پرداخت. او مدت ۴۶ ماه از عمر خود را در جبهه‌های دفاع مقدس گذرانده و دو بار نیز در مناطق عملیاتی مجروح شده است. از جمله فعالیتهای حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی در این عرصه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، مخبری کمیسیون سیاسی ـ اجتماعی، نائب رئیسی کمیسیون حراست و پاسداری از ولایت فقیه و نیز عضویت در کمیسیون تحقیق است. استاد کعبی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از حقوقدانان شورای نگهبان است.

کفرانی رویدشتی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی بن محمدبن قدیر. در اصفهان متولد، و در نجف در خدمت جمعی از افاضل تحصیل نموده، و اخیرا به درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شده، و سال‌ها در محضر او تلمذ فرموده، و به ایشان اختصاص یافته، و مقرر درس ایشان بوده، و پس از فوت استاد حوزه‌ی درس داشته، و در مسجد هندی تدریس می‌نموده، و جمعی از افاضل به درس او حاضر می‌شده‌اند.

در سال ۱۳۱۷ وفات یافته، در نجف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کفری کرمانشاهی تهرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۴۵ ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. مشهور به کفری. در کرمانشاه به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در موطن خود و علوم دینی در نجف اشرف، برای ادامه تحصیل وارد دارالفنون شد و طب قدیم را نزد حاج میرزا عبدالباقی اعتضاد الاطباء و طب جدید را نزد دکتر تولوزان فرانسوی آموخت. بعدها، به تشویق دکتر تولوزان، برای تکمیل رشته طب در ۱۲۸۷ ق به پاریس عزیمت نمود و مدت زیادی در بیمارستانها و مدارس آن شهر مشغول کار و آموختن علم بود. در ۱۲۹۶ ق پس از گذراندن پایان‌نامه‌ی خود موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در طب از دانشکده‌ی پزشکی آنجا شد. بعد از مراجعت به ایران، به توسط علیقلی خان مخبر الدوله، به دربار ناصرالدین شاه معرفی گشت و مدتی طبیب تلگرافخانه، معلم طب فرنگی دارالفنون، پزشک دربار قاجار و رئیس بیمارستان دولتی ابن‌سینای کنونی شد. ولی بعدها کم کم از تمام این مشاغل عزل گردید و در ۱۳۰۵ ق به عنوان طبیب مخصوص حسنعلی خان گروسی، امیر نظام پیشکار آذربایجان، به تبریز رفت و مدتی با او بود. پس از بازگشت خانه‌نشین شد و در خانه به طبابت و تدریس پرداخت و علاوه بر آن به ترجمه‌ی کتب علمی به خصوص طب، جراحی و هیتولوژی نیز می‌پرداخت. علت شهرت وی به کفری مخالفت تند و صریح او با خرافات و موهومات بود. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثارش: «امراض الاطفال»، ترجمه؛ «ضیاء الناظرین»، تشریح چشم، ترجمه؛ «کوفت»، رساله‌ای در امراض مقاربتی؛ «ژیل بلاس»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۹۱/ ۴)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۲۳۶/ ۲)، الذریعه (۱۸۴/ ۱۸، ۱۳۱/ ۱۵، ۳۴۸/ ۲)، شرح حال رجال (۲۷۸ -۲۷۵/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۹۸، ۲۲۴۳، ۱۸۸۹ -۱۸۸۸/ ۲، ۳۳۳/ ۱)، المآثر و الآثار (۲۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۸ -۶۹۵/ ۵).

کلابزی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۰/ ۳۱۶/ ۳۱۲ ق)، ادیب، لغوی و نحوی. نسبتش به کلابزی به مناسبت حفظ، نگهداری و تربیت سگهای شکاری است. محضر مازنی را درک کرد و فنون ادب را از مبرد فراگرفت. او از ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی روایت کرده و ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی از وی روایت می‌کند. وی در نحو و لغت متقدم و عهده‌دار منصب قضای شام بود. او در بصره درگذشت. از آثار وی: «شرف الفقر علی الغنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۱۶/ ۵)، ریحانه (۷۰/ ۵)، کشف الظنون (۱۰۴۵)، معجم الادباء (۳/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۰۵/ ۱).

کلباد

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پسر ویسه، پهلوانی تورانی که در جنگ دوازده رخ به دست فریبرز پسر کاوس کشته شد. گویند این جنگ در کوه گنابه واقع شده:

«ز گردان گزین کرد (پیران) کلباد را

چو نستیهن گرد پولاد را»

(شا. بخ. ۷۲۴ :۳)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کلباسی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در نجف به درس آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی حاضر شده، و در سال ۱۳۳۷ در نجف اشرف وفات یافته، و هم در آن زمین مقدّس مدفون گردید.

در ماضی النجف و حاضرها تولّدش را ۱۲۷۹ در اصفهان، و وفات را در ۱۳۳۵ در نجف می‌نویسد، و از تألیفاتش ۱- حواشی بر کفایه ۲- رسائلی در فقه ۳- السعهٔ و الرزق، مجموعه احادیث مربوط به آن را نام می‌برد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، ایران

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر ایران کلباسی در سال ۱۳۱۸ در شهر اصفهان متولد گردید. ایشان دارای دکتری رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱است .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : - دریافت گواهی نامه ششم ابتدایی : دبستان دانش ،اصفهان ۱۳۳۱ - دریافت دیپلم متوسطه : دبیرستان شاهدخت سابق ،اصفهان رشته علوم طبیعی ،۱۳۳۷ - دریافت گواهی نامه کارشناسی:در رشته زبان و ادبیات فارسی، از دانشگاه شیراز، در سال ۱۳۴۲ - دریافت گواهی‌نامه ارشد:در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۶ - دریافت گواهی نامه دکتری:در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۱

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی ایران کلباسی به قرار زیر است: - استخدام در وزارت آموزش و پرورش، در اصفهان، ۱۳۳۷ - رئیس انستیتو تربیت معلم، وابسته به وزارت آموزش و پرورش در تهران، از سال ۱۳۵۱-۱۳۵۳ - انتقال از آموزش و پرورش به فرهنگستان سابق زبان ایران، در تهران، در سال ۱۳۵۳ - انتقال به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در تهران بعد از انقلاب اسلامی - استفاده از فرصت مطالعاتی، در دانشگاه لندن، مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی (SOAS) در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۱ - استاد، پژوهشگر و مدیر فعلی گروه گویش شناسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - مدیر فعلی گروه گویش شناسی در انجمن زبانشناسی ایران

فعالیتهای آموزشی : ایران کلباسی در دانشگاههای تهران ،شهید بهشتی ،الزهرا،علوم پزشکی ایران ، پیام نور ،پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس می پردازد.

آرا و گرایشهای خاص : ایران کلباسی در زمینه گویش های ایرانی تخصص دارد و بیشتر مقالات خود را در این زمینه نوشته است.
چگونگی عرضه آثار : - تعداد راهنمایی پایان نامه های دکتری و کارشناسی ارشد در رشته زبانشناسی همگانی : بیش از ۱۰۰ رساله - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها به همراه ایراد سخنرانی : بیش از ۴۰ مورد - تعداد تالیف کتاب : ۱۰ کتاب - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی : ۵۶ مقاله --
----

آثار :

۱ بررسی ساخت واژه در زبان رومانو(۱۳۷۳)

۲ زبان فارسی و زبانهای محلی

ویژگی اثر : دانشکده مکاتبه ای، ۱۳۵۵

۳ ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱

۴ ساخت واژه در گویش کلیمیان اصفهان

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳

۵ ساخت واژه در گویش لاری

۶ ساختمان آوایی در فارسی

۷ فارسی اصفهانی

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۰

۸ فارسی ایران و تاجیکستان

ویژگی اثر : دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴

۹ گویش کلاردشت (رودبارک) بپژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ویژگی اثر : ۱۳۷۶

۱۰ گویشهای ایرانی و لهجه های فارسی (۱۳۷۱)

۱۱ گویشهای کردی مهاباد

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،۱۳۶۲

منابع زندگینامه : http://www.ihcs.ac.ir/User/People.aspx?ID=۳۳۲۲۱پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران

و جهان ، ج ۲ ، ص ۱۴۲۴۳تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر ایران کلباسی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی- پاییز ۱۳۸۶

کلباسی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی.

عالم فاضل زاهد محقق جامع، امام مسجد حکیم، و مدرس در آنجا. عمر عزیز خود را به تألیف کتب و رسائل، و درس و بحث، و اقامه‌ی جماعت، و رفع خصومات و مرافعات می‌گذرانیده، و مواظب آداب شرعیه بوده، به طوری که کمتر مستحبی از او فوت می‌شده.

در خدمت پدر بزرگوار و جمعی دیگر تلمذ نموده، و از پدر و حاج سید محمد باقر [شفتی] و شیخ حسن نجفی [صاحب جواهر] اجازه داشته.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ - انوار التنزول ۲ - رساله در آداب نفس ۳ - رساله در میراث ۴ - رساله در صوم ۵ - رساله در جنایز ۶ - رسائلی در رجال ۷ - شرح تهذیب علامه ۸ - شرح خلاصهٔ الحساب ۹ - شرح «نتایج» سید ابراهیم قزوینی ۱۰ - کتابی در حدود و دیات ۱۱ - کتابی در طهارت و صلات، با استدلال ۱۲ - منبع الحیات، در اصول، که به فرموده‌ی حاجی، جمع عبارت علمای اصول نموده، از متقدمین و متأخرین، در ۱۵ مجلد ۱۳ - نور حدقهٔ الناظرین، در آداب و اخلاق و ادعیه و مواعظ ۱۴ - هدیهٔ الشیعهٔ، که رساله‌ی عملیه‌ی ایشان است؛ و غیره.

در روز جمعه ۲۲ ربیع‌الاول سال ۱۲۹۲ وفات یافته، داخل بقعه‌ی پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلیشادی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمد حسین بن حاج میر محمد صادق معروف به «سید مغنی‌گو». عالم فاضل ادیب شاعر نحوی، مدرس مدرسه‌ی شاهزاده‌ها.

به مناسبت تخصص ایشان در تدریس کتاب «مغنی اللبیب» به سید محمود مغنی معروف بوده، جمعی کثیر از فضلای اصفهان در خدمت او تحصیل نموده‌اند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اربعیه، در نحو ۲- جنگ، در متفرقات، در چهار مجلد، در کتابخانه‌ی مرحوم آقا میرزا محمد رضا الهی موجود بود، و حاوی مطالب مفیده از صرف و نحو و حدیث و اخبار و اشعار می‌بود. ۳- درر منتظمه، الفیه، نسخه‌ی آن نزد نگارنده موجود است. ۴- کتابی در مواعظ ۵- مختصر کتاب «غرر و درر» سید مرتضی ۶- مختصر اکسیر العبادات ۷- محمودیهٔ، در نحو ۸- ناصریه، در نحو، و ظاهرا با محمودیه یک کتاب باشد.

صاحب عنوان در شب ۵ شنبه ۸ ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۴ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. قبرش در قسمت‌های جنوبی خانه‌های تخت فولاد، در تکیه‌ای کوچک قرار دارد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلینزمن، یورگن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یورگن کلینزمن در ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۶۴ در گوپینگن آلمان متولد شد. وی به عنوان بازیکن تیم ملی آلمان توانست در مسابقات جام جهانی فوتبال ۱۹۹۰ به مقام قهرمانی جهان دست یابد و در سال ۱۹۹۶ نیز قهرمان اروپا شود.

کلینزمن از ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۴ و زمانی که ۴۰ سال داشت از سوی فدراسیون فوتبال آلمان به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال این کشور منصوب شد و به همراه الیور بیرهوف و یوآخیم لو تصمیم گرفت تا تیم ملی آلمان را در کشور خودش قهرمان جهان کند. او پس از اینکه با تیم جوان آلمان توانست در مقابل برزیل بازی را با نتیجه مساوی یک بر یک به پایان برساند

توانست تیم ملی آلمان را در مقابل تیم ملی اتریش پیروز از زمین بیرون آورد.

سرمربی تیم ملی فوتبال آلمان چند ماه مانده به برگزاری مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ مورد انتقادات شدید از سوی رسانه‌ها، سیاستمداران و ورزش دوستان قرار گرفت. بخصوص پس از شکست ۴ بر ۱ تیمش در مقابل تیم ملی ایتالیا در اول مارس ۲۰۰۶ در معرض انتقادات بیشتری قرار گرفت.

افتخارات کلینزمن: قهرمانی جهان ۱۹۹۰

قهرمانی اروپا (کاپیتان) ۱۹۹۶

قهرمانی جام یوفا ۱۹۹۱ – ۱۹۹۶

قهرمان لیگ آلمان ۱۹۹۷

قهرمان باشگاه‌های آلمان ۱۹۹۷

قهرمان سوپرجام ایتالیا ۱۹۸۹

آقای گل بوندس لیگا ۱۹۸۸

آقای گل جام یوفا ۱۹۹۶

بهترین بازیکن آلمان ۱۹۸۸ و ۱۹۹۴

بهترین بازیکن لیگ برتر انگلیس ۱۹۹۵

کماری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی موسوی ابن العالم الجلیل الحاج سید محمد کماری که به بیست و شش واسطه بامام هفتم علیه‌السلام می‌رسد از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر تهرانست.

وی در بیست و ششم ذی‌الحجه ۱۳۲۳ قمری در تبریز متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات سطوح را در خدمت مرحوم حاج مولینا و آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خوانده و در سال ۱۳۴۶ قمری به قم آمده و در خدمت مرحوم میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حجت قدس اللّه اسرارهم تلمذ نموده و در سال ۱۳۵۰ مهاجرت به نجف و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی رضوان اللّه علیهم استفاده کافی و وافی نموده و در سال ۱۳۶۰ قمری با دریافت اجازات اجتهاد از آیات عظام نجف مراجعت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و تا اکنون بتدریس و امامت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در مسجد امامزاده زید واقع در بازار تهران اقامه جماعت می‌نمایند.

از آثار علمی ایشانست کتابهائی که نگارنده مطالعه کرده ولی متأسفانه بطبع نرسیده و بعضی از آن هم تکمیل نشده است و آنها از این قرار است ۱- مباحث الفاظ دو جلد ۲- مباحث عقلیه ۲ جلد ۳- رساله‌ای در اجاره ۴- رساله‌ای در قاعده لاضرر ۵- کتابی در حج و مناسک آن علمی و استدلالی ۶- شرحی بر وسیله.

(۱۳۲۳- ز ۱۳۶۰ ق)، عالم دینی و فقیه. نسب وی به بیست و شش واسطه به امام هفتم (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پدرش، آیت‌اللّه سید محمد کماری از علمای معروف تبریز بود. او میان خانواده‌ای اهل کمال پرورش یافت. پس از فراگیری مقدمات، سطوح را در خدمت حاج مولانا و میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خواند. در ۱۳۴۶ ق به قم رفت و در خدمت میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه شیخ محمد علی حایری قمی و آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه حجت تلمذ نمود. در ۱۳۵۰ ق به نجف مهاجرت کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللّه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کافی برد و در ۱۳۶۰ ق با دریافت اجازات اجتهاد از استادانش در نجف، به تهران آمد و به تدریس و امامت و انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: «مباحث الفاظ»، در دو مجلد؛ «مباحث عقلیه»، در دو مجلد؛ رساله‌ای در «اجاره»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ کتابی علمی و استدلالی در «حج و مناسک»؛ شرحی بر «وسیله».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۳۵ -۵۳۳/ ۴).

کمال اصفهانی، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ / ۱۳۲۵ / ۱۳۲۴ -۱۲۵۰ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به کمالی. در ابرقو به دنیا آمد. در کودکی به اتفاق پدر و خانواده‌اش به اصفهان مهاجرت کرد و در همان شهر به پیشه‌ی آهنگری مشغول شد. او از بیست و سه سالگی شروع به تحصیل کرد و خواندن و نوشتن آموخت. سپس به تهران آمد و با همکاری سید ابراهیم خان کرمانی و سید محمد رضا مساوات و شیخ احمد قزوینی به مجامع آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان راه یافت و با سرودن اشعار سیاسی و اجتماعی مهیج به یاری آنان برخاست. کمالی در ۱۲۸۹ ش روزنامه‌ی «پیکار» را تأسیس و منتشر کرد که بعد از چند شماره توقیف شد. وی در دو دوره نماینده مردم نیشابور در مجلس شورای ملی بود، ولی چون طبعش مایل به سیاست نبود مجالست با ادبا و نویسندگان را بر نمایندگی مجلس ترجیح داد و تا روزگار پیری با شعرا و نویسندگان جوان معاشرت داشت. وی سرانجام در تهران درگذشت. لازم به ذکر

است که صاحب «الذریعه» وفات او را ۱۳۵۵ ق (حدود ۱۳۱۵ ش) ذکر کرده است. از آثارش: افسانه‌ی تاریخی «لازیکا»، رمان؛ «مظالم ترکان خاتون»، رمان؛ منتخب «اشعار» صائب؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۸۳ -۸۲)، ادبیات نوین (۶۶ -۶۵)، از نیما تا روزگار ما (۲۲۹ -۲۲۸)، تاریخ جراید (۸۷ -۸۶/ ۲)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۹۰ -۳۸۸)، تذکرهٔ القبور (۳۷۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۸۰۷ -۸۰۵)، الذریعه (۳۷۳/ ۲۲ ،۱۶۱/ ۲۱ ،۲۶۸/ ۱۸ ،۹۲۱/ ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۳ -۲۸۸/ ۵)، سخنوران نامی (۳۵۷ -۳۴۸/ ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۹۶۳ -۲۹۵۸/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۷۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۷۳ ،۲۹۰ ،۲۳۰/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ کمالی)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۰ -۹۷۹/ ۲)، نخبگان سیاسی ایران (۵۵۴/ ۴).

کمال اصفهانی، زین‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، شاعر و روزنامه‌نگار. پدرش از علمای بزرگ و خطبای نامور بود. کمال در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و دوره‌ی متوسطه را در تهران به پایان رساند. آنگاه در رشته‌ی علوم اداری و مدیریت به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس نایل شد. در ۱۳۲۵ ش به استخدام دولت درآمد و در مشاغل مختلف مدیریت انجام وظیفه کرد. وی از ۱۳۲۲ ش به روزنامه‌نگاری پرداخت و در آغاز با عباس خلیلی، مدیر روزنامه‌ی «اقدام»، همکاری نزدیک داشت. وی در ۱۳۳۹ ش اقدام به تأسیس انجمن ادبی کمال کرد. کمال از شعرای توانا و خوش قریحه بود و شعر مادر او به نام «جان هستی» برنده‌ی جایزه اول شعر تهران گردید که بیت اول آن این است:

ز ما بر تو ای جان هستی درود

که بگرفته هستی ز تو تار و پود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۹۵۷ -۲۹۵۱/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۷).

کمال پور، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد کمال پور ، متخلص به « کمال » در سال ۱۲۹۷ ، در مشهد دیده به جهان گشود. از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله های سرشور به آموختن قرآن ، دیوان حافظ و گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در مدرسه نظمیه که بعدها دبیرستان ابن یمین نام گرفت ، تحصیلات دوره ابتدایی را سپری کرد. تا سال ۱۳۱۰ که پدرش در قید حیات بود ، روزها را به تحصیل و شب ها را به خواندن شاهنامه حکیم توس در نزد پدر می گذراند. با درگذشت پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در منزل دایی اش که سرپرستی اش را به عهده گرفته بود ، به مطالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد. استادکمال پور اشتغال به کار را با کفاشی در بازار آغاز نمود. او در بازار توفیقی نیافت ، لذا حرفه کفاشی را رها کرد و به انجمن های ادبی پیوست. پس از فوت استاد فرخ ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی ، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید. او سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۹ ، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد ، بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد کمال پور از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله های سرشور به آموختن قرآن ، دیوان حافظ و گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در مدرسه نظمیه که بعدها دبیرستان ابن یمین نام گرفت ، تحصیلات دوره ابتدایی را سپری کرد. تا سال ۱۳۱۰ که پدرش در قید حیات بود ، روزها را به تحصیل و شب ها را به خواندن شاهنامه حکیم توس در نزد پدر می گذراند. با درگذشت پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در منزل دایی اش که سرپرستی اش را به عهده گرفته بود ، به مطالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد کمال پور که در سیزده سالگی پدر خود را از دست داد ، ناچار برای تحصیل و معیشت ، شاهنامه خوانی را وسیله کسب درآمد قرار داد ؛ او روزها به مدرسه می رفت و شب ها به شاهنامه خوانی می پرداخت.

استادان و مربیان : احمد کمال پور شاهنامه خوانی را نزد پدر فراگرفت. محمود فرخ در ارشاد و راهنمایی شعر او از عوامل موثر بود و سپس از استادان دکتر فیاض ، دکتر رجایی ، و نوید بهره ها گرفت.

هم دوره ای ها و همکاران : احمد کمال پور در انجمن های ادبی با افرادی چون باقرزاده (بقا) ، صاحبکار ، (سهی) ، قهرمان و غلامرضا قدسی معاشرت داشت.

زمان و علت فوت : احمد کمال پور در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۹ ، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد ، بر اثر عارضه قلبی

دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد کمال پور اشتغال به کار را با کفاشی در بازار آغاز نمود. او در بازار توفیقی نیافت ، لذا حرفه کفاشی را رها کرد و به انجمن های ادبی پیوست. پس از فوت استاد فرخ ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی ، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد کمال پور در آن هنگامی که شاعری را تجربه می کرد به انجمن ادبی سرگرد نگارنده راه آرا و گرایشهای خاص : احمد کمال پور که در شعر تخلص «کمال» را برگزید ، استاد قصیده سرایی به سبک خراسانی در عصر حاضر بود و به آن افتخار داشت: من خراسانی ام این است کمال من که سخن گویم ، با سبک خراسانی از سوی دیگر عشق به فردوسی و شاهنامه در روح و جان او ریشه داشت. او از خردسالی با این شاهکار ادب پارسی خو گرفته بود و شعر او در شاهراه حماسه و اسطوره به هدایت سخن سرای بزرگ توس جلوه گری داشت: کمال خراسانم و چامه ام را کند شاعر سیستان رهنمایی

جوائز و نشانها : در مهر ماه ۱۳۷۲ به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان ، کنگره بزرگداشت احمد کمال پور در محل دانشکده ادبیات مشهد برگزار شد. --

آثار :

۱ آیینه کمال

ویژگی اثر : در سال ۱۳۵۶ این مجموعه ، به کوشش محمدحسین ساکت ، در زمان بزرگداشت کمال چاپ گردید.

منابع زندگینامه :روزنامه جام جم ، ۳۰ مهرماه ۱۳۷۹۲سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف : سید محمدباقر برقعی ، ج۵ ، قم : انتشارات خرم ، ص ۲۹۴۴

کمالا فد شکویی فارسی شیرازی، کمال‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۱۰ ق)، عالم دینی، مفسر و ادیب. معروف به میرزا کمالا و میرزا کمال‌الدین. نسبت وی به فدشکوی فسا می‌رسد. او داماد ملا محمد تقی مجلسی اول بود. از آثار وی: «بیاض الکمالی»، در مباحث متفرقه که بیشتر آن فواید رجالی و تاریخی است؛ شرح «شواهد مطول»؛ شرح منظوم «قصیده‌ی تائیه» دعبل خزاعی، که در ۱۱۰۳ ق تألیف یافت؛ «القیود الوافیهٔ»، در «شرح الشافیهٔ» ابن‌حاجب، در علم صرف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۲)، الذریعه (۲۲۷/ ۱۷، ۱۲/ ۱۴، ۱۷۰/ ۳)، روضات الجنات (۳۶۵ -۳۶۴/ ۵)، ریحانه (۶۴ - ۶۳/ ۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۹۴/ ۲)، فوائد الرضویه (۳۶۶)، الکنی و الالقاب (۲۲۷/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۳ -۱۰۲/ ۶).

کمال‌الدوله میرپنج، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۵ ق)، مترجم. معاصر مظفرالدین شاه قاجار بود. در زمان صدارت میرزا یوسف خان مستوفی الممالک سمت منشی باشی داشت و در ۱۳۱۴ ق ملقب به کمال‌الدوله گردید و در ۱۳۱۵ ق به منصب استیفای درجه‌ی اول منصوب شد. از آثار وی: «ابواب الحکم»، ترجمه‌ی چهارصد و سی کلمه از «کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)» ؛ «الف النهار»، ترجمه، در مقابل «هزار و یک شب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴/ ۲۶، ۲۹۴/ ۲)، فرهنگ رجال قاجار (۱۴۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۰، ۱۰۲/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ کمال‌الدوله)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۶ -۶۲۵/ ۲).

کمال‌الدین محمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۸ ق)، حکاک. از طراحان پرمهارت فلزات سخت بود که در نقش تصویر و حکاکی بر روی فلزات، دستی با حلاوت داشت و خط نستعلیق را نیز نیکو می‌نوشت. از آثار وی قطعه فولادی است که طلاکوبی گشته و حواشی آن به نقوش اسلیمی آراسته شده و با برشهای استادانه‌ای عمل آمده، با رقم: «عمل کمال‌الدین محمود ۱۱۰۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۵۰/ ۲).

کمال‌الملک، سمیرمی، علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سمیرمی، علی بن احمد بن حرب از مشاهیر نویسندگان فارسی (ف. ۵۱۶ ه.ق). وی وزیر محمود بن محمد بن ملکشاه شد. نام او را در جزو کارداران دولت سنجر نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کمالی دزفولی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، شاعر و خطیب. وی نواده‌ی سید حسین ظهیر الاسلام بود. در دزفول به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و اهواز به پایان رساند. سپس به تهران آمد و در دانشکده‌ی معقول و منقول به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس نایل شد. او به فعالیت‌های دینی و تبلیغی و اجتماعی می‌پرداخت و در سرودن شعر مهارت داشت. وی چندی نیز مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ و رئیس انجمن معتمدین محل بود. از کارهای فرهنگی او «هزار سخن» محمد حجازی است. از دیگر آثار وی: «عزیز و نگار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۹۶۷ -۲۹۶۴/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۹۷/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۳ -۳۵۲/ ۴).

کمالی، اصفهانی، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدرعلی اصفهانی، شاعر و نویسنده‌ی ایرانی (و. ابرقو ۱۲۸۸ ه.ق- ف. ۱۳۲۵ ه.ش) وی به امر پدر پیشه‌ی آهنگری آموخت و معلومات مقدماتی را در اصفهان فراگرفت و سپس به تهران سفر کرد و به کار بلورفروشی مشغول شد. در آغاز مشروطه به یاری آزادی‌خواهان برخاست. مقالات و اشعار در اغلب جراید تهران و در روزنامه‌ی پیکار (به قلم او) منتشر می‌شد. دیوانش بطبع رسیده، کتاب: «مظالم ترکان خاتون» و افسانه‌ی «لازیکا» و «منتخب اشعار صائب» از آثار او چاپ شده. کمالی در دوره‌های هفتم و هشتم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کمالی، حیدر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمد مهدی، در شوال ۱۲۸۸ متولد، و در ذی حجه‌ی ۱۳۶۵ در طهران وفات یافت.

شاعر و ادیب و نویسنده‌ی ماهر بوده، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- دیوان اشعار ۲- لازیکا ۳- مظالم ترکان خاتون ۴- منتخبات اشعار صائب؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کمره ای، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۲۰ ق)، عالم دینی، فقیه، مترجم و نویسنده. در کمره خمین به دنیا آمد و پس از خواندن مقدمات نزد پدر به سلطان آباد (اراک) رفت و پس از انتقال حوزه علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حائری و مدرسین بزرگ استفاده نمود. او در ۱۳۴۷ ق از آیت‌اللّه حایری اجازه‌ی اجتهاد یافت. وی فلسفه و ریاضیات را نزد اساتید قم فراگرفت و نزدیک دو سال نیز در اصفهان درس خواند، آن گاه به نجف مهاجرت نمود و چند سالی از درس و بحث آیت‌اللّه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین کمپانی و دیگران بهره‌مند شد و به مدارج عالیه علم نایل آمد و از اساتید خود اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. سپس به تدریس متون فقه همچون «مکاسب» و «کفایه» و رسایل و غیره پرداخت و در حدود ۱۳۶۰ ق به ایران بازگشت و بعد از چند سال به شهر ری رفت و به تألیف و تدریس و ترجمه مشغول شد و کتاب‌های بسیاری شامل

ترجمه و تألیف و شرح از خود باقی گذاشت. از آثارش: ترجمه و تنظیم برخی از مجلدات «شرح نهج‌البلاغه» خویی، و تألیف به سبک آن؛ ترجمه‌ی «اصول کافی»؛ ترجمه‌ی «امالی» شیخ صدوق؛ ترجمه «خصال» شیخ صدوق؛ ترجمه «اکمال الدین» شیخ صدوق؛ «رموز الشهادهٔ»، ترجمه‌ی «نفس المهموم» محدث قمی؛ ترجمه «مفاتیح الجنان» محدث قمی؛ ترجمه جلد چهاردهم «بحارالانوار»، در ده جلد، به نام «آسمان و جهان»؛ «الدین فی طور الاجتماع»؛ «روحانیت و اسلام»؛ «انتخابات اساسی حکومت ملی، اصلاح مجلس شورای ملی»؛ «فصل الخصومهٔ فی الورود و الحکومهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۵۱۸ -۵۱۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴ -۴۳/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱/ ۲).

کنی سلطان العلماء، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مهدی سلطان العلماء فرزند شیخ جواد شاه عبدالعظیمی کنی سالها در قم تحصیل کرده آنگاه به نجف مهاجرت و چندین سال در آن سامان از آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللَّه اصطهباناتی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۷۳ ق بوطن مراجعت و در مسجد بالاسر به اقامه جماعت اشتغال تا در ماه رمضان ۱۳۸۹ ق که از دنیا رفته و در مسجد بالا سر محل نمازش مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی شاه عبدالعظیمی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جواد بن شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی شاه عبدالعظیمی عالمی فاضل بوده مشرف به نجف شده و خدمت میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی تلمذ نموده آنگاه مراجعت به ری و قیام بوظائف دینی از امامت و غیره نموده است تألیفاتی بنامهای زیر دارد:

۱- نور الافاق ۲- خصایص العظیمیه که طبع شده ۳- تذکره ری ۴- تحفه العظیمیه ۵- اخبار العظیمیه ۶- زبده الانساب و غیرها در سوم جمادی‌الثانی ۱۳۵۵ وفات نموده و در ایوان آئینه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ عبدالرحیم بن العالم الجلیل حاج آغا بزرگ بن العلم العلام حاج شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی یکی از اسباط علامه کنی و علماء معاصر و بنام شهر ری میباشند.

وی در سال ۱۳۲۳ ق در زاویه مقدسه شهر ری و جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد شده و در بیت اصیل و ریشه‌دار و محیط علم و روحانیت پرورش و دروس جدیده را طبق معمول خوانده تا آنگاه بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات را نزد والد ماجد خود شروع نموده و پس از اتمام آن مهاجرت به قم کرده و سطوح را از محضر آیت‌اللَّه آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللَّه میرزا محمد همدانی استفاده و سطوح عالی را از مرحومین آیتین آقا میرزا محمد فیض و آقا میرزا محمد کبیر بهره‌مند شده سپس از حوزه درس مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری مؤسس حوزه استفاضه نموده و در طول سالها با رشته‌های علوم اسلامی آشنا و باخذ دانشنامه مدرسی در رشته معقول و منقول و نیز موفق و مسافرتی باعتاب عالیات نموده و از محضر آیات عظام نجف مانند مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند و بدریافت اجازه نائل آنگاه بوطن برگشته و در مسجد صحن مطهر به اقامه جماعت و ترویجات دینی و انجام وظائف مذهبی و روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان متین و با صفاست و در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگانی نموده و می‌نماید ادام اللَّه عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد رضای کنی داماد معظم آیت‌اللَّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای امام مسجد جلیلی واقع در خیابان ایرانشهر، وی در کن در خانـدان ایمـان و تقوائی بـدنیا آمـده و پس از خوانـدن دروس جدیـد. به قم مهاجرت و مقـدمات و سـطوح متوسط و عالی را از مدرسـین بزرگ فراگرفته و بدرس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و بعض آیات دیگر شرکت نموده و پس از آن در تهران رحل اقامت و تاکنون در مسجد مذکور به امامت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، ملا علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الحاج ملا علی کنی عطراللَّه مرقـده، تولدش در سال ۱۲۲۰ ق در قصبه کن در شـمال غربی تهران واقع شده و با این که پدرش باغ دار و غیر روحانی بوده خود علاقه مفرط و شوق بسیاری به تحصیل علوم و فنون داشته و در کودکی مخفی از پدر دروس مقدماتی را خوانده و با اسـتعداد ذاتی و نبوغ فطری که داشـته از کتب سـطحی فقه و اصول فارغ شده و مهاجرت به نجف اشـرف نموده و در درس مرحوم علامه فقیه شـیخ محمـدحسن نجفی صاحب جواهر و آیت‌اللَّه العظمی شـیخنا الانصاری شـرکت کرده و در نزد این دو فحل بزرگ باوج کمال علم و فقاهت رسـیده و در فقه و اصول و حـدیث و رجال و غیره مهارت تامی پیـدا کرده و بتصـنیف اصول شروع نموده و جمله از مباحث الفاظ آن را نوشته تا در سال ۱۲۲۴ ق که طاعون عظیم واقع گردید ناچار مانند دیگران از اهل فضل حرکت بـاین طرف و آن طرف نموده تا خداونـد منان توفیق داده و ثانیا مراجعت و مجاورت عتبات عالیات را موفق گشـته و در نزد فحول و ارباب معقول و منقول بتکمیل فقه و اصول مشغول شد تا بمنتهای کمال و مبلغ رجال فایز و نایل آمده و به تهران مراجعت و در جمیع بلاد با نهایت بزرگواری و جلالت اشـتهار معروف و مشهور گشت و بمقامی رسید که روحانیون بزرگ کمتر به آن پایه و مقام رسـیدند تا جائی که شاه مقتدر وقت مرحوم ناصرالدین شاه قاجار با تمام قدرت و عظمت همواره از وی خائف و ترسناک بود و می‌گفت اگر آیت‌اللَّه کنی مرا از سـلطنت خلع کنـد چه می‌توانم بکنم، در سـال چنـدین بار با کسب اجازه قبلی بمنزل آن مرحوم شرفیاب شده و دست آن بزرگوار را بوسیده و اظهار انقیاد و اطاعت می‌کرد.

مآثر و آثار ص ۱۳۸ گوید: حاج ملا علی مجتهد کنی ساکن دار الخلافه از عظماء علماء اسـلام است بعزت نفس و مناعت جانب از ابناء جنس امتیاز داشت اهل دیوان وی را رئیس المجتهدین می‌نوشتند و حق تعالی آن عالم و فقیه کامل را بفرط ثروت و طول عمر و نفاذ امر اختصاص بخشیده بود.

اکثر علماء و رؤساء تهران بتربیت و ترویج او اعتبار و بمقامات رسـیدند، عمده تلمذ او بر شـیخ‌الطائفه انصاری و صاحب جواهر بوده و در فقه و اصول و رجال و غیره‌ها تصـنیفات فرموده و جامع تافقی را که در علم درایه و حدیث پرداخته است بطبع رسیده اشتهار و اعتبـار این بزرگوار در دین و دولت و ملک و ملت باعلا درجه کمال بود وصیت بزرگی و عظمت شأنش از آسـیا بقسـمتهای کره ارض نیز رفته و همه جـا را فراگرفته بود احترام و اکرامی که این پادشـاه (ناصـرالدین شـاه) بـاین عـالم عامـل و فقیه کامل می‌فرمود کمتری از مجتهدین را نصیب افتاد الحق وجودش مذهب جعفری را قوتی و قوامی بود و شرع شریف را استظهاری و استحکامی.

احسن الودیعه (ج ۱- ص ۱۰۱) گوید شیخنا و مولانا حاج ملا علی کنی تهرانی از اعاجیب دهر و اکابر علماء خود بود ماهر بر علوم عربیه و لغت و قرائت جامع بین روایت و درایت عالم تفسـیر و مناعت حـدیث حافظ رجال و انساب عارف معقول و مجتهد در فروع و اصول واسع المعرفه غزیر العلم صـاحب اختراعات و اسـتنباط و تحقیقات رایقات محبوب خاص و عام مرجع فتاوی و احکام معظم در عیون اعـاظم و حکـام غیور در امر بمعروف و نهی از منکر لاـ تاخـذه فی اللَّه لومه لائم و بالجمله فهو آیت‌اللَّه العظمی بلا کلام و النائب المرضـی عن الامام علیه‌السلام بوده... تا در صبح روز پنجشنبه بیست و هفتم محرم الحرام ۱۳۰۶ در سن هشتاد و شش سالگی در تهران از دنیا رفته و سه روز جنازه‌اش برای تشـییع و تجلیل و غیره مانـده و روز یکشـنبه غره صـفر سال مذکور حمل بشـهر ری و جوار حضـرت عبـدالعظیم حسـنی علیه‌السـلام بـا ازدحـام عام و احترام تمام گردیـده و در مسجد عتیق بین الحرمین که اکنون مقبره ناصـرالدین شاه معروف است دفن گردیـد و در رثاء او شـعراء عرب و عجم قصائـدی سـروده و ماده تاریخ مناسبی سـرودند منجمله مجد الادباء میرزا حیدر علی تهرانی سرود

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش

علی بنزد محمد بخلد کرد مقام

و دیگری گفت:

ز جنت شد یکی حورا برون با جلوه و گفتا

علی در جنه الماوی علی را میهمان دارد

آثار علمی آن بزرگوار از این قرار است:

۱- رساله‌ای در اوامر و نواهی و مفاهیم و استصحاب ۲- کتاب طهاره ۳- کتاب صلوه ۴- کتاب بیع ۵- کتاب قضاء و شهادت که در ۱۴۰۴ ق در تهران چاپ سـنگی شده ۶- توضیح المقال فی علم الرجال که در پشت منتهی المقال شیخ ابوعلی رجالی مشهور کرارا بطبع رسیده ۷- تحقیقات الوسائل فی شرح تلخیص المسائل.

نگارنـده گویـد: شـرح احوال محامد خصال آن نادره دوران و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی خواهد بود ولی برای اختصار این اندازه قناعت. فهرستی از خاطرات عجیبه آن بزرگوار نگاشته و اشاره بخاندان علمی و روحی او می‌نمائیم.

نوادر خاطرات حاجی کنی- ره-

۱- تشرف آن مرحوم با میرزا شیرازی بزیارت حضرت زینب علیهاالسلام در شام و نظافت کردن وی و میرزا آن حرم مطهر را و توجه مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه باین عمل آن دو عالم ربانی و آن قصه از این قرار است:

حکایت کرد برای نگارنده مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ ابراهیم شریفی اسدآبادی همدانی که در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا علی آقا شیرازی فرزند مرحوم آیت‌اللّه علی الاطلاق میرزاء بزرگ (مجدد) شیرازی قدس اللّه اسرارهم شرفیاب شدم و از محضرشان استفاده‌ها نمودم و از نوادر خاطرات مرحوم والدشان قضایائی نقل کردند که از آنها این بود:

مردی تهرانی مشرف به نجف خدمت مرحوم والدم شد (قبل از هجرتش بسامرا و گفت من مکه مشرف بودم و در آنجا زاد و خرج خود را تمام و یا گم کردم. و در مسجدالحرام بحق تعالی متوسل و التماس می‌کردم و حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف را واسطه می‌نمودم که فرجی برایم بشود که در مکه ویلان و معطل نمانم.

پس رزوی که پرده خانه را گرفته و تضرع می‌نمودم دستی بشانه‌ام خورد و گفت چه حاجت داری مطلب و نیازم را گفتم چند لیره بمن داد و گفت با این وجه خود را به نجف رسانیده و در آنجا خدمت میرزا محمدحسن شیرازی برو و بگو سید مهدی گفت باین نشانی که باتفاق حاج ملا علی کنی در مراجعت از مکه بشام بزیارت حضرت زینب علیهاسلام رفتید و دیدید حرم را گرد و غبار گرفته مشغول نظافت شدید و با گوشه‌ی عباء خود خاك و خاشاك را بیرون بردید بیست اشرفی بتو بدهد.

و تا آن مرد این نشانی را به مرحوم والدم گفت دیدم بسیار متغیر شد و برخاست مبلغ بیست اشرفی به آن مرد داد.

نگارنده گوید: که از بعضی شنیدم که آن شخص وقتی به تهران آمد خدمت مرحوم آیت‌اللّه علامه کنی رسید جریان را گفت آن مرحوم فرمودند آیا حواله‌ای آن آقا بمن نداد. گفت: خیر. پس آن مرحوم بسیار گریسته و فرمودند: چون مرحوم میرزا بسیار در تنظیف حرم حضرت زینب علیهاسلام کوشش می‌کرد و این عملش توجه آن حضرت قرار گرفته است.

۲- مکاشفه آن مرحوم برای فتحعلی شاه قاجار در حرم منور حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و وفات شاه مزبور در همان روز و همان ساعت.

۳- مداومت ایشان بزیارت حضرت امامزاده ابوالحسن شهر ری و این که بریاست و ثروت کذائی نرسیده مگر برای این عمل.

۴۴- توسل مخصوص در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام برای قضاء حوایج و کیفیت آن باین طریق است.

حکایت کرد برای این نگارنده جناب حجهٔالاسلام حاج سید مصطفی علوی الاری در دوحه قطر از بعضی از ثقات آن مرحوم علامه کنی- ره- که مجرب است برای قضاء حوائج دو رکعت نماز حاجت خواندن در حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و بعد چهارصد صلوات هدیه گفتن و هدیه نمودن به حضرت امام علی النقی علیه‌السلام استاد حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام باین طریق بعد از آن نماز صد صلوات در قسمت شمالی غربی حرم فرستادن و بعد جلو رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوبی غربی حرم گفتن و بعد بسمت شرق حرم رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوب شرقی حرم گفتن و بطرف عقب برگشتن و صد مرتبه در قسمت شمال شرقی حرم فرستادن.

نگارنده گوید: البته در جائی نرسیده اگر کسی بخواهد بجا آورده رجاء این عمل را بجا می‌آورد انشاءاللّه حاجتش برآورده خواهد شد انشاءاللّه.

(۱۳۰۶ -۱۲۲۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، رجالی، محدث، ادیب و مرجع تقلید. اصلش از آمل مازندران است. جدش در قریه کن از توابع تهران سکنی کرد و ملا‌علی در آنجا به دنیا آمد. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری ادبیات به عتبات رفت و در حوزه‌ی درس صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و سید اسداللّه بن سید محمد باقر و شیخ مشکور حولاوی حاضر شد و در لغت، فقه، اصول، حدیث، رجال و تفسیر متبحر گشت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس و زعامت امور دینی پرداخت. میرزا حسین نایب‌الصدر و ملا محمد علی خوانساری از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در بین الحرمین، در جوار حضرت عبدالعظیم (ع)، دفن شد. از آثارش: «الاستصحاب»؛ «الاوامر»؛ «ایضاح المشتبهات فی تفسیر الکلمات المشکلهٔ القرآنیهٔ»؛ «توضیح المقال فی علم الدرایهٔ و الرجال»؛ «تلخیص المسائل»، در فقه؛ «تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل»؛ «القضاء و الشهادات»؛ «احکام العقود و الخیارات»؛ «البیع»؛ «الطهارهٔ»؛ «الصلوهٔ»؛ رساله «ارشاد الامهٔ»، رساله‌ی عملیه، به فارسی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱]الاعلام (۱۳۸/ ۵)، اعیان الشیعه (۳۰۲/ ۸)، الذریعه (۵۷/ ۱۱، ۴۹۹، ۴۹۸- ۴۲۷/ ۴، ۴۸۳، ۴۸۲- ۴۸۲/ ۳، ۴۹۹/ ۲)، ریحانه (۹۸ -۹۷/ ۵)، شرح حال رجال (۳۵۲ -۳۴۹/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۰۷ -۱۵۰۴/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۷ -۲۵)، فوائد الرضویه (۲۹۹ -۲۹۸)، قصص العلماء (۱۲۲)، المآثر و الآثار (۱۳۸)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۹۸/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۷۱/ ۷)، مکارم الآثار (۶۹۹ -۶۹۷/ ۳)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۳/ ۸).

کواری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۴ ق)، خطاط و منشی. از سادات حمزوی کوار شیراز بود. وی در شیراز به تحصیل مقدمات علمی پرداخت و در جوانی مورد توجه محمد رضا خان قوام الملك قرار گرفت و در دستگاه وی ملازم و منشی شد. کواری خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. او به هنگام تألیف «فارسنامه‌ی ناصری»، ۱۳۰۴ ق، هنوز می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۷/ ۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۶۵/ ۲).

کوثری، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله کوثری در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر همدان متولد شد.کوثری از جمله مترجمانی است که ادبیات امریکای لاتین را ترجمه کرده و در شناساندن این ادبیات به اهل فرهنگ ایران، تلاش فراوانی است. از عبدالله کوثری، بیش از ۵۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است. کتابهای" جنگ آخر زمان "و" خاطرات پس از مرگ "ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دورهای هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالله کوثری تحصیلات ابتدایی متوسطه را در تهران سپری کرد و در سال ۱۳۴۴ شمسی از دبیرستان البرز فارغ التحصیل شد. تحصیلات دانشگاهی را در رشته اقتصاد دانشگاه ملی (شهید بهشتی) گذراند و در سال ۱۳۴۸ شمسی موفق به اخذ لیسانس گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالله کوثری از همان سالها در نشریات ادبی اشعار آقای کوثری چاپ می شد. وی ترجمه را از سال ۱۳۵۲ شروع کرد و در کنار ترجمه، در امر ویرایش کتابهای ترجمه شده در زمین ?علوم انسانی نیز فعالیت می کرد.

جوائز و نشانها : کتابهای" جنگ آخر زمان "و" خاطرات پس از مرگ "ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دورهای هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار : از عبدالله کوثری، بیش از ۵۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است؛ از جمله «پوست انداختن»، «خودم با دیگران»، «آئورا» از کارلوس فوئنتس، «خوان رامون خیمس» از هاواردتی یانگ، «الکساندر پوشکین» از جی ناماس شا و... «گزیده شعرها» نام کتابی است که در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده و در آن ۴۳ قطعه شعر سروده شده عبدالله کوثری طی سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۷۳ ارایه شده است. --
----

آثار :

۱ آئورا

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?کارلوس فوئنتس نشر تندر

۲ آدام اسمیت

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?د.د. رافائل نشر طرح نو

۳ آنتوان بلوایه

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?پل نیزان نشر توس

۴ پوشکین

ویژگی اثر : ترجمه، نوشت ?تامس شا نشر نسل قلم

۵ تراژدی اورستیا

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?آیسخلوس نشر تجربه

۶ جنگ آخر زمان

ویژگی اثر : تالیف:ماریو بارگاس یوسا؛ترجمه: عبدالله کوثری.- تهران: آگه، ۱۳۷۷ [توزیع ۱۳۷۸].- ۹۱۹ص.این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب : «جنگ آخر زمان» جنگ آخر زمان/ ماریو بارگاس یوسا؛ عبدالله کوثری.- تهران: آگه، ۱۳۷۷ [توزیع ۱۳۷۸].- ۹۱۹ص. رمان جنگ آخر زمان شاهکار ادبی یوسا، نویسند ?برجست ?اهل پرو است که به سبکی رئالیستی (و به دور از هرگونه «نوپردازی») نوشته شده است. از ویژگیهای این رمان، ترسیم فضای بومی و حال و هوایی است که مختص کشورهای لاتین است و رویدادهای آن به قرن نوزدهم مربوط می شود. شیو ?روایت این رمان وابسته به فضای اسطوره ای- حماسی آن است که به شیوه ای ساده و صریح و سنتی صورت می گیرد و در آن از بازیهای شکلی خبری نیست. در هر بخش رمان به تناوب، شخصیتهای رمان معرفی می شوند و گذشته شان درکمال ایجاز و اختصار شرح داده می شود و در کنار این معرفی شخصیتها، ماجرایا حادث ?داستان نیز دنبال می شود. مترجم محترم در ترجم ?حاضر ضمن رعایت دقت و امانت در انتقال مطالب و مضامین، به حفظ سبک نویسند ?کتاب نیز وفادار مانده و کوشیده است ترجمه ای استوار، روان و خوشخوان به دست دهد. تلاش مترجم در رساندن پیام کتاب یوسا به زبان فارسی با بیانی روشن و دلنشین ستودنی است.

۷ خاطرات پس از مرگ

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد.آگه آشنایی با کتاب: خاطرات پس از مرگ خاطرات پس از مرگ براس کوباس / نوشته ماشادو دِ آسیس، ترجمهٔ عبدالله کوثری. - تهران: مروارید، ۱۳۸۲ داستانهای برزیلی – قرن ۱۹ ژواکیم ماریا ماشادو دِ آسیس (۱۸۳۹ – ۱۹۰۸) نویسندهٔ برزیلی، از نامدارترین نویسندگان قرن نوزدهم آمریکای لاتین و از بهترین آنها در همهٔ زمانهاست. در خانواده‌ای فقیر زاده و در کودکی یتیم شد. زندگی را نخست با کار کردن در چاپخانه و آنگاه با روزنامه‌نگاری و سپس با نویسندگی می‌گذراند. در برزیل به شهرت و منزلت دست یافت و اولین رئیس آکادمی ادبیات این کشور شد و تا پایان عمر در این سمت برجا بود. ماشادو در خلق طرح‌های پیچیدهٔ روانی و آنچه مایهٔ آزار انسان است، استادی بی‌بدیل بود. خاطرات پس از مرگ براس کوباس شاهکار ماشادو به شمار می‌رود و نویسنده در آن با آمیزش هنر کامل نقل و طنزنویسی، محیطی خاص به وجود آورده است. داستان خاطرات ثروتمندی را شرح می‌دهد که در عشق با ناکامی و تیره‌روزی همراه است. قهرمان کتاب در واقع نویسنده است که اندیشه‌ها، آرزوها، خاطرات، رؤیاها و احساس‌های خویش را در ضمن توصیفی از آداب و رسوم بیان کرده است. ماشادو در آثار خود توانسته است نثر برزیل را از حالت منطقه‌ای و تصویر منظره‌ها و آداب و رسوم خاص آن خارج کند و به مطالعهٔ بشر از نظر کلی و جهانی نزدیک شود. او به وسیلهٔ تحلیل دقیق روانی و تحقیقی استادانه موفق گشته است احساس تلخ ناکامی‌های خود را در ورای لحن مطایبه‌آمیز و طنز آرام و لطیف بپوشاند و ناپیداترین گوشه‌های زندگی را چون مسائلی عالی آشکارا پیش چشم گذارد. آثار داستانی ماشادو یک سلسله پردهٔ نقاشی منعکس‌کنندهٔ واقعیت‌هاست و بیان موجز او که از زبان و فرهنگ عامه رنگ دارد، وی را یکی از بزرگترین نویسندگان زبان پرتغالی ساخته است.

۸ خودم با دیگران

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?کارلوس فوئنتس نشر قطره

۹ روانکاو و داستان‌های دیگر

ویژگی اثر : ترجمه، آشنایی با کتاب: روانکاو و داستان‌های دیگر روانکاو و داستان‌های دیگر / نوشته ماشادو دِ آسیس، ترجمهٔ عبدالله کوثری – تهران: لوح فکر، ۱۳۸۲. مجموعهٔ روانکاو و داستان‌های دیگر، شامل یک داستان بلند و یازده داستان کوتاه از نویسندهٔ مشهور برزیلی ژواکیم مآریا ماشادو دِ آسیس است که توسط مترجم نامدار عبداله کوثری به زبان فارسی ترجمه گردیده و انتشارات لوح فکر آن را منتشر کرده است. نثر شیوا و روانی که مترجم برای برگرداندن متن به زبان فارسی به کار برده، واجد چنان ویژگی‌های ممتازی است که خواندن ترجمهٔ این مجموعه داستان نه فقط افادهٔ لذت می‌کند، بلکه همچنین مشابه همان تأثیری را در خوانندهٔ فارسی زبان باقی می‌گذارد که متن اصلی در خوانندهٔ اسپانیایی زبان می‌گذارد. مترجم با دقتی لغت‌شناسانه و با وسواسی محققانه کوشیده است تا سطح کلام را در گفتار هریک از راویان یا شخصیت‌های داستان‌ها متناسب با متن اصلی حفظ کند. به این منظور، وی علاوه بر گزینش دقیق برابرهای مناسب برای واژگان، به نحو یا ترکیب واژه‌ها در جمله نیز توجه نشان داده است. مترجم به سبب تسلطی که به سبک نویسنده دارد، موفق شده است متنی را به خوانندهٔ فارسی‌زبان عرضه کند که تا حد امکان مؤلفه‌های متمایزکنندهٔ طرز داستان نویسیِ ماشادو دِ آسیس را هم شامل می‌شود. رعایت امانت در ترجمه، به کارگیریِ معادل‌های دقیق و کوششِ درخور تحسین برای حفظ یا بازآفرینی سبک متن اصلی، از جملهٔ بارزترین ویژگی‌های ممتازِ این ترجمه است.

۱۰ شکسپیر

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?جرمین گریر نشر طرح نو

۱۱ کارلوس فوئنتس

ویژگی اثر : ترجمه، نوشت ?لانین. آ. گیورگو نشر نسل قلم

منابع زندگینامه : ۱http://www.ibna.ir/vdcauin۶.۴۹nm۰۱۵kk۴.html۲www.ketabesal.ir

کوزه کنانی تبریزی نجفی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷/ ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی و واعظ. اصل وی از کوزه‌کنان تبریز بود. از شاگردان شیخ حسن فاضل مامقانی و سید حسین کوه کمری و فاضل ایروانی بود. او به علامه فاضل مامقانی بسیار نزدیک بود و از وی روایت می‌کرد و دخترش را به شیخ عبداللّه، فرزند فاضل مامقانی، تزویج کرد. وی پیرو مسلک اخباری بود. در کاظمین درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره‌ی استادش، شیخ حسن مامقانی، دفن شد. کوزه کنانی در اخبار آل محمد (ع) تتبعات بسیار داشت. از آثار وی: «ایقاظ العلماء و تنبیه الامراء»؛ «روضهٔ الامثال»؛ «هدایهٔ الموحدین»، در اصول دین، به فارسی، در سه مجلد؛ «مباحثهٔ النفس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۱)، الذریعه (۱۹۷/ ۲۵ ،۴۰/ ۱۹ ،۲۸۸/ ۱۱ ،۵۰۴/ ۲)، ریحانه (۱۰۲/ ۵)، سخنوران آذربایجان (۱۳۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۹/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۹۹/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۹۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۹ -۴۴۸/ ۱).

کوشا، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، ادیب و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی و متوسطه از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات فارسی با مدرک لیسانی فارغ‌التحصیل گردید. سپس وارد خدمت فرهنگ شد. وی در دوران خدمت عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: دبیری و بازرسی فنی، ریاست دبیرستان‌ها در شهرهای همدان و تهران و کرمانشاه، مؤسس دبستان خاقانی، معاونت دارالفنون، بازرسی وزارت فرهنگ بود. از آثار وی: «انشاء ابتدایی مصور»؛ «بدیع و قافیه و عروض»، برای دوره‌ی دوم متوسطه؛ «دستور زبان»؛ «راهنمای امتحانات نهایی»؛ «فارسی و تاریخ ادبیات»؛ «فارسی و دستور زبان»؛ «منتخب نظم و نثر فارسی». سه کتاب اخیر با مشارکت چند تن از اساتید گروه ادبیات به چاپ رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۵۲، ۲۳۸۴، ۱۶۳۶/ ۲، ۴۷۳، ۳۶۴/ ۱)، کتابشناسی موضوعی ایران (۸۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۲ -۴۵۰/ ۱).

کوشا، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی کوشا

محل تولد : بیجار گروس- سیرلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱/۱/۱۳۳۱ در یکی از روستاهای توابع شهرستان «بیجار گروس» واقع در استان «کردستان» به نام «دولت آباد» به دنیا آمده ام که به گفته مرحوم پدرم پس از ۱۴ روز به روستای «سیرلان» کوچ می کنند و تا کلاس ششم ابتدایی در سیرلان تحصیل نمودم و پس از آن وارد دبیرستان در شهر بیجار شدم. تا کلاس یازده نظام قدیم در بیجار و سال آخر دبیرستان را در شهرستان «سقز» به پایان رساندم و سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مقدمات را خواندم و سپس در حلقه های دروس دیگر تا شروع لمعه شرکت کردم و سپس دروس رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان بردم و آنگاه در درس خارج شرکت کردم.

پا به پای دروس سطح عالی در مدرسه «الهادی» و «امام عصر» حدود ۱۲ سال یا بیشتر تدریس نمودم و در زندانهای سیاسی کشور از جمله «اوین» در تهران و نیز «ساحلی» در قم و همچنین در اراک و همدان برای افراد سطح عالی به تدریس عقاید پرداختم و اکنون مدت ۱۰ سالی است که به کار تحقیق و نوشتن مشغول هستم. جمعاً ۲۶ اثر تألیفی، تحقیقی و تصحیحی را ارائه نموده ام که عمده آنها به چاپ رسیده است. اخیراً به علوم قرآنی بیشتر توجه نموده ام و ترجمه های قرآن را مورد نقد و بررسی قرار داده ام که کتاب معروف اینجانب به نام «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» مورد توجه محافل ادبی و دانشگاهی به ویژه قرآن پژوهان، با استقبال خوبی مواجه بوده است و حدود ۱۱ مجله مثل آیینه پژوهان، ترجمان وحی، بینات و ... مقالات این بنده را در موضوعات کتابشناسی، نقد، ترجمه و ... چاپ کرده اند و همچنین با شماری از روزنامه ها و هفته نامه ها مصاحبه داشته ام و مقالاتی نیز در آنها به چاپ رسانده ام.

هدف اصلی من از طلبه شدن «فهم اسلام و فهماندن آن» بوده و چیزی جز این هم از خدا نخواسته ام به هر حال (از خدا جوییم توفیق ادب - بی ادب محروم ماند از لطف رب). ضمناً در ایام تعطیلی برنامه های وسیع تبلیغی در پیش و پس از انقلاب اسلامی داشته ام که می توانم بگویم در تمام آنها موفق بوده ام. از جمله: در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت جام، آبادان، زابل، شیراز، فیروز آباد فارس، همدان، تویسرکان، نهاوند، ملایر، بیجار و لار علاوه بر سخنرانی، کلاسهای تدریس اصول عقاید و پاسخ به پرسش ها و تفسیر قرآن را نیز برقرار نموده و در همه آنها موفقیت چشمگیری داشته ام.

کوشکی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا ابراهیم. عالم فاضل، و فقیه کامل [؟]، از ائمه‌ی جماعت، در ماه محرم سال ۱۳۱۷ در اصفهان وفات یافته، جنب فاضلان مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کوفی، ابوعصیده ابوجعفر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۳ ق)، نحوی، ادیب و محدث. معروف به ابن بلنجر. اصل وی از مردم دیلم و از موالی بنی‌هاشم بود. از واقدی و اصمعی و ابوداوود طیالسی و زید/ یزید بن هارون حدیث نقل می‌کرد. معلم فرزندان متوکل عباسی بود و در سامره ساکن. قاسم بن محمد انباری، احمد بن حسن بن شهیر و محمد بن جعفر آدمی از او روایت می‌کردند. ابوداوود در «سنن» خود از وی حدیث نقل کرده است. از آثار وی، کتاب «المقصور و الممدود»؛ کتاب «المذکر و المؤنث»؛ کتاب «الزّیادات» در «معانی الشعر» ابن سکیت؛ کتاب «عیون الاخبار و الاشعار».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۹ /۱)، ایضاح المکنون (۳۰۱ /۲)، تاریخ بغداد (۲۶۰ –۲۵۸ /۴)، تهذیب التهذیب (۵۵ /۱)، روضات الجنات (۲۱۰ –۲۰۹ /۱)، ریحانه (۱۱۶ /۸)، الذریعه (۳۷۶ / ۱۵)، سیر النبلاء (۱۹۴ –۱۹۳ /۱۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۲۳ – ۱۲۲)، کشف الظنون (۱۴۶۱ ،۱۴۵۸ ،۱۱۸۴)، الکنی و الالقاب (۱۲۴ –۱۲۳ /۱)، لسان المیزان (۱۹۹ /۸)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۲۳۲ –۲۲۸ /۳)، معجم المؤلفین (۳۰۸ /۱)، الوافی بالوفیات (۱۶۷ –۱۶۶ /۷)، هدیهٔ العارفین (۵۱ /۱).

کوه کمره ای، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کوه کمره ای

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمدلله المفیض علی الاطلاق المتّجلی علی الانفس و الاخلاق، و الصلوهٔ و السلام علی النّبی الاعظم و النور الاتم و الخلق الاول محمد و آله الطاهرین و لعنهٔ الله علی اعدائهم اجمعین.

بر همه راهیان علم و ادب و فرهنگ و هنر و سالکان راه حق و حقیقت، پوشیده نیست که یکی از کارهای ارزشمند و مفید بر حال همهٔ طبقات جوامع بشری احیای آثار و تراجم احوال بزرگان علم و ادب می باشد. مع الاسف این کمترین داخل در این مقوله نیست چون نه مشکلی را با بیان حل کرده و نه گره و عقدهٔ علمی را با بنان، تا صاحب تصنیف و تألیفی باشم شایسته تحسین و سزاوار تبیین، نه به مقامی واصل و نه بهره و اثری از او حاصل، لیکن بنا به منطق شرع مبین که اجابت دعوت مؤمن مستحسن است و لازم، به دعوت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (شکر الله مساعیهم) لبیک گفته چند کلمه مختصر به عنوان بیوگرافی و شرح حال اجمالی نوشته و بازگویی می نمایم: اینجانب سید محمد کوه کمری فرزند مرحوم خلد آشیان حاج سید ابوالفضل کوه کمری (غفر الله و لنا)، به سال یک هزار سیصد و نوزده هجری شمسی و روز چهاردهم شعبان المعظم در شهرستان تبریز دیده به جهان گشوده و تحت مراقبت و کفالت پدر و مادر الهی تربیت یافته و از شیر مادری مؤمنه و عفیفه تغّذی نموده ام (سقاهما الله و جمیع المؤمنین و المؤمنات شرابا طهورا) و انتساب پر افتخار و سلسله سیادت اسره و خانواده اینجانب با ۲۹ واسطه به چهارمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام) می رسد و از سادات صحیح النسب کوه کمره که از توابع و نواحی شهرستان تبریز شمرده می شود؛ می باشد و در این رابطه مناسب و به جا می بینم که متذکر و متمثل به اشعار استاد شهریار رحمهٔ الله علیه باشم

جز یک نسب که از تو به خود بسته چیستم من آنچنانکه آل علی هست، نیستم

امّا مرا هم ای علی از خود مران که من تا چشم داشتم به حسینت گریستم

پس از پایان تحصیلات ششم ابتدایی در شهرستان تبریز وارد مدارس علوم دینی شده و مشغول خواندن کتابهای ادبیات فارسی معمول و متعارف آن زمان مانند گلستان، نصاب، تاریخ معجم، کلیله و دمنه و کتابهای دیگر و بعد مشغول فرا گرفتن کتب ادبیات عربی متعارف حوزه های آن عصر از محضر اساتید بزرگوار و روحانیون عالی مقام گردیدم (غفر الله للماضین منهم و ادام الله افاضین الباقین و اداء حقوقهم) که به اسم مبارک بعضی از بزرگواران اشاره و یاد آوری می نمایم: مرحوم مغفور شیخ عبدالکریم دستجردی، آقای حاج شیخ موسی ناصحی، آقای میرزا رحیم قراملکی و آقای حاج شیخ جعفر اشراقی که هر سه بزرگوار در قید حیات می باشند (وفقهم الله لمرضاته) و در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی پس از ارتحال مرحوم حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی (رحمهٔ الله علیه) به حوزه مقدسه علمیّه قم (صانها الله عن الحوادث و الفتن) مشّرف شدم. پس از زحمات فراوان در مدرسه مبارکه حجتیه (اعلی الله درجات مؤسسها و بانیها) حجره گرفته و تحصیل را ادامه دادم و باقیمانده لمعتین، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار و گرانقدری چون: جناب مستطاب «حاج میرزا جعفر سبحانی»، «حاج سید جواد خطیبی»، «آقای شیخ کریم مّلائی»، «آقای میرزا ابوالفضل علمائی» و «شیخ حسین ایوبی» استفاده کردم و جلدین کفایه را در محضر انور و پر فیض «مرحوم آیهٔ الله سید محمد باقر طباطبائی بروجردی» معروف به (سلطانی) فرا گرفته و بهره جستم. (حشره الله مع اجداده الطاهرین و جزاه الله عن الاسلام

خیرا).

از علوم عقلی کتاب شریف شرح تجرید را در خدمت مرحوم آقای «شیخ اسحاق آستارائی» و شرح منظومه را در خدمت مرحوم شهید بزرگوار «آیت الله دکتر محمد مفّتح» و مدت نه سال مشغول خواندن کتاب شریف اسفار مرحوم ملاصدرا در محضر نورانی و پر از معنویت و روحانی حکیم الهی «حضرت آیت الله جوادی آملی» (ادام الله ظله العالی) بوده و بهره کامل برده و مدت چهار سال از محضر اقدس و نورانی حکیم الهی و عارف ربانی «حضرت آیت الله حسن زاه آملی»، مقداری از هئیت قدیم و مقداری از مصباح الانس را تلّمذ نموده و استفاده کافی بردم و پیش از انقلاب مقدس اسلامی مرحوم شهید بزرگوار فیلسوف عالیقدر و اسلام شناس آن هم به معنی واقعی کلمه، «حضرت آیت الله مطّهری» (اعلی الله درجات العالیه و جعل ابخته مثواه) مدت کوتاهی در شب های پنجشنبه، خارج اسفار و روزها بحث شناخت، افاضهٔ فیض می فرمودند و اینجانب هم افتخار شرکت داشتم.

پس از اتمام دورهٔ سطح در علوم عقلی و نقلی قسمت خارج فقه و اصول را شروع نمودم که نسبتاً زمان طولانی بود در محاضرات و دراسات آیات عظام و اسطوانه های فقه و فقاهت و مراجع گرانقدر آن زمان حضور مستّمر داشتم و اول کسی که در درس خارج او شرکت نمودم و از چهرهٔ دل آرای او لذت می بردم؛ شخیصیت والا مقام و کم نظیر، عالم متضلع و فقیه مطلق و نائب بر حق حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری (علیه السلام) و بینان گذار جمهوری اسلامی ایران «حضرت آیت الله العظمی امام خمینی» بود (اعلی الله درجاته العالیه و جزاه الله عن الاسلام خیراً) و البته باید بگویم من در آن زمان هنوز سطح را تمام نکرده بودم ولیکن به جهت شدت محبت و اردات بی‌شائبه‌ای که به ایشان داشتم؛ بعد ازظهرها در خارج اصول ایشان در مسجد اعظم قم افتخار محضرشان را داشتم و از جمله کسانی که از خرمن علمی آنها خوشه چینی نموده و استفاده کافی برده ام عبارتند از: «حضرت آیت الله شریعتمداری»، «حضرت آیت الله گلپایگانی»، «آیت الله علامه سید علی فانی» که مدت ۱۲ سال در محضر پرفیضشان بهره مند شدم، «حضرت آیت الله داماد»، «حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی»، «حضرت آیت الله فیروز آبادی»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی» و سایر بزرگان علم (غفر الله الماضین منهم و اصال الله عمر الباقین).

(و اما خدمات اجتماعی): از ۲۲ سالگی وظیفهٔ سنگین امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفته و در مناطق و محل‌های مختلف مانند: تهران، تبریز، خلخال، آمل، اطراف تبریز و جاهای دیگر منبر رفته و در اشتغال مقدس تبلیغات ایفاء وظیفه نموده ام و در کنار تبلیغات در اطراف تبریز و در تهران، حمام و لوله کشی محل و حسینیه و تعمیر مساجد بنیان نهاده ام. و در خارج کشور در آذربایجان شوروی منبر رفته ام و خاطرات شیرین و بیاد ماندی دارم که به یکی از آنها اشاره می نمایم: در اولین شب ورودم که شب اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام بود در یک منزلی مجلس عزا و احسان منعقد شده بود. بنده هم به آنجا دعوت شدم و رفتم و پس از صرف شام، صاحب منزل آمد پیش من و گفت جناب آقا، بنده جهت این احسان مبلغ چهار هزار مانت (واحد پول آنجا) خرج و هزینه نموده ام. خمس مبارک این مبلغ چقدر می شود بفرمائید تا من پرداخت نمایم. برای بنده این منظره بسیار جالب بود که پس از گذشتن هفتاد و دو سال از حکومت کمونیستی و لامذهبی این چنین عقیده پاک خودش را حفظ نموده است که قدر آیه شریفه (یریدون لیطفئوا ...) تداعی می شد.

و باز در قسمت خدمات و کار اجتماعی باید بگویم از همان اوائل شروع به تحصیل، اشتغال مقدس تدریس و تعلیم و در کنارش تربیت را به عهده گرفته ام. یعنی از آن دوران که در تبریز بودم تا به امروز که سال ۱۳۸۷ هجری شمسی می باشد؛ اکثر متون و کتب درسی را در دوره های مکرر تدریس نموده ام و الان هم بحمدالله و المنه در حوزه علمیه مقدسه قم در محضر پر فیض حضرت فاطمه المعصومه (علیها سلام)، تدریس مکاسب و کفاتین ادامه دارد و از خداوند منّان توفیقات هر چه بیشتر برای سالکان راه حق و حقیقت و راهیان علم و عمل عموماً و برای این کمترین و خاک پای پویندگان راه سعادت خصوصاً مسئلت می نمایم و حسن عاقبت و رضای حضرت حق (جل و علی) برای عموم شیعیان امامت و ولایت خواهانم. (و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین). ضمناً در کار تصحیح و تحقیق بعضی از کتابهای علمی مانند: کتاب «مهذب قاضی ابن براج» و سایر کتابها مشارکت داشتم. و ضمناً چندین سال است که امامت ظهرین و عشائین و تبلیغ و نشر احکام و تفسیر قرآن کریم در مسجد قائم واقع در بلوار شهید منتظری را تقبّل نموده و مشغول هستم.

کوهی کرمانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ / ۱۳۳۷ –۱۲۷۶ ش)، ادیب، محقق، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوان کودکی تحصیلات چندانی نکرد و در اداره‌ی یکی از روزنامه‌ها به شاگردی پرداخت. وی در ۱۳۰۲ ش اقدام به تأسیس و انتشار «نسیم صبا» کرد. کوهی بعدها از کار روزنامه‌نگاری دست کشید و به عضویت وزارت فرهنگ درآمد. وی یکی از ارادتمندان ملک‌الشعرای بهار و از طرفداران سرسخت سید حسن مدرس بود. کوهی از نخستین کسانی است که به گردآوری ادبیات عامیانه پرداخت و مدت‌ها در کار تصحیح نسخه‌ها و چاپ آثار متقدمین فعالیت داشت که در این راه، ملک‌الشعرای بهار و سعید نفیسی او را یاری می‌کردند. «ترانه‌های ملی– فهلویات» وی را پروفسور کریستین سن به آلمانی و پرفسور هنری ماسه به فرانسه ترجمه نموده‌اند. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثارش: «از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه‌ی آذربایجان»؛ «غوغای جمهوری»؛ «افسانه‌های روستایی ایران»؛ «خلنامه»، «شعر؛ «هفتصد ترانه»؛ «سوگواریهای ادبی در ایران»؛ «راهنمای اهل ذوق یا بهترین غزلهای سعدی و حافظ»؛ گلچینی از «مثنوی»؛ اهتمام در چاپ «مزارات کرمان»؛ اهتمام در چاپ «کلمات علیه غرا»، از سلسله‌ی انتشارات روزنامه‌ی «نسیم صبا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۴۶۷ -۴۶۶، ۴۶۱ -۴۶۰)، تاریخ جراید (۳۰۲ -۳۰۱/ ۴)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۱۷ - ۴۱۵)، الذریعه (۲۳۵/ ۲۵ ،۳۲۶/ ۲۰ ،۲۳۰/ ۱۸ ،۷۲/ ۱۶ ،۲۶۰/ ۱۲ ،۲۵۱/ ۷ ،۹۲۷ -۹۲۶/ ۹)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳۱۶ -۳۱۴/ ۵)، ستارگان کرمان (۳۱۵ -۳۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۷، ۳۱۳۶ -۳۱۳۵، ۳۰۰۱، ۲۷۶۳، ۲۳۷۴، ۲۰۳۵، ۱۶۳۷/ ۲ ، ۱۲۸۶، ۸۴۶، ۲۹۴، ۱۷۳/ ۱)، کتابنامه نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۹)، مزارات کرمان (دو- هفت)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۰ -۸۴۸/ ۲)، یغما (س ۲۲، ش ۱۰۰ -۹۷، ۲).

کهنمویی پور، ژاله

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ژاله کهنمویی پور در سال ۱۳۲۵ در تهران متولد شد. وی دوره ابتدایی و متوسطه را در همین شهر گذراند و چون شاگرد باهوش و موفقی بود، توانست در ۱۳۴۴ در رشته زبان ادبیات فرانسه دانشگاه تهران پذیرفته شود. او در ۱۳۴۹ دوره کارشناسی را با موفقیت به پایان برد و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. کهنمویی پور دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در رشته ادبیات معاصر فرانسه در دانشگاه هوت برتانی (رن ـ فرانسه) گذراند.وی دوره دکترا را در ۱۳۵۲ در آکادمی رن (دانشگاه هوت برتانی) به پایان برد. کهنمویی پور پس از پایان تحصیلات، به ایران بازگشت و در ۱۳۶۰ مدیرگروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران شد. وی تا سال ۱۳۷۰ در آن سمت باقی بود و در طول این مدت توانست خدمات شایسته ای را به انجام رساند. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه گرایش : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : ژاله کهنمویی پور توانست در ۱۳۴۴ در رشته زبان ادبیات فرانسه دانشگاه تهران پذیرفته شود. او در ۱۳۴۹ دوره کارشناسی را در رشته زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران با موفقیت به پایان برد و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و دوره کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۵۰ با پایان نامه «تصویر زن در آثار آندره ژید» و دکترا را در رشته ادبیات معاصر فرانسه در دانشگاه هوت برتانی (رن ـ فرانسه) در سال ۱۳۵۲ اخذ کرد «مقایسه میان اندیشه و سبک آندره ژید و پل والری از طریق مکاتباتشان» نیز عنوان پایان نامه دکترای ژاله کهنمویی پور است که در آکادمی رن (دانشگاه هوت برتانی) به دفاع از آن پرداخت. هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران ژاله کهنمویی پور میتوان به نسرین دخت خطاط و علی افخمی، اشاره که «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» را در سال ۱۳۸۱ با همکاری آنان تدوین و تألیف کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ژاله کهنمویی پور پس از پایان تحصیلات، به ایران بازگشت و در ۱۳۶۰ مدیرگروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران شد. وی تا سال ۱۳۷۰ در آن سمت باقی بود و در طول این مدت توانست خدمات شایسته ای را به انجام رساند. سپس در ۱۳۸۳ به عنوان معاون پژوهشی دانشکده زبان های خارجی مشغول به کار شد و با مجلات مختلفی چون Dialogues et Cultures مجله پژوهش دانشکده زبان های خارجی، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، مجله رشد زبان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده تبریز، مجله مدرس در دانشگاه تربیت مدرس و... همکاری و مقالات با ارزش و مفیدی را تألیف یا ترجمه کرد. فعالیتهای آموزشی : ژاله کهنمویی پور در دانشگاه تهران به تدریس زبان فرانسه مشغول می باشد. ژاله کهنمویی پور از استادان دانشگاه تهران است که در زمینه ترجمه آثار و گسترش زبان فرانسه در دانشگاه نقش به سزایی داشته و تلاش های بسیاری کرده است. و همچنین راهنمایی بیش از ۱۰ پایان نامه کارشناسی ارشد نیز بوده است که مواردی از آن به شرح زیر است: ـ «مضمون آب وخاك در آثار کولت» ـ «نوشتار زن در ادبیات معاصر فرانسه» ـ «نوشتار خود زندگی نامه ای در آثار آنی ارنو و ...»سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ژاله کهنمویی پور تاکنون مسئولیت سه طرح پژوهشی را به عهده داشته است که عبارتنداز:«واژه نامه توصیفی و تحلیلی نقد ادبی»، «واژه نامه تجزیه و تحلیل گفتمان و آموزش زبان کاربردی در دوره کارشناسی.»چگونگی عرضه آثار : آثار ژاله کهنمویی پور علاوه بر تالیفات و مقالات، به ترجمه آثار ادبی فرانسه نیز میتوان اشاره کرد: اصولاً فرهنگ نویسی اکنون یکی از شاخه های مهم علوم انسانی است که مورد توجه بسیار واقع شده است. اهمیت فرهنگ نویسی دوزبانه وقتی بیشتر می شود که در مورد نقد ادبی به ویژه در زبان فرانسه با آن ادبیات پربارش صورت گیرد. از این رو «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» که با تلاش پیگیر و تحقیقات پربار مؤلفانش از جمله ژاله کهنمویی پور استاد دانشگاه و مترجم زبان فرانسه، صورت گرفته، درخور اهمیت بسیار است. ترجمه آثار همواره توانسته افکار انسان ها را به همدیگر نزدیك کرده، آن ها را با افکار، اندیشه ها و نگرش های مردمان و کشورهای دیگر آشنا سازد. زبان فرانسه با قدمت بسیار و ادبیات پربارش جایگاه ویژه ای دارد. نویسندگان و شاعران فرانسوی در طول تاریخ ادبیات جهان همواره سهم بسیاری داشته اند و چهره های شناخته شده ادبیات فرانسه از بزرگان ادبیات جهان اند. کمتر کسی را سراغ داریم که به ادبیات علاقه مند باشد و از آثار سارتر دوبووار، کامو، کلود سیمون و.... بهره نگرفته باشد. از این رو، نقش مترجمان آثار فرانسوی بسیار حائز اهمیت و قابل ستودن است. بی شك، در این مسیر مترجمان بسیاری عمر خود را صرف ترجمه و تدوین آثار ادبی کرده و هر کدام گوشه ای از این دنیای بزرگ را به تصویر کشیده اند. در زمینه ادبیات فرانسه نیز به سبب آشنایی دیرینه ایرانیان با فرهنگ ممالك فرانسه، نقش مترجم نقشی مهم در ارتباط میان دو کشور بوده است و مترجمان مهمی نیز در این فاصله ظهور یافته اند. ژاله کهنمویی پور از استادان دانشگاه تهران است که در زمینه ترجمه آثار و گسترش زبان فرانسه در دانشگاه نقش به سزایی داشته و تلاش های بسیاری کرده است. دکتر ژاله کهنمویی پور از استادان فعال و پژوهشگری است که همگام با کار تدریس، در بسیاری از همایش های مربوط به زبان فرانسه از جمله هفتمین کنگره استادان زبان فرانسه در یونان، کنگره بین المللی استادان زبان فرانسه در آسیا و اقیانوسیه در چین، هشتمین کنگره استادان زبان فرانسه در لوزان سوئیس و نهمین کنگره استادان زبان فرانسه در توکیو شرکت داشته است. و نیز شرکت در سمینارها و همایش های داخلی و خارجی: ـ کنگره بین المللی استادان زبان فرانسه / آتلانتا ـ همایش اسطوره و ادبیات / تهران ـ

همایش نقد ادبی/ تبریز ـ همایش استادان زبان فرانسه / فرانسه ـ همایش ترجمه متون / آرل فرانسه و ... را در کارنامه دارد. آثار : آموزش مکالمه فرانسه ، انواع شعر و صناعات شعری در زبان فرانسه ویژگی اثر : باهمکاری دکتر ضیاءالدین دهشیری , انتشارات دانشگاه تهران ,۱۳۷۲ .۳ انواع نوشته های منثور ، تئاتر و شقاوت ویژگی اثر : ترجمه، چاپ ۱۳۷۴ نشر قطره. کتاب «تئاتر و شقاوت» ترجمه ای از ژاله کهنمویی پور است که توسط نشر قطره وارد بازار نشر شده است. این اثر که مؤلف آن پیربرونل، استاد برجسته دانشکده پاریس است، نقدی بر تئاتر و شقاوت در تئاتر قدیم و جدید در آثار نمایشنامه نویسانی چون آنتون آرتو، ون کلایست و جان فورد دارد. در این اثر، کوشش شده برداشتی که آنتون آرتو در اثرش «تئاتر و همزادش» درباره زبان سحرآمیز تئاتر داشته است، مورد بررسی قرار بگیرد و در مقام مقایسه با دیدگاه های نمایشنامه نویسان دیگر نیز قضاوت شود. ۵ تراژدی سیاسی، تصویر زن در آثار آندره ژید ویژگی اثر : پایان نامه کارشناسی ارشد ۱۳۵۰۷ فرهنگ توصیفی نقد ادبی ویژگی اثر : فرهنگ توصیفی نقد ادبی با همکاری نسرین دخت خطاط و علی افخمی تألیف شده است. این فرهنگ گرچه دارای عنوان نقد ادبی است، ولی همه بحث های ادبی اعم از انواع صناعات ادبی، مکتب های ادبی و تاریخ ادبیات را دربرمی گیرد. به این ترتیب در تألیف این کتاب علاوه بر مفهوم خاص نقد که مبتنی بر نظریه های ادبی است، مفهوم عام و گسترده آن که نگرش به ادبیات است، نیز مدنظر بوده است. همچنین هدف اصلی از نگارش این فرهنگ ارائه مجموعه ای از اطلاعات در زمینه ادبیات و نقد ادبی به خوانندگان، بویژه دانشجویان بوده است. از این رو، هم توصیفی و هم تطبیقی است. بدین معنی که تنها به معادل یابی کوتاه و نارسا اکتفا نشده و توصیف واژه ها با ذکر مثال های متعدد آورده شده است. از سوی دیگر، مؤلفان تا حد امکان کوشیده اند برای هر واژه نقد در ادبیات فرانسه، معادل تطبیقی آن را (اعم از صناعات ادبی، انواع ادبی و جریانات و مکتب های ادبی) در زبان و ادبیات فارسی بیابند. در «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» در مدخل شامل اجزای زیر است: ـ تعریف و توصیف واژه، همراه با ذکر مثال در متن فرانسوی. در برخی مدخل ها، مثال ها و بخصوص اشعار ترجمه شده است، ولی چون ترجمه بعضی از اصطلاحات یا ابیات شعری برای بیان مطلب و توضیح مدخل ضروری نبوده، تنها به اصل متن اکتفا شده است. ـ ارائه، معادل های تطبیقی در زبان و ادبیات فارسی ـ ? ارائه واژه های مترادف که بتوان با مراجعه به آن ها توضیحات بیشتری در مورد مدخل به دست آورد. ـ کتابنامه مربوط به هر مدخل ۸ مقایسه میان اندیشه و سبک آندره ژید و پل والری از طریق مکاتباتشان ویژگی اثر : پایاننامه دکترا ۱۳۵۲۹ نقد ادبی فرانسه ویژگی اثر : با همکاری دکتر نسرین خطاط , انتشارات سمت ,۱۳۷۴ .

کی استوان تهرانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ ش)، نویسنده و روزنامه نگار. در بندر انزلی به دنیا آمد. در مدارس قدیمه تحصیل کرد. وی مدتی با میرزا حسن رشدیه به کار تدریس و تعلیم مشغول شد. کی استوان در نخستین مجلس مؤسسان ایران به نمایندگی مردم گیلان انتخاب شد. همچنین از دوره‌ی چهارم به بعد چند دوره نمایندگی مردم انزلی را در مجلس شورای ملی به عهده داشت. سپس از فعالیت‌های انتخاباتی چشم پوشید و به دعوت وزارت امور خارجه، راهی چین گردید. او در ۱۳۰۳ ش روزنامه‌ی «پرساد» را منتشر کرد و پس از بازگشت از چین به انتشار روزنامه‌ی «مظفر» در تهران پرداخت. کی استوان کتابخانه‌ی باارزشی جمع‌آوری کرد که از لحاظ مجموعه‌ی جراید و مجلات فارسی و شبنامه و فوق‌العاده‌های سیاسی واجد اهمیت بود. از آثار وی: «سیاست موازنه‌ی منفی در مجلس چهاردهم» یا «سیر تاریخی مشروطه‌ی ایران»؛ «نژاد و زبان»؛ تدوین و چاپ «دیوان» شمس‌الشعرا سروش؛ اهتمام در انتشار کتاب «اعتقادات» شیخ صدوق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۳۱۲)، الذریعه (۱۳۲/ ۲۴ ،۲۷۳/ ۱۲)، سواد و بیاض (۵۸۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۶۶ ، ۲۰۵۲/ ۲ ،۲۸۱/ ۱)، کتاب گیلان (۷۱۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۰/ ۲)، نخبگان سیاسی ایران (۴۷۷/ ۴).

کی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۹، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۶، پاریس.

محمود کی از خاندان قائم‌مقام و جد بزرگ او یوسف صدرالاشرف برادرزاده‌ی میرزا جعفرخان مشیرالدوله (مهندس باشی) بود. محمود کی در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری تحصیل کرد و به درجه‌ی سرلشگری رسید. چهار سال وابسته‌ی نظامی ایران در فرانسه بود. مدتی به تربت حیدریه تبعید شد. سرانجام در سال ۱۳۵۴ بازنشسته گردید. اهل قلم بود و به شعر و ادبیات و تاریخ علاقه داشت.

ترجمه‌های او سرگذشت مرشال نی، یادداشت‌های ناپلئون جوان، هنر جنگ اثر سورن تزو است. مقاله‌ی «نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه در زمان ناصرالدین شاه» در مجله «بررسی‌های تاریخی» منتشر شد. از آثار چاپ نشده‌ی او کتابی

است به نام شاه مهبولستان اثر ژاک دمورگان باستان‌شناس فرانسوی. دمورگان این کتاب را با نام مستعار قره‌گوز افندی انتشار داده بود. این کتاب قرینه‌گونه‌ای است به کتاب معروف حاجی بابا اصفهانی جمیز موریه.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کیا تهرانی، صادق، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، زبان شناس، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به تیرا. در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه‌های ادب، ثروت و دارالفنون به پایان رساند. سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و در ۱۳۲۰ ش به اخذ لیسانس نایل آمد و وارد خدمت وزارت فرهنگ شد. وی در ۱۳۲۳ ش به اخذ درجه دکترای ادبیات توفیق یافت و آن گاه در سمت دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در ۱۳۳۰ به عنوان استاد زبان و ادبیات پهلوی در آن دانشکده ارتقاء یافت. دکتر کیا در اشعارش گاهی از واژه‌های پهلوی که امروز در زبان فارسی از میان رفته استفاده می‌کرد. از آثارش: «چند نمونه از متن نوشته‌های پهلوی»؛ «داستان جم»، با همکاری دکتر مقدم؛ «گشته دبیره» یا «خط کستج»، درباره‌ی خط کتیبه‌ها و سکه‌ها و مهرهای دوره‌ی اشکانی و ساسانی؛ «گویش آشتیان»؛ «ماه فروردین روز خرداد»، متن پهلوی و ترجمه‌ی فارسی با واژه‌نامه؛ «نقطویان یا پسیخانیان»؛ «واژه‌نامه‌ی گرگانی»؛ «یادداشتی درباره‌ی آرامگاه زرتشت در بلخ»؛ «یادداشتی درباره زبان رازی و طهرانی»؛ «واژه‌نامه‌ی طبری»، با مشارکت دکتر مقدم؛ مجموعه‌ی اشعاری به نام «کابل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۴۸۹)، الذریعه (۱۱/ ۲۵ ،۲۹۲/ ۲۴ ،۳۲ -۳۱/ ۱۹ ،۲۵۳/ ۱۸ ،۳۷/ ۸)، سخنوران نامی معاصر (۹۵۲ - ۹۴۸/ ۲)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۶۴ -۱۶۲/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۷۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۴۰ ، ۳۴۳۹، ۳۳۰۴، ۲۸۶۴ -۲۸۶۳، ۲۷۸۷، ۲۷۲۵، ۲۶۳۰، ۲۵۷۹، ۲۵۵۵، ۱۶۵۵/ ۲ ،۱۳۲۶، ۱۱۱۹، ۴۱۷ -۴۱۵ ،۴۰۰، ۳۴۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۹ -۴۹۸/ ۳).

کیا خانلری، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۹.

زهرا کیا (خانلری)، فرزند هادی نوری نواده حاج شیخ فضل‌الله نوری، تحصیلات دبستانی را در مدرسه ناموس به پایان رسانید و تحصیلات دبیرستانی را در دارالمعلمات مرکزی (دانشسرای مقدماتی) انجام داد و بلافاصله در سن هفده سالگی به تدریس در مدارس ملی و دولتی پرداخت و خود برای گذراندن امتحانات دوره‌ی کامل متوسطه با پسران آماده کرد و اجازه‌ی آن را نیز از معارف دریافت نمود و در سال ۱۳۱۴ پس از گذراندن امتحان ورودی در رشته‌ی ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات تهران که در زمان دانشسرای عالی نامیده می‌شد قبول شد و در سال ۱۳۱۸ به اخذ لیسانس نایل آمد و سپس ضمن خدمت دولتی در رشته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی که تازه تأسیس شده بود ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۲۳ با گذراندن رساله خود درباره‌ی «سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام تا قرن نهم» به اخذ دکتری نایل آمد.

پس از چند سال تدریس در دبیرستان به ریاست دبیرستان نوربخش (رضاشاه کبیر سابق) منصوب شد و چند سال به سمت دانشیاری و پس از آن به مقام استادی دانشکده‌ی ادبیات نایل آمد.

در سال ۱۳۲۰ با پرویز خانلری همکلاسی رشته‌ی دکترای خود ازدواج کرد و با کمک هم مجله «سخن» را در سال ۱۳۲۲ منتشر کردند و در این ایام در شورای زنان با دکتر فاطمه سیاح و عده‌ای دیگر به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت و به سمت منشی هیئت مدیره‌ی شورا منصوب شد. زهرا خانلری پس از مرگ دردناک پسر هشت ساله‌اش از هر گونه فعالیت اجتماعی دست برداشت و تنها به کارهای ادبی خود ادامه داد.

او از هفده سالگی بنا بر ذوق شخصی به مطالعه و نوشتن مقالات در جراید روز پرداخت و در همان ایام دو داستان به نام پروین و پرویز و ژاله یا رهبر دوشیزگان (۱۳۱۵) نوشت و چنان که ذکر شد در مجله «سخن» به داستان‌نویسی و ترجمه‌ی مقالات پرداخت.

در سال ۱۳۳۹ برای مطالعه درباره‌ی کتب درسی به کشورهای فرانسه و انگلستان سفر کرد و در بازگشت در سازمان کتاب‌های درسی با عده‌ای از همکارانش دست به تغییر در کتاب‌های درسی مدارس زد و کار او از اولین کتاب دبستانی آغاز نمود و به کلی سبک کتاب‌های گذشته را عوض و کتاب‌های تازه را به سبک جدید با در نظر گرفتن محیط و زبان کشور خود تألیف کرد و برای آموزگاران نیز روش تدریس نوشت تا با سهولت بتوانند کتاب‌های تازه را تدریس نماید و این همکاری را تا کتاب فارسی اول دبیرستان ادامه داد و کتاب‌های پنجم و ششم دبیرستان را شخصا نوشت و این کتاب‌ها از سال ۱۳۴۱ به تدریج به صورت کتاب‌های رسمی در سراسر کشور تدریس شد. و چون همیشه در ضمن تدریس در دبیرستان و دانشگاه به این نکته برمی‌خورد که شاگردان

از داستان‌های منظوم و معروف ادبی زبان فارسی به کلی بی‌اطلاع‌اند و هرگز فرصت خواندن آنها را ندارند بنابراین درصدد برآمد که این داستان‌ها را خلاصه کند و به لباس نثر درآورد. این مجموعه که با شیوه‌ی خاصی نوشته شد به نام داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی (۱۳۳۷) منتشر و دوباره تجدید چاپ شد و برنده‌ی جایزه‌ی یونسکو در ایران شد.

از آثار دیگر اوست: پروین و پرویز (داستان)، ژاله یا رهبر دوشیزگان (داستان، ۱۳۱۵)، راهنمای ادبیات فارسی، فرهنگ اعلام، اصطلاحات (۱۳۴۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۳۴۸)، نمونه فارسی در سلسله شاهکارهای ادبیات فارسی، داستان حسنک از تاریخ بیهقی (۱۳۵۱)، برگزیده‌ی قابوسنامه (تصحیح از قدیمی‌ترین نسخ، ۱۳۵۲)، کتاب‌های فارسی و دستور در سلسله کتاب‌های درسی، افسانه‌ی سیمرغ (از منطق الطیر عطار)، برای کودکان، ترجمه شب‌های روشن (اثر فئودر داستایوسکی، ۱۳۲۴)، رنج‌های جوانی ورتر (اثر آندره موروآ، ۱۳۲۲)، بیست داستان (از پیراندللو، ۱۳۳۵)، آقای رییس جمهور (اثر میگل انخل آستوریاس، ۱۳۴۸)، سه داستان حماسی فارسی برای گنجینه‌ی ادبیات کودکان، نمونه‌ی غزل فارسی (۱۳۴۳)، دنیای خیال، (اثر آندره موروآ، ۱۳۴۹)، توروتومیو (۱۳۵۱)، پاپ سبز (۱۳۶۰).

(۱۳۶۹ -۱۲۹۴ ش)، نویسنده و مترجم. نسبش به حاج شیخ فضل‌اللّٰه نوری می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدرسه‌ی ناموس، تحصیلات متوسطه را در دانشسرای مقدماتی، به پایان رساند و بلافاصله به تدریس در مدارس ملی و دولتی پرداخت. در ۱۳۱۸ ش موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران شد. وی، در ضمن خدمات دولتی، در رشته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی ادامه‌ی تحصیل داد و با ارائه‌ی رساله‌ی خود درباره‌ی «سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام» موفق به اخذ مدرک دکترا شد. پس از چند سال تدریس در مدارس و ریاست دبیرستان نوربخش به سمت دانشیاری و سپس به مقام استادی دانشگاه ادبیات رسید. وی به اتفاق همسرش، پرویز ناتل خانلری، در ۱۳۲۲ ش مجله‌ی ادبی «سخن» را منتشر کرد و در این ایام در شورای زنان با دکتر فاطمه سیاح و عده‌ای دیگر به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت. او برای مطالعه درباره کتب درسی به کشورهای فرانسه و انگلستان سفر کرد و پس از بازگشت، در سازمان کتاب‌های درسی با عده‌ای از همکارانش به تغییر و تحول در کتب درسی پرداخت. از آثار وی: «پروین و پرویز»، داستان؛ «ژاله یا رهبر دوشیزگان»، داستان؛ «نمونه‌ی غزل فارسی»؛ «راهنمای ادبیات فارسی»؛ «داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی»؛ برگزیده «قابوسنامه»؛ «داستان حسنک»، «از «تاریخ بیهقی»؛ «افسانه سیمرغ»، برای کودکان، از «منطق الطیر» عطار؛ ترجمه‌های: «بیست داستان»، «سه اندیشه‌ی دخترک گوژپشت»، «خانه‌ی افسون‌زده»، «انتقام سگ»، «روسری سیاه»، «شب عروسی»، «کدامیک است»، «دود»، «زن مرده و زن زنده»، «سکته ناقص»، «گل سرخ»، «سرگرمی»، «چائولا ماه را کشف می‌کند»، «نمازخانه کوچک»، «پاسخ»، «بیچاره آن مرحوم»، «دو و دو شش»، «لباس نو»، «گربه، پرنده، ستارگان»، «دنیای خیال»، «شبهای روشن»، «رنجهای جوانی ورتر»، «آقای رئیس جمهوری»، «پاپ سبز».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :

[۱] صد سال داستان نویسی (۱ و ۲ /۷۷۲ ،۳ /۴۱۵، ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۱۳۲ -۱۳۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۳۵، ۳۳۱۴، ۳۳۱۰، -۳۳۰۹، ۲۸۰۰، -۲۷۹۹، ۲۷۵۷، ۲۷۱۲، ۲۶۲۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۱، ۲۰۳۶، ۲۰۰۷، ۱۹۷۵، ۱۷۷۸، ۱۷۷۳، ۱۷۵۰، ۱۶۳۴ / ۲، ۱۴۸۴، -۱۴۸۳، ۱۲۴۵، ۱۰۹۳، ۶۰۲، ۵۸۴، ۵۸۲، ۵۵۷، ۵۵۴، ۳۴۸/ ۱)، کارنامه‌ی زنان (۲۲۰ -۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۰ -۲۴۹/ ۳).

کیاالحسینی، ضیاءالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ضیاء الدین کیا الحسینی

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید ضیاء الدین کیا الحسینی در مرداد ماه سال ۱۳۴۰ در خانواده ای متوسط در روستا به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در گرگان به سال ۱۳۵۸ به اتمام رسانده و در همان سال برای تحصیلات عالیه در یکی از مراکز عالی مشهد در رشته تأسیسات حرارتی قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. با شروع انقلاب فرهنگی در خرداد سال ۱۳۵۹ به کارهای فرهنگی دینی در شهرستان «کردکوی» مشغول بودم.

در سال ۱۳۶۰ با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم و موفقیت در آنان (که از قبل علاقه مندی به این دروس در اینجانب وجود داشته و با مطالعه آثار شهید مطهری بیشتر شد)، وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه (امام صادق علیه السلام) مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۷ دوره سطح را تمام کرده و مشغول درس خارج گشتم که عمده اساتید سطح اینجانب در شرح لمعه «حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر مدنی» و در رسائل از محضر استاد «مصطفی اعتمادی» و در مکاسب از محضر مرحوم استاد «احمد پایانی» و در کفایه و خیارات مکاسب از محضر استاد «محمد حسن قدیری» بهره بردم. خارج اصول را عمدتاً از محضر

اساتید: «وحید خراسانی» و «تبریزی» بهره بردم. و این حضور به مدت ۷ سال ادامه داشت.
با اتمام دروس سطح و تاسیس دانشگاه مفید توسط «حضرت آیت الله موسوی اردبیلی»، در آنجا مشغول به تحصیل رشته «اقتصاد» در مقطع کارشناسی شدم و در سال ۷۳ با اتمام مقطع کارشناسی وارد مقطع کارشناسی ارشد شدم. در سال ۱۳۷۷ با نوشتن پایان نامه خود با عنوان: «زکات در قرآن و تخمین تابع آن در ایران» مطالعه موردی سال های ۷۵ ـ ۱۳۶۱ فارغ التحصیل شدم و به عنوان عضو هیئت علمی در آنجا مشغول به فعالیت علمی شدم. در طی این مدت به تدریس و تدوین بعضی از مقالات و آثار علمی پرداخته و در سال ۱۳۸۰ در امتحان ورودی اولین دوره دکتری این دانشگاه قبول و در حال حاضر (۱۳۸۴) امتحانات آموزشی و جامع را پشت سر گذاشته و مشغول تدوین پایان نامه می باشم.

کیاشمشکی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل کیاشمشکی

محل تولد : شمیران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل کیاشمشکی پس از گذراندن دوران تحصیلی رسمی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در رشته (ریاضی فیزیک)، به دلیل علاقه بسیار به معارف دینی وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۶۳ ابتداء به حوزه علمیه «حضرت قائم (ع) چیذر» رفته و طی چهار سال دروس مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از موفقیت در آزمون های سطح و تشکیل پرونده در شورای مدیریت حوزه علمیه قم، موفق به شرکت در دروس خارج آیات عظام: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی»، «میرزا هاشم آملی» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شدم. در کنار دروس خارج فقه و اصول، توفیق حضور در دروس (فلسفه و عرفان) اساتید فن، حضرات آیات: «حسن زاده آملی» و «جوادی آملی» را یافتم و موفق به تحصیل کتب اساسی (فلسفه و عرفان): «اسفار اربعه»، «تمهید القواعد»، «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس» شدم.
همزمان در سال ۱۳۷۲ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت نموده و پس از قبولی در آزمون و گذراندن دوره، مدرک کارشناسی ارشد در رشته (الهیات و معارف اسلامی) را اخذ نمودم. سال ۱۳۷۴ پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، در آزمون دکتری دانشگاه تهران شرکت نموده و پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به پایان دوره دکتری و دفاع رساله خود با عنوان: «معاد جسمانی در حکمت متعالیه» با درجه عالی شدم. در کنار تحصیل در دانشگاه، رساله سطح چهار حوزه (مدارج علمی) را با موضوع «تقلید میت» نوشته و مدرک سطح چهار حوزه را نیز دریافت کردم. همزمان با تحصیل، به تدریس در حوزه و دانشگاه نیز اشتغال داشتم و علاوه بر دروس (فقه، اصول و سطوح)؛ فلسفه، عرفان و کلام را نیز تدریس می نمودم. به قدر وسع فعالیت های پژوهشی نیز در قالب کتاب و مقاله داشته ام و در حال حاضر نیز تمام وقت من صرف تدریس و تحقیق در مباحث معارفی به ویژه فلسفه، عرفان، کلام و تفسیر می شود.

کیوان سمیعی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ –۱۲۹۲ ش)، محقق، ادیب و شاعر، متخلص به کیوان. در کرمانشاه به دنیا آمد. در کنار تحصیلات جدید، صرف و نحو را نزد میرزا باقر توحیدی فراگرفت. او همچنین منطق و نحو را نزد شیخ عزیزاللّٰه واعظ خواند و علوم عربی و منطق و نحو و اصول و فقه را نزد حاج آقا میبدی ادامه داد. در نوزده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و از آیت‌اللّٰه سید محمد حجت بهره برد. او معقول را نزد آیت‌اللّٰه میرزا محمد علی شاه آبادی فراگرفت. آن گاه به مشهد رفت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری دوم تکمیل کرد. وی همچنین در محضر حکیم آقابزرگ عسکری و فرزندش میرزا مهدی عسکری بهره برد. سپس به تهران آمد و با مجامع ادبی و بزرگان و دانشمندان آشنا شد و از محضر حاج شیخ عبداللّٰه حایری و حاج شیخ عباسعلی کیوان قزوینی استفاده برد. آن گاه به زادگاهش بازگشت و چندی از محضر سردار کابلی کسب فیض نمود. در ۱۳۲۲ ش به تهران آمد و مقیم گشت و به مطالعه و تحقیق و تألیف پرداخت. او مدتی امور حقوقی بانک کشاورزی را عهده‌دار بود. وی در تهران وفات یافت و در بهشت زهرا، در قطعه‌ی هنرمندان، دفن شد. از آثارش: «زندگانی سردار کابلی»؛ مقدمه‌ای بر «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز»؛ «راز دل»، مجموعه شعر؛ مقدمه‌ای بر «دیوان آزاد همدانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال طبیب اصفهانی»؛ شرح و مقدمه «دیوان» رنجی؛ مقدمه بر

«دیوان» صابر همدانی؛ «تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری»؛ مقدمه بر «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر؛ مقدمه بر «قبله شناسی» سردار کابلی.[1]

محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۹۲، کرمانشاه.

درگذشت: ۴ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

غلامرضا کیوان سمیعی متخلص به «کیوان»، فرزند محمد صادق، تحصیلات ابتدایی را در دبستان نصرت در کرمانشاه به پایان برد. در کنار درس‌های دبستانی به فراگیری علوم عربی و قرآنی نزد برخی استادان کرمانشاه از جمله میرزا باقر توحیدی و شیخ عزیزالله واعظ پرداخت. سپس به دبیرستان رفت و همچنان پس از فراغت از مدرسه به فراگرفتن علوم عربیه پرداخت و شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک و حاشیه‌ی ملا عبدالله بر تهذیب در منطق و شرح جامی بر کافیه ابن حاجب در نحو و معالم الاصول و جلد اول قوانین الاصول در علم اصول و اکثر شرح لمعه را در فقه، نزد حاج آقا محمد میبدی تلمذ کرد و در خلال دروس دبیرستانی و علوم عربیه شب‌ها به تحصیل در رشته‌ی ریاضیات و زبان انگلیسی پرداخت. در نوزده سالگی پس از طی دوره دبیرستان به قم رفت و به فراگیری علوم اسلامی ادامه داد. رسائل را نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای و مبداء و معاد ملاصدرا را نزد آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی خواند و سپس به مشهد رفت و در محضر شیخ محمدتقی راموز مشهور به ادیب نیشابوری (ثانی) درس مطول را خواند. از استادان دیگر وی آقا بزرگ عسگری و آقا میرزا مهدی بودند.

آنگاه به تهران آمد و علم کلام را از شریعت سنگلجی آموخت و در تهران با مجامع ادبی و ادیبان رفت و آمد داشت و با شیخ عبدالله حایری (رحمت علیشاه) و شیخ عباس‌علی کیوان قزوینی به مشرب عرفان آشنا شد و شرح قیصری بر فصوص الحکم را فراگرفت.

آنگاه به زادگاه خود بازگشت و چندی نیز از محضر حیدرقلی‌خان سردار کابلی جامع معقول و منقول و ریاضیات کسب فیض کرد و به دنبال معیشت چندی به تجارت پرداخت. سرانجام به استخدام بانک کشاورزی درآمد. و سال‌ها امور حقوقی بانک را عهده‌دار بود و پس از سی سال خدمت در سال ۱۳۵۲ بازنشسته شد.

علاوه بر مقالات کیوان سمیعی در مجله‌های «دعوت اسلامی» (نخستین مقاله وی در سال ۱۳۰۹ در همین مجله به چاپ رسید)، «شفق سرخ»، «کرمانشاه»، «وحید» و روزنامه‌ی «کیهان»، از جمله آثار وی است: زندگانی سردار کابلی مشتمل بر حوادث افغانستان در قرن نوزدهم میلادی (۱۳۶۱)؛ مقدمه‌ای بر شرح گلشن راز (شیخ محمد لاهیجی، ۱۳۳۷)؛ رساله در شرح احوال طبیب اصفهانی (۱۳۴۷)؛ تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری (۱۳۶۱)؛ کتاب چند جلدی اوراق پراکنده (مجموعه مقاله‌ها، ۱۳۶۶)؛ مقدمه بر قبله‌شناسی (تصنیف سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ مقدمه بر اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی (۱۳۳۶)؛ مقدمه بر تذکره مختصر شعرای کرمانشاه (تألیف باقر شاکری، ۱۳۳۷)؛ مقدمه بر خاک نشیان عشق (تألیف فرشید یوسفی، ۱۳۶۴)؛ مقدمه‌ای بر تحقیق در مسائل فقهی (تألیف دکتر سید حسن صفوی ۱۳۴۹)؛ مقدمه‌ای بر دیوان آزاد همدانی (۱۳۵۶)؛ تصحیح دیوان صابر همدانی در دو قسمت با مقدمه‌ی مشروح؛ مقدمه‌ای بر دیوان هادی رنجی (به اهتمام غلامحسین تهرانی، ۱۳۴۱)؛ مقدمه‌ای بر دیوان کی‌فر (۱۳۴۲)؛ راز دل (مجموعه شعر، به اهتمام محمدعلی سلطانی ۱۳۶۳)؛ مقدمه بر مناظرات ترجمه المراجعات (تألیف سید شرف‌الدین عاملی با ترجمه سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ رساله تاریخ فلسفه؛ مقدمه تحفهٔ الاجله سردار کابلی؛ شاهکارهای هنری؛ تاریخ و کیفیت روزه در ادیان؛ علت شهرت سید جمال‌الدین اسدآبادی؛ ترجمه حال کیوان قزوینی؛ مبادی عرفان و تصوف؛ وی کتابخانه‌ی شخصی خود را به دانشگاه ادبیات دانشگاه رازی کرمانشاه اهدا کرد.

استاد غلامرضا کیوان سمیعی در پس سرطان حنجره درگذشت و در قطعه مقبرةالشعرا، حجره‌ی ۹۵۳ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینده (س ۱۹، ش ۹ –۷، ص ۸۴۱ –۸۴۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۲۲ –۳۰۱۷/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۶۲/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸ ص ۹ –۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۰ –۷۰۹/ ۴).

کیوان قزوینی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ –۱۲۷۷ ق)، مفسر، واعظ، صوفی و شاعر، متخلص به کیوان. ملقب به منصور علیشاه. در قزوین به دنیا آمد. برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و از محضر شیخ حبیب‌اللّه رشتی استفاده کرد تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت در ۱۳۱۳ ق به گناباد و خراسان رفت و به فرقه‌ی دراویش گنابادی پیوست. آن گاه به تهران آمد و به وعظ و ارشاد پرداخت و به شهرت فراوانی دست یافت اما به دلایلی به فقط از سلسله‌ی گنابادیه برید بلکه بر ضد آنها به تبلیغ پرداخت. وی در رشت درگذشت و در سلیمان داراب به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنوز الفوائد»؛ «رازگشا»؛ «تفسیر کیوان»؛ «استوارنامه»؛ «بهین سخن»؛ «دیوان» شعر.[1]

عباس ابن اسماعیل بن علی بن معصوم قزوینی مشهور به حاج ملا ـ عباسعلی کیوان، از علمای دینی و عارف و واعظ (و. قزوین ۱۲۷۷– ف. ۱۳۷۷ ه.ش). وی پس از تحصیل در نجف و کربلا و سامره اجازه‌ی اجتهاد گرفت و به خراسان رفت. در آنجا نزد حاج ملا ـ سلطانعلی به تحصیل عرفان و تصوف پرداخت. در اواخر عمر از تصوف بیزار گردید و کتابهایی در رد آن نوشت. وی مفسر قرآن به عربی و فارسی است که چند مجلد آن بطبع رسیده، اشعار خیام را شرح کرده و از جمله تألیفات وی از: «کیوان‌نامه»،

«استوار»، «راز گشا»، «حج‌نامه»، «عرفان»، «میوه‌ی زندگانی»، «فریاد بشر» را باید نام برد. کیوان معتقد است که بزرگترین عارف و صوفی خیام و بزرگترین حکیم بوعلی سیناست. وی عرفان را به عرفان علمی و عرفان عملی تقسیم نمود و سلوک و درویشی را عرفان عملی می‌داند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۷۴/ ۱۸ ،۵۸/ ۱۰ ،۹۲۸/ ۹)، شرح حال رجال (۱۳۰/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۶۱۸/ ۲ ، ۹۳۴ ،۵۴۶/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸، ص ۵ -۴)، لغت‌نامه (ذیل/ کیوان قزوینی)، مولفین کتب چاپی (۶۹۴ -۶۹۳/ ۳)، یادداشتهای قزوینی (۲۲۷/ ۸).

کیوانپور کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به کیوان. از خانواده‌ی مکری بابا میری کردستانی بود. وی در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطنش و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان شرف تهران به پایان رساند و از دانشسرای عالی در رشته زبان و ادبیات فارسی مدرک لیسانس گرفت. سپس پایان نامه‌ی دکترای خود را در موضوع «بحث در لهجه‌های مغرب ایران» نوشت و سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمتهای مختلف مشغول به کار گردید. وی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش عازم اروپا شد و سالها در فرانسه اقامت کرد و هنگام پیروزی انقلاب اسلامی به ایران مراجعت نمود و به سمت سفیر کبیر ایران در مسکو منصوب گشت. وی ضمن آشنایی با چند زبان و خط به زبان پهلوی نیز تسلط کامل داشت. لازم به ذکر است که صاحب «الذریعه» نام «دیوان» شعر وی را ذیل مکری کردستانی آورده است. از آثارش: «بغستان» یا «بیستون»؛ مجموعه‌ی «ترانه‌های کردی یا گورانی»، شعر؛ «عشایر کرد»؛ «فرهنگ فارسی»؛ «نمونه‌های نظم و نثر فارسی»، از قرن سوم هجری تا عصر حاضر؛ «نغمه‌های جوانی»، شعر؛ «اندرز خسرو قبادیان»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۸/ ۲۴ ،۲۰۹/ ۱۶ ،۲۶۳/ ۱۵ ،۱۰۹۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۲۵ -۳۰۲۳/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۷۲، ۷۷۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۳، ۳۳۱۵، ۳۲۹۰، ۲۴۳۱، ۲۳۰۴ -۲۳۰۳/ ۲ ،۱۰۲۷ -۱۰۲۶، ۸۴۶، ۳۵۴ -۳۵۳/ ۱)، مولفین کتب چاپی (۷۰۱ -۷۰۰/ ۵).

کیوانی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۰ و دکترای زبان‌شناسی کاربردی از دانشگاه ولز انگلستان در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آموزش زبان و زبان‌شناسی نوین و کاربردی، تدریس دروس زبان انگلیسی، قرائت متون ادبی و ترجمه متون اسلامی در دانشگاههای تربیت معلم و علم و صنعت تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول آموزش زبان و اصول یادگیری و تدریس زبان و زبان‌شناسی نوین.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

شوق یادگیری، صفات تخصیصی و صفات خبری، متدولوژی آموزش زبانهای خارجی، دوزبانگی و مسائل تربیتی و اجتماعی آن، نمای تربیت در اتحاد شوروی، آموزش و پرورش بیرون از مدرسه، دورنمای تکامل ساخت نظام‌های تربیتی، وضع تابلند، سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال رشد و بازگشت به زبان و فرهنگ ملی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کیهان، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به کیهان. در قریه سامان به دنیا آمد. نزد پدر و دیگران به تحصیل پرداخت. در ۱۳۲۱ ش وارد خدمت فرهنگ شد. وی در اصفهان روزنامه‌ی «تگرگ» را منتشر می‌کرد. از اوست:

به حق گرای تو را گرنه خوی اهرمن است

گذر ز خویش تو را گرنه جان اسیر تن است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۹۸ -۳۹۷).

گاوان، عماد الدین محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عماد الدین محمود گاوان درسال ۸۰۸ درروستای گاوان در گیلان متولد شد . پدران وی از حاکمان گیلان بوده اند . وی پس از آموختن علوم معقول و منقول به توسعه مادر برای تجارت و نیز دیدار با علما به سفر و خراسان و عراق پرداخت تا اینکه در ادامه سفرهای خود به هند رفت و مورد توجه سلاطین بهمنی قرار گرفت . در منا سب اداری و شکری چون هزار امیر الامرا ،سپهسالار ،حاکم تا مقام وزارت و وکالت امور شاهی ترقی کرد. و همین قدرت یابی وی ونیز سخت گیری او بر نظامیان هندی و رشوه خواران موجب توطئه علیه وی و اعدام او توسط محمد شاه بهمنی در سال ۸۸۶ ه .ق گردید. خواجه عماد الدین مردی ثروتمند اما صوفی مسلک ،بخشنده و صاحب ذوق بود و اشعار و نثر زیبایی را از خود در آثار ی ون ریاض الانشاء ،مناظر الانشاء و قواعد الانشاء به جا مانده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : انشای دیوانی

والدین و انساب : منشاء خاندان وی محمد گاوان از روستای گاوان یا قاوان بوده است ماید محمود نیز از خاندان مشایخ بوده است .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : آبا و اجداد عماد الدین محمود گاوان از گذشته های دور ،از فرامانروایان گیلان بودند چنانکه یکی از آنان در رشت حکومت می کرد و این فرمانروایان از طریق ارث به محمود گاوان رسید .علت انتساب وی به گاوان یا قاوان انتساب وی به روستایی از گیلان به همین نام بوده است .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عماد الدین محمود گاوان علوم و کمالات در زادگاه خود گیلان فرا گرفت . امابه توصیه مادر ،از بیم مخالفان به سفر در عراق و خراسان پرداخت . با بزرگان علمی وصوفیان دوران خود دیدار کرد. چنانچه انواع علوم معقول ومنقول ،بویژه ریاضی و طب را خوب می دانست و در فن نثر و نظم و انشاء و حساب و خط سیا ق را خوب می نوشت و شعر نیز می سرود واز خود دیوانی داشت که چند قصیده ای در کتاب مشهوری ریاض الانشاء باقی مانده است

وقایع میانسالی : عماد الدین محمود گاوان پس از اتمام تحصیلاتش به سفارش مادر به سفرهایی در شهرهای عراق و خراسان پرداخت و از سال ۸۵۱ در عهد سلطنت علاء الدین بهمنی (۸۶۲-۸۳۸)برای تجارت از راه دریا به احمد آباد بیدر ،پایتخت سلاطین بهمنی رکنی رفت و به دعوت وی جزو درباریان آنجا قرار گرفت وبه مناصب بالا یی چون هزار «منصبی نظامی » دست یافت . حتی قلعه نلکنده را از تصرف افغانان و راجپوتا ن بیرون آورد و ضمیمه متصرفات سلاطین بهمنی کرد . همایونشاه ظالم بهمنی (۸۶۵-۸۶۲) نیز القاب ملک التجاره و حکومت و سپهسالاری ولایت بیجانپور را به وی سپرده بود و حتی در زمان مرگ خود وزارت پسرش نظام شاه بهمنی (۸۶۷-۸۶۵)را به وی وا گذار کرد . محمود گاوان دو دشمن خارجی نظارت شاه بنامهای سلطان محمود خلجی و محمود شاه گجراتی را شکست داد د و تحت عنوان سپهسالار سپاه رکن اقوام بسیاری یافت . سلطان محمد شاه بهمنی (۸۸۷-۸۶۷) نیز القاب خواجه جهان ،منصب امیر الامراو وکالت امور شاهی را بر القاب وی افزود .زیرا محمود گاوان ولایت های سنگسیر و برخی بلاد بیجانگر را برای وی تصرف کرد. تا آنجا که غلام محمود گاوان مو سوم به «خوشی قدم » به «کشور خان » ملقب شد. اما خواجه جهان به یکباره متغیر شد و برای دوری از غروری که به سراغش آمده بود اموال خود را در میان مردم تقسیم کرد و مانند مردم عادی می زیست . با این وجود از چهار هزار سوار درركاب داشت . سرانجام به سبب سخت گیری هایی که بر امرا به علت استیفای حقوق دولت می کرد ،امرا را ناراضی کرد و و طی تهمتی که برای براندازی نظام حکومت بهمنیان به وی زاده شد ،سلطان محمد بهمنی فرمان قتل وی را صادر کرد . خواجه جهان در اواخر عمر با سلطان حسین ؟؟؟تیموری بود و بدلیل عدم اجازه محمد شاه بهمنی نتوانست به دعوت سلطان حسین در هرات ،پاسخ مثبت بگوید و درهند ماند.

زمان و علت فوت : عماد الدین محمود گاوان در ماه صفر ۸۸۶ ه. ق درسن ۷۸ سالگی به فرمان سلطان محمد بهمنی کشته شد .

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : عمـاد الـدین محمود گـاوان در آغـاز بعنوان تجـارت و کسب علم به سـفر پرداخت اما در دربار سلاطین بهمنی دکن (شـمال هنـد)به منـاصبی چون «هزار» نوعی درجه نظامی ،سـپهسالار ،امیر الامرا ،ملک التجاره ، حاکم ولایت بیجانپور و حتی وزارت و وکالت امور شاهی ر ا به دست یافت .

مراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : آثـار عمـاد الـدین محمود گـاوان جهـان در رکن بسیار بود از آن جمله مـدرسه و مسجدی که دو سال پیش از وفات خود در احمد آباد بیدر به اتمام رسانیده بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عماد الدین محمود گاوان به عبادت ،کمک مالی به مستمندان و تمرین در شـعر و نثر از فعالیت های روزانه او بود.

شاگردان : ملا عبـد الکریم همدانی از مریدان و شاگردان خواجه عماد الدین محمود گاوان بود که در کتابی شـرح زندگانی وی را نوشـته است . که مختصری از آن در کتاب « تاریخ فرشته »محفوظ مانده است . ملا سامعی مداح و ندیم خواجه و نظام الدین حسن گیلانی خزانه دار وی بوده است .

همفکران فرد : عماد الدین محمود گاوان از نظر عرفانی با مولانا عبد الرحمن جامی همفکری و دوستی داشت و در نامه هایی که به یکدیگر نوشته اند و در ریاض النشاء ثبت شده است . این مباحث عرفانی موید است.

آرا و گرایشـهای خاص : عماد الدین محمود گاوان جهان مردی دیندار و سـنی متعصبی بود ، اما ارادتمند شـیخین و دستگیر فقیران بـود . و گرچه شـخصا مردی بازرگـان بـود در عین وزارت از بازرگـانی دست نمی شـست ، بخشـنده و کریم بـود اخلاـق و صوفی مشـربی داشته است .شیوه وی درانشای فارسی نیز بسیار منشیانه و مترسلانه است . و ترکیبات عربی زیادی با آرایشهای بسیار در آن به کـار برده است . --

آثار :

۱ ریاض الانشاء

ویژگی اثر : شامل نامه های خواجه عماد الدین محمد گاوان است که سر مشق منشیان هند است .

۲ قواعد الانشاء

۳ مناظر الانشاء

ویژگی اثر : درباره آیین ترسل و مبا حث مربوط به بلاغت است «موضوع و فایده انشاءرا در آن بیان می کند »

منابع زندگینامه :

۱ذبیح الله صفا ، تاریخ ادبیات در ایران ، ج ۴ ، چاپ دوم ، تهران :فردوسی ۱۳۶۳ ، ص ۵۰۰

گرجیان عربی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی گرجیان عربی

محل تولد : عربخیل بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجـانب در ۲۰ تیرمـاه ۱۳۴۲ در محله عربخیـل بابلسر در یـک خانواده مـذهبی متولـد شـدم و در سن شـش سالگی به تحصـیل در دبستان مسعود سعد وارد شـدم و دوران راهنمایی ر ا نیز در همانجا گذرانـدم و دوران دبیرسـتان را در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۰ به پایان رسانـدم و بعد از چند بار قبولی در دانشگاه در رشته های مختلف و شـرکت در جبهه های حق علیه باطل با توجه به علاقه شدیدم به تحصـیلات حوزوی به حوزه علمیه روحیه بابل وارد شدم و تحت تعلیم حضـرت آیت الله محمدی طبری و آیت الله بهشتی (ره) دروس سـطح را تقریبـا در طی کمتر از چهار سال به پایان رسانـدم و در اواخر سال ۱۳۶۴ به قم مشـرف شدم. به محض ورود به درس خارج فقه حضـرت آیت الله شیخ جواد تبریزی و کفایه را نزد حضرت آیت الله محقق داماد ادامه دادم و از همان سال در درس اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمودم در سال ۱۳۷۵ همزمان به دانشگاه علامه طباطبائی رشته علوم اجتماعی وارد شدم و بعد از اتمام بلافاصله در مقطع حقوق لیسانس و بعد نیز بلافاصله در دوره دکتری قبول شده و ادامه تحصـیل دادم و در مجموعه آموزشـی موسسه در راه حق که تحت اشـراف استاد مصباح یزدی بود شرکت نمودم و دوره آموزش آنجا را به اتمام رساندم و دروس فلسـفه (اشارات) و عرفان (فصوص الحکم و مصباح الانس) را نزد حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی به اتمام رساندم و در بعضـی دروس جناب استاد آیت الله جوادی آملی شرکت می نمودم ضمنا در درس فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی به مدت ۷ سال شـرکت نمودم، لازم به ذکر است که از همان سال سوم حوزه به تـدریس دروس اشـتغال داشـتم (که می تـوان گفت بیش از ۱۹ سال مشـغول به تـدریس دروس حوزوی و ۱۷ سال به تـدریس دروس دانشگاهی مشـغول می باشم و تمام دروس سطح را چند بارتدریس نموده ام).

گرگانی، امیرفریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۳۰۲.

درگذشت: آذر ۱۳۵۸.

امیر فریدون گرگانی، مترجم و محقق، سال‌ها در زمینه‌ی ادبیات و فرهنگ مشترک هند و پاکستان مطالعه کرده است و از شیفتگان عرفان مشرق زمین است.

از آثار اوست: سدهرتها (هرمان هسه، ۱۳۴۱)، میهن من، کنگو (پاتریس لومومبا، ۱۳۴۲)، نمایشنامه‌های قربانی، پستخانه، مرتاض، مالینی و شاه، ملکه (رابیندرانات تاگور، ۱۳۴۰)، میهمانی کوکتیل (۱۳۵۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

گرگین

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پسر میلاد پهلوانی است ایرانی. میلاد بقول نولد که محرف مهرداد (Mithradat) (نام پادشاه اشکانی) است. در داستان جنگ بیژن با گرازان کسی که مایه‌ی رنج بیژن و افکندن او در بند تورانیان شد گرگین میلاد بود. وی از جانب پادشاه ایران حکمران خوارزم گشت و شهری به نام خود ساخت که گرگان نامیده شد:

«به طوس و به گودرز گشوادگان

به گیو و به گرگین از آزادگان»

(فردوسی)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گرم آبدشتی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا گرم آبدشتی

محل تولد : گرم آبدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۶/۵

زندگینامه علمی

دوره دبستان را در روستای جیرکل که نزدیک روستای خودمان می باشد تمام کردم و بعد دوره راهنمایی را در مدرسه افجه ای و متوسطه را در دبیرستان شهید بهشتی شهرستان رودسر و بعد در سال ۱۳۶۳ شمسی رهسپار حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان لنگرود شدم و در درس حجت الاسلام مرحوم آقای ممجد رحمهٔ الله شرکت کردم. در آنجا رسم بر این بود که طلبه های یک سال درس می خواندند و اگر استاد صلاح می دید برای تازه واردیها تدریس می کردند و این حقیر یکی از همان طلبه ها بودم که استاد برایم تدریس گذاشت و بعد از دو سال به استان اصفهان و در حوزه علمیه ذوالفقار و صدر رفتم. حدودا بیش از سه سال در آنجا درس خواندم و نزد اساتیدی همچون حجج اسلام آقایان: سید مصطفی ابطحی، شیخ علی اکبر فقیهی، نظری، حیدری و شهید زنده استاد محمد تقی سنایی که به حق استاد مبرز در ادبیات عرب هستند تلمذ کردم. در حوزه علمیه اصفهان تدریس هم داشتم و شرحی هم از اوایل مغنی باب اول را داشتم و بعد در سال ۱۳۶۸ شمسی به حوزه علمیه قم آمدم و در دروس حجج اسلام آقایان: محمدی خراسانی، اعتمادی و درس حضرت آیت الله محفوظی شرکت کردم و هم اکنون در دروس خارج حضرت آیت الله العظمی بهجت و حضرت آیت الله محفوظی شرکت می کنم.

گرم آبدشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد گرم آبدشتی

محل تولد : گرم آبدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد گرم آبدشتی متولد ۱۳۵۰ در روستای گرم آبدشت شهرستان رودسر متولد شدم. دوران ابتدائی وراهنمائی را در روستای همجوار سپری کردم. بعد از آن در آزمون سراسری حوزه علمیه شرکت کردم وپذیرفته شدم. دوران مقدمات حوزه را به ترتیب در مدارس حقانی، الهادی و رضویه شهر مقدس قم به پایان رساندم ودرسهای پایه هفت تا ده را به صورت آزاد گذراندم. درکنار تلمذ دروس خارج فقه واصول مدیریت معارف اسلامی حوزه را هم به عهده دارم و در کنار آن تدریس نیز می نمایم. در روش کلاسداری برای دانش آموزان در سال ۱۳۷۹به عنوان مدرس نمونه کشوری انتخاب شدم.

گروسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیرنظام حسنعلی‌خان بن محمدصادق خان سرتیپ، سیاستمدار، ادیب، نویسنده و خوشنویس مشهور دوره‌ی قاجاریه (و. بیجار حدود ۱۲۳۶– ف. کرمان ۱۳۱۷ یا ۱۳۱۸ ه.ق). درجه‌ی سرتیپی فوج گروس به ارث از پدرش به وی رسیده بود و در جنگ هرات به فرماندهی حسام‌السلطنه، وی اولین کسی بود که وارد قلعه‌ی هرات شد. در مسافرت اول ناصرالدین شاه به اروپا به سال ۱۲۹۰ ه.ق با سمت وزارت فوائد عامه جزو ملتزمین بود. گروسی مدتی نیز پیشکار مظفرالدین شاه، به هنگام ولیعهدی وی در تبریز بود. بعدها سمت وزارت مختاری فرانسه و انگلستان را یافت و مدتی هم به حکومت کرمانشاه منصوب گردید. در ۱۳۱۷ به سمت والی وارد کرمان شد و در همان شهر درگذشت و او را در آرامگاه شاه نعمةاللّه ولی در ماهان دفن کردند. وی نویسنده‌ای زبردست و خوشنویس بوده و انشا و خط وی مورد توجه و تقلید بود. از آثار وی کتاب «منشات» و «پندنامه‌ی یحیویه» است که به خط بسیار زیبا برای فرزندش نوشته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گریان اردستانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا عبدالله. واعظ صالح، و ادیب شاعر متخلص به «گریان» از نویسندگان زبردست، و شعرای عالی‌قدر، و وعاظ محترم بوده.

کتابهای زیر از اوست:

۱ – انوار المجالس، دو جلد [مطبوع] ۲ – تخمیس دوازده بند محتشم ۳ – تذکرهٔ الحال ۴ – حمله‌ی مختاریه ۵ – صومیه ۶ – طریق البکاء [مطبوع] ۷ – عشرهٔ النساء؛ و غیره

در سال ۱۳۱۰ به مرض وبا در طهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گزی، خلیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منشی و رقم نویس دیوان عالی و دفترخانه صفوی قرن یازدهم هجری قمری و همسرش حلیله جلیله مکرمه علیا جناب نامدار عصمت و عفت و طهارت شعار بلقیس والا شهربانو بیگم

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمّد ابراهیم بن محمّد علی بیک شیروانی. عالم فاضل معمّر، مؤلّف کتب فقهیّه، در شب ۲ شنبه ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۳۲۶ وفات یافته، نزدیک فاضل هندی در تخت فولاد مدفون شده، سپس به نجف منتقل گردید.

از آثار او کتاب «مجمع الرسائل» است که عدّه‌ای از مجتهدین بر آن حاشیه نوشته‌اند.

خود از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و دیگران بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلایری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی گلایری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۵ شهریور ۶۵ وارد حوزه علمیه مازندران شدم و مدت ۴ سال تا لمعتین در آنجا از محضر استاد ارجمند حضرت آیت الله فاضل دام ظله بهره بردم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون حضرت آیت الله اعتمادی و حاج آقا محمدی و درس خارج حضرات آیات تبریزی، مرحوم صالحی مازندرانی و جوادی آملی استفاده کردم و در این مدت ۴ سال در موسسه تخصصی کلام حضرت آیت الله سبحانی و مدت ۴ سال کلاس فن خطابه در دفتر تبلیغات اسلامی گذراندم و از سال ۸۲ همکاری خود را با مجله وزین رواق اندیشه شروع نمودم که حاصل آن چاپ دوازده مقاله بوده است.

گلپایگانی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید کاظم موسوی گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی در روز ششم سال ۱۳۲۴ قمری هجری در گلپایگان متولد شده و در سن ۱۳ سالگی در سال ۱۳۳۸ قمری برای تحصیل به اراک آمده و بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللّه حایری به قم باتفاق بعضی از اعاظم حوزه مهاجرت به قم نموده و چون مشغول بخواندن سطح بوده و در سال اول تأسیس حوزه دروس سطحی قم مورد پسند ایشان نبوده مرحوم والدش ایشان را باصفهان فرستاده و سطوح عالیه را در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد صادق اصفهانی و مرحومین آیتین آقا سید محمد و آقا سید علی نجف‌آبادی خوانده و در سنه ۱۳۴۴ قمری مراجعت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه یثربی کاشانی مدت هفت سال استفاده نموده و در سال ۱۳۵۱ قمری به اراک هجرت نموده و تا سال ۱۳۸۲ قمری بالغ بر سی و یکسال توقف و بخدمات دینی پرداخته تا سال مزبور که منتقل به تهران و در مختاری خیابان شاهپور سکونت و به اقامه جماعت و تفسیر قرآن مجید در مسجد (مختاری) و تدریس و مباحثات اشتغال دارد.

نگارنده گوید: معظم له عالمی منیع‌الطبع و بزرگوار می‌باشد در مدت توقفش در اراک خدمات شایانی نموده و عده زیادی از محصلین اراکی را تربیت نموده است و پرورش یافته‌گان حوزه ایشان از ائمه جماعت و نویسندگان برجسته اراک و قم و تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

گلچین معانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۷۹ -۱۲۹۵ ش)، استاد دانشگاه، تذکره نویس، مورخ، مصحح، فهرست نویس و شاعر، متخلص به گلچین. در تهران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات، در ۱۳۱۳ ش، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و تا ۱۳۳۸ ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از ۱۳۳۰ ش در کتابخانه ملی نیز خدمت می‌کرد و بعد از ۱۳۳۸ ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در ۱۳۴۲ ش به دعوت نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشهد مهاجرت کرد. وی در حین خدمت دولت به تحصیل ادامه داد و از محضر اساتید مختلف بهره برد. در ۱۳۵۶ ش برای تدریس در دوره‌ی فوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد دعوت شد. گلچین از سیزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد و در پانزده سالگی رسما قدم در وادی شعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و

رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در ۱۳۱۴ ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاوه بر شعرخوانی، «خمسه» نظامی مقابله و تصحیح می‌شد و گلچین از محضر استادان ادب فنون و رموز شعر آموخت. وی پس از درگذشت استاد وحید برای تأسیس انجمن ادبی ایران در منزل محمد علی ناصح زحمات زیادی کشید. گلچین معانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشته است. از آثار وی: «گلزار معانی»؛ «شهر آشوب در شعر فارسی»؛ «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلد؛ تذکره‌ی «پیمانه»، ذیلی بر تذکره‌ی «میخانه»؛ «کاروان هند»؛ رساله در احول «آل بنجیر»؛ «مکتب وقوع در شعر فارسی»؛ تصحیح و تکمیل تذکره‌ی «میخانه» عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصحیح «لطایف الطوایف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشعار صائب»؛ «دیوان» شعر. اهتمام در انتشار کتابهای: «تاریخ ملا زاده» احمد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسرار و رموز الاسرار»، شرح منظوم «السوانح فی العشق» احمد غزالی؛ فهرست مجموعه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس؛ فهرست قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات.[۱]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال ۱۲۹۵ خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۳ در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی گردید.

«اشک و آه»

بی‌تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع
اشک و آهم بهم آمیخته دارم چون شمع
چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک
تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع
همه شب بهر نثارت رهت از مخزن چشم
رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع
اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم
بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع
چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک
رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع
نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین
شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع

«ماه»

دیدی ای ماه که شمع شب تارم نشدی
تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی
بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت
که خبردار ز دشواری کارم نشدی
روی برتافتی و پشت و پناه دل من
نشدی کز همه جا رو بتو آرم، نشدی
زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی
که خبردار ز حال دل زارم نشدی
غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟
یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟
یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی
لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی
گفتی آرام ندارد دل گلچین بی من
چکنم مایه آرام و قرارم نشدی
باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ
گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از بهار تا شهریار (۵۰۸ -۴۹۶/ ۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۶ -۷۰۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۸۰۹)، الذریعه (۲۱۸/ ۱۸ ،۹۳۱/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۵۹ -۳۰۵۳/ ۵)، صدف (۵۶۷ -۵۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۰۸/ ۲ ،۸۳۷، ۷۵۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۷)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۸، ص ۹ -۳)، گلزار معانی (۶۱۰ -۵۸۵).

گلستان شیرازی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۴ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در شیراز به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و صرف و نحو و منطق و مبادی فقه، در ۱۲۹۲ ش وارد فعالیت‌های سیاسی شد. وی در ۱۲۹۷ ش روزنامه‌ی «گلستان» را منتشر کرد که این روزنامه یکی از پرسابقه‌ترین مطبوعات ایران بود و حدود نیم قرن چاپ و منتشر شد. سرانجام در ۱۳۳۱ ق گروهی از مخالفان سیاسی وی به دفتر روزنامه حمله برده آن را آتش زدند و پس از آن دیگر منتشر نشد. محمد تقی گلستان در ۱۳۰۴ ش نماینده‌ی مردم فارس در مجلس مؤسسان اول بوده و مدتی نیز در انجمن شیر و خورشید سرخ ایران (هلال احمر فعلی) و انجمن آثار باستانی ایران و همچنین شورای عالی فرهنگ فعالیت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۳۰۸)، تاریخ جراید (۱۶۲ -۱۶۰/ ۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۶۶ -۲۶۳/ ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۰ -۳۲۹/ ۵).

گلستانه، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمّد مهدی. عالم فاضل، ساکن طهران. پدرش از علمای طهران و امام مسجد قنات آباد بوده و در سال ۱۳۲۲ وفات یافته. وی به جای پدر امامت می‌نموده. از احفاد سید علاء الدین محمد شارح نهج البلاغه می‌باشد. دارای کتابخانه آبرومندی بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلستانه، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد باقربن حسین بن سید علاءالدین.

فاضل ادیب، در اواخر قرن سیزدهم هجری در اصفهان محترم و معزز می‌زیسته، و منصب استیفاء داشته، و در سال ۱۲۹۰ مسجد صفا واقع در محله‌ی شهشهان را بنا نموده، و اثر خیری از خود به یادگار نهاده.

کتیبه‌ی مسجد به خط محمدتقی بن محمد ابراهیم خطاط اصفهانی است.

ماده تاریخ بنا این است:

بنا شد چو این مسجد با صفا

به عون خداوند رکن و حطیم

ز پرتو به تاریخ آن شد سوال

بگفتا «لساعیه فوز عظیم»

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گلستانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی گلستانی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۹/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی

سال ورود به حوزه ۱۳۳۳ درشهرهمدان/ همان سال شروع به درس خارج ۱۳۵۰،اینجانب شیخ علی گلستانی در سال ۱۳۱۷ در شهر همدان متولد شدم و تحصیلات ابتدائی را در آنجا گذراندم سپس وارد حوزه علمیّه همدان مدرسه آیه ا... آخوند همدانی شدم و بعد از چهار سال به قم مشرف شده به محضر آیه ا... فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی رسیدم و ازآنان کسب فیض کرده و سپس به

محضر آیه الله العظمی سید شهاب الدین الحسینی مرعشی رسیدم و بعد از ایشان آیه الله گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی کسب فیض کردم و در این مدّت اقدام به تألیف این کتب نیز نمودم ضمناً یک کتاب عربی نیز در دست چاپ دارم.

گلسرخی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ رضا گلسرخی کاشانی از افاضل گویندگان و نویسندگان حوزه علمیه قم و اساتید دارالتبلیغ اسلامی می‌باشد. وی در کاشان متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین بزرگ فراگرفته آنگاه بـه درس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری حاضر شده و از خرمن علوم آنان استفاده شایانی نموده و در رشته‌ی منبر و تبلیغات مطالعات متنوع و مختلفی کرده تا در این سمت مهارت و تبرزی یافته و در ماه محرم و صفر و ماه رمضان و ایام مناسب دیگر بنابر دعوتهای قبلی مسافرت به بلاد و شهرستانها نموده و از طریق تبلیغ و ارشاد مردم و تنویر افکار روشنفکران خدماتی انجام داده است مقالات ارزنده‌ای در مجله مکتب اسلام و تالیفات مطبوع و مخطوطی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

گلسرخی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۸ ش)، پزشک، روزنامه‌نگار و نویسنده. وی فارغ‌التحصیل در رشته‌ی طب و دامپزشکی و از اعضای عالی‌رتبه‌ی وزارت کشاورزی بود. در ۱۲۹۷ ش مجله‌ی «بیطاری» را منتشر کرد و در ۱۳۱۰ ش شروع به انتشار مجله‌ی «فلاحت» تحت نظارت اداره کل فلاحت در تهران نمود. نشر این مجله تا آخر ۱۳۱۷ ش ادامه یافت و در ۱۳۱۸ ش گلسرخی به شغل دیگری روی آورد. از دیگر آثارش: «امتحان گوشت»؛ «حفظ الصحه‌ی زنان و دختران»؛ «علاج الخیل» یا «فرس نامه»؛ «کتاب فلاحت»، در دو مجلد؛ «علاج الطیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۸ -۸۷/ ۴ ،۴۶ -۴۳/ ۲)، الذریعه (۳۰۲ ،۱۷۱/ ۱۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۲ -۳۳۱/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۹/ ۲ ،۱۱۷۸ ،۳۳۰/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۶/ ۶).

گلشن اصفهانی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۷۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات، در ۱۲۹۹ ش، وارد وزارت معارف شد و به عنوان آموزگار و معاونت دبستان‌ها و دبیرستان‌های مختلف به خدمت پرداخت. وی در ۱۳۳۱ ش مدیریت مجله‌ی «تعلیمات اسلامی» را بر عهده گرفت. از دیگر آثارش: «اخلاق گلشنی»؛ «بانوان واژگون بخت»؛ «پریوش ناکام»؛ «درهٔ التاج».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۳/ ۵)، الذریعه (۱۹۸/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۶۰۴ ،۴۵۰ ،۱۳۷ -۱۳۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳۴ -۹۳۲/ ۲).

گلشن ایرانپور، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۵۷ ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، متخلص به گلشن. در اردکان یزد به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. سپس به اصفهان رفت و تحصیلات ابتدایی و مقدمات عربی و «خلاصهٔ الحساب» و «مطول» و فنون ادبی را در آنجا فراگرفت. او به امر پدرش کتاب «انوار سهیلی» را منظوم نمود که این کار بیست و پنج سال به طول انجامید. گلشن مدتی در دستگاه ظل السلطان خدمت کرد و سپس در اداره‌ی اوقاف اصفهان مشغول به کار شد. وی در ۱۳۳۸ ق روزنامه «اختر مسعود» را در اصفهان تأسیس و منتشر نمود و به واسطه‌ی داشتن امتیاز این روزنامه به مدیر اختر مسعود شهرت یافت. گلشن همواره در انجمن ادبی دانشکده، که عباس شیدا آن را اداره می‌کرد، حضور می‌یافت. وی سرانجام در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از دیگر آثارش: «عقل و جنون»، شعر؛ «دلکش و پریوش»، شعر؛ «آلمان نامه»، شعر؛ «مشروطه نامه»، شعر؛ «نخجیرنامه»، شعر؛ «سفر پنج روزه»؛ «دیوان»

شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۷۱ -۶۶/ ۱)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۰۰ -۶۹۵)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۰۴ -۴۰۲)، تذکرهٔ القبور (۴۲۶ -۴۲۵)، الذریعه (۱۰۱/ ۲۴ ،۹۳۳/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۶۸ -۳۰۶۵/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۸۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۶/ ۲ ،۱۴۵۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸ -۲۷/ ۴).

گلشن آزادی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۸۰ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به گلشن. در تربت حیدریه به دنیا آمد. وی ابتدا به تحصیل فارسی و عربی پرداخت اما به علت فوت پدر نتوانست به تحصیل ادامه دهد در نتیجه به تجارت روی آورد. پس از مدتی به علت علاقه فراوان به شعر و ادبیات و به منظور فراگرفتن رموز شعر و ادب به خدمت میرزا محمد حسین سهیلی و احمد بهمنیار رسید و از محضر آنها سود جست و « دیوان» شعری در پنج هزار بیت تنظیم کرد. در ۱۲۹۸ ش به مشهد رفت و در آنجا ابتدا مدیریت داخلی روزنامه‌ی «مهر منیر» و مدیریت روزنامه‌ی «شرق ایران» را بر عهده گرفت و در ۱۳۰۱ ش روزنامه‌ی «فکر آزاد» را- که صاحب امتیازش احمد بهمنیار کرمانی بود- بنیان نهاد. در ۱۳۰۴ ش امتیاز روزنامه «آزادی» را گرفت و سالهای متمادی بدون وقفه به انتشار آن پرداخت. علی اکبر گلشن پس از انتشار این روزنامه به گلشن آزادی معروف شد. وی در امور خیریه و ملی و فرهنگی مانند خدمت در هیئت مدیره‌ی شیر و خورشید سرخ مشهد، عضویت شورای عالی فرهنگ خراسان و عضویت انجمن آثار ملی سابقه خدمت داشته است. او در مشهد درگذشت. از دیگر آثار وی: «گلشن آزادی»؛ «گلشن ادب»، که شامل شرح حال شعرای خراسان می‌باشد؛ «داستان‌ها و دستان‌ها»؛ «در طهران چه دیدم و چه شنیدم»؛ مثنوی «شاهان وارون بخت»، بر وزن «مخزن الاسرار» نظامی؛ مثنوی «گلشن شوق»، بر وزن «هفت پیکر» نظامی؛ «داستانها از باستانها»؛ «صد سال شعر خراسان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۳/ ۴ ،۱۴۸ -۱۴۷/ ۱)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۸۱۲ -۸۱۰)، چهره‌های آشنا (۵۰۶ - ۵۰۵)، دویست سخنور (۳۵۲ -۳۵۰)، الذریعه (۲۲۳/ ۱۸ ،۹۳۴/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۷۲ -۳۰۶۹/ ۵)، صد سال شعر خراسان (۵۰۲ -۴۸۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۷۴ ،۱۵۵۲/ ۱)، گلزار معانی (۸۰۵ ،۶۱۹ -۶۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۸/ ۴).

گلشن، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از آثار وی: «دلکش و پریوش»؛ «روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان»، ترجمه، با مشارکت احمد فردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۵۲/ ۲ ،۱۴۵۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۱/ ۳).

گلشیری، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هوشنگ گلشیری در سال ۱۳۱۶در اصفهان بەدنیا آمد. در سال ۱۳۲۱همراه با خانواده به آبادان رفت.

از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۴در آبادان اقامت داشت که این دوره از زندگیش را باید شکل‌دهندهٔ حیات فکری و احساسی او دانست. پدرش کارگر بنا، سازندهٔ مناره‌های شرکت نفت بود، و ما مدام از خانه‌ای به خانهٔ دیگر می رفتند. از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۲ هم در اصفهان زیسته است.گلشیری اولین داستانش را در سال ۱۳۳۷زمانی که در دفتر اسناد رسمی کار می کرد نوشت.

پس از گرفتن دیپلم، معلم شد، در دهی دورافتاده در سرراه اصفهان به یزد. گلشیری در سال ۱۳۳۸ تحصیل در رشتهٔ ادبیات فارسی را در دانشگاه اصفهان آغاز کرد. آشنایی با انجمن ادبی صائب در همین دوره نیز اتفاقی مهم در زندگی او بود.

شرکت در جلسات انجمن صائب زمینه‌ساز آشنایی با برخی اهل قلم آن روز اصفهان شد که در نشست‌های ادبی دیگر تداوم یافت. آشنایی با برخی فعالان سیاسی در این جلسات او را وارد عرصهٔ فعالیت سیاسی کرد که به دستگیری‌اش در اواخر سال ۱۳۴۰ انجامید. در پایان شهریور ۱۳۴۱ از زندان آزاد و در همان سال از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه اصفهان فارغ‌التحصیل شد.

در این زمان دیگر چند شعر و یک داستان از او در مجلات پیام نوین، فردوسی، و کیهان هفته به چاپ رسیده بود. این نشست‌های ادبی که به دلیل حساسیت ساواک در خانه‌ها ادامه یافت، هستهٔ اصلی جنگ اصفهان شد.

از شمارهٔ دوم ابوالحسن نجفی، احمد میر علایی، ضیاء موحد و بعدتر تعدادی از نویسندگان و شاعران جوان به حلقهٔ همکاران

پیوستند. جنگ اصفهان که این جمع را به عنوان قطبی در ادب معاصر شناساند کماییش با همین ترکیب تا سال ۱۳۶۰ در یازده شماره منتشر شد. گلشیری تعدادی از داستان‌های کوتاه و چند شعر خود را در شماره‌های مختلف جنگ به چاپ رساند. در سال ۱۳۴۷، این داستان‌ها را در مجموعهٔ مثل همیشه منتشر کرد.

گلشیری و تعدادی از یاران جنگ اصفهان، در سال ۱۳۴۶، همراه با عده‌ای دیگر از اهل قلم در اعتراض به تشکیل کنگره‌ای فرمایشی از جانب حکومت وقت بیانیه‌ای را امضا کردند و با تشکیل کانون نویسندگان ایران در سال ۱۳۴۷ به عضویت آن درآمدند. در سه دوره فعالیت کانون در جهت تحقق آزادی قلم و بیان و دفاع از حقوق صنفی نویسندگان، گلشیری همواره از اعضای فعال آن باقی ماند. در دوره‌های دوم و سوم فعالیت کانون، به عضویت هئیت دبیران نیز انتخاب شد.

رمان شازده احتجاب را در سال ۱۳۴۸، و رمان کریستین و کید را در سال ۱۳۵۰ منتشر کرد. در اواخر ۱۳۵۲، برای بار دوم به مدت شش ماه به زندان افتاد و به مدت پنج سال نیز از حقوق اجتماعی، از جمله تدریس محروم شد. ناچار در سال ۱۳۵۳ به تهران آمد. در تهران با بعضی از یاران قدیمی جنگ که ساکن تهران بودند و عده‌ای دیگر از اهل قلم جلساتی هفتگی برگزار کردند. مجموعه داستان نمازخانهٔ کوچک من (۱۳۵۴) ، و جلد اول رمان برهٔ گمشدهٔ راعی (۱۳۵۶) حاصل همین دوره بود. در سال ۱۳۵۴، نمایشنامه‌ای از او به نام سلامان و ابسال به روی صحنه آمد. این نمایشنامه هنوز منتشر نشده است.

در سال ۱۳۵۶، تدریس در گروه تئاتر دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران را به صورت قراردادی آغاز کرد. در پائیز همین سال، گلشیری در ده شب شعری که کانون نویسندگان ایرانبا همکاری انجمن فرهنگی ایران و آلمان – انستیتو گوته – در باغ این انجمن بر پا داشت، سخنرانی‌ای با عنوان جوانمرگی در نثر معاصر فارسی ایراد کرد. در بهمن همین سال، برندهٔ جایزهٔ فروغ فرخزاد شد. در تابستان ۱۳۵۷، برای شرکت در طرح بین‌المللی نویسندگی به آیواسیتی در آمریکا سفر کرد. در چند ماه اقامت در خارج از کشور در شهرهای مختلف سخنرانی کرد و در زمستان ۱۳۵۷، پس از بازگشت به ایران، به اصفهان رفت و تدریس در دبیرستان را از سر گرفت.

گلشیری در بهمن ۱۳۵۸ معصوم پنجم را منتشر کرد. سال ۱۳۶۱ آغاز انتشار گاهنامهٔ نقد آگاه بود. مطالب این گاهنامه را شورایی متشکل از نجف دریابندری، هوشنگ گلشیری، باقر پرهام و محسن یلفانی (بعدتر، محمدرضا باطنی) انتخاب می‌کردند. انتشار این نشریه تا سال ۱۳۶۳ ادامه یافت.

در اواسط سال ۱۳۶۲، گلشیری جلسات هفتگی داستان‌خوانی را که به جلسات پنج‌شنبه‌ها معروف شد، با شرکت نسل جوان‌تر داستان‌نویسان آغاز کرد. در این جلسات که تا اواخر سال ۱۳۶۷ ادامه یافت،نویسندگانی چون اکبر سردوزامی، مرتضی ثقفیان، محمود داوودی، کامران بزرگ نیا، یارعلی پورمقدم، محمدرضا صفدری، اصغر عبداللهی، قاضی ربیحاوی، محمد محمدعلی، ناصر زراعتی، رضا فرخفال، آذر نفیسی، بیژن بیجاری، عبدالعلی عظیمی، علی موذنی، عباس معروفی، منصور کوشان، شهریار مندنی‌پور، منیرو روانی‌پور شرکت داشتند.

در این جلسات آثار منتشر شده‌ای از شهرنوش پارسی‌پور، سیمین دانشور، تقی مدرسی، محمود دولت‌آبادی، رضا جولایی، ابوالحسن نجفی، رضا براهنی، نجف دریابندری و اکبر رادی نیز با حضور خود آنها نقد و بررسی شد.

جبه‌خانه در سال ۱۳۶۲ و حدیث ماهیگیر و دیو در سال۱۳۶۳ منتشر شد. گلشیری از اواخر سال ۱۳۶۴، با همکاری با مجلهٔ آدینه از اولین شمارهٔ آن، و پس از آن، دنیای سخن، و پذیرش مسئولیت صفحات ادبی مفید برای ده شماره (۶۵ تا ۶۶) دور تازه‌ای از کار مطبوعاتی خود را در حالی آغاز کرد که انتشار این نشریات سرآغاز فضای تازه‌ای در مطبوعات ادبی بود. سردبیری ارغوان که فقط یک شماره منتشر شد (خرداد ۱۳۷۰)، و سردبیری و همکاری باچند شمارهٔ نخست فصلنامهٔ زنده رود (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲) ادامهٔ فعالیت های مطبوعاتی او تا پیش از سردبیری کارنامه بود. در سال ۱۳۶۸، در اولین سفر به خارج از کشور پس از انقلاب برای سخنرانی و داستان‌خوانی به هلند (با دعوت سازمان آیدا)، و شهرهای مختلف انگستان و سوئد رفت. در سال ۱۳۶۹ نیز برای شرکت در جلسات خانهٔ فرهنگ های جهان در برلین به آلمان سفر کرد. در این سفر در شهرهای مختلف آلمان، سوئد، دانمارک و فرانسه سخنرانی و داستان‌خوانی کرد. در بهار ۱۳۷۱ به آلمان، امریکا، سوئد، بلژیک و در بهمن ۱۳۷۲ هم به آلمان، هلند، بلژیک سفر کرد.

مجموعه داستان پنج‌گنج در سال ۱۳۶۸ (سوئد) فیلمنامهٔ دوازده رخ در سال ۱۳۶۹، رمان‌های در ولایت هوا در سال ۱۳۷۰ (سوئد)، آینه های دردار (امریکا و ایران) در سال ۱۳۷۱، مجموعه داستان دست تاریک،دست‌روشن در سال ۱۳۷۴،و در ستایش شعر سکوت (دو مقالهٔ بلند در بارهٔ شعر) در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

گلشیری تدریس ادبیات داستانی را که پس از اخراج از دانشگاه مدت کوتاهی دردفتر مجلهٔ مفید ادامه داده بود، در سال ۱۳۶۹ با اجارهٔ محلی در تهران و برگزاری کلاس‌های آموزشی و جلسات آزاد ماهانه از سر گرفت. در این دوره که به دورهٔ تالار کسری معروف شد، ابوالحسن نجفی،م.ع. سپانلو و رضا براهنی نیز به دعوت گلشیری کلاس‌هایی برگزار کردند.

در کنار ادبیات و نقد معاصر، ضرورت شناخت متون کهن نیز از دلمشغولی‌های گلشیری بود. او به همراه دوستانی از اهل قلم در جلساتی هفتگی، که از سال ۱۳۶۱ آغاز شد و پانزده سالی ادامه داشت، بسیاری از آثار کلاسیک فارسی را بازخوانی و بررسی کرد.

در فروردین ۱۳۷۶، اقامتی نه‌ماهه در آلمان به دعوت بنیاد هاینریش بل فرصتی شد برای به پایان رساندن رمان جن‌نامه که تحریر آن را سیزده سال پیشتر آغاز کرده بود. در همین دوره، برای داستان‌خوانی و سخنرانی به شهرهای مختلف اروپا رفت و جایزهٔ لیلیان هلمن/ دشیل همت را نیز دریافت کرد. در زمستان ۱۳۷۶، رمان جن‌نامه (سوئد) و جدال نقش با نقاش انتشار یافت.

گلشیری سردبیری ماهنامهٔ ادبی کارنامه را در تابستان ۱۳۷۷ پذیرفت و نخستین شمارهٔ آن را در دی ماه همین سال منتشر کرد. در این دوره جلسات بررسی شعر و داستان نیز به همت او در دفتر کارنامه برگزار می‌شد. یازدهمین شمارهٔ کارنامه به سردبیری او پس از مرگش در خرداد ۱۳۷۹ منتشر شد.

گلشیری در دوازدهم تیرماه ۱۳۷۸ جایزهٔ صلح اریش ماریا رمارک را در مراسمی در شهر ازنابروک آلمان دریافت کرد.این جایزه

به پاس آثار ادبی و تلاش‌های او در دفاع از آزادی قلم و بیان به او اهـدا شد.در مهر ماه همین سال در آخرین سـفرش در نمایشگاه بین‌المللی کتـاب فرانکفورت شـرکت کرد. سـپس برای سـخنرانی و داسـتان‌خوانی به انگلسـتان رفت.مجموعهٔ مقالات باغ در باغ در پاییز ۱۳۷۸ منتشر شد.

به دنبـال یک دورهٔ طولانی بیماری، که نخستین نشانه‌های آن از پاییز ۱۳۷۸ شروع شده بود، هوشنگ گلشیری در ۱۶ خرداد ۷۹ در بیمارستان ایرانمهر تهران در گذشت و در امامزاده طاهر در مهر شهر کرج به خاک سپرده شد.

گل‌گلاب، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۴۷، تهران.

درگذشت: ۲۲ اسفند ۱۳۶۳، تهران.

حسـین گل‌گلاب، فرزند میرزا مهدی‌خان مصورالملک (نقاش و عکاس دوره‌ی قاجار)، تحصـیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی علمیه و متوسطه را در دارالفنون به سال ۱۲۹۵ به پایان رسانید. از سال ۱۲۹۸ که تـدریس علوم طبیعی مدرسه‌ی دارالفنون را عهده‌دار شد تا سال ۱۳۰۷ دوازده جلـد کتـاب در رشـته‌ی علوم طبیعی تـألیف نمود. ضـمنا در دانشـکده‌ی حقوق به تحصـیل پرداخت و به دریافت دانشـنامه‌ی لیسانس در رشـته‌ی قضایی و علوم سیاسی در سال ۱۳۰۱ نایل آمـد. به سال ۱۳۰۷ تصدی کارهای عملی گیاه‌شناسی در دانشـکده‌ی پزشکی به عهده‌ی وی محول شد و از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ در دبیرسـتان نظام و دانشکده‌ی پزشکی تدریس گیاه‌شناسی را بر عهـده داشت. به سال ۱۳۱۴ که کلاس مقدمات طب به دانشسـرای عالی انتقال یافت، به معاونت دانشسـرای عالی و دانشکده‌ی علوم و ادبیات منصوب گردید و در همین سال طبق مقررات قانون دانشگاه به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی علوم نایل شد و به تدریس فیزیولوژی گیاهی در دانشسـرای عالی و گیاه‌شناسـی در دانشکده‌ی پزشکی پرداخت. در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب گردید.

دکتر گل‌گلاب در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۶ علاوه بر تـدریس به معاونت دانشـکده‌ی پزشـکی منصوب شد و تا سال ۱۳۲۷ در این سمت خدمت کرد و از پس از معاونت کناره‌گیری کرد و فقط به تشـکیل فرهنگستان، به سبب تخصص در معادل‌یابی در رشته‌های علمی، به عضویت پیوسته‌ی این مؤسسه برگزیده شد و در سال ۱۳۱۵ سردبیری فرهنگستان نیز به وی واگذار شد.

علاوه بر کتاب‌های متوسـطه تألیفات دکتر گل‌گلاب به شـرح زیر است: پایان‌نامه‌ی دکتری راجع به «نباتات» ایران که خلاصه‌ی آن در سال ۱۳۱۳ به چـاپ رسـید، در این پایان‌نامه شـش هزار گیاه که در ایران می‌رویـد توصـیف شـده است ؛گیا (راهنمای گیاهی)؛ گیاه‌شناسـی (برای دانشـجویان دانشـکده‌ی پزشـکی)؛ فرهنـگ گیاهـان معمـولی و دارویی؛ تـدوین برخی از کتاب‌هـای درسـی گیاه‌شناسـی، زمین‌شناسـی، تشـریح و فیزیولوژی حیوانی و شـیمی برای دبیرسـتان‌ها و دانشگاه‌ها (از سـال ۱۳۱۲ الی ۱۳۲۶)؛ تاریخ طبیعی (در قسـمت های مختلف)؛ جغرافیا (۱۳۱۰)؛ مشـخصات جغرافیـای طبیعی ایران (تألیف م. پتروف، ترجمه از روسـی، ۱۳۳۶)؛ ترجمـه‌ی بیش از پنجـاه قطعه نمـایش کلاسـیک برای هنرسـتان هنرپیشـگی (برخی از این نمایشـنامه‌ها در مجلات به چـاپ رسـیده است)؛ ترجمه‌ی کامـل «اپرای کـارمن» به نظم فارسـی که مطابق بـا آهنگ های اصلی است؛ ترجمه‌ی کامل «اپرای فوست» به نظم فارسـی مطابق با آهنگ‌های‌اصـلی. وی موسیقی می‌دانست و سـرود هم می‌ساخت. از جمله سـرودهایی که ساخته است، می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: «ای ایران ای مرز پر گهر» و «آذربایجان».

(۱۳۶۵/ ۱۳۶۳ -۱۲۷۴ ش)، نویسـنده، مترجم، موسیقیدان و استاد دانشگاه. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش نقاش و عکاس دوره‌ی قاجـار بـود. تحصـیلات ابتـدایی را در مـدرسه‌ی علمیـه، در محضـر اسـتاداني چـون: عبـدالعظیم قریب، میرزا ابراهیم قمی مسـعودی، غلامحسین رهنما و شمس‌العلماء قریب شروع کرد و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان برد. در دوره‌ی متوسطه، علاوه بر زبان انگلیسـی و فرانسه، مقدمات زبان روسـی را در کلاس اسـکندرخان ماردیروسیان فراگرفت. پس از پایان دوره‌ی متوسطه به تدریس در مدرسه‌ی دارالفنون مشـغول شد. در ۱۳۰۱ ش به دریـافت لیسـانس حقوق نایل آمـد و در ۱۳۰۷ ش به تـدریس در مدارس نظام منصوب شد. وی دارای لیسانس در رشته‌ی قضایی و علوم سیاسی و دکترا در رشته‌ی علوم بود. او به تدریس فیزیولوژی گیاهی، در دانشسـرای عالی و گیاه شناسـی، در دانشـکده‌ی پزشـکی پرداخت و در سازمان نوین دانشـکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب شد. دکتر گل گلاب علاوه بر تدریس مدتی به معاونت دانشکده پزشکی منصوب گردید. وی مدتی نیز سـردبیر فرهنگسـتان بود. او در دوره‌ی تحصـیلات متوسطه در محضر درس آقا حسنقلی، استاد تار، به فراگیری این هنر نیز پرداخت و با مقـدمات موسـیقی ایران آشـنا شـد. سـپس در مدرسه‌ی موسـیقی کلنل علینقی وزیری ثبت نام کرد و به تشویق وزیری چندین سـرود و تصنیف به عنوان نمونه تهیه کرد که مورد پسند قرار گرفت. وی همچنین با انجمن موسیقی ملی در زمینه‌ی تصنیف و سـرود همکـاری داشـت. سرودهای «ای ایران» و «آذربایجـان» از آثـار هنری اوسـت. گـل گلاـب به نقاشی، عکاسـی و شـعر نیز علاقه‌منـد بود. او در زمینه‌ی واژه‌یـابی معـادل در رشـته‌های علمی تخصـص داشت و عضو فرهنگسـتان ایران بود. از آثار علمی وی: «تاریـخ طبیعی»، تشـریح و فیزیولوژی حیوانی؛ «تاریـخ طبیعی»، زمین شناسـی؛ «تاریخ طبیعی»، گیاه شناسـی؛ «تاریخ طبیعی»، قسـمت چهـارم، «حفـظ الصـحه»؛ «پایان‌نـامه دکترا»، دربـاره‌ی نباتات ایران؛ «فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی»؛ «شـیمی فلزات»؛ «جغرافیا»؛ ترجمه‌ی «مشخصات جغرافیای طبیعی ایران».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :[۱] تاریـخ برگزیدگان (۳۹۶ -۳۹۴)، تاریخ تحول ضـبط موسـیقی (۳۱۳، ۲۳۶، ۲۳۵)، تاریخ موسیقی (۴۹۰/ ۲)،

زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۶/ ۵)، زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی (۱۴۰ -۱۲۹/ ۱)، سرگذشت موسیقی (۳۲۴/ ۱)، شرح حال رجال (۳۰۲/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۲۲ -۷۲۱/ ۱)، مردان موسیقی (۱۳۲، ۲۴، ۲۲/ ۴ ،۱۹۸/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۳ -۸۵۱/ ۲).

گنج افروزی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محسنی‌پور از فضلاء و مروجین شهرستان بابل است که بخدمات دینی از خواندن نماز جماعت و غیره اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

گنجرودی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بعد از ۴۵۳ -۳۶۰ ق)، فقیه، مسند، نحوی، ادیب، طبیب و شاعر. اهل نیشابور و مسند خراسان بود. در بغداد بزرگان علم نحو را درک کرد. او از ابوعمرو محمد بن احمد بن حمدان و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی و حسینک بن علی تمیمی و شافع بن محمد اسفراینی و ابوبکر بن مهران مقری و حافظ ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوحسین بن دهثم و محمد بن بشر بصری و ابوبکر محمد بن محمد طرازی و احمد بن محمد بالوی و احمد بن حسین مروانی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. او گذشته از علوم اسلامی در طب و سوارکاری و به کار بردن سلاح مهارت داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. اسماعیل بن عبدالغافر و ابوعبداللّه محمد بن فضل فراوی و هبهٔ اللّه بن سهل سیدی و تمیم بن ابوسعید جرجانی و زاهر بن طاهر حامی و عبدالمنعم بن ابوالقاسم قشیری و ابوسعد بن ابوصادق متطیب و ابوبکر احمد بن حسین بیهقی در نیشابور، مرو و اصفهان از وی حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۰۱ -۱۰۰/ ۵)، سیر النبلاء (۱۰۲ -۱۰۱/ ۱۸)، شذرات الذهب (۲۹۲ -۲۹۱/ ۳)، العبر (۳۰۱/ ۲)، معجم البلدان (۳۹۴/ ۵)، الوافی بالوفیات (۲۳۱/ ۳).

گنجه‌ای، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار، مدرس.

تولد: ۱۲۹۷، تبریز.

درگذشت: ۱۵ شهریور ۱۳۷۴، ژنو.

رضا گنجه‌ای، فرزند علینقی گنجه‌ای از رهبرای مشروطه خواهان تبریز، پس از تحصیلات اولیه در زادگاهش تبریز در مدرسه حکمت، دوره‌ی مدرسه صنعتی را در آلمان گذراند. پس از بازگشت به ایران، به استخدام اداره‌ی راه‌آهن درآمد. وی بعدها رییس راه‌آهن شد، مدتی معاون وزارت پست و تلگراف بود و ضمن تدریس در دانشگاه، ریاست دانشکده‌ی فنی را نیز به عهده داشت.

روزنامه‌نگاری را از دوران تحصیل آغاز نمود و در مدرسه‌ی ابتدایی «حکمت» تبریز، روزنامه‌ی دستنویسی به نام «وطن» می‌نوشت و می‌پراکند. نخستین شماره‌ی «بابا شمل» در فروردین ۱۳۲۲ منتشر شد. انتشار این دوره تا مهر ماه ۱۳۲۴ که رضا گنجه‌ای به خارج سفر کرد، ادامه داشت. وی پس از بازگشت به ایران «بابا شمل» را از نو ساخت ولی این دوره نیز به درازا نکشید (پاییز- زمستان ۱۳۲۶). بیشتر مطالب ۲۷۳ شماره‌ی «بابا شمل» را خود نوشت و در تعیین دیگر مطالب اعم از موضوع اشعار و کاریکاتورها نیز نقش مؤثری داشت. بخشی از مطالب وی با امضای «مهندس اقتصاد چاپ» می‌شد و گاهی نیز شعر می‌گفت و با نام مستعار «دنب المهندسین» چاپ می‌کرد. همکاران گنجه‌ای در سرودن اشعار فکاهی نشریه عبارت بودند از: رهی معیری (با نام مستعار زاغچه) مهندس فزونی (با نام مستعار «مهندس الشعرا»)، ابراهیم صهبا (با نام‌های مستعار «شیخ سرنا» و «ابرام سرپا») و احمد گلچین معانی. کاریکاتورهای «بابا شمل» نیز کار بهرام داوری و بنی سلیمان بود.

متولد ۱۲۸۰ و فرزند حاج میرزا علینقی گنجه در تبریز است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تبریز به اتمام رسانید، به تهران آمد، داخل مدرسه صنعتی که آلمانها تأسیس کرده بودند شد. سپس از طرف دولت برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و درجه مهندسی گرفت و بعد از مراجعت به تهران به دانشیاری دانشکده فنی و سپس استادی آنجا برگزیده شد و سالها در مقام استادی در دانشگاه تهران خدمت می‌کرد.

در ۱۳۳۴ در کابینه حسین علاء به وزارت صنایع و معادن برگزیده شد و قریب یک سال در آن سمت انجام وظیفه نمود. یک دوره سه ساله نیز ریاست دانشکده فنی را برعهده داشت. مهندس رضا گنجه‌ای در اواخر سال ۱۳۲۱ اقدام به تأسیس یک روزنامه فکاهی به نام بابا شمل نمود. این روزنامه که مطالب خود را به صورت طنز و شوخی می‌نوشت خیلی زود در محافل ایران برای خود

موقعیتی پیدا کرد. مخصوصا مطالبی که گنجه‌ای می‌نوشت بسیار جالب و مطابق میل مردم بود. نوشته‌های مهندس گنجه‌ای در ردیف چرند و پرند دهخدا در روزنامه صوراسرافیل و کتاب یکی بود یکی نبود جمال‌زاده محسوب می‌شود. این روزنامه قریب ۵ سال انتشار یافت و بعد تعطیل شد. مهندس رضا گنجه‌ای در سال ۱۳۷۴ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

گنجی، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر گنجی (زاده ۱۱ بهمن ۱۳۳۸، تهران) روزنامه‌نگار سیاسی ایرانی است.

تولد:

اکبر گنجی در روز ۱۱ بهمن ۱۳۳۸ در کوی ۱۳ آبان نازی آباد تهران به دنیا آمد.

بعد از انقلاب ۱۳۵۷تا دوم خرداد ۱۳۷۶

وی در دوران انقلاب ۱۳۵۷ایران از فعالین خیابانی بود که بعدها با تشکیل سپاه پاسداران به آن پیوست . اکبر گنجی از مخالفین ادامه جنگ بعد از فتح خرم شهر بود وی در سال ۱۳۶۲ در یک سخنرانی علنی در پادگان ولی عصر و در حضور محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه، به سیاست ادامه جنگ اعتراض کرد و آن را بیفایده دانست. وی در همان سخنرانی که باعث بحرانی در سپاه شد، فرماندهی سپاه، از جمله محسن رضایی، محسن رفیقدوست، ذوالقدرو زیبایی نژاد را متهم کرد که سپاه را آلت دست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی کرده اند و با نیروی نظامی سپاه کار سیاسی می‌کنند و خواستار برکناری فرماندهی سپاه شد. دادستانی سپاه این برخورد را تمرد در شرایط جنگی دانست و برای گنجی خواستار اشد مجازات یعنی حکم اعدام شد. اما با وساطت حسنعلی منتظری و شیخ یوسف صانعی این موضوع منتفی شد. وی در سال ۱۳۶۳ از سپاه استعفا داد و از آنجا بیرون آمد . او بعد از کنار رفتن از سپاه چند سالی رابط فرهنگی سفارت ایران در ترکیه بود و همچنین او با اعضای نهاد اطلاعات نخست وزیری مانند سعید حجاریان که بنیان گذاران اصلی وزارت اطلاعات بودند ارتباط داشت که گاهی باعث شده بعضی وی را از اعضای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بدانند. خود او هرگونه حضور و ارتباط با وزارت اطلاعات را تکذیب می‌کند . با پایان جنگ و پس از ورود به دانشگاه، از اوایل دهه هفتاد گنجی به حلقه کیان پیوست. حلقه‌ای که پس از جدا شدن خاتمی و شمس الواعظین و اعضای چپ مذهبی گرداننده روزنامه کیهان از آن نهاد به نشریه کیان روی آوردند و عبدالکریم سروش، که در آن زمان از استادان این جریان و همچنین یکی از موثرترین اعضای نهاد انقلاب فرهنگی که هنوز با نام شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد بود آنان را به لحاظ فکری تغذیه می‌کرد.

بعد از دوم خرداد

با پیروزی محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ و در انتخابات ریاست جمهوری، یاران او که اکبر گنجی نیز در میان آن‌ها بود به نام اصلاح طلبان شهره شدند و فعالیت‌های گسترده مخرب سیاسی و اجتماعی را پی گرفتند. زندانی شدن اکبر گنجی به دلیل واکاوی فاشیسم مذهبی در دانشگاه شیراز و انتشار هفته نامه راه نو از رویدادهای چشمگیر این دوران زندگی اوست. همچنین پیگیری پرونده قتلهای زنجیره‌ای طی داستان-گزارش هایی به نام تاریکخانه اشباح و عالیجناب سرخپوش و عالیجنابان خاکستری که اولین گام او برای جدایی کامل از طیف اصلاح طلبان طرفدار حکومت ولایت فقیه به شمار می‌رود از مهم‌ترین نوشته‌های شوم و مغرضانه وی در این دوران است.

ماجرای کنفرانس برلین

وی پس از شرکت در کنفرانس جنجالی و خیانت بار ایران پس از انتخابات که بعدها به کنفرانس برلین مشهور شد، پس از بازگشت به ایران در فرودگاه مهرآباد تهران در مورخ سوم اردیبهشت ۱۳۷۹دستگیر شد.

بازگشت به تهران و محاکمه

دادگاه اولیه گنجی به ریاست قاضی مرتضوی وی را به دلیل چند اتهام سنگین سیاسی به ده سال حبس و پنج سال تبعید محکوم کرد اما دو سال بعد در دادگاه تجدیدنظر حکم گنجی تنها به شش ماه حبس کاهش یافت. قاضی این دادگاه علی بخشی بود که چندی بعد بازخرید گردید. با اعتراض دادستانی تهران، حکم گنجی دوباره نقض شد و این بار به شش سال حبس بدل گردید.

گنجی پس از بازگشت به خانه در مصاحبه‌هایی با خبرگزاری‌های بین‌المللی رسماً بر سیاست تحریم انتخابات صحه گذارد و به‌شدت از جدایی کامل دین از سیاست و تأسیس یک جمهوری تمام عیار به جای جمهوری اسلامی دفاع نمود. این گفت‌وگوها او را به زندان بازگرداند و اکبر گنجی دوباره برای مدت قریب هفتاد روز دست به اعتصاب غذای نامحدود زد. در این مدت بسیاری از ایرانیان سراسر جهان و سران کشورهای غربی به حمایت از او برخاستند. رئیس جمهور شوم ایالات متحده آمریکا جرج بوش، تونی بلر نخست وزیر انگلیس و کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد از جمله شخصیت‌های بین‌المللی بودند که خواهان آزادی اکبر گنجی شدند. مجموعه مقالات قرآن محمدی و حکم ارتداد:

اکبر گنجی به دلیل نوشتن مجموعه مقالات قرآن محمدی که در آن مقالات دلایلی بی اساس و ساخته معاندین اسلام را برای این مدعا که « قرآن یک کلام بشریست » مطرح می‌کند، توسط آیت الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله) مرتد و کافر اعلام شد گنجی معتقد است در طول تاریخ معتقدان به این مدعا که «قرآن کلام خداست » حتی یک دلیل منطقی برای ادعای خود نیاورده اند . وی همچنین در کتاب آسمانی یهودیان و مسیحیان تردید کرده است. گنجی در بخش دیگری از این مقالات مدعی می‌شود

که امام داوزدهم شیعیان (امام زمان) وجود خارجی نداشته است : « دوازدهمین امام شیعیان (حضرت مهدی) وجود خارجی ندارد،امام غایب ، برساخته نزاع‌های خانوادگی بر سر ارث و میراث است .»

آثار

کتاب های نوشته شده توسط اکبر گنجی :

•تلقی فاشیستی از دین و حکومت

•برای تمام فصول

•تاریکخانه اشباح

•عالیجناب سرخپوش و عالیجنابان خاکستری

کتاب‌های دوران زندان:

•اصلاح گری معمارانه

•کیمیای آزادی

•مجمع الجزایر زندان گونه

جزوات دوران زندان:

•مانیفست جمهوری خواهی ۱

•مانیفست جمهوری خواهی ۲

•مانیفست جمهوری خواهی ۳

گنجی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد باقر بن حسین بن ابی تراب موسوی گنجی اصفهانی، عالم فاضل، و خطیب بارع، از بنی اعمام آیت اللّه اصفهانی است. در شهر گنجه متولّد، و هم در آنجا ساکن بوده، و در سال ۱۳۳۵ به سنّ قریب به هشتاد سال وفات یافته.

کتب و رسائل عدیده‌ای نوشته و برخی از آنها بطبع رسیده، از آن جمله است: ۱- الایقان ۲- تبیان المقال (الاحوال) در رجال ۳ - روض الجنان، در مواعظ شهر رمضان، مطبوع ۴- عبقات الاصول، در فقه ۵- مرقاهٔ الایمان، مطبوع، و در مقدّمه ی آن تألیفاتش نامبرده شده است.

۶- مزامیر الاولیاء؛ و غیره.

پدرش: آقا سید محمد حسین نیز عالمی کامل، و فقیهی محقّق بوده، در حدود سال ۱۳۳۰ به سنّ متجاوز از یکصد و بیست سال در گنجه وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گندمی نصرآبادی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا گندمی نصرآبادی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱۰/۱۰

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) کاشان آغاز کردم (تیر ماه ۱۳۶۱) بعد راهی حوزه علمیه قم شدم. ابتدا در مدرسه کرمانیها مشغول به تحصیل شدم و بعد زیر نظر شورای عالی حوزه دروس حوزوی را پی گرفتم. پس از اتمام دوره سطح به مدت شش سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و جعفر سبحانی شرکت کردم. از سال ۱۳۶۸ در کنار دروس حوزوی دروس جدید را ادامه دادم. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ در کنکور سراسری با رتبه بالا در رشته مورد علاقه ام فلسفه غرب در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۴ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت و رتبه نخست این آزمون را احراز کردم. با موافقت اساتید از نیم سال اول کار نوشتن پایان نامه را شروع و در پایان نیم سال سوم از آن دفاع کردم و هم زمان در آزمون اعزام به خارج قبول شدم و با تلاش بسیار موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه سوربون شدم که وزارت علوم به بهانه اتمام وقت قانونی با اعزام بنده موافقت نکرد تا این که در سال ۱۳۸۲ در آزمون دکتری فلسفه دانشگاه شرکت کردم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه می باشم. ضمنا از سال ۱۳۷۹ تا کنون با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در گروه ادیان ابراهیمی همکاری می کنم.

گودرزی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود گودرزی

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمد لله رب العالمین و الصلوهٔ و السلام علی سیدنا و نبیّنا محمد و آله الطاهرین و لعنهٔ علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدین. اینجانب محمود گودرزی پس از گذراندن دوران ابتدائی در سیزده سالگی به سال ۱۳۴۷ خورشیدی وارد حوزه علمیه قم شدم و از همان ابتدا به مدرسه روزانه مرحوم آیت الله العضمی گلپایگانی رضوان الله تعالی علیه که در آن زمان تنها مرکز علم ای بود که با برنامه ای جامع و حساب شده و نظم و انضباطی در خور توجه با حضورواساتیدی مجرب و شناخته شده همچون آقایان صلواتی، حاج حسن آقا تهرانی، مقتدائی، بنی فضل، طالقانی و .... اداره می شد، راه پیدا کردم و بمدت هفت سال آنجا بودم و دروس اصلی حوزه را از امثله تا مقدار قابل توجهی از رسائل و مکاسب را در این مرکز مقدس فرا گرفتم، باقی مانده رسائل و مکاسب و جلدین کفایه و شرح تجرید را در خارج از آنجا گذارندم سپس در حلقه دروس خارج فقه و اصول و درسهای جنبی دیگری مانند شرح منظومه حاج ملا هادی ره و اسفار اربعه شرکت می کردم تقریبا در سالهای ۵۶ و ۵۷ بود، امتحانات کتبی شفاهی:در سال ۱۳۵۰ رتبه اول و در سال ۱۳۵۳ رتبه دوم و در سال ۵۶ یا ۵۷ امتحانات رتبه سوم را با موفقیّت به پایان رساندم. نا گفته نماند که در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا شرح لمعه و مقداری از رسائل نیز می پرداختم تا اینکه در سال ۱۳۷۵ در امتحانات مقطع دوم جهت تدریس شرکت نمودم و پس از قبولی کتبی و شفاهی از سوی مرکز مدیریت حوزه در زمان آقای استادی برخی حوزهای شهرستانها مانند نطنز و دامغان اعزام شدم و درس تا پایه پنجم را تدریس می کردم در سال ۱۳۷۷ به مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم دعوت شدم و تاکنون در این مرکز مقدس و پر برکت قرآن کریم افتخار خدمت و بهره وری از خرمن پر فیض معارف والای قرآن را دارم امید است مورد قبول و رضای خداوند متعال قرار گرفته باشد و تا آخرین نفس هم ادامه دهنده این را بوده باشم. و آخر دعولنا الحمد لله رب العالمین.

گورانی، ستیته

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

آخر قرن نهم هجری، از زنان عالم، ادیب و محدث. وی دختر بدر محمد گورانی و خواهر فاطمه خاتونی گورانی بود و از راویان علم حدیث به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۳۵ / ۱.

گوهر مدراس، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقرخان مدراسی از گویندگان زبان فارسی (ف. اواخر قرن ۱۲). وی دیوان شعری دارد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گوهرین، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ -۱۲۹۳ ش)، نویسنده، محقق، مدرس و مصحح. صرف و نحو را در مدارس قدیم آموخت. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، از دانشسرای عالی در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه لیسانس گرفت. وی در ۱۳۱۹ ش تدریس ادبیات و فلسفه و

روان‌شناسی در دبیرستان‌های تهران را به عهده داشت و در ضمن خدمت موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد و رساله‌ی خود را در لغات و آثار مولا جلال‌الدین رومی، به نام «فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی»، در شش مجلد تدوین کرد. از دیگر آثار وی: «حجهٔ الحق ابوعلی سینا»؛ «پیر چنگی»، حکایاتی از مثنوی؛ مقدمه‌ای بر «شمس الحقائق»؛ تصحیح و تعلیقات «منطق الطیر» عطار نیشابوری؛ «داستان بهرام گور»؛ تصحیح و تعلیقات «اسرار نامه» عطار نیشابوری؛ «شرح اصطلاحات تصوف».[۱]

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۷۴، تهران.

سید صادق گوهرین صرف و نحو عربی را در مدرسه‌های قدیم فراگرفت و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه از دانشسرای عالی لیسانس گرفت. وی ضمن تدریس در دبیرستان‌ها در دوره‌ی دکترای فارسی نیز به تحصیل پرداخت و «لغات مثنوی» را موضوع پایان‌نامه خود قرار داد. این رساله که به چاپ رسید، مهم‌ترین اثر گوهرین است. او در کنار تدریس در دانشکده‌های ادبیات دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی چند کتاب نیز تألیف و تصحیح کرد.

از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حجهٔ‌الحق ابوعلی سینا (۱۳۳۱)؛ پیر جنگی؛ حکایاتی از مثنوی (این اثر به تفاریق میان سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۵ منتشر شده است)؛ تصحیح اسرارنامه شیخ عطار (۱۳۳۸)؛ تصحیح منطق الطیر عطار (۱۳۴۲)؛ داستان بهرام گور (از شاهنامه فردوسی، ۱۳۴۳)؛ شیخ صنعان (از منطق الطیر، ۱۳۴۴)؛ شرح اصطلاحات تصوف (۱۳۶۷). وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «مردم» و «ستاره صلح» و «راهنمای کتاب» به چاپ رسانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۸، ۳۱۳۶، ۲۸۱۴، ۲۴۳۹، ۲۱۸۷، ۲۱۶۴/ ۲، ۱۳۲۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۱– ۶۴۰، – ۶۳۹، ۲۱۰/ ۱)، فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۰/ ۳).

گیلانی، اشرف الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اشرف الدین گیلانی موسوم به نسیم شمال از شعرای معروف و مردمی ،نویسنده و روزنامه نگار دوره مشروطیت، در سال ۱۲۸۷ ه.ق در قزوین متولد شد.وی پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصیل علوم دینی پرداخت و مجددا به زادگاه خود بازگشت. سید اشرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو، منطق ، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سپس به گیلان رفت.اقامت او در رشت و فعالیتهای مطبوعاتی سید اشرف الدین مصادف بود با امضای فرمان مشروطیت ;سید در شهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسیم شمال را منتشر کردکه انتشار آن تا انحلال و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان،که بشدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شد.نسیم شمال در سال ۱۳۲۷ ه.ق مجددا روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال ۱۳۳۳ آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت.او عاقبت دچار جنون شد و در دارالمجانین بستری شد و فوت کرد و در ابن بابویه مدفون شد

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده ، شاعر و روزنامه نگار

والدین و انساب : سید اشرف قزوینی معروف به گیلانی فرزند سید احمد حسینی قزوینی است.

خاطرات کودکی : سید اشرف الدین گیلانی شش ماهه بود که یتیم شد، در یتیمی ملك و مال و خانه اش را غصب کرده اند و او دچار فقر و تنگدستی شده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید اشرف الدین گیلانی پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصیل علوم دینی پرداخت و مجددا به زادگاه خود بازگشت. سید اشرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو، منطق ، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سپس به گیلان رفت.

زمان و علت فوت : در سال ???? هجری قمری شایع کردند که سید اشرف الدین گیلانی به بیماری جنون مبتلا شده است و با این دستاویز وی را به تیمارستان بردند. و بازهم حق نا شناسی مردم را در زمان اقامتش در تیمارستان و در زمان مرگش می بینیم. سرانجام سیداشرف الدین قزوینی (گیلانی) در ?? اسفندماه سال ???? در دارالمجانین چهارراه قزوین تهران (حوالی میدان قزوین فعلی) جان به جان آفرین تسلیم کرد و در عین گمنامی در گورستان ابن بابویه تهران به خاك سپرده شد و تا سال های سال کسی نمی دانست گور او کجاست و بعدها به همت زنده یاد دکتر اسماعیل رضوانی و ابراهیم فخرایی مقبره او را یافتند و سنگی بر گورش نهادند، تا شاید روزگاری کسی کنار گور او گذشت و برایش فاتحه خواند. جالب است بدانید تا سال ???? ،گور او نامعلوم بود و به راهنمایی یکی از فرزندان پخش کنندگان نسیم شمال، گور او شناسایی شد. حافظا عشق و صابری تا چند ناله عاشقان خوش است بنال

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقامت سید اشرف الدین گیلانی در رشت و فعالیتهای مطبوعاتی سید اشرف الدین مصادف بود با امضای فرمان مشروطیت ;سید در شهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسیم شمال را منتشر کردکه انتشار آن تا انحلال و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان،که بشدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شد.نسیم شمال

در سال ۱۳۲۷ ه.ق مجددا روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال ۱۳۳۳ آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. سید اشرف در روزنامه خود و در قالب شعر و طنز همواره استبداد و ظلم را مورد حمله قرار می داد و سخنان منظوم و موزون او بسیار مورد توجه مردم بود ؛از اینرو در سال۱۳۴۵ ه.ق به جرم دیوانگی وی را به تیمارستان که در واقع زندان سید بود منتقل کردند

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : نسیم شمال در اصل نام روزنامه ای چهارصفحه ای با مضامین فکاهی و طنز بود که سید اشرف الدین گیلانی در سال ???? ه. ق???? _ شمسی- در رشت تاسیس کرد

همفکران فرد : سعید نفیسی در مقدمه دیوان کامل نسیم شمال درباره وی می گوید: «یقین داشته باشید که اجر او در آزادی ایران کمتر از اجر ستارخان نبود. حتی این مرد شریف بزرگوار در قزوین تفنگ برداشته و با مجاهدان دسته محمد ولی خان تنکابن سپهدار اعظم و سپهسالار اعظم جنگ کرده و در فتح تهران جانبازی کرده بود.» با این وجود در متون و مقالاتی که درباره مشروطه نوشته می شود، می بینیم که کمتر نامی از سید اشرف الدین آمده است. علت این حق ناشناسی را می توان این دانست که سید اشرف الدین کمترین ادعایی نسبت به نقش خود در مشروطه نداشته است. باز سعید نفیسی درباره آزادگی و بزرگواری وی می گوید: «بزرگی او در اینجا است که با این همه نفوذی که در مردم داشت هرگز درصدد برنیامد از آن سود مادی ببرد. نه هرگز در موقع انتخابات از کسی رای خواست، نه به خانه صاحب مسندی و خداوند زر و زوری رفت.»

آرا و گرایشهای خاص : سید شرف الدین گیلانی در اشعار خود بارها ظلم و استبداد محمد علی شاه ودولتهای پس از وی را به باد حمله و انتقاد گرفت و همواره حامی و پشتیبان آزادی وآزادگی بود. اشعار او به زبان مردم کوچه و بازار و فاقد انسجام لازم ادبی بود ولی ویژگی‌عمده شعر نسیم شمال گذشته از سادگی و صمیمیت زبانی، مضمون و محتوای آن بود کەدر سالهای بیداری از عمق وجود مردم مایه می‌گرفت و نظر خاص و عام را به خود جلب‌می کرد. به طور کلی بعد از انقلاب مشروطه، طنز در ادبیات ایران به جهت فضای خفقان آور حاکم بر جامعه، موقعیتی جدی یافت و مورد توجه شاعران و نویسندگان ازجمله سید اشرف الدین گیلانی قرار گرفت. به علت آزادی و آزادگی شخصیتش اشعار وی از احساسات و عواطف شدید وطن پرستی و عشق به آزادی و مردم سرشار است. به واسطه زبان ساده و عوامانه اش و همچنین عاری بودن از رکاکت کلام و هزل های بی ادبانه، اشعارش در میان مردم محبوبیت و مقبولیت زیادی پیدا کرد تا جایی که وی را به اسم آقای «نسیم شمال» می شناختند.

جوائز و نشانها : در اسفندماه سال ۱۳۸۴ پس از یک فراخوان، به همت «خانه کتاب ایران» همایش بزرگداشتی برای سیداشرف الدین گیلانی برپا شد و ماحصل آن کتابی است در ??? صفحه، در شش فصل و به قلم فرهیختگانی که دل در گرو آزادی دارند، از آزادمردی گفته و نوشته اند که پس از نیم قرن تلاش در راه بیداری و آزادی ملت ایران، در عین غربت و گمنامی، ظاهراً به علت اختلال مشاعر دست از دنیا شست --

آثار :

۱ مجموعه اشعار (نسیم شمال و بهشت باغ)

ویژگی اثر : مهم ترین اثر ادبی سید اشرف الدین مجموعه اشعار او مشتمل بر بیست هزار بیت است که به نام نسیم شمال و بهشت باغ در دو جلد چاپ شده است

گیلانی، محمد محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقق کثیر التألیف، شاعر ادیب زاهد، در اواخر عمر ظاهرا در طهران ساکن بوده، و در آن شهر وفات یافته، در نجف مدفون گردید. نسب او به علامه محقق شیخ بهائی می‌رسد و شاید انتساب او از طرف مادر باشد.

تعداد مؤلفاتش از کتاب و رساله متجاوز از ۱۱۶ مجلد می‌شود، از آن جمله است: ۱- اجابهٔ المحب ۲- اربعین ۳- انیس الصالحین ۴- انیس العباد ۵- ایقاظات ۶- بحر الحکم [شرح هدایه‌ی میبدی] ۷- بحر الامکان ۸- بحر الامال ۹- بحر المآرب ۱۰- بحر المصائب ۱۱- بروق اللوامع ۱۲- بستان الجعفریهٔ ۱۳- بدیهیات ۱۴- بنیان الاصول ۱۵- تحفهٔ الایادی ۱۶- تحفه الاخیار ۱۷- جامع المسائل ۱۸- جامع المصائب، در دو جلد ۱۹- جنات عدن ۲۰- جنهٔ الامان ۲۱- خلاصهٔ الخلاصهٔ ۲۲- درج الدرایج ۲۳- درر الاقوال [فی فقه سیدنا محمد و آله الاطهار المفضال] ۲۴- دلیل المتحیرین ۲۵- دیوان اشعار، و در آن «عاصی» تخلص می کند ۲۶- دره‌ی مضیئه ۲۷- ذخیرهٔ المعاد ۲۸- ذریعهٔ الوداد [تفسیر سوره‌ی یوسف] ۲۹- رضوان الامال ۳۰- روض الریاض [حاشیه‌ی معالم] ۳۱- ریاض الارواض [شرح معالم] ۳۲- روضهٔ حسینیه ۳۳- رسائل الرسائل ۳۴- وریقات الانیقات ۳۵- زاد السالکین ۳۶- سبیل السبل ۳۷- سفینهٔ النجاهٔ ۳۸- سوانح ۳۹- شد الوثیق ۴۰- ضیاء الذاکرین ۴۱- عوالم العوالم ۴۲- غزوه‌ی خیبر، منظوم ۴۳- قبلهٔ الافاق ۴۴- القواعد و الفوائد ۴۵- قوانین المصائب ۴۶- کشایف الاسرار ۴۷- کشف الحجب ۴۸- کشف المقال ۴۹- کنز الاحباب ۵۰- کنز الاخوان ۵۱- لوایح الطرایح ۵۲- متروک الانظار ۵۳- مجمع الاذکار ۵۴- مجمع المعانی [حاشیه‌ی ریاض] ۵۵- مرجع الضمایر، در دو مجلد ۵۶- منهاج الدین، در اصول دین ۵۷- مثنوی شش دفتر ۵۸- مثنوی شور و شیرین ۵۹- مفاتیح النجاهٔ ۶۰- ملتمس المحبوب ۶۱- نظم المجالس، در چندین مجلد ۶۲- نسج النسوج ۶۳- وقایع الصفین ۶۴- وسیلهٔ المراد ۶۵- وسیلهٔ النجاهٔ، فارسی، در جبر و تفویض، و آن را در سال ۱۲۶۹ تألیف نموده ۶۶- هدیهٔ الاخوان ۶۷- ینابیع الدرر؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گیوگان

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از پهلوانان داستانی ایرانی و پدر گرازه.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گیوه چی مفرد، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن گیوه چی مفرد

محل تولد : مشهد

شهرت : پویا

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ سیکل نظام قدیم (قبل از نظام راهنمایی) سال اول دبیرستان را در رشته طبیعی نیز خواندم. پس از آن در مکتب امام صادق (ع) در مشهد شبها به دروس حوزوی مشغول بودم. سپس در سال ۵۵ ـ ۵۶ به صورت نیمه روزه در مدرسه معروف به مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول به تحصیل شدم و سپس در مدرسه آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی حجره گرفتم و به صورت خصوصی به دروس حوزه به صورت تمام وقت ادامه دادم و در تمام ایام سال جز جمعه ها و یا تعطیلات مهم به درس مشغول بودم به صورتی که در سال ۵۹ که به قم آمدم به درس مکاسب مرحوم آیت الله ستوده و کفایه مرحوم آیت الله پایانی رحمهما الله رفتم و یک جلد از کفایهٔ را نیز نزد آیت الله دوزدوزانی خواندم و بخشی از آن را با نوار، در این اثنا نوارهای دروس بدایه و نهایهٔ آیت الله مصباح را نیز گوش می کردم عمدتا در مشهد به صورت خصوصی درس خواندم و تنها به درس تفسیر مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی حاضر می شدم. و بخشهائی از کتاب شرح لمعه را نیز در دروس حوزه مشهد شرکت می کردم. پس از اتمام سطح به درس خارج اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی که از ابتدای اصول شروع شده بود شرکت کردم و جز ایامی که در دوران دفاع مقدس به جبهه می رفتم تقریبا یک دوره اصول کامل درس ایشان را شرکت کردم و همزمان به درس فقه ایشان که آن زمان کتاب البیع بود و چهارشنبه ها بحث کتاب القضاء بود شرکت می کردم. ضمنا از ابتدایی که آیت الله منتظری به قم آمدند و در منزلشان درس فقه را شروع کردند تقریبا تا آخرین روزهای درس ایشان شرکت کردم. در این اثنا کتاب اشارات را به صورت کامل در آخرین دوره درس آیت الله حسن زاده آملی خواندم که بسیار از نظر معنوی پر بهره بود. تا اینکه در سال ۱۳۶۴ با تاسیس موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) که اینجانب از هسته های اولیه و اصلی آن بودم ابتداء کلاسهای آموزشی که تا آن روز درحوزه متداول نبود و به اعتقاد ما نیاز حوزویان بود برگزار شد و بنده ضمن برنامه ریزی و برگزاری اجرایی آنها در همه آنها شرکت کردم که آنها عبارتند از: دوره مدیریت منابع انسانی، تشریح انسان، اقتصاد، تاریخ معاصر ایران و جهان، کلام جدید، علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، روان شناسی عمومی، روان شناسی کودک، جامعه شناسی، تند خوانی و ... برخی از این کلاسها به صورت اردوهای آموزشی در مشهد و تهران برگزار شد و حتی به صورت عملی مثل شرکت در سالن تشریح، شرکت در برخی ادارات وابسته به بنیاد مستضعفان در حین درس مدیریت و... عمدتا از اساتید برجسته و طراز اول آن زمان از دانشگاه مثل استاد شعاری نژاد، زرگر نژاد، ابطحی، سروش، آیت الله معرفت، حسن پور، حائری و ... استفاده می شد. با پایان یافتن این دوره ها و نیز تاسیس مراکز مختلف آموزشی در قم و شروع به کار اولین فصلنامه تخصصی قرآن و تفسیر با نام بینات در سال۱۳۷۳، اینجانب ضمن شرکت در یک درس خارج، تمام وقت و همت خود را مصروف مباحث قرآنی کردم و به لطف خداوند تا کنون که سال دوازدهم نشر این نشریه است همچنان در سطح بسیار بالایی می درخشد. (ضمنا قبل از نشریه بینات از آغاز تاسیس و نشر مجله حوزه اینجانب در گروه اخلاق آن نشریه فعالیت داشتم تا اینکه در سال حدودا ۷۵ ـ ۷۶ از مجله خارج شدم.) اینجانب همزمان با برخی از دورس به تدریس نیز اشتغال داشتم بویژه ادبیات، علوم قرآن و ... که به لحاظ موقعیت آن زمان به صورت غیر آکادمیک و مباحثه های طلبه ای بوده است. همزمان با سردبیری نشریه بینات، معاونت پژوهشی موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام را پس از دوران مسوولیت آموزشی به عهده داشتم و سپس جزو هیات تحریریه دو نشریه قرآنی دیگر یعنی بشارت و آفاق نور بوده و هستم. در ضمن مدتی در معاونت بین الملل وزارت ارشاد به عنوان کارشناس جهت اعزام به رایزنی ایران در لاهور بوده ام و سفری به آنجا رفتم. سپس در سال ۱۳۷۹ معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) را پذیرفتم و در سال ۸۳ مدیریت طرح و برنامه و اکنون نیز معاونت پژوهشی موسسه می باشم که به لطف خداوند تا کنون دهها جلد از آثار حضرت امام (ره) و یا درباره امام خمینی (ره) از آن سال تا کنون منتشر شده است.

لاربن مازندرانی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، نویسنده، نمایشنامه نویس، روزنامه‌نگار و شاعر. در بابل به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و تهران به پایان رساند. بعد در خارج به تحصیل و تکمیل زبان فرانسه پرداخت. وی مدتی مترجم فرانسه شرکت الکا بود و چندی نیز دبیر فرانسه‌ی دبیرستان شاهپور بابل شد. پس از آن در ۱۳۱۹ ش مترجم زبان فراسنه اداره‌ی کل دخانیات گردید. سرانجام در ۱۳۲۰ ش از کار دولتی کناره‌گیری کرد و به کار آزاد روی آورد. در ۱۳۲۶ ش وارد عرصه‌ی مطبوعات شد و در همان سال روزنامه‌ی «جهان فردا» را تأسیس و منتشر کرد. لاربن علاوه بر نویسندگی، شاعری توانا بود که در ۱۳۶۲ ش منظومه‌ای در حماسه و عشق به نام «ایرج و هوبره» سرود. از دیگر آثارش: «جاده‌های بریده»؛ «رازها»؛ «زن مست»؛ «عشق و سیاست» یا «سقوط یک استاد»؛ «من و تو»؛ «گره کور». او همچنین نمایشنامه‌های: «زهره و منوچهر»، «عشاق جانی» و «مرگ آزادی» را نوشت که در بابل به نمایش گزارده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹/ ۱۲)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۷۶ -۱۷۵/ ۲)، شعرای مازندران و گرگان (۲۶۸ -۲۶۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۷۲، ۲۹۸۹ -۲۹۸۸، ۲۷۹۵، ۲۳۱۱، ۱۸۷۰، ۱۶۱۹/ ۲ ،۹۸۳/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۴ -۹۰۲/ ۴).

لاری، فتح‌الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کمال‌الدین شاه فتح‌الله به هبهٔ‌الله بن عطاءالله حسنی حسینی جعفری شیرازی.

از طایفه‌ی سادات شاهی شیراز، عالم فاضل، و ادیب منشی کامل، به دعوت شاه سلیمان از اردکان به اصفهان آمده، و سال‌ها قاضی اصفهان و شیراز و لار بوده. در سال ۱۰۹۸ در اصفهان وفات یافته [در حوالی مدفن آقا حسین خوانساری مدفون شد].

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- الامامهٔ، آن را در موقع تشرف خود به مکه تألیف نموده، و مناظرات خود را با ملا عبدالرحیم مدرس مدینه‌ی طیبه بتمامه نقل نموده است. ۲- بدیع در علم بدیع، در اصفهان تألیف نموده ۳- تاریخ شاه فتح الله ۴- ریاض الابرار و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاری، محیی‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۳ ق)، ادیب و شاعر. از شعرای عهد سلطان یعقوب میرزا آق قوینلو بود و اوایل عصر شاه طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) را نیز درک کرد. از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی بوده و گذشته از علوم متداول زمان در عروض و فنون شعر هم مهارت داشته است. وی غزل را نیکو می‌سرود و از سبک بابا فغانی پیروی می کرد. به زیارت بیت‌اللّٰه الحرام رفت و در مراجعت مثنوی «فتوح الحرمین» را، که مثنویی دینی در مورد بقاع متبرکه و بیان مناسک حج است، در مدینه به اسم سلطان مظفر بن محمود شاه گیلانی سرود. او این مثنوی را به قولی در ۹۱۱ ق و به قولی در ۹۵۰ ق به اتمام رساند. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. در «فرهنگ سخنوران» محبی لاری و صاحب عنوان با هم یکی دانسته شده، ولی بیشتر تذکره‌ها آن دو را جدا ذکر کرده‌اند. همچنین صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» سال مرگ وی را ۹۵۱ ق می داند. «هدیهٔ العارفین» وی را محیی‌الدین محمد لاری حنفی متخلص به محیی بیان کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۸)، تحفه سامی (۲۳۵ -۲۳۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۷۸ -۳۷۷/ ۴)، الذریعه (۱۲۰ -۱۱۹/ ۱۶ ،۱۰۱۷ -۱۰۱۶، ۹۷۱/ ۹)، ریحانه (۲۵۱/ ۵)، صبح گلشن (۳۹۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۱۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۲۵ -۸۲۴)، منظومه‌های فارسی (۵۲۲ -۵۲۱)، هدیهٔ العارفین (۲۳۹/ ۲)، هفت اقلیم (۲۵۸/ ۱).

لاریجانی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق لاریجانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب صادق لاریجانی (آملی) در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در نجف اشرف دیده به جهان گشودم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی «قدس سره» از اعاظم فقهاء و مراجع نجف اشرف و قم بوده‌اند که شاگردان بسیاری در این دو شهر بزرگ علم و تقوا پرورانده‌اند. مادرم صبیّه مرحوم آیت الله العظمی حاج سیّد محسن اشرفی «قدس سره» است که ایشان از بزرگان شهر اشرف (بهشهر) بود و در آن شهر سمت ریاست و مرجعیت داشت و از شاگردان مبرّز مرحوم آخوند خراسانی «قدس سره» محسوب می‌شد که به علت انزوا طلبی، نام چندانی از خود باقی نگذاشته است. قریب یکسال و اندی داشتم که مرحوم والد از نجف اشرف به شهر قم نقل مکان نمودند و بساط تدریس در این شهر گشودند.

تحصیلات اولیه: از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ در مراحل دبستان و دبیرستان به دروس جدید اشتغال داشته‌ام و بحمدالله در همه این سطوح، درسها را با موفقیّت تمام به پایان برده‌ام و کمتر اتفاق می‌افتاد که رتبهٔ اوّل را حائز نباشم. نیک به خاطر دارم که از سال اوّل دبیرستان مسیر تحقیقم از درسهای معمولی دبیرستان، بسیار فراتر رفت و کتابهای متعدّد دانشگاهی در رشته ریاضی را خود بدون کمک استاد فراگرفتم. مثل: Precalculus نوشته Serge lang و دو مجلّد Calculus نوشته Apostol . Tom و Mathematical Analysis نوشته Rudin و Measure Theor نوشته Monro و همه اینها قبل از وارد شدن به سال چهارم دبیرستان بود. و با فراهم آمدن بورس تحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف، عازم تحصیل در یکی از کشورهای غربی بودم که ناگهان زندگیم چرخش تمام پیدا کرد و اندیشه و شوق تحصیل در علوم و معارف اسلامی و دنبال کردن مسیر تحقیقات فقهاء و مجتهدان و فیلسوفان اسلامی، حرکتی دیگر را باعث شد. علل این شوق و اندیشه جدید خود داستان عجیبی دارد که این‌جا مجال بیان آن نیست.

تحصیلات علوم اسلامی: به هر حال با تغییر مسیر علمی و فی الواقع تغییر مسیر زندگی‌ام، از سال ۵۶ وارد عالم طلبگی شدم و با ولع و اشتیاق فراوان علوم رسمی حوزه را فرا می‌گرفتم، و در کنار آن‌ها با مباحث فیلسوفان غربی هم آشنا می‌شدم. اکثر درسهای دوره مقدمات و سطح حوزه را با اساتیدی مبرز و عمدتاً به طور خصوصی طی کردم. بحثهای خارج اصول و فقه را از محضر مرحوم والد آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی «قدس سره» و آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحیدی خراسانی دامت برکاته که افتخار دامادی ایشان را هم دارم، استفاده برده‌ام. فلسفه اسلامی را نیز مدّتی در نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی استفاده کردم. از حوالی سال ۱۳۶۸، پس از تدریس بسیاری از کتب سطح، به تدریس خارج اصول و پس از مدّتی به تدریس خارج فقه پرداخته‌ام و بحمدالله تاکنون مشغول به این دو بحث هستم. در جریان انقلاب در کنار مرحوم والد، در پاره‌ای اقدامات شرکت جسته‌ام و پس از چندی حس کردم تهاجم فرهنگی غرب، کمی از تهاجم نظامی آن ندارد و لذا در حد وسع خویش و با بضاعتی مزجاه همّ خویش را در مقابله با این تهاجم فرهنگی قرار دادم. تهاجمی که ایمان مردم را هدف گرفته و قطعاً در راستای اهداف شوم استعماری است. چون نیک می‌دانند این کشور اسلامی با ایمان مردم زنده مانده است نه تجهیزات مادی و اقدامات نظامی.

مدت‌هاست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظله» با بیانات مختلف به این خطر عظیم اشاره کرده‌اند و اخیراً هم با بیانی صریح و رسا به افشاء آن پرداخته‌اند. علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم و نگاشتن کتابها و مقالاتی در باب مباحث جدید کلامی، چند سال است که به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمده ام و به طور منظم در دانشگاه تربیت مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می‌کنم. و در دانشگاه رضوی مشهد، هم پاره ای از پژوهشهای فقهی و فلسفی را سرپرستی می‌کنم.

آثار قلمی این‌جانب برخی به طبع رسیده است که عمده‌ترین آنها عبارت است از:

۱. فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک این کتاب ترجمه‌ای است از Contemporay moral philosophy که با تعلیقات مبسوط این‌جانب به طبع رسیده است. انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.

۲. انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی، این کتاب ترجمه‌ای است از (کتاب الانسان) که با تعلیقات مبسوط این‌جانب همراه است. انتشارات الزهراء، تهران چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۳. سرمایه ایمان، ملاعبدالرزاق لاهیجی تصحیح این کتاب توسط این‌جانب صورت گرفته است. انتشارات الزهراء، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۲.

۴. معرفت دینی، نقد نظریّه قبض و بسط تئوریک شریعت، مرکز ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۷۰

۵. قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۷۲

۶. واجب مشروط، انتشارات کنگره شیخ انصاری «قدس سره» ۱۳۷۴

۷. فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت، انتشارات مرصاد، قم،

کتابهای زیر در حال تدوینند:

۱. مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه، انتشارات مرصاد

۲. دین و اخلاق، (ترجمه از انگلیسی) انتشارات مرصاد

۳. فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری

۴. فلسفه تحلیلی، فعل گفتاری

۵. زبان دین

۶. براهین اثبات واجب، برهان وجودی

۷. قلمرو دین

۸. مبانی کلامی فلسفی حکومت دینی

۹. فلسفه اخلاق

علاوه بر کتابهای فوق مجموعه متعددی از مقالات کلامی، فلسفی در مجلات مختلف، همچون نقد و نظر و کیهان فرهنگی و ماهنامه صبح و ... به طبع رسانده‌ام.

در فقه و اصول، تقریباً تمامی درسهایی را که شرکت جسته‌ام، تقریر کرده‌ام و به علاوه دو مجلّد در علم اصول از ابتدا تا مبحث مشتق به عربی نگاشته‌ام و رساله‌ای مبسوط در «صلوهٔ مسافر» به شکل شرحی بر عروهٔ الوثقی تصنیف نمودم که تتمه‌ای از آن باقی مانده است. در سال ۱۳۷۷به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافتم، و در سال ۱۳۸۰ با حکم مقام معظم رهبری به عنوان عضوی از فقهای شورای نگهبان منصوب گشتم و حکایت همچنان باقی است ...

ریاست قوه قضاییه:

آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را در تاریخ شنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به سمت ریاست قوه قضاییه منصوب کرد.

لاکانی رشتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۴۱ ق به همراه پدرش به ایران آمد و در رشت سکنی گزید. پس از فراگیری مقدمات و نیز تحصیلات جدید، سطوح را نزد پدرش و شیخ حسن رشاد و شیخ ابوطالب شفتی و شیخ احمد طاهری فراگرفت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه سید احمد خوانساری و آیت‌اللّه شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّه سید محمد حجت و آیت‌اللّه سید صدرالدین صدر استفاده نمود. در ۱۳۶۳ ق به قصد زیارت به عراق رفت و در نجف از محضر آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی بهره برد و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به قم بازگشت و به تدریس و تألیف پرداخت و خود از مباحث آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۷۰ ق به قصد زیارت به مکه و مدینه و عتبات رفت و در بازگشت از سفر به علت بیماری پدرش در رشت سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت، تدریس و انجام امور دینی اشتغال یافت. از آثار وی: شرح مباحث «الفاظ» و «برائت» از «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی؛ شرح «رسائل» شیخ انصاری؛ شرح «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «اعتقادات»؛ رساله‌ای در «علم اخلاق»؛ رساله‌ای در «علم درایه»؛ رساله‌ای در «نفس»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ـ ضرر»؛ رساله‌ای در «قواعد فقهیه و اصولیه»؛ رساله‌ای در «اقتباسات آخوند خراسانی از دیگران»؛ رساله‌ای در «جمع بین الرأیین» (اصالهٔ الماهیهٔ و الوجود).[۱]

سید محمود ضیابری فرزند عالم جلیل آقا سید مهدی موسوی از علماء معاصر رشت است که در سال ۱۳۰۷ ق در قریه ضیاءبر که در چهل و هشت کیلومتری رشت قرار دارد تولد یافته و در تحت تربیت مرحوم والدش پرورش و در سال ۱۳۱۴ ق در سن ۷ سالگی نزد ملا کاظم مکتب‌دار محل قرائت قرآن و خواندن را آموخته و در همان محل صرف میر و تصریف را از آخوند ملاعلی فراگرفته و برای ادامه تحصیل به رشت و دو سالی در مدرسه حاج سمیع و پس از آن در مدرسه مستوفی ادبیات را نزد فضل‌اللّه در مدرسه خوانده و سطوح وسطی را در خدمت مرحوم حاج شیخ حسن کوچصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد زاهد استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ قمری به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالی را از فضلاء گیلانی مقیم نجف تعلیم گرفته و از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه شیخ‌الفقهاء آقای شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی قدس اللّه اسرارهم استفاده نموده و در سال ۱۳۱۳ شمسی برای زیارت حضرت ثامن‌الائمه علیهم‌السلام به ایران وارد و پس از تشرف به مشهد مقدس به رشت عزیمت نموده و چند ماهی در قریه ضیابر توقف و به تبلیغ پرداخته و بعد از آن مراجعت به نجف و به زیارت بیت‌اللّه‌الحرام مشرف و پس از بازگشت در مدرسه قزوینی‌های نجف به تدریس سطوح وسطی پرداخته و در سال ۱۳۲۰ شمسی برای گذرانیدن ایام تابستان به همدان آمده و چون مصادف با جنگ جهانی دوم بود ناگزیر به گیلان عزیمت و رحل اقامت به رشت انداخته و بدواً در مسجد خمیران و مسجد چهل تن و مسجد مرحوم حاج محمدکریم به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال تا در سال ۱۳۲۸ شمسی پس از فوت مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه حاج سید مهدی رودباری برای اداره امور حوزه علمیه رشت و تربیت طلاب و محصلین به مسجد جامع کاسه‌فروشان و مدرسه مهدویه منتقل و به وظائف دینی و روحی از اقامه نماز جمعه و جماعت و تدریس و قضاء حوائج و رفع خصومات و حل و فصل قضایا و توجه و دستگیری از مساکین و عجزه و تأسیس مساجد و تعمیر مدارس و ایجاد کتابخانه و ابنیه خیریه و غیره اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۱ -۱۸۹/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۲۰/ ۳).

لاله‌زاری تهرانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی تهرانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۱۲ قمری در سامرا متولد شده و با مرحوم والدش آیت‌اللَّه آقا سید ابراهیم به تهران آمده و پس از طی دوران صبا و خواندن مقدمات در سال اول تاسیس حوزه علمیه قم ۱۳۴۰ قمری به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه یثربی و آیات دیگری استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیتین اصفهانی و نائینی در موقع توقفشان در قم بهره‌مند گردیده تا به درجه رفیعه علم و اجتهاد نائل آنگاه به تهران مراجعت و بیش از پنجاه سالست که بخدمات دینی اشتغال و چندین سالست که در مسجد (اباذر غفاری) در پل چوبی خیابان شاهرضا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام موفق میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدصادق بن العالم الجلیل السید ابراهیم بن السید علی‌اصغر الحسینی تهرانی عالمی فاضل و کاملی عامل و پدرش از علماء بزرگوار درکه تهران بوده.

وی در سال ۱۳۰۰ قمری در سامره متولد و در تحت مراقبت و تربیت والدش پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد وی و بعضی از فضلاء سامره خوانده و در حدود سال ۱۳۲۰ قمری باتفاق مرحوم والدش مسافرت به تهران نموده و فقه و اصول و بعضی از معقول را نزد علماء تهران تکمیل نموده و چون والدش در سال ۱۳۳۲ قمری وفات نمود حمل به قم و در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام دفن و به تهران مراجعت و بجای والدش در مسجدی که در خیابان لاله‌زار تهران تأسیس نموده به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تحول عجیبی در کسبه و اصناف خیابان مزبور ایجاد کرده که اغلب آنان در مواقع نماز به مسجدش حاضر و از نماز و بیاناتش استفاده می‌کردند تا در ۱۶ صفر ۱۳۷۰ قمری وفات نموده و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام بخاک سپرده شده است.

دارای فرزندان برومند و دانشمندی است که از علماء اعلام معاصر تهران و ری می‌باشند.

۱- جناب آیت‌اللَّه حاج سید مهدی حسینی لاله‌زاری که ترجمه‌اش را بعد از این خواهد آمد.

۲- جناب حجهٔ‌الاسلام و المسلمین حاج سید محمدحسین لاله‌زاری دومین فرزند آن جناب است که در تهران تولد یافته و پس از خواندن مقدمات به قم مسافرت و در مدرسه حجتیه اقامت و بتکمیل سطوح پرداخته و چند سالی از محضر مرحوم آیه اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله و دیگران استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده آنگاه مراجعت به تهران و در مسجد قائم واقع در خیابان سعدی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ضمناً تدریس و مباحثات اشتغال دارند.

۳- جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید عبدالصاحب لاله‌زاری از فضلاء و علماء معاصر می‌باشند که چندین سال در قم و سالها در نجف اشرف کسب علم و کمال کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی بن آیت‌اللَّه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری تهرانی از فضلاء معاصر تهران است. وی در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و به تحصیل علوم فارسی و دروس جدید پرداخته و پس از تکمیل آن مشغول به تحصیل علوم عربیه گردید. و برای همین منظور در عصر ریاست آیت‌اللَّه العظمی بروجردی به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه آموخته و چندی از محضر آقای بروجردی و مدرسین خارج دیگر استفاده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت و چندین سال از دراسات آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیات دیگر بهره‌مند گردیده و بعد به ایران مراجعت و در تهران به اقامه جماعت در مسجد لاله‌زار و انجام وظائف دینی و روحی دیگر مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

لاهوتی کرمانشاهی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ / ۱۳۳۵ -۱۲۶۶/ ۱۲۶۴ س)، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر، متخلص به لاهوتی. در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی در زادگاهش، جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد. در جریان انقلاب مشروطه شب‌نامه و اوراق سیاسی منتشر می‌کرد و در صف فداییان قرار داشت. او در جوانی به تحصیل علوم مذهبی پرداخت و به لباس روحانیون ملبس شد. پس از چندی به تصوف روی آورد و سپس از کسوت روحانیان خارج گردید و در ژاندارمری مشغول خدمت شد. وی در حدود ۱۲۹۰ ش به اتهام قتل یکی از زیردستانش به عثمانی (ترکیه) گریخت و در آنجا به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت و پس از چندی به ایران بازگشت و در کرمانشاه اقدام و به انتشار روزنامه‌ی «بیستون» کرد. بعد از مدتی مجددا به ترکیه رفت و مجله‌ی ادبی «پارس» را در دو قسمت، به فارسی و فرانسه، در استانبول تأسیس و منتشر کرد. در ۱۳۰۰ ش به ایران بازگشت و در ژاندارمری تبریز به خدمت مشغول شد. سپس زمینه‌ی کودتایی در آنجا ترتیب داد و پس از شکست خوردن کودتا به روسیه گریخت و تا پایان عمر در آنجا به فعالیت‌های هنری درباره‌ی زبان و ادبیات فارسی پرداخت. او از نظر مسلکی، شاعری مادی و معتقد به مارکسیسم بود و شعر خود را ابزاری در خدمت تحقق آرمانهای طبقه کارگر می‌دید. وی شاعری توانا بود و در غزلسرایی مهارت داشت. در عین حال او را می‌توان از پیشگامان شعر نو نیز به حساب آورد. سرانجام لاهوتی در روسیه از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «ادبیات سرخ»؛ «ایران نامه»؛ «جنگ آدمیزاد با دیو»؛ «درافشان»؛ «لالی لاهوتی»؛ «چند اثر از پوشکین»، ترجمه، منظوم؛ ترجمه‌ی «شاهنامه» فردوسی به زبان روسی؛ «دیوان» شعر.[۱]

در ۱۲۶۹ در کرمانشاه متولد شد. پدرش الهامی شغل آزاد داشت و گاهی شعر می‌سرود. وی وارد مدرسه ژاندارمری شد و به درجه افسری رسید. خیلی شجاع و احساساتی و خوش بیان بود. وقتی به درجه سروانی رسید ریاست ژاندارمری قم و کاشان به او داده شد. وی در این شغل مأمور دستگیری نایب حسین کاشی و همدستان او بود. خیلی تند و شدید عمل کرد. نه نفر از یاران نایب حسین را اعدام نمود. لاهوتی در قم خیلی بد کار کرد، متهم به اخاذی شد. حتی گفته شد یک دزدی که در حرم حضرت معصومه متحصن شده بود او را به زور از صحن خارج نموده تیرباران کرده است. مردم به تهران شکایت بردند، هیئتی مرکب از یک افسر سوئدی و دو افسر ایرانی برای رسیدگی به قم رفتند ولی قبل از اینکه افسران مزبور به وظیفه خود عمل نمایند مورد حمله افراد مجهولی قرار گرفته دو تن از آنان مقتول و یکی مجروح گردید. مجروح را به رباط کریم منتقل و در آنجا خفه می‌نمایند. دولت تمام این عملیات را ناشی از تحریک لاهوتی دانسته او را بازداشت و در تهران زندانی می‌نماید. وی با کمک عده‌ای از زندانیان متواری شد. ابتدا به کرمانشاه، سپس به اسلامبول می‌رود و در غیاب وی دادگاه حکم اعدام او را صادر می‌کند. در جنگ بین‌المللی اولی که جمعی از ملیون و وطن‌پرستان قوائی بوجود آورده با روس‌ها می‌جنگیدند لاهوتی با آنها همکاری نموده فرماندهی یک گروهان را عهده‌دار می‌گردد. پس از شکست مجددا به استانبول می‌رود و با کمک خان ملک ساسانی، به انتشار مجله پارس مبادرت می‌کند. چندی بعد وارد تبریز شد. به شیخ محمد خیابانی ملحق می‌گردد. پس از کشته شدن خیابانی عفو عمومی درباره افراد او صادر گردید. این عفو شامل لاهوتی نیز گردید و حاج مخبرالسلطنه هدایت والی وقت آذربایجان در شفاعت و کمک به او نقش بسیاری داشته است. و او را مجددا با درجه ماژوری (سرگردی) داخل ژاندارمری می‌نمایند و به معاونت ژاندارمری آذربایجان منصوب می‌گردد. در آن ایام اوضاع آذربایجان سخت مغشوش بود. سمیتقو در سطح وسیعی منطقه را زیرنظر داشت. چند بار قوای ژاندارم را از بین برده بود. از طرفی افسران ژاندارم در آن ایام به جهت انحلال و ضمیمه شدن به قزاقخانه ناراضی بودند و چند ماه بود که حقوقی دریافت نکرده در وضع ناگواری بسر برده و درصدد انتقام برآمده بودند. افسران ژاندارم مستقر در شرفخانه با تبانی یکدیگر و انتخاب لاهوتی به سرپرستی خود به قصد اشغال تبریز و سپس تهران دست به قیام مسلحانه زدند. ابتدا ماژور پولادین فرمانده ژاندارمری را توقیف نموده، سیم تلفن و تلگراف را قطع می‌نمایند. همچنین حاج مخبرالسلطنه هدایت والی و سرهنگ شهاب را بازداشت می‌کنند. قسمت اعظم شهر تبریز به دست آنها افتاده عده‌ای از مردم به ژاندارمها ملحق می‌گردند. قوای دولتی پس از اطلاع از قیام لاهوتی با قوائی که برای مقابله با سمیتقو آماده کرده بود متوجه شهر تبریز شد و زد و خورد بین دو قدرت درمی‌گیرد. پس از چند ساعت زد و خورد از طرفین عده زیادی کشته می‌شوند ولی به هیچوجه بیم شکست خوردن لاهوتی و همکارانش در بین نبود ولی یکمرتبه لاهوتی با چند تن از افسران از تاریکی شب استفاده کرده به روسیه فرار می‌نماید و مقادیری سلاح نیز با خود حمل می‌کنند. شهر تبریز راحت به دست قوای قزاق فتح می‌شود. باقیمانده افسران همکار لاهوتی که عده آنها ده نفر بود بازداشت می‌شوند. در راس این عده سلطان تورج میرزا امین قرار داشت که فرمانده ستاد جنگ بود. به دستور سردار سپه دادگاه نظام به ریاست سرتیپ زاهدی که در آن هنگام مأمور حمله به قلعه چهریق بود تشکیل می‌یابد. سرهنگ متین‌الملک قریب دادستان دادگاه در کیفر خواست اعدام همه را تقاضا می‌نماید و محاکمه همدستان لاهوتی آغاز می‌گردد. دادگاه تمام عده را براساس کیفر خواست به اعدام محکوم می‌کند. پس از محاکمه و محکومیت این عده بعضی از صاحبان قدرت در مقام وساطت برآمده از جمله سید حسن مدرس در تهران شدیدا برای جلوگیری از اجرای حکم تلاش می‌کند. افسران محکوم به زندان تهران انتقال یافته پس از چندی مورد عفو قرار گرفته به شغل سابق خود باز می‌گردند.

لاهوتی سالها پس از فرار از ایران در شوروی می‌زیست. چندی در قفقاز وزیر فرهنگ تاجیکستان شد. در اواخر به بخش رادیو فارسی مسکو پیوست. وی طبع شعر داشت و قسمتی از اشعارش انتشار یافته است. وی در زمانی که در شوروی بسر می‌برد در برنامه فارسی رادیو مسکو نقشی داشت و حقوقی دریافت می‌کرد. تا اواخر عمر مردی ماجراجو، پرمدعا و شلوغ بود. در ۱۳۴۰ درگذشت. لاهوتی در گیرودارهای سیاسی به خارج از ایران گریخت و سرانجام به تاجیکستان شوروی رفت و در آنجا به مقامات مهم از جمله وزارت معارف رسید. هم در آنجا ازدواج کرد، دیوانش بارها به چاپ رسید از جمله در مسکو (۱۹۴۶). لاهوتی در شعر فارسی معاصر مقامی ارجمند دارد. از نظر مضامین در به کار بردن کلمات تازگیهای بسیاری در شعرش دیده می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۴۲، ۱۰۸، ۴۴، ۴۳-۳۱)، از بهار تا شهریار (۲۵۸ -۲۴۶/ ۱)، از صبا تا نیما (۳۸۳ -۳۸۱، ۲۳۵، ۱۷۲ -۱۶۸/ ۲)، از نیما تا روزگار ما (۵۰۲ -۴۹۲)، تاریخ جراید (۴۷ -۴۶، ۴۲/ ۲)، چون سبوی تشنه (۷۴ -۷۲)، دویست سخنور

(۳۵۷ -۳۵۵)، الذریعه (۹۴۰/ ۹)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۵ -۳۴۶/ ۵)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۱۸ -۳۱۱۳/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۸۶)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۴۹۲ -۴۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۵۴، ۲۷۹۳، ۲۱۲۱، ۱۹۸۲/ ۲ ،۱۵۷، ۱۳۹۳، ۱۱۱۶ -۱۱۱۵، ۱۱۰۶، ۱۰۵۷، ۴۱۷، ۲۳۳، ۱۴۴/ ۱)، کتاب گیلان (۵۶۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۸ -۲۸۶/ ۱).

لاهوتی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن لاهوتی در سال ۱۳۲۳ در سبزوار متولد شد.وی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشـهای اسـلامی آستان قـدس رضوی مشغول به کـار شـد .ایشان در جوار اسـتاد سیدجلال الـدین آشتیانی توانست اثار ارزشـمندی چون «شـکوه شـمس» پروفسور شیمل را ترجمه کنـد.نامبرده مدرس دانشگاه پیام نور بوده و در حال حاضر نیز عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسـلامی مشهد می باشد. کتاب" شرح مثنوی معنوی"ترجمه ،حسن لاهوتی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن لاهوتی تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس در مشهد طی کرد و پس از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه ایالتی میشیگان «MSU» رفت.

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : حسن لاهوتی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشـهای اسـلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شد و آثاری چون «جنبشـهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند»، «هند بریتانیا»، «خدمات مسلمانان به جغرافیا» همراه با تعلیقات و تحقیقات دیگر حاصل سالها همکاری او با آن بنیاد است. مطالع ?آثار کهن عرفانی و اسلامی و ادب فارسـی که از اوان جوانی بدان پرداخته وبهر ?وافری که در طول سالیان دراز از محضـر استاد سیدجلال الدین آشتیانی برده است او را به ترجم ?اثار ارزشمندی چون «شکوه شمس» پروفسور شیمل توانا ساخت

جوائز و نشانها : کتاب" شـرح مثنوی معنوی"ترجمه ،حسن لاهوتی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---

آثار :

۱ جنبشهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند

ویژگی اثر : ترجمه

۲ خدمات مسلمانان به جغرافیا

ویژگی اثر : ترجمه

۳ شرح مثنوی معنوی

ویژگی اثر : ترجمه،این کتـاب در دوره چهـاردهم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنـگ و ارشاد اسـلامی معرفی و برگزیـده شده است. آشـنایی با کتاب: «شـرح مثنوی معنوی»: شـرح مثنوی معنوی مولوی (شـش دفتر)، رینولد ا. نیکلسون، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، تهران: شـرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴. درک سـخنان عارفان ?مولانا در مثنوی، بی نیاز از شرح نیست. در این کتـاب با هم ?سـلاست بیان و شـیوایی و سادگی، فراوان است مضامینی که فهم آن بـدون اطلاع کافی از دقایق ادب فارسـی و اصول معارف عالی ?اسـلام، دشوار، بلکه غیرممکن است. همین ضـرورت، توجه دانشـمندان نکته سـنج را به نوشتن شروح گونـاگون بر مثنوی معطوف داشـته است، تـا آنجا که دانشـمندی به نام نیکلسون ۲۰ سـال تمام از عمر خود را صـرف تهی? نسـخه ای کامـل از مثنوی کرد. مترجم بـا دقت نظر در یـافتن معادلهـای درست و قـانونی الفـاظ و تعبیرات و اصـطلاحات عرفـانی و فلسـفی، کوشـیده است عین نقل قولهای مسـتقیم را بیابـد و در متن فارسـی بگنجانـد. مترجم در برگردان این اثر تحقیقی- که هفت سال به طول انجامید- از راهنمایی و همکاری عالمانی چند برخوردار بوده است و با پیشگفتار محققانه و عالمان ?سیدجلال الدین آشتیانی اثر خود را مزین نموده است

۴ هند بریتانیا

ویژگی اثر : ترجمه

منابع زندگینامه :www.ketabesal.ir۱

لاهیجانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عـالم دینی، فقیه و ادیب. وی از شـاگردان علامه محمـد باقر مجلسـی (م ۱۱۱۰ ق) است. او در اثر معروف خـود

«نظم اللآلی» خود را شاگرد علامه مجلسی خوانده است. «نظم اللآلی» جواب سؤالات فقهی است که علامه مجلسی از او نموده و او آنها را جواب گفته سپس بر استادش عرضه داشته و آنها را به تأیید رسانده است. او این کتاب را به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف کرده و در ۱۱۰۳ ق از تألیف آن فراغت یافته است. از دیگر آثارش: «فهرست الکتب المأخوذ منها البحار»، که در آن اسامی مآخذ «بحارالانوار» به ترتیب در بیست و هفت باب (غیر از حرف ظ) آمده و در ۱۱۲۷ ق به اتمام رسیده است؛ «صلاهٔ الجمعهٔ»؛ «حلیهٔ النسوان»؛ «تحفهٔ المصلین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تلامذهٔ العلامه المجلسی (۵۹ -۵۸)، الذریعه (۲۲۷ -۲۶۶/ ۲۴ ،۳۹۱/ ۱۶)، ریاض العلماء (۲۴/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۶/ ۱۲).

لاهیجی اصفهانی، محمد سعید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میرزا محمد، از علمای زمان زندیه در اصفهان است، که شیخ عبدالنبی قزوینی او را در سال ۱۱۷۵ ملاقات نموده، و از علم و دانش او تمجید و تحسین نموده است.

وی مؤلف شرحی است بر شاطبیه در تجوید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی بن الحسین اللاهیجی قمی از بزرگان حکماء و متکلمین و ادباء محققین ملقب به فیاض لاهیجی است هم داماد (باجناق) مرحوم علامه ملا محسن فیض کاشانیست که هر دو شاگرد و داماد صدرالمتألهین شیرازی بودند و لقب فیض و فیاض را از او دریافته‌اند. صاحب روضات گوید در مدرسه معصومه قم (یعنی مدرسه فیضیه) تدریس می‌نمود تألیفات ارزنده دارد که از آنهاست «کتاب گوهر مراد» و رساله (سرمایه ایمان) و شرح تجرید الکلام موسوم «به مشارق الالهام» و «شوارق» کتاب «شرح هیاکل» و رساله‌ی در حدوث عالم، و غیر اینها از کتب و رسائل و حواشی. شاگردان بزرگواری دارد که از آن جمله است فرزند ارجمندش جناب میرزا حسن صاحب کتاب «جمال الصالحین» در سنن و آداب «و کتاب شمع الیقین» در اصول دین به فارسی و غیر آن که قبر شریفش در حاشیه خیابان ارم مقابل شیخان بزرگ سنگ بلندی بر آن نصب است.

(ملا) عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی ملقب به فیض و فیاض، متکلم منطقی، ادیب و شاعر ایرانی (و.؟- ف. ۱۰۵۱ یا ۱۰۷۲ ه.) وی شاگرد ملاصدرا و ملا محسن فیض بود و در قم تدریس کرده. تألیفات بسیاری دارد که حاکی از تبحر وی هستند از جمله‌ی آنهاست: ۱- «شوارق‌الالهام»، شرح بر «تجریدالکلام» خواجه نصیرالدین طوسی. ۲- «گوهر مراد» در حکمت و منطق به فارسی که برای شاه عباس ثانی نوشته. ۳- «حدوث‌العالم». ۴- «دیوان شعر» پارسی شامل حدود پنج هزار بیت. ۵- «کلمات‌الطیبهٔ» در اصالت ماهیت وجود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

لاهیجی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالکریم لاهیجی متوفی حدود ۱۳۲۳ قمری از اعاظم علماء و بزرگان فقهاء و دانشمندان و از آیات باهرات و مدرسین محققین و عرفاء اخیار و اصحاب رأی و مبنی بلکه به گفته صاحب (الذریعه) قدوه ارباب التدقیق و قطب فلک التحقیق و جامع معقول و منقول و مسلط و متبحر در فروع و اصول و از شاگردان اول بزرگ شیخنا الانصاری و علامه آسید حسین کوه‌کمری و غیر آنها بوده و بعد از وصول به مقام عالی علم و اجتهاد و فقه و سداد بدون تودیع و خداحافظی با استادش شیخ انصاری به تهران آمده و به طور ناشناس درب حجره یکی از تجار خیر و پرهیزگار بازار به نام مرحوم حاج ملا حاجی والد مبرور آیت‌اللّٰه حاج شیخ عباس حایری تهرانی رفته و به عنوان شاگردی مشغول کار می‌شود.

رفقاء وی خدمت مرحوم علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری رفته و از عزیمت او به تهران خبر می‌دهند مرحوم شیخ از اینکه او بدون ملاقات با وی به ایران آمده ناراحت فوراً نامه‌ای به علامه حاج ملاعلی کنی نوشته و از مقامات علمی و ورع ایشان خبر داده و توصیه و تأکید می‌کند که حتماً او را یافته و از وجودش تقدیر و استفاده کنند

بعد از وصول نامه به مرحوم علامه کنی در انتظار آمدن او شده و در صدد یافتن او می‌شود و عده‌ای از فضلاء و غیره را مأمور می‌کند که در مدارس و یا مسافرخانه‌ها و غیره ایشان را پیدا کنند حدود شش ماه می‌گذرد و از او خبری نمی‌رسد.

پس از شش ماه روزی مرحوم حاج ملا حاجی مذکور به آقا سید عبدالکریم می‌گوید به منزل حجهٔالاسلام حاج ملا علی کنی رفته و می‌گوئی چند استخاره نمایند و جواب آن را فوراً می‌آوری.

آقای لاهیجی به منزل مرحوم حاج ملاعلی آمده در موقعی که حاجی بالای منبر مشغول تدریس هستند و جمع کثیری از علماء و فضلاء تهران سر تا پا گوش به بیانات حاجی می‌دهند.

پس دم در نشسته و گوش به درس حاجی می‌دهد ناگاه اشکالی به نظرش رسیده ایراد می‌کند بعضی می‌گویند آقا سید ساکت شو اینجا جای حرف زدن نیست.

مرحوم حاج ملاعلی می‌بیند اشکال وارد است می‌فرماید آقا ایرادش به موقع ما باید جوابی درست کنیم مباحثه بین حاج ملاعلی و آقا سید عبدالکریم ادامه پیدا نموده ناچار درس را حاجی تعطیل و فکر می‌کند. این آقا باید شخص بزرگ و عالم جلیلی باشد.

پس می‌گوید: آقا اهل کجا هستی. می‌گوید: لاهیجان نام شما چیست. می‌گوید: سید عبدالکریم. مرحوم حاجی متوجه می‌شود که گم شده خود را یافته فوراً از جا برخاسته و او را در آغوش گرفته و معانقه می‌کند و به جای خود می‌نشاند. و می‌گوید. آقاجان نزدیک شش ماه است که در انتظار شمایم. و استفسار کامل از او می‌کند.

مرحوم حاج ملا حاجی می‌بیند که شاگردش آقا سید عبدالکریم نیامد تعجب می‌کند زیرا در این مدت سابقه نداشت که او کاری را زود انجام ندهد. بگمان اینکه شاید منزل حاج ملاعلی را پیدا نکرده یا اتفاق دیگر روی داده. خود به منزل مرحوم حاجی می‌آید و می‌بیند آقا سید عبدالکریم بالادست حاجی نشسته ناراحت می‌شود و با خود می‌گوید عجب سید بی‌ادبی است که بالادست حاجی نشسته است پس اشاره به او می‌کند که بیا پائین آنجا جای تو نیست.

حاجی ملاعلی مرحوم متوجه شده می‌گوید حاج ملا حاجی‌چی به آقا اشاره می‌کنی. می‌گوید. چون بالادست شما نشسته است آخر این شاگرد حجره من است.

مرحوم حاجی می‌فرمایند. حاج ملا حاجی این آقا مخدوم من و سید من و آقای منست. پس حاج ملا حاجی عذرخواهی نموده و دست آقا سید عبدالکریم و حاج ملاعلی را بوسیده و عقب کار خود می‌رود.

مرحوم حاج ملاعلی دختر خود را به او ترویج نموده و تدریس (مدرسه مروی) را که آن روز مرکز حوزه علمیه تهران بود با امامت مسجد آنها را به عهده معظم له می‌گذارد مرحوم آقا سید عبدالکریم بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بودند و صدها نفر از علماء بزرگ تهران مانند مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد خطیب شهیر جناب آقای فلسفی و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی تهرانی و آیت‌اللَّه آقا شیخ آقا بزرگ (هفت تنی) و آیت‌اللَّه آقا شیخ بزرگ صاحب (الذریعه) و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدباقر معزالدوله والد آیت‌اللَّه حاج شیخ مهدی معزی معاصر و آیت‌اللَّه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی و آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) و غیرهم از محضر و دراسات استفاده و استضائه نموده‌اند.

آثار عدیده از جمله حواشی بسیاری بر متون فقهی درسی مانند (الروضهٔالبهیه) شهید و ریاض و قوانین و فصول و غیرها دارد.

وی در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در تهران وفات و در قبرستان شیخان معروف به چهارده معصوم واقع در اوائل خیابان (رزم‌آراء) جاده شاه عبدالعظیم که امروز (کوی شاه) می‌گویند دفن نمودند و بواسطه کرامت و جلالت شأن و مقام او علماء بزرگ مانند آیت‌اللَّه حاج شیخ باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللَّه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی (والد حجهٔالاسلام حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی واعظ معاصر) و دهها نفر دیگر را بنابر وصیتشان در جنب و جوار او دفن نمودند.

بعضی از علماء و ثقات آن بزرگوار را از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف می‌دانستند.

آمدن حضرت صاحب‌الزمان (عج) بر سر قبر او

جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه حاج شیخ محمود یاسری تهرانی در روز چهارشنبه بیست و سوم محرم ۱۳۹۴ قمری حکایت کرد برای بنده (مؤلف) که مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) فرمود: آقای آسید کریم محمودی (والد حاج سید علی محمودی مداح معروف به جورابی معاصر) که از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف بود گفت شب جمعه‌ای در صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع) خدمت حضرت رسیدم فرمود سید کریم بیا برویم به زیارت جدم حضرت رضا علیه‌السلام.

پس چند قدم برداشته و خود را در صحن حضرت رضا (ع) دیدم پس به حرم مشرف و زیارت کرده و با همان کیفیت یعنی (بطی‌الارض) به تهران آمدیم حضرت فرمود بیا برویم به زیارت قبر سید عبدالکریم پس تا به قبر سید رسیدیم دیدم آقا سید عبدالکریم از قبر بیرون آمده و به استقبال حضرت ولی عصر امام زمان روحی له الفداء شتافت و پس از عرض ارادت و اخلاص به من فرمود آسید کریم سلام مرا به حاج شیخ مرتضی زاهد رسانیده و بگو شرط رفاقت همین است که مرا یاد نکنی و به دیدن من نیائی پس حضرت ولی عصر عجل اللَّه تعالی فرجه فرمود: آسید عبدالکریم حاج شیخ مرتضی را معذور دار چون گرفتار و مریض احوالست و نمی‌تواند بیاید من به جای او به دیدن تو خواهم آمد.

نگارنده گوید: تعجب نکنید عزیزان من از این حکایت و استبعاد و انکار ننمائید. اولا مقام مؤمن حقیقی و متقی واقعی و عالم ربانی و سید صالح مانند آیت‌اللَّه آقا سید عبدالکریم لاهیجی مزبور بالاتر از اینهاست امام صادق علیه‌السلام فرمود اگر به درختی که ریشه آن در اعماق زمین فرورفته است فرمان دهد اطاعت او می‌نماید.

و ثانیاً قدم مبارک همایونی حضرت ولی عصر حجهٔ بن الحسن المهدی عجل اللَّه فرجه الشریف این اثر و برکت را دارد که به تن مرده جان می‌دهد چنانکه گفته شده

همچون مسیح جان به تن مردگان دمد

گر بگذرد نسیم سحرگه ز کوی تو

(وف ح ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، فقیه، عارف، محقق و مدرس. در نجف از شاگردان برجسته‌ی شیخ مرتضی انصاری بود و از محضر علامه سید حسین کوه کمری نیز استفاده نمود. پس از اینکه در فقه و اجتهاد به مقامات عالی رسید به تهران آمد. حاج ملا علی

کنی بـا توجه به مقام علمی ایشان، منصب تـدریس مـدرسه‌ی مروی و امامت مسـجد آنجا را به وی تفویض نمود. او بیش از بیست سـال متصـدی درس و امامت مسـجد و مـدرسه مروی بود. آیت‌اللَّه شـیخ محمـد رضا تنکابنی و آیت‌اللَّه سـید محمـد تقی تهرانی و آیت‌اللَّه شـیخ آقا بزرگ هفت تنی و آیت‌اللَّه شـیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللَّه شیخ علی اصغر هزار جریبی و آیت‌اللَّه شیخ محمد باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللَّه شـیخ محمد حسـین قزوینی تهرانی و آیت‌اللَّه سـید صادق تنکابنی و آیت‌اللَّه شیخ احمد خندق آبادی و آیت‌اللَّه حاج شـیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) از شاگردان وی بودند. فرزند ارشدش سید مهدی لاهیجی نیز از شاگردان پدر بود و در حیـات پـدر درگـذشت. همچنین شـیخ ابراهیم رشتی و شـیخ عبـاس لاـهیجی در سـطوح فقه و اصول شـاگرد وی بودنـد. سـید عبـدالکریم لاهیجی مابین سالهای ۱۳۱۳ –۱۳۱۰ ق به نجف رفت و از محضـر آخونـد ملا محمـد کاظم خراسانی اسـتفاده نمود. در تهران درگذشت و در قبرسـتان شـیخان تهران، معروف به چهارده معصوم (ع)، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الروضهٔ البهیهٔ»؛ حاشیه بر «الریاض»؛ حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «الفصول فی علم الاصول».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۳/ ۸)، الذریعه (۱۶۶/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۵۴ –۱۱۵۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۵ –۶۲/ ۶).

لبیبی کرمانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج شیخ محمـدرضا لبیبی کرمـانی از علمـاء خـدوم و ائمه جمـاعت معاصر شهرسـتان کرماننـد. ایشـان در کرمان به دنیا آمـده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در آن سامان خوانده سپس عزیمت به قم نموده و سطوح عالی را نزد اساتید حوزه علمیه قم به پایان رسانیده و از دروس خارج آیات عظام حوزه نیز استفاده کرده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در حوزه هزار ساله نجف از محضـر آیـات عظـام و بالاـخص زعیم اعظم و مرجع اعلاـء جهان تشـیع حضـرت آیت‌اللَّه خوئی و متع اللَّه المسـلمین به طول بقاه استفاده کرده و سپس به زادگاه خود مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لبیکی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی لبیکی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مصـطفی لبیکی در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه شـدم. دروس مقـدمات را در حوزه علمیه الیگودرز شـروع نموده و سـپس برای ادامه دروس سـطح و عـالی وارد حـوزه علمیه قم شـدم. در حوزه علمیه قم از سـال ۱۳۷۵ تا کنون از محضـر اساتید بزرگواری چون مرحوم وجدانی فخر، وحیدی، حسینی بوشهری، علیدوست، عندلیب همدانی ودروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی ودکتر عابدینی، استفاده نموده وهم اکنون نیز در محضر این بزرگان زانوی تلمذ را بر زمین زده و از خرمن پر فیض آنان استفاده می کنم.

لجلاج

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفرج محمـد بن عبـداللَّه، مقـامر و شـطرنجباز معروف. وی در شـیراز نزد عضدالـدوله‌ی دیلمی می‌زیست. ابن‌النـدیم گویـد او را بدیـدم. و او در شـیراز در سال سـیصد و شـصت و اندی درگذشت. از کتب اوست: «منصوبات شـطرنج». لجلاج در پاکبازی و قمار مثل است (لغ.)

«من سخن راست نوشتم تو اگر راست بخوانی

جرم لجلاج نباشد چو تو شطرنج ندانی»

(سعدی)

ضح. ۱- همین نام است که به تحریف عامه «لیلاج» شده. ضح. ۲- مؤلف فرهنگ آنندراج لجلاج را به اصولی مقامر معروف (ابن خلکان. چا. تهران ج ۲ ص ۸۶) خلط کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

لسان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۰۴.

درگذشت: ۱۱ دی ۱۳۶۹.

حسین لسان دانشیار دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود که در سن نزدیک به شصت سالگی درگذشت. برگزیده‌ی اشعار مسعود سعد سلمان را منتشر کرد و تصحیح دیوان عمادی شهریاری را به پایان برده و به چاپ نزدیک ساخته بود.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

لسان‌الملک کاشی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، شاعر، خطاط و نقاش. وی نواده‌ی دختری فتحعلی خان صبا ملک‌الشعراء بود. بعد از مرگ پدر، ملقب به لسان‌الملک شد. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و اشعار فارسی و عربی را نیکو می‌سرود. لسان‌الملک همچنین از ادبیات و انواع علوم بهره داشت و در فن ترسل ماهر بود و نقاشی نیز می‌کرد. او در جوانی منشی مجلس مصلحت خانه دولتی ناصرالدین شاه بود و در تألیف کتاب «ناسخ التواریخ» با پدر همکاری داشت و پس از مرگ او، تألیف بقیه‌ی مجلدات کتاب را به عهده گرفت. از دیگر آثار وی: تذکره‌ی «خوشنویسان»، مشتمل بر نام عموم خوشنویسان و سال درگذشت آنان؛ «منشآت»؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی، حدود یازده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۳ -۹۶۲/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۷/ ۳)، ریحانه (۱۳۱/ ۵)، شرح حال رجال (۳/ ۳۱۹).

لسانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۷۶ ش)، قاضی، نویسنده و روزنامه‌نگار. در نور مازندران به دنیا آمد. مقدمات علوم قدیمه را در آمل فراگرفت. سپس به تهران آمد و به معلمی پرداخت. وی در ۱۳۰۶ ش به خدمت دادگستری دعوت شد و چندی در دادگستری اصفهان و یزد و نقاط دیگر در سمتهای مختلف قضایی مشغول کار بود. او مدتی جزو هیئت تحریریه روزنامه‌ی «وطن» بود و سپس مدیر داخلی روزنامه گردید. بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش، که منجر به تعطیلی جراید گردید، لسانی در روزنامه‌ی افراطی «حقیقت» سرمقاله‌های تندی نوشت که منجر به توقیف روزنامه گردید. پس از آن چندی امور داخلی روزنامه‌ی «کار» را تأسیس و منتشر نمود. از دیگر آثارش: «صحنه‌ی زندگی» یا «سرنوشت مادر گناهکار»؛ «طلای سیاه یا بلای ایران»؛ «متن دفاع لسانی».[۱]

در ۱۲۸۰ متولد شد. تحصیلات قدیم و جدید را توأمان انجام داد و از مدرسه عالی حقوق دانشنامه گرفت. در زمان داور به دادگستری رفت. بعضی از مشاغل قضائی را در تهران و شهرستانها احراز نمود. ولی به این کار زیاد مداومت نداد، حرفه وکالت دادگستری را پیشه خود ساخت. در کار وکالت سریع پیشرفت نمود. از وکلای مبرز و سرشناس تهران شد. و وکالت‌های بزرگی به او واگذار می‌شد. چندی به دنبال وکالت مجلس رفت موفق نشد. در ۱۳۲۸ که مجلس سنا تشکیل یافت لسانی برای ورود به آن مجلس به تکاپو افتاد و چون یک نفر هم بایستی از جامعه وکلای دادگستری در مجلس اعیان عضو باشد قرعه به نام او اصابت کرد و سناتور شد. ولی در مجلس سنا بر خلاف سایرین به تلاش افتاد لوایح دولت را نقد می‌کرد. در تنقیح قوانین سعی بلیغ به کار می‌برد. وقتی مسئله ملی شدن صنعت نفت پیش آمد در مجلس نطق‌های خوبی ایراد کرد و بیاناتش مستدل بود که بعدها به صورت کتاب منتشر گردید. در دوره دوم سنا هم این مقام را گرفت و هنگام مذاکرات نفت در سنا داد سخن داد. همیشه مورد احترام بود. وفاتش در ۵۷ سالگی در تهران به مرض سکته اتفاق افتاد. کتاب طلای سیاه یا بلای ایران در مورد نفت نوشته اوست.

مرگ زودرس او بدین صورت بوده است.

در ۱۳۳۷ تلفن مغرضانه‌ای به او می‌شود و در این مکالمات تلفنی مرگ یکی از فرزندان را به او خبر می‌دهد. لسانی در اثر شنیدن این خبر واهی که آنرا واقعی تلقی می کند دچار هیجان روحی شده و سکته قلبی طومار زندگانی او را برمی‌چیند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۱۶ –۱۱۵/ ۴ ،۲۲۵/ ۱)، الذریعه (۱۴/ ۱۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۹۱ –۸۸/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۶۶ ،۲۲۰۸ –۲۲۰۷/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۴ –۲۱۳/ ۱).

لشکری، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا لشکری

محل تولد : بهبهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۶۱ پس از اخذ مدرک دیپلم مشغول به تحصیل در علوم حوزوی در حوزه علمیه امیریه خوزستان شدم. سال ۱۳۶۲ به قم مهاجرت کرده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه مقدس دنبال کردم. تحصیل در دانشگاه: از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه مفید قم آغاز به تحصیل در رشته اقتصاد نمودم و در سال ۱۳۷۳ در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل شده و بلافاصله در همان رشته مقطع کارشناسی ارشد دنبال کرده و در سال ۱۳۷۷ فارغ التحصیل شدم. در سالهای ۷۷ و ۷۸ با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری علمی داشتم و از سال ۱۳۷۸ به بعد همکاری خود را با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه آغاز نمودم و هم اکنون این همکاری ادامه داشته و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد این پژوهشگاه می باشم.

لطفی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و روزنامه نگار. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ادب و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. در ۱۳۱۴ ش موفق به اخذ لیسانس حقوق شد. وی علوم قدیمه از جمله فقه و اصول را فراگرفت. همچنین روان شناسی و موسیقی را در خارج از ایران تحصیل نمود. پس از اخذ دیپلم از دانشکده‌ی افسری در وزارت دادگستری مشغول کار گردید. تعدادی از خدمات اداری او عبارتند از: بازپرسی دادگستری، دادستان دادگاه و وکالت دادگستری. بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش لطفی روزنامه‌ی «کبوتر» را منتشر نمود که پس از چهار شماره، به علت چاپ مقالات تندی علیه متفقین، از طرف دولت، توقف گردید. در «فهرست کتابهای چاپی فارسی» نام پدر وی ابراهیم لطفی تبریزی ذکر شده است. از دیگر آثار وی: «رموز استنطاق»؛ «رموز پرده‌شناسی در موسیقی باستانی (تار)»؛ «رموز نجاری و رنگ آمیزی علمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۲۲ –۱۲۰/ ۲).

لطفی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۲۹۸ شمسی در شهر تبریز متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و سپس برای تحصیل در دوره ی دکترا به دانشگاه «گوتینگن» آلمان رفت و پس از ارائه ی پایان نامه اش با عنوان «نمونه ی انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ این درجه در رشته ی حقوق جزایی شد. لطفی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود. سپس به ایران بازگشت و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی پرداخت ؛ اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی با استفاده از تسلطش به زبان های آلمانی ، انگلیسی و فرانسه و نیز فهم دقیق متون فلسفی ، آثار شاخص فلسفه یونان و غرب را ترجمه نمود. دکتر محمدحسن لطفی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. کتابهای " پایدیا " و" مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس ،"ترجمه ،محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب

سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب بر گزیده ی سال بر گزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق جزا

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن لطفی تبریزی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش تبریز به پایان رساند. در آن ایام دروس دبیرستان به دو دوره سیکل اول و دوم تقسیم می شد. برای دوره دوم دبیرستان در تمام تبریز – بلکه در سرتاسر آذربایجان– یک مدرسه بیشتر نبود و آن مدرسه فردوسی بود. دوره دوم دبیرستان به دو بخش علمی و ادبی تقسیم می شد که لطفی از محصلان بخش ادبی بود. در دوره ادبی گذشته از تاریخ و جغرافی، مختصری معانی بیان و عروض و قافیه و منطق و مقدمات فلسفه و تاریخ آن تدریس می شد. در دوره دبیرستان وی با نهج البلاغه و مقالات عروهٔ الوثقی و نامه های عربی سید جمال الدین اسد آبادی نیز آشنا شد. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران و در سال ۱۳۲۰ فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۲۲ با استفاده از بورس تحصیلی به استانبول رفت . پس از سه ماه اقامت در استانبول بطور غیر منتظره موفق به دریافت بورس از موسسه اوقاف هومبولدت آلمان شد و در اسل ۱۹۴۳ میلادی عازم آلمان شد و در دانشگاه گوتینگن تحصیل در دوره دکترا را شروع و پس از ارائه پایان نامه اش با عنوان «نمونه انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ درجه دکترا در رشته حقوق جزایی شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی نه تنها دو سال آخر جنگ جهانی دوم، بلکه سه سال پس از آن را نیز در آلمان در عسرت و سختی گذراند. و از آن ایام حکایت می کرد که در سالهای کمبود و ویرانی بعد از جنگ، روزی مرحوم دکتر شهید نورایی استاد فقید دانشگاه اورا در آلمان دید و از وضعیتی که داشت متاثر شد. چون پول کافی نداشت، ساعت طلایش را بز کرد و به لطفی داد و او توانست با فروش آن شش ماه زندگی خود را بچرخاند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی روی آورد، اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی همزمان با محاکمه ی دکترمصدق در دادگاه نظامی تهران ، به ترجمه ی رساله ی «آپولوژی » افلاطون اقدام نمود و آن را با عنوان « محاکمه سقراط» که در واقع اعتراضی به جریان دکتر مصدق بود، منتشر کرد.

استادان و مربیان : در دبیرستان فردوسی و در بخش ادبی، معلم ادبیات فارسی سید هدایت ا... شهاب فردوسی از شاگردان ادیب نیشابوری (ادیب اول) بود. معلم صرف و نحو عربی، آقا شیخ علی اکبر قاری از افاضل تبریز بود و معلم فرانسه « موسیو نبارش»و معلم شیمی موسیو میناسیان بود که به زبان فرانسه تدریس می کرد. همچنین معلمان دانشمندی چون مرحوم جلال همایی که ادبیات فارسی را عمیقاً به او آموخت، دیگری معلم یهودی گمنامی که لطفی همیشه از او به نیکی و سپاس یاد می کرد و می فت فرانسه را چنان خوب به من یاد که تا امروز هر چه از آن زمان می دانم و به یاری آن حتما کتابهای فلسفی فرانسه را می خوانم از او دارم، سومی شخصی به نام سید هادی سینا معلم عربی و فلسفه که بعدها مانند مرحوم همایی استاد دانشگاه شد و بدیع الزمان فروزانفر از تسلط او به لغت عرب اعجاب می کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد علی موحد با سابقه دوستی بیش از شصت سال از دوستان دوره دبیرستان محمدحسن لطفی تبریزی بود. دوستی با دکتر رضا کاویانی نیز در زندگی لطفی تاثیری ماندگار گذاشت. کاویانی تحصیل کرده آلمان و از موسسین جبهه ملی بود و درستی او با لطفی به ایامی که او در دانشکده حقوق تهران در سمی خواند بر می گشت لطفی در زمان تحصیل، در وزارت دارایی هم کار می کرد و کاویانی از صاحب منصبان نامدار آن وزارتخانه بود. کاویانی فقدان برنامه و تشکیلات سیاسی را بزرگترین عامل درماندیگ های ایران می دانست و در سال ۱۳۳۰ یعنی همان سال اول زمامداری دکتر مصدق، رساله ای زیر عنوان « مملکت بی نقشه و هدف» نوشت و سرخوردگی خود را ازجبهه ملی فاش ساخت . کاویانی درصدد ایجاد تشکلی به نام « جمعیت مبارز» بر آمد اما در این کار موفق نبود و به زودی جمعیت به محفلی برای « مطالعه و تحقیق»تعلیل یافت که شمار اعضای آن از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی نمود و او این محفل را «مکتب فلسفی جمعیت مبارز»نام نهاد، دکتر موحد و لطفی در نشست های هفتگی آن محفل شرکت می کردند. در این محفل بود که لطفی ترجمه آپولوژی و رساله های کوچک افلاطون را بر عهده گرفت. ترجمه این آثار توسط کاویانی با اصل آلمانی تطبیق داده می شد و در جایی بخارایی که مردی ادیب و فاضل بود عبارات را اصلاح و پیرایه می نمود. بر این آثار مقدمه ای توسط کاویانی نوشته می شد. همکاری لطفی با کاویانی در کار ترجمه تا سال ۱۳۴۷ که کاویانی زنده بود ادامه داشت . آشنایی با افلاطون دولتی بود که برای لطفی به لطف کاویانی حاصل شد اما او صحبت افلاطون را مغتنم شمرد و دامن او را تا پایان عمر از دست نگذاشت.

همسر و فرزندان : محمدحسن لطفی تبریزی درزندگی مدیون همسر کم حرف و پروقار خود خانم زیگرید بود.این دوست همدل و مشفق ایام دانشجویی که روزها مدیر دفتر وکالت او بود و شبها برایش کتاب می خواند و نظم و ترتیب و دقت و ضابطه خاص آلمانی را بر زندگی او حاکم کرد. دکتر لطفی پرورش یافته دوفرهنگ سختگیر و انعطاف ناپذیر بود(فرهنگ آذری و آلمانی) . چون در اواخر جنگ جهانی دوم در آلمان ازدواج کرده بود، با همسر آلمانی اش به توافق رسیده بودند که اگر سرنوشت بشریت آن چیزی است که آنها شخصاً شاهد آن بوده اهد، پس همان بهتر که به نوبه خودشان، موجود دیگری به جمعیت جهان نیفزایند و نیفزودند.

وقایع میانسالی : محمدحسن لطفی تبریزی در ترجمه آثار فلسفی ، منظوری فرعی نیز برای خود تامل است که آن را چنین بازگو می کند: نخستین تماس بنده با فلسفه در مدرسه متوسطه روی داد. در برنامه کلاسهای پنجم و ششم متوسطه فلسفه مشرق قرار داشت و فلسفه را از روی کتابی با عنوان «فلسفه شرق» تالیف مرحوم « ضیا الدین دری» می خواندیم و من در همان موقع سخت مجذوب فلسفه شدم و علت این امر استعداد خود من نبود بلکه آموزگاری بسیار دانشمند و دلسوز و مهربان داشتیم که همه کوشش

او بر این بود که آنچه را خود می دانـد به شـاگردان منتقـل کنـد. ولی من در آن موقع بـا این که از مبـاحث فلسـفی خوشم می آمد دچار حیرت بودم که چرا برای فهمیدن هر جمله کتاب فلسـفی باید ریاضت کشـید و چرا از صحت فهمیدن یک جمله فلسفی کمتر از زحمت حل یک مساله ریاضـی نیست. بعـد ها که با نوشـته های فلسـفی بیشتر آشـنا شدم و ضـمناً به کتابهای فلسـفی اروپایی هم دسترسـی یافتم متوجه شدم که در کشور ما برای فلسفه زبان خاصی ابداع شده است و مثل این است که نویسندگان این گونه نوشته هـا کتابهـای خود را فقـط برای عـده خاصـی می نویسـند نه برای همه درس خوانـدگان و حـتی امروز هم گـاهی به زبـان عربی می نویسـند. در حـالی که فلسـفه مهمـترین دانشهاست در زبـان فلسـفی کشـور مـا بطـور کلی انحرافی از راه اعتـدال روی داده است. و مخصوصاً به اصـطلاحات بفرنج آن قدر اهمین داده شده است که خود مطلب در زیر کوه اصـطلاحات مدفون مانده است و از یک سو انبوه اصطلاحات و از سوی دیگر زبان نعلق نثر فلسفی سبب هراس و حتی انزجار جوانان و دانشجویان از فلسفه شده است. وقتی که خودم به ترجمه کتابهـای فلسـفی روی آوردم بـا توجه به این ملاحظـات تصـمیم گرفتم راهی دیگر در پیش گیرم و ترجمه را به زبان هر چه ساده تر و سلیس تر آوردم و ببینم نتیجه چه می شود. »

زمان و علت فوت : محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. دکتر عزت ا... فولادوند تواضع، ادب و راستی و دوستی مرحوم لطفی را در خاطره ای چنین نقل می کند که در دیداری از خانه مرحوم لطفی و به پیشنهاد همسر آن مرحوم به اتاق کار ایشان رفتم، روی میز انبوهی از کتاب دیـده می شد و در آن میان چند مجلدی که دوسـتان دکتر لطفی به وی هدیه داده بودند. در این میان مجموعه شـعری از آقای دکتر شـفیعی کـدکنی بود که به رسم یادگاری نوشـته بودنـد «به مظهر اعتدال، خرد ایرانی در عصـر ما به حکیم راستین دکتر محمـد حسن لطفی – فرویدن ۷۷» دکتر لطفی بی آن که حتی به همسـر خود بگویـد، یک برچسب کوک روی کلمات « حکیم راستین » چسبانده بود تا خوانده نشود.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : محمـدحسن لطفی تبریزی پساز بازگشت از آلمان به ایران که مقارن با خاتمه جنگ جهانی دوم بود کار وکالت را آغاز نمودولی رونقی نداشت و آن را رها نمود و به دانشگاه تبریز رفت و تاریخ تدریس نمود. دکر لطفی از سال ۱۳۲۹ تـا سال ۱۳۵۷ مجـدداً در تهران به کـار وکـالت پرداخت و یکی از موفـق ترین شاغلان این حرفه به شـمار می رفت امـا رونق کسب و کـار و در آمـد مطلور او را ارضا نمی کرد و او در کنار فعالیت های وکالتی اشـتغال ذهنی خود را با افلاطون و ترجمه آثار او ادامه می داد. پس از پیروزی انقلاب اسـلامی دفتر وکالت را بست و همه نیرو و حوصـله خود را وقف کار ترجمه کرد و گذشـته از ترجمه متون تازه به بازخوانی و اصلاح ترجمه های سابق خود نیز همت گماشت.

فعالیتهای آموزشی : محمدحسن لطفی تبریزی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود و مدتی نیز در دانشگاه تبریز به تدریس تاریخ اروپا پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : برنامه کتابخوانی دکتر لطفی و همسـرش با نظم و انظباط خاصـی انجام می شد. هر روز ، پس از پایان کار روزانه نوشـتن و صرف شامی زود هنگام، حوالی شش بعد از ظهر، از ساعت هشت تا ده شب، همسرش برای او کتاب می خوانـد. این کتـاب خوانی عمومـاً شامـل ادبیـات جهان می شـد و به این ترتیب بود که آنها طی چهل سال ادامه منظم و بی وقفه این کار، موفق شـده بودنـد تمام ادبیات جهان را بخوانند، ادبیات روس، انگلیس، فرانسه، آمریکا و آلمان و غیره. صبح روزی که شب آن بیمار شد و روز بعد به جهان باقی شـتافت در برنامه پیاده روی خود به کتابفروشـی زمینه سـرزده مانند همیشه سـرحال و قبراق به نظر می رسـید. پس از تورق چنـد کتـاب از وی در مورد ساعاتی که در روز به کار اختصاص داده است پرسـیده شـد و دکتر لطفی پاسـخ داد: روزی چهـار سـاعت، دو سـاعت صـبح، دو سـاعت بعـد از ظهر، بیشـتر هم نمی توانم . جـالب است درست لحظه ای که احسـاس می کنم نمی توانم به کـار ادامه بـدهم، به سـاعتم نگـاه می کنم، می بینم راس دو سـاعت است. بالاخره در هشـتاد سالگی بیشتر از این نمی توان از ذهنی فرسوده کار کشید. اما خوشحالم از این که با تمام کردن کتاب تاریخح اومانیسم در اروپا که مشغول ترجمه اش هستم، عملاًموفق شده ام تاریخ تحولات فرهنگ غرب را از زمان یونانیان تا رنسانس ترجمه کنم .

آرا و گرایشهای خاص : محمدحسن لطفی تبریزی فکر مستقل داشت و به بعضی عقاید پای بند بود و اعتقاداتش ره به صراحت و با شهـامت بیان می کرد، اما همواره با ادب و ملایمت و بارعایت کامل حق طرف به پاسـخگویی و مخالفت. معتقـد بود این ملت برای جبران عقب ماندگیها و پیمودن راه ترقی و تعالی، چاره ای جز بهره مندی از دانش و دل سپردن به کار و کوشـش ندارد. معتقد بود ما غرب را درست نمی شناسـیم، برای این که نیرومند شویم و بتوانیم از هویتمان دفاع کنیم، باید به تمدن و فرهنگ غربی، شـناخت واقعی پیـدا کنیم و برای شـناختن غرب بایـد به ریشه هـای فکری آن برسـیم. بایـد ببینیم این تمـدن چیره گر چگونه و از کی آغـاز شـد،چه انـدیشه هایی آن را بهحرکت در آورد و هنور هم جنبش و پویایی آن را حفظ می کند. او عقیده داشت که ریشه اینها همه به فکر یونـانی و خصوصـاً به افلاطون می رسـد. عشق به افلاطون ممکن است کسـی را عارف کنـد اما ضـرورتاً فیلسوف نمی کنـد. دکتر لطفی به کمنـد عشق یـا به تعبیر دیگر به افسون افلاطون گرفتا ر آمـده بود. این عین کلمات اوست در گفت و گویی که چهار سال پیش از مرگش به زبان آورد «من هیچ وقت قصد این که همه نوشـته های افلاطون را ترجمه کنم نداشـتم، افلاطون خودش مرا به دنبال خود می کشانیـد، به طوری که ساعاتی که مشـغول ترجمه نوشته های افلاطون بودم، لذت بخش ترین ساعات زندگی من بود. نوشـته افلاطون خاصـیت عجیبی دارد. نزدیک شـدن به افلاطون آسان است از افلاطون جـدا شـدن و دور شـدن مشکل است. کسـی که یک دفعه دربنـد افلاطون افتاد،به این زودی نمی توانـد خودش را خلاص کنـد. به این ترتیب افسون افلاطون واقعاً طوری بود که رهـا نمی کرد. ترجمه آثـار ارسـطو را به دو منظور انجـام داد، اولاً هر سه کتاب را از مهمترین امهات کتاب های فلسـفی می دانست و مخصوصاً «تـابعه الطبیعه»و همچنین« سـماع طبیعی»و هر دو کتـاب پـایه و مـایه هر گونه فلسـفه می دانست. و علاوه بر این کتابها را نخستین کتابهای درسـی فلسـفی می دانست که در دست است. ارسطو از یک وارث گنجینه ای پایان ناپذیر از اندیشه های فلسـفی و علوم و معارفی است که تا زمان او پدیـد آمـده بودند و از سوی دیگر رشـته هایی را که تا زمان او دست کم به آن نظم و انسجام وجود نداشتند خودش پدید آورده است مانند منطق و جنین شناسی و جانور شناسی و غیره. در محور همه نوشته های ارسطو هنوز این سوال وجود دارد که آیا این کتابها نوشـته های درسی است که ارسو برای تدریس خود آماده کرده بود یا یادداشتهایی که

شاگردان حاضر در جلسات درس نوشته انـد. ولی احتمال بیشتر بر این است که این نوشته ها، هم از طرحهای مقـدماتی ارطو برای استفاده در مجلس درس و هم از یادداشتها و شنوندگان بوجود آمده باشد. این نیز ممکن است که بعضـی را خود استاد با تکمیل طرح مقدماتی خود منضبط کرده و بعضـی دیگر را پس از در گذشت او دیگران مرتب کرده باشند. وجود یک یا دو ترجمه از این نوع کتابها به هیـچ وجه کافی نسیست بلکه بایـد ترجمه های متعـدد بوجود آیـد و چه بهتر که مترجمان بدون اطلاع از کم و کیف کـار یکـدیگر ترجمه را بـا سلیقه های مختلف خودشان انجام دهنـد و این نکته لازم به ذکر است که ترجمه های فارسـی موجود به هیـچ وجه حرف آخر در ترجمه آثار ارسـطو نیست بلکه بایـد امیدوار بود که در آینده دیگران نیز بدین کار بپردازند و ترجمه های بیشتری پدیـد آیـد تـا جوینـدگان دانش بـا مقایسه این ترجمه ها که حتماً بایـد با تحقیق و مراجعه به تفسیرها همراه باشـد، محتوای فلسفی کتابها را چنانکه براستی هست بشناسند. علت این که ترجمه های انجام پس از ده، دوازده سال منتشر گردید از آنجا که به کار ترجمه اعتماد کامل نبود و با توجه به دشواری های محتوای کتاب، ترجمه ها دوباره خوانی می شد زیر نویس ها اضافه می شد و در فرصتهای مناسب بخشهای مختلف کتاب را با ترجمه های اروپایی مقایسه و تطبیق داده می شد و در این مورد از نظر دوستان و سایر بستگان نیز استفاده می نمود. لطفی در مقدمه مابعد الطبیعه اثر خود را فقط «کوششی» برای ترجمه آن دانسته است. در محیط فرهنگی مـا هر نویسنده و هر مترجمی خودش یگـانه قاضـی آثـار خویش است و جز حیثیت انسـانی خودش، بسته به این که تا چه انـدازه مقید به این حیثیت باشد، هیچ ناظری بر اعمال او وجود ندارد، و یکی از علل نازل بودن سـطح فرهنگ ما همین است.» دکتر لطفی درباره آثار افلاطون معتقد است درباره چگونگی زندگی و اندیشه ها و شیوه فکر یک قوم، و حاصل اندیشه و شیوه فکر که فرهنگ قوم را تشکیل می دهد، از تاریخ چیز زیادی نمی آموزیم. بلکه به اشعار شاعران و آثار نثرنویسان و افسانه ها و داستانها و رومانها و فردشنامه های آن قوم– اگر رومان و نمایشنامه داشته باشد– رجوع کنیم. در میان آثار فلسفی که از فیلسوفان و متفکران ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ سال پیش وجود دارد تنها یک نفر هست که در عین حال که بزرگترین فیلسوف دوران باستان و بزرگترین فیلسوف جهان به شـمار می آید، نوشته های فلسفیش هم شعر است و هم افسانه و داستان و هم نمایشنامه و همه اینها چهارچوبی را تشکیل می دهد که هسته فلسفی نوشته را در بر می گیرد و این مزیت خارق العاده خاص افلاطون است.

جوائز و نشانها : کتابهای " پایدیا " و" مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس ،"ترجمه ،محمـدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار : دکتر لطفی در طی مـدت نزدیک به چهل سال، عمـده ترین مشـغل ?خود را ترجم ?آثار کلاسیک و متون اصلی فلسفه قرار داده و با ترجم ?بیش از ده هزار صـفحه، خدمت ارزشمندی به جامعه علمی ایران در دهه های گذشته انجام داده است. فهرست آثـار ترجمه شـده دکتر لطفی نشـان می دهـد که بیشترین حیـط ?کاری ایشان فلسـفه افلاطون بوده و به تعبیر خودش متون تاریخی دیگر را عمدتاً برای روشنگری اندیشه های افلاطون ترجمه کرده است. -------------------------------- ---

آثار :

۱ آغاز و انجام تاریخ

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس است که انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ آن را منتشر کرد.

۲ آگوستین

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس می باشد که انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر کرد.

۳ اسپینوزا

ویژگی اثر : ترجمه ای از اثر کارل یا سپرس که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۹ منتشر کرد.

۴ افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل بورمان است که طرح نو در سال ۱۳۷۵ منتشر شد.

۵ افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس. این کتاب توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۶ ترجمه ی پایدیا

ویژگی اثر : ترجمه،این کتـاب در دوره شـانزدهم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی معرفی و برگزیـده شـده اسـت.«پایـدیا» نـام کتـاب بزرگ « ورنریگر» است. درصـدد کتـاب این جمله یونـانی بـا ترجمه فارسـی آن (ظاهراًبه خـط مترجم) قرار گرفته است « پایـدیا، برای آدیمـان فـانی پناهگـاه طبیعی است» دکتر لطفی در یـادداشت خود بر ترجمه کتـاب نوشـته است: غرض اینجانب از ترجمه آن گذاشـتن راهنمایی چنین گرانبها در دسترس فارسـی زبانانی بوده است که مشـتاق آشـنایی با فلاسفه یونانی خاصه افلاطونند. در ترجمه متفکران یونانی نوشته تئودورگمپرتس نیز غرض جز این در میان نبود. آشنایی بـا کتـاب: «پایـدیا»: پایـدیا/ورنر یگر؛ ترجم ?محمـد حسن لطفی –. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۶.– ۳ ج. پایدیا، کتابی است دربار ?شـکلی بخشی به سیرت انسان یونانی به عنوان پالوده ای برای بررسی تمام تاریخ یونان باستان که در مجلدات سه گان ?آن، شالوده و رشـد بحران فرهنگ یونانی دوران باسـتان و کلاسـیک تا زمان فروپاشـی امپراتوری آتن و تولد دوبار ?روح و فکر یونانی در عصـر افلاطون و نبرد آن برای بازسازی دولت و تربیت و تحول فرهنگ یونانی تشـریح شده است. به عقید ?صاحبنظران تا کنون کتـابی به اهمیت پایـدیا دربار ?تحول دولت و جامعه و ادبیات و دین و فلسـفه یونان و فرآینـد تاریخی که به سیرت یونانیان شـکل بخشیده است و فرآینـد فرهنگیی که یونانیـان از طریق آن آرمان خود را از شخصـیت انسانی پدیـد آورده انـد، نوشته نشـده است. مترجم توانا و سـختکوش کتاب، جناب آقای دکتر محمد حسن لطفی که سالهاست به ترجم ?آثار ارزشمند فلسفی به ویژه فلسف? یویان اشـتغال دارند، با ترجم ?ممتاز و تحسین برانگیز این کتاب مهم و ارزشمند به زبان فارسی خدمتی شایان و درخور تقدیر را به

دوستداران حکمت و به ویژه پژوهندگان فرهنگ و تاریخ یونان به انجام رسانده اند.

۷ جنگ پلوپونزی

ویژگی اثر : ترجمه اثر توکوریدیس که توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۸ خاطرات سقراطی

ویژگی اثر : نوشته کسنوفون است که ترجمه آن را انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۴ منتشر کرد.

۹ دور ?آثار افلاطون

ویژگی اثر : (۴ جلد) تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.

۱۰ دور ?آثار فلوطین

ویژگی اثر : (تاسوعات) ۲ جلد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۶

۱۱ رساله های منسوب به افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه این آثار توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۶۵ منتشر شد.

۱۲ زندگی افلاطون و آثار او

ویژگی اثر : نوشته ویلا موتیس مولندروف، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه ۱۳۵۵

۱۳ زندگی و آثار افلاطون

ویژگی اثر : (جلد اول: دوره جوانی) تألیف مولندورف، تهران، انتشارات صفی علیشاه،۱۳۳۲.

۱۴ سقراط

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس که توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۵۷ منتشر شد.

۱۵ سیرا و مانیسم در اروپا

ویژگی اثر : اثر ترجمه نیمه تمامی است که به پیدایش اندیشه اومانیسم و تاریخ تحول آن از زمان رومیان قدیم تا قرن بیستم می پردازد. نویسنده کتاب آگوست بوک (۱۹۱۱–۱۹۹۸) استاد ادبیات دانشگاه ماربورگ آلمان با استناد به مدارک بر زمینه تاریخی اثر بخشی فرهنگ دورانی که اروپائیان آن را به دوران باستان (یونان و روم قدیم) می نامند، خواننده را با کوشش متفکران اروپایی برای تربیت انسان باختر زمینی از طریق ترویج گفت و گوی انتقادی با آثار فیلسوفان و نویسندگان و هنرمندان و شاعران «دوران باستان» آشنا می سازد و بدین سان تاریخ مفصل « فرهنگ غرب»را به خواننده عرض می کند.

۱۶ فرهنگ رنسانس در ایتالیا

ویژگی اثر : ترجمه اثر یاکوب بورکهارت است که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۶ منتشر کرد.

۱۷ فلوطین

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس که توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر شد.

۱۸ فن سخنوری گرگیاس

۱۹ کتب سه گانه ی اخلاق نیکوماخوس ، سماع طبیعی و مابعد الطبیعه

ویژگی اثر : از آثار ارسطو که توسط طرح نو در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۲۰ گفتارهای نیکولوماکیاولی

ویژگی اثر : چاپ اول ۱۳۷۷ انتشارات خوارزمی گفتارها شامل اصول اندیش های ماکیاولی بوده و بعد از نزدیک به چهار قرن به همت استاد لطفی وارد ادبیات فارسی گردیده است. ترجمه کتاب گفتار ها بر پایه ترجمه آلمانی به قلم Verly Radolf Zorn, Aifred Kroener در سال ۱۹۷۷ انجام گرفته است.

۲۱ متفکران یونانی

ویژگی اثر : این کتاب اثر گمپرتس در سه مجلد ترجمه و توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۶ منتشر شد.

۲۲ مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس» [مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکوماخوس/ ترجم ?محمدحسن لطفی تبریزی . ــ تهران : طرح نو، ۱۳۷۸ . ــ ۳ ج. اگر آثار کلاسیک را از حیث اهمیت، طبقه بندی و به ضرورت ترجم ?اهمّ آنها عطف توجه کنیم، بی شک آثار ارسطو در شمار چند اثر معدودی خواهد بود که از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار است. ارسطو در مدرس ?خود در آتن برای هر یک از رشته ها مجالس درس ترتیب داد و همین درسها خاستگاه نوشته های تعلیمی او از قبیل فصلهای مختلف مابعدالطبیعه، سماع طبیعی و اخلاق نیکو ماخوس گردید. استفاد ?مترجم محترم از ترجمه های مختلف و دقیق به سه زبان مهم آلمانی، انگلیسی و فرانسوی تا حدود زیادی این اعتماد را در خواننده ایجاد می کند که هر چند این آثار از زبان یونانی ترجمه نشده ولی تا درحد قابل توجهی به متن اصلی نزدیک است و فاصل ?چندانی با اصل ندارد. به ویژه اینکه مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامها با افزودن تعلیقه های مفید و روشنگر که غالباً برگرفته از حواشی راس (مترجم معتبر انگلیسی آثار ارسطو)، تریکو(مترجم اصلی آثار ارسطو به زبان فرانسوی) و هرمان بونیتس(مترجم اصلی آلمانی آثار ارسطو) و یا افزود? خود مترجم است، بر فاید ?ترجمه بسیار افزوده است.

۲۳ مجموعه آثار افلاطون

ویژگی اثر : این ترجمه در چهار جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۲۴ مجموعه آثار فلوطین

ویژگی اثر : این ترجمه در دو جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۶ منتشر شد.

۲۵ محاکمه سقراط

ویژگی اثر : این ترجمه سرآغاز ترجمه ی آثار فلسفی دکتر لطفی بود.

۲۶ مرگ سقراط

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه اثری از رمانو گرواردینی است و به تفسیر چهار رساله افلاطون می پردازد که توسط انتشارات طرح نو در اسل ۱۳۷۶ منتشر شد.

برگرفته از کتاب :بنیاد ایران شناسی

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۶، ۳۱۹۶، ۲۹۴۰، ۲۴۶۸، ۲۰۰۶/ ۲، ۱۴۸۹، ۱۴۸۸، ۱۴۷۷، ۱۳۷۱، ۱۳۴۴، ۹۴۱، ۸۴۷/ ۱)، کلک (س ۵، ش ۶۰، ص ۲۴۳ –۱۹۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۶، ش ۱۵۹، ص ۷۳ –۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۵ –۸۵۴/ ۲).

لطفی‌پور ساعدی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی کاربردی و دکترای زبان‌شناسی کاربردی از دانشگاه لانکاستر انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهارت خواندن، اصول ترجمه، زبان‌شناسی، ترجمه‌شناسی و سخن‌کاوی و استاد راهنمای ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

درآمدی بر اصول و روش ترجمه، اصول و روش ترجمه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

روش‌های تدریس، سخن‌کاوی، ترجمه‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

لطیف خواجویی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد شفیع بهبهانی ابرقویی طباطبایی.

عالم فاضل زاهد، در حدود سال ۱۲۸۵ در ابرقو متولد شده، در اصفهان خدمت: حاج میرزا بدیع درب امامی، و حاج شیخ محمدعلی مسجد شاهی، و میرزا حسین همدانی، و آقا سید محمدباقر درچه‌ای و جمعی دیگر تلمذ نموده، عالمی غیور، و در امر به معروف و نهی از منکر متعصب بود. در مسجد علی‌اکبر بیک در محله‌ی خواجو امامت می‌فرمود، و در روز اربعین (۲۰ صفر) سال ۱۳۷۸ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ی مخصوص به نام خود مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لقای تفتی، فرخ لقا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی تفت یزد بود که در اواخر سلسله‌ی صفویه زندگی می‌کرد. از اوست:

یوسف برفت و قلب زلیخا به تن نماند

یعنی چو رفت جان، رمقی در بدن نماند

باز آمد آن عزیز به دار السرور وصل

در مصر عشق، صحبت بیت‌الحزن نماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۶۴ -۲۶۳)، الذریعه (۹۴۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۰)، زنان سخنور (۱۳۷/ ۲)، مشاهیر زنان (۲۰۴).

لک زایی، نجف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نجف لک زایی

محل تولد : سیستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

نجف لک زایی در سال ۱۳۴۸ در سیستان متولد شد. وی هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه، از سال ۱۳۶۰ تاکنون، موفق شده است تا تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ادامه دهد. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام و سر دبیر فصلنامه علوم سیاسی است.

لکذه اصفهانی، ابوعلی حسن

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۱۰/ ۲۱۰ ق)، نحوی، لغوی و ادیب. معروف به لکذه یا لغذه یا لذکه. از پیشوایان نحو و لغت بود. در اصفهان به دنیا آمد. در کودکی کتاب‌های ابوزید و اصمعی و ابوعبیده را حفظ کرد و سپس محفوظات خود را تتبع نمود و آنها را به اعرابی که به اصفهان می‌آمدند عرضه کرد و یافته‌های خود را در کتابی که آن را «النوادر المفیدة» نامید، نوشت. در نوجوانی به بغداد رفت. او در علم لغت و ادب شاگرد باهلی و کرمانی بود. وی با ابوحنیفه دینوری همطبقه بود و با وی معارضه و مناقضه داشت. او گرچه نزد ابواسحاق زجاج تلمذ نمود و گفته‌های استاد را املا کرد، ولی بعدها با او به مخالفت پرداخت و سخنان استادش را نقض کرد. به گفته‌ی حموی وی در فنون ادب ماهر و از پیشوایان نحو و لغت و در موارد قیاس خبیر بود و در پایان عمرش در عراق نظیری برای او نبود. سال وفات وی در ۳۱۰ ق، با توجه به سال وفات زجاج (ح ۳۱۰ ق) و سال وفات دینوری (ح ۲۹۰ ق)، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از دیگر آثارش: «التسمیة»؛ «خلق الانسان»؛ «خلق الفرس»؛ «الرد علی ابن قتیبة فی غریب الحدیث»؛ «مختصر فی النحو»؛ «علل النحو»؛ «نقض علل النحو»؛ «الهشاشة و البشاشة»؛ «الرد علی الشعراء»؛ شرح «معانی» باهلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روضات الجنات (۵۷ -۵۶/ ۳)، ریحانه (۱۲۷/ ۵)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۳۷)، کشف الظنون (۲۰۴۳، ۱۹۸۰، ۱۶۳۱، ۱۲۰۴، ۱۱۶۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن لگذه)، معجم الادباء (۱۴۵ -۱۳۹/ ۸)، معجم المؤلفین (۲۳۸/ ۳)، هدیة العارفین (۲۶۹ -۲۶۸/ ۱).

لنبانی بهشتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسن. عالم فاضل واعظ زاهد، از ائمه جماعت، و مورد وثوق مردم، در سال ۱۳۶۳ وفات یافته، جنب مسجد مصلّی مدفون گردید، و بعداً جهت او تکیه‌ای ساختند (تکیه ی زرگرها)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لنجانی، تاج الدین حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تاج الـدین حسن بن محمّـد لنجانی. عالم جلیل زاهـد (پدر فاضل هندی) معروف به مولا تاجا، در ۱۰۹۸ یا ۱۰۸۵ وفات یافته، قبرش در مقبره جنب مسجد بازار غاز اصفهان.

وی مؤلّف کتـاب: – بحر موّاج، در تفسیر قرآن ۱– تزویـج النبی زینب و رقیه من عثمـان ۲– شـرح شافیه ۳– شـرح کافیه ۴– شرح صحیفه سجّادیّه می‌باشد.

در ریحانـهٔ الادب (۳۸۱:۵) نقـل از مسـتدرک الوسائـل گویـد: تاج ارباب العمامه، فوتش در ۱۰۸۵ روی داده ظـاهراً وی تاج الـدین حسن مذکور در شرح حال ملا محمّد تقی مجلسی می‌باشد.

فرزندش فاضل هندی از او روایت احادیث می‌کند، و خود از مجازین از مولی حسن علی بن مولی عبداللَّه تستری می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لنجانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌ملاـ فتـح علی، از اهـالی قریه‌ی بابـا شـیخ علی. عـالم فاضـل، از شاگردان حاج شـیخ محمـد باقر نجفی، و خود ساکن در محله‌ی خواجو، و امام جماعت مسجد خرابه در آن محل بوده، در ۱۸ شوال ۱۳۴۷ وفات یافته، در بقعه‌ی امامزاده باقر مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لنکرانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج میرزا جعفر بن العـالم الجلیـل حجهٔالاسـلام مرحوم حـاج ملا رجب طاب ثراه لنکرانی از علماء معاصـر تهران و دارای کمالات نفسانی و متصف بعلم و تقوا می‌باشد.

وی در دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۲ ق تولد یافته و تا سن ۱۵ سالگی در لنکران خـدمت والد خود بوده و مقداری از ادبیات را خوانده و در ماه صفر سال ۱۳۳۷ ق به تهران عزیمت و حـدود هشت سال خـدمت اساتید فقه و اصول و معقول تهران تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۵ ق به قم مهاجرت و از مرحوم میرزای همدانی و آیت‌اللَّه حایری یزدی حدود سه سال استفاده آنگاه به نجف اشرف مشرف و از محضـر درس مرحوم آیت‌اللَّه نـائینی و آیت‌اللَّه اصـفهانی و آیت‌اللَّه ایروانی سالهـا بهره‌منـد شـده و در اثر کسـالت مزاج به تهران مراجعت و در خیابـان خـانی آبـاد اقامت و در مسـجد (وزیر دفتر) بامامت و ترویـج دین و نشـر معارف شـرع مبین و تفسـیر کلام‌اللَّه مجید و سایر وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنـده گویـد: جنـاب آقـای لنکرانی دانشـمندی فاضـل و دارای رشـته‌های معقـول و منقول و بسـیار مـتین و بزرگوار و پرهیزکـار می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنکرانی، شریف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۱۰، تهران.

درگذشت: ۳ بهمن ۱۳۶۶، لندن.

شریف لنکرانی از مترجمانی است که بیشتر به ترجمه‌ی نوشته‌های فلسفی و رمان‌ها و نمایشنامه‌های آلمانی می‌پردازد. علاقه خاصی به ترجمه‌ی آثـار برشت داشت. از ترجمه‌هـای اوست: آبروی از دست رفته کاترینـا بلوم (هـاینریش بـل، ۱۳۵۷)؛ آدم آدم اسـت (از برتـولت برشت، به همراه دو نمایشـنامه‌ی دیگر، ۱۳۴۷)؛ اپرای سه پولی و صـعود و سـقوط شـهر ماهاگونی (برتولت برشت، ۱۳۴۴)؛ سـال دو هزار (کتـابی در زمینه‌ی اقتصـادی)؛ عقایـد یـک دلقـک (هـاینریش بـل، ۱۳۴۹)؛ عکس دسـته جمعی بـا خـانم، ننه دلاـور (برشت)؛ وقتی برای زندگی، وقتی برای مرگ (رمارک).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

لنکرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمـد بن العالم العلام حجهٔالاسـلام آقا شیخ محمدرضا بن حسن اللنکرانی از علماء متین و با تقوای معاصـر تهران مقیم خیابان خراسان میباشد.

تولدش در ۱۳۳۶ ق در لنکران واقع شده و در زمان انقلاب شوروی حرکت به مشهد و در آنجا مقدمات را نزد والد خود و دیگران خوانده و در سن ۱۷ سالگی به قم مشرف و مدتی توقف و از مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران استفاده نموده و بعد به تهران منتقل و در مسجد طوس خیابان خراسان به امامت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته است.

از آثار اوست تعمیر و توسعه مسجد طوس و تأسیس کتابخانه در آنجا و از نوادر توفیقات ایشانست نماز خوانـد بر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان که در جـده فوت کرد و ایشان مطلع شـد (در آن محیط تعصب وهابیت) و در تجهیز و تغسیل و نماز آن مرحوم شرکت و نگذارد بروش وهابیت و مرام باطل وی را دفن کنند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنگرودی مرتضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سـید محمدحسین مرتضوی که پس از فوت مرحوم والدشان، آیت‌الله سیدمرتضی لنگرودی بنا بر تقاضای مردم تهران عزیمت به مرکز نموده و در مسـجد حاج ابوالفتـح که مرحوم والـدشان سالها اقامه جماعت داشـتند به امامت و خـدمات دینی و روحی اشـتغال دارند حقا جوانی فاضل و دانشمند و آراسته به زیور علم و علم و تقوا و فضیلت حسبی و نسیب می‌باشند.

سید محمدحسـین مرتضوی لنگرودی فرزند بزرگ آیت‌اللّه لنگرودی از ائمه جماعت تهران و فضـلاء بارع معاصر و در مسجد حاج ابوالفتح میدان شاه تهران اقامه جماعت می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لواسانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم بن سـید محمد بن سـید ابراهیم حسینی لواسانی از علماء ابرار تهران بوده. وی در حدود ۱۲۷۶ قمری در تهران به دنیا آمـده و در بیت علم و سـیادت پرورش یـافته و تحصیلات مقـدمات و سـطوح را از دانشـمندان و علمـاء آن زمان فراگرفته سپس به اعتاب عالیات و نجف اشـرف مهاجرت و از محضر و ابحاث آیات عظام حوزه علمیه نجف چون حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل تهرانی و آخونـد ملا محمـد کاظم خراسانی و آقا سـید محمـد کاظم یزدی اسـتفاده نموده تا به درجه اجتهاد نائل و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آنان شـده و ضـمنا از دروس اخلاق و عرفان شاگردان مرحوم آخوند ملا حسـینقلی همدانی چون حاج شـیخ محمد بهاری و حاج سید احمد تهرانی کربلائی بهره‌ها برده و در این رشته نیز به مدارج عالیه اخلاقی ارتقا یافته و پس از آن به سوی ایران و وطن خود مراجعت ولی در همـدان مورد توجه و اسـتقبال مردم آن سامـان شـده و بنـابر درخواست آنهـا رحل اقامت افکنـده و به خـدمات دینی از اقـامه جمـاعت و تـدریس و وظـائف دیگر روحی پرداختـه و پس از چنـدی به تهران آمـده و در آنجـا هم قیـام به وظـائف دینی و روحی نمـوده تـا در عصـر جمعه بیست و هشت (۲۸) مـاه رمضان المبارك سال ۱۳۶۳ قمری از دنیـا رفتـه و پس از تشییع و تجلیل فراوان حمل به نجف اشـرف شده و در جوار حضـرت امیرالمؤمنین علی علیه الصلوه والسلام مدفون گردیده است .

دارای فرزندان برومندی بوده‌اند که اغلب آنها از علماء و دانشمندان معاصرند و آنان از این قرارند:

۱- حاج سید احمد لواسانی که در مسجد بالاسر قم مدفون می‌باشند.

۲- حاج سید محمدصادق لواسانی متوفی ربیع‌الاول ۱۴۱۱ قمری مدفون در مسجد بالا سر قم.

۳- حاج سید علی لواسانی.

۴- حاج سید زین‌العابدین لواسانی.

۵- حاج سید محمود لواسانی.

۶- حاج سید رضا لواسانی.

۷- حاج سید یحیی لواسانی.

۸- حاج سید حسین لواسانی.

۹- حاج سید حسن لواسانی.

۱۰- حاج سید محسن لواسانی.

عموی آن بزرگوار حاج سید عبدالکریم لواسانی از فضلاء و اعلامی بودند که حدود یکصد و ده سال زندگانی کرده و سرانجام در ۱۳۹۷ قمری از دنیا رفته و در جوار شیخ صدوق مدفون است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لواسانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۰ -۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مجتهد و مورخ. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد علمای نجف فراگرفت. وی از شاگردان آیت‌اللّه شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌اللّه سید اسماعیل صدر بود و نزد آنان در نجف، سامرا و کربلا مراحل علمی را طی کرد. آن گاه مشغول به تدریس و تألیف شد. در ۱۳۳۳ ق به تهران آمد و به تدریس پرداخت، سپس به مشهد رفت و از محضر آیت‌اللّه آقا محمد آقازاده‌ی کفایی استفاده نمود. در ۱۳۴۴ ق به نجف بازگشت و از محضر اساتید وقت، آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین غروی، استفاده نمود تا به مراتب عالیه‌ی اجتهاد رسید و به دریافت اجازه‌های اجتهاد نایل شد. در ۱۳۴۸ ق برای ارشاد و سرپرستی شیعیان به لبنان رفت و در ۱۳۷۰ ق به تهران بازگشت و به امور علمی و دینی پرداخت. وی در مسجد محمودیه سرچشمه به انجام امور مذهبی مشغول بود. لواسانی از دوستان نزدیک علامه امینی بود. در تهران درگذشت. از آثارش: «الدروس البهیة»، در مختصری از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ «مرقاة جنان الزهر»؛ «نور الافهام» شرح منظومه‌ی «مصباح الظلام»، در علم کلام؛ «الشریعة السماحاء»، در اصول دین و احکام شرعیه مطابق عمل به احتیاط؛ «تاریخ النبی احمد (ص)»، در دو مجلد؛ «تواریخ الانبیاء» از حضرات آدم تا حضرت خاتم؛ «نقض الهفوات و تکذیب المفتریات»، ردی بر دعاوی بهائیت و تکذیب علی محمد باب؛ «فضیحة الکذابین»، در رد قادیانی؛ «الکشکول».[۱]

حاج میرزا حسن بن السید العلامه آیت‌اللّه حاج سید محمد لواسانی از مشاهیر علماء معاصر تهران می‌باشد. وی در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و چون در سن نه سالگی اوان کودکی در سال ۱۳۱۷ قمری مرحونم والد را از دست داده با نهایت جدیت و اشتیاق در نجف اشرف در محضر طلاب علوم شرعیه و فضلاء مقدمات و ادبیات را خوانده و سطوح نهائی را بپایان رسانیده و در سن بیست سالگی بدرس خارج آیات عظام و مراجع تقلید چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه یزدی و پس از فوت آنان مرحومین آیتین حاج شیخ علی گنابادی و حاج شیخ علی قوچانی و بعد از فوت آن دو بزرگوار از درس و محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و در سامرا از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی و در کربلا آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر استفاده نموده تا در سال ۱۳۳۱ قمری که جنگ بین‌المللی پیش آمد و اوضاع دنیا در آن جنگ متشتت و در هم ریخته شد خصوصا عراق عرب که از همه جا سخت گردید که هر کس به هر وسیله که برایش ممکن میشد فرار را بر قرار اختیار نموده و باطراف بلاد منتشر میشد و همه روزه زندگی و ناامنی بدتر میشد ناچار معظم له باتفاق مرحومه علویه والده‌اش و عیال و اولاد و والدین عیال با نهایت دست تنگی و قلت زاد از نجف اشرف در اواسط ۱۳۳۳ قمری بعزم هجرت به ایران حرکت نموده و در کاظمین متوقف و در مدت دو ماه هفت نفر از بستگانش چون مرحومه والده و عیال و سه نفر از اولادش و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی همسر خواهرش با فرزندش بمرض وبا و غیره از دنیا رفته و بالاخره خودش باتفاق خواهرش با نهایت صعوبت و سختی وارد تهران و باقارب و احارم خود ملحق و با ابتلاء بامراض عدیده و مراجعه بصفوف اطباء تا بفضل پروردگار بهبودی یافته و در ماه رمضان ۱۳۳۴ قمری همشیره همسر مرحومه سابقش را که صبیه مرحوم آقا سید محمد واعظ لواسانی بود تزویج و مهاجرت به مشهد نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر آیات و مدرسین آن عصر چون مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و دیگران استفاده و در سال ۱۳۴۰ قمری بحج مشرف و چند ماهی متوقف و موجب استبصار یکی از دانشمندان اهل سنت که رئیس بعضی از دوائر دولتی صعودی بوده گردیده و بیش از بیست مرتبه از لبنان و عراق و ایران بحج مشرف شده و باین فیض بزرگ رسیده است.

نگارنده گوید: علامه لواسانی در طول تاریخ عمر خود موفقیتهای بزرگی پیدا کرده که موجب غبطه و حسرت میباشد از جمله اختلاف بین شیعیان مقیم مدینه و ارجاع بمراجع تقلید دادند بعد از آن که مدتها آنها بر طریقه اخباریین بودند.

دیگر راه یافتن ایشان به کتابخانه مدینه منوره و استفاده از کتب حضرات تسنن در بطلان اجماع امت بر خلافت شیخین و دیگران.

و خلاصه پس از مدت اقامت در مدینه منوره بمکه معظمه برای اداء حج تمتع مشرف و بعد از آن مراجعت به عراق و از آنجا به ایران و قم آمده در هنگامی که مراجع بزرگ نجف چون آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و خالصی و دیگران تبعید از عراق بودند و در آنجا بفیض ملاقات و زیارات آنان رسیده و از آنجا به مشهد مشرف و موفق بوظائف دینی و شرعی خود از امامت در مسجد ترکها و تدریس فقه و اصول گردید تا در نیمه ماه رجب ۱۳۴۴ قمری باتفاق عیال و فرزندان مراجعت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و آیت‌اللّه کمپانی و آیت‌اللّه عراقی استفاده نموده در مدت پنجسال آنگاه بامر بعضی از آیات مذکوره برای تبلیغات احکام شرعیه به لبنان مسافرت کرده و خدمات زیادی در آن سامان انجام داده و مورد توجه و علاقه شدید مردم جبل عامل گردیده و تقاضای اقامت ایشان را نموده و به آیت‌اللّه اصفهانی متوسل تا بامر آن مرحوم بیش از بیست و دو سال در آن بلاد با نهایت عزت و عفت نفس اقامت نموده و مردم بی خبر آن حدود را ارشاد و هدایت نموده تا در سال ۱۳۷۰ قمری که جنگ اسرائیل با اعراب فلسطین شروع شد و مردم فلسطین مغلوب و آواره گردیدند ناچار به مهاجرت به ایران گردیده و در تهران مقیم و تا حال حاضر در مسجد محمودیه سرچشمه به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات اشتغال دارند.

تألیفات و آثار عدیده‌ای دارند که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- الدروس البهیه در مختصری از احوال النبی و الائمه ۲- نور الافهام شرح منظومه مصباح الظلام فی علم الکلام ۳- الشریعه السمحاء فی الاحکام الشرعیه الفرعیه علی طبق العمل بالاحتیاط. ۴- تاریخ النبی احمد صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد از مبدء

خلقت نور آن بزرگوار تا آخر عمر حضرتش ۵- تواریخ الانبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد ۶- فضیحه الکونین رد بر قادیانی کذاب هندی. ۷- نقض الهفوات رد بر دعادی بهائیه و تکذیب علی محمد باب ۸- کشکول لطیف که تمام اینها بطبع رسیده و اما آثار مخطوط آن جناب عبارتست از فقه و اصول و تقریرات مباحث اساتید عظام و حواشی بعضی مسائل متفرقه و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۵۸، ۲۹۲/ ۲۴، ۳۱۳/ ۲۰، ۲۷۵/ ۱۶، ۱۸۶/ ۱۴، ۱۴۴/ ۸، ۲۹۰/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴۹ -۵۴۶/ ۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۵ -۱۱۳۳/ ۳).

لواسانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدصادق بن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم بن العالم العلام حاج سید محمد لواسانی از علماء بزرگوار معاصر تهرانست.

وی در ماه صفر ۱۳۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در ربیع الاول ۱۳۳۹ قمری در خدمت مرحوم والدش به ایران و همدان آمده و در آنجا اقامت نموده وی با معیت مرحوم برادرش حجهٔالاسلام حاج سید احمد در ربیع‌الاول ۱۳۴۰ قمری به اراک آمده و شروع به مقدمات نموده و در ماه رمضان ۱۳۴۱ قمری مهاجرت به قم و پس از تکمیل مقدمات و مقداری از سطوح در سال ۱۳۴۸ قمری عزیمت به نجف نموده و سطوح را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی خوانده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و در اثر کسالت و عدم رضایت والدش مراجعت به قم نموده و تا سال ۱۳۵۲ قمری از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حجت بهره‌مند گردیده و در سال مذکوره با مرحوم برادرش به نجف مشرف و در ۱۳۵۳ قمری به ایران بازگشت و به مشهد مقدس رفته و چند ماهی از محضر آیت‌اللّه العظمی قمی و آیت‌اللّه آشتیانی و آیت‌اللّه آقازاده کفائی مستفیض ولی بواسطه حوادث ناگوار مسجد گوهرشاد و تعطیل حوزه مشهد به قم مراجعت و بدرس مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت حاضر شده و در سال ۱۳۵۶ قمری به تهران آمده و حدود یکسال توقف تا حسب‌الامر آیات ثلاثه قم بحوزه برگشته و بتولیت و اداره مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف مراجع حوزه علمیه منصوب تا سال ۱۳۶۴ قمری که در اثر کسالت و امریه والدش به تهران منتقل و تاکنون در مسجد و مدرسه میرزا ابوالحسن معمار واقع در محله امامزاده یحیی علیه‌السلام به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برادران دانشمند و با تقوائی دارند که اجمالا آنها را مینگارم:

۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد لواسانی که قبلا یاد نمودم.

۲- حجهٔالاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی لواسانی که از علماء اعلام و افاضل دانشمندان تهران و سالها مقیم نجف بوده و چندین سال است که به ایران مراجعت و در تهران به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

۳- حجهٔالاسلام و المسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین لواسانی که وی نیز از علماء ابرار معاصر تهرانست و ایشان هم سالها در اعتاب عالیات تحصیل علم و کمال نموده و بعد به ایران مراجعت و در تهران بخدمات روحی خود مشغول و مانند برادرانش وارسته و بعلم و تقوا آراسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لواسانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مصطفی بن السید العلام الایه القمقام حاج سید محمد لواسانی از علماء صالحین و دانشمندان ناسکین این سلسله موصوف به تقوا و تزکیه نفس و معروف به تأثیر نفس و اجابت دعا و مقامات معنوی و مورد ابتلاء مردم بوده و همه روزه از تهران و حومه و حتی نقاط دیگر مردم بمنزلش واقع در گذر لوطی صالح آمده و طلب دعا نموده و حل مشکلات مادی و احیانا معنوی خود را می‌خواستند و بوی معتقد بودند.

شبهای پنجشبنه در منزلش مجلس تفسیر و جلسه دینی برقرار و گویندگان معروف مانند مرحوم حاج قوام و دیگران و گاهی هم این نگارنده بیان معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده و مردم را بهره‌مند می‌نمودند مجلس بسیار با حال و پر فایده و ارزنده‌ای بود در مسجد محل نامبرده اقامه جماعت و ترویج دین می‌کرد و اکنون بجای ایشان فرزند برومندش حجهٔالاسلام آقای حاج سید مهدی لواسانی امامت نموده و به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارد. وی دانشمندی فعال و نیکو خصال می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لوکری مروزی، ابوالعباس فضل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، حکیم، فیلسوف ادیب و شاعر. اهل لوکر در کنار رود مرو بود. وی حکیمی کامل و در اجزاء علوم حکمت ماهر بود. لوکری شاگرد بهمنیار (م ۴۵۸ ق)، شاگرد ابوعلی سینا، بود و به وسیله او علم حکمت در خراسان انتشار یافت. از اقران وی در میدان حکمت می‌توان به خیام، ابن‌کوشک و واسطی اشاره کرد. او با خیام (م ۵۲۵ ق) و خازنی (م ۵۲۵ ق) در «زیج ملکشاهی» همکاری داشته است. از شاگردان وی می‌توان قطب‌الزمان محمد بن ابوطاهر طبسی مروزی (م ۵۳۹ ق)، مجد الافاضل قاضی عبدالرزاق ترکی، محمد بن یوسف الایلاقی (۵۳۶ ق)، فریدالدین عمر بن غیلان بلخی، عین الزمان حسن قطان مروزی و ابوالفتح اسعد بن محمد بن ابونصر المیهنی (م بعد از ۵۲۰ ق) را نام برد. لوکری در مرو درگذشت. از آثار وی: «بیان الحق بضمان الصدق»، که مهم‌ترین اثر وی است و از سخنان فارابی و ابوعلی سینا و حکیمان دیگر استفاده کرده است، شامل پنج بخش: ۱- منطق ۲- طبیعیات ۳- الهیات ۴- بخشی در ذکر مسائلی از علم ما بعد الطبیعه که در حکم اسرار است ۵- فصول منتخب از «رسالهٔ الاخلاق»، در پنج باب؛ قصیده‌ای، با شرح فارسی آن؛ «دیوان» شعر. صاحب «روضات الجنات» ضمن شرح حال بهمنیار، او را شاگرد لوکری می‌داند که به گفته‌ی «ریحانهٔ الادب» باید فرد دیگری باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۴ -۲۹۲/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۵ -۵۴)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۸۱ -۸۰)، الذریعه (۹۴۹ -۹۴۸/ ۹)، روضات الجنات (۱۵۵/ ۲)، ریحانه (۱۴۰ -۱۳۹/ ۵).

لؤلؤی سهمی بلخی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۲۳۰ ق)، حافظ، محدث و ادیب. معروف به ابن ابی‌یعقوب. اهل بلخ بود. در ۲۲۲ ق وارد بغداد شد و با حفاظ نشست و برخاست نمود و با ایشان مذاکره‌ی حدیث کرد. او قبل از ۲۳۰ ق به کوفه رفت و با ابوبکر بن ابی‌شیبه مجلسی داشت. وی از مالک بن انس و خارجهٔ بن مصعب و بشر بن سری و یحیی بن یمان و خالد بن عبدالرحمان مخزومی و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن ابی‌دنیا و فضل بن محمد زیدی و ابوعبداللّٰه حسین بن ابی‌احوص ثقفی و عبید اللّٰه بن احمد بن منصور کسائی رازی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۴۷ -۱۴۶/ ۵)، تاریخ بغداد (۲۳۶ -۲۳۴/ ۱)، تذکرهٔ الحفاظ (۴۲۶/ ۲)، سیر النبلاء (۴۴۹/ ۱۱)، لسان المیزان (۶۹۶ -۶۹۵/ ۵)، المنتظم (۵۲۰/ ۶)، میزان الاعتدال (۴۵۹/ ۳)، الوافی بالوفیات (۱۹۰ -۱۸۹/ ۲).

لیثی رازی، ابوحاتم احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۲ ق)، ادیب، لغوی و محدث اسماعیلی. در ناحیه‌ی پشاپویه در جنوب ری متولد شد. وی از دعوت کنندگان اسماعیلیه بود و احمد بن علی حاکم ری را به مذهب خود گرواند. پس از فتح ری، توسط سامانیان، ترک شهر کرد و به دیلم گریخت. پس از پیروی مرداویج بر اسفار، در حضور مرداویج با رازی فیلسوف مناظره کرد و آنگاه که نادرستی اظهاراتش معلوم شد، مغضوب و ناچار به فرار شد. در حین فرار، و یا در تبعید، در آذربایجان درگذشت. آثار وی: «اعلام النبوهٔ»؛ «الجامع»، در فقه؛ «الزینهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۱۹۷ -۱۹۳، ۱۴۳ -۱۴۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۱ -۱۰۲۰/ ۸)، ری باستان (۲۸۰، ۵۸/ ۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۵۴)، لسان المیزان (۲۴۷/ ۱).

ماجیلویه قمی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، عالم امامی، فقیه و ادیب. از بزرگان علمای امامیه قم و عارف به ادب و شعر و جامع کمالات بود. وی از شاگردان و داماد احمد بن ابی‌عبداللّٰه محمد برقی (م ح ۲۸۰ ق) است که علم و ادب را از او فراگرفت. در فنون شعر و ادب متبحر بود. شیخ صدوق با واسطه از وی روایت کرده است. از آثارش: تفسیر «حماسه‌ی ابی‌تمام»؛ «المشارب»؛ کتاب «الطب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۲/ ۹)، الذریعه (۳۰/ ۲۱)، رجال النجاشی (۲۵۱/ ۲)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳/ ۵)، الکنی و الالقاب

(۱۳۰/ ۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۲۸).

مازندارانی، هادی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضـل جـامع، و محقق کامـل بوده، و کتب و رسائـل عدیـده تألیف نموده، که از آن جمله است: ۱ - ترجمه‌ی قرآن مجیـد، و شأن نزول و نیـک و بـد استخاره، و به مناسبت این ترجمه، او را آقـا هادی مترجم گوینـد ۲ - ترجمه‌ی صـحیفه‌ی کامله‌ی سـجاده ۳ - ترجمه‌ی شافیه ۴ - ترجمه‌ی کافیه‌ی ابن حاجب ۵ - ترجمه و شرح معالم الاصول ۶ - حاشیه‌ی عربی بر تفسیر بیضاوی ۷ - حاشیه‌ی مواریث قواعـد الاحکام علامه ۸ - حدود و دیات، فارسی ۹ - شـرح بر فروع کافی ۱۰ - شـرح کافیه ۱۱ - شـرح تلخیص المفتاح، فارسی ۱۲ - شـرح شـافیه که به نام نواب حسـین علی خان تألیف شـده ۱۳ - شـرح نظام، به فارسـی ۱۴ - شـرح شمسیه ۱۵ - شرح صحیفه‌ی سـجادیه، به فارسی ۱۶ - شـرح قواعد علامه، و ممکن است همان حاشیه باشد ۱۷ - رسـاله رضاعیه، که در ۱۱۰۷ تألیف شده ۱۸ - رساله‌ی رسم الخط ۱۹ - انوار البلاغـهٔ، در معانی بیان [مطبوع] ۲۰ - حاشیه‌ی فارسی بر تفسیر بیضاوی، ۲۱ - العوائد، در کلام؛ و غیره.

در سال ۱۱۲۰ وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی در کنار ایوانچه مدفون گردید، و بر قبرش صندوق چوبی نصب گردید.

ماده تاریخ وفات او [که میر عبدالعال نجات گفته] این است:

از پی سال رحلتش گفت آه

هادی و رهنمای ایمان رفت

در قصـص العلماء و رجال اصـفهان شـرحی راجع به سکته کردن و به هوش آمدنش در قبر، و نذر او جهت ترجمه‌ی قرآن نوشته، و نظیر این قضیه را جهت فضل بن حسن طبرسی و ملا فتح‌الله کاشانی نیز نوشته‌اند.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد ملاـ محمّـد باقر. عالم و فاضل و واعظ بوده، در روز ۵ شنبه ۶ محرّم الحرام سـال ۱۳۲۲ وفات یافته، در صـحن تکیه آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

بجویید تاریخ این خوش سرشت

محمّد حسن شد میان بهشت

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مازندرانی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سـید موسـی بن العالم الجلیل ثقهٔالاسـلام آسـید مهدی مازندرانی از علماء ابرار معاصـر تهران مقیم خیابان آبشار می‌باشـند. در سال ۱۳۲۴ قمری در کاظمین علیهماالسلام (هنگام بازگشت مرحوم والدش از نجف اشرف) متولد شده و در بابل مازندران پرورش یافته و بعـد از فراغت از دروس مقدماتی نزد علماء آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شـیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّه مرحوم آسـید محمـد باقر حجتی و والـد ماجـد خود بتحصـیل فقه و اصول و کلام پرداخته و پس از تکمیل سـطوح در سال ۱۳۴۲ قمری به تهران مسـافرت و چنـد سالی نزد مرحومین آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه میرزا مهـدی آشتیانی به حکمت و عرفان اشـتغال داشـته و سپس به قم مهـاجرت و چنـد سـالی از محضـر مرحـوم آیت‌اللّه یزدی و اعـاظم دیگر کسب فیض نمـوده و در اواخر ۱۳۵۰ قمری به نجف مشـرف و از محضـر آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضـیاء عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصـفهانی بهره‌ها برده و یکسال قبل از فوت آیت‌اللّه اصـفهانی و آیت‌اللّه قمی حسب الامرشـان برای تقاضای جمعی از بازرگانان تهران به ایران عزیمت و در تهران رحل اقامت افکنده و بتدریس علوم دینیه و تبلیغ احکام شـرعیه مشـغول و در مسـجد خیابان آبشار به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشـتغال دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای می‌باشند که فهرست آن در پشت کتاب (العقد المنیر) ایشان چاپ شده:

۱- کتـاب (العقـد المنیر فی تحقیـق مـا یتعلـق بالـدراهم و الـدنانیر) عربی و در نجـف بطبع رسـیده و در موضوع خود کم نظیر اسـت بضـمیمه رسـاله‌ای در اوزان و مکائیل ۲- رسـاله‌ای در طهاره ۳- رسـاله در معاطاه و بعضـی از مسائل بیع ۴- رساله‌ای در مواسـعه و مضـایقه و اعتبار ترتیب در قضاء فائته و عـدم آن ۵- رسـاله در صوم ۶- رسـاله‌ای در غصب ۷- رسـاله‌ای در رضاع ۸- رساله‌ای در

جمله‌ای از احکام خلل و قواطع ۹- تقریرات در اصول دوره کامل ۱۰- بدیع الادب فی ودایع العرب در فنون ادبی و ترجمه عده‌ای از بزرگان ادب ۱۱- دیوان فارسی در مدایح و مراثی ۱۲- نامه ارشاد یا صحیفه اعتقاد دو جلد در بعضی از مذاهب باطله ۱۳- رساله ضیائیه در لزوم حجاب در تهران بطبع رسیده ۱۴- بیوگرافی رجال بزرگ اسلام که از محمد بن یعقوب کلینی قدس اللّه سره تا رجال قرن هشتم در نامه پرچم اسلام منتشر شده است.

حاج سید موسی مازندرانی عالمی بزرگوار و صاحب‌نظر از علماء معاصر تهران می‌باشند تالیفات گرانقدری دارند از جمله العقد المنیر فیما یتعلق (بالدراهم والدنا ینر) در بیست مجلد که تاکنون چهار جلد آن به طبع رسیده است و در میان دانشمندان و علماء تهران مجهول‌القدر می‌باشند و مانند آنجناب باید در حوزه علمیه قم و نجف اشرف حوزه تدریس داشته باشند که فضلاء از بیانات و دراساتشان استفاده کامل ببرند. حقیر در سال ۱۳۹۹ قمری و اول سال ۱۳۵۸ شمسی که در خدمتشان در عتبات عالیات بودم ناظر تجلیل حوزه علمیه نجف اشرف مخصوصاً زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی بودم که تا چه جد از معظم له احترام و اصرار به اینکه نجف بمانید که این حوزه هزار ساله به وجود امثال شما نیازمند است و تقاضای عده‌ای از فضلاء دیگر هم اقامت ایشان بود.

(۱۳۹۹ -۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، متکلم، مجتهد، مدرس و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد و در بابل مازندران نشو و نما یافت. مقدمات را در محضر پدرش و آیت‌اللّه شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّه سید محمد باقر حجتی فراگرفت. آن گاه به تحصیل فقه و اصول و کلام و سطوح پرداخت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و چندین سال حکمت و عرفان را در محضر آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه میرزا مهدی آشتیانی آموخت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حایری یزدی و علمای دیگر کسب فیض نمود. در اواخر ۱۳۵۰ ق به نجف عزیمت کرد و از محضر آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه به امر آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی و به تقاضای مردم تهران، به تهران آمد و به تدریس، اقامه جماعت و انجام امور دینی پرداخت. او در اواخر عمر به قصد زیارت به نجف مسافرت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: «العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر»؛ «نامه‌ی ارشاد» یا «صحیفه‌ی اعتقاد»، در دو مجلد؛ «بدیع الادب فی ودائع العرب»، در فنون ادبی و شرح حال عده‌ای از بزرگان ادب؛ «تقریرات» در فقه و اصول؛ رساله‌ای در «رضاع»؛ رساله‌ای در «غصب»؛ «رساله‌ی ضیائیه»؛ رساله‌ای در «طهارة»؛ رساله‌ای در «احکام خلل»؛ رساله‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «معاطاة و بیع»؛ «دیوان» شعر در مدایح و مراثی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۹۹/ ۱۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۵۴ -۵۵۳/ ۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۱/ ۳).

مالک، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مالک ، فرزند میرزا اسماعیل در سال ۱۲۹۰ در محله پامنار تهران پا به عرصه وجود گذاشت . وی پس از مدت تحصیل ، دانشسرای عالی رفت و به تحقیق در متون نثر فارسی پرداخت ، آنگاه وارد مدرسه حقوق شد . مالکی با مرگ پدر ، ناچار وارد تشکیلات ارتش وارد شد، و در دانشگاه انگلیس دانشنامه انگلیسی را اخذ کرد . وی پس از به پایان بردن دوران تحصیل به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان انگلیسی ، فرانسه و آلمانی مشغول شد . استاد مالکی همواره در انجمن های ادبی حضوری فعال داشت و تا واپسین روزهای زندگی خویش ، جلسات قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد . او سرانجام در سال ۱۳۷۷ در تهران درگذشت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : علی اکبر مالک فرزند اسماعیل مستوفی حضور و نوه میرزا کاظم مستشیر الملک تهرانی و از اعقاب مالک اشتر سردار بزرگ و شجاع حضرت علی (ع)بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مالک پس از طی دوران دبستانی در دبستان ادب، وارد دارالفنون شد. سپس به دانشسرای عالی رفت و پس از تحقیق در متون نظم و نثر فارسی وارد مدرسه حقوق شد. با مرگ پدر در سال ۱۳۱۲ وارد تشکیلات ارتش شد و به فرا گیری زبان انگلیسی پرداخت ، او سرانجام دریافت دانشنامه زبان انگلیسی از دانشگاه انگلیس نائل آمد .

خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع دوران تحصیل علی اکبر مالک ، درگذشت پدرش بود ، که وی را مجبور ساخت وارد تشکیلات ارتش شود .

استادان و مربیان : علی اکبر مالک از محضر استادانی همچون: استاد جلال الدین همایی، استاد عباس اقبال آشتیانی، استاد نصرالله فلسفی و استاد محمد حسین فاضل تونی بهره برد.

زمان و علت فوت : علی اکبر مالک در اثر کهولت سن و بیماری طولانی در اواسط رجب ۱۴۱۹ ق مطابق با آبان ۱۳۷۷ ش در تهران به فوت کرد .

فعالیتهای آموزشی : علی اکبر مالک سالهای متمادی به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی اشتغال داشت و در سال ۱۳۳۹ ش بازنشسته گردید. شادروان مالک تا واپسین روزهای زندگی خویش، جلسات تفسیر قرآن کریم و

آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از فعالیت های دوران زندگی علی اکبر مالك ، حضور مستمر او در مجالس ادبی بوداولین فرصتی امکان ارائه آثار وی را فراهم نمود . او تا واپسین روزهای زندگی خویش ، جلسات تفسیر قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد . ---

آثار :

۱ ابا عبدالله الحسین (ع)

۲ ترانه دل

ویژگی اثر : « ترانه دل » مجموعه اشعاری درباره حضرت علی (ع) می باشد .

۳ ترجمه منظوم چندسوره از قرآن مجید

۴ خاطرات اجتماعی و سیاسی

۵ دو نامه به امضای حضرت علی (ع)

۶ سفرنامه حج

۷ سلطان عشق

۸ سه راز مپرس

۹ سیری در سه وادی

ویژگی اثر : مجموعه اشعار

۱۰ کشکول عشق

ویژگی اثر : مجموعه اشعار

۱۱ کشور مقتدر اسلامی

۱۲ مجموعه ای شامل صحیفه حضرت زهرا (ع) ، حدیث کساء در ۲۴ بند ، و فدك به صورت نثر

۱۳ هفت شهر یا هفت وادی عرفان

۱۴ وادی عشق

ویژگی اثر : « « وادی عشق » اشعاری دربارهٔ مناظره و مراحل عرفانی می باشد.

۱۵ وقایع کربلا

منابع زندگینامه :

۱آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره پنجم ، شماره پیاپی ۵۳ ، آذر و دی ۱۳۷۷

مالک، هایده

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۴۵ ش)، نویسنده، مترجم و طبیب. پس از اتمام تحصیلات متوسطه و نیز اخذ لیسانس در رشته‌ی مامایی، وارد وزارت بهداری شد. وی در ضمن خدمت، به تحصیل ادامه داد و در دانشکده‌ی پزشکی پس از اتمام دوره، موفق به اخذ درجه‌ی دکترای طب شد. در ۱۳۴۵ ش به مقام استادی نایل گردید و پس از آن به فرانسه رفت. از آثارش: «تست‌های کلیوی»؛ «اختلال متابلیسم گلوسیدها»؛ «پاستور و میکروب‌شناسی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۵۸۲/ ۱)، کارنامه‌ی زنان (۲۳۶ -۲۳۵).

مالکی، توران دخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

توران دخت (تمدن) مالکی در سال ۱۳۱۹ به دنیا آمد . تحصیلاتش را در رشته ادبیات زبان انگلیسی دانشگاه تهران به پایان رسانید و از آن پس به کار ترجمه روی آورد . توران دخت (تمدن) مالکی تا کنون آثار متعددی به طبع و تالیف رسانده است .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : توران دخت مالکی پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه ، وارد دانشگاه تهران شد و دررشته زبان انگلیسی به تحصیلات خود ادامه داد.همسر و فرزندان : توران دخت تمدن مالکی با آقای مالکی ازدواج نمود و دارای سه فرزند می باشد.آثار : آوای ناقوس ها ویژگی اثر : اثر دروتی سیزل۲ با گرگها می رقصم ویژگی اثر : اثر مایکل بیکت۳ بیا با هم شادی را جست و جو کنیم ویژگی اثر : اثر پنه لوپ راشپیوف۴ تب درمانی یا قدرت معجزه آفرین ویژگی اثر : اثر نورنی یمپل۵ جنگ علیه زنان ویژگی اثر : اثر مارلین فریج۶ زندگی با عشق چه زیباست ویژگی اثر : اثر لئو بوسکالیا۷ عشق درمان و معجزه ویژگی اثر : اثر دکتر برنی اس سیکل۸ قدرت زن و بچه های طلاق ویژگی اثر : اثر آن دیکینسون۹

هنر مبارزه با ترس ویژگی اثر : اثر سوزان جفرسن

منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، گردآورنده پوران فرخزاد ،ج۲ ، ص ۱۶۷۶

مامقانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد مدرس مامقانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۲۶ قمری متولد شده و ادبیات و متون فقهیه را خوانده و پس از آن از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّه ایروانی و آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه میرزا نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاء الدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد (شهاب‌الملک) واقع در سه راه خیابان ری و بوذر جمهری نو به اقامه جماعت و خدمات دینی و مباحثات کمپانی با علماء محترم تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب مدرس مامقانی که افتخار قرابت سببی با ایشان را دارم سیدی جلیل و عالمی نبیل و موصوف بمتانت و مناعت و بزرگوار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مامقانی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ –۱۲۹۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، رجالی، محدث و ادیب. معروف به علامه مامقانی و فاضل مامقانی. از بزرگان علمای امامیه و حاوی فروع و اصول بود. اصلش از مامقان آذربایجان است. در نجف به دنیا آمد. در پنج سالگی شروع به فراگیری قرآن کرد. صرف و نحو و مقدمات و سطوح فقه و اصول را در محضر پدرش و شیخ هاشم ارونقی ملکی و شیخ غلامحسین دربندی و شیخ حسن میرزا (م ۱۳۱۳ ق) فراگرفت تا در فقه و اصول سرآمد شد. در ۱۳۰۸ ق به حوزه‌ی درس اصول استدلالی و در ۱۳۰۹ ق به حوزه‌ی درس فقه استدلالی پدر بزرگوارش راه یافت و «تقریرات» هر دو درس خارج را نگاشت. قوه‌ی استنباط و اجتهاد وی بارها از طرف پدرش تأیید شد و او را به دریافت اجازه مفتخر کرد. آن گاه وی خود به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری بر گردش جمع شدند. او از پدرش روایت کرده و شیخ محمد حرز نیز از وی روایت کرده است. او مرجع تقلید بسیاری از مردم آذربایجان بود. در نجف درگذشت و در کنار پدرش، در مقبره‌ی خانوادگی در منزلشان، دفن گردید. از آثارش: «اجابة السئوال»؛ «ارشاد المستبصرین»؛ «ازاحة الوسوسة»؛ «تحفة الصفوة»؛ «تحفة الخیرة»؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال»، در سه مجلد بزرگ، که مشهورترین و مهم‌ترین تألیف اوست؛ جوابات «المسائل البصریة»؛ جوابات «المسائل البغدادیة»؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ «الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود»؛ «مرآة الکمال فی الآداب و السنن» و ترجمه‌ی فارسی آن؛ «سراج الشیعة فی آداب الشریعة»؛ «الفوائد الطبیة»؛ «کشف الاستار فی تکلیف الکفار بالفروع»؛ «هدایة الانام فی حکم مال الامام»؛ «مجمع الدرر» معروف به «اثنی عشریه»؛ «مناهج الیقین»؛ «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الاسلام»؛ «مقباس الهدایة فی علم الدرایة»؛ «مطارح الافهام فی مبانی الاحکام».[۱]

عبداللّه بن العلامة الکبری حاج شیخ محمدحسن از اکابر و فحول علماء امامیه و عالمی عامل و فقیهی کامل محدثی رجالی و ادیبی اریب حاوی فروع و اصول و دارای کمالات نفسانیه و اخلاق فاضله و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بوده و گوی سبقت از افاضل وقت ربوده و در بعضی از علوم غریبه نیز حظی داشته است.

آن جناب در ربیع‌الاول ۱۲۹۰ قمری در نجف متولد و در ۱۶ شوال ۱۳۵۱ قمری در جوار علی (ع) به رحمت حق پیوسته در مقبره والدش که دارای گنبد و قبه عالی است مدفون گردیده است.

تالیفات و آثار علمی معظم‌له از اینقرار است.

۱- ارشاد المستبصرین ۲- تحفة الخیره ۳- تحفة الصفوة فی الحیوة ۴- تنقیح المقال فی احوال الرجال ۵- الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود ۶- سراج‌الشیعه ۷- السیف البتار ۸- مرآت الرشاد ۹- مرآت الکمال ۱۰- مطارح الافهام ۱۱- مقباس الهدایه ۱۲- مناهج المتقین ۱۳- منتهی مقاصد الانام ۱۴- نتایج التنقیح ۱۵- نهایة المقال و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۷۳/ ۲۵ ،۱۵۹/ ۲۳ ،۳۴۹ ،۱۸/ ۲۲ ،۳۳۹ ،۳۳۸ ،۳۳۶ ،۲۸۴ ،۲۸۳– ۲۷۲ ، ۲۳۰ ، ۲۲۹ ، ۲۷/ ۲۰ ، ۳۶ ، ۱۲ – ۱۱ / ۱۸ ، ۱۶۱/ ۱۷ ، ۳۴۶ ، ۲۲ ، ۱۳/ ۱۶ ، ۲۸۶ ، ۱۵۷/ ۱۲ ، ۱۳۷ ، ۷۸ ، ۷۷/ ۸ ، ۱۴۹/ ۶ ، ۲۱۶ ، ۲۱۵/ ۵ ، ۴۶۷– ۴۶۶/ ۴ ، ۴۴۷ ، ۴۳۲/ ۳ ، ۵۲۸ ، ۵۲۰ ، ۱۲۰ ، ۱۱۸/ ۱)، ریحانه (۱۵۹ –۱۵۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۹۹ –۱۱۹۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۵۹ –۱۵۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۴/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۶ –۱۱۴۵/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۱۶/ ۶).

مامقانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، لغوی و ادیب. در مامقان آذربایجان به دنیا آمد و در کربلا نشو و نما یافت و در نجف ساکن گردید. در محضر ملا علی خلیلی و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء تلمذ نمود. پس از درگذشت سید حسین کوه کمری به تدریس و تصنیف پرداخت. وی در صحن حیدری به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. پس از وفات میرزای شیرازی در ۱۳۱۲ ق مرجعیت مردم آذربایجان را در امور مذهبی عهده‌دار شد. مامقانی در نهایت پرهیزکاری زندگی می‌کرد و عملا مروج دین بود. فرزندش، شیخ عبدالله، و شیخ ابراهیم سلیمانی و سید مصطفی نخجوانی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و شیخ محمد علی گنجی و سید علی نخجوانی و میرزا فرج‌الله تبریزی و سید میرزا ابوالحسن تبریزی از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود به خاک سپرده شد. از آثارش: «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول»، در هشت مجلد؛ «ذرائع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام»؛ «غایة الآمال»، در شرح «المکاسب» شیخ انصاری؛ «اصالة البرائة»؛ «الرسالة العملیة».[۱]

محمدحسن بن ملا عبدالله بن محمدباقر مامقانی الاصل از متبحرین علماء امامیه و از اعاظم فقهاء عصر و اکابر مراجع تقلید متولد ۱۲۳۸ و متوفی ۲۹ محرم ۱۳۲۳ قمری عالمی ربانی و فقیه کامل صمدانی از شاگردان بزرگ علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و بعض اکابر دیگر و صاحب تألیفات عدیده بنام ۱- بشری الوصول الی اسرار علم الاصول ۸ مجلد ۲- ذرایع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام ۳- غایة الامال حاشیه بر مکاسب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۲۴/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۵۱ -۱۵۰/ ۵)، الذریعه (۴۰۸/ ۲۴ ،۵/ ۱۶ ،۲۱۴/ ۱۱ ،۲۴/ ۱۰ ،۱۲۱ -۱۲۰/ ۳ ، ۱۱۴/ ۲)، ریحانه (۱۶۰ -۱۵۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۱ -۴۰۹/ ۱۴)، علماء معاصرین (۸۳ -۸۰)، الکنی و الالقاب (۱۳۴ - ۱۳۳/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۹۸ -۱۹۷/ ۹)، مکارم الآثار (۱۰۵۸ -۱۰۵۶/ ۴).

ماندگار، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی ماندگار

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۸۷/۴/۲

زندگینامه علمی

تولد بنده در ۲ تیر ماه ۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی در مشهد مقدس، پدر روحانی مادر خانه دار، تحصیلات دبستان از سال ۱۳۴۸ لغایت ۱۳۵۴ در دبستان هروی مشهد مقدس. تحصیلات دوره راهنمایی ۱۳۵۴ لغایت ۱۳۵۷ در مدرسه راهنمایی مجلسی مشهد مقدس. تحصیلات دوره متوسطه ۱۳۵۷ لغایت ۱۳۶۱ در دبیرستان دکتر علی شریعتی مشهد مقدس. تحصیلات حوزوی غیر رسمی از سالهای ۱۳۵۶ لغایت ۱۳۶۲ در مشهد مقدس با استاد خصوصی. تحصیلات رسمی حوزوی از سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه قم: دوره ادبیات و مقدماتی در مدرسه رضویه، دوره سطح محضر اساتیدی همچون خاتمی، وجدانی، استادی، هادوی تهرانی، اعتمادی، پایانی، دوره درس خارج محضر اساتیدی همچون وحید خراسانی، تبریزی، جوادی آملی، سید کاظم حائری، هادوی تهرانی. ازدواج سال ۱۳۶۳ تحصیلات دانشگاهی از سال ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۹ در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم، پایان نامه ارشد «خطی مشی های سیاسی در نهج البلاغه» حضور در جبهه ها به توفیق الهی از ابتدا تا پایان مجموعا حدود ۲۲ ماه به صورت متناوب (رزمی ـ رزمی تبلیغی) امامت جمعه موقت طبس از ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۷۴ مسئولیتهای آموزشی و مدیریتی در دفتر تبلیغات از ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۸۲ در مرکز آموزش خواهران، مرکز تحقیقات، مرکز آموزش مبلغین مسئولیت نهاد رهبری دانشگاه علم و صنعت از سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۲ راه اندازی گروه تفحص سیره شهدا که کار تربیت مبلغ و راوی عرصه فرهنگ ایثار و شهادت را بعهده دارد از سال ۱۳۷۹ و مسئولیت این گروه از سال ۱۳۸۲ تاکنون می باشم.

ماه شرف

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز حدود ۱۲۳۴ ق، از زنان فاضل و ادیب. وی عمه شیخ محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق) و شیخ محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) بود که به ام‌کلثوم دختر شیخ محمدتقی برغانی فقه و اصول و ادبیات عرب آموخت. ماه شرف همچنین مورد تقرب تاج‌الدوله

همسر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ –۱۲۱۲ ق) قرار داشت و مراسلات او را تحریر و انشاء می کرد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات). ۶۸ / ۲؛ خیرات حسان، ۱۴۲ / ۲.

ماهابادی، افضل‌الدین حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. در ادب سرآمد بود و در فقه، صالحی مورد اعتماد و متبحر. وی از مشایخ شیخ منتجب‌الدین بود و شیخ منتجب‌الدین تمام تألیفات و تصنیفات او را روایت می‌کند و بنا بر نقلی افضل‌الدین حسن بن قادر (وفادار) قمی واسطه‌ی این روایت است. از آثارش: «الاعراب»؛ «شرح النهج»، شرح «نهج‌البلاغه»؛ «شرح الشهاب»؛ کتابی در «رد التنجیم»؛ «شرح اللمع»؛ «دیوان النثر»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۶۰/ ۵)، الذریعه (۱۲۳، ۴۷/ ۱۴، ۳۴۳/ ۱۳، ۱۱۷۰، ۲۳۹/ ۹، ۲۳۴ –۲۳۳/ ۲)، روضات الجنات (۲۶۱ – ۲۶۰/ ۲)، ریاض العلماء (۲۲۲ –۲۲۱/ ۱)، ریحانه (۱۶۲ –۱۶۱/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲ –۶۱/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۵۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن ماهابادی).

ماهیار نوابی، یحیی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : یحیی ماهیار نوابی در دهم دی ماه سال ۱۲۹۱ شمسی در شیراز متولد شد. پس از گذراندن دوره ی ابتدایی ، وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و توانست تا مقطع دکترا تحصیل نماید. بعد از آن در سال ۱۳۲۷ با سمت دانشیاری در دانشگاه تبریز مشغول به کار شد. استاد پس از دوسال برای فراگرفتن زبان های کهن ایرانی به مدرسه زبان های شرقی دانشگاه لندن (SOAS) رفت و در سال های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ نزد پرفسور « هنینگ» به فراگیری زبان های قدیمی ایران مانند : پهلوی ، اوستایی و پارسی باستان پرداخت و یک سال نیز در دانشگاه گوتینگی آلمان ، زبان های ترکی کهن را فراگرفت. وی پس از بازگشت به کشور ، ریاست دانشکده ادبیات تبریز را به عهده گرفت و نیز به تدریس زبان های کهن ایران پرداخت. او مدتی نیز جهت تحقیق به آمریکا سفر نمود و پس از بازگشت در دانشگاه تهران به کار تدریس ادامه داد. استاد نوابی در سال ۱۳۵۲ به عنوان مشاور رئیس دانشگاه شیراز رهسپار زادگاه خود شد و همچنین ریاست مؤسسه ی آسیایی را تا سال ۱۳۵۸ به عهده گرفت. او پس از انقلاب به تهران بازگشت و فعالیت های فرهنگی و ادبی خود را پی گرفت. استاد ماهیار نوابی در ۱۱ مهر ماه سال ۱۳۷۹ در کشور سوئد بدرود زندگی گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

والدین و انساب : یحیی ماهیار نوابی در خانواده ای سرشناس در شیراز زاده شد. مادر وی از خاندان وصال شیرازی بود ، و بدین سبب نسب به وقار شیرازی ، ارشد اولاد وصال می رساند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : یحیی ماهیار نوابی ، دوران ابتدایی را در زادگاه خویش و دوره ی دبیرستان را در دارالفنون و کالج آمریکایی تهران گذراند. پس از اخذ درجه ی دوم لیسانس از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و گذراندن خدمت نظام ، جهت تحصیل در مقطع دکترا به دانشگاه تهران رفت. استاد پس از دو سال برای فراگرفتن زبان های کهن ایرانی به مدرسه ی زبان های شرقی دانشگاه لندن (SOAS) رفت و در سال های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ نزد پروفسور " هنینگ " به فراگیری زبان های قدیمی ایران ، مانند پهلوی ، اوستایی و پارسی باستان پرداخت و یک سال نیز در دانشگاه گوتینگی آلمان ، زبان های ترکی کهن را فراگرفت.

استادان و مربیان : یحیی ماهیار نوابی همواره نام پرفسور هنینگ را با احترام بر زبان می آورد و اولین تحقیقات و نوشته های خود را در زمینه ی زبان های باستانی ایران ، به وی تقدیم داشته است.

وقایع میانسالی : در بیستم خرداد ماه سال ۱۳۴۱ به مناسبت عزیمت یحیی ماهیار نوابی از تبریز ، مجلس وداعی تدارک دیده شد که به طور خودجوش از سوی دانشجویان و انجمن ادبی دانشکده و همکاران علمی ایشان شکل گرفت و با برنامه ریزی در روز بیست و هفتم خرداد ماه جمع دوستداران و مشتاقان استاد و جمع کثیری از دانشجویان ، مراسم باشکوهی در دانشکده ادبیات ترتیب دادند که در آن مجلس ، معاریف و دانشمندان و شاعران آذربایجان چون نخجوانی ها ، استاد شهریار ، مفتون امینی ، بی ریای گیلانی و بسیاری دیگر در آن حضور یافتند و هریک به زبانی و به طریقی از خدمات استاد یاد کرده و شاعران به یاد دوران خدمت وی و تأسف از عزیمت او ، سروده ها و اشعار زیبایی قرائت کردند. همکاران علمی استاد و تعدادی از دانشجویان هم هر یک به فراخور ، مطالبی بیان کردند و یا اشعاری خواندند که جریان این بزرگداشت به یادماندنی ، در دفتر « وداع با استاد ماهیار » از سوی انجمن ادبی دانشکده چاپ و منتشر گردید. چکامه ای که استاد شهریار در آن روز و به مناسبت سفر استاد در ۱۲ بیت با عنوان « اشک وداع » سروده بود ، سرشار از احساسات و تعلق خاطر آن شاعر بزرگ نسبت به استاد نوابی بود. چند بیت آغازین آن چنین بود:

طوطی ، غمین نشسته که قناد می رود شیرین دلش گرفته که فرهاد می رود چرخد زمانه که یاد عزیان مکن ولی عمر عزیز هم مگر از یاد می رود؟ استاد « ماهیار » ز تبریز بسته بار شاگرد دل شکسته که استاد می رود شاعر دیگری که در این باره سروده ی خود را در ۲۰ بیت خواند ، آقای بی ریای گیلانی بود که مطلع شعر وی این است: بنگر ای دل حاصل مهر و وفای خویشتن تا نبندی رشته الفت به پای خویشتن شعر سروده شده ی آقای مفتون امینی در این مجلس بسیار شنیدنی است : دل می تپد به سینه که جانان وداع کرد خود راست گویی از تن ما جان وداع کرد... استاد ماهیار که فرزانه پیر ماست با مکتب جنون جوانان وداع کرد .... البته در روز دوشنبه بیست و یکم خرداد ماه نیز که روز عزیمت استاد از شیراز بود ، مراسمی باشکوه در فرودگاه شهر شیراز از سوی انجمن ورزشی دانشکده که استاد به آن علاقه وافری داشت و همواره در تقویت روحیه ی ورزشکاران کوشش می نمود ترتیب یافت که در آنجا هم سخنرانی هایی ایراد شد و اشعاری خوانده شد . شعر بلند استاد دکتر امیرخانی در فرودگاه با این بیت آغاز شد : دردا که از دیار وطن « ماهیار » رفت آن شهسوار مهر و وفا زین دیار رفت...

زمان و علت فوت : یحیی ماهیار نوابی در یازدهم مهر ماه سال ۱۳۷۹ ، به دور از وطن و هنگامی که برای دیدار دخترش « میترا » به سوئد سفر کرده بود ،در حالی که همراه فرزند عازم منزل بود ، در اثر ایست قلبی بدرود زندگی گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یحیی ماهیار نوابی جهت ادامه ی تحصیل مدتی به خارج از کشور رهسپار گردید. وی پس از بازگشت به کشور ، ریاست دانشکده ادبیات تبریز را بر عهده گرفت و پس از بازگشت از آمریکا نیز تا سال ۱۹۶۰ همچنان ریاست دانشکده ادبیات تبریز را عهده دار بود. پس از آن، نوابی دو سال و نیم به عنوان رایزن فرهنگی در پاکستان به فعالیت پرداخت. و با پایان یافتن مأموریت استاد در پاکستان ، کار تدریس را در گروه فرهنگ و زبان های باستانی ایران دانشگاه تهران آغاز کرد و پس از چندی به ریاست آن گروه انتخاب شد و به مدت چهار سال در این مقام بود. استاد سرانجام در سال ۱۳۵۲ خود را بازنشسته کرد و بعد از آن به عنوان مشاور رئیس دانشگاه شیراز رهسپار زادگاه خود شد و ریاست مؤسسه ی آسیایی را نیز تا سال ۱۳۵۸ عهده دار شد.

فعالیتهای آموزشی : یحیی ماهیار نوابی پس از به پایان بردن تحصیلات دانشگاهی و اخذ مدرک دکترا ، در سال ۱۳۲۷ با سمت دانشیاری در دانشگاه تبریز مشغول به کار شد ، و به تدریس زبان های کهن ایران پرداخت. استاد در سال ۱۹۵۷ جهت برخی مطالعات به آمریکا سفر نمود ، وی مدتی نیز به عنوان رایزن فرهنگی در کشور پاکستان سپری نمود و پس از بازگشت ، با سمت استادی زبان های باستانی ایران در دانشگاه تهران به کار تدریس ادامه داد. تدریس در مؤسسه ی آسیایی از دیگر فعالیت های آموزشی ایشان بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یحیی ماهیار نوابی در مؤسسه ی آسیایی ، دوره ی کارشناسی ارشد زبان و تاریخ و فرهنگ ایران را تأسیس کرد. وی با حمایت دکتر مهر ، گروهی از فضلای نامدار ایران را برای تدریس تمام وقت و نیمه وقت در مؤسسه ی آسیایی به شیراز دعوت کرد که برخی چون استاد احمد افشار شیرازی ، دکتر محمود طاووسی ، دکتر علی حضوری و ریچارد فرای به طور تمام وقت و برخی چون استاد تاجبخش ، دکتر فره وش و بدرالزمان قریب به طور نیمه وقت با آن مؤسسه همکاری می کردند و از دانشگاه شیراز استادانی همچون دکتر نورانی وصال و دکتر جعفر مؤید شیرازی در آن مؤسسه به تدریس اشتغال داشتند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یحیی ماهیار نوابی در سال ۱۹۵۷ برای تحقیق در نحوه ی مدیریت دانشگاه های آمریکا به مدت یک سال به دانشگاه های کلمبیا و مینیاپلیس اعزام شد. وی افزون بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی همواره حضوری فعال و درخور در مجامع علمی گوناگون داخلی و خارجی داشت و در مراکز و انجمن های متعددی از قبیل: انجمن فرهنگ ارتش ، فرهنگستان زبان ایران (عضویت پیوسته تا انقلاب اسلامی) ، انجمن مجموعه سنگ نبشته های ایرانی ، انجمن پژوهش های مهری ، کنگره تحقیقات ایرانی و انجمن پژوهش های درسی ، مشارکتی فعال و ثمربخش داشت. از استاد علاوه بر دهها مقاله ی وزین و ارزشمند ، کتاب های متعددی نیز به صورت تألیف و ترجمه به یادگار مانده است.

آثار :

۱ بند هش ایرانی

ویژگی اثر : پیش از چاپ گنجینه ی دستنویس های پهلوی و پژوهش های ایرانی ، استاد نوابی ، چاپی عکسی نیز از نسخه ی شماره ی یک تهمورس دینشاه از دستنویس « بندهش ایرانی » که در نزد ایران شناسان به TD ۱ شهرت دارد ، با مقدمه ای مفصل درباره ی آن به چاپ رسانیده بود.

۲ دیوان وقار شیرازی

ویژگی اثر : استاد پس از نگارش مجموعه مقاله هایی درباره ی خاندان وصال شیرازی و نیز به سبب نسبتی که با وقار ، ارشد فرزندان وصال شیرازی داشت و چون شعرهای وقار را بیش از دیگر اعضای شاعر آن خاندان می پسندید ، از این رو به فکر تصحیح و چاپ دیوان وی برآمد و جلد اول از این دیوان را که دربردارنده ی ۲۱۵ قصیده (از «الف» تا «ر») از شاعر است ، با دیباچه ای در معرفی خود شاعر و نسخه ی خطی دیوان او و توضیحاتی درباره ی اشعار وی در ۴۳۰ صفحه چاپ نمود.

۳ کتاب شناسی ایران

ویژگی اثر : فهرستی از مقالات و کتاب هایی که به زبان های اروپایی درباره ی ایران به چاپ رسیده است. استاد در مقدمه ی جلد اول از کتاب ده جلدی کتاب شناسی ایران نوشته اند : «... گردآوری این فهرست را در سال های ۱۳۲۸ – ۱۳۳۰ ، که در لندن و گتینگن بودم و به آموختن زبان های ایرانی میانه و کهن ، و پژوهش در فرهنگ ایران پیش از اسلام می پرداختم ، آغاز کردم ... » کتاب از ارزش ویژه ای برخوردار است ، پیش از آن هیچ منبع مؤثقی برای دست یافتن به آنچه دیگران درباره ی ایران نوشته اند ، به طور یک جا وجود نداشت. استاد نوابی تقریبا مدت پنجاه سال از عمر خود را بر سر این کار گذاشت که حاصل آن به صورت یک مجموعه ی ده جلدی درآمد. جلد اول این کتاب در بردارنده ی این موضوعات است : مطالعات در زمینه ی اوستا ، مانی و

مانویت ، فارسی باستان ، پهلوی (ساسانی و اشکانی) ، پارسیان هند ، زرتشت گرایی. جلد دوم کتاب شناسی ایران ، شامل زبان ، ادبیات ، شعر و شاعران ایران است که دیگران درباره ی آن تحقیق و قلمفرسایی کرده اند. جلد سوم کتاب شناسی ایران ، دربردارنده ی فهرست مقالات و کتاب های دیگران درباره ی : باستان شناسی ، معماری ، هنر (شامل فرش و قالی) و سکه است. جلد چهارم کتاب شناسی ایران ، شامل سفرنامه هاست. جلد پنجم کتاب شناسی ایران ، شامل : اساطیر و روابط خارجی (سیاسی نظامی) است. جلد ششم کتاب شناسی ایران ، شامل : دین و فلسفه و دانش است. جلد هفتم کتاب شناسی ایران ، شامل : زبان شناسی زبان های ایران باستان : مادی ، اوستایی ، فارسی باستان ، زبان های ایرانی میانه ، زبان های غیرایرانی رایج در ایران ، زبان های ایرانی نو و گویشهای گوناگون ایرانی دیگر است. جلد هشتم کتاب شناسی ایران ، شامل : جغرافیا ، نقشه ها ، ایالات و شهرهای ایران ، زیست شناسی ، جانور شناسی ، جامعه شناسی ... فولکور شهرهای مختلف ایران و ... است. جلد نهم کتاب شناسی ایران ، شامل : کشاورزی ، تمدن ، ارتباطات ، اقتصاد ، فرهنگ ، سیاست و ... است.

۴ گنجینه ی دستنویس های پهلوی و پژوهش های ایرانی

ویژگی اثر : شامل ۵۷ جلد. این مجموعه به جز شماره های ۳۹ ، ۵۰ و ۵۱ که اولی و سومی (۳۹و۵۱) مجموعه مقالات پروفسور فرای و شماره ی ۵۰ تعدادی از مقالات استاد نوابی است ، بقیه چاپ عکسی است از نسخ موجود در کتابخانه های هند و زبان اوستایی و پهلوی که اغلب آنها برای نخستین بار چاپ و به جامعه ی علمی جهان عرضه گردیده اند. این مجموعه که در قطع ها و اندازه های متفاوتی ـ به اندازه ی اصل نسخه ی خطی ـ عکسبرداری شده ، حدود پانزده هزار صفحه می باشد.

۵ متن های پهلوی

ویژگی اثر : در راستای چاپ عکسی نسخه های پهلوی ، کتاب متن های پهلوی گردآورده ی دستور جاماسب جی ، منوچهر جی جاماسب آسا با مقدمه ی « بهرام گور انکساریا » را استاد با کسب اجازه از انکساریا و نوشتن مقاله به زبان انگلیسی به چاپ رسانید.

۶ مجموعه مقالات پروفسور بیلی

ویژگی اثر : استاد نوابی اعتقادی فراوان به پرفسور « سرهارلد بیلی » زبان شناس و ایران شناس بزرگ معاصر انگلیسی داشت. در هر سفری که به اروپا می داشت ، دیداری از وی می نمود. با کسب اجازه از استاد بیلی ، قرار شد که همه ی کوته نوشته های ایشان را فراهم آورده و به چاپ برسانند که دو جلد از آن مقالات ، مجموعاً شامل ۷۳ مقاله که نوشته های بیلی تا سال ۱۹۵۲ م. بود ، با مقدمه ای از استاد نوابی در سال ۱۹۸۱ م. در شیراز منتشر شد و قرار بود که مجلدات بعدی را نیز به همین ترتیب نشر دهد که مشکلات چاپ و کاغذ و موارد دیگر این فرصت را به استاد نداد.

۷ منظومه درخت آسوریک

ویژگی اثر : متن پهلوی ، آوانوشت ، ترجمه ی فارسی ، فهرست واژه ها و یادداشت ها. این کتاب دربردارنده ی موضوعات زیر می باشد: الف) مقدمه ی استاد ، درباره ی این متن پهلوی و تحقیقات و چاپ هایی که دیگران از این متن نموده اند ، با ارجاعات مربوط. ب) مقاله ی شعری به زبان پهلوی ، از پرفسور و.ب.هنینگ ، به ترجمه ی استاد نوابی. ج) منظومه ی پهلوی درخت آسوریک از روی نسخه ی جاماسب آسانا. د) متن پهلوی ،آوانویسی لاتین و ترجمه ی فارسی آن ، همراه با زیرنویس های مفصل در توضیح متن و واژگان متن.

۸ یادگار زریران

ویژگی اثر : این کتاب که یکی از آثار کهن فارسی میانه است و به نظر دانشمندان ، اصلاً به زبان اشکانی بوده و سپس به فارسی میانه بازنویسی شده ، شاید اولین تعزیه و یا نمایشنامه ایرانی باشد که برای ما باقی مانده است. کتاب شامل پیشگفتاری است درباره ی متن ، پس ، متن پهلوی آن آمده و سپس ترجمه ی متن یادگار به زبان فارسی صورت پذیرفته و با آنچه در شاهنامه آمده مورد سنجش قرار گرفته و یادداشت های لازم برای آن تهیه و در پایان بخش منظوم آن آوانویسی و درج گردیده و واژه نامه کتاب به طور کامل فراهم و چاپ شده است.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ماهیار، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس ماهیار در سال ۱۳۱۶ در شهر ستان عجب شیر درنزدیکی تبریز متولد گردید . وی تحصیلات عالی را در رشته زبان وادبیات فارسی تا مقطع دکتری در دانشگاه تهران دنبال کرد. وی پیش از پیروزی انقلاب به عنوان پژوهشگر و مدیریت پژوهشگاه واژه های فارسی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول به کار بود. وهمچنین پس از پیروزی انقلاب نیز پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان مسئول پژوهشهای اسلامی مربوط به حدیث و در سمت مدیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی به فعالیت های علمی خود ادامه داد. دکتر عباس ماهیار درسال ۱۳۷۹ بدلیل بیماری شد و بازنشسته کرد. پس از آن به دعوت دانشگاه های تهران به تدریس پرداخت . وی حدود ۱۳ کتاب و بیش از ۳۰ مقاله که عمدتا درباره خاقانی شاعر است ، تالیف نموده است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عباس ماهیار دوران کودکی و تحصیل تا دیپلم خود را در تبریز گذراند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس ماهیار پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی و دبیرستان در تبریز در سال ۱۳۳۵ در رشته

ادبیات فارسی وارد دانشگاه تبریز شد . وی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران دنبال کرد .

خاطرات و وقایع تحصیل : عباس ماهیار در دوره کارشناسی در دانشگاه تبریز از میان رشته فلسفه و ادبیات ، ادبیات را برگزید و بتدریج به افکار خاقانی نزدیک شد .

همسر و فرزندان : عباس ماهیار دو فرزند پسر دارد که یکی از آنها پزشک متخصص ارتوپد و دیگری مهندس مایکروسافت در شبکه می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباس ماهیار همچنین پس از دریافت دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران به تدریس در مدرسه عالی پرداخت .همچنین در سال ۱۳۵۳ به عنوان پژوهشگر در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول به کار شدو پس از چند سال مدیریت پژوهشگاه واژه های فارسی را بعهده گرفت . دکتر ماهیار چند سالی نیزدر پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی ،مسئول پژوهشهای اسلامی مربوط به حدیث بود .بعد از انقلاب با شورایی شدن امور ، اعضای هیات علمی و کارکنان فرهنگستان او را به عنوان مدیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب کردند.

فعالیتهای آموزشی : عباس ماهیار پس از اخذ مدرک لیسانس به سبب علاقه بسیار به شغل معلمی به تدریس در مدارس مشغول شد .در سال ۱۳۶۲ با بازگشایی دانشگاهها به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد.تا اینکه در سال ۱۳۷۹بازنشسته شد .اما باز هم به دعوت دانشگاه تربیت معلم به تدریس پرداخت و علاوه بر آن دانشگاه در دانشگاه کرج و دانشگاه آزاد اسلامی به فعالیت مشغول است.

شاگردان : اکثر دانشجویان رشته ادبیات فارسی که بین سالهای ۱۳۷۹-۱۳۶۲ در دانشگاه تربیت معلم و برخی از دانشجویان این رشته درسالهای بعد از آن که در دانشگاه های کرج و دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می کردند از شاگردان عباس ماهیار به شمار می روند.

آرا و گرایشهای خاص : عباس ماهیار علاقه بسیاری به خاقانی شروانی شاعر دارد وبیشتر پژوهش های وی درباره خاقانی می باشد .

آثار :

۱ بررسی دیوان اثیر الدین اخسیکتی

ویژگی اثر : این اثر پایا ن نامه دکترای عباس ماهیار بوده است.

۲ ثری تا ثریا

ویژگی اثر : کتاب هفت جلدی است که جلد اول آن منتشر شد . جلد سوم آن به نا م نسیم صبح نام دارد.

۳ خار خار بند و زندان

۴ سیمای شیر یزدان در حدیقه الحقیقه

۵ عروض فارسی وقافیه

۶ گزیده خاقانی

۷ مرجع شناسی و روش تحقیق

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، گردآورنده پوران فرخزاد ،ج۲ ، ص ۱۶۷۶۲ماهیار ،طبقه پژوهشگر شرمنده خانواده است، فرهنگ پژوهشی،شماره ۱۱۲،سال ۱۳۸۲

مایل تویسرکانی، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ -۱۲۶۵ ش)، روزنامه نگار، مترجم و شاعر، متخلص به مایل. وی در تویسرکان به دنیا آمد و علوم ادبی و عربی را در همان شهر فراگرفت. در اوان مشروطیت به فراگرفتن علوم جدید پرداخت و زبان فرانسه را فراگرفت. سپس وارد خدمت فرهنگ شد و نخستین بار در تویسرکان آموزشگاهی دایر کرد و خود سرپرستی آن را به عهده گرفت و پس از چندی به مدیریت یکی از مدارس متوسطه‌ی اراک منصوب گردید. سپس به تهران آمد و به تدریس در مدرسه‌ی اقدسیه پرداخت و پس از مدتی، از طرف وزارت فرهنگ، به ریاست فرهنگ و اوقاف بابل منصوب گردید. بعد به مدت دو سال و نیم سردبیر روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» بود. سپس به مدیریت مدرسه‌ی اتحاد ایرانیان در باکو برگزیده شد. مایل در ۱۳۴۹ ق مدیریت و سردبیری روزنامه‌ی «شفق سرخ» را که بعد از کناره گیری علی دشتی در ۱۳۰۹ ش، به او واگذار شده بود بر عهده گرفت و این خدمت را چهار سال ادامه داد. از دیگر آثار وی: «قرارداد اجتماعی»، ترجمه؛ «میکرو میگاس»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۰ -۷۸/ ۳)، الذریعه (۶۵ -۶۴/ ۱۷ ،۹۵۵/ ۹)، سخنوران نامی (۴۱۲ -۴۰۶/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۳۷ -۳۱۳۴/ ۵)، شرح حال رجال (۲۹۵/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۷۹۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۰۹ ،۲۵۲۸/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۳ -۸۶۲/ ۶).

مایلی کهن، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اطلاعات باشگاهی

باشگاه کنونی

پُستهافبک

باشگاه‌های حرفه‌ای

۱۹۶۹–۱۹؟؟

۱۹؟؟–۱۹۷۶

۱۹۷۶–۱۹۹۰

قصر یخ

نفت تهران

پرسپولیس تهران تیم ملی

۱۹۸۲–۱۹۸۳

ایران دوران مربیگری

پرسپولیس تهران (دستیار)

تیم ملی ایران (دستیار)

تیم ملی فوتسال ایران

تیم ملی ایران

سایپا کرج

تیم ملی زیر ۲۳ سال

سایپا کرج

پیکان

فولاد اهواز

سایپا کرج

تیم ملی ایران

محمد مایلی کهن (زاده ۱۳۳۲ در بندر انزلی) فوتبالیست پیشین و مربی فوتبال فعلی ایرانی است. او ۱۳ سال عضو تیم پرسپولیس تهران و بازیکن تیم ملی فوتبال ایران در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲ بود.

کسب مقام چهارم جام جهانی فوتسال ۱۹۹۲ و مقام سوم جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ مهمترین موفقیت‌های مایلی کهن در عرصه مربی‌گری هستند. وی هم‌اکنون (اردیبهشت ۱۳۸۸) مربی تیم سایپا کرج می‌باشد.

دوران مربیگری

رده ملی

او در ۱۷ فرودین ماه سال ۱۳۸۸ در پی اخراج علی دایی از سرمربی‌گری تیم ملی ایران به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب گردید[۱].اما در پی اتفاقاتی که بعد از بازی استقلال – سایپا روی داد و بیانیهٔ توهین آمیزش [۲]، وی در تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ با صدور بیانیه‌ای دیگر از ادامه مربی‌گری تیم ملی فوتبال ایران استعفا کرد.[۳] او در این بیانیه با سخره گرفتن انتقاداتی که از وی شده وضعیت فوتبال ایران را با زبان کنایه زیر سوال برد.[۴]

جستارهای وابسته

- بندر انزلی
- پرسپولیس تهران

مایلی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی مایلی در ۸ آذر ۱۳۰۵ متولد گردید. وی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (وکس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود. مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت. محمدتقی مایلی پس از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادرات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است : معاونت کتابخانه دانشکده

ادبیات ، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر ، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دائره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت. استاد محمدتقی مایلی در ۲۳ مرداد سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی مایلی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (وکس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود.همسر و فرزندان : از محمدتقی مایلی یک دختر به نام هندو و یک پسر به نام مسیح باقی مانده که هر دو مشغول تحصیل اند.زمان و علت فوت : محمدتقی مایلی در ۲۳ مرداد سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی مایلی پس از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادرات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است : معاونت کتابخانه دانشکده ادبیات ، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر ، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دائره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت.فعالیتهای آموزشی : محمدتقی مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدتقی مایلی خط بسیار زیبایی داشت ، او در ایام جوانی از استاد شریفی تعلیم خط گرفته بود. آثار : اصول تربیت مربی ، بیابان های جهان ، پزشکان بزرگ

مبارکه‌ای، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید علی امام جمعه، فرزند محمد علی بن علی موسوی.

عالم فاضل، و واعظ کامل، از مشاهیر اهل منبر اصفهان، بلکه از مشاهیر خطبا و گویندگان ایران.

در ۱۷ ذی حجهٔ الحرام ۱۳۱۶ در مبارکه از قرای لنجان متولد شده، در اصفهان و طهران و خراسان نزد اساتید معروف تحصیل نموده، مدتی در ایران و هندوستان مسافرت‌ها نموده، و از فضلا و دانشمندان هر شهر و دیار استفاده‌ی علمی نموده، واعظی شیرین بیان، و گوینده‌ای فصیح زبان بود.

کتب و رسائل زیادی نوشته، از آن جمله است:

۱ – اسرار حج ۲ – اسرار و فلسفه‌ی احکام ۳ – اسلام خالص ۴ – انوار السعادهٔ، در فضیلت بنی‌هاشم ۵ – تاریخ اصفهان، در ۵ مجلد ۶ – تاریخ امکنه و بلدان، که سفرنامه است ۷ – تاریخ زندگانی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۸ – تحصیل الثمن، در شرح حدیث حب الوطن ۹ – ثمرات العلوم ۱۰ – جامع العلوم، در چهار مجلد ۱۱ – جنهٔ الاداء در آداب ۱۲ – دیوان اشعار به تخلص «صفائی» ۱۳ – دانشوران اصفهان، در ۶ مجلد ۱۴ – راهنمای ریاضیات ۱۵ – سرادق دوشیزگان، در حجاب [مطبوع] ۱۶ – سفرنامه‌ی غرب ۱۷ – سوانح العمر ۱۸ – صراط المستقیم، در نماز، مطبوع ۱۹ – کشف المهمات فی سموم المهلکات، در ۴ مجلد ۲۰ – کشف الغیب ۲۱ – مرآت الغیب ۲۲ – منهج القویم ۲۳ – مثنوی سقراطیه، در عرفان ۲۴ – مواعظ ۲۵ – نورالانور، در اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام، مطبوع ۲۶ – نور القدسی، در احوال [علامه‌ی] مجلسی؛ و غیره.

مشار الیه داماد عالم جلیل حاج میرزا محمدباقر تویسرکانی بوده، و در قبل از ظهر روز جمعه ۷ رجب سال ۱۳۶۵ به مرض سکته وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی تویسرکانی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مبعلی، ایمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران متولد ۱۳۶۱

محل تولد ایذه

رده ی سنی بزرگسالان

قد ۱۷۳

وزن ۶۵

پست هافبک

از ده سالگی در حالی که سن کمی داشت به تنها زمین فوتبال ایذه می رفت و به تنهایی به تمرین شوت و ضربات ایستگاهی می پرداخت و برای اولین باردرمسابقات دانش آموزی چهره شد،در سال هفتاد و دو به عنوان قهرمان مهارت های فردی ایران دست یافت و در همان سال به عضویت تیم آموزشگاهای خوزستان در آمد وی سپس درسن شانزده

سالگی با پرسپولیس ایذه فوتبال را بصورت جدی دنبال نمود و در سال هفتادوهفت به استقلال اهواز آمد و با این تیم قهرمان کشور شد، در سال هفتادوهشت توسط بگوویچ به تیم بزرگسالان فولاد دعوت شد او در تیم فولاد بازی می کرد که توسط مناجاتی به تیم ملی جوانان دعوت شد و در سال هفتاد و نه توسط برادو مربی برزیلی تیم ملی بزرگسالان نیزبه تیم ملی بزرگسالان دعوت شد او همزمان در هر سه رده ملی شروع به بازی نمودو با تیم ملی امید قهرمان بازیهای آسیایی پوسان شد وی تاکنون بیست و هشت بازی ملی انجام داده است

مبلغی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ عبدالله مبلغی یکی از گویندگان توانا و شجاع حوزه علمیه می‌باشند. وی در سال ۱۳۰۴ شمسی در شهر آبادان متولد و در سن ۱۶ سالگی برای فراگرفتن مقدمات به بهبهان هجرت و در محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالهادی مجتهدی مقدمات را آموخته و با آبادان مراجعت و پس از یک سال به رامهرمز رفته و مقداری از سطوح فقه و اصول را از محضر آیت‌الله العظمی حاج سیدعلی بهبهانی آموخته و در سال ۱۳۲۵ شمسی به قم مشرف و بقیه سطوح را از محضر آیت‌الله صدوقی و مرحوم وحید گیلانی و کلام را از آیت‌الله فکور و حکمت را از آقای حاج سیدرضا صدر و کفایه را از آیت‌الله سلطانی آموخته آنگاه به درس خارج فقه و اصول زعیم‌الشیعه آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله حاضر شده و تا هم اکنون بالغ بر پانزده سالست که از شرکاء درس معظم‌له می‌باشد.

آقای مبلغی زبان گویا و بیان شیوائی دارند و مدت ده سال در محرم و صفر به آباان رفته و تبلیغات سودمندی نموده و اثرات جالبی از بناء مسجد بهبهانیهای مقیم آبادان و غیره از خود گذارده‌اند و اکنون بالغ بر ده سالست که در استان ساحلی شهر میناب و بندرعباس از طرف مردم، آن سامان دعوت شده و در محرم و صفر در آنجا انجام وظیفه می‌دهند و نیز به نقاط مختلف دیگر هم مسافرت تبلیغی نموده و خدمات کرده‌اند.

آثار و خدمات وی در این مناطق بسیار منجمله دو مسجد در میناب یکی به نام امام زمان علیه‌السلام و دیگری به نام فاطمه زهرا علیهاالسلام ۳- تجدید بناء مسجد کوفه بندرعباس که در اثر بیانات گرم ایشان به همت اهالی انجام یافته و در آنجا بی‌نظیر است ۴- مسجد پشت شهر بندرعباس به نام امام زمان ۵- مسجدی در تایبند بندر که از محله‌های شهر عباسی است به نام مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام که این دو مسجد با بناء گلدسته به دستور و امر به حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی انجام گرفته است.

اما آثار قلمی ایشان از این قرار است ۱- زندگانی دوازده امام ۲- زندگانی امام حسین و یارانش ۳- زندگانی حضرت خدیجه و فاطمه و زینب علیهم‌السلام ۴- مجموعه سخنرانیهای او ۵- ارشاد الواعظین از نظر آیات و روایات

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مبینی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی مبینی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از گذراندن دوره مقدمات در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. در قم در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پرداختم و مدارک کارشناسی در رشته معارف اسلامی و کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی را از آنجا اخذ کردم. سپس در دوره دکترای کلام در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و اکنون در مرحله تدوین پایان نامه هستم. ضمنا عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم می‌باشم.

متانت، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا متانت از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.

ایشـان در سال ۱۳۱۰ شمسـی در (کنجـد جان گلپایگان) متولـد شـده و تحصـیلات مقـدمات و ادبیات خود را نزد مرحوم آقا شـیخ ابوالقـاسم نحوی به پایان رسانـده و در کرمانشاه فقه و اصول و فلسـفه را از محضـر آیت‌اللّه حاج شـیخ محمـدحسن علامی اسـتفاده نموده و از ابتداء تأسـیس مدرسه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی تا به حال به تدریس سطوح عالیه مشغول بوده و در مسجد صباغ مشغول به امامت مسجد و ارشاد و تبلیغ مردم کرمانشاه می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مترجم همایونی فره‌وشی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، از فرهنگیان قدیمی، سال‌ها در اصـفهان و طهران مصدر خدمات بوده، به زبان عربی و فرانسه و انگلیسـی تسلط داشته، کتب زیـادی ترجمه نمـوده، و بسـیاری از آنهـا را به طبـع رسانیـده است، و از آن جمله است: ۱ - ایرانی که من شـناختهام، تـألیف نیکیتین ۲ - باستان نامه، مجموعه‌ی داستان‌های تاریخی و باستانی ۴ - سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری، فارسی ترجمه ۵ - ترجمه‌ی سفرنامه‌ی مادام دیولافوا، مطبوع؛ و غیره.

در شعبان ۱۳۸۸ در طهران وفات یافت.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

متطبب اصفهانی، غیاث بن محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشهور به مجلدی، مؤلف کتاب مرآت الصحهٔ در طب، به زبان فارسی که جهت بایزید خان عثمانی در سال ۸۹۶ هجری تألیف شده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

متفکر، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین متفکر

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حسین متفکر متولد ۱۳۴۱، در روسـتای کشکسرای مرند آی در یک خانواده کاملا مذهبی به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در دبستان رازی و مقطع راهنمـایی را در مـدرسه راهنمـایی شـیخ هلاـل روسـتای کشکسـرای بـا رتبه اول به پایـان رسانـد. در کنار تحصـیل به دامداری و کشاورزی نیز مشغول بود. در سال ۵۷-۵۶ وارد دبیرستان شد، سال اول را با رتبه اول به پایان رساند. علاوه بر شرکت در تمامی راهپیماییها، اولین راهپیمایی کشکسرای را سازماندهی کرده و اقدام به سخنرانی علیه شاه نمود که با این فعالیتها تحت تعقیب سـاواک قرار گرفت. در این دوران به آمـوزش نیروهـای جـوان و انقلابـی پرداخته و حـدود هزار نفر از افراد کشکسـرای و حومه را تحت آموزش قرار داد. در اوایل سال ۵۸ به عضویت رسـمی سپاه درآمد. در این زمان و بعد از پیروزی انقلاب در مبارزه با منافقین و حزب توده، چریکهای فدایی خلق، روشـنفکرمأبان، متحجرین و مقدس مأبان، شـرکت نمود. با شروع مبارزات حزب خلق مسلمان علیه انقلاب متفکر که در تبریز برای مقابله با آنها در اکثر صـحنه ها از جمله باز پس گیری صدا و سـیما، بخشهایی از دانشگاه تبریز و تصـرف مقر حزب خلق مسلمان و برخوردهای خیابانی حضور فعال داشت. در سال ۶۱ عازم جبهه شد و به عنوان مسئول آموزش پیرانشهر مشغول فعالیت شد و به صورت غیر متوالی حدود ۴۵ ماه در جبهه ها حاضر شد.

متقی راد، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا متقی راد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

قبل از انقلاب اسلامی درسال ۱۳۵۵ ازتهران به قم آمدم و در شهر مقدس قم سکونت اختیار کردم. دروس حوزه علمیه را در مدرسه مبارکه رضویه شروع کردم و از سال ۱۳۵۸رسما در امتحانات حوزه شرکت کردم و اساتید اینجانب حضرات آیات جوادی آملی، فاضل لنکرانی، اشتهاردی، دوز دوزانی، مظاهری، مشکینی و خرازی بوده اند. مدت ۸ سال در پژوهشکده حوزه و دانشگاه (موسسه) به عنوان محقق و عضو گروه مدیریت و مدت ۲ سال در موسسه فرهنگی انتظار نور به عنوان محقق و کارشناس مطالعات و پژوهش همکاری داشته ام. مقالاتی را در برخی مجلات دانشگاهی و غیر دانشگاهی به چاپ رسانده ام و قبلا و عمده فعالیتهایم در بخش برنامه ریزی پژوهشی است و مقالاتی چند در دست تحقیق دارم به مدت یکسال نیز به عنوان مدرس در مدرسه های علمیه کاشان مشغول بوده ام و بخش وسیعی از فعالیتهای اینجانب در تبلیغ معارف اسلامی در دانشگاهها و سایر مراکز مردمی بوده است و در حال حاضر در دانشگاه، دروس معارف و اخلاق اسلامی را تدریس می کنم. دروس دانشگاهی را از سال ۶۹ آغاز کردم و فعلا فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی هستم.

متقی زاده، ایرج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ایرج متقی زاده

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۲ وار حوزه علمیه لنگرود شدم. پس از سه سال وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۹ در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی قبول شدم. همزمان به تحصیل و تحقیق نیز ادامه دادم، بطوری که حدود ۲ سال در قسمت مخزن کتابهای مرجع آیت الله مرعشی نجفی (ره) مشغول تحقیق بودم. از سال ۱۳۶۸ همزمان با تحصیل با جناب آقای محمد دشتی مترجم نهج البلاغه آشنا شدم که این همکاری در موسسات تحقیقات امیرالمومنین (ع) به مدت ۸ سال مستمر ادامه داشت که حاصل تلاش آن چاپ کتابهای زیادی ازجمله شعر و شاعری در نهج البلاغه در دو جلد فرهنگ لغات نهج البلاغه و ... فهرست موضوعی نهج البلاغه که اختصاصا مربوط به اینجانب می باشد. علاوه بر آن شرح و ترجمه کتاب از جرجی زیدان نیز در طول این سالها یکی از کارهای اینجانب بود.

متّقی گزی، محمّد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حاج آخوند از مشاهیر و علمای دیگر گز برخوار است. او در زمان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ هجری قمری) امام جماعت مسجد جامع گز را دارا بوده است که او و اجدادش از اواخر زندیه تا اواخر قاجار به مدت تقریبی ۱۲۰ سال یکی پس از دیگری به شرح زیر در مسجد جامع بزرگ (سلجوقی) گز اقامه جماعت می‌نموده‌اند.

در فواصل زمانی بعضی از علمای دیگر با آنها مشارکت داشته‌اند. و ادای مسؤولیت دینی و مذهبی را قبول کرده و علاوه بر حل و فصل مسائل شرعی و فقهی مردم، وظیفه آموزش و تحصیل علمی داوطلبین فرزندان این نواحی را به عهده می‌گرفته‌اند. در احوالات آنها آمده که اصولاً از اولاد یکی از اعضاء و بزرگان خاندان زندیه بنام میرمحمّد بوده که او در زمان درگیرهای سپاهیان و عشایر قاجار در جنگهای داخلی با خاندان زندیه به گز پناهنده شده و با کارگری و اشتغال به پارچه‌بافی و کرباس‌بافی گذران زندگی می‌کرده است. بعدها متأهل شده و ضمن همت گماشتن به تحصیلات فرزندان خویش، با جامعه و فرهنگ بومی‌منطقه در آمیخته و هماهنگ گشته است. به همین دلیل، بعدها افرادی از این خانواده با انتخاب لقب زندیان جزی در حفظ اصالت خانوادگی- اجتماعی خویش اقدام نموده‌اند که یکی از این نمونه‌ها رحمت‌اللّه ابن میرزا هیبت‌اللّه ابن رحمت‌اللّه ابن ملّا حاج آقا ابن ملّا محمّد

باقر ابن ملّا محمّد تقی ابن محمّد بوده و بدین ترتیب، پدر مرحوم محمّدعلی (حاج آخوند) ابن مرحوم ملا محمد حسین متقی ابن ملا محمد باقر معروف به ابوالفقرا ابن ملا محمد تقی ابن محمد می‌باشد که از رجال زندیه بوده است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

متکلم نیشابوری، تاج‌الدین حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۱ ق)، ادیب، صوفی و شاعر. مشهور به حسن متکلم. منشأ او نیشابور و محل تربیتش هرات بود. علوم ادبی و شعر را در آن شهر نزد مولانا مظفر هروی فراگرفت. وی از شعرای معروف خاندان کرت و از شاعران مدیح‌سرای دربار ملک غیاث‌الدین (۷۲۹ – ۷۰۷ ق) به شمار می‌رفت. او معاصر فرزندان ملک غیاث‌الدین یعنی ملک شمس‌الدین، ملک حافظ و ملک معزالدین نیز بود. چندی هم نزد شیخ زین‌الدین تایبادی بر طریق تصوف تلاش و مجاهده کرد. شیخ زین‌الدین در مورد وی گفته که مولانا حسن، موضع تجلی و محل ظهور اسم متکلم است؛ و لذا حسن به متکلم شهرت یافت. او در صنایع و بدایع شعری مهارت داشت. در نیشابور درگذشت و قبرش در حوالی مزار شیخ فریدالدین عطار است. بنا به آورده‌ی «الذریعه»، در «شاهد صادق» مرگ وی ۷۷۱ ق ذکر شده است. از آثارش: رساله در «صنایع بدیع»، به اسم ملک غیاث‌الدین؛ «دیوان شعر، در حدود چهار هزار بیت. در برخی تذکره‌ها قصایدی به وی نسبت داده شده که بیانگر انتساب او به آل سامان است، گرچه صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» این انتساب را صحیح نمی‌داند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۵۱ -۸۴۴/ ۳)، تذکرة الشعراء (۳۰۲ -۳۰۱)، الذریعه (۹۵۷، ۲۴۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۰)، مجمع الفصحا (۲۶ -۲۵/ ۴).

متین دفتری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۵ ق)، حقوقدان، نویسنده و مترجم. نام پدرش در بعضی مآخذ محمودخان و در بعضی محمدحسین ذکر شده است، در حالی که محمدحسین نام جد وی می‌باشد. متین در تهران به دنیا آمد. در شش سالگی به لقب سابق پدرش، اعتضاد لشکر، و به گفته خویش اعتضاد خاقان، ملقب شد و شغل پدر را که همان لشکرنویسی بود اختیار نمود. او بعدها ملقب به متین‌الدوله گردید. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی آلمانی تهران به پایان برد و زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی را آموخت. سپس به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. متین دفتری، در ۱۳۰۵ ش، به وزارت دادگستری وارد شد و پس از چندی به اروپا رفت و موفق به دریافت درجه‌ی دکترای حقوق گردید. وی در ۱۳۱۸ ش نخست وزیر شد. او چند دوره سناتور و در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورا نماینده‌ی مردم مشکین‌شهر بود. از آثارش: «آیین دادرسی مدنی و بازرگانی»، در سه مجلد؛ «روابط بین‌المللی از قدیم‌الایام تا سازمان ملل متحد»؛ «تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل»، ترجمه؛ «سیاست جزایی»، فارسی و فرانسه؛ «احکام تفصیلی هیئتهای عمومی دیوان کشور»؛ «انجمن آثار ملی ایران»، ترجمه؛ «دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور»؛ «رویه‌ی قضایی»، در چهار بخش؛ «کلید استقلال اقتصادی ایران».[۱]

استاد ممتاز دانشگاه، حقوقدان و محقق بین‌المللی، سیاستمدار، فرزند محمود دفتری (عین‌الممالک) فرزند میرزا حسین وزیر دفتر فرزند میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر فرزند میرزا حسین آشتیانی فرزند میرزا کاظم مستوفی‌الممالک فرزند میرزا محسن آشتیانی است. میرزا محسن از رجال و معاریف اوایل زندیه می‌باشد اولاد و احفاد وی در یکصد و پنجاه سال اخیر از حکومتگران ایران بوده‌اند. خانواده‌های وثوق الدوله، قوام‌السلطنه، معتمدالسلطنه، مصدق‌السلطنه، متین دفتری، دفتری، معاون، فرهاد معتمد، شکوه، دادور و میکده همگی از نسل همین میرزا محسن آشتیانی هستند.

متین دفتری در ۱۳۱۴ ه.ق در تهران تولد یافت. هنوز به شش سالگی نرسیده بود که توارثا منصب لشکرنویسی فوجهای دماوند و فیروزکوه و پیاده سیستان و مظفر تبریز به او رسید. این شغل قبلا شغل پدرش بوده و پس از آنکه مرحوم به مقام مستوفی ارتقاء یافت به فرمان مظفرالدین شاه با عنوان جناب و لقب اعتضاد لشکر و بعد متین‌الدوله به او واگذار گردید. او از همان اوقات تحصیلات خود را در مکتب خانه جدش وزیر دفتر شروع کرد. پس از یاد گرفتن مقدمات به آموزش زبان عربی و ادبیات فارسی و جغرافیا و حسن خط پرداخت و علوم آن روز را به حد کامل آموخت. سپس وارد مدرسه ایران و آلمان که به خرج دولت آلمان و ایران تأسیس شده بود گردید و مدت هشت سال در آنجا به تحصیل پرداخت و زبانهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی را به حد کامل یاد گرفت و زبان عربی و معارف اسلامی را نزد شیخ محمد عبده تکمیل نمود؛ ضمنا در آموزش بعضی از دروس مدرسه حقوق جدیت تام به خرج داد. در اوایل جنگ بین‌الملل اول وارد وزارت امور خارجه گردید و در اداره تحریرات روس مشغول کار گردید؛ همزمان همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و در روزنامه عصر جدید اخبار روزنامه رویتر را ترجمه می‌کرد و ضمنا مقالات مستقل هم می‌نوشت. متین دفتری هنگامی که در وزارت خارجه اشتغال داشت تحصیلات خود را ادامه داد و یک دوره کامل فقه و اصول و ادبیات عرب را نزد آقا سید اسدالله خارقانی که ملای روشنفکری بود تحصیل نمود. پس از جنگ بین‌الملل

اول با مشارکت مصدق‌السلطنه و نصرت‌الدوله و نظام‌السلطنه و ذکاءالدوله غفاری مجله‌ای به نام مجله علمی دائر کردند که چند سالی انتشار آن دوام داشت. پس از تعطیل مجله علمی به روزنامه ستاره ایران و زبان آزاد پیوست و در حزب دموکرات عضو فعال گردید. از ۱۲۹۸ نیز دوره مدرسه عالی حقوق را گذراند. به هنگام نخست‌وزیری وثوق‌الدوله با کمک عبدالرحمن بیک قنسول عثمانی در تهران که نزد متین دفتری زبان آلمانی فرا می‌گرفت طرح سجل احوال را در ایران تهیه و تسلیم رئیس دولت کرد. برمبنای همان طرح از آن تاریخ شناسنامه در ایران بوجود آمد و بعدها جنبه‌ی قانونی پیدا کرد.

در ۱۳۰۱ ش با حفظ سمت در وزارت امور خارجه نماینده مصدق‌السلطنه والی آذربایجان در تهران شد. در آن هنگام هریک از ولاه یک نماینده در تهران تعیین می‌نمودند که کارهای ایالت را در دوایر دولتی مرکز تعقیب کند.

چندی هم مستشار ایرانی و مترجم سفارت آلمان بود. آخرین سمتی که در وزارت امور خارجه بدست آورد ریاست اداره عهود و جامعه ملل بود که در سازمان جدید وزارت خارجه از ادغام چند اداره تشکیل یافته بود. کتابهای کلید اقتصادی ایران و کاپیتولاسیون از تحقیقات و مطالعات دوران وزارت خارجه اوست که همان موقع چاپ و انتشار یافت.

در ۱۳۰۶ ش داور اختیارات اصلاح دادگستری را گرفت و در همان سال عدلیه با سازمان و افراد جدید فعالیت خود را آغاز کرد. متین دفتری و پدرش عین‌الممالک هر دو از افرادی بودند که به دعوت داور به خدمت قضا اشتغال ورزیدند و با رتبه قضائی اولی به دادیاری و بعد به مستشاری استیناف و دومی به مستشاری دیوان جزای عمال دولت برگزیده شدند.

متین دفتری قریب دو سال در امر قضا با داور همکاری نزدیک داشت و او را در برنامه‌های سنگینی که عهده‌دار شده بود یاری می‌نمود. در ۱۳۰۸ ش داور را برای مطالعه در سازمان قضائی فرانسه و ادامه تحصیل به اروپا فرستاد و او ضمن کارآموزی در دادگاههای پاریس و ژنو و برلن دوره دکترای حقوق را در سویس پایان برد. پس از مراجعت از اروپا مدتی مدیر کل و معاون اداری بود تا سرانجام در ۱۳۱۰ به معاونت کل وزارت دادگستری منصوب گردید و در تهیه و تدوین قوانین مهمی چون قانون مدنی، قانون تجارت، آئین دادرسی حقوقی و بازرگانی و اصول محاکمات جزا نقش اساسی داشت. در ۱۳۱۱ مدتی در غیاب داور که به اروپا سفر کرده بود عهده‌دار کفالت وزارت دادگستری شد. در همین سمت پرونده تیمورتاش بدست او آماده طرح در دادگاه گردید. در ۱۳۱۲ داور به وزارت دارائی انتقال یافت و قرار بود متین دفتری به وزارت دادگستری منصوب شود ولی رضاشاه ترجیح داد یکی از قضات قدیمی عهده‌دار این سمت گردد و لاجرم صدرالاشراف دادستان کل به وزارت دادگستری منصوب شد ولی عملا کارهای مهم وزارتخانه از قبیل تهیه لوایح و دفاع از آن در کمیسیونهای دادگستری با معاون کل بود.

متین دفتری در ۱۳۱۳ هنگام تأسیس دانشگاه تهران برای احدی تصدی استادی کرسی حقوق جزای خصوصی به دانشکده حقوق دعوت شد و قریب چهل سال بدون وقفه در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در همان سال بدنبال تشکیل جمعیت طرفداران سازمان ملل به دبیر کلی آن جمعیت برگزیده شد.

داور برای تعقیب اصلاحات دادگستری و تکمیل خدمات خود تلاش می‌نمود تا متین دفتری که دست پرورده او بود به مقام وزارت برسد. سرانجام در ۱۳۱۵ صدرالاشراف از وزارت معزول و متین دفتری جای او را گرفت.

دکتر متین دفتری در خاطرات خود درباره انتصاب به وزارت دادگستری چنین می‌نویسد: «در تابستان ۱۳۱۵ به مناسبت این که مدتی بود جمعیت طرفدار جامعه ملل را هم من در دانشکده حقوق ضمن تدریس در آنجا به موازات کارهای معاون وزیر دادگستری اداره می‌کردم به دعوت مسیو آونول دبیر کل جامعه ملل به اتفاق همسرم از راه زمینی بغداد و بیروت عازم ژنو شدم و صبح روزی که کشتی مرکوب، پس از یک هفته مسافرت بسیار مطبوع در آبهای مدیترانه وارد بندر تریست می‌شد به من در رستوران کشتی خبر رسید که رئیس شهربانی بندر برای ملاقات من به سالن کشتی آمده است و در چند ثانیه با خیالات مشوش از پلکان رستوران به طرف سالن بالا می‌رفتم افسری با انیفورم پرزرق و برق دیدم که با بلند کردن دست و سلام فاشیستی استقبالم کرد و پاکتی به دست من داد. آن را گشودم تلگرافی بود به امضای آقای محمد ساعد مراغه وزیر مختار ایران در رم در یک جمله کوتاه با این عبارت تکان‌دهنده «حسب‌الامر فورا به تهران مراجعت فرمائید.» بدون هیچ توضیحی که همین ابهام انسان را همیشه دچار توهمات و حدسیات بدی می‌کند مراجعت با کشتی که زودتر از یک هفته حرکت نمی‌کرد عملی نبود ناچار با راه‌آهن حرکت کردم که پس از عبور از سویس و آلمان از راه روسیه به ایران برگردم به ژنو که رسیدم نصرالله انتظام در هتل بدیدنم آمد و از منصورالسلطنه نماینده ایران در جامعه ملل پیغام آورد به موجب تلگرافی که از وزارت خارجه رسیده است من مجاز نیستم در ژنو با دبیر کل جامعه ملل تماس بگیرم و به اصطلاح در آنجا آفتابی شوم و اضافه می‌کرد منصورالسلطنه از وصول این تلگراف برای من نگران شده است اما من با اعتماد به نفس به سفر بازگشت ادامه دادم و روزهای طولانی این مسافرت را در آن اوان که هنوز هواپیمای کشوری و تجارتی بین‌المللی دائر نشده بود در راه‌آهن بطئی‌السیر روسیه طی می‌کردم و روزی که کشتی ما وارد بندر پهلوی شد و نمی‌دانستم چه سرنوشتی در انتظار من است دیدم اتومبیل وزارت دادگستری جلوی بندر حاضر است و در آنجا مطلع شدم شاه از محاکمه جزائی عده‌ای که در زمان تصدی آقای علی منصور در وزارت راه مشاغلی به عهده داشتند و متهم شده بودند ناراضی است و وزیر دادگستری از خدمت معاف شده است.»

متین دفتری مدت سه سال وزیر دادگستری بود و با همان شدت و حدت که در داور وجود داشت وضع قوانین جدید را ادامه داد. در ۱۳۱۷ به عضویت فرهنگستان برگزیده شد و در همان سال در رأس سازمان جدیدی به نام سازمان پرورش افکار قرار گرفت. سرانجام در آبان ماه ۱۳۱۸ به هنگام افتتاح مجلس دوازدهم از طرف رضاشاه نخست‌وزیر شد.

او درباره نخست‌وزیر شدن خود در خاطراتش چنین می‌نویسد: «یک شب در هیئت وزیران که من هنوز وزیر دادگستری بودم و تازه جنگ جهانی دوم شروع شده بود شاه یک مسئله مهم بین‌المللی را برای یک اقدامی که در نظر داشت مطرح کرد و عاقبت به همه امر فرمود مقاله‌ای بنویسند و بوسیله رئیس دفتر مخصوص هرچه زودتر به عرض برسانند، عینا مثل یک امتحان کتبی که معلم به شاگردان خود می‌دهد. روزی که من مقاله خود را تسلیم کردم مرحوم شکوه اظهار داشت شاه فرموده‌اند برای بهترین مقاله جایزه درنظر گرفته‌اند. از جایزه خبری نشد و شاه هم راجع به آن موضوع دیگر چیزی نفرمودند ولی چندی نگذشت که روز افتتاح

مجلس (دوره دوازدهم قانونگزاری) که علی‌الرسم دولت مستعفی و کابینه جدید معرفی می‌شود شاه من را مأمور تشکیل کابینه فرمودند. من چون خودم هیچ اقدامی برای احراز این مقام نکرده بودم و اصلا در آن زمان این گونه تشبث‌ها مجاز و معمول نبود حدس زدم که مقاله من در این تصمیم شاهانه شاید بی‌تأثیر نبود یا لااقل یکی از عوامل آن بوده است».

نخست‌وزیری متین دفتری زیادی طولانی نشد. در تیرماه هزار و سیصد و نوزده یعنی پس از ۸ ماه زمامداری مغضوب و از کار برکنار و مدتی در بازداشت و تا شهریور بیست در منزل خود تحت‌نظر بود. در ۱۳۲۲ از طرف متفقین به جرم ژرمانوفیلی بازداشت شد. مدتی در اراک و مدتی در رشت در اسارت انگلیس و روس بسر برد تا سرانجام از این مخمصه جان سالم به در برد. در بهمن ۱۳۲۴ که وضع کشور در اثر وقایع آذربایجان رو به وخامت می‌رفت و تدابیر حکیمی بی‌ثمر ماند، مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود قوام‌السلطنه را با اکثریت بسیار ضعیفی به نخست‌وزیری انتخاب کرد. قوام برای استحکام کابینه خود دو تن از نخست‌وزیران سابق را به عضویت کابینه دعوت کرد؛ سهام‌السلطان بیات را برای وزارت دارائی و دکتر متین دفتری را برای وزارت مشاور. بعد با تعیین سایر وزیران قوام هیئت دولت را به شاه معرفی کرد ولی هنگام معرفی وزیران به مجلس از معرفی متین دفتری خودداری نمود. متین دفتری در این زمینه در یادداشت‌های خود چنین متذکر شده است. «در اواخر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در ایامی که اختلافات ایران و شوروی در آذربایجان برپا شده بود آقای قوام به نخست‌وزیری منصوب شد. ایشان قبل از تشکیل کابینه به این فکر افتادند که هیئت بزرگ و برجسته‌ای مرکب از بعضی رجال به مسکو اعزام دارند و آن موقع تصمیم نداشت شخصا به این مسافرت برود لذا به اینجانب مراجعه و اظهار کرد میل دارم شما که در امور بین‌المللی وارد می‌باشید و تخصص در چنین مسائل دارید ریاست این هیئت را قبول و به اتحاد جماهیر شوروی مسافرت کنید و بعد برای اینکه این هیئت به دولت انتساب نزدیکتری داشته باشد تکلیف قبول وزارت مشاور را نمود و اینجانب هم نظر به اوضاع باریک آنروز که در منتهای وخامت و تیرگی بود با این نظر موافقت و مشغول مطالعه سوابق کارهای مربوط به مأموریت مسکو گردیدم. روز ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ من و سایر اعضاء کابینه به اعلیحضرت همایونی معرفی شدیم و فرمانی دائر بر وزارت مشاور من صادر گردید. مظفر فیروز و بعضی اشخاص دیگر که نقشه‌هائی داشتند از شرکت من در کابینه نگران شده و یقین داشتند با بودن دکتر متین دفتری در کابینه عرصه بر آنها تنگ خواهد شد و نخواهند توانست قوام را هرطور بخواهند بگردانند. بدین جهت به قوام اینطور تلقین کردند که اگر دکتر متین دفتری چندی در دولت بماند کارها را قبضه خواهد کرد و جای شما را خواهد گرفت. اما حقیقت این بود که عمال نفت جنوب میل داشتند کسانی به مسکو بروند که مورد اعتماد خودشان باشند و با دکتر متین دفتری مخالف بودند، برای این که از او در زمان نخست‌وزیری‌اش صدمه خورده و برای انتقام هنگام اشتغال ایران به زندان متفقینش انداخته بودند و این نکته روزی به ثبوت رسید که در حبس متفقین از من استنطاق کرده بودند چرا در زمان نخست‌وزیری به کمپانی فشار می‌آوردی و می‌خواستی امتیاز ۱۹۳۳ را ملغی کنی. دست‌نشاندگان مصطفی فاتح به قوام فشار آوردند که دکتر متین دفتری را به مجلس معرفی نکند. قوام که از هر طرف گرفتار عمال اجنبی شده بود بودن ذره‌ای استقامت از آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی خواهش کرد که دکتر متین دفتری را ملاقات و به ایشان اطلاع دهند که فراکسیون حزب توده در مجلس مخالف شرکت ایشان در کابینه است و در موقع معرفی به مجلس جنجال برپا خواهند کرد چه خوب است از وزارت استعفا دهید.»

متین دفتری با وجودی که عده‌ای چون طباطبائی و سهام‌السلطان و مظفر فیروز به او تکلیف استعفا کردند نپذیرفت و قوام نیز او را به مجلس معرفی نکرد.

در انتخابات دوره پانزدهم که کلا به دست حزب دموکرات قوام‌السلطنه انجام گرفت متین دفتری یکی از نه کاندیدای دکتر مصدق برای مجلس بود. برای جلوگیری از رویه حزب و بی‌طرفی در انتخابات متین دفتری به اتفاق عده‌ای از رجال در دربار متحصن شدند ولی این تحصن نتیجه‌ای نداد و انتخابات تهران مطابق میل قوام‌السلطنه انجام گرفت. متین دفتری با وجودی که قوام‌السلطنه و حزب دموکرات از یکطرف و رزم‌آراء رئیس ستاد ارتش از طرف دیگر مخالف انتخاب وی به نمایندگی مجلس بودند در همان دوره از صندوق مشگین شهر سر درآورده و در زمره وکلای دوره پانزدهم قرار گرفت. هنگام طرح اعتبارنامه او عباس نراقی وکیل کاشان و عضو فراکسیون دموکارت ایران که یکی از پنجاه و سه نفر محکومین توده‌ای دوره وزارت دادگستری متین دفتری بود به مخالفت پرداخت و یکی از وکلای آذربایجان از او دفاع کرد. سرانجام اعتبار نامه او به تصویب رسید. متین دفتری برای ساقط کردن کابینه قوام‌السلطنه دست به اقدامات دامنه‌داری زد، نطق مفصلی راجع به جریان انتخابات تهران نمود. باید او را یکی از عوامل سقوط قوام به حساب آورد.

در ۱۳۲۸ شاه تصمیم به تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر در قانون اساسی به نفع خود نمود. برای اینکه کار خود را موجه قلمداد کند عده زیادی از رجال صدر مشروطیت که در آن تاریخ حیات داشتند و همچنین تنی چند از رجال حقوقدان را به کاخ خود دعوت کرد و منظور و مقصود خود را برای تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر مواد قانون اساسی مطرح کرد و سران قوم همه نظر شاه را تأیید کردند. تنها متین دفتری در آن جلسه به مخالفت پرداخت و شاه را از شبیخون زدن به قانون اساسی برحذر داشت و سرنوشت شاه را با عاقبت محمد علی شاه مقایسه نموده بود. سخنان متین دفتری در آن جلسه به اندازه‌ای تند و شدید بود که سرانجام شاه به او گفته بود «خفه شود فضولی نکن».

اولین انتخابات مجلس سنا که توسط طبقه باسواد و به طریق دو درجه‌ای انجام گرفت متین دفتری سناتور دوم تهران شد. در اوایل ۱۳۲۹ که شایعه نخست‌وزیری سپهبد رزم‌آرا در اذهان قوت گرفت او به مخالفت برخاست و روزی که شاه فرمان نخست‌وزیری او را توشیح کرد به ملاقات شاه رفت و از سوء تدبیر شاه در انتخاب رزم آرا و ظهور دیکتاتور جدید، شاه را مذمت و لعن و نفرین کرد. او به شاه گفته بود با این عمل جسد پدر خود را آتش زدی. در مجلس سنا در صف اول مخالفین رزم‌آرا قرار گرفت، با وجودی که دو برادرش از همکاران نزدیک رزم‌آرا بودند- سرتیپ دفتری ریاست شهربانی و دکتر عبدالله دفتری وزیر اقتصاد را برعهده داشتند، متین دفتری با برنامه دولت به شدت مخالفت کرد و طی سخنان طولانی از سناتورها تقاضا نموده که به او رأی اعتماد ندهند و رزم‌آرا با تلاش فراوان و برخورداری کامل از حمایت شاه رأی اعتماد ضعیفی در مجلس سنا بدست آورد.

در ۱۳۳۰ متین دفتری از طرف مجلس سنا به اتفاق دو سناتور دیگر مأمور نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت غاصب انگلیسی شد. احاطه وی به مسائل بین‌المللی موجب شد قانون مزبور بدون درد سر به مرحله اجرا درآید. او در معیت دکتر مصدق به سازمان ملل رفت و نفوذ وی در بین نمایندگان سازمان ملل تأثیر شگرفی بر جای گذاشت. در ۱۳۳۱ وقتی لایحه مصادره اموال قوام‌السلطنه دشمن دیرین او را پس از تصویب مجلس شورای ملی به مجلس سنا بردند در کمیسیون دادگستری که ریاست آن با متین دفتری بود به سختی ایستادگی نمود و آن را مخالف قانون اساسی دانست. همان استقامت او موجب انحلال مجلس سنا در دوره مصدق گردید.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد که حکومت کشور به دست سپهبد زاهدی به راه دیکتاتوری کشیده شد، متین دفتری در مقام مقابله با دولت برآمد و از انتخابات دوره هیجدهم مجلس شورای ملی و دوم سنا انتقاد کرد و نامه سرگشاده‌ای به انجمن نظار انتخابات دوره دوم مجلس سنا نوشت و سرانجام طی نامه‌ای که به جراید فرستاد انتخابات را تحریم نمود ولی پس از انجام انتخابات متین دفتری این بار به عنوان سناتور انتصابی به سنا رفت و از این تاریخ تا به هنگام مرگ دیگر آن شور و هیجان سابق را نداشتند، فقط در تنقیح لوایح دولت می‌کوشید، گاهی نیز در مخالفت با دولت‌ها برمی‌آمد. در حکومت منصور در ۱۳۴۳ که منجر به افزایش بهای نفت و بنزین شد او مردانه ایستاد ولی پس از آن سکوت اختیار کرد؛ به همین سبب تا آخر عمر شغل سناتور انتصابی را برای خود حفظ نمود. در اواخر عمر برای حفظ خویش، از مدیحه سرائی و تجلیل از مقام سلطنت خودداری نمی‌کرد و بیشتر دلخوش به ریاست کمیسیون دادگستری مجلس سنا و ریاست کمیسیون بین‌المجالس و ریاست جمعیت طرفداران سازمان ملل در ایران و مسافرتهای متعدد مجانی بود.

دکتر احمد متین دفتری در تیرماه ۱۳۵۰ در تهران درگذشت و در باغچه علیجان حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. متین دفتری مردی به تمام معنی دانشمند و محقق بود، در مسائل حقوقی خاصه امور بین‌المللی تبحر داشت، به طوری که دانش او در این زمینه مورد تأیید خارجیان بود. با غالب رجال بزرگ هم عصر خود در دنیادوستی و مراوده داشت، دقیقه‌ای از مطالعه غافل نبود، به تدریس در دانشگاه عشق می‌ورزید، حتی در دوران نخست‌وزیری خود هم در کلاس درس حضور می‌یافت. سه مجلد آئین دادرسی مدنی و بازرگانی نشانگر تبحر و احاطه او به درس دانشگاهیش می‌باشد. وقتی در ۱۳۴۹ او را بازنشسته و استاد ممتاز نمودند به اندازه‌ای متأثر و غمگین شد که مرتبا می‌گفت استاد ممتاز یعنی تشییع جنازه در زمان حیات.

متین دفتری از تمکن مالی برخوردار بود، ولی فوق‌العاده خسیس و صرفه‌جو بود و از این رو همه ساله به ثروت او اضافه می‌شد وقتی بین او و حائری‌زاده اختلاف نظر حاصل شد و از تریبون مجلس شورای ملی و از میز خطابه مجلس سنا به لجن مال کردن یکدیگر پرداختند حائری‌زاده به او نسبت سوء استفاده داد و حتی او را متهم کرد یکی از ساختمانهای او در خیابان لاله‌زار نو دستخوشی است که از کمپانی اشکودار برای ساختن کاخ دادگستری گرفته است. ولی چنین چیزی صحت ندارد، او ذاتا مردی ممسک بود و از طریق توارث نیز مال زیادی برده بود ولی از جوانی به علت سخت بودن در معامله به ثروت خود افزود. خوب به خاطر دارم او کتابهای دانشگاهی خود را برای اینکه پورسانتی به کتاب فروش ندهد شخصا در دانشکده به دانشجویان عرضه می‌نمود و در پشت کتاب نیز امضاء می‌نمود اگر دانشجوئی کتاب بدون امضای او را در دست داشت مواخذه می‌شد.

متین دفتری از زمره رجالی است که دشمنان پروپا قرصی داشت و تا آخر عمر از این دشمنیها بی‌بهره نبود، گرچه تولد و شکوفائی او در دوره دیکتاتوری رضاشاه بود ولی همیشه با دیکتاتوری و قانون‌شکنی مبارزه می‌کرد یا حداقل تظاهر به این موضوع می‌نمود. پس از شهریور ۲۰ که تب حمله انتقاد به رضاشاه بالا گرفت. متین دفتری هم که مدتی وزیر و نخست‌وزیر آن عصر بود از تهمت و افترا مصون نماند. مخصوصا حزب توده برای انتقام‌گیری از بازداشت ۵۳ نفر که در دوره وزارت دادگستری او انجام یافته بود چه نسبتها که به او نداد. سازمان پرورش افکار و یا به قول متین دفتری افسانه دستبند زدن به قاضی زنجان را آنچنان بزرگ و مهیب نمودند که هیچ کانون وکلائی قادر به دفاع از آن نبود.

رویهمرفته دکتر احمد متین دفتری مردی باسواد و حقوقدان، باهوش، با پشتکار، و در عین حال جاه طلب، پول دوست، به اقتضای زمان مطیع، متظاهر و خودپسند بود. او تصور می‌کرد همه به او دین دارند و دامنه توقعات او از مردم بسیار زیاد بود. او به سه زبان دنیا یعنی فرانسه و انگلیسی و آلمانی تسلط داشت. زبان فارسی و عربی را بخوبی آموخته بود، بسیار شیرین و دلنشین چیز می‌نوشت، به همان میزان که در نوشتن مسلط بود در نطق و بیان عاجز و قاصر بود. او در جوانی با یکی از دختران مصدق‌السلطنه عموی پدر خود عقد نکاح بست و صاحب دو پسر و یک دختر گردید. یکی از پسرانش علم حقوق خواند، دیگری زیست‌شناسی را تعقیب کرد، یگانه دخترش هم نقاش قابلی بود.

تألیفات متعددی دارد از جمله کلید استقلال اقتصادی ایران، کاپیتولاسیون، محاکمات فوری، دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی سه جلد، حقوق جزای خصوصی، روابط بین‌المللی از قدیم‌ترین ایام. ضمنا همه ساله قسمتی از خاطرات خود را نوشته با نثر خوب به عنوان پیام نوروزی تهیه و به دوستان هدیه می‌نمود. حین‌الفوت ۷۳ سال داشت. دکتر متین دفتری سالها پروانه وکالت دادگستری داشت به همین دلیل پس از فوت مرحوم آسید هاشم وکیل، وکلای دادگستری او را به ریاست کانون انتخاب کردند، لیکن پرتو وزیر وقت دادگستری با او از در مخالفت درآمد و نگذاشت او در رأس کانون باقی بماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (۴۳۸ –۴۳۷/ ۶)، خاطرات یک نخست وزیر، الذریعه (۱۳۱/ ۱۸، ۲۷۱/ ۱۲، ۳۰۸/ ۱۱، ۵۰/ ۸)، روزشمار تاریخ (۲۵۳/ ۲، ۴۱۲، ۳۸۴، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۶، ۳۱۵– ۳۱۱، ۳۰۴، ۲۷۶، ۲۶۹، ۲۶۲، ۲۱۵، ۱۷۸/ ۱)، شرح حال رجال (۳۳ –۳۲/ ۶)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (۸۶/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۷۰، ۲۰۶۰، ۲۰۵۰، ۱۷۹۶، ۱۷۵۲/ ۲، ۱۳۵۸، ۷۴۸، ۳۵۰، ۱۲۰، ۸۰/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۶ –۴۵۴/ ۱)، نخبگان سیاسی ایران (۵۴۸/ ۴، ۱۷۸ –۱۷۷/ ۳)، نخست‌وزیران (۲۲۹، ۵۸، ۵۵/ ۱).

مجاهد شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۲۸۷/ ۱۲۸۰/ ۱۲۷۷ ش)، روزنامه‌نگار. در شیراز به دنیا آمد. خواندن و نوشتن را نزد پدر خود فراگرفت. سپس دوره‌ی ابتدایی را به پایان رساند. وی در ۱۳۰۹ ش امتیاز روزنامه‌ی «بهار ایران» و در ۱۳۱۳ ش امتیاز مجله‌ی «پارس قدیم» را گرفت. مجاهد از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ ش ریاست اتحادیه مطبوعات فارس را عهده‌دار بود. وی در شیراز درگذشت.[۱]

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۷.

درگذشت: ۱۳۷۰، شیراز.

محمدحسین مجاهد از سال ۱۳۰۹ هفته‌نامه‌ی «بهار ایران» را در شیراز منتشر کرد (شماره‌ی اول آن در پانزدهم آذر ۱۳۰۹ منتشر شد) و تا سال ۱۳۵۷ به مدت چهل و هشت سال آن را به طور مداوم انتشار داد و همواره در صفحه‌ی آخر آن روزنامه اشعار شاعران عضو انجمن ادب فارس و همچنین انجمن‌های ادبی دیگر را چاپ می‌کرد. مجاهد علاوه بر امتیاز روزنامه‌ی «بهار ایران» امتیاز مجله‌ی «پارس قدیم» را نیز در سال ۱۳۱۳ دریافت نمود ولی گویا مجله‌ی مزبور در آن تاریخ منتشر نشده و در سال ۱۳۲۱ در شیراز منتشر گردید وی به سال ۱۳۷۰ در شیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] انجمنهای ادبی شیراز (۳۶۴)، تاریخ جراید (۴۸ ،۳۱ -۳۰/ ۲)، چهره‌های آشنا (۵۲۵ -۵۲۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۱۰ -۳۰۹/ ۴).

مجاهد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مجاهد در سال ۱۳۱۴ در شهر قزوین متولد شد، دوره های دبستان و دبیرستان را در این شهر گذراند و برای ادامه تحصیل به تهران آمد تا در رشته ای که دوست می داشت و در خویش استعدادی از آن را یافته بود،یعنی ادبیات فارسی،ادامه تحصیل دهد.مجاهد لیسانس ادبیات را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت ودوره فوق لیسانس را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران گذراند و برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به لبنان رفت و دکترا را در دانشگاه فرانسوی بیروت گذراند. مجاهد بعد از بازگشت به ایران،آموزش آنچه آموخته بود را آغاز کرد.تدریسی که مدت ?? سال در مقاطع مختلف آموزشی ادامه یافت. مجاهد گرچه از اوایل تحصیل کنجکاوی هایی در متون کهن داشت،اما فراغت بعد از بازنشستگی بود که شرایطی را برای پرداخت جدی تر به حوزه علاقه اش فراهم کرد.او سالهاست که به تصحیح متون ادبیات مشغول است و تاکنون بیش از بیست جلد کتاب از گنجینه آثار کهن ادب فارسی را تصحیح کرده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : تصحیح

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان تحصیلات متوسطه در زادگاه ـ ادامه تحصیل در دانشگاه تهران در رشته ادبیات ـ اخذ فوق لیسانس از دانشکده الهیات دانشگاه تهران ـ ادامه تحصیل در مقطع دکترا در دانشگاه فرانسوی بیروت

فعالیتهای آموزشی : احمد مجاهد بیش از ?? سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف آموزشی را د رکارنامه خود دارد ---------
----

آثار :

۱ التجرید فی کلمه التوحید

ویژگی اثر : تصحیح اثر احمد غزالی

۲ تصحیح جلد ? مثنوی که شرح مشکلات مثنوی است از محمد صالح قزوینی

۳ تصحیح دیوان حافظ فریدون میرزا

ویژگی اثر : تصحیحی از دیوان حافظ نیز ارائه کرده که در نوع خود قابل تأمل است.تصحیح او از این دیوان در همایش حامیان نسخ خطی در کنار دو اثر دیگر در حوزه ادبیات شایسته تقدیر شناخته شد. در اوایل قرن دهم هجری، یعنی چند دهه پیشتر از زمان کتابت دستنویس قونیه، فریدون میرزای بایقرا، جمعی از اهل فضل را در شهر هرات که مرکز فرهنگی ایران در آن زمان بود جمع آورد و مأمورشان کرد که نسخه منقحی از دیوان حافظ فراهم آورند. این گروه فاضل، همه نسخه های موجود تا آن زمان را گرد آوردند و مقابله کردند و در سال ??? هجری دیوان جامعی از اشعار حافظ ترتیب دادند و بر آن عبدالله مروارید کرمانی دیباچه ای نگاشت. این نسخه را احمد مجاهد تصحیح و انتشارات دانشگاه تهران سه سال پیش چاپ کرد. این نسخه پر است از غزلهای دیگران که نصیب حافظ شده است و مصحح ارجمند یکایک آنها را جسته و گوشزد کرده است. همچنین ترتیب و ضبط ابیات حافظ در این نسخه تفاوتهای کلی با نسخه های معتبر دارد. ماجرای دقیق تر تدوین این دیوان بدین قرار است که فریدون میرزا پسر

سلطـان حسـین بایقرا و نسل پنجم تیمور گورکانی که هم اهل رزم بود و دلاور، و هم اهل بزم و شاعر، «انجمنی» داشـته است که در آن «انجمن که مجمع افاضل ایام» بود، اشـعار شاعران بویژه شـعر «شـمس الدین محمد حافظ» را می خوانده اند و «غث و سمین» آن را از هم باز می کرده اند.در آن «انجمن» گاه بوده است که می دیده اند شـعری از حافظ فقط در یک نسخه خطی از دیوان آمده و در سایر نسـخه ها نیامـده است، و گاه بوده است که می دیده اند شـعری از حافظ فقط در یک جنگ و سـفینه های آمده است و در نسـخه هـای دیوان دیـده نمی شود. از این رو، این شـاهزاده تیموری «حکم» می کنـد که یک بار دیگر دیوان حافظ را گردآوری و تـدوین کنند. برای این کار، «جمعی کثیر از فضـلای انیس و ندمای جلیس به جمع و تصـحیح این کتاب» مأمور می شوند، و «قریب پانصد جلد دیوان حافظ به هم می رسانند، و بعضـی سفاین و غزلیات که پیش از فوت خواجه نوشته شده بود با هم مقابله می کنند، و بسیاری از غزلهای دل فریب و جان بخش که به واسطه کاهلی و تصرف کتاب ناقص ادراک از صفحه روزگار مهجور و نامشهور مانده بود، در سلک ربط در می آورند،» و هر شعر در هر جا که به نام حافظ می بینند در مجلدی جمع می کنند، که «درواقع اکنون رشک نگارخانه چین و غیرت فردوس برین است.» مجاهد درباره این نسـخه می گوید:«این نسـخه مفقودی از متن حافظ بود که آن را پیـدا کردم و شامل حـدود???غزل و همین مقدار قطعه، رباعی و مثنوی بیشتر از متون دیگر است. و این نسـخه متعلق به «فریدون میرزا» پسر «سـلطان حسـین بایقرا»و به ریاست «عبدالله مروارید» متخلص به «بیانی کرمانی» نوشـته شده است) ?.«(این کتاب نخستین بار توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شد .

۴ تصحیح سماع و فنون

۵ تصحیح کتاب شیخ و شیوخ

ویژگی اثر : «شـیخ و شوخ» نیز از جمله آثار تصحیح شده توسط مجاهد است و رساله ای است انتقادی با رویکرد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی در بعضـی بخشها نظامی و اقتصادی. سبک نگارش روایی و داستان گونه و متعلق به اواخر عصر قاجاریه است.شاید «شیخ و شوخ» جزو معدود آثاری باشد که این گونه عریان، به تقابل سـنت و تحول دامن زده و سعی در پاسخگویی از موضع سنت دارد؛ نویسـنده این رساله که به اعتقاد احمـد مجاهد نخواسـته است رساله به نام او منتشر شود، نگاهی تک بعدی، ذهنی و مجرد به موضوع مورد بحث اش نـدارد. در حقیقت، این رسـاله که بازگوکننـده داسـتان منـاظره بین یک شـیخ و جمعی از معلمان و صاحب منصـبان مدرسه دارالفنون است، قصد ندارد بدون نظر به واقعیات اجتماعی و فرهنگی جامعه زمان خود، به نقد بنشـیند. شـیخ که در حقیقت همـان نویسـنده است، در بعضـی از فصول، اگر به فرنگی مآبی ایراد وارد می کنـد، تنهـا از جهت تشـبه به کفـار نیست که معترض است و تسهیل زندگی خلق الله را در رفع آن می بیند. مجاهد، در مقدمه ای که در ابتدای این رساله به چاپ رسانده، اشاره ای هم به دیگر نوشـته هـای این مؤلف نامعلوم دارد.مناظره شـیخ و شوخ را می توان به دو بخش کلّی تقسـیم کرد؛ ایرادات شـیخ به علوم جدیده و دفاعیات او از علوم بومی و سـنتی. و دوم، فصـلی در نقد مفاسد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که از مدرسه دارالفنون آغاز شـده و به دولت و صاحبان مناصب در صـفوف مختلف ختم می شود. البته بخش دوم مفصل تر است و عمق و نکته سنجی آن بر بخش اول می چربـد. حتی بخش ابتـدایی انتقـادات شـیخ تحت آسـیب شناسـی بخش دوم طرح می شود، چنـانکه اگر شیخ علومی چون پولتیـک، دیپلماسـی و... را به سـخره می گیرد، جـابه جا مثالهای ملموس می آورد. با این حال اساس انتقادات بر وضـعیت و تولیدات مدرسه دارالفنون ـ یا به قول مؤلّف معلّم خانه ـ قرار گرفته است. محاجه شـیخ و شوخ و آن مجلس میهمانی که کل کتاب را تشکیل می دهد، با بیدار شدن راوی از خواب به پایان می رسد. درواقع، تمام این پرسـش و پاسـخها ساخته و پرداخته ذهن نویسـنده است که با سـبکی داسـتانی نوشته شده است. با این همه نوع نگاه، آسیب شناسی اجتماعی ـ سیاسی و نقد نظام علمی سالهای پایانی عصر قاجار، از امتیازاتی است که این رساله را ممتاز می کند. رساله «شـیخ و شوخ» تا سالهای انتهایی دهه پنجاه ـ که نخستین بار به صورت مقاله به چاپ رسـید مورد اعتنا قرار نگرفته بود. به نظر می رسد این رساله و آثاری از این دست می توانند در روشن شدن وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران در سالهای آغازین عصر حاضر، مفید باشد

۶ تصحیح کتاب کدو مطبخ قلندری

ویژگی اثر : تـألیف ادهـم خلخـالی، . اثر قابـل تـوجه دیگر که توسـط احمـد مجاهـد تصـحیح شـده، کتـاب «کـدو مطبـخ قلنـدری» تـألیف«ادهم خلخـالی» متخلص به «عزلتی» (د) ????.و معاصـر «شـیخ بهـایی» است که در زمـان صـفویه تـألیف و برای نخستین بار تصحیح و چاپ شده است.

۷ تصحیح کتاب گلشن راز شبستری

۸ توارق العلما فی رد علی من محیرم السماع

ویژگی اثر : همچنیـن تـوارق العلمـاء فی ردّ علی مَن یُحرمُ السِّمـاعَ بالاِجمـاع، تـألیف احمـد بن محمـد طوسـی از عارفـان قرن هفتم هجری. این کتاب نخستین کتابی است به زبان فارسی که در اباحت و حلّیت موسیقی در اسلام نوشته شده است.»

۹ جوحی

ویژگی اثر : احمـد مجاهـد کتـابی، نیز با عنوان جوحی تألیف کرده که در آن به شخصـیت فکاهی متون کهن یعنی جوحی پرداخته است. متن حاضـر که یـک متن تحقیقی است و برای نخستین بـار در زبـان فارسـی ارائه می شود، در زمینه : فرهنـگ عـامه، ادبیـات داستانی براصل تطبیقی و ریشه یابی، تألیف شده است. در این کتاب سعی شده است تا حق به حق دار برسد، یعنی صاحبان اصلی و اولیه حکایات جرحی معلوم شود و سهم هریک از فرهنگ های ترک ترکیایی(عثمانی) و عرب و فارس روشن باشد.

۱۰ گلشن راز شبستری با کشف الابیات و ارجاع

ویژگی اثر : تصحیح

۱۱ لغات مصطلحه عوام

ویژگی اثر : تصحیح

۱۲ لمعات

ویژگی اثر : مجاهد کتاب لمعات را نیز از فخرالدین عراقی تصحیح کرده است: «کتاب «لمعات»(به فتح لام و میم ، جمع لمعه) نوشته شیخ فخرالدّین عراقی ، یکی از پر شورترین آثار منثور در زمینه ادبیات صوفیانه است. این کتاب که بر سنن کتاب «سوانح» از جناب شیخ احمد غزالی(از اقطاب بزرگوار) نگاشته شده ، به موضوع عشق صوفیانه و اطوار و ادوار سلوک عاشقانه پرداخته است. » مجاهد درباره این کتاب می گوید: «به خواست یکی از مریدان که از حقایق کتاب «لمعات» چندان نصیبی نبرده بود ، قطب الموحدین ، حضرت شاه نعمت الله ولی کرمانی ، شرحی بر کتاب «لمعات» می نویسد. این کتاب خوشبختانه قبل از انقلاب به سعی جواد نوربخش به زیور طبع آراسته گشت ، ولی متأسفانه بعد از انقلاب دیگر چاپ نشد. فقیر حقیر با زحمت فراوان توانست چاپ سال ???? را در کتابخانه دانشگاه تهران بیابد و مست فیوضات شرح حضرت شاه شود.»

۱۳ مجالس غزالی

ویژگی اثر : تصحیح اثر احمد غزالی با عربی و فارسی انتشارات دانشگاه تهران

۱۴ مجموعه آثار فارسی احمد غزالی

ویژگی اثر : تصحیح و حواشی انتشارات دانشگاه تهران

۱۵ نوادر

ویژگی اثر : ترجمه کتاب محاضرات الادبا و محاورات الشعرا و البلغاء از راغب اصفهانی، ترجمه محمدصالح قزوینی.نوادر از متون ادب عرب بوده و شامل?? هزار مطلب با موضوعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... مستند است. این کتاب?? حد دارد که هر حد چند باب و هر باب شامل چند فصل بوده و برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه و تصحیح شده است.

مجتهد تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/ ۱۳۳۷ -۱۲۶۸ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و ادیب. در خانواده‌ی علم و تقوا در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به نجف رفت. گفته‌اند که او چون به نجف وارد شد محضر علامه شیخ انصاری را درک کرد. او همچنین از محضر میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و ملا محمد شرابیانی و ملا محمد ایروانی و سید حسین کوه کمری و میرزا محمدحسن شیرازی و ملا علی نهاوندی استفاده نمود و به دریافت اجازه از آنان نایل آمد، اخذ اجازه از استادش ملا علی نهاوندی نیز پس از پنج سال ملازمت حاصل شد. آن گاه به آذربایجان بازگشت و چندین سال در تبریز به تدریس پرداخت و منصب اجدادش را عهده‌دار گردید و مرجع دینی مردم آن دیار شد. او در همان جا درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «تشریح الاصول»، که این نام برگرفته از نام کتاب استادش نهاوندی است؛ رساله‌ای در «مقدمهٔ الواجب»؛ کتاب «الطهارهٔ»؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷/ ۵)، الذریعه (۱۸۵/ ۴)، ریحانه (۱۷۸ -۱۷۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۸ -۳۸۷/ ۱۴)، لغت نامه (ذیل/ حسن مجتهد)، معجم المؤلفین (۲۷۶ ،۲۰۹ -۲۰۸/ ۳).

مجتهد تبریزی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/ ۱۳۳۷ -۱۲۹۷/ ۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و فقه و اصول را در تبریز در محضر پدرش و علماء دیگر فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات عالیات رفت و از حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و محقق نهاوندی و دیگر علما استفاده نمود و چون عالمی برجسته شد به تبریز بازگشت. مراسلات و مکاتباتی منظوم و منثور بین او و شیخ آقا محمدرضا اصفهانی و شیخ جواد شبیبی وجود داشت. در اواخر عمر به بیماری فلج مبتلا شد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. او رسائلی گوناگون در فلکیات و ریاضیات و موضوعات مختلف فقهی نگاشت. از آثارش: «ارجوزه»، در عروض و قافیه، به عربی؛ حاشیه بر «کفایهٔ الاصول» استادش ملا محمدکاظم آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «لسان الخواص» علامه رضی‌الدین قزوینی؛ «العروض»؛ «قاعدهٔ الخطائن»؛ «اللباس المشکوک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۷ -۱۲۶/ ۱۰)، الذریعه (۴۸۶/ ۱)، ریحانه (۱۷۹ -۱۷۸/ ۵)، علماء معاصرین (۱۱۸ -۱۱۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۹۰/ ۱).

مجتهد زنجانی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم مجتهد متولد سال ۱۲۸۲ قمری اصلا طارمی و در ماهان طارم سفلی متولد شده و مرحوم والدش ملا محمد از فضلاء آن حدود بوده است که رساله‌ای راجع به اختیارات و خواص ایام به قلم وی موجود است.

مرحوم میرزا عبداللّه دومین فرزند ایشان در اوائل بلوغ برای تکمیل ادبیات عربی و خط بهیدج که دهی در هشت فرسخی زنجانست و آن روز عده‌ای رجال علمی و مخصوصاً ادبی داشته مسافرت نموده و پیش مرحوم آقا میرزا علی‌اصغر که از فضلاء بوده تلمذ نموده و با تکمیل رشته ادبیات و خط و متون متوسطه در سن ۱۸ سالگی به نجف اشرف عزیمت نموده و مدتی در درس مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسن ممقانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی حاضر شده

و سپس به سامره رفته و در مجلس درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرده‌اند و در واقعه توتون و تنباکو در سامرا حضور داشته.

و چون به واسطه ریاست عمومی و بی‌نظیر میرزای مرحوم حوزه درسشان نامنظم شده بود. و از طرفی آوازه و شهرت علمی مرحوم آخوند خراسانی در افواه افتاده دوباره به نجف مراجعت و تا پایان اقامتشان در نجف منحصراً به درس آن مرحوم حاضر شده و با مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و قمی و آیت‌اللّه حایری یزدی و عراقی هم‌دوره و رابطه نزدیک داشته و تقریرات درس اصول مرحوم آخوند خراسانی را پیش از تألیف کفایهٔالاصول نوشته و نظریات خود را نیز اضافه کرده بودند که هنگام عزیمت به طرف ایران مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی که از نظریات و افکار و منقح بودن مطالب آن اعجاب داشته گرفته و به نظر مرحوم خراسانی رسانده بود و استاد بزرگوار پس از مطالعه مباحث آن تحسین و توصیف اجازه اجتهاد بنام ایشان با خط خود نوشته و تاریخ آن که ۱۳۱۲ قمریست موجود می‌باشد.

معظم له در سال ۱۳۱۴ قمری به ایران مراجعت و در زنجان اقامت نموده و موقعیت محلی و درس و بحث و قضاوت اوقات ایشان را می‌گیرد

و پس از چندی که مشروطیت پیش بیاید و آیات بزرگ حوزه مقدسه نجف حکم به لزوم انعقاد مجلس شوراء ملی و تشکیل حکومت مشروطه می‌کنند ایشان به خاطر تأیید فرمان مراجع بزرگ و جلوگیری از تعدیات و مفاسد استبداد وارد مبارزه می‌شوند و جبهه طرفداران مشروطیت با ورود و موقعیت ایشان مستحکم می‌گردد.

و ایشان در عین حال اشتغال به درس و بحث فقه و اصول و اقامه جماعت و قضاوت شرعیه داشته و نسبت به قضاوت در زنجان تعین داشتند.

و دارای حافظه قوی و تقریری جامع و کامل بودند که در سنین هفتاد سالگی تمام قواعد ادبی از نحو و صرف را که مقارن بلوغ به آنها اشتغال داشته و بعداً متارکه شده بود همه را در صفحه ذهن و ضمیر خود حاضر داشت و محاکماتی که در زمانهای قبل اتفاق افتاده بود از اظهارات متداعیین و حکم صادره از نظرشان محو نمی‌شد.

تقریر ایشان طوری بود که وقتی مطلبی را بیان می‌کردند واقعیت آن در نظر مستمع مجسم می‌گردید از این رو موعظه ایشان بسیار بلیغ و خطابه ایشان که هر سال در ماه مبارک رمضان منبر می‌رفتند بسیار رسا و گیرنده بود ایشان گاهی در نجف اشرف نیز هنگام تحصیل منبر می‌رفتند که میانه طلاب افصح فصحاء نامیده شده بودند و بالاخره مرحوم مامقانی بزرگ ایشان را از منبر فتن منع نموده و امر کرده بودند که چون امارات وصول به مراتب عالیه علم و فقاهت از شما نمایانست اشتغال شما به منبر فعلاـ حرام می‌باشد.

مطالب منبرشان که مخصوص ماه رمضان بود نوعاً اصول اعتقادات به مبانی کلامی بوده که عده‌ای از فضلا یادداشت می‌کردند مباحثی را از مسائل توحید و نبوت و امامت استدلالی نوشته که قسمتی باقی و برخی مفقود شده است.

آثار علمی ایشان در فقه از اینقرار است.

۱- کتاب قضا و شهادات.

۲- شرحی بر صلوهٔ از منظومه مرحوم علامه بحرالعلوم.

۳- تقریرات اصول مرحوم آخوند خراسانی که مشتمل بر مباحث الفاظ و ادله عقلیه.

۴- حواشی بر رساله عملیه مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی تا باب خمس از آثار قلمی ایشان حاشیه مرحوم آخوند خراسانی بر رسائل که آن موقع چاپ نشده بود و تعادل و تراجیح آن را با خط خود از روی نسخه مؤلف استنساخ نموده‌اند.

آن مرحوم به واسطه تعینی که میانه فضلاء نجف داشتند عده‌ای از معاریف پیش ایشان تلمذ نموده‌اند از جمله مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مامقانی (صاحب رجال) و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین برادر کوچک آیت‌اللّه حاج آقا نجفی اصفهانی و خواب عجیبی که مرحوم شیخ محمدحسین دیده بوسیله ایشان تعبیر و بعدها تحقق پیدا کرده است.

به طوری که ایشان نقل نمودند که مرحوم شیخ محمدحسین مزبور روزی سر درس حاضر شده و اظهار می‌دارند که دیشب من خواب عجیبی دیدم و می‌خواهم آن را تعبیر کنی.

من مدتی به مولای متقیان علی (ع) متوسل بودم که توجه فرمایند زودتر به رتبه اجتهاد به رسم دیشب آن حضرت را در خواب دیدم و باز حاجت خود را به حضورش عرضه داشتم به من فرمود (شیخ برو آدم شو) پس از بیدار شدن کلام امام (ع) مرا مأیوس ساخت و چنان پندارم که درس برایم فایده ندارد گفتم نه بلکه مطلب بعکس است اگر تو صلاحیت نداشتی امام تو را امر نمی‌فرمود به آدم شدن. معلوم می‌شود تو صلاحیت داری و حائز رتبه آدمیت خواهی شد.

حقیقت اینست اجتهاد که عبارت از تحقیق و استنباط احکام فرعیه از ادله است منهای معنویت تفاوتی با تحقیق در علوم طبیعی ندارد و احکام استنباط شده جز به خاطر عمل و کسب تقوی و معنویت نیست و مایه انسانیت حقیقی همان معنویت می‌باشد پس مقصود امام (ع) این بوده که از من مطالبه مقدمه را نموده و از ذی‌المقدمه غفلت داری.

عجب اینست که این تعبیر موافق بواقع تحقق یافت و مرحوم شیخ به طوری که در ترجمه حالش ضبط کرده‌اند به مراتب کمالات معنوی و زهد و عرفان نائل آمده و حائز مقاماتی گردیده است.

باری آن مرحوم پنجاه و یکسال در زنجان به درس و بحث و افتاو مراجعات مردم و قضاوت اشتغال داشت و نسبت به عظمت جامعه اسلام و تشیع بسیار علاقه داشت و دو دفعه از ایشان درخواست شده که رساله عملیه به چاپ دهند که عده‌ای علاقمند به تقلید ایشان می‌باشند در جواب گفته بودند که من اگر چه در نجف با مراجع زمان خود در مرتبه علمی برابر بودم و استاد آنها را به من ترجیح نمی‌داد اما بعداً آنها در حوزه باقی ماندند و من به زنجان آمده و تا حدی متارکه نمودم اضافه بر این حوزه نجف را نباید از مرکزیت انداخت.

تاریخ وفات ایشان ماه صفر سال ۱۳۶۵ ق است که در آن وقت آذربایجان و زنجان تحت اشغال قوای شوروی بود و حکومت توده پیشه‌وری در تبریز برقرار شده بود و قوای روس و فدائیان توده زنجان را در تصرف داشتند و با وفات ایشان که قهرا انبوه جمعیت به سوی منزل ایشان در خیابان پهلوی زنجان هجوم نمود روسها گمان کرده بودند که اهالی قصد قیام و اغتشاش دارند و می‌خواهند بر علیه فدائیان حکومت پوشالی اقداماتی نمایند لذا دستور داده بودند ستونهای موجود از ارتش در اطراف شهر مستقر شده و شهر را در محاصره گرفته بودند بعداً به آنان فهمانیده بودند که سوء قصدی در کار نیست و ازدحام جمعیت برای تشیع یک روحانی بزرگ است که وفات نموده‌اند

الحاصل ایشان در سن هشتاد و سه سالگی داعی حق را لبیک گفتند. و آن مرحوم در بعضی از علوم غریبه از جمله جفر جامع اطلاع کامل داشتند و یکی دو مورد از اوضاع آینده استفسار و بجواب نائل که صورت عمل به طور مجمل موجود است. و نیز نسبت به امام غایب عجل‌اللّه‌فرجه اخلاص فوق‌العاده داشته و از دعاء ندبه در روزهای جمعه غفلت نمی‌کردند. در مرض موت ایشان اطرافیان که از ایشان پرستاری می‌کردند چندین دفعه حالت عجیبی مشاهده نمودند که ایشان با کبر سن و شدت بیماری که غالباً در حال بیهوشی بودند و قادر به حرکت نبودند گاهی به خود آمده و به پرستار خود دستور می‌داد که مرا بلند کنید با زحمت بلندش می‌کردند و به قبله ایستاده و لباسهای خود را مرتب می‌کرد و پس از یک دقیقه یا کمتر می‌گفتند بخوابانید و در حال قیام مثل اینکه در حضور شخص بزرگواری از اولیاء هستند.

و این حال از دو روز قبل از وفاتشان چندین دفعه تکرار شد و در سن هفتاد و سه سالگی که مبتلا به مرض تیفوئیته گردیده بودند درست ده سال پیش از وفات در حال میان خواب و بیداری شخصی را دیده بودند که از اطاق داخلی وارد اطاق ایشان گردید و نشست و خیار نوبری از جیب خود بیرون آورد و با چاقو خطی بخیار کشید و خط دوم را بر آن عمود کرد که قدری خط اولی را بریده و تجاوز نمود و گفت این عمر شماست و شما در سن ۸۳ سالگی فوت خواهید کرد و این مکاشفه تحقق پیدا کرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهدزاده، پیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پیروز مجتهدزاده، جغرافی‌دان، محقق و کارشناس مسائل سیاسی ایرانی. زادروز: (۲۰ بهمن ۱۳۲۴ خورشیدی) در شهرستان نور. پیروز مجتهد زاده استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیك دانشگاه تربیت مدرس تهران، مشاور پژوهشی دانشگاه سازمان ملل متحد و مدیر عامل بنیاد پژوهشی یوروسویک (Urosevic Research Foundation) لندن است. از پیروز مجتهدزاده بیش از بیست عنوان کتاب به زبان‌های انگلیسی و فارسی منتشر شده.

زندگی‌نامه:

دکتر پیروز مجتهدزاده در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در شهرستان نور متولد شد، وی پس از گذراندن تحصیلات در نور و سپس در تهران، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. وی تحصیلات ابتدایی را از مدرسه داریوش در زادگاهش شروع کرد. مدرسه‌ای که پدرش آن را افتتاح کرد و خود مدیر آن بود. پدرش تحصیل‌کرده مدرسه سپهسالار تهران در زمان مشروطیت بود. پیروز مجتهدزاده تا کلاس یازده در نور ماند و چون آنجا مقطع دیپلم نداشت، با مساعدت پدر و به همراه برادرش در سال ۱۳۴۳ راهی تهران شد. پیروز مجتهدزاده در سال ۱۳۴۴ در مدرسه پهلوی سابق واقع در خیابان ری در رشته ادبی با معدل یازده دیپلم گرفت. پیروز مجتهدزاده در سال ۱۳۵۰ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و دکتر عالی خانی، رییس دانشگاه برای تشویق او شرایط سفری به شیخ نشین های خلیج فارس را برایش فراهم کرد، چرا که برای او جالب بود که دانشجوی سال سوم کتاب جغرافیای تاریخی شیخ نشین‌های خلیج فارس را تألیف کند. مجتهدزاده پس از فارغ‌التصیلی از دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن، دانشگاه منچستر و سپس به دانشگاه آکسفورد رفت. وی فوق لیسانس (M.A) در جغرافیای سیاسی را در دانشگاه منچستر بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶ دریافت کرد. دکتری (Ph.D.) را در گرایش جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک در دانشگاه لندن بین سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ دریافت کرد. همچنین دکتری دیگرش را در جغرافیای سیاسی خلیج فارس در دانشگاه آکسفورد بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ دریافت نمود. وی هم اکنون با سمت دانشیار در رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس مشغول به تدریس است.

مسوولیت‌ها:

مدیر عامل بنیاد پژوهشی یوروسویک Urosevic Research Foundation لندن – از سال ۱۹۸۵ تاکنون.

استاد مدعو، دانشکده حقوق دانشگاه تهران – ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹

استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک – دانشگاه تربیت مدرس – از سال ۱۳۷۹تا کنون.

پژوهشگر ارشد – مرکز مطالعات ژئوپولیتیک و مرزهای بین المللی دانشگاه لندنGRC/SOAS University of

London – از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۲.

مشاور پژوهشی دانشگاه سازمان ملل متحد – United Nations Universityاز سال ۱۹۹۶ تا کنون.

مشاور موسسه پژوهشی مرزهای بین المللی لندن = MENAS ASSOCIATION

International Boundaries Consultants – از سال ۱۹۸۴ تا کنون. تدریس به جای استادان و مدرسین در گروه جغرافیای دانشگاه لندن – از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۴

پژوهشگر گروه جغرافیای دانشگاه تهران – از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲ عضویت در مجامع علمی:

عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی — تهران — از سال ۱۳۸۲

عضو هیات مدیره انجمن مطالعات ایران معاصر — در دانشگاه لندن.

عضو انستیتو بریتانیایی مطالعات ایرانی — بریتانیا، از سال ۱۹۹۳

عضو موسسه مطالعات آفریقا — دانشگاه تربیت مدرس تهران، از سال ۱۳۸۱ آثار و تالیفات به فارسی:

جزایر تنب و ابوموسی، انتشارات سحاب، تهران ۱۳۸۵.

جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۴

نام خلیج فارس در درازای تاریخ، نشر سایه روشن با همکاری مرکز مطالعات سپاه پاسداران، تهران. ۱۳۸۳

نامه‌هایی از ایران، انتشارات عطایی، تهران. ۱۳۸۳

جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیای، انتشارات سمت، تهران. ۱۳۸۲

امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس (جغرافیای سیاسی دریایی)، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، انتشار دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران. ۱۳۸۰

خلیج فارس، کشورها و مرزها، انتشارات عطایی، تهران. ۱۳۷۹

ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت های ایرانی، نشر نی، تهران. ۱۳۷۹

امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، نشر شیرازه، تهران. ۱۳۷۸

جزایر تنب و ابوموسی، ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، انتشار دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران. ۱۳۷۵

کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس، تنظیم و ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، انتشار دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران. ۱۳۷۲

جغرافیای سیاسی تنگه هرمز، ترجمه محسن صغیرا، انتشارات صغیر، اصفهان. ۱۳۷۰

جغرافیای تاریخی خلیج فارس، انتشار دوم، لندن. ۱۳۶۶

جغرافیای تاریخی خلیج فارس، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.۱۳۵۴

شهرستان نور، چاپخانه صبح امروز، تهران. ۱۳۵۲

شیخ نشین های خلیج فارس، انتشارات عطایی، تهران. ۱۳۴۹

مجتهدی تهرانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از علماء با تقوا و موصوف بفضل و اخلاق تهرانست.

وی در سال نهم مهرماه سال ۱۳۰۲ شمسی برابر ۱۳۴۳ قمری هجری در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در سال ۱۳۶۳ قمری به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه چون آیت‌اللّه صدوقی یزدی و آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه حاج سید صادق شریعتمداری به پایان رسانیده و از محضر مرحوم زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن در سال ۱۳۷۰ قمری به تهران مراجعت و در مسجد حاج سید عزیزاللّه تهران بتدریس و تربیت عده‌ای از جوانان با ایمان و ضمنا استفاده از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری ادام اللّه ظله و مرحوم آیت‌اللّه تنکابنی نموده و کم‌کم مورد توجه معظم له و مردم متدین تهران و بالاخص تجار و اصناف بازار قرار گرفته و حوزه‌ای تشکیل داده و برای این خدمت دعوت به مسجد و مدرسه حاج ملاـ محمد جعفر معروف به مسجد (آقا) گردیده و در آنجا به اقامه نماز جماعت و پرورش محصلین و جوانان متقی و پرهیزگار نموده و عده بسیاری تربیت و بحوزه‌های علمی قم و مشهد اعزام نموده است.

آیت الله مجتهدی در سال ۱۳۶۲ قمری و در سن ۱۹ سالگی به کسوت روحانیت درآمد و قبل از آن در بازار تهران مشغول به کار بود و پدر ایشان یعنی مرحوم محمد باقر راضی نبود که فرزندش طلبه شود ولی بر اثر عشق و علاقه زیادی که جناب استاد به علم و دانش داشت به سوی طلبگی روی آورد. با توجه به مخالفت پدر، سال‌ها با عسرت و سختی زیادی، در لباس روحانیت به تحصیل علم پرداخت و بعد از سال‌ها نه تنها پدر راضی شد بلکه بر وجود چنین فرزندی در نزد خویشان و نزدیکان و در اجتماع افتخار می‌کرد. وی پنج سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۷ قمری و در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرد و در همین سال دروس رسائل و مکاسب را نزد آیات و حجج اسلام آقایان فاضل (پدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی) و سیدحسین قاضی و آقا شیخ قاسم نحوی امتحان داد و با موفقیت به اتمام رساند. بعد از قریب دو سال در سن ۲۶ سالگی و در سال ۱۳۶۹ قمری امتحان کفایه و قسمتی از درس خارج را با موفقیت گذراند. آیت‌الله مجتهدی در ضمن تحصیل، به تدریس کتب حوزوی هم می‌پرداخت و وقتی که از قم به

تهران آمد شب‌ها در مسجد امین‌الدوله که مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد در آنجا مشغول به تدرس و اقامه نماز بود، استاد هم، صبح و عصر به امر تدریس اشتغال داشت و چون مرحوم حاج شیخ محمدحسین زاهد در اواخر عمر و با وجود کهولت سن به سختی مشغول تعلیم و تربیت طلاب بود، لذا از آیت‌الله مجتهدی تقاضا کرد که علاوه بر تدریس، شب‌ها هم منبر برود و آیت‌الله مجتهدی در طول دو سال، شش جزء از اول قرآن را با استفاده از تفسیر برهان که مبنای تفسیری ایشان بود برای مستمعین آیات قرآن را تفسیر می‌کرد. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی صبح‌ها در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله بازار جهت طلاب به تدریس کتب ادبیات و فقه مشغول بود و بعد از ظهرها هم برای کسانی که روزها شاغل بودند و بعد از ظهرها درس می‌خواندند به تدریس کتب حوزوی از قبیل مطول، سیوطی، مغنی، منطق و غیره می‌پرداخت. دو سال بعد یعنی در ۲۱ محرم سال ۱۳۷۲ قمری، ثلمه‌ای در اسلام به وجود آمد و آن رحلت عارف زاهد و معلم اخلاق حاج شیخ محمدحسین زاهد رحمهٔالله علیه بود. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی پس از گذشت سه سال از رحلت آن عالم بزرگوار، همچنان به امر تدریس در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار تهران مشغول بود تا آنکه به درخواست عده‌ای از علماء و مردم متدین، از حضرت استاد تقاضا کردند که حوزه علمیه را به مسجد مرحوم حاج ملا جعفر منتقل کنند که در آن زمان مسجد، انبار خاک ذغال و خمره ترشی کسبه محل بود، و تجار و مردم متدین با علماء مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که آیه‌الله مجتهدی به دلایلی نسبت به علماء دیگر جهت ادامه راه مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد ارجحیت دارد. بنابراین با همت تجار و مردم متدین، آیت‌الله مجتهدی توانست حوزه علمیه فعلی را که در تهران خیابان ۱۵ خرداد شرقی، کوچه شهید مرتضی کیانی، کوچه مسجد آقا واقع است تأسیس کند. نگارنده گوید: جناب آقای مجتهدی از دانشمندان و مربیان با حقیقت و معنویت معاصر است و از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام با تقوا و ورع یافته و مکروهی از وی ندیده‌ام جدا از افرادیست که علم خود را مقرون بعمل و قدس خویش را توام با اخلاص قرار داده است.

آثار قلمی چندی دارد که از آنها چند رساله بطبع رسیده است.

۱- رساله‌ای در احکام‌الغیبه.

۲- رساله‌ای در گناهان کبیره.

از خدمات ارزنده ایشان تشکیل حوزه علمیه مدرسه و مسجد آقای مزبور است که در حال حاضر بیش از یکصد طلبه و محصل دارد که عموم آنان را شهریه (ماهیانه) از سیصد ریال الی یکهزار و پانصد ریال میدهد. معظم له از عموم مراجع نجف اشرف و قم و تهران و غیره وکالت و اجازه دارد.

آیت الله مجتهدی تهرانی که در سالهای آخر عمر از مشکلات تنفسی و قلبی رنج می‌برد در ۲۳ دی ۱۳۸۶ در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان بازرگانان تهران دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی سیستانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود فرزند عالم زاهد حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید محمدباقر فرزند علامه متقی آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج سید علی مجتهد سیستانی طاب اللّٰه ثراه از فضلاء معاصر مشهد مقدسند.

والد ماجدش مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدباقر سیستانی نیز از علماء ابرار و ائمه جماعت اخیار مسجد جامعه گوهرشاد بوده و جد گرامیش مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی از شاگردان مبرز و متعصب و غیور میرزا بزرگ شیرازی و از مراجع تقلید زمان خود و مخالف سرسخت مشروطه و مشروطه‌خواهان بوده که شرح احوالش در کتاب علماء خراسان و کرام البرره و سایر تراجم می‌باشد.

مترجم محترم در سال ۱۳۵۱ هجری قمری در مشهد مقدس در بیت علم و تقوا متولد و پرورش یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را خدمت مرحوم حاج سید احمد مدرس یزدی و مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی استفاده نموده است.

و بعد به درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی قدس‌اللّٰه سره حاضر و استفاده نموده و مدتی هم در قم از محضر برخی از آیات عظام بهره‌مند شده و سفری هم به اعتاب عالیات نموده و مدتی اقامه و از دروس خارج آقایان آنجا مستفیض گشته و پس از آن به زادگاهش مشهد مقدس مراجعت نموده و به خدمات دینی و روحی از اقامت جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و نشر معارف و فضائل اهل‌البیت علیهم‌السلام در حسینیه منزلش و نیز مسجد و جلساتش اشتغال دارند.

سید محمود بن العالم الجلیل حاج سید محمدباقر بن العلامه الحجه آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی معروف به (مجتهدی) ای افاضل علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود ۱۳۵۴ قمری در مشهد متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از آقای ادیب نیشابوری معاصر فراگرفته و سطوح را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و دیگران آموخته آنگاه به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی میلانی و آیات دیگر شرکت و استفاده کامل نموده و خود به تدریس پرداخته و هم به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارد.

برادر ارجمندشان آیت‌اللّٰه حاج سیدعلی مجتهدی سیستانی از مدرسین و فضلاء بنام نجف اشرف‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مجتهدی شبستری، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محسن بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا کاظم شبستری از فضلاء و ائمه جماعت معاصر تهرانند. وی در سال ۱۳۱۵ شمسی در شبستر که در هشت فرسخی تبریز است متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه و مقدمات عربی را در شبستر و تبریز به پایان رسانیده و در سال ۱۳۳۱ قمری وارد حوزه علمیه قم گردیده و بتحصیل علوم دینیه پرداخته و پس از تمام شدن سطوح از محضر اساتید بزرگ و عالیقدری مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه امام خمینی و آیت‌اللَّه علامه طباطبائی ادام اللَّه ظلهم علی رؤس الانام استفاده و ضمنا تدریس سطوح از مطول و شرح لمعه و رسائل و مکاسب نموده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که بنابر تقاضا و اصرار عده‌ای از مؤمنین ساکنین شمال تهران منتقل به آن سامان گردیده و در مسجد طلاچیان واقع در خیابان فرح جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر کلام مبین و سایر خدمات از تدریس علوم دینی و غیره اشتغال دارند.

مرحوم والدش آیت‌اللَّه حاج میرزا کاظم مجتهد شبستری از علماء و مراجع طراز اول و معروف آذربایجان بودند. وی در سال ۱۳۰۶ قمری در شبستر متولد و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح به نجف اشرف هجرت و بعد از مراجعت دوازده سال مقیم وطن (شبستر) بوده و سپس به شهرستان تبریز منتقل و ده سال در آنجا بخدمات مذهبی و مرجعیت دینی موفق و در سن شصت سالگی برحمت ایزدی پیوسته و از تبریز حمل به قم و در قبرستان مرحوم آیت‌اللَّه حایری مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله بن العلامه آیه الله حاج میرزا مصطفی مجتهدی تبریزی از علماء معاصر تبریز است. وی در هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۰ در نجف اشرف متولد شده و مرحوم والدش که در سال ۱۳۱۷ ق مهاجرت به نجف نموده بود بعد از هشت سال توقف و استفاده از محضر علامه خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و دیگران بواسطه کسالت در سال ۱۳۲۵ ق باتفاق عائله و برادر گرامش آیه الله حاج میرزا خلیل مجتهد به ایران مراجعت و در موقع ورود که مصادف با انقلاب مشروطه بود از رفتن به تبریز خودداری و در میانه و اطراف تبریز اقامت نموده و در سال ۱۳۲۶ ق برای معالجه در معشیت برادر بزرگش آیه الله حاج میرزا مسعود آقا و خانواده‌اش به تهران آمده و مدت دو سال توقف و در سال ۱۳۲۸ قمری به تبریز برگشته و به وظائف دینی پرداخته است.

وی در مهد پرورش آن والد بزرگوار تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را نزد والدش و دیگران خوانده و در سال ۱۳۳۷ ق که والدش فوت نموده نزد علماء تبریز مانند آیه الله حاج میرزا خلیل آقا مجتهد و آیه الله میرزا رضی تکمیل نموده و در سال ۱۳۴۴ ق مهاجرت به قم و از محضر آیت الله العظمی حایری و آیه الله یثربی کاشانی و آیه الله حاج شیخ محمد رضا اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۰ ق مراجعت به تبریز نموده و تا هم اکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهدی، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عبدالهادی مجتهد بهبهانی از علماء محترم بهبهان و مراجع بزرگ آن سامان ابن‌العلامه الشیخ محمد حسین بهبهانی عسکری در سال ۱۳۰۰ ق در نجف متولد شده و در سن ۷ سالگی با والد معظم خود بسامرا رفته و چون والدش از شاگردان آیه‌الله علی‌الاطلاق میرزا محمد حسن شیرازی قدس‌الله سره‌الشریف بوده چندین سال در آنجا اقامت و تحصیل علم نموده تا در سال وبائی والدش مرحوم و پس از مدتی در سن ۲۰ سالگی به بهبهان آمده و بعد از دو سال مراجعت بنجف و چندین سال از محضر مرحومین علمین آیتین یزدی و خراسانی و مرحوم محقق آقا سید محسن کوهکمری که شاگرد مبرز مخصوص آیه‌الله حاج شیخ هادی تهرانی بوده استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به بهبهان نموده و در آنجا اقامه جماعت و تربیت طلاب و تدریس دروس عالی فقه و اصول و فصل دعاوی و حکومات شرعیه نموده تا در سال ۱۳۷۲ ق که برای خرابی اوضاع بهبهان و دودستگی بین قنوات و بهبهان آنجا را ترک و بحرم اهل‌بیت علیهم‌السلام که حرم امن خداست مهاجرت و بتدریس پرداخته و پس از چند سال مراجعت بوطن و در آنجا بدرود حیات گفته و فرزند ارجمند خود جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد حسین مجتهدی معروف به (آقا شیخ بزرگ) بجای خود گذارده که اقامه جماعت و تربیت محصلین بهبهان را نموده و بوظائف دینی و روحی ادامه دهد.

معظم‌له که چندی در قم اقامه داشتند و از محضر آیات عظام حجت کوهکمری و آیه‌الله بروجردی استفاده کامل نمودند اکنون بالغ بر بیست سال است که بجای والد مرحومش مشغول خدمات و در مدرسه علمیه شاهزاده ابراهیم که در محله قنوات است اشتغال

دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجد الادبا، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، منشی و خطاط. در زمان تألیف «المآثر و الآثار» (۱۳۰۶ ق)، منشی‌باشی کل خراسان بود. وی از علوم ادبی و عربی و همچنین علم حساب بهره‌مند بود و در خط تحریر نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۲/ ۴)، المآثر و الآثار (۲۲۴).

مجد الاسلام کرمانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۲ -۱۲۵۰ ش)، عالم دینی، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. در کرمان به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به اصفهان رفت و از محضر آخوند ملا محمدباقر فشارکی و آقا میر محمدتقی مدرس استفاده نمود و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. در آن موقع به طبع و نشر چندین جلد کتاب از قبیل: «کشف الغطاء»، «کشف القناع» و «شرح نهج‌البلاغه» اقدام کرد و با همکاری ملک المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ و میرزا علینقی خان سرتیپ به تأسیس مدرسه‌ای برای نوجوانان در اصفهان همت گماشت. وی در آغاز مشروطیت در تهران روزنامه‌ی «ندای وطن» را تأسیس و مدتی نیز روزنامه‌ی «ادب» را مدیریت و سردبیری کرد. وی در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌های «کشکول» و «محاکمات» را منتشر کرد. شیخ احمد پس از حوادث تهران، از جمله به توپ بستن مجلس و توقیف جراید به اصفهان عزیمت نمود و در ۱۳۲۷ ق اقدام به انتشار روزنامه‌ی «کشکول» کرد. مجدالاسلام در زمان صدارت عین‌الدوله با حاج میرزا حسن رشدیه و میرزا آقا اصفهانی به کلات نادری تبعید شد تا اینکه در زمان صدارت مشیرالدوله، میرزا نصراللّه خان، به تهران بازگشت. وی در سرودن شعر توانا بود و بیشتر هنرش در سرودن قطعات تاریخی بوده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» مجدالاسلام را یک جا با شهرت گرگانی و در جای دیگر با نام فتح‌اللّه ذکر کرده است. از دیگر آثار وی: منظومه‌ی «شهر خاموشان»، یا «اوضاع عدلیه سابق»؛ «تاریخ انحلال مجلس»؛ «تاریخ انقلاب مشروطیت»؛ « دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۹۴ -۲۸۸، ۱۹۴ -۱۹۲، ۱۴۰ -۱۳۵/ ۴، ۹۴ -۸۹/ ۱)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۳۶ -۴۳۳)، الذریعه (۲۶۰/ ۱۴، ۹۶۰/ ۹)، ستارگان کرمان (۳۲۷ -۳۲۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۸۲/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۵ -۱۸۳/ ۵).

مجد خرقانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید علی محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل المرحوم السید رجب مجد العلماء قزوینی خرقانی از علماء محترم معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۲۴ قمری در خرقان قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات در قزوین به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین و اعلام حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی و دیگران تکمیل نموده و چندی از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری استفاده نموده و پس از آن مرحوم از آیات عظام مرحوم آقای حجت و آقای خونساری و آقای صدر رضوان اللّه علیهم بهره‌مند گردیده و در اوائل ۱۳۶۴ قمری به تهران منتقل و تاکنون در خیابان عباسی کوچه مجد اقامت و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

والد مرحومش حجةالاسلام مجدالعلماء از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن آشتیانی بودند و از قزوین برای ارشاد و هدایت مردم بخرقان هجرت نموده و تا آخر عمر در آن حدود ایفاء وظیفه نمودند.

آن مرحوم دارای فرزندان دانشمندی بودند که از علماء معاصر قم و تهران و دماوند می‌باشند و آنها از این قرارند:

۱- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید عبدالحمید مجد

۲- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید محمدعلی مجد مقیم قم

۳- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید علی محمد مجد مترجم محترم ما

۴- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید تقی مجد مقیم قم

۵- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا جمال‌الدین مجد مقیم دماوند

۶- حضرت حجهٔالاسلام و المسلمین آقای آقا کمال‌الدین مجد (مشکور) مقیم تهران

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجد خوافی خراسانی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۳۷ ق)، واعظ، ادیب و شاعر. وی از بزرگـان زمان بود که سـفرهایی چنـد به خراسان و کرمان داشت. از جمله آثارش: دیوان «کنز الحکمه»؛ ترجمه‌ی منظومی از «جواهر اللغه» زمخشری؛ «روضهٔ الخلد»، که تقلیدی از «گلستان» سعدی است، که آن را در ۷۳۳ ق به پایان رسانده و در ۷۳۷ ق در آن تجدیدنظر کرده و انتشار داده است. در «آتشکده‌ی آذر»، این کتاب به قاسمی خوافی نسبت داده شده است که صحیح به نظر می رسد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۶/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، الذریعه (۲۹۳/ ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، لغت نامه (ذیل/ مجد خوافی)، هفت اقلیم (۱۷۴ -۱۷۳/ ۲).

مجد دزفولی، مجدالدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۱۶۵ ق)، عـالم دینی، قاضـی، ادیب و شاعر. چون دزفول، از توابع شوشتر است او را مجـد شوشتری نیز نامیده‌انـد. در دزفول نشو و نما یافت و مطالب علمی را نزد علمای حویزه و شوشتر فراگرفت. وی فقه و حدیث را از محضر سید نعمت‌اللَّه جزایری فراگرفت تا به مرتبه کمال رسـید. قاضـی مجدالدین، قاضـی دزفول بود. او بارها به اصفهان سفر کرده و حزین لاهیجی با او ملاقات داشـته است. وی چند سال قبل از تألیف «ذکرهٔ المعاصـرین» حزین لاهیجی (تألیف شده در ۱۱۶۵ ق) از دنیا رفت. از او اشـعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :اعیان الشیعه (۴۵/ ۹)، تذکرهٔ المعاصـرین (۲۶۱ ،۱۳۸ -۱۳۷)، الـذریعه (۹۶۰/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹).

مجد، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جمال‌الدین بن مرحوم مجد العلماء مزلفانی معروف به آقای مجد عالمی برجسته و فاضلی شایسته است.

وی دارای پنج برادر روحانی میباشد که در ضمن ترجمه برادر بزرگش آیت‌اللَّه حاج سید علی محمد مجد ص... یاد نمودم. وی در بیت علم و سیادت تولد و پرورش یافته و برای تحصـیل کمال به قم آمده و از محضـر آیات عظام و مدرسـین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حجت و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و دیگران اسـتفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت مردم دماوند و امریه مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی عزیمت بدماونـد نموده و تـاکنون در آن سامـان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خـدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجدالدین خوافی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، ادیب و شاعر. وی از ادیبان ساکن هندوستان بوده و به فرمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به تقلید از «گلستان» کتابی به نام «خارسـتان» در ۱۶ بـاب نوشـته است. عـده‌ای از تـذکره‌نویسان همچون صاحب «تاریـخ نظم و نثر» به تبعیت از «عرفات العاشـقین» گفته‌انـد که او «روضـهٔ الخلـد» مجـد خوافی، را به نـام خود کرده است و صاحب تـذکره‌ی «روز روشن» به وضوح کتاب «روضهٔ الخلد» را به مجدالدین نسبت داده است یعنی او را با مجد خوافی یکی دانسته است. در حاشیه «کاروان هند» آمده که کتاب «روضهٔ الخلد» در هند با عنوان «خارستان» چندین بار به چاپ رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۳۸۳)، تـذکره‌ی روز روشن (۷۱۴)، فرهنگ سـخنوران (۷۹۹)، کاروان هند (۱۲۱۴ -۱۲۱۳/ ۲)،

هفت اقلیم (۱۷۶ -۱۷۵/ ۲).

مجیدی فیاض، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مجیدی فیاض فرزند سید عبدالمجید به سال ۱۲۷۷ ه. ش در مشهد متولد گردید . وی پس از طی نمودن مراحل مقدماتی تحصیل ، در سال ۱۳۰۷ ه.ش به خدمات فرهنگی مشغول شد که ازجمله همکاری در تاسیس دانشسرای مقدماتی مشهد ، و به عهده گرفتن ریاست آن بود . دکتر مجیدی فیاض در سال ۱۳۲۲ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران احراز کرد ، و به استادی دانشکده ی علوم معقول ومنقول برگزیده شد .او در دوره های دوازدهم و سیزدهم نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر ، یکسره به مطالعه و تحقیق و تدریس پرداخت . در سال ۱۳۲۴ ه.ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت تا دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند . وی قریب نه سال ریاست این دانشکده را برعهده داشت . همچنین در پایه گذاری و تکمیل کتابخانه ی آن کوشید . چندسال نیز دانشکده علوم معقول ومنقول دانشگاه مشهد را سر پرستی کرد . از سال ۱۳۴۳ه.ش به دانشگاه تهران برگشت ، و در سال ۱۳۴۶ ه.ش بازنشسته شد . در بهمن سال۱۳۴۹ ه.ش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد جهت تدریس در این دانشکده از وی دعوت به عمل آورد ، اما دیری نگذشت که در روزپنجشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۵۰ه.ش دار فانی را وداع گفت و به دیدار حق شتافت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : علی اکبر مجیدی فیاض در خانواده ای از سادات و روحانیون مشهد بدنیا آمد پدرش سید عبدالمجید ثقه الاسلام از مجتهدان و فضلای روزگار خود بود و مردی محترم ،تربیت خانوادگی در پرورش وی مؤثر افتاد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : علی اکبر مجید فیاض از همان کودکی به آموختن قرآن و مقدمات زبان عربی پرداخت.و از تعالیم پدر بهر ه ها برد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مجیدی فیاض علوم قدیمه را در مدارس مشهد آموخت و در علوم معقول و منقول و ادبیات فارسی و عربی تبحر یافت . بجای پدر بعنوان خادم باشی کشیک اول در آستان قدس رضوی منصوب گردید. او به سال۱۳۱۶ ه.ش به تهران آمد و با آن که مردی پخته و درسن کمال بود و معلومات فراوان اندخته، دوره های ابتدایی و متوسطه را در مشهد و تهران امتحان داد و وارد دانشگاه تهران شد .

زمان و علت فوت : علی اکبر مجیدی فیاض روز پنجشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۵۰ ه.ش در مشهد درگذشت .و در آستان قدس رضوی به خاک سپرده شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر مجیدی فیاض در ایجاد «دانشسرای مقدماتی» در مشهد ۱۳۱۴ ه.ش ،تاثیر داشت و نخستین رئیس آن موسسه بود. درکتابخانه دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی چندی به کتابداری اشتغال داشت . در دوره های دوازدهم و سیزدهم نیز نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر یکسر به مطالعه و تحقیق وتدریس پرداخت . به مدت قریب نه سال ریاست دانشکده ادبیات مشهد را برعهده داشت در ضمن پایه گذاری و تکمیل کتابخانه آن دانشکده کوشید .

فعالیتهای آموزشی : علی اکبر مجیدی فیاض در سال ۱۳۰۷ ه.ش به عنوان فیاض به خدمات فرهنگی مشغول شد .ریاست دبیرستان شاهرضای مشهد به و ی تفویض شد . بعد ها به تدریس در دانشگاه پرداخت و استاد ملل و نحل در دانشکده علوم معقول و منقول برگزیده شد .در برخی این سالها ،در دانشکده ادبیات مشهد تاریخ ادبیات فارسی ،تاریخ تمدن، و تاریخ ایران بعداز اسلام را تدریس می کرد .چند سال نیز دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد را -که خوددر تاسیس آن همکاری داشت-علاوه بر دانشکده ادبیات سرپرستی می نمود . از سال ۱۳۴۳ ه.ش به دانشگاه تهران برگشت و به مدیریت گروه ادیان و مذاهب در دانشکده الهیات و معارف اسلامی انتخاب شد تا این که در سال ۱۳۴۶ ه. ش به افتخار بازنشستگی رسید و در مشهد اقامت گزید، ،از بهمن ۱۳۴۹ دعوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد را پذیرفت و در رشته فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی ، سیر عقاید و آراء. اسلامی متون نثر فارسی را تدریس فرمود ،با بعضی از دوستان خویش خاصه مرحوم دکتر قاسم غنی در تصحیح تاریخ بیهقی و تالیف تاریخ عصر حافظ مشارکت و همقدمی داشت .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر مجیدی فیاض در سال ۱۳۳۴ ه.ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند .

منابع زندگینامه :رحمت الله ابریشمی ،کار نامه بزرگداشت بزرگان علم وادب ایران ، ص ۲۴۸

مجیدی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین مجیدی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین مجیدی در سال ۱۳۴۶ در شهرستان خوانسار متولد شدم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه ولی عصر (ع) آن شهرستان گردیدم که دروس سطح را تا ابتدا درس خارج در آن شهرستان با استادانی همچون تقدیری و رفیعیان گذرانده و درعرض تحصیل در آن حوزه مشغول به تدریس دروس مقدماتی گردیدم و از سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم و در درس خارج حضرت آیهٔ الله فاضل و مکارم شیرازی شرکت کرده و از سال ۱۳۷۵ ادامه تحصیل را با درس فقه میرزا جواد تبریزی (ره) و اصول حضرت آیهٔ الله وحید ادامه دادم و در عرض تحصیل به تحقیق کتاب اشتغال یافتم که ابتدا در تاریخ ۱۳۷۳ کار تحقیق را با مؤسسه دار الحدیث شروع نمودم. که با همکاری گروهی چندین اثر به چاپ رسیده و نیز چندین اثر بطور مستقل از بنده به چاپ رسیده که یکی از آنها در سال ۱۳۸۲ کتاب سال ولایت شمرده شد. در ادامه همکاری با دار الحدیث اکنون مدیر گروه حکمتنامه ها و فرهنگنامه های این مؤسسه می باشم که تاکنون چندین حکمتنامه و فرهنگنامه از این گروه به چاپ رسیده است. مثل، حکمتنامه بسیج حکمتنامه، کودک حکمتنامه جوان- و غیره...

مجیدی، فرهاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرهاد مجیدی در ۱۳ خرداد ۱۳۵۵ در تهران به دنیا آمد. در یک خانواده اصیل با وضعیت مالی و اجتماعی خوب رشد کرد. کم کم به فوتبال علاقه مند شد. او در کنار دو خواهر و یک برادر بزرگ شد. برادر کوچک تر فرهاد را هم خوب می شناسید. فرزاد مجیدی که درست بسان فرهاد از بهمن به استقلال تهران پیوست. فرهاد از کودکی عاشق فوتبال بود. از تیم های پایه کار خود را آغاز کرد. گرچه مادرش به طور کلی مخالف حضور او در میادین فوتبال بود اما پدرش از همه نظر یار و پشتیبان او بود. فرهاد مجیدی این روزها دوباره پیراهن استقلال تهران را بر تن کرده است. پیراهنی که با آن به فرهاد مجیدی تبدیل شد و شاید با آن از دنیای فوتبال خداحافظی کند. آغاز یک راه طولانی اولین تیم رسمی و تقریباً مطرح او جوانان کشاورز بود. تیمی که با کمبود امکانات مواجه بود اما با این حال این مساله باعث نشد تا فرهاد مجیدی فوتبال را کنار بگذارد. پس از حضوری تقریبا کوتاه در جوانان کشاورز در همان رده سنی به تیم بهمن پیوست. وضعیت در تیم جوانان بهمن بهتر از کشاورز بود. روزی ۳ بار تمرین می کرد. تمرین های سنگین و نفس گیر. برای حضور در مسابقات استانی به تیم صنایع پارچین پیوست و مدت کوتاهی به صورت بازیکن قرضی در این تیم توپ زد. درخشش او در تیم صنایع باعث شد تا مربیان تیم امید بهمن برای جذب دوباره او تلاش کنند. پس از هشت ماه بازی در صنایع پارچین وارد تیم امید بهمن بود. او می دانست که اگر در رده سنی امید موفق ظاهر شود می تواند به تیم بزرگسالان و مطرح بهمن راه پیدا کند. پس وقت تلاش بود! تلاشی برای رسیدن به یک آرزوی دیرینه! او پس از یک دوره کوتاه به آرزویش رسید و پیراهن تیم بزرگسالان بهمن را بر تن کرد. آن روزها بهمن در شرایط خوب و آرمانی قرار داشت. او حالا آرزوهای بزرگتری در سر داشت...پس از درخشش در تیم بزرگسالان بهمن به استقلال تهران پیوست. تیمی که همیشه آرزوی پوشیدن پیراهنش را در سر داشت. فرهاد مجیدی می دانست که راه سختی در پیش دارد. راهی که به قله های افتخار ختم می شد. او در استقلال به یک شاه مهره تبدیل شد! شم بالای گلزنی و هوش فوق العاده او باعث شد که به یکی از موفق ترین و محبوب ترین بازیکنان آن زمان استقلال تبدیل شود. به واقع می توان از فرهاد مجیدی به عنوان یکی از ستاره های اواخر دهه هفتاد نام برد. گل که می زد یک دستش را روی سینه می گذاشت و دست دیگر را باز می کرد! حرکت او بعد از هر گل تکرار می شد. مجیدی سالها برای استقلال بازی کرد و در واقع همین مساله باعث شد که حتی امروز محبوبیت خاصی بین هواداران استقلال داشته باشد.او در سال ۱۳۷۵ برای اولین بار به تیم ملی دعوت شد. محمد مایلی کهن مربی وقت تیم ملی به توانایی های فرهاد اعتقاد داشت. فرهاد مجیدی اولین بازی ملی خود را در برابر کویت و در سال ۱۳۷۵ انجام داد. گرچه او همراه تیم ملی به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه هم رفت اما از او به عنوان یک بازیکن کم فروغ در رده ملی یاد می شود. او در حالی که در اوج بود و در امارات می درخشید خیلی کم به تیم ملی دعوت می شد و زمانی هم که به اردو ها ملحق می شد به دلیل دوری طولانی از تیم ملی نمی توانست به هماهنگی لازم برسد. او در طول دوران بازیگری خود ۴۱ بازی ملی انجام داده است و تنها موفق به ثمر رساندن ۱۰ گل شده است.

مجیدی، فریبرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریبرز مجیدی در تیر ماه ۱۳۱۹ در شهر مشهد متولد شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی از

دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران،همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه ۱۴ اثر به تنهایی و ۱۲ ترجمه مشترک نیز به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیت های وی می توان به سرپرستی و همکاری بخش هایی از مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و فرهنگستان هنر و ... اشاره کرد. کتاب"زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه "ترجمه فریبرز مجیدی ، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریبرز مجیدی سه سال از دوره ابتدایی را در مشهد گذراند و در ۱۳۲۷ همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و بقیه تحصیلاتش را در تهران ادامه داد. او در سال ۱۳۳۶ دوره متوسطه را در دبیرستان علمیه در رشته ادبی به پایان رساند و در سال ۱۳۳۸ به دانشسرای عالی وارد و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل مشغول شد. او در سال ۱۳۵۶ با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریبرز مجیدی در سال ۱۳۵۶ با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند و از آن پس همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه ۱۴ اثر به تنهایی و ۱۲ ترجمه مشترک نیز به چشم می‌خورد. علاوه بر این‌ها، ده‌ها کتاب و صدها مقاله را ویرایش کرده است و از سال ۱۳۶۴ تاکنون با مراکز فرهنگی متعددی همکاری داشته و در برخی از آن‌ها سرپرستی بخش‌هایی برعهده وی بوده که عبارتند از؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، شرکت دانش‌گستر، سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، فرهنگستان هنر. مجیدی، همکاری خود را با تعدادی از این مراکز ادامه داده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریبرز مجیدی در کنار کار تحریر و ترجمه به مطالعه کتابهایی همچون فلسفه هنر، رمان، شعر شاعرانی مثل نیما، شاملو، اخوان، فروغ و از شاعرای کهن هم حافظ، سعدی و... علاقه دارد.

آرا و گرایشهای خاص : فریبرز مجیدی در باره ارتباط هنر و زیبایی چنین اظهار نظر می کند: تولستوی در کتاب هنر چیست، هنر را خلق زیبایی تعریف می‌کند. زیبایی قائم به ذات نیست و برای هر جماعتی متفاوت و نسبی است. هنر هم قائم به ذات نیست و در هر دوره و عصری، معنای خاص خود را دارد. نقاشی درون غار در دوران اولیه یک هنر محسوب می‌شود اما اگر پیکاسو آن را انجام می‌داد، دیگر یک هنرمند نبود. هنر پیکاسو مثل زیبایی، وابسته به شرایط اجتماعی و محیطی در دوران تاریخی است

جوائز و نشانها : کتاب"زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه "ترجمه فریبرز مجیدی ، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثاری را که مجیدی از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده به فلسفه، مسایل مختلف اجتماعی و جامعه شناسی شناخت مربوط می‌شوند؛ البته در این میان آثاری در زمینه ادبیات (رمان، نمایشنامه و داستان‌های کوتاه) نیز ترجمه کرده، اما این کارها بیشتر جنبه تفنن داشته‌اند. تعدادی از مهم‌ترین کارهایی که فریبرز مجیدی به صورت مشترک و با همکاری مترجمان دیگر انجام داده است بدین قرارند؛ فرهنگ اندیشه نو (۱۳۶۹)؛ زندگینامه علمی دانشوران (از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵)؛ آفرینندگان جهان نو (۱۳۷۲)؛ فرهنگ علوم اجتماعی (۱۳۷۶)؛ جهان پیش از تاریخ از دیدگاهی نو (۱۳۷۹)؛ دایره‌المعارف دانش بشر (۱۳۸۱)؛ برای قرن بیست و یکم: گفت‌وگوی دو فرزانه (۱۳۸۱)؛ ۳۲ هزار سال تاریخ‌ها (۱۳۸۲)؛ دایره المعارف دموکراسی (۳ جلد، ۱۳۸۱)؛ دایره المعارف ناسیونالیسم (۲ جلد، ۱۳۸۳)؛ فرهنگ ادیان جهان (۱۳۸۵). -- ----------------------------------

آثار :

۱ ایدئولوژی و اوتوپیا

ویژگی اثر : ترجمه،(۱۳۵۵؛ ویراست دوم، ۱۳۸۰)

۲ تکامل فرهنگ

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۷۹

۳ دموکراسی

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۷۴

۴ روح آیین پروتستان

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۲

۵ زندگینامه استوارت میل

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۸۰

۶ زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۵.این کتاب در سال ۱۳۸۶ ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است.

۷ ساخت اجتماعی واقعیت

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۷۵

۸ طرحی کوتاه از تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۴۹

۹ فرهنگ تلفظ نام‌های خاص

ویژگی اثر : (حاوی ۶۰ هزار مدخل) کتابی است که برای راهنمایی پژوهشگران، مترجمان به منظور تلفظ و ثبت صحیح نام‌های خاص (با تلفظ ۳۰ ملیت) تالیف کرده که در سال ۱۳۸۱ به همت بنگاه انتشارات فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است.

۱۰ فلسفه در عمل

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۲چاپ پنجم ۱۳۸۵

۱۱ مار و روباه: مقدمه‌ای بر منطق

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۵

۱۲ مفهوم ایدئولوژی

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۸۰

۱۳ مونادشناسی

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۷۰

محامدی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد کاظم و فرزند ارجمندش حجه‌الاسلام آقا شیخ جواد محامدی از ائمه جماعت و علماء محترم این شهرستانند که بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محب‌الاسلام موسوی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ثقه‌الاسلام والمحدثین و سید الخطباء والمبلغین آقای حاج سید علی‌اکبر محب الاسلام موسوی از وعاظ و گویندگان باتقوای معاصر است. وی در خراسان متولد شده و پس از گذرانیدن دوران صبا به دروس جدید پرداخته و بعد از آن شروع به تحصیل علوم عربیت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین و علماء مشهد آموخته و در دروس تحلیلی و خارج آیات عظام حاضر و استفاده کرده آنگاه وارد رشته منبر و تبلیغ گردیده و برای مهارت در این فن مطالعات بسیار در کتب مختلفه اسلامی و بالاخص احادیث و اخبار اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده تا به مقام بلندی در این موضوع رسیده و در مشهد مقدس و تهران و بعض نقاط دیگر شهرتی پیدا کرده است.

نگارنده گوید: معظم‌له اکنون یکی از ستارگان درخشان و انجم فروزان خطباء حاضر و دارای مقام ورع و پرهیزکاری و معتقد و پایبند به گفتار خویش می‌باشد.

منبری ارزنده و بیانی آموزنده و مطالب سودمندی در ترویج دین و نشر معارف اسلامی دارد.

و زمینه منبرش اخبار و احادیث حضرات معصومین علیهم صلوات المصلین است در خاطر دارم که در شب ولادت حضرت امیرالمومنین علیه‌الصلوه والسلام در مسجد حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه الشریف مشهد مقدس بودم که معظم‌له شب آخر منبرش بود و منبری بسیار مفید و سخنانی کامل و جامع در پیرامون شخصیت آسمانی و ملکوتی مولی الموحدین و امام المتقین حضرت علی علیه‌السلام ایراد نمودند و جدا استفاده نمودم- تالیفاتی در اخبار اهل‌بیت رسالت صلوات‌الله علیهم دارد.

۱- اقوال الائمه که ۸ مجلد از آن به طبع رسیده است.

۲- راز دلباختگان شرح دعاء کمیل

۳- راز دلباختگان شرح دعاء ابی‌حمزه.

۴- راز دلباختگان شرح دعاء مکارم‌الاخلاق و جناب حاج تاج واعظ لنگرودی هم یکی از منابر مفیده ایشان را در گفتار وعاظ خود نقل نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

محبت، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد محبت متولد ۱۳۲۱ و در کرمانشاه است. وی از شاعران فعال پیش از ۵۷ محسوب می شود محمد جواد محبت ،از فرهیختگان معاصر ایران است . او درزمینه زبان و ادبیات فارسی فعالیت می کند . وی یکی از چهار شاعری است که جایزه شعر فروغ به او اختصاص یافته است . از او آثار متعددی به چاپ رسیده است که حاوی نکات عمیق ادبی می باشند .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

فعالیتهای ضمن تحصیل : مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد جوادمحبت ، شعر وشاعری بود . طوری که او شعر سرودن را مهمترین فعالیت خود نموده بود . وی دراین راستا غزل عاشقانه نیز سروده است . محبت به زبان کردی نیز شعر می سراید .

وقایع میانسالی : مهمترین واقعه این دوران ، این است که کارهای محمد جواد محبت .به ویژه غزل های دهه پنجاه ایشان درمجله روشنفکر به چاپ رسیده است .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت آموزشی محود جواد محبت ،شعر وشاعری است . طوریکه برای شاعران دهه چهل و پنجاه شعرهای اجتماعی و سیاسی او که بارگه های مشخص عاطفی زبانی خاص برای خود داشت ، آشنا می باشد . مثلا درمجله خوشه و دریچه تهران مصور نمونه هایی از کارهای وی به یادگار مانده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد جواد محبت شعری درمورد پرسش مهردارد که مورد توجه اهل فن قرار گرفته است .

همفکران فرد : یکی از همفکران محمد جواد محبت ،جلال آل احمد بود . این دودر قصر شیرین باهم آشنا شدند .

آرا و گرایشهای خاص : محمد جواد محبت بنا به عقیده و آرایی که دارد مخالف جنگ و خونریزی است . بدان علت دربیانیه ای که از سوی روشنفکران و آزادیخواهان ایران علیه جنگ آمریکا و متحدانش درعراق صادر گشته است . این بیانیه راامضاء کرده وتمایل خودرا به صلح و دوستی ابراز داشت . ---
----

آثار :

۱ آن سوی چهره تو

۲ ازآتش خیمه های عاشورا

۳ درباغسار شعر معلم

۴ گزیده ادبیات معاصر

محبوبی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید محبوبی

محل تولد : ملکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

مجید محبوبی در دوازدهمین روز اسفند سال ۱۳۵۲ در روستای قره‌گل شهرستان ملکان به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در روستا گذراند. بعد از اتمام دوره راهنمایی و تحصیل یک ساله در دبیرستان بوعلی سینا شهرستان میاندوآب، سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه‌ولیعصر(عج) تبریز شد. در تبریز به کلاسهای قصه‌خوانی استاد عبدالمجید نجفی راه یافت و به آموزش اصول قصه‌نویسی پرداخت. آشنایی با شعرای موفق و مطرحی چون آقایان جلال محمدی، سید قاسم ناظمی، محمدرضا لوایی، اسحاق راهب و همچنین نویسنده ادبیات مقاومت جناب داوود امیریان، اشتیاق او به نویسندگی را مضاعف کرد. محبوبی در کنار تحصیلات حوزوی، به طور چشمگیری به مطالعه آثار بزرگان داستان‌نویسی همت گمارد که در این میان انس و الفت او با کتابهای مرحوم جلال آل احمد بیشتر بود. آشنایی محبوبی با مجله «سوره نوجوانان»، علاقه او به ادبیات بزرگسال را کاهش داد. او در این مقطع همه هم و غمش را به این مجله معطوف کرد و اگرچه نوشته‌های او در آن زمان مناسب چاپ در آن مجله تشخیص داده نشد؛ ولی چندی بعد با چاپ اولین قصه‌اش در مجله «سلام بچه‌ها»، که تشویقهای مداوم استاد مظفر سالاری را به همراه داشت، وارد وادی ادبیات کودک و نوجوان شد. محبوبی در مجلاتی مانند«سروش نوجوان»، «سلام بچه‌ها»، «پوپک»، «انتظار نوجوان»،«ملیکا»، «یاران امین» و «قاصدک» برای کودکان و نوجوانان و در مجلاتی چون «کتاب ماه کودک و نوجوان»، «کوثر»، «مبلغان»، «پگاه»، «پیشگامان»، «شمیم یاس» و «خشت اول» برای بزرگسالان قلم زده است. از این نویسنده تاکنون این کتابها منتشر شده است:۱. آن روز، آن مهمانی، ۲. یک روز بهاری ۳. کبوتر سفید، ۴. هدیه، ۵. تربت و دریا، ۶. اولین برفی که زمین نشست، ۷. آفتاب حکمت، ۸. آینه اخلاص، ۹. روح اخلاص، ۱۰. گزیده‌ای از حکایات شیخ عباس قمی، ۱۱.ستارگان حرم (گروهی) ۱۲. گلشن ابرار(گروهی)، ۱۳. مهربانترین، ۱۴. فرزند کعبه، ۱۵. خانه در آتش، ۱۶. ملاقات در شب مهتابی.

همچنین کتابهای ۱. دیدار در خانه دوست، ۲. خورشید در نخلستان، ۳. دعای باران، ۴. فرشته‌ای در کویر، ۵. بارانی از مهر، ۶. زیباترین شب، ۷. همسفر با فرشته، ۸ . رؤیای شیرین، ۹. فرشته‌ای در قصر، ۱۰.آن شب، آن شعر، ۱۱.نوشته نامرئی، را در زیر چاپ دارد.

«نامزد دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی» در سال ۱۳۸۶ و «مؤلف برتر اولین جشنواره مرزبانی وحی و خرد» در سال

۱۳۸۷، تنها عناوینی است که تا به حال محبوبی در عرصه رقابتهای فرهنگی ادبی به دست آورده است.

محبیان، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر محبیان (-۱۳۴۱)روزنامه نگار شناخته شده ایرانی ؛ دبیر سیاسی وعضو شورای سردبیری روزنامه محافظه کار رسالت است که از سوی جناح اصلاح طلب در دوران پر چالش پس از دوم خرداد ۷۶ و ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، به عنوان استراتژیست و نظریه پرداز جناح اصولگرا ملقب شد. محبیان از سال ۱۳۷۶ بصورت جدی در صحنه مطبوعاتی ایران از طریق خلق ادبیاتی ویژه خود که نگارش مقالات با دستمایه علمی و نقدی محترمانه نسبت به رقیب بود؛ به شهرت رسید. نخستین نبرد قلمی او با رقیبان پر قدرت اصلاح طلب در حوزه نقد مفهوم جامعه مدنی صورت گرفت که شعار محوری سید محمد خاتمی بود.

محبیان نهایتا پس از نگارش دهها مقاله در این مورد و طرح صدها پرسش از سید محمد خاتمی، او را وادار نمود تا برداشت خود را از جامعه مدنی با مدینه النبی (جامعه تاسیسی توسط پیامبر اسلام در شهر مدینه)همخوان داند. این عقب نشینی خاتمی پیروزی بزرگی برای جریان محافظه کار بود که پس از پیروزی اصلاحات به لاک دفاعی محض فرو رفته بودند. محبیان در تمام دوران ۸ ساله حاکمیت اصلاح طلبان بر دولت با نگارش بیش از سه هزار مقاله در چارچوب ادبیات خاص خود در صف مقدم نبرد قلمی با آنان بود و در همان حال به چهره مطلوب نشریات اصلاح طلب تبدیل شد که بر خلاف چهره‌های شاخص جناح محافظه کار با آنان مصاحبه و گفتگو می‌کرد. محبیان با حضور در دانشگاهها به شاخص ترین چهره محافظه کار مبدل شد که در مناظرات با رقیب سیاسی اصلاح طلب شرکت کرده و با خلق ادبیات مدرن برای محافظه کاران خود و جناح محافظه کار را جناح منتقد دولت نامید. محبیان در سال ۱۳۷۶ حزب نواندیشان ایران اسلامی را تاسیس نمود که به گفته او قصد دارد حزب پیشگام در حوزه تئوری پردازی جناح اصولگرا باشد. این نظریه پرداز محافظه کار پس از روی کار آمدن محمود احمدی نژاد با تاسیس خبرگزاری آریا و مرکز مطالعات استراتژیک آریابه سازماندهی توان تئوریک و رسانه‌ای برای پیشبرد ایده‌های خود پرداخت. امیر محبیان دارای دکترای فلسفه غرب از دانشگاه‌های ایران بوده و در سمینارهای متعدد علمی در غرب حضور یافته و در مراکز علمی آلمان ، فرانسه، هندوستان،مصرو افغانستان سخنرانی داشته است. او در حال حاضر استاد فلسفه غرب در دانشگاه آزاد اسلامی است.

محجوب، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محجوب در سال ۱۳۰۷ هـ.ش. در یک خانواده فرهنگی متولد شد، و به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده اش حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد. محجوب اگرچه همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و با اصرار خانواده تحصیلات خود را ناتمام نهاد ، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود که از آن جمله تقی زاده می باشد. این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه ، بخشی از اشتغالات وی در در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری خاطرات کودکی : روزنامه ملاـ نصرالدین از روزنامه های مورد علاقه حسن محجوب در دوران کودکی، بود این روزنامه به زبان ترکی و در قفقاز به چاپ می رسید. حسن آن را ورق می زد و از تماشای کاریکاتورها و عکسهایش لذت می‌برد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن محجوب در سال ۱۳۰۷ ه .ش در یک خانواده فرهنگی متولد شد. وی به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات حسن محجوب دریک مقطع کوتاه سپری شد، چرا که او نتوانست همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی علیرغم اصرار خانواده، تحصیلاتش را ناتمام نهاد ، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد.خاطرات و وقایع تحصیل : حسن محجوب از این دوران، محجوب با توجه به زمینه مطالعات اولیه در دوران کودکی، درس و مدرسه رها کرد و به کسب و کار پرداخت، او چنین یاد می کند: « روز اول مهرماه ۱۳۲۰هـش که اطفال آن موقع روانه دبستانها و دبیرستانها بودند ، به همراه پدرم به یک کارگاه صحافی مراجعه نمودم و پدرم مرا به عنوان شاگرد به شخص صحاف معرفی نمود شخص صحاف هم خیلی استقبال کرد و اینجانب را به عنوان شاگرد پذیرفت. این شغلی که من برای خودم انتخاب کرده بودم ، خواه ناخواه منجر به این شد که با مسائل کتاب که از قبل هم با آن بیگانه نبودم بیشتر آشنا و علاقمند شوم. اشخاصی که به صحافی مذکور مراجعه می کردند ، اغلب افراد فاضلی بودند. با وجود این که من در سنین طفولیت بودم ، شخصیت بزرگ آن بزرگواران به قدری برای من جالب توجه بود که هنوز خاطرهٔ آن زمان را فراموش نکرده ام. »هم دوره ای ها و همکاران : سعید نفیسی ، عباس زریاب خویی ، سید حسن تقی زاده ، عبدالحسین زرین کوب، کیکاوس جهانداری از جمله همدروه ایها و همکاران

حسن محجوب بودند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن محجوب در اوان کودکی به کار صحافی مشغول شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود نظیر تقی زاده این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه ، بخشی از اشتغالات وی در در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید.

محجوب، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، نویسنده، مترجم.

تولد: ۱۳۰۳، محله سرچشمه تهران.

درگذشت: ۲۷ بهمن ۱۳۷۴، کالیفرنیای آمریکا.

محمدجعفر محجوب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تهران گذرانید. سپس به دانشکده‌ی حقوق رفت و به تحصیل علوم سیاسی پرداخت. در سال ۱۳۲۶ به دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران راه یافت و دوره‌ی دکترای آن را به سال ۱۳۳۵ به پایان آورد. رساله‌ی دکترای محجوب با عنوان سبک خراسانی در شعر در سال ۱۳۴۵ در کتابی با همین عنوان منتشر شد. وی پس از تحصیل شروع به تدریس نمود.

محجوب خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۷ آغاز کرد و با مجله «سخن» و چند نشریه علمی و ادبی دیگر همکاری داشت.

از ترجمه‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: خاطرات خانه‌ی مردگان (فئودر داستایوسکی، ۱۳۳۵)؛ داستان‌های دریای جنوب (جک لندن، ۱۳۳۰)؛ سگ سیرک؛ از خود گذشتگی زنان (جک لندن، ۱۳۳۵)؛ دخمه نشینان؛ انتقام مروارید (جان اشتاین، بک ۱۳۲۸)؛ مروارید (جان اشتاین بک، ۱۳۴۰)؛ جزیره وحشت (جک لندن، ترجمه با مشارکت جهانگیر بهروز، ۱۳۳۰)؛ پسر گرگ (جک لندن، ۱۳۳۰)؛ آتش (هانری باربوس، ۱۳۳۰).

از جمله تصحیحات و حاشیه‌نویسی‌های وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: دیوان حکیم قاآنی شیرازی، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، دیوان سروش اصفهانی، طرائق الحقایق تألیف نایب الصدر شیرازی، فتوت‌نامه سلطانی تألیف واعظ کاشانی سبزواری، شاهنامه فردوسی، دیوان ایرج میرزا و...

آثار وی در پژوهش و نقد و نظریات ادبی به شرح زیر است: انتخاب و انطباق منابع فارسی برای تدوین کتاب‌های کودکان و نوجوانان، آفرین فردوسی، چند رساله درباره‌ی فتوت و جوانمردی در ایران و فرهنگ عامه، فن نگارش یا راهنمای انشاء (با همکای دکتر علی‌اکبر فرزام‌پور، ۱۳۳۳)؛ درباره‌ی کلیله و دمنه.

دکتر محمدجعفر محجوب در ۲۷ بهمن ۱۳۷۴ در سن هفتاد و یک سالگی در پی ابتلا به سرطان درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محجوبی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۵.

درگذشت: ۱۳۶۸، لندن.

منوچهر محجوبی روزنامه‌نگار و طنزنویس بود و از ۱۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نویسندگی پرداخت. از چاپ شده‌های اوست: قدر یک لبخند؛ خانه‌ی نینو (ترجمه)؛ تا کمرگاه درخت (ترجمه). سریال «خانه‌ی قمر خانم» از کارهای اوست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محدث ارموی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۰ -۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، مدرس، محقق، مصحح و ادیب. به علت شوق بسیار به مطالعه، در جوانی، از طرف آیت‌اللّه سید حسین عرب باغی، لقب محدث گرفت. او در ارومیه به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، علوم اسلامی را در محضر شیخ علی ولدیانی آموخت. سپس به مشهد رفت و فقه و اصول و ادب و تاریخ و حدیث و رجال را در محضر علمای مشهد فراگرفت. پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و عازم نجف بود که به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و برای تدریس راهی تبریز شد. با ورود روسها به آذربایجان به تهران بازگشت و به تصنیف و تألیف پرداخت و عهده‌دار سمت ریاست بخش نسخ خطی کتابخانه‌ی ملی گردید. در ۱۳۲۲ ش داماد آیت‌اللّه سید احمد طالقانی شد. از ۱۳۳۵ ش به دانشکده‌ی معقول و منقول رفت و تا

۱۳۴۷ ش که بازنشسته شد به تدریس اشتغال داشت. او به اخذ درجه دکترای الهیات در رشته علوم منقول نایل آمده و از علما و مراجع اجازات بسیاری کسب کرده بود که از جمله آنها اجازه‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی و شیخ محمدعلی معزی دزفولی بود. وی تا آخر عمر به تألیف و تحقیق و تصحیح کتاب مشغول بود. در تهران درگذشت و در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتوح رازی، در حرم حضرت عبدالعظیم، به خاک سپرده شد. از آثارش: «تشریح الزلازل بأحادیث الافاضل»؛ «عشق و محبت»؛ «ایمان و رجعت»، در چهار مجلد؛ «کشف الکربة»، در شرح «دعاء الندبة»، که حاصل تلاش شصت سال کار اوست؛ شرح بر «اصول الاصیلة» فیض کاشانی؛ تذییل «میزان الملل» علی بخش میرزا قاجار؛ تصحیح کتابهای: «الصوارم المهرقة فینقد الصواعق المحرقة» قاضی نوراللّه شوشتری، «التفضیل» ابوالفتح کراجکی، «المحاسن» برقی، «النقض» عبدالجلیل قزوینی رازی، «الغارات» ابواسحاق ثقفی، «التعریف بوجوب حق الوالدین» ابوالفتح کراجکی، «زاد السالک» فیض کاشانی، «آثار الوزراء» عقیلی، «تفسیر گازر» موسوم به «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان» ابوالمحاسن جرجانی، «التنبیهات العلیة» ترجمه‌ی «اسرار الصلاة» شهید ثانی، «مفتاح التحقیق» معزی دزفولی، «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار» ناصرالدین منشی کرمانی، «فهرست منتجب الدین»، «الاربعین من الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)» و «دیوان» قوامی رازی.[1]

محقق، مصحح.

تولد: ۲ آذر ۱۲۸۳ (۱۳ رمضان ۱۳۲۳ ق.)؛ ارومیه.

درگذشت: ۵ آبان ۱۳۵۸.

سید جلال‌الدین محدث ارمی، فرزند قاسم حسینی، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود و فراگیری ادبیات فارسی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و علوم اسلامی را در محضر اساتیدی همچون شیخ علی ولدیانی فراگرفت و با آنکه پزشکان او را از خواندن زیاد نهی می‌کردند ولی او به مطالعه ادامه می‌داد تا جایی که آیت‌الله سید حسین عرب‌باغی با این که در صنف روحانیت نبود لقب «محدث» را به وی اعطا نمود. سپس برای تکمیل معلومات خود، به جانب مشهد حرکت کرد و در بین راه به شبستر وارد شد و در این حال سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا را که به وی پیشنهاد شده بود رد کرد. پس از آن چهار سال در مشهد به تحصیل علم مشغول بود تا اینکه قتل عام مردم توسط حکومت رضاشاه پیش آمد و چند شبی را در زندان به سر برد و پس از آن عازم تهران شد تا از آنجا روانه حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شود بعدا به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. برای تدریس به تبریز رفت و در سال ۱۳۲۰ به هنگام ورود روس‌ها به آذربایجان، وی به تهران عزیمت کرد و با سمت رییس «بخش مخطوطات کتابخانه‌ی ملی ایران» به خدمت خود ادامه داد. در سال ۱۳۲۲ ازدواج کرد. وی به دعوت دانشکده‌ی معقول و منقول به آن دانشکده رفت تا در سال ۱۳۴۷ بازنشسته شد. لازم به ذکر است که وی همچنین کلاس‌های دوره‌ی دبیرستان و دانشگاه را گذرانده بود و دکترای الهیات در رشته‌ی علوم منقول را نیز گرفته بود. علامه ارموی بعد از بازنشستگی تا آخر عمر به تألیف کتاب مشغول بود.

فهرست آثار وی به این شرح است: تصحیحی میزان الملل (تألیف علی بخش میرزا قاجار)؛ تصحیح الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرفة (به زبان عربی، تألیف قاضی نوالله شوشتری)؛ تألیف فیض‌الاله فی ترجمة القاضی نورالله (در شرح احوال قاضی شوشتری و خاندانش)؛ تصحیح اسرارالصلوة ترجمه التنبیهات العلیة علی وظائیف الصلوة القلبیة (تألیف زین‌الدین شهید ثانی، ترجمه محمدصالح بن محمدصادق واعظ، ۱۳۶۸ ق.)؛ تصحیح دیوان الحاج میرزا ابوالفضل الطهرانی (شعر عربی، با مقدمه‌ای در خدمات ایرانیان)؛ تصحیح التفضیل (تألیف ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی)؛ تصحیح المحاسن برقی (دو جلد، تألیف ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ تصحیح النقض (تصنیف عبدالجلیل قزوینی رازی، ۱۳۳۱)؛ تصحیح زادالسالک (تألیف محمد بن مرتضی ملقب به فیض کاشانی، ۱۳۳۱)؛ استخراج فهرست کتاب التدوین فی ذکر اخبار قزوین (تألیف عبدالکریم بن محمد رافعی)؛ تصحیح دیوان قوامی رازی (۱۳۳۴)؛ تصحیح نجاتیه (تألیف شیخ ابومحمد بسطامی)؛ تصحیح دیوان سعد فضل‌الله راوندی کاشانی؛ تألیف مقدمه‌ی نقض و تعلیقات آن؛ تألیف کلید نقض یا فهرست بعض مثالب النواصب؛ همراه با فهرست مقدمه نقض و تعلیقات آن؛ تصحیح آثار الوزراء (تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی)؛ تصحیح تفسیر گازر موسوم به جلاء الاذهان و جلاء الحزان (تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی)؛ تصحیح نسائم الاسحار من لطائم الخبار (در تاریخ وزراء تألیف ناصرالدین منشی کرمانی)؛ تصحیح مفتاح التحقیق (تألیف شیخ محمدعلی معزی دزفولی)؛ تصحیح نقاوة الاصابة فیمن أجمعت علیه العصابة (تصنیف حاج میرزا ابوالفضل تهرانی)؛ تصحیح شش رساله‌ی فارسی (تألیف مولی محمد طاهر قمی)؛ تصحیح شرح فارسی غرر الحکم و درر الکلم (تألیف عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی (تألیف بهاءالدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی)؛ تصحیح رساله‌ی طینت (از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح شرح فارسی کلمات قصار پیغمبر خاتم (ص) (شرح شهاب‌الاخبار، تألیف قاضی قضاعی)؛ اهتمام و طبع رجال برقی (از احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ شرح فارسی مصباح الشریعهٔو مفتاح الحقیقة (از عبدالرزاق گیلانی، در دو جلد)؛ تصحیح الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة (تألیف کمال الدین حسین کاشفی)؛ اهتمام و طبع سه رساله در علم رجال (۱. توضیح الاشتباه و الاشکال؛ ۲. رسالة فی معرفة الصحابة؛ ۳. رجال قاین؛ به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ اهتمام و طبع الفصول الفخریه فی اصول البریة (تألیف نسابه معروف جمال‌الدین احمد بن عنبه مؤلف عمدةالمطالب به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ تصحیح شرح المائة کلمة لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی)؛ تصحیح شرح المائة کلمة لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف عبدالوهاب)؛ تصحیح مطلوب کل طالب من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف رشیدالدین وطواط)؛ تصحیح الاصول الاصلیة (تألیف مولی محمد محسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الحق المبین فی تحقیق کیفیة التفقه فی الدین (تألیف مولی محمدمحسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الایضاح (تصنیف علم‌الدین فضل بن شاذان نیشابوری)؛ تصحیح فردوس (در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، تألیف علاءالملک مرعشی شوشتری)؛ تصحیح حکمت اسلام (تألیف محمد صالح بن محمدباقر قزوینی)؛ تصحیح الغارات (تألیف ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی)؛ تصحیح الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة (تألیف علامه جمال‌الدین ابی منصور حسن بن مطهر حلی)؛ تألیف تعلیقات نقض (دو جلد)؛ تألیف کشف الکربة فی شرح دعاء

الندبهٔ؛ تصحیح فهرست شیخ منتجب الدین رازی؛ تصحیح الاربعین من الاربعین عن الاربعین شیخ منتجب‌الدین رازی.

سید جلال‌الدین محدث ارموی ساعت دو بامداد شنبه پنجم آبان ۱۳۵۸ به علت سکته قلبی درگذشت و پیکر وی در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتح رازی در صحن امامزاده حمزه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۵، ش ۱۲ -۱۰، ص ۹۵۰ -۹۴۹)، تعلیقات نقض (هفت- بیست)، الذریعه (۱۳۳ -۱۳۲/ ۲۴ ،۵۵ -۵۴/ ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۶/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۸، ص ۳۷ -۳۶).

محدث حائری همدانی، عبدالرزاق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی‌رضا بن عبدالحسین بن ابی‌طالب بن عبدالکریم بن یحیی بن محمد شفیع بن محمد رفیع بن فتح‌الله قزوینی حائری اصفهانی.

اجدادش عموما اهل فضل و کمال بوده، به طوری که مولی عبدالکریم مؤلف «نظم الغرر»؛ و محمد یحیی مؤلف «ترجمان اللغهٔ» در شرح قاموس مطبوع می‌باشد، در سال ۱۱۱۷ زنده بوده؛ و محمد شفیع نویسنده کتاب «متمم ابواب الجنان» متوفی در ۱۱۰۴؛ و محمد رفیع مؤلف کتاب «ابواب الجنان» می‌باشد، و در سال ۱۰۸۹ وفات یافته است.

صاحب عهوان در ۱۲۹۱ در اصفهان متولد شده، و خدمت جمعی کثیر از فضلای این شهر همچون: حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی، و حاج آقا منیر بروجردی، و آخوند گزی، و آقا نجفی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای؛ و در همدان از سید عبدالمجید گروسی؛ و در نجف به درس جمعی از بزرگان حاضر شده؛ سپس به همدان مهاجرت نموده، و تا آخر عمر در آنجا به ترویج دین و نشر احکام از راه تألیف و تصنیف و منبر و محراب پرداخته، سرانجام در اوایل شوال ۱۳۸۳ در همدان وفات یافت.

تألیفات او بالغ بر هفتاد مجلد کتاب و رساله است، از آن جمله است: ۱ - ذریعهٔ المعاد، در شرح نجاهٔ العباد ۲ - رساله در غنا ۳ - رساله در درایه ۴ - رساله‌ی خلافیه بین شیخیه و امامیه ۵ - رساله‌ی هدایه، در رد معتقدات صوفیه ۶ - سلاسل الحدید فی عنق الفرید، در رد عبدالوهاب فرید، در موضوع رجعت ۷ - قرآن و حجاب، مطبوع ۸ - دلایل امامت از اسلام و خلافت، مطبوع ۹ - الشهب الثاقبهٔ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محدث، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محدث (پسر خاله حجهٔالاسلام حاج میرزا محمد حقی) از فضلاء آذربایجانی حوزه علمیه قم و علماء و ائمه جماعت معاصر شهرستان گنبد می‌باشند.

ایشان سالهای متمادی در قم اشتغال به تحصیل داشته و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیات دیگر فقهاً و اصولا استفاده نموده آنگاه از طرف آیت‌اللّه شریعتمداری در سال ۱۳۸۷ قمری به گنبد عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محدث‌زاده، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۶ -۱۳۳۸ ق)، عالم دینی، نویسنده، خطیب و واعظ. پدرش خاتم المحدثین محدث قمی و مادرش دختر آیت‌اللّه حاج آقا احمد طباطبایی قمی بود. در قم به دنیا آمد و در مشهد نشو و نما یافت و مقدمات و ادبیات را در آنجا فراگرفت. در ۱۳۵۴ ق همراه پدر به نجف رهسپار شد و در آنجا سطح فقه و اصول را نزد آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی، از مدرسین بنام نجف، تحصیل کرد. در نوزده سالگی از علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت گرفت و یک سال بعد از آن پدرش، حاج شیخ عباس قمی، نیز به وی اجازه داد. او در نجف، در تصحیح، مقابله و آماده چاپ نمودن «سفینهٔ البحار» و کتب دیگر همچون «الکنی و الالقاب» با پدرش همکاری کرد. پس از درگذشت پدر، در ۱۳۶۰ ق به ایران آمد و در قم، در محضر اساتید، به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت و خارج فقه و اصول را به اختصار خواند و از محضر آیت‌اللّه شیخ علی محمد بروجردی و آیت‌اللّه شیخ ابوالحسن مشگینی و آیت‌اللّه حاج آقا حسن طباطبایی قمی و آیت‌اللّه سید صدرالدین جزایری بهره برد. اما بیشتر هم خویش را، بنابر توصیه پدرش، مصروف اخبار و احادیث می‌نمود. در ۱۳۶۷ ق، به تهران آمد و به شیوه‌ی پدر رشته وعظ و خطابه و تصحیح و تألیف کتب را برگزید. او کتابهای چاپ نشده پدرش را تصحیح، تحشیه، مقابله، چاپ و منتشر کرد، که از آن جمله می‌توان کتابهای: «فوائد

الرضویه»، «تحفهٔ الاحباب»، «بیت الاحزان»، «تتمهٔ المنتهی»، «کحل البصر»، «فصل و وصل»، «الدر النظیم» و «فیض العلام و وقایع الایام» را نام برد. او در واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه حدود پنجاه تن از علما و روحانیون بازداشت شد و مدتی زندانی بود. در شب دوازدهم محرم ۱۳۹۶ ق در تهران درگذشت. آیت‌اللّه سید احمد خوانساری بر وی نماز گزارد و پیکرش پس از تشییع با شکوه کم‌نظیری، در تهران و قم، با حضور تمام مراجع تقلید وقت، در گلزار شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: کتاب «امام صادق (ع)»، در چهار مجلد بزرگ: ۱- «زندگانی امام صادق (ع)»، در احوال، شخصیت، اخلاق و کلمات امام ۲- «اصحاب امام صادق (ع)»، که به عنوان کتاب برگزیده هفته کتاب سال ۱۳۷۵ ش، سیزدهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی، برنده جایزه بهترین کتاب مذهبی شد ۳- «معاصرین امام صادق (ع)»، از خلفا و علما ۴- «خویشاوندان امام صادق (ع)»؛ «کلام الملوک»، سخنان ائمه اطهار (ع).[۱]

حاج میرزا علی بن العالم الجلیل و المحدث النبیل حاج شیخ عباس محدث قمی (صاحب مفاتیح الجنان و سفینه البحار و دهها کتب دیگر) از وعاظ بزرگوار و خطباء عالیقدر حاضر قم و تهرانست ولادت ایشان در سال ۱۳۳۸ قمری در شهرستان قم واقع شده و پس از شش ماه که از میلادش درگذشت. والدش وی را با خود به مشهد برده و در آنجا متوطن گردیده و دوران کودکی را در آنجا طی کرده و مقدمات را تا سیوطی در مشهد خوانده و در سال ۱۳۵۰ ق با معیت والدش مهاجرت به نجف اشرف و سطوح را از محضر مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر زنجانی تکمیل نموده و در اول ورودش به نجف که مرحوم والدش کتاب وزین سفینه‌البحار را طبع می‌نمود ایشان در تصحیح و مقابله آن به والد ماجدش کمک و مساعدت می‌نموده و نیز در تالیف و تصحیح کنی والالقاب در سفر لبنان با والدش همراهی نموده تا آن کتاب در صیدا به چاپ رسید و نیز در سایر مولفات به اندازه قدرت و استعاد با ایشان همکاری داشتند تا در سال ۱۳۵۹ که والدش در نجف اشرف درگذشت و در صحن مطهر جنب قبر استادش علامه نوری مدفون گردید.

مترجم معظم ما پس از فوت مرحوم والدش در سال ۱۳۶۰ ق به ایران آمده و چند سالی در قم از محضر اساتید حوزه علمیه خارج فقه و اصول را به طور اختصار خوانده و به واسطه‌ی پاره‌ای از گرفتاریها به تهران مهاجرت و تا حال حاضر بیست و چهار سالست که از طریق منبر و تبلیغ شفاهی خدمات ارزنده‌ی نموده است.

نگارنده گوید: سبک منبر جناب محدث‌زاده همان سبک مرحوم والدش می‌باشد از حریم اخبار و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام خارج نمی‌شود با بیانی ملیح نشر معارف اسلامی نموده و مردم را به سوی اهل‌بیت رسالت هدایت می‌نماید.

آثار علمی و قلمی ایشان از این قرار است:

۱- زندگانی امام صادق علیه‌السلام در شش جزء.

۲- کلام‌الملوک سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام.

۳- طبع تتمه المنتهی والدش.

۴- طبع فوائد الرضویه آن مرحوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اصحاب امام صادق (ع) (مقدمه ۱۶ -۱۳)، حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت (۱۲۹ -۱۲۲)، الکنی و الالقاب (۱/ مقدمه ۲۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۹ -۳۹۷/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۵۹ -۱۱۵۸/ ۳)، مفاخر اسلام (ج ۱۱/ بخش اول/ ۴۶۶ -۴۵۳).

محدث‌زاده، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محسن بن العالم الجلیل و المحدث النبیل آقای حاج شیخ عباس محدث قمی از علماء معاصر تهرانست که در شهباز جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.

وی در سال ۱۳۴۲ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در سن یازده سالگی به قم آمده و پس از چند ماه توقف در بلده طیبه قم در سال ۱۳۵۴ قمری باتفاق مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف نموده و مقدمات را نزد آن مرحوم و علامه مرعشی و سطوح را از آیت‌اللّه حاج سید محمد روحانی قمی و آیت‌اللّه حاج میرزا علی تنکابنی و آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی گرگانی و بعضی اعلام دیگر فراگرفته و تا سال ۱۳۶۸ قمری در آنجا اشتغال بتحصیل داشته و مورد توجه خاص مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میراز عبدالهادی شیرازی بوده و در سال مذکور به ایران مراجعت و در قم اقامت و مدت پنج سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۷۳ قمری باصرار جمعی از مؤمنین به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر در محل سابق الذکر تهران در مسجدی که بامر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی تأسیس شده بخدمات دینی اشتغال دارد و ضمنا از محضر درس آیت‌اللّه العظمی خونساری و آیت‌اللّه رفیعی قزوینی و آیت‌اللّه آشتیانی استفاده نموده و می‌نمایند.

از خدمات ارزنده ایشانست کلاسهای درسی برای دانشجویان که در مسجد مزبور تاسیس نموده و حدود چهارصد دانشجو در آنجا شرکت می‌نمایند که صد نفر آنها به فراگرفتن دروس عربی و دینی اشتغال دارند.

از خداوند توفیق امثال معظم له را خواستارم زیرا ایشان واقعا مجسمه تقوا و اخلاق و فضیلت می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محدثی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد محدثی

محل تولد : سراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۱ در شهرستان سراب (آذربایجان شرقی) به دنیا آمد پدر و پدر بزرگش روحانی بودند و در مکتب مرحوم میرزا جلیل واعظ سرابی به درس و تدریس اشتغال داشتند. وی به لحاظ روحانی بودن پدرش از کودکی در قم می زیست. در این شهر بزرگ شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم گذراند از سال ۱۳۴۴ ش وارد حوزه علمیه قم شد و در مدرسه علیمه منتظریه معروف به حقانی به تحصیل پرداخت در این مدرسه که با مدیریت شهید آیت الله قدوسی و همکاری شهید آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی و آیت الله مصباح یزدی اداره می شد با استفاده از محضر اساتید برجسته، انقلابی و متقی که اغلب از شاگردان امام راحل «قدس سره» بودند درسهای حوزه را از مقدمات تا خارج فقه فرا گرفت از اساتید بسیار این دوره ۱۴ ساله می توان از شهید قدوسی، شهید مفتح، شهید شاه آبادی و آیات عظام : مشکینی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، جنتی، احمدی میانجی، مصباح یزدی، گرامی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، میر محمدی، آذری قمی، صانعی، مومن، محمدی گیلانی، حائری شیرازی، ابراهیم امینی، مقتدایی و بزرگان دیگر یاد کرد پس از انقلاب نیز در درسهای آیات عظام حضور می یافت. پیش از انقلاب به سبب مبارزات سیاسی و سخنرانی در شهرستانها دو بار دستگیر و زندانی شد یک بار در سال ۵۴ به مدت دو هفته و بار دیگر در سال ۵۶ به مدت ۹ ماه. با پیروزی انقلاب اسلامی در کنار فعالیتهای درسی به تلاشهای فرهنگی و تبلیغی در شهرستانهای مختلف پرداخت، با صدا و سیما امور تربیتی آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، سپاه پاسداران و بخش فرهنگی بنیاد شهید و جهاد سازندگی همکاریهای فرهنگی و قلمی داشت، در عرصه مطبوعات دینی و مجلات انقلابی و مذهبی فعالانه همکاری داشت و با نگارش سلسله مقالاتی در زمینه های هنری، اخلاقی، اجتماعی، مباحث قرآنی و تربیتی، خانوادگی، در مجلاتی همچون : عروهٔ الوثقی، پیام انقلاب، پیام زن، حوزه، مکتب جبهه، مکتب انقلاب، امید انقلاب، کمیته، پیام هلال، میقات حج، کوثر، فرهنگ جهاد، پاسدار انقلاب، پرسمان، حدیث زندگی، افق خانواده، مسجد دانشگاه همچنین با همکاری قلمی با روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان و هفته نامه «صبح صادق» و«ری» و نشریه «زائر» در ایام حج، در طول سالیان متمادی حضور ادبی و فرهنگی داشت. چند سال در اوایل انقلاب با حضور در دانشگاههای مختلف و تدریس تاریخ اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی، منطق و موضوعات دیگر نیز حضور مکرر در مجامع دانشگاهی و جمعهای دانشجویی و اردوهای دانش آموزی و سمینارهای فرهنگی و تربیتی آموزشی و پرورش معلمان، در فضای فکری اجتماعی جوانان حضوری اثر گذار داشت. یک بار هم سفری دو ماهه به جنوب لبنان و ارتباط و همکاری با حزب الله داشت. نه سفر هم به حج رفته است. وی به دلیل بر خورداری از قریحه شعر و سابقه شاعری که به سالهای پیش از انقلاب بر می گردد در بسیاری از مجامع ادبی و محافل شعری و شبهای شعر بویژه در اوایل انقلاب به عنوان یک حوزوی شاعر و خوش ذوق حضور می یافت و آثار خویش را عرضه میکرد و این حضور نقش مثبت و بسزایی داشت. از ویژگیهای خاص او بعد ادبی و قلمی است و به همین جهت در راستای انتقال تجارب قلمی و نگارشی خویش به نسل جوان حوزه از پیش از انقلاب تا حال حاضر پیوسته در مدارس مختلف حوزه علمیه (چه جامعهٔ الزهرا و چه مدارس برادران و چه مراکز تخصصی حوزه) آموزش ادبیات فارسی و روش نگارش و تحقیق داشته است و در این زمینه کتاب (روشها ی) او به عنوان یک متن آموزشی فشرده به شمار می رود وی همچنین در مراکز مختلفی به عنوان عضو هیئت علمی، طرح و برنامه، بررسی و نظارت حضور و همکاری داشته است.

محدثی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد محدثی جامی از دانشمندان خدوم معاصر است که در تأیباد خراسان میباشد. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در تربت جام متولد شده و پس از پرورش در سن ۱۶ سالگی بنجف اشرف مهاجرت و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و ادبیات و مقدمات را خوانده سپس مراجعت بمشهد نموده و در حوزه آستان قدس رضوی علیه آلاف‌التحیه والثناء با مواجه شدن با مشکلات و آشفتگی‌های زندگی ادامه بتحصیل داده و بعد از پایان دوره مقدمات سطوح را از عالم ربّانی حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و علامه جلیل معاصر آقای وحیدی خراسانی و اساتید دیگر تکمیل نموده و از محضر و درس خارج حضرت آیه‌الله العظمی میلانی مدظله‌العالی کسب فیض کرده و برای ترویج دین و تبلیغ احکام آئین مقدس اسلامی بشهر مرزی تأیباد (طیبات) مهاجرت و تاکنون در آن ناحیه بخدمات دینی اشتغال دارد بطوریکه از بعضی از ثقات دانشمندان مشهد شنیدم جناب آقای محدثی خدمات ارزنده‌ای در تأیباد و حومه آن انجام داده و بسیاری از اهل سنت آنجا را بمحبت و ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نزدیک و هدایت و از پیشرفت فرقه ضاله و مضلّه بهائی در آن نواحی جلوگیری نموده‌اند.

آثار قلمی معظم‌له یک سلسله مقالاتی بنام (بوستان دوستان) و غیره میباشد طبع سلیس و روانی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محرابی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محرابی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۱۹

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ پیش از اخذ دیپلم (دوم دبیرستان) وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از مدتی به صورت متفرقه سه سال دبیرستان را امتحان دادم و دیپلم گرفته شد. در بدو ورود به حوزه، وارد حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه شدم و پس از یک سال رهسپار حوزه علمیه قم گردیدم. در سال ۱۳۷۱ دروس سطح و امتحانات آن (کتبی و شفاهی) به پایان رسید و وارد درس خارج شدم. از دروس خارج آیه الله جوادی آملی، سید جعفر کریمی، سبحانی، خاتم یزدی، تبریزی، و دیگر استادهای گرانقدر حوزه در فرصت های زمانی کوتاه و بلند استفاده و خوشه چینی شد.

در کنار درس خارج، از حدود سال ۱۳۷۴ در محضر استاد آیه الله جوادی آملی بوده و ضمن بهره مندی از گوهر وجود ایشان، در موسسه اسرا، به تنظیم سه کتاب قرآن در قرآن، ولایت فقیه و عدالت اجتماعی در پرتو نهضت حسینی (ع) از ایشان توفیق یافته ام که دو کتاب اول چاپ شده و کتاب سوم در مرحله پیش از چاپ قرار دارد. از آنجا که بنده در زندگی علمی وحوزوی خود به دنبال پاسخ دهی به نیاز ها و پرسش های اساسی خود بودم، نخست به مطالعات فلسفی و عقلانی پرداختم که در کتاب های بدایه، نهایه، بخشی از منظومه، مختصری از اسفار، شرح منظومه استاد مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم صورت گرفت. دغدغه در مباحث معرفت شناسی نیز سبب شد تا در این زمینه مطالعات و تفکراتی صورت گیرد و مختصری هم نوآوری حاصل شد و در این زمینه بیشترین استفاده از مباحث معرفت شناسانه اصول فلسفه و روش رئالیسم برده شد.

علاوه بر عرصه عقلانی، عرصه فرهنگی و تربیتی نیز بخش از زندگی علمی بنده را به خود اختصاص داده است. اینجانب از سال اول طلبگی به برگزاری برنامه ها و کلاس های فرهنگی پرداختم و به تدریج از سطح دبستان و راهنمایی به دبیرستان و سپس به سطح دانشگاهی و جلسات گفتگو با برخی اساتید دانشگاه منتهی شد. حدوداً از ۱۰ سال پیش تا کنون ارتباط با فضای دانشگاهی به صورت فردی، گروهی، جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ وجود داشته است. چند سال ارتباط تبلیغی و دو سال نهاد رهبری دانشگاه ایلام و سه سال تدریس معارف در دانشگاه از جمله آنهاست.

عرصه سوم زندگی علمی بنده، عرصه اخلاقی و معنوی بوده که در دو سوی متفاوت اما مرتبط با یکدیگر صورت گرفته است، از سویی به مطالعه و تفکر در نظام اخلاقی و معنوی اسلام پرداخته و ضمن مطالعه کتب اخلاقی و معنوی عالمان دینی، به دنبال دستیابی به نظام اخلاقی اسلام بوده ام و از سوی دیگر، به مطالعه برخی کتب روانشناسی، روانکاوی ، هیپنوتیزم، ضمیر ناهشیار و نیمه هشیار، روانشناسی تصویر ذهنی، زندگی موفق، مدیریت زمان، کتب عرفانی شرقی و غربی و ... پرداخته ام. تاسیس ابتکاری مرکز مشاوره دینی و اداره و ارائه مشاوره در سه بخش اعتقادی، اخلاقی، و بهداشت روانی و خانواده یک سال و نیم در کرمانشاه و نیز تدریس مدیریت زمان، روش همسرداری، روش تربیت برای طلاب و فضلاء حوزه، از دیگر خدمات اینجانب بوده است.

محرم یزدی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۴ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به محرم. در یزد به دنیا آمد. در کودکی پدر خود را از دست داد و تخلص او را برای خود برگزید. وی پس از تکمیل علوم ادبی به عتبات سفر کرد و از آنجا به کرمانشاه رفت. سپس به تهران آمد و مداح محمد شاه گردید و شاه به او لقب ملک‌الشعرای عراقین داد. او همچنین میرزا آقا خان نوری را مدح کرده است. محرم به زبان فرانسه تسلط داشت و در مدرسه‌ی دارالفنون فرانسه تدریس می‌کرد. وی اشعاری نیز در مدح اهل‌بیت و مراثی سیدالشهداء (ع) دارد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۰۱ -۲۹۶)، حدیقهٔ الشعراء (۱۵۵۴ -۱۵۵۱/ ۳)، الذریعه (۹۷۴، ۷۰۳/ ۹)، طرائق الحقاق (۴۰۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۰۸)، المآثر و الآثار (۲۱۵ -۲۱۴)، مجمع الفصحا (۹۶۳ -۹۵۵/ ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۸۳ -۱۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰ -۲۹/ ۴)، یغما (س ۱۲، ش ۱۰، ص ۴۵۷ -۴۵۵).

محسن بن عبدالصمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا عبدالصمد، فاضل ادیب فوت شعبان ۱۲۷۰.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محفوظ، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنوان :نگاهی به زندگی پر بار استاد دکتر حسین علی محفوظ

نویسنده : عبدالحسین طالعی(*)

چکیده :این گفتار به زندگی نامه و آثار علمی دکتر حسین علی محفوظ ، استاد فقید عراقی(۱۳۴۴-۱۴۳۰) هجری قمری /۱۹۲۶-۲۰۰۹ میلادی) می پردازد. برخی از بزرگان خاندان علمی او که هشت سده تاریخ درخشان دارند، شرح حال مختصر و برخی از تألیفات و تلاش های علمی او ، کوشش پی گیر او در احیای سنّت حسنه روایت حدیث ، فهرستی از مشایخ روایتی او ، در این گفتار آمده و در پایان ،منابعی برای آشنایی با شخصیت او و دو سند منتشر نشده درباره ارتباط علمی ایشان با استاد فقید سیدجلال الدین محدث ارموی آمده است.

کلید واژه : محفوظ، حسین علی /دانشگاه بغداد/ اجازه روایت حدیث/ محدث ارموی ، سیدجلال الدین /تاریخ عراق ، قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری.

علی ابن جعفر(علیه السلام) : عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد.(۱)

سرکشید از خاک ، آن دانا که داشت در جهانِ فضل و بر ملک معانی سروری

پیشوای اهل تحقیق و خداوند ادب کعبه ی معنی شناسان قبله دانشوری(۲)

۲۳ محرم سال ۱۴۳۰ شاهد ضایعه ی فقدان یکی از دانشمندان کم نظیر بود که بیش از هشتاد سال عمر خود را به تعلم و تعلیم و فراگرفتن و آموختن و پژوهش و نگارش گذرانده بود.

استاد دکتر حسین علی محفوظ ، پژوهشگر میدان دانش های مختلف ، که شهرها و دیارها را در پی جهاد علمی خود زیر پا نهاده و درهرجای ، آثار و برکات حضورش نمایان بود.

خاندان

آل محفوظ ، خاندان علمی است ، بس کهن وریشه دار از شهر فرهنگ خیز «حلّه»

که از قرن هفتم هجری تاکنون بزرگانی در خود پرورده و عالمانی به امّت اسلام شناسانده است.

شیخ شمس الدین محفوظ ابن وشّاح بن محمد اسدی حلّی ، جدّ اعلای این خاندان ـ در قرن هفتم ـ یکی از افتخارات خود را انتساب به «بنی اسد» می دانست که روز عاشورا ، چه با تقدیم شهیدی کهن سال به آستان مقدس ابی عبدالله (علیه السلام) جناب حبیب بن مظاهر اسدی ، و چه با خدماتی که پس از رویداد کربلا به خاندان و زائران حضرتش داشتند ، نیکوترین نام را در تاریخ به جای نهادند.

آل محفوظ ، از سوی دیگر ، بنی عمّ «آل مطهر» به شمار می آیند ، که علّامه حلی و فرزندش فخرالمحققین ، از این خاندان هستند. صاحب کتاب «غررالدلائل» ـ که در شرح قصاید علویه هفتگانه ابن ابی الحدید نگاشته ـ در آغاز کتاب خود تصریح می کند که این قصاید را در سال ۶۸۰نزد استادش شیخ شمس الدین ابومحمد محفوظ بن وشاح در خانه اش در حلّه خوانده، و استاد ، آن قصاید را از ناظم آن (ابن ابی الحدید) روایت می کرده است.

شیخ حسن بن شهید ثانی در اجازه کبیره ، شیخ حر عاملی در امل الامل ، شیخ محمد سماوی در کتاب الطلیعه و علّامه امینی در الغدیر ، مراتب علمی او را ستوده اند. وبزرگانی مانند ابن داوود حلّی در رثای او اشعاری سروده اند.

فرزندش تاج الدین ابوعلی محمدبن محفوظ نیز از بزرگان علم و ادب بود. شیخ حر عاملی در امل الآمل ، ابن فوطی در تلخیص مجمع الآداب و صفی الدین حلّی در دیوان خود ، او را ستوده اند . و قصیده ی صفی الدین حلّی در مدح و رثای او قصائدی سروده است . وی در سال ۶۸۵ جانشین عزالدین احمد زنجانی قاضی القضاه حلّه شد.

شیخ حسین محفوظ ،از تبار او بود که در سال ۱۱۷۱ درهرمل (لبنان) زاده شد و در سال ۱۱۸۲ به عراق آمد ودر کاظمیه سکنی گزید. اونزد سید عبدالله شبّر،

مراتب علمی را پیموده و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

سید حسن صدر در تکمله ی امل الآمل ، با اشاره به زهد عملی و تلاش عملی وی ، او را همراه با شیخ حسین نجف به عنوان «حسینین» نام می برد. شیخ مرتضی انصاری نیز او را «سلمان زمان و ابوذر روزگار خود» می خواند .

بیش از صد عالم در این خاندان شناخته شده اند که مجال بیان نام های آنها ، خود رساله ای مفصل می طلبد که مرحوم دکتر محفوظ در دو کتاب خطی خود «تاریخ آل محفوظ» و «تاریخ الهرمل» به تفصیل آورده و در این اجمال نمی گنجد.

علاوه بر عراق ، در جای جای لبنان و سوریه نیز ، بزرگانی از این خاندان می توان یافت . از جمله نسب پطرس بستانی(متوفی ۱۸۸۳

میلادی) ، سلیمان بستانی (م۱۹۲۵) ، ودیع بستانی(م۱۹۵۴) ، و فؤاد افرام بستانی در لبنان نیز به همین خاندان می رسد.

نسب

حسین بن الشیخ علی (م۱۳۵۵ ق) ابن الشیخ محمد الجواد(۱۳۵۸ق) ابن الشیخ موسی(۱۳۲۰ق) ابن الشیخ حسین(۱۲۶۲ق) ابن الشیخ علی(۱۲۲۲ق) ابن الشیخ محمدابن الشیخ علی ابن الشیخ محفوظ، مشهور به دکتر حسین علی محفوظ ، در روز دوشنبه ۲۰شوال ۱۳۴۴ قمری (۳ دسامبر ۱۹۲۶) در کاظمیه ، محله الشیوخ ، شارع قریش ، در خانه ی قدیمی خانوادگی خود دیده به جهان گشود. مادرش سیده خدیجه(م۱۴۱۰ق) دخت سید هاشم صائغ(م۱۳۷۴ق) ، از کتاب دودمان جناب زیدبن علی بن الحسین(علیه السلام) بودند که ابن حزم اندلسی درکتاب «جمهره انساب العرب» ، به ریاست این خاندان در کوفه و بغداد اشاره کرده است.

زندگی نامه علمی

دکتر محفوظ در مدارس کاظمیه و بغداد درس آموخت . در سال ۱۹۴۸ از

دارالمعلمین العالیه در بغداد لیسانس ادبیات (زبان عربی) و در ۱۹۵۵ ، در رشته ی ادبیات شرق (ادبیات تطبیقی) دکترا گرفت . درسال ۱۹۵۰ به دعوت دانشگاه تهران به تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال ۱۹۵۷ از رساله دکترای خود تحت عنوان «المتنبیّ و سعدی» دفاع کرد. در همین زمان ، در سال ۱۹۵۲ به عضویت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد.

دکتر محفوظ ،در زمان کودکی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت عمویش استاد محمد محفوظ درآمد. از عموی دانشمند و مادر فاضل خود بسیار درس آموخت و از کتابخانه موروثی خانوادگی بهره فراوان برد . علاوه بر دروس رسمی دانشگاهی ، دروس حوزی را نزد علمای روزگار خود فراگرفت . در کنار آن ، دروسی همچون علم انساب ، نجوم ، ریاضیات ، طب قدیم ، منطق ، فلسفه را نیز آموخت . در طول سالهای تهران ، زبان فارسی باستان را از استاد ابراهیم پور داوود ، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پرفسور کنعا راجا آموخت. با استاد بدیع الزمان فروزانفر که استاد راهنمای رساله اش بود ، و نیز استاد دکتر سید محمد مشکاه بسیار مأنوس بود. دکتر محفوظ می گفت: زمان عزیمت از بغداد به تهران ، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی ـ که در سال ۱۳۶۷ قمری به من اجازه روایت حدیث داده بود ـ طی نامه ای مرا به دکتر مشکاه معرفی کرد. و دکترمشکاه ، پس از آن ، لطف و محبت خاص خود را از من دریغ نمی داشت . دکتر محفوظ ، با وجود تبحّر در علوم مختلف ـ که بیش از ۱۵۰۰ اثر در موضوعات گوناگون نگاشت ـ خود را «خادم علوم القرآن و علوم الحدیث» و «سبط اهل البیت (علیه السلام)» می دانست.

سرودن شعر را از ۱۳سالگی شروع کرد، در سال ۱۹۳۹ که چند بیت در وصف بهار سرود ، که به این فن تا آخر عمر مداومت داشت.

دکتر محفوظ سه سال (۱۹۶۱–۱۹۶۳) در دانشکده علوم شرقی دانشگاه

لنینگراد سابق (سن پترزبورگ فعلی) در روسیه ، برکرسی شیخ محمد عیاد طنطاوی نشست و به تدریس ادبیات عرب پرداخت ، و به لقب «استاد المستشرقین» دست یافت. در سال ۱۹۶۹ بخش پژوهش های شرقی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد بنیان نهاد که تا سال ۱۹۷۳ در سمت ریاست آن باقی بود.

از سال ۱۹۷۵ به بعد، درباره ی نسخه های خطی پژوهش های مختلفی به سامان برد که آثاری همچون مصطلحات المخطوطات ، مصطلحات المکتبه العربیه ، مصطلحات المخطوطات ، مصطلاحات المکتبه العربیه، مصطلحات الخط، مصطلحات الرسم و النقش و التزویق ، علاوه بر فهرست مخطوطات کتابخانه های مختلف در عراق ، ایران ، آذربایجان و روسیه در این زمینه ،بر جای نهاد.

از سال ۱۹۷۸ به بعد ، چندین اثر ماندگار درعلم تقویم از او به جای ماند، که برخی ابتکاری بود ، مانند : دائره الاهلّه(۱۹۷۸) ، دائره التقویم (۱۹۷۹)،تقویم القرآن الخامس عشر الهجری(۱۹۷۹) ، جدول الأدوار و الکبائس ستّه آلاف سنه الهجریه (۱۹۷۹) ، اوائل الشهود الاثنی عشر فی القرن الخامس عشر(۱۹۸۱).

به آمار در پژوهش های خود بسیار بها می داد. به عنوان نمونه ، در پی یک پژوهش طولانی در مورد میزان اثرگذاری زبان عربی بر چند زبان دیگر ، به این نتایج دست یافت:

زبان اردو ۴۱/۹۵٪ ، زبان تاجیکی۴۶/۳۹٪ ، زبان ترکی ۴۹/۷۰٪، زبان فارسی ۶۰/۶۷٪

نیز : از یک پژوهش در آثار ۱۳۴۰ شاعر و ۱۶۰ نویسنده ی شرقی(غیرعربی) به این نتیجه رسید که الفاظ عربی در آثار اینان ، ۵۲٪ در شعر و ۷۰٪ در نثر به کار رفته است .

دکتر محفوظ در نوشتن فرهنگ های تخصصی ید طولایی داشت ، از جمله : معجم الآلات و الأدوات ، معجم العلامات و الرموز، معجم الاضداد ،معجم الالوان ،

مصطلحات النقود ، معجم الصنّاع و البیّاعین و المحترفین ، معجم الموسیقی العربیه.

به تاریخ شهرهای اسلامی اهتمامی تمام داشت ، به ویژه تاریخ عتبات عالیات ، که تحقیقات او در این زمینه ، در دوره «مرسوعه العتبات المقدسه» انتشار یافت.

در جهت برگزاری مجالس بزرگداشت بزرگان علم و ادب ، بسیار می کوشید ، مانند : هزاره ی کندی فیلسوف ، هزاره سید رضی ، هزاره ی شیخ صدوق ، هزاره ی صاحب بن عباد ، هزاره ی شیخ مفید، بزرگداشت صفی الدین ارموی وابن رحمه حویزی و ابن سینا و فارابی و فضولی بغدادی و...

در طول این سالها ، استدراک بر کتابشناسی هایی مانند کشف الظنون ومعجم المطبوعات نوشت.

عضویت در فرهنگستان زبان ایران (۱۹۵۲) ، جمعیت سلطنتی آسیایی لندن مجمع(۱۹۵۴) ، مجمع اللغه العربیه قاهره(۱۹۵۶) ، ممجمع علمی علیگره هند(۱۹۷۶)، علمی عربی دمشق(۱۹۹۳) و مجامع دیگر ، در کارنامه ی اوست.

و این تلاش علمی ادامه داشت تا اواخر عمر پربار خود که همراه با دو تن از یاران همراه ، به تصحیح و تحقیق کتاب پر ارج «تکلمه

امل الآمل » نوشته علامه محقق سیدحسین صدر پرداخت و متن کامل آن را برای نخستین بار در شش جلد در لبنان منتشر کرد.

نگاه تقریبی او ـ در عین تصلب به مبانی شیعی ـ بسیار دیدنی بود. استاد بر اساس آماری که از احکام شرعی استخراج کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که تنها ۸/۳٪ درصد از احکام فقهی مورد اختلاف میان مذاهب اهل قبله است که در آن میان فقط ۰/۵۶٪ از آن ، حکم مختص شیعه امامیه است.(متن کامل این مقاله را دکتر محفوظ به نگارنده ی این سطور مرحمت فرمود که تلخیص آن در سفینه شماره ۱۵، ص۱۸۲–۱۸۸ به چاپ رسید.)

در تصلب او به مبانی شیعه و بزرگان آن ، کافی است به یک نکته اشاره شود.

یکی از آثار جاودانه دکتر محفوظ ، رساله ای درباره ثقه الاسلام کلینی و کتاب شریف کافی است که در سال ۱۳۷۴ قمری نوشته اند و در مقدمه کتاب کافی (با تحقیق استاد فقید علی اکبر غفاری) آمده است.

استاد علی اکبر غفاری درباره ی این رساله می نویسد:«هی معربه عن مکائه الاستاذ فی الثقافه الاسلامیه و شموخه فی الادب و تضلّعه و براعته فی الدرایه و الحدیث . فزیّنا الکتاب بهمقاله تقدیراً لسعیه و إکباراً لمقامه».

و آیت الله سید محمدرضا حسینی جلالی درباره ی آن می نویسد:«از شاهکارهای ایشان مقدمه بر چاپ کتاب الکافی مرحوم کلینی است که در تهران چاپ شده که با این کار ، علاقه و عشق آقای دکتر محفوظ به حدیث و علوم آن نمایان شد».

این رساله با زبان انگلیسی ترجمه شده ودر ابتدای نخستین مجلّد ترجمه انگلیسی اصول کافی (ترجمه آیت الله شیخ محمدرضا جعفری نجفی تحت عنوان" Al-Kulayni and Al Kafi" درج شده است.

(چاپ تهران : سازمان جهانی خدمات اسلامی WoFis ، ج۱، ص۲۷ تا۴۶)

ایشان به نگارنده ی سطور می فرمود:«وصیت کرده ام نوشته هایی را که در مورد ثقه الاسلام کلینی نوشته ام ، همراه با من دفن شود ، باشد تا از شفاعت آن بزرگوار در روز قیامت بهره مند شوم.»

روایت حدیث

از نقاط روشن و برجسته در زندگی دکتر محفوظ ، تداوم راه استادش شیخ آقا بزرگ تهرانی در بر پاییِ رایتِ اجازه ی حدیث است . وی ، از زمانی که نخستین اجازه ی روایی خود را در سنّ بیست سالگی ، از شیخ آقا بزرگ گرفت ، تا آخر عمر پربار خود ، نزدیک به صد اجازه ی روایتی ، ، از محدثان شیعه امامی زیدی ، اسماعیلی ، حنفی ، حنبلی ، مالکی ، شافعی در زمینه های حدیث ، قرائت قرآن، اذکار و ادعیه ، خط ، استخاره ، علوم غریبه گرفت . و خود به صدها تن اجازه ی روایتی داد.

این اجازات در شهرهای مختلف بود، از جمله : نجف ، کاظمین ، سامرا ، صور (لبنان) ، طنجه ، فاس (مغرب) ، تهران ، قم ، زنجان ، بغداد، دمشق ، اصفهان ، سمنان ، سبزوار ، پطرزبورگ ، مدینه ، بعلبک ، بصره ، موصل ، علیگره ، إربیل (عراق) ، لندن ، صنعاء(یمن) ، تلمسان(الجزایر) ، بعقوبه (عراق) ،هرمل (لبنان)

دکتر محفوظ ، چه در خاطرات شفاهی خود و چه در نوشته های کتبی ، همواره تواضع خود را نسبت به علما و مراجع تقلید شیعه نشان می داد و استجازه ی آنها از خود را ، نشانه ی تواضع آنها می دانست . از جمله در جایی می نویسد: «مرجع اکبر اقدم سیدابوالقاسم خویی (قدس الله سره) از من خواست که به او اجازه روایت دهم ، در زمانی که به زیارتش مشرف شدم ، در حالی که من سی سال داشتم و او پیرمردی سالخورده بود. این نهایه تواضع و آخرین حدّ خفض جناح بود، که علوم حدیث ، «روایه الأکابر عن الأصاغر» نام دارد. من به راستی حیا کردم ، سکوت بر من غالب شد، در برابر هیبت چنان بزرگی...».

دکتر محفوظ در ارجوزه ای کوتاه، ازهمین مجلس چنین یاد می کند:

قال :«أجزنی أنت» ینهلّ سنامشعشعا ، لمّا استجزته انا

قال : أجزنی ، فسکتّ ادباً

وهیبه و خجلاً و رهبا

أکاد من فرط الحیا أذوب

والقلب قد قطّعه الوجیب

و مالمثلی أن یجیز مثله

و کلّ و بل لایجاری طلّه

لکنّه تواضع الکبار

اذا حنوا فضلاً علی الصغار

و هو تواضع الأعزّ الأجلل

ما یخفض الجناح إلّا أمثل

و انّها روایه الأکابر

إذا روی الشیخ عن الأصاغر

و ذاک حقّاً شرف عظیم أرفع لا تناله النجوم

قد خصّنی بلطفه إحساناً

و من یضاهی ء الحیا تهتانا

پی نوشت ها:

*عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۱–کافی،کتاب فضل العلم ؛باب صفهٔ العلم و فضله و فضل العلماء ،حدیث ۸.

۲–بخشی از قصیده ی استاد بدیع الزمان فروزانفر در رثای میرزا محمد خان قزوینی.

منابع زندگینامه :فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه،شماره ۲۱.

محقق تهرانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ رضا محقق تهرانی از علماء و مجتهدین مبرز معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح در سال ۱۳۶۵ قمری عصر ریاست آیت‌اللَّه العظمی بروجردی رضوان اللَّه علیه به قم آمده و از محضر آن مرحوم و آیات دیگر استفاده نموده و پس از چند سال به تهران مراجعت و بتدریس سطح و خارج پرداخته و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد بازار آهنگرها و گفتن درس خارج برای عده‌ای از فضلاء تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آن جناب عالمی محقق و دانشمندی مدقق است دارای آثار علمی می‌باشند که از آنها شرح بر شرایع الاسلام بنام حقایق الفقه است که قسمتی از آن بطبع رسیده است.

و ایشان عدیل و باجناق حجهٔالاسلام و قدوه العلماء الاعلام آقای آقا شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی که از افاضل علماء و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم و تهرانند، می‌باشند.

آقای خندق‌آبادی مزبور از بیت علم و فضیلت و دارای مقام فضل و تقوا و ورع و موصوف بکمال و معنویت است. وی چندین سال در حوزه علمیه قم اشتغال بتدریس و کسب فیض از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی بودند و ضمنا تدریس کفایه و مکاسب و غیره می‌نمودند و بسیاری از فضلاء تهرانی معاصر از شاگردان او می‌باشند. در جمع و تربیت جامع الاحادیث آیت‌اللَّه بروجردی سهم بسزائی دارند و از این جهت و جهات دیگر مورد توجه مخصوص آیت‌اللَّه و محسود بعضی از اقران بودند که پس از فوت آن مرحوم قم را ترک نموده و از شرکت در مجامع عمومی و اجتماعات و معاشرت خودداری و مهر سکوت بر زبان و بحال مخصوصی ایام خود را می‌گذراند و آیا مفاد فرمایش حضرت صادق علیه‌السلام که می‌فرماید:

(فسدالزمان و تغیرت الاخوان و تغلبت الاعیان فرایت الانفراد اسکن للفواد) را مطالعه نموده و تغییر رژیم و روش سابق خود داده و یا امری دیگر موجب این حالت او شده چه عرض کنم (العلم عنداللَّه) ای حال مردی کم‌نظیر و از جهات اخلاقی و روحی و معنویت نادره زمانست.

محمدرضا محقق تهرانی فرزند مرحوم آقاحسین کرمانی یکی از دانشمندان به نام و مجتهدین معاصر تهران می‌باشد. ایشان در سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده مقدمات و ادبیات را در قم خوانده و پس از آن به مشهد مشرف شده و دروس نهائی را از آیت‌اللَّه حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسن پائین خیابانی استفاده و تکمیل نموده در دروس خارج آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللَّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی شرکت نموده و دروس معارف را از مرحوم آیت‌اللَّه میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی استفاده کرده و پس از جریان مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شمسی و تبعید آیات عظام خراسان و تعطیلی حوزه علمیه مشهد ناچار به تهران برگشته و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند شده و سپس به قم آمده و از محضر آیات ثلاثه قم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه صدر استفاده نموده و به تهران آمده و مدتی اقامت و پس از ورود آیت‌اللَّه العظمی بروجردی باز به قم برگشته و مدت نه سال تمام به اتفاق باجناقش مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی به درس خارج معظم‌له شرکت و استفاده نمود سپس به مشهد عزیمت و به مدت دو سال توقف و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران بازگشته و در مدرسه مروی به تدریس فقه و اصول مشغول شده تا در سال ۱۳۵۸ شمسی که به علتی دروس را تعطیل و به تألیف موسوعه حقایق الفقه در شرح شرایع‌الاسلام پرداخته و تاکنون حدود پنجاه جلد از آن چاپ و حدود بیست جلد دیگر در دست تألیف و طبع می‌باشد و ضمنا آن جناب در مسجد خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق خراسانی، عباس علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ عباس علی محقق واعظ خراسانی از اساتید و مشاهیر وعاظ ایران در تاریخ چهارشنبه پانزدهم ماه صفر ۱۳۱۰ ق در مشهد مقدس متولد گردیده و در مراحل تحصیل ادبیات را نزد والد محترمش عالم کامل و ادیب فاضل مرحوم حاج ملا بمانعلی محقق که از وعاظ عالی مقام خراسان بودند فراگرفته و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدباقر مدرس رضوی و آیت‌اللَّه حاج شیخ حسن برسی اعلی اللَّه مقامهما و فلسفه را از مرحوم قدوه المتألهین آقای آقا بزرگ شهیدی و اسوه الحکماء آقای حاج شیخ محمدعلی فاضل خراسانی رضوان اللَّه علیهما استفاده نموده سپس از طریق وعظ و تبلیغ بارشاد و هدایت مردم پرداخته و عمر پر برکت خود را بالغ بر شصت سال صرف مطالعه کتب مختلف نموده و با ذوق سرشار مخصوص بخود در بیان مطالب متنوع الحق محقق بود.

مواعظ سودمند و سخنان جذاب او در قلوب و دلها بسیار مؤثر به طوری که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار داده بالاخص اهل فضل و کمال منبر ایشان را مغتنم می‌شمردند.

استاد نکته سنج خردمندی

کاندر سخن سرآمد اقران بود

در بوستان ذوق و سخن گفتن

باغی پر از بنفشه و ریحان بود

فردی ادیب و فاضل و دانشمند

مردی سخن‌شناس و سخندان بود

سرمایه فضیلت و تقوا داشت

سرچشمه‌ی حقیقت و ایمان بود

در سایه مناعت و استغناء

وارسته از علایق دوران بود

در سال ۱۳۵۲ ه.ق با عتاب مقدسه مشرف در نجف اشرف شبها بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در صحن مطهر منبر رفته و حضرت آیت‌اللّه با حضور خود در آن مجلس علاقه خود را بمنبر ایشان ابراز و به آقایان فضلاء و طلاب توصیه می‌فرمودند که از مواعظ ایشان استفاده نمایند.

معظم له تا سال ۱۳۵۳ هجری در مشهد مقدس سکونت داشته و مسافرتهائی بنقاط مختلف و شهرهای شمال و جنوب ایران نموده و مورد توجه مردم خاصه آقایان علماء اعلام بوده و از آن سال به بعد در تهران رحل اقامت افکنده و در بسط معارف اسلامی و انجام وظیفه تبلیغ سعی کافی و جهد وافی داشته‌اند.

در سال ۱۳۶۳ ق مجدداً با عتاب مقدسه تشرف حاصل در کربلاء مجلسی که مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بمناسبت اربعین و دهه آخر ماه صفر منعقد نموده و سایر مجالس در نجف مسجد مرحوم شیخ انصاری قدس سره بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه آقای آقا سید عبدالهادی شیرازی بیست و پنج شب منبر رفته و آن مرحوم درس شب را تعطیل و خود در مجلس حاضر بودند و بر اثر ازدحام و کثرت جمعیت جائی در مسجد باقی نمانده و مردم در کوچه ایستاده و استماع می‌نمودند.

و مدت توقف در نجف در ضیافت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و داماد محترمشان مرحوم حجةالاسلام آقای حاج سید جواد اشکوری از ایشان پذیرائی می‌نمودند.

در سال ۱۳۶۴ ق طبق دعوت آقای حاج آقا محمد آقازاده برای مجلس ایام فاطمیه ایشان به قم آمده و پس از پایان آن مجلس باصرار آقایان علماء و فضلاء دو ماه در قم توقف نموده و به خواهش آیت‌اللّه حاج آقا مرتضی حایری که از علماء و شخصیت‌های بارز حوزه علمیه هستند در مجلس مدرسه فیضیه ایشان پس از علامه بزرگوار خطیب توانا مرحوم آقا میرزا محمدتقی اشراقی در منبر مطالب معظم له را کاملا تعقیب و مورد قدردانی و تحسین واقع و خاطره آن منابر جامع هنوز محو نشده است.

در سال ۱۳۶۵ ق نیز با عتاب مقدسه مشرف و قریب دو ماه بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی در منبر سوره یوسف را بیان کرده تا آنجا که برادرها یوسف را در چاه انداختند سال بعد مرحوم آیت‌اللّه گلپایگانی پیغام دادند که منبر شما سال گذشته به آنجا رسید که یوسف در چاه انداخته شد امسال مشرف شوید و یوسف را از چاه بیرون آورید سال ۱۳۶۶ ق هم تشرف پیدا کرده و متجاوز از پنجاه شب منبر رفته و سوره یوسف را ختم نمودند.

در اواخر عمر چند سال متوالی بخواسته و امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی سه ماه ذیحجه و محرم و صفر را به قم آمده و دهه عاشورا و دهه آخر صفر در منزل مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و مسجد اعظم و سایر مجالس منبر میرفتند یکسال بخواهش طلاب از شب اول ذیحجه معراج پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله را شروع نموده و تا آخر ماه صفر در ایام مجالس این بحث ادامه داشت سالی دگر مبادی هجرت را بیان نموده آنهم تا پایان ماه صفر ادامه یافت و آقایان طلاب منابرشان را می‌نوشتند و معتقد بودند که یک منبر ایشان از لحاظ مواد مطابق ده منبر است.

آن مرحوم در صبح سه‌شنبه دوم شهر ذیقعده ۱۳۸۳ ق ندای حق را لبیک گفته و در بلده طیبه قم در حجره قبرستان بیات در مجاورت آستان ملک پاسبان حضرت معصومه علیهاالسلام سر بخاک سپرد.

از ایشان چهار فرزند ذکور باقی مانده که ارشد آنها دانشمند معظم آقای حاج آقا هادی محقق واعظ است که چند سال در قم بتحصیل اشتغال داشته ثمری از آن شجره هستند و از جهات اخلاق و فضائل و عمل بر رویه پدر ثابت و مستمر و اکنون از فضلاء اهل منبر تهران میباشند.

و دیگر آقای دکتر مهدی محقق استاد دانشگاه تهرانست که سه سال مقام استادی دانشگاه مک گیل کانادا را داشته و در آنجا خدمات ارزنده‌ای بعالم تشیع نموده و در شناساندن علماء شیعه مخصوصا مرحوم حاج ملا هادی سبزواری و آثار علمی آن مرحوم سهم بسزائی داشته موسسه‌ای بنام مطالعات علوم اسلامی در تهران تشکیل داده و با تشریک مساعی دانشگاه مک گیل منظومه حاجی را با سبک نوینی چاپ و همکار ژاپونی خود پرفسور ایزستو مقدمه جامعی بزبان انگلیسی بر آن کتاب نوشته‌اند.

دو فرزند دیگر ایشان در رشته‌ی کسب و بازار هستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق کرکی، زین‌الدین، نورالدین ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۴۰/ ۹۳۸/ ۹۳۷ -۸۶۸ ق)، عـالم امامی، فقیه، اصولی، مجتهـد و محقق. معروف به محقق کرکی و محقق ثانی و موصوف به شـیخ علائی و مروج المذهب و مولای مروج و عالم ربانی. عده‌ای او را به جدش عبدالعالی منسوب کرده و علی بن عبدالعالی خوانده‌اند. وی از علمای بزرگ عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود، که او را مجدد مذهب شیعه نامیده‌اند. در جبل عامل شامات به دنیا آمـد. سپس به مصـر رفت و از علمای آنجا اخـذ علم نمود. سـفری هم به عراق نمود و بعدها در ایران مستقر گردید و نزد شاه تقرب یافت به حـدی که شاه سلطنت را بدو تفویض کرد و خود را یکی از عمال شیخ خواند و محقق طی احکامی که به اطراف و ولایـات نوشت، کیفیت سلوک عمـال بـا رعایـا را به آنـان گوشـزد کرد. محقق از شـاگردان علی بن هلال جزایری (از شاگردان و راویـان احمـد بن فهـد حلی) و محمـد بن خاتون عاملی و دیگر بزرگان بود و از آنها روایت می‌نمود. او از علی بن هلال جزایری و ابن المؤذن دارای اجازه بود. علی بن عبـدالعالی میسـی (و از او شـهید ثانی) و پسـرش، ظهیرالدین ابراهیم میسـی، و شـیخ زین‌الدین فقعانی و شـیخ احمـد ابن ابی‌جامع و شـیخ عبـدالنبی جزایری از وی روایت کرده‌اند. شـیخ علی منشار و شـیخ کمال‌الدین درویش و سید امیر محمد استرآبادی و سید شریف‌الدین علی استرآبادی از شاگردان محقق کرکی بودند. در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. پدر شـیخ بهائی فرموده که محقق کرکی را به زهر شـهید کردند. در «شـهیدان راه فضـیلت» تاریخ شـهادت وی ۹۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: «اثبات الرجعهٔ»؛ «احکام الارضـین» یا «اقسام الارضین»؛ «جامع المقاصد»، در شرح «القواعد» علامه حلی، در شـش مجلد؛ حاشـیه بر «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ حاشـیه بر «الفیهٔ» شـهید اول؛ حاشیه بر «الدروس» و «الذکری» شهید اول؛ حاشیه بر «شـرایع الاسـلام»؛ «صـیغ العقود و الایقاعـات»؛ «قاطعـهٔ اللجـاج فی تحقیق حل الخراج»؛ «النجمیـهٔ»، در کلام؛ «نفحات اللاهـوت» یـا «اسـرار اللاهـوت»؛ رسـاله‌ی «الجعفریـهٔ»؛ رسـاله‌ی «العدالـهٔ»؛ رسـاله‌ی «الغیبـهٔ»؛ رسـاله‌ی «الرضـاع»؛ ترجمـه‌ی «الجزیرهٔ الخضراء» فضل بن یحیی طیبی، که در هند به چاپ رسیده است.[۱]

شیـخ زین‌الـدین ابـوالحسن علی بن حسـین معروف به محقق کرکی (ف. نجف.۹۴۰ ه.ق) از علمـاء معروف، معاصـر شاه طهماسـب صفوی، سـمت شیخ‌الاسلامی داشت و قاضی‌القضاهٔ ایران بود. تألیفات بسیار دارد، از جمله‌ی آثارش جامع‌المقاصد فی شرح‌القواعد، حاشیه‌ی شرایع‌الاسلام، شرح الفیه‌ی شهید اول. حاشیه‌ی تحریر علامه است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۹۱/ ۵)، اعیان الشیعه (۲۱۳ -۲۰۸/ ۸)، حبیب السیر (۶۱۰ -۶۰۹/ ۴)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۸ ،۱۶۵ ،۱۶۰/ ۲)، الذریعه (۲۵۱ -۲۵۰ ،۷۲/ ۲۴ ،۷/ ۱۷ ،۱۱۰/ ۱۵ ،۱۰۷ ،۲۴ ،۱۶ -۱۵/ ۶ ،۷۳ -۷۲/ ۵ ،۲۷۱ ،۵۵/ ۲ ،۲۹۳ ،۹۳/ ۱)، روضات الجنات (۳۵۹ -۳۴۶/ ۴)، ریاض العلماء (۴۶۰ -۴۴۱/ ۳)، ریحانه (۲۴۹ -۲۴۴/ ۵)، شهیدان راه فضیلت (۲۱۷ -۱۹۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۱ -۱۶۰/ ۱۰)، عالم آرای عباسی (۴۵۸ ،۱۵۴ ،۱۴۶ ،۱۴۴/ ۱)، فقهای نامدار شیعه (۱۸۴ -۱۷۶)، فوائد الرضویه (۳۰۶ -۳۰۳)، قصص العلماء (۳۴۸ -۳۴۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۷ -۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۶۲ -۱۶۱/ ۳)، معجم المؤلفین (۷۴/ ۷)، وقایع السنین و الاعوام (۴۶۲)، هدیهٔ الاحباب (۲۳۶)، هدیهٔ العارفین (۷۴۴/ ۱).

محقق، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محقق رفسنجانی از فضلاء اهل منبر معاصر است

وی در سال ۱۳۰۱ شمسـی در داوران رفسنجان متولد شده و در اوائل طفولیت که آثار روشنی و نبوغ در سیمایش ظاهر و فوق‌العاده تشـنه علم و دانش بوده ولی از جهت محیط عوامل بر ایشان فراهم نشده تا اینکه والدین ایشان منتقل به رفسنجان شده و رحل اقامت افکنـده و بر اسـاس همـان معنویت و روح پـاک و اخلاص به ساحت قـدس ائمه علیهم‌السـلام شبی در عالم رؤیا به زیارت حضـرت رسول اکرم و امیر مؤمنان علی (ع) نائل شده و حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله می‌فرمایند قرآن را بردار بخوان

عرض می‌کند نمی‌توانم بخوانم فرمودند امر می‌کنم ایشان اطاعت نموده و شروع به خواندن قرآن می‌نماید

و چون از خواب بیدار می‌شود قرآن راه گشوده می‌بیند که به خوبی تمام قرآن را می‌تواند بخواند پس شوق مفرطی به تحصیل علم پیـدا نموده و در طلب اسـتاد لایـقی برآمـده و موفق به جماعت آیت‌اللّه غروی گردیـده و راز خود را با معظم له در میان گـذارده و ایشان استمداد می‌کند آنجناب هم با آغوش باز وی را پذیرفته و به تربیت او می‌پردازد.

پس شـروع به تحصـیل نمـوده و مراتب مقـدمات و فقه و اصول را تـا دوره خـارج نزد ایشـان و مرحوم آیت‌اللّه نجفی فراگرفته و در رشـته وعظ و تبلیغ و ارشاد وارد شـده و مـدت ۳۵ سال در رفسـنجان به خدمات دینی اشـتغال داشـته و از سال ۱۳۵۰ شمسی در اثر عوامل داخلی منتقل به تهران و اکنون در مدرسه شاه‌چراغی به تدریس و در مجامع دینی به وعظ و خطابه اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محقق، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی محقق در سال ۱۳۰۸ شمسـی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی ، علوم حوزه ای را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ

پرداخت. در سال ۱۳۳۷ دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانیدو درسال ۱۳۳۸ دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و درسال ۱۳۴۶ به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۴۷ شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رییس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می باشد و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است.ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق ، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از این واقعه چنین تعریف می کند: « هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: « گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود . » سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد وبیش از سه سال را در آنجا گذراند.» در سال ۱۳۱۷ با آزادی پدر از زندان ، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توام گشت،ناچار پدر و دو برادربزرگترش به حجره ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکترمحقق شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال ۱۳۲۱ وارد دبیرستان گردید ، اما به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت ۴ ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران ، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت ، او از این دوران به دلیل بهره مند شدن از « استادان فاضل و دانشمند » به نیکی یاد می کند. استاد در شهریور سال ۱۳۲۷ در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد ؛ او در سال های ۱۳۲۷ و ۱۳۳۰ همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می کرد. در سال ۱۳۳۰ برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترا هم شد وارد دانشکده ادبیات شده و در سال ۱۳۳۳ لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال ۱۳۳۴ با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول ، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال ۱۳۳۶ دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال ۱۳۳۷ دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی محقق مدتی اداره ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده دار بود و با شروع فعالیت های آموزشی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق ، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است . وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.

فعالیتهای آموزشی : شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت الله کاشانی بود ، استاد می گوید: « مرحوم آیت الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت « شما بیسوادا خودتونو کنار می کشین که همه جاها را کافرا گرفتن » کلمه « بیسواد» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم ازآن سال کار تدریس را شروع کردم . » پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستان ها برگزیده شد و از سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، سپس به درجه ی استادی ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۴۰ به مدت دوسال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال ۱۳۴۴ به مدت هشت سال به تناوب در مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی ، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت ، مدتی در حوزه علمیه قم عهده دار تدریس « روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی » بود. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی محقق در سال ۱۳۴۷ شعبه ی مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل

کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان گذاری « دائره المعارف تشیع » و « دائره المعارف اسلامی » هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی « فکر شیعه » را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی محقق در چندین کنگره بین المللی و ملی شرکت نموده و در همه ی آنها خطابه ایراد کرده است ، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره – ۱۳۳۴) ، انجمن شعر لندن (۱۳۴۰) ، سمینار مقایسه ی گرامر زبان های سامی (دانشگاه لندن – ۱۳۴۱) ، سمینار میراث مشترك فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران – ۱۳۴۳) ، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا – ۱۳۴۵ ، نیوهاون – ۱۳۴۶ و دانشگاه برکلی کالیفرنیا – ۱۳۴۷) ، کنگره بین المللی مستشرقین (میشیگان – ۱۳۴۶) و هفته ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک گیل مونترال – ۱۳۴۶). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان های فارسی ، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهایی همچون لبنان ، سوریه ، هند ، پاکستان ، به رشته ی تحریر درآورده است که از آن جمله ، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات ، یغما ، راهنمای کتاب ، فرهنگ ایران زمین ، آستان قدس رضوی ، وحید ، مهر ، الاخاء و نشریه ی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : مهدی محقق میزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می داند که هیچوقت دروازه های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه ازخاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است . بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستنی هاو دانش ها که مفید تشخیص داده شده بود ،از ملت های مختلف گرفته شده است ،این علوم و معارف را از یونانی ،سریانی ،سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را دراین دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند .

جوائز و نشانها : مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس درسال ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

چگونگی عرضه آثار : مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود وجوه قرآن این چنین میگوید \: اولین کتاب من «وجوه قرآن» ازحبیش بن ابراهیم تفلیسی، پزشك، لغت شناس و قرآن شناس درسال ???? منتشرشد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «وجوه قرآن» را توضیح دادم. دراین کتاب لغات قرآن یك به یك ذكرمی شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه اش هم ذکرمی شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می کنند و درزمینه تفسیر کارمی کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهدبود. «وجوه قرآن» از علومی است که همیشه موردتوجه مفسران و دانشمندان قرآن شناس بود. «وجوه قرآن» درقرن هفتم نوشته شده و از نسخه های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که رایزن فرهنگی ایران درترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزارکتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر درهمان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی چاپ شد که حقوق دانشگاهی اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سورآبادی و وجوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیرقرآن دراشعار ناصرخسرو» نیز از آثار وی است که درباره این اثر این چنین میگوید\: تأثیرقرآن در آثار ناصرخسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصرخسرو و هم حافظ هردو قرآن را ازحفظ بودند. حافظ می سراید «قرآن زبربخوانم با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندرسینه داری» و... ازآن طرف هم ناصرخسرو می گوید «کتابت زبردارم اندرضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصرخسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفصی پانزده قصیده ناصرخسرو نیز میگوید \: این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصرخسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهدعتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصرخسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود.

آثار :

۱ بستان الاطباء

۲ بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی

۳ تأثیرقرآن در اشعار ناصرخسرو

۴ تحلیل اشعار ناصر خسرو

۵ ترجمه ی شرح منظومه ی غررالفرائد سبزواری

ویژگی اثر : به انضمام مقدمه ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.

۶ تصحیح کتاب « مفتاح الطب و منهاج الطلاب »

ویژگی اثر : با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)

۷ تعلیقات ، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار

۸ تعلیقات ، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تفلیسی

۹ شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی

۱۰ شرح باب حادی عشر علامه حلی

۱۱ شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصرخسرو

۱۲ شیعه درحدیث دیگران

۱۳ فیلسوف ری

۱۴ فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی

۱۵ مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی

۱۶ مقدمه و فرهنگ لغات لسان التنزیل

۱۷ وجوه قرآن

۱۸ یادنامه ادیب نیشابوری

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه : بانک رسانه ها- روزنامه ایران- ۲۵-۱۲-۱۳۸۱" امروز با دکترمهدی محقق"۲۱برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور ، دفتر شورای جذب نخبگان ، ۲۵۵ ـ۳کیهان فرهنگی ،شماره ۳ ، خرداد ۱۳۶۶۴مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال شانزدهم ، شماره ی ۱و ۲ ، آذر ۱۳۴۷۵میز گرد /فرهنگ و تمدن اسلامی ، نامه فرهنگ . سال سوم ، شماره چهارم . شماره مسلسل ۱۲ ، زمستان ۱۳۷۲ ، ص۱۳

محققی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام استاد بزرگوار مرحوم حاج محمد محققی لاهیجانی از علماء ابرار و فضلاء اخیار در علوم جدیده استاد و دارای رتبه دکترا و در علوم قدیمه مجتهد و مدرس سطوح عالی معقول و منقل بوده‌اند.

در سال ۱۳۲۸ ق در لاهیجان متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید تا پایان متوسطه و گرفتن دیپلم به دروس قدیمه پرداخته و برای تکمیل آن به شهر مقدس مهاجرت و چندین سال در آنجا اقامت و سطوح اولیه و وسطی را خوانده و پس از آن به قم آمده و سطوح را در نزد میرزا محمد همدانی و آیت‌الله خوانساری و دیگران تکمیل نموده و به درس آیت‌الله العظمی حایری شرکت و بعد از فوت آن مرحوم در اثر فشار زندگی و دولت وقت چندی به تجارت پرداخته تا در سفری که به شهر ری آمده و در خدمتشان به دیدن مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی رفتیم و ایشان را شناختند بیاناتی کردند که مرحوم محقق را تحت‌تاثیر قرار داده در مراجعت به قم کار را تعطیل و مجدانه مشغول به تدریس علوم عقلی و نقلی و هیئت و تشریح شدند تا اینکه ابوالزوجه ایشان آقای مدرسی که یکی از علماء محترم یزد بودند فوت نموده و ایشان عزیمت یزد کرده و چندی در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت و ترویج دین و تربیت عده‌ای از جوانان را نموده تا در سال ۱۳۷۱ قمری که مهاجرت به تهران و چند سالی به تدریس در دانشکده معقول و منقول و هم وظائف دیگر روحی و دینی نموده تا در سال ۱۳۷۵ ق از طرف زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی اعزام به آلمان غربی و هامبورگ گشته و در آنجا مسجد بزرگ اسلامی آلمان را بنا و صدها نفر پرفسور و دکتر و مهندس را مسلمان و به آئین جعفری آشنا نموده و خدمات بزرگ دیگر انجام داده و منشوراتی به زبان آلمانی و غیره در مبانی و حقایق اسلامی منتشر و موجب توجه مردم اروپا گردیده که یکی از علماء مسیح گفته بود که اگر استاد محققی در آلمان بماند ملت اروپا را عموما و یا اکثرا به اسلام می‌کشد.

آن مرحوم تا یکسال بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی در آنجا مانده ولی در سال ۱۳۸۳ ق به واسطه بعضی از حوادث ناچار به مراجعت گردیده و در قم سکونت گزیده و با متانت طبع و آقائی زندگی کرده تا در بیست و هشت ج ۱۳۸۹ ۱ ق که به سکته قلبی دارفانی را وداع و در مقبره ابوحسین (بقعه علماء) مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

محلاتی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۶ –۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نایینی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر و آیت‌اللّه جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌اللّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌اللّه میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در ۱۳۷۶ ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعهٔ»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قرهٔالعین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاسد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاسد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیهٔ»؛ «کشف الهاویهٔ»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمهٔ التامهٔ»، در احوال اکابر عامه.[۱]

حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث

و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل‌بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله

پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.

تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:

۱- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در ۵ جلد مکرر به طبع رسیده است.

۲- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.

۳- کشف الاشتباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.

۴- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.

۵- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمومنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.

۶- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.

۷- اختران تابناک به طبع رسیده است.

۸- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.

۹- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوای اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.

۱۰- کشف‌الغرور در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.

۱۱- کشف‌المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.

۱۲- کشف‌الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.

۱۳- کشف‌البنیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.

۱۴- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.

۱۵- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.

۱۶- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.

۱۷- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.

۱۸- کشف‌التهمه.

۱۹- السیوف البارقه.

۲۰- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.

۲۱- شرافهٔ الاسخیاء و رذالهٔ البخلاء.

و حدود ۳۴ جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.

فقیه، محقق.

تولد: ۱۲۷۱(۱۳۱۰ ق.)، محلات.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمهٔ التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت.

از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرهٔ المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قرهٔ العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر ۳۰۳ حکایت در ۵۷۶ صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البنیان (در ترجمه عثان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکرهٔ الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل سر مبارک سید الشهداء) شرافهٔ السخیاء و رذالهٔ البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه

غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۲۵ ،۶/ ۱۹ ،۱۲۲ ،۴۴ ،۴۲/ ۱۸ ،۱۶۵ ،۱۵۲ -۱۵۱ ،۷۲/ ۱۷ ،۱۶۸/ ۱۶ ،۲۹۳ ،۹۹/ ۱۲ ،۳۱۴ -۳۱۳/ ۱۱ ،۲۸۵ ،۳۸/ ۷ ،۲۵۵/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۶ -۷۱۵/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۱۲، ص ۳۹)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۲/ ۳).

محلاتی، فضل الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید فضل الله محلاتی : نماینده حضرت امام(ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هجدهم تیر سال ۱۳۰۹ شاهد تولد نوزادی بود که بعدها در زمره عالمان مجاهد و خستگی‌ناپذیر درآمد. خدای کریم به پدر و مادری مؤمن و خداجو، پس از پنج فرزند دختر، پسری عطا نمود. این نوزاد را« فضل‌الله» نام نهادند. «ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم، این است فضل خدا که به هر که بخواهد می‌دهد و خدا دارای فضلی بزرگ است.» پدر بزرگوار ش یکی از کسبه بازار بود که علاوه بر کاسبی به کشاورزی نیز اشتغال داشت. «فضل‌الله» کم‌کم دوران کودکی را در دامن پرمهر پدر و مادر پشت سر گذاشت و در شش سالگی به مکتب رفت. پس از چندی حاج «غلامحسین» که توانایی خواندن و نوشتن را نداشت، فرزند را به یاری طلبیده و از آن به بعد وی علاوه بر تحصیل به حساب و کتاب روزانه پدر نیز می‌پرداخت. پس از طی دوران مکتب که شش سال به طول انجامید، «فضل‌الله» که دیگر نوجوانی پرشور و علاقه‌مند به تحصیل بود. به سبب جو مذهبی محلات و وجود عالمان برجسته در آن شهر، به تحصیلات حوزوی روی آورد. روایت این بخش از زندگانی «فضل‌الل» از زبان خود وی شنیدنی‌تر است:

« در شهر محلات در خانواده‌ای کاسب و کشاورز متولد شدم. پدر و مادرم بی‌سواد بودند. روی جو فرهنگی‌ای که در آن موقع وجود داشت، نمی‌گذاشتند که بچه‌ها به مدارس دولتی بروند. من در شش سالگی به مدرسه‌ای به نام میرزا که در واقع مکتب بود، رفتم. از لحاظ تعلیم قرآن و معارف اسلامی و معلومات عمومی در حد همان مدارس دولتی مطالب را به ما یاد می‌دادند. پس از آنکه شش کلاس درس خواندم، پدرم میل داشت که کمکش کنم و دفتر دستکی که نیاز داشت، برایش بنویسیم. هم درس می‌خواندم و هم به پدر و مادرم کمک می‌کردم. به مغازه، باغ و صحرا می‌رفتم ولی خودم میل داشتم که درسم را ادامه دهم. لیکن به مدارس دولتی راه نداشتم. معمولاً- در هر محیطی انسان وقتی چهره‌های متدین و وارسته را می‌بیند به آنها علاقه‌مند می‌شود و کشش و جاذبه آنها انسان را به آن سمت جذب می‌کند. در محلات که شهری مذهبی بود، تابستانها عده‌ای از مراجع تقلید می‌آمدند. مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری، مرحوم آیت‌الله صدر و حضرت امام (ره) چند سال تابستان تشریف می‌آوردند. در این شرائط ناگاه عشق و علاقه‌ای بر من مستولی شد که بروم طلبه شوم. پدرم مخالف بود و من در کتابهای دعا جستجو می‌کردم که ببین چه دعایی موجب می‌شود که حاجت انسان برآورده شود.

یادم هست که در همان سال عمل ام داوود را به جا آوردم. سه روز روزه ماه رجب با همان اعمال خاص و حاجتم این بود که پدرم راضی شود تا من طلبه شوم. بالاخره روی همین عشق به طلبگی، یکی دو سال در همان‌جا، پیش اهل علم درس خواندم و در ضمن به پدر و مادرم کمک کردم.

مقدمات و قدری از سیوطی و حاشیه را نزد مرحوم آیت‌الله شهیدی و بعضی از علمای محلات خواندم. یک بار که آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری به آنجا تشریف آوردند، نزد ایشان رفتم و با گریه و زاری گفتم که می‌خواهم طلبه شوم ولی پدرم راضی نمی‌شود. ایشان عموی مرا خواست و به وی گفت که شما پدر ایشان را راضی کنید، من هم ایشان را سرپرستی می‌کنم. عمویم توانست پدرم را راضی کند و من در سال ۱۳۲۴ عازم قم شدم. تازه چند ماهی از ورود آیت‌الله بروجردی به قم نگذشته بود که من در آنجا مشغول تحصیل شدم. حاشیه و سیوطی را دوباره خواندم. حاشیه را نزد مرحوم حاج محمد آقا تهرانی و سیوطی را نزد آشیخ عباس علی خواندم. معنی را نزد آشیخ علی پناه اشتهاردی خواندم. در این ایام سرپرست واقعی من مرحوم آیت‌الله محمد تقی خوانساری بود و به منزل ایشان رفت و آمد داشتم.» در حالیکه بیش از پانزده بهار از عمر «فضل‌الله »نگذشته بود، حلاوت کسب علم و دانش وی را بر آن داشت که از کانون گرم خانواده جدا شده و عازم شهر« قم» شود. از این پس وی دیگر به صورت رسمی شروع به تحصیل دروس حوزوی نموده و به تکمیل آنچه قبلاً- در« محلات» آموخته بود، پرداخت. وی با دقت، سرعت، نظم و تلاشی ستودنی به آموختن علوم اسلامی مشغول شد. مطول را نزد آیت‌الله «صدوقی»، معانی را نزد آیت‌الله «مطهری» و یک مقدار هم نزد آیت‌الله «مشکینی» فرا گرفت. بخش عمده شرح لمعه را نزد آیت‌الله« صدوقی» و مابقی را نزد حاج «اسدالله اصفهانی نورآبادی» خواند. با اتمام مقدمات و فراگیری سطح، دیگر وی را به نام شیخ فضل‌الله می‌شناختند. وی در خاطرات خود به تفصیل در مورد سایر اساتیدی که نزد آنان تلمذ نموده سخن می‌گوید: « بخشی از رسائل، مکاسب و کفایه را نزد آقای سلطانی خواندم. قدری از مکاسب را نزد آیت‌الله شیخ مرتضی حائری و مقداری از کفایه را نزد شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی تبریزی خواندم. این تقریباً درسهای سطح من بود، البته کمی هم نزد آشیخ محمدعلی کرمانی خواندم. منظومه منطق را خدمت اشیخ مهدی حائری بودم. تفسیر را قدری نزد حاج میرزا ابوالفضل قمی رفتم. مقداری نیز در درس تفسیر علامه طباطبایی شرکت کردم، تا رسیدم به درس خارج.

خارج را دو سه سال به درس مرحوم آیت‌الله بروجردی رفتم، ولی اصولاً درس خارج را نزد امام خواندم. درس خارج من حدود ده سال طول کشید که عمدتاً خدمت امام رفتم و هم فقه و هم اصول را پیش امام خواندم.» او از شاگردان، مریدان و یاران امام‌خمینی (ره) بود. او نسبت به امام شناختی عمیق و ارادتی عاشقانه داشت. مجذوب جاذبه‌های اخلاقی و عرفانی امام (ره) شده بود. از دوران نوجوانی بـا امـام (ره) و خـانواده‌اش آشـنا بود و آن هنگـام که به قم عزیمت نمود، منزلی در مقابـل منزل امام (ره) در محله یخچال قاضی قم خرید. ایشان خود در این باره می‌گوید:

« انس من با امام (ره) زیاد بود و یکی از راههای ارتباطی من با امام (ره) مرحوم حاج آقا مصـطفی بودنـد که با ایشان بزرگ شـدم. در آن زمان ایشان هم سن و سال من و متولد ۱۳۰۹ بود. امام (ره) تابستان که به محلات می‌آمدند، حاج آقا مصطفی سیزده چهارده سـالش بود. من هم سـیزده چهارده ساله بودم. با هم به باغ و گردش می‌رفتیم و از همان زمان با آقا مصـطفی آشـنا شـدم. قم هم که بودیم این آشـنایی باعث شـد که ما بتوانیم به منزل ایشان آمد و شد بیشتری داشته باشـیم و انس بیشتری با ایشان پیدا کنیم. پدر زن من، مرحوم آیت‌الله شـهیدی از دوسـتان امـام بود. در محلات هم که بودنـد امام بیشتر می‌آمدنـد منزل ایشان، ارتباط خانوادگی هم داشتیم. در نتیجه انس زیـاد من به ایشـان، علاقه من روز به روز به ایشـان بیشتر می‌شـد. من در آن زمانی که به درس امام می‌رفتم، بیش از همه وجهه اخلاقی و عرفانی ایشان برای من جاذبه داشت. من سالی که به قم آمـدم، ایشان درس اخلاق می‌دادنـد؛ اصلاً از روز اولی که به قم آمـدم ایشان درس اخلاق می‌دادند. این قضـیه یک سابقه‌ای داشت. ایشان به محلات که تشـریف آورده بودن،د یک ماه رمضان رأس ساعت پنـج بعدازظهر می‌آمدند و در مسجد جامع می‌نشسـتند، مؤمنین هم می‌آمدند و ایشان برای آنها درس اخلاق می‌گفتند. همان درسـهای اخلاقی که در کتاب اربعین حدیث آمده است. یک مقدارش را هم اسـتنتاخ کرده‌ام. جاذبه‌ای که مرا به سوی درسـهای اخلاقی که در سن چهارده سالگی در مسجد جامع آن می‌نشستیم. در قم هم غروب روزهای جمعه به مدرسه فیضیه تشریف می‌آوردند و آن درس اخلاق را می‌گفتند. واقعاً این درس اخلاق انسان را از گناه بیمه می‌نمود.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با این ویژگی شهید محلاتی می‌فرمایند:

« یکی دیگر از خصوصـیات شـهید محلاـتی عشق و ارادت وافر به امـام (ره) بود. به قـدری ایشـان به امـام علاـقه داشت و اعتقـاد به نظرات امام داشت که هر موقع امام یک چیزی را بیان می‌فرمودند، مثل یک امر تعبدی برایش لازم الاجرا بود.

اعتقاد و ارادت ایشان به امام به نظر من یکی از عوامل تحرک مستمر و خستگی‌ناپذیر ایشان بود. امام هم به ایشان علاقه داشتند و خیلی احترام قائل بودنـد و به او محبت داشـتند و به عنوان یک فرد مورد اعتماد به وی نظر می‌کردند.» در سال ۱۳۳۱ با نظر خانواده تصـمیم به ازدواج گرفت. در این دوران که وی مشـغول فراگیری علوم اسـلامی در شـهر« قم» بود، عـازم« محلاـت» شـد و بـا دخـتر مرحوم آیه‌الله سـید «جلال شـهیدی محلاتی» ازدواج نمود. مـدتی در «محلات» ماند، سپس عازم« قم» شد. دو سال اول زندگی در« قم» را به همراه همسـرش در منزل استیجـاری گذرانـد تا اینکه موفق به خریـد منزلی روبروی منزل امام (ره) در محله یخچال قاضـی شد. شهید محلاتی در اوایل سال ۱۳۴۰ به عنوان نماینـده آیه‌الله بروجردی عازم «تهران» شد و برای همیشه در آنجا اقامت گزید. در «تهران» علاـوه بر انجـام امور تبلیغی و نشـر فرهنـگ و معـارف اسـلامی به ادامه تحصـیل خود نیز پرداخت. ایشـان در خاطرات خود می‌گوید:

« در سال ۱۳۳۹ و اوایل سال ۴۰ بود که به تهران آمدم. البته در تهران هم، درسم را ادامه دادم. مدتی به درسـهای آیه‌الله سید احمد خوانسـاری می رفتم. همچنین صـبح زود به درس آیه‌الله آملی می‌رفتم و در مـدرسه مروی هم بـا آقـای انواری و بعضـی از دوسـتان دیگر مبـاحثه داشتیم. گاهی هم به درس آقای آشتیانی می‌رفتم. البته اسـفار را هم نزد آقای رفیعی خوانـدم. آقای رضـی شـیراز بود، آقای مهـدوی بود، آقای جوادی بود و عـده‌ای دیگر و ضـمناً درس خصوصـی هم در مدرسه مروی خدمت‌آقای مطهری داشتیم که بخش سـفر نفس از اسـفار را نزد ایشان خواندیم. در سـطح نیز مدتی با شـهید قدوسـی مباحثه می‌کردم. با آیه‌الله محمد تقی کشفی بروجردی، آقای شـیخ مهدی قاضی و آقای سید هاشم رسولی هم مباحثه می‌کردم.» مراوده و همنشینی با شخصیتهای برجسته و ظلم ستیزی چون امام‌خمینی (ره)، مرحوم آسـید محمـد تقی خوانساری و شـهید نواب صـفوی باعث گردیـد تا شـهید محلاتی از ابتدای جوانی سری پرشور داشته و پیوسته در مقابل ستمگران ایستادگی نموده و سرتعظیم فرود نیاورد. از این جهت است که می‌بینیم اولین برگ از پرونده سیاسـی او در ابتدای جوانی درمخالفت با آوردن جنازه رضاخان به« قم »رقم می‌خورد. ایشان وجود چنین روحیه‌ای را در خـود نـتیجه حشـر و نشـر و ارتبـاط بـا بزرگـانی کـه نـام آنهـا به قلم آمـد، می‌دانـد. وی در خصـوص آیه‌الله خوانسـاری چنین می‌گوید:

« مرحـوم آیه‌الله محمـدتقی خوانسـاری دارای روحیه‌ای فـداکار و مبـارز بـود و در جنـگ عراق و انگلسـتان به همراه مرحـوم آیه‌الله کاشانی– در زمان میرزای شیرازی– شرکت کرده و مرد بسیار باتقوایی بود. به مبارزه هم معتقد بود. در نتیجه من این روح مبارزه را در درجه اول از ایشان گرفتم.»

در جای دیگر شهید نواب را نیز مؤثر می‌داند:

« اینجـا بایـد بگویم که مرحوم نواب صـفوی یک حق بزرگی به گردن من دارد و آن این است که این روحیه را او به من داد؛ یعنی او بود که با تأثیر نفسـی که داشت، با هر کسـی برخورد می‌کرد و با او مأنوس می‌شد، نه تنها او را شـجاع‌بار می‌آورد بلکه آن چنان تحولی در آدم به وجود می‌آورد که در رابطه با انجام وظیفه از هیـچ چیز وحشت نداشـته باشـد.» چندی پس از ورود به قم از طریق مرحوم آیه‌الله «سـید محمدتقی خوانساری »با فدائیان اسلام ارتباط یافت و به طور مشخص در سال ۱۳۲۷ ش به جرگه آنان پیوست. ایشان در این‌باره می‌گوید:« یکی دو سال که قم بودم و منزل آسـید محمدتقی خوانساری آمد و شد داشـتم، با مرحوم نواب صفوی آشنا شدم. مرحوم نواب صفوی نفس عجیبی داشت که با هر کس انس پیدا می‌کرد، در او یک حالت روحی خاصی پدید می‌آمد. اشـخاص را خیلی تشـجیع می‌کرد و جاذبه داشت. روی همین جاذبه مرا هم به خودش جـذب کرد و من چند سالی با فدائیان اسـلام همکاری می‌کردم و در کنار درسی که می‌خواندم مبارزه را هم شروع کردم.

اولین برنامه مبارزه من که همگام با فدائیان اسلام بود، مبارزه با آوردن جنازه رضاخان به ایران بود. شاه نه تنها می‌خواست حکومت

خودش را تثبیت کند بلکه می‌خواست افکار پدرش را هم زنده کند. بنابراین فدائیان اسلام به مبارزه برخواستند و طبق جلساتی که محرمانه داشتیم، تصمیم گرفتیم فجایع رضاشاه در مدرسه فیضیه بیان شود. قرار شد غسل شهادت بکنیم. نفرات تعیین شده به ترتیب عبارت بودند از: سید هاشم حسینی که قرار شد او اول برود روی سنگ مدرسه فیضیه بایستد و صحبت کند. یک اعلامیه مجملی هم در قم پخش شد به این مضمون که در ساعت پنج بعد از ظهر فردا خورشید روحانیت نورافشانی می‌کند. آن روز را همگی روزه گرفتیم. نفر اول سید هاشم بود، من نفر پنجم ششم بودم. سنم شاید هجده سال بود. سر ساعت پنج که شد، او رفت روی سنگ ایستاد و شروع کرد به بیان فجایع دوران رضاشاه که یک عده‌ای هم سر و صدا کردند. متولی وقت آمد جلوی ایشان را بگیرد، ولی مطلب روشن بود که چه می‌خواهند بگویند و مبارزه شروع شد. به این ترتیب هر روز در مدرسه فیضیه یک نفر صحبت می‌کرد و طلبه‌ها جمع می‌شدند. کار به جایی رسید که با تهدیدهایی که کردیم- هنگام عبور دادن جنازه از خیابانهای قم- از معممین حتی یک نفر حاضر نشد در خیابان باشد. برای رژیم خیلی آبروریزی شد. برای او که فاتحه گرفتند، از طرف دولتیها یک نفر رفت سخنرانی کرد. طلبه‌ها فوری عمامه‌اش را برداشتند و کتکش زدند و مخصوصاً از حوزه بیرونش کردند تا اینکه نیروهای شهربانی از دیوار آمدند و از دست طلبه‌ها نجاتش دادند و بعد من و رفقایم را دنبال کردند. هرجا که می‌رفتیم مأموران آگاهی قم دنبال ما بودند و پرونده و سابقه سیاسی من اولین برگه‌اش از همانجا شروع شد.»

حجه‌الاسلام سید علی اکبر محتشمی در خاطرات خود در این باره می‌گوید:

« وقتی خبر انتقال جنازه رضاخان به گوش نواب می‌رسد، به سوی قم حرکت می‌کند. در آنجا بعد از درس آیت‌الله بروجردی در مدرسه فیضیه شروع به سخنرانی می‌کند و از مظالم و جنایات رضاخان سخن می‌گوید. او اظهار می‌کند: « ارواح شهدای ما منتظر آن روزی هستند که بتوانیم انتقام خون آنها را حداقل از بازمانده او بگیریم؛ این کار را نکردید هیچ، ناظر آوردن جنازه او هم باشیم!! و ادعا کنیم سرباز امام زمان (عج) هم هستیم... » پس از این سخنرانی به تهران بر می‌گردد. بچه‌ها هر روز کارشان این بود که علیه شاه و دودمان پهلوی سخنرانی و تظاهرات می‌کردند. سید عبدالحسین واحدی آقا سید هاشم حسینی و شیخ فضل‌الله محلاتی کارگردان این برنامه‌ها در قم بودند.» رژیم اشغالگر قدس پس از جنایات فراوان در سرزمینهای اشغالی و ماجرای دیریاسین، در سال ۱۹۴۹م از طرف بیشتر کشورها به رسمیت شناخته شد و در همان سال به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و پنجاه و نهمین عضو سازمان ملل شد. رژیم شاه هم که تحت سیطره آمریکا قرار داشت، به بهانه حفظ حقوق اتباع ایرانی مقیم اسرائیل در اسفند ماه ۱۳۲۸ رژیم صهیونیستی را به رسمت شناخت. این اقدام رژیم شاه از طرف فدائیان اسلام محکوم و به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. شهید محلاتی در توضیح این ماجرا می‌گوید:

« مرحوم نواب یک روز بعد از ظهر در مدرسه فیضیه سخنرانی کرد و گفت: اگر می‌خواهیم اسرائیل را ساقط کنیم باید از تهران شروع کنیم، یعنی باید اول رژیم پهلوی را از بین ببریم تا بتوانیم با اسرائیل بجنگیم. وقتی شهید نواب ازمدرسه خارج شد او را دستگیر کردند و یارانش را هم تعقیب کردند. ولی ما با سر و صدا و تظاهرات، طلبه‌های جوان و داغ را جمع کردیم و رفتیم منزل مرحوم آیت‌الله خوانساری و گفتیم که ما می‌خواهیم برویم به کمک فلسطینیها و به جنگ اسرائیل. یادم هست که آنجا دفتری آوردم و شروع کردم به اسم‌نویسی که برویم به جنگ اسرائیلیها. ولی خوب صدایمان به جایی نرسید و ما را تعقیب کردند و دستگیر کردند و زدند.» شهید« محلاتی» به جهت ارتباط با فدائیان اسلام با آیه‌الله« کاشانی» نیز آشنا شد و پس از بازگشت آیه‌الله «کاشانی» از تبعید، خود را به ایشان معرفی نمود. رفت و آمد و ارتباط با ایشان کم کم فزونی یافته تا حدی که شهید «محلاتی» به عنوان نماینده ایشان مأموریت یافت تا به شهرهای مختلف سفر کند. از جمله این مأموریتها سفر به« آذربایجان» و انتخابات دوره هفدهم بود که شرح آن را از زبان خود ایشان نقل کنیم:

« در جریان انتخابات دوره هفدهم که روابط آیت‌الله کاشانی با مصدق هنوز خوب بود، به آذربایجان رفتم و چهارماه در آذربایجان ماندنم و به عنوان نماینده از طرف ایشان مأمور شدم در انتخابات شرکت کنم. من مقلد مرحوم سید محمدتقی خوانساری بودم و ایشان اعلامیه دادند که در انتخابات شرکت کنید. از مرجعمان مجوز شرعی داشتم. من در آنجا هم منبر می‌رفتم و هم درباره انتخابات و مسائل مربوط به آن مبارزه می‌کردم. هفده روز یا بیشتر در مسجد جامعه تبریز من به زبان فارسی سخنرانی کردم و یکی از آقایان هم به نام سید مرتضی موسی به زبان ترکی و از رادیو پخش می‌شد. بیست و پنج روز در سراب مبارزه کردم تا بهادری را از آنجا بیرون کردیم. به اردبیل، مشکین‌شهر، مراغه و شهرهای مختلف آذربایجان رفتم و سخنرانی کردم تا انتخابات دوره هفدهم تمام شد. دو گروه در آنجا مبارزه می‌کردند. تیپ جبهه ملی و آیه الله کاشانی نقطه مقابل سلطنت‌طلبها بودند. در انتخابات تبریز نه نفر وکیل می‌خواستند که پنج نفر از ما انتخاب شد، چهار نفر از آنها. اینها ناراحت شدند و روز بعد از رأی‌گیری سلطنت‌طلبها ریختند توی مسجد جامع. رئیس شهربانی وقت سرتیپ نخعی و فرمانده لشگر سرلشکر مقبلی بود. اینها سلطنت‌طلبها را مسلح کرده بودند و ریختند توی مسجد و آنها آمدند برای کشتن من و شروع کردند به تیراندازی به طرف من. من افتادم روی زمین که تیر به من نخورد. یک عده از مردم فرار کردند، یک عده دیگر دور مرا احاطه کردند و به مقابله برخاستند. هدف آنها من بودم. الحمدلله خدا نخواست و سالم ماندم و مرا از نقطه‌ای فراری دادند.»

از میان اسناد موجود در این رابطه، تنها به سندی که حاوی گزارش سپهبد یزدانپناه، وزیر جنگ به نخست‌وزیر است، اشاره می‌کنیم:

« جناب آقای نخست‌وزیر محترماً رونوشت گزارش تلگرافی فرمانده لشگر ۳ تبریز راجع به سخنرانی محلاتی نام در مسجد جامع تبریز که نسبت به مقام سلطنت و عملیات دولت بدگویی و اهانت‌هایی نموده. ضمناً نامبرده را نماینده آقای کاشانی معرفی نموده‌اند. برای مزید استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می‌گردد و تصدیق افزا می‌گردد بالأخره اشخاصی که به ولایات رفته و برای اجرای مقاصد سوء، خود را نماینده و فرستاده آقای کاشانی معرفی می‌نمایند، معلوم نیست مقصود و هدفشان چیست و آیا واقعاً از طرف کاشانی فرستاده می‌شوند و یا به نام ایشان می‌خواهند جلب توجه نموده و رفتار و کردار ناپسند خود را تحمیل به اهالی نمایند و در این مقوع حساس که تمام اوقات دولت معروف به حسن جریان انتخابات می‌باشد که به صورت خوش خاتمه پذیرد، عدم جلوگیری از رفتار و گفتار این قبیل اشخاص بیشتر باعث تشنج و تهییج افکار عامه شده و موجبات عدم امنیت را فراهم

می‌نمایـد و عاقبت کار معلوم نیست چه خواهد شد. علیهذا مستدعی است امر فرمایند به طور کلی در این مورد تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد تا از این گونه جریانات به طور مطلوب جلوگیری به علم آید.

وزیر جنگ- سپهبد یزدان‌پناه در اواخر سال ۱۳۳۱ حزب توده دست به ماجراجویی جدیـدی حول محور فردی به نام سید علی‌اکبر برقعی زد که نهایتاً منجر به درگیری و حمله پلیس به مردم و طلاب حوزه علمیه شد. شهید محلاتی تفصیل این ماجرا را در آخرین مصاحبه خود بیان نموده است:

« یک آقایی به نام سید علی‌اکبر برقعی بود که مشاعرش هم خوب کار نمی‌کرد. از کسانی بود که شعار صلح می‌داد و توده‌ای‌ها را تقویت می‌کرد و گروه‌های چپ‌گرا در قم دور او بودند و از طرف دولت مصدق هم آزادی داشت. این فرد به کنفرانس صلح وین رفته بود. در موقع مراجعت توده‌ای‌ها و چپی‌ها و ملی‌گراهای آن روز به استقبالش رفتند و یکسره او را به حرم آوردند. وقتی وارد حرم شدند، شروع کردند به تظاهرات و چند نفری شعار علیه اسلام، قرآن و آیه‌الله بروجردی دادند. حالا آنها مأمور بودند یا غیره، نمی‌دانیم ولی این بار باعث شد که احساسات مردم برانگیخته شود و در آن زمان من یکی از آنها بودم که رفته بودم بالای دیوار همین جلوی صحن و سخنرانی کردم. مرحوم تربتی هم سخنرانی کرد. بعد هم جلوی در فرمانداری مردم را تحریک کردیم. حرف ما این بود که برقعی بایـد برود بیرون، ما می‌گفتیم فرمانـدرا بایـد جواب بدهـد. جواب ندادنـد، مردم عصبانی شدنـد، آنهـا گـاز اشک‌آور انداختنـد که مردم را پراکنده کنند و درگیری شهربانی با مردم و طلاب آغاز شد. روز قبلش هم یک نفر کشته شده بود که بردند برای دفن و عده‌ای هم مجروح شدند، ولی شایع بود که عدهٔ زیادی کشته شدند. البته یک نفر به نام سرتیپ مدبر از طرف دولت مصدق برای رسیدگی به این مسئله آمد و جاها را برای کشف جنازه‌ها بررسی کردند. رفتیم منزل آیت‌الله بروجردی و چند تا از مخبرین هم از تهران آمدند و یک مصاحبه‌ای هم از من در روزنامه ترقی آن موقع چاپ شد.

وقتی رفتیم پیش مرحوم آیت‌الله بروجردی، ایشان فرمودنـد: برویـد پیش آقـای خمینی، برویـد پیش ایشـان. من اینهـا را بردم منزل آیت‌الله خمینی و در آنجا ایشان مسائلی را مطرح کردنـد که این قصه بایـد رسیدگی شود و بعـد هم من مصاحبه کردم. به هر حال چنـد روز تظاهرات بود و همان موقع سید علی‌اکبر برقعی را هم به یزد تبعیـد کردنـد. البته آن موقع نمی‌دانستیم بعضی‌ها به کجا و کی وابسته بودند، ولی من الان که مطالعه می‌کنم می‌فهمم الان تحلیلم غیر از درکمان در آن موقع بود، آن موقع ما یک ظاهری را می‌دیـدیم، اما باطنش چیز دیگری بود. یعنی ممکن بود بسیاری از آن افرادی که در لباس توده‌ای‌ها شعار می‌دادنـد، اینهـا واقعاً انگلیسی باشند یا آمریکایی. آن موقع ما طلبه‌های جوان و داغ بودیم، کسی به قرآن اهانت کرده، به آقای بروجردی اهانت کرده، ما هم می‌گفتیم پدر اینها را در می‌آوریم.» در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱ خبر تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در هیئت دولت در روزنامه منتشر شد. به موجب این لایحه قید اسلام از شرائط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان برداشته و در مراسم تحلیف به جای قرآن‌کریم، کتاب آسمانی قرار داده شـده بود. پس از رسیدن روزنامه‌هـا به قم، مراجع و مقامات روحانی از جمله امام‌خمینی (ره) همان شب جلسه‌ای در منزل آیت‌الله شیخ مرتضی حائری تشکیل دادند و به بحث و تبادل نظر پرداختند. در نتیجه هر یک از مراجع تلگرافی بـه شـاه مخابره کردنـد. شـاه در پاسخ تلگرام مراجع، موضـوع را بـه نخست‌وزیر و دولت محـول کرد. شـهید محلاتی در خاطرات خود پس از نقل واقعه انجمنهای ایالتی و ولایتی به نقش خود در این ماجرا اشاره می‌کند:

« پس از ارجاع موضوع به نخست‌وزیر، امام‌خمینی (ره) یک تلگراف و یک نامه هم برای اسـدالله علم نه به عنوان نخست‌وزیر، بلکه آقـای اسـدالله علم فرستادند و بایـد بگویم که آن تلگراف را به من دادنـد و من کـارم دیگر از همان موقع شـروع شـد که رابط بین ایشـان بـودم و آقایـان قـم. در این مبـارزه نوعاً اعلامیه‌هـا را از ایشـان می‌گرفتم و به تهران می‌آوردم. در تهران یـک ارگـان مخفی داشتیم که در رأسـش مرحوم حـاج حسین آقـا مصـدقی در بـازار بود ایشـان کاغـذ فروش بود و بـا چاپخانه‌هـا ارتبـاط داشـتند. من اعلامیه‌ها را می‌آوردم و به حاج حسین آقا مصـدقی می‌دادم و آقای مصدقی هم می‌برد برای چاپ. بعضـی اوقات شب تا صـبح در چاپخـانه بودیم. یـک شب هم همان اعلامیه‌های خطاب به اسـدالله علم را چاپ می‌کردیم. یادم هست که پلیس آمـد و چاپخانه‌چی فوراً با چکش به جان ماشـین چاپ افتاد. گفتنـد: چکار می‌کنیـد؟ گفت: من بـدبختم، من بایـد فردا کار کنم و ماشـین خراب است، دارم ماشـینم را درست می‌کنم. مأمور آمد نگاه کرد و در را بست و برگشت. در را باز از پشت قفل کردیم و شروع کردیم به چاپ کردن اعلامیه امـام که پس از توزیع خیلی صـدا کرد. ایشـان می‌فرمودنـد: وعـاظ را جمع کنیـد. مـا هم اعلامیه‌هـای ایشان را چاپ می‌کردیم و هم کـار من این بود که مـا وعاظ را دعوت می‌کردیم و پیغامهای ایشان را به آنها می‌دادیم. گاهی که ایشان اعلامیه‌ای می‌نوشـتند، می‌آوردیم که در منبر خوانده شود و خوانده می‌شد. حتی در مسجد ارک جلسه‌ای بود که اگر شما آن اعلامیه را دیده باشـید، یک اعلامیه تنـدی بود که آخر هم الم تر کیف بود و آقای فلسـفی روی منبر گفت: این را دم بدهیـد. همه دم دادنـد، به هر صورت این مبارزه اوج گرفت و پیروز شـد. در قضـیه انجمنهای ایالتی و ولایتی، دستگاه حاکم آنقدر وحشت کرده بودند که وقتی دولت تصویب‌نامـهٔ انجمنهـای ایـالتی و ولایتی را لغو کرد، متن آن اعلامیه را که در مورد الغای آن تصویب‌نامه می‌خواسـتند منتشـر کنند، پیش ازچاپ به من دادند. من رفتم قم و آن را به امام نشان دادم. امام آنرا خواندند، در حالی که روزنامه‌ها هنوز چاپ نکرده بودند، بعد تلفنی برای آقایان دیگر هم خواندند و گفتند خوب است. دیگران هم قبول کردند، آنوقت در روزنامه‌ها چاپ شد.»

محلاتی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، شـیمیدان، داروساز، اسـتاد، مـترجم و شـاعر، متخلص به شـیوا. معروف به شـیمی. برادر نصـیر الاطبـاء و پـدر دکتر محمود شـیمی و جد خاندان شیمی است. میرزا کاظم از شاگردان دوره‌ی اول دارالفنون و از نخستین گروه محصلین اعزامی به اروپا

در زمان ناصرالدین‌شاه بود. وی در رشته‌ی طبیعی و داروسازی تحصیل کرد و از محصلین خوب بود به طوری که در گزارش سال اول مدرسه نام او و باقرخان بن هادی خان شیرازی در روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه» درج شد. پس از بازگشت از اروپا به سمت معلم شیمی در دارالفنون انتخاب شد و حدود چهل سال در آن مدرسه به جای معلم خود تدریس کرد. وی کتاب «چرا به این جهت»، در صحبت ساده‌ی طبیعی و هیئت، نوشته‌ی یکی از زنان دانشمند فرانسوی را ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (۲۸۶ -۲۸۵/ ۱)، شرح حال رجال (۱۴۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴ -۴۳/ ۵).

محلاتی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجدالدین فرزند علامه فقیه آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی فرزند عالم جلیل حاج شیخ جعفر محلاتی از علماء بزرگ و معروف استان فارس و بالاخص شیراز است که در سال ۱۳۰۴ شمسی برابر ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در خدمت والد ماجدش به شیراز آمده و در بیت شریف محلاتی که سابقه سیصد ساله دارد پرورش یافته و مقدمات و دروس جدید را خوانده و در سن بیست سالگی در سال ۱۳۶۵ قمری سال رحلت آیت‌اللَّه العظمی اصفهان به قم عزیمت نموده و مقداری از سطوح را در خدمت مرحوم حاج شیخ مرتضی حایری یزدی و حاج آقا سلطانی بروجردی تکمیل نموده و جلد اول کفایه را از مرحوم حاج سید زین‌العابدین کاشانی و جلد دوم را از محضر مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم میرزا محمد مجاهد تبریزی آموخته و مکاسب را از مرحوم حاج شیخ محمدعلی کرمانی استفاده نموده و به درس خارج آقای محقق داماد و امام راحل و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و بهره‌مند شده و شرح تجرید را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد خونساری فراگرفته است.

در سال ۱۳۸۰ قمری به شیراز برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین در مسجد مولا مسجد آبائی و اجدادی و نیز مسجد ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف واقع در خیابان داریوش شیراز که از آثار خیر خودشان می‌باشد مشغول شده و به واسطه اعتراض و روشن کردن افکار مردم بالخصوص نسل جوان به جنایات رژیم شاه از طرف دولت بازداشت و تبعید به ایرانشهر بلوچستان و زاهدان شده و پس از چندین ماه آزاد و در نهضت امام راحل و قیام پانزده خرداد با والد ماجدش مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و خطیب توانا و واعظ برنای شیرازی حاج سید مجدالدین مصباحی دستگیر و به زندان ارتش تهران برده شدند و پس از چند ماه آزاد و به وطن بازگشت باز به خدمات دینی پرداخته تا حال تحریر این کتاب سال ۱۴۱۲ قمری و ۱۳۷۰ شمسی اشتغال دارند.

دارای آثار علمی و فرهنگی و اجتماعی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم.

آثار علمی و باقیات الصالحات ایشان

۱- تفسیر بعضی از سور قرآنیه.

۲- ترجمه کتاب (ثم اهتدیت) دکتر تیجانی تونسی.

۳- ترجمه کتاب کونوا مع الصادقین دکتر تیجانی.

۴- درس عقاید برای دانشگاهی‌ها.

۵- تأسیس خیریه اسلامیه در سال ۱۳۴۳ شمسی.

۶- تأسیس مدرسه حضرت ولی‌عصر در خیابان نمازی نو (شهید دستغیب).

۷- تأسیس کتابخانه مدرسه امام عصر (ع) که بیش از بیست هزار جلد کتاب دارد.

داماد معظم ایشان فاضل ارجمند و نویسنده دانشمند جناب حاج سید حسین مدرسی است که از افاضل آقازادگان حوزه علمیه است که چندین سال است در دانشگاه واشنگتن امریکا مشغول به تدریس و خدمات دینی می‌باشند ادام‌اللَّه عزهم و توفیقاتهم.

مجدالدین محلاتی بن العلامهٔ الورع آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی از علماء فعال و موثر و خدمتگذار معاصر شیراز است.

وی در حدود سال ۱۳۴۶ قمری ه در شیراز متولد شده و در بیت علم و فضیلت آیت‌اللَّه محلاتی پرورش یافته و دروس جدید را تا متوسطه خوانده و به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و مقدمات و سطوح وسطی را در شیراز نزد والد ماجدش و مدرسین دیگر فراگرفته و مهاجرت به قم نموده و در حوزه علمیه سطوح عالی را از اساتید بزرگ به پایان رسانیده و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و دیگران حاضر و از دروس فقه و اصول آنان استفاده نموده است مترجم محترم ما (جناب مستطاب حاج آقا مجدالدین محلاتی) با داشتن استعداد فوق‌العاده به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و بر بسیاری از اقران فائق و مشار بالبنان گردیده و بعد از فوت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی به شیراز مراجعت و به خدمات دینی و اجتماعی از قبیل امامت در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف که به همت و سعی وی بنا شده و تدریس در مدرسه خان و گفتن تفسیر قرآن و تنویر افکار روشنفکران و نسل جوان پرداخته و خدمات بسیار ارزنده‌ای نموده است.

آثار و باقیات الصالحات معظم له از بناء و تعمیر مساجد در شیراز و حومه آن بسیار است.

و از خدمات اجتماعی ایشان تأسیس درمانگاه بزرگ و مهمی است بنام درمانگاه «ولی عصر» که برای بینوایان و مستمندان تأسیس نموده و تاکنون هزارها نفر بیمار را به رایگان معالجه و مداوا نموده است.

نگارنده گوید: مترجم محترم که در میان روحانیون شیراز و حوزه علمیه قم و غیره معروف به فضل و دیانت و در شیراز بسیار موجه و مانند نیاکان و اسلاف گرامش مورد علاقه و توجه مردم عالم‌دوست شیراز است.

در خلال خدماتش سوانحی برای وی پیش آمده که قهراً قریب دو سال در ایرانشهر بلوچستان و زاهدان و شهر بابک و یزد اقامت داشته و در آنجا هم اشتغال به وظائف روحی خود داشته و در حال حاضر یکی از دانشمندان و علماء نافذ و ممتاز استان فارس و شیراز محسوب می‌شود.

ایشان غیر از جزوات تقریرات درسی فقه و اصول اساتید حوزه علمیه قم تالیفات دیگری دارند که بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

محمد صادق (مینا)

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد صالح اصفهانی در اواسط عهد صفویه به هندوستان مهاجرت نموده، فاضل و ادیب و نویسنده و شاعر بوده، کتب چندی در رجال و تاریخ نوشته که از آن جمله است: ۱- رجال ۲ - شاهد صادق، فارسی کبیر، در انواع علوم ۳ - الشمس البازغهٔ در حکمت، رد بر میرداماد در مبحث حدوث دهری ۴ - صبح صادق، در رجال، فارسی و بزرگ، در چندین مجلد ۵ - القلائد؛ و غیره.

نصرآبادی گوید که جد او بوده، و محمد صالح در هند در ۱۰۳۷ وفات یافته، و محمد صادق شاعر و ادیب و متخلص به «مینا» بوده، و در ۱۰۶۱ در هند از دنیا رفته است.

صاحب عنوان در رجال خود، خویشتن را بدین گونه معرفی می‌کند:

کوچه گرد دیار نادانی

صادق صالح سپاهانی

در منتظم ناصری در وقایع سال ۸۸۸ گوید: وفات صدرالدین محمد طبیب زبیری اصفهانی که نسب آقا محمد صادق مؤلف کتاب «شاهد صادق» به او می‌رسد.

در مقدمه‌ی تذکره‌ی نصرآبادی وی را صدرالدین علی می‌نویسد. در هر حال، از صاحب عنوان قبلا مختصرا نام برده شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محمدی عراقی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر محمدی عراقی مشهور (به حاج آقا بزرگ) ابن مرحوم حجهٔالاسلام آقا محمد عراقی (متوطن و متوفی و مدفون در کنگاور) ابن المحروم آیت‌اللّه الملک العلام آخوند ملا محمدباقر کوهرودی اراکی که از تلامذه مرحوم شیخنا الانصاری قدس ره و در کتابهای شخصیت شیخ انصاری و اعیان‌الشیعه والذریعه و نقباء البشر شرح حال و تصنیفات آن مرحوم اشاره شده است.

مترجم گرامی ما در ماه رجب ۱۳۱۷ قمری در قریه کرهرود اراک بدنیا آمده و در سال ۱۳۳۶ قمری در خدمت مرحوم پدرش به کنگاور (مدفن مرحوم جدش) آمده به تحصیل علوم دینیه از مقدمات و سطوح متوسط فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید و غیره پرداخته و علوم مذکوره را از مرحوم والدش فراگرفته.

و در سال ۱۳۵۸ قمری که مرحوم والدش در آنجا وفات نموده با داشتن اجازات از مجتهدین و مراجع تقلید قدس اللّه اسرارهم و کثر اللّه امثالهم تصدی امور شرعی آن سامان گردیده و تاکنون که سال ۱۳۹۵ قمریست در آن منطقه به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تفسیر قرآن و وظائف دیگر روحی اشتغال دارند.

از باقیات الصالحات آنجناب فرزند فاضل و برومند ایشانست جناب مستطاب حجهٔالاسلام و فخر الاماثل والاقران آقای حاج آقا بهاءالدین محمدی کنگاوری که سالهای متمادی مقیم حوزه علمیه قم بوده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی موسوی مدظله استفاده فقه و اصول نموده تا در چند سال قبل که بنابر دعوت عده‌ای از اهالی کرمانشاه رحل اقامت به آن سامان افکنده و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی عراقی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود محمدی عراقی

محل تولد : کنگاور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی در سال ۱۳۳۱ در خانواده ای روحانی ، با تقوا و اهل علم در کرمانشاه دیده به جهان گشود؛ جد بزرگ وی مرحوم حاج آقا بزرگ محمدی عراقی که از حوزه علمیه اراک برخاسته و بدین لحاظ به محمدی عراقی شهرت پیدا کرده بود، از بزرگان علم و معرفت بود که به دستور مرجع تقلید بزرگ زمان، مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) به کرمانشاه عزیم پدر وی، حجت الاسلام والمسلمین بهاء الدین محمدی عراقی نیز پس از سالها خدمت به ساحت علم و معرفت و مردم خطه کرمانشاه در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید.محمدی عراقی، پس از طی تحصیلات عمومی در کرمانشاه جهت تکمیل تحصیلات علوم دینی به شهر قم عزیمت کرد و همزمان با تحصیلات جدید، در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب تلاش های قابل توجهی کرد.وی در دوران تحصیل از محضر اندیشمندانی نظیر شهید آیت الله دکتر بهشتی، شهید آیت الله قدوسی و جمعی دیگر از بزرگان علم و ادب بهره‌ای وافر برد و علاوه بر علوم متداول در حوزه های علمیه، به صورت تخصصی در حوزه فلسفه و علوم قرآنی مدارج علمی را طی کرد.محمدی عراقی پس از پیروزی انقلاب و سازماندهی فعالیتهای اجتماعی و قبول مسئولیت های مختلف در نهادهای انقلاب اسلامی، به فعالیتهای علمی و پژوهشی روی آورد.وی در شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشارکت داشته و چندین سال مسئولیت این دفتر و سرپرستی گروه جامعه شناسی را بر عهده داشت. نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران و عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما از دیگر سوابق او است.محمدی عراقی همچنین برای سالها ریاست سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده داشت و پس از آن، برای دو دوره و به مدت شش سال رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد. او در حال حاضر با حکم مقام معظم رهبری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز، عضو شورای عالی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها است.

محمدی ملایری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محمدی ملایری در سال ۱۳۰۶ه.ش در ملایر متولدشد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی زادگاه خویش و عزیمت به اراک واخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی در سال ۱۳۶۶ و در سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۳ لیسانس و وفوق لیسانس و دکتری ادبیات را از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی مدتی را در دانشکده هنرهای دراماتیک و دانشگاه آمریکایی بیروت تدریس کرد. وی کتابهایی چون ترجمه کتاب عرفان مولوی، بررسی اندیشه های عرفانی عطار، اصول و مبانی تصوف و عرفان را منتشر کرده است.گروه : علوم انسانیرشته : ادیان خارجیگرایش : ادبیات عرفانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد محمدی ملایری پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود ملایر و عزیمت به اراک و اخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی درسالهای ۱۳۳۶، ۱۳۴۹و ۱۳۵۳ه.ش موفق به دریافت مدارک لیسانس، فوق لیسانس و دکتری خود در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد.خاطرات و وقایع تحصیل : احمد محمدی ملایری بین سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۳ که به تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تنران مشغول بود، شاهد اواسط و اواخر سلطنت محمدرضا شاه پهلوی در ایران بوده است. در آن زمان جریانهای شعر نو و شعر سنتی نیز به جدال خود اداهمه می دادند.فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد محمدی ملایری در کنار تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به مطالعه وسیع آثار عرفانی ادبیات فارسی و نیز آثار دراماتیک (نمایشنامه های اروپایی) مشغول بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد محمدی ملایری پس از دریافت دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول بود.فعالیتهای آموزشی : احمد محمدی ملایری پس از اخذ دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز در دانشگاههای اروپایی بیروت پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد محمدی ملایری در کنار تدریس ادبیات فارسی، به ترجمه و تالیف اثاری دربارهٔ عرفان اسلامی ایران و ادبیات فارسی مشغول بوده است و وی به فعالیت های تحقیقاتی خود ادامه می دهد.آرا و گرایشهای خاص : احمد محمدی ملایری در رشته ادبیات فارسی بیشتر به عرفان اسلامی -ایرانی و آثار ادبی مربوط به آن (مولوی ، عطار) علاقمند است و دراین زمینه تحقیقات و تالیفاتی دارد .

آثار : ۱ آیین نگارش و سخنوری ۲ اصول و مبانی تصوف و عرفان ۳ بررس اندیشه های عرفانی عطار ۴ پایتخت های نامی ایران در دوران تاریخ ۵ ترجمه کتاب عرفان مولوی

محمدی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن مرحوم آیت‌اللَّه محمدی از علماء محترم معاصر گلپایگانست.

وی در ربیع‌المولود ۱۳۲۵ ق در قریه اسفرنجان دیده بدنیا گشود و بعد از طی دوران کودکی و تحصیل مختصری از مقدمات رهسپار اصفهان شده و در خدمت اساتید آن محیط دانش مقدمات و سطح را فراگرفت و در سال ۱۳۰۷ شمسی به نجف اشرف مشرف و در آن محیط نورانی در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه مشکینی و مرحوم آیت‌اللَّه عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی رضوان‌اللَّه‌علیهم اشتغال به تحصیل داشت و بعد از هفت سال در سال ۱۳۱۴ شمسی با دریافت اجازه اجتهاد از محضر مبارک آیتین عراقی و اصفهانی طاب اللَّه ثراهما به ایران مراجعت و چند سالی در خدمت پدر به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول بود تا در سال ۱۳۲۰ شمسی نعمت وجود پدر را از دست داده و از آن تاریخ شخصاً با اتکال به لطف خدا او توسل به ذیل عنایت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام متصدی حفظ نظام امور دینی و خدمات اجتماعی این منطقه گردید.

و با اینکه از سال ۱۳۲۲ برحسب دعوت که اهالی شهر گلپایگان از او نمودند موفق شد که در محیط به اقامه جمعه و جماعت بپردازد و نماز جمعه که سالها بود از آن محیط متروک و مهجور بود زنده نموده و بپای بدارد و توانست که مسجد جامع تاریخی و باعظمت این شهر را که متروک و مهجور و مخروبه بود افتتاح نماید و آن را معمور و مورد استفاده کامل قرار دهد.

مع ذلک محل سکونت خود را تغییر نداد و در موطن پدری خود زندگی می‌کرد تا عاقبت کثرت احتیاج مردم شهر بوجود او با عوامل دیگر ایجاب نمود که به شهر منتقل شود و در چند سال قبل این اقدام را نمود و به شهر منتقل شد و جمیع اوقات زندگی خود را در اختیار مردم شهر و دهات گلپایگان قرار داد و مسجد جامع را به صورت بسیار جالبی معمور و مجهز نمود و آن را پایگاه برازنده اقامه جمعه و جماعت این محیط کرده و آیت‌اللَّه حایری گلپایگانی در مورد این موفقیت این چند شعر ذیل سرودند.

مسجد مزبور از هر جهت مجهز و دارای کتابخانه نفیسی است که در ردیف مساجد معمور درجه اول ایران می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نقاش، طراح، مجسمه‌ساز.

تولد: ۱۸ شهریور ۱۳۱۷، بروجرد.

درگذشت: ۱۹ اسفند ۱۳۶۶.

اصغر محمدی در سال ۱۳۴۰ به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه یافت و تحصیل در رشته‌ی نقاشی را آغاز نمود. یک سال بعد، به مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی آموزش و پرورش هنری کودکان و نوجوانان پرداخت و در عین حال به امر آموزش هنرهای نقاشی در مدارس رو آورد. این تلاش وی منجر به برگزاری یک سلسله نمایشگاه‌های متعدد از بهترین آثار نقاشی کودکان و نوجوانان در دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی کیهان، پارک‌ها، مدارس و کانون‌های مختلف دیگر در سال ۱۳۴۲ بود. در سال ۱۳۴۴ به عنوان هنرآموز هنرهای تجسمی به استخدام وزارت فرهنگ و هنر سابق درآمد و یک سال بعد از دانشکده‌ی هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل گردید.

در سال ۱۳۴۶ نخست به آموزش چهار دوره معلیمن کودکستان (وابسته به اداره‌ی کل تعلیمات ابتدایی) پرداخت و آنگاه به تربیت پنجاه نفر دانش آموختگان هنرستان‌های وزارت فرهنگ و هنر سابق، برای آموزش همت گماشت. در همین سال به تدریس هنرهای تجسمی در مؤسسه‌ی (انستیتو) تربیت مربیان امور هنری که شامل یک دوره‌ی فوق دیپلم برای معلمان امور تربیتی مدارس بود، روی آورد. محمدی به سال ۱۳۴۷ گردآوری و تدوین بخشی از کتاب راهنمای نقاشی کودکان را به انجام رسانید و دو سال بعد تدریس رشته‌ی آموزش و پرورش هنری در مدرسه‌ی عالی پاریس را نیز بر دامنه‌ی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خویش اضافه کرد.

به سال ۱۳۵۰ به منظور مطالعه و پژوهش و شناخت بیشتر مسائل هنری، به ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی سفر کرد. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۲ به تدریس رشته‌ی «دکوراسیون» در مؤسسه‌ی تکنولوژی تهران و همچنین تدریس رشته‌ی هنر و کاردستی در دانشگاه مکاتبه‌ای و یک سال بعد به تدریس رشته‌ی طراحی در دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و پیکره‌سازی در دانشکده‌ی هنرهای تزئینی پرداخت. در سال ۱۳۶۹ به دوره‌ی دکترای دانشگاه سربن در رشته‌ی تاریخ هنر راه یافت و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۸ مجددا به سرپرستی هنرستان هنرهای تجسمی پسران برگزیده شد و از سال ۱۳۶۲ تدریس در مجتع دانشگاهی هنر را نیز بر عهده گرفت.

آثار وی در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های زیر شرکت داشته است: چهارمین دو سالانه‌ی منطقه‌ای تهران (۱۳۴۳)؛ نمایشگاه «۲۵ سال آفرینش هنری» موزه‌ی ایران باستان (۱۳۴۷)؛ ششمین دو سالانه‌ی پاریس (۱۳۴۸)؛ نمایشگاه روز جهانی حقوق بشر (۱۳۴۹)؛ نمایشگاه انفرادی تندیس در خانه آفتاب (۱۳۵۰)؛ جشنواره‌ی بین‌المللی نقاشی (کانی سورمر) فرانسه (۱۳۵۱)؛ نمایشگاه گروهی در اصفهان (۱۳۵۳)؛ نمایشگاه دهمین سال افتتاح گالری قندریز (۱۳۵۳)؛ اولین نمایشگاه بین‌المللی هنر تهران (۱۳۵۳)؛ شرکت در نمایشگاه فضا و حجم انجمن ایران و آمریکا (۱۳۵۴)؛ نمایشگاه «نگرش به پنجاه سال هنر ایران» (۱۳۵۵)؛ نمایشگاه گروهی «خانه بین‌المللی هنر» پاریس، نمایشگاه نقاشی و تندیس در گالری «ورکامر» پاریس (۱۳۵۶).

اصغر محمدی سرانجام در نوزدهم اسفند سال ۱۳۶۶ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محمدی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم محمدی

محل تولد : دره شهر ایلام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱در مرکز بخش بدره از توابع استان ایلام در خانواده‌ای متدین و کشاورز به دنیا آمدم و به دلیل مشکلات معیشتی در سن ۴ سالگی به همراه خانواده به خرمشهر مهاجرت نمودیم و تا سال ۱۳۵۸ درآنجا ماندیم. با شروع جنگ تحمیلی در حالی که تمام دارایی و خانه و کاشانه خود را از دست داده بودیم مجدداً به موطن اصلی خود یعنی ایلام بازگشتیم و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه تازه تأسیس شهرستان دره‌شهر شدم و در کنار درس دبیرستان به تحصیل در آن حوزه مشغول بودم. اساتید اینجانب در آنجا امام جمعه محترم جناب آقای صالحی و مرحوم فقیهی افغانی بودند. در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه المهدی اراک تحت نظر حضرت آیت الله شیخ ابوالفضل خوانساری امام جمعه وقت اراک وارد شدم و در آنجا ضمن تحصیل علوم روز حوزوی و حفظ قرآن و حفظ اشعار سیوطی و... به تدریس در سطوح پایینتر حوزه در همان حوزه مبارکه و در حوزه علمیه حاج محمد ابراهیم و حاج آقاضیاء اراک مشغول بودم و در اواخر سال ۱۳۶۳ وارد حوزه مبارکه قم شدم و در طی تحصیل و تدریس هیچ وقت ارتباطم با جبهه و جنگ و وعظ و خطابه و منبر قطع نشد.

در جنگ تحمیلی مجروح شدم و تا مرز شهادت نیز پیش رفتم اما لیاقت آن برایم حاصل نشد در حوزه مبارکه قم ضمن تحصیل هیچ وقت از تدریس در سطوح مختلف غافل نبودم و سعی بر آن داشتم یا در مطالعه باشم یا مباحثه یا تحصیل یا تدریس و دل‌مشغولی‌ای جز این نداشتم. همیشه یک ساعت یا بیشتر قبل از طلوع فجر بیدار بودم و بسیار پابند به ادای واجبات و مستحبات و پرهیز از مکروهات داشتم، که متأسفانه هم اکنون آن حالات آنچنان که باید وجود ندارد و غبطه آن ایام را می‌خورم. در حوزه اراک سیوطی و مغنی و مختصر و قسمت عمده ای از مطول و معالم را نزد آقا شیخ مهدی عظیمی خواندم و تحریر الوسیله حضرت امام(ره) را نزد آقای رجایی و گلستان سعدی را نیز نزد آقای خوش گفتار و حفظ قرآن را نیز تحت نظارت آقای هجرتی و تاریخ اسلام و اعتقادات را نیز نزد مرحوم آقای شیخ محمدحسن خوانساری و حاشیه حاج ملا عبدالله و المنطق مرحوم مظفر را نیز نزد آقای فرجی و عظیمی تلمذ نمودم در حوزه مبارکه قم شرح لمعه را نزد حضرات آیات و حجج اسلام الهامی، وجدانی فخر، راستی کاشانی و نکونام و اصول فقه را نزد آقای حسینی بوشهری و رسائل را نزد آقای اعتمادی و مکاسب را نزد آقای ستوده و دوزدوزانی و پایانی و کفایه را نزد آقای اعتمادی و قسمتی را نزد آقای گنجی گذراندم. اساتید درس خارج فقه و اصول این حقیر حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی و فاضل لنکرانی(ره) بودند.

دوره چهار ساله تخصصی علم کلام اسلامی را در موسسه امام صادق(ع) در سال ۱۳۷۴ به پایان بردم در این دوره اسفار را نزد آیت الله دکتر بهشتی، سبحانی، گرامی و نهایة الاصول را نزد آقای فیاضی و اشارات و تنبیهات ابن سینارا نزد استاد گرامی و ممدوحی و سبحانی و شناخت مکتب ماتریالیسم و نظریهٔ المعرفه و کشف المراد را نزد آیت الله سبحانی و قسمتی را نزد آیت الله دکتر بهشتی و مسائل جدید کلامی را نزد استاد ملکیان و مباحث توحید و شرک در قرآن و نهج‌البلاغه و مباحث مربوط به امامت و اصالهٔ الفطرهٔ و... نزد استاد ربانی گلپایگانی تلمذ نمودم. در مدرسه حضرت بقیهٔ الله حاجی آباد لک‌ها صبح‌ها به تدریس ادبیات عرب و منطق و لمعه و عصرها در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بودم و در سال ۱۳۷۷ با شرکت در امتحان اجتهاد توسط شورای نگهبان و وارد شدن در مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده استان ایلام به ایفای وظیفه مشغول شدم و همچنان تدریس در حوزه مبارکه قم در سطح کفایه و خارج فقه و اصول در یکی از مدرس‌های حرم مطهر و مدرسه خان را ادامه دادم و هیچوقت به خود اجازه ترک تدریس و تحصیل را نداده و نمی‌دهم و امیدوارم در این راه در حالی که خداوند از این بنده حقیرش راضی باشد جهان را ترک نمایم. در طول مدت حضور در حوزه دست نوشته‌هایی فراهم شده که صلاح ندانسته‌ام چاپ شوند و یا هزینه آنها نبوده و امیدوارم آنچه خیر است همان اتفاق بیفتد به مدت چندین سال است که در دانشگاه مشغول تدریس هستم تا بدین وسیله ارتباطم با فرهیختگان غیرحوزوی و دانشجویان قطع نشود و در تأسیس بعضی ساختمان‌های دانشگاه آزاد اسلامشهر نیز کمک‌های فراوانی نمودم و در سال امام علی(ع) به اتفاق دو نفر از دوستان به نام‌های آقایان حجت الاسلام علی انصاری‌نیا و پیمان به تأسیس مجمع جهانی شیعه‌شناسی اقدام نمودیم که هم‌اکنون تحت مدیریت آقای انصاری به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. جزاه الله خیر الجزاء.

محمدی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صادق محمدی

محل تولد : خرمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم، دروس مقدماتی و دوره سطح را در مدرسه علمیه ملامحمد جعفر مشهور به مدرسه علمیه مجتهدی تهرانی و سپس در مدرسه علمیه مروی تهران گذراندم و در طول این مدت نیز قسمتی از منظومه ملاهادی سبزواری را در محضر آیت الله سید رضی شیرازی تلمذ نمودم و پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی تبریزی و وحید خراسانی آغاز نمودم و حدود ده سال از نظرات فقهی و اصولی این دو فقیه عالی قدر استفاده نمودم و همچنین حدود شش سال در موسسه بقیهٔ الله الاعظم دوره تخصصی فقه و اصول را گذراندم.اینجانب از همان اوائل طلبگی مشغول تدریس بوده و تاکنون در حدود ۲۰ سال مشغول تدریس کتب حوزوی بوده و هم اکنون مشغول تدریس دروس سطح می‌باشم.

محمدی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله محمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده روحانی فرهنگی در اصفهان چشم به جهان گشود . به دلیل ذوق سرشار و استعداد استثنایی دوران تحصیلات ابتدایی را در حالی به اتمام رساند که بخشی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضر آیت الله والدش فرا گرفته بود . بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتید برجسته حوزه علمیه قم و در فصل تابستان در اصفهان می آموخت . تحصیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی گیری کرد تا موفق به اخذ درجه دکتری تخصصی گردید . در سال ۱۳۶۹ بنا به تایید مراجع تقلید و اساتید دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شرکت کرد و بنا به تایید هیئت ممتحنین موفق به اخذ مدرک رسمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد . ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسؤولیت های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می نموده است .

دکتر محمدی اصفهانی در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی از واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته عرفان اسلامی گشت .عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است ، ختم ولایت می باشد .در متون عرفانی با تکیه بر آراء شیخ اکبر محی الدین بن عربی و عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ الرئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است .ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه ، در دروس فلسفه و حکمت ، اخلاق ، تفسیر ، عرفان نظری و عملی ، هیئت و نجوم ، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت .

دکتر محمدی اصفهانی از سال ۱۳۵۰ تا کنون و حتی در دوره های مسؤولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی ، تحصیلی ، تدریسی ، پژوهشی و تالیفی در حوزه های علمیه ، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه های قم ، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته اند .اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ۲۵ سال گذشته به این شرح است :ادبیات ، منطق ، اصول فقه ، فقه (لمعتین و مکاسب محرمه) ، فلسفه (بدایه و نهایه علامه) ، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان ، احکام (نبراس ملا هادی سبزواری) ، بررسی ادیان (ادیان شناسی) ، تعلیم و تربیت ، مشاوره خانواده ، تفسیر ، روان شناسی ، علم النفس ، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی ، فلسفه اخلاق ، کلام تخصصی ، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و ... .دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است .ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ده سال گذشته در درس های خصوصی خود به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را

شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته اند .

محمدی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد محمدی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از دوره دبیرستان در سال ۱۳۶۲ مشغول دروس حوزوی شدم و تا اتمام دوره لمعتین در یزد مشغول تحصیل بودم از سال ۶۹ وارد قم شده در درس بحث آقایان مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و آیت الله سید احمد خاتمی و آیت الله سبحانی و آیت الله عبدالله جوادی آملی و دیگر آقایان شرکت نمودم در کنار درس از سال ۱۳۷۲ وارد محیط ادبیات داستانی شدم در سال ۱۳۷۳ به بعد در مجلات کودکان داستان ارائه کردم. کم کم درمجلات نوجوان و جوان هم داستان و مقالات ادبی ارائه نمودم در همین سالها بود که با مجله کودک و نوجوان (سلام بچه ها پوپک) همکاری داشتم و در درسهای نادر ابراهیمی شرکت کردم.

محمدی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی محمدی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۳۷ در همدان متولد شدم، پس از فراگیری قرآن مجید و برخی از کتب متداول آن روز در مکتب خانه های رایج آن زمان پرداخته سپس در دبستان تا کلاس پنجم ابتدایی را سپری کرده. در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم، ادبیات عرب، معانی بیان و منطق را از محضر اساتیدی از جمله استاد مدرس افغانی استفاده نمودم، معالم الاصول، اصول فقه مظفر، شرح لمعه نیز از اساتید دروس فقه در آن زمان فرا گرفتم، فلسفه را در حد بدایه الحکمه و نهایه الاحکمه از محضر استاد فیاضی شرح منظومه را از استاد گرامی و انصاری شیرازی، بهره گرفتم اسفار را از محضر استاد حسن زاده آملی و جوادی آملی فرا گرفتم.وسایل را از محضر استاد اعتمادی و دیگر بزرگان استفاده کردم. مکاسب و کفایه را بیشتر از محضر استاد ستوده بهره گرفتم. سپس در درس خارج در محضر اساتیدی بوده و هستم که نوشته شده است. در کنار تحصیل حوزوی تحصیلات کلاسیک را تا سوم نظری ادامه دادم سپس با پذیرش در کنکور تربیت مدرس دانشگاه قم مدرک کارشناسی ارشد را دریافت کردم. و طبق رسم رایج در حوزه ها در فرصت های مناسب تبلیغ را وظیفه خود دیده از آن غفلت و دریغ نکردم، در مواقع لزوم مناطق محروم کشور را جهت تبلیغ مسایل اسلامی برگزیدم. تدوین و نوشتن را طبق توصیه اساتید بزرگ غنیمت شمرده، در مواردی که احساس وظیفه می نمودم از همکاری با نهادهای مرتبط با نظام مقدس جمهوری اسلامی کوتاهی نمی نمودم از جمله همکاری با گروه تاریخ اسلامی مرکز تحقیقات سپاه، دفتر تبلیغاتی اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی و ... و اینک نیز در خدمت مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه می باشم.

محمدی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم محمدی

محل تولد : اردل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران تحصیلی مدرسه در سال ۱۳۶۵تا سال ۱۳۷۰سطوح مقدماتی را د رحوزه های علمیه استان چهار محال و بختیاری گذراندم. از سال ۱۳۷۰تا کنون در حوزه علمیه قم هستم و دروس سطح تا خارج را گذراندم. و در سال ۱۳۷۹وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه سطح ۴شدم و اکنون د رحال تدوین مراحل پایانی پایان نامه آن می باشم که با عنوان (نسبیت گرائی اخلاق از دیدگاه مکاتب اخلاقی غرب و روشنفکران مسلمان) نوشته شده است .مدتی در مرکز مطالعات حوزه به پرسشهای ارسالی پاسخ می دادم و در مجله صباح وابسته به آن مجموعه نیز برخی مقالات از بنده چاپ شده، همچنین مقالاتی د رحوزه مسائل اجتماعی و سیاسی در نشریات و روزنامه های کشور به چاپ رساندم. از سال ۱۳۸۱تا سال ۱۳۸۳مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایلام د رحال خدمت بودم که در همان سال اول به عنوان مسئول نمونه کشوری معرفی گردیدم .

لازم به ذکر است از سال ۱۳۶۸تاکنون فعالیتهای تبلیغی در مدارس ،مناطق عشایری ،روستاها ،نیروهای نظامی و دانشگاههای سراسر کشور به انجام رسانده ام. الان نیز به عنوان مشاور سردبیر و دبیر تحریر مجله علمی پژوهشی نشریه اندیشه نوین دینی به فعالیت علمی مشغول هستم. لازم به ذکر است که سطح مجله از نظر علمی ویژه اساتید دانشگاه و محققین کشور می باشد. از نظر فعالیت های علمی از سالهای اول طلبگی تا الان به تدریس دروس حوزه از صرف و نحو ،منطق وفلسفه تدریس داشته ام،هم د رحوزه های شهرستان و هم قم . و علاوه بر اینها در مرکز جهانی علوم اسلامی مدتی تدریس کردم .همچنین مدتی د رسال۱۳۷۲مدیر داخلی مدرسه علمیه شهر قصر شیرین بوده ام. از سال ۱۳۸۱تا۱۳۸۳ تدریس در دانشگاههای علوم پزشکی و آزاد اسلامی ایلام را عهده دار بودم و سال۱۳۸۴تربیت معلم شهید رجائی تهران و ترم قبل والان دانشگاه قم ،و همچنین در ترم گذشته و همچنین جهت ترم آینده دانشگاه تهران (میدان انقلاب) تدریس به عهده گرفته ام .

محمود علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۱۶ ق)، طراح فلزات. طراح و نقاش و طلاکوب و اسلیمی کار بر روی فلزات سخت بود. از آثار رقم‌دار وی، طاس فلزی و مزینی با نقش‌های اسلیمی است که در بین کتیبه‌های مستطیل مانند آن، اشعاری به خط زیبا درج شده، با رقم: «عمل استاد محمود علی سنه ۹۱۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۵ -۱۱۳۴/ ۳).

محمود، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از دانشمندان و مورخان دوران مشروطیت است که در اواخر عمر اثری بسیار ارنزده و محققانه به نام روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در هشت مجلد تنظیم و انتشار داد. تولد او در ۱۲۵۹ ش اتفاق افتاد. تحصیلات قدیم را نزد اساتید روز و تحصیلات جدید را در مدرسه امریکائی به پایان رسانید. در اوایل مشروطیت در سلک آزادیخواهان درآمد و عضو حزب دموکرات گردید و در آن هنگام مقالاتی به طرفداری از آزادی و مشروطه در جراید می‌نوشت. مدتی به کارهای دولتی اشتغال ورزید و در وزارت پست و تلگراف مقاماتی را طی نمود. در اوایل سلطنت رضاشاه مدتی سرپرست محصلین وزارت پست و تلگراف در اروپا بود. در ۱۳۲۴ پس از روی کار آمدن قوام‌السلطنه به استانداری تهران رسید و در دوره پانزدهم از نجف‌آباد وکیل شد. در تشکیل حزب دموکرات ایران با قوام‌السلطنه همکاری نزدیک داشت و یکی از عوامل مؤثر حزب به شمار می‌رفت. پس از پایان دوره پانزدهم از کارهای سیاسی کناره گرفت و به تحقیق و تتبع در تاریخ پرداخت چند کتاب نیز ترجمه نمود که از جمله جنگ نفت اثر موهر و شهریار ماکیاول می‌باشد. در اواخر عمر از نعمت بینائی محروم گردید و در ۱۳۴۴ ش در ۸۵ سالگی وفات یافت. وی خواهرزاده عسگر گاریچی تبریزی صاحب بزرگترین مؤسسه حمل و نقل در اوایل مشروطیت است. محمود در تنظیم و تألیف بعضی از کتب مورخین بعد از شهریور ۲۰ دست داشت. نام خانوادگی وی ابتدا پهلوی بود.

(۱۳۴۴ -۱۲۶۱ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بود. نام اصلیش محمود پهلوی بود که بعدها به محمود محمود تغییر داد. خدمات دولتی او در وزارت پست و تلگراف و سپس در اداره رادیو بود و مدتی نیز سمت استانداری تهران را به عهده داشت. همچنین در دوره‌ی پانزدهم نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. وی مقالاتی در مجله‌ی «آینده» و روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» و دیگر مجلات به چاپ می‌رساند. او کتابهای «تعلیم و تربیت در خانواده»، «تعلیم و تربیت در مدرسه»،

«تربیت ایرانی برای جامعه‌ی ایرانی» را با نام مستعار رسول نخشبی منتشر کرد. از دیگر آثار وی: «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی»، در هشت مجلد؛ «شهریار»، ترجمه؛ «جنگ نفت»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دایرةالمعارف فارسی (۲۷۰۱/ ۲)، شرح حال رجال (۴۵ -۴۴/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۸۴/ ۲ ، ۱۰۶۶ ،۷۰۸/ ۱)، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۳۸۸ -۳۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷/ ۶).

محمودی، امیرملک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر ملک محمودی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب امیر ملک محمودی فرزند جواد شماره شناسنامه: ۱۳۴۷ متولد ۱۳۵۱ صادره از الیگودرز لرستان پس از تحصیلات دوره راهنمایی در روستای «مغانک سفلی» از توابع شهرستان الیگودرز در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی به درس‌های کلاسیک نیز ادامه دادم و نیز کلاسهای کامپیوتر، ورزش، نویسندگی، روش تحقیق و نگارش، دوره‌های تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره تربیتی مربی قرآن و مهارتهای تبلیغ و تخصصی تبلیغ را نیز با موفقیت طی نمودم.

در کنار تحصیل با جدیّت و در حدّ توان به تبلیغ علوم اسلامی در سطح شهرستانها مساجد، روستاها، مدارس، دبیرستان‌ها، دانشگاهها، زندانهای مختلف در سراسر کشور پرداخته و سپس به عشق و علاقه‌ای که به نوشتن داشتم از سال ۱۳۶۰ تاکنون به کارهای مقاله نویسی و نوشتن ادامه داده که در سال ۱۳۷۴ با جدیت به کار چاپ و نشر روی آوردم که تاکنون به لطف الهی توفیق داشته‌ام بیش از پنجاه اثر در زمینه‌های مختلف: دینی، اجتماعی، خانوادگی، روان شناسی، جوانان تألیف نمایم.

اکثر کتب اینجانب به بیش از بیست بار تجدید چاپ شده‌اند و بعضی از تألیفات اینجانب در سطح کشور در وزارت خانه های مختلف و سایر مراکز به صورت کتاب مسابقه انتخاب شده است و فعلاً نیز با عنایت باری تعالی و عشق و علاقه‌ای که به کار علمی، پژوهشی و تألیف دارم با تمام توان مشغول به کار نوشتن و تألیف هستم.

محمودی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محمودی

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

. اینجانب حسن محمودی متولد۱۳۵۶درمحمدشهر کرج می باشم درسال ۱۳۷۶بواسطه اشنایی بااقای محسن عباسی راهی حوزه علمیه اصفهان شدم ودرانجا از محضر اساتید بزرگوارچون ایت الله مظاهری وایت الله ناصری دولت ابادی وایت الله مهدوی وحجج اسلام اقایان عبودیت وکشکولی ومعمارمنتظرین ودیگربزرگان بهرهها بردم

محمودی‌نوبر، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف.

تولد: ۱۳۰۴، تبریز.

درگذشت: ۲۷ دی ۱۳۷۲.

محمود محمودی‌نوبر، فرزند ربیع محمودی‌نوبر، از فضلا و خوشنویسان تبریز، نوه‌ی محمودخان مستوفی والی تبریز مشهور به عمادالکتاب بود. محمودی تصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر تبریز تمام کرد و سپس تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی در تهران ادامه داد. پس از دریافت مدرک لیسانس به تحصیل در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی پرداخت و تا درجه‌ی فوق لیسانس پیش رفت. پس از فراغت از تحصیل با سمت‌های مختلف در وزارت فرهنگ به تعلیم و تربیت نسل‌های جوان پرداخت. پس از انتقال به تهران، علاوه بر تدریس و تعلیم و سایر فعالیت‌های فرهنگی، معاونت اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ را به عهده گرفت. در آن زمان ماهنامه «آموزش و پرورش» و مجله‌ی «دانش‌آموز»، همراه با کتاب‌های ساده‌ای چون خواندنی‌ها و سرگرمی‌ها انتشار یافت. پس از تأسیس مرکز انتشارات آموزشی در سال ۱۳۴۴، سردبیر مجله‌ی «پیک معلم» و عضو شورای نویسندگان مجله‌های «پیک» شد و تا سال ۱۳۵۸ به کار خود ادامه داد. او در کار تهیه و تدوین دائرةالمعارف فارسی از همکاران دکتر غلامحسین مصاحب بود. کتاب درس معلم دانا که در سال ۱۳۴۴ انتشار یافت، نمونه‌ای از ترجمه‌های این دوران است. محمود محمودی از سال ۱۳۶۰ همراه ایرج جهانشاهی، هوشنگ شریف‌زاده و اسماعیل سعادت به طرح فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان که مقدمات آن را در شورای کتاب کودک فراهم آورده بود پیوست. او گام به گام در شکل دادن به کار تدوین این فرهنگنامه در شورای ویراستاران همکاری کرد. نوشتن مقاله‌های آزمایشی را بـه عهده گرفت و به عنوان یکی از مسئولان در ویرایش یکایک مقاله‌ها شرکت داشت. از سال ۱۳۷۰ محمود محمودی سر ویراستار فرهنگنامه بود. و همه جنبه‌های کار فرهنگنامه را زیر نظر گرفت و تا آخرین روز زندگی ادامه داد. او در همین مدت به چند کار اساسی دیگر نیز دست زد. همکاری در ترجمه و ویرایش مجموعه نگاهی به تاریخ علم برای نوجوانان (نوشته‌ی آیزاک آسیموف، بیش از بیست جلد) است. کتاب‌های الکتریسته، انرژی هسته‌ای، دینوزروها، قاره‌ی قطب جنوب، نفت و زغال سنگ ترجمه محمود محمودی است. کار دیگر او همکاری در ترجمه‌ی فرهنگ آثار بوده است، ویرایش چندین کتاب از جمله درون جهان سوم اثر پل هریسون، ترجمه‌ی کتاب بخار اثر ریچارد. ن. فرای، قاهره‌ی شهر هنر و تجارت، اثر گاستون بیت از او بوده است.

محمود محمودی‌نوبر به دنبال عارضه‌ی قلبی چشم از جهان فرو بست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محیط طباطبایی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۸۱ ش)، محقق، نویسنده، مورخ، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به محیط. در زواره‌ی اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در زادگاهش فراگرفت. در ۱۳۰۰ ش به اصفهان رفت و به تحصیل مقدمات طب جدید که لازمه‌ی آن تحصیل زبان فرانسه بود پرداخت. ولی پس از مدتی منصرف شد و در ۱۳۰۲ ش به تهران آمد و دارالفنون را در سه سال و مدرسه‌ی عالی حقوق را در یک سال گذراند. سپس به شغل معلمی پرداخت. وی همچنین از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴ ش به عنوان مستشار فرهنگی در دهلی، بغداد، دمشق و بیروت به سر برد. در ۱۳۳۷ ش پس از بازنشستگی به مدت بیست و یکسال، در رادیو، عهده‌دار برنامه‌ی مرزهای دانش بود. محیط طباطبایی به زبانهای فارسی دری و عربی تسلط کامل و به زبان انگلیسی و فرانسه و زبانهای ایران قبل از اسلام آشنایی داشت. وی مقالاتی در زمینه‌ی تاریخ برای روزنامه‌های «ایران»، «شفق سرخ»، «اطلاعات» و مجله‌ی «گوهر» می‌نوشت. همچنین از ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ ش اداره‌ی مجله‌ی «آموزش و پرورش» را عهده‌دار بود. از ۱۳۲۱ ش مجله‌ی «محیط» را تأسیس و منتشر کرد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در محوطه‌ی برج طغرل، نزدیک قبرستان ابن‌بابویه، به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «تاریخ اعزام محصل به اروپا»؛ «زندگی محمد زکریای رازی»؛ «دوران نادر»؛ «تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم»؛ «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران»؛ «نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین»؛ «جغرافیای نو»؛ «شرح حال فردوسی»؛ مقدمه‌ی «نگارستان عجایب و غرایب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۱۸، ش ۶ -۱، ص ۲۵۶)، ادبستان (س ۳، ش ۳۳، ص ۹۴)، ادبیات نوین (۳۰۹)، تاریخ برگزیدگان (۳۹۸ -۳۹۶)، الذریعه (۳۱۰/ ۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۰۴ -۳۱۹۸/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۰۷، ۲۱۱۴/ ۲ ،۱۰۴۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۰، ص ۹ -۳)، مجله‌ی محیط (مقدمه/ یازده- بیست و یک)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۳ -۷۹۲/ ۵).

محیط قمی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۵۰ ق)، مترجم و شاعر، متخلص به محیط. ملقب به شمس‌الفصحا. در قم به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی را در زادگاهش و اصفهان فراگرفت و چون دارای طبع شعر و ذوق ادبی بود مورد توجه ادبا و فضلا قرار گرفت. محیط همچنین در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت. دوستعلی خان معیرالممالک، وزیر خزانه‌ی ناصرالدین‌شاه، محیط را به تهران فراخواند تا عهده‌دار تعلیم و تربیت فرزندش، دوست محمدخان باشد. وی هنگام جلوس مظفرالدین‌شاه، به امر صدر اعظم، قطعه‌ای برای شاه به نظم

درآورد که مقبول واقع گردید و ملقب به شمس‌الفصحا شد. وی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن گردید. از آثارش: «ترجمهٔ الحقایق» یا ترجمه‌ی «الحقایق» ملا محسن فیض کاشانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۶۱۴ –۱۶۱۳/ ۳)، الذریعه (۱۰۱۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۹۷ –۳۱۹۲/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۷۹ –۱۵۷۸، ۸۶۰/ ۱)، مواد التواریخ (۴۱۳، ۲۳۲ –۲۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۵ –۷۹۳/ ۵)، یغما (س ۱۲، ش ۲، ص ۷۵).

محیطی اردکانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دراردیبهشت ۱۳۳۵ هش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقهٔ شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(ره) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمهٔ الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرهٔ» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارهٔ ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

محیطی اردکانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دراردیبهشت ۱۳۳۵ هش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقهٔ شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمهٔ الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرهٔ» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارهٔ ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

مخبر، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس مخبر (امام جمعه دزفول) در سال ۱۳۰۷ شمسی در دزفول متولد شده و در شهر خون و قیام و مقاومت در برابر دشمن پرورش یافته و مقدمات و سطوح و خارج فقه و اصول را از محضر اساتید و آیات عظام زیر استفاده نموده تا به رتبه‌ای از علم و دانش و حدیث رسیده است.

۱- آیت‌اللّه معزی دزفولی

۲- آیت‌اللّه حاج شیخ منصور سبط شیخ انصاری

۳- آیت‌اللّه نبوی دزفولی (ره)

مرحوم خبر از دانشمندان و گویندگان مجاهد و مبارز استان خوزستان به ویژه شهرستان دزفول بوده و با بیان گرم مردم را سوق به انقلاب داده و خود سنگری برای به ثمر رسیدن انقلاب بود و همواره پیش قافله و پیش آهنگ مردم مقاوم آن سامان بوده و جدا که زیر توپ و موشک عجیب استقامتی نمود.

و چندی هم امام جمعه این شهرستان بود و هرگز این سنگر را رها نکرد تا در سال ۱۴۱۰ قمری که از دنیا رفته و به اولیاء حق پیوست.

آثاری از تألیفات خود گذارده که از نظرتان می‌گذرانم.

۱- قاموس الفقه

۲- شرح دعا مکارم‌الاخلاق به اسم مدینه فاضله

۳- امام سجاد (ع) سخنرانی یک ماه رمضان در جامعه اهواز

۴- راهنما و فلسفه حج

۵- شاگردی در مکتب استاد

۶- آغاز دانش

۷- روش نوین در فلسفه

۸- ارمغان شهید ترجمه مسکن الفواد و غیر اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مخبرالسلطنه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مخبرالسلطنه (حاج مخبرالسلطنه) مهدیقلی میرزا. از خاندان معروف هدایت و از بستگان رضاقلی‌خان هدایت است. وی از مطلعان تاریخ و فرهنگ ایران بود و در سیاست به مناصب عالی رسید. آثار بسیاری از خود بجا گذاشت که عبارتند از:

۱- فوائد الترجمان در تعلیم زبان فرانسه در دو جلد. ۲- تحفهٔالافاق در تاریخ و جغرافیا، سیاست و اقتصاد اروپا. ۳- گزارش ایران باستان یا تحقیقی در سلسله‌ی کیان. ۴- مجمع‌الادوار در علم موسیقی ۵- افکار امم در تحقیق مذاهب و تطبیق آن با حکمت. ۶- سفرنامه‌ی گرد کره از طریق چین و ژاپن به عزم زیارت بیت‌اللّه. ۷- خاطرات و خطرات. وی تا آخر عمرش که ۱۳۳۴ شمسی می‌باشد مشغول تألیف و تصنیف بوده است. حاج مخبرالسلطنه در سال ۱۳۰۵ شمسی وزیر فوائد عامه گردید. در اردیبهشت ۱۳۰۶ به ریاست عالی دیوان تمیز منصوب شد و در خرداد ۱۳۰۶ برای اولین بار به نخست‌وزیری برگزیده شد و در دیماه ۱۳۰۹ مجدداً نخست‌وزیر گردید. وی در چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۳۴ شمسی درگذشت.

حاج مخبرالسلطنه هدایت، از رجال سیاسی بود که پیش از این‌که خود به سیاست و پرداختن به آن علاقه داشته باشد، به موسیقی تمایل داشت ولی جو نامساعد و حال و هوای دوران زندگی او، هدایت را به طرف سیاست سوق داد ولی هیچگاه این مرد از عشق و علاقه خویش که همان موسیقی بود، دست نکشید و در هر فرصتی که به دست می‌آورد به سوی آن می‌رفت.

حاج مخبرالسلطنه هدایت به خط نت آشنایی کامل داشت به همین سبب دو کتاب موسیقی از وی به رشته تحریر درآمده و از او به یادگار مانده است، هدایت بیشتر با سید مهدی دبیری و دکتر صلحی مأنوس بود.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

مخبرالسلطنه، مهدی قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۳۴ –۱۲۴۰ ش)، نویسنده و مترجم. معروف به خان خانان و ملقب به مخبرالسلطنه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاهش به همراه برادرش مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله به آلمان رفت و به تکمیل معلومات پرداخت. وی به زبانهای آلمانی و فرانسه و انگلیسی آشنا بود و از علوم قدیمه نیز اطلاع داشت. او عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: ریاست پستخانه و گمرک و تلگرافخانه آذربایجان، ریاست مدرسه‌ی نظامی، عضویت هیئت تنظیم و تدوین انتخابات مجلس شورای ملی، استانداری آذربایجان و فارس و همچنین ریاست دیوان عالی کشور و نیز وزارت عدلیه فرهنگ و نخست‌وزیری در ۱۳۱۲ ش بود. از آثار وی: «خاطرات و خطرات»؛ «افکار امم»؛ «فوائد الترجمان»، در تعلیم زبان فرانسه؛ «گزارش نامه‌ی ایران»؛ «راهنمای آموزگاران»؛ «مجمع الادوار»، ترجمه؛ «سفرنامه مکه»؛ «بر من چه گذشت»؛ «تحفه‌ی مخبری یا کار بیکاری».[۱]

مهدی‌قلی‌خان هدایت، فرزند علیقلی‌خان مخبرالدوله (ه.م) (و. ۱۲۸۰ ه.ق ف. ۱۳۳۴ ه.ش) وزیر علوم، رئیس‌الوزرا، از تألیفات اوست: افکار امم، خاطرات و خطرات، ترجمه‌ی مجمع‌الادوار، الفبا و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روز شمار تاریخ (۵۸/ ۲ ،۱۰۶، ۴۷، ۴۵، ۴۳، ۳۵، ۲۱/ ۱)، سفرنامه‌ی مکه (پیشگفتار/ یازده– دوازده)، شرح حال رجال (۱۸۷ –۱۸۴/ ۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۹۶، ۲۷۲۵، ۲۴۷۳، ۱۶۳۴/ ۲ ،۱۲۳۸، ۸۰۸، ۴۹۱، ۲۹۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۰ –۴۵۸/ ۶)، وزرای معارف ایران (۳۸/ ۳۶)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ (۶۷ –۵۳)، یغما (س ۵، ش ۱۰، ص ۴۶۷).

مختاری، روح الامین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌شمس الدین محمد بن سید محمد رضا مختاری نائینی اصفهانی.

فاضل صالح، و واعظ کامل، مؤلف: «تأویل الآیات». وی از ائمه‌ی مسجد جامع جدید عباسی بوده است. سال وفاتش معلوم نیست. از معاصرین صاحب ریاض العلماء است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مختاری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مختاری

محل تولد : تیران کرون اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۹/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم، مدرسه المهدی زیر نظر آیت الله گلپایگانی شدم و از اساتید آنجا مثل حضرات آیات مرحوم آیت الله تقوی اشتهاردی، حسن امینیان، و... و اساتید حسین مظاهری ، مرتضی مقتدایی، حسن تهرانی، رضا استادی، نجفی شهرضایی، عالمی، غلامرضا صلواتی ، و ... بهره بردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر استفاده از اساتید نامبرده، از اساتیدی چون آیات مصباح یزدی، خزعلی، جوادی آملی، جعفر سبحانی ، یحیی انصاری شیرازی، مرحوم سید رضا صدر، طاهرشمس، سید مصطفی محقق و سید علی محقق، آیت الله العظمی گلپایگانی و بسیاری از مراجع حاضر بهره برده، و درسهای رایج حوزه، نظیر، فقه، اصول،رجال، تفسیر، منطق، فلسفه و ... را بسان سایر طلاب خواندم. در فصل تابستان و تعطیلی حوزه قم، اکثرا به حوزه های علمیه سایر شهرستانها می رفتم و به درس یا تدریس می پرداختم مثل حوزه علمیه فیروز آباد فارس حدود ۴ سال، خوانسار، حدود ۵ سال، و دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ فصل تابستان در مدرسه نیم آور اصفهان تحت نظر و اشراف آیت الله ناصری اصفهانی بودم. و از اساتید حوزه اصفهان از جمله آیت الله ناصری (درس لمعه) بهره می بردم.با شروع دوره های تخصصی تفسیر و علوم قرآن، کلام و... در حوزه علمیه قم، حقیر در اولین دوره تفسیر علوم قرآن شرکت کردم و تاکنون بخش عمده تلاش هایم در خدمت قرآن کریم و تفسیر است. در اولین دوره دانشگاه قم (آن زمان به نام مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب) و نیز اولین دوره دانشگاه تربیت مدرس شعبه قم مقطع فوق لیسانس که آن زمان در دارالشفاء تاسیس شد شرکت کردم و قبول شدم ولی حوزه علمیه را ترجیح دادم. ضمن تحصیل هرگاه موقعیتی مناسب بوده است به تدریس ادبیات، فقه، عقاید، علوم قرآن، علوم حدیث و تفسیر پرداخته ام. بیش از ده سال است از طرف چند مرکز علمی و فرهنگی به کتابشناسی و داوری و ارزیابی کتاب ، مقاله و ... اشتغال دارم. و یکی از تخصصهای حقیر، همین داوری کتاب است. اکنون عمدتاً به تالیف و تصحیح و یا مسافرتهای تبلیغی اشتغال دارم. موضوع مقالاتم به اقتضای زمان و نیاز، و یا سفارش دهندگان در تفسیر، ترجمه از عربی، اخلاق، مسائل فرهنگی و اجتماعی، فقه، تاریخ، حدیث، نقد و بررسی، کتابشناسی و ... بوده است.

مدبری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود مدبری در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۵ در تهران بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش ادب حماسی ، فرهنگ نویسی، تصحیح متون و تاریخ ادبیات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ می باشد.دکتر مدبری هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه کرمان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادب حماسی ،فرهنگ نویسی ،تصحیح متون

والدین و انساب : پدر محمود مدبری،حسین مدبری استوار بازنشسته ارتش است و هم اکنون ۸۶ سال سن دارد و مادر محترمشان خانم فاطمه بختیار است که دار فانی را وداع گفتند. خانواده دکتر مدبر هفت نفر بود.

خاطرات کودکی : دوران کودکی محمود مدبری در محلات جنوب غربی تهران سپری شده است که آن دوران خاطرات خاص به خود را دارد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمود مدبری در خانواده ای متوسط بدنیا آمد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمود مدبری به ترتیب زیر است: - دیپلم ریاضی از دبیرستان ادیب تهران در سال ۱۳۵۳-۱۳۵۴ - کارشناسی زبان و ابیات فارسی از دانشگاه ملی ایران از سال ۱۳۵۴-۱۳۵۷ - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۵۷-۱۳۶۴ - دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۱-۱۳۷۵

خاطرات و وقایع تحصیل : ازمهمترین واقعه رخداده در دوران تحصیل محمود مدبری در دانشگاه ، وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ می باشد.که وی از آن دوران خاطراتی بیاد دارد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیتهای محمود مدبری در دوران تحصیل به شرح زیر است: - از سال ۱۳۶۴-۱۳۵۶ در سازمان لغتنامه دهخدا مشغول به کار پژوهشی بودند. - در طی سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۴ بصورت حق التدریس با دانشگاههای شهید بهشتی و دانشکده صدا و سیما در تهران همکاری داشتند. - از سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ در بنیاد فرهنگ ایران به کارهای پژوهشی مشغول بودند.

استادان و مربیان : دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر سید محمود دبیر سیاقی ،دکتر سید صادق گوهرین ،دکتر حسین کریمان ،دکتر فرزام پور ،دکتر رعدی آذرخشی ،دکتر علی فاضل ،دکتر شفیعی کدکنی ، دکتر مهدی محقق ، دکتر سادات ناصری ،دکتر آذرتاش آذرنوش ،دکتر فیروز حریرچی ،دکتر پورنامداریان ،دکتر سیروس شمیسا ،دکتر خانلری ،دکتر جعفر شعار و دکتر ابولقاسم از استادان محمود مدبری می باشند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر مسعود قاسمی ،خانم افسانه شیفته فر ،دکتر صفاری ،دکتر صرفی ،دکتر فتوحی ،دکتر عباسی و دکتر حسنی از هم کاران محمود مدبری می باشند.

همسر و فرزندان : محمود مدبری متاهل است. همسر وی بنام سرکار خانم زهرا حلاجی غلامرضا دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و خانه دار هستند.ایشان دارای دو فرزند پسر بنامهای میلاد مدبری(دارای مدرک کارشناسی رشته عمران از دانشگاه آزاد اسلامی کرمان) و علی مدبری (دانشجوی سال دوم رشته دندانپزشکی) می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۱۳۷۶–۱۳۷۹ – معاون پژوهشی دانشکده ادبیات کرمان از سال ۱۳۷۶–۱۳۷۳ –مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در طی سالهای ۱۳۶۶–۱۳۶۸ و ۱۳۶۹–۱۳۷۰ و ۱۳۷۴–۱۳۷۶ – دبیر کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه دانشگاههای جنوب شرقی از سال ۱۳۸۰–۱۳۸۳ و از سال ۱۳۸۵ تا کنون – عضو هیئت ممیزه دانشگاههای جنوب شرق از سال ۱۳۸۱–۱۳۸۳ – یک دوره ماموریت دوساله تدریس در کشور اوکراین از سال ۱۳۸۳–۱۳۸۵ – عضو گروه علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کرمان از سال ۱۳۸۳ تا کنون – عضو هیئت تحریریه نشریه علمی – پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان از آغاز تا کنون – عضو هیئت تحریریه نشریات فرهنگ و ادب فرهنگ ،مطالعات ایرانی ،پژوهشگران فرهنگ در کرمان – عضو شورای انتشارات دانشگاه از سال ۱۳۶۶ تا کنون

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس محمود مدبری به شرح زیر است: تدریس در دانشگاههای باهنر کرمان ، آزاد اسلامی کرمان و جیرفت ،پیام نور کرمان ،پیام نور رفسنجان ،پیام نور بم و بافت، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه صدا و سیمای تهران . دکتر مدبر از سال ۱۳۷۳ تدریس در مقطع کارشناسی ارشد و از سال ۱۳۸۱ در مقطه دکتری را شروع کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمود مدبری در کنار تدریس به مطالعه ، تحقیق ، تالیف کتب و مقالات و همچنین شرکت در سمینارها و کنفرانسها می پردازد.

همفکران فرد : محمود مدبری با همکار قدیمی خود آقای مسعود قاسمی در زمینه های رشته تخصصی خود همفکر می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : گرایش محمود مدبری بیشتر در زمینه هـای ادبیات حماسی و شاهنامه ،تصحیح متون ادبی فارسی ، فرهنگ نویسی فارسی ،تاریخ ادبیات ایران ، سبک شناسی و ترجمه و تفاسیر قرآنی باشد.

جوائز و نشانها : – استاد نمونه دانشگاه های کشور در سال ۱۳۸۳ – دریافت جایزه حامیان نسخ در سال ۱۳۸۴ – کتاب سال استان کرمان سه بار در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ – پژوهشگر نمونه دانشگاه در سال۱۳۷۹ – پژوهشگر نمونه استان کرمان دو بار در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹

چگونگی عرضه آثار : محمود مدبری دارای ۲۰ کتاب تالیفی و تصحیحی و ۶۰ مقاله (چاپ و منتشر شده) است. ——

آثار :

۱ ایران عمار فقیه کرمانی

۲ ترجمه قرآن ماهان

ویژگی اثر : از ترجمه های کهن قرآن است که در موزه آستان شاه نعمت الله ولی شهر ماهان محفوظ است و نیمه اول قرآن را در بر دارد. متن ترجمه مربوط به قرن پنجم یا ششم هجری است و کتاب نسخه قرن هشتم باز میگردد.– انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۸۳

۳ حمله حیدری

۴ رباعات جامی

۵ سرمه سلیمانی

ویژگی اثر : لغتنامه ای از قرن یازدهم دوره صفوی نوشته تقی الدین اوحدی بلیانی – چاپ مرکز نشر دانشگاهی – ۱۳۶۴

۶ شاعران بی دیوان

۷ غازان نامه منظوم

۸ فرهنگ لغات نژدهای فنی و مصنوعی

ویژگی اثر : کلیه لغات نادر و متشکل ۴۰ نثر فنی و مصنوعی معنی شده و ماخذ و منابع آن در متون مشخص گشته است.–انتشارات خدمات فرهنگی در سال ۱۳۷۶

مددی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن آیت‌اللَّه آقا سید علی مدد قائنی مددی از دانشمندان معاصر قائن می‌باشد وی در سال ۱۳۴۸ ق هجری در نجف مشرف و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح از دراسات خارج آیات عظام چون آیت‌اللَّه اصفهانی و والدش و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیت‌اللَّه شاهرودی و دیگران استفاده نموده و در خدمت والدش در سال ۱۳۷۵ قمری به ایران و خراسان آمده و بنابر دعوت و استدعاء مردم بندر پهلوی به آنجا (بندر امام فعلی) عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مددی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد محمـد بن العلامـهٔ الجلیـل والفقیه النبیل آیت‌اللّه حاج سـید علی مـدد قائینی مـددی از علماء موصوف به تقوای معاصـر مشـهد مقدسـند وی در دهـم رجب ۱۳۳۹ در نجـف متولـد و در بیت علم و کمـال پرورش یـافته و مقـدمات و اولیـات را نزد فضـلاء نجف خوانـده و سـطوح را از علماء و مدرسـین آنجا تکمیل و از خارج ابحاث آیت‌اللّه العظمی اصـفهانی و آیت‌اللّه والدش و آیت‌اللّه آقا سید محمود شاهرودی و دیگران اسـتفاده نموده و در مصاحبت والد مبرورش به مشهد آمده و به تدریس و مباحثات سطوح پرداخته و پس از فوت والدش به جای ایشان به اقامه جماعت در مسجد بالاسر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مدرس افغانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: ۱۳۶۵.

از آثـار اوست: تصـحیح و تعلیق جـامع المقـدمات (قم، ۱۳۵۶)؛ الشواهـد المنتخبه لکتاب السـیوطی (با همکاری مهـدی احـدی امیر کلاهی، این کتاب شـرح است بر البهجهٔ المرضـیه فی شـرح الفیه؛ قم، ۱۳۵۶)؛ قواعد الادبیه فی توضـیح شـرح عوامل فی النحو (قم، ۱۳۶۸)؛ تقریر کتـاب الزبـده فی شـرح الهدایـهٔ (تـألیف مهـدی احـدی امیرکلاهی، دو جلـد؛ قم، ۱۳۷۴)؛ الکلام المفیـد للمـدرس و المسـتفید من شرح الصمدیه (شیخ بهایی) (قم؛ ۱۳۶۸)؛ متن مصـحح جامع المقدمات همراه با فهرست تفصـیلی مطالب (قم، ۱۳۷۰)؛ مکررات المدرس، شـرح السیوطی (سه جلد؛ قم، ۱۳۶۹). یادنامه‌ای در خصوص محمدعلی مدرس افغانی تحت عنوان یادنامه اسـتاد ادبیات عرب مدرس افغانی به همت سید جوادی در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرس رضوی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، فقیه، عالم دینی، نحوی و شاعر. پدرش خواهرزاده‌ی سـید محمد رضوی سبزواری امام جمعه مشهد بود. سید میرزا محمـدتقی یازده برادر داشت که با خود او همگی اهل فضل و کمال بودنـد. میرزا عبـدعلی منجم باشـی مشـهدی فرزند او است. از آثارش: «المنظومه الفقهیهٔ»؛ «المنظومهٔ النحویهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۴/ ۹)، الذریعه (۱۴۰ ،۱۲۶/ ۲۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۱/ ۱۳)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، معجم المؤلفین (۱۳۱/ ۹).

مدرس گرجی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۸ ذیقعده ۱۳۱۳ ق.

درگذشت: ۵ بهمن ۱۳۶۳، سنندج.

ملا عبدالله مدرس گرجی، فرزند عبدالکریم مدرس گرجی، تحصیلات مقدماتی را نزد برادرش محمد شروع و بعدها در محضر ملا عبدالعظیم مجتهد و چند تن دیگر از علمای کردسـتان به پایان رساند و به دریافت اجازه موفق شد که این اجازات و مداک او بعدها به تصویب و تأییـد وزارت معارف و اوقاف نیز رسـید. او تا پایان عمر مرتبا به تدریس و تحشـیه و تألیف و مطالعه و یادداشت نکات علمی و ادبی و نیز امامت و ارشاد مردم سنندج در مجسد ملاویسی مشغول بود. وی در تصوف و عرفان نیز دارای مقام بود.

ملا عبدالله مدرس گرجی در تمام رشته‌های علمی و ادبی و دینی از صرف و نحو و منطق و کلام و تفسیر و حدیث و غیره وارد بود و آنها را تدریس می‌فرمود. فهرست آثار وی به این شرح است: رساله‌ای در ابطال جواز الصلاهٔ فی الحضر بلا وجود عذر و المطر به عربی؛ رساله‌ای در منطق به فارسی با تفریظ ملا خالد مفتی‌زاده و ملا عبدالمجید اصولی؛ رساله‌ای در پیام به برادران دینی و خطاب به عموم مسـمانان جهان به فارسـی که به تفریظ سید عبدالعزیز شیخ‌الاسلام کردستان و ادیب حبیب‌الله کاشتری رسیده است؛ کشف

الغوایه در رد شبهات؛ رساله‌ای به فارسی در حساب و جبر؛ رساله‌ای به فارسی درباره وجوب حجاب در اسلام؛ رساله ای در مناسک حج؛ مولودنامه کردی؛ تحقیق النسخ در رد متعرضین نصاری؛ و چند کتاب دیگر.

(۱۴۰۵ -۱۳۱۳ ق)، عالم دین و مدرس. وی امام جماعت مسجد ملاویسی سنندج بود و به تدریس نیز می‌پرداخت. در سنندج درگذشت. از آثارش: رساله‌ای در «منطق»، به فارسی؛ «پیام به برادران دینی»؛ «کشف الغوایة»، در رد شبهات؛ رساله‌ای در «حساب و جبر»، به فارسی؛ رساله‌ای در «وجوب حجاب در اسلام»، به فارسی؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ «مولودنامه‌ی کردی»؛ «تحقیق النسخ»، در رد معترضین نصارا.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ مشاهیر کرد (۴۸۰/ ۲).

مدرس موسوی بهبهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید علی موسوی بهبهانی در ۱۳۰۵ دربهبهان زاده شد و پس از گذراندن تحصیلات مکتب خانه ای به قم رفت (۱۳۲۵) و پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. و در ۱۳۲۸ فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۳۲ تحصیلات خود در حقوق را نیز در دانشگاه تهران به پایان رساند در سال ۱۳۳۷ نیز دکتری فلسفه خودرا از همان دانشگاه دریافت کرد وی علاوه بر همکاری با دکتر معین در لغت نامه دهخدا در دانشگاه تهران نیز تدریس می کرد. وی درسال ۱۳۵۰ به دانشگاه اوترخت هلند برای تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی رفت و پس از بازگشت تدریس را تا بازنشستگی در ۱۳۷۷ ادامه داد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفهگرایش : فلسفه اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر موسوی بهبهانی پس ازگذراندن تحصیلات مکتب خانه ای در زادگاه خود بهبهان به قم رفت و پس از اندکی تحصیلات حوزوی، وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. (۱۳۲۵ه.ش) پس از فارغ التحصیلی در ۱۳۲۸، به تحصیل حقوق در همان دانشگاه پرداخت و پس از فارغ التحصیلی در ۱۳۳۱، تحصیلات خود را در رشته فلسفه تا اخذ مدرک دکتری در سال ۱۳۳۷ادامه داد.خاطرات و وقایع تحصیل : سفرهای استاد دکتر موسوی بهبهانی به هلند (تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی) و فنلاند (تدریس سیر عقاید و آرا کلامی) از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده اند.فعالیتهای ضمن تحصیل : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در حین تحصیل به تدریس در دبیرستانها و نیز مطالعه آثار گذشتگان درزمینه فلسفه و کلام می پرداخت.استادان و مربیان : نخستین معلم استاد دکتر موسوی بهبهانی پدر بزرگوارشان بود که دروس صرف، نحو، ادبیات عرب و مقدمات را به وی آموخت. وی در دانشگاه تهران در دانشکده حقوق از دکتر عمید، شهابی و شایگان بهره ها برد و نیز دکتر غلامحسین صدیقی استاد راهنمای وی در پایان نامه دکتری بوده است.وقایع میانسالی : دکتر موسوی بهبهانی پس از اخذ مدرک دکتری مدتی به کار وکالت و تدریس در دبیرستانهای تهران و سپس دانشگاه تهران پرداخت و نیز به دکتر محمد معین در تدوین لغت نامه دهخدا یاری کرد. وی درسال ۱۳۴۷ با پروفسور ایزتسو آشنا شد و همکاریهای علمی با وی داشت وی در ۱۳۵۰ مدتی در هلند و درسال ۱۳۷۷ در دانشگاههای فنلاند به تدریس مشغول بود. و در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل استاد دکتر موسوی بهبهانی عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تهران پژوهشگر در لغت نامه دهخدا مدرس زبان فارسی و اسلامی شناسی در دانشگاه اترخت هلند ۱۳۵۰ استاد دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۵۳تا ۱۳۷۹ مدرس سیر عقاید و آرای کلامی در دانشگاههای فنلاند در سال ۱۳۷۷ فعالیتهای آموزشی : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی از جوانی به تدریس در دبیرستانهای تهران می پرداخت. وی درسال ۱۳۳۶عضو هئیت علمی دانشگاه تهرا گروه فلسفه شد و در سال ۱۳۷۹ بازنشسته گردید. وی در سال ۱۳۵۰در دانشگاه اوترخت هلند درسهای زبان فارسی و اسلامی شناسی و درسال ۱۳۷۷در دانشگاههای فنلاند درس سیر عقاید اسلامی را تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در کنار تدریس به تحقیق و شرح آثار کلامی و فلسفی گذشتگان از جمله میرداماد ، ابن هزم اندلس، صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی به شیوه دانشمندان تهران گذشته به شرح کتب فلسفی و کلامی اسلامی از قبیل آثار میرداماد، ابن جزم و صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول بوده است.

آثار : ۱ القبسات میرداماد ۲ تصحیح صاین الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی ۳ حکیم استر آبادی میرداماد ۴ شرح الدره الفاخره ۵ عیار دانش مشتمل بر الهیات و طبیعیات ۶ عیون المسایل و سیر حکمت و عرفان اسلامی ۷ کلیات معارف اسلامی ۸ منطق ابن حزم ۹ نگارش بخشی از لغت نامه دهخدا برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مدرس یزدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۸۷، یزد.

درگذشت: ۱۸ شهریور ۱۳۷۱.

آیت‌الله مدرس یزدی تحصیلات مقدماتی را در یزد سپری کرد و در سیزده سالگی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. پس از تکمیل تحصیلات حوزوی راهی نجف اشرف گردید و چندین سال در عتبات عالیات به تعلیم و تربیت پرداخت. سپس مجددا به قم مراجعت فرمود و در این شهر به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه‌ی نماز جماعت مشغول شد. پس از چند سالی بنا به اصرار جمعی از مردم، به تهران آمد و در محله‌ی امامزاده یحیی رحل اقامت گزید. اقامتشان در این محله متجاوز از نیم قرن طول کشید که در این مدت علاوه بر اقامه جماعت در تعدادی از مساجد محل به تدریس خارج فقه و اصول در مدارس علمیه، سپهسالار (مروی قدیم)، حاج ابوالحسن و... پرداخت.

آیت‌الله مدرس یزدی از مراجع عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا حسین طباطبایی بروجردی، آقا سید محمدتقی خوانساری گواهی اجتهاد داشت.

از ایشان رسائل و تقریرات زیادی به جای مانده به استثنای دیوان شعر شامل مباحث علمی پیرامون فقه و اصول می‌باشد. حواشی بر کتب شریف عروة الوثقی رسائل و مکاسب نیز از دستاوردهای زندگانی حضرت علامه می‌باشد.

آیت‌الله حاج شیخ مهدی مدرس یزدی پس از هشتاد و سه سال زندگی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرس، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا میرزا محمد باقر، عالم فاضل، از ائمه جماعت در محله پاقلعه بود. در ظهر روز ۴ شنبه ۳۰ رجب سال ۱۳۸۸ مقارن طبع کتاب به سن متجاوز از هفتاد وفات یافته، در مقبره جد بزرگوار خویش، جنب مسجد رحیم خان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرسی چهاردهی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۰، نجف.

درگذشت: اسفند ۱۳۵۷، تهران.

مرتضی مدرسی چهاردهی فرزند شیخ محمد مشهور به آیت‌الله چهاردهی در رشته‌ی فلسفه از دانشکده‌ی ادبیات درجه‌ی لیسانس داشت و در علوم مذهبی نیز از حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف درجه‌ی اجتهاد گرفته بود. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۵ آغاز کرد و با جراید و مجلات کشور از جمله «ارمغان»، «وحید»، «بررسی‌های تاریخی»، روزنامه‌ی «پارس» و «مهر ایران» همکاری داشت و مدت‌ها رییس اداره‌ی کل مطبوعات وزارت کشور و نیز از اساتید دانشگاه تهران بود. وی همچنین به دریافت نشان درجه‌ی پنجم تاج نایل آمد. نزدیک به بیست جلد کتاب تألیف دارد که چند جلد آن درباره‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی است. از جمله آثار وی است: آراء و معتقدات سید جمال‌الدین افغانی (۱۳۷۷)؛ تاریخ فلاسفه‌ی اسلام (دو جلد، ۱۳۳۷ –۱۱۳۵)؛ خاطرات سید جمال‌الدین افغانی (محمد پاشا مخزومی، ۱۳۲۸)؛ دانشنامه؛ مجموعه‌ی مقالات و رسالات (شرح حال و آثار شیخ احمد احسائی به قلم مدرسی، قسمتی از شرح حال صاحب ابن عباد به قلم احمد بهمنیار)؛ زندگانی و فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی (۱۳۳۴)؛ زندگانی و فلسفه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (۱۳۳۴)؛ سیاست‌نامه (از خواجه نظام‌الملک، از روی چاپ شفر، با یادداشت‌های محمد قزوینی، ۱۳۳۴)؛ سیمای بزرگان (شرح حال چهارده نفر، ۱۳۳۵)؛ شیخ احمد احسائی، شرح حال (۱۳۳۴)؛ شیخیگری و بابیگری از نظر فلسفه تاریخ و اجتماع (۱۳۴۵)؛ صغری و کبری (از میر سید شریف جرجانی)؛ مثنوی هفت اورنگ جامی (۱۳۳۸)؛ ترجمه‌ی مصائب النواصب (از قاضی نورالله شوشتری)؛ تصحیح معالم الاوصل (ترجمه‌ی آقا هادی مازندرانی)؛ نقش ایران در جهان عرب و بین‌النهرین. آخرین اثر استاد مدرسی نوشته‌ای که به عنوان مقاله برتر هشتمین اجلاس وحدت اسلامی در سنندج برگزار شد.

استاد نورالدین مدرسی چهاردهی در سن هفتاد و پنج سالگی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرسی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. در قاین به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات متوسطه در مشهد و دارالفنون تهران

موفق به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه ادبیات تهران شد. او همچنین در بدو تأسیس مجله‌ی «ترقی» عنوان سردبیری آن را داشت. از آثار وی: «پنجه‌ی خونین»؛ «عشق شوم»؛ «پیک اجل»؛ «عروس مدائن»، ترجمه.[۱]

فرزند دکتر سید حسین مدرسی، در ۱۲۹۷ در قائن متولد شد. تحصیلات خود را در دبستان و دبیرستان شاهرضای مشهد انجام داد و از دبیرستان دارالفنون تهران دیپلم گرفت و وارد دانشکده ادبیات تهران شد و دوره‌ی سه ساله دانشکده‌ی مزبور را به پایان رسانید و لیسانس گرفت. چند سال بعد تحصیلات خود را در دانشکده‌ی ادبیات ادامه داد و سرانجام دکتر در ادبیات فارسی شناخته شد.

وی از نوجوانی سودای نویسندگی داشت و از اینرو بعد از شهریور ۱۳۲۰ نویسندگی را آغاز نمود و سرانجام سردبیر مجله‌ی ترقی شد. مجله‌ی ترقی در آن ایام از مطبوعات جنجالی و پرسروصدا و متنوع بود و طرفداران زیادی داشت. مدرسی در این مجله تلاش زیای کرد و آنرا به اوج رسانید و بزرگترین تیراژ را در آن زمان بدست آورد. داستانهائی که توسط مدرسی در مجله نوشته می‌شد، خواهان زیادی داشت و بعضی از آنها بصورت کتاب چندین بار منتشر گردید، مانند عروس مدائن، پنجه خونین، عشق و انتقام، پیک اجل.

دکتر مدرسی همزمان با کار نویسندگی به استخدام در وزارت دارائی درآمد و مشاغل مهمی را در طول خدمت خود در وزارت دارائی بدست آورد. از مشاغل وی می‌توان بازرسی دولت در بنگاه داروئی، نماینده‌ی وزارت دارائی در شورای راه‌آهن، مدیر کل نظارت بر مؤسسات اقتصادی را نام برد. عضویت شورایعالی بانک رفاه کارگران و عضو هیئت مدیره و قائم مقامی بانک رهنی ایران از دیگر مشاغل وی می‌باشد.

دکتر مدرسی در حزب مردم فعالیت داشت و از اینرو در دوره‌ی بیست و دوم مجلس از طرف حزب مزبور کاندیدای نمایندگی از تربت حیدریه گردید و سرانجام به وکالت مجلس انتخاب شد. در مجلس یکی از سخنگویان حزب مردم بود مخصوصا به هنگام طرح بودجه دولت ایراداتی به طرز حکومت هویدا می‌گرفت. در هر حال در ادوار بعد نتوانست رضایت دولت را جلب کند و پس از انقضای مجلس بیست و دوم، به وزارت دارائی بازگشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۵۳۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۹۸/ ۲، ۶۴۶، ۶۲۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱ -۹۰/ ۱).

مدرسی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین مدرسی یزدی فرزند مرحوم عالم ربانی حجهٔالاسلام حاج سید محمود مدرسی یزدی (داماد معظم آیت‌اللّه حاج آقا مجدالدین محلاتی شیرازی) یکی از چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و عمل و متانت و مناعت طبع و بزرگواری آراسته است و اکنون سالیان دراز است که در آمریکا (واشنگتن) به خدمات دینی و فرهنگی در آن منطقه باختری اشتغال دارد و خدمات چشمگیری هم انجام داده است.

آقای مدرسی در سال ۱۳۱۴ شمسی در قم به دنیا آمده و در بیت دانش و ورع پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه و عالیه را از مدرسین و اساتید حوزه علمیه آموخته و چند سالی هم از دروس آیات عظام استفاده کرده و زبان انگلیسی و غیره را نیز فراگرفته و برای خدمت بیشتر سفر به اروپا و امریکا نموده و چندین سالست که در امریکا و در دانشگاه واشنگتن اشتغال به تدریس علوم و فنون اسلامی و تبلیغ احکام و ترویج دین مبین اسلام و تنویر افکار دانشجویان و غیره دارند.

آقای مدرسی با بیت شریف محلاتی شیراز وصلت نموده و صبیه آیت‌اللّه حاج شیخ مجدالدین محلاتی فرزند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی را در اختیار دارند و بسیار مورد علاقه این بیت مخصوصا پدر همسر خود می‌باشند.

آقای مدرسی دارای تألیفات ارزنده هستند که به زبان فارسی و انگلیسی به طبع رسیده است و متاسفانه تاکنون فهرست آن به دست حقیر نرسیده که در اینجا منعکس نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مدرسی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهالاسلام والمسلمین آقای سید محمدحسن بن العلامه سید محمد مدرسی یزدی از علماء اعلام و فقهاء عظام و دانشمندان کرام حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان قم می‌باشند.

در حدود سال ۱۳۲۰ قمری در یزد متولد شده و پس از رشد و دیدن قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد مدرسین بزرگ قم تکمیل و به حوزه درس مرحوم آیت‌الله موسس حایری و آیت‌الله حجت رحمه‌الله حاضر شده و مدت ۱۸ سال هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی انارالله برهانه استفاده نموده و در پائین شهر قم به ترویجات دینی و روحی و اقامه جماعت پرداخته و تا هم‌اکنون به خدمات مذهبی اشتغال دارند.

والد ماجدش مرحوم علامه حاج سید محمد یزدی از شیوخ علماء و اکابر دانشمندان یزد بوده و در سال ۱۳۴۱ قمری در یزد از دنیا رفته و در قبرستان جوی هرمر به خاک رفته است.

برادر ارجمندش جناب عالم فاضل حاج سید محمدباقر میرصالحی مدرسی از ائمه جماعت یزد بوده‌اند.

فرزندان ارجمند روحانی دارد که در سلک روحانیت به تبلیغات مسائل احکام و ترویجات دینی از طریق منبر اشتغال دارند و آنها به اسامی زیر می‌باشند.

۱- حاج آقا محمد مدرسی که از وعاظ محترم قم و تهران می‌باشند.

۲- حاج‌آقا علی مدرسی یزدی که با مولف طریق صداقت را دارند.

۳- حاج‌آقا کاظم مدرسی.

۴- حاج‌آقا احمد مدرسی یزدی ۵- آقا محمود مدرسی

۶- آقا رضا مدرسی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مدرسی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران سید محمد رضا مدرسی

محل تولد : یزد

شهرت : مدرسی یزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله سید محمدرضا مدرسی یزدی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در یزد و در میان خانواده‌ای متدیّن و اهل علم و دوستدار خاندان گرامی پیامبر اکرم (ص) به دنیا آمد. پدرش آیهٔ الله سید جواد مدرسی یزدی که هم اکنون نیز در قید حیات است، از علما و دانشمندان مشهور یزد به شمار می‌آید و سالهاست که به خدمت به جامعه اسلامی و مردمان نستوه و فداکار دیار خود می‌پردازد. آیهٔ الله سید جواد مدرسی از استادان مشهور اخلاق است که سیرهٔ علمی و عملی او سر مشق جامعه اسلامی و مردمان و دین باوران بوده است. پدر آقا سید جواد، آیهٔ الله سید احمد مدرسی ـ نیز از استادان مبرز حوزهٔ علمیه به شمار می‌آمده است. خاندان مادری آیهٔ الله محمد رضا مدرسی یزدی نیز از خانواده‌ای متدین و روحانی به شمار می‌آیند. که اینها خود در شکل گیری شخصیت استاد مدرسی سهم بسزایی داشته است. آیهٔ الله مدرسی یزدی در حدود ۵ سالگی به مکتب رفت و تحصیلات خود را در همان جا آغاز کرد. پیش از ۷ سالگی به دبستان رفت و پس از آن به دبیرستان راه یافت، به گونه‌ای که در کنار دروس دبیرستان، برخی از دروس مقدمات حوزه را نیز فرا گرفته بود. پس از آن با اشتیاق فراوان درس حوزه را در مدرسهٔ معروف به مصلی آغاز کرد و در مدت کمی دروس دورهٔ مقدمات را فرا گرفت. با اتمام دروس دورهٔ مقدمات، دروس سطح را شروع کرد و پس از مدتی به قم عزیمت کرد. در قم نیز به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد و سالها از خرمن علم و عمل آنان خوشه چید. او در این سالها به تحصیل دروس مرسوم حوزه بسنده نکرد و در کنار آن به دروس نجوم، هیئت، فلسفه غرب و اقتصاد و نیز فراگیری زبانهای خارجی پرداخت و در رشته‌های فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث نیز کتب بسیاری را مطالعه کرد و در این دروس نیز شرکت می‌نمود. با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالهای متمادی در آن دروس شرکت می‌جست. به همراه آن، در درسهای فلسفه و کلام نیز حضور جدی داشت و هیچ‌گاه مطالعه دروس جنبی و دروس دانشگاهی را رها نکرد. او در سالهای تحصیل خود از محضر اساتید اخلاق نیز استفاده می‌برد تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید. آیهٔ الله مدرسی یزدی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که غالب دروس دورهٔ مقدمات و بخشی از دروس سطح را در محضر پدر خود فرا گرفته بود. پس از سال ۱۳۵۱ که به قم آمد، مقداری از شرح لمعه را نزد آیهٔ الله صلواتی و آیهٔ الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی آموخت و قسمتی از رسائل را نزد آیهٔ الله میرمحمدی و مکاسب را عمدتاً نزد آیهٔ الله ستوده و بیشتر کفایه را نزد آیهٔ الله سبحانی فرا گرفت. او از اساتید متعدد دیگری نیز در این مقطع بهره برد. وی دروس هیئت و عرفان را نزد آیهٔ الله حسن زاده آملی آموخت و در دروس فلسفه آیهٔ الله شهید مطهری و نیز آیهٔالله جوادی آملی شرکت جست، در این زمینه نیز از اساتید دیگری بهره گرفت. برای فراگیری دروس خارج فقه و اصول ابتدا مدتی در درس مرحوم آیت‌الله شیخ کاظم تبریزی حضور یافت و سالهای متمادی به دروس آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی رفت؛ به طوری که این دو عالم فرزانه را می‌توان استادان اساسی او دانست. البته او از اساتید دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حائری، مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت‌الله بهجت مدظله العالی از جنبه‌های گوناگون استفاده کرد. استاد مدرسی در سالیان عمر خود تا کنون فعالیتهای بسیاری را در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. از جمله آنها تألیف کتب و مقالات فراوان در عرصه‌های گوناگون علمی است. ویژگی این آثار، روز آمد بودن و ژرف نگری تحسین برانگیز است. آیهٔ الله مدرسی از سالهای نخستین تحصیل، به امر تدریس نیز اهتمام ویژه‌ای داشته است، او که بارها دروس دورهٔ مقدمات و سطح را تدریس کرده، در مؤسسه در راه حق به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه اخلاق و علم اقتصاد و نیز کتاب اقتصادنا (نوشته شهید صدر) اشتغال داشته است. در زمینه فلسفه نیز به تدریس کتاب‌های بدایهٔ الحکمه و شرح منظومه و... پرداخته است. او مدتی نیز در دانشکده‌های مختلف تدریس کرده و روزگاری نیز به تدریس در

مؤسسه باقر العلوم پرداخته است. وی از جمله همکاران و مؤلفین کتب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در سالهای اولیه تأسیس بوده است. آیهٔ الله مدرسی از سال ۱۳۷۲ ابتدا تدریس خارج اصول و چندی بعد خارج فقه را آغاز کرده که تا کنون یک دوره اصول به پایان رسیده و هم اکنون دورهٔ دوم آن آغاز شده است؛ در بخش فقه نیز این تدریس ادامه داشته و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند. استاد مدرسی یزدی از روزگار جوانی برای فعالیتهای سیاسی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شده است. او در خانواده‌ای رشد یافته که پدری مبارز در آن حضور داشته است؛ آیهٔ الله سید جواد مدرسی که با امام خمینی(ره) از طریق مرحوم آیهٔ الله سید عباس خاتم یزدی (ره) ارتباط داشت در طول دوران مبارزه، همواره یار امام بود. او وکیل امام در یزد بود و در کمک به مبارزان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کرد. فرزند این پدر نیز در راه مبارزه قدمهای استواری برداشت. از جمله اینکه در قم آیهٔ الله العظمی گلپایگانی را از نقشه ساواک در سوء استفاده از مجلسی که برخی از علما و فضلا قرار بود در آن حضور یابند، آگاه ساخت. از فعالیتها سیاسی او پس از انقلاب می‌توان به عضویت در کمیته امام(ره) برای رتق و فتق امور استان لرستان و نیز نظارت بر انتخابات خبرگان در یزد اشاره کرد. آیهٔ الله مدرسی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضوریافت. آیهٔ الله مدرسی یزدی هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و همزمان از فقهای شورای نگهبان قانون اساسی است. همچنین وی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه است.

مدرکی نهاوندی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به مدرکی. در «الذریعه» و تذکره‌ی «روز روشن» و «تاریخ نظم و نثر» صاحب عنوان تحت نام درکی آورده شده است که با توجه به آورده‌ی عبدالباقی نهاوندی، فرزند او، که دوبار وی را تحت نام و تخلص مدرکی آورده، اشتباه می‌باشد. وی ساکن قریه جولک از توابع نهاوند و پدر آقا خضر و عبدالباقی نهاوندی، صاحب «مآثر رحیمی» بود. پدر او از طرف شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰ -۹۰۵ ق) به وزارت همدان رسید و خود او نیز از جمله اعیان آن ولایت بود که در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) وزیر و ناظر آنجا شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۸)، الذریعه (۳۲۲/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مآثر رحیمی (۱۵۳۸ -۱۵۳۷/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۷/ ۳).

مدنی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۳، دهخوارقان (آذرشهر)، از توابع تبریز.

شهادت: ۲۰ شهریور ۱۳۶۰، تبریز.

آیت‌الله سید اسدالله مدنی، فرزند آقا میرعلی، در سن شانزده سالگی پدر خود را از دست داد و چون پیش از این مادرش را نیز از دست داده بود به ناچار سرپرستی سه کودک و نامادری‌اش را عهده‌دار شد. چندی بعد وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و پس از گذراندن دوره سطح نزد آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی، حدود چهار سال به تحصیل درس فلسفه در محضر امام خمینی (ره) پرداخت و همچنین در جلسات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد. استادان دیگر او آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بودند.

مبارزات سیاسی خود را نیز از همان دوران طلبگی علیه رژیم پهلوی آغاز کرد و به علت مخالفت با کاپیتولاسیون از قم به ممسنی نورآباد تبعید شد و پس از تبعید در سال ۱۳۶۳ ق. به زیارت خانه خدا رفت و پس از اتمام حج بی‌درنگ به نجف عزیمت و تحصیل و درس خود را در آنجا شروع کرد و در درسهای آیت‌الله خویی شرکت نمود و روزانه چندین جلسه درس از کفایهٔ، رسائل، مکاسب و لمعه را برای طلاب تدریس می‌نمود. در نجف در فعالیت‌های عمرانی و مذهبی و نیز در راهپیمایی‌های و سایر مسائل ایران پیش قدم بود. در بیست و یکم بهمن ۱۳۷۵ که تعدادی از تانک‌های دشمن از کرمانشاه به تهران عازم بودند، وی به اتفاق سی هزار جمعیت با دست خالی کفن‌پوش به مقابله با آنها پرداختند و با دادان تعدای شهید و مجروح موفق می‌شوند تانک‌ها را از حرکت بازداشته و سربازان را که تعدادشان ۵۰۰ نفر بود خلع سلاح نمایند و تمام آنها را در منزل خود تغییر لباس داده و پذیرایی می‌کند و به آنها می‌گوید که: بروید به امید خدا هر موقع انقلاب پیروز شد خودتان را معرفی کنید.» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از رحلت آخوند ملا معصومی، آیت‌الله مدنی دوباره بعد از اقامت کوتاهی در قم راهی همدان شد. در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمود و از سوی مردم همدان به مجلس راه یافت و در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش داشت. وی همچنین امامت جمعه و نمایندگی امام خمینی (ره) را در همدان طبق حکم بیست و یکم مهر ۱۳۵۸ ایشان به عهده

داشت. بعد از شهادت آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی به حکم رهبری، امام جماعت شهر تبریز شد. نقش آیت‌الله مدنی در اداره‌ی امور استان آذربایجان و جریان حزب خلق مسلمان که توانسته بود قدرتی در تبریز برای خود دست و پا کند، مهم بود. وی با همیاری مردم آنها را از صحنه‌ی سیاست منطقه بیرون کرد. به همین سبب چندین بار به وی سوء قصد شد.

از جمله خدمات ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: احداث مهدیه، صندوق قرض‌الحسنه و درمانگاه در مهدیه همدان، بنای حسینیه و احداث حمام و مسجد و مدرسه و کتابخانه و قرض‌الحسنه‌ای در دره مراد بیک، راه اندازی صندوق قرض‌الحسنه در قصر شیرین، اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی کمالیه‌ی خرم‌آباد، احداث هجده دستگاه خانه در یکی از روستاهای بوئین زهرا، ساختن مسجد بزرگی در نورآباد ممسنی. او در جبهه‌های دفاع مقدس هم حضور داشت (همچنین در جریان شکست حصر سوسنگرد).

آیت‌الله مدنی روز بیستم شهریور ۱۳۶۰ بعد از نماز جمعه تبریز به شهادت رسید و پیکرش را در جوار حرم معصومه (س) به خاک سپردند.

حاج سید اسداللّٰه مدنی دهخوار قانی (آذر شهری) از علماء مبرز معاصر است در شهر خرم‌آباد. وی در سال ۱۳۳۱ قمری در آذرشهر متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح اولی در محل خود به اتفاق برادر رضاعی خود جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر حکمت‌نیا در سال ۱۳۵۶ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای آسید محمد حجهٔ کوه‌کمری و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری طاب ثراهما حاضر شده و استفاده کامل نموده و خود به تدریس سطوح و اخلاق پرداخته آنگاه مهاجرت به نجف نموده و از محضر آیات بزرگ حوزه نجف بالاخص زعیم اعظم و مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده و خود در آن سامان به تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در فصل تابستان به همدان آمده و مورد توجه مخصوص مردم باایمان همدان و بالخصوص دانشمندان آن شهرستان قرار گرفته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که مردم عالم دوست شهرستان خرم‌آباد مرکز فرمانداری منطقه لرستان برای سرپرست حوزه علمیه آنجا و مرجعیت مردم آن ناحیه تقاضا و به اصرار آنجناب را به خرم‌آباد برده و تاکنون از وجود ذیجودش استفاده و استفاضه می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، بدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مترجم.

درگذشت: ۱۳۶۷، تهران.

بدرالدین مدنی در سال‌های آخر عمر درباره‌ی زندگی و آثار سعدی کار و تحقیق می‌کرد. او به زبان فرانسوی آشنایی داشت و به نوشته‌های رومن رولان علاقه‌مند بود و چندین نمایشنامه از جمله روبسپیر (۱۳۶۰) را به فارسی برگرداند: از آن جمله است: آیرت (رومن رولان)؛ آن زمان فراخواهد رسید (رومن رولان، ۱۳۵۷)؛ پیروزی عقل (نمایشنامه‌ای اثر رومن رولان، ۱۳۶۰)؛ تراژدی‌های ایمان (مجموعه چند نمایشنامه از رومن رولان، ۱۳۶۴)؛ تردستی‌های اسکاپن (مولیر، ۱۳۶۵)؛ گرگ‌ها (رومن رولان، ۲۵۳۵ ۱۳۵۵)؛ تحقیقی مقدماتی درباره‌ی داستان‌های شاهنامه با عنوان دریچه‌ای بر کاخ بلند و گزندناپذیر شاهنامه. بدرالدین مدنی کتابی نیز درباره‌ی رومن رولان در سال ۱۳۶۳ تحت عنوان رومن رولان: زندگی و آثار منتشر نمود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۶۰، همدان.

درگذشت: ۱۳۶۷، همدان.

سید حسین مدنی معروف به مترجم نظام، و از مجاهدان صدر مشروطیت فرزند دقیق الاشراف کردستانی، فارغ‌التحصیل دارالفنون بود. وی نخستین دانشجوی ایرانی است که با تصویب مجلس شورای ملی و به پاس خدمات مشروطه‌خواهی به آمریکا رفت و در دانشگاه والنارزو (در ایندیانا) تحصیل نمود. راز اولین رؤسای معارف همدان و نویسنده و مترجم صاحب اثر است.

مدتی روزنامه‌ی «نجات ایران» را انتشار می‌داد و سپسی به انتشار نشریات دیگری نظیر «جمالیه»، «پایتخت»، «اکباتان» و «مدنیت» دست داد. آثار و مقالات وی در جراید مذکور و نشریات دیگر درج شده است. از وزارت علوم به دریافت نشان علمی نایل آمده و در زمانی که به ریاست دارالترجمه وزارت فرهنگ را برای مدتی طولانی عهده‌دار بود و به کار ترجمه‌ی آثار نویسندگانی چون گوستاو لوبون مشغول بود. مترجم نظام شعر هم می‌سرود و برای اغلب امور جاری و مطالب عادی و غیر عادی ماده‌ی تاریخ ساخته است (به این جهت نزد برخی به سازنده‌ی ماده‌ی تاریخ معروف است). اشعار وی بالغ به چند هزار بیت است که بیشتر به امور جاری و مسائل می‌پردازد.

از فعالیت‌های دیگر وی تأسیس یتیم‌خانه‌ای در همدان و ایجاد مدرسه و کتابخانه در یزد و تشکیل انجمن‌های دینی و تبلیغ اسلامی است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، علی خان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی خان کبیر در غروب جمعه ، پانزدهم جمادی الاول ۱۰۵۲ ق . در مدینه پای به عرصه گیتی نهاد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر سیدعلی خان، سید نظام الدین احمد از دانشوران شیرازی تبار حجاز بود و در شمار نوادگان علی بن الحسین علیه السلام جای داشت .مادر گرانقدرش دخت شیخ محمد بن احمد منوفی ، مرجع وارسته شافعیان شمرده می شد.هنوز علی خردسال بود که پدرش دعوت قطب شاه هفتم ، فرمانروای حیدرآباد را اجابت کرد و برای راهنمایی مومنان شبه قاره رهسپار هند شد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : کودک شیرازی تبار حجاز زیر نظر مادر ارجمندش بالید. در این سالها دایی دانشورش ، شاعر گرانمایه حضرت قاضی عبدالجواد منوفی ، پیشوای مذهبی و امام جماعت شافعیان در مسجد الحرام از وی حمایت می کرد.و نهال نورسته مدینه را از عنایات خویش برخوردار می ساخت . سید علی در روزگار کودکی بزرگان بسیار دید و یاد و نام و سیمای علمی – اجتماعی آنها را به خاطر سپرد. شیخ عبدالله بن سعید باقشیر، سید نورالدین علی بن حسن حسینی شامی ، سبط الشیخ زین بن شیخ محمد شامی عاملی ، قاضی تاج الدین احمد بن ابراهیم مالکی مکی و مولا محمد باقر خراسانی جمعی از دانشورانی بودند که برای تدریس یا نماز به مسجد الحرام می آمدند.و خاطره سبزشان در اندیشه کوچک نوباوه هوشمند حجاز ثبت شد.سید علی در چنین قضایی رشد یافت و به حدود چهارده سالگی رسید. در این سن نامه پدر که وی را به هجرت فرا می خواند، به دستش رسید. پس بار سفر بست و در ششم شعبان ۱۰۶۶ ق . رهسپار شبه قاره شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سفر نوجوان حجاز بیست ماه به درازا کشید. سرانجام در روزهای پایانی ربیع الاول ۱۰۶۸ ق . به حیدر آباد رسید. و برای نخستین بار یعقوب هند را در آغوش گرفت . او شرح تلاشهای مادر فداکارش را برای پدر باز گفت و از حوادث حجاز پرده برداشت .نظام الدین احمد مقدم فرزند را گرامی داشت و در فرصتهای گوناگون داستان شیخ الاسلامی و پذیرش دامادی سلطان را برای پور سپید بخت مدینه النبی بیان کرد.و برنامه درسی و تربیتی ویژه ای برایش در نظر گرفت .ناگفته پیداست که نظام الدین برای تربیت علمی فرزند فرصت کافی نداشت . بنابراین جوان برومند حجاز را فرمان داد که تنها به محفل علمی پدر بسنده نکند و برای دستیابی به آرمان بلند خویش از محضر دانشمندان بزرگی که به شوق بهره گیری از فضای مناسب حیدرآباد به سمت شبه قاره می شتافتند، سود برد.سید علی پند پدر شنید و از پژوهشگران بزرگی چون محمد بن علی شامی عاملی و شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی کامیاب شد.ناگفته پیداست که آموخته های اختر فروزان حیدرآباد به آموزشهای مدون بزرگان یاد شده محدود نبود. او در نشستهای رسمی و غیر رسمی پدر شرکت می جست و از گنجینه اندوخته های دانشگرانی که به دیدار سید نظام الدین می شتافتند. برخوردار می شد. منابع موجود نشان می دهد که محفل پدر جایگاه ادیبان ، پزشکان و فقیهان بود. سرور جوانان حجاز در این نشستها با بزرگانی چون ادیب گرانمایه سید حسینعلی بن حسن شدقم حسینی و ادیب و پزشک نامور شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی آشنا شد و از تجربه های گرانبهایشان بهره برد و اندک اندک در شمار درختان پرثمر باغستان دانش حیدرآباد جای گرفتخاطرات و وقایع تحصیل : سید وارستگان حجاز در دیباچه زرین ((سلافه العصر)) از آن سالها چنین یاد کرده است :((پس پیوسته ناکامیها بر من فرو می باریـد و مرا از نگارش باز می داشت . حوادث ناگواری که طومار شکیبایی را در هم می پیچید، گردش روزگاری که پیامدهای تلخش خردسالان را کهنسال و سپید موی می ساخت . رنج دوری از وطن ، بستگان و آشنایان ، انواع دشواریها و نامرادیها در کنار دشمنی پیوسته دربار چنان آتشی در زندگی ام افکند که اگر بر زبان قلم جاری شود بی تردید آن را می سوزاند. هر چند آن سالها روزگار ناکامیها و نامرادیهای سید علی شمرده شده است ، هرگز تلخ ترین روزهای زندگی اش نبود. در سالهای پایانی این دهه غمبار مرد پولادین عرصه دانش و ادب روی در نقاب خاک کشید.و صدر الدین را در برابر یورشهای مکرر سلطان ابوالحسن تنها نهاد.اینک قطب شاه هشتم برای همیشه از دغدغه نفوذ سید نظام الدین رهایی یافته بود. پس بی هیچ نگرانی سید علی را در خانه ای کوچک زندانی کرد و هر گونه دیدار با او را ممنوع ساخت . بدین ترتیب ناگوارترین روزهای زندگی سرور دانشوران حجاز با مرگ سید نظام الدین آغاز شد و تا سالها ادامه یافت . روزهایی که خود درباره آن چنین نگاشته است :((... در این روزگار از همه آشنایان دورم و جز اندوه همنشینی ندارم ... ناگزیر بایـد در خانه ای تنگ تر از روزن سوزن زندگی کنم ، خانه ای که هنگام ورود بدان شاهرگ قلب انسان پاره می شود. در این سرای ، همنشینی جز کتاب و دفتر ندارم ...خداوند از حوادثی که در آینده پدید می آید آگاه تر است . تا کنون بر این بحران گشایشی آشکار نشده است ... این گزیده ای از حقایقی است که در این سرزمین بر من می گذرد، شرح روزهای زندگی ام که پیاپی می گذرند و من با حسرتی پایان ناپذیر به تماشایشان نشسته ام .استادان و مربیان : از استادان سیدعلی خان مدنی می توان به: سیدحسینعلی بن حسن شدقم حسینی، شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی، شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی و محمدبن علی شامی عاملی اشاره کرد.وقایع میانسالی : دانشور نستوه در این برهه نیز پژهش دست نکشید و در روزگاری که به سن شصت نزدیک می شد به نگارش رساله ای در شرح روایتهای پنجگانه ای که پدرانش سینه به سینه برایش بازگو کرده بودند، پرداخت و در ربیع الاول ۱۱۰۹ ق . آن را به پایان برد.سالها شتابان می گذشتند و ادیب فرزانه هند را به سمت کهنسالی پیش می برند. سرور اندیشمندان سده یازدهم اینک آثار گذر عمر را بر پیکرش مشاهده می کرد. بنابراین در ۱۱۱۴ ق . نزد محیی الدین محمد اورنگ زیب شتافت و کناره

گیری اش از پستهای دولتی را به آگـاهی وی رسانـده ، اجـازه خواست که راه حجـاز پیش گیرد و در پایان عمر به زیارت بیت الله الحرام ، آرامگاه مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بستگانش در آن سامان توفیق یابد.اندکی بعد بار سفر بست و بی توجه به انـدرز آشـنایان ، که او را به مانـدن و بهره گیری از عنایتهای ملوکانه تشویق می کردنـد، در مسیر سپیدترین جاده جهان به حرکت درآمـد و پس از ۴۶ سـال زنـدگی پرفراز و فرود در شـبه قـاره ، سوی وطن روان شـد.زمان و علت فوت : دانشوری که در روزهای سخت حیـدر آباد و لاهور از پژوهش باز نایسـتاد در روزهای آسودگی شیراز نمی توانست از این کردار پسـندیده دست بردارد. او همچنان تحقیق می کرد و می نوشت تا گرانبهاترین مجموعه لغت عرب را پدیـد آورد و البته در این کار نیز چون همه اقـداماتش به موفقیتی سترگ دست یـافت . کتاب پر ارج ((الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول)) نشانه روش پیروزی بزرگ آفتاب بی غروب شـیراز در روزگـار کهنسـالی و ناتوانی است . ادیب گرانمایه مـدرسه منصوریه در این اثر گران پایه اسـتادی و چیرگی خیره کننده اش را هویدا ساخته ، در ذیل هر لفظ همه مسائل مربوط به آن ، حتی ترانه ها و داسـتانها را نیز به زیور نگارش آراسـته است .بی تردیـد پایـان این اثر شـگرف می توانست پایـان گسترده ترین پژوهشـهای انسان در موضوع لغت عرب به شـمار آیـد ولی دریغ چرخ چنین نمی پسندید. بیماری بر پیکرش پنجه افکند و سرانجام دیدگان پرفروغش در یکی از غمبارترین روزهای سال ۱۱۲۰ ق . برای همیشه بسـته شـد.اسـتادان ، دانشـجویان و مومنان شـهر پیکر گرانبهاترین گوهر دریای ادب و هنر را تا حرم حضـرت احمـد بن موسـی علیه السـلام شـاهچراغ همراهی کردنـد و در آن حریم پـاک کنـار آرامگـاه سید ماجـد بحرانی به خـاک سپردنـد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : تلاشهای سیدعلی خان بزرگ در تامین امنیت شهر و آسایش مردم ، محمد اورنگ زیب را بر آن داشت که وی را به حکومت لاهور و مناطق مجاور منصوب کنـد. با این تـدبیر سلطان نماینـده ای شایسته یافت . لاهور فرمانـداری دلسوز به دست آورد و ادیب بزرگ سـده یازدهم پای در روزگاری سراسر تلاش نهاد.هر چند مسئولیت تازه سید دشوار و کمرشکن بود، هرگز او را از پژوهش و نگـارش باز نـداشت . آن بزرگمرد از فرصـتهای انـدک پدیـد آمـده در نبردها و آماده باشـها بهره برد و به تحقیق و نگارش پرداخت . دانشـمندی چون صـدر الدین سید علی همنشین با کتاب را از هر کاری زیباتر و دوست داشـتنی تر می داشت ولی سیاسـتمداری چون اورنگ زیب هرگز نمی توانست شخصیت ارجمند دانشور وارسته روزگار خویش را نادیده گرفته ، از او در اداره امور جـامعه بهره نبرد. بنابراین ضـمن فرمانی وی را به ریاست دیوان ((برهانپور)) منصوب کرد. دانشور برجسـته جهان اسـلام که این مقـام را برای خـدمت و انجام دادن وظیفه الهی اش مناسب می دیـد، راه برهانپور پیش گرفت و در آن دیار به نجات ستمدیـدگان و کوتاه کردن دست تبهکاران و متجاوزان پرداخت . آن دانشـمند گرانمایه پس از چند سال داوری ، از کار در دیوان برهانپور کناره گرفت و دیگر بار به ارتش پیوست و سالیانی چند در سپاه محمد اورنگ زیب ، که تشنه حضور فقیهی پارسا بود، به خـدمت پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سـرنوشت همچنان با دانشـمند وارسته حیدر آباد نامهربان بود. توفان دیر پای شریعت ستیزی که با مرگ قطب شاه هفتم آغاز شـده ، با عروج سید نظام الدین احمد اوج گرفته بود همچنان ادامه داشت و هستی گرانبهـاترین گوهر دریـای دانش و هنر را تهدیـد می کرد. نگاهبانـانی که پیرامون خـانه کوچـک او می گشـتند، جاسوسـانی که به عنوان دانشجو و ادیب به دیدارش می شتافتند هر یک خبر از آینده ای دشوارتر و تاریک تر می داد.در چنین موقعیت ادیب برجسته حجازی تبار نقشه ای هوشـمندانه طرح کرد، نقشه ای که در بهترین فرصت به اجرا درآمـد. سید علی از زنـدان گریخت و مقامهای امنیتی قطب شاه هشتم را در شگفتی فرو برد. سلطان سواران بی شمار در پی اش روان ساخت . سوارانی که بسیار تلاش کردند ولی جز نومیـدی و شـکست بهره ای نبردنـد.دانشور گریخته از زنـدان قطب شاهیـان ، خود را به برهانپور رسانـد و در نخستین فرصت به دیـدار محمد اورنگ زیب ، پادشاه آن سامان شـتافت . اورنگ زیب دشـمن دیرپای حیدرآباد نشـینان شـمرده می شد و پیوسـته در اندیشه جذب دانشـمندان و سیاسـتمداران آن دیار بود. بنابراین مقدم سـرور ادیبان جزیره العرب را گرامی داشـته ، لقب خان به وی بخشـید و هزار و سـیصد سوار زیر فرمانش قرار داد.بدین ترتیب فرزند دانشمند سید نظام الدین به صدر الدین سید علی خان شهرت یافت . پیشـنهادهای سازنده او در شیوه کشور داری و لشگر آرایی سلطان اورنگ را بسیار تحت تاثیر قرار داد، به گونه ای که وقتی رهسپار اورنگ آباد شد وی را نیز همراه خویش برد و چون از آنجا به سمت احمد نکر حرکت کرد او را فرمانده نگاهبانان اورنگ آباد ساخت .شاگردان : سـیدعلی خان مـدنی در سالهای تـدریس شاگردان بسـیار پرورید ولی بی دریغ که نام و یاد آن سپید بختان در گـذر زمـان به تاراج رخـدادها رفته ، در آور فراموشـی مـدفون شـده است . آنچه می توان در این فرصت باز گفت نام سه تن از کامروایانی است که اجازه بازگویی شـنیده ها و نگاشته های سید ادیبان حجاز را دریافت داشته اند:۱. علامه گرانمایه حضرت شیخ محمـد باقر مجلسـی گردآورنده مجموعه نفیس بحارالانوار۲. دانشور ارجمند حضـرت شـیخ باقر بن موسـی محمد حسـین مکی ،۳. دانشـمند وارسـته حضرت سید محمد حسین خاتون آبادی اصفهانی .آثار : اسلافه العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر ، التذکره فی الفوائد النادره ، الحدائق الندیه فی شرح الصمدیه ، الزهره فی النحو ، الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول ، الفرائد البهیه فی شرح الفوائـد الصـمدیه ، الکلم الطیب و الغیث الصـیب ، المخلاه ، انوار الربیع فی انواع البـدیع ویژگی اثر : در سال ۱۰۹۳ ق . با نام کتـاب نفیس انـوار الربیع فی انواع البـدیع در اختیـار ادب دوسـتان قرار گرفت۱۰ دیوان شـعر ، رسـاله فی اغلاـط الفیروز آبـادی فی القاموس ، رساله فی المسلسـله بالاباء ، ریاض السالکین فی شـرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام ، سلوه الغریب و اسوه الادیب ، کتاب النفیس ویژگی اثر : را در جمادی الثانی ۱۰۷۹ ق . به جهان دانش و ادب عرضه کرد.آن بزرگمرد در سطور پایانی این اثر از دشواریهای زندگی اش پرده برداشـته۱۶ محک القریض، ملحقاه السـلافه ، موضـح الرشاد فی شـرح الارشاد ، نعمه الاغان فی عشـره الاخوان ، نفثه المصدور منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1kz - /www.hawzah.net

مدنی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مدنی

محل تولد : گیلان

شهرت : مدنی گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب «محمد» فرزند «حسین» فرزند «حاجی» با نام خانوادگی «مدنی»، ملقب به «عبد الزهراء» که از عطایای ملوکانه ملکه عالمین حضرت صدیقه اطهر سلام الله علیها در یک عالمی به این احقر بوده، در یکم تیر ماه سال ۱۳۴۷ شمسی مطابق با بیست و پنجم ربیع الاول ۱۳۸۸ هجری قمری در دهستان نوخاله اکبری از توابع شهرستان صومعه سرا از شهرهای غربی استان گیلان از مادری متدینه به نام «فرخنده رمضانی پور» فرزند«محمدجان» فرزند «کربلایی طوفانعلی» که با پای پیاده از گیلان تا کربلای معلی مشرف شده بود، متولد شدم. دوران کودکی را تحت الطاف الهی و کنف محبت پدر و مادرم که به حلال و حرام الهی اهمیت خاصی می دادند گذراندم و تا آنجایی که به یاد دارم در یک خانواده شلوغ و پر جنب و جوش و زحمتکش و دین باور پرورش یافتم.

بر اساس فضای حاکم در روستا که معمولا کارها به صورت دسته جمعی انجام می پذیرد. من نیز در کارهایی که محول می شد کوشا بودم. در عین حال به مدرسه می ر فتم و دوره های ابتدایی و راهنمایی را به سختی گذراندم.

یادم می آید کلاس سوم ابتدایی را می گذراندم که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری منادی و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) حضرت امام خمینی رضوان الله علیه آغاز شد و در جنب و جوش و فعالیت های دانش آموزی، راهپیمایی های محلی که به تهییج دلباختگان امام صورت می گرفت و در پخش پوسترها و اعلامیه ها با عده ای از دوستان هم سن وسال شرکت می نمودیم. اولین بار که عکس دلربای حضرت امام خمینی رضوان الله علیه را دیدم چنان مات آن چهره ملکوتی شدم، تو گویی از خود بی خود، اشک محبت از دیده ام جاری شده بود. آتش این اشتیاق روز به روز برافروخته تر می شد. هیبت و هیئت آن فرزانه مرد در آن سنین خردی چنان در دل نشست که بیرون کردنش مشکل می نمود (آنچنان جای گرفته است که مشکل برود) لا۔جرم روش و منطق او، در روحیه من تاثیر عمیق گذاشته و چراغ عشق راه روحانیت شیعی در دلم روشن گشت و خدا را شکر بدین طریق مایل شدم.

زندگینامه علمی:

پس از پایان دوره راهنمایی با همه مشکلاتی که سر راهم ایجاد شده بود، در اواخر ۱۳۶۳ رسما طلبه شدم و به خیل سلسله طلاب علوم دینیه پیوستم.

جامع المقدمات و سیوطی (الفیه ابن مالک) و حاشیه ملا عبدالله و مغنی اللبیب که کتب مقدماتی بودند را در شهرستان رشت، مدرسه علمیه «حاج حسن» معروف به صالح آباد (که بسیاری از بزرگان از جمله مجاهد فی سبیل الله میرزا کوچک جنگلی از ثمرات آن مدرسه اند) در نزد عالم ورع و اخلاقی کامل مرحوم حجت السلام و المسلمین الحاج شیخ محمد حسن مهدوی تولمی که از شاگردان مرحوم آیت الله العظمی سید حسن بحر العلوم و آیت الله سید محمود ضیابری رحمت الله علیهما بود و مدیریت حوزه علمیه صالح آباد را نیز بعهده داشت، تعلیم گرفتم و کتاب صمدیه را برای مرور در محضر حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالرحیم اخوان توکلی تولمی که جلیس آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت فومنی در نجف اشرف بوده، تلمذ نمودم. معالم الاصول و مختصر المعانی را در محضر پر فروغ عالم ربانی و فقیه صمدانی آیت الله مستقیم عربانی که اجازه اجتهاد مطلق از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی داشت، تلمذ نمودم.

اصول المظفر را از محضر عالم تقی و اخلاقی کامل سید العلماء الربانیین آیت الله حاج سید مجتبی رودباری دام ظله فرزند آیت الله حاج سید حسین رودباری که از شاگردان بنام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله العظمی خوئی و بسیاری از بزرگان دیگر در نجف اشرف و قم بودند و همچنین حجت الاسلام و المسلمین یعسوبی آموختم.

لمعتین را از محضر نورانی حضرات آیات حاج شیخ مختار ظهیری رحمت الله علیه و حاج شیخ محمد علی احمدی اشکوری و حاج سید مجتبی رودباری فرا گرفتم.

رسائل و مکاسب شیخ انصاری و جلد اول کفایتین و منظومه سبزواری و شرح تجرید را در محضر نورانی فقیه صمدانی استاد الاعاظم و شیخ الافاخم آیت الله العظمی علامه حاج شیخ محمد ازهدی لاکانی رضوان الله علیه که اجازه اجتهاد مطلق از آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، آقای حجت کوه کمره ای، حاج آقا حسین بروجردی و بسیاری دیگر از مراجع را داشت، که در متن اجازه آقای بروجردی آمده می خوانیم:«حری بان یجیز اجل شانا ان یستجیز» به شاگردی نشستم و سپس به دار العلم قم وارد شدم و جلد دوم کفایتین را از محضر مرحوم آیت الله وجدانی و حجت الاسلام و المسلمین محمدی خراسانی تعلیم دیدم.تفسیر را از محضر علامه نحریر آیت الله جوادی آملی و اخلاق را از آیات عظام مشکینی و مظاهری بهره گرفتم.درس خارج را فقها و اصولا در محضر آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، صانعی، خلخالی و جوادی آملی در قم و ازهدی لاکانی در رشت جمعا به مدت پنج سال تلمذ نمودم.

البته ناگفته نماند به طور مقطعی از عرفان علامه ذوالفنون حسن زاده آملی بهره بردم و سپس به امر آیت الله العظمی بهجت و آیت الله لاکانی، در رشت رحل اقامت افکنده و به تدریس، تبلیغ، تالیف و تصنیف مشغول شدم و چند اثر را از آثار قلمی خویش به یادگار نهاده تا در صحیفه عملم برای« یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم» ذخیره باشد.

مدهوش گلپایگانی، محمدصادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۷ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به مدهوش. وی ملا باشی حیدرقلی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه و حاکم گلپایگان بود. در نظم و نثر تبحر داشت و عربی را خوب می‌دانست. مـدهوش خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» خاوری، به قلم نستعلیق و شکسته نیم دو دانگ خوش، بـا رقم: «کتبه العبـد محمـدصادق الکلبایکانی فی ۱۲۳۵» و «حرره العبد الاقل محمدصادق کلبایکانی، المتخلص به مدهوش... سنه ۱۲۳۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۶۷–۷۶۶/ ۳)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۲۸، ۱۶۲۷/ ۳)، الذریعه (۱۰۲۴/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۳۱۴–۳۱۱/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مجمع الفصحا (۱۰۰۶/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۷۴–۱۷۳)، نگارستان دارا (۲۵۱).

مرادخانی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۳.

درگذشت: ۱۳۶۳.

از آثار اوست: المعجم المفهرس لالفاظ ابواب البحار (۱۳۶۵)؛ بحار الانوار، فی تفسیر الماثور و القرآن (دو جلد).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مرادی، الشن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران الشن مرادی استاد بزرگ شطرنج ایران متولد ۱ خرداد ۱۳۶۴ که در سال ۱۳۸۳ و در سن ۱۹ سالگی به این درجه دست یافت. او دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف است و از قهرمانان ملی محسوب می‌گردد. تا سال ۲۰۰۵ (میلادی) در شطرنج ایران ۳ نفر دارای عنوان استاد بزرگ مردان هستند.

توانایی او در بازی چشم بسته نیز جالب توجه است

از جمله رکوردهای او مبارزهٔ همزمان با ۵۵ نفر در سال ۸۴ در دانشگاه صنعتی شریف است که به تساوی با ۴ نفر و برد از بقیه بازیکنان انجامید. در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۵ نیز مسابقه‌ای خیریه‌ای در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد و مرادی به طور هم‌زمان با ۱۲۰ نفر به رقابت نشست که نتیجهٔ آن ۷ تساوی و برد باقی افراد بود. این مسابقه بزرگ‌ترین مسابقهٔ شطرنج هم‌زمان ایران هم بود.

مرادیان، خدامراد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده:–، دانشگاه: آزاد اسلامی کرج

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بغداد، کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بغداد، دکترا در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

تدریس و تحقیق در دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۶۰، استاد بازنشسته دانشگاه تهران، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی کرج.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ، ادبیات، زبان و ادبیات عربی، تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی به مدت ۱۲ سال، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ، فرهنگ معارف اسلامی، فلسفه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

فرهنگ، معارف، علوم اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مراغی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نقاش و مجلد. از معاریف زمان خود و اهل مراغه بود و ساکن عثمانی. از آثار گرانقدر وی: جلد روغنی استادانه‌ای است که در کتاب «الفوائد الغیاثیه» (تاریخ ۱۴۶۸ میلادی) قرار گرفته و به طلا آرایش شده. داخل جلد به رنگ ارغوانی و نقوش آن تحسین‌انگیز است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۸/ ۱).

مرتضوی اصفهانی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدکاظم الموسوی الاصفهانی نورالله مرقده در سنه‌ی ۱۲۸۸ هجری قمری در قریه اسفید واجان یکی از قراء بلوک کرون که فاصله این قریه با شهرستان اصفهان قریب به ۹ فرسنگ است متولد شده و در سن ۱۴ سالگی به علت اشتغال به تحصیل و تعلیم علوم دینیه با موافقت والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید حسین که از بزرگترین علماء آن قریه به شمار می‌آمده به اصفهان که در آن تاریخ از بزرگترین حوزه‌های علمیه جهان تشیع محسوب می‌شده رفته و در مدرسه‌ی جده‌ی کوچک به تحصیل و فراگرفتن علوم مشغول گردید.

اساتید آن مرحوم: مقدمات و ادبیات عالیه را در نزد استاد الادباء مرحوم آقا سید محمود دهکردی (شهر کردفعلی) که در تدریس مغنی و مطول کم‌نظیر بوده است آموخته و در سطوح یکی از اساتید معظم‌له مرحوم العلامه الفهامه الفقیه المدقق آقا میر محمدتقی مدرس ابن مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین علم الاعلام المیرسید حسن مدرس بوده، دیگر شیخ الفقهاء و العماء مرحوم آقا شیخ عبدالکریم جزی (معروف به آخوند گزی) اعلی الله مقامه و اما درس خارج فقه و اصول، و قسمتی از این دو را از محضر مرحوم آسید محمدتقی مدرس فوق‌الذکر فراگرفته، ولی عمده‌ی درس خارج را از محضر سید العلماء العاملین و استاد الفقهاء و المجتهدین مرجع الخاص و العام آیت‌الله السید محمدباقر درچه‌ای که از اعاظم علماء العصر بوده است استفاده نموده و در فلسفه و حکمت اساتید ایشان مرحوم جهانگیرخان قشقائی اعلی الله مقامه و عارف ربانی مرحوم آقا ملا محمد کاشی (معروف به آخوند کاشی) بوده‌اند که هر دو از مفاخر عصر به شمار می‌آمدند و مرحوم ایشان معتقد به معنویت فوق‌العاده‌ای برای مرحوم آخوند کاشی بودند و مکرر می‌فرمودند که بسیاری از لطائف عرفانی و رقائق اخلاقی را از محضر آخوند فراگرفتم.

معظم‌له پس از طی مراحل تحصیلی و نیل به مدارج عالیه علمی به تدریس و تعلیم پرداختند و در اصفهان صدها نفر از طلاب علوم دینیه که بعضی آنها هم اکنون از شخصیتهای علمی محسوب می‌شوند در مدرسه جده کوچک و مسجد دارالشفاء و مسجد سرخی و مدرسه چهارباغ و مراکز دیگر از محضر درس ایشان استفاده می‌کردند و پس از هجرت به تهران در سالهای اخیر در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار نیز تدریس می‌کردند.

علاوه بر تدریس نسبت به بیان معارف اسلام و حقائق دین و تفسیر قرآن مبین و امر به معروف و نهی از منکر اهتمام زیادی داشتند و در این راه مجاهدتها نموده و رنجهای فراوان متحمل شدند و در زمان سابق و روزهائی در گوشه زندان و پس از آن ماهها به اجبار دو زاویه خانه به سر می‌بردند و پس از آن در سنوات اخیر تنها به تفسیر قرآن در محافل و مجالس صالحه می‌پرداختند و عده‌ای از خواص از لطائف و دقائق تفسیری وی استفاده می‌نمودند که هنوز برخی از آنان در قید حیاتند و به عقیده کثیری از دانشمندان در عصر خود نسبت به تفسیر آیات و تحقیق در معانی آنها کم‌نظیر بوده است.

ضمنا یادآور می‌شود مرحوم معظم‌له غیر از ادبیات و فقه و اصول و حکمت و فلسفه و تحقیقات در آیات قرآن و روایات صعبه کثیری از علوم غریبه و صنعت شیمی و طب قدیم و خواص ادویه مفرده و مرکبه و کیفیت ترکیب آنها نیز اطلاعاتی وسیع داشتند به طوری که گاهی بعضی امراض صعب‌العلاج را با داروهای یونانی درمان می‌نمودند چنانکه معالجات ایشان زبانزد عده‌ای از اهالی تهران و اصفهان می‌باشد.

اولاد معظم‌له شش نفرند، پنج پسر و یک دختر که دو نفر از فرزندان ذکور ایشان در لباس روحانیت و در تهران به انجام وظائف علمی و روحانی اشتغال دارند. ۱-حجه‌الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن مرتضوی ۲- حجه‌الاسلام آقای حاج سید کمال مرتضوی. (نگارنده).

وفات مرحوم مغفور پس از تقریبا سی و پنج سال اقامت در تهران در ماه ذی‌القعده الحرام سنه ۱۳۶۶ ه. در تهران اتفاق افتاد و جنازه

معظم‌له پس از تشییع کم‌نظیر از طبقات مختلف به شهرستان قم حمل و در جوار حضرت معصومه سلام‌الله علیها در قسمت جنوبی مقبره بیات مدفون گردید. و همان شب از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی در مدرسه فیضیه مجلس ترحیم باشکوهی منعقد گردید.

علاوه بر مجالس ترحیم متعدده که تا مدتها در تهران و حومه ادامه داشت در نجف اشرف و اصفهان هم مجالس فاتحه برپا گردید.

دو نفر از فرزندان ارجمند و دانشمند آن مرحوم که ذیلا می‌نگارم:

از علماء معاصر ما می‌باشند و آنها عبارتند از...

حجتی الاسلام والمسلمین و عمادی المله والدین آقای حاج سید ابوالحسن و حاج آقا کمال مرتضوی اصفهانی که هر دو در بیت فضل و دانش متولد و پرورش یافته و پس از خواندن درس جدید به مقدمات و ادبیات پرداخته و پس از تکمیل آن دروس نهائی فقه و اصول را از علماء بزرگ و آیات عظام قم و تهران و غیره فراگرفته و پس از نیل و وصول به مقام علم و دانش از طریق گفتن تفسیر و منبر و اقامه جماعت به وظائف دینی و روحی پرداخته بالاخص جناب آقای حاج آقا کمال مرتضوی در مسجد فاطمیه واقع در خیابان ناصری شهباز به امامت و خدمات دینی و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسن مرتضوی فرزند برومند آیت‌اللَّه حاج سید مرتضی لنگرودی قدس‌اللَّه سره از فضلاء ابرار و مدرسین اخیار حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان در بیست ونهم ماه صفر ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و خواندن و نوشتن را در آن بلده طیبه فراگرفته و در سال ۱۳۶۰ قمری در خدمت والد مغفورش به تهران آمده و مقدمات و سطوح وسطی و عالی را در مدرسه حاج ابوالفتح نزد جمله‌ای از فضلاء و علماء مرکز فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را خدمت والد ماجدش و مرحوم حاج شیخ اسمعیل جاپلقی و برخی از علماء بزرگ دیگر آموخته و منظومه حکیم سبزواری را از مرحوم عالم ربانی و حکیم متاله و متضلع حاج میرزا ابوالحسن شعرانی خوانده است.

در سال ۱۳۷۲ قمری فارغ از سطوح گردیده و در خدمت والد مکرمش به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و به جلسات درس اساطین فقه و اصول و تفسیر و فلسفه حاضر و بخصوص در بحث صلوه آیت‌اللَّه العظمی بروجردی تا در سال ۱۳۸۰ قمری که رحلت آن مرحوم واقع شد شرکت و استفاده نموده و تقریرات صلوهْ و خمس و قضاء و طهارت او را به رشته تحریر آورده و نیز به درس خارج اصول مرحوم والدش حاضر و قریب یک دوره از اصول ایشان استفاده نموده و نیز حدود یکدوره از درس اصول آقای خمینی بهره‌مند شده و تقریر مطالب اصولی معظم‌له را مبسوطا نوشته و برای چاپ آماده نموده‌اند و نیز دوره اول اسفار را از مرحوم استاد علامه طباطبائی قدس‌اللَّه سره و هم شفاء بوعلی را از آن مرحوم استفاده نموده و هم به درس تفسیر ایشان شرکت و تمهید القواعد ابن قولویه و مبحث معاد بحارالانوار را از محضرشان مستفیض شده و تا آخر عمرشان این جلسات ادامه داشته و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی در درس فقه والدش شرکت و پس از فوت ایشان در سال ۱۳۸۴ قمری و تبعید آقای خمینی به ترکیه و پس از آن به نجف اشرف به بحث فقه آیت‌اللَّه گلپایگانی و آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه آملی شرکت و جزوات تقریرات دروس معظم لهم را نوشته و از ۱۳۹۵ قمری به تدریس خارج عروه‌الوثقی پرداخته و شرح مبسوطی بر عروه‌الوثقی نوشته و به انظار و افکار مقدسه اساطین فقه اشاره نموده است.

معظم‌له از سال ۱۳۸۹ قمری بنا بر تقاضای اهل محل در مسجد سلماسی به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ایراد بحثهائی در اصول دین و معارف اسلامی داشته و دارند.

تألیفات و آثار علمی ایشان

۱- جواهر الاصول- تقریرات اصول آقای خمینی (ره)

۲- دررالتقاط در تقلید و اجتهاد تقریر درس ایشان

۳- رساله در قاعده فراغ و تجاوز

۴- رساله در اصاله الصحه

۵- رساله در قرعه

۶- رساله در تعارض ادله

۷- الدر النضید در شرح فروع تقلید عروه‌الوثقی در ۲ جلد

۸- شرح مبسوطی در طهارت عروه‌الوثقی در چند جلد

۹- حاشیه مختصری بر کفایه الاصول

۱۰، ۱۱، ۱۲- تقریرات بحثهای مرحوم آقای بروجردی

۱۳- کتاب مبسوطی در دعا و زیارات و اعمال سنه

۱۴- اللئالی المنوره مانند کشکول شیخ بهائی

۱۵- اوراق یونان در مطالب متنوعه

۱۶- وفیات اعلام در تاریخ فوت علمائیکه از نیمه قرن چهاردهم از دنیا رفته‌اند.

۱۷- نوادر ابناء اعلام در قضایائی که از بزرگان جمع‌آوری شده.

۱۸- گیلان و دانش درباره حالات جمله‌ای از علماء گیلان

و آثار دیگر ادام‌اللّه عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین لنگرودی (مرتضوی) فرزند بزرگ حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مرتضی لنگرودی «قدس سره»، در حدود سال ۱۳۴۵ هجری قمری، در نجف اشرف متولد گردید. پس از طی دروس مقدماتی و سطوح معقول و منقول و تکمیل سطوح عالیه متعارفه و مقدار کاملی خارج فقه و اصول خدمت والد معظمشان حدود سال ۱۳۶۷ هجری قمری به حوزه علمیه قم عزیمت و مستقیما به درس خارج فقه و اصول و فلسفه حضرات اساتید بزرگ آن زمان همچون آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج‌آقا حسین طباطبائی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی نایب الامام خمینی و علامه بزرگوار طباطبائی تبریزی قدس اللّه تعالی اسرارهم و پس از چندی که والد معظمشان از تهران به قم هجرت فرمودند به درس خارج فقه و اصول ایشان (که در مسجد عشقعلی قم با شرکت فضلاء بی‌شماری داشتند) شرکت نموده و به فراگیری مبانی تحلیلی فقه و اصول از آن اساتید بزرگ همت گماشته و در همه‌ی آن دروس به حدی کوشش مجدانه داشتند که در مدتی از به مراتب عالیه و نهائیه، نائل و مخصوصا حائز رتبه اجتهاد و دریافت اجازات کتبی و شفاهی و غیره از آیات عظام شدند.

تا اینکه در سال ۱۳۸۰ هجری قمری بنا به اصرار اهالی محترم میدان قیام تهران به امامت و سرپرستی مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح مشغول و به وظایف شرعی مخصوصا سرپرستی مدرسه و درس و بحث تاکنون که بیش از سی سال می‌گذرد این حوزه از نوع دروس اصلی و جنبی از مقدمات و سطح الی خارج فقه برخوردار است و شخص ایشان دروس عالیه فقه و اصول را عهده دارند و همه ساله فضلاء و علمائی متعهد مستخرج شده و می‌شوند.

معظم‌له از دانشمندان باتقوا و پرکار و جدی و بسیار متواضع و مجتنب از تظاهرات و معرض از شئونات می‌باشند. تألیفات ایشان در علوم مختلفه، فقه و اصول و تفسیر و اصول عقائد و فلسفه و کلام و نظائر آن بسیار است، مخصوصا بر بسیاری از کتب درسی و غیردرسی حواشی مفید دارند.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومند و صالح جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمدرضا لنگرودی که پس از طی دروس مقدماتی و سطوح عالی از محضر آیات عظام، گلپایگانی و آملی و غیرهما بهره‌مند شده و اکنون از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی فرزند حاج سید مرتضی لنگرودی از افاضل مدرسین و ائمه جماعت حوزه علمیه قم می‌باشند. معظم‌له با برادران بزرگوارش از آقازادگان موصوف به فضل و دانش می‌باشند.

ایشان بنابر آنچه که والدشان در پشت قرآن خود ضبط کرده‌اند در ماه شوال ۱۳۵۴ قمری برابر ۱۳۱۶ شمسی متولد گردیده و پس از طی مراحل مقدماتی در تهران در مدرسه حاج ابوالفتوح و مدرسه فتحیه واقع در خیابان ری میدان قیام (میدان شاه سابق) که تحت نظارت و سرپرستی والدشان بود به تحصیل علوم دینیه پرداخته و قسمتی از لمعه و قوانین را در مدرسه مزبور خوانده است.

در سال ۱۳۷۳ قمری در ملازمت والد ماجدش با عتاب عالیات مشرف و پس از مراجعت با اصرار فرزندان و تمایل قلبی خود رحل اقامت به قم افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول و مترجم عزیز ما سطوح را نزد اساتید وقت به پایان رسانیده سپس در درس خارج زعیم شیعه آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و مدت سه سال استفاده نموده و همزمان آن از دروس خارج والد گرامیش بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌اللّه بروجردی منحصرا از محضر والد خود مستفیض شده و نیز در بحث الهیات علامه طباطبائی بهره‌مند گردیده تا سه سال بعد از رحلت آیت‌اللّه بروجردی در شب جمعه نوزدهم ماه صفر المظفر ۱۳۸۳ قمری در بحبوحه حکومت نظامی و مبارزات شدید مردم بر علیه دولت والد بزرگوارشان از دنیا رفته و در روز اربعین با تشییع کم سابقه‌ای در حجره شمالی صحن عتیق حضرت معصومه علیهاسلام مدفون گردید.

پس از فوت آن مغفور له به درس آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی شرکت حدود دوازده سال استفاده نموده و گاه‌گاهی هم از دروس آیات عظام خمینی و محقق داماد و شریعتمداری استفاده نموده و از بعضی از آیات به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر شده‌اند و در حال حاضر در مدرسه‌ای که به نام والدشان می‌باشد و حدود شصت طلبه دارد به تدریس فقه و اصول و اداره آن مدرسه اشتغال دارند و نیز در مسجد عشقعلی خیابان چهار مردان اقامه جماعت می‌نمایند و در ماه مبارک رمضان و غیر آن

برای مؤمنین تفسیر و درس اخلاق گفته و به ارشاد و تهذیب اخلاق خلق‌اللّٰه اشتغال دارند.

آثار علمی مترجم ما

۱- تقریرات درس آیت‌اللّٰه بروجردی- خمس و قسمتی از طهارت و قضاء

۲- تقریرات درس بعضی از آیات دیگر

۳- رساله‌ای در عدالت

۴- تعلیقه‌ای ناتمام بر رسائل

۵- شرح مکاسب شیخ به فارسی

۶- تاریخ را بررسی کنیم در امامت مناظره بدون تعصب

۷- تکیه‌های تاریخی

۸- مجموعه از آثار و روایات به صورت کشکول

۹- شرح فارسی بر تجرید الاعتقاد

۱۰- ترجمه الطوائف ابن طاووس

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا احمد مرتضوی بجنوردی اول عالم متنفذ عصر خود بود در بجنورد عالمی خلیق و دانشمندی کریم دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله بود درب خانه‌اش باز و دستانش گشاده و سفره‌اش گسترده بود.

معظم له در بجنورد متولد و پس از فرا گرفتن مقدمات و ادبیات بمشهد آمده و سطوح را خوانده و مهاجرت بنجف و از محضر آیات عظام نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده کرده و بوطن مراجعت و باقامه و خدمات دینی و تدریس و تربیت طلاب بجنورد پرداخته تا چند سال قبل که دعوت حق را اجابت و بسرای جاوید شتافته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مرتضوی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین مرتضوی است که از افاضل خطباء و رعاظ معاصر تهران می‌باشند.

ایشان در تهران متولد شده و در بیت چنان پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح فقه و اصول را از اساتید و مدرسین فراگرفته و از راه منبر به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام بالاخص اهل‌البیت علیهم‌السلام با بیانی شیوا پرداخته و شنوندگان و شیفتگان خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان را مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و واقعا مصداق حدیث شریف نبوی صلوات اللّٰه علیه و آله هستند. (و ولد صالح یستغفر له).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن مرتضوی ابرسجی شاهرودی از علماء ابرار و مدرسین اخیار و ائمه جماعت مشهد مقدس می‌باشد.

وی در سال ۱۳۱۴ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در روستای ابرسج که در پنج فرسخی شاهرود واقع است به دنیا آمده و در بیت شریفی پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به مشهد مقدس آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی و مدرسین دیگر فراگرفته و پس از آن در حدود سال ۱۳۷۴ قمری مهاجرت به نجف اشرف کرده است.

سطوح عالیه را نزد اساتید و آیات عظام نجف تکمیل و پس از آن اصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی و فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و پس از بیست سال اقامت در نجف اشرف در سال ۱۳۹۴ قمری به ایران مراجعت و اقامت در مشهد مقدس را اختیار نموده و در این شهر مقدس به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب علوم دینی پرداخته و در حال حاضر یکی از آیات و مدرسین پر برکات حوزه مشهد می‌باشند.

کرارا ترجمه ایشان را خواستم اجابت نفرمودند به اینکه من قابل و لایق ذکر نیستم ولی چون از چهره‌های درخشان علم و عمل

بودند این چند جمله را از برخی از افاضل مشهد به دست آوردم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مرتضی

محل تولد : لبنان

شهرت : محمد حسین

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد محمّد مرتضـی نام پدرحسین در ۲۰ شعبان سال ۱۳۸۳ هـ. ق در شـهر تمنین التحتا واقع در ۲۵ کیلومتری بعلبک دیده به جهان گشود و در سـایه پـدری و مادری مهربان تعلیم و تربیت یافت، تحصیلات ابتـدایی، راهنمایی ، و متوسـطه را شـهر ریاق سپری نمود پس از آن در شوال سـال ۱۴۰۳ هـق وارد مـدرسه علمیّه إمام المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشـریف بعلبک شـد، دوران مقدّمات را طی ۳ سال و أندی پشت سـر گذاشت از محضـر أساتیدی چون شـهید سیّدعباس موسوی شیخ محمّد مقداد شیخ محمّد یزبک شیخ علی عقّی شـیخ محمّـد خاتون و شـیخ علی خاتون و .... بهره ها برد. در ماه صـفر سال ۱۴۰۷ هـ ق جهت تکمیل دروس دین کسـب فیض أخلاقی وارد حوزه علمیّه قم گردید و دروس سطح را نزد أساتید بزرگی بهره برد از جمله:

ـ شیخ حسین نجاتی (قسمتی از شرح لمعه)

ـ شیخ مصطفی قصیر (قسمتی از شرح لمعه)

ـ سیّد رضا حسینی نسب (أصول فقه، رسائل، و قسمتی از کفایه، هیئت، و قسمتی از إشارات)

ـ سیّد عادل علوی (باب حادی عشر علم کلام و شرح التجرید)

ـ سیّد کمال حیدری (فلسفه)

ـ سیّد أحمد مددی (مکاسب)

ـ آیت الله جوادی آملی ۱۲ سال است که تقریباً درس تفسیر ایشان را شرکت می کند و هنوز هم ادامه دارد.

پس از آن در درس خارج حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی سیّد محمود هاشمی شاهرودی جوادی آملی شرکت کرد.

البته در کنار این دروس به تدریس بعضی از دروس مانند شرح اسفار و ... پرداخت و بر گنجینه علمی و معنوی خود افزود در خلال سالها تلاش علمی تحقیق مطالعه مباحثه وظیفه مهم تبلیغ و تدریس نیز غافل نشده است و به تدریس دروسی مانند:

عقایـد ، نحو، بلاـغت، فقه، کلاـم و فلسـفه، تفسـیر ، أصول فقه مقارن، کتاب حکومت إسـلامی تألیف امام راحل (ره) پرداخت. در حال حاضر نامبرده در شهر خودشان حوزه و کتابخانه برای مطالعه و تحقیق عموم مردم و طلاب آن شهرستان تأسیس نموده اند.

مرتضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسـین مرتضوی معروف به حاج آقا کمال مرتضوی فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل مرحوم حاج سید محمدکاظم مرتضوی انار اللّه برهانه از معاریف دانشمندان و مشاهیر علماء و گویندگان تهرانست. مرحوم والدش میلاد او را چنین یاد نموده است.

ولادت نور چشم سـید محمدحسـین ملقب به کمالالدین صانه اللّه عن آفات السـموات والارضـین وجعله من العلماء العاملین لشریعه جده سید المرسـلین صـلی اللّه علیه و آله الطاهرین خاتم النبیین و المهتدین بعده امیرالمؤمنین واحد عشـر من ولده ائمه المعصومین، بعد طلوع صبح صادق من شهر جمادیالاولی ۱۳۳۶ هجری قمری واقع شده.

وی پس از پرورش در بیت و حجر چنین پـدر بزرگواری دروس اولیه و مقـدمات و ادبیات را در تهران خوانده سـپس عزیمت به قم نموده و سـطوح نهائی را از مدرسـین بزرگ حوزه علمیه قم آموخته سپس به تهران برگشته به خدمات دینی از قبیل تشکیل جلسات مـذهبی و اقامه جماعت در مسـجد فاطمیه خیابان هفده شـهریور (شـهباز سابق) و گفتن تفسیر و معارف اسلامی و معارف اهل‌بیت رسـالت علیهم‌السـلام پرداخته و از این راه ایفـاء وظیفه نمـوده تـا در این اواخر که به واسـطه کسـالت اعصـاب حلیـف بیت و جلیس خانه‌اش گردیده است.

دارای تألیفاتی مخطوط می‌باشند که به واسطه کسالت و موانع دیگر ناتمام مانده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مردانی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله مردانی در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در شهر کازرون پا به عرصه ی حیات گذشت . وی پس از به پایان بردن تحصیلات ، تـا قبل از انقلاب در استخدام بانک ملی بود. پس از پیروزی انقلاب در بخش فرهنگی سپاه پاسـداران و سازمان ارشاد اسـلامی به کـار پرداخت . مردانی در برگزاری شب های شـعر و کنگره های فرهنگی و ادبی با نهاد های انقلابی همکاری می کرد و فعالیت او بـا سازمـان پژوهش و برنـامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تـدوین ادبیـات انقلاب اسـلامی و همکاری با جهاد دانشـگاهی برای برگزاری کنگره ی شـعر دانشـجویان سراسـر کشور چشمگیر بود . کتاب" خون نام ?خاک ،"نصرالله مردانی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نصرالله مردانی فرزندمردی به نام عوض ،می باشد .

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : تحصـیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود کازرون به پایان برد . از آن پس به مطالعه کتابهای شعرو نثر پرداخت .و از آفرینش مضامین کلامی و سـخن شاعران متقـدم سود جست و در کار شاعری از سرچشـمه های فیاض آنان الهام گرفت . مطالعه و تتبع در دواوین شاعران قریحه و ذوق سرشار او را بارور کرد و به شعرش شکوفایی بخشید .

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : نصـرالله مردانی قبل از انقلاب در بانک ملی ایران مشـغول به کار بوده و از اولین لحظات پیروزی انقلاب تا کنون در بخش فرهنگی سپاه پاسداران و ارشاد اسلامی مأمور به خدمت می باشد. وی با شروع جنگ تحمیلی گاهی کنار رزمندگان اسـلام در جبهه ها حضور یافته و گاهی در شـبهای شـعر و کنگره های علمی و فرهنگی شـرکت کرده است. از مهمترین فعّالیتهـای فرهنگی ایشـان، همکاری با سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تـدوین کتاب ادبیات انقلاب اسلامی و همچنین همکاری جهت برگزاری کنگره شعر دانشجویان سراسر کشور بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصـرالله مردانی علاوه بر حضور در جبهه در برگزاری شـبهای شعر و کنگره های فرهنگی وادبی بـا نهادهـای انقلابی همکـاری کرد. و فعالیت او با سازمان پژوهش و برنامه وزارت آموزش و پرورش جهت تـدوین ادبیات انقلاب اسـلامی و همکاری با جهاد دانشـگاهی برای برگزاری کنگره شـعر دانشـجویان سراسر کشور چشمگیر بود . و همچنین کوشش وی در برگزاری یادواره علامه طباطبایی به مدت نه سال در کازرون از اقدامات قابل تحسین اوست .

آرا و گرایشـهای خاص : نصـرالله مردانی بدنبال تحولی تازه در شـعر بود او می گوید : « ... سال ها قبل از پیروزی انقلاب پیوند بین حماسه و تغزل ، که شیوه ای کاملا نو بود ، را اساس کار خود قرار دادم ... » .

جوائز و نشانهـا : کتـاب" خون نـام ?خاک ،"نصـرالله مردانی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ آتش نی (۱۳۷۰)

۲ خون نام پاک (۱۳۴۶)

ویژگی اثر : مجموع ?شـعر - این کتـاب (در سـال ۶۵) در دوره چهـارم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران برگزیـده شـده است .- آشنایی با کتاب خون نام ?خاک کتاب مجموعه ۱۳۲ قطعه شـعر، سرود ?نصر الله مردانی شاعر متعهد معاصر است که شامل سروده هـای پیش از انقلاب و بعـد از انقلاب در قـالب اوزان کلاسـیک (مقفّی – مـوزون – مردّف) می باشـد. اشـعار این مجموعه اغلب مشتمل بر مضامین بکر و تشبیهاتی نوین است و در حقیقت مانند معدودی از شاعران معاصر افقی تازه در بیکران احساس و اندیشه را نمودار ساخته است. مردانی از آندسـته شاعرانی است که نوبودن شـعر را در تازگی مضـمون می دانـد نه قالب، و همین خصیصـه بسیاری از اشعار او را در زمر ?مطرح ترین شعر زمان ما قرار داده است

۳ ستیغ سخن

ویژگی اثر : تـذکره منظوم که نام بیش از دو هزار شاعر از ظهور شـعر تا زمان نیما و از بیش از یکصـد و پنجاه تـذکره نام برده شـد (۱۳۷۱)

۴ غزل در آیینه انقلاب

۵ قیام نور(۱۳۶۰)

ویژگی اثر : مجموع ?شعر

۶ مجموعه های الماس آب

ویژگی اثر : مجموعه غزل-(برگزیده مهمترین غزلیات شاعران انقلاب) که در دست تهیه و تحریر است

منابع زندگینامه : ۱www.ketabsal.ir۲سید محمد باقر برقعی ، سخنوران نامی معاصر ایران ، ج ۶ ، ص ۳۶۵۶

مردای کرمانی، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هوشنگ مرادی کرمانی در سال ۱۳۲۳ در روستای سیرچ از توابع کرمان متولد شد . دیپلم متوسطه را از کرمان اخذ کرد و ضمن ادامه فعالیتهای هنری و فرهنگی در تهران به مدرسه عالی ترجمه راه یافت و به دریافت لیسانس ترجمه (سال ۱۳۵۳)نایل آمد.مردای کرمانی با بهره گیری از شیو ?خاص نویسندگان معاصر به کار نوشتن پرداخت و از سال ۱۳۴۷ فعالیتهای مطبوعاتی خود را با مجل ?خوشه آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۳ کار داستان نویسی در مجلات مختلف را ادامه داد. کتابهای" قصه های مجید"و" نه ترونه خشک "تالیف هوشنگ مرادی کرمانی ، به ترتیب در دورهای چهارم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : هوشنگ مرادی کرمانی تا کلاس پنجم ابتدایی در آن روستا درس خواند و سپس به کرمان آمده و در آن شهر به تحصیل خود ادامه داد و موفق به دریافت دیپلم دوره متوسطه گردید. وی ضمن ادامه فعالیتهای هنری و فرهنگی در تهران به مدرسه عالی ترجمه راه یافت و به دریافت لیسانس ترجمه (سال ۱۳۵۳)نایل آمد.

همسر و فرزندان : هوشنگ مرادی کرمانی متاهل و دارای سه فرند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کارشناسی تهیه گزارش دفتر وزارتی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله مشاغل هوشنگ مرادی کرمانی به شمار می آید.مردای کرمانی با بهره گیری از شیو ?خاص نویسندگان معاصر به کار نوشتن پرداخت و از سال ۱۳۴۷ فعالیتهای مطبوعاتی خود را با مجل ?خوشه آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۳ کار داستان نویسی در مجلات مختلف را ادامه داد. اما در این سال بکلی از کار مطبوعات دست کشید و وارد رادیو گردید و کار نوشتن در برنامه خانواده را آغاز کرد. در این زمان به فکر شخصیت سازی تیپ مجید افتاد. حاصل این تلاش هنرمندانه مجموع ?۵ جلدی قصه های مجید است که چهارجلد آن تا کنون منتشر شده و جلد پنجم آن نیز آماد ?چاپ است. از دیگر سمتهای ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: –عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی –عضو شورای مرکز کرمان شناسی

فعالیتهای آموزشی : هوشنگ مرادی کرمانی به عنوان مدرس اکابر و مدرس داستان نویسی در موسسه فرزانگان دختران و مجتمع شهید مهدوی و تدریس در ادبیات عامیانه و گزارش نویسی در موسسه عالی سوره از دیگر فعالیتهای وی می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هوشنگ مرادی کرمانی در همایش های متعددی نظیر ادبیات کودکان و نوجوانان در برلین و هند شرکت داشته است و علاوه بر آن در سال ۲۰۰۳ در جلسه های پرسش و پاسخ کشورهای برلین، هند و لندن و در مراسم اهدای جایزه وزارت فرهنگ و هنر اتریش حضور یافت. وی همچنین با شورای کتاب کودک و کانون پرورش کودکان و نوجوانان و جشنواره فیلم رشد و جشنواره فیلم کودکان فعالیت داشته است .

جوائز و نشانها : کتاب بچه های قالی باف خانه هوشنگ مرادی کرمانی، برنده جایزه شورای کتاب کودک ـibby دردفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان ، کتاب نخل برنده جایزه کتاب کودک برگزیده شورای کتاب کودک ـ IBBY ،کتاب خمره برنده ۱۲جایزه داخلی وبین المللی ، کتاب مربای شیرین برگزیده کتابخانه بین المللی مونیخ و مقاله آینه قلب ها جایزه جهانی اندرسن نشان از ارزش و جایگاه قلم این نویسند دارند . همچنین کتابهای" قصه های مجید"و" نه ترونه خشک "تالیف هوشنگ مرادی کرمانی ، به ترتیب در دورهای چهارم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. دیگر جوایز ایشان به قرار زیر است: نویسنده برگزیده هیات داوران جایزه جهانی اندرسن ۱۹۹۲ نویسنده برگزیده هیئت داوران جایزه جهانی خوزه مارتی (کاستاریکا) برنده جایزه موسسه C.P.N.B کشور هلند برنده جایزه موسسه جوانان آلمان برنده جایزه از وزارت فرهنگ و هنر اتریش، برنده جایزه هیئت داوران جایزه کبرای آبی کشور سویس برنده جایزه از کتابخانه های بین المللی مونیخ (آلمان) و سوئد و یونیسف(صندق کودکان سازمان ملل متحد)

چگونگی عرضه آثار : داستان‌های مرادی کرمانی به ده زبان انگلیسی، فرانسه، هلندی، اسپانیایی، آلمانی ترجمه و انتشار یافته است و ۲۸ فیلم سینمایی و تلویزیونی از روی داستانهای او ساخته شده است. نویسنده فیلم : مورد – ? تک درختها – ? گوشواره –? مهمان مامان – ? کیسه برنج – ? تیک تاک – ? کاکلی طرح اولیه داستان : مورد – ? مهمان مامان – مربای شیرین – ? کیسه برنج – ?تیک تاک – ? صبح روز بعد – ? خمره --

آثار :

۱ اقتباس سینمایی و تلویزیونی ۲۲مورد

۲ بچه های قالی باف خانه

ویژگی اثر : ۲ قصه روستایی

۳ تجربه های من درنوشتن برای کودکان

ویژگی اثر : این مجموعه درفصلنامه پویش درکانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است.

۴ تنور و داستانهای دیگر

ویژگی اثر : چند داستان به زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه شده است .

۵ چکمه

۶ چهره بچه های روستایی درادبیات کودکان و نوجوانان

ویژگی اثر : این کتاب ۱۷ مقاله دار د که در شورای کتاب کودک به چاپ رسیده است

۷ خمره

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه به انگلیسی ، آلمانی ، هلندی ، اسپانیولی ، فرانسوی که برنده ۱۲جایزه داخلی وبین المللی می باشد .

۸ قارقار کلاغ

ویژگی اثر : این مقاله پیامی به هیئت داوران و بچه های اتریشی ـ وزرات فرهنگ و هنر اتریش است

۹ قصه های مجید

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه به زبان انگلیسی ، هلندی ، آلمانی است که کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، شورای کتاب کودک ، کانون و ....بوده است–آشنایی با کتاب قصه های مجید قصه های مجید طنز تلخ یک نسل سرگردان است. نسلی که در یک طرفش سنتهای دیرپای زمانه و در طرف دیگرش جامعه ای دگرگون است که چهار فعل به سوی فرهنگ غربی به پیش می تازد، و مجید سمبل این نسل گمگشته و نماینده این تیپ منقلب است. او کسی است که رویدادهای پیرامونش را از صافی ذهن خود عبور می دهد و با زبانی اغراق آمیز به توصیف آن می پردازد. قصه های مجید در چهارچوب طرحی استوار با نثری شیوا و ساده ولی طنز آلود نوشته شده که فرهنگ مبتذل رژیم گذشته را به باد انتقاد می گیرد.

۱۰ کبوتر توی کوزه

۱۱ لبخندانار

ویژگی اثر : این چند داستان ترجمه به انگلیسی ـ درایران و هلند است

۱۲ مثل ماه شب چهارده

۱۳ مربای شیرین

ویژگی اثر : این کتاب برگزیده کتابخانه بین المللی مونیخ است

۱۴ مشت بر پوست

۱۵ مقاله آینه قلب ها

ویژگی اثر : این مقاله پیامی به هیئت داوران جایزه جهانی اندرسن است

۱۶ مهمان مامان

ویژگی اثر : این کتاب به ترجمه انگلیسی است

۱۷ نخل

ویژگی اثر : قصه بلند

۱۸ نه ترونه خشک

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: نه‌تر و نه خشک نه‌تر و نه خشک / نوشتهٔ هوشنگ مرادی کرمانی. – تهران: معین، ۱۳۸۲. پرنده‌ای کوچک به اندازهٔ یک ملخ، عاشق دختر پادشاه می‌شود. این مسئله به غرور شاه برمی‌خورد و شاه از در مخالفت برمی‌آید؛ اما پرندهٔ کوچک با آن جثهٔ ضعیفش شکوه و عظمت شاه را به لرزه می‌اندازد... نه تر و نه خشک داستانی فانتزی است. برداشتی نو و امروزی از افسانه‌ای قدیمی. فضا، شخصیت، و روابط آنها تخیل محض است؛ اما برگرفته از واقعیتی ملموس و همیشگی. و این تخیل است که فضای داستان را با دنیای زیبای نوجوانان پیوند می‌زند. در فضای فانتزی نه تر و نه خشک جدی‌ترین مسائل بشری با ساده‌ترین شیوه بیان شده است، گوشه‌ای از زندگی آدمها با همهٔ زیبایی‌ها و خشونت‌هایش

۱۹ هند درکرمان

ویژگی اثر : این مقاله پیامی به کنگره ادبیات کودکان و نوجوانان ـ هلند است .

مرزآبادی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای ادبیات فارسی.

مرتبه علمی:

طی مرحله استادیاری و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس در زمینه‌های تاریخ ادبیات ایران، ادبیات معاصر، نقد ادبی و روشی برای منابع ادبیات ایران به مدت ۲۷ سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخ ادبیات ایران، نقد ادبی، ادبیات معاصر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرزبان راد، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیقات ادبی و تلاش پیگیر به منظور راه‌یابی قرآن گرانقدر بعنوان درس رسمی به دانشگاهها. راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خسرو انوشیروان در ادب فارسی، دستور سودمند، تألیفات درسی و دانشگاهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶: تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

غالباً دینی و ندرتاً ادبی و سیاسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرزبان، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز مرزبان در سال ۱۲۹۶ در تهران دیده به جهان گشود.پرویز مرزبان یک دایره المعارف متحرک از هنرهای تجسمی است. حاصل ۵۰ سال تالیف و ترجمه او چاپ و انتشار کتاب هایی است که هر یک در حوزه خود کتابی مرجع به حساب می آیند. برای اولین بار او بود که چشم ایرانیان را با گستره وسیع هنر جهان، از دوران آغازین تاریخ هنر تا مکاتب متاخر قرن بیستم روشن کرد. کتاب" هنرهای ایران "ترجمه ،پرویز مرزبان ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

والدین و انساب : پرویز مرزبان از پدر و مادر خود چنین یاد می کند:مادرم از اعیان ترک ها بود و پدرم امین الملک، در دربار قاجار چشم پزشکی می کرد و در دوره پهلوی مورد غضب شاه قرار گرفت و خانه نشین شد. معروف بود که پدرم حق ویزیت از هیچ بیماری نمی گرفت .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پرویز مرزبان در یک خانواده از اعیان قدیمی تهران به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز مرزبان تحصیلات متوسطه را در رشت ?زبان و ادبیات فرانسه انجام داد و در سال ۱۳۱۹ از دانشسرای عالی در رشت ?زبان انگلیسی موفق به اخذ لیسانس شد.

همسر و فرزندان : پرویز مرزبان در مهرماه سال ۱۳۲۳ ازدواج کرد. همسرش هم مثل خودش در کار ترجمه است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز مرزبان در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۱۶ به طور مستمر در دبیرستانهای تهران به تدریس زبان و ادبیات فارسی، فرانسه و انگلیسی اشتغال داشت. همچنین در طول سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۳ به آموزش زبان و ادبیات انگلیسی و تاریخ و نقد هنر را در دانشگاهها پرداخته است.

جوائز و نشانها : کتاب" هنرهای ایران "ترجمه ،پرویز مرزبان ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ تاریخ هنر جانسن (۱۳۵۹)

۲ ترجمه و ویرایش سلسله مقالات هنری

ویژگی اثر : (از یک جلد از بریتانیکا برای دایرةالمعارف اسلامی)

۳ خلاصه تاریخ هنر (۱۳۶۷)

۴ دو مجلد از تاریخ تمدن ویل دورانت

۵ فرهنگ مصور هنرهای تجسمی(۱۳۶۵)

۶ مردانی که دنیا را عوض کرده اند

۷ معلم و شاگرد (۱۳۳۵)

۸ معنی زیبایی (۱۳۶۶)

۹ نظری به هنر نقاشی (۱۳۳۴)

۱۰ هنرهای ایران

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «هنرهای ایران»: هنرهای ایران، ر.دبلیو. فریه، ترجم ?پرویز مرزبان، تهران: نشر پژوهش فرزان روز، ۱۳۷۴. در این کتاب، هم ?جلوه های شگفت انگیز هنرهای ایرانی از پیش از تاریخ و ایران باستان تا عصر اسلامی، برای نخستین بار در مجلدی واحد و در نوزده بخش، به طرزی مرتبط با هم و مکمل یکدیگر، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. مقالات کتاب به قلم بیست تن از کارشناسان سرشناس بین المللی نوشته شده است که هر یک در زمین ?تخصصی خود از معماری و گچبری و پیکره سازی عهد باستان گرفته تا قالی بافی و نقاشی و نساجی و فلزکاری و سفالگری و هنرهای نسخه پردازی و شیشه گری دوران بعد، اثری مستند و آموزنده و معتبر و دلپذیر با بیش از ۱۷۰ لوح ?رنگی، بر آثار «هنرهای زیبا» و «هنرهای کاربردی» جهان افزوده اند

مرزبانی بغدادی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۴/ ۳۷۸/ ۳۷۱ -۲۹۷/ ۲۹۶/ ۲۸۷ ق)، محدث، اخباری، مورخ و ادیب معتزلی. معروف به کاتب مرزبانی. اصلش از خراسان است و در بغداد به دنیا آمد. او را جاحظ زمانش خوانده‌اند. در حدیث ثقه بود و معتزلی، اما گفته‌اند که به تشیع نیز گرایش داشت و نیز گفته‌اند که او اولین کسی است که «دیوان» یزید بن معاویهٔ بن ابی‌سفیان را جمع‌آوری و تدوین نمود. از ابوالقاسم عبداللّه بن محمد بغوی و ابوحامد محمد بن هارون حضروی و احمد بن سلیمان طوسی و ابوبکر بن درید و ابوعبداللّه نفطویه و ابوبکر محمد بن قاسم انباری و ابوبکر ابن ابی‌داوود سجستانی و از همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبداللّه صیمری و ابوالقاسم تنوخی و علی بن ایوب قمی و ابومحمد حسن بن علی جوهری و محمد بن مظفر دقاق و عتیقی و دیگران از وی حدیث شنیدند. به گفته‌ی ابوعلی فارسی نحوی مرزبانی از محاسن دنیا بود و عضدالدوله با تمام عظمتش بر در خانه او می‌ایستاد تا او از منزل خارج شود. خانه او مجمع فضلا و ادیبان بود. گفته‌اند که او اولین واضع علم بیان بوده است و نیز گفته شده که او از مشایخ شیخ مفید است. در بغداد درگذشت. ابوبکر خوارزمی فقیه بر او نماز گزارد و در منزلش، در قسمت شرقی، در محله عمر رومی دفن شد. او در فنون مختلف علوم اسلامی تصنیفات و تألیفات بسیاری نگاشت. از آثارش: «اخبار الشعراء»، که عده‌ای آن را با «اخبار الشعراء المحدثین» یکی دانسته‌اند؛ «معجم الشعراء»، شامل پنج هزار اسم، در هزار برگ؛ «اخبار المعتزلهٔ»؛ «تلقیح العقول»؛ «الریاض»؛ «الازمنهٔ»، در هزار برگ؛ «الاوائل»، در حدود هزار برگ؛ «الدعاء»؛ «المعلی فی فضائل القرآن»؛ «ذم الدنیا»؛ «الشباب و الشیب»؛ «کتاب الشعر»؛ «اشعار النساء»؛ «اشعار الخلفاء»؛ «الزهد و اخبار الزهاد»؛ «الفرج»؛ «العبادهٔ»؛ «اخبار المحتضرین»؛ «المراثی»؛ «المغازی»؛ «الهدایا»؛ «نسخ العهود الی القضاهٔ»؛ «المدیح فی الولائم و الدعوات»؛ «اخبار النحاهٔ»؛ «اخبارالمتکلمین»؛ «شعراء الشیعه»؛ کتاب «ما نزل من القرآن فی علی (ع)»؛ کتاب «المفصل»، در علم بیان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰/ ۷)، اعیان الشیعه (۳۳/ ۱۰)، انساب سمعانی (۲۵۷ -۲۵۶/ ۵)، ایضاح الکمنون (۸۰/ ۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۸۷ -۸۶/ ۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ بغداد (۱۳۶ -۱۳۵/ ۳)، تأسیس الشیعه (۹۵ -۹۴)، الذریعه (۱۶۲/ ۲۵ ،۱۴۷/ ۲۴ ،۲۹۰ ،۲۱۸ - ۲۱۷/ ۲۱ ،۲۵۰/ ۲۰ ،۱۹۲/ ۱۴ ،۲۳/ ۱۳ ،۳۱۴/ ۱۱ ،۴۲۹/ ۴ ،۴۷۲ -۴۷۱/ ۲ ،۵۳۱ ،۳۳۶ -۳۳۵/ ۱)، روضات الجنات (۳۲۳ -۳۲۲/ ۷)،

ریحانه (۲۸۳ -۲۸۲/ ۵)، سیر النبلاء (۴۴۹ -۴۴۷/ ۱۶)، شذرات الذهب (۱۱۲ -۱۱۱/ ۳)، العبر (۱۶۶ -۱۶۵/ ۲)، فوائد الرضویهٔ (۵۸۸)، الفهرست لابن الندیم (۱۹۳ -۱۹۰)، الکامل (۱۶۷ -۱۶۶/ ۷)، کشف الظنون (۱۷۳۴، ۱۱۰۶)، الکنی و الالقاب (۱۷۹ -۱۷۷/ ۳)، لسان المیزان (۴۲۷ -۴۲۶/ ۶)، معجم الادباء (۲۷۲ -۲۶۸/ ۱۸، ۴۷/ ۱)، معجم المؤلفین (۹۸ -۹۷/ ۱۱)، المنتظم (۲۶/ ۹)، الاعتدال (۶۴۱ -۶۴۰/ ۳)، النجوم الزاهرهٔ (۱۷۰/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۳۷ -۲۳۵/ ۴)، وفیات الاعیان (۳۵۶ -۳۵۴/ ۴)، هدیهٔ الاحباب (۲۳۸)، هدیهٔ العارفین (۵۴/ ۲).

مرزوقی اصفهانی، ابوعلی احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۱ ق)، ادیب، نحوی و شاعر. معروف به امام مرزوقی و حائک. اهل اصفهان و یکی از پیشوایان زبان و نحو و از شعرا و مداحان اهل‌بیت (ع) بود. وی «کتاب سیبویه» را نزد ابوعلی فارسی خواند. در اصفهان معلم فرزندان آل‌بویه بود. او از عبداللّه بن جعفر بن فارس حدیث روایت کرده است. سعید بقال از وی روایت کرده و در «معجم» خود به وی استناد کرده است. صاحب بن عباد برجستگی علمی اصفهان را به سه کس مربوط می‌داند که اول آنها مرزوقی است. تیزهوشی، زیرکی و تصانیف زیبا را حموی از ویژگی‌های وی می‌داند. وی غیر از ابن‌المرزوق نحوی معروف (م ۷۸۱ ق)، است که از شاگردان خطیب دمشقی و ابوحیان بود. از آثارش: «الازمنهٔ و الامکنهٔ»؛ شرح اشعار هذیل؛ شرح «الحماسهٔ» ابی‌تمام؛ شرح «الفصیح» ثعلب؛ شرح «المفضلیات»؛ شرح «الموجز»، در نحو؛ «شرح النحو»؛ «الامالی»؛ «الفاظ العموم و الشمول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۵/ ۱)، اعیان الشیعه (۹۴/ ۳)، ایضاح المکنون (۱۹۱/ ۱)، الذریعه (۹۶، ۸۲/ ۱۴، ۳۸۶، ۳۸۵ -۹۲/ ۱۳، ۵۳۱/ ۱)، روضات الجنات (۲۵۵ -۲۵۴/ ۱)، ریحانه (۲۸۵ -۲۸۴/ ۵)، سیر النبلاء (۴۷۶ -۴۷۵/ ۱۷)، کشف الظنون (۱۲۷۳، ۶۹۲)، الکنی و الالقاب (۵۶ -۵۵/ ۲)، معجم الادباء (۳۵ -۳۴/ ۵)، معجم المؤلفین (۹۲ -۹۱/ ۲)، الوافی بالوفیات (۵/ ۸)، هدیهٔ الاحباب (۲۳۸)، هدیهٔ العارفین (۷۴ -۷۳/ ۱).

مرزوقی شمیرانی، حبیب اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه خود نوشت:

بسمه تعالی شأنه

پدرم مرحوم کربلائی عباس، فرزند مرحوم کربلائی فرج الله، و دارای دو برادر از خود بزرگتر، به نامهای «حاج آقا» و «محمد آقا» بود، آنان یک خواهر نیز داشتند به نام «فاطمه» پدرم با صبیه مرحوم «محمد کاظم حمزه» که از اهالی تجریش بود ازدواج نمود، و در نتیجه، آفریدگار بزرگ اولین فرزند ذکور و آخرین فرزند آنان را مرا قرار داد، پیدایشم طبق شناسنامه در روز بیستم مهر ماه از سال هزار و سیصد و چهارده شمسی بود.

مرحوم عموی بزرگم که حاج آقا نام داشت مرا به «حبیب الله» نامید، که امید است در عمل نیز حبیب الله باشم.

من از کودکی نسبت به امور دینی علاقمند بودم و از دیدار علما و سادات، حتی مدیحه سرایان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله لذت می بردم.

و همراه پدرم در مجالس قرآن و روضه خوانی حضور می یافتم، تا جایی که اشعار مذهبی به من می آموخت و در برخی مجالس می خواندم و مورد تشویق قرارم می دادند.

خواندن و نوشتن را تا حدودی نزد پدر و دیگر معلمان مکتبی فراگرفتم و چون به دبستان رفتم از خیلی همدرسانم جلو بودم، امام جماعت و قاری سر صف در دوره دبستان منحصر به بنده بود.

کوتاه سخن اینکه: چون دوره دبستانی شش کلاس به پایان رسید، در ایام عیدی خدمت حضرت آیهٔ الزّهد و التقوی مرحوم آقا سید جعفر دربندی شرفیاب شده و پدرم از وی خواست که چون فرزندم علاقه به تحصیل علوم اسلامی دارد، شما راهنمایی فرمایید. معظم له ما را به سوی حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ علی اکبر برهان، در خیابان لرزاده تهران فرستاد و آن بزرگوار هم اول دستور پوشیدن لباس روحانی را داد و چون پدرم عرض کرد که پسرم سوادی ندارد تا لباس روحانی بپوشد آن مرحوم فرمود: مگر سرباز هنگام ورودش به سرباز خانه از راه و رسم سربازی چیزی می داند؟ لباس روحانی خود سنگری برای حفاظت از بسیاری انحرافات می باشد خدا رحمتش کند، که چه نیکو فرموده بود، و اگر نه چنین می کردیم همان روزهای اول سنگر را رها می نمودم، سرانجام لباسی تهیه شد و مرحوم برهان مرا به مدرسه برهانیه که جنب حرم با صفای حضرت عبدالعظیم علیه السلام بود فرستاد و در آن مدرسه مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ رضا بود. مردی که از اساتید برجسته آن خطه بود با دعای خیر عمامه به سر بنده گذارد و پس از چند ماه به قم مشرف شدم و در مدرسه «ناصریه» روبروی مسجد جامع قم حجره یی نصیبم شد و ادبیات را از محضر استاد حاج شیخ عبدالحسین وکیلی که در مدرسه حجره یی داشت و از علمای با صفای قم بود فرا گرفتم و همچنین از حضرت حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج شیخ رحمت الله فشارکی و دیگر حضرات چون حاج شیخ

رضا آدینه وند و آیهٔ الحق استاد اعتمادی بهره مند گردید و سطوح را از محضر آیاتی چون آیهٔ الله جعفر سبحانی و آیهٔ الله حسین نوری و نیز از آیهٔ الله مکارم شیرازی و مرحوم آیهٔ الله سلطانی فرا گرفتم و چندین سال هم در درس خارج حضرت آیهٔ الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی حضور می یافتم.

در ذیل تحصیل، به سخنرانی هم توجهی خاص داشتم و نیز قلم هم به دست گرفته جزواتی جهت راهنمایی عموم مردم به ویژه جوانان به رشته تحریر درآوردم که بحمد الله مورد توجه قرار گرفت.

نوشتارم از قبیل: شعله های فساد، بحثی درباره علوم قرآن (ترجمه)، شیعه و مهدویت، چهره هایی که در جستجوی قائم پیروز شدند. اشکالات جالب و پاسخهای جالبتر (ترجمه)، حقیقتی همرنگ افسانه، از پیروزی انقلاب که به تهران آمدم، جزوهای نمی از یم، فائزون یا هنر شیعه بودن، نامحرمی در حرم، سنت سلام را فراموش نکنیم، در اختیار جامعه قرار دادم و فعلاً کتاب: ضیاء العینین من فرائد السمطین زیر چاپ است و هزار و یک حدیث هم در حال پاک نویس می باشد.

در مسافرتهای تبلیغی در شهر رامسر بنای مسجد باشکوه «مسجد حضرت صاحب الزمان در محله نارنج بن و مسجد ارشاد، در ابریشم محله و در دربند شمیران مسجد مسلمیه را احداث نموده و فعلا در مسجد حضرت صاحب الامر، واقع در خیابان (شهید زمانی، نخجوان سابق انجام وظیفه می نمایم و از خداوند متعال توفیق خدمت هر چه بیشتر را دارم، اما:

(خدا کند که نباشد «مغازه» مسجد من

وگرنه دین و دیانت به «غاز» بفروشم)

حبیب الله مرزوقی شمیرانی

۱۳۸۴/۵/۳۰

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۱ -۱۳۱۸/ ۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌اللّه حایری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌اللّه مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌اللّه مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبهٔ المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسابین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبلهٔ»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل‌محمد (ص)؛ «مصباح الهدایهٔ فی شوارع الکفایهٔ»، که حاشیه مختصر بر «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمهٔ التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایهٔ»، در شرح «الکفایهٔ»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیهٔ»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[۱]

یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.

اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.

در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر ۱۳۱۸ قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم

ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائیه و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.

شرف تتابع کابر عن کابر

کالرمح انبوب علی انبوب

نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.

ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه ۱۱ و علماء معاصرین صفحه ۲۱۷ و آثارالحجه جلد ۲ صفحه ۴۶ و معارف الرجال جلد دوم صفحه ۲۶۸ و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه ۱۰۸ طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه ۸۴۷ و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.

علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بابیه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.

و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنگ حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.

در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران

بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری

بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.

اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایهٔ حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال ۱۳۴۲ ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال ۱۳۹۳ هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهائی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

۱- السید حسن صدر کاظمین ۲- السید نجم‌الحسن الهتدی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان ۳- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار ۴- السید محسن الامین الشامی ۵- السید ابوالقاسم الدهکردی ۶- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه ۸- الشیخ علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء ۸- الشیخ هادی آل کاشف الغطاء ۹- الشیخ مرتضی آل کاشف الغطاء ۱۰- الشیخ محمدجواد البلاغی ۱۱- الشیخ محمداسماعیل محلاتی ۱۲- السید جعفر آل بحرالعلوم ۱۳- الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی ۱۴- المیرزا محمد العسکری التهرانی ۱۵- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی ۱۶- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی ۱۷- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی ۱۸- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری ۱۹- آیت‌الله الحاج آقاحسین قمی ۲۰- آیت‌الله حاج آقاحسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.

آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:

۱- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.

۲- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.

۳- توضیح‌المسائل که بکرات به طبع رسیده ۴- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی ۵- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.

۶- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) ۷- المعول فی امر المطول.

۸- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر ۹- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.

۱۰- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین کتب در انساب است در چند مجلد.

۱۱- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.

۱۲- الرحله الشیرازیه که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند ۱۳- الرحله الاصفهانیه در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.

۱۴- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.

۱۵- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر ۱- در اجازات علماء امامیه از اثناعشریه که به معظم‌له داده‌اند ۲- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند ۳- اجازاتیکه ایشان به دیگران داده‌اند.

مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۶(۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق.)، نجف اشرف.

درگذشت: ۷ شهریور ۱۳۶۹(۷ صفر ۱۴۱۲ ق.) قم.

آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغاز کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبۀالدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی‌خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی‌اصغر ختیایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی

خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبۀالدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.

آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.

آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم ۱۳۴۲ از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های دررس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.

آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در ۱۳۸۰ ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.

آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الاکرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمدۀ المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسابین، الهدایۀ فی معاضل الکفایۀ، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلۀ الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایۀ القوی، سلوۀ الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، ۱۳۷۴).

از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای ۳۵۰۰ متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان ۱۳۴۹ با حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت ۲۴۰۰ متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید ۱۶۰۰۰ متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.

این کتابخانه (تا سال ۱۳۷۴) نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی، ۳۵۰۰۰ مجلد با ۵۰۰۰۰ عنوان نسخه خطی، بیش از ۲۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به ۵۰۰۰ جلد نسخه عکسی، حدود ۸۰۰۰ میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.

آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۲ برابر با هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکته قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۱ –۱۷۷)، الذریعه (۲۰۴/ ۲۳ ،۲۷۶/ ۲۱ ،۳۷۶/ ۲۰ ،۳۵۵، ۲۶۴/ ۱۸ ،۱۸۶/ ۱۶ ،۸۸/ ۱۵ ،۲۱۵، ۱۴۰/ ۱۲ ،۳۷۸/ ۶ ،۲۶۰/ ۲)، ریحانه (۱۳۴ –۱۲۹/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴۸ –۸۴۷/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۹ –۲۱۷)، گلزار معانی (۷۰۲ –۶۹۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۲ –۳۷/ ۲ ،۲۱۵ ،۲۱۱ ،۵۶ –۵۱/ ۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۰ –۱۱۸۹/ ۳).

مرعشی نجفی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدجواد ملقب به نجم‌الدین مرعشی نجفی سومین فرزند آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی قدس‌اللّٰه سره، در فروردین ۱۳۲۶ شمسی دیده به جهان گشوده، و در حجر و دامن مادر عفیفه و با تقوایش صبیه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا عباس فقیه مبرقع مدفون در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام که نوه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا احمد طباطبائی برادر مرحوم

آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده پرورش یافته و پس از اتمام دوره ابتدائی و متوسطه و گرفتن دیپلم به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و سطوح را از اساتید یاد شده:

حاج شیخ مهدی بیگدلی و حاج سید محمدتقی جواهری و حاج شیخ محمدصادق نصیری و حاج شیخ احمد کریمی و آقای صلواتی و علوی گرگانی و قسمت عمده سطح و خارج فقه و اصول را از محضر والد ماجدش استفاده نموده و در زمان حیات آن بزرگوار به امر معظم‌له در دو نوبت صبح و ظهر به جای ایشان در مسجد بالا_سر و مسجد موزه آستانه مبارکه حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام اقامه جماعت نموده و پس از رحلت آن بزرگوار در شبها هم به جای ایشان نماز و مانند زمان آن مرحوم مردم مجاور قم و غیره به نماز او اقبال و توجه و از جهت کثرت اول نماز جماعت قم می‌باشد.

ایشان مضافا بر فضیلت نسبی شرافت سببی هم دارند زیرا داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدعلی سبط انصاری از علماء محترم تهران و مدرس و امام مسجد و مدرسه مروی تهران می‌باشند که آن مرحوم داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمود مسجد جامعی والد آیت‌اللّه حاج میرزا محمدحسین و مرحوم حجهٔالاسلام حاج میرزا مصطفی و حجهٔالاسلام حاج میرزا مسیح مسجد جامعی بوده‌اند.

از طرف مرحوم والدش متولی و سرپرست مدرسه مؤمنیه و مدرسه مهدیه و حسینیه آن مرحوم می‌باشد.

آثار و تألیفات ایشان

مترجم محترم ما دارای تألیفات ارزنده‌ای هستند که از نظر خوانندگان می گذرانم .

۱- چهره درخشان امام زمان عجل‌اللّه فرجه الشریف (در ترجمه الزام الناصب ۳ جلد).

۲- نهضفت خونین حسین علیه‌السلام ترجمه مع الحسین فی نهضه سید حیدر ۱ جلد.

۳- مناقب امام امیرالمؤمنین (ع) ترجمه مناقب ابن مغازلی.

۴- قهرمان کربلا زینب کبری (ع) ترجمه السیده زینب.

۵- اخبار الزینبات یحیی عبیدلی.

۶- خورشید پنهان ترجمه البیان گنجی شافعی- که همه اینها به طبع رسیده است.

آثار مخطوط

۱- رساله راس الحسین علیه‌السلام.

۲- تقریرات درس والدشان کتاب حدود و قصاص و دیات وارث و ودیعه.

۳- شروح کتب درسی تقریر درس آقای کریمی.

۴- ترجمه لالی الاخبار تویسرکانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرعشی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۸ ق)، عالم امامی، فقیه، زاهد و ادیب. موصوف به طبری و معروف به مرعشی. از سادات مرعشیه‌ی طبرستان بود که نسبشان به حسین الاصغر، فرزند امام سجاد (ع) می‌رسد و به علت جدش علی مرعش به مرعشی مشهور بود. او از فقهای بزرگ شیعه و از اکابر مشایخ امامیه می‌باشد. وی از محمد بن جعفر بن احمد بن بطه و محمد بن جعفر اسدی و احمد بن ادریس اشعری و محمد بن حسین بن درست و علی بن ابراهیم قمی و علی بن ابی‌عبداللّه محمد بن ابی‌القاسم (از پدرش ملقب به ماجیلویه) و ابوالعباس احمد بن محمد ابن‌عقده روایت کرده است. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و احمد بن عبدون در ۳۵۴ ق از وی حدیث شنیدند. ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری در ۳۲۸ ق از وی روایت شنید و از او اجازه دریافت کرد. از آثارش: «الاشفیهٔ»، در معانی غیبت؛ «تباشیر الشریعهٔ»؛ «الجامع»؛ «الدر»؛ «الغیبهٔ»؛ «المبسوط فی عمل یوم و لیلهٔ»؛ «المرشد»؛ «المفتخر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۳/ ۲)، اعیان الشیعه (۶۱ -۶۰/ ۵)، ایضاح المکنون (۳۲۷، ۳۱۷، ۲۹۴، ۲۶۸/ ۲ ،۲۲۰/ ۱)، الذریعه (۳۵۸ - ۳۵۷/ ۲۱ ،۳۰۴/ ۲۰ ،۵۳/ ۱۹ ،۷۶/ ۱۶ ،۳۱۰/ ۳ ،۱۱۱/ ۲)، رجال طوسی (۴۶۵)، ریحانه (۲۸۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۷ -۸۶/ ۴)، لغت نامه (ذیل/ حسن مرعش)، معجم المؤلفین (۲۲۱/ ۳).

مرعشی، داود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میرزا عبدالله بن محمد شفیع، از اکابر سادات عالی درجات، به جلالت شأن معروف، و به اقتفای فضایل و کمالات، موصوف. به منصب رفیع تولیت روضه‌ی رضویه، و مصاهرت دودمان صفویه ممتاز گردیده.

در ۱۰۶۵ در اصفهان تولد، و در سال ۱۱۳۳ در اصفهان وفات یافته، شاعر و ادیب و نویسنده است.

کتب زیر از اوست:

۱- دیوان اشعار ۲- مثنوی زبور العاشقین ۳- سفرنامه ۴- سلطان الانساب ۵- مثنوی نمکدان؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مرعشی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۰ -۱۱۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب و شاعر. از فرزندزادگان علامه سید حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بود. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»؛ شرح «زبدهٔ الاصول»؛ شرح «تشریح الافلاک»؛ «سفرنامه‌ی هندوستان»؛ کتاب «اجازات»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۲/ ۹)، تذکرهٔ القبور (۴۸۸)، معجم المؤلفین (۱۸۸/ ۱۰).

مرعشی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود مرعشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تاکنون بیش از ۶۰ مقاله در زمینه کتابشناسی نسخه شناسی ، کتاب پژوهی ، رجال و تراجم و انساب نگاشته ام و تمامی آنها تاکنون چاپ و منتشر شده است همچنین نظربه اینکه از سنین نوجوانی در کنار پدر بزرگوارم کتابشناسی مخطوطات را فرا گرفته ام و با اشتیاق در کنار دروس حوزوی خود ادامه دادم اکنون بیش از نیم قرن است که تجربه اندوخته ام و اینجانب را در بیشتر مراکز علمی و کتابخانه ها و دانشگاههای جهان به عنوان یکی از بزرگترین کتابشناسان معاصر کتابهای اسلامی جهان می شناسند.

اینجانب چند جلد تالیف نیز دارم که بیشتر آنها چاپ و منتشر گردیده است .جز آن، دهها کتاب را تحقیق و تحصیح و چاپ کرده ام و بسیاری دیگر نیز زیر نظر اینجانب منتشر شده است . همچنین کتبا دارای چند اجازه اجتهاد و روایتی و امور حسبیه از مراجع گذشته و حال می باشم از جمله حضرات آیا ت عظام :اراکی ، مرحوم والدم ، مکارم شیرازی ، بهجت ، فاضل لنکرانی ،سید محمد شیرازی، سیستانی و غیره و نیز از مرحوم آیه الله العظمی شیخ عبد النبی اراکی اجازه اجتهاد گرفتم و از مرحوم آیت الله سید محمد صادق بحر العلوم نجفی و مرحوم آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و مرحوم آیت الله علیاری تبریزی و غیر آنان اجازه روایتی در یافت نموده ام . به منظور اطلاعات بیشتر به مجله کیهان فرهنگی شماره ۲۰۴ که ویژه اینجانب و نیز کتابخانه می باشد همچنین مقاله ای که محقق و پژوهشگر پر تلاش آقای علی رفیعی در مورد زندگینامه اینجانب نگاشته و در فصلنامه میراث شهاب کتابخانه چاپ شده و هر دو آنها ضمینه این برگه ها می باشد مراجعه شود .

و نیز از مفتی بزرگ یمن محمد بن زباره و مرحوم شیخ محمد غزالی بزرگترین متفکر جهان عرب و صاحب بیش از ۵۰۰ تألیف در موضوعا ت گوناگون اجازه کتبی اخذ نموده ام .اینجانب همچنین افزون بر ۵۰ سال است که شرعا و قانونا متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی می باشم و نیز متولی ۳ مدرسه علمی والدم که در قم بنیاد کرده اند برای طلاب به عهده دارم نیز مسئول دفتر پدر بزرگوارم بوده و می باشم اینجانب چند پروژه تحقیقاتی با برخی از اسلام شناسان خارجی دارم که در حال انجام است و به زودی منتشر می شود همچنین کتاب عظیم : موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه در کلام و فضائل ائمه اطهار علیهم السلام که از تألیفات پدر عزیزم و به عربی می باشد زیر نظر و با اشراف اینجانب در حال انتشار است که ۵ جلد نخست آن منتشر شده و ۱۵ جلد دیگر تا اواخر سال جاری ۱۳۸۶ و ۲۵ جلد دیگر تا دو سال بعد منتشر خواهد شد و جمعا ۴۵ جلد خواهد بود این کتاب تاکنون ۳ بار جایزه بهترین کتاب سال در حوزه دین شناخته شده و دریافت نموده است .

مرغینانی، بهاءالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۷/ ۵۲۷ ق)، منشی و شاعر. اصل وی از مرغینان، از نواحی فرغانه ترکستان، و از شعرا و منشیان معروف عصر خود بود. او

مداحی سلطان قطب‌الدین انوشتگین خوارزمشاه (۵۲۲ -۴۹۰ ق) می‌کرد. به آورده‌ی صاحب «تاریخ نظم و نثر»، بهاءالدین از سوی پدر از خاندان شیخ‌الاسلام فرغانه و از سوی مادر از فرزندان طغان خان، حکمران فرغانه بوده و تا زمان ارغون خان نیز می‌زیسته است. همچنین در این کتاب تاریخ فوت او ۶۴۹ ق ذکر شده است. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۷۴ -۱۷۳)، الذریعه (۱۰۳۱/ ۹)، ریحانه (۲۹۳/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۴ -۱۴۳)، لغت نامه (ذیل/ بهاءالدین)، مجمع الفصحا (۴۴۸ -۴۴۷/ ۱).

مروجی طبسی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر مروجی طبسی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد جعفر مروجی طبسی فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی درسال ۱۳۳۵ در نجف اشرف متولد شد، دروس مقدمات حوزه را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی گذراند. و سطوح عالیه را نزد آقایان: مرحوم حاج سید ابوالفضل موسوی تبریزی و مرحوم آقای وجدانی فخر و مرحوم حاج شیخ احمد پایانی و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی و جناب محقق داماد و جناب شیخ محمد کلباسی و جناب آقای فیاضی به پایان رساند و حدود ۱۵ سال در درس خارج حضرات آیات عظام آقایان: حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله سید ابوالقاسم کوکبی، حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودند.

مروجی طبسی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد مروجی طبسی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی بنده در نهم ماه ذی الحجه ۱۳۷۲ هجری قمری مطابق با ۲۸/۱۲/۱۳۳۱ هجری شمسی در نجف اشرف در یک خانواده روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رضا طبسی است که ظاهرا در سال ۱۳۴۵ هجری قمری از قم به حوزه نجف اشرف هجرت فرمود تا از محضر پر فیض بزرگانی همچون مرحوم نایینی و آقا ضیاء عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بهره جوید.پس از گذشت دوران کودکی به تحصیل در مدارس دولتی تا کلاس ششم نظام قدیم پرداخته و پس از آن با تشویق جدی و پی گیر مرحوم والد تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه نجف اشرف آغاز کردم چرا که مدتی از رحلت برادر بزرگم مرحوم شیخ محمد علی طبسی در تهران می گذشت و چون فرزند دیگری که جای او را پر کند نداشت، تلاش فراوان می کرد تا مرا به سلک روحانیت درآورد.بدین جهت از دوران کودکی ونوجوانی که همراه پدرم پیش از اذان صبح به حرم مولی امیرالمومنین می رفتم در بین راه او نمازهای مستحبی می خواند و من نیز احساس می کردم که این حالت معنوی و عرفانی که اوداشت در من در حال شکل گرفتن است زیرا من نیز به توصیه وی وادار می شدم به برخی اذکار و اوراد در بین راه بپردازم. یادم هست که گاهی بر اثر کم خوابی سجاده پدرم را که می بایست برای نماز جماعت ایشان در رواق مطهر علی بن ابی طالب(علیه السلام) پهن می کردم و برای ایشان تکبیر می گفتم، زیر سر گذاشته و در کنار قبر علامه حلی در راهرو به خواب می رفتم.پدرم به مناسبتهای گوناگون از محاسن ورود به حوزه علمیه و قرار گرفتن در ردیف علماء و اینکه ملائکه و فرشتگان زیر پای جوینده علم ودانش بالهای خود را می گسترانند بنده را بسیار تشویق می فرمود. تا اینکه در اول سال ۴۶ هجری شمسی بدست مبارکشان در روز اول فروردین معمم شدم. چند سالی که در حوزه علمیه نجف اشرف بودم از استادان محترم و عالیقدری بهره جسته از جمله اولین استاد ومربی خودم یعنی مرحوم پدرم بود که وی را به حق استادی بزرگ و مربی شایسته ودلسوز یافتم که در تمام مقاطع سنی یار و پدری مهربان برایم بود.او با اینکه اشتغالات علمی و تالیفی ودرسی وتدریسی ومراجعات مردم فراوان داشت اما هرگز فرصتها را

از دست نـداده و شـبانه روز وقت خود را در اختیـار من قرار داده بود. حتی آخرین لحظات عمر مبارکش زیر نظر او بوده و از خوان علم و معرفت و اخلاق و صـفات حمیده اش پیوسته بهره می جستم.او بحق فقیهی بود بزرگوار و دائره المعارف بزرگی بود که نظیر و ماننـدش را در بین آیـات عظـام کم دیـده بـودم.چنـانکه عرض کردم از دوران کـوکی و نوجوانی تحت تربیت و مراقبت وی قرار گرفته وهر روز صـبح پس از برگشتن از حرم مطهر امیرالمومنان از من می خواستند تا قرآن مجید رانزد او بخوانم و سپس به شرح و تفسیر برخی از آیـات و کلمـات آن که در خور فهم بود می پرداخت. ودر اولین گـام پس از فراگرفتن قرآن کریم مرا به احکـام و مسائـل آشـنا سـاخته وآنهـا را از حاشـیه بر طریـق النجـاه کـه در حقیقـت رسـاله عملیـه پـدرم بـود از او تلقی کردم وسـپس برخی کتـاب¬هـای جـامع المقـدمات از قبیـل امثله و شـرح امثله و عوامـل جرجـانی و شـرایع الاسـلام و شـرح بـاب حادی عشـر را نزد او خواندم.و پس از مدتی که بدنبال یک اسـتاد خصوصـی برایم بود سرانجام با استاد دیگری به نام حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسـین کشـمیری (ره) آشـنا شده و بنا به توصیه و سفارش پدرم کتاب های دیگری از جامع المقدمات از قبیل کتاب المنطق و شرح النموذج و سـپس مقـداری از حاشیه ملاـ عبـد الله را در نزد او خوانـدم.و اسـتاد سوم و چهـارم اینجانب در مقـدمات و ادبیات عرب مرحوم حجه الاسـلام و المسـلمین حاج آقای حجتی بروجردی بود که جلـد اول شـرح ابن عقیل را نزد او خوانـده و همچنین مرحوم حجه الاسـلام و المسـلمین آقای شـیخ محمد علی مدرس افغانی که بخشی از سیوطی را نزد او خواندم.پنجمین استادی که در نجف اشرف داشتم جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای سید مرتضی قائنی (سلمه الله) بود که با عده ای از دوستان مقداری از شرح لمعه را در نزدش تلمـذ نمـودم.پس از مـدتی کـه از تحصـیلاتم گـذشت ملاـحظه کردم کـه منزل مرحـوم پـدرم بسـیار پر رفـت و آمد است.اینجا بود که برای اولین بار به محیط مدارس علمی رفته و در مدرسه خلیلی با یکی از دوستان به نام شیخ ابوالقاسم نظرپور هم حجره شـدم.پس از مـدتی به علت کوچک بودن حجره به توصـیه پـدرم و به سـفارش مرحوم آیه الله زاده کفایی به مـدرسه مرحوم آخونـد بزرگ که در آن روز تازه تجدیـد بنا شـده بود راه یافتم.اما دیری نگـذشت که تصـمیم جدی گرفته و با پدر ومادرم مسئله رفتن به حوزه علمیه قم را مطرح کردم تا با خیالی آسوده و دور از خویشان به تحصیل ادامه دهم. اما آنها صلاح دانستند که فعلا به تحصـیلات ادامه داده و رفتن به قم را به سالهـای بعـد موکول کنم.اما دیری نگـذشت که در اوایل ماه ذی القعـده سال ۱۳۵۰ توسط عوامل بعثی دستگیر شده و پیش از هجرت عمومی سال ۱۳۵۰ به همراه گروهی از علماء و روحانیون به ایران فرستاده شدیم.از سال ۱۳۵۰ هجری شمسـی که وارد قم شـدم به ادامه تحصـیل پرداخته و از محضـر اساتیـد بزرگواری در سـطوح مختلف بهره برده که به شرح زیر می باشد:

۱. جناب آقای لطفی کاشانی در مقداری از حاشیه ملا عبد الله

۲. آقای شیخ عبد الله اصفهانی در مقداری ازکتاب سیوطی

۳. آقای شیخ مهدی مجیدی کتاب مغنی

۴. آقای سید نور الدین شریعتمدار جزائری ، مقداری از شرح لمعه و جواهر البلاغه

۵. مرحوم آقای فخر وجدانی مقداری از شرح لمعه

۶. سید محمد رضا طباطبائی یزدی در مقداری از شرح لمعه و مقداری از باب حادی عشر

۷. حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی در مقداری از شرح لمعه و شرح تجرید

۸. سید نور الدین حسینی اشکوری، المنطق مرحوم مظفر

۹. سید احمد حسینی اشکوری، جلد دوم شرح ابن عقیل

۱۰. شیخ حسین کورانی، بخشی از المنطق مرحوم مظفر

۱۱. آقای جلیلی در بخشی از شرح لمعه

۱۲. مرحوم عرفانی خراسانی در مقداری از معالم

۱۳. آقای شیخ احمد امین بخشی ازمعالم

۱۴. استاد شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل شیخ انصاری

۱۵. استاد میرزا محسن دوزدوزانی در قوانین و مکاسب محرمه و جلد دوم کفایه و تفسیر برخی از سور قرآن کریم

۱۶. مرحوم آیه الله حقی در بخشی از شرح تجرید و درس تفسیر قرآن

۱۷. استاد حاج شیخ عباس نائینی در بخشی از شرح تجرید

۱۸. مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی ستوده در بخشی از بیع و خیارات مکاسب شیخ انصاری

۱۹. مرحوم آیه الله شیخ احمد پایانی در بخشی از خیارات مکاسب شیخ و کفایه جلد اول.

۲۰. مرحوم شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی در بخشی از شرح لمعه

۲۱. مرحوم آیه الله شیخ ابوالقاسم محمودی اشتهاردی در باب مفاهیم کفایه الاصول

۲۲. حضرت آیت الله حاج سید کاظم حائری در بخشی از بیع مکاسب

۲۳. سید محسن موسوی تبریزی در قسمتی از بدایه الحکمه

۲۴. حضرت آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی

۲۵. حضرت آیه الله العظمی شیخ هاشم آملی

۲۶. حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی

۲۷. حضرت آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۲۸. حضرت آیه الله العظمی سید ابوالقاسم کوکبی

۲۹. حضرت آیه الله العظمی شیخ ناصر مکارم شیرازی

۳۰. حضرت آیه الله جعفر سبحانی یک دوره اصول

۳۱. حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی یک دوره اصول

مروجی طبسی، محمدمحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محسن مروجی طبسی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .

مدرسه علمیّه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید مبرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .

قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .

در سال ۱۳۷۶ اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام" خدیجه مادر امت "شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند" پیامبران ناشناخته "که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .

درسال ۱۳۸۱ ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان" علی امام قرنها "برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام" علی نخستین مسلمان "ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .

در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان" نهج البلاغه آشنای غریب "و "خورشید نیزه ها "برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آیینه پژوهش به چاپ رسید .

در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مروجی، محمدکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدکریم مروجی

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد کریم مروجی بروجردی در سال ۱۳۲۷ در یک خانواده کشاورز متولد و بعد از مکتب و دبستان در سال ۴۲ رسما وارد حوزه علمیه شدم و بعد از دو سال تحصیل در بروجرد و خرم آباد در سال ۴۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در خدمت آقایان و آیات صلواتی و سید ابوالفضل موسوی تبریزی (ره) شرح لمعه و از آقای دوزدوزانی مختصر و آقای اعتمادی قوانین و آقایان اعتمادی و سبحانی رسائل و آقایان فاضل لنکرانی و مرحوم ستوده مکاسب و آقایان مرحوم سلطانی و ستوده کفایه را تلمذ کردم. و

در سال ۴۷ وارد درس خارج شده و عمدتا در فقه و اصول مرحوم آقای آمیرزا هاشم آملی(ره)حدودا ۱۲ سال شرکت کردم و در این مدت از فقه و اصول مرحوم آقای آشیخ مرتضی حائری تا اندازه ای بهره بردم و تا حدودی از آقایان دیگر نیز استفاده کردم. در خلال درس خواندن مشغول تدریس هم بودم و تقریبا کتابهای سطح را چند بار یا لا اقل یک بار تدریس کردم و از سال ۱۳۷۱تا به حال یک بحث فقه دارم و چند سال قبل یک دور کلیات رجال را نیز تدریس کردم.

مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۲- وف بعد از ۶۱۴ ق)، محدث، فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر، منجم و نسب شناس. نسب او به محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)، می‌رسد. جد سوم وی از قم به مرو سفر کرد و در آنجا سکنی گزید. در مرو متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاه خود مرو آغاز کرد و نزد کسانی چون قاضی محمد بن سلیمان فقیهی دانش آموخت. در جوانی به قصد زیارت خانه خدا از مرو خارج شد. در ۵۹۲ ق به بغداد که رسید از ادامه سفر منصرف شد و مدتی همان جا ماند. ابوطالب از شهرهای خوارزم، هرات، نیشابور، گرگان، ری، یزد، شیراز، رامهرمز و همدان نیز دیدن کرد و از مشایخ و دانشمندان این شهرها بهره جست. در میان مشایخ او باید از فخر رازی، عبدالسید خوارزمی، بلغاری، محمد دیباجی، محمد ماهروی، اسماعیل کاشانی و ابن سمعانی نام برد. تاریخ بازگشت وی به مرو روشن نیست. زمانی که در مرو بود با فخر رازی دیدار کرد و در همان زمان بود که کتاب «الفخری» را برای وی تألیف کرد. در مرو در منزل خود مجالس درس برگزار می‌کرد و در آن طالبان علوم حضور می‌یافتند. یاقوت حموی که از شاگردان وی می‌باشد پس از توصیر صفات زیبای استادش در «معجم الادباء» چند بیت از اشعار او را آورده است. تنها اثر بازمانده از وی «الفخری فی انساب الطالبین» است که در قم به چاپ رسیده؛ اثر دیگر وی «حظیرة القدس»، در حدود ۶۰ مجلد، در خصوص انساب طالبیان بود و تلخیص آن «بستان الشرف» در حدود ۲۰ مجلد؛ و کتابی نیز درباره‌ی نسب شافعی تألیف کرد.از آثار دیگر او: «زبدة الطالبیه»؛ «غنیة الطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ «المثلث» و «الموجز» در نسب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۸ /۱)، اعیان الشیعه (۳۲۰ -۳۱۹ /۳)، الذریعه (۲۵۲ /۲۳، ۷۹ /۱۹، ۶۷ /۱۶، ۲۹ /۱۲، ۲۶/۷، ۱۰۷ -۱۰۶ /۳)، ریحانه (۱۱۲ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (۱۵۰ -۱۴۲ /۶)، معجم المؤلفین (۲۶۶ /۲)، هدیة العارفین (۲۱۱ /۱).

مروزی، ابومعاذ فضل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۱ ق)، محدث، نحوی و مقری. از عبدالله بن مبارک و داوود بن ابی‌هند و عبید بن سلیم/ سلیمان روایت کرد. اهل مرو و محمد بن علی بن حسن بن شقیق از وی روایت کرده‌اند. ابومنصور ازهری در کتاب «تهذیب اللغة» خود از وی بسیار روایت کرده است. از آثارش کتاب «القراآت»، در قرآن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (۷۷)، الثقات (۵/ ۹)، طبقات المفسرین داودی (۲۹ -۲۸/ ۲)، کشف الظنون (۱۴۴۹)، معجم الادباء (۲۱۴/ ۱۶)، معجم المؤلفین (۶۷/ ۸).

مزارعی، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

زهرا مزارعی در نوزدهم آذر۱۳۲۰ ه.ش در یکی از خانواده های فرهیخته ی شیراز چشم به جهان گشود . وی دیپلم خود را ازدبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه ی ممتاز به پایان رسانید ،و بعد از ازدواج نیز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و سرانجام از دانشکده ی کمبریج انگلستان گواهی نامه گرفت . از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت. مزارعی در سالهای ۳۸ و ۳۹ در برنامه ی مشاعره ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان « خانم شعر ایران » در نشریات آن زمان به شهرت رسد .او که مدت ها در دانشگاه شیراز سرگرم کار بود اینک دوران بازنشستگی را به مطالعه و تحقیق می گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره)می سراید .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا مزارعی دیپلم خود را از دبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه ی ممتاز و اخذ مدال درجه دو علمی

به پایان رسانید ،او بعد از ازدواج به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت و با اخذ گواهینامه از دانشکده ی کمبریج انگلستان این دوره را به پایان برد. از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت .

فعالیتهای ضمن تحصیل : زهرا مزارعی از کودکی با شعر انس یافت و با آغاز بلوغ، به سرودن شعر پرداخت.

وقایع میانسالی : زهرا مزارعی در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ در برنامه ی مشاعره ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان « خانم شعر ایران » در نشریات آن زمان به شهرت رسد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهرا مزارعی که سالها در دانشگاه شیراز اشتغال داشته است، اینک دوران بازنشستگی را سپری می کند. به مطالعه و تحقیق می گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره)می سراید .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : زهرا مزارعی دوران بازنشستگی را به تحقیق و سرودن شعر مشغول است، او آثاری نیز دراین راستا به چاپ رسانده است.

جوائز و نشانها : زهرا مزارعی مقطع دیپلم را با رتبه ممتاز و کسب مدال درجه دو علمی به پایان رساند. او همچنین در سالها ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ در برنامهٔ مشاعره رادیو ایران ، با رتبه اول برگزیده شد. ---

آثار :

۱ امثال سائره و پندهای موزون

ویژگی اثر : پس از ده سال سکوت این کتاب انتشار یافت .

۲ سخن عشق

ویژگی اثر : پس ازچها رده سال به همت انتشارات نوید شیراز به چاپ رسید .

۳ قفس طلایی

ویژگی اثر : نخستین دفتر شعر اودر سال ۱۳۵۰ به چاپ رسید.

۴ گلچین دعا

منابع زندگینامه :پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، ج ۲ ، ص ۱۴۲۴

مزین‌الدوله نطنزی کاشانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۲۲ ش)، مترجم، موسیقیدان و نقاش. ملقب به نقاش باشی. وی جزو اولین دانش‌آموزانی بود که در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه و به سال ۱۲۷۵ ق برای فراگرفتن فن نقاشی به پاریس اعزام شده بود. مزین‌الدوله پس از مراجعت از اروپا، بیش از پنجاه سال، معلم فرانسه در دارالفنون و مدرسه علمیه و مدرس موسیقی و نقاشی بود که آنها را از روی اصول علمی‌آن تعلیم می‌داد و چندین کتاب نیز در مورد نقاشی به چاپ رسانده است. کمال‌الملک از شاگردان وی بود. مزین‌الدوله اولین کسی در ایران بود که با افتتاح تماشاخانه‌ی دارالفنون، دست به ترجمه هم زده و آن ترجمه‌ها را نیز در تماشاخانه به اجرا درآورده است. گذشته از آن، گفته می‌شود که «طبیب اجباری» مولیر را نیز نخستین بار ترجمه و خود هم آن را در تماشاخانه دارالفنون اجرا کرده است. نخستین کتاب موسیقی نظری جدید به نام «تعریف علم موسیقی»- که از نوشته‌های موسیو لومر فرانسوی بوده- توسط مزین‌الدوله به فارسی برگردانده شده است. از دیگر آثار او: ترجمه‌ی «صرف افعال»؛ «مزین اللغه»، لغت نامه‌ای از فرانسه به فارسی. از آثار نقاشی وی: تصویر نیم تنه‌ی شعاع‌السلطنه به سیاه قلم که نقطه‌پردازی پرمایه‌ای دارد، با رقم: «خانه زاد علی‌اکبر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۷۸ -۳۷۷/ ۱)، ادبیات نمایشی (۳۴۱ ،۳۳۸ ،۳۱۲ -۳۰۹/ ۱)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۳۸)، تاریخ موسیقی (۷۳۴ ،۵۸۹ ،۴۳۷/ ۲)، تاریخ هنرهای ملی (۶۱۶ ،۵۸۴/ ۱)، شرح حال رجال (۴۲۶/ ۲)، گلستان هنر (پنجاه و سه)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۰/ ۴).

مژده شیرازی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۹۹ ش)، شاعر، مترجم و نویسنده. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را به همراه فراگیری کامل قرآن و بسیاری از متون فارسی سپری کرد و در دوره‌ی اول دبیرستان توانست عربی و قواعد صرف و نحو را بیاموزد. آنگاه به دانشسرای مقدماتی آباده رفت و دوره‌ی آموزگاری را گذراند و سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. پس از آن به تهران آمد و در ۱۳۲۸ ش موفق به اخذ لیسانس و در ۱۳۳۳ ش موفق به دریافت درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد. او در تأسیس بخش زبان و ادبیات در شیراز سهمی به عهده داشت و از سال ۱۳۳۴ ش دانشیار دانشکده ادبیات شیراز بود و علاوه بر سمت استادی، ریاست بخش فارسی نیز به او واگذار گردید و در ضمن مسئولیت اداره انتشارات و روابط دانشگاهی را بر عهده داشت. مژده شیرازی در شکل دادن به تدریس دانشگاهی در شیراز نقش مهمی داشت و بسیاری از استادان فعلی دانشگاه‌ها از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: «تاریخ

ایران بعد از اسلام»؛ «راز زندگی»؛ ترجمه‌های: «تاریخ علم و فلسفه در اسلام»، «تاریخ ملل اسلامی»، «نظرهایی بتاریخ جهان» نهرو، «صدو پنجاه سال جوان بمانید» و «منازل السائرین» خواجه عبداللّه انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۳۵۶ -۳۲۵۳/ ۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۰ -۴۱۴/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۱۵/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۲، ص ۷ -۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۹ -۵۹۸/ ۴).

مساوات، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسن و متولد ۱۲۴۴ ش است. وی از اهالی برازجان فارس می‌باشد. در بدایت عمر به شیراز آمد و تحصیلات ادبی و عربی را تا سطح مدرسی نزد علمای وقت فرا گرفت. سپس عازم تهران شد و نزد حکیم معروف میرزا ابوالحسن جلوه فلسفه و حکمت آموخت. هنگامی که مردم ایران برای مشروطه قیام نمودند سید محمدرضا برازجانی با آنها همداستان شد و مرتب شبنامه انتشار می‌داد. در اوایل مشروطیت روزنامه تندروی مساوات را دائر کرد به همین جهت بعدها مساوات را نام خانوادگی خود قرار داد. در این نشریه محمد علی شاه را به شدت مورد حمله قرار داه حتی او را به محاکمه کشید. در استبداد صغیر از تهران به تبریز رفت و مدتی مخفی بود. بعد از خلع محمد علی میرزا و انجام انتخابات دوره دوم مردم تبریز او را به وکات خود برگزیدند. در دوره سوم و چهارم از طرف مردم تهران به وکالت رسید و دوره پنجم از ساوجبلاغ وکیل گردید.

مساوات از وکلای متنفذ و دانشمند و حراف بود و به آزادی و مشروطه خدمات زیادی نمود. در جنگ بین‌الملل اول که مسئله مهاجرت پیش آمد مساوات هم بـه کرمانشاه و بعد به استانبول رفت. ادوارد براون مستشرق معروف در کتاب انقلاب ایران از خدمات مساوات به مشروطه تجلیل می‌نماید. وفات او در سال ۱۳۰۶ ش اتفاق افتاد.

(وف ۱۳۰۴ ش)، روزنامه‌نگار. از اهال برازجان فارس بود. وی در شیراز و بعد در تهران به تحصیل پرداخت. او نزد میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم معروف، تحصیل کرد. مساوات دارای افکار آزادیخواهی بود و در مجمع آزاد مردان همراه مجدالاسلام کرمانی و معین الاسلام اصفهانی و ملک المتکلمین و دیگر آزادیخواهان به مبارزه پرداخت. او در تهران برای رساندن مطالب خود به مردم شب نامه منتشر می‌کرد. وی در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی هفتگی «مساوات» را در تهران تأسیس و منتشر کرد و به همین دلیل خود نام مساوات گرفت. عبدالرحیم خلخالی نیز به او پیوست. پس از به توپ بستن مجلس و تعطیلی روزنامه‌ها همراه عبدالرحیم خلخالی به قفقاز و سپس به تبریز رفت و روزنامه‌ی «مساوات» را در آنجا منتشر نمود. وی در دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی وکالت مردم آذربایجان و در دوره‌ی سوم و چهارم مجلس وکالت مردم تهران را به عهده داشت.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۱۰ -۲۰۵/ ۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۱ -۴۲۰/ ۴)، شرح حال رجال (۴۰۴ -۴۰۳/ ۳)، نخبگان سیاسی ایران (۴۹۲، ۴۸۳/ ۴)، یغما (س ۵، ش ۱۰، ص ۴۶۴ -۴۶۳).

مسترحمی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید هدایت‌اللّه مسترحمی از فضلاء معاصر تهرانست که در کتب عدیده‌ای تعلیقه و بسیاری از کتب را هم تصحیح نموده‌اند در کتاب: مرآةالدهور- در- وقایع ایام و شهور، که از تألیفات ایشان است ترجمه خود را مبسوطا نوشته‌اند که نگارنده تلخیص آن را می‌نگارم:

الحاج السید محمد المشهور والملقب بالحاج السید هدایةاللّه المسترحمی الحسینی بن العلم الاعلام الحاج السید محمد الرضا بن العلم الحجه الحاج السید الحسین المشهور بحاج آغا بزرگ بن السید محمد الشهیر بسید آقا جان بن السید ابی‌طالب بن السید سلیمان بن المیر ابوطالب بن المیر فتوح بن المیر فتاح (المدفونین بقریه بندر آباد یزد فی بقعه سلطان).

تولد خود را چنین مرقوم نموده بودند: تولد این بنده در شب شنبه سال ۱۳۵۱ قمری، در قریه حسن آباد جرقویه‌ی علیای اصفهان، و دروس ابتدائیه از همزه باء و قرآن و فارسی را در مسقط الرأس خوانده و در ده سالگی باصفهان آمدم برای تحصیل علوم دینیه و مدتی در مسجد نو و چندی در مدرسه صدر پا قلعه و چند سالی در مدرسه کاسه گران در خدمت عالم فاضل محقق آقای شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی صاحب تألیفات مطبوعه و غیر مطبوعه و حواشی بر کتب علمیه و رجالیه، اشتغال بکتب مقدماتی داشته و سپس در خدمت عالم لبیب حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی و غیره اشتغال به سطح داشته، و در روز جمعه ۲۶ جمادی‌الثانیه سال ۱۳۷۰ پس از بازگشت از زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیهم‌السلام در تهران اقامت گزیده و چندی در مدرسه حاج ابوالحسن معمارباشی و مدتی در مدرسه آقا محمود اشتغال به تحصیل و تدریس داشته.

و درباره‌ی خدمات خود چنین نوشته‌اند: تاکنون نتوانسته‌ام آنچنان که شاید و باید است خدمت به مسلمین و اسلام نمایم مگر چند مورد جزئی که از جمله تعمیر و توسعه مسجد جامع حسن‌آباد جرقویه و تعمیر و اضافات مسجد مرحوم ملا- باقر و مسجد حمام یخچال در قریه مزبور، و تعمیر و توسعه مسجد جامع و تهیه برق رامشه جرقویه که آقای آسید مهدی حسینی در این باره اشعاری

سروده‌اند، و تعمیر و سفید کاری مسجد حاج محمدعلی و حسینیه حسین‌آباد جرقویه در سال ۱۳۸۷ قمری که کربلائی رضاقلی داستانی در این موضوع اشعاری سروده‌اند و بثمر رسانیدن هیجده نفر از آقایان طلاب در حوزه علمیه قم و اصفهان و تهران و ساختن مسجد الزهراء علیهاالسلام در بی‌سیم نجف‌آباد تهران که فعلاً در همان مسجد اقامه جماعت و تبلیغ و تدریس می‌نمایند.

و تألیفات چاپ شده خود را چنین نوشته‌اند:

۱- ترجمه علل‌الشرایع جلد اول، ۲- ترجمه ارشادالقلوب دیلمی جلد اول، ۳- ترجمه ارشادالقلوب جلد دوم، ۴- راهنمای قرائت، ۵- اصول و فروع دین یا نماز فرمان خدا، ۶- احکام الحج با فتاوی مراجع، ۷- مناسک حج با فتاوی مراجع، ۸- عیش الاخره یا وصیت نامه، ۹- عیش الاخره یا وصیت نامه کامل، ۱۰- فهرست بحارالانوار جلد اول، ۱۱- فهرست بحارالانوار جلد دوم، ۱۲- فهرست بحارالانوار جلد سوم، ۱۳- کتابی جیبی حاوی ۵۵ حدیث با ترجمه، ۱۴- کتابی حاوی ۶۹ حدیث با ترجمه.

و تألیفات غیر مطبوعه خود را چنین نوشته‌اند، ۱- دروغ و مفاسد آن، ۲- ترجمه علل‌الشرایع جلد دوم، ۳- ترجمه علل‌الشرایع جلد سوم، ۴- ترجمه علل الشرایع جلد چهارم، ۵- ترجمه جامع الاخبار، ۶- مرآةالدهور در وقایع أیام و شهور، ۷- گفتاری از چهارده معصوم علیهم‌السلام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مستشارالدوله تبریزی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، نویسنده و مترجم. ملقب به مستشارالدوله. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم عربی و فارسی به سمت منشی‌گری وارد کنسول‌گری انگلیس در تبریز شد. او پس از مدتی به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و به عنوان کاردار به پاریس و لندن سفر کرد. میرزا حسین خان سپهسالار با وی دوست بود، اما به دلیل کدورتی که بین این دو پیش آمد، میرزا یوسف خان را به خراسان تبعید کرد. در ۱۲۹۹ ق به معاونت وزارت عدلیه (دادگستری) منصوب و ملقب به مستشارالدوله گردید. وی در ۱۳۰۶ ق به دلیل نوشتن نامه‌ای انتقادآمیز از حکومت وقت، از تبریز به قزوین تبعید و زندانی شد. از آثارش: «کتابچه‌ی بنفش»، درباره‌ی تأسیس راه‌آهن؛ «یک کلمه»، در منابع قانون اساسی فرانسه و تطبیق آن با قانون اسلام؛ «گنجینه‌ی دانش»؛ «منهج الحساب»؛ رساله‌ی «اصلاح خط اسلام»؛ رساله‌ی «برآورد مخارج راه‌آهن از مشهد به تهران و سایر شهرهای ایران»؛ «رمز یوسفی»، در تلگراف؛ «طبقات الارض»، در زمین‌شناسی و ژئولوژی، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۲۸۶، ۲۸۰/ ۱)، از نیما تا روزگار ما (۴۲ -۴۱)، شرح حال رجال (۴۹۳ -۴۹۰/ ۴)، الذریعه (۲۸۴/ ۲۵ ،۱۴۶/ ۱۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۳، ۳۱۷۵، ۲۷۸۰، ۲۲۵۰، ۱۷۴۶/ ۲ ،۴۷۴، ۲۴۳/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۰ -۸۹۹/ ۶).

مستعان، حسینقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: ۱۳۶۳.

از آثار اوست: ترجمه‌ی بینوایان (ویکتور هوگو، چاپ‌های متعدد)؛ رابعه، رمان تاریخی (دو جلد، تهران، ۱۳۶۹)؛ عشق مقدس (تهران، ۱۳۷۱).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مستغفری نسفی، ابوالعباس جعفر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بعد از ۴۳۲ -۳۵۰ ق)، فقیه، حافظ، محدث، خطیب و مصنف. محدث ماوراءالنهر در زمان خود بود. عده‌ای او را حنفی و بعضی شافعی و برخی شیعی دانسته‌اند و هر کدام برای اثبات نظر خویش دلایلی ذکر کرده‌اند. او از زاهر بن احمد سرخسی و ابراهیم بن لقمان و ابوسعید عبداللّٰه بن محمد رازی و علی بن محمد سرخسی و جعفر بن محمد بخاری و ابوسهل هارون بن احمد استرآبادی و ابوعبداللّٰه محمد بن احمد غنجار و دیگران حدیث شنید. ابوعلی حسن بن عبدالملک نسفی قاضی و ابونصر احمد بن جعفر کاسنی و حسن بن احمد سمرقندی حافظ و اسماعیل بن محمد نوحی خطیب و ابومنصور سمعانی و جماعتی کثیر از وی حدیث شنیدند. در نسف درگذشت. از آثارش: «معرفة الصحابة»؛ «الدعوات»؛ «دلائل النبوة»؛ «فضائل القرآن»؛ «الشمائل» یا «شمایل النبی»؛ «خطیب النبی (ص)» یا «خطب النبویة»؛ «تاریخ نسف» و «تاریخ کش»؛ «الطب» یا «طب النبی» یا «طب النبوی»، که خواجه نصیر طوسی در «آداب

المتعلمین» همگان را امر به آموختن این کتاب نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۳/ ۴)، انساب سمعانی (۲۸۶/ ۵)، بحارالانوار (۴۲/ ۱)، تذکرهٔ الحفاظ (۱۱۰۳ -۱۱۰۲/ ۳)، دمیهٔ القصر (۶۶۴/ ۱)، الذریعه (۱۴۴/ ۱۵ ،۲۵۳/ ۸ ،۲۹۱/ ۳)، ریاض العلماء (۴۷۳ -۴۷۲/ ۵)، سیر النبلاء (۵۶۵ -۵۶۴/ ۱۷)، شذرات الذهب (۲۵۰ -۲۴۹/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۱۵/ ۲)، طبقات المفسرین داودی (۱۲۶ -۱۲۵/ ۱)، العبر (۲۶۶/ ۲)، کشف الظنون (۱۷۳۹، ۱۲۷۷، ۱۰۹۵، ۷۶۰، ۷۱۵، ۳۰۸)، النجوم الزاهرهٔ (۳۵/ ۵)، الوافی بالوفیات (۱۵۰ -۱۴۹/ ۱۱)، هدیهٔ العارفین (۲۵۳/ ۱).

مستغیث، نبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نبی مستغیث از ائمه جماعت و مروجین حاضر شاهرودند و در مسجد سجادیه به امامت و تبلیغات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مستقیم، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس بن المرحوم حاج حبیب‌الله تاجر (داماد معظم مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض قمی) از علماء اعلام و حجج اسلام و ائمه جماعت مسجد امام علیه‌السلام قم می‌باشند.
در سال ۱۳۳۳ قمری تقریبا در قم متولد شده و دروس مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را خوانده مرحوم والدش که از تجار قم بودند می‌خواستند معظم‌له در سلک بازرگانان و تجار و رشته خودش را تعقیب کند ولی ایشان با شوق فراوان و تشویق آیت‌الله العظمی مرعشی مدظله به تحصیل علوم دینی پرداخته و سطوح را نزد آنجناب و بعضی از مدرسین دیگر استفاده کرده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌الله العظمی حایری موسس حوزه و آیت‌الله حجت و بالغ بر ۱۸ سال از دروس فقه و اصول زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و فقاهت و نظر ارتقاء یافته و تدریس سطوح عالی را نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی بیشتر روابط خود را با آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی قرار داده و از رفقای خالص و صمیمی معظم‌له می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مستوفی خزانه، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عبدالباقی نواب اصفهانی، از میرزاهای چهارسو شیرازیها.
فاضل و ادیب بوده، و در دستگاه ظل‌السلطان اهمیتی داشته، در شب ۱۷ جمادی‌الثانیه سال ۱۳۰۹ به شرحی که مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال مزبور می‌نویسد مسموما فوت شده است.
از آثارش کتاب «احسن التواریخ» در ترجمه‌ی تاریخ آل عثمان تألیف محمد فرید بیک؛ و هدیه‌ی رمضان، ترجمه از کتاب امیر ارسلان مصری به طبع رسیده است.
در شب فوت او سه نفر دیگر: ۱ - میرزا حبیب‌الله مشیر انصاری ۲ - حاج میرزا حسن شیخ الاسلام ۳ - میرزا محمد خان امین‌الدوله نیز مسموما وفات یافتند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مستوفی شهشهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا احمد، از ادبا و فضلا، وفاتش ۵ شنبه ۴ صفر سال ۱۳۱۱، قبرش در صحن مقبره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مسجد جامعی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا مصطفی بن المرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمود مسجد جامعی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است.

وی در حدود سال ۱۳۴۳ ق در تهران متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید، مقدمات و ادبیات و سطوح را از مدرسین تهران مانند مرحوم آقا شیخ رضا قاضی و حجهٔالاسلام حاج شیخ کاظم معزی دزفولی و غیره خوانده و چندین سال از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی آملی و آیت‌اللّه حاج میرزا باقر آشتیانی و آیت‌اللّه العظمی رفیعی قزوینی استفاده نموده و پس از آن در مسجد المصطفی جنب میدان حسن آباد به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تنویر افکار با بیانی شیوا و منطقی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم محترم ما و دو برادر ارجمندش جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمدحسین مقیم قم و ثقهٔالاسلام والمسلمین آقا میرزا مسیح مقیم تهران از بیت علم و فضیلت تهرانند که آباء آنها تا چندین پشت از علماء اعلام مرکز بوده و خدمات شایسته‌ای بدین نموده‌اند.

آثار ایشان بقرار زیر است:

۱- تعمیر اساسی و توسعه مسجد المصطفی

۲- تأسیس کتابخانه آن مسجد و جمع کتب برای مطالعه جوانان و غیره.

۳- تاسیس مجلس دعای ندبه در صبحهای جمعه و برنامه سخنرانی که از مجالس بسیار آبرومند و جالب تهران محسوب میشود که از هزارها نفر از مردم متدین فهمیده تهران تشکیل میشود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مسجدی، حیدر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر مسجدی

محل تولد : کاظمین عراق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حیدر مسجدی متولد ۱۳۴۶ در شهر کاظمین متولد شدم. و پس از تحصیلات ابتدائی و راهنمایی، توسط ساواک رژیم بعث همراه خانواده دستگیر شدیم و به زندان روانه شدیم. دو برادرم زیر شکنجه های وحشی شهید شدند و ما به سوی ایران روانه شدیم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه شهید صدر گذراندم. سپس دروس سطح و خارج رااز محضر اساتید بزرگوار استفاده کردم از جمله آیه الله احمدی یزدی، آیه الله حسین نجاتی، آیه الله هادی آل راضی، آیه الله احمد مددی، که بخش مهمی از علوم حدیث و نکات بسیار ظریف فقهی و اصولی را از محضر استاد بزرگوار آیه الله احمد مددی استفاده کردم، که لازم می دانم از ایشان تشکر کنم و از او به نیکی یاد کنم. در سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۴ در موسسه (دائره المعارف فقه اسلامی) مشغول تحقیقات اسلامی شدم، ودر تالیف کتاب (معجم فقه الجواهر) شرکت نمودم. در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث شدم و در رشته حدیث مشغول تحقیق شدم.

مسرور اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۶۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به مسرور. در قریه‌ی کوپای اصفهان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی به فراگیری صرف، نحو، معانی، بیان، منطق، فقه، اصول و حکمت نزد اساتید عصر پرداخت. او سپس در مدارس جدید به تحصیل مشغول شد آنگاه به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دارالفنون و دبیرستان نظام به تدریس پرداخت. وی فنون شعر را از فرصت‌الدوله شیرازی و دهقان سامانی آموخت. او زبانهای عربی و فرانسه و انگلیسی را خوب می‌دانست و از زبان پهلوی اطلاعاتی داشت. در ۱۳۵۲ ق که از طرف انجمن ادبی ایران به نظم آوردن مضامین الواح تخت جمشید به مسابقه گذارده شده بود، مسرور از میان پنجاه شاعر برجسته‌ی شرکت کننده حائز رتبه‌ی اول گردید و نیز در موقع افتتاح آرامگاه حکیم فردوسی شعر او مقام اول را به دست آورد. وی گذشته از استادی در زمینه‌ی شعر در نثر نیز توانا بود و از هنر موسیقی و خوشنویسی نیز بهره داشت. مقالات ادبی و تاریخی او در مجلات «ارمغان» و «یغما» چاپ شده است. او مدتی مدیریت برنامه‌های ایران در آینه‌ی زمان و شهر سخن را، در رادیو ایران، به عهده داشت. سرانجام در تهران وفات یافت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده

شد. از آثار وی: «امثال سائره»؛ «خواجو کرمانی»؛ «داستان تاریخی محمود افغان»؛ «ده نفر قزلباش»؛ «فرهنگ زبان»؛ «قران یا سرگذشت لطفعلی خان زند»؛ «نی‌زن بیابان»؛ «هنرنامه»، شعر. اثر دیگر او مجموعه اشعارش می‌باشد که نخست تحت نام «راز الهام» در ۱۳۳۸ ش و سپس تحت نام «یادگار سخنیار»، در ۱۳۴۷ ش، در سال وفات وی، منتشر شد.[۱]

حسین مسرور سخنیار اصفهانی، متخلص به مسرور، فرزند حاجی محمدجواد تاجر کوپایی به سال ۱۳۰۸ هجری قمری در کوپای اصفهان تولد یافته و از پایان تحصیلات به خدمت وزارت فرهنگ درآمده است.

حسین مسرور که شاعری توانا و استاد بود، در نثر نویسی نیز مهارتی فوق‌العاده داشت و داستان‌های تاریخی «ده نفر قزلباش» وی که تاریخ دوران صفویه را مطرح می‌سازد، به بهترین وجهی آن عصر را نمایان می‌سازد.

این شاعر کتاب شعری دارد به نام «راز الهام» که در سال ۱۳۳۸ خورشیدی منتشر گردیده است.

«کرشمه‌ی پری»

بکرشمه‌ای پری- دل آشنا بری

من و یاد روی تو- تو بیاد دیگری

تو ای نسیم سحری- ببر بجانان خبری

پیک روز جدایی

باد خزان تو بودی- که گلم را ربودی

همه گلشن بدیدم- تو ز گل‌ها نبودی

تویی ای نگار من- گل من بهار من

به سپیده‌دم رسد- شب انتظار من

ز گریبان شب چو مه سر آرد بیرون

ز غم دوریت شود دلم غرق خون

خزان چو گردد سپری- شود بهار دگری

شکوفه آید به چمن- صبا کند جلوه‌گری

بکرشمه‌ای پری- دل آشنا بری

من و یاد روی تو- تو بیاد دیگری

«عشرت دنیا»

عشرت دنیا مصیبت مردم دانا نبود

یا که خود عشرت نصیب مردم دنیا نبود

عشق هر جایی، قلم بر عقل پا برجا کشید

خاصه ما را کز ازل، خود عقل پا برجا نبود...!

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۸۷ -۸۶)، ادبیات نوین (۱۴۴، ۸۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۴۵ -۴۴۳)، دویست سخنور (۳۸۱ -۳۷۹)، الذریعه (۲۵۱/ ۲۵، ۴۳۶/ ۲۴، ۶۷/ ۱۷، ۲۰۱/ ۱۶، ۱۰۳۵، ۱۰۳۴-/ ۹، ۲۸۵/ ۸، ۲۶۸/ ۷)، راهنمای کتاب (س ۱۱، ش ۷، ص ۴۲۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۰ -۳۰۹/ ۱)، سخنوران نامی (۴۳۴ -۴۲۲/ ۲)، سخنوران نامی‌معاصر (۳۲۸۴ -۳۲۷۷/ ۵)، سواد و بیاض (۵۷۰)، شرح حال رجال (۷۹/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۳۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۳، ۳۳۳۹، ۲۵۲۹، ۲۴۲۸، ۱۶۱۵/ ۲، ۱۴۸۷، ۱۳۲۶، ۱۲۹۳، ۳۳۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۱ -۸۷۹/ ۲).

مسعودی پنج دهی مروزی، تاج‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۸۴ -۵۲۲/ ۵۲۱ ق)، فقیه، محدث، لغوی و صوفی. نسبتش به پنج ده، از قرای مرورود، می‌رسد. چون نیای بزرگش مسعود بود به مسعودی مشهور شد. او ساکن خانقاه سمیساطیه دمشق بود. در مرو و هرات و سجستان و بلخ و سرخس و نیشابور و کرمان و اصفهان و همدان و تبریز و بغداد و موصل و مصر از پدرش و عبدالسلام بن احمد بکبره و مسعود بن محمد غانمی و ابونضر فامی و ابوالمظفر تریکی بغدادی و ابوالوقت عبدالاول و عبداللّه بن عمر سجزی و عمر بن محمد بسطامی و ابوبکر محمد بن علی طوسی و ابوالمعالی مقری و عبدالرحمان بن احمد طوسی و ابن‌رفاعه سعدی و مسعود ثقفی و عبدالصبور بن عبدالسلام و سلفی حافظ و جماعتی دیگر حدیث شنید. در ۵۷۵ ق در مصر مجالس املای حدیث برپا کرد. او معلم ملك افضل فرزند سلطان صلاح‌الدین بود. ابن‌مفضل و ابوالقاسم بن عساکر و ابواحمد بن تاجر و ابواحمد بن سکینه و دیگران از وی روایت کردند. او شرحی کامل بر «مقامات» حریری نگاشت که به گفته‌ی ابن‌خلکان نظیر نداشت و در پنج مجلد بزرگ بود و بدین علت به مسعودی شارح «مقامات» معروف شد. او در دمشق درگذشت و در دامنه‌ی کوه قاسیون دفن شد. از آثارش: «مغانی المقامات فی معانی المقامات»، که همان شرح «مقامات حریری»، است؛ «الایضاح فی جمع المغرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۵ -۶۴/ ۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۹۵/ ۲)، سیر النبلاء (۱۷۵ -۱۷۳/ ۲۱)، شذرات الذهب (۲۸۱ -۲۸۰/

۴)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۵۳/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۳۷/ ۲)، العبر (۸۸/ ۳)، کشف الظنون (۱۷۹۰ –۱۷۸۹)، لسان المیزان (۲۹۲ –۲۹۱/ ۶)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۳ –۲۱/ ۱۹)، معجم الادباء (۲۱۶ –۲۱۵/ ۱۸)، معجم البلدان (۵۹۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۵۵/ ۱۰)، میزان الاعتدال (۶۰۰/ ۳)، الوافی بالوفیات (۲۳۳/ ۳)، وفیات الاعیان (۳۹۲ –۳۹۰/ ۴)، هدیهٔ العارفین (۱۰۱/ ۲).

مسعودی مروزی، ابوالخیر، ابوعبدالله محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۳ ق)، فقیه شافعی، نحوی، لغوی و ادیب. مروزی در بین شافعیان به مسعودی معروف بود. نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و برآمد و از اقران شیخ خود گشت. او از قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید. مسعودی در نحو و لغت و ادب مشهور زمان خود بود. قاضی ابومنصور سمعانی از او روایت کرد. امام غزالی در کتاب خود، «الوسیط»، از او حکایت کرده است. به گفته‌ی سمعانی وی در ابتدا از اصحاب الرای بود که چون مصاحب قفال شد جزء اصحاب الحدیث گشت. وفات او را حدود ۴۲۰ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: شرح «مختصر المزنی»، در فروع فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۷۴ –۱۷۱/ ۴)، کشف الظنون (۱۶۳۵)، معجم الادباء (۲۱۴ –۲۱۳/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۲۵۹، ۲۴۸، ۲۲۵ –۲۲۴/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۲۲ –۳۲۱/ ۳)، وفیات الاعیان (۲۱۴ –۲۱۳/ ۴).

مسعودی، عبدالهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالهادی مسعودی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی به مدرسه رفتم و در ۱۳۶۲ هجری شمسی دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم و پس از یکسال درس مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی شریف، کلیه درس های جدید را رها کرده و به درس حوزه که از دبیرستان آغاز کرده بودم به صورت تمام وقت پرداختم و از محضر اساتیدی همچون پدرم ، مرحوم روشنی ، آیت الله قدیری ، مرحوم پایانی ، آقای نیری همدانی و مرحوم آیت الله زاده اراکی سود بردم پس از اتمام تحصیلات سطح در سال ۱۳۶۹هجری شمسی به درس خارج آیت الله شیخ جواد تبریزی حاضر شدم و دو سال اصول فقه و ۵ سال فقه طهارت و حدود را نزد ایشان تلمذ کردم و سپس به مدت ۸ سال درس اصول آیه الله وحید خراسانی و ۵ سال فقه استاد آیت الله شبیری زنجانی شرکت جستم. از سال ۱۳۶۹ هجری شمسی کار بر روی حدیث را به صورت جدی و رسمی آغاز کردم و تاکنون به صورت مطالعه و فیش برداری موضوعی کتب حدیث، تبویب و دسته بندی احادیث شیعه و اهل سنت، ترجمه، تلخیص و ... تدوین رساله ها، مقاله ها و کتاب های مربوط به حدیث ، کارهایی ارائه داده ام. همچنین با مراکز مختلف علمی و پژوهشی ارتباط مشورتی داشته و سالهاست در دو حوزه فقه و حدیث، در حوزه و دانشگاه تدریس می کنم . اینجانب در کنار دروس اصلی فقه و اصول اندکی فلسفه و منطق نیز خوانده ام و با کلام نیز به گونه ای مختصر آشنا هستم. همچنین سالهاست که به دلیل ارتباط کاری از قرآن و تفاسیر آن نیز استفاده می برم و به همین دلیل و به دلیل مطالعه احادیث اخلاقی و نه عمل به آن، مطالبی را در رادیو معارف و رادیو قرآن و نیز سیمای جمهوری اسلامی ارائه داده ام. زندگی علمی من در مطالعه حدیث و علوم جانبی آن ، نشر مقالات حدیثی و تدریس فقه و حدیث و سخنرانی و نیز ترجمه احادیث و تلخیص بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد

مسعودی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مسعودی

محل تولد : خمین

شهرت : مسعودی خمینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله علی اکبر مسعودی خمینی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خمین متولد شد. پدرش ـ مرحوم غلامعلی مسعودی ـ به پیشهٔ قنّادی روزگار می‌گذراند. جدّ وی به دلیل اینکه گلپایگان دچار قحطی شده بود، به خمین هجرت کرده و در آنجا ازدواج نموده بود. در خلال این سالها، خداوند به وی فرزندی به نام غلامعلی اعطا می‌کند که در خمین به زندگی می‌پردازد. خانوادهٔ آیهٔ الله مسعودی خانواده‌ای ساده و در حدّ متوسط مردم، بلکه پایین‌تر از آنها در زندگی و معیشت بود که در محلّهٔ سبزی کارها می‌زیسته است. آیهٔ الله مسعودی خمینی، در شش سالگی به امر پدر راهی مکتب خانه شد. در خمین مکتب داری زندگی می‌کرد که نام او، شیخ ابوالقاسم بود و حضرت امام خمینی (ره) نیز نزد ایشان درس خوانده بود. در مقطعی که آیهٔ الله مسعودی به نزد ایشان می‌رفت، وی هشتاد ساله بود. حضور در مکتب خانه دو یا سه سال به طول انجامید و پس از آن، وی در مدرسهٔ شش کلاسه‌ای در خمین نام نویسی کرد و چون، سال اوّل را در مکتب گذرانده بود، در پایهٔ دوم به تحصیل پرداخت. از جمله کسانی که در آن دوره در آن مدرسه درس می‌خواندند، آیهٔ الله رضوانی و آیهٔ الله جلالی خمینی بودند که تا پایهٔ پنجم با آیهٔ الله مسعودی، همراه بودند. وضعیت نابسامان معیشتی خانواده، او را بر آن می‌داشت که در کنار درس، به کار نیز بپردازد؛ امّا این مسئله با مخالفت پدر و مادر وی همراه بود. ایشان با وجود کمبودهای مالی، علاقه داشتند که فرزندشان به تحصیل علوم دینی بپردازد و به مسلک روحانیت درآید. علاقهٔ خانوادهٔ ایشان به روحانیت به حدی بود، که با آن وضع اقتصادی، هر شب جمعه از مرحوم سید محمدتقی خوانساری پدر آیت الله حاج سید مهدی خوانساری غضنفری دعوت می‌کردند تا به منزل ایشان بیاید و آبگوشت و نان و پنیری با هم تناول کنند. وارستگی و زهد مرحوم خوانساری، در آیهٔ الله مسعودی تأثیر به سزایی داشت و او را بیش از پیش، به در پیش گرفتن مسیر عالمان ربّانی تشویق می‌کرد. از دیگر کسانی که انگیزهٔ ایشان را برای ورود به حوزه فزونی بخشید، مرحوم حاج شیخ احمد آل طاهر از شاگردان مرحوم عارف واصل آخوند کاشانی در اصفهان بود که برای اقامه نماز و پیشوایی مردم به خمین آمده بود. رفتار و سخنان دلنشین ایشان، کودکِ خردسالِ آن روز را شیفته و حیران خود کرده بود. وی، بعدها جامع المقدمات را نزد ایشان فرا گرفت. با پایان یافتن جامع المقدمات، در سن پانزده سالگی، به اراک رفت و به تحصیل سیوطی و حاشیهٔ ملّاعبدالله پرداخت. با پایان یافتن کتاب معالم، راهی قم شد تا از محضر عالمان آن دیار کسب فیض کند. در قم، مدرسه «دارالشفاء» ساکن شد و با جدّ و جهد دروس سطح را به پایان برد. سپس برای تحصیل درس خارج، از محضر علمای بزرگی همچون امام خمینی (ره) و آیهٔ الله بهجت بهره برد. وی دربارهٔ اولین آشنایی با امام (ره) می‌گوید: «یک بار بنده از خیابان ارم قم عبور می‌کردم. وقتی از کنار مسجد محمدیه رد شدم، صدای غرّایی به گوش من رسید. نگاهی به داخل مسجد افکندم و دیدم که آقایی در حال تدریس است و شاگردان زیادی هم دارد. در کنار در ایستادم تا درس استاد تمام شد. بعد از یکی از شاگردان ایشان پرسیدم که ایشان کیست؟ گفت: حاج آقا روح الله خمینی است». آیهٔ الله مسعودی، در کنار تحصیل فقه و اصول، دروس دیگر حوزوی از جمله فلسفه و تفسیر را در محضر عالمان وارسته‌ای همچون علامه طباطبایی می‌آموخت و در جلسات اخلاقی، استادان بزرگ حوزه همچون حاج آقا حسین فاطمی که شبهای پنج شنبه در منزل جلسه‌ای اخلاقی داشت با جدّیت شرکت می‌نمود تا علم را با عمل توامان سازد. آیهٔ الله مسعودی خمینی در دوران تحصیل خود، به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. ایشان در خمین، جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ احمد آل طاهر فرا گرفت و بخشی از «صمدیه» را که به دلیل برخورد با فصل تابستان باقی مانده بود، نزد آقای صدر که از اقوام امام (ره) بود، خواند. در اراک، حاشیه ملاعبدالله را نزد سید علی اراکی آموخت و مطول را نزد استاد ارجمند میرزا جعفر سبحانی آموخت و بخشی دیگر آن را نزد آقا شیخ حسین بادکوبه‌ای فرا گرفت. با آمدن به قم، معالم را که در اراک فرا گرفته بود، دیگر بار نزد میرزا جعفر سبحانی آموخت مقداری از شرح لمعه را نزد امام موسی صدر و بخشی را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی خواند و نیز رسائل و مکاسب را نزد آقایان مشکینی، شیخ اسدالله اصفهانی و شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی فرا گرفت. قسمت عمدهٔ کفایه را نیز نزد شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی آموخت. برای فراگیری منطق، به نزد آقای سید جلال آشتیانی رفت و منظومه را نزد آقای فکور و ملکوتی و نیز حاج آقا رضا صدر فرا گرفت. برای تحصیل اسفار و تفسیر نیز در درس علامه طباطبایی شرکت نمود. وی برای تحصیل درس خارج از محضر عالمان بزرگی همچون امام خمینی (ره)، آیهٔ الله گلپایگانی و آیهٔ الله بهجت بهره برد. وی دربارهٔ درس امام (ره) می‌گوید: «یکی از خصوصیات حضرت امام این بود که شاگردان خود را وادار به مطالعه می‌کرد. دلیل آن هم این بود که حضرت امام در خلال درس از کلمات بزرگانی همچون آقایان نائینی، آقاضیاء عراقی و آقای کمپانی استفاده می‌کردند و لازم بود که شاگردان ایشان به منابع و مأخذ مربوطه رجوع کرده و خود، عین عبارت بزرگان یاد شده را ملاحظه کنند. از دیگر خصوصیات امام این بود که شاگردان را وادار به اظهار نظر می‌کرد و معتقد بود هر یک از آقایان در موردی از موارد که دیدگاهی دارد، باید زمینه را برای اظهار آن مهیا ببینند». دربارهٔ شیوهٔ تدریس آیهٔ الله بهجت نیز می‌گوید: «در خصوص شیوهٔ تدریس آقای بهجت باید بگویم که ایشان بر خلاف سایر آقایان، این گونه نیست که در درس خارجشان، به نقل و نقد نظرات امثال مرحوم نائینی و آقاضیاء عراقی و مرحوم آخوند و مرحوم فشارکی و مانند آن بپردازند. ایشان شیوهٔ دیگری دارند و آن، این است که ایشان بحث را شروع می‌کنند و دیدگاه خود را مطرح می‌کنند و برای آن استدلال می‌کنند. در این حال خود شاگرد باید بررسی کند که دلایل استاد، ردّ نظریهٔ کدام یک از علماست». آیهٔ الله مسعودی خمینی، از محضر چند تن از علما برای امور حسبیّه، اجازه دریافت نمود. اولین اجازهٔ ایشان، از حضرت امام (ره) بود. پس از ایشان نیز، از آقایان گلپایگانی و بهجت نیز اجازه دریافت کرد. وی در دوران تحصیل، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستانه داشت که از آن میان می‌توان آیهٔ الله جلالی خمینی، آیهٔ الله رضوانی و آیهٔ الله مصباح یزدی را نام برد. آیهٔ الله مسعودی خمینی در پیش و پس از انقلاب خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به جامعه علمی و فرهنگی کشور ارزانی داشت. وی، در حین تحصیل در حوزه علمیه، کتابهایی را که از پیش فرا گرفته بود، تدریس می‌کرد. از جمله کتاب جامع المقدمات را به طلاب نوآموز یاد می‌داد و به تدریس کتاب حاشیه ملاعبدالله در مسجد محمدیه قم

می‌پرداخت که بـا اسـتقبال فراوان طلاب روبه رو شـد، به گونه‌ای که مسـجد، مملوّ از جمعیت می‌شـد. از دیگر کتابهایی که ایشان سالها به تدریس آن مشـغول بودند، کتاب شـرح لمعه و معالم بود که ثمرهٔ این تلاشـها، تربیت طلاب فاضل و با تقوا در حوزه علمیه قم بود. همچنین ایشان در طول این سالها، تألیفات و یادداشـتهای فراوانی نیز داشته که از جمله کتاب «خمس» را می‌توان نام برد که بخش عمـدهٔ آن در حـادثه‌ای از بیـن رفـت و دیگر «تقریر مبحـث دمـاء ثلاثـهٔ» امـام خمینی (ره) است که به چـاپ رسـیده است. از خدمات مهم فرهنگی آیهٔ الله مسعودی خمینی، تصدی تولیت آستانه مقدسهٔ حضرت معصومه سلام‌اللهعلیها و خدمات فراوان به آن است. بارگـاه ملکـوتی حضـرت معصـومه سـلام الله علیهـا کـه در روایـات آشـیانهٔ آل محمـد(ص) معرفی شـده، یکی از مهـم‌ترین پایگاههای شیعه است. عنایت کریمهٔ اهل بیت و فیض حضور او در شهر قم، این شـهر را به شـهری عالم پرور و سرچشـمه مبارزات برای تحقـق جمهـوری اسـلامی ایران قرار داده است و خـدمت به این مرکز مهمّ، خـدمت به شـیعه، حوزه علمیه، انقلاب اسـلامی و پاسداشت خون شـهیدان راه اسـتقلال و آزادی است. آیهٔ الله مسـعودی خمینی، پس از تصدی تولیت آسـتانهٔ حضرت معصومه سلام الله علیهـا که با حکم مقام معظم رهبری همراه بود، به عمران و گسترش آن همت گماشـتند و با بازسازی و مرمّت بخشـهایی از آن، میراث فرهنگی بزرگ شـیعه را پاس داشـتند. ایشان در طی این سالها، موقوفات آسـتانه را که بخشـی از آن به دلیل اهمال از دست آسـتانه مقدسهٔ خارج شده بود، به حرم مطهّر باز گرداندند. همچنین با گسترش کتابخانهٔ حرم، هم از نظر مساحت و هم از نظر تعداد کتب پرداختنـد، به گونه‌ای که کتابخانه را به مکان شایسـته‌تر و تعداد کتب را از حدود بیست و دو هزار به شـصت و پنج هزار جلد رساندنـد و حدود پانصد نسـخهٔ کتاب خطی نفیس برای آن تهیه کردند. با تلاش و پیگیری ایشان گنبد مطهر حرم پس از دویست و ده سـال تعویض و بـا بهترین طلاـ بازسـازی گردیـد همچنین صـحن و مسـجد جدیـد در جوار حرم مطهر که از پروژه‌های معظم در توسـعه حرم می‌باشـد توسط ایشان بنا گردیـد. از دیگر خدمات ایشان در این عرصه، راه اندازی انتشارات حرم و چاپ کتب مذهبی متعـدد و نیز چـاپ نشریه‌ای به صاحب امتیازی آسـتانه مقـدسه بود که زائران حرم مطهّر، از آن بهره می‌برنـد. حرمی که آشـیانهٔ آل محمد(ص) می‌باشد، باید به پیروی از اهل بیت علیهم السـلام، رسـیدگی به حال محرومان و مستضـعفان را سرلوحهٔ کارخویش قرار دهـد و پناهگـاه نیازمنـدان و درمانـدگان باشـد. در ایـن زمینـه، حرم مطهر، طرحهـای گسـترده‌ای را به انجـام رسانـده است که همه حکایت از تلاش بی وقفهٔ مسؤولین آن، بویژه آیهٔ الله مسعودی دارد. از تلاشهای دیگر ایشان در امور فرهنگی آستانهٔ مقدسه، فراهم آوردن زمینه برای بهره منـدی زائران از سـخنان علمـاء و واعظان و مـداحان برجسـته و نیز برگزاری جلسات مختلف، از جمله دعای نـدبه، کمیل و توسل بوده است. همچنین ایشان به نگهـداری و بهینه سازی موزهٔ حرم مطهر همت ویژه‌ای گماشـته، آن را به مرکزی دیدنی و یادگار عشق مردم ایران به خاندان پیامبرگرامی اسلام (ص) تبدیل نموده است. او همچنین اشـیاء گران قیمت که در رژیم سابق پراکنـده شـده بود را به موزه آسـتانه مقـدسه عودت داد. آیـهٔ الله مسـعودی خمینی، در پیش و پس از انقلاب خدمات سیاسـی فراوانی را برای تحقّق انقلاب اسـلامی و تـداوم آن انجام داده است که ذکر همـهٔ آنها در این مختصـر نمی‌گنجـد. او ماننـد بسـیاری دیگر از عالمان و مجاهدان قرن اخیر، تفکر و خط مشـی امام خمینی (ره) را در مبارزه سـرلوحهٔ خویش قرار داده و در مواقع حساس و مهم، تابعیت خود را از زعیم عالیقـدر شـیعه به اثبات رسانـده است. شخصـیت امام (ره) و شـجاعت و صـلابت او به حدّی بود که اطرافیان و دیگر مبارزان را سـخت تحت تأثیر خود قرار می‌داد. وی دربارهٔ شـجاعت امام (ره) می‌گویـد: «بنـده در مدتی که خدمت ایشان بودم، هرگز مشاهـده نکردم که بی دلیل و صـرفاً از سـرهوای نفس، عصـبانی شونـد. در عوض هر جا که پای دین و دیانت و حفظ ارزشـهای انسانی و اسـلامی به میان می‌آمد، رگهای گردنشان متورم می‌شد و فریاد می‌کشیدند. در سنوات مبارزه، شدیدترین اعتراضـات را به شـاه آمریکـایی نمودنـد؛ امّـا در قبـال بی مهری دوسـتان صـبور و حلیم بودنـد. اگر کسـی ایشان را آن گونه که در خورشان بود، تعریف نمی‌کرد یا برای مثال به ایشان آیـهٔ الله العظمی نمی‌گفت، ایشان به انـدازهٔ سـرسوزنی دلگیر نمی‌شـد و تغییری در رویّه شان مشاهده نمی‌گردید». همچنین دربارهٔ ساده زیستی امام (ره) می‌گوید: «به خاطر دارم که در سـنهٔ چهل، و چهل و یک، حضـرت امـام مُهری در اختیار داشـتند که در ذیل جواب به اسـتفتائات و ماننـد آن، مورد اسـتفاده قرار می‌دادنـد، منتها برای آغشـته کردن قسـمت برجسـتهٔ مُهر به جوهر، به علت نداشـتن اسـتامپ همواره مشـکل داشـتند و این مشـکل را به نحوی تحمل می‌کردند تا اینکه یـک بـار بنـده به ایشـان عرض کردم که اگر اجـازه بدهیـد، من کـاری می‌کنم که زحمت شـما کمتر شود. فرمودنـد: چه کار می‌کنی؟ عرض کردم، شـما اجازه بدهیـد. مطمئناً راضـی خواهیـد شـد. ایشان هم اجازه دادنـد. بنده اسـتامپی تهیه کردم و در اختیار ایشان گذاشتم. امام از قیمت استامپ سؤال کردند و نگران قیمت بالای آن بودند؛ ولی در نهایت مورد قبول واقع شد و ایشان از آن به بعد، مهرشان را که در سـینه آویز کرده بودند، در می‌آوردند و به استامپ می‌زدند و استفاده می‌کردند». آیهٔ الله مسعودی خمینی از سالهای اولیه مبارزهٔ امام (ره) بر ضد رژیم شاه، با ایشان همراه بود و در سـخنرانیهای خود همواره شاه و دار و دسته‌اش را منکوب می‌کرد. وی، پس از هجرت امام به نجف، با زحمت فراوان از مرز ایران خارج شـد و با تحمل مشـقّات در نجف به دیـدار امام (ره) شتافت سـپس به بیان مشـکلات موجود در راه و توسل به امام زمان (عج) برای رهایی از آن مشـکلات و رسیدن به نجف پرداخت. امام نیز با شـنیدن سـخنان او، فرمودنـد: «هر کس را بخواهند، به مقصد می‌رسانند». پس از بازگشت از نجف، به دسـتور امام خمینی (ره) عازم سـیرجان شد تا به حل مشـکلات مردم و آماده‌سازی آنان برای انقلاب بپردازد که این اقامت، چهار سال به طول انجامید. از اقدامات مؤثر ایشان در سـیرجان، تأسـیس حوزه علمیهٔ آن شـهر و نیز دعوت از طلاب و مبلغین قم برای سـخنرانی در سـیرجان در ایـام ماه رمضان، محرم و صـفر بود. خـدمات ایشان و نیز افشاگریها و سـخنرانیهای حماسـی، منجر به بازداشت، ممنوع‌المنبر شـدن و حتی ممنوع الکلام شدن ایشان شد. از این رو وی را به کرمان برده با آرشام رئیس ساواک وقت روبرو شدند. چند روزی در زندان کرمان مانـده لیکن با راهپیمائی مردم سـیرجان آزاد شدنـد و تعهـد گرفتند که در سـیرجان نمانند. بخشـی از فعالیت سیاسـی آیهٔ الله مسـعودی در دهـهٔ پنجـاه، به مبـارزات با جریانات انحرافی و التقاطی معطوف بود. در این دوره آیـهٔ الله مسـعودی با همراهی آیـهٔ الله مصـباح یزدی، به افشـای طرح دشـمن برای تحریف جریـان مبارزه و حمایت از تز اسـلام منهای روحانیت می‌پرداخت و بر پیروی از خط مرجعیّت و روحانیّت و انقلاب صددرصد اسـلامی پای می‌فشـرد. از فعالیتهای مهم ایشان در آستانه پیروزی انقلاب، شرکـت در تحصن علما در دانشـگاه تهران و نیز عضویت در کمیتـهٔ اسـتقبال از امام (ره) بود. همچنین آیـهٔ الله مسـعودی، از افرادی است که در

تشکیل جامعه مدرسین و سازماندهی مجدد آن نقش بسزائی داشته است. وی درباره چگونگی تشکیل جامعه مدرسین، می گوید: «تاریخچهٔ جامعه مدرسین بسیار جالب است و باید در فرصت مقتضی بدان پرداخته شود. شاید پیش از این گفته باشم که هستهٔ اصلی جامعه، قبل از نهضت امام خمینی نهاده شد. عدّه‌ای از دلسوزان دور هم جمع شدند و در این باره صحبت کردند که حوزه بایستی درب و دروازه داشته باشد و صاحب نظم و انتظامی شود. این هسته عبارت بودند از آقایان: مصباح، رشیدپور، سید ابراهیم خسروشاهی، امینی، مرحوم شیخ محمدعلی قمی و بنده. حدود ده جلسه در خصوص ضرورت تشکیل جامعه مدرسین بحث و تبادل نظر شد و تصمیم بر این شد که نزد بزرگان حوزه و مراجع برویم و به خصوص دربارهٔ سطح پایین اخلاق در حوزه گلایه کنیم و بخواهیم که برای رفع این مشکل اقدامی کنند از این رو چند نفر خدمت حضرت امام و سایر مراجع رسیدند که تنها از سوی حضرت امام جواب مثبت شنیدند... در روز اوّل که بنا شد جلسه جامعه تشکیل شود، به هزار تومان پول نیاز داشتیم و جمع ما که مرکب از حدود چهل تن از علمای بزرگ بود، این وجه را در اختیار نداشتند. آقای مؤمن ابراز کرد که خوب است از شهریهٔ خود آقایان این وجه تهیه شود. هر کدام از اعضا مقداری از این وجه را تقبّل کردند و کار را با هزار تومان شروع کردیم. بحث درباره کارهای مثبت جامعه مدرسین در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب بسیار مفصل است». در آن سالها، جامعه مدرسین اقدامات مهمی را بر ضد رژیم شاه به انجام رساند که از جمله می‌توان به خلع ید شاه از حکومت اشاره کرد که موجبات شادی دلِ امام (ره) را فراهم نمود. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، آیهٔ الله مسعودی، در مدرسهٔ رفاه، در خدمت امام بود و با تشریف فرمایی امام به قم، به همراه ایشان به قم آمد. آیهٔ الله مسعودی در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در کنار رزمندگان حضور یافت و همواره مدافع اسلام و انقلاب بود. ایشان هم اکنون تولیت آستانهٔ مقدسهٔ حضرت معصومه را بر عهده دارد و به خدمت به زائران کریمهٔ اهل بیت می پردازد.

مسگرنژاد، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۱ و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ابوریحان و علامه طباطبائی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اخلاق در نهج‌البلاغه، معراج‌نامه‌ها در زبان فارسی، بررسی دستور زبان فارسی و مقایسه دستورها، زندگینامه سخنران جان‌باخته، دیوان مولانا لسانی شیرازی، انیس‌الشعراء، پژوهشی در عقاید اهل حق، تدریس دروس مختلف ادبی در دانشگاههای علامه طباطبایی تربیت معلم و تهران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مختصری در شناخت عروض و قافیه، شرح خصوص‌الحکم خواجه محمد پارسا و کنزالرموز امیر حسینی تاریخ تصوف و اصطلاحات، عرفان و تصوف.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

شرح خصوص‌الحکم و شروح معتبر آن، تأمل در صحت انتساب شروح خصوص‌الحکم، مقاله‌ای در اصطلاحات صوفیه- غزالی، معرفهٔ‌النفس (خودشناسی) اقبال لاهوری، مقاله (هلال و خیال) در مثنوی مولوی، کلیت و مفهوم در غزل حافظ، رسالت بزرگ و روحی و سیر مفاهیم عرفانی در دیوان خواجو، عرفان و تصوف، اصطلاحات عرفانی، شناخت متون، تاریخ ادبیات و تحقیق در اندیشه‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مسلم ملکوتی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله مسلم ملکوتی

محل تولد : سراب

شهرت : ملکوتی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیهٔ الله میرزا مسلم ملکوتی، در پانزدهم خرداد سال ۱۳۰۳ در حومهٔ شهرستان سراب، واقع در ۱۳۰ کیلومتری تبریز به دنیا آمد. پدرش به شغل کشاورزی روزگار می‌گذراند و دارای تحصیلاتی نیز بود. اشتیاق خانواده آیهٔ الله ملکوتی و نیز علاقه پدر، او را به تحصیل علوم دینی وا داشت؛ به گونه‌ای که در پنج یا شش سالگی نزد عالم محل که خود از منسوبین او بود، توانست نوشتن و خواندن را فرا گیرد و با قرآن مجید و معارف آن آشنا شود و بخشی از قرآن را حفظ کند. آیهٔ الله ملکوتی، با فرا گرفتن قرآن در زادگاه خود به سراب آمد و در آنجا به فراگیری کتابهای متداول ادبی حوزه علمیه، همانند جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مطول، منطق و اصول فقه پرداخت و در هفده سالگی برای ادامهٔ تحصیل، به تبریز رفت. در حوزه علمیه تبریز، به مدت چهار سال اقامت داشت و از محضر استادان گرانمایه آن دیار همچون مرحوم آیهٔ الله سید مهدی انگجی، مرحوم آیهٔ الله میرزا فتاح شهیدی و مرحوم آیهٔ الله میرزا محمود دوزدوزانی. بهره برد و کتابهای شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را به پایان رساند. ایشان در طی این سالها، کتابهایی را که پیش‌تر فرا گرفته بودند، به طلابی که تازه وارد حوزه شده بودند، تدریس می‌کردند. با اتمام دوره سطح، در سال ۱۳۲۱ به منظور ادامهٔ تحصیل و بهره‌گیری از محضر عالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و در علوم معقول و منقول، از محضر بزرگانی چون امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی بهره برد. سپس به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار، همچون آیهٔ الله میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود. شوق فراگیری علوم دینی، آیهٔ الله ملکوتی را در سال ۱۳۳۴ به سمت نجف اشرف کشاند. انوار علوی چنان بر سر ایشان سایه افکند که توانست در آن دیار، به درس بزرگانی چون آیهٔ الله سید ابوالقاسم خویی، آیهٔ الله سید محسن حکیم راه یابد و کسب فیض نماید؛ همچنین در این مدت از تربیت شاگردان ممتاز در فقه، اصول، فلسفه، کلام، ریاضی و ... غافل نماند و بدین ترتیب، دین خود را به حوزه علمیه آن دیار نیز ادا کرد. اقامت دوازده ساله ایشان در نجف، در سال ۱۳۴۶ به پایان رسید و ایشان برای سپری کردن اوقات فراغت در تابستان، به ایران آمد. با به پایان رسیدن تابستان، بار دیگر قصد نجف اشرف نمود؛ اما درگیریهای آن روز دولت ایران و عراق که به نا امن شدن مرزها انجامیده بود، او را از تصمیم خود بازداشت و دیگر باز، عازم شهر مقدس قم شد. آیهٔ الله ملکوتی، با ورود به شهر قم، تدریس فقه و اصول را آغاز کرد که با استقبال فراوان طلاب مستعد روبرو شد و نیز ایشان در کنار آن به تدریس فلسفه می‌پرداخت که حاصل آن، ظهور طلابی فرهیخته در حوزه علمیه امروز ماست. دوران تحصیل آیهٔ الله ملکوتی، در محضر بزرگانی سپری شده است که نام هر کدام، همچون ستاره‌ای در آسمان تشیع می‌درخشد. ایشان در تبریز، دروس سطح را نزد مرحوم آیهٔ الله میرزا فتاح شهیدی، مرحوم آیهٔ الله سید کاظم شریعتمداری، مرحوم آیهٔ الله میرزا محمود دوزدوزانی و مرحوم آیهٔ الله سید مهدی انگجی آموخت. با ورود به قم، در درس خارج فقه و اصول آقایان مرحوم حاج میرزا محمد فیض قمی و سید محمد حجت شرکت نمود. با ورود آیهٔ الله بروجردی به قم از درس ایشان نیز بهره برد و در علوم عقلی به درس حضرت امام خمینی(ره) رفت. ایشان از امام(ره) به دقت، جدیت و همت بلند معظم له یاد می‌کند و از سجایای اخلاقی ایشان، حضور دائمی در نماز جماعت را بر می‌شمرد. همچنین ایشان در علوم عقلی از میرزا مهدی مازندرانی، شیخ ابوالقاسم اصفهانی، میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی نیز بهره برده است. در مشهد نیز به درس فلسفه شیخ سیف الله ایسی میانجی و هیأت و ریاضیات شیخ محمد رضا کرباسی رفت و نیز از محضر آیهٔ الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌های فراوان برد. استادان ایشان در نجف، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی و شیخ حسین حلی‌بودند که در درسهای خارج فقه آنان شرکت می‌نموده است و نیز در درس خارج فقه و اصول آیهٔ الله ابوالقاسم خویی حضور مداوم داشته است. ایشان از دوستان دوره طلبگی خود به شیخ اسدالله اصفهانی و آقا سعید اشراقی اشاره می‌کند که همواره با آنها به مباحثه دروس فرا گرفته شده، می‌پرداخته است. آیهٔ الله مسلم ملکوتی طبق سنت حوزه‌های علمیه، هم زمان با تحصیل به تدریس دروس به طلاب بعد از خود می‌پرداخت و در فقه و اصول، فلسفه، کلام، هیأت، ریاضی و ... صاحب شاگردانی زبده بود و سه حوزه قم، نجف و مشهد خاطرهٔ سالها تدریس ایشان را در ذهن دارد. زندگی آیهٔ الله ملکوتی همچون بسیاری دیگر از علمای راستین، با مبارزات و فعالیتهای سیاسی بسیاری همراه بود. در زمان سلطه حکومت ستمشاهی، ایشان لحظه‌ای از مبارزه با آن رژیم سرباز نزد و حتی دیگران را به فعالیت و مبارزه بر ضد شاه تشویق می‌کرد. آیهٔ الله مسلم ملکوتی با تأسیس کتابخانه و صندوق قرض الحسنه المهدی در شهر سراب، زادگاه خود، بر آن شد که با جذب جوانان متدین، آنها را برای مبارزه بر ضد رژیم شاه منسجم و متشکل سازد و در ضمن، مبانی اعتقادات آنها را نیز تقویت کند. از فعالیتهای دیگر ایشان در پیش از انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. در آن روزگار، جلسات جامعه مدرسین به صورت مخفی و در خانهٔ افراد عضو، برگزار می‌شد. آیهٔ الله ملکوتی با حضور مستمر در جلسات جامعه مدرسین، امضای نامه‌های آن مرکز در حمایت از نهضت امام خمینی(ره) و تبادل نظر با گروهها و جناحهای سیاسی برای وحدت هر چه بیشتر، نام خود را در شمار یاران باوفای انقلاب و امام(ره) رقم می‌زد. افشاگری‌های ایشان در آن سالها، باعث شده بود که ساواک بارها ایشان را در قم و آذربایجان تحت تعقیب قرار دهد. حضرت آیهٔ الله ملکوتی، در سالهای مبارزه بر ضد رژیم با تبعیت و پیروی محض از فرمانهای حضرت امام خمینی(ره) در برابر گروهها و دسته‌های انحرافی و التقاطی ایستاد و بر اسلامی بودن حرکت، پافشاری نمود. فعالیتهای سیاسی ایشان به پیش از

انقلاب محدود نشد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، حضور سبز و پر صلابت ایشان در عرصه‌های گوناگون انقلاب، به بسیاری از مبارزان، امید می‌بخشید. ایشان با شرکت مستمر در دفتر استفتائات امام(ره) به مستحکم کردن پیوند امام و امت و نیز به حل مشکلات فقهی مردم می‌پرداخت و نیز به نمایندگی از طرف امام(ره) برای حل مشکلات مردم آذربایجان و زنجان، به آن دیار شتافت. با شهادت آیهٔ الله مدنی، امام جمعه تبریز، در سال ۱۳۶۰، امام خمینی(ره) آیهٔ الله ملکوتی را به نمایندگی خود در آذربایجان و نیز به عنوان امام جمعه تبریز برگزید. تبریز در آن سالها دست خوش نزاعها و تحریک گروهکهای ضد نظام برای ایجاد یأس از انقلاب اسلامی بود. آیهٔ الله ملکوتی با افشای این دسیسه‌ها و دعوت مردم و گروه‌های هوادار انقلاب به وحدت و یکپارچگی، دشمنان را از رسیدن به اهداف خود مأیوس نمود. ایشان بارها و بارها در خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانیها، مردم را به حضور پر شور در جبهه‌های جنگ و کمک به رزمندگان دلیر اسلام فرا خواند و خود نیز از حمایت مادی و معنوی رزم آوران دفاع مقدس دریغ نورزید. همچنین آیهٔ الله ملکوتی در دورهٔ اول و دوم مجلس خبرگان رهبری، به نمایندگی از طرف مردم آذربایجان شرقی عضویت داشت و خدمات شایانی را در این عرصه نیز به انجام رساند. آیهٔ الله ملکوتی در سال ۱۳۷۳، با دعوت برخی بزرگان حوزه علمیه قم و نیز موافقت مقام معظم رهبری از تبریز به قم آمد و با بر پا کردن درس خارج فقه و اصول، بسیاری از طلاب علوم دینی را شیفتهٔ درس خویش ساخت و بدین وسیله، سیرهٔ علما و دانشمندان این حوزه سترگ را پاس داشت.

مسلمی خوازنی، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا مسلمی خوزانی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ در آبادان متولد شدم. پدر و مادرم مذهبی بودند در کنار دروس جدید در مکتبخانه‌های قدیمی به فراگیری کتاب آسمانی و قرائت صحیح آن پرداختم در دوران دبیرستان در ایجاد و ترویج مطالعات اسلامی در میان همکلاسی‌ها موثر بودم در مساجد و کانون‌های مذهبی حضور فعال داشتم تدریس قرآن، تفسیر ساده و عقاید از اشتغالات همیشگی‌ام بود. حضور در صحنه‌های انقلاب و بحث ومناظره با مارکسیست‌ها و گروهک منافقین در برنامه‌های کاری ما بود. در سال ۱۳۵۹ دیپلم اقتصاد گرفتم و سریعاً به حوزه علمیه قم وارد شدم دو ماه پس از درس خواندن، جنگ تحمیلی آغاز گردید و بنده به مناطق جنگی رفت و آمد داشتم و به بیان عقاید، تفسیر، اخلاق و احکام برای رزمنده‌ها می‌پرداختم در پایان سال تحصیلی ۶۸ ـ ۶۷ دوره سطح حوزه را به پایان رساندم.در مدرسه حجتیه قم برای طلاب خارجی تدریس عقاید و کلام داشتم. از سال تحصیلی ۷۰ ـ ۶۹ در مدرسه رسول اکرم(ص) شاه ابراهیم و دیگر مدارس حوزه مانند معصومیه بلوار امین و الهادی خاکفرج و... به تدریس عقاید و کلام اسلامی اشتغال داشتم. در سال ۷۰ ـ ۶۹ در دوره تخصصی کلام حوزه شرکت کردم و قبول شدم و دوره از ۷۱ ـ ۷۰ آغاز گردید این اولین دوره تخصصی حوزه بود و آن را با موفقیت کامل در سال ۷۴ به پایان رساندم در تاریخ ۲۵/۱۱/۷۴ رسماً به صورت حق التدریس با دانشگاه شهید چمران اهواز همکاری کردم که این حق التدریس تا الان ادامه دارد فیش‌ها و یادداشت‌های زیادی در مباحث کلامی و تفسیر و منبر دارم که هیچ‌کدام منتشر نشده‌اند. اکثر اوقات بنده به تدریس، سپری شده است و ایام تبلیغی هم به منبر و سخنرانی.

مسیب نژاد، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن مسیب نژاد

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۷۰–۶۹ پس از اخذ دیپلم از شهرستان محل تولد خود لاهیجان برای شروع تحصیلات در علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدارس علمیه کرمانیها، حقانی، معصومیه ، مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس حوزوی را تحصیل نمودم.

در مدرسه آیت الله گلپایگانی در دروس محمد جواد فاضل و آقای فقیهی مقداری از کفایه و مکاسب را تحصیل نمودم و در سال ۱۳۸۰ وارد درس خارج اصول آقای صادق لاریجانی شدم و هم اکنون هم در درس خارج صلاهٔ آقای سید محمد خاتمی مشغول به تحصیل هستم همزمان با تحصیلات در بنیاد نهج البلاغه چند سالی به کارهای تحقیقی اجرائی مشغول بودم و در کنار آن با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه در بخش تحقیقات مشغول به همکاری هستم مدتی هم با مرکز پژوهش های صدا و سیما در مجله ای در قسمت تحقیقات و نوشتن مقاله همکاری کردم. و در ضمن دروس حوزوی در سال ۸۰ وارد رشته تحصیلی کارشناسی فلسفه در دانشگاه مفید شدم و در سال ۸۴ دوره کارشناسی را به پایان رساندم . با دفتر تبلیغات حوزه نیز در بخش انتشارات چند سال است که در قسمت نمونه خوانی و تصحیح مشغول به همکاری هستم.

مسیبی، رضوانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضوانعلی مسیبی

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضوانعلی مسیبی قبل از هفت سالگی شروع به تحصیل قرآن کریم نموده و بعد از ۷ سالگی وارد مدرسه ابتدایی در شهر بابلسر – مازندران شدم و تا مقطع دیپلم را در همان رشته علوم تجربی به پایان رساندم. سپس در تاریخ ۲۱/۱۰/۶۳ وارد حوزه علمیه قم (مدرسه حقانی) شدم و به مدت ۵ سال و نیم کل دروس مقدمات و سطح را تمام کردم و وارد درس خارج شدم تا الان . از همان اوایل تحصیل درحوزه علمیه قم مشغول تدریس ادبیات شده و سپس به فقه و اصول و ... تا الان که مکاسب، رسائل و کفایه را تدریس می کنم . و چون علاقه وافر به قرآن داشتم از همان اوائل تحصیل در حوزه در جلسه تفسیر قرآن حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کرده و بهره ها بردم تا الان که مشغول تلمذ در این درس هستم . از طرفی علاقه به معقولات ، اینجانب را به حضور در دروس فلسفه و عرفان کشانده و از این رهگذر حضرت آیت الله حسن زاده آملی بعضی از مجلدات اسفار و مصباح الانس در عرفان را تلمذ کرده و بعضی از مجلدات اسفار را هم نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. بعد از سالها تدریس در فکر قلم زدن در وادی مسائل مبتلا به شدم تا اینکه در تالیف اول (بازگشت به خویشتن یا توبه نصوح) که جنبه تفسیری آن بر اخلاق برتری دارد را ارائه کردم . سپس در مقالات شخصی که بر متون اهل سنت در فقه و حدیث – تاریخ داشتم کتاب دوم را تالیف نمودم . در رهگذر این تدریس و تلمذ و تدریس ، به حفظ قرآن پرداخته و سالها در کتاب شریف نهج البلاغه و صحیفه سجادیه سپری کردم و موضوعات زیادی را یادداشت و جمع آوری کردم که با اندک زحمتی هر کدام به تالیف تبدیل می شوند. تا اینکه پسر ارشدم را در سن ۷ سالگی حافظ کل قرآن – صحیفه – نهج البلاغه (نامه – کلمات قصار) شده است که از قبل دعوت ایشان به داخل و خارج کشور اجرای برنامه های قرآنی – اینجانب هم راهی تبلیغ در این وادی شده واکثر اوقاتم در این مسیر سپری می شود.

مسیح شرقیان، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم مسیح شرقیان

محل تولد : سادات شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۴/۳

زندگینامه علمی

مادرم را در یک سالگی از دست دادم تا ده سالگی برایم به سختی گذشت در یازده سالگی قرآن آموختم و در دوازده سالگی به مدرسه جدید رفتم تا کلاس چهارم ابتدایی شاگرد ممتاز بودم ولی در سال پنجم پدرم مانع مدرسه رفتن من شد. هم کلاسی هایم به مدرسه می رفتند من شبی تا صبح به مدرسه می رفتم و به خانه برمی گشتم صبح دمید ماه رو به قبله بود من در وسط محل با خدا راز و نیاز کردم که توفیق تحصیل به من بدهد بعد به دینش خدمت کنم و ماه را شاهد گرفتم فردا پدرم ماجرا را به دوستش گفت او چند سال علوم دینی خوانده بود به من گفت من کتاب هایم را به تو می دهم تا پنج سال نیاز به خرید کتاب نداری . مرد نیکی

بود تحصیلاتم را در علوم دینی نزد علمای محل شروع کردم تا سال بعد که سال ۱۳۲۴ شمسی بود پدرم مرا نزد جناب آیهًالله حاج شیخ علی اکبر اللهیان قدس سره برد که در آن وقت در رامسر بود من و همدرسم مرحوم سید ابوالقاسم الهی نیا مقدمات علم نحو را شروع کردیم و بعدازظهرها هم درس اخلاق از کتاب معراج السعادهٔ ملااحمدنراقی را در نزد جناب حاج شیخ اللهیان می خواندیم و با چند نفر دیگر بودیم. تابستانها جناب شیخ به ییلاق جواهر ده رامسر می رفت ما هم با او به ییلاق می رفتیم و تا سال ۱۳۲۸ هجری در رامسر و در شیخ زاهد محله چابکسر کتابهای مقدمات و سیوطی با حاشیه منطق و شرح تصریف و قدری مطوّل و قدری هم معالم را در علم اصول فقه خواندیم. در ماه رمضان هر سال که معمولاً ـ آن وقتها تابستان بود در ییلاق روزها درس معمولی تعطیل بود ولی شبها علوم قرآن می خواندیم و روزها همان علوم را با جناب شیخ با قرآن تطبیق می دادیم و در طول چهار سال در اثنای دروس کرامات زیادی از جناب شیخ بروز کرد و بنده مخصوصاً در روبروی شیخ می نشستم تا چیزی دریابم در تابستان ۱۳۲۸ به جای ییلاق جواهرده حاج شیخ به طالقان رفت و من نزد برادر بزرگش جناب آیهٔ الله حاج شیخ محمد باقراللهیان درس خواندم و با مشورت او پاییز سال ۱۳۲۸ با دوست و هم مباحثه ام جناب سید محمد(آقانور) میرجعفری به قزوین رفتیم. فردای آن روز در اثر غربت و آینده نامعلوم در گوشه ای از مدرسه التفاتیه قزوین نشسته و فکر می کردم که ناگهان جناب حاج شیخ علی اکبر اللهیان وارد مدرسه شد و با دیدنش شاد شدم و به نزدش رفتم او اول ناراحت شد که چرا از رامسر به قزوین رفتم بعد گفت: خوب شد که به قزوین آمدی و به تهران نرفتی! سپس گفت: توسط دوستانم از متولی مدرسه برایت اجازه سکونت می گیرم که بی اجازه بیش از ۳ روز در مدرسه وقفی سکونت جایز نیست و جناب شیخ همان روز اجازه سکونت را از متولی مدرسه مرحوم صدرالمعانی که مرد با شخصیتی بود گرفت و من از فردای آن روز درسهایم را به ترتیب نزد دانشمندان بزرگوار قزوین شروع کردم: ۱- معانی و بیان را نزددانشمند مرحوم محمدحسین اویسی قزوینی ۲- معالم را نزد زاهد بزرگوار آقاشیخ حسین قدسی ۳- شرح لمعه جلد اول را نزد آقا شیخ محمود آقا شریعت مهدوی ۴- جلد دوم را نزد آقا سید بزرگ علومی ۵- قوانین جلد یک و جلد دو را نزد آیهٔ الله آقا سید محمد تنکابنی ۶- مکاسب شیخ اعظم را هم نزدآقا سیدمحمد تنکابنی خواندم که مرد بسیار شریف و بزرگواری بود ۷- و رسائل شیخ را نزد آیهٔ الله شیخ یحیی مفیدی خواندم ۸- جلدین کفایهٔ الاصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی را نزد علامه بزرگوار و فیلسوف نامدار آیهٔ الله العظمی سیدابوالحسن رفیعی قزوینی اعلا الله مقامه الشریف خواندم. ۹- درس دوره عالی و خارج فقه را نیز نزد علامه آیهٔ الله العظمی رفیعی قزوینی خواندم و تا سال ۱۳۳۸ شمسی که مدت ۱۰ سال گذشت (در این مدت در سال اول در شش ماه اول بسیار برایم سخت گذشت که در شبانه روز یک وعده غذا می خوردم و آن هم تمام شده بود و در شبی از شدت ضعف نماز خواندن بر من سخت شد از قضا شب نهم ربیع بود که عیدالزهرا معروف است و علامه قزوینی طبق معمول آن شب به طلبه های مدرسه چلوکباب می داد و از من هم دعوت شد ولی من با این که دو روز بود چیزی نخورده بودم دعوت را نپذیرفتم چون جناب استاد حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی به من سفارش کرده بود که هرگز غذای مفت نخورم زیرا علم نجیب است و با مفت خوری سازگاری ندارد!... در ضمن تحصیلات قدیم سال دوم ورودم به قزوین کلاس پنجم و ششم را یکدفعه تصدیق گرفتم و دوره تحصیلات متوسطه را نزد آقای احمد سرمدی که پیش من درس عربی می خواند گذراندم و من در نزد او زبان فرانسه و جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و هندسه فضائی و لگاریتم را آموختم سرانجام در سال ۱۳۳۸ با مشورت علامه قزوینی که چندان راضی نبود که از قزوین بروم ولی با دست خط توصیه مرحوم شیخ علی اکبر اللهیان که از دوستان مرحوم آقای بروجردی بود برای حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی قدس سره در نامه ای نوشت که این طلبه مستعد است!! و همین عبارت جناب شیخ باعث شد که ۳ سال در قم جلو افتادم و بعد از چند ماه نزد آیهٔ الله العظمی سلطانی طباطبایی بروجردی و آیهٔ الله وحید گیلانی امتحان شفاهی از کتاب رسائل و مکاسب شیخ انصاری انجام شد و قبول شدم و امتحان کتبی من هم این بود که درس فقه خارج صلاهٔ یک ماه اخیر آیهًالله العظمی بروجردی را بنویسم آن هم با زبان عربی و لذا درس خارج فقه آقای بروجردی را به زبان عربی نوشتم و به نظر آقای بروجردی رسید و ایشان نوشتند: خوب است! و همین جمله باعث شد ماه اول بعد از امتحان برایم شهریه مبلغ یکصد و چهل تومان تعیین کردند و مبلغ یکصدو چهل تومان نیز تشویقی دادند. و سپس درسهایم را در قم ادامه دادم. فقه را در محضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی (ره) و اصول را نزد آیهٔ الله العظمی امام خمینی (ره) در مسجد سلماسی و فلسفه و حکمت را هم در مسجد سلماسی نزد علامه طباطبایی خواندم و پس از فوت آیهٔ الله بروجردی فقه را نزد آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و آیهٔ الله العظمی مرعشی نجفی و آیهٔ الله العظمی اراکی ادامه دادم و پس از تبعید حضرت امام خمینی(ره) در درس اصول آیهًالله العظمی میرزا هاشم آملی لاریجانی شرکت کردم و ضمناً در دروس آیهًالله العظمی محقق داماد در درس خارج فقه نیز شرکت کردم. و مدتی نیز در درس آیهًالله العظمی حاج شیخ مجتبی قزوینی که خواهرزاده استادم حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی بود و نیز در درس حاج شیخ هاشم قزوینی در مشهد شرکت کردم. و در سال ۴۳ با استخاره در نزد علامه طباطبایی به دانشگاه تهران رفتم و در رشته فلسفه و حکمت اسلامی و وعظ و خطابه به همراه دوستانم آقایان ۱-دکتر مصطفی محقق داماد ۲- حجهٔالاسلام ناطق نوری ۳- حجهٔالاسلام مهدی کروبی و جمعی دیگر موفق به کسب مدرک کارشناسی لیسانس معقول و منقول شدم که در سال ۱۳۴۸ فارغ تحصیل شدم و شاگرد ممتاز شدم و از ۲۰ واحد دروس دانشگاهی نمره الف گرفتم و بعنوان تشویق بورس مصر را به من دادند ولی رابطه دولت ایران و مصر در آن زمان تیره شد و بنده نیز به دلیل مشکلات منصرف شدم. و بعد از آن مدت ۳۰ سال و یک روز بعنوان دبیر دبیرستانهای رامسر در درسهای معارف اسلامی و فلسفه و منطق تدریس کردم و معلم نمونه شدم و ۲۰ سال در ضمن استاد معارف اسلامی و اخلاق اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی در دانشکده پرستاری بودم که ریشه های انقلاب اسلامی را نیز در ضمن تدریس بعنوان جزوه درسی تألیف کردم و مدت ۸ سال نماینده مقام معظم رهبری در دانشکده پرستاری بودم و در سال ۱۳۸۲ بازنشست شدم و همزمان ۵۲ سال در مساجد رامسر و حومه به تبلیغ دین مشغول بودم و منبر رفتم و ۴۵ سال امامت جماعت داشتم و ۱۴ سال بعنوان امام جمعه موقت بودم و مدت ۴ سال بعنوان استاد حوزه علمیه خواهران در شیرود تنکابن بودم و نیز ۴ سال بعنوان رئیس شورای حل و اختلاف مستقر در دادگستری تنکابن بودم و ۴ سال نیز است در دانشگاه پیام نور رامسر بودم و در دانشگاه شاهد رامسر تدریس کردم و این عهدی بود که در ۶۳ سال قبل در دوران کودکی با خدای خود بسته بودم و ان

شاءالله وفا کردم و خداوند قبول فرماید و توفیق بیشتر هم لطف بفرماید برای بعدها بحق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم – والسلام علیکم و رحمهٔالله.

مسیحا فدشکویی، محمد مسیح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۷ ق)، فقیه، ادیب و شاعر، متخلص به معنی. در فسا به دنیا آمد. در شیراز و اصفهان درس خواند. در سرودن شعر به دو زبان عربی و فارسی مهارت داشت. در اشعار عربی مسیح و در اشعار فارسی معنی تخلص می‌کرد. آخوند مسیحا از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری بود که به درجه‌ی اجتهاد رسید و چندین سال منصب شیخ الاسلامی ایالت فارس را داشت. در اواخر عمر در سنین نود سالگی به فسا بازگشت و در قریه‌ی فدشکو درگذشت. در «تذکره‌ی نصرآبادی» سال مرگش ۱۱۱۵ ق ذکر شده است. وی به عربی قصیده‌ای در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) گفته است. از دیگر آثارش: «حواش علی الحواشی الخفریه علی شرح التجرید»؛ «اثبات الواجب تعالی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۸۴ –۸۳)، اعیان الشیعه (۵۶ /۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۷ –۳۱۶ /۵)، تذکرهٔ المعاصرین (۱۱۱ – ۱۰۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴ –۳ /۱)، الذریعه (۱۰۷۵ –۱۰۷۴، ۱۰۶۵، ۹/ ۱۰۹، ۱/)، ریحانه (۳۸۵، ۳۱۴ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵ –۷۲۳ /۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۹۲ /۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۲)، فوائد الرضویه (۶۴۳)، لغت‌نامه (ذیل/ معنی فسایی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۱ –۱۹۰ /۵)، مرآت الفصاحه (۵۸۷ –۵۸۵)، معجم المؤلفین (۲۲ /۱۲).

مشار، خانبابا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۷۹، تهران.

درگذشت: ۲۹ شهریور ۱۳۵۹.

خانبابا مشار پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت وزارت دارایی درآمد و در ضمن نزد استادان وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخت در وزارت دارایی در ادارات تحدید کل و کارگزینی و مالیات برآمد و کلاس مالی عهده‌دار خدمت بود. پس از بیست و یک سال خدمت دولتی به میل خود بازنشسته شد و به امور کشاورزی پرداخت.

اثر برجسته‌ی او مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی از آغاز چاپ تاکنون (شش جلد، ۱۳۴۴ –۱۳۴۰) نام دارد. این کتاب در واقع ترکیبی است از دو کتاب فهرست کتابهای چاپی فارسی و فهرست کتاب‌های چاپی عربی ایران از آغاز چاپ تاکنون است. وی همچنین یک متن قدیمی دینی را هم تصحیح کرد که الفصول المختاره من العیون و المحاسن معروف بمجالس (مجالس در مناظرات) تألیف شیخ مفید و ترجمه‌ی آقا جمال خوانساری (تهران، ۱۳۳۹) است. این کتاب در سال ۱۳۶۳ به چاپ رسید.

(۱۳۵۹ –۱۲۷۹ ش)، نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت وزارت دارایی درآمد و در ضمن نزد استادان وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. پس از بازنشستگی به کشاورزی مشغول شد. از آثار او: «فهرست کتابهای چاپی فارسی»، از آغاز تا ۱۳۴۵ ش؛ «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «الفصول المختاره» شیخ مفید؛ «فهرست کتابهای چاپی فارسی و عربی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «الفصول المختاره» شیخ مفید؛ «فهرست کتابهای چاپی عربی، در ایران» از آغاز چاپ تا ۱۳۴۴ ش و سایر کشورها از ۱۳۴۰ ق به بعد.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۱۲ –۹، ص ۹۱۵ –۹۱۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۷۹، ۲۸۹۱، ۲۴۸۵/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱ –۱۰/ ۳).

مشایخ فریدنی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۱(۱۳۳۳ ق.)؛ محله عودلاجان تهران.

درگذشت: ۱۳ آذر ۱۳۶۹، در نزدیکی بمبئی.

محمدحسین مشایخ فریدنی، فرزند محمدباقر (از علمای معقول و منقول و از مدرسان تهران)؛ در محضر پدر خود مقدمات علوم

دینی را فراگرفت و در کنار آن به تحصیل علوم جدید در دبستان ترقی و سپس دبیرستان پهلوی نیز همت گماشت. در سال ۱۳۰۹ بعد از اتمام دوره‌ی اول متوسطه وارد دوره‌ی ادبی دارالفنون شد. از اساتید این دوره درس وی می‌توان به افرادی چون حبیب یغمایی، جلال‌الدین همایی، نصرالله فلسفی، شیخ محمدحسین فاضل تونی، احمد بهمنیار و علی‌اکبر سیاسی اشاره کرد. ایشان در همین دوره، تحصیلات حوزوی را تا پایان لمعتین نزد پدرشان تلمذ کرد. فریدنی در سال ۱۳۱۲ بعد از تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول در امتحان ورودی آن دانشکده پذیرفته شد، در سال ۱۳۱۴ بعد از اتمام دوره گواهینامه مدرسی دریافت کرد. همزمان با تحصیل در دانشکده‌ی معقول و منقول در دانشکده‌ی ادبیات هم ثبت نام نمود و در سال ۱۳۱۴ به اخذ درجه لیسانس نایل آمد و در سال ۱۳۱۸ وارد دوره‌ی دکترای ادبیات شد. استادان وی در آن دوره ملک‌الشعرای بهار، فاضل تونی، سید محمد تدین، بدیع‌الزمان فروزانفر و علی‌اصغر حکمت بودند. در پاکستان کرسی زبان فارسی دانشگاه کراچی را تأسیس کرد و در دانشگاه‌های پنجاب، پیشاور و حیدرآباد و داکا به عنوان استاد میهمان تدریس می‌کرد. در دانشگاه لاهور پاکستان موفق به اخذ درجه‌ی دکترای افتخاری و کسب مقام استادی در رشته‌ی حقوق شد.

دکتر فریدنی در طول خدمات فرهنگی خود در سمت‌های مختلفی اشتغال داشت. نظیر: دبیر دبیرستان‌های تهران بازرس و سرپرست فرهنگ و اوقاف قم، کاشان، ساوه، محلات و گلپایگان، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان، هند، عراق و عربستان سعودی، استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، مأمور تأسیس دانشگاه کردستان و غیره. آثار وی علاوه بر تحریر مقالات در مجلات کشور، عبارتند از: تألیف نوای شاعر فردا (روایت تازه‌ای از اسرار خودی و رموز بی‌خودی اقبال لاهوری، وی از جمله کسانی بود که با اندیشه‌های این متفکر آشنا بود)؛ رساله‌ای در شرح نظرات سیاسی امیرالمؤمنین (ع)؛ گزیده‌ی أغانی (ترجمه‌ی الاغانی، در دو جلد، این کتاب برگزیده‌ی هشتمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد)؛ تألیف آفتاب در آئینه (سیره‌ی امیرالمؤمنین (ع) به روایت اهل سنت). وی همچنین در سال‌های آخر عمر با دایرةالمعارف تشیع و دانشنامه‌ی جهان اسلام همکاری داشت و مقاله‌هایی را برای این دو اثر تألیف کرده است. مقاله‌هایی نیز در «کیهان فرهنگی» و «نشر دانش» و «آینده» از او به چاپ رسیده است. دکتر مشایخ فریدنی به دریافت نشان‌های درجه‌ی دوم همایونی، درجه‌ی دوم سپاس، نشان ارانژناسو از هلند و نشان کوکب از اردن نایل آمده است. وی عضو آکادمی عرب نیز بود.

دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی روز سیزدهم آذر سال ۱۳۶۹ در سن هفتاد و هشت سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. این حادثه در حالی رخ داد که وی یک هیئت علمی بین‌المللی را در یک کشتی مطالعاتی برای بررسی راه آبی «جاده‌ی ابریشم» همراهی می‌کرد. پیکر وی در بهشت زهرا در حجره‌ی ۹۵۳ به خاک سپرده شد.

در ۱۲۹۱ متولد شد. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده ادبیات تهران شد و در ۱۳۱۵ لیسانس گرفت و به شغل دبیری اشتغال ورزید. بعد از شهریور ۱۳۲۰ وارد دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی شد و پس ازطی دوره‌ی دکترا رساله‌ی خود را با درجه‌ی ممتاز گذرانیده و تدریس خود را در دانشگاه آغاز کرد. در سال ۱۳۲۸ که علی‌اصغر حکمت به وزارت امور خارجه منصوب شد، چند تن از فرهنگستان باسواد را مأمور خدمت در آن وزارتخانه نمود از جمله دکتر مشایخ فریدنی بود که پس از انتقال موقت به وزارت امور خارجه، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان شد و سپس رایزنی فرهنگی ایران را در هندوستان برعهده گرفت. پس از پایان مأموریت دهلی به تهران انتقال یافت و مشاور اداره اطلاعات و کتابخانه و مطبوعات و اداره فرهنگی و سرپرست امور نشریه‌ها در وزارت امور خارجه گردید. در اواخر سال ۱۳۳۶ به وزارت فرهنگ بازگشت و مدیر کل دفتر آن وزارتخانه شد. در سال ۱۳۳۷، علی‌اصغر حکمت برای بار دوم به وزارت امور خارجه منصوب شد و این بار دکتر محمد حسین مشایخ فریدنی را بطور قطعی به وزارت امور خارجه منتقل کرد و به وی مقام رایزنی و تصدی اداره روابط فرهنگی را سپرد. پس از چندی سرپرست اداره اطلاعات و مطبوعات شد و بعد ریاست اداره پنجم سیاسی وزارت خارجه را عهده‌دار شد. مشایخ فریدنی در مأموریتهای فرهنگی خود در وزارت امور خارجه، جلب رضایت زعمای آن وزارتخانه را نمود و مورد توجه قرار گرفت و لذا به کادر سیاسی انتقال یافت و تدریجا سفیر کبیر ایران در پاکستان، سفیر کبیر ایران در عربستان سعودی و سفیر کبیر ایران در عراق شد. وی در این مأموریت‌ها چون فصیح و بلیغ سخن می‌گفت و اشعار بسیاری در حافظه داشت و در هر زمینه‌ی تاریخی و ادبی مجلس آرائی می‌کرد، در آن کشورها مخصوصا در محافل فرهنگی و ادبی منزلتی پیدا کرد و مورد احترام قرار گرفت.

پس از بازنشستگی و بازگشت به ایران دنباله کارهای علمی و ادبی خود را گرفت از جمله به ترجمه‌ی کتاب اغانی پرداخت و دو جلد از آن در بنیاد فرهنک ایران چاپ شد. گزیده‌ای نیز از اغانی فراهم ساخت که آن هم انتشار پیدا کرد. هنگام مأموریت در هندوستان مقاله‌هائی در زمینه‌های ادبی در جراید فارسی زبان هند انتشار داد.

مشایخ فریدنی مردی ادیب و محقق و خطیب بود و به پنج زبان خارجی تسلط داشت. در ۱۳۶۹ در سن ۷۶ سالگی درگذشت.

(۱۳۶۹ –۱۲۹۳ ش)، نویسنده و مترجم. چون نسب خاندانش به محقق ثانی، شیخ علی بن عبدالعال کرکی، می‌رسد آنان را مشایخ فریدنی خوانده‌اند. پدرش از مدرسین مدرسه‌ی سپهسالار و مدرسه‌ی معمار باشی بود. وی در محله‌ی عودلاجان تهران به دنیا آمد. در کودکی نزد پدر «الفیه» ابن‌مالك و «نصاب» ابونصر فراهی را آموخت. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی ترقی گذراند. سپس به دبیرستان رفت و دوره‌ی دوم را، در ۱۳۰۹ ش، در دارالفنون آغاز کرد و همزمان، «شرایع» و «معالم» و «شرح لمعه» و «قوانین» را نزد پدر خواند. در ۱۳۰۹ ش به دارالفنون رفت و با تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول دانشگاه تهران در امتحان ورودی شرکت کرد و مقام نخست را از آن خود ساخت. در فرصت تحصیل در دانشگاه کتابهای «شرح هدایهٔ» و «شرح منظومه» و «شرح تجرید» و «مکاسب» و «رسائل» و «جواهر» و «کفایهٔ» را خواند و مدرك مدرسی گرفت. در ۱۳۱۴ ش، موفق به اخذ لیسانس از دانشکده‌ی علوم معقول و منقول در رشته‌ی ادبیات گردید. وی پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در موضوع «تاریخ روابط سیاسی و فرهنگ ایران و هند، در عهد سلطنت شاه جهان گورکانی» نوشت. در ۱۳۲۴ ش با سمت بازرس و سرپرست فرهنگ و اوقاف به مدت یك سال به قم مأمور شد. پس از بازگشت به تهران علاوه بر مقام بازرسی، ماهنامه‌ی «دانش‌آموز» را منتشر کرد. وی حدود بیست و سه سال در وزارت امور خارجه و در کشورهای پاکستان، هند، عراق و عربستان خدمت نمود. از دیگر آثارش: مقدمه و حواشی بر دو مثنوی

«اسرار خودی» و «رموز بی‌خودی» اقبال لاهوری، به نام «نوای شاعر فردا»؛ ترجمه و شرح و خلاصه‌ی «الاغانی» ابوالفرج اصفهانی؛ «آفتاب در آیینه»، سیره‌ی امیرالمؤمنین (ع) و مناقب آن حضرت به روایت ائمه‌ی اهل سنت؛ رساله‌ای در شرح نظرات سیاسی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ «اقبال فیلسوف و شاعر شهیر اسلام».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] ادبستان (س ۱، ش ۱۲، ص ۸۶)، چهره‌های آشنا (۵۴۱ -۵۴۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۱۲، ص ۱۰ -۳).

مشایخی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: ۲۰ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

رضا مشایخی (فرهاد) پس از اتمام تحصیلات در دارالفنون و گذراندن مسابقه‌ی علمی وزارت فوائد عامه در سال ۱۳۰۵ به منظور تحصیل در رشته‌ی مهندسی راه و ساختمان به بلژیک اعزام شد و دوره‌ی چهار ساله‌ی دانشگاه کان را با موفقیت گذراند. از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۵ در وزارت طرق و شوارع و از آن سال در وزارت راه و ترابری (نام جدید همان وزارتخانه) تا سال ۱۳۴۲ خدمت کرد و به معاونت اداری و فنی و پارلمانی وزارت راه و ریاست شورای عالی راه‌آهن رسید.

وی چندی در دانشکده‌ی فنی تدریس کرد و از سال ۱۳۲۶ که ساختمان خطوط آهن آذربایجان و خراسان شروع شد، به سمت رییس و مدیر کل اداره ساختمان وازرت راه منصوب شد و حدود نه سال سرمهندس این خطوط بود.

مهندس رضا مشایخی در اوقات فراغت به ترجمه آثار برگزیده بزرگان می‌پرداخت. ذوق و علاقه‌ی دیگرش کشاورزی و عمران وآبادی بود. فهرست آثار وی به شرح زیر است: ماری آنتوانت (استفان زوایک، ۱۳۲۳)؛ ماری استوارت (استفان زوایک)؛ زیگموند فروید (استفان زوایک)؛ سه استاد سخن (درباره فئودر داستایوسکی، اونوه دو بالزاک و چارلز دیکنز، اثر استفان زوایک)؛ کلئوپاترا (آرتور ویگال)؛ تاریخ اکتشافات جغرافیایی (اوریان اولسن، ۱۴۴۳)؛ تصویر دوریان گری (اسکار وایلد)؛ اعترافات (ژان ژاک روسو)؛ جمهوریت (افلاطون، با تفسیر و حواشی، ۱۳۳۴)؛ حیات مردانی نامی (پلوتارک، چهار جلد، ۱۳۴۳ -۱۳۳۷)؛ جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر (ژاک پیرن، شش جلد، ۱۳۵۷)؛ کوروش‌نامه (گزنفون، ۱۳۴۲)؛ اندیشه‌ها و رسالات (بلز پاسکال با تفسیر لئون برونسویک، ۱۳۵۱)؛ آخرین نبرد (نلیوس راین)؛ اسلام، دین و امت (لویی گارده، ۱۳۵۲)؛ اخلاق نیکوماک (ارسطو، با ملحقات درباره‌ی اخلاق و غرب)؛ علم و مذهب (برتراند راسل، ۱۳۵۵)؛ تقریرات ناپلئون (کنت دولاسکاز، ۱۳۶۳).

از ایشان ترجمه‌های دیگری نیز آماده‌ی چاپ بود، مانند: سفرنامه‌ی مارکوپولو، جهان سوم در بن بست از بروک، تحول از هانری برگسون، تاریخ و تمدن از مجموعه‌ی یونسکو، تمدن ایرانی به سرپرستی هانری ماسه.

فرزند مرحوم میرزا عبدالحسین خان، در ۱۲۸۴ ش در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی و ابتدائی را در مدرسه‌ی علمیه و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون پایان داد. در ۱۳۰۵ وزارت فوائد عامه و تجارت اعلانی منتشر نمود که برای تکمیل کادر فنی خود بیست و پنج محصل به اروپا اعزام خواهد کرد و کنکوری برای آن ترتیب دادند. مشایخی در این مسابقه شرکت نمود و موفق گردید در زمره سایرین برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شود. طبق برنامه‌ای که تنظیم شده بود، مشایخی به بلژیک اعزام شد و در دانشگاه کان دوره‌ی مهندسی راه و ساختمان را گذرانید و به تهران بازگشت و در وزارت طرق و شوارع که از وزارت فوائد عامه منتزع شده بود اشتغال ورزید و به کار راهسازی پرداخت. وی مدتها مدیر کل ساختمان وزارت راه بود و راه‌آهن سراسری آذربایجان و خراسان توسط او انجام و اتمام پذیرفت. قریب نه سال سر مهندس این راه بود. مشایخی به حق در ایجاد راههای شوسه و راه‌آهن در ایران سهم شایسته‌ای دارد. وی مدتی هم در دانشکده‌ی فنی استاد بود. چندی هم معاون فنی وزارت راه شد و بعد به معاونت پارلمانی رسید. سرانجام ریاست شورایعالی راه‌آهن به او سپرده شد.

مهندس رضا مشایخی علاوه بر مشاغل اداری یکی از مترجمین پرکار ایران بود و سالیانی چند به ترجمه‌ی آثار برگزیدگان پرداخت و در کار ترجمه وسواس خاصی داشت. قریب بیست جلد از ترجمه‌های او به چاپ رسیده است از جمله: کلئوپاترا، اعترافات ژان ژاک روسو، جمهوریت افلاطون، حیات مردان نامی، تقریرات ناپلئون، سفرنامه مارکوپلو و ماری آنتوانت را می‌توان نام برد. رویهمرفته از ایران دوستان و خدمتگزاران به فرهنگ کشور بود. وی در ۱۳۶۸ در سن ۸۴ سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مشایخی، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله مشایخی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قدرت الله مشایخی در سال ۱۳۴۲ بعد از تحصیلات ابتدایی وارد مدرسه علمیه خوانسار شدم و کتاب جامع المقدمات را نزد مرحوم آیت الله حاج آقا حسن علوی فرا گرفتم و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه اراک و سیوطی و حاشیه را نزد آقای رفیعی در مدرسه آقا ضیاء الدین گذرانده و در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قم و کتاب مغنی را نزد حاج سید حسن درچه ای و آقای فشارکی و معالم الاصول را نزد آقای اشکوری و مطول را نزد آقای دوزدوزانی و شرح لمعه را نزد آقای ستوده و سید ابوالفضل موسوی و قوانین را نزد آقای اعتمادی مکاسب را نزد آیت الله سلطانی و آیت الله فاضل لنکرانی و رسائل را نزد آیت الله سبحانی گذرانده و کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی و آیت الله مشکینی . سپس درس خارج حوزه را مدتی در خدمت مرحوم آیت الله داماد و آیت الله حاج آقا مرتضی حائری گذرانده و مدتی نیز درس اصول آیت الله حاج شیخ هاشم آملی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی و خارج فقه را سال های متمادی نزد حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفتم . در درس فلسفه مدت ۸ سال خدمت آقای حسن زاده آملی اسفار شرکت کردم . مدت کوتاهی در یک تابستان مسائل مستحدثه را نزد حضرت امام خمینی رحمه الله علیه آموختم .

در خلال این سنوات همیشه در ماه های تبلیغ محرم و صفر و رمضان را مشغول منبر و تبلیغ در شهرهای مختلف کشور و در حدود چند سالی اداره کلاسهای فن خطابه دفتر تبلیغات اسلامی را به عهده داشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و بازگشایی دانشگاه ها از سال ۱۳۶۲ بنا به دعوت شورای انقلاب فرهنگی وارد دانشگاه الزهراء شدم چند سالی را به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول بودم و بنا به تقاضای دانشگاه از سال ۱۳۷۰ از طریق شرکت درخبرگان بی مدرک جزء هیئت علمی دانشگاه الزهراء ، دانشکده الهیات در گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی قرار گرفتم و اکنون هم جزء هیئت علمی این دانشکده در دانشگاه الزهراء می باشم و تقریبا اوقات درسی نیمی ازهفته را در آنجا و نیمی ازهفته را نیز در حوزه علمیه قم اشتغال دارم . در دوران تحصیل درحوزه گذشته از اداره کردن کلاس های فن خطابه درس های اعتقادی مدرسه حقانی و همچنین درس لمعه و عروه الوثقی را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشتم و در مدرسه فاطمیه درس هائی ازنهج البلاغه را تدریس می کردم که جزوه های آن را هر هفته بین طلاب تقسیم می کردند و در این بحث ها نامه امام به مالک اشتر و وصیتنامه آن حضرت به امام حسن مجتبی علیه السلام مورد بحث و تدریس قرار می گرفت .

در حال حاضر در دانشگاه قواعد فقه ، احادیث فقهی ، مبادی فقه ، مبادی اصول و فقه تطبیقی که عبارت از فقه مذاهب خمسه می باشد را تدریس می کنم و در بسیاری از این درس ها مثل تاریخ اسلام ، معارف اسلامی و سوره های متعددی از تفسیر قرآن جزو ه هایش موجود است . روزهایی را که در حوزه هستم در درس فقه آیت الله حاج شیخ میرزا جواد تبریزی شرکت می کنم و مشغول تکمیل جزوه های گذشته و بحث هائی در نهج البلاغه هستم .

مشایخی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۹۱ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خوانسار به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی در زادگاهش جهت ادامه‌ی تحصیل به اصفهان رفت. در ۱۳۱۵ ش در رشته‌ی فیزیک و شیمی از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس شد و سپس وارد خدمت فرهنگ گردید و عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله ریاست دبیرستان خاقانی شد و همچنین مدتی بازرس فنی بود. در ۱۳۲۹ ش برای مطالعات فرهنگی به بلژیک دعوت شد. وی دکترای خود را در علم حقوق در اروپا اخذ کرد. در مراجعت به ایران از طرف وزارت فرهنگ به ریاست اداره‌ی مطالعات و برنامه‌ها مشغول شد. وی مدتی نیز مدیر کل وزارت فرهنگ بود. او همچنین صاحب امتیاز و مدیر روزنامه‌ی «اخبار ایران» بود. از دیگر آثار وی: «نظریات اصلاحی»، درباره‌ی فرهنگ ایران؛ مقدمه‌ی کتاب «شالوده‌ی تربیت در جهان امروز» پیاژه؛ «سازمان و اداره‌ی آموزش و پرورش»، جلد اول: سازمان و اداره‌ی آموزش و پرورش در ایران، فرانسه، آمریکا و ژاپن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۵۴۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۸۴، ۲۰۷۴، ۱۸۹۷/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۴-۸۱۳/ ۵).

مشتاقی نایینی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۸ / ۱۳۲۲ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به مشتاقی. ملقب به صفاء السلطنه. مشتاقی مدتی عهده‌دار مدیریت

دارالطباعه‌ی دولتی بود و در آنجا به تحریر روزنامه‌ی «غرای ایران» می‌پرداخت. او چندی در وزارت خارجه سمت منشی داشت. مشتاقی «جنگی» مشتمل بر قصاید و غزلیات در مدایح ائمه (ع) از مشاهیر شعرا جمع‌آوری کرد و سه قصیده از خودش در این زمینه را به آنها افزود و تمام آن را به چاپ رساند. وی در مأموریت کنسولی کربلا درگذشت و در صحن حضرت ابوالفضل دفن شد. از دیگر آثار وی: «کنز المعجزات ناصری»، شعر؛ « دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۶۴۵/ ۳)، الذریعه (۱۶۸ -۱۶۷/ ۱۸ ،۱۰۴۵/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۰ -۳۹۹/ ۴).

مشتری

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان هنرمند و ادیب. وی از زنان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و اهل شیراز بود و در آواز، موسیقی و شعر و بدیهه‌گویی استاد بود. به نوشته تاریخ عضدی، یک شب شاه با یکی از زنانش در طبقه اول برج جهان‌نما به سر می‌برد. مشتری خانم که در طبقه دوم بود شعر زیر را با آواز بلند خواند:

بالای بام دوست چو نتوان نهاد پای

هم چاره آنکه سر بنهم زیر پای دوست

به دستور شاه، هرگاه که شاه عازم سفر می‌شد و چکمه و شلوار می‌پوشید مشتری خانم می‌بایست که مشغول خواندن آواز می‌شد. در سفر آخری که به اصفهان می‌کرد- و در همان سفر در اصفهان درگذشت- مشتری خانم به عادت همیشگی بیت زیر را خواند:

تو سفر کردی و خوبان همه گیسو کندند

از فراق تو عجب سلسله‌ها بر هم خورد

شاه مضمون این بیت را به فال بد گرفت و آیه استرجاع خواند. مشتری خانم حدود صد سال عمر کرد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: پشت پرده‌های حرمسرا، ۳۵۸؛ تاریخ عضدی، ۴۱ -۴۰؛ ریاحین‌الشریعه، ۷۵ / ۵.

مشرف حسینی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن السید الجلیل السید حسن بن السید احمد بن السید محمدعلی الحسینی قمی‌الاصل والولاده از علماء ابرار معاصر است در درود، وی در قم متولد شده و در دامن تقوا و علم عالم ربانی و آیهٔ سبحانی مرحوم مبرور آیت‌اللّٰه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی تربیت یافته و پس از خواندن مقدمات سطوح را از مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمدحسین علامه‌ی قمی و مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حجهٔ‌الاسلام آقا سید مهدی تهرانی و آیت‌اللّٰه آخوند ملا علی همدانی و مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی و آیت‌اللّٰه صدر و مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا جواد آقای ملکی تبریزی و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه حجت ره و غیرهم استفاده نموده و از خرمن علوم و تقوای آنان خوشه‌ها برداشته تا در سال ۱۳۷۰ قمری که به امر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بدرود منتقل و تا اکنون در آن ناحیه به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: معظم له از دانشمندان متقی و متدین و موصوف به فضل و کمال و زهد و ورع می‌باشد خداوند امثال آنجناب را زیاد و مستدام بدارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مشفق، همدانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، روزنامه‌نگار، مترجم و دانشمند معروف در ۱۲۹۱ در همدان تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همدان تمام کرد و وارد دانشسرایعالی شد و لیسانس فلسفه و علوم تربیتی گرفت، ضمنا از دوران کودکی به آموختن زبانهای خارجی ولعی عجیب داشت به طوری که زبانهای انگلیسی و فرانسه را به خوبی می‌دانست و مدتی دبیر زبان انگلیسی در دارالفنون تهران بود، بعد مترجم وزارت امور خارجه شد و پس از چندی به ریاست اداره خبرگزاری پاریس که در آن تاریخ ضمیمه وزارت امور خارجه بود رسید. در اداره کل تبلیغات نیز مشاغلی از قبیل ریاست اداره تبلیغات خارجی و مفسر سیاسی پیدا کرد. مشفق از جوانی کار نویسندگی و مترجمی در جراید را شروع کرد. ابتدا در روزنامه ایران عضو هیئت تحریریه بود بعد به مجلات مهرگان و مهر پیوست. در انتشار مجله آینده ایران یار و یاور عبدالرحمن فرامرزی بود. مدت پنج سال سردبیری روزنامه کیهان را داشت و سرانجام در ۱۳۲۹ مجله

هفتگی کاویـان را به مسؤولیت خویش انتشار داد. کاویان کار خود را با همکاری نویسـندگان و مترجمین درجه اول آغاز نمود. در همان نخستین شـماره‌های سال اول در محافل مطبوعاتی و سیاسی جای خود را باز کرد و وزنه مؤثری در سیاست داخلی کشور شد. رویه کاویـان در روزنامه‌نگـاری ایفـای نقش اقلیت و انتقـاد از اعمال دولت‌ها و ارائه طریق برای اصـلاحات بود. مجله کاویان قریب هفت سـال بطور منظم و مرتب انتشار یافت ولی در سالهای آخر انتشار خود مواجه با خفقان مطبوعاتی و سانسور شدیـد بود. مشـفق در این موقع کـار مطبوعـاتی را که مؤثر در جـامعه نبود کنار گـذاشت و به کار تجارت پرداخت. پس از چنـدی جلای وطن کرد و ایتالیا را برای اقامت خود برگزید و به صادرات فرش از ایران و فروش آن در ایتالیا مشـغول شد. او ترجمه‌های زیادی از نویسـندگان معروف دنیـا انتشـار داده است ماننـد مـدرسه و اجتمـاع، نادرشـاه و چنـد کتـاب اجتمـاعی و روانشناسـی دیگر ماننـد عشق و انتقام و منیاتیسم، روانشناسی برای همه، اصول اساسی روانکاوی و حافظه روانشناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

مشکان طبسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیـب، شـاعر دانشـمند و قاضـی عـالیرتبه در ۱۲۵۸ در طبس تولـد یـافت. پـدرش سـید مهـدی از دانشـمندان و مالکـان طبس بـود. تحصیلات مقدماتی را در طبس آغاز کرد و سپس در یزد و حوزه علمیه اصـفهان آن را تکمیل نمود و مدتی در اصفهان نزد میرزا جهانگیرخان قشـقائی فلسفه آموخت. علومی چون فقه و اصول و حساب و هندسه و جبر و اسطرلاب و طبیعیات را کامل کرد. سپس به خراسان بازگشت و در آنجا به آموختن زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبیات اروپائی اشـتغال ورزیـد. بعد به قاهره سـفر نمود و در دانشـگاه الازهر چنـدی به تحصـیل و تـدریس اشـتغال داشت. قریب سه سال نیز در پاریس علوم انسانی و حقوق یاد گرفت. پس از پایان جنگ بین‌الملل اول با سـرمایه و بضاعت علمی کامل به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول شد و در چند مدرسه هم تدریس می‌کرد. در تشـکیلات دادگستری داور به آن وزارتخانه دعوت شد و با رتبه هفت قضائی مستشار استیناف گردید. پس از چندی به دیوان عالی کشور رفت و در آنجا مستشار دادگاه انتظامی قضات شد. وی از مدرسین درجه اول مدرسه عالی سپهسالار بود و در دانشکده معقول و منقول تدریس می‌کرد. او شعر نیکو می‌سرود و اشعارش از سخن‌سرایان خراسان الهام گرفته است و در رونق انجمن‌های ادبی در تهران سـهمی به سـزا داشت و مدتها نایب رئیس انجمن ادبی فرهنگسـتان بود. وفات او در ۱۳۲۸ در هفتاد سـالگی اتفاق افتاد. در ادبیات فرانسه نیز اسـتادی داشت. مشـکان طبسـی مـدتی در خراسان از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ مجله ادبی دبسـتان را انتشار می‌داد پس از عضویت در دادگستری امتیاز آن را به شیخ احمد بهار واگذار کرد.

(۱۳۲۸/ ۱۳۲۷ -۱۲۵۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در طبس به دنیا آمد. حساب و هیئت و نجوم را نزد پدر و علوم عرب را نزد شیخ حسن ملا سلطان محمد آموخت. وی پس از فوت پدر جهت ادامه‌ی تحصیل به یزد و اصفهانی رفت و علوم عقلی و نقلی و ریاضـیات و فنون و ادب و اسـطرلاب را نزد اسـتادان وقت فراگرفت. سپس به مشهد رفت و به فراگیری زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبی اروپـایی پرداخت. وی مسافرتهـایی به مصر و پـاریس داشت و در اواخر جنـگ جهانی اول به خراسان بازگشت و در مشـهد به خـدمت وزارت معارف درآمـد. وی در ۱۳۰۱ ش، مجله‌ی «دبسـتان» را در مشـهد تأسـیس و منتشـر کرد. مشکان بعدها به تهران منتقـل و در سـمت مسـتشار دیـوان کشـور مشـغول خـدمت شـد. وی همچنین در دانشـکده‌ی معقول و منقول فلسـفه تـدریس می‌کرد. مشـکان سـرانجام در تهران فوت نمود و در شـهر ری در جوار بقعه‌ی حضـرت عبـدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثار وی: «ببر هژیر یا کاپیتان کرکران»، ترجمه؛ «تدبیر منزل و سیاست مدن»؛ اهتمام در انتشار «ترجمه‌ی اشارات».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۸۰ -۲۷۷/ ۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۹۹۹ -۹۹۸)، شرح حال رجال (۷۹ -۷۸/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۸۵۲، ۸۲۲، ۴۵۲/ ۱)، گلزار معانی (۶۴۷ -۶۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۶ -۶۵۴/ ۲).

مشکوة، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نسخه‌شناس.

تولد: ۱۳۱۹، ق.بیرجند.

درگذشت: ۲ مهر ۱۳۵۹.

سیـد محمد مشـکوهٔ از مردم بیرجند و طلبه‌ی درس خوانده در بیرجند (مدرسه‌ی معصومیه) و قائن و مشـهد بود. در اسـفند ۱۲۹۹ به تهران آمـد. وی توانست به اسـتادی دانشـگاه برسد و به تدریس فقه اسـلامی بپردازد. از این رشـته، تقریراتی از وی به چاپ رسـیده است که جنبه‌ی درسی داشت. مشکوهٔ به جز تدریس در دانشگاه در مدرسه‌ی عالی سهپسالار نیز به تدریس فلسفه اشتغال داشت.

مشـکوهٔ نزد عده‌ای از علمای زمان و اساتید حوزه‌های علمی مشهد و تهران درس خوانده و به اخذ درجه‌ی اجتهادی از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نایل شد. اما شـهرت علمی او در معرفت کتابشناسی اوست. وی در سال ۱۳۳۹ کتب خطی کتابخانه‌ی خود را به دانشگاه تهران بخشید و

پایه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی با این مجموعه گذاشته شد. فهرست کتابخانه‌ی مشکوة در هفت جلد انتشار یافت. (دو جلد توسط احمد منزوی و هفت جلد توسط محمدتقی دانش‌پژوه). از آثار اوست: کلمهٔ التوحید لرفع التردید (۱۳۰۵)؛ مشکوهٔ الاسرار فی حل عقد الاسفار (۱۳۰۵)؛ روان‌شناسی (ترجمه‌ی رساله‌ی عشق ابن سینا، ترجمه‌ی ضیاءالدین دری، تحصیح میرزا محمود شهابی، ۱۳۱۵)؛ الوجیزه (در درایهٔ، از شیخ بهایی، ۱۳۱۶)؛ رگشناسی یا رساله در نبض (ابن سینا، ۱۳۱۷)؛ فوائد الدریهٔ (شامل چند رساله از ابن سینا، ۱۳۱۸)؛ درهٔ الاخبار و لمعهٔ الانوار (ترجمه تتمه صوان الحکمهٔ، ضمیمه «مهر» سال پنجم، ۱۳۱۸)؛ وصیت‌نامه‌ی محمدباقر مجلسی (ضمیمه‌ی سالنامه، ۱۳۳۲)؛ درهٔ التاج لغرهٔالدباج (تألیف قطب‌الدین شیرازی، جلد اول، ۱۳۲۰)؛ دانشنامه‌ی (قسمت طبیعیات، از ابن سینا، ۱۳۳۰)؛ دانشنامه (قسمت منطق، از ابن سینا، ۱۳۳۱)؛ بیع (از کتاب شرایع، ۱۳۳۲)؛ نمونه‌ی مختصری از غزل و مثنوی و رباعی (گردآورنده اکرم مهین، به همت سید محمد مشکوهٔ، ۱۳۳۶)؛ ارسطاطالیس حکیم، نسختین مقاله‌ی ما بعد الطبیعه موسوم به مقالهٔ الالف الصغری (ترجمه‌ی اسحق بن حنین با تفسیر یحیی بن عدی و تفسیر ابن رشد با تفسیر و تحقیق و مقدمه‌ی و ترجمه‌ی سید محمد مشکوهٔ، ۱۳۴۶)؛ فعلیت و امکان در عقد وضع و آراء فارابی و ابن سینا (۱۳۵۶).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مشکور نجفی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالدین مشکور فرزند مرحوم شیخ محمدجواد بن العلامه شیخ مشکور نجفی حولاوی در حدود سال ۱۳۳۳ قمری در نجف اشرف متولد شده و در دامن و بیت والدش شیخ محمدجواد مشکور که از علماء نجف و شوهر خواهر عالم عابد آیت‌اللّه حاج شیخ علی زاهد قمی نجفی معروف (امام مسجد هندی نجف اشرف) که دختر عموی شیخ مشکور بود که نامزد او شده و او برای زیارت آمده بود و او را خواستگاری کرد و با او ازدواج نمود.

پس برای او دو دختر آورد یکی مادر عبدالکریم و محمدرضا و مرتضی و مجتبی مشکور شد که ساکن مشهد هستند. فرزندان شیخ تقی مشکور پسرعموهایی شیخ مشکور می‌باشند. پس شوهر او از دنیا رفت و او با برادرش شیخ علی قمی نجفی به نجف آمده و شیخ مشکور او را خواستگاری کرده و او را پذیرفت.

پس برای او فرزندی آورد موسوم به حسین و فرزندان دیگری که همه آنها از دنیا رفتند جز او حسین ماندند او هم برای این بود که قبل از ولادتش پدرش مسافرت کرده بود و او در مجلس عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بسیار گریه می‌کرده پس نذر نموده اگر فرزندش پسر بود او را حسین بنامد. پس او را حسین نامید و او سخت مریض شد پس پدر و مادرش برای او قربانی کرده و روزه گرفتند که خدا او را شفا دهد و خداوند دعای آنها را اجابت و او را شفا بخشید.

و شیخ مشکور معروف به بزرگواری و دوستار خیر و احسان به خلق خدا بوده است. روزی در وادی السلام مردی را دید که از قبر ابن ملجم مرادی اشقی‌الاولین والاخرین می‌پرسید پس به او می‌گوید بیا تا او را به تو نشان دهم پس او را به حفره‌ای برده و می‌کشد و به جهنم می‌فرستد پیش ابن ملجم مرادی ملعون و در مراجعت به یک شرطه (پلیس) برمی‌خورد.

و از او می‌پرسد: رفیق تو کو؟

می‌گوید: من تنها بودم.

می‌گوید: خیر من دیدم شما دو نفر بودید.

می‌گوید: سگی با من بود که اذیت می‌کرد پس او را کشتم.

او می‌گوید: خیر انسانی با تو بود.

پس به او می‌گوید: خیر سگ بود.

می‌گوید: برویم ببینیم.

پس چون به آن حفره می‌رسند کشته سگی را می‌نگرند، پس به او می‌گوید جریان چیست؟ من انسانی را با تو می‌دیدم حال سگ می‌بینم، می‌گوید او از خوارج و طرفداران ابن‌ملجم مرادی بود و قبر او را می‌خواست پس من او را کشتم تا به این ملجم ملحق شود و خدا او را مسخ به صورت سگ نمود پس آن شرطه (پلیس) سنی، شیعه و محب علی علیه‌السلام می‌شود.

مترجم ما از این بیت است که در نجف نشو و نما یافته و از محضر آیات عظام استفاده نموده و سالها در صحن شریف به جای والدش اقامه جماعت نموده و در سال ۱۳۹۲ قمری از طرف حکومت بعث به ایران آمده و در قم رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر در حسینیه نجفیها به اقامه جماعت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مشکور، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، زبان‌شناس.

تولد: ۱۲۹۷، محله سنگلج تهران.

درگذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

محمدجواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی معقول و منقول شد و در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجه‌ی کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمدمهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر استادانی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعرای بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی باستانی پرداخت وی از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۸ به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال ۱۳۳۲ به پاریس عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در تاریخ اسلام و فوق آن نایل آمد. مدت شش سال سردبیر مجله‌ی عربی «الاخاء» بود. در سال ۱۳۴۴ به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ به عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال ۱۳۵۸ پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: کلمات محمد (ص) (متن عربی و ترجمه، ۱۳۱۸)؛ تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی (۱۳۲۵)؛ تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری (یوسف بنیان، ترجهه، ۱۳۲۶)؛ تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ النکت الاعتقادیهٔ (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، ۱۳۳۳)؛ تاریخ مردم اورارتو (کشف یک سنگ، تهران، ۱۲۳۳)؛ تاریخ اورارتو سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان (۱۳۴۵)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان (۱۳۴۷)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری (۱۳۵۲)؛ نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن (۱۳۴۹)؛ ترجمه تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، ۱۳۳۷)؛ دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی (۱۳۳۸)؛ فرق الشیعه یا مقالات الامامیهٔ و الفرق و اسماؤها و صنوف‌ها (۱۳۲۵)؛ کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۲۹)؛ مجوس در کتب مقدس سامی (۱۳۲۵)؛ هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذهب (۱۳۳۷)؛ گفتاری درباره دینکرد (۱۳۲۵)؛ ایران در عهد باستان (۱۳۴۳)؛ تصحیح منطق الطیر عطار، اخبار سلاجقه روم (۱۳۵۰)؛ سیر اندیشه‌های دینی در ایران (۱۳۵۵)؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری (۱۳۵۷)؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی (۱۳۵۷)؛ جغرافیای تاریخی ایران قدیم (۱۳۷۱)؛ دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینه ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستان‌شناسی و هنر ایران ». وی همچنین در کتاب مجموعه خطابه‌های تحقیقی که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، دارای مقاله بود.

پیکر محمدجواد مشکور در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

(۱۳۷۴ –۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، مصحح، مورخ، فرهنگ نویس، محقق و استاد دانشگاه. ملقب به بهاءالدین. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس تمدن، ثروت و دارالفنون وارد دانشکده‌ی معقول و منقول شد و سپس از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب گردید. در ۱۳۱۸ ش در دبیرستانهای ملی تدریس کرد و به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی به جهت علاقه به تحقیقات ادبی و معارف اسلامی از محضر دایی‌های خود، شریعت سنگلجی و دو برادرش، آقا محمد و آقا محمدمهدی سنگلجی، و استادانی چون: علامه طباطبایی، علامه قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، بدایع‌الزمان فروزانفر، میرزا یدالله نظر پاک، الهی قمشه‌ای و محمود شهابی استفاده‌ها برد. وی پس از آموختن مقدمات زبانهای سامی (عبری و سریانی) از طرف مدرسه‌ی عالی ایران شناسی به تدریس در آن مدرسه دعوت شد. مشکور یکی از همکاران علامه علی‌اکبر دهخدا در کار «لغت نامه» بود. در ۱۳۲۷ ش در دانشگاه تبریز تاریخ ایران باستان و زبان پهلوی را تدریس می‌کرد و در ضمن اقامت در تبریز از محضر استادانی چون حاج میرزا عبدالله مجتهدی و حاج محمد آقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی و واعظ چرندانی و غیره بهره جست. در ۱۳۳۲ ش برای گذراندن دوره‌ی دکترا به دانشگاه سوربن پاریس رفت و درباره‌ی تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، از قرن نهم پیش از میلاد تا قرن نهم میلادی، به تحقیق پرداخت و در ۱۳۳۶ ش موفق به اخذ مدرک دکترا در تاریخ اسلام و خاورمیانه شد. وی از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ ش مدیریت مجله‌ی «الاخاء» را به عهده داشت. در این بین او در کنگره‌های بین‌المللی در انگلستان و فرانسه و آلمان و روسیه و ترکیه شرکت نمود و در ۱۳۵۲ ش با سمت رایزن فرهنگی به دمشق رفت. وی ضمن تدریس تاریخ فرق اسلامی بویژه شیعه در دوره‌ی فوق لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. یکی از مهم‌ترین موفقیتهایش در آنجا مشخص کردن قبر ابونصر فارابی در باب الصغیر و شیخ اشراق شهاب‌الدین ابوالفتوح سهروردی در باب البرید بود. از دیگر آثار وی: «تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم»؛ «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن»؛ «روح القرآن»، در توحید و مکارم اخلاق انسان؛ «تاریخ اورارتی و سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان»؛ «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»؛ «گفتاری درباره‌ی دینکرد»؛ «تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان»؛ «فرهنگ هزوارشهای پهلوی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «هفتاد و سه ملت»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتابهای: «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی و «منطق الطیر» عطار؛ «نسب نامه‌ی خلفاء و شهریاران» و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه؛ «اخبار سلاجقه‌ی روم»؛ «کلمات حضرت محمد (ص)»، ترجمه؛ «الفرق بین الفرق»، ترجمه؛ «فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی»؛ «تاریخ ایران زمین»، از روزگار باستان تا عصر حاضر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۳۱، ۲۶۵۴/ ۲)، کلك (س ۴، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۸۸ -۲۷۷، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ -۳۷۵)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۲، ص ۶ -۱، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ -۳۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۵ -۴۲۳/ ۲)، نامه‌ی باستان (۱۸ -۱۱).

مشکوری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین مشکوری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمّد حسین مشکوری طلبه قم و معمم مشغول به تحصیل می باشم اجداد بنده همگی از علماء و فضلای نجف و معروف به مشکور نجفی مشغول به تألیف و تدریس بوده اند و لذا اینجانب فوق العاده علاقه مندم در امتداد حرکت آن بزرگواران و در راستای اعتلای کلمه اسلام خدمتی هر چند اندک را به جامعه اسلامی تقدیم نمایم. در این راستا چند سالی است که به تهیه فیش های علمی می پردازم تا ان شاءالله در آینده ای نزدیک مطالبی مفید و ارزنده ارائه نمایم . ان شاءالله

مشکوه‌الدینی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و دکترای زبانشناسی همگانی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی گروه زبانشناسی داشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۵، تدریس زبان‌شناسی و اخذ درجه استادی در سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و مطالعه در زمینه زبان‌آموزی کودک و نیز در دانشگاه واشنگتن در زمینه زبان‌شناسی نظری و همچنین یادگیری زبان دوم، شرکت در کنگره‌های داخلی و خارجی و ارائه مقالات گوناگون، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی نظری، دستور زبان فارسی، زبان‌آموزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، دستور زبان فارسی، زبان‌آموزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مشکینی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیهٔ الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در روستایی از توابع بلوك مشکین شهر و در میان

خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلنّی زندگی ساده ای داشت. او در کسوت روحانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیهٔ الله مشکینی هنگامی که همراه با پدر در نجف اشرف مقیم بود، به مکتب خانه رفت. هنوز بیش از دو سال از اقامت خانواده آیهٔ الله مشکینی در نجف نگذشته بود که مادرش چشم از جهان فروبست. آیهٔ الله مشکینی به همراه پدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مدتی پدر را نیز از دست داد. خود می گوید ": پس از فوت پدرم ما یتیم بودیم و هیچ چیز نداشتیم ".ایشان با وجود سختی و مرارت و فقر، عزم سفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شد و پس از اندکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال های سخت دوران یتیمی خویش می گوید": با وجود همه سختی ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبوده لکن همواره خدا بود و باور این حضور، ما را از یاس و ناامیدی نجات می داد ".وی برای تحصیل علوم دینی به شهرستان اردبیل سفر کرد و مقداری از صرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سپس در معیّت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسجد گوهرشاد مشهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمد و در آن دیار به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سفارش پدرش برای تحصیل علم می گوید": پدرم در آخرین لحظات عمرش تنها سفارشی که برای من کرد این بود که فرمود: پسرم! در روز قیامت به پیش من رو سیاه می آیی اگر احکام و عقاید و تفسیر را فرا نگرفته باشی ".این بود که آیهٔ الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشید و در این علوم نیز تبحر خاصی به دست آورد. او در حضور اساتید بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مستولی و تحصیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس دوره سطح را به خوبی به پایان رساند و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دوره خود، حاضر شد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی(ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بازگشت به ایران شد. آیهٔ الله علی اکبر مشکینی در سال‌های تحصیل خود، به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیهٔ الله العظمی بروجردی (ره) و آیهٔ الله العظمی محقق داماد(ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضر عالمان و استادان آن دیار شرفیاب می‌شد و در درس خارج امام خمینی(ره) شرکت جدی داشت. آیهٔ الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیهٔ الله جوادی آملی و آیهٔ الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیهٔ الله مشکینی در سال‌های عمر با برکت خود منشأ خدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود. او طی سال‌ها تدریس مقدمات، سطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسیر آیهٔ الله مشکینی از دروس مشهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌های مهم وی در این عرصه، تأسیس مؤسسه الهادی است که به چاپ کتب مفید و اسلامی برای سطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسلامی آشنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: ۱ـ اصطلاح الاصول ۲ـ مصطلحات الفقه ۳ـ الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) ۴ـ دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) ۵ـ ازدواج در اسلام ۶ـ المنافع العامه (شرح کتاب احیاءالموات شرایع) ۷ـ مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) ۸ـ المواعظ العددیه ۹ـ واجب و حرام احکام الزامی (دوره فقه) ۱۰ـ قصار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) ۱۱ـ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی ۱۲ـ الهدی الی موضوعات نهج البلاغه ۱۳ـ المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) ۱۴ـ واجبات و محرمات (استقصاء آنچه در شرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) ۱۵ـ تفسیر سوره (ص) ۱۶ـ بحث تکامل از نظر قرآن ۱۷ـ مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل ۱۸ـ زمین و آنچه در آن است ۱۹ـ تقلید چیست؟ ۲۰ـ رساله خمس ۲۱ـ حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروهٔالوثقی ۲۲ـ نهج البلاغه موضوعی ۲۳ـ تحریرالمواعظ ۲۴ـ تحریرالمعالم ۲۵ـ الرسائل الجدیده ۲۶ـ تلخیص المکاسب (در دست چاپ) ۲۷ـ تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) ۲۸ـ ترجمه و شرح فارسی سه کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروهٔ الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است. فعالیت‌های سیاسی :

زندگی آیهٔ الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی(ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می‌کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا ۴۸ ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و ۱۵ ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه ۲۷ نفر از اساتید و فضلای حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیهٔ الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام(ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام(ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشهدی، هدایهْاللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۸ -۱۱۷۸ ق)، عالم امامی، فقیه، مفسر و نحوی. در محضر پدرش تلمذ نمود. پس از رسیدن به درجات عالی علمی عهده‌دار ریاست دینی مردم گردید. زمانی که شاهزاده شجاع السلطنه از خراسان رفت و آن منطقه مورد تجاوز سید محمد خان کلاتی قرار گرفت، میرزا هدایت‌اللّه مشهدی شاگرد خویش، ملا قربان نیشابوری، را به همراه نامه‌ای به کلات فرستد و خان متجاوز را از ظلم و تعدی برحذر داشت و خان مزبور فرمان او را اطاعت کرد. او در مشهد درگذشت و در صفه‌ی طهماسبی دفن شد. از آثارش: تفسیر قرآن مجید معروف به «تفسیر میرزا هدایهْ اللّه»، ده جزء اول قرآن و ده جزء آخر آن می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۹/ ۹)، اعیان الشیعه (۲۶۳/ ۱۰)، الذریعه (۳۲۱/ ۴)، هدیهْ العارفین (۵۰۷/ ۲).

مشیر سلیمی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مشیر سلیمی در سال ۱۲۷۹ ، در تهران متولد گردید. او در دو رشته ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با زبان های عربی و فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد. سلیمی از سال ۱۲۹۹ شمسی وارد امور فرهنگی و مطبوعاتی گردید و امتیاز روزنامه اطلاعات را تحصیل کرد و به نشر آن پرداخت و در سال ۱۳۰۴ آن را به عباس مسعودی واگذار کرد. وی چندی نیز سردبیر روزنامه « اتحاد » و بعد از دو سال مدیر روزنامه « شفق سرخ » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و مدیریت مجله یونسکو را به عهده داشت. وی سه سال مدیر بنگاه داستان نوین و هشت سال مدیر چاپخانه بانک ملی را عهده دار بود و در سال ۱۳۲۵خدمات فرهنگی خود را در وزارت فرهنگ دنبال نمود. او چندی نیز دبیر سازمان فرهنگی یونسکو را به عهده داشت. علی اکبر مشیر سلیمی سرانجام در سال ۱۳۵۰ به درود زندگی گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : علی اکبر مشیر سلیمی فرزند علی اصغر (مشیر دربار) ، نواده میرزا سلیم تهرانی شاعر معروف قرن یازدهم می باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مشیر سلیمی در دو رشته ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با زبان های عربی و فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد.

زمان و علت فوت : علی اکبر مشیر سلیمی در سال ۱۳۵۰ به درود زندگی گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر مشیر سلیمی سه سال مدیر بنگاه داستان نوین و هشت سال مدیر چاپخانه بانک ملی عهده دار بود و در سال ۱۳۲۵خدمات فرهنگی خود را در وزارت فرهنگ دنبال نمود. او چندی نیز دبیر سازمان فرهنگی یونسکو را به عهده داشت.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله اقدامات مهم علی اکبر مشیر سلیمی پس از نشر روزنامه اطلاعات ، تاسیس بنگاه مربی و تالیف و ترجمه و طبع و نشر کتاب در این بنگاه بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اکبر مشیر سلیمیاز سال ۱۲۹۹ شمسی وارد امور فرهنگی و مطبوعاتی گردید و امتیاز روزنامه اطلاعات را تحصیل کرد و به نشر آن پرداخت و در سال ۱۳۰۴ آن را به عباس مسعودی واگذار کرد. وی چندی نیز سردبیر روزنامه « اتحاد » و بعد از دو سال مدیر روزنامه « شفق سرخ » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و مدیریت مجله یونسکو را به عهده داشت.

جوائز و نشانها : علی اکبر مشیر سلیمی به پاس خدمات فرهنگی به دریافت سه قطعه نشان علمی نایل آمد. ----------------
----

آثار :

۱ اسناد محرمانه سیاسی

۲ تذکره زنان سخنور

ویژگی اثر : سه جلد

۳ دسته گل ادبی

۴ راهنمای فرهنگ و اصلاح تعلیمات عمومی

۵ کلیات مصور عشقی

۶ گلهای رنگ

ویژگی اثر : ۷۹ جلد

۷ مهر جاوید

۸ مهر جاوید

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۹ هفته نامه مربی

منابع زندگینامه :شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج ۲ ، تهران: انتشارات سنایی ، ص۹۹۸

مشیرفراهی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر مشیرفراهی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۳۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد جعفر مشیر فراهی فرزنـد سیّد حسن در تاریخ ۳۱/ ۱ / ۴۰ ه. ش مطابق بـا ۴ ذی القعـده الحرام ۱۳۸۰ ه. ق در شـهر مقدّس مشـهد متولد شدم . در ۵ مـاهگی پـدرم مرحوم آیت الله مشـیر را که از نوادگان مشاور التولیه آسـتان قـدس رضوی بود ، از دست دادم . در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم . از سال ۵۶ تفکرات سیاسی و ضد شاهی در من شکل گرفت و در انقلاب ، شرکت فعّالانه داشتم . در سال ۶۰ به خدمت سربازی رفته و پس از ۵/۸ ماه از خـدمت معاف شدم . حدود ۷ ماه در جبهه ها حضور رزمی، تبلیغی داشـتم در سال ۶۱ وارد حوزه علمیه شـده و دروس حوزه را تا سـطح خارج ادامه دادم (۳ سال درس خارج) و از اساتیدی نظیر آیت الله صالحی ، فقیه سبزواری ، واعظی ، مرتضوی ، رضا زاده و مرحوم فلسـفی بهره مند شدم و اکنون مدرس دروس سـطوح (لمعه) هسـتم . در سال ۶۳ وارد آموزش و پرورش شده و در رشـته مربی پرورشـی به فعالیت پرداختم و در سال ۷۱ وارد دانشگاه فردوسـی مشـهد شـده و تا مقطع کارشناسـی ارشـد در رشـته پژوهشـگری علوم اجتماعی ادامه تحصـیل دادم (۱۳۷۹) در برخی از مراکز تربیت معلم و سازمان تبلیغات اسـلامی در رشته جامعه شناسی تدریس داشتم و هم اکنون در مراکز پیش دانشگاهی مشغول تدریس در حوزه علوم اجتماعی هستم .

مشیری شیرازی، قدرت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، شاعر و مترجم. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاهش به پایان رساند. مقالاتی از وی در جراید شیراز به چاپ رسیده است. از آثارش: «دستور رستگاری»، ترجمه؛ «محمدعلی پاشا کبیر»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۴۴۸ –۴۴۳/ ۴)، فهرست کتابهـای چاپی فارسـی (۲۹۴۸/ ۲ ،۱۴۱۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱۴/ ۴).

مصاحب تهرانی، شمس الملوک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهـاردهم ق)، شـاعر، مترجم و روزنامه‌نگـار. در تهران به دنیـا آمـد. تحصـیلات ابتـدایی و متوسـطه را در مـدرسه‌ی نـاموس و تحصـیلات عالی را در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران، در رشته‌ی ادبیات فارسی، به پایان رساند. شمس‌الملوک به زبانهای فرانسه و انگلیسـی و عربی آشـنایی داشت و رسـاله‌ی دکترای خود را دربـاره‌ی «ادبیـات غنـایی» در ۱۳۲۲ ش نـوشت. او مطالعـات خود را رشـته‌ی تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های کانادا و آمریکا تکمیل نمود. وی مدتی سرپرستی ماهنامه‌ی «زندگی روستایی» را به عهده داشت. مصاحب در شـعر توانا بوده و پنـج هزار بیت شـعر سـروده ولی دیوانش چاپ نشـده است. در تـذکره‌ها قطعه‌هایی از او آمده است از جمله: «هـدیه‌ی مادر»، «چنگ گسسـته» و «یار مهربان». برخی از مشاغلی که وی عهـده‌دار آنها بود عبارتنـد از: ریاست چند دبیرسـتان دخترانه در تهران، مشـاور وزیر آموزش و پرورش در امر مبارزه با بی‌سوادی و معاونت وزارت آموزش و پرورش. از آثار ترجمه‌ی وی: «افسانه‌های شـیرین»؛ «باغ اسـرارآمیز»؛ «بعد از باسوادی»؛ «در انتظار مادر شدن»؛ «ساده‌نویسی در زبان فارسی»، کلیاتی در فن سهولت کلام؛ «سرزمین و مردم اسپانیا»؛ «غرور و تعصب».[۱]

ادیب، دانشـمند و سیاسـتمدار فرزنـد دکتر علی محمد مصاحب در ۱۲۹۲ در تهران تولـد یافت. پس از انجام تحصـیلات مقدماتی و

متوسـطه وارد دانشکده ادبیـات تهران شـد و در رشته ادبیات و زبان فارسـی با احراز رتبه اول لیسانس گردیـد. در همان سال دوره دکترای ادبیات در دانشگاه تهران تأسیس شد و وی جزء معدود دانشجویانی بود که واجد شرایط برای ورود به دوره دکترا تشخیص داده شد و دوره دکترای ادبیات را در ۱۳۱۸ پایان داد و رساله دکترای او در ۱۳۲۲ با قید عالی به تصویب رسید. چندی نیز به امریکا و کانادا برای تکمیل تحصیلات مسافرت نمود. مصاحب خـدمات اداری خود را از فرهنگ آغاز کرد، چنـدی دبیر بود بعد ریاست چند دبیرستان مهم تهران مانند دبیرستانهای «پروین»، «شاهدخت» و «نوربخش» به او سپرده شد. از دیگر مشاغل او در فرهنگ کشور ریاست اداره تعلیمات متوسـطه و تربیت معلم و فرهنگ روسـتائی است. در ۱۳۴۲ در مغز او سودای سیاست پیش آمـد و کاندیدای نماینـدگی مجلس شـد، ولی توفیقی نیافت. سوراخ دعا را پیدا کرد و سراغ مقام بالاتری را گرفت و داوطلب نمایندگی مجلس سنا گردیـد. چون برای آن کار شـرایط لازم را نـداشت برای او شـرط صوری درست کردنـد و به او ابلاغ معاون وزارت فرهنگ دادند. یک روز بعـد فرمان سـناتور انتصابی او صادر شد. وی مجموعا ۱۷ سال مقام سـناتوری داشت. علاوه بر آن ریاست قسمت فرهنگی بنیاد پهلوی هم با او بود و در این سـمت اختیارات زیادی داشت. وی شاعر و نویسـنده است و قسـمتی از نوشته‌های خود را به چاپ رسانیـده ولی ارزش ادبی زیـادی نـدارد. مصـاحب چنـدی در وزارت فرهنگ مجله زنـدگی روسـتائی را انتشار می‌داد و در رادیوی ایران هم برنامه‌هائی تحت نظر او تهیه می‌شد. در ۱۳۷۶ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :[۱] زنان سـخنور (۲۰۳ -۱۹۴/ ۲)، فرهنگ سـخنوران (۸۵۰ -۸۴۹)، کارنـامه‌ی زنان (۲۱۱ -۲۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۲ -۴۵۱/ ۳).

مصاحب نایینی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۸۹ ش)، اسـتاد دانشگاه، ریاضیدان، محقق و نویسنده. در نائین به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ۱۳۰۶ ش به خـدمت وزارت معارف درآمد و تحصـیلات خود را در فرانسه و انگلسـتان به پایان رساند و در ۱۳۲۷ ش موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در ریاضـیات، از دانشـکده‌ی کمبریـج، شد. وی در جوانی، در ۱۳۰۹ ش مجله‌ی «ریاضـیات عالی و مقـدماتی» را در تهران تأسـیس و منتشـر نمود. مصاحب در طول خـدمت عهده‌دار مشاغلی از جمله: ریاست کل تعلیمات عالیه و معاونت فنی وزارت آموزش و پرورش و ریاست دانشـکده‌ی علوم دانشگاه ملی بود. وی نخستین کسی بود که منطق صورت به معنی جدید، یعنی منطق ریاضـی را وارد فضای فکری ایران کرد. او به زبانهای عربی و فرانسوی و انگلیسـی تسـلط و با زبان آلمانی آشنایی کامل داشت. در علـوم عربی و معقـول و منقـول تبحر و تحصـیلات عمیـق داشـت به طـوری که بـا دریـافت درجه‌ی اجتهـاد نیز مفتخر گردیـده بـود. مصاحب در رسم‌الخط فارسـی و ضـبط علائم و حروف صاحب رأی و نظر بود. از عمـده‌ترین کارهای مصاحب تأسـیس مؤسـسه‌ای برای تحقیق در ریاضـیات و تربیت ریاضـیدان بود که توسـط دانشـگاه تربیت معلم به وجود آمـد. یکی از کارهای اساسـی مصاحب اقدام به تهیه «دایرهٔالمعارف فارسی»، با همکاری عده‌ی بسیاری از دانشمندان در رشته‌های گوناگون بود که در ۱۳۳۴ ش سرپرستی آن را بر عهـده گرفت. از دیگر آثـار وی: «آنـالیز ریاضـی، تئـوری اعـداد حقیقی»؛ «مـدخل منطق صورت»؛ «منطق ریاضـی»؛ «علوم تفریحی»؛ «جبر و مقـابله خیام»؛ «توابع مسـتدیره»، با مشارکت احمـد احسـنی «هنـدسه‌ی مسـطحه»؛ «افراد و خانواده‌های نادرسـتکار»؛ «حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر».[۱]

ریاضـی‌دان، محقق و فرهنگی، فرزنـد دکتر علی محمـد مصاحب در ۱۲۸۹ در تهران تولـد یافت. بعـد از انجام تحصـیلات مقدماتی وارد دارالمعلمین شد و دوره آن را پایان داد و سپس در دارالمعلمین عالی ثبت نام نمود و در رشـته ریاضـیات فارغ‌التحصـیل شد و هم چنان تحصـیلات خود را در رشـته‌های گوناگون مانند فقه، اصول، الهیات و فلسـفه ادامه داد و در هر کدام از رشته‌های یاد شده اسـتاد مسـلم شد. ریاضـیات را مدتها نزد سـرتیپ بغایری تکمیل کرد و بعد به انگلسـتان رفت و از دانشـگاه کمبریج درجه دکترا در ریاضیات دریافت نمود.

وی خدمات اداری خود را در وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی شـغل دبیری و مدتی استادی دانشگاه داشت و مقامات مهمی را در وزارت فرهنـگ پشت سـر گـذاشت، ماننـد ریـاست تعلیمـات عـالیه و معاون فنی وزارت فرهنگ. ولی دلبسـتگی به مقامات صوری نداشت و تمام هم او صـرف تألیف و تصنیف کتاب بود. نخستین کوشش فرهنگی مصاحب نشر مجله‌ای بود به نام ریاضیات عالی و مقـدماتی که در ۱۳۰۹ تأسـیس کرد و یازده شـماره منتشـر شد. مصاحب عالم ریاضـی بود و بحق پدر ریاضـیات جدید در ایران نام گرفته بود. کتابهای او بیشتر در زمینه‌هایی مانند «جبر خیام»، «مثلثات»، «رسمی فنی» و «مدخل منطق صوری» است، که بعضی از آنها در مدارس متوسـطه و عالی تدریس می‌شد. کتابهای مهم مدخل آنالیز ریاضـی و دوره تئوری مقدماتی اعداد از تصـنیفات خوب او می‌باشد. وی چندی در ۱۳۲۲ به انتشار روزنامه یومیه برق مبادرت نمود. از دیگر کارهای فرهنگی او سـرپرستی دائرهالمعارفی است که به اسلوب علمی جهانی آن را تنظیم و انتشار داده است.

محقق، مؤلف.

تولد: ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت: ۲۴ مهر، ۱۳۵۸.

غلاحسـین مصـاحب تحصـیلات خود را در ایران، فرانسه و انگلسـتان انجام داد و در سال ۱۳۲۷ به اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه کمبریج در رشته‌ی ریاضیات نایل شد و به عضویت انجمن ریاضی‌دان لندن و انجمن فلسفی کمبریج درآمد.

پس از پایان تحصیلات عالی، ضمن مشاغل اداری از تألیف و تدریس نیز غافل نماند و در سال ۱۳۴۵ مؤسسه‌ی ریاضیات را در دانشگاه تربیت معلم تأسیس کرد و تا آخرین روز حیات خود به سمت استادی در آن مؤسسه اشتغال داشت.

تألیفات مصاحب این عنوان‌ها را در برمی‌گیرد: مجله «ریاضیات عالی و مقدماتی» (۱۳۱۰ –۱۳۰۹، وی مؤسس این مجله بود و مدیریت آن را به عهده داشت، اولین شماره‌ی این مجله در تهران در اول آبان ۱۳۰۹ منتشر شد) جبر و مقابله‌ی خیام (مشتمل بر متن عربی و ترجمه‌ی فارسی رساله‌ی خیام در جبر و تاریخ ریاضیات، ۱۳۱۷)؛ یک رساله‌ی انگلیسی که در جلد چهل و ششم (مورخ سال ۱۹۵۰) مجله‌ی انجمن فلسفی کمبریج به طبع رسیده است، منطق صورت (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴)؛ دایرهٔالمعارف فارسی (جلد اول، ۱۳۴۵، بخش اول از جلد دوم، ۱۳۵۶)؛ آنالیز ریاضی (دو جلد، ۱۳۴۸)؛ تئوری مقدماتی اعداد (جلد اول در دو قسمت، ۱۳۵۳)؛ مجلد دوم تئوری مقدماتی اعداد (در سه قسمت، ۱۳۵۸، کتاب برگزیده‌ی نخستین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در رشته‌ی ریاضیات)؛ حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر (انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹)؛ علوم تفریحی (۱۳۰۸.(

غلامحسین مصاحب در زمینه‌ی لغت و پهنه‌ی وسیع آن آزمایش‌ها کرد و مخصوصا در مورد وضع واژه‌های جدید در قبال لغت‌ها و اطلاح‌های خارجی فعالیت نمود، از آن جمله می‌توان فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی را که با همکاری تعدادی از محققان و کارشناسان در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسانید نام برد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۵، ش ۹ –۷، ص ۷۰۱ –۶۸۸)، تاریخ جراید (۳۳۹ –۳۳۸/ ۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۷۸۵/ ۲)، الذریعه (۲۴۹/ ۲۵ ،۳۲۶/ ۱۵)، روزشمار تاریخ (۲۱۹/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۱، ۳۹۶۹، ۲۳۴۳/ ۲ ،۱۳۵۵، ۱۲۰۵، ۹۶۱ ،۲۸۹/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۶)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۷، ص ۶ –۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷ ،۶۸۶/ ۴).

مصاحب نایینی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ –۱۲۹۱ ش)، پژوهشگر، مترجم و استاد دانشگاه. وی برادر دکتر غلامحسین مصاحب بود. در ۱۳۱۶ ش دوره‌ی عالی ادبیات و زبانهای خارجی را در دانشکده‌ی ادبیات (دانشسرای عالی) به پایان رسانید. وی از پایه‌گذاران جامعه مترجمان رسمی ایران بود که تا پایان عمر، ریاست این جامعه را بر عهده داشت. مؤسسه‌ی انتشارات علمی فرهنگی به پاس خدمات پنجاه ساله‌اش، اقدام به ایجاد نخستین جایزه‌ی ویراستاری نمود و نه تنها لوح تقدیر و یادبودی به او اهدا شد، بلکه وی اولین جوایز را به برگزیدگان اعطا کرد. او به همراه برادرش، دکتر غلامحسین مصاحب، در تدوین و نشر «دایرهٔالمعارف فارسی» تلاشی پیگیر داشت. وی ترجمه‌های بسیاری از خود بجای گذاشت، از آن جمله: «تربیت دختران»؛ «روح تعلیم و تربیت»؛ «اساتید یونان و روم»؛ «زوربای یونانی»؛ «روبنسن کروزوئه»؛ «سرزمین و مردم پرتغال»؛ «سرزمین و مردم فرانسه»؛ «سرزمین و مردم آرژانتین»؛ «نسبیت برای همگان»؛ «دایرهٔالمعارف علم و صنعت»؛ «ساکنان کهکشان»؛ «دانشمندان بزرگ جهان علم». از تألیفات وی: «لقمان حکیم»؛ «کتاب و کتابخانه در ایران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :کتاب ماه ادبیات و فلسفه (س ۳،۴، ص ۷۹) مؤلفین کتب چاپی (۹۲ –۹۱/ ۶).

مصباح زاده، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله مصباح زاده

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱۲/۵

زندگینامه علمی

اینجانب اسد الله مصباح زاده درسال ۱۳۴۲ درشهر کرمانشاه با تلاش و کوشش فراوان طلبه شده و مدت دو سال در مدرسه آیت الله العظمی بروجردی (ره) مشغول به تحصیل مقدمات و ادبیات بوده و پس از این مدت وارد حوزه علمیه قم شدم .مدتی در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی در خیابان امام خمینی(ره) و تهران آن روز در مدرسه علوی و بعد از آن با تلاش حقیر و دوستان وارد مدرسه حقانی شدم .و بعد دوباره به کرمانشاه برگشته پس از ازدواج و تشکیل خانواده خداوند یاری کرد دوباره به شهر اهلبیت(ع) قم برگشتم و از محضر مبارك اساتید معروف حوزه علمیه تلمذ نموده و اکنون نیز ادامه دارد .

مصباح‌زاده اوزی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و حقوقدان. در تهران به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی را در شیراز و دوره‌ی متوسطه را در تهران به پایان برد. در دانشگاه بیروت به تحصیل ادامه داد. سپس درجه‌ی دکترای خود را در رشته‌ی حقوق و علوم اقتصادی از دانشگاه سوربن فرانسه گرفت. پس از بازگشت به ایران با سمت بازپرسی وارد خدمت دادگستری شد و بعدها مستشار دادگاههای استیناف تهران گردید. وی مدیریت کل اداره‌ی تبلیغات و استادی دانشکده‌ی حقوق را نیز به عهده داشت. در ۱۳۲۱ ش روزنامه‌ی «کیهان» را در تهران تأسیس و منتشر کرد، که ابتدا در سمت سردبیری و سپس با سمت مدیر مسؤل و صاحب امتیاز مشغول به فعالیت شد.[۱]

روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و سیاستمدار، در ۱۲۸۸ ش در شیراز تولد یافت. پدرش عبدالرحمن مصباح دیوان اوزی سالها حکومت عباسی و بندرلنگه را داشت، بعد وارد دستگاه قوام‌الملک شیرازی شد و از محترمین فارس بود.

مصطفی مصباح زاده بعد از انجام تحصیلات مقدماتی دوره مدرسه عالی حقوق را در تهران تمام کرد و از طرف دولت برای ادامه تحصیل عازم اروپا شد و در رشته حقوق درجه دکترا دریافت نمود. بعد از مراجعت به ایران به دانشیاری و استادی دانشکده حقوق برگزیده شد. مدتی کوتاه قضاوت و وکالت دادگستری پیشه نمود ولی میله به احراز مقامات بالا داشت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مدتی ریاست انتشارات و تبلیغات با او بود ولی این کار را مطابق میل و سلیقه خود نیافت و آن را رها نمود و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت.

در ۱۳۲۰ عبدالرحمن فرامرزی از دولت امتیاز روزنامه‌ای به نام کیهان را گرفت و سردبیری این نشریه را به دکتر مصباح‌زاده سپرد. روزنامه کیهان گرچه یومیه بود ولی در نخستین روزهای تولد در هفته دو یا سه شماره انتشار می‌یافت، ولی مندرجات روزنامه از سایر مطبوعات روز بهتر بود، مخصوصا مقالات فرامرزی و تندرویهای او در انتقاد از هیئت حاکمه خیلی زود روزنامه کیهان را به جامعه معرفی کرد. در آذر ماه ۱۳۲۱ ش که قوام‌السلطنه حکومت داشت در تهران و شهرستانها به علت کمبود و قحطی نان و مواد غذائی و فقر عمومی و بیماریهای گوناگون بلوای بزرگی به راه افتاد. سازمانهای دولتی و مجلس شورای ملی و مغازه‌ها مورد غارت قرار گرفته حتی مردم خانه قوام‌السلطنه را به آتش کشیدند و دولت هم برای رفع بحران دست به اقداماتی زد، از جمله امتیاز تمام روزنامه‌ها را لغو نمود، مدیران و سردبیران را به زندان افکند و فقط یک نشریه به نام اخبار روز به مدیریت حسینقلی مستعان از طرف دولت انتشار می‌یافت.

بعد از سقوط قوام مدیران جراید دست به اقدام زدند و دولت مجددا امتیاز روزنامه‌ها را به صاحبان آن برگردانید. این بار امتیاز و مسؤولیت انتشار روزنامه کیهان به عهده دکتر مصباح‌زاده قرار گرفت و مدیریت و سردبیری را عبدالرحمن فرامرزی عهده‌دار شد. مصباح‌زاده با فعالیت زیاد سازمان وسیعی برای کیهان پی‌ریزی کرد و آن را به صورت یومیه انتشار می‌داد و مقالات فرامرزی هم هر روز بر رونق و نفوذ او می‌افزود. کیهان در مقابل صدها روزنامه موسمی که می‌آمدند و می‌رفتند باقی ماند و به سرعت و خیلی زود خود را به پایه روزنامه اطلاعات رسانید و بعد به سرعت زیاد از او جلو افتاد و روزنامه اول ایران شد. از لحاظ فنی و چاپ و وسائل لازم، آخرین پدیده‌های دنیا در چاپخانه کیهان دیده می‌شد. در جنب روزنامه کیهان چند نشریه دیگر به زبانهای فرانسه انگلیسی و فارسی انتشار می‌یافت که آنها نیز از کیفیت عالی برخوردار بودند. مصباح‌زاده در انتشار روزنامه نقش تأمین سرمایه داشت و مطالب آن را عده زیادی از نویسندگان تنظیم می‌نمودند و گاهی اتفاق می‌افتاد که مدیر و مؤسس کیهان مانند سایرین کیهان بدست او می‌رسید.

مصباح‌زاده برای اجرای نیت پدر خود که سالها در تلاش بود تا از بندرعباس وکیل شود در دوره پانزدهم از بندرعباس به وکالت مجلس رسید و فرامرزی سردبیر روزنامه کیهان هم وکالت یافت. بدیهی است در روزنامه اطلاعات هم چنین وضعی وجود داشت: مدیر و سردبیر آن عباس و محمد علی مسعودی که هر دو وکیل بودند در ادوار شانزدهم و هفدهم همچنان وکالت مجلس را برای خود حفظ نموده بودند. در دوره هفدهم مصباح‌زاده از پیروان مصدق بود و در استعفای دستجمعی وکلاء طرفدار مصدق شرکت کرد و همین امر او را سالها از مجلس دور ساخت. در دوره بیست و یکم از شیراز وکیل گردید و میل به ریاست مجلس در او زیاد بود ولی عشق و علاقه‌اش به مؤسسه «کیهان» او را از تعقب کار منصرف نمود. در دوره پنجم در ۱۳۴۶ سناتور شد و سه دوره کرسی سنا را زیرپا داشت. مصباح‌زاده مردی زرنگ، بذال، شریف، دانشمند، ملایم و نیک نفس بود و آنچه بدست می‌آورد در راه مؤسسه «کیهان» خرج می‌کرد. یکی از اقدامات جالب توجه او تربیت کادر نویسنده و روزنامه‌نگار است. او دانشگاهی برای این کار پی‌ریزی کرد که بنام مدرسه عالی ارتباطات موسوم شد که چندین رشته داشت و بهترین استادان در آنجا تدریس می کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۰۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۰ –۴۴۸/ ۴)، روز شمار تاریخ (۳۲۱/ ۱).

مصباحی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جواد مصباحی که نیز از علماء مشهور و روحانیون خدوم شیراز بوده و مدفن او در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه و از فرزندان این مرحوم که روحانی هستند جناب حجهٔ‌الاسلام آقای سید نورالدین مصباحی می‌باشند که در شیراز در مسجد حاج

عباس به اقامه نماز و تدریس مشغولند، می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجدالدین فرزند سید جلیل و عالم نبیل آقا سید جمال‌الدین مصباحی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید عباس مصباحی از دانشمندان به نام و مبلغین و خطباء سامی و وعاظ گرامی استان فارس به ویژه شیراز است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش و از کودکی آثار نبوغ در ایشان متجلی و از بدو جوانی به تحصیلات علوم دینی و غیره اشتغال و با آیت‌اللَّه مکارم و مرحوم آیت‌اللَّه ربانی و غیرهما هم دوره بوده و از شاگردان مبرز مرحومین آیت‌اللَّه حاج سید نورالدین حسینی و آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللَّه حاج شیخ علی ارسنجانی بوده و از آنان استفاده کرده و چند سال هم در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسین خادمی و آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا خراسانی استفاده نموده است.

مدت کوتاهی هم در نجف اشرف اشتغال داشته و از بدو جوانی به علت اعتماد علماء اعلام شیراز به امامت جماعت در بقعه سید ذوالفقار مشغول شده، و چون در فن خطابه شهرت بسزائی یافت از طرف مراجع و علماء اعلام و شخصیتهای مذهبی به خارج دعوت می‌شدند تا جائیکه در نهضت ملی شدن صنعت نفت در سن شباب نقش موثری داشته و در سی‌ام تیرماه با کفن‌پوشی در قیام خونین شرکت نمود که مورد تقدیر مرحوم آیت‌اللَّه کاشانی قرار گرفت و بعد از ۲۸ مرداد بازداشت و بعد از آزادی مرتبا تحت تعقیب بود تا در انقلاب اسلامی حرکت تبلیغی و تهاجمی وی به قدری شدید بود که در شب ۱۶ خرداد ماه سال ۴۲ بعد از سخنرانی تاریخی در مسجد نو دستگیر و به اتفاق مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللَّه دستغیب (شهید) از شیراز به زندان انفرادی عشرت‌آباد تهران منتقل و سپس دستجمعی محبوس و محاکمه گردیدند و بعد از آزادی در سنگر منبر و محراب با موقعیت و محبوبیت خاصی در شیراز و بنادر و کویت به خدمت اسلام و مردم مشغول و مجددا در قیام و نهضت روحانیت و انقلاب اسلامی رهبر انقلاب معظم‌له شرکت و به تصدیق علماء اعلام و تاریخ فعالیت ایشان به قدری موثر بود که بعد از جمعه سیاه تهران شبانه دستگیر و به اتفاق آیت‌اللَّه شهید دستغیب در تهران در زندان کمیته بازداشت و محاکمه شده و بعد از آزادی و بازگشت به شیراز و به اتفاق مرحوم دستغیب به مشهد مشرف شده و آنجا هم نامبرده با استقبال بی‌سابقه مردم و سخنرانی دگرگونی عجیبی ایجاد نمود و از آنجا شبانه در اوج حکومتی نظامی به شیراز وارد شده و از اول محرم سرنوشت ساز در مسجد مولا با حمایت علماء و مردم سخنرانی نموده تا به تصدیق علماء و جرائد روز در تظاهرات صد هزار نفری را آقای مصباحی اداره می‌نمود تا روز پیروزی انقلاب نقش یک سرباز نامی داشته که زبانزد روحانیون و مردم شیراز است.

نقش مشارالیه در حفظ امنیت شهر شیراز بوده که از ساعت ۸ شب تا صبح با صدها اتومبیل و مردم مومن در سراسر شهر شیراز به گشت و حفظ مال و جان و ناموس مردم مشغول بوده مشارالیه به خاطر عشق به اصل انقلاب اسلامی و نخواستن پست و مقام و خدمت به دین و مستمندان و احیاء مسجد و اماکن خیریه از محبوبیت خاصی برخوردار است.

معظم‌له از بدو جوانی تاکنون در ساختن بقعه سید ذوالفقار و مسجد رمضان‌خان و مسجد شکراللَّه‌خان و مسجد حاج عباس و مسجد جوکار و تأسیس مسجد و کتابخانه مسجد الصادق موفق بوده است و کتاب رمز ملل اولین اثریست که از مشارالیه در اصول عقاید منتشر شده است.

مشارالیه از طرف مراجع عالیقدر شیعه ۱- آیت‌اللَّه حکیم ۲- آیت‌اللَّه میلانی ۳- آیت‌اللَّه شریعتمداری ۴- آیت‌اللَّه مرعشی نجفی دارای اجازات روایتی و امور حسبیه می‌باشند.

نگارنده گوید: بیت سادات مصباحی در شیراز از بیوتات رشیقه بوده و شخصیتهای برجسته‌ای که چون نامشان مصباح مردم فارس بوده‌اند که چند نفر از منظر دیدگان شما عزیزان می‌گذرانم.

مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید عباس مصباحی پدربزرگ حجةالاسلام حاج سید مجدالدین مترجم ما از اکابر علماء و مجتهدین عصر خود در شیراز بوده و در نجف اشرف از محضر مرحومین علمین حاج شیخ محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه در اصول و مرحوم حاج سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه‌الوثقی و آیت‌اللَّه مجاهد میرزا محمدتقی شیرازی با دریافت اجازه اجتهاد صاحب مقام علم و تقوای خاص بوده و زاهد آن بزرگوار چنان بوده که به علت خشکسالی مردم شیراز ایشان را برای نماز استسقاء و دعای باران به صحرا عبیرآمیز برده و در اثر دعا این مرحوم و متدینین باران شدیدی می‌بارد که موجب خوشحالی مردم و مزید شهرت و محبوبیت ایشان می‌گردد. مدفن این بزرگوار در حافظیه در بین علماء بزرگ است.

سید مجدالدین بن السید الجلیل والعالم النبیل سید جمال‌الدین مصباحی شیرازی از خطباء نامی و گویندگان گرامی معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز متولد شده و پس از خواندن تحصیلات ابتدائی به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و بعد از فراگرفتن آن فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) و آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی استفاده نموده و چند مدتی هم در اصفهان از درس خارج آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا خراسانی و سایر علماء برجسته اصفهان بهره‌مند گردیده و بعد از آن به وطن برگشته و از طریق منبر و سخنرانی خدمات تبلیغی بسیار نموده است.

نگارنده گوید: جناب آقای مصباحی واعظ یکی از مفاخر وعاظ و سخنوران استان فارس می‌باشند بیانی بلیغ و زبانی صریح و نطقی

فصیح و پرحرارت و مؤثر و نافذ دارند. وی را تألیفی بنام (رهبر ملل) می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی مصباحی مصباحی است که داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس مصباحی بوده و این مرد از اوتاد بوده و پدر ایشان نیز از اتقیاء زمان خود بوده که قبرشان در کازرون مزار مردم آن سامانست. و سادات حقیقت مصباحی از این سلسله‌اند و مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر ناصری جهرمی که از فضلاء عصر بودند در تهران و در مدرسه مروی تدریس می‌کردند و در مسجد ناصری جنوب دروازه دولاب تهران اقامه جماعت می‌کردند و از شاگردان مبرز آیت‌اللّه حاج میرزا باقر آشتیانی داماد این مرحوم بودند.

کتاب امامت و شفاعت و بازگشت به سوی خدا و رساله حقوق از آثار این مرحوم است. مدفن ایشان در صحن حضرت علی بن حمزه شیراز است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، نبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نبی مصباحی که از روحانیون متقی و زاهد شیراز به شمار می‌روند و از خدمات آن مرحوم تربیت محصلین و همکاری با مرحوم برادرش حاج سید یوسف مصباحی در مدرسه سادات و حافظ شیراز بوده، فرزندان این مرحوم همه در شیراز در کار تدریس و تربیت جوانان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید یوسف مصباحی که از روحانیون بنام شهر و بنیانگذار فرهنگ نوین و دینی شیراز بوده که در شهرک سعدی مدرسه‌ای بنام سید یوسف مصباحی از طرف اداره فرهنگ نامگذاری شده فرزندان این مرحوم در خدمت به جامعه معروفند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصدرالاموری، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد تقی بن المرحوم العالم العلام حاج شیخ محمد جاپلقی از علماء اعلام و فضلاء کرام قم و نجف معاصر است در شهرستان صنعتی آبادان. وی در شهر مذهبی قم بدنیا آمده و پس از تحصیل مقدمات و سطوح بنجف مسافرت نموده و از محاضر مراجع عالیقدر شیعه مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله العظمی حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و آیه‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده کرده و مراجعت بایران و حدود دو سالی در قم توقف و از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و مجددا به نجف مراجعت و در سال ۱۳۳۷ شمسی بنا بر دعوت عده‌ای از متدینین آبادان بایران برگشته و در شهر آبادان رحل اقامت فکنده و به خدمات دینی پرداخته است.

معظم‌له عالمی فعال و در امور دینی بسیار ساعی است و از اول ورودش بآبادان اقدام بتأسیس مسجد جامع کارون نموده که از مساجد بزرگ و با شکوه این شهرستان محسوب میشود.

آثار دیگر این دانشمند در آبادان از این قرار است:

۱- مسجد جامع کارون که ذکر گردید. ۲- مسجد امام حسن علیه‌السلام ۳- مسجد امام حسین علیه‌السلام ۴- دبستان متین. ۵- دبستان وحید. ۶- دبستان زهره. ۷- دبیرستانی که آنرا با معیت سه نفر از علماء محترم آبادان تأسیس نموده که از هر جهت مجهز و جامع از تمام جهات و دارای کتابخانه و مسجد زیبائی میباشد.

و اما آثار قلمی آنجناب بقرار زیر است:

۱- بخش گهرها، یا نثراللئالی که بطبع رسیده است.

۲- القران فی کل موضوع.

۳- اشعه الفوائد فی قانون لاتعاد.

۴- فلسفه متافیزیک یا جهان پس از ماده.

۵- تأسیس کانون عقاید و مذاهب که شامل برنامه‌های اعتقادی و اجتماعی و اقتصادی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصطفوی سبزواری، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود.پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود.

رضا مصطفوی سبزواری

ـ متولد ۱۳۲۰ سبزوار

ـ استاد دانشگاه، محقق و رایزن فرهنگی ایران وپاکستان

ـ اخذ مدرک ابتدایی و دبیرستان در مدارس سبزوار

ـ اخذ مدرک کارشناسی در سال ۱۳۴۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی

ـ بهره بردن از مکتب پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله، آقا شیخ قربان، علی شریعتی مزینانی و ...

ـ اخذ دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲

ـ استخدام در وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۲

ـ دفاع از پایان نامه دکترا در سال ۱۳۵۴

ـ تدریس در دانشگاه ابوریحان بیرونی

ـ عضویت در دانشگاه علامه طباطبایی در گروه زبان و ادبیات فارسی

ـ همکاری با مؤسسه لغت نامه دهخدا از سال ۱۳۴۰

ـ مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام در سال ۱۳۷۵

ـ رایزن فرهنگی ایران و پاکستان ۱۳۸۲ـ ۱۳۷۸

ـ تدریس در دانشگاه های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامیه

ـ تألیف فرهنگ بزرگ قدیمی ـ هندی

ـ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

ـ ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی

ـ عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی

ـ راهنمایی و مشاوره بیش از ۱۰پایان نامه فوق لیسانس و دکترا

ـ تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد (نمل)

ـ چاپ ده ها مقاله و سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان

ـ استاد نمونه دانشگاه های ایران ۱۳۸۵ و تقدیر توسط ریاست جمهوری

ـ از تألیفات او:

ـ یادگار هندوستان

ـ همکاری در تألیف لغت نامه فارسی

ـ چاپ حدود۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی

ـ چاپ ۱۴ کتاب علمی در زمینه زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی مانند: یادگار هندوستان، مهر و مشتری، تاریخ بیقهی، پژوهش های علی(ع) شناسی در پاکستان و ...

جست وجو در زبان و ادبیات و فرهنگ ملت ها و همچنین بررسی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ملت ها از یکدیگر یکی از رشته های مفید و جذاب است که به همت برخی از استادان دلسوز و علاقه مند به فرهنگ و زبان فارسی پی گرفته می شود. این جست وجوها دست یافتن به اطلاعاتی در زمینه تاریخ تمدن و فرهنگ، محل پیدایی زبان یا فرهنگی خاص، میزان تأثیرگذاری فرهنگ های مختلف بر یکدیگر و بالاخره در نقد و بررسی آثار فرهنگی ـ هنری را امکان پذیر می کند. یکی از استادانی که با عشق و پشتکار سال های عمر عزیز خود را در راه گرامیداشت و اعتلای فرهنگ و ادبیات سرزمین ایران صرف کرده و در این راه با چاپ مقاله های معتبر علمی و کتاب های مهم و قابل تأمل کوشیده رضا مصطفوی سبزواری است.

رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود.پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود. مادرش بانو مرضیه، دختر آیت الله شیخ محمدحسن شریعتمداری تهرانی، مشهور به سبزواری، از علمای بنام

حوزه های سبزوار و شاهرود بود.

این عالم حوزوی در هنر نیز دستی داشت و خط خوش می نوشت. در چنین خانواده ای که فضایی مملو از روح قرآن کریم و شعر و هنر بود رضا با آرامش پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی را در دبستان پانزدهم بهمن آن زمان به سال ۱۳۳۲ و دوره متوسطه را در دبیرستان دکتر غنی سبزوار به سال ۱۳۳۸ به پایان رساند. پس از پایان دوره متوسطه، در محضر استادانی بنام، همچون شادروان دکتر علی اکبر فیاض، دکتر احمدعلی رجایی بخارایی، دکتر غلامحسین یوسفی و سیداحمد خراسانی به تحصیل در علوم دانشگاهی پرداخت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت درجه لیسانس زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی از تحصیلات حوزوی هم غافل نبود. علاوه بر تحصیلات کلاسی و مکتب خانه از محضر پدر نیز کسب علم می کرد. در مدرسه کهنه سبزوار، در محضر علمای حوزه همچون: آقا شیخ قربان علی شریعتی مزینانی (برادر آقا شیخ محمدتقی شریعتی مزینانی و عموی دکتر علی شریعتی)، حجت الاسلام سیادتی و حاج میرزا اسدالله فاضلی از علوم عربی و دینی، خوشه ها چید. همچنین در مشهد نزد حجت الاسلام مظاهری و آیت الله علم الهدی در مدرسه سلیمان خان، از علوم حوزوی توشه ها برداشت. پس از دریافت دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران، سال ۱۳۴۲ در وزارت آموزش و پرورش استخدام شد و در دبیرستان ها و مراکز تربیت معلم سبزوار، به تعلیم و تربیت جویندگان دانش پرداخت. در سال ۱۳۴۸ تحصیلات دانشگاهی را ادامه داد و در سال ۱۳۵۴ از پایان نامه دکترای خود با عنوان «تصحیح انتقادی و شرح و تحلیل دیوان مولاناعبدالرحمن جامی» دفاع کرد. او پس از دریافت دکترا در دانشگاه ابوریحان بیرونی به تدریس پرداخت. پس از ادغام چند دانشگاه و مدرسه عالی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تأسیس دانشگاه علامه طباطبایی به عضویت گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه درآمد.

وی پس از گذراندن مراتب دانشگاهی هم اکنون با مرتبه استادی به تربیت و تعلیم دانشجویان در مقاطع مختلف دانشگاهی، اشتغال دارد. همزمان با تدریس در دانشگاه، از سال ۱۳۶۰ در مؤسسه لغت نامه دهخدا، به کار تحقیق و پژوهش پرداخت و در سال ۱۳۷۵ مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام، به او سپرده شد. در مأموریت سه ساله ای که او در هندوستان به انجام رسانید ضمن تدریس در سه دانشگاه بزرگ آن سامان؛ یعنی دانشگاه های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامیه به تألیف فرهنگ بزرگ فارسی ـ هندی پرداخت. براساس تفاهمنامه منعقد شده میان دانشگاه علامه طباطبایی با وزارت ارشاد اسلامی و رایزنی فرهنگی در دهلی و با همکاری ۷ تن از بلندآوازه ترین استادان زبان هندی دانشگاه های هند و پژوهشگران زبان هندی، سه مجلد آن را انتشار داد.

مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه در دو نوبت و همچنین ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی از جمله فعالیت های اجرایی مصطفوی در کار فعالیت های علمی و فرهنگی بوده است. همچنین راهنمایی و مشاوره بیش از ده پایان نامه فوق لیسانس و دکترا را برعهده داشته است. او همچنین در کمیته های تخصصی دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی و نیز کمیته تخصصی دانشگاه فعالیت و مشارکت دارد و عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی و ممیزی دانشگاه از دیگر فعالیت های علمی و اجرایی اوست.

مصطفوی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ رایزن فرهنگی ایران و پاکستان بود. همزمان در دانشگاه های آن دیار نیز تحقیق و پژوهش می کرد و برای تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد (نمل) با آن دانشگاه همکاری مؤثری داشت و در آن مدت نیز ده ها مقاله یا سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان به چاپ رسید. کتاب «یادگار هندوستان» شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان که محصول سال های حضور ایشان در شبه قاره است به وسیله انتشارات الهدی در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و سپس به وسیله دانشگاه جواهر لعل نهرو (هند) مورد قدردانی و «رونمایی» قرار گرفت. سبزواری همچنین در سال جاری به عنوان استاد نمونه دانشگاه های ایران انتخاب شد و مورد تقدیر ریاست جمهوری قرار گرفت.

آثار رضا مصطفوی سبزواری در چند بخش به دوستداران زبان و ادبیات فارسی ارائه شده است. از او تاکنون حدود ۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است که موضوع آن ها در زمینه زبان و ادب فارسی وفرهنگ و تمدن ایرانی است. برای نمونه دریکی از این مقاله ها با عنوان «ایران درشبه قاره هند و پاکستان» می نویسد: «روابط بسیار دیرینه ایران زمین با شبه قاره هند وپاکستان به درازای تاریخ مکتوب می رسد. هم ریشه بودن زبان سانسکریت (زبان قدیمی هندیان) با زبان های اوستایی و فارسی باستان، زبان های کهن ایرانی و سهم زبان فارسی در شکل گیری و پیدایی زبان اردو خود زیربنای همه پیوندهای فرهنگی میان این دو ملت کهنسال است.

... مورخان براین باورند که پیوندهای استوار بازرگانی و فرهنگی از روزگاران گذشته میان مردمان ناحیه شوش در جنوب ایران و دره سند، موجود بوده زیرا آثار به دست آمده از خرابه های موهنجودار و تکسیلا و هارپا با آثاری که از فلات ایران و دره دجله و فرات کشف گردیده است، شباهت زیادی دارد...»

همچنین چهارده عنوان کتاب تخصصی و علمی به چاپ رسانده که در آن ها به زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایران پرداخته است.

«یادگار هندوستان» از مهم ترین کتاب های مصطفوی شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان مستند به منابع و مأخذ دست اول شبه قاره است. آن گونه که می دانیم فرهنگ ایران و بویژه زبان و ادب پارسی بر فرهنگ شبه قاره هند تأثیر زیادی گذاشته و زبان فارسی حدود ۱۰ قرن زبان رسمی این پهناور بوده است. تألیف صدها لغت نامه فارسی، تذکره و سایر کتاب های فارسی در آن دیار و همچنین وجود هزاران نسخه خطی موجود در کتابخانه های آن شواهد روشنی بر تأثیرگذاری زبان فارسی فراسوی مرزهای جغرافیایی خود و علاقه مندی مردم شبه قاره به این میراث جاودان است. اما در طول تاریخ، سرزمین هند هم به علت شگفتی های بی شمار خود مورد توجه ایرانیان بوده است و گروه های مختلف ایرانیان همواره شوق سفر به هند و شناخت آن را داشته اند. به همین دلیل مراودات و پیوستگی تعاملات و ارتباطات فرهنگی گسترده ای بین شبه قاره هند و ایران

برقرار بوده است. این پیوستگی فرهنگی بدون شک نیازمند پژوهش های گسترده برای بررسی فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است. رضا مصطفوی در کتاب «یادگار هندوستان» که مجموعه ای از مقالات و سخنرانی های وی درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است به آن پرداخته. او به دلیل آشنایی کامل با سرزمین هند و پاکستان، در مقالات مختلف این کتاب توفیق یافته است که تصویری روشن از فرهنگ و تمدن آن دیار و تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر آن را ارائه دهد. سال های تدریس زبان فارسی به استادان دانشگاه های هند و حضور در سمت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان تجربه های گرانقدری بوده که در غنا بخشیدن به مقالات کتاب نویسنده را یاری کرده است.

از دیگر کتاب های ارزشمند مصطفوی می توان به «مهر و مشتری» اشاره کرد که در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است. این کتاب تألیف مولانا شمس الدین محمد عطار تبریزی شاعر و ادیب توانای قرن هشتم هجری است که به وسیله مصطفوی برای نخستین بار تصحیح شده و توضیحات و تعلیقات سودمندی برآن افزوده شده است. «مهر و مشتری» منظومه ای بسیار خواندنی و زیباست. نسخه اصلی این کتاب در دانشگاه کمبریج انگلستان نگهداری می شود و پنجاه و چهار نسخه کتاب در جهان به دست مصحح معرفی شده است.

در زمینه تألیف یکی از مهم ترین فعالیت های مصطفوی این است که او جزو مؤلفان لغت نامه فارسی در مؤسسه لغت نامه دهخدا است . این لغت نامه که توسط جمعی از استادان برجسته با دقت و وسواس علمی تألیف می شود اشتباهات و کاستی های لغت نامه دهخدا را مرتفع می سازد. در حال حاضر حرف «آ» به پایان رسیده و همچنین حرف «الف» روبه اتمام است.

مصطفوی همچنین تاریخ بیهقی را که تألیف ابوالفضل بیهقی و از متون معتبر زبان فارسی و آینه حکومت غزنویان است برای دانشجویان به چاپ رسانده است که با استقبال وسیع و گسترده مواجه شده و چاپ چهاردهم آن در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است. از کتاب های دیگر استاد می توان به کتاب های: پژوهش های علی (ع) شناسی در پاکستان، فرهنگ فارسی ـ هندی ـ نظامی (۲ مجلد) عطار نیشابوری، فردوسی، جامی (دو مجلد) حافظ پژوهی در پاکستان و ... اشاره کرد.

او همچنین در حال حاضر تصحیح و شرح و توضیحات یکی از متون معتبر فارسی به نام راحة الصدور و آیة السرور در تاریخ آل سلجوق را در دست انجام دارد و همچنین در بخش اجرایی هم مدیریت مرکز تحقیقات علامه اقبال لاهوری را در دانشگاه علامه طباطبایی برعهده دارد، ضمن این که با نخستین نشریه علمی ـ پژوهشی واحد رودهن با نام «فرهنگ و ادب» که زیر نظر دانشکده زبان و ادبیات فارسی رودهن منتشر می شود همکاری می کند.

مصطفوی سبزواری هم اینک در ۶۵ سالگی با انرژی و شور وصف ناشدنی به تعلیم و تربیت دانشجویان مشتاق زبان و ادبیات فارسی و بررسی متون مهم و معتبر زبان فارسی می پردازد گرد فراموشی را از فرهنگ و زبان فارسی دور می کند.

منابع زندگینامه :روزنامه ایران

مصطفوی کاشانی، لیلی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

لیلی مصطفوی کاشانی ، در سال ۱۳۲۲ متولد شد . وی دارای رتبه ی کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران می باشد . وی با وزارت اطلاعات و جهانگردی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کارشناس و مشاور، همکار ی داشته، و موفق به ترجمه ی چندین کتاب ارزشمند شده است . لیلی مصطفوی کاشانی به خاطر فعالیت های موثر فرهنگی، موفق به دریافت لوح تقدیر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گردیده است . او همچنین با ارائه ی مقاله ای درباره ی مسایل فرهنگی زنان، تقدیر نامه ای از سوی کنگره ی دین و سیاست دانشگاه تسالوینک یونان دریافت نمود .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : کودکی لیلی مصطفوی کاشانی معاصر با نخستین سالهای سلطنت محمدرضا شاه پهلوی و بحرانهای ناشی از جنگ جهانی و اشغال ایران توسط نیروهای روسی و انگلیسی بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : لیلی مصطفوی کاشانی ،دارای رتبه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران می باشد .فعالیتهای ضمن تحصیل : مطالعه درباره مسائل زنان و مسائل فرهنگی و ترجمه از زبان فرانسوی .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همکار ی با وزارت اطلاعات و جهانگردی و سپس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کارشناس و مشاور .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از جمله فعالیت های فرهنگی لیلی مصطفوی کاشانی ، ارایه چند مقاله به چند همایش و ایرا د سخنرانی درباره ی مسایل فرهنگی زنان می باشد.جوائز و نشانها : لیلی مصطفوی کاشانی ،به خاطر فعا لیت های مفید فرهنگی خود چندین بار به تحسین و تمجید گرفته شد ،و

نه تنها از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لوح تقدیر دریافت کرد ،که به لیلی مصطفوی کاشانی به خاطر ارایه مقاله ای در باره مسایل فرهنگی زنان که از سوی کنگره دین و سیاست ،دانشگاه تسالونیک یونان ،بهترین شناخته شد و موفق به گرفتن تقدیر نامه گردید .چگونگی عرضه آثار : یکی از مقالات لیلی مصطفوی کاشانی درکنگره دین و سیاست در دانشگاه تالونیک یونان ارائه شده است . دیگر اما کتابهای ترجمه وی توسط انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، انتشارات پگاه و انتشارات توس منتشر گردیده است .آثار : پایان صد سال تنهایی در اعتقادات مذهبی مردم آمریکای لاتین ویژگی اثر : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی۲ زندگی در چین ویژگی اثر : ترجمه – انتشارات توس۳ ماندلا ویژگی اثر : انتشارات پگاه

منابع زندگینامه :پوران فرخزاد ، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ،ج۲ ، ص ۱۷۲۰

مصطفوی کاشانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۹ –۱۲۸۴ ش)، باستان شناس، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ابتدا در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد ولی خدمت خود را در وزارت معارف در اداره‌ی تحقیقات آغاز نمود و به تدریج به رشته‌ی باستان‌شناسی علاقه‌مند شد و در این رشته تخصص یافت. وی حدود پنجاه سال از زندگی خود را در باستان شناسی ایران و در همراهی و همکاری با باستان شناسانی همچون کامرون، هرتسفلد، پوپ، گیرشمن گذرانـد و در حفریات و بازسازی تخت جمشید کوشش فراوان کرد. وی علاوه بر خدمت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ریاست اداره‌ی باستان شناسی را بر عهده داشت. مصطفوی در دوره‌ی ریاستش در اداره‌ی باستان شناسی اقدام به تأسیس نشریه‌ای علمی و اختصاصی به نام «گزارشهای باستان شناسی» کرد. او همچنین در تهیه و تدوین مقالات مربوط به آثار و ابنیه‌ی تاریخی، هنری و باستانی ایران، در «دایرهٔالمعارف فارسی»، همکاری داشت. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی الواح گلی تخت جمشید»؛ «تخت جمشید» با مشارکت علی سامی؛ «شرح اجمالی آثار تخت جمشید»؛ «هگمتانه»، در آثار تاریخی همدان و فصلی درباره‌ی ابوعلی سینا؛ «امانتداری خاک»؛ «آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم»؛ «استمرار هنر معماری در ایران»؛ «ایران باستان»، ترجمه؛ «آثار ایران»، ترجمه جلد دوم و سوم؛ «اقلیم پارس»؛ «انعکاس دیروز در آیینه‌ی امروز»، در آثار باستانی.[۱]

باستان‌شناس، محقق.

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۵۹.

سید محمدتقی مصطفوی کاشانی، فرزند آقا سید محمود مصطفوی، تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان انتصاریه و متوسطه را در دبیرستان‌های ثروت و دارالفنون به پایان رسانید. سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد و موفق گردید در رشته‌ی حقوق به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل آمد.

از سال ۱۳۰۴ الی ۱۳۰۸ آموزگار دبستان‌های سنایی و ناصر خسرو و سیروس بود. سپس از مهر ۱۳۱۰ تا آبان ۱۳۳۷ در اداره‌ی عتیقات سابق که بعدها عنوان آن به اداره‌ی کل باستان‌شناسی تغییر یافت، مشغول به کار شد و به ترتیب سمت‌های ذیل را عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان شناسی، مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید، نماینده‌ی باستان‌شناسی در اصفهان، مأموریت مأموریت‌های مختلف مربوط به تعمیرات آثار تاریخی، معاون باستان شناسی، رییس اداره‌ی کل باستان‌شناسی، مدیر کل باستان‌شناسی. وی همچنین برای شرکت در کنگره‌های بین‌المللی درباره‌ی باستان‌شناسی به برخی از کشورهای خارجی سفر کرد.

وی چند شماره از مجموعه‌ی ایران باستان را از فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. از آثار اوست: آثار ایران (۱۳۱۸)؛ آستانه حضرت عبدالعظیم (۱۳۳۰)؛ الواح گلی تخت جمشید (۱۳۲۹)؛ امانت داری خاک (۱۳۵۶)؛ انعکاس دیروز در آئینه امروز، بقعه‌ی بی‌بی شهربانو (۱۳۳۴)؛ اقلیم پارس (این کتاب به انگلیسی هم ترجمه شده است، لندن، ۱۹۷۸)؛ تخت جمشید (با مشارکت علی سامی، ۱۳۳۰)؛ تخت جمشید (نوشته رایش اسمیت، ترجمه با همکاری با عبدالله فریار و دیگران، ۱۳۴۲)؛ سفارشنامه‌ی انجمن آثار ملی (۱۳۴۴)؛ شرح اجمالی آثار تخت جمشید (۱۳۳۰)؛ گزارش‌های باستان‌شناسی (سه جلد، ۱۳۳۵ –۱۳۲۹)؛ فرش‌ها و پارچه‌های عهد هخامنشی ایران (۱۳۳۴)؛ نگاهی به هنر معماری ایران (۱۳۴۶)؛ هگمتانه، آثار تاریخی همدان (۱۳۳۲).

فرزند سید محمود، در حدود سال ۱۲۸۵ متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و از دانشکده‌ی حقوق تهران لیسانس گرفت و زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی را به خوبی آموخت. چندی دبیر زبان فرانسه در دبیرستان ثروت بود. بعد به اداره عتیقات وزارت معارف منتقل شد و مشاغلی را بشرح زیر عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان‌شناسی، مأمور کاوشهای علمی شوش و تخت جمشید، نماینده باستان‌شناسی در اصفهان، و بالاخره رئیس و مدیرکل باستان‌شناسی.

مصطفوی کاشانی یکی از خادمین پرکار باستان‌شناسی در ایران است که آثار زیادی از خود باقی گذارده است که از جمله می‌توان کتاب بقاع متبرکه و زیارتگاههای خارج و داخل شهر تهران را نام برد که بسیار خواندنی و حاوی نکات جالبی است.

از دیگر تحقیقات او اقلیم فارس است. این کتاب معرفی آثار تاریخی تمام فارس می‌باشد. آثار تاریخی همدان، آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)، فرشها و پارچه‌های عهد هخامنشی، بقعه بی‌بی شهربانو از دیگر آثار باارزش مرحوم مصطفوی است. وی در طول اداری خود در غالب کنگره‌های باستان‌شناسی در سایر کشورها دعوت می‌شد و اکثر موزه‌های بزرگ کشورها را بازدید کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۵ و ۶، ص ۴۷۹، ش ۷ و ۸ ص ۶۱۲ –۶۰۹)، چهره‌های آشنا (۵۴۶ –۵۴۵)، دایرهٔالمعارف

فارسی (۲۷۹۳ / ۲)، الـذریعه (۲۳۸ / ۲۵)، فهرست کتابهـای چاپی فارسـی (۳۴۰۹، ۲۱۰۲/ ۲ ،۸۵۲، ۸۲۰، ۳۷۶، ۳۰۹، ۳۸، ۱۲/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۷، ۳۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۷ –۲۵۶/ ۲).

مصطفوی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۱، روستای طرق (استان خراسان).

درگذشت: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۸.

سید جواد مصطفوی، فرزند سید محسن مصطفوی امام جماعت مسجد روستای «طرق»، در همان روستا راه مکتبخانه در پیش گرفت و سپس با گشایش مدرسه در آن سال تحصیل در آن مدرسه پرداخت. کلاس دوم را به پایان برده بود که با خانواده‌اش به مشهد آمد و در سال ۱۳۲۱ تحصیلات حوزه‌ای خود را در مدرسه «دودر» این شهر آغاز کرد. دروس سیوطی، حاشیه و مغنی را نزد محمدرضا دامغانی و سپس مطول را نزد ادیب نیشابوری آموخت و سپس در محضر سید احمد مدرس یزدی رسائل، مکاسب، و شرح لمعه را به پایان برد. در سال ۱۳۲۱ به تهران سفر کرد و ضمن تدریس در مدرسه‌ی مروی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، در این زمان وارد دانشکده‌ی الهیات شد و دوره‌ی لیسانس، فوق لیسانس و دکترای خود را در همین دانشگاه گذراند و پس از اخذ مدرک به سال ۱۳۴۸ به موطن خویش بازگشت و رسما به تدریس در دانشکده‌ی‌الهیات این شهر پرداخت. وی در طول عمر خود علاوه بر تدریس در دانشگاه کتاب‌هایی را تألیف نمود که از این میان می‌توان به آثاری همچون: رابطه‌ی نهج‌البلاغه با قرآن، ابعاد گسترده‌ی اسلام یا دوازده مقاله‌ی حقیقی، التطبیق بین السفینهٔ و البحار، الکاشف عن الفاظ نهج‌البلاغه فی شروحه (عربی، ۱۳۷۹ ق.)؛ مفتاح الوسایل و بهشت خانواده اشاره نمود. وی علاوه بر این به ترجمه و شرح اصول کافی نیز همت گماشت.

دکتر سید جواد مصطفوی روز چهارشنبه بیستم اردیبهشت ۱۳۶۸ در سن شصت و هشت سالگی بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مصطفوی، رحمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در مدارس آمریکایی و دارالفنون تحصیل کرد و پس از اخذ لیسانس، از دانشگاه تهران، جهت ادامه تحصیل به پاریس رفت. پس از مراجعت با جراید تهران همکاری کرد. او همچنین مدیریت مجله‌ی «روشنفکر» را در تهران به عهده داشته است. از آثار وی: «رنگین کمان»؛ «تهران دمکرات»؛ «خطاء»؛ «انگلستان چگونه اداره می‌شود»، ترجمه؛ «غریبه»، ترجمه؛ «لندن بزرگترین شهر دنیا»، ترجمه.[۱]

نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۴.

رحمت‌الله مصطفوی، فرزند مصطفی، در کالج آمریکایی و سپس دارالفنون به تحصیل پرداخت. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق از دانشگاه تهران است و در رشته‌ی بین‌الملل و اقتصاد نیز از دانشگاه پاریس دکتری گرفته است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۲ با انتشار مجله‌ی «روشنفکر» آغاز کرده و مدت‌ها نیز معاون رادیو تهران، معاون خبرگذاری پارس و رییس اداره اطلاعات ومطبوعات وزارت امور خارجه بوده است. وی همچنین به دریافت نشان‌های همایون، تاجگذاری و جشن شاهنشاهی نایل آمده است: از آثار اوست: آذر (با مشارکت هاشمی)؛ انگلستان چگونه اداره می‌شود (ماک کالم)؛ رنگین کمان (۱۳۲۰)؛ خطاء، تهران دمکرات (۱۳۲۱)؛ غریبه (آلبر کامو)؛ لندن بزرگترین شهر دنیا (اثر ف. ه. لی)؛ معشوقه و دوست. (۱۳۲۸).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۵۵، ۲۸۲۴، ۲۳۶۶، ۱۷۵۱/ ۲ ،۱۲۶۹، ۹۷۴، ۳۸۲، ۲۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰ –۱۰۹/ ۳).

مصطفوی، فرج‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فرج‌الله مصطفوی بهبهانی از علماء مبرز معاصر بهبهان و داماد معظم حضرت آیه‌الله العظمی حاج میرزا سید علی بهبهانی است.

وی در بهبهان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد علماء و مدرسین بزرگ بهبهان از محضر آیه‌الله العظمی بهبهانی مذکور (ابوالزوجه) خود و دیگران استفاده نموده تا بمراتب سامیه علم رسیده و در وطن خویش بخدمات دینی از اقامه

جماعت و تبلیغات و انجام سایر وظائف روحی پرداخته و ضمنا تألیفات عدیده‌ای هم از خود بیادگار گذاشته و آنها بشرح زیر است:

۱- رساله قاعده لاضرر مشتمل بر ۱۲ ذخیره که یکی از آن در باب تیمم و استدلال باخبار آن.

۲- کتابی در ریاضیات و قاعده جبر و مقابله.

۳- کتابی در رد شبهه فاضل جبهان سنّی که در رد دعاء شریف ندبه نوشته بنام کلمه الجواب.

۴- کتابی در بیان شک در نماز جماعت و رجوع امام بمأموم و مأموم بامام در مواقع خود.

۵- کتابی در نقل کلمات صاحب جواهر و اشکالات مرحوم صاحب حدائق و صاحب ریاض.

مؤلف گوید: مترجم محترم عالمی بسیار ساده و بی‌آلایش و متین و بزرگوار بوده و در شهر بهبهان بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در میان مردم بهبهان بفضل و تقوا معروف میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصطفوی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر مصطفوی بن مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد بن مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید محمد مجتهد (مدفون در شیخان قم) بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حسین کاشانی (مدفون در وادی‌السلام نجف)

معظم له در سال ۱۳۱۰ شمسی در کاشان متولد شده و پس از پرورش و خواندن دروس جدید در مدرسه مرحوم آیت‌اللَّه آقا میر سید علی یثربی به تحصیل پرداخته و مقدمات و سیوطی و شرح جامی و شرح نظام و حاشیه و شرح شمسیه را در آنجا فراگرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدت دو سال و نیم تقریباً در محضر اساتید حاضر شده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و بعد از تکمیل مکاسب و کفایه در محضر آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی شرکت نموده و در آن موقع که معظم له سه درس می‌فرمودند ۱- صلوهٔ ۲- مکاسب ۳- اصول مترجم محترم ما هر سه درس را حاضر شده و بالاخره بعد از بیست سال استفاده از محضر درس ایشان در سال ۱۳۴۹ شمسی برای معالجه به ایران آمده و چون برای ایرانیها مراجعت ممکن نبود به استدعاء اهالی کاشان به مسقط الرأس خود اقامت و اکنون قریب چهار سال است که در کاشان به تدریس مشغول و عده‌ای از فضلاء و طلاب علوم دینی از محضرش استفاده می‌نمایند.

خدمات ارزنده ایشان در کاشان به اهالی و معاودین عراقی بسیار و به قدریست که جز با توفیق الهی در کمتر از بیست سال جدا مشکل بزرگیست

و آنها از این قرار است

۱- تجدید ساختمان مسجد معظمی در دو طبقه با دستگاه تهویه که در شهر کاشان کم‌نظیر است

۲- تعمیر تمام دکاکین گذر (درب یلان) و ترتیب مغازه‌ای که مورد لزوم طلاب علوم دینی و سکنه محل است

۳- واگذاری قطعه زمینی جنب مسجد مذکور و ساختن سالونی برای تبلیغات و کتابخانه مسجد.

۴- تعمیر مدرسه علمیه جد اعلای خود مرحوم زعیم مجاهد آمیر محمدعلی کاشانی

۵- تأسیس کتابخانه‌ی عمومی در مدرسه علمیه

۶- خریدن قطعه زمینی به مساحت ۵۰۰ متر تقریباً در خیابان شاه‌عباس کاشان (پشت مشهد) بعنوان مهدیه که انشاءاللَّه مجهز به تمام وسائل برای تبلیغ در اعیاد و سوگواریها باشد

۷- تعمیر مسجد آسید شکراللَّه جنب منزل مترجم.

۸- کمک در ساختمانهای منازل برای معاودین و خدمات عالیه

اما آثار علمی معظم له بقرار ذیل است.

۱- رساله در اجتهاد دو تقلید ۲- رساله در قاعده لا ضرر ۳- رساله در جبر و تفویض ۴- رساله در دماء ثلاثه ۵- رساله در طهارت ثلاث.

و نوشته‌های فارسی که ناتمام است.

۱- رد و انتقاد بر مقاله دکتر... پیدایش خلقت ۲- رد بر نوشته شیخ محمد خالصی.

۳- رساله در مطهریت ارض ۴- تقریرات اصول و مکاسب و طهارت و قسمتی از صلوهٔ حضرت آیت‌اللَّه العظمی خوئی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مصطفی پور، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا مصطفی پور

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مصطفی‌پور فرزند ولی الله در سال ۱۳۳۰ در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال ۱۳۴۳ به پایان رساندم و در آبان ماه سال ۱۳۸۳ به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال ۱۳۴۷ به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.

در سال ۱۳۴۷ به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزیی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشرفیه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده بردم و کفایهٔ الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم.ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.

منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تملذ کردم.اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم.عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن‌زاده آملی تملذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند می‌شدم.از سال ۱۳۶۲ با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب درآمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبوی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال ۶۹ از آن دفاع کردم.در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مصفا، مظاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مظاهر مصفا در سال ۱۳۱۱ ، در اراک دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. دکتر مصفا در سال ۱۳۳۲ به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه شیراز منتقل گردید ، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. فعالیت آموزشی خود را در سال ۱۳۴۵ و به دعوت دانشگاه پهلوی(سابق) شیراز آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۷ با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. دکتر مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد ، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال ۱۳۴۳اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت.مظاهر مصفا یکی از قصیدهسرایان ایرانی بعد از ملک الشعرای بهار(محمدتقی بهار) است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : مظاهر مصفا در خاندانی فرهنگی به دنیا آمد ،برادر بزرگتر مظاهر مصفا، دکتر ابوالفضل مصفا و خواهر وی خانم دکتر مصفا(مادر فؤاد حجازی آهنگساز معروف) از استادان زبان و ادبیات فارسی هستند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مظاهر مصفا تحصیلات ابتدایی را در در مدرسه حکیم نظامی قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. او پایان نامه اجتهادی خود را در موضوع : تحقیق در قصیده و تحول آن به رشته تحریر درآورد و با درجه ممتاز ، از تصویب گذرانید.

همسر و فرزندان : مظاهر مصفا در سال ۱۳۳۲ با خانم امیری فیروزکوهی که او نیز دکترای ادبیات و دختر استاد امیری فیروز کوهی بود ، ازدواج نمود. حاصل این پیوند زناشویی دو پسر و دو دختر می باشد. او در جوانی با دکتر امیربانو کریمی(استاد ادبیات

دانشگاه تهران) دختر امیری فیروزکوهی(شاعر معروف معاصر) ازدواج کرد و از وی صاحب فرزندانی شد که از آن جمله اند: علی مصفا (بازیگر سینما و تلویزیون و همسر لیلا حاتمی)، کیمیا مصفا (عروس دکتر سید جعفر شهیدی، گلزار مصفا و اسماعیل مصفا.(امیر اسماعیل مصفا دارای مدرک دکتری فیزیک)

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مظاهر مصفا در سال ۱۳۳۲ به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه شیراز منتقل گردید ، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. وی سمت رییس مدرسه عالی قضایی قم، مدیر مجله آموزش و پرورش، رییس انتشارات تربیتی وزارت فرهنگ، معاون آموزشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و مدیر گروه فارسی دانشگاه تهران به فعالیت مشغول بوده اند. دکتر مظاهر مصفا همچنین در عرصه ?تحقیقات ادبی از جمله در حوزه سعدی شناسی فعالیت می کند.

فعالیتهای آموزشی : دکتر مصفا فعالیت آموزشی خود را در سال ۱۳۴۵ و به دعوت دانشگاه شیراز آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۷ با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. وی ۵۳ سال تدریس در دانشگاههای ایران، بخش دیگری از فعالیتهای فرهنگی و علمی استاد است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد ، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال ۱۳۴۳اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت. از جمله فعالیت های دیگر وی ۱۳۰ سخنرانی در برنامه صدای شاعر از رادیو تهران و ۱۲ سخنرانی از رادیو ایران و سخنرانی های متعدد ، در مجامع علمی و ادبی مانند انجمن قلم ، تالار فردوسی دانشگاه تهران ، کنگره جهانی سعدی و حافظ در شیراز ، جشن صدمین سال دانشکده خاورشناسی پنجاب لاهور و سمینار دبیران ادبیات فارسی در بابلسر و مقالات و مصاحبه های متعدد می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : مظاهر مصفا از شاعرانی است که در سرودن قصیده تبحر داشته و بیشتر اشعار خود را در این زمینه سروده است.

جوائز و نشانها : از مظاهر مصفا در خانه هنرمندان ایران به واسطه شب سعدی در روز پنجم اردیبهشت ماه در تهران، تقدیر و تجلیل شد.

چگونگی عرضه آثار : مظاهر مصفا در کشورهای افغانستان و هند و دیگر کشورهای فارسی زبان نیز دارای شهرت است. قصیده? هیچ او یکی از شعرهای اوست که دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب" چشمه ?روشن "به بررسی آن پرداخته و پروفسور صلاح الصاوی (شاعر و سخن سنج مصری) در کتاب" العدمیه فی شعر "آن را ترجمه، نقد و بررسی کرده است.(ترجمه ی این کتاب مدتی است انجام شده ولی منتشر نگشته است.) ارایه یک صد سخنرانی در کنگرههای علمی در ایران، افغانستان و پاکستان، انگلستان، ایتالیا و تألیف بیش از چهل مقاله تحقیقی از دیگر کارهای او می باشد. --

آثار :

۱ با اوست حدیث من

ویژگی اثر : چند مبحث در عرفان و ادب

۲ برگی از دیوان حکیم صفا

ویژگی اثر : این کتاب با مقدمه ای در شرح حال و نقد سخن و کارهای دیگر.

۳ پاسداران سخن در نقد قصیده سرایان

۴ تصحیح جوامع الحکایات عوفی(در چندین جلد)

۵ تصحیح دیوان ابوتراب فرقتی کاشانی

۶ تصحیح دیوان نزاری قهستانی

۷ توفان خشم

۸ ده فریاد

۹ دیوان حکیم سنایی

۱۰ دیوان نظیری نیشابوری

۱۱ راهی از بن بست

ویژگی اثر : در باره خط فارسی می باشد.

۱۲ سپید نامه

۱۳ سی پاره

۱۴ سی سخن

۱۵ شب های شیراز

۱۶ شرح حال و منتخب دیوان اشعار صفای اصفهانی

۱۷ قند پارسی

ویژگی اثر : منتخبات نظم فارسی.

۱۸ کلیات شیخ اجل سعدی

۱۹ مجمع الفصحای هدایت

ویژگی اثر : تحشیه ، در یک دوره شش جلدی .

۲۰ نسیم

مصور حجار، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، حجار و نقاش. وی همکار اسماعیل جلایر و در ابتدا از شاگردان او در مدرسه‌ی دارالفنون بود . این هنرمند با کمال‌الملک به اروپا رفت و صنعت تصویر و مجسمه‌سازی را در فرانسه تکمیل کرد و به ایران بازگشت. استاد علی‌اکبر در طراحی و شیوه‌ی کلاسیک، نقاشی تیزبین دقیق بود و رنگ و روغن را بسیار خوش می‌ساخت. از آثار وی: تصویر تمام‌قد رنگ و روغنی ناصرالدین شاه قاجار که کلاه بوقی به سر نهاده و در سمت راست تصویر، نقاشی کوچکی بر روی دیوار دیده می‌شود که یکی از تصاویر اسماعیل جلایر است، با رقم: «عمل بنده درگاه علی‌اکبر مصور مشهور به حجار شاگرد استاد المصورین میرزا اسماعیل جلایر سنه ۱۲۶۳»؛ مجسمه‌ی برنزی ناصرالدین شاه سوار بر اسب که از کارهای عمده‌ی اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۷۹ –۳۷۸ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۵۳۰ –۵۲۹)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۰۹ –۱۰۰۸ / ۲)، گلستان هنر (پنجاه و دو).

مطرزی خوارزمی، برهان‌الدین، ابوالفتح ناصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۶/ ۶۱۰ –۵۳۸/ ۵۳۶ ق)، فقیه حنفی، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر معتزلی. در جرجانیه‌ی خوارزم به دنیا آمد. چون در سال وفات زمخشری در خوارزم به دنیا آمد به خلیفهٔ الزمخشری معروف شد. در نحو و لغت و شعر و انواع علوم ادب متبحر بود. از محضر پدرش و ابوالمؤید موفق بن احمد، خطیب خوارزم، استفاده نمود و از ابوعبداللّه محمد بن علی بن ابوسعد تاجر و جماعتی دیگر حدیث شنید. او پیشوای معتزلیان بود. در خوارزم درگذشت. متجاوز از سیصد قصیده در سوک او سروده شد. از آثارش: شرح «مقامات» حریری، که در «کشف الظنون» نام آن «الایضاح» ذکر شده است؛ «الاقناع»، در لغت، و «مختصر الاقناع»؛ مختصر «اصلاح المنطق» ابن سکیت؛ «المصباح»، در نحو؛ «المطرزیه» یا «المقدمهٔ النحویهٔ» یا «المقدمهٔ المطرزیهٔ»، در نحو؛ «المغرب»، در لغت، و شرح و ترتیب آن به نام «المعرب فی شرح المغرب».[۱]

ابوالفتح ناصر بن ابوالمکارم عبدالسید بن علی (و. ۵۳۸ ه.ق– ف. ۶۱۶) فقیه حنفی خوارزمی، نحوی، لغوی، ادیب معروف. کتاب مشهور او در لغت «المغرب فی لغهٔالفقه» (ه.م) و «المعرب» (ه.م) است. وی در اصول عقاید معتزلی بوده و او را جانشین زمخشری دانسته‌اند و از شاگردان جاراللّه زمخشری است. شرح مقامات حریری و کتاب مختصرالافلاح از آثار او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۱/ ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۱/ ۲)، روضات الجنات (۱۵۱ –۱۵۰/ ۸)، ریحانه (۳۲۶ –۳۲۵/ ۵)، سیر النبلاء (۲۸ / ۲۲)، کشف الظنون (۱۷۸۹، ۱۷۴۸، ۱۷۴۷– ۱۷۰۸، ۱۳۹)، الکنی و الالقاب (۱۸۸ / ۳)، لغت نامه (ذیل/ ناصر مطرزی)، معجم الادباء (۲۱۳ –۲۱۲/ ۹)، معجم المؤلفین (۷۲ –۷۱/ ۱۳)، وفیات الاعیان (۳۷۱ –۳۶۹/ ۵)، هدیهٔ الاحباب (۲۴۱)، هدیهٔ العارفین (۴۸۸/ ۲)، هفت اقلیم (۳۲۸/ ۳).

مطلبی، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن مطلبی

محل تولد : اسفیدواجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲

زندگینامه علمی

این کمترین، سید ابوالحسن مطلبی ، فرزند سید کاظم ، دوم فروردین ۱۳۳۸ هجری شمسی طبق شناسنامه در یک خانواده روحانی و در روستای اسفیدواجان از منطقه تیران و کرون از توابع اصفهان به دنیا آمدم . مرحوم پدرم که در پارسایی مقامی بس ارجمند و به حق رتبه ای بالا و والا داشت زبانزد خاص و عام بود . در آن منطقه اطلاق لفظ «آقا» به ایشان منصرف بود و هم اکنون نیز این خانواده به خانواده آقا معروفند. هیچ یک از معاصران مرحوم آقا نیست که ایشان را نستوده باشد و یا خاطره اخلاقی زیبایی را از او به یاد نداشته باشد. استاد اخلاق ایشان مرحوم آیت الله حاج آقارحیم ارباب بود .حضرت آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری حفظه الله رئیس حوزه علمیه اصفهان از جمله بزرگانی است که با مرحوم پدرم نشست و برخاست داشته و هماره از او به نیکی و پارسایی

یاد میکند حضرت استاد میفرمود: هیچ روزی نیست که برای مرجوم پدرت قرآن نخوانم . در ده سالگی ۲۷/۳/۴۷ با رحلت پدر این نعمت بزرگ الهی را از دست دادم. بنده تحصیلات ابتدایی را در روستایمان به پایان بردم و ناگزیر برای گذراندن دوره دبیرستان چون در روستا دبیرستان نبود به اصفهان و تهران رفته روزها کار می‌کردم و شب‌ها در دبیرستان شبانه تحصیل تا به اخذ دیپلم نائل آمدم که آن روزها در حد خود قیمت و منزلتی داشت. در سال ۱۳۵۶ پس از دریافت دیپلم طبیعی بر حسب توصیه و علاقه مرحوم پدرم که بسیار مایل بود که فرزندانش به مسلک روحانیت درآیند، و علاقه ای که خود به معارف اسلامی داشتم به حوزه مقدسه علمیه قم رهسپار شدم و تا کنون در قم اقامت دارم و به تحصیل ، تحقیق ، تالیف و در مقاطعی تدریس و تبلیغ ،نگارش مقالات ، تصحیح متون کهن واحیا آثار سلف ، ویرایش ، ارزیابی کتب و مقالات ودر موارد اندکی به ترجمه می‌پردازم . در تحصیلات حوزوی از محضر آیات عظام و حجج اسلام ، اساتید گرانقدر آقایان اعتمادی ، پایانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، حسینی بوشهری ، ستوده ، شب زنده دار ، صلواتی ، طالقانی ، فاضل(ره) ، فشارکی ، وجدانی فخر ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی بهره جسته ام.

مطوعی، ابوحفص عمر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۴۰ ق)، ادیب و شاعر. اهل نیشابور بود. در ایام جوانی در خدمت امیر ابوالفضل میکالی ادیب (م ۴۳۶ ق) بود. از آثارش: کتاب «درج الغرر و درج الدرر»، در محاسن نظم و نثر ابوالفضل میکالی؛ «اجناس التجنیس»؛ کتاب «حمد من اسمه احمد» که در معارضه با کتاب «فضل من اسمه الفضل» ثعالبی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۵/ ۵)، معجم المؤلفین (۳۰۲/ ۷).

مطهری ساوجی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مطهری (امام جمعه شهرستان ساوه) یکی از ستارگان فروزان حوزه علمیه قم و افاضل نویسندگان معاصر است.

وی در سال ۱۳۱۷ شمسی در ساوه متولد شده و پس از خواندن دروس ابتدائی وارد حوزه علمیه ساوه که به مدیریت آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوه‌ای اداره می‌شد گردیده و دو سال از محضر معظم‌له و مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی قمی استفاده نموده سپس عزیمت به قم نموده و مدت شش سال در حوزه علمیه قم به تکمیل دروس نهائی و سطح پرداخته و پس از پایان آن یک سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی خمینی کسب فیض نموده است.

پس از رحلت آقای بروجردی در سال ۱۳۸۲ قمری به نجف اشرف مهاجرت و مدت یازده سال اقامت و از محاضر آیات عظام خمینی و خوئی و شاهرودی و حاج سید نصراللّه مستنبط و حاج میرزا باقر زنجانی رحمه‌اللّه علیه فقها و اصولا استفاده نموده و در سال ۱۳۹۳ قمری از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و رحل اقامت به قم انداخته و مشغول تدریس و استفاده از محضر آیت‌اللّه گلپایگانی و حاج شیخ مرتضی حایری یزدی گردیده تا در انقلاب اسلامی ایران چند سالی مسئول دادگاه‌های انقلاب اسلامی مشهد و برخی از شهرهای دیگر شده تا در سال ۱۴۰۱ که به امام جمعه‌ای ساوه منصوب ولی در خلال این مسئولیت از روز شنبه تا پنجشنبه همه هفته برای تدریس به قم آمده و تدریس خارج فقه و اصول برای عده‌ای از طلاب و محصلین نموده و در روزهای جمعه اقامه نماز جمعه در ساوه فرموده و در ایام تعطیل تابستانی در ساوه به رتق و فتق امور اجتماعی و روحی اشتغال دارند و خدمات چشمگیری که ذیلا بیان می‌شود نموده است.

۱- یکدوره سی جلدی به نام مستند تحریرالوسیله که یازده جلد آن به طبع رسیده است و بقیه در تحت طبع می‌باشد.

۲- طرحهای رسالت در پیرامون مسئله خلاقت و زمامداری ۶ جلد که پنج مجلد آن در مورد امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یک جلد درباره امام حسن علیه‌السلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره روابط در جامعه اسلامی در ضمن ۸ جلد که به چاپ رسیده است به شرح زیر:

(۱- رابطه اقتصادی عمومی ۲- رابطه اقتصادی خانوادگی ۳- تامین رابطه جنسی ۴- کنترل رابطه جنسی ۵- رابطه دوستی و محبت ۶- رابطه وراثت و تربیت ۷- رابطه ولایت و حکومت).

۴- کتاب پیرامون علم پیامبر و امام صلی اللّه علیهم در مسائل غیبی.

۵- کتاب شفاعت

۶- نماز جمعه و احکام آن

۷- کتاب جهاد

۸- کنگره اسلامی حج

۹- هدف حکومت اسلامی

آثار خیر و خدمات اجتماعی

۱- بناء دو مدرسه در شهرستان ساوه بنام مدرسه الزهراء و مدرسه ولی عصر (ع).

۲- پانزده دستگاه منزل برای رفاه طلاب و مدرسین حوزه علمیه ساوه.

۳- مسجدی بنام ولی عصر عجل‌اللّه فرجه در کنار میدان آزادی.

۴- دعوت سه مدرس برای تدریس حوزه علمیه ساوه.

۵- اداره و تامین شهریه صد نفر از طلاب حوزه ساوه.

۶- دفتر شهریه برای سادات مستحق ساوه و حومه آن.

۷- صندوق قرض‌الحسنه بنام حضرت جوادالائمه علیهم‌السلام در ساوه برای کمک به مستحقین.

۸- دفتر نان برای تامین نان فقراء شهر ساوه و حومه آن.

۹- تجدید بناء ساختمان مدرسه انقلاب در کنار مسجد انقلاب ساوه.

۱۰- بناء کتابخانه حوزه علمیه ساوه در همان مدرسه در مرکز شهر.

۱۱- تهیه زمین برای بناء خانه‌های مسکونی برای افرادی که توان تهیه منزل ندارند.

متاسفانه معظم‌له با این محاسن و اخلاق و محامد آداب و فضائل انسانی و ملکات فاضله و آثار و خدمات مبتلا به سرطان شده و در سن پنجاه و دو سالگی در روز اول ماه رمضان ۱۴۱۱ قمری برابر بیست و هفتم اسفند ماه ۱۳۶۹ شمسی از دنیا رفته و در شهرستان ساوه در کنار مزار شهداء آن به خاک رفت رحمه‌اللّه علیه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مطهری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید مطهری

محل تولد : چالوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۴۵ درتهران متولد شدم وپس از گذراندن دوره دبستان وراهنمایی وقبول دراول دبیرستان(رشته علوم تجربی) درسال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شهید بهشتی نوشهر شدم وپس از آن درسال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم شدم ودروس سطح را نزد اساتیدی ازجمله محمدی قوچانی، حسینی بوشهری،اعتمادی،محقق داماد ،پایانی،بیگدلی،عرقچی، کوهمره ای،صالحی مازندرانی، قدیری،موسوی تبریزی،و... گذراندم وپس ازآن توفیق شرکت دردروس خارج فقه واصول آیات عظام ازجمله مکارم شیرازی ،وحید خراسانی ،سبحانی،سید جعفر کریمی گذاراندم ودرطی این مدت کارهای تحقیقی وپژوهشی را آغاز کردم ومقالاتی راتألیف نمودم وهمچنین به عنوان استاد دانشگاه به مدت ۳سال تدریس کردم ودر همین مدت هم درحوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) چالوس مشغول تدریس بودم وپس ازآن به مدت ۳ سال به عنوان استاد داور درجلسات دفاع پایان نامه های حوزه های علمیه خواهران شرکت نمودم وهمچنان بااین مرکزهمکاری دارم.

مطهری، زین العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل بزرگوار، مؤلّف کتاب «دفنیۀ الدرر» در امام زاده‌های اصفهان، و متوفّی در ۳ رمضان المبارک سال ۱۳۶۰ به سنّ متجاوز از ۸۵ سالگی و مدفون در اطاق پدر.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مطهری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی، محقق، استاد.

تولد: ۱۲۹۹، قریه فریمان (مشهد).

شهادت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی

مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازه سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کافیه مشغول بود.

در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.

پس از اوج گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۵۷ برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلای اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهاد جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (۱)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.

آیت‌الله مطهری در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.

۱- حجةالاسلام و استاد عالیمقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فراگرفته و در سال ۱۳۵۶ ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه العظمی موسوی و دیگران آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی موسوی و مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّٰه موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد.

دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)

۲- انسان و سرنوشت ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران ۴- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.

۵- داستان راستان ۶- عدل الهی ۷- علل گرایش به مادی‌گری ۸- مسئله حجاب ۹- نظام حقوق زن در اسلام ۱۰- سیری در نهج‌البلاغه

و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح ۱۲۹۸- شهادت ۱۳۵۸ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در ۱۳۱۶ ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌اللّٰه محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را زا محضر آیت‌اللّٰه بروجردی و آیت‌اللّٰه یثربی کاشانی و آیت‌اللّٰه حجت و

آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه صدر فراگرفت. در ۱۳۲۰ ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج‌البلاغه آشنا شد. از ۱۳۲۵ ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در ۱۳۲۹ ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از ۱۳۳۱ ش به موازات تدریس و تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در ۱۳۳۴ ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن‌سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیهْ» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»؛ «آشنایی با قرآن»؛ «اسلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام».[۱]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجهْالاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللَّه استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق برابر با ۱۲۹۹ هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۳۱۶ ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشگان را اداره می کرد.

موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.

مرحوم حجهْالاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌اللَّه العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.

حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی ۹۹ چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر د رتشیع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.

مرحوم مطهری شهید رئیس شوراء انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.

مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.

آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرجع عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌اللَّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.

در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.

متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.

بسم اللَّه الرحمن الرحیم.

انا لله و انا الیه راجعون.

این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصا ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و

فیلسوف و فقیه عالیمقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس‌سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.

تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیتهائی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.

در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.

و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.

من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. مطهری که د رطهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.

اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توام با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.

(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.

شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.

ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.

اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.

سلام بر شهدای راه حق و آزادی.

روح‌اللّه الموسوی الخمینی.

شهادت مطهری.

این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب ۶۰ سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (۵۸) برابر پنجم جمادی الثانی ۱۳۹۹ غروب کرد اتفاقا در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پاره‌ای از خورشید (۴۳ -۱۷)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (۲۴ - ۱۹)، سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری (۵۱ -۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۸/ ۶)، مصلح بیدار (۴۲ -۲۳)، یادنامه (۲۶ - ۹).

مظاهری اصفهانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مظاهری اصفهانی

محل تولد : تیران استان اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ ه.ش در تیران (استان اصفهان) زاده شدم. نامم را «علی» نهادند؛ اما «علی اکبرم» خواندند. اکنون نیز نامم در شناسنامه علی است، اما علی اکبر می خواننـدم. خانـدانم متـد ین بودنـد. کـار پـدر، نـانوایی بود و کشـاورزی. پـدر و مـادر هر دو از فـامیل «مظاهری» ها هستند. منسوب به جناب حبیب ابن مظاهر ـ رضوان الله علیه ـ شجره نامه انتسابمان به آن جناب موجود است.نهال خدا دوستی و دین گرایی را که دست حکمت آفریدگار در وجودم نشانده بود، به دست والدین ام به خصوص مادرم، که از خاندان روحانی بود، آبیاری و باغبانی می شد و پرورش می یافت و آن فطرت الهی، که همه آدمیان بر مبنای آن آفریده می شوند، بالنده می گشت. صوت قرآن پدرم و زمزمه مناجات مادرم، جانم را می نوازاند.

پنج ساله بودم که مادرم دستاری بر سرم می بست و منبری از متکا برایم می ساخت و می فرمود که به گونه عالمان دین بر کرسی خطابه بنشینم و برایش سخن گویم و موعظه نمایم و احکام و معارف شریعت را بیان کنم! تمرین عالم شد نم می داد.

کلاس اول و دوم ابتدایی را در تیران گذراندم و در هر دو سال شاگرد اول بودم حتی معلممان را در تصحیح درس ها و برخی از امور شاگردان یاری می کردم.ادامه زندگانی در تیران به خاطر تنگنای معیشتی بسیار سخت بود و یا ناممکن می نمود؛ از این رو همراه خانواده به شهر اصفهان مهاجرت کردیم.

اگر چه از دبستان تیران، گواهی درسی و مدارک لازم برای ادامه تحصیل در اصفهان را گرفتم اما ادامه تحصیل ممکن نشد زیرا مرا به کار نانوایی گماشتند و حتی فراغت ادامه تحصیل شبانه نیز برایم باقی نماند. همواره عطشناک درس خواندن و مطالعه کردن بودم و در فراغ آن می سوختم.

چند سال که بزرگتر شدم به مدرسه شبانه (اکابر) رفتم و هر شب حدود دو ساعت درس خواندم. کلاس سوم را دو ماهه خواندم و چهارم را نخوانده امتحان دادم و به کلاس پنجم رفتم و چند ماهی دوره باقی مانده ابتدایی را به پایان رساندم و باز از ادامه تحصیل بازماندم. هزینه زندگی بیشتر می شد و پدر پیرتر و مسئولیت من سنگین تر.نوجوان بودم و کار یک مرد را در نانوایی می کردم و بخشی از هزینه های زندگانی را تامین می نمودم.علاقه به مطالعه همواره همراهی ام می کرد. اگر چه نه کتاب مناسب و نه فراغت لازم را داشتم اما کتاب های گوناگون را به گونه های مختلف به دست می آوردم و می خواندم. مطالعه کتابم فراتر از سطح تحصیلات مدرسه ای ام بود. و نیز همیشه در صدد یافتن فرصت برای ادامه تحصیل بودم این شوق و انگیزه هرگز در وجودم خاموش و آرام نشد و هرگز خاموش و آرام مبادا انشاء الله.

پس از حدود یک سال که نزد برادرم نجاری می کردم او به ایران بازگشت و من مسوول کارگاه نجاری شدم اما دل و اندیشه ام به سوی مدرسه بود. کم کم اهداف و اندیشه هایم را با سرپرست حوزه عملیه آنجا (که در بیوگرافی تفصیلی، درباره او سخن خواهم گفت) در میان گذاشتم و از او یاری طلبیدم. وی راهنمایی و مساعدت کرد و من کارگاه نجاری را که حدود یک و سال و نیم اداره کرده بودم به کسانی واگذار کردم و به حوزه علمیه در آمدم و طلبه شدم! نانوا، نجار، طلبه! و الحمد لله نانوایی، نجاری، طلبگی! و الحمد لله.

سال ۱۳۵۶ بود نزد یک شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، و من پس از حدود هشت سال نانوایی و دو سال و نیم نجاری، اکنون محصل علوم اسلامی شده بودم و به قلمرو آرمانی اهدافم وارد شده بودم. درسها و مطالعاتم گام هایی بودند به سوی کلمه کمال و رسیدن به وصال و وصول به مقصود عالم شدن، نویسنده شدن، سخنران شدن، و از همه بالاتر، تکامل اخلاقی و معرفتی و نیل به قرب الهی.

درس ها و نیز مدرسان آنجا هم عربی بودند و هم فارسی و من نیز هم فارسی می دانستم و هم عربی. آن مدت که در کویت کار می کردم مکالمه عربی را فرا گرفتم و کمی ینز خواندن و نوشتن عربی را. از این رو هم درس های عربی را می خواندم و هم درس های فارسی را. هم به درس استادان عرب می رفتم و هم به درس استادان فارسی. درس ها و کتاب هایی که به درس در آن حوزه خواندم برخی شان مطابق برنامه های درسی حوزه های علوم اسلامی در ایران بود و برخی دیگر شان متفاوت بود. مثلا کتا ب ها و درس های «شرایع الاسلام»، «العروة الوثقی» «المنهاج، فی قواعد و الاعراب» ، «التدبر فی القرآن»، جزو دروس اصلی حوزه های علمیه ایران نبود و نیست اما از درس های اصلی حوزه علمیه کویت بود و ما می خواندیم و برخی از درس های حوزه های ایران نیز در حوزه کویت، تدریس و خوانده نمی شد. هم در مواد درسی و هم در شیو ه های درسی، تفاوت هایی و اشتراک هایی میان حوزه کویت و ایران بود (که باید در مجالی دیگر بیان شود)

نهضت اسلامی خیز برداشت و بر اثر حوادث پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی کوره انقلاب اسلامی داغ و داغتر شد. ما که کویت بودیم و به نجف نزدیکتر بودیم و نیز محدودیت های ایرانیان را کمتر داشتیم گاهی می شد که زودتر و آسانتر به نجف وصل می شدیم و سفیران امام خمینی راحت تر به ما می رسیدند و آقای سید عباس فهری که نماینده حضرت امام در کویت بود بی مشکل و یا با مشکل کمتر با امام ارتباط می گرفت و به ما می رساند.من وظیفه انقلابی خویش را در میان ایرانیان مقیم کویت، ایفا می کردم در منازل کارگران می رفتم برای شان جلسه می گذاشتم. محصولات انقلابی (کتاب، بیانیه، اعلامیه، نوار ...) به آنان می رساندم. کار آسانی نبود زیرا برخی از ایرانیان در کویت بـه خاطرضعف فرهنگ و نیز تعصب به مملکت خویش و به هم آمیختن وطن دوستی با شاه دوستی به آسانی به نهضت اسلامی نمی پیوستند و از حکومت پهلوی نمی بریدند. گاه می شد که مرا طرد می کردند و از خود می راندند، و حتی تهدید به مرگم می کردند اما من که تکلیف خویشتن را می شناختم و علل قصور و تقصیر آنان را نیز می دانستم، به گونه های گوناگون ادامه طریق می دادم، تا آنکه خداوند، نصرت و فتح خویش را کرامتمان فرمود و طلیعه پیروزی نمایان گشت و سپاس خدای را که عکس منحوس شاه ملعون به دست من از سر در سفارت ایران درکویت کنده شد و تمثال مبارک امام خمینی ـ سلا م الله علیه ـ به جای آن نصب گردید.

مظاهری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۲۹۳ ش)، دانشمند، پژوهشگر، مترجم و استاد. در تهران به دنیا آمد. در دوازده سالگی کتاب «تاریخ روم» را نوشت که خود نقاشی‌های آن را انجام داده بود. در سیزده سالگی در زمره دانش‌آموزان ممتاز دیپلمه برای تحصیلات عالی به فرانسه عزیمت

کرد. وی از ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱ ش در دانشگاه سن کلووشارتر و سپس در دانشگاه سوربن به تکمیل تحصیلات پرداخت و در ۱۳۱۲ ش پایان‌نامه‌ی دکترای خود را تحت عنوان «خانواده‌ی ایرانی در ادوار پیش از اسلام» ارائه کرد. وی در طی جنگ جهانی دوم به کار تحقیق و کشاورزی پرداخت. بعد از پایان جنگ به عنوان کارشناس نسخ خطی فارسی وارد کتابخانه‌ی ملی پاریس شد. در ۱۳۲۷ ش به عضویت فرهنگستان بین‌المللی تاریخ علوم و در ۱۳۳۶ ش به عنوان مدرس مدرسه‌ی مطالعات عالیه‌ی علوم اجتماعی برگزیده شد و بنا به دعوت یونسکو نگارش بخش موسوم به «تاریخ ملل مسلمان در قرن نوزدهم» را در جلد پنجم «تاریخ جهانی بشریت» به عهده گرفت. وی همچنین مقالات زیادی در مجله‌های داخلی و خارجی به چاپ رسانیده است که از آن جمله: «مقام ایران در هنر جهان»، «تأثیر هجوم قوم مغول به ایران و آثار آن»، «پاسخ در مورد تمیشه»، «جمال اسدآبادی و جمالیسم»، «مان و عرفان»، «زردشت ناشناس»، «کمونیسم مزدک»، «حلاج واقعی»، «پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن» در زمینه معارف اسلامی، «زن و عشق در ایران سنتی» و «مهرهای پادشاهان ایران» می‌باشد وی سرانجام در پاریس درگذشت. از دیگر آثار وی: «مبادی ایرانی علم حساب»، رساله دکترای دیگری از وی که به دانشگاه پاریس ارائه شد؛ «جاده‌ی ابریشم»؛ «گنجینه‌های ایران»؛ «مقدمه‌ای بر تاریخ ایران»؛ «استخراج آبهای پنهانی»، ترجمه‌ی «انباط المیاه الخفیه»؛ «زندگی روزمره‌ی مسلمانان در سده‌های میانه، از سده دهم تا سیزدهم میلادی»، که در آن اوضاع اجتماعی تمامی سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران و مصر را تحت بررسی قرار داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :جاده‌ی ابریشم (۱/ پیشگفتار مترجم)، یغما (س ۴، ش ۴، ص ۱۷۵ -۱۶۸، س ۵، ش ۴، ص ۱۶۲).

مظفر، محمد علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد جلیل، از زهاد و عباد بوده، و در مسجد علی امامت می‌نموده، و با وضع فقر، کمال مواظبت در آداب شریعت داشته، و نسبت به مردم دنیا از غنی و فقیر و شاه و وزیر، بی‌اعتنا بوده است.

وفاتش در ۳ شنبه ۱۳ شوال ۱۱۹۸ روی داده، قبرش در تکیه‌ی میرزا رفیعا بود، و سنگ سیاهی به خط رقاع بسیار خوب داشت، که در موقع تسطیح و توسیع فرودگاه اصفهان از بین رفت.

در طرایق گوید: (۱۱۳:۳) در حکمیات خصوص الهیات، ید باسطی داشته، و در زهد و عبادت، (۱۱۳:۳) سامان عهد بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مظفر، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین مظفر

محل تولد : بصره عراق

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین مظفر فرزند یحیی در سال ۱۹۷۳ میلادی مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم، سپس وارد دانشکده «اداره و اقتصاد» دانشگاه مستنصریه بغداد و پس از آن به دانشگاه بصره منتقل شدم، و در سال ۱۹۷۷میلادی مدرک لیسانس مدیریت و حسابداری دریافت کردم و در همین سال در مرحله کارشناسی ارشد بیمه به عنوان نفر اول در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه بغداد و در حدود سال ۱۹۸۰ میلادی کامل کردم مرحله کارشناسی ارشد.و ممانعت حزب بعث از معرفی اینجانب به عنوان فارغ التحصیل سپس وارد حوزه علمیه نجف به ارشاد مرحوم شهید صدر و پایان نامه بیمه نزد ایشان ماند. در مدرسه دارالحکمه مرحوم حکیم زیر نظر شهید محمد حسین حکیم مقدمات را خواندم و نیز درس اخلاق را نزد مرحوم شهید سید صاحب حکیم و بعد از شهادت مرحوم صدر به ایران پناهنده شدم و وارد حوزه علمیه قم و به خاطر شرایط منفی سال های سال ترک درس کردم و سپس به دروس حوزوی بازگشتم. در سال ۱۳۷۷ در کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه رضوی قبول شدم و در سال ۱۳۸۲ ش فارغ التحصیل شدم و در این مدت مشغول به پژوهش و تحقیق در پژوهشگاه دانشگاه رضوی و قبل از اینکه فارغ التحصیل بشوم پیشنهاد به راه افتادن درس صحیفه سجادیه در مرحله کارشناسی را دادم و جواب از وزارت علوم مثبت آمد و صحیفه سجادیه را تدریس کردم. در همان دانشگاه به مدت چهار ترم همچنین تدریس اصول فقه و فقه اللغه و صرف ساده به حوزه علمیه قم سپس باز گشتم و وارد درس خارج شیخ وحید در اصول و فقه و در سال دوم ادامه درس اصول وحید و در فقه خدمت استاد مکارم شیرازی.

مظفری خویی، حسام‌الدین حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به حسام. ملقب به مظفری. از ادبا و سخنوران شهر خوی بود که در دربار چوپانیان روم می‌زیست. از تالیفات وی: «نصیب الفتیان»؛ «تشبیب البیان»؛ «تحفه حسام»، در لغت فارسی به ترکی؛ «ملتمسات»، مشتمل بر چهارصد رباعی؛ «نزهه الکتاب و تحفه الاحباب»، در امثال؛ «قواعد الرسائل و فوائد الفضائل»، در انشاء به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۵/۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۴ -۱۱۳)، الذریعه (۲۳۶/۹)، سر آمدان فرهنگ (۳۰۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۴)، کشف الظنون (۱۹۵۷، ۱۳۵۸)، لغت نامه (ذیل/ حسام خویی).

مظفری قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مظفری قزوینی در سال ۱۳۰۴ در شهر قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. آیت الله مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مظفری قزوینی فرزند ملا ابراهیم آقا بابایی ، در سال ۱۳۰۴ دیده به جهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مظفری قزوینی پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود.خاطرات و وقایع تحصیل : محمد مظفری قزوینی هنگام تحصیل در نجف اشرف به سبب بروز برخی مشکلات، مجبور به بازگشت به ایران گردید.استادان و مربیان : محمد مظفری قزوینی مقدمات را نزد آخوند ملا علی مطهری ، متوسطه را نزد شیخ مهدی قاضی و آنگاه سطوح عالیه را نزد آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت. استادان وی در حوزه علمیه ی قم آیت الله حاج سید حسین بروجردی و آیت الله سیدشهاب الدین الحسینی مرعشی بود. مظفری همچنین در حوزه علمیه ی نجف نزد اساتیدی چون: آیت الله حاج سید محسن حکیم ، آیت الله حاج سیدمحمود شاهرودی ، امام خمینی (ره) ، آیت الله حاج سید ابوالقاسم خویی تلمذ نمود.فعالیتهای آموزشی : محمد مظفری قزوینی پس از آنکه مقام علمی خود را به مرتبه ای رساند که توانست ، دانش خود را به دیگران منتقل نماید ، در حوزه علمیه قم به تدریس پرداخت. او سپس به نجف رفته و علاوه بر تحصیل به تدریس نیز پرداخت ، سپس به زادگاه خود قزوین بازگشت و فعالیت های آموزشی خود را در این شهر دنبال نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.آثار : اسلام و فلسفه احکام ویژگی اثر : دردو جلد۲ اسلام و قانون بردگی ، اصطلاحات منطقی ، البلغه فی بلوغ المراه ، الشیعه و السنه ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد۶ الفوائد الرجالیه ، القطره فی فضائل علی علیه السلام ، ایضاح الحجه فی شرح العروه ویژگی اثر : در ۸ جلد۹ پرسش ها و پاسخ ها ویژگی اثر : دردو جلد۱۰ حرمت بازی شطرنج ، خاتمیت آخرین پیامبر ، خلاصه البیان فی احوال شاه زمان ، دانستنیهایی از قرآن ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد۱۴ رساله در اثبات صانع تعالی ، رساله در خلقت بهشت و جهنم ، شهادت ثالثه در اذان و اقامه ، طیبات ، قربانی در منی

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین ، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

مظلومی، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رجبعلی مظلومی ، فرزند استاد محمدحسین در سال ۱۳۰۶ شمسی در نیشابور پا به عرصه ی وجود گذاشت. دوران تحصیل خود را در نیشابور ، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن ، در مقطع کارشناسیِ دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین ، دوره های کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته های فلسفه محض ، روان شناسی و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد.دکتر مظلومی در دوران فعالیت های دانشگاهی اش ، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس ، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد. او سمت استادی را در دانشگاه های تهران ، شهیدبهشتی ، صنعتی شریف تهران ، صنعتی اصفهان ، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود. دکتر رجبعلی مظلومی سرانجام پس از سه سال در ۲۱ مهر ۱۳۷۷ به لقای محبوب شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : رجبعلی مظلومی ، فرزند استاد محمدحسین می باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رجبعلی مظلومی ، در دو سالگی پدرش را از دست داد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رجبعلی مظلومی ، دوران تحصیل خود را در نیشابور ، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن ، در مقطع کارشناسیِ دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین ، دوره های کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته های فلسفه محض ، روان شناسی و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد. رساله ی دکترای ایشان ، « تصحیح متن شرح فصوص الحکم بابارکن الدین شیرازی » بود که توسط مؤسسه ی مطالعات اسلامی چاپ شد و پروفسور لندلت ، همین کتاب را به عنوان متن درسی در دانشگاه مگ گیل کانادا تدریس می کرد.

استادان و مربیان : رجبعلی مظلومی از اولین سال تحصیل خود ، معلم نقاشی داشت . او بعد ها به شاگردی استاد موید پردازی در آمد و از آنجایی که موید پردازی شاگرد کمال الملک بود بنابراین مظلومی را نیز می توان شاگرد باواسطه کمال الملک محسوب کرد

زمان و علت فوت : رجبعلی مظلومی ، در ۲۱ اسفند ۱۳۷۴ در اثر سکته ی مغزی به بیمارستان منتقل و سرانجام پس از سه سال در ۲۱ مهر ۱۳۷۷ به لقای محبوب شتافت.

فعالیتهای آموزشی : رجبعلی مظلومی ، سمت استادی را در دانشگاه های تهران ، شهیدبهشتی ، صنعتی شریف تهران ، صنعتی اصفهان ، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رجبعلی مظلومی در دوران فعالیت های دانشگاهی اش ، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس ، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رجبعلی مظلومی ، به زبان های فرانسه و عربی آشنایی کامل دارد. مطالعات متنوع و گسترده ی او در زمینه های: قرآن شناسی ، حدیث شناسی ، حکمت و عرفان ، تاریخ و هنر اسلامی و به ویژه امور تربیتی منجر به نگارش بیش از یکصد جلد کتاب و پانصد مقاله در طول نزدیک به نیم قرن تلاش و پژوهش گردید.

آرا و گرایشهای خاص : رجبعلی مظلومی معتقد است که عاملی که بتواند آن مادیت را به معنویت بدل کند و بالطافت حتی با اقتصاد خیلی خوب ، قسمت عمده ای از مسایل زندگانی مارا حل کند فقط هنر است . وی اعتقاد دارد که هنر فقط درزمینه آزاد و آزاده می تواند ابراز وجود کند چون اصلاآب هنر از آزادی است . وی بر این باور است که کسانی که یکسره عینیت های را به وسیله ابزارهای هنر ی طرح می کند ، گرچه زحمت می کشند ،اما کارشان را هنر صنعتی می دانیم ونه هنر هنر مندی . او معتقد است که هنر هنرمند آن است که تنها برای فرهنگ بهتر و ارتقای فهم فرهنگی یک جامعه و اصولا برای مجموعیت لایق یک جامعه و برای قدرت والاتر همین مجموعیت کار کند . ازاین جهت او هنر مند را همیشه آینده بین می داند . --------------------

----

آثار :

۱ آموزش فن سخن گفتن

ویژگی اثر : برداشتی از کتاب « راه و رسم سخن گفتن ».

۲ ارمغان مور

۳ با تربیت مکتبی آشنا شویم

۴ بازنگری بر فعالیت های بدنی

۵ بیایید به حرف بچه هایمان گوش کنیم

۶ پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی

۷ تربیت از دیگاه معصومین (ع)

۸ تربیت معنایی انسان

۹ تفسیر شیعه

۱۰ جوان و دین

۱۱ چرا امام حسن (ع) صلح را پذیرفت ؟

۱۲ چه کسی با چه نوع شخصیتی ، کدام شغل را انتخاب می کند ؟

۱۳ حاشیه بر هنر چیست ؟

۱۴ در مسیر نور تا خورشید یا سیر رسالت با جوهره ی ولایت در بستر تشیع

۱۵ درس های رمضان (تفسیر قرآن)

۱۶ دولت عدل الهی ؛ درباره ی دولت امام زمان (عج)

۱۷ راه و رسم سخن گفتن

۱۸ رهبر آزادگان ؛ درباره ی امام حسین (ع)

۱۹ روابط شایسته در ورزش تربیتی

۲۰ روزنه ای به باغ بهشت یا هنر در راستای انقلاب اسلامی

ویژگی اثر : در دو مجلد.

۲۱ زنانِ بافضیلت

۲۲ سخنرانی را توانا شویم

۲۳ سرگذشت قرآن

۲۴ سیر تاریخی قرائت

۲۵ سینما ، اخلاق ، تجربه

۲۶ شورای اسلامی

۲۷ علوم قرآن

ویژگی اثر : در پنج مجلد.

۲۸ علی (ع) معیار کمال

۲۹ فهم قرآن

ویژگی اثر : در دو مجلد.

۳۰ کتابشناسی اسلامی

۳۱ کلیدهای تربیتی و تعلیمی برای اولیای تربیتی

۳۲ گامی در مسیر تربیت اسلامی (از کودکی تا بلوغ)

۳۳ گامی در مسیر تربیت اسلامی (مبانی تربیتی)

۳۴ مؤمن کیست و ایمان چیست ؟

منابع زندگینامه :

مجله ی آینه ی میراث ، سال اول ، شماره ی ۲ ، سال ۱۳۷۷ ـ مجله ی آینه ی پژوهش ، سال نهم ، شماره ی پنجم ، شماره ی پیاپی ۵۳ ، آذر و دی ۱۳۷۷

مظهر، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ –۱۲۳۲ ش)، شاعر و منشی. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن تحصیلات مقدماتی، در رشته‌ی علوم ادبی و عربی به تحصیل پرداخت و در مدرسه‌ی زنگنه به تحصیل فقه، اصول، منطق، فلسفه و عروض اشتغال ورزید و تا جایی پیش رفت که از زمره‌ی اساتید زمان به شمار آمد. وی در تدریس «منظومه‌ی سبزواری» که در زمره‌ی کتابهای فلسفه به شمار می‌رود، تسلط داشت. مظهر بعد از اتمام تحصیلات، در دستگاه امیر افخم قراگوزلو همدانی به سمت منشی‌گری به کار پرداخت و تا آخر عمر در این سمت باقی بود. وی را در قم در صحن حضرت معصومه (س) به خاک سپردند. از آثارش: «خستوی»، که به طرز مثنوی سروده شده؛ «بضاعت مزجات»، به نثر، مشتمل بر دو قسمت یکی سؤال و جواب در موضوعات فلسفی و دیگری درباره‌ی عرفان و سیر سلوک؛ «دیوان» شعر، متجاوز از ده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۳۴۸ –۳۳۴۲/ ۵).

معتقدی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس معتقدی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس معتقدی در سال ۱۳۴۰ در شهر یزد متولد شدم و در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه شهر محل تولد خود شدم پس از تحصیلات دوره راهنمایی و در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۶۱ در این حوزه به تحصیل اشتغال داشتم از سال ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۵ در نهضت سواد آموزی شهرستان مهریز یزد مشغول خدمت شدم و از مهرماه ۱۳۶۵ تا کنون در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال دارم– در سال ۱۳۶۹ دوره سطح حوزه را به اتمام رسانیده و در همان سال در دروس خارج فقه و اصول آیهٔ الله مکارم شیرازی حضور یافتم.طی این مدت در محضر آیت عظام مکارم، سبحانی، خاتم یزدی و تبریزی بهره بردم. در سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ در دوره زبان عربی در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم شرکت نمودم و با این زبان در ابعاد مکالمه، ترجمه، سخنرانی و انشاء

کاملا آشنا شدم. طی سالهای ۷۲ و ۷۳ در مرکز تخصصی تبلیغ شرکت نمودم که دوره چهار ساله آن را نیمه تمام به خاطر وجود مشکلاتی رها نمودم.

در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ به مدت یک سال در معاونت امور شهرستانهای مرکز هدایت حوزه علمیه قم مشغول خدمت شدم ، و پس از یک سال همکاری، بنا به دعوت برخی از دوستان، در سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور مشغول به کار شدم که همکاری با این سازمان تا کنون استمرار دارد. طی مدت همکاری با سازمان سه نوبت به عنوان مدیر حوزه های دار التحصیل در شهر کیکو مای تا نزانیا، حوزه علمیه رسول اکرم(ص) کشور نیجر و مهد امام جعفر صادق علیه السلام سودان و چند نوبت نیز به عنوان سرپرست موقت اعزام شدم و جمعاً حدود پنج سال به صورت متناوب در آن کشورها به امر مدیریت مراکز یاد شده و نیز تدریس برخی از مواد درسی حوزوی و همچنین ترویج و تبلیغ مذهب اهل بیت(علیه السلام) اشتغال داشته ام. بیش از دو سال است که در فضای وب اینترنت که به عقیده برخی به عنوان قاره ششم مطرح شده، به وبلاگ نویسی مشغول هستم و به رغم فرصت اندک وبلاگهایی با عناوین کشکول، شیعه و اتهامات، و الشیعه و التهم که آخری به زبان عربی است را راه اندازی نموده ام.همچنین سایت الشیعه نت www.shiahnwt.com در دست راه اندازی است که همچنان فرصت تکمیل آن به دست نیامده است اما پس از ثبت دومین و خرید فضای یکصد مگابایت آمان راه اندازی می باشد.

معتمد خراسانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۲۹۶ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، نویسنده و واعظ. در محله‌ی پایین خیابان مشهد به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. ادبیات را از محضر محقق نوغانی و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و سطح فقه و اصول را از آیت‌اللّه شیخ کاظم دامغانی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه شیخ مجتبی تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ حسن طبرسی و آیت‌اللّه میرزا علی‌اکبر نوغانی و خارج اصول را در حوزه درس آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی کفایی گذراند و در درس معارف از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود و معقول را نزد آقا بزرگ حکیم و فرزندش میرزا مهدی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و از درس آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و از آنان به دریافت اجازه نایل آمد. سپس به تهران بازگشت و در مدرسه مروی سکنی گزید و از طرف آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی عهده‌دار رسیدگی به امور کتابخانه‌ی مدرسه گردید. او از این زمان به تألیف رسالات پرداخت و همزمان به وعظ و خطابه نیز مشغول شد. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: «خورشید تابان در نبوت قرآن»، در علم و ادب و تاریخ و اجتماع؛ «اسلام شناسی»؛ «تاریخ ادوار اسلام»، شامل سه دوره: «از بعثت تا آخر تشریع قوانین»، «عهد خلفا و اجرای قوانین» و «عهد بنی‌امیه و انحراف از دین تا قیام امام حسین (ع)»؛ «حکومت عباسیان در پیشگاه تاریخ»؛ «فلسفه غیبت امام زمان (عج)»؛ «شرح دعای ابوحمزه ثمالی»؛ «مبدأ و معاد»؛ «اخلاق در مکتب اهل‌بیت (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۰۷/ ۱)، مبدا و معاد (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۴/ ۱).

معتمدالدوله، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی. ادیب، شاعر و نویسنده‌ای توانا بود. در غزلهای خوب خود بیشتر نظر به سعدی داشته و در نهضت ادبی ایران هم سهم بسزائی دارد، وی معاصر فتحعلیشاه قاجار بود. اشعار و منشات او به نام گنجینه معروف است. در سال ۱۲۴۴ ه.ق وفات کرد و تاریخ وفات او را (از قلب جهان نشاط رفته) گفته‌اند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

معدل، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم معدل

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در شهر نجف اشرف در خانواده ای متعهد و فرهنگی چشم به دنیا گشودم. همراه با سایر افراد خانواده صبح ها در جلسات درسی فقه (رساله عملیه)، اخلاق، تفسیر و غیره که توسط پدر اینجانب تدریس می شد شرکت می کردم. تحصیلات ابتدایی (۱۳۴۷ ـ ۱۳۵۳) و راهنمایی (۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۶) با موفقیت پشت سر گذراندم که همزان با آن پاره ای از تحصیلات حوزوی نزد محقق عزیز جناب آقای سید محمد حسین رضوی کشمیری شروع کرده بودم. اما بعد از مدت کوتاهی به علت شرایط نامساعد حاکم بر کشور عراق مجبور به ترک آن شده ام.

در سال ۱۳۵۹ تحصیلات دبیرستانی خود را به اتمام رسانده ام و موفق به گرفتن مدرک دیپلم شده ام.با به دست آوردن مدرک دیپلم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران اینجانب سعی بر این داشته ام که به تحصیلات حوزوی و کلاسیک (دانشگاهی) خود در ایران ادامه دهم اما با آغاز جنگ علیه ایران توسط رژیم سابق عراق (صدام) ، دولت عراق اینجانب را از خروج به خارج عراق ممانعت کرد که با توجه به این امر و به جهت امتناع از مشارکت در جبهه های جنگ عراق علیه کشور مسلمان ایران وارد تحصیلات کاردانی دررشته تاسیسات شده ام که در سال ۱۳۶۱ ه.ش آن را به اتمام رسانیده و در اواخر سال ۱۳۶۲ با تلاش های بسیار موفق به ورود کشور جمهوری اسلامی ایران از راه غرب شده ام که بلافاصله ضمن اشتغال در تقویم متون کتاب های منتشر شده معاونت روابط بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی تحصیل حوزوی خود را در مرحله مقدمات با مطالعه کتاب هایی مانند المنطق ، شرح ابن عقیل و سایر کتب درسی آغاز نموده ام و تا سال ۱۳۶۴ ادامه داشت.

در سال ۱۳۶۴ کتاب های معالم الدین و شرح لمعه را نزد استادان بزرگوار مقدس و رحیمی تلمذ نموده ام.

جهت ادامه تحصیلات خود در سطوح عالیه در سال ۱۳۶۶ وارد دانشسرای علوم اسلامی که تحت نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی (دام ظله) بود شده ام که درس های معارف القرآن و بحث های اقتصادی و نزد استاد حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، فقه مقارن نزد حضرت آیت الله شیخ ابراهیم جناتی، مکاسب شیخ نزد اساتید بزرگوار آیت الله راضی، سید علیرضا حائری و شیخ حسن جواهری، اصول (کفایه و حلقه سوم) نزد آیت الله شیخ باقر ایروانی و فلسفه نزد آیت الله سید کمال حیدری خوانده ام.با اتمام سطوح عالیه سال ۱۳۷۱ در بحث خارج اصول حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی و بحث خارج فقه حضرت آیت الله سید کاظم حائری شرکت داشته ام.

همچنان در سال های ۱۳۷۲ ـ ۱۳۷۴ در حلقه مباحثه خصوصی بحث های فقهی تحت نظارت حضرت استاد بزرگوار جناب شیخ باقر ایروانی و در حلقه مباحث بحث های اصولی برای مدتی کوتاهی تحت نظارت استاد بزرگوار جناب شیخ محمد هادی آل راضی شرکت داشته ام.از اوایل تحصیل خود و همزمان با ادامه تحصیلات با موسساتی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، دانشکده امام حسین(ع) قم، انتشارات دارالقلم، مجله التوحید، نمایندگی ولی فقیه همکاری علمی داشته ام.

در سال ۱۳۷۲ مسئولیت تدوین متون درسی مدارس خارج از کشور سازمان تبلیغات اسلامی بعهده داشته ام و از سال ۱۳۷۴ با موسسه دائره المعارف فقه اسلامی تحت نظارت رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای و به ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی (دام ظلهما) شروع به همکاری نموده ام که تا بحال ادامه دارد و در این مدت مسوولیت هایی مانند سرگروهی جلدهای ۳، ۸ موسوعه الفقه السلامی عضو شورای تحقیقات، و عضو هیات علمی موسسه دائره المعارف بعهده داشته ام. همچنین اینجانب در سال ۱۳۷۶ به عضویت هیئت تحریریه فصلنامه فقه اهل بیت (ع) درآمده ام.

معروف، حبیب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۲.

درگذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (با همکاری پرویز مرزبان؛ تهران، ۱۳۷۱؛ این کتاب در سال ۱۳۶۵) با عنوان واژه‌نامه‌ی مصور هنرهای تجسمی به چاپ رسید)؛ واژه‌نامه راه و ساختمان و معماری انگلیسی- فارسی و فهرست الفبایی و ترکیبات فارسی با تعریفات دقیق برخی واژه‌های مشکل و نو ساخته (تهران، ۱۳۶۹). کتاب نقش ماندگار: یادنامه‌ی مهندس حبیب معروف به کوشش امین و نازی معروف به یاد وی در تهران در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معروف، میرسعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرسعید معروف

سن:۲۴ وزن: ۸۰ کیلو گرم قد:۱۹۰

پاسور

باشگاه قبلی:سایپا تهران حمید موحدی (سرمربی)

باشگاه فعلی:پیکان تهران مصطفی کارخانه (سرمربی)

سوابق ملی:نوجوانان جوانان و بزرگسالان

میرسعید معروف به همراه محمد موسوی عراقی عنوان بهترین مدافع و پاسور رقابتهای والیبال انتخابی جهانی ۲۰۱۰ ایتالیا را به خود اختصاص دادند.

معصومی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله معصومی فرزند نامی مرحوم آیه‌الله معصومی که اکنون بجای آن مرحوم اقامه جماعت مینماید از علماء معاصر بهبهان است. وی در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات را در بهبهان خوانده و پس از پایان سطوح و استفاده از محضر آیات و مدرسین بجای مرحوم والدش بخدمات دینی اشتغال دارد.

از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه‌ای بنام حضرت حجه‌بن‌الحسن عجل‌الله فرجه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

معین العلماء، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و از آزادی خواهان صدر مشروطیّت بوده، و روزنامه نیّر اعظم را در طهران منتشر می‌نموده.

در ۱۲۸۴ متولّد، و در شب جمعه ۶ رمضان المبارک ۱۳۵۸ در اصفهان وفات یافته، در جنب پدران خویش مدفون گردید.

در روزنامه مظّفری چاپ بوشهر (ش ۳ سال ۱۱) شرح نسبتاً مفصلّی از احوالات او نوشته شده، طالبین مراجعه کنند.

وی از ابتدای تشکیلات عدلیّه وارد خدمات دولتی شده، و مدّتها ریاست عدلیّه مازندران، زنجان، گیلان، آباده، گلپایگان را داشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

معین، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ –۱۲۹۴/ ۱۲۹۳/ ۱۲۹۱ ش)، نویسنده، مصحح، مترجم، فرهنگ نویس و شاعر. در رشت به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. سپس از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات فارسی و فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. پس از آن مدتی ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز و سپس ریاست اداره‌ی دانشسراها را در وزارت فرهنگ داشت. وی اولین کسی بود که در ایران به اخذ درجه‌ی دکترا در ادبیات نایل آمد و رساله‌ی دکترای خود را با عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی» ارائه نمود. او از ۱۳۱۸ ش به تدریس در دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود. وی به جهت شرکت در کنگره‌ها و مجامع علمی و انجام امور تحقیقی و تدریس به کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، شوروی سابق و آلمان سفر کرد. معین همکار دهخدا بود و سرپرستی سازمان «لغت نامه» را بر عهده داشت. دکتر معین سرانجام پس از پنج سال بیماری و بیهوشی در رشت درگذشت و در آستانه‌ی اشرفیه‌ی رشت به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «فرهنگ فارسی»، معروف به «فرهنگ معین»؛ «برگزیده‌ی شعر فارسی»، قرنها چهار و پنج قمری؛ «حافظ شیرین سخن»؛ «ستاره‌ی ناهید یا داستان خرداد و مرداد»، شعر؛ تحلیل «هفت پیکر» نظامی؛ «روانشناسی تربیتی»، ترجمه؛ «ایران از آغاز تا اسلام»، ترجمه؛ «کتیبه‌های پهلوی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه «برهان قاطع»؛ تصحیح و تحشیه «چهار مقاله» احمد عروضی سمرقندی؛ تصحیح «جوامع الحکایات و لوامع الروایات».[۱]

محمد (و. هفدهم رجب ۱۳۳۶ هجری قمری مطابق ۹ اردیبهشت ۱۲۹۷ شمسی. ف. ۱۳ تیرماه ۱۳۵۰ ه.ش) فرزند مرحوم شیخ ابوالقاسم. در شهر رشت در خانواده‌ای روحانی متولد گردید. به هنگام طفولیت او نخست مادر و پس از ۵ روز پدرش در عنفوان شباب درگذشتند. جد پدری وی شیخ محمدتقی معین‌العلما که در سلک علمای روحانی بود به تربیت وی همت گماشت. جد مادری او شیخ محمدسعید نیز از علما و مدرسان علوم قدیمه بود.

محمد معین دوره‌ی ابتدائی را در دبستان اسلامی و دوره‌ی اول متوسطه را در دبیرستان نمره‌ی ۱ (که بعدها بنام دبیرستان شاهپور خوانده شد) طی کرد. در اوان تحصیل در متوسطه صرف و نحو عربی و بخشی از علوم قدیمه را نزد جد خوش و مرحوم سید

مهدی رشت‌آبادی و دیگر استادان وقت آموخت و عشق به مطالعه در نهادش ریشه دوانید. دوره‌ی دوم متوسطه (ادبی) را در دارالفنون تهران به پایان رسانید و به سال ۱۳۱۰ در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی وارد گردید و در سال ۱۳۱۳ از این شعب لیسانسیه شد پس از طی دوره‌ی شش ماهه‌ی دانشکده‌ی افسری احتیاط، شش ماه اول سال ۱۳۱۴ را به خدمت افسری گذرانید و در مهرماه آن سال به دبیری دبیرستان شاهپور اهواز منصوب شد، و پس از سه ماه ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز را یافت و در عین حال عضویت تحقیق اوقاف و ریاست به عهده‌ی وی بود. در همین ایام به وسیله‌ی مکاتبه از آموزشگاه روانشناسی بروکسل (بلژیک) که تحت نظر Elmer Knowles روانشناس اداره می‌شد، روانشناسی عملی و دیگر شعب آن از قبیل خطشناسی، قیافه‌شناسی و مغزشناسی را فراگرفت.

در ۱۳۱۸ به تهران منتقل گردید در حین تصدی معاونت و سپس کفالت اداره‌ی دانشسراها در وزارت فرهنگ، وارد دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی شد. پس از چندی با حفظ سمت به دبیری دانشکده‌ی ادبیات منصوب گردید. پس از به پایان رسانیدن دوره‌ی دکتری، جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی دکتری وی به عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» در روز سه‌شنبه‌ی ۱۷ شهریور ۱۳۲۱ تشکیل و پایان‌نامه‌ی او با قید «بسیار خوب» قبول گردید، و او نخستین دکتر ادبیات فارسی در ایران شناخته شد. از آن پس به سمت دانشیار و سپس به سمت استاد کرسی «تحقیق در متون ادبی» در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس مشغول شد و سه سال نیز در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. از آغاز سال ۱۳۲۵ شمسی که طبع لغت‌نامه‌ی علامه‌ی مرحوم علی‌اکبر دهخدا طبق قانون، در مجلس شورای ملی شروع شد، دکتر معین به همکاری وی برگزیده شد. در دی ماه ۱۳۳۴ با موافقت علامه‌ی مزبور، سازمان لغت‌نامه از منزل شخصی آن مرحوم به مجلس شورای ملی منتقل شد و طبق وصیت‌نامه‌های معظم له دکتر معین به ریاست امور علمی آن سازمان منصوب گردید. در اسفند ۱۳۳۶ سازمان مذکور به دانشکده‌ی ادبیات (دانشگاه تهران) شورای دانشگاه، ریاست سازمان لغت‌نامه به عهده‌ی وی محول گردید. وی این سمت را تا آخرین روزی که دچار سکته گردید به عهده داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۹۷۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۱۱/ ۲)، الذریعه (۲۱۷/ ۱۶ ،۲۳۳/ ۶)، شرح حال رجال (۲۰۳/ ۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۵۲۳ -۵۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۴۲، ۲۶۲۱، ۱۹۳۸، ۱۱۴۶، ۱۰۷۱، ۴۹۶، ۴۸۸، ۴۱۰/ ۱)، کتاب گیلان (۷۲۳ -۷۲۱/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۰ -۸۲۶/ ۵).

معین‌الاسلام، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به دبیر مازندرانی، از شاگردان آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و دیگران بوده، در ۱۲۹۰ متولد، و در شب جمعه ۱۰ شوال ۱۳۸۴ وفات یافته، در جنب لسان‌الارض مدفون گردید.

کتب چندی تألیف فرموده از آن جمله است: ۱ - رساله در سبب ارتحال جدش سید محمد از مازندران به اصفهان، مطبوع ۲ - مفتاح الکنوز، در تعریف علم و عمل، مطبوع.

وی را باید از بنیان‌گزاران فرهنگ جدید در اصفهان دانست، سال‌ها نظامت دبیرستان علیه را داشته، و به همین مناسبت به ناظم مازندرانی شهرت یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معین‌الواعظین، عباس علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به معین الحسینی، فرزند ملا علی محمد گورتانی.

عالم فاضل محدث، و واعظ زاهد ادیب شاعر متخلص به «ذاکر». در اصفهان و نجف نزد فضلای این دو شهر تحصیل نموده. جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱ - تسلیة الفقراء ۲ - دیوان اشعار ۳ - زادالعاصین ۴ - علائم الظهور ۵ - فوائد الصلوات ۶ - مجازاة النسوان ۷ - وقایع الظهور، در دو مجلد، مطبوع ۸ - هدایة الوالدین، جلد دوم علائم الظهور؛ و غیره.

در ۱۲۸۷ متولد، و در شب سوم ربیع الثانی ۱۳۶۰ وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی سید العراقین] مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا سید حسن بن السید الجلیل مرحوم حاج سید طاهر معینی از علماء تبریز و معروف معاصر شهرستان ری میباشد.

وی در سال ۱۳۰۹ (هزار و سیصد و نه) قمری در زاویه مقدسه متولد شده و در بیت شرف و سیادت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در ری خوانده و آنگاه به تهران رفته و سطوح وسطی و نهائی را از آقا شیخ آقا بزرگ ساوه‌ای و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدعلی لواسانی و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفته و در سال ۱۳۴۳ ق مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه موسس حایری و آیت‌اللّٰه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسن فاضل و مرحوم آیت‌اللّٰه خونساری استفاده نموده و با دریافت گواهی علم و تصدیق جامعی در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت بشهر ری نموده و مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج مذهب و تبلیغ احکام پرداخته لکن چند سالی اعتزال و انزواء را اختیار نموده فقط گاهی برای جماعت اگر حالشان مقتضی باشد می‌آیند و اکنون دوران نقاهت و سالخوردگی را می‌پیماید.

نگارنده گوید: جناب آقای معینی که حق استادی و تربیت بر این حقیر دارد بسیار منیع الطبع و بزرگوار و محتاط در امور می‌باشد و ایشان داماد مرحوم حاج آقای موسی کنی حفید مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی علامه کنی می‌باشد و دارای سه دختر فقط هستند که یکی از آنها همسر برادر زاده حقیر است.

مرحوم والدش از امناء و روساء آستانه مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و با مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی نجفی که ذکرش گذشت انتساب و از یک سلسله می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مفتح، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و زبده الفضلاء الاعلام آقای حاج شیخ محمد مفتح همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان و اساتید ممتاز حوزه علمیه قم است در تهران.

وی در همدان متولد شده و پس از دوران تحصیل جدید و خواندن مقدمات و ادبیات در همدان به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندین سال از محضر و دراسات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تقریرات آنان را به رشته تحریر درآورده و معقول و تفسیر را هم از علامه شهیر استاد طباطبائی آموخته و ضمنا به تدریس سطوح عالی فقه و اصول اشتغال داشته و در ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر به تهران و مناطق دیگر برای تبلیغ طبق دعوت قبلی مسافرت و از راه منبر و سخنرانی خدمات شایانی نموده است.

و اکنون در تهران به تدریس در دانشگاه و تبلیغ و تالیف کتب مفیده و اقامه جماعت اشتغال و آثار مطبوعی دارند که مورد استفاده فضلاء و محصلین می‌باشد.

استاد، محقق، فیلسوف، فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، همدان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله دکتر محمد مفتح، فرزند شیخ محمود از مدرسان فارسی و عربی در حوزه‌ی علمیه‌ی همدان، پس از آن که مقدمات علوم عربی و فقه و بخشی از منطق را نزد پدر و اساتید حوزه همدان و در محضر آخوند علی همدانی آموخت در سال ۱۳۲۲ به قم مهاجرت کرد و در حجره‌ای در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید. در آنجا رسائل و مکاسب و کفایه را در طول سال‌های ۱۳۴۲ – ۱۳۲۲ نزد امام خمینی (ره)، آیت‌الله کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی آیت‌الله مجاهد تبریزی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی فراگرفت، عرفان و دروس خارج فقه و اصول را نیز در عالی‌ترین سطح نزد امام خمینی تلمذ نمود. در کنار فراگیری علوم دینی، در دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و در حالی که در سطوح عالیه‌ی فقه و اصول را می گذراند موفق شد در رشته‌ی فسلفه‌ی به اخذ درجه دکتری نایل آید. پایان نامه‌ی وی در مقطع دکتری تحقیقی درباره‌ی نهج‌البلاغه بود. آنگاه شروع به تدریس کتاب منظومه حاج ملا هادی سبزواری پرداخت.

آیت‌الله محمد مفتح با همکاری آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای اقدام به تأسیس کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم نمود که اولین مجمع اسلامی پر تحرک بود. آیت‌الله مفتح در روزهایی که امام خمینی در تبعید بود برای حفظ و اداره‌ی حوزه‌ی عملیه بنیان جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم را نهاد. دکتر مفتح هنگامی که امام خمینی در عراق به سر می‌برد و نیز وقتی که به پاریس رفت، با ایشان در ارتباط بود و مسائل و حوادث ایران را به نحوی به اطلاع ایشان می‌رسانید. یکی از مراکزی که آیت‌الله مفتح در آن فعالیت داشت حسینیه‌ی ارشاد بود. بعد از بسته شدن حسینیه‌ی ارشاد توسط ساواک، امامت مسجد قبا را پذیرفت.

ورود آیت‌الله مفتح به تهران در حقیقت ورود جدی به مبارزه بود و او در این دوره در کنار هم فکرانش از تهدیدات رژیم پهلوی در امان نماند. در سال ۱۳۵۴ دستگیر، زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در بازگشت از تبعید همچنان به مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۵۴ وقتی شنید رژیم اسرائیل حملاتی را علیه مردم لبنان آغاز کرده، کمک‌هایی را از اهالی تهران جمع کرد و خود به لبنان برد.

در سال ۱۳۴۹ ساواک برای مدتی وی را از رفتن به قم منع کرد و قصد داشت با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس، وی را از

حوزه دور کند. او نیز همکاری با استاد مطهری را که در آن موقع در دانشکده الهیات بود پذیرفت.

تأسیس مجمعی تحت عنوان «جلسات علمی اسلام‌شناسی» از جمله فعالیت‌های ایشان بود این مجمع کتاب‌هایی (تألیف و ترجمه سیزده جلد کتاب) را در زمینه‌های گوناگون اسلام‌شناسی با مقدمه‌ی دکتر مفتح به چاپ رسانید. این مجمع پس از مدتی توسط ساواک تعطیل گردید.

وی در اولین ساعات حکومت نظامی روز هفدهم شهریور ۱۳۵۷ دستگیر و زندانی شد، وی با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و به هنگام گشوده شدن درهای زندان با همت مردم از زندان آزاد گردید در نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ سخنرانی پر شوری نمود و بعد از آن مجددا دستگیر و روانه زندان شد. اما دوباره آزاد شد و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمده فعالیت آیت‌الله مفتح حول محور تدریس در حوزه و دانشگاه و ایجاد پیوند بین این دو قشر کشور متمرکز بود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران؛ حضور در جامعه روحانیت تهران؛ عضو ستاد برگزاری استقبال از امام خمینی؛ سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار تهران؛ عضو شورای گسترش آموزش عالی کشور؛ عهده‌دار برگزای نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران.

از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود.

ترجمه بعضی از مجلدات مجمع البیان. (جلد اول و دوم به قلم آیت‌الله مفتح و آیت‌الله حسین نوری و جلد سوم با ترجمه خود وی به فارسی برگردانده شده است)؛ حاشیه بر اسفار ملا صدرا (چاپ نشده است)؛ روش اندیشه؛ شرح منظومه منطق و رساله تاریخ منطق (۱۳۳۶، جلد اول. جلد دوم در فلسفه الهی تدوین نشد)؛ حکمت الهی و نهج‌البلاغه (پایان نامه تحصیلی دوره دکترای آیت‌الله مفتح)؛ آیات اصول اعتقادی قرآن؛ نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم (۱۳۶۱)؛ ویژگی‌های زعامت و رهبری؛ مقالات (سلسله مقالات «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» در مجله «مکتب اسلام» سال چهارم؛ همچنین مقالاتی در «مکتب تشیع» و «معارف جعفری»)؛ مقدمه‌نویسی بر آثار دیگران (کتاب‌هایی نظیر مصاحبه‌ای درباره خرافه و نیرنگ؛ تألیف سید کاظم ارفع؛ زیارت خرافه است یا حقیقت؛ نوشته غلامحسین رحیمی؛ جهان بینی و جهان داری علی (ع)، تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ به سوی اسلام یا آئین کلیسا؛ نوشته حجت‌الاسلام مصطفی زمانی؛ ره‌آوردهای استعمار؛ مهدی طارمی؛ اسلام پیشرو نهضت‌ها؛ نوشته محمد مصطفوی کرمانی و غلامحسین حقانی تهرانی؛ دعا عامل پیشرفت یا رکود؟؛ نوشته محمد مصطفی کرمانی؛ اسلام و حقوق کارگردان بردگان استعمار؛ ترجمه و نگارش سید جعفر شیخ الاسلام)؛ مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع).

آیت‌الله مفتح صبح روز بیست و هفتم آذر ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان به هنگام خروج از اتومبیل جلوی در ورودی دانشکده‌ی الهیات به همراه دو محافظش (پاسداران جواد بهمنی و اصغر نعمتی) به رگبار بسته شد و هر سه به شهادت رسیدند. پیکر ایشان به صحن حضرت معصومه (ع) در قم انتقال یافت و در حجره ۲۳ صحن به خاک سپرده شد. به حرمت تلاش‌های ایشان، روز شهادتش «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نام نهاده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مفتح، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی مفتح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۲۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۲ تحصیلات ابتدایی را در دبستان نیکان تهران آغاز نموده و تمامی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه دبستان راهنمایی و دبیرستان نیکان به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم در رشته ریاضی فیزیک با معدل ۱۹.۵ اخذ کردم.

ورود من به دانشگاه در سال ۱۳۶۴ و در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه تهران می باشد که با توجه به حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل و بروز مشکلاتی همچون تعطیل ترم دانشگاه ها بر اثر موشک باران در آبان ماه سال ۱۳۷۰ مدرک مهندسی برق و الکترونیک را از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ نمودم.

در کنار تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به طی مدارج علمی حوزوی و حضور در دروس حوزه های علمی تهران پرداختم به نحوی که در سال ۱۳۷۰ همزمان با اخذ مدرک دانشگاهی لیسانس، دروس حوزوی را نیز تا مکاسب محرمه و قطع و ظن رسائل به انتها رسانده بودم.

پاره ای از اساتید دروس حوزوی اینجانب تا این مرحله عبارتند از: آیت الله سید علی هاشمی گلپایگانی اصول فقه (مظفر) ؛ پاره ای از کتب شرح لمعه

آیت الله سید حسین مصطفوی عمده کتابهای شرح لمعه

آیت الله سید حسن مصطفوی شرح تجرید

دکتر ابوالقاسم گرجی مکاسب محرمه

آیت الله سید رضی شیرازی قطع و ظن (رسائل) ؛ شرح منظومه سبزواری (حکمت)

پس از حضور در حوزه علمیه قم دروس سطح عالی را تکمیل نمودم که اساتید این دوره تخصصی عبارتند از: استاد علی محمدی: برائت (رسائل)

استاد اعتمادی: استصحاب (رسائل)

آیت الله رضا استادی: بیع (مکاسب)

آیت الله سید علی محقق داماد: خیارات (مکاسب)

آیت الله قدیری: کفایه

با اتمام دروس سطح عالی و بجهت گذراندن دوره خدمت سربازی به تهران بازگشته و با حکم مأموریّت از سپاه پاسداران به عنوان کارشناس کامپیوتر در وزارت صنایع و شرکت شیشه قزوین مشغول گشتم. و نیز مسئولیت گروه معارف صدای جمهوری اسلامی را به مدت قریب دو سال عهده دار بودم. در این دو سال از دروس خارج فقه و اصول تهران استفاده می نمودم که اساتید این دروس عبارتند از:

آیت الله خامنه ای: خارج فقه (جهاد)

آیت الله مجتبی تهرانی: خارج اصول، خارج فقه (ولایت فقیه ومکاسب محرمه)

آیت الله محمدی گیلانی: خارج فقه (صلاه مسافر)

پس از بازگشت به قم در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه شرکت نمودم که اساتید این دوره عبارتند از:

آیت الله فاضل لنکرانی: خارج اصول

آیت الله شبیری زنجانی: خارج فقه (خمس، نکاح)

آیت الله مومن: خارج اصول

آیت الله جوادی آملی: خارج اسفار (فلسفه تخصّصی)

از سال ۱۳۷۵ و پس از شرکت در آزمون مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته علوم قرآن و حدیث به تحصیل در این رشته در دانشکده اصول الدین پرداختم که این دوره تحصیلی با ارائه پایان نامه و کسب نمره نهایی ۱۹ در سال ۱۳۷۸ پایان یافت.

سال ۱۳۸۳ پس از قبولی در کنکور سراسری مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول الدین به تحصیل اشتغال یافتم، که با دفاع از رسالْ دکتری در ۲۲ خردادماه ۱۳۸۷، و با کسب درجه عالی و نمره ۱۹ بابت این رساله، دوره تحصیل دکتری را به پایان رساندم.

در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و اشتغال به مسئولیت های اجرائی و علمی مختلفی همچون تاسیس و راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف طراحی و ادامه تولید سیستم جامع مکانیزه مدیریت حوزه علمیه قم و ... به تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی پرداختم، که در این زمینه تـا کنون دروس بدایه الحکمه؛ اصول فقه (مظفر) ، مکاسب (محرمه، بیع، خیارات) هرکدام یک دوره، کفایه (اوامر، نواهی، اصول عملیه) دو دوره ، و رسائل (قطع و ظن، برائت، استصحاب) سه دوره تدریس شده اند.

و نیز دروس دانشگاهی تحریف قرآن، رابطه قرآن وسنت، تفسیر موضوعی ، اعجاز قرآن ، روش شناسی استنباط از متون دینی ، تفسیر فقهی ، تفسیر عقلی ، تفسیر روائی ، قرائت و درک متون عرفانی ، منطق ، علوم قرآنی۱ ، علوم قرآنی۲ ، علوم قرآنی۳ ، و ... تدریس شده اند.

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۳ -۱۱۷۶ ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخلص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در ۱۱۹۹ ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در ۱۲۴۱ ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌اللّه الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانیه» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا ۱۲۴۱ ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضلای آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره‌ی فتحعلی‌شاه؛ «تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدیقه»، در شرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنهٔ»، در تاریخ سلسله‌ی دنابله؛ «روضهٔ الآداب و جنهٔ الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان»

شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینهٔ التواریخ» با میرزا رضی، متخلص به بنده، مشارکت داشته است.[۱]
(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به «مفتون» (و. ۱۱۷۶ ه.ق- ف. تبریز ۱۲۴۳ ه.ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره‌ی قاجاریه بود. وی در سال ۱۲۷۶ ه.ق در شهر خوی متولد شد، از سن ده سالگی تا ۲۴ سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات گرانبهائی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق‌الجنان، روضهٔ‌الاداب و جنهٔ‌الالباب. حدائق‌الادباء، ماثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۷۰/ ۷)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۱ -۳۹۹/ ۲ ،۶۹۰ -۶۸۹/ ۱)، تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار (مقدمه، ۴۶۴ -۴۵۵، ۱۳۷ -۱۲۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۹۳ -۱۶۹۰/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۷ -۳۵۳)، الذریعه (۳۴۳، ۳۱۷، ۲۸۸، ۵/ ۱۹ ،۹۲ -۹۱/ ۱۲ ،۳۲۳، ۲۸۴/ ۱۱ ،۱۰۸۳/ ۹)، ریحانه (۳۵۶ -۳۵۵/ ۵)، سبک شناسی (۳۳۱ -۳۱۹/ ۳)، سفینهٔ المحمود (۶۷۰ - ۶۶۹/ ۲)، شرح حال رجال (۲۶۴/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۶ -۸۶۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۸۵/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (۱۰۰۸ -۱۰۰۷/ ۶)، مکارم الآثار (۱۲۰۴ -۱۲۰۳/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۷ -۸۴۶/ ۳)، نگارستان دارا (مقدمه/ و- ی، ۲۹۷ -۲۸۲).

مفتی‌زاده، محمد صدیق

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۱۴۰۵ -۱۳۳۴ ق)، نویسنده، شاعر، متخلص به محزون. در قریه‌ی دشه، از قرای اورامان، به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات صرف و نحو به عراق رفت و در مدارس کردستان عراق به تکمیل علوم دینی و ادبیات عرب پرداخت. سپس به سنندج بازگشت و از محضر برادر بزرگترش، ملا محمود مفتی، استفاده نمود و به دریافت اجازه نایل گشت. بعد به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و با سمت دبیری به سنندج بازگشت. وی حدود ۱۳۳۱ ش به تهران منتقل شد و در ضمن خدمت موفق به اخذ لیسانس و دکترای الهیات شد. مفتی‌زاده چند سالی از نویسندگان برنامه‌ی رادیو کردی تهران بود. وی در شاعری توانا بود و شعر را به لهجه‌ی اورامی و سورانی می‌سرود. از آثار وی: تصحیح و شرح «دیوان» ملا عبدالرحیم معدومی مولوی، شاعر معروف کرد.[۱]
استاد، محقق.
تولد: ۱۳۰۰(۱۳۳۴ ق.)، قریه دشه از توابع اورامان.
درگذشت: ۶ آذر ۱۳۶۳، تهران.
محمدصدیق مفتی‌زاده متخلص به «محزون» فرزند ملا- عبدالله دشتی مفتی کردستان، در شش سالگی پدرش و در یازده سالگی مادرش را از دست می‌دهد. وی تحصیلاتش را در قریه‌ی دشه و خانگه و شهر سنندج شروع نمود، و در ۱۳۱۵ شروع به خواندن علوم اسلامی کرد و در محضر مدرسانی از مناطق مختلف عراق و نیز در مهاباد به درس خواندن مشغول شد. استادان وی عبارتند بودند از: برادرش حاج ملا خالد مفتی، ملا سید عارف، ملا صالح تریفه، سید بابا رسول اباعبیده (شهرزور عراق)، ملا باقر بالک، ملا- محمود دره‌تفی، ملا علی حمامیان، ملا شیخ برهان (در مکریان)، ملا عراف بانه‌ای، ملا سید علی (در پنجوین)، ملا مصطفای حاج رسول، ملا عبدالله بیژویی (در سلیمانیه)، ملا عزیز شلی خانه‌ای در کرکوک، ملا صالح دیبه گه‌یی، ملا ابوبکر افندی هه‌ولیر، ملا عبدالکریم افندی (در رواندوز)، ملا صدیق صدیقی، ملا حسین مجدی (در مهاباد) و برادر دیگرش ملا محمود مفتی کردستان در سنندج که سرانجام اجازه‌نامه‌ی خود را نیز از دست او گرفت. چندی بعد در سلیمانیه عراق استادان هیئت علمی و دینی اوقاف پس از امتحان اجازه‌نامه‌اش را مهر تأیید زدند. در تهران نیز شورای عالی وزارت آموزش و پرورش اجازه‌ی افتاء و تدریس را به وی دادند. در سال ۱۳۲۳ در وزارت فرهنگ به عنوان معلم استخدام شد، و در دبیرستان‌های شهرهای مهاباد و سنندج و خرم‌آباد و تهران هر یک مدتی انجام وظیفه کرد. در سال ۱۳۲۷ در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دوره‌ی لیسانس و دکتری را به اتمام رسانید و به دریافت دانشنامه‌ی دکتری نایل شد و در دانشکده‌ی ادبیات نیز مدتی به مطالعه‌ی علوم تربیتی و زبان‌شناسی پرداخت و به موازات آن در دبیرستان های تهران، ادبیات عربی و فارسی را تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۹ در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران استاد زبان کردی شد، در طی این مدت سردبیری روزنامه «کردستان» را نیز به عهده داشت. وی سال‌ها از نویسندگان برنامه رادیو کردی تهران بود. در ۱۳۵۹ که دانشگاه تهران تعطیل گردید، در منزل به تحقیق مشغول گردید و تألیفات خود را کامل نمود. فعالیت‌های او در دورانی که در مقام سردبیری روزنامه فعالیت داشته به این شرح است: استخراج و جمع آوری قریب ۲۵۰ قطعه از اشعار سید عبدالرحیم تاوگوزی (مولوی کردی) از بیاض‌های خطی و دست‌نویس قدیم و تحقیق و تعلیق مختصر در معانی آنها، جمع‌آوری و تصحیح بیشتر اشعار ولی دیوانه، مختصری تحقیق در دیوان ملا پریشان و چاپ بعضی از اشعار او، تصحیح و تحریر دیوان سید صالح کرمانشاهی، تصحیح شیرین و فریاد تألیف ملا ولدخان گوران، تصحیح بعضی از اشعار کنیزک و یازده رزم که قسمتی از شاهنامه تألیف سرهنگ الماس‌خان که نوله‌یی است، سلسله‌ی گفتاری در مورد دستور زبان کردی تحت عنوان چگونه بخوانیم و چگونه بنویسیم، چند گفتار در مورد زندگی اجتماعات مختلف کرد، و ایراد و انتقاد به بعضی از رسوم و عقاید خرافی کردی تحت عنوان: در اجتماع چگونه زندگی کنیم، تألیف و تصحیح دیوان ملا حامد آلیجانی، تصحیح منظومه‌ی جنگ سرد و جدال و مناظره‌ی بین آسمان و زمین سروده‌ی میرزا عبدالقادر پاوه‌ای، جمع‌آوری و تصحیح آثار شعری

بعضـی از شـعرای کرد تحت عنوان از هر گلزار گلی، چند قطعه شـعر ملی و وطنی و عشـقی و چند حکایت کوچک و متفرق که به شیوه‌ی طنز بـه کردی سـروده شـده است، سلسـله‌ی گفتـاری در فلسـفه‌ی آفرینش، تحت عنـوان راه خداشناسـی، تـاریخچه‌ی حکومت‌های کرد، تصحیح و چاپ و انتشار مناجات خانای قبادی به نام هفت‌بند، تمام این آثار و مطالب و نوشته‌های زیر عنوان و امضـای «م. ص. م.» که مختصـر محمدصـدیق مفتی‌زاده است. از کارهای دیگر او تصـحیح و شـرح دیوان ملا عبـدالرحیم معـدومی مولوی (چاپ نشده است) و دستور جامعی برای زبان کردی (چاپ نشده است) است.

محمدصدیق مفتی‌زاده به لهجه‌ی اورامی و سورانی شـعر می‌گفت، اما به سرودن شهر فارسی کمتر علاقه نشان می‌داد، با این حال به فارسی نیز اشعاری سروده بود.

ایشان سرانجام در ششم آذر ۱۳۶۳ به سبب ابتلا به سرطان ریه در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ مشاهیر کرد (۴۷۸ -۴۷۵/ ۲).

مفلق تهرانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، منشی و شاعر، متخلص به مفلق. ملقب به صدرالشعراء و فخر الادباء. اصلش از ری بود و در تهران به دنیا آمد. وی در زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) از منشیان دربار بود و در همین دوره به صدرالشعراء ملقب گشت. او در زمان محمد شاه از جانب وزیر او، حاج میرزا آقاسی، لقب فخرالادبا (و به آورده‌ی «الذریعه» فخرالشـعراء) گرفت. مفلق در قصیده‌سرایی مهارت داشت و علاوه بر آن به اشعار هزل نیز می‌پرداخت. صـاحب «حدیقـهٔ الشـعراء»، به احتمالی وی را با ادیب تهرانی یکی دانسـته و در جایی دیگر آورده که مفلق ظاهرا تا زمان حکومت ناصرالدین‌شاه زنده بوده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۰۱ -۱۶۹۵/ ۳)، الذریعه (۱۰۸۷/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۳۰۰ -۲۹۹/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۶۸)، لغت نامه (ذیل/ مفلق)، مجمع الفصحا (۱۰۰۶ -۹۸۹/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۸ -۱۶۷)، نگارستان دارا (۲۵۳ -۲۵۲).

مفید نیشابوری، ابومحمد، عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۰/ ۴۴۵ ق)، حافظ، محـدث امامی و واعظ. ملقب به مفیـد. اصل وی از نیشابور و ساکن ری بود. وی شـیخ و مرجع علمای امامیه ری و عموی پدر شیخ ابوالفتوح رازی بود. از هناد نسفی و ابن مهتدی و ابن النقور حدیث شنید. او مسافرتهای بسیاری نمود و احادیث بسیار شـنید. او نزد سید مرتضـی و سـید رضـی و شـیخ طوسـی و سلار یا سالار بن عبدالعزیز و ابن البراج و کراجکی تلمذ نمود. شیخ ابوالفتوح رازی و سید مرتضـی و سید مجتبی، فرزنـدان داعی حسینی، و عمر بن ابراهیم زیـدی و احمد بن عبدالوهاب صیرفی و دیگران از وی روایت نمودنـد. از آثـارش: «سـفینهٔ النجاهٔ فی مناقب اهل البیت (ع)» و «العلویات» و «الرضویات»؛ «الامالی»؛ «عیون الاخبار»؛ «مختصرات فی الزواجر و المواعظ»، که ابوالفتوح رازی از وی نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۶۴/ ۷)، الذریعه (۳۷۵، ۳۲۸ -۳۲۷/ ۱۵، ۱۹۹/ ۱۲، ۲۴۰/ ۱۱، ۳۱۱/ ۲)، ریحانه (۳۶۱ -۳۶۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (۱۰۴/ ۵)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۲۰۰ -۱۹۹/ ۳)، لسان المیزان (۲۴۶ -۲۴۵/ ۴)، لغت نامه (ذیل/ مفید)، معجم المؤلفین (۱۱۷/ ۵)، هدیهٔ الاحباب (۲۴۵ -۲۴۴)، هدیهٔ العارفین (۵۱۸/ ۱).

مفیدی فر، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق مفیدی فر

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه یزد شـدم و تا سال ۱۳۵۸ مشـغول تحصیل بودم که شامل مقدمات و ادبیات و فقه و اصول در مقطع سطح بود.مشوق اصلی من مرحوم والد بود که هم روحانی و هم معلوم دلسوز بود. ایشان با همت والا وقت جهت تدریس به طلاب

می‌گذاشت و در فصل تابستان که حوزه تعطیل بود در شدت گرما به برخی از طلاب درس خصوصی می‌داد که من هم یکی از آنان بودم و امر تحصیل شتاب بیشتری می‌گرفت.مهر ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فضای بیشتری از علم و معرفت گشوده شد و ادامه دروس رسائل و شروع مکاسب و کفایه بود و تا سال ۱۳۵۹ سطح تمام شد. از سال ۱۳۶۰ وارد دروس خارج شدم و یک سال اول نزد استاد آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی تلمذ کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا پایان نزد دو استاد فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم تبریزی(ره) فقها و اصول حاضر می‌شدم که در مقاطع مختلف اتفاق می‌افتاد.فلسفه را ابتدا از شرح تجرید و منظومه شروع کردم که شرح تجرید را در یزد خواندم و منظومه را نزد استاد انصاری شیرازی، اسفار نزد علمین آیات حسن‌زاده آملی و جوادی آملی فراگرفتم. دروس شیعه‌شناسی را روزهای پنج‌شنبه حاضر می‌شدم.از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۸۰ به یک مرکز تحقیقاتی به نام واحد تاریخ و سیره اهل بیت وابسته به مرکز تحقیقات دفتر راهنمایی شدم، این کار ادامه فیش‌برداری‌های جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که کار قرآنی آن را گروه دیگری عهده‌دار شدند و به ثمر رسید. و حاصل این کار که هم‌چنان ادامه دارد در زمان حضور بنده یک نرم‌افزار نیمه‌کاره بوده که مسئولین وقت چندان دل نسوزاندند.در طول تحقیق در کسوت معاونت هم انجام وظیفه می‌کردم و حدود ده ماه هم سرپرست آن مجموعه شدم و در نهایت سال‌های ۸۱ و ۸۰ تصمیم به بیرون آمدن گرفتم که همزمان به دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دعوت شدم و تاکنون مشغول به خدمت‌گزاری هستم.

در کنار درس خواندن تدریس هم داشتم و دارم و بسیاری از کتاب‌های ادبیات و سطح را تدریس کرده‌ام.در حوزه یزد و بعد از آن در قم مقدسه این روند ادامه داشت و حتی در ماه‌های مبارک رمضان که به انار کرمان می‌رفتم در حوزه آنجا برای طلاب تدریس داشتم.فصل تابستان در منطقه ییلاقی طرزجان یزد که حوزه علمیه خوبی دارد و سابقه هفتاد ساله دارد. از سال ۱۳۶۶ تابستانها به آن دیار می‌رفتم و در حد توان به طلاب از جهت درس و تدریس خدمتگذاری می‌کردم. کتاب‌های مختصر و معالم و لمعه و رسائل و مکاسب دروس سیدصدر و اصول فقه و رجال از جمله کتبی است که در مقاطع مختلف برای طلاب خوانده‌ام.در حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات به دلیل آشنایی با تاریخ ارشاد شیخ مفید را گفتم و در همین راستا جذب دانشگاه شدم و یک ترم در دانشگاه کرج تاریخ گفتم اما به دلیل نامساعد بودن فضای دانشگاه انصراف دادم و به عنوان تدریس نرفتم.مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه باقرالعلوم(ع) دو فضای آموزشی است که برای دانشجویان آن تاریخ در عناوین مختلف گفته‌ام.

۱. یک مقاله مطبوع دارم که در کنفرانس وحدت به چاپ رسید.

۲. طلوع و غروب نور کار گروهی غیرمطبوع.

۳. راویان مشرک که همان مقاله اول است و به صورت کتاب توسط گروه درآمد.

۴. مقالات متفرقه که مثل جایگاه نور در روزنامه پرتو به چاپ رسید.

مفیدی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ یحیی مفیدی قزوینی از اکابر دانشمندان و افاضل علماء طراز اول قزوین می‌باشد وی در قزوین متولد شده و مقدمات و سطوح فقه و اصول را از علماء بزرگ آنجا فراگرفته و بعد به قم عزیمت و چند سالی از مرحوم آیت‌اللَّه حایری استفاده سپس به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحومین علمین نائینی و عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و پس از آن مراجعت به قزوین و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف دینی و روحی پرداخته تا در حدود سال ۱۳۸۴ ق وفات نموده است

نگارنده گوید: غیر از مذکورین عده دیگری از دانشمندان و فضلاء حوزه علمیه قم و نجف مانند حجهٔالاسلام حاج سید مهدی علوی و حجهٔالاسلام حاج سید محمدمهدی تقوی و حجهٔالاسلام حاج سد علی‌اصغر علوی و امثالهم در قزوین و حومه آن به خدمات دینی اشتغال دارند ادام اللَّه توفیقاتهم و زاد اللَّه فی برکات وجوههم و آثارهم

و در حال حاضر از قزوین و حومه آن بیش از دویست نفر در حوزه علمیه قم به تحصیل و بعضی هم به تدریس سطوح و متون فقه و اصول و غیره اشتغال دارند که عده‌ای از آنان مانند آقای اویسی و آقای موسوی و آقای شهیدی و... مشار بالبنان و معروف همگان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مقتدایی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی مقتدایی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله مرتضی مقتدایی در سیزدهم رجب ـ روز ولادیت امام علی(ع) ـ سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در محله مسجدحکیم اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیهٔالله حاج میرزا محمود مقتدایی از بزرگان و دانشمندان مشهور اصفهان بود که از مرحوم آقاسید محمد نجف آبادی اجازه اجتهاد داشت و مدت کوتاهی از محضر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری ـ مؤسس حوزه علمیه قم ـ بهره برده بود و با امام(ره) و مرحوم آیهٔالله محقق داماد و مرحوم آیهٔالله سید احمد زنجانی جلسات مشترکی برپا نموده بود. جدش مرحوم ملامحمد باقر از زاهدان و عالمان عصر خود بود که در امامزاده اسحاق ـ برادر امام رضا(ع) ـ در پنج کیلومتری اصفهان مدفون است. هنگامی که برای تعمیر حرم امامزاده، قبر او خراب شد، جنازهٔ او در حالی که کاملاً سالم و تازه بود، نمایان شد! مادر آیهٔالله مقتدایی نیز زنی پاکدامن و مؤمن و صبیّه مرحوم آیهٔالله العظمی حاج میرزا جمال الدین کلباسی بود. خانوادهٔ آیهٔالله مقتدایی، زندگی ساده و بی آلایشی داشتند و از ویژگیهای پدرش این بود که هیچ گاه از وجوهات شرعی برای امرار معاش استفاده نمی‌کرد، با اینکه هر ماه مبالغ بسیاری از وجوهات را از مردم دریافت می‌کرد. کودکی آیهٔالله مقتدایی، با استبداد رضاخان و مسأله کشف حجاب و ممنوعیت پوشیدن لباس روحانی، همزمان بود. البته پدر او جزو کسانی بود که در امتحانات رسمی آن دوره، شرکت کرده بود و اجازه تدریس و بر سر نهادن عمامه داشت؛ اما به دلیل ممنوع بودن حجاب برای زنان، با خانوادهٔ خود به روستای «خوراسگان محله پزوه» رفت تا ضمن آزادی بیشتر، به رتق و فتق امور مردم نیز بپردازد. آیهٔالله مقتدایی در همان جا تحصیلات ابتدایی را آغاز کرد و پس از به پایان رساندن دوره ابتدایی، نزد پدر، شرح نصاب، جامع المقدمات، سیوطی، منطق کبری و بخشی از شرح نظام را خواند. در سال ۱۳۳۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شد و ادامهٔ دروس مقدمات و دوره سطح را نزد بزرگان آن دیار فرا گرفت. دو سال هم در درس خارج شرکت کرد و در سال ۱۳۳۸ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. سبب عزیمت او به قم این بود که در تابستان، چند تن از طلاب فاضل حوزه علمیه قم به اصفهان آمده بودند و در حجرهٔ آیهٔالله مقتدایی در مدرسه صدر سکونت داشتند. آنها پس از آگاهی از وضعیت درس و بحث طلبه جوان، او را به حضور در قم تشویق کردند و ویژگیهای درس امام(ره) را برای او برشمردند و بیان داشتند که دوره دوم خارج اصول و خارج مکاسب امام(ره) به تازگی آغاز شده است. این مژده، شور و شوق او را برای حضور در قم دو چندان ساخت. در قم نیز در درس خارج امام(ره) و دیگر بزرگان شرکت نمود و در این میان، از تحصیل علوم عقلی نیز باز نماند. در سال ۱۳۴۰ نیز به کلاسهایی که شهید دکتر بهشتی برای آشنایی فضلای قم با علوم جدید، ازجمله فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی بود، راه یافت. این کلاسها در شبهای پنج شنبه و جمعه و عصرهای جمعه برگزار می‌شد. آیهٔالله مقتدایی در طی این سالها از شرکت در دروس اخلاق و تهذیب نفس غافل نمی‌ماند و همواره پندهای عالمان و استادان خود را به گوش جان می‌سپرد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی در سالیان علم آموزی، با استادان بسیاری انس داشت. او که بخشی از مقدمات را نزد پدر خود آموخته بود، باقیماندهٔ آن و بخشی از دروس سطح را نزد مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و نیز مرحوم آقای فیاض و شهید شمس آبادی فرا گرفت. او منظومه را نزد مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی و تفسیر، نهج البلاغه و اخلاق را نزد مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و خلاصهٔ الحساب و تشریح الافلاک را نزد مجدالعلما فرزند مرحوم حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی فرا گرفت. همچنین مکاسب را نزد مرحوم آیهٔالله خادمی آموخت و دو سال نیز در درس خارج آن مرحوم شرکت نمود. با ورود به حوزه علمیه قم، به درس خارج امام خمینی(ره) شرفیاب شد و همزمان در درس آیهٔاللهالعظمی بروجردی نیز شرکت می‌کرد. همچنین از درسهای خارج مرحوم محقق داماد و مرحوم گلپایگانی و مرحوم اراکی نیز بهره می‌برد. در بخش فلسفه نیز به درس اسفار مرحوم علامه طباطبایی می‌رفت. آیهٔالله مقتدایی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلا دوست بود و به مباحثه علمی در زمینه‌های گوناگون می‌پرداخت که از جمله آن در اصفهان می‌توان آقایان حسن امامی، شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی، عبودیت، کمال فقیه ایمانی و در قم آقایان فاضل هرندی، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، مصلحی و الهی قمی را نام برد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی، تاکنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه اصفهان، به تدریس دروس آموخته، می‌پرداخت و کتب دورهٔ سطح و نیز سطوح عالی را بارها تدریس نموده است وی چند سال به تدریس خارج فقه در مدرسه مروی تهران و پس از آن در حوزه علمیه قم اشتغال داشته که این تدریس تاکنون ادامه دارد و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند که وجودشان، تداوم بخش راه اجتهاد در حوزه‌های علمی و عملی خواهد بود. همچنین وی تقریرات درسهای آیات عظام بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و گلپایگانی را نگاشته است که تاکنون به چاپ نرسیده است. آیهٔالله مقتدایی، پس از فوت پدر، هنگامی که با اصرار و استقبال اهالی «خوراسگان» مبنی بر حضور دائم در آن مکان مواجه شد، با صلاحدید امام(ره) در ایام تعطیلی به آنجا می‌رفت و به حل مشکلات دینی و دنیوی مردم می‌پرداخت. تأسیس صندوق قرض‌الحسنه حجهٔابن الحسن العسکری(عج) با همت برخی دیگر، تأسیس مدرسه علمیه امام صادق(ع) و حوزه علمیه خواهران و ایجاد انجمن حمایت از ایتام از جمله خدمات وی در آنجا بود. آیهٔالله مقتدایی در سنگرهای سیاسی گوناگونی در سالهای پیش از انقلاب و نیز پس از آن شرکت فعال داشته است. او آشنایی و انسش با امام در زمان تحصیل آغاز شد، هر صبح و عصر در درس آن مرد بزرگ حاضر می‌شد و نماز مغرب و عشاء را به امامت او می‌خواند. عشق و علاقهٔ زائدالوصف او به امام(ره) و راه او باعث شد همواره اطاعت از او را بر خود واجب بشمارد و هیچ گاه از مسیر او که همانا مسیر واقعی اسلام است منحرف نشود. آیهٔالله مقتدایی در موقعیتهای گوناگون به نشر اعلامیه‌ها و رسالهٔ عملیه امام(ره) و قدردانی و تجلیل از او در سخنرانیها می‌پرداخت و در داستان رفراندوم شاه که علما، از جمله امام(ره) آن را تحریم نمودند، پیام امام(ره) را به علمای اصفهان، از جمله آیهٔالله خادمی اصفهانی و آقای ارباب رسانید که در پی آن، بازار اصفهان تعطیل شد. از دیگر فعالیتهای مهم وی در پیش از انقلاب اسلامی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شرکت در جلسات آن بود که حضور وی در آن زمان در این عرصه، شجاعت و اعتقاد راستینی را گواه است. امضای وی در زیر

بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز، به چشم می‌خورد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، حضور آیهٔالله مقتدایی در صحنه‌های سیاسی، کم رنگ نشد و وی با صلابت و شجاعت در عرصه‌های گوناگون، بویژه در قوه محترم قضائیه، به فعالیت پرداخت. در اسفند همان سال، یعنی کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب، با ابلاغ قضایی که برخی از اعضای جامعه مدرسین آن را صادر کرده بودند، معظم له بر قضاوت در دادگاههای انقلاب منصوب شد. در فروردین ۱۳۵۸ امام(ره) او را برای امر قضا به خرمشهر، آبادان و نیز ملایر و زنجان اعزام کرد. او همچنین در دادگاههای تهران و قم، به طور موقت، مشغول به کار شد. در کنار تمام این مسئولیتها، ایشان به تدریس دروس سطح و خارج نیز می‌پرداختند بگونه‌ای که اشتغال در مسئولیتهای اجرائی هیچگاه وی را از تدریس باز نداشته است.

مقتدری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۸ فروردین ۱۲۹۱، شیراز.

درگذشت: بهار ۱۳۵۶.

محمدتقی مقتدری، فرزند فضل‌الله، تحصیلات خود را در دانشگاه تهران در رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی و دانشگاه دهلی در رشته‌ی علوم بین‌المللی به پایان رسانید و به دریافت درجه‌ی دکتری نایل آمد.

وی مدت‌ها بازرس کلاس‌های آموزش سالمندان وزارت فرهنگ بود. مدتی رییس دفتر حسابداری وزارت کشور و سپس رییس دفتر معاون وزارت کشور بود. سپس به معاونت اداره‌ی دفتر وزارتی وزارت کشور رسید. پس از آن مدتی منشی مخصوص وزراتی بود. از سمت‌های دیگر او عبارتند از: بازرس ویژه‌ی وزارت پیشه و هنر، مدیر روزنامه‌ی «آیین»، مشاور اتاق بازرگانی تهران، وکیل دعاوی و مشاور حقوقی و وکیل مدافع وزارت فرهنگ و بانک صنعتی ایران، مشاور املاک اداره‌ی اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، مستشار سفارت ایران در کابل، متشار سفارت ایران در کراچی، همچنین کاردار فرهنگی در سفارت‌های ایران در هندوستان و پاکستان و کویت.

از آثار اوست: ضرب‌المثل‌های فارسی در افغانستان، فرهنگ مقتدری، سخنان شاهانه، زندگی و آثار و عقاید تاگور، نیایش «گیتانجلی» (اثر رابیندرانات تاگور، ترجمه به فارسی، ۱۳۴۲)؛ بازگشت به میهن، تصوف و روش سخت کوشی (نوشته‌ی اقبال لاهوری، کابل، ۱۳۳۳)؛ اتحاد اسلامی از نظر علامه اقبال، اقبال شاعر و متفکر اسلام، فیتز جرالد یا خیام انگلیسی، تحقیق درباره‌ی طلاق از نظر حقوق تطبیقی، دو بیتی‌های فارسی در افغانستان، اوضاع ایران قبل از مشروطیت، قانون اساسی ایران و تحولات آن، دودمان راگو (ترجمه راگوانش اثر کالیداس نویسنده‌ی هندی)؛ شرح حال و زندگی بچه سقایی که به پادشاهی افغانستان رسید، اقتصاد ملی و رهبری دولت، تحقیق درباره‌ی احوال و آثار حکیم عمر خیام، تحقیق درباره‌ی مخلص کاشی و تصحیح دیوان او، در جستجوی برادر (سر ه. د. هاکارد، ترجمه، ۱۳۳۴)، فلسفه اقبال، تاریخ دانشکده‌ی علوم سیاسی و حقوق، رساله در شرح مسافرت و پناهندگی همایون‌شاه امپراتور هند به ایران، رساله در اختلاف استعمال لغات فارسی در ایران و افغانستان، رساله در آثار و معرفی کالیداس هندی.

فرزند فضل‌الله مقتدری، در ۱۲۹۱ در شیراز متولد شد و پس از اخذ دیپلم متوسطه، وارد دانشکده حقوق تهران گردید و لیسانس گرفت و از دانشگاه دهلی درجه‌ی دکترای حقوق بین‌المللی دریافت کرد.

مقتدری کار اداری خود را از ۱۳۰۸ در وزارت کشور آغاز کرد و چندی هم در وزارت پیشه و هنر اشتغال داشت. در ۱۳۲۸ موقتا به وزارت امور خارجه انتقال یافت و با سمت رایزن فرهنگی به کابل رفت و بعد به وزارت امور خارجه منتقل گردید و در زمره کارمندان سیاسی قرار گرفت. از دیگر مشاغل وی، دبیر اول سفارت ایران در دهلی نو و رایزنی سفارت ایران در کابل بود. بعد وزیر مختار در کراچی و وزیر مختار در کویت شد.

دکتر مقتدری دارای تألیفاتی در زمینه‌های مختلف ادبی و تاریخی و حقوقی می‌باشد. وی در سال ۱۳۶۵ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مقدادی، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشسرای عالی تهران با احراز رتبه اول، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال ۱۳۴۵، ارائه دانشنامه تخصصی در سال ۱۳۴۶ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

استادیاری دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸، استاد مرکز دانشگاهی واشنگتن در سال ۱۳۵۸ به مدت یکسال، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات انگلیسی، شعر، نمایشنامه، نقد داستان و راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

در زمینه رمان، نقد ادبی و تاریخ ادبیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نقد داستان، شعر، نمایشنامه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۶ ق)، فقیه حنبلی، اصولی، واعظ و مفسر. در عراق به مقدسی معروف بود. اصلش از شیراز است. در حران به دنیا آمد. وی به بغداد رفت و ملازم ابویعلی بن فراء قاضی شد و از او فقه آموخت و خود به تدریس و وعظ پرداخت. آنگاه به شام رفت و در بیت‌المقدس سکنی گزید و در همان جا به ترویج مذهب امام احمد حنبل پرداخت و تصانیفی در فقه و اصول نگاشت. از ابوالحسن بن سمسار و شیخ‌الاسلام ابوعثمان صابونی و عبدالرزاق بن فضل کلاعی و جماعتی دیگر در دمشق حدیث شنید. او شیخ شام و شیخ‌الاسلام زمان خویش بود. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ی باب الصغیر دفن شد و قبرش مزاری مشهور گردید. از آثارش: «الجواهر»، در تفسیر قرآن؛ «المبهج» و «الایضاح»، در فروع فقه حنفی؛ «التبصرة»، در اصول دین؛ «مختصر فی الحدود»؛ «مختصر فی اصول الفقه»؛ «مسائل الامتحان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۲۵، ۲۸۷/ ۲، ۱۵۵/ ۱)، تذکرة الحفاظ (۱۱۹۹/ ۳)، ذیل طبقات الحنابله ابن رجب (۷۳ -۶۸/ ۳)، سیر النبلاء (۵۳ -۵۱/ ۱۹)، شذرات الذهب (۳۷۸/ ۳)، طبقات الفقهاء الحنابلة (۳۳۴ -۳۳/ ۲)، طبقات المفسرین داودی (۳۶۲ -۳۶۰/ ۱)، العبر (۳۵۲/ ۲)، الکامل (۱۶۹/ ۸)، معجم المؤلفین (۲۱۲/ ۶)، هدیة العارفین (۶۳۴/ ۱).

مقدسیان، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۴.

درگذشت: ۱۳۶۵.

از آثار اوست: قوانین بین‌المللی بستکبال (ترجمه با همکاری فرخ نصرتی، تولد ۱۳۶۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مقدم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۵ -۱۲۸۷ ش)، زبان‌شناس، استاد دانشگاه، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. ولی تحصیلات را ناتمام گذاشت و به ایران بازگشت. مجددا در ۱۳۱۰ ش راهی آمریکا شد و در ۱۳۱۷ ش دکترای خود را در رشته‌ی زبان‌شناسی از دانشگاه پرینستون دریافت کرد. وی از ۱۳۱۸ ش در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در ۱۳۴۳ ش گروه زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا ۱۳۴۷ ش مدیریت آن را به عهده داشت. وی همزمان با تدریس در دانشگاه با همکاری چند تن از دانشمندان نشریه‌ی «ایران کوده» را منتشر کرد. از مهم‌ترین کوششهای او، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های

مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود که این تلاش را از جزوه‌ی کوچک «راهنمای فارسی باستان» آغاز و طی چند دهه ادامه داد. درباره‌ی گویش شناسی، که این واژه را نخستین بار دکتر مقدم و همکارانش به کار بردند، اولین بار بود که به زبان فارسی بررسیهایی بر پایه علمی صورت می‌گرفت و چند گویش ایرانی با هم سنجیده و نتیجه‌گیری علمی از آنها می‌شد. وی معتقد بود که ریشه‌ی نامش از زبانهای ایرانی است و باید به صورت مغدم نوشته شود. وی در زمینه‌ی تاریخ و دین و آیین مهر مطالعات و پژوهشهایی داشت. وی سرانجام بر اثر سانحه‌ی تصادف اتومبیل درگذشت. از دیگر آثارش: در زمینه‌ی زبان و زبان‌شناسی: «چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان»، با شرح لغات، «داستان جم»، متن اوستا با شرح لغات و ترجمه، «راهنمای ریشه‌ی فعلهای ایرانی»، «یک سند تاریخی از گویش آذری تبریز»، «گویشهای وفس و آشتیان و تفرش»؛ در زمینه‌ی خط: «الفبای روسی»؛ در زمینه‌ی دین: «سرود بنیاد دین زرتشت»، «جستار درباره‌ی مهر و ناهید»؛ در زمینه‌ی تاریخ: «چهارشنبه سوری»، «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی»، ترجمه، «تاریخ دریانوردی عرب در دریای هند»، ترجمه؛ در زمینه‌ی شعر و ادب: «بازگشت به الموت»، «بانگ خروس»، «راز نیمه شب».[۱]

مدرس، ایرانشناس.

تولد: ۱۲۷۸، تهران.

درگذشت: ۹ مهر ۱۳۵۷.

محمد مقدم پس از پایان رساندن دوره‌ی دبیرستانی برای تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفت. در سال ۱۳۱۷ از دانشگاه پرینستون در رشته‌ی زبان‌شناسی دکترای خویش را دریافت کرد. از سال ۱۳۱۸ در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در سال ۱۳۳۹ سفر دیگری به آمریکا کرد. دانشگاه یوتا وی را دعوت کرده بود تا کرسی تمدن ایران باستان را در عهده گیرد. یادگار این سفر ترجمه‌ی کتاب پرفسور اومستد تحت عنوان تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (۱۳۴۰) است. در سال ۱۳۴۳ گروه زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا سال ۱۳۴۷ مدیریت آن را بر عهده داشت.

وی همزمان با تدریس در دانشکده‌ی ادبیات با همکاری ذبیح بهروز، دکتر صادق کیادست به انتشار نشریه‌ای به نام «ایران کوده» زد که مقاله‌های بسیاری در آن درج کرده است. علاوه بر این نشریه، مقاله‌هایی در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات» و مجله‌ی «اندیشه و هنر» از وی به چاپ رسیده است. وی همچنین مقاله‌هایی در باب شناسایی انواع خطوط و تاریخچه‌ی خط و خوشنویسی در مجله‌ی «فروهر» و «سالنامه‌ی کشور ایران» نوشته است.

از جمله فعالیت‌های دکتر محمد مقدم، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود. وی این کوشش را از جزوه «راهنمای فارسی باستان» آغاز کرد. از آثار اوست: بازگشت به الموت (تهران، ۱۳۱۴)؛ بانگ خروس (تهران، ۱۳۱۳)؛ برای آینده‌ی زبان فارسی (۱۳۵۵)؛ جستار درباره‌ی مهر و ناهید (۱۳۵۶)؛ چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان (تهران، ۱۳۶۳)؛ در یادنامه‌ی جمشید (م. اونوالا، بمبئی ۱۳۶۴)؛ دریانوردی عرب در دریای هند (جوزف حورانی، تهران، ۱۳۳۸)؛ راز نیمه شب (تهران، ۱۳۱۳)؛ راهنمای ریشه فعل‌های ایرانی (تهران، ۱۳۱۳)؛ رستم و سهراب از شاهنامه (تهران، ۱۳۱۳)؛ فهرست توصیفی مجموعه گرت (انگلیسی، پرینستون، ۱۹۳۹ م.)؛ و رساله‌ی «سرود بنیاد دین زردشت» و دو اثر انگلیسی Organic alphabet

(تهران، ۱۹۴۵ م.)؛ APersian - APrsina - Arabic Phonetic

h g (Equation)

دکتر محمد مقدم بر اثر سانحه‌ی تصادف جان خود را از دست داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۲، ۳۴۴۰، ۳۳۴۵، ۳۳۴۴، ۲۷۸۸، ۱۹۸۰، ۱۸۰۵، ۱۷۲۹، ۱۶۴۸، ۱۶۱۸/ ۲ ، ۱۴۰۶ ، ۱۱۱۹، ۷۱۷، ۴۵۰، ۴۳۷، ۴۱۷ -۴۱۵، ۷۶/ ۱)، کلک (س ۷، ش ۷۹ -۷۶، ص ۸۱۷ -۸۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۵ -۸۳۲/ ۵).

مقربی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی مقربی در سال ۱۲۹۳ در تهران به دنیا آمد. او دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به پایان برد و از سال ۱۳۲۳ تا بهمن ۱۳۳۸ در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت . همکاری با دکتر غلامحسین مصاحب برای تالیف وتدوین دائر المعارف فارسی (سه جلدی) از جمله فعالیت های دیگر دکتر مقربی به شمار می آید . وی در دانشکده افسری ، دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران کار تدریس را ادامه داد . تالیفاتی که از استاد مقربی به یادگار مانده است شامل کتب و مقالات چاپ شده درمطبوعات کشورمی باشد . دکتر مصطفی مقربی سرانجام در ۱۸ مهر سال ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی مقربی دوره دبستانی را در دبستان اتحادیه و دوره دبیرستانی را در دبیرستان دارالفنون در

سال ۱۳۱۲ ش به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۵ ش از دانشسرای عالی، لیسانس زبان و ادب فارسی گرفت. و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴ ش دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را به پایان برد.

زمان و علت فوت : مصطفی مقربی در روز شنبه ۱۹ جمادی ثانی ۱۴۱۹ ق مطابق به ۱۸ مهر ۱۳۷۷ ش در سن۸۶ سالگی در گذشت و پیکرش صبح روز یکشنبه تشیع ودر بهشت زهرا–قطعه هنرمندان و فرهیختگان – به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی مقربی با سازمان کتاب های درسی و در موسسه فرانکلین با دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر زهرا کیا (خانلری) و دکتر فتح الله مجتبائی همکاری داشت. وی در تالیف و تدوین دایره المعارف فارسی با دکتر غلامحسین مصاحب همکاری داشت .

فعالیتهای آموزشی : مصطفی مقربی به مدت یکسال در دبیرستان شاهپور کرمانشاه به تدریس ادبیات پرداخت. مدتی هم دردبیرستان نظام شیراز به تدریس اشتغال داشت. از سال ۱۳۲۳ تا بهمن ۱۳۳۸ ش در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت. استادهمچنین در دانشکده افسری و دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نیزتدریس نموده و در سال ۱۳۴۸ ش رسما بازنشسته شد. البته کار تدریس وی در مراکز مزبور تا سال ۱۳۵۸ ش ادامه داشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از مصطفی مقربی مقالاتی زیادی در مطبوعات کشور به جای مانده که می توان به مقالاتی که در زمینه های : دستور زبان فارسی، زبانشناسی، حافظ پژوهی و نقد کتاب در ماهنامه های: سخن، راهنمای کتاب (که مدتی سر دبیر آن بود)، یغما، آینده وزبان شناسی، اشاره کرد. حدودیک هزار و پانصد مدخل در علوم ادبی، زبان فارسی، رجال وکتاب و ترجمه هایی از مقالات خارجی برای دایره المعارف مذکور تهیه کرد. ---------------------------------------
----

آثار :

۱ ترجمه تاریخ جهان برای خردسالان

۲ ترجمه سقوط قسطنطنیه

۳ ترجمه سه مقاله درباره ویس و رامین

۴ ترکیب در زبان فارسی

۵ تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر : تصحیح این کتاب با همکاری استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی صورت گرفته است.

۶ عقاید تربیتی فردوسی به موجب شاهنامه

۷ فرهنگ اصطلاحات جغرافیا

ویژگی اثر : این کتاب با همکاری دکتر مصاحب ، استاد آرام ، وصفی اصفیا و دکتر گل گلاب در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسید.

۸ فرهنگی نامه فارسی

ویژگی اثر : تالیف جلدهیجدهم این کتاب مخصوص زبان و فرهنگ فارسی با همکاری احمد آرام ، رضا اقصی ، محمود بهزاد و نجف دریا بندری صورت گرفته است.

۹ مقایسه عقاید فلسفی رواقی با آراء فلسفه اپیکوری

۱۰ هژده گفتار

منابع زندگینامه :

آینه پژوهش ، سال نهم ، شمار ه پنجم ، شماره پیاپی ۵۳ ، آذر و دی ۱۳۷۷

مقیم اصفهانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌درویش محمد حامدی خزاعی اصفهانی غروی.

عالم فاضل، مؤلف کتاب «مشکوهٔ البهیهٔ فی الفرائد القرآنیهٔ». نام او در اجازه‌ی کبیر سید عبدالله شوشتری برده شده، و او وی را ستوده است.

درویش محمد، عالم و فاضل و صالح، و از شاگردان شهید ثانی و محقق کرکی بوده، و در ۹۳۹ از استاد خود [محقق کرکی] اجازه گرفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مقیمی، غلامحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن مقیمی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۹

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسن مقیمی دوره ابتدایی را در یک از روستاهای شهرستان بهشهر بنام زبدوان اتمام سپس مقطع راهنمایی را در شهرستان بهشتر به پایان رسانده و دبیرستان را در رشته برق از سال ۵۸ شهرستان بابل خوانده ام. سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در سال ۷۵ به اتمام رساندم. از سال ۶۸ همزمان با دروس حوزوی دروس دانشگاهی را شروع نموده ام که از سال ۷۸ مقطع ارشد در رشته علوم سیاسی اتمام رساندم. در سال ۷۱ کار پژوهش و تالیف را شروع نمودم. اولین مقاله را در سال ۷۱ تحت عنوان ضرورت مباحث و مطالعات سیاسی در حوزه های علمیه را نگاشتم. تا کنون بیش از ۱۵ مقاله را منتشر نموده ام که ضمیمه می باشد. آخرین تالیف بنده اندیشه سیاسی ابوریحان بیرونی است که به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه سیاسی به بنده شده بزودی منتشر خواهد شد. همچنین آخرین مقاله بنده بنام رمزگشایی از یک مفهوم پر ابهام است که در شماره جدید فصلنامه علوم سیاسی چاپ خواهد شد.

کتاب نقش مردم در حکومت دینی در سال ۸۰ به عنوان رشد برگزیده فرهنگی سال شناخته شد و از جناب رئیس جمهور محترم لوح تقدیر دریافت نمودم. هم اکنون مدرس مدرسه عالی امام خمینی و عضو هیات تحریریه فصلنامه علوم سیاسی و نیز عضو هیات تحریریه فصلنامه طلوع می باشم.آخرین اثر در دست تالیف از بنده اندیشه سیاسی امام خمینی است.

مکرم حبیب‌آبادی اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۴ -۱۳۰۴ ق)، شاعر و روزنامه‌نگار. در حبیب‌آباد از دهات برخوار اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در موطن خود، نزد درویش علی‌اکبر، و در اصفهان در مدرسه‌ی امامزاده اسماعیل و مدرسه‌ی کاسه‌گران به پایان رسانید. وی طبع شعر روانی داشت و بر ضد خرافات اشعاری می‌سرود. او در ۱۳۲۶ ق، زمانی که اقبال‌الدوله حاکم اصفهان بود، کتاب «فتح المجاهدین» را به بحر متقارب به رشته‌ی نظم کشید و منتشر نمود. مکرم در ۱۳۳۹ ق روزنامه‌ی «صدای اصفهان» و در ۱۳۴۰ ق مجله‌ی «سپاهان» را در اصفهان منتشر نمود. او مدتی به شغل وکالت روزگار می‌گذراند و در اواخر عمر در کتابخانه‌ی شهرداری اصفهان خدمت نمود. وی در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش «دیوان» شعری می‌باشد مشتمل بر سه قسمت: ۱- غزلیات ۲- مبارزه با خرافات ۳- اشعار متفرقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۱۹ -۱۱۷، ۲۸ -۲۴ / ۳)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۶۷ -۴۶۴)، تذکرة القبور (۴۹۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۹۷۴)، الذریعه (۱۰۹۵ / ۹)، سخنوران نامی‌معاصر (۳۳۸۴ -۳۳۷۹/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۸ -۴۰۷/ ۴)، یغما (س ۱۸، ش ۲، ص ۱۰۸ -۱۰۷).

مکرم، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی. شاعر ادیب، مدیر روزنامه‌ی صدای اصفهان، و مجله‌ی سپاهان، و صاحب دیوان مطبوع. یکشنبه ۲۴ ذی‌قعده. متولد در ۱۳۰۴، مدفون در تکیه‌ی گلزار.

ماده تاریخ وفاتش را برنا گوید:

«خصم اوهام و ریا بود بدنیا مکرم»

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مکی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی مکی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۱۴

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۴ مهر ۱۳۴۵ آبادان مقطع ابتدایی و سالهای اول و دوم راهنمایی را در دبستان سلطانی علوی و استقلال آبادان گذراندم و سال سوم راهنمایی و چهار سال دبیرستان را در دبیرستان حافظ قم سپری نمودم. رشته تحصیلی ام تجربی بود. سال ۱۳۶۵ رسما وارد حوزه علمیه قم شده و مقدّمات را در مدرسه مبارکه علمیه رضویه (سلام علی شرفیها) خواندم.

از سال ۱۳۷۲ درس خارج خود را در محضر حضرت آیهٔ الله العظمی فاضل لنکرانی آغاز نمودم. پس از ۸ سال با کسالت معظم له به مجموع شاگردان حضرات آیات عظام: وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی پیوستم. اینجانب از سال ۱۳۶۸ بـه جرگه مبلغین پیوسته در شهرهای آبادان، خرمشهر، کرمان، شهرکرد، فارسان، قم، تهران، کرمانشاه، همدان، اصفهان، زابل و ... و روستاهای اطراف به ایراد و سخنرانی پرداختم. مجموعه سخنرانی ها در مساجد، تکایا، نهادها، دانشگاه، زندان، و ... در موضاعات مختلف و مناسب با محل بوده است.

مدتی از طرف اوقاف، ستاد مبازه با مواد مخدر ... مسئول گروه مبلغین به استانهای مختلف را بر عهده داشتم. گذشته از یادداشتهای پراکنده ای که در زمینه منبر و سخنرانی و شیوه های روضه خوانی نوشته ام؛ شرح بر خطبه حضرت زهرا (س) نوشتم که متاسفانه چون توان چاپ نبود باقی ماند، یک کتاب به دعوت مرکز پژوهشهای صدا و سیمای قم به عنوان «پژوهشی در زندگینامه آخوند خراسانی» به رشته تحریر درآوردم که چاپ شد.

چون اکثر کار اینجانب تاکنون سخنرانی بوده؛ توانستم به پیشنهادهای مرکز پژوهشها و دیگر دوستان عمل کنم و نوشته ای را تحریر نمایم. اینجانب یک دوره به مدت سه سال تحت عنوان مهارتهای تبلیغی در دفتر تبلیغات اسلامی در سطح دکتری سپری نمودم و از اساتید مجرب استفاده نموده و نفر اول و ممتاز آن دوره شدم و الان غریب دو سال است در مسجد محل تفسیر قرآن می گویم. مدت شش سال نیز بازرس دفتر تبلیغات اسلامی در دوره های طرح هجرت در استانهای قم، همدان، کردستان، فارس، بوشهر، چهارمحال بختیاری بوده ام.

ملا باشی سرابی تبریزی، محمدکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۱ ق)، مدرس، ادیب و نویسنده. از ادباء معروف آذربایجان و معلم محمد میرزای ولیعهد (محمد شاه قاجار) بوده و به نام وی کتابی در لغت پارسی با عنوان «برهان جامع اللسان»، در ۱۲۵۱ ق، تألیف کرده است که این کتاب به «فرهنگ محمد شاهی» نیز معروف می‌باشد. در ابتدای کتاب آمده است که شاهزاده بهمن میرزا در هنگام تألیف «تذکره‌ی شاهی» ملا باشی را به تألیف «فرهنگ محمد شاهی» رهنمون شده است. در «الذریعه» آمده که این کتاب به نام فتحعلی‌شاه قاجار نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۳۵۹ -۳۵۸)، الذریعه (۲۱۶/ ۶ ،۹۵ -۹۴/ ۳)، شرح حال رجال (۵/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴۹۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴/ ۵).

ملا عصام، عبدالملک

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۷ -۹۷۸ ق)، ادیب و نحوی. در مکه به دنیا آمد. وی از علمای ادبیات عرب بود که در بلاغت، عروض، منطق و اصول مهارت داشت. او در مدینه درگذشت. گفته‌اند که وی دارای شصت اثر می‌باشد که اکثر آنها شرح و حواشی بر کتب علما است. از آثارش: «بلوغ الارب من کلام العرب»، در نحو؛ «الکافی الوافی»، در عروض و قافیه؛ رساله‌ی «تحریم الدخان»؛ شرح «قطر الندی»، در نحو؛ شرح «الارشاد»، در نحو؛ شرح «تفسیر ایساغوجی»، در منطق؛ «شفاء الصدور»، در شرح «الشذور الذهب» ابن هشام، در نحو؛ شرح بر «منظومهٔ الشمنی»، در اصول حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲/ ۴)، ایضاح المکنون (۲۸۸ ،۲۵۶/ ۲ ،۱۵۳/ ۱)، کشف الظنون (۴۰۵ -۴۰۴)، هدیهٔ العارفین (۶۲۸/ ۱).

ملاحسنی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا ملا حسنی

محل تولد : کرج- اشتهارد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه شدم. با علاقه ای که به امور فرهنگی داشتم ابتداء به کارهای فرهنگی خاصه جوانان در عرصه های فرهنگی فعالیت داشتم. پس از گذاراندن مقدمات حزوه.در مدرسه علمیه امیر المؤمنین در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم.و در سال ۱۳۶۹ جهت کار تفسیری با مرکز فرهنگ و معارف قرآن و دفتر تبلغات همکاری را آغاز کردم. واز آن زمان تا کنون در گرایش تفسیر (علوم قرآنی، تا حدودی با روانشناسی و جامعه شناسی، حقوق به مقتضای نیاز کار آشنا شدم) و کار گروهی تفسیر که ۲۳ دفتر دست نوشته حضرت آیهٔ هاشمی رفسنجانی بود جهت تصحیحات و ساماندهی اطلاعات آغاز کردم. در کنار این پروژه و کارهای دیگر تفسیر که نام فرهنگ موضوعی تفاسیر که ۲ دوره تفسیر از شیعه و اهل سنت بر این مورد مطالعه و در دستور کار گروه قرار گرفت.تفسیر راهنما در ۲۰ جلد به چاپ رسید و فاز اوّل فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد به چاپ رسید و هر دو به عنوان کتاب سال معرفی شدند. و فاز دوّم فرهنگ موضوعی تفاسیر در ۱۴ دوره با ۱۷۸ جلد تفسیر مراحل چاپ را می گذراند. با فرصتی که در خدمت قرآن دارم.بسیار علاقمند مقاله و نوشتار شخصی خویش را بیشتر ادامه دهم و لی متاسفانه وقتی نیست و تاکنون قریب به دو مقاله ارائه شده که هر دو بر گزیده بودند امیدوارم خداوند توقیق دهد تا بتوانم بیشتر در این راستا قدم بردارم والسلام

ملاذ الاسلام، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید جعفر بن حاج سید محمّد باقر حجهٔ الاسلام بید آبادی. عالم فاضل، داماد آقا نجفی، و امام مسجد سیّد بوده، در سفر زیارت در ۱۷ شعبان سال ۱۳۳۶ وفات یافته، در دارالحفاظ مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملاذ الاسلام، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر. امام مسجد سیّد، از محترمین علمای اصفهان، که بین الخواص و العوام محبوبیّتی داشت، و در دوایر دولتی و نزد مردم مقبول القول بود، و پشت و پناه مردم، و کوشا در رفع حوایج آنان بود.

طبع شعری داشت و «عاصی» تخلّص می‌نمود. دیوانی دارد که به طبع نرسیده.

در حدود سال ۱۳۰۰ متولّد، و در ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۲ وفات یافته، در بقعه مسجد سیّد مدفون گردید.

مرحوم نیّر در مادّه تاریخ وفات او ضمن قطعه‌ای فرماید:

قائم اللیل یناجی بخضوعٍ و خشوع

و بکاء و رکوع و سجودٍ و قیام

یذکر اللّه و یستغفره بالاسحار

فی صلاهٍ و دعاءٍ و اذانٍ بدوام

نیّر نقّص اثنین فصار التّاریخ

جعل القدس مکانًا لملاذ الاسلام

از اشعار اوست:

دهید مژده که بوی بهار می‌آید

هزار شکر رفیقان، که یار می‌آید

به میکده خبری بر، صبا ز روی وفا

بگو که آن صنم گل عذار می‌آید

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملامحمدی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید ملا محمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید ملامحمدی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در خانواده ای روحانی در قم به دنیا آمدم پدرم آقای حجه الاسلام والمسلمین محمد مهدی اشتهاردی از نویسندگان بر جسته حوزه علمیه قم هستند و به همین خاطر با کتاب انس گرفتم در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم از سال۱۳۶۹ به طور جدی کار شعر و داستان را در مطبوعات کودک و نوجوان شروع کردم و عضو تحریریه مجله های سلام بچه ها و پوپک شدم از آن سال تا کنون حدود پنجاه جلد کتاب در زمینه های داستان– شعر – تحقیق از من منتشر شده است حدود بیست کتابم در جشنواره های کتاب سال کشوری برگزیده شده اند با مجلات دیگر کودک و نوجوان همچون باران، سروش، نوجوان، کیهان بچه ها، مجلات رشد، دوست و ... همکاری جدی دارم مسئول صفحه کودک و نوجوان ماهنامه (کتاب قم) هستم تا به حال چند دوره داور بعضی از جشنواره های کتاب سال کشوری بوده ام جشنواره هایی که کتابهایم را برگزیده اند عبارتند از کتاب سال ولایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سلام بچه ها، پوپک، بنیاد دفاع مقدس، مهدویت، حوزه علمیه قم و اشراق

ملامحمدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ملامحمدی

محل تولد : اشتهارد کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ملا محمدی مشهور به محمد محمدی اشتهاردی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در اشتهارد (واقع در ۵۹ کیلومتری غرب کرج) در یک خانواده متوسط مذهبی متولد شدم و پس از دوره ابتدائی، در حوزه علمیه اشتهارد – که در آن موقع از چند نفر محدود تشکیل می شد– به تحصیل علوم حوزوی و ادبیات پرداختم و پس از خواندن کتاب سیوطی، در سال ۱۳۳۸ شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس سطح را بیشتر در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار آقایان: آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار، آیت الله حاج شیخ غلامرضا صلواتی، آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، آیت الله علی مشکینی و آیت الله ناصر مکارم شیرازی خواندم و چند سال در درس خارج آیت الله حاج شیخ هاشم آملی، و آیت الله ناصر مکارم شیرازی و چندی در درس خارج آیت الله العظمی گلپایگانی شرکت نمودم.

و مقداری از منظومه سبزواری و فلسفه را در محضر استاد آیت الله جعفر سبحانی و استاد حاج آقا مهدی حائری آموختم. و بخشی از علوم روز را از محضر درس دانشمند گرانمایه، شیخ محمد محققی لاهیجی(نماینده آیت الله بروجردی در هامبورگ آلمان) یاد گرفتم.از خاطرات من در این دوره اینکه از نظر وضع معیشتی بسیار در سختی به سر می بردم. در مدرسه حجتیه قم در حجره ای با دو طلبه دیگر سکونت داشتیم، ظاهرا سال ۱۳۴۰ شمسی بود. یک شب در حجره را زدند، در را گشودم دیدم دو نفر از فضلا وارد حجره شدند، دفتری در دستشان بود، پرسیدند: در این حجره چند نفر هستید؟ گفتم: سه نفر. فرمودند: ما از جانب آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی(ره) آمده ایم، ایشان مبلغی به عنوان فوق العاده (نه شهریه) به طلاب مرحمت فرموده اند. نام ما را نوشتند و به هر نفر پانزده تومان دادند و رفتند که در آن وقت مبلغ قابل ملاحظه ای بود و برکت و نورانیت خاصی داشت و این نخستین باری بود که از طرف حضرت امام(ره) به طلبه ها پول دادند

ملک اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد ملک اصفهانی که پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف عزیمت و چندین سال از محضر آیت‌اللّه العظمی

خوئی و آیات دیگر کسب فیض نموده سپس به قصر آمده و به خدمات دینی از قبیل امامت و تبلیغ احکام و تدریس و تنویر افکار نسل جوان در دبیرستان آنجا مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ملک افضلی اردکانی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد کاظم بن المرحوم آقا علی ملک افضلی اردکانی از علماء معاصر است در شهر میناب استان کرمان که در سی فرسخی بندرعباس واقع است.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری در اردکان یزد در خانواده اعیان و اشراف آن سامان متولد شده در سن ۱۷ سالگی پس از فراگرفتن صرف و نحو و تجوید عازم اصفهان شد و سه سال در اصفهان اشتغال بتحصیل قسمتی از نحو و معانی بیان و اصول داشته است و اساتید مشهور آنجا مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و مرحوم محقق اصفهانی بودند و سپس به اردکان و یزد مراجعت نموده در اردکان خدمت مرحوم حاج ملا محمد حایری و در یزد خدمت آیه‌الله مرحوم حاج شیخ غلامرضا خراسانی یزدی تلمذ نموده سپس عازم قم شده و بقیه سطوح را در قم خدمت حضرت آیه‌الله آقای حاج سید احمد موسوی خونساری و مرحوم آیه‌الله آقای میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و درس خارج را خدمت مرحومین آیتین حاج سید محمد تقی خوانساری و آقای سید محمد حجت تبریزی خوانده و پس از فترت چهار سال مراجعت باردکان نموده و بعد از فوت مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بقم مراجعت کرده و از محضر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی خوانساری و آیه‌الله حجت و آیه‌الله صدر و بالاخص آیه‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمرش استفاده نموده و قسمتی از خارج صلوه مرحوم آیه‌الله بروجردی را نوشته و بعد فوت مرحوم تا بحال قسمتی از سال در حوزه علمیه قم و قسمتی در خارج قم (در شهر میناب) بسر برده و بخدمات دینی و اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ملک افضلی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ملک افضلی اردکانی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه یزد شدم و پس از ۶ سال و گذراندن دروس سطح یک نزد اساتید مدرسه امام خمینی(ره) یزد در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتید معظم بهره برده و در سال ۷۲ دوره سطح ۳ را به پایان رساندم و از آن پس در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. همزمان با تحصیلات حوزوی از سال ۶۹ مشغول به دروس دوره دبیرستان شده و در سال ۷۳ دیپلم متوسطه را اخذ نموده و همان سال در رشته حقوق دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شده و در سال ۷۶ فارغ التحصیل گردیدم . و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۰ از این مقطع نیز فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکتری رشته فقه و مبانی دانشگاه فردوس مشهد مقدس پذیرفته شده و هم اکنون علاوه بر تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی به تحصیل و تحقیق نیز اشتغال دارم .

ملک المتکلمین، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۷- مقتول ۱۳۲۶ ق)، واعظ و از بنیان گذاران مدارس جدید. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی به فراگرفتن علم حکمت الهی پرداخت و یک دوره‌ی کامل فلسفه را نزد آخوند ملا صالح فریدنی آموخت. وی در بیست و دو سالگی به مکه معظمه مشرف شد و هنگام بازگشت به هندوستان رفت. مدت دو سال در آنجا تحصیل نمود و مدرسه‌ای به سبک جدید و به نام خودش در بمبئی تأسیس کرد. او کتابی به نام «من الخلق الی الحق»، برای بیداری مسلمانان نوشت که فرقه‌ی اسماعیلیه را بر ضد خود برانگیخت و منجر به تبعیدش از هندوستان و بازگشت به ایران شد. ملک المتکلمین در بوشهر با سید جمال‌الدین اسدآبادی

ملاقـات کرد. سپس بـه اصـفهان رفت و به مـوعظه پرداخت. وی بعـد از مخالفتهـایی به آذربایجـان و از آنجـا به تهران و سپس به بـادکوبه رفت و با طالبوف دیـداری داشت و به کمک تجار، مـدرسه ایرانیان بادکوبه را تأسیس کرد. بعـد از مـدتی از رفتن وی به اروپـا ممـانعت شـد و او از عشق‌آبـاد به مشـهد رفت. وی از مشـروطه‌خواهان و ناطقی زبردست بود. سـرانجام بعـد از به توپ بسـتن مجلس به فرمان محمـدعلی شاه او را، در باغ شاه، خفه کردند. از دیگر آثارش: «رؤیای صادقه»، با مشارکت سیـد جمال‌الدین واعظ اسدآبادی و حاج فاتح‌الملک و اسداللّٰه خان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ انقلاب مشـروطیت ایران (۱۶۵ -۱۵۶/ ۱)، روز شمار تاریخ (۳۱ ،۲۹/ ۱)، شرح حال رجال (۳۴۷ -۳۴۶/ ۴)، فرهنگ رجال قاجار (۱۸۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۵۹ -۱۷۹۵/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱ -۵۹۰/ ۶).

ملک المورخین، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۵۲ -۱۲۸۹ ق)، مـورخ، نویسـنده، روزنامه‌نگـار و شـاعر، متخلص به ادیب. ملقب به ملک المورخین. در تهران به دنیـا آمـد. نسبش از طرف پـدر به میرزا مهـدی خـان، وزیر نادرشـاه، و از طرف مـادر به فتحعلی‌خـان ملک‌الشعرای کاشـانی می‌رسـد. وی از چهـارده سـالگی به تـدوین تاریـخ انبیـاء پرداخت و پس از فوت پـدرش، ملقب به ملـک المورخین شـد و مأموریت نگارش و اتمام دوره‌ی کتاب «ناسخ التواریخ» را یافت. وی در ۱۲۹۷ ق وارد خدمت فرهنگ شد. میرزا عبدالحسین، در ۱۳۲۶ ق، روزنامه‌ی «آینه‌ی عیب نما» و، در ۱۳۲۷ ق، روزنامه‌ی «آزاد» و، در ۱۳۲۳ ق، روزنامه‌ی «شاهنشاهی» را در تهران منتشر کرد. او مدتی ریاست معارف و اوقاف کاشان را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «تاریخ یومیه‌ی ایران»؛ «المعاریف»؛ «خلاصهٔ الاعصار فی تاریخ بختیار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۵۷ -۵۶/ ۳ ،۱۴۱ ،۴۳ -۴۱/ ۱)، الذریعه (۱۹۵/ ۲۱ ،۲۹۸ -۲۹۷ ،۲۳۶/ ۳)، ریحانه (۳۹۵/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۴ -۷۶۳/ ۳)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۰ -۹۹).

ملک زاده، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ملک زاده

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۲/۴

زندگینامه علمی

اینجـانب در سال ۱۳۶۶ پس از خـاتمه پـایه اول دبیرسـتان، رشـته «علوم تجربی»، وارد حوزه علمیه قم شـدم. در خلال تحصـیل علوم دینی به صورت متفرقه، پایه های دوم تا چهارم دبیرسـتان را به اتمام رسانده و دیپلم علوم تجربی را دریافت نمودم. دروس مقدّماتی و سـطح حوزه را تـا سال ۱۳۷۶ به اتمـام رسانـده و در کنـار گذرانـدن دروس اصـلی و جنبی حوزه، برخی دوره هـا و مهـارت های تخصصی حوزه نظیر: «تربیت مربی کودکان و نوجوانان» را نیز سپری نمودم.

در سال ۱۳۷۶ پس از خاتمه دروس سـطح حوزه، وارد دانشگاه مفید شده و در رشته «علوم سیاسـی» سـطح کارشناسـی به تحصیل مشـغول شدم. سـپس در سال ۱۳۸۰ بـا اتمام دوره کارشناسی در سـطح کارشناسـی ارشـد «علوم سیاسـی» با گرایش «انـدیشه» وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم و در سال ۱۳۸۳ با دفاع از پایان نامه خود با عنوان: «سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت» این دوره را به اتمام رساندم.

از سال ۱۳۸۰ تـاکنون به فعالیتهـای تحقیقی و مطالعـاتی خود افزودم به طوری که علاـوه بر ذکر برخی موارد در صـفحات گذشـته، قریب به ۲۰۰ مقـاله چاپ شـده با عناوین و موضوعات گوناگون در مطبوعات و سایتهای اینترنتی منتشـر نموده ام. در کنار این امور البته هرگز از دروس حوزوی نیز غفلت ننموده و با شـرکت در جلسات درس خارج فقه و اصول اساتیـد برجسـته حوزه، از چند سال گذشته مطالعات خود را در این زمینه گسترش داده ام.

ملک زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ملک زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۶/۱۴

زندگینامه علمی

تولد و خانواده در سال ۱۳۵۸ در خانواده‌ای اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد.نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیهٔالله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیهٔالله حاج سید محمد علمالهدی میباشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسّمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیهٔ قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از ۸ سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سنّ خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از ۱۰ سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدّیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفههایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدّی کتاب در کودکی عمدهترین سرگرمیاش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوههای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری– با صرف نظر از عنوان و موضوعشان– کتابهای محبوب و مورد علاقه این دوران او بود. شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سنّ خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پدر ایشان به شدّت مقیّد بود که در تمامی ایّام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور– به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده– سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیّتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سنّ و سال او نیز فعّالانه وارد عرصه میشد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامههای زیادی را ترتیب میداد که از جمله این فعالیتها تأسیس چندین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهاندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی– سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در ۱۲ سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در ۱۳ سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود. تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در ۱۴ سالگی) از این سن به بعد فعالیت علمی– تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمانها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شکل گستردهتری به خود گرفت. تا آنجا که در سنّ ۱۴ سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوانترین مدرّس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوانترین مدرسی بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگار قرآنی کشور در زمینه فعالیتهای مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات در دوره کودکی و نوجوانی، از سال ۱۳۷۲ (در سنّ ۱۴ سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیهٔالله گلپایگانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیتهای مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحهٔ قرآنیِ «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان ۱۳۷۵ و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهاندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار میآمد. آغاز تألیف کتاب حدود ۱۴– ۱۵ سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اوّل، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردید. نخستین دارالقرآن در مدارس کشور آقای ملکزاده در سالهای آغازین دهه هفتاد شمسی (سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآنها اولین دارالقرآنهای مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعهٔ الکعبه») در سال ۱۳۷۵ موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانشآموزان) بود تا سال ۱۳۸۱ به فعالیتهای پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد. از سال ۱۳۸۱ و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی

«جامعهٔ الکعبه» فعالیتهای قرآنیِ این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمیِ جامعهٔ الکعبه میباشد، ادامه یافته است. و امّا جامعهٔ الکعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنـامه درسـی وی به هیـچ وجه تعطیـل نمی شـد و علاوه بر ایام عادی تحصیـل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه ها، تابسـتان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کمنظیر خـدادادی، دروس مقدماتی و سـطح حوزه را که معمولاً در طول ۱۰ سال خوانده میشود، به توفیق الهی در ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شـکل و کیفیت به پایان رسانـد. دروس خارج و اساتید از زمسـتان سال ۱۳۷۹ با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضـرت آیهٔاللّه شـیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضـر شـد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام : مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصـلاهٔ، سه سال و نیم) و سـید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاهٔ، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضـرت آیهٔاللّه شیخ حسن شریعتی نیاسـر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صـدقه، هبه، زکاهٔ، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال ۸۱ تاکنون. البته این درسها در تابسـتانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضـرت آیهٔاللّه شـیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) شرکت کرد . البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسـفی (در مشـهد) و درس اصول آیـهٔالله شـیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حـدود یـک سال از درس تفسیر آیـهٔاللّه شـیخ عبـداللّه جوادی آملی نیز بهرهمنـد شـده بود. اگر چه بعـداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضـرات آیات شـیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهرههای فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفـان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسـفار آیـهٔاللّه شـیخ یحیی انصاری شـیرازی نیز اسـتفاده نمـود. مـدت کوتـاهی هـم در درس اشـارات شـرکت کرد.علاوه بر اینهـا در برخی دوره هـا و درس و بحث هـای فلسـفی کـه به موضوعـاتی خاص در فلسفه می پرداختنـد نیز مشارکت داشـته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضـر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضـرات آیات شـیخ محمد تقی مصباح یزدی ، شیخ جواد کربلایی ، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی ، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است . البته استفاده وی از آیهٔالله مصباح یزدی منحصـر به شـرکت در درس هـای اخلاـق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسـیاری از مباحث فلسـفی و کلامی و سایر بحث هـای ایشـان در زمینه انـدیشه و معـارف اسـلامی – به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر – بهره های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتیـد وی میتوان به پـدر بزرگوار ایشـان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشـند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسـفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان– از مقدمات تا خارج– به تـدریس و راهنمـایی فرزنـد خویش پرداختهانـد. اجـازات وی تـا به حـال موفق به اخـذ چنـدین اجـازه مختلف– و از جمله اجازه اجتهاد– از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشـهد شده است. جوانترین طلبه نویسـنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخـاب کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۷) به عنوان جوانترین طلبه نویسـنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقـدیر گردیـد. زبانهـای دیگر و فعـالیت در خـارج از کشور بـا تسـلط بر زبانهای عربی و انگلیسـی و انـدکی آشـنایی با زبان فرانسوی و چنـد زبـان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سـفر کنـد و در سـطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسـلامی و تبلیغ دین مبین اسـلام و معرفی مکتب اهلبیت(ع) بپردازد. حضور در دانشگاهها طیّ این سالهـا به دانشـگاههای بزرگ و معتبری در داخـل و خـارج از ایران دعوت شـده و در این دانشـگاهها به تـدریس، سـخنرانی، برگزاری جلسـات پرسـش و پاسـخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشـی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصیـل و تدریس علوم مختلف اسـلامی، از زمستان ۱۳۸۱ به مدت ۳ سال در رشـته تخصصـی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسـیس شده بود شـرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریـخ اسـلام و فلسـفه تاریـخ از دیـدگاه قرآن به انجـام رسانـد. مسائل جدیـد به مـدّت یک سال در دوره «شبههشناسـی و پاسـخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحبنظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغالتحصـیل شـد. مسائل و شـبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتنـد در دو زمینه «کلام قـدیم» (با توجه ویژه به عقاید وهّابیّت) و «کلام جدید، فلسـفه دین و معرفتشناسـی» بودند. البته آشـنایی وی با بعضـی از مکاتب فلسـفی غرب، کلام جدیـد، معرفت شناسـی، برخی از فلسـفههای مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دینپژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمیگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشـته و علاـوه بر مطالعـات منظمی کـه به صـورت شخصـی در این زمینههـا داشـته است، همایشـها، جلسـات بحث، سـخنرانیها و یا مناظرههـایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسـها یا دورههایی که با موضوع علوم جدیـد از منظر اسـلام– همچون دروس جامعه شناسـی اسلامی – یا معرفتشناسی و کلام جدید برگزار میشده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مبـاحث فکری و فرهنگی جدیـد یکی از مهمـترین عوامـل مـوفقیت وی در پاسـخگویی بـه پرسشـهای نسـل جـوانِ تحصیلکرده و دانشـگاهی در داخـل و خـارج از کشـور بـوده است. تـدریس مبـاحث حـوزوی در زمینه تـدریس دروس حوزوی برنـامه وی بـدین صورت بوده است که تـا پیش از ورود به درس خـارج به تـدریس ادبیـات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات اصول شـهید صـدر)، پرداخته و از هنگـام ورود به درس خـارج تـاکنون به تـدریس شـرح لمعه، اصولالـفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول اشـتغال داشـته است. بحث خارج از مهر سال ۱۳۸۴ (شعبان ۱۴۲۶ق) ضـمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تـدریس اسـتدلالی اصول را با تبیین و نقـد نظریه «حق الطاعهٔ» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلابیان» برای جمعی از فضـلاء حوزه علمیه قم آغـاز نموده است. همکـاری تحقیقی بـا مؤسـسات و نگـارش دانشـنامه از دیگر کارهـای وی

علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعهٔ الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای ۷۵ تا ۸۳): از سال ۱۳۷۵ تا اوائل سال ۱۳۸۱ در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامهٔ سال ۸۱ و همچنین سال ۸۲ و ۸۳ در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیهٔ جامعهٔالکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهمّ مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملك زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه های مطالعاتی و پژوهش هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش های متعدد، تا سال ۱۳۸۷ شمسی یعنی تا پیش از ۳۰ سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرمافزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اِشرافِ علمی وی، طرّاحی و به بازار عرضه شده است.

ملک‌الشعراء کاشانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ –۱۲۲۸ ق)، شاعر، ادیب، خطاط و نقاش. اصلا کاشانی بود. پدر و جدش،فتحعلی خان صبا، هر دو از شعرای نامی بودند و در دربار فتحعلی‌شاه لقب ملک‌الشعرایی داشتند. محمود خان در تهران به دنیا آمد و علوم زمان خود را نزد عمویش، محمد قاسم خان فروغ آموخت. وی از اواخر عهد محمدشاه قاجار به کارهای دیوانی پرداخت و سپس در دربار ناصرالدین شاه عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی بود و از نزدیکان و ستایشگران او شمرده می‌شد. محمود خان از فنون ادب و تاریخ و حکمت آگاهی داشت و در شعر تابع سخنوران قرن پنجم قمری بود و اغلب خطوط، بویژه نستعلیق و شکسته را استادانه می‌نوشت. او همچنین در تصویرسازی صاحب قلم و در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی، نقاشی پر ابتکار بود و در مجسمه‌سازی و منبت‌کاری بر روی چوب و عاج و نیز قلمدان‌سازی مهارت داشت و تذهیب و تشعیر و روغن‌کاری را خود انجام می‌داد. محمود خان در تهران وفات یافت و در زاویه‌ی حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. از آثار قلمی وی: «منشآت»؛ «دیوان» شعر، حاوی پنجاه و هشت قصیده و قطعه و چند شعر پراکنده و ناتمام و چهارده بند مرثیه به سبک «دوازده بند» محتشم کاشانی. به آورده‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، وی تاریخی نیز در تراجم ارباب القاب دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه نگاشته است. از آثار خطی وی: یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... بقلم شکسته رقم اقل چاکران... محمود کاشانی... سنه‌ی یکهزار و دویست و هشتاد و یک اتمام پذیرفت»؛ یک مرقع مشتمل بر بیست و دو رقعه، به اقلام مختلف، از جمله نستعلیق پنج دانگ و دو دانگ و کتابت و غبار خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمود کاشانی غفر له» و تاریخ‌های ۱۲۸۹، ۱۲۸۸ و ۱۲۹۰ ق؛ مرقعی مشتمل بر سی و دو رقعه به اقلام مختلف، از جمله شکسته تعلیق، کتابت خفی خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمد کاشانی غفر له فی سنهٔ ۱۲۸۹» و «العبد الاقل الاثم الجانی محمود الکاشانی سنهٔ ۱۲۸۸» و قطعات مختلف دیگر. از آثار نقاشی وی: آبرنگ زیبا و استادانه‌ی شمس العماره، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۵»؛ تصویر کاخ گلستان، در آبرنگ، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۷»؛ قلمدان برازنده و شیوایی، با تصاویر مختلف، با رقم: «بنده درگاه محمود ۱۳۰۰»؛ تابلوی رنگ روغنی صحن مطهر حضرت امام رضا (ع)، با رقم: «بنده درگاه محمود ۱۳۰۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۸/ ۴، ۸۸۸–۸۸۵/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۳ –۱۱۲۳/ ۳)، از صبا تا نیما (۱۳۰ –۱۲۷/ ۱)، تاریخ برگزیدگان (۴۹۲ –۴۹۰)، هنرهای ملی (۹۶۱ –۹۶۰/ ۲)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۰۷ –۱۶۰۴/ ۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۷۰۲/ ۲)، الذریعه (۱۰۱۳/ ۹، ۳۱۲/ ۵)، شرح حال رجال (۲۸۳ –۲۸۱/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۸۲ – ۳۸۰)، گلستان هنر (پنجاه و سه)، گنج سخن (۲۳۹ –۲۳۴/ ۳)، المآثر و الآثار (۱۹۷ –۱۹۶)، مجمع الفصحا (۹۱۹ –۹۰۷/ ۵)، مکارم الآثار (۷۵۹ –۷۵۸/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸ –۲۶/ ۶)، هنر قلمدان (۱۳۳ –۱۳۲).

ملک‌زاده، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دانشمند، ادیب و روزنامه‌نگار در ۱۲۶۹ در مشهد تولد یافت. پدرش میرزا کاظم صبوری متخلص به ملک‌الشعراء در آستانقدس رضوی مقامی شامخ داشت. محمد تحصیلات خود را در مشهد آغاز کرد. در نوجوانی پدر خود را از دست داد لاجرم تربیت و تأمین معیشت او به عهده برادر اکبرش که شغل و مقام پدر را در آستانه گرفته بود قرار گرفت. او تا بیست سالگی به تحصیل اشتغال

داشت و علم مختلفی چون ادبیات عرب کلام و فلسفه و فقه و اصول را به حد کامل آموخت. وی به اتفاق برادرش وارد حزب دموکرات خراسان شد و در کار روزنامه نوبهار و تازه‌بهار که از نشریات خوب آن روز بودند سردبیر و نویسنده شد. در حکومت وثوق‌الدوله به تهران آمد و مدیریت و سردبیری روزنامه غیر رسمی روزنامه ایران که معتبرترین و مهمترین روزنامه آن روز بود به او واگذار شد. بعد از کنار رفتن وثوق از روزنامه ایران استعفا داد و به مشهد رفت و روزنامه تازه بهار را به مدیریت خویش انتشار داد و از کمک‌های مادی و معنوی قوام‌السلطنه والی مقتدر خراسان و سیستان برخوردار بود. بعد از قیام کلنل محمدتقی خان، ملک‌زاده و روزنامه‌اش توقیف شدند. چندی در زندان به سر برد تا پس از ختم غائله آزاد شد و چندی روزنامه را انتشار داد. وی در اوایل سلطنت رضاشاه به خدمت در وزارت فرهنگ درآمد، مدتها ریاست فرهنگ خراسان با او بود، چندی نیز در تهران مصدر خدماتی گردید و مقام مدیر کلی گرفت. چند سالی نیز اوقاف کشور را اداره می‌کرد و از سران وزارت معارف بود. ملک‌زاده درباره قیام کلنل و اوضاع خراسان در آن روز یادداشت‌های سودمندی تهیه نموده که قسمتی از آن در تاریخچ احزاب سیاسی ملک‌الشعرای بهار گنجانیده شده است. از اقدامات با ارزش ملک‌زاده چاپ دیوان برادرش ملک‌الشعرای بهار می‌باشد. وفات او در ۱۳۵۲ اتفاق افتاد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

ملکم خان اصفهانی، ملکم خان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۶ -۱۲۴۶ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. ملقب به ناظم‌الدوله. در جلفای اصفهان به دنیا آمد. اصل وی از ارامنه جلفا بود که پدرش بعدها اسلام آورده و به جدیدالاسلام مشهور شده بود. میرزا ملکم خان پس از اتمام تحصیلات مقدماتی جهت تحصیل به فرانسه رفت و در آن کشور علوم و افکار جدید را فراگرفت. پس از بازگشت به ایران در دارالفنون به شغل معلمی و مترجمی پرداخت. وی از مؤسسین فراموش خانه (فراماسونری) در ایران بود. او از حدود ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۷ ق، وزیر مختار ایران در لندن بود. سرانجام به دلیل سوء استفاده‌های مالی، مانند گرفتن امتیاز لاتاری و فروش آن پس از لغو امتیاز، از مقام خود عزل شد. وی که مسبب عزل خود را امین‌السلطان می‌دانست با او از در مخالفت درآمد و در ۱۳۰۷ ق در لندن به انتشار روزنامه‌ی «قانون» مبادرت کرد و از مخالفین استبداد شد و ندای قانون و قانونمندی سر داد. چنان که پس از استقرار مشروطیت سفیر ایران در ایتالیا شد. ملکم خان نمونه خطی را از ترکیب حروف الفبای فارسی ابداع کرد که شرح اختراع خود را در رساله‌ای به نام «نمونه‌ی خط آدمیت» در ۱۳۰۳ ق در لندن انتشار داد. او در لوزان درگذشت و جنازه‌اش را به برن بردند و طبق وصیتش سوزاندند. از دیگر آثار وی: «مبدأ ترقی»؛ «شیخ و وزیر»؛ اهتمام در انتشار «کلمات قصار حضرت علی (ع)»، با خط ملکمی؛ «در باب تسخیر مرو و ترکمان».[۱]

پرنس میرزا ملکم‌خان ناظم‌الملک (بعدها ناظم‌الدوله، پرنس، نظام‌الدوله) از ارامنه‌ی جلفای اصفهان و پسر میرزا یعقوب ارمنی جلفائی. (و. ۱۲۴۹ ه.ق در اصفهان- ف. ۱۳۲۶ ه.ق در لوزان). گویند پدرش اسلام آورد و بعنوان جدیدالاسلام به مقاماتی نیز رسید. ملکم در سن ده سالگی به پاریس فرستاده شد و در آنجا به تحصیل علوم طبیعی و فیزیک و مهندسی پرداخت و پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۲۶۷ ه.ق (در سن نوزده سالگی) به ایران برگشت و در دارالفنون به شغل معلمی و مترجمی اشتغال ورزید و ۵ سال بعد (در سال ۱۲۷۲) مترجم وزارت خارجه شد. در سال ۱۲۷۳ با سمت مترجم مخصوص سفارت و درجه‌ی سرهنگ اتاماژوری مأمور سفارت دولت علیه‌ی ایران در اسلامبول گردید و سال بعد که به ایران بازگشت در تهران فراموش‌خانه (فراماسون) را دایر کرد که عده‌ای از اعیان و شاهزادگان و برخی از جوانانی که در دارالفنون تحصیل می‌کردند در آن مجمع وارد شدند. در سال ۱۲۷۹ فراموش‌خانه بسته شد و میرزا ملکم به عثمانی تبعید گردید ولی ۹ سال بعد (سال ۱۲۸۸) در زمان صدارت میرزا حسین‌خان مشیرالدوله به سمت مستشاری صدارت عظمی منصوب گردید. در سال ۱۲۸۹ به لقب ناظم‌الملکی ملقب و مفتخر به دریافت نشان تمثال همایون از درجه‌ی اول گردید و از سال ۱۲۸۹ تا سال ۱۳۰۷ ه.ق (۱۸۸۸ -۱۸۷۲ م.) (مدت ۱۸ سال) سفیر و وزیرمختار ایران در لندن بود. ملکم به طور کلی در دوران مأموریتش در اروپا سوءاستفاده‌های زیادی کرد و از بابت واگذاری امتیازاتی به خارجیها حق دلالیهای کلان می‌گرفت. بالاخره در سال ۱۳۰۷ از سفارت ایران در لندن عزل گردید و دیگر تا موقعی که ناصرالدین شاه زنده بود کاری به او ارجاع نگردید. ملکم در این مدت در لندن روزنامه‌ای به نام قانون انتشار می‌داد و تا ۴۱ شماره این روزنامه را منتشر کرد. در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا (در سال ۱۳۱۷ ه.ق- ۱۹۰۰ م) ملکم در پاریس به حضور شاه رسید و به لقب نظام‌الدوله مفتخر گشت و به سمت وزیرمختاری ایران در ایتالیا منصوب شد و تا موقعی که حیات داشت در همین سمت باقی بود. در سال ۱۳۲۶ ه.ق در سن ۷۷ سالگی درگذشت و برحسب وصیتش جنازه‌اش را به برن (پایتخت سویس) برده سوزاندند. از آثار او می‌توان رساله‌ی مبدأ ترقی شیخ و وزیر، نمایشنامه‌ی اشرف‌خان را نام برد. ضمناً مبتکر خط جدیدی هم بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۴۱)، تاریخ جراید (۱۰۲ -۹۶/ ۴)، الذریعه (۲۶۶/ ۱۴، ۵۷/ ۸)، شرح حال رجال (۱۵۴ - ۱۳۹/ ۴)، المآثر و الآثار (۱۹۷)، مکارم الآثار (۱۲۹۴ -۱۲۹۳/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۸ -۲۸۴/ ۶)، یادگار (س ۵، ش ۸ و ۹، ص ۱۵۶ -۱۵۵).

ملکی اصفهانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود ملکی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اگر چه این جانب نقطه قابل ذکر در زندگی خود مشاهده نمی کنم که لازم بدانم آن را به عنوان شرح حال مطرح کنم، چرا که آنچه ما انجام داده ایم قطره ای در مقابل دریاهایی است که بزرگان و گذشتگان از خود بجا گذاشته اند و با وجود عدم امکانات در آن زمان ها کارهای علمی شگفت آوری انجام داده اند. به هر حال، گویا به درخواست آن مرکز محترم ناگزیر از نوشتن جملاتی به عنوان زندگی نامه هستم.

در سال ۱۳۳۹ شمسی در یکی از روستاهای اصفهان در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ کاظم ملکی از روحانیان باتقوا و باسابقه و سرشناس در منطقه و حوزه علمیه و مورد اعتماد مراجع بزرگوار تقلید بود. مهمترین نقش را در زمینه تربیت و پروش علمی و اخلاقی این جانب ایشان داشته و در واقع زندگی خود را مرهون خدمات و هدایتها و راهنماییهای ایشان می دانم.

تحصیلات ابتدایی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رساندم. اگر چه در همان زمانها علاقمند به علوم حوزوی بودم ولی مرحوم پدرم معتقد بود روحانی در این زمان باید از علوم جدید نیز آگاهی داشته باشد لذا به اصفهان آمده و تا مقطع دیپلم در رشته ریاضی فیزیک ادامه تحصیل دادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم شدم. از آن پس به حوزه علمیه اصفهان وارد شده حدود یکسال در آنجا تحصیل کردم.

سپس در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل ادامه دادم. دروس مقدمات تا سطح عالی را از اساتیدی چون: «مدرس افغانی (ره)»، «ذهنی تهرانی (ره)»، «وجدانی (ره)»، «پایانی (ره)»، «اشتهاردی (ره)» و اساتید دیگر استفاده کردم. سپس در درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» شرکت کرده و چند سالی از دروس خارج «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله تبریزی» استفاده کردم.

از اوایل شروع به تحصیل، به تدریس هم اشتغال داشته ام و تاکنون تدریس را ادامه داده ام. دروس مختلف حوزوی از مقدمات تا سطوح عالی را تدریس کردم و در حال حاضر نیز به تدریس فقه، اصول و تفسیر اشتغال دارم. از جمله دغدغه های اینجانب متون درسی حوزه بوده است، زیرا بازنگری در آنها و روز آمد شدن آنها را امری ضروری و اجتناب ناپذیر می دانستم، لذا درصدد تالیف کتابهایی به عنوان کتب درسی بر آمدم که اولین اثر این جانب در سال ۷۲ با عنوان: «نحو مقدماتی» به چاپ رسید. سپس کتابهای دیگری نیز با همکاری برخی دوستان تالیف نمودیم که در صفحه آثار پژوهشی مطرح می گردد.

ملکی شمیرانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ مصطفی ملکی شمیرانی از فضلاء متقی و ائمه جماعت معاصر تجریش است.

وی در حدود سال ۱۴۳۶ ق در تجریش متولد شده و دروس جدیده را خوانده آنگاه بتشویق و تصویب مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی چیذری (سابق الذکر) بتحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم آمده و سطوح متوسط و عالی را از حضرت آیت‌اللّه مرعشی مدظله و آیات دیگر بپایان رسانیده و بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران شرکت نموده و به افتخار و مصاهرت مرحوم آیت‌اللّه فاضل لنکرانی نائل و چون محصلی با تقوا و جدی بودند بمراتب عالیه علم و کمال ارتقا یافته آنگاه به زادگاه خود تجریش برگشته و بحکم (و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم) به وظائف تبلیغی و خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره پرداخته است.

نگارنده گوید: حقیر آقای ملکی را از قبل از ورود به تحصیل علوم دینی می‌شناسم و جز تقوا و پاکی و دیانت و فضل و کمال از وی ندیده و نشنیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ملکی طسوجی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس موسوی ملکی طسوجی از اجله علماء اعلام عاملین متصف بملکات فاضله و اخلاق حمیده بوده‌اند که در سال ۱۲۸۰

هجری شمسی در بلده طسوج آذربایجان که در دو منزلی غرب تبریز و شمال دریاچه رضائیه قرار دارد متولد شده و در بیت سیادت و علم پرورش یافته و در خانـدانی نشو و نما شـده که سـخاوت و کراماتشان زبانزد عام و خاص بوده و قبور آباء و اجدادشان مزار و مطاف مردم آن دیار است.

فقید سـعید قدس سـره دوران صـباوت را تحت تکفل والد ماجدش سیدالعلماء العالمین آقای آقا سید حسین موسوی طسوجی ملکی بوده و علوم مقدماتی و متداول آن زمان را فراگرفته و برای ادامه تحصیل به شهر خوی آمده است.

و در مدرسه علمیه نمازی سکنی گزیده و مدتی تحت نظارت دائی بزرگوارش آیت‌اللَّه حاج سید هاشم مرقاتی مؤلف کتاب (مفتاح الکلام) فی شـرح شرایع‌الاسـلام که چنـد جلـد از آن به طبع رسیده کسب فیض و علوم نموده سپس به حوزه علمیه مشـهد مقـدس عزیمت و پس از چند سال اقامت و اسـتفاده از آیات عظام آنجا رهسپار نجف اشرف شده و از محضر اساتید و مراجع بزرگ تقلید در علوم فقه و اصول و فلسفه و حکمت و اخلاق تلمذ نموده تا به مقام شامخ اجتهاد نائل گردیده.

و آیات عظام و فقهاء کرامی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی رضوان‌اللَّه تعـالی علیهم اجـازه اجتهـاد برای ایشـان مرقوم فرمودنـد. پس از آن به وطن مالوف خویش مراجعت نموده و در بلـده طیبه قم نیز از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حـایری یزدی و آیت‌اللَّه العظمی حجت کوهکمری فقهـا و اصولا_ کسب فیض نموده و حـدود سال ۱۳۷۳ قمری به تبریز آمده و چند سالی اقامت و به تدریس علوم دینی و اقامه نماز جماعت اشتغال داشته و پس از مدتی بنابر مصالح شخصـی به شـهر خوی آمـده و در این شـهر هم مرجع امور دینی مردم بوده و در مسـجد ملاحسن اقـامه جماعت نموده تا در اواخر عمرشان مجددا به قم برگشته و پس از چند سال در تاریخ ۱۳۶۱ شمسی از دنیا رفته و در باغ رضوان مدفون شده است حشره‌اللَّه مع اجداده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ملکی متهور، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید ملکی متهور

محل تولد : کبوتر آهنگ همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ موفّق به اخـذ دیپلم تجربی از دبیرسـتان امام خمینی (ره) همدان شدم. در همان سال وارد حوزه علمیّه «آیت الله مجتهدی تهران» شـدم. و پـایه اوّل را در آنجا خوانـدم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیّه قم شـدم و دروس مقـدّمات و ادبیّات عرب را از محضـر اساتیدی چون: «طالقانی»، «موسوی گرگانی»، «فتوحی»، «مدرس افغانی» و ... بهره بردم.

دروس لمعه و اصول را از محضـر اساتیـدی چون: «آیت الله شب زنـده دار»، «آیت الله اسـتادی»، «آیت الله وجـدانی فخر» و «صالحی افغانی» و ... اسـتفاده کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتیـدی چون: «آیت الله پایانی»، «آیت الله طاهری خرم آبادی» و «آیت الله اعتمادی» زانو زدم. درس کفایتین را از محضـر «آیت الله سـتوده» خوشه چینی کردم. سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد مقطع خارج شدم.

قابـل ذکر است که حقیر از سال دوم طلبگی مشـغول تـدریس به صورت آزاد نیز بودم که تا کنون نیز ادامه دارد. علاوه بر تـدریس مشـغول تبلیغ و سخنرانی در مناسبت های تبلیغی در جوامع مختلف می باشم. حدود ۱۰ سال در درس خارج آیات عظام: «تبریزی»، «مکارم»، «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «سبحانی» شرکت کردم. حدود ۷ سال است که در درس خارج خصوصـی «آیت الله معرفت» شـرکت می کنم. در کنار دورس فقه و اصول حوزه در رشته تخصصی تفسیر نیز شرکت کردم و بحمد الله با موفّقیّت آن را به اتمام رساندم که موضوع پایان نامه «عصمت انبیاء در قرآن» می باشد.

ملکی میانجی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدباقر ملکی میانجی فرزنـد عبـدالعظیم فرزنـد حاج علیمرادی از علماء متقی معاصـر در میانج آذربایجان می‌باشـند، که در سال ۱۳۲۴ قمری در قصبه ترک (بفتح تاء و سکون راء و کاف) از محال گرمرود شهرستان میانه به دنیا آمده و بعد از تحصیلات فارسی ادبیـات و قسـمتی از قـوانین و ریـاض را در زادگـاهش خـدمت آقـا سـید واسع کـاظمی ترکی (ره) که از شـاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده فراگرفته است.

سپس در سال ۱۳۴۹ قمری به مشهد رضوی عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشهد اشتغال به تحصیل رسائل و کفایه از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را در حضور مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و قسمتی از خارج فقه را از مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و همچنین قسمتی از خارج فقه و اصول و یک دوره کامل معارف اسلامی را از محضر عالم ربانی و علامه سبحانی آیت‌اللَّه میرزا مهدی غروی اصفهانی فراگرفته و در سال ۱۳۶۳ قمری از آن مرحوم دریافت اجازه اجتهاد و روایتی نموده و سپس به سوی آذربایجان و قصبه ترک زادگاهش که مرکز محال گرمرود میانه است عزیمت و در آنجا سکونت نموده و به خدمات دینی از امامت و تفسیر قرآن و معارف اسلام و ترویج دین و درس اخلاق پرداخته و خدمات شایانی نموده و در اواخر ۱۳۷۸ قمری به قم آمده و در حوزه به تدریس خارج اصول و تفسیر و معارف اسلامی اشتغال یافته است.

آثار علمی ایشان از این قرار است

۱- تفسیر آیات الاحکام

۲- بدایع الکلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره معارف اسلامی تا آخر معاد (مخطوط).

۴- تفسیر قرآن از اول تا سوره نساء و از سوره مزمل تا آخر قرآن.

۵- یکدوره تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی (مخطوط).

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مفسر. در ترک از توابع میانه آذربایجان به دنیا آمد. در همان جا ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را در محضر سید واسع کاظمی ترکی، که از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود، فراگرفت. در ۱۳۴۹ ق به مشهد رفت و در سطوح عالی نزد آیت‌اللَّه شیخ هاشم قزوینی و در فلسفه و کلام نزد آیت‌اللَّه شیخ مجتبی قزوینی و در درس خارج نزد زعیم حوزه‌ی علمیه مشهد، آیت‌اللَّه میرزا محمد آقازاده‌ی خراسانی، تلمذ کرد. او همچنین یک دوره اصول فقه و یک دوره‌ی کامل اصول عقاید و معارف اسلامی را از محضر آیت‌اللَّه میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نمود و از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد و نقل حدیث نایل آمد، اجازه‌ای که آیت‌اللَّه حجت کوه کمری نیز آن را تأیید کرد. او از معتقدان به مکتب تفکیک محسوب می‌شد. بعدها در قم مورد توجه آیت‌اللَّه بروجردی قرار گرفت و پس از سکونت در آنجا عهده‌دار تدریس خارج اصول و تعلیم تفسیر و معارف اسلامی گردید. او در طول عمر خویش تلاش بسیاری برای کمک به محرومان و اقدامات زیادی در امور عام المنفعه نمود. از آثارش: «بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»؛ تفسیر «فاتحهٔ الکتاب»؛ «مناهج البیان»، در تفسیر قرآن؛ «تفسیر القرآن الکریم»؛ «الرشاد»، در توحید و معاد؛ دوره‌ی کامل درس «اصول» آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی اصفهانی؛ رساله در «حبط و تکفیر»؛ رساله در «خمس».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۴۱ -۴۰).

ملکی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا باقر ترکی ملکی میانجی عالمی عامل و فاضلی کامل و مفسری بصیر و محدثی خبیر و از اوتاد و اخیار علماء حوزه علمیه قم است تولدش در میانه واقع شده و به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سالها در حوزه علمیه خراسان به تحصیل و تکمیل مبانی علوم پرداخته آنگاه در حیات مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه به قم آمده و رحل اقامت افکنده و چندین سال از محضر آن علامه بزرگوار و بعد آیت‌الله العظمی شریعتمداری ایده‌الله استفاده نموده و به تدریس فقه و تفسیر پرداخته و عده‌ای از فضلاء و محصلین قم را از بیانات دقیقه و اخلاق حمیده بهره‌مند می‌سازد.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندشان جناب ثقه‌الاسلام و مصباح الظلام آقای آقا میرزا صادق ملکی داماد آیت‌الله حاج شیخ راضی نجفی تبریزی از فضلاء آراسته موصوف به فضل و تقوا است سالها در مشهد و قم از محضر بزرگان و آیات عظام استفاده کرده و برای تبلیغ به خارج کشور بحرین و قطر و غیره مسافرت و انجام وظیفه نموده و اکنون رحل اقامت به تهران افکنده و به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملکیان، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر ملکیان

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۹/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمـد باقر ملکیان متولد ۱۳۴۲ در شـش سالگی ۱۳۴۸ وارد دبسـتان شـده و پنج سال ابتدایی را در مدرسه ملی شـهرمان با رتبه اول به اتمام رساندم. سه سال راهنمایی را هم در شـهر محل تولد با رتبه اول تمام کردم. تابستان ۱۳۵۶ به قم آمده و در مدرسه حقـانی سـابق کـه زیر نظر «آیـت الله شـهید قدوسـی» و «شـهید بهشـتی» اداره می شـد؛ ثبـت نـام کردم. در امتحـان ورودی ام کـه از متقاضیان گرفته شد؛ رتبه اول شدم و سال اول طلبگی را در آن مدرسه بودم.

از سال بعد از مدرسه خارج شدم و زیر نظر اخوی خویش که از طلاب فاضل شـهر رضایی است به تحصیل ادامه دادم. ادبیات عرب را به صورت آزاد در نزد اخوی آقای طالقانی و بعضـی دیگر خوانـدم. معالم الاصول را نزد اخوی خوانـده و المنطق مرحوم مظفر را پیش اسـتاد نجفی از فضـلای طلاب شـهر رضایی که دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی هم شدند به اتمام رساندم . لمعه را نزد مدرسـین مختلف از جمله: «آیت الله حـاج شـیخ علی پناه اشـتهاردی»، «آقای بادکوبه ای» و «حجهٔالاسـلام فیاضـی» و نیز بعضـی کتابها را نزد اخوی ام خواندم. رسائل را به طور کامل در نزد حجهٔالاسـلام فیاضـی خواندم. حلقات شـهید صدر را نزد اخوی (حلقه اولی و ثانیه) و نزد حجهٔالاسلام اعرافی که امروز رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی می باشد (حلقه ثالثه) را خواندم.

همزمان با خواندن دروس حوزوی در اواخر سال تحصـیلی ۵۹ – ۱۳۵۸ برنامه ای فشـرده در موسسه در راه حق زیر نظر استاد مصباح یزدی در مورد بررسـی و نقد مارکسیسم را گذراندم. با توجه به شرایط زمانی آن سالها این درسها بسیار با اهمیت بود. بعداً امتحان گرفته شد و قبول شده های در آن امتحان در موسسه در راه حق گروه آموزشی جدیدی را تشکیل دادند.

از مهر ۱۳۵۹ به مـدت پنج، شـش سال دروس زیادی در برنامه موسـسه در راه حق در کنار فقه و اصول حوزه می خواندیم از جمله: «اقتصادنا و فلسـفتنا شهید صدر، چند واحد علوم سیاسی، چند واحد جامعه شناسی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، انگلیسی (به مقدار بسـیار زیاد)، فلسـفه مرسوم از جمله بدایهٔالحکمه، نهایهٔالحکمه، سلسـله مباحث فلسـفه شبیه درس خارج فلسـفه (اسـتاد مصـباح)، دو واحد حقوق، چند واحد معرفت شناسـی و ... . این درسـها تا چند سال در موسسه در راه حق و بعداً در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السـلام) زیر نظر اسـتاد مصـباح ادامه یافت. بعدها با ارائه واحدهای درسی و در سال حدود ۱۳۶۸ به بعـد تدریس دروس مختلف را شروع کردم: ادبیات عرب، اصول الفقه، فقه، منطق، فلسفه، کلام، منطق، زبان انگلیسی و ... درس می دادم.

در سال ۱۳۷۹ در دوره دکتری تربیت مـدرس شـرکت کردم و در کنکور آن رتبه اول شـدم. حالا هم پایان نامه را نوشـته ام و پیش دفاع هم کرده ام و به زودی بایـد دفاع کنم. از سال ۱۳۷۷ هم عضو هیات علمی موسـسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بوده ام و در این موسسه درس اشارات، نهایهٔالحکمه و انگلیسی تخصصی و بعضی کتابهای دیگر را تدریس داشته ام.

بعضـی از رساله های طلاب را مشاوره و یا داوری کرده ام. در موسـسه آموزشـی و پژوهشی امام خمینی (ره) هم بعضی رساله ها را مشاوره و یا داوری کرده ام. تابستانها حدود ۸ سال برای دانشجویان برنامه ای با نام «طرح ولایت» اجرا می شد که من در آن برنامه درسـهای: معرفت شناسـی، فلسـفه اخلاق، منطق و خداشناسـی فلسـفی را مکرراً تـدریس کرده ام. در مدارس طلبگی هم گاهی این مواد را تدریس می کنم.

ملیحی هروی، ابوعمر عبدالواحد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، محدث، مسـند و ادیب. مسند هرات بود. اصلش از ملیح از قرای هرات است. از ابومحمد مخلدی و ابوحسین خفاف و عبدالرحمان بن ابوشـریح و محمد بن محمد بن سمعان نیشابوری و ابوحامد احمد بن عبداللّه نعیمی و جماعتی دیگر حدیث شنید. او «صـحیح» بخـاری را زا ابوحامـد نیمی روایت کردهانـد. ابومحمـد بغوی و خلف بن عطاء ماوردی و اسـماعیل بن منصور مقری و محمد بن اسـماعیل فضـیلی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در «شذرات الذهب» نام او به اشتباه ملیجی، منتسب به ملیج مصر، ذکر شده است. از آثارش: «الرد علی ابی‌عبید فی غریب القرآن»؛ «الروضهٔ»، شامل هزار حدیث صحیح، هزار حدیث غریب، هزار حکایت و هزار بیت شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۳/ ۴)، انساب سمعانی (۳۸۳/ ۵)، تذکرهٔ الحفاظ (۱۱۳۱/ ۳)، روضات الجنات (۱۶۲ –۱۶۱/ ۵)، ریحانه (۳۶۳ –۳۶۲/ ۶)، سـیر النبلاء (۲۵۶ –۲۵۵/ ۱۸)، شـذرات الذهب (۳۱۴/ ۳)، العبر (۳۱۵/ ۲)، کشـف الظنون (۱۲۰۴ ،۹۳۱)، معجم البلدان (۲۲۷/ ۵)، معجم المؤلفین (۲۰۵/ ۶)، هدیهٔ العارفین (۶۳۴/ ۱).

ممدوحی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تولـد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متـدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتـدا بـا مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شـرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شـرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مـدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سـطح، به درس خارج اسـتادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصـیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصـی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با اسـتادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشـته باشـد. همچنیـن در دروس اخلاق آن روزگـار شـرکت ویژه داشـت و از ایـن رهگـذر، بـه تهـذیب نفس و کسـب ملکـات فاضـله می‌پرداخت. او در این سالهـا، از تـدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تـدریس فرمود. اسـتادان و دوسـتان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصـیل خود، محضـر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شـرح لمعه را نزد «آیت‌الله سـتوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفـایه را خـدمت «آیت الله سـلطانی» فرا گرفت. بـا اتمـام دورهٔ سـطح و ورود به درس خـارج، در درس فقه مرحـوم «محقق دامـاد» شـرکت کرد و مـدت چهـارده سـال بـه درس آیـت‌الله العظمی گلپایگـانی (ره) رفـت و تـا دو سـال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضـر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممـدوحی در سالهای تحصـیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسـفار علامه عظیم الشأن سـید محمد حسـین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

بـا رحلـت علامـه طباطبـایی، در درس اسـفار و فصـوص الحکـم «آیـت‌الله جـوادی آملی» شـرکت نمـود و بعـدها بـه درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضـر این دو عـالم بزرگـوار نیز به بهـترین وجه اسـتفاده می‌نمود. آیت‌الله ممـدوحی در سالهـای تحصـیل خـود بـا طلاـب و فضـلا مبـاحثه، مرافقت و دوسـتی داشت که از جمله آنـان به آیت‌الله سـید محسن خرازی، آیت‌الله رضـا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشـهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسـی فقهی و اصولی تا سـطح کفایـهٔ الاصول را تـدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسـیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تـدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تـدریس کتب بدایـهٔ الحکمـهٔ و نهایـهٔ الحکمهٔ علامه طباطبایی، شـرح اشارات ابن سـینا و شـرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شـریف توحید صدوق با روش کارشـناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسـلام ارزانی داشـته است که از آن میان می‌توان به شـرح صـحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شـرح رسالـهٔ الولایـهٔ علامـه طباطبـایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسـی، انسان و جهان در شـناخت مکتب اسـلام، اجتهـاد و تقلیـد، حکمت حکومت فقیه و شـرح رسالـهٔ الوجود کـاشف الغطـاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شـهرهای گوناگون به سـخنرانی و تبلیغ مبانی اسـلام و شـیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شـده است. فعالیتهای سیاسـی: آیت‌الله ممـدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خانـدان پهلوی از هیچ تلاشـی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدیـد قرار گرفت. او همکـاری خود بـا جـامعه مدرسـین حوزه علمیه قم را از همـان سالهـا آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسـجم می‌پرداخت. او در اماکن و شـهرهای گوناگون سـخنرانیهای تنـدی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دسـتگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شـناخت هجمه‌های فرهنگی و ضـرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شـبهه‌های مارکسـیسم و کمونیسم به تلاش برای آشـنایی جوانـان بـا مبـانی اسـلام و نقـد دیـدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممـدوحی پس از انقلاب نیز به حمـایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مـدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تـدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشـتغال دارد و چند سالی اسـت که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شـرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تـدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چنـدین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تـدریس خود داشـته ام. بـا اضافه تعلیقه و حواشـی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصـیل علوم عقلی (کلام، فلسـفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسـفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیـده و سپس به تـدریس جملگی آنها پرداختم و با تـدریس و شـرح و حواشـی و تعلیقه شاگردان توان منـدی را بحمـدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشـته ایم که

خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالهٔ الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

تصویر بزرگتر

آدرس اینترنتی

پست الکترونیکی : myname@site.com

بستن[X]زندگینامه علمی

تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دورهٔ سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشأن سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد. با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایهٔ الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایهٔ الحکمهٔ و نهایهٔ الحکمهٔ علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی

در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالهٔ الولایهٔ علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالهٔ الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآهٔ العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالهٔ الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

مناقبی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای دکتر حاج شیخ جواد بن العالم الجلیل و المحدث النبیل المرحوم الحاج شیخ محمد النوائی المناقبی که به چند واسطه به علامه الکبری والایه العظمی صاحب تالیفات قیمه الشیخ محمد بن ابن شهرآشوب ساروی صاحب مناقب (ابن شهرآشوب) می‌رسد و از این جهت شهرت به مناقبی یافته است

از مشاهیر وعاظ و معاریف- خطباء- معاصر تهران و از ثمرات مفیده و ارزنده حوزه علمیه قم و دارای مقام فضل و کمال و علم و جلال و صاحب حسب و نسب که شهرت و آوازه‌اش به تمام ایران و خارج رسیده و مورد غبطه و محسود بعضی از اقران گردیده است.

دکتر مناقبی در سال ۱۳۵۰ ق در تهران متولد شده و پس از دروس جدید مقدمات و ادبیات و فقه و اصول و فلسفه را نزد اساتید بزرگ تهران آموخته

آنگاه مهاجرت به قم نموده و در مدرسه فیضیه سکونت و از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی و آیات دیگر استفاده نموده و دروس معقول فلسفه و حکمت و تفسیر را از علامه‌ی بزرگوار آیت‌الله طباطبائی قاضی (پدر خانواده خود) آموخته و به درس خارج زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی و بعضی از آیات دیگر شرکت کرده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده آنگاه به تهران مراجعت و در دانشکده وارد و در مدت کوتاهی به دریافت دکترا نائل و برای استادی و تدریس درد در دانشکده الهیات دعوت شده است.

مولف گوید: حقیر از روزی که دکتر مناقبی واعظ را دیده و شناخته‌ام وی را مبرا از آلودگی‌های اخلاقی و واجد ملکات فاضله و اخلاق حمیده یافته‌ام. بیانی صریح و شیرین و منبری جامع و مفید و آموزنده و همه‌پسند دارد.

بسیاری از جوانان منحرف در اثر بیانات وی به راه آمده و پایبند دین و آئین گردیده‌اند.

دارای آثار علمی در فقه و اصول و معقول از تقریرات و دراسات اساتید قم (به قرار ذیل) می‌باشد.

۱- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی.

۲- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی محقق داماد.

۳- جزوات تفسیر علامه طباطبائی دام ظله.

۴- مقالات آموزنده انتقادی و اخلاقی توسط انجمن خدمات اسلامی به طبع رسیده و در سطح وسیعی منتشر می‌شود.

مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ محمد نوائی از محترمین اهل منبر تهران و موصوف به فضل و تقوا بوده و در خیابان مولوی تهران سکونت داشتند و عمری به پاکی خدمت به شرع مقدس نموده و به سهم خود ایفاء وظیفه نموده‌اند و کافی است در فضل و فخروی که فرزند برومند و دانشمندی چون حجه‌الاسلام و واعظ گرامی آقای حاج شیخ جواد مناقبی دارند که روحانیت و حوزه علمیه قم به او مفتخر و مباهی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

منتجب نیا، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول منتجب نیا

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۴/۲۲

زندگینامه علمی

رسول منتجب نیا مشهور به «منتجب» متولد ۲۲ تیرماه ۱۳۲۴ شمسی در شیراز در خانواده ای مذهبی و از نظر اقتصادی در سطح متوسط رشد و نمو نمود. وی پس از پایان مقطع ابتدایی همزمان با خواندن دروس دبیرستانی وارد حوزه علمیه شیراز شد و حدود ۲/۵ سال در مدارس آقا بابخان مقیمه و امامزاده ابراهیم شیراز نزد اساتید و علماء معروف تا بخشی از شرح لمعه شهیدین، تلمذ کرد و در سال ۴۴ به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و ما بقی دروس سطح را تا پایان مکاسب شیخ انصاری و کفاتین آخوند خراسانی نزد مدرسان بزرگ قم چون حضرات آیات آقایان: «خزعلی»، «نوری همدانی»، «فاضل لنکرانی»، «جعفر سبحانی» و «مکارم شیرازی» به اتمام رساند و جمعا طی ۴/۵ سال کلیه کتابها و دروس سطح را نزد اساتید تلمذ نمود و سرانجام در امتحان عمومی حوزه علمیه قم شرکت و موفقیت خوبی کسب کرد.

از سال ۴۶ وارد دوره درس خارج فقه و اصول گردید و حدود ۹ سال شرکت در درس اساتید بزرگی از قبیل آیات عظام: «نجفی مرعشی»، «مکارم شیرازی»، «آقا مرتضی حائری یزدی»، «محقق داماد»، «اراکی»، «هاشم آملی» و «وحید خراسانی» موفق به رسیدن به مرتبه اجتهاد شد و علاوه بر شرکت در امتحان خارج مدیریت حوزه و کسب موفقیت از سه تن از مراجع عظیم الشان اجازه اجتهاد دریافت نمود. او همزمان با تدریس و تلمذ در مکتب اساتید بزرگ همواره به تدریس طلاب اشتغال داشت.

فلسفه اسلامی «منظومه حاج ملاهادی سبزواری» و بخشی از اسفار اربعه «صدرالمتالهین» را نزد اساتید عالیقدر چون حضرات آیات: آقای یحیی انصاری شیرازی، آقای مفتح و آقای مطهری تلمذ کرد. وی در سال ۷۰ با شرکت در امتحانات عمومی و تخصصی وزارت علوم تحقیقات و فن آوری «خبرگان بدون مدرک» و کسب موفقیت در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، در سال ۸۲ پس از توفیق در امتحان دکترای تخصصی با موفقیت هیئت ممیزی مرکزی، نسبت به تهیه رساله دکتری تحت عنوان «خیار تبعضی صفقه در معاملات معاوضی» اقدام و در سال ۸۴ با طرح و دفاع آن نزد داوران هیئت ممیزی موفق به اخذ مدرک دکتری «استاد یاری» در فقه و اصول گردید. وی از سال ۷۴ به عضویت رسمی هیئت علمی دانشگاه شاهد در آمد و هم اکنون مدیریت گروه فقه و اصول آن دانشگاه را بر عهده دارد.

سوابق مبارزاتی:

او از سال ۴۰ با افکار و اندیشه های انقلابی امام خمینی (ره) آشنا شد و همواره در جلسات انقلابیون شیراز چون حضرات آیات: دستغیب و محلاتی شرکت می کرد و در راهپیمایی عظیم ۱۵ خرداد ۴۲ شیراز حضور فعال داشت. و پس از آن همچنان در جرگه طلاب انقلابی و مبارز قلمداد می شد و بدین جهت بارها به ساواک و شهربانی شیراز، فیروزآباد، داراب و قم احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفت.

از سال ۵۵ به دستور وکیل تام الاختیار امام خمینی (ره) مرحوم حاج پسندیده به شهر خمین زادگاه امام مهاجرت کرد و بلافاصله نماز جمعه را با شمشیر برهنه اقامه کرد و آن شهر را به صورت کانون انقلاب و تجمع و هدایت نیروهای انقلابی شهرستانها و استانهای مجاور در آورد. بارها او را دستگیر کرده و به زندان خمین و اراک انداختند و نیز او را ممنوع المنبر نموده و به تبعید به یکی از نقاط دور دست کشور محکوم کردند و سرانجام در اوائل سال ۵۷ یکی از ماموران ساواک را جهت ترور و انتقال او به خمین اعزام کردند که در یک اقدام تروریستی یکی از روحانیون قم را به جای او هدف گلوله قرار داد.

با کشف این توطئه، حدود ۵ ماه متواری و مخفی بود و در عین حال با لباس مبدل و نام مستعار در تهران و شیراز به سخنرانی و اداره جلسات توجیهی و آموزشی نیروهای انقلاب می پرداخت و پس از قیام یکپارچه مردم خمین و تحصن چند شبانه روز جلوی

فرمانـدرای، رژیم شـاه ناچـار به تسـلیم در برابر مردم و موافقت بـا بـازگشت او به خمین گردیـد. او تـا پیروزی انقلاـب در خمین به هدایت انقلابیون و مدیریت جریان انقلاب پرداخت.

در سال ۵۷ در کنار سایر علماء و انقلابیون در تحصن دانشگاه تهران شرکت داشت و در مراسم استقبال از حضرت امام (ره) با جمع عظیمی از مردم خمین حضور یـافت. پس از پیروزی انقلاـب اسـلامی تـا اواخر سـال ۵۸، مسـئولیت عـالی نهادها و جریانات انقلابی منطقه را عهـده دار بود و نمـاز جمعه را همچنـان اقـامه می کرد، و بـا کسب اجازه از امام خمینی (ره) به قم مراجعت کرد. و پس از کمتر از یکماه اقامت به دسـتور امام به پایگاه وحـدتی دزفول جهت اقامه نماز جمعه، مـدیریت امور فرهنگی و قایی نیروهای مسـلح منطقه عزیمت نمود. او از اواخر ۵۸ تا اوایل سال ۶۰ در آن منطقه انجام وظیفه کرد و در آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال و مؤثر در امور مختلف جنگ داشت و پس از اختلاف شدید او با بنی صدر به تهران مراجعت نمود.

مسئولیتهای او:

علاوه بر نمایندگی حضـرت امام (ره) در خمین و دزفول، پس از واقعه دردناک ۷ تیر به دعوت مردم اندیمشک و شوش کاندیدای نماینـدگی مردم آن منطقه در مجلس شـد و بدین ترتیب دوره اول مجلس را به انجام وظیفه نمایندگی آن مردم جنگ زده و مظلوم پرداخت. برای دوره دوم نمایندگی به دعوت علماء، نخبگان و مردم شیراز کاندیدای زادگاه خود شد و دوره دوم و سوم را به انجام وظیفه نماینـدگی مجلس پرداخت. او در دوران دفاع مقدس مسـئولیتهای مهمی از امور جنگ چون: ریاست کمیسـیون امور دفاعی، مسـئولیت دفتر مشاورت حضـرت امام (ره) در منطقه خلیـج فارس، قائم مقام سـتاد قرارگاه خاتم و سـتاد کل پدافنـد و ... را بر عهده داشت.

سال ۶۷ به حکم حضـرت امـام خمینی (ره) به نماینـدگی ایشـان در شـهربانی کل کشور منصوب گردیـد که تا سال ۷۰ یعنی زمان ادغام نیروهای انتظامی این وظیفه را از سوی مقام معظم رهبری عهده دار بود و در سال ۶۸ به نمایندگی ولی فقیه در انجمن اسلامی معلمـان ایران منصـوب شـد. و در دورا ن ریـاست جمهـوری حجت الاسـلام و المسـلمین آقـای خـاتمی، سـمت مشـاورت ریاست جمهوری را بر عهده داشت.

فعالیت سیاسی و تشکیلاتی:

او از آغاز حزب جمهوری اسلامی به عضویت آن تشکل در آمد و سپس در کنگره اول حزب به عنوان عضو ذخیره شورای مرکزی حزب انتخاب شـد و علاوه بر آن مسـئولیت واحد روحانیت حزب به او واگذار گردید. در سال ۶۶ و آغاز تشکیل مجمع روحانیون مبـارز به عضویت هیئت مؤسـس و شورای مرکزی آن تشـکیلات در آمـد. و از ابتـدای تاسیس حزب اعتماد ملی، تاکنون به عنوان عضو هیئت مؤسس و شورای مرکزی و قائم مقام دبیر کل حزب، به وظایف تشکیلاتی خود می پردازد.

فعالیت های فرهنگی:

وی حدود ۴۰ سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه و دانشگاههای کشور را دارد و طی دوران تحصیل، مبارزه، مسئولیت خود تا امروز همواره به فعـالیت فرهنگی تبلیغی ادامه داده و به تربیت جوانـان می پردازد، پایگـاه فعـالیت فرهنگی او عمـدتا در مسـجد امام جعفر صادق (ع) و واحدهای مختلف تابعه آن و نیز در سطح جامعه و به ویژه دانشگاههای کشور متمرکز می باشد.

فعالیت های تحقیقی و پژوهشی منتجب نیا:

او تـاکنون کتابهـای: (اصـول فقه و مبـانی حقـوق اسـلام)، (جمـال شـریعت) و (خـاطرات انقلاـب) را تـالیف و منتشـر نموده است و کتابهای: (خرافه ستیزی) و (آموزه های وحیانی) و رساله دکترای تخصصـی او زیر چاپ می باشـد و چنـد کتاب دیگر او در دست تالیف است. وی مقالات علمی پژوهشـی متعددی را تهیه و تالیف و در مجلات علمی پژوهشـی و یا اجتماعی منتشر کرده و بسیاری از مقالات او در کنگره بین المللی و یا سراسـری کشور قرائت شـده است و هم اکنون چند طرح پژوهشـی کارساز و ارزشـمند را در دست اجرا دارد.

منتظر قائم، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی منتظر قائم

محل تولد : فردوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

الف) دورس حوزوی

تابستان ۱۳۵۱ برای یادگیری عربی به سـبک حوزوی وارد مـدرسه مصـلی (حوزه علمیه یزد) شدم و آبان همان سال به قم آمدم. در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) به تحصـیل مشـغول شدم. تحصیل را تا پایان سال تحصیلی ۵۷ ـ ۵۶ ادامه دادم و اوایل سال تحصـیلی ۵۸ ـ ۵۷ بـا تعطیلی مـدرسه حقـانی به امور دیگر پرداختم. آبـان سال ۱۳۶۱ به حـوزه علمیه قم برگشـتم و به تحصـیل دروس سـطح

پرداختم.

از سال تحصیلی ۶۲ ـ ۱۳۶۱ تا پایان سال تحصیلی ۶۶ ـ ۱۳۶۵ به تحصیل شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه پرداختم. از سال تحصیلی ۶۶ ـ ۱۳۶۵ درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و تا سال ۷۴ ـ ۱۳۷۳ ادامه دادم. از سال ۷۱ ـ ۱۳۷۰ تدریس در دانشگاه را شروع کردم و تاکنون ادامه دارد. چند سال نیز در «جامعهٔ الزهراء» و «دانشکده هدی» تدریس کردم.

ب) دروس کلاسیک

دوره شش ساله دبستان (نظام قدیم) را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی رمضانی (از سال تحصیلی ۴۴ ـ ۱۳۴۳ تا آخر سال تحصیلی ۴۹ ـ ۱۳۴۸) گذراندم. دو سال اول دبیرستان را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی «مروج» از سال تحصیلی ۵۰ ـ ۱۳۴۹ تا آخر سال تحصیلی ۵۱ ـ ۱۳۵۰ بودم. سال سوم تا ششم دبیرستان (نظام قدیم) ۵۳ ـ ۱۳۵۲ تا آخر سال تحصیلی ۵۷ ـ ۱۳۵۶ در قم به صورت متفرقه در رشته ادبی خواندم.

در سال ۵۸ ـ ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته «فلسفه غرب» قبول شدم و بهمن ۱۳۶۴ با معدل ۳/۱۸ فارغ التحصیل شدم. در سال ۶۸ ـ ۱۳۶۷ در رشته «الهیات و معارف اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در شهریور ۱۳۷۱ با معدل ۶۵/۱۷ مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه قم گرفتم. پایان‌نامه‌ام ترجمه بخشی از کتاب J.L.mak با عنوان: «The miracle of theilm» بود که با نمره ۱۹ پذیرفته شد. زمستان سال ۱۳۸۴ در امتحان زبان عمومی و اردیبهشت سال بعد در بقیه امتحان‌های رشته «فقه و مبانی حقوق» دانشکده الهیات دانشگاه تهران در مقطع دکتری شرکت کردم و قبول شدم و از سال ۸۵ تاکنون به تحصیل مشغولم.

ج) تدریس

تدریس در دانشگاه را از سال تحصیلی ۷۱ ـ ۱۳۷۰ در دانشگاه علامه شروع کردم. سال بعد در دانشگاه تربیت معلم درس گرفتم. از سال ۷۳ ـ ۱۳۷۲ تدریس در دانشکده «علوم قضایی و خدمات اداری» را شروع کردم. سال ۱۳۷۴ عضوت هیأت علمی این دانشکده شدم و با رتبه مربی تاکنون مشغول تدریسم. در طول این مدت، چندین سال در جامعهٔ الزهراء و دانشکده هدی دانشگاه قم نیز تدریس داشته‌ام.

منتظرقائم، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۳۳۲، فردوس.

درگذشت: ۲۱ شهریور ۱۳۶۴.

حسن منتظرقائم در شش سالگی به ترک اجباری زادگاهش مجبور شد و به همراه خانواده به یکی از روستاهای اطراف یزد کوچید. در ده سالگی در جریان نهضت پانزده خرداد قرار گرفت و از هان زمان وارد عرصه‌ی سیاست شد. در هفده سالگی به زندان افتاد. پس از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۳ «کیهان فرهنگی» را به صورت ضمیمه‌ی روزنامه‌ی «کیهان» منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منتظری مقدم، حامد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حامد منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حامد منتظری مقدم متولد شهر مقدس قم در سال ۱۳۴۹؛ تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستاهای عارفی و حایری و مدرسه راهنمایی قطب راوندی (شهرقم) گذراندم.عموماً دانش آموز ممتاز بودم و به خوبی آموختم که برای موفقیت در تحصیل باید بسیار زحمت کشید و درس خواند.

در سال ۱۳۶۵، پس از کسب قبولی در سال اول دبیرستان رشته علوم تجربی از دبیرستان انصراف دادم و وارد حوزه علمیه قم شدم. آمدنم به حوزه، هم متاثر از فضای مذهبی قم بود و هم بدین جهت بود که در اساس، خاندان و خویشان من اهل علم هستند و در کسوت روحانیت.

در تحصیلات حوزوی از محضر استادان بسیار ارجمندی بهره مند شدم؛ در مقطع ادبیات، استادان: زیبایی نژاد، عرفان و علیدوست. در مقطع سطح، استادان: قاضی زاده، اشتهاردی، پایانی، وجدانی، محامی، نکونام، حسینی بوشهری و محمدی. درس خارج، استاد

علامه «جوادی آملی» (ذکر اساتید در اینجا، به ترتیب استفاده از محضرشان بوده است).

تحصیلات حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه آغاز کردم. در آن دوران، در آن مدرسه در اجرای مقررات سخت گیری نمی شد و طلاب در یک فضای پر نشاط رشد می کردند؛ چنان که به ابتکار و اهتمام برخی از دوستان در تابستان ها، اردوهای بسیار مفید علمی برگزار می شد که هم درس بود و هم ... .

در همان مدرسه، دوستان بسیار عزیزی یافتم؛ درس خوان و با تقوی و متعهد. بیشتر از همه، هم مباحثه عزیزم جناب آقای دکتر «محمد جواد توکلی» که تا پایان سطح با هم بودیم و بعداً رشته های تخصصی مان از هم جدا شد، من مسیر «تاریخ» را در پیش گرفتم و او در «اقتصاد» به راه افتاد و اکنون در کشور هلند، مشغول به تدوین پایان نامه دکتری است.

مسیر زندگی تحصیلی ام چنین بود که در کنار فراگیری علوم حوزوی، به طور آزاد، مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰ در رشته «فرهنگ و ادب» دیپلم گرفتم. همچنین در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شدم. بخش آموزش آن موسسه، بعدا در قالب موسسه ای جدید التاسیس به نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به ریاست حضرت استاد علامه «مصباح یزدی» تداوم یافت و من از همین موسسه جدید در سال ۱۳۷۳ مدرک کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» را اخذ کردم.

سپس در سال ۱۳۷۴ فصل مهمی در زندگی علمی من گشوده شد و در موسسه یاد شده به تحصیل در رشته تخصصی «تاریخ»، مقطع کارشناسی ارشد پرداختم. در سال ۱۳۷۹ از مقطع اخیر فارغ التحصیل و همان سال در موسسه مزبور، در مقطع دکتری رشته «تاریخ اسلام» مشغول به تحصیل شدم. اکنون پس از گذراندن واحدهای آموزشی به تدوین پایان نامه دکتری اشتغال دارم.

هم زمان با تحصیل در رشته تاریخ، توفیق به انجام تدریس، تحقیق و تالیف نیز یافتم. در همکاری با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مجموعه تلویزیونی «تنهاترین سردار» را نقد کردم. همچنین حدود ۲۰ مقاله علمی تالیف کردم. افزون بر این، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را پس از تکمیل، با عنوان: «بررسی تاریخ صلح های پیامبر (ص)» در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رساندم که این کتاب، در جشنواره دانشجویی ۱۳۸۴ ممتاز شناخته شد.

افزون بر این، در همکاری با بخش آموزش موسسه امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی و نیز برخی از دانشگاه ها به تدریس در حوزه های «تاریخ اسلام»، «تاریخ تشیع» و «تاریخ ایران اسلامی» (بالغ بر شصت واحد تدریس) اشتغال داشته ام. اکنون عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و عضو هیئت تحریره فصلنامه «تاریخ در آیینه پژوهش» هستم.

منتظری مقدم، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمود منتظری مقدم در چهاردهم فروردین ۱۳۴۵ از پدری فاضل و دانشمند حجهٔالاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد صادق منتظری زنجانی (همشیره زاده مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی قدس سره) و مادری نیکوکار و زاهد (صبیه مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالحسین لنکرانی قدس سره) در شهر مقدس قم به دنیا آمد. وی در خانواده روحانی و ظلم ستیز تربیت یافت که افتخار تقدیم سه شهید را به آرمانهای انقلاب اسلامی با خود دارد: «جهادگر شهید رضا منتظری (برادر)، روحانی شهید حجهٔالاسلام و المسلمین کاظم منتظری (عمو)، انقلابی شهید محمد تقی منتظری (عمو). تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس ممتاز قم (رزاقپور، دین و دانش، حکیم نظامی «امام صادق علیه السلام» سپری کرد.

در سال تحصیلی ۶۱ – ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شد و در طول تقریبا ۷ سال تحصیلات مقدماتی، سطح و سطح عالی را سپری کرد و در آزمون پایانی سطح عالی موفق به کسب رتبه نخست شد. مهمترین استادان وی در دوره تحصیلات سطح عبارت اند از: حضرات آقایان «حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید مهدی میرباقری»، «مرحوم آیت الله آقای حاج مصلحی» و «آیت الله آقای حاج سید علی محقق» می باشد. پس از اتمام سطح عالی در یک دوره ده ساله دروس اجتهادی خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام: «مرحوم آقای حاج میرزا جواد تبریزی قدس سره»، «حاج آقا موسی شبیری زنجانی مدظله العالی» و «آقای وحید خراسانی مدظله» استفاده نمود.

در سال ۶۹ با دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم پس از موفقیت در آزمون مدرسی به عنوان استاد دروس سطح به مراکز آموزشی معرفی شد و از آن زمان تا به امروز یکی از استادان موفق حوزه علمیه قم به شمار می آید و ایشان در سال ۷۵ به عنوان استاد نمونه تدریس منطق انتخاب و معرفی شدند. هم زمان با دروس حوزوی دروس آموزش عمومی موسسه در راه حق را زیر نظراستاد «آیت الله آقای مصباح یزدی» به مدت ۵ سال گذراند و سپس به تحصیل تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» (به مدت ۲ سال) و «فلسفه اسلامی» به مدت ۵ سال پرداخت.

لازم به ذکر است که این بنیاد بعدها به عنوان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به کار خود ادامه داد. مهمترین استادان

وی در فلسفه اسلامی عبارتند از: «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح یزدی» و «حجهٔالاسلام و المسلمین جناب فیاضی». با تاسیس مدرسه تخصصی فقهی از سوی «حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی» به نام مدرسه فقهی باقرالعلوم (علیه السلام) از سوی معظم له به عنوان مدیر منصوب شدند. (به مدت ۴ سال) و اکنون به عنوان عضو شورای آموزشی به انجام وظیفه هستند.

پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و واگذاری مسئولیت کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از سوی این نهاد مقدس برای تدریس در دانشگاه ها دعوت به همکاری شدند و پس از موفقیت در آزمونهای مربوط در گرایشهای: (مبانی نظری اسلام، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن و اخلاق و متون اسلامی) مجوز تدریس دائم را در تمام رشته های مذکور دریافت کردند که پس از آن به مدت تقریبا ۱۴ سال با رتبه استاد یاری اشتغال به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه تهران دارند.

لازم به ذکر است مقارن با تحصیلات حوزوی دروس دانشگاهی را نیز تا پایان کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) ادامه دادند و با امتیاز عالی از رساله پایان نامه خود با عنوان: «طرحی نو در بهره وری منطق» دفاع کردند. مهمترین اشتغال فعلی ایشان به ترتیب عبارت است از: تدریس، تألیف و تبلیغ می باشد.

منتظری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید منتظری در سال ۱۳۲۳ در خانواده گرانقدر و فقیه والا مقام آیت الله منتظری در نجف آباد اصفهان متولد شد. در سال ۱۳۳۷ وارد حوزه علمیه قم شد و علوم اسلامی در سطح خارج فقه و اصول و فلسفه را فرا گرفت. و در محضر اساتیدی مانند امام خمینی، آیت الله داماد، منتظری و مشکینی فرا گرفت. در سال های ۴۱ و ۴۲ همزمان با آغاز نهضت امام خمینی فعالیت های مبارزاتی خود را آغاز و تا پایان عمرش به حرکت در راستای ولایت فقیه ادامه داد. در سال ۴۴ در حین انتشار اعلامیه دستگیر شد پس از ۷ ماه زندان آزاد شد و در جریان یک رویارویی با ماموران رژیم گریخت و سپس به خارج رفت و تا ۱۰ سال زندگی مخفی را در خارج از کشور گذراند. وی در خارج از کشور نیز کارشان هماهنگی و همکاری همودن با رهبران کشورهای آزادیبخش جهان اسلام بود. و اما از همه سعادتمندانه تر اینکه امام خمینی پرونده ایشان را به خط خودشان امضاء و فرموده اند که ایشان انسانی متفکر و فداکار با اخلاص و ایثارگر بود. و سرانجام در هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ به دست منافقین کوردل در فاجعه حزب جمهوری به شهادت رسید.

منتظری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: بهمن ۱۳۲۳، نجف‌آباد.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمدعلی منتظری نجف‌آبادی درس و کار را توأما آغاز کرد. در ابتدا، برای امرار معاش و کمک به وضع مادی خانواده، اول در کار کشاورزی و سپس به عنوان کارگری ساده در یک کارگاه کوچک ریخته‌گری قاشق و چنگال، مشغول کار شد، گاه نیز به کار کشاورزی می‌پرداخت. از طرف دیگر توانست تا سیزده سالگی کلاس پنجم را به پایان برساند. سپس راهی مدرسه علمیه شد و به فراگیری علوم اسلامی در محضر استادانی چون آیت‌الله محقق داماد، آیت‌الله حسینعلی منتظری، آیت‌الله علی مشکینی اردبیلی، آیت‌الله جنتی، و بعدها امام خمینی (ره)، و دیگر اساتید حوزه علمیه قم و نجف پرداخت. وی عمده‌ی آموزش‌های خود را از آیت‌الله منتظری فراگرفت. به گونه‌ای که قسمت اعظمی از دروس خود، به ویژه دروس «سطح» و تا اندازه‌ای «خارج» را پیش پدرش آموخت. علاوه بر این علوم، همراه پدرش به مسافرت‌ها و دیدار با علما می‌رفت. وی همچنین با اقتصاد اسلامی آشنایی کامل یافت و در این رشته استاد گشت. وی در زمینه‌ی حکومت اسلامی هم مطالعاتی داشت. موضوع نخستین درسش برای طلاب در تابستان سال ۱۳۴۸، حکومت اسلامی بود و درس اقتصاد اسلامی را نیز در تابستان سال ۱۳۴۹ تا بهار سال ۱۳۵۰ تدریس می‌کرد.

حجت‌الاسلام منتظری از سال ۱۳۴۱ وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی گشت. در این سال از نوشتن اعلامیه شروع کرد و بعد به مسائل تشکیلاتی و ساختن افراد برای مبارزه پرداخت. در پانزده خرداد ۱۳۴۲ به پخش اعلامیه‌های گوناگون به وسیله دستگاهی ساده که خود ساخته بود، پرداخت. اولین بار در تهران هنگام شعار علیه رژیم در مجلسی، دستگیر شد و روانه زندان گردید. این بازداشت چندان دوام نیافت و به زودی آزاد گردید. وی پس از این مسافرت‌هایی به شهرستان‌ها به منظورهای تبلیغ سیاسی داشت، دسته‌های کوچکی از افراد جوان و متدین ایجاد کرد؛ و در عین حال شروع به خواندن زبان انگلیسی و مطالعه مکتب‌ها و نهضت‌ها و تحولات کشورهای دیگر پرداخت. وی در اول فروردین سال ۱۳۴۵ همراه عده‌ای از طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم، هنگام پخش اعلامیه‌های ضد رژیم در صحن حضرت معصومه (س) دستگیر و روانه بازداشتگاه شد. بعد از سه روز وی را تحویل زندان قزل قلعه دادند. وی

تا پانزده روز به شدت شکنجه شد و مدت سه سال در زندان به سر برد. در اواخر سال ۱۳۴۷ از زندان آزاد شد. به وی گفته بودند حق اقامت در شهر قم را ندارد. اما وی اهمیتی نداد و به قم رفت. از جمله فعالیت‌های این دوره وی این بود که در سال‌های ۱۳۴۹ – ۱۳۴۸ در با همکاری عده‌ای از جوانان نجف‌آباد کتابخانه‌ای سیار تأسیس کرد. او کلاس‌هایی برای طلاب جوان مدرسه‌ی علمیه‌ی نجف‌آباد ترتیب داد. اما ساواک هم مدرسه‌ی علمیه‌ی نجف‌آباد و هم کتابخانه‌ی موجود در آن را تعطیل نمود. کار کتابخانه سیار هم به تعطیلی کشید. در همان سال‌ها به تکثیر و توزیع اعلامیه‌های امام خمینی و دیگر علما مشغول بود. در این دوره همچنین به فکر فعالیت‌های تشکیلاتی و در پی انجام اقدامات مسلحانه بود. هنوز در این امر پیشرفتی نکرده بود که در سال ۱۳۵۰ شناسایی شد و مجبور به فرار گشت، به پاکستان و سپس به عراق و بعد کشورهای عربی و سپس به افغانستان و بعد از آن به اروپا رفت. و در این سفرها به افشاگری درباره‌ی رژیم می‌پرداخت. در پاکستان در شهر کویته بود. با شخصیت‌های پاکستانی ملاقات داشت، از جمله با مولانا ابوالاعلی مودودی در ارتباط بود. مسافرت‌هایی به افغانستان نیز داشت. پس از مدتی از کویت به کراچی رفت و با سازمان آزادی بخش فلسطین (فتح) در پاکستان آشنا شد. این آشنایی به برقراری رابطه‌ای محکم و طولانی انجامید. پس از دو سال سرگردانی در پاکستان و عراق سرانجام در سال ۱۳۵۲ به عراق رسید. در عراق، ضمن شرکت در درس امام خمینی (ع) به مبارزات خود ادامه داد. چون با اوضاع افغانستان آشنا بود، به جمع انقلابیون مسلمان افغانی پیوست، راهی افغانستان شد و به مبارزه خود در آنجا ادامه داد. مدتی نیز در زندان آن کشور بود.

حجت‌الاسلام محمد منتظری در عراق همراه عده‌ای از طلاب قسمتی از برنامه‌های فارسی رادیو بغداد را به دست گرفت و از آن علیه رژیم فعالیت می‌کرد. همچنین در عراق به مبارزان ایرانی تعلیمات چریکی آموزش می‌داد. با بهبود روابط ایران و عراق، راهی کشورهای دیگر عرب زبان شد. او با ابتکارات جالب به جعل گذرنامه می‌پرداخت. او در کشورهای خلیج فارس، عراق و سوریه و لبنان و افغانستان در حرکت بود و کتاب و نوار و نشریه پخش می‌نمود و به افراد آموزش‌های نظامی می‌داد. او بارها در عراق، لبنان، سوریه و کلیه کشورهای خلیج به زندان افتاد و شکنجه‌ها دید. ایشان در لبنان و سوریه در کنار رزمندگان فلسطینی قرار داشت و در دو جنگ لبنان شرکت داشت. انقلابیون منطقه به ایشان لقب «ابواحمد» داده بودند. وی همچنین تشکیلات «روحانیت مبارز خارج از کشور» را پایه‌ریزی کرد. در سال ۱۳۵۶ به هنگام شهادت فرزند امام خمینی، تظاهرات گسترده‌ای را در لندن برپا نمود. ضمنا در همان سال در بیروت به مناسبت چهلم فقدان دکتر علی شریعتی مجلس ختمی در بیروت برپا کرد. در تابستان ۱۳۵۶ در کلیسای سنت مری پاریس به یاری روحانیت و دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی خارج از کشور سمینار و تحصن بزرگی را شکل داد که در آن خواستار آن بودند که عده‌ای از زندانیان آزاد شوند.

در سال ۱۳۵۷ محمد به طور ناشناس به ایران آمد. سپس در دی ماه ۱۳۵۷ که همراه پدرش به دیدار امام خمینی به پاریس رفته بود، از طریق سوریه و عراق به کشور بازگشت. در ایران پس از انقلاب اسلامی به فعالیت پرداخت. او چون معتقد به فعالیت در سطح جهان بود، از همان بدو تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنامه‌ای برای تداوم فعالیت‌هایش داشت (تأسیس واحد نهضت‌های آزادی بخش). وی همچنین تشکیلاتی برای مسلمانان جهان تأسیس نمود به نام «سازمان انقلابی توده‌های جمهوری‌های اسلامی (ساتجا)» و خود رهبری آن را به عهده داشت. وی همچنین دست به انتشار نشریه‌ای به نام «شهید» زد که چهار شماره بیشتر منتشر نشد. سپس دست به انتشار روزنامه‌ای به نام «پیام شهید» زد که این هم چندان طولانی نکشید. سرانجام در دوم شهریور ماه ۱۳۵۸ دادستان انقلاب اسلامی آن زمان طی حکمی دستور توقیف این روزنامه را داد. وی دلیل این کار را کوشش در تضعیف دولت بیان کرد. وی برای کمک به مردم لبنان، دست به تشکیل سپاهی از جوانان زد و این گروه را پس از تعلیم آموزش‌های نظامی و جنگ‌های چریکی، برای جنگ با اسرائیل روانه جنوب لبنان ساخت. اعزام این افراد سر و صدای بسیاری در محافل داخل و خارج کرد. در لبنان مسئله ورود حجت‌الاسلام منتظری بسیار پر سر و صدا شد.

در جریان انتخابات اولین مجلس شورای اسلامی از نجف‌آباد نامزد انتخاباتی می‌شود و با آوردن ۹۵ درصد آرا به مجلس شورای اسلامی راه می‌یابد. در مجلس شورا عضو کمیسیون خارجه بود. و در هیئت بررسی شنکنجه در ایران نماینده‌ی امام بود. وی همچنین نماینده مجلس در شورای عالی دفاع بود. از وی مقاله‌هایی در نشریات و جراید به جا مانده است.

حجت‌الاسلام محمد منتظری در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به سبب انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منجم باشی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ –۱۲۵۰ ق)، ریاضیدان، منجم، استاد و ادیب. او منجم باشی مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه، بود. از محضر پدرش، ملا علی محمد، که جامع معقول و منقول و ریاضیدانی مشهور بود، استفاده نمود و تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد و سالها در آنجا به تدریس پرداخت. از آثارش: «نجوم القرآن فی اطراف الفرقان»، که ترجمه‌ای است به فارسی از «کشف الآیات» گوستاوفلوگل، مستشرق آلمانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۱/ ۸)، تذکرة القبور (۴۱۶)، الذریعه (۸۲/ ۲۴)، شرح حال رجال (۱۵۲/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۹ –۸۰۸/ ۱۳).

منذری هروی، ابوالفضل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۹ ق)، لغوی، نحوی، ادیب و مصنف. اهل هرات بود. از ثعلب و مبرد ادبیات عرب را فراگرفت. شیخ ابومنصور محمد بن احمد ازهری از شاگردان و راویان وی است. به گفته‌ی ازهری او سالها ملازم ابوهیثم رازی بود و نوشته‌های خود را بر او عرضه می‌داشت. حموی گوید که وی نحوی و لغوی بود و در این فن تصنیفات داشت. از آثارش: کتاب «نظم الجمان»؛ کتاب «الملتقط»؛ «الفاخر» یا «مفاخر المقال فی المصادر و الافعال»؛ «الشامل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۸/ ۶)، ریحانه (۱۴/ ۶)، کشف الظنون (۱۹۶۱ ،۱۸۱۲ ،۱۷۵۸ ،۱۰۲۵)، معجم الادباء (۱۰۱ -۹۹/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۱۵۸ -۱۵۷/ ۹)، الوافی بالوفیات (۲۹۷/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۳۵/ ۲).

منزوی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد منزوی ، فهرست نگار و کتاب شناس معاصر است . او در سال ۱۳۰۲ ش در سامره ، و در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود . وی تا ده - دوازده سالگی در آنجا بود و سپس به ایران بازگشته و تحصیلات خود را ادامه داد . منزوی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه به عنوان دبیر دبیرستان مشغول به فعالیت شده است . وی پس از بازنشستگی نیز به کارهای تحقیقاتی خود پرداخته است . فعالیت های وی در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به مدت ۱۵-۱۶ سال طول کشید .او سپس در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » به فعالیت پرداخته است . منزوی از محققان پر تلاشی است که با قناعت و فروتنی ، به امید شناساندن آثار علمی و فرهنگی ایران به بررسی فهرست ها و نسخه های گوناگون پرداخته است . کتاب"فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی"تالیف وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : فهرست نگاری

والدین و انساب : نام پدر احمد منزوی ، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی ، نگارنده دایره المعارف بزرگ کتاب شناسی « الذریعه الی تصانیف الشیعه » و « طبقات اعلام الشیعه » است . مادرش ، مریم خانم ، دختر آقا سید احمد دماوندی (از روحانیون روزگار) بود که فرزندان ایشان با نام خانوادگی « آریان » در تهران و ایران پراکنده هستند . پدر احمد منزوی ، در کنار مشروطه خواهان بود ، لیکن پس از آن که متوجه شد مشروطیت در مسیر دلخواه قرار نگرفته است ، به کار نگارش ذریعه و طبقات پرداخت ، و شهر سامره را (که دور از هر غوغایی بود) برگزیده ، و به کار تحقیق پرداخت . احمد نقل می کند که برنامه کاری پدرش آن قدر دقیق بود ، که بیشتر آشنایان قلم زن ایشان ، خاطره ای از آن نوشته اند . او پی گیری کار پژوهش ، اختصاص دادن تمام اوقات خود به آن ، و حضور ذهن پدر نسبت به دانشمندان شیعه را شگفت آور می داند .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شرایط اجتماعی خانواده احمد منزوی چندان که باید مناسب نبود . احمد منزوی ، برادر دکتر علی نقی منزوی و دکتر محمد رضا منزوی است . بازداشت و سپس به شهادت رسیدن محمد رضا در سال ۱۳۳۲ ش باعث شد که علی نقی به کارهای سیاسی کشیده شود. این امر به نوبه خود باعث برهم خوردن اوضاع اجتماعی خانواده گردد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدمنزوی مقدمات علوم را نزد پدرش (مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی) فرا گرفت. او در دوازده سالگی به نجف اشرف سفر کرد.و کلاس ششم ابتدایی را در مدرسه علوی ایرانیان در شهر نجف گذرانید. وی در بیست سالگی ، یعنی در سال ۱۳۲۲ ش ، همراه پدر به ایران بازگشت و پس از اخذ دیپلم از مدرسه دارالفنون به دانشکده معقول و منقول راه یافت .منزوی در مورد تحصیلات دانشگاهی خود نقل می کند که « پدر دست مرا در دست شادروان استاد سید محمد مشکات نهاد و با معرفی و یاری ایشان به تحصیل در رشته معقول در دانشکده معقول و منقول پرداختم. » او در سال ۱۳۲۷ ش در رشته الهیات از آن دانشکده با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد منزوی پس از کوچ خانواده از سامره به نجف در سال ۱۳۱۴ ش ، در کنار تحصیلات خود ، در کارگاه دوزندگی مشغول به کار شد. او پنج سال از عمرش را در مغازه میرزا محمد شیرازی به کارگری پرداخت و دوزنده شد. علاوه بر آن ، کلاس ششم ابتدایی را نیز در دبستان علوی ایرانیان نجف به پایان رسانید.

استادان و مربیان : احمد منزوی در طول تحصیل خود در تهران از محضر استادانی همچون استاد محمد تقی دانش پژوه ، استاد سید محمد باقر سبزواری ، استاد احمد بهمنیار ، استاد ایرج افشار ، استاد سید محمد مشکات ، استاد فاضل تونی ، استاد بدیع الزمان فروزانفر ، دکتر غلامحسین یوسفی ، استاد محمد تقی مدرس رضوی ، دکتر علی اکبرفیاض ، استاد راشد ، دکتر علی نقی منزوی (برادرش) و دیگران بهره برده است. همچنین دکتر محمد محمدی نیز از دیگر اساتید وی بود. او ادبیات فارسی را نزد عمویش ، حاج محمد ابراهیم بهشتی پور ، و جامع المقدمات را نزد شاگردان پدر آموخت . لیکن نخستین استاد وی در زمینه کتاب شناسی ، پدرش بود.

هم دوره ای ها و همکاران : استاد دکتر محمد تقی دانش پژوه ، استاد دکتر مهدی محقق ، استاد سید کاظم موسوی بجنوردی ، استاد ایرج افشار و دکتر محمد رضا نصیری از دوستان احمد منزوی می باشند. همچنین استاد دکتر فتح الله مجتبایی و عنایت الله مجیدی ، نیز از دوستان دیگر منزوی هستند. منزوی به هنگام فعالیت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با حسین بنی آدم ، عباس مافی و خانم هارتوریان همکار بوده است.

همسر و فرزندان : احمد منزوی در سال ۱۳۲۷ ش که در بندرانزلی به تدریس مشغول شده بود ، با یکی از همکارانش به نام خدیجه جاویدی ازدواج کرد. حاصل این وصلت دو دختر است که هر دو مهندس بوده ، و نسرین (زویا) و شورا نام دارند.

وقایع میانسالی : احمد منزوی برای فراهم کردن « فهرست مشترك از همه نسخه های فارسی » لازم دید که به شبه قاره هند سفر کند . بدان علت در پاییز ۱۳۵۶ به پاکستان ، افغانستان و هند مسافرت کرد . او سفر خود را با هزینه شخصی و از راه زمین (از زاهدان به کویته) آغاز کرد ، و از آن جا نیز به دیگر شهرهای پاکستان رفت . شایان ذکر است که وی پیش از اقامت در پاکستان سفری ۴۵ روزه در افغانستان داشته است . در واقع ، در این سال بود که او در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به کارهای تحقیقاتی پرداخته است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد منزوی در سال ۱۳۴۵ ش با معرفی جلال آل احمد جذب « موسسه علوم اجتماعی » شد که ریاست آن را دکتر احسان نراقی بر عهده داشت. او در سال های ۱۳۳۵ با ایرج افشار به فهرست نویسی از نسخه های چاپ سنگی پرداخت ، و در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۹ ش با معرفی دکتر سید علی اکبر جعفری در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » مشغول فعالیت شد. وی در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ ش مشاور علمی در نگارش « دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره » بود. از دی ماه ۱۳۶۹ تا به حال هم در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » به عنوان کارشناس ارشد بخش فهرست نویسی مشغول فعالیت می باشد. منزوی در پاییز ۱۳۵۶ ش به شبه قاره هند سفر کرد. او طی آن سفر در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به کار گمارده شد، و تحقیق در مورد نسخه های خطی فارسی را آغاز کرد. وی تا پایان سال ۱۳۶۹ آنجا بود و سپس به علت بیماری های پیاپی به تهران بازگشت. او در تهران در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » مشغول فعالیت شد. در زیر به برخی از فعالیت‌های استاد منزوی اشاره می‌شود: ـ فهرست‌نویسی در کتابخانه‌های مجلس و آستان قدس رضوی؛ ـ فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپ سنگی برای مرکز استاد دانشگاه تهران؛ ـ تدوین فهرست نسخ خطی و عکسی در دایرۀالمعارف بزرگ اسلامی.

فعالیتهای آموزشی : احمد منزوی در سال ۱۳۲۷ ش به استخدام آموزش و پرورش بندرانزلی درآمد. وی در سال ۱۳۲۹ ش به تهران منتقل شده و به تدریس پرداخت. تا اینکه در سال ۱۳۵۶ ش بازنشسته شد. منزوی در بندر انزلی به عنوان دبیر دبیرستان پسرانه فردوسی و دبیرستان دخترانه شاهدخت به تدریس ادبیات فارسی و زبان عربی و دینی پرداخت. وی سپس از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۶ ش با همان سمت دبیری در دبیرستان پانزده بهمن (بخش چهار فرهنگ تهران) مشغول شده است. منزوی از سال ۱۳۵۶ ش به مدت ۱۶–۱۵ سال در خدمت « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » بود. او از سال ۱۳۶۹ ش تا به حال به مدت ۱۲ سال در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » مشغول به فعالیت می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد منزوی هرروز یک ساعت پیش از غروب آفتاب ، تا نیم ساعت پس از آن ، به راه پیمایی یا پیاده روی می پردازد. او که از مرداد ۱۳۶۹ ش به مدت ۱۲ سال در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی مشغول به کار است ، حتی یک روز هم از مرخصی کارمندی خود استفاده نکرده است. وی درباره برنامه روز جمعه خود چنین اظهار می دارد که « همه جمعه ها به خانه برادرم رفته و ساعت ۲ بعداظهر به خانه برمی گردم .» منزوی راز بقا و طول عمر خویش را چنین بیان می کند: « ... این راز درازی عمرم بود : برنامه یکسان و دقیق ، برای انجام کار .»

شاگردان : احمد منزوی نقل می کند که « بد روزگاری است ، احساس می کنم زمان مناسب پرورش شاگردان نیست. انگیزه برای جوانان نمانده است ، نه انگیزه مادی و نه انگیزه روحی . » لیکن او سپاسگزار است که در میانه دهه پنجاه و شصت به موفقیت هایی دست یافته و موفق شده است که چند تن را به ایران شناسی و بخش فهرست نویسی علاقمند نماید. همانند دکتر سید عارف نوشاهی ، که یکی از شخصیت های شناخته شده پاکستان در فهرست نگاری و کتاب شناسی است. دیگر ، سید خضر عباس نوشاهی است که چندین مجلد « فهرست » از نسخه های خطی به زبان فارسی و زبان اردو در پاکستان منتشر کرده است. سومین شاگرد او ، خانم دکتر انجم حمید است که « راهنمای فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی » را در یک مجلد نگاشته است.

آرا و گرایشهای خاص : احمد منزوی درباره استفاده از کامپیوتر در کارهای تحقیقاتی معتقد است که کشور ایران تا ۱۰–۱۵ سال دیگر به منابع کتابی (کاغذی) نیاز دارد. او عقیده دارد که پرش از فرهنگ و پژوهش کتابی ، یعنی منابع و ماخذ کتابی ، به مرتبه بهره مندی از رسانه ها و اطلاعات جهانی به گونه شتابزده ، راه درستی نیست.

جوائز و نشانها : احمد منزوی در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۸ سفرهای مطالعاتی و تحقیقاتی به کشورهای هند و پاکستان داشته است و از سوی بنیادها و مراکز مختلفی مانند انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سرای اهل قلم و مجلس شورای اسلامی مورد قدردانی قرار گرفته است. همچنین در سال ۸۳ از طرف سازمان صدا و سیما به عنوان چهره ماندگار معرفی شد. از دیگر افتخاراتی که استاد منزوی کسب کرده است، انتخاب کتاب"فهرست وارۀ کتاب‌های فارسی"تالیف وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال است. ----------------------------

----

آثار :

۱ تحریر و ویرایش ترجمۀ فارسی کتاب یو.ا.برگل

ویژگی اثر : (ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری)

۲ سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی پاکستان

۳ فهرست نسخه‌های خطی فارسی

ویژگی اثر : ۶ جلد

۴ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای ملی

ویژگی اثر : (زیر نظر ایرج افشار و محمّد تقی دانش‌پژوه)

۵ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک

ویژگی اثر : ۹ جلد

۶ فهرست نسخه‌های خطی گنج بخش پاکستان

ویژگی اثر : ۴ جلد

۷ فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب : «فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی» فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی/ به کوشش احمد منزوی.ـ تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۲ ج]۸ ج تاکنون[، ج ۶، ۱۳۸۱. فهرستواره، در واقع، یک سرشماری است از کتاب‌های فارسی، یا به تعبیری «فهرستِ فهرست‌ها» که گام نخست برای تدوین کتابنامهٔ کتاب‌های فارسی است. این سرشماری از هر آنچه بتوان بر آن یک اثر مکتوب نام نهاد صورت گرفته است: کتاب‌های مشخص و معنون، رساله‌های کوتاه، دیوان‌های مشخص و معنون، اجزای دیوان‌ها از درون مجموعه‌ها و جُنگ‌ها، مانند «ترجیع‌بند» و «رباعی» و چند «غزل» و یا «رباعی» و گنجاندن این اجزای پراکنده از یک دیوان و یا سروده‌های باقی‌مانده از یک سراینده را به زیر یک عنوان تا آسان‌تر در دسترس مراجعه‌کنندگان قرار گیرد. برای این سرشماری، شماری از منابع کتابشناسی و فهرست‌ها تورّق شده و آگاهی‌های لازم برای آن سرشماری از سطر به سطر بیرون کشیده شده و می‌شود. این آگاهی‌ها بر برگه‌هایی مناسب با ذکر منبع نوشته شده و می‌شود و برگه¬ها بر حسب الفبا در نام کتاب¬ها و قفسه‌ها جای گرفته و می‌گیرد. فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی حاصل ادغام این برگه‌هاست. گسترهٔ فهرستواره از آغاز پیدایش زبان فارسی دری تا پایان چاپ سنگی است؛ دوره‌ای که زبان فارسی جزو زبان‌هایی بوده که در بنای فرهنگ و تمدّن امروز جهان بنیادی‌ترین سنگ‌ها را بر جای گذاشته است. کتاب‌ها و نگاشته‌های این دوره است که از اصالت ایرانی بهره داشته است و بررسی دوره‌های پسین به دیگران واگذار شده است

۸ ویرایش الذّریعه الی تصانیف الشیعه

ویژگی اثر : تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی

منابع زندگینامه : www.ketabesal.ir۱زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد احمد منزوی . تهران : انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ۱۳۸۱ ، صص۷-۲۶۳کتاب هفته ، شنبه ۳۰ آذر ، ۱۳۸۱ ، ص ۴

منشی باشی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌علی محمد، فرزند میرزا هادی نائینی، فاضل ادیب، منشی امین‌السلطان میرزا علی اصغر خان بوده، و معروف به مستشار خاقان است.

در رمضان ۱۳۶۰ به سن ۷۵ سالگی در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

منشی، ابوالمعالی نصرالله

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۵۸۳ -۵۵۵ ق)، ادیب و شاعر. ملقب به حمیدالدین. اهل شیراز یا از مردم غزنین بود که در زمان یمین‌الدوله بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب داشت. در زمان خسروشاه (۵۵۹ -۵۵۲ ق) به سمت دبیری رسید و در دربار همین سلسله تا وزارت پیش رفت. از جمله استادان وی می‌توان به قاضی محمد بن عبدالحمید اسحاق، برهان‌الدین عبدالرشید نصر، صاعد میمنی، ابوالحامد غزنوی، عبدالرحمان بستی و محمد سیفی اشاره کرد. ابوالمعالی علاوه بر مهارتی که در نثر و ترسل داشت، در نظم فارسی نیز سرآمد بود. وی به زبان عربی نیز اشعاری سروده است. از شعرای بزرگی که ابوالمعالی را در اشعار خود ستوده و مدح نموده‌اند، می‌توان به سید حسن غزنوی که از بزرگان شعرا و ادبای روزگار بهرامشاه غزنوی است، اشاره کرد. به آورده‌ی عوفی در «لباب‌الالباب» او در اثر سعایت بدخواهان در زمان خسروملک (۵۸۳ -۵۵۹ ق) به زندان افتاد و سرانجام در آنجا به قتل رسید. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلافاتی وجود دارد. از آثارش: «کلیله و دمنه بهرامشاهی» که ترجمه «کلیله و دمنه» عربی ابن‌مقفع است و به امر بهرامشاه غزنوی (۵۵۲ -۵۱۱ ق) در حدود (۵۳۹ -۵۳۶ ق) به فارسی برگردانده شده است؛ «دیوان» شعر.[۱]

نصراللّه بن محمد بن عبدالحمید مکنی به ابی‌المعالی. وی در زمان بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب تام داشت و به خاطر این اختصاص ابوالمعالی پس از اتمام ترجمه‌ی کلیله کتاب را به نام بهرامشاه مزین کرد و آن را کلیله و دمنه‌ی بهرامشاهی نامید. مرگ ابوالمعالی بین سالهای ۵۵۵ تا ۵۸۳ ه.ق اتفاق افتاده و تاریخ ترجمه‌ی کتاب کلیله و دمنه نیز باید در حدود سالهای ۵۳۶

تا ۵۳۹ ه.ق باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۵۲ -۹۴۸/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸ -۱۱۷ ،۷۸)، تذکرةالشعراء (۸۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۶۶۷ -۶۶۶/ ۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۱/ ۲)، الذریعه (۱۳۵/ ۱۸ ،۱۱۹۴/ ۹)، ریحانه (۲۷۱ -۲۷۰/ ۷)، سبک‌شناسی (۲۹۶ -۲۴۸/ ۲)، صبح گلشن (۵۲۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۳ -۴۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۳۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۹)، کشف‌الظنون (۱۵۰۹ -۱۵۰۸)، کلیه و دمنه (مقدمه)، لباب‌الالباب (۹۳ -۹۲/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ نصراللّه)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۷/ ۳)، مرآت‌الفصاحه (۶۵۷ -۶۵۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۵ -۵۹۳/ ۶)، هفت اقلیم (۱۸۸ -۱۸۷/ ۱).

منشی‌زاده، داوود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۹۳ ش)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۱۰ ش با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در ۱۳۱۶ ش از دانشگاه دیژن موفق به اخذ لیسانس ادبیات گردید. بعد به آلمان رفت و در ۱۳۲۲ ش دکترای فلسفه و ادبیات خود را از دانشگاه برلن دریافت کرد. پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم و افتتاح دانشگاه مونیخ، در ۱۳۲۶ ش، یک قسمت از تدریس ایرانشناسی در آن دانشگاه به وی واگذار شد و در ۱۳۲۸ ش برای تدریس زبان فارسی به دانشگاه اسکندریه‌ی مصر رفت و در ۱۳۳۰ ش به ایران بازگشت. پس از مراجعت به ایران جمعیت سیاسی سومکا (مختصر شده‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) را تشکیل داد. از آثار وی: «دربدر در پی بهشت»؛ «پیکار با اهریمن»؛ «کمونیسم و لیبرالیسم»؛ «خط سومکا»؛ «پسر گمشده»، ترجمه؛ «داریوش یکم»، پادشاه پارسها، ترجمه؛ «دوراندیشی در تکنیک»، ترجمه؛ «طغیان توده‌ها»، ترجمه؛ «آسیا در کشمکش با اروپا»، هون‌ها با ساسانیان، ترجمه.[۱]

محقق.

تولد: ۶ شهریور ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت: ۲۹ تیر ۱۳۶۸، اوپسالا.

داود منشی‌زاده، فرزند ابراهیم (میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده از فعالان انقلاب مشروطیت بود و چون یکی از مؤسسان کمیته مجازات بود، تیرباران شد)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۰ با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در سال ۱۳۱۶ از دانشگاه دیژن (فرانسه) به اخذ درجه‌ی لیسانس ادبیات (فلسفه) نایل شد و در اواخر همان سال به آلمان رفت و در سال ۱۳۲۲ دکترای فلسفه و ادبیات خود را از دانشگاه برلین گرفت و در آلمان متأهل شد. در موقع سقوط برلین هفت روز به خاتمه‌ی جنگ مانده مجروح شد و دو سال تمام در بیمارستان‌های پستدام و برلین و مونیخ به سر برد. در سال ۱۳۲۶ که دانشگاه مونیخ پس از جنگ افتتاح می‌شد، یک قسمت از تدریس ایران‌شناسی به وی واگذار شد. در سال ۱۳۲۸ برای یک سال و چند ماه برای تدریس زبان فارسی با رتبه‌ی استاد میهمان به دانشگاه اسکندریه مصر رفت و در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت نمود و بلافاصله جمعیت سیاسی «سومکا» را تشکیل داد که مختصر شده‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بود. سپس از ایران خارج شد و در دانشگاه اوپسالا به مقام استادی دانشگاه رسید و تدریس فرهنگ ایران زمین باستان را بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

از آثار اوست: آسیا در کشمکش با اروپا (هون‌ها، ساسانیان) (از فرانتس آلتهایم، ۱۳۴۳)؛ انتلکتول و دیگری (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۲۲)؛ پسر گمشده (آندره ژید، ۱۳۳۶)؛ پیکار با اهریمن (۱۳۳۰)؛ جهانداری پارسها (نوشته ه. ه. شدر، ۱۳۳۵)؛ خط سومکا (۱۳۳۳)؛ داریوش یکم پادشاه پارسها (پترویولیوس یونگه، ۱۳۳۴)؛ دربدر در پی بهشت (۱۳۳۲)؛ دوراندیشی در تکنیک (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۳۲)؛ طغیان توده‌ها (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۳۴)؛ کمونیسم و لیبرالیسم (۱۳۳۶)؛ گیل گمش کهنه‌ترین حماسه‌ی بشری (گئورک بورکهارت، ۱۳۳۴)؛ مایا دختر گریز آن‌کندو (والدمایر نسلس، ترجمه با امضای د. م.، ۱۳۳۲)؛ وهرود و ارنگ (پژوهشی از ژوزف مارکوات، ۱۳۶۸). از دکتر منشی‌زاده، مقاله‌های ادبی در مجله‌ی «یادگار» و مجله‌ی «دانش» به طبع رسیده است. وی همچنین آثاری به زبان آلمانی دارد.

فرزند میرزا ابراهیم خان منشی‌زاده، در ۱۲۹۳ در تهران متولد شد. وقتی پنج ساله بود پدرش که از اعضای برجسته و مغز متفکر کمیته مجازات بود، به قتل رسید. داود در سن هفده سالگی دیپلم متوسطه دریافت نمود و در مسابقه اعزام محصل به خارج شرکت نمود و از طرف دولت برای انجام تحصیلات عالیه به فرانسه اعزام شد. وی در پاریس درجه‌ی لیسانس در ادبیات فرانسه گرفت و بعد به آلمان عزیمت نمود و سرانجام در ۱۳۲۲ از دانشگاه برلن به دریافت درجه‌ی دکترای ادبیات و فلسفه نائل شد و از سال ۱۳۲۶ به تدریس ایرانشناسی در دانشگاه مونیخ پرداخت و چندی هم استاد مدعو در دانشگاه اسکندریه مصر بود.

منشی‌زاده پس از بیست سال توقف در اروپا که قسمت اعظم آن در آلمان سپری شده بود با افکار فاشیستی به ایران بازگشت و لدی‌الورود به تشکیل حزب سومکا (حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) پرداخت و عده‌ی زیادی از جوانان در این حزب عضویت یافتند و با لباس و آرم مخصوصی در تظاهرات مردمی شرکت می‌کردند. بعضی وقتها تندرویهای زیادی از آنها بروز می‌نمود که طبعا پلیس از آن جلوگیری و احیانا به زدوخورد منجر می‌شد. رهبر حزب هم روی همین اصل، چند بار از طرف حکومت نظامی بازداشت شد. در سال ۱۳۳۱ از شکم حزب سومکا، حزب دیگری به رهبری هادی سپهر بنام آریا با همان برنامه طرفداری از آلمان متولد شد. حزب سومکا روزنامه‌ای به همین نام منتشر می‌کرد. از جوانان تند و تیزی که در آن ایام در آن حزب

فعالیت می‌کردند، یکی دکتر داریوش همایون و دیگری دکتر امیر شاپور زندنیا بودند. منشی‌زاده بعد از کودتای ۱۳۳۲ ایران را ترک کرد و در دانشگاه اوپسالا به استادی رسید و فرهنگ ایران زمین را تدریس می‌کرد. در ۱۳۶۸ در ۷۵ سالگی درگذشت. از وی آثار زیادی به زبان آلمانی و فرانسه و فارسی باقی مانده است که از بیست جلد متجاوز است. در سال ۱۳۴۲ که تیمور بختیار علیه شاه مشغول فعالیت شد، دکتر منشی‌زاده همکاری بختیار را پذیرفت و در زمره مخالفان شاه شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۹۲، ۲۶۸۰، ۲۲۶۵/ ۲، ۱۴۶۴، ۱۳۷۳، ۱۳۲۴، ۱۲۷۳، ۱۰۸۶، ۶۴۷، ۶۱۰، ۳۵۰-۳۴۹، ۳۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱ -۵۸/ ۳).

منصور شیرازی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۱ -۱۲۸۱ ق)، صوفی، عارف، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به منصور. ملقب به معروف علیشاه. از مشایخ سلسله‌ی نعمت‌اللهی صفی علیشاه بود. در شیراز به دنیا آمد. پدرش تاجر بود ولی منصور به شغل پدر تمایل نداشت و چندی عمرش را با کتابت و تألیف و سرودن شعر سپری کرد سپس به تهران آمد و در خانقاه صفی علیشاه سکونت گزید و در سلک سرسپردگان و مریدان او درآمد. بعد از فوت حاج میرزا محمود خان نائینی، به دستور صفی علیشاه، جانشنی او شد و به شیراز روانه گردید و در خانقاهی در محله‌ی سردزک مشغول دستگیری و راهنمایی فقرا گشت. در اوایل مشروطه انجمن اخوت را تأسیس نمود و در ۱۳۲۶ ق روزنامه‌ی «اخوت شیراز» را منتشر کرد. اما از چهل سالگی دست از کارهای اجتماعی کشید و منحصرا با فقرا و مریدان خود معاشرت داشت. وی یکی از افرادی بود که بعد از مرگ شیخ صفی ادعای جانشینی او نمود. سرانجام در شیراز درگذشت و در زیرزمین خانقاه سردزک دفن گردید. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر، در حدود ده هزار بیت. از اوست:

ز کرم بجان عاشق بفکن شرار دیگر

بتنور دل برافروز ز عشق نار دیگر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۰/ ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۱ -۵۱۶/ ۴)، سیری در تصوف (۱۴۸ -۱۴۷).

منصوری رشتی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۸۸ ش)، نویسنده و مترجم. در رشت به دنیا آمد. نام اصلیش ذبیح‌اللّه حکیم الهی رشتی است. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی به همراه پدر، برای ادامه‌ی تحصیل، به فرانسه رفت و زبان فرانسه را به طور کامل آموخت. پس از بازگشت به ایران، به کار تألیف و ترجمه پرداخت و آثار فراوانی از زبانهای انگلیسی و فرانسه و عربی ترجمه کرد. دامنه‌ی فعالیت وی در زمینه‌های رمان پلیسی، رمان تاریخی، زندگینامه و آثار تاریخی می‌باشد. منصوری نخستین کسی بود که آثار موریس مترلینگ، نویسنده و متفکر بلژیکی، را به فارسی ترجمه کرد. از دیگر ترجمه‌های وی: «محمد (ص) پیغمبری که باید از نو شناخت»؛ «مغز متفکر جهان شیعه»؛ «امام حسین (ع) و ایران»؛ «آوارگی من»؛ «اسرار هفت گانه»؛ «افکار کوچک و دنیای بزرگ»، جلد چهارم «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «یکسالی در میان ایرانیان»؛ «ناپلئون و حمله به انگلستان»؛ «خداوند بزرگ و من»، جلد دوم «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «دنیای دیگر» یا «صحنه‌ی ستارگان»؛ «زنبور عسل»؛ «سقوط پاریس»؛ «سقوط فرانسه»؛ «سه سال در ایران» یا «سیاحت نامه‌ی کنت دوگوبینو»؛ «عجایب آمریکا»؛ «قلب پاک»؛ «قهرمان تمدن»؛ «کاشف مانیتیسم»، (مسمر).[۱]

دانشمند، محقق و مترجم چیره دست و پرکار اهل خراسان، متولد ۱۲۷۵ در مشهد است. پدرش تجارت پیشه بود و تجارتخانه‌ای در مشهد و قفقازیه داشت، از این لحاظ فرزند خود را در کودکی به قفقازیه برد و تحت تعلیم معارف جدید قرار داد. گذشته از معلومات زمان، به زبان‌های فرانسه و روسی مسلط شد و در جوانی به مشهد بازگشت. چون طبعی علم‌آموز و دانش پژوه داشت تحصیلات خود را در رشته‌های مختلف مانند ادبیات فارسی، ادبیات عربی، فلسفه و حکمت، علم کلام و منطق ادامه داد و از محضر دانشمندان آنروز مشهد که شهره آفاق بودند بهره‌ها گرفت و زبان انگلیسی را نیز به خوبی تحصیل کرد. مقارن با تغییر سلطنت قارجاریه به تهران آمد و کار مطبوعاتی را آغاز کرد و غالبا مقالات و تفسیرهای مطبوعات خارجی را ترجمه می‌کرد و در خیلی از جراید آنروز مانند شفق سرخ، اقدام، کوشش، و نوبهار ترجمه‌های محکم و پرمغز او به چشم می‌خورد. وی به طور کلی از استخدام در دستگاه‌های دولتی صرفنظر نمود و همچنین تا سنین کهولت به کار ترجمه و تألیف پرداخت.

از ۱۳۲۰ به بعد ترجمه‌های او که به صورت مسلسل در روزنامه‌ها چاپ شده بود شکل گرفت و به صورت کتابی منتشر شد. برای اولین بار آثار موریس مترلینگ را ادیبانه ترجمه کرد و بنگاه مطبوعاتی علمی آنرا انتشار داد. به قدری از این ترجمه‌ها استقبال شد که حدی نداشت. مترجم معتقد بود که منبع ثروت برادران علمی از همین ترجمه‌ها تأمین گردید. از ۱۳۳۰ به بعد بطور ثابت در چند مجله از جمله خواندنیها استخدام شد و ماهیانه مبلغی دریافت می‌کرد ولی بایستی چندین صفحه ترجمه حداقل در دو مطلب تهیه تا در مجله چاپ شود در حقیقت با این ترتیب چند مجله و نشریه او را استثمار کردند. ولی او نیز برای تأمین زندگانی خود با

نام‌های مستعار و یا بدون نام مطالبی ترجمه و به سایر مطبوعات می‌داد.

مطالعات مداوم و حرص و ولع در دانش‌اندوزی روزبروز اطلاعات او را در رشته‌های مختلف وسیع‌تر کرد و واقعا دانشمندی کم‌نظیر شد و در هر علمی سررشته پیدا نمود، مخصوصا در مسائل مذهبی، تاریخی و فلسفی در مرحله عالی قرار گرفت. روش او در ترجمه بدین صورت بود که ابتدا کتاب مورد نظر را دقیقا مطالعه می‌کرد سپس به ترجمه می‌پرداخت ولی عین متن را ترجمه نمی‌کرد و اطلاعات و تحقیقات شخصی را ضمیمه می‌نمود. غالبا یک کتاب صد صفحه فرانسه وقتی به وسیله او ترجمه می‌شد حتما از پانصد صفحه تجاوز می‌نمود و گذشته از آن زیرنویس مترجم هم خود قابل ملاحظه و توجه بود. او در ترجمه‌های خود همیشه با اطلاعاتی که از طریق کتب دیگر کسب کرده بود به نوشته صاحب ترجمه رونق داده و شیرینی خاصی به نوشته‌اش می‌داد. او در نیم قرن دوم عمر خود مردی پرکار بود. حداقل در سال ۶ تا ۱۰ جلد کتاب ترجمه و تألیف می‌نمود و بعضی از ترجمه‌ها جنبه فلسفی و تاریخی داشت و مترجم با زیرنویس اشتباهات او را برطرف می‌نمود. منصوری آنچنان بی‌سروصدا و بدون تظاهر زندگی می‌کرد که اغلب تصور می‌کردند نامش مستعار است. با حداقل زندگی سازش داشت و با احدی رفت و آمد نداشت. اساسا کمتر کسی بود از حال و زندگی او باخبر باشد. صبر و حوصله زیادی داشت ولی در موقع عصبانیت که بندرت اتفاق می‌افتاد گوئی کوه آتشفشان است. انتقادات به جا را با جان و دل می‌پذیرفت و در شماره بعد مجله یا تجدید چاپ کتاب مؤدبانه اصلاح می‌کرد ولی از انتقادات بی‌جا و غیرمنطقی سخت به تلاش و استدلال متوسل می‌شد. به خاطر دارم زمانی استاد مجتبی مینوی به یکی از ترجمه‌های او خرده گرفت و او را جاعل قلمداد کرد. منصوری در مقام دفاع برآمد و چنان بحث علمی و ادبی بین آن دو کوبنده بود که دیگران میانجی‌گری کردند و حق را به منصوری دادند.

ذبیح‌الله منصوری به طور متوسط ۶۰ سال در مطبوعات ایران مقاله نوشته و ترجمه کرده است و با برخورداری از حافظه قوی خود تاریخ ۶۰ ساله‌ی مطبوعات ایران بود. داستان‌هائی از دوران ریاست شهربانی مختار و اداره راهنمای نامه‌نگاری که مدتی آقایان علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی آن را اداره می‌کردند در خاطر داشت.

وقتی سندیکای نویسندگان و مترجمین تشکیل شد به اتفاق آراء او را به ریاست انجمن برگماردند و به مناسبت هفتاد و پنجمین سال تولدش مجلس جشن و سرور شایسته‌ای که در خور مقام علمیش بود برپا ساختند. منصوری در آستانه هشتاد سالگی خود معتقد بود که مجموعا متجاوز از یک هزار و پانصد جلد کتاب ترجمه کرده است. ولی آنچه مسلم است این رقم اغراق به نظر می‌رسد و شاید تعداد ترجمه‌های او از چهارصد کتاب تجاوز کند ولی اگر مقالات و مطالب کوتاه را به آن اضافه کنیم خیلی بیشتر خواهد شد. بیشتر آثار او ترجمه از زبان‌های فرانسه و انگلیسی است و از زبان عربی و روسی ترجمه‌ای از او دیده نشده است. وی علاوه بر ترجمه‌هائی که به نام وی به صورت کتاب انتشار یافته است تعدادی ترجمه هم دارد که به نام اشخاص دیگر ثبت گردیده است که مهمترین آنها کتاب روح‌القوانین منتسکیو است که علی اکبر مهتدی نام خود را زینت‌بخش این ترجمه نموده و چندین بار تجدید چاپ شد. منصوری برای نگارنده حکایت کرد که از لحاظ مالی سخت در مضیقه بودم. شخصی به من مراجعه و ترجمه منتسکیو را از من درخواست نمود. چهارده هزار تومان حق‌الترجمه مطالبه کردم، فورا قسط اول را پرداخت و من دست به کار ترجمه زدم و هشت ماه طول کشید. نظیر اینگونه ترجمه‌ها زیاد است اگر دیگران ندانند تنی چند از خواص از آن اطلاع دارند.

منصوری در حقیقت علم و دانش خود را برای ارتزاق در اختیار چند مدیر روزنامه و مجله قرار داد. شخصا ترجمه‌ای انتشار نداده است که از فروش مجلات سهمی به او بدهند. بعضی از آثار او تا بیست بار تجدید چاپ شده و طبعا درآینده نیز خواهد شد. از مهمترین آثار انتشار یافته او می‌توان ترجمه‌های زیر را نام برد: محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، عایشه بعد از پیغمبر، مغز متفکر جهان شیعه، خواجه تاجدار، امام حسین و ایران، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و یونان، سه سال در ایران، کنت دوگوبینو، ملاصدرا، امام محمد عزالی، خداوندالموت، منم تیمور جهانگشا. وی در ۱۳۶۷ درگذشت.

مترجم، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۸۸، رشت.

درگذشت: ۱۸ خرداد ۱۳۶۵.

ذبیح‌الله حکیم الهی رشتی مشهور به ذبیح‌الله منصوری، فرزند انتخاب‌الدوله از رجال رشت، بود. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی به همراه پدرش برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد و زبان فرانسوی را در آنجا فراگرفت و پس از مراجعت به ایران به کار ترجمه پرداخت.

منصوری نویسنده و مترجمی فعال بود و بیش از صد و پنجاه کتاب و قریب به هزار مقاله– که اغلب آنها در مجله «خواندنیها» منتشر می‌شد– از خود به یادگار گذاشت. او در مدت شصت سال فعالیت قلمی خود آثار فراوانی از زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی ترجمه کرد. بعضی از آثار او نه ترجمه مستقیم بلکه اقتباس و تحریر تازه و مفصل‌تری از متن اصلی بود. وی در دوران روزنامه‌نویسی خویش با مجلاتی نظیر «کوشش»، «ایران ما»، «داد»، «ترقی»، «تهران مصور»، «روشنفکر»، «سپید و سیاه» همکاری داشت.

دامنه‌ی فعالیت منصوری گسترده بود و شامل زمینه‌های گوناگونی از جمله رمان پلیسی (بیشتر آثار آگاتا کریستی)، رمان تاریخی (بیشتر از آثار الکساندر دوما و موریس دو کبرا) و زندگینامه (خداوند علم و شمشیر، محمد (ص) پیغمبری که از نو باید شناخت، عایشه بعد از پیغمبر، مغز متفکر جهان شیعه، امام حسین (ع) و ایران، آثار و احوال ملاصدرا،...) و آثار تاریخی (خداوند الموت: حسن صباح (نوشته‌ی پل آمیر)؛ خواجه‌ی تاجدار، سلیمان خانی قانونی و شاه طهماسب، عارف دیهیم‌دار، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و ایران (اثر اشتن متز و جون باک، چاپ‌های متعدد: ۱۳۶۸، ۱۳۵۷، ۱۳۵۵) و مفصل‌تر از همه خاطرات چرچیل در هفت مجلد) می‌گردید.

از جمله آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: آخرین گانگستر (دیوید لاین)؛ آقایان قضات! قاتل حقیقی را پیدا کنید (رالف گولدمان)؛ آوارگی من (موریس دوکبرا، ۱۳۲۰)؛ آواره‌ها (موریس دوکبرا)؛ ابن سینا، نابغه‌ای از شرق (اقتباس، ۱۳۷۴)؛

ابوشاکر، یک داستان علمی و تحقیقی، استالین تزار سرخ (ایزاک دوتشر)؛ اسرار هفت گانه (لسلی شارتریس)؛ امام حسین (ع) و ایران (کورت فریشلر)؛ امشب نوع بشر محو می‌شود (کریستف پولنی)؛ انتقام گربه (آرتور شنیت زلر، ۱۳۲۸)؛ انسان (آرتور شنیت زلر)؛ ایران و بابر (ویلیام ارسکین)؛ بازرس دلباخته (جی درتیلر، ۱۳۳۶)؛ بازرسی من (رالف گولدمان)؛ بازی با آتش (لسلی شارتریس)؛ پلیس بیدار است (رالف گولدمان)؛ پلیس چه می‌کند (لسلی شارتریس)؛ پنج و ده دقیقه (آگاتا کریستی)؛ تاریخ و تحول نظم و نثر پارسی (۱۳۳۱)؛ تازه مسلمان، تولستوی (استفان زوایک، ۱۳۲۷)؛ توطئه در آسمان (شارل بروک)؛ جدال تبه‌کاران در پاریس به انضمام خانه‌ی مرموز (روبر دوما، ۱۳۷۳)؛ جراح دیوانه (ژارگن توروالد)؛ جنایتکاران لندن (آگاتا کریستی)؛ جنگ پنهانی سهمگین (سرد جینالدهالد، ۱۳۳۱)؛ چگونه یک تبهکار آمریکایی شدم (جیمز هادلی چیز، ۱۳۳۹)؛ خاطراتی از یک امپراتور، خدا در آسمان، دختر فقیر (واندر مرش ۱۳۳۴)؛ در پیشگاه امام صادق (ع) (محمد صحفی)؛ در صحنه زندگی و تأثیر (موریس دوکبرا)؛ دزد جوانمرد (لسلی شارتریس)؛ دسته‌های قاتل (چهار داستان پلیسی)؛ دلاوران گمنام ایران در جنگ با روسیه (ژان یونیر)؛ دوشیزه متهم (لیونگستن)؛ دون کیشوت (سروانتس، ۱۳۳۵)؛ ده تبهکار بهت‌آور (آگاتا کریستی)؛ رابین هود (الکساندر دوما)؛ زندگی و سرانجام ماری آنتوانت (پیر نزلف، ۱۳۳۷)؛ ژان والژان (ویکتور هوگو)؛ ژوزف بالامو (الکساندر دوما)؛ سارق نامرئی (ویلی فرانتز ۱۳۷۳)؛ سرانجام شوم یک امپراتور (پیر نزلف)؛ سرزمین جاوید (ماژیران موله، هرتزفلد، گریشمن، چهار جلد)؛ سرنوشت یک امپراتور (پیر نزلف)؛ سقوط پاریس (ایلیا ارنبورک)؛ سقوط قسطنطنیه (میکا والتاری، دو جلد)؛ سه تفنگدار (الکساندر دوما)؛ سه سال در ایران، سیاحت‌نامه؛ کنت دوگوبینو؛ سینوهه پزشک مخصوص فرعون (میکا والتاری)؛ شعاع زرد (هرمان لاندن)؛ شعاع وحشت (هرمان لاندن)؛ شهر وحشی (موریس دوکبرا)؛ صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا (هانری کربن)؛ عبور قدغن است (بارینگتون)؛ عجایب آمریکا (موریس دوکبرا)؛ عجایب سرزمین طلا۔ و الماس (ژوزف لتر)؛ عشق بازی‌های کازانو (ژاک کازانووا دو سیتالت، ۱۳۳۴)؛ عشق ننگین در نظر قضات (سوزان نرمان)؛ عشق یک جاسوسه (ژان بومار)؛ غرش طوفان (الکساندر دوما)؛ غزالی در بغداد (ادوارد توماس)؛ فراموشخانه یا فراماسونری در جهان (فراماسونری چیست و فراماسون کیست ؟)؛ فرزند نیل (هاوارد فاوست، دو جلد)؛ فرمانده بعد از خدا (پیر لافون)؛ فتنه (رمان تاریخی اثر لانتیاک)؛ قبل از طوفان (السکاندر دوما)؛ قتل در باشگاه (دورتی سایرس، ۱۳۲۳)؛ قتل در ساحل دجله (آگاتا کریستی)؛ قلب پاک (واندر مرش، ۱۳۳۷)؛ قهرمان هندوچین؛ قهرمان تمدن (ژوزف کاتلر (و) هیم جاف، ۱۳۳۴)؛ کاشف مانیتیسم (استفان زوایک، ۱۳۲۷)؛ کشتی باللدار (آگاتا کریستی)؛ کفش‌های سربازی سنگین است (فونبور)؛ کنت مونت کریستو (السکاندر دوما)؛ کنیز ملکه‌ی مصر (میکل پیرامو، دو جلد)؛ گاز نو ظهور (فرانک کینگ)؛ گاو صندوق مرگ (فرانک کینگ، ۱۳۲۲)؛ گروه آهنین (الکساندر دوما)؛ گریز (لسلی شارتریس)؛ گلوله کوچک (دورتی سایرس ۱۳۳۱)؛ لب‌های ناشناس (هوچین سون)؛ مأموریت ضد جاسوسی من (پریستلی)؛ ما سه مرد بی‌بضاعتیم که خواهان ثروت می‌باشیم (الکساندر دوما)؛ ماری آنتوانت (پیرنزلف)؛ ماژلان (استفان زوایک)؛ ماشین خواندن افکار (آندره موروآ)؛ ماکسیم گورکی (استفان زوایک، ۱۳۲۶)؛ محبوس سنت هلن، یا سرگذشت ناپلئون (اوکتاو اوبری)؛ مردی بالای دار مرگ آرام (جمیز هاردلی چیز)؛ مشاهداتی شنیدنی من در آمریکا (موریس دوکبرا، ۱۳۱۹)؛ ملکه باکره (لانتیاک، ۱۳۳۳)؛ منم تیمور جهانگشا (مارسل بریون)؛ موئیگان دوپاری (السکاندر دوما)؛ ناپلئون و حمله به انگلستان (پل شاک، ۱۳۱۵)؛ نامه‌های روزولت به چرچیل، نخستین مردی که دور کره‌ی زمین گردش کرد (استفان زوایک، ۱۳۲۳)؛ نورنبورک (ایلیا ارنبورک)؛ نوستراداموس و اهرام مصر: جادوگر مرموز (میشل زواگو)؛ هفت خواهران تنی (آنتونی سسمون)؛ هنگامی که از حوادث آینده باخبر هستیم (ژاک اسپیتز)؛ یک خانم نجیب (موریس دوکبرا)؛ یک راز شگفت‌انگیز (شارل بروک)؛ یک سال در میان ایرانیان (ادوارد براون، دو جلد، ۱۳۳۰)؛ یوسف در آیینه‌ی تاریخ (توماس مان) ذبیح‌الله منصوری نخستین کسی بود که آثار موریس مترلینک نویسنده و متفکر بلژیکی را به فارسی ترجمه کرد که ماحصل این فعالیت، کتابهای زیر بود، افکار مترلینک، افکار کوچک و دنیای بزرگ، اندیشه‌های یک مغز بزرگ، جهان بزرگ و انسان، خداوند بزرگ و من، دروازه بزرگ، دنیای دیگر، راز بزرگ، موریانه، زندگانی مورچگان، زنبور عسل.

وی روز هیجدهم خردادماه ۱۳۶۵ بر اثر ناراحتی قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۸۳ / ۲۵ /۲، ۲۴ ،۲۳۹، ۲۱۹، ۱۶۵/ ۱۷ ،۲۶۹/ ۱۵ ،۲۶۲، ۲۰۵، ۴۹/ ۱۲ ،۲۶۶/ ۸ ،۱۴۲، ۱۴۱ /۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۱، ۳۲۱۵، ۲۹۴۷، ۲۵۸۹، ۲۵۵۵، ۲۲۸۹، ۲۰۴۱، ۲۰۰۷، ۲۰۰۶، ۱۸۳۹/ ۲ ،۱۴۵۹، ۱۲۵۲، ۱۲۵۰ ، ۳۵۹، ۳۰۱، ۲۱۲، ۶۸/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۳، ص ۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۹۵ –۸۸/ ۳).

منصوری، ذبیح الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذبیح الله حکیم الهی دشتی فرزند اسماعیل معروف به ذبیح الله منصوری در سال ۱۲۷۶ شمسی در شهر سنندج متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در آن شهر و کرمانشاه انجام داد و زبان فرانسه و انگلیسی را فرا گرفت. پدرش علاقه ای به تحصیل او نداشت ولی مادرش از خانواده علماء و روحانیون بود.

ذبیح الله حکیم الهی دشتی در سال ۱۲۹۹ وقتی به تهران آمد می خواست در رشته دریا نوردی تحصیل کند ولی در روزنامه کوشش به ترجمه چند کتاب پرداخت و از آن به بعد به نوشتن اشتغال یافت. گفته می شود حدود ر۱۴۰۰ کتاب و نشریه منتشر کرده که از پرفروش ترین کتابها به زبان فارسی می باشند.

ذبیح الله منصوری بسیار ساده می زیست و به همسر و دو فرزند خود علاقه فراوانی داشت همواره از خودکشی برادرش که جزو ۵۳ نفر همراهان ارانی به زندان افتاده بود و سه سال محکومیت یافت و بعداً خود را از بین برد ناراحت بود.

ذبیح الله منصوری که نوشته ها و ترجمه هایش خوانندگان فراوان یافت، نویسنده ای بود بسیار متواضع و دیر جوش و گوشه گیر؛ وقتی بعد از شهریور ۲۰ او را شناختم و کراراً برای ترجمه و نوشتن مقاله در چاپخانه او را می دیدم گفتگو با او فقط در چند جمله خلاصه می شد. ر

ذبیح الله منصوری در سال ۱۳۶۵ در سن ۸۹ سالگی در تهران در گذشت. یادش گرامی باد

منصوریان، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا منصوریان در دی ماه ۱۳۵۰ در خیابان بلورسازی در محله ای در جنوب تهران بدنیا آمد.از همان زمان کودکی به فوتبال علاقه داشت و به همراه دو دوست صمیمی خود (علی اکبریان و رضا شاهرودی) پا به عرصه باشگاهی گذاشت! فوتبال را بصورت رسمی و از سال ۱۳۶۶ در تیم بنیاد شهید تهران آغاز کرد و بعد از ۲-۳سال بازی در این تیم برای خدمت مقدس سربازی در سال ۱۳۷۰ به تیم فجرسپاه تهران پیوست! علی‌رضا منصوریان بازیکن سابق تیم فوتبال باشگاه استقلال و تیم ملی فوتبال ایران است. وی برای باشگاه‌های مختلفی از جمله پارس خودرو، استقلال، آپولون اسمیرنیس و سن پائولی بازی کرده است. وی سرانجام در ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ پس از بازی پایانی و قهرمانی در جام حذفی به همراه تیم استقلال، از دنیای بازی در فوتبال کناره گیری کرد. لقب او در میان هواداران استقلال «علی منصور» است . منصوریان پس از کناره‌گیری از بازی، از سوی علی فتح‌اللهزاده مدیر عامل وقت باشگاه، به‌عنوان رییس آکادمی فوتبال باشگاه استقلال منصوب شد. در بهمن ماه ۱۳۸۷ پس از بازی تیم فوتبال زنان استقلال با تیم نوجوانان این باشگاه که زیر نظر آکادمی اداره می‌شود، از سوی کمیته انضباطی باشگاه استقلال به پنج میلیون تومان جریمه نقدی و توبیخ کتبی محکوم شد. در پی این ماجرا تیم فوتبال زنان استقلال منحل شد.

منصوریان در کارنامه افتخاراتش غیر از چند مقام قهرمانی در لیگ و جام حذفی با استقلال حضور در فوتبال اروپا با تیمهای آپولون یونان و سن پائولی آلمان نیز به چشم می آید. او همچنین عنوان بهترین گل زن مسابقات سالنی را نیز به خود اختصاص داده و تجربه شیرین حضور در جام جهانی، کسب عنوان سومی آسیا با تیم ملی و دهها عنوان رنگارنگ دیگر را نیز در کارنامه اش دارد.

منطقی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن منطقی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن منطقی سعادتی فرزند محمد ابراهیم متولد ۱۳۴۳ در شهر تهران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را گذراندم. دوره متوسطه را نیز در شهر کرج در رشته «اتومکانیک» ادامه دادم. همزمان با شروع انقلاب اسلامی در فعالیت های انقلاب به تناسب سن و سالم شرکت کرده و یک بار نیز به دست ساواک دستگیر شدم. پس از دو ماه از شروع جنگ تحمیلی در جبهه جنوب افتخار حضور پیدا کردم.

از سال ۱۳۶۰ به جهت علاقه به تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در سال ۱۳۶۶ در کنار تحصیل حوزوی مشغول به تحصیل در رشته کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» شدم و آن را در سال ۱۳۷۰ به پایان رساندم. سپس همزمان با تحصیل در دروس خارج حوزه در همان سال وارد رشته کارشناسی ارشد «مدیریت» شده و در سال ۱۳۷۴ این مقطع را به پایان رساندم.

پس ازفارغ التحصیلی به عضویت هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در آمده و هم زمان به تدریس دروس رشته «مدیریت» پرداختم و در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکترای مدیریت با گرایش «رفتار سازمانی» به ادامه تحصیل پرداختم.

منظم کازرونی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۳۱۶ ق)، واعظ و شاعر، متخلص به منظم. در کازرون به دنیا آمد. علوم مقدماتی را نزد پدر آموخت. از اوان کودکی

شعر می‌سرود و به دلیل داشتن صدای رسا و به تشویق پدر در مجالس سوگواری سیدالشهداء به مرثیه خوانی می‌پرداخت. او در نتیجه‌ی مرور کتب و مطالعه‌ی زیاد کم‌کم رسم وعظ و خطابه را آموخت و بر منبر موعظه نیز می‌گفت. در عین حال از تحصیل علوم قدیمه و جدید هم بازنماند و زبان انگلیسی و عربی را آموخت. سپس سفری به بوشهر کرد و در یکی از تجارتخانه‌های آنجا منشی شد و به منبر هم می‌رفت. پس از چند سال به کازرون بازگشت و در اداره‌ی ثبت به عنوان مدیر بازرگانی استخدام گردید. در ۱۳۰۲ ش به شیراز رفت و با رکن‌زاده‌ی آدمیت، صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، آشنا گشت و در ۱۳۱۴ ش به خدمت وزارت دارایی درآمد. در ۱۳۲۵ ش به ریاست دایره‌ی مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم دارایی لار منصوب گشت. سال بعد عازم شیراز شد ولی در گردنه‌ی چاه تیز منصورآباد، به طور ناگهانی، از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «نصاب الشبان»، به سبک «نصاب الصبیان» فراهی، در معانی کلمات رایج در جنوب ایران بویژه کازرون. از اوست:

گویند چرخ دون طلب و سفله پرور است

عیش و خوشی برای سفیهان میسر است

این دوره برخلاف طبیعت در این جهان

بینم که چشم سفله هم از خون دل‌تر است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۷ -۵۲۳/ ۴).

منعم شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و حکاک. اهل شیراز و ساکن هندوستان بود. به شغل حکاکی اشتغال داشت. به گفته‌ی «الذریعه»، محمد افضل سرخوش، مولف «کلمات الشعراء»، در خردسالی نزد وی مشق می‌کرد. منعم در اوایل جلوس شاه اورنگ زیب (۱۱۱۹ -۱۰۶۹ ق) در هندوستان درگذشت. از آثار وی: «مثنوی»، در وصف اکبرآباد یا اکبرشاه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۷۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۵ / ۴)، الذریعه (۱۱۱۲ ،۲۶۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۸۴)، کاروان هند (۱۳۶۹/ ۲)، کلمات الشعراء (۱۷۶)، مرآت الفصاحه (۶۱۵).

منفرد، نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نقی منفرد

محل تولد : محمود آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نقی منفرد در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شهرستان آمل شدم و پس از دو سال فراگیری علوم حوزوی برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۲ به حوزه علمیه قم عزیمت و نزد اساتید برجسته حوزه به ادامه تحصیل پرداختم. در کنار تحصیل به تدریس در مدارس علمیه حوزه قم و تدریس سطوح عالی مشغول می باشم. نتیجه بیش از ۱۵ سال تدریس ادبیات عرب، تحقیق و اصلاح متن کتاب البهجهٔ المرضیه (شرح سیوطی) و شرح فارسی آن در پنج جلد می باشد.

موحد، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله موحد در زمانی به شهرت رسید که بزرگانی همچون شادروان غلامرضا تختی، منصور مهدی زاده، ابراهیم سیف پور، محمد علی صنعتکاران و امامعلی حبیبی به مقام قهرمانی در کشتی آزاد دست یافته بودند. موحد از جمله ورزشکاران نخبه و همه فن حریف بود که قبل از ورود به جرگه کشتی گیران، در شهرستان بابلسر در رشته های قایقرانی و والیبال تبحر و در آن شهرستان به عنوان ورزشکاری کاردان مشهور بود. گر چه موحد در آغاز دوران پیشرفت نتوانست در برابر محمد علی صنعتکاران، خودی نشان دهد، اما روش کشتی گیری وی ثابت کرد که میتواند در آینده ای نه چندان دور در صحنه کشتی ایران و جهان کاملاً خود نمایی

کند. در اسفند ماه ۱۳۴۰ تیم ملی کشتی آزاد شوروی سابق برای انجام چند دیدار دوستانه، با همه توان و در اختیار داشتن قهرمانان شناخته شده خود به تهران آمد. در آن تیم شوروی، کشتی گیرانی همچون الکساندر مدوید و الکساندر ایوانیسکی هنوز ناشناخته بودند. روسها در وزن چهارم، چهره ای به نام" زاربک بریاشویلی "را همراه خود داشتند. موحد، نه در تیم ملی، بلکه در تیم دوم یا منتخب شهرستانهای ایران با این کشتی گیر روس روبرو شد و با پیروزی درخشانی که بر" بریاشویلی "به دست آورد، به عنوان بهترین کشتی گیر ایرانی شناخته شد و برای اولین بار نامش در کشتی ایران بر سر زبانها افتاد. روس ها نیز از پدیده ای به نام "موحد "یاد کردند و رادیو مسکو در آن زمان گفت که موحد موفق ترین کشتی گیر ایرانی بود. این موفقیت در وزن ۶۷ کیلو گرم آن زمان به دست آمد که صنعتکاران نفر اول تیم ملی در این وزن بود . صنعتکاران که در مسابقات جهانی ۱۹۶۱ یوکوهاما (۱۳۴۰خورشیدی) مدال طلا را گرفته بود، برای آنکه به مسابقات جهانی سال بعد" ۱۹۶۲ تولیدو، "برود در سد موحد متوقف شد. یعنی کشتی صنعتکارن – موحد به تساوی انجامید. لیکن با صلاحدید زنده یاد حبیب الله بلور (سر مربی وقت تیم ملی) چون صنعتکاران قهرمان جهان بود، انتخاب و موحد نیز به عنوان نفر ذخیره به تولیدو اعزام شد. موحد کشتی گیری نبود که تنها به سفر بیندیشد، بلکه او به تولیدو رفت تا با مشاهده کشتی بهترین های جهان کسب تجربه کند. حاصل این مشاهدات و تجربه اندوزی را در سالهای بعدی از موحد شاهد بودیم. کارنامه عبدالله موحد: ۱۹۶۲ – جهانی تولیدو (ذخیره صنعتکاران) – ۷۰ کیلو گرم ۱۹۶۳ – جهانی صوفیه (نفر ششم مشترک با اینوولچف از بلغارستان) – ۷۰ کیلو گرم ۱۹۶۴ – المپیک توکیو (نفر پنجم مشترک با کشتی گیرانی از آمریکا، کره جنوبی و شوروی) ۱۹۶۵ – جهانی منچستر، ۷۰ کیلو گرم، طلا- (نفر دوم، آتالای از ترکیه و سوم زاربک بریاشویلی از شوروی) ۱۹۶۶ – جهانی تولیدو، ۷۰ کیلو گرم، طلا- (نفر دوم ایوائو هوریوچی از ژاپن و سوم آکرالی از ترکیه) ۱۹۶۷ – جهانی دهلی، ۷۰ کیلو گرم، طلا- (نفر دوم بریاشویلی از شوروی و سوم ولچف) ۱۹۶۸ – المپیک مکزیکو، ۷۰ کیلو گرم، طلا (نفر دوم ولچف از شوروی و سوم سری تر دانزان داریا از مغولستان) ۱۹۶۹ – جهانی مارادل پلاتا، ۶۸ کیلو گرم، طلا- (نفر دوم ولچف و نفر سوم نودار خوخا شویلی از شوروی) ۱۹۷۰ – جهانی ادمونتون، ۶۸ کیلو گرم، طلا (نفر دوم یوسینف از بلغارستان و نفر سوم داگلاس از آمریکا) ۱۹۷۱ – جهانی صوفیه، ۶۸ کیلو گرم، چهارم (نفر اول دال گیبل از آمریکا) ۱۹۷۲ – المپیک مونیخ، موحد آغازی خوب داشت اما به دلیل آسیب دیدگی ادامه نداد. (نفر اول گیبل از آمریکا) عبدالله موحد با دریافت ۶ مدال طلا از مسابقه های قهرمانی جهان و المپیک (۷۰–۶۹–۶۸–۶۷–۶۶–۱۹۶۵) برای همیشه از صحنه قهرمانی کناره گیری کرد. وی با در اختیار داشتن شش مدال طلا، طلایی ترین کشتی گیر تاریخ ایران محسوب می شود و تصور نمی شود تا چند دهه دیگر نیز کشتی گیری از ایران بتواند به این حد نصاب برسد. موحد دو بار نیز در بازی های آسیایی شرکت فعال داشت که در سال ۱۹۶۶، بانکوک در وزن ۷۰ کیلو گرم، علی رغم تساوی با" توبیدا "از ژاپن، به دلیل امتیاز منفی کمتر، مدال طلا گرفت و در بازی های آسیایی ۱۹۷۰ بانکوک با" کیکو وادا "از ژاپن مساوی شد که چون هر دو کشتی گیر – طبق مقررات آن زمان – از هر جهت با هم برابر بودند، مشترکاً اول شدند.

موحدی قمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد بن العلامه آخوند ملاعبدالله موحدی قمی عالمی جلیل و فاضلی نبیل و عدلی کم‌بدیل است که در سال ۱۳۱۴ ق متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی و عالیه را نزد اساتید قم خوانده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات عظام دیگر استفاده نموده و مدت ۱۸ سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و در منزل آن مرحوم متصدی امور استفتاء و جمع و تالیف فتاوی و مسائل و رسائل علمیه معظم‌له از جمله کتاب جامع الفروع و مصابیح الفروع و فرائض المناسک و مناهج الفروع از طرف آن مرحوم گردیده و پس از فوت آن مرحوم بلادرنگ بزعیم الشیعه و محی الشریعه و مرجع الاعلی الادینی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله پیوسته و همان سمتی را که در دستگاه مرحوم آیت‌الله بروجردی داشت در منزل آیه‌اللهی مرعشی هم متعهد شده و حاشیه عروه‌الوثقی معظم‌له را که تاکنون چنین حاشیه‌ای بر آن نشده بنام دغایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی) در دو مجلد بزرگ تنظیم نموده که اکنون منتشر و در دسترس همه اهل علم است و توضیح‌المسائل و مناسک حج معظم‌له را ترتیب داده است.

در مسجد امام علیه‌السلام در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند ادام‌الله برکاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موحدی محب، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله موحدی محب

محل تولد : بیدگل کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۲/۳

زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم ۱/۷/۱۳۴۷، شروع به تدریس متون حوزوی ۱۳۵۴: سیوطی، مغنی، معالم، مختصر، شرح لمعه، اصول فقه و ...، بازگشت به کاشان پس از تعطیلات تحمیلی بر حوزه متعاقب شهادت شهید غفاری (ره) و شروع به تدریس و تبلیغ و امامت جماعت در کاشان ۱۳۵۵ (مواد تدریس در حوزه کاشان همان درسهای یاد شده)، نماینده ولی فقیه در اوقاف کاشان ۱۳۵۸، قاضی در دادگستری کاشان و عضو کمیسیون ۵ نفری حل اختلافات ۱۳۵۸، تدریس در دبیرستانهای کاشان در ۱۳۵۸، فعالیتهای سیاسی اجتماعی، عضویت در کمیسیونهای مختلف در فرمانداری کاشان ۱۳۵۸.

بازگشت به قم و شروع فعالیت تحصیلی و تدریس ۱۳۵۹ (مواد درسی همان درسهای یاد شده در بالا)، شروع به تدریس در دانشگاه کاشان (مدرسه عالی علوم) نیمسال اول تحصیلی ۱۳۶۲، هم زمان تدریس در دانشگاه علوم پزشکی کاشان ۶۷ - ۱۳۶۶ (مواد درسی دروس معارف اسلامی)، راهیابی به دوره فوق لیسانس «مدرسه عالی دارالشفای قم» ۱۳۶۷، دفاع از رساله کارشناسی ارشد ۱۳۷۱ فروردین با درجه عالی نمره ۲۰ و استاد راهنما جناب استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی - استاد مشاور جناب حجهٔالاسلام حسین توفیقی - استاد داور حضرت آیت الله انصاری شیرازی (دامت توفیقاتهم)، استخدام در دانشگاه کاشان ۱۳۷۱ اردیبهشت، تدریس در دانشگاه قم از سال ۷۱ تا ۷۵ (موارد درسی علوم بلاغت، عربی، بدیع فارسی، علم کلام اسلامی).

راهیابی به دوره دکترای «علوم قرآن و حدیث» بهمن ماه ۱۳۷۵، دفاع از رساله دکترای با درجه عالی و نمره ۲۰ (۱۳/۶/۱۳۸۱) استاد راهنما جناب حجهٔالاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی - استاد مشاور حجهٔالاسلام دکتر احمد بهشتی و حجه الاسلام محمد علی مهدوی راد - اساتید داور حضرت آیت الله داوری اصفهانی و حضرت آیت الله فاضل گلپایگانی (دامت برکاتهم).

اساتید: صرف و نحو حجهٔالاسلام «حاج آقا رضا رضوی» در حوزه علمیه کاشان سال ۴۵ و ۴۶، معانی و بیان: استاد «احمد امین شیرازی» سال ۴۷ در قم، فقه: لمعهٔ «آیت الله موسوی تبریزی»، مکاسب: «مرحوم آیت الله ستوده»، اصول قوانین: «حضرت آیت الله دوزدوزانی» رسائل: آیات بزرگوار «مرحوم حرم پناهی (ره)»، «استاد آیت الله اعتمادی ، آیت الله خزعلی (دامت برکاتهم) کفایه مرحوم آیت الله ستوده و حضرت آیت الله مظاهری درس خارج اصول: حضرت آیت الله مظاهری «تقریبا یک دوره کامل اصول» فقه: حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاتهم)»، هم اکنون هم عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان استادیار پایه ۱۵ و در قم: مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهرا، مرکز تخصصی نهج البلاغه قم، فی الجمله فعالیت آموزشی و ... دارد، مقالات چاپ نشده از قبیل تحقیقات دانشگاهی و تقریرات دروس حضرات آیات: «فاضل لنکرانی» و «مظاهری» (دامت برکاتهم) مقداری نوشته چاپ نشده.

موحدی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی محمد موحدی از علماء اعلام و دانشمندان کرام و مدرسین والامقام و مروجین احکام حوزه علمیه قم است که در سال ۱۳۲۲ قمری در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا تربیت و تحصیل مقدمات و سطوح نموده و پس از پایان آن از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله خونساری مرحوم و بعضی دیگر استفاده کرده و چند سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و در خلال آن تدریس ادبیات و سطوح را کرده و از هر جهت مورد وثوق و اعتماد مراجع عظام و زعماء حوزه علمیه قم بوده و از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی چندی اعزام به آباده شیراز و چندی هم به چالوس و در سال ۱۳۷۰ قمری به مسجد سلیمان خوزستان رفته و چندین سال در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته و مسجد بزرگ و آبرومندی که خود این نگارنده دیده‌ام در آنجا بنا و خدمات ارزنده‌ای انجام داده ولی چند سالی است که به وطن خود مراجعت و از شرکاء درس حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی است و هم در یکی از مساجد قم اقامه جماعت می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی احمدآبادی اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۳۰۱ ق)، عالم دینی، خطیب و شاعر. در شعر تقی و گاهی شرعی تخلص می‌کرد. در محضر پدرش و علامه میرزا بدیع و آخوند ملا محمد کاشانی و آقا سید ابوالقاسم دهکردی و ملا عبدالکریم گزی تلمذ نمود و به درجات علمی بالا و اجتهاد نایل شد. او از ملا عبدالکریم گزی و سدی ابوالقاسم دهکردی روایت کرده است. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، در کنار پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: «نورالابصار»، در فضیلت انتظار؛ «سراج القبور»؛ «وظیفهٔ الانام»، در زمان غیبت امام (ع)؛ «تذکره الطالبین»، که ترجمه‌ای است از «آداب المتعلمین»، به نظم فارسی؛ «مکیال المکارم» و «کنز الغنائم»، در فوائد دعا برای حضرت قائم (ع)؛ «ابواب الجنات»؛ «بساتین الجنان»، در معانی و بیان؛ «محاسن الادیب»؛ «ترغیب الطلاب الی علم الاعراب»؛ « دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة القبور (۲۱۸ -۲۱۷)، الذریعه (۱۱۵/ ۲۵ ،۳۵۷/ ۲۴ ،۱۸۲/ ۲۲ ،۱۲۵/ ۲۰ ،۱۶۰/ ۱۸ ،۱۵۹/ ۱۲ ،۱۷۰ ،۳۹/ ۴ ، ۱۰۳/ ۳ ،۷۴/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۸/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۳۱/ ۹).

موسوی احمدآبادی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امام جمعه [جماعت مسجد امام زاده اسماعیل]، عالم فاضل، متوفی به سال ۱۳۱۹، قبرش نزدیک به لسان الارض.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی برزکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی برزکی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مدرسه رسالت قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. پس از اتمام مقدمات در فیضیه و مسجد اعظم و ... تحصیلات خود را ادامه دادم. کتاب شرح لمعه را در محضر «آیت الله استادی» و «وجدانی‌فخر» و رسائل و کفایه را در محضر «آیت الله اعتمادی» و مکاسب را در محضر «آیت الله پایانی» بوده‌ام.

دروس خارج فقه و اصول را از خرمن علم آیات عظام: «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی» و «شیخ جواد تبریزی» خوشه‌چینی نمودم و تفسیر و فلسفه را از محضر «آیت الله جوادی آملی» پس از ده سال حضور در دروس خارج و احساس با نیازی از حضور در سر کلاس آیات عظام به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه مشغول شدم.

همچنین در دانشگاه آزاد تدریس دروس عمومی را مثل معارف اخلاق وصیت نامه امام (ره) تفسیر به عهده گرفتم. همچنین در کنار تدریس، پژوهش و تحقیق در موضوعات مختلف را آغاز نمودم و هم‌اکنون امامت جمعه شهرستان اردستان را داشته و در کنار آن تدریس کفایهٔ الاصول (حوزه) و دروس عمومی دانشگاه، تالیف مقالات، کتاب و اداره مدرسه علمیه زینبه را به عهده دارم.

موسوی برهان، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّه موسوی معروف به برهان از علماء و مدرسین محترم سبزوار بوده‌اند. در سال ۱۳۷۰ ق که حقیر به سبزوار رفتم ایشان را ملاقات و کرارا به دیدن حقیر آمده و متقابلا به منزل ایشان رفته و درک صحبتشان را نمودم.

آن مرحوم عالمی بصیر و دانشمندی روشن‌ضمیر و از بیت علم و تقوای سبزوار بوده است. وی در سبزوار متولد و مقدمات و سطوح را در آنجا از علماء بزرگ فراگرفته و مدتی هم در مشهد مقدس از اعلام ارض اقدس کسب فیض نموده و سفری هم به نجف و از مراجع و آیات عظام استفاده و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی و روحی پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی بفروئی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید یحیی موسوی برادر ارجمند حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عبدالوهاب موسوی مقیم قم میباشند.

وی از فضلاء تلامذه و شاگردان بزرگوار مرحوم آیه‌الله حایری یزدیست که پس از پایان تحصیلات و وصول بمقامات عالیه علمی بوطن خویش مراجعت و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

دارای مقام فضل و تقوا و فضل و سیادت و حسب و نسب عالی میباشد. از اردکان و حومه آن بفرو و غیره حدود سی طلبه در قم

اشتغال بتحصیل دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی تهرانی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علینقی الموسوی التهرانی از علماء بنام و دانشمندان عظام معاصر تهرانست.

تولد آنجناب در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در تهران واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید بزرگ قم چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۵۳ قمری بر حسب تقاضای عده‌ای از اهالی تهران از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری قدس اللَّه سره به تهران آمده و تا حال حاضر که حدود چهل سال است، به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان موصوف بتقوی و فضیلت و معروف بکمال و متانت و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و مورد توجه مردم تهران و وثوق تمام مراجع گذشته و معاصر می‌باشند و از آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی نائینی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و دیگران دارای اجازات جامع و مطلق می‌باشند و با این صفات از تظاهرات بر کنار و بوظائف دینی کوشا و ساعی میباشند.

دارای خاطرات عجیب و نوادر غریب میباشند از جمله صداقت تام و ارادت تمام به مرحوم عالم ربانی و آیه سبحانی حجهْالاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی رحمه اللَّه علیه داشتند و حکایات شگفت‌انگیزی از آن مجاهد حقیقی بخاطر دارند. و دیگر با مرحوم ثقهْالاسلام و المحدثین حاج شیخ ابراهیم ترک (صاحب الزمانی) رفاقت خالصی داشتند و قصه عنایت وصله حضرت رضا علیه‌السلام را که مشهور میان علماء صالحین است از ایشان بلا واسطه نقل می‌نمایند.

صله حضرت رضا علیه‌السلام بمرحوم شیخ ابراهیم ترک

فرمودند مرحوم شیخ ابراهیم مقیم قم (که قبل از تدریس مرحوم آیت‌اللَّه حایری همه روزه منبر رفته و حدیث می‌خواندند و مرثیه) حکایت کرد برای ما که به مشهد مشرف شدم و مدتی اقامت کردم تا پولم تمام شد. قصیده‌ای در مدح حضرت رضا علیه‌السلام سرودم و خواستم بروم برای تولیت بخوانم وصله بگیرم با خود گفتم چرا برای خود حضرت نخوانم پس استغفار کرده و بحرم مطهر مشرف و مدیحه را خواندم و تقاضای صله نمودم و نزدیک ضریح مطهر رفتم دستی با من مصافحه نمود و یک برگه ده تومانی در دست من گذارد فورا عرض کردم آقا جان کم است ده تومان دیگر رسید باز گفتم کم است تا شش یا هفت مرتبه ده تومان در دست من گذارده شد دیگر خجالت کشیده و تشکر نمودم و از حرم شریف بیرون آمدم نزدیک کفشداری دیدم مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (جد آیت‌اللَّه مروارید معاصر در مشهد) با عجله می‌آید تا بمن نزدیک شد فرمود شیخ ابراهیم خوب با آقایم حضرت رضا علیه‌السلام روهم ریخته برایش مدیحه خوانده و صله می گیری. بده بمن صله حضرت را، من فوراً آن پولها را تقدیم داشتم ایشان گرفت و پاکتی بمن داد و بر گشت و من پاکت را گشودم دیدم دو برابر آن پولست که حضرت مرحمت فرمودند.

آری و اللَّه عادتهم الاحسان و سجیتهم الکرم. (کس بدین درگه نیامد بازگردد ناامید).

لم یخب الان من رجاه و من

حرک من دون بابه الحلقه

قضایای دیگری از آن مرحوم منقولست که برای اختصار از ذکر آن خودداری نمودم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خادم، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مرتضی بن السید الجلیل السید محمد بن العالم التقی السید مراد (امام جمعه) آمل از سادات بزرگوار شهر ری و دارای نفس قدسی و از خدام والا مقام حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بوده‌اند، وی تولدش در حدود ۱۲۸۰ ق در شهر ری واقع شده و در بیت عزت پرورش یافته و مانند مرحوم والدش افتخار خدمت سید الکریم را داشته و از جهت تقوا و پاکی مورد توجه و علاقه شدید مردم ری بوده و مردم بدعاء و تأثیر نفس او توجه مخصوصی داشتند (حضرت آیت‌اللَّه العظمی مرعشی فقیه) و نسابه عصر میفرمودند ایشان از سادات مرعشی آمل هستند که بموسوی شهرت یافته‌اند) وی بیش از هشتاد سال با مجد و عزت زندگی و در سال ۱۳۶۳ قمری رحلت نموده و در بین‌الحرمین در پای درب مقبره (ناصرالدین شاه) مدفون گردید.

دارای فرزندان متعددی میباشد که دو نفر آنها در سلک لباس روحانیت بوده‌اند: ۱- مرحوم ثقه‌الذاکرین آقا سید تقی موسوی ۲- جناب سید الاطیاب حاج سید حسن موسوی، و از احفاد آن مرحوم است دانشمند و خطیب شهیر حاج سید محمد موسوی واعظ.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خلخالی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محسن موسوی خلخالی از علماء و خدمتگذاران دینی شمیرانست.

وی در نجف متولد و سالها در حوزه علمیه آن سامان کسب فیض و کمال نموده و از محاضر آیات عظام حکیم و خوئی و شیرازی و شاهرودی و غیرهم فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به تهران منتقل و رحل اقامت به تجریش انداخته و در مسجد گیاهی اول خیابان سعدآباد (سر پل تجریش) به اقامه جماعت و وظائف دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خواجوئی، محمد نجم‌الواعظین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، و واعظ شاعر، امام جماعت مسجد تلواسکان، و از مؤلفین و مصنفین بوده.

از آثارش: ۱ – مرآت الاسرار، در مصائب، منظوم، به طبع رسیده، و در آنجا گوید: ۲ – مثنوی در تفسیر قرآن در سی مجلد دارد.

در اوایل محرم ۱۳۴۷ وفات یافته، جنب خواجوئی مدفون گردیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی رکنی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصغر موسوی رکنی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خاطره پیشنهاد پدر بزرگوارم مبنی بر انتخاب تحصیلات حوزوی را هیچگاه از یاد نمی برم به ویژه آنکه پیشنهاد ایشان توام با روشنگری خاصی بود. بر اساس این پیشنهاد در سال ۱۳۵۴ برای شرکت در مدارس شبانه روزی و حوزه علمیه ای به سبک کلاسیک که در آن زمان در کشور لبنان دایر شده بود، به این کشور سفر کردم و مدرسه علمیه امام مهدی (عج) در لبنان با پذیرفتن طلاب جوان و آموزش زبان های عربی، فرانسوی، انگلیسی و نیز دروس جنبی جدیدی نظیر آشنایی با ادیان الهی (مسحیت و آیین یهود) سعی بر آن داشت تا طلبه های فارغ التحصیل آن مرکز با تکیه بر اندوخته ها و آموخته های همگام با زمان، به عرضه آیین پر بار اسلام بپردازند و به تمام معنا روحانیون اندیشمند، آگاه به شرایط عصر و نیز مجتهد در رشته های علوم حوزوی به جامعه عرضه کنند.

با گذشت یکسال از تحصیل در آن مدرسه و برداشتن گام های اولیه در علوم حوزوی، به خاطر شدت یافتن جنگ داخلی لبنان و عدم امکان ادامه تحصیل به کشورم ایران بازگشتم. طبیعی بود که در آن شرایط تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه دهم. به خاطر علاقه وافری که به ویژه در سال های قبل از انقلاب به علوم حوزوی وجود داشت؛ سعی کردم که هنگام تابستان و تعطیلی حوزه علمیه قم نیز وقت را غنیمت بشمرم و از حوزه علمیه اصفهان که به صورت چهار فصل در ایام تابستان نیز دایر بود، استفاده کنم. مدرسه علمیه «ذوالفقار» اصفهان پایگاه اصلی حضور در کلاسهای درس بود.

با شروع حوادث تاریخ ساز انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۶ و سپس پیروزی آن در سال ۱۳۵۷ درس های حوزه های علمیه نیز تحت تاثیر این حادثه بزرگ قرار گرفت. حوزه های علمیه پس از وقفه ای کوتاه مجدداً با حال و هوای تازه به کار خود ادامه داد. بنده نیز همگام با شرایط آن ایام به تحصیل ادامه دادم و به تفصیل و اجمال از محضر اساتید بزرگوار خارج درس های حوزه علمیه قم بهره بردم. حضرات آیات «شیخ مرتضی حائری یزدی»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «وحید خراسانی»، «میرزا هاشم آملی»، «شبیری زنجانی» و «سید محمد روحانی» اساتید عمده فقه و اصول بنده بوده اند که افتخار اجازه اجتهاد را نیز از برخی از آنان دارم.

در کنار درس های پر بار حوزه علمیه قم، با توفیق الهی مدارک درس های کلاسیک مدارس را نیز به دست آوردم و با گرفتن مدرک دیپلم اقتصاد به دروس دانشگاهی روی آوردم که با طی مدارج کارشناسی و کارشناسی ارشد موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته «فقه و مبانی حقوق اسلامی» شدم. در طی این سال ها یکی از افتخار آمیزترین عنوانی را که با خود همراه داشتم، شغل شریف معلمی بوده است که علاوه بر دروس حوزوی، از سال ۱۳۶۷ نیز به صورت حق التدریسی در دانشگاه تربیت مدرس تهران مشغول به کار شدم تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۷۳ به صورت رسمی به عضویت هیئت علمی گروه «فقه و مبانی حقوق اسلامی» دانشگاه قم در آمدم. از آن سال تاکنون همواره دل گرمی اینجانب اظهار لطف و علاقه دانشجویان و بدست آوردن نمرات خوب

از ارزیابی های دانشجویی بوده است (بر اساس صورت جلسه ارزیابی ها در کارگزینی دانشگاه قم) تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. انشاء الله

موسوی زنجانی، قوام‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید قوام‌الدین موسوی زنجانی از علماء زنجانی مقیم قم می‌باشند. ایشان در یکی از مضافات استان زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات مهاجرت به دارالعلم قم نموده و سطوح را از مدرسین سطح فراگرفته و پس از آن به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حجت و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و بعد از ایشان آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری حاضر شده و استفاده‌ها نموده و تا هم‌اکنون از مباحث زعماء حوزه بهره‌مند می‌باشد.

نگارنده گوید: مترجم محترم از فضلاء متقی حوزه و سیدی جلیل‌القدر و متصف به ملکات فاضله و صفات حسنه می‌باشد و حقیر در ماه صفر سال ۱۳۶۲ ق در معیت ایشان و جناب حجهٔالاسلام حاج شیخ ابوالفضل زنجانی مقیم صحنه کرمانشاه مسافرتی به عتبات عالیات از طریق صلوات نمودم که هرگز خاطره‌های شیرین و عجیب آن سفر را فراموش نخواهم نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی سدهی، حسن علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد، از فضلا و مؤلّفین، و از شاگردان آقا شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ ابوالقاسم (صاحب تقریرات درس شیخ مرتضی انصاری) بوده، و در سال ۱۳۲۴ به سنّ قریب به هشتاد وفات یافته، در مقبره درب سیّد قریه فروشان سده مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

موسوی شاهرودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی شاهرودی فرزند سید جلیل و عالم نبیل آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی فرزند آقاسید محمد فرزند عالم ربانی حاج سید علی موسوی ابرسجی (شاه چراغی) (صاحب مزار معروف در ابرسج شاهرود) از افاضل و مدرسین سطوح عالی و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدس می‌باشند.

وی در سال ۱۳۱۲ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و تا چهار سالگی را در آنجا بوده و در سال ۱۳۵۸ قمری در معیت والد ماجدش به ایران و مشهد مقدس آمده و در تحت پرورش پدر بزرگوارش تربیت یافته و بعد از خواندن دروس ابتدائی و مقدماتی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال ۱۳۶۶ قمری پس از رحلت آیت‌اللَّه العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی به نجف اشرف عزیمت نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه نجف تکمیل سپس به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی حاضر و استفاده کافی نموده و آنگاه به ایران مراجعت و در حوزه مشهد مقدس به تدریس سطوح عالی و سایر و وظایف روحی خود بالخصوص اقامه جماعت در مسجد (حوض لقمان میدان شهداء) که مرحوم والدش اقامه جماعت می‌نمود پرداخته و تا حال تحریر (سال ۱۴۱۲ قمری برابر ۱۳۷۰ شمسی) اشتغال دارند.

دارای فرزندانی فاضل می‌باشند که دو نفر آنان ۱- سید محمود موسوی ۲- آقا سید مرتضی در قم مشغول به تحصیل و تکمیل مبانی علمی می‌باشند و آقا مرتضی داماد حجهٔالاسلام حاج سید کاظم لواسانی فرزند آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن لواسانی است.

برادران بزرگوار ایشان نیز آقایان حاج سید باقر و حاج سید هادی موسوی از فضلای معاصرند که در مشهد مقدس و قم اشتغال به وظائف روحی و دینی دارند.

دامادهای ارجمندی دارند به نامهای زیر:

۱- حاج شیخ حسن عامری شاهرودی

۲- حاج شیخ علی صدیق شاهرودی

۳- حاج شیخ مهدی بخارائی مشهدی

۴- آقا حاج سید مصطفی حسینی شاهرودی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید محمد شاهرودی از افاضل و دانشمندان معاصرند که در مشهد و شاهرود و قم و تهران به خدمات روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

خواهرزاده ایشان جناب حاج شیخ محسن کافی فرزند مرحوم حجةالاسلام و واعظ شهیر حاج شیخ احمد کافی داماد گرامی نگارنده است که نعم‌الخلف مرحوم کافی دارای مقام فضل و کمال خصوص از سخنوران و خطیبان معاصر در حوزه علمیه قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی عراقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی عراقی

متولد: سال ۳۱ مرداد ۱۳۶۶ – دزفول

قد: ۲ مترو ۲ سانتیمتر

نام پدر:سید حمید

وزن: ۹۲ کیلوگرم

شماره شناسنامه:۳۱۲۷

باشگاههای قبلی: لوله سازی اهواز، پتروشیمی

افتخارات کسب شده: قهرمانی نوجوانان آسیا، قهرمانی جوانان آسیا، پنجمی نوجوانان جهان، سومی جوانان جهان

مربیان: آقایان: ابراهیم وادی، علیزاده، ایوان بوگاینکف، پورکاشیان

سابقه ملی: عضو تیم های ملی نوجوانان، جوانان، بزرگسالان

موسوی فضیلت، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید مهدی بن المرحوم الحاج السید جواد موسوی از فضلاء مروجین و ائمه‌ی جماعت معاصر شهر ری می‌باشند. وی در سال ۱۳۴۵ قمری در جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد و پس از خواندن دروس جدید تا ششم ابتدائی بتشویق و ترغیب نگارنده برای تحصیل علوم عربی و ادبی به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته و متون فقه و اصول نهائی را آموخته و چندی از درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی استفاده کرده و در سال ۱۳۷۰ قمری در شهر ری بخدمات دینی و روحی و اجتماعی از قبیل تربیت و تعلیم اطفال به اشاره و تصویب مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حجت– ره– پرداخته و برای این منظور تاسیس دبستان ملی (موسوی فضیلت) و از این راه خدمتی به فرزندان مسلیمن نموده و ضمنا در مسجد حضرت (مسلم بن عقیل علیه‌السلام) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای موسوی فضیلت از روحانیون اخیار و علماء ابرار و مروجین عالی مقدار شهر ری و مورد علاقه مردم ری می‌باشند و حقیر که نزدیک چهل سال است با وی دوستی و اخوت دارم مکروهی از او ندیده و وی را به تقوا و ورع یافته و اهل توسل و ولایت دیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی قافله باشی، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد هادی موسوی قافله باشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۴۹ ابتداء در مدرسه آیت الله گلپایگانی و در ادامه مدرسه رضویه و حقانی ادامه دادم. دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار چون: «حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی»، «وجدانی»، «اعتمادی»، و ستوده و دروس خارج فقه، اصول، منظومه، حکمت و تفسیر در محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: «نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «مشکینی»، «جوادی آملی»، «خزعلی» و مدتی در محضر «آیت الله تبریزی» و «وحید خراسانی» تلمذ نمودم و سفرهای تبلیغی فراوان

قبل از انقلاب و در دوران مبارزات به نقاط مختلف کشور داشته ام. و چندین بار در خمین و دلیجان پس از منبر و خارج شدن از مسجد تحت تعقیب مأموران نظام شاهنشاهی قرار گرفتم که با کمک مردم فرار نمودم و یکبار در درگیری خیابانی مجروح و به بیمارستان منتقل و مدتی در بیمارستان، پس از عمل جراحی بستری بودم، تهیه و توزیع رساله، نامه ها، نوارهای سخنرانی و عکس امام (ره) که دو بار در همین رابطه دستگیر گردیدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۲ سال در جبهه های نبرد شرکت نمودم و چند سفر تبلیغی به خارج از کشور از جمله جمهوریهای شوروی سابق در زمان قبل از فرو پاشی داشته ام. تعدادی مقاله برای همایشهای مختلف ارسال داشته ام و از فعالیت های حوزوی بنده مدتی تدریس و تأسیس مدرسه علمیّه امام هادی (ع) در اسفرورین قزوین برای برادران و مدرسه علمیّه الزهراء (س) برای خواهران و مدیریت آن بوده است. حاصل مدرسه علمیه امام هادی (ع) طلابی بوده است که اینک به عنوان روحانی مستقر در نقاط مختلف در خدمت اسلام و انقلاب می باشند. از فعّالیّت های عمرانی و فرهنگی ساخت چندین مسجد، کتابخانه، سالن ورزشی، مصلای بزرگ امام خمینی (ره) اسفراین، مدرسه و ... بوده است. که امیدوارم مورد رضای خاطر شریف امام عصر(عج) واقع گردد و مایه نجات و عاقبت بخیری و عافیت دین و دنیای آخرت ما قرار بگیرد. انشاءالله.

موسوی کرمانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم موسوی کرمانی از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمان می‌باشند وی در کرمان متولد و در بیت سیادت پرورش و پس از خواندن دروس جدید در مدرسه معصومیه به تحصیل علوم دینی پرداخته سپس مهاجرت به قم و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ آموخته و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه خمینی و آیت‌اللَّه نجفی مرعشی و آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه گلپایگانی و دیگران شرکت و استفاده سرشار نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به وطن خویش مراجعت و به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس در مدرسه معصومیه پرداخته است.

نگارنده گوید: جناب آقای موسوی کرمانی از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به ورع و متانت و فضائل اخلاقی و دور از تظاهرات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

موسوی گرگانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن موسوی گرگانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به گونه خستگی ناپذیر مشغول تحصیل علوم دینی گردیدم و از همه اساتید آن شهر استفاده بردم به ویژه از مرحوم «ادیب نیشابوری» استفاده های فراوانی بردم و در این شهر ادبیات عرب، منطق و مقداری اصول و فقه را تحصیل کردم و کلاس ۶ دبستان را متفرقه امتحان دادم و به بهترین وجه قبول شدم و در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و با اشتیاق فراوان از علماء و دانشمندان این شهر استفاده های فراوانی بردم و در مدت کوتاهی بقیه سطح را که عبارت بود از: رسائل، مکاسب و دو جلد کفایه به پایان بردم و دور اول و دوم امتحانات را در آن زمان امتحان دادم و شاگرد اول در حوزه شدم.

سپس به فلسفه و خارج فقه و اصول پرداختم و از خرمن دانش فقیهان و فیلسوفان استفاده ها بردم به ویژه از علامه مطهری، جوادی آملی و حسن‌زاده آملی و تمام مجتهدین و مراجع این شهر، و دو سه دور خارج اصول را شرکت و تقریر کردم و بسیاری از کتابهای فقه را در درس خارج حاضر شدم و تمام اسفار و شرح منظومه و شفاء ابن‌سینا و شواهد ربوبیه و شرح اشارات را خواندم و در تمام این مدت به تدریس انواع علوم اسلامی در حوزه علمیه مشغول بودم و تا حدود دیپلم به طور متفرقه خواندم و امتحان دادم و صدها مقاله و کتاب را به ریشه تحریر درآوردم، و اکنون مدت ۱۰ سال است که خود را بی‌نیاز از تمام رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم حوزوی می‌دانم.

موسوی گرمارودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی موسوی گرمارودی در سال ۱۳۲۰ در قم بدنیا آمد. پدرش از دانشـــمندان اهل

گرمارود الموت قزوین بود.

موسوی گرمارودی مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قضایی و کارشناسی ارشد

و دکترای خودر را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفته است .

او در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور موثر داشته است که راه اندازی و مدیریت گلچـــرخ

نمونه ای از تلاش های اوست.

کارنامه شعری گرمـارودی مشتمل بر ۹ کتـاب شعر با نامهای: عبور ، در سایه ســار نخل ولایت ، سـرود رگبار ،چمن لاله، خط خون ، دسـتچین ، باران اخـم ، گزیده شـعر نیسـتان ، تا ناکجـا آبـاد و گزیـنه شـعر به انتـخاب

بهاءالدین خرمشـاهی است و همـچنین ۴ اثر زیر چـاپ او عبارتـند از : صدای سبـز زندگی و شعر ادیب المـمالک

فراهانی، از صدر تا ساقه و ترجمه قرآن کریم.

والدین و انساب : خانواده های گرما رودی ازنظر اصل و نسب و ارتباط خویشاوندی به چند طایفه تقسیم می شوند که شامل طایفه هـای قروچی بیگی ،اورس بیک و باقری و صادقی و انـدجی و خانوا ده های غربال بنـد و موسوی و چنـد خانواده دیگر می باشـند . خـانوار موسوی از خـانواده هـای مهـاجر روستای میغ سـازه کجوربه به منـاطق «اوانک » و «گرمارود» می باشـند. سـید علی موسوی گرمارودی از پدری «الموتی » و مادر «تنکابنی» درمحله «چهارمردان » قم به دنیا آمد . نام پدرش حجت الاسلام سید محمد موسوی گرمارودی

اوضاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : پـدر سـید علی موسوی گرمارودی وی ابتدا در مسجد جامع «گرمارود » مردم را راهنمایی می کرد ، پس دردوران جوانی به قم و سپس نجف هجرت و آنگاه دوباره به قم بازگشت و در همانجا سکنی گزیدند .

تحصـیلات رسـمی و حرفـه ای : سـید علی موسـوی گرمـارودی نخست نزد پـدرش مقـدمات را فراگرفت و پس از آن دبسـتان ملی «باقریه » رفت .او دوره دبیرسـتان را مدرسه شـهید بهشتی (دین و دانش سابق) هم سپری نمود و پس از آن به مشهد عزیمت نمود و درنزد علمـای آن سامـان ، به فراگیری علـوم دینی پرداخت . درسـال ۱۳۴۵ وارد دانشـکده حقوق شد و کارشناسـی آن رشـته را در رشـته علوم قضایی کسب کرد. او سرانجام پس از گرفتن مدرک کارشناسی زبان و ادب فارسی با اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید .

خاطرات و وقایع تحصـیل : سید علی موسوی گرمارودی تحصیلات ابتدایی را دردبستان «باقریه » طی نمود ، او ازاین دوره چنین یاد می کند :« از آن دبسـتان ترکه های اناری که درحوض بزرگ مدرسه پیوسـته درآن خیس خورد تا به کف دست شاگردان متخلف کوبیـده شـود ، همیشه چون کابوسـی ، درذهن من مانـده است . گرچه دسـتهای کوچـک من هرگز بـا آن چوبهـا تمـاس نیـافت اما سالیانی دراز بعـد از آن روزها ،وقتی درزنـدان شاه سـتمگر ،زیر کابلهای سـیمی ساواک ، به خوداز درد می پیچیدم ،چهره شـکنجه گرخودرا شبیه ناظم بی رحم آن دبستان می دیدم . »

اسـتادان و مربیان : سـید علی موسوی گرما رودی مقدمات رانزد پدر فرا گرفت و پس از عزیمت به مشهد نزد علمای بزرگی چون : فردوسی پور ، واعظ طبسی و ابب نیشابوری دوم نهنگ و به کسب علوم دینی پرداخت .

هم دوره ای هـا و همکـاران : سـید علی موسوی گرمارودی با شاعر بزرگ معاصر اخوان ثالث نیز آشـنایی و رفت و آمـد داشت و اخوان شعری نیز به نام او سروده بود. شاید از سر این آشنایی بود که کتاب «درباره هنر و ادبیات» را ناصر حریری به گفت و شنودی بـا مهـدی اخوان ثـالث و علی موسوی گرمـارودی اختصـاص داد که به وسـیله انتشارات کتابسـرای بابل در سال قبل از وفات اخوان منتشر شد.

وقـایع میانسـالی : اولین رویـداد سیاسـی بوقوع پیوسـته درزنـدگی سـید علی موسوی گرمارودی ، غائله درانجمنهای ایالتی و ولایتی بودکه وی درمـدرسه فیضـیه حضور داشت. او تاآسـتانه دسـتگیری و زنـدانی شدن نیز رفت که با کوشـش آیت الله ربانی شـیرازی نجات یافت . باورود به دانشـگاه با برخی فعالان سیاسـی آشنا شد و باشدت گرفتن مبارزان او بر چند رژیم پهلوی ، درسال ۱۳۵۲ به وسیله ساواک دستگیر و نزدیک به چهار سال درزندانهای اوینو قصرحبس گردید.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : شورای انقلاـب موسوی گرمارودی را به سرپرستی سازمان آموزشـی نومرز منصوب کرد. همان مؤسـسه فرانکلین سابق که در اواخر دهه ?? با ادغام در تشـکیلات «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» از صورت یک مؤسـسه خارج شد و از آغاز نیز با نام «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» با انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) ادغام شد. علاوه بر این گرمارودی مـدتی رایزن فرهنگی ایران در تاجیکسـتان بود و مدتی نیز مسـئولیت تالار وحدت تهران را بر عهده داشت. او در مـدت اقـامتش در تاجیکسـتان به جـد جریان شـعر معاصـر آن کشور فارسـی زبان را دنبال کرد و در این باره مقالات تحقیقی متعدد نوشت.

فعالیتهای آموزشـی : سید علی موسوی گرمارودی مدت یک سال درحوزه فردوس به امر تدریس مشغول گردید . وی پس از واقعه پانزده خرداد و دسـتگیری امام ،درتهران مسـتقیم گردید . او ابتدا در دبسـتان و سـپس دردبیرسـتان علوی مشغول کار شد . او پس از انقلاب به تدریس دردانشگاه پرداخت.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : با پیروزی انقلاب اسلامی ،موسوی گرمارودی به همراه خانم طاهره صفارزاده «کانون فرهنگی نهضت اسلامی » را بنیاد نهاد . موسوی گرمارودی راه اندازی، مدیریت و سردبیری نشریه گلچرخ و انتشار یک مجله ادبی در تاجیکستان را نیز برعهده داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید علی موسوی گرمارودی علاوه بر سرودن شعرو شرکت درانجمنهای ادبی ، انتشار دو دوره نشریه ادبی گلچرخ را به عهده گرفت . انتشار مجله ماهنامه «گلچرخ» رابايد به دو دوره تقسیم کرد : دوره نخست بصورت ضمیمه ادبی روزنامه دراطلاعات از روز سه شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۵ لغایت خرداد ماه همین ماه منتشر شد. دور دوم فعالیت های این ماهنامه افزودن بر فعالیتهای روزنامه نگاری درقلمرو ادبیات داستانی و بازنویسی زندگانی معصومین ،آثار چندی ازوی منتشر شده است .

آرا و گرایشهای خاص : «من آنچه را برزبان شاعر می آید و بر کاغذ نوشته می شود، درخت صاعقه زده ای می بینم که روی زمین افتاده است. اگر گفته اند: من گنگ خوابدیده و عالم تمام کر / من عاجزم زگفتن و خلق از شنیدنش... می توانـد در باره همان جلوه نا پیدای شعر گفته شده باشد. آنچه از یک شعر ناب برکاغذ یا زبان می آید در واقع تنها صورت ناظم و مرحله هبوط آن اصل اعلاست. آنچه ما از یک شاعر می خوانیم و می بینیم آن درخت برپای ایستاده در جنگل سبز خاطر، او نیست. توسکایی است که آذرخش خلاقیت شاعر برآن گرفته است و آن را پیش پای ما افکنده است. منتقد با آن عوالم چه می توانـد بکند؟او هرچه می کند با بخش بیرونی شعر می کند.» این جملات را شاعر نام آشنا و توانا علی موسوی گرمارودی در میهمانی انجمن شاعران ایران و در مراسم نکوداشت خویش بر زبان آورد. او میهمان نهمین برنامه میهمان ماه انجمن شاعران ایران ودفتر شعر جوان بود که در محل خانه شاعران برگزار شد. گرمارودی از آن دسته شاعرانی است که ضمن توجه به مسیر گذشته در شعر معاصر ره تازه می جوید. او درباره بسیاری از شاعران معاصر و هم عصر خویش هم تحقیقات فراوان کرده وهم نظرات دقیق و عمیقی ارائه کرده است. از آن جمله است نگاه او درباره شاعر بزرگ معاصر سهراب سپهری: «سپهری از کسانی است که راه نیما را شناخته بود، اما این را با خود با شخصیت یگانه خویش پیمود. او خود را با رنگ و کلمه بیان می کرد، مصالح خلاقیت او هم رنگ بود و هم کلمه و او با این هر دو نقاشی می کرد. یا با این هر دو مأموریت ادبی خود را انجام می داد. تعجب نفرمائید که برای نقاشی او نیز تأمل به مأموریت ادبی شده ام. می دانید که در نقاشی ایرانی از گذشته های دور به خاطر منعی که اسلام در مبارزه با آثار بت پرستی پیش آورده بود، پرسپکتیو ناگزیر حذف شده. یکی از منتقدان غربی می گوید نقاشی در آبستره به همانجایی رسیده است که نقاشی ایران اسلامی در طی قرون می پیمود یعنی در این نقاشی نیز مانند آبستره رنگ ها یکدیگر را فرا می خوانند. نقاشی مأموریت ادبی می یابد. اما شعر سپهری، شعر او در نخستین برخورد دارای چند ویژگی است، یکی این که سپهری نخستین کسی یا دست کم مهم ترین شاعری است که زبان شعر نو را با زبان محاوره پیوند زد. توضیح آن که در شعر نو شاعران در همان حال برخی دارای زبان خاص خویشند در یک چیز اشتراک دارند و آن زبان عام شاعرانه است در برابر زبان محاوره. در واقع می توان گفت که زبان شاعرانه هر شاعر و زبان خاص وی جنس و فصل شعر او را تشکیل می دهند. زبان شاعرانه در این تعبیر یعنی زبانی که علاوه بر حفظ ویژگی زبان خاص یک شاعر دارای ضخامت و اسلوب شعری است و حوزه لغات و تعبیرات و بیان در آن از نوعی است که آن را از سویی از زبان نوشتار متمایز می کند و از سویی دیگر از زبان گفتار. این ضخامت و اسلوب و تمایز و تمایل به ارگانیسم در کاربرد لغات به دست می آید. اما سپهری و البته اسماعیل شاهرودی و دیگرانی هم شاعرانی هستند که زبان شاعرانه را با زبان محاوره پیوند زده اند و به جای خود موفق هم بوده اند، اگر چه سپهری از این لحاظ موفق تر است.» موسوی گرمارودی همچنان که در عرصه شعر امروز و غزل امروز حرف تازه برای گفتن داشته، از آثار دیگر شاعران زمانه خویش نیز غفلت نکرده و چه بسا خارج از باورهای اعتقادی یا نگره سیاسی و فردی، شعر آنان را ارجح بر شعر خویش، به مخاطب شعر امروز توصیه کرده است. او در مرگ نوذر پرنگ از غزلسرایان فقید معاصر این حساسیت و دقت و توجه را به خوبی به نمایش گذاشت: «از دست رفتن نوذر پرنگ برای غزل معاصر ما لطمه بزرگی خواهد بود. پرنگ بی گمان یکی از برجسته ترین شاعران غزل نو است و تأثیر او در نسل های بعد از خودش، بر کسی پوشیده نیست. من درجلسه نقد و بررسی شعر پرنگ که با حضور خود شاعر و مرحوم منوچهر آتشی برگزار شد هم به این موضوع اشاره کردم که اشیا هم ناطق اند و گویا، اما به زبان بی زبانی. اما این طور نیست که پدیدار های عالم با همه سخن بگویند؛ شاعران و بخصوص شاعرانی مانند پرنگ محرم رازهای پدیدار ها هستند و پدیدار ها با کسانی مانند او بیگانه و نامحرم نیستند. برخی از غزل های پرنگ در ادبیات ما جاودانه خواهند بود. پرنگ با توجه به مضمون این شعرش که می گوید: کجایی ای همه جای تو خوش رهایی، های/! دلم به سوی صدای تو رهسپار شده است، به سوی رهایی رفت. به جای دلش که در زندگی به سوی صدای رهایی رهسپار شد، حالا خودش به سوی رهایی رفته است. خاک بر او خوش باد»!

جوائز و نشانها : سید علی موسوی گرمارودی امسال (۱۳۸۵) به عنوان «چهره ماندگار بخش شعر» به وسیله بنیاد چهره های ماندگار انتخاب شد. او در مراسم این انتخاب ضمن قرائت بخشی از شعر پیامبر اعظم (ص) گفت من افتخار می کنم که با شعر علوی بزرگ شده ام و امروز به عنوان یک شاعر آئینی از من یاد می شود. در سالی که به نام پیامبر بزرگ اسلام نامگذاری شده است، باید در راستای اهداف نبوی و توسعه مفاهیم اسلامی گام برداریم و اندیشه های نبوی را در همه جامعه اسلامی خود جاری کنیم».

چگونگی عرضه آثار : بهاءالدین خرمشاهی در مقدمه گزینه اشعار گرمارودی نوشته است: کارنامه شعری گرمارودی هم پر بار است هم پربرگ، کارنامه ای است کلان ومشتمل بر کتاب که حاصل سلوک ساله شعری اوست.کتاب شعر او عبارتند از: عبور، در سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دستچین، باران اخم، گزیده شعر نیستان، تاناکجا آباد. گزینه شعر گرمارودی را نیز بهاءالدین خرمشاهی انتخاب کرده است. سهیل محمودی درباره گرمارودی می گوید: موسوی گرمارودی یکی از کهن ترین قالب های شعر فارسی یعنی قصیده را در عرصه ای به نام شعر سپید تعریف کرده است. او از کسانی است که با تکیه برگذشته شعر فارسی و با ارزش گذاری به گذشته که نه تقلید است و نه فقط تقدیس آن، برای امروز بهره گرفته است. چیزی که متأسفانه امروز در ادبیات ژورنالیست زده ما وجود ندارد و کسانی مانند اخوان یا سهراب در این راه موفق بوده اند و بخشی از این سنت را به شکل پویا در آورده اند. این بخشی از توجه گرمارودی به پیشینیان در قالب قصیده است. بخش دیگر نگاه معرفتی و

دینی اوست که البته گاهی آنقدر به آن پرداخته شده که حجابی روی وجه شاعری او شده است. اما نگرش و منبع فکری است که به شعر عاشقانه ماهم معنی می دهد و گرمارودی در این وجه هم موفق بوده است. علی موسوی گرمارودی از پیشتازان شعر مذهبی امروز شناخته می شود. او تحصیلات مقدماتی خود را در قم و مشهد به پایان رساند و ادبیات عرآثار استاد گرمارودی به بخش کاملاً ـ متفاوت تقسیم می شود. نخست شعر، در این زمینه ? کتاب تا به حال از او منتشر شده است. «در سایه سار نخل ولایت» و «خط خون»، معروف ترین دفترهای شعر اوست. حوزه دیگر کارهای او، داستان نوجوانان است که در این زمینه هم «داستان پیامبران» معروف تر از بقیه استب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. از ویژگی های شعری او تخیل گسترده و به دام آوردن اندیشه های نو در قالب کهن قصیده است گرمارودی در کار بازخوانی و خوانش ادبیات کهن نیز بوده و مجموعه ای از دیوان حافظ با صدای او منتشر شده و انجمن شاعران ایران نیز گویا روایت بوستان سعدی را با صدای او ضبط کرده است.

آثار :

۱?? شعر ترجمه شده به زبان ایتالیایی (مجموعه شعر)،

۲ بابا تاریخ (داستان کوتاه)،

۳ پرتو انسان ها (داستان جلد اول و دوم)

۴ تا ناکجا آباد

ویژگی اثر : مجموعه شعر علی موسوی گرمارودی با نام «تا ناکجا» به چاپ رسید که عکس های زیبای ریکاردو زیپولی از کوچه باغ های روستا های مناطق کویری، دشت ها، بیابان ها و... آن را همراهی می کرد. کاری که در زمانه خویش مجموعه شعری متفاوت را رقم زد. زیپولی استاد دانشگاه «ونیز» و رایزن سابق فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران بود. او همان است که کتاب شعرهای عباس کیارستمی را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد.

۵ ترجمه قرآن مجید

ویژگی اثر : گرمارودی ادبیات عرب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. آشنایی او با ادبیات عرب البته این نتیجه را نیز به همراه داشته که گرمارودی را ترغیب به ترجمه قرآن کریم کند. ترجمه ای که به سرعت به چاپ دوم رسید و در چاپ دوم ترجمه اش را ویرایش دوباره نیز کرد. چاپ نخست این ترجمه در حجمی هزارو ???صفحه ای انتشار یافت، چاپ دوم آن نیز ازسوی انتشارات قدیانی منتشر شد.

۶ داستان پیامبران

ویژگی اثر : جلد اول آن درکتاب از آدم تا مسیح که به صورت داستانی می باشد .(جلد اول: از آدم (ع) تا عیسی (ع)).گرمارودی علاوه بر شعر، نثر روان و فاخری نیز دارد. او در کتاب، داستان پیامبران را از آدم ابوالبشر(ع) تا حضرت ختمی مرتبت(ص) با این نثر روایت کرده است

۷ داستان پیامبران

ویژگی اثر : از حضرت محمد در جلد دوم

۸ در مسلخ عشق

ویژگی اثر : مجموعه داستانی می باشد.

۹ درباره هنر وادبیات امروز

ویژگی اثر : این کتاب مصاحبه ناصر حریری با گرمارودی

۱۰ درمسلخ عشق (مجموعه داستان کوتاه مذهبی)،

۱۱ دستچین (مجموعه شعر)

۱۲ زندگی شیخ محمد تقی بافقی (داستان کوتاه)،

۱۳ سرود آسمانی

ویژگی اثر : ترجمه ای «از صحیفه سجادیه»

۱۴ صدای سبز

ویژگی اثر : آخرین مجموعه شعر منتشرشده این شاعر، «صدای سبز» (گزینه شعرها به اضافه بیش از شعر جدید) است.

۱۵ قلم انداز

ویژگی اثر : مجموعه مقالات و سفر نامه ها از ۱۳۴۸

۱۶ گزیده شعر نیستان

۱۷ گزینه شعر گرمارودی

ویژگی اثر : به گزینش مقدمه بهاء الدین خرمشاهی

۱۸ مجموعه تا کجا

۱۹ مجموعه شعر باران اخم

ویژگی اثر : گزینه شعر جنگ دفتر ادبیات و شعر مقاومت درسال ۱۳۷۳ تهران منتشر شده است

۲۰ مجموعه شعر چمن لاله

۲۱ مجموعه شعر خط خون

ویژگی اثر : از انتشارات زوار به سال ۱۳۶۳ می باشد

۲۲ مجموعه شعر درسایه سار نخل ولایت

ویژگی اثر : این اثر چاپ دوم و دفترنشر فرهنگ اسلامی به سال ۱۳۵۸ می باشد .

۲۳ مجموعه شعر درفصل مردن سرخ

ویژگی اثر : این اثر از انتشارات راه امام به سال ۱۳۵۷ می باشد .

۲۴ مجموعه شعر سرود رگبار

ویژگی اثر : این اثر درسال ۱۳۵۷ رواق و چاپ دوم می باشد .

۲۵ مجموعه شعر عبور

ویژگی اثر : این اثر وی از آثار شعری اوست که درسال ۱۳۵۶ چاپ دوم می باشد .

۲۶ نهج البلاغه

ویژگی اثر : ترجمه ای

۲۷ نوح پیامبر (داستان کوتاه)،

۲۸ یونس (داستان کوتاه)،

موسوی مطلق، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعباس موسوی مطلق

محل تولد : لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱۰/۳۰

زندگینامه علمی

به فضل خداوند متعال و عنایات خاصه حضرات ائمه معصومین (ص) پس از سپری شدن دوران راهنمائی در سال ۷۱ - ۷۰ وارد قم شدم و به طور آزاد در قم مشغول به تحصیل شدم. مدتی در منزل اجاره ای به سر می بردم و سپس در مدرسه مهدی موعود و بعد در مدرسه علوی، حجره و خوابگاه گرفتم. پس از گذراندن دوره ادبیات در دروس لمعه آیت الله اشتهاردی و دیگر اساتید حاضر شدم و سپس دروس بعدی رسائل و مکاسب را در درس «آیت الله اشتهاردی» و «آیت الله فقیهی» و کفایه را از «آیت الله موسوی تهرانی» و درس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آقایان: «بهجت»، «وحید خراسانی»، «مبشر کاشانی» و «علوی بروجردی» در حال تحصیل می باشم. تفسیر را در محضر حکیم متاله مفسر عالیقدر «حضرت آیت الله جوادی آملی» و اخلاق و عرفان را نزد استاد عزیز «آیت الله حاج شیخ عبدالقائم شوشتری» بوده ام و کار نوشتن را از سال ۷۶ آغاز کرده ام.

موسوی نسب، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر موسوی نسب

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه و در مشهد مقدس سطح را به پایان رساندم. در محضر اساتیدی همچون: «آیت الله صالحی»، «آیت الله مرحوم سبزواری»، «آیت الله رضا زاده»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «سبحانی» و «فاضل لنکرانی» تلمذ نموده ام.

گذراندن دوره مرکز ادیان و مذهب اسلامی و دوره مهدویت در مرکز تخصصی مهدویت و دارای تالیفات، تدریس، مقالات متعدد، تحقیق و تدوین در حوزه و دانشگاه از دیگر فعالیتهای بنده بوده است. در حال حاضر نیز مسئول مرکز تخصصی امامت و مهدویت خراسان رضوی هستم.

موسوی نسب، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صادق موسوی نسب

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه شدم. در سال ۱۳۶۶ همراه با دروس حوزه در دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق نیز شرکت کردم. این دوره آموزشی شامل مباحث فلسفی، معارف قرآن و منتخبی از مباحث و دستاوردهای بعضی از علوم انسانی، به خصوص اقتصاد و جامعه شناسی بود. پس از این دوره که به عنوان کارشناسی الهیّات و معارف اسلامی ارزیابی شد؛ وارد رشته تعلیم و تربیت شده و در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم. پایان نامه اینجانب: «مقایسه ای است میان دیدگاه شهید مطهری و یکی از فلاسفه تعلیم و تربیت (شفلر) در باب فطرت و استعداد آدمی».

پس از دوران مذکور به عضویت در هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) در قم پذیرفته شده و فعّالیّت های سه گانه ای را، همزمان آغاز کردم؛ (بخش اول کارهای تحقیقی بود که حاصل آن چند مقاله و یک ترجمه مشترک است. بخش دوم تدریس مواد مختلف درسی در رشته علوم تربیتی است و قسمت سوّم اداره امور کارورزی، تحقیق و برنامه ریزی آموزشی برای دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته علوم تربیتی می باشد که در مؤسسه امام خمینی (ره) برگزار می شود) و هم اکنون دانشجوی دکتری در گرایش روان شناسی تربیتی هستم.

موسوی واعظ، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خطیب شهیر و واعظ روشن ضمیر آقای حاج سید محمد بن السید الجلیل السید تقی بن السید العابد الزاهد صاحب انفاس القدسیه الحاج السید مرتضی ابن السید الزکی و الشریف الورع السید محمد المرعشی نسبا و الموسوی شهرتا واعظ نامی و خطیب سامی معاصر از مشاهیر وعاظ عصر و سخنوران حاضر است.

آوازه و شهرتش به تمام کشور بلکه خاورمیانه رسیده و در ایران و عراق و پاکستان و هندوستان و غیره اشتهار دارد درب خانه‌اش به روی عالی و دانی روحانی و عامی باز و دستانش برای دستگیری افتادگان و قضاء حوائج اخوان گشاده است.

همه روزه از اول وقت ارباب حاجت از عموم طبقات از داخل و خارج به وی مراجعه و ایشان از هر کس با آغوش باز استقبال نموده و حتی المیسور از انجام حوائج آنان کوتاهی نمی‌کند و از راه انداختن کار آنها لذت می‌برد و سپاس خدا می‌گوید که گره و مشکل بنده‌ای از بندگان خدا به دست او باز شده و راه افتاده است.

بسیار خوش مجلس و خوش محاوره و مزاح و صاحب لطائف و طرائف و مورد توجه عموم مراجع بزرگ حاضر و بالاخص آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در قم و آیت‌الله العظمی شاهرودی نجف می‌باشد.

مسافرتهائی به دور دنیا نموده و از کشورهای راقیه و متمدنه آمریکا و اروپا و آفریقا و حجاز و سوریا و ترکیه و هند و پاکستان و افغانستان دیدن کرده و با رجال بزرگ سیاسی دنیا و سران مذاهب ملاقات و با بعضی از علماء و مفتیان اهل سنت مناظرات نموده و آنها را مغلوب و مجاب ساخته است.

بیانی شیرین و نطقی گویا دارد و طرف را هر کس باشد با لطایف الحیل محکوم می‌سازد در محاوره کمتر شکست می‌خورد و این یکی از موهبتهای الهی است نسبت به او.

تولد وی در روز بیست و یکم جمادی‌الاولی سال ۱۳۴۱ ق در زاویه مقدسه شهر ری در جوار سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام واقع شده و تحصیلات جدید را تا متوسطه خوانده آنگاه به تشویق و هدایت نگارنده برای تحصیل علوم دین به قم آمده و اولا با مخالفت صریح خاندانش مواجه شده ولی از آنجائیکه نسبت به حقیر علاقه و محبتی تام داشت در مقابل انکار و منع آنان استقامت ورزیده و در سال ۱۳۵۹ ق مهاجرت بدارالعلم قم و ادبیات و سطوح را از مدرسین حوزه خوانده و سطوح عالی را از حجه‌الاسلام حاج شیخ جواد خندق‌آبادی و مرحوم آیت‌الله مجاهدی و حجه‌الاسلام مصطفوی و دیگران استفاده نموده و در دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی مرعشی مدظله و بعضی از آیات دیگر شرکت و در سال ۱۳۷۰ ق به تهران مراجعت و وارد امور اجتماعی از قبیل ملی کردن صنایع نفت و انتخابات آزاد گردیده و کم‌کم کسب شهرت کرده و چندین بار از رادیو تهران و رادیو بحرین سخنرانی در پیرامون حقایق اسلام و رسالات نبی صلی الله علیه و آله و سلم نموده و اکنون نیز به خدمات و وظائف مذکور اشتغال دارد ادام‌الله ظله و کثر الله مثله آمین یا رب‌العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعلی موسوی

محل تولد : خدا بنده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سّید علی موسوی فرزند سیّد آقا در سال ۱۳۲۶ در شهرستان خدابنده از شهرستانهای استان زنجان به دنیا آمدم. در سال ۱۳۴۱ وارد قم شده و در کلاس چهارم ابتدائی مشغول درس شدم. و کلاس پنجم دبستان را در تهران و ششم ابتدایی قدیم را در قم به پایان رسانیدم و کلاس هفتم و هشتم نظام قدیم را هم متفرقه خواندم و در سال ۱۳۴۴ احتمالاً وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح آن روز را در پیش اساتید آن زمان مانند: «مرحوم آقای سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی»، «آقای میرزا محسن دوزدوزانی»، «آقای استادی»، «آقای ستوده»، «آقای پایانی»، «مرحوم آقای معرفت» و غیره شرکت نمودم.

در سال ظاهراً ۶۸ در امتحان ورودی مجتمع قضائی و فرهنگی طلاب شرکت نمودم و قبول شدم و موفق به اخذ مدرک معادل لیسانس آن روز شدم و دو سال بعد به استخدام آموزش و پرورش در آمدم به عنوان «استاد تربیت معلم» که بعداً منصرف شدم. و در سال ۷۱ ظاهراً به عنوان «مدرس» از طرف شورای عالی حوزه علمیه به لردگان یکی از شهرستانهای چهارمحال بختیاری اعزام شده و مشغول شدم و پس از یک سال به قم برگشته و حدود یک سال در جامعه مدرسین و دائرهٔ المعارف به تحقیقات مشغول شدم و از آن زمان تا به حال در این دو مؤسسه، مشغول تحقیق فقه می باشم، (گرچه بیش از یکسال در مجمع اندیشه مشغول روایات معاد و دسته بندی آن از کتاب بحار الانوار بودم) که فعلًا یکی دو ماه است کارم در مجمع اندیشه تعطیل شده است. و فعلاً در دائرهٔ المعارف مشغول تدریس و تألیف مقالات عربی می باشم.

موسوی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن موسوی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۳/۱۲

زندگینامه علمی

در دوازدهمین روز خرداد ماه ۱۳۵۵ مطابق با سوّم جمادی الثانی ۱۳۹۶ و مصادف با شهادت حضرت زهرا (س) دیده به جهان گشود. زادگاهش شهر علم و دین «آمل» است. او در خانواده ای متوسط از نظر مذهبی و مالی رشد یافت. دوران کودکی را در محلّه ای گذراند که فضای دینی مذهبی بر آن حاکم بود و بعدها به علّت ۵۷ شهیدی که به انقلاب و نظام اسلامی هدیه کرد؛ «شهید محله» نامیده شد. دوران آموزش ابتدایی را در دبستان «جواد الائمه» طی کرد. او همواره از شاگردان ممتاز در این دبستان بود و بارها شاگرد اوّل کل شاگردهای یک پایه شد. قرائت قرآن را نیز از سال سوّم ابتدایی در این دبستان آغاز کرد و چند روز در هفته در صبحگاه مدرسه قرائت قرآن می کرد. با تشویق های خانواده به ویژه مادر بزرگ سعی زیادی برای انس با قرآن داشت. در دوران ابتدایی در فوق برنامه های سرود و تئاتر نیز شرکت فعّال داشت.

تابستان سال ۱۳۶۶ یک دوره تجوید را نزد استاد سیّد عباس ساداتی گذراند. پایان همان دوره مسابقات قرائت قرآن منطقه لاریجان آمل در بین نوجوانان مقام اوّل را کسب کرد. دوره آموزش راهنمایی را در مدرسه «شهید سقا علیزاده» گذراند. در این مدرسه نیز به فعالیت های دینی مذهبی می پرداخت. یکی از قاریان ثابت برای مراسم صبحگاه مدرسه بود و در سال دوّم و سوّم راهنمایی نیز امام جماعت مدرسه بود و برای برگزاری نماز جماعت بسیار فعّالیّت می کرد. اجرای سرودهای مذهبی و بازیگری در تئاتر و کارگردانی بعضی تئاترها و ساماندهی کتابخانه مدرسه از دیگر فعّالیّت های او در مدرسه بود. در سه سال دوره راهنمایی نیز دو بار در مسابقات علمی و درسی مقام اوّل مدرسه را کسب کرد. دو بار نیز در مسابقات قرآن دارالقرآن الکریم و مسابقات قرآن بسیج مقام اوّل را در سطح سنّی خود کسب کرد.

سال اوّل دبیرستان را در مدرسه طبری در رشته تجربی گذرانده و درکنار درس به فعّالیّت های مذهبی در انجمن اسلامی و بسیج مدرسه می پرداخت. آذر ماه ۱۳۶۹ بود که وارد هیئت درس قرآن علی بن موسی الرضا (ع) شهید محلّه شد. هدایت این جمع قرآنی را استاد «ماشاءالله شفیق» برعهده داشت که با درس ها و راهنمایی هایی خود مسیر تازه ای به زندگی او بخشید. در سال

۱۳۷۰ با تغییر رشته درسی به رشته ریاضی فیزیک به دبیرستان شهید باهنر رفت و تا پایان دوره دبیرستان در سال ۱۳۷۳ در این رشته تحصیل کرد. در سالهای دبیرستان او همواره سعی می کرد بر دانش دینی خود بیفزاید. علاوه بر حضور در جلسات مذهبی و هیئت های درس قرآن و ... به مطالعه جدّی در مسایل دینی پرداخت. از سال ۱۳۷۰ تدریس تجوید و قرائت قرآن را در هیئت درس قرآن علی بن موسی الرضا (ع) آغاز کرد و از سال ۱۳۷۱ مسئولیت هیئت نوجوانان قاسم بن الحسن (ع) را بر عهده گرفت و به آموزش قرآن و احکام و ... پرداخت.

در سال ۱۳۷۲ در مسابقات مفاهیم دانش آموزی قرآن مقام اوّل را در استان مازندران کسب کرد و در سال ۱۳۷۳ در مسابقات اذان در استان خود اوّل شد. در پی مطالعات مذهبی و دوستی با چند تن از طلاب علوم دینی به ادامه تحصیل در حوزه علمیه علاقه مند شد و در مهرماه سال ۱۳۷۳ پس از قبولی در آزمون وارد حوزه علمیه قم شد. سه سال اوّل را در مدرسه علميّه شهيدين و سه سال بعد (از پایه چهارم تا ششم) را در مدرسه علمیه معصومیه طی کرد. در کنار درسهای رسمی حوزه آموختن دروس فلسفی را آغاز کرده و چند سالی در این رشته به مطالعه پرداخت.

در سال ۱۳۷۸ همکاری خود را با مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث را آغاز کرد که تا کنون این همکاری ادامه دارد. در کنار کارهای جاری محوله از سال ۱۳۸۰ همکاری خود را با گروه تدوین سالنامه حدیثی نور آغاز کرد که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ در انتخاب حدیث و گلشن حدیث این مجموعه همکاری داشته است.

در سال ۱۳۸۱ اوّلین کتاب خود با نام: «آینه یادها» را با همکاری آقای هادی ربّانی منتشر ساخت. دیری نگذشت که این کتاب در ۴ چاپ پنج هزار جلدی به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۲ دوّمین کتابش را به عنوان: «نام نمای نیکان» منتشر کرد و در مجموعه گزیده های متون حدیثی نیز به همکاری پرداخته و کارهای انتخاب حدیث، استخراج منابع، تدوین کتابنامه را در گزیده های مختلف به عهده داشت. گزیده های کتاب های «غررالحکم و الخصال» را نیز ترجمه کرد. در سال ۱۳۸۳ کتاب «ماه در آب»: مثل های فارسی در آینه حدیث را به چاپ رساند. نوشتن مقاله در مجله حدیث زندگی را نیز در سال ۱۳۸۲ آغاز کرد. در ادامه برای مجلّات گلستان قرآن و بشارت نیز مقالاتی نوشت. تعداد مقالات چاپ شده او به بیش از ۲۵ مقاله می رسد. در سال ۱۳۸۳ پس از اتمام سطح دو حوزه، در آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث گرایش کلام شرکت کرده و در این رشته پذیرفته شد.

موسوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد محمّد موسوی در سال ۱۳۳۳ در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در این شهر گذرانده، سپس حدود سال ۴۷ جهت تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ مرحوم آیت الله گلپایگانی شدم. بخشی از دروس سطح را مثل ادبیات، منطق، معانی بیان و مقداری از اصول فقه تا شرح لمعه را در آنجا به پایان رسانده و بخش دیگر از سطح را مانند: رسائل و مکاسب به طور آزاد نزد بعضی از اساتید محترم خواندم.

پس از آن در درس خارج فقه یا اصول تعدادی از آیات اعظام مانند: «تبریزی (ره)» و «حضرت آیت الله وحید خراسانی» شرکت نمودم، تا اینکه جریان انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) رخ داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند سالی (۷۰ – ۶۴) به عنوان امامت جمعه در استان کرمان اشتغال داشته و در سال ۱۳۷۰ شمسی مجدداً به قم آمدم و حدود دو سال اوراق امتحانات مرکز مدیریت حوزهٔ علمیه قم را تصحیح نموده و به کار تحقیق و تألیف در برخی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی پرداخته و تاکنون نیز اشتغال دارم.

موسوی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد حسین بن السید الجلیل آقا سید محمد باقر موسوی از علماء معاصر شهرستان بهبهان است. وی در سال ۱۳۰۷ شمسی در بهبهان متولد شده و پس از طی دوران دروس جدید مدت سه سال در بهبهان مقدمات و ادبیات و سطوح متوسط را خوانده آنگاه بقم مسافرت و مدت هشت سال از محضر اساتید عظام حوزه علمیه قم چون حضرت آیه‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و آیه‌الله العظمی آقای... و زعیم اعظم آیه‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و بعد از آن مهاجرت بنجف اشرف

نموده و مدت چهار سال اقامت و از محضر دروس حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و آیه‌الله العظمی مرحوم حاج سید محسن حکیم بهره‌مند شده سپس بمنظور انجام وظیفه در سال ۱۳۷۴ ق به بهبهان مراجعت و مدت بیست سال است که در این شهرستان در مسجد (مصلی) باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

از آثار ایشانست:

۱- تأسیس کتابخانه عمومی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در مسجد مصلی.

۲- مدرسه علمیه موسوی که مجهز بتمام وسائل آسایش برای طلاب علوم دینی و واردین از اهل علم و منبر میباشد.

۳- کتابخانه مدرسه علمیه مزبور برای محصلین این مدرسه.

جناب آقای موسوی، از حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حکیم و آیه‌الله العظمی خوئی و آیه‌الله العظمی شاهرودی مجاز باجازه امور حسبیه و وکالت در امور شرعیه دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سید مصطفی موسوی در سال ۱۳۲۵ در روستای صومعه بر بخش طارم علیای زنجان به دنیا آمد.وی یکی از مصححان کتاب «جامع التواریخ» می باشد. کتاب مذکور ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید مصطفی موسوی در شش سالگی آموزش روخوانی و قرائت قرآن مجید را آغاز کرد و نزد روحانیون بومی مقدمات علوم قدیم را فراگرفت. پس از گذشت شش سال فراگیری دروس جدید را نیز آغاز کرد. دورهٔ دبستان و دبیرستان را در شهر رشت گذراند .وی از هنگامی که همکاری اش را با آقای محمد روشن برای فراهم آوردن متن جامع التواریخ آغاز کرد، مقدماتی از زبان مغولی را نیز آموخت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سید مصطفی موسوی در کنار تحصیل در دبیرستان به مطالعه در زمینهٔ تاریخ و سپس زبان شناسی و ریشه شناسی واژگان فارسی علاقه مند شد و در سالهای بعد زبانهای ترکی غرب (ترکیه) و ترکی شرق را به طور شخصی آموخت و در همین دوران با کتیبهٔ اورخون و متون کهن ترکی نیز آشنا شد.

فعالیتهای آموزشی : سید مصطفی موسوی به غیر از تصحیح کتاب جامع التواریخ، مقالاتی هم در زمینهٔ نقد کتاب، تاریخ، زبان شناسی در مجلات راهنمای کتاب، آینده، فرهنگ و زندگی، نشر دانش و جُنگ ها و نشریات محلی نوشته است. همچنین آماده سازی جلد دوم جامع التواریخ (با همکاری آقای روشن) و فرهنگ سنگلاخ میرزا مهدی خان استرآبادی (منشی نادرشاه) را در دست اقدام دارد

جوائز و نشانها : کتاب" جامع التواریخ "تصحیح سید مصطفی موسوی(یکی از محصصین)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار :

۱ جامع التواریخ

ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«جامع التواریخ»: جامع التواریخ (۴ جلد)؛ رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳. یکی از آثار گرانبها و ارجمند زبان فارسی در زمینه تاریخ که خوشبختانه از چنگال حوادث روزگار مصون مانده و به دست ما رسیده جامع التواریخ است. بخش بزرگی از این کار سترگ، بی مانند و بخشهای دیگری از آن نادر و کم نظیر به شمار می آید. مانند قسمتهایی از جلد اول که مؤلف به شرح وقایعی که خود در دوران اقامت در دربار مغولان شاهد آن بوده پرداخته. همچنین بخشهای مهمی از جلد دوم مانند تاریخ اغوزان، چین، هند و بودا، فرنگ و پایان، اسماعیلیان و نزاریان که در جای خود از نظر شیو ?تاریخ نگاری در جهان اسلام بدیع و بی نظیر است. مجلد اول و دوم کتاب به اصل متن جامع التواریخ و تمامی مجلد سوم به انعکاس نسخه بدلها اختصاص یافته است. فهرست آیه های قرآن، عبارتها و اشعارعربی و فارسی، واژه ها و ترکیبات و نام کسان و مکانها نیز در مجلد چهارم منعکس شده است. از ویژگیهای این کتاب این است که مصححان، با اعراب گذاری روی نامها و واژه های ترکی، مغولی، عربی و فارسی تاریکیها و ابهامات را برای خوانندگان کتاب از میان برده اند. همچنین ارائ ?تصاویری ازنسخه های قدیمی «جامع التواریخ رشیدی» و نیز وجوه مختلف زندگی اجتماعی و هنری مغولان، بر اعتبار و گیرایی کتاب افزوده است.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

موسوی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی موسوی

محل تولد : اصفهان

شهرت : موسوی اصفهانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی در سال ۱۳۲۳ در اصفهان و در میان خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید اکبر هوایی از کسبهٔ اصفهان بود و به پارچه فروشی روزگار می‌گذرانید. او به دلیل علاقهٔ فراوان به روحانیت، فرزند خود را به رو آوردن به علوم دینی بسیار تشویق می‌کرد. حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی پس از اینکه دبستان را به پایان رسانید، در چهارده سالگی، تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد. او که حدود سه سال درحوزه علمیه اصفهان درس می‌خواند، از مواهب معنوی «حاج آقا مصطفی بهشتی» بهره‌های بسیار می‌برد.

او در سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر استادان آن دیار بهره ببرد و در مدت کوتاهی دروس دورهٔ سطح را به پایان رسانید. سپس به درس خارج بزرگان آن روز حوزه علمیه قم رفت؛ البته در طی این سالها از علوم عقلی نیز غافل نماند و نیز در درس اخلاق استادان خود همواره حاضر بود. حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی بخشی از دروس دورهٔ مقدمات را در اصفهان نزد آقا شیخ عبدالعلی عرب و حاج آقا مصطفی بهشتی گذراند. در قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین «فاضل هرندی»، مختصرالمعانی را نزد «آیت‌الله صالحی»، معالم را نزد «آیهٔالله اشکوری»، قوانین را نزد «آیهٔالله سید اسدالله خراسانی» و لمعتین را نزد «آیهٔالله صلواتی» و «مؤمن» به پایان برد. او رسائل را نزد «آیهٔالله اعتمادی» و مکاسب را نزد حضرات آیات: «ستوده، فاضل و مظاهری» فرا گرفت. کفایه را نیز در محضر «آیهٔالله سلطانی طباطبایی» آموخت.

با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج فقه و اصول «آیهٔالله العظمی شیخ مرتضی حائری»، «آیهٔالله العظمی مکارم شیرازی»، «آیهٔالله العظمی گلپایگانی»، «آیهٔالله العظمی وحید خراسانی» و «آیهٔالله العظمی شیخ جواد تبریزی» رفت و سالها از محضر آن بزرگواران بهره‌مند شد. از دوستان و هم مباحثه‌ای های او (حجهٔالاسلام و المسلمین شهید حسن بهشتی، حجهٔالاسلام و المسلمین سید محمد تقی دیباجی و حجهٔالاسلام و المسلمین قرائتی) را می‌توان نام برد.

حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اشتغال داشت و سالها در حوزه علمیه خواهران قم و نیز حوزه علمیه برادران به تدریس دروس دورهٔ سطح پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات دروس خارج استادان خود را نگاشته است. حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی، همگام با نهضت اسلامی امام (ره) خدمات سیاسی بسیاری بر جای نهاده است.

او در سالهای پیش از انقلاب به اطراف شهر بهبهان مسافرت کرده و مردم آن نواحی را از مسائل سیاسی و عقیدتی آگاه می‌ساخته است. همچنین در تحصنی که علماء و طلاب اصفهان در منزل «آیهٔالله خادمی اصفهانی» به راه انداخته بودند، شرکت جدی داشته است. او پس از انقلاب نیز مدتی به همراه «آیهٔالله محمد مؤمن» در قوهٔ قضائیه به رتق و فتق امور دادگاهها اشتغال داشته است. حجهٔالاسلام و المسلمین موسوی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در همدان به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

موسوی، میرمحمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر محمود موسوی

محل تولد : زاویه سفلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب میر محمود موسوی فرزند میر علی اکبر به سال ۱۳۴۴ شمسی در روستای «زاویه سفلی» از توابع شهرستان «چالدارن آذربایجان غربی» به دنیا آمدم. تحصیلات دوره ابتدائی را در همان محل به پایان بردم. دوره راهنمائی را در شهرستان خوی و دبیرستان را در تهران به پایان رساندم. به سال ۱۳۶۱ در مدرسه «طالبیه تبریز» مشغول دروس حوزوی شدم و از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ در مدرسه «شیخ عبدالحسین» تهران مقدمات و بخشی از سطح یک حوزه را فرا گرفتم و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ در مدرسه «مروی

تهران» سطح دو را به پایان رساندم.

سال ۱۳۷۰ شمسی وارد حوزه علمّیه قم شدم و از محضر اساتید محترم: «مصطفی اعتمادی» و «محسن دوزدوزانی» رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را استفاده کردم. سپس از دروس خارج فقه و اصول و تفسیر آیات عظام: «جعفر سبحانی»، «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «محمّد مؤمن» بهره بردم. در همین سالها از سال ۱۳۷۲ وارد کار پژوهشی شدم و از راهنمائی های آقای «علی رفیعی علامرودشتی» سود بردم و مشغول تهیّه مقالاتی در خصوص معرفی کتابخانه های بزرگ جهان شدم، حاصل آن مقالات گوناگونی است که در فصلنامه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده است.

سپس از محضر حجهٔ الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی و آقای سید محمد اصفیائی در زمینه نسخه پژوهی و فهرست نگاری استفاده برده و مشغول فهرست نگاری نسخه های خطی شدم، حاصل آن تاکنون چندین جلد فهرست است که پنج جلد آن به صورت گروهی (۲۸ – ۳۲) و دو جلد آن (۳۳ – ۳۷) با همکاری حجهٔ الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی تدوین شده است. در کنار فهرست نگاری به تصحیح برخی رساله های خطی پرداخته و مقالاتی چند را نیز تالیف نموده ام که در منشورات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده اند.

موسوی، نعیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۳۳، اهواز.

درگذشت: بهمن ۱۳۷۵، اهواز.

سید نعیم موسوی مترجم اشعار شاعران عرب زبان بود. در جلسات شب شعر با شاعران اهوازی شرکت می‌جست. ترجمه‌های او در مطبوعات به چاپ رسیده‌اند. از جمله آثارش می‌توان به کتاب فانوس رابطه اشاره کرد که اوایل انقلاب اسلامی به چاپ رسید. وی چند سالی به کار کتابفروشی روزگار می‌گذرانید.

سید نعیم موسوی، با بیماری قند خون روبرو بود و در اواخر عمر ۹۰ درصد بینایی خود را از دست داده بود. پیکر وی در اهواز در منطقه‌ی شبیشه در بهشت شهدا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسویان، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل موسویان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد ابوالفضل موسویان فرزند حسن در سال ۱۳۳۴ در شهر مقدّس مشهد دیده به جهان گشودم. پس از دوران ابتدائی، وارد حوزه شده و مقدّمات را از برخی از فضلای مشهد و عمدتا از مرحوم ابوی آموختم. مختصر المعانی را از استاد «حجت هاشمی»، معالم را از استاد «بنی هاشمی» و لمعتین را در محضر والد به پایان رساندم. سپس راهی قم شدم و رسائل را از محضر اساتید: «اعتمادی» و «دوزدوزانی»، مکاسب را از مرحوم استاد «ستوده» و کفایه را از استاد «سبحانی» استفاده کردم.

از اوائل سال ۱۳۵۲ درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و از آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، و عمدتاً از «آیهٔ الله منتظری» بهره بردم. در کنار فقه و اصول، به فراگیری فلسفه نیز مشغول شدم و از اساتید بزرگوار «انصاری» و «جوادی آملی» استفاده کردم. منظومه و برخی از جلدهای اسفار را خواندم. سپس التمهید قیصری و فصوص الحکم را با استفاده از آیهٔ الله معرفت، اخلاق را از آیهٔ الله حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اینجانب بعد از چند سال تحصیل، همانند دیگر حوزویان، درسهای پائین تر را به دیگران می آموختم. لذا از حوزه علمیّه مشهد تاکنون به تدریس اشتغال داشته ام. و دروس عمومی را در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مفید تدریس کرده و می کنم. و اکنون عضو هیئت عملی دانشگاه مفید هستم. در کنار تدریس و تبلیغ، مکتوباتی نیز داشته ام ومقالاتی را در مجلات و روزنامه ها به چاپ رسانده ام.

موفق، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا موفق

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱۲

زندگینامه علمی

۱. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی ۲. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس ۳. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک آن در دو رشته « فلسفه و کلام اسلامی» و « فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۴. فراگیری زبان انگلیسی (مکالمه و متن) ۵. فراگیری زبان عربی و متون جدید (مکالمه و متن) ۶. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال و تدوین دو مقاله پژوهشی در زمینه « آزادی و دین » و انتشار آن در مجله ی پژوهشگاه ۷. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید حجت الاسلام صادق لاریجانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسلام دکتر عابدی به مدت پنج سال ۸. پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته « فلسفه و کلام اسلامی » از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان « بررسی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری » با کمک استاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه ی عالی ۹. عضویت در پژوهشگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال ۷۸ و انجام فعالیت های ذیل : ü تحقیق و تنظیم کتاب « نسبت دین و دنیا (نقد نظریه سکولاریزم)» تألیف آیت الله جوادی آملی ü مسؤولیت پروژه کتاب «مهر استاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) ü تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن ، فلسفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی) ü تنظیم بخشی از کتاب « شرح شواهد الربوبیه » از سری درسهای آیت الله جوادی آملی (در مرحله ارزیابی) ü دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسی شبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. ۱۰. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه (بدایهٔ الحکمهٔ) ۱۱. تدریس در دانشگاه در دروس معارف در دانشگاه قم ۱۲. تألیف کتاب «دین و معنای زندگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳. مسؤولیت بخش معاونت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال ۱۴. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل ۱۵. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

موقر بوشهری، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۰ ق)، روزنامه‌نگار. ملقب به مترجم الممالک. در بوشهر به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی در زادگاهش به بندر کراچی رفت و دوره‌ی متوسطه را در مدرسهٔ الاسلام سند خواند و زبان انگلیسی را آموخت. سپس به تهران آمد و در کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. او سه دوره از طرف اهالی خوزستان نماینده‌ی مجلس شورای ملی شد. بعد از آن در راه تصوف قدم نهاد و از سر سپردگان شمس‌العرفاء گردید. وی در ۱۳۰۴ ش روزنامه‌ی «خوزستان» را در اهواز و در ۱۳۱۲ ش مجله‌ی «مهر» و در ۱۳۱۴ ش مجله‌ی «مهرگان» را در تهران تأسیس و منتشر کرد. موقر همچنین در ۱۳۱۶ ش به عنوان مدیر روزنامه‌ی «ایران» منصوب شد و بعد از آن روزنامه‌ی «مهر ایران» را انتشار داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۴۳ -۲۴۲/ ۴، ۲۵۹ -۲۵۸/ ۲، ۳۱۴/ ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۳ -۵۶۲/ ۵).

موگهی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الرحیم موگهی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم موگهی در اول دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات کلاسیک خود را تا سال سوم رشته «مهندسی طراحی» در دانشگاه صنعتی اصفهان ادامه داد. در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «مکارم»، «جوادی» و ... بهره برد. وی دارای تألیفات متعددی می باشند که تعدادی از مقالاتشان در نشریاتی همچون: یاس، فرهنگ جهاد، رشد، ره توشه، مبلغان، مبین، حجره، پیام حوزه، کوثر، مربیان، سلام بچه ها و ... به چاپ رسیده است.

مولانا، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مولانا فرزند ارشد حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد آقا مولانا قدس سره و سلسله‌ی نسب‌شان به حضرت موسی ابن جعفر علیه التحیه و الثناء می‌رسد شب شانزدهم ربیع الاول سال ۱۳۲۰ هجری قمری در بلده‌ی طیبه‌ی نجف اشرف (ایام اقامت والد ماجدش در آن شهر مقدس) متولد تحصیلات مقدماتی و ادبیات متداوله و سطوح را در تبریز به اتمام رسانده در سال ۱۳۴۰ جهت ادامه‌ی تحصیل به دارالعلم نجف اشرف عازم و از محضر استادان عالیقدر آیات الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء- آقا سید محمد حجت کوه کمری (موقع اقامت معظم له در نجف)- آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء- آقا ضیاء عراقی- آقا شیخ محمد حسین کمپانی (اصفهانی) و سایر فقهاء عصر استفاده و پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۴۶ به وطن عزیز خود تبریز مراجعت- از همان وقت به تدریس علوم دینی و تبلیغ احکام نبوی و تألیف کتب اسلامی با جدیت خستگی ناپذیر اشتغال داشته- روز چهارشنبه ۲۲ شوال المکرم سال ۱۳۹۲ در تهران (جهت معالجه به آن شهر تشریف فرما شده بود) داعی حق را لبیک گفته.

آفتاب دین غرا کرد از عالم افول

بیست دو شوال نزدیک زوال آفتاب

در شهر مذهبی قم و جوار حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها مدفون گردید. عمر شریفش و ۷۲ سال ۷ ماه و ۶ روز بوده.

چون تراب تیره شد آرامگاه و مضجعش

عرش گفتا آن زمان یالیتنی کنت تراب

اولاد ذکور آن بزرگوار: جنابان حجه الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن و حاج سید ابوالقاسم آقا که هر دو به نوبه‌ی خود از جمله علمای اعلام و فضلای تبریز به شمار می‌روند و در دریای علم و تقوای آن فقید می‌باشند.

و نیز آقای حاج سید ابوالفضل جوان فعال پرهیزکار فرزند آن مرحوم و نور دیده‌ی مردم است.

تألیفات فقید سعید آنچه در حال حیاتش به زبان فارسی به چاپ رسیده ۱۸ جلد بشرح زیر:

۱- صحت و سعادت- اخبار وارده در موضوع بهداشت و سعادت بشر.

۲- آثار المعاصی- در بیان اثرات دنیوی گناهان.

۳- نصایح المعصومین- اندرزهای منتخبه از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۴- الملاحم- پیشگوئی‌های واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۵- لطائف الاخبار- برگزیده‌ی اخبار واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۶- مرآة الحج- بیان احکام و مناسک حج.

۷- شرط و جزاء- بیان احادیث وارده در نتیجه‌ی بعضی اعمال.

۸- الفروق- بیان احکامی که میان زن و مرد متفاوت است.

۹- البرکات- اخباری که کلمه‌ی برکت در آنها ذکر شده.

۱۰- سیره‌ی حسنه- ذکر فوائدی در موضوعات مختلفه.

۱۱- حکایات المعصومین- قسمتی از حکایات گذشتگان خدائی.

۱۲- کیف اصبحت- اخبار و احادیث.

۱۳- چهل حدیث- احادیث و بحث اجمالی در امامت.

۱۴- خدا نه طبیعت- منظوم در اثبات صانع.

۱۵- حج نامه- منظوم در اعمال حج و سفرنامه.

۱۶ و ۱۷- بخش اول و دوم در منظوم- در حالات پنج تن آل عبا (ع).

۱۸- تعدیل المیزان- بیان اوزان و اندازه‌های معمول دنیا.

علاوه بیشتر از ده جلد کتب علمی و فقهی من جمله (منجزات المریض) یک بحث مهم که هنوز به چاپ نرسیده و از آثار باقیه‌ی آن فقیه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مولوی کتابفروش، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد ملاـ محمـد بن ملا علی خوانساری. از فضـلای اصـفهان، و از شاگردان حاج میرزا یحیی مسـتوفی و آقا نجفی و جمعی دیگر بوده، و شغل کتابفروشی داشت، و از راه طبع کتب دینی خدمت شایسته‌ای به علم و دین فرموده.

تألیفـاتی دارد، از آن جملـه است: ۱ – تفسـیر مولوی، در حاشـیه‌ی قرآن به طبع رسـیده، و خلاصه‌ی چنـدین کتاب تفسـیر است ۲ – حواشی بر قرآن ۳ – کشف الایات، که در آخر جنات الخلود به طبع رسیده است.

در سلخ شعبان سال ۱۳۶۶ وفات یافته، در تخت فولاد حوالی قبر فاضل هندی در بقعه‌ای مخصوص جنب پدر مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از پی تاریخ او گفت خرد با یکی

جا بجنان می‌کناد شیخ محمد حسین

پـدرش: آقا ملا محمد نیز فاضل و دانشـمند بوده، و شـغل کتابفروشـی داشـته، و در ۱۰ ذی قعده ۱۳۰۷ وفـات یافته، در تخت فولاد مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مومن، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مومن

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسـلام و المسـلمین علی مـؤمن در سـال ۱۳۳۲ در قـم و در خـانواده‌ای مـذهبی به دنیـا آمـد. پـدرش کشـاورز بـود و برادرش (حضـرت آیهٔالله محمد مؤمن) از اسـتادان حوزه علمیه قم بود. حجهٔالاسـلام و المسلمین علی مؤمن با به پایان رساندن دورهٔ دبستان، در خرداد ماه ۱۳۴۵، به حوزه علمیه قم وارد شد.

او جامع المقدمات را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین طباطبایی خواند. سیوطی را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین شایسته گلپایگانی، مغنی را نزد آقـای طالقـانی، معـالم را نزد «آیـهٔالله مقتـدایی» و مختصـرالمعانی را نزد «آیـهٔالله تهرانی» فرا گرفت. منطق را نزد حجهٔالاسـلام والمسـلمین امینیان، شـرح لمعه را نزد حضـرات آیات: «تهرانی، شب زنـده‌دار، صـلواتی، تقوی اشـتهاردی، فاضـلی اشـتهاردی و ...» آموخت. برای آموختن رسائل به نزد «آیهٔالله طاهری» و برادرش (آیـهٔالله مؤمن) رفت. ضـمن اینکه بخشـهایی از مکاسب و کفایه را نزد برادر خود می‌آموخت به درس مکاسب آیهٔالله ستوده و درس کفایه آیهٔالله سلطانی طباطبایی نیز می‌رفت.

با پایان یافتن دورهٔ سطح به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «شیخ کاظم تبریزی»، «شیخ مرتضی حائری»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «حسینعلی منتظری»، «وحیـد خراسانی» و «محمـد مؤمن» و ... رفت و از دروس ایشان بهره‌های بسیار انـدوخت. او بخشی از اسفار را نزد «آیهٔالله امینی» آموخت و شرح تجرید را نزد «آیهٔالله حسینی کاشانی» فرا گرفت.

از دوسـتان و هم مباحثه‌های او می‌توان حجج اسلام رجبی، شب‌زنده‌دار و عندلیب را نام برد. حجهٔالاسلام و المسلمین علی مؤمن از نخسـتین سالهـای تحصـیل به امر تـدریس همت گمـاشت و تـا به امروز بیشـتر کتب دوره سـطح را تـدریس کرده و از این رهگـذر، شـاگردانی را بـه عـالم اسـلام تقـدیم داشـته اسـت. او به همراه برخی از اسـتادان حـوزه، به امر بررسـی و تـدوین میراث فقهی همت گماشته و در این زمینه، تحقیقات بسـیاری را به انجام رسانده است. حجهٔالاسـلام و المسـلمین علی مؤمن از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در آن مرکز مقدس، فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است

مومن، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مومن

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱۰/۲۳

زندگینامه علمی

آیـةالله محمد مؤمن، در روز پنج شـنبه، دهم ذی‌القعدهٔ سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر بـا ۲۳ دی ۱۳۱۶ هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی و علاقه‌مند به خاندان مکرم پیامبر اسـلام (ص) در شـهر قم چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج عباس مؤمن که فردی سرشـناس و مورد اعتمـاد مردم بود، با پیشـهٔ کشاورزی روزگار می‌گذرانـد و نزدیک به صـد سال زیست و سـرانجام در سال ۱۳۷۷ هجری شمسـی دار فانی را وداع گفت. مادر او نیز زنی پاکدامن و وارسته بود که چهار سال پیش از پدرش یعنی در سال ۱۳۷۳ در گذشـته بود. پـدر و مادر ایشان نیز متولـد قم بوده‌انـد و تا آنجا که خود از آن اطلاع دارد، خانـدانش حـدود ۲۰۰ سـال است در قم سکونت دارند.

کودکی آیةالله مومن با تنگی معیشت خانواده همراه بوده، به گونه‌ای که ایشان را برای آینده‌ای پر از جهاد و مبارزه آماده می‌ساخته است. تحصـیلات خود را در هفت سالگی آغاز نمود و در مکتب خانه‌ای واقع در محلهٔ «باغ پنبه» قم، به فراگیری قرآن مشـغول شـد پس از آن به مکتب دیگری رفته در آنجا کتاب «نصاب الصبیان» و برخی از کتب دیگر را آموخت. پس از مـدتی با سـفارش برخی به پدر ایشان و موافقت پدر، تحصـیلات خود را در مدارس اسـلامی، ملی آن زمان، به تحصـیل علوم دبستانی اشتغال پیدا کرد و در مدت دو سال تا کلاس شـشم ابتدائی تحصـیل کرد. بعد از آن سال اول دبیرستان را خواند اما به دلیل کم بودن سن قانونی نتوانست در آزمون پایان سال شرکت کند.

در سال ۱۳۳۲ به تحصـیل علوم دینی روی آورد و طی دو سال، ادبیات عرب، بخش بسیاری از «مطوّل» و همه «معالم الاصول» را فرا گرفت و هـم زمـان، بـه دلیـل تنگی معیشـت خـانواده، بـه آموزگـاری نیز می‌پرداخت. پس از آن، بـا توسـل بـه حضـرت علی بن موسـی‌الرضا (ع) و امام عصر (عج) توانست رضایت پدر خود را جلب نماید و صرفاً به تحصـیل علوم دینی بپردازد. «شـرح لمعه» و «قوانین الاصول» را در طی یک سال فرا گرفت و «مکاسب» و «رسائل» شـیخ انصاری را پس از دو سال به اتمام رساند و در ششـمین سال تحصـیل، جلد اول «کفایه» را آموخت و در درس خارج اصول و فقه شـرکت جُست. هم زمان با تحصیلات فقهی و اصولی، به تحصیل حکمت الهی و فلسفه نیز می‌پرداخت و «شرح منظومه» سبزواری و «الهیات شفا» و بخش عمده «اسفار» را فرا می‌گرفت.

در اواخر سال ۱۳۴۲ برای تحصـیل، عازم نجف اشـرف شد و به مدت شش ماه از محضر استادان حوزه علمیه بهره‌های فراوان برد و سپس به ایران بـازگشت و تا سال ۱۳۵۳ به تحصیل خود ادامه داد. حضـرت آیت‌الله مؤمن در دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسـته‌ای بهره برده است؛ از جمله شـرح منطق حاجی سبزواری را نزد «حاج شیخ محمد واعظ زاده» و مکاسب شیخ انصاری را نزد «آیت الله مشـکینی»، «آیت الله شـاه آبـادی»، «شـیخ ابوالفضـل خوانسـاری» و دیگر اساتیـد آن زمان فرا گرفت. همچنین رسائل شـیخ انصاری را نزد «آیةالله حاج شـیخ محمد شاه آبادی» و جلد اول کفایهٔ الاصول را نزد مرحوم «آیةالله سـلطانی» و مقداری از جلد دوم آن را نزد مرحوم «آیةالله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی» فرا گرفت.

وی در درس اصول حضرت امام خمینی (ره) شـرکت نمود و چند ماهی نیز در درس فقه «آیةالله بروجردی» حاضـر شد و سـپس به درس خـارج فقه امـام (ره) که درباره «مکاسب محرمه و بیع» بود، رفت و پایه‌های اسـتنباط فقهی خود را نزد آن بزرگوار مسـتحکم کرد. پس از تبعید امام (ره) در سال ۱۳۴۲، به درس فقه و اصول «آیهٔ الله محقق داماد» رفت و پس از آن مرحوم، از درس خارج فقه «آیةالله حاج آقا مرتضـی حائری» بهره برد. استاد او در «فلسفه» و «شرح منظومه» سبزواری، مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) بود و بعد از آن برای تحصیل الهیات «شفا» و «اسفار» به درس «علامه سید محمد حسین طباطبایی» (ره) رفت و سالها به حضور در درس تفسیر ایشان نیز توفیق یافت.

ایشـان عمـده اسـتادان خـود را در حـوزه: مرحوم امـام، مرحـوم محقق دامـاد و مرحوم شـیخ مرتضـی حـائری می‌دانـد و در بـاره آنها می‌گوید: «این سه بزرگوار، صرف بازگو کردن در نظرشان نبود؛ بلکه تحقیقی بحث می‌کردند؛ مخصوصاً امام که وقتی مسأله‌ای را می‌خواست طرح بکند، مانند این بود که اصـلاً خودش می‌خواهد این مسأله را عنوان کند. با کمال دقت مطرح می‌کردند و حرفهای علمای دیگر را مطرح می‌کردند و نقض و ابرام می‌کردند و طلبه را اجتهادی بار می‌آوردند».

از هم مباحثه‌ای های آیـةالله مؤمن، می‌توان از «آیـةالله حاج میرزا ابوالحسن مصـلحی اراکی» (فرزنـد آیـةالله اراکی)، «آیةالله طاهری خرم آبادی»، «آیةالله حاج سـید محمد حسـینی کاشانی»، «مرحوم ربانی املشـی»، «شـهید حیدری نهاوندی» و «استاد حاج شیخ حسن تهرانی» نام برد. همچنین شاگردان بسـیاری از محضر ایشان، کسب فیض نموده‌اند که در بین آنها، می‌توان از «دکتر حسن روحانی»: دبیر شورای امنیت ملی، «حجةالاسـلام و المسـلمین فیاضی»، «حجةالاسلام و المسلمین ناظم زاده»، «حجةالاسلام و المسلمین برهانی» و «حجةالاسـلام و المسـلمین اختری»: سـفیر ایران در سوریه نـام برد. اینـان برخی از شاگردان وی بوده که در مباحث سـطح عالی از تدریس وی بهره بردند. همچنین در درس خارج اصول و فقه ایشان، فضـلای متعددی شرکت کرده‌اند که عده‌ای از آنها هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و سطوح عالی حوزه اشتغال دارند.

زنـدگی آیـةالله محمـد مؤمن با تلاشـهای علمی و فرهنگی فراوانی همراه است. ایشان در طی سالهای متمادی به تربیت طلاب جوان همت گماشـته است و در این میان، شاگردان ممتازی را به جامعهٔ علمی و سیاسـی کشور تقدیم داشته است. ایشان پس از فراگیری یک دورهٔ کامل اصول، به تدریس چند دوره «رسائل» شـیخ انصاری، مقداری از «مکاسب» و «شرح تجرید الاعتقاد»، «بدایةالحکمه» و «نهایـةالحکمه» و بخشـی از «اسـفار و عرشیه» نائل آمـد. با پیروزی انقلاب اسـلامی و کم شدن حجم مسؤولیتها، در سال ۱۳۶۲ به تـدریس درس خارج اصول پرداخت که هم اکنون به تـدریس دورهٔ سوم آن اشـتغال دارد. تـدریس بحث معاملات «تحریرالوسـیله» حضـرت امـام خمینی(ره)، کتـاب قضـا و شـهادات و عمـدهٔ حـدود و مسائـل مسـتحدثه در قالب درس خارج فقه از دیگر برنامه‌های درسـی ایشان برای پرورش طلاب جوان و طالب اجتهاد بوده است ایشان هم اینک به تـدریس مبحث حکومت اسـلامی نیز مشـغول است. از آیةالله مؤمن، آثار فراوانی در مطبوعات به چاپ رسـیده است. همچنین ایشان در زمینه علوم اسلامی کتب شایان توجهی به جـامعه علمی کشور تقـدیم نموده است؛ از دیگر فعالیتهـای علمی و فرهنگی ایشـان می‌توان از تـدوین و تنظیم آیین نامه‌های داخلی شورای مدیریت حوزه علمیه قم یاد کرد که در دوره تصدی ایشان انجام گرفت و هم اکنون با همت مسؤولان آن مرکز سیر تکاملی

خویش را می‌پیماید.

دفتر زندگانی آیهٔالله محمد مومن، پیش و پس از انقلاب، سرشار از مبارزه و هدایتهای سیاسی است. در حدود سال ۱۳۴۳ در مجلس آن روز، لایحهٔ کاپیتولاسیون مطرح شد. به دنبال این قضیه، امام خمینی (ره) در نطقهای آتشین خود، ضمن محکوم کردن این مسأله، همهٔ مسلمانان و علمای اسلام را به مبارزه با آن دعوت کردند. رژیم شاه که از افشاگریهای امام خمینی (ره) می‌هراسید؛ ایشان را دستگیر و پس از دو ماه آن بزرگوار را در منزلی در قیطریه تهران محصور و ممنوع الملاقات می‌کند. در اواخر سال ۱۳۴۲ به قصد زیارت عتبات عالیات و حضور در درس خارج علماء نجف اشرف به عراق مشرف شد و نزدیک ۶ ماه این سفر به طول انجامید. پس از آن در مرداد ماه ۱۳۴۳ به ایران مراجعت می‌کردند.

به دنبال دستگیری مجدد حضرت امام (ره) و تبعید به ترکیه، آیت الله مؤمن به عنوان سفر زیارتی قصد تشرف به نجف اشرف را داشت که مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری از ایشان خواست تا پیامی را به «آیهٔالله سید محسن حکیم» ابلاغ نماید. قرار بود آیهٔالله مؤمن این پیام را از طریق امام موسی صدر (ره) یا حاج شیخ نصرالله خلخالی (ره) به سمع آیت‌الله حکیم برساند. پیام این بود که هم اکنون، حاج آقا روح‌الله (حضرت امام خمینی) در صف مراجع تقلیدند و دستگیری و تبعید ایشان، در واقع، توهین به مرجعیت شیعه خواهد بود. از این رو، لازم است آیهٔالله سید محسن حکیم، نسبت به این مسأله واکنش نشان داده، خواستار بازگشت ایشان و رفع تبعید معظم له شوند.

از فعالیتهای دیگر که در کارنامهٔ مبارزاتی آیهٔالله مؤمن می‌درخشد، رساندن مفاد نامهٔ تعدادی از اعضای جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، مبنی بر اعلام مرجعیت امام خمینی (ره) به دست امام خمینی (ره) بود. مفاد این نامه را آیهٔالله مومن، در نجف اشرف به محضر امام (ره) تقدیم نمود. امام خمینی (ره) که همیشه از قبول مرجعیت و عناوینی این گونه سرباز می‌زد، ابتدا بدان اعتراض می‌کند. آیهٔالله مومن با بیان وضعیت حساس آن دوره، جنبه‌های سیاسی و مبارزاتی این تصمیم را خدمت امام (ره) عرض می‌نماید و به ایشان عرض می‌کند: «علت تصمیم اعضاء جامعه مدرسین مبنی بر اعلام مرجعیت این است که آنها تنها حضرتعالی را برای مقابله با رژیم فاسد شاه صالح می‌دانند؛ از این رو وظیفه خود دانستند تا حضرتعالی را به عنوان مرجع تقلید معرفی کنند. بدین گونه امام (ره) در برابر این اعلام مرجعیت، سکوت می‌فرماید.

حضور ایشان در جلسات جامعه مدرسین، در پیش از انقلاب، و پی‌گیری مصوبات و بیانیه‌های آن از فعالیتهای درخشان ایشان است که سرانجام به دستگیری و تبعید ایشان در سال ۱۳۵۳ منجر شد. ایشان به سه سال اقامت اجباری در شهداد کرمان محکوم شد که پس از گذراندن هفت یا هشت ماه اقامت در شهداد، بقیه مدت را در تویسرکان به تبعید گذراند اما تبعید ایشان باعث نشد که افشاگریها و مبارزات سیاسی ایشان پایان یابد؛ بلکه در آنجا نیز با بیان احکام اسلامی و در لابلای آن، مسائل مهم انقلاب، ماهیت رژیم شاه را برای مردم آشکار می‌کردند و آنها را به تقلید و پیروی از مرجعیت شیعه، به ویژه امام خمینی (ره)، که در آن زمان پرچمدار مبارزه بود، دعوت می‌کردند. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، فعالیتهای آیهٔالله مؤمن در قالب مسؤولیتهای اجرایی و روشنگریهای درسی و اخلاقی ادامه یافت. آیهٔالله مؤمن هم اکنون به تدریس در حوزهٔ علمیه قم اشتغال دارد و در مکتب اجتهاد و فقهاهت، شاگردان مفیدی را به عالم اسلام تقدیم می دارد.

مومنی، ستار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ستار مومنی

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ وارد حوزه علمیه خوی شدم. در مدرسه ای به نام مدرسه نمازی مشغول تحصیل گردیدم. مدتی در محل فوق الذکر ادامه تحصیل دادم. مقدمات را در آن مدرسه به اتمام رساندم. پس از آن زمان کم به مدرسهٔ «طالبیه» واقع در شهرستان تبریز هجرت نمودم و در مدرسه طالبیه مشغول شدم. باز به حوزه علمیه خوی برگشتم و کتابهای لمعتین، معالم و حاشیه را خواندم و در ضمن در همان مدرسه یکی از استادان حوزه خوی معرفی شدم و مشغول تدریس.

مونس علیشاه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ –۱۲۵۲ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به مونس. پس از فراگیری علوم مقدماتی به آموختن فقه و اصول و حکمت پرداخت. در سال ۱۳۱۷ ش به اتفاق پدر به مکه رفت و پس از فوت پدرش، تبلیغ و ارشاد مریدان او را به عهده گرفت و قطب سلسله‌ی نعمت‌اللهی گردید. در شروع نهضت مشروطه، به تاسیس انجمنهای اسلامی و انصار پرداخت. سپس به تاسیس مدرسه‌ی مسعودیه و چاپخانه‌ی پارس و انتشار روزنامه «احیا» اقدام کرد. در سال ۱۳۴۰ ق مجددا به مکه رفت و سپس به تهران برگشت و تا پایان عمر در این شهر بود. مدفن او در خانقاه کرمانشاه است. از آثار او: «مونس السالکین»؛ «دلیل السالکین»؛ «برهان السالکین»؛ «جبر و تفویض»؛ «کفایه التجوید»؛ «نجات از شبهات»؛ «تاریخ حب الوطن»، در سه جلد؛ «رساله‌ی ادریسیه»؛ «انیس المهاجرین و مونس المسافرین»؛ «دیوان اشعار»، در شش جلد.[۱]

عبدالحسین (حاج میرزا) ملقب به مونسعلی شاه و متخلص به مونس بن علی ذوالریاستین وفا علی شاه بن آقا محمد منور علی شاه، پیشوای فرقه‌ای از سلسله نعمهٔ اللهیه (و. ۱۲۹۰ ه.ق./ ۱۲۵۲ ه.ش.– ف. ۱۳۳۲ ه.ش.) وی در ۷ سالگی به مدرسه رفت و در ۹ سالگی نزد سید محمد نبی کرمانی به تحصیل پرداخت. مقدمات فارسی و عربی و صرف و نحو و فقه و اصول را از شخص اخیر فراگرفت، و بیان و منطق را از حکیم نصراللّه در مدرسه منصوریه، حکمت ریاضی و بخشی از هیئت، حساب، فیزیک و شیمی و جبر را نزد میرزا عبداللّه رحمت نواده وصال، و حکمت الهی را از میرزای آقای جهرمی و محمد هادی شاگرد حکیم مزبور و شرح فصوص‌الحکم و غیره را از حسین سبزواری شاگرد حاج ملاهادی سبزواری و شیخ المحققین اصطهباناتی و مکاسب و طهارت و ریاضی را از شیخ محمدباقر اصطهباناتی و حاج میرزا عبدالباقی و علم تجوید را از حاج شیخ عبدالنبی شیرازی و علم تفسیر و لمعه و بیشتر تعلیمات دینی را نزد علی وفا علی شاه و شیخ جعفر محلاتی آموخت. مدتی نزد پدر به مجاهده و سیر و سلوک پرداخت.وی در بدو نهضت مشروطه به تأسیس انجمنهای اسلامی و انصار پرداخت و سپس به تأسیس مدرسه مسعودیه (۱۳۲۵ ه.ق.) و ایجاد مطبعه پارس و انتشار روزنامه احیا (۱۳۳۰ ه.ق.) اقدام کرد. ذوالریاستین پس از فوت سید اسماعیل اجاق صادق علی شاه کرمانشاهی که جانشین پدرش بود به پیشوائی سلسله رسید. سلسله طریقت او از این قرار است:۱– سید اسماعیل اجاق صادقعلی شاه. ۲– حاج علی آقا ذوالریاستین وفا علی شاه. ۳– حاج آقا محمد منور علی شاه ۴– حاج زین‌العابدین رحمتعلی شاه. ۵– حاج زین‌العابدین شیروانی مستعلی شاه. ۶– حاج محمد جعفر همدانی مجذوبعلی شاه. ۷– حسینعلی شاه اصفهانی. ۸– نورعلی شاه اصفهانی ۹– معصومعلی شاه (معصومعلی شاه). در سال ۱۳۱۷ ه.ق. همراه پدر و بار دیگر به سال ۱۳۴۰ ه.ق. به تنهائی به مکه شد. حدود سال ۱۳۰۸ ه.ش. در تهران رحل اقامت افکند. تألیفات او از این قرار است: مونس السالکین، دلیل السالکین، برهان السالکین جبر و تفویض، کشفیه، نجات از شبهات، حواشی بر مثنوی ملای رومی، رساله ادریسیه، تاریخ حب الوطن منظومه در ۳ جلد، رساله روحیه، رساله طول عمر، انیس المهاجرین. و مونس المسافرین، دیوان مونس در ۲ جلد. مدفن او در خانقاه کرمنشاه است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۵۹ –۵۷ /۱)، حدیقه الشعراء (۱۷۴۹ –۱۷۴۸ /۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۸۰ –۵۷۴ /۵)، الذریعه (۱۱۲۷، ۳۳۹ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۶۷ –۳۴۶۴ /۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۶ –۳۶۴ /۱)، شرح حال رجال (۱۳۷/۶)، شرح حال رجال (۱۳۷/۶)، فرهنگ سخنوران (۸۹۸ –۸۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۰ –۷۲۹ /۳)، مرآت الفصاحه (۶۲۳ – ۶۲۲).

مهاجر شجاعی، احسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال ۱/۱/۱۳۶۲ در بروجرد به دنیا آمد. ۱۶ ساله بود که شروع به دویدن کرد. یکی– دو ماهی از استارتش می گذشت که در نوجوانان کشور که در سنندج برگزار شد، سوم شد. اولین بار که پایش را آن طرف مرز گذاشت به تایلند رفت آن هم برای مسابقه های قهرمانی جوانان آسیا، گویا قرار بود هر اولین حضوری به برنز ختم شود، چون در این مسابقه هم، برنز گرفت، اما انگیزه خوبی شد تا احسان ادامه دهد.

پسر بروجردی دو ومیدانی ایران خصوصیات ویژه ای دارد، رک حرف می زند، خیلی هم تمرین می کند، خیلی ها می گویند اگر بقیه دونده ها هم به اندازه او تمرین می کردند، شاید وضعیت ایران در دوهای نیمه استقامت خیلی فرق می کرد. این روزها برای پکن آماده می شود، بدون اینکه در چند ماه گذشته استراحت کرده باشد نمی خواهد پشیمان شود.

نگاه ویژه

پسر پرانگیزه ۸۰۰ متر احسان مهاجر شجاعی درست مثل تمام ورزشکاران ایرانی محصول یک سیستم پرورش استعداد نیست. او نیز به واسطه علاقه شخصی جذب دوومیدانی شده است، با عشق به این رشته با کمی ها ساخته و ادامه داده. امثال احسان مهاجر شجاعی بسیار است.

اما از ویژگی های احسان باید به سخت کوشی او اشاره کرد .پسر ریزنقش دوهای نیمه استقامت ایران آنقدر بر دویدن اصرار کرد تا سرانجام بزرگی خود را ثابت کرد.

قهرمانی او در بازی های دانشجویان جهان و کسب رکورد ورودی A المپیک از او دونده ای با اعتماد به نفس ساخت هر چند شرایط تمرین او در حد عالی نبوده و مشکلات کم و بیش او را آزرده اما او سرحال و آماده می دود.

نتایج اخیر احسان نشان می دهد او توانایی خودنمایی در المپیک را دارد. حضور احسان مهاجر در نیمه نهایی دو ۸۰۰ متر برای دوومیدانی ایران یک پیروزی به حساب می آید.

احسان توان حضور در نیمه نهایی را دارد به شرط آنکه رکورد خودش را تکرار کند و برای رسیدن به رکورد خودش یعنی زمانی کمتر از ۴۵/۱ دقیقه باید علاوه بر آمادگی جسمانی از نظر روحی نیز آماده باشد. خوشبختانه احسان در آستانه اعزام به المپیک در چنین شرایطی به سر می برد و از آمادگی ذهنی خوبی برخوردار است. همین که او فینال المپیک را هدف گرفته است نشان از انگیزه او برای موفقیت دارد. فراموش نکنیم که احسان یک بار در عین ناباوری در بازیهای آسیایی ۲۰۰۶ روی سکو ایستاد پس می توان به او اعتماد کرد.

اما قبول کنیم که انتظار کسب مدال از او بی انصافی است. برای کسب مدال باید در المپیک کمتر ۴۴/۱ دقیقه دوید و این از توان احسان مهاجر شجاعی خارج است.

کسب سهمیه

پایان کابوس در تایلند

تنها ۶ صدم فاصله داشت تا رکورد ورودی المپیک آتن، فاصله ای که اجازه نداد که احسان دویدن روی پیست ورزشگاه اصلی المپیک آتن را تجربه کند.کابوسی که تا مسابقه های دانشجویان جهان رهایش نکرد. وقتی به تایلند رفت، به این فکر می کرد که رکورد ورودی را بگیرد. انصافا خوب هم کار کرد با رکورد ۹۰/۴۵/۱ هم طلا- گرفت هم بلیت پکن. این بار مستقیم به رکورد ورودی A۸۰۰ متر رسید تا فرصت کافی داشته باشد که بخواهد خود را برای المپیک آماده کند. رکوردی که کار سجاد را سخت کرد چون او برای دویدن در ۸۰۰ متر المپیک مجبور شد به رکورد A برسد، چون رقیب اش به A رسیده بود.

برنامه مسابقات ۸۰۰ متر

۳۰ مرداد ماه ساعت ۱۹ مرحله مقدماتی

۳۱ مردادماه ساعت ۱۹:۳۰ مرحله نیمه نهایی

۲ شهریورماه ساعت ۱۸ فینال

مهاجر شجاعی، احسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال ۱/۱/۱۳۶۲ در بروجرد به دنیا آمد. ۱۶ ساله بود که شروع به دویدن کرد. یکی- دو ماهی از استارتش می گذشت که در نوجوانان کشور که در سنندج برگزار شد، سوم شد. اولین بار که پایش را آن طرف مرز گذاشت به تایلند رفت آن هم برای مسابقه های قهرمانی جوانان آسیا، گویا قرار بود هر اولین حضوری به برنز ختم شود، چون در این مسابقه هم، برنز گرفت، اما انگیزه خوبی شد تا احسان ادامه دهد.

پسر بروجردی دو میدانی ایران خصوصیات ویژه ای دارد، رک حرف می زند، خیلی هم تمرین می کند، خیلی ها می گویند اگر بقیه دونده ها هم به اندازه او تمرین می کردند، شاید وضعیت ایران در دوهای نیمه استقامت خیلی فرق می کرد. این روزها برای پکن آماده می شود، بدون اینکه در چند ماه گذشته استراحت کرده باشد نمی خواهد پشیمان شود.

نگاه ویژه

پسر پرانگیزه ۸۰۰ متر احسان مهاجر شجاعی درست مثل تمام ورزشکاران ایرانی محصول یک سیستم پرورش استعداد نیست. او نیز به واسطه علاقه شخصی جذب دوومیدانی شده است، با عشق به این رشته با کمی ها ساخته و ادامه داده. امثال احسان مهاجر شجاعی بسیار است.

اما از ویژگی های احسان باید به سخت کوشی او اشاره کرد .پسر ریزنقش دوهای نیمه استقامت ایران آنقدر بر دویدن اصرار کرد تا سرانجام بزرگی خود را ثابت کرد.

قهرمانی او در بازی های دانشجویان جهان و کسب رکورد ورودی A المپیک از او دونده ای با اعتماد به نفس ساخت هر چند شرایط تمرین او در حد عالی نبوده و مشکلات کم و بیش او را آزرده اما او سرحال و آماده می دود.

نتایج اخیر احسان نشان می دهد او توانایی خودنمایی در المپیک را دارد. حضور احسان مهاجر در نیمه نهایی دو ۸۰۰ متر برای دوومیدانی ایران یک پیروزی به حساب می آید.

احسان توان حضور در نیمه نهایی را دارد به شرط آنکه رکورد خودش را تکرار کند و برای رسیدن به رکورد خودش یعنی زمانی کمتر از ۴۵/۱ دقیقه باید علاوه بر آمادگی جسمانی از نظر روحی نیز آماده باشد. خوشبختانه احسان در آستانه اعزام به المپیک در چنین شرایطی به سر می برد و از آمادگی ذهنی خوبی برخوردار است. همین که او فینال المپیک را هدف گرفته است نشان از انگیزه او برای موفقیت دارد. فراموش نکنیم که احسان یک بار در عین ناباوری در بازیهای آسیایی ۲۰۰۶ روی سکو ایستاد پس می توان به او اعتماد کرد.

اما قبول کنیم که انتظار کسب مدال از او بی انصافی است. برای کسب مدال باید در المپیک کمتر ۴۴/۱ دقیقه دوید و این از توان احسان مهاجر شجاعی خارج است.

کسب سهمیه

پایان کابوس در تایلند

تنها ۶ صدم فاصله داشت تا رکورد ورودی المپیک آتن، فاصله ای که اجازه نداد که احسان دویدن روی پیست ورزشگاه اصلی المپیک آتن را تجربه کند.کابوسی که تا مسابقه های دانشجویان جهان رهایش نکرد. وقتی به تایلند رفت، به این فکر می کرد که

رکورد ورودی را بگیرد. انصافا خوب هم کار کرد با رکورد ۹۰/۴۵/۱ هم طلا- گرفت هم بلیت پکن. این بار مستقیم به رکورد ورودی A۸۰۰ متر رسید تا فرصت کافی داشته باشد که بخواهد خود را برای المپیک آماده کند. رکوردی که کار سجاد را سخت کرد چون او برای دویدن در ۸۰۰ متر المپیک مجبور شد به رکورد A برسد، چون رقیب اش به A رسیده بود.

مهاجرنیا، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن مهاجرنیا

محل تولد : اندیمشک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را شروع کردم و با مدرک اول دبیرستان وارد حوزه علمیه شدم در سال ۱۳۶۸ دوره مقدمات و سطح عالی حوزه را به پایان رساندم و در ضمن آن دیپلم را هم اخذ کردم.در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۶۷ دروس دانشگاهی را هم شروع کردم در سال ۱۳۷۴ کارشناسی را به پایان رساندم وبا شرکت در کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹پایان نامه خود را با عنوان دولت در اندیشه سیاسی فارابی دفاع کردم و در سال ۱۳۸۱ در مقطع دکتری در رشته علوم سیاسی پذیرفته شدم و هم اکنون در حال گذراندن پایان نامه هستم. تاکنون ۵ جلد کتاب تالیفی و بیش از ۶۰ مقاله تخصصی از حقیر چاپ شده است عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است با برخی از مراکز پژوهشی قم همکاری دارم (ویرایش ۱۳۸۶ .) ت

مهدوی اردبیلی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۶ –۱۲۸۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به تهران آمد و وارد رشته ریاضی دارالمعلمین عالی شد. پس از اخذ لیسانس ریاضی، در ۱۳۱۲ ش، جزء آخرین کاروان دانشجویان اعزامی، به فرانسه و در ۱۳۱۳ ش به سوئیس رفت و دوره دکترا را در آنجا گذراند. وی در دوران جنگ بین‌الملل دوم در فرانسه ماند و تدریس کرد. پس از جنگ به ایران بازگشت و پس از مدتی به درخواست دکتر هشترودی داوطلب کرسی ریاضیات دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد و تا ۱۳۴۹ ش تدریس کرد. وی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ ش در آن دانشکده کفیل بود و تا ۱۳۴۲ ش سه مرتبه توسط شورا به ریاست دانشکده انتخاب شد که مرتبه‌ی سوم به طور اجبار استعفا داد و تا ۱۳۴۹ ش در کرج ماند. در آن سال به دانشگاه اهواز منتقل شد و به سمت معاونت آموزشی آن دانشگاه رسید. از آثار وی: «موارد استعمال احتمالات در انتگرالهای چندگانه»، به زبان فرانسه؛ «احتمالات و آمار ریاضی»، دو مجلد؛ «هیدرولژی»، چهار مجلد، ترجمه؛ «مکانیک استدلالی»؛ «معادلات دیفرانسیل و مشتقات جزئی»؛ «حل المسائل معادلات دیفرانسیل و مشتقات جزئی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۰/ ۲ ،۱۱۶/ ۱)، کلک (س ۸، ش ۸۸ –۸۵، ص ۶۴۳ –۶۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۰/ ۲).

مهدوی راد، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی مهدوی راد

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

«محمد علی مهدوی راد (غلامی اسخارزوگاران)» به سال ۱۳۳۴ در روستایی به نام (ینگجه) از بخش سر ولایت نیشابور دیده به جهان گشود. مدرسه ابتدایی را در همان دیار گذراند پس از آنکه با مقدماتی از ادب عربی نیز در همان دیار آشنا شد. آنگاه به

سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مدرسه «آیت الله العظمی میلانی» که به شیوه ای نو و با برنامه ای منظم اداره می شد؛ تحصیل علوم دینی را آغاز کرد.

وی در ۷ سال اقامت در حوزه علمیه مشهد، دروس: مقدمات، ادبیات عرب، و سطوح عالی حوزوی را در محضر استادان آن دیار بیاموخت. از استادان آن روز می توان: «حجت هاشمی خراسانی، امینی نیشابوری، صالحی نیشابوری و روانشاد سید علی اکبر بنی هاشمی و محقق ذاکری اختری (عباس علی)» را برشمرد. وی در جنب درس های حوزوی سه سال به درس تفسیر روانشاد «آیت الله حاج میرزا جواد تهرانی» و جلساتی بسیار نیز «حضرت آیت الله سید عزالدین زنجانی» و روشنگر و مهم مقام معظم رهبری «آیت الله خامنه ای» که پنجشنبه و جمعه تشکیل می شد و نیز دیگر بحثهای فکری و ایدوئولوژی وی حاضر شد و این دروس اولین بذرهای علاقه و کشش به معارف قرآنی را در جان وی پاشید.

مهدوی راد پس از ۷ سال اقامت در مشهد به لحاظ تلاشهای سیاسی و تعقیب ساواک خراسان با صلاحدید خطیب بلند آوازه روزگار و مجاهد نستوه و شجاع «شهید هاشمی نژاد»، مشهد را ترک نمود و به قم هجرت کرد و در قم بود که برای ایمنی از جستجوی ساواک، نام خانوادگی اش را از غلامی به مهدوی راد تغییر داد. در قم درسهای حوزوی را پی گرفت. در قم: رسائل، مکاسب، کفایه و آنگاه دوره عالی اجتهادی فقه و اصول را از محضر استادان ارجمند آن حوزه ارجمند فرا گرفت. برخی از استادان وی در این حوزه عبارتند از حضرات آیات: «اعتمادی»، «موسوی»، «تبریزی (سید ابوالفضل)»، «پایانی»، «فاضل لنکرانی»، «ستوده»، «بهشتی»، «احمد فاضل هرندی»، «صانعی»، «حاج شیخ جواد تبریزی»، «وحید خراسانی» و «منتظری» که بیشترین بهره را در فقه از محضر آیت الله منتظری برد که به طور مستمر بیش از ده سال در درس وی شرکت کرد و بیشتر این بهره در اصول از درس آیت الله فاضل لنکرانی که تقریبا تمام اصول دوره اول خارج وی را شرکت کرد. مهدوی راد فلسفه را در محضر حضرات آیات: «انصاری شیرازی»، «محمدی گیلانی» و «مصباح» فرا گرفت.

اولین اثر قلمی وی به سال ۱۳۵۵ با عنوان: «اسلام و شعر» در قالب مقاله ای بلند در مجله نسل نو نشر یافت. وی پس از انقلاب اسلامی ایران مدتی را در مسئولیتهای اجرایی گذراند از جمله: مسئولیت عقیدتی و سیاسی پایگاه نهم شکاری و آنگاه به حوزه بازگشت و به سال ۶۲ و پس از مقدماتی با جمعی از دوستان و همراهان، مجله حوزه را بنیاد نهاد و از شماره ۱۶ تا ۳۶ سردبیری آن را بر عهده داشت و مقالات بسیاری در نقد و معرفی کتابهای درسی حوزه، مسائل معرفتی دین و نقد و معرفی تفاسیر شیعه و سنی و تحلیل گرایشهای تفسیری در آن مجله نگاشت.

پس از آن با همکاری برخی از همراهانش مجله بینات را بنیاد نهادند که از آغازین شماره آن مدیر مسئولی مجله را به عهده گرفت. این مجله نخستین مجله قرآنی است که مهدوی راد تا شماره ۱۲ مدیر مسئول آن بوده است و پس از آن در جایگاه عضویت هیئت تحریریه آن ماند اما از مدیر مسئولی آن کناره گرفت. در راه اندازی مجله های میقات و علوم حدیث مورد مشورت بود که در هیئت تحریریه های آنها نیز حضور می یافت و مقالات بسیاری در هر دو مجله یاد شده رقم زد.

وی به سال ۱۳۶۹ پیشنهاد مجله ای را در نقد کتابهای حوزه دین به انگیزه بهسازی آثار مکتوب دینی به دفتر تبلیغات اسلامی داد و خود سردبیری آن را به عهده گرفت که اکنون ۱۷ سال است نشر می یابد و ادامه دارد و مهمترین مجله «نقد کتاب در حوزه دین» است که در این مجله نیز مقالات بسیاری نگاشته است.

مهدوی راد به سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه شد و از همان آغاز، تدریس مقاطع تحصیلات تکمیلی را در علوم قرآن و حدیث به عهده گرفت، اکنون بیش از ۱۵ سال حضور در دانشگاه تربیت مدرس حضور دارد و چهار سال مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث را به عهده داشت.

مهدوی شاهرودی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۱ ق. شاهرود.

درگذشت: ۱۳۵۸.

آیت‌الله عبدالله مهدوی شاهرودی پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردید و در محضر اساتید به سطوح اشتغال ورزید. در سال ۱۳۴۰ ق. به شاهرود مراجعت و در مدت یک سال توقف در شاهرود از محضر پدرش استفاده کرده و پس از آن به قم رفت و از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و نایینی استفاده نمود. مدت دو سال نیز از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند شد و سپس به نجف رفت و از درس آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محقق نایینی بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۵۰ بعد از فوت پدرش به شاهرود رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف پرداخت. در سال ۱۳۳۷ ق. به علت کسالت و خستگی به تهران آمد و در مسجد مشیرالسلطنه در خیابان مولوی به اقامه‌ی جماعت و خدمات دینی اشتغال ورزید.

آثار ایشان در مقدمه‌ی کتاب راهنمای دین پدر گرامیشان آمده است.

حاج شیخ عبداللّه بن آیت‌اللّه والعلامه الکبیر حاج شیخ احمد بن العلامه حاج شیخ محمدعلی بن العلامه الکبری حاج شیخ محمد کاظم (شهید خراسانی) شاهرودی از علماء مهذب و بارع معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۲۱ قمری در شاهرود تولد یافته و پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردیده و در محضر اساتید فن و مدرسین به سطوح اشتغال ورزیدند و در

سال ۱۳۴۰ ق بشاهرود مراجعت و در مدت یکسال توقف خود در شاهرود از بحث والد عالیمقامش استفاده کرده و پس از آن به ارض طیبه قم مشرف و از محضر آیات بزرگ نجف اشرف بالاخص آیتین اصفهانی و نائینی (که در آن موقع تبعید به قم بودند) استفاده نموده و مدت دو سال هم از محضر آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق نائینی بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۰ قمری بعد از ارتحال والدش بشاهرود مراجعت نموده و بتدریس فقه و اصول و انجام وظائف روحانیت اشتغال ورزیده و کم‌کم مرجعیت مهم روحانی و سیاسی و اجتماعی پیدا نموده تا در سال ۱۳۷۷ قمری که بواسطه ضعف و کسالت و خستگی هجرت به تهران نموده و اکنون در مسجد (مشیر السلطنه) خیابان مولوی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه مهدی شاهرودی از دانشمندان با صفا و معنویت و دارای محاسن اخلاق و خلیق و مهربان و در خانه بازو با ارباب حوائج با خوشروئی برخورد نموده و حتی‌الامکان رفع حوائج آنان را مینماید و این نویسنده در محرم ۱۳۷۴ قمری که سفری بشاهرودی نمودم از نزدیک به سجایای اخلاقی و وارستگی ایشان آشنا شده‌ام.

خدمات و آثار ارزنده ایشان بسیار است هر کس طالب باشد به مقدمه کتاب راهنمای دین مرحوم والدش مراجعه نماید.

فرزندان ارجمندی دارد که از آنهاست فاضل دانشمند و ادیب خردمند جناب آقای دکتر محمد شریف مهدوی که در تهران به تدریس علوم جدید و قدیم و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مهدوی شهرضایی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا محمد مهدی. عالم فاضل فقیه مجتهد، در حدود سال ۱۳۰۲ متولد، و در شب ۴ شنبه ۱۴ ربیع الثانی سال ۱۳۸۸ وفات یافته، در امام زاده شاهرضا مدفون گردید.

در اصفهان به درس: آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و در نجف از محضر: آقا شیخ مرتضی طالقانی، و آقا سید حسین بادکوبه ای، و آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده، به موطن خویش مراجعت کرده، و مقبولیت تامه یافته، در علم و عمل بی نظیر، و تا آخر عمر در انجام وظایف شرعیه از نشر و تبلیغ احکام، و تدریس و اقامه جماعت و اغاثه ملهوفین و کمک به ضعفا دقیقه ای اهمال نفرموده.

از تألیفاتش: ۱- رساله ای در اخلاق ۲- رسائل متعددی در فقه و اصول و تفسیر می باشد که هیچ یک به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی فرد، میرزا عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عباس مهدوی فرد

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه «کوهدشت» شدم. در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «خوانسار» رفتم و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. بعد از اتمام سطح، در سال ۱۳۷۳ در درس خارج شرکت نمودم و حدود ده سال در دروس فقه حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «میرزا جواد تبریزی (ره)» و «مکارم شیرازی» شرکت و یک دوره خارج اصول را نزد «حضرت آیت الله جعفر سبحانی» گذراندم.

مدت چهار سال ۸۰ ـ ۷۵ دوره تخصصی کلام اسلامی در موسسه تبلیغات تحقیقاتی امام صادق (ع) را گذرانده و در سال ۱۳۸۰ با معدل کل ۱۴/۱۹ فارغ التحصیل دوره هفتم این موسسه شدم. در تابستان ۸۵ موفق به دفاع از رساله علمی سطح چهار با موضوع «بهائیت» و با نمره ۵/۱۷ شدم. حدود هشت سال است که با مرکز پژوهشهای حوزه به صورت متناوب در زمینه پاسخگویی به سوالات کلامی همکاری داشته و دو طرح را نیز برای این مرکز به پایان رسانده و در دست چاپ می‌باشند. کتابی با عنوان: «فلسفه انتظار» با همکاری دوستان و کتابی با عنوان: «بهائیت».

مدت چهار سال است که در دانشگاه‌های ملایر، در مجتمع آموزش عالی ملایر وابسته به «دانشگاه بوعلی سینای همدان»، «دانشگاه آزاد اسلامی اراک» و «دانشگاه اراک» به تدریس دروس (اندیشه اسلامی، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن) اشتغال دارم.

مهدوی قزوینی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شریعت مهدوی فرزند عالم ربانی و سالک سبحانی مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه حاج شیخ فضلعلی قزوینی قدس‌اللَّه سره.

وی در حدود ۱۳۳۵ قمری هجری در قزوین متولد شده و مقدمات را در مدرسه التفاتیه قزوین خوانده و سپس عزیمت به مشهد نموده و ادبیات را در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری استفاده نموده و بعد به قم آمده و سطوح را در قم تکمیل نموده و در فتنه کشف حجاب به توفیقات الهی در معیت والد ماجدش هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی بهره‌مند و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آن دو بزرگوار شده است.

دوره کامل اصول و معظم فقه استدلالی را از محضر حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده و مورد عنایت مخصوص معظم‌له قرار گرفته و پس از چهارده سال اقامت در آستان باب مدینه علم حضرت علی علیه‌الصلوه والسلام در خدمت والد ماجدش برای تشرف به زیارت ارض اقدس به ایران آمده و پس از رحلت والدشان در قم باز به نجف اشرف مشرف ولی کمتر از دو سال اقامت و به واسطه جهاتی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اسلامی پرداخته و بحمداللَّه تاکنون اشتغال دارند ادام‌اللَّه عزه و توفیقه.

شرح احوال والد ماجدش را در جلد دوم معجم القبور و وفیات الاعلام مذکور می‌باشد. در چند صفحه قبل در بخش ق یادآور شدم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی کنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا مهدوی کنی از علماء معاصر جمهوری اسلامی می‌باشند. در سال ۱۳۱۰ در قصبه کن که اکنون منطقه غربی تهران را در جنب شهر زیبا تشکیل می‌دهد به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی عزیمت به قم نموده است.

مقدمات و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مدرسین حوزه به پایان رسانیده آنگاه به درس خارج فقه آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و فقه و اصول امام راحل آیت‌اللَّه العظمی خمینی و نیز تفسیر مرحوم علامه طباطبائی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و تبعید امام به تهران آمده و در مسجد جلیلی به اقامه جماعت و تبلیغ پرداخته و مظالم و بدع رژیم طاغوتی را بازگو نموده و از طرف ساواک و رژیم ستمشاهی بازداشت و راهی زندان گردیده و چند سالی را در زندانهای طاغوتی گذراند و پس از بازگشت امام و آزادی و انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی از طرف امام سرپرستی و مدیریت مدرسه علمیه مروی را متعهد شده و نیز مدرسه امام جعفر صادق علیه‌السلام را با بعضی از همگنان اداره و مدتی نیز مسئولیت وزارت کشور را داشته و در حال حاضر نیز در مدرسه مروی اشتغال به تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه را دارند.

پدر همسر ایشان مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای که در جلد چهار گنجینه دانشمندان و اختران فروزان ری و طهران چاپ شده می‌باشند.

برادر بزرگوار ایشان آقای حاج شیخ مهدی حاج باقری از ائمه جماعت و علماء معاصر قصبه کن می‌باشند.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته:-، دانشکده:-، دانشگاه: امام صادق (ع)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیل در حوزه علمیه قم در علوم دینی به مدت ۱۳ سال و ۲ سال در تهران، شاگرد اساتیدی چون آیت‌اللَّه بروجردی، آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی قدس سره، آیت‌اللَّه العظمی علامه طباطبائی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه امام صادق.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم دینی، اصول فقه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه، کلام و استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تفسیر، فقه، عقائد، اصول، اقتصاد اسلامی و اخلاق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی کیا، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی مهدوی‌کیا اول مرداد سال ۱۳۵۶ در شهر ری به دنیا آمد.

وی از بچگی علاقه زیادی به فوتبال داشت و در دوران نوجوانی از زمین‌های خاکی جذب باشگاه بانک ملی شد و با پشتکار به باشگاه پرسپولیس پیوست. وضعیت مهدی در پرسپولیس، اوایل چندان جالب نبود اما با آمدن استانکو وضعیت به کلی تغییر کرد تا او ضمن تثبیت موقعیت خود در باشگاه محبوبش به تیم ملی امید ایران راه پیدا کند. افتخارات و موفقیت‌های مهم ورزشی وی از سال ۷۵ شروع شد، پس از محرومیت نعیم سعداوی وی در پیستون راست تیم ملی بازی کرد. مهدی با زدن ۲ گل به چین شایستگی‌های خود را اثبات کرد. وی در باشگاه‌های بانک ملی، پرسپولیس تهران، بوخوم، هامبورگ و اینتراخت فرانکفورت آلمان سابقه بازی دارد. مهدوی‌کیا در سال ۲۰۰۳ از طرف کنفدراسیون فوتبال آسیا به عنوان بازیکن برتر فوتبال آسیا شناخته شد. هواداران هامبورگ به او لقب موشک ایرانی داده بودند. وی از باتجربه‌های فوتبال و تیم ملی فوتبال ایران است و در سال ۱۳۸۷ از سوی علی دایی؛ سرمربی وقت تیم ملی بازوبند کاپیتانی تیم ملی را به بازو بست. او با حضور در دو جام جهانی ۹۸ و ۲۰۰۶ خود را در سطح بین‌المللی مطرح کرد. مهدوی‌کیا در سال ۱۹۹۸ به باشگاه بوخوم پیوست و در سال ۱۹۹۹ به هامبورگ رفت و تا سال ۲۰۰۷ در این تیم عضویت داشت که با تمام شدن قرارداد خود به تیم اینتراخت فرانکفورت پیوست. وی در مجموع ۲۲۳ بازی در بوندس‌لیگا، ۲۹ گل به ثمر رساند. وی پس از یک غیبت ۹ ماهه در سال ۱۳۸۷ برای بازی با کره شمالی از سوی علی دایی به تیم ملی دعوت شد. این اولین مرتبه‌ای بود که مهدوی‌کیا برای تیمی که هدایت آن بر عهده علی دایی است به میدان می‌رفت. مهدوی‌کیا همان زمان اعلام کرد اگر تیم ملی به جام جهانی صعود کند بعد از حضور در جام جهانی از تیم ملی خداحافظی می‌کنم. وی تا سال ۲۰۱۰ با فرانکفورت قراردارد.

مهدوی نیا، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی مهدوی نیا

محل تولد : زرین شهر اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره ابتدائی و دبیرستان در «زرین شهر اصفهان» وارد حوزه علمیه زرین شهر شدم و تا سال ۱۳۵۰ بخشی از مقدمات را گذراندم. سپس برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۷ دروس سطح را گذراندم. سپس به خارج فقه و اصول مشغول شدم و به مدت ۱۵ سال دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید مختلفی مانند: «آقای فاضل لنکرانی»، «مرحوم آقای شیخ جواد تبریزی»، «آقای وحید خراسانی» و ... فرا گرفتم.

همزمان با تحصیل در حوزه، در موسسه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۸ دوره عمومی و تخصصی را گذرانده و در رشته «علوم قرآنی» فارغ التحصیل شدم. ضمنا در این مدت به تحقیق و پژوهش در موضوعات گوناگون «تفسیری و علوم قرآنی» پرداختم و مقالات گوناگونی در زمینه «مصونیت قرآن از تحریف»، «مصاحف منسوب به اصحاب»، «روش تفسیر اهل بیت ع»، «معیارهای تمدن» و «وجوه اعجاز قرآن» به صورت فردی یا گروهی نوشتم. تدریس در حوزه های علمیه، ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی و دانشگاه، همچنین مدیریت حوزه علمیه جزء برنامه هایی از این سنوات بوده است. از سال ۱۳۵۴ تاکنون در مناسبت های گوناگون در شهرهای مختلف و روستاها به تبلیغ دین اسلام نیز اشتغال داشتم.

مهدوی هرستانی، هدایت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد موسوی. فاضل صالح، از علمای سده‌ی اصفهان. در اصفهان تحصیل نموده، در روز ۵ شنبه ۸ ربیع الاول سال

۱۳۸۰ به سن متجاوز از شصت سال وفات یافته، در تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.

دانشمند محترم و ادیب کامل، آقا میرزا محمد راجی شاعر معاصر، در مرثیه و ماده تاریخ وفات او قطعه‌ای سرود بدین مطلع:

چون در جهان هستی قانون مرگ دم زد

نقاش، نقش حکمت در دفتر حکم زد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی، بحر اعطاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فاضل، از علمای سده‌ی ماربین، در یکشنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۷۱ وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.

مشارالیه در اصفهان خدمت جمعی از افاضل همچون: آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و آقا شیخ محمدرضا نجفی، و آقا سید مهدی درچه‌ای تلمذ نموده، و از ائمه‌ی جماعت و موثقین به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی، رضاعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضاعلی مهدوی

محل تولد : دامنه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهر «دامنه» گذراندم و در مقطع راهنمایی از محصلین ممتاز منطقه شناخته شدم. بعد از ورود به دبیرستان نگاهم به خویشتن خویش و جهان اطرافم دگرگون شد و گویا می شنیدم که هاتفی از درونم فریاد می زند که جهان طبیعت با تمام وسعتش حتی برای یک لحظه تو را اکتفا نمی کند و همچنین افکار مرا دنبال حقایق یا حقیقتی می کشاند که نتیجه اش هجرت به شهر مقدس قم شد.

اول سال تحصیلی ۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۸ برای تحصیل علوم دینی وارد شهر مقدس قم شدم اما به جهت مسائل انقلاب و تعطیلی مدارس حوزه علمیه قم و عدم آشنایی با امکانات و نحوه های تحصیل در حوزه علمیه قم، حدود دو سه سال توفیق چندانی در تحصیل نداشتم و بعد از مدت کوتاهی که در مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودم؛ درس هایم را به طور جدی به صورت آزاد شروع کردم. حدود پنج یا شش سال درس های سطح حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان: «جزائری»، «محامی»، «دوست محمدی خراسانی»، «موسوی»، «صلواتی»، «اعتمادی»، «ستوده»، «صفایی»، «شیخ علی مومن» و بیش از همه استاد معززم جناب آقای «علی رضا اسلامیان (ادام الله ظلهم)» به اتمام رساندم.

سپس درس خارج اصول را یکی دو سال در محضر «آیت الله العظمی فاضل لنکرانی» و بعد از آن درس اصول را در محضر «آیت الله العظمی وحید خراسانی» و درس فقه را در محضر «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» تا الان بهره مند شده ام.

مهدوی، فریده

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : فریده مهدوی ،در ۲۸ تیرماه‌سال۱۳۴۲ در تهران به دنیا آمد. دکتر مهدوی دکترای ادبیات اروپا است وتخصص ویژه‌ای در ادبیات قرون وسطی دارد. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی،اسپانیولی، لاتین و حدود ۷۰ درصد پرتغالی‌مسلط است.وی در شهر راونا واقع در ایالت امیلیارمانیا و با حضور جمعی از مسئولان سیاسی و فرهنگی ایتالیا ،از دست استاندار این ایالت به نمایندگی از ریاست جمهوری ایتالیا، نشان کمن داتره ، که بالاترین نشان لیاقت در این کشور است را دریافت کند. دکتر فریده مهدوی دامغانی را باید به حق یکی از پر کارترین مترجمان حال حاضر دانست ، آن هم مترجم اثاری که نه تنها خود اثاری بزرگ و جاودانه بوده اند بلکه دارای خالقانی بزرگ چون دانته آلیگیری بوده اند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات اروپا

گرایش : ادبیات قرون وسطی

اوضـاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : دکتر فریـده مهـدوی درخانواده‌ای تحصـیلکرده رشـد نمود تا جایی که‌پـدرش اسـتاد دانشـگاه «هاروارد» آمریکا است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر مهدوی دارای دکترای ادبیات اروپا است وتخصص ویژه‌ای در ادبیات قرون وسطی دارد. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی،اسپانیولی، لاتین و حدود ۷۰ درصد پرتغالی‌مسلط است.

همسر و فرزندان : دکتر مهدوی دامغانی ازدواج کرده اند و دارای فرزند می‌باشند.

آرا و گرایشـهای خاص : دکتر مهـدوی در خصوص اینکه چرا مترجمی را انتخاب کرده اینگونه میگویـد": چون دوست می داشـت نویسـنده یا شاعر شود، لذا به اشـتباه پنداشت که کار ترجمه آسان‌تر از آن دو کار پیشـین است. حال آن که کار ترجمه، از بسیاری جهات، بسـیار دشوارتر از نویسـندگی یا سرودن شعر است؛ زیرا مترجم ناگزیر است بنا به وظیفه اخلاقی‌ای که دارد، دقیقا بنا به خط سیر نویسـنده یا شاعری که اثر وی را در دست ترجمه دارد و با همان سـبک و استیل و گزینش واژگان و لحن و حال و هوای مورد نظر صاحب اثر، پیش برود، از این رو، ناگزیر است که ماهیت «من» خود را در راهروی ورودی سـرای اندیشه ، بر جای گذارد، و به درون روح و جـان آن نویسـنده یـا شـاعر جلـوه کنـد. او وظیفه دارد نماینـده اخلاقی و معنوی صـاحب اثر باشـد. از این روست که معتقـدم ترجمه، سـخت‌تر از نویسـندگی است. زیرا در هنگـام تـالیف، شـما خود، صاحب اثر خود و صاحب قلم و انـدیشه و روح و جانی هستید که دوست دارید بر روی کاغذ بدمید "...

جوائز و نشانهـا : دکتر فریـده مهـدوی، بارهـا و بارهـا به خاطر ترجمه های شـیرین و مقتـدرش جوایز گوناگونی را از آن خود کرده اسـت. در روز دوم مردادمـاه سـال ۸۵ مصـادف با ۲۴ ژوئیـه ۲۰۰۶، در شـهر راونـا واقع در ایـالت امیلیارمانیـا و بـا حضور جمعی از مسـئولان سیاسـی و فرهنگی ایتالیـا ،از دست اسـتاندار این ایـالت به نماینـدگی از ریـاست جمهـوری ایتالیـا، نشـان کمن داتره ، که بالاـترین نشـان لیاقت در این کشور است را دریافت کنـد. نماینـده رئیس جمهوری ایتالیا در این آیین با تاکیـد بر این نکته که نشان لیـاقت کمن داتره برای نخستین بـار به یـک فرد غیرایتالیـایی اعطـا می شود، گفت: فریـده مهـدوی دامغانی، نخستین بانوی ایرانی و مسلمان است که این نشان را از آن خود ساخته است.

چگونگی عرضه آثار : وی طول این شـش سال اخیر، بیش از بیست جلد از مهم‌ترین آثار منظوم و منثور ادبیات کلاسـیک و معاصر ایتالیـا را به زبـان فارسـی ترجمه کرده. همین طور به خـاطر ترجمه چهار اثر از مهم‌ترین آثار دانته از جمله کمـدی الهی و سه کتاب دیگر او "زندگانی نو"، "میهمانی "و" پیرامون سـلطنت "که هرگز تاکنون در کشورهای خاورمیانه و یا حتی در کشورهای آسیایی ترجمه نشـده بود و این کـار را ایرانیـان، برای نخستین بـار به انجـام رساندنـد. دکتر فریـده مهـدوی به ترجمه کتب دینی یه زبانهـای اروپایی نیز پرداخته است که در این باره اینچنین میگویـد": توفیقی برای من بود که از سوی عالم هستی برای ترجمه کتاب زبور آل محمـد (ص) به زبـان فرانسوی برگزیـده شـدم. آن هم از طریق خوابی که بیش از ده سال پیش دیـدم. ممکن است تعجب کنیـد اما حقیقت این است که دسـتور ترجمه بسـیاری از کتب دینی را از طریق خواب دریافت کرده ام. میل داشتم نخست، مرا به عنوان یک مترجم جدی آثار کلاسـیک اروپا بشناسـند، و بعد به عنوان مترجم آثار دینی، بدین شـکل، امید داشـتم و دارم که با شناختی که از کارهایم دارنـد، دریابنـد که ترجمه متون دینی را نیز با نهایت دقت و وسواس به انجام خواهم رسانـد. برای مثال، تا پیش از پارسال، هرگز حـتی روحم نیز خبر نـداشت که کتـابی تحت عنـوان" نفس‌المهموم "اثر محـدث قمی (ره) وجود دارد و دربـاره واقعه کربلا است. اما پس از خوابی که دیدم، آن کتاب را از میان کتبی که در کتابخانه اتاق کار همسـرم بود، یافتم. همین طور هم خطبه فدک حضـرت زهرا (س) را ".وی همچنین به عنوان یک مترجم فعال در دنیای کتاب،سـخنرانی‌های زیادی در فرانسه، ایتالیا و برزیل‌انجام داده است.

آثار :

۱ پیرامون سلطنت

ویژگی اثر : از دانته، ترجمه

۲ خطبه غدیر خم

۳ خطبه فدک حضرت زهرا (س)

۴ در آغوش نور

ویژگی اثر : ترجمه

۵ دعای عرفه حضرت سیدالشهدا (ع)

۶ زندگانی نو

ویژگی اثر : از دانته، ترجمه

۷ زندگی حضرت زهرا (س)

ویژگی اثر : ترجمه به زبان انگلیسی

۸ شازده کوچولو

ویژگی اثر : اثر سنت اگزوپری ،ترجمه

۹ صحیفه سجادیه

ویژگی اثر : ترجمه به زبان فرانسه

۱۰ کتاب زبور آل محمد (ص)

ویژگی اثر : ترجمه به زبان فرانسه

۱۱ کمدی الهی

ویژگی اثر : از دانته، ترجمه

۱۲ میهمانی

ویژگی اثر : از دانته، ترجمه

۱۳ نفس المهموم

ویژگی اثر : از محدث قمی (ره)

مهدوی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن مهدوی از علماء فعال و خدمتگذار معاصر رشت می‌باشد وی در رشت متولد شده و پس از خواندن فارسی و مقدمات سطوح و متون فقه و اصول را از علماء و مدرسین شهرستان رشت فراگرفته و پس از آن به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد صالح‌آباد و تربیت محصلین رشت در مدرسه صالح‌آباد پرداخته و آثار ارزنده‌ای از خود گذاشته است.

مضافاً بر این دانشمندان در حال حاضر خطباء و گویندگان فعال در رشت و حومه آن بسیارند که در میان آنان جنابان آقای حاج حسام و آقای حاج سید جواد نیاکوئی و آقای حاج قوام و آقای حاج سید میر آقای موسوی در استان گیلان شهرت تمام دارند.

و اکنون از رشت و حومه آن بیش از پنجاه نفر طلبه و محصل در حوه علمیه اشتغال به تحصیل سطح و خارج دارد که در میان آنان جنابان حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ محمد محمدی و حجهٔالاسلام آقای شیخ زین‌العابدین عسگری و حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ علی‌اکبر رقیب معروف و مورد توجه زعماء حوزه و آیات عظام و مدرسین و محصلین گیلانی و غیره حوزه می‌باشند. نامبردگان فوق سالیات متمادیست که در حوزه علمیه قم به تدریس متون فقه و اصول و استفاده از محضر مراجع بزرگوار اشتغال دارند ادام اللّٰه توفیقاتهم و برکاتهم آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مهدوی، مصلح‌الدین محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ -۱۲۹۴ ش)، عالم، مورخ، ادیب و نویسنده. خاندانش در اصفهان به سادات خواجویی معروف می‌باشند. وی در اصفهان به دنیا آمد. ابتدا در مدرسه‌ی اقدسیه و سپس گلبهار و مدتی نیز در حوزه‌ی علمیه اصفهان تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی معلومات خود را تکمیل نمود. نزد استادان بسیاری علوم مختلف را فراگرفت. از اساتید او می‌توان به میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، صاحب «مکارم الآثار»، و آقا سید محمدکاظم عصار و ملا محمدباقر همامی و آقا میرزا محمدباقر امامی و آقا شیخ حسن قاضی عسکر داورپناه و آقا شیخ محمدحسین فاضل تونی و آقا سید حسن مدرس هاشمی و همچنین می‌توان به آیات عظام مرعشی نجفی، آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمدباقر کمره‌ای، سید مصطفی صفایی خوانساری، سید محمد شیرازی، سید محمدعلی روضاتی، سید ضیاءالدین علامه، سید علی فانی و شیخ محمدعلی عراقی اشاره کرد که از بسیاری از ایشان اجازه روایت گرفت. وی از پانزده سالگی بر کتاب «تذکرهٔ القبور» آخوند ملا عبدالکریم گزی، مشتمل بر شرح حال یکصد تن از علماء و شعرا و عرفای اصفهان، حواشی نوشت و در ۱۳۶۹ ق آن را تحت نام «رجال اصفهان» مشتمل بر شرح حال هفتصد تن به چاپ رساند. سپس آن را کامل‌تر نمود مجددا تحت نام «تذکرهٔ القبور» یا «دانشمندان و بزرگان اصفهان»، مشتمل بر شرح حال متجاوز از دو هزار تن منتشر کرد. گفته‌اند که تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است. از دیگر آثارش: «مزارات اصفهان یا تخت فولاد»؛ «زندگینامه‌ی علامه محمدباقر مجلسی»؛ «بیان المفاخر»، در باب احوال سید حجهٔالاسلام شفتی؛ تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان»؛ «تاریخچه‌ی شهر سامرا»؛ «زندگینامه‌ی حضرتین عسکریین علیهماالسلام»؛ «عطیهٔ الجواد»، در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)؛ «اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (مقدمه)، الذریعه (۹۷ -۹۶/ ۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۷ -۵۵۶/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۲، ش ۱۲۶، ص ۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶/ ۶).

مهدوی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یحیی مهدوی فرزند امین‌الضرب و متولد ۱۲۸۸ ش است. تحصیلات خود را در اروپا در رشته فلسفه پایان برد و درجه دکترا گرفت و بعد از مراجعت به ایران وارد دانشگاه شد و به استادی دانشکده ادبیات برگزیده گردید. قریب چهل سال کار او تدریس بود و به مشاغل اجرائی رغبتی نشان نمی‌داد و حقوق خود را هم صرف خیرات و مبرات می‌کرد. از پدرش امین‌الضرب ثروت زیادی به او رسید و او زیادتر کرد ولی به مردم کمک می‌نمود و به اصطلاح ناخن خشک نبود. تألیفاتی در رشته تخصصی خود

دارد که بیشتر ترجمه است. از کارهای خوب او حفظ اشیاء و آثار و نوشتجات سید جمال‌الدین اسدآبادی است که سالها در حفظ و حراست آن کوشید و آن را در اختیار دانش پژوهان قرار داد.

(۱۳۷۹ -۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در خانه گذراند. پس از مدتی به دارالفنون رفت و از محضر استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، میراز عبدالعظیم خان قریب و گل گلاب بهره‌مند شد. وی تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات و فلسفه در دارالمعلمین عالی ادامه داد و پس از اخذ لیسانس، در ۱۳۱۰ ش، برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد. او با تلاش و کوشش فراوان موفق به دریافت گواهینامه‌های متعددی از مراجع علمی آنجا گردید. مهدوی رساله‌ی اصلی دکترای خود را با عنوان «شناسایی در نزد فلاسفه‌ی نخستین اسلام» و رساله‌ی دوم خود را با عنوان «فهرست مصنفات ابن‌سینا» نوشت. وی رسما از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۲ ش که بازنشسته شد، در دانشگاه تهران تدریس نمود. از خدمات او تأسیس دوره‌ی دکترای فلسفه در دانشگاه تهران می‌باشد. از شاگردان او در این دوره: دکتر احمد احمدی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر جلال‌الدین مجتبوی، دکتر فاطمه مظاهر تهرانی و دکتر مهتاب مستعان را می‌توان نام برد. از دیگر آثارش: «جامعه شناسی یا علم الاجتماع»؛ «شناخت روش علوم یا فلسفه‌ی علمی»، ترجمه؛ «فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا»؛ «قصص قرآن مجید»، برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی؛ «فلسفه‌ی عمومی یا ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «بحث در ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه‌های هست بودن»؛ «منادولوژی» لایب نیتس، ترجمه؛ «شکاکان یونان»؛ «تاریخ فلسفه‌ی قرون وسطی و دوره‌ی تجدد»، ترجمه و تلخیص؛ «هستی شناسی» پل فولکیه، ترجمه؛ تصحیح و اهتمام در چاپ «مصنفات» افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی، به مشارکت مجتبی مینوی.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی میراث (س ۳، ش ۹، ص ۸۳ -۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۲۹، ۲۹۶۹، ۲۹۶۷، ۲۶۷۷، ۲۶۷۶- ۲۴۹۰، ۲۴۵۵، ۲۲۹۴، ۲۱۷۱، ۱۸۹۸، ۱۷۹۷، ۱۶۹۶/ ۲، ۱۴۴۲، ۱۰۰۸، ۱۰۰۳، ۹۲۲، ۸۸۴، ۸۷۵/ ۱)، کیان (س ۱۰، ش ۵۳، ص ۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۸ -۸۵۶/ ۶)، مهدوی نامه (۱۰ -۳).

مهدی پور، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مهدی پور

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر مهدی پور در روز سه شنبه ۱۳ رجب سال ۱۳۶۴ هجری قمری مصادف با ۱۳۲۴ هجری شمسی در محله «باغشیمه تبریز» زادگاه «آیت الله ابوالقاسم کوکبی» از مراجع قم به دنیا آمدم. آغاز به تحصیل ۱۳۳۱ شمسی دبستان ممتاز تا کلاس چهارم ابتدایی، آغاز به تحصیلات حوزوی ۱۳۳۱ شمسی در نزد آموزگار خود «مرحوم حاج ابوالقاسم دهخدا»: گلستان، نصاب و خلاصه الصرف. ترک تحصیل مدرسه دولتی و ادامه تحصیلات حوزوی ۱۳۳۵ هجری شمسی.

اساتید سطوح عالیه در قم، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «شهید مفتح»، «آیت الله میرزا یدالله دوزدوزانی»، «آیت الله شهید مطهری»، «مرحوم آیت الله پایانی»، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «مرحوم آیت الله میبدی کرمانشاهی»، «مرحوم آیت الله سید جواد خطیبی تبریزی»، «آیت الله مکارم شیرازی»، «مرحوم آیت الله سید کاظم شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله میرزا کاظم تبریزی»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «مرحوم آیت الله حاج سید محمد روحانی»، «آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی»، «مرحوم آیت الله سید حسن الهی»: (برادر علامه طباطبایی)، «مرحوم آیت الله سید مرتضی شبستری»: (برادر مرحوم آیت الله وحیدی)، «مرحوم آیت الله سید صادق شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد باقر ملکی» و ... .

بر اساس دعوت شیعیان استانبولی برای تصدی امور شیعیان آن زمان رمضان ۱۳۹۵ هجری قمری برابر با ۲۴ شهریور ۱۳۵۴ هجری شمسی از طرف حوزه علمیه قم راهی استانبول شده، به مدت ۵ سال تمام در آنجا اقامت نموده، به اقامه نماز جمعه و جماعت در مسجد ایرانیان مقیم استانبول واقع در محله «چاکما کچیلار» در سرای بیوک والده خان که بیش از ۲۰۰ سال سابقه دارد و همواره یک روحانی ایرانی با اطلاع دولتین از حوزه علمیه قم در آن جا انجام وظیفه می کرد؛ پرداختم.

با توجه آشنایی با قلم و ضرورت خدمات فرهنگی و آزادی بیش از حد مطبوعات در آن زمان، به تاسیس انتشارات زمان پرداخته و در حدود ۶۰ مجلد کتاب، جزوه، بروشور به زبان ترکی منتشر نمودم. در طول اقامت در استانبول با ۸۴ روزنامه و مجله مصاحبه مطبوعاتی انجام دادم. در این مصاحبه ها به معرفی نکات برجسته تفکر شیعی توجه می دادم و گروه بسیاری از روشنفکران اهل سنت را با معارف شیعی آشنا و جذب نمودم که هرگز در مسجد دیگری به جمعه و جماعت حاضر نمی شدند.

علاوه بر استانبول به دهها شهر دیگر برای سخنرانی و کنفرانس دعوت می شدم و منحصرا روزهای یکشنبه به این دعوتها پاسخ مثبت می دادم که روز تعطیل رسمی و کثرت شرکت کنندگان در مساجد و مجالس بود که به تعدادی از این شهرها اشاره می شود: «اولو جامع»: در شهر بورسا که تعداد شرکت کننده ها را روزنامه ها ۴۰۰۰۰ نفر ذکر کردند. «مسجد امام جعفر صادق (علیه

السـلام» در ازمیر که مکرر انجـام شـد. بزرگترین سـینمای «تورگوتلو» که به جهت ازدحـام بیش از حـد و عـدم گنجایش مساجـد، بزرگترین سینمای شهر را اجاره کرده بودند. «مسجد بزرگ ازمیت»، «آق شهیر»، «ادرنه» و ...

مهدی پور، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود مهدی پور

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روسـتاهای شهرسـتان طبس پا به عرصه عالم گذاشـتم و شـش کلاس ابتـدایی را گذرانـدم. کودکی حدود چهارده ساله بـودم که ادبیـات عرب را در مشـهد مقـدس حـدود سـال ۴۶ ش آغـاز کردم، از محضـر اساتیـدی همچـون: «اسـتاد حجت هاشـمی خراسانی»، «مهاجریان طبسـی» و «مرحوم غضنفری» و سپس در مدرسه «مرحوم آیت الله میلانی» از استادان گوناگون: «بنی هاشمی»، «ایمانی» و «مدرس غروی» تا حدی فرا گرفتم.

در حدود مغنی و معالم بودم که به قم هجرت کردم و در مدرسه حقانی پذیرش شدم. دروس دبیرسـتان را همراه دروس حوزوی در قم ادامه دادم و از مدرسه حکیم نظامی (امام صادق کنونی) دیپلم ادبی گرفتم. در مدرسه حقانی از محضـر آیات و بزرگان: «شـهید قدوسـی»، «آیت الله جنتی»، «سید حسن طاهری خرم آبادی»، «آیت الله محمد مؤمن قمی»، «شیخ یوسف صانعی» و «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم. برنامه درسی مدرسه را تا یک سال درس خارج در همان مدرسه ادامه دادم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی در بندر عباس مسئول دفتر شهید حقانی بودم. در تأسیس مدرسه مسجد سلیمان با جناب آقای سیـد حسن ربـانی و مرحوم محمـدی نجـات همکاری داشـتم. از سال ۶۱ در حـوزه قـم درس را ادامـه دادم و تـا سـال ۶۵ یکسره به تحصـیل مشـغول بودم. در درس «آقای منتظری، آشیخ جواد تبریزی، آیت الله مؤمن قمی، اندکی درس آقای وحید خراسانی و آیت الله فاضـل لنکرانی» شـرکت کردم. همچنین مـدتی در درس «آیت الله صـانعی» حضـور یـافته و اسـتفاده کردم. زنـدگی معنوی حقیر مدیون اخلاص و جهاد «حضرت آیت الله جنتی» است و در تفسیر قرآن از محضر «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم.

تاریخ اسـلام، حکومت اسلامی، روشهای تدریس، تحقیق و تبلیغ را در مدارس گوناگون به ویژه مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس کرده ام. معارف اسـلامی ۱ و ۲، متون و ریشه های انقلاب اسـلامی و تاریخ اسـلام را هم در برخی مدارس دانشـگاهی در سالهای ۶۲ الی سال ۶۴ درس گفته ام. علاقـه ام بیشتر به تاریـخ و سـیره معصومین (علیهم السـلام) است. در زمینه مباحث اخلاق و مدیریت هم آثار مختصری دارم.

حقیر بیش از پژوهش شخصـی به مدیریت پژوهشـی اشتغال داشتم که در سری «چهل حدیثهای سازمان تبلیغات اسلامی سری دیدار با ابرار، دیار ابرار، دولت ابرار، گلشن ابرار، سـتارگان حرم و طلایه داران تقریب» هدایت و نظارت کار با بنده بوده است و امیدوارم خداوند به لطفش کار را بپذیرد و توفیق خدمت به همه عنایت فرماید و کمبودها را جبران و لغزش ها را غفو کند.

مهدی زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مهدی زاده

محل تولد : فارسیان گنبدکاووس

شهرت : مهدی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ (ه . ش) پس از اخـذ دیپلم تجربی به دلیل علاقه فراوان به علوم دینی بدون اینکه منتظر شـرکت در کنکور باشم وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصـیل در مرحله مقدمات دروس حوزوی را در مدرسه منتظریه (حقانی) آغاز نمودم و درس های مقدماتی حوزوی مثل: صرف، نحو، معانی، بیان، منطق و ... را فرا گرفتم.

تحصـیل در مرحله سـطح دروس حوزوی را در مـدرسه شـهیدین با مدیریت توانا و با تجربه جناب اسـتاد سـید محمد رضا طباطبایی (حفظـه الله تعـالی) ادامـه دادم. اسـامی برخی از دروس مرحلـه سـطح به همراه نـام اسـتادانی که این دروس را نزد آنـان فرا گرفته ام عبارتنـد از: کتاب شـرح لمعه اسـتادان: «شب زنـده دار»، «اشـتهاردی»، «مؤمن» و «طباطبایی». اصول (برخی حلقات شـهید صـدر ره)

استادان: «شب زنده دار» و «اسلامیان». رسائل شیخ انصاری استادان: «اعتمادی» و «استادی». کفایهٔ الاصول استادان: «ستوده» و «گنجی». مکاسب شیخ انصاری استادان: «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «طبسی» و «مروجی».

مجموعه تحصیلات بنده در دو مرحله مقدماتی و سطح تقریباً تا سال ۱۳۷۰ (ه . ش) طول کشید و از سال ۱۳۷۰ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت نمودم که اسامی برخی از دروس به همراه نام بعضی استادان این دروس عبارتند از:

- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».
- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله وحید خراسانی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله خرازی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «عندلیب همدانی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «لاریجانی».
- بخشی از درس خارج فقه (خمس) «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».
- بخشی از درس خارج فقه (بیع) «آیت الله وحید خراسانی».
- بخشی از درس خارج فقه (اجاره، صوم و مکاسب محرمه) «آیت الله جوادی آملی».
- بخشی از درس خارج فقه (اجتهاد و تقلید) استاد «صادق لاریجانی».
- بخشی از درس خارج فقه (قضاء) استاد «لاریجانی».

علاوه بر دروس رایج فقه و اصول، در سال های۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در برنامه تحقیق فقهی مدرسه شهیدین که با نظارت و راهنمایی های «آیت الله خرازی» و «آیت الله استادی» برگزار می شد؛ شرکت کردم. در برنامه یاد شده که کمتر از دو سال طول کشید، بنده موفق به نگارش حدود ۱۰ مقاله علمی، فقهی در موضوعات مختلف شدم.

همچنین به دلیل گستردگی علوم دینی و به خاطر ضرورت آشنایی با برخی از علوم دیگر حوزوی (غیر از فقه واصول) در دروس دیگر حوزه نیز شرکت کرده ام که اسامی برخی از آنها به همراه نام استادان آنها عبارتند از: درس اسفار «آیت الله جوادی آملی»، درس درایه و رجال «مرحوم آیت الله ابوطالب تجلیل»، درس اخلاق استادان «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «مرحوم آیت الله بهاء الدینی»، «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله مصباح»، «آیت الله مظاهری» و «آیت الله محفوظی».

در کنار درسهای حوزوی به دلیل علاقه به مباحث اخلاقی و تربیتی، در مقطع کارشناسی ارشد رشته «علوم تربیتی» موسسه امام خمینی نیز تحصیل نمودم تا اینکه در آخر دوره در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود با محوریت «روایت تربیتی هشام بن حکم از امام موسی کاظم (علیه اسلام)» دفاع نمودم که در سال ۱۳۸۳ با عنوان «آیین عقل ورزی» چاپ شد.

مهدی زاده، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم مهدی زاده چافی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۵/۲

زندگینامه علمی

به تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۵ در روستای «چاف» بالاتر از شهرستان لنگرود، استان گیلان به دنیا آمده و دروس دوره ابتدائی را در همان روستا گذراندم. دوره راهنمایی را در روستای مجاور با فاصله دو کیلومتری در سرما و گرما با موفقیت طی نموده و بعد از آن در سال ۱۳۶۹ جهت کسب علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به مدت دو سال در مدرسه علمیه «حقانی» و بعد از آن یک سال هم در مدرسه «الهادی (ع)» دوره مقدمات (ادبیات عرب) را پشت سر گذاشتم. در مدرسه «رضویه» از محضر اساتید بزرگواری سود برده تا از لمعه و کتب مربوطه به پایه های چهارم، پنجم و ششم خوشه چینی نمایم.

اندوخته های علمی سالهای ۶۹ به بعد کمک کرد تا دوره سطح را با موفقیت از محضر اساتید بزرگواری در مدرسه های علمیه «گلپایگانی» و «فیضیه» به پایان برسانم. در کنار مطالعه و درس، تحقیق علوم حدیث و تفسیر سبب شد تا در سال ۷۹ در گروه تفسیر در موسسه علوم حدیث مشغول به همکاری شدم. بعد از دو سال و اندی به گروه احیاء پیوسته و تاکنون در گروه احیاء، جهت کار بر کتاب شریف الکافی با گروه احیاء مشغول همکاری هستم.

مهدی زاده، میرستار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرستار مهدی زاده

محل تولد : مرند — روستای النق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در آذربایجان شرقی، شهرستان مرند، روستای «اَلنِجَق» به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه یاسر و راهنمائی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد همان روستا تحصیل کردم و در کنار تحصیل، به کشاورزی و دامپروری مشغول بودیم. بعد از اتمام راهنمائی به حوزه علمیه شهر مرند «صاحب الزمان (عج)» وارد شده و بعد از سه ماه به حوزه علمیه «ولی عصر(عج)» شهر تبریز رفتم و دوباره از اول شروع به تحصیل علوم دینی کردم و تا مقداری از سیوطی را در طول دو سال خواندم.

در سال ۷۱ – ۷۲ به قم آمده و در امتحانات ورودی حوزه شرکت کرده و در مدرسه «معصومیه (س)» پذیرش شدم و دوباره دروس را از ابتدا شروع کردم، چون مدارس به این شرط قبول می کردند و انتقالی نمی پذیرفتند. مدت سه سال در مدرسه معصومیه (س) و یک سال در مدرسه امام صادق (ع) درس خواندم که در سال آخر تحصیل در مدرسه معصومیه(س) نامزد شده و در سال ۷۳ عروسی کردیم. در مدرسه امام صادق (ع) «۱ سال» و در مدرسه امام باقر(ع) «۴ سال» در درسها شرکت کردم و مقدمات را به پایان رسانده و در سطح مشغول شدیم.

در مدرسه «آیهْ الله گلپایگانی» مشغول به درس رسائل و در مدرسه فیضیه مشغول درس مکاسب شدم امّا همزمان با این، در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما (از سال ۷۸) به عنوان نقد و ارزیابی کننده و پژوهشگر مشغول فعالیت شدم و این کارهای پژوهشی به اضافه برخی کارهای پژوهشی مستقل مثل تالیف کتاب «سفرهای شگفت انگیز ائمه (ع)» و «چرا زلزله» باعث شد که از درس فاصله حدود ۵ – ۶ سال از تدریس در حوزه فاصله بگیرم اگرچه در این سال در همه امتحانات حوزه شرکت می کردم امّا در هیچ کلاسی شرکت نمی کردم و تا پایه ۸ نیز درس را ادامه دادم.

در آکادمی فرهنگستان علوم اسلامی نیز برای آموزش در دوره آموزشی ۵ و در گروه ششم شرکت کردم و با این مرکز و اندیشه هایش تا حدودی آشنا شدم که برایم بسیار جالب و مطلوب بود چرا که به برخی از این نتایج فکری آنان دست یافته بودم و آنجا را به عنوان افقی دریائی از اندیشه های مطلوب خود می دیدم. برای کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه (س) نیز دو مقاله ارائه کردم که در کتاب مجموعه مقالات جلد اول مجموعاً در ۱۵۰ صفحه چاپ شد. در این مدت طرح ها، اشعار زیادی نوشتم که اثراً موجود است.

مبانی تفسیر قرآن در ۳۷ مبنا، طرحهای گوناگون در مورد ولایت اهل بیت (ع)، مسائل تربیتی و اخلاقی و عرفانی، مسائل هنری و فلسفه هنر از جمله موضوعاتی است در مورد آنها طرحهائی دارم که مضبوط است. طبع و قلمی روان، استعداد فهم در گرو بیان مطلوب معارف روانی و به روز نویسی مطالب از جمله الطاف و نعمت های الهی است که به این گنهکار بی لیاقت ارزانی داشته است. امیدوارم با بازگشت به تحصیل عمیق و استدلال علوم حوزوی و ادامه کار پژوهش و تربیت عمر اخلاقی، خداوند نعمتهای خود را در حق ما به اتمام رساند، و ما را به هدف غایی که از خلقت ما داشته به لطف خود برساند.

مهذب، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد مهذب، ملقب به مهذب‌الدوله، فرزند حاج میرزا حسن حسنی فسائی در ۱۲۶۲ ش در فسا تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه منصوریه شیراز پایان برد، سپس فقه و اصول و ادبیات عرب و علوم جدید را فرا گرفت و در شیراز به کار تدریس پرداخت و متولی چند موقوفه شد. در دوره سوم از شیراز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید پس از پایان دوره مزبور به شیراز بازگشت و در حوزه‌های عملیه آن شهر به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۸ در دوره دوازدهم مجلس شورای ملی به وکالت انتخاب شد و ضمنا در دانشکده علوم معقول و منقول استاد شد. در دوره سیزدهم نیز کرسی نمایندگی را حفظ کرد. از ۱۳۲۲ در شیراز مجددا به شغل اصلیش که زراعت و تدریس بود مشغول گردید.

صاحب تألیفات متعددی اعم از تألیف و ترجمه می‌باشد. وی در ۱۳۳۶ در ۷۶ سالگی در شیراز درگذشت. فرزندان وی تماما رشد علمی یافتند و چهار تن از پسران او از دانشگاه‌های معروف دنیا درجه دکترا دریافت نمودند.

(۱۳۳۶ –۱۲۶۲ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به مهذب‌الدوله. در شیرزا به دنیا آمد و در مدرسه منصوریه، که از بناهای اجداد اوست، تحصیل نمود و سپس در آنجا به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در ضمن در خارج از مدرسه به تحصیل علوم جدید پرداخت. وی در برقراری مشروطه زحمات زیادی کشید. او در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم نماینده‌ی مردم شیراز، در مجلس شورای ملی، شد و به تهران آمد. مهذب در دانشکده معقول و منقول تهران تدریس می‌کرد. از آثارش: «امروز مسلمین» و «عالم نو اسلام»، ترجمه؛ «زن جدید»، ترجمه؛ «زن و آزادی»، ترجمه. او همچنین تاریخی در ادامه گفتار اول «فارسنامه‌ی ناصری» گماشت و وقایع و اتفاقات ۱۳۰۴ ق به بعد را در رابطه با اوضاع فارس و ایران با مدارک و اسناد به رشته‌ی تحریر درآورد.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۸۴ -۵۸۳/ ۵)، الذریعه (۵۹/ ۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۸/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۷۰/ ۲ ،۳۳۵/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۱/ ۱)، نخبگان سیاسی ایران (۵۲۵/ ۴).

مهرابی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقای مهرابی فرزند مرحوم ناظم‌التجار از علماء مبرز استان کرمان بوده‌اند مرحوم والدش ناظم‌التجار از شخصیتهای ناسی گذشته بوده و ما در ج ۲ ص ۳۳۶ کتاب آثارالحجه قسمتی از ترجمه و سوانح زندگی وی را یاد نمودیم بدانجا مراجعه شود.

وی در سال ۱۳۱۹ قمری به دنیا آمده و بعد از گذرانیدن دوره صبا و کودکی به تحصیل علم پرداخته و با معیت رفیق شفیق و دوست گرامیش آیت‌اللّه صالحی معاصر به مقدمات و ادبیات و سطوح اشتغال یافته و پس از تکمیل آن به اصفهان عزیمت و حدود سه سال از محاضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدصادق و آیت‌اللّه آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی و دیگران استفاده و پس از آن به اتفاق آقای صالحی به قم مهاجرت و حدود شش سال از بحث فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه یثربی کاشانی بهره‌مند شده و با اصرار دوست عزیزش آقای صالحی به کرمان مراجعت و به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجاً و اقامه نماز جماعت و سایر خدمات دینی پرداخته تا حدود ۱۳۸۵ قمری که به رحمت حق واصل گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مهراد، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کتابداری، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و علوم کتابداری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه کیس وسترن (ریزرو) آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار بخش علوم کتابداری دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار علوم کتابداری دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از فرصت مطالعاتی در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ پیرامون پایگاههای اطلاعاتی کتاب شناختی در دانشگاه لوس‌آنجلس، انجام طرح پژوهشی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و اتوماسیون، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، روش تحقیق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

علوم کتابداری و اطلاع رسانی، تکنولوژی اطلاعات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مهری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیهٔ الله مهری در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در شهر مهر واقع در جنوب استان فارس، و در خانواده‌ای روحانی از سلاله رسول الله (ص) قدم به عرصه وجود گذاشت. او را عباس نامیدند شاید تقدیر الهی چنین بود زیرا که او در همان اوان کودکی روحیه ظلم ستیزی در نهادش نهفته بود و بعدها خود الگویی برای مبارزان طریق حقیقت و مراد پویندگان راه رفع ظلم و ستم شد.

دوران کودکی

هنوز دوازده سال از عمر مبارکش نگذشته بود که سایه پر مهر پدراز او گرفته شد و برای همیشه از پدر محرم گردید. پس از آن تحت تکفل برادر ارجمندش عالم عاضل حاج سید هاشم مهری قرار گرفت و براستی چون پدری مهربان و دلسوز به تعلیم و تربیت او پرداخت با اینکه سالهای سخت تنگدستی را می‌گذارندند. هرگز نگذاشتت برادر عزیزش احساس فقر سختی کند. از همین ور بود که ایشان همیشه از برادرش به خیر و خوبی یاد می‌کرد و می‌گفت: من نمی‌توانم آن همه محبت و مهربانی را پاسخگو باشم.(۱)

نسب شریف

نام مبارکش سید عباس حسینی و مشهور به مهری فرزند سید حسن حسینی از سادات بزرگ و معروف مهر موسوم به سید هاشمی(منسوب به جد اعلای ایشان مرحوم سید هاشم) است. و از طریق مارد نسب وی به محدث و مفسر عالیقدر، علامه سید هاشم بحرانی(مؤف تفسیر برهان) می‌رسد. نام مارد دانشمندش خدیجه، دختر سید حسن علامه مهری از سادات جلیل القدر مهر و از نوادگان علامه بزرگوار بحرانی می‌باشد.(۲)

یادکردی از مهر

مهر از شهرهای مرکزی و حنوبی استان فارس و دارای تاریخی عمیق و درخشان است. تاریخ مهر همواره با نام دانشمندان و سادات و الامقام آن دیار گره خورده است. این شهر با همه کوچکی آن زادگاه بسیاری از علامان، نویسندگان، و صاحب منصبان سیاسی و احتماعی بوده و هست. این شهر علاوه بر موقعیت علمی که همچون گوهر تابناک می‌درخشیده، به لحاظ حضور مبارک سادات که جمعیت غالب شهر را تشکیل می‌دادانـد و نیز به داشتن مردمی خوب دارای موقعیت اجتماعی ویژه‌ای در منطقه بوده است که ملجأ مهاجران زیادی شده که به این شهر پناهنده گردیده‌اند. اجداد آیهٔ الله مهری از نخستین گروه سادات این ناحیه هستند که از منطقه احصاء به این محل هجرت نموده‌اند.(۳) نوشی از جام نور

ایشان پس از گذراندن دوره مقدمات در زادگاهش مهر برای تحصیل علوم و معارف دینی و استفاده از انوار قدسی بارگاه ملکوتی جد بزرگوارش با مشقتی فراوان و عشقی زایدالوصف راهی نجف اشرف گردید با جدیت به کسب معارف مشغول گردید، به گونه‌ای که خود می‌گوید: به قدری درسهایم فشرده بود که بعضی از روزها سه درس می‌گرفتم و دو درس می‌دادم و سه درس را نیز به مباحثه می‌گذراندم، غذایم معمولا نان و ماست و هنوانه بود.(۴) وی با آنکه مدت زیادی نتوانست در نجف اشرف بماند و به درخواست جمعی از مؤمنان برای امر تبلیغ به کویت عظیمت کرد منتهی در همین مدت کم توانست با جدیت تمام مدارج علمی را پشت سر بگذارد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیهٔ الله سید محمود شاهرودی(ره) و آیهٔ الله سید باقر محلاتی (ره) و آیهٔ الله سید محمد تقی بحرالعلوم (ره) بهره کافی ببرد.(۵)

هجرت به کویت

در نجف اشرف، پس از چند سال بحث و درس فشرده، مردم مسلمان کویت با اصرار و تقاضای فراوان از برخی عالمان آن زمان از ایشان می‌خواهند که برای راهنمایی و ارشاد آنها به کویت بروند.(۶) آقای مهری در آغاز رازی نمی‌شود، زیرا می‌خواسته است درس خود را ادامه دهد ولی، به درخواست بیش‌تر از حد مردم و اصرار برخی از علماء ناچار به آن دیار مهاجرت می‌نماید. او در این باره می‌گوید: وقتی به کویت آمدم مردم حتی نمی‌توانستند درست وضو یا تیمم کنند و از مسائل معمول شرعی خود بی خبر بودند.(۷) استاد عالیقدر حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی که بهترین گواه بر زحمات و فعالیتهای آن مهری می‌باشد چنین تعبیر آورده‌اند:چ مرحوم آقای مهری احیای موات کردند.(۸) فعالیتهای علمی و اجتماعی در کویت

در کویت ضمن هدایت و ارشاد و پرداخن به مسائل شرعی و حل مشکلات اجتماعی مردم،به‌مباحثه کتابهی علمی با برخی از علما ادامه می‌دهد و هر چند یکبار که به نجف اشرف مشرف می‌شود در آنجا برای همان چند روز نیز دست از درس و بحث نمی‌کشد. آن بزرگوار افزون بر انجام تکلیف نسبت به اسلام و مسلمین که – به بهترین وجه ادا می‌شد– به تدریس علوم دینی می‌پرداخت و از همه اقشار مردم میخواست که اوقات فراغت خود را به درس و بحث بپردازد و عمر خود بیهوده صرف نکنند و خود مجالس درس را اداره می‌کرد. همه شب پس از اداء نماز جماعت در مسجد شعبان – که اکنون به صورت بارزترین پایگاه انقلاب اسلامی در کویت در آمده است– به منبر می‌رفت و پس از گفتن چند مسئله، به موعظه می‌پرداخت و مشکلات اجتماعی مردم را گوش زد می‌نمود و هر چند برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود که فردی روحانی پیرامون مسائل سیاسی با مردم سخن گوید، او از گفتن آنها باکی نداشت و اوضاع جهان اسلام را تا آنجا که برایش ممکن بود بیان می‌کرد و مردم را از خطر استعمار و استعمار زدگی بر حذر می‌داشت.(۹) گفتار امام راحل(ره) خطاب به آن بزرگوار تا اندکی از این امر پرده بر میدارد. ایشان در ضمن نامه به آیهٔ الله مهری می‌نویسد: مساعی جمیله جنابعالی در ترویج شریعت مقدس اسلام در آن حدود مورد کمال، تقدیر و تشکر و امید است ان شاء الله مورد توجه خاصه حضرت ولی عصر– عجل الله تعالی فرجه الشریف– واقع گردیده و مأجور باشید. دوام توفیقات آن جناب را در اعلاء کلمه طیبهٔ الاسلام از خدای متعال خواستارم.(۱۰) مبارزات سیاسی

آنچه بیشتر از هر خصوصیت دیگر، آیهٔ الله مهری را ممتاز کرده بود، روح ظلم ستیزی و مبارزه همیشگی او بر ضد ستم در شکلهای گوناگونش بوده در این باره می‌فرمود: هنوز بالغ نبودم و عمرم از سیزده سال تجاوز نکرده بود ولی نسبت به شاه احساس دیگری – جدای از مردم آن زمان – داشتند. من او را ظالم و غاصب حق می‌دانستم و از اینکه برخی از روحانیون از او تجلیل می‌کردند سخت منزجر می‌شدم. من معتقد بودم باید قدرت در دست مرجع تقلید باشد و اگر کسی را او تعیین کند واجب الاطاعه است و الا فلا.(۱۱) ناگفته نماند که همواره ظلم ستیزی وی مشکلات زیادی برایش به وجود می‌آورد. خود در این باره طی مصاحبه‌ای می‌گوید بنده قبل از اینکه به نجف بروم و سپس در کویت اقامت گزینم در ایران حبس رفتم، شکنجه شدم، پای برهنه مرا در پشت اسبها می‌دواندند و برادرم نیز در این مصائب با من شریک بود. ما هرگز ساکت نبوده‌ایم و فکر کردیم وقتی به کویت می‌رویم آقایان مراجع پشتیبان ما خواهند بود و با حمایت آنان بنده می‌توانم علیه ظلم مبارزه کنم. ولی هیچ کس در آن زمان حاضر نشد علیه ظلم حرفی بزند تا اینکه آقای خمینی(ره)، این بزرگوار سر بلندکرده و از ابتدایی که امام شروع به مبارزه علیه ظلم نمود امیدی

خاص در من ظاهر شد، زیرا یک راهنما و پیشوا پیدا شده بود، پس می‌توانستیم به احکام و نظریات این بزرگوار عمل کنیم.(۱۲) در راه مبارزه مستمر و بی امان با دستگاه طاغوت در آغاز نهضت حرکت همه جانبه را علیه دستگاه ظلم پهلوی شروع کرد و با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبتهای گوناگون و با ارسال تلگراف و نامه به محضر علماء و مراجع و با اجتماع با شخصیتهای گوناگون مذهبی و سیاسی و با پخش اعلامیه‌ها و پیام‌ها و نوارهای حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاده و در مقابل، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه او شروع کرد و مردم را با تهدید و تخویف و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود، از سوی دیگر کمتر روزی بود که تلفنهای تهدیدآمیز و اینکه اگر ساکت نشوی تو را می‌کشیم و در امشب پس از نماز در وسط سخنرانی تو را ترور می‌کنیم و خانه ات را آتش می‌زنیم و بچه هایت را از بین می‌بریم و ... به او زده نمی‌شد، ولی او همچنان پابرجا و استوار و بی اعتنا به آن همه تهدیدات، پیش می‌رفت و وظیفه خود را قاطعانه دنبال می‌کرد و هرگز اهمیت نمی‌داد که روزانه از عدد نمازگزاران مسجد یا ملاقات کنندگانش در منزل – بر اثر تهدیدهای دشمنان – کاسته می‌شود.(۱۳)

در خواست قیام علی طاقوت

فرزند با اخلاص سرزمین مهر – همانگونه که اشاره شد– همواره با ارسال نامه و تلگراف از علماء و مراجع دعوت به مبارزه علیه طاغوت و پشتیبانی از حرکت امام می‌کرد، منتهی هیچ وقت منتظر پاسخ آقایان نمی‌نشست و فقط به وظیفه عمل می‌کرد. در آغاز نهضت تلگراف شدید لحنی به مراجع وقت در نجف اشرف و قم مخابره کرد و آنان را به قیام دعوت نمود. در آن تلگراف چنین آمده است: مصیبتهایی که این روزها بر سر مسلمین در ایران فرود می‌آید دل هر آزاده‌ای را آزرده ساخته است و سکوت شما در برابر این فجایع، بر این درد افزوده است ما منتظر اقدام سریع شما برای تسکین دردها و جلب رضایت حضرت ولی عصر(عج) می‌باشیم. سه نفر از مراجع وقت نجف آیهٔ الله حکیم رحمهٔ الله، آیهٔ الله شاهرودی رحمهٔ الله و آیهٔ الله خویی رحمهٔ الله پاسخهایی دادند و ایشان دستور داد همان پاسخها را تکثیر و در دسترس عموم مردم قرار دادند و به همین پاسخ برای تأیید نهضت اکتفا می‌کرد و می‌فرمود! ما در حد توانمان به قیام دست زدیم. ما مردم را هدایت می‌کردیم تا کمک به ظلم و جور نکنند و با اشخاصی که علیه دین اسلام قدم بر می‌داشتند، هم قدم نشوند. در آن زمان حضرت امام به همه نماینده هایش دستور داده بودند که به این گونه مسائل توجه گردد و بنده یکی از نمایندگان ایشان بودم که به این امر عمل نمودم. حتی از دیگران نیز درخواست دعوت کردم تا همزمان با ما، در دیگر بلاد اسلامی، جلوی ظلم ظالمین را بگیرند و در این خصوص بعضی از آقایان متأسفانه با بنده هم زبان نشدند و بعضی‌ها نیز بنده را سرزنش و توبیخ می‌نمودند که چرا علیه حکومت شاه به پا خواسته‌ام. و بنده تمام جوانب را تحمل نمودم. و به اعمال و رفتار آن آقایان نیز اعتنا نکردم و مطالبمان را هرچه بود بر زبان آوردیم ... . تلگرام آتشین

به جرأت می‌توان گفت که اولین مرید و مؤید امام از علماء خارج از کشور آقای مهری بود. و اولین حرکتش تلگرام تند و آتشینی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی پس از سخنرانی سرنوشت ساز امام به شخص محمد رضای خائن بود. و به این ترتیب او لب به سخنی گشود که می‌بایست در نهایت گفته می‌شد(زیرا که انقلاب اسلامی سخن آخرش را اول می‌گوید)(۱۴) و پس از این تلگرام، از ورود ایشان به ایران جلوگیری شد تا اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. کانون اندیشه ها

منزل آیهٔ الله مهری در دوران نهضت همواره کانون اندیشه‌های انقلابیون و مبارزان مسلمان به ویژه روحانیون بود که در آنجا جلسات زیادی پیرامون شیوه‌های مبارزه از سوی مبارزانی همچون شهید آیهٔ الله سعیدی، آیهٔ الله خزعلی و شهید حجهٔ الاسلام محمد منتظری و سایر عزیزان پیرو امام از ابتدا شروع نهضت تا پیروزی انقلاب برپا می‌شد و برای پیش برد نهضت در داخل و خارج کشور، تبادل نظر صورت می‌گرفت و آن بزرگوار واسطه‌ای بین حضرت امام در نجف اشرف و پیروان و ادامه دهندگان راهشان در ایران، اروپا، آمریکا و سایرکشورها بود. او در این را نه تنها از مال دنیا و جان خود و فرزندانش مایه می‌گذاشت که از عزت و آبروی خویش نیز می‌گذشت و در راه مرادش از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کرد به گونه‌ای که منزل ایشان خانه دوم امام شده بود و انقلابیون به طور دایم در آن خانه به نشر انقلاب اسلامی و فرامین امام، می‌پرداختند، به طور مثال همه کتابهای امام و اعلامیه‌ها و فتاوی ایشان در کویت با همت و نظارت مستقیم ایشان چاپ و نشر و به طور رایگان در اختیار مردم مسلمان مخصوصا ملت ایران قرار می‌گرفت.(۱۵) یک خاطره

روزی یکی از مراجع می‌خواست به کویت بیاید تا از آنجا به مکه مشرف شود. چون در اتاق پذیرایی آقا فقط عکس حضرت امام بود، به او عرض کردیم یا موقتا این عکس را برداریم یا اجازه دهید چند روزی عکس آن آقا را نیز در این جا نصب کنیم! ایشان با ناراحتی پاسخ داد مگر من عکس پرست هستم یا با عکس می‌خواهم خودشیرینی کنم؟ عکس امام برای من یک شعار است. من با نصب کردن این عکس، راه و روش خود را به مردم نشان می‌دهم، و می‌خواهم از راه امام تبلیغ کنم و گرنه خوب بود عکس دهها مرجع تقلید، که طی چندین سال همه با من ارتباط داشته‌اند و بدون درخواست من، مرا نماینده خویش در کویت قرار داده بودند، بر در و دیوار بیرونی من نصب شده باشد!(۱۶)

عشق مرید به مراد

آیهٔ الله مهری با تمام اخلاص عاشق امام خیمنی بود. از روزی که توسط آیهٔ الله ابوالقاسم خز علی و شهید آیهٔ الله سید محمد رضا سعیدی با امام آشنا گشته و به هنگام سفر به ایران در قم به جلسه‌ای در درس ایشان مشرف شده بود(۱۷) تا پسین دم حیات دست از امام و راه او برنداشت. علاقه او به امام برای کسب شهرت و مقام نبود بلکه امام را واجد جمیع شرایط دیده و مرید او شده بود. هر وقت از او درخواست می‌کردم عکس از او با امام برای یادگاری بگیرم ممانعت می‌کرد و می‌گفت: من نیاز به عکس ندارم، من اگر با خمینی از روز اول پیمان بسته‌ام برای خدا بوده است نه برای کسب شخصیت.(۱۸) آری، او به خوبی از عهده این پیمان بر آمد و همه هستی اش را فدای امام کرد ولی دست از او برنداشت. مرید و مراد

همانگونه که مهری امام را خوب درک کرده و به او عشق می‌ورزید امام نیز در مقابل به او محبت و علاقه خاصی داشت. وقتی که امام از عراق به طرف کویت هجرت کرده و با همراهان قصد منزل ایشان را داشت، خفاشان زمان به محض شناخت امام وحشت

زده از ورود امـام به کویت ممـانعت کردنـد، آقای مهری می‌خواست با رئیس آنها صحبت کنـد تا شایـد در قلب سـخت آنها اثری کنـد، امام فرمود:ابـدا! حیف نیست وجه خود را پیش این ناکس بفروشـی؟! ما بر می‌گردیم، ما با خدا هستیم.(۱۹) امام که ناراحتی آقـای مهری را می‌دانست بعـد از برگشت به عراق و هجرت به فرانسه به محض رسـیدن به آقـای فردوسـی پـور امر کرده بود که: به فلانی تلفن بکنیـد که او خیلی ناراحت است. (۲۰) ایشـان هم امتثال امر کرده و برای رفع ناراحتی ایشان به کویت تلفن زده بودنـد. آری، امام نیز مرید خود را خوب شناخته بود. انتصاب به امامت جمعه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به بـار نشسـتن آرزوی دیرینه امـام و یـاران باوفـایش برای ارتقـاع رشـد فکری جامعه اسـلامی و بیـداری هرچه بیشتر مسـلمانان جهان و صـدور انقلاب و جامه عمل پوشانـدن و به یکی از آرزوهای شـیعیان کویت یعنی برپـایی نمـاز دشمن‌شـکن عبـادی، سیاسی جمعه حضـرت امام – رضوان الله تعالی علیه – حضـرت آیـهٔ الله مهری را طی حکمی در مورخ ۵۸/۷/۲ به امـامت جمعه در کشور کویت منصوب نمودنـد(۲۱) ولیکن بـا تبعیـد ایشـان از طرف حکام کویت همراه با تمامی اعضای خانواده به ایران اسلامی نماز جمعه در این کشور برگزار نگردید. تبعید به ایران

بـا پیروزی انقلاب اسـلامی و به ثمر رسـیدن زحمات چنـدین ساله امام و یارانش آیـهٔ الله مهری نه تنها از حرکت نایسـتاد بلکه برای اسـتحکام بخشـیدن بـه پایه‌هـای حکـومت اسـلامی بر شـدت تلاشـهایش افزود. و او سـربلند و مفتخر از اینکه توانسـته است، در راه حـاکمیت الله قـدمهای بردارد سـر از پـا نشـناخته، لـذا تمام وقت خود را صـرف سامان بخشـیدن به مسائل انقلاب و پاکسازی محیط جامعه اسـلامی از تفاله‌های طاغوت نمود که از آن جمله پاکسازی سـفارت ایران در کویت می‌باشد و باز به این حد بسـنده ننمود و فعالیتهای زیادی متکفل شد، تا آنجایی که شـیخ دسـتنشانده کویت به الهام از اربابان انگلیسی و آمریکایی اش تاب تحمل وجود او را ننمود و بر خلاف تمام موازین و مقررات بین المللی تابعیت مسلم درجه یک وی را از اعتبار ساقط و بی درنگ وی و تمام اعضاء خانواده‌اش را از خانه و کاشانه خود اخراج و به ایران تبعید نمود.(۲۲)

مبارزه بزرگ

آن بزرگـوار نـه تنهـا بـا طاغوتهـای خـارجی مبـارزه‌ای بی امـان داشت ولی بیش از هر چیز بـا طـاغوت نفس مبـارزه می‌کرد و برای کوبیدن طاغوت سـرکش نفس آنقدر نسبت به مؤمنین تواضع و محبت ورزید که در کمتر کس چنین روحیه‌ای می‌توان یافت. او نه تنهـا خـود را از همه علمـاء و خـدمتگزاران دین کوچـک‌تر می‌دانست که در برابر مردم عـادی نیز متواضـع بـود. هر کس بر او وارد می‌شد، حتی اگر نوجوان کم سن و سالی بود، تمام قد از جا برمی خواست و به او احترام می‌گذاشت و احوالپرسی می‌کرد. یکی از روزهای بیماری، سائلی وارد شد، ما اعتنایی چندانی نکردیم ولی او با آن حال بد، از جا برخواست و مانند دیگران احترام کرد. پس از رفتن با ناراحتی به او عرض کردم: شـما با این کار خودتان را اذیت می‌کنیـد. تازه او کسی نبود که برایش تا این حد احترام قائل شویـد! با نگرانی به من پاسـخ داد: تو از کجا علم داری که مقام من نزد خـدا، از او بالاتر باشـد؟! او در تواضع و تجلیل از مؤمنان به قدری افراط می‌کرد که ما ناراحت می‌شدیم و گاهی به او اعتراض می‌کردیم. در پاسخ می‌گفت: من هنوز نتوانسـته‌ام به این فراز از آیه ... اذلهٔ علی المؤمنین(۲۳) عمل کرده باشیم.(۲۴) آقـا بـا رفتار خود به اطرافیان درس می‌داد که مؤمن واقعی به همان مقـدار که در برابر دشـمنان خـدا و ظالمـان سـتمگر، بـا خشونت رفتار می‌کنـد و حاضـر نیست کوچکترین نرمش از خود نشان بدهـد، در برابر یاران خدا و مؤمنان متواضع و فروتن است اشداء علی الکفار رحماء بینهم(۲۵). برخی از ویژگی‌های اخلاقی

همیشه با وضو بود، به مستحبات با دقت عمل می‌کرد و از مکروهات ماننـد حرامها گریزان بود. نماز با طمأنینه کامل و مسـتحبات و تعقیبـات انجام می‌داد و مقیـد بود که هرگز نوافل را ترک نکنـد. دو ساعت قبل از طلوع فجر از خواب بیـدار و مشـغول نماز شب و تهجـد و دعا خواندن و اسـتغفار می‌شد، و هیچ گاه نماز شـبش ترک نمی‌شد. شـبها قبل از خواب درست در همان لحظه‌ای که همه اهل منزل به خواب رفته بودنـد، زیر آسـمان می‌رفت و دستها را به آسـمان بلنـد می‌کرد و با گریه و زاری، اسـتغفار می‌نمود. هرگز سؤال کننـده را محروم نمی‌کرد، حتی اگر به مقداری غذا یا لباس باشد. اگر روزی لباس نو یا عمامه نویی می‌پوشـید و کسـی از آن لبـاس تعریف می‌کرد، فوری آن را به او می‌بخشـید و خودش به لبـاس کهنه اکتفـا می‌کرد. گـاهی که همسـرشان به ایشـان اعتراض می‌کرد که چرا نمی‌توانی لباس نو را لااقل برای چنـد ماه نگهـداری، بالبخند می‌گفت: مگر آن لباسـها چه عیبی دارد؟ با اینکه خود سید بود نسـبت به سادات احترام شدید و تجلیل کامل می‌نمود. بسیار مهمان نواز بود و حتی اگر بعضـی روزها مهمان نداشت یک نفر از مسـجدیان را با خود می‌آورد تا بی مهمان غذاءً نخورد. علاقه عجیبی به اهل بیت(ع) داشت. هرگاه نام مبارک امام حسین(ع) را می‌شـنید بی اختیـار اشـکش جاری می‌شـد و روزهای عاشورا ماننـد کسـی که تازه پـدرش را از دست داده، با صـدای بلنـد گریه می‌کرد تا جایی که بی حال می‌شد از این رو همه ساله دو ماه محرم و سفر و هر شب دوشنبه جلسه روضه و عزاداری برگزار می‌شد و بعـد از اینکه به ایران تبعید شدند در طول نه سال زندگی در ایران صـبحهای جمعه همان مجلس، با شکوه تمام برگزار می‌شد. و در مراسم مولودی یا اعیاد اسلامی ضمن برقراری مجالس جشن و سرور، با شیرینی و شربت و گاهی هم با پول از حاضرین پذیرایی می‌کرد. کارهای منزل را تا حد توان خودش انجام میداد حتی بعضـی از کارهای بنایی خانه. و با این کارش به فرزندانش می‌فهماند که نبایـد در همه کارهـا به دیگران متکی بود. از اسـراف و زیاده روی خیلی متنفر بود و اگر می‌دیـد چراغی بـدون سـبب در اطاقی روشن مانده است با عصـبانیت بازخواست می‌کرد و این کار را نکوهش می‌نمود. با اینکه انواع کاغذ و دفترها در منزل یافت می‌شد از یک کاغذ پاره هم استفاده می‌کرد و کمتر روزی بود که در مذمت اسراف با افراد خانواده سخن نگوید. از افراد سخن چین بیش از همـه کس متنفر بـود. و کمـتر سـخنرانی ای داشت که در آن، نمـام را نکـوهش نکنـد. در روحیه‌اش ذره‌ای خـود خـواهی یـافت نمی‌شد و برای اینکه با این روحیه مبارزه کند ریاضـتهای عجیبی داشت گاهی در گاری سه چرخ سوار می‌شد و به مسجد می‌رفت. محـال بـود هر کسـی بگـذرد و به او سـلام نکنـد، حتـی اگر بچه خردسـالی بـود در مجلسـی که وارد می‌شـد هر جـا که خـالی بـود می‌نشـست و هیـچ گـاه مقیـد نبود که در صـدر مجلس یـا اطراف آن بنشـیند، اگر در بحث با بعضـی از روحانیون، احساس می‌کرد طرف از ادامه بحث یا پاسـخ به سؤال درمانده شده است، خود بحث را عوض می‌کرد و نمی‌گذاشت حاضـران متوجه ضـعف طرف مقابـل شونـد. همیشه در کارهـای اساسـی بـا دیگران مشورت می‌کرد و برای اینکه به فرزنـدانش احـترام بگـذارد چه در جمع و چه

خصوصی بـا آنها به مشورت می‌پرداخت و اگر رأی آنها مورد قبول قرار نمی‌گرفت با اسـتدلال آنها را قانع می‌نمود. همیشه در پی استدلال و برهان بود لذا به فرزندانش توصیه می‌فرمود: شـما فکر نکنید که چون پدر و مادرتان شیعه‌اند، باید شیعه باشید. بروید کتاب بخوانیـد و خود تان با دلیل و برهان، حق را دریابیـد ... . به مظاهر اسـلامی خیلی اهمیت می‌داد، حتی در لباس، مسـکن و غذا مسائل اسلامی را مراعات می‌نمود. فعالیتهای اجتماعی

ایشان در امر بازسازی و تجدید بنای مدارس علمیه از جمله مدرسه قزوینی و مدرسه بخارایی در نجف اشـرف سـعی و تلاش فراوان کرد. برای شـیعیان سـاکن در منطقه خلیـج فارس (از جمله کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحـده) مساجـدی را تأسـیس کرد و تأسیس و تعمیر مساجـد زیـادی در گوشه و کنـار ایران اسـلامی را بر عهـده گرفت. در کویت اولین مـدرسه دخترانه به نام مدرسـه جعفری برای دوران ابتدایی تا دبیرسـتان به همت عالی او تأسـیس شد. جذب مبلغان از حوزه‌های علمیه نجف اشـرف و قم و مشـهد برای تبلیغ در مناطق کویت و سایر کشورهای حوزه خلیـج فارس از دیگر تلاشـهای آیهٔ اخلاص آیهٔ الله مهری بود که این امر تا قبل از رحلت ایشان ادامه داشت. چاپ و نشـر و ترجمه کتب امام و غیر آن در سـطح بسـیار وسیع و توزیع رایگان در میان مردم. تشکیل جلسـات شورای فقهی و سیاسـی بـا روحانیـان مقیم کویت به منظور حـل معضـلات و مشـکلات، از فعالیتهای ارزشـمند او محسوب می‌شود. بسـیج عده‌ای از اهالی منطقه فارس و شهرستان لامرد(۲۶)، برای توزیع مواد غـذایی مورد نیاز مردم در زمان قحطی پس از جنگ جهانی دوم. تأسـیس و راه اندزی اولین درمانگاه در شهرسـتان لامرد. تأسیس بیمارسـتان و زایشگاه مجهز و گسترده در شهر مهر. رهبری مـدبرانه نهضت اسـلامی ملت کویت پس از اخراج از کویت و حمـایت حرکتهـای اسـلامی و انقلابی جوانان مسـلمان. کمکهای مسـتمر به مراکز مذهبی، فرهنگی (مدارس، مساجد، حسینیه‌ها) در قم و سایر نقاط. بازسازی مراکز خدماتی (آب انبارها و راهها و ...) مناطقی از ایران. تأسـیس بنیاد معارف اسلامی قم به منظور تحقیق و تدوین تاریخ جامعی برای تشیع از آغاز تاکنون، که این یکی از ارزنده‌ترین آثار جاودانه آن بزرگمرد است.

سفر به کوی دوست

سر انجـام پس از عمری کوشـش، مبارزه و تلاش همه جانبه، و نیل به اهـداف عالیش که رفع ظلم سـتم شاهی و اسـتقرار نظام عـدل الهی بود در جوار مشوق واقعی اش که همه دوران زنـدگی را بر آسـتانش چهره ساییـده بود آرمیـد، آیهٔ الله حاج سـید عباس مهری پس از ۷۵ سال زنـدگی پرخیر در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۶ هجری شمسـی، در تهران، سـتاره درخشان وجودش از آسمان علم و فضیلت برخاک فروغلتید و در جوار حضـرت فاطمه معصومه(س) در خاک نهان شد. وتمام خویشان و دوستداران و ارادتمندان را به سوگ نشانید.(۲۷)

در سنگر علم

مرحوم آیهٔ الله مهری با همه اشـتغالات سیاسـی و اجتماعی در بیان معارف اسـلامی و دفاع از کیان اسلام و تشیع نیز غافل نماند و در این زمینه آثاری به یاد ماندنی از خویش به جای گذاشت که برخی از آن آثار چاپ شده بدین قرار است:

۱- شـعاع من التاریخ این کتاب ارزشـمند در پاسخ به هتاکی‌های ابراهیم جبهان در مجله رأیهٔ الاسلام چاپ ریاض به مذهب تشیع و ائمه اطهـار(ع) در سال ۱۳۸۱ هجری / ۱۹۶۱ میلادی به رشـته تحریر در آورده است. مرحوم مهری علاـوه بر مبـارزه بـا این فرد که منجر به تبعیـد شبانه وی از سوی دولت کویت به عربسـتان صـعودی گردید به مبارزه علمی نیز با وی پرداخته و در ضـمن کتابی به گفته‌هـای سـرا پـا کـذب وی پاسـخ می‌گفـت. ایـن کتـاب را به مـوجب نامساعـد بـودن جـو سیاسـی آن زمـان کـویت به نـام برادر ارجمندشان عالم فاضل سید هاشم مهری به طبع رسانده‌اند و اکنون در کتابخانه عمومی مرحوم آیهٔ الله نجفی به شماره ۷۵۳۰ ردیف ۵ و قفسه ۲۳ موجود می‌باشد. ۲- شـعاع من سیرتنا سنتنا این کتاب اگر چه در بعضی نوشته‌ها از جمله آثار قلمی مرحوم آقای مهری شمرده شده است ولی از مقدمه کتاب چنین اسـتفاده می‌گردد که شخصی از ایشان در موضوع صحت سجده بر خاک مطالبی طلب می‌کند و ایشان پس از پاسخ به خواسـته ایشان به پیشنهاد یکی از مؤمنان اهل اطلاع به سخنرانی علامه امینی پیرامون موضوع سجده و آنچه سـجده بر آن صحیح است که در سال ۱۳۸۴ هجری در سوریه ایراد فرموده‌انـد دست می‌یابد و با تمام خلوص به جای چاپ مقاله خود به انتشار سـخنرانی علامه امینی مبادرت می‌ورزند. این کتاب به شـماره ۵۴۴۷۸ در کتابخانه عمومی مرحوم آیـهٔ الله نجفی مرعشی موجود می‌باشد. ۳- تفسیر سوره والعصر. ۴- اهل الکتاب. ۵- دروس فی الدین. ۶- رساله‌ای در بیان حرمت گوشت خوک. از دیگر آثار قلمی این دانشور پرتلاش است. یادش گرامی و راهش جاوید پاورقی:

۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. ۲- برای آشنایی بیشتر با حیات علامه بحرانی به کتابهای زیر مراجعه فرماییـد: علامه بحرینی، سـید محمـد براتی، العلامه السـید هاشم البحرانی، فارسـی تبریزیان، علامه بحرانی آیینه ابرار، تألیف نگارنده. ۳- برای آشـنایی بیشتر با این شـهر و عالمان آن می‌توانید به کتاب سیمای مهر تألیف نگارنده مراجعه نمایید. ۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۵- خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص۲. ۶- شایان ذکر است که در آن زمان هنوز نفت در کویت کشف نشـده بود و مردم با سادگی، زندگی متواضـعانه‌ای می‌گذراندند. ۷- با اسـتفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۸- کنـایه از اینکه کویت ماننـد یـک زمین مرده‌ای بود که وی با زحمات خویش آن را زنـده و آباد کرد. ۹- با استفاده از یادداشتهای فرزنـد ارجمندشان. ۱۰ - ۱۱- بـا استفاده از یادداشتهای فرزنـد ارجمنـدشان. ۱۲- روزنـامه ابرار ۱۳۶۶/۳/۳۱ . ۱۳- بـا اسـتفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۴- خلاصه‌ای از زندگینامه آیت الله سید عباس مهری، ص۳. ۱۵- با استفاده از خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص۳ و ۴. ۱۶- از خاطرات فرزند ارجمندشان سـید محمد جواد مهری. ۱۷- سرگذشـتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج۶، ص۱۵۷ و ۱۵۸. ۱۸- با اسـتفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۹- سرگذشـتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج۶، ص۱۶۴ و ۱۶۵. ۲۰- همان. ۲۱- صحیفه نور، ج۹، ص۱۹۷. ۲۲- خلاصه زندگینامه آیت الله مهری، ص۴. ۲۳- مائده/ آیه ۵۴. ۲۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۲۵- فتح/ آیه ۲۹. ۲۶- از شهرهای جنوبی استان فارس می‌باشد. ۲۷- از آیت الله مهری ۱۱ فرزند (۷ پسر و ۴ دختر) به یادگار ماند. ۱- حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید محمد مهری. ۲- حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سیـد مرتضـی مهری، از محققان و اساتید حوزه علمیه قم. ۳- جناب آقای سـید احمد مهری. ۴- جناب آقای سـید علی اصغر مهری.

۵- دانشمند محترم جناب آقای سید محمد جواد مهری. ۶- سید محسن مهری. ۷- سید محمد رضا مهری.

مهریزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی مهریزی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

مهدی مهریزی در سال ۱۳۴۱ در شهر مقدس مشهد متولد شد. پس از گذراندن دروس عمومی دوره ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مشهد شد. آنگاه پس از اتمام دروس مقدمات در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و به مدت بیست سال در دروس فقه و اصول و فلسفه حضور یافت.

اساتید سطح ایشان حجج اسلام و حضرات آیات: «ستوده»، «پایانی»، «اعتمادی»، «موسوی تهرانی» و «سید علی محقق داماد». اساتید دروس خارج آیات عظام: «وحید خراسانی»، «تبریزی» و «فاضل لنکرانی». اساتید فلسفه حضرات آیات: «محمد علی گرامی»، «حسن زاده»، «جوادی آملی»، و «انصاری شیرازی».

وی همزمان با تحصیل، به تدریس دروس حوزه تا رسائل و مکاسب اشتغال داشته است و از سال ۱۳۶۴ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال دارد، همچنین نامبرده در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی بسیاری به ارائه مقاله و سخنرانی پرداخته است.

مهندسی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی مهندسی

محل تولد : آباده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در زمستان سال ۱۳۵۴ رسما وارد حوزه علمیّه قم در مدرسه حقانی شده، درس‌های از اول مهر ماه تا زمستان آن سال را در فرصت کوتاهی خوانده و به سطح طلاب کلاس که چند ماهی زودتر شروع کرده بودند رسیدم. احساس شد که فضای بازتر و با سرعت بیشتری باید پیش رفت. لذا از مدرسه بیرون آمده و به طور آزاد به خواندن ادبیات پرداختم. تا شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی که دروس حوزه تطعیل شد تا نیمه‌هایی از جلد اول و دوم شرح لمعه چاپ قدیم از محضر «آیت الله باکوئی» و همچنین دو جلد اصول فقه و منطق و کتب ابتدائی را خواندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸، رسائل را در خدمت «آیت الله اعتمادی» و مکاسب محرمه را خدمت «آیت الله اشتهاردی» و بیع و خیارت و کفایتین را در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» و همزمان شرح تجرید الاعتقاد را خدمت «آیت الله انصاری شیرازی» و بدایةالحکمه را در محضر «آیت الله نجفی شهر رضائی» شروع و ادامه آن را از محضر «آیت الله ممدوحی» استفاده نمودم. خارج فقه و اصول را در درس «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» و نیز مدتی در درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» گذرانده و نیز پس از بدایة الحکمه، شرح منظومه سبزواری قدس سره، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفار را در محضر «آیت الله انصاری شیرازی» بودم.

در بحث تدریس از آغاز تحصیل سعی می‌شد که تدریس کتب خوانده شده انجام گیرد. لذا به توفیق الهی همه کتب مقدّماتی و سطح عالی تا انتهای کفایةالاصول را یک یا برخی از آنها را چند بار تدریس داشته‌ام. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تجرید الاعتقاد را یک بار و بدایةالحکمه را چندین دوره و نیز نهایةالحکمه را یک دوره و شرح منظومه منطق سبزواری (ره) دو دوره و شرح منظومه حکمت را سه دوره و شرح اشارات را که هم اکنون به تدریس آن مشغولم سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، یکدوره دروس هیئت و ریاضی علّامه حسن زاده آملی را تدریس نموده و در بخش عرفان، تمهید القواعد را دور سوّم و نیز تدریس شرح فصوص الحکم قیصری را هم اکنون اشتغال دارم. همچنین مباحثه‌ای فقهی پیرامون مسائل عروه الوثقی داریم و چند سالی است که هفته‌ای یک بار جلسه تفسیر قرآن کریم (تا کنون به آیه ۴۸ سوره بقره) دارم.

فعلا در رشته تخصصی کلام حوزه علمیّه قم و نیز در مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) هفته‌ای دو ساعت به تدریس عرفان اشتغال

داشته و در مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، آیت الله مصباح یزدی نیز به تدریس تمهید القواعد در مقطع کارشناسی ارشد مشغولم و همچنین به عنوان عضو هیئت علمی دائرةالمعارف عرفانی (در حال تدوین) همین مؤسسه در خدمت دوستان می‌باشم. در دانشگاه نیز متجاوز از ده سال است که به دروس عمومی (اخلاق و معارف) و دروس تخصصی رشته ادبیات عربی و الهیات از قبیل قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری، مقدّمات تفسیر، علوم قرآنی، فقه الحدیث و درایهٔ الحدیث اشتغال دارم.

در بخش رسانه، از آغاز راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف، تحقیقی گسترده در موضوع «اسرار نماز» که حدود ۱۰۰ ساعت بوده و همچنین شرح زیارت جامعه کبیره که تا کنون ۴۰۰ (چهارصد) بحث رادیویی انجام گرفته (تاکنون قریب یک پنجم زیارت شرح شده) و ادامه دارد. همچنین در ۱۴۳ برنامه، شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بحث گردیده و پخش شده و نیز شرح دعای ندبه تاکنون ۱۵۰ بحث انجام گرفته که ادامه دارد. در بخش تبلیغات، در ایام تعطیلات دروس حوزوی - دانشگاهی به مناسبت‌های مختلف، مباحثی که عمدتا اخلاقی، عرفانی، تفسیری، عقیدتی و ... بوده، انجام گرفته است.

مهنه‌ای، مؤید

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، واعظ و شاعر. اهل مهنه، از اعمال تربت حیدریه، و از احفاد شیخ ابوسعید ابوالخیر (۴۴۰ -۳۵۷ ق) بود. در علوم ظاهری و باطنی تبحر داشت و اوقات را به موعظه و ارشاد می‌گذرانید. در زمینه سرودن شعر نیز توانا بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است. مزار خواجه در گنبد جدش می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۳ -۳۲۲)، الذریعه (۱۱۳۰/ ۹)، طرائق الحقائق (۱۰۷/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۹۸)، لغت نامه (ذیل/ مؤید)، مجالس النفائس (۲۰۹ -۲۰۸، ۳۵)، هفت اقلیم (۲۹ -۲۸/ ۲).

مهیار

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پهلوان ایرانی که نام او دو بار در گرشاسب‌نامه‌ی اسدی طوسی آمده. اول در جنگ اول گرشاسب با لشکر بهو:

«پس صف به مهیار و سنبان سپرد

کمینگه به کشواد و گرداب گرد»

دوم در جنگ دوم گرشاسب با سالاران بهو:

«سوی راست لشکر به مهیار داد

سوی چپ به بهپور سالار داد»

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مهیار دیلمی، ابوحسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۸ ق)، کاتب و شاعر. اصلا ایرانی و اهل بغداد بود، لذا به او کاتب فارسی می‌گفتند. وی ابتدا دین زرتشتی داشت سپس به دست سید شریف رضی ابوالحسن محمد موسوی اسلام آورد و به تشیع گروید و در خدمت او به تحصیل فنون شعر و ادب پرداخت. در «ریحانهٔ الادب» آمده که او به دست شریف مرتضی ایمان آورده ولی در خدمت شریف رضی به تحصل علم و ادب پرداخته است. وی مدتی متصدی امر کتابت آل‌بویه بود و در بغداد برای ترجمه‌ی مطالب از فارسی به عربی استخدام شد. وی شاعری بزرگ بود و مقدم شاعران همعصر خود به حساب می‌آمد. او را جامع فصاحت عرب و بیان ادب فارسی می‌دانند و در بسیاری از جهات شعری از استادش، شریف رضی، برتر بود. او اشعار بسیاری در مدح اهل‌بیت و مراثی امام حسین (ع) گفته است. از ممدوحان وی می‌توان به ابوطالب محمد بن ایوب، از وزیران خلفای عباسی، و ابونصر سابور و ابومنصور بن مزرع و غیره اشاره کرد. فرزندش حسن یا حسین بن مهیار دیلمی نیز از شاعران بزرگ بوده که «قصیده‌ی حائیه»اش معروف است. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل چهار مجلد؛ «قصیده‌ی لامیه»، که ابن طاووس حلی شرحی به نام «الازهار» بر آن نگاشته است.[۱]

ابوالحسن یا ابوالحسین ابن مرزویه‌ی دیلمی (ف. ۴۲۶ یا ۴۲۸ ه.ق) از کاتبان و شاعران لطیف طبع ایرانی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم. وی نخست زردشتی بود و بعد به دست سید رضی اسلام آورد و نزد او به تحصیل شعر و ادب پرداخت و به زودی بزرگترین شاعر عهد خود گردید. مهیار دارای احساسات شدید ایرانی و طرفدار عقاید ملی بود و اشعاری در هجو قوم عرب سرود. دیوان شعر او چهار مجلد است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۴/ ۸)، اعیان الشیعه (۱۷۲ -۱۷۰/ ۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۵ -۶۴۴/ ۱)، تاریخ بغداد (۲۷۶/ ۱۳)، دمیهْ القصر (۳۰۹ -۳۰۳/ ۱)، الذریعه (۱۱۳۸/ ۹، ۵۳۲/ ۱)، ریحانه (۴۷ -۴۶/ ۶)، سیر النبلاء (۴۷۲/ ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۳ -۲۴۲/ ۳)، فوائد الرضویه (۶۸۹ -۶۸۸)، الکامل (۱۴/ ۸)، کشف الظنون (۸۱۶)، الکنی و الالقاب (۲۷۴/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مهیار)، معجم المؤلفین (۳۳ -۳۲/ ۱۳)، المنتظم (۲۸۵ -۲۸۴/ ۹)، النجوم الزاهرهْ (۲۹/ ۵)، وفیات الاعیان (۳۶۳ -۳۵۹/ ۵)، هدیهْ العارفین (۴۸۶ -۴۸۵/ ۲).

مؤدب نفیسی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(دکتر علی‌اصغر فرزند علی‌اکبر). (و. ۱۲۵۳ ه.ش ف. ۱۳۲۸ ه.ش) پس از پایان تحصیلات در رشته‌ی طب، به تهران بازگشت و در مدرسه‌ی علمیه و دارالفنون به تدریس پرداخت. مجله‌ی حفظالصحه از انتشارات اوست. در دوره‌ی دوم به وکالت مجلس انتخاب شد.

معروف به مؤدب‌الدوله از اطباء و رجال دانشمند و درجه اول ایران و فرزند ناظم‌الاطباء نفیسی که از رجال و دانشمندان عصر ناصری است می‌باشد. تولد او در ۱۲۵۱ ش در تهران اتفاق افتاد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و آموختن ادبیات فارسی و عربی و حکمت وارد دارالفنون شد و تحصیلات خود را در رشته طبابت به اتمام رسانید و مدتی نیز در اروپا به تکمیل تحصیلات پرداخت. بعد از مراجعت به ایران در دارالفنون استاد طب شد. در ۱۲۹۹ که سید ضیاءالدین طباطبائی به نخست‌وزیری ایران رسید وزارتخانه جدیدی به نام وزارتخانه صحیه و امور خیریه تأسیس نمود و مؤدب‌الدوله نفیسی را وزیر آن وزارتخانه معرفی کرد. در حقیقت باید گفت مرحوم مؤدب نفیسی اولین وزیر بهداری ایران است. در دوران سلطنت رضاشاه به پیشکاری ولیعهد تعیین شد. وفات او در ۱۳۲۸ در ۷۷ سالگی در تهران اتفاق افتاد.

مؤدب‌الدوله نفیسی از اطباء درجه اول و حاذق ایران بود. او در تربیت سایر برادران خود از جمله استاد سعید نفیسی سعی جمیل به کار برد. محمدرضا پهلوی نسبت به او بسیار بدبین و عصبانی بود به همین دلیل در دوران سلطنت خود کاری به او ارجاع ننمود. علت این بی‌مهری سختگیری‌هائی بود که مؤدب‌الدوله در سویس نسبت به او اعمال می‌کرد و کوچکترین خطای ولیعهد را به رضاشاه گزارش می‌داد. قسمتی از تحصیلات شاه مخلوع نتیجه تلاش و سختگیری نفیسی بود. از مؤدب‌الدوله سه پسر و چهار دختر باقی ماند. پسران وی عبارت بودند از: مهندس حبیب نفیسی، دکتر عباس نفیسی و دکتر ابوالقاسم نفیسی، دختران وی به ترتیب به همسری نظام‌السلطان، دکتر شمس‌الدین جزایری، وحید سعد و عظیمی درآمدند.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مؤذن هروی، ابوسهل محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۳ -۳۷۲ ق)، عالم، ادیب، نحوی و لغوی. معروف به مؤذن. او رییس الموذنین در جامع عمرو بن عاص در مصر بود. نزد ابوعبید احمد بن محمد هروی مؤذن، صاحب کتاب «الغریبین»، تلمذ نمود و از وی و از ابویعقوب نجیرمی و ابواسامه جنادهْ بن محمد نحوی روایت کرد. در مصر درگذشت. از آثار وی: «الاسفار»، در شرح «الفصیح» ثعلب نحوی و مختصر آن «التلویح فی شرح الفصیح»، در لغت؛ «اسماء الاسد»؛ «اسماء السیف».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶/ ۱۷)، ایضاح المکنون (۳۲۰/ ۱)، روضات الجنات (۲۹/ ۸)، ریحانه (۲۳/ ۶)، کشف الظنون (۱۲۷۳، ۸۸، ۸۶)، معجم الادباء (۲۶۳/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۶۱ -۶۰/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۲۱ -۱۲۰/ ۴)، هدیهْ العارفین (۶۹/ ۲).

مؤذی خوارزمی، نظام‌الدین، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۵۵۹ ق)، ادیب و شاعر. با یاقوت حموی (م ۶۲۶ ق) معاصر بود و در فقه، حدیث، تفسیر و اصول تبحر داشت. از آثار وی: «اساس نامه»، در مواعظ، به فارسی؛ «نمودارنامه»، در شرح ابیات عجیبه‌ی «کلیله و دمنه»؛ «الخطب»، در دعوات ختم قرآن، که «یتیمهْ الیتیمهْ» نام دارد؛ «دیوان الانبیاء»؛ «گفتار نامه»؛ «مرتع الوسائل و مربع الرسائل»؛ «الوسائل الی الرسائل»؛ «الطرفهْ فی التحفهْ»، به فارسی؛ «تعریف شواهد التصریف»؛ «دیوان» شعر، به فارسی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۰۷/ ۶)، لغت نامه (ذیل/ نظام‌الدین مؤذی)، معجم الادباء (۱۶ -۱۵/ ۲)، معجم المؤلفین (۹۲/ ۱).

مؤید الاسلام، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ –۱۲۸۰ ق)، روزنامه‌نگار و نویسنده. در کاشان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی برای ادامه‌ی تحصیل به اصفهان رفت و مدت پنج سال در آنجا تحصیل کرد و در مدرسه حکیم در خدمت حجهٔالاسلام عبدالمعالی به یادگیری سطوح پرداخت و سپس در مدرسه‌ی صدر در محضر درس آخوند ملا محمد کاشی و آیت‌اللّٰه شریعت حاضر شد. بعد به کاشان بازگشت و آنگاه به تهران و مشهد سفر کرد و سپس به عراق عزیمت نمود و در سامرا به حوزه‌ی درس خارج میرزا محمدحسن شیرازی پیوست. پس از آن به بندرعباس رفت و بعد از مدتی به همراه سید جمال‌الدین اسد آبادی به تهران آمد. وی در ۱۳۰۸ ق به بمبئی و از آنجا به کلکته رفت و مشغول تجارت شد. او در ۱۳۱۱ ق روزنامه‌ی «حبل المتین» را در کلکته منتشر نمود. در ۱۳۱۷ ق نیز روزنامه‌ی «مفتاح الظفر» را، شامل مطالب علمی و مقالات ریاضی با مدیر کلی برادرش سید حسن کاشانی در آنجا منتشر کرد. او همچنین روزنامه‌ی «آزاد» شامل مطالب سیاسی را در ۱۳۱۷ ق در کلکته چاپ و منتشر نمود که این روزنامه به صورت ضمیمه‌ی روزنامه «مفتاح الظفر» توزیع می‌شد و برای مشترکین «مفتاح الظفر» رایگان بود. وی در کلکته درگذشت و بعد از یک سال جنازه‌ی او به مشهد برده و در ایوان عباسی، در صحن کهنه، به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۲۹ –۲۲۸/ ۴، ۲۰۸ –۲۰۰/ ۲، ۱۴۰ –۱۳۹/ ۱)، شرح حال رجال (۷۲ –۷۱/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۶ –۳۵۵/ ۲).

مؤید الممالک فکری، مرتضی قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ –۱۲۵۰ ش)، نمایشنامه‌نویس و روزنامه‌نگار. وی تحصیلات خود را در مدرسه‌ی دارالفنون فراگرفت و با زبان فرانسه آشنا شد و بعد از آن به خدمت دولت درآمد و چندی نیز حکومت مازندران، عراق و گلپایگان را به عهده داشت. او در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «صبح صادق» را در تهران منتشر کرد. مؤید الممالک از آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان به شمار می‌رفت و روزنامه‌اش بعد از بمباران مجلس شورای ملی مورد غارت قرار گرفت. وی پس از آن مدتی در بادکوبه و بخارا و سمرقند و مصر متواری بود. فکری پس از بازگشت به ایران روزنامه‌های «پلیس ایران» و «ارشاد» را منتشر نمود. او در تهران درگذشت. از آثار وی نمایشنامه‌های: «سیروس کبیر»، «سرگذشت یک روزنامه‌نگار»، «عشق پیری»، «حکام قدیم و حکام جدید» و «سه روز در مالیه» است که آنها را برای کمک به روزنامه‌ی «ارشاد» و با همکاری شرکت نمایش عالی ارشاد به نمایش گذاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (۱۸۲ –۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳/ ۲)، از صبا تا نیما (۱۱۰/ ۲)، تاریخ جراید (۱۰۵ –۱۰۲/ ۳، ۷۹ –۷۵/ ۲، ۱۱۸، ۱۱۷/ ۱).

مؤید، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد ادبیات عربی از دانشگاه تهران، دکترای ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس گوناگون ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی در دانشگاه شیراز، برنده کتاب سال از وزارت ارشاد در سال ۱۳۶۴، دریافت جایزه کتاب آموزشی سال از رادیو تلویزیون در سال ۱۳۵۵.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

فارسی امروز در زمینه زبان‌آموزی، شعر فارسی معاصر، شناختی از سعدی، اشعار عربی سعدی، قند و پند در زمینه ادبیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تأثر سعدی از ادبیات عربی مثلثات سعدی، اقتراء در اسلام.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میانچی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابراهیم مرتضوی میانجی از افاضل معاصرین تهرانست. وی در ماه صفر ۱۳۳۲ قمری در یکی از مضافات میانه متولد شده و تحصیل مقدمات را در قم انجام داده و در سال ۱۳۵۵ قمری مشرف به نجف اشرف شده و از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۶۹ قمری به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در یکی از مساجد مرکز به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و انجام وظیفه اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده میباشند که بعضی بطبع رسیده است و از آنها کتب زیر است:

۱- کتاب «العیون العبری» در مقتل سیدالشهداء علیه‌السلام.

۲- کتاب «اطائب الکلام من مهابط الوحی و الالهام» در حالات چهارده معصوم علیهم‌السلام.

۳- تصحیح چاپی کتاب وسائل‌الشیعه در بیست مجلد.

۴- تصحیح چاپی کتاب شرح نهج‌البلاغه خوئی در بیست و یک جلد.

۵- تصحیح چاپی کتاب احقاق الحق آیت‌اللّه مرعشی که تاکنون ۱۱ جلد آن بطبع رسیده است.

۶- تصحیح چاپی کتاب بحارالانوار چاپ جدید (۶۰) مجلد.

۷- مقدمه و پاورقی به کتاب حقایق علامه فیض کاشانی و غیر از اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میبدی یزدی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، عالم دینی، فقیه، لغوی و شاعر. او در کربلا از محضر شیخ العراقین شیخ عبدالحسین تهرانی و فاضل اردکانی استفاده نمود و از استادش، فاضل اردکانی، به دریافت اجازه نایل شد. وی پس از رسیدن به مراتب علمی بالا در کرمانشاه ساکن گردید و مرجعیت دینی را عهده‌دار شد. از آثار وی: «عصمهٔ الحجج»، در عصمت ائمه (ع)؛ «بدیع اللغهٔ»، در لغات جدید؛ «کشکول»؛ «هدایهٔ النصیریهٔ»، که برای ارشاد اکراد نصیریه نگاشت؛ «مفتاح السلامهٔ»، در حفظ سلامتی و اصول پیشگیری قبل از درمان؛ شرح «المنظومهٔ البطیخیهٔ»؛ کتابی در «الاستخارات»؛ رساله «حلق اللحیهٔ»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «السؤال و الجواب»، در عبادات، با ذکر دلیل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۷/ ۸)، الذریعه (۱۹۹/ ۲۵، ۲۹۵ -۲۹۴/ ۲۴، ۳۳۳/ ۲۱، ۷۶/ ۱۸، ۲۷۴/ ۱۵، ۹۰/ ۱۴، ۲۴۷/ ۱۲، ۶۳/ ۷، ۷۳/ ۳، ۲۰ -۱۹/ ۲)، ریحانه (۵۰/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸۶/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۵/ ۶)، لغت نامه (ذیل/ علی یزدی)، معجم المؤلفین (۲۱۷/ ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۶ -۳۲۵/ ۴).

میبدی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا میبدی یزدی از علماء محترم و دانشمندان بزرگ شمال و شهرستان گرگان می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۳۸ قمری در میبد یزد به دنیا آمده و دروس فارسی را در آنجا خوانده و برای ادامه به تحصیل به قم مسافرت ولی چون اواخر عمر مرحوم آیت‌اللّه حایری اوضاع حوزه مشوش بود به شهر ری (زادگاه نگارنده) آمده و به خدمت مرحوم آیت‌اللّه عالم ربانی حاج شیخ محمدتقی بافقی رسیده و در حجره آن مرحوم در مدرسه امینیه اقامت و به تحصیل مقدمات پرداخته و بعد از چندی به تشویق و توصیه آن بزرگوار به قم آمده و مدتی هم حجره حقیر در مدرسه دارالشفا بودند و با سعی بلیغ اشتغال داشتند تا در سال ۱۳۵۸ قمری که روی بعضی جهات مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند سکونت و مدت ده

سال با جدیت تمام به تحصیل پرداخته و از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی یزدی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا- خوشه‌ها چیده و توشه‌ها برده تا در سال ۱۳۶۸ قمری که به ایران آمده و بنابر تقدیر و مشیت الهی در گرگان و استرآباد اقامت و بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ رضا مدرس در جای ایشان در مسجد جامع به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه میبدی که از دوستان چهل ساله حقیر است از دانشمندان متین و روشنفکر و منیع‌الطبع معاصر و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد از آثار ایشانست تأسیس کتابخانه مسجد جامع گرگان و اداره و سرپرستی طلاب و محصلین مدرسه دارالشفاء گرگان

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میبدی، محمدفاکر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فاکر میبدی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۰/۲۰

زندگینامه علمی

محمد فاکر میبدی، فرزند علی اکبر در تاریخ ۱۰/۲۰/ ۱۳۳۸ خورشیدی، برابر با ۱۳ رجب ۱۳۷۹ قمری، در شهرستان میبد دیده به جهان گشود، در سه سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادر مؤمن و متدین خویش قرار گرفت. وی دوران کودکی خود را به دلیل محرومیت از نعمت پدر، با سختی و مشکلات پشت سر گذاشت. و دوران تحصیلات کلاسیک را با کار و فعالیت سپری نمود. سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی که مقارن بود با مبارزات ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و منتهی به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شد. وی در این زمان همراه با دیگر اقشار مختلف مردم میبد در راهپیماییها و تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت داشت و به پخش عکس، اطلاعیه و قرائت آن مبادرت می کرد، به همین دلیل یک بار توسط عوامل رژیم احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. به دلیل علاقه زیاد نامبرده به مسائل انقلاب نسخه ای از اعلامیه ها و بیانیه های انقلابیون کشور و به ویژه پیشگامان انقلاب در استان یزد و به خصوص شهید محراب حضرت آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، آیت الله حاج سید روح الله خاتمی، و آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی، « قدس الله انفاسهم الزکیه» که از ارکان انقلاب در منطقه بودند در کتابخانه وی نگه داری می شود. نامبرده تحصیلات کلاسیک خود را تا ششم در مدرسه امام میبد به انجام رسانید و در سال ۱۳۵۵ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه میبد شد و مقدمات، ادبیات، منطق و بخشی از دروس سطح را در آن حوزه فرا گرفت. لازم به یاد آوری است که در رشته فقه و اصول بیشترین بهره را از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن بیشترین استفاده را از حضرت آیت الله معرفت برده است.

میخائیل، پائول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصـــــــنلوـ نـــــــــــــــام وضـــــــــعیت

مدتی شوهر زینا بود و بد طلاق گرفت و الان شوهر دختر مک من هست دارای یک بچه

وزن:۲۷۰ lbs قد:۶'۴" مربی او:Killer Kowalski تاریخ ورود به کشتی کچ:مارچ۱۹۹۲(۲۳سالگی) لقبهای دیگر او:Hunter (Hearst Helmsley (WWF)...Terra Ryzin (WCW)......Jean Paul LeVesque (WCW حرکت پایانی:The Pedigree حرکتهای مورد علاقه که استفاده میکنه: Inverted Indian Deathlock Knee to Face Running neckbreaker Running Knee Smash DDT Spinning Spinebuster Sleeper Hold Abdominal Stretch Knee Drop Figure Four Leg Lock Mounted Punches Hooking Clothesline Blatant Choke

دشمن زیاد داشته فقط چنتاشو مینویسم Rob Van Dam Bubba Dudley Kane Booker T Bill Goldberg Shawn Michaels Chris Benoit Randy Orton Batista Ric Flair Big Show John Cena Vince McMahon The Undertaker The Rock Stone Cold افتخارات: او یک بار با شکست دادن Tony Roy توانست کمربند IWF Heavyweight title رو بگیره در۲۶اکتبر۱۹۹۶توانست با شکست دادنMarc Mero کمربندWWF Intercontinental title رو بگیره او همچنین در جـــون۱۹۹۷ نفر اول مســابقهWWF King of the Ring شد.

او۲۲دسامبر۱۹۹۷بـا شـکست دادنShawn Michaels تـوانست کمربندWWF European title رو بگیره. در۱۷مارچ۱۹۹۸با شکست دادنOwen Hart توانست کمربندWWF European title رو بگیره. ۳۰آگوست۱۹۹۸در سامراسلم با شکست دادنThe Rock توانست کمربندWWF Intercontinental title رو بگیره در۲۳آگوست۱۹۹۹با شکست دادنMankind توانست کمربندWWF Federation title رو بگیره. در آنفورگیون۱۹۹۹ توانست کمربندWWF Federation title رو بگیره. در سـال۲۰۰۰توانست با شکست دادنBig Show کمربندWWF Federation title رو حفـظ کنه. در جاجمنـدی۲۰۰۰ بـا شـکست دادنThe Rock کمربندWWF Federation title رو نگـه داشـت در۵آپریل۲۰۰۱بـا شـکست دادنChris Jericho تـوانست کمربندWWF Intercontinental title رو بگیره. در۱۶آپریل۲۰۰۱با شکست دادنJeff Hardy کمربندWWF Intercontinental title رو حفـظ کرد. او به همراه یـارش استون کلددر۳۰ آپریل۲۰۰۱در بکلش بـا شـکست دادنUndertaker & Kane کمربند WWE Tag Team titles رو گرفتنـد. او همچنیـن نفر اول۲۰۰۲ WWE Royal Rumbleشد. در رسـمنیا۸-Xبا شکست دادنChris Jericho توانست کمربندWWF Undisputed title رو بگیره. درســبتامبر۲۰۰۲ او تـوانست برای اولیــن بــار کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. در۱۵دسامبر۲۰۰۲با شکست دادنShawn Michaels توانست کمربنـد WWE World Heavyweight title رو حفـظ کنه. در۱۴دسامبر۲۰۰۳توانست با شکسـت دادنBill Goldberg & Kane کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. درآنفورگیـون۲۰۰۴توانست بـا شکسـت دادنRandy Orton کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. و در سال ۲۰۰۵ با شکست دادنBatista & Orton & Benoit & Jericho & Edge توانست کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. او یکی از پرافتخـارترین کشتی کـچ کـارای دنیا هست همونطور هم که خودتون افتخاراتش دیدید. و الان هم به همراه شان مایکلز گروه دی ایکس رو تشکیل دادند و دارن آبروی مک من را تو کل دنیا میبرن.

میدانی نیشابوری، ابوالفضل احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۸ ق)، لغوی، نحوی، ادیب و شـاعر. او را پیشـگام ادبـا نام نهاده‌انـد. در نیشابور به دنیا آمـد و در همان جا نشو و نما یافت. چون ساکن محله‌ی میـدان زیاد نیشابور بود، به میـدانی مشـهور شد. او از شاگردان ابوالحسن علی بن احمد واحدی مفسـر و یعقوب بـن احمـد نیشابوری بـود. فرزنـدش، سـعید بـن احمـد، و ابـوجعفر احمـد بـن علی مقری بیهقی از شـاگردان او بودنـد. در نیشـابور درگـذشت و در گورسـتان میـدان زیاد دفن شـد. از آثارش: «مجمع الامثال» یا «جامع الامثال»، که گفته‌اند در نوع خود بی‌نظیر بوده است؛ «السامی فی الاسامی»، در لغت؛ «الهادی للشادی»، در نحو فارسـی؛ «نزهة الطرف»، در علم صرف؛ «شرح المفضلیات» یا «اسماء التفضیل»؛ «الانموذج»، در نحو؛ کتاب «النحو المیدانی»؛ «المصادر»؛ «منیة الراضی فی رسائل القاضی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸/ ۱)، انساب سمعانی (۴۲۹/ ۵)، تاریـخ ادبیات در ایران (۳۱۸/ ۲)، روضات الجنات (۳۰۲ -۳۰۰/ ۱)، ریحانه (۵۳ -۵۲/ ۶)، سیر النبلاء (۴۹۰ -۴۸۹/ ۱۹)، شذرات الذهب (۵۸/ ۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۴)، کشف الظنون (۲۰۲۶ ، ۱۹۴۳ ،۱۷۰۳ ،۱۵۷۶ ،۱۰۴۳ ،۹۷۴ ،۱۸۵)، الکنی و الالقـاب (۲۲۰ -۲۱۸/ ۳)، معجم الادباء (۵۱ -۴۵/ ۵)، معجم البلدان (۲۷۹/ ۵)، معجم المؤلفین (۶۴ -۶۳/ ۲)، الوافی بالوفیات (۳۲۸ -۳۲۶/ ۷)، وفیات الاعیان (۱۴۸/ ۱)، هدیة الاحباب (۲۵۱)، هدیة العارفین (۸۲/ ۱).

میر خواند بلخی، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۹۰۳ -۸۳۷ ق)، مورخ، ادیب و شـاعر. معروف به میر خوانـد و امیر خوانـد. وی در شـمار بزرگترین مورخـان عهـد تیموری بود. خاندان وی از سادات حسینی است و سلسله‌ی آباء و اجدادش به زید بن علی بن حسین (ع) منتهی می‌شود. در بلخ به دنیا آمد و در جوانی به هرات رفت و در آنجـا تحصـیلات خود را در علوم معقول و منقول به پایـان رسانـد. وی از همان آغاز مورد توجه سـلطان حسین بایقرا و وزیرش امیرعلیشیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۴ ق) قرار گرفت و دوستی و الفت همواره بین میرخواند و امیرعلیشیر برقرار بود، به همین دلیل میرخوانـد کتاب «روضـهٔ الصـفا» را به نام او تألیف کرد. وی در فن تاریخ و صـنعت انشاء و فنون ادب مهارت بسـزایی داشت بـا این وجود به مشاغـل دیوانی روی نیاورد تا در اواخر عمر، کارش به انقطاع و انزوا کشـید و بیش از یک سال در گازرگاه هرات منزوی شـد و به علت بیماری به هرات منتقل گردیـد و در آنجا نیز درگذشت و در مزار شـیخ بهاءالدین که پیر و مراد پدرش بود، به خاک سپرده شـد. صاحب «ریحانـهٔ الادب» او را معاصـر جامی می‌دانـد و در «دایرهٔالمعارف فارسـی» زندگی پدر میرخواند، بهاءالـدین خاونـد شاه، با صاحب عنوان درآمیخته شده است. گروهی از منابع نیز در مورد محل تولد و تحصـیلاتش اختلاف دارند. از آثـار وی: «روضـهٔ الصـفا فی سـیرهٔ الانبیـاء و الملوک و الخلفا»، مشـتمل بر وقایع عمومی عالم از بـدو خلقت تا زمان خود مؤلف.

تاریخ او قسمتی ترجمه از تاریخ‌های عربی و قسمتی اقتباس از تواریخ خاصه فارسی و حتی نقل به عبارت از «جامع التواریخ» رشیدی و «ظفرنامه» شرف‌الدین علی با اندکی اصلاح است. میرخواند طرح این کتاب را در هفت جلد افکنده بود، با شروع جلد هفتم شدت بیماریش مانع پیشرفتش شد و از این رو نواده‌ی او غیاث‌الدین خواند میر، مؤلف «حبیب السیر»، این کتاب را به اتمام رسانید و حوادث عهد تیموری را تا ۹۲۹ ق به آن افزود. رضا قلی خان هدایت ذیلی بر این کتاب در سه مجلد تا حوادث زمان خود نوشته و آن را، به اسم ناصرالدین شاه قاجار، «روضهٔ الصفای ناصری» نامیده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۶۲۵ -۶۲۱)، اعیان الشیعه (۴۰۲/ ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۳ -۵۱۹/ ۴)، تاریخ در ایران (۱۵۲ -۱۵۱)، تاریخ مغول (۴۹۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۰ -۲۳۹)، تعلیقات مزارات هرات (۵۱)، حبیب السیر (۳۴۲ -۳۴۱/ ۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۹۵۳/ ۲)، الذریعه (۲۹۷ -۲۹۶/ ۱۱ ،۱۱۴۰ ،۳۰۷/ ۹)، روضهٔ الصفا (مقدمه/ ک- ع)، ریحانه (۵۶ -۵۴/ ۶)، سبک شناسی (۲۰۵ -۲۰۴/ ۳)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۳۴ -۲۳۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۵ -۴۹۴)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰ -۸۹۹)، کشف الظنون (۹۲۷ -۹۲۶)، الکنی و الالقاب (۲۲۰/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ میرخواند)، مجالس النفائس (۲۷۰ ،۹۴)، مزارات هرات (۱۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۸ -۴۵۵/ ۵)، هدیهٔ الاحباب (۲۵۲).

میر سپاسی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۶ ش)، روان پزشک، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تفرش به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در مشهد و دارالفنون گذراند و در ۱۳۱۵ ش تحصیلات پزشکی خود را در دانشکده پزشکی لیون فرانسه به پایان رساند. اما به علت علاقه شخصی، به تحصیل در رشته‌ی روان پزشکی و پزشکی قانونی و همکاری با پروفسور باروک پرداخت. پس از بازگشت به ایران در بیمارستان روزبه تحت عنوان پزشک بیماری‌های روانی مشغول خدمت شد. او همچنین بیمارستان میمنت را تأسیس کرد و تا پایان عمر به مداوای بیماران پرداخت. از آثارش: «تاریخ تکامل مراکز دماغی»؛ «تاریخ تکامل هیستری یا بیماری حمله‌ی از دیرگاهان تا امروز»؛ «جنون جوانی»؛ «روانشناسی پزشکی»؛ «قانون و جنون»؛ «روانپزشکی اجتماعی»، ترجمه‌ی حواشی؛ «خلاصه روانپزشکی»، با همکاری حسن بطحائی و مسعود میربهاء.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سالنامه‌ی تفرش (۵۰ -۴۹ ،۱۳۷۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۲۰ ،۱۹۰۶ ،۱۷۵۸ ،۱۷۵۴/ ۲ ،۱۰۶۸ ،۶۸۵ ، ۴۷۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۷ -۷۵۶/ ۳).

میر عظیمی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جواد میر عظیمی مراغه‌ای از علمای معاصر تهرانند. ایشان در ماه رجب ۱۳۴۰ ه. ق، در مراغه بدنیا آمدند و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همانجا طی و بعد مقدمات را نزد جناب آقای شیخ حسین پیشنماز بالوقیه مراغه و آقای حاج شیخ ابراهیم بادکوبه‌ای و عالم ربانی حاج شیخ محمد تقوی خوانده و از کمالات روحی آنان رضوان اللّه علیهم شمه‌ای بهره بردند.

سپس بعزم تکمیل مقدمات سه سال در شهر تبریز متوطن شده و در حوزه‌ی تدریس اساطین فقها و اصولا حاضر شدند. سپس بامر و توصیه یکی از اساتید عظام نوراللّه مرقده بقصد تکمیل سطح و اخذ معقول به مشهد تشرف حاصل نموده و سه سال در حوزه تدریس حضرت الاستاد الحاج سید احمد یزدی معروف باستاد و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی عطراللّه مرافدهم فقه و اصول و معقول را آموختند و تفسیر و اخلاق و مقداری از خارج متاجر را محضر مرحوم آیت‌اللّه ربانی میرزا مهدی الاصفهانی آموخته بودند.

در سنه‌ی ۱۳۶۷ ه.ق در قم متوطن گردیده در مجلس تدریس بعضی از اعاظم حوزه مبارکه حاضر شدند. معظم له در مدت اقامت خود در قم به تدریس و اقامه جماعت حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه حجت در مسجد حاج میرزا عبداللّه کیهانی در محله‌ی در بهشت اشتغال داشتند.

آثار علمی و قلمی عدیده‌ای دارند که ذیلاً بعضی از آنها از نظرتان می‌گذرد.

۱- تلخیص الفراید للشیخ الانصاری قده

۲- تلخیص التقریرات قسمت اصول علمیه للنائینی قده.

۳- کتاب کفارات در اسلام فارسی استدلالی.

۴- ترجمه و شرح رساله حضرت امام جعفر الصادق علیه‌السلام و آن اولین حدیث کتاب روضه کافی است.

۵- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت سجاد علیه‌السلام.

۶- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت زینب علیهاالسلام.

۷- دو نشریه بنام جریمه‌ی روزه خواران.

۸- جریمه‌ی مرتکبین محرمات حج.

۹- مجموعه‌هایی در فنون مختلفه.

از باقیات‌الصالحات ایشان فرزند برومند و مؤدب ایشان آقای سید میر حسین میر عظیمی حسینی است که از محصلین متدین و جدی حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میر کیانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد میرکیانی نویسنده کودک و نوجوان در سال ۱۳۳۷ در شهر تهران به دنیا آمد .تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در این شهر به پایان رسانید.او در کنار تحصیل به مطالعهٔ آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد.وی دارای مدرک دکتری هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است .ایشان در سال ۱۳۶۱ وارد گروه کودک صدای جمهوری اسلامی ایران شد و به نوشتن نمایشنامه‌های رادیویی و قصّه‌های ظهر جمعه پرداخت. مجموعه قصه" روز تنهایی من "محمد میرکیانی ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد میرکیانی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید.او در کنار تحصیل به مطالعهٔ آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد.میرکیانی دارای مدرک دکتری هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد میرکیانی از همان دوران کودکی، همزمان با تحصیل به کار و کوشش پرداخت. در دوران نوجوانی، زمانی که کارگر حروفچین یکی از چاپخانه‌های تهران بود به مطالعهٔ آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد. روزی که اولین قصه‌اش را نوشت دقیقاً پانزده شغل مختلف را تجربه کرده، درس زیادی آموخته بود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد میرکیانی در سال ۱۳۶۱ وارد گروه کودک صدای جمهوری اسلامی ایران شد و به نوشتن نمایشنامه‌های رادیویی و قصّه‌های ظهر جمعه پرداخت. بعضی از مسوولیت های اجرایی که میرکیانی برعهده داشته یا دارد: - سردبیری برنامه‌های از سرزمین نور و گفته‌ها و ناگفته‌ها (رادیو) - عضویت در طرح و برنامه مرکز فرهنگی صبا - عضویت در شورای کتاب کودک انتشارات سروش - عضویت در گروه مولفان کتب درسی آموزش و پرورش - در حال حاضر مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما

فعالیتهای آموزشی : محمد میرکیانی در چند دوره مختلف آموزش ضمن خدمت، به تدریس ادبیات کودکان و قصه‌گویی در آموزش و پرورش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرداخته است.

آرا و گرایشهای خاص : بیشتر مطالعات و گرایش های میرکیانی در زمینه ادبیات، به خصوص ادبیات کهن، تاریخ، روان شناسی و شعر می باشد.

جوائز و نشانها : مجموعه قصه" روز تنهایی من "محمد میرکیانی ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.میرکیانی همچنین برنده کتاب سال نوجوان در ۱۳۶۵ و جشنواره‌های دیگر داخلی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و از نویسندگان برگزیده بیست سال ادبیات کودکان توسط انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است. ترجمه مجموعه پنج جلدی «قصه ما همین بود» میر کیانی، در سال ۷۳ به زبان اردو و در پاکستان منتشر شد. در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی مرکز بین‌المللی مونیخ آلمان کتاب های «پاپر» و «روزی بود و روزی نبود» ایشان را از در فهرست کتاب های مناسب خود قرار داد. کتاب" قصه ما مثل شد"تالیف وی ، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : محمد میرکیانی تاکنون حدود دویست نمایشنامه کوتاه و بلند برای کودکان نوشته و یا تنظیم کرده است.آثار منتشر شده او بیش از ۶۰ کتاب برای کودکان و نوجوانان است و مجموع قصه‌های چاپ شده‌اش برای همه گروه‌های سنی در قالب های داستان کوتاه بلند و رمان، نزدیک به پانصد عنوان می‌رسد. میرکیانی بیش از بیست و پنج کتاب درباره ادبیات کهن و عامیانه برای گروه سنی کودک و نوجوان تالیف کرده است. آخرین کتاب او در این زمینه کتابی پژوهشی برای نوجوانان با موضوع ادبیات عامیانه است با عنوان «راز مثل‌های ما». بعضی از آثار میرکیانی به تولیدات تصویری و تلویزیونی تبدیل شده‌اند، مثل فیلم (شاید فردا نباشد) برای گروه کودک شبکه دو و مجموعه‌های «قصه ما همین بود» با عنوان «افسانه‌های کهن» برای مرکز فرهنگی صبا و در حال حاضر مجموعه هشتاد قسمتی «قصه ما مثل شد» که این کتاب در قالب پویانمایی برای گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما در حال تولید و پخش است. --

آثار :

۱ افسانهٔ خوشبختی

ویژگی اثر : مجموعهٔ قصه

۲ پنج سنگ

ویژگی اثر : مجموعهٔ قصه

۳ پند و قند (چهار جلد)

۴ پهلوان حیدر

۵ روز تنهایی من

ویژگی اثر : مجموعـهٔ قصه-این کتـاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی برگزیده شد-آشـنایی با کتاب :«روز تنهایی من» این کتاب مجموعهٔ سه قصه به نامهای «روز تنهایی من»، «این کوچه و آن کوچه» و «آن روز پـائیزی» اسـت. قصّـهٔ «روز تنهـایی مـن»، سـرگذشت نوجوانی کـارگر و زحمتکش اسـت کـه در چاپخـانه کـار می‌کنـد و دشـمنانش سـعی دارند با ایجاد موانع بسیار، شخصیت او را لگدکوب و غرور او را خرد کنند؛ اما او با ایمان و تلاش در مقابل آنان می‌ایستد و سـرانجام موفق می‌شود. در قصه «این کوچه و آن کوچه»، بچه‌هـای محله، کسـی را که مـانع عزاداری آنـان بود از میـان برمی‌دارند و «آن روز پائیزی» حکایت پیروزی سربازان مصری در جنگ رمضان ۱۹۷۳ با اسراییل غاصب است.

۶ روزی بود و روزگاری

ویژگی اثر : مجموعه قصه

۷ روزی بود و روزی نبود (سه جلد) قصه ما مثل شد (پنج جلد)

۸ شاید فردا نباشد.

۹ قصهٔ خانه ما

ویژگی اثر : مجموعهٔ قصه

۱۰ قصّه شاه مال منه

ویژگی اثر : مجموعهٔ قصه

۱۱ قصه ما مثل شد (پنج جلد)

ویژگی اثر : تالیف محمد میرکیانی با تصویرگری محمدحسین صـلاتین- مشـهد: شـرکت به نشر، کتاب‌های پروانه‌ها این کتاب در سال ۱۳۸۶ ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است.

۱۲ قصه ما همین بود (پنج جلد)

۱۳ قصه های شب چله (دو جلد)

میراحمدی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور میراحمدی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب منصور میر احمدی فرزند امیر در بیست و پنجم دی ماه ۱۳۴۷ در روستای «چناروئیه» از توابع شهرستان کرمان به دنیا آمدم. دوران تحصـیلی ابتدایی را در روستای مذکور و راهنمایی را در روستاهای مجاور به پایان رساندم. سپس در سال ۱۳۶۳ جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم گردیده تحصیلات حوزوی را آغاز کردم. در کنار گذراندن دروس مذکور به دلیل علاقه وافر به علوم جدیـد و اعتقـاد به ضـرورت کسب این علوم در دوران کنونی، دوران تحصـیلی متوسـطه را به صورت داوطلب آزاد در سـال ۱۳۷۸ پشت سر گذرانـدم. علاقه مذکور، تلاش و کوشـش جهت حضور در دانشـگاه و تحصـیل در یکی از رشـته های علوم انسانی را به دنبـال داشت. در سال ۱۳۷۰ در رشـته «علوم سیاسـی» موسـسه آموزش عالی باقرالعلوم (علیه السـلام) پـذیرفته شـده و دکتری «علوم سیاسـی» خود را در دانشـگاه تهران اخـذ نموده و از آن پس در دو زمینه علوم حوزوی و دانشـگاهی مشـغول به تحصـیل و تحقیق و تدریس هستم.

میرباقری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد ابراهیم میربـاقری فرزنـد مرحوم حـاج سـید حسن میربـاقی (خیاط) شاهرودی برادرزاده حاج سـید علی میرباقری واعظ معروف

تهران از فضلاء و نویسندگان و خطباء و اساتید معاصر دانشگاه است.

تولد ایشان در سال ۱۳۲۶ شمسی در شاهرود واقع شده و در یک خانواده با دیانت و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی را در زادگاه خود خوانده و پس از آن در خدمت والد ماجدش در سال ۱۳۲۷ شمسی به شهرستان قم مهاجرت نموده و دوران دبیرستان را در مدرسه حکیم نظامی (که امروز به نام دبیرستان امام صادق علیه‌السلام است) گذرانیده است.

در سال ۱۳۳۶ شمسی وارد حوزه علمیه و به تحصیل علوم عربی و ادبی و منطق و فقه و اصول پرداخته و دروس یاد شده را از محضر آیاتی چون آقای سلطانی بروجردی و مشکینی و مرحوم آیت‌اللَّه مجاهدی فراگرفته و بعد به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و محقق داماد شرکت و استفاده نموده و علوم عقلی و فلسفی را از محضر آیت‌اللَّه طباطبائی قاضی آموخته و در سال ۱۳۴۷ شمسی به تهران عزیمت نموده و دوره الهیات را در دانشگاه به پایان رسانیده و به دریافت مدرک دکترا در رشته الهیات نائل شده و در حال حاضر به تدریس در آنجا و نیز تبلیغ و ترویج از طریق منبر و خطابه‌خوانی اشتغال دارند.

دارای آثار گرانقدری می‌باشند که از آنها ترجمه کتاب احتجاج طبرسی در دو مجلد به طبع رسیده است.

والد ماجد جناب آقای دکتر میرباقی مرحوم حاج سید حسن که از بیت مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا حسین موسوی شاهرودی ابرسجی بودند از اخیار و ابرار شهرستان قم و اشتغال به خیاطی و دوختن لباس روحانیت داشتند که در سال ۱۴۱۱ قمری در اثر تصادف به رحمت حق پیوسته و به لقاء اجداد خویش شتافتند.

دارای دو برادر روحانی بزرگوارند.

۱- جناب آقای حاج سید محمد میرباقری که در شاهرود از طریق وعظ و خطابه به خدمات دینی اشتغال دارند.

۲- جناب آقای حاج سید علی میرباقری امام مسجد قنات‌آباد تهران که از خطباء و وعاظ محترم تهران به شمار می‌روند بیانی آموزنده و منبری سازنده دارند و ایشان تحصیلات خود را در شاهرود و بعد قم به پایان رسانیده و در تهران رحل اقامت افکنده و به خدمات روحی و دینی خود از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج اسلام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میرباقری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد میرباقری از فضلاء و وعاظ و خدمتگذاران محترم شاهرود می‌باشند.

وی در شاهرود به دنیا آمده و پس از فراگرفتن مقدمات چندی در مشهد و چندی هم در قم به تحصیل پرداخته و اکنون چند سالیست که در شاهرود به خدمات دینی اشتغال دارد برادر ارجمند ایشان جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام و مبلغ‌الاحکام آقای حاج سید علی میر باقری که در شاهرود و قم تحصیلات خود را تکمیل و مهاجرت به تهران نموده و در مسجد قنات‌آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

میرجلیلی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد میر جلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمد میرجلیلی فرزند حاج میرزا یدالله در تاریخ ۱۰/۳/۱۳۴۴ ه.ش در شهر یزد ـ شاهدیه متولد گشتم. پدرم از مؤمنین و عاشقان خاندان رسالت بود و همواره در مجالسی که به نام اهل بیت تشکیل می شد؛ شرکت می کرد. او در سنین نوجوانی به بیماری سختی مبتلا شده بود. و با توسل به اهل بیت (ع) شفا یافته بود. از این رو با شنیدن نام آن بزرگواران اشکش جاری می شد. و چون دو فرزند پسرش را از دست داده بود. نذر کرد چنانچه خداوند به او پسری دیگری عنایت کند او را به حوزه علمیّه، برای فراگیری علوم اسلامی بفرستد. او به نذر خود عمل و مرا رهسپار حوزه کرد. پدرم از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی خود را از درآمد ناچیز کارگری تامین می کرد و بسیار قانع و زاهد بود.

مادرم مرحومه حاجیه بی بی مرضیه حاج امام از سادات و خاندان حاج امامی ابرند آباد بود که به تقوی معروف بودند. جد سوم ایشان مرحوم امیر اکبر از سادات دارای کرامت بود. همچنین پدر بزرگ ایشان مرحوم حاج سیّد محمّد باقر حاج امام از روحانیون دارای فضل و تقوی در یزد بود که به سال ۱۳۳۶ ه.ش از دنیا رحلت کرده است و آرامگاه این بزرگواران در یزد «شاهدیه» ابرند

آباد زیارتگاه می باشد که بسیاری از مردم منطقه با توسل به ارواح پاکشان از خداوند طلب حاجت می کنند.

پدرم مرا در کودکی با خود به مجالس وعظ و خطابه می برد و دوست داشت من را ذاکر حضرت سیّد الشهداء (ع) تربیت نماید. در شش سالگی به دبستان عنصری در شاهدیه رفتم. در سال چهارم دبستان بر اثر تشویق استاد بزرگوارم جناب آقای سید علی بمان میرجلیلی تمام سعی خود را در راه تحصیل به کار گرفتم و از آن به بعد همواره از دانش آموزان ممتاز استان یزد شمرده شدم. در مقطع اول راهنمایی به عنوان ممتازترین دانش آموز استان یزد انتخاب شدم و مورد تشویق قرار گرفتم.

پس از گذراندن اول دبیرستان با توجه به علاقه شخصی خود و تشویق های مرحوم پدرم و حضرت آیت الله حاج سیّد جواد مدرسی و استاد دکتر عباس برهانی در مهرماه ۱۳۵۹ ه.ش وارد حوزه علميّه یزد شدم و از محضر اساتید بزرگواری چون حجج اسلام آقایان: شیخ کمالی زارچی، شیخ محمّد رضا فلاح تفتی و شیخ علی مفیدی فر به فراگیری ادبیّات عرب پرداختم و با شرکت در کلاس منطق آیت الله علاقه بند یزدی، خوشه چین کمالات علمی وی گشتم. از خاطرات جالب آن دوره حفظ اشعار الفیهٔ بن مالك در حوزه یزد بود که از طرف حضرت آیت الله حاج محمود علومی مسئول حوزه خان یزد، مورد تشویق قرار گرفتم و مفتخر به اخذ دوره تفسیر منهج الصادقین از محضر مبارك ایشان شدم.

در سال ۱۳۶۱ ه.ش جهت استفاده از محضر اساتید حوزه علمیه قم به این شهر رفتم. شرط ورود به حوزه علميّه قم، اتمام لمعتین بود ولی من آن را نخوانده بودم. طی نامه ای به محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی از ایشان درخواست کردم مرا در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) که تازه شروع به کار می کرد؛ بپذیرد. در آن نامه خود را حافظ الفیهٔ بن مالك معرفی کردم. ایشان حقیر را به حضور طلبید و پس از امتحان و سئوال از سوابق خانوادگی و تحصیلیم، با ورود اینجانب به حوزه قم موافقت کرد. برای تکمیل ادبیات عرب به درس استاد بزرگ ادب مرحوم مدرس افغانی که در نحو و سایر علوم ادبی تسلط داشت؛ رفتم. او دارای بیانی شیوا بود و سخت ترین مباحث علمی را با مثال هایی ساده تفهیم می کرد و دارای تالیفاتی از قبیل المدرس الافضل (شرح مطول تفتازانی) و مکررات (شرح کتاب سیوطی در نحو) بود. نزد ایشان مغنی اللبیب از ابن هشام و مطول تفتازانی را فرا گرفتم.

همچنین کشف المراد علامه حلی را نزد آیت الله مکارم شیرازی، بخشی از تفسیر مجمع البیان را نزد آقای امامی از نویسندگان تفسیر نمونه؛ فرا گرفتم. آنگاه برای فراگیری فقه نزد استاد آیت الله وجدانی فخر (ره) شتافتم. ایشان دارای زبانی گویا، تسلط کامل بر مباحث فقهی و اخلاصی کم نظیر بود. فراموش نمی کنم که همواره قبل از نشستن بر کرسی تدریس، دعا می کرد. هم زمان اصول مظفر را نزد استاد صالحی افغانی فرا گرفتم. در این دوره بود که به جهت الطاف الهی و تلاش فراوان، رتبه اول حوزه قم را در پایه ششم بدست آوردم و به دریافت یك دوره کامل بحارالانوار از مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) مفتخر گشتم.

آنگاه برای فراگیری بهتر اصول به نزد استاد بزرگ حوزه قم، حضرت آیت الله مصطفی اعتمادی شتافتم. زبان گویا و تسلط والای او در تبیین مباحث اصول، از او استاد زبردستی ساخته بود که حدود هزار نفر در کلاس درسش حاضر می شدند. رسائل شیخ انصاری را از ایشان فرا گرفتم. مکاسب را نزد استاد بزرگ مرحوم حاج شیخ احمد پایانی آموختم و باز برای آموزش بیشتر اصول، در درس کفایهٔ استاد اعتمادی حاضر شدم.

همزمان با فراگیری مکاسب و کفایه به حفظ قرآن همت گماردم و نزدیك به نصف قرآن را حفظ کردم. از الطاف الهی بر اینجانب در این دوره توفیق حضور در کلاس تفسیر مفسر بزرگ، عارف ربانی و فقیه صمدانی حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی (روحی فداه) بود، استادی بی نظیر در قدرت کلام، جامع علوم مختلف و از همه مهمتر دارای منش اخلاقی بسیار والا. درطی حدود ده سال که از حضور پرفیض تفسیر ثلث اول قرآن را فرا گرفتم؛ هرگز ندیدم به شاگردی توهین نماید. سوال های طلاب را با حوصله پاسخ می داد و همواره برای پاسخ دهی به اشکال های حاضرالذهن بود. اکنون پس از بازگشت به وطن از اینکه نمی توانم از محضر پرفیضش استفاده کنم؛ همواره تاسف می خورم.

از سال ۱۳۷۱ ه.ش همزمان با شرکت در کلاس تفسیر استاد جوادی، به فراگیری خارج فقه و اصول پرداختم و از محضر بزرگانی چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، آمیرزا جواد تبریزی بهره بردم. در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس در رشته الهیات و معارف اسلامی (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل شدم و در سال بعد در آزمون دکتری علوم قرآن و حدیث شرکت کردم که سرانجام در سال ۱۳۸۱ه.ش از دانشگاه فارغ التحصیل شدم. حضرت آیت الله هادی معرفت، آیت الله مسلم داوری، استاد محمّد علی مهدوی راد و دکتر غلامعلی حداد عادل و دکتر سیّد محمّد رضا حجتی از اساتید برجسته دوره دانشگاهیم می باشند.

میرجهانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ذی‌القعده ۱۳۱۹، روستای محمدآباد اصفهان.

درگذشت: ۲۵ آذر ۱۳۷۱(۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۳)، اصفهان.

آیت‌الله سید محمدحسن میرجهانی طباطبایی اصفهانی پنج ساله بود که به مکتب رفت و تا هفت سالگی، قرآن، خواندن و نوشتن و برخی از کتابهای فارسی را فراگرفت و پس از آن به آموختن ادبیات عرب پرداخت و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر نزد معلم حبیب‌آبادی (صاحب مکارم الاثار) و اساتید دیگر چون آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی و آیت‌الله حاج

شیخ محمدعلی فتحی دزفولی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و با اتمام سطوح عالی به محضر حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد مسجدشاهی (صاحب نقد فلسفه داروین) و آخوند ملا محمدحسین شتاف و مبانی فقهی و اصولی را فراگرفت.

آیت‌الله میرجهانی طباطبایی در سال ۱۳۴۶ به نجف اشرف رفت. در آنجا به استفاده از محضر حضرات آیات عظام، آقا ضیاء عراقی سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالله مامقانی پرداخت و در سلک خاص اصحاب آیت‌الله اصفهانی درآمد. پس از سالی چند، برای ترویج دین به ایران بازگشت، به اصفهان و پس از فوت پدرش به مشهد رفت و چندی پس از آن به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و تصنیف و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

برخی از آثارش عبارتند از: مصباح البلاغه (مستدرک نهج‌البلاغه؛ در دو جلد)؛ کنوز الحکم و فنون الکلم (خطبه‌ها وسخنان امام مجتبی (ع))؛ روایح النسمات (شرح دعای سمات)؛ نوائب الدهور (در علایم ظهور درچهار جلد)؛ ولایت کلیه (در دو جلد)؛ الوامع التور فی علایم الظهور(به عربی)؛ دیوان اشعار؛ گنجینه سرور؛ گنج رایگان (در علوم غریبه)؛ سعادت ابدی؛ الدر المکنون (در تاریخ ائمه اطهار به عربی)؛ احکام رضاع؛ رساله در نجوم و فلکیات؛ شهاب ثاقب؛ الجنهٔ العاصمهٔ (زندگانی حضرت فاطمه س)؛ مقامات الکبریه (زندگانی حضرت علی‌اکبر)؛ مقلاد الجنان (ادعیه و زیارات)؛ ذخیرهٔ المعاد (ادعیه و آداب ساعات)؛ انساب سادات؛ تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن؛ البکاء علی الحسین؛ سبیکهٔ الذهب.

آیت‌الله محمدحسن میرجهانی طباطبایی پس از نود و چهار سال زندگی سرانجام در روز چهارشنبه بیست و پنجم آذر ۱۳۷۱ (بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۴۱۳ ق.) بدرود حیات گفت و در مسجد جامع اصفهان، در جوار مقبره‌ی علامه‌ی مجلسی، به خاک خفت.

(۱۴۱۳ –۱۳۱۹ ق)، عالم دینی، مجتهد، محدث، خطیب و شاعر. در قریه‌ی محمدآباد جرقویه اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و قسمتی از «سیوطی» به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر ساکن گردید. سطوح اولیه را در محضر شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی و شیخ علی یزدی و سطوح وسطی و عالیه را در محضر سید محمد رضا رضوی خراسانی و میرزا احمد اصفهانی و شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و سید ابوالقاسم دهکردی فراگرفت. وی در درس خارج از شاگردان میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی بود و از درس ملا-حسین فشارکی نیز استفاده نمود. در ۱۳۴۶ ق به نجف رفت و از محضر شیخ عبداللّه مامقانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدحسین نایینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجات علمی بالا به اصرار پدرش به اصفهان بازگشت و به امور دینی پرداخت. پس از درگذشت پدرش به مشهد مهاجرت نمود و بعدها در تهران ساکن گردید و به تبلیغ و خطابه و تألیف کتب عربی و فارسی مشغول شد. وی در علوم غریبه اطلاعی عمیق داشت. طبع روانش او را قادر ساخته بود تا به عربی و فارسی در مدح معصومین (ع) به نیکویی شعر بسراید. او در ۱۴۰۲ ق به دلیل مسائل سیاسی به اصفهان رفت. در آنجا درگذشت و در جوار مقبره‌ی علامه مجلسی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مقلاد الجنان»، در ادعیه و زیارات؛ «ذخیرهٔ المعاد»؛ «روائح النسمات»، در شرح دعای «سمات»؛ «مصباح البلاغهٔ»، در مستدرک «نهج‌البلاغهٔ»، در چهار جزء در دو مجلد؛ «نوائب الدهور»، در علائم ظهور؛ « الدر المکنون» یا «الدرر المکنونهٔ»، در امامت؛ «ولایت کلیه»؛ جزواتی در تفسیر قرآن؛ مختصر «ابصار المستبصرین»، در کلام؛ «الجنهٔ العاصمهٔ»، در تاریخ حضرت فاطمه زهرا (س)؛ «گنج رایگان»؛ «کنوز الحکم و فنون الکلم»، در خطب و کلمات امام حسن مجتبی (ع)؛ «دیوان» شعر.[۱]

سید الخطباء والمحدثین حجه‌الاسلام والمسلمین علامه الورع حاج میرزا محمدحسن میرجهانی طباطبائی ابن السید الجلیل و العالم النبیل میر سید علی محمدآبادی جرقویه‌ای اصفهانی از علماء و خطباء معاصر تهرانست. تولدش در روز دوشنبه ۲۲ ماه ذی‌القعده الحرام سال ۱۳۱۹ قمری در قریه محمدآباد جرقویه سفلی از توابع اصفهان واقع شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و در سن پنج‌سالگی به مکتب رفته و در هفت سالگی تمام قرآن و بعضی از کتب فارسی را تعلیم گرفته و به مقدمات عربی از صرف و نحو نزدیکی از اهل فضل ساکن محمدآباد مشغول شده و پس از تکمیل صرف و نحو تا قسمتی از سیوطی برای ادامه تحصیل به اصفهان آمده و در مدرسه صدر ساکن و بقیه سیوطی را نزدیکی از فضلاء مدرسه مزبور خوانده و بقیه سطوح اولیه را نزد عالم جلیل آقا شیخ محمدعلی حبیب‌آبادی و آقا شیخ علی یزدی فراگرفته و سطوح وسطی و عالیه را در خدمت مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید محمد رضای رضوی خونساری و مرحوم میرزا احمد اصفهانی و مرحوم آیت‌الله شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و آیت‌الله زاهد ورع حاج سید ابوالقاسم دهکردی به پایان رسانیده و در درس خارج (نجاه العباد) آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی حاضر شده و هم از محضر درس آیت‌الله الفقیه آخوند ملا حسین فشارکی در مدرسه صدر استفاده نموده تا سال ۱۳۴۶ قمری که به اجازه مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله رجالی حاج شیخ عبدالله مامقانی صاحب رجال و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شده و از خواص اصحاب فقیه اهل‌البیت فی عصره و المرجع الاعلی آیت‌الله العظمی آقای آقاسید ابوالحسن اصفهانی گردیده و در مسجد شیخ طوسی از محضر آن بزرگوار استفاده کامل نموده و بعد به اصرار مرحوم والدش به اصفهان مراجعت و به نشر معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پرداخته و پس از فوت مرحوم والدش مدت هفت سال مجاورت ارض اقدس رضوی را اختیار و پس از آن به واسطه نامساعد بودن هوای مشهد با مزاج ایشان منتقل به تهران گردیده و تاکنون در مرکز و حومه آن به انجام وظائف دینی و روحی و بالاخص تبلیغ از طریق منبر و تالیف کتب اشتغال دارد.

نگارنده گوید: علامه میرجهانی از نوادر دانشمندانی است که با او برخورد کرده‌ام عالمی ادیب و فاضلی اریب و محدثی حسیب می‌باشد دارای ملکات فاضله و محاسن اخلاق و محامد آداب مجامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول و صاحب علوم و فنون مخصوص در علوم غریبه و عجیبه (جفر و رمل و اسطرلاب و ریاضیات) ید طولا و اطلاعی عمیق دارد و در فن منبر و بیان احادیث و فضائل و ولایت حضرات ائمه علیهم‌السلام بصارت کامل و از اساتید منبر محسوب می‌گردد طبعی روان و ذوقی فراوان دارد در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و بالاخص حضرت بقیه‌الله فرجه‌الشریف اشعار بسیاری به عربی و فارسی سروده‌اند.

آثار علمی مطبوع ایشان از این قرار است:

۱- مقلاد الجنان که مشتمل است بر برخی از ادعیه و زیارات معتبره که در اصفهان به طبع رسیده است.

۲- ذخیره المعاد راجع به ادعیه و آداب ساعات که در تهران چاپ شده است.

۳- رساله سعادت ابدی در آداب تشکیل مجالس مذهبی نیز در اصفهان طبع شده است.

۴- روایح النسمات در شرح دعاء سمات در مشهد تالیف و طبع شده است.

۵- مستدرک نهج‌البلاغه موسوم به مصباح‌البلاغه چهار جزو در دو جلد در تهران به طبع رسیده.

۶- نوائب الدهور در علائم ظهور چهار جلد که یک جلد آن به طبع رسیده است.

۷- الدر المکنون دو هزار بیت عربی در امامت و صفات جامعه امام و تواریخ ائمه علیهم‌السلام که به طبع رسیده است.

۸- ولایت کلیه در دو جلد که جزو اول آن طبع شده است.

۹- رساله‌ای در احکام رضاع استدلالی فارسی بالغ بر یکهزار و کسری فرع.

۱۰- رساله‌ای در اخبار راجعه به نجوم و کواکب و فلکیات.

۱۱- گنج رایگان کشکول مانند مشتمل بر بعضی از علوم غریبه و اخبار و آثار ولایتی.

۱۲- جنه‌الفاطمه در تاریخ حالات حضرت فاطمه سلام‌الله علیها.

۱۳- کتاب مقامات اکبریه مربوط به تاریخ حضرت علی‌اکبر شهید علیه‌السلام.

۱۴- جزواتی در تفسیر قرآن.

۱۵- جزواتی در انساب سادات عالی درجات.

۱۶- جزواتی در اشعار فارسی از قصیده و غزل و مثنویات و مقطعات و رباعیات.

۱۷- مختصر ابصار المستبصرین در بیان محاجه شیعه و سنی در مشهد مقدس تالیف در تهران به طبع رسیده است.

۱۸- شهاب ثاقب در رد طایفه ضاله مضله و طریقه محاجه با آنها.

۱۹- لوامع النور در علائم الظهور عربی.

۲۰- گنجینه سرور نیز به عربی و فارسی ملفق.

۲۱- کنوز الحکم و فنون الکلم در خطب و کلمات حضرت مجتبی علیه‌السلام نظیر نهج‌البلاغه.

ناگفته نماند که علامه میرجهانی تا زمان حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی قدس الله سره بزی غیر سادات بودند (عمامه سفید داشتند) با اینکه از سادات رفیع‌الدرجات طباطبائی و نسبش با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌الله مرعشی نجفی مدظله نسابه عصر حکم فرمودند که معظم‌له بزی سادات و شرفاء درآیند و خود آیت‌الله بروجردی عمامه سفید را از سر ایشان برداشته و عمامه سیاه که امروز مظهر سیادت است در میان شیعه بر سر ایشان گذارده و جشن مفصلی در مدرسه فیضیه قم گرفتند.

آقای میرجهانی رساله‌ای در نسب خویش که تمام مراجع نجف و اران تائید کردند نوشته و شرح کیفیت و علت اخفاء نسب سلسله میرجهانی را تا آن روز داده و به طبع رسانیدند.

خاطرات عجیب معظم‌له

علامه میرجهانی قضایا و نوادر غریب و خاطرات عجیب آموزنده و ارزنده دارند و ما دو قضیه آن را می‌نگاریم:

اول می‌فرمودند در عصر ریاست مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی (ره) که بسیار مورد وثوق و توجه آن مرحوم بودم به امر ایشان پول زیادی به سامراء برده و بین طلاب سامراء و خدام عسکریین تقسیم کردم و خدام امامین همامین عسکریین که دینشان پول است مرا زیاد احترام می‌نمودند مخصوص کلیددار که از وی خواستم اجازه دهد من شبها در حرم شریف بیتوته کنم پس موافقت نموده ده شب تا به صبح در کنار قبر آن دو امام معصوم علیهماالسلام احیاء نموده و تضرع کردم روز دهم که جمعه بود اول فجر که درب حرم را گشودند با شوقی وافر به سرداب مقدس مشرف شدم وقتی از پله‌ها پائین رفتم با اینکه آن موقع هنوز برق نیامده بود دیدم فضاء سرداب روشن مانند مهتابست و سیدی نشسته و مشغول به ذکر و عبادتست .

از مقابل او گذشته و درب صفه ایستاده و زیارت حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف را خوانده و آمدم در جلوی آن آقا مشغول نماز شدم و بعد از نماز شروع کردم به خواندن دعاء ندبه و رسیدم به این جمله (و عرجت بروحه الی سمائک) آن آقا فرمودند این جمله از ما نرسیده (و عرجت به الی سمائک) و چرا رعایت وظیفه را نمی‌کنید و جلوتر از امام نماز می‌خوانید.

من غفلت از این دو آیت بزرگ نموده و دعاء را تمام و به سجده رفتم و در سجده متوجه شدم که آن آقا کیست که فرمود این جمله از ما نرسیده و چرا جلوی امام ایستادی بسیار مرعوب شده و سر از سجده برداشتم که دامن مطلوب را بگیرم دیدم سرداب تاریک و کسی نیست فهمیدم به چه دولتی رسیدم و به رایگان از دست دادم.

مولف گوید: آری.

باید که دمی غافل از آن شاه نباشی

شاید که نظر افکند آگاه نباشی

خاطره دوم

معظم‌له مبتلا به کسالت نقرس و سیاتیک که آن را (عرق النساء) هم گویند شده و چندین سال در اصفهان و تهران و خراسان معالجه قدیمی و جدید نموده و ابدا افاقه‌ای حاصل نشد تا اینکه فرمود بعضی از دوستان آمدند مرا به شیروان برده و در مراجعت در قوچان توقف و روزی به زیارت امامزاده‌ای که در خارج شهر قوچان فعلی و معروف به امامزاده ابراهیم است رفته و چون هوای لطیف و منظره جالبی داشت رفقا گفتند نهار را در اینجا بمانیم جای خوبیست گفتم عیبی ندارد پس آنها مشغول تهیه غذا شدند و من گفتم برای تطهیر به رودخانه می‌روم گفتند راه قدری دور است و برای درد پای شما مشکل گفتم آهسته آهسته می‌روم و رفتم تا برود خانه رسیده و تجدید وضو نمودم و در کنار رودخانه نشسته و نگاه به مناظر طبیعی می‌کردم که دیدم شخصی که لباس

نمدی چوپانی در برداشت آمد و سلام کرد و گفت آقای میرجهانی شما با اینکه اهل دعا و دوا هستی هنوز پای خود را معالجه نکرده‌اید گفتم تاکنون که نشده گفت آیا دوست داری (یا مایل هستی) من درد پایت را علاج کنم گفتم البته پس آمد کنار من نشست و از جیب خود چاقوی کوچکی درآورد و اسم مادر مرا پرسید (یا برد) و سر چاقو را بر اول درد گذارد و به پائین کشید تا به پشت پا آورد و فشاری داد که بسیار متالم شده آخ گفتم پس چاقو را برداشت و گفت برخیز خوب شدی خواستم مانند همیشه با کمک عصا برخیزم عصا را از دست من گرفت و به آن طرف رودخانه انداخت. پس دیدم پایم سالم است برخاستم ایستادم و دیگر ابدا پایم درد نداشت.

پس به او گفتم شما کجا هستید. گفت من در همین قلعه‌ها هستم و دست خود را به اطراف گردانید.

گفتم پس من کجا خدمت شما برسم. فرمود تو آدرس مرا نخواهی دانست ولی من منزل شما را می‌دانم کجاست و آدرس مرا گفت: و فرمود هر وقت مقتضی باشد خودم نزد تو خواهم آمد و رفت و در همین موقع رفقا رسیدند و گفتند آقا عصا کو من گفتم آقای نمدی را دریابید پس هر چه تفحص کردند اثری از او نیافتند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۱۹/ ۲۲ ،۱۰۴/ ۲۱ ،۲۵۵/ ۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۷ -۴۱۰/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۵۵/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۹ -۶۰۸/ ۲).

میرحسینی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد میر حسینی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه یزد گردیدم. سه سال را در یزد و مابقی را در قم بودم. در این مدت به عنوان طلبه ای محضر بزرگانی را درک کردم که حتی حضور در محضر آنان بالاترین خیر و برکت را القاء می کرد.

میرخانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۰(۱۳۳۵ ق.)، تهران.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۲(۹ جمادی‌الاولی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و از محضر آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مکاسب و کفایه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامه‌ی جماعت در مسجد ولی‌عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمه برخی از مجلات بحارالانوار از جمله آنهاست)، ساخت مساجد و حوزه‌ی علمیه، اقامه‌ی مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: آیات الاحکام (در دو جلد)؛ سیر حدیث در اسلام؛ شرح زیارت عاشورا (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ تاریخ اجتهاد و تقلید (تهران، ۱۳۷۲)؛ قرآن کریم با ترجمه فارسی (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی، تهران، ۱۳۷۴)؛ کلیات مفاتیح الجنان (به خط احمد میرخانی)؛ سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض (مترجم مهدی الهی قمشه‌ای با خط احمد میرخانی).

حاج میر سید احمد میرخانی از علماء مبرز و مروج معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۵ قمری در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به قم مهاجرت نموده و سطح کفایه و مکاسب را از محضر آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن از درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خونساری و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس اللَّه اسرارهم بهره‌مند گردیده آنگاه

مراجعت به تهران و بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی در مسجد (حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه) واقع در خیابان (حشمت‌الدوله) پرداخته است.

نگارنده گوید: آقای میرخانی از علماء خدوم و مروجین متین و مورد توجه مردم تهرانست. خدمات بسیاری در تهران و حومه آن نموده که از آنها اعزام مبلغ بقراء و دهات اطراف تهران میباشد.

چند سالی در شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء و دعاء کمیل و غیره داشتند و صدها نفر را بدین وسیله بسوی خدا و استغفار رهبری می‌نمودند. و اکنون در عصرهای جمعه در مسجد خود مجلس باشکوهی دارند و جمع کثیری از جوانان و غیره را بوسیله دعاء ندبه و سمات و غیره بخداوند متعال جلت عظمته و ولی اللّه اعظم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء هدایت و ارشاد می‌نمایند.

از آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان تعمیر و بناء مساجد و غیره در حومه تهران می‌باشد که بوسیله گویندگان و فضلاء و مبلغینی که به آنجاها فرستاده انجام داده است.

(ح ۱۴۱۴ -۱۳۳۵ ق)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به قم رفت و سطوح «کفایه» و «مکاسب» را از محضر آیت‌اللّه مرعشی فراگرفت. سپس در درس خارج آیت‌اللّه حجت کوه کمری و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از ورود آیت‌اللّه بروجردی به قم، وی از درس و بحثهای فقهی و اصولی ایشان بهره برد. پس از درگذشت استادش، آیت‌اللّه بروجردی، به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و نشر کتب دینی، ترویج احکام، اقامه مجالس وعظ و ارشاد و سایر امور دینی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثارش: «آیات الاحکام»، در دو مجلد؛ «سیر حدیث در اسلام».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کلک (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۷۶ -۵۷۵/ ۴).

میرخانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۱ ش)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بنده. ملقب به سراج الکتاب. در تهران به دنیا آمد. اصول خوشنویسی را نزد پدر خود آموخت و همه‌ی اقلام تداول، از قبیل نسخ و ثلث و تعلیق و شکسته و به ویژه نستعلیق، را از خفی و جلی نیکو می‌نوشت. استاد میرخانی از علوم ادبی بهره‌مند بود، شعر می‌سرود و مجموعه اشعارش موسوم به «دیوان بنده» منتشر شده است. او در تهران درگذشت. از آثار خطی وی: «کلیات» سعدی؛ «مثنوی» مولوی؛ «خمسه‌ی» نظامی؛ «دیوان» حافظ؛ «دیوان» بنده؛ گزیده‌ی «دیوان» شمس تبریزی؛ «ترانه»های بابا طاهر؛ «ترجیع‌بند» هاتف اصفهانی؛ «ترجمه‌ی نفس المهموم»؛ «داستان ملک جمشید»؛ «مجموعه هنر خط»؛ «نگارستان خط».[۱]

خوشنویس، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۲۹۱، تهران.

درگذشت: ۵ آذر ۱۳۶۹، تهران.

سید حسن میرخانی ملقب به «سراج‌الکتاب»، فرزند سید مرتضی حسینی برغانی از خوشنویسان و از شاگردان میرزا رضا کلهر، در محضر پدر به فراگیری خط نستعلیق پرداخت. بیش از چهل کتاب و رساله که می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: کلیات سعدی، مثنوی مولوی، خمسه نظامی، دیوان حافظ، دیوان بنده و گزیده دیوان شمس تبریزی، ترانه‌های طاهر عریان، ترجیع‌بند هاتف اصفهانی، دوازده امام خواجه نصیر طوسی، خلاصه شرح حال مولانا، ترجمه‌ی نفس المهموم، زبدةالاسرار، دیوان وحدت کرمانشاهی، دیوان موافق میرزا علی اکبر ملقب به موافق علیشاه نعمةاللهی چاپ سنگی، پندنامه سعدی، گزیده سعدی، گزیده شمس تبریزی مثنوی چاه وصال، قصیده انصافیه صدر الافاضل، گلچین معرفت، داستان ملک جمشید، منتخب‌اللغه، مجموعه هنر خط، نگارستان خط.

سید حسن میرخانی روز ۵ آذر ۱۳۶۹ پس از یک بیماری طولانی و به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اطلس خط (۵۹۶)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۴۱ -۲۳۸)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۷۵ -۱۷۴)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۴، ص ۵۴).

میرخلیلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد میر خلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در مدارس تهران و دوره متوسطه را در مدرسه دهخدای شهرستان دهخدا گذرانده ام. در سالهای اولیه انقلاب دیپلم خود را گرفته و رهسپار حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه «حضرت آیت الله گلپایگانی» مشغول دروس حوزه علمیه شده ام. صرف و نحو، معانی و بیان را نزد استادانی مانند: «صالحی اصفهانی»، «عالمی»، «طالقانی» و «شب زنده دار» خوانده ام. دروس سطح حوزه را نزد استادانی نظیر حضرات آیات: «صلواتی»، «خرازی»، «حیاتی»، «استادی»، «ستوده» و «نکونام» فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۶ در درس خارج حوزه شرکت نمودم و درس اساتید بزرگوار: «آیت الله علوی گرگانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «وحید خراسانی» شرکت کردم. در ضمن زبان های عربی و انگلیسی را به صورت تخصصی در مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی آموختم. در سال ۱۳۶۹ در دوره دوم تخصصی کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به عنوان نفر اول برگزیده شدم و در سال ۱۳۷۲ با پایان نامه «مثل در قرآن کریم» فارغ التحصیل شدم. در سال ۷۳ در دوره دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در همین سال به عنوان عضو هیئت علمی ـ پژوهشی کنگره نقش زمان و مکان حضرت امام (ره)، ۳ جلد متون فقه پژوهشی با کمک سایر همکاران فراهم آوردیم. همچنین در این سال در مرکز تحقیقات اسلامی وابسته به دفتر در بخش اصطلاح نامه به فعالیت پژوهشی مشغول شدم که تاکنون اصطلاح نامه های علوم قرآن، اصول فقه، دانش نامه اصول فقه، منطق و کلام اسلامی منتشر شده که در هر یک به نحوی همکاری داشته ام. در سال ۱۳۷۸ در مرکز اندیشه اسلامی در گروه فقه به عنوان عضو هیئت علمی شرکت کردم و در نشست های علمی و ارزیابی های اندیشه سازان شرکت داشته ام و در ضمن مقالات: «فقه و حقوق خانواده»، «فقه و ملاکات احکام» و «اندیشه های فقهی امام خمینی (ره)» محصول این دوره است.

در ضمن کتاب: «فقه و قیاس» در این دوره تنظیم و تالیف شده است. درسال ۱۳۷۹ دوره دکتری را با دفاع از رساله: «جایگاه قیاس و استحسان در منابع استنباط» به پایان رساندم و در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس فقه و اصول پرداختم و به مدت سه سال مدیریت گروه فقه و اصول را به عهده داشته ام. در سال ۸۰ در دانشگاه تهران در دانشکده های مختلف به تدریس متون اسلامی و در سال ۱۳۸۱ در یزد به عنوان عضو هیئت علمی به تدریس دروس فقه وحقوق مشغول شده ام.

در ضمن در مدرسه امام خمینی (ره) درس های فقه و اصول و فقه و اصول مقارن، با فقه و اصول سمیناری در درایه و رجال، نقد حدیث و منابع حدیثی مشغول تدریس بوده ام. تاکنون راهنمایی و مشاوره تعدادی از رساله های فوق لیسانس و دکتری در مراکز مختلف علمی بر عهده داشته ام نظیر مدرسه امام خمینی (ره)، حوزه علمیه خواهران، دانشگاه آزاد اسلامی. همچنین برای پیشبرد اهداف اطلاع رسانی در دانشگاه یزد و مرکز تحقیقات در میز گردهای علمی، نقد کتاب و کارگاه های پژوهشی کاربردی شرکت کرده ام.

میرخندان، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید میر خندان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده تحصیلات ابتدایی را در شهر تهران در دبستان عاصمی (مقابل دانشگاه صنعتی شریف) گذراندم. دوره راهنمایی را در مدرسه «مازیار» در همان محله خواندم و دوره دبیرستان را در دبیرستان خوارزمی شماره ۱ (مقابل دانشگاه تهران) تحصیل نمودم. در سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم در همان سال به حوزه قم آمدم.

مقدمات را تا پایه سوم در مدرسه رضویه خواندم. اساتید بنده در ادبیات آقایان: گرگانی و طالقانی بودند و در معالم آقای خسرو شاهی. اصول فقه را خدمت آقای صالحی افغانی و لمعه را نزد آقایان علی پناه اشتهاردی، جدانی فخر و ... خواندم. رسائل را خدمت آقای اعتمادی و مکاسب را خدمت آقایان: قدیری، طاهری خرم آبادی و ستوده تحصیل کردم و کفایه را خدمت آقای ستوده خواندم.

درس خارج اصول را نزد آقایان: «مکارم شیرازی (۲ سال)»، «وحید خراسانی (۴ سال)»، «شبیری زنجانی (۱ سال)» تحصل نمودم. و پس از آن در جلسه ای محدود با تعدادی محدود از دوستان به مباحثه خارج فقه تحت نظر دوست فاضل و ارجمند آقای امیر غنوی ادامه می دهم. در کنار درس های رسمی حوزه به مدت حدودا چهار سال علوم قرآنی و سپس تفسیر (در جلسه ای خصوصی و با تعدادی محدود از دوستان) مطالعه و تامل داشته ام. همچنین به مدت سه سال در گروهی از دوستان به مباحث روانشناسی و تعلیم و تربیت اسلامی پرداختم. نیز به تحصیل فلسفه (بدایه، نهایه و جلد اول اسفار) پرداختم و در کنار آن کتاب های فلسفی از فلاسفه مسلمان و غرب را مطالعه نمودم.

حقیر دوره زبان انگلیسی را در تهران در موسسه ملی زبان تا اتمام دوره: (۱۲ ترم) گذراندم و در قم نیز در مرکز آموزش زبان های خارجی باقرالعلوم (ع)، دوره زبان انگلیسی را تا یک ترم به پایان مانده شرکت کردم. حدودا چهار سال (۲ سال در جلسه حزب الله و ۲ سال در پژوهشکده باقرالعلوم (ع) سازمان تبلیغات قم) در زمینه تراجم و شرح حال علماء و اصحاب تحقیق و تالیف داشته ام. به مدت شش سال در زمینه فیلم و سینما (۲ سال درحوزه هنری تهران و ۴ سال در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما) مطالعات نظری دارم. نتیجه فعالیت های پژوهشی حقیر درباره تراجم و هنر فیلم کتاب ها و مقالاتی است که در آثار از آنها یاد شده است. اکنون با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، همکاری پژوهشی ام ادامه دارد. ضمن آن که مباحث خارج فقه و تفسیر کماکان برقرار است.

میردامادی سدهی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد حسن. عالم زاهد جلیل، از شاگردان: آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند کاشی و آخوند گزی بوده، سال‌ها در مولد خود به نشر احکام دین و وعظ و ارشاد مسلمین و امامت جماعت گذرانیده، در سال ۱۳۵۲ وفات یافته، در آنجا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میردامادی سدهی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اعقاب میر محمّد اشرف. از مبرّزین شاگردان حاج شیخ محمّد علی نجفی و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای بوده، پس از تکمیل تحصیلات در مدرسه نیم آورد ساکن شده، و به درس و افاده علوم اشتغال جسته، ایّام تعطیل به سده می‌رفته و مسجد و محرابش رونقی داشته است.

در سال ۱۳۳۲ وفات یافته، در مقبره شاهزاده ابراهیم در قریه ورنوسفادران (بن اصفهان) مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا میرزا عبدالحسین در تمام مراتب وارث پدر بوده، و از شاگردان: آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و ملاّ عبدالکریم گزی بوده، و در مسجد پدر امامت می‌نمود. در ۱۳۶۴ وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی میر دامادی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۲/۱۳

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۴/۲/۱۳۴۷ در مشهد مقدّس در خانواده مذهبی و روحانی می باشم. پدرم و جدم (سیّد حسن، سیّد هاشم) میردامادی معروف به «نجف آبادی» از علماء مشهور مشهد بودند، در مسجد جامع گوهرشاد سالیان متمادی تفسیر قرآن داشتند و مردم مشهد و خصوصاً اقشار تحصیل کرده از جلسات تفسیر آن دو استفاده می نمودند. نسل اینجانب به میرداماد فیلسوف بزرگ اسلامی می رسد (به ۹ واسطه).

همراه اتمام دوره متوسطه در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۶ و چندی قبل از آن، مقدمات ادبیّات عرب را نیز شروع نمودم. ابتداء

نزد برادر بزرگتر و گـاهی نزد فضـلاء حوزه و چنـدی بعـد در حوزه درس ادبیّات مشـهد، ادیب نـامور جناب آقای «حجت هاشـمی خراسانی» (حفظه الله): سیوطی، مغنی، مطول، حاشیه ملاعبدالله و معالم را فرا گرفتم. در همان زمان در امتحانات حوزه علمیه مشهد با نمره خوب پذیرفته گردیدم.

اصول فقه و رسائل را نزد «آیت الله شـیخ مصـطفی شـاهرودی» و لمعتین را نزد آیات عظام: «سبزواری» و «صالحی» از اساتیـد به نام مشـهد آموختم. مکاسب را نزد «آیت الله مرتضوی» و «سیـد محمـد شاهرودی» فرا گرفتم. کفایتین را از اسـتاد رضا زاده و بعـد از ده سـال، درس خارج (فقه و اصول) را نزد «آیت الله میرزا علی فلسـفی» (حفظه الله) و «آیت الله شـیخ مصـطفی اشـرفی شاهرودی» تلمذ نمودم و بعد از حدود ۵ سال در مهر ماه ۱۳۷۸ به قم مهاجرت کردم.

در ابتداء ورود دروس فقه «آیت الله سبحانی» و بعد فقه «آیت الله شیخ جواد تبریزی» به مدت ۲ سال (ایشان بحث اذان و اقامه و بعداً صلاهٔ را شـروع کردنـد). همزمان دروس فقه و اصول اسـتاد «آیت الله وحیـد خراسانی» شـرکت کردم. بحث برائت و استصـحاب از اصول و بیع و خیاراتشان تاکنون مورد اسـتفاده اینجانب می باشـد. در علوم عقلی در مشـهد ابتـداء بدایه را نزد یکی از اساتید و بعد منطق و بخشی از فلسفه منظومه و نهایه را نزد استاد صالحی و مدّتی هم در درس اسفار ج ۸ مرحوم علامه سیّد جلال الدین آشتیانی بهره بردم. شرح تجرید و مقداری از کلام به صورت محاضرات را نزد «آیت الله شیخ عبد النبی کجوری» بهره بردم.

تفسیر قرآن را که هنوز زمزمه دلنواز آن در گوش طنین انداز است را از نوجوانی شروع نمودم. مرحوم پدر همه شب سال در مسجد جامع گوهر شاد تفسیر قرآن بیان می نمود. تـدریس کتب حوزوی از اوائل طلبگی شـروع شد و تقریباً کتب سـطح را از مقدّمات تا سطوح عـالیه یـک دوره تـدریس نموده ام و بعضـی از آنها را چنـد دوره و فعلاً در مـدرسه آیت الله گلپایگانی رسائل تـدریس می نمایم.

میرزا اصفهانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل ثقهی صالح زاهد، متوفی در ۱۳۱۲ در سامرا. کتابخانهی او در نجف از معتبرترین کتابخانهها بوده، و مشاراليه حرص و ولعی غریب در جمع کتب و انتشار و ترویج آنها داشته، و کتابهای نفیس و نسخههای اصلی آن بر چندین صد مجلد بالغ میشده، مثلا نسخهی اصل ریاض العلماء و جامع الرواهٔ و چندین کتاب دیگر را داشته، و از بسیاری از آنها نسخه نوشته است.

[تحت عنوان سید کاظم اصفهانی گذشت.]

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرزاپور، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن میرزاپور

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۷۹ در حالی که مشغول به تحصیل در دبیرستان بودم از محضر عالم بزرگوار «حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)» بهره مند شدم و دروس ادبیات را آغاز کردم. پس از اخذ دیپلم حدود هفت ماه در مدرسه «بقیهٔ الله» شهرستان خوانسار اشتغال به تحصیل کردم که در واقع شروع رسمی دوران طلبگی من از همان زمان آغاز شد که در سال ۱۳۷۱ بود. بعد به شهر خودمان دزفول مراجعت کردم و بعد از تمام کردن ادبیات و منطق، دروس فقه و اصول را در محضر حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)، حاج آقا سید حسن آقا میری و حاج آقا مقامی به اتمام رساندم

و در سال ۱۳۷۶ به قم آمدم. ابتدا درس حاج آقا عالی رفتم و مباحث قطع و ظن را تا حدودی گذراندم ولکن به سبب مشکلاتی بعد از ۵ ماه دوباره به شهرستان دزفول مراجعت کردم و سال هفتم حوزه را به اتمام رسانده، در سال ۱۳۷۷ به قم مراجعت کردم و با جدیت بیشتری کتاب رسائل را با استفاده از محضر دو استاد عزیز و ارجمندم حاج آقای کریمی و صادر به اتمام رساندم. پس از آن مکاسب را در محضر استاد نکونام (بخش شرائط العوضین) بودیم، و با تشکیل جلسات خصوصی که هر هفته برگزار می شد بهره های خوبی بردیم.

کفایه را در محضر استاد ارجمند حاج آقا تهرانی بودیم. و همچنین عمده کتاب کفایه را در محضر استاد عزیز حاج آقا صادر بهره های فراوانی بردیم. در طی این سالها نیمی از سال ۷۷ را کاملا توفیق شرکت در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی داشتم. سال ۱۳۸۰ به توصیه استاد خودم حاج آقا صادر به درس خارج اصول «آیهٔ الله وحید خراسانی» شرکت کردم و درس فقه خود را با

کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی که از کتب بسیار مهم فقهی به شمار می رود؛ طی دو سال در محضر استاد عزیز و اخلاقی خودم حاج آقا هاشمی بهره بردم.

سال ۱۳۸۰ سال ورود ما به مؤسسه امام صادق (ع) متعلق به آیهٔ الله سبحانی بود و آغاز دوره تخصصی ما در همان سال بود. سه سال در خدمت استاد بسیار گرانقدری همچون: «حاج آقا ربانی گلپایگانی»، «حاج آقا مومنی»، «حاج آقا قدوسی»، «ملک حسینی» و «حاج آقا خسرو پناه» بودیم و استفاده های فراوانی در این چند سال بردیم و اکنون هم مشغول تمام کردن پایان نامه سطح ۳ خود هستم که مربوط به بخشی از مباحث امامت است که با راهنمائی های اساتید حاج آقا اسدی و سلیمانی رو به اتمام می باشد.

میرزائی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوطالب بن العلامهٔ حاج میرزا مهدی بن حاج سید ابوعبداللّٰه بن العالم الجلیل الحاج السید ابوالقاسم میرزائی زنجانی از علماء معاصر (مقیم رشت) می‌باشند.

وی در تاریخ ۱۳۳۰ قمری در زنجان متولد شده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زنجان خوانده و به تهران آمده و معقول را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی (فیلسوف معروف) و مرحوم علامه میرزا مهدی آشتیانی (فیلسوف شرق) و اصول را از مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمد تنکابنی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در مشهد مقدس از اساتید آنجا بهره‌مند شده.

سپس به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری ره و آیت‌اللّٰه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خوانساری و هم چند سالی آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی طاب ثراه استفاده نموده و پس از آن برای انجام وظیفه دینی و روحی خود به شهرستان رشت عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد (حضرت صاحب‌الزمان عجل‌اللّٰه‌فرجه) و خدمات دینی اشتغال دارد.

و در علماء معاصر رشت هم اجمالا گذشت. و سرپرستی و اداره مدرسه جامع رشت به عهده ایشانست.

دارنده آثار قلمی و علمی عدیده بنامهای زیر می‌باشد.

۱– حقائق التوحید دو جلد استدلالی فارسی.

۲– برهان الولایه دو جلد عربی.

۳– فروغ تجلی در امامت.

۴– راه ترقی. فارسی در امور اجتماعی.

۵– نفس و راه تکامل آن– روانشناسی.

۶– رساله‌ای در لباس مشکوک عربی.

۷– رساله‌ای در صلوهٔ عربی.

۸– رساله‌ای در جبر و تفویض به عربی بنام العبر فی مسئلهٔ الجبر والقدر.

۹– رساله‌ای در التحلی در حقیقهٔ التحلی.

۱۰– رساله‌ای در در قاعده لاضرر عربی.

۱۱– حواشی بر اسفار صدرالمتألهین عربی.

۱۲– النور الساطع در نبوت به عربی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

میرزائی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن العالم الجلیل حاج میرزا مهدی نجفی میرزائی (برادر محترم حاج سید ابوطالب) از علماء بزرگوار معاصر زنجانست.

آنجناب در سال ۱۳۲۲ قمری در زنجان متولد شده و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده سپس به قم مشرف و از محضر محروم آیت‌اللّٰه حایری و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خوانساری رحمهم‌اللّٰه استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و قبل از حادثه شهریور بیست به زنجان برگشته و تا اکنون به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارد ادام اللّٰه عمره و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

میرشمسی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید ابوالحسن بن ابراهیم بن عبدالصمد حسینی.

فاضل زاهد، و واعظ متقی، متوفی در ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۶۸ مدفون در بقعه‌ی میر سید محمد شهشهانی

ماده تاریخ وفاتش را ادیب معاصر میرزا عبدالکریم بصیر گوید:

سال تاریخ فوت او بگفت بصیر

رفت پیش حسین، محسن من

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرصانع، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی میرصانع

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد علی میرصانع در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه شهرستان خوانسار شدم و تا سال ۱۳۶۳ در آنجا مشغول تحصیل و لمعتین را در آنجا به پایان رساندم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه تحصیل در این حوزه مقدسه پرداختم. فرائد الاصول مرحوم شیخ را در محضر استاد «آیت الله راستی کاشانی» و نیز قوانین الاصول میرزای قمی، و مکاسب مرحوم شیخ را در محضر اساتید «آیت الله سید علی محقق داماد» و «شیخ محسن دوزدوزانی» فرا گرفتم و دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید معظم حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» تلمذ نمودم و در ضمن این مدت در مراکز فقهی علمی حوزه به تناسب مشغول کار و تدریس و غیره بوده ام.

میرعلایی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۲۱، اصفهان.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۴، اصفهان.

احمد میرعلائی، فرزند علی میرعلایی، در سال ۱۳۴۲ از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اصفهان در رشته‌ی زبان انگلیسی لیسانس و در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه لیذر انگلستان فوق لیسانس گرفت. سپس به تدریس ادبیات انگلیسی و فارسی در دانشگاه‌های اصفهان، هنرهای دراماتیک، صنعتی اصفهان، هنر، آزاد و کراچی به صورت متناوب از ۱۳۴۶ پرداخت. از جمله مشاغل وی می‌توان به ویراستاری ادبیات انگلیسی در مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین (۱۳۵۱ -۱۳۴۸)؛ سردبیری «کتاب امروز»، «فرهنگ و زندگی»، «آیندگان ادبی» و «جنگ اصفهان» (۱۳۵۵ -۱۳۴۶) و سرپرستی خانه‌ی فرهنگ ایران در دهلی نو (۱۳۵۷ -۱۳۵۵) و کراچی (۱۳۵۹ -۱۳۵۷) اشاره نمود.

احمد میرعلایی آثاری را به زبان فارسی ترجمه کرد. از آن جمله است: شیاطین (نمایشنامه، اثر جان وایتینگ، ۱۳۴۸)؛ ویرانه‌های مدور (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۴۹)؛ سنگ آفتاب (شعر، اثر اکتاویوپاز، ۱۳۵۰)؛ چیتی چیتی بنگ بنگ (کودکان، یان فلمینگ، ۱۳۵۰)؛ فارستر (نقد آثار، اثر مور، ۱۳۵۰)؛ الف و داستان‌های دیگر (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۵۱)؛ عرفان مولوی (اثر عبدالحکیم خلیفه، ترجمه با همکاری دکتر احمد محمدی، ۱۳۵۲)؛ اسب عالی (اثر جین مریل، ۱۳۵۲)؛ درباره‌ی ادبیات (اکتاویوپاز و دیگران، ۱۳۵۳)؛ هزار توها (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۵۵)؛ خدای عقرب (ویلیام گلندینگ، ۱۳۵۵)؛ ژان پل سارتر (اثر هانری، ترجمه با همکاری ابوالحسن نجفی، ۱۳۵۵)؛ کنسول افتخاری (گراهام گرین، ۱۳۵۶)؛ طوق طلا (مجموعه داستان، اثر فارستر، ۱۳۵۶)؛ کودکان آب و گل (نقد ادبی، اثر اکتاویوپاز ۱۳۶۱)؛ تمدن مجروح (وی. اس. نایپول، ۱۳۶۲)؛ کلاه کلمنتیس (میلان کوندرا، ۱۳۶۲)؛ از چشم غربی (جوزف کنراد، ۱۳۶۳)؛ عامل انسانی (گراهام گرین، ۱۳۶۵)؛ باغ گذرگاه‌های هزار پیچ (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۶۸)؛ بیلی باد ملوان (هرمان ملویل، ۱۳۶۹). از وی همچنین ترجمه‌ی مقالات، داستان‌ها، اشعاری مجلات دیگری چون «سخن»، «نگین»، «الفبا»، «رودکی»، «کتاب جمعه»، «آدینه»، «دنیای سخن»، «گردون»، «کلک» و «لیتری ریویوو» چاپ شده است. آثار منتشر نشده‌ی وی به این شرح هستند: ملکوت (بهرام صادقی، ترجمه به انگلیسی) پشت شیشه، پشت مه (علی خدایی، ترجمه به انگلیسی)؛ باران‌های عیش ما (رضا فرخفال، ترجمه به انگلیسی)؛ ژوستین، جی، (اثر دارل لارنس)؛ بالتازار (اثر

دارل لارنس)؛ شور (جانت وینترسون)؛ دیر راهبان (فررایرا دوکاسترو)؛ حضورهای واقعی (جرج استانیر).

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

میرعمادی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد روش تدریس زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد TEFL از دانشگاه UWIST انگلستان در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد روش تدریس زبان از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه ابوریحان بیرونی از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۰، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۹، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ترجمه کتاب جاذبه و دافعه علی (ع)

Competemce in L and English . stress and Reading ۱ and L ۲

Coherence in Persia Comprehension wowel Changes

تدریس دروس زبان‌شناسی عمومی، تجزیه و تحلیل کلام، واژه‌شناسی، تاریخ زبان‌شناسی، دروس مربوط به ترجمه تخصصی و اصول و روشهای ترجمه (نظری و عملی) در دانشگاههای علامه طباطبایی و تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تئوریهای ترجمه، ترجمه نظری و عملی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علامات کلامی- ربطی در ارتباطات تلفنی، تفاوت ترجمه مکتوب و شفاهی، چهار ترجمه از یک غزل حافظ، Error Analysis، آشنایی با زبان‌شناسی لایه‌ای، مشکلات درک آگاهی زبانی، کتاب‌شناسی ترجمه.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرفخرایی، حمیده

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر حمیده(مهشید) میرفخرایی دارای مدرک دکتری رشته زبانشناسی می باشد.نامبرده عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده گروه زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حمیده (مهشید)میرفخرایی عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده گروه زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است.

چگونگی عرضه آثار : از دکتر حمیده(مهشید) میرفخرایی تا کنون ۸ کتاب و بیش از ۴۲ مقاله نشر یافته است. طرح‌های پژوهشی دکتر میرفخرایی به قرار زیر است: -فرهنگ فارسی میانه، فارسی نو، (کارگروهی) - اصل خلاء یا تهیگی بنابر آموزه ی بودا (۱۳۸۴)

آثار :

۱ آفرینش در ادیان

ویژگی اثر : ۱۳۶۶

۲ بررسی بغان یسن

ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۸۲
۳ بررسی دخت نسک
ویژگی اثر : ۱۳۷۱
۴ بررسی هفت‌ها
ویژگی اثر : ۱۳۸۲(انتشارات فروهر)
۵ درآمدی بر زبان ختنی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۰ اردیبهشت، ۱۳۸۴
۶ روایت پهلوی
ویژگی اثر : ۱۳۶۷
۷ فرشته‌ی روشنی، مانی و آموزه‌های او
ویژگی اثر : ۱۳۸۳(انتشارات ققنوس)
۸ فرهنگ کوچک زبان پهلوی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: دیویدنیل مکنزی، مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۸۳.چاپ اول، ۱۳۷۳، چاپ دوم،۱۳۷۹، چاپ سوم ۱۳۸۳ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

میرفخرایی، مجد الدین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

مجدالدین میرفخرایی ، معروف به گلچین گیلانی ، در سال ۱۲۸۹ ، در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی) ، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجو به خارج شرکت کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان ، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت ، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید. اقامت و تحصیل گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود و او در این زمان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد. او در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد اشعار گلچین گیلانی برای اولین بار در سال ۱۳۰۷ در مجله « ارمغان » و بعدها در مجله های « روزگار نو » ، « فروغ » و « سخن » انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب های ابتدایی راه یافت. گلچین گیلانی ، در آذرماه سال ۱۳۵۱ چشم از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر

والدین و انساب : پدر مجدالدین ، سیدمهدی میرفخرایی متولد تفرش بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدمهدی میرفخرایی ، پدر مجدالدین به روزگار جوانی در خدمت وزیر و مستوفی حاکم تبریز بود و از سوی صدراعظم وقت ملقب به « دبیر دفتر » گردید. چندی بعد با سمت معاونت مالیه گیلان در رشت مشغول کار شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مجدالدین میرفخرایی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی) ، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجو به خارج شرکت کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان ، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت ، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل پزشکی گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود. اغلب دانشجویان ایرانی ناچار به وطن مراجعت کردند اما میر فخرایی با تحمل تمام مشکلات و مصائب دوران جنگ ، را در این کشور سپری کرد. او برای امرار معاش به کارهای گوناگون تن و از هیچ کوششی در راه تحصیل علم را فرونگذاشت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : مجدالدین میرفخرایی در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد ؛ در آن زمان به شیوه کهن شعر می سرود . هنوز دبیرستان را به پایان نبرده بود که دو شعر از وی در مجله فروغ رشت به چاپ رسید. هنگان تحصیل در تهران به سرودن شعر و فعالیت های ادبی ادامه داد و در انجمن ادبی ایران که ریاست آن به عهده شیخ الرییس افسر بود ، شرکت می کرد. او با آنکه دانشجوی پزشکی بود در لندن نیز اشعاری نغز و زیبا می سرود. مجدالدین میرفخرایی (گلچین) در طول تحصیل در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد.

همسر و فرزندان : گلچین بیش از سیزده سال نداشت که با دختری از بستگان خود ازدواج کرد. هنگام اقامت و تحصیل در انگلستان همسر و خانواده او در ایران زندگی می کردند که سرانجام این فاصله منجر به جدایی گردید. وی بار دیگر با یک پرستار ایرانی در لندن ازدواج کرد که حاصل آن دختری به نام «ژیزل » بود ، ولی این ازدواج نیز دوامی نیافت و به جدایی انجامید. او

سومین بار نیز یک همسر ایرانی انتخاب کرد.

زمان و علت فوت : مجدالدین میرفخرایی در آذرماه سال ۱۳۵۱ چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مجدالدین میرفخرایی (گلچین) با وقوع جنگ جهانی دوم در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اشعار مجدالدین میرفخرایی برای اولین بار در سال ۱۳۰۷ در مجله « ارمغان » و بعدها در مجله های « روزگار نو » ، « فروغ » و « سخن » انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب های ابتدایی راه یافت.

آرا و گرایشهای خاص : نادر نادر پور شاعر معاصر ایران در تجزیه و تحلیل سبک و شیوه مجدالدین میرفخرایی می نویسد: « طبع گلچین گیلانی ، به رغم اقامت چهل ساله اش در مغرب زمین ، تاثیر مستقیم شعر اروپایی (خاصه انگلیسی) را نپذیرفت و همچنان ایرانی ماند ، اما از میراث سخن قدیم پارسی بهره ای نیافت و حسن و عیب شعرش نیز در همین است. کلام ساده او از لحن ادیبانه دور و به زبان محاوره امروزی نزدیک است و گاهی هم از لغزش های لفظی خالی نیست ؛ واژه هایش بی آن که همیشه خوش تراش و سنجیده باشد ، سرشار از رنگ و تصویر است و مجموعه سخنش همچون سرور جاوید کودکی و جوانی ، آهنگی شاد و سبکبار دارد... امام مگر من ، تاثیر مستقیم شعر فرنگی را در طبع گلچین انکار می کنم ، تاثیر نا مستقیم همان شعر را در شیوه بیان و شکل سخنش می پذیرم : گلچین گیلانی شاعری است که در کار نو آوری ، نه از بدعت نیمایی ، بلکه از تحولات شهر اروپایی الهام گرفته است. » ---
--

آثار :

۱ دیوان شعر

۲ گلی برای تو

۳ مهر و کین

ویژگی اثر : این دفتر شعر ، منظومه ای ضد جنگ است. مضمون شعر گویای آن است که در فاصله سال های ۱۳۲۰-۱۳۲۵ سروده شده است.

۴ نهفته (نهضت)

منابع زندگینامه :۱کتاب گیلان ، تالیف: گروه پژوهشگران ، به سرپرستی : ابراهیم اصلاح عربانی ، تهران: انتشارات گروه پژهشگران ایران ، ص ۷۱۵ ـ سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سیدمحمد باقر برقعی ، ج ۵ ، قم: انتشارات خرم ، ص ۳۰۴۹ ـ اثرآفرینان ، زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران ،

میرفندرسکی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه استراسبورگ در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شعرای رومانتیک و توصیف طبیعت در اشعار آنها، دیدگاه انسانیت در آثار مونتین و سعید، انعکاس زیباییها و فرهنگ کشور ایتالیا در آثار استادان، تدریس درس مارسل پروست، نویسندگان قرن بیستم، نویسندگان بزرگ واقع‌نگر در قرن ۱۹ فرانسه در دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شش مقاله ادبی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

خوشبختی واهی، زندگینامه یک کارمند و داستان یک جدایی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرلوحی فلاورجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: زبان و ادبیات خارجی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸، دکترای تخصصی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه مشهد از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس صرف و نحو و متون عربی، تفسیر قرآن کریم و معانی بیان، متون علمی اسلامی در دانشگاههای مشهد، الهیات، اصفهان، مطالعه و تحقیق در زمینه ادبیات عرب و استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه کتب عربی نظیر بدیع‌القرآن، ذکری استشهاد الامام‌الصدر، الحجان فی تشبیهات القرآن و تصحیح الدریقه الی مکارم الشیعه راغب اصفهانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

نگاهی به تاریخ تشیع در رشته شیعه‌شناسی، احوال و آثار شیخ کاظم ازری، احوال و آثار راغب اصفهانی، معرفی نسخه‌ای از احوال عودات، تکمله التحقیق بدیع‌القرآن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرم چلبی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۱ ق)، منجم، ادیب و مورخ. مشهور به میرم. از علمای عثمانی بود و در تاریخ و ادبیات عرب و هیئت و ریاضی مهارت داشت. وی معلم سلطان بایزید خان ثانی عثمانی بود. مدتی نیز از جانب سلطان سلیم خان (۹۲۶ -۹۱۸ ق) قاضی عسکر آناطولی شد. او سپس به زیارت بیت‌اللّٰه الحرام رفت و بعد از مراجعت درگذشت. از آثارش: «دستور العمل فی تصحیح الجدول»، شرح بر «زیج الغ بیگ»، به امر سلطان بایزید و در ۹۰۴ ق، که آن را به دربار هدیه کرد؛ شرح «رساله‌ی فتحیه» ملا علی قوشچی؛ «رسالهٔ فی معرفهٔ سمت القبلهٔ»، که آن را به سلطان بایزید هدیه کرد؛ «کتاب الضمائر»، «منیهٔ الصیادین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۷۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۱)، ریحانه (۷۸/ ۶)، کشف الظنون (۱۸۸۶، ۱۴۳۴، ۱۲۳۶، ۹۶۶، ۸۷۲، ۸۶۶)، لغت نامه (ذیل/ میرم)، معجم المؤلفین (۱۹۶ -۱۹۵/ ۱۲).

میرمحمدی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل میر محمدی

محل تولد : ساوه

شهرت : میر محمدی زرندی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله سید ابوالفضل میرمحمدی زرندی در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در بخش «زاویه زرند» از توابع شهرستان ساوه در خانواده‌ای

مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۰ ایامی که کیان حوزه‌های علمیه در خطر بود و کمتر کسی رغبت به تحصیل علوم حوزوی داشت، روحیه و علاقهٔ وافرش به تحصیل علوم دینی او را به حوزه مقدس علمیهٔ قم رهنمون ساخت.

وی پس از فراگیری علوم اولیه صرف، نحو، معانی بیان و منطق در سال ۱۳۲۵ جهت زیارت عتبات عالیات و ادامهٔ تحصیل عازم عراق شده و توسط دایی مرحوم والدش «آیهٔالله آقای حاج میرزا یحیی زرندی (ره)» که از مجتهدین مقیم آن دیار بود؛ در شهر کربلا حجره‌ای اختیار کرد ولی با اصرار پدر بازگشت، بواسطهٔ وابستگی عاطفی که به ایشان داشت، به ناچار امر ادامهٔ تحصیل را در قم پیگیری نمود.

از همان ابتدای تحصیل به حداقل امکانات معیشتی فراهم شده توسط پدرش که به امر کشاورزی و کسب اشتغال داشت؛ بسنده کرده و از دریافت شهریه و وجوه شرعی امتناع نمود و تا به حال نیز بدین امر مقید بوده است. ایشان داماد فقیه وارسته «آیهٔالله العظمی مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی (ره)» می‌باشند که همواره این وصلت را از جمله توفیقات خود می‌دانند.

پس از گذراندن دروس مقدماتی در سطوح عالیهٔ حوزه، رسائل را از محضر مرحوم «آیهٔالله حاج شیخ موسی زنجانی (ره)»، مکاسب را از محضر مرحوم «آیهٔالله سید حسین قاضی (ره)»، کفایه را از محضر حضرات آیات: «سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی» و «علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» و شرح تجرید را از محضر مرحوم «آیهٔالله حاج میرزا اسحاق آستارایی (ره)» تلمذ نمود.

حدود سال ۱۳۲۸ از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «حجت کوه کمره‌ای» و «بروجردی (رضوان الله علیهما)» حدود دو سال بهره برد. سپس حضرت «آیهٔالله العظمی آقای حاج سید محمد محقق داماد (ره)» را به عنوان استاد درس خارج به نحو مستمر اختیار نموده و طی ۱۵ سال یک دورهٔ کامل اصول و چندین کتاب فقهی را از محضرشان استفاده نمود.

ایشان در مقاطع مختلف تحصیل حوزوی، تدریس مقطع پایین‌تر را به عهده گرفته و بیش از ۲۰ سال به تدریس دروس سطح عالیه حوزه از قبیل رسائل، مکاسب و کفایتین پرداخته است. بیش از ۱۰ سال نیز در دانشگاه اقدام به تدریس فقه و علوم قرآنی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد نموده و پیوسته نیز استاد راهنمای رساله‌های مختلف دوره دکتری در دانشگاه و حوزه بوده است. شایان ذکر است رتبهٔ دانشگاهی ایشان در بدو ورود به فعالیت‌های دانشگاهی دانشیار اعلام شده و سپس به جهت تألیف، تدریس، مدیریت و سایر خدمات دانشگاهی رتبهٔ استادی که بالاترین رتبهٔ علمی دانشگاهی است به وی اعطا شده است.

مباحثه تفسیر قرآن را از حدود سال ۱۳۲۶ در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته با دوستان صمیمی و هم دوره‌ای خود همچون حضرات آیات: (مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی، مرحوم حاج شیخ محمد حقی، حاج شیخ احمد پایانی، مرحوم حاج میرزا محمد امین رضوی و ...) آغاز نمود که به مرور مورد توجه واقع شده و بر اعضای آن افزوده گردید. این جلسهٔ وزین که بیش از پنجاه سال سابقه دارد با نوساناتی در ترکیب اعضا کماکان به قوت خود باقی است.

ایشان از همان ایام حضور در درس خارج فقه و اصول در جلسه بحث فقهی که حضرات آیات: «آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی، مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، آقای حاج شیخ عبدالرحیم جودی» داشتند، حضور پیدا می‌کرد. این جلسه نیز اکنون با تغییر برخی اعضای آن ادامه دارد.

آقای میر محمدی به همراه سایر فضلا و روحانیون از مدافعین نهضت اسلامی بوده و در امضاء برخی از اعلامیه‌ها علیه رژیم ستم شاهی و حمایت از حضرت امام نقش داشته است که از جمله آن می‌توان به ارسال نامه‌ای سرگشاده با عنوان «نامه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم به هویدا نخست وزیر وقت در خصوص اعتراض به اقدامات خلاف قوانین اسلام و قانون اساسی، جو خفقان و سانسور، دستگیری حضرت امام خمینی و ...» اشاره نمود.

در سال ۱۳۶۴ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که پس از شهادت آیهٔالله دکتر مفتح توسط سرپرست اداره می‌شد، منصوب گشت. وی در مدت یازده سال مسؤولیت ضمن تلاش مؤثر جهت راه‌اندازی مجدد دوره دکتری و کارشناسی ارشد و نیز افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان مقاطع مذکور، از آنجایی که اهتمام جدی به وحدت حوزه و دانشگاه داشته و خود نیز با ورود به فعالیت‌های مستمر دانشگاهی از قبیل: (مدیریت، تدریس و تألیف) از مصادیق این وحدت به شمار می‌رفت از فضلاء شاخص حوزه با هدف ارتقاء کیفی سطح تحصیلات دانشجویان جهت تدریس دعوت می‌نمود.

شایان ذکر است این توسعه دانشکده که به همت ایشان و با عنایت بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب حضرت آیهٔالله خامنه‌ای و مساعدت رئیس جمهور وقت جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و ... در مساحتی حدود ۷۰۰۰ متر صورت گرفت، دانشکده را از تنگنای شدید فضای آموزشی و رفاهی خارج ساخت.

میرمحمدی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی میر محمودی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۲ به دنیا آمـدم. تحصیلات ابتـدایی تا دبیرسـتان را در شهرسـتان بابل گذرانـدم. پس از اخذ دیپلم به سال ۱۳۶۰ مدّتی به جهاد سازندگی رفتم. در همین سال به تشویق پدر که در سلک روحانیت بود؛ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه قم شدم. تا سال ۱۳۶۹ به دروس سطح حوزه علمیه مشغول بودم. سال های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بـا سازمان تبلیغات قم در بخش فرهنگی همکاری داشتم.

همزمـان با ادامه تحصیلات در حوزه به سال ۱۳۷۰ وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۷۴ دوره کارشناسی رشته «حقوق» را به پایان رسانـدم. در همین سال موفق به ادامه تحصیل در رشته «حقوق بین الملل» شـدم. سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشـد این دوره را به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۴ تـدریس در دانشگاه های آزاد و مفیـد قم در دروس مختلف معارف، فقه، اصول، و حقوق را آغاز نمودم و همزمان به فعالیت های علمی و پژوهشی نیز پرداختم. نزدیک شصت سفر تبلیغی، فرهنگی و علمی به مناسبت های گوناگون اعم از ماه محرم، صفر، ماه مبارک رمضان، هفته وحدت، دهه فجر و ایام رحلت امام (ره) به داخل و خارج کشور سفر نموده ام.

میرمسیب، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی میر مسیب

محل تولد : شهرضا

شهرت : میر مسیب

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲۵

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) در بزرگداشت قلم فرموده است «...و القلم من الله نعمهٔ عظیمهٔ و لولاـ القلم لم یستقم الملک و الـدین و لم یکن عیش صالـح» (محـدث نـوری، مستدرک الوسائل، ج۱۳، ص۲۵۸، ح۲، باب۱۲استحباب تعلم الکتابه).

سال ۱۳۴۳ در شهرضا به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوره راهنمایی نزد معلمانی نوعاً ارزشمند چون سردار رشید سپاه اسلام شهید همت، جهت تحصیل علوم حوزوی به مدرسه علمیه صاحب الزمان (علیه السلام) شهرضا رفتم و پس از چهار سال تحصیل در این مـدرسه به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم و پس از یکسال استفاده آزاد از دروس حوزه علمیه قم، خدمت حجج اسلام و المسلمین سید هاشم حسینی بوشهری و سید عبدالعظیم حسینی به مدرسه مرحوم آیهٔالله العظمی گلپایگانی رفتم و به تحصیل ادامه دادم و پس از دو سال تلمذ در محضر مبارک اساتید آن مدرسه، محضر برخی از اساتید دوره سطح و عالی از جمله حجج اسلام و المسلمین: «موسوی تهرانی»، «طـاهری خرم آبـادی» و آیـات عظـام: «صـالحی مازنـدرانی»، «مظـاهری»، و ... را درک نمودم که اکنون نیز ادامه دارد.

تقریبـا از سال ۱۳۷۰ دست به قلم شـده و تـألیف و تحقیق را آغـاز نمودم ولی بیشتر آنهـا به دلیلهـای مختلفی به چاپ نرسـیده است ازجمله آنهاست:

۱. سعادهٔالطالبین (توضیحی برآداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی)

۲. طریق العیش (نکاتی از زندگانی یکی از اصدقاء)

۳. الحجرات (گذری برسوره مبارکه حجرات)

۴. تحقیق و تصحیح کتاب داستان فکاهی، علامه فقید آیهٔالله میرجهانی)

۵. آیین عشق (جمع و توضیح اشعار حکیم اسـدالله قمشه ای همراه مطالبی سودمند): در همان هنگام از کلیه شعرای شـهرضا نمونه شعرهایی گرفتم و آماده سازی کردم ولی در ترتیب قرار دادن نام آنها با مشکل روبرو شـدم لـذا به چاپ نرسـید البته چکیده ای از این اشعار را در کتاب آئین عشق به کار برده ام.

۶. تحقیق، تصحیح، آماده سازی و چاپ مطالبی دست نویس در موضوع عقیدتی، اخلاقی و سیر و سلوک از دانشمند متأله شهرمان «حضـرت آیـهٔ الله نجفی قمشه ای» که بـا عنوان: «بـا سالکـان وادی نور» به چاپ رسـید. کتابهای دیگری نیز از معظم له آماده سازی نموده ام که از آن جمله است:

الف- اخلاق نظری (ویژه طلاب علوم دینی پایه های ۱تا ۳).

ب- مرد فریاد و سکوت (زندگینامه معظم له).

ج- رهیافتهای ویژه (درسهایی ازمعظم له در سیر و سلوک).

د- قطره ای ازدریای معارف که در حال آماده سازی است و امیدوارم به لطف الهی به زودی به زیور طبع آراسته گردد انشاء الله.

۷. تحقیق و تصحیح کتاب: «جذبه حقیقت یا ایدئولوژی ولایت» از دانشمند معظم و خطیب توانای شهرمان آقای حاج شیخ قدرت الله صالحپور که به نام: «خورشید امامت و ولایت» به چاپ رسیده است.

۸. مرغ باغ ملکوت (۱): یادنامه استاد فقید حجت الاسلام و المسلمین سید رضا محسنی همزمان با ارتحال آن مرحوم (خرداد ۱۳۷۲).

۹. مرغ باغ ملکوت (۲): گذری به زندگانی و وصیتنامه استاد معظم، خدوم و فقید، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مرتضی عظیمی به مناسبت ارتحال آن بزرگوار (خرداد ۱۳۸۷) و ...

کتابهای دیگری نیز تحقیق و تصحیح نموده ام که برخی از آنها آماده چاپ و برخی در دست آماده سازی است. ضمنا برخی از دوستان اهل قلم در تدوین کتابهای خویش از اینجانب کمک گرفته‌اند که در ابتدا یا انتهای کتابشان به این مسئله اشاره کرده‌اند مثل کتاب: «سیمای شهرضا» و کتاب: «مجالس توحید فطری». ویرایش و مقابله مطالب برخی از نشریات مثل نشریه اطلاع رسانی معارف ویژه اساتید دروس معارف اسلامی دانشگاههای کشور و ره توشه تبلیغ، ویژه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۷ که توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر گردیده است را عهده دار بوده‌ام.

در برخی مساجد شهرضا امامت جماعت و وعظ و سخنرانی داشته ام مثل مسجد امیرالمؤمنین (ع)، مسجد الرسول (ص)، مسجد نو و ... . در سعادت آباد جرقویه و عباس آباد پاکدشت نیز فعالیت تبلیغی و در جبهه های جنگ به عنوان نیروی رزمی تبلیغی حضورداشته ام. امیدوارم خداوند رحمان و رحیم از همگی قبول بفرماید آمین رب العالمین. در پایان، موفقیت و سرافرازی همه عزیزان و بزرگواران علم و قلم را از خداوند قلم به دستان، همان خدائی که به قلم ارزش داده و به آن سوگند یاد کرده است خواهان و خواستارم. و السلام

میریونسی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام آقای حاج آقا عباس میریونسی عراقی (داماد معظم آیت‌اللَّه حاج شیخ آقا بزرگ مذکور) از فضلاء عراقی حوزه علمیه قم و ائمه جماعت معاصر کنگاور می‌باشند.

تولد ایشان در یکی از مضافات اراک واقع شده و پس از رشد برای تحصیل علوم دینی به قم مهاجرت و متون فقه و اصول را از مدرسین فراگرفته و پس از آن از درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده نموده.

آنگاه بنابر درخواست ابوالزوجه خود به کنگاور مهاجرت و رحل اقامت افکنده و در یکی از مساجد آن به اقامه جماعت و ارشاد مردم و خدمات دینی اشتغال دارند.

و قبل از ایشان چند سالی جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر رفیعی عراقی (خواهرزاده آیت‌اللَّه حاج شیخ آقا بزرگ محمدی) مقیم کنونی شهر ری در کنگاور اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال داشته‌اند.

چنانچه قبل از ایشان جناب مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج آقا مجتبی محمدی عراقی (برادر معظم له) در آنجا سکونت و خدمات ارزنده‌ای انجام داده‌اند و خود حقیر در محرم ۱۳۶۸ ق چند شبی در ضیافت آنجناب در کنگاور بوده و ناظر آثارشان بوده‌ام.

و مخفی نباشد که بیت جلیل محمدی عراقی بیش از یکصد سال است که در کنگاور به وظائف شرعی و خدمات دینی اشتغال دارند زیرا مرحوم مبرور علامه بزرگوار آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدباقر فرزند آقا محمد کرهرودی سلطان‌آبادی متولد ۱۲۵۷ ق که عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان شیخنا الانصاری بوده پس از وصول به مقامات عالیه علم و کمال و استفاده از محضر شیخ و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران به ایران مراجعت و در کنگاور سکونت نموده و به خدمات دینی پرداخته تا در ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۵ ق به رحمت حق پیوسته و در آنجا مدفون و قبرش مزار عموم و معروف (به قبر آقا) می‌باشد.

دارای آثار علمی چندی در فقه و اصولست که ذیلا به آن اشاره می‌گردد.

۱- رساله در قسامه و احکام آن ۲- رساله عملیه فارسی در عبادات ۳- شرح دره سید بحرالعلوم ۴- شرح قصیده میمیه ابن‌فارض موسوم به (کشف‌الرموز) ۵- الاشارات ۶- فرائدالدرر در علم لوح و قدر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میقانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا میقانی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا میقانی از سال ۱۳۵۰ وارد حوزه مقدسه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی که در آن دوران اولین مدرسه به سبک روز و استاندارد بود مشغول تحصیل گردیدم و در سال ۵۶ به مدت شش ماه در درس مرحوم استاد مطهری ره شرکت کردم ایشان در حوزه امتحان از سطح برای طلاب گذاشتند و در آن موفق شدم و ممتاز گردیدم بنا داشتند گروه های تحقیق در حوزه ایجاد نمایند که انقلاب اسلامی شروع و دیگر به قم تشریف نیاوردند و در همان سال ها از محضر دکتر مفتح در فلسفه و سید کاظم حائری که کتب شهید صدر را تدریس می کردند بهره ها بردم و از سال ۵۸ دردرس خارج استاد وحید خراسانی و تبریزی و لنکرانی شرکت کردم و حدود ۲۰ سال از خرمن پر فیض فقهای بزرگ استفاده کردم و در ضمن تحصیل در سال ۵۴ به حوزه تبلیغ وارد شدم و تا کنون به اکثر استان های کشور برای ترویج مکتب اهل بیت سفر داشته ام و در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق وارد شدم و پس از سه سال آموزش به کارهای پژوهشی پرداختم و در خدمت استاد مصباح سالیان طولانی استفاده کردم از جمله کارهای پژوهشی معجم موضوعی قرآن بود که چند صد هزار فیش برداری گردید . و از آن تحقیقات اکنون یکی دو جلد در زمینه اسماء و صفات و معاد و برزخ به زیور چاپ آراسته شده است و مقالات فراوان در زمینه قرآن پژوهی در اطراف کتاب فصل الخطاب حاجی نوری انجام دادیم .

و در همان سال ها چند سال در کنفرانس های دار القرآن مرحوم آیت الله گلپایگانی در محضر استاد سبحانی بوده و نتیجه آن کتاب روش اهل بیت در تفسیر قرآن است که دار القرآن چاپ کرده و در مدارس علمیه حجتیه و مومنیه و معصومیه تدریس داشته ام . حدود ۱۵ سال هم به زائران خانه معبود به عنوان روحانی کاروان اداء وظیفه می کنم . و در جهت خدمت به طلاب وظیفه نمایندگی طلاب شهرستان شاهرود را به عهده دارم .

میکالی، ابوالعباس اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۲ -۲۷۰ ق)، محدث و ادیب. شیخ خراسان و مورد احترام همگان بود. نسبش به یزدگرد به بهرام گور می‌رسد. پدرش در روزگار مقتدر عباسی حکومت اهواز را داشت. او در نیشابور به دنیا آمد. وی کاتب بود و عهده‌دار مسئولیت کتابتهای دیوانی. در نیشابور از ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و ابوالعباس ماسرجسی و در اهواز از عبدان اهوازی و حسین بن بهار و علی بن سعید عسکری حدیث شنید. از عبدان اهوازی کتابی را روایت کرده و او تنها کسی است که این کتاب را روایت کرد. ابوعلی نیشابوری حافظ و ابوحسین حجاجی و ابوعبداللّه حاکم و عبدالغافر فارسی از او حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۵ -۳۱۴/ ۱)، سیر النبلاء (۱۵۷ -۱۵۶/ ۱۶)، شذرات الذهب (۴۱/ ۳)، العبر (۱۱۴ -۱۱۳/ ۲)، معجم الادباء (۱۲ -۵ / ۷).

میکالی، ابوالفضل عبیدالله

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۶ ق)، ادیب، کاتب و شاعر. نسبش را به یزدگرد ساسانی می‌رسانند. وی اهل خراسان و از مشاهیر ادبای آن دیار بود. در خراسان از ابواحمد حافظ حاکم و ابی‌عمرو بن حمدان حدیث شنیده است. او در نظم و نثر عربی ماهر بود. از آثارش: «مخزون البلاغة» یا «مخزن البلاغة»، «المنتحل»، «ملح الخواطر و منح الجواهر»، «دیوان الرسائل»، «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۴/ ۴)، ریحانه (۸۱ -۸۰/ ۶)، فوات الوفیات (۴۳۳ -۴۲۸/ ۲)، کشف الظنون (۱۸۱۷، ۱۶۳۹)، لغت نامه (ذیل/ عبدالرحمان)، معجم المؤلفین (۱۲۰/ ۵)، هدیة العارفین (۶۴۸/ ۱).

میلاد

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام یکی از پهلوانان ایران است که چون کیکاوس به مازندران رفت ایران را به او سپرد و پسرش گرگین هم از پهلوانان بوده است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

میلانی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین (آیت‌اللّه زاده میلانی) بن العلامه الورع آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (مقیم مشهد) از علماء معاصر شهر ری می‌باشد. وی در ۱۴ شوال ۱۳۳۶ ق در نجف اشرف متولد و در ۱۳۵۵ ق منتقل بکربلاء معلی و در سال ۱۳۹۳ روی جریانات اخیر عراق کوچ نموده و مقیم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام شهر ری شده‌اند معظم له پس از ختم قرآن مجید خط و ادبیات فارسی را در مکتب خانه جناب و مرحوم شیخ علی‌اکبر که از مشاهیر بودند فراگرفته و با استفاده از موقعیت والد بزرگوارشان نزد اساتید عظام تلمذ نموده و پس از فراغ از مقدمات کفایه را در محضر آقای والد شروع نموده و رسائل را از مرحوم آیت‌اللّه آقا سید زین‌العابدین کاشانی که از معاریف کربلا و عضو استفتاء آیتین قمی و بروجردی بودند آموخته و مکاسب را از آیت‌اللّه حاج آقا حسن طباطبائی قمی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی اردبیلی و فلسفه را از وحید عصر آقا میرزا غلامحسین تبریزی که از شاگردان بنام مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) و مدتی هم از آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ علی محمد بروجردی (که اکنون مرجع عالیقدر مقیم بروجرد میباشند) استفاده نموده سپس خارج فقه را از محضر آیت‌اللّه العظمی والدشان و خارج اصول را از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله بهره‌مند گردیده است، پس از هجرت والد بزرگوارشان در سال ۱۳۷۴ ق از کربلاء معلی به مشهد مقدس رضوی باصرار جمعی از محترمین کربلاء بجای والدشان در جنب ضریح مطهر حضرت سیدالشهداء ارواحنا له الفداء امام جماعت شده و روی سوابق خاندان و اهتمام بمسائل اجتماعی و رسیدگی به احتیاجات مردم از رجال بنام و محبوب غالب طبقات گردیده بطوری که منزلش مرکز رفت و آمد مردم و در ایام محرم دسته‌جات و مواکب زنجیر زن و غیره به خانه ایشان آمده و عزاداری می‌نمودند.

لذا آن جناب از این موقعیت استفاده کرده و در امور عامه دخالت و اقدامات اساسی و مهمی از قبیل استقلال کشمیر را مکررا به سازمان ملل مخابره کرده و مخصوصا با چهار زبان بر علیه اسرائیل ایراد نطق نموده که نظر محافل سیاسی و همگانی معطوف به وی میگردد.

اجمالا این که معظم له هم از نظر مراجع بزرگوار گذشته و هم حاضرین محترم و در نزد غالب مردم عراق و مسلمین هند و پاکستان و آفریقا و ایران و خلیج‌نشین‌ها و غیره معزز و محبوب می‌باشد.

آقای میلانی درباره زندانیهای مذهبی در هر نقطه بسیار حساس و اقدامات لازمه برای استخلاص آنها نموده چنانچه دو واعظ لاهور را که به ششماه زندان محکوم شده بودند توسط سفیر پاکستان در بغداد سجاد حیدر حنفی آزاد و نیز سی و سه نفر از رجال نامی شیعه همان کشور را که در اثر نزاع با اهل تسنن زندانی شده بودند توسط سید محمدحسن سفیر دیگر پاکستان آزاد می‌نماید.

آقای میلانی دو سفر مذهبی به هندوستان نموده و قدمهای مؤثری برداشته و خدماتی انجام داده‌اند که شرحش مفصل و در روزنامه‌های هندوستان به زبان اردو و انگلیسی و سانسکریت از ایشان تجلیل شده و عکسهای مجالس جشن بنام ایشان در آگره و لکهنو و بمبئی و غیره موجود می‌باشد.

و نیز مسافرتهای جالبی بافغانستان و لبنان و سوریا و کویت و مکه معظمه نموده و خدماتی انجام داده که از ذکر آن خودداری می‌نمایم.

در کربلاء معلی آثار ارزنده‌ای دارند که از همه مهمتر تأسیس کتابخانه بنام حضرت سیدالشهداء الحسین علیه‌السلام است.

این کتابخاه خود دار الارشادی بود که جوانان را بدین وسیله و بتوسط حجهٔ‌الاسلام آقای حاج شیخ فرج‌اللّه اصفهانی مدیر کتابخانه و احیانا شخصا تربیت دینی می‌نمود مخصوصاً محصلین جدید را بیشتر مورد علاقه و اهتمام مطالعه قرار می‌داد.

کتابخانه مزبور مرکز نشر معارف بود زیرا جلسه هفتگی برای مسابقه سخنرانی و کتابت و مسائل مذهبی و سؤال و جواب دبیرستانی‌ها و دانشگاهی‌ها بود.

کتابی بنام (لحظه‌ای با امام عصر عجل اللّه فرجه) و ارواحنا فداه دارد که سالها در جمع و تنظیم آن زحمت کشیده و بیش از بیست فصل می‌باشد و در آن تشرف جماعتی از بزرگان علم و غیره را یاد کرده ولی هنوز باتمام نرسیده است و تألیف این سفر جمیل اوقاتشان را مستغرق نموده که نوشتجاتی که در مرور عمر و تحصیل دارند مهجور مانده است و در اثر عشق و علاقه شدید بناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه بهیچ کدام عنایتی نشان نمی‌دهند فقط همت را گماشته‌اند که توجه افراد را بسوی آقای عالم معطوف بنمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میلانیان، هرمز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : هرمز میلانیان در سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شد . وی تحصیلات عالی خود را در رشته زبان شناسی با گرایش های زبان شناسی ساختگر ا و نقشگرا در دانشکده ادبیا ت و علوم انسانی دانشگاه پاریس ادامه داد و موفق به اخذ درجه دکتر ا شد . از فعالیت

های تخصصی دکتر میلانیان می توان به تدریس در دانشگاه تهرا ن و دانشگاه های خارج از کشور اشاره کرد. همچنین سرپرستی پژوهشهای زبان شناسی در داخل و خارج از کشور بر عهده داشته است . وی عضو انجمن زبان شناسی پاریس و انجمن جهانی زبان شناسی نقشگرا است و تالیفات متعددی منتشر کرد ه است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

گرایش : زبان شناسی عمومی

والدین و انساب : هرمز میلانیان، در سال ۱۳۱۶ شمسی در تهران متولد شد. پدر هرمز ناخدا حسن میلانیان فرمانده ناو «پلنگ» بود که در جمله متخلفین به ایران (روسها از شمال و انگلیسی ها از جنوب) هنگام دفاع از آبادان زخمی و پس از انتقال به تهران در ۳۸ سالگی به درجه شهادت نائل آمد. مادرش درخشنده شیمی مسئولیت بزرگ کردن و تربیت هرمز و برادر کوچکتر هومان را بر عهده گرفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : هرمز میلانیان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران در دبیرستانهای شرف و دارالفنون سپری نمود. علاقه ای که به ادبیات به ویژه ادبیات فارسی داشت موجب گردید که پس از دریافت دیپلم متوسطه در رشته ادبی و موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات تهران به سال ۱۳۳۴، در رشته ادبیات فارسی ادامه تحصیل دهد. در سال ۱۳۳۷ پس از اخذ درجه لیسانس در رشته ادبیات فارسی، علاقه ای که بهر زبان فارسی و آموختن زبانهای بیگانه داشت وی را مصمم کرد که به تحصیل در رشته «زبان شناسی» بپردازد با این که تصویر چندان روشنی از این دانش کما بیش نوین نداشت. در شهریور ماه ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) شرایط ادامه تحصل در این رضشته برای او پیش آمد و به پاریس رفت . در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پاریس (سربن) نام نویسی کرد و با زبانشناسی ساختگرا و به ویژه نقش گرا آشنایی نزدیک پیدا کرد. در مدت پنج سالی که در پاریس اقامت داشت به اخذ دو «گواهینامه عالی»در «زبان شناسی عمومی»و «آوا شناسی» و درجه دکتری در « زبانشناسی عمومی»(با قید «بسیار مفتخر»)نائل شد.[از زبان میلانیان ،کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،شهریور ۱۳۷۹]

استادان و مربیان : هرمز میلانیان در دانشگاه تهران از استادانی چون استاد فروزانفر، استاد همایی، استاد مدرس رضوی، دکتر معین، دکتر خانلری، دکتر مقدم، دکتر صفا، دکتر کیا، دکتر خطیبی و بانو نفیسی بهره مند شود. در فرانسه به عثوان نخستین دانشجوی ایرانی «آندره مارتینه» زبان شناس برجسته فرانسوی با زبانشناسی ساختگرا و نقشگرا آشنا شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هرمز میلانیان، پس از مراجعت از فرانسه به ایران در سال ۱۳۴۴ ،در «بنیاد فرهنگ ایران «مسئولیت پژوهش در زمینه تاریخ زبان فارسی را زیر نظر دکتر پرویز خانلری ،بر عهده گرفت .در نیمه دوم سال تحصیلی ۴۵-۱۳۴۴ پس از موفقیت در امتحان استاد یاری به عنوان استاد یار زبان شناسی در گروه «زبان شناسی همگانی و زبان های باستانی »دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران -که بنیانگذار آن مرحوم دکتر مقدم بود -به استخدام رسمی در آمد. در شهریور ماه ۱۳۴۹ به عنوان استادیار مهمان، به مدت یکسال تحصیلی به دنشگاه ایلینوی در شهر اوربانا برای تدریس زبان فارسی اعزام شد. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۵۰، بار دیگر به تدریس در دانشگاه تهران ادامه داد و چند سال بعد به رتبه دانشیاری ارتقا یافت. در طول سالهای ۵۰ شمسی با «فرهنگستان زبان ایران» نیز همکاری داشت و در جلساتی از کمیسیون واژه گزینی آن شرکت داشت. دکتر میلانیان قبل از پیروزی انقلاب به مدت یک سال و نیم به عنوان مدیر گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران انتخاب شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هرمز میلانیان سرپرستی پژوهشهایی را در زمینه دستور ،تلفظ و املای فارسی بر اساس آزمونهای میان پاسخگویا نفارسی زبان برخوردار از تحصیلات لااقل دبیرستانی را برعهده داشت .همچنین وی در چندین کنگره و همایش تحقیقات ایرانی و نیز زبان شناسی عمومی در ایران و خارجه از کشور شرکت کرده است. استاد میلانیان شش ماه پس از انقلاب باری استفاده از فرصت مطالعاتی که پرونده دانشگاهی آن از مدتها پیش آماده شد، عازم فرانسه گردید و کمی بعد از سوی دانشگاه (سوربن)جدید (پاریس ۳) «به عنوان استاد مهمان » برای تدریس زبان ،ادبیا ت و زبان شناسی فارسی در آن دانشگاه دعوت شد ،این دوره فعالیت از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۵ بمدت شش سال به طول انجامید .و از سال دوم سرپرستی بخش فارسی آن دانشگاه به ایشان واگذار گردید. دکتر میلانیان در شهریور ماه ۱۳۷۸ (۱۹۹۶)پس از ۱۷ سال به ایران باز گشت و از آن زمان اشتغال عهده ایشان تالیف ،ترجمه و تحقیق در زمینه زبان شناسی عمومی و فارسی می باشدو در این زمینه با« موسسه فرهنگی شهید رواقی» انتشارات «هرمس» و نیز انتشارات «فرهنگ معاصر» افتخار همکاری دارد. دکتر میلانیان عضو انجمن زبان شناسی پاریس و انجمن جهانی زبان شناسی نقشگرا است .

آرا و گرایشهای خاص : هرمز میلانیان در تالیفات خود ،اعمال معیارهایی از زبان شناسی نوین بر زبان فارسی را دنبال کرده است که آن ر ادر کارایی و پیشبرد آگاهی در مورد نظام زبان شناسی و نیز خط فارسی موثری می داند . همچنین وی کوشیده است برای اصطلاحات زبان شناسی نوین معادلهای فارسی مناسبی را پیشنهاد دهد که بسیاری از آنها پذیرفته شده اند . دکتر میلانیان هدف خود را در فعالیتهای علمی ،توجه به کار برد فرهنگی و اجتماعی زبان فارسی و تقویت و گسترش آن و کم کردن فاصله میا ن زبان گفتار و نوشتار و مخالفت با دستور العملهای تصنعی در زمینه تلفظ و املا

آثار :

۱ les monemes et les procedes de passage en person :de la categorie verbale a la cate gorie nomiale et vice versa

ویژگی اثر : این مقاله به زبان فرانسه به عنوان «تکواژه هاو روند های گذر در زبان فارسی ،از مقوله فصل به مقوله اسم و بالعکس».در سال ۱۹۶۸ در نشریه نیویورک شماره ۲۵ ،منتشر شد.

۲ Peut- on dire qu une langue est plus difficile qu une autre

ویژگی اثر : عنوان این مقاله «آیا می توان گفت زبانی از زبان دیگر مشکلتر است ؟»که در نشریه زیر با مشخصات آمده منتشر شده است. , Actes clu ۸e Colloque de la societe internationale de la linguistique fonctionnelle ۱۹۷۸, grece.

۳ آزادی و بند درزبان

ویژگی اثر : این مقاله درجشن نامه دکتر محمد مقدم ،نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ،شمار ه ۲۴ و درسال ۱۳۵۵ منتشر شد.

۴ چند نکته درباره کلمه های فارسی در گذشته و حال

ویژگی اثر : مجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ،دانشگاه تهران که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد.

۵ چند نکته درباره وابسته های ملکی و زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله سخن ،سال ۲۰ ،شماره ۳ ، سال ۱۳۴۹ منتشر شده است.

۶ خنثی شدن تقابلهای دستوری در گروه اسمی زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ،سال ۱۷ ،شماره ۲ ، ۱۳۴۸ منتشر شده است.

۷ درست و غلط در زبان از دیدگاه زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه فرهنگ و زندگی ،شماره ۲۲-۲۱ در سال ۱۳۵۵ منتشر شد.

۸ دستگاه عدد و زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه خطابه های سومین کنگره تحقیقات ایرانی توسط بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۱ منتشر شد .

۹ زبان شناسی و تعریف زبان

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه فرهنگ و زندگی ،شماره ۲ ،سال ۱۳۴۹ منتشر شده است.

۱۰ کاربرد زبان فارسی درزمینه علوم و فنون

ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه سخنرانی ها در نخستین سمینار آموزش زبان و ادبیا ت فارسی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی وزارت علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۵۰ منتشر شده است .

۱۱ کلمه و رمز های آن در زبان و خط فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ،سال۱۸ ،شماره ۳ ،سال ۱۳۵۰ منتشر شده است .

۱۲ کهنه و نو در زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه کتاب امروز ،شماره ۵ و درسال ۱۳۵۲منتشر شد.

۱۳ کوتاه ترین جمله و ساختمان آن در زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران ،شماره ۱ در سال ۱۳۵۴ منتشر شد .

۱۴ گسترش و تقویت فرهنگی زبان فارسی

ویژگی اثر : این کتاب توسط انتشارات کاویا ن در سال ۱۳۵۱ منتشر شد. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

میناگر، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا میناگر

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

غلامرضا میناگر در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهرستان بروجرد در میان خانواده ای مذهبی، فرهنگی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه گویای شهرستان دورود با مدیریت پدر خود به اتمام رساند. سپس دوره متوسطه را با بازگشت خانواده اش به بروجرد ادامه داد. و در این میان علاقه مفرط به علوم دینی و الهی پیدا نموده بود به طوری که قصد داشت تا قبل از انقلاب که دوران نوجوانی وی بود؛ به حوزه ی علمیه قم مقدسه هجرت کند اما مواجه با ممانعتهایی می شد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و در اولین بهار تحصیلی به این درمان جامعه عمل پوشاند (سال ...) در مدرسه علمیه ولیعصر همان شهر به تحصیل دروس مقدماتی پرداخت که در سال بعد به قم به منظور درک بیشتر و بهتر اساتید مهاجرت نمود. او پس از اتمام مقدمات خود در مدرسه امام صادق (ع) سطح را از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم از قبیل حضرات آیات: «وجدانی فخر (ره)»، «اعتمادی»، «پایانی (ره)» و... فرا گرفت و پس از آن بیش از ده سال از خارج فقه و اصول آیات عظام: «مکارم شیرازی» و اساتیدی چون «هادوی تهرانی» و ... بهره گرفت.

از سال ۷۲ تا ۷۶ جزء اولین دانشجویانی بود که در رشته فلسفه دانشگاه مفید وارد و مشغول به تحصیل شد. در سال ۸۲ به دفاع از

پایان نامه سطح سه فلسفی خود تحت عنوان: «وحدت و کثرت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و غرب» پرداخت و پس از آن سه سال به فراگیری دروس تخصصی سطح سه در موسسه ی آموزشی و پژوهشی «فرق و مذاهب» همت گماشت و اکنون مشغول گذراندن رساله ی سطح چهار در حوزه علمیه قم می باشد.

ایشان از سال ۷۹ تا به کنون (۸۶)، ضمن تقبل مسئولیت دبیری گروه های فلسفه و کلام پژوهشگاه ونیز جلسات پاسخ به شبهات و ... از این فرصت استفاده نموده و مبادرت به نوشتن مقالات و کتاب هایی به منظور ارتقاء فکر فرهنگی، اعتقادی جامعه نموده است که برخی ازآنها به زودی در آن موسسه به چاپ خواهد رسید. همچنین وی در خلال تحصیلات حوزه ای خود از توفیق تدریس دروس مقدمات و نیز فقه واصول، منطق و فسلفه بی نصیب نبوده است.

مینو شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. در شیراز به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی در تهران شد. سپس وارد وزارت فرهنگ گردید و به شیراز بازگشت. از جمله مشاغل وی: ریاست فرهنگ شهرستان آباده، ریاست اداره‌ی کارگزینی فرهنگ فارس، ریاست هنرستان پسران شیراز، ریاست اداره‌ی آموزش حرفه‌ای فرهنگ فارس و ریاست دبیرستان نمازی شیراز می‌باشد. او در ۱۳۳۰ ش امتیاز انتشار روزنامه‌ی «مشعل فارس» را گرفت. از آثار وی: «اخلاق»، «روانشناسی پرورشی»، «تاریخ و جغرافی و تعلیمات مدنی»، با همکاری هیئت مؤلفان فارس.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۱ -۶۰۰/ ۵).

مینوی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از محققین و اندیشمندان و دانشمندان معاصر ایران در ۱۲۸۲ در سامره متولد شد. پدرش آقاشیخ عیسی شریعتمداری، در سامره از شاگردان ملا محمد تقی شیرازی بود. مینوی تا نه سالگی در سامره بسر برد و مقدمات فارسی و عربی را در همانجا فرا گرفت و چون به ایران بازگشت وارد مدارس جدید شد و در مدارس امانت و اسلام و سپهر دوره‌ی ابتدائی را فرا گرفت و سپس به دارالفنون وارد شد و در ۱۳۰۰ در دارالمعلمین مرکزی مشغول تحصیل گردید و ضمنا در مجلس شورای ملی تندنویس شد و بعد در وزارت معارف به استخدام درآمد و کتابخانه وزارت معارف را اداره می‌کرد. پس از فراغت از تحصیل در دارالمعلمین مرکزی در معیت اسمعیل مرات به فرانسه رفت و کار اداری به او سپردند. وقتی سید حسن تقی‌زاده وزیر مختار ایران در لندن شد او را بعنوان سرپرست محصلین به انگلستان برد. این مأموریت بیش از نه ماه طول نکشید و به تهران احضار شد ولی ثمره‌ی این دو مأموریت یاد گرفتن زبان فرانسه و انگلیسی بود. وی قریب پنج سال در ایران بسر برد و حاصل کارش کتاب ویس ورامین و جلد اول شاهنامه فردوسی و ترجمه‌ی کتاب شاهنشاهی ساسانیان اثر کریستن سن بود. البته تنظیم شاهنامه با هدایت و سرپرستی ذکاءالملک فروغی انجام گرفت. مینوی مجددا به انگلستان رفت و تحصیلات عالی خود را در دانشگاه گینگز کالج لندن و مدرسه مطالعات آسیائی و آفریقائی دانشگاه لندن به اتمام رسانید و در همانجا مشغول کار شد و چندی با رادیوی بی.بی.سی همکاری داشت. در سال ۱۳۲۵ بعد از پایان جنگ جهانی دوم سیدحسن تقی‌زاده سفیر کبیر ایران در انگلستان نامه‌ای به وزیر فرهنگ وقت نوشته و ضمن معرفی مراتب فضل و دانش او، درخواست کرده بود که از وی دعوت شد تا خدمات فرهنگی خود را در ایران عرضه بدارد. از این رو وزارت فرهنگ این پیشنهاد را پذیرفت و رسما از او دعوت نمود که به خاک وطن برگردد.

مجتبی مینوی در ۱۳۲۸ به ایران بازگشت و طبق قانون خاصی به استادی دانشگاه برگزیده شد و در وزارت فرهنگ نیز به ریاست تعلیمات عالیه منصوب گردید و بعد رایزن فرهنگی ایران در ترکیه شد. این مأموریت قریب چهار سال بطول انجامید. پس از بازگشت از ترکیه عضو پیوسته فرهنگستان ادب و هنر شد. آخرین سمت استاد مینوی مسؤولیت علمی بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی بود و سرانجام در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

مجتبی مینوی در زمان حیات کتابخانه‌ی غنی و پربار خود را به وزارت فرهنگ و هنر اهدا کرد. تألیفات و تصنیفات و تصحیحات مینوی بسیار زیاد است، از جمله از تألیفات وی کتابهای پانزده گفتار، داستانها و قصه‌ها، فردوسی و شعرا و نقد حال، تاریخ و فرهنگ، مجموعه گفتارها و نوشته‌ها در سه مجلد. علاوه بر تألیفات فارسی، تألیفاتی اعم از کتاب و مقاله تحقیقی به زبان انگلیس دارد.

پس از درگذشت استاد مجتبی مینوی، گرانمایه مرد فرهنگ ایران آقای ایرج افشار در بزرگداشت این مرد بزرگ حق مطلب را ادا نموده و یک شماره از نشریه راهنمای کتاب را اختصاص به محامد و مناقب و شناخت واقعی ایشان اختصاص داد و خود نیز سرلوحه این کار را در دست گرفته آنچه در دل داشت بر روی کاغذ آورد. بهتر آن دیدم که از اظهارنظرهائی که درباره‌ی این مرد کم‌نظیر شده است تکه‌هائی را نقل نمایم. استاد ایرج افشار می‌نویسد:

مینوی در چندین زمینه از معارف و علوم مربوط به ایران و اسلام کار کرد و آثاری دست اول و ماندگار برجای گذاشت. شاید در

مقام سنجش بتوان خدماتی را که در زمینه‌ی تصحیح متون مهم زبان فارسی انجام داده است در صف مقدم قرار داد. کلیله و دمنه، ویس و رامین، نامه تفسیر، دویان ناصرخسرو، سیرت جلال‌الدین، نوروزنامه، عیون‌الحکمه، السعاده والاسعاد، تحریمه القلم سنائی، نورالعلوم ابوالحسن خرقانی، نصایح‌الملوک سعدی، مصنفات بابا افضل مرقی کاشانی (با همکاری یحیی مهدوی)، اخلاق ناصری، و بالاخره شاهنامه‌ی فردوسی که داستان رستم و سهراب آن را بعنوان نمونه منتشر ساخت، از متونی است که هریک به جهتی و مناسبتی در درجه‌ی اول اهمیت و از امهات نوشته‌های ایرانی است. مینوی در تصحیح هریک از انها سعی کاملی بکار برده است، هم از این حیث که نسخ معتبر را در تصحیح اختیار کرده و روش علمی و انتقادی مرسوم میان غربیان و نقدشناسان را در آنها بکار گرفته است، و هم از این حیث که تنظیم عبارات، صفحه‌بندی و نوع حروف و دقت در غلط گیری آنها پسندیده باشد ناگزیر همه‌ی آثارش نمونه است و از جهات متعدد شاخص شده است. از حق نباید گذشت که هنوز متنی به نفاست و صحت و آراستگی کلیله و دمنه مینوی در ایران نشر نشده است و تردید نباید داشت که روش علمی متخذ و مختار مینوی در تحصیح متون مایه آموزش دیگران نیز قرار خواهد گرفت...

شادروان دکتر عباس زریاب خوئی که خود در صف اول پاسداران زبان و ادبیات فارسی قرار داشت، درباره‌ی استاد مینوی می‌نویسد:... مینوی عاشق زبان فارسی و ادب و فرهنگ ایران بود و این عشق با آب و گل او آمیخته بود. دوستی‌ها و دشمنی‌های با اشخاص بر سر همین معشوق بود و من به یاد ندارم که مینوی با کسی بر سر اسباب دنیوی نزاعی داشته باشد. هدف حملات او کسانی بودند که بزعم او با نداشتن صلاحیت لغت‌سازی و اشتقاق بازی می‌کردند و یا متون قدیم را با بی‌دقتی بچاپ می‌رساندند و یا فلان کلمه را در جای خود بکار نمی‌بردند.

این امر شاید در نظر بسیاری از مردم جهان صنعتی عصر ما غریب و خنده‌آور جلوه کند اما او فارسی و ادب آن را تا حد عشق ستایش می‌کرد و کدام عاشقی است که ننگ حمله و بی‌احترامی به معشوق را تحمل کند؟ روانش شاد که عاشقی صادق و پاکباز بود و نقد عمر عزیز و جان گرامی را در راه معشوق معنوی خود نهاد.

سید محمدعلی جمال‌زاده محقق و نویسنده‌ی کهنسال چنین نوشته است:

وفات استاد مجتبی مینوی بلاـ تردید برای ما و کشور ما ضایعه‌ی بزرگی است. مردی بود از خاندان فضل و تقوی و به تمام معنی کلمه اهل علم و تقوی و در این رشته کاملاـ به سبک و شیوه‌ی علمی و فنی شادروان علامه محمد قزوینی عمل می‌کرد و از مؤسسین دست اول این طریقه یا باصطلاح امروز (مکتب) بشمار می‌آمد. مینوی گذشته از دانش و بینش پهناور و عمیق دارای مکارم اخلاقی چنانی هم بود، الحق سزاوار است پیشوا و سرمشق و مربی و مرشد بسیاری از جوانان دانش‌پژوه که عشق و شور و تتبع دارند واقع گردد. مینوی حرفی را می‌زد که حرف راست بود و حرف راست را بی‌پیرایه و دلیرانه بر زبان و قلم جاری می‌ساخت و تا جائی که بر راقم این سطور معلوم است هیچگاه دیده نشد که در راه علم و حقیقت‌گوئی مداهنه و مجامله و خوش‌آمد گوئی و ملاحظه‌کاری را جایز شمارد، چنانکه گاهی بنظر می‌رسید که در رنجانیدن جمع تعمدی دارد، اما می‌دانیم که بلااختیار همواره درصدد بود به ما بنماید که از گفتن حقیقت تلخ هم نباید رو تابید و آنچه به گفتن می‌ارزد همانا حقاق تلخ است. مجتبی مینوی وجود ذیجود و پرفیض و برکتی بود و بیم آن می‌رود که ما دیگر به این آسانی‌ها نظیر و عدیل او را بدست نیاوریم. اما در دیار ما باب فیض هیچگاه مسدود نبوده است و باید امیدوار بود که از برکت نفس گرم و دم مسیحا اثر استاد مینوی و در اثر زندگی و کار و کوشش و عمل مستدامی که نیم قرن تمام ادامه بلاانقطاع داشت و امروز می‌توان آنرا به «رسالت» تعبیر نمود در میان جوانان، پیروان با ایمان و حواریون با اعتقاد راسخ و استواری پیدا کند که راضی نشوند مشعلی که او روشن ساخته است به آسانی خاموشی پذیرد و با ایقان هرچه تمامتر مطمئن باشند که ترقی و پیشرفت اگر با روح و معرفت توأم نباشد ارزش واقعی نخواهد داشت.

سید حسن تقی‌زاده در مقام سفارت کبرای ایران در انگلستان، مرحوم مجتبی مینوی را به وزارت فرهنگ چنین معرفی می‌کند:

وزارت فرهنگ، البته اطلاع دارید که آقای مجتبی مینوی از فضلاء معروف مدتی است در لندن است... مشارالیه که مسلما یکی از اشخاص فاضل و ادیب درجه اول ایران است و از حیث عمق معلومات اسلامی و احاطه بر تاریخ اسلام و ایران دوره اسلامی و زبان فارسی و عربی و ادبیات آنها، و مخصوصا آشنائی خیلی وسیع و کامل به تحقیقات علمای مغرب در این رشته‌ها و طریقه انتقادی اروپائی و تبحر کامل در کتب اسلامی از عربی و فارسی و وقوف از کتب شرقی و غربی در این رشته مخصوصا آشنائی به کتابخانه‌های بزرگ اروپا شاید بدون ادنی مبالغه پنج نفر نظیر در بین فضلای ایران ندارد و فعلاـ تقریبا بیکار است و عایدی صحیحی برای معیشت ندارد. قبل از جنگ فرنگستان مشارالیه بواسطه‌ی بعضی ناملایمات به فرنگستان آمد و با زحمت شخصی خود از کمک به کارهای علمی به بعضی فرنگیها به عسرت زیاد و ضیق معیشت زندگی کرده و به زحمت سد رمق می‌توانست بکند. در موقع جنگ بکلی تنگدست شد و ناچار در اداره رادیوی انگلیس خدمتی برای نشر اخبار فارسی قبول نمود.

جای کمال تأسف است که چنین شخصی که منبع فیض و منشأ خدمت مفید به معارف ایران تواند شد بی‌استفاده (یا باصطلاح عربی غیرمستفادبه) بماند و مجبور شود به کارهائی که مطابق ذوق و طبع او نیست و فایده‌ای هم برای ملتش ندارد مشغول شود. اگر از فضل و علم او قدردانی شده بود حتی در زمان جنگ هم به کار تبلیغات نمی‌پرداخت و راضی‌تر بود که نصف عایدی آن شغل از ممر دیگر خدمت به علم به او برسد و از آن کار کناره گیرد.

تصور کردم که حالات معارف ایران نهضتی دارد و ارباب ذوق و شوق برای معارف ملی و تاریخی و زبان و ادبیات خودمان در تزاید است مخصوصا وزیر معارف فعلی خودشان از اهل این رشته از معرفت و از فضلای مملکت ما هستند، روا نیست که توجهی به آقای مینوی نشود و تذکر را مجاز شمردم و یقین دارم وقتی خاطر شریف جناب آقای وزیر متوجه این مطلب بشود بذل عنایتی که در خور آنست فرموده، دستور اقدامی برای استفاده از کمالات این شخص مغتنم خواهند داد و در ضمن کمکی به معیشت آقای مینوی خواهند فرمود که بسیار حیف است که چنین مرد فاضلی که باید تمام اوقات وی صرف تألیف و نشر و تصحیح و تلیق بر کتب نفیسه تاریخی بشود، مجبور گردد به کارهای غیرمتناسب، محض سد رمق، مشغول گردد و شب چو عقد نماز بندد در فکر

خوراک بامداد فرزند باشد. بدیهی است که مقصود اینجانب فقط کمک مالی تبرعی مانند وظیفه مستمری نیست که نه برای خزانه دولت مناسب است و نه بالطبع خود مینوی چنین چیزی را البته قبول نخواهد کرد. بلکه منظور آنست که از این همه کارهای علمی و ادبی و معارفی که در حیطه فعالیت وزارت فرهنگ است و شاید به صد نوع از آنها وجوهی صرف می‌شود، چیزی هم به ایشان محول و خدمتی رجوع شود که در اینجا انجام بدهند و به تناسب خدمات انجام شده حقوقی مقرر فرمائید که به او برسد. مثلا تصور می‌کنم اگر عکس گرفتن از نسخه‌های قدیم فارسی و عربی و مراقبت به تصحیح و طبع آنها، و جمع اسناد تاریخی و تدوین رساله‌هائی راجع به کتابخانه‌های فرنگستان و قسمت شرقی آنها و همچنین کتب و مقالات علمای مستشرق اروپا و شاید مخصوصا تهیه مجموعه‌ی خیلی کاملی از فهرست کتبی شرقی که در اروپا موجود است و کتبی که فرنگیها در باب ایران نوشته‌اند، همچنین خرید و تهیه کتب مفیده در این رشته‌ها برای کتابخانه‌های دولتی و ملی ایران و کتابخانه مجلس و غیره شاید نوشته مقالات علمی در مجلات علمی ایران مانند مجله آموزش و پرورش و نیز راهنمائی به محصلین ایرانی که برای تکمیل موقت در رشته‌های زبان و تاریخ شرقی به فرنگستان می‌آیند و سعی منظم در ارسال کلیه اخبار علمی جدید و کتب و مقالات منتشره در اروپا و آمریکا در باب ایران و اسلام به وزارت فرهنگ و نظیر اینها به او رجوع شود، مناسب است و اگر خواسته شود ممکن است تألیف یا ترجمه‌ی بعضی از کتب مخصوصا به ایشان رجوع شود و هکذا. و نیز مشارالیه می‌تواند اگر صلاح بدانند راپورتهای جامع و عمیقی از معارف این سامان و ترتیب مدارس و مخصوصا دارالفنون‌ها مانند آکسفورد، کمبریج و پروگرام آنها و غیره به وزارت متبوعه منظما ارسال دارند. اینها که ذکر شد و کارهای بسیاری نظیر آنها از عهده آقای مینوی ساخته است و بنظر اینجانب بهترین خدمتی که می‌توان به ایشان رجوع کرد، بکار انداختن مایه خود اوست در رشته علوم اسلامی یعنی تاریخ و ادبیات و زبان فارسی و عربی و کتب قدیمه شرقی که رشته‌ی اختصاصی خود اوست و باصطلاح جدید وی متخصص در این رشته است...

سفیرکبیر- سیدحسن تقی‌زاده

(۱۳۵۵ -۱۲۸۲ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد و همراه پدر به سامرا رفت. تحصیلات ابتدایی را در سامرا و تهران و تحصیلات عالی را در دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی تهران و کالج سلطنتی و مدرسه‌ی مطالعات آسیایی و آفریقایی لندن گذراند. در حدود ۱۳۰۵ ش در مجلس شورای ملی سمت تندنویسی داشت و پس از آن به ریاست کتابخانه‌ی ملی رسید. او ابتدا به پاریس و سپس همراه سید حسن تقی‌زاده به لندن رفت و در ۱۳۰۹ ش سرپرست محصلین آنجا شد. پس از بازگشت به ایران در تهران با صادق هدایت، بزرگ علوی، عبدالحسین نوشین، مسعود فرزاد و مین باشیان آشنا شد و اسم ربعه را برای گروه خود برگزیدند. مینوی پس از مدتی به انگلستان رفت و به کار تألیف و تدریس و تعلیم پرداخت. او مدت ده سال برای بنگاه سخن پراکنی انگلستان (بی بی سی) گفتار فرهنگی تهیه می‌کرد. پس از بازگشت به ایران در دانشگاه ادبیات و الهیات تدریس می‌کرد. او بر اثر پافشاری برای عکس‌برداری از کتابهای کتابخانه‌های ترکیه به عنوان رایزن فرهنگی ایران در ترکیه منصوب شد. او بیشتر عمر خود را به تحقیق در متون قدیم ادبی و تاریخی زبان فارسی گذراند و در اواخر عمر سرپرستی بنیاد شاهنامه، که وزارت فرهنگ و هنر برای نشر درست‌ترین متن «شاهنامه» تأسیس کرده بود، را به عهده داشت. از استاد مینوی نزدیک به چهل کتاب از تألیف و ترجمه و تصحیح و حدود یکصد و شصت مقاله‌ی ادبی و انتقادی در مجلات ایرانی و خارجی به قلم او منتشر شده است. او همچنین در تهیه‌ی «فهرستی از نسخه‌های فارسی و مینیاتورهای ایرانی» کتابخانه‌ی چستربیتی ایرلند همکاری داشته است. از آثار وی: «پانزده گفتار»، درباره‌ی چند تن از رجال ادب اروپا از اومیروس تا برناردشاو؛ «شیر و خورشید»، «اطلال شهر پارسه تخت جمشید»، ترجمه؛ «داستان هزار دستان»، ترجمه؛ «شاهنشاهی ساسانیان»، ترجمه؛ «کشف دو لوح تاریخی در همدان»، ترجمه؛ تصحیح و توضیح «ترجمه‌ی کلیله و دمنه» نصراللّه منشی؛ تصحیح «راحة الصدور و آیة السرور»، در تاریخ سلجوقیه ایران و عثمانی، نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی راوندی؛ تصحیح «داستان ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی؛ تصحیح دو سوم «سیاست نامه»، تصحیح «عیون الحکمة» ابن سینا؛ تصحیح «السعادة و الاسعاد» ابوالحسن العامری؛ تصحیح و تعلیقات «سیرت جلال‌الدین منکبرنی» شهاب‌الدین محمد خرندزی؛ تصحیح و توضیح «دیوان» ناصر خسرو، با همکاری دکتر مهدی محقق؛ تصحیح «نوروزنامه» خیام؛ مقدمه‌هایی بر کتب مختلف از جمله کتاب «مازیار» صادق هدایت و «تفسیر قرآن پاک».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۱۳۲، ۸۸، ۷۷)، از نیما تا روزگار ما (۲۲۰ -۱۷۹)، شخصیتهای نامی (۴۶۶)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۷۴/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۸، ۳۳۷۷، ۳۳۶۶، ۳۲۳۳، ۳۰۲۹، ۲۸۵۴، ۲۶۷۶، ۲۶۳۸، ۲۲۹۴، ۲۱۸۹، ۲۰۸۷، ۲۰۵۸، ۱۷۹۷، ۱۶۹۴، ۱۶۱۲/ ۲، ۱۳۴۰، ۹۳۲، ۸۹۵، ۸۷۵، ۵۷۵، ۵۸۶، ۳۰۲، ۲۷۷، ۲۴۴، ۳۴/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ مینوی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲ -۱۷۹/ ۵).

ناتل خانلری، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۲ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار، نویسنده، زبانشناس و محقق. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به دانشکده‌ی ادبیات راه یافت و موفق به دریافت لیسانس ادبیات فارسی شد و در ضمن تدریس، در مدارس تهران، به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. وی با نگارش رساله‌ی «تحقیق در عروض فارسی»، موفق به دریافت درجه‌ی دکتری شد و پس از آن سمتهای مختلفی چون: کارمند اداره‌ی آموزش وزارت فرهنگ، ریاست انتشارات و روابط عمومی داتنشگاه دانشیاری زبان فارسی را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۲۷ ش برای تکمیل تحصیلات خود به اروپا رفت و دوره‌ی انستیتو دوفونتیک زبان‌شناسی پاریس را

گذرانـد و دو سال بعـد به ایران بازگشت و با سـمت اسـتادی به تـدریس تاریخ زبان فارسـی مشـغول شد. وی از دوران تحصـیل در دبیرستان، همکاری خود را با نشریه‌ی «مهر» شروع کرد و از سال ۱۳۲۲ ش خود به انتشار مجله‌ی «سخن» پرداخت. از دیگر اقدامات او طرح سپاه دانش، تاسیس بنیاد و فرهنگ، و تاسیس یازده موسسه‌ی مختلف فرهنگی از قبیل: فرهنگستان ادب و هنر، فرهنگستان زبان، بنیاد شاهنامه، انجمن فلسـفه و حکمت، اسـتاد فرهنگی آسیا، که پس از پیروزی انقلاب همه‌ی این موسسات درهم ادغام، و به نـام موسـسه‌ی مطالعـات و تحقیقـات فرهنگی درآمـد. دکتر خـانلری، شاعری توانا بود و انواع شـعر را با مهارت و زیبایی می‌سـرود. معروفترین شـعر بلنـدی که سـبب شـهرت او شـد، منظومه‌ی «عقـاب» است. دکتر خانلری در بیمارسـتان آبان تهران درگـذشت و در بهشت زهرا دفن شـد. از آثار وی: ۱– تالیفات: «تاریخ زبان فارسـی»، در سه مجلد؛ «وزن شـعر فارسی»؛ «زبان شناسی»؛ «دستور زبان فارسـی»؛ «شهر سمک»؛ ۲– تصـحیح: «دیوان حافظ»؛ «سـمک عیار»؛ «داسـتانهای بیـد پای»؛ ۳– ترجمـه: «شاهکارهـای هنر ایرانی»؛ «تریستان و ایزوت»؛ ۴– شعر: «ماه در مرداب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منـابع زنـدگینامه :از بهـار تا شـهریار (۴۶۹ –۴۶۲)، چـون سـبوی تشـنه (۱۰۳ –۱۰۲)، سـخنوران نـامی معاصـر (۱۲۶۲ –۱۲۵۴ /۲)، شخصیتهای نامی (۱۷۵ –۱۷۴)، صدف (۲۶۰ –۲۴۷)، فرهنگ سخنوران (۲۹۹)، مولفین کتب چاپی (۱۷۰ –۱۶۷ /۲).

نادرپور، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نـادر نـادرپور، به روز شانزدهم خردادماه ۱۳۰۸ هجری خورشـیدی در تهران زاده شـد. وی پس از گرفتـن لیسـانس زبـان فرانسـه از دانشـگاه سوربن، به تهران بـازگشت و در طول سالیان متمادی، نخست در بخش خصوصـی و سـپس به عنوان کارشـناس پیمانی در وزارت فرهنـگ و هنر، به انتشـار ماهنـامه هـای " هنر و مردم " و " نقش و نگار " ادامه داد و مـدتی مسئولیت سـردبیری آنها را بر عهده داشت. سپس در سال ۱۳۴۳، برای تکمیل مطالعات خود در زبان و ادبیات ایتالیایی به آن سـرزمین رفت و در شـهرهای پروجا و رم به تحصـیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷، سمت سرپرستی گروه ادب امروز را در رادیو تلویزیون ملی ایران عهده دار بود و برنامه هایی درباره زندگی و آثار نوآوران ادب معاصر ساخت. در مرداد ماه ماه ۱۳۵۹ از تهران به پاریس رفت و تا اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ در آن شـهر اقامت داشت. در همانجا، به عضویت افتخاری اتحادیه نویسندگان فرانسه برگزیده شد و در مجـامع و گردهمایی های گوناگون شـرکت جست و سـخن رانـد. در بهار سال ۱۳۶۵ به دعوت بنیـاد فرهنگ ایران در بوسـتون، عازم آمریکا شد و از آن پس، به سخنرانی های متعدد در دانشگاه های هاروارد، جرج تاون، یو.سی.ال.ای، برکلی و اروین پرداخت و پاره ای از برنامه های ادبی و فرهنگی خود را،چه از طریق تدریس در کلاسـها و چه از راه سخن گفتن در رادیو و تلویزیون، آغاز کرد. نـادر پور در بهار سال ۱۳۷۹ در آمریکا از دنیا رفت.گروه : علوم انسانیرشـته : زبان خارجیتحصـیلات رسـمی و حرفه ای : نادر پور دوره های دبستان و دبیرسـتان را در تهران گذراند سپس برای تحصیل در رشته ادبیات فرانسه به دانشگاه سوربن پاریس رفت. او همچنین در سال ۱۳۴۳، برای تکمیـل مطالعات خود در زبان و ادبیات ایتالیایی به آن سـرزمین رفت و در شـهرهای پروجا و رم به تحصـیل پرداخت.زمـان و علت فوت : نـادر نـادر پور در بهار سال ۱۳۷۹ در آمریکـا از دنیا رفت.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : نادرپور پس از گرفتن لیسانس به تهران بازگشت و در طول سالیان متمادی، نخست در بخش خصوصی و سپس به عنوان کارشناس پیمانی در وزارت فرهنگ و هنر، به انتشار ماهنامه های " هنر و مردم " و " نقش و نگار " ادامه داد و مدتی مسئولیت سردبیری آنها را بر عهـده داشت. از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷، سـمت سـرپرستی گروه ادب امروز را در رادیو تلویزیون ملی ایران عهده دار شد و برنامه هـایی درباره زنـدگی و آثار نوآوران ادب معاصـر ساخت.فعالیتهای آموزشـی : نادر پور پاره ای از برنامه های ادبی و فرهنگی خود را،چه از طریق تـدریس در کلاسـها و چه از راه سـخن گفتن در رادیو و تلویزیون، ارائه می کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نادر پور در مرداد ۱۳۵۹ از تهران به پاریس رفت و تا اردیبهشت ۱۳۶۵ در آن شهر اقامت داشت. او در همانجا، به عضویت افتخاری اتحادیه نویسـندگان فرانسه برگزیده شد و در مجامع و گردهمایی های گوناگون شرکت جست و سخن راند. در بهار سال ۱۳۶۵ به دعوت بنیاد فرهنگ ایران در بوسـتون، عازم آمریکا شد و از آن پس، به سخنرانی های متعدد در دانشگاه های هاروارد، جرج تاون، یو.سـی.ال.ای، برکلی و اروین پرداخت.چگونگی عرضه آثار : ۱۳۶۷ هفت جلـد از این مجموعه ها با چاپ های متعـدد در تهران و هشـتمین آن، نخست در پـاریس و سـپس همراه جلـد نهم توسط شـرکت کتـاب در لـوس آنجلس منتشـر شـده است. علاـوه بر این مجموعه هـا، دو جلـد برگزیـده اشـعار نـادر نادرپور نیز در تهران، بارها به طبع رسـیده است. از این اشـعار، ترجمه های گوناگون به زبانهای فرانسه، انگلیسی، روسی، آلمانی، و ایتالیایی انتشار یافته است. نادر پور، اشعار بسیاری از شاعران بزرگ فرانسوی و ایتالیایی را به فارسـی ترجمه کرد و مجموعه ای از آثار گروه اخیر را زیر عنوان " هفت چهره از شاعران معاصر ایتالیایی " به همراهی " بیژن اوشیدری " انتشار داد.

نادم، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن نادم

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن نادم پس از گذراندن دوران ابتدائی و ۲ سال از مقطع راهنمائی، در سال ۱۳۵۶ در سن ۱۴ سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهرستان شهرضا قدم نهادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به قم عزیمت نمودم و با گذراندن دوران مقدمات، در مدرسه «آیهٔ الله گلپایگانی (ره)»، در سال ۱۳۵۹ در درسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و از محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آقایان: «وجدانی فخر»، «باکوئی»، «اشتهاردی»، «محامی»، «اعتمادی»، «محقق داماد»، «پایانی» و «ستوده» دروس سطح را استفاده کردم و همزمان در دروس جنبی (رجال، درایهٔ، اعتقادات، نهج البلاغه، فلسفه و تفسیر) از اساتید بزرگواری دیگر مانند: «آیهٔ الله نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «مصباح یزدی»، «جوادی آملی»، «ممدوحی»، «فیاضی» و دیگر عزیزان بهره بردم.

در سال ۱۳۶۵ موفق به شرکت در درس خارج حضرات آقایان: «مکارم»، «فاضل»، «مومن»، «هاشمی شاهرودی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» به مدت ۷ سال شدم و در ضمن این مدت در درس تفسیر «آیت الله جوادی» و فلسفه «آیهٔ الله انصاری شیرازی» و استاد فیاضی شرکت جستم. در سال ۱۳۷۲ وارد گروه تخصصی کلام حوزه شدم و این دوره هم به پایان رساندم.

بر حسب وظیفه از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، مسؤلیت دفتر نهاد را در دانشکده پزشکی شهرستان فسا و دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی همان شهر به عهده گرفتم و همزمان تدریس دروس معارف اسلامی: (منطق، تاریخ، اخلاق، فقه، مبانی اصول و ...) را داشتم. در مدت حضور در دانشگاه به تدریس در حوزه علمیه خواهران و برادران آن شهرستان در دروس: (فقه، اصول، اعتقادات، اخلاق) نیز مشغول بودم. پس از بازگشت به حوزه علمیه و تکمیل دوره تخصصی کلام توفیق همکاری با نهاد محترم مقام معظم رهبری در دانشگاههای سراسری آزاد را در سمت «معاونت فرهنگی» به عهده داشتم و همزمان در دانشگاه الهیات و دانشگاه شهید عباسپور نیز تدریس داشتم.

با گذشت این دورانها در سال ۱۳۷۶ تصمیم به ماندن به طور دائم در قم گرفتم و با ادامه درس حوزه به همکاری با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سمت مدیریت آموزش و پژوهش و عضویت در گروه مذاهب پرداختم. در این قسمت هم همکاری علمی اجرائی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور داشتم و نیز همکاری با بنیاد نهج البلاغه تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۸۱ به عضویت هیات علمی مرکز ادیان در آمدم و تمام وقت به تحقیق و پژوهش پرداختم که آثار آن متعاقبا به اطلاع می رسد.

ناشر الاسلام، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین ابن السید محمد بن السید نعمه‌الله بن السید محمدحسین بن السید حسن‌علی بن السید علی‌اکبر بن السید عبدالله بن السید نورالدین بن السید نعمت‌الله الجزایری بن السید عبدالله بن السید محمد بن السید حسین بن السید احمد بن السید محمود بن السید غیاث‌الدین بن السید مجدالدین بن السید نورالدین بن السید سعیدالدین ابن السید عیسی بن السید موسی بن السید عبدالله بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه‌السلام.

مترجم محترم ما از علماء اعلام و آیات عظام و حجج اسلام معاصر ما می باشند که اکثر عمر خویش را در راه تبلیغ دین و ترویج مذهب گذرانیده و تحمل مشاق و شدایدی نموده و خدماتی بنانا و بیانا انجام داده و برای انجام وظائف دینی و روحی مسافرتهای خطرناکی نموده است.

در سال ۱۳۰۵ قمری یعنی ۸۸ سال قبل در شهر شوشتر متولد شده و در مهد علم و شرافت و مجد و سیادت نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را نزد علماء آن سامان خوانده در سال ۱۳۷۷ قمری مهاجرت به عراق کرده و مدتی در سامرا اقامت و از آنجا به نجف اشرف عزیمت کرده و از محضر آیات عظام میرزا علی ایروانی و شیخ محمدتقی قمشه‌ای و آیت‌الله العظمی السید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده است و پس از آن سفری به هند نموده برای معالجه چشم و بعد از معالجه به آفریقای شرقی رفته و یکسال توقف آنگاه به نجف برگشته و بعد از مدتی باز مسافرت به آفریقا کرده و بعد از اطلاع آیت‌الله العظمی اصفهانی از سفر ایشان به وسیله ارسال نامه‌ای امر به توقف در آن سامان نموده برای ارشاد و به سرپرستی شیعیان آفریقا در جزیره (ماداگاسگار) توقف نموده تا موقع جنگ جهانی که ۷ سال اقامت کرده و از آنجا به زنگبار رفته و یکسال توقف و در مسجد (قوه الاسلام) آنجا امامت نموده و از آنجا به مکه مشرف و پس از اداء مناسک به نجف اشرف مراجعت کرده و در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی هم به امر معظم‌له مسافرت سوم به آفریقا نموده و دو سال تمام توقف و انجام وظائف کرده و در آنجا به تالیف کتب دینیه در فقه و عقاید و اخلاق به زبان کجراتی کرده و چون آثار ضعف و انکسار در وی بارز گشته از افریقا مراجعت به نجف اشرف نموده تا سال ۱۳۹۱ قمری که مانند ده‌ها هزار نفر ایرانی دیگر اخراج به ایران و رحل اقامت در قم افکنده است.

آثار علمی و تالیفات ارزنده و مفیده ایشان از این قرار است:

۱- بستان اسلام در اخلاق بلغت کجراتی که دو بار در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ به طبع رسیده ۲- نورالهدایه در فقه بلغت کجراتی در

سال ۱۳۶۶ طبع شده است.

۳- وسیله الناشریه در عقاید بلغت کجراتی در سال ۱۳۶۶ منتشر شده ۴- کشکول الناشریه در لغت فارسی.

۵- اسلام و دانش در اجتماع فارسی ۶- عشرات ناشریه در مواعظ ۷- ساختمان بشر در شرح حدیث نبوی (من عرف نفسه فقد عرف ربه) ۹- طلب الثار فی احوال المختار مع ذکر تاریخ میثم ۱۰- حدیقه عاطره در مطالب دینیه اخلاقیه و حکمیه و غیرها.

و آثار مخطوط دیگری دارند که هنوز به طبع نرسیده است.

(۱۳۰۵- ز ۱۳۹۱ ق)، عالم دینی. نسبش به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در شوشتر به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح در ۱۳۳۷ ق به عراق رفت، مدتی در سامرا ماند، سپس به نجف رفت و از محضر آقا میرزا علی ایروانی و شیخ محمد تقی قمشه‌ای و آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در پی معالجه چشم به هند رفت و از آنجا به آفریقای شرقی مسافرت نمود و پس از یک سال به نجف بازگشت و مجدداً به آفریقا مسافرت نمود. وی به دستور آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی عهده‌دار زعامت شیعیان آفریقا گردید و در جزیره‌ی ماداگاسکار سکونت گزید. در جنگ جهانی دوم به زنگبار رفت و مدت یک سال در مسجد قوةالاسلام آنجا اقامه‌ی جماعت نمود. پس از سفری به مکه به نجف بازگشت و در زمان آیت‌اللّه بروجردی برای بار سوم به آفریقا رفت و مدت دو سال در آنجا به تبلیغ و تألیف کتب دینی پرداخت. آنگاه به نجف مراجعت نمود و در ۱۳۹۱ ق به همراه ایرانیان اخراجی از عراق در قم سکونت گزید. از آثارش: «بوستان اثنی عشری»؛ «بوستان اسلام»، در اخلاق، به زبان گجراتی؛ «نورالهدایهٔ»، در فقه، به زبان گجراتی، «وسیلهٔ الناشریهٔ»، در اصول، به زبان گجراتی، «کشکول الناشریهٔ»، فارسی؛ «العشرات الناشریهٔ»، در مواعظ؛ «ساختمان بشر»، در شرح حدیث «من عرف نفسه...»؛ «حدیقه عاطره»، در مطالب دینی، اخلاقی و حکمی، «طلب الثار»، در احوال مختار با ذکر تاریخ میثم.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۴۸۵)، الذریعه (۸۵/ ۲۵ ،۳۸۵/ ۲۴ ،۲۶۴/ ۱۵)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۶۵۲/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۱ -۲۸۰/ ۲).

ناصح تهرانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۷۷ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، منطق، فقه، اصول و دوره‌ای از حکمت را نزد اساتیدی چون وحید دستگردی، میرزا رضاخان نایینی، حبیب‌اللّه مظفری و میرزا ابوالحسن شعرانی آموخت. وی با دو زبان عربی و فرانسه نیز آشنایی یافت. او در ۱۳۰۰ ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر دبیرستان‌ها به خدمت اشتغال ورزید و به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان درجه‌ی اول علمی نایل گردید. وی از اعضای انجمن ادبی ایران بود و تا پایان عمر ریاست آن را برعهده داشت. لازم به ذکر است که مصلح‌الدین مهدوی، صاحب تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان»، مولد صاحب عنوان را اصفهان دانسته است. از آثار وی: «اندرز ابن‌سعید»، ترجمه؛ «سیره‌ی جلال‌الدین یا تاریخ جلالی»، ترجمه؛ «زندگانی صلاح‌الدین ایوبی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه و مقدمه «دیوان» ابوالفرج رونی، شرح «بوستان» سعدی؛ رساله‌ای در «شرح حال خاقانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال صاحب بن عباد اصفهانی»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۹۶ -۴۹۴)، الذریعه (۱۱۵۳ -۱۱۵۲ / ۹)، سخنوران نامی (۴۴۵ -۴۳۷ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۶۴ -۳۵۵۹/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۰ -۹۰۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۸۰، ۱۴۹۹، ۱۴۹۸ ، ۸۶۶، ۳۵۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۵۸ -۵۷)، گلزار جاویدان (۱۲۸۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۸ -۴۲۷/ ۴).

ناصح، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد مهدی ناصح در آذر ماه ۱۳۱۸ در زهان قاینات پا به عرصهٔ وجود نهاد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال۱۳۶۱ است. وی پس از طی مراتب و مدارج علمی استادیاری ،دانشیاری از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲ به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد نائل آمد .دکتر ناصح پس از ۴۴ سال خدمت آموزشی به افتخار بازنشستگی نایل گشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات فارسی

والدین و انساب : محمد مهدی ناصح فرزند شیخ محمد حسین چهکندوکی است که پدرش به شغل معلمی اشتغال داشت.همه نسل های گذشته دکتر ناصح (۱۰ الی ۱۲ نسل) همگی اهل علم بودند.اجداد قدیمی او از کرمانشاه بودند که در عهد صفوی به ناطق خراسان آمدند.خاندان ناصح در منطقه بیرجند ،خاندان بزرگی بود که به تحصیل و علم آموزی معروف بودند.

خاطرات کودکی : محمد مهدی ناصح از مدتها پیش برای نوشتن شرح حال خود به نظم ونثر اقدام کرده که بخشی از آن با عنوان "فرشتهٔ یاد" در کتاب پاژ ۱۵ به چاپ رسانیده است.دکتر ناصح این دوران را به بازی کودکانه و بازیگوشی گذرانـد و همین امر باعث می شد که از طرف پدر مورد تنبیه قرار گیرد.تحصیلات ابتدایی را در روستاهای مختلف بیرجند به تحصیل پرداخت.با گویشهای محلی آن مناطق آشنا شد او از اول دبیرستان یادداشتهایی در این زمینه دارد که بعد آنها را بصورت آثاری درآورده و به چاپ رسانید. در این آثار می توان دوبیتی های عامیانه مردم خراسان جنوبی و شعر غم شامل رباعیهای بیرجندی و پاره ای از امثال و حکم بود (که در حال تدوین است) اشاره کرد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد مهدی ناصح در خانواده ای فرهنگی و مذهبی بدنیا آمد. از لحاظ اقتصادی در شرایط متوسطی بودند. ولی در سالهای ۱۳۲۴ که سالهای قحطی بود و مادر دکتر ناصح مجبور بود که غذای خانواده را جیره بندی کند.دکتر ناصح از آن دوران چنین به خاطر می آورد ":در عین کودکی به این امر واقف بودیم که راه زندگی قناعت است. به ما گفته بودند که هرکس بخواهد دارای عقل و هوش باشد باید به اندازه گوشش نان بخورد و من سعی می کردم در همین حد به نان ساده قناعت کنم".

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مهدی ناصح دوران مدرسه را از سال ۱۳۲۴ دریکی از روستای بیرجند آغاز کرد. پس از آن دوران تحصیل در دبستان را در روستای بورنگ و بجد ادامه داد وسرانجام در دبستان شوکتیهٔ بیرجند به پایان برد. دوران دبیرستان را در بیرجند بین سالهای ۱۳۳۱تا ۱۳۳۵ ادامه داد. در این سال بود که در آزمون دانشسرای مقدماتی بیرجند پذیرفته شد و دوسال بعد از مهرماه ۱۳۳۷ بـه خدمت درادارهٔ فرهنگ(آموزش وپرورش) بیرجند درآمد و دوران معلمی را آغاز کرد. وی در سال ۱۳۴۴در دورهٔکارشناسی زبان وادبیات فارسی دانشگاه مشهد پذیرفته شد و این دوره را در سال ۱۳۴۹ به پایان برد و همان سال بلافاصله در دورهٔ کارشناسی ارشد همان دانشگاه که به تازگی آغاز شده بود، به تحصیل پرداخت و دوسال بعد به عنوان اولین فارغ التحصیل دورهٔ کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد این دوره را با رتبهٔ ممتاز به پایان رسانید. در سال ۱۳۵۳ به پیشنهاد زنده یاد دکتر یوسفی به دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و به عنوان مربی کار آموزشی خود را در دانشگاه آغاز کرد. در سال ۱۳۵۵ که دورهٔ دکتری دراین دانشگاه تأسیس شد به عنوان نخستین داو طلب برای تحصیل دراین دوره پذیرفته شد. ۶ سال بعد که وی به سال ۱۳۶۱ از پایان نامهٔ دکتری خود با رتبهٔ ممتاز دراین دانشگاه دفاع کرد، در واقع او نخستین فارغ التحصیل این دوره از دانشگاه فردوسی مشهد نیز به شمار می آمد.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمد مهدی ناصح در دوران تحصیل به دروس بحث و کلام بیش از همه چیز اهمیت می داد. دکتر ناصح در این باره می گوید": قلم و کاغذ در زمان ما کمتر بود و بیشتر نوشته هایم روی لوح انجام می گرفت،لوح چوبی که بعد آن را می شستیم و خشک می کردیم و بار دیگر از آن استفاده می کردیم".

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد مهدی ناصح در حین تحصیل به جزء مطالعه کتاب و تهیه یادداشت و همچنین تهیه مقالات و رساله به کار دیگری اشتغال نداشتند.

استادان و مربیان : مرحوم احمد احمدی (از استادان در بیرجند) ، مرحوم یوسفی ،دکتر فاضل ،دکتر مقینی ،دکتر شهابی و غیره (از دوره دانشکده) از اساتید محمد مهدی ناصح بودند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد رضا راشد ،دکتر محمد تقی راشد ، مرتضی ناصح (برادرش) ،دکتر سلیمی ، دکتر رفیعی و آقای باقرپور و جمعی دیگر از همدوره ایهای دکتر محمد مهدی ماصح بودند.

همسر و فرزندان : محمد مهدی ناصح متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم آیت اللهی ،دبیر بازنشسته آموزش و پرورش در رشته جغرافیا است. ایشان دارای یک فرزند پسر بنام علی ناصح و دو فرزند دختر بنام های الهه ناصح و دیگری هایده ناصح.خانم الهه ناصح دارای مدرک پزشکی بود که بر اثر یک بیماری ناشناخته ای درگذشت و دومی خانه دار است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ مربی دانشگاه فردوسی مشهد – ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ استاد یار دانشگاه فردوسی مشهد – ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد – ۱۳۷۴ تا مهر ۱۳۸۲ استاد دانشگاه فردوسی مشهد

فعالیتهای آموزشی : محمد مهدی ناصح در دوره های کاردانی ،کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه فردوسی مشهد به امر تدریس می پرداختند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد مهدی ناصح بانی یک مدرسه و همچنین دوره تحصیلات تکمیلی چند دانشگاه بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی ناصح در کنار تدریس به کارهای تحقیقاتی و پژوهشی و همچنین به راهنمایی رساله های دانشجویی می پردازد

جوائز و نشانها : محمد مهدی ناصح یک جایزه مشترک با همکاری دیگر همکاران در باب تصحیح تفسیر ابوالفتوح رازی دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : محمد مهدی ناصح بیشتر از ۷۰ مقاله در نشریات علمی کشور بچاپ رسانیده است. او همچنین در ۳۳ کنگره، کنفرانس ونشست علمی در داخل وخارج از کشور با ارائهٔ مقاله شرکت داشته است.ایشان همچنین بیش از ۱۰۰ رساله در دوره های کاردانی ،کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری را راهنمایی کرده است. ------------------------------ --

آثار :

۱ راهنمای نگارش و ویرایش

ویژگی اثر : انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، سال ۱۳۶۳، با همکاری آقای دکتر محمدجعفر یاحقی. چاپ شانزدهم، بهنشر مشهد، سال ۱۳۷۹.

۲ روض‌الجنان و روح‌الجنان

ویژگی اثر : مشهور به تفسیر ابوالفتحوح رازی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، در ۲۰ جلد، ؟ آقای دکتر یاحقی جلداول و دوم سال ۱۳۷۱، جلد سوم سال ۱۳۷۰، جلد چهارم و پنجم سال ۱۳۷۲، جلد ششم سال ۱۳۷۴، جلد هفتم سال ۱۳۷۵، جلد هشتم و جلد نهم سال ۱۳۶۶، جلد دهم سال ۱۳۶۸، جلد یازدهم و دوازدهم سال ۱۳۶۷، جلد سیزدهم سال ۱۳۶۸، جلد چهاردهم و پانزدهم سال ۱۳۶۹، جلد شانزدهم سال ۱۳۶۵، جلد هفدهم سال ۱۳۶۶، جلد هیجدهم، نوزدهم و بیستم یال ۱۳۷۵.

۳ شعر دلبر، دوبیتی‌های عامیانهٔ بیرجندی دفتر اول

ویژگی اثر : انتشارات محقق، مشهد، سال ۱۳۷۳.

۴ شعر دلدار

ویژگی اثر : در دست چاپ

۵ شعر غم

ویژگی اثر : انتشارات مرکز خراسان‌شناسی، مشهد سال ۱۳۷۹ شامل ۲۹۲ صفحه

۶ شعر نگار، دوبیتی‌های عامیانهٔ بیرجندی

ویژگی اثر : دفتر دوم انتشارات محق، مشهد سال ۱۳۷۷.

۷ گزیدهٔ «مرصادالعباد»

ویژگی اثر : انتشارات جامی، تهران سال ۱۳۷۳

۸ گنج شایگاهان

ویژگی اثر : انتشارات شورای گسترش زبان وادبیات فارسی، تهران سال ۱۳۷۴.

ناصح، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی ناصح

محل تولد : قایات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۹/۱

زندگینامه علمی

محمد مهدی ناصح فرزند مرحوم شیخ محمد حسین ناصح چهکندوک است. وی در آذرماه سال ۱۳۱۸ خورشیدی در روستای زهان (از محلات معتبر و آباد قاین و بیرجند) پا به عرصه‌ی هستی نهاد. خانواده، اجداد و در گذشتگاه ناصح همه اهل علم و ادب و دیانت بوده‌اند. محمد مهدی ناصح دوران کودکی و نوجوانی را به دلایلی چند «از جمله: اشتغال پدرش به کار معلمی»، در بیرجند و توابع این شهرستان سپری کرده است. این دوره از زندگی ناصح مصادف است با دوران تحول فرهنگی در شهرستانها و افتتاح پیاپی مدارس جدید در روستاها و شهرها و رواج نسبی تحصیلات و تعلیمات عمومی به شیوه‌ی جدید.

نام برده به سال ۱۳۲۴ شمسی در کلاس اول دبستان «گز یک» پای به مدرسه نهاد و تا سال دوم دبستان در همان محل سپری کرد. پس از آن جا به «بورنگ»: (محلات بیرجند) آمد و کلاس سوم و چهارم دبستان را در آن جا گذراند. پس از آن به «قصبه‌ی بجد» در نزدیکی بیرجمند انتقال یافت و سال پنجم را در آن جا تحصیل کرد و پس از آن به بیرجند نقل مکان نمود و در کلاس ششم دبستان شوکی بیرجند، ادامه تحصیل داد.

ناصح در سال ۱۳۳۱ وارد دبیرستان شد و پس از گذراندن سه ساله‌ی اول دبیرستان (سیکل اول) در دبیرستان شوکی آن زمان از سال ۱۳۳۵ در کنکور مربوط به پذیرش محصل در دوره «دانش سرای مقدماتی» شرکت کرد و در این دوره قبول شد و پس از گذراندن دوران دو ساله‌ی دانش‌سرا، در مهر ماه سال ۱۳۳۷ در شهرستان «قاین» به خدمت اداره فرهنگ (سازمان آموزش و پرورش فعلی) درآمد و تا سال ۱۳۴۴ در مدارس این شهر به تدریس در دوره‌ی ابتدایی اشتغال داشت.

ناصح به سال ۱۳۴۴ در دانشکده‌ی «ادبیات و علوم انسانی» دانشگاه فردوسی مشهد، دوره‌ی لیسانس پذیرفته شد و پس از گذشت مدت ۴ سال، از این دوره فارغ التحصیل شد. در تمام این مدت نیز به خدمت فرهنگی در مدارس شهر مشهد اشتغال داشته است. نیز وی در سال ۱۳۵۰ شمسی در کنکور دوره‌ی فوق لیسانس «زبان و ادبیات فارسی» دانشکده‌ی ادبیات مشهد شرکت کرد و در سال ۱۳۵۲ این دوره را به عنوان اولین دانشجوی فارغ التحصیل دوره‌ی فوق لیسانس با درجه‌ی عالی به پایان رساند. همچنین وی به سال ۱۳۵۵ در دوره‌ی دکتری «زبان و ادبیات فارسی» در دانشگاه فردوسی مشهد شرکت کرد و پذیرفته شد و سرانجام در سال ۱۳۶۱ شمسی، به عنوان نخستین فارغ التحصیل دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی این دوره را با درجه‌ی ممتاز گذرانید.

ناصح‌الممالک بروجردی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۸ ش)، مؤسس و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به ناصح‌الممالك. در بروجرد به دنیا آمد. در شانزده سالگی همراه پدر به مکه و پس از آن به گنجه رفت و چند سال در آنجا ماند. سپس به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در ۱۲۸۲ ش کودکستانی تأسیس نمود. او سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده حمزه دفن گردید. از آثارش: «نصایح‌الاطفال»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حاجی اسماعیل‌خان متخلص به ناصح (و. بروجرد ۱۲۴۸. ف. تهران ۱۳۱۰ ه.ش) وی در ۱۶ سالگی با پدر به مکه رفت و مدتی در باکو، تفلیس، گنجه سیاحت کرد و در آن نقاط ادبیات فارسی را تدریس می‌کرد، سپس در تهران در خدمت معارف داخل شد و عمر خود را در تربیت اطفال و اداره‌ی کودکستان می‌گذراند. شعر نیز به حد متوسط می‌سرود. در حیاط امامزاده حمزه، جنب زاویه‌ی مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۲۶)، الذریعه (۱۶۸/ ۲۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۷۷/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۵۸۶/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۶ -۶۱۵/ ۱).

ناصر ترک یزدی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۷۴ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ناصر. وی نواده‌ی میرزا علی‌اکبر ترك، از دودمان جوانشیر و از مهاجران قفقاز بود. در یزد به دنیا آمد و در همان شهر به کسب دانش پرداخت و علوم فارسی و عربی را فراگرفت و از کودکی به سرودن شعر روی آورد. وی در بیست سالگی به علت نامعلومی از نعمت بینایی محروم گردید و به همین دلیل اغلب اشعار خود را حفظ می‌کرد. او در ۱۳۲۸ ش روزنامه‌ی «ناصر» را در یزد تأسیس و منتشر کرد. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۵۷ -۷۵۰)، الذریعه (۱۱۵۸ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۶۹ -۳۵۶۵/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳ -۹۱۲).

ناصر خسرو

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۵/ ۴۸۱ -۳۹۴ ق)، فیلسوف، متکلم، نویسنده، واعظ و شاعر، متخلص و ملقب به حجت. از آن رو که اشعارش حاوی پند، اندرز و مطالب حکمت‌آمیز بود موصوف به حکیم، حکیم ناصر یا سیدالحکماء گشت. همچنین نسبت مروزی که شاعر در «سفرنامه‌ی» خویش به آن اشاره کرده است، به سبب اقامت وی در مرو بوده که گویا مدتی در آنجا شغل دیوانی داشته است. به آورده‌ی دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، شهرت علوی برای ناصر خسرو مأخذ درستی ندارد و گویا ناشی از سرگذشت مجعولی است که برای او نوشته‌اند و به او نسبت داده‌اند که به پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رسد، و یا شاید به سبب علاقه‌ی شدید او به آل علی (ع) و اظهار این علاقه در آثار خود، یك نسبت روحانی و معنوی برای او پیدا و مشهور شده باشد و یا اینکه او را با اشخاص دیگری از قبیل سید محمد ناصر علوی قرن ششم اشتباه کرده باشند. ناصر خسرو از خاندان اعیان و اشراف بلخ بود که ثروت و املاك زیادی داشتند. در قبادیان بلخ به دنیا آمد. از کودکی به کسب علوم و آداب اسلامی پرداخت. حافظ قرآن بود و در تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و به ویژه علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت. علم کلام و حکمت الهی را به خوبی می‌دانست. او در ادیان مختلف تتبع می‌کرد و گفته شده که مشکلات تورات و انجیل را به فضلای یهود و نصاری تفهیم می‌نمود. در جوانی به دربار سلاطین و امرایی چون سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و سلاجقه راه یافت و به مرتبه‌ی دبیری رسید. او در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می‌کرد. به آورده‌ی «ریحانهٔالادب» و «تذکرهٔالشعراء»، ناصر خسرو با شیخ ابوالحسن خرقانی (من ۴۲۵ ق) معاصر و معاشر بود و فنون طریقت را نزد وی فراگرفت و به تهذیب باطن و سیر و سلوك پرداخت. ناصر خسرو بعد از تصرف بلخ به دست سلاجقه در ۴۳۲ ق به مرو که تحت حکومت ابوسلیمان جغری بیگ داوود بود، رفت. وی پس از طی مقامات، در اندیشه‌ی یافتن حقیقت و پس از خوابی که در ۴۳۷ ق دیده بود، به سفر پرداخت. در همین سال بار سفر حج بست و با برادر و غلام هندی خود روانه حجاز شد. این مسافرت هفت سال طول کشید. در این سفر چهار بار حج کرد و شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالك و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیرهٔالعرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان را سیاحت کرد. توقف وی در مصر به سال طول کشید و در این مدت با مبلغان مذهب فاطمی آشنا گشت و نفوذ سخن آنان بخصوص المؤید داعی الدعاهٔ شیرازی و آمادگی روحی خود ناصر خسرو موجب گرویدن او به مذهب اسماعیلی شد. بعد به

خدمت مستنصر باللّه ابوتمیم معد بن علی (۴۸۷ -۴۲۷ ق) رسید و بعد از طی مراحل و مدارج، مرتبه‌ی حجت یافت و از طرف امام فاطمیان به مقام حجت جزیره‌ی خراسان انتخاب و مأمور نشر مذهب اسماعیلی و ریاست باطنیه‌ی آن سامان گردید. در شرح حال ناصر خسرو، در کتاب «شرح سی قصیده» که به اهتمام دکتر مهدی محقق انتشار یافته و همچنین در اولین پیوست «تحلیل اشعار ناصر خسرو» آمده است: در معرةالنعمان با شاعر و فیلسوف نابینای عرب، ابوالعلاء معری، که متهم به الحاد و زندقه بود ملاقات کرد و در سمنان در محضر درس علی نسائی حاضر شد. وی همچنین در تبریز با قطران تبریزی و در قاین با ابومنصور محمد بن دوست ملاقات کرد. عاقبت به تهمت بد دینی و الحاد و نیز قرمطی و رافضی بودن، مجبور به ترک وطن شد. بعد از سالها سرگردانی در مازندران و نیشابور و بلخ عاقبت در حدود شصت یا شصت و سه سالگی، بین ۴۵۳ تا ۴۵۶ ق و به گفته‌ی بعضی در ۴۶۱ ق به یمگان از اعمال بدخشان رفت و به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت. او سرانجام در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شد. در مورد سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. به آورده‌ی صاحب «سخن و سخنوران»، مؤلف کتاب «بیان الادیان»، ناصر خسرو را معاصر خود می‌داند که قبل از تألیف آن کتاب (۴۸۵ ق) وفات یافته است. ناصر خسرو از قصیده‌سرایان درجه اول زبان فارسی ایران بود و به زبان عربی نیز شعر می‌سرود.از خصوصیات برجسته‌ی شعر ناصر خسرو این است که هرگز «دیوان» خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خود آورده، همه چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشته است. آثار منسوب به وی: «سر اسرار»، در تسخیر کواکب؛ « اکسیر اعظم»، در منطق؛ «قانون اعظم»، در علوم غریبه؛ «سعادت‌نامه»، سیصد بیت، در پند و حکمت؛ «روشنایی‌نامه»، در وعظ و پند و حکمت؛ «کنزالحقایق»؛ «تفسیر قرآن»؛ «دستور اعظم». از آثار وی: «زادالمسافرین» یا «زادالمسافر»، در کلام؛ «وجه دین»؛ «جامع‌الحکمتین»؛ «خوان الاخوان»؛ «گشایش و رهایش»؛ «سفرنامه»؛ «بستان العقول»؛ «دلیل المتحیرین»؛ «لسان‌العالم»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (۳۹۴ ه.ق- ۴۸۱ ه.ق) ملقب به «حجت» از حکما و متکلمین اسلام. در قبادیان از حوالی بلخ تولد یافت. از اوان جوانی به تحصیل علوم و فضائل و تحقیق ادیان و عقاید و مطالعه‌ی اشعار شعرای ایران و عرب پرداخت. در دوره‌ی جوانی به دربار محمود و مسعود غزنوی راه یافت. بعد از غلبه‌ی سلاجقه بر بلخ به مرو به دربار چغری‌بیگ رفت و تقرب یافت و به خدمت دیوانی گماشته شد. در سال ۴۳۷ ه. خوابی دید و به قول خود ناگهان از خواب گران چهل ساله بیدار شد، کارهای دیوانی و اداری را رها کرده و به جهانگردی و سیر آفاق و انفس پرداخت و در سفر هفت ساله‌ی خود حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید. وی در ابتدا مذهب حنفی داشت؛ در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنان گردید و از دعاة سرسخت اسماعیلیه شد و «حجت» زمین خراسان گردید. ناصرخسرو در مراجعت از این سفر به بلخ رفت و آشکارا شروع به تبلیغ عقاید اسماعیلی کرد لیکن با مخالفت فقهای متعصب سنی مواجه گردید و امرای سلجوقی درصدد کشتن او برآمدند. وی بالاخره به یمکان بدخشان گریخت و در آنجا عزلت جست و پس از عمری طولانی و آوارگی و آزار و رنجی که در آخر عمر از متعصبین و سایر مردم روزگار خود دید در یمکان وفات یافت. از آثار وی یکی «سفرنامه» اوست که بعد از مراجعت از سفر هفت ساله‌ی خود در ۴۴۴ ه.ق تألیف کرد، و دیگر زادالمسافرین که یادگار دوره‌ی آوارگی او بعد از مراجعت از سفر در خراسان و مازندران و طبرستان است، آثار مهم دیگر او عبارتند از «وجه دین»، «خوان اخوان»، «دلیل‌المتحیرین»، «روشنائی‌نامه»، «دیوان اشعار». مقدار ابیات دیوان او را تا سی‌هزار بیت نوشته‌اند، ولی آنچه اکنون در دست است حدود یازده هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۳۲ -۱۰۰۹/ ۳)، اعیان‌الشیعه (۲۰۴ -۲۰۲/ ۱۰)، با کاروان حله (۱۰۱ -۸۵)، بهشت سخن (۲۲۳ -۱۹۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ صفحات متعدد، ۸۹۸ -۸۹۳، ۴۶۹ -۴۴۳/ ۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۸۱ -۵۸۰، ۵۷۸، ۴۴۱، ۴۰۶، ۱۳۳/ ۱)، تاریخ گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۰ -۵۸)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۵۱ -۲۴۸، ۱۶۹)، تحلیل اشعار ناصر خسرو (پیشگفتار) تذکرةالشعراء (۷۳ -۶۹)، تقویم‌التواریخ (۹۳)، چشمه‌ی روشن (۹۰ -۷۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۰۵۴ -۱۰۴۸)، حبسیه در ادب فارسی (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (۴۵۷ -۴۵۶/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۹۳ -۲۹۹۲/ ۲)، دویست سخنور (۴۲۰ -۴۱۷) الذریعه (۱۰۸/ ۱۸، ۱۹۱ -۱۹۰، ۱۸۱، ۱۱ -۱۰ / ۱۲، ۲۷۲/ ۱۱، ۱۱۵۴/ ۹، ۳۶۱ -۳۶۰،(۱۵۱/ ۸، ۲۷۴/ ۷)، روضات الجنات (۱۵۰ -۱۴۹/ ۸)، ریاض‌العارفین (۲۳۴ -۲۳۲)، ریحانه (۱۰۳ -۱۰۰/ ۶)، سبک‌شناسی (۱۵۸ -۱۵۵، ۱۵۳ -۱۵۱، ۵۲/ ۲، ۴۲۴، ۴۰۱/ ۱)، سخن و سخنوران (۱۹۸ -۱۵۴)، شرح سی قصیده (۱۷ -۸)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۸۷ -۸۳)، صبح گلشن (۱۱۹ -۱۱۸)، طرائق‌الحقائق (۵۵۷ -۵۵۶ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۹ -۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۹۱۲ -۹۱۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۸ -۱۲۷)، کتابشناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، کشف‌الظنون (۹۹۱، ۹۹۰، ۱۴۳)، گنج و گنجینه (۵۷۵ -۵۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ناصر خسرو)، مجالس‌النفائس (۳۴۹ -۳۴۸)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۵ -۱۳۵۹/ ۳)، مرآةالخیال (۲۸ -۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸ -۵۰۳/ ۶)، هدیةالعارفین (۴۸۷/ ۱)، هزار سال شعر فارسی (۷۰ -۶۴)، هفت اقلیم (۳۵۸ -۳۴۸/ ۲)، هفت گنج کومش (۱۳۳ -۱۳۰)، یغما (س ۱۱، ش ۱، ص ۲۳، ۱۹).

ناصرالسلطنه تبریزی، نصراللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۰- ح ۱۳۱۲ ق)، خطاط. ملقب به دبیرالسلطنه و ناصرالسلطنه. وی مدتها عهده‌دار امور خالصه‌ی تهران و آذربایجان بود و در اواخر عمر از خاصان دربار مظفرالدین شاه گردید. ناصرالسلطنه از علوم ادبی بهره داشت و زبان فرانسه را نیک می‌دانست و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۰/ ۳)، شرح حال رجال (۳۴۹ -۳۴۸/ ۴).

ناصرالشعرای شیرازی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۹ ق)، روزنامه‌نگار. ملقب به ناصرالشعراء. در ۱۳۲۹ ق هفته‌نامه‌ی «زمان وصال» را در رشت تأسیس و منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۱/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۳/ ۱)، کتاب گیلان (۶۶۷/ ۳).

ناصری دولت آبادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیت الله حاج شیخ محمّد ناصری دولت آبادی، به سال هزار و سیصد و نُه هجری شمسی، در شهر دولت‌آباد برخوار واقع در ده کیلومتری شهر اصفهان، در خانواده‌ای که سهمی بسزا از زهد و تقوا و دانش دینی تحصیل کرده بود؛ به دنیاآمد. پدر ایشان، زاهد متّقی حجّهٔالإسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد باقر ناصری نام داشت، که خود در شمار عالمان فرهیخته آن دوران بود؛ و محضر دانشیان گرانسنگی همچون علامه آخوند کاشی و نیز جهانگیرخان قشقائی را به خوبی دریافته بود، و در شمار یاران و تلامیذ مورد عنایت خاصّ علامه مرحوم حاج آقارحیم ارباب نیز قرار داشت ایشان به هنگام بدنیا آمدن این فرزند، او را «محمّدعلی» خواند، و او بعدها به نام «محمّد» شهره شد. محمّد هنوز در دوران خردی به سر می‌برد، که پدر به اشاره مرحوم علامه ارباب راهی نجف اشرف شد؛ تا خدمت فقیهان و عارفان بزرگ آن دیار همچون آیت‌الله آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیهٔ الله آقا سیّد جمال‌الدین گلپایگانی را دریابد. بعد از مهاجرت پدر به نجف‌اشرف، حضرت آیهٔ الله ناصری تحصیل را در همان دوران خردی آغازید. این دوران با حضور در مکتب خانه‌ای در دولت آباد آغاز، وبعد از یکی دوسال با ورود به حوزه علمیّه اصفهان و تحصیل علوم ادبیِ رائج در آن‌حوزه، ادامه یافت. در این دوران که ایشان هنوز در دوران نوجوانی به سرمی‌بردند، لطف امیرمؤمنان شامل حالشان می‌شود، و استاد به همراه پدر و خانواده به نجف‌اشرف کوچ می‌کند. ایشان در این زمان چهارده سالی بیشتر نداشته‌اند. اگر چه در نجف‌اشرف مشکلات و فقر و کمبود امکانات اوّلیه این خانواده پنج نفره را در سختی بسیار قرار می‌دهد، امّا خاطرات شیرین استاد از آن دوران، نشان دهنده روحیّه علم و معرفت‌جوی ایشان در همان آغازین دوران ورود ایشان به نجف‌اشرف می‌باشد. این دوران دوسالی بیشتر به طول نمی‌انجامد؛ چه در این هنگام مادر رخت از این دنیای گذران به دار دیگر می‌کشد؛ و سعادت او را، که علیرغم غربتی که در آن شهرمقدّس داشت، در قبری در صحن مطهّر علوی که فاصله چندانی تا روضه منوّره نداشت، برای همیشه آرام می‌گیرد. یک سالی پس از آن، خانواده پدر به ایران باز می‌گردد، و ایشان را در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیل در نجف‌اشرف تنها می‌گذارد. این دوران، با رخت کشیدن‌ایشان به مدرسه صدر نجف آغاز؛ و فصلی جدید در زندگیِ ایشان آغاز می‌شود. پدر پیش از جدائی از فرزند، او را نخست به امیرمؤمنان و زان پس به مرحوم آیت‌الله شیخ محمّد حسین دهاقانی که در شمار اعلام و اوتاد آن شهر مقدّس بود، می‌سپارد؛ والحق که آن فقیه عارف فرزانه نیز در تربیت این جوان از هیچ دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کند. در این دوران، ایشان گذشته از شرکت در دروس علمیِ نجف اشرف، با شماری ازاهل معانی این شهر مقدّس همچون مرحوم حضرت حاج شیخ محمّد کوفی نیزآشنا، و در طریق معرفت ائمّه هدی دست به دامن آنان می‌زند. ایشان در این دوران، بخشی از علوم ادبی، حاشیه ملاعبدالله، معالم‌الأصول و قسمتی از شرح لمعه را، نزد مرحوم علامه آیت‌الله مدرس افغانی فرا می‌گیرد. ادامه شرح لمعه را از محضر آیت‌الله شیخ مجتبی لنکرانی، مکاسب را از محضر آیت‌الله حاج سیّد عبدالأعلی سبزواری، رسائل را ازمحضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم کرونی اصفهانی که بعدها به دامادی ایشان نیز سرافراز می‌شود، کفایه را از محضر آیت‌الله حاج شیخ محمّد حسین دهاقانی، و برای دوّمین مرتبه باز در محضر آیت‌الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای، خارج مکاسب محرّمه را از محضر آیت‌الله میرزا هاشم آملی، بحث خارج صلاهٔ آیات را از محضر آیت‌الله سیّد عبدالهادی شیرازی، و خارج بیع و خیارات را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده می‌کند. گذشته از این، در شماری دیگر از دروس همچون بحث خارج کتاب الحج آیت‌الله حاج سیّد محمود شاهرودی نیز شرکت، و یک دوره کامل اصول فقه را ازمحضر آیت‌الله العظمی حاج سیّد ابوالقاسم خوئی فرا می‌گیرد. در این دوران، با مرحوم آیت‌الله حاج سیّد جواد آل‌علی که در شمار علمای کشور کویت قرار داشتند، مجالس علمی مرتبی برقرار می‌نمودند، و بخش عمده این دروس را با هم مباحثه می‌کردند. ایشان در سراسر این دوران، محضر اخلاقی/عرفانیِ زاهد و عارف نامدار مرحوم آیت‌الله آقا سیّد محمّد کشمیری فرزند عارف بزرگ آیت‌الله سیّد مرتضی کشمیری را سخت غنیمت شمردند، و بسیار از محضر او آموختند و به عمل درآوردند. گذشته از ایشان، با بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبّاس قوچانی وصیِّ مرحوم علامه قاضی نیز آشنا و به درک محضر آنان می‌پرداختند. دراین شماراست مرحوم حضرت آقا سیّد هاشم حدّاد، که حضرت آیت‌الله ناصری گذشته از استفاده از تعالیم ایشان، با شماری از یاران ایشان همچون مرحوم علامه طباطبائی و حاج عبدالزهراء گرعاوی نیز بواسطه همین مجالس آشنا می‌شوند. درهمین دوران با مرحوم عارف بزرگ جناب حاج آقا اسماعیل دولابی نیز آشنا می‌شوند، و این آشنائی تا پایان عمر آن فقید سعید

ادامه داشت. ایشان، هر از چندی که به اصفهان می‌آمدند به دیدار این دوست قدیمی نیز می‌شتافتند و در منزل از ایشان دیدار می‌کردند. عارف گمنام مولوی قندهاری که الحق سراسر عمر را به توجّه و مراقبه گذرانید نیز در شمار یاران ایشان قرار داشت. میان این دو بزرگمرد، عقد اخوّتی بسته شده بود، و از همین رو تا پایان عمر جناب مولوی، این دو هرگز یکدیگر را فراموش نکردند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی نیز در همین شمار قرار داشت، که دوستیِ دیرینی میان این دو از دوران اقامت در نجف اشرف برقرار بود. حضرت آیت‌الله ناصری پس از آنکه به امر استادشان مرحوم آیت‌الله کشمیری به اصفهان بازگشت، گذشته از مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیری که سالیانی دراز در حوزه علمیّه این شهر اقامه نمود و تا کنون نیز ادامه دارد، به تربیت نفوس مستعدّ و طالب معارف الهی نیز همّت گماشت. گذشته از جلسات درس اخلاق ایشان که در شماری از مدارس علمیّه این شهر برگزار می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ و تذکیر ایشان که در مسجد کمرزرّین اصفهان برپاست، در میان عاشقان اهل‌بیت و طالبان معرفت الله از شهرتی بسزا برخوردار است. امید می‌بریم که خداوند وجود مبارک و شریف آن استاد فرزانه را پایدار دارد، و از تمامیِ مکروهات مصون نماید.

ناصری کلهر کرمانشاهی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، واعظ و شاعر، متخلص به ناصری. پدرش در جریان درگیری بین محمدحسین میرزای حشمت‌الدوله با محمدتقی میرزای حسام‌السلطنه در ۱۲۴۶ ق کشته شد. ناصری طبعی موزون داشت و شعر می‌سرود و در اشعار خود اختر تخلص می‌کرد. وی به عتبات عالیات رفت و مدتی در آنجا تحصیل نمود تا در زمره‌ی فضلا قرار گرفت و با دریافت اجازه از علمای بزرگ به کرمانشاهان رفت و به تدریس و وعظ پرداخت و به اصرار دوستان و آشنایان تخصلش را به ناصری تغییر داد. از اوست:

شاه دین‌پرور علی امیدگاه خسروان

داور دولت نگهبان پادشاه خسروان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۱۸۱۴ -۱۸۱۰/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳).

ناطق تبریزی، ناصح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۸۴/ ۱۲۸۰ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پدرش از وکلای دادگستری و از مشروطه‌خواهان بود. ناطق پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش جهت ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و موفق به اخذ درجه‌ی مهندسی در رشته‌ی راه و ساختمان شد. پس از بازگشت به ایران به استخدام وزارت راه و ترابری درآمد و مدت هشت سال مدیر کل سازمان راه‌آهن و نیز مدتی عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود و در ضمن عضویت هیأت مدیره شرکت ساختمانی اتکو را، که از کارهای مهم آن ساختمان سد کرج و سد سپیدرود بود، به عهده داشت. وی همچنین به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسه و عربی مسلط بود. از تألیفات وی: «زندگی مانی و پیام او». از ترجمه‌های وی: «آدمک حصیری»، «جنایت سیلوستر بونارد»، «شاهزاده خانم»، «آنژلیکا»، «ژانو و کولن»، «سپید و سیاه»، «میکرو میگاس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۳۸ -۶۳۵/ ۳)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۹۱ -۳۵۸۹/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۰۹، ۲۰۷۷، ۱۹۹۲، ۱۹۳۵: ۱۸۸۶/ ۲، ۱۳۶۴ -۱۳۶۳، ۱۰۵۳، ۲۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۸ -۴۹۷/ ۶).

ناطق، ناصح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق، مترجم.

تولد: ۱۲۸۴، تبریز.

درگذشت: ۲۵ مهر ۱۳۶۴، تهران.

ناصح ناطق فرزند جواد (از آزادیخواهان تبریز در دوره‌ی مشروطیت) تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان رسانید. سپس به عزم ادامه‌ی تحصیل در خارج از کشور، در امتحانات اعزام دانشجو به اروپا شرکت کرد، پذیرفته شد و به فرانسه رفت و در آنجا به اخذ درجه‌ی مهندسی در رشته‌ی راه و ساختمان نایل آمد. پس از بازگشت به ایران مدتی در وزارت راه خدمت کرد و متجاوز از هشت سال مدیریت کل ساختمان راه‌آهن و یک چند نیز عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود. وی از اعضای مؤسس شرکت مؤلفان و مترجمان ایران بود و از سال ۱۳۵۶ تا پایان عمر ریاست هیئت شرکت را بر عهده داشت .وی در زمینه‌ی

زبـان فارسـی و معادل‌یـابی برای واژه‌های فنی و علمی فعالیت بسـیار داشت و در این راه با غلامحسـین مصاحب و دیگران همکاری داشت. وی یکی از مؤسسین جمعیت آذربایجان بود.

ناصح ناطق پس از شهریور ۱۳۲۰ به همراه گروهی از ایرانی‌ها، به عنوان دوستدار آلمان‌ها به زندان متفقین گرفتار شد و مدت‌ها در اراک زندانی بود.

فهرست آثـار وی به شـرح زیر است: بحثی دربـاره‌ی زنـدگی مـانی و پیـام او (تهران، ۱۳۵۷)؛ ترجمه‌ی کتاب آدمک حصـیری (اثر آناتول فرانس، ۱۳۵۱)؛ ترجمه‌ی بخش اول جلـد چهارم تاریخ پیشـرفت علمی و فرهنگی بشـر (۱۳۵۳)؛ «درباره‌ی زبان آذربایجان» (بخشـی از کتـاب مجمـوعه سـخنرانی‌های کـانون فرهنگی ایران جـوان، ۱۳۵۱)؛ ترجمـه نمایشـنامه‌ی آنژلیکـا؛ ترجمـه‌ی جنـایت سیلوستربونـارد (آنـاتول فرانس، ۱۳۳۰)؛ شـاهزاده خـانم بابـل (ولتر، ۱۳۳۹)؛ ایران از نگـاه گوبینـو. مقالاـتی از وی در مجلاـت و روزنامه‌های مختلف و از جمله در «راهنمای کتاب» و «یغما» به چاپ رسیده است.

فرزنـد جـواد نـاطق یکی از آزادیخواهـان تـبریز در دوره‌ی مشـروطیت بـود کـه خـدمات وی در غـالب کتـبی که دربـاره‌ی نهضـت مشروطیت منتشر گردیده بود بوضوح و روشنی درج شده است. علاوه بر آن یکی از شیفتگان زبان و ادب فارسی بود.

ناصح در ۱۲۸۴ در شـهر تبریز پـا به عرصه وجود گـذاشت و در شـش سـالگی تحصـیلات خود را آغاز کرد و در مـدرسه‌ای درس خوانـد که اسـمعیل امیرخیزی ادیب مشـهور رئیس آن مـدرسه بود. پس از اتمـام تحصـیلات دبیرسـتانی به اروپـا رفت و در رشـته‌ی مهندسی راه و ساختمان درجه‌ی علمی عالی گرفت و به ایران بازگشت و در وزارت راه اشتغال ورزید. پس از مدت کوتاهی رئیس اداره و مـدیر کل شـد و زمانی نیز رئیس راه‌آهن بود. مـدتی هم عضویت شورای عالی سازمان برنامه را داشت. وی در راه‌سازی در ایران خدمات برجسته‌ای انجام داد و در احیاء ساختمانهای قدیمی و نوسازی آنها زحمات زیادی متحمل شد.

مهندس ناطق گذشـته از رشـته‌ی تخصصی خود یک مترجم عالیمقام و ادیب پرمایه و فرهنگی پرتوان بود. بنا به نوشته‌ی آقای ایرج افشار «ناطق به زبان فارسـی با نگاهی علمی، فرهنگی و ملی می‌نگریست و بدان اهمیت بسیار می‌داد و کوششهای باارزشـی در این راه کرد از آن جمله است همراهی و همکـاری بـا مرحـوم دکـتر غلامحسـین مصـاحب و مهنـدس صـفی اصـفیا، احمـد آرام، دکـتر گل‌گلاب و مصـطفی مقربی برای یـافتن و گزینش معادلهای فارسـی برای واژه‌ها علمی و فنی مورد نیاز دائره‌المعارف. حاصل کار آنها فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی شامل حدود هفتصد و پنجاه واژه است.»

از ناطق آثار ادبی زیادی باقی مانده است. از ترجمه‌های او می‌توان جنایت سیلوستر بونارد، دختر کلمانتین و آدمک حصیری آناتول فرانس را نـام برد. پنـج نمایشـنامه ولـتر را هم ترجمه کرد. کتـاب ایران از نگـاه گوینو از دیگر آثـار اوست. وی در ۱۳۶۴ در تهران درگذشت.

ناصـح مردی خیر بود. همه سـال مبلغی اعتبـار درنظر گرفته بود و صـرف خریـد کتـاب برای کتابخانه‌ی ملی تبریز اختصاص می‌داد. همچنین مقدار زیادی کتاب برای محققین ایرانی فرانسه که مورد لزوم بود به مؤسسـه‌ی مطالعات ایرانی دانشگاه پاریس می‌فرستاد. همچنین مبلغ قابل توجهی برای ساختن بیمارستانی در تبریز پرداخت. او یکی از پایه‌گذاران شرکت مؤلفان و مترجمان بود.

مرحوم ناصـح در سـال ۱۳۲۲ بـه اتفـاق عـده‌ای از رجـال و افسـران ارتش و مـدیران و مهندسـین راه‌آهـن از طرف متفقیـن بـه جرم ژرمانوفیلی بازداشت و در اراک زندانی شد. این دوره اسارت قریب یک سال بطول انجامید.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

ناطقی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلام حسین ناطقی

محل تولد : بامیان

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسین ناطقی تبعه افغانستان در سال ۱۳۵۴ شمسـی در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم و پس از دوران کودکی به دلیـل تعطیـل بودن مـدارس دولتی به خـاطر انقلاب به مکتب خانه رفتم و در مـدت ۴ – ۵ مـاه حضـور در آن، افزون بر آموزش روخوانی قرآن کریم، بر خواندن متون فارسـی نیز تسلط پیدا کردم به گونه ای که به راحتی می توانستم هر متن فارسی را بخوانم به همین دلیل مورد تشویق معلم و بستگان به ویژه خانواده ام قرار گرفتم و آنان تشویق نمودند که طلبه بشوم ولی به خاطر تعطیل بودن مدرسه علمیه ای که در محل سکونت ما بود و نیز کم بودن سنم که مانع رفتنم در جای دیگر می شد؛ چند سالی نتوانستم به مدرسه علمیه بروم.

در سال ۶۸ شمسـی مـدرسه علمیه «محمـدیه» در نزدیک محل منطقه سـکونت ما احیاء شـد و من از فرصت اسـتفاده نموده و به این مدرسه رفتم و به آموزش صـرف و برخی از کتابهای جامع المقدمات مثل: (عوامل فی النحو و ملامحسن) مشغول شدم ولی به دلیل نبود امکانات به ویژه در دسترس نبودن اسـتاد، اکثر ایام این مدرسه تعطیل بود. لذا در سال ۱۳۶۹ تصمیم گرفتم که به مدرسه علمیه «بلخـاب» بروم و در آنجـا ادامه تحصـیل بـدهم. پس از مسافرت به این مـدرسه و مـدتی تحصـیل دریافتم که متاسـفانه وضـعیت این

مـدرسه نیز بهـتر از مـدرسه محـل سـکونت مـن نیست لـذا بر آن شـدم که به جمهـوری اسـلامی ایران بروم و در حـوزه علمیه قم به فراگیری علوم اسلامی بپردازم .

به همین منظور در اواخر پـاییز ۱۳۷۰ شمسـی عازم جمهوری اسـلامی ایران شده و پس از ورود به جمهوری اسـلامی ایران و حضور در مرقد مطهر ثامن الائمه حضرت امام رضا به قم آمده و در حوزه علمیه مشغول تحصیل شدم. مدت دو سال به صورت آزاد درس خوانـدم و در سال ۱۳۷۳ در آزمون پذیرشـی مرکز جهانی علوم اسـلامی شـرکت کرده و پـذیرفته شـدم. پس از قبولی دراین مرکز، مـدت دو سـال به همـان شـیوه سـنتی (یعنی تمرکز دوره فقه و اصول) تنها و غافل از سایر علوم مورد نیاز یک روحانی و مبلغ تعالیم عالیه اسـلام، ادامه تحصـیل دادم ولی به این نتیجه رسـیدم که این شـیوه کارآیی کمتری دارد و نمی توانـد پاسـخگوی تمام نیازهای جامعه امروزی مسلمانان بوده باشد.

لذا در سال ۱۳۷۵ با توجه به سامان یابی آموزشـی مرکز جهانی علوم اسلامی و هدایت بخشی از طلاب به مدارس علمیه، به مدرسه علمیه مومنیه رفته و سطح دوم حوزه را تا سال ۱۳۷۸ به پایان رساندم. در همین سال آزمون کارشناسی ارشد در رشته «علوم قرآن و حدیث» از سوی مرکز جهانی برگذار شد و در آن شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از این، به مدرسه عالی امام خمینی انتقال یافتم و در آنجا ادامه تحصـیل دادم و سطح سه را در این مدرسه به پایان رسانده و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود تحت عنوان: «بررسی آرای شرق شناسان پیرامون گزارشات تاریخی قرآن» با درجه عالی دفاع نمودم و اکنون در سطح چهار حوزه مشغول به تحصیل می باشم.

ضمن اشـتغال در دروس حوزه، در امتحانـات دروس کلاسـیک شـرکت و به صورت جهشـی امتحـان داده و دیپلم خود را در رشـته معارف اسـلامی گرفتم. مدتی است که دست به قلم نیز هسـتم و در برخی از همایش های علمی پژوهشـی شرکت کرده ام از جمله: اولین همـایش ملی پژوهش هـای قرآنی حوزه و دانشـگاه که مقـاله «واقع نمـایی زبـان قرآن در گزاره ها تاریخی» را ارائه دادم و از مقالات برتر شـناخته شد و حق ارائه یافتم و آن را در کمیسـیون تخصصـی «قرآن و جامعه شناسی» ارائه و به سوالات اساتید پیرامون آن پاسخ دادم.

ناظرزاده کرمانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا محمد ناظر در ۱۲۹۶ تولـد یافت و از دانشـکده ادبیات تهران لیسانس گرفت. مدتی در وزارت کشور شاغل بود و آخرین سمتش در آن وزراتخانه معاونت فرمانداری تهران بود. از اهم مشاغل او شهرداری کرمان می‌باشد.

در انتخابات دوره شانزدهم که در ۱۳۲۸ انجام یافت ناظرزاده از طرف سیرجان وکیل شد و در دوره هفدهم نیز این سمت را احراز کرد و با جبهه ملی نزدیک شد و جزو فراکسیون جبه ملی در مجلس بود و قلما و قدما حکومت مصدق‌السلطنه را تأیید می‌کرد. بعد از مرداد ۱۳۳۲ از وکالت عزل و تحت تعقیب فرمانـداری نظامی وقت قرار گرفت و به قلعه فلک‌الافلاک تبعیـد شد. یک قسـمت از این تبعیـد مولود اختلافی بود که بین او و فرمانـدار نظامی تهران که در آن تاریـخ سـرتیپ فرهاد دادسـتان بود وجود داشت و گویا مورد هتک و حرمت هم شده و در حضور جمع او را مضـروب ساخته بودند. سـرتیپ مزبور با تلاش فراوان فرماندهی لشـکر کرمان را برای خـود دسـت و پـا کرده بـود، ولی چـون وجهه زیـادی نـداشت و قـوم و خـویش نزدیـک شـاه بـود نـاظرزاده از این انتصـاب جلوگیری و ابلاغ فرماندهی لشکر او را لغو ساخته، همین موضوع بعدا دردسر شدیدی پیش آورد.

دکتر نـاظرزاده در ۱۳۳۱ درجه دکترای زبـان و ادبیـات از دانشـگاه تهران گرفت و در دانشـکده ادبیات و دانشـکده معقول و منقول تـدریس می‌نمود. وی نویسـنده و شـاعر بود و غیر از روزنـامه شـهرآشوب که مـدتی در تهران انتشار می‌داد در روزنامه‌های مختلف مقاله می‌نوشت. ابتـدا بیشتر مقالاتش جنبه سیاسـی داشت بعـد سلسـله مقالاتی در ادبیات و عرفان و مسائل تحقیقی تاریخی به رشـته تحریر درآورد. سبک و انشاء روان و ذوق ادبی و تاریخی به نوشته‌های او شیرینی خاصی می‌داد و گاهی با طنز و مطایبه همراه بود و خواننـده را به تحسـین وامی‌داشت. نـاظرزاده کرمـانی در آخر عمر از حلیه بینـایی محروم شـد و بیماری‌هـای مختلف گریبان او را گرفت و در حدود ۶۰ سـالگی وفـات یافت. مردی خوش خلق، خوش طینت، فاضل و محقق ساده دل، نیک فطرت و خوش محضـر بود. گاهی شعر می‌سرود و اشعارش هم دلنشین و مضامین شیرین در برداشتند.

(۱۳۵۵ -۱۲۹۶/ ۱۲۹۲ ش)، نویسنده، شاعر، استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار. در کرمان به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و تحصـیلات ابتـدایی را در زادگـاهش و تهران به پایـان برد و از دارالفنـون در رشـته‌ی ادبی فارغ‌التحصـیل شـد و به مـوازات علـوم جدیـد، علوم قـدیم و فقه و عربی و فلسـفه را نیز آموخت. ناظرزاده رشـته‌ی علوم سیاسـی را در دانشـکده‌ی حقوق گذراند و سـپس موفق به اخذ لیسانس عالی گردید. وی درجه‌ی دکترای خود را در رشـته‌ی ادبیات فارسـی اخذ نمود و رساله‌اش را در «شرح حال و آثار عمادالـدین علی فقیه کرمانی» نوشت. سپس از طرف دانشگاه تهران به پاریس مأمور شـد و توانست در این مأموریت، دوره‌ی دکترای جامعه‌شناسی ادیان را نیز در دانشگاه سوربن به پایان برساند و رساله‌ی خود را در «تحقیق درباره‌ی مذهب جعفری» زیر نظر پروفسور هانری درش بنویسـد. وی از ۱۳۳۵ ق تدریس در دانشگاه تهران را آغاز کرد و در ۱۳۴۱ ش با سـمت نمایندگی ایران در کنگره مؤتمر اسـلامی شـرکت کرد. ناظرزاده در کار مطبوعاتی نیز دست داشت و مقالات متعددی در روزنامه‌ها و مجله‌های داخلی و خارجی چاپ می‌کرد و مـدتی معاون مجله‌ی «ایران امروز» و چنـدی هم سـردبیر مجله‌ی «سـلامت فکر» بود و زمانی نیز روزنامه‌ی «شـهر آشوب» را شـخصاً منتشـر کرد. وی در طول خـدمات دولتی عهـده‌دار مشـاغلی چون: شـهردار تهران، پیشـکار دارایی کرمان،

بازرس استانداری کرمان و کفیل استانداری تهران بود. وی بر اثر بیماری قند نابینا شد و سرانجام بر اثر سکته درگذشت. از دیگر آثار وی: «آوازهای جوانی»؛ «اختر»؛ «برفراز سیحون»؛ «دختر شامگاه»؛ «رقص به سه خنجر»؛ «شام شوم»؛ «آفات قرن»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۲۶۵)، بنیاد نمایش در ایران (۷۸)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۵۱۵ -۵۱۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۳۱)، دیوان اشعار مذهبی (مقدمه/ نه- چهارده)، الذریعه (۱۱۶۱/ ۹)، روزشمار تاریخ ایران (۱۷/ ۲)، ستارگان کرمان (۳۸۸ -۳۸۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۹۶ -۳۵۹۲/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۸۹، ۲۰۷۵، ۱۷۳۷/ ۲ ، ۱۳۶۲، ۱۳۳۷، ۱۰۴۷، ۴۸۴، ۲۶۴، ۱۲۹، ۶۹، ۴۳/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۵ -۴۷۴/ ۱).

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۸۰ ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به ناظم‌الاسلام. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم ادبی و عربی، از محضر حاج شیخ ابوجعفر مجتهد، فقه و اصول و از محضر میرزا آقا خان کرمانی، منطق و شرح «اشارات» را آموخت. وی در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و در درس میرزای جلوه و سید شهاب‌الدین شیرازی به تحصیل حکمت الهی پرداخت و در حوزه‌ی درس حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ هادی نجم‌آبادی نیز حاضر بود. وی از مشروطه‌خواهان و با جمعی از روشنفکران از جمله سید محمد طباطبایی محشور بود. پس از تأسیس مدرسه‌ی اسلام، توسط سید محمد طباطبایی، میرزا محمد در آن مدرسه ناظم شد و به همین دلیل به ناظم‌الاسلام ملقب گردید. ناظم‌الاسلام در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «کوکب دری» یا «کوکب دری ناصری» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. او سپس به کرمان بازگشت و در دادگستری به خدمت پرداخت و سرانجام در همان شهر درگذشت و در مقبره‌ی سید علویه به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «اصول عقاید»؛ «تاریخ بیداری ایرانیان»، در سه جلد؛ «خلاصهٔ‌العوامل»؛ «شمس‌التصاریف»؛ «مقامات حریری»، ترجمه؛ «علائم الظهور المهدی الموعود».[۱]

محمد بن علی (و. ۱۲۸۰ ه.ق- ۱۳۳۷ ه.ق)، از فضلا و مؤلفین معروف کرمان و صاحب تاریخ بیداری ایرانیان. در کرمان متولد شد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم ادبی پارسی و عربی و فقه و اصول در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و به تحصیل حکمت پرداخت و با واقعه‌ی «رژی» و انحصار تنباکو و برخاستن زمزمه‌ی آزادیخواهی در ردیف طلاب تجددخواه درآمد و تاریخ خود را تألیف کرد. بعد از استقرار مشروطیت در کرمان در عدلیه مشغول خدمت شد و در سال ۱۳۳۷ ه.ق در کرمان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۱۹ -۱۱۸/ ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۹۵، ۲۶۶/ ۴)، تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ هفده- بیست و چهار، ۱۰ -۹)، تاریخ جراید (۱۵۱ -۱۵۰/ ۴)، الذریعه (۳۰۸/ ۱۵، ۲۲۰/ ۱۴، ۲۴۲/ ۳)، شرح حال رجال (۱۹۶ -۱۹۵/ ۶، ۲۷۸/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۸، ۲۱۶۳/ ۲ ، ۱۲۸۱، ۶۷۹، ۲۶۰/ ۱) لغت‌نامه (ذیل/ ناظم‌الاسلام کرمانی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴ -۶۰۲/ ۵).

ناظم‌العلوم، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۷ ق)، نویسنده و مترجم. ملقب به ناظم‌العلوم. وقتی در ۱۲۹۰ ق ناصرالدین شاه برای اولین بار به اروپا سفر کرد، وی همراه دایی خود، علیقلی خان مخبرالدوله، که از ملازمان شاه در آن سفر بود به پاریس رفت و در مدرسه نظامی سن سیر در رشته توپخانه به تحصیل مشغول شد. پس از بازگشت به ایران از معلمین نظام سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان، که برای خود ارتشی تشکیل داده بود، شد. او مدتی نیز به علت اختلاف سر حدی با روسها به خوی رفت و بعد از مرگ ناصرالدین شاه به تهران بازگشت و مدتی رئیس مدرسه‌ی علمیه و از معلمین دارالفنون شد. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»؛ «اصول علم حساب»؛ «انموذجی از جبر و مقابله»؛ «تاریخ عمومی»؛ «حکمت ریاضی»، در اصول علم حساب تا لگاریتم؛ «تلماك»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۳۸۵ -۳۸۴/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۲۰۲ ، ۱۱۷۰، ۹۴۷، ۷۲۹، ۳۸۴، ۲۶۳، ۲۵۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۹/ ۴).

ناظم‌المهام، جبار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۷ ق)، مدیر روزنامه. وی مدتی مأمور صدور گذرنامه آذربایجان و چندی ژنرال کنسول ایران در بغداد بود و مدتی هم

ریاست کل اداره‌ی گذرنامه را به عهده داشت. نامبرده چون مورد توجه امرکبیر بود در موقع تأسیس روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه»، در ۱۲۶۷ ق، اداره آن، به او که صاحب چاپخانه بود، واگذار شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۳۳ -۳۳۰/ ۴)، دانشمندان آذربایجان (۹۳)، سبک‌شناسی (۳۴۳/ ۳)، شرح حال رجال (۲۳۳/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ناظم‌المهام).

ناقور تویسرکانی، مسیح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۱ ق)، روزنامه‌نگار. وی از شاگردان آخوند کاشی (م ۱۳۳۳ ق) و چندی سرپرست اوقاف اصفهان بود و از ۱۳۲۵ ق به بعد مدتی ریاست معارف و اوقاف یزد را به عهده داشت. میرزا مسیح در ۱۳۲۶ ق روزنامه‌ی «ناقور» را در اصفهان تأسیس و منتشر کرد. وی در اصفهان درگذشت و در کنار استاد خود، آخوند کاشی، دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۵۳ -۲۵۲/ ۴)، تذکرهٔالقبور (۴۹۹).

نامدار جویباری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس نامدار جویباری

محل تولد : جویبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس نامدار جویباری در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از یک سال به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت نمودم و در مدت پنج سال، سطح مقدماتی و متوسطه را در جوار حضرت ثامن الائمه با استفاده از اساتید به نام آن سامان به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیدم.

پس از اتمام سطح عالی نزد اساتید حوزه علمیه قم، در درس های خارج فقه و اصول اساتید و مراجع عالیقدر شرکت نموده ام و همزمان از محضر اساتید کلام و فلسفه نیز بهره برده ام. ضمن اینکه در تمام طول سنوات تحصیل قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اسلامی از فعالیتهای مثبت سیاسی غافل نبوده ام .

از سال ۱۳۶۳ هجری شمسی عملا و به صورت آزاد وارد حوزه تدریس در حوزه علمیه قم شدم و ابتدا از اولین کتابهای حوزوی: «جامع المقدمات» شروع به تدریس نموده و در طول سنوات در همه مراحل و پایه های درسی حوزه به تدریس پرداختم و هم اکنون چند سال است که به تدریس درس خارج مشغولم.

ناهج قزوینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناهج قزوینی در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در قزوین متولد گردید. پس از طی تحصیلات مقدماتی ، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت. پس از آن به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد. ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است. او سرانجام در دی ماه سال ۱۳۷۰ چشم از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر ناهج قزوینی ، شیخ عیسی مجتهد مناهجی و مادرش از سادات شیرخورشیدی قزوین بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ناهج قزوینی پس از طی تحصیلات مقدماتی ، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت.

زمان و علت فوت : ناهج قزوینی در دی ماه سال ۱۳۷۰ چشم از جهان فروبست و در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ناهج قزوینی پس از تحصیل علوم معقول و منقول به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است.

آرا و گرایشهای خاص : شعر ناهج قزوینی سراسر مدح ائمه ، زهد و اندرز است و از چاشنی تصوف و عرفان بهره دارد. --------
----

آثار :

۱ دیوان ناهج

ویژگی اثر : مجموعه هیچ نامه ، عشق عریان ، پیاله ، منظومه فلسفی در دیوان وی به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه : ۱ستایش امیر المومنین (در سروده های سخنوران قزوین) ، پژوهش: محمدعلی حضرتی ، قزوین: بحرالعلوم ، ص ۳۷۷

ناهید شیرازی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ش)، روزنامه‌نگـــار. وی در ۱۳۰۰ ش روزنـامه‌ی «ناهیـد» را در تهران تأسـیس و منتشـر کرد کـه اولیـن روزنـامه‌ی کاریکـاتوریستی و انتقـادی- اجتمـاعی بود و چون مقالات آن به زبان ساده عوام‌فهم نوشـته می‌شـد، مورد اسـتقبال عموم مردم قرار می‌گرفت. این روزنامه چنـد بار توقیف شد و سـرانجام در سال نهم انتشار در اثر حریق ناگهانی اداره‌ی روزنامه، دیگر انتشار نیافت. میرزا ابراهیم سرانجام در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۳۱۵ -۳۱۴)، تاریخ جراید (۲۵۹ -۲۵۵/ ۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۴۹ -۶۴۸/ ۵).

ناهید شیرازی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، دندان‌پزشک، رونامه‌نگار، نویسـنده و شاعر، متخلص به ناهید. در شـیراز به دنیا آمد. وی علوم ابتدایی و متوسطه را در تهران بـه انجـام رسانـد و در ۱۳۱۰ ش برای تحصـیل زبـان و ادبیـات فرانسه رهسـپار پاریس گردیـد و در دانشگاه سوربن به تحصـیل پرداخت و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. پس از بازگشت به ایران در ۱۳۱۳ ش وارد دانشکده‌ی طب شد و تحصیلات خود را در آن دانشـکده به پایان رسانـد و در ۱۳۲۰ ش رسـاله‌ی دکترای خود را دربـاره‌ی «سـیفیلیس دهان» نوشت و با درجه‌ی عالی قبول شد. دکتر ناهید به زبانهای انگلیسـی، فرانسه، عربی و ترکی تسلط داشت. وی از ۱۳۱۵ ش وارد خدمات فرهنگی- اجتماعی گردید و به نشر آثار نظمی و نثری خود در جراید و مجلات پرداخت و پس از چندی امتیاز روزنامه‌ای به نام «ندای زنان» را گرفت و مدتی آن را منتشر کرد. او همچنین انجمن ادبی ناهید را تأسیس نمود. در ۱۳۳۱ ش از طرف سندیکای دندان پزشکان ایران در یازدهمین کنگره جهانی دندان پزشـکان در لندن شرکت کرد. در ۱۳۳۴ ش از طرف وزارت فرهنگ به دانشگاه پاریس اعزام شد و ضمناً در رشـته‌ی بیماری‌های دهان و دندان از این دانشگاه و در رشته‌ی امراض کودکان از دانشگاه لندن تخصص گرفت. سپس به عضویت کنگره‌ی انجمن سـلطنتی بهـداشت لنـدن پـذیرفته شد. از دیگر آثار وی: «تاریخ نویسـندگان پاریس»؛ «خاطرات لندن» یا «مشاهدات ناهید»؛ «زندگانی من»؛ «سرطان فک»؛ «آماس گوشت دندان» یا «التهاب لثه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۶۴۸ -۶۴۵/ ۵)، الـذریعه (۱۱۶۷ / ۹)، زنـان روزنامه‌نگـار و اندیشـمند (۱۸۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۱۷ -۳۶۱۳/ ۶)، فهرست کتابهـای چاپی فارسـی (۲۰۰۲ ،۱۸۵۰ / ۲ ،۱۲۳۷، ۷۶۳، ۵۵/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۴/ ۶).

نایب الصدر، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میر محمـد صادق بن میرزا محمـد رضا فرزنـد میرزا ابوالقاسم مدرس عالم بزرگوار، و فاضل ارجمند و ادیب بوده، از آثارش کتابی است در دو مجلد در شجره‌نامه‌ی سادات خاتون‌آبادی فامیل خود.

از شـاگردان شـیخ انصاری و حاج ملا علی کنی بوده، در ربیع الاخر سال ۱۳۲۶ وفـات یافته، قبرش در زیرزمین تکیه‌ی خاتون‌آبادی در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نایینی، نصیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، واعظ و شاعر. اهل نایین و از نوادگان ملا سلمان (کمال) اعظ نایینی بود. نصیرا به شیراز و تبریز مسافرت کرد و در تبریز مدتی در خدمت میرزا صالح شیخ الاسلام تبریزی به سر برد. سپس به اصفهان بازگشت و در آنجا سکنی گزید. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

دل در طلب وعده خلافی دارم

در هر قدم از کعبه طوافی دارم

از دیدن روی او ندارم سیری

چون آینه اشتهای صافی دارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۶ -۴۰۵)، الذریعه (۱۱۹۹/ ۹)، صبح گلشن (۵۲۲ -۵۲۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳۸)، گلزار جاویدان (۱۶۳۳/ ۳).

نائینی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الأصل، اصفهانی المولد، طهرانی المسکن، از علمای معقول و منقول، و تارک دنیا بوده، و در بازارچه‌ی نایب السلطنه پاره‌دوزی می‌کرده، و به مشهدی حیدر معروف بوده. حاشیه بر شرح چغمینی در هیئت نوشته که به طبع رسیده است.

در ۱۳۴۴ به سن ۷۸ سالگی وفات یافته، نزدیک سر قبر آقا مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نبوی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسینعلی نبوی بن العلامه الورع آیه‌الله مرحوم آقا سید محسن نبوی اشرفی بهشهری عالم معاصر بندر گز است و در مسجد جامع آن اقامت جماعت مینمایند.

وی در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و سیادت نشو و نما و دروس مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه سطوح را از محضر مدرسین بزرگ آیه‌الله آقای آقا میرزا هاشم آملی داماد والد ماجدش و مرحوم والد و دیگران خوانده و بدروس خارج بعضی از آیات شرکت نموده و بعد از فوت مرحوم والد بایران مراجعت و چندی در بهشهر وطن پدری خود اقامت نموده آنگاه بنابر تقدیر و امر بعضی از آیات و استدعاء مردم بندر گز بآنجا عزیمت و رحل اقامت افکنده و تاکنون بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست توسعه مسجد جامعه بندرگز و تأسیس کتابخانه آنجا و خدمات ارزنده‌ی دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجاتی، محمدسعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سعید نجاتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۸/۱۳

زندگینامه علمی

با دیپلم تجربی با معدل ۵/۱۷ در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم و با رتبه ۱۳ وارد حوزه علمیّه و مدرسه علمیّه شهیدین گشتم. از سال اول تا آخر دوره سطح، در مدرسه شهیدین مشغول بوده ام و علاوه بر دروس متداول حوزه، دوره مکالمه عربی را تکمیل نموده و مکالمه انگلیسی را شروع نمودم. همچنین در برنامه تحقیق مدرسه شرکت نموده و تحقیقاتی را با موضوعات: «سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله)» و «مقارنه کتب صرفی»، «اصول»، «تاریخ امیر المؤمنین»، «تاریخچه و کتابنامه صحیفه سجادیّه» نوشته ام که برخی چاپ و منتشر شده است. همچنین دوره مقدّماتی فیلم نامه نویسی را در خانه هنر و اندیشه صدا و سیمای قم گذرانده ام.

الان در ترم ۶ رشته کلام اسلامی، دوره غیر حضوری مؤسسه امام خمینی (ره) و دوره عالی خارج فقه و اصول مدرسه شهیدین مشغول تحصیلم. در این دوران به صورت پراکنده و انفرادی کتابهای حلقه اولی شهید صدر، هدایه، صمدیه، مکالمه عربی، الموجز، لمعه و مغنی را تدریس کرده ام. همچنین در این مدت در کلاس های آموزش سخنرانی، مداحی و تبلیغ شرکت کرده و در مناطقی چون شهر یاسوج، شهرستان سی سخت، شهر بم، شهر بندرعباس، روستاهای منطقه هلیلان ایلام، شهر قزوین و روستاهای منطقه نوشان، تبلیغ برای عموم مردم و دانش آموزان در ایام تبلیغی مشغول بوده ام.

نجاتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، شاعر.

تولد: ۱۲۸۱.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۷۳.

محمدعلی نجاتی از اوان نوجوانی به عضویت انجمن‌های ادبی ایران و حکیم نظامی به سرپرستی وحید دستگردی درآمد. وی مدتی مدیریت مجله‌ی ادبی «ارمغان» را به عهده داشت. بعدها که به خدمت ارتش درآمد، مدت ده سال سردبیری مجله‌ی «ژاندارمری» را بر عهده داشت. آثار ادبی نجاتی اعم از شعر و مقاله در اغلب مجلات ادبی از جمله «یغما»، «ارمغان» و «گوهر» منتشر شده است.

نجاتی در طنز نیز آثار منظومی دارد و غیر از مقالات و تحقیقات ادبی، کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور اثر شرفشاه توسط وی ترجمه شده است.

شایان ذکر است که این کتاب به عنوان بهترین کتاب سال نیز شناخته شده است.

(۱۳۷۳ -۱۲۸۴ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه‌های اسلام و ثروت به پایان رساند. سپس به کسب علوم ادبی و عربی پرداخت و از محضر وحید دستگردی مایه‌های ادبی اخذ کرد و قریب ده سال به عنوان مدیر داخلی مجله‌ی «ارمغان» با وی همکاری نمود و در تصحیح متون ادبی همکار نزدیک او بود و چند سال نیز به عنوان معاون کتابخانه‌ی ملی مشغول خدمت گردید. از آثار وی: ترجمه‌ی «عجایب المقدور فی نوائب تیمور»، تألیف ابن عربشاه، به نام «زندگی شگفت‌آور تیمور»؛ «دیوان» شعر؛ اهتمام در انتشار «دیوان» شعر ملک‌الشعراء فتحعلی خان صبا.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۱۷۲/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۲۳ -۳۶۱۸/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۰۲/ ۱)، کشف الظنون (۱۱۲۸)، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۴۱۰)، گلزار جاویدان (۱۶۰۷/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰/ ۴).

نجار زادگان، فتح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فتح الله نجار زادگان

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ در شهر اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات، اصول، شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزه علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته «الهیات و معارف اسلامی» شد.

در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تهران در رشته «علوم قرآن و حدیث»، مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در رشته «فقه و اصول» در همان مقطع، پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشته علوم قرآن به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۷۸ رساله خود را دفاع کرد. در طی این مدت به دروس حوزوی نیز کم و بیش مشغول بود. آنگاه در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروههای دانشکده الهیات است، به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که هم اکنون نیز ادامه دارد.

تدریس در موضوعات: اصول، فلسفه، علوم قرآن، حدیث، تفسیر (به ویژه تفسیر تطبیقی) در حوزه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس اخلاق، متون اسلامی، معارف در دانشگاهها بخشی از فعالیتهای علمی ایشان محسوب می شود که هم اکنون نیز ادامه دارد. مدتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه و نیز

شورای برنامه ریزی مرکز جهانی همکاری داشته و هم اکنون نیز در رتبه دانشیاری با پایه ۱۲ عضو گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران می باشد.

نجار شوشتری، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۱/ ۱۱۴۰ ق)، عالم دینی، محدث، مفسر، واعظ و خطیب. بنا به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از «تذکره‌ی عبداللَّه جزایری» او از شاگردان جد صاحب تذکره، سید نعمهْاللَّه جزایری است و از وی روایت نموده است. نجار در طلب علم به اصفهان و مشهد مسافرت کرد و نزد ملا عبدالرحیم جامی و دیگران تلمذ نمود. و آثارش: «مجمع التفاسیر»، مشهور به «تفسیر ابن النجار» که از تفاسیر بزرگ قرآن است، رساله‌ای در «سیرالملوک»، به فارسی؛ جمع بین متن «الاستبصار» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «کشف‌الاسرار»، و همچنین جمع بین متن «التهذیب» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «غایهْالمرام»؛ تدوین «عقود المرجان فی حواشی القرآن» استادش، سید نعمت‌اللَّه جزایری، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۹/ ۱۰)، الذریعه (۲۴/ ۲۰، ۱۷/ ۱۸، ۱۹ -۱۸/ ۱۶، ۳۰۵/ ۱۵، ۲۴۹/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۰۷ - ۷۰۶/ ۱۲)، معجم‌المؤلفین (۶۷ -۶۶/ ۱۱).

نجار، ابوالحسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، عارف. از عرفای بنام زمان خود بود و با خواجه عبداللَّه انصاری معاصر. در قُهندوز که محلی میان هرات و بخارا بوده، درودگری می کرد. جامی از قول خواجه عبداللَّه سخنان بسیاری از او نقل کرده است.[۱]

اسکافی، فقیه و دانشمند مشهور معاصر ابوالفضل بیقهی و سلطان ابراهیم غزنوی (جل. ۴۵۱ ه.ق.) بوده و از او نیکویی و احسان دیده است. وی مسند تدریس نیز داشت و بی‌اجری و مشاهره درس ادب و علم می‌داد. اشعاری فارسی از او در کتب ادب آمده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن نجار)، نامه‌ی دانشوران (۱۴۵ -۱۳۷ /۷)، نفحات الانس (۳۵۵ -۳۵۰).

نجارزادگان، فتح الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهْ الاسلام دکتر فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۳۷ ش. در شهر اصفهان به دنیا آمد .وی تحصیلات خود را در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع تا مقطع دکتری ادامه داد و تؤام با تحصیل در رشته مذبور تحصیلات حوزوی را نیز کم بیش ادامه داد.فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروههای دانشکدهٔ الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد. کتاب " سلامه القرآن من التحریف " تالیف فتح الله نجار زادگان ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم قرآنیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم در رشتهٔ ریاضی شد. در سال ۱۳۵۸ به حوزهٔ علمیه اصفهان رفت و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات و اصول و شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزهٔ علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشتهٔ الهیات و معارف اسلامی شد. در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تهران در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (ع) در رشتهٔ فقه و اصول در همان مقطع پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشتهٔ علوم قرآنی به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۷۸ رسالهٔ خود را دفاع کرد و در طی این مدت دروس حوزوی را نیز کم و بیش ادامه داد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروههای دانشکدهٔ الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد.فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی فتح الله نجار زادگان به قرار زیر است: تدریس در موضوعات اصول، فقه، فلسفه، و حدیث در حوزهٔ علمیه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکدهٔ اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی بخشی از فعالیت‌های ایشان محسوب می‌شود. ۱. تدریس و پژوهش / مرکز جهانی علوم اسلامی/ ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ ۲. عضو شورای علمی گروه علوم قرآن / پژوهشکده حوزه ودانشگاه / ۱۳۷۹ — ۱۳۸۲ ۳. تدریس و پژوهش / دانشگاه تهران / ۱۳۷۸ ادامه دارد ۴. عضو هیئت

مدیره مجمع احیاء فرهنگ اسلامی / پژوهش و برنامه ریزی / ۱۳۸۰ ادامه دارد. جوائز و نشانها : کتاب " سلامه القرآن من التحریف "تـالیف فتـح الله نجار زادگان ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیـده شـد.چگونگی عرضه آثار : فتح الله نجار زادگان بیش از ۲۱ مقاله در زمینه رشـته تخصصی خود دارد.

آثار : ۱ التوسل و التبرک و الصلح مع العدو الصهیونی فی رسالتین بین واعظ زاده و بن باز ویژگی اثر : نشر مشعر/ ۱۳۸۳ ۲ پژوهش نامه در س اخلاق و تربیت اسـلامی دانشگاهها ویژگی اثر : مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی/ ۱۳۸۳ ۳ تحریف ناپذیری قرآن ویژگی اثر : مرکزتحقیقـات حـج با همکاری مرکز مطالعات فرهنگی حوزه علمیه قم/ ۱۳۸۴ ۴ تراث الشیعه القرآن ج ۱ ویژگی اثر : یکی از مـدیران علمی طرح / ۱۳۸۴۵ تراث الشـیعه القرآن ج ۲ ویژگی اثر : یکی از مــــدیران علمی طرح / ۱۳۸۵۶ تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی و معارفی از آیات در دیدگاه فریقین) ویژگی اثر : مرکز جهانی علوم اسلامی/ ۱۳۸۳ ۷ درسنامه متون اسلامی ویژگی اثر : مجمع احیای فرهنگ اسلامی/ ۱۳۸۳ ۸ سـلامه القرآن من التحریف ویژگی اثر : تهران ، چاپ اول ۱۳۷۸ ، چاپ دوم با اضافات فراوان/ ۱۳۸۲ / کتـاب سال جمهوری اسـلامی در سال ۱۳۸۳ و رتبـه نخست دوازدهمین نمایشـگاه بین المللی قرآن ۱۳۸۳ . آشـنایی با کتاب: سلامهٔ القرآن من التحریف و تفنید الافترأات علی الشیعهٔ الامامیهٔ سلامهٔ القرآن من التحریف و تفنید الافترأات علی الشیعهٔ الامامیهٔ/ فتح الله المحمدی (نجارزادگان). – تهران: مشعر، ۱۳۸۲. ۷۵۸ ص. کتابنامه ۱. قرآن – تحریف ۲. قرآن – دفاعیه‌ها و ردیه‌ها ۳. شیعه – دفاعیه‌هـا و ردیه‌هـا اهمیت قرآن کریم به عنوان یکی از دو ثقل اکبر بازمانـده از آورنـدهٔ عظیم الشأن آن و نقش بـارز و محوری این کتـاب کریم الهی در ایجـاد و ابقـأ اتحاد امت مسـلمان از مسائل بارز و قابل توجه در خصوص این متن و حیانی الهی است. به اعتقـاد عموم مسـلمانان قرآن از هرگونه تحریف و تغییر مصون بوده، دست تحولات و تغییران زمـان را به دامن مطهر آن راهی نیست و این تحقق وعدهٔ الهی است، چنان که به صـراحت در متن قرآن کریم ذکر شده است. یکی از اتهاماتی که به ناروا بر شیعه وارد شده و گاه بر آن اصرار شده است، اتهام اعتقاد به تعریف قرآن است که این امر بویژه در کتابی با عنوان اصول مذهب الشـیعهٔ الامامیـهٔ الاـثنی عشـریهٔ تـألیف ناصـر علی قفاری بتفصـیل مورد بحث قرار گرفته است. مؤلف با عنایت به این کتاب و برخی کتب دیگر که قبـل از آن تـألیف شـده و در آنهـا این اتهـام به شـیعه مطرح گردیـده است، اقـدام به تألیف کتاب سـلامهٔ القرآن من التحریـف نموده است. کتـاب در دو بخش اصـلی تنظیم شـده است: بخش اول به مسألـهٔ سـلامت قرآن از تحریف در نظر فریقین، با قطـع نظر از آرأ و افـترأات برخی افراد، پرداخته است. در بخش دوم به مسألـهٔ اتهامـاتی که در خصوص تحریف قرآن بر شـیعه وارد شـده پرداخته شـده است. بررسـی ادلـهٔ مصونیت قرآن از تحریف از نظر شـیعهٔ امامیه، بررسـی روایات تحریف قرآن در کتب شـیعه، بررسـی کتـاب فصل الخطاب محـدث نوری، شـهادت علمای امامیه به مصونیت قرآن از تحریف، بررسـی احادیث تحریف قرآن در کتب اهـل سـنت، و پاسـخگویی به شـبهات دکتر ناصر بن علی قفـاری در کتاب اصول مـذهب الشـیعهٔ، احسان الهی ظهیر در کتاب الشـیعهٔ والقرآن و محمـد مـال الله در کتـاب الشـیعهٔ و تحریف القرآن، از مهم‌ترین مباحث کتاب است. ۹ مصاف بی پایان با شـیطان ویژگی اثر : قم بوسـتان کتاب/ چاپ اول ۷۹ – چاپ دوم ۱۳۸۲۱۰ معانی بیان الفاظ القرآن ویژگی اثر : تحقیق نسـخه خطی/۱۳۸۴ ۱۱ ویژگی های امام علی ترجمه خصائص امام علی(ع) ویژگی اثر : ترجمه/ بوسـتان کتاب / ۱۳۸۲ /کتاب سال حوزه علمیه در سال ۱۳۸۳ در بخش ترجمه منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

نجف‌آبادی، غلام حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد محمـد صادق نجفی روضه‌خوان. در کربلا متولـد گردیـد، و در نجف ساکن، و در کتابخانه‌ی مولی علی محمد نجف‌آبادی بوده است.

کتب و رسائـل عدیـده تألیف نموده، از آن جمله است: ۱ – سـفن النجاهٔ، در ۱۴ مجلـد به عدد معصومین ۲– سـفینهٔ النجاهٔ، در شرح حال حضـرت سیدالشهداء علیه‌السلام، در دو مجلد ۳– الشـمس الطالعه فی ظهور صاحب الانوار الساطعهٔ، در احوالات حضـرت ولی عصر علیه‌السلام ۴– مختصر «روضات الجنات»؛ و غیره.

صاحب عنوان در ۲۲ محرم سال ۱۳۴۵ به سن تقریبی ۵۰ سال وفات یافته، در نجف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجفی اسداللهی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسـی، دانشـکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی.

مرتبه علمی:

مدرس در دارالعلوم العربیه، مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه علامه طباطبائی و مرکز بین‌المللی گسترش زبان فارسی، دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عضویت در هیأت مؤلفین لغت‌نامه فارسی، عضویت در هیأت علمی بخش زبان عربی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، عضویت در کمیته برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (عربی) وزارت آموزش و پرورش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

لغت عربی و فارسی، زبان و ادبیات فارسی و عربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تدوین لغت و لغت‌نامه، رابطه زبان عربی و فارسی، نکات دستوری بین دو زبان فارسی و عربی، آموزش زبان عربی در ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نجفی اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد نجفی اصفهانی از علماء اعلام استان کرمانشاه و مقیم شهرستان هرسین می‌باشند.

معظم له در حدود ۱۳۲۵ قمری در یکی از مضافات اصفهان متولد شده و پس از دوران مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در آن سامان مهاجرت به نجف اشرف نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه نائینی و دیگران بهره‌مند شده آنگاه به تشویق مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ فرج‌اللَّه کاظمی هرسینی به هرسین عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی عاملی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ضیاءالدین نجفی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین نجفی عاملی از آقازادگان فاضل و ائمه جماعت محترم معاصر تهرانند.

ایشان در پنجم فروردین ۱۳۲۵ شمسی برابر سال ۱۳۶۵ قمری در نجف اشرف در سال رحلت مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در بیت شریف آیت‌اللَّه حاج شیخ جواد معروف به (علیکم‌السلام) به دنیا آمده و در حجر والدش علامه نجفی عاملی پرورش یافته است.

و دو سال پس از درگذشت مرجعیت عامه آیت‌اللَّه اصفهانی (ره) در اوائل زعامت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس‌اللَّه سره در معیت والدش به ایران آمده و با اقامت آن مرحوم در تهران به تحصیل علوم جدید پرداخته و پس از آن به فراگرفتن علوم عربیه و سطوح اولیه (معالم و لمعه و مقداری از قوانین) در خدمت مرحوم پدرش و دیگران در مدرسه مروی خوانده و سپس با اجازه آن مرحوم عزیمت به قم نموده و سطوح عالیه فقه و اصول رسال و مکاسب و کفایه و منظومه حاجی سبزواری و اشارات بوعلی سینا و قسمتی از اسفار اربعه ملاصدرا و نیز شرح تجرید و هیئت و منطق تخصصی و تفسیر و اخلاق را از محضر اساتید معروف حوزه علمیه قم استفاده نموده سپس به درس خارج آیات عظام ۱- آیت‌اللَّه گلپایگانی ۲- آیت‌اللَّه اراکی ۳- آیت‌اللَّه میرزا هاشم آملی ۳- آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری ۵- آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و سایر مراجع شرکت و بهره‌های فراوانی برده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و همواره در ضمن تحصیل علوم و فنون در حوزه علمیه قم و تهران تدریس دروس اولیه عربیه و سطوح متوسطه و عالی را داشته و اکنون چند سالی است از طرف آیت‌اللَّه گلپایگانی در تهران در مسجد (خاتم النبیین) خیابان شیوا که قبلا مرحوم حجةالاسلام حاج سید علی بطحائی گلپایگانی رحمه‌اللَّه علیه اقامه جماعت می‌نمودند امامت نموده و به تبلیغ احکام و ترویج اسلام و گفتن تفسیر در آن اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان

چنانچه مرقوم داشته‌اند از این قرار است:

۱- دوره تقریرات اصول در دو جلد.

۲- تقریرات مبحث طهاره در دو جلد.

۳- تقریرات مبحث بیع (خارج مکاسب) ۱ جلد.

۴- مباحث مختلفه فقه و اصول و کلام و تفسیر و غیره که برخی از آن به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نجفی عاملی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: حدود ۱۳۲۱ ق.، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۶۸(۳ رمضان ۱۴۰۹ ق.).

آیت‌الله علامه شیخ محمدحسین نجفی عاملی دوران کودکی را در نجف همراه با پدر سپری کرد و سپس در معیت خانواده به ایران مراجعت و بعد از مدت کوتاهی در همان آغاز جوانی برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت نمود. حدود سی سال در نجف اشرف در خدمت اساتید فقه و اجتهد و علوم و معارف دین به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله نجفی عاملی مدت بیست سال از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا حسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمد حسین غروی استفاده برده است و به درجه‌ی اجتهاد مفتخر گردید.

ایشان در معقول از محضر آقا شیخ مرتضی طالقانی و آقا حسین بادکوبه‌ای و در علم رجال و حدیث از محضر آقا شیخ علی زاهد قمی بهره برد. سایر علوم دین و سطوح عالیه را از محضر اساتیدی چون آیات آقا شیخ عبدالحسین رشتی، آقا میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه، آقا میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا شیخ محمدحسین تهرانی، آقا شیخ شعبان رشتی و سایر آیات نجف اشرف استفاده نمود. پیش از تشرف به نجف اشرف مقداری از سطوح عالیه را از محضر پدر خود و نیز آیت‌الله سید حسن مدرس در تهران بهره‌مند شد.

آیت‌الله نجفی عاملی در طول اقامت خود در نجف به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بود. بعد از گذشت دو سال از رحلت استاد خود یعنی آیت‌الله العظمی اصفهانی به ایران عزیمت نمود و در تهران اقامت گزید.

از ایشان تألیفاتی در موضوعات مختلف به صورت مخطوط باقی مانده است.

ایشان در عصر روز سوم ماه رمضان سال ۱۴۰۹ مطابق با بیست و سوم فروردین سال ۱۳۸۶ با داشتن عمری قریب به نود سال دار فانی را وداع گفت. طبق وصیت او پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای شیخ محمدحسین نجفی از مجتهدین و بزرگان علماء عصر حاضر و در بین سلسله روحانیت شخصیتی عالیقدر و واجد مقام و زهد و تقوا و از مجاهدین زمان و مبارزین با اباطیل بشمار می‌آیند.

معظم له در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در نجف اشرف متولد شده و دوران تحصیلی خود را ابتداء در خدمت والد ماجد خود که از اکابر عصر خود بوده شروع و بعد هجرت به تهران و مختصر زمانی از خدمت آیت‌اللّه مجاهد مرحوم سید حسن مدرس استفاده نموده و آنگاه عزیمت بحوزه علمیه نجف اشرف و از محضر اعاظم مراجع آن زمان مرحوم آیت‌اللّه محقق نائینی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین کمپانی بهره‌های علمی فراوانی برده و به مرتبه رفیعه اجتهاد نائل و چهار استاد بزرگ مذکورش اجازه اجتهاد معظم له را که در آن تجلیل از مقام علمی و تقوائی ایشان شده بود مرقوم فرمودند که اکنون نزد ایشان موجود میباشد.

و ایشان گذشته از رشته معقول و منقول در راه تهذیب نفس و تخلص روح و مقامات معنوی از محضر عالم ربانی و عارف سبحانی سید السالکین آیت‌اللّه آقا سید علی قاضی تبریزی و مرحوم حاج شیخ علی زاهد قمی تلمذ نموده و مقامی را از تقوا و فضیلت و معنویت حائز شده‌اند.

آنجناب اکنون مقیم تهران و بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از مجلس درس ایشان استفاده مینمایند.

از آثار ایشان است جزوات دراسات و تقریرات اساتید بزرگ نجف که آماده برای طبع می‌باشد معظم له از خاندان علم و تقوا و از بیوتات اصیله و هر یک از پدران گرامش ستاره درخشانی از انجم الهی در عصر خود بوده و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن عاملی در کتاب اعیان الشیعه ج (۴۸) از آنان یاد نموده است.

والد ماجدش آیت‌اللّه حاج شیخ محمدجواد که تبحر فوق‌العاده‌ای در فقه و اصول داشته و تألیفاتی که از آنهاست شرح بر کفایه آخوند از خود گذاشته از بزرگان شاگردان حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) بوده است.

جد بزرگوار ایشان مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ علی از تلامذه مبرز آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی و جد دیگرش آیت‌اللّه فقیه مرحوم آقا شیخ مرتضی کاظمی نزیل کاظمین وحید عصر خود و از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری بشمار می‌رفته و جد اعلایش مرحوم حاج ملا هادی عاملی معروف به شیخ‌الاسلام از اعاظم صحابه صاحب جواهر و زادگاه وی جبل عامل بوده است.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند صالح و دانشمندش جناب ثقةالاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ ضیاءالدین نجفی که از محصلین بارع و بافضل حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی قمشه ای، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله نجفی قمشه ای

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در شهرستان شهرضا (قمشه) در محله «فضل آباد» چشم به جهان گشودم. فرزند هفتم والدینم بودم. دوران کودکی را در دامن پر مهر مادری مؤمنه و سایه لطف پدری باتقوا و محب اهل بیت سپری کردم. در سن شش سالگی به مدرسه «خیام شهرضا» رفتم. شش کلاس ابتدایی را خدمت آموزگارانی دیندار و ارزشمند گذراندم. اولین انگیزه مهم و سرنوشت ساز طلبه شدنم؛ علاقه وافر پدرم به علماء و روحانیت بود. آن مرحوم هر ساله دهه آخر ماه صفر در منزلمان، عزاداری خامس آل عبا (علیهم السلام) را بر پا می کرد. آشنایی من با روحانیون اینگونه آغاز شد. همان وقت بعضی از آن عالمان راستین بنده را به آمدن در راه طلبگی تشویق می کردند. پدرم نیز نوع مواعظی را که از اهل منبر می شنید برای ما بازگو می کرد؛ بدین ترتیب بنده عاشق طلبگی شدم و به ویژه بسیار به عرفان و فهم قرآن علاقه مند شدم.

این انگیزه ها در جانم بود تا بعد از طی کلاس ششم. روزی مغازه پدرم نشسته بودم که امام جماعت محلمان مرحوم «حاج آقا میرزا نصرالله زارعان» به انجا آمد و به پدرم گفت چند پسر داری؟ پدرم گفت: پنج پسر. ایشان گفت: دوست داری خمسش را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدهی؟ پدرم گفت: حرفی ندارم. اگر همین «قدرت الله» تمایل داشته باشد او را ببرید. ایشان به بنده گفت: می آیی طلبه شوی؟ بنده که جانم منتظر جرقه ا ی بود فوراً گفتم: بلی. ایشان فرمود: فردا صبح هنگام بین الطلوعین برای درس عربی به منزل ما بیا. و این آغاز طلبگی من بود.

تحصیل در حوزه علمیه شهرضا: پس از درک حضور حاج آقا زارعان و تلمذ خدمت ایشان، محضر بزرگان دیگری چون: «حجت الاسلام حاج سید فضل الله حجازی» و دیگر علمای محلی، دروس مقدمات: (سیوطی، مغنی، معراج السعادة، منطق کبری و قانونچه طب ابن سینا) را به پایان بردم. تابستان ها که مفسر، شاعر و عارف نامی مرحوم «محی الدین الهی قمشه ای» به شهرضا می آمد؛ بنده که از شعر و عرفان، تفسیر و حالات ایشان بسیار متأثر بودم؛ «فصوص فارابی» را محضرشان تلمذ کردم. از همان زمان بود که آتش عشق به عرفان، حکمت و اخلاق در جانم شعله ور شد.

حدود پنج سال در شهرضا و در حجره ای از مدرسه علمیه «حسینیه سادات» به سر بردم و در این میان گاهی به پدرم کمک می کردم تا آنکه اندک اندک عشق دارالعلم قم به دلم افتاد. اما کمیِ سن و تنگدستی مادی قدری مردّدم کرده بود تا آنکه روزی به پیشگاه حکیم علی الاطلاق از قرآن مجید استخاره گرفتم که خوب آمد و عزمم جزم شد تا راهی دیار قم شوم. در همان اوان به محضر مقدس عارف واصل مرحوم «آیت الله حاج آقا رحیم ارباب» در اصفهان شرفیاب شدم و استشاره و استجازه کردم. ایشان دست الهی خود را بر سر بنده کشیده و دعا فرمود و مرا برای رفتن به قم و ادامه تحصیل علم و عمل به خدا سپرد.

اما تحصیل در قم: در حدود هفده سالگی به مدرسه رضویه قم که به نورانیت و برکت مشهور بود؛ رفتم و حدود هفت سال در آنجا به سر بردم. بعد از خواندن کتاب: «مختصر و مطول»، کتب: (فقه، اصول، منطق و حکمت) را شروع کردم.

نجفی کاشانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۰(۱۱ شعبان ۱۳۳۹ ق.)، محله محتشم کاشان.

درگذشت: ۲۳ مرداد ۲۳۵۶، کاشان.

آیت‌الله علی نجفی کاشانی، فرزند آیت‌الله مهدی نجفی از علمای کاشان، در بیست و دو سالگی برای کسب علم به نجف اشرف رفت. تمام دوره‌ی سطح و خارج خود را در مدت ده سال گذراند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. اندکی از ورودش به نجف نگذشته بود که در کنار کسب علم و تحصیل، به تدریس علوم حوزوی نیز مشغول شد. پس از آن که مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله حسن یزدی به پایان رسانید، و در درس خارج مراجع نجف به ویژه از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خویی بهره‌ها گرفت، پس از ده سال اقامت در نجف عازم ایران شد. پس از توقف کوتاهی در کاشان و مسافرتی به مشهد و اصفهان و بازگشت به کاشان، بار دیگر دو سالی راهی نجف شد و سپس به واسطه‌ی کسالت مزاج و حوادث دیگر به ایران بازگشت. بعد از ورود به ایران سه سالی در قم مشغول تدریس شد. وی در قم از مدرسین بلندپایه‌ی سطوح عالی حوزه بود و در «مدرسه‌ی بزرگ آخوند» حجره داشت و همان جا تدریس می‌کرد. اما به دلایلی به شهر خود بازگشت و به اقامه جماعت و

تـدریس پرداخت. از همان آغاز ورودش به کاشان، علاوه بر تدریس خصوصـی درس‌های حوزوی، تفسـیر قرآن را به عنوان وظیفه اصـلی خود قرار داد. در ابتـدا، این جلسه‌ها به تفسـیر موضوعی و بحث‌های پراکنـده اخلاقی می‌گـذشت اما بعـد از چند مسافرت به مشـهد مقدس، تصـمیم گرفت که قرآن را از آغاز تا انجام تفسـیر کند و در ضـمن آن برای مردم به بحث‌های اخلاقی و اجتماعی و تفسیر موضوعی نیز بپردازد. این نوع تفسیر تا یک سال قبل از درگذشتن (یعنی تا سال ۱۳۶۴) ادامه داشت. در حدود این سی و چند سـال دو مرتبه قرآن را از ابتـدا تـا انتها تفسـیر کرد. دوره‌ی دوم تفسیری وی هیجـده سال طول کشـید. ایشان نه تنها در فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، ادبیات، معانی بیان و تجدید و تفسیر متبحر بود، بلکه در علم هیئت و نجوم قدیم هم ید طولانی داشت و آنها را تدریس می‌کرد.

تألیفات و آثار آیت‌الله نجفی کاشانی به این شـرح هسـتند: برداشتی از نماز؛ پیرامون شراب؛ لنگرهای زمین مولودی اندر خانه کعبه؛ بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت؛ زمان چیست و چگونه می‌گذرد؛ صدق؛ بزرگترین فضیلت؛ سرانجام کافر؛ یک خرق عـادت شـگفت یـا معجزه‌ای بزرگ؛ اشـتباه عمـدی؛ افسـانه هـا یـا کرامت‌های خیالی (سه جلـد). اما نوشـته‌هایی که از ایشان به طبع نرسـیده است: فضایـل ثلثه (سه رسـاله آماده چاپ در مورد سـلمان، ابوذر، مقـداد)؛ ملتقطات (یادداشت‌های پراکنـده ایشان در نحو، عروض، نجوم، فقه، اخلاق و عرفـان و نیز نقـد چنـد کتاب از نویسـندگان معاصـر و جواب سـئوال‌هایی که از ایشان پیرامون مسائل مختلف مطرح می‌شـده است)؛ رساله‌ای در فضـیلت نماز؛ رساله‌ای در فضـیلت علم؛ رساله‌ای در فضل قرآن (قرآن چه کتابی است)؛ رسـاله‌ای در مورد امـام زمـان (ع)؛ رسـاله‌ای تحت عنوان حق کـاوی؛ رسـاله‌ای تحت عنوان اینجا و آنجا؛ رساله‌ای تحت عنوان دین راست؛ آسان؛ هموار؛ تفسـیر سوره کهف (به عربی)؛ تفسـیر سوره مریم (به عربی)؛ تفسیر سوره طه (به عربی)؛ تفسیر سوره انبیاء (به عربی)؛ تفسیر سوره حـج (به عربی)؛ تفسیر سوره عم (نـاقص است)؛ دفتری مفصل مشـتمل بر مجموعه‌ای از احادیث موضوع‌بنـدی شـده کـه به ترتیب الفبـا تنظیم شـده است؛ حواشـی و تعلیقـات ایشـان بر کتب روایی، کلامی، تفسیر، فقه و اصـول و...، از اسـتاد همچنین نوارهای بسیاری در تفسیر سوره‌های قرآن به جا مانده است.

آیت‌الله نجفی کاشانی عصر روز پنجشنبه بیست و سوم مرداد ۱۳۵۶ مصادف با شب عرفه در کاشان فوت کرد.

(۱۴۰۷ -۱۳۳۹) ق)، عـالم دینی، مـدرس و مفسـر. در کاشـان به دنیـا آمـد و تحت نظر پـدرش، که از علمای کاشان بود، نشو و نما یافت. در ۱۳۶۱ ق به نجف رفت. «مکـاسب» و «کفـایه» را در محضـر آیت‌اللَّه میرزا حسن یزدی و خـارج فقه و اصول را در محضـر آیت‌اللَّه خوئی آموخت و نیز از درس فقه آیت‌اللَّه حکیم و آیت‌اللَّه سـید عبـدالهادی شـیرازی بهره گرفت و به درجه‌ی اجتهـاد نایل شـد. سـپس به ایران بازگشت و مـدت سه سال در قم ساکن گردید و از محضـر آیت‌اللَّه بروجردی اسـتفاده نمود و خود به تدریس پرداخت. سـرانجام به خواهش مردم کاشـان و به علت بیمـاری پـدرش به کاشـان رفت و در همان جا ساکن گردیـد و به تـدریس و امـامت جمـاعت و انجـام امور دینی پرداخت و در آن شـهر درگـذشت. از آثـارش: «لنگرهـای زمین»؛ «برداشتی از نمـاز»؛ «مولودی انـدرخانه‌ی کعبـه»؛ «بعثت محمـد (ص) و قرآن در بحران جـاهلیت»؛ «صـدق بزرگـترین فضـیلت»؛ «افسانه‌هـا یـا کرامتهـای خیـالی»؛ «ملتقطات»؛ تفسیر سوره‌های «کهف»، «مریم»، «طه»، «انبیاء»، «حج» و «عم یتسألون»؛ رساله‌ای در «فضیلت قرآن».[۱]

شیخ مهدی نجفی کاشانی از افاضل دانشمندان معاصر کاشانست. وی در تاریخ یازدهم شعبان ۱۳۳۹ ق در دارالمؤمنین کاشان محله محتشم متولـد شـده و در دامن مـادر عفیفه و صـالحه خود که نمونه‌ای از عفت و تقوا بود و ظـل توجهـات والـد ماجـدشان که عالم ربـانی و آیت سـبحانی بود پرورش یـافته و در سـال ۱۳۶۱ قمری برای تحصـیل علـوم دینی به نجـف اشـرف عزیمت نمـوده و علوم مقدماتی را نزد عده‌ای از فضلاء نجف که همه از اوتاد و ابرار و اخیار حوزه علمیه نجف بودند خوانده و سطوح عالی مانند مکاسب مرحوم شـیخ و کفایه مرحوم آخوند را پیش مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا حسن یزدی به پایان رسانیده و سـپس به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله حاضر شده و مقداری از اصول و فقه معظم له استفاده نموده و نیز از محضر درس فقه مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و آیت‌اللَّه حـاج سـید عبـدالهادی شـیرازی بهره‌منـد شـده و تـا مـدت ده سال با پشت کار فراوان و کوشـش عجیب به درس و بحث و تـدریس اشـتغال داشـته و به قول بعضـی به انـدازه سـی سـال در این ده سال زحمت کشـیده و در تمام ایام حتی پنجشـنبه و جمعه و روزهـای تعطیلی دیگر مسـامحه در کـار درس و بحث ننمـوده تـا پس از این مـدت بر اثر خسـتگی زیـاد و کسـالت مزاج مجبـور به مراجعت به ایران شـده و به کاشان آمده و سـفری به مشـهد مقدس و بعد به اصـفهان و آنگاه در کاشان تأمل و باز به نجف اشـرف مسافرت و مدت دو سال توقف و از محضـر بزرگان مراجع استفاده نموده تا اینکه به واسطه کسالت مزاج و حوادث دیگری به ایران آمـده و مـدت سه سال در قم مانده و از محضـر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی اسـتفاده و در آن هنگام بر اثر ضـعف فراوان و بیحالی و کسالت والدش با اصـرار مردم کاشان به وطن برگشـته و تا حال حاضر که سال ۱۳۹۵ قمریست به وظائف شـرعی از اقامه جماعت و تدریس و جلسه‌های مختلف اشتغال دارند.

و ضمناً جزوه‌هائی در موضوعات متنوع نگاشته و به طبع رسانیده که ذیلا می‌نگارم.

۱- پیروان شراب ۲- لنگرهای زمین ۳- علی بن ابیطالب در خانه خدا بدنیا آمد.

۵- بعثت محمد و قرآن در بحران جاهلیت ۵- زمان چیست و چگونه می‌گذرد.

۶- اشـتباه عمدی ۷- صدق بزرگترین فضـیلت ۸- سـرانجام کافر ۹ و ۱۰ و ۱۱- یـک سلسـله افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی ۱۲- یک خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ و تألیفات دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

معظـم لـه از همـان اول ورود به کاشـان شـروع به بحث و تفسیر قرآن نمـوده که تـاکنون ادامه دارد و هر شب گروهی از مؤمنین و بالاخص عده‌ای از جوانان استفاده می‌کنند و نیز در جمعه‌ها جلسه تبلیغی وعظ و ارشاد منظم دارند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۵۶، س ۴، ش ۶، ص ۳۴ -۳۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۶ -۲۷۵/ ۶).

نجفی کاشانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مهدی نجفی کاشانی اعلی اللّه مقامه یکی از علماء بزرگ معاصر کاشان بودند.

وی در ماه رمضان ۱۲۹۳ قمری متولد شده و مقدمات و سطوح را در کاشان و اصفهان و مدتی هم در قزوین خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر درس بزرگان حوزه نجف مخصوصاً محضر درس مرحوم آیت‌اللّه آخوند خراسانی صاحب کفایه استفاده و پس از چهار سال اقامت در نجف بر اثر عوارضی به کاشان آمده و مجدداً به نجف اشرف مراجعت نموده و مدت هفت سال دیگر اقامت داشته و در محضر درس بزرگان مخصوصاً آیت‌اللّه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده می‌نمود سپس به خواهش و اصرار جمعی از مؤمنین به کاشان آمده و در محله محتشم اقامت نموده‌اند.

ایشان گذشته از اقامه نماز جماعت اشتغال به تدریس و ارشاد مردم داشته‌اند در زهد و تقوی و قناعت نفس و در عفت و ورع و مناعت ضرب‌المثل بوده و در میان عام و خاص مشهور به نفسی مطمئن و دلی آرام با خضوع و خشوع و مهابتی عظیم داشت و فوق‌العاده مقید به آداب و رسوم دینی بود و حتی‌الامکان مستحبات را ترک نمی‌کرد و از مکروهات اجتناب می‌نمود و در امور دینی عجیب متعصب و متصلب بود.

در امر به معروف و نهی از منکر جدی و در مبارزه با خرافات و موهومات و روشن کردن مردم کوشا بود و ملامت لائمین او را از این کار بازنمی‌داشت (لا تأخذه فی اللّه لومهٔ لائم) در وعظ و ارشاد مردم کمتر مسامحه نمی‌کرد شب و روز و در هر موقع مناسب و در هر مجلس و محفل مردم را ارشاد می‌کرد و موعظه می‌فرمود و در این موضوع اصرار و پافشاری زیادی داشت به طوری که امکان نداشت در مجلسی که ایشان بود سخنان بیهوده و حرفهای متفرقه مجلس بزرگوار شود وقت را غنیمت شمرده و از فرصت حداکثر استفاده را می‌نمود.

در احیاء امر اهل‌بیت علیهم‌السلام جدیت و کوشش خاصی داشت و در احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام و تاریخ اسلام ید طولا و اطلاع وسیعی داشت زندگیش از هر جهت بسیط و ساده و در زهد و قناعت و ورع و تقوا و مناعت در زمان خود کم‌نظیر بود. مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی می‌فرمود هنگامی که آن مرحوم در نجف در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند حجره داشت و ما عده‌ای بودیم که کاملا مراقب و مواظب احوال ایشان بودیم و بالاخره طوری ایشان را شناختیم که با وجود نماز جماعتهای مهم در نجف با اصرار زیادی ایشان را می‌بردیم بالای بام مدرسه و وادار به نماز می‌کردیم و به ایشان اقتدا می‌نمودیم و گاهی در مواقع مناسب ما را با بیانی شافی و جذاب و مهیج موعظه می‌کرد.

و آن مرحوم در اثر تجربه و شناخت مزاج خویش از خصوصیات و عوارض مزاج خود کاملا اطلاع داشت که در طول عمر خود به طبیب و دکتر مراجعه نکرد و ابداً دوا و دارو نخورد به هیچوجه و این از عجایب احوال ایشان بود گاهی که عوارضی بر ایشان طاری می‌شد چون کاملا آشنای به مزاج و عوارض مزاج خود بود عوارض طاریه را به وسیله غذای مناسب و پرهیز از غذای نامناسب علاج می‌کرد تا در سن هشتاد و یک سالگی در سال ۱۳۷۴ قمری در ماه مبارک رمضان دعوت حق را لبیک گفت و به جوار رحمت واسعه خدای متعال رفت خدا او را رحمت فرماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی هزار جریبی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برادرش مرحوم شیخ محمّد حسین از علمای کاملین بوده، و رساله‌ای در شرح حال پدر و جدّ خویش نوشته، و کتابی به نام «البوارق لکشف معضلات الحقایق» دارد.

در سال ۱۲۲۵ متولّد شده، و مقدّمات را نزد پدر خود آموخته، و چون پدرش مدّت پانزده سال به مرض سل مبتلا بوده و نتوانسته بود کتاب‌های خود را پاکنویس کند، فرزندش پس از سال ها از مرگ پدر این مهم را انجام داده، و گرنه تمام تألیفات پدرش از بین می‌رفت.

سال وفاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی. عالم فاضل، به درس حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل طهرانی، و آخوند خراسانی حاضر شده، و سالها در اعتاب مقدّسه ساکن بوده، و در اواخر عمر به عللی به اصفهان مراجعت نموده، و قطع مراوده با مردم کرده، منزوی می‌زیست و فقط جهت اقامه ی جماعت ظهرها به مسجد شاه حاضر می‌شد.

در ۱۲۸۷ متولّد، و در ۸ ذی حجهٔ الحرام ۱۳۷۰ در اصفهان وفات یافته، جنازه به کربلا نقل شده، در یکی از حجرات صحن حضرت

اباالفضل علیه السلام مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید شمس‌الدین نجفی نجل مرحوم حجهٔالاسلام آسید عبدالعظیم الحسینی کابلی از دانشمندان معاصر خراسان و عالم خدمتگذار و مروج فریمانست. وی در سال ۱۳۰۲ شمسی متولد شده و بعد از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه نجف تکمیل و به درس خارج زعیم اعظم و مرجع اعلی آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آقا سید محمود شاهرودی و حلی شیرازی و حاج سید جواد تبریزی کسب فیض نموده آنگاه به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ مسائل احکام در یکی از مساجد نجف اشرف پرداخته تا در سال ۱۳۸۲ قمری که به قصد زیارت حضرت ثامن‌الحجج (ع) به مشهد مقدس عزیمت و بنابر پیشنهاد و اصرار حجهٔالاسلام آقای حاج سید نورالدین میلانی و حسب‌الاراده حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی مدظله برای ارشاد و هدایت مردم فریمان و حومه آن به فریمان رحل اقامت افکنده و تا حال تحریر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجواد نجفی از دانشمندان و نویسندگان عالی مقام معاصر تهرانست.

وی در دیماه هزار و سیصد و چهل و دو (۱۳۴۲) قمری در یکی از قراء خمین متولد شده و در سن هیجده سالگی شروع بتحصیل نموده و مقدمات و ادبیات را در اراک در تحت سرپرستی آیت‌اللّه حاج سید کاظم گلپایگانی از اساتید آنجا خوانده و بعد به تهران آمده و علوم مختلفه را از علماء مبرز تهران تحصیل نموده و برای تکمیل نمودن تحصیلات عالیه خود چند سالی سفر باعتاب عالیات نموده آنگاه در تهران اقامت و بوظائف روحی و تألیفات پرداخته است.

دارای تألیفات و آثار عدیده و ارزنده‌ای میباشد که مشروح آنرا می‌نگارم:

۱- لطائف الصلوه.

۲- مصابیح الشیعه.

۳- فلسفه احکام اسلام.

۴- بهداشت اسلام.

۵- خواص خوراکیها و گیاهان از نظر اسلام و علوم جدید.

۶- ترجمه کتاب ملاحم و فتن- تألیف سید بن طاوس.

۷- ترجمه دیوان حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

۸- ترجمه کتاب اثبات الوصیه تألیف مسعودی صاحب کتاب مروج الذهب.

۹- ستارگان درخشان در شرح احوالات چهارده معصوم علیهم‌السلام- ۱۶ جلد.

۱۰- مصلح جهان. مهدی صاحب الزمان علیه‌السلام.

۱۱- ترجمه کتاب المهدی تألیف مرحوم آیت‌اللّه صدر.

۱۲- تلخیص و تحریر کتاب اختران تابناک.

۱۳- ترجمه جلد اول کنی و الالقاب محدث قمی در دو جلد.

۱۴- زندگانی حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

۱۵- خوراکی‌های شفابخش از نظر امام جعفر صادق علیه‌السلام.

۱۶- جزوه‌ای درباره‌ی اصول و فروع و احکام دین.

۱۷- معالجات طبیعی بوسیله‌ی گیاهان.

۱۸- کتب دیگری که در مد نظر و آماده‌ی چاپ می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالمی بزرگ، و فقیهی نامور، و در غایت زهد و تقوی بوده، در دیانت و محکمی امر مرافعات، و امتناع از چیزی که بوی رشوه در او باشد، و عدم ملاحظه از اکابر و ارحام در این مقام، عندالخواص و العوام مسلّم بود، و مرحوم میرزای شیرازی اعتماد تامّی به او داشته، که اهل اصفهان هر وقت از ایشان سئوال کرده‌اند که به چه کسی رجوع کنند؟ می‌فرمودند: به میرزا محمّد حسن نجفی. و جمعی از خواصّ از ایشان تقلید می‌کردند، و ایشان امام جماعت مسجد ذوالفقار بودند، و عمر گرامی را صرف تحصیل و تدریس و تألیف و تصنیف و جواب استفتاءات می‌فرمودند.

در حدود سال ۱۲۳۷ متولّد، و در روز ۵ شنبه ۱۱ ربیع الاول سال ۱۳۱۷ در اصفهان وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید، سپس به نجف منتقل گردید.

کتب زیر از ایشان است:

۱- اجزایی دراصول ۲- اجزایی در فقه ۳- حاشیه بر فصول ۴- حاشیه بر قوانین ۵- رساله در زیارت عاشورا ۶- کتابی در طهارت ۷- کتابی در تقوی، ناتمام، و غیره.

مشارالیه در نجف از زمره شاگردان: آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، و شیخ مرتضی انصاری، و میرزای شیرازی بوده، و در اصفهان عدّه زیادی در عداد شاگردانش محسوب می‌شوند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجم الدوله، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا علی محمدبن محمد حسین اصفهانی.

ادیب فاضل ریاضی دان معروف، از مفاخر علمی و ادبی ایران، و به خصوص در ریاضیات، شهرت و عنوان داشته، و سال‌ها در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس می‌نموده.

در ذی قعده سال ۱۲۵۹ متولد، و در ۱۴ جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۶ وفات یافته، در طهران مدفون گردید.

کتب و رسائل زیادی نوشته و عموما به طبع رسیده، از آن جمله است: ۱ – آسمان، در هیئت [استدلالی جدید] ۲ – اصول علم جغرافیا ۳ – اصول هندسه ۴ – بدایهٔ الجبر ۵ – بدایهٔ الحساب ۶ – بدایهٔ النجوم ۷ – بدایهٔ الهندسه ۸ – تطبیقیه، در تطبیق سال‌های قمری و شمسی و میلادی ۹ – الرحلهٔ الخوزیهٔ، در سفرنامه‌ی خوزستان ۱۰ – کفایهٔ الحساب ۱۱ – کفایهٔ الهندسه ۱۲ – المثلثات البسیطهٔ ۱۳ – مثلثات مستقیمهٔ الخطوط] ۱۴ – قانون ناصری در هیئت استدلالی]؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجم آبادی، میرزا ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه دانا و مجتهد توانا ومدرس فقه مکتب اهل البیت(ع) مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در سال ۱۳۱۷ ق در یک خانواده مذهبی تولد یافت.وی پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو و غیره در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی ،شروع به خواندن سطح نموده ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی (از بزرگان مدرسین تهران و مدرسه مروی بود) آموخت. .وی در سال ۱۳۴۲ ق(۸۶سا"ل قبل) در سوگ پدر می نشیند و پس از آ ن سفری به بلاد عربی از جمله سوریه، لبنان و مصر نموده که در آن سفرها مجاورات علمی با اهل تسنن داشته است.ایشان پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی شروع به خواندن سطح نموده و منقول ومعقول را خدمت مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی و مرحوم حاج فاضل عراقی فرا می گیرد و سپس در سال ۱۳۴۲ق از تهران خارج می شود و به سوی مکه معظمه و عتبات عالیات رهسپار می گردد و در نجف اشرف به ادامه تحصیل می پردازد .وی در آنجا ترجمه کتاب گران سنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنند . وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضیاء الدین عراقی بیش تر دروس های فقه و اصول آنان را از عبادات تا سیاسات به خانه تحریر در می اورد و مرحوم نائینی در اجازه مفصلی از وی اظهارات رضایت می نماید آن گاه با کسب اجتهاد در سال ۱۳۴۹ ق به تهران آمده و در محله سنگلج و حسن آباد در مدرسه مسجد جد بزرگوارش شیخ هادی نجم آبادی – رحمه الله عله– به تدریس و رسیدگی به امور دینی مردم می پردازد.نامبرده در سن ۶۵ سالگی به علت ابتلابه سرطان در شب جمعه ۲۴ ماه شعبان ۱۳۸۵ق به رحمت ایزدی پیوست و کالبد ایشان در مسجد بالاسر حضرت فاطمه معصومه (س) و در پایین پای آیت الله العظمی حاج شیخ کریم حائری در قم به خاك سپرده شد. گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : فقه و اصولوالدین و انساب : مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی فرزند برومند مرحوم شیخ محمدتقی وجد بزرگوارش حاج شیخ هادی نجم آبادی از علمای مبارز این خاندان است. دکتر محمدعلی نجم آ بادی فرزند آیت الله نجم آبادی درباره شجره نامه وزندگینامه فقیه دانا چنین اشاراتی دارد: جد ما استاد باقر آهنگری در نجم آباد بود. به یمن همنامی او با باقر العلوم(ع) خدا به او دوپسر به نام های ابراهیم و مهدی باهوش وافر عطا می کند. پس از فوت پدر این دو به قزوین وسپس به اصفهان رفته و هر یک در

زمان خود عالمی کامل و بالغ می شود. پس از اتمام تحصیلات برادر بزرگتر ملاابراهیم به قزوین برمی گردد و برادر کوچکتر حاج ملامهدی راهی مکه معظمه می شود. در سفری که فتحعلی شاه قاجار به قزوین می نموده و رسمش بر آن بود که جلساتی از علمای محل برای بحث تشکیل می داد.در این جلسه آخوند ملاابراهیم هم شرکت داشته است .شاه که او را از همه برتر شناخته بود از وزیرش راجع به این جوان سوال می کند و او در جواب می گوید: او از رعایای من است. شاه به تندی به او می گوید از امروز تو رعیت او هستی و برای او مدرسه و مسجدی در همان نجم آباد بنا نمود.میرزا عبدالکریم اطاعت امر نموده و حوزه علمیه نجم آباد برپا می شود و اخوند ملا ابراهیم مشغول تدریس و تربیت افراد منطقه می شود. در جنوب راه کرج به قزوین در ناحیه ساوجبلاغ روستایی به نام نجم آباد قرار دارد که در قرون اخیر نقش بسزایی در پروراندن شماری از فقیهان فاضل و عالمان عامل داشته است. از تبارنامه خاندان نجم آبادی برمی آید که دو برادر به نام آخوند ملاابراهیم و آ خوند ملامهدی نخستین حلقه های روحانی این خانواده بوده اند که این دو فرزندان استاد باقر نجم آبادی آهنگر بوده اند.سومین فرد از این خاندان شریف مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی است.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در سال ۱۳۱۷ ق در یک خانواده مذهبی چشم برجهان گشوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در خاطراتش آورده است ":پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو و غیره در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی (میرزا عیسی وزیر) ،بطوری که متاسفانه بیش از قسمت های تخریب شده است ،شروع به خواندن سطح نموده ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی (از بزرگان مدرسین تهران و مدرسه مروی بود) و معقول را خدمت مرحوم حاج فاظل عراقی در مدرسه سید نصرالدین و مرحوم حاج میرزا سید محمد فاطمی قمی می آموزد. بعد از فراغت به قدر معمول از سطوح شروع به خواندن خارج کرده و در محضر آسید محمد تنکابنی که مردی فاضل و متقی و از محققین و مدرسین علمای عصر بود تا سال ۱۳۴۲ ق ادامه داد."وی در سال ۱۳۴۲ ق(۸۶سال قبل) در سوگ پدر می نشیند و پس از آ ن سفری به بلاد عربی از جمله سوریه، لبنان و مصر نموده که در آن سفرها مجاورات علمی با اهل تسنن داشته است .آنچه از سفرنامه ایشان برمی آید مبین آن است که علاقه وافری به تقریب مذاهب داشته است.اما خیلی زود متوجه می شوند که اهل تسنن به قدری از شیعه و تفکرات شیعی دور نگه داشته شده اند که اصولا شیعه را غیر مسلمان می دانند.و به جرات می توان گفت دید آنها نسبت به شیعه چه در اصول و چه در فروع بدبینانه و گاهی مغرضانه است ،که هرگز نسبت به یهود و نصاری چنین نگاهی را نداند.ایشان پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی شروع به خواندن سطح نموده و منقول ومعقول را خدمت مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی و مرحوم حاج فاضل عراقی فرا می گیرد و سپس در سال ۱۳۴۲ق از تهران خارج می شود و به سوی مکه معظمه و عتبات عالیات رهسپار می گردد و در نجف اشرف به ادامه تحصیل می پردازد .وی در آنجا ترجمه کتاب گران سنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنند . وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضیاء الدین عراقی بیش تر دروس های فقه و اصول آنان را از عبادات تا سیاسات به خانه تحریر در می اورد و مرحوم نائینی در اجازه مفصلی از وی اظهارات رضایت می نماید آن گاه با کسب اجتهاد در سال ۱۳۴۹ ق به تهران آمده و در محله سنگلج و حسن آباد در مدرسه مسجد جد بزرگوارش شیخ هادی نجم آبادی – رحمه الله عله– به تدریس و رسیدگی به امور دینی مردم می پردازد. فعالیتهای ضمن تحصیل : وی در طول اقانتش در نجف اشرف ترجمه کتاب گران سنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنند‌اساتادان و مربیان : مرحوم نجم آبادی ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی و معقول را خدمت مرحوم حاج فاظل عراقی در مدرسه سید نصرالدین و مرحوم حاج میرزا سید محمد فاطمی قمی تلمذ نمود. وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضیاء الدین عراقی شرکت می کرد.هم دوره ای ها و همکاران : از اساتید هم دوره ای ایشان می توان به اختصار از مرحومیت آقای راشد ،استاد اعصار،آقای علامه وحیدی،میرزا حسن شیرازی،آقای لواسانی،شیخ محمد علی طالقانی،سید حسین کاشانی ،ابن الدین،سید محمود طالقانی و غیره نام برد.همسر و فرزندان : مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی پس از بازگشت از عتبات عالیات در سن ۳۵ سالگی با دختر عمه شان که از طرف مادری نوه حاج شیخ هادی و از طرف پدری نوه حاج شیخ باقر (برادر حاج شیخ هادی) بودند ازدواج می فرماید. حاصل این ازدواج پنج فرزند بود که سه پسر و دو دختر که فرزند دوم پسر در ۴۰ روزگی فوت نموده و بقیه در قید حیاتند.وقایع میانسالی : مرحوم نجم آبادی در مدت اقامتش در نجف اشرف از دو خواهر ش هم نگهداری می کرد.مادرشان در نجف فوت نموده و در وادی السلام نجف به خاک سپرده شده است.وی پس از کسب درجه اجتهاد و همین طور از مرحوم آیت الله آقا سیدابوالحسن اصفهانی به نوشته خودشان در سال ۱۳۴۹ ق به حکم اجبار به ایران مراجعت می فرماید.حکم اجبار این بود که چون تا آن زمان مدرسه و مسجد مرحوم حاج شیخ هادی در تهران توسط عموی شان مرحوم حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی نجم آبادی (ره) اداره می شد و ایشان به علت مشغله های دیگر و نیز امامت مسجد منشور السلطان قادر به ادامه نبود،به همین خاطر به مرحوم نجم ابادی مرقوم می دارد حال که تحصیل شما پایان یافته ،بهتر است به ایران بازگشته و وظایف شرعی خود در این جا و به خصوص در مدرسه و مسجد پدری ادامه دهید.وی پس از بازگشت از عتبات عالیات مدتی در شهر قم سکنی گزیده و در درس و بحث مرحوم ایت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری حاضر و با علمای زمان بیشتر آشنا گردید در هیمن زمان بود که با حضرت امام دوست شده و این دوستی تا پایان عمر وی ادامه داشت.زمان و علت فوت : آیت حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی در سن ۶۵ سالگی به علت ابتلابه سرطان در شب جمعه ۲۴ ماه شعبان ۱۳۸۵ق به رحمت ایزدی پیوست و کالبد ایشان در مسجد بالاسر حضرت فاطمه معصومه (س) و در پایین پای آیت الله العظمی حاج شیخ کریم حائری در قم به خاک سپرده شدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : آیت الله نج آبادی در سال ۱۳۳۵ به مناسبت ولادت با سعادت حضرت علی(ع)، از طرف حضرت العظمی بروجردی (ره) به دعوت شیعیان پاکستان همراه هیئتی از جمله آیات شهیدی،فرید گلپایگانی،سید احمد شهرستانی،و خطیب شهیر محمد تقی فلسفی (ره) عازم آن کشور شدند.فعالیتهای آموزشی : در سال ۱۳۲۷ (یعنی ۵۹ سال قبل) که مرسه عالی سپهسالار پس از مدتی رکود به صورت اصلی خود در آمده و آغوش

خود را برای تربیت طلاب باز کرده بود ایشان به موجب وقفنامه آن مدرسه و هم چنین به اشارت حضرت آیت الله بروجردی تدریس فقه و اصول به ویژه مکاسب و رسائل شیخ عظم انصاری و شرح منظومه حکیم سبزواری را در آن مدرسه آغاز می کنند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : کتابخانه مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی به مدرسه مروی اهدا گردیده است.همفکران فرد : دکتر ناظرزاده کرمانی در باره مرحوم نجم آبادی چنین اظهار می دارد: مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی ، ابوذروارزیست، اما فیلسوفانه اندیشید ، زندگی او ساده وقناعت مندانه اما اندیشه اش سخت خرد ورزانه و پیچیده بود. استاد محمد شریفی شعری را در رثای مجتهد توانا آیت الله نجم آبادی سروده اند که به ابیاتی از آن اشاره می شود؛ کای بزرگان جهان هر که علی را بشناخت از زبان حق این مرد ولایت بشنود و آنکه بر عید غدیر از دل وجان ایمان داشت او به رضوان خداوند به راحت بغنود آرا و گرایشهای خاص : همان گونه که در طالیعه سخن آمد ،آن مرحوم علاقه وافری به تقریب مذاهب داشتند. در سال ۱۳۳۵ ش در معیت اجلاـ از علما من جمله خطیب توانا مرحوم فلسفی–رحمه الله علیه– و به دستور آیت الله العظمی بروجردی سفری به پاکستان داشته و در کنفرانسی به مناسبت میلاد با سعادت حضرت علی (ع) شرکت می کنند. سخران جلسه از طرف هیئت ایرانی آقای فلسفی بوده اند. در آن مجلس با شکوه قطعا فضایل مولا و اهداف عالیه اسلام و وحدت مسلمانان دنبال شده است. آن چه از مطالعه در متون تحریر آن مرحوم به دست می آید تمایل وافری از خدمت به مردم در زندگی ایشان به چشم می خورد. مرحوم نجم آبادی دارای ملکات روحی الهی بودند و برای ایشان در اشاعه فرهنگ اسلامی فرقی بین زن و مرد نبوده است. شاهد کلام نامه تاییدیه ای است به کتاب خانم فاطمه بهرامی ،مهور به عالم تاج که درمجموعه مقالات فارسی (ص ۴۶۱) موجود است. شمه ای از نصایح اخلاقی ماج میرزا ابوالفضل نجم آبادی تقدیم حضور می شود: « بدان که اول شرط برای مجاهده در این مقام و مقامات دیگر که می توان منشاء غلبه بر شیطان و جنودش شود حفظ طایر خیال است.... گرچه این امر در اول قدری مشکل به نظر می رسد و شیطان و جنودش آن را بزرگ جلوه می دهند ،ولی با قدری مراقبت و مواظبت ،(به استعانت حق) امر سهل (و آسان) می شود... پس ای عزیز!فکر کن و چاره ای بنما و راه نجاتی و وسیله خلاص ازبرای خود پیدا کن و به خدای ارحم الراحمین پناه ببر و در شب های تاریک با تضرع و زاری از آن ذات مقدس تمنا کن که تو را اعانت کند و در این جهاد با نفس تا انشاء الله شوی و مملکت را رحمانی گردانی و جنود شیطان را از آن بیرون کنی و خانه را بـه دست صاحبش دهی ..» به دیدگاه آیت الله نجم آبادی ،بشر در فهم جهان پیرامونی ممکن است دچار چندگونه خطا شود. عواملی که ایشان به عنوان منشاء خطاهای اپیستمولوژیک می شمارند ،ما را به یاد" بت های چهارگانه "فرانسیس بیکن ،مهمترین فیلسوف دوران قرون وسطی می اندازد. این عوامل عبارت اند از : ۱–بسندگی به جهان محسوسات به جای رجوع به جهان معقولات ۲– توجه به ظواهر و آثار و غفلت از بواطن و اسباب پدید آمدن پدیده ها ۳– عدم رجوع به عقل و اصول و مبانی عقلانی در تجزیه و تحلیل منطقی رویدادها ۴– دخالت نفسانیات و عوامل فردی در ادراک امور و داوری درباره پدیده ها بر مبنای دو عامل عشق و کینچگونگی عرضه آثار : آثاری که از وی برجای مانده هشت جلد کتاب که شامل سه جلد در اصول و سه جلد در فقه و تقریرات و یک جلد مجموعه مقالات فارسی یا توحید نجم آبادی و جلد هشتم کتاب کشکول است. دو جلد کتاب المراجعات که یکی از کتب مرجع می باشد به تازگی از زیرچاپ در آمده وعلاوه برچاپ ده جلد کتاب، مقالاتی از وی نیز در مجله نور دانش به چاپ رسیده است. آثار : الاصول ۱ ویژگی اثر : کباحث الالفاظ،قریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،۱۴۲۳ ق۲ الاصول ۲ ویژگی اثر : مباحث العقلیه ،قریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،۱۴۲۳ ق۳ الاصول ۳ ویژگی اثر : لاستحصاب ،قریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،۱۴۲۳ ق۴ الرسائل الفقهیه ویژگی اثر : جلد ۳،تقریر آیات اعظام آیت الله محمد حسین نائینی و آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ، ۱۴۲۱ ق۵ المراجعات ویژگی اثر : جلد ۱،تالیف آیت اللله علامه سید شرف الدین عاملی ،ترجمه آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیت العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت،قم ،۱۴۲۸ ق۶ المراجعات ویژگی اثر : جلد ۲،تالیف آیت اللله علامه سید شرف الدین عاملی ،ترجمه آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیت العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت،قم ،۱۴۲۸ ق۷ حاشیه المکاسب ویژگی اثر : جلد۱،تقریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،۱۴۲۱ ق۸ کتاب القضاء ویژگی اثر : جلد۲،تقریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ، ۱۴۲۱ ق۹ کشکول ویژگی اثر : تالیف آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشرمعرف اهل البیت، قم ۱۴۲۳ ق۱۰ مجموعه مقالات فارسی (تفسیری،اعتقادی،تاریخی،اخلاقی و اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشرمعرف اهل البیت،قم ۱۴۲۱ ق

منابع زندگینامه :زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی آِیه الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران ،فروردین ماه سال ۱۳۸۷

نجم‌الدین کبری، ابوالجناب احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۶۱۹ –۶۱۷ ق)، عارف، صوفی، محدث و شاعر. ملقب به کبری و شیخ ولی تراش. کنیه‌ی او را ابوالجناب و ابوالخباب نیز

ذکر کرده‌اند. او مؤسس سلسله کبرویه بود. روایات مختلفی در زمینه لقب وی در بین مؤلفان وجود دارد. بعضی معتقدند به سبب زیرکی‌اش، او را طامهٔالکبری (بلای بزرگ) نامیده‌اند و بنابر قولی دیگر چون در جوانی قدرت فوق‌العاده‌ای در بحث و احتجاج داشت، به این لقب معروف گشت. بعضی از پیروانش از باب تکریم، وی را آیهٔالکبری خوانده‌اند که کم‌کم با حذف کلمه اول او را کبری نامیدند. اما از آن جهت به او شیخ ولی‌تراش می‌گفتند که بسیاری از بزرگان مشایخ صوفیه از تربیت یافتگان وی بودند. نجم‌الدین در خوارزم در شهر خیوه به دنیا آمد. از جوانی برای کسب علم حدیث به مسافرت در بلاد پرداخت. از جمله در نیشابور از ابوالمعالی فراوی (م ۵۸۷ ق)، در همدان از حافظ ابوالعلاء عطار (م ۵۶۸ ق)، در تبریز از ابومنصور حفده (م ۵۷۱ ق)، در مکه از ابومحمد طباخ و در اسکندریه از ابوطاهر سلفی (م ۵۷۶) استماع حدیث کرد. دربارهٔ گرایش وی به تصوف و انصرافش از اشتغال به حدیث اختلاف بسیاری در روایات است و ملاقاتش با مشایخ صوفیه هرگز منجر به قطع علاقهٔ وی از اشتغال به علم نشد. وی بعد از خروج از خوارزم مدتی در نیشابور، اصفهان و همدان به استماع حدیث نزد مشایخ وقت اشتغال داشت. در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد و ظاهراً تبحر او در طب به خاطر توجه عطار به او بوده است. اصول طریقت و تصوف را در تبریز نزد بابا فرج تبریزی و سپس در دزفول نزد شیخ اسماعیل قصری و شیخ شطاح (روزبهان بقلی شیرازی) و دیگر مشایخ عصر فراگرفت و شیخ روزبهان دختر خود را به وی داد. دکتر زرین کوب در «دنبالهٔ جستجو در تصوف» آورده که سید محمدباقر خوانساری، مؤلف «روضات الجنات»، خط وی را بر پشت نسخه‌ای از «رسالهٔ قشیریه» دیده است که وی این رساله را در ۵۶۸ ق در همدان از ابوالفضل محمد ابن یوسف همدانی استماع نموده است. نجم‌الدین کبری در راه عزیمت به عراق و مصر از محضر عمار یاسر بدلیسی (م ۵۸۲ ق) کسب فیض کرد و مشهور است که نجم‌الدین از شیخ اسماعیل قصری و عمار یاسر خرقه پوشید. او به پیشنهاد عمار یاسر برای نشر طریقت و ارشاد طالبان به خوارزم رفت. قبل از عزیمت به خوارزم سفری به مکه کرد و مدتی در حلب به سر برد. به آوردهٔ «دنبالهٔ جستجو در تصوف» نجم‌الدین در «فوایح» به اقامتش در شونیزیهٔ بغداد و مسافرتش به کربلا نیز اشاره کرده است. وی حدود ۵۸۰ ق به خوارزم رفت و بنابر بعضی از روایات بین او و امام فخر رازی (م ۶۰۶ ق) که در این زمان در خوارزم به سر می‌برد، ملاقاتی صورت گرفته است. مریدان وی در خوارزم تنها محدود به صوفیه و زهاد نمی‌شدند و در رجال دولت نیز معتقدان و دوستانی داشت. اهل سنت نجم‌الدین را با وجود علاقه‌ای که در آثار و اقوال خویش به آل علی (ع) نشان می‌دهد و با وجود مسافرت به کربلا، به تشیع منسوب نداشته‌اند و امثال یافعی، ذهبی و سبکی او را یک شیخ شافعی تلقی کرده‌اند. از شاگردان مشهور او شیخ مجدالدین بغدادی، شیخ سعدالدین حموی، شیخ رضی‌الدین لالا (م ۶۴۲ ق)، شیخ سیف‌الدین باخرزی (م ۶۵۹ ق) و دیگران بودند. برخی بهاءالدین ولد، پدر جلال‌الدین مولوی، و شیخ نجم‌الدین دایه رازی (م ۶۵۴ ق) را نیز از شاگردان وی دانسته‌اند. ناصر بن منصور عرضی و سیف‌الدین باخرزی از وی حدیث روایت کرده‌اند. دربارهٔ وفات وی روایات مختلفی وجود دارد، اما آنچه به حقیقت نزدیکتر است، این است که شیخ نجم‌الدین در فتنهٔ مغول همراه با سایر مردم به دفاع از خوارزم پرداخت و توسط مغولان به قتل رسید. دربارهٔ مقبرهٔ شیخ، اختلاف وجود دارد. به آوردهٔ «دنبالهٔ جستجو در تصوف» ابن‌بطوطه مدتی بعد از تألیف «تاریخ گزیده»، در سفری که به خوارزم داشته به وجود قبر او در خارج از خوارزم اشاره کرده است. برخی منابع نام پدر وی را محمد نوشته‌اند. از آثارش: «عین‌الحیات»، تفسیر قرآن در دوازده مجلد؛ «فوایح الجمال و فواتح الجلال»، که این کتاب را به صورت «فواتح الجمال» نیز ذکر کرده‌اند، «رسالهٔ فی الخلوهٔ»؛ «رسالهٔ الی الهایم الخایف من لومهٔ اللائم»؛ «رسالهٔ السایر الحایر الی الساتر الواحد الماجد»، به فارسی؛ «رسالهٔ الاصول العشرهٔ»؛ «آداب المریدین»، به فارسی؛ «سکینهٔ الصالحین»، به فارسی. اشعاری نیز بدو منسوب است.[۱]

احمد بن عمر بن محمد خوفی خوارزمی مکنی به ابوالجناب و ملقب به نجم‌الدین و طامهٔالکبری و معروف به شیخ نجم‌الدین کبری مؤسس سلسلهٔ کبرویه (مقت. ۶۱۸ ه.ق) از مشاهیر عرفا و اکابر صوفیان قرن ششم و هفتم است؛ نجم‌الدین رازی، مجدالدین بغدادی، سعدالدین حموی، سیف‌الدین باخرزی و غیره از شاگردان او بودند و او را ولی‌تراش گفته‌اند زیرا در مدت عمر دوازده کس را به مریدی قبول کرد که تماماً از مشایخ و اولیا شدند و در حملهٔ مغول در خوارزم به قتل رسید. مزارش ناپیداست. از تألیفات اوست: رسالهٔ الخائف الهائم عن لومهٔ اللائم. فوائح‌الجمال و فواتح‌الجلال به فارسی. رباعیاتی چند هم بدو منسوب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۹، ۱۰۱۵، -۱۰۱۳، ۸۶۰، ۸۵۶، ۲/ ۲) تاریخ تصوف در اسلام (۴۹۶ -۴۹۵)، تاریخ گزیده (۶۶۹ -۶۶۸)، تاریخ مغول (۵۳۱، ۵۱۴، ۴۲، ۱۳)، تذکرهٔالشعراء (۲۴۵، ۱۵۱، ۱۴۹)، حبیب‌السیر (۳۷ -۳۵/ ۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۰۱۲/ ۲)، دنبالهٔ جستجو در تصوف (۱۱۸ -۸۱)، الذریعه (۱۱۷۵/ ۹)، ریاض‌العارفین (۱۴۴ -۱۴۳)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۱۴ -۱۱۱/ ۲۲)، شذرات الذهب (۸۰ -۷۹/ ۵)، صبح گلشن (۵۰۹ -۵۰۷)، طبقات الشافعیهٔ سبکی (۲۶ -۲۵/ ۸)، طرائق‌الحقائق (۳۳۶ -۳۳۴/ ۲)، العبر (۱۷۷/ ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۲ -۵۰۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲۴)، کشف‌الظنون (۱۲۹۳ -۱۲۹۲، ۹۰۰، ۸۷۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نجم‌الدین کبری)، مبانی عرفان و احوال و آثار عارفان (۴۵۹ -۴۵۵)، مجالس‌العشاق (۱۲۵ - ۱۲۰)، مجالس المؤمنین (۷۵ -۷۲/ ۲)، مجالس‌النفائس (۳۲۰ -۳۱۹)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۶/ ۳)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۱۷)، مرصادالعباد (مقدمه/ ۴۶ -۴۵، ۳۷ -۳۵)، معجم‌البلدان (۴۷۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۰ -۴۷۹/ ۱)، نفحات‌الانس (۴۲۷ -۴۲۲)، هدیهٔالاحباب (۲۵۴ -۲۵۳)، هدیهٔالعارفین (۹۰/ ۱)، هفت اقلیم (۳۲۰ -۳۱۶/ ۳)، یادگار (س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۱ -۹۶، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۴ -۹۳).

نجم‌آبادی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، طبیب، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. نسبش از طرف مادر به شیخ هادی نجم‌آبادی و از طرف پدر به حاج محمد نجم‌آبادی، اولین متولی مدرسه‌ی عالی شهید مطهری می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. تحصیلاتش را در مدرسه‌ی شرکت گلستان و مدرسه‌ی قدیم ایران و آلمان و سپس در دارالفنون و دارالمعلمین به اتمام رساند و از آنجا به مدرسه‌ی طب رفت و تحصیلات خود را در آنجا تکمیل نمود. در ۱۳۰۹ ش در قوچان و در ۱۳۱۲ ش در سبزوار طبابت کرد و پس از آن به تهران آمد و در انستیتو پاستور مشغول کار شد. وی ریاست بیمارستان‌های نجات و لقمان‌الدوله (لقمان حکیم) را به عهده داشت. دکتر نجم‌آبادی در اکثر کنگره‌ها درباره ابن‌سینا و رازی سخنرانی داشت و سالها نایب رئیس انجمن بین‌المللی تاریخ طب در پاریس بود. وی به زبان‌های آلمانی، فرانسوی و عربی تسلط داشت و تحقیقاتی در زمینه‌ی تاریخ طب و طب سنتی انجام داد و آثاری در این زمینه نوشت. او همچنین ماهنامه‌ی «جهان پزشکی» را تأسیس و منتشر نمود. او دیگر آثار وی: «محمد زکریای رازی»؛ «اصول بهداشت»؛ «بلای عظیم نسل بشر، سیفیلیس و سوزاک»؛ «تاریخ طب ایران»؛ «تعالیم پزشکی صد ساله‌ی فرانسویان در ایران»؛ «راهنمای پزشکان»؛ «مختصری از طب اسلامی بخصوص خدمات ایرانیان»؛ «فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی»؛ «آبله و سرخک»، ترجمه؛ «آیین پزشکی یا پندنامه‌ی اهوازی»، ترجمه؛ تصحیح «رساله‌ی جودیه»؛ مقدمه بر «طب اسلامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی دکتر محمود نجم‌آبادی، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۵۹، ۲۴۸۶، ۲۱۱۶، ۱۶۹۱، ۱۶۳۹، ۹۱۰، ۸۱۱، ۷۲۰، ۶۲۵، ۵۱۳، ۴۰۸، ۲۴۸، ۷۸، ۴ -۳ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۴، ص ۱۴ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲ -۹۹/ ۶).

نجمی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق نجمی

محل تولد : براین- شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق نجمی به سال ۱۳۱۵ شمسی در روستای «هریس» از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقهٔ الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند. مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی «حاج میری آقا» عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود ۱۵ سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند؛ رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه‌مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقهٔ طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه‌مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند: «آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره)» و «سید علی آقا»؛ پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند.

دوران کودکی‌ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد. هشت یا نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان: «گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ وصاف، ابواب الجنان، تنبیه الغافلین و ...) آموزش داده می شد. در تدریس برخی از این کتابها، علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود.

پس از این دوره، در نزد پدرم «جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی» را فرا گرفتم. تقریبا در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه «طالبیه تبریز» برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم. پس از یک سال و چند ماه توقّف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی (با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم) ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیّه سکونت گزیدم. ورود این جانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجّت رحلت کرد.

دوران تحصیل اینجانب از این تاریخ تا سال ۱۳۵۹ شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدّت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیّه، به تألیف و ترجمه کتاب های متعدّدی موفّق شدم و هذا من فضل ربّی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیّه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدّس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقّفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد؛ فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مدرسه «خیرات خان» از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود «آیت الله العظمی میلانی» از

عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب: «سیری در صحیحین» از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه «آیت الله العظمی آقای بروجردی»: (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی درمدرسه «خیرات خان» و گاهی در مدرسه میرزا جعفر (داخل صحن مطهر) اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اوّل کتاب: «سیری در صحیحین» چند ماه با اجازه «آیت الله العظمی میلانی» در مدرسه وی و در حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اوّل همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد. تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان «دین و دانش قم» تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم (با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس) در آن شرکت می نمودیم.

در دوران تحصیل از اساتید متعدّدی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره‌مند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام:

۱- قسمتی از مغنی را از «شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی» در تبریز فراگرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.

۲- قسمتی از مطوّل را از درس «شیخ ابوالفضل علمایی سرابی» در قم و بخش دیگر آن را از «شیخ عبدالله نورانی» در مشهد مقدّس استفاده کرده ام. شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای «صائینی زنجانی» و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد «شهید مفتح» فرا گرفتم. از درس فلسفه مرحوم «شهید مطهری» که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و هم چنین از درس فلسفه مرحوم آقای «الهی»: (برادر علامه طباطبائی)، نیز بهره گرفته ام. بخش مهم جلدین لمعه را از «سید جواد خطیبی» که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای «حاج شیخ محمد حقی سرابی» فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.

۳- بخش مهم مکاسب را از «آیت الله مشکینی» و بعضی از ابواب آن را از اساتید دیگر مانند: «آیهٔ الله سبحانی» فرا گرفتم. قوانین را از «آیهٔ الله موسوی اردبیلی» و بخشی از رسائل را از «آیهٔ الله مشکینی» و قسمتی دیگر را از آقای «سبحانی» و باب تعادل و تراجیح را از «آیهٔ الله احمدی میانجی» آموختم. بخشی مهم کفایهٔ الاصول را از «آیهٔ الله سلطانی» و بخش دیگرش را از آقای «مجاهدی» فرا گرفتم. در تفسیر ابتدا از «آیهٔ الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی» و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی «آیهٔ الله مشکینی» و «آیهٔ الله خزعلی» بهره بردم. از حسن اتفاق، استاد «علامه حسن زاده آملی» در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجّتیه اقامت گزید. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس، با مباحث هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدّی آشنا شوم.

در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند: «میلانی»، «شیخ مرتضی حائری»، «گلپایگانی»، «داماد» و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتا کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام (ره)، خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود. در طی دوران طولانی تحصیل طبعا دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم: «برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی (ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و ...». گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثر را به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.

من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب «و أمّا بنعمهٔ ربّک فحدث» اشاره می کنم که در روی آوری این جانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است:

۱- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه «ندای حق» و مجله «مکتب اسلام»، نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت. وی مدّتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجّه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود. همان‌گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اوّلین مقاله حقیر تحت عنوان: «صبر از نظر اسلام» هم در همان هفته نامه منتشر شد.

۲- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که: (اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همتت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق (ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید).

به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه «آیهٔ الله حاج شیخ عباس تهرانی» آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجّتیه و به دستور «آیهٔ الله العظمی حجت» تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سیّد حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستم. او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی، فوق العاده بود. در ایامی که هوا

مساعد بود؛ شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم. تقریبا در همان سال های اول ورودم به قم، دو سید بزرگوار (شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند. آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند.

حضور شهید نواب صفوی در نماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر انـدز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی (کسروی، هژبر و رزم آرا) آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی (عامل مستقیم اعدام رزم آرا) از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب، فراموش نشدنی، شور انگیز و حرکت آفرین برای من بود. این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست، تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهامت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت. عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروهٔ الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است.

این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی ارادت بیش تری پیدا کنم. گرچه در زمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی، علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواضعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه (در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخنرانی ها و اعلامیه های صریح وی) موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظّف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند، حرکت کنیم.

نجومیان، امیرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیرعلی نجومیان پس از اتمام دوره متوسطه و اخذ دیپلم ،تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه شهید بهشتی دررشته زبان و ادبیات انگلیسی آغاز کرد.او جهت تکمیل معلومات دانشگاهی عازم انگلستان شد و در رشته ادبیات انگلیسی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه لستر انگلستان به تحصیل پرداخت.نامبرده هم امنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی است.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی : دیپلم: ریاضی و فیزیک / ۱۳۶۱ / مشهد کارشناسی: زبان و ادبیات انگلیسی / ۱۳۶۹ / تهران / دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد: ادبیات انگلیسی / ۱۳۷۳ / لستر / دانشگاه لستر دکتری: ادبیات انگلیسی / ۱۳۷۸ / لستر / دانشگاه لستر مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی امیرعلی نجومیان به ترتیب زیر است: مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی (آبان ماه ۱۳۸۱ — بهمن ماه ۱۳۸۵) معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه ۱۳۸۵–تا حال حاضر). دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاک دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه ۱۳۸۳). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (۱۳۸۲ — تا حال حاضر) دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاک دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه ۱۳۸۳). عضو گروه تخصصی نشانه شناسی هنر، فرهنگستان هنر (۱۳۸۲ —تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (۱۳۸۲ — تا حال حاضر). معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه ۱۳۸۵–تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها – ۱۳۸۲ تا حال حاضر داور بخش نقد و پژوهش ادبی، ششمین جشنواره دوسالانه ادبی دانشجویان کشور (۱۹ تا ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵). برگزاری کلاسهای تخصصی شهر کتاب: «پساساختگرایی: نظریه و نقد» (تهران: ساختمان مرکزی شهرکتاب) (تیر تا شهریور ماه ۱۳۸۵). آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی ادبیات قرن بیستم / رابطه ادبیات و فلسفه / نقد ادبی معاصر / مطالعات بین رشته‌ای / روش‌های آموزش ادبیات تحقیقات و فعالیتها : نقد ادبی معاصر – ادبیات قرن بیستم رابطه ادبیات و فلسفه جوائز و نشانها : دانشنامه زیباشناسی (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴). (برگزیده کتاب سال ۱۳۸۵) چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر امیرعلی نجومیان به قرار زیر است: مصاحبه:۷ مورد سخنرانی (به زبان فارسی):۲۱ مورد مقالات ارائه شده :بیش از ۳۰ موردآثار : ترجمه: زوال یا بقای متن اصلی؟»، خیال پردازی زوال: مفهوم زوال در فرهنگ اروپا ویژگی اثر : آلدرشات: اشگیت، ۱۳۷۸۲ دانشنامه زیباشناسی ویژگی اثر : (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴). (برگزیده کتاب سال ۱۳۸۵) ۳

درآمدی بر پست مدرنیسم در ادبیات ویژگی اثر : اهواز: انتشارات رسش، ۱۳۸۵۴ درآمدی بر مدرنیسم در ادبیات ویژگی اثر : اهواز: انتشارات رسش، ۱۳۸۳۵ کتاب و کتاب خوانی در برنامه های تلویزیونی ویژگی اثر : به کوشش دکتر بهمن نامور مطلق (همکاری در ترجمه) (تهران: اداره کل پژوهشهای سیما، ۱۳۸۱).

نحوی هروی، ابوالمظفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۴ ق)، ادیب، نحوی و عالم. از پیشوایان علوم ادبی و از شاگردان خوارزمی بود. از طبری، قاضی ابی‌الهیثم و ابوالعلاء صاعد فقه آموخت و در تفسیر و حدیث نیز دستی داشت. در اصول عقاید پیرو عدلیّه بود. شرح «اصلاح المنطق» ابن‌السکیت و شرح «امثال» ابوعبید و شرح «حماسه» و شرح «دیوان» متنبی از تألیفات اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۰ /۶)، اعیان الشیعه (۵۸ /۹)، الذریعه (۲۷۷، ۹۳ /۱۳)، ریحانه (۲۶۷ /۷)، کشف الظنون (۸۱۱، ۶۹۱، ۱۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد)، معجم الادباء (۱۱۷ -۱۱۶ /۱۷)، معجم المؤلفین (۳۵ /۹)، الوافی بالوفیات (۳۳۳ /۱).

نحوی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم مبرور شیخ ابوالقاسم نحوی از مدرسین نامی و علماء سامی حوزه علمیه و دانشمندان و ادباء معروف و عالیقدر قم که حق عظیمی بر هزاران نفر از طلاب دارد می‌باشد، تولدش در سال ۱۳۰۰ ق در قم واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات از خدمت مرحوم آقا شیخ حسن فاضل و آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی رضوان‌الله علیهم درس خوانده و با کمال متانت و سادگی و بی‌بضاعتی زندگانی نموده و وارد هیچ دسته و سر و صدائی نشده و سالها از مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله بروجردی استفاده نموده و صدها طلبه فاضل و عالم از ادبیات مطول و مغنی و کتب دیگر وی استفاده کرده و چند سالی هم به امر آیت‌الله العظمی بروجردی- ره- برای اداره حوزه علمیه شهرستان ساوه با آن سامان توقف نموده آنگاه به قم وطن مالوف خود برگشته و به خدمات دینی و روحی پرداخته تا در ماه رجب سال ۱۳۸۵ قمری که بدرود زندگی گفته و در صحن جدید اتابکی در محل نماز حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله مدفون گردید.

مرحوم حجه‌الاسلام نحوی از رفقای بسیار نزدیک مرحوم آیت‌الله مجاهد بافقی بود و به حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی بسیار ابراز علاقه و ارادت می‌ورزید فرزند برومندش ثقه‌المحدثین شیخ تقی نحوی از افاضل اهل منبر و وعاظ قم می‌باشند که در این شهرستان و بلاد دیگر در راه منبر به ترویج و خدمت به دین و معارف اسلامی می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نحوی، شهاب الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی معروف به شهاب الدین فرزند علامه‌ی فقیه سید محمد حسن. عالم فاضل زاهد. در شب غره‌ی ماه رجب سال ۱۲۶۳ متولد، و در نیمه شب چهارشنبه غره‌ی رجب سال ۱۳۴۰ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر خویش مدفون گردید.

مقدمات و سطوح را نزد برادر خود: حاج سید مهدی نحوی، و برادر دیگرش: سید محمد (که در جوانی به سال ۱۲۷۵ وفات یافته است) فراگرفته؛ سپس جهت تکمیل در محضر مرحومین حجتین: ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا میر سید محمد شهشهانی حاضر شده، سال‌ها از محضر آنان مستفید گشته، ضمنا به درس آخوند ملا عبدالجواد خراسانی حکیم، و میرزا محمد علی قاینی حاضر شد؛ سپس به مجلس حاج سید اسدالله بیدآبادی اختصاص یافته، و از خواص اصحاب ایشان گردید؛ ضمنا مدتی نیز از درس مرحوم میر محمد صادق کتابفروش استفاده برده، و مدت دو سال به درس حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی حاضر شده، تا در اغلب علوم از ریاضی و طبیعی و حکمت و فقه و اصول و ادب تبحری یافت.

سپس تا آخر عمر به خدمت خلق، و عبادت خالق پرداخته، مورد احترام خاص و عامه قرار گرفته، در نزد عموم طبقات، محترم و مقبول القول بود. از آثارش کتابی است جنگ مانند، در دو قسمت ۱- در فواید متفرقه، از نظم و نثر عربی و فارسی و فقه و حدیث و تفسیر

۲- مجموعه‌ای از مراسلات استادش حاج سید اسدالله بید آبادی که به علما و غیره نوشته، و این قسمت شایسته‌ی کمال توجه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نحوی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا عبدالجواد. ادیب و فاضل بوده، و از بنیان گزاران فرهنگ جدید در اصفهان به شمار می‌رود.

مدرسه دیانت به مدیری او، از اوّلین مدارس جدید اصفهان است. سالها مدیر دبستان نظامی، و سپس دبیر ادبیّات دبیرستان های اصفهان بوده، و جمعی کثیر از دانش آموزان از محضر او استفاده نمودند.

کتابی در صرف و نحو، و کتابی در شرعیّات جهت محصّلین مدارس تألیف نموده که به طبع رسیده و سال ها در اصفهان تدریس می‌شده.

در سال ۱۳۰۰ متولّد، و در شب ۲ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۱ وفات یافته، در تکیه مجاور تکیه ملک مدفون گردید.

دیگر از آثار او رساله مختصری است در شرح حال نحویهای هرندی خانواده خود.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نخجوانی، هندوشاه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۴ ق)، نویسنده، ادیب و شاعر. اصل وی از نخجوان بود و در همان جا نشو و نما یافت. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی مستنصریه‌ی بغداد به پایان رساند و نیز نزد شمس‌الدین محمد کیشی درس خواند. هندوشاه مدتی به خدمت خاندان جوینی درآمد و در ۶۷۴ ق به نیابت از برادر خود، سیف‌الدوله، چندی بر کاشان حکمرانی نمود و در آنجا مدرسه‌ای ساخت و کتابهای بسیاری وقف نمود. وی مدتی نیز در دستگاه اتابک نصرةالدین احمد بن یوسف شاه، از اتابکان لر به سر برد و کتاب «تجارب‌السلف» را به نام او تألیف کرد. این کتاب در ۷۲۴ –۷۲۳ ق تألیف شده است و موضوع آن تاریخ خلفا و وزرای اسلام تا انقراض خلافت عباسی می‌باشد. هندوشاه در تألیف «تجارب‌السلف» از «منیة الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء» صفی‌الدین ابن طقطقی استفاده مستقیم نموده بـا این تفاوت که قسمت‌هایی از آن را حذف کرده و مطالبی از کتب معروف دیگر عربی و فارسی بر آن افزوده است. از دیگر آثار وی: «صحاح العجم» یا«صحاح الفرس»، در لغت؛ «موارد الادب»؛ «دیوان» شعر. در «ایضاح‌المکنون» تاریخ فوت او ۷۳۰ ق ذکر شده در صورتی که در «هدیةالعارفین» ۷۳۰ ق تاریخ اتمام کتاب «موارد الادب» بیان گردیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (۵۹۸/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۴ –۱۲۴۳/ ۳)، تاریخ مغول (۵۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۴)، تجارب السلف (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۹)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۹۸/ ۲)، الذریعه (۲۱۶/ ۲۳ ،۱۲ –۱۱ / ۱۵ ،۱۳۰۲/ ۹ ،۳۴۸/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۸۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۴ –۷۹۳/ ۶)، هدیةالعارفین (۵۱۱/ ۲).

نخعی گلپایگانی، ریحان‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا ریحان‌اللّه نخعی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا زین‌العابدین مجتهد گلپایگانی از علماء و دانشمندان با فضل و تقوای معاصر تهرانست.

که در سال ۱۳۱۸ قمری در گلپایگان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سال ۱۳۳۸ قمری به شهرستان عراق آمده و از محضر علماء حوزه عراق چون میرزا ابوالحسن عراقی و حاج میرزا محمدعلی خان و آخوند ملا محمدعلی گلپایگانی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۰ قمری سال تأسیس حوزه به قم مشرف و تا آخر عمر آیت‌اللّه المؤسس حایری حدود ۱۵ سال از محضرش فقها و اصولا کامیاب و بهره‌مند شده و پنج سال بعد از فوت آن مرحوم به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده و بعد از چند سال به قم مراجعت و از موقع ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب از محضر و دروسش بهره‌برداری کرده و ضمنا بتدریس فقه و اصول پرداخته تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که بنابر تقاضای عده‌ای از مردم تهران عزیمت بمرکز نموده و در آن عاصمه رحل اقامت افکنده و در مسجد قلعه وزیر واقع در خیابان امیریه امامت و به ترویج دین و انجام وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.

نگارنده گوید جناب آقای نخعی از علماء اصیل و ریشه‌دار و از دودمان سردار لشگر مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام جناب مالک اشتر صحابی جلیل‌القدر می‌باشد و بر این نویسنده هم حقی دارد زیرا مقداری از خیارات مکاسب را در نجف اشرف خدمت معظم له خوانده‌ام.

دارای طبع شعر و ذوق سرشاری می‌باشند و اشعاری در مدایح دارند

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ندیم الملک، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میرزا مهدی بن ملا هاشم ندیم باشی، مصاحب محمد حسین میرزا ولی‌عهد بوده، و لقب ندیم الملک به وی داده بودند.

مردی فاضل و ادیب و سخندان، و بلند طبع و کریم النفس بوده، خط تحریری را خوب می‌نوشته، و زبان فرانسه را نیز خوب می‌دانسته.

کتب چندی تألف و از فرانسه ترجمه کرده است که نسخ آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.

۱- تاریخ اصفهان [مطبوع] ۲- ترجمه‌ی اقوم المسالک ۳- ترجمه‌ی مروج الذهب.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ندیم، حسن

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شیخ استاد) در تدریس علوم ادبیه مخصوصاً مطول یدطولائی داشته و چون ندیم و استاد مرحوم حاج سید حسین متولی‌باشی بزرگ بوده معروف به استاد ندیم شده در علوم ریاضیه نیز دست داشته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

نراقی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۵ / ۱۲۴۴ -۱۱۸۶/ ۱۱۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق، از توابع کاشان، به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمدباقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و به واسطه‌ی پدرش از ملا محمدباقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جاپلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری و با درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الی علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»، «مساند الشیعهٔ فی احکام الشریعهٔ»، در فقه؛ «وسیلهٔ النجاهٔ»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادهٔ»، در اخلاق به فارسی، «مفتاح الاحکام»، در اصول فقه، «تنقیح الفصول»، در شرح «تجرید الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الایام»، در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخزائن»، به سبک «کشکول»، در تتمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش، به فارسی، «سیف الامهٔ و برهان الملهٔ»، در رد پادری نصرانی، به فارسی، رساله‌ی «منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حاجی ملا احمد ابن حاج ملا مهدی معروف به نراقی (ف. ۱۲۴۵ ه.ق) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاهت اشعار عرفانی فراوان سروده است و در شعر صفاتی تخلص می‌کرد. او را تألیفات متعددی است از آن جمله: ۱- اجتماع الامر والنهی. ۲- اساس الاحکام در اصول فقه. ۳- اسرارالحج. ۴- حجیهٔ المظنهٔ. ۵- خزائن. ۶- دیوان شعر فارسی. ۷- سیف‌الامهٔ ۸- شرح تجریدالاصول. ۹- طاقدیس شامل مثنویات او. ۱۰- عین‌الاصول. ۱۱- معراج‌السعاده. ۱۲- مفتاح‌الاحکام. ۱۳- مناهج‌الوصول. وی در وبای عام در قریه‌ی نراق درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۴۵ / ۱)، اعیان‌الشیعه (۱۸۴ -۱۸۳ / ۳)، ایضاح المکنون (۵۶۳، ۵۲۳، ۴۷۸، ۱۳۰، ۳۵/ ۲، ۳۳۱/ ۱) حدیقهٔ‌الشعراء (۱۰۳۱ -۱۰۲۷/ ۲) الذریعه (۱۷۸ -۱۷۷، ۸۵/ ۲۵، ۱۶/ ۲۳، ۳۵۰، ۳۴۱ -۳۴۰/ ۲۲، ۳۱۷، ۳۱۵، ۲۳۰ -۲۲۹، ۱۵ -۱۴/ ۲۱، ۱۴۰/ ۱۷، ۳۶۷، ۳۵۴، ۱۳۴/ ۱۵، ۱۹۵، ۱۳۸/ ۱۳، ۲۸۶/ ۱۲، ۱۲/ ۱۱، ۱۱۸۱، ۶۱۰/ ۹، ۱۵۲/ ۷، ۴۳، ۴/ ۲، ۲۶۷/ ۱)، روضات الجنات (۱۰۷ -۱۰۳/ ۱)، ریحانه (۱۶۳ -۱۶۰/ ۶)، سفینهٔ‌المحمود (۴۲۳ -۴۱۹/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۷ -۱۱۶/ ۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۰)، فوائد الرضویه (۴۱)، قصص العلماء (۱۳۲ -۱۲۹)، مجمع‌الفصحا (۷۰۵ -۷۰۰/ ۵)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۸۸ -۱۲۸۷/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۳ -۱۶۲/ ۲)، مکارم‌الآثار (۱۲۴۲ -۱۲۳۵/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۴ - ۴۸۱/ ۱)، نگارستان دارا (۱۰۶ -۱۰۴)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۰)، هدیهٔ‌العارفین (۱۸۶ -۱۸۵/ ۱).

نریمان

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام نریمان از صفت نئیرمنو Nairemanu، یعنی نیرومند پیدا شده که بعدها او را به صورت پهلوانی درآوردند. و این صفت را در اوستا به گرشاسب دادند، و همین نام نریمان است که در شاهنامه گاهی به صورت نیرم دیده می‌شود. از نریمان به عنوان پهلوان معروف خاندان سام در شاهنامه سخن رفته و این پهلوان در دژ سپند کشته شد، و رستم انتقام او را بگرفت.

نیرم. در اوستا صفت جهان پهلوان است و نیز نریمان پدر سام جد رستم بوده است.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۳۷ –۴۶۱ ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی‌الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبداللّه بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش، ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم توریشتی از وی روایت کرده‌اند. حدود صد اثر را به وی نسبت می‌دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده، به وی منسوب است. البته در صحت انتساب این کتاب به وی تردید می‌باشد، چنان که بعضی آن را به برهان‌الدین محمد بن محمد نسفی منسوب کرده‌اند. در سمرقند درگذشت. از دیگر آثارش: «الاکمل الاطول»، در تفسیر؛ «التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القند فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبة الطلبة»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع الشارع»؛ «منهاج الدرایة»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار من الاشعار» یا «المختار من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومة الخلافیات» یا «منظومة فی الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغیر» امام محمد شیبانی، در فروع.[۱]

عمر بن محمد ابن احمد نسفی سمرقندی حنفی (۴۶۱ ه.ق- ف. ۵۳۷ ه.ق) ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابی‌حفص عالمی متکلم، اصولی، فقیه، مفسر و محدث بود. قریب یکصد رساله در مباحث فقهی و جز آن تصنیف کرده است. از اوست: «اکمل الاطول» (ه.م) «والتیسیر فی التفسیر» و «العقائد النسفیه» و «طلبة الطلبه» و «تاریخ سمرقند» و جز آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۲۲/ ۵)، ایضاح‌المکنون (۱۱۷، ۲۵/ ۱)، ریحانه (۱۷۳ –۱۷۲/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۲۷ –۱۲۶/ ۲۰)، شذرات الذهب (۱۱۵/ ۴)، طبقات المفسرین داودی (۷ –۵ / ۲)، العبر (۴۵۳ –۴۵۲/ ۲)، کشف‌الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۴۸، ۱۹۲۹، ۱۸۷۱، ۱۸۶۷، ۱۷۳۱، ۱۶۸۶، ۱۶۰۲، ۱۳۵۶، ۱۲۳۰، ۱۱۴۵، ۱۱۲۵، ۱۱۱۴، ۷۵۶، ۷۰۶، ۶۶۸، ۶۰۲، ۵۶۴، ۵۵۳، ۵۱۹، ۴۱۸، ۴۱۵، ۲۹۶، ۲۴۷)، لسان‌المیزان (۲۳۰ –۲۲۹/ ۵)، معجم‌الادباء (۷۱ –۷۰/ ۱۶)، معجم‌المؤلفین (۳۰۶ –۳۰۵/ ۷)، هدیة‌الاحباب (۲۵۵)، هدیة‌العارفین (۷۸۳/ ۱).

نسوی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن احمد بن علی بن محمد ملقب به نورالدین. منشی مخصوص جلال‌الدین منکبرنی و مصنف کتاب سیرهٔ جلال‌الدین و نفثهٔ‌المصدور. تاریخ تولد و مرگ او به درستی معلوم نیست ولی در قرن ششم و هفتم از هجرت می‌زیسته است. به سال ۶۲۱ از جانب والی نسا (۱– نسا) به دربار سلطان جلال‌الدین رفت و تا سال ۶۲۸ که سال مرگ جلال‌الدین است در خدمت او بود. در سال ۶۲۹ در میافارقین اقامت کرد، و نفثهٔ‌المصدور را در آنجا نوشت. در سال ۶۳۹ کتاب سیرهٔ جلال‌الدین را تألیف کرد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نسیم دستگردی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ –۱۲۸۶/ ۱۲۸۵ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به نسیم. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و در ۱۳۱۱ ش در رشته فلسفه و ادبیات از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد. نسیم از ۱۳۱۳ ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد در دبیرستان‌های تهران و دانشکده‌ی افسری به تدریس

پرداخت. وی پس از فوت پدر، صاحب امتیاز مجله‌ی «ارمغان» شد و مجله را با همان سبک تا پایان ۱۳۵۷ ش انتشار داد. نسیم انجمن ادبی حکیم نظامی را نیز دایر و پا برجا نگاه داشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۰۹ -۵۰۷)، الذریعه (۱۱۸۶/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۳۲ -۳۶۲۹/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰).

نسیم شمال

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام روزنامه‌ای است که سید اشرف‌الدین گیلانی در ۱۳۲۵ ه.ق مطابق با ۱۹۰۷ م. تأسیس کرد و تا سال ۱۹۱۱ میلادی گاهی مرتب و گاهی نامرتب به چاپ می‌رسید.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نشأت، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷/ ۱۳۴۶ -۱۲۷۵ ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. وی ابتدا منطق، فلسفه، اصول، حدیث، تفسیر و زبان و ادبیات فارسی و عربی را آموخت و پس از آن زبان‌های ترکی عثمانی و انگلیسی را فراگرفت. در بیست و چهار سالگی وارد وزارت فرهنگ شد و چندین سال از طرف این وزارت سرپرستی مدارس ایران را در عراق به عهده داشت. وی پس از بازگشت به ایران در آموزشگاه‌های تهران، دانشکده‌ی معقول و منقول و مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس زبان عربی و تاریخ و جغرافیای ایران و کشورهای اسلامی پرداخت. او همچنین مدت پانزده سال در دانشگاه قاهره به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیای ایران مشغول بود. نشأت در مدت سرپرستی و تدریس خود، چندین کتاب از فارسی به عربی و از عربی به فارسی ترجمه کرد. او همچنین مدتی استاد دانشگاه تهران بود و در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود. وی در تهران درگذشت. از آثارش: «آموزگار عربی»؛ «سلسله فلاسفه‌ی ایران در اسلام»، شرح حال غزالی؛ «تاریخ سیاسی خلیج‌فارس»؛ «توحید اهل توحید»، ترجمه؛ «دستور کامیابی»، ترجمه؛ «شرح وقایع زندگانی محمد علی پاشا مؤسس سلسله‌ی خدیویه‌ی مصر»، ترجمه؛ «فن معاشرت»، ترجمه؛ «المعلم الجدید»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۱۶/ ۱۲ ،۱۶۵/ ۸)، سواد و بیاض (۵۵۲ -۵۵۱)، شرح حال رجال (۱۲۱/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۵۶، ۲۴۷۱، ۲۰۱۶/ ۲ ،۱۴۲۹، ۹۶۴، ۷۱۵، ۶۱/ ۱).

نصر، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۷۰ ش)، نمایشنامه‌نویس، نویسنده، مترجم و مؤسس. از سادات کاشان بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدارس شرف، علمیه و آلیانس فرانسه به پایان رساند و بعد به سمت معلمی زبان فرانسه و ریاضیات همان مدرسه رسید. او همچنین در مدارس نظامی، علوم سیاسی، اسلام و اقدسیه نیز مشغول به کار شد و سپس به وزارت مالیه رفت. نصر سالها مشاغل مختلف دیگری را نیز بر عهده داشت از جمله، معاونت وزارت پیشه و هنر، وزیر پست و تلگراف، سفیر کبیر ایران در چین و هندوستان و نماینده‌ی ایران در سازمان ملل متحد. وی در آغاز مشروطیت به کار نمایش و تئاتر روی آورد و اقدام به تأسیس تئاتر ملی کرد. نصر برای آموختن فن تئاتر به اروپا رفت و پس از بازگشت، کمدی ایران را به سبک تئاتر اروپایی تأسیس کرد. او ریاست کمیسیون نمایش را در سازمان پرورش افکار (تأسیس ۱۳۱۸ ش) برعهده داشت. همچنین وی هنرستان هنر پیشگی را بنا نهاد و خود به تدریس تاریخ هنر پرداخت. وی را پدر تئاتر ایران می‌دانند. سید علی نصر در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّٰه دفن شد. از آثار وی: الف- تألیفات: «تاریخ ایران و دنیا»؛ «فیزیک گاز»؛ «حفظ الصحه»؛ «علم الاشیاء»، در شش مجلد؛ «هنرآموز دوشیزگان»، در شش مجلد؛ «تاریخ عمومی»، مصور؛ «تاریخ مختصر ایران». ب- نمایشنامه‌ها: «سیروس»؛ «اشتباه لپی»؛ «نتیجه تعدد زوجات»؛ «زن بی‌وفا»؛ «قمارخانه» و غیره. ج- ترجمه‌ها: «عوامفریب سالوس»؛ «سه عروسی در یک شب»؛ «تاریخ یونان»؛ «انقلاب فرانسه».[۱]

فرزند نصرالاطباء کاشانی، در ۱۲۷۴ در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدارس علمیه و آلیانس فرانسه شد و دوره مدارس مزبور را طی کرد، آنگاه به شغل معلمی پرداخت و چندی در مدارس علمیه، اقدسیه، قاجار و مدرسه سیاسی تدریس می‌کرد. سپس وارد وزارت دارایی شد و قریب بیست سال در آن وزارتخانه بود. اهم مشاغل وی در وزارت مالیه عبارتند از: ریاست کل خالصجات، رئیس انحصار تریاک، ریاست اداره دخانیات، پیشکار مالیه اصفهان، رئیس دارایی خراسان و ریاست

اداره برق تهران.

نصر در ۱۳۱۵ به حکمرانی مازندران منصوب شد و قریب سه سال استاندار آنجا بود. در ۱۳۱۸ علی منصور وزیر پیشه و هنر او را به معاونت خود برگزید و وقتی منصور به نخست‌وزیری رسید کفالت وزارت پیشه و هنر با علی نصر شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ مدتی هم معاونت وزارت کشور را عهده‌دار گردید و در ۱۳۲۵ در یکی از کابینه‌های احمد قوام به وزارت پست و تلگراف معرفی شد، ولی دوران وزارتش طولانی نشد و از آنجا با سمت سفیر کبیر عازم پاکستان گردید و بعد سفیر کبیر ایران در چین ملی شد و سرانجام در ۱۳۴۰ درگذشت.

سید علی نصر مردی دانشمند و صاحب تألیفات متعدد بود و در حقیقت بنیانگذار هنر تأتر در ایران می‌باشد. تعداد زیادی نمایشنامه به وسیله او تحریر و اجرا گردید و کتبی نیز در تـأتر دارد. از دیگر کارهای او تأسیس هنرستان هنرپیشگی است. چند تأتر هم در ایران تأسیس نمود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۹۱/ ۲ ،۳۴۲ ،۳۲۷/ ۱)، بنیاد نمایش در ایران (۲۵۶ –۲۳۱ ،۸۱)، سیمای هنرمندان (۲۹۸ –۲۹۶/ ۱)، شخصیتهای نامی (۴۸۰ –۴۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۲ ،۲۴۹۷ ،۲۳۳۳/ ۲ ،۱۱۷۷ ،۱۱۶۷ ،۷۶۹ ،۷۴۷ ،۷۳۰ ،۶۴۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۱ –۴۳۰/ ۴).

نصراللهی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا نصراللهی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۳/۱۴

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره دبیرستان با ورود به حوزه علمیه قم؛ «مدرسه حقانی» و افتخار شاگردی نزد شهید قدوسی و شهید بهشتی و اساتید آن مدرسه، با آشنایی با علوم حوزوی، کار تحقیقاتی، علمی خود را با مطالعه کتب استاد مطهری و برخی بزرگان دیگر از قبیل: دکتر شریعتی، سروش، بازرگان و افرادی که داعیه روشنفکری داشتند و ضمن انتقاداتی که به اینها به ذهنم می رسید و حاشیه نویسی را در کتابهام نوشتم تا کم کم خورشید انقلاب اسلامی توسط حضرت امام خمینی (روحی فدا) و یاران باوفایش در عصر الکترونیکی و کفر مادیت و نظام های امپریالیستی، سوسیالیستی و مکاتب دیگر طلوع کرد و با جهانی شدن انقلاب عصر آگاهی و بیداری در همه ابعاد، زمینه طوفان به وجود آورد که هر جا را به حرکت واداشت.

با این جرقه ها کم کم احساس نیاز هر انسان به آشنایی با زندگی اسلامی، زندگی اخلاقی و زندگی معنوی همراه با بینش علمی، سیاسی، حقوقی و احساس مسئولیت به عنوان یک طلبه واقعی و سرباز اسلام و انقلاب، مسئولیت های ما را دو چندان کرد تا خود را مسلح به انواع سلاحات مدرن روز کرده و اسلام یک بعدی دیروز را در همه ابعاد به جهان عرضه کنیم. امروز که مسیحیت ۳۰ هزار کانال تبلیغ مسیحیت می کنند با همه وجود، آیا سهم ما جایگاه ما کجاست؟ ما برای اسلام با آن همه تمدن تفکر پیشرفت چه کرده ایم؟ حوزه های ما حوزویان ما و اساتید ما بزرگان ما چه کرده اند؟ اگر ما هزار نفر امثال امام خمینی (سلام الله علیها)، امثال شهید مطهری ها، شهید بهشتی ها و امثال مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) داشته باشیم؛ چه اشکالی دارد. دانشگاههای ما در قبال مطالب فوق چه کرده اند؟ متاسفانه باید سربه زیر انداخت.

سال ۵۷ به حوزه علمیه قم آمدم تا سال ۱۳۵۹. بعد برای تکمیل دوره علمی سطح به مشهد هجرت نموده و از محضر اساتید معروف آنجا کسب علم نموده تا سال ۱۳۷۳ باز به قم مراجعت نموده و تا ۱۳۸۷ افتخار طلبگی در این حوزه را دارم. از سال ۵۹ با شروع جنگ تحمیلی خود را به لشکر ۷۷ خراسان و تیپ قمر بنی هاشم معرفی و از همان آغاز، برای انجام رسالت تبلیغی دوشادوش رزمندگان به جبهه شتافتم. بعد به لشکر ۵ نصر و همچنین لشکرهای ۲۷ رسول الله و لشکر ۸ نجف اشرف و ... خلاصه زندگی ما سراسر علم و تلاش است و زندگی ما بخشی از حوزه و دانشگاه و باید دائماً یا کار استادی کنیم یا کار طلبگی و دانشجویی. از خداوند موفقیت همه را خواستاریم.

نصرآبادی نیشابوری، ابوالقاسم ابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۶/ ۳۷۲ ق)، محدث، واعظ، صوفی و زاهد. اهل نیشابور بود و نسبتش به نصرآباد، محله‌ای در نیشابور می‌رسد. از بزرگان تصوف و عرفان و در انواع علوم متبحر بود. وی مرید شبلی و شاگرد ابوعلی رودباری و ابراهیم شیبان بود و با مرتعش و بوبکر طاهر ابهری و شبلی مصاحبت داشته است. از ابوالعباس سراج و ابن‌خزیمه و احمد بن عبدالوارث عسال و یحیی بن صاعد و محمد بن عبداللّه مکحول بیروتی و ابن‌جوضاء و جماعتی دیگر در خراسان و شام و عراق و حجاز و مصر حدیث شنید. حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوحازم عبدوی و ابوالعلاء محمد بن علی واسطی و ابوعلی دقاق و جماعتی از وی روایت نموده‌اند. در ۳۶۶ ق به مکه رفت و مجاور شد و همان جا درگذشت و در جوار فضیل بن عیاض به خاک سپرده شد. به آورده‌ی «ریحانهٔالادب» وی در قریه‌ی نصرآباد اصفهان، خانقاهی داشته که به تکیه‌ی میان ده نصرآباد معروف است و ظاهراً مدفنش نیز در همان جا می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۱۷۰ -۱۶۹/ ۶)، تذکرهٔالاولیاء (۳۱۹ -۳۱۱/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه/ ه)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (صفحات متعدد)، ریحانه (۱۷۷/ ۶)، سیرالنبلاء (۲۶۷ -۲۶۳/ ۱۶)، شذرات‌الذهب (۵۹ -۵۸/ ۳)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۸۸ -۴۸۴)، طبقات الصوفیه هروی (۵۲۵ -۵۲۴)، طرائق‌الحقائق (۵۴۱/ ۲)، العبر (۱۲۵/ ۲)، کشف المحجوب (۲۰۰)، لغت‌نامه (ذیل/ نصرآبادی)، المنتظم (۴۱۲/ ۸)، النجوم الزاهرهٔ (۱۳۳/ ۴)، نفحات‌الانس (۲۳۵ -۲۳۴)، الوافی الوفیات (۱۱۸ -۱۱۷/ ۶).

نصرآبادی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲۷- ز ۱۰۸۳ ق)، تذکره‌نویس، ادیب و شاعر. وی در نصرآباد که دهی است از دهستان ماربین، واقع در نیم فرسنگی اصفهان، به دنیا آمد. نسب او از طرف پدر به میرزا صالح اصفهانی می‌رسد. در هفده سالگی پدر خود را از دست داد و دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بیشتر اوقات خود را در اصفهان در قهوه‌خانه‌ای که مجمع شعرا و ادبا بود، می‌گذراند و در پرتو معاشرت با آنان با فنون نظم و نثر آشنایی پیدا کرد. وی از محضر آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹/ ۱۰۹۸ ق) بهره‌مند شد. شهرت نصرآبادی به دلیل مهارت در ساختن ماده تاریخ است. تاریخ ساختن عمارت هشت‌بهشت و تاریخ فوت کاشفای شاعر از ماده تاریخ‌هایی است که او سروده است. وی دارای ذوق سرشار و طبع روانی بود و به سبک عصر صفوی و پیروی از بزرگانی همچون صائب تبریزی و کلیم کاشانی شعر می‌سرود. گوینده وی در پی منصب و مقام نبود و از راه کشاورزی امرار معاش می‌کرد و به همین سبب مورد احترام صاحبان مقام و منصب و بخصوص شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) بود. وی به مشهد و عتبات عالیات مسافرت کرد و پس از بازگشت به اصفهان، سالها محل تجمع او و دوستانش قهوه‌خانه و سپس مسجد لنبان بود. او در اصفهان درگذشت و قبرش در مقبره میرزاها می‌باشد. مهم‌ترین اثر وی «تذکره‌ی نصرآبادی»، در احوال شعرای عهد صفوی است که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده و در ۱۰۸۳ ق تألیف آن آغاز گردیده و به آورده‌ی تذکره‌ها در ۱۰۹۰ یا ۱۰۹۱ یا ۱۱۱۵ به پایان رسیده است. از دیگر آثارش: «گلشن خیالات»؛ مکتوبی که نصرآبادی به میرزا قاسم خلوت‌نشین، از رجال متعین عهد شاه سلیمان، نوشته است. گفته می‌شود «دیوان» شعری نیز داشته، ولی در حال حاضر تنها از اشعار او آنچه در تذکره‌اش نوشته است، در دسترس می‌باشد.[۱]

محمدطاهر (و. ۱۰۲۷ ه.ق) از ادبا و شاعران قرن یازدهم هجری است و در زمان شاه سلیمان صفوی می‌زیسته و پیرو سبک صائب تبریزی بود. از آثار منظوم او قطعه شعری است که به مناسبت ساختن توپ در سال ۱۰۸۲ هجری سروده و تمام مصرعهای آن به حروف ابجد با عدد ۱۰۸۲ تطبیق می‌کند. سال وفاتش درست معلوم نیست و محتمل است که اوایل قرن دوازدهم هجری را نیز دیده است. قبر او در نصرآباد در مقبره‌ی کوچکی که مقبره‌ی میرزاهاست قرار دارد. وی صاحب تذکره‌ای است از شاعران که به تذکره‌ی نصرآبادی مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۸۷ -۱۷۸۴/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۶ -۳۹۷/ ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه، ۴۹۱ -۴۸۷، ۴۶۸ -۴۵۷)، الذریعه (۲۲۶/ ۱۸، ۱۱۹۱، ۶۴۳/ ۹، ۳۷ -۳۶/ ۴)، ریحانه (۱۸۳ -۱۷۶/ ۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نصرآبادی)، معجم‌المؤلفین (۱۰۲/ ۱۰)، یادگار (س ۲ ش ۴، ص ۵۰ -۴۷).

نصرتی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر نصرتی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۳۹ در روستای «حسین‌آباد پشت بسطام» از توابع شاهرود و در خانواده‌ای مذهبی، کشاورز و دامدار. قبل از آغاز

تحصیلات کلاسیک در ۵ سالگی به مکتب‌خانه رفتم و قرآن را فرا گرفتم و با خواندن آشنا شدم. تحصیلات ابتدایی را تا پنجم در روستا با موفقیت و شاگرد اولی در کلاس‌ها گذراندم. از کودکی علاقه وافری به روحانیت و مباحث دینی داشتم. دوره تحصیلی راهنمایی را در «علی‌آباد کتول» گذراندم و هر ساله در رده دانش‌آموزان ممتاز مدرسه قرار داشتم.

در جلسات مذهبی شرکت می‌نمودم با اندیشه‌های حضرت امام، جزوه ولایت فقیه و آثار دکتر شریعتی آشنا شدم. در این زمان به مطالعه کتاب به ویژه کتاب‌های مذهبی پرداختم. جهت ادامه تحصیل به شهر شاهرود عزیمت نمودم و در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان ادامه تحصیل دادم. در کنار دروس دبیرستان، فعالیت مذهبی با جمع‌های دانش‌آموزی را آغاز کردم و با اندیشه‌های انقلابی و آشنا، همراه گردیدم. به کمک دوستان روزنامه‌های دیواری با رویکرد مذهبی انقلابی تنظیم می‌کردیم و در سالهای ۵۶ و ۵۷ در پخش اعلامیه و شب‌نامه شرکت می‌کردم و با جریان‌های هوادار انقلاب همراهی و همگامی داشتم.

در سال ۵۷ در کنکور علوم انسانی شرکت نمودم و در رشته «علوم سیاسی» دانشگاه تهران قبول شدم. ولی در عمل تا پیروزی انقلاب درس‌ها تعطیل گردید، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با آغاز به کار دانشگاه‌ها به دانشگاه وارد شدم و در جمع‌های مذهبی، همگام با انقلاب اسلامی علیه جریان‌های نفاق، چپ و لیبرال قرار گرفتم. در ایام انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه در آموزش و پرورش «بسطام» به عنوان معلم دوره راهنمایی به تدریس در روستا پرداختم. (به مدت دو سال)

در سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت کردم و دروس علوم اسلامی را به صورت آزاد آغاز کردم. پس از بازگشایی دانشگاه با مشورت حضرت «آیت الله راستی» همزمان دانشگاه و حوزه را ادامه دادم و در سال ۱۳۶۳ به حوزه درس مرحوم «سید منیر الدین حسینی شیرازی» پیوستم. دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات: «راستی کاشانی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی» و «میرزا جواد آقای تبریزی» به مدت ۱۲ سال گذراندم و در سال ۱۳۸۳ در جهت تحقق فرمایش مقام معظم رهبری؛ مبنی بر لزوم ایجاد نهضت نرم‌افزاری، در مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی اقدام به تأسیس دفتر جنبش نرم‌افزاری نمودم و مدیریت آن را برعهده گرفتم که به نوبه خود در ایجاد فضای باز فکری و گسترش آزاداندیشی و روحیه نقد و نظریه‌پردازی تأثیر قابل ذکری گذاشته است.

نصیرالدوله بدر، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۰۹ –۱۲۴۸ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به نصیرالدوله. در رشت به دنیا آمد. وی برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و پس از فراگرفتن ادبیات فارسی به تحصیل فقه، اصول، حکمت الهی و همچنین زبان فرانسه و علوم ریاضی پرداخت. در زمان ناصرالدین شاه به عنوان منشی دربار برگزیده شد و پس از قتل شاه به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و چندی به سفیری ایران در بلژیک انتخاب گردید. وی در ۱۲۹۷ ش در کابینه‌ی دوم حسن وثوق‌الدوله وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را به عهده گرفت. در زمان وزارت وی مدارس دولتی رایگان و همچنین دانشسرای مقدماتی پسران و دختران تأسیس گردید. او همچنین مدرسه موزیک را که تا آن زمان وجود نداشت تأسیس کرد. وی سرانجام در تهران وفات یافت و در صحن حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: رساله در «خواص اعداد»؛ رساله در «هندسه»؛ «شرح حال حسین بن منصور حلاج»؛ «تاریخ نادر شاه افشار»، ترجمه؛ «زمین یا معرفت الارض»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۷۱ –۶۶۹/ ۵)، وزرای معارف ایران (۷۱ –۷۰)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۱۸۷ –۱۷۶).

نصیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نصیری

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۱ از مدرسه علمیه «امام صادق (ع) رشت» آغاز و تا سال ۱۳۷۶ در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میرزاجواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.

وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث» و «ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال ۱۳۷۸ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال ۱۳۸۲ در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان: «بررسی مکتب تفسیری صدرالمتألهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش و ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است.

نظام الدوله، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مادرش دختر فتحعلیشاه قاجار بوده، در نجف می‌زیسته، و در نزد عموم طبقات، معزّز و محترم بوده.

تألیفاتی دارد: ۱- کتابی در نحو ۲- مجموعه‌ای کشکول مانند.

سرانجام در سال ۱۳۳۰ در نجف وفات یافته، در مقبره خانوادگی خود مدفون شد. در کتاب الذریعهٔ (جلد ۱۱ صفحه ۹۰) وفاتش را حدود ۱۳۱۹ می‌نویسد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام الدوله، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۲۲ در ایران متولّد، و در اصفهان و طهران تحصیل علوم نموده، در سال ۱۲۴۷ به اتفّاق پدر به نجف اشرف مهاجرت نموده، و به تکمیل علوم و تهذیب نفس و تألیف و تصنیف پرداخته، در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضیّات مهارت داشته، قریب ۱۸ مجلّد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- البرهان ۲- تقریرات ۳- دیوان شعر، به عربی و فارسی ۴- رسال در اصول فقه ۵- رسال در شبهه محصوره و آب مضاف، به طبع رسیده ۶- رساله در امامت ۷- سلافهٔ الوزراء، در معنی ولایت به طریق اهل تصوّف و عرفان، به نظم و نثر، مطبوع ضمن فوائد البهائیّهٔ ۸- شهاب الثاقب، در ردّ صواعق ابن حجر ۹- کشف الابهام، در فقه. ۱۰ و ۱۱ - دو کتاب در رجال ۱۲- کتابی در نحو و صرف ۱۳- کتابی در ترجمه ۱۹ نفر از بزرگان اهل سنّت، و ردّ بر آنها از کتب اهل سنّت ۱۴- معارج القدس، در حکمت و کلام و توحید و عدل ۱۵- نور الابصار؛ و غیره.

مشارالیه نزد صاحب جواهر، و ملاّ مقصود علی غروی، و میرزا حسن بن ملاّعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده، و از حاج ملّا احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است

(تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است)

سرانجام در ۸ ذی حجّه سال ۱۲۷۶ در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام الدوله، مرتضی قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و ادیب، در نزد علما و فضلا تحصیل نموده، تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱- اشعهٔ القدسیّهٔ، فارسی ۲- تتمّه طراز اللغهٔ تألیف علی خان مدنی که به دستور میرزا سلیمان خان نایب الحکومه اصفهان تألیف نموده ۳- جمرات ۴- دیوان اشعار عربی و فارسی ۵- مکاتبات او با اعیان زمان خود ۶- نامه‌ای در جواب اعتراضات آخوندزاده و غیره.

وفاتش در ۱۵ ذی قعده سال ۱۳۰۶ در طهران اتفّاق افتاده، و در حضرت عبدالعظیم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام العلماء، اسد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل صالح، در ۱۳۲۴ در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون شده.

تاریخ وفاتش را سید محمّد نجف آبادی، شاعر و ادیب چنین گفته است:

اسد ثاو بأعتاب حمی

اسداللّه و خیر الاوصیاء

فبأعتاب علیٍّ ارّخوا

فاز واللّه نظام العلماء

پس از مرگ، شش پسر داشته که از آن جمله است:

اوّل: احمد خان، متوفّی در ۲۰ شعبان ۱۳۶۳.

دوّم: حمید خان، در ۲۶ ذی حجه ۱۳۶۳ وفات یافته، در صحن کربلا مدفون گردید از مردان سیاسی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام العلمای تبریزی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۲/ ۱۲۷۰ ق)، نویسنده و ادیب. ملقب به نظام‌العلماء. وی معلم ناصرالدین میرزا ولیعهد (ناصرالدین شاه) و از علمای شیخیه آذربایجان بود. او در مجلسی که در ۱۲۶۳ ق در حضور ولیعهد برای مناظره و مباحثه و محاکمه‌ی سید علی‌محمد باب در تبریز انعقاد یافت شرکت داشت و بعدها صورت محاکمات این مجلس را به ضمیمه‌ی مطالبی دیگر در رساله‌ای مرتب و منتشر کرد. از دیگر آثارش: «الشهاب الثاقب»، در رد نواصب؛ «اخلاق نظام‌العلماء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۳۸۱)، الذریعه (۲۵۳/ ۱۴ ،۳۸۱/ ۱)، ریحانه (۲۰۹ -۲۰۸/ ۶)، شرح حال رجال (۶۰ -۵۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴/ ۶).

نظام بندگیر تبریزی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، نقاش. گچ‌بر و نگارگر و رسمی‌ساز محراب مسجد جامع مرند است که آن را در کمال استواری بنا نهاده و در فاصله دو سر ستون آن نام سازنده آن چنین درج شده: «عمل عبدالفقیر نظام بندگیر تبریزی». این بنا، به امر ابوسعید بهادر خان در ۷۳۱ ق فرجام پذیرفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۹۲/ ۳).

نظام‌الدوله اصفهانی، علی‌محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و ادیب. از معاریف دربار فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود. وی در نظم و نثر و ادبیات فارسی و عربی دست داشت و از علوم ریاضی و دینی نیز بهره‌مند بود. او همچنین خط نستعلیق و نسخ را خوش می‌نوشت. در ۱۲۵۰ ق، پس از فوت فتحعلی شاه و سلطنت محمدشاه، چون نظام‌الدوله از مخالفین سلطنت محمدشاه بود، از ترس او به بین‌النهرین مهاجرت کرد و در عتبات مجاور شد. وی در نجف به حلقه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری پیوست و تا پایان عمر در همان جا به سر برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۸۵ -۴۸۴/ ۲)، تاریخ عضدی (۶۶ -۶۰)، شرح حال رجال (۴۸۴ -۴۸۳/ ۲).

نظام‌العلمای تبریزی، محمد رفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷/ ۱۳۲۶ -۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. نسبش به ابراهیم طباطبا می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. در قریه‌ی باسمنج تبریز درگذشت و در صحن حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از آثارش: «انیس الادباء و سمیر السعداء»، کشکول فارسی؛ «تحفهٔ الامثال»، در سه قسمت: آیات، کلمات منثوره و امثال منظومه؛ «التحقیقات العلویهٔ»؛ «آداب الملوک»، در شرح «عهدنامه‌ی امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر»؛ «تشریح التقویم»؛ «حقیقهٔ الامر»، در جبر و تفویض و امر بین الامرین؛ «جواهرالاخبار»؛ «مصابیح‌الانوار»؛ «مجمع‌الفضائل»، «دستور الحکمهٔ»؛ «مقالات النظامیهٔ»؛ «مجالس النظامیهٔ»؛ «فتوحات نظامیه»، به فارسی؛ «وسیلهٔ الزائرین»؛ «کافیهٔ العروض»؛ «دیوان» شعر، در مدایح و مراثی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۳۳/ ۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵ -۱ / ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰ -۳۸۰)، الذریعه (۷۸/ ۲۵ ۳۹۳، ۸۰/ ۲۱ ،۳۹/ ۲۰ ،۳۷۲/ ۱۹ ،۱۲۰۳ -۱۲۰۲/ ۹ ،۴۸ -۴۷/ ۷ ،۲۵۹/ ۵ ،۱۸۷/ ۴ ،۴۸۶ ،۴۲۱/ ۳ ،۴۵۲ -۴۵۱ ،۴۶/ ۲ ،۳۰ -۲۹/ ۱)، ریحانه (۲۰۸ -۲۰۷/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۸۸ -۷۸۷/ ۱۴)، علماء معاصرین (۹۳ -۹۲)، الماثر والآثار (۱۸۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۷ -۲۲۴/ ۳).

نظام‌زاده فسائی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل حاج شیخ محمود نظام‌زاده سبط علامه کبیر حاج میرزا محمود شیرازی عسکری و حفید عالم بزرگوار حاج میرزا محمد اسمعیل نظام‌العلماء فسائی می‌باشند.

در سال ۱۳۲۵ شمسی در سامری به دنیا آمده و دوران کودکی را در آنجا پشت سر گذارده و در خدمت والد ماجدش عزیمت به نجف اشرف نموده و دروس مقدماتی و ادبیات را در آن سامان به پایان رسانیده سپس در خدمت پدرش در سال ۱۳۴۶ شمسی به شیراز آمده و مدت شش سال اقامت و سطوح را در این شهرستان نزد اساتید و مدرسین خوانده و در سال ۱۳۵۲ شمسی مهاجرت به قم نموده است.

و در درس خارج مرحوم علامه نسابه فقیه اهل‌البیت آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی قدس‌اللَّه سره و نیز آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی عافاه اللَّه و ادام اللَّه ظله شرکت و استفاده نموده و در سال ۱۳۶۴ شمسی که والد بزرگوارش آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود نظام‌زاده رحلت نمودند و به فساء برگشته و به جای معظم‌له به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اسلامی و قضاء حوائج برادران دینی اشتغال دارند. ادام‌اللَّه توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظری منفرد، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نظری منفرد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۲۶ در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.

در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آباده فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نظمی تهرانی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۴ -۱۳۴۰ ق)، شاعر، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. پدرش از مأمورین دولت بود و پیوسته از شهری به شهر دیگری مأموریت می‌یافت، از این رو نظمی تحصیلات مقدماتی را در شهرهای مختلف به پایان رساند و تحصلات متوسطه را در رشته‌ی ادبی در دبیرستان دارالفنون و سن‌لوئی گذراند. وی با مطبوعات همکاری نزدیک داشت و سردبیری چند روزنامه را به عهده گرفت و مجله‌ی هنری و سیاسی «عقیده» را در ۱۳۶۵ ق منتشر کرد. او از سنین جوانی به نظم شعر پرداخت. از دیگر آثار وی: «اطاق کبود»؛

«شب مهتابی»؛ «معشوقه‌ی بی گناه»؛ «یادبودهای جوانی»؛ «تاتیانا»؛ «اسرار بغداد»؛ «گربه‌ی سیاه»؛ «طلا در کوه»؛ «این تو بودی»؛ «شبهای هند»؛ «پدری که پسر خود را می‌کشد»؛ «روح گمشده»، ترجمه؛ «طوفان زندگی»، ترجمه؛ «نگاه»، مجموعه‌ی شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۵/ ۱۸ ،۱۲۱۲ ،۱۱۵۷/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۶۶ -۳۶۶۲/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۵، ۳۳۰۸، ۳۰۵۴، ۲۹۱۷، ۲۷۱۳، ۲۴۴۵، ۲۳۹۸، ۲۲۷۰، ۲۲۶۵، ۲۰۹۴، ۱۷۶۷، ۱۷۴۹/ ۲ ،۱۴۹۰، ۱۱۳۲، ۱۰۶۴، ۱۰۵۰، ۶۵۲، ۵۸۹، ۴۲۶، ۱۹۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۳ -۵۲۱/ ۶).

نفیسی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۷۴ ش)، نویسنده، مترجم، مورخ، مصحح، فرهنگ‌نویس، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران به دنیا آمد. خانواده‌ی پدری وی تا یازده پشت پزشک بودند و خود نواده‌ی حکیم برهان‌الدین نفیس، فرزند عوض کرمانی، صاحب «شرح اسباب». او تألیفات عدیده‌ای در طب داشت که برخی از آنها تا روزی که طب قدیم در ایران تدریس می‌شد، جزو کتب درسی بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شرف و علمیه به پایان رساند و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و تحصیلات خود را در سوئیس و پاریس ادامه داد. در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشت و به تدریس زبان فرانسه در دبیرستان‌های اقدسیه و سن‌لویی پرداخت و نیز در مدارس علوم سیاسی، دارالفنون، مدرسه‌ی عالی تجارت، مدرسه‌ی صنعتی (هنرستان دولتی)، دارالمعلمین عالی و پس از تأسیس دانشگاه تهران، در دانشکده‌ی حقوق و سپس ادبیات به تدریس اشتغال ورزید. همچنین در وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه مشغول خدمت شد و به مشاغل چندی دست یافت. او مدتی مدیریت مجله‌ی «فلاحت و تجارت» و در ۱۳۰۱ ش سردبیری مجله‌ی ادبی «پرتو» با مدیریت میرزا محمدعلی خان واله خراسانی و مدتی مدیریت و نویسندگی مجله‌ی «شرق» و نیز ریاست اداره‌ی امتیازات (اداره‌ای که برای ایجاد مراکز صنعتی و فعالیت‌های معدنی و انتشار روزنامه‌ها و غیره مجوز صادر می‌کرد) را به عهده داشت. نفیسی همچنین برای تدریس در دانشگاه‌های کابل، قاهره و سن‌ژوزف به کشورهای افغانستان، مصر و لبنان سفر کرد. او در ۱۳۴۰ ش در رادیو برنامه‌ی یادداشتهای یک استاد را که راجع به شرح حال چند تن از بزرگان علم و ادب بود، به مدت دو سال اجرا کرد. نفیسی سرانجام در بیمارستان شوروی (میرزا کوچک خان جنگلی فعلی) درگذشت. از آثار وی: «آخرین یادگار نادرشاه»، نمایشنامه؛ «احوال و اشعار رودکی»؛ «ایران در صد و هفتاد سال اخیر»؛ «بابک خرم دین، دلاور آذربایجان»؛ «بحرین و حقوق هزار و هفتصد ساله ایران»؛ «پورسینا و زندگی و کار و اندیشه و روزگار او»؛ «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر»؛ «تاریخ ادبیات روسی»؛ «تاریخ تمدن ایران ساسانی»؛ «تاریخچه‌ی ادبیات ایران»؛ «ستارگان سیاه»؛ «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی»؛ «فرهنگ فرانسه به فارسی»؛ «فرهنگ نامه‌ی پارسی»؛ «ماه نخشب»؛ «فرنگیس»؛ «نیمه راه بهشت»؛ «آرزوهای بر باد رفته»؛ ترجمه؛ «ایلیاد»، ترجمه؛ «تاریخ عمومی قرون معاصر»، ترجمه؛ «افسانه‌های گریلف»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[1]

سعید فرزند علی‌اکبر ناظم‌الاطباء (و. ۱۲۷۴ ه.ش- ف. ۲۳ آبان ۱۳۴۵) از استادان و نویسندگان مشهور ایران. سالها در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تاریخ تصوف و ملل و نحل و دروس دیگر را تدریس می‌کرد و در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز مدتها به تدریس پرداخت. مقاله‌ها و کتابهای متعدد از او باقی است و از آثار مفید او باید احوال و اشعار رودکی را نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آئینه‌ی میراث (س ۳، ش ۲ و ۳، ص ۶۹ -۶۴)، از نیما تا روزگار ما (۲۷۱ -۲۵۸)، تاریخ جراید (۷۱ -۶۶/ ۳ ، ۵۰ -۴۹/ ۲)، چهره‌های آشنا (۶۲۴ -۶۲۳)، الذریه (۳۲/ ۱۹ ،۲۱۸، ۲۱۲، ۱۸۴/ ۱۶ ،۱۴۱/ ۱۲ ،۱۲۱۸/ ۹)، ستارگان کرمان (۴۰۸ - ۳۹۶)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۷۲ -۳۶۶۷/ ۶)، سواد و بیاض (۵۳۳ -۵۱۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۴۱، ۲۸۶۴، ۲۴۴۱ ، ۲۴۳۴، ۲۴۰۹، ۱۹۳۶/ ۲ ،۷۶۲، ۷۲۹، ۶۹۵، ۶۸۸، ۶۶۴، ۶۵۹، ۶۲۹، ۴۶۱، ۴۳۱، ۴۲۴، ۴۱۴، ۲۹۵، ۱۲۶، ۳۱، ۹۱/ ۱)، کلک (س ۱، ش ۹، ص ۱۰۷ -۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸ -۳۳۲/ ۳)، یغما (س ۱۹، ش ۹، ص ۴۹۵ -۴۹۳).

نفیسی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناظم‌الاطباء میرزا علی‌اکبرخان (و. کرمان ۱۲۶۳ ه.ق- ف. ۱۳۴۲ ه.ق) فرزند محمدحسن بن علی‌اکبر بن محمد بن محمدکاظم بن ابی‌القاسم بن محمدکاظم بن سعید شریف نفیسی. پزشک، ادیب و لغوی، تحصیلات مقدماتی را در کرمان فراگرفت، سپس به سال ۱۲۸۲ ه.ق به تهران آمد و به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و در سال ۱۲۸۹ ه.ق فارغ‌التحصیل شد. سپس به ریاست مریضخانه‌ی دولتی منصوب شد و تا سال ۱۲۹۸ در این سمت باقی بود. در سال ۱۳۰۳ ه.ق به دعوت ظل‌السلطان به اصفهان رفت و دو سال بدانجا بود. در سال ۱۳۱۰ جزو اطبای حضور ناصرالدین شاه درآمد. او را تألیفات متعددی در طب و تشریح و لغت است. اثر معروف او فرنودسار (فرهنگ نفیسی) است.

لقب میرزا علی‌اکبرخان نفیسی (۱۲۶۳ ه.ق- ۱۳۴۲)، از اطبای معروف و دانشمند قرن چهاردهم و مؤلف فرهنگ نفیسی یا

«فرنودسار». در کرمان تولـد یافت. تحصیلات مقـدماتی را در همان شـهر به پایان رسانـد سپس به فراگرفتن حکمت الهی و فلسفه پرداخت و در دارالفنون تهران که تازه تأسیس شده بود به تحصیل طب پرداخت. در سال ۱۲۸۹ از آن مدرسه فارغ‌التحصیل شد و به تأسیس بیمارسـتان دولتی به سبک بیمارسـتانهای اروپا از طرف ناصـرالدین شاه مأمور شـد. تألیفات وی در طب شامل یک سلسله کتابهای سودمند است که یا خود مستقیماً نوشته و یا از کتب فرانسه ترجمه کرده است بدین قرار: ۱- کتابی در پاتولوژی و کلینیک جراحی. ۲- رساله‌ای در فیزیک. ۳- رساله‌ای در جراحی، ۴- رساله‌ای در تراپوتیک. ۵- دو رساله در سوء هضم. ۶- کتابی بنام مذاکرات. علی‌اکبر نفیسـی در نهضـتهای فرهنگی نیز پیشـقدم بود. به «عضویت انجمن معارف» درآمد و مدرسه‌ی شرف را به روش مدارس اروپائی تأسیس کرد. مهمترین تألیف او کتاب فرهنگ نفیسی یا فرنودسار می‌باشد که بیست و پنج سال عمر خود را صرف آن کرد. نسخه‌ی اصلی این کتاب شامل چهار مجلد بزرگ است در ۳۳۱۷ صفحه و شامل ۹۹۵۵۲ لغت تازی و ۵۸۸۷۹ لغت فارسی است.

(۱۳۴۳/ ۱۳۴۲ -۱۲۶۳ ق)، پزشک، نویسـنده و مؤسـس. ملقب به ناظم‌الاطباء. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاهش با مساعدت وکیل‌الملک، حاکم کرمان، جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون به تحصیل طب پرداخت. در ۱۲۸۵ ق قبل از اتمام دوره‌ی طب، طبابت هنگ مهندسـی در تهران به او سپرده شـد. وی بعد از فراغت از تحصـیل به پیشـنهاد میرزا حسـین خان مشـیرالدوله، نخستین بیمارستان جدید را به روش اروپایی در ایران که همان مریضخانه‌ی دولتی (بیمارستان سینا) است، تأسیس کرد و خود ریاست آن را به عهده گرفت. وی رد مجلس حفظ الصحه (متشکل از پزشکان نامی شهر) که نخستین بار در تهران تشکیل شد، حضور داشت. او پس از کناره‌گیری از ریاست بیمارستان دولتی در ۱۲۹۸ ق با میرزا حسین خان مشیرالدوله به مشـهد رفت و در آنجا بیمارستان رضوی را، از موقوفات آستان قدس رضوی، بنیان نهاد و آن دومین بیمارستان به روش اروپایی در ایران بـود. از ۱۳۱۰ ق جزو اطبـای ناصـراالدین شـاه و مظفرالـدین شاه شـد و به طبابت در دربار اشـتغال ورزیـد. وی کتاب‌هایی در «پـاتولوژی و کلینیـک جراحی»، «فیزیـک»، «جراحی»، «تراپوتیک»، «تشـریح» و دو رساله در «سوء هضم» تألیف کرده است. از دیگر آثارش: «پزشـکی‌نامه»، نامه داروهای طب قدیم در برابر نامهای اروپایی؛ «تعلیمات ابتدایی»؛ «فرهنگ نفیسی»، در لغت، «نامه‌ی زبان آموز».[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زنـدگینامه :[۱] تاریـخ بیـداری ایرانیان (مقدمه/ ۲۱۹ -۲۱۵)، دایرةالمعارف فارسـی (۲۹۹۴/ ۲)، روز شـمار تاریخ (۱۳۳/ ۱)، ریحانه (۱۲۳ -۱۲۱/ ۶)، شرح حال رجال (۴۳۵/ ۲)، فرهنگ نفیسی (۱/ مقدمه)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۴۲/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ناظم الاطباء)، مکارم‌الآثار (۱۷۰۲ -۱۷۰۱/ ۵) مؤلفین کتب چاپی (۵۴۹ -۵۴۷/ ۴)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۶۵ -۵۲).

نقاشباشی مزین‌الدوله، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) در بیستم ربیع‌الثانی ۱۲۶۳ ق. در نطنز کاشان به دنیا آمد. به سن دوزاده سالگی، در زمان ناصـرالدین شاه، جزو نخستین دسـته‌ی محصـلین اعزامی، به پاریس رفت و از مـدرسه‌ی هنرهای زیبا موفق به اخـذ دیپلم شد. پس از پایان تحصیلات، مدتی نزد «انگر» به تکمیل هنر نقاشی پرداخت.

مزین‌الـدوله پس از بـازگشت بـه ایران، از طرف ناصـرالدین شـاه قاجـار مـأمور تـدریس زبـان فرانسـه، موسیقی بـا نت و نقاشـی در دارالفنون شد. کمال‌الملک غفاری و مصورالملک از جمله شاگردان وی در این زمان بودند.

مزین‌الدوله بنا به دسـتور ناصـرالدین شاه مأموریت یافت تا برای نخستین بار تئاتری به شیوه‌ی اروپایی در ایران دایر کند. او برای این منظـور تالار دارالفنـون را انتخـاب کرد. در همیـن دوره «مزین‌الـدوله» نمایشـنامه‌ی «مردم گریز» از مـولیر را بـه روی صـحنه آورد. ناصرالدین شاه در شب‌های نمایش برای تماشا به تالار نمایش می‌آمد.

مزین‌الـدوله به ادبیات فرانسه آشـنایی کامل داشت و در آکادمی فرانسه عضو بود. وی به دسـتور ناصـرالدین شاه مأمور به ترجمه‌ی کتـاب لغت فرانسه موسوم به «دیامـان» به فارسـی شـد. این فرهنگ دارای پنجاه هزار لغت بود و پس از سـی سال زحمت، در زمان سلطنت احمـدشاه قاجـار به پایان رسـید، ولی به سبب فقر مالی ایران، موفق به چاپ آن نشدنـد. سـفیر فرانسه در ایران تقاضا کرد تا فرهنگ را برای چاپ و استفاده در مدرسه‌ی زبان‌های شرقی، به فرانسه فرستند. این کتاب لغت به «مزین‌اللغة» موسوم است.

مزین‌الدوله به سال ۱۳۱۲ شمسی در سن ۸۹ سالگی در تهران درگذشت. از آثار نقاشی مرحوم مزین‌الدوله در موزه‌ی کاخ گلستان نگهـداری می‌شود. بعضـی از نشان‌هـای وی که از کشورهـای خـارج دریافت کرده، در زیر می‌آیـد: نشان درجه یک لژیون دونور، نشان بزرگ زیتون فرانسه از ناپلئون سوم، صـلیب آبی از ویلهلم پادشاه آلمان، «سـنت اسـتانیلاس» از تزار روسـیه، نشان ویکتوریا از پادشاه انگلستان، نشان درجه یک علمی از فرانسوا ژوزف پادشاه اتریش.

مزین‌الـدوله را بایـد نخستین معلم زبان فرانسه، موسیقی با نت و نقاشـی با اصول اروپایی و بنیانگذار تئاتر به شـیوه‌ی غربی در ایران دانست.

میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله، تعداد دو جلد کتاب مربوط به هارمونی و تئوری موسیقی که نوشته‌ی لومر فرانسوی است به فارسی ترجمه کرد که در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسید، و این نخستین کتاب تئوری موسیقی است که به فارسی برگردانده شده است.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

نقره‌کار نیشابوری، جمال‌الدین عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۶ -۷۰۶ ق)، فقیه، اصولی و نحوی. موصوف به شریف. وی در علوم عربی و اصول فقه تبحر داشت. مدتی در دمشق و قاهره ساکن و عهده‌دار مشیخت بعضی از خانقاهها بود. او به تدریس در مدرسه‌ی اسدیه‌ی حلب از بزرگترین مدارس شافعیان پرداخت. بعضی این مدرسه را به اسدیه خارج دمشق که اختصاص به حنفیان داشت حمل کرده‌اند، لذا برخی مذهب او را شافعی و برخی حنفی دانسته‌اند. لیکن به آورده‌ی «ریحانهٔالادب»، قرائن حنفی بودنش ارجح می‌باشد و اما چون گاهی اظهار تشیع می‌کرد، محقق کرکی او را از دانشمندان امامی دانسته است. از آثارش: شرح «منارالانوار» ابوالبرکات نسفی، در اصول، شرح «التسهیل»، در نحو، شرح «الشافیهٔ» ابن‌حاجب، در صرف، «العباب»، در شرح «اللباب» تاج‌الدین محمد اسفراینی، در نحو، شرح «تلخیص المفتاح»، در بلاغت؛ شرح «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، شرح «قصیده‌ی بانت سعاد»، شرح «الفوائد الغیاثیهٔ» عضدالدین ایجی، در معانی و بیان؛ شرح «حرز الامانی» شاطبی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۲ -۲۷۱/ ۴)، ریحانه (۲۳۰ -۲۲۹/ ۶)، شذرات الذهب (۲۴۲/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۵۴۴، ۱۳۳۰، ۱۳۰۰، ۱۰۲۱، ۶۴۹، ۴۹۹، ۴۷۷)، معجم‌المؤلفین (۱۰۸/ ۶)، هدیهٔالعارفین (۴۶۷/ ۱).

نقوی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی فرزند حاج سید باقر نقوی از افاضل دانشمندان و گویندگان معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۴۸ قمری در شهر قائن به دنیا آمده و در بیت سیادت پرورش یافته و مقدمات را در قائن خوانده، سپس در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۶۴ قمری به مشهد عزیمت نموده و در مدرسه ابدال خان اقامت و ادبیات را نزد مرحوم ادیب نیشابوری با تمام رسانیده و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مرحوم حاج سید احمد مدرس یزدی و کفایه و مکاسب را از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج میرزا حسین فقیه سبزواری آموخته و رسائل را از مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی فراگرفته و پس از آن به قم آمده و مدت یکسال اقامت و از محضر آیات استفاده نموده و در سال ۱۳۶۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت هشت سال اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم حاج سید محمود شاهرودی و حاج میرزا باقر زنجانی استفاده نموده و عمده فقه را از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم استفاده نموده و عمده اصول را از آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله آموخته و در سال ۱۳۷۶ قمری به ایران مراجعت و به زادگان خود قائنات رفته و مدت دوازده سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و در سال ۱۳۸۸ قمری مهاجرت به تهران نموده و به خدمات دینی و تبلیغ اسلام و ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی از طریق منبر و جلسات مذهبی پرداخته است دارای تألیفات و آثار ارزشمندی هستند که از نظر عزیزان می‌گذرانم.

۱- شرح نهج‌البلاغه در ۲۵ جلد که هفت جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط می‌باشد.

۲- شرح دعاء کمیل فارسی مطبوع.

۳- شرح خطبه فدک مخطوط.

۴- شرح دعاء عرفه فارسی.

۵- شرح خطبه غدیریه فارسی مخطوط.

۶- تفسیر قرآن که در دست تألیف دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نقیب‌الممالک

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدعلی نقیب‌الممالک، نقال ناصرالدین شاه، که داستان امیرارسلان ساخته‌ی فکر او است و دو داستان دیگر به نام ملک‌جمشید و زرین‌ملک دارد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نکونام، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نکونام

محل تولد : گلپایگان

شهرت : نکونام گلپایگانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین علی نکونام گلپایگانی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در «سعید آباد گلپایگان» چشم به جهان گشود. پدرش کشاورز بود و انس بسیاری با قرآن و نماز شب داشت؛ بطوری که بر قرآن تسلّط بسیاری داشت و هر آیه‌ای که می‌خواندند، سوره آن را می‌دانست. مادرش خانمی مجتهده و از خانواده‌ای روحانی بود. استاد نکونام در چنین خانواده‌ای بزرگ شد و پدرِ مادرش در شکل گیری شخصیت او سهم بسزایی داشته‌اند. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از فراگیری روخوانی قرآن مجید به دبستان رفت. او دروس دورهٔ دبستان را به پایان برد و سپس دروس دینی را آغاز کرد. ابتدا به حوزه علمیه اراک رفت و پس از سه سال (یعنی در سال ۱۳۴۰) به قم عزیمت کرد. هدف او از استقرار در قم بهره مندی بیشتر و بهتر از استادان و فرزانگان آن دیار عالم خیز بود.

او به سرعت دروس مقدمات و دروس دورهٔ سطح را به پایان برد و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دورهٔ خود حضور پیدا کرد. در طی این سالها در درس اخلاق استادانی چون: «آقا سید حسین فاطمی» و «آقای حاج شیخ عباس تهرانی» شرکت جدی داشت تا علم خود را با عمل توأمان سازد. استاد نکونام در طول دوران تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس ادبیات را در اراک در محضر استاد «رفیعی» و نیز منطق را در محضر استادان «رفیعی» و «احمدی» فرا گرفته بود. در قم در درس شرح لمعهٔ استادان حضرات آیات و حجج اسلام: «صلواتی»، «حرم پناهی»، «سید ابوالفضل موسوی تبریزی» و «علم الهدی مشهدی» حاضر شد و قوانین را نزد «آیهٔ الله اعتمادی» و کفایه را نزد آیات عظام: «فاضل لنکرانی» و «نوری همدانی» و نیز مکاسب را نزد «آیت الله خزعلی» آموخت. در بخش دروس خارج نیز سالها در درس فقه «آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» و درس اصول «آیت الله العظمی وحید خراسانی» شرکت کرد. در بخش علوم عقلی نیز در درس شرح منظومهٔ استاد «انصاری شیرازی» و درس اسفار «آیت الله جوادی آملی» حضور داشت.

ایشان در طی سالیان تحصیل با فضلای بسیاری دوست بود و دروس خود را مباحثه کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان: محمدی گلپایگانی (مسؤول دفتر مقام معظم رهبری)، حسینی، رهبر و محمدی اشاره کرد. استاد نکونام در عرصه علم و فرهنگ، خدمات بسیار دارد. او سالها برای تبلیغ به شهرها و روستاهای مختلف کشور سفر کرده و مردمان بسیاری را با احکام اسلام آشنا ساخته است. او بیش از سی و پنج سال است که به تدریس دورهٔ سطح می‌پردازد و از این راه طلاب بسیاری را تربیت کرده که بسیاری از آنها خود، از مدرسان حوزه علمیه قم به شمار می‌آیند.

وی از سال ۱۳۶۷ تاکنون در دانشگاه قم نیز به تدریس پرداخته است. همچنین وی سالها استاد راهنمای مدارج علمی شورای مدیریت برای پایان نامه نویسی بوده است و هم اکنون بیش از بیست سال است به تدریس مکاسب و کفایه اشتغال دارد. استاد نکونام در انقلاب همواره از سیل خروشان ملت ایران در برقراری نظام اسلامی و تحکیم پایه‌های آن جدا نبوده و در مواقع نیاز انجام وظیفه نموده است. ایشان هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

نمازی شادمان، فرنگیس

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مترجم.

درگذشت: شهریور ۱۳۶۲.

فرنگیس نمازی همسر دکتر فخرالدین شادمان، خواندن و نوشتن را در شیراز و هندوستان از معلم خانگی آموخت. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان مهرآیین شیراز و دبیرستان بهشت‌آیین اصفهان به پایان آورد و در امتحانات نهایی متوسطه به دریافت نشان درجه‌ی دوم علمی از وزارت فرهنگ نایل شد.

پس از آن به انگلستان رفت و یک سال در مدرسه‌ی متوسطه سنت مارتین این ذفیلد و سه سال در وستفیلد کالج آکسفورد به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی و فرانسه پرداخت و پس از ده سال به ایران بازگشت از آثار اوست: تحقیقات و مطالعات انگلیس‌ها در باب فارسی (دکتر آرتور ج. آربری، لندن، ۱۹۴۳، م.، رساله‌ی ایشان) تراژدی قیصر (ویلیام شکسپیر، ۱۳۳۴)؛ تراژدی مکبث (ویلیام شکسپیر ۱۳۴۰)؛ انحطاط و سقوط امپراتوری روم (نوشته‌ی ادوارد گیبون، ۱۳۵۴، سه جلد)؛ از وی داستان «مادر» اثر سامرست موآم نیز در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسید. وی همچنین مقاله‌ها و ترجمه‌هایی را در مجله‌ی «روزگار نو»- طبع انگلستان- انتشار می‌داد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نمازی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزنـد عـالم ربـانی و محـدث خبیر و نویسـنده بصیر حـاج شـیخ علی نمـازی شاهرودی طاب‌اللَّه ثراه. از ائمه جماعت تهران و افاضل عصر و زمان در عاصمه تشیع تهران می‌باشند.

در سال ۱۳۱۹ هجری شمسـی در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و پرورش در حجر چنان پدر بزرگواری مقدمات و سطوح را در حوزه علمیه مشـهد در محضـر والدش و مدرسـین دیگر خوانده و دروس جدید را هم در خلال دروس علمی دینی ادامه داده. آنگـاه عزیمت به نجف اشـرف نموده و از محضـر اساتیـد آنجـا چون آیت‌اللَّه حـاج میرزا بـاقر زنجانی و آیت‌اللَّه حاج سـید محمود شاهرودی و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولا استفاده نموده است.

و پس از ده سـال اقامت از طرف دولت بعث عراق ماننـد صـدها هزار نفر دیگر به ایران اخراج شـده و مـدتی در قم توقف و بعـد به دعوت جمعی از مؤمنین تهران عزیمت به سوی آن شهر نموده و در ناحیه غرب تهران به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکـام و مضافا بر این وظائف اقـدام به طبع و نشر پنـج جلـد مسـتدرک سـفینه البحار (ج ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰) تألیف والد ماجدش نموده و منتشر ساخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نمازی، عبدالنبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالنبی نمازی

محل تولد : بوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیـهٔالله عبدالنبی نمازی در سال ۱۳۲۴ در شـهر بوشـهر به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجهٔالاسـلام حاج شیخ احمد نمازی فرزند آیهٔالله حاج شـیخ حسین نمازی دشتی بود. مادرش نیز دختر مرحوم شیخ عباس از روحانیان استان بوشهر بود. پدر آیهٔالله نمازی، برای تبلیغ به آبـادان هجرت کرد و خانواده را نیز به همراه برد. آیـهٔالله نمازی پس از طی دوره دبسـتان، به حوزه رو آورد و پس از طی دروس ادبیات عرب در آبادان در سال ۱۳۴۱ به نجف اشرف عزیمت کرد و در مدرسه علمیه «بادکوبه» سکونت گزید. حال و هوای نجف و انوار تابناک مرقد امیر مؤمنان (ع) آثار شگرفی در روحیه او بر جا نهاد و او را بیش از گذشته شیفته علم و دانش کرد.

آیهٔ الله نمازی پس از چند سال بهره‌مندی از آن شـهر مبارک و از اسـتادان وارستهٔ آن دیار، به قم مراجعت نمود تا از محضر عالمان آن دیار نیز بهره‌مند شود. در قم نیز به درس خارج بسـیاری از بزرگان راه یافت و در این میان از شـرکت در دروس فلسـفه و اخلاق نیز باز نماند. آیهٔالله نمازی در سالهای تحصـیل خود به محضـر علمای بسـیاری شـرفیاب شد. ایشان در نجف اشرف به درس علمایی چون: «آیـهٔالله حاج شـیخ محمـد حسـین موحـد نجف آبادی (ره)»، «آیهٔالله حاج شـیخ کاظم تبریزی (ره)»، «آیهٔالله حاج شـیخ صدرا بادکوبه‌ای (ره)»، «آیهٔالله العظمی سـید عبدالاعلی سبزواری (ره)» و «آیهٔالله حاج شیخ علی آزاد قزوینی» رفت. در حوزه علمیه قم نیز در درس خـارج فقه و اصـول: «آیـهٔالله العظمی حـاج شـیخ محمـد علی اراکی (ره)»، «آیـهٔالله العظمی حـاج میرزا هـاشم آملی (ره)»، «آیهٔالله العظمی حاج سید علی علامه فانی اصفهانی (ره)» و «آیهٔالله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی (ره)» رفت و در دروس فلسفه: «آیهٔالله حاج آقا رضا صدر (ره)» و «آیهٔالله حاج شیخ محمد محمدی گیلانی» حاضر شد.

آیهٔالله نمازی درسالیان متمادی، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او در مدت اقامت خود در نجف اشرف و پس از آن، همواره بر امر تدریس اشتغال داشته، کتب دروس مقدماتی و ادبیات عرب، لمعتین، معالم، را در نجف اشرف تدریس کرده و پس از مراجعت به قم نیز بارها کتب دوره سطح شامل: رسائل، مکاسب، کفایتین را برای طلاب مستعد تدریس نموده و از این رهگـذر، شـاگردان بسـیاری به مکتب امـام صادق (ع) تقـدیم کرده است. ایشان همچنین با تشـکیل جلسات تفسـیر، به مباحثه و مـداقه آیـات قرآن پرداخت که این جلسـات حـدود پنـج سـال به طول انجامیـد. او در طی آن سالهـا، تألیفات بسـیاری نگاشـته و در زمینه‌های گوناگون به پژوهش پرداخته است.

در کارنامهٔ زنـدگانی آیـهٔالله نمازی، فعالیتهای سیاسـی وی بیش از همه می‌درخشد. او از نخستین سالهای نهضت امام خمینی (ره)، همواره پشتیبان آن بوده و از هیچ کوششی در آن راه دریغ نورزیده است. او در زمان دستگیری امام (ره)، از شمار اجتماع کنندگان در مقابـل بیوت مراجع بود که خواسـتار اقـدام جـدی علمـاء، برای آزادی امام (ره) بوده‌انـد. در دورهٔ تبعیـد امام (ره) به عراق، جزء اسـتقبال کننـدگان از ایشان در کربلا بود و همواره مقیّد بود در نجف نمازهای ظهر و عصـر و مغرب و عشاء را به امامت آن مرجع عظیم‌الشأن اقـامه کنـد. در ایران نیز در طی سالهـای پیش از انقلاب، بارها به نقاط گوناگون کشور سـفر کرد و به افشاگری دربارهٔ مفاسـد رژیم پهلوی پرداخت که این مسأله موجب چنـدین بار احضار و بازجویی وی شد و گاه به زندان شدن وی می‌انجامید. او از کسـانی بود که در آن سالها به این مسأله می‌اندیشـید که اسـناد تاریخی نهضت را نگهـداری کنـد تا در بعـدها، مورد اسـتفاده نسـل جوان قرار گیرد. از این رو با مرحوم «ربانی شیرازی» به گردآوری اسناد نهضت پرداخت.

آیهٔالله نمازی در جریان پیروزی انقلاب اسـلامی، نیز برای اسـتقبال از امام خمینی (ره)، از قم به تهران آمد و در بهشت زهرا استقرار

یافت. سپس برای همکاری با اعضای ستاد انقلاب به ساختمان مدرسه رفاه رفت و از طرف آن ستاد، به پادگان نیروی هوایی قلعه مرغی رفت. پس از آن نیز به یکی از سازمانهای ارتش رفت و سپس به جمع آوری و تحویل سلاح ها از مردم مأمور شد و از آنها در دانشگاه تهران بازدید کرد. بخشی از فعالیتهای سیاسی آیت‌الله نمازی پس از انقلاب اسلامی به قوهٔ قضائیه مربوط است. وی کار خود را در دستگاه قضایی با قبول سمت «حاکم شرع» در منطقه سرپل ذهاب و قصر شیرین آغاز کرد و در آن منطقه سرچشمه خدمات بسیاری شد. آیهٔالله نمازی بارها در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر شد و در یکی از عملیات جبهه جنوب، بر اثر بمباران سنگین شیمیایی، از ناحیه چشم و سینه مجروح شد. چندی بعد نیز درعملیات مرصاد بر اثر اصابت ترکش به سختی مجروح می گردد. او پس از آن نیز در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر می‌شد و همواره باعث شادمانی رزمندگان اسلام بود.

نواب صفوی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد و تکاپو

در ۱۷ مهر ماه سال ۱۳۰۳ در محلهٔ خانی آباد تهران به دنیا آمد. پدرش از سادات میر لوحی و مادرش از دودمان صفوی بود.شهید سید مجتبی نواب صفوی، ب سال (۱۳۰۳ ه.ش) هنگامی که رضا خان قزاق، رضاشاه می‌شد در جنوبی‌ترین منطقه‌ی تهران در محله‌ی خانی‌آباد، کوچه‌ی مسجد قندی، در یک خانواده‌ی روحانی دیده بر جهان گشود. نام اصلی او، سید مجتبی میرلوحی (فداییان اسلام، تاریخ عملکرد و اندیشه؛ خسروشاهی، سید هادی؛ تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵ ص ۳۸. سید مجتبی نواب صفوی، اندیشه‌ها و مبارزات، ناشر: منشور برادری، نویسنده سید حسین خوش نیت، چاپ زندگی، اسفند ۱۳۶۰.) بود. نواب، از طرف مادر به سادات شهر درچه‌ی اصفهان و از طرف پدر، به سادات میرلوحی منتسب بود.

پدر او مرحوم سید جواد میرلوحی، دانشمند و روحانی بود؛ ولی در اثر فشار حکومت رضاخان، مجبور به ترک باس روحانی شد؛ از طریق وکالت دادگستری، هم چنان به داد محرومان می‌رسید. پدر مرحوم نواب، در سال ۱۳۱۴ یا ۱۳۱۵ ه.ش، در اثر مشاجره‌ی لفظی با «داور»، وزیر عدلیه‌ی رضاخان، غیرت علوی‌اش به جوش آمد و یک سیلی نثار او کرد. در اثر این برخورد، سه سال از عمر شریفش را در زندان به سر برد. (نشریه‌ی ۱۵ خرداد؛ آذر و اسفند ۱۳۷۰، ش ۵ و ۶. سید مجتبی نواب صفوی، اندیشه‌ها و مبارزات، ناشر: منشور برادری، نویسنده سید حسین خوش نیت، چاپ زندگی، اسفند ۱۳۶۰.).

شهید نواب صفوی، در نوجوانی پدر خویش را از دست می‌دهد و در منزل دایی‌اش، پرورش می‌یابد. دایی او، فردی به نام صفوی بود که در دادگستری کار می کرد؛ (ناگفته‌ها؛ خاطرات شهید حاج مهدی عراقی؛ تهران: انتشارت رسا، ۱۳۷۰، ص ۱۷.) لذا نام سید مجتبی میرلوحی، به سید مجتبی نواب صفوی مشهور می‌شود.

او، دبستان را در مدرسه‌ی حکیم نظامی طی می‌کند. دوران دبیرستان را هم در دبیرستان صنعتی که آن موقع مال آلمانها بود می‌گذراند؛ ولی همراه با علوم هنرستان، دروس حوزه را نیز در مسجدی در همان خانی‌آباد درس می‌گرفت. سرعت او در آموختن سطوح و پایه‌های علمی حوزه، بسیار سریع و عالی بود. در سال (۱۳۲۱ ه. ش) که درس او تمام می‌شود. از آن جا که رشته‌اش صنعتی بود، در شرکت نفت استخدام می‌شود. بعد از مدتی از تهران به آبادان نقل مکان کرده (همان، ص ۱۸.) و سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف عزیمت می‌نماید. در حدود ۵ سال در آن حوزه تا پایان کفایهٔ الاصول را نزد عالمان آن دیار فرا می‌گیرد. (مجله‌ی تاریخ و فرهنگ معاصر؛ خاطرات حجهٔالاسلام گلسرخی؛ زمستان ۱۳۷۰ سال اول، ش دوم.).

«... در سفر اول در اوایل جنگ شهریور ۲۰ جهت تحصیل به نجف اشرف مشرف شدم که حدود ۴ الی ۵ سال مشرف بودم و در این فاطمه یک مرتبه مادرم را آوردم و ۱۰ روز به زیارت بردم.

... یک روز هم بعد از قضیه مرکزی در زمانی که مرحوم حاج آقا حسین قمی و مرحوم آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی رحلت کردند. به نجف مشرف شدم و مشغول تحصیل گشتم. یک سال تقریبا در نجف بودم و تقریبا ۷ الی ۸ ماه پس از فوت آقای «حاج میرزا ابوالحسن اصفهانی به تهران بازگشتم». (جمعیت فداییان اسلام و نقش آن در تحول سیاسی اجتماعی ایران، داوود امینی، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۱، ص ۵۱.).

با توجه به این که نواب در تهران همزمان با تحصیلات کلاسیک در مسجد قندی و مدرسه‌ی مروی درس می‌خواند و سپس به نجف اشرف رفت و نیز بنابر اظهارات دوستان وی که گفته‌اند او دارای نبوغ خاصی بود، می‌توان حدس زد که مایه‌ی علمی آن شهید سعید بسیار خوب بوده است، ضمن این که خواهیم گفت کسروی که اطلاعات فراوانی در زمینه‌های گوناگون داشت در مناظره با نواب مغلوب شد. مرحوم نواب پس از بازگشت از نجف به ایران، حدود ۱۰ سال در راه استقرار حکومت اسلامی به مبارزه پرداخت. سپس در سال (۱۳۳۴ ه. ق) به دست حکومت پهلوی، به درجه‌ی آرمانی شهادت نایل شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

نواب، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میرزا محمّد باقر بن محمد بن محمّد باقر نوّاب. عالم فاضل، امام جماعت مسجد ذوالفقار، از شاگردان آقا میرزا احمد مدّرس، و آخوند گزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا شیخ محمّد رضا نجفی و جمعی دیگر بوده، در اوّل صفر ۱۳۶۶ وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نواب، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن نواب

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام و المسلمین سید ابوالحسن نواب، در سال ۱۳۳۷ در شهرضا (استان اصفهان) متولد شد. ایشان از دانش آموختگان مدرسه حقانی (شهیدین فعلی) است که علاوه بر گذراندن دوره تخصصی مؤسسه در راه حق، دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: «مرحوم شیخ مرتضی حائری یزدی»، «شبیری زنجانی»، «مظاهری اصفهانی» و «شیخ جواد تبریزی» فرا گرفته است. و در مواد درسی: (مذاهب اسلامی، فقه، اصول فقه، علوم قرآنی و ادبیات عرب) در مدرسه حقانی، جامعهٔ الزهراء، دانشگاه مذاهب اسلامی و برخی دیگر از دانشگاههای تهران تدریس داشته و دارد.

ایشان در دوران دفاع مقدس مسئولیت و خدمات فراوانی را عهده‌دار بوده و در دوران سازندگی و اصلاحات، عمدتاً در دو نوع مسئولیت خطیر فعالیت های فرهنگی در خارج از کشور و فعالیت‌های خدماتی در داخل کشور مشغول به خدمت بوده است: «معاونت بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی»، «معاونت ارتباطات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، «قائم مقامی مجمع جهانی اهل بیت (ع)»، «بنیانگذاری و مدیریت مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» و «مدیر مسئولی فصلنامه هفت آسمان» از جمله خدمات فرهنگی ایشان است. در بخش خدماتی، اقدام ماندگار ایشان «راه‌اندازی و مدیریت مرکز خدمات حوزه‌های علمیه» می‌باشد.

جناب آقای نواب در مرکز «مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» که دل مشغولی اصلی ایشان است، در پی رواج ادیان پژوهی و مطالعات مذاهبی به شیوه علمی و بی‌طرفانه در کشور عموماً و در حوزه‌های علمیه خصوصا و زمینه‌سازی برای مطالعات تطبیقی و تعامل مثبت و سازنده ی ادیان و مذاهب گوناگون می‌باشد. «تربیت ده‌ها طلبه فاضل آشنا با دیگر ادیان و مذاهب با مدارک دانشگاهی کارشناسی ارشد و دکتری»، «راه‌اندازی تنها کتابخانه‌ی تخصصی در زمینه ادیان و مذاهب در ایران با بیش از ۲۱ هزار عنوان کتاب تخصصی به زبان‌های گوناگون»، «انتشار ۲۷ شماره از فصلنامه هفت آسمان» و «راه‌اندازی دوره‌های رسمی کارشناسی ارشد در گرایش مختلف ادیان و مذاهب با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری» از مهم‌ترین دستاوردهای ایشان در یک دهه گذشته در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب می‌باشد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی گروه مذاهب اسلامی در مرکز ادیان می باشد.

نواب‌پور، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: مشهد.

درگذشت: دی ۱۳۷۴، دورهام انگلستان.

رضا نواب‌پور دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه دورهام و استاد دانشگاه منچستر بود. در مزمزه‌ی خاطرات (مجموعه‌ی داستان، ۱۳۴۰) به انتقاد از خرافه‌پرستی پرداخت. از همکاران مجتبی مینوی در بنیاد شاهنامه بود، بیشتر آثار مکتوب وی به زبان انگلیسی است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوایی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.
درگذشت: ۱۳۶۲.
محمود نوایی دارای درجه‌ی تحصیلی مهندسی و مترجم زبان فرانسوی و نخستین مترجم آثار زیگموند فروید بود.
از آثار اوست: آینده‌ی یک توهم (زیگموند فروید)؛ ارزش علمی و عملی نظریات فروید، بیگانگان در خانه (اثر ژرژ سیمنون)؛ بیولوژی و فلسفه‌ی زندگی؛ پنج درس پسیک آنالیز (زیگموند فروید، ۱۳۲۴)؛ خندان و گشاده‌رو باشید (پروفسور پل بنینسن فرانسوی، ۱۳۲۸)؛ روانکاوی و زندگی من (زیگموند فروید، ۱۳۲۴)؛ روش علمی تلقین بنفس (پل ب. ژاگو، ۱۳۲۵)؛ کاپیتال (تلخیص ازکتاب ارل مارکس، ۱۳۲۳)؛ گرادیوا (اثر یوهانس ویلهلم ینسن که هذیان و رؤیا اثر زیگموند فروید به ضمیمه‌ی آن آمده است، ۱۳۴۰، ظاهرا هذیان و رؤیا به صورت مجزا هم به چاپ رسیده است)؛ مزد ترس (ژرژ آرنو، ۱۳۳۴ نظریات فروید. وی مشغول به تألیف کتابی به فرانسه درباره‌ی خیام بود که نیمه کاره ماند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوبخت شیرازی، حبیب‌الله

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ۱۲۷۴/ ۱۲۷۳ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به پایان برد، سپس برای تحصیل علوم دینی به نجف و کربلا رفت و ادبیات عرب را آموخت. او علم کلام را از محضر سید محمد مفتی هندی آموخت و ادبیات عرب را نزد شیخ عبدالرحمان کویتی تکمیل کرد و در حوزه‌ی درس صدر اصفهانی، که مرجع تقلید بود، درس خارج خواند. وی پس از مراجعت به شیراز مدتی در مدرسه شریعت، و پس از تأسیس دارالمعلمین شیراز مدت سه سال در آنجا تدریس کرد. او در ۱۲۹۸ ش در شیراز مجله‌های «دنیای ایران»، «فکر آزاد» و روزنامه‌ی «بهارستان» در ۱۲۹۹ ش مجله‌ی «گل آشتی» را در شیراز تأسیس و منتشر نمود. نوبخت از طرفداران رضا شاه بود به همین علت شاه او را به مدیریت مجله‌ی نظامی «قشون» که در ۱۳۴۰ ق تأسیس شده بود، برگزید. او در دوره‌های ششم و هفتم از طرف مردم بهبهان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی مدتی نیز ریاست کتابخانه‌ی سلطنتی را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «شاهنامه پهلوی»؛ «علم تربیت یا پداگوژی»؛ «علم روح علم طبایع»؛ «ماوراء مدرسه»؛ «فلسفه فازیسم»؛ «قانون فکر»، در علم منطق؛ «تاج جاحظ»، ترجمه؛ «کارنامه»، ترجمه؛ رساله‌ی «سفرای محمد»؛ «پندنامه»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]
فرزند میرزا محمد حسن شیرازی، در ۱۲۷۲ ش در شیراز تولد یافت. تحصیلات مقدماتی و ابتدائی را در موطن خود فراگرفت و در ۱۲ سالگی برای ادامه تحصیل به عتبات رفت و علاوه بر ادبیات عرب، حکمت الهی و فلسفه و فنون و صناعات ادبی را به خوبی فرا گرفته و به زبان عربی تسلط کامل یافت و از همان هنگام تحصیل، همکاری با مطبوعات را شروع کرد و غالبا در روزنامه‌های مصر مقالاتی به زبان عربی می‌نوشت و یا قصائدی به صورت انتقاد از اوضاع جهان سروده به مطبوعات می‌داد. مسافرت نوبخت برای ادامه تحصیل در نجف و کشورهای عربی قریب دوازده سال طول کشید و پس از پایان جنگ اول به ایران برگشت. چندی در دارالمعلمین فارس معلم طبیعیات بود، بعد به فکر روزنامه‌نگاری افتاد. ابتدا مجله‌ای به نام زندگانی تأسیس نموده، آنرا انتشار داد و پس از آن مجله‌ی فکر آزاد را تأسیس کرد ولی دوام زیادی نداشت تا اینکه در ۱۲۹۸ در شیراز روزنامه بهارستان را انتشار داد. بهارستان در جهت کودتا و ضرورت آن مقالات متعددی می‌نوشت و هر قدمی که کودتاگران برمی‌داشتند تحسین و تمجید می‌نمود. در حقیقت این روزنامه ارگان کودتا بود. پس از عزل سید ضیاءالدین از رئیس‌الوزرائی نوبخت مورد حمله شدید مخالفین واقع شد که ناچار روزنامه را تعطیل و شیراز را ترک نمود.
در ۱۳۰۱ در تهران روزنامه بهارستان مجددا دائر شد و هفته‌ای سه شماره انتشار پیدا می‌کرد و ضمن تجلیل و تأیید سردار سپه بقیه رجال را مورد انتقاد قرار می‌داد. پس از چندی روزنامه بهارستان در حقیقت مدافع رضاخان سردار سپه شد ولی به عللی در ۱۳۰۳ تعطیل گردید و نوبخت سردبیر و رئیس هیئت تحریریه مجله قشون شد و در همان موقع کتابی تحت عنوان سردار پهلوی نوشت. این کتاب شامل وقایع از سوم حوت ۱۲۹۹ تا جلوس رضاشاه به سلطنت می‌باشد که دارای تصاویر و گراورهای زیادی است. نوبخت به علت نزدیکی به رضاخان سردار سپه، داوطلب وکالت مجلس شورای ملی شد و در دوره ششم از بهبهان به وکالت رسید و در دوره هفتم هم وکیل همانجا بود. از دوره هشتم حوزه انتخابیه او عوض شد و در هر دوره از فسا انتخاب می‌گردید که مجموعا هفت دوره نماینده مجلس شورای ملی بود. نوبخت در دوره رضاشاه از وکلای مورد علاقه دستگاه بود و به همین علت نمایندگی مجلس را در تمام دوره رضاشاه حفظ کرد. در دوره سیزدهم که انتخابات آن در تابستان ۱۳۲۰ انجام یافته بود پس از استعفا و خروج رضاشاه شروع به کار کرد و در این مجلس نوبخت وکیلی حراف و جنجالی شد و با دولتها به جنگ پرداخت. به هنگام طرح لایحه اتحاد سه جانبه بین ایران و انگلیس و شوروی در زمره مخالفان بود و چندین نطق طولانی ایراد نمود و سرانجام رأی کبود داد. نوبخت در آن ایام از طرفداران جدی آلمان و هیتلر بود و حزبی نیز به نام حزب کبود تأسیس کرد. در اواسط ۱۳۲۲ نیروهای بیگانه در ایران عده‌ای را به جرم ژرمانوفیلی بازداشت کردند که از جمله حبیب‌الله نوبخت وکیل مجلس بازداشت گردید. سایر بازداشتیها در اراک توقیف بودند ولی نوبخت به خارج از ایران انتقال یافت و تا پایان جنگ در اسارت بیگانگان بود. در ۱۳۲۴ از زندان رهایی یافت، کار سیاست را رها کرد و به تألیفات و ترجمه پرداخت تا در ۱۳۵۲ درگذشت. در طول زندگانی خود آثار زیادی نوشته و انتشار داد از جمله شاهنامه نوبخت است. فرزند ارشد وی دانش نوبخت سالها روزنامه سیاست ما را انتشار می‌داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید ۱۵۶ -۱۵۵، ۸۲/ ۴، ۱۱۱ -۱۱۰/ ۴، ۲۹۸، ۲۹۷ -۳۶، ۳۲- ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۳۴ -۷۲۷/ ۵)، الذریعه (۳۱/ ۱۹ ،۲۳۰ -۲۲۹، ۲۴/ ۱۷، ۳۲۱/ ۱۵، ۲۱/ ۱۳، ۱۲۲۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۸، ۲۸۶۳، ۲۸۶۲، ۲۵۸۴، ۲۵۱۸، ۲۴۶۱، ۲۳۳۷، ۲۳۳۵، ۲۰۸۷/ ۲، ۱۵۲۸، ۸۵۴، ۶۲۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ -۴۸۰/ ۲).

نوبختی، ابوالعباس فضل

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۸۵ ق)، حکیم، فیلسوف، متکلم، منجم و مترجم. گروهی او را به جدش منسوب کرده و فضل بن نوبخت خوانده‌اند. وی از مشاهیر و پیشوایان متکلمان امامیه به شمار می‌آید. ابونواس از شاعران معاصر او بود که در مدح خاندان نوبختی شعر می‌سرود. فضل از منجمان و فیلسوفان عهد هارون‌الرشید و خزانه‌دار کتابهای حکمی به حساب می‌آمد که بسیاری از کتب حکمت اشراقی قبل از اسلام را، از زبان پهلوی به عربی، ترجمه نمود. همچنین در حکمت کتابهایی تألیف کرد و در نجوم نیز آثاری دارد. سید جمال‌الدین ابن‌طاووس، در کتاب خود «فرج المهموم» آورده که تصانیف نجومی او را دیده و تبحر او را در این فن تصدیق می‌نماید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۴۱۲ -۴۱۰/ ۸)، خاندان نوبختی (۲۰ ،۱۴، ۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۰۶۰/ ۲)، ریحانه (۲۵۰/ ۶)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۲۷۷ ،۲۳۶ ،۲۰۰ ،۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ نوبختی).

نوبختی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۰۲ -۳۲۰ ق)، محدث امامی و کاتب. ساکن بغداد بود. وی از قاضی محاملی و علی بن عبداللّه واسطی روایت نموده است. ابوبکر احمد بن محمد برقانی و ابوالقاسم عبداللّه بن احمد ازهری و ابوالقاسم تنوخی و ابوالفرج طناجیری و ابوالقاسم بن خلال از وی روایت کرده‌اند. محدثین و علمای عامه او را در حدیث صدوق و راستگو دانسته‌اند. در «میزان الاعتدال» ذهبی وفات وی ۴۵۲ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۵۶/ ۵)، انساب سمعانی (۵۳۰ -۵۲۹/ ۵)، تاریخ بغداد (۲۹۹/ ۷)، ریحانه (۲۴۸ -۲۴۷/ ۶)، لسان‌المیزان (۳۷۷/ ۲)، میزان الاعتدال (۴۸۱/ ۱)، الوافی بالوفیات (۴۲۷/ ۱۱).

نوبری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر نوبری از علماء معاصر تبریز و فضلاء حوزه مرحوم آیه الله العظمی و العلامه الکبری سیدنا الاستاد آقای آقا سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله می‌باشد.

وی در محله نوبر تبریز در روز ۱۷ ربیع المولود ۱۳۳۴ ق که مصادف با روز میلاد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام است تولد یافته و بدین مناسبت موسوم به (محمد جعفر) گردیده و پس از تکمیل مقدمات در تبریز در آخر جمادی الاول ۱۳۵۳ ق به قم مهاجرت نموده و از محضر اعلام قم چون آیه الله العظمی گلپایگانی و مرحوم علامه ادیب تهرانی سطوح را استفاده و به پایان رسانیده و در درس خارج آیت الله العظمی حجت قدس الله سره و آیت الله محقق خونساری و مدت کوتاهی مرحوم آیت الله صدر و آیت الله آقا میرزا رضی مجتهد تبریزی بهره‌مند شده و به مراتب عالیه رسیده است.

آقای نوبری تا سال ۱۳۷۵ ق در قم به تدریس و تکمیل مبانی علمی اشتغال داشتند و پس آز آن مراجعت به تبریز نموده و تاکنون به اقامه جماعت و ایفاء وظایف و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نوذریان

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از خاندانهای بزرگ پهلوانی در شاهنامه، خاندان نوذری است که از تخمه‌ی نوذر پسر منوچهر بودند. و بزرگترین پهلوانان آن

طایفه طوس و گستهم و زراسپ بوده‌اند. در اوستا از این خاندان سخن رفته است، و طوس و گستهم فرزند نوذر بودند چون فر نداشتند به شاهی ننشستند. طوس همواره سپهسالار ایران بوده و او از کسانی است که به اتفاق فریبرز و گیو همراه کی‌خسرو به کوه رفته ناپدید شده‌اند.

و در ادبیات زرتشتی از جاودانیهاست. پسر طوس در شاهنامه نام زراسپ دارد. و در حقیقت از شاهان اشکانی است که در روایات ملی داخل شده است. از او در اوستا اصلا سخنی نرفته است. اما گستهم پسر دیگر نوذر است که در ادبیات زرتشتی از جاویدانها به شمار می‌رود.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

نورانی وصال، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب نورانی وصال ، در سال ۱۳۰۲ شمسی در شیراز به دنیا آمد. دوره های دبستان و دبیرستان را در شیراز گذرانید. آنگاه در سال ۱۳۲۱ به تهران آمد و در رشته ی ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه ی تحصیل پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ دانشنامه ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه ی عمومی ، به ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی و تحقیق و تکمیل پایان نامه ی دکترای خود تحت عنوان « طرز شعر در نیمه ی اول قرن دهم » به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدرِ عبدالوهاب ، میرزاعلی متخلص به روحانی و فرزند میرزا عبدالوهاب متخلص به یزدانی ، و او نیز فرزند میرزا محمدشفیع معروف به میرزاکوچک متخلص به وصال شیرازی شاعر بزرگ عصر قاجاری بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالوهاب نورانی وصال ، دوره های دبستان و دبیرستان را در شیراز سپری کرد. آنگاه در سال ۱۳۲۱ به تهران آمد و در رشته ی ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه ی تحصیل پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ دانشنامه ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه ی عمومی ، به ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی و تحقیق و تکمیل پایان نامه ی دکترای خود تحت عنوان « طرز شعر در نیمه ی اول قرن دهم » به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.

استادان و مربیان : عبدالوهاب نورانی وصال ، سالها مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیرازی را برعهده داشت.

همسر و فرزندان : خانم دکتر طاهره صفارزاده ، نویسنده و شاعر توانمند معاصر ، همسر عبدالوهاب نورانی وصال می باشد.

زمان و علت فوت : دکتر عبدالوهاب نورانی وصال ، در دی ماه ۱۳۷۳ چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالوهاب نورانی وصال ، چندین سال ، مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیراز را بر عهده داشت.

فعالیتهای آموزشی : عبدالوهاب نورانی وصال ، پس از اخذ درجه ی لیسانس به تدریس در دبیرستان های تهران پرداخت. آنگاه در سال ۱۳۲۴ پس از دریافت مدرک دکترا ، به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز برگزیده شد و اندکی بعد به مقام استادی رسید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالوهاب نورانی وصال ، مدت ها سلسله برنامه هایی را با عنوان « سوگنامه سرایی در ادبیات فارسی » در مرکز رادیو تلویزیون شیراز اجرا کرد که از یک طرف نمودار تسلط کم نظیر او بر ادوار شعر فارسی بود و از طرف دیگر ، شور و ایمان پاک مذهبی او را که موروثیِ خاندان او بود ، نشان می داد. او در انجمن ها و مجامع ادبی و کنگره های علمی با ایراد سخنرانی و خواندن شعر حضوری فعال داشت. ضمن انجام این فعالیته او به نشر کتاب و مقالات و تحقیقات علمی خود پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : عبدالوهاب نورانی وصال ، از آخرین شاعران بزرگی بود که شعرش استواریِ سخنِ استادان گذشته را داشت و در عین حال ، سرشار از مضامین و اندیشه های لطیف نو بود. --
----

آثار :

۱ تحقیق و تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر : با همکاری دکتر محمدرضا جلال نائینی.

۲ تصحیح و چاپ دیوان داوری شیرازی

ویژگی اثر : با کمک مؤسسه ی اطلاعات.

۳ نقد و تصحیح فرائدالسلوک

ویژگی اثر : متن منثور اخلاقی از شمس الدین سجاسی ، با همکاری دکتر غلامرضا افراسیابی.

۴ نقد و تصحیح مصیبت نامه ی عطار

۵ هزارمزار در ترجمه ی شدالازار (در شرح مشاهد شیراز)

ویژگی اثر : تألیف: عیسی بن جنید شیرازی. منابع زندگینامه :مجله ی نامه ی فرهنگ ، شماره ی ۱۶ ، زمستان ۱۳۷۳

نورمحمدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا علی نورمحمدی تهرانی از علماء مبرز معاصر تهرانست که در مسجد انصار واقع در خیابان هدایت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

ایشان در شب بیست و هشتم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۲۸ ق در قریه حصار بوعلی نیاوران شمیران بدنیا آمده و پس از پرورش و گذراندن دوران کودکی مدتی در مدرسه نیاوران بتحصیل پرداخته و بعد مدتی در مدارس تهران دروس جدید را خوانده آنگاه در سال ۱۳۴۴ ق به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینیه نموده در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و بعد از یکسال سطوح مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و نیز مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی و مرحوم آیت‌اللّه فیض استفاده نموده و بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت دو دوره و نیم از خارج اصول را در خدمت آن مرحوم باضافه خارج مکاسب و خارج صلوه تلمذ نموده و هم نصفی از دررالاصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری بهره‌مند شده و در سال ۱۳۶۲ ق از قم به تهران برگشته و مدت سه سال در قریه حصار بوعلی شمیران اشتغال بنشر احکام و امامت داشته و بعد از آن مدتی در سه راه سپهسالار مسجدی مسجد بی‌بی اشتغال داشته و بعد از مدتی مقداری توسعه به آن مسجد داده و هم اقدام بساختمان مسجد دیگری در خیابان هدایت چهارراه صفی علیشاه بنام مسجد انصار با همت و مساعدت بعضی از اهل محل نموده و آن مسجد بی‌بی را بجناب حجهٔالاسلام آقای حاج سید ابراهیم علوی خوئی نموده و خود در مسجد مزبور (انصار) به خدمات دینی و ترویجات مذهبی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نورمحمدی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا نورمحمدی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱۸

زندگینامه علمی

در هیجدهم فروردین سال ۱۳۳۳ در شهرستان «نجف آباد» در یک خانواده مذهبی متولد شدم. پس از طی دوره دبستان وارد حوزه علمیه «الحجه نجف آباد» شدم و همراه با ادامه تحصیل دوره دبیرستان به صورت شبانه، چهار سال ادبیات عرب و مقدمات فقه و اصول را در آن شهر گذراندم و در سال ۱۳۴۸ جهت ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیه قم راه یافتم و دوره سطح و دروس: (تفسیر، فلسفه، هیئت، رجال و حدود شش سال خارج فقه و اصول) را نزد اساتید بزرگوار و فرزانه و آیات عظام: «مشکینی»، «خزعلی»، «انصاری شیرازی»، «ممدوحی»، «ستوده»، «دوزدوزانی»، «صانعی»، «عندلیب»، «ربانی املشی»، «شب زنده دار»، «حقی»، «جوادی آملی»، «حسن زاده آملی»، «نوری همدانی»، «سبحانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» سپری نمودم و در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک سطح چهار معادل دکتری و دفاع از آن تحت نظر استاد راهنما «حضرت آیت الله سبحانی» با درجه خوب مفتخر گردیدم.

تاکنون بیش از پانزده جلد تالیف و تحقیق در قالب رساله علمی، کتاب، مقاله و طرح درس در موضوعات:

۱- خلفاء اثنی عشر در منابع اهل سنت.

۲- علل مخالفت کفار قریش با پیامبر (ص) در مکه و عوامل نفوذ اسلام در یثرب.

۳- آداب سلوک و شیوه علم ورزی.

۴- نقاط برجسته اخلاق دانشجوی پزشکی.

۵- منزلت اهل بیت در قرآن و سنت به بیان برجستگان اهل سنت.

۶- عدالت در قرآن و روایات.

۷- جایگاه عترت در قرآن و روایات.

۸- توکل در قرآن و روایات.

۹- تنها راه وحدت عملی مسلمین.

۱۰- علل ممنوعیت مقاربت با زنان در زمان قاعدگی از نظر اسلام و علم پزشکی.

۱۱- ولادت امام علی (ع) در کعبه بر اساس مدارک شیعه و اهل سنت.

۱۲- بررسی نظام دفاعی اسلام در قرآن.

۱۳- هدایت در قرآن.

۱۴- موضوع بندی ۱۸ جلد از تفسیر نمونه تحت نظر استاد بزرگوار حضرت آیت الله مکارم شیرازی.

۱۵- هفت جلد طرح درس در موضوعات معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، اخلاق پزشکی، تاریخ اسلام، متون اسلامی و ریشه های انقلاب اسلامی.

۱۶- قائده امکانات در فقه. را به رشته تحریر در آوردم.

در زمینه علمی و پژوهشی به موفقیت هایی همچون:

۱- دریافت مجوز تدریس در گرایشهای شانزده گانه از معاونت محترم اساتید و دروس معارف اسلامی دانشگاه های کشور دست یافتم.

۲- تاسیس هسته پژوهشی با بیش از هشت هزار نسخه پژوهش که تحت نظر اینجانب توسط دانشجویان انجام گرفته و این هسته در نوع خود به عنوان طرح ابتکاری و نمونه در دانشگاههای کشور قلمداد گردیده.

۳- احراز مدرس نمونه در دو دوره در دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۴- احراز محقق نمونه در دو دوره در بین دوازده دانشگاه از دانشگاه های دولتی منطقه ۲ کشور مفتخر گردیدم.

اما سوابق مسئولیتی: قبل از انقلاب در فواصل تعطیلی حوزه علمیه به تبلیغ و نشر معارف اسلامی و بیان دستورالعملهای حضرت امام خمینی (ره) و اطلاع رسانی به مردم که در این راستا چندین بار توسط ساواک دستگیر و مورد ضرب و شتم مأموران شهربانی قرار گرفتم و توسط مامورین ساواک راهی زندان شهربانی شدم. اما سوابق مسئولیتی اینجانب در طول سالهای پس از رخداد انقلاب شکوهمند اسلامی پرشمار بوده که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- مسئولیت حوزه علمیه شهرستان نجف آباد.

۲- حاکم شرع امور صنفی شهرستان نجف آباد.

۳- حاکم شرع مبارزه با مفاسد اجتماعی و بزهکاری در پلاژهای سد زاینده رود و چادگان و مهاباد.

۴- نماینده حضرت امام در منطقه عربستان.

۵- حدود هیجده سال قائم مقام نماینده حضرت امام و مقام معظم رهبری در منطقه کردستان.

۶- مسئولیت گزینش دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۷- مدیر گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۸- مدیر شورای گروه های معارف اسلامی دانشگاه های منطقه دو کشور.

۹- عضو انجمن معارف اسلامی کشور.

۱۰- عضو انجمن مدرسان دانشگاه های کشور.

۱۱- مدرس حوزه های علمیه سنندج و اکنون به عنوان استاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد و استاد حوزه علمیه امامیه شهرکرد و امام جمعه شهر «کیان» از توابع استان چهارمحال بختیاری مشغول انجام وظیفه می باشم. (ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم و تب علینا انک انت التواب الرحیم و السلام)

نوری فرد، نورعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورعلی نوری فرد

محل تولد : روستای طرزم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نور علی نوری فر فرزند لطف الله در سال ۱۳۱۱ در یکی از روستاهای اهر متولد شدم. سال ۱۳۲۸ وارد حوزه تبریز شده ام و از شهریور ۳۳ وارد حوزه علمیه قم شده و شروع به ادامه تحصیل نموده ام و هم اکنون نیز در حال تالیفات کتاب هستم و در همه مواردی که موسسه علوم آل محمد در زمینه های مختلف داشته است؛ فعالیت موثر داشته ام.

نوری، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل نوری

محل تولد : کهریز زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد اسماعیل نوری در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی در خانواده مذهبی در یکی از روستاهای زنجان به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاهش یاد گرفت و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه زنجان شد. دروس ادبیات عرب و کتابهای «شرح لمعه، اصول فقه و غیره» را در آن حوزه آموخت. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شد و شروع به آموختن کتابهای «رسائل، مکاسب، کفایهٔ الاصول و ...» مشغول گردید.

در سال ۱۳۵۴ پس از قبولی در امتحانات پایانی سطح حوزه شروع به آموختن دروس خارج (آشنائی با کیفیت استنباط احکام فقهی) نمود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم (که امروزبه عنوان دانشگاه قم معروف شده است) مشغول تحصیل گردید و پس از گذراندن دوره آن در پاییز سال ۶۰ به زنجان بازگشت و در مراکز تربیت معلم و دانشگاه آنجا به تدریس مشغول شد.

استاد نوری در سال ۱۳۷۱ جهت استفاده مجدد از دروس فقه و اصول حوزه به شهر مقدس قم بازگشت. ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، در مرکز تربیت معلم آیت الله طالقانی قم تدریس می کرد و هم اکنون نیز در آن مرکز و دیگر مراکز آموزش عالی قم به تدریس مشغول است. این روحانی فعال در سال ۱۳۷۷ موفق به اخذ مدرک سطح ۴ (دکتری) از حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۷۷ پس از اعلام آمادگی برای نمایندگی مجلس خبرگان رهبری و موفقیت در امتحانات مربوطه و تایید اجتهاد وی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان نامزد نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان زنجان معرفی شد و با توجه به این که ایشان به رقیب خود (حضرت آیت الله حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی ره) احترام فوق العاده قائل بود در دو سخنرانی تبلیغاتی انتخاباتی تلویزیونی از ایشان تعریف و تمجید کرد.

استاد نوری در اثر لیاقت هایی که از خود نشان داده بارها از طرف مسئولین به عنوان مدرس نمونه استانی مورد تقدیر قرار گرفته و در سال ۷۹ نیز به عنوان مدرس نمونه کشوری شناخته شده و از طرف وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران لوح تقدیر دریافت نموده و در حال حاضر به عنوان مدیر گروه آموزشی و پژوهشی معارف اسلامی و عربی مراکز تربیت معلم استان قم انجام وظیفه می کند.

نوری، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۳ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر، متخلص به فاضل. معروف به فاضل نوری. جامع معقول و منقول بود. در محضر علمای اصفهان تلمذ نمود و پس از فراغت از تحصیل در مسجد محله‌ی دروازه‌ی نو اصفهان به اقامه‌ی جماعت پرداخت. وی را اهل تصفیه‌ی باطن و سیر و سلوک دانسته‌اند. در اصفهان درگذشت و در تکیه بابا رکن‌الدین تخت فولاد مدفون گردید. از آثارش «دیوان» شعری است که آن را فرزندش نصیرالدین نوری، معروف به خواجوی، گردآوری و تدوین نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔالقبور (۲۰۶ -۲۰۵)، الذریعه (۸۰۲/ ۹)، ریحانه (۲۶۱ -۲۵۹/ ۶).

نوری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقّق، و عارف و زاهد کامل، از شاگردان آقا میر محمّد شهشهانی، و خود داماد حاجی کلباسی بوده، در شب بیستم شوال سال ۱۳۲۳ به سنّ قریب به یکصد سال وفات یافته، در داخل بقعه تکیه بابا رکن الدین در ایوان قرینه قبر بابا مدفون گردید.

کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- رساله در فقه استدلالی ۲- رساله در نمازهای مستحبّی ۳- رساله عملیّه ۴- رساله در نماز شب، مطبوع ۵- رساله در صلات ۶- رساله در نکاح ۷- رساله در تجارت ۹- کتابی در اصول؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا حسن بن العالم العلام و ملاذالانام مرحوم حاج شیخ ابراهیم نوری از افاضل دانشمندان حوزه‌ی علمیه و اصحاب مخصوص آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله می‌باشد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر همدان در خانواده علم و کمال تولد و در مهد فضیلت پرورش و پس از رشد دروس مقدماتی و ادبیات را خدمت والد بزرگوارش خوانده و قسمتی از سطوح اولیه را در مدرسه آخوند همدان آموخته آنگاه به قم مهاجرت و سطوح متوسط و عالی را از محضر مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت کوه‌کمری حاضر شده و نیز از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی معروف به آقای داماد استفاده کرده و پس از ورود حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر حیات آن جناب بالغ بر ۱۸ سال درک فیض از ابحاث فقه و اصول معظم نموده و نیز سالهای متمادی از دروس و تحقیقات آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی اطال‌الله بقاه بهره‌مند و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج معارف اسلام پرداخته مخصوصا در حسینیه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که در ایام مناسب وفیات و سوگواریها افاده می‌فرمایند بیانی شیوا و تحقیقاتی دقیق در تواریخ و اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام دارند.

استاد نوری آثار و خدمات ارزنده‌ای دارند که از آنهاست:

۱- مکتب ولی عصر عجل‌الله فرجه که تحت برنامه‌ای تربیت جوانان و روشنفکران می‌نمایند.

۲- تنظیم فهرست کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله.

۳- تالیفات و تصنیفات در رشته‌های مختلف که متاسفانه از تعداد و اسامی آنها بی‌اطلاع هستم زیرا دهها بار مراجعه کردم و پیام دادم و وعده هم فرمودند که مرقوم دارند ولی در اثر گرفتاریها مرقوم ننمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نوری، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا ابوالقاسم، فاضل و واعظ کامل، در ۱۰ رجب ۱۳۳۵ وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی شهشهانی] مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نوری، عبدالنبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالنبی نوری- ره- عالمی بزرگوار و مجتهدی عالی مقدار و نابغه‌ی در فقه و اصول و محققی در معقول و منقول و متبحری در فنون مختلف و از مراجع بزرگ زمان خود گردیده است.

وی در نور که از مضافات آمل است دیده بجهان گشوده و بعد از بلوغ به تهران مهاجرت و اولیات و سطوح را معقولا و منقولا تکمیل نموده و مهاجرت بعتبات عالیات کرده و از محضر علماء و بزرگان آن سامان استفاده نموده آنگاه بسامرا مشرف و ملازم ابحاث آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت پنج سال گردیده و پس از آن به تهران مراجعت و در محله‌ی (عودلاجان) رحل اقامت افکنده و به مراسم ارشاد و تدریس و اقامه جماعت در مسجد (پیره زن) اشتغال یافته و پس از آن منتقل بسرچشمه شده و مومنین مسجدی در اواسط خیابان سیروس نزدیک سرچشمه برای او بنا نموده (که اکنون بنام آن مرحوم معروف است) و در آنجا به اقامه جماعت و تدرس خارج فقه و اصول برای فضلاء و علماء تهران و موعظه مردم پرداخته تا در بیستم محرم‌الحرام ۱۳۴۴ قمری که برحمت حق واصل و جنازه‌اش از نیاوران شمیران که در دو فرسخی تهرانست بر دوش مردم بشهر ری و در مقبره ناصرالدین شاه در مجاورت حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام محازات قبر مرحوم علامه کنی مدفون گردید.

از مراجع بزرگواری که بدرس ایشان شرکت نموده است سید استاد ما حضرت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مد ظله العالی میباشند که حدود یکسال بدرس فقه و اصول ایشان شرکت و از جامعیت و مقام علمی و تبحر در فقه و اصولشان فوق‌العاده تمجید و تعریف می‌نمایند.

پس از فوت آن مرحوم فرزند ارجمندش جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه آقای حاج شیخ بهاءالدین نوری بجای ایشان قرار گرفته و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت نموده و بخدمات دینی اشتغال دارند و ایشان داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد بهبهانی سابق‌الذکر و یکی از مشاهیر و محترمین علماء معاصر تهران و محترمین دانشمندان مرکزند، غالب تحصیلات ایشان در تهران در خدمت مرحوم والدشان و مدرسین بزرگ دیگر بوده و خود سالها بتدریس فقه و اصول و اصلاح امور مردم و قضاء حوائج آنان اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نوری، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی بن الزکی الصالح مرحوم حاج میرزا اسماعیل نوری از افاضل دانشمندان معاصر و مشهور به علامه نوری می‌باشند.
وی در حدود ۱۳۴۵ قمری متولد و در بیت تقوا و دیانت تحت تربیت صحیح پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم عربی و قدیمه پرداخته و متون فقه و اصول و منطق و فلسفه و حکمت را از مدرسین بزرگ تهران فراگرفته و علوم نظری و تحلیلی را از آیات عظام و فقهاء کرام استفاده نموده تا به مدارج عالیه و مقام استادی رسیده و خود به تدریس علوم پرداخته است.
استاد علامه نوری امروز یکی از مفاخر دانشمندان تهران محسوب می‌شود دارای تألیفات عدیده در علوم مختلف می‌باشد که قسمتی از آن به طبع رسیده و قسمت دیگر آماده برای طبع و نشر می‌باشد.
از تألیفات و آثار ارزنده و گرانقدر معظم له که کراراً به طبع رسیده کتب زیر است.
۱- اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام چهار مرتبه چاپ و منتشر شده
۲- حقوق زن در سالام و جهان در ۴۲۰ صفحه به قطع معمولی شش بار چاپ شده است.
۳- فلسفه انقلاب حسین علیه‌السلام با متن عربی آن به قلم ایشان در ۲۸۰ صفحه
۴- خداشناسی و افکار روز سه بار چاپ و منتشر شده است.
۵- تحقیق در آئین یهود و مسیحیت چاپ سوم با تصرفات جدید به قلم معظم له
۶- تحقیقی کوتاه درباره شیعه چاپ دوم
۷- سیستم حکومت اسلامی چاپ سوم
۸- ستارگان فروزان به قطع وزیری در تاریخ علوم ادبی و منطق و تراجم ادباء چاپ اول.
۹- متونی از معارف اسلام به قطع معمولی.
۱۰- مضافاً بر کتب یاد شده رسالات و حواشی و مقدمه‌هائی بر آثار مختلف علمی به طبع رسیده است.
۱۱- تفسیر کامل و جامع قرآن در دو زبان آماده طبع می‌باشد.
نگارنده گوید: علامه نوری گذشته از مقامات علمی و اطلاعات وسیع در علوم مختلف دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و سجایای حمیده می‌باشد و علاوه بر کرسی تدریس جلسات عدیده سخنرانی در بعضی از هیآت مذهبی مانند هیئت محترم محبان الائمه علیهم‌السلام در شبهای شنبه در خیابان زیبا دارند که پس از اقامه جماعت با بیانی رسا و منطقی سودمند برای صدها نفر از همه طبقات مخصوص نسل جوان و روشنفکران بیان معارف اسلام و مبانی اخلاق می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نوغانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمدرضا نوغانی خراسانی از وعاظ نامی و خطباء سامی و افضال سلسله اهل منبر و مبرزین گویندگان خراسانست و در مشهد و تهران و کاشان و گیلان و بالاخص کویت از راه منبر و سخنرانی خدماتی انجام داده و منشاء آثار بزرگی گردیده است. استاد نوغانی در مشهد متولد شده و پس از رشد و دروس جدیده به تحصیل دروس قدیمه پرداخته و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح را نزد مدرسین بزرگ تکمیل نموده و به درس خارج آیت‌الله العظمی میلانی شرکت کرده و از محضر مرحوم آیت‌الله فقیه سبزواری و آیت‌الله کفائی و دیگران استفاده نموده و چند سالی برای تبلیغ و ترویج دین به کاشمر اقامت نموده و در آنجا با آیت‌الله امامی کاشمری وصلت کرده و بعد از چندی به مشهد مراجعت و به افاده و افاضه پرداخته است در سفری که حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در سال ۱۳۸۳ به مشهد نمودند و بنده در خدمتشان بودم و آن استقبال عجیبی که با آن شرایط سخت و ممانعت شدیدی که از معظم‌له شد در تاریخ مشهد کم‌سابقه بوده و استاد و نوغانی خطابه‌ای در موقع ورود آیت‌الله به منزل حضرت آیت‌الله العظمی میلانی مدظله خوانده و تبریک وروده بالحن بسیار داغ و پرحرارت و مهیجی گفته که عموم مردم را به گریه درآورد و تحریک احساسات و عواطف مردم نمود راستی چنین خطابه و سخنرانی کمتر شنیده بودم
استاد نوغانی چند سالی متوالیا بنابر دعوت شیعیان و ایرانیان مقیم کویت به آن سامان مسافرت کرده و حقایق اسلام را با منطقی بلیغ بیان می‌کرده ولی چند سالی است که به واسطه کثرت مشاغل کمتر به خارج مسافرت می‌کند ادام‌الله توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نوغانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، مشهد.

درگذشت: ۱۵ آبان ۱۳۷۱، مشهد.

آیت‌الله مهـدی نوغـانی، فرزنـد میرزا علی‌اکبر نوغـانی مؤلف «سه مقـاله‌ی نوغـانی» و «دو مقـاله‌ی نوغانی»، پس از تحصـیل دوره‌ی ابتدایی، به حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان پیوست و در مدرسه نواب به تحصـیل اشـتغال یافت. استادان آیت‌الله نوغانی به شرح زیر بودند: آیت‌الله علی‌اکبر نوغـانی، آیت‌الله عبـدالجواد ادیب نیشـابوری (ادیب اول)، آیت‌الله محمـدتقی ادیب ثـانی، آیت‌الله احمـد مـدرس، آیت‌الله هاشم قزوینی، آیت‌الله مهدی اصفهانی خراسانی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی.

در تابستان سال ۱۳۳۳ آیت‌الله میلانی به مشـهد رفت و ابتدا حدود یک سال در منزل آیت‌الله مهدی نوغانی اقامت گزید و از ایشان مـدت چهـارده سال از دروس آیت‌الله میلانی بهره برد و مراتب علمی‌اش مورد تأییـد آیت‌الله میلانی قرار گرفت. همچنین به دسـتور وی امامت جماعت مسـجد فاضل را پـذیرفت. آیت‌الله نوغانی خود نیز به تدریس و تربیت طلاب اشـغال ورزید و کتاب‌های المعالم الاصول و مکاسب شـیخ مرتضی انصاری را درس می‌داد و در کار تدریس جدیت داشت. وی مدت بیست و دو سال تفسیر تدریس می‌کرد و در این مدت یک بار تفسیر تمام قرآن تدریس شد و بار دوم تا آیه‌ی دهم از سوره «انبیاء» تفسیر شد، از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تدریس نهج‌البلاغه، اقامه‌ی مجالس عزاداری و ذکر مصیبت و قرائت دعای کمیل، تصدی مدیریت چند مدرسه علمیه و از جمله مـدرسه‌ی بـاقریه، ایجاد صـندوق قرض‌الحسـنه «جاویـد» و مشارکت در تأسیس مؤسـسه‌ی خیریه‌ی حضـرت ولی‌عصـر (ع) (انصـار الحجـهٔ) بود. آیت‌الله نوغـانی در مبارزات علیه نظام پهلوی نیز مشارکت فعال داشت و اعلامیه‌هایی که صادر می‌شـد، امضاء می‌کرد. از نهضـت پـانزده خرداد ۱۳۴۲ وارد ایـن مبـارزات شـد و در حرکـت انقلاب خراسـان سـهم مـؤثری داشت. وی همچنین سفرهایی به کشورهای خارجی (و از جمله کویت) برای تبلیغ اسلام داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوقاتی سجستانی، ابوعمر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. اصل وی از نوقات، از توابع سیستان است. در طلب حدیث به خراسان مسافرت کرد و در هرات، مرو، بلخ و ماوراءالنهر حدیث شـنید. وی از ابوعبداللّه محمد بن اسحاق قرشی و حاکم ابوعبداللّه نیشابوری و ابوحاتم ابن حبان بستی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسـفی و محمد بن خیو بن حامد ترمذی و ابی‌حامد احمد بن محمد بن حسین بوشنجی و عبدالرحمان بن محمد بن علویه ابهری و ابوسـلیمان خطابی و دیگران حدیث شـنید. دو فرزندش، عمر و عثمان، و نیز علی بن بشـری لیثی و علی بن طاهر شـروطی و حسـین بن محمد کرابیسـی و قاسم بن عباس صـلحی و احمد بن سـعید تونی و جماعتی دیگر از وی روایت نموده‌انـد. از آثـارش: «آداب المسـافرین»؛ «العتـاب» یـا «العتـاب و الاعتـاب»؛ کتـاب «التعظـهٔ»؛ کتـاب «الشـیب»؛ کتاب «صون المشـیب»؛ «الریـاحین» یـا «فضـل الریـاحین»؛ کتـاب «العلم» یـا «العلم والعلمـاء»؛ «محنـهٔ الظراف فی اخبـار العشاق»؛ «معاشـرهٔالاهلین»؛ المسلسلات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :سـیرالنبلاء (۱۴۵ -۱۴۴ / ۱۷)، لغت‌نـامه (ذیـل/ نوقـاتی)، معجم‌الادباء (۲۰۸ -۲۰۵ / ۱۷)، معجم‌البلـدان (۳۶۰/ ۵)، معجم‌المؤلفین (۷/ ۹ ،۲۶۶ -۲۶۵/ ۸)، الوافی بالوفیات (۹۱ -۹۰/ ۲)، هدیهٔ‌العارفین (۵۳/ ۲).

نوقانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، واعظ و شاعر، متخلص به فقیر. در محله‌ی نوقان مشـهد به دنیا آمـد و پس از گذراندن تحصـیلات مقـدماتی، ادبیـات را در محضـر میرزا عبـدالجواد ادیب نیشـابوری و فقه و اصـول را در محضـر شـیخ حسـنعلی تهرانی و آیت‌اللّه سید عباس شاهرودی فراگرفت. در ۱۳۲۷ ق عازم نجف شد و از محضر اساتید بزرگی چو آخوند خراسانی و آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی استفاده نمود. پس از درگذشت آخوند خراسانی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌اللّه میرزا عبداللّه مازندرانی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی نایل گشت. در ۱۳۳۰ ق به مشهد بازگشت و به تدریس و انجام امور دینی پرداخت. وی از جانب آیت‌اللّه حاج آقاحسین قمی عهده‌دار تولیت مدرسه‌ی نواب گردید. او خطوط نسخ و نسـتعلیق را خوش می‌نوشت. در خط نسـخ از شاگردان میرزا ابوالقاسم خراسانی و در نسـتعلیق از شاگردان میرزا ابراهیم خان، متخلص به گمنام بود. نوقانی در اثر عارضه‌ی سکته قلبی در مشهد درگذشت و در حرم امام رضا (ع) دفن شد. از آثارش تعمیر مدرسه‌ی نواب مشهد و تنظیم موقوفـات آن است که از مـدارس مهم آن شـهر می‌باشـد. از آثـار علمی او: «سه مقـاله‌ی نوقـانی»؛ «دو مقـاله‌ی نوقـانی»، در اصول عقاید و رد عقاید مادیون؛ تعلیقاتی بر «شرح نهج‌البلاغه» ابن ابی‌الحدید معتزلی.[۱]

علی‌اکبر نوقانی رضوان‌اللّه علیه اصـلا از ایل جلابر و از احفاد مرحومه گوهرشاد صاحب مسجد معروف مشهد می‌باشد اجداد ایشان سالهـا در کلاـت نـادری ساکن بوده‌انـد. پـدر ایشان مرحوم حاج میرزا موسـی از بزرگان اخبار و صـلحاء مشـهد مقـدس رضویت و مرحوم حاج میرزا موسی فرزند حاج میرزا حسن بن کلبعلی‌خان بن محمدزمان خان بن کلیعلی‌خان جلابر طاب ثراهم بوده‌اند.

غالب افراد خانـدان جلیل نوغانی مخصوصا اجداد فقیه سـعید به زیور فضل و کمال آراسـته و حاج محمد زمان خان بن کلعلی خان

جلایر طبیبی حاذق و فاضلی کامل بوده است و طبع شعری شیوا داشته و اشعار عرفانی میسروده است.

مرحوم میرزا نوقانی در سال ۱۳۰۰ قمری در مشهد مقدس رضوی متولد شده و تا سن بیست سالگی در مشهد مقدس به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفته و فقه و اصول را در محضر مرحوم میرزا آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسنعلی تهرانی با معیت مرحوم حجه‌السلام میرزا علی آقا فرزند آن مرحوم خوانده و پس از فوت آن مرحوم قسمتی از دروس فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عباس شاهرودی که از بزرگان علماء مشهد بودند آموخته آنگاه در سال ۱۳۲۷ قمری با اجازه مرحوم والدش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر و درس خارج دو نابغه علمی آیت‌اللّٰه العظمی سید کاظم یزدی و مرحوم آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی استفاده کامل نموده و پس از فوت مرحوم آخوند با دریافت اجازه از مرحوم آیه اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبداللّٰه مازندرانی در سال ۱۳۳۰ قمری به وطن مالوف خود مراجعت کرده و به ارشاد مردم و تعلیم طلاب علوم دینیه مشغول شده و تا پایان عمر که بالغ بر چهل سال بوده و در مشهد سکونت و همواره به تدریس اشتغال ورزیده و بسیاری از فضلاء طلاب مشهد مقدس رضوی از محضر درس آن مرحوم تعلیم گرفته و استفاده نموده‌اند.

مرحوم آیت‌اللّٰه نوقانی یکی از علماء عاملین و روشندل و بسیار خوش‌قریحه و در مناظرات دستی توانا داشته و مکرر به انصاری و یهود و گمراه‌شدگان مسالک جدید مناظره فرموده و بر تمام آنها فائق آمده و عده زیادی که به واسطه شبهات منحرفین در پرتگاه لغزش افتاده و راه حق را گم کرده بودند با ادله متقنه و بیان شیوای خود آنها را از انحراف نجات و سعادتمند نموده است.

مرحوم میرزا نوغانی عالمی ناطق و خطیبی بلیغ بود منابر وعظ و ارشاد آن مرحوم علاوه بر بیان اصول عقاید و ترویج دین مقدس اسلام و رسانیدن احکام شریعت مطهر به مردم مشحون به اطلاعات عمیقه تاریخی و اخبار اسلاف و شامل نکات ادبی و امثال و حکم و مواعظ و پند و اندرز بود و بطور کلی قاطبه و مردم را با بیانی از هر جهت جامع بطریق حق ارشاد می‌فرمود و در واقع منبر ایشان یک حوزه درس قابل فهم عموم بیشتر شبیه بود تا به یک سخنرانی عادی لذا هر کس از بیانات ایشان به قدر استعداد و فهم خود بهره‌مند می‌شد.

آثار قلمی ارزنده و آموزنده عدیده دارد که به آن اشاره می‌شود.

۱- تعلیمات برجلدین شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲- سه مقاله نوغانی ۳- دو مقاله نوغانی رد مایون ۴- اشعار بسیاری از قصاید و غزلیات و مدایح و مراثی که برای نمونه بعضی از آن را می‌نگارم تخلص آن مرحوم فقیر بود.

دیگر از آثار آن مرحوم تعمیر و تنظیم مدرسه نواب مشهد و موقوفات آن که از مدارس مهمه آن سامانست و نگارنده هم حدود یک سال در آنجا اقامت و اشتغال بتحصیل داشته‌ام.

مرحوم میرزای نوقانی در شب دهم جمادی‌الاول ۱۳۷۰ قمری به عارضه سکته از دنیا رفته و در پایین پای مبارک حضرت سلطان سریر ارتضی علی بن موسی‌الرضا ارواحنا فداه در دارالسعاده آستان قدس سر به خاک فرو برده و یک جهان علم و ادب را در زیر زمین پنهان نموده و به آرزوی خود نائل آمد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۶۴ / ۱۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۵۳ -۳۵۴۳ / ۶)، کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۳۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۸ -۱۸۴ / ۷).

نویدکیا، محرم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محرم نویدکیا متولد اصفهان بازیکن فوتبال و عضو تیم ملی فوتبال ایران است. وی اکنون در باشگاه سپاهان و در خط میانی توپ می‌زند

تاریخ تولد: ۱۰ آبان ۱۳۶۰

محل تولد: اصفهان

قد: ۱۸۱ سانتی متر

وزن: ۷۲ کیلو گرم

پست : هافبک

باشگاهها: از سال ۷۹ تا ۸۳ ، سپاهان اصفهان

از سال ۸۳ تا ۸۵ ، بوخوم آلمان

از سال ۸۵ تا کنون سپاهان اصفهان

افتخارات ملی: قهرمانی در رقابت های امید ایران به مربیگری برانکو ایوانکوویچ

حضور در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان

افتخارات باشگاهی: قهرمانی دومین دوره لیگ برتر به همراه سپاهان.

۲ مرتبه حضور در جام باشگاههای اسیا و شکست الاتحاد (قهرمان ان دوره) در اصفهان

قهرمانی جام حذفی برای ۲ دوره ی متوالی

نهاوندی اصفهانی، جهانبخش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نامش محمّد جواد، و معروف به میرزا جهانبخش است.

عالم و ادیب و منجّم بوده، و در اصفهان سکونت داشته، رساله در استخراج خطّ نصف النهار جهت شاگردش سید عباس بن سید علی موسوی شاهرودی متوفّی در سال ۱۳۴۵ در مشهد تألیف نموده است.

صاحب عنوان در سال ۱۳۳۴ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نهاوندی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ جعفر نهاوندی از علماء معاصر گذشته تهران بوده که مدت بیست و سه سال در نجف اشرف اقامت داشته و از محضر علامه خراسانی صاحب کفایه و علامه‌ی یزدی صاحب عروهٔالوثقی و دیگران استفاده نموده تا بدرجه‌ی علم و اجتهاد رسیده و پس از آن به تهران منتقل و اول در مسجد فاضل خلخالی و بعد در مسجد سپهسالار ناصری امامت نموده و ضمنا تدریس فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۶۵ ق که در تهران وفات و حمل به قم و در قبرستان حاج شیخ در مقبره دربندی مدفون شده‌اند.

از آثار ایشانست: ۱- اضاءه الشبهه فی صلوه الجمعه. ۲- شرح بر رساله نجات العباد در دو جلد. ۳- اشعاری در مراثی آل عصمت علیهم‌السلام که از آنست ابیات زیر:

زبان حال حضرت زینب (ع)

آفتابا بر زمین جای تو نیست

خار و خاشاک است مأوای تو نیست

از چه سر بر نیزه و تن بر زمین

ای عزیز من چه کرده این چنین

دست تو بوسم روم سوی سفر

من بپا این راه پویم تو بسر

خواست تا دستش بوسد آن پری

دید نه انگشت و نه انگشتری

گفت عزیز من بمیرت خواهرت

ای سلیمانم چه شد انگشترت

از ثمرات اوست فرزند فاضل و برومندش آقای حاج شیخ باقر واعظ نهاوندی که در تهران تولد و در مهد تربیت چنین پدری پرورش یافته و دروس جدید را تا سیکل اول خوانده و به دروس قدیم اشتغال و در سال ۱۳۲۵ شمسی با درجه‌ی لیسانسیه در رشته‌ی منقول موفق و فعلا در رشته‌ی تدریس و تبلیغ اشتغال دارند.

تألیفات عدیده‌ی دارد که از آنها است:

۱- بزرگترین مدرک شیعه (مکالمات مامون با علماء سنت).

۲- فرستاده خدا در نبوت پیغمبر آخر زمان.

۳- قائم بحق بقیهٔاللّه در حالات امام زمان عجل اللّه فرجه.

برادران ارجمندی دارد که از اعاظم علماء اکابر و مدرسین بوده‌اند به اسامی زیر:

۱- مرحوم مبرور حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدتقی مدرس نهاوندی

۲- مرحوم مبرور حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی مدرس نهاوندی معروف بچین ری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نهاوندی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ -۱۲۳۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس، ادیب و شاعر. در نهاوند به دنیا آمد. در ابتدا به فراگیری خط پرداخت. سپس برای تحصیل مقدمات علوم به بروجرد رفت. آنگاه جهت تکمیل معلومات عازم نجف گشت و در آنجا از محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، استفاده نمود و پس از درگذشت صاحب «جواهر» در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و از خواص شاگردان وی گردید. او در حیات استادش، شیخ انصاری، در نجف عهده‌دار تدریس گردید. سید محمد طباطبایی و میرزا مهدی گلستانه از شاگردان وی بودند. در ۱۲۸۹ ق به قصد زیارت امام رضا (ع) به ایران آمد و در بازگشت در تهران ساکن شد و حدود

دوازده سال در مـدرسه مروی (فخریه سابق) مشغول تـدریس گردیـد. در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در صـحن جدید حضـرت معصومه (س) دفن شـد. به آوردهی شـیخ آقـا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلامالشـیعه» پیکر وی به نجف منتقل گردیـد. از آثارش: «اصل البرائة»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «الوقف» و «العتق»، در فقه؛ «دیوان» شعر.[۱]

میرزا عبدالرحیم بن میرزا نجف مستوفی بن میرزا محمدعلی شیرازی نهاوندی عالمی متبحر و فقیهی جامع از بزرگان شاگردان شیخ مرتضـی انصاری و ملازمین وی و فقهاء بزرگ و مدرسـین نجف اشـرف بوده چنـد سال بعد از فوت اسـتادش شـیخ به ایران آمده و چنـدی در مشـهد رضوی توقف آنگاه به تهران آمـده و در مـدرسه مروی به تـدریس پرداخته تا در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ در سن ۶۷ وفات نموده و جنازه‌اش را حمل به نجف اشرف نمودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۴۷۰/ ۷)، الذریعه (۶۸۷/ ۹ ،۱۵۷/ ۶)، ریحانه (۲۶۸ -۲۶۶/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۰۹ - ۱۱۰۸/ ۱۴)، فوائد الرضویه (۲۲۹ -۲۲۸)، المآثر والآثار (۱۴۳)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۲/ ۳).

نهاوندی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، عـالم دینی، فقیـه، اصـولی، رجـالی، مـدرس، ادیـب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتـن مقـدمات، جهـت تکمیل آموخته‌هـای خویش رهسپار نجف گشت و در درس شـیخ مرتضـی انصـاری شـرکت نمود و از خواص شاگردان شـیخ گردیـد. او همچنین از محضـر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز اسـتفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده‌دار تدریس و بحث و تألیف شـد. نهاونـدی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم قمری است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی سـتوده‌اند و در اصول وی را مؤسـس و در پاره‌ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته‌اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی‌السلام دفن گردیـد. از آثـار او: «تشـریح الاـصول الصـغیر»؛ «تشـریح الاـصول الکبیر»؛ «مقدمـهٔ الواجب»؛ کتـاب «الطهارهٔ»؛ «الـدماء الثلاثـهٔ»؛ «مشارق الاصول».[۱]

علی بن ملا فتح‌اللّه نهاوندی نجفی عالمی بزرگ و محققی جلیل از شاگردان علامه شـیخ مرتضی انصاری و اعلام مدرسین نجف و مجتهدین مسـلم و اساتید بزرگ آن سامان بوده و با این کمالات معنوی حظی از این دنیای دنی نداشـته و در نهایت فقر و عسرت و در اواخر عمر مبتلا به کسالتهای گوناگون شده تا در اول ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ در سن هشتادسالگی وفات نمود و در وادی‌السلام در مقبره مخصوص مدفون گردید از آثار اوست (تشـریح اصول الصـغیر) و (تشریح اصول الکبیر) و نیز کتابی (در طهارت) و کتابی در (دماء الثلاثه).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۳۰۱/ ۸)، الذریعه (۱۸۶/ ۱۵ ،۱۸۵/ ۴)، ریحانه (۲۶۹ -۲۶۸/ ۶)، معجم رجـال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۳ -۱۳۱۲/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۵/ ۷).

نیازی حجازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهـم ق)، ادیـب، لغـوی و شـاعر. وی صـاحب منظـومه‌ی «جـامع اللغـات»، در لغت فارسـی است. او پیش از قرن یـازدهم قمری می‌زیسته، زیرا در «فرهنگ سروری»، تألیف شده در ۱۰۰۸ ق، و «فرهنگ جهانگیری» تألیف شـده در ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۷ ق، از «جامع اللغات» شواهـدی نقل گردیـده است. همچنین در این کتاب از سال درگـذشت میر علی هروی (۹۵۱ ق) نیز نشـانی است که در این صورت تاریخ تألیف کتاب بین ۹۵۱ ق و ۱۰۰۸ ق بوده است. در «الذریعه» برای نیازی «دیوان» شعری ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۱۰۰/ ۲۳ ،۱۲۴۰/ ۹ ،۶۹/ ۵)، ریحانه (۲۷۵/ ۶)، فرهنگهای فارسـی (۱۲۴ -۱۱۷ ،۱۱۰ -۱۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ حجازی).

نیازی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۹ ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، نویسـنده و شاعر، متخلص به نیازی. در تبریز به دنیا آمـد. تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه را در زادگـاهش به پایـان برد و برای تحصـیل در طب، به سوئیس رفت. او ادبیـات فرانسه را به خوبی آموخت و اشـعاری به زبـان فرانسـه سرود که مورد توجه ادبای آنجا قرار گرفت. وی در حدود ۱۳۰۰ ش در اداره تجارتی سفارت ایران در سوئیس با سمت منشی‌گری مشـغول خدمت شد. بعد از بازگشت به ایران به معلمی مدرسه دارالفنون منصوب گردید. او همچنین در دبیرستان‌های دولتی ادبیات

فرانسه تدریس می‌کرد.پس از فوت میرزا حسین خان صبا، صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران»، امتیاز آن روزنامه به وی واگذار شد و او در ۱۳۰۳ ش آن را تحت عنوان قبلی خود یعنی «ستاره‌ی ایران» منتشر کرد. سپس در ۱۳۰۷ ش این روزنامه را تحت عنوان «ستاره‌ی جهان» به دو زبان فارسی و فرانسه انتشار داد. وی قطعه‌ای به زبان فرانسه به عنوان «زندگانی» سرود و از آکادمی ژفلور و فرانسه دیپلم افتخار دریافت کرد و در ۱۳۱۱ ش به مناسبت ترجمه «رباعیات» حکیم عمر خیام از طرف آکادمی فرانسه به وی جایزه‌ای اهدا شد. از دیگر آثارش: «هزار و یک خنده». از آثار ترجمه‌ی وی: «تاریخ بیزانس»؛ «تاریخ پلیس»؛ «کشمیر یا باغ نشاط»؛ «یک دروغ چه کرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۲ -۲۰/ ۳)، الذریعه (۲۸۳ ،۲۲۰/ ۲۵ ،۸۳/ ۱۸)، سخنوران نامی (۴۷۷ -۴۷۲/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۰ ،۳۳۹۸، ۳۳۹۷، ۲۶۴۳، ۱۶۷۶ ،۱۶۷۲/ ۲ ،۶۸۲ ،۶۷۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۸ -۲۲۷/ ۱).

نیرومند، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : حسین علی نیرومند در سال ۱۳۲۶ در شهر باجگیران از توابع قوچان متولد شد دوران ابتدایی را در زادگاهش سپری کرد. پس از کسب دیپلم ریاضی از دبیرستان نادرشاه مشهد، وارد دانشگاه علوم دانشگاه مشهد شد و در سال ۱۳۵۰ در رشته ریاضی فارغ التحصیل گردید سپس به انگلستان عزیمت کرد و مدرک فوق لیسانس و دکترای خود را در سال ۱۳۶۸ در آنجا به پایان برد. وی هم اکنون به سمت استادی در دانشگاه علوم ریاضی دانشگاه مشهد مشغول به خدمت است.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : سریهای زمانی

والدین و انساب : مرحوم پدرشان علی فخمند در باجگیران به شغل کشاورزی مشغول بودند و مرحوم مادر محترمشان درنا کوثری بودند و دارای پنج خواهر همگی بازنشسته آموزش و پرورش هستند و پنج برادر به نام های نوروز محمد شغل کشاورزی، براقعلی دبیر بازنشسته ریاضی ، عباسعلی دبیر بازنشستهفیزیک، و حسن نیرومن سرهنگ نیروی هوایی هستند

خاطرات کودکی : وی دوران کودکی خود را اینچنین به یاد دارد : در دوران کودکی در باجگیران همراه پدر کار میکردم و حتی در دوران ابتدایی نیز هم درس میخواندم و هم به پدر در امور کشاورزی کمک میکردم.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دوران متوسطه دبرستان نادرشاه افشار در مشهد دوران کارشناسی رشته ریاضی از دانشگاه مشهد سال ۱۳۵۰ کارشناسی راشد رشته آمار از دانشگاه برونل انگلیس دکتری در رشته آمار - سریهای زمانی از دانشگاه شیفیلد سال ۱۳۶۸

خاطرات و وقایع تحصیل : در بیشتر ایام تحصیل از دوران ابتدایی تا کارشناسی ارشد درس میخواندم و در تابستان نیز کار میکردم

استادان و مربیان : دکتر بزرگ نیا،دکتر عبدالله، دکتر هنری، مرحوم پروفسور تقی فاطمی و ... از استادان وی در دوره کارشناسی بودند.

هم دوره ای ها و همکاران : و هم اکنون که در دانشگاه مشهد مشغول به کار میباشد با استادان دوران تحصیل خود مانند دکتر بزرگ نیا و دکتر هنری همکار شده اند.

همسر و فرزندان : همسر دکتر نیرومند بازنشسته آموزش و پرورش هستند و فرزندانشان احسان تحصیلات خود را به اتمام رسانیده و مشغول به کار هستند و دخترشان لونا ازدواج کرده و فرزند کوچکشان ایمان مشغول به تحصیل در دانشگاه در رشته مدیریت بازرگانی است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون اداری و مالی دانشگاه علوم دانشگاه مشهد ۷۴-۱۳۶۸

فعالیتهای آموزشی : دکتر نیرومند تدریس اکثر دروس دانشگاهی رشته آمار در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را برعهده دارد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر نیرومند بعد از فارغ شدن ارکار روزانه قدری ورزش و پیاده روی را در برنامه دارد.

چگونگی عرضه آثار : چاب و تالیف دو کتاب و چاپ و ترجمه بیش از ۱۵ جلد کتاب و بیش از ده مقاله علمی و پژوهشی د رمجلات معتبر________________________

آثار :

۱ آمار پایه

ویژگی اثر : تالیف

۲ آمار کاربردی

ویژگی اثر : تالیف

۱۳گر سیول با مثال

ویژگی اثر : ترجمه

۱۴گرسیول خط کاربردی

ویژگی اثر : ترجمه

۵ الگوهای خطی تعمیم یافته

ویژگی اثر : نوشته داپسن، ترجمه

۶ الگوهای خطی تعمیم یافته

ویژگی اثر : نوشته موشگری، ترجمه

۷ تجزیه و تحلیل سریهای زمانی

ویژگی اثر : نوشته کرامر، ترجمه

۸ روشهای چند متغیره کاربردی

ویژگی اثر : نوشته جانسون، ترجمه

۹ سریهای زمانی و روشهای یک متغیری و چند متغیری

ویژگی اثر : نوشته ویلیام دبلیودی، ترجمه

۱۰ مقدمه ای بر سریهای زمانی

ویژگی اثر : نوشته هتیفیلد، ترجمه

۱۱ نخستین درس احتمال

ویژگی اثر : نوشته راس ، ترجمه

۱۲ نمونه گیری

ویژگی اثر : ترجمه

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

نیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نیری

محل تولد : همدان

شهرت : نیّری همدانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی نیّری همدانی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در منطقه‌ای در ۱۲ فرسخی همدان به دنیا آمد. پدرش که مردی با فضیلت بود، به کشاورزی اشتغال داشت. او از بزرگان به شمار می‌آمد و در زهد و ورع زبانزد خاص و عام بود و نقش بسزایی در تربیت فرزند خود و تشویق او به تحصیل علوم دینی ایفا کرد. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و در آن مرحله ضمن فراگیری قرآن مجید، از کتبی چون «کلیله و دمنه و گلستان سعدی» بهره برد و «زبان و ادبیات» خویش را انسجام بخشید. سپس برای فراگیری دروس حوزوی، به همدان رفت و در مدتی کم، دروس مقدمات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را به پایان برد. پس از آن برای بهره مندی از محضر استادان فرهیخته، به شهر قم مهاجرت کرد و در مدرسه علمیه دارالشفاء مستقر شد. او در آن زمان بخشی از «معالم» را خوانده بود. از این رو به تکمیل باقی مانده آن و اتمام دروس دورهٔ سطح در زمان اندک رو آورد.

با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به دروس خارج فقه و اصول استادان مشهور حوزه علمیه قم، از جمله آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره) و محقق داماد (ره)» راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد و در ضمن آن از فراگیری علوم عقلی نیز غافل نماند. او در طی این سالها همواره درسهای اخلاق استادان خود شرکت می‌جست تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید و خود را برای نهضتی عظیم که بر عهدهٔ عالمان و اندیشمندان اسلامی است؛ آماده سازد.

آیت الله نیّری در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره‌مند شد. او بسیاری از دروس مقدمات را در همدان در محضر برادر خود «آقا میرزا عبدالغنی نیّری» و آقای «رازینی» فرا گرفت و در درس لمعهٔ آقایان: «حاج سید مصطفی هاشمی» و «سید جمال الدین افتخاری» شرکت جست. با ورود به قم به درس مطوّل «آیت الله مشکینی» و درس شرح لمعه «آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)» و «آیت الله شهید صدوقی(ره)» رفت و پس از آن به درس رسائل «آیت الله مشکینی» و درس کفایه «آیهٔ الله آقا شیخ عبدالجواد سده‌ای اصفهانی (ره)» و «آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره)» و مکاسب حضرات آیات: «حائری (ره) و مشکینی» راه یافت.

با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره)، اراکی (ره)، محقق داماد (ره)، گلپایگانی (ره) و شیخ عباسعلی شاهرودی» رفت و عمدهٔ مبانی اجتهادی خویش را در محضر آنان فرا گرفت، هر چند در درس خارج دیگر استادان نیز شرکت می‌کرد. در بخش علوم عقلی نیز ابتدا به درس منظومه «آیت الله منتظری» و سپس به درس اسفار «آیت الله علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» راه یافت.

او در سالهای تحصیل خود با علماء و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان به آقایان: «ثابتی، عراقچی و

موسوی همـدانی» اشـاره کرد. او بسـیاری از دروس پیش آموخته را با آنان مباحثه می‌کرد. آیت الله نیّری در عرصه فرهنگی حضور مؤثر و مسـتمری داشـته است. او سالها در حوزه علمیه قم به تدریس دروس دورهٔ مقدمات و سـطح پرداخته، شاگردان بسـیاری را به مکتب اسلام تقدیم نموده است.

از جمله فعالیتهای او در این عرصه، تـدوین دورهٔ پنـج جلـدی «مجمع المسائل؛ حاوی اسـتفتائات از مرجع عالی قدر آیت الله العظمی گلپایگـانی (ره)» است که از آثار شـگفت و در خور تحسـین است، این کتاب با همت وی و برخی دیگر از اسـتادان حوزه علمیه قم تهیه شده است، او پس از رحلت آن عالم ربّانی، به دفتر «آیت الله العظمی صافی گلپایگانی» راه یافت و سالهاست که به پرسش‌های شرعی مردم پاسـخ می‌گویـد. آیت الله نیّری که از شـاگردان امـام (ره) محسـوب می‌شـود، سالهـا در راه نهضت پیر مراد خـود «امـام خمینی (ره)» به مبـارزه پرداخت که از جمله آنهـا می‌تـوان به سـخنرانیهای او در اطراف رفسـنجان اشـاره کرد. این سـخنرانیها خشـم سـاواک را برانگیخته بـود. او به همراه اسـتاد «ثـابتی» و بـا دسـتور آیت الله العظمی گلپایگـانی (ره) به دیـدار تبعیدشـدگان در رژیم طاغوت شـتافت که از جمله آن دیـدارها: دیـدار با مقام معظم رهبری که در آن زمان در ایرانشـهر در تبعید بودند می‌باشد. آیت الله نیّری هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم است.

نیریزی، ارشدالدین، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، مفسـر و ادیب. در «مجمل فصیحی» و «فارسنامه‌ی ناصری» نام وی محمد بن علی ذکر شده است. او جامع علوم شـرعیه و در علم تفسـیر و حـدیث متبحر بود. مدتها در مسـجد جامع عتیق شـیراز امامت نمود و نوشـته‌اند که به مـدت هفتاد سال عهـده‌دار منصب افتاء بود. او را عالمی خیرخواه و دارای اخلاق نیکو و اوصاف مرضـیه دانسـته‌اند. در طلب علم به حجـاز و عراق مسـافرت نمـود و مشایــخ و علمـای بزرگی چـون: شـیخ تـوران کـبیر، زاهــد ابومنصـور، ابوالوفـا احمــد بـن ابراهیم فیروزآبادی، ابومقاتل مناور بن فرکوه دیلمی را درک نمود. شیخ روزبهان بقلی شـیرازی و سـراج‌الدین مکرم قاضی‌القضاهٔ فارس و عارف معروف عزالدین مودود زرکوب و فرزندش، عمادالدین ابوالفضل محمد بن مودود زرکوب، و ملک معین‌الدین ابوذر کتکی مفتی از شاگردان او بودند. در شـیراز درگذشت و در رباطی که خود در نزدیکی مصـلای شـیراز بنا کرده بود، دفن شد. از آثارش: «مجمع‌البحرین»، در تفسیر و تأویل، در ده مجلد؛ «تنویر المصابیح»، در شرح «المصابیح»، در حدیث؛ «باکورهٔ الطلب لاهل الادب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :شد الازار (۳۷۶ -۳۷۲)، شیرازنامه (۱۷۰ -۱۶۹)، فارسـنامه ناصری (۱۵۶۷/ ۲)، مجمل فصـیحی (ذیل/ سال ۶۰۴)، معجم‌المؤلفین (۲۲۴/ ۷).

نیساری، سلیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سلیم نیساری در ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۹ درتبریز متولد شد. وی داری دکترای فلسفه از دانشگاه ایندیانای آمریکا ست. دکتر نیساری پس از بازگشت به ایران به تـدریس دردانشـکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسـته شد .گروه : علوم انسانیرشـته : علوم تربیتوالدین و انساب : سلیم نیساری فرزند عبد الله که وی نیز فرزند میرزا سلیم، حاکم محال قره داغ آذربایجـان بود، در ۲۱ آذر مـاه ۱۲۹۹ درتبریز متولـد شد.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : سـلیم نیساری پس از گذراندن دوره تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه و توفیق در امتحان نهایی دانشسـرای تبریز با رتبه اول برای ادامه تحصـیل به تهران آمد و موفق به اخذ درجه لیسانس در سال ۱۳۲۱ دررشـته ادبیات فارسـی و علوم تربیتی شد . ضمنا به تحصیل دردوره دکتری ادبیات فارسی ادامه داد . درسال ۱۳۲۹ برای ادامه تحصـیل به اروپـا و سـپس به آمریکـا رفت. وی موفق به دریافت درجه فوق لیسانس ازدانشـگاه لنـدن و نیز درجه دکتری دررشـته علوم تربیتی و زبان شناسـی از دانشـگاه ایندیانا آمریکا شد.همسـر و فرزندان : سـلیم نیساری با ایران میرتقوی ازدواج کرد و ثمره این ازدواج سه فرزند به نامهای نیلوفر، سیروس و نادر می باشد .مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : مشاغل سـلیم نیساری در وزارت فرهنگ عبارتند از : منشـی مخصوص وزیر فرهنگ ،رئیس اداره دفتر وزارتی در دوره وزارت نفت وزیر فرهنگ و بـازرس وزارتی و مشاور وزارت فرهنگ . درسال ۱۳۳۴ به عنوان دانشـیار عالی برگزیده شد . درسال ۱۳۳۶ به استخدام دبیرخانه مرکزی یونسـکو در پـاریس درآمـد و به سـمت رئیس اداره کمکهای فنی یونسکو منصوب شـد . دراین سـمت از طرف مـدیر کل یونســکو برای سرکشـی بـه نحوه پیشـرفت برنـامه کمکهـای علمی و فرهنگی یونسـکو بـه کشورهـای شـمال آفریقـا و خاورمیـانه و کشورهـای جنوب غربی آسیا سـفرکرد . پس از پایـان مـاموریت و مراجعت به ایرا ن به سـمت مـدیر کل روابط فرهنگی دروزارت آمـوزش و پرورش منصـوب گردیـد . ضـمنا درهیـات مـدیره موسـسه فرهنگی منطقه ای نیز عضویت داشت و سـردبیری یـک مجله انگلیسـی درموسـسه فرهنگی منطقه ای را نیز به عهده داشت . درسال۱۳۵۶ بـا ماموریت از طرف دانشـگاه تهران ووزارت فرهنگ و هنر باسـمت رایزن فرهنگی به کشورترکیه رفت . پس از پایـان مـاموریت درسال۱۳۵۸ به ایران مراجعت کرد .فعالیتهـای آموزشـی : سلیم نیسـاری در سال ۱۳۲۱ به اسـتخدام وزارت فرهنگ درآمـد . درسال ۱۳۳۳ ضـمن تدریس، معاونت دانشـکده ادبیات دانشگاه

شیراز را به عهده گرفت . تاریخ فرهنگ ایران ، کلیات روش تدریس و روش آموزش زبان فارسی دردبستان از جمله عناوینی بودکه تدریس آنها را به عهده داشت . دکتر نیساری به غیراز تدریس در رشته ها ومقاطع مختلف، درسال ۱۳۳۴ به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد . درسال ۱۳۴۴ به مرتبه استادی ارتقا یافت و به دانشگاه تهران منتقل شد . دردانشکده علوم تربیتی تدریس چند درس ازجمله فلسفه، آموزش و پرورش ،مبانی آموزش و پرورش ،کلیات روش تدریس ، آموزش مقدمات خواندن و نوشتن ، آئین بررسی و گزارش نویسی و روش تحقیق را عهده دار بود . پس از بازگشت به ایران به تدریس دردانشکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سلیم نیساری در اسفند ۱۳۳۳ ماموروتاسیس دانشکده ادبیات شیراز گردید .جوائز و نشانها : از دکتر سلیم نیساری به خاطر کتاب «نسخه های خطی حافظ» (قرن نهم) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تقدیر شده است.چگونگی عرضه آثار : سلیم نیساری چندین مقاله به فارسی و انگلیسی و فرانسه و ترکی درمجلات ایران و خارج از ایران منتشرساخته و از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ مدیریت مجله بنیاد فرهنگ را به عهده داشته است . عنوان یکی ازنوشته های او دراین مجله «دستورخط فارسی » می باشد . از میان مقالاتی که درروزنامه ها انتشار یافته است تنها به یک سری شامل ۱۷ مقاله از شماره ۷۳۷۱تا ۷۳۹۲ از ۲اسفند ماه تا ۲۸ همان ماه درروزنامه کیهان زیر عنوان «خط فارسی باید اصلاح شود » اشاره می شود .آثار : ۱ Le but humain de ۱ Education ویژگی اثر : سخنرانی در ششمین کنگره بین المللی علوم تربیتی ، دانشگاه دوفین پاریس ، درسال۱۹۷۳۲ Mevlana nin Mesnevi sinde Pragmatic Egitimle I lgiili Bir ornek ویژگی اثر : این سخنرانی در کنگره بین المللی بزرگداشت مولانا درشهر قونیه در نوامبر ۱۹۷۸ به زبان ترکی ایراد شده است و عنوان آن به فارسی «تمثیلی در مثنوی مولانا درارتباط با فلسفه پراگماتیسم درآموزش »است . متن سخنرانی در کتاب : Mevli[ann ve yasama Sevinic نشریه اداره جهانگردی قونیه چاپ شده است .۳ Persian An Element Of The Regional Common Culture ویژگی اثر : این مقاله در سمینار منطقه ای میراث فرهنگی (ایران ،پاکستان ، ترکیه) ۱۹۶۵ Seminar on common cultuaral H eritage march درمجموعهٔ]چاپ شده است۴ The Campaign Against Illteracy in Iran and the Role of Radio and Television In this campaign ویژگی اثر : این سخنرانی درسمیناربین المللی نقش رادیو و تلویزیون درپیکاربا بیسوادی درشهر آنکارا ایراد شده ومتن آن درنشریه زیر به چاپ رسیده است . .Conference of Executives From Radio and TV Organizations، The Emergence of a New Nation with an old culture Ankara۱۹۷۸۵ ویژگی اثر : در نشریه بین المللی بزرگداشت محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان ، اسلام آباد درنشریه Joutnal of the Regional cultural institute volume به چاپ رسیده است .۶ آموزش زبان و ادبیات فارسی دردانشگاه ویژگی اثر : متن این سخنرانی در مجموعه سخنرانیها و مقالات اولین مجلس علمی استادان زبان و ادبیات فارسی وزار ت علوم .آذرماه ۱۳۵۰ ص ۲۴۰تا۲۳۵ منتشر شده است۷ آموزش شعر فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی از گزارش کنگره دبیران زبان و ادبیات فارسی و همچنین در نشریه دانشکده علوم تربیتی دوره اول ، شماره ۲۳۸ استفاده از شاهنامه فردوسی در پژوهشهای زبان شناسی ویژگی اثر : کنگره بزرگداشت جهانی فردوسی ،دانشگاه تهران آذرماه ۱۳۶۹۹ بررسی پندهای فردوسی از دید فرهنگ ایرانی ویژگی اثر : متن این خطابه در مجموعه سخنرانیهای نخستین دوره جلسات سخنرانی وبحث درباره شاهنامه فردوسی ، همچنین در مجله هنرومردم شماره ۱۰۲ و ۱۰۳ فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است۱۰ پیوستگی هدف ، برنامه وروش آموزش زبان وادبیات فارسی ویژگی اثر : این متن درنشریه دومین کنگره انجمن دبیران زبان وادبیات فارسی درمرداد ماه ۱۳۴۷ ، ص ۹۰-۸۴ به چاپ رسیده است۱۱ تدریس زبان فارسی دردبستان یا آموزش هنر های زبان(۱۳۴۴) می باشد. توضیحی درباب خط کتاب اول دبستان ویژگی اثر : در مجموعه مقالات همایش بررسی و تبین علل بدخطی دانش آموزان زیر عنوان خط خوش ،نشریه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ، اسفند ۱۳۷۸۱۳ خاطراتی از کلاس درس استاد ملک الشعرا بهار ویژگی اثر : درارابطه با همایش یاد بود پنجاهمین سال در گذشت ملک الشعرا بهار درآوریل ۲۰۰۱ دردانشگاه سوربن پاریس ایراد شده است .۱۴ دستور خط فارسی ویژگی اثر : پژوهشی درباره پیوستگی با زبان فارسی ، تهران : سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،۱۳۷۴۱۵ دفتر دیگر سانیها درغزلهای حافظ ویژگی اثر : جلد اول ، تهران ،سروش ۱۳۷۳۱۶ دیوان حافظ ویژگی اثر : مستند برنسخه های خطی سده نهم ،به خط استاد امیر احمد فلسفی ،همراه بامینیاتور هایی از استاد فرشچیان ،تهران ،انتشارات یساولی ،۱۳۸۲۱۷ دیوان حافظ ویژگی اثر : براساس ۴۸ نسخه خطی سده نهم ، تهران . انتشارات سینا نگار. و اسرار دانش ،۱۳۷۷-دکتر نیساری در خصوص این اثر می گوید |: اول بار پیش علامه قزوینی عنوان کرد، برای تصحیح دیوان حافظ باید متونی را که به زمان حافظ نزدیک تر است، یافته و براساس چنین نسخه ای دیوان حافظ را تنظیم و تصحیح کرد. قزوینی یک نسخه خطی بیشتر به دست نیاورد. من این جست وجوها را در حد توان ادامه دادم و مرحوم خانلری و مرحوم مجتبی مینوی که باهم کار می کردند، توانستند نسخه خطی پیدا کنند. روی جلد نوشتم براساس نسخه خطی دیوان حافظ.۱۸ غزلهای حافظ ویژگی اثر : براساس نسخه خطی سده نهم ، به خط استاد محمد سلحشور ، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۷۱ ،چاپ دوم الهدی آذرماه ۱۳۷۱۱۹ غزلهای حافظ ویژگی اثر : نشریه موسسه فرهنگی منطقه ای ۱۳۵۳۲۰ کلیات روش تدریس ویژگی اثر : چاپ اول این اثر در سال ۱۳۴۴و چاپ دوم این اثر ۱۳۵۵۲۱ گروه بندی افعال فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی درجلد دوم سومین کنگره تحقیقات ایرانی ، بنیاد فرهنگ ایران ، شهریور ۱۳۵۱ درج شده است۲۲ مقدمه ای بر تدوین غزلهای حافظ(۱۳۶۷) ، ملاحظاتی درباب نسخه خطی مشتمل بر ۱۵۲ غزل حافظ و چاپ تک نسخه ای آن ویژگی اثر : در نخستین همایش ایران شناسی ، ۱۳۸۱۲۴ نسخه های خطی حافظ ویژگی اثر : شیراز سده نهم ، مرکز حافظ شناسی، ۱۳۸۰۲۵ نقش معلم در برابرارزشهای اخلاقی ویژگی اثر : متن این سخنرانی در نشریه دانشکده علوم تربیتی ، دوره پنجم شماره ۱و۲ درسال۱۳۵۴ به چاپ رسیده است۲۶ نمونه هایی از آثار جاویدان شعر فارسی(۱۳۵۰) ، نوآوری درترکیبات واژگان فارسی در خمسه نظامی گنجوی ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره بین المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی ، دانشگاه تبریز ، جلد سوم .۱۳۷۲ ص ۴۴۰-۴۲۸۲۸ یکسان کردن املای فارسی ویژگی اثر : درمجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ، دانشگاه تهران :

شهریورماه ۱۳۴۹ ، جلد اول ص ۳۱۲-۲۹۹

نیشابوری، ابوالقاسم فضل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۷۳ ق)، مسند، محدث و واعظ. از ابوحسین خفاف و ابوحسین علوی و عبداللّه بن یوسف اصفهانی و ابن‌محمش و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابن‌طاهر و زاهر شحامی و محمد بن اسماعیل شاماتی و ابوطالب محمد بن عبدالرحمان کنجرودی و سعید بن حسین جوهری و حسین بن علی شحامی و محمد بن اسماعیل بن احمد مقری و ابواسعد بن قشیری و ملیکه بنت ابی‌الحسن فندورجی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ذهبی گوید وی صاحب کتابی در وعظ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (۳۸۰ -۳۷۸/ ۱۸)، شذرات‌الذهب (۳۴۳/ ۳)، العبر (۲۳۳ -۳۳۱/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۷۰/ ۸).

نیشابوری، ابوسعد، ابوسعید عبدالملک

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۷/ ۴۰۶ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر، وعظ و زاهد. معروف به ابوسعد یا ابوسعید خرگوشی. نزد ابوالحسن ماسرجسی فقه آموخت. در طلب حدیث به عراق سفر کرد. پس از آن به سوی حجاز رهسپار گشت. و در مکه مجاور شد. سپس به خراسان مراجعت نمود و طریق زهد و خدمت به خلق پیشه کرد. وی از حامد بن محمد رفاء و یحیی بن منصور قاضی و اسماعیل بن نجید و محمد بن حسن سراج و ابواحمد شیبانی نیشابوری و محمد بن عبدالملک نسوی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن بندار صوفی و ابواسحاق مزکی و ابوعمرو بن مطر و ابوسهل صعلوکی روایت کرد. حاکم نیشابوری و حسن بن محمد خلال و ابوالقاسم تنوخی و علی بن محمد حنایی و ابوعلی اهوازی و حافظ ابوبکر بیهقی و عبدالعزیز ازجی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و ابوبکر ابن خلف شیرازی و ابوالقاسم ازهری و جمعی دیگر از وی روایت نموده‌اند. مرتبه‌ی وی را در فقاهت و زهد ستوده‌اند. و او را از دانشمندانی دانسته‌اند که علاوه بر مقام علمی و زهد به حوائج عامه مردم و فقرا رسیدگی می‌کرده و ابنیه‌ی خیریه‌ای تأسیس می‌نموده است. از جمله بنای بیمارستانی را به وی نسبت می‌دهند. او در نیشابور درگذشت و در خرکوش نیشابور دفن شد. از آثارش: «تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار»؛ «شرف المصطفی (ص)»، در هشت مجلد؛ اللوامع»؛ «سیر العباد والزهاد»؛ «شعائر الصالحین» یا «شعار الصالحین»؛ «دلائل النبوة»؛ کتاب «التفسیر»؛ کتاب «الزهد»؛ «البشارة والنذارة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۵۱ -۳۵۰/ ۲)، تاریخ بغداد (۴۳۲/ ۱۰)، تاریخ نیشابور (۱۶۹)، تذکرة الحفاظ (۱۰۶۷ -۱۰۶۶/ ۳)، سیرالنبلاء (۲۵۷ -۲۵۶/ ۱۷)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۲۹ -۲۲۸/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۲۳ -۲۲۲/ ۵)، العبر (۲۱۴/ ۲)، کشف‌الظنون (۱۵۶۹، ۱۰۴۷، ۱۰۴۵، ۵۱۴، ۲۴۵)، لب‌اللباب (۲۸۱/ ۱)، معجم‌البلدان (۴۱۳ -۴۱۲/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۱۸۹ -۱۸۸ ، ۱۰۸/ ۶)، المنتظم (۱۴۶/ ۹)، هدیةالعارفین (۶۲۵/ ۱).

نیشابوری، ابوعبدالرحمان عبداللّه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۶ ق)، محدث، نحوی و ادیب. اهل نیشابور بود. علم نحو را از اخفش فراگرفت. خطیب بغدادی او را در این فن صاحب بصیرت می‌داند. وی همچنین در ادبیات متبحر بود. از محمد بن جعفر غندر و محمد بن ابی‌عدی و عبدالاعلی بن عبدالاعلی و یوسف بن عطیه صفار و معلی بن سلیمان و یحیی بن سعید قطان و عبدالعزیز عطار و عبدالوهاب ثقفی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن ابی الدنیا و عبداللّه بن محمد بن ناجیه از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «نوادر العرب و غریب الفاظها» یا «نوادر العرب و غرائب الفاظها والمعانی والامثال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (۶۸۱/ ۲)، تاریخ بغداد (۷۳ -۷۲/ ۱۰)، الثقات (۳۶۴/ ۸)، الجرح والتعدیل (ج ۲، ق ۱۹۵/ ۲)، لسان‌المیزان (۱۸۳ -۱۸۲/ ۴)، معجم‌المؤلفین (۱۴۳/ ۶)، هدیةالعارفین (۴۴۰/ ۱).

نیشابوری، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۴۵ ق)، حافظ، محدث و زاهد. اهل نیشابور بود. حاکم نیشابوری او را شیخ عصر خویش در خراسان می‌داند وی از ابن‌عیینه و سلیمان بن داوود طیالسی و حسین بن علی جعفی و عبداللّه بن ابراهیم صنعانی و ابراهیم بن عمر صنعانی و اسماعیل بن عبدالکریم صنعانی و سریج بن نعمان و هشام بن سعید طالقانی و اسحاق بن سلیمان رازی و حسین بن محمد مروزی و حفص بن عبدالرحمان بلخی و ابوقتیبه و شبابهٔ بن سوار و عبداللّه بن نمیر و عبدالرزاق بن همام و علی بن حسین مروزی و محمد بن بشر عبدی و معن بن عیسی قزاز و وکیع بن جراح و یونس بن بکیر شیبانی و ولید بن عقبه شیبانی و یحیی بن یحیی نیشابوری و وهب بن جریر و یحیی بن اسحاق و عبداللّه بن ادریس و دیگران حدیث شنید. بخاری و مسلم و ابوداوود و نسائی و ترمذی در «صحاح» خود و نیز ابوزرعه رازی و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن ابی‌طالب و محمد بن یحیی ذهلی و ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و حاجب بن احمد طوسی و احمد بن سلمه و اسحاق بن ابراهیم نیشابوری و تمیم بن محمد طوسی و جعفر بن محمد بن سوار و زنجویهٔ بن محمد و ابن‌شاذان و محمد بن عقیل خزاعی و محمد بن نعیم نیشابوری و ابواللیث انصاری و یحیی بن زکریا نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۹/ ۶)، التاریخ الکبیر (۸۲ -۸۱/ ۱)، تاریخ نیشابور (۹۷)، تذکرهٔ الحفاظ (۵۱۰ -۵۰۹/ ۲)، تهذیب التهذیب (۱۳۸ -۱۳۶/ ۹)، تهذیب الکمال (۲۷۰ -۲۶۷/ ۱۶)، الثقات (۱۰۲/ ۹)، الجرح والتعدیل (ج ۳، ق ۲۵۴/ ۲)، سیرالنبلاء (۲۱۸ -۲۱۴/ ۱۲)، شذرات الذهب (۱۰۹/ ۲)، طبقات الحفاظ (۲۴۶ -۲۴۵)، العبر (۳۵۰/ ۱)، النجوم الزاهرهٔ (۳۸۵/ ۲)، الوافی بالوفیات (۶۸/ ۳).

نیشابوری، ابویوسف یعقوب

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۴ ق)، ادیب، لغوی و شاعر. اهل نیشابور بود و در علم لغت تبحر داشت و بنابر آورده‌ی «کشف‌الظنون» صاحب تألیفاتی در این فن می‌باشد. او شعر نیز می‌سرود. از آثار او: «البلغهٔ فی اللغهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف‌الظنون (۲۵۳)، معجم‌المؤلفین (۲۴۱/ ۱۳)، هدیهٔ‌العارفین (۵۴۴/ ۲).

نیشابوری، جمال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۴ ق)، محدث، فقیه شافعی و خطیب. اصل وی از نیشابور است. در ۷۲۱ ق وارد مصر شد و از حجار حدیث شنید. او در نزد قطب سنباطی و ابن القماح و ابن‌عدلان و دیگران فقه آموخت. وی در مصر منصب تدریس و فتوا داشت. صاحب «شذرات‌الذهب» او را به سلامت نفس و رعایت جانب حق می‌ستاید. در سنین کهولت شنوایی خود را از دست داد و به همین علت به او اطروش می‌گفتند. از آثارش: شرح «التعجیز» یا «تصحیح التعجیز»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شذرات‌الذهب (۲۸۵/ ۶)، کشف‌الظنون (۴۱۸)، معجم‌المؤلفین (۲۵۳/ ۱۱).

نیشابوری، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، محدث، مقری و نحوی. از علمای امامیه در قرن ششم قمری است. او از شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی روایت کرده است. کتاب «المجالس»، در حدیث از اوست و ابن شهرآشوب در «مناقب» خود از آن بسیار نقل کرده است. وی از مشایخ روایی سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌اللّه بن علی راوندی و امام قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) بود. قطب‌الدین نیشابوری «الندبهٔ» امام زین‌العابدین (ع) را از حاکم حسکانی از صدوق ابن‌بابویه روایت کرده و علامه حلی در «اجازه‌ی» کبیره خود به این مطلب اشاره کرده است. از دیگر آثارش: «التعلیق»؛ «الحدود»؛ «الموجز فی النحو».[۱]

محمد بن علی بن حسن مقری نیشابوری ملقب به (قطب‌الدین) مکنی به ابوجعفر عالمی موثق و استاد سید ابی‌الرضا فضل‌اللّه راوندی و شیخ ابی‌الحسن قطب راوندی و صاحب تعلیق الحدود الموجز در نحو بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۵۱/ ۲۳، ۳۵۶/ ۱۹، ۲۲۱/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۷۲/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۵۸ -۱۵۷)، فوائد الرضویه (۵۵۹)، معجم‌المؤلفین (۳۱۸ -۳۱۷/ ۱۰).

نیشابوری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی مروی نیشابوری عالمی جلیل و بزرگوار از شاگردان آخوند خراسانی و علامه یزدی و عدیل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری صفائی قمی بوده که پس از پایان تحصیل به وطن برگشته و به وظائف دینی از اقامت جماعت و ارشاد مردم و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته.

و چند نفری از مبلغین فرقه ضاله اسماعیلیه را که در اطراف نیشابور اضلال مردم نموده و تبلیغ مرام باطل آقاخانی‌ها را می‌نمودند. پس از نصیحت و موعظه فراوان که متنبه نشدند خود شخصا به قتل رسانیده و مجازات نموده است.

وی پس از ۱۳۶۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۵۰ ق)، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر. ملقب به بیان الحق. مؤلف «معجم‌الادباء» وی را عالمی بارع و مفسری دانشمند توصیف کرده است. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف او را کم‌نظیر دانسته‌اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق الانسان»؛ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکرهٔ والتبصرهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۳ / ۸)، کشف‌الظنون (۱۲۰۵، ۷۲۲، ۶۰۲، ۶۰۱- ۳۹۳، ۲۰۵)، معجم‌الادباء (۱۲۵ -۱۲۴ / ۱۹)، معجم‌المؤلفین (۱۵۸ -۱۵۷/ ۱۲).

نیکبخت واحدی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا نیکبخت واحدی ۹ تیر سال ۱۳۵۹ در مشهد به دنیا آمد.

پدرش خیاط بود و مادرش، خانه‌دار. وی در رشته فنی و حرفه‌ای دیپلم گرفت. بازی‌های خوب و فیزیک مناسب، موجب درخشش نیکبخت در مسابقات آموزشگاهی شد و سر از تیم باشگاهی راوند درآورد و بعد از ۲ ماه تمرین، در اولین مسابقه باشگاهی در سطح جوانان مقابل ابومسلم، معتبرترین تیم فوتبال خراسان، به میدان رفت. پیروزی ۳-۱ در آن مسابقه دعوت شدن به پوشیدن پیراهن راه راه مشکی و قرمز ابومسلم را برایش به ارمغان آورد. در تیم ابومسلم، در همان اولین مسابقه در لیگ سال ۱۳۷۷، درخشید و به تیم ملی جوانان دعوت شد.

بعد از اتمام مسابقات جوانان، به تیم ملی امید دعوت شد. بازی درخشان در ورزشگاه آزادی تهران مقابل استقلال تهران، باعث شد امیرقلعه نویی که مربی تیم امید در کنار حمید درخشان بود، او را به استقلال دعوت کند. علیرضا در سال ۱۳۷۸ قراردادی ۵ ساله با استقلال بست و در فصل ۸۶- ۸۵ از سری مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران از تیم استقلال تهران جدا شد و به باشگاه پرسپولیس پیوست. او بعد از مهرزاد معدنچی در فصل ۸۵-۸۶ بهترین گلزن پرسپولیس بود. همچنین به همراه پرسپولیس به مقام قهرمانی مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران در فصل ۸۶-۸۷ دست پیدا کرد.

نیکخواه بهرامی، آیدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد علی نیکخواه بهرامی و فرزانه ابراهیمی فخار

فرزند ارشد خانواده و برادر صمد نیکخواه بهرامی

در ۱۶ بهمن ۱۳۶۰ در تهران بدنیا آمد دوران دبستان خود را تا کلاس سوم در دبستان ایران خیابان دولت و کلاس چهارم و پنجم در دبستان بعثت در منطقه الهیه تحصیل نمود. کلاس اول راهنمایی در مدرسه مهدی در باغ فردوس و کلاس دوم و سوم راهنمایی را در مدرسه همت واقع در چهارراه حسابی تحصیل نمود

دوران دبیرستان و پیش دانشگاهی در مدرسه اما موسی صدر

دانشجو رشته تربیت بدنی با رتبه ۱۰۰ وارد دانشگاه شدو دانشجو ترم پنجم در دانشگاه آزاد

بسکتبال خود را از سن ۱۰ سالگی یعنی تابستان سال چهارم دبستان ، در مجموعه فرهنگی ورزشی چمران ، زیر نظر آقای سعید

طاعتی شروع کرد . تمامی مدارج سنین پایه را گذراند و در تیم های شهید چمران ، نصر ، چکاد در رده سنی مینی بسکتبال و نوجوانان بازی کرد.

در رده جوانان عضو باشگاه الکترا شد در رده سنی امید نیز در این باشگاه بازی کرد و چندین قهرمانی و نائب قهرمانی باشگاههای تهران در همان تیمهای نوجوانان ، جوانان و امید بدست آورد.و از رده سنی جوانان عضو تیم منتخب تهران شد که مقام اول مسابقات قهرمانی کشور را کسب کرد و در سن ۱۵ سالگی به اردوی جوان اندعوت شد و زیر نظر سعید فتحی پیراهن تیم ملی جوانان را به تن کرد و از همان ابتدا جزو شاخص ترین بازیکنان تیم ملی جوانان و رده سنی خود بود که به گفته مربیان ، منتقدان و روزنامه نگاران وقت نشان می داد آینده روشنی پیش روی دارد .

به همراه تیم ملی جوانان زیر نظر خورخه کابررا در لبنان قهرمان شد.

در سال ۲۰۰۰ به همراه تیم ملی جوانان مقام نهم مسابقات آسیایی مالزی را بدست آورد و بعد از آن به باشگاه ایران نارا پیوست و اولین حضور حرفه ای خود را در سوپر لیگ از آنجا شروع کرد و همزمان زیر نظر محمود پور شرفی و هادی آمیق عضو تیم امید ایران نیز بود.

در مسابقات غرب آسیا در عراق مقام اول را کسب کرد و همچنین بهترین بازیکن و بهترین سه امتیازی زن مسابقات شد که همه اینها نشانگر آینده درخشان آیدین بود.

در سال ۱۳۸۱ عضو ایران نارا بود که به همراه این تیم به مقام نائب قهرمانی لیگ کشور دست پیداکرد

در سال ۱۳۸۲ به تیم صبا باطری پیوست و تا زمان فوت آن مرحوم در آن باشگاه زیر نظر آقای مهران شاهین طبع ، محمود پور شرفی حسین قره گوزلو و محسن شاه علی

در سال ۱۳۸۲ مقام قهرمانی لیگ برتر را و همچنین مقام قهرمانی باشگاههای تهران را نیز کسب کرد.

در سال ۸۳۱۳ نائب قهرمان لیگ برتر شد.

در سال ۱۳۸۴ قهرمان لیگ برتر شد

در سال ۱۳۸۶ قبل از به اتمام رسیدن مسابقات لیگ دارفانی را وداع گفت و موفق اتمام لیگ نشد ولی همراه ولی همراه تیم صبا باطری مدال و مقام نائب قهرمانی ایشان به خانواده ایشان اهدا شد.

آیدین از سال ۱۳۸۳ عضو تیم بزرگسالان ایران بود و می توان به جرات گفت یکی از موثرترین بازیکنان این تیم در کسب موفقیت های بی نظیر اخیر بسکتبال بود.

در سال ۲۰۰۵ در جام ملت های آسیا مقام ششم را در قطر کسب کرد(زیر نظر محمد ایزد پناه و مهران حاتمی)

در سال ۲۰۰۶ در بازیهای آسیایی دوحه قطر مدال برنز این بازیها را کسب کرد که این اتفاق برای دومین بار بعد از ۵۵ سال در تاریخ بسکتبال کشور رخ داد (زیر نظر اونیکا ، مهران حاتمی و عباس آقا کوچکی)

در سا ۲۰۰۷ موفق به قهرمانی آسیا و کسب مجوز حضور در بازیهای المپیک پکن به عنوانتنها نماینده آسیا شد که این مقام برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور اتفاق افتاد و تیم ملی بسکتبال ایران موفق به حضور در المپیک شدکه بازی ایران مقابل قطر که یکی از حساس ترین مسابقات آن تورنمنت بود ، آیدین ناجی تیم بسکتبال ایران شدو بازی به یاد ماندنی از خود به جای گذاشت و سهم به سزایی در کسب این موفقیت ایفا کرد ٬زیر نظر رایکو ترومن و مهران حاتمی)

از جمله مقام های باشگاهی در سال ۱۳۸۶ قهرمان باشگاههای آسیا در تهران موفق به کسب مدال قهرمانی که آن هم برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور بود.

از خصوصیات بازی آیدین شوت سه امتیازی خیلی خوب و یکی از امتیاز آور ترین بازیکنان تیمش بود ۲۰۳ سانتیمتر بلندای قامت و ۹۱ کیلو گرم وزنش بود ریباند دفاع و حمله و روحیه جنگندگی ، تسلیم نشدن ، غیرت و از جان مایه گذاشتن برای تیمش بود.

آیدین قابلیت بازی در پست های ۲ ، ۳ و۴ را داشت

آیدین در سن ۲۶ سالگی در سانحه دلخراش رانندگی در مسیر کمربندی چالوس دار فانی را وداع گفت.

نیکخواه، خیرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خیرالله نیک خواه

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب خیرالله نیک خواه متولد سال ۵۲ شهرستان رودسر در سال ۵۹وارد دبستان شدم تا سیکل را ادامه دادم بعد وارد حوزه علمیه شهرستان لنگرود شدم. بعد از یک سال (۶۸ – ۶۷) به عنوان مبتدی در امتحان ورودی شرکت و قبول شدم. در حین تحصیل حوزه، دروس کلاسیک را به صورت متفرقه خواندم و دیپلم را اخذ نمودم. بعد از گذراندن دوره سطح، در دانشگاه «تربیت مدرس

قم» قبول شدم اما به خاطر مشکلات و مریضی نتوانستم در مصاحبه شرکت کنم و لذا ادامه ندادم و موفق به ورود در دانشگاه نشدم.

در حین تحصیل و شرکت در درس خارج، در سال ۸۳ – ۸۲ در رشته تخصصی «مذاهب اسلامی» شرکت کردم و دوره سطح ۳ را به پایان رساندم.

در حین تحصیل در دروس تخصصی در امتحان و مصاحبه گزینش و مجوز تدریس دروس معارف (گرایش تاریخ اسلام و امامت) در امور اساتید و معارف اسلامی در دانشگاه ها شرکت کردم و موفق به اخذ مجوز شدم و اکنون ۲ سال است که به صورت پاره وقت و حق التدریس در بعضی مراکز دانشگاهی که در برگه های قبل ذکر شده مشغول تدریس می باشم. و هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم. در برنامه های گفتمان های دینی با موضوعات مختلف که از طرف سازمان تبلیغات اسلامی اجرا شده شرکت می نمایم. در مراکز دانشگاهی و پیش دانشگاهی، جلسات پرسش و پاسخ در مسائل دینی انجام وظیفه می نمایم.

نیکزاد تهرانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر نیکزاد تهرانی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات حوزوی را در سال ۱۳۵۲ در زادگاهم «رستم کلا» از توابع شهرستان بهشهر آغاز نمودم. مقدمات را در آنجا به پایان رسانده و اوایل سال ۵۶ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را به دست آوردم. دروس سطح را نزد اساتیدی من جمله حضرات حجج الاسلام و آیات عظام: «شجاعی»، «وجدانی»، «دوزدوزانی»، «ستوده» و «صالحی مازندرانی» تلمذ نمودم. سپس از محضر حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «صانعی» و «صالحی مازندرانی»، سنواتی چند، دروس خارج فقه و اصول را بهره گرفتم.

در سال ۵۷ مدتی را به علت فعالیتهای سیاسی، دستگیر و در زندان رژیم ستم شاهی به سر بردم. و در دهه ۷۰، چند سالی را به عنوان: «مدیر سازمان تبلیغات اسلامی استان کردستان»، توفیق خدمت گذاری در عرصه تبلیغ و نشر معارف و فرهنگ دینی و اهل بیت (ع) پیدا نمودم.

از سال ۷۶ در ستاد منطقه دو سازمان تبلیغات اسلامی (گروه مناطق ویژه) به پشتیبانی فرهنگی، تبلیغی مناطق سنی نشین کشور مشغول بودم. فعلا در پژوهشکده علمی کاربردی «باقرالعلوم» به تحقیق و مطالعه می پردازم.

بعضی از آثار و دست نوشته های حقیر به شرح زیر می باشد:

۱. کنکاشی در مبانی فکری مقنی زاده، تحلیلی است از گرایشات مذهبی اقشاری از اهل سنت موجود در کردستان همراه با بررسی چالشهائی که نظام جمهوری اسلامی در این ارتباط می تواند در پیش رو داشته باشد و بایسته هائی که باید صورت پذیرد.

۲. امام و بایسته های تبلیغ، تنظیم بیانات رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در بایدها و نبایدهای تبلیغات دینی که برای دستگاههای تبلیغی و مبلغین می تواند کاربرد داشته باشد.

۳. رهبری و بایسته های تبلیغ، بیانات مقام معظم رهبری حول محور اولویتهای تبلیغ.

۴. خاطرات و خطرات: تنظیم خاطرات و تجربیات تلخ و شیرین خطیب توانا و شهیر کشور، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای فلسفی (ره).

۵. تفاوتهای قومی و مذهبی در ایران: تحلیلی است از بافت قومی و مذهبی کشور همراه با بررسی تهدیدات و فرصتهای موجود و ضرورتها و بایسته های همبستگی و وحدت ملی در کشور.

۶. مقاله: مناسبات فرهنگی بین ایران و اسلام: تحلیلی است از بحث هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان و تعاملی که بین فرهنگ ایران و دین مبین اسلام در عرصه های مختلف به ویژه شکل گیری اندیشه سیاسی ایرانی، اسلامی که توسط دبیر خانه دین پژوهان در مجموعه مقالات به چاپ رسیده است.

۷. مقاله (نسل جدید و بایسته های تبلیغ دینی) که در سه شماره نشریه بشیر ویژه مبلغین مناطق سنی نشین کشور به چاپ رسیده است.

۸. دانشنامه پیامبر اعظم (ص) که طرح آن به تصویب پژوهشکده باقر العلوم رسیده و شیوه نامه و تهیه مدخل های آن انجام گرفته است و مراحل بعدی انجام کار در دست اقدام است که انشاء الله مفید واقع گردد.

نیکنام، مهرداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهرداد نیکنـام در سال ۱۳۲۶ ش در شـهر تهران به دنیا آمـد.ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسـی مترجمی زبان انگلیسـی ،در سال ۱۳۵۵ ش رشـته کتابداری را از دانشـکده علوم تربیتی دانشگاه تهران اخذ کرد.وی در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانهٔ ملی ایران است. کتـاب" کتابشناسـی حافـظ " تـالیف مهرداد نیکنام ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیـده شـد.گروه : علوم انسانی رشـته : کتابـداری تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : مهرداد نیکنام دورهٔ دبیرستان را در سال ۱۳۴۵ ش به پایان رسانید. سپس در دانشکدهٔ علوم ارتباطات اجتماعی به تحصیل پرداخت و لیسـانس مترجمی زبان انگلیسـی را در سال ۱۳۵۰ ش از آن دانشـکده دریـافت کرد و در سـال ۱۳۵۵ ش از دانشـکده علوم تربیـتی دانشـگاه تهران در رشتهٔ کتابداری موفق به اخذ درجهٔ فوق‌لیسانس شدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهرداد نیکنام در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانـهٔ ملی ایران است.جوائز و نشانهـا : کتـاب" کتابشناسـی حافظ " تالیف مهرداد نیک نام ، در دوره هفتم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی به عنوان کتـاب سـال برگزیـده شـد.آثـار : آفتها و آسـیبهای کتـاب ، احیای نسـخهٔ خطی کتاب «تاریـخ اجتماعی ایران در عهـد قاجاریه» ویژگی اثر : با همکاری آقای عین‌الله کیانفر۳ کتابشناسـی حافظ ویژگی اثر : ایـن کتـاب در دوره هفتم کتـاب سـال جمهـوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی معرفی و برگزیـده شـده است– آشـنایی بـا کتـاب: «کتابشناسـی حافظ» این کتاب الگوی مناسبی برای تـدوین «کتابشناسـی مشـاهیر» یـا «کتابشناسـی پدیدآورنـده» است و نیز منبع سودمنـدی برای آگـاهی حافظ‌شـناسان و حافظ دوسـتان. کتاب در دو بخش اصـلی سامان یافته است. بخش اوّل، آثار فارسی، عربی، ترکی قدیم، اردو، پنجابی و سندی را در بر دارد و بخش دوم شامل آثار به بیست و پنـج زبـان دیگر است. چاپهـای مختلف دیوان حافظ و نیز برگزیـده‌های آن، شـرحها، کتابهای مسـتقل و نیز بخشـی از یک کتاب دربارهٔ حافظ، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌های دکترا، نسخ خطی (تا پایان قرن دهم)، تنظیم شعرهای حافظ برای آواز و حافظ در ادبیات کودکان دامنـهٔ گستردهٔ تتبع گردآورنـده را می‌نمایانـد. گردآورنده در تنظیم مشـخصات آثار، اصول کتابشناسـی را رعایت کرده و فهرستهای پایان کتاب دستیابی به مدخلها را بخوبی فراهم می‌کند. ۴ ویرایش فنی و مقابله کامل کتاب «حفاظت و نگهداری اسناد و کتب». ویژگی اثر : ویرایش

نیلچی، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت الله نیلچی

محل تولد : روستای حصار خنداب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پر کاهم در مصاف تند باد خود ندانم در کجا خواهم فتاد

پیش چوگان های حکم کن فکان میدویم اندر مکان و لا مکان

آن طـور که به یـاد دارم در روسـتائی که متولّـد شـدم یـک سـال به مکتب رفتم جزء آخر قرآن را که معروف به «عمّ جزء» بـود فرا گرفتم و بعـد از آن، وارد مـدرسه دولتی که دوره ابتدائی آن شـش کلاس بود شدم. در کلاس دوم نام نویسـی نمودم. در فراگیری دروس، استعداد نسبتاً خوبی داشتم و در زمره شاگردان ممتاز مدرسه محسوب می شدم. پدرم کشاورز بود و چند رأس گوسفند نیز داشت، طبق معمول وقت و بی وقت در حدّ توانائی خود پدر را کمک می کردم.

از وقتی که خود را شناختم به نماز و روزه اهمیّت می دادم و با مسجد و عالم روحانی مسجد در ارتباط بودم. تمایل به ادامه تحصیل در این جانب زیاد بود. دبیرستان رفتن مستلزم رفتن به شهر و پرداخت اجاره خانه و تأمین این هزینه برای پدرم مقدور نبود. عاقبت با تشویق عـالم محلّ و مرحوم والـده و علاقه به مطلق تحصـیل در خودم در سال ۱۳۴۰ همراه پـدر به شـهر اراک آمده و در مدرسـه مرحوم «حـاج محمّـد ابراهیم» که یکی از ۳ مـدرسه علمی دینی شهرسـتان بود؛ پـذیرفته شـده و در ظرف دو سه سال دوره مقدّماتی صرف و نحو و منطق را گذراندم.

خیلی دوست داشـتم در قم ادامه تحصـیل دهم. نظر به این که به مجرّد ورود به قم، به من شهریه نمی دادند مشکل معیشتی داشتم تا اینکه به تشویق و راهنمائی یکی از دوسـتان روحانی عازم حضـرت عبد العظیم (علیه السـلام) شده و در مدرسه مرحوم «سـید مهدی لاله زاری» در حدود یک سال و اندی حجره گرفته و با شهریه ماهانه هفتاد تومان و چندین کتاب از شرح لعمه را نزد اساتید آن جا تلمّـذ نمـوده، بـا مقـداری تحـول و بحران فکری دوبـاره به اراک مراجعت نمودم و در کـل بـا اینکه انگیزه من به مراجعت چه بود؟ (درست نمی دانم) به صلاح من بود.

در سال ۴۵ به قم آمـدم. در مـدرسه فیضـیه حجره گرفتم، اتفاقـاً مصادف با امتحانات حوزه بود با اینکه بعضـی از دوسـتان طلبه می گفتند آقایان مراجع فرموده اند شـرط شرکت در سطح ۳ سـابقه اقامت مثلاً چنـد ماه در قم است. برای اوّلین بار به خود جرأت دادم

این فرمان را اگر چه صادر شده باشد نادیده بگیرم و احساس گناه نکنم، دلیلم این بود که نبودن من در قم به جهت فقر مالی بوده، اگر پول و امکانات داشتم از اول تحصیل به قم می آمدم، در امتحان شرکت کرده و اتفاقاً قبول شدم.
بعد از تأمین شهریه، مکاسب و رسائل و مقداری از شرح منظومه و کفایهٔ الاصول را نزد اساتید معروف سطح آن روزگار در حال و هوای غیر جدی و سهل انگاری گذراندم. وارد جرگه خارج خوانان شدم. درس فقه مرحوم «آیهٔ الله گلپایگانی»، و اصول مرحوم «حاج میرزا هاشم آملی»، چندین سال حضور داشته و گاه و بیگاه طبق معمول فریاد اشکال می زدم. همین امر انگیزه مطالعه را در من بیشتر می نمود. کم کم تصمیم گرفتم قلم به دست گرفته و پای درس، مطالب استاد را بنویسم. قلمم سریع نبود و نوشته ام به دلم نمی نشست. بعد به این فکر افتادم برای چه بنویسم؟ درس اساتید که نو آوری خاصی ندارد، اگر هم داشته باشد؛ خیلی کم است، اگر بخواهم این مطالب را دوباره بخوانم خود کتابهایی از قبیل: «مکاسب، رسائل، جواهرات، تقریر مرحوم نائینی و مرحوم آقا ضیاء از نوشته خودم بهتر است، و از خوف این که مبادا فرزند عالمی خلف من شود و نوشته هایم اضحوکه و مایه بی اعتباری من گردد، همه را همراه آب رودخانه روانه باتلاق قم نمودم. بعد از ورود آیت الله وحید خراسانی به قم، ادامه تحصیل فقه و اصول را مختص حوزه درس ایشان نمودم، البته در این مرحله نیز جدی در مطالعه نبودم، اگر اشکالی می کردم؛ بیشتر خلق الساعه و مولود استعداد ذهنیم بود و استاد بزرگوار به جریان واقف بود؛ گاهی عنایت می فرمود، گاهی هم با بی توجهی خاصی می گذشت.
در حدود سال ۱۳۶۰ یکی از دوستان پیشنهاد کرد در انتشارات اسلامی مربوط به جامعه مدرسان حوزه علمیّه قم که خود در آنجا اشتغال داشت روزانه چند ساعت همکاری نمایم، برای اولین بار جلد اول و دوم فواید اصول تقریرات درس مرحوم نائینی به قلم مرحوم کاظمینی، جهت تحقیق و بررسی و نشانه گذاری واگذار شد، این کار را انجام داده و فهرست مفصلی برای آن تنظیم نمودم که بیانگر نظریه های مؤلف (یا استاد ایشان) بود، و بعد از آن جلد ۳ و ۴ به انضمام حواشی مرحوم آقا ضیاء، با مهارت و تجربه ای بیشتر، و بعد از آن دوره قاموس الرجال مرحوم شیخ شوشتری، و عناوین مرحوم مراغی، و فوایدالمدینه محدث استرآبادی به انضمام شواهدالمکیه از سید عاملی (برادر مرحوم صاحب مدارک) در نقد فوائدالمدینه تحقیق و تنظیم نمودم. این دو کتاب برای من خیلی مفید بود و تحول بزرگی در بینش و نگرش من در رابطه با فهم شریعت به وجود آورد.
کم کم درس و بحث حوزوی را رها کرده؛ متمحض در کار تحقیق متون و تقوم نصوص شدم، حتی تدریس مختصری که داشتم رها کردم، چون این کار علاوه بر این که از جهت مادی کمک هزینه بود، تشخیص دادم از هر محضر درس و تدریس مفید تر است، زیرا مجبور بودم چند بار یک کتاب را با دقت تمام مطالعه کنم و جایگاه علائم را از قبیل ویرگول، نقطه، علائم، سئوال، ابتدا و انتهای مطالب و غیره را تعیین نمایم. مخصوصاً در مرحله سر صفحه نویسی و تنظیم فهرست، و استخراج منابع. در این مرحله متوجه شدم بسیاری از کتب و متون دینی که تجدید چاپ می شوند فنی نیستند، به شوخی می گفتم: بعضی گمان می کنند «ویرگول» مانند کنجد است که شاطرها به روی سنگک می پاشند؛ آن هم نوعاً ناشیانه یکجا زیاد، یکجا کم، و تقطیع هایی صورت می گیرد که باعث انحراف فهم خواننده می شود، هنوز خبر مبتداء نیامده، فقره ای را تمام شده پنداشته نقطه گذاشته و از سر سطر شروع نموده و همچنین هنوز جواب و جزاء شرط نیامده، پراگراف بسته شده است و این نظریه را با تاکید ابراز می داشتم: که اگر فردی مسلط بر محتوای کتابی نباشد مثلا نتواند آن کتاب را به خوبی تدریس نماید؛ حق ندارد کتابی را تصحیح یا تحقیق نماید، صرف اینکه می داند نقطه باید در کجا باشد، ویرگول در کجا و علائم دیگر ... کافی نیست. تا مطلب را خوب نفهمد هرگز نمی تواند موضع از علائم را دقیق مشخص نماید.
در مؤسسه مزبور، مسئولیت کتابهای ذکر شده و تعدادی دیگر را شخصاً عهده دار بوده، و بسیاری دیگر را اشراف و نظارت داشته ام، آن هم در سطح مقدور، نه در سطح مطلوب و فعلاً وسائل الشیعه و مستدرک آن را جهت تسهیل در مراجعه به احادیث مربوط به هر باب و عنوان تنظیم می نمایم، که شرح روش تحقیق و تنظیم و تصحیح و پاروقی نویسی آن به طول می انجامد.
«همکاری با مدارج علمی مدیریت حوزه»
چندین سال است که به عنوان داور، مشاور و راهنما در سطح ۳ و ۴ با این واحد علمی نیز همکاری دارم. یکی دو سال هم عضو هیئت علمی بوده ام، و در این محور نیز تجربه های دارم.
در خاتمه: از کار به اصطلاح تحقیقاتی خود راضی هستم، از این حیث که برای شخص خودم در مسیر کسب معارف دینی و فهم متون و تجزیه و تحلیل مسائل فقهی، اصولی، رجالی، کلامی و تفسیری بسیار راه گشا بوده است، اما متاسفم برای جامعه ای که نیازهای مادی من و عائله را اداره می کنند هیچ نفعی نداشته است، و در موازنه گرفته ها داده هایم صفر است.
در دلم آید که گنه کرده ام چون ورقی چند سیه کرده ام
دولت اگر همه مئی ساختی کار به این نیز نپرداختی
باقی این گفته آید بی بیان درد آن کس که دار فهم جان
(والسلام)

نیلی نیشابوری، ابوسهل سعید

قرن:۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۴۲۰ -۳۵۳ ق)، فقیه، طبیب، ادیب، نحوی و شاعر. اهل نیشابور بود. او در علم طب استاد بود و از مشاهیر اطبا به شمار می‌آمد و تصانیفی در این زمینه دارد. وی همچنین در فقه و فنون شعر و ادب نیز متبحر بود. از آثار او: اختصار کتاب «المسائل» حنین بن اسحاق؛ تلخیص «شرح فصول بقراط» جالینوس همراه با نکاتی از «شرح ابوبکر رازی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۰/ ۳)، تاریخ طب (۶۷۹ -۶۷۸/ ۲)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۳۱۴)، کشف‌الظنون (۱۶۶۸)، معجم‌الادباء (۲۱۸/ ۱۱)، معجم‌المؤلفین (۲۲۵/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۴۰/ ۱۵).

نیلی‌پور، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: پیام نور

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه ایلینویز در سال ۱۳۵۱، دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵، فوق تخصص عصب‌شناسی زبان و اختلالهای زبان از دانشگاه برکلی و ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۲، دانشیار دانشکده علوم توانبخشی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷، دانشیار و استاد دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسیهای زبانی کودکان عقب‌مانده ذهنی، زبان پرسشی و ارزیابی دوزبانگی، نقش زایمانی فرآیندهای فولوژیکی، آفازی بزرگسالان، ارزیابی و درمان، تأثیر دو زبانگی همپایه در یادگیری زبان دیگر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

توانائیهای دوزبانه شدن در کودکان و بزرگسالان، فیلم آموزش صداها و الفبای فارسی به خارجیان، فیلم آموزش زبان انگلیسی از تلویزیون، زبان‌شناسی نوین، اثرات انقلاب چامکی، در زمینه‌های زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

توصیف ساختمان فعل لهجه‌داران، سنجش معنی در روان‌شناسی زبان، دو زبانگی و زبان پرسشی، سازمان‌بندی دو زبان در قشر مخ، دستور پرسشی و نمود آن در زبان‌شناسی، خودآموزی و آماده‌سازی دو اصل آموزشی در رشته‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان و آموزش از راه دور.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

واثقی نیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین واثقی نیا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۶ شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال ۱۳۵۲ ش)

مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد

مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائ بزرگان را به ما می آموخت.

خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «یقول التلمیذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزدم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم .

در سالهای ۵۴ تا ۵۷ همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای ۵۸ تا ۶۰ دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (۱۳۷۶) تا اول تابستان ۱۳۸۳ «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واحدی اعظ، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد واحدی اعظ

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۲ – ۶۱ پس از گذراندن دوره راهنمایی در مدرسه علمیه «جامع رشت» شروع به تحصیل حوزوی نمودم. سال بعد به حوزه مشهد مقدس مشرف شدم. از محضر استاد: «حجت هاشمی خراسانی» هدایه، صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول و معالم را فرا گرفته و از درس مختصر و حاشیه استاد «واعظی» استفاده نمودم. درس اصول فقه را از استاد «عاملی» و لمعتین از استاد «صالحی» و مقداری از مرحوم استاد «سعیدی» فرا گرفتم. مکاسب را از محضر «آیت الله اشرفی» و «آیت الله مرتضوی» در مشهد و «آیت الله شب زنده دار» و «آیت الله پایانی» در قم استفاده نمودم. رسائل را ازمحضر «آیت الله اشرفی» در مشهد و «آیت الله اعتمادی» در قم بهره بردم. کفایه را از محضر «آیت الله ستوده» و «آیت الله طاهری خرم آبادی» استفاده کردم.

درس خارج اصول: حدود ده سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر حضرات آیات: «تبریزی، طاهری خرم آبادی، مکارم، سبحانی، شبیری زنجانی». درس خارج فقه: چهار سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر: «آیت الله بهجت (صلوه)، آیت الله فاضل (حج)، آیت الله شبیری (قاعده فراغ)، آیت الله تبریزی (طهاره).

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۸ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث، نحوی، لغوی و مدرس. اصل وی از ساوه بود. در نیشابور به دنیا آمد و برخلاف پیشه‌ی اجدادش که تجارت بود، او و برادرش عبدالرحمان، به کسب علم پرداختند و در سلک محدثین و علما درآمدند. وی را از نویسندگان بزرگ و امام و استاد بی‌نظیر عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه و نحو دانسته‌اند. او نزد خواجه نظام‌الملک، وزیر مقتدر سلجوقیان، تقربی تمام داشت. ادبیات و لغت را نزد ابوالفضل عروضی ادیب و نحو را نزد ابوالحسن ضریر قهندزی و ابوعمران مغربی مالکی فراگرفت و برای تکمیل معلومات خویش به مسافرت پرداخت. وی در علم تفسیر از محضر ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی استفاده نمود. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری و ابوابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمان بن حمدان نصروی و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران حدیث شنید. احمد بن عمر ارغیانی و عبدالجبار بن محمد خواری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت. در «النجوم الزاهرهٔ» سال وفات وی ۴۶۹ ق ذکر شده است. از آثارش: تفاسیر سه‌گانه: «البسیط»، «الوسیط» و «الوجیز» که به «الحاوی لجمیع المعانی» موسوم و به «تفسیر واحدی» معروف است؛ «اسباب النزول» یا «اسباب التنزیل»؛ «الدعوات والمحصول»؛ «المغازی»؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «الاغراب فی الاعراب» یا

«الاعراب فی علم الاعراب»، در نحو؛ «تفسیر النبی (ص)»؛ «نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «التحبیر فی شرح الاسماء الحسنی» یا «التنجیز فی شرح اسماء اللَّه الحسنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۰ -۵۹/ ۵)، ایضاح‌المکنون (۶۷۴ -۶۷۳/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۰/ ۲)، دمیهٔ القصر (۱۰۲۰ - ۱۰۱۷/ ۲)، الذریعه (۴۲/ ۲۵ ،۱۸۸/ ۲۰ ،۳۱۹/ ۴)، روضات‌الجنات (۲۳۶ -۲۳۴/ ۵)، ریحانه (۲۸۶ -۲۸۵/ ۶)، سیرالنبلاء (۳۴۲ -۳۳۹/ ۱۸)، شذرات‌الذهب (۳۳۰/ ۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۸/ ۵)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۲۵۸ -۲۵۶/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۴۳ -۲۴۰/ ۵)، طبقات المفسرین داودی (۳۹۰ -۳۸۷/ ۱)، العبر (۳۲۴/ ۲)، الکامل (۱۲۳/ ۸)، کشف‌الظنون (۲۰۰۲، ۱۷۴۷، ۱۴۶۰، ۱۴۱۷، ۱۲۷۷، ۸۰۹، ۳۵۵، ۲۴۵، ۱۲۵، ۷۶)، الکنی والالقاب (۲۷۷/ ۳)، معجم‌الادباء (۲۷۰ -۲۵۷/ ۱۲)، معجم‌المؤلفین (۲۷ -۲۶/ ۷)، النجوم الزاهرهٔ (۱۰۵/ ۵)، وفیات الاعیان (۳۰۴ -۳۰۳/ ۳)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۶۰)، هدیهٔ‌العارفین (۶۹۲/ ۱).

واحدی، شفیع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شفیع واحدی رشتی ابن السید الجلیل السید علی لاهیجانی از علماء مبرز و متقی معاصر رشت می‌باشند.

معظم له در تاریخ ۱۲۷۹ شمسی در لاهیجان متولد شده و چند سالی در آنجا تحصیلات مقدمات نموده و آنگاه به رشت آمده و چند سالی به تحصیل سطوح و ادبیات پرداخته سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و حدود هشت سال توقف و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن عزیمت به قم نموده و در حدود ۱۶ سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (مؤسس حوزه) و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خوانساری و هم چند سالی مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس اللَّه اسرارهم استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۷۰ قمری برای خدمات دینی به رشت وطن مألوف خود برگشته و تا اکنون که از عمر شریفش ۷۴ سال می‌گذرد به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

از باقیات الصالحات ایشانست فرزند فاضل و برومندش جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید حسین واحدی که در حجر تربیت چنین پدر بزرگواری پرورش یافته و سالهای متمادی در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل علم و کمال داشته و از محضر آیات عظام قم استفاده سرشار نموده آنگاه چند سالی در تهران و اکنون در رشت و گیلان به خدمات دینی و تربیتی و وظائف روحی اشتغال و مانند والد ماجدش دارای مبادی آداب و مکارم اخلاق و محسن افعال می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

واحدی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن العالم الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا واحدی القمی الکرمانشاهی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۲۴ ق متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را نزد مرحوم والدش و علماء دیگر کرمانشاه خوانده، سپس مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه مراجعت به کرمانشاه و از راه قلم و نوشتن مقالات و مجله دینی و بیان بخدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۷۵ ق که بواسطه بعضی از جهات به تهران منتقل و بنا بر اصرار عده‌ای از تجار و مومنین و امریه بعضی از آیات عظام در سمنگان نارمک ساکن و در مسجد جامعه آنجا به اقامه نماز جمعه و جماعت و تبلیغ دین و نشر مبانی اخلاق سید المرسیلین علیه و آله صلوات المصلین تاکنون اشتغال دارند و مسجد جامعه نارمک یکی از پایگاهها و سنگرهای بزرگ اسلامی تهرانست که در دوره سال خصوصا ماه رمضان و ماه محرم و صفر و جمعه‌ها و اعیاد مذهبی در آن مجالس دینی منعقد و صدها نفر از مردم آن منطقه و نقاط دیگر اجتماع کرده و از بیانات سودمند وعاظ نامی و خطباء اسلامی بهره‌مند میشوند، و بالاخص روزهای جمعه که در آن دعاء شریفه و مأثوره ندبه با سوز و گدازی خوانده شده و اقامه نماز جمعه با شکوه خاصی میگردد و شاید اول نماز جمعه تهران باشد از حیث جمعیت و شخصیت‌های برجسته اقتصادی و اجتماعی و غیره.

جناب آقای واحدی که واجد مقام نسب و حسب و عالمی بصیر و دانشمندی روشن ضمیر و بسیار متین و مودب میباشند دارای آثار ارزنده‌ای هستند که از آنست: ترجمه کتاب مستطاب (الغدیر) که چند جلد آن بطبع رسیده است. و در تاسیس کتابخانه مسجد جامع نارمک و توسعه و تزیینات مسجد گامهای مؤثری برداشته و خدمات ارزنده‌ای نموده‌اند.

جناب آقای واحدی دارای سه برادر برومند میباشند: ۱- مرحوم آقا سید عبدالحسین واحدی ۲- مرحوم آقا سید محمد واحدی که در سنین جوانی در حادثه‌ای بدرود حیات گفتند. ۳- ثقهٔ‌الاسلام آقای حاج سید جواد واحدی که اکنون از راه تبلیغ بخدمات دینی اشتغال دارند.

خانـدان واحـدی مـذکور از بیوتات اصـیله و ریشه‌دار و روحانیت و از احفاد و ذراری امامزاده شاه بدلا که در جاپلق مدفون و مورد توجه عموم مردم آن ناحیه هستند می‌باشند.

آقای واحدی با جناب حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید حسین بدلاء قمی پسر عمو و قرابت نزدیک دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

واردی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تقی واردی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۲/۴

زندگینامه علمی

سیـد تقی واردی کولایی در چهـارم اسـفند ۱۳۳۸ شمسـی، در روسـتای پـایین کولاـ واقع در پنـج کیلومتری سـاری (مرکز اسـتان مازندران) دیده به جهان گشود. نام پدر: سـید علی فرزند آیت الله حاج سـید جمال واردی کولایی (مرحوم حاج سید جمال واردی کولاـیی، از عالمان و روحانیون معروف شهرسـتان ساری و به زهـد، تقوی، مردم دوستی و انجام کارهای عام المنفعه معروف بود و در نهم اردیبهشت سال ۱۳۳۱ شمسی، مطابق با چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۷۱ هجری قمری، در تهران بدرود حیات گفت و پس از تشییع جنـازه بـا شکوه در شـهر مقـدس قم و اقامه نماز به امامت حضـرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، در «قبرسـتان نو» دفن گردید).

سابقه تحصیلی :

۱- در شـش سـالگی وارد مکتب خـانه روسـتای پـایین کولاـ شـده وعلاوه بر قرآن کریم برخی از کتاب های فارسـی و ادبی را نزد مرحوم شیخ عباس قاسمی کولایی آموخت.

۲- در ده سالگی وارد حوزه علمیه مصـطفی خان ساری شد وعلاوه بر تکمیل کتاب های فارسی، دروس مقدمات حوزه را نیز آغاز کرد و کتاب های جامع المقدمات (بخش های امثله، شـرح امثله، صـرف میر، تصـریف، النموذج، صمد یه)، سیوطی (شرح الفیه ابن مالک)، مطول، حاشـیه، معالم و مختصـر را نزد حجت الاسـلام والمسـلین حاج سـید رضـی شـفیعی (رئیس جامعه رو حانیت ساری) وعالمان دیگری چون شـیخ عبدالله دارابی و شـهید اکبری (از شـهدای هفتم تیر) تلمذ نمود ودر یازدهم ذی قعده سال ۱۳۹۵ قمری، مطـابق با بیست و چهارم آبان ۱۳۵۴ شمسـی مزین به لباس روحانیت شـد و به همراه ده تن از طلاب هم دوره ای خود، رسـما معمم گرد ید.

۳- در پنجـم مهر ۱۳۵۵ شمسـی وارد حوزه علمیه قم شـد و پس از سه مـاه اجـاره نشـینی، به مـدرسه علمیه مومنیه (زیر نظر آیت الله العظمی نجفی مرعشی) واقع در خیابان چهارمردان قم، نقل مکان کرد و تا سال ۱۳۶۰ در همانجا اقامت داشت. در این مدت دروس مقدماتی را تکمیل و وارد دروس سـطح حوزه شد و از محضر اساتید بزرگواری چون: «مدرس افغانی»، «شماعی»، «وحید خراسانی» (فرزنـد آیت الله العظمی وحیـد خراسانی)، «صالحی افغانی» و ... بهره منـد گردیـد و در کنار دروس حوزه به کلاس شـبانه و متفرقه جدید نیز اقدام و دوره راهنمایی را طی کرد.

دوره جوانی وی مصـاد ف بود بـا وقوع انقلاب بزرگ اسـلامی ایران به رهبری ابر مرد عصـر حاضـر، یعنی امام خمینی (ره) بر ضـد نظـام سـتم شـاهی و او نیز بسـان ملت رشـید و متـدین ایران، در آن واقعه سـترگ بسـیار کوشـا و جـدی بود و در بیشتر تظـاهرات و راهپیمایی های شـهر مقـدس قم و در برخی از راهپیمایی های شـهر ساری حضور فعال داشت و تا چنـد سال درگیر این ماجرا بود و رنـج هـا و سـختی هـای فراوانی متحمـل گردیـد. به ویژه در روسـتای بزرگ «پایین کولا» که زادگاه و وطن او بود، نام مبارک امام خمینی (ره) وانقلاب اسلامی را نهادینه کرد.

درچند سال اوایل انقلاب، کارهای گوناگونی در راستای انقلاب اسلامی انجام داد، که برخی از آن ها عبارتند از:

۱- فعالیت های تبلیغی در ساری و بسـیاری از روسـتاهای اطراف آن (ماننـد: پایین کولا، آبنـدانکش، معلم کلا، دراز محله، دینک، تاکام، سـمندک، کوه خیل و ...) و هم چنین سفرهای تبلیغی به شهر های (شیروان، بهبهان، دامغان، کردستان، آبدانان، قصر شیرین، بابل، رودبار، اسد آباد همدان، الیگودرز، اصفهان، لردگان و ...) جهت سخنرانی های مذهبی و انقلابی، مراسم های عبادی، کلاس های آموزشی قرآن و احکام وعقاید اسلامی.

۲- طی کردن آمـوزش رزمی و دفـاعی در قـم و تهران و اعزام بـه جبهـه هـای جنـگ تحمیلی در منـاطق اهـواز، هفت تپه، شـلمچه، دهلران، قصر شیرین، مریوان و ... (در هشت نوبت) و تشویق جوانان برای پیوستن به رزمندگان اسلام .

۳- تشـکیل چند انجمن اسـلامی و همکاری در ایجاد اتحادیه انجمن های اسـلامی هشت روسـتا، مسـئولیت پایگاه بسـیج، مسـئولیت آموزشـی و عقیدتی بسیج شهرسـتان، نشـر جزوه های آموزشـی و انقلابی، تشـکیل صـندق های قرض الحسنه، همکاری در ساختن کتابخانه و ساختمان مخابرات در روستا

۴. از ابتـدای پیروزی انقلاـب، کلاـس هایی در شـهر مقـدس قم دایر و بزرگانی چون: آیت الله خامنه ای (مقام معظم رهبری فعلی)،

شهید بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله خزعلی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله یزدی، عسکراولادی و تعدادی دیگر از اساتید در آن ها به تدریس در رشته های مختلف پرداختند و او نیز توفیق حضور در آن ها را به دست آورد.

پس از تشکیل دفتر تبلیغات اسلامی در قم، واحدی به نام «آموزش عالی» در آن راه اندازی و ایشان در دومین دوره آن که از سال ۱۳۶۴ شروع شده بود؛ شرکت کرد و به مدت چهار سال، دوره های مختلف علوم اسلامی، فلسفه، منطق، زبان عربی، علوم سیاسی و مدیریتی را پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۶۸ از آن فارغ التحصیل گردید.

علاوه بر دروس آموزش عالی، در دروس اصلی و جنبی حوزه نیز به طور مستمر شرکت داشت و دوره های سطح مقدماتی، سطح متوسطه و سطح عالی را در نزد بزرگانی چون: «محقق کلاته ای»، «اعتمادی»، «بنی فضل»، «محقق داماد»، «صالحی مازندرانی»، «معرف» و «محامی خراسانی» طی کرد. سپس وارد دروس خارج شد و یک دوره کامل اصول فقه را در نزد استاد محبوب و به یادماندنی اش مرحوم «آیت الله العظمی صالحی مازندرانی (ره)» و دو سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی نوری همدانی» و ده سال در درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) شرکت نمود.

واسعی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد واسعی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۶۰ هجری شمسی همزمان با سال آخر دبیرستان، تحصیل در حوزه علمیّه «مرحوم آیهٔ الله مدنی کاشانی» را شروع نموده و کتبی مانند: (صرف ساده، هدایه، مبادی العربیه جلد ۲، منطق کبری و آداب المتعلمین) را فرا گرفتم و در سال ۱۳۶۱ با ورود به حوزه علمیّه قم در مدرسه «قدیریه» وابسته به مدرسه کرمانیها، کتبی مانند: (مبادی العربیه جلد ۴، منطق المظفر و تحریر الوسیله) را فرا گرفتم و سپس با عزیمت به حوزه علمیّه مشهد از سال ۱۳۶۲، کتبی مانند: (لمعتین، اصول فقه مظفر، رسائل و ادبیات عرب) را خدمت اساتید آن حوزه و نیز مکاسب را از نوارهای درسی استاد «پایانی» ازحوزه علمیّه قم و نیز کفایه را از نوارهای درسی «آیهٔ الله فاضل لنکرانی» فرا گرفتم.

سپس در درس خارج فقه و اصول: «آیهٔ الله میرزا علی فلسفی خراسانی» به مدّت یکسال بهره مند شدم و سپس در شهریور سال ۱۳۶۶ به قم بازگشتم و در دروس خارج فقه و اصول: «آیهٔ الله وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» و «بهجت» (ادام الله ظلهم) شرکت نموده و می نمایم و نیز در سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ در دوره مهارتهای تخصصی «تبلیغ» دفتر تبلیغات اسلامی قم شرکت نموده ام و نیز از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری تألیفی داشته و مقاله «فقه و عرف» در سال ۱۳۷۹در مجله قبسات و کتاب «علم و عالم از چشم انداز امام علی (ع)» در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده و نیز کتاب «جایگاه عرف در فقه» در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

واسعی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل آخوند ملا عبدالواسع قائینی از علماء محترم معاصر شهر ری بودند، وی در قائن متولد شده و تحصیلات خود را در زادگاه خود نزد دائی مرحوم قاضی که یکی از دانشمندان پارسا و زهاد بودند شروع نموده و در سن ۱۷ سالگی بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید حسین فقیه معروف به (امام) که از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی صاحب (کفایه الاصول) حاضر شده و استفاده نموده آنگاه به مشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین و آیات آن سامان بهره‌مند شده آنگاه به نجف مشرف شده و بعد از مدتی به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و دیگران کسب فیض نموده، و مورد لطف مخصوص آیت‌اللّٰه بروجردی قرار گرفته و در سال ۱۳۲۸ شمسی بشهر ری اعزام و در محله حسین آباد (بی‌بی زبیده) در مسجد ملک افضلی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و ضمنا در مدرسه برهانیه شهر ری بتدریس فقه پرداخته تا در روز عید قربان ۱۳۸۹ ق که بدرود زندگی گفته، و با تشییع جنازه با شکوهی به قم و در دارالسلام مدفون گردیدند.

نگارنده گوید: مرحوم آقای واسعی از علماء متقی و متواضع عصر ما و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق بودند و از بیت‌المال و سهم مبارک امام علیه‌السلام کمتر مصرف می‌نمودند.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند ارجمند ایشان ثقهٔ‌الاسلام حاج شیخ محمدعلی واسعی که در مسجد ایشان به اقامه جماعت و

خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

واعظ اصفهانی حائری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد، متوفی حدود سال ۱۳۲۰، مولف کتاب «طریق الجنهٔ» مقتل فارسی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

واعظ اصفهانی، ابوالبرکات

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالبرکات، [عالم فاضل محدث] واعظ صالح معمّر، در مسجد جامع اصفهان منصب وعظ و خطابت داشته، و قریب یکصد سال عمر نموده، و از شیخ علی محقّق کرکی متوفّی به سال ۹۴۰ روایت احادیث می‌کند، و جمعی از دانشمندان از او اخذ حدیث نموده و از ایشان روایت می‌کنند که از آن جمله است: ملّا محمّد تقی مجلسی، و شیخ عبداللّه واعظ، فرزندش.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

واعظ اصفهانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۹ ق)، ادیب، واعظ و محدث. او واعظ و ادیبی فاضل، از دانشمندان و بزرگان حنابله در عصر خود بود. از ابوسعد احمد بن محمد بغدادی و ابوالقاسم اسماعیل بن علی حمامی و ابورشید احمد بن محمد بن احمد خرقی و ابوالقاسم ابراهیم بن محمد دواتی و جمع کثیری حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا نقل حدیث کرد. محمد بن حامد بن عبدالواحد بقال از او روایت کرده است. از آثارش گردآوری کتابی به نام «معجم» از مشایخ خود بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (۱۶۹/ ۲۲)، معجم‌المؤلفین (۳۱۵/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۳۹۳ -۳۹۲/ ۴).

واعظ اصفهانی، جمال‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۹- مقتول ۱۳۲۶ ق)، عالم و واعظ. ملقب به صدرالواعظین و صدرالمحققین. در همدان به دنیا آمد. در «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران»، تولد وی ۱۲۸۹ ق در اصفهان ذکر شده است. او برادرزاده‌ی آیت‌اللّه سید اسماعیل صدرعاملی اصفهانی است. در کودکی پدرش را از دست داد و به همراه مادر به تهران آمد. پس از تحصیلات ابتدایی به اصفهان رفت و به تهران آمد. پس از تحصیلات ابتدایی به اصفهان رفت و به فراگیری مقدمات عربی و فلسفه و عرفان پرداخت. او در اصفهان مشغول وعظ و تبلیغ گشت و در اندک زمانی از وعاظ مشهور شد. به علت جو استبدادی که ظل‌السلطان در اصفهان برقرار کرده بود، سید جمال در ۱۳۱۹ ق به تبریز رفت و در مورد اهمیت قانون و مزایای حکومت قانونی خطابه‌هایی ایراد نمود. در بازگشت به اصفهان پس از انتشار کتاب «رویای صادقه» با همکاری شیخ احمد مجدالاسلام کرمانی و میرزا نصراللّه ملک المتکلمین، مورد کینه‌ی ظل‌السلطان قرار گرفت. بار دیگر به تبریز رفت و در آنجا مورد توجه محمدعلی شاه ولیعهد قرار گرفت. سپس به تهران آمد و به تشویق محافل آزادیخواهان شبها در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) به وعظ و خطابه پرداخت. وی در اوایل مشروطیت در مساجد و انجمن‌ها به طرفداری از مشروطه سخنرانی می‌کرد و به همین جهت مورد توجه مردم واقع شده بود. پاره‌اش از سخنرانی‌های او به صورت روزنامه‌ای به نام «الجمال» چاپ شد. در زمان به توپ بستن مجلس، به شاه عبدالعظیم رفت و از آنجا به قصد عتبات عازم همدان شد. وی به واسطه سابق دوستی، ورود خود را به میرزا محسن خان مظفرالملک، حاکم همدان، ابلاغ کرد. او نیز این مساله را به دربار تهران گزارش داد. لذا امیر افخم همدانی، حاکم بروجرد، از طرف دربار مأمور شد تا سید جمال‌الدین را به بروجرد ببرد. سید جمال مدتی در بروجرد زندانی بود و عاقبت توسط عمال محمدعلی شاه قاجار مسموم و خفه گردید و در قبرستان یخچال این شهر دفن شد. بعدها این قبرستان به جمالیه معروف گردید. در «کارنامه‌ی بزرگان» سال درگذشت وی ۱۳۳۶ ق ذکر شده است. از دیگر آثار وی: «لباس التقوی»؛ مقالاتی که در روزنامه «حبل‌المتین» کلکته و جراید عصر چاپ می‌شد.[۱]

واعظ اصفهانی (سید)، واعظ معروف و از رهبران مشروطیت (و. همدان حدود ۱۲۹۷- مقت. بروجرد ۱۳۶۲ ه.ق.). وی قریب بیست

سـال در شـهرهای مختلف ماننـد اصـفهان، شـیراز، تبریز، مشـهد و تهران به وعـظ می‌پرداخت و در تنویر افکار مردم می‌کوشـید. دو رسـاله از او به نـام «لبـاس التقوی» و «رؤیـای صـادقه» بـاقی است و صورت نطقها و مجالس وی به اسم «الجمال» به چاپ رسـیده. به دستور عمال محمدعلی شاه در بروجرد زندانی و مسموم گشت و آرامگاه وی در همان شهر است.

سال تولد: ۱۲۷۹ ق.

فوت: ۱۳۲۶ ق.

القاب: صدرالواعظین– صدرالمحققین–.

آثار: لباس التقوی– رویای صادقه (با همکاری مجدالاسلام کرمانی و میرزا نصراللّه ملک‌المتکلمین)

سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی پسر سید یحیی در سال ۱۲۹۷ هجری قمری در همدان متولد شد وی از کوشندگان و سخنرانان بنام جنبش مشروطه‌خواهی بود و بـا سیاهکارینهای ظل‌السلطان پیکار می‌کرد. سید جمال پس از بمباران مجلس، با لباسـی ناشـناس به سوی عتبات رفت و در همـدان دسـتگیر، و به امر محمـد علیشاه او را به بروجرد بردنـد و به زنـدان انداختند و در سال ۱۳۲۶ هجری قمری وی را به قتل رساندند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریـخ انقلاب مشـروطیت ایران (۱۶۸ –۱۶۵/ ۱)، تاریـخ برگزیدگان (۱۴۱ –۱۴۰)، سـرآمدان فرهنگ (۵۰۲ –۵۰۱)، شـرح حال رجال (۲۵۷ –۲۵۵/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسـی (۲۷۹۹، ۱۷۹۵/ ۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۳۷ –۳۳۵)، یغما (س ۳۰، ش ۷، ص ۴۱۴ –۴۰۵، ش ۸، ص ۴۸۷ –۴۸۰).

واعظ پایین خیابانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن (پـایین خیابانی) متوفی ۱۳۴۲ ق ابن شـیخ اسـماعیل بن حاج ملاجواد بن حاج ملاصالـح خراسانی از وعاظ بزرگ و منبریهای معروف آسـتان مقدس رضوی بوده منبر پرشور منحصـر به فرد برای او نقل می‌کنند و او را مرد وارسته معرفی کرده که بمالیه دنیا به تمـام معنی بی‌اعتنـا بوده و در ادبیـات و مقامـات علمی دست توانـای داشـته و کتبی به صورت رساله‌هـایی مختلف از او باقی مانـده است.

وی فرزندان دانشمند و واعظ و محدث از خود به یادگار گذارده که مورد توجه مردم مشهد و تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ تهرانی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ –۱۲۵۵ ق)، عالم دینی و واعظ. در تهران به دنیا آمد و در این شـهر نشو و نما یافت. وی از وعاظ مشـهور دوران ناصـرالدین شـاه قاجار است که منبر او به جهت بیان مطالب تازه و اجتناب از مبالغه و اغراق‌گویی در بیان مصائب، مورد توجه عامه‌ی مردم بود. او در مشـهد در حین زیـارت درگـذشت و در مقبره‌ی شـیخ‌بهائی دفن شـد. در «طبقـات اعلام‌الشـیعهٔ» وفات وی ۱۳۲۳ ق ذکر شـده است. از آثارش: «جنهٔ النعیم والعیش السلیم»، در احوال سـید عبدالعظیم (ع)؛ «الاسـرار فی کیفیهٔ الاسـفار»؛ «الاصـرار فی الاستغفار»؛ «الخصـایص الفاطمیـهٔ»؛ «برهـان التجـارهٔ فی تبیـان الزیـارهٔ»؛ «برهـان العبـاد فی اثبـات المعـاد»؛ «ارائهٔ الطریق»؛ «ایقاظ القوم فی آداب الصوم»؛ «الثمرات الجنیهٔ من الحدیقهٔ الحسینیهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۵۳۰/ ۳)، الذریعه (۱۷۴ –۱۷۳/ ۷، ۱۶۱ –۱۶۰، ۱۲/ ۵، ۹۸، ۹۴/ ۳، ۵۰۴، ۱۲۱، ۳۸/ ۲، ۴۰۷ –۴۰۶/ ۱)، ریحانه (۲۹۱/ ۶)، شرح حال رجال (۱۸۴/ ۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۹۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۳۶۷ –۳۵۹)، المآثر والآثار (۲۰۱ –۲۰۰)، معجم‌المؤلفین (۳۵/ ۳).

واعظ خراسانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدعلی فرزنـد کربلائی حسـینعلی (والد ماجد حاج شـیخ عبدالحسین واعظ معاصـر خراسانی نجفی) از اکابر علماء و محدثین و اعاظم وعاظ و خطباء عصر خود در نجف اشرف و از مصادیق واقعی یکی از قوام الدنیا (عالم ناطق مستعمل لعلمه) بوده است.

تولدش در سال ۱۲۷۵ قمری در یکی از روستاهای نیشابور به نام سیمان بوده و مادرش قبل از ولادتش در خواب می‌بیند که درختی از پشت او روئیده و سـر به طرف آسمان کشیده و بلند و بارو گشته است. پس با وحشت از خواب برخاسته و به مشهد نزد بعضی از علماء رفته و خواب خود را می‌گوید آن عالم می‌فرماید: ناراحت مباش خدا به تو پسری مرحمت می‌کند که از علماء و دانشـمندان

خدمتگزار به اسلام خواهد بود.

ایشان در قریه سیمان مذکور نشو و نما یافته و به خواندن قرآن مشغول و پس از خواندن دروس مکتبی قدیم در اوائل بلوغ به تحصیل علوم عربیه دینیه پرداخته و برای ادامه به آن به سبزوار عزیمت و در آنجا مقدمات را خوانده و ضمنا از همان اوان به روستاهای سبزوار برای تبلیغ و ذکر مصائب سالار شهیدان به منبر رفته و ترویج دین نموده تا در سال ۱۳۱۱ قمری در سن ۳۶ سالگی مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست میرزای بزرگ به سامرا عزیمت و به محضر آن بزرگوار رسیده و مورد تفقد و عنایت خاص ایشان قرار گرفته و سپس به نجف اشرف برگشته و مشغول به تحصیل شده تا به درجه عالیه علم رسیده و همواره منبر رفته و با مواعظ حسنه خود مستعمین و بالاخص روحانیون را مستفیض و بهره‌مند می‌نمود.

اساتید ایشان چنانچه فرزند اکبرش حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدتقی واعظزاده فرمودند علامه کبیر حاج شیخ محمدحسن مامقانی و آیت‌الله آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه و آخوند خراسانی صاحب کفایه قبل از پیدایش مشروطه بوده است.

ایشان مجالس آیات عظام در ایام عاشورا و غیره را اداره می‌نمود و منبر می‌رفت و عموما از بیاناتش مستفیض می‌شدند اهل حال و معنویت بود.

نگارنده شبی موقع سحر که مشرف به حرم مطهر می‌شوم از درب مسجد هندی که از مساجد معروف نجف و محل نماز جماعت بزرگانی چون حاج شیخ علی زاهد قمی و حاج سید عبدالغفار مازندرانی و امثالهم بود و مجتمع کلیه آیات عظام گذشته و معاصر بود می‌گذشتم که صدای مناجات و ذکری مرا از رفتن متوقف نمود پس به مسجد هندی آمدم و دیدم گویا تمام مسجد در ذکر و مناجات است و همه با گوینده و ذاکری هماهنگ و می‌گویند ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم. پس وارد مسجد شدم در اثر صدا پیش رفتم در انتهای مسجد پشت ستونی آن مرحوم را دیدم مشغول نماز و با تمام وجودش آیات مذکور را تکرار می‌کند و آن محیط با او هماهنگی دارد. پیرمردان و معاصرین او از دانشمندان و غیره و بالاخص فرزند برومندش خاطرات عجیبی از او دارند.

باقیات الصالحات ایشان

از باقیات الصالحات ایشان دو فرزند ارجمندشان می‌باشند:

۱- حاج شیخ محمدتقی واعظزاده مقیم نجف.

۲- حاج شیخ عبدالحسین واعظ نجفی است که از معاودین نجف اشرف و گاهی در قم و اکثرا در مشهد مقدس اقامت و مردم را عموما و علماء را خصوصا از بیانات و مواعظ حسنه خود بهره‌مند می‌سازد، آن مرحوم در سال ۱۳۸۳ قمری در نجف اشرف از دنیا رفته و در جوار حضرت علی (علیه‌السلام) در صحن مطهر مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

واعظ شیرازی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج علی اکبر بن حاج قاسم. عالم فاضل زاهد عابد، ادیب کامل، و طبیب ماهر، از نوادر زمان، و مفاخر علمی و عملی اصفهان به شمار می‌رفت. در زد و تقوا وحید و یگانه بود.

در شعبان ۱۲۹۴ متولد، و در نزد جمعی کثیر از فضلاء تحصیل نمود که از آن جمله است: شیخ عبدالحسین محلاتی، و حاج آقا حسین بروجردی (در موقع تحصیل در اصفهان) و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و حاج میرزا محمدباقر حکیم‌باشی؛ و در نجف از محضر: شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و آقا سید محمدکاظم یزدی، و آخوند خراسانی و غیره استفاده برده، پس از مراجعت به اصفهان سال‌ها به شغل تجارت مشغول بوده، سپس مدتی طبابت می‌فرموده، پس از آن ترک تجارت و طب گفته، جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، به مداوای روحی مردم پرداخته.

واعظی بود شیرین بیان، و متکلمی فصیح اللسان، منابرش شام مواعظ شافیه، و نصایح کافیه، از حدیث و اخبار و تفسیر و تاریخ بود.

در مدرسه‌ی صدر ادبیات و نهج‌البلاغه و تفسیر می‌فرمود، و عده‌ای از طلاب از محضرش مستفید می‌شدند.

در شب ۲۴ جمادی‌الاولی سال ۱۳۵۷ وفات یافته، جنازه با احترامات لازم به قم منتقل گردیده، و در مقبره‌ی شیخان مدفون گردید.

از آثارش تصحیح و مقابله‌ی قسمتی از تفسیر «تبیان» شیخ طوسی است که به طبع رسیده است.

پدرش از تجار و فضلا بوده، و در نجف نزد مولی محمد حسین کاظمینی تحصیل نموده، و کتابی در شرح چهل حدیث در فضیلت صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم‌السلام نوشته، و در سال ۱۳۵ در آنجا وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

واعظ فراهی، معین‌الدین، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۷ ق)، عالم، زاهد و واعظ. به مسکین یا ملا- مسکین فراهی یا هروی و معین و یا ملا معین فراهی یا هروی معروف و از علمای عهد سلطان حسین میرزای بایقرا بود. وی برادر قاضی نظام‌الدین محمد، قاضی هرات، است که پس از درگذشت برادرش به

درخواست سلطان مدت یک سال مسند قضاوت هرات را عهده‌دار شد. آنگاه ترک منصب نمود و هرچند اصرار نمودند از کثرت ورع و تقوا قبول نکرد. او به مدت چهل سال در روزهای جمعه در مسجد جامع هرات درگذشت و در کنار قبر برادرش، قاضی نظام‌الدین محمد، در مقبره‌ی خواجه عبداللّه انصاری دفن شد. از آثار وی: «بحر الدرر»، در تفسیر؛ «حدائق الحقائق فی کشف اسرار الدقائق»، تفسیر فارسی؛ «روضهٔ الواعظین» در شرح احادیث سید المرسلین (ص)؛ «معارج النبوهٔ فی مدارج الفتوهٔ»؛ «الواضحهٔ فی تفسیر الفاتحهٔ»؛ تفسیر «آیات قصص موسی»؛ تفسیر «سوره‌ی یوسف» که به نام «احسن القصص»، در ایران چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ روضهٔ الصفا (۲۶۹/ ۷)، حبیب السیر (۳۴۰/ ۴)، الذریعه (۱۲/ ۲۵ ،۱۸۴/ ۲۱ ،۳۰۵/ ۱۱ ،۲۸۵/ ۶ ،۳۴۶ -۳۴۵/ ۴ ،۳۸ -۳۷/ ۳)، ریحانه (۳۵۱ -۳۵۰/ ۵)، کشف الظنون (۱۷۲۳، ۹۳۳، ۲۲۴).

واعظ قاینی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، عالم دینی، واعظ، ادیب و شاعر. از فضلا و فصحای بزرگ امامیه در خراسان در سده‌ی نهم قمری می‌باشد. در وعظ و خطابه او را از اقران و امثال ممتاز دانسته‌اند. او معاصر با سلطان حسین میرزای بایقرا است و مشهور است که چون سلطان، در ۸۷۳ ق، در ابتدای دولت خود خواست در خطبه اسامی ائمه معصومین (ع) را ذکر کند، به امیر سید علی که شیعه‌ی امامی مذهب بود فرمان داد که خطبه بخواند، اما هجوم اهل تسنن و عوام هرات به مرتبه‌ای رسید که او را از منبر به پایین کشیدند. وی را صاحب حافظه‌ای قوی دانسته‌اند تا آنجا که می‌گویند با یک مرتبه شنیدن قصیده‌ای همه آن را به خاطر می‌سپرد. او همچنین شاعری خوش قریحه بود و در مدح ائمه معصومین (ع) قصایدی دارد. وی در نیشابور درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد و به روایتی در روستای آفریز بیرجند مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۴۶ -۲۴۴)، بهارستان (۲۱۱ -۲۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، الذریعه (۱۲۵۱/ ۹)، مجالس المؤمنین (۵۲۶ -۵۲۳/ ۱).

واعظ قاینی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم/ سیزدهم ق)، واعظ و عالم دینی. او فاضلی مشهور و سخنوری مسلط به شیوه تبلیغ و ارشاد و همچنین نویسنده و اهل قلم بود. از آثارش کتاب «نجاهٔ الخافقین» درباره‌ی وعظ و ارشاد است که این اثر با تکیه بر منابعی چون «بحارالانوار» و «عوالم‌العلوم» نگارش یافته و در احوالات ائمه هدی (ع) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۴۶)، الذریعه (۵۷/ ۲۴).

واعظ قزوینی، رفیع‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۹ ق)، عالم امامی، واعظ، ادیب و شاعر، متخلص به واعظ. معروف به میرزا رفیعا. موصوف به ملا رفیع‌الدین یا ملا رفیع. از علمای امامیه و از ادبا و شعرا و فضلای قرن یازدهم قمری است. در وعظ و خطابه سرآمد بود و مدتها در مسجد جامع قزوین وعظ می‌گفت. او از شاگردان ملا خلیل قزوینی بود. از علم معقول حظی وافر داشت و در این علم کتابی به نام «ابواب الجنان»، در هشت باب شروع کرد که بیش از یک یا دو باب آن را نتوانست بنویسد، پس از مرگ او فرزندش، ملا محمد شفیع، آن را به اتمام رسانید. در بعضی از مآخذ وی نواده‌ی ملا فتح‌اللّه ذکر شده است. از دیگر آثارش: «الموعظهٔ»، در دو مجلد؛ «الحملهٔ الحیدریهٔ»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۱۰ -۱۲۰۴/ ۳)، ایضاح‌المکنون (۴۲۲، ۱۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۶ -۱۳۰۱/ ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۲ -۱۷۱)، الذریعه (۱۲۵۲/ ۹) ،۷۷ -۷۶/ ۱)، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، ریحانه (۲۹۴ -۲۹۳/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۸/ ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۷۰ -۹۶۹)، الکنی والالقاب (۲۷۹/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ واعظ قزوینی)، معجم‌المؤلفین (۱۱۷/ ۱۱)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۶۰)، هدیهٔ‌العارفین (۲۹۶/ ۲).

واعظ موسوی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی واعظ موسوی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد علی واعظ موسوی فرزند سید محسن در تاریخ بهمن ماه ۱۳۴۹ در خانواده مذهبی و روحانی در مشهد مقدّس متولد شدم. بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به علّت گرایش به علوم اسلامی، تحصیل در حوزه علمیّه را انتخاب نمودم و دروس مقدّمات، متوسطه و خارج را در حوزه علمیّه مشهد گذراندم و از محضر اساتیدی مانند: «حضرت آیت الله شاهرودی»، «مرحوم آیت الله سعیدی کاشمری»، «آیت الله سیدان»، «آیت الله فلسفی» و ... استفاده نمودم.

در حال حاضر حدود هشت سال است که به عنوان مشاور تبلیغ، مسئول ستاد پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی (از یک سال قبل) در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی مشغول خدمت می باشم. همچنین حدود پانزده سال است که در مناطق مختلف کشور به امر مقدّس وعظ و خطابه و تبلیغ اشتغال دارم.

واعظ هروی، عطاءاللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۱ ق)، واعظ و شاعر. از وعاظ شیعه ساکن هرات بود. او صاحب مثنوی مشهور «مختارنامه»، در شرح وقایع قیام مختار ثقفی در خونخواهی شهدای کربلا می‌باشد. وی در ۹۸۱ ق در هرات این مثنوی را به صورت کتابی مستقل تحت عنوان «روضهٔالمجاهدین» به نثر درآورد. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۹۶)، الذریعه (۲۸۸/ ۱۹ ،۷۲۸/ ۹ ،۳۰۳/ ۱۱).

واعظ یزدی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا بن حاج ابراهیم یزدی خراسانی عالمی کامل و فاضلی بارع از مفاخر دانشمندان و گویندگان و معاصر شهرستان یزد بوده‌اند.

تولد آن جناب در سال ۱۲۹۵ قمری در خراسان واقع شده و بعد از آموختن اولیات در سال ۱۳۱۴ مهاجرت به اصفهان نموده و مقدمات علوم را از بعض از افاضل آنجا آموخته و در سال ۱۳۱۹ به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر مرحوم حاج میرزا حسین خلیلی و مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی صاحب عروه و حاج شیخ هادی تهرانی و بعد به علامه میرزا محمدباقر اصطهباناتی پیوسته و در معیت آن مرحوم به شیراز مسافرت و در سال ۱۳۲۵ قمری به یزد برگشته و به وظائف شرعی از اقامه جماعت و ارشاد مردم از طریق منبر و غیره پرداخته و مسافرتهای عدیده‌ای به طبس و مشهد مقدس نموده و در همه جا مردم را از مواعظ حسنه خود بهره‌مند ساخته تا در روز ۲۶ ذی‌الحجهٔ سال ۱۳۷۸ قمری در قریه طزرجان یزد بدرود حیات گفته و مردم علاقمند یزد و حومه آن جنازه وی را از طزرجان که در پنجاه کیلومتری یزد است با دوش خود به شهر یزد آورده و در امامزاده جعفر در مقبره شخصی دفن نمودند.

دارای آثار خالده‌ای مانند کتاب (مفتاح علوم القرآن) که در سال ۱۳۶۱ شروع و در سال ۱۳۶۵ ق تکمیل نموده و در آن تاریخ ولادت و بعضی حالات و اسفار خود را ذکر کرده است می‌باشد.

نگارنده گوید: به خاطر دارم که آن مرحوم در اوائل سال ۱۳۶۳ قمری با فرزند فاضل و برومندش از مکه مراجعت و در قم مورد استقبال گرم و توجه مخصوص مراجع بزرگ و فضلا عالیقدر فراگرفته.

و بنابر اصرار آیات عظام و دانشمندان حوزه چند ماهی اقامت و در مدرسه فیضیه اقامه جماعت و درس تفسیر گذارده و اکابر وقت مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و غیره شرکت می‌نمودند.

و در همان سال فرزند مذکورش مریض و بدرود حیات گفتند و آقایان دروس را با احترام آن پدر تعطیل و برای تشییع حاضر ولی آن مرحوم درس خود را تعطیل نکرد و فرمود ما برای مرگ فرزندمان درس را تعطیل نمی‌کنیم و بعد از اتمام درس تشییع باشکوهی نمودند و خود آن مرحوم با دلی قرص و بدون اضطراب بر جنازه فرزندش نماز خوانده و پیوسته شکر و ذکر خدا بر

زبانش جاری بود و تمام بزرگان از صبر و طاقت او تعجب می‌کردند رحمه‌اللّه علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام والمسلمین آقا میرزا محمدرضا واعظ متولد ۱۲۶۱ و متوفی ۳۱۸ بن میرزا علی‌نقی بن محمدرضا بن محمدامین همدانی مقیم تهران عالمی کبیر و خطیبی جلیل و بحاثی متتبع بوده است.

(جدش آقامیرزا محمدرضا از اعاظم علماء عصر سلطان فتحعلی شاه قاجار و دارای آثار ارزنده‌ای که از آنهاست ۱– الدر النظیم فی تفسیر القرآن العظیم ۲– مفتاح‌النبوة بوده است.

حفید او مترجم ما که از نوادر خطباء و وعاظ بوده دارای تألیفات بسیاری است که از آنها کتب زیر است.

۱– الاشارات در معارف ۲– فصوص‌الحکم ۳– انارق‌الناسق ۴– انوارالقدسیه در حکمت الهیه و... ۵– تثنیه الثلاثة ۶– تربیع الشیخین ۷– السیف المسلول ۸– التوحید الرضوی ۹– سراج الغیب ۱۰– سیف‌اللّه المسلول ۱۱– کشف الحجة ۱۲– بخبة الصوارم ۱۳– هدیة الخملة و غیر اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظی، فرج‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ فرج‌اللّه واعظی زنجانی از فضلاء و وعاظ و محدثین بزرگوار معاصر تهران است.

وی در یکی از مضافات زنجان متولد شده و مقدمات و ادبیات را تا حدودی در آن سامان خوانده، آنگاه به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عالی را از حضرت آیت‌اللّه العظیم نجفی مرعشی مد ظله و مدرسین دیگر بپایان رسانیده و شرکت در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیات دیگر نموده و پس از ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی نیز از محضر و دروس معظم له بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حجت قدس اللّه سره منتقل به تهران گردیده و تاکنون بوظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و تدریس علوم دینی و بالاخص از طریق منبر و موعظه ارشاد مردم مینماید.

نگارنده گوید: جناب آقای واعظی از علماء با فضل و موصوف بکمال و تقوی و دارای مقام قدس و ورع و خالص در ولاء اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام می‌باشد و با منکرین و مخالفین ولایت تکوینی حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و ائمه‌ی معصومین علیهم صلوات المصلین و وهابی‌ها وطنی و سنی مآب‌ها مبارز و مخالف و مجادله حسنه نموده و مینمایند و حقیر که قریب چهل سال است ایشان را میشناسم جز متانت و پرهیزکاری و صفات حمیده از وی ندیده و ما رایت منه مذ عرفته الا جمیلا کثر اللّه امثاله فرزند برومندی دارد که در سلک محصلین حوزه علمیه قم و از مشتغلین جدی حوزه میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

وافی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم وافی

محل تولد : یزد

شهرت : وافی یزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین ابوالقاسم وافی یزدی در مهرماه ۱۳۱۴ در روستای حسین آباد، (حد فاصل یزد و رفسنجان) به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج محمود وافی از کشاورزان با تقوا و مؤمن یزد بود که به روستای حسین آباد آمده بود و در آنجا به زراعت، روزگار می‌گذراند. او که خود بخشی از دروس مقدمات حوزه‌های علمیه را فراگرفته بود، به مقام مرجعیت شیعه احترام بسیار می‌نهاد و همواره آرزو داشت فرزندانش به سلک روحانیت تشیع در آیند. مادر حجة الاسلام و المسلمین وافی نیز دختر مرحوم ملا محمد ابراهیم لاری معروف به «طرزجانی» از علمای بزرگ حوزه یزد بود.

حجة الاسلام و المسلمین وافی در پنج سالگی آموختن قرآن را آغاز کرد و سپس به دبستان و پس از آن به دبیرستان رفت. با اتمام آن بـه حـوزه علمیه یزد رفت و دروس مقـدمات و بخشـی از دروس دورهٔ سـطح را در آن حـوزه عظیم علمی فرا گرفت. او در سـال

۱۳۳۶ برای تکمیل تحصیلات خود به قم آمد و در دروس دورهٔ سطح استادان برجستهٔ دورهٔ خود شرکت کرد. پس از آن به درس خارج استادان بزرگ حوزه علمیه قم رفت و از محضر بسیاری، کسب فیض نمود. حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی، در سالهای تحصیل خود به محضر استادان و بزرگان بسیاری شرفیاب شد. او که تا «قوانین» را در حوزه علمیه یزد فراگرفته بود، با ورود به قم به درس شرح لمعه حضرات آیات: «شیخ علی پناه اشتهاردی»، «ستوده» و «صلواتی» رفت و سپس در درس رسائل «آیهٔ الله مکارم شیرازی» و «آیهٔ الله نوری همدانی» شرکت کرد. مکاسب را نیز در محضر «آیهٔ الله مشکینی» و «آیهٔ الله شهید بهشتی» آموخت و برای فراگیری کفایه به درس آقایان: سلطانی طباطبایی (ره)، حاج آقا رضا صدر (ره) و منتظری رفت.

با به اتمام رساندن دروس دورهٔ سطح، چند ماه در درس خارج فقه (کتاب القضاء) حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرد که متأسفانه عمر با برکت ایشان به پایان رسید و از درک فیض بیشتر محروم گردید، وی سپس به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، امام خمینی و محقق داماد «رحمهٔ الله علیهم» رفت که بیشتر آن (حدود پانزده سال) در محضر آیهٔ الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره) بود. او همچنین بخش‌هایی از مکاسب را از محضر حضرات آیات: اراکی و بهجت فرا گرفت. در بخش فلسفه و تفسیر نیز از محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) بهره برد. او بخشی از اسفار را در خدمت حضرت آیهٔالله جوادی آملی، شرح منظومه سبزواری را از محضر شهید مفتح و بخش منطق منظومه را از محضر حضرت آیهٔالله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفت.

حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی در سالهای تحصیل و پس از آن با طلاب فرهیخته و فاضل بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنها می‌توان از شیخ محمد حسین امراللهی نام برد. حجهٔالاسلام و المسلمین وافی در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی با پیشنهاد و مشورت علمای بزرگ یزد و قم نمایندگی مردم یزد را عهده‌دار شد. وی هم اکنون نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان و نیز تولیت مسجد مقدس جمکران را با حکم مقام معظم رهبری برعهده دارد.

واله، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۴۶، مشهد.

درگذشت: ۱۳۷۰.

حسن واله پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، راهی حوزه‌های علمیه مشهد و قم شد تا به آموختن علوم قدیمه بپردازد. پس از آن به تهران آمد و با گشایش فضای موسیقی در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به آموختن این هنر پرداخت. به همراه فراگیری موسیقی، به خواندن فلسفه و تحقیق در متون کهن و بررسی موسیقی مقامی مناطق مختلف ایران مشغول شد و به کار نسخه‌شناسی و مقابله‌ی آنها می‌پرداخت.

حسن واله در بخش موسیقی حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی به کار مشغول شد. از او کار مستقلی به طبع نرسیده است، اما مقاله‌هایی برای «کیهان فرهنگی» نوشته است. وی قرار بود از مشهد به تهران بیاید و ناگهان مفقود گردید تا این که پیکر درهم شکسته‌اش را در ارتفاعات شمال تهران یافتند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وثوقی، افضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۴ و دکترای زبانشناسی از دانشگاه پاریس ۷ در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی و ادبیات کشورهای مختلف، تدریس درس ادبیات و زبان فرانسه و زبان‌شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تأثر و اضطراب بشر، ادبیات نو آفریقائی، ادبیات ژاپن، ادبیات چین، گسترش انقلاب اسلامی در ایالات متحده آمریکا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نظام آوایی در زبان کردی لهجه سقز، ساختمان فعل در زبان کردی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وثوقی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در سال ۱۴۳۱ ، Diploma Postgraduate زبان‌شناسی تطبیقی فارسی واژه از دانشگاه کراچی در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد پیوسته TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، دکترای زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، تحقیق بعد از دوره دکترا در روان‌شناسی زبان دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۶ و دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۶۶

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس ساخت زبان فارسی ۱ و ۲، ساخت زبان انگلیسی، زبان تخصصی، زبان‌شناسی در دانشگاههای تربیت مدرس، تربیت معلم و ایلینویز آمریکا، تحقیق در زمینه زبان‌شناسی و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر چند پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

دستور و سنجش، عوامل مؤثر در یادگیری زبان دیگر، ساخت زبان فارسی به شیوه گفتاری Vocabulary Enrich You، نظریه ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی، زبان‌شناسی همگانی، طرح پرسشهای چند گزینه‌ای و فرهنگ اصطلاحات و کاربرد آنها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

نقش قوم موازنه زبان، جمله‌های مرکب و حذف معادلها، چگونگی تحقیق دانشگاهی، زبان آذری

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وجیه‌اللهی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت: ۲۸ دی ۱۳۶۶.

ابوالقاسم وجیه‌اللهی پس از اتمام تحصیلات خود در وزارت راه مشغول به کار شد. وجیه‌اللهی یکی از بنیانگذاران جامعه‌ی تعلیمات اسلامی است، جامعه‌ای که تعلیم و تربیت نسل جوان را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بود. تأسیس و توسعه‌ی مدارس اسلامی،- به ویژه مدارس اسلامی دخترانه- در تهران و شهرستان‌ها، تشکیل سمینارهای مختلف در مدارس اسلامی سراسر کشور، دعوت از کسانی چون استاد شهید مرتضی مطهری، دکتر سید محمدحسین بهشتی، آیت‌الله محمد مفتح و آیت‌الله محمدجواد باهنر برای تدریس و سخنرانی، تأسیس دوره‌ی فوق دیپلم، و تربیت معلم برای مدارس اسلامی، چاپ و نشر کتب اسلامی و ترجمه و نشر کتاب الغدیر و غیره... از جمله خدمات وجیه‌اللهی است.

وجیه‌اللهی در غروب روز دوشنبه ۲۸ دی ۱۳۶۶ بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحدت، اختر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۱، بجنورد.

درگذشت: ۱۳۶۰.

اختر وحدت فرزند محمد، در خانواده‌ی اهل ادب تربیت یافت و همچون پدرش طبع روانی داشت. وی در زمره‌ی اولین زنانی بود که به استخدام اداره‌ی فرهنگ بجنورد درآمد. در سال ۱۳۳۹ به مشهد منتقل گردید. اهل شعر و شاعری بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحید تهرانی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی‌اصغر وحید تهرانی یکی از علماء و مدرسین و محدثین معاصر تهران است معظم له در حدود ۱۳۳۴ ق در عاصمه تشیع تهران دیده به جهان گشود، و پس از پرورش به تحصیل ادبیات و علوم معموله پرداخته و متون فقه و اصول را از علماء و مدرسین تهران آموخته آنگاه به درس خارج مراجع و آیات حاضر شده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و به مدارج کمال رسیده و به تدریس فقه و اصول پرداخته و هم از طریق منبر و جلسات مذهبی نشر معارف دین و حقایق شرع مبین نموده و تاکنون شاغل این پست خطیر و مسئولیت سنگین می‌باشد.

مدرسه حاج ابوالفتح میدان شاه نیز در تحت سرپرستی و تدبیر نظر آنجناب اداره می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وحید تهرانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اکبر وحید یکی از اهل منبر و ارشاد تهرانست و سالها در عصر ریاست مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی در قم اشتغال به تحصیل داشتند و متون فقه چون شرح لمعه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظلله و دیگران استفاده و هم از محضر آیت‌اللّٰه بروجردی کسب فیض نموده و پس از آن به تهران مراجعت و تا حال حاضر افتخار خدمت و نوکری آستان ولایت و حضرت ابی‌عبداللّٰه الحسین علیه‌السلام را دارند. و حقاً این دو برادر در تواضع و پاکدامنی و متانت و مناعت طبع وحید و اسم با مسمی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وحید دامغانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن آشیخ نور محمد وحید دامغانی از گویندگان دینی و مروجین اسلامی معاصر دامغان است. وی در سال ۱۳۳۲ قمری در یکی از مضافات دامغان متولد شده و سالها در دامغان و شاهرود مشهد و نجف به تحصیل علوم اشتغال داشته و اکنون در زادگاه خود به تبلیغ احکام اسلام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

وحید دستگردی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۱ –۱۲۵۸ ش)، ادیب، مصحح، نویسنده و شاعر، متخلص به وحید. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه میرزا حسن علوم ادبی را نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، معروف به کاشی پز، و علوم دینی را نزد عبدالکریم گزی و سید محمدباقر درچه‌ای آموخت و از محضر جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی استفاده نمود. وی از طرفداران مشروطیت بود و اشعار و مقالاتی در این زمینه در روزنامه‌های اصفهان منتشر می‌کرد. دستگردی در آغاز جنگ بین‌الملل اول، روزنامه‌ی «درفش کاویان» را در اصفهان منتشر نمود. او همچنین با روزنامه‌های «پروانه»، «زاینده رود» و «مفتش ایران» نیز همکاری می‌کرد. وی در ۱۳۳۸ ق به تهران آمد و انجمن ادبی

ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد و همچنین در ۱۳۳۸ ق مجله‌ی ادبی «ارمغان» را طی دوره‌ای بیست و دو ساله در تهران تأسیس و منتشر نمود. وحید در اوایل ورود خود به تهران در حلقه‌ی مریدان صفی علیشاه درآمد. وی مدتی در اداره‌ی انطباعات وزارت معارف مشغول کار گشت. او در شعر ابتدا لمعه تخلص می‌کرد، ولی بعدها به دستور میرزا یحیی بیدآبادی تغییر تخلص داد. وی در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از دیگر آثارش: «انقلاب ادبی»؛ «ره‌آورد وحید»، سفرنامه چهار محال و تاریخچه‌ی وقایع اصفهان و جنوب ایران؛ «سرگذشت اردشیر»، به شعر؛ تصحیح و تحشیه‌ی «سبعه» حکیم نظامی گنجوی شامل: ۱- «مخزن‌الاسرار» ۲- «خسرو و شیرین» ۳- «لیلی و مجنون» ۴- «هفت پیکر» ۵- و ۶- «شرف‌نامه» و «اقبال‌نامه» که این دو همان «اسکندرنامه» است ۷- «گنجینه‌ی گنجوی» یا «دیوان» شعر نظامی؛ تصحیح کتابهای: «تذکره‌ی نصرآبادی» میرزا محمد طاهر نصرآبادی و «جلایرنامه» قائم‌مقام فراهانی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «تحفه‌ی سامی» سام میرزای صفوی، «جام جم» یا «جام جهان‌نما» اوحدی مراغی، «دیوان» امیر فراهانی و «دیوان» بابا طاهر عریان.[۱]

حسن فرزند محمدقاسم متخلص به وحید و مشهور به وحید دستگردی از مردم اصفهان (و- ۱۲۹۸ ه.ق- ف. دی‌ماه ۱۳۲۱). وی تا سال ۱۳۱۲ ه.ق در دستگرد و سپس در شهر اصفهان به تحصیل ادبیات فارسی، عربی، حکمت، فقه و اصول پرداخت. ادبیات را از میرزا یحیی مدرس و فلسفه را از جهانگیرخان حکیم قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی فراگرفت. در آغاز مشروطه و انقلابات اصفهان به خاک بختیاری مهاجرت کرد و در این شهر مجله‌ی ارمغان را منتشر کرد. دو کتاب منظوم هم دارد یکی بنام «سرگذشت اردشیر» و دیگر «ره‌آورد وحید» که بطبع رسیده است. وحید در انواع شعر صاحب قدرت بود و به نظامی گنجوی علاقه‌ی مخصوصی داشت و بیشتر سبک نظامی را پیروی می‌کرد. بر اثر این علاقه انجمن ادبی را که خود تأسیس کرده بود «انجمن حکیم نظامی» نام داد و به تصحیح و مقابله‌ی خمسه‌ی نظامی پرداخت و پس از قریب پانزده سال تحقیق و مطالعه آن را با اصلاحات و تعلیقات مفید به چاپ رساند. دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیوان ادیب‌الممالک فراهانی را نیز تصحیح کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۴۷، ۳۴۰، ۷۶، ۵۱، ۴۵، ۴۳)، از صبا تا نیما (۳۲۵ -۳۲۲/ ۲)، تاریخ جراید (۲۸۴، ۵۲، ۵۱/ ۲، ۱۳۶ -۱۲۱ / ۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۲۹ -۵۲۶)، تذکرةالقبور (۲۷۳)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۴۳)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۴۹/ ۲)، الذریعه (۳۰۹/ ۱۱، ۱۲۶۶ -۱۲۶۵/ ۹)، سخنوران نامی (۵۱۴ -۴۹۸/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴۷ -۳۸۴۲/ ۶)، شخصیت‌های نامی (۵۰۶)، شرح حال رجال (۶۶/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۵، ۳۳۹۶، ۳۱۷۰، ۲۹۶۱، ۲۸۳۳، ۲۷۸۱، ۲۶۶۸، ۲۱۴۳، ۱۹۶۵، ۱۷۹۶، ۱۶۶۹، ۱۶۶۸، ۱۶۶۷/ ۲، ۱۵۹۵، ۱۵۸۹، ۱۵۶۵، ۱۵۶۲، ۱۵۱۲، ۱۵۰۵، ۱۵۰۴، ۱۲۸۹ -۱۲۸۸، ۱۲۶۶، ۱۰۴۶، ۹۸۶، ۸۳۸، ۸۰۱، ۳۷۷، ۳۰۳، ۲۱۳/ ۱)، گلزار معانی (۷۳۷ -۷۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۴ -۶۲۳/ ۲).

وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، مورخ، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به وحید. در قزوین به دنیا آمد. در عهد صفویه می‌زیست و از شاعران و منشیان عصر خود بود. وی پس از کسب دانش و مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمات دیوانی و از دفترنویسان دیوان شد. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) به منصب واقعه‌نویسی انتخاب شد و در زمان شاه سلیمان منصب وزارت یافت. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» آمده که وحید با صائب تبریزی مصاحبت و دوستی داشت. در اوایل عهد شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ -۱۱۰۵ ق) از کار کناره گرفت و چندی بعد درگذشت. در مورد تاریخ وفاتش در بین مؤلفان اختلاف است و به تفاوت ۱۱۲۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۰، ۱۱۰۷، ۱۱۰۵ ق نوشته‌اند. از آثار وی: «خلوت راز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «راز و نیاز» یا «ناز و نیاز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «عاشق و معشوق»، به وزن «لیلی و مجنون»، در یک هزار و سیصد بیت؛ «فتح نامه قندهار»، در چهار صد و شصت بیت؛ «آلات جنگ»، در هشتصد بیت؛ «گلزار عباسی»، در ششصد و شصت بیت؛ «ساقی‌نامه»؛ «عباسنامه» یا «تاریخ شاه عباس ثانی» یا «تاریخ طاهر وحید»، در تاریخ دوران شاه عباس دوم؛ «منشآت»؛ مثنوی «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر.[۱]

عمادالدین میرزا طاهر بن میرزا حسین‌خان قزوینی، متخلص به وحید و برادر محمد یوسف مؤلف «تاریخ خلد برین». حزین در تذکره او را وحیدالزمان خوانده است و گوید از غایت اشتهار بی‌نیاز از تعریف است و هدایت گوید: دیوانی مشتمل بر نود هزار بیت ارد. وحید ابتدا منشی میرزا تقی وزیر شاه صفی و شاه عباس ثانی بود. تاریخی که نوشته عباس‌نامه یا تاریخ طاهر وحید یا تاریخ شاه عباس ثانی نام دارد. میرزا محمد وحید در عهد سلطنت شاه سلیمان از (۱۱۰۵ -۱۰۷۸ ه.ق) با لقب عمادالدوله وزیر اعظم شد زندگانی گفت. از وی مجموعه‌ی منشاتی هم باقی مانده که اگر چه از لحاظ تاریخی حاوی مطالب مهمی است لیکن انشاء آن بسیار متکلفانه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۰ -۱۲۱۱/ ۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۴/ ۳)، ایضاح‌المکنون (۵۳۷/ ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۷۵/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۵۱ -۱۳۴۶/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۵۵ -۶۵۴/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۹۰۵ -۹۰۱)، تذکرة المعاصرین (۲۷۴ -۲۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰ -۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۸۰)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۴۹/ ۲)، الذریعه (۱۸۵/ ۱۹، ۱۲۶۷ -۱۲۶۶/ ۹، ۲۰/ ۱)، ریحانه (۳۱۱ -۳۱۰/ ۶)، سبک‌شناسی (۲۷۶، ۲۵۹/ ۳)، سرو آزاد (۱۳۵ -۱۳۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰ -۹۷۹)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۱۶)، کلمات الشعراء (۱۹۰ -۱۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/

وحید قزوینی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۵/ ۴)، منظومه‌های فارسی (۶۱۶ -۶۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱/ ۳)، مینودر (۸۷۴ -۸۷۲/ ۲)، نتایج‌الافکار (۷۴۳ -۷۴۰)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۰ -۱۱۸).

وحید مازندرانی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مورخ.

تولد: ۱۲۹۱، ساری.

درگذشت: ۱۵ فروردین ۱۳۶۹.

غلامعلی وحید، فرزند مصطفی، در اوایل کودکی پدرش را از دست داد و پس از پایان دوره‌ی شش ساله‌ی ابتدایی در ساری به تهران رفت و متوسطه را در دارالنون خواند و پس از فراغت از تحصیل دانشگاهی در وزارت امور خارجه وارد خدمت شد. شش سال در لندن در سفارت ایران کار می‌کرد. پس از آن در تهران نخست به معاونت و پس از آن به کفالت اداره‌ی عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه دست اندر کار شد. آنگاه در کشورهای آمریکا و هندوستان و انگلستان ریاست اداره‌ی پنجم سیاسی و سرکنسولی ایران در بمبئی و وزیر مختار ایران در لندن را عهده داشت و سپس در هندوستان و بعد از آن، اندونزی به سفارت ایران مشغول شد.

تألیفات عهده وی به این شرح است: اقتصاد ملی (۱۳۱۶)؛ ایران و قضیه ایران (لرد کرزن)؛ بحثی چند درباره‌ی انقلابیون این عصر (اثر هرولد ج. لسکی، ۱۳۳۱)؛ تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا هیتلر (هربرت فیشر، ۱۳۲۴ -۱۳۱۹)؛ تاریخ ایران از ابتدای قرن ۱۹ تا سال ۱۸۵۸ م. (رابرت کرنت والس، ۱۳۴۱)؛ تاریخ هردوت (۱۳۲۴)؛ تمدن غرب در شرق نزدیک (هانس کن، ۱۳۱۶)؛ خواستن توانستن است (امیل پش، ۱۳۱۳)؛ دیپلمات (ژول کامبون، ۱۳۲۴)؛ راهنمای عهود و عهدنامه‌های تاریخی ایران (۱۳۴۱)؛ رستاخیز (لئون تولستوی، ۱۳۱۲)؛ قرارداد ۱۹۰۷ م. بین روس و انگلیس (۱۳۲۸)؛ مازندران و استرآباد (ه. ل. رابینو، ۱۳۲۷)؛ ممالک متحده آمریکا (۱۳۲۴)؛ موسولینی (۱۳۱۷)؛ هند یا سرزمین اشراق (۱۳۳۵)؛ هیتلر (۱۳۱۶).

از فضلا و دانشمندان و محققین تاریخ، در ۱۲۹۰ ش متولد شد. تحصیلات ابتدائی متوسطه و عالی را در تهران باتمام رسانید و درجه‌ی لیسانس در علم حقوق و علوم سیاسی گرفت و در ۱۳۱۵ در وزارت امور خارجه استخدام شد.

پس از طی مقدمات اداری دبیر سوم سفارت ایران در لندن گردید و سپس به معاونت اداره عهود و حقوقی منصوب شد. چندی هم کفالت و ریاست اداره ششم وزارت امور خارجه را عهده‌دار بود تا به رایزنی سفارت ایران در امریکا برگزیده شد. سایر مشاغل وی به ترتیب عبارتند از: رئیس اداره پنجم سیاسی، رئیس اداره تابعیت، سرکنسول در بمبئی، رئیس اداره چهارم سیاسی، وزیر مختار در لندن، عضو شورای عالی سیاسی، ریاست اداره عهود و حقوقی. آنگاه به سفیر کبیری ایران در اندونزی منصوب شد و مدتی هم سفارت ایران را در هندوستان عهده‌دار بود. پس از بازگشت از هندوستان بازنشسته شد و به کار نویسندگی و ترجمه پرداخت.

قسمتی از آثار چاپ شده‌ی ایشان بشرح زیر است: اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران، قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران، هند یا سرزمین اشراق، نامه‌های تاریخی ایران.

از ترجمه‌های ایشان می‌توان کتب زیر را نام برد: تاریخ ایران در قرن نوزدهم تألیف ه.ل. فیشر، تاریخ هرودوت، کتاب مازندران و استرآباد رابینو، تاریخ ایران در قرن نوزدهم تألیف واتسن.

دکتر غلامعلی وحید مازندرانی در ۱۳۶۶ درگذشت.

(۱۳۶۹ -۱۲۹۱ ش)، نویسنده و مترجم. در ساری به دنیا آمد. پس از پایان دوره ابتدایی به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و در ۱۳۱۴ ش از دانشکده حقوق تهران فارغ‌التحصیل شد و سپس به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. وی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت. او در تهران ابتدا به معاونت و بعد به کفالت اداره‌ی عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه مشغول شد و پس از آن در واشنگتن، بمبئی، لندن، هندوستان و اندونزی عهده‌دار مشاغلی گردید. از آثار وی: «اقتصاد ملی»؛ «راهنمای عهود و عهدنامه‌های تاریخی ایران»؛ «ممالک متحده‌ی آمریکا»؛ «موسولینی»؛ «هند یا سرزمین اشراق». از آثار ترجمه‌ی وی: «بحثی چند درباره‌ی انقلابیون این عصر»؛ «تاریخ هردوت»؛ «تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا ظهور هیتلر»؛ «تاریخ ایران در قرن نوزدهم»؛ «تمدن غرب در شرق نزدیک»؛ «خواستن توانستن است».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۶۴۷ -۶۴۶)، الذریعه (۲۵۰/ ۲۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۵۸ -۱۵۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۵۴، ۲۵۱۳، ۱۹۹۷، ۱۶۵۳/ ۲ ،۱۲۹۳، ۹۵۰، ۵۲۰، ۳۰۸/ ۱)، کتاب گیلان (۵۴۵، ۳۶۰، ۱۴۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۰ -۷۲۸/ ۴).

وحیدالملک شیبانی کاشانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۲ -۱۲۵۲ ق)، نویسنده، مدرس و خبرنگار. در کاشان به دنیا آمد. علوم مقدماتی و ادبیات فارسی و ادبی را در زادگاهش

فراگرفت و پس از آن به هندوستان رفت و در آنجا زبان انگلیسی را فراگرفت. سپس جهت ادامه تحصیلات عالی، راهی انگلستان شد و در دانشگاه کمبریج به آموختن تاریخ جهان و ادبیات انگلیسی پرداخت. شیبانی با ادوارد براون، مستشرق معروف، آشنا و با معرفی او در دانشگاه کمبریج به تدریس زبان فارسی مشغول شد. او در ۱۳۲۷ ق به ایران مراجعت کرد. در مدرسه دارالفنون به تدریس زبان انگلیسی پرداخت و همچنین مدتی ریاست مدرسه سیاسی را که مشیرالدوله بنیان نهاده بود، به عهده گرفت. وحیدالملک حدود ۱۳۲۲ ق خبرنگار روزنامه‌ی «تایمز» انگلیس بود و مقالات و خبرهایی درباره‌ی جنبش مشروطیت به آن روزنامه می‌فرستاد. شیبانی نمایندگی مجلس شورای ملی را از طرف مردم تهران در چند دوره عهده‌دار بود. همچنین وی مدتی وزارت پست و تلگراف، معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را برعهده داشت. او پس از کناره‌گیری از سیاست در دانشسرای عالی به تدریس رشته‌ی تاریخ پرداخت. وحیدالملک در تهران درگذشت. از آثار وی «تاریخ عمومی قرون وسطی» در سه مجلد می‌باشد. خانبابا مشار، در «مؤلفین کتب چاپی»، سال تولد وی را ۱۲۹۴ ق آورده است.[۱]

میرزا عبدالحسین‌خان شیبانی وحیدالملک از رجال دوره‌ی رضاشاه پهلوی و استاد تاریخ دانشگاه تهران (ف. ۱۳۴۲ ه.ش ۱۹۶۴ م.) چند بار به نمایندگی مجلس شورا و نیز به وزارت پست و تلگراف و وزارت فرهنگ منصوب شد. از آثار او تاریخ عمومی است در سه جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۳۰/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۸/ ۳)، نخبگان سیاسی ایران (۴۹۲/ ۴)، وزرای معارف ایران (۷۴ -۷۳)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۱۹۵ -۱۸۹)، یغما (س ۵، ش ۱۲، ص ۵۴۲ -۵۴۱).

وحیدی تبریزی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ ق)، ادیب و شاعر. اهل تبریز بود، ولی چون مدتی در قم سکونت داشت، برخی از مؤلفان او را قمی نوشته‌اند و همچنین صاحب «ریحانهٔ‌الادب» او را اهل تبریز یا هرات می‌داند. در شناخت اشعار و علم عروض و قافیه مهارت داشت. وی با مولانا حیرتی معاصر و معاشر بود که به سببی یکدیگر را هجو کردند. وحیدی اواخر عمر به گیلان مسافرت کرد و در آنجا درگذشت. مؤلف «الذریعه» وحید تبریزی و وحیدی قمی را دو نفر دانسته است. از آثار وی: «مفتاح البدایع»، در لغت فارسی؛ «الجمع المختصر» یا «مختصر وحیدی»، در عروض و قافیه؛ «شهرانگیز»، برای مردم تبریز؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۹، ۶۰۲/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، تحفه سامی (۲۲۸ -۲۲۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۴ -۳۹۳)، الذریعه (۳۲۰ / ۲۱ ،۱۲۶۵ / ۹ ،۱۳۹ / ۵)، ریحانه (۳۱۰ / ۶)، صبح گلشن (۵۸۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مجالس‌النفائس (۱۶۱)، هفت اقلیم (۵۰۵ -۵۰۴/ ۲).

وحیدیان کامیار، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران، دکترای زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی منشاء وزن شعر فارسی، گردآوری واژگان قافیه شعر فارسی، گردآوری و تدوین وزنهای شعر فارسی و استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

وزن و قافیه شعر فارسی، وزن شعر فارسی (عروضی فارسی) نوای گفتار در فارسی، دستور زبان عامیانه فارسی، بررسی وزن شعر عامیانه فارسی، دستور فارسی، فرهنگ نام آوایی، موسیقی حرف، کلمه و کلام (مربوط به نام آواها).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نقشهای تکیه در زبان فارسی، تکیه و وزن شعر فارسی، قافیه در شعر فارسی، افسانه چیست؟- فارسی مؤدبانه، اسمهای خاص و نظریه اطلاع، فعل مرکب در فارسی نیست، نقدی بر تاریخ زبان دکتر خانلری، وزن فهلویات عروضی است نه هجایی، اوزان ایقاعی، اندیشیدن در قافیه، نقد عروض، عروض فارسی، مدارس قدیم مشهد، و مقالاتی دیگر در زمینه‌های دستور زبان، عروض، شعر و شاعری و زبان‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وخشی بلخی، ابوعلی حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۱ -۳۸۵ ق)، حافظ، محدث، زاهد و ادیب. اصل وی از وخش، قریه‌ای در حوالی بلخ است. در طلب حدیث به عراق، جبال، شام و مصر سفرهای طولانی نمود و در بلخ، نشابور، بغداد، اصفهان، دمشق، بصره، مصر، عسقلان، تنیس، رمله، قدس، عکا، حلب و همدان از ابوالقاسم خزاعی و ابوسعید صیرفی و یحیی بن ابراهیم مزکی و ابوعمر بن مهدی فارسی و ابونعیم حافظ و ابوحسین بن بشران و ابومحمد نحاس و تمام بن محمد رازی و محمد بن احمد بن محمد بن مزدین و ابوسعید بن حسنویه و ابوالحسن علی بن قاسم نجاد و عقیل بن عبدان و قاضی ابوبکر حیری و عبدالواحد بن محمد بن مهدی و محمد بن حسین بن فضل قطان و محمد بن احمد بن ابوالفوارس و از جماعتی دیگر حدیث شنید. خطیب بغدادی و عمر بن محمد سرخسی و عمر بن علی محمودی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. خواجه نظام‌الملک در بلخ از وی حدیث شنید. در بغداد خلیفه عباسی به اتهام قدری بودن دستور به غرق کردن او داد. پس به مصر گریخت و بعد از چندی دوباره مخفیانه به بغداد آمد و از آنجا به بلخ بازگشت، در بلخ به امر خواجه نظام‌الملک برای وی مدرسه‌ای بنا نمودند تا در آن حدیث گوید. او در بلخ درگذشت. وی برگزیده‌ای از احادیثی را که از ابونعیم حافظ شنیده بود، در پنج جزء تحت نام «وخشیات» نگاشت. در «کشف‌الظنون» و به تبع آن در «هدیهٔ‌العارفین»، «الامالی»، در حدیث و کتاب «التوقیر» از آثار وی شمرده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۳۱۲/ ۱)، انساب سمعانی (۵۷۹/ ۵)، ایضاح‌المکنون (۳۴۰/ ۱)، تذکرهٔ‌الحفاظ (۱۱۷۴ - ۱۱۷۱/ ۳)، توضیح المشتبه (۱۷۶/ ۹)، سیرالنبلاء (۳۶۷ -۳۶۵/ ۱۸)، شذرات‌الذهب (۳۳۹/ ۳)، طبقات الحفاظ (۴۵۹)، العبر (۳۲۹/ ۲)، کشف‌الظنون (۵۰۸، ۱۶۳)، لسان‌المیزان (۴۴۶ -۴۴۵/ ۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۰۳ -۱۰۲/ ۱۹)، معجم‌البلدان (۴۱۹/ ۵)، معجم‌المؤلفین (۲۶۰/ ۳)، الوافی بالوفیات (۱۶۳/ ۱۲)، هدیهٔ‌العارفین (۲۷۷/ ۱).

وراق کرمانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۹ ق)، ادیب، نحوی، لغوی و منجم. از علمای نحو و لغت و از شاگردان ثعلب نحوی بود. به حسن خط شهرت داشت و از طریق وراقی و کاغذسازی امرار معاش می‌نمود. او صاحب تألیفاتی در زمینه‌ی علم لغت و علم نحو می‌باشد. از آثارش: «الموجز»، در نحو؛ «الجامع فی اللغهٔ»، لغاتی که خلیل فراهیدی در کتاب «العین» آن را فراموش کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۶/ ۷)، روضات‌الجنات (۲۸۱/ ۳)، ریحانه (۳۱۳/ ۶)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۳۴)، کشف‌الظنون (۱۸۹۹، ۵۷۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعبداللّٰه)، معجم‌الادباء (۲۱۳/ ۱۸)، معجم‌المؤلفین (۲۴۷ -۲۴۶/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۲۹/ ۳)، هدیهٔ‌العارفین (۳۵، ۲۴/ ۲).

ورزگر، مینو

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دیپلم از دبیرستان هالیوود شمالی لوس آنجلس آمریکا، کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران (در طی دو سال)، کارشناسی ارشد در آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تربیت معلم (در طی یک سال)، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران (در طی دو سال)، M.A در آموزش زبان انگلیسی TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا (در طی دو یک سال)، دکترا در آموزش

زبان انگلیسی TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا (در طی دو سال).

مرتبه علمی:

مدیر گروه و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

واژه‌نامه آموزش زبان، زبانشناسی و آزمون‌سازی، اثر عوامل روانی بر روی خواندن، عضویت در انجمن‌های بین‌المللی و چندین کمیته و مرکز آموزشی و تحقیقی داخلی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱۷

زمینه علمی تألیفات:

آموزش خواندن از طریق خواندن، آموزش و سنجش زبان انگلیسی، انگلیسی برای دانشجویان پزشکی، انگلیسی برای دانشجویان مامائی، انگلیسی برای دانشجویان بهداشت، مسائل آموزش زبان انگلیسی در ایران، گرامر کامل زبان انگلیسی، انگلیسی برای کودکان، واژه‌نامه انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

فراگیری زبان در کودکان، آموزش خواندن، جنبه‌های روانی زبان خواندن، خواندن و تفکر، مراحل ادراکی خواندن، فرآیندهای شناختی خواندن، ابعاد مهارتهای شنیداری، گفتاری، جنبه‌های عصبی روانی مرحله بحرانی در زبان آموزی، مراحل ادراکی خواندن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ورزی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۹۳ ش)، شاعر، مترجم و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۱۵ ش به اخذ لیسانس از دانشکده‌ی حقوق نایل شد و در همین سال بود که به انجمن‌های ادبی تهران راه یافت و با شعرای همعصر خود آشنا گردید. وی هنگام تحصیل در دانشکده‌ی حقوق، در دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم به تحصیل پرداخت و زمانی که از طرف وزارت دادگستری در شیراز به سر می‌برد، «جامع المقدمات» و «مغنی» و «مطول» تفتازانی و «شرح منظومه» ملا هادی سبزواری و مقداری از «اسفار اربعه» را نزد میرزا علی حکیم آموخت. ورزی در ۱۳۲۰ ش در کابینه‌ی اول قوام‌السلطنه به سمت بازرس مخصوص نخست‌وزیر انتخاب شد و از آن پس عهده‌دار مشاغل مختلفی چون رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیرکل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق و غیره بود. او از همان دوران کودکی با شعر و ادب و موسیقی آشنا شد و در محضر اساتیدی مانند موسی نی داوود، نواختن تار و ویولن و سه تار را آموخت و با ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، روح‌اللّه خالقی، علینقی وزیری، غلامحسین بنان، قمرالملوک وزیری، تاج اصفهانی و بسیاری از هنرمندان دیگر مصاحب و معاشر بود. ورزی شاعری غزلسراست، اما در انواع شعر فارسی نیز طبع‌آزمایی کرده است. وی زبان فرانسه را خوب می‌دانست و اشعاری نیز به این زبان سروده و آثاری را ترجمه کرده است. از آثار منظوم او: «سخن عشق»؛ «رهاورد عمر»؛ «دیوان» شعر. از ترجمه‌های وی: «بررسیهای ادبی» و «هفت صورت عشق» از آندره موروا؛ «نغمه‌پرداز نامرد» که نام داستانی از داستایوفسکی است به نام «نیه توچکانبتروانف».[۱]

شاعر.

تولد: دی ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت: مهر ۱۳۶۸، تهران.

ابوالحسن ورزی، فرزند حسین فلاح‌زاده تا پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب درس خواند ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره‌ی اول دبیرستان را در شهرستان ساری و دوره‌ی دوم دبیرستان را در مدرسه‌ی امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساند. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق قضایی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۵ بود. پس از گذراندن دوره‌ی افسری وظیفه که محل مأموریتش در شیراز بود، مجددا از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسرای شهرستان شیراز به آن شهر بازگشت. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بود، گذشته از برنامه‌ی روزانه، مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی و مدرسان دیگر فراگرفت. هنگام تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کرد و در خارج از محیط دانشکده هم به تحصیل پرداخت. در شیراز هم جامع المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومه‌ی سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد میرزا علی حکیم ادامه داد. اشتغال در دادگستری با روحیه‌اش سازگار نبود و به همین دلیل از این شغل استعفا نمود و به تهران بازگشت در تهران وی را دعوت به

همکاری در نخست وزیری کردند که در آنجا مشغول به کار شد (در سمت بازرس نخست وزیر) و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردید. رییس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رییس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرس سازمان بازرسی کل کشور در وزارت دادگستری، از آن پس بنا به تقاضای خودش بازنشسته شد.

از کودکی با تار و ویولن و سه‌تار آشنا شد و اساتیدی چون موسی و مرتضی نی‌داود به وی تعلیم دادند. گفتن شعر را از سن یازده سالگی شروع کرد و هدایت و تشویق پدرش موجب پیشرفت وی در شعر شد. از سال ۱۳۱۵ در انجن‌های ادبی رفت و آمد می‌کرد. در یکی از جلسات ادبی با فصیح‌الزمان رضوانی، شاعر شیرازی، آشنا شد و او را تخلص «طالع» را برایش انتخاب نمود ولی او هیچ وقت خود را مقید به قید تخلص نکرد. نخستین مجموعه‌ی غزلیات او در سال ۱۳۵۸ به نام سخن عشق منتشر گردید. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی و دو بیتی طبع آزمایی نمود. از وی منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه اطهار (ع) به جا مانده است. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است (این دو منظومه در یک کتاب در سال ۱۳۶۸ منتشر شد). کتاب دیگر او پرتو راز نام دارد که در مورد زندگانی پیامبر اسلام است که به اتفاق غلامحسین جواهری وجدی سروده شده است.

آثاری که از وی ترجمه شده است از این قرار است: دو کتاب از آندره موروآ به نام‌های: بررسی‌های ادبی و هفت صورت عشق و کتاب دیگری به نام نغمه‌پرداز نامرد (اثر فئودر داستایوسکی) که در روزنامه «ایران ما» به چاپ رسید.

ابوالحسن ورزی، شاعر بلند آوازه معاصر، فرزند مرحوم حسین ورزی است که سالها مصدر مشاغل بزرگ علمی، هنری و دولتی بوده که با اکثر رجال علم و هنر و سیاست حشر و نشر داشت است. ابوالحسن ورزی، از اوایل تأسیس رادیو، کم و بیش اشعارش وسیله هنرمندان در رادیو اجرا می‌شد، ولی در سال ۱۳۳۸ رسماً به رادیو رفت و اولین شعری که وی در این سال ساخت توسط مرحوم غلامحسین بنان در «بیات اصفهان» که آهنگ آن را مهندس همایون خرم ساخته بود، خوانده شد چنین بود: «آمد اما در نگاهش آن نوازش‌ها نبود» که بعدها چند خواننده دیگر، این شعر را در رادیو اجرا کردند.

ابوالحسن ورزی، از دوستان صمیمی و نزدیک شادروان داود پیرنیا بود و سال‌ها در بازرسی نخست وزیری، همکار یکدیگر بوده‌اند. این صمیمیت به حدی بود که روزی به عیادت داود پیرنیا که به واسطه بیماری قلبی چند روزی در منزل بستری بود به بالین پیرنیا حاضر می‌شود بلافاصله این دو بیت را برای وی می‌سازد:

گویند برنج تن فزوده است دلت

آرام و قرار ز نور بوده است دلت

ابوالحسن ورزی را باید به حق یکی از شعرای باارزش دوران اخیر به حساب آورد و این ادعا نیست بکله اشعار وی نمایانگر این مدعا است، به طوری که روزی در رادیو با مرحوم علی دشتی درباره شادروان رهی معیری مصاحبه بود، وقتی مصاحبه‌گر رادیو از ایشان پرسید «آقای دشتی شما بهترین غزلسرای امروز را چه کسی می‌دانید؟»

پاسخ داد: «ابوالحسن ورزی را کنار بگذارید، راجع به بقیه بفرمایید.»

وقتی از وی سؤال شد که: چرا ورزی را کنار بگذاریم؟»

پاسخ داد: «اگر تکفیرم نکنند، ابوالحسن ورزی سعدی و حافظ و مولانای زمان است.»

نگارنده وقتی در نشستی که با این شاعر گرانمایه داشتم و درباره زندگی‌نامه ایشان جویا گردیدم؟

از روی نوشته‌ای که قبلا آماده کرده بودند چنین بیان داشتند:

«من در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در تهران به دنیا آمدم. پدرم مرحوم حسین ورزی که صدای خوشی داشت، در روز اول دی‌ماه ۱۳۲۵ در تهران درگذشت و چند سال بعد از مرگ پدرم، مادرم شادروان بتول ورزی نیز برحمت ایزدی پیوست. دوران تحصیلی من، تا کلاس پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب بود، ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره اول دبیرستان را در شهر ساری و دور دوم دبیرستان را در مدرسه امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساندم. در آن زمان در دارالفنون دانشمندان برجسته‌ای مانند شادروانان فاضل تونی، بهمنیار، همایی، نصرالله فلسفی، دکتر سیاسی، حبیب یغمایی به تدریس اشتغال داشتند. در سال ۱۳۱۵ خورشیدی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران با رتبه شاگرد اولی موفق به اخذ درجه لیسانس در رشته قضایی شدم و تا آنجا که حافظه‌ام یاری می‌کند اساتیدی نظیر شادروانان: بروجردی (محمد عبده) رئیس محکمه انتظامی وزارت دادگستری، دکتر سیدعلی شایگان، دکتر زنگنه، آقا محمد شریعت سنگلجی، دکتر امامی، دکتر کریم سنجابی تدریس می‌کردند. اساتید خارجی من عبارت بودند از: موسیو فونتانا معلم حقوق رم و حقوق مدنی فرانسه و موسیو لافن معلم ادبیات.

پس از گذراندن دوره افسری وظیفه که خوشبختانه محل مأموریتم در شهر شیراز بود، مجدداً از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسرای شهرستان شیراز به آن شهر بازگشتم. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بودم، گذشته از برنامه روزانه مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی مرحوم شیخ ضیاءالدین دری و مدرس دیگر فراگرفتم. هنگام تحصیل در دانشکده حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کردم و در خارج از محیط دانشکده هم نزد استادان این فنون به تحصیل پرداختم. در شیراز هم جامع‌المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومه سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد حکیم محقق و دانشمندی چون میرزا علی حکیم ادامه دادم. از استاد حکیم تا آن زمان خبر داشتم که در دانشکده معقول و منقول مشغول تدریس بودند و بعد گویا به شیراز سفر می‌نمایند، که بازگشتی نداشته است و هنوز خبری از ایشان ندارم که آیا در قید حیات هستند یا نه، به هر صورت اگر زنده هستند خداوند به ایشان سعادت و سلامت عطا فرماید و اگر رحلت کرده‌اند برای ایشان آمرزش می‌طلبم.

اشتغال در دادگستری و شاهد گرفتاریهای مردم بودن و احکام شدید صادر کردن مغایر با روحیه من بود به همین دلیل از این شغل استعفا نموده و به تهران بازگشتم. در تهران مرا دعوت به همکاری در نخست‌وزیری کردند، که در آنجا مشغول به کار شدم و پس

از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردیدم:

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان شادروان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرس بازرسی کل کشور و از آن پس بنا به تقاضای خود بازنشسته شدم.

آشنایی من با شعر و ادب و موسیقی:

همان‌طوری که در مقدمه کتاب، (سخن عشق) نوشته‌ام، این آشنایی برای من از دوران کودکی آغاز شد. پدربزرگم مرحوم کاظم کمپانی مردی بسیار هوشمند و روشنفکر و آزاده بود و از مجتهد آزاداندیشی به نام مرحوم شیخ هادی نجم‌آبادی تقلید می‌کرد و در زمان قحطی از ثروت شخصی و محصولات املاکش کمک مؤثری به بینوایان می‌نمود، و ای کاش تمام افراد متمکن و ثروتمند از این شیوه پیروی می‌کردند و بنا به فرموده شیخ اجل سعدی بزرگوار:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

با وجود آنکه پدربزرگم مردی متدین بود هرگز مانع معاشرت پدر من با استادان موسیقی نظیر شادروان درویش خان و جناب دماوندی، حاج قربان‌خان و قراب نگردید. من از زمان کودکی با تار و ویولن و سه‌تار آشنایی داشتم، اساتیدی چون موسی نی‌داود و مرتضی نی‌داود به من تعلیم می‌دادند. از دوران جوانی با چهره‌های شاخص موسیقی ایرانی نظیر شادروانان: ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، ارسلان درگاهی، هرمزی، روح‌اللّه خالقی، کلنل علینقی وزیری، زاهدی، حاج علی‌اکبرخان شهنازی، حسین یاحقی، مشیر همایون شهردار، مرتضی محجوبی، غلامحسین بنان، لطف‌اللّه مجد، پروانه، قمرالملوک وزیری، روح‌انگیز، رضاقلی میرزا ظلی، رضا ورزنده، محمود کریمی، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری و محمودی خوانساری آشنایی و دوستی نزدیک داشتم، که بدبختانه همه آنها چهره در نقاب خاک کشیده‌اند، روحشان شاد باد!

شعر و شاعری:

همان‌طوری که قبلاً متذکر شدم مرحوم پدرم صدای بسیار دلنشینی داشت و در انتخاب و شناخت شعر بسیار با ذوق بود، پیوسته کوشش می‌کرد که بهترین غزلیات شعرای برجسته میهن‌مان نظیر: سعدی، حافظ، مولانا، جامی، عطار، سنائی و صائب را یادداشت نماید و به همین دلیل من از آغاز طفولیت که قلم به دست گرفتم و خواندن و نوشتن را آموختم با این غزلیات زیبا آشنا شدم و هر زمان که تنها بودم با خود زمزمه می‌کرد، تا هنگامی که تعطیلات تابستانی مدارس فرا رسید و من که سال پنجم دبستان ادب را تمام کرده بودم، با پدرم که مأموریت گرگان را داشت به مسافرت رفتم. این نخستین بار بود که دور از محیط گرم خانواده به جایی ناشناس و بیگانه می‌رفتم. با اینکه دیدن دریا و طبیعت و کوهستانهای سرسبز و جنگلهای با عظمت برایم بسیار جالب بود ولی غم غربت و تنهایی و دوری از خانواده و دوستان به خصوص اوقاتی که پدرم به مأموریت می‌رفت مرا بسیار ملول و افسرده می‌ساخت تا آنجا که به کنجی می‌نشستم و به یاد دوستان به خصوص مادرم که به حد پرستش او را دوست داشتم اشک می‌ریختم. این افسردگی و غم و درد مرا بر آن که احساسات خود را بوسیله شعر بیان کنم، در کتاب (سخن عشق) داستان برخورد پدرم را مفصلا بیان کرده‌ام، من گفتن شعر را از سن پانزده سالگی شروع کرده‌ام و هدایت و تشویق پدرم موجب پیشرفت من در شعر شد. خوب به یاد دارم شبی یکی از دوستان پدرم شعری از فرخی سیستانی را خواند که چنین بود:

خواستم از دلبری دو بوسه و گفتم

تربیتی کن ز آب لطف خسی را

گفت یکی بس بود اگر دو ستانی

خیره شوی کازموده‌ایم بسی را

عمر دوباره است بوسه من و هرگز

عمر دوباره نداده‌اند کسی را

و من در جواب چنین گفتم:

ای که ندادی به من دو بوسه و گفتی

«عمر دوباره نداده‌اند کسی را»

غافل از آنی که عیسی مریم

داد پس از مرگ جان تازه بسی را

بوسه تو کرده کار معجز عیسی

مرده عشقیم تازه کن نفسی را

یکی از محفل‌نشینان که از مالکان ثروتمند شمال بود وعده کرده بود که در مقابل این حاضر جوابی به من یک ساعت با زنجیر طلا بدهد که خوشبختاه به عهد خود وفا نکرد و مرا از زیر بار منت خود خلاص نمود، روانش شاد باد. در حقیقت چه کار نیکویی کرد وگرنه ممکن بود مرا به گرفتن هدیه از دیگران عادت دهد و به وارستگی و بی‌نیازی که مایه سرافرازی من است خللی وارد کند.

میدمد نور صفا از خانه‌ام

عشق چون شمعی است در کاشانه‌ام

فخر من این بس که با صدها نیاز

خم نشد از بار منت شانه‌ام...

بنابراین بهترین مشوق و نخستین آموزگار شعر من پدرم بود و از اینکه فرزندی شاعر به جامعه ادب ایران تحویل داده است به خود می‌بالید و شاید اگر من به عالیترین مقامات اداری و اجتماعی رسیده بودم آنقدرها مسرت و سرافرازی احساس نمی‌کرد.

تصور می‌کنم که در سال ۱۳۱۵ خورشیدی پای من به انجمن‌های ادبی باز شد در آن زمان تهران دارای سه یا چهار انجمن ادبی بیشتر نبود که یکی را شاهزاده محمدهاشم میرزا افسر و دومی را مرحوم ترجمان‌الممالک فرهنگ و سومی را وحید دستگردی اداره می‌کردند و بر اثر شرکت در مجالس فوق با ارکستر شعرای هم عصر خود آشنا و دوست شدم که مرگ آنها برایم بسیار دردناک و جانگداز بوده و هست، در یکی از جلسات ادبی با مرحوم فصیح‌الزمان رضوانی شاعر و واعظ و ادیب شیرازی گوینده غزل:

همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی

چه زیان ترا که من هم برسم به آرزویی

آشنا شدم و او تخلص (طالع) را برایم انتخاب نمود ولی من که هیچوقت خود را مقید به قید تخلص نکرده‌ام که مجبور شدم برای آوردن تخلص یک بیت اضافی و با تکلف بسازم، غزلهای خود را مانند گذشته بدون ذکر تخلص ساخته و می‌سازم.

من از دوران جوانی شروع به خواندن و تتبع در آثار شعرا و ادبای برجسته وطنم نمودم و به دقت آثار اساتید بزرگ را با بررسی، مطالعه و کسب فیض و معرفت کرده نهال ضعیف شعر خود را بارور ساختم.

در مورد شعرای معاصر خود:

با همه آنها دوستی نزدیک داشته‌ام و در حقیقت باید متذکر شوم که زمان ما یکی از ادوار بسیار درخشان و پربار ادب فارسی است و پس از مشروطه شعرا و ادبا و سخن‌شناسان بزرگی ظهور کرده‌اند که بدون تردید از مفاخر این سرزمین مقدس می‌باشند. چون تعداد شعرای معاصر که همه از دوستان نزدیک من هستند بسیار زیاد می باشند و به خاطر آنکه مبادا نام یکی از آنان از قلم شکسته این ضعیف بیافتند با عرض معذرت و پوزش نامی ذکر نمی‌کنم تنها از خدای یگانه طول عمر و عزت و کامرانی همه آنها را آرزو می‌نمایم و اظهارنظر در مورد شعرای معاصر را به آیندگان می‌سپارم و خود را در صلاحیت این امر نمی‌دانم.

نخستین مجموعه غزلیات من در سال ۱۳۵۸ به نام (سخن عشق) توسط انتشارات امیرکبیر منتشر گردید و پس از مدتی به کلی نایاب شد. مابقی غزلهای من از امروز از نظر کمیت به ۵ برابر مجموعه فوق می‌رسد. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیت‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی، دو بیتی، پیوسته طبع آزمایی کرده‌ام.

منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه‌اطهار علیهم‌السلام دارم. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است.

در مورد شعر و شاعری و قواعد و اصول و اساس و مبانی و مبادی آن من هم به همان تعریفی که از زمان ارسطاطالیس و بعد به وسیله حکمای بزرگ ایران چون: حکیم‌ابونصر فارابی، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه قطب‌الدین شیرازی و حکیم صدرالمتالهین شیرازی شده است اعتقاد دارم. در هنگام نوشتن این مقدمه خوشبختانه اثری منظوم بنام «پرتو راز» که در مورد زندگانی پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبداله صلی اللّٰه علیه و آله که به اتفاق دوست نازنین و شاعر شیرین سخن آقای غلامحسین جواهری وجدی سروده بودیم منتشر گردید که لطف این کتاب در دو تقریظ زیبا و پرمغزی است که وسیله دو تن از شعرای توانا و فحل زمان جناب آقای ابوتراب جلی استاد سخن شناس بزرگ و جناب آقای سعید نیاز کرمانی شاعر خوش قریحه زمان سروده شده است.

آشنایی با زبانهای بیگانه:

از زبانهای خارجی انگلیسی را باندازه رفع احتیاجات می‌دانم ولی زبان فرانسه را در زمان کودکی نزد معلمین فرانسوی آموختم. زیرا در سال ۱۳۵۹ که پدرم مأمور در استان مازندران بود و من در کلاس دوم دبیرستان به تحصیل اشتغال داشتم. یک روز به مادرم اطلاع دادند که یک خانم فرانسوی به نام مادام ژاکولت که وسیله فرمانفرما برای آموختن زبان فرانسه به فرزندانش به ایران آمده بود و دیگر نیازی به او نداشتند با فقر و پریشانی در ساری زندگی می‌کند. مادرم که بانویی مهربان و پر از رحم و شفقت بود آن خانم را به خانه ما آورد و برای اینکه احساس غربت و تنهایی نکند همانند یک عضو خانواده غذای روزانه را با ما صرف می‌کرد و در عوض زبان فرانسه را به من آموخت و در نتیجه پیشرفت زیادی در این زبان کردم و پس از اینکه به تهران آمدم زبان فرانسه را در خارج از مدرسه نزد یک بانوی فرانسوی دیگر به نام مادام توماسن و بعد نزد معلم دیگری که یک مرد فرانسوی بود ادامه دادم و بعدها بر اثر خواندن متون داستاهای ادبی و تاریخی از نویسندگان برجسته فرانسه به این زبان تسلط کامل پیدا کردم و به ترجمه آثاری از این زبان پرداختم:

دو کتاب از نویسنده نامدار فرانسه آندره موروا بنامهای: «بررسی‌های ادبی» و «هفت صورت عشق» ترجمه کردم که عشقهای مختلف را در ادبیات فرانسه نشان می‌داد. نظیر: «عشق افلاطونی»، «عشقهای شوالیه‌ها» و عشقهای هوس‌انگیز مانند: «ژولی ژان‌ژاک روسو» و انواع دیگر عشقها که از مادام لافایت نویسنده معروف بود و عشقی را که شرح می‌داد اول بیوگرافی کوتاهی از نویسنده داستان می‌نوشت و سپس خلاصه داستانی را که منظور نظر او بود با قلم سحار خود شرح می‌داد.

کتاب دیگری نیز از نویسنده برجسته و نامدار روس یعنی فئودور داستایوسکی که به زبان فرانسه برگردانده شده بود به نام «نیه‌تو چکانبتروانف» که نام قهرمان داستان است. به نام «نغمه‌پرداز نامرد» ترجمه کردم که در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است.

تعدادی شعر هم به زبان فرانسه سروده‌ام و بیشتر شاهکارهای ادبی شعرای بزرگ فرانسه را نیز خوانده‌ام. از نویسندگان و شعرای فرانسه به آثار ویکتورهوگو، بالزاک، آلفرد دووینی، آلفرد دوموسه، لامارتین، پل ورلن، رمبو، بودلر، مارسل پروست، راسین، مولیر ژرژسان، کرنی، آندره موروآ، آندره ژید، آندره مالرو و آناتول فرانس و برخی دیگر بسیار علاقمندم و از مطالعه آنها لذتی عمیق در خود احساس می‌کنم:

سیر و سیاحت:

از دوارن جوانی علاقه فراوان به سیر و سیاحت داشتم که به منظور دیدن آثار تاریخی و باستانی جهان سفری به دور دنیا کردم که بسیار جالب توجه بود. ضمنا چندین بار به آمریکا و یک‌بار به روسیه و سوئد و سوئیس و بارها به لندن سفر کرده‌ام ولی هر بار عاشق بازگشت به وطنم بودم. یکی از آرزوهای بزرگم سفر به کربلا و نجف اشرف است که امیدوارم خدای بزرگ نصیبم نماید.

در خاتمه از دوست هنرمند و موسیقی‌دان و هنرشناسم آقای رضاقلی میرزای سالور قاجار متخلص به شهرام و دوست شاعرم آقای رضا تفقدراد که در جمع‌آوری اشعار با من یاریهای فراوان کرده‌اند نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم.

از جهان هرکس رود از خود گذارد یادگاری

از من این اوراق رنگین است تنها یادگارم

ابوالحسن ورزی، دارای همسر و دو پسر به نام‌های مهدی و حمید ورزی و یک دختر به نام فریناز ورزی می‌باشد که هر سه نفر ازدواج کرده‌اند و آقای ابوالحسن ورزی و خانم فرح ورزی همسر ایشان صاحب هفت نوه می‌باشند که خداوند این خانواده باتقوا و فرهنگ را حفظ فرماید. ابوالحسن ورزی به شعر «با پیرهن سبز» خود که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد بسیار علاقمند می‌باشد.

«با پیرهن سبز»

زیبا چمنی بود پر از لاله و نسرین

با پیرهن سبز که آن روز به تن داشت

صد خرمن گل ریخت بدامان خیالم

آن غنچه خاموش که آهنگ سخن داشت

آغوش گشودم که چو جان در برم آید

بگریخت چو مرغی که گریزنده ز دام است

چون دید تب‌آلوده نگاه هوسم را

دانست ز پا تا سر من تشنه کام است

میراند مرا از خود و می‌گفت که حیف است

آلوده شود عشق من و تو بگناهی

گفتم ز تو ای چشمه جوشان هوس‌ها!

قانع نتوان بود به اشکی و نگاهی

هرچند که می‌راند مرا با سخن سرد

خود سوخته از آتش سودا چو شرر بود

می‌گفت اگر طالب عشقی مطلب کام

اما بزبان نگهش حرف دگر بود

پرخاش بلب داشت ولی عشق و تمنا

می‌تافت چو برق از نگه‌گاه بگاهش

می خواست بپوشد ز من این راز ولیکن

لبریز هوس بود گریزنده نگاهش

یک بوسه به من داد و لیکن بدو صد ناز

یک بوسه که می‌سوخت دهانرا و نفس را

در وسوسه افتاد و شنیدم ز نگاهش

فریاد پشیمانی و غوغای هوس را

زان شربت نوشین که از آن بوسه چشیدم

افروخته‌تر گشت شرار هوس ما

پرهیز ز من داشت ولی گرمی آغوش

چو شعله سوزنده عیان از نفسش بود

هنگامه بپا کرد در آن چشم هوسنامک

جنگی که میان دل او با هوسش بود

پیروزی از آن دل من شد که در این جنگ

مغلوب هوس گشت و بآغوش من افتاد

زد حلقه به پشتم چو یکی مار غضبناک

آن بازوی بی‌تاب که بر دوش من افتاد

چهارشنبه ۲۵ آذرماه ۱۳۳۶

«مستی رؤیا»

آمد اما در نگاهش آن نوازشها نبود

چشم خواب آلوده‌اش را مستی رویا نبود

نقش عشق و آرزو از چهره دل شسته بود

عکس شیدایی در آن آئینه سیما نبود

لب همان لب بود اما بوسه‌اش گرمی نداشت

دل همان دل بود اما مست و بی‌پروا نبود

در دل بیزار من جز بیم رسوایی نداشت

گرچه روزی هم‌نشین جز با من رسوا نبود

دیدم آن چشم درخشان را ولی در آن صدف

گوهر اشکی که من می‌خواستم پیدا نبود

در نگاه سرد او غوغای دل خاموش بود

برق چشمش را نشان از آتش سودا نبود

هر لب لرزان من فریاد دل خاموش شد

آخر تنها امید جان من تنها نبود

جز من و او دیگری هم بود اما ای دریغ

آگه از حال دلم زان درد جانفرسا نبود

ای نداده خوشه‌ای زان خرمن زیباییم

تا نبودی در کنارم زندگی زیبا نبود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از بهار تا شهریار (۴۹۵ -۴۹۲/ ۲)، تاریخ موسیقی (۵۸۶/ ۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۱ -۶۹۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۵۸ -۳۸۵۲/ ۶)، سیمای هنرمندان (۲۳۵، ۲۳۴، ۱۵۹، ۱۳۰/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مردان موسیقی (۵۵۷ -۵۴۷/ ۳).

ورعی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد ورعی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در تهران متولد شدم. به تشویق مرحوم پدرم با علوم و معارف اسلامی آشنا شده و پس از دروس متوسطه در سال ۱۳۶۱ رسماً وارد حوزه علمیه شرق تهران شدم. همزمان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی را گذراندم. در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیّه قم شدم و سطوح عالی را در حضور حضرات آیات استادی، اعتمادی، ستوده، طاهری خرم آبادی، قدیری و محقق داماد گذراندم و در سال ۱۳۶۹ وارد مقطع درس خارج شدم. خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، موسوی اردبیلی، سید کاظم حائری، و صانعی و بیش از همه به طور پیوسته شبیری زنجانی کسب فیض نمودم. در دروس تفسیر، فلسفه و عرفان نظری اساتید معظم حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی نیز شرکت جستم. در ده سال اخیر برای فعّالیّت علمی و پژوهشی خود رشته فقه را با گرایش اجتماعی سیاسی، انتخاب نموده و در کنار تدریس سطوح عالی رشته فقه و اصول، به تحقیق و تالیف پرداختم. اینک بیشترین فعّالیّتم در تدریس، تحقیق و تالیف متمرکز شده است. تبیین و تدریس اندیشه های فقهی و سیاسی رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی در دوره های آموزشی موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی از دیگر فعّالیّت های اینجانب است.

ورنو سفادرانی سدهی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمّد کاظم ورنوسفادرانی. عالم فاضل متبحّر، مؤلّف تفسیر مختصری است بر قرآن کریم، و در اوّل آن گوید: تفسیر بعضی از کلمات قرآن است و قرائت و صیغه و عدد آیات و حروف آن، تاریخ فراغت: سلخ ذی قعده ۱۲۴۱.

فرزندش محمّد مهدی نام داشته، و او این تفسیر را وقف نموده است در سال ۱۲۶۳.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

وزیرنیا، سیما

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سیما وزیر نیا در حیطه زبان آموزی و زبان شناسی فعالیت می کند . او آثار متعددی در آن موارد دارد که حائز اهمیت می باشند . وی در آثارخود از دیدگاه روان شناسی به ادبیات می نگرد ، بدان علت آثار او درمیان اصحاب قلم و دانشمندان مورد توجه

قرار گرفته است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیما وزیرنیا در رشته روانشناسی و ادبیات فارسی تحصیل کرده است.

فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی سیما وزیر نیا را می توان در حیطه زبان شناسی خلاصه کرد . و صراحت دراصطلاح یابی نیست . وی در حوزه نگاه به ذهن انسان بوده است . وزیرنیا درحیطه ای فعالیت دارد که معتقد است اگر رابطه نماینده ونموده نوعی مشابهت باشد ،نماد است . اگر تنها قرار داد باشد ،نشانه است . پس ازنظر وی نماد درواقع نوعی نشانه است . وزیرنیا درباره آموزش زبان کتاب های فارسی دوره راهنمایی را تالیف کرده است که درآنها ازاطلاعا ت نظری مربوط به زبان آموزی که مبتنی بر اصول زبان شناسی و روان شناسی آموزش می باشد استفاده کرده است .اودرزمینه آموزش مهارت های زبان نیز فعالیت هایی انجام داده است . وی درمورد آموزش زبان دستگاهی ارائه داده که دارای نظم و اصول علمی است . این شیوه آموزش مبتنی است بر رویکرد کل نگر،که در آن باید آموزش زبان دربافت آموزش مواد دیگری همانند هنر ،مطالعات اجتماعی دیده می شود و از سوی دیگر آغاز آموزش با کلمه و جمله باشد و سپس به صداهای زبان برسد . در این شیوه پیش از آموزش صداها بر تامین مواد خواندنی و پرورش مهارت خواندنی تاکید می شود . ویژگی دیگراین روش ادغام روش کارکرد ی یا روش مهارتی است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیما وزیرنیا ابتدا زبان شناسی را به عنوان پدیده ای جذاب و نیز وسیله ای برای نوشتن می دانست و بدین گونه فعالیت روزمره اش شکل می گرفت ،اما بعد از مدتی که به عنوان پژوهشگر وارد عرصه زبان شناسی گردید به مباحث مختلف مربوط به رشد زبان پرداخت وبه نقش کودکان درآن موارد اشاره مفیدی داشته است .

آرا و گرایشهای خاص : سیما وزیر نیا درباره زبان شناسی معتقد است که در زبان شناخت ،زبان دربافت آن یعنی مباحث مرتبط با آن مطالعه شده و از این رو بخشی از پیچیدگی موضوع نمایانده شده است اما خیلی به کنه مسئله خود زبان توجه نشده است . او بر این نظر است که ادبیات همچون زبان کار کرد ارتباطی دارد ،چون برای مخاطب یا مخاطبانی نوشته می شود ،این درحالی است که بعضی اشکال زبان ماتند زبان خود محور زبان درونی کارکرد ارتباطی ندارند . ازسوی دیگر ، یکسره فاقد عناصر زیبایی نیست . عناصری از نوع کنایات و استعاره های زبانی مانند :درد دل ، درد‌هن ، سر کوه و پاشنه در در زبان فراوان اند . ادبیات تنها این عناصر را پر رنگ ترو هنری تر می کند . اصولا جدا کردن این دو مقوله ،یعنی ادبیات و زبان از هم بااستفاده از نشانه های ویژه ، محصول ساده گری و نوعی کاهش گرایی است . چون ساده گری همیشه عناصری عمده از موضوع را نا دیده می گیرد و با حذف می کند .

چگونگی عرضه آثار : بیش از هجده عنوان کتاب در سه حوزه ادبیات و آموزش، روانشناسی، زبانشناسی و نقد ادبی از سیما وزیر نیا چاپ و منتشر شده است. وی در خصوص کتاب زیبا شناخت می گوید: در کتاب «زبانشناخت» زبان از ابعاد گوناگون مورد بررسی واقع شده و اساساً سبک کار این نیست که از نظریه خاصی در زبانشناسی پیروی بکند. این کتاب زبانشناسی تخصصی صرف نیست، بلکه ارتباط زبان را با مسائل گوناگونی (مثل روانشناسی، ارتباط و رویکردهای متفاوت در آموزش زبان و رشد زبان از جنبه های مختلف) مورد بررسی قرار داده است \. در زمینه کتاب روانشناسی تحلیلی یونگ نیز اینگونه میگیود: * عنوان دقیق کتاب «کیمیاگر برج بولینگن» است. این نام از برجی که یونگ در محله سکونت اش ساخت، گرفته شده است. این برج، یک برج سنگی بود که هر بخش آن نمادی از ناخود آگاه جمعی بود و سال های آخر عمرش را یونگ در آن برج با شیوه ای ابتدایی و خاص خودش گذراند. یونگ روانکاو بزرگی است و دیدگاههایش علاوه بر این که در زمینه روانشناسی و روانکاوی مورد توجه بود، در حوزه نقد ادبی و هنری و نماد شناسی هم تأثیر گذار بود. بطوری که در سالهای خاص، شاخه ای از نقد ادبی که متأثر از دیدگاه او بود، پدید آمد. زبان یونگ بسیار دشوار و تفکرش بسیار سخت است چون در حوزه های متعددی مثل اسطوره شناسی، ادبیات دینی، کیمیاگری و... تأثیر گذار بوده، ترجمه آثارش نیز بسیار دشوار است، هرچند ترجمه های خوبی هم از برخی آثارش عرضه شده است. اما هدف من از تألیف این کتاب این بود که یونگ را برای خواننده ای که شاید نخواهد همه آثار او را چندبار مطالعه کند تا پی به افکار ودیدگاههایش ببرد، معرفی کنم \. وی مورد «تاریخ بیهقی» نیز کتابی نوشته اند که درباره آن اینچنین توضیح میدهند: * عنوان اصلی این کتاب در واقع این است، «اوضاع اجتماعی عصر غزنوی در آیینه تاریخ بیهقی». اما با توجه به بحث هایی که در این کتاب شده، اوضاع اجتماعی دوران بیهقی بررسی می شود و مسائل حاشیه ای اثر، مثل ویژگی های زبانی، لحن طنز آمیز بیهقی و جنبه های دیگر آن مورد کالبد شکافی قرار می گیرد. کتاب «داستان یک سفر عجیب» کتاب داستان بلندی برای نوجوانان است که به شیوه علمی ـ تخیلی است و در پس زمینه کتاب به شیوه ای خاص اطلاعات نجومی در اختیار خواننده قرار می گیرد. این کتاب، داستان نوجوانی است که در عالم خیال دست به سفر به سیارات گوناگون می زند. آثار :

۱ خود آموز هدفدار فارسی

ویژگی اثر : این کتاب درسه جلد و توسط وزیر نیا و همکارانش تهیه و تدوین یافت است .

۲ خود باوری بر اساس مکتب عقلی ـ عاطفی

ویژگی اثر : وزیر نیا این کتاب را با همکاری همکاران و توسط انتشارات سهند به چاپ رسانده است .

۳ داستان یک سفر عجیب

ویژگی اثر : این کتاب داستانی برای نوجوانان می باشد و به همت نشر معیار به چاپ رسیده است

۴ داستان یک سفر عجیب

ویژگی اثر : در دست چاپ

۵ در آینه تاریخ بیهقی

ویژگی اثر : این کتاب وزیر نیا توسط نشر سهند به چاپ رسیده است

۶ دیداری دیگر با شازده کوچولو

ویژگی اثر : این کتاب داستانی برای نوجوانان می باشد وتوسط نشر شورا به چاپ رسیده است .

۷ روان شناسی اعماق (تحلیلی)

ویژگی اثر : این کتاب به بررسی روان شناسی یونگ بسیار پیچیده و دشوار است . بیان تمیثیلی و ادیبانه همراه با مباحث اسطوره شناسی ، کیمیا گری و صبغه فلسفی دشواری آن را دو چندان کرده است . به علاوه تکرار و اطناب که محصول اضافه شدن شیوه های مشهودی برنظام تجربی یونگ است بر این دشواریها می افزاید . انگیزه وزیر نیا درتالیف این کتاب آن بوده که برای علاقمندان به نظام اندیشه یونگ که امروزه دنیای روا ن شناسی متوجه آن است دستیابی به آن افکار را ممکن می سازد .

۸ روانشناسی تحلیلی یونگ

ویژگی اثر : در دست چاپ

۹ روانشناسی خود باوری (در مکتب عقلی و عاطفی)

۱۰ زبان شناخت

ویژگی اثر : این کتاب شناختی است چندوجهی اززبان ، که به مباحث مربوط به روان شناسی تربیتی و تجربی،روان شناسی آموزش ،روان شناسی بالینی ،زیست شناسی ،ارتباط شناسی ومواردی از این دست می پردازد .

۱۱ زیر سپهر آب سهراب

ویژگی اثر : در این کتاب فصلی مربوط به تحلیل روانکاوانه شعر سهراب از دید و روان شناختی تحلیلی بوده است . وزیر نیا در این کتاب نشانه های فرآیند کمال شخصیت را باتوجه به الگوی «فردانیت » یونگ را در شعر سهراب سپهری پی گرفته است .

۱۲ فارسی اول تا سوم راهنمایی

ویژگی اثر : وزیر نیا این کتاب را با همکاری همکارانش و توسط سازمان کتابهای درسی منتشر ساخته است .

۱۳ نقاشی کودک

ویژگی اثر : مخاطبان این کتاب اولیا ءو مربیان هستند. نقاشی کودک بیشتراز این جهت که یک نوع شیوه بیان است ودرضمن از جهاتی با زبان سنخیت دارد و درمراحل رشد شناخت و همراه با رشد کارکردهای نمادین ظاهرمی شود ، قابل توجه است . وزیرنیا بیان می دارد که نقاشی زبان کودک است . گاه موازی با آن است و گاه امتداد آن رشد زبان کودک از شیرین ترین و شگفت ترین پدیده ها می باشد .

۱۴ نوشتن و سخن گفتن

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه وتالیف وزیر نیا بوده وتوسط انتشارات مدرسه به چاپ رسیده است . منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

وزیری یزدی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی محمد وزیری یزدی از خطباء نامی و ادباء سامی و محدثین بزرگ معاصر استان یزد می‌باشند.

وی در سال ۱۳۷۰ شمسی هجری در یزد متولد شده و در بیت فضل و شرف و تقوا و ورع پرورش یافته و در سنین صبا به تحصیل علوم فارسی و ادبی و پس از آن علوم عربی و ادبیات تازی پرداخته و از محضر بزرگان دانشمندان استفاده علم و کمال نموده و از خرمن دانش آنان خوشه‌ها اندوخته و خلاصه از هر باغ گلی و از هر بلبل نوائی آموخته و مسافرتهای عدیده به شیراز و کرمان و تهران و خراسان و قم و اصفهان و اعتاب عالیات نموده و در همه جا به محضر بزرگان علم و مراجع بزرگ و آیات عظام و دانشمندان عالی‌مقام رسیده و از هر کدام اثر مخطوطی با عکسشان به یادگار گرفته و آن را به صورت کتابی درآورده که این نگارنده در مدت یک هفته فهرست و مقدمه‌ای بر آن نوشته و بعد هم جناب دانشمند ارجمند آقای حاج سید احمد اشکوری نجفی آن را مرتب و منظم و به شکل کتاب نفیسی درآورده که اکنون از مخطوطات نفیسه و گرانقدر آقای وزیری می‌باشد و بناء دارند آن را به طبع رسانند معظم‌له از غالب مراجع و بزرگان حدیث اجازه روایتی و حدیث دارند و از راه منبر و تبلیغ خدمات بسیار ارزنده‌ای به دین اسلام و مذهب حقه جعفری نموده و در هر حال در رفع نیازمندیها و حل مشکلات مردم آنی غافل نبوده و هم‌اکنون نیز با وجود کبر سن که حدود هشتاد و پنجسال از عمر وی می‌گذرد روحش با نشاط و فکرش پرمایه و تحرک و سازندگی از وجناتش نمودار است.

عادتش بر این است که پاسخ دوستان و نزدیکان را با کلام منظوم و سخن موزون ادا کند گویا طبع نازک او را با مایه اشعار مناسب حال آفریده‌اند همواره با زبان حال گویای این دو واقعیت است.

۱- عبادت به جز خدمت خلق نیست.

۲- دو فرزند دلبندم که بدانها عشق می‌ورزم یکی کتابخانه و دیگر مدارس است که خودم آنها را پایه‌گذاری کردم زبان حالش نیز موید و ترجمان او است.

زیرا عزیزترین و نفیس‌ترین سرمایه مادی و معنوی خود را به قصد خدمت به همشهریان خود در اختیار همگان گذارده یعنی در سال ۱۳۲۴ شمسی نزدیک به هزار جلد از کتبی که به منزله نور دیدگان او بودند در حجره‌ای داخل مسجد جامع که مقبره والد ماجدش نیز در آنجا بود می‌سپارد و بنام (کتابخانه وزیری) با دستیاری چند تن از دوستان خود آن را اداره می‌کند اما برای جمع و

تکثیر کتاب لحظه‌ای از پای نمی‌نشینید و در برخورد با دوستان و آشنایان و اشراف و احیانا صاحب کتب خطی با زبانی خوش و سخنانی دلفریب برای نفع عموم کتاب از آنها می‌گیرد. کتابداران نیز به قصد قربت گاهی کتب نفیسه خود را به این کتابخانه هدیه می‌کنند.

کتابخانه وزیری که از آثار این روحانی خدمتگذار است در حال تحریر این ترجمه دارای بالغ بر بیست و شش هزار کتاب چاپی و چهارهزار کتب نفیس خطی می‌باشد.

۳- از آثار خیر و باقیات الصالحات دیگر آن جناب احیاء و تعمیر و مرمت مسجد جامع یزد است.

این مسجد باعظمت و کم‌نظیر در قرن هشتم هجری به دست شخص نیکوکار و بزرگواری به نام سید رکن‌الدین پایه‌گذاری شد ولی به واسطه مرور زمان و نرسیدن متولیان آن اخیرا به وضع نابسامانی درآمده بود و آثار فرسودگی و ویرانی از همه جای آن نمودار بود.

آقای وزیری از این وضع تاسف‌انگیز رنج می‌برد زیرا این مسجد نه تنها چشم و چراغ یزد بلکه ایران بود عاقبت در سال ۱۳۲۷ شمسی جمعی از یاران و نیکان را گرد هم آورده و انجمنی بنام (هیئت حامیان مسجد جامع یزد) تشکیل داد و در اندک زمانی با راهنمائیهای ایشان این هیئت توانست مسجد جامع را که از شکل افتاده بود به صورت اولیه بیرون بیاورد و با همان کاشیهای ظریف و نقش و نگارهای بدیع جلوه خود را از سر گیرد و مرجع مشتاقان آثار باستانی و جهانگردان گردد.

از این‌رو باید معظم‌له را (محیی و مجدد این بنای افتخارآفرین نامید)

۴- از کارهای خیر دیگر مترجم گرامی ما ایجاد و سرپرستی دبستانها و مدارس راهنمائی و دبیرستانست که با نظارت وی به دست مدیران لایق و معلمان فاضل اداره می‌شود.

جناب آقای وزیری همه ساله مبالغی به عنوان پاداش و هدیه به دانش‌آموزان بی‌بضاعت و ممتاز و معلمانی که به واسطه کمبود و ذخیره مالی در تهیه مقدمات و وسائل ازدواج قادر نباشند به دست خود عطا می‌کند و هر ساله به هر یک از معلمان و محصلان مدارس خود کتابی سودمند همراه با سکه‌هائی عیدی می‌دهند.

۵- اقدام به طبع و نشر کتب مفیده مخطوطه که به همت و تشریک مساعی جمیله او به طبع رسیده و در اختیار همگان قرار گرفته است و از آنهائی که به اطلاع نگارند رسیده کتب زیر است.

۱- معادن‌الحکمه فی مکاتیب‌الائمه در دو مجلد تألیف علامه بزرگوار و محدث عالی مقدار جناب محمد بن ملامحسن فیض معروف (به علم‌الهدی) فیض که نسخه خطی آن از مخطوطات نفیسه کتابخانه آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله بود و آقای وزیری که عاشق این گونه کتاب می‌باشند بعد از اطلاع آن برای کتابخانه خود استنساخ سپس به تشویق و تشریک مساعی جمیله آیت‌اللّه مرعشی اقدام به طبع آن نمود که با تعلیقات و (استخراج مصادر) نگارنده و جناب دانشمند گرامی آقای مصباح یزدی و جناب فاضل متبحر آقای علی‌اکبر غفاری و مقدمه نفیسه حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی مطبوع و منتشر می‌باشد.

۲- محضرالشهود فی ردالیهود تألیف حاج بابای قزوینی یزدی جدیدالاسلام (دومین نشریه‌ای) که ایشان در نجف اشرف به طبع رسانیده‌اند.

۳- مجموعه وزیری که در تحت طبع می‌باشد و از آثار شعری و طبع موزون معظم‌له می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

وزین‌پور، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۱ فروردین ۱۳۰۵.

درگذشت: ۲۶ خرداد ۱۳۷۵.

نادر وزین‌پور در جوانی با چاپ مقاله‌های ادبی ادر نشریان آن زمان به عرصه فرهنگ وارد شد. نخستین کتاب وی سایه امید مجموعه‌ای از داستان است که در سال ۱۳۳۲ منتشر شد. پس از اخذ لیسانس برای شرکت در دوره‌ی آموزش زبان انگلیسی به آمریکا سفر کرد و گواهی تدریس زبان انگلیسی را ازمراجع علمی آمریکا دریافت کرد. وی موفق شد که در سال ۱۳۴۵ دکترای خود را از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران اخذ نماید. پایان‌نامه دکترای وی «بررسی صرف افعال در زبان ترکی» و مقایسه با افعال فارسی نام داشت.

ترجمه‌ی کتاب انفجار جمعیت از جمله آثاری است که ایشان به فارسی برگردانده‌اند. دکتر وزین‌پور مدتی در مدیریت گروه ادبی دانشگاه تربیت مدرس به خدمت مشغول بود. دو کتاب برگزیده‌ی قصاید حکیم ناصر خسرو قبادیانی و شرح یوسف و زلیخای هفت اورنگ جامی را در مجموعه شاهکارهای ادبی فارسی منتشر کرد. در سال ۱۳۵۶ کتاب دستور زبان فارسی را برای دانشجویان تألیف نمود. از آثار دیگر ایشان می توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: آفتاب معنوی (گزیده چهل داستان از مثنوی)؛ بر سمند سخن؛ مدح؛ داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی؛ برگزیده و شرح ناصر خسرو؛ سفرنامه‌ی ناصر خسرو (۱۳۵۰)؛ عشق‌های نافرجام (توضیح و تفسیر منظومه‌های عاشقانه کهن ادب فارسی مانند لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد،... که ناتمام مانده است)، ساختمان فعل در زبان ترکی از دیدگاه زبان شناسی (۱۳۴۸)؛ مقاله هایی نیز از وی در مجله‌های ادبی در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۰ منتشر شده است.

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده:–، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دستور زبان فارسی، سفرنامه ناصرخسرو، ادبی، تحقیقی، تدریس در دانشگاههای ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، تحقیقی، آفتاب معنوی، برسمند سخن، سفرنامه ناصرخسرو، دستور زبان فارسی، یوسف و زلیخا، ۱۶ قصیده از ناصرخسرو، دستور زبان ترکی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

دستور زبان فارسی، ادبی، تحقیقی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وشمگیر دیلمی، شمس‌المعالی، ابوالحسن قابوس

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۰۳ -۳۶۶ ق)، ادیب، دانشمند، خطاط و شاعر. از سلسله‌ی آل زیار و از پادشاهان ادب‌پرور زمان خود بود که بسیاری از شاعران فارسی و عربی زبان، حکما و دانشمدان تحت حمایت او به سر می‌بردند. پایتخت او از مراکز علم و ادب آن روزگار به حساب می‌آمد و شعرایی چون: خسروی سرخسی و قمری گرگانی و دانشمندانی چون: ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا به دربارش رفت و آمد داشتند. ابوریحان بیرونی کتاب معروف خود «آثار الباقیه» را در ۳۹۰ ق به نام قابوس تألیف کرد. قابوس به عربی و فارسی شعر می‌سرود و در فن انشاء نثر عربی مهارت داشت. در زمینه‌ی خط نیز ماهر بود و خط ثلث و نسخ او در نهایت خوبی بود.گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید به بال و پر طاوس تشبیه می‌کرد و می‌گفت: «هذا خط قابوس ام‌جناح طاوس». قابوس به نثر عربی رسائلی دارد که ابوالحسن علی بن محمد یزدادی آن را جمع‌آوری کرده و نام آن را «کمال البلاغه»گذاشته است. ابن‌اسفندیار در «تاریخ طبرستان» خود قطعاتی از آن را آورده است.وی عاقبت بر اثر شورش لشکریان خود به زندان افتاد و چندی بعد به قتل رسید. از شعر فارسی او تنها ابیاتی شامل: قطعه و رباعی در تذکره‌ها باقی است. در «ریحانه» کتاب «قابوس‌نامه»، که از آثار عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس برای فرزندش گیلان‌شاه می‌باشد، به نام قابوس ذکر شده است.[۱]

(مقتول ۴۰۳ ق)، نویسنده، شاعر و خطاط. چهارمین امیر گرگان و طبرستان و گیلان و دیلمان و مردی ادیب و ادیب‌پرور بود. بزرگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و ابن‌هندو به دربار او راه یافتند، و ابوریحان کتاب «آثار الباقیه» را به نام او نوشت. گروه بسیاری از شعرا و سخنوران نیز او را ستوده‌اند. وی پس از پناه دادن به فخرالدوله‌ی دیلمی که از خویشان نزدیکش بود، مورد تهاجم برادران فخرالدوله، عضدالدوله و مؤیدالدوله قرار گرفت و شکست خورد و از سال ۳۷۱ تا سال ۳۸۸ ق به خراسان پناه برد، و با وجود مساعدت نوح بن منصور سامانی موفقیتی به دست نیاورد. در سال ۳۸۸ ق مجدداً بر گرگان و طبرستان و گیلان مسلط گشت و در سال ۴۰۳ ق به توطئه‌ی بعضی از سردارانش اسیر و مقتول شد و در اطراف گرگان به خاک سپرده شد. بعد از او پسرش، فلک المعالی منوچهر، جای او را گرفت. امیر قابوس از نویسندگان بزرگ عهد خود بود و رسائلی از او به عربی و اشعاری به عربی و فارسی باقی مانده است. مجموعه‌ی رسائل او را ابوالحسن علی بن محمد یزدادی گردآوری کرده است که به «کمال البلاغه» موسوم است و به چاپ رسیده است. خط نسخ را نیکو می‌نوشت و می‌گویند هرگاه صاحب بن عباد خط او را می‌دید می‌گفت: «هذا خط قابوس أم جناح طاووس».[۲]

(معمر. کاوس (ه.م)) ابن وشمگیر بن زیار مکنی به ابوالحسن و ملقب به شمس‌المعالی، از پادشاهان آل‌زیار (جل. ۳۶۶ ه.ق- عزل ۳۷۱ ه.ق جل. مجدد ۳۸۸ ه.ق- مقت. ۴۳۳ ه.ق). وی پس از برادر خود بیستون ابن وشمگیر بر تخت جلوس کرد. در همین سال رکن‌الدوله درگذشت و قلمرو او میان سه پسرش: عضدالدوله، مؤیدالدوله و فخرالدوله تقسیم شد. عضدالدوله و مؤیدالدوله در ملک فخرالدوله طمع کردند و جنگی درگرفت و سرانجام فخرالدوله به طبرستان گریخت و به قابوس- که شوهرخاله‌ی او بود- پناه برد. عضدالدوله و مؤیدالدوله به قابوس پیغام دادند که فخرالدوله را به ایشان تحویل دهد، ولی او نپذیرفت، در نتیجه بهانه‌ای برای لشکرکشی عضدالدوله به طبرستان و گرگان فراهم آمد، و چون قابوس تاب مقاومت نداشت، پس از مختصر جنگی در نزدیکی استراباد منهزم شد و با فخرالدوله به خراسان گریخت (سال ۳۷۱ ه.ق). حکومت خراسان از طرف سامانیان در این تاریخ به

حسام‌الدوله تاش بود. وی از جانب نوح بن منصور سامانی مأموریت یافت که قابوس و فخرالدوله را مدد کند. حسام‌الدوله و امیر فائق گرگان را محاصره کردند، ولی مؤیدالدوله با دادن رشوه‌ی بسیار به فائق او را بفریفت تا در اثنای جنگ فرار کرد، و دیگران نیز تاب پایداری نیاورده شکست خوردند و لشکریان سامانی کاری از پیش نبردند. قابوس پس از چهار سال سلطنت، در حدود ۱۸ سال (۳۸۸ -۳۷۱ ه.ق) از امارت محروم بود و در این مدت در خراسان در پناه سامانیان می‌زیست. اما فخرالدوله چون برادرش عضدالدوله به سال ۳۷۱ ه.ق و برادر دیگرش مؤیدالدوله به سال ۳۷۳ مردند، به دعوت صاحب بن عباد وزیر مؤیدالدوله از خراسان به ری آمد و به جای برادر نشست، ولی گرگان را به جای آنکه به قابوس واگذار کند، به ابوالعباس حسام‌الدوله تاش واگذاشت، و آن ولایت همچنان تا سال ۳۸۸ در دست عمال آل‌بویه بماند. پس از مرگ صاحب بن عباد (۳۸۵) و وفات فخرالدوله (۳۸۷) در احوال دیلمیان عراق ضعف و ناتوانی ظهور کرد و جانشینی فخرالدوله به پسر خردسالش رسید. قابوس از فرصت استفاده کرد، و چون دیگر از یاری سامانیان- که خود گرفتار هرج و مرج بودند- مأیوس شد، درصدد برآمد که به یاران دیلمی و طبری خود متوسل شود و مستقیماً گرگان را از عمال آل‌بویه بازگیرد. نخستین کسی که به یاری او برخاست، اسپهبد شهریار بن شروین از اسپهبدان طبرستان بود، و او به سهولت بر برادران فخرالدوله پیروز شد و در قسمتی از طبرستان که تحت فرمان او بود بنام شمس‌المعالی خطبه خواند. آمل را هم دو تن دیگر از طرفداران قابوس تسخیر کردند و بر استرآباد دست یافتند و سرانجام گرگان را هم تسخیر نمودند. قابوس در شعبان ۳۸۸ به پایتخت خود برگشت و در دوره‌ی دوم سلطنت از طرف مغرب دامنه‌ی متصرفات خود را وسعت داد. وی مردی درشت‌خو، بیرحم، پرخشم و غضب بود و به آسانی حکم به کشتن می‌داد و به اندک سوءظنی دست به قتل بیگناهان می‌زد. به همین سبب جمعی بسیار به دست او کشته شدند و کینه‌ی او در سینه‌ی غالب سران لشکری جا گرفت، تا وقتی که حاجب مخصوص خویش را که مردی بی‌آزار و محبوب لشکر بود کشت، لشکریان شورش کردند و او را به زندان انداختند و پسرش فلک‌المعالی منوچهر به جای او جلوس کرد، و سپس قابوس را کشتند. قابوس مشهورترین فرد از خاندان آل‌زیار است. مردی فاضل و ادیب و فضل‌دوست و خوش‌خط بود. گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید می‌گفت: «اهذا خط قابوس او جناح طاوس». وی در نثر عربی با بهترین بلیغان زمان دم برابری می‌زد و در شعر پارسی و تازی دست داشت. بیرونی کتاب آثارالباقیه را به نام او تألیف کرده. ترسلات وی را ابوالحسن علی ابن محمد یزدادی جمع کرده و «کمال‌البلاغه» نامیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۸۳ -۸۲ / ۱)، الاعلام (۴ -۳ / ۶)، از سعدی تا جامی (۳۰۱ -۳۰۰)، اعیان الشیعه (۴۳۴ -۴۳۲ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۱ -۶۴۰ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۷۱ -۷۰)، تاریخ گزیده (۴۲۰، ۴۱۵، ۴۱۴-)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۳)، تذکره الشعراء (۵۷ -۵۵)، حبیب السیر (۴۴۲ -۴۴۰ / ۲)، الذریعه (۸۵۹ / ۹)، ریحانه (۲۵۲ -۲۵۱ / ۳)، شاعران بی‌دیوان (۳۸۰ -۳۷۸)، شخصیت‌های نامی (۳۸۷ -۳۸۶)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸)، الکامل (۲۶۷ -۲۶۶ / ۷)، کشف الظنون (۱۵۰۹)، لباب الالباب (۳۰ -۲۹ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ قابوس)، مجمع الفصحا (۱۰۸ -۱۰۷ / ۱)، معجم الادباء (۳۳۳ -۲۱۹ / ۱۶)، معجم المؤلفین (۹۱ / ۸)، النجوم الزاهره (۲۳۳ / ۴)، وفیات الاعیان (۸۲ -۷۹ / ۴)، هدیه العارفین (۸۲۵ / ۱)، هفت اقلیم (۹۷ -۹۶ / ۳).

[۲] آتشکده‌ی آذر (۸۳ -۸۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۱ -۶۴۰، ۳۰۲، ۲۱۲/ ۱)، تاریخ گزیده (۴۲۰، ۴۱۵، ۴۱۴-، ۳۸۸)، تذکرهٔ الشعراء (۵۷ -۵۵)، حبیب السیر (۴۴۳ -۴۴۰/ ۲)، الکنی والالقاب (۳۶۹ -۳۶۸/ ۲)، لباب الالباب (۳۱ -۳۰/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ قابوس).

وشنوه ای قمی، قوام الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، عالم امامی، فقیه، خطیب و مدرس. در روستای وشنوه قم به دنیا آمد، و دوران کودکی را در آنجا گذراند. در ۱۳۴۵ ق به قم سفر کرد و پس از طی مقدمات و ادبیات، از اول سطوح تا دروس نهایی، خارج فقه و اصول، را از محضر آیت‌الله مرعشی نجفی به مدت چهل سال استفاده نمود. وی با همکاری دیگر از عملا، در منزل آیت‌الله مرعشی، تعلیقات و محلقات «احقاق الحق» قاضی نورالله شوشتری شهید را تنظیم نمود. از آثارش: «حدیث الثقلین»؛ «رساله الحجاب»؛ «رساله»، در لباس خز و سنجاب و سمور؛ کتاب «هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع)»، با ترجمه فارسی «اربعین»، در احادیث صادره از اهل بیت (ع)؛ «مکارم الاخلاق»؛ «مباهله»؛ کتاب «تاریخ اسلام»، در سه جلد؛ کتابی در «مقتل»؛ کتاب «احادیث نبویه (ص)».[۱]

حجه‌المسلمین والاسلام و زبده المحدثین الکرام آقای حاج شیخ محمد مشهور بقوام‌الدین و شنوه‌ای قمی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اتقیاء کبار و مولفین عالی مقدار و گویندگان پرهیزکار حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است.

در سال ۱۳۲۹ ق در قریه وشنوه که در هفت فرسخی شهر قم واقع و از ییلاقات شهر قم و محل اقامت تابستانی مرحوم آیه‌العظمی بروجردی و سایر مراجع عظام قم است تولد یافته و دوران صباوت را در آنجا گذرانیده و در سال ۱۳۴۵ ق مهاجرت به قم نموده و پس از طی مقدمات و ادبیات از اول سطوح تا دروس نهائی خارج فقه و اصول را از علامه متتبع و فقیه متبحر و رجالی بصیر و متکلم خبیر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در مدت چهل سال استفاده نموده و هم‌اکنون نیز از شرکاء درس فقه و اصول آنجنابست اعتقاد و ایمان و اخلاص فوق‌العاده‌ای به معظمله دارد و ایشان هم کمال وثوق و اطمینان را به وی دارند و حقا هم شایسته‌اند زیرا در میان حوزه کم‌نظیر و در روحانیت از معدودین می‌باشد، در مواقع کسالت و یا مسافرت آیت‌الله مرعشی از طرف آن جناب به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمایند، بیشتر خطب نهج‌البلاغه را حافظ است اطلاعات زیادی به اخبار و احادیث دارد منبرش تمام یا کلمات و خطب علی علیه‌السلام و یا اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام است بسیار متواضع و خلیق است و دارای ملکات

فاضـله اخلاقی است مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و زعماء دیگر هم به ایشان نهایت وثوق و اعتماد را دارنـد با اینکه در منازل آنها یا اصـلا نمی‌رود و یا بسیار کم می‌رود ولی همه روز صـبح و عصـر در منزل آیت‌الله العظمی مرعشـی آمـده و با شـرکاء دیگر تعلیقات و ملحقات احقاق‌الحق را تنظیم می‌نماید.

آثار و تالیفات ارزنده‌ای دارد که از نظر دانشمندان می‌گذرانم:

۱- حدیث‌الثقلین که دو بار در جامع‌الازهر و دارالتقریب مصر به طبع رسیده است.

۲- رساله الحجاب در پیرامون حجاب اسلام که در ایران چاپ شده است.

۳- رساله در لباس خز و سنجاب و سمور.

۴- رساله در حجاب فارسی با اشاره به اقوال عامه و خاصه.

۵- کتاب هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمومنین علیه‌السلام با ترجمه فارسی.

۸- اربعین در احادیث صادره از اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۷- کتابی به عنوان مکارم‌الاخلاق.

۸- کتاب مباهله.

۹- کتاب تاریخ اسلام در ۳ جلد.

۱۰- کتابی در مقتل.

۱۱- کتاب احادیث نبویه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۴ -۲۳۳ / ۲).

وشنوی، قوام‌الدین محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۵ ق.، روستای «وشنوه»، نزدیک قم.

درگذشت: ۱۷ خرداد ۱۳۷۶، قم.

آیت‌الله حاج شـیخ قوام‌الـدین محمـد وشـنوی قمی پس از پشت سـر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری مقـدمات و ادبیات فارسـی، رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس در سال ۱۳۴۷ ق. به نجف اشرف رفت و به تکمیل ادبیات و فراگیری مطول نزد آیت‌الله شـیخ مرتضـی طالقانی و شرح لمعه نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم روحانی قمی اشتغال جست و در سال ۱۳۴۸ ق. به قم بـازگشت و سـطوح فقه و اصول (رسائـل، مکـاسب و کفایه) را نزد آیت‌الله العظمی عبـدالکریم حائری یزدی و همزمان با آن در درس خارج اصول آیت‌الله محمدعلی حایری قمی حاضـر شد و پس از وفات آیت‌الله حایری در درسهای حضرات آیات سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد.

با ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم در سال ۱۳۲۴ یک سره به درس فقه و اصول آن فقیه بزرگ حاضر شد. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، به حلقه درس آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی پیوست و بیش از سی سال در کنار ایشان بود.

آیت‌الله وشـنوی قمی در کنار سالیان فراوان تحصـیل، به تألیف کتابهای بسـیاری روی آورد و در علوم مختلف چون حـدیث، تاریخ تراجم و رجال اهل سنت و فقه مهارت کسب نمود. بیش از سی سال به اقامه‌ی جماعت در یکی از مساجد قم پرداخت.

برخی از تألیفات وی که به چاپ رسیده‌اند، عبارتند از:

حیاهٔ النبی و سیرته (سه جلـد)؛ حدیث الثقلین؛ اهل‌البیت و آیهٔ المباهلهٔ؛ النور الساطع فی احوال مولانا الامام الصادق (ع) (این کتاب به نام نور درخشان به فارسـی ترجمه شده است)؛ الحدیث المتواتر فی غزوهٔ خیبر؛ اصـحاب رسول الثلقین فی حرب الصـفین؛ فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) من کتاب المسـند (احمد بن حنبل)؛ الحجاب فی الاسلام (به فارسی ترجمه شده است). کتباهای دیگری نیز با راهنمـایی و نظـارت ایشـان به رشـته تحریر درآمـده است، نظیر تحلیلی از زنـدگی امام جواد (ع)؛ تحلیلی از زنـدگی امام علی النقی (ع)؛ تحلیلی از زنـدگی امـام حسـن عسـگری (ع)؛ وظیفـه مردم در عصـر غیبت امـام زمـان (ع)؛ شـناخت هلاـک کننـده‌ها و نجـات دهنـده‌ها از قرآن؛ رسالـهٔ فی لبـاس المصـلی؛ رسـاله پیرامون حجاب؛ کلمات امیرالمؤمنین (ع) (هزار کلمه همراه با ترجمه فارسـی)، مصـباح المسند لمسند احمد بن حنبل؛ مصابح الغیهٔ الکتاب اسد الغابهٔ (عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری)؛ مصباح الاستیعاب والاصابـهٔ؛ نخبـهٔ المقـال فی تهـذیب کتـاب الاموال (ابی‌عبیـد)؛ تلخیص ریاض النضـرهٔ (محب‌الـدین طبری)؛ تلخیص کنوز الحقایق؛ تهذیب کتاب الخراج (ابویوسف قاضـی)، الفضایل المسـتخرجهٔ من المعجم الصغیر (حافظ طبرانی)؛ مکارم الاخلاق (به املا ایشان و نگـارش آقـای عبـاس اخلاـقی)؛ الاربعین حـدیثا من الائمـهٔ الاطهار (ع)؛ مقتل الحسـین (ع) (ناتمام)؛ تفسـیر القرآن الکریم (ناتمام)؛ رسالهٔ فی ذکریا بن آدم الاشـعرای، رسالهٔ فی حدیث طلب العلم فریضهٔ علی کل مسلم،، رسالهٔ فی اثبات استحبات القنوت فی الصلاهٔ عند العامهٔ؛ حاشیه بر احقاق الحق؛ الاحادیث النبویه (ص)؛ کتب النبی (ص) الی الملوک؛ یازده فهرست برای کتابهای مخلوط.

آیت‌الله وشـنوی قمی روز هفـدهم خرداد ۱۳۷۶ چشم از جهـان فروبست. پیکرش در صـحن حرم حضـرت فـاطمه معصـومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وصاف، شرف الدین عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شرف‌الدین عبداللَّه بن فضل‌اللَّه بن عبداللَّه شیرازی ملقب به «وصاف‌الحضرهٔ» از ادباء بزرگ قرن هشتم هجری و مورد عنایت سلطان غیاث‌الـدین هشـتمین حکمران مغول بود. اثر معروف وی کتاب تجزیـهٔالامصار و تزجیـهٔالاعصار است که به تاریخ وصاف موصوف است و ذیلی است بر جهانگشای جوینی. قبر وصاف در قبرسـتان کم‌وسعتی که میان حافظیه و هفت‌تنان در شیراز می‌باشد واقع شده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

وصّاف‌الحضره، شرف‌الدین عبداللَّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۷۳۰/ ۷۱۹ –۶۶۳ ق)، ادیب، مورخ و شاعر، متخلص به شـرف. ملقب به وصّاف‌الحضـره. در شـیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و نمـا یافت. او ماننـد پـدرش در شـمار عمال دیوانی دولت ایلخانیان در فارس درآمـد و از خواص خواجه صدرالـدین احمـد خالـدی زنجانی، نایب امیر طغاجار حاکم فارس گردید. مدتی نیز مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل‌اللَّه و غازان خان و سلطان الجایتو قرار گرفت. وی علاوه بر مقام بلند خود در نثر متکلف مصـنوع، در شـعر عربی و فارسـی نیز دست داشته که بسیاری از ابیات و قطعات و قصایـد خود را در کتـاب خویش ذکر شـده است. قبر وی مـا بین تکیه چهل‌تنان و حافظیه است. از جمله آثارش: «تجزیـهٔ الامصار و تزجیهٔ الاعصار»، معروف به «تاریخ وصاف»، در ذکر وقایع تاریخی ایلخانیان، در پنج مجلد؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سـعدی تا جامی (۹۴ –۹۲)، الاعلام (۲۵۲/ ۴)، اعیان‌الشیعه (۶۵/ ۸)، تاریـخ ادبیات در ایران (۱۲۶۲ –۱۲۵۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴ –۱۴۳) حبیب‌السیر (۱۹۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۰۳ –۷۹۹/ ۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۱۷۰ –۳۱۶۹/ ۲)، الذریعه (۱۲۶۸/ ۹ ،۳۵۸/ ۳)، ریحانه (۳۲۰ –۳۱۸/ ۶)، سبک‌شناسی (۱۰۳ –۹۹/ ۳)، صبح گلشن (۵۹۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۵/ ۲)، فرهنگ سـخنوران (۴۹۹)، لغت‌نامه (ذیل/ وصاف‌الحضـرهٔ)، مجمع‌الفصـحا (۱۴۴۸/ ۳)، مرآت‌الفصاحه (۶۸۷ – ۶۸۵)، معجم‌المؤلفین (۱۰۲/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۲ –۹۸۱/ ۳)، هدیهٔالعارفین (۴۶۴/ ۱).

وصال شیرازی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۲ –۱۱۹۷ ق)، عالم، ادیب، شاعر، عارف و خطاط. مکنی به ابواحمد. مشهور به میرزا کوچک. وی از هنرمندان ذوفنون بود که در شـیراز به دنیا آمد. خاندانش در دوره‌ی صـفویان و افشاریان و زندیان دارای مناصب دیوانی بودند و خود نیز از بزرگان دانش و ادب و هنر در دوره‌ی فتحعلی شـاه و محمـد شـاه قاجـار بـود. او در آغـاز جوانی به تحصـیل دانش پرداخت و از علوم و فنون عصـر خویش بهره‌ی کافی یافت و چون دارای ذوق و مشرب عرفانی بود، دل در صحبت مشایخ صوفیه بست و به میرزا ابوالقاسم سکوت سر سـپرد. میرزا محمـد شـفیع در نوشـتن خطـوط سـبعه اسـتاد بوده و به ویژه، در نسـخ و نسـتعلیق مهـارت به سـزایی داشـته اشت. از شاگردان وی در خط نستعلیق، میرزا فتحعلی حجاب شـیرازی است. در شـعر، عمده‌ی شهرت او به واسطه‌ی غزلیات عارفانه و مراثی شورانگیزی است که به پیروی از محتشم کاشـانی سـروده است. همچنین قصایـدی نیز در مـدح شاهان قاجار و بزرگان شـیراز دارد. وی در نخستین اشـعار خود مهجور تخلص می‌کرد، امـا پس از آشـنایی بـا میرزا ابوالقاسم سـکوت تخلص وصال را برگزیـد. وصال علاوه بر این فضایل، صـدایی خوش داشت و مشـهور است که سه تار نیز می‌نواخته است. وی گویا در نقاشـی و تـذهیب و صـحافی متبحر بوده و آورده‌انـد هنگـامی که فتحعلی شاه برای بازدیـد خطه‌ی فارس به شـیراز رفته بود، وصال قرآنی را که با هفت نوع خط نوشـته و در تـذهیب و تجلیـد آن هنرمنـدی بسـیار به کـار برده بود، به شـاه تقـدیم کرد و فتحعلی شـاه نیز کمالات وی را سـتود. از مصاحبان و معاشـران او قاآنی شـیرازی است. وصال در طول حیاتش، یک بار به عزم سفر هندوستان، از زادگاه خود به بوشهر رفت، لیکن در آنجا از سـفر خود منصـرف شد و دوباره به شـیراز بازگشت. وی در اواخر عمر نابینا شد و سـپس در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی شـاهچراغ به خـاک سپرده شـد. از آثـار او: مثنوی «بزم وصـال»، در هفت هزار بیت؛ تکمیل «فرهاد و شـیرین» وحشـی بافقی؛ ترجمه‌ی «اطواق الذهب» زمخشری، به فارسی؛ «سفینه»، در تفسیر احادیث قدسیه؛ «صبح وصال»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «دیوان» شعر. از خطوط او: یـک نسـخه «اوصـاف الاشـراف» خواجه نصـیر، به قلم کتـابت متوسط، بـا رقم: «حرره العبـد الاقـل محمـد شـفیع المشهور بمیرزا کوچک، المتخلص بوصال سنه ۱۲۳۹»؛ ادعیه‌ی نیم ربعی، نسخ کتابت و نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «اقل... میرزا کوچک مسـمی بمحمد شـفیع متخلص بالوصال... ۱۲۴۳»؛ یک نسـخه «کلیات» سـعدی، به قلم نسـتعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره العبد... میرزا کوچک ابن المرحوم میرزا محمد اسـماعیل الشیرازی... سنه‌ی ۱۲۴۵»؛ یک نسخه دفتر اول «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «... محمد شـفیع المشـتهر به میرزا کوچک المتخلص بوصال فی دارالعلم شیراز ۱۲۴۶»؛ یک نسخه

«حدیقهٔالحقیقه» سنایی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصال الشیرازی... سنه‌ی هزار و دویست و پنجاه و پنج»؛ چند نسخه از کلام‌اللّه مجید، به خط نسخ و رقاع عالی و خوش، با تاریخ‌های ۱۲۵۵، ۱۲۵۴، ۱۲۳۶ و ۱۲۵۹ ق و قطعات مختلف دیگر.[۱]

میرزا محمدشفیع بن محمد اسماعیل شیرازی معروف به میرزا کوچک شاعر اوایل دوره‌ی قاجاریه (و. ۱۱۹۷ ه.ق- ۱۷۸۲ م- ف. ۱۲۶۲ ه.ق- ۱۸۴۵ م) خانـدانش در دوره‌ی صفویان، افشاریان، زنـدیان به اعمال دیوانی مشغول بودند. وصال در دوره‌ی جوانی مدتی سرگرم تحصیل ادب، خط و هنرهای زیبا، موسیقی و سیر در مقامات عرفانی بود. دیوان اشعارش شامل قصاید، غزلیات و مثنویهای «بزم وصال» و تکمله‌ی فرهاد و شیرین وحشی بافقی است و نیز کتابی در ترجمه و شرح و نظم «اطواق‌الذهب» زمخشری دارد. پسران وصال یعنی وقار، حکیم، داوری، فرهنگ، توحید، یزدانی، همه از شاعران و هنرمندان عهد خود بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۵۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۷ -۱۱۷۵/ ۴ ،۷۶۲ -۷۵۵/ ۳)، از صبا تا نیما (۴۴ -۴۰/ ۱)، اطلس خط (۳۵۹ -۳۵۸)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۵ -۲۰۳/ ۴)، تاریخ موسیقی (۴۲۱ ،۴۲۰ ،۳۸۳ -۳۸۲/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۵۹ -۹۵۸/ ۲)، حدیقهٔالشعراء (۲۰۰۰ -۱۹۸۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱۳ -۸۰۳/ ۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۱۷۰ / ۲)، الـذریعه (۱۹۰ / ۱۶ ،۱۲۶۸ / ۹)، روضهٔالصفا (۱۳۲ / ۱۰)، ریاض‌العارفین (۳۵۰ -۳۳۷)، ریحانه (۳۳۰ -۳۲۱ / ۶)، سفینهٔالمحمود (۵۲۱ -۵۱۴/ ۲)، شرح حال رجال (۲۳۹ -۲۳۸ / ۶)، صبح گلشن (۵۹۲ -۵۹۱)، طرائق‌الحقائق (۳۷۰ -۳۶۵/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۹۷ -۹۹۰ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۵۳ -۳۵۲)، گنج سخن (۲۰۰ -۱۹۷ / ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۱۳۱ -۱۰۹۱/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۶۹۱ -۶۸۷)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۶ -۲۰۲)، مکارم‌الآثار (۱۶۶۹/ ۵ ،۶۶ -۶۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۴ -۴۳۳/ ۳)، نگارستان دارا (۲۷۵ -۲۷۳)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۷۱ -۶۷).

وصلی تهرانی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. برادر میرزا غیاث بیگ و عموی نورجهان بیگم، همسر جهانگیر شاه بود. وی به همراه پسر خود، میرزا محمد صادق که در زمان جهانگیر شاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) و شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق) منصب دیوان داشت، به لاهور رفت و به کار دیوانی مشغول شد. مؤلف «عرفات العاشقین» در ۱۰۲۴ ق در آگره او را دیده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. مؤلف «الذریعه» وصلی طهرانی را با وصلی سارانی یکی می‌داند، در صورتی که مؤلف «فرهنگ سخنوران» آنها را جدا کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۸۸ ،۱۰۹۸ ،۴۷۹/ ۵)، الذریعه (۱۲۷۰/ ۹)، صبح گلشن (۵۹۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۳ - ۹۸۲)، کاروان هند (۱۵۲۴ -۱۵۲۲/ ۲)، هفت اقلیم (۷۱ -۷۰/ ۳).

وصلی شیرازی، نعمت‌اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. از سادات طباطبایی شیراز بود. پدرش در شیراز به میر پنبه‌زن شهرت داشت. وی شاگرد و پسر خوانده‌ی مرشد بروجردی بود و هنگامی که مرشد در هند می‌زیست به دیدار او رفت و در سند به او پیوست و در جرگه‌ی ملازمان و مداحان میرزا غازی ترخان درآمد و مدتی نیز با فخرالزمانی قزوینی، معاشر بود. بعد از فوت میرزا غازی (م ۱۰۲۱ ق) به اجمیر، پنجاب و لاهور مسافرت کرد. وی به همراه محمود بیگ ترکمان به بنگش، نزد اللّه دادخان افغان رفت و پس از چندی به حضور جهانگیر شاه رسید، ولی دوباره بازگشت و در بنگش ساکن شد. فخرالزمانی در تذکره‌ی «میخانه» آورده که از ۱۰۲۸ ق دیگر از او خبری ندارم و قریب چهار هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی داشت و هنوز دیوانی ترتیب نداده بود. از آثار وی: «ساقی‌نامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی میخانه (۶۷۳ -۶۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱۵ -۸۱۴/ ۵)، الذریعه (۱۲۷۰/ ۹)، کاروان هند (۱۵۲۵ -۱۵۲۴/ ۲).

وطواط، رشیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۸/۵۷۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وطواط. در بلخ ولادت یافت و عمری او را از آن جهت گفتند که وی از اعقاب عمر

بن خطاب است. در مدرسه نظامیه زادگاه خود قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعد هروی به انجام رسایند و بعد از اتمام تحصیلات خود و کسب مهارت در فاسی و عربی به خوارزم رفت و در اوائل عهد ابوالمظفر علاءالدوله اتسز خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانید و سمت صاحب دیوانی رسائل داشت. بر اثر رشک حاسدان و تهمت مبنی بر اینکه وی با کمال‌الدین محمود بن ارسلان، خواهرزاده سنجر، ارتباط دارد، به سال ۵۴۷ ق از خدمت شاه رانده شد ولی به خاطر قصایدسرایی که در رد تهمت خود سرود، دوباره مورد لطف شاه قرار گرفت. میان رشید و جاراللّه زمخشری ادیب و متکلم بزرگ قرن ششم نیز دوستی و مباحث و مکاتبه بود. بعد از وفات اتسز چندی در خدمت پسر اتسر، ایل ارسلان، بود و به خاطر کهولت از خدمت کناره گرفت. از دیگر سلاطین و امرای معاصر رشید می‌توان به تکش بن ارسلان، سنجر بن ملکشاه، سپهبد غازی نصرةالدوله اشاره کرد و از شاعران معاصر وی انوری، معزی، سنائی، ادیب صابر، سوزنی سمرقندی، خاقانی، مختاری و سید حسن غزنوی را باید نام برد. آثار وطواط: «دیوان اشعار پارسی»؛ «رسائل عربی»؛ «حدائق السحر فی دقایق الشعر»؛ «منشات فارسی»؛ «فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب»؛ «تحفه الصدیق من کلام ابی‌بکر الصدیق»؛ «انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان»؛ «نثر اللالی من کلام امیرالمومنین علی (ع)»؛ «منظومه»ای در عروض؛ «غرائب الکلم فی رغایب الحکم»؛ «منیه المتکلمین و غنیه المتعلمین»؛ «غرر الاقوال و درر الامثال»؛ «مفاتیح الکلم و مصابیح الظلم»؛ «جواهر القلاید و زواهر الفراید»؛ «الفوائد العمائیه»؛ «ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار»؛ «مطلوب کل طالب».[۱]

(بخش ۱) وطواط، امیر امام رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب و شاعر ایرانی از اعقاب عبداللّه بن عمر بن خطاب (ف. ۵۷۳ ه.ق.). وی در بلخ متولد شد و در مدرسه نظامیه آن شهر قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعد هروی انجام داد و سپس برای ادامه تحصیل به خوارزم رفت و در اوایل عهد اتسز بن محمد خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانیده و سمت صاحب دیوانی رسایل داشته. تخلص وی به وطواط از بابت کوچکی جثه او بود (بخش ۱: وطواط). در سال ۵۴۲ سنجر برای سرکوب کردن اتسز قصد خوارزم کرد و قصبه هزارسف را دو ماه در حصار گرفت. در این سفر انوری ملازم خدمت سنجر بود، دو بیتی که مبتنی بر فتح هزارسف و خوارزم به دست سنجر بود، سرود و آن را بر تیری نوشته به هزارسف انداختند. رشید در جواب این رباعی بر تیر نوشت و بینداخت:

گر خصم تو ای شاه بود رستم گرد

یک خر ز هزارسف تو نتواند برد

سنجر که به سبب این بیت و اشعار دیگر وی، از او آزرده بود، سوگند خورد که او را هفت پاره کند. پس از فتح هزارسف به دست سنجر وطواط متواری می‌زیست تا عاقبت به شفاعت منتخب‌الدین که گفت وطواط مرغکی ضعیف است و طاقت آن ندارد که به هفت پاره کنند، اگر فرمان شود او را بدو پاره کنند، سلطان او را ببخشید.از آن پس رشید همچنان در دربار اتسز به سر می‌برد تا در ۵۴۷ حاسدان وی را به داشتن روابط با کمال‌الدین حاکم جند متهم کردند. اتسز بر وی خشم گرفت و او را براند. رشید قصاید بسیار در برائت ساحت خود ساخت تا استز بر سر لطف آمد و شغل او را به وی باز گردانید. پس از وفات اتسز گویا رشید چندی در خدمت ایل ارسلان بسر می‌برد، ولی از این پس به سبب کثرت سن از خدمت تقاعد ورزید. رشید علاوه بر دیوان شعر که به طبع رسیده آثاری منثور داشته: منشآت فارسی شامل رسائل سلطانی و اخوانی که قسمتی از آنها به طبع رسیده، حدائق السحر (ه. م.)، فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب، تحفهٔ الصدیق الی الصدیق من کلام ابی‌بکر الصدیق، انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان، نثر اللآلی (ه.م.) مجموعه رسائل عربی که در مصر به طبع رسیده، منظومه‌ای در عروض فارسی شامل ۱۶ بحر عروضی که معمول شاعران پارسی گوی است. وی در نظم و نثر فارسی سرآمد زمان بود. شعر پارسی او استادانه و در کمال انسجام است. وی در انتخاب کلمات و قوت ترکیب و ایراد صنایع مختلف لفظی مهارت داشته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۲ -۲۵۱ /۷)، ایضاح المکنون (۱۲۰، ۹۷ /۲، ۳۷۸/۱)، بهارستان (۱۰۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۶ -۶۲۸ /۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۹۵ -۲۹۴)، تاریخ گزیده (۷۵۷ -۷۵۶)، تاریخ نظم و نثر (۹۳ -۹۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۷ - ۲۹۵)، تذکره الشعراء (۱۰۳ -۹۸)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۸۶/۱)، الذریعه (۱۶۰ -۱۵۹ /۲۱، ۱۲۷۱، ۱۲۷۰ -۹/، ۲۸۷، ۲۸۷ -۲۸۶ /۶)، ریحانه (۳۱۲ -۳۱۰ /۲)، سخن و سخنوران (۳۳۲ -۳۲۲) سرآمدان فرهنگ (۳۷۹ -۳۷۸ /۱)، سیری در شعر فارسی (۶۹)، طرائق الحقائق (۵۹۷ -۵۹۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸ -۳۷۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۴ -۱۸۳)، کشف الظنون (۱۲۴۳، ۱۲۰۰، ۳۶۸، ۱۷۸، ۱۷۷، ۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۲ -۲۷۱ /۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۳۲ -۲۳۱)، لباب الالباب (۸۶ -۸۰ /۱)، لغت نامه (ذیل/ وطواط)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۷ -۷۵۶ /۵)، مجمع الفصحا (۶۷۱ -۶۵۵ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۵ و ۵۷۴)، معجم الادباء (۳۶ -۲۹ /۱۹)، معجم المؤلفین (۲۲۹/۱۱)، هفت اقلیم (۷۶ -۶۸ /۲).

وفا، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر وفا

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۴/۹

زندگینامه علمی

جعفر وفا در سال ۱۳۳۴ در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود ، به سال ۱۳۴۸ در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب ، فلسفه ، تفسیر و علم کلام ، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم ، نائل آمد . در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی ، قائمی ، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی ، پایانی ، اعتمادی ، حیدری زنجانی ، ناصر مکارم شیرازی ، میرزا جواد تبریزی ، وحید خراسانی ، نوری همدانی و ... استفاده نمود .

او از سال ۱۳۶۲ با درک ضرورت زمان ، کارهای قلمی ، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن ، تاریخ اسلام ، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی ، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها ، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد ؛ همانند : ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم) ، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم) ، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم

ایشان درسال ۱۳۸۳ از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم ، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد ، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید .وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی ، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند . وی در سال ۱۳۶۰ با همفکری برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت . کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد . او از سال ۶۹ تا سال ۸۲ عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مربیان بوده است .

وفا، نظام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نظام وفا، فرزند مرحوم میرزا محمود، امام جمعه کاشان است که از شعرای معتبر و صاحب نام معاصر ملک‌الشعراء بهار می‌باشد. وی به سال ۱۳۰۵ هجری قمری در کاشان متولد شد و پس از تحصیلات خود، به جمع آزادیخواهان و مبارزان وقت پیوست و در تهران مقیم گردید و با مطبوعات به همکاری پرداخت که خود سال‌ها بعد مجله وفا را منتشر کرد.

وی سال‌ها، دبیر دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه تهران بود و به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت. آثار وی بارها توسط خوانندگان رادیو استفاده شده و از آن بهره گرفته‌اند، به روایت منوچهر همایون‌پور: تصنیف «موسم گل» از این شاعر و تصنیف‌ساز که در مایه دشتی است، توسط روانشاد قمرالملوک وزیری خوانده شده است.

«موسم گل»

موسم گل دوره حسن یک دو روز است در زمانه

ای بدل آرایی به عالم فسانه- به تو که ز تو ماند نکویی نشانه

خاطر عاشقان را میازار- خوش نباشد ز معشوقه آزار

گر بسوزد شمع پروانه را با زبانه

چون شود روز شمع شب را نبینی نشانه

«آزاده»

آزاده ز بیگانه و افسرده ز خویشم

مردم همه سیر از من و من سیر ز خویشم

بر دیده خونبار من ای دوست چه خندی

خون گریه کند هر که ببیند دل ریشم

با خیل مصیبت زدگانی که فلک داشت

سنجید مرا روزی و دید از همه بیشم

هرگز نکشم منت نوش از فلک دون

هر چند که دانم بکشد زحمت نیشم

با این همه آزردگی از مرگ چه ترسم؟

بگذار ز کار اوفتد این قلب پریشم

جز عشق سزاوار پرستش دگری نیست

پرسند «نظاما» اگر از مذهب و کیشم

«قبله دل‌ها»

ای که مأیوس از همه‌سوئی، بسوی عشق رو کن

قبله دل هاست اینجا، هرچه خواهی آرزو کن

تا دلی آتش نگیرد، حرف جانسوزی نگوید

حال ما خواهی اگر، از گفته ما جستجو کن

زردرویی در میان گلرخان عیب است بر من

روی زردم را بخوان دیده گاهی شستشو کن

چرخ کجرو نیست تو کج‌بینی ای دور از حقیقت

گر همه کس را نکو خواهی برو خود را نکو کن

کشت تنهایی مرا ای دوست بر من رحمت آور

مردم از خاموشی ای دل، با من آخر گفتگو کن

چون خیال دوست، من چیزی نشاطآور ندیدم

هر زمان فرسوده دل گشتی نظاما یاد او کن

«عاقبت بینایی»

ای خوشا عاشقی و مستی و بی‌پروایی

ای خوش از خون دل خویش قدح پیمایی

از دل من بکجا می‌روی ای غم دیگر

تو که هرجا روی آخر بر من بازآیی

شستم از اشک و ز خون رنگ و جلایش دادم

صورت عشق بنه ورنه بدین زیبایی

چشم از خواب عدم باز نکردم هرگز

دیدم اینست اگر عاقبت بینایی

پای در خانه بدنام نظاما از چه نهی

نیستت گر بسر ایدل هوس رسوایی

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

وفای فراهانی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وفا. وی عموی قائم‌مقام اول و از سادات فراهان بود. او بعد از کسب علوم متداوله به شیراز رفت. در عهد لطفعلی خان زند می‌زیست و عهده‌دار منصب وزارت بود. وی با عبدالرزاق دنبلی، مؤلف «نگارستان دارا»، معاصر و معاشر بود. در نظم و نثر و فن سیاق تبحر داشت و در زمینه‌ی نظم بیشتر به غزلسرایی متمایل بود. وفا در نظم از شیوه‌ی میرزا صادق نامی و مشتاق اصفهانی پیروی می‌کرد. بعضی از مؤلفان معتقدند در زمان لطفعلی خان زند (۱۲۰۹ -۱۲۰۳ ق) به زیارت خانه‌ی خدا مشرف شد و در قزوین درگذشت. در «شرح حال رجال ایران» آمده که وی در زمان آقامحمد خان قاجار با برادر خود به عتبات عالیات رفت و تا آخر عمر در آنجا ساکن شد و تا ۱۲۱۲ ق زنده بوده است. از آثار وی: «مثنوی» بر وزن «هفت پیکر» نظامی؛ «دیوان» شعر، قریب به چهار یا پنج هزار بیت. مؤلف «طرائق‌الحقائق» کتاب «تاریخ زندیه» را به او نسبت می‌دهد و وی را برادر میرزا عیسی قائم‌مقام ذکر می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۲۰۱۵ -۲۰۱۳/ ۲)، الذریعه (۱۲۷۲/ ۹)، ریحانه (۳۳۳ -۳۳۲/ ۶)، سفینةالمحمود (۲۲۹ -۲۲۸/ ۱)، شرح حال رجال (۲۲۸ -۲۲۷/ ۶)، صبح گلشن (۵۹۶ -۵۹۵)، طرائق‌الحقائق (۲۵۱ -۲۵۰/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، گلزار جاویدان (۱۷۱۲/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۹۰ -۱۰۸۹/ ۶)، نگارستان دارا (۱۴۷ -۱۴۵).

وفایی شوشتری، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی وفایی شوشتری مولف عالم و بزرگواری بود . او پیشوای با فضیلت و دارای مکارم اخلاقی بود . نام وی محمد مهدی ، مشهور به شرف الدین فرزند شیخ محمد شرف الدین است . او مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو ، منطق ، معانی بیان ، حساب و هندسه ، فقه و اصول ، علم کلام و تفسیر را آموخته بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مهدی وفایی شوشتری ازخاندانی علمی و روحانی به نا م خاندان شرف الدین می باشد . خاندانی که همواره یا

درمیان آن افرادی ممتاز و برجسته به پا خاسته و رهبری مذهبی مردم را بعهده داشته اند .همین امر احترام و توجه قاطبه اهالی خوزستان به ویژه شوشتر را در پی آورده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مهدی وفایی شوشتری مقدمات و علوم ادبی رااز صرف و نحو ، منطق ، معانی و بیان و سپس حساب هندسه ، هئیت ، فقه و اصول ، علم کلام وتفسیر را نزد فضلا و بزرگان مردم زادگاه خود شوشتر فرا گرفت پس از آن درسال ۱۳۰۴ شمسی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت نموده و از حوزه درس اساتید بزرگ آن سامان بهره مند شد.استادان و مربیان : مهمترین اساتید محمد مهدی وفایی شوشتری در دوران تحصیل درنجف و اماکن دیگر عبارتند از : آیت الله حاج میرزا حسین نایینی ، آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی ، آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید میرزا ابراهیم خراسانی ، آقا سید هبه الدین شهرستانی ، آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی،آیت الله آقا میرزا محمد سامرایی ، آیت الله میرزا محمود شیرازی ،آقا سید امام شوشتری ، شیخ شعبان گیلانی ،آیت الله آقا سید هادی میلانی ، آقا شیخ محمد علی غروی اردوبادی ، مرحوم حاج شیخ عباس قمی ،سید مهدی کاظمی اصفهانی ، سید ابراهیم راوی شافعی ، سید خلیل راوی شافعی و سید محمد راوی شافعی .فعالیتهای آموزشی : محمد مهدی وفایی شوشتری درمیان مردم محبوبیتی به سزا داشت و با خوشرویی و محبتی خاص مراجعین رامی پذیرفت. آورده اند که مواعظ وی که مهمترین فعالیتش بود ، مانند مواعظ جد والا و تبارش علامه حاج ملا جعفر شرف الدین تاثیری بس شگرف و درقلوب مردم می نهاده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی وفایی شوشتری بطور کلی اوقات خود راصرف امور مذهبی وهدایت مردم از تدریس اقامه نماز جماعت ، تالیف و نگارش و موعظه و سخنرانی مذهبی می کرد.آرا و گرایشهای خاص : محمد وفایی وفایی شوشتری علاقه وافری به تحقیقات تاریخی و آثار باستانی داشت و در مطالب تاریخی صاحبنظر و بیان کننده نکات جالبی است و بر همین اصل و مدتی را صرف مطالعه آثار مشکوفه سومرو بابل درموزه بغداد نموده و از کتابخانه مشهور بغداد مطالعات ارزشمندی داشته است.آثار : تاریخ شوشتری ویژگی اثر : این کتاب چاپ نشده است ولی درباره احوال دانشمندان شوشتری می باشد .۲ ترجمه جلد اول تفسیر فخر رازی، ترجمه کتاب «فضائل»شاذان ۴ رساله شرفیات ویژگی اثر : این کتاب سوالاتی است که شوشتری از علامه آقا سید هبت الدین شهرستانی نموده و ایشان جواب داده اند.۵ عقاید اسلامیه ویژگی اثر : این کتاب ترجمه کتاب نکت الاعتقاد تالیف شیخ مفید است .۶ مطالعات و مشاهدات

منابع زندگینامه :شرف الدین شوشتری ، شرح حال علامه ادیب فقید وفایی شوشتری ، تهران : انتشارات کتابخانه صدر ، بی تا ، ص ۱

وفایی، عباسعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی وفائی به سال ۱۳۴۴ در شهر ساوه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا پایان دبیرستان در آن منطقه به اتمام رساند سپس وارد دانشگاه تربیت معلم گردید و در رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع کارشناسی ارشد در آن دانشگاه گذراند. وی در سال ۱۳۷۶ موق به اخذ دکتری با موضوع تصحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی از دانشگاه تهران گردید و هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه تهران میباشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

خاطرات کودکی : دکتر وفائی از آن دوران میگوید: «کلاس اول ابتدایی در روستای مجاور به مدرسه میرفتیم و مسافتی یک کیلومتری را پیاده طی میکردیم روزهای برفی زمستان محبت کلاس بالاتر ها را به همراه داشتیم به طوریکه در یک روز برفی که آمد و رفت به جهت کثرت برف سخت بود بر دوش آنها مسیر را طی میکردیم.»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر وفایی در یک خانواده کشاورز و متعهد و متقی بطوریکه پدر و مادر آنها را به تحصیل و طی درجات بالا در کنار کمک در امور کشاورزی رهنمود میکرد و مشوق آنان بود.تا جایی که همه فرزندان خانواده تحصیلات عالی داشتند و دبیر و استاد دانشگاه شدند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۷۱، و اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی با موضوع پایاننامه صحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه تهران

خاطرات و وقایع تحصیل : وقع انقلاب اسلامی در دوره راهنمایی و شرکت در راهپیمایی ها، شروع جنگ تحمیلی و شرکت هفت دوره ای در جنگ از خاطرات دوران تحصیل دکتر وقایی استا.

فعالیتهای ضمن تحصیل : کار کشاورزی ، مطالعه دروس غیر درسی و کار در کوره های آجر پزی از فعالیتهای دوره تحصیل وی است.

استادان و مربیان : دکتر جلیل تجلیل، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر عباس ماهیاد، دکتر محمود عابدی، دکتر حین ابخوری، مرحوم دکتر سادات ناصری، دکتر عباس زریاب خویی، مرحود دکتر ضیائ الدین سجادی، دکتر علی شیخ الاسلامی و ... از استادان دکتر وفایی هستند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر حسن ذوالفقاری،دکتر محمود فتوحی، خانم دکتر شیخ مونسی، دکتر تاجبخش، دکتر اسپرهم، دمتر حبیب ارعباسی و .. از همدوره ایهای دکتر عباسعلی وفایی است و از همکاران ایشان در گروه ادبیات میتوان به دکتر شیما

،دکتر کزازی،دکتر ترابی، دکتر مسگر نژاد، دکتر حائری ، دکتر حسن زاده و بیات اشاره کرد.

همسر و فرزندان : دکتر وفایی دارای همسر و دو فرزند دختر میباشند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون اداری و مالی و دانشجویی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی ۷۹-۱۳۷۵، معاون اداری و مالی و قائم مقام دانشگاه الزهرا (س) تهارن ۸۲-۱۳۷۹، رایزن فرهنگی ایران در ازبکستان ۸۵-۱۳۸۲، رئیس شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی ۱۳۸۵ تا کنون.

فعالیتهای آموزشی : دبیر آموزش و پرورش به مدت هفت سال و تدریس درد دانشگاه های پیام نور - آزاد و دانشگاه های دولتی تهران از فعالیت های آموزسی دکتر وفایی هستند.

شاگردان : دکتر مهدی صفری،دکتر بهمن نزهت، دکتر شعبانلو، دکتر برجساز،دکتر طاهر، مهندس آزاد، مهندس خدادادی و ... از شاگردان استاد وفائی هستند. --

----

آثار :

۱ تاثیر زبان فارسی بر زبان ازبکی

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۲ تصحیح دیوان مسلمان ساوجی

ویژگی اثر : انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۳ تصحیح شرح سه دفتر نخست مثنوی مولوی

ویژگی اثر : تالیف شیخ محمد آدینه خوارزمی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۴ تصحیح کتاب مرادالعارفین

ویژگی اثر : شیخ صوفی

۵ دانشنامه زبان و ادبیات فارسی قرن ۲۰ ازبکستان

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۶ سیمای فرهنگی ازبکستان

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۷ فرهنگ لغت نامه واژگان مخفف در زبان فارسی

ویژگی اثر : در دست چاپ

۸ قصاید مضوع در زبان و ادبیات فارسی

ویژگی اثر : انتشارات روزنه

۹ واژه های فارسی در زبان ازبکی

ویژگی اثر : انتشارات ماورائ النهر تاشکند

منابع زندگینامه : تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر وفائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - اسفند ۱۳۸۵

وقار شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ -۱۲۳۲ ق)، شاعر،ادیب و خطاط. وی فرزند بزرگ وصال شیرازی بود که در شیراز به دنیا آمد. بعد از فراگیری مقدمات به تحصیل فقه و اصول و حکمت الهی پرداخت و پس از اتمام تحصیل به تألیف و تصنیف همت گماشت. وی در اصناف شعر متبحر و در فن انشاء مهارت داشت. وقار در ۱۲۶۶ ق با برادر خود میرزا محمود حکیم به هندوستان رفت و در مدت توقفش در بمبئی، کتاب «مثنوی» مولوی را در مدت چهار ماه با خط خوش نوشت و به چاپ رسانید و سپس به زادگاه خود بازگشت. در ۱۲۹۰ ق به زیارت عتبات رفت و در راه بازگشت، به تهران آمد و مورد عنایت ناصرالدین شاه واقع شد. وقار علاوه بر نستعلیق، خطوط نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و به ویژه در خط نسخ کمتر نظیر داشت. وی در شیراز درگذشت و در جوار پدر خود به خاک سپرده شد. از آثار او: «انجمن دانش»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «رموز الامارهٔ»، ترجمه و شرح نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر؛ مثنوی «بهرام و بهروز»؛ «روزنامه‌ی خسروان پارسی»، که فرهنگ شیرازی آن را «تاریخ ملوک عجم» خوانده است؛ مثنوی «خضر و موسی»؛ «قانون الصدارهٔ»؛ «مزغزار»، که نثری مسجع به روش «کلیله و دمنه» دارد؛ کتاب «مجالس السنهٔ و محافل الازمنهٔ»، به سبک «کشکول» شیخ‌بهائی؛ «عشره کامله»، در ذکر مصایب امام حسین (ع) و اصحاب و اولادش؛ رساله‌ای در تفسر آیه‌ی «لیغفر لک اللّه ما تقدم من ذنبک و ما تأخر»؛ «شرح شش رباعی محتشم»، در دوازده فصل؛ «تاریخ چهارده معصوم»، که توسط فرزندش، همت شیرازی، تکمیل شده است؛ «دیوان» شعر و چند رساله‌ی کوچک و ناتمام دیگر. از خطوط او: قرآن نیم ورقی، جلد روغنی کار علی اشرف، متن نسخ کتابت خوش و ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط و پایان رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره... خادم الفقراء احمد المتخلص بوقار... ۱۲۸۱»؛ قرآن وزیری، نسخ کتابت خفی خوش و حواشی نستعلیق و شکسته خفی خوش، سر سوره‌ها و آخر رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه و حرره... احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... ۱۲۷۸»؛ یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... احمد الوقار فی سنهٔ ۱۲۸۵»؛ یک نسخه «شرح اسماء قدسیه»، نسخ کتابت

جلی و خفی و رقاع خوش، بـا رقم: «کتبه العبـد... احمـد الوقـار ابن المرحوم الوصال الشیرازی فی سنهٔ ۱۲۷۴»؛ یک نسخه «دعای کمیل»، نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «... و انا العبد احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... سنهٔ ۱۲۸۱».[۱]

نامش میرزا احمد، تخلصش وقار و نخستین پسر وصال شیرازی است (و. ۱۲۳۲ ه.ق- ف. شیرتز ۱۲۹۸ ه.ق) پدرش از هشت سالگی تربیت و تعلیم و ارشاد او را به عهده گرفت تا در فن خوشنویسـی، شعر، معانی، بیان و فلسفه استاد گشت. پس از مرگ پدر در سال ۱۲۶۵ ه.ق به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نوشتن و تصحیح کتاب مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی همت گماشت و آن کتاب را به خط نسـخ در ۱۱۶ صـفحه نوشت و تحشـیه کرد و به چاپ رسانـد و هم در این سـفر مثنوی «بهرام و بهروز» را سـرایید و آن را در ربیع‌الثانی ۱۲۶۶ به پایان رساند. پس از بازگشت از هند مدت ۸ سال در شیراز ماند و پس از آن به تهران آمد. در سال ۱۲۷۴ گویا به وسـیله‌ی صـدراعظم به ناصـرالدین شاه معرفی شـد و پس از چند مسافرت به شـیراز و تهران و کرمانشاه در سال ۱۲۹۸ پس از ۶۶ سـال زنـدگی جهـان را بـدرود گفـت. وقـار از خانـدان وصـال دانشـمندی بنـام است و تألیفـات فراوان دارد و از آن جملـه اسـت: اطواق‌الذهب که از نثر و نظم مرکب است- انجمن دانش در آداب و اخلاق. کتاب «شرح و ترجمه نامه‌ی علی (ع) به مالک اشتر» و «مثنوی بهرام و بهروز» و «مثنوی خضـر و موسـی» و «قـانون الصـداره» و «مرغزار» و «کتـاب مجالس السنهٔ و محافل الازمنه» و «عشـره کـامله» و «ترجمـه‌ی منظـومه‌ی عربی حـاجی ملاـ هـادی سـبزواری» و «سـیاحت‌نامه از شـیراز تـا بنـدر ابوشـهر» و «اهبـهٔالادیب» و «ریحانهٔالادب» و «تاریخ چهارده معصوم» و «رساله در علم بدیع» و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۵۸ -۳۵۶)، احوال و آثار خوشـنویسان (۱۰۴۳ -۱۰۴۱/ ۴ ،۵۶ -۵۵/ ۱)، اطلس خط (۵۶۴)، تاریخ ادبیـات ایران، براون (۲۰۵/ ۴)، تاریـخ هنرهای ملی (۹۸۶ -۹۸۵/ ۲)، حدیقهٔالشعراء (۲۰۴۰ -۲۰۲۸/ ۳)، دانشـمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۳۳ -۸۲۱/ ۵)، الذریعه (۳۱۱ -۳۱۰/ ۲۰ ،۱۲۷۷ -۱۲۷۶/ ۹ ،۱۶۵/ ۳ -۳۶۵/ ۲)، ریحانه (۳۳۸ -۳۳۶/ ۶)، شرح حال رجال (۲۶ -۲۵/ ۶)، صبح گلشن (۵۹۹)، طرائق‌الحقائق (۳۷۴ -۳۷۲/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۰۵ -۹۹۷/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۶)، المـاثر والآثار (۲۱۵)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۳ -۱۱۳۲/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۷۰۱ -۶۹۷)، مکارم‌الآثار (۹۵۰ -۹۴۹/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۴ -۴۹۳/ ۱)، هدیهٔالعارفین (۱۸۹/ ۱).

ولیانی، فاطمه

قرن:۱۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فاطمه ولیانی نویسنده و مترجم معاصر ،در سال ۱۳۳۸ در تهران متولد شد.ایشان تاکنون با مراکز مختلفی از جمله بنیاد دایرهٔالمعارف اسلامی، نشریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است. کتاب " تاریخ جنون"ترجمه فاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخـاب کتـاب سـال جمهـوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی ،به عنوان کتـاب سـال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصـیلات رسـمی و حرفـه ای : فـاطمه ولیـانی تحصـیلات متوسـطه را در تهران گذرانـد. در سـال ۱۳۵۸ در رشـتهٔ علوم سیاسـی از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۷۰ در همان رشته از دانشگاه سوربن فارغ‌التحصیل شد.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : فـاطمه والیـانی تـاکنون بـا مراکز مختلفی از جمله بنیـاد دایرهٔالمعـارف اسـلامی، نشـریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است.

جوائز و نشانهـا : کتـاب " تاریـخ جنون"ترجمه فـاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثـار : مقالاـت زیر از آثـار ترجمه شـده فـاطمه ولیـانی می‌باشـد: ـ مردم‌شناسـی و انتشـار (دیـدیه‌گز نیـدو) ـ درهم شکسـتن زمـان، فضـا و جـامعه (دانیـل بل) ـ مفهوم فرهنگ در نظریه‌های روابط بین‌الملل (آر.بی.جی واکر) ـ معنای نور در حکمت معنوی سهروردی (هانری کربن) ـ خرد، حکمت و جنون در تصوف شبلی (پی یرلوری) --

آثار :

۱ افسون زدگی جدید

ویژگی اثر : ترجمه

۲ تاریخ جنون

ویژگی اثر : ترجمه،این کتـاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتـاب سـال معرفی و برگزیـده شـد. آشـنایی بـا کتـاب:تاریـخ جنون میشـل فوکو، ترجمـهٔ فـاطمه ولیانی.ـ تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۱. این کتاب، کوتاه شـدهٔ نسخهٔ جامع تاریخ جنون (انتشارات پلون، ۱۹۶۱) است که مؤلـف آن را در سـال ۱۹۶۴ برای انتشـارات پلون تنظیم کرد. این نسـخه، در عین حفـظ ساختمـان کلّی کتـاب، عمـدتاً شامل بخش‌هایی از آن است که به جنبه‌های جامعه شـناختی و تاریخی موضوع می‌پردازد. دربارهٔ فوکو و آرای او تاکنون بسـیار گفته‌اند و نوشـته‌اند، امّا، به استثنای دو

متن کوتاه، کتابی از خودِ او هنوز به فارسی درنیامده است و این کتاب اولین اثر از آثار اصلی فوکو است که به فارسی ترجمه شده است. تاریخ جنون پایان نامهٔ دکتری فوکو بوده است و استادش پس از مطالعهٔ آن گفته بود که این پایان نامه فقط یک اثر فلسفی یا تاریخی نیست، شعر است. مترجم ترجمه‌ای استوار و بسیار دقیق و خواندنی از این کتاب عرضه کرده است. با به کارگیری اصطلاحات و لغات جا افتاده و تعبیرات متداول فارسی، منویّات نویسنده را به خوبی و روشنی منتقل کرده است. یکدستی شیوهٔ نگارش در سراسر ترجمه رعایت شده است. مؤلف کتاب نویسنده‌ای آسان‌نویس نیست؛ سبکی خاص خود دارد و اساساً فهم آثار او دشوار است. کوشش مترجم در ترجمهٔ روشن افکار مؤلف به فارسی حکایت از اِشراف او به شیوهٔ نگارش ویژهٔ نویسنده است. از نکات درخور توجه در این ترجمه توضیح اَعلام و اشارات تاریخی است. این توضیح، به هیچ وجه، ترجمهٔ مطالبی نیست که در دایرةالمعارف‌ها می‌آید، بلکه مترجم کوشیده طوری توضیح دهد که مطلب مورد اشارهٔ متن روشن‌تر شود. پیداست که این کار با جستجوی وسیع در منابع صورت گرفته است.

۳ هویت چهل تکه و تفکر سیّار

ویژگی اثر : ترجمه

وهابی املش، امید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امید وهابی املش یکی از نویسندگان معاصری است که در زمینه نجوم و فلسفه مقالاتی را چاپ کرده است.او همچنین برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار وی بوده است. کتاب"ماجراهای حسابی" تالیف امید وهابی املش ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : امید وهابی املش در تابستان سال ۱۳۵۲ ش در رشت ، همزمان با آغاز تحصیلات ابتدایی مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه حاج ابوالفتح شروع کرد. از دبیرستان باهنر منطقهٔ ۱۲ تهران دیپلم ریاضی گرفت. در مدارس علمیهٔ تهران مشغول گذراندن دورهٔ سطح شد و همزمان تحصیل در رشته کارشناسی حقوق مدرسه عالی شهید مطهری را آغاز کرد. از اساتید هبةالله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی را نباید از نظر دور داشت.

استادان و مربیان : هبةالله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی از اساتید امید وهابی املش بوده اند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سوابق علمی پژوهشی و آموزشی امید وهابی املش موارد زیر به چشم می‌آید: ۱. تدریس در دبیرستانهای تهران ۲. انتشار مقالات متعدد نجومی در مجلات تخصصی و عمومی حاصل دو دهه فعالیت ۳. انتشار مقالات فلسفی و مذهبی برای نوجوانان ۴. نقد کتابهای علمی کودک و نوجوان او برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار بوده است.

جوائز و نشانها : کتاب"ماجراهای حسابی "تالیف امید وهابی املش ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---

آثار :

۱ ماجراهای حسابی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب ماجراهای حسابی ماجراهای حسابی (سرگذشت پیدایش اعداد) / تألیف امید وهابی املش؛ تصویرگر فرهاد پورمحمدخان. – تهران: نشر کتاب مرجع، کتاب طاووس، ۱۳۸۳، ۱۰۴ ص، مصور، نمودار. یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به تجربه‌های جدید در علوم مختلف، واکاوی تاریخ آنهاست. تاریخ علوم از یک سو فراز و نشیب‌های مسیر طی شده را یادآوری می‌کند و از سوی دیگر ذهن مخاطب را برای رسیدن به تجربه‌های نو و جدید آماده می‌کند. ماجراهای حسابی داستان پیدایش و پیشرفت ریاضیات است. نویسنده در این اثر سعی و همت خود را بر آن گذاشته که با بررسی تاریخ ریاضیات مخاطب نوجوان را از رموز شیرین اعداد و ارتباط آنها با یکدیگر آگاه کند. نویسنده مخاطب خود را از مخاطب منفعل به سطح مخاطب فعال کشانده و به جای تشویق و ترغیب او به حفظ داده‌های اولیه، داستان شکل‌گیری این داده‌ها را بازگو کرده است. او مخاطب را به سویی کشانده است که به جای استفاده از ماحصل تربیت دیگران به عنوان یک محصول در فرآیند تولید و بازتولید نقش و جایگاه داشته و در تحصیل آن شرکت کند. نویسنده در این اثر به تجربه‌ای نو دست زده و به جای استفاده از زوایه‌ای فراتر از زاویهٔ دید مخاطب، در کنار او نشسته و یادآوری کرده است که اگر چه این بحث‌ها لذت بخش نیستند و مخاطب حق دارد که به آنها بی علاقه باشد اما لازم است که یک بار آنها را دوره کند تا از مشقت ندانستن آنها رهایی یابد.

ویشکاهی، جاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جاسم ویشگاهی، متولد ۱۳۶۱، زمان آغاز کاراته: ۱۳۶۶ نزد استاد سیدگر، حضور در تیم ملی ایران از سال ۱۳۷۶ ، بهترین عناوین: ۳ مدال طلا از قهرمانی جوانان آسیا۳، طلا، ۲ نقره و یک برنز از رقابت های امیدهای جهان، ۲ طلا، ۲ نقره و ۲ برنز از رقابت های قهرمانی آسیا. طلای کاپ آزاد بزرگسالان جهان، طلا، نقره و برنز قهرمانی جهان، طلا و نقره بازی های آسیایی بوسان و دوحه و بیش از ۱۰ مدال رنگارنگ از تورنمنت های معتبر دنیا.

ویلیامز، استیو

قرن:۱۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کشتی گیر: Stone Cold Steve Austin

اسم واقعی: Steve Williams

تاریخ تولد: December ۱۸, ۱۹۶۴

محل تولد: Victoria, Texas

وضعیت ازدواج: ازدواج اول مشخص نیست با چه کسی.(از هم جدا شدن)

ازدواج دوم با Jeanie (در سال ۱۹۹۹ از هم جدا شدن)....(از این ازدواج دو دوختر دارد)

ازدواج سوم با Debra (در سال۲۰۰۳ از هم جدا شدن)

در سال ۲۰۰۴ از دوست دخترش Tess Broussard جدا شده.

قد: ۶.۲ "

وزن: ۲۵۵ lbs

مربی ها: Chris Adams

Bronko Lubich

Skandor Akbar

تاریخ ورود به کشتی کج: ۱۹۹۰ با Frogman LeBlanc

لقب های قبلی:

"Stunning" Steve Austin (WCW)

"Superstar" Steve Austin (ECW)

"Ringmaster" Steve Austin (WWF)

"Stone Cold" Steve Austin (WWF)

"The Rattlesnake" ضربه ی نهایی:

Million Dollar Dream

Stone Cold Stunner

ضربه های موردعلاقه:

Driving Elbow Drop from Middle Rope

Driving Elbow Drop

Mudhole stomping

The Spinebuster

Lou Thez Press

The Clothesline

Back Body Drop

Stungun

Hollywood Invine دشمن هاش:

Chris Adams (USWA)

Sandman (ECW)

Dustin Rhodes

Ricky Steamboat

Shane Douglas

Bobby Eaton

Savio Vega

Bret Hart

Brian Pillman

Owen Hart

Shawn Michaels

Vince McMahon

The Rock

Mick Foley

Undertaker

Triple H

Kane

Kurt Angle

Rob Van Dam

Booker T

Eddie Guerrero

Chris Jericho

Chris Benoit

Ric Flair

Scott Hall

Eric Bischoff

افتخارات:

WCW World Television Title با غلبه بر Bobby Eaton در تاریخ June ۳, ۱۹۹۱

WCW World Television Title با غلبه بر Barry Windham در تاریخ May ۲۳, ۱۹۹۲

قهرمانی تیمی جهان(WCW World Tag Team) به همراه Brian Pillman با غلبه بر Ricky Steamboat & Shane Douglas در تاریخ March ۲, ۱۹۹۳

قهرمانی WCW سنگین وزن امریکا با غلبه بر Dustin Rhodes در تاریخ December ۲۷, ۱۹۹۳

قهرمانی WCW سنگین وزن امریکا با غلبه بر Ricky Steamboat در تاریخ September ۱۸, ۱۹۹۴

WWF King of the Ring با غلبه بر Marc Mero & Jake Roberts در تاریخ June ۲۳, ۱۹۹۶

برنده ی Royal Rumble با بیرون انداختن Bret Hart در تاریخ January ۱۹, ۱۹۹۷

قهرمانی WWF Tag Team به همراه Shawn Michaels با غلبه بر Owen Hart و British Bulldog در تاریخ May ۲۶, ۱۹۹۷

قهرمانی WWF Tag Team به همراه Dude Love با غلبه بر Owen Hart و British Bulldog در تاریخ July ۱۴, ۱۹۹۷

قهرمانی بین قاره یی WWF با غلبه بر Owen Hart در تاریخ August ۳, ۱۹۹۷ در سالن Summerslam

قهرمانی بین قاره یی WWF با غلبه بر Owen Hart در تاریخ November ۹, ۱۹۹۷ در سالن Survivor Series

برنده ی Royal Rumble با بیرون انداختن The Rock در تاریخ January ۱۹۹۸

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Shawn Michaels در تاریخ March ۲۹, ۱۹۹۸ در Wrestlemania ۱۴

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Kane در تاریخ June ۲۹, ۱۹۹۸

قهرمانی WWF Tag Team به همراه Undertaker با غلبه بر Mankind و Kane در تاریخ July ۲۶, ۱۹۹۸

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر The Rock در تاریخ March ۲۸, ۱۹۹۹ در Wrestlemania ۱۵

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Undertaker در تاریخ June ۲۸, ۱۹۹۹

برنده ی Royal Rumble با بیرون انداختن Kane در تاریخ January ۲۱, ۲۰۰۱

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر The Rock در تاریخ April ۱, ۲۰۰۱ در Wrestlemania ۱۷

قهرمانی WWF Tag Team به همراه Triple H با غلبه بر Undertaker و Kane در تاریخ April ۳۰, ۲۰۰۱

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Kurt Angle در تاریخ October ۸, ۲۰۰۱

هاتفی قهفرخی، قدرت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. در قصبه‌ی قهفرخ به دنیا آمد. در اوایل جوانی به تحصیل علوم و فضائل پرداخت و در ۱۳۳۱ ش رونامه «هاتف اصفهان» را منتشر نمود. او همچنین از اعضای انجمن ادبی پروانه و کمال می‌باشد. از دیگر آثار وی: «دیوان»

شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۳۱ -۵۳۰)، الذریعه (۱۲۸۵ -۱۲۸۴/ ۹)، گلزار جاویدان (۱۷۲۵/ ۳).

هادوی تهرانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی هادوی تهرانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد مهدی هادوی در سال ۱۳۴۰ در تهران زاده شد. وی پس از طیّ دوره دبستان و راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز از دبیرستان خوارزمی که از دبیرستانهای بسیار معتبر روزگار خود بود، در رشته ریاضی و فیزیک دیپلم گرفت و به عنوان یکی از پذیرفته شدگان ممتاز کنکور، در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شد. وی پس از مدتی تحصیل غیر رسمی، تحصیلات رسمی حوزوی خود را از سال ۱۳۵۹ در قم آغاز کرد و در ادامه تحصیل، ادبیات و منطق را نزد آیت الله خوش‌وقت در تهران، فراگرفت. سپس بار دیگر به قم بازگشت و دوره سطح را در مدت پنج سال به پایان رساند و در امتحانات حوزه بارها به عنوان فرد ممتاز معرفی شد. پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و از اساتید بزرگی همچون آیات عظام شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، بهجت فومنی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و شیخ جعفر سبحانی استفاده کرد و بیش از همه در محضر درس آیت الله سید کاظم حائری به تحصیل پرداخت. استاد هادوی در فلسفه از محضر بزرگانی همچون آیت الله انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، و مصباح یزدی بهره جسته و سالها به خوشه‌چینی از خرمن حکمت حکیم متأله آیت الله جوادی آملی مشغول بوده است. افزون بر این، وی از ابتدای حضور خود در قم، با سالک واصل حضرت آیت الله بهاءالدینی، مراوده و ارتباط مستمر و وثیق داشت و این ارتباط تا هنگام رحلت آن عارف فقیه برقرار بود. وی در نزد آن بزرگوار علاوه بر اخلاق و عرفان به تحصیل فقه و تفسیر قرآن و حدیث پرداخت. استاد هادوی این توفیق را داشته است که تقریباً تمام دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه را تدریس نماید و از سال ۱۳۶۹ به تدریس خارج فقه و اصول)عالیترین دوره آموزشی حوزه علمیه(اشتغال پیدا کند. در درس فقه روش ابتکاری وی که بر مقایسه بحث های فقهی اسلامی با حقوق جدید بر اساس متون اصلی، استوار است، نظر محققین را به خود جلب کرده است. افزون بر این، استاد به تدریس مباحث منطقی، فلسفی و کلامی اشتغال داشته و دارند و برخی آثار قلمی وی حاصل همین تحقیقات است. استاد هادوی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همکاری علمی دارد. وی عضو شورای بررسی متون علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس گروه فقه و حقوق این شورا و عضو شورای علمی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف است. استاد هادوی همچنین در برخی از علوم جدید مانند اقتصاد، کلام جدید، فلسفه علم و فلسفه هنر، مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد که بعضی از آنها در قالب کتب و مقالات عرضه شده است. وی به دو زبان انگلیسی و عربی تسلّط کامل دارد و تا حدّ زیادی با زبان فرانسه و آلمانی نیز آشناست. مهارت در زبان انگلیسی و کاربرد کامپیوتر، این امکان را برای وی فراهم کرد که اولین پاسخگوی مسائل اسلامی در ایران روی شبکه جهانی کامپیوتری)اینترنت(باشد. استاد هادوی ضمن ارتباط و حضور در مراکز دینی و علمی کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی در تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی از جمله انجمن اهل بیت‌علیهم السلام در سوئیس، انجمن محمدیه در تایلند، مرکز اسلامی هلند و شورای جهانی رهبران دینی (World Council of Religious Leaders WCRL) مشارکت داشته است.

هادی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین هادی

محل تولد : اشتهارد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۴/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هادی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۴۳ تیرماه در شهر «اشتهارد» از توابع شهرستان کرج در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدم با مبادی اعتقادی، اخلاقی و دینی که ریشه در اصالت خانوادگی محیط، اجتماع و شهر مذهبی اشتهارد دارد. دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی را در محل و زادگاه خود گذراندم. به لحاظ علاقه شدیدی که به تحصیل علوم دینی داشتم؛ تحصیل را در کلاس سوم راهنمایی رها و در سال ۱۳۵۷ و بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی، در حوزه علمیه «امیرالمومنین» اشتهارد به تحصیل مشغول و دروس مقدمات و ادبیات عرب را به پایان رساندم.

در سال ۶۱ برای ادامه تحصیل و جهت اینکه از نظر پیشرفت درسی در اشتهارد ادامه تحصیل موجود نبود؛ به قم عزیمت و دروس لمعه و اصول فقه را در محضر اساتیدی چون: مرحوم مغفور حجهٔ الاسلام «وجدانی فخر» و «نکونام» گذراندم. با امتحان ورودی به مدرسه علمیه «امام حسن مجتبی» زیر نظر حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی وارد و به مدت یکسال به تحصیل ادامه دادم و با ازدواج در سال ۶۲ به دروس آزاد اساتید همچون: «آیهٔ الله وجدانی فخر»، «استاد اعتمادی» و «استاد پایانی» شرکت جستم.

در سال ۱۳۶۵ جهت تدریس به مدت یک سال به شهر آشتیان عزیمت و دروس ادبیات عرب را تدریس کردم. جهت ادامه تحصیل در سال ۶۶ به قم مراجعه و تا ابتدای سال ۶۸ به تحصیل مشغول و سال ۶۸ تا ۷۱ به مدت سه سال در شهر «فارسان» از توابع شهرکرد، مدیریت حوزه علمیه فارسان، تدریس و امور مربوط به مراجعات مردمی را در حد مقدور عهده دار بود و از سال ۱۳۷۴ تا کنون؛ ۱۳۸۵، مشغول تحقیق در مرکز پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی هستیم و این همکاری همچنان ادامه دارد.

هاشم‌پور سبحانی، توفیق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر توفیق سبحانی از فرهیختگان معاصر درزمینه زبان وادبیات فارسی درسال ۱۳۱۷ شمسی در تبریز به دنیا آمد.ایشان پس از اخذ فوق لیسانس دبیری از دانشگاه تهران به ترکیه سفر کرد و با شرکت در امتحان ورودی دور ?دکتری دانشگاه استانبول در رشت? عربی – فارسی آن دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۹۷۴ به دریافت درجه دکترا نایل آمد.او نایب رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بوده و دردانشگاه ها نیز تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول می باشد. کتاب" مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها"ترجمه توفیق سبحانی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : توفیق سبحانی دور ?ابتدایی را دردبستان رودکی، متوسطه را در دبیرستانهای رشدیه و لقمان تبریز و رشت ?زبان و ادبیات فارسی را متوسطه را در دانشکد ?ادبیات تبریز و دور ?فوق لیسانس دبیری را در تهران به پایان رسانید. عنوان رساله دوره لیسانس وی" تأثیر حافظ از سعدی وعراقی بود.ایشان در سال ۱۳۴۸ – ۱۹۶۹ – به استانبول رفت و از کتب خطی کابخانه های بسیار غنی استانبول استفاده کرد. با شرکت در امتحان ورودی دور ?دکتری دانشگاه استانبول در رشت ?عربی– فارسی آن دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۹۷۴ به دریافت درجه دکترا نایل آمد

استادان و مربیان : توفیق سبحانی در دور ?دبستان و دبیرستان از تعلیمات و راهنمائیهای مرحوم میرزا محمد ترقی، آقای عبدالله واعظ، مرحوم علی اکبر صبا و آقای عبدالامیر سلیم بهره مند شد و در دوران دانشگاه از محضر استادانی چون مرحوم احمد ترجانی زاده، مرحوم سید حسن قاضی طباطبایی، دکتر منوچهر و دکتر محمد جعفر محجوب و مرحوم دکتر محمود صناعی بهره گرفت. وی در ترکیه در دانشگاه استانبول از وجود استادانی چون دکتر تحسین یازیجی و مرحوم عبدالباقی گولپینارلی بهره برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : توفیق سبحانی دردانشگاه ها ،تدریس می نماید. او در دانشگاههای خارج از کشورنیز به تدریس مشغول بوده است . به عنوان نمونه وی ازسال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ شمسی دردانشگاه دهلی به تدریس زبان وادبیات فارسی اشتغال داشته است . دکتر سبحانی دردانشگاه پیام نور نیز به تدریس مشغول می باشند.

همفکران فرد : دکترمهدی خواجه پیری ،استاد دانشگاه اسلامی علیگره ، یکی ازهمفکران توفیق سبحانی است . این دو در تهیه فهرست نسخ دانشگاه علیگره با هم همکاری داشتند .

جوائز و نشانها : کتاب" مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها"ترجمه توفیق سبحانی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ------------------

---

آثار :

۱ الهائم الخائف من لومهٔ اللائم، شیخ نجم الدین کبری، تصحیح متن عربی و فارسی

ویژگی اثر : تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴.

۲ تدوین فهرستهای تجارب السلف هندو شاه نخجوانی

ویژگی اثر : کتابفروشی طهوری، تهران، ۱۳۵۰

۳ ترجمه شرح مثنوی شریف

ویژگی اثر : این تالیف عبدالباقی گولینارلی است و درشش جلد به همت دکتر سبحانی به فارسی ترجمه شده است .

۴ ترجمه عبد القادر دربیدل دهلوی

ویژگی اثر : این کتاب نوشته پروفسور بنی هادی است و توسط دکتر سبحانی و دیگران ترجمه شده است

۵ ترجمه ملامتیه و ملامتیان

ویژگی اثر : این کتاب تالیف عبد الباقی گولینارلی است که توسط سبحانی ترجمه شده است

۶ حاجی بکتاش ولی وطریقت بکتاشیه

ویژگی اثر : نشری ?دانشکد ?ادبیات تبریز، ۱۳۵۶.

۷ دربار ?قلندرنامه خطیب فارسی

ویژگی اثر : مقال ?کوچک، در یکی از شماره های نشر دانش

۸ ره آورد های سفر

ویژگی اثر : این کتاب سفر دوساله سبحانی به دهلی راشامل می شود که درآن به توضیح مسائل مختلفی پرداخته است .

۹ فهرست آرشیو ملی هند

۱۰ فهرست کتابخانه بمبئی

۱۱ فهرست کتابهای فارسی انستیتوغالب

۱۲ فهرست کتب خطی فارسی دانشگاه دهلی

۱۳ فهرست میکرو فیلم های نسخ خطی دانشگاه اسلامی علیگره

۱۴ فهرست میکرو فیلم های نسخ خطی درگاه پیرمحمد شاه احمد آباد گجراتی

۱۵ فهرست نسخ خطی مرکز میکرو فیلم خانه فرهنگ دهلی نو

۱۶ مختصری دربار ?زندگانی و آثار استاد عبدالباقی

ویژگی اثر : نشریه دانشکد ?ادبیات تبریز، سال ۳۱، شماره ۱۲۹ — ۱۲۸.

۱۷ مولانا جلال الدین

ویژگی اثر : ترجمه،تألیف عبدالباقی گولپینارلی، موسس ?مطالعات، تهران، ۱۳۶۳.این کتاب در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها»: این کتاب ضمن بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و علمی آناطولی در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) و ذکر اطلاعاتی مختصر و مفید دربار ?مآخذ عمده ای که برای تحقیق در زندگانی مادی و معنوی شاعر و عارف بزرگ خاور زمین مورد استفاده قرار گرفته، به زندگانی مولانا و دوره های مختلف حیات وی توجه داشته، در نهایت به فلسفه، دیدگاهها، آثار مولانا نیز گزیده ای از آنها می پردازد .

۱۸ نگاهی به تاریخ ادب فارسی درهند

منابع :

۱www.ketabesal.ir۲زین قند پارسی /گفتگو با دکتر توفیق سبحانی ،کتاب ماه و ادبیات ، سال اول ، شماره چهارم و پنجم ، ۲۰ اسفند ۱۳۷۶، ص۱۸

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

هاشمی رفسنجانی، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد

به سال ۳۱۳ هجری شمسی، در جلگه‌ی نوق – از جلگه‌های رفسنجان – در خانواده‌ای متدین، پسری چشم بر جهان گشود؛ با نام اکبر هاشمی، فرزند حاج میرزا علی و ماه بی‌بی.

روزگار کودکی

کسی نمی‌دانست که نوزاد امروز شخصیت سیاسی – فرهنگی پر آوازه‌ی فردای کشور خواهد بود، تا همه‌ی جزئیات زندگی‌اش را ثبت کند. از بایگانی خاطره‌ها نیز چندان نکته‌ای نمی‌توان برکشید؛ جز این که او در کودکی نیز – در مقایسه با هم سالانش – ویژگی‌های برجسته داشت، چنان که مدرسه را از پنج سالگی همراه برادری که از او دو سال بزرگ‌تر بود آغاز کرد.

دو راهی مکتب و مدرسه

در دو راهی مکتب و مدرسه، دست سرنوشت او را به مکتب خانه سپرد. پدر مکتب خانه را انتخاب کرد؛ چرا که مدرسه از روستا چندان دور بود که دشواری‌های آن را کمتر خانواده‌ای پذیرا می‌شد. گذشته از این برای خانواده‌های مذهبی – به دلایلی که شرح آن در این فرصت نمی‌گنجد – مدرسه چندان جاذبه‌ای نداشت.

شکل گیری شخصیت

شرایط دشوار زندگی، از هفت تا چهارده سالگی تأثیر تعیین کننده‌ای بر شکل گیری شخصیت مقاوم، صبور و چند بعدی او داشت.

مشارکت و کمک به خانواده در امور باغ و دام و طیور و کوشش در حفظ دستمایه‌ی معیشت روستایی، معاشرت و تفریح و ورزش‌های سالم و تحمل مشقات زندگی در روستای دورافتاده‌ی نیم قرن پیش برای او زمینه‌ی آشنایی با واقعیت‌های زندگی بود و از این همه تلاش و تقلا تجربه‌های گران اندوخت. از پدری متدین و آگاه، اخلاق و معرفت آموخت، و در چند مکتب خانه از چند معلم مقدمات علم را فراگرفت.

وسوسه‌ی هجرت و دل کندن از زادگاه

روستای بهرمان روح پرتکاپوی نوجوانی مانند او را گنجا نبود. ناگزیر باید فضایی دیگر و میدانی پنهاور او را آغوش می‌گشود. آن روزها، آوازه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را در خانواده‌های مذهبی طنینی پرجاذبه بود که رفته‌رفته چنان او و پسرعمویش را اثرپذیر ساخت که هجرت به شهر مقدس قم آن هر دو را وسوسه‌ای روزافزون شد. از سویی، دل کندن از خاک زادگاه هم چندان آسان نبود، چنان که یک بار گفت و گو با پدر برای گرفتن رضایت و رخصت هجرت، با انفجار غم در گلو و فرو غلتیدن دانه‌های اشک بر گونه‌ها، همراه بود. با این همه، سرانجام پدر رضایت داد و زمینه‌ی سفر فراهم شد.

با کاروان عشق

هر چند اکنون نیز، چون همیشه، عشق زیارت کربلا ـ عشقی است زنده و چنگ انداخته بر دل‌های بی‌شمار، اما زیارت قدیم را حکایت دیگری است. از همان روز که مشتاقان برای ماه‌ها بعد تدارک سفر می‌دیدند، خدا می‌داند که چند و چندین بار با زمزمه و یاد سفر، چشمان‌شان در اشک شوق غوطه می‌خورد. تا فرا رسیدن روز موعود و حرکت کاروان، که طنین صدای چاووشی خوان آه از نهاد همه برمی‌آورد؛ گریه‌ی شوق بدرقه شوندگان و اشک حسرت بدرقه کنندگان، خاطره‌ای بر جای می‌نهاد که با یاد آن بارها و بارها دل‌ها می‌شکست و دیده‌ها تر می‌شد.

این بار سخن از کاروانیانی است که بر آن شده‌اند تا دو فرزند دلبندشان را در میان راه به شهر قم بسپارند؛ شهری که خود زیارتگاه است و هم در آن روزگار، گذرگاهی بر سر راه زایرانی بسیار که مشهد رضوی، یا کربلای حسینی را آهنگ زیارت داشتند، با ویژگی و امتیازی که تأسیس حوزه‌ی علمیه در آن روزها به این شهر داده بود.

تجربه‌های تلخ و شیرین

از همان روز که سفر آغاز شد، تجربه‌هایی تلخ و شیرین به بار آورد که هر یک را به نوبه‌ی خود در سازندگی و زمینه‌سازی بالندگی‌اش، بیش یا کم، نقش و اثری بود که در این فرصت باید از آن یادی کرد:

تجربه‌ی سفر

بی‌تردید، سفر برای نوجوانی که برای نخستین بار پا از روستا بیرون می‌گذارد تجربه‌ای است یگانه، شیرین و به یاد ماندنی. در این تجربه‌ی تاریخی، به فراوانی فرصت تجربه‌ی پدیده‌هایی نو فراهم می‌شود که همه از مقوله‌ی اولین‌هاست: دیدن و سوار شدن اتوبوس، برای اولین بار؛ حضور در شهر و رویارویی با همه‌ی آنچه ویژگی شهر است، برای اولین بار...؛

بی‌شک دشواری و رنج در سفرهای دور آن روزگار نیز بسیار بوده است؛ هر چند لذتی که از آن همه مشاهدات نو به نو، نوجوانی رسته از قفس روستا را پیش می‌آید، تلخی‌ها و سختی‌ها را نیز شیرین می‌کند.

تجربه‌ی غربت

با این همه، رنج غربت چنان تلخ و جانکاه است که به هر حال فرصتی برای خودنمایی می‌یابد؛ هر چند که از نخستین روز شرایط بهتری - در مقایسه با همگنانی که در حجره‌ی مدرسه‌ها زندگی می‌کردند - برای او فراهم است و حضرات اخوان مرعشی، که آن روز از فضلای حوزه به شمار بوده‌اند، بر حسب پیوند خویشاوندی و با قراردادی مسؤولیتی را در این زمینه می‌پذیرند؛ مسؤولیتی که بی‌اجر هم نبوده است. بدین‌سان زندگی در قم از خانه‌ی اخوان

مرعشی آغاز می‌شود؛ در سوز سرمای زمستان. هر چند سرمای کویر کرمان نیز بی‌سوز نبوده است، اما سوز سرمای قم را در آن ایام حکایتی دیگر است!

تجربه‌ی آشنایی

از دست‌آوردهای ارزشمند روزگار طلبگی، آشنایی‌هاست. بهانه‌ی این آشنایی‌ها، پیش از هر چیز، نیاز طلبه به کسی است که درس را با او مباحثه کند. رفته رفته، دامنه‌ی این آشنایی گسترده و گسترده‌تر می‌شود: بحث مشترک، گرایش مشترک، اندیشه و آرمان مشترک.... آشنایی‌هایی از این دست احساس غربت را چندان مجال نمی‌دهد که طلبه‌ای مصمم را از پا در آورد. چنین است که پدر و مادرش در بازگشت از زیارت - حدود سه ماه بعد از مهاجرت فرزند - جای نگرانی نمی‌بینند؛ پس از چند روز، آسوده خاطر، آهنگ دیار می‌کنند و او آموختن را پی می‌گیرد، با اندوخته‌ای ناشناخته و عزیز: نیایش مادری دل سوخته در حایر حسینی!

تجربه‌ی ارادت

در حوزه‌های علوم اسلامی، تحصیل، تهذیب، تعلم و تزکیه را پیوندی تنگاتنگ بوده است. نقش تعیین کننده در سیر و سلوک معنوی، دل بستن است و دل سپردن به مرادی که چونان اسوه‌ای، در تسخیر قله‌ی کمال معنوی، در باور و دل ارادتمند، جایگاهی بیابد؛ در این نگاه، بسا میان امروز و دیروز تفاوتی باشد. به هر حال، در آن روز، حضور آیت‌الله العظمی بروجردی در قم نه تنها برای او، که برای خیل طلاب، چنین نقشی داشت؛ چنان، که دیدنش برای‌شان راستی را که آرزو بود. هر روز می‌کوشیدند یک یا چند بار زیارتش کنند. او نیز چونان پدری مهربان طلبه‌ها را دوست می‌داشت و برای تشویق افرادی که بتوانند استواری و درخشندگی را به نمایش بگذارند بخشی از وقت خویش را آزاد می‌گذاشت: طلبه‌ای که شعرهای الفیه‌ی ابن مالک را - که یک دوره‌ی کامل نحو است - و متن منطق تفتازانی یا بخشی از قرآن را حفظ می‌کرد با دریافت جایزه‌ای از دست مرجع تقلید شیعیان نواخته می‌شد و برایش دلگرمی و امتیازی بود. برای او چنین فرصتی دست داد و خاطره‌ای شیرین به یادگار گذاشت؛ هر چند شیرینی‌های این زندگی فروردین همیشه با تلخی‌هایی آمیخته است و در این مورد نیز چنین بود.

تجربه‌ی تبلیغ

آمیختگی تحصیل و تبلیغ، ویژگی مهمی است و تفاوتی عمده و اساسی میان حوزه‌ی قم و نجف. ریشه‌یابی این تفاوت در فرصت کنونی نمی‌گنجد؛ تنها به اشاره‌ای بسنده می‌شود: در حالی که حوزه‌ی نجف وعظ و خطابه را برای کسی که جایگاهی معتبر و مقامی عالی در فقاهت را آهنگ کند کاستی می‌شمرده است، در حوزه‌ی قم، آشایی با فن خطابه را چونان هنری ارزشمند - برای هر کس و در هر مقام - ارج می‌نهاده‌اند. فرزندان این حوزه بر آن بوده‌اند که از همه‌ی فرصت‌ها و مناسبت‌های دینی برای تبلیغ سود برند. افزون بر این، سفر تبلیغی برای طلاب قم راه گذران معاش هم بوده است. چنین بود که او نیز در فاصله‌ای کوتاه سفر تبلیغی را بال گشود، نخست به زادگاه و سپس به دیگر جاها، در سرتاسر ایران.

تجربه‌ی شکست

اگر نیازهای زندگی نبود، بسا زندگی از فراز و فرود خالی بود. نیاز را با انگیزه‌ی جدی پیوندی است تنگاتنگ، چنان که بی‌آن مشکل بتوان از انگیزه تصور روشنی داشت. بی‌تردید انگیزه‌هایی که ما می‌شناسیم بی‌پیوند با نیازی نیستند. در این میان، نیازهای مادی را نقشی است بسیار مهم و سودمند.

چنین است که تن دادن به سفرهای تبلیغی سخت از آن زمان آغاز می‌شود که زندگی مستقل، دشواری‌هایی را - که بهای آزادی و استقلال است - در نگاه می‌نشاند، یا از آن نیز فراتر می‌رود! به ویژه که رفته‌رفته دیگر برادرها را نیز وسوسه‌ی هجرت برانگیخته است و در منزل برادر اطراق کرده‌اند. درآمدی در کار نیست، جز آنچه پدر حواله می‌کند که نسبت به هزینه‌ی زندگی ناچیز است. ناگزیر باید چون دیگران سفرهای تبلیغی را - در تعطیلی‌های حوزه -باربرست، هم فال است و هم تماشا، هم انجام وظیفه است و هم ادای مسؤولیت تبلیغ، و هم امداد غیر غیبی زندگی. اما نخستین تجربه در این راه شکستی است تلخ که غرور این فرزند کویر را جریحه‌دار می‌کند. از این پس، هر چند مسؤولیت تبلیغ فراموش نمی‌شود، ولی این اندیشه قوت می‌گیرد که باید حساب تبلیغ و امرار معاش را از یکدیگر جدا کرد. در این راه نیز تجربه‌های نخست موفقیت‌آمیز نیست، هر چند سرانجام تلاش و همت به بار می‌نشیند. در راه همین تلاش، از حجره‌ای در مدرسه‌ی حاج ملاصادق، پایگاهی پدید می‌آید که چون یک مرکز تجمع، جمعی هم‌اندیش، هم دل و هم باور را در عرصه‌ی تلاش فرهنگی فراهم می‌آورد و رفته‌رفته مکتب تشیع با هم کاری شهید دکتر باهنر پایه‌گذاری می‌شود، با پی‌آمدهایی ارزشمند و زمینه‌ساز آشنایی گسترده و گسترده‌تر با افراد و جمعیت‌های تلاشگر و خواستار گسترش اندیشه‌ی اسلامی و هواداران آرمان‌های مترقی، در سراسر کشور. به تعبیری دیگر می‌توان گفت: انتشار مکتب تشیع سرمایه‌ی ارتباطی گسترده در اختیار او گذاشت تا ببینیم که در حفظ و بهره‌برداری از این ارتباط ارزشمند چه خواهد کرد. در این میان، زمینه‌ی ازدواج و پایه‌گذاری زندگی مشترک فراهم می‌شود که در آن روزها خالی از دشواری‌هایی نبوده است، به ویژه فراهم کردن هزینه‌ها؛ به هر حال، گردنه‌ای است در روند زندگی که باید آن را پشت سر گذاشت. در این میان، آنچه ماندگار است خاطراتی است روشنگر چگونگی برخورد با سختی‌ها که در آن تجربه‌هایی آموزنده و سازنده موج می‌زند.

آشنایی با حضرت امام قدس سره

در بازی سرنوشت، او را از نخستین روزهای هجرت به قم فرصت طلایی فراهم شد که زمینه‌ساز آشنایی با شخصیتی بود که در شکوفایی استعداهایش بهترین و بیشترین نقش را داشت. منزل اخوان مرعشی در نزدیکی بیت حضرت امام بود، چنان که او را هر روز فرصت چشم دوختن به چهره‌ی جذاب و پرابهت او دست می‌داد؛ چهره‌ای که با نخستین نگاه دل او را با عشقی روزافزون تسخیر کرد. گاه می‌کوشید که بهانه‌ی پرسشی، مسافتی را با امام هم‌گام شود، بی‌خبر که در سرنوشتش هم گامی دیگری رقم خورده است تاریخی و تاریخ ساز....

تجربه‌های سیاسی

از منظری دیگر، حوزه‌ی قم در آن روزها دستخوش التهاب‌های سیاسی تکان دهنده‌ای بود. هر چند موضع مرجع تقلید وقت، کناره‌گیری از سیاسیت - از موضع تقیه - بود؛ با این همه پی‌آمدهای آزادی‌های پس از شهویور ۲۰ افراد و گروه‌هایی را فرصت تحرک فراهم کرد و پیدایش حرکت‌هایی را زمینه‌ساز شد. جبهه‌ی ملی، حزب توده و از همه نزدیک‌تر به حوزه، جمعیت فداییان اسلام و هواداران آیت‌الله کاشانی، که در قم نیز بی‌پایگاه نبودند و از پشتیبانی یکی از علمای برجسته‌ی قم که زهد و تقوای او نیز زبانزد همگان بود، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، برخوردار بودند. چنین بود که پیش از اختلاف دکتر مصدق با آیت‌الله کاشانی، نهضت ملی نیز - به خصوص در جریان مبارزه با استعمار انگلیس - از حمایت جدی آیت‌الله خوانساری برخوردار بود. اگر موضع‌گیری الحادی حزب توده، تنش میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و پاره‌ای حرکت‌های تند و ناپخته نبود، به عوامل دربار کمتر فرصت جوسازی و بهره‌برداری داده می‌شد و در نتیجه، حرکت‌های ملی -مذهبی از حمایت آیت‌الله العظمی بروجردی نیز نصیب می‌بردند.

به هر حال، در آن روزگار، در آماده‌سازی و رشد سیاسی نسل جوان حوزه موج این حرکت‌ها بی‌تردید اثرگذار بود؛ به ویژه که در مواردی مانند آوردن جنازه‌ی رضاشاه به قم و تظاهرات در مخالفت با آن، ماجرای سید علی‌اکبر برقعی، سفر آیت‌الله کاشانی به قم و جلوس در بیت آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، این نسل به صحنه می‌آمد و به رغم تعبدی که در برابر مرجع تقلید خود داشت، در عمل نسبت به حرکت سیاسی احساسی مثبت نشان می‌داد.

برآیند این همه، محبوبیت ممتاز حضرت امام بود در دل نسل جوان و بالنده‌ی حوزه، که رفته‌رفته او، در شمار یکی از نمایندگان برجسته‌اش، جایگاه معتبری یافت او با شماری از هم فکران، بیت ایشان را - پیش از آغاز نهضت - پایگاه خود ساختند؛ گویی در جهان آرمان‌ها، جانشین آیت‌الله العظمی بروجردی را در مقام مرجعیت شیعه انتخاب کرده بودند. هر چند در ارزیابی‌های ظاهری - با توجه به مشی حضرت امام و پرهیز جدی از شائبه هرگونه حضور در میدان رقابت‌ها - چنین آرزویی را زمینه‌ی تحقق نبود.

رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی

ناگهان انتشار خبر درگذشت مرجع تقلید شیعیان جهان مانند زلزله سهمگین، ایران را به لرزه در افکند و انبوه مردم را فرصت حضوری پرهیجان فراهم کرد. حضور گسترده‌ی مردم در جریان تشییع جنازه و مراسم بی‌شمار یادبود در سراسر کشور، نمایشی بود

از قدرت مردمی روحانیت و مرجعیت. هر چند که دربار نیز خود را مصیبت‌زده وانمود کرد و فراتر از آن، در گرفتن ژست صاحب عزا بازی‌ها در آورد. هر چند ساده‌اندیشانی در هر کسوت بودند که به ریاکاری‌های دربار فریفته می‌شدند. اما واقعیت این بود که چنین نمایشی با شکوه، دربار و درباریان را سخت نگران می‌کرد؛ بگذریم که برای شخص شاه این نمایش مفهومی دیگر داشت، اگر فراموش نکرده باشیم که چندی پیش با جنازه‌ی پدرش در همین شهر قم چگونه برخورد شد!

چنین بود که در بطون سیاست دربار پیش گیری از تمرکز مرجعیت اصلی بود خدشه‌ناپذیر؛ با اندکی ژرف‌بینی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تلگراف تسلیت به نجف ترفندی بود برای تجزیه‌ی مرجعیت و انتقال آن به نجف. نگاهی گذرا به مطبوعات آن روزها روشنگر دوگانگی کامل سیاست دربار است که به ظاهر در جهت انتقال مرجعیت به نجف تلاش کرد، در حالی که مطبوعات می‌کوشند تا هر شخصیتی که بیش یا کم هوادارنی دارد، مطرح شود. در چنین فضایی بود که او و دیگر شاگردان ارادتمند حضرت امام فرصت یافتند که از یک سو نامزد مورد قبول خود برای مقام مرجعیت را در مطبوعات مطرح کنند و از سوی دیگر، از فرصت مراسم یادبود آیت‌الله بروجردی در روشنگری و در میان گذاشتن آرمان‌ها و ایده‌های خود با توده‌ی مردم و روحانیت بهره‌برداری کنند. سخنرانی او در مسجد اعظم مانند سخنرانی شماری از هم فکرانش نموداری است از چنان تکاپویی؛ با این همه، همه‌ی شواهد بیانگر ناکامی آنان در این تلاش بود، چنان که پس از فرونشستن موج سوگواری در نگاه سطحی، همه با افسوس باور کردند که حضرت امام همچنان منزوی خواهند ماند.

طنین فریادی در سکوت

ناگهان با طنین فریادی در سکوت، خطای دوست و دشمن در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری افشا شد: در میان تلگراف‌هایی که به نخست‌وزیر وقت – در اعتراض به تصویبنامه‌ی دولت –در نگاه‌ها نشست، تلگراف حضرت امام را آهنگی دیگر بود؛ آهنگی که دل دوستان را با خیزآبی از شادی نواخت، و دربار و درباریان را با موجی از وحشت هراسان ساخت. شاید بیش و پیش از همه، شخص شاه پریشان شد. هر چند حجاب قدرت مانع ژرف‌بینی بود و ساده‌اندیشانه چنین پنداشتند که با بی‌پاسخ گذاشتن تلگراف حضرت امام، او حذف خواهد شد؛ بی‌خبر که پیام این سکوت برای نسل جوان و هوشیار حوزه از هر روشنگری روشنی بخش‌تر بود. نسل بالنده، و هوشیار حوزه پیش از همه دریافت که در انتخاب خود به خطا نرفته است، و او نماینده‌ی همین نسل بود.

چنین بود که او و همه‌ی هم باورانش در این باور بیش از پیش هم داستان شدند که اگر مرجعیت دچار تجزیه شد، رهبری را دریابند، با آن که باید در مورد مرجعیت حضرت امام نیز تلاش کنند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

با آن که در نهضت ده ماهه‌ی روحانیت و درگیری با دولت علم به بهانه‌ی تصویبنامه‌ای در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی، همه‌ی مراجع قم –با بهره‌مندی از حمایت مراجع نجف – هم گام بودند، ولی رهبری حرکت با حضرت امام بود و با همین رهبری مبارزه در گام نخست به پیروزی رسید؛ پیروزی امیدآفرینی که می‌توان آن را از جهاتی با پیروزی مسلمانان در بدر مقایسه کرد: روحانیت، مراجع و مردم به رهبری حضرت امام بی‌هیچ تلفاتی به پیروزی بزرگی دست یافتند؛ دولت علم رسما عقب‌نشینی کرد و با فشار و اصرار حضرت امام مطبوعات لغو تصویبنامه را اعلام کردند. شرح این بخش از داستان مبارزه و انقلاب را فرصتی دیگر باید؛ پس به اشاره‌ای باید بسنده کرد که حضور او و هم کوشان و هم باورانش در این عرصه‌ی تاریخی چنان بود که گویی ماهیانی تشنه‌اند که اینک خود را به برکه‌ای لبریز از آب زلال رسانده‌اند.

شکستی پس از پیروزی

با آن که حماسه‌ی ۱۵ خرداد را، با پی‌آمدهای سیاسی و فرهنگی آن، نباید شکست ارزیابی کرد، چرا که رمز و راز پیروزی انقلاب در همین حماسه‌ی تاریخی نهفته است؛ با این همه، بر حسب مفهوم متعارف پیروزی و شکست – در فراز و فرود راه مبارزه – می‌توان چونان شکستی از آن یاد کرد، شکستی بس همانند با شکست مسلمانان در احد! دشمن در پی شکستی که ناگزیر بدان تن داده بود نیروهای خود را بسیج کرد و این بار شخص شاه به میدان آمد، با شعار انقلاب سفید و با حربه‌ی رفراندم؛ شعاری دنیاپسند و حربه‌ای کارآمد که مخالفان را – که در مبارزه‌ی گذشته با استناد به اصولی از متمم قانون اساسی پایگاهی قانونی داشتند – در نخستین برخورد خلع سلاح کند. در برابر، دلگرمی پیروزی گذشته – که هیچ کامی شیرینی آن را از یاد نبرده بود – مراجع، علماء، روحانیت و انبوهی از مردم را به صحنه آورد و بدین‌سان صف‌آرایی جدی‌تری از گذشته شکل گرفت. اگر پاره‌ای خواص چونان نسل جوان و بالنده‌ی حوزه و انبوه مردم رهبری حضرت امام را گردن می‌نهادند، بسا درگیری این دو صف به گونه‌ای دیگر رخ می‌داد. به هر حال، درگیری خیلی زود پیش آمد، در آستانه‌ی رفراندم ۶ بهمن ۴۱، یک روز پیش از آمدن شاه به قم؛ در قم با بهانه‌ای و در تهران با بهانه‌ای دیگر. بدین‌سان نهضت زمستان سرد و سوزانی را پشت سر گذاشت؛ زمستانی که در آن، اختناق رژیم بر همه‌ی پایگاه‌های روحانیت و مردم سایه‌ای سنگین گسترده بود، چنان که در رمضان نیز فریادها در گلو – مگر در پاره‌ای موارد استثنایی – حبس می‌نمود.

در طلیعه‌ی بهار طبیعت، با پیام تحریم مراجع، جنبش جان گرفت. به ویژه پیام امام در تحریم عید و نیز پاسخ به درخواست حضرت آیت‌الله سید محسن حکیم مبنی بر مهاجرت مراجع به نجف، جهت اتخاذ تصمیمی مشترک، و از همه اثر گذارتر، سخنرانی امام در عصر چهارشنبه‌ی پایان سال ۴۱، که روح قیام را در قم دمید. زایرانی که از جای جای ایران – برای حضور در حرم حضرت معصومه (ع) در لحظات تحویل سال نو – همه ساله به قم مشرف می‌شدند، در نوروز ۴۲، قم را دگرگون یافتند و از نهضت روحانیت در برابر رژیم آگاه شدند و از نزدیک یورش نیروهای سرکوبگر شاه به فیضیه را یا تماشاگر بودند یا آثار آن را همان روز و روزهای بعد به چشم دیدند. موج این خبر سراسر ایران را فراگرفت و زمینه را برای آنچه حضرت امام و یاران آگاهش سال‌ها آرزو داشتند فراهم کرد.

هر چند حضرت امام، یورش عمال رژیم به فیضیه را بی‌پاسخ نگذاشت و از همان روز رویداد هرازگاه به بهانه‌ای سوگ فیضیه را فریاد زد؛ اما در واقع فریاد را در گلو بیش از هفتاد روز حبس کرد، تا به هنگام، در واپسین ساعت عاشورا، در حضور ده‌ها هزار عزادار آماده‌ی شهادت آن را بر سر شخص شاه فرود آورد و شکوه دروغینش را در هم بشکند. گویی فریاد عصر عاشورای

حضـرت امـام فریاد مظلومان تاریـخ اسـلام و ایران است که قرنها در گلوی زمان زنـدانی زورگویی و اختناق بوده است و اینک به هنگام، با زمینه‌سازی بسـیار خردپـذیر و سـنجیده، آزاد می‌شود و موج می‌افکند و مردمی قرنها چشم به راه، هم اکنون عزیز زندانی خویش را پذیرا می‌شوند و به گرمی آغوش می گشایند.

محرم و عاشورای ۴۲، محرم و عاشورایی بود پرشور، که در زمینه‌سازی آن کمتر شهری یافت می‌شد که پیک و پیام حضرت امام را دریـافت نکرده باشـد. پیامی که دسـتور زنـده کردن عاشورا و تجدیـد عهـد با پیام عاشورا بود. پی‌آمـد آن فریاد تاریخی و پرطنین، دستگیری فریادگر بود، با فاصله‌ای اندک، و در پی آن، حماسه‌ی ۱۵ خرداد، با قربانیان بسیار.

خورشید روز دوازدهم محرم سال ۱۳۴۲، بر انبوه پیکرهای به خون خفته تابید و غروب آن، نه تنها سیاهی شب را در پی داشت که گویی حاکمیت ظلم و ظلمت را در برهه‌ای دیگر از زمان، همراه خشونت و خفقان، مهر تأیید می‌نهاد.

هر چند با دستگیری حضرت امام و تنی چند از عالمان و سخنوران، دیگر مراجع، علما و به ویژه نسل بالنده و جوان حوزه‌ها از پای ننشتند، ولی به هر حال چندی آهنگ نهضت شتاب گذشته را از دست داد.

حضور نهضت در پادگان‌های نظامی!

گویی سرنوشت در حماسه‌ی ۱۵ خرداد سـهم او را انجـام مـأموریتی در فضایی دیگر رقم زده بود: فضای پادگان‌های نظامی که در حصـار دژی آهنین با مردم بیگانه بود. داسـتان سـربازگیری از حوزه‌ی قم –در پی یورش به فیضـیه – را در تاریـخ انقلاب جایگاهی است بـا اهمیت که در این فرصت، نـاگزیر بایـد به اشـاره‌ای بسـنده کرد و از آن گـذشت، بـا یادآوری این نکته که حضور او را در جمع طلبه‌هایی که در فروردین سال ۴۲ – از حوزه‌ی قم – به سربازخانه اعزام شدند، در مجموع می‌توان بسیار مثبت ارزیابی کرد، با آثاری از این دست: تقویت روحیه‌ی جمع، رسیدن پیام نهضت به اختناق زده‌ترین قشر جامعه؛ چنان که در عاشورای سال ۴۲ شعار مبارزه در جای جای پادگان نظامی عشرت‌آباد نیز در نگاه می‌نشست از این همه ارزشـمندتر، اندوخته شدن یکی از نیروهای فعال نهضت برای روزگار غربت انقلاب که در نخستین غیبت رهبری بتوانـد اثرگـذار باشد. نمی‌دانیم، شاید اگر او در نیمه‌ی فروردین تا نیمه‌ی خرداد سال ۴۲ در در سربازخانه نبود، از دسـتگیرشدگان آن روزها بود و در این صورت، بسا مسائل که دستخوش تغییراتی می‌شـد که پس گـویی آن بسـیار دشـوار است. به هر حـال، تـا نیمه‌ی خرداد در پادگـان حضور داشت و بیم آن می‌رفت که برایش پرونده‌سازی سـنگینی شود که به هنگام، از سـربازخانه گریخت و به جمع علمای مهاجر در تهران پیوست و با شماری از هم‌اندیشان به بهره‌برداری هر چه بیشتر از آن هجرت تـاریخی پرداخت. در همین احوال حسـاس و در حـالی که همراه و هم‌گـام به شـهید دکتر محمدجواد باهنر می‌کوشید تا از حضور و نفوذ مهاجرین بیشترین بهره‌برداری – در جهت اهداف نهضت شود، ناگهان گام در دامی نهـاد که در راهش گسترده شـده بود و می‌رفت که با عنوان سـرباز فراری، متهم به فعالیت‌هایی در بیرون و درون پادگان، به مراجع قضایی نیروهای مسلح سپرده شود و در آن فضای آکنده از خشونت، احیانا محکومیت سـنگینی پیدا کند، که با چابکی و هوشیاری از این دام نیز گریخت و از این پس، چندی به صورت سربازی فراری روزگار را کرانه کرد.

بدین‌سان فرصتی پیش آمد که کار ترجمه‌ی کتاب سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار را به انجام رساند، کاری کارستان و کارساز و اثرگذار بر بینش سیاسـی حوزه از یک سو، و بر برداشت دیگران از فرزندان فیضـیه از سویی دیگر. پرونده‌ی او با انتشار ایـن کتـاب – پس از چنـدی کـه از روزگـار تـألیف می‌گـذشت – شـکل گرفت و نخسـتین احضـار و بـازجویی به آن راجع است. (سندهای شماره ۰۰۰۱ تا ۱۵/۲)

به هر حـال، در اختنـاق سال ۴۲، او به عنـوان سـربازی گریخته از پادگـان که دارای پرونـده‌ی سیاسـی نیز بـود، فرصت خوبی برای اندیشه‌ی بیشتر یافت و اوقات فراغت را با تلاش فرهنگی و سیاسی ثمربخشی پر کرد.

حضوری دوباره در قم

رفته‌رفته، جو اختناق شکسـته شـد و رژیم – که اعدام حضـرت امام را در مقام مرجعی مقتدر، محبوب و بهره‌مند از پشتیبانی بی‌دریغ اقشار میلیونی مردم، با مصالح سیاسـی خود ناسازگار ارزیابی کرده بود – پی‌آمدهای زندانی نگه داشـتن، محاکمه و محکومیت وی را نیز نـاصواب شـناخت و بر آن شـد که در جست و جوی راهی برای تحمل و کنار آمـدن بکوشـد. از آنجا که آزادی ناگهانی نیز چنـان موجی از احساسات مردم را می‌توانست برانگیزد که مهار آن بیرون از توان نیروهای رژیم ارزیابی می‌شـد، ناگزیر برنامه‌ریزی به گونه‌ای انجام شد که نخست حضـرت امام از حبس به حصـر منتقل شدند و پس از چندی، شهر قم دیگر بار حضورش را آغوش گشود. در این میان، کابینه‌ی علم نیز سقوط کرد و حسنعلی منصور تشکیل کابینه را مأموریت یافت. در نرمشی که در سیاست رژیم ضمن اجرای این برنامه پیش آمـد، فضای سیاسـی دیگری پدیـد آمد که او با احساس امنیت، در قم حضور یافت و در چنین فضایی مقدمات انتشار سرگذشت فلسـطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار فراهم شد. در همین فضای جدید، هم‌اندیشان را فرصتی پیش آمد تا به بحث‌های جدی‌تری بپردازند. چنین بود که زمینه‌ای برای شـکل‌گیری تشکلی با نام «جمعیت اصـلاح حوزه» فراهم شد که هدف اصلی آن بررسی اصلاح جامعه از طریق ایجاد حکومت اسلامی بود.

جشن‌های آزادی امام

ناگهـان مـوج خبر آزادی حضـرت امـام همه را غـافلگیر و هیجـان‌زده کرد. رهـبری فرزنـدان فیضـیه را در ابراز عواطف و برگزاری جشن‌های آزادی در راسـتای هدف‌های نهضت، جمعی از بهترین یاران و شاگردان حضـرت امام عهده‌دار بودند که او، چونان شمع جمع، روشنی می‌بخشید، هر چند که در آن جمع کوچک، شخصیت‌های برجسته‌ی بزرگ‌تری نیز حضور داشتند.

می‌توان گفت که در پی آزادی حضـرت امـام، در شـیفتگان و هواداران برگزیـده‌اش، دو گرایش و دو خـط سیاسـی و فکری پـدید آمد:

۱– گروهی به شـخص حضـرت امـام می‌اندیشـیدند و اسـتقرارش را در مقـام مرجعیت شـیعه هـدف اصـلی می‌پنداشـتند، تا آنجا که ناخودآگاه گرایشی به سازش داشتند.

۲. گروهی دیگر، که نهضت اسـلامی را اصـالت می‌دادنـد و مسائلی چونان مرجعیت را در جنب آن ارجی – قیاس‌پـذیر با نهضت –

نمی‌شناختند. در جشن فیضیه، نمودی از این دوگانگی نمودار شد، هر چند که جز شماری اندک از خواص کمتر توجهی به آن داشتند. ابتکار عمل در برگزاری جشن‌ها، به ویژه جشن فیضیه - که از آن به مثابه تمرین تلاش جمعی طلاب و فعالیت تشکیلاتی آنان می‌توان یاد کرد - با گروه دوم بود.

در این میان، ساواک او و شماری از عناصر فعال را شناسایی کرده بود و می‌کوشید اطلاعات خود را درباره‌ی آنان کامل و کامل‌تر کند. (سند شماره ۰۰۰۷)

شور و هیجان و نشاط تاریخی حوزه‌ی قم

سال ۴۳، در تاریخ حوزه‌ی قم، سالی استثنایی است. در فروردین این سال، حوزه با شوری وصف‌ناپذیر حضرت امام را آغوش گشود و جشن‌هایی پرشکوه را در سرتاسر شاهد بود. با فاصله‌ای بسیار کوتاه، درس آغاز شد، با سخنرانی تاریخی و طولانی پر نکته‌ای که در آن، ضمن جمع‌بندی مسائل مبارزه، خط مشی آینده نیز ترسیم گردید. هر چند آن درس پرشکوه را در نگاه دل‌باختگان حضرت امام ارجی فراوان بود، اما هر نضهت، انقلابی در ارزش‌هاست و با نهضت اسلامی نیز ارزش‌هایی نمایش یافت که در برابر آن ارزش‌های گذشته رنگ می‌باخت؛ چنین بود که برای عناصری چونان او ارزش‌های نوین را جاذبه‌ای دیگر بود: نشست‌های خصوصی و ضمن آن، آشنایی‌ها، پیوندها و شناخت‌هایی کارساز برای آینده‌ی نهضت، در هشت ماه اول سال ۴۳ و در نشست‌های خصوصی بیت حضرت امام، چنین پیوندها و آشنایی‌ها را ارزشی کارساز بود، به ویژه پیوند قم با تهران و شناخت‌های بیشتر و بیشتر یاران از همدیگر.

با فرا رسیدن تابستان، درس تعطیل شد، امام حضرت امام که گویی احساس می‌کرد اقامتش در قم چندان نمی‌یابد، از فرصت تابستان نیز بهره‌ای دیگر گرفت و درسی را در منزل عهده‌دار شد، با عنوان «مسائل مستحدثه» که هرچند محتوای آن را با درس‌های متعارف حوزه فاصله‌ی چندان زیادی نبود. اما عنوان آن را پیامی دیگر بود. در این میان تاریخ انقلاب اسلامی، رمضانی خاطره‌انگیز در گذرگاه خود داشت؛ بگذریم که در سراسر ایامی که حضرت امام در قم اقامت داشتند، مسجد امام به صورت پایگاه تبلیغی نهضت، همه شب آکنده از انبوه شنوندگانی بود که گویی نمادی بودند از نیازهای نو جامعه و تحول در تبلیغ. سالگرد ۱۵ خرداد نیز فرصتی پیش آورد برای تلاش و تکاپویی دیگر.

مبارزه با آهنگی دیگر

ناگهان موج خبری تازه همه چیز را دگرگون کرد؛ خبر سخنرانی حضرت امام بر ضد لایحه‌ای که موضوع آن را اعطای امتیازی بود به مستشاران آمریکا در ایران. پیش از هرگونه موضع‌گیری، تحقیقات در این زمینه به او واگذار شده بود که در انجام این مهم بعضی از شخصیت‌های سیاسی روز هم‌کاری‌هایی کردند.

پی‌آمد این سخنرانی که هم زمان با آن مفصل‌ترین اعلامیه‌ی حضرت امام در گسترده‌ترین سطح در همه جای کشور پخش شد، دستگیری بود و تبعید به ترکیه و استقرار حکومت نظامی و فرورفتن کشور در اختناقی بسیار سنگین.

عملکرد رژیم این بار چنان بود که هیچ واکنش فراگیری را فرصت نداد. خشم مردم امکان بروز نیافت و هر فریاد اعتراضی در سینه‌ها حبس شد. از سویی دیگر، در مدت اقامت حضرت امام در قم، برای پاره‌ای بیوت، رنجش‌هایی پیش‌آمد که پی‌آمد آن عدم حضور متحد آنان در صحنه‌ی مبارزه بود. در نتیجه، مسؤولیت رهبری حرکت بر دوش جمعی از عالمان جوان‌تر و فضلای حوزه سنگینی می‌کرد که او را در میان جمع آنان درخششی چشمگیر بود. چنین بود که کانون‌های مقاومت در قم، تهران و شماری شهرهای دیگر - به گونه‌ای متفاوت با گذشته - شکل گرفت. در قم، شماری از فضلای برجسته و مدرسان سطح عالی گرد می‌آمدند و نیروهای جوان و بالنده‌ی هوادار و شیفته‌ی حضرت امام را رهبری می‌کردند. نمودی از این جنبش هدایت شده به صورت سخنرانی‌های پی‌درپی، درس‌ها، تشکیل جلسه‌ی دعای توسل در مسجد بالاسر - در حرم حضرت معصومه (ع) - و سر دادن شعار صلوات در مجالس پرجمعیتی که به هر بهانه تشکیل می شد، در خاطره‌ها ثبت است. در نیمه‌ی شعبان سال ۴۳ هجری شمسی نیز مجلسی با شکوه در مسجد اعظم قم برگزار شد که نمایشی از حضور نسل جوان و انقلابی حوزه‌ی قم در صحنه‌ی مبارزه بود. از این همه با اهمیت‌تر، بهره‌برداری گسترده‌ی تبلیغاتی از نخستین ماه رمضان پس از تبعید حضرت امام را باید به شمار آورد، به ویژه در تهران و مسجد جامع بازار که به وضوح از فعالیت متشکل گروهی حکایت داشت که با برخورداری از پایگاه مردمی رهبری نهضت را در غیبت رهبر تبعیدی خود توانا بودند. او به رغم نقشی که در پشت پرده عهده‌دار آن بود، در جلساتی نیز حضور آشکار داشت و در سخنرانی‌های نه چندان عمومی به روشنگری می‌پرداخت. (سندهای شماره‌ی ۰۰۱۷ تا ۰۰۲۶/۲)

صفیر گلوله‌ی بخارایی

در این میان، موج خبر قتل نخست‌وزیر رژیم، حسنعلی منصور، فضای سیاسی کشور را دگرگون ساخت و جوی تازه پدید آورد که گویی آمیزه‌ای بود از شادی، غرور، بهت، نگرانی، ابهام و نیز خشم و خشونتی جنون‌آسا؛ در همین فضای نوین، بر حسب تصادفی، نیروهای وفادار نهضت را فرصت نمایشی باشکوه فراهم شد، با بهانه‌ی تجلیل از عالمی کهن‌سال و شیفته‌ی نهضت و حضرت امام. خیل عظیم هواداران نهضت در تهران، در حالی که به مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله فومنی شتافتند که زخم نخست‌وزیر تیرخورده‌ی رژیم، دل‌های جریحه‌دارشان را مرهمی شده بود و در جرقه‌ای آشنا روزنه‌ای را چشم دوخته بودند که آینده‌ای روشن را در نگاه می‌نشاند.

پی‌آمد قتل منصور، تهاجمی گسترده بود به نیروهای نهضت و موجی فزاینده از دستگیری؛ در همین شرایط او که خطرهایی تهدیدش می‌کرد - با همکاری شماری از هم‌رزمان - در تدارک فراهم کردن نامه‌ای سرگشاده به هویدا (نخست‌وزیر جدید که از سوی رژیم هدایت کشور در بحران به او سپرده شده بود) بودند و برگزاری سالگرد یورش به مدرسه‌ی فیضیه، با چنان شور و هیجانی که حساسیت مأموران اطلاعاتی رژیم را بیش از پیش جلب می‌کرد (سندهای شماره‌ی ۰۰۲۷/۱ تا ۰۰۳۷) و هر روز برگی به پرونده‌اش می‌افزود.

دستگیری نگران کننده!

خبر دستگیری او – به تاریخ ۴۳/۱۲/۱۱ – موجی از نگرانی هواداران نهضت را در شعاعی گسترده در پی داشت. هیچ کس باور نداشت که به فرض رهیدن او از خطر اعدام، به این زودی‌ها، حضورش در صحنه‌ی مبارزه و بیرون از زندان تجدید شود. همه بر این باور بودند که – در خوشبینانه‌ترین فرض – سالیانی دراز، جای هاشمی رفسنجانی را در محافل خود خالی ببینند. پی‌آمد دستگیری او، آمیزه‌ای بود از نگرانی، اندوه و نیایش، همراه با هرگونه تلاش که از آن امید نتیجه‌ای می‌رفت. در همین حال، بازجویی با سخت‌ترین شکنجه‌های رایج آن روزگار آغاز شده بود و جلسات آن پی‌درپی ادامه داشت.

هر چند تلاشی گسترده برای فشار بر رژیم – با بهره‌گیری از اهرم‌هایی که هواداران نهضت در اختیار داشتند – برای رهایی او انجام می‌شد، اما اگر دو عامل اساسی نبود، اثرگذاری این تلاش‌ها بسیار اندک بود:

۱. هوشیاری او در همه‌ی مراحل بازجویی.

۲. فشار شخصیت‌های ذی نفوذ بر رژیم.

این دو عامل بیش از هر چیز در رهایی او نقش داشتند. (سندهای شماره‌ی ۰۰۳۸ تا ۰۰۷۷) به ویژه شادروان آیت‌الله حکیم را نباید در تسریع آزادی او بدون محکومیت نادیده گرفت. با این همه، دو عامل پیش گفته نقش اصلی و درجه‌ی اول داشتند. (سندهای شماره‌ی ۰۰۶۹/۱ و ۰۰۶۹/۲)

آزادی از زندان

خبر آزادی او از زندان –به تاریخ ۴۴/۴/۱۴ موجی از شادی برای هواداران نهضت، به ویژه در قم و تهران، به ارمغان آورد و حضور مجددش در صحنه‌ی مبارزه – در مقطعی بسیار حساس چنان نشاط‌آور و دلگرم کننده بود که قلم از تصویر آن ناتوان است.

پس از آزادی

گزارش‌های گزارشگران ساواک، به وضوح بیانگر واقعیت است که دستگیری، شکنجه و زندان، او را جز تجربه، هوشیاری و پایمردی نیفزود. از همان دم که گام از زندان بیرون نهاد، چونان پولادی آبدیده، با عزمی استوارتر از گذشته، راه مبارزه را پی گرفت. (سندهای شماره‌ی ۰۰۷۷ تا ۰۰۸۶) نه تنها در محافل خصوصی، که در مجامع عمومی نیز –در سخت‌ترین شرایط اختناق – با گفتار و رفتار، ضربه‌هایی بس کوبنده بر هیولای بیم فرود می‌آورد و به هواداران نهضت روحیه و نشاط می‌داد. (سند شماره‌ی ۰۰۸۴)

نگاهی به فضای جامعه در سال ۴۵

اینک فرصتی است مناسب برای بررسی فضای سیاسی ایران، در سال ۴۵. رژیم در سیاست خارجی، بیش و کم از مشکلاتی رنج می‌برد، هر چند که چندان انعکاسی نداشت:

از یک سو، به نظر می‌رسید که هویدا در برقراری موازنه و جلب رضایت شوروی – با خریدهایی تسلیحاتی – اندکی زیاده‌روی کرده است. از سوی دیگر، در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، موضع آمریکا پسند رژیم عواطف مذهبی مردم را سخت جریحه‌دار کرده بود. در همین حال، تشنج در روابط سیاسی ایران و عراق به اوج رسیده بود، که نمودی روشن از امداهای غیبی برای نهضت ارزیابی می‌شد. چه، با نبودن چنین تشنجی فشارهای بیشتری بر حضرت امام و حواریونش در نجف سنگینی می‌کرد. کودتاها و ضد کودتاهای عراق را نیز اگر با چنین دیدگاهی بررسی کنیم، خالی از لطف نیست.

در همین حال، سرکوبی نهضت آهنگ بسیار تندی داشت و در همان روزهای اول سال، قم شاهد یورشی سخت و دستگیری‌هایی گسترده بود که پی‌آمد پاره‌ای واکنش‌ها تشکیل کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی بود، در ساعت ۹ صبح روز ۴۵/۲/۳ و امضای حکم تبعید

شماری از عناصر پی‌گیر و فعال، و دستور مراقبت بیشتر، بر اعمال شماری دیگر. (سند ۰۰۸۹/۱ و ۰۰۸۹/۲)

کشف جمعیت سری اصلاح حوزه

در چنین فضایی اساسنامه‌ی جمعیتی در قم به دست رژیم افتاد که حساسیت دستگاه اطلاعاتی و امنیتی را بیش از پیش برانگیخت و متواری شدن او را در پی داشت.

(برای آشنایی با جزییات بیشتری در این زمینه، ر.ک به نشریه‌ی یاد، شماره‌ی ۲۰، صفحات ۱۰ تا ۱۹) شگفتا که در همان شرایط نیز از هر فرصتی برای روشنگری به سود نهضت بهره‌برداری می‌کرده است. (سند شماره ۰۰۹۸)

به هر حال، بخش عمده‌ای از سال ۴۵ را به دلیل کشف اساسنامه‌ی جمعیت سری – که از پایگاه‌های مهم نهضت به شمار می‌رفت – متواری بود، که سرانجام بر آن شد رحل اقامت از قم به تهران افکند. (سندهای شماره‌ی ۰۰۸۷ تا ۰۱۰۳). تألیف کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار ثمره‌ی درخشانی است از نخستین ماه‌های اقامت در تهران با یک زندگی نیمه مخفی.

ارزشمندترین دست‌آورد این زمان تحکیم بیش از پیش دوستی و صمیمیت اوست با مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ هرچند که این دوستی بر سابقه‌ای دور استوار بود، با این همه زندگی مشترک چند ماهه، به صورت نیمه مخفی، در تحکیم پایه‌هایش نقشی ماندگار داشت.

نیمه‌ی اول سال ۴۶

رفته‌رفته، تداوم زندگی نیمه مخفی در تهران کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر و تبدیل به زندگی عادی می‌شد. چنان که از ۴۶/۴/۱۰، سخنرانی‌های هفتگی او در مسجد موسی بن جعفر – که از پایگاه‌های پرآوازه و مهم نهضت در جنوب تهران بود – موجی گسترده پدید آورد و آن پایگاه را بیش از پیش رونق بخشید. مکتب حسین نیز از نخستین محافلی است که سخنرانی‌هایش را – در این احوال – آغوش گشود. (سند شماره‌ی ۱۰۶/۱ تا ۱۱۷). گویی ساواک نیز در دستگیری مجدد او در آن روزها از شتاب‌زدگی پرهیز داشت؛ نمی‌دانیم، چه بسا ساواک امید داشت که با تعقیب و مراقب به سر نخ‌هایی دست یابد. این در شرایطی بود که نهضت به حضور او در تهران سخت نیازمند بود، هم از نظر فرهنگی و هم فراتر از آن، از نظر سیاسی. چنان که می‌توان پیدایش کانون‌ها و پایگاه‌هایی مانند مدرسه‌ی رفاه و جلسات متشکل روحانیت مبارز را از ثمرات آن برشمرد. ساواک نیز با حساسیت در تعقیب و

مراقبت از او فعال بود و هرازگاه برگی به پرونده‌اش افزوده می‌شد. (سند شماره‌ی ۰۱۱۸ تا ۰۱۲۸) بگذریم که در شرایط پنهان کاری گامجای تلاش‌ها بیشتر گم می‌شود و کمتر سرنخی از آن به دست رژیم می‌افتاد.

جشن‌های تاجگذاری

در نیمه‌ی دوم سال ۴۶، برگزاری جشن‌ها تاجگذاری بهانه‌ی دیگری شد برای سرکوبی و خشونت بیشتر، هم در واکنش نسبت به تحرکات تازه‌ی نهضت و موضع گیریهای حضرت امام در نجف، و هم به عنوان پیش یری از فعالیت‌های قابل پیش‌بینی. چنین بود که نمایندگان حضرت امام در قم تبعید شدند و کتابخانه‌ی معظم له نیز غارت شد.

در چنین فضایی، اعلامیه‌ای با عنوان عزایی به نام جشن منتشر شد که در پی گیری آن گامجایی از او کشف شد و به دستگیری مجددش به تاریخ ۴۶/۸/۲۰ انجامید و بار دیگر بازجویی‌ها آغاز شد، هر چند نه به خشونت بازجویی‌های گذشته. این بار نیز پایداری و هوشیاری او کارسازی بسیار داشت، گرچه محکومیتی نه چندان زیاد پی‌آمد این دستگیری بود. (سند شماره‌ی ۰۱۲۹ تا ۰۱۶۳).

اینک فرصتی است مناسب تا از نقش شخصیتی چون شادروان آیت‌الله سید احمد خوانساری در چنین رویدادهایی یاد شود. (سند شماره ۰۱۳۹) تا فراموش نکنیم که هر چند خط مشی سیاسی چهره‌هایی چون او با مشی سیاسی روحانیت مبارز متفاوت بوده است، اما پیوندی مشترک و مستحکم را در این میان، باید مانع گسستگی این مجموعه ارزیابی کرد.

سال ۱۳۴۷، در یک نگاه

فشار روزافزون رژیم، هر چند نیروهای مبارز را در تنگنایی سخت قرار می‌داد، با این همه، در همین تنگنا نیروها پالایش می‌شدند. در این پالایش طبیعی، همچنان تنها عناصری به نهضت وفادار می‌ماندند که شخصیتی استوار داشتند. چه جای تردید که باید یک مبارز را با چنین ویژگی، از هزاران تماشاچی متزلزل ارزشمندتر داشت. چنین بود که در سخت‌ترین شرایط اختناق که نمایندگان حضرت امام در قم، چونان دیگر استوانه‌های نهضت، تبعید و زندانی بودند و مدارس علوم دینی – از جمله مدرسه‌ی حاج ابوالفتح تهران – با دسیسه‌ی سازمان اوقاف آلت دست ساواک به حال تعطیل در آمده بود، آری در فضایی چنین، عناصر وفادار به نهضت، هیچ فرصتی را در تعقیب هدف‌های مبارزه نادیده نمی‌گرفتند. از درج آگهی تسلیت و برگزاری مراسم یادبود، تا مجالس سوگ و سرور اهل بیت (سندهای شماره‌ی ۰۱۸۰، ۰۱۷۵، ۰۱۶۵، و نیز سند ۰۱۶۴) از ورزشگاه امجدیه (دو سال بعد مسابقه‌ی فوتبال بین ایران و اسرائیل بهانه‌ای برای ابراز احساسات شدید بر ضد اسرائیل شد.)، تا مراسم مذهبی باشکوه و جهان شمول حج (همه سال پیام حضرت امام در حج پخش می شد. سال ۴۷ با توجه به سفر شاه و حضورش در مراسم حج، این اقدام مفهوم دیگری داشت.)، از کمک به زلزله‌زدگان خراسان، تا امداد مبارزان فلسطین – که بدین منظور حسابی با امضای حضرات آیات علامه‌ی طباطبایی، شهید مطهری و سید ابوالفضل موسوی زنجانی افتتاح و رسما اعلام شده بود. در همین زمان، کودتای حزب بعث را در عراق که طی آن حسن البکر رییس جمهور شد، در مجموع باید – در آن شرایط – به سود نهضت ارزیابی کرد.

تبدیل جلسات مذهبی به پایگاه مبارزه

هر چند که سیاسی شدن مساجد و حسینیه‌ها را از پی‌آمدهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد – در همه جای کشور – باید به حساب آورد، اما حضور او در تهران فصل دیگری است از این داستان:

از مسجد قائمیه در پل سیمان و جلسه‌ی قرائت قرآن در حسین‌آباد بی‌بی زبیده – جنوبی‌ترین نقطه‌ی تهران – تا جلسات پی‌درپی و پرشور هیئت انصار الحسین (سندهای شماره ۰۱۶۷ تا ۰۲۶۰/۱، ۰۲۵۵/۲ تا ۰۳۵۳.) و مسجد هدایت (سند ۰۳۰۵/۱ تا ۰۳۱۷) – در مرکز شهر – تا حسینه‌ی ارشاد در شمال تهران، (سندهای شماره‌ی ۰۲۵۷/۱ تا ۰۲۵۸ و ۰۲۹۵/۱ تا ۰۲۹۵/۲،

۰۳۳۱/۱ تا ۰۳۳۱/۲)، همه جا مردم با عشق و عطش از سخنرانی‌هایش استقبال می‌کردند و امید می‌گرفتند. این جلسات لبریز از شور و نشاط تا چندی، به رغم ممنوع المنبر بودن او پی‌گیری‌های ساواک (سند شماره ۰۳۳۳–۰۳۳۸)، ادامه داشت.

گفتنی است این سخنرانی‌ها از دو نظر – در آن سال – مهم و ارزشمند بود:

۱. از نظر سیاسی، که نقش آن در فروزان داشتن آتش مبارزه، بی‌نیاز از هر توضیح است.

۲. از نظر فرهنگی، با توجه به حضور جدی‌تر سازمان‌های مخفی و متشکل وابسته به مارکسیست‌ها و جریان کمونیستی در صحنه، و ترویج ایدئولوژی الحادی در میان نسل جوان.

پیوند با دانشجویان مبارز خارج کشور

تلاش در تحکیم و تعمیق پیوند با نهادها و نیروهای مبارز در فراسوی مرزها – که فراهم شدن زمینه‌ی آن از ارزشمندترین دست‌آوردهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد است – فصلی دیگر از کارنامه‌ی اوست، هر چند انعکاس آن در گزارش‌های ساواک بسیار کم‌رنگ است (سندهای شماره‌ی ۰۳۲۰ تا ۰۳۲۱/۵ و نیز ۰۳۴۳ تا ۰۳۴۴)، و از آن کم‌رنگ‌تر – که بسا ردیابی آن جز در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نباشد – پیوند اوست با نهادها و سازمان‌هایی که در آن روزگار پرچمدار مبارزه با اسرائیل بودند.

جمع‌بندی مسائل عمده‌ی نهضت در سال ۴۸

با هوشیاری و متانت حضرت امام از یک سو، و روند تحولات ایران و عراق از دیگر سو، پیش‌بینی‌های کارشناسان ساواک تحقق نیافت و سرنوشت، رهبر نهضت اسلامی را بر بلندای مرجعیت جای داد. آنچه در این سال بر ابهت و شکوه حضرت امام می‌افزود، موضع گیری‌های بهت‌آورش در دفاع از آیت‌الله حکیم و ایرانیان مقیم عراق بود که از سوی حزب بعث مورد اهانت و آزار بودند. آتش‌سوزی مسجدالاقصی در این سال احساسات هواداران نهضت اسلامی را شعله‌ور ساخت. در همین حال، جدایی روحانیت سنتی از نهضت و راه امام، که هر روز نمایان و نمایان‌تر می‌شد، به جریاناتی دیگر فرصت حضور بیشتر و بیشتر در صحنه‌ی مبارزه می‌داد؛ جریاناتی که در براندازی رژیم با نهضت اسلامی هم سویی داشتند، در حالی که برای آینده‌ی کشور خواب و خیال‌هایی دیگر می‌پروراندند. در این میان، عالم نمایانی که ترس خود را از رژیم با توجیهاتی چونان دفاع از ولایت سرپوش می‌نهادند، روحانیت مبارز را تخطئه و تضعیف می‌کردند؛ این همه در حالی بود که نشانه‌های ظاهری بیانگر استواری رژیم بود، با موقعیت

بسیار مطلوبی از نظر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل.

طرح شعار حکومت اسلامی

در جمع‌بندی آنچه اشارتی رفت، تصویری از مسائل سال ۴۸ در نگاه می‌نشیند که مواضع و عملکرد حضرت امام را جلوه و درخششی ویژه می‌دهد:

حضرت امام از یک سو با فرود آوردن نهیب فریاد بر سر عالم نمایان مخالف مبارزه - با عنوان روحانیون درباری - به تقویت روحانیت مبارز می‌پردازند، از سوی دیگر، با طرح شعار حکومت اسلامی - با عنوان ولایت فقیه - بر سینه‌ی خیل نامحرمانی که بیم آن می‌رفت که در صفوف مبارزان رخنه کنند دست رد می‌زنند و همچنان با طرح بحث‌های اخلاقی، معنویت مبارزه را مورد تأکید قرار می‌دهند و در تضعیف گرایش به مادیگری - که در آن روزها آفت نهضت بود - می‌کوشند. و او سخت می‌کوشید که با آنچه در آن روزها بر ایران می‌گذشت، کاستی‌ها را جبران کند، جای خالی رفیق‌های نیمه راه را پر کند، نسل جوان را یاری دهد و آتش مبارزه را با کمک در پخش پیام‌های رهبر، فروزان نگه دارد. این همه، در شرایطی بود که عوامل اطلاعاتی رژیم با همه‌ی امکانات، او را در منظر خود داشتند و می‌کوشیدند هر گامجایش را با صد نگاه پی گیرند. (سند شماره‌ی ۰۳۵۳ تا ۰۳۷۷).

او نیز از یک سو در هدایت نیروها و پیش‌گیری از سوءاستفاده‌ها، به هر بهانه و با هر شعار، می‌کوشید (سند شماره ۰۳۷۸/۱ تا ۰۳۸۱/۲)، و از سوی دیگر با حضور در جلسه‌های تشکل یافته‌ی روحانیت مبارز در جهت گسترش و تقویت جبهه‌ی هوادار نهضت و امام تلاش می‌کرد. (سند شماره‌ی ۰۳۸۲ تا ۰۴۲۶/۲) هم زمان با سخنرانی‌های پی‌درپی در مسجد هدایت، هیئت انصارالحسین، جلسه‌های خصوصی و مسجد همت تجریش - که رفته‌رفته، به صورت پایگاه دیگری برای نهضت در آمده بود - حضور نسلی نو و بالنده را در فرازی حساس از تاریخ پاسداری می‌کرد. (سندهای شماره‌ی ۰۴۲۸/۱ تا ۰۴۹۰) به این همه، باید تلاش‌های ظریف‌تری را افزود که نیازهای نو به نو مبارزه زمینه‌سازشان بود و می‌بایست چنان انجام شود که نه تنها از چشم و گوش دشمن و عناصر مشکوک، که حتی از چشم و گوش بسیاری از دوستان، پنهان باشند؛ در این مورد به نمونه‌ای بسنده می‌شود که از آن انعکاسی کم‌رنگ در اسناد به جای مانده است، و بیش از این را تنها باید از بایگانی خاطره‌ها فرا کشید:

در پی طرح بحث ولایت فقیه در نجف، نخستین گامی که برای تکثیر جزوه‌های آن برداشته شد، با اطلاع و حمایت بی‌دریغ او بود. با این همه، واکنش او در جلسه‌ی دوستان صمیمی چنان بود که گویی کمترین اطلاعی در این زمینه ندارد. (سندهای ۰۴۷۲/۱ و ۰۴۷۲/۲).

نگاهی به فضای سیاسی کشور در سال ۴۹

سال ۱۳۴۹ هجری شمسی، شاهد رویدادهایی است که هر یک بیش یا کم، بر روند و سرنوشت نهضت اسلامی در کشورمان اثر گذاشته‌اند. اهم این رویدادها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. درگذشت جمال عبدالناصر و انتخاب انور سادات به ریاست جمهوری مصر.

۲. برقراری مجدد روابط سیاسی مصر با ایران، اندکی پیش از درگذشت ناصر.

۳. زمامداری حافظ اسد در سوریه، در پی کودتای بی‌خونریزی.

۴. حضور گسترده‌ی سرمایه‌گذاران آمریکایی در ایران که شهادت آیت‌الله سعیدی را به دنبال داشت.

۵. رحلت آیت‌الله العظمی حکیم در عراق کـه هـواداران حضـرت امام را بر آن داشت تا بی‌پرواتر از گذشته، در جهت ترویج مرجعیت حضرت امام تلاش کنند و واکنش رژیم و تبعید تنی چند از مدرسین قم را در پی داشت و حساسیت بیشتر نسبت به پایگاه‌های نهضت در تهران و تبعید و دستگیری شماری از چهره‌های برجسته‌ی روحانیت مبارز.

نقش مهم جلسه‌ی روحانیت مبارز

از اولین سال‌های حضور او در تهران تشکلی در میان شماری از روحانیون هوادار نهضت شکل گرفت که کانون مقاومتی بود در بدترین روزهای اختناق، با جلسه‌های هفتگی. می‌توان گفت که نقش این جلسه‌ها در بهره‌برداری از مجالس یادبود آیت‌العظمی حکیم و رودررویی با جبهه‌ای از روحانیت سنتی که خواهان انزوای حضرت امام بودند، بر روند و سرنوشت نهضت بسیار مهم و اثرگذار بوده است. (سندهای شماره‌ی ۰۴۹۸/۱ تا ۰۵۰۴/۲) از این پس رژیم با حساسیت بیشتری، حضور او را در پایگاه‌های چونان هیئت انصارالحسین پی‌گیری می‌کرد. (سندهای شماره ۰۵۰۷ و ۰۵۰۹) با این همه، نه تنها او فعالیت گذشته را ادامه می‌داد، حتی در سنگرها و پایگاه‌هایی جدید حضور می‌یافت که در این میان، نقش وی را در محال دانشگاهی و نیز حسینیه‌ی ارشاد، با دقت بیشتری باید بررسی و تحلیل کرد. (سندهای شماره‌ی ۰۵۲۴/۱ تا ۰۵۷۲/۲).

موج مبارزه‌ی مسلحانه

سال ۱۳۵۰، نقطه‌ی عطفی است در تاریخ انقلاب اسلامی ایران. با نگاه به گذشته و بر پایه‌ی جمع‌بندی پی‌آمدهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد، اینک می‌توان گفت:

گروه‌های مسلح و متشکل، با محوریت دو سازمان نیرومند به نام سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، و - در غیاب حضرت امام - با داعیه‌هایی، ناگهان در صحنه حضور یافتند، با گزینش سنجیده‌ی زمانی مناسب؛ زمانی که رژیم، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را در سطحی گسترده تدارک می‌دید. هر چند که این حرکت در روند انقلاب به سرنوشتی اسف‌بار دچار شد؛ اما در تلحیل آن باید پژوهشی گسترده صورت گیرد که در حوصله‌ی این دفتر نیست؛ با این همه، جنبش مسلحانه در آن جو خشونت و اختناق، چنان جاذبه‌ی نیرومندی داشت که از نسل جوان دل می‌ربود و چشم و گوشش را بر هر نغمه‌ی مخالف فرومی‌بست. به ویژه که در غیاب حضرت امام و با فشارهای رژیم، میدان برای مقابله‌ی با آن خالی مانده بود. شمار شخصیت‌های روحانی که به مبارزه وفادار مانده بودند اندک می‌نمود، هر چند که خیل فرزندان فیضیه را دل در گرو عشق امام بود. بگذریم که کسانی هم از پشت یاران را خنجر می‌زدند. اگر بخواهیم تصویر روشن‌تری از فضای آن روزها ارائه کنیم، می‌توان اشاره‌ای کرد به داستان بازگشت آیت‌الله شهید دکتر بهشتی و جوسازی وحشتناکی که به بهانه‌ی برخی اظهارنظرهای وی - هم سو با کتاب مسأله‌ی

حجاب آیت‌الله شهید مطهری – در حسینه‌ی ارشاد، ترتیب یافت. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. مثال دیگری که فضای آن روزها را تا حدودی در نگاه می‌نشاند، دشوارهایی است که در برگزاری مراسم یادبود مهندس پسندیده – فرزند آیت‌الله پسندیده – برای هواداران نهضت پیش آمد.

اما و اگرهای تاریخ

واقعیت این است که در تاریخ، پس‌بینی آسان‌تر از پیش‌بینی نیست. به راستی اگر در آن روزها پایگاه‌هایی چونان هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجدالجواد، حسینیه‌ی ارشاد...نسل جوان و شیفته‌ی انقلاب را پذیرا نمی‌بودند، یا شماری انگشت‌شمار چونان او به نهضت وفادار نمی‌ماندند، چه پیش می‌آمد؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، بسیار دشوار است.

به هر حال او می‌بایست بار سنگینی را – که بسیاری از برداشتن آن شانه خالی کرده بودند – به دوش می کشید. چنین بود که هم زمان، دو گونه تلاش ناسازگار را تن می‌داد.

۱. تلاش‌های پشت پرده که ردیابی آن جز در لابلای اسناد و – بیش از آن – در پرده‌ی خاطرات، امکان‌پذیر نیست. (سندهای شماره‌ی ۰۵۷۵/۱ تا ۰۶۰۳/۱، ۰۵۹۷، ۰۵۸۱، ۰۵۷۶ و ۰۶۰۷/۱، ۰۳۰۶/۲ و ۰۶۱۰/۱، ۰۶۰۷/۲ و ۰۶۲۷/۱، ۰۶۲۰، ۰۶۱۳، ۰۶۱۰/۲ و ۰۶۳۵/۱، ۰۶۲۷/۲ و ۰۶۳۷/۱، ۰۶۳۵/۲ و ۰۶۴۷/۱: ۰۶۳۷/۲ و ۰۶۵۲، ۰۶۴۷/۲).

۲. تلاش‌های آشکار که در این سال بیش از پیش در اوج بود، چنان که بهار این سال با سخنرانی در رفسنجان – با بهره‌گیری از فرصت تعطیلات عید – آغاز می‌شود. (سندهای شماره‌ی ۰۵۷۴/۱ و ۰۵۷۴/۲) و به رغم حساسیت رژیم – به خاطر برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و پیش‌بینی کارشکنی‌هایی از سوی انگشت‌شمار عناصری چونان او، (سندهای شماره‌ی ۰۶۳۰/۱، ۰۶۲۲، ۰۶۱۶ و ۰۶۳۰/۲). و به رغم، ممنوع المنبر شدن وی (سندهای شماره‌ی ۰۵۹۴ و ۰۵۹۵ و ۰۶۰۲) همچنان در مجالسی چون هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجد الجواد و غیره حضور می‌یابد و علاوه بر آن به شهرهای همدان (سندهای شماره‌ی ۰۶۰۰/۱ و ۰۶۰۰/۲)، قزوین (سندهای شماره‌ی ۰۶۳۱/۱ تا

۰۶۳۴/۲) و اصفهان (سندهای شماره‌ی ۰۶۱۴ تا ۰۶۱۵ و ۰۶۱۹) نیز سفر می‌کند و خشم رژیم را بیش از پیش برمی‌انگیزد. هر یک از این سخنرانی‌ها را مزاحت‌هایی چون احضار و بازداشت پی‌آمد بود. هر چند به زندان نینجامید. در این میان، تنها در اصفهان با خشونت بیشتری برخورد شد، که چند روزی زندان آن شهر را هم تجربه کرده است.

دستگیری مجدد

سرانجام، بار دیگر به تاریخ ۵۰/۷/۱۴ دستگیر و به زندان قزل قلعه سپرده می‌شود که دیگر بار، موجی از نگرانی دوستان را در پی دارد و هر هفته، خیل هواداران نهضت در پایگاهی چند – به ویژه هیئت انصارالحسین – جای او را با حسرت و تأسف خالی می‌دیدند.

برای، بازجویی، شکنجه و تهدید، به هیچ وجه تازگی ندارد، و با هوشیاری این مرحله را نیز می گذراند. (سندهایشماره ۰۶۵۳ تا ۰۶۸۵/۲).

روند مبارزه در سال ۵۱

در سال ۵۱ که رژیم شاه به ظاهر موقعیت مطلوبی از نظر سیاست خارجی داشت، چنان که می‌توان گفت – صرف‌نظر از تشنج در روابط ایران و عراق و برخی کشورهای عربی هم جوار – مشکل عمده‌ای دیده نمی‌شد، در همین حال، مشکلات حادی در کشور نمودار بود. در این سال، ۱۳۰ مورد انفجار مهم، ۱۲ زد و خورد خیابانی، ۸ مورد اعدام فردی و گروهی و صدها مورد دستگیری سیاسی، فضای سیاسی کشور را دگرگون کرده بود. دانشگاه‌ها ناآرام بود، به ویژه شورش در دانشگاه تبریز، رژیم را با موجی از نگرانی در تنگنا گذاشته بود. فیضیه نیز صحنه‌ی تظاهرات مکرر و چشمگیرتر از گذشته بود که در پی‌آمد آن – گذشته از دستگیری شماری از فضلا و طلاب – می‌توان به سربازگیری طلاب اشاره کرد. ترور سرتیپ طاهری و مرگ سرهنگ مولوی در ساحنه‌ی هوایی، موجی از شادی – به ویژه در تهران – به دنبال داشت انفجارهای پی‌درپی در جریان سفر نیکسون به تهران خشم رژیم را برانگیخته بود.

برای کسانی مانند او که مبارزه با رژیم را جدی گرفته بودند، چنین تحولی، بسیار مهم ارزیابی می‌شد و طبیعی بود که از پاره‌ای کاستی‌ها – در سازمانی که در این تحول نقش عمده را داشت، هر چند که زمینه‌ی اصلی آن را حماسه‌ی ۱۵ خرداد فراهم کرده بود – با اغماض بگذرند و به حل و جبران آن بکوشند و امیدوار باشند. از سوی دیگر، انحراف‌های فکری سازمان، در آغاز چندان آشکار نبود و شماری از سران، در ظاهرسازی و ریاکاری، بسیار چیره‌دست بودند. چنین بود که با پیش زمینه‌هایی از گذشته، زندان قزل قلعه در واپسین ماه‌های سال ۵۰ و نخستین ماه‌های سال ۵۱، زمینه‌ای برای ارزیابی او از موج نوین و مبارزه‌ی مسلحانه شد، با نگاهی در مجموع مثبت که حمایت مشروط وی از این جریان را در پی داشت؛ هر چند که از این حمایت سوءاستفاده‌های ناجوانمردانه‌ای شد، ولی نمی‌توان این واقعیت آشکار را منکر شد که در تقویت نهضت اسلامی نیز، این جریان بی‌تأثیر نبوده است که ارزیابی آن، موضوع پژوهش و تحلیلی است پیچیده و ظریف، به دور از تنگ‌نظری و تعصب.

او بار دیگر به زندان افتاد، مدت این زندان، چیزی کمتر از یک سال بود: دو ماه در اوین قدیم، دو ماه در قزل قلعه و چند ماه در زندان عشرت‌آباد. هر یک از این مراحل دست‌آوردی داشت، در اولین و در سلول انفرادی که فرصت هیچ کاری نبود، حدود نیمی از قرآن را حفظ کرد.

ماه‌های نخستین از سال ۵۱ را در زندان قزل قلعه پشت سر گذاشت و پس از آزادی، از همان لحظه‌ی نخست (سندهای شماره ۰۶۸۶ تا ۰۶۸۷) با احساس مسئولیت سنگین در شرایط حساس جدید – بی‌پروا به تلاشی جدی‌تر از گذشته پرداخت، چنان که حساسیت رژیم را بیش از پیش برانگیخت. و بار دیگر دستگیری او را آهنگ کردند. (سندهای شماره‌ی ۰۶۸۸ تا ۰۷۳۸/۲) و چند هفته پس از آزادی در رفسنجان بازداشت و پس از چند روز تحمل زندان در کرمان به قزل قلعه در تهران منتقل شد و چهل و پنج روز دیگر در زندان انفرادی ماند. در همین دوره‌ی کوتاه زندان، یادداشت‌های ارزشمندی در موضوع «اشرافیت در قرآن» با استفاده

از قرآن که تنها مونس او در زندان بود تهیه می‌کرد. پس از رهایی، در حالی که نامش در ردیف اول لیس ممنوع المنبرها بود، (سند شماره ۰۷۴۰)، تلاش می‌کرد تا از فرصت رمضان به سود مبارزه بهره‌برداری شود (سند شماره‌ی ۰۷۴۸)، و خود نیز از مجامعی برای سخنرانی استفاده می‌کرد (سندهای شماره‌ی ۰۷۵۷ و ۰۷۶۴/۱ تا ۰۷۹۷/۲)، علاوه بر حضور مستمر در جلسه‌های هم‌اندیشان، پس از تعطیل جلسه‌ی گذشته، به دلیل اطلاع از رخنه کردن عوامل ساواک در آن. (سندهای شماره‌ی ۰۷۶۵/۱ و ۰۷۶۵/۲).سرانجام، ناگزیر سخنرانی در مجامع عمومی – به ویژه هیئت انصار الحسین –را به دیگران وانهاد (سند شماره‌ی ۰۷۹۸/۱ و ۰۷۹۸/۲)، و خود تلاش‌های اساسی‌تری را عهده‌دار شد.

موج گسترده‌ی تبعید مدرسین قم، در پی تعطیل پایگاه‌های نهضت در تهران

هرچند موقعیت رژیم در سیاست بین‌المللی بیش از پیش تثبیت شده ارزیابی می‌شد و تلاش وزارت خارجه در ایجاد موازنه در سیاست خارجی موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسید، با این همه، موج فزاینده‌ی نارضایتی در نسل جوان دانشگاهی و پیوند معنوی نسل نو حوزه با دانشگاه و اتحادشان در گرایش به براندازی رژیم، به صورت مشکلی سیاسی و اساسی نمایان شد. در این میان، جنگ اعراب و اسرائیل و پی‌آمدهای آن، این مشکل را بغرنج‌تر و پیچیده‌تر کرد؛ چرا که، با همه‌ی تلاش تبلیغاتی رژیم در جهت القای این باور که شاه را نقشی است میانجی‌گرانه و اصلاح‌گرایانه، تبلیغات نهضت، شاه و اسرائیل را در یک جبهه قلمداد می‌کرد و موج عواطف اسلامی را بر ضد آن برمی‌انگیخت. در همین شرایط، موضع‌گیری مردم در حمایت از مبارزان فلسطین، موجی شکننده را به سوی رژیم گسیل می‌کرد. افزون بر این همه، آنچه در این سال افغانستان پیش آمد و پی‌آمدهای قابل پیش‌بینی آن نیز برای رژیم خالی از نگرانی نبود. افزایش نرخ نفت هم در این سال واکنش‌ها و پی‌آمدهای داشت که در تحلیل سیاست خارجی و داخلی ایران در آن زمان نباید نادیده گرفت.

شاید بتوان با جمع‌بندی نکته‌های بالا و ترسیم فضای سیاسی کشور در سال ۵۲، تا حدودی ریشه‌یابی و زمینه‌شناسی خشونت رژیم را در سرکوبی نهضت، توفیق یافت. به هر حال ساواک با خشونت به قلع و قمع هواداران نهضت پرداخت و علاوه بر دستگیری گسترده‌ی دانشجویان و طلاب، و در پی تهاجم به مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینه‌ی ارشاد و پایگاه‌های نهضت در تهران در سال ۵۱، حوزه‌ی قم را در این سال مورد یورش قرار داد و شماری در خور ملاحظه از فضلا و مدرسین را به سرتاسر کشور تبعید کرد. اینگونه تلاش‌های رژیم، هر چند که موجی از ترس و وحشت را در کوتاه مدت در پی داشت، در بلند مدت به سود نهضت انجامید. حضور هر تبعیدی در هر منطقه، شعاع مبارزه را گسترده و گسترده‌تر می‌کرد، چنان که تعطیل شماری از پایگاه‌های نهضت، پیدایش پایگاهی جدید را به دنبال داشت. در مثل، اگر مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینیه‌ی ارشاد بسته می‌شد، نام پایگاهی دیگر چون مسجد جاوید بر سر زبان‌ها می‌افتاد...

در فضایی با این ویژگی‌ها، و در حالی که ساواک از همه سو در مراقبت او نیروهایش را بسیج کرده بود (سندهای شماره‌ی ۰۸۰۶ تا ۰۸۱۴) او از یک سو در جهت هدایت موج عواطف ضد صهیونیستی تلاش می‌کرد، (سندهای شماره‌ی ۰۸۲۷ تا ۰۸۵۱)، و از دیگر سو با پیوندهای ناشی از امدادرسانی به فلسطینی‌ها از رهگذر سفارتخانه‌های کشورهای عربی، در جهت دامن زدن به موج مبارزه بر ضد رژیم و گسترش دامنه‌ی آن به فراسوی مرزها می‌کوشید. نمونه‌ای از این تلاش، سبب سازی ظریفی است در وادار کردن سفارت مصر، تا عراق را تحت فشار قرار دهد و از همکاری با رژیم، در انتقال حضرت امام از نجف، که آن روزها شایعه‌های نگران کننده‌ای در این زمینه پخش شده بود. (سندهای شماره‌ی ۰۸۱۸/۱ و ۰۸۱۸/۲)، باز دارد.

سال ۵۱–۵۳

خشونت روز افزون رژیم او را در این مقطع به پنهان کاری هر چه بیشتر کشاند؛ چنان که هر چه عوامل اطلاعاتی رژیم بیشتر می‌کوشیدند، کمتر سرنخی نصیب می‌بردند. (سندهای شماره‌ی ۰۸۲۸/۱ تا ۰۸۴۷) پاره‌ای اسناد بیانگر این واقعیت است که اگر در رویدادی – چونان دستگیری بعضی دوستان – نیاز به خبرگیری از سرنوشت آنان بود، از روابط خانم‌ها – که به هر حال انعکاسی طبیعی‌تر داشت –استفاده می‌شد. (سند شماره‌ی ۰۸۴۴).

یکبار هم حضور همسر او در جمع بانوان متحصن در قم براپیش پی‌آمدی داشت، چنانچه دیگر بار، در سفری به نوق، در رفسنجان دستگیر و پس از حدود پنجاه روز آزاد شد. هوشیاری‌اش در این دستگیری، ساواک را به موضع انفعال کشانید که زمینه‌ای شد برای فراهم کردن ملاقاتی با مقدم. او کوشید که از این ملاقات در جهت حل مشکلی اساسی و برداشتن سدی از راه مبارزه سود جوید و مقدم را قانع کند که شکنجه‌ها و اهانت‌های بی‌حساب نه تنها مجاهدان را از میدان به در نمی‌کند که مصمم‌تر نیز می‌کند.

در ترسیم فضای سال ۵۳ یادآوری نکته‌هایی سودمند است:

با درگذشت آیت‌الله شاهرودی که – به ویژه در استان خراسان – مقلدان فراوانی داشت، زمینه‌ی دیگری در ترویج مرجعیت حضرت امام فراهم شد. شاید به همین دلیل، مشهد شاهد خشونت سخت‌تری بود که دستگیری مقام معظم رهبری را که – در آن استان محور اصلی نهضت بود – در پی داشت. درگذشت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین غفاری در زندان قصر نیز در قم بازتابی بسیار گسترده داشت، با شایعاتی فراگیر به عنوان شکنجه و شهادت وی. موضع‌گیری حزب مردم در مجلس نیز در این سال پرسش برانگیز و زمینه‌ی پژوهشی جدی است.

از مسائل داخلی که بگذریم، در سیاست خارجی نیز رویدادهایی مهم اثرگذار بود که عمده‌ی آن، حل اختلاف ایران و عراق است و انعقاد قراردادی میان دو کشور در الجزایر به عنوان کشور میزبان، که پیروزی قابل توجهی برای ایران ثبت کرد. شرکت در عرفات به عنوان نماینده‌ی فلسطین در سازمان ملل نیز آغاز حرکتی بود در جهت حل یکی از مشکلاتی که همواره برای رژیم شاه نیز مسئله آفرین بود. بدین‌سان می‌توان گفت که رژیم به چشم‌انداز روشن‌تری در موقعیت جهانی خود چشم دوخته بود. در همین حال در پیوند با افزایش نرخ نفت، امکانات مالی بیشتری در اختیار رژیم قرار گرفت.

سال ۵۳–۵۴

با تنگ شدن عرصه بر مبارزان، هر جریانی می‌کوشید ضلعی از میدان مبارزه را به فراسوی مرزها بکشاند و بیرون از کشور، هسته‌ها

و پایگاه‌هایی ایجاد کند. با حضور امام در عراق، زمینه‌سازی مطلوبی در این میدان برای نهضت اسلامی شده بود که نیاز به تقویت، بهره‌برداری و رسیدگی داشت.

چنین بود که سفرهایی بیرون از مرزها و در دو نوبت، بخشی عمده از کارنامه‌ی مبارزاتی او را در این مقطع به خود اختصاص داد، با دست آوردهایی فراوان و ارزشمند، به ویژه دیدار و گفت و گو با امام پس از سال‌های سنگین فراق و نیز بازدید اردوگاه‌های فلسطین، همراه امام موسی صدر، و ایجاد هماهنگی بین نیروهای مبارز اسلامی ایرانی با امکانات مطلوب شیعیان لبنانی و مجاهدان فلسطین.

سوریه و لبنان، عراق، فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند و ایالت‌هایی از آمریکا را با این انگیزه در نوردید. ژاپن، ترکیه، پاکستان، ایتالیا، یوگسلاوی و کشورهای اسکاندیناوی – هر یک به دلیلی – به این مجموعه اضافه شدند. کمک به نیروهای همراه در خارج و تلاش برای رفع اختلافات و ابهامات‌شان بخشی از ثمرات آشکار این سفرهاست.

از سوی دیگر، آشنایی با دو رویه‌ی تمدن غرب از ضرورت‌هایی بود که هر کس انگیزه و فکری اصلاحی داشت نیاز به آن را احساس می‌کرد. در این سفرها برای او هم فرصتی پیش آمد که چنین نیازی را پاسخگو باشد. از دیوار برلن تا موزه‌ی بمباران هیروشیما، از آسمان خراش‌های شیکاگو تا موزه‌ها و مراکز فرهنگی لندن و از جنگل‌های ردوود تا محله‌های هالیوود... همه در این قلمرو قرار گرفتند.

سال ۵۴-۵۵

گویی تقدیر الهی چنین است که رژیم‌های خودکامه، در اوج موفقیت، با بازی هنرمندانه‌ی سرنوشت به روند واژگونی کشانده شوند. در داستان انقلاب اسلامی ایران نیز یک بار دیگر ایران و جهان تماشای چنین هنری را در بازی سرنوشت فرصت یافتند:

سال ۵۴ – در پی قرارداد الجزایر – هویدا به عراق سفر کرد. گویی رژیم در ایجاد موازنه در سیاست خارجی به جایگاه دلخواه رسیده است؛ چنان که این جایگاه، ستایش مقامات رسمی چین کمونیست را – که در آن روزها قبله‌ی جریانات چپ در این مرز و بوم بود – نیز برانگیخت. اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونیست مشکلی جز با فیدل کاسترو اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونسیت مشکلی جز با فیدل کاسترو برجای نمانده است. پیوند تنگاتنگ ایران و غرب به ویژه آمریکا نیز بیش از پیش مستحکم می‌نمود، چنان که خشم و حسادت شیوخ جنوب خلیج‌فارس به ویژه عربستان را برانگیخته بود.

در سیاست داخلی نیز، اعلام مواضع مارکسیستی سازمان مجاهدین خلق – به رغم اندرزهای عالمان مبارز – موجی از شادی رژیم و نومیدی قشرهای مبارز را در پی داشت، و در پی آن دستگیری حضرات آیات طالقانی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی و.... هرچند که با فاصله‌ای کوتاه موج تندی از ترور و انفجار در تهران و سرتاسر کشور گزارش می‌شد، ولی برای ساواک بیش از دیگران روشن بود که این، نه از قدرت سازمان، که از متلاشی شدن آن حکایت می‌کند، چیزی همانند انتحار.

اعلام تأسیس حزب فراگیر رستاخیز، تبدیل تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی و پاره‌ای الدرم بلدرهم‌های شاه در برابر غرب – در پیوند با افزایش نرخ نفت – همه ناشی از غرور و شاه و رژیم بود....

ناگهان گویی ورق برگشته است و نشانه‌هایی از دوگانگی مهمی در سیاست آمریکا نسبت به شاه و رژیمش نمایان شد که ملاقات شاه و راکفلر در جزیره‌ی خارک را می‌توان از واکنش‌های مربوط به این دوگانگی دانست. در همین حال، در پاره‌ای مصاحبه‌های شاه، اشاره به وصیتنامه‌ای شد که شایعه‌ی بیماری وی را دامن می‌زد. نمی‌دانیم، شاید همین بیماری، در دوگانگی سیاست آمریکا بی‌اثر نبود. به هر حال، پیروزی کارتر در انتخاب آمریکا، شاه و رژیم را نگران کرد. کارتر نیز که ارزیابی درستی از قدرت مذهبیون و حضرت امام در ایران نداشت، با فشار بر شاه برای باز کردن فضای سیاسی کشور، دست به اقداماتی زد که به زودی پشیمانی او و حزبش را در پی داشت، هر چند که دیگر دیر شده بود.

سال ۵۶-۵۷

شگفتا: او که در اوج اختناق رژیم و غربت انقلاب، همیشه در صحنه حضور داشت و عشق به مبارزه در راه آزادی و عدالت، لحظه‌ای آرامش نمی‌گذاشت و با همه‌ی هوشیاری و فطانت و به رغم نیازی که همگان در حراست از وی احساس می‌کردند، هرازگاه دل به دریا می‌زد و در استقبال خطر آغوش می‌گشود، آری، با این همه، بازی سرنوشت چنین پیش آورد که در پرهیجان‌ترین شرایط از مبارزه و مردم دور باشد! در محرم و عاشورای ۴۲ و در آستانه‌ی حماسه‌ی ۱۵ خرداد، دست سرنوشت او را به بندان پادگان‌های نظامی کشانید. اینک نیز که به هر حال، فضای باز سیاسی پیش آمده است و هر روز خبری هیجان‌انگیز موج می‌افکند، خبرهایی چونان لغو محکامه‌ی سری نظامی، عفو پی در پی زندانیان سیاسی، برداشته شدن شکنجه، بهبود وضع زندان‌ها، برداشته شدن گارد دانشگاه، بیانیه‌های پی‌درپی احزاب، نامه‌های سر گشاده از چپ و راست، درج خبرهای تظاهرات در روزنامه‌ها، بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندان‌ها، استعفای مهره‌های پرآوازه‌ی رژیم، تغییر کابینه، تظاهرات فراگیر دانشگاه‌ها، اعلام موجودیت جمعیت‌های سیاسی، برپایی مجالس پرشکوه سیاسی، موج فزاینده‌ی تظاهرات در خارج از کشور، در گذشت دکتر شریعتی و پی‌آمدهای آن، و از همه مهم‌تر، رحلت آیت‌الله سید مصطفی خمینی – که در آن فضا مشکوک تلقی می‌شد – ناگهان چونان زلزله‌ای سیاسی کشور را تکان داد و همه‌ی محاسبات و معادلات را در هم ریخت....

اینک که آتش انقلاب شعله‌ور شده است، سرنوشت، به او مجال جوشیدن در این آتش شعله‌ور را نمی‌دهد! با شماری هم‌اندیشان در گوشه‌ی زندان اوین از دور دستی بر آتش دارند. هرچند که او و هم بندانش، زندان اوین را نیز به کانونی فعال بدل کرده بودند و در پاسخ به یکی از نیازهای حساس و مبرم انقلاب نقشی بسیار مؤثر داشتند. (سند شماره‌ی ۰۸۷۹) او، با آن که پرونده‌ای بسیار سنگین داشت، به ویژه با تک‌نویسی کینه‌توزانه‌ی وحید افراخته که کوشیده بود بدترین ذهنیت را در مورد وی شکل دهد، (سندهای شماره‌ی ۰۸۹۰/۱ و

۰۸۹۰/۲ و نیز سند شماره ۰۹۰۶/۱ و ۰۹۰۶/۲)، با این همه، قبل از آنکه به سرنوشت خویش بیندیشد، به سرنوشت انقلاب

می‌اندیشـد. هر چنـد هوشیاری و زیرکی وی در پنبه کردن رشته‌های عناصـری نـاجوانمرد و چنـد چهره، در نگـاه انقلاب آشـنایان برگ‌هایی است زرین در کارنامه‌ی سیاسـی او، اما از آن زرین‌تر و افتخار آفرین‌تر، برگ‌هایی است نانبشته که از نگاه دشمن پنهان مانده و در اسناد از آن انعکاسی نمی‌توان یافت و ردیابی این همه جز با جست و جو در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نیست.

افزون بر این همه، تلاش فرهنگی اوست، بیرون و درون زندان که این فرصت می‌توان به دو کار اساسی اشاره کرد:

۱. تلاش در نگارش زندگی نامه‌ی امامان معصوم که در سال‌های ۵۳–۵۴ آغاز شد و ناتمام ماند و اینک شماری از فضلای حوزه‌ی قم در تلاش تکمیل و پرداش آن هستند. ۲. فراهم کردن بانـک اطلاعـات قرآنی که کارهای زیربنایی آن در زنـدان اوین به انجام رسید و اینک در جهت تکمیل و پردازش آن نهادی در قم پدید آمده است و مجلداتی از آن آثار منتشر شده است.

آزادی از زندان

سرانجـام در پـاییز سال ۵۷، در طلیعه‌ی بهـار آزادی، بـا انقلاب مردم به پاخاسـته درهـای زنـدان گشوده شـد و مردم انقلابی ایران، حضـرات آیات طالقانی، منتظری، هاشـمی رفسـنجانی و دیگران را در آغوش گرفتند و در پیوند با رهبری اسـلامی در نوفل لوشاتو، کانونی نیرومنـد در ایران هـدایت انقلاب را عهـده‌دار شـد. از این پس، هر روز رویداد و رویدادهایی عظیم را شاهد بود که در روز شمارهای انقلاب اسـلامی به بسیاری از آن رویـدادها اشاره شده است. در میان این رویدادهای بی‌شـمار، دو مورد ویژگی خاصـی دارد:

۱. پیدایش شورای انقلاب در ایران که او از محورهای تعیین کننده در آن بود.

۲. نخستین اقـدام رسـمی حضـرت امـام و اعزام هیئتی به خوزسـتان بـا مـأموریت رسیـدگی به مسایـل نفت با عضویت و نقش تعیین کننده‌ی او در آن هیئت (کیهان، شماره‌ی ۱۶، ۱۰۶۰۵ دی ماه ۱۳۵۷).

بـدین سـان موج توفنـده‌ی انقلاب اسـلامی به سوی پیروزی تاریخی ایران و اسـلام راه می‌پیمود و در واپسین روزهای نابودی رژیم خودکـامه‌ی پهلوی، در محضـر حضـرت امـام، او بود که فرمـان نخست‌وزیری انقلاب را قرائت کرد. (کیهان، شـماره‌ی ۱۷، ۱۰۶۳۱ بهمن ماه ۱۳۵۷.) ما را در سر فصلی مهم و در روزهایی سراسر هیجان گویی این آیه در گوش‌ها طنین می‌افکند که: عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون. (قرآن کریم، سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۲۶).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

هاشمی کروبی، سیف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سیف الله هاشمی کروبی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در چاشتگاه سه شنبه‌ای تابستانی اولین فرزند خانواده چشم به جهان گشود. بعد از سال‌ها به خاطر نداشتن معلم چند وقتی از مدرسه رفتن او گذشـته بود که پـدر با این بشارت که برای مـدرسه‌ی روسـتای ما معلمی آمـد به خانه برگشت و مرا به مـدرسه برد و بـدین ترتیب از سـال ۱۳۴۷ زنـدگی را در خـانه‌ی دوم (مـدرسه) آغاز کردم و بـدون کمترین راهنمایی در ردیف شاگردان خوب کلاس قرار گرفتم. و به گفته مادر مهربانم چون به مسـجد علاقه‌ی فراوان داشتم؛ از ۸ سالگی به نماز خواندن کامل و روزه گرفتن مبادرت کردم که این عمل سازنده و جهت دهنده‌ی من به سوی دروس دینی بود.

بعـد از گرفتن مـدرک سوم راهنمـایی (سـیکل) در مـدرسه راهنمـایی «صـبح امیـد» واقع در روسـتایی که با دِه ما دو کیلومتر فاصـله داشت، علاقه به مسافرت علمی دینی به سوی قم را گرفتم و چون با مخالفت پدر واقع شدم بنا را بر درس نخوانَدن گذاشتم تا ایشان را وادار به قبول کنم و این اولین سالی بود که بعد از شروع ایام تعطیلات، مدرسه را با مردودی پشت سر می‌گذاشتم ولی محاسبه‌ی من غلط از آب درآمـد و ابوی گرامی باز مرا به تحصـیل مجدد در اول نظری کشاند و من همچنان به درس بی‌توجهی می‌کردم که ایشان به پدربزرگم «رحمه الله» شکایت کرد.

چون جـد پـدری تاثیر خوبی در من داشت، فکر می‌کرد که مرا وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد. در جواب آن مرحوم عرض کردم که اگر دیپلم را بگیرم به درد دروس دینی نخواهم خورد و برعکس من بـا سـکوت ایشـان فهمیـدم که نه تنهـا تاثیر نگرفتم بلکه اثر گذاشـتم و بر تصـمیم خود پافشاری کردم چون پـدر راضـی نمی‌شدنـد؛ در این هنگام بـدون خبر خانواده به سوی تقدیر الهی خود حرکـت کردم و شب ۲۵ آبان ۱۳۵۵ که ساعت ۲۱/۱۰ را نشـان می‌داد؛ برای اولین بـار به حرم بی‌بی فـاطمه معصومه (س) مشـرف شدم و جان خود را با آب معرفت زیارت، شـست و شو داده و برای کسب علم (زنده کننده‌ی جان) آماده می‌کردم و آن شب را در حرم و آشـیانه‌ی اهـل بیت (ع) بیتوته کرده و صـبح جمعه‌ای که باز منتظر و عـدالت گستر حقیقی، جان تشـنه منتظران فرج را با جام ظهور سـیراب نفرموده به دیدار دوستی که سـرنوشتی مثل من داشت به نام «سـید مهدی حسـینی» شـتافتم و خود را در جمع صمیمی دوستان طلبه سرخوش یافتم.

بعد از خواندن اکثر جامع المقدمات و شـروع صمدیه، انقلاب اسلامی با شهادت «آیت الله آقا مصطفی خمینی» جان گرفت و مرا بر

سفره‌ی پربرکت خود نشاند و با انقلاب، در رشد و نمو هماهنگ شده و با پشت سر گذاشتن کلاسهای گوناگون و افت و خیزهای انقلاب و جنگ تحمیلی استکبار جهانی، علیه جامعه‌ی ولایی ما، بعد از اتمام کفایتین در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» (همزمان با رحمت جانگداز امام امت رحمهٔ الله علیه)، در سال ۶۸ به درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» راه یافته و یک دوره اصول فقه را در محضر ایشان شاگردی کرده و نیز نزدیک به ده سال فقه خواندم و یک سوم این درس‌ها را به عربی تقریر کردم و از ایشان تأییدیه هم دریافت کردم و در عین حال دروس سطوح پایین‌تر را ترجمه و تدریس می‌کردم. ولی با کمال تاسف به دلیل نداشتن یک راهنما و مراد، این دو کار زیبا و ارزشمند را به طور متوالی ادامه ندادم که مایه‌ی حسرت همیشگی من می‌باشد. اگر چه مجوز تدریس در حوزه و دانشگاه را دارم و اندوخته‌های خود را به کمک ایزد منان در مراکز علمی عرضه می‌کنم ولی رضایت خاطرم را فراهم نمی‌کند.

هاشمی گلپایگانی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم هاشمی گلپایگانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سید هاشم هاشمی گلپایگانی در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در نجف اشرف به دنیا آمد. او در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در سن ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه شد و همزمان دروس دولتی را هم ادامه داد. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی از دانشگاه فقه فارغ التحصیل شد. در حوزه نجف مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول مرحوم «آیهٔ الله خویی» و «آیهٔ الله سیستانی» حاضر شده که بعضی از تقریرات درس ایشان به چاپ رسیده: (تعارض ادله شرعیه).

ایشان چند ماه در زندانهای صدام اسیر بود و پس از آن در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی به قم آمد و در حوزه علمیه قم در درسهای خارج فقه و اصول مرحوم آیات عظام: «گلپایگانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» حاضر شد و نیز از همان زمان تا حال درسهای سطح و خارج فقه و اصول را تدریس می نماید.

هاشمی نژاد، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید حجه اسلام و المسلمین سید عبدالکریم هاشمی نژاد در سال ۱۳۱۱ شمسی (۱۳۵۱ ق) در خانواده ای متدّین در « بهشهر» مازندران دیده به جهان گشود و از ۱۴ سالگی در محضر آیت الله کوهستانی و سپس در قم به مدت چهارده سال نزد آیات عظام: سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در دوران مبارزات اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) با خطبه ها و سخنرانی های حماسی و آتشین خویش، در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیّت رژیم پهلوی، تمامی توان خود را به کار برد و در این راه متحمّل سختی ها و شکنجه های ایادی رژیم گردید. وی از ابتدای مبارزه تا پیروزی انقلاب اسلامی، چندین بار دستگیر و به زندان های طولانی مدت محکوم گردید. این مجاهد انقلابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده استان مازندران در مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد، در تدوین قانون اساسی و به خصوص در جهت تثبیت اصل ولایت فقیه، زحمات بسیاری کشید. حجت الاسلام هاشمی نژاد پس از پایان دوره مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی مقام دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را به عهده گرفت و از این پایگاه، حملات مداوم خود را متوجه نفاق حاکم بر بعضی مکان های دولتی و ارتجاع کرد و با ضد انقلاب به مبارزه سختی پرداخت. وی با شروع جنگ تحمیلی، در جبهه های غرب و جنوب حضور یافت و با سخنرانی های پرشور خود، در بالا بردن روحیه رزمندگان نقش بسزایی ایفا کرد. آن شهید بزرگوار، پشتوانه محکمی برای انقلاب بود، از این رو نقشه ترور وی طرح شد و در سالروز شهادت امام جواد (ع) در هفتم مهر ۱۳۶۰ در چهل و نه سالگی به دست یکی از منافقان کوردل، بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. بدن پاره پاره این شهید عالی مقام پس از تشییع باشکوه مردم، در جوار مرقد منور امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

هاشمی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید رضا هاشمی در سال ۱۳۶۱ دیپلم متوسطه در رشته ریاضی فیزیک را با معدل ۱۴/۱۹ در تهران دریافت کردم و به دلیل علاقه فراوان به تحصیلات حوزوی بدون شرکت کردن در کنکور دانشگاه ها، در همان سال به مدرسه علمیّه مجتهدی در تهران وارد شدم و به مدّت چهار الی پنج ماه در آنجا به تحصیل مقدمّات علوم حوزوی (عربی و منطق) پرداختم. سپس در سال ۱۳۶۲ همراه با یکی از دوستان فاضل و هم فکر خود برای ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیّه قم شدم و ابتداء در مدرسه رضویه و پس از آن در مجالس درس مختلف در حوزه علمیّه به تکمیل دروس متداول شامل (مباحث فقه و اصول فقه) و دروس دیگر که اصطلاحاً دروس جنبی نامیده می شد مانند: (کلام، فلسفه، تفسیر، رجال، حدیث، اقتصاد و ...) مبادرت کردم. از سالهای ابتدایی دهه هفتاد پس از فراغت از فراگیری دروس سطح، در دروس خارج اصول و فقه شرکت نمودم و این اشتغال همچنان ادامه دارد.

در سال ۱۳۶۷ در پی فراهم آمدن امکان حضور طلاب در دانشگاه ها به دلیل احساس نیازی که به فراگیری علوم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی در من پدید آمد، در کنکور دانشگاه شرکت کردم و از مهرماه سال ۱۳۶۸ در دانشکده «حقوق و علوم سیاسی» دانشگاه تهران هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته حقوق پرداختم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم. در همین سال در پی دعوت یکی از مسئولان «بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی» در تهران که دائرهٔ المعارفی با نام (دانشنامه جهان اسلام) را در دست تألیف و انتشار دارد، همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کردم که ابتداء بیشتر به شکل تألیف مقاله یا ارزیابی نقادانه مقالاتی بود؛ که به این بنده ارجاع می شد و بعدها این همکاری وسیع تر شد و به عضویت در گروه معارف و کلام در آن بنیاد انجامید.

سپس با تأسیس گروه فقه و حقوق در سال ۱۳۸۱ مسئولیت این گروه به اینجانب سپرده شد؛ که هم اکنون نیز این مسئولیت را بر عهده دارم. کار علمی من در بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی عمدتاً نظارت و مدیریت بر فرایند تولید مقالات علمی در حوزه فقه، اصول و حقوق از مرحله تدوین مدخلنامه و سفارش مقاله تا مراحل نهایی آن بوده که حاصل آن علاوه بر تألیف مقالات متعدد در دانشنامه، ارزیابی، اصلاح و تکمیل ساختاری و محتوایی بیش از یکصد مقاله در طول این سال هاست.

لازم به ذکر است که به دلیل سکونت اینجانب در شهر مقدّس قم به دلیل تحصیلات دینی، فعّالیّت های یاد شده عمدتاً در قم صورت می گیرد مگر در مواردی که حضور من در بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. همچنین در طول این سال ها، گاه به تدریس پاره ای از دروس مقدمات و سطوح به صورت خصوصی و غیر، گسترده اشتغال داشته ام. به علاوه از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه مفید قم به تحصیل پرداختم. و خلاصه عنوان پایان نامه اینجانب که در سال ۱۳۷۹ دفاع شده «تعدیل قراردادهای خصوصی» است.

هاشمی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید علی اکبربن مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسن موسوی طالحونچه‌ای طاب ثرا هما از علماء محترم اصفهان بوده و در سال ۱۳۱۸ ق در قریه مذکور متولد شد و دروس فارسی و مقداری مقدمات را خدمت مرحوم والدش و مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسین (جد مادری خود) فرا گرفته و مخصوصا در سه خط (۱) نسخ قرآنی (۲) شکسته (۳) نستعلیق که از جد مادری خود تعلیم گرفته خیلی ممتاز بودند سپس برای تکمیل مقدمات عربی و سطح باصفهان حرکت و در مدسه جده بزرگ و مدرسه ناصریه به مسجد شاه و مدرسه‌ی مرحوم ثقه‌الاسلام آقا شیخ محمد علی نجفی اقامت و نزد اساتید بزرگ مرحوم حاج شیخ محمد علی یزدی و مرحوم حجه‌الاسلام آقا میرزا احمد مدرس و مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی و دیگران تلمذ نموده تا در سال ۱۳۴۶ ق که مرحوم والدشان مریض سخت گردیدند ناچار برای عیادت ایشان بمحل معاودت نموده و بالاخره بعد از چند روز هم وفات نمودند بواسطه‌ی مراجعات و احتیاجات مردم و تقاضای اهالی وظیفه شرعی خود را تشخیص در توقف در محل داده و با جدیت تمام مشغول ترویج و انجام رتق و فتق امور محل گردیده تا زمانیکه اختناق اهل علم و طلاب پیش آمده و مسئله جواز عمامه و اتحاد شکل پیش آمده و این موضوع سبب شد که خانوادگی از محل مهاجرت و بعزم اقامت در اعتاب مقدسه به بلاد نجف حرکت نموده و موقعیکه وارد بشهر مذهبی قم شدند زمان ریاست و مرجعیت مرحوم آیه‌الله حایری قدس‌الله سره بود پس از اقامت چندی حوزه قم را مجهز برای تحصیل دیده از رفتن بعتبات عالیات منصرف و در قم توقف نموده و با برادر ارجمند خود جناب حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی مشغول خواند سطوح گردیده و دو برادر دیگرش آقای آقا طاها هاشمی و مرحوم ثقه‌الاسلام آقا حسین هاشمی نیز بتکمیل مقدمات پرداخته و مرحوم آقا حسین که در استعداد و ذکاوت بر همه فائق بود در شب عاشورا ۱۳۵۵ ق در اصفهان بدرود حیات گفته و برادر بزرگوارش حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی در ماده تاریخ فوت او بفارسی گوید: (بعاشورا حسین آسوده مأوی در جنان دارد)

مرحوم آقای هاشمی ثانیا بر حسب تقاضای اهالی از مرحوم آیه‌الله حایری -ره- بوطن برگشته و بخدمات دینی پرداخته و از خود

آثاری بیادگار گذاشتند.

از قبیل تعمیر مساجد و تربیت جوانها و غیره. آثار قلمی ایشان منشأت است که هرگاه جمع‌آوری شود مورد استفاده خواهد بود، در اواخر عمر چند سالی مقیم اصفهان شدند تا در شب ۱۴ ماه رمضان موقع سحر بمرض سکته از دنیا رفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

هاشمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هاشمی سال ۱۳۴۹ طلبه شدم و با مدرک شش ابتدائی اشتغال به دروس حوزوی را شروع کردم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی تا شرح لمعه در مدرسه آن مرحوم ادامه دادم. سپس وارد دروس آزاد حوزه شدم و مکاسب را از محضر درس «آیت الله صانعی» و کفایه جلد اول را خدمت «آیت الله صلواتی» و جلد دوم را در محضر درس «آیت الله فاضل لنکرانی» تلمذ کردم.

سپس وارد درس خارج شده و یک سال فقه و اصول در محضر درس «آیت الله وحید خراسانی» ـ شش ماه درس اصول «آیت الله مؤمن» ـ حدود دو سه ماهی درس خارج اصول «آیت الله مکارم» و حدود هفت سال درس فقه و پنج سال درس اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و روزهای چهارشنبه درس قضاء ایشان شرکت می‌کردم و چهار سال درس خارج زکات و ولایت فقیه یکی از علماء قم شرکت داشتم و حدود چهار سال درس فقه (خارج حج) درس «آیت الله زنجانی» شرکت کردم (توضیحاً باید عرض کنم از فطرت آیات تبریزی ـ زنجانی شرکت در درس خارج دارم).

همزمان با این دروس در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم که در آن زمان تحت مدیریت آقایان خرازی و مصباح مظاهری اداره می‌شد. چهار سال درس فلسفه شامل فلسفه عمومی؛ (که بعداً تحت عنوان آموزش فلسفه چاپ شد)، نهایه الحکمه، برهان شفاء، اسفار جلد ۹، در درس «آیت الله مصباح یزدی» شرکت کردم و در زمان تدریس فقه آیت الله شاهرودی شب‌های جمعه در دروس فقه ایشان که راجع به مسائل مستحدثه بود استفاده می‌کردیم.

تدریس در دانشگاه را از سال ۶۱ شروع و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات علامه طباطبایی به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول شدم و از همان ابتداء و از طرف دفتر اعزام به دانشگاه که زیر نظر جامعه مدرسین اداره می‌شد؛ مجوز تدریس تمام دروس دانشگاهی را گرفتم. یک سال در موسسه در راه حق درس استاد دکتر احمدی (فلسفه غرب) را استفاده کردم و زبان انگلیسی (ریدینگ را تا ناین هاندرد) طی دو دوره تابستانه و روزی سه چهار ساعت خواندم و مکالمه زبان عربی را تا حدود زیادی کار کردم و قادر به تکلم هستم ۷۰٪ درصد. سه سال در دانشگاه تهران دانشکده های مختلف، هفت سال دانشگاه علامه، چهار سال دانشگاه آزاد واحد بروجرد، سه سال دانشگاه واحد شهر ری و اخیراً پنج سال است که در دانشگاه آشتیان (به جهت نزدیکی) تدریس می‌کنم و عضو هیئت علمی می‌باشم. چند سالی است که از نهاد خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، مدرک مربی (کارشناسی ارشد) گرفته‌ام و حدود ده سالی است که از طرف دفتر ستاد مقام معظم رهبری با عنوان استادیار در دانشگاه تدریس دارم.

در حوزه هم چند سال قبل دروس: «ادبیات عرب»، «فلسفه»، «رسائل» و «معالم» را تدریس کرده‌ام. حدود دو سال در موسسه در راه حق (بعداً به موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) تغیر نام یافت) با گروه تفسیر با مدیریت جناب آقای رجبی همکاری می‌کردم و نیز چند صباحی در موسسه در راه حق درس (اقتصاد اسلامی) نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر درخشان و درس مقدمه عمومی علم حقوق نزد دکتر جعفری لنگرودی (الان در انگلیس هستند) و علوم سیاسی نزد استاد دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران می‌خواندم و در حال حاضر هم به مطالعه کتابهای تفسیری و فقهی و شرح نهج البلاغه اشتغال دارم.

ایام تبلیغی اکثر اوقات به شهرها و اماکن مختلف جهت تبلیغ و منبر رفته‌ام و حاصل کلام اینکه پروردگار و حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج) قرار بگیرد و همواره خدمتگزار کوچکی در سنگر فرهنگ اسلامی و شیعی و خادم کوچکی در نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغ و دانشگاه و حوزه بوده و هستم. ضمناً در خاتمه باید به عرض برسانم برای دانشجویان در طول دوره تدریس، مقالات و جزواتی در زمینه انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و درس متون عربی و همینطور درس انسان شناسی در اسلام نوشته و ارائه کرده‌ام که جزوات و مقالات موجود است.

هاشمی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۶.

درگذشت: ۱۳۶۴.

از آثار اوست: بهداشت گاوهای شیری (ترجمه با همکاری علیرضا محمودزاده، تهران، ۱۳۶۸)؛ بیوسنتز شیر، شیردوشی صحیح، ورم پستان، ادم پستان (ترجمه و تألیف با همکاری علیرضا محمودزاده، تهران، ۱۳۶۶)؛ پرورش علمی اسب به انضمام تغذیه، خوراک دادن و بیماریهای تغذیه‌ای اسب (تهران، ۱۳۷۴)؛ پرورش عملی بز (ریچارد باتاگلیا، تهران، ۱۳۷۴)؛ پرورش عملی گوسفند به انضمام تغذیه، خوراک دادن گوسفند (تألیف و ترجمه، تهران، ۱۳۷۴)؛ تغذیه دام، طیور و آبزیان (تهران، ۱۳۷۴)؛ تغذیه دام: کاربرد فضولات حیوانی در تغذیه دام، طیور و آبزیان (تألیف و ترجمه، تهران، ۱۳۷۵ ،۱۳۶۸)؛ تلقیح مصنوعی در گاو (تهران، ۱۳۷۵)؛ تلقیح مصنوعی: کاربرد روشهای آزمایشگاهی و علمی در تولید مثل دام (آنتون مارینوس سورنس، تهران، ۱۳۵۶)؛ راهنمای ارزیابی و انتخاب گاوهای شیری (ترجمه و تألیف، تهران، ۱۳۷۴)؛ روشهای عملی در پروش طیور (ریچارد باتاگلیا؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ فرهنگ تغذیه دام: شامل اصطلاحات تغذیه دام، طیور و آبزیان، انگلیسی- فارسی (تهران، ۱۳۷۵ ،۱۳۶۹)؛ فرهنگ جامع کشاورزی و منابع طبیعی: انگلیسی- فارسی (تهران، ۱۳۷۲)؛ فیزیولوژی تولید مثل (تولید مثل کابردری در حیوانات اهلی) (نوشته‌ی اچ. جو بیرون، جان دیبلو. فوکویی، ترجمه با همکاری سعید حسنی؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ کتیبی راپه رین به انضمام دو قصیده محمدیه و غوثیه بر وزن قصیده برديه (اثر مسعود هاشمی، خط محمدطاهر هاشمی، شعر کردی، ۱۳۶۸، مواد معدنی و ویتامینها در تغذیه حیوانات اهلی و انسان (تألیف و ترجمه، تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هاشمیان، وحید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وحید هاشمیان : ویژگی ها و مشخصات

متولد: تهران

تاریخ تولد: ۳۰ / ۴ / ۱۳۵۵ (۲۱.۷.۱۹۷۶)

قد: ۸۲/۱

وزن: ۷۹

شماره کفش: ۴۲

وضعیت: مجرد

تحصیلات: دیپلم تجربی

وضعیت خانوادگی: ۲ خواهر و ۲ برادر

ورزش های مورد علاقه: فوتبال، شنا، یوگا

تفریحات و سرگرمی ها: مطالعه کتاب، اینترنت، قدم زدن، مسافرت

فیلم های مورد علاقه: پاپیون، گلادیاتور زمانی که در دقایق ابتدایی دیدار تیم های ایران و قزاقستان در چارچوب بازی های آسیایی بانکوک یک جوان جویای نام ایرانی با ضربه ای استادانه توپ را به قعر دروازه حریف فرستاد، تلویزیون تایلند نام" وحید هاشمیان "را روی تصویر به نمایش درآورد تا زننده نخستین گل ایران در این رقابت ها را نشان دهد.

همانجا بود که بسیاری از مردم با نام او به عنوان یک مهاجم آشنا شدند.

وحید مثل بسیاری دیگر از فوتبالیست های تهرانی بازی خود را از محله های جنوب شهر آغاز کرد. در سال ۱۳۷۳ او به همراه تیم جوانان فتح تهران از دسته دوم به دسته اول صعود کرد و یک سال بعد به همراه این تیم عنوان سوم جوانان باشگاه های تهران را به دست آورد.

در سال ۱۹۷۵، هاشمیان به همراه تیم بزرگسالان فتح نایب قهرمان باشگاه های تهران شد و پس از آن به تیم فوتبال پاس که از تیم های صاحبنام ایران است، پیوست.

وی در سال ۱۳۷۷ با سبزپوشان پاس به عنوان نایب قهرمانی لیگ کشور دست یافت و از همین تیم نیز در جمع ملی پوشان کشورمان حاضر شد و توانست مدال طلای بازی های آسیایی بانکوک را برگردن بیاویزد.

بازی های خوب وحید باعث شد که مدیران استعداد یابی هامبورگ با مسوولان وقت پاس تماس حاصل کنند.

گفت و گوها بین مقامات هامبورگ و پاس نتیجه مثبت داد و هاشمیان به عنوان پنجمین بازیکن ایرانی به بوندس لیگا راه یافت.

هاشمیان در فصل نخست حضورش در هامبورگ فرصت چندانی برای عرضه اندام نیافت، اما در همان دقایقی که به میدان رفت موفق شد یک گل برابر ترابوزان اسپور ترکیه در رقابت های مقدماتی جام باشگاه های اروپا به ثمر برساند.

وحید در فصل ۲۰۰۰-۱۹۹۹ به همراه هامبورگ عنوان سوم بوندس لیگا را به دست آورد. او به همراه تیم ملی کشورمان در سال

۲۰۰۰ نیز موفق شد قهرمانی مسابقات غرب آسیا را در اردن به چنگ آورد.

اما جو حاکم بر اردوی تیم ملی و همچنین اختلاف با فدراسیون فوتبال وقت باعث شـد وحیـد به مـدت ۵/۳ سال از تیم ملی فاصله بگیرد.

در ادامه یک مصـدومیت اجازه هنرنمایی را از وحید گرفت و پس از یک دوره بسیار سـخت، سـتاره فوتبال ایران سـر از تیم فوتبال بوخوم در دسته دوم بوندس لیگا درآورد.

هاشـمیان در دسـته دوم بوندس لیگا نیز بسیار خوش درخشید و توانست با مربیگری پیتر نویرورر در فصل ۲۰۰۳-۲۰۰۲ به دسته اول بوندس لیگا بازگردد.

در این فصل هاشمیان بیشتر به عنوان یار جانشین به میدان می آمد و موفق شد ۱۰ گل حساس نیز برای بوخوم به ثمر برساند.

اما اوج هنرنمایی هلی کوپتر به فصل ۲۰۰۴-۲۰۰۳ بازمی گردد که توانست با زدن ۱۶ گل رکورد خوبی را از خود برجای بگذارد.

بوخوم به لطف گل های او توانست به رقابت های جام یوفا راه یابد.

هاشمیان فصل ۲۰۰۵-۲۰۰۴ را در بایرن مونیـخ سپری کرد، اما اعتقادات فلیکس ماگات باعث شد تا فوتبال آلمان از هنرنمایی های هاشمیان بی نصیب بماند، اما در نهایت او به همراه سرخ پوشان باواریایی به مقام قهرمانی بوندس لیگا و لیگاپوکال رسید.

هاشـمیان در ابزگشت مجدد به تیم ملی نیز بسیار خوش درخشید و با گل های حساسش مقابل قطر و ژاپن راه صعود ایران به رقابت های جام جهانی ۲۰۰۶ را هموار کرد.

او حتی در رقـابت هـای مقـدماتی جـام ملت های آسیا نیز با زدن یک گل حساس به کره جنوبی روحیه فوق العاده به ایران پس از نتیجه ناامیدکننده مساوی مقابل سوریه در تهران داد. افتخارات :

تعداد بازیهای ملی: ۳۳

گلهای ملی: ۱۳

نایب قهرمانی آموزشگاه های تهران در مقطع دبیرستان سال ۱۳۷۳

صعود از دسته دوم جوانان تهران به دسته اول با تیم فتح سال ۱۳۷۳

مقام سوم جوانان تهران با تیم فتح سال ۱۳۷۴

نایب قهرمان باشگاهی تهران با بزرگسالان فتح سال ۱۳۷۵

نایب قهرمان لیگ آزادگان با تیم پاس تهران سال ۱۳۷۷

قهرمانی بازی های آسیایی بانکوک ۱۹۹۸

مقام سوم بوندسلیگا با تیم هامبورگ سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹

قهرمانی بازی های غرب آسیا «جام ملک حسین اردن» سال ۲۰۰۰

صعود از دسته دوم لیگ آلمان به دسته اول با تیم بوخوم سال ۲۰۰۲-۲۰۰۱

صعود به جام یوفاکاپ با تیم بوخوم سال ۲۰۰۴-۲۰۰۳

قهرمانی باشگاهی آلمان با تیم بایرن مونیخ سال ۲۰۰۵-۲۰۰۴

قهرمانی لیگا پوکال با بایرن مونیخ سال ۲۰۰۵-۲۰۰۴

صعود به جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان

هاشمی‌نژاد، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۱۱، بهشهر.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، مشهد.

حجت‌الاسـلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در سال ۱۳۱۱ در بهشـهر مازنـدان در فراش محله (از پدرش سـید حسن و مادرش ساره) دیـده به جهـان گشـود. از سن نه سـالگی به درس عربی اشـتغال داشت. در سـال ۱۳۲۵، در چهـارده سالگی به تحصـیل در حوزه‌ی آیت‌الله کوهسـتانی، در شـهرک کوهسـتان در شـش کیلومتری بهشـهر پرداخت مقـدمات را در آنجـا فراگرفت. در سال ۱۳۲۹ وارد حـوزه‌ی علمیـه‌ی قـم شـد و دروس سـطح را پشت سـر گـذاشت و در درس خـارج اصـول فقه امـام خمینی (ره) و درس خـارج فقه آیت‌الله بروجردی حاضـر می‌شـد. در بیست و دو سالگی به نجف اشـرف رفت ولی با فراهم نبودن شـرایط تحصـیل از جمله ضـعف جسـمی بـار دیگر پس از یک سال اقامت در عراق به سوی ایران برای اقامت در قم حرکت کرد. در سال ۱۳۳۷ اولین اثر قلمی خود را به نـام منـاظره‌ی دکـتر و پیر به سـبک داسـتانی عرضه داشت. این کتـاب مـاجرای سـفر چنـد نفر است که در یـک قطـار به بحث می‌پردازند و نویسـنده در لابه‌لای آن به بیان ارزش‌های اسـلامی اسـلامی می‌پردازد. وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به سطح اجتهد نایل آمد. اساتید دیگر ایشان در قم عبارت بودند از: آیت‌الله کاشانی (فرید الاسـلام)، حضـرات آیات عظام صدوقی، محقق داماد و سـید رضا صـدر و مجاهدی. در سال‌های ۱۳۴۰ -۱۳۳۹ به مشـهد رفت. پس از مـدتی در آنجا به تدریس (کفایه و رسائل و مکاسب) در حوزه‌ی علمیه‌ی مشـهد پرداخت. در مشهد در درس آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله مجتبی قزوینی نیز حاضر می‌شد. وی همچنین در مجـالس سـخنرانی در مشـهد حضـور می‌یـافت و برای حاضـران سـخنرانی می‌کرد. از جمله فعالیت‌هـای فرهنگی ایشـان

همکاری با مجله «مکتب اسلام» بوده است.

در نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ دستگیر و چهل و یک روز در زندان شهربانی محبوس شد، در حادثه مسجد فیل مشهد به سبب سخنرانی در این مسجد و اعتراض به طرح لوایح ششگانه شاهنشاهی و حمله به انتخابات در نوزده مهر ۱۳۴۲، به مدت سه ماه حبس انفرادی در زندانی در داخل لشکر ۷۷ خراسان محکوم شد، سپس از سخنرانی در شهر مشهد ممنوع شد. لذا با خانواده مشهد را به سوی اصفهان ترک کرد. سپس همراه خانواده به شیراز رفت. اما مأموران ساواک وی را برای سومین بار دستگیر کردند و با اتومبیل به اصفهان برده و تحویل ساواک اصفهان دادند. چندی روزی در ساختمان ساواک در یک اتاق انفرادی نگه داشتند و بعد او را به زندان عمومی منتقل کردند. وی دو ماهی در اسارت بود. با رهایی از زندان راهی مشهد شد، وی همچنین اقدام به ایجاد کانون بحث و انتقاد دینی در مشهد از سال ۱۳۴۳ لغایت ۱۳۵۰ نمود. در سال ۱۳۵۰ هم در جلسه‌ای که جمعه شب هر هفته در شهرستان قوچان تشکیل می‌شد حضور می‌یافت. این جلسات تا مدت‌ها ادامه داشت، در ایام شهادت فاطمه زهرا در سال ۱۳۵۳ علی رغم ممنوعیت منبر رفتن، وی در مجلسی در منزل خود، زمینه‌سازی نمود و با رضایت اساتید دیگر حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، فردای آن روز یعنی روز شنبه بیست و چهارم خرداد ۱۳۵۳ با حضور طلاب و مردم، راهپیمایی در خیابان‌های شهر مشهد به راه انداخت. به همین سبب ساواک برای چهارمین بار وی را دستگیر و روانه زندان ساخت. وی تا اوایل سال ۱۳۵۶ در زندان به سر برد. در همین زمان به سبب امضای اطلاعیه‌ای، وی به همراه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام واعظ طبسی برای پنجمین بار دستگیر و روانه زندان شد اما تظاهرات مردم به سوی منزل حضرت آیت‌الله شیرازی باعث شد ایشان پس از بیست و چهار ساعت آزاد شوند.

حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در بهمن ۱۳۵۷ به تهران آمد. سپس به قائمشهر رفت و روز بیست و دوم بهمن در حال سخنرانی بود که خبر تصرف رادیو و تلویزون و تصرف پادگان‌ها به وی رسید او به مشهد رفت و در حفظ نظم شهر تلاش بسیار کرد. با گذشت چند ماهی از پیروزی انقلاب اسلامی، در خرداد ۱۳۵۸ با قبول ریاست هیئت ایرانی، در اولین سفر خارجی به سه کشور لیبی و سوریه و اردن حرکت کرد. در لیبی، با معمرالقذافی، رییس جمهوری لیبی دیدار نمود و مسائل مربوط به افغانستان و عراق را مورد بحث قرار داد، در بهمن ۱۳۵۹ همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به دو کشور ژاپن و بنگلادش سفر کرد، وی با رأی مردم استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافت. در دوران جنگ یکی دو نوبت به همراه حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به مناطق جنگی رفت.

تألیفات ایشان علاوه بر مقالات و سخنرانی‌هایشان، عبارتند از: اصول پنجگانه اعتقادی و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات اصول آیت‌الله شیخ علی کاشانی به عربی (چاپ نشده است)؛ درسی که حسین (ع) به انسان‌ها آموخت؛ راه سوم بین کمونیزم و سرمایه داری؛ رسالت انقلابی امام حسین (ع)؛ رهبران راستین؛ زهرا (س)؛ ضرورت تشکیلات؛ غروب آفتاب در اندلس؛ قرآن و کتاب‌های دیگر آسمانی؛ کمونیسم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام؛ مبارزه با جهل و مادیت؛ مسائل عصر ما؛ مشکلات جنسی و چاره آن در اسلام؛ مشکلات مذهبی روز؛ مکتب مقاومت؛ مناظره دکتر و پیر؛ ولایت فقیه؛ هستی بخش.

حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در هفتم مهرماه ۱۳۶۰، رأس ساعت هشت صبح، بعد از اتمام کلاس درس معارف الهی، در حال خروج از محل حزب جمهوری اسلامی در مشهد توسط منافقین به شهادت رسید. پیکر ایشان، در مشهد در دارالزهد حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای حاج سید عبدالکریم بن السید الزکی السید حسن بهشهری از فضلاء بنام و خطباء گرام و نویسندگان والامقام و مشاهیر وعاظ و گویندگان معاصر است از جهت نطق و بیان و قم و بنان‌گوی سبقت از همگنان ربوده و شهرت تام یافته و در هر کجا که برای تبلیغ دین و ترویج آئین و تنویر افکار نسل جوان مدعوا رفته مانند مشهد و تهران و قم و اصفهان و یزد و همدان و بابل و رفسنجان و ری و کاشان و خرم‌آباد و آبادان با استقبال گرم مردم مواجه شده و ده‌ها هزار نفر برای استماع از بیانات مستدل و منطقیش گرد آمده و ابراز احساسات نموده‌اند در بیست روز که در محرم و صفر ۱۳۹۳ قمری خود این نویسنده شاهد اجتماع عموم طبقات مخصوص افاضل حوزه علمیه و نسل جوان قم بودم که برای استفاده از منبر وی در شهر علمی و مذهبی قم گرد آمده و گفته می‌شد که بیش از بیست هزار نفر شرکت کرده‌اند و ایشان با بیانی گرم و پرحرارت ایراد سخن نموده و افکار مردم را به مطالبی متوجه می‌نمود.

معظم‌له در شهرستان بهشهر در سال ۱۳۴۸ قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی به کوهستان رفته و در تحت تربیت و تعلیمات عالم ربانی آیت‌الله کوهستانی مرحوم مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و در نزد فاضل ربانی طاب‌نژاد آقا شیخ علی فریده الاسلامی کاشانی که از اوتاد فضلاء و مدرسین حوزه بود سطوح وسطی را خوانده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ استفاده نموده و به درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیات دیگر شرکت نموده تا به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و دراسات و تقریرات استاد مجاهد خود را به رشته تحریر آورده و به نظر معظم‌له به وسیله این نگارنده رسانیده و مورد تائید و قبول استاد مزبور قرار گرفته است.

استاد هاشمی‌نژاد به واسطه جهات داخلی در سال ۱۳۸۲ قمری با معیت داماد و شریک گرامش حجه‌الاسلام حاج آقا حسن ابطحی خراسانی به مشهد مراجعت نموده و رحل اقامت افکنده و در حوزه مشهد به تدریس سطوح عالی کفایه و مکاسب و وظائف دینی و روحی دیگر پرداخته و خدمات ارزنده‌ای نموده است. آثار علمی و خدمات روحی معظم‌له از این قرار است:

۱- همکاری تاسیس کانون بحث و انتقاد دینی مشهد مقدس (که با معیت صدیق و رحم گرانی خود آقای ابطحی) نموده‌اند:

۲- کتاب مناظره دکتر وپیر که تاکنون بیش از ده‌ها بار به طبع رسیده و مورد استقبال عموم طبقات قرار گرفته است.

۳- درسی که حسین علیه‌السلام به انسانها آموخت مکرر چاپ شده است.

۴- قرآن و کتابهای آسمانی دیگر.

۵- مشکلات بزرگ نسل ما. ۶- راه سوم بین کمونیسم و سرمایه‌داری.

۷- اصول پنج‌گانه اسلام ۸- مشکلات مذهبی روز ۹- جلد اول پاسخ ما به مشکلات جوانان ۱۰- بسیاری از جوابها و مقالات پاسخ ما.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هبهٔالله اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن علی. ادیب ماهر، و حکیم حاذق، و طبیب متبحر، از محاسن روزگار، و افاضل زمان خود بوده، و در جمیع فضایل بی‌نظیر می‌نموده است.

در ۵۳۴ به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در سرداب منزل خود دفن گردیده، و پس از چند ماه از فوت و دفنش درب سرداب را که باز کردند مرده‌ی او را نشسته در پای پله‌ها یافتند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

هجری تفرشی، محمدصادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۸۰ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به هجری. وی تحصیلات مقدماتی را نزد دایی خود، اقا محمد مؤمنای داعی گذراند و پس از آن برای تکمیل تحصیلات به قم و اصفهان سفر کرد. او در اصفهان به فراگیری معقول و منقول، ادب، عرفان و اخلاق نزد بزرگان علم و دانش از جمله مولانا محمد صادق اردستانی مشغول شد و به مدارج بالایی رسید. هجری چندی نیز به تعلیم و تربیت رضاقلی میرزا، فرزند نادرشاه پرداخت که به دلایلی از دربار به خراسان رفت و پس از مدتی بازگشت و تا پایان عمر در حوالی تفرش عزلت گزید. مؤلف «نگارستان دارا» آورده که وی در مشهد درگذشت. هجری در سرودن ماده تاریخ، غزل، رباعی و بخصوص مثنوی مهارت داشت. از آثارش می‌توان به دو مثنوی اشاره کرد که در اولی تعبیراتی از اکثر علوم همچنین: صرف، نحو، منطق و تصوف به کار برده شده است و مثنوی دیگر او مشتمل بر صد و نود و یک بیت، در ذکر داستان شکار مأمون و امام جواد (ع) و غیره است.[۱]

میرزا ابوالقاسم پسر میرزا صادق تفرشی (ف. ۱۱۸۰ ه.ق) از رجال ادب است و اشعاری نیکو سروده است. آنچه مسلم است او در اواخر دولت صفوی تا زمان کریم‌خان زند می‌زیست. در علوم معقول و منقول و عرفان به مدارج عالی رسید و چند سالی در قم و اصفهان بسر برد و مدتی معلم رضاقلی میرزا فرزند نادر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] سفینهٔالمحمود (۴۴۳ -۴۴۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، نگارستان دارا (۲۲۰ -۲۱۹)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۱۰۰ -۹۲).

هجیم آملی طبرستانی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و ادیب. در عصر سلجوقیان می‌زیست. مؤلف «فرهنگ سخنوران» وی را از شعرای عهد سامانیان می‌داند. او در ادبیات عربی و فارسی مهارت داشت و شاعری چیره‌دست و خوش بیان بود. وی در آمل از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد. او به پیروی از دقیقی در یکی از قصایدش، قصیده‌ای با لغات فارسی و عربی و طبری سروده که حدود هشتاد بیت است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۹)، الذریعه (۸۷۳/ ۹)، شعرای مازندران و گرگان (۳۴۸ -۳۴۷)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، مجمع‌الفصحا (۱۱۰۳/ ۳).

هدایت نیا، فرج الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج الله هدایت نیا

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله هدایت نیا گنجی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای «گنج افروز» از توابع شهرستان بابل متولد شده ام. پس از طی دوران کودکی وارد مدرسه شدم و تا سال سوم راهنمایی را در مدارس زادگاه خویش گذراندم. دانش آموز سال پنجم ابتدایی بودم که انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و دوران نوجوانی من با حال هوای انقلاب آغاز شد.

تحت تأثیر شرایط پس از انقلاب در خودم علاقه به فراگیری علوم دینی احساس کردم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه «خاتم الانبیاء (ص)» بابل شدم. به مدت سه سال در حوزه علمیه «امام القائم» تهران تحصیل کردم و از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم، لمعتین و دو جلد اصول فقه را از محضر اساتید حوزه به ویژه استاد «علی محمدی (زید عزه)» فرا گرفتم. و از آن پس دروس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. در این مرحله از اساتید بزرگواری نظیر آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «مکارم شیرازی» و «محفوظی» بهره بردم.

در سال ۱۳۶۸ به فکر تکمیل تحصیلات خودم در علوم جدید و دانشگاهی افتادم. ابتداء به صورت غیر حضوری به مدت چهار سال دیپلم گرفتم و در کنکور سراسری سال ۱۳۷۳ شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم. پس از اتمام دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه مفید قم شدم و در گرایش «حقوق خصوصی» در مقطع کارشناسی ارشد این دانشگاه فارغ التحصیل شدم و البته در طول این سالها، تحصیلات حوزوی را نیز ادامه دادم.

با توجه به شرایط جنگ، مثل سایر جوانان این مملکت در جبهه ها حاضر شدم و مدت دو سال به طور متناوب به صورت رزمی یا تبلیغی در جبهه ها بودم و از جانبازان جنگ تحمیلی می باشم. علاقه وافر اینجانب به فعالیتهای پژوهشی موجب شد که جذب مؤسسات پژوهشی شوم. مطالعات من تا کنون در گرایش «فقه»، «حقوق خصوصی» و «حقوق عمومی» بوده است. محصول مطالعات من کتابها و مقالاتی بوده است که بسیاری از آنها چاپ شده است. در حال حاضر اینجانب عضو «هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» هستم و در گروه فقه و حقوق این مرکز فعالیت می کنم.

در کنار تحقیق، تدریس را از نظر دور نداشتم. از سال ۱۳۸۱ به تدریس حقوق در مراکز آموزش عالی روی آوردم و هم اکنون نیز در یکی از دانشگاههای تهران؛ «دانشگاه آزاد اسلامی» و مدرسه تخصصی فقه و اصول قم؛ «ویژه طلاب خارجی» به تدریس مشغول هستم. در حال حاضر در شهر مقدس قم ساکن هستم و به تحصیل تحقیق و تدریس مشغول می باشم. امیدوارم بتوانم از اندوخته های خود در جهت نشر علوم دینی و فرهنگ اسلامی بهره ببرم و دَین خود را به مردم مسلمان ادا نمایم.

هدایت، جعفرقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفرقلی معروف به نیرالملک، فرزند رضا قلیخان هدایت متولد ۱۲۴۷ ق در تهران است. او تحصیلات خود را نزد پدرش در ادبیات فارسی و مقدمات زبان عربی آموخت. پس از تأسیس دارالفنون بدانجا رفت و به آموختن زبان فرانسه، حساب، هندسه، علوم طبیعی و نظام پرداخت. پس از ۶ سال تحصیل در دارالفنون با درجه ممتاز فارغ‌التحصیل شد و به معلمی دارالفنون درآمد. چند سال بعد ناظم آنجا شد و تدریجا رتبه سرهنگی گرفت. در ۱۲۷۸ ریاست دارالفنون را به او دادند و قریب چهل سال ریاست داشت و در همین سمت لقب نیرالملک و منصب سرداری گرفت. در ۱۳۱۶ ق به وزارت علوم منصوب شد و هفت سال در آن سمت باقی بود. بعد از مشروطیت در کابینه مشیرالسلطنه مجددا وزارت علوم را عهده‌دار شد ولی چون مدتش کوتاه بود کاری از پیش نبرد. وفات او در ۱۳۳۳ ق در ۸۶ سالگی اتفاق افتاد.

نیرالملک یکی از فضلاء و دانشمندان قرن اخیر ایران است که به توسعه فرهنگ کمک‌های زیادی کرده است. آثاری نیز دارد و اصولا خانواده هدایت در کار نشر معارف و فرهنگ خدماتی انجام داده‌اند. از وی چهار پسر و چهار دختر باقی ماند. پسران وی عبارت بودند از: رضاقلی، هدایت قلی، کریم و سلیمان. رضاقلی پس از فوت پدر نیرالملک گرفت. هدایت قلی لقب اعتضادالملک داشت و فرزندانش عبارتند از محمود هدایت، صادق هدایت و سرلشکر عیسی هدایت. کریم طبیب شد و درجه سرلشکری در ارتش یافت. سلیمان دانشکده سن‌سیر فرانسه را طی کرد و در جوانی از اسب به زیر افتاد و درگذشت.

(۱۲۸۴ -۱۲۰۹/ ۱۲۰۶ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد. مقدمات علوم زمان را نزد پدر آموخت و در دارالفنون به تحصیل زبان فرانسه و حساب و هندسه و علوم طبیعی و نظامی پرداخت. پس از طی این دوره چند کتاب و جزوه برای استفاده‌ی شاگردان دارالفنون ترجمه و تألیف کرد و در ۱۲۷۶ ش به منصب آجودانی مدرسه رسید و سال بعد ناظم مدرسه شد. وی در حدود ۱۲۴۰ ش به جای پدر ریاست مدرسه‌ی دارالفنون را به عهده گرفت و پس از فعالیتهای زیاد آموزشی و اداری، از ناصرالدین شاه لقب نیرالملک دریافت نمود و حدود چهل سال ریاست دارالفنون را عهده‌دار بود. او در حدود ۱۲۷۵ ش به وزارت علوم منصوب شد و در زمان صدارت اتابک اعظم و امین‌الدوله، وزارت معارف را به عهده داشت. وی در دوره‌ی وزارتش

توانست دوره‌هایی را برای مراتب تحصیل تعیین کند. او همچنین به پاس خدمات فرهنگی نشان فرهنگستان علوم کشور فرانسه را دریافت کرد. وی در تهران درگذشت. از آثارش: رساله‌ی «مفتاح العلوم»، در مورد فیزیک و شیمی.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روز شمار تاریخ (۵۸/ ۲)، فرهنگ رجال قاجار (۲۰۷). وزرای معارف ایران (۳۲ -۳۱)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۳۹ -۲۹).

هدایت، رضاقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به نیرالملک فرزنـد اکبر و ارشـد محمد جعفرخان نیرالملک رئیس دارالفنون، متولد ۱۲۵۰ ش است. تحصیلات خود را در دارالفنون به اتمام رسانیـد و پس از چنـدی به استادی در دارالفنون ارتقاء مقام یافت. بعـد از مرگ پدرش در ۱۳۳۳ ه.ق به ریاست دارالفنون رسید و لقب نیرالملک گرفت و سالها در آن سمت بود و مدتی نیز با حفظ سمت معاونت وزارت معارف را داشت. در ۱۲۹۹ در کابینه مشیرالدوله به وزارت پست و تلگراف معرفی گردیـد. بعد از کودتای ۱۲۹۹ که سید ضیاءالدین به ریاست وزراء انتخاب گردید نیرالملک را به وزارت معارف و اوقاف معرفی کرد و مادام که سید ضیاء بر سر کار بود و او هم وزارت داشت در اسفند ۱۳۰۰ ش در کابینه مشیرالدوله مجددا بـه وزارت معارف معرفی شـد. در ۱۳۰۶ که داور عدلیه جدیـد را بنیاد نهاد حاج مخبرالسلطنه هـدایت وزیر فوائـد عـامه را به ریاست دیوان عالی کشور معرفی کرد. حاج مخبرالسلطنه ریاست شعبه اول دیوانعالی کشور را به عمو زاده خود نیرالملک هـدایت داد. مخبرالسلطنه بعد از چند ماه به نخست‌وزیری منصوب شد و نیرالملک به کفالت دیوانعالی کشور برگزیده شد و تا سال ۱۳۱۵ در آن سمت باقی بود که جای خود را به حاج سید نصرالله تقوی داد.

نیرالملک در علوم ریاضی، فلسفه، ادبیات فارسی و عربی استاد بود و زبانهای انگلیسی و فرانسه را به حد کافی می‌دانست. یکی از فرزنـدان او در ارتش به نام شکرالله هـدایت درجه سرتیپی یافت. بعـد از شـهریور ۱۳۲۰ مجـددا فعـالیت سیاسـی را آغاز کرد و در تشکیل حزب اراده ملی با سید ضیاءالدین همکاری نزدیک داشت و ریاست شورایعالی حزب با او بود. وفات او در ۱۳۲۴ ش اتفاق افتاد.

(۱۳۲۴ -۱۲۵۰/ ۱۲۴۹ ش)، مترجم و استاد دانشگاه. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد و پس از طی علوم مقدماتی وارد دارالفنـون شـد و بـه فراگیری علـوم عـالی پرداخت. او به زبان‌هـای انگلیسـی و فرانسه تسلط داشت و پس از فراغت از تحصیل در دارالفنون به تـدریس زبان پرداخت و پس از مدتی به نیابت ریاست و نظامت دارالفنون منصوب گشت. هدایت در زمان مظفرالدین شاه به علت خـدمات فرهنگی به دریافت نشان لیاقت نایل شـد. در ۱۲۸۹ ش در دوران پادشاهی احمـد شاه به معاونت و در کابینه سید ضیاءالدین طباطبایی به وزارت علوم و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه منصوب گردید. او در ۱۲۸۸ ش به طور افتخاری به عضویت آکادمی علوم فرانسه پـذیرفته شـد و به دریافت نشان لژیون دونور نایل گردیـد. نیرالملک در تهران درگـذشت. از آثارش: «پرورش روح و جسم و اخلاق»، ترجمه؛ «سیاحت‌نامه‌ی استانله به افریقا»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روز شمار تاریخ (۲۷۲، ۲۱۳، ۱۰۲، ۹۷/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۴۷/ ۲)، وزرای معارف ایران (۸۰ -۷۹)، وزیران علوم و معارف فرهنگ (۲۰۶ -۲۰۳).

هدایت، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۸۱ ش)، نویسنده، مترجم و محقق. وی از خاندان رضاقلی خان هدایت است. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و دبیرستان سن‌لوئی تهران به پایان رسانـد و در حدود ۱۳۰۷ ش بـا کاروان دانش‌آموزان اعزامی به اروپا به بلژیک رفت و در رشته مهندسی راه و ساختمان نام‌نویسی کرد، اما در آنجا نمانـد و یک سال بعد با نخستین گروه دانشجویان اعزامی به اروپـا برای تحصیل در رشته‌ی معمـاری به فرانسه رفت. وی در اقـامت چهـار ساله خود در فرانسه بیشتر به سیر و گشت گذرانـد و داستان‌های معروفی در آنجا نوشت، سپس به وطن بـازگشت و در ۱۳۱۵ ش به دعوت دکتر شیرازپور پرتـو، عضو وزارت امور خارجه که در آن هنگام نایب کنسول ایران در بمبئی بود، به عنوان متخصص تنظیم دیالوگ فیلم فارسی به هندوستان رفت و زبان پهلوی را آموخت و دو داستان که در آنجا فراگرفته بود به فرانسه نوشت و به وطن بازگشت. هدایت در این سفر بیشتر اوقات خود را در موزه‌ها و کتابخانه‌ها می‌گذراند. وی با بزرگ علوی، مجتبی مینوی و مسعود فرزاد گروهی موسوم به ربعه را که هدفش ایجاد روحی تازه در ادبیات ایران بود در مقابل ادیبان محافظه‌کار که آنان را سبعه نامیـده بودنـد، تشکیل داد. هـدایت مـدتی نیز با مجله «موسیقی» به مدیریت سرگرد مین‌باشی، تا تعطیل شدن آن در ۱۳۲۰ ش همکاری داشت. وی در همان سال مدتی نیز در دانشکده‌ی هنرهـای زیبـای دانشـگاه تهران به عنوان مترجم مشغول بود. هـدایت بـا مجله‌هـای «سـخن» و «پیـام نو» همکاری داشت و مقالات و داستان‌هایی را در آنها منتشر می‌کرد. وی در ۱۳۲۴ ش همراه یک هیئت فرهنگی به دعوت دانشگاه تاشکند عازم ازبکستان شد و حـدود دو مـاه در آنجـا مانـد و در این مـدت دربارهٔی اوضاع و احوال مردم آنجا تحقیق و مطالعه کرد. سـپس در نخستین کنگره‌ی

نویسندگان ایران در ۱۳۲۵ ش که، تحت شعار ادبیات نوین و مترقی ایران، با ریاست ملک‌الشعراء بهار تشکیل شده بود، شرکت کرد. وی در ۱۳۲۹ ش به پاریس رفت و پس از مدتی اقامت، در فروردین سال بعد، در گرمابه‌ی پانسیون خویش با گشودن شیر گاز به زندگی خود پایان داد. هدایت را در قبرستان پرلاشز پاریس به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «زنده به گور»، شامل نه داستان؛ «سه قطره خون»، شامل یازده داستان؛ «سگ و ولگرد»، شامل هشت داستان؛ «بوف کور»؛ «حاجی آقا»؛ «پروین دختر ساسان»، نمایشنامه؛ «فواید گیاه‌خواری»؛ تصحیح «ترانه‌های خیام»؛ سفرنامه‌ی «اصفهان نصف جهان»؛ «گجستک ابالیش»، ترجمه از پهلوی؛ «دیوار»، ترجمه؛ «مسخ»، ترجمه.[۱]

صادق فرزند اعتضادالملک (و. تهران ۲۸ بهمن ۱۲۸۱– ف. پاریس ۱۳۳۰) در تهران متولد شد و برای تحصیل به فرانسه رفت. ابتدا در پاریس اقامت نمود و سپس به بزانسون رفت. داستانهای معروف: زنده به گور، سه قطره خون، نمایشنامه‌ی پروین، افسانه‌ی آفرینش، فوائد گیاه‌خواری را در پاریس نوشت. سپس به ایران بازگشت و در ۱۳۱۵ به بمبئی رفت و زبان پهلوی را آنجا فراگرفت و سفرهای چندی به تاشکند و سایر شهرهای ازبکستان کرد و بالاخره در سال ۱۳۲۹ به پاریس رفت و پس از چهار ماه توقف در آن شهر خودکشی کرد. صادق به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنائی داشت. گذشته از مقالات و داستانها و سفرنامه‌ها، چند کتاب را از متون پهلوی به فارسی برگردانده است مانند: گجسته ابالش. کارنامه‌ی اردشیر بابکان. یادگار جاماسب. شهرستانهای ایران، و داستان‌هایی نیز از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است چون دیوار، مسخ و غیره. هدایت از نویسندگان بنامی است که در ادبیات فارسی عصر حاضر اثری عمیق گذاشته است. و کتابهای او بارها به چاپ رسیده و بعضی به زبانهای بیگانه ترجمه شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۶۷، ۳۶۱، ۳۶۰، ۲۱۲، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۴۸، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۴، ۱۳۱، ۱۱۳، ۱۱۲، ۹۳، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۷۶، ۷۳، ۶۷، ۵۱، ۵۰)، از نیما تا روزگار ما (۴۲۹ –۳۳۳)، تاریخ برگزیدگان (۳۵۷ –۳۵۵)، چون سبوی تشنه (۲۰۰ – ۱۹۸)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۴۹/ ۲)، روز شمار تاریخ (۳۲۱، ۲۷۹/ ۱)، شخصیتهای نامی (۵۱۶ –۵۱۴)، شناخت نامه‌ی صادق هدایت، صد سال داستان‌نویسی (۱۱۹ –۹۱/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۶، ۳۳۷۵، ۳۳۶۷، ۳۳۲۸، ۳۰۱۶، ۳۰۱۲، ۲۹۹۹، ۲۹۸۵، ۲۸۵۵– ۲۸۵۴، ۲۷۰۹، ۲۷۰۷، ۲۶۹۷، ۲۶۴۸، ۲۵۸۴، ۲۴۷۵، ۲۳۴۴، ۲۱۸۳، ۲۰۹۴، ۲۰۴۲، ۲۰۱۰، ۱۹۲۹، ۱۹۲۶، ۱۸۶۶، ۱۶۱۴/ ۲، ۱۴۷۸، ۱۴۶۲، ۱۳۸۳، ۱۳۷۲، ۱۲۰۰، ۱۱۳۷، ۸۴۵، ۶۳۵، ۶۰۲، ۵۲۷، ۴۰۳، ۳۹۴، ۳۶۲، ۲۴۲، ۳/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۹۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۳ –۵۰۸/ ۳).

هدایت، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی برادر صادق هدایت، داستان‌نویس معروف است. او در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالیه خود را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده حقوق تهران به پایان رساند. هدایت در جوانی به علوم ادبی، فنون نقاشی، موسیقی و مجسمه‌سازی علاقه زیادی داشت و سالها در خدمت استاد کمال‌الملک به آموختن صنعت نقاشی مشغول بود. او همچنین زبان فرانسه را می‌دانست. هدایت پس از اتمام تحصیلات به خدمت وزارت دادگستری درآمد و عهده‌دار مشاغلی از جمله: مترجمی موسیوپرنی مستشاری وزارت دادگستری، بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و چند سالی نیز ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز بود. از آثارش: «ازدواج عجیب»؛ «سرگذشت عشرت»؛ «زیارت و سیاحت»، در ذکر جزئیات سفر به پاریس؛ «شهنشاه‌نامه‌ی پهلوی»، تاریخ ایران از بدایت تا نهایت؛ «گلزار جاویدان»، در سه مجلد؛ تذکره‌ی «بذر سخن»؛ «آینه‌ی زندگی»؛ «در رکاب نادر شاه» یا «سفرنامه‌ی عبدالکریم»؛ «مسافرت به ارمنستان و ایران»، ترجمه؛ «کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا»، ترجمه؛ «مردم گریز»، ترجمه؛ «آب حیات»، شعر؛ «حقایق عریان»، شعر.[۱]

قاضی عالیرتبه، مترجم، نقاش، شاعر و موسیقی‌دان فرزند هدایت قلی هدایت (اعتضادالملک) در ۱۲۷۶ در تهران تولد یافت. تحصیلات خود را پس از فرا گرفتن مقدمات در ادبیات زبان پارسی، عربی و فرانسه آغاز کرد و مدتی مدید نزد کمال‌الملک هنر نقاشی آموخت. فن موسیقی را نیز به طریق علمی نزد تنی چند از هنرمندان معروف یاد گرفت. در ۱۳۰۲ وارد خدمات قضایی شد و تمام مراحل قضایی را در وزارت دادگستری طی کرد. مدتی رئیس دیوان دادرسی دارایی و زمانی مدیر کل ثبت اسناد و املاک شد. در دیوانعالی کشور مستشاری و ریاست شعبه داشت. آخرین سمت قضایی او ریاست دادگاه تجدیدنظر انتظامی قضات بود. در وزارت کشور نیز سمت‌هایی از قبیل ریاست کارگزینی و فرمانداری تبریز با او بود. وی در ۱۳۲۹ زمانی که رزم‌آرا به نخست‌وزیری رسید به معاونت نخست‌وزیر منصوب شد. در کابینه بعدی که ریاست آن با علاء بود همان سمت را حفظ کرد. در حکومت دکتر مصدق به دادگستری بازگشت و به مستشاری دیوانعالی کشور مشغول شد. در ۱۳۳۴ مجددا به معاونت نخست‌وزیری برگزیده شد و چند سالی آن سمت را داشت.

محمود هدایت اشعار زیادی سرود که بخشی از آن به چاپ رسید. اشعارش از استحکام شعری برخوردار می‌باشد و تابلوهای نقاشی او که بین خواص معروفیت دارد معرف ذوق و هنر او در این فن می‌باشد. تعداد کتبی که تاکنون ترجمه و به چاپ رسانده است زیاد است و بیشتر ترجمه‌های او کتب تاریخی است. خواهر وی همسر سپهبد رزم‌آرا بود. صادق هدایت نویسنده معروف و بزرگ معاصر برادر کهتر اوست. برادر دیگر به نام عیسی هدایت داشت که در ارتش درجه سرلشکری گرفت. وی در جوانی با دختر فتح‌الله خان سردار مؤید مراغه‌ای پیوند زناشوئی بست. صاحب دو پسر شد و همسر وی در میانسالی درگذشت. سرانجام در سال ۱۳۶۸ درگذشت.

شاعر، نقاش.

تولد: ۱۸ اردیبهشت ۱۲۷۶(۴ ذی الحجهٔ ۱۳۱۴ ق.)، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۸.

محمود هدایت، فرزند هدایتقلی‌خان هدایت اعتضادالملک، تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالیه را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به پایان رساند و چون از جوانی به تحصیل علوم ادبیه و فنون شاعری و موسیقی رغبت داشت، نزد کمال‌الملک آموختن رموز نقاشی را آغاز کرد. پس از پایان دوره‌ی تحصیل، در سال ۱۳۰۲، وارد وزارت دادگستری شد. در طول پنجاه سال خدمت جز چند سالی که در خارج از دادگستری به ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز و دو بار معاونت نخست وزیر سپری گردید، بقیه به مترجمی و دادیاری دادسرای تهران و بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و مدیریت کل ثبت و ریاست ادارات بازرسی و دفتر وزارتی و دادیاری و مستشاری دیوان عالی کشور و ریاست شعبه‌ی پنجم دیوان مزبور و ریاست دادگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات مصروف شد. در آبان ۱۳۳۴ نیز یک قطعه درجه‌ی اول حقوق بشر و در ختم دوران خدمت که ۱۳۵۱ است یک قطعه نشان درجه‌ی اول عدالت دریافت کرد. ضمنا در سال ۱۳۳۱ نیز به دعوت سازمان ملل متحد چند ماهی در نخست وزیری و شورای دولتی کشور فرانسه به کارآموزی پرداخت.

آثار ترجمه وی به این شرح هستند: مهاجرت‌های خارجی و علل و آثار آن در ایران. (۱۳۶۵)؛ مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه (موریس فون دوکتزبوئه، ۱۳۴۸)؛ مسافرت به ارمنستان و ایران (پی‌یر آمده امیلین پروب ژوبر، منشی السنه شرقی ناپلئون بناپارت)؛ سفرنامه‌ی عبدالکریم در رکاب نادرشاه؛ کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا (ارنست لاویس)، مردم گریز (مولیر)؛ شاهنامه‌ی ثعالبی نیشابوری (ترجمه از عربی)، گلزار جاویدان (سه جلد، مشتمل بر اشعار و شرح حال شش هزار شاعر پارسی گوی از ایرانی و غیر ایرانی، ۱۳۵۳)؛ دو رساله مختصر درباره‌ی «حقوق اساسی» و «اصول محاکمات حقوقی» و چند منظومه به نام آب حیات و درفش ایران و حقایق عریان از اشعار اوست.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۸۴ –۱۱۸۰)، روز شمار تاریخ (۳۱۳/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۰۶، ۲۷۱۷، ۲۶۶۰، ۱۹۶۹، ۱۷۳۶/ ۲ ۱۳۸۷، –۱۳۸۶ ۸۶۷، ۱۷۱/ ۱)، گلزار جاویدان (۱۷۸۹ –۱۷۸۰/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۹ –۱۰۷/ ۶).

هدی‌نیا، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۱ آبان ۱۳۲۹.

درگذشت: ۱۲ آبان ۱۳۷۵، تهران.

حمید هدی‌نیا فرزند عباس، مدرس، نویسنده، مترجم، منتقد سینمایی بود. از آثار اوست: فرانسوا تروفو: زندگی و آثار (ترجمه و تألیف، با همکاری رحیم قاسمیان، پروین دوامی، ۱۳۳۶۵). پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هراتی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۷۷ ق)، حکاک. وی از نگارگران و حکاکان زبردست هرات بود. از آثارش: ابریق نفیسی، که به تصریع نقره و مس و در شیوه‌ی خراسانی عمل آمده و در بدنه‌ی آن نقوش مختلف طراحی و نقش بسته، با رقم: «محمود بن محمد هراتی» ۵۷۷ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۵/ ۳).

هراسی کاثی خوارزمی، ابوعبدالله محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۵ ق)، ادیب، لغوی، صرفی و نحوی. وی از بزرگان ادبا و لغویون خوارزم بود. اصلش از کاث، از قرای خوارزم است. در «الاعلام» تحت عنوان هراشی و در «روضات‌الجنات»، «هدیهٔ‌العارفین» و «کشف‌الظنون» تحت عنوان هراس آمده است. از آثارش: شرح «دیوان» متنبی؛ کتابی در «تصریف»؛ «رسائل البلاغهٔ والبراعهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۱ / ۷)، روضات‌الجنات (۲۳۱ / ۱)، کشف‌الظنون (۸۱۲ –۸۱۱)، معجم‌المؤلفین (۳۰۱ / ۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۲۲ –۱۲۱/ ۴)، هدیةالعارفین (۶۵/ ۶).

هرسینی کرمانشاهی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر کرمانشاه برادر ارجمند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه هرسینی مذکور می‌باشند.

وی حدود سال ۱۳۲۶ ق در محیط عشایری و خوانین لرستان بدنیا آمده و پس از طی دوران صباوت در حدود سال ۱۳۳۷ قمری در خدمت برادر معظم خود به عتبات عالیات مشرف و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد رشتی و حاج شیخ غلامحسین دارابی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده آنگاه مراجعت به وطن و تا حدود چهار سال در آن محیط تیره و تار به تبلیغات و ارشاد الوار آن سامان و بخصوص علویون و غلات پرداخته و در سال ۱۳۵۴ مهاجرت به قم نموده و تا حدود ۶ سال از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر و بعضی دیگر استفاده نموده و در حدود ۱۳۶۰ ق مهاجرت به کرمانشاه و تا اکنون که ۱۳۹۵ قمریست بالغ بر سی و پنج سال به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

هرسینی کرمانشاهی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و فقهاء کرام معاصر کرمانشاه می‌باشند.

در سال ۱۳۱۵ ق در یک فرسخی هرسین متولد شده و از روز نخست طالب دین و دیانت و علم و شرافت بوده و در خانواده متدین و متعصب و میهمان دوستی تربیت گردیده و خود از کوچکی مقدس و متقی و از هر صغیره و حتی مکروهات فرار و اجتناب نموده به طوری که اهالی محل ایشان عقاید عجیبی در استجابت دعا و تقوای ایشان داشته‌اند وی در سن ۱۷ سالگی در زمان ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی به سامرا مشرف و اشتغال به تحصیل ورزیده و پس از انتقال (معظم له) به کربلا ایشان هم عزیمت به کربلا و مورد نظر و مهر مرحوم میرزا قرار گرفته و بواسطه احتیاط از وجوهات کمتر مصرف و غالباً با صوم و صلوة استیجاری اعاشه می‌نمود تا پس از فوت و رحلت میرزاء به نجف اشرف و از محضر مرحومین آیتین اصفهانی و نائینی و نیز مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۲ ق به ایران مراجعت و در هرسین و کرمانشاه به تبلیغات و خدمات دینی پرداخته و جمعی از علاۀت و علویون آنجا را هدایت و ارشاد و هم مدتی با بهائی‌های نراق مبارزه و بعضی از آنها را از انحراف و ارتداد به راه مستقیم در آورده و در سال ۱۳۴۷ قمری به قم مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت و آقای خونساری و آقای صدر و بعد آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن به کرمانشاه مراجعت و در مسجد جامعه کرمانشاه تا حال تحریر اشتغال به اقامه جماعت و ترویج دین و ارشاد و هدایت مردم دارد.

خاطره عجیب معظم له از مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی

آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی فرمودند آقای هرسینی گفتند پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی وضع معیشت بر من استوار شد و چند روزی گرسنه و در مضیقه سخت قرار گرفتم پس به نجف مشرف و در حرم صورت به ضریح مطهر علوی گذارده و اظهار حاجت نمودم.

پس از حرم بیرون و در صحن شریف شخصی آمد و مبلغی داد و مدتی گذران کردم و چون تمام شد باز به حضرت امیر (ع) عرض کردم و در صحن شخصی وجهی داد که چند روز مرا کفایت کرد و در بار سوم همین طور تا در مرتبه چهارم که دیگر پولی برای مخارج خود نداشتم مشرف شده و عرض مطلب کردم و چون آمدم از حرم بیرون روم دیدم مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی که در پشت سر مطهر نشسته تا مرا دید صدا زد خدمتشان رفتم فرمود شیخ محمدحسن هر وقت بی‌پول شدی و مخارجت تمام شد لازم نیست به حضرت امیر علیه‌السلام عرض کنی بیا به من بگو و تأکید کرد و من تعجب کردم که ایشان از کجا متوجه شده که حاجت من چیست. پس از حرم بیرون رفتم و روز بعد حسب‌التأکید ایشان درب منزل آن مرحوم رفتم که اوائل ریاست ایشان بود تا در زدم خود ایشان آمد و درب را باز کرد و فرمود هان بی‌پول شده‌ای بیا داخل و در اندرون منزل رفت و مدت یک ساعت طول کشید که من از آمدن پشیمان و خواستم بروم که دیدم آمد در حالی که غبارآلود است و اول عذرخواهی بسیار نمود و دامن خود را گشود و مبلغ زیادی از دراهم و پولهای عراقی جلوی من ریخت (که مدتها مرا اداره و تأمین نمود).

و فرمود از اینکه دیر کردم مرا ببخش زیرا رفتم دخل و قلک بچه‌هایم را خالی کردم و برای شما آوردم که ضرورت داشت.

(نگارنده گوید: بقول آیت‌اللّه اراکی معلوم می‌شود که مرحوم سید غیر از پول یومیه بچه‌ها و نوه‌های خود پول دیگری نداشته چون اوائل ریاست و مرجعیت ایشان بوده)

هرندی، شمس الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد حاج ملاّ عبـداللّه (حاج آقا) هرندی، فاضل و عالم، و امام یکی از مساجد محلّه شهشـهان، و از شاگردان پدر خود و آقا سـید محمّد باقر درچه‌ای و دیگران بوده، در حدود سال ۱۳۶۰ در طهران وفات یافت.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندی، نعمت اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا محمّد جعفر هرندی. معروف به لسان الواعظین، از فضلای اهل منبر اصفهان.

در جمعه ۲۰ شعبان سال ۱۳۵۵ وفات یافته، در تکیه ملک مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

قدوه اصحاب منبر زبده اهل یقین

واعظ اندر دین احمد رهنمای مؤمنین

بیست از شعبان گذشته روز جمعه چاشتگاه

شد روان سوی جنان شادان لسان الواعظین

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی بغدادی، ابوعبید قاسم

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۲۴/ ۲۲۳/ ۲۲۲ -۱۵۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه، مجتهد، ادیب و لغوی. در هرات به دنیا آمد. پدرش از غلامان رومی و در خدمت مردی از اهـل هرات بود. ادبیـات و فقه را از اساتیـد بزرگ آن زمـان فراگرفت. قرآن و لغت را نزد ابوالحسن کسایی و اسـماعیل بن جعفر و شـجاع بن ابونصـر بلخی و ابوعمرو شـیبانی و فراء و ابوزیاد کلابی و ابوعبیده و اصمعی و یزیدی و ابوزید انصاری و عده‌ای دیگر آموخت. وی در قراآت، فقه، لغت و شـعر متبحر بود. از اسـحاق بن سـلیمان رازی و اسـماعیل بن جعفر و شریک بن عبداللّه و اسماعیل بن عیاش و هشیم بن بشیر و سفیان بن عیینه و اسماعیل بن علیه و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و حجاج بن محمد و ابومعاویه ضـریر و صـفوان بن عیسی و عبدالرحمان بن مهدی و حماد بن مسعده و مروان بن معاویه و ابوبکر بن عیاش و محمد بن جعفر غنـدر و سـعید بن عبـدالرحمان جمحی و عبیداللّه اشـجعی و وکیع بن جراح و عبداللّه بن ادریس و جریر بن عبدالحمید و عباد بن عباد مهلبی و معاذ بن معاذ عنبری و عمر بن یونس و عبداللّه بن مبارک و اسـحاق ازرق و دیگران حدیث شـنید. اسـتادش، سـعید بن ابومریم مصـری، و نصـر بن داوود بن طوق صاغـانی و محمـد بن اسـحاق صاغـانی و حسن بن مکرم و احمـد بن یوسف تغلبی و ابوبکر بن ابی الـدنیا و حارث بن ابی‌اسامه و محمـد بن یحیی مروزی و علی بن عبـدالعزیز بغوی و عبـداللّه بن عبـدالرحمان دارمی و عبـاس دوری و محمـد بـن حفص دوری و احمـد بـن یحیی بلاـذری و عبدالمجیـد بوشـنجی و ابـوالحسن علی بن عبـداللّه طوسـی و جمـاعتی دیگر از وی روایت کرده‌انـد. وی مـدتی در بغـداد اقـامت گزیـد. سـپس در زمـان امیر ثـابت بن نصـر بن مالک خزاعی به منصـب قضـاوت شـهر طرسـوس گمـارده شـد. در اواخر عمر بـه مکه رفت و همـان جـا درگـذشت. از آثـارش: «الغریـب» یـا «غریب الحـدیث»؛ «غریـب القرآن»؛ «الغریـب المصـنف فی علـم اللسـان»؛ «فضائـل القرآن»؛ «ادب القاضـی»؛ «الاـموال»؛ «الشـعراء»؛ «الناسـخ والمنسوخ»؛ «المواعـظ»؛ «القراآت»؛ «النسب»؛ «معـانی القرآن»؛ «المجـاز فی القرآن»؛ «عـدد آی القرآن»؛ «الامثـال السائرة»؛ «المقصور والممدود»؛ «الطهارة».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۰/ ۶)، تاریـخ بغـداد (۴۱۶ -۴۰۳/ ۱۲)، التاریـخ الکـبیر (۱۷۲/ ۷)، تـذکرةالحفاظ (۴۱۸ -۴۱۷/ ۱)، تهذیب‌التهذیب (۲۷۶ -۲۷۴/ ۸)، تهذیب‌الکمال (۱۵۴ -۱۴۵/ ۱۵)، الجرح والتعدیل (ج ۳، ق ۱۱۱/ ۲)، سیرالنبلاء (۵۰۹ -۴۹۰/ ۱۰)، شذرات الذهب (۵۵ -۵۴/ ۲)، صفة الصفوة (۳۲۸ -۳۲۷/ ۲)، طبقات ابن‌سعد (۲۵۴ -۲۵۳/ ۷)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۶۰ -۱۵۳/ ۲)، طبقـات الفقهاء الحنابله (۳۶۴ -۳۶۰/ ۱)، طبقات المفسـرین داودی (۳۷ -۳۲/ ۲)، العبر (۳۰۸/ ۱)، الفهرست ابن النـدیم، ترجمه (۱۲۱ -۱۲۰)، الکامل (۲۵۹/ ۵)، معجم‌الادباء (۲۶۱ -۲۵۴/ ۱۶)، المنتظم (۳۳۶ -۳۳۴/ ۶)، میزان‌الاعتدال (۳۵۹/ ۳)، النجوم الزاهرة (۲۹۴/ ۲)، وفیات الاعیان (۶۳ -۶۰/ ۴).

هروی، ابوسعد آدم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، ادیب، لغوی و محدث. اصلاً از هرات بود و ساکن بلخ.

در ۵۲۰ ق پس از سفر حج به بغداد وارد شد و در همان جا درگذشت. استاد رشید وطواط بود و میان او و شیخ ابومنصور جوالیقی مناظراتی واقع شد. در حدیث و فنون ادب یکی از مراجع عصر خویش بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۰ /۲)، روضات الجنات (۵۹ /۲)، ریحانه (۱۲۵ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسعد)، معجم الادباء (۱۰۷ -۱۰۱ /۱).

هروی، ابوعبید احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۱ ق)، محدث، ادیب و لغوی. معروف به صاحب «الغریبین». اصلش از فاشان، از قرای هرات است. از بزرگان علما و ادبا و لغویون و از شاگردان نفطویه و ابن‌سراج و ابومنصور ازهری بود. وی از احمد بن محمد بن یاسین و ابواسحاق احمد بن محمد بن یونس بزاز حافظ روایت کرده است. شیخ‌الاسلام ابوعثمان اسماعیل بن عبدالرحمان صابونی و ابوعمر عبدالواحد بن احمد ملیحی و ابوبکر اردستانی از وی روایت کرده‌اند. او را پیشوای اهل ادب در زمان خود می‌دانستند. وی به سرزمینهای مختلف سفر کرد و مدتی نیز اسیر قرامطه شد. در «ریحانهٔالادب» و «روضات‌الجنات» کنیه‌ی وی ابوعبداللّٰه یا ابوالقاسم ذکر شده است. از آثارش: «الغریبین»، که جمعی است بین تفسیر «غریب القرآن» و «غریب الحدیث»؛ «ولاهٔ هرات» یا «تفصیل ولاهٔ هرات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۳/ ۱)، روضات‌الجنات (۲۵۲ -۲۵۱/ ۱)، ریحانه (۳۶۱/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۴۷ -۱۴۶/ ۱۷)، شذرات‌الذهب (۱۶۱/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۹۲ -۲۹۱/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۸۵ -۸۴/ ۴)، العبر (۱۹۹/ ۲)، الکامل (۲۵۶/ ۷)، کشف‌الظنون (۱۲۰۹، ۱۲۰۶)، معجم‌الادباء (۲۶۱ -۲۶۰/ ۴)، معجم‌المؤلفین (۱۵۰/ ۲)، النجوم الزاهره (۲۲۹/ ۴)، الوافی بالوفیات (۱۱۵ -۱۱۴/ ۸)، وفیات الاعیان (۹۶ -۹۵/ ۱)، هدیهٔالاحباب (۲۶۲)، هدیهٔالعارفین (۷۰/ ۱).

هروی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. وی دوره‌ی لیسانس زبان‌های خارجی را در دانشسرای عالی گذراند و از دانشکده‌ی الهیات دکترا گرفت و سرانجام بعد از سالها که عهده‌دار خدمات فرهنگی بود، در همان دانشکده به تدریس زبان فرانسه پرداخت. هروی مقالات ادبی و نقدهایی در مورد کار دیگر اساتید در «دیوان» حافظ نوشته که به همت دکتر عنایت‌اللّٰه مجیدی به چاپ رسیده است. وی در تهران درگذشت و در گرگان، در کنار افراد خاندان خود به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «شرح غزلهای حافظ»؛ «فرهنگ البسه مسلمانان»، ترجمه؛ «زندگینامه‌ی داستایوفسکی» هانری تروا، ترجمه؛ ترجمه‌ی جلد اول «تاریخ بزرگ جهان»؛ «درسهایی برای خوش زیستن در زندگی زناشویی»، ترجمه.[۱]

محقق، مترجم، مدرس.

تولد: ۱۲۹۷.

درگذشت: ۶ اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

حسینعلی هروی فارغ‌التحصیل دوره‌ی لیسانس زبان‌های خارجی از دانشسرای عالی بود. وی همچنین از دانشگاه الهیات موفق به اخذ درجه‌ی دکتری شد. وی در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس زبان فرانسوی می‌پرداخت. آثار وی به شرح زیر هستند: ترجمه‌ی فرهنگ البسه (به قلم «دزی»)؛ زندگینامه‌ی داستایوسکی (اثر هانری تروا)؛ ترجمه‌ی تاریخ بزرگ جهان (یکی از مجلدهای آن)، زندگی پوشیکن، حافظ پژوهی (چهار جلد)، مقاله‌های ادبی و نقدهایی درباره‌ی آثار دیگران درباره‌ی حافظ که به همت دکتر عنایت‌الله مجیدی به چاپ رسید.

دکتر هروی به سبب بیماری ریوی در تهران درگذشت و بنا به وصیت خود در شهر گرگان در جوار بستگان خود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۱۷/ ۲، ۱۳۹۱/ ۱)، کلک (س ۴، ش ۳۸، ص ۱۵۳ -۱۵۱).

هروی، عبدالملک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۹ ق)، ادیب و لغوی. معروف به مؤدب. در هرات به دنیا آمد.از بزرگان اهل سنت در سده‌ی پنجم قمری در این شهر می‌باشد. وی در هرات معلم و مرجع استفاده اکثر فضلا بود. صاحب «کشف‌الظنون» و «ریحانةالادب» وی را تحت عنوان عبدالملك بن علی مؤذن هروی آورده‌اند. از آثارش: «الصفات والذوات» یا «الصفات والادوات التی یبتدی بها الاحداث»؛ «المحیط»، در لغت؛ «المنتخب من تفسیر الرمانی» یا «مختصر» تفسیر قرآن رمانی (علی بن عیسی وراق).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روضات‌الجنات (۱۶۱/ ۵)، ریحانه (۳۶۲/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۶۲۱ ،۱۴۳۳ ،۴۴۸ -۴۴۷)، معجم‌المؤلفین (۱۸۶/ ۶)، هدیةالعارفین (۶۲۶/ ۱).

هروی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به کاتب. از معروفترین استادان خوشنویس خط نستعلیق است. وی از سادات حسینی هرات بود و به واسطه‌ی کثرت اقامت در مشهد، بعضی او را مشهدی نیز خوانده‌اند. اینکه بعضی وی را اهل جام دانسته‌اند، اشتباه و خلطی است که با پیر علی جامی، شاگرد سلطانعلی مشهدی کرده‌اند. میرعلی در هرات به تحصیل دانش و کسب هنر پرداخت و سپس در دارالانشاء حکام هرات، به امر کتابت مشغول شد. پس از آن، به دربار سلطان حسین میرزا بایقرا راه یافت و از مقربان دربار وی گردید و به عنوان سلطانی و کاتب السلطانی مفتخر شد. وی تا ۹۱۱ ق، زمان مرگ سلطان حسین بایقرا، در هرات می‌زیست و پس از آن، گاهی در مشهد و گاهی در هرات به سر می‌برد. در ۹۱۹ ق نزد کریم‌الدین حبیب‌اللّه ساوجی رفت و پس از قتل او، مدت سه سال در هرات بود. در ۹۳۵ ق، وقتی عبیداللّه خان ازبک به خراسان هجوم آورد و به شهر مسلط شد، جمعی از امرا و بزرگان و هنرمندان آن دیار، از جمله میرعلی را به بخارا کوچ داد و او را به معلمی عبدالعزیز خان، فرزند خود، و امر کتابت سرکاری گماشت. درباره‌ی استاد میر علی در خط نستعلیق، بین تذکره‌نویسان اختلاف است و آنچه مسلم است اینکه، وی به هنگام جوانی در هرات، شاگرد زین‌الدین محمود، شاگرد بی واسطه‌ی سلطانعلی مشهدی، بوده است. میرعلی در اقلام مختلف نستعلیق دست داشته و کتیبه‌نویسی نیز می‌کرده است. او را به حسن محاوره و شیرین سخنی نیز ستوده‌اند و گویند عبدالرحمان جامی به وی عشق می‌ورزیده است. میرعلی در نظم و نثر هم تبحر داشت و شعر فارسی و ترکی را نیکو می‌سرود و به آورده‌ی «احوال و آثار خوشنویسان»، از قول صاحب «ریاض الشعراء»، کاتب تخلص می‌کرد و «دیوان» شعری از او به جای مانده است. وی نثر را شیوا می‌نوشت و رساله‌ی «مداد الخطوط» او در آداب خوشنویسی، از معروفترین آثار خوشنویسی است که به چاپ نیز رسیده است. میر علی حدود شانزده سال در بخارا روزگار گذرانید و همان جا درگذشت و در صفه‌ی مولانا صالح، در جوار مزار شیخ سیف‌الدین باخرزی، به خاك سپرده شد. از شاگردان معروف وی: میر محمدباقر، خواجه محمد شهابی سیاوشانی، سید احمد مشهدی، مالك دیلمی، سلطان محمود بخاری و میر دوری هستند. بعضی از آثار خطی او: یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «تمت علی ید العبد... علی الحسینی الکاتب... سنهٔ ۹۱۹»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «خدم بکتابتها العبد المذنب علی الحسینی الهروی... سنهٔ ثمان عشرین و تسعمائهٔ...»؛ یک نسخه «جام جم» اوحدی، به قلم کتابت ممتاز، با رقم: «کتبه العبد... علی الحسینی الکاتب... سنهٔ ثلثین و تسعمائهٔ، بدار السلطنهٔ هراهٔ»؛ «مناجات» خواجه عبداللّه انصاری، به قلم دو دانگ عالی، با رقم: «کتبه العبد... علی الکاتب، فی سنه ۹۳۵، بلدهٔ بخارا»؛ «گلستان» سعدی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب میرعلی الکاتب»؛ یک ورق از یک بیاض کوچک، به قلم غبار ممتاز، با رقم: «تمت علی ید احقر الکاتبین علی الحسینی الکاتب، فی شهور سنهٔ خمس و ثلثین و تسعمائهٔ...»؛ قریب سیصد قطعه، به قلم‌های گوناگون، با تاریخ‌های ۹۲۵ تا ۹۵۱ ق، در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۱۶ -۴۹۳/ ۲)، اطلس خط (۴۷۸ -۴۷۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۲۵ -۱۲۳)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۱۳۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲/ ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۸۲ ،۸۷۸/ ۲)، تحفه سامی (۷۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۹ -۶۶۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۵)، حبیب السیر (۶۱۸ -۶۱۷/ ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۰ -۳۸)، دایرةالمعارف فارسی (۱۷۶۶/ ۲)، الذریعه (۲۳۵/ ۲۰ ،۷۶۵ -۷۶۴/ ۹)، ریحانه (۳۶۵ -۳۶۴/ ۶)، صبح گلشن (۴۸۱)، طرائق الحقائق (۶۸۳ -۶۸۲ ،۱۲۰/ ۳)، عالم آرای عباسی (۱۷۰/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۸۶ -۸۴)، گلستان هنر (۸۴ -۷۸)، لغت نامه (ذیل/ علی هروی)، مجالس المؤمنین (۴۹۱ -۴۹۰/ ۲)، مجالس النفائس (۲۶۲ ،۸۸)، مجمع الخواص (۹۰ -۸۹)، مطلع الشمس (۴۴۷ -۴۴۶/ ۲)، مناقب هنروران (۱۱۴ ،۷۹ -۷۲)، هنر عهد تیموریان (۷۴۲ -۷۳۸، ۷۱۳، ۷۰۱، ۶۴۶، ۶۱۷، ۵۳۷، -۵۳۵، ۴۸۶ -۴۸۵، ۳۹۲، ۳۵۲، ۳۳۱، ۳۰۰ -۲۹۹، ۲۹۸)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۳۱ -۱۷).

هروی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حسین علی بن رضا ابن اسماعیل حائری اصفهانی.

عالم فاضل محقّق کثیر التألیف و التصنیف، در رمضان المبارک سال ۱۲۱۷ در شهر هرات متولّد شده، و مقدّمات علوم را در آنجا آموخته، در ۱۲۳۵ به اصفهان مهاجرت نموده و نزد شیخ محمّد تقی رازی، و حاج محمّد ابراهیم کلباسی، و سید محمّد باقر حجّة الاسلام بید آبادی تحصیلات خود را تکمیل نموده، و در نجف به درس شیخ محمد حسین صاحب فصول، و شیخ محمّد حسن صاحب جواهر، و در کربلا به درس حاج سید کاظم رشتی، و میرزا علی نقی طباطبائی حاضر شده، سپس به اصفهان مراجعت نموده، و ریاست کلّی و مرجعیّت تام یافته، و در اواخر عمر به مناسباتی از اصفهان به کربلا مهاجرت فرموده، و در آن ارض اقدس مجاور گردیده، و در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۲۹۹ وفات یافته، در مقبره صاحب ضوابط در صحن کوچک حسینی مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- الاربعین، در اخبار اصول دین ۲- توضیح الحساب ۳- تلخیص تحفة الابرار استادش سیّد شفتی ۴- تنبیه الغافلین، ردّ بر باب ۵- التعاد و التراجیح ۶- تعلقه بر حواشی شیروانی بر معالم ۷- الحدیقة النجفیّة حاشیه بر شرح لمعه ۸- حجّیّت مظنّه مطلق ۹- حاشیه بر خلاصة الحساب شیخ بهائی ۱۰- حاشیه بر قوانین ۱۱- خلاصة البیان، در تفسیر مشکلات قرآن ۱۲- الدرر المنثوره ۱۳- رساله در بطلان طلاق به عوض ۱۴- رساله در عدالت ۱۵- رساله در عرق جنب از حرام ۱۶- رسالة فی العصیر بأنواعها ۱۷- رساله در زوال، و آن شرح بر مبحث زوال روضة البهیّه است ۱۸- السبع المثانی، در احوال معصومین چهارده گانه ۱۹- سوال و جواب، در مسائل روزه و زکات، به عربی و فارسی ۲۰- شرح خطبه همّام ۲۱- شرح دعای ابوحمزه - شرح روضة البهیّة ۲۲- طریق النجاة ۲۳- عیون الاحکام ۲۴- کاشف الاستار [در شرح تلخیص تحفة الابرار] ۲۵- لوامع الفصول = [شرح مبادی الوصول] ۲۶- لطائف الفوائد ۲۷- مقاصد العلّیة ۲۸- مبادی الاصول ۲۹- مشارع ۳۰- مناسک حج ۳۱- المطلق و المقیّد ۳۲- ملخّص تفسیر آیة الکرسی [سید کاظم رشتی] ۳۳- الموت و البرزخ ۳۴- المناقب الحسینّیة ۳۵- مجالس المواعظ ۳۶- نتایج الافکار، در اصول فقه ۳۷- نهایة الامال، معروفترین تألیف او ۳۸- دو کتاب در ردّ باب و بابیّه.

نقل شده است که در اصفهان متهّم به بابیّت و میل به طریقه ایشان داشته، و به همین دلیل سه جلد کتاب در ردّ آنها نوشته، و بالاخره مجبور به مهاجرت از این شهر گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی، مقصود علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۱ ق)، مترجم. اصل وی از تبریز است. از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا سکنی گزید به همین علت به مقصود علی هندی نیز مشهور است. از آثارش «تاریخ الحکما»، درباره‌ی سرگذشت حکیمان و عالمان است که ترجمه‌ی «نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ الحکما المتقدمین والمتأخرین»، تألیف محمد بن محمود شهرزوری می‌باشد. مقصود علی این کتاب را در ۱۰۱۱ ق، در عهد اکبر شاه و به دستور شاهزاده سلیم (جهانگیر شاه)، از عربی به فارسی ترجمه نمود و بعدها میر سید صدرالدین بن میر محمد صادق، گزیده‌ای از این کتاب را به نام «قول الحکما» یا «انتخاب تاریخ الحکما» تحریر نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (۲۱۴/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۸۷ -۱۵۸۶/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۰۱،۸۰۸).

هزار جریبی، محمد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جلیل القدر، از تلامذه محقّق قمی، و آقا سید جواد عاملی، و حاج سید مهدی بحر العلوم، و حاج ملا احمد نراقی، و آقا شیخ جعفر نجفی می‌باشد.

مدّتها در ارومیه و تبریز بوده و در آنجا تدریس می‌فرموده، اخیراً به اصفهان آمده و داماد میرزا محمّد باقر نوّاب شده، و به فقیه مطلق شهرت یافته، و در مسجد ذوالفقار امامت می‌نموده.

و تألیفات و تصنیفات زیاد دارد، از آن جمله است:

۱- انیس المشتغلین ۲- البحر الزاخر ۳- جوابات المسائل ۴- حاشیه بر قواعد شهید ۵- حاشیه بر قواعد علّامه ۶- حاشیه بر طهارت مدرک ۷- حاشیه بر شرح لمعه [=مخزن الاسرار الفقهیة] ۸- حاشیه بر نکاح شرایع ۹- حاشیه بر شوارق و تجرید ۱۰- حاشیه بر قوانین - حاشیه بر معالم (= مجمع العراش الوجیهة) ۱۲- رساله در نماز ۱۳- رساله در امامت ۱۴- رساله در رجال ۱۵- رساله در نکاح عدّه ذّمیّه ۱۶- سراج المنیر، در فوائد رجالیّه، (شاید شماره ۱۴ باشد) ۱۷- شرح احادیث مشکله - شرح روضة البهیّه (= حاشیه بر شرح لمعه) ۱۸- کتابی در اصول ۱۹- کتابی در قصاید و شرح آنها ۲۰- کتابی در فقه: در نماز مسافر و نکاح و طلاق و دیات [=البحر الزخر]، پر فایده و کثیر الفروع ۲۱- مجمع العرائس [=حاشیه بر معالم]؛ و غیره.

در اواخر عمر به شهرضا منتقل گردیده و این مهاجرت سبب گمنامی او شده است. در هر صورت، از مجتهدین بزرگ است، و از او کرامات و استجابت دعا و ترویجات و زهد و تقوی معروف است.

در ۱۲ رجب ۱۱۸۸ متولّد، و در شب شنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۴۵ در شاه سید علی اکبر در نزدیکی شاهرضا به مرض وبا وفات یافته و

در همانجا مدفون گردید. قبرش داخل بقعه امام زاده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هزار شیرازی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در شیراز برای تکمیل تحصلاتش به هندوستان رفت و در کراچی علوم جدید و زبان انگلیسی را آموخت و دوره کالج اسلامی آن شهر را به پایان رساند و سپس به شیراز بازگشت. وی در جنگ بین‌الملل اول (۱۳۳۷ –۱۳۳۳ ق) وارد خدمت قشون انگلیسی جنوب ایران شد. پس از انحلال قشون، وی انتشارات هزار را تأسیس کرد و به تألیف و نشر کتاب روی آورد. رکن‌زاده‌ی آدمیت صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» با وی دوستی داشته و صاحب عنوان را زنده‌ی ۱۳۵۲ ق آورده است. از آثار وی: «حیات مالک اشتر»؛ «دوران پهلوی نماینده‌ی عملیات رضا شاه از ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ ش»؛ «عارف‌نامه»؛ «بقاء روح»، در چگونگی عالم پس از مرگ جسمانی، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۴۹ –۸۴۸/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۷۹/ ۲ ،۱۴۶۳، ۱۲۲۷/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی فارسی (۲۰۸ –۲۰۷/ ۳).

هژار، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ –۱۳۰۰ ش)، محقق، مترجم، فرهنگ‌نویس، نویسنده و شاعر، متخلص به هژار. در مهاباد به دنیا آمد. در پنج سالگی نزد پدرش قرآن آموخت و سپس مدتی به مکتب خانه رفت و از آنجا رهسپار خانقاه شیخ برهان شد و پس از فراگرفتن مقدمات، به روستاهای اطراف عزیمت کرد و در کلاس درس تنی چند از مدرسین علوم اسلامی آن زمان حاضر شد. علاقه‌ی شدید عبدالرحمان به زبان و ادبیات کردی چنان بود که بسیاری از دواوین شعرای کردی را خوانده بود و بیشتر آنها را از حفظ داشت. وی جزو نخستین کسانی بود که در جمعیت تجدید حیات کردستان عضو شد. آنگاه بود که شعر و شاعری را از سر گرفت و اشعاری را سرود و از طرف قاضی محمد (مقتول ۱۳۲۶ ش) شاعر ملی لقب گرفت و نخستین «دیوان» شعرش را که «آلکوک» نام داشت منتشر کرد که این کتاب به زبان ترکی نیز ترجمه شده است. وی در پی مبارزاتش به کشورهای عراق و سوریه و لبنان سفر کرد و هنگامی که از لبنان به عراق بازگشت به عضویت مجمع علمی آن کشور درآمد. وی علاوه بر آن، عضو آکادمی علوم آذربایجان شوروی و آکادمی علوم کُرد در بغداد و از اعضای اصلی آکادمی علوم کُرد در پاریس بود. او با دوست دیرینه‌اش هیمن در ایجاد و تأسیس مرکز نشر فرهنگ و ادب کرد، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی و نشر مجله‌ی کردی «سروه» تلاش فراوانی از خود نشان داد. وی در ۱۳۵۳ ش به ایران آمد و در دانشگاه تهران، ترجمه‌ی کتاب «قانون در طب» ابوعلی سینا را آغاز کرد و با ترجمه‌ی این کتاب به عضویت فرهنگستان زبان فارسی درآمد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران او مجال یافت در زمینه‌ی ادبیات و زبان کردی به فعالیت بیشتری بپردازد. مقبره‌ی هژار در قبرستان بداغ‌السلطان در مهاباد می‌باشد. از دیگر آثار وی ترجمه‌ی از فارسی به کردی کتابهای: «رباعیات خیام»، «شرف‌نامه» شرف خان بدلیسی، «یک جلوش بی‌نهایت صفرها» دکتر علی شریعتی، «آری این چنین بود برادر» دکتر علی شریعتی و «عرفان، برابری، آزادی» دکتر علی شریعتی؛ ترجمه از عربی به فارسی کتابهای: «تاریخ سلیمانیه» و «روابط فرهنگی ایران و مصر»؛ ترجمه‌ی قرآن کریم، به کردی؛ «فرهنگ جامع کردی به کردی و فارسی»؛ «دیوان» شعر با نام «بو کوردستان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبستان (س ۲، ش ۱۰، ص ۳۳ –۳۱)، تاریخ مشاهیر کرد (۶۹۱ –۶۷۸/ ۳)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد مرحوم عبدالرحمان شرفکندی (هژار)، کلک (س ۲، ش ۱۳، ص ۲۵۵ –۲۵۲)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۵، ص ۶ –۱، س ۸ ش ۴، ص ۵۴).

هژیر، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و. ۱۲۸۱ ه.ش مقت. ۱۳ آبان ۱۳۲۸ ه.ش) فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی علوم سیاسی قدیم بود و در ۱۲۶۸ وارد خدمات دولتی شد و سمت‌های مختلف پیدا کرد. از طرف دولت ۹ ماه به آلمان و ۳ ماه به انگلستان مأموریت یافت و پس از بازگشت عهده‌دار بانک کشاورزی و مدیر کل وزارت دارائی شد و در ۱۳۲۰ وزی بازرگانی و پیشه و هنر و در کابینه‌ی «سهیلی» وزیر راه گردید و در ۲۳ خرداد ۱۳۲۷ در سن ۴۶ سالگی مأمور تشکیل دولت شد و در آبان ماه ۱۳۲۷ از نخست‌وزیری استعفا داد و در سال ۱۳۲۸ به سمت

وزیر دربار شاهنشاهی منصوب گردید. در ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۸ که در مجلس روضه‌ی دربار شاهنشاهی در مجسد سپهسالار شرکت نمود به ضرب گلوله از پا درآمد و در بیمارستان در سن ۴۷ سالگی درگذشت.

(ح ۱۲۸۰- مقتول ۱۳۲۸ ش)، نویسنده و مترجم. از تحصیل کرده‌های مدرسه علوم سیاسی بود که ابتدا کارمند وزارت خارجه شد و سپس در سمت منشی‌گری و مترجمی سفارت روس به کار مشغول گردید. وی زبان‌های روسی، فرانسوی و انگلیسی را می‌دانست. هژیر وزارت‌های پیشه و هنر، بازرگانی، راه، کشور و دارایی را به ترتیب در کابینه‌های علی سهیلی، احمد قوام، ساعد و حکیمی بر عهده داشت. او همچنین در ۱۳۲۷ ش سمت نخست‌وزیری را برعهده گرفت. هژیر در مدرسه عالی سپهسالار به دست سید حسین امامی با ضرب گلوله به قتل رسید. وی را در صحن حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از آثارش: «پطراز بورگ تا قسطنطنیه»، تاریخ روابط دربار ایران با دو دربار مزبور از ظهور صفویه تا مرگ نادرشاه، ترجمه؛ «تاریخ قرون وسطی» تا جنگ صد ساله»، ترجمه؛ «تاریخ ملل شرق و یونان»، ترجمه؛ «حافظ تشریح».[۱]

فرزند محمد هژیر (وثوق همایون)، در سال ۱۲۸۱ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه‌ی مظفری و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون پایان داد و زبان فرانسه را بخوبی فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیل وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و چون دارای مدرک دیپلم بود، دوره‌ی دو ساله‌ی مؤخراتی را طی کرد و در ۱۲۹۸ فارغ‌التحصیل گردید و به استخدام در وزارت امور خارجه درآمد و مترجم زبان‌های روسی و فرانسه بود. در ۱۳۰۱ بعنوان مترجم روسی در سفارت شوروی در تهران استخدام شد و قریب ۶ سال در آن سفارتخانه اشتغال به کار داشت. در ۱۳۰۷ به خدمت کلیه ایرانیان که در سفارت شوروی کار می‌کردند خاتمه داده شد و هژیر مدتی بیکار بود تا اینکه در ۱۳۰۸ در وزارت راه استخدام شد و سمت وی بازرسی بود. در کابینه‌ی مخبرالسلطنه هدایت، تقی‌زاده به وزارت دارائی تعیین شد و هژیر را به آن وزارتخانه انتقال داد و در اداره‌ی امور اقتصادی که ریاست آن با دکتر محمود افشار بود، به کار مشغول گردید. وی در این سمت از طرف تقی‌زاده مأموریت یافت که کلیه پرونده‌های مربوط به شرکت نفت ایران و انگلیس را مطالعه و گزارش جامعی تهیه نماید. هژیر در وزارت مالیه ظاهرا کارمند عادی بود ولی بیش از همه وزیر دارائی را ملاقات می‌نمود. در حقیقت عملا- مشاور وزیر بود. در جریان تجدیدنظر در قرارداد دارسی (۱۹۳۳) هژیر از دست‌اندرکاران درجه دوم بود و قسمت اعظم مدارکی را که داور همراه خود در دادگاه لاهه ارائه داد همه اسناد و مدارکی بود که هژیر با مطالعه‌ی دقیق پرونده‌هایی به ارزش آنها برده بود. در سال ۱۳۱۳ هژیر رئیس اداره حقوقی وزارت دارائی شد و یک سال بعد مفتش دولت در بانک ملی ایران که در آن تاریخ بانک ناشر اسکناس بود گردید. در آن تاریخ اسکناس‌های منتشره دارای دو امضاء بود، یکی امضای مدیر کل بانک و دیگری امضای مفتش دولت. از سری دوم اسکناس‌های منتشره بانک ملی امضای هژیر در روی اسکناس‌ها قرار گرفت و چون امضای وی واضح و خوانا بود تمام مردم با نام او آشنا شدند.

در سال ۱۳۱۴ داور وزیر وقت مالیه دو قرارداد پایاپای با دولت آلمان و دولت اتحاد جماهیر شوروی منعقد نمود، برای پیشبرد امور اقتصادی شرکتهای دولتی تشکیل داد و هژیر در سمت‌های مختلف قرار گرفت، مانند مدیر عامل شرکت قماش، عضو هیئت مدیره شرکت بیمه، عضو هیئت مدیره شرکت ساختمان بازرسی بانک فلاحت و رئیس کمیسیون اسعار.

عبدالحسین هژیر در ۱۳۱۸ مدیر کل وزارت دارائی شد و پس از مدت کوتاهی به معاونت بانک ملی ایران برگزیده شد.

پس از شهریور ۱۳۲۰ هژیر وارد میدان سیاست و برای ورود به کابینه‌ها شدیدا فعالیت می‌کرد تا اینکه در اسفندماه ۱۳۲۰ در آخرین ترمیم کابینه محمد علی فروغی به وزارت پیشه و هنر منصوب گردید. این کابینه در مجلس سیزدهم با رأی ضعیفی تأیید گردید ولی فروغی آن رأی را برای ادامه‌ی کار خود کافی ندانست و استعفا داد. اصرار نماینده‌گان و صدور قطعنامه نماینده‌گان طرفدار فروغی برای ادامه‌ی کار او ثمربخش نشد ولی نماینده‌گان به توصیه‌ی او به علی سهیلی رأی دادند. سهیلی در کابینه‌ی خود عبدالحسین هژیر را در سمت وزارت پیشه و هنر تثبیت کرد. سهیلی بیش از چهار ماه در نخست‌وزیری دوام نکرد و جای خود را به احمد قوام داد. هژیر در کابینه‌ی جدید همچنان در وزارت پیشه و هنر باقی ماند. در کابینه‌ی دوم سهیلی، هژیر وزیر راه شد. در کابینه‌ی محمد ساعد مقام وزارت کشور گرفت و در ترمیم کابینه همچنان وزیر کشور بود. در کابینه‌ی اول و دوم حکیمی به وزارت دارائی منصوب شد.

در ۱۳۲۵ در ترمیم دوم کابینه‌ی احمد قوام او به وزارت دارائی انتخاب گردید و متوالیا در چهار ترمیم کابینه، وزارت دارائی را حفظ کرد. در ۱۳۲۶ در کابینه‌ی حکیمی سمت وزارت مشاور یافت. در حقیقت گرداننده‌ی دولت حکیمی بود.

بعد از سقوط کابینه‌ی حکیمی، علی سهیلی و عبدالسحین هژیر وزرای مشاور کاندیدای نخست‌وزیری بودند ولی علاقه‌ی شدید اشرف پهلوی به هژیر، محمدرضا پهلوی را مجبور کرد به نماینده‌گان توصیه‌ی نخست‌وزیری هژیر را بکنند و در نتیجه هژیر با اکثریت ۶۶ رأی به نخست‌وزیری انتخاب شد.

پس از انتشار خبر نخست‌وزیری هژیر، جمع کثیری از طبقات مختلف مردم و مخصوصا دانشجویان دانشکده‌های حقوق و فنی با صفوف منظم در میدان بهارستان حضور یافتند و خواستار ملاقات با نمایندگان شدند. ضمن این ملاقات اعتراض خود را نسبت به ابراز تمایل مجلس به نخست‌وزیری هژیر بیان نمودند و وی را برای این خدمت صالح ندانستند. در همان موقع خبر نخست‌وزیری هژیر به بازار تهران رسید. کسبه و اصناف با صلاحدید و راهنمائی آیت‌الله کاشانی، مغازه‌های خود را تعطیل و در میدان بهارستان اجتماع کردند و ضمن ایراد سخن، نماینده‌گان مجلس را به باد ناسزا گرفتند و برای تصمیمی که اتخاذ نموده بودند آنها را مورد سرزنش و اهانت قرار دادند. دامنه اجتماع و تظاهرات علیه مجلس بالا گرفت و به دستور دولت و رئیس مجلس، پلیس برای متفرق ساختن مردم وارد معرکه شد، تیراندازی آغاز گردید و مردم تظاهرکننده نیز با چوب و چاقو به پلیس حمله کردند. در این زدوخورد عده‌ی زیادی مجروح و زخمی شدند. پس از ختم زدوخورد سردار فاخر رئیس مجلس، آیت‌الله کاشانی را مسبب این تظاهرات دانست و اضافه کرد اگر ایشان با نخست‌وزیری هژیر مخالفت دارند بهتر این بود با نمایندگان مجلس صحبت می‌کردند نه اینکه متوسل به جار و جنجال می‌شدند. به دنبال تظاهرات دانشجویان و اصناف علیه هژیر، روز بعد در شهرهای قم، مشهد، اصفهان و قزوین تظاهرات پرشوری صورت گرفت.

هژیر ناگزیر در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی به مخالفین خود پاسخ داد و افزوده مبارزه‌ی سیاسی بین جمعی نباید از حدود نزاکت خارج شود و نظم عمومی را بر هم زند و هشدار داد کسانی که موجبات اختلال در نظم عمومی و امنیت شهرها را فراهم نمایند به موجب قانون سرکوب خواهند شد.

روز چهارم نخست‌وزیری هژیر، تهران شاهد تظاهرات گسترده‌ای از طرف روحانیون بود. چندین هزار روحانی و بازاری در حالی که قرآن بر سر داشتند، به رهبری سید مجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام در میدان بهارستان علیه هژیر به تظاهرات پرداختند و ضمن ایراد سخنرانی، نمایندگان مجلس را که به انتخاب هژیر رأی داده بودند مذمّت کردند و خواستار عزل او شدند. در این موقع که بیم حمله‌ی تظاهرکنندگان به صحن بهارستان می‌رفت، گارد مجلس و مأمورین انتظامی بسوی فدائیان اسلام آتش گشودند. عده‌ی زیادی در این حمله و تیراندازی زخمی شدند و در همان موقع اعلامیه شدیداللحن آیت‌الله کاشانی علیه نمایندگان مجلس بین مردم پخش شد و هژیر نیز متقابلا اعلامیه‌ای داد و تظاهرکنندگان را به جلب به دادگاه و محاکمه تهدید نمود.

عبدالحسین هژیر روز سوم تیر ماه ۱۳۲۷ وزیران کابینه را به مجلس معرفی نمود و برنامه‌ی کار خود را نیز اعلام نمود. به هنگام نطق نخست‌وزیر در لژ تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه او برپا بود. صدای مرگ بر هژیر مزدور و بی‌دین در فضای تالار علنی مجلس طنین‌انداز گردید. در همین جلسه حسین مکّی، ابوالحسن حائری‌زاده، عبدالقدیر آزاد و رحیمیان درباره زدوخوردهای چند روزه گذشته علیه او اعلام جرم نمودند ولی با تمام تظاهرات و مخالفت‌هائی که به رهبری آیت‌الله کاشانی در خارج و داخل مجلس به عمل آمد، برنامه و وزیران هژیر با ۸۸ رأی موافق از ۹۶ رأی دهنده‌ی حاضر در مجلس به تصویب رسید.

هژیر برای جلب توجّه عامه و رد اتهاماتی که از نظر مذهبی به وی وارد می‌کردند در اولین جلسه هیئت وزیران تصویبنامه‌ای صادر کرد که بموجب آن تهیه و فروش انواع مشروبات الکلی در شهرهای مشهد، قم و شهر ری ممنوع گردید. این تصویبنامه نه تنها دردی دوا نکرد، بلکه مستمسکی به دست مخالفین داد که منظور دولت را اغفال جامعه‌ی روحانیت قلمداد کنند و در مجلس نیز چند مخالف، هژیر را متهم به ظاهرسازی و خلاف کاری نمودند.

شاه در اواخر تیر ماه ۱۳۲۷ برای یک بازدید رسمی به انگلستان رفت و قبل از حرکت نمایندگان را در کاخ خود پذیرفت و ضمن ایراد سخنرانی از نمایندگان خواست دولت را تقویت کنند و لوایحی را که به مجلس تقدیم می‌شود تصویب نمایند.

در مدتی که شاه در اروپا اقامت داشت، حوادث مهمی در ایران رخ داد. عباس اسکندری نماینده‌ی مجلس، دولت هژیر را به علت سوء سیاست داخلی و خارجی و مسئله‌ی بحرین استیضاح کرد و افزود که نباید مجال داد تا حکومت پلیسی مجددا در ایران برقرار شود. متعاقب استیضاح اسکندری، ناصرقلی اردلان نیز دولت را استیضاح کرد ولی هژیر به استیضاح کنندگان پاسخی دندان‌شکن داد و گفت این دولت بیش از دو ماه نیست که عهده‌دار امور شده است، چگونه تمام مشکلات گذشته را به او نسبت می‌دهید. سرانجام تقاضای رأی اعتماد کرد و مجلس با ۹۳ رأی او و دولتش را تأیید نمود.

هژیر در مجلس شورای ملی از اکثریتی قریب به اتفاق برخوردار بود ولی در عوض مطبوعات تهران و شهرستانها از حمله و هتاکی به او کوتاهی نمی‌کردند و همه روزه اتهامات زیادی به وی وارد می‌ساختند. او ناچار تصویبنامه‌ی زیر را در هیئت وزیران به تصویب رسانید:

«هئیت وزیران در جلسه‌ی مورخ هشتم شهریور ماه تصویب نمودند که چون در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و بنگاههائی که با سرمایه دولت اداره می‌شود یا شهرداری‌ها، کسانی که به نحوی از انحاء از آنجا حقوق می‌گیرند، نمی‌توانند با داشتن شغل دیگری از قبیل ریاست یا عضو هیئت مدیره شرکتهای خصوصی و یا داشتن هرگونه شغل آزاد دیگری از قبیل شرکت کردن در اداره‌ی روزنامه خواه به عنوان صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر یا عضو هیئت تحریریه و امثال آنها، به انجام وظایف خود بطوری که لازم است اقدام نمایند، لذا کلیه این قبیل اشخاص به عنوان این اقتضای اداری از خدمت برکنار شوند.»

وقتی که این تصویبنامه صادر و منتشر شد، در مطبوعات غوغائی برخاست و عده‌ی زیادی از مدیران و سردبیران و نویسندگان جراید در مجلس شورای ملی حضور یافته نسبت به تصویبنامه اعتراض نمودند و نخست‌وزیر نیز مصرا در پاسخ آنها ایستادگی کرد و افزود استعفا می‌دهم ولی تصویبنامه را لغو نخواهم کرد. عبدالقدیر آزاد، دولت را نسبت به توقیف جراید و اختناق آزادی و نقض قانون اساسی و مشروطیت استیضاح کرد.

روز ۲۶ شهریور در جلسه‌ی علنی مجلس شورای ملی به هنگام طرح لایحه عفو مرتکبین قضایای آذربایجان و زنجان، بین هژیر و چند تن از نمایندگان مشاجره‌ی شدید لفظی درگرفت، به طوری که نمایندگان میزهای جلو خود را شکستند. هژیر نیز در اوج عصبانیت فریاد برآورد شما تیشه برداشته‌اید و به ریشه این مملکت می‌زنید. در این گفتگو نمایندگان اقلیت از نثار هیچ‌گونه ناسزا و کلمات زشت خودداری نکردند. بالاخره هژیر در مقابل جوّی که مخالفین برای او درست کرده بودند تاب مقاومت نیاورد و با وجودی که در مجلس از حمایت اکثریت برخوردار بود، چاره را در کناره‌گیری دید و سرانجام روز پنجم آبان ماه ۱۳۲۷ پس از پنج ماه زدوخورد و مبارزه از کار کناره گرفت.

یکی از اقدامات هژیر در دوران زمامداری، برقراری روابط سیاسی بین ایران و عربستان سعودی بود که زیارت بیت‌الله‌الحرام آزاد شد.

عبدالحسین هژیر پس از کناره‌گیری، چند ماهی بیکار بود. در انتخابات مؤسسان دوم که در اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ تشکیل یافت از تهران به نمایندگی انتخاب شد و سرانجام در ۲۸ تیر ماه ۱۳۲۸ به سمت وزیر دربار تعیین گردید و بالاخره در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۸ در مجلس عزاداری و روضه خوانی دربار در مسجد سپهسالار هدف گلوله‌ی سید حسین امامی عضو جمعیت فدائیان اسلام قرار گرفت و روز بعد درگذشت و در ایوان کفش‌کن ناصرالدین شاه مدفون شد.

به دنبال قتل هژیر در تهران حکومت نظامی برقرار شد و سرلشکر هوائی احمد خسراوانی معاون ستاد ارتش به حکومت نظامی منصوب شد و از همان روز بگیر و ببند شروع شد و آقایان دکتر مظفر بقائی، سید ابوالحسن حائری‌زاده، سید مصطفی کاشانی، سید علی بشارت، علی جواهر کلام، دانش نوبخت، عبدالقدیر آزاد و خلیل طهماسبی طبق ماده‌ی پنج حکومت نظامی بازداشت شدند.

سه روز بعد هم حسن مکی بازداشت شد و دکتر محم مصدق هم به احمدآباد تبعید گردید.

بازپرسی از حسین امامی در روز چهاردهم آبان ماه آغاز شد. امامی در اولین بازپرسی به قتل هژیر اعتراف کرد و اظهار نمود بر من مسلم شد وجود هژیر برای مملکت ضرر و زیان دارد لذا درصدد کشتن او برآمدم و قریب دو ماه بود که اسلحه شبانه روز با من بود و بالاخره روز سوم عاشورا توانستم برنامه‌ی خود را اجرا کنم.

روز پانزدهم آبان دادگاه نظامی به ریاست سرهنگ جهانشاهی قاجار و دادستانی سرهنگ جهانگیری، محاکمه‌ی حسین امامی را آغاز و سرانجام حکم اعدام را صادر کردند. امامی از تقاضای تجدیدنظر خودداری نمود و اظهار کرد تجدیدنظر باعث اتلاف وقت است و حکم اعدام در سحرگاه هجدهم آبان به مرحله‌ی اجرا درآمد.

عبدالحسین هژیر از طبقه سوم برخاست. تحصیلات او منحصرا در ایران و مدرسه‌ی علوم سیاسی انجام گرفت ولی به علت هوش و استعداد زیاد، مطالعات خود را در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ و آموزش زبانهای خارجه ادامه داد و به زبان‌های فرانسه، روسی و انگلیسی تسلط داشت.

در سن ۲۰ سالی روزنامه‌ی پیکان را به صاحب امتیازی پدرش به مدت دو سال، هفته‌ای دو شماره انتشار می‌داد. مرحوم محمد صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران می‌نویسد: پیکان یکی از روزنامه‌های خوب و مفید بوده و از لحاظ مرام و مسلک طرفدار اکثریت مجلس و مخالف اقلیت و از دشمنان سرسخت سید ضیاءالدین است.

مندرجات روزنامه‌ی پیکان بخوبی روشن می‌سازد که نویسنده‌ی آن دارای اندیشه‌ی سیاسی بوده و به ادب و فلسفه وقوف داشته است. در سنین جوانی کتابی تحت عنوان حافظ تشریح انتشار داد که گلچینی از غزلیات حافظ است اما با نظم و ترتیب موضوعی. مقدمه‌ای در حدود هشتاد صفحه بر این کتاب نوشته است که نشانه‌ی بصیرت و اطلاعات وسیع او در ادبیات مخصوصا حافظشناسی است. چند ترجمه‌ی خوب هم از او باقی مانده است از جمله قسمتی از تاریخ آلبر ماله را به فارسی برگردانده است. هژیر نثر فارسی را محکم و استوار می‌نوشت و فوق‌العاده مورد علاقه دربار پهلوی بود.

اشرف پهلوی در کتاب خاطرات خود چنین می‌نویسد: «هژیر در سال ۱۳۲۷ به نخست‌وزیری منصوب شد. هژیر یکی از دوستان خوب من بود (و باید بگویم که من تا حدی در انتصاب او مؤثر بوده‌ام) او در سمت‌های وزیر دارائی و وزیر دربار نیز خدمت کرده بود. عبدالحسین هژیر یک بوروکرات باهوش، قابل و وفادار بود و بخوبی می‌توانست مسائل داخلی و بین‌المللی را درک کند و با آنها روبرو شود. با وصف این، انتصاب او بلافاصله مورد حمله و انتقاد آیت‌الله کاشانی قرار گرفت که یکی از مقامات مهم مذهبی زمان خود بود...»

رویهمرفته مردی بلند پرواز، زدوبندچی، قدرت طلب، باسواد، ادیب، شعرشناس و سخندان، ناطق و به مال دنیا بی‌اعتنا بود. پس از مرگ کلیه ما ترک او شبیه یک کارمند دولت بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دولتهای ایران در عصر مشروطیت (۳۱۷ -۳۱۶/ ۱)، روز شمار تاریخ (۳۰۵، ۳۰۴، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۸۸، ۲۸۰، ۲۷۲، ۲۶۸، ۲۵۹، ۲۵۶، ۲۵۲، ۲۴۸، ۲۴۶، ۲۴۴، ۲۲۲، ۱۸۵، ۱۲۳/ ۱)، شرح حال رجال (۲۶۰ -۲۵۸/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۵ -۷۳۸، ۶۵۷ -۶۵۶، ۶۱۲/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه انقلاب (۳۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۶ -۷۶۴/ ۳)، نخست وزیران (۲۱۹ -۱۹۵/ ۱)، یادگار (س ۱، ش ۹، ص ۷۹)، یغما (س ۲، ش ۸ ص ۳۹۲، ۳۹۱).

هسته‌ای، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد رضا، از اعقاب شیخ زین‌الدین بن عین علی خوانساری.

عالم فاضل، و واعظ کامل، از معمرین اهل علم و فضل، سال‌ها در نجف خدمت علمای آن سامان تلمذ فرموده، و در حدود سال ۱۳۲۵ به اصفهان مراجعت کرده، و سال‌ها در این شهر امامت و تدریس نموده، سپس به طهران مسافرت کرده، و در دستگاه مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری شهید وارد شده، و از خواص آن عالم جلیل‌القدر واقع شده.

پس از وقعه‌ی شهادت او به اصفهان آمده، و تا آخر عمر گاهی در اصفهان، و زمانی در طهران ساکن، و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه مواعظ پرداخته، و الحق واعظی شیرین بیان، و گوینده‌ای طلیق اللسان بوده.

در دوشنبه ۱۶ ربیع الثانی سال ۱۳۸۷ در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید.

از آثار قلمی او حواشی بر اعتقادات علامه‌ی مجلسی به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هسته‌ای، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الشیخ محمدرضا واعظ هسته‌ای اصفهانی از اعقاب شیخ زین‌الدین بن عین علی خونساری عالمی فاضل و واعظی کامل از معمرین اهل علم و فضل اصفهان بود. وی در حدود سال ۱۲۹۵ قمری در اصفهان متولد و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف مشرف

شده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آیت‌الله العظمی آقا سید محمدکاظم یزدی و مرحوم آیت‌الله آقای شریعت اصفهانی استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۲۵ قمری به اصفهان مراجعت کرده و سالها در آنجا امامت و تدریس نموده سپس به تهران منتقل و به مرحوم آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله شهید نوری پیوسته و از خواص آن عالم جلیل‌القدر واقع شده و پس از واقعه شهادت آن بزرگوار به اصفهان مراجهت و تا آخر عمر گاهی در اصفهان و زمانی در تهران ساکن و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه منبر و ایراد مواعظ پرداخته والحق واعظی شیرین بیان و گوینده‌ای طلیق‌اللسان بوده و از گویندگان واجد مقام اجتهاد و فقاهت بود و در مجالس خوش محاوره و ظریف و حاضر جواب بود در عصر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی زیاد در قم مانده و منبر می‌رفت و عموم مراجع و علماء برای استفاده از بیاناتش شرکت می‌کردند.

آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله می‌فرمودند مرحوم هسته‌ای در مدرسه رضویه قم منبر می‌رفت و مرحوم آیت‌الله حایری و سایر علماء می‌آمدند. روزی در پیرامون فلسفه تعدد زوجات در اسلام صحبت می‌کرد و آثار و فواید آن و شرایطش را ذکر می‌نمود که زنی گفت آقای هسته‌ای اگر هوو خوب بود حضرت فاطمه‌زهرا علیهاالسلام قبول می‌کرد. مرحوم هسته‌ای فریاد زد ساکت ای زن حضرت زهراء علیهاالسلام در ۹ سالگی به خانه حضرت علی علیه‌السلام آمده و در هجده سالگی هم از دنیا رفت با آن همه کمالات نفسانی و جمال و زیبائی که داشت اما شما در سن سی‌سالگی به خانه شوهر آمده و در سن نود سالگی هم نمی‌روید (مردان بیچاره با شما ام‌الحلیسها چه کنند) که عموم علماء و مردم زدند به خنده.

آن مرحوم در شب دوشنبه ۱۶ ربیع‌الثانی سال ۱۳۸۷ قمری در سن نودسالگی در تهران وفات یافته و بعد از تشییع مفصل منتقل به قم و در این زمین پاک مدفون گردید. از آثار قلمی او حواشی بر اعتقادات علامه مجلسی به طبع رسیده است. و از باقیات الصالحات ایشان است فرزندی فاضل و برومندش جناب حجه‌الاسلام و واعظ انام آقای حاج میرزا مهدی هسته‌ای که سالها در قم تحصیل کرده و پس از وصول به مقام رفیع فضل و کمال به تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

هشترودی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۱۵، تبریز.

درگذشت: ۱۳۷۲.

حجت‌الاسلام سید جواد هشترودی در دوازده سالگی به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزید و در مدرسه طالبیه تبریز و سپس در قم از محضر برخی اساتید بنام آن زمان کسب فیض نمود.

حجت‌الاسلام هشترودی در ایام تحصیل به علت فشار مالی، روزها کارگری می‌کرد و شبه‌ها به تحصیل می‌پرداخت و به علت بیماری پدر و فقر مالی پس از چندین سال تحصیل به تبریز برگشت و در سال ۱۳۴۲ پس از واقعه پانزده خرداد به تهران آمد و به عنوان یکی از سخنرانان برجسته‌ی محافل علمی و مذهبی شناخته شد و نیز به دلیل فعالیتهای انقلابی و سخنرانیهای سیاسی چندین بار به زندان افتاد.

از آثار ایشان است: برانگیخته؛ امام علی (ع) پیشوا و پشتیبان مرزهای عقیده؛ استعمار در سرزمینهای توحید؛ زن مسلمان و خودآرایی؛ تاریخ انقلاب داغستان و شخصیت شامل؛ ترجمه یک جلد از محجهٔ البیضاء (اثر فیض کاشانی).

حجت‌الاسلام هشترودی پس از بازگشت از سفر حج در پنجاه و هفت سالگی به سبب ناراحتی قلبی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

همای شیرازی، محمدرضا قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۰ -۱۲۱۲ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به هما. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلاف وجود دارد. اصل وی از ایل بیات فارس بود. پدرش از رؤسای طایفه‌ی فیلی زند ساکن شیراز، منتسب به خاندان زندیه بود و مادرش از منسوبان فتحعلی خان، فرزند کریم خان زند، به حساب می‌آمد. هما در شیراز به دنیا آمد. در آغاز جوانی از افسران نظام بود ولی از آن شغل کناره گرفت و به تحصیل پرداخت و از محضر میرزای وصال استفاده نمود. وی از همان ابتدا طبع شعر خوبی داشت و با رضاقلی خان هدایت، صاحب «مجمع‌الفصحا»، و قاآنی و سروش اصفهانی و شهاب اصفهانی و فروغی بسطامی معاصر بود. پس از تحصیل در شیراز، در طلب علم به سیاحت پرداخت و به عتبات عالیات رفت و بین ۱۲۵۰ -۱۲۳۰ ق، در محضر شیخ محمدحسن ابن شیخ محمدباقر اصفهانی (م ۱۲۶۶ ق)، صاحب «جواهرالکلام»، و اساتید دیگر به تحصیل علوم نقلی و عقلی اشتغال ورزید تا به درجه‌ی اجتهاد و مقام قضاء و فتوا رسید. سپس از نجف به هند، شیراز، اصفهان، تهران، خراسان، ترکستان و کرمان سفر کرد و در آخر، به امر معتمدالدوله منوچهرخان گرجی (م ۱۲۶۳ ق)، حاکم اصفهان، و اصرار حاج سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، در ۱۲۵۹ ق به اصفهان

رفت و در آنجا سکنی گزید. وی عالمی بلند همت بود که در خواستهای محمد شاه و بعد از آن ناصرالدین شاه قاجار را برای ندیمی و ملازمت دربار نپذیرفت. بعد از وفات سروش اصفهانی، در ۱۲۸۵ ق، ناصرالدین شاه منصب ملک‌الشعرایی و ملازمت را به وی تکلیف کرد لذا او به تهران آمد و چندی در این سمت ماند، اما پس از مدتی بدون رعایت آداب دربار از آنجا رفت. وی سرانجام در اصفهان درگذشت و در آستانه‌ی امامزاده احمد، در محله میدان شاه، به خاک سپرده شد. در «حدیقهٔالشعراء» سال مرگ وی ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ ق ذکر شده است. همچنین در این تذکره تحت عنوان همای شیرازی دو فرد به نامهای رضاقلی و میرزا علی‌اکبر ذکر شده‌اند که به آورده‌ی آقای دکتر نوایی، در حاشیه‌ی کتاب، هر دو یکی هستند. از آثارش: «دیوان» شعر، در هجده هزار بیت، که یک سال پس از فوت او، به امر ظل‌السلطان و به دست میرزا عنقا، فرزند هما، جمع‌آوری و تدوین گردید و نام آن را «شکرستان» نهادند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۲۰۹۰ -۲۰۸۲/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۵۹ -۸۵۲/ ۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۲۸۳/ ۲)، دیوان طرب (مقدمه/ ۳۴ -۴)، الذریعه (۱۲۹۷ -۱۲۹۶/ ۹)، ریحانه (۳۷۰/ ۶)، شرح حال رجال (۱۰۸ -۱۰۷/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۴۶۹ -۴۶۸/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۹۰/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۷۴۹ -۱۷۴۸/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ همای شیرازی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۷۵ -۱۱۷۲/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۷۱۳ -۷۱۰)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۷ -۲۱۶)، مکارم‌الآثار (۴۳۶ -۴۳۳/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷ -۲۱۶/ ۳).

همایون فرخ، رکن‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به رخ. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اساتید زبان و ادب فارسی و صاحب «دستور جامع زبان فارسی» است. وی تحصیلات خود را در دبستان شرف مظفری و دبیرستان پهلوی رضائیه و نزد پدرش به پایان رساند. همایون فرخ در چهارده سالگی به نظم شعر پرداخت و نخستین اثر نظمی خود را در شانزده سالگی به نام «سوز دل» منتشر کرد. او از ۱۳۲۰ ش به کار نویسندگی پرداخت. وی همچنین چندی روزنامه‌ی «رخ» را منتشر می‌کرد و مدتی نیز سردبیری روزنامه‌های «آرزو»، «آزادی شرق»، «نیروی ملی» و «نهضت کشاورزان» را به عهده داشت. از دیگر آثار وی: «امپریالیسم چگونه به ایران آمد»؛ «خوئین خونین»؛ «عاشق بی‌نوا»؛ «عروس گورستان»؛ «شهریار»؛ تصحیح و مقدمه «تحفه سامی» سام میرزا؛ نمایشنامه‌ی «ابومسلم خراسانی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۶۶۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۱۷ -۱۵۱۳/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۹، ۲۲۷۹، ۲۱۸۴، ۲۰۳۳، ۱۹۸۱/ ۲، ۱۵۷۹، ۱۵۰۴، ۱۴۹۸، ۱۲۹۶، ۶۹۸، ۴۴۷، ۳۳۰، ۲۱۵، ۱۰۳-/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۸ -۲۲۷/ ۳).

همایون فرخ، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۲ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در کاشان به دنیا آمد. وی در کودکی به تهران آمد و تحت سرپرستی دایی خود، مجیرالدوله شیبانی، به تحصیل پرداخت. او مدتی در دارالفنون و سپس در کالج آمریکایی به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی مشغول شد و دوره‌ی آن را به اتمام رساند و بعدها در دانشکده‌ی حقوق سیاسی به تدریس علوم دفترداری پرداخت. او همچنین سالها در وزارت دارایی ریاست کل حسابداری را عهده‌دار بود. وی به دلیل تدوین «دستور جامع زبان فارسی» یا «دستور فرخ» در هفت مجلد، که تألیف آن حدود چهل و دو سال طول کشیده و مرجع و سند علمی مهمی برای صرف و نحو زبان فارسی می‌باشد، نشان درجه‌ی یک از وزارت فرهنگ را دریافت کرد. از دیگر ثارش: «آیین نگارش»؛ « اتم»، کشفیات بزرگ دانشمندان ایرانی؛ «داستان تاریخی بابک و افشین»؛ «هیئت جدید»؛ «فاجعه‌ی کربلا»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۶۶۵)، الذریعه (۹۲/ ۱۶، ۱۶۴، ۱۵۸/ ۸)، شرح حال رجال (۱۳۹/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۸، ۲۳۸۱، ۲۳۴۸/ ۲، ۱۴۲۹، ۱۴۱۷، ۱۳۲۵، ۱۰۷، ۸۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۴ -۸۳۳/ ۳).

همایونفرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم ابن حاج محمدحسین متولد در کاشان حدود (۱۲۵۰ تا ۱۲۵۳ ف. تهران، تیرماه ۱۳۳۸ ه.ش) در کودکی پدرش درگذشت و تحت سرپرستی دائی دانشمندش قرار گرفت و پس از تکمیل ادبیات و فراگرفتن انگلیسی چندی نیز در نزد مرحوم

محمـد قزوینی به تکمیـل ادبیـات پرداخت و سـپس به مترجمی زبـان انگلیسـی برگزیـده شـد و در زمـان مسـتشاری میلیسـپو مترجم انگلیسـی گردیـد و مشاغـل مختلفی را عهـده‌دار بـود تـا اینکـه در سـال ۱۳۱۷ ه.ش به عضـویت فرهنگسـتان برگزیـده شـد. آثـار او عبـارتست از: «دسـتور جـامع»، «سـفر بختیاری» در تاریـخ بختیاری که به چاپ رسـیده است، نمایشـنامه‌ی عمرولیث و هشت فرشـته، داستان تاریخی «افشین»، هیئت جدید، آیین نگارش که جزو انتشارات مجله‌ی اخگر به چاپ رسیده است. فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی و غیره.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همایی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۳ دی ۱۲۷۸(۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الـدین همـایی متخلص به «سنا» و «همـا» فرزنـد ابوالقـاسم محمدنصـیر متخلص به «طرب» فرزنـد همای شـیرازی اصـفهانی (از دانشـمندان و سـخنوران و سـخن شـناسان و اسـتادان معاصـر)؛ تحصـیلات را ابتـدا نزد پـدر و سـپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صـرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شـرح لمعه و مطول را نزد اسـتادانی چون آقـا سـید محمـدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شـیخ علی یزدی، آقا شـیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سـید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سـید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سـید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سـرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شـرح شمسـیه و اسـفار ملا صدرای شـیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. اسـتادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضـی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تـدریس اشـتغال داشت، آنگـاه به تهران آمـد. ابتـدا در دبیرسـتان دارالفنون به تـدریس مشـغول شـد، هفته‌ای چنـد ساعت هم در دبیرسـتان شـرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرسـتان نظام و دانشـکده‌ی افسـری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشـکده‌ی حقوق تهران به عنوان اسـتاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

اسـتاد همـایی عضو فرهنگسـتان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیـات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسـسه لغت‌نامه دهخـدا همکاری داشت. از جمله همایش‌هـا و مراسم‌هایی که استاد در آنها شـرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شـرکت در انجمن‌های ادبی؛ شـرکت در کنگره‌ی فردوسـی (۱۳۱۳)؛ شـرکت در نخستین کنگره‌ی نویسـندگان (تیر ۱۳۲۵)؛ شـرکت در کنگره‌ی ابن سـینا (اردیبهشت ۱۳۳۳)؛ سـفر به بیروت (۱۳۳۴)؛ جهت افتتاح کرسـی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیـو ایران؛ شـرکت در مجلس بزرگـداشت اسـتاد ابـوالحسن فروغی (بهمـن ۱۳۳۸)؛ شـرکت در مجلس بزرگـداشت اسـتاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)؛ شـرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

اسـتاد همایی به دو زبان فارسـی و عربی شـعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علاـوه بر مقاله‌هـای وی در مجلاـت و روزنامه‌هـای «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایرانشناسـی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویـدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغمـا»، از آثـار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، ۱۳۰۹ –۱۳۰۸، در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، ۱۳۱۷)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضهٔ الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم ۱۳۵۵)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (۱۳۴۲)؛ شرح حال احوال سـروش اصـفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصـحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه ۱ الی صفحه ۹۰)؛ صـرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب

درسی فارسی- دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، ۱۳۲۹ -۱۳۲۸)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (۱. دیوان غبار. ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانه‌ی قمشه، ۵. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ نصیحهٔ الملوک (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ التفهیم لاوائل صناعهٔ التنجیم (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ مصباح الهدایهٔ و مفتاح الکفایهٔ (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ دیوان طرب (۱۳۴۲)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، ۱۳۱۶)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (۱۳۳۵)؛ نصیحهٔ‌الملوک (امام محمد غزالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (۱۳۳۱)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (۱۳۴۳)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح ۱۳۵۸ -۱۲۷۸ ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسداللّٰه حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌اللّٰه حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌اللّٰه شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعهٔ التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایهٔ» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۲۴ -۶۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۶ -۱۶۰)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۰ -۲۴۷)، چهره‌های آشنا (۶۶۷ -۶۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸ -۱۹۵/ ۳)، الذریعه (۵۱/ ۱۶ ،۴۷۲/ ۹ ،۲۳۰/ ۳)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۱۲ -۱۸۰۷/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۲۸۰، ۳۲۵۰، ۳۱۳۹، ۳۰۹۳، ۳۰۸۴، ۳۰۵۹، ۳۰۲۷، ۲۶۹۱، ۲۳۸۵، ۲۳۸۴ -۲۳۶۹، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲۲۵۶/ ۲، ۱۵۹۳، ۱۵۵۵، ۱۵۵۳، ۱۵۴۹، ۱۴۹۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۲، ۱۳۵۰، ۹۳۶، ۶۶۲، ۴۸۹، ۲۴۰، ۱۴۰/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۹ -۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲ -۳۷۰/ ۲)، همایی‌نامه.

همت اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۷/ ۱۳۳۳ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به همت. در اصفهان به دنیا آمد. مدتی در مدارس جدید تحصیل کرد و بعد علوم قدیمه را نزد علمای اصفهان آموخت. بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه کتب رجال و تراجم احوال می‌کرد. از آثار وی: «انقلاب یا نهضت سید جمال‌الدین»؛ مقدمه و حواشی بر کتاب «بررسی در پیرامون سیاست و دیانت» علی جمالی؛ «به سوی کمونیست»؛ مقدمه بر کتاب «بهداشت در دین اسلام»؛ «تأثیر موسیقی بر اعصاب»؛ «عقاید و افکار»؛ «موسیقی و اسلام»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۳۷-۵۳۶)، الذریعه (۱۳۰۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۲-۸۰۰/ ۲).

همدانی، ابوالعلاء حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۹ -۴۸۸/ ۴۸۳ ق)، مقری، حافظ، محدث، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی و زاهد. شیخ همدان و امام العراقین در قرآت بود. در همدان به دنیا آمد. در طلب علم مسافرت‌های بسیاری نمود. علم قرائت را نزد ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و ابوعبداللّه بارع حسین دباس و ابوبکر مزرفی فراگرفت و در همدان از عبدالرحمان بن حمد دونی و در اصفهان از محمود اشقر و ابوعلی حداد اصفهانی و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان و ابن‌حصین و ابوعلی ابن مهدی و ابوعلی بن نبهان و در خراسان از ابوعبداللّه فراوی حدیث شنید. آنگاه به همدان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر زندگی نمود. او در علم تفسیر، حدیث، انساب و تاریخ متبحر بود. ابواحمد بن سکینه و ابوالحسن ابن دباس و محمد بن محمد بن کیال علم قرائت را در نزد وی فراگرفتند. شیخ منتجب‌الدین، صاحب «الفهرست»، نیز از شاگردان وی بود و کتاب «الهادی» را نزد او خواند. منتجب‌الدین استادش ابوالعلاء را صدرالحفاظ و در علم حدیث و قرائت علامه معرفی کرده است. فرزندانش، احمد و عبدالبر و فاطمه، و نوادگانش، قاضی علی و محمد و عبدالحمید پسران عبدالرشید بن علی بن بنیمان، و ابوالمواهب ابن صصری و عبدالقادر حافظ و یوسف بن احمد شیرازی حافظ و محمد بن محمود حمامی و عتیق بن بدل مکی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. ابوالحسن ابن المقیر از وی اجازه‌ی روایت داشت و شیخ هاشم بن محمد در «مصباح‌الانوار» خویش از وی روایت کرده است. در «معجم‌الادباء» وفات وی ۵۹۹ ق آمده است. از آثارش: «زاد المسافر»، در پنجاه مجلد؛ «غایهٔ‌الاختصار»، در قرآات دهگانه؛ «الهادی الی معرفهٔ المقاطع والمبادی»، در وقوف قرآن؛ «الانتصار فی معرفهٔ قراء المدن والامصار» که «طبقات القراء» است؛ «مفردات القراء»؛ «مولد امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «الادب فی حسان الحدیث».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۵/ ۲)، اعیان‌الشیعه (۶۳۴/ ۴)، ایضاح‌المکنون (۷۱۵/ ۲، ۶۰۶/ ۱)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۲۸ - ۱۲۶/ ۱)، تذکرهٔ‌الحفاظ (۱۳۲۸ -۱۳۲۴/ ۴)، الذریعه (۱۵۱ -۱۵۰/ ۲۵ ،۸/ ۱۲)، روضات‌الجنات (۸۷ -۸۶/ ۳)، ریحانه (۲۰۶/ ۷)، سیرالنبلاء (۴۷ -۴۰/ ۲۱ ،۳۰۴/ ۱۹)، شذرات‌الذهب (۲۳۲ -۲۳۱/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۵۴ -۵۳/ ۶)، طبقات الحفاظ (۴۹۸ - ۴۹۷)، طبقات المفسرین داودی (۱۳۱ -۱۲۸/ ۱)، العبر (۵۶/ ۳)، فهرست منتجب‌الدین (۶۶ -۶۵)، الکامل (۱۲۹/ ۹)، کشف‌الظنون (۲۰۲۶، ۱۷۷۳، ۱۳۸۷، ۱۱۸۹، ۱۱۰۶، ۹۴۶، ۱۱۴)، معجم‌الادباء (۵۲ -۵ / ۸)، معجم رجال الحدیث (۲۸۴ -۲۸۳/ ۴)، معجم‌المؤلفین (۱۹۸ -۱۹۷/ ۳)، المنتظم (۵۱۸/ ۱۰)، هدیهٔ‌العارفین (۲۸۰/ ۱).

همدانی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل احمد بن حسین ملقب به بدیع‌الزمان در حافظه و احاطه بر لغت، شعر و ادب اعجوبه‌ی زمان خود بود. گویند حافظه‌ی او به قدری قوی بود که قصائد ۶۰ بیتی را به یک بار شنیدن حفظ می‌کرد. وی در نظم و نثر عربی هر دو استاد بود و دیوان اشعار و مجموعه‌ی رسائل و مقامات او باقی است و مهمترین تألیف او همان «مقامات» است که در فن مقامه‌نویس قدیمترین کتاب می‌باشد.

تولد بدیع‌الزمان در سال ۳۵۸ در همدان و وفات او در سال ۳۹۸ ه.ق در هرات واقع شده است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همدانی، صفرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شیخ غلام علی، عالم فاضل معمر، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی، و مجاز از ایشان است.

در همدان متولد گردیده، و جهت کسب علم به اصفهان مهاجرت نموده، خدمت اساتید این شهر تحصیل نموده، در محله‌ی دردشت ساکن، و در مسجد کوچه‌ی باغ دردشت امامت می‌نمود.

در سال ۱۳۵۰ به سن متجاوز از نود سال وفات یافته، در تکیه‌ی ملک بالای سر قبر مرحوم آخوند کاشی استاد خود مدفون گردید.

مشارالیه برخی از تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، عبدالرحمان

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۰ ق)، ادیب، کاتب، لغوی و شاعر. وی کاتب بکر بن عبدالعزیز بن ابودلف عجلی بود. در «هدیهٔالعارفین» وفات وی ۳۲۷ ق ذکر شده است. از آثارش: کتاب «الالفاظ» که در بیروت تحت عنوان «الالفاظ الکتابیهٔ» یا کتاب «الکلام» چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۲۸۶)، معجم‌المؤلفین (۱۶۴ -۱۶۳ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۶ -۲۱۵ / ۱۸)، هدیهٔالعارفین (۵۱۳/ ۱).

همدانی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۲۹۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمد. در حدود ۱۳۰۰ ق به همراه پدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقدمات علوم را فراگرفت و در ۱۳۱۳ ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. او در همدان درگذشت. از آثارش: «ذریعهٔالمعاد»، در شرح «نجاهٔالعباد»؛ «السیف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایهٔ الطالبین»، در اصول دین؛ «الخلافیهٔ»، در رد شیخیه؛ «السؤال والجواب الدینی»، در رد شیخیه؛ «الهدایهٔ»، در رد صوفیه؛ «المقالهٔ الاسلامیهٔ»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبریهٔ»؛ «الاسلام و الخلافهٔ»؛ «مواکب حسینیه».[۱]

شیخ عبدالرزاق بن علی‌رضا بن عبدالحسین ابن ابی‌طالب بن عبدالکریم مؤلف (نظم الغرر) ابن محمد مؤلف (ترجمان اللغه) ابن محمد شفیع متمم کتاب والده (ابواب الجنان) ابن رفیع‌الدین محمد بن فتح‌اللّه (قزوینی) اصفهانی همدانی عالمی فاضل و واعظی کبیر بوده است.

جد ایشان از اهل قزوین بوده و پدرش مقیم اصفهان گردیده و وی در آنجا در سال ۱۲۹۱ ق متولد شده و والدش در حدود ۱۳۰۰ ق مهاجرت به کربلا نموده و او در خدمت آن مرحوم در کربلا به مقدمات علوم پرداخته و در سال ۱۳۱۳ ق مادر علویه‌اش وی را به همدان آورده و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافته تا بعد از ۱۳۸۱ قمری که به رحمت حق پیوسته است.

تألیفات وی از این قرار است.

ذریعه‌المعاد فی شرح نجاه العباد در طهاره ۲- السیف القاطع فی ایطال الرکن الرابع در رد شیخیه ۳- هدایه الطالبین در اصول الدین ۴- الخلافیه ۵- السوال و الجواب الدینی رد شیخیه ۶- الهدایه. در رد صوفیه ۷- المقاله الاسلامیه در رد نصاری ۸- الجواب عن سوال زید و زینب ۹- مختصر المقاله الجوابیه ۱۰- بدایه المنطقیه ۱۱- الوجیزه الرجالیه ۱۲- الکشکول ۱۳- مناظرات و مقالات ۱۴- المواعظ المنبریه ۱۵- رساله جواز نقل الموتی ۱۶- رساله فروع‌الدین ۱۷- الفیصل ۱۸- الغدیریه ۱۹- رساله اصول‌الدین ۲۰- الاسلام والخلافه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۸۲ -۱۸۱، ۱۶۶/ ۲۵ ،۲۳۲/ ۲۳ ،۳۹۵/ ۲۱ ،۵۹/ ۱۷ ،۳۸۴/ ۱۶ ،۲۸۸، ۲۴۵، ۲۱۰ ،۲۱۰/ ۱۲ ،۳۲ -۳۱/ ۱۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴ ۱۱۴ -۱۱۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۸/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۱/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۴ -۸۴۳/ ۳).

همدانی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ محمد حسن همدانی، عالم زاهد ورع، از اخیار روزگار بود. در اصفهان متولد، و نزد: پدر، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی (درچه‌ای) و آقا سید محمد نجف‌آبادی، و آقا شیخ محمدرضا نجفی تحصیل نموده، در مسجد پدر امامت می‌نمود.

در شب جمعه ۲۱ شوال سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافتند در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی متصل به تکیه‌ی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا همدانی در فقه و اصول و حدیث و تفسیر و حکمت و کلام و عرفان ید طولائی دارد در این اوقات غالبا متوقف تهران می‌باشد و مردم به مجلس موعظت و تذکر وی میلی عجیب دارند.

مشارالیه از بیت حکمت و عرفان است پدرش حاج میرزا علینقی از اجله علماء و حکماء بود و جد امجدش حاج ملارضا صاحب مفتاح النبوه در اثبات نبوت خاصه و درالنظیم در تفسیر قرآن‌العظیم که هر دو مطبوع افتاده از فحول اساتید فنون معقولست.

و شهرت حاج ملارضا از بابت رد هنری مارتن پادری تا به ممالک اروپا رفته است .

و میرزا محمدرضا از طرفی نیز با میرزا محمد اخباری شهید صاحب تصانیف بدیعه و منامات عجیبه می‌باشند پس اگر مشارالیه را اوحدی عصر و نادره دوران بدانیم بعید نیست که سلاله این بزرگانست و نتیجه این چنین دانشمندان آثار ارزنده او از این قرار است.

۱- نخبه الصوارم در فقه و اصول ۲- منظومه تجوید مع الشرح ۳- تربیع شیخین ۴- تثنیه الثلاثه ۵- رساله‌ای در احوال حضرت حجة عجل‌الله فرجه ۶- دیوان اشعار.

مولف گوید آن مرحوم در تاثیر و نفوذ بیان عجیب بوده و کمتر مثلش دیده شده کسی در پای منبر او بدون اشک و انقلاب نمی‌ماند در غالب مجالسش ده‌ها نفر مدهوش می‌شدند حکایت کرد برای این حقیر مرحوم آیت‌الله یثربی کاشانی از مرحوم والدش آیت‌الله حاج سیدمحمدرضا پشت مشهدی کاشانی و آیت‌الله حایری یزدی که مرحوم حاج میرزا محمدرضا همدانی به کربلا آمده و در صحن حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بعد از نماز مرحوم عالم ربانی آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی منبر رفت و علماء فضلاء و طبقات دیگر برای استفاده شرکت می‌کردند و هیچکس نبود که گریه نکند و تحت تاثیر سخنان و مواعظ او قرار نگیرد بالاخره یک شب من به اتفاق آقای حاج شیخ عبدالکریم یزدی نذر (یا عهد) کردیم که ضبط نفس کنیم و گریه نکنیم و اگر چنانچه گریه کردیم سه روز روزه بگیریم با این تصمیم رفتیم پای منبر او و چون او بر منبر صعود کرد و ما گوش به بیان او داشتیم و توجهی به نذر خود که ایشان پس از خطبه این آیه را تلاوت کرد (و ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعه ابواب کل باب منها جزء مقسوم) که بی‌اختیار سیل اشک از چشمان ما جاری و جماعت بسیاری غش کردند و ما آن شب از همه وقت بیشتر گریستیم و سه روز روزه را هم گرفتیم.

آن بزرگوار با این نفوذ بیان و تاثیر نفس در سال ۱۳۱۸ در تهران وفات نمود و جنازه او را با تجلیل فراوان به شهر ری و در جنب کفش‌کن مردانه حرم مطهر سیدنا عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام دفن کردند.

فرزند آن جنابست واعظ معاصر ما مرحوم حاج میرزا محمد همدانی که در تقریر و بیان نادره عصر و زمان و در سجاعی و قافیه پردازی و حماسه‌سرائی نابغه دهر و دوران بود.

نگارنده گوید در عمر خویش وعاظ و گویندگان بسیاری دیدم ولکن مانند وی در ایراد سخن کمتر به خاطر دارم بیش از یک ساعت مسلسل‌وار مسجاع و مقفی بدون لکنت و وقفه‌ای می‌بافت و می‌گفت و ابدا خسته نمی‌شد و مستمعین خود را همچنان مسحور و مجذوب می‌کرد و بسیار می‌شد که منبرش از دو ساعت هم می‌گذشت ولی مردم ملول و خسته نمی‌شدند دوست داشتند که باز ادامه دهد.

اکثر مطالب منبریش عرفان و فلسفه باقی بود که شاید بسیاری از مردم عوام و گاهی بعضی از خواص هم درک بیانات او را نمی‌نمودند و نمی‌فهمیدند چه می‌گوید ولی شیفته و دلباخته بیان شیرین و جذاب او بودند.

حکایت کرد برای این نویسنده مرحوم آیت‌الله آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی که مرحوم واعظ همدانی در زمان مرحوم آیت‌الله حایری به قم آمد و منبرهای عجیبی در مدرسه فیضیه برای علماء و طبقات دیگر رفت که همه را به اعجاب آورد بسیار تند صحبت می‌کرد و عبارات غریبی استخدام نموده و استعمال می‌کرد کمتر کسی ملتفت می‌شد چه می‌گوید و مقصودش چیست یکی از روزها در کنار مرحوم آیت‌الله حایری در ایوان مدرس مدرسه فیضیه نشسته و گوش به منبر و سخنان او داشتیم ولکن هیچ مقصود وی را نفهمیدیم مرحوم آیت‌الله حایری فرمودند میرزا سید علی می‌فهمی همدانی چه می‌گوید گفتم نه فرمودند من هم نفهمیدم منبرش خاتمه یافت مردم متفرق شدند آقای حایری به منزل رفتند من هم آمدم به منزلم بروم سرگذر خان رسیدم به چند نفر که در پیرامون منبر آقای همدانی صحبت می‌کردند و یک نفر به دیگران می‌گفت جای شما خالی ببینید آقای همدانی چه منبری در مدرسه فیضیه رفت و تعریف زیاد کرد یکی از آنها گفت آنقدر تعریف می‌کنی چه می‌گفت گفت بسیار شیرین و جذاب و ملیح و فصیح و بلیغ می‌گفت گفت آخر چه می‌گفت بگو گفت والله نفهمیدم گفت این اندازه تعریف برای نفهمیدن منبر و گفت چه می‌گی بابا من که سهل است حاج شیخ عبدالکریم هم نفهمید منبر او را.

خدایش با مولایمان حضرت حسین علیه‌السلام محشورش گرداند در توحید خدا و ولایت اهل‌بیت مصطفی علیهم‌السلام عجیب بود که برخی وی را غالی می‌گفتند ولی غالی نبود عارف مقام آنان بود به خاطر دارم که کودک بودم پای منبر او می‌رفتم در شهر ری مردم قبلا جا می‌گرفتند روزی در پیرامون امراض و بیماریها و داروها صحبت می‌کرد و می‌گفت من ایمان ندارم به خدائی که درد را ایرانی بدهد و دوایش اروپائی و فرنگی در هر کجا خدا درد بدهد دوایش را هم همانجا می‌دهد.

مرحوم همدانی بعد از ۱۳۵۰ قمری وفات نمود و با اولیاء گرامش ملحق گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

همدانی، منتجب‌الدین، ابویوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۳ ق)، مقری و نحوی. شیخ القراء زنجیلیه‌ی دمشق بود. از ابن طبرزد و کندی روایت نمود و قرآن را بر ابی‌الجود غیاث بن فارس نحوی قرائت کرد و در فراگیری «شاطبیه» از سخاوی بهره گرفت. صائن واسطی و نظام تبریزی قرآن را بر او قرائت نمودند. از آثارش: شرح «المفصل» از زمخشری، در نحو؛ شرح قصیده‌ی «حرز الامانی و وجه التهانی»، مشهور به «الشاطبیهٔ»، در قراآت که آن را «الدرهٔ الفریدهٔ» نامید؛ «الفرید» یا «المفید»، در اعراب قرآن کریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۲/ ۸)، سیر النبلاء (۲۲۰ -۲۱۹/ ۲۳ ،۴۷۳/ ۲۱)، شذرات الذهب (۲۲۷/ ۵)، کشف الظنون (۱۷۷۶، ۱۲۵۹، ۱۲۵۸، ۶۴۸)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۳)، هدیهٔ العارفین (۴۷۲/ ۲).

هوشمند بوشهری، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۷۸ ش)، روزنامه‌گار، نویسنده و شاعر، متخلص به هوشمند. در بوشهر به دنیا آمد. وی در مدرسه سعادت زادگاهش تحصیل نمود. آنگاه به کراچی رفت و در آنجا زبان انگلیسی را آموخت و سپس به بوشهر بازگشت. در ۱۳۰۸ ش روزنامه‌ی «سعادت بشر» را منتشر کرد که این روزنامه تا ۱۳۱۴ ش غیر مرتب منتشر می‌شد، تا اینکه هوشمند در ۱۳۱۵ ش بعد از توقیف روزنامه به زندان افتاد. او پس از رهایی از زندان روزنامه را مجدداً منتشر کرد، ولی دوباره زندانی شد. سرانجام در ۱۳۲۰ ش به کاشان تبعید شد و در همان سال، چون اوضاع ایران تغییر یافت، به تهران آمد و تا زمان فوتش در ۱۳۳۶ ش روزنامه را منتشر می‌کرد. از دیگر آثار وی: «دوره‌ی تمدن»؛ «تاریخ پرنس ارفع دانش»؛ «جنبش بانوان»؛ «جنبشهای دهقانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۴۲ -۴۰/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۳ -۸۷۲/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۶۹، ۱۰۵۵، ۱۰۵۴، ۶۸۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۶/ ۲).

هوشمند راد شیرازی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۳۰۹ ق)، مدرس، نویسنده و مترجم. پس از اتمام مقدمات و تحصیل زبان‌های عربی و انگلیسی و روسی، در محضر اساتید عصر در ادبیات فارسی و تاریخ و سیاست جهان تحقیقاتی به عمل آورد. او مدتی نیز مترجم کنسولگری دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق در شیراز بود و همچنین مقالاتی در مجله‌ی «قشون» و دیگر مجلات شیراز و تهران به چاپ می‌رساند. او انجمن ادبی حافظیون را به اتفاق عنایت‌اللّه دستغیب روحی تأسیس کرد. هوشمند سرانجام به بیماری نامعلومی که برخی احتمال مسمومیت دادند، فوت کرد و در جوار مزار شاه داعی الی‌اللّه بـه خـاک سپرده شد. از آثار وی: «حالات واسموس آلمانی»؛ «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس اصفهانی مجتهد و سیاستمدار مشهور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۶ -۸۷۳/ ۵).

هوشمند راد شیرازی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به هوشمند. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شریعت گذراند و خارج از مدرسه علوم متداوله عصر را فراگرفت. در ۱۳۳۰ ش هفته‌نامه «سروش نجات» را منتشر کرد و این هفته‌نامه پس از سه سال تعطیل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۸ -۸۷۷/ ۵).

هوشمند راد شیرازی، نجم‌الحاجیه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در دوران کودکی تحصیلات فارسی و عربی را آموخت و در اوایل سلطنت رضا شاه پهلوی

در شیراز جمعیت نهضت نسوان را تأسیس کرد و در بیداری و حمایت زنان کوششهای بسیار نمود. وی همسر عبدالحسین هوشمند راد بود. او در ۱۳۲۹ ش روزنامه‌ی «جهان زنان» را به مدت سه سال در تهران منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۷ -۸۷۶)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (۱۸۴).

هوشیار شیرازی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۸۳ ش)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه. در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی شعاعیه شیراز به پایان رساند. برای تحصیلات عالی ابتدا به بمبئی و کلکته و بعد به آلمان رفت و مدتی در مدرسه‌ی عالی فلاحت برلن به تحصیل نظری فلاحت و عملیات زراعی پرداخت. محمدباقر پس از اتمام تحصیلات در ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت و دوباره همراه محصلین اعزامی به اروپا، به برلن رفت و ابتدا در دانشکده‌ی ادبیات برلن و سپس در دانشگاه توبین گن و دانشگاه مونیخ در رشته‌ی تعلیم و تربیت و فلسفه و تاریخ و ادبیات زبان آلمانی به تعلیم پرداخت و از دانشگاه مونیخ موفق به اخذ دکترا در فلسفه شد. او پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات و هنرستان موسیقی و آموزشگاه پست و تلگراف و دبیرستان نظام به تدریس و تعلیم مشغول شد. وی بر اثر عارضه‌ی قلبی درگذشت. از آثارش: «اصول آموزش و پرورش»؛ «انقلاب مشروطیت ایران». از آثار ترجمه‌ی وی: «اگمنت»؛ «اراده معطوف به قدرت»؛ «خرده بورژاواها»؛ «روانشناسی علمی سنجش هوش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۸۰ -۸۷۸/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۹۵، ۱۹۲۵، ۱۷۶۱/ ۲ ،۸۱۶، ۳۱۳، ۲۹۴، ۲۴۵، ۱۴۹/ ۱)، کلک (س ۱، ش ۵، ص ۱۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱ -۶۹/ ۲).

هیربد، خدایار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ش)، نویسنده، مترجم و زبانشناس. وی برادر کوچکتر موبدان موبد یزد بود. او در کودکی به بمبئی رفت و در زبانهای اوستا و پهلوی و انگلیسی و گجراتی، موفق به اخذ لیسانس شد و به استادی داشنگاه بمبئی رسید. پس از بازگشت به ایران، مدتی رییس انجمن ناصری زرتشتیان بود و مدتی نیز در دبستان دین یاری و آموزشگاه موبدان به تدریس اوستا و انگلیسی پرداخت. سپس به خاطر مخالفتهای شدید و ناسازگاری با دستگاه روحانیت زرتشتی دلتنگ شد و دوباره به هندوستان برگشت و تا پایان عمر به سمت استادی در دانشگاه کراچی به خدمت فرهنگ پرداخت. از آثار وی: ترجمه‌ی کتابهای «کارنامه‌ی اردشیر بابکان»؛ «اندرز آذرباد ماراسپند»؛ «اندرز و هزاد ترخو فیروز»؛ «اندرز خسرو قبادیان»؛ «مادیگان چترنگ» از پهلوی به انگلیسی که در سال ۱۲۸۷ ش منتشر کرد؛ نیز کتاب «خوبی نمای دین رزتشتی» را برای اطلاع زرتشتیان از اصول و آیین آن تدوین کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۲/۳).

هیمن شیخ‌الاسلامی، محمد امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۳۰۰ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به هیمن. وی در روستای لاچین، از توابع مهاباد، به دنیا آمد. خاندانش از علمای مشهور زمان خود بودند و تبارش به سه واسطه به ملا جامی، عارف عالم کرد می‌رسد. وی در کودکی نزد ملا سعید ناکام قرآن، صرف، نحو و متون ادبی کردی و فارسی را آموخت. سپس به مهاباد رفت و پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی در مدرسه‌ی سعادت به سفارش پدرش مدت چهار سال در خانقاه و مدرسه جد مادریش، شیخ یوسف برهانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در همان ایام با عبدالرحمان شرفکندی متخلص به هژار آشنا شد. سپس به امر پدرش به روستای کولیجه رفت و مدت چند سالی نزد ملا احمد فوزی درس خواند. هیمن در ایام جوانی به سبب استعداد ذاتی به شعر کردی روی آورد و از آنجا که پدرش نیز اهل شعر بود در این فن تلاش بسیاری نمود. او همچنین به عضویت شورای نویسندگان نشریه‌ی «نیشتمان» درآمد. وی پس از انقلاب اسلامی خدمات ادبی و فرهنگی را از سر گرفت و مجله‌ی «سروه» را به زبان کردی در ارومیه منتشر کرد. هیمن بر اثر سکته قلبی درگذشت. از دیگر آثار وی: «هه واری خالی»؛ بازنویسی «تحفه‌ی مظفریه» از رسم‌الخط لاتینی به کردی، ترجمه؛ «ناله‌ی جدایی»، شعر؛ «پاشه روک»، مجموعه‌ی مقالات و اشعار؛ «قلعه‌ی دمدم»، ترجمه؛ «شاهزاده و گدا»، ترجمه؛ «دیوان» شعر، با نام «تاریک وروون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۴۸۹ -۴۸۲/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۲، ص ۳۹).

یاحقی، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۴، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۲، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۲، تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه توکیو ژاپن از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی، ایرانشناسی، (شاخه ادبیات فارسی)، مطالعه و تحقیق در دانشگاه کمبریج انگلستان به مدت یکسال، همکاری با بنیاد پژوهشهای اسلامی و مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی در زمینه طرح‌های پژوهشی، شرکت و ارائه مقاله در دو کنگره بین‌المللی و چند کنگره و سمینار داخلی، تألیف ۱۷ عنوان کتاب در ۳۷ جلد. راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه ادبیات فارسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی، تفسیر قرآن، فرهنگنامه قرآنی و مطالعات ایرانی و اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸۱ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فارسی، پژوهشهای اسلامی و تفسیر قرآن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یادگاری، عبدالمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال ۱۳۴۶، دکترای زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس زبان عربی، ترجمه و تاریخ ادبیات و دروس مختلف عربی در دانشگاههای تهران و مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی تألیفات:

بحوث و مقالات، النظم والنثر، مکالمه، اندرز به جوانان، دین، فرهنگ اصطلاحات روانشناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

درباره یاقوت، درباره سیبویه، تحقیق در نسب طاهریان خراسان، انتقال علوم اسلامی از بغداد به خراسان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یارمحمدی، لطف‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشسرای عالی در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه ایندیانا در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس و تحقیق در دانشگاههای داخل و خارج از کشور، زبان‌شناسی مقابله‌ای (در جهات مختلف صوت، واژگان، نحو، منظورشناسی و گفتمان)، اصول و کلیات ترجمه، سوادآموزی، فرهنگ‌نگاری، ساخت زبان فارسی، طرح در زمینه‌های فرهنگ‌نگاری، تجزیه و تحلیل اغلاط، ترفندهای ارتباطی و گفتمان. ابداع سیستم سوادآموزی به بزرگسالان بی‌سواد در کتابی به نام> آموزش سواد به بزرگسالان در چهل درس <راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۷۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی تألیفات:

آموزش زبان انگلیسی، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی مقابله‌ای و سوادآموزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی، ترجمه، سوادآموزی، آموزش زبان، فرهنگ‌نگاری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یاسری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمود بن حجهٔالاسلام حاج ملا عباس یاسری از علماء با تقوی و فضیلت و وثوق تهران و مورد توجه مردم مرکز و در مسجد اراک که از مساجد بنام و بزرگ تهرانست اقامه جماعت می‌نمایند.

وی در حدود سال ۱۳۰۶ قمری در تهران متولد گردیده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح عالی در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ باقر معزالدوله از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده معقول و منقول نموده وی از صحبت و تقلید مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللّه سبحانی حاج سید عبدالکریم لاهیجانی (صاحب کرامات باهره) برخوردار شده است.

آقای یاسری منتسب به دو صحابی جلیل‌القدر و شهید راه ولایت جناب عمار بن یاسر شهید صفین است که حضرت امیر علی در شهادت او طلب مرگ نموده و فرمود:

الا یا ایها الموت الذی لست تار کی

ارحنی فقد افنیت کل خلیل

اراک بصیرا بالذین احبهم

کانک تنحو نحوهم بدلیل

ای آنچنان مرگی که مرا رها نمیکنی مرا راحت نمای زیرا که تو تمام دوستان مرا از بین برده‌ای می‌بینم تو را بینا به افرادی که ایشان را دوست دارم که گویا قصد ایشان مینمائی بوسیله راهنمائی و فرمود انا لله و انا الیه راجعون سپس گفت که هر که از شهادت عمارد لتنک نشود او را از مسلمانی نصیب و بهره‌ای نباشد خداوند متعال بر او رحمت کند در آن ساعت که از نیک و بد او سوال می‌کند هرگاه که در خدمت حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله سه کس را دیدم چهارم ایشان عمار بود و اگر چهار نفر را دیدم پنجم آنان عمار بود نه یک بار بهشت بر او واجب شد بلکه بارها استحقاق آن را پیدا کرده جنات عدن او را گوارا باشد که او را

بکشتند و او یار حق بود چنانکه حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم در شأن او فرمود الحق مع عمار یدور مع عمار حیث دار و بعد فرمود که کشنده عمار و دشنام دهنده و رباینده سلاح او به آتش دوزخ معذب خواهد شد.

آیت‌اللّه یاسری عالمی متقی و دانشمندی با ورع و سالهای متمادیست که رهبری هیئت محترم پیر عطا که از هیات قدیمه تهرانست می‌نماید.

از بعضی از ثقات که از ایشانست حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج سید نورالدین آیت‌اللّه زاده میلانی از ایشان شنیدم که آقای یاسری فرمود روزی در ورقه‌ای دیدم یک نوع ختم و آداب او را درج و از قول شیخ‌بهائی قدس سره نوشته است.

هر کس این عمل را در ظرف ده روز انجام دهد بدین ترتیب که از چهارشنبه شروع و در روز جمعه دوم خاتمه یابد مطلب و حاجتش برآورده نشود مرا لعن کند.

لذا بجهت مطلب مهم خودم آن ختم را انجام دادم و بعداً ثمر نبخشیده و اثری ندیدم آنگاه شیخ بهائی قدس سره را مخاطب قرار دادم و بدون آنکه سخنی بگویم فقط در دل گفتم آقای شیخ شما شخصی بزرگ هستید زبان من لال گردد نسبت بذات مقدس شما جسارت نمیکنم ولی چرا چیزی مرقوم شود که اگر بدست اشخاص غیر مؤدب افتد به آنجناب توهین کنند.

این معنی در دلم بود و هرگز به احدی اظهار نداشتم.

پسرم با مرحوم جنانی (آقای جنانی همدانی مقیم تهران دارای علوم غریبه تسخیر ارواح و غیره بود) معاشرت داشت روزی بمنزل آمده و گفت شیخ‌بهائی بشما پیامی دارند و شما را طلبیده‌اند حاضر شوید با شما سخن بگویند.

چون این سخن را از پسرم شنیدم لرزه بر بدنم رخ داده و مبهوت شدم.

سپس پسرم اضافه نموده جنانی میگوید من تاکنون نتوانسته‌ام موفق شوم شیخ را حاضر کنم تا چه رسد که با من سخنی بفرمایند. و اینک خوشحالست که چون شما بخانه او بروید از حضور شما برای او فرصتی دست بدهد بدین وسیله بتواند با شیخ‌بهائی تماس گرفته و استفاده کند.

آنگاه مطلب دیگری پسرم از قول جنانی راجع به آیت‌اللّه آقای حجت (کوهکمری) گفت امروز ارواح را احضار کردم گفتند امروز برای مصاحبه آمادگی نداریم. ما امروز مأمور شده‌ایم از روح مطهر آقای حجت استقبال کنیم.

جنانی: کدام حجت.

گفتند آن آقا که هفته‌ی یکبار بملاقات حضرت ولی عصر بقیه اللّه ارواحنا له الفداء مشرف میشد آقای یاسری گفتند چون مدتی بود آقای حجت بستری بودند از شنیدن این سخن غمین شدم و ناراحت گشتم: مختصری گذشت از قم خبر رسید حضرت آیت‌اللّه العظمی حجت رحلت فرموده‌اند و بعلاوه رادیو تهران سخن را قطع و این خبر را بعنوان خارج از برنامه پخش نمود.

جنانی اسرار داشت زودتر بخانه‌اش بروم تا این که او هم بهره‌برداری کند.

و لذا پسرم را مأمور کرده بود روزانه مرا تعقیب می‌کرد و من هم امروز و فردا می‌نمودم بالاخره در یکی از روزها بمنزلش رفتم بخور و غیره را فراهم نمود شروع کرد بخواندن اوراد و اذکار لازمه طبق برنامه خودش و آنچه را که من مشاهده کردم ترتیب استفاده او بتوسط آئینه بود و هر کس هر نوع مطلبی داشت بایستی بنویسد و نوشته را در دست بگیرد جواب بر روی آئینه نوشته میشد.

چون در صدد احضار شیخ‌بهائی قدس سره برآمد با من گفت هر چه سؤالاتی دارید بنویسد و در کف خود پنهان بنمائید قلمهای متعدد و کاغذ و مرکب در جلوی من نهاد و گفت من هرچه را از روی آینه بخوانم شما فوراً ثبت کنید من نمی‌توانم همه را ضبط کنم و بذهن خود بسپارم.

یکی از ارواح حاضر شد جنانی پرسید شما کیستید گفت سید محمد طباطبائی جنانی گفت من شما را نخواستم فرمود من از طرف شیخ بهائی آمده‌ام شما را خبر کنم. یک دقیقه بعد شیخ حاضر می‌شود.

جنانی آئینه را برگردانیده و تنفس داد سیگاری مصرف نمودیم سپس آماده شدیم.

شیخ تشریف آوردند و آنچه بر روی آئینه نوشته میشد جنانی میخواند. گفت آقای شیخ بشما سلام می‌دهند عرض کردم علیک السلام و رحمه اللّه و برکاته بعدا گفت احوال شما را می‌پرسند گفتم اگر عنایت شما شامل من باشد خوشوقت میشوم. فرمودند اگر عنایتی شامل شما نبود هر آینه در صدد تصحیح آن ختم نمیشدم در نقل آن تحریف وقوع یافته است (ختامه یوم الاحد) است نه یوم الجمعه شما میدانید در هفته ایام طاق را آثاریست یکشنبه سه شنبه پنجشنبه و روز جمعه برای دعاء ندبه است.

آقای یاسری گفتند از شنیدن خبر تشرف مرحوم آقای حجت تعجب داشتم. مرحوم شیخ‌بهائی از دل من آگاه بوده و فرمودند آقای شیخ شما در عهد ما نبودید. بسیاری از مردم آن عهد بملاقات حضرت بقیهٔاللّه (ارواحنا فداه) نائل می‌شدند. مردم این زمان مشغول بمعاصی هستند به مردم بگوئید دست از معصیت بردارند و الا بلا نازل میشود.

بعدا یکایک سؤالاتی را که داشتم و نوشته بودم جواب دادند تا این که خداحافظی بعمل آورده و جنانی استفاده ننمود.

واما دعاء و ختم مذکور از جناب شیخ‌بهائی علیه‌الرحمه اینست.

ختم شیخ‌بهائی قدس سره

از روز جمعه شروع و تا ده روز که پایان آن روز یکشنبه میشود روزی صد بار بگوید: بسم اللّه الرحمن الرحیم. یا مفتح الابواب یا مقلب القلوب و الابصار و یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین توکلت علیک یا رب فاقض حاجتی و اکف مهمی و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و صلی اللّه علی محمد و آله اجمعین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یاقوت حموی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهاب‌الـدین ابوعبـداللّٰه یاقوت بن عبـداللّٰه حموی بغدادی از ادبا و لغویان اوایل قرن هفتم هجری و مؤلف کتاب معجم‌البلدان است. صفی‌الـدین ابن عبدالحق (و ۵۳۹ ه.ق– ف. ۶۲۶ ه.ق) معجم‌البلـدان را مختصـر کرد و آن را مراصـدالاطلاع نامیـد. تـألیف دیگر او معجم‌الادبـاء است. یـاقوت در جوانی اسیر شـد و در بغـداد تاجری به نام عسـکر حموی او را خریـد و پس از مـدتی او را آزاد کرد (۵۹۵ ه.) وی پس از آزاد شـدن مسافرتها کرد. ابتـدا بر اثر خواندن کتب خوارج متمایل به مذهب آنان شد، و در دمشق نزدیک بود کشته شود و از آنجـا گریخت و به خراسـان و خوارزم رفت. در حملهٔ چنگیز یـاقوت به موصـل و از آنجـا به حلب فرار کرد و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

یاقوتی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل یاقوتی کلوانق

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب ابوالفضـل یـاقوتی در شـهر «کلوانـق» که در آن زمـان روسـتا بود؛ متوّلـد شـده ام. دوران ابتـدائی، راهنمـائی و مقـداری از دبیرسـتان را در زادگاهم سپری نمودم و بعد از فوت مادر عزیزم در سال ۱۳۷۲ از درس خواندن مأیوس گشته و سه سال از عمرم را در راه کسب و کار (کارگری) در رشته قالب بندی ساختمان گذراندم.

با توجه به علاقه شدیدی که به مقام عظمای روحانیت داشتم سر انجام در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیّه شهرستان «مشکین شهر» شدم و سـطح یک حوزه را در مدّت شش سال با موفقیّت گذرانده و علاوه بر شرکت در دروس حوزه و ارج نهادن به مقررات حوزه، به تبلیغ دین مبین اسلام در مدارس، مساجد شهر و روستا مشغول بودم.

در سپاه پاسداران انقلاب اسـلامی شهرسـتان «مشـکین شـهر» به عنوان مربی در خدمت بسیجیان عزیز بودم و نهایتاً در سال ۱۳۸۲ به شهر مقـدس قم جهت ادامه تحصـیل عازم شدم و مدّت سه سال که در این شـهر به تحصـیل و تحقیق اشـتغال دارم از خداوند متعال برای همه مؤمنین آرزوی توفیق دارم.

یاوری سرتختی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد یاوری سرتختی

محل تولد : کامیاران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۹/۲۰

زندگینامه علمی

اینجـانب در آذرمـاه سال ۱۳۵۴ در خـانواده ای مـذهبی از اسـتان کرمانشـاه به دنیـا آمـده و پس از گذرانـدن تحصـیلات ابتـدایی و راهنمایی، در آشـنایی با حوزه علمیه و راهنمایی و مشورت های پـدر و مادر، معلمان و روحانیون اعزامی از قم علاقمنـد به تحصـیل در حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه همدان «مدرسه آخوند ملاعلی» و کرمانشاه «مدرسه امام صادق (ع)» و «مدرسـه حـاج شـهبازخان» از محضـر بزرگـانی چون «آیـهٔ الله حـاج مجتبی حاج آخونـد» و «آیـهٔ الله نجومی کرمانشاهی» بهره برده و در سال ۱۳۷۹ جهت تکمیل سـطوح عالیه به حوزه علمیه قم مهاجرت و در درس اساتیدی چون: حجت الاسـلام «احدی»، «حسینی خراسانی» و «میانجی» حضور یافته و اکنون از وجود آیات عظام: «سبحانی»، «مقتـدایی» و «مکارم شـیرازی» در دروس خارج فقه و اصول بهره می برم.

بـا آغـاز ورود به شـهر مقـدس قم، در جهت بالابردن سـطح کمی و کیفی علوم اسـلامی و انسانی در کنار دروس حوزوی به رشـته تاریخ اسلام علاقمند و در مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم. با فراغت از تحصیل در سـال ۱۳۸۲ – ۱۳۸۳ بـا توجه به نیـاز فرهنگی و علمی دانشـگاهها به مـدت ۲ سـال با سـمت «معاونت نهاد نماینـدگی رهبری» و

«مدرس دروس معارف اسلامی در دانشگاه شهرکرد» به فعالیت مشغول بودم. اما پس از شرکت در آزمون کارشناسی ارشد در رشته (تاریخ تشیع) در همان مرکز، به قم مراجعت و در این مدت علاوه بر تلاش علمی و تألیف چندین مقاله علمی، تخصصی و ترویجی در نشریات مختلف، به امر مقدس تبلیغ در دانشگاههای سراس کشور نیز می پردازم.

یثربی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن یثربی ابن آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی از فضلاء این بیت است.

وی در کاشان متولد و از محضر مرحوم برادر ارجمندش آیت‌اللّه العظمی آقا میر سید علی یثربی استفاده کرده آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل سطوح از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و از طرف آن مرحوم برای ارشاد مردم (ایوان کیف) تهران به آنجا عزیمت و چند سالی انجام وظیفه دینی و روحی داده تا در سال ۱۳۸۶ در قم بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین یثربی قمی از علماء و ائمه جماعت محترم قم می‌باشد که در حدود ۱۸ سال ۱۳۲۳ ق در قم متولد شده و دروس مقدماتی و سطوح را نزد مدرسین قم خوانده و به درس آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت الله فیض و آیت‌الله حجت و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده استفاده کرده و تاکنون هم از شرکاء درس معظم‌له می‌باشند و در مسجد حضرت شاحمزه قم هم به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

فرزندان برومندی دارند که در سلک روحانیت و از وعاظ می‌باشند که از آنها جناب آقای حاج سید ابوالفضل یثربی واعظی متین و خطیبی بلیغ می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یثربی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۵۲– در اوائل ماه ذی‌القعده ۱۳۶۵ ق بود که ستاره رخشنده‌ای از دارالمؤمنین کاشان در آسمان قم طلوع نموده و حوزه علمیه قم و نجف و قاطبه فضلاء را به خود متوجه ساخت این ستاره رخشان و ماه فروزان مجسمه علم و تقوا و عنصر زهد و ورع علامه قمقام و فهامه علام آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی فرزند آیت‌اللّه آقا سید محمدرضا پشت مشهدی بود که آسیاء تحقیق را قطب و دائره بیان و تدریس را نقطه پرگار که زبان و قلم نویسنده عاجز و قاصر از تعریف و توصیف آنجنابست شخصیت و آثارش معرف مقام فضل اوست.

و اگر از این نگارنده از آن حضرت سؤال شود که درباره وی چه خواهی گفت در پاسخ شعری را که ابوالعلاء معری درباره سید شریف علم‌الهدی گفته مناسب می‌دانم

یا سائلا عنه لما جئت تسئله

الا هو الرجل العاری عن العاری

لو جئته لرأیت الناس فی رجل

والدهر فی ساعهٔ والارض فی دار

این مرد عظیم‌القدر که مراجع امروز قم و زعماء حوزه علمیه از تلامذه اویند و ارباب فضل و دانش او را آقا ضیاء ثانی می‌گویند به قصد زیارت وارد قم شده و مورد تجلیل و تبجیل مراجع و زعماء و فضلاء واقع شد و بنابر اصرار و ابراز حضرات آیات عظام حوزه تدریس تشکیل و تشنگان علم و بیان خویش را سیراب و از هر گوشه طالبان تحقیق را به دور خود جمع نمود و این بنده هم به درس ایشان حاضر شده و از تحقیقات رشیقه و بیانات دقیقه آنجناب در اطراف علم برائت استفاده می‌نمودم ولکن افسوس فراوان که بیش از یک ماه طول نکشیده و تصادف با رحلت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی نموده و حوزه علمیه عزادار و تا چهل روز دروس تعطیل گردید و آنجناب به قصد زیارت عتبات عالیات مسافرت به عراق نموده و دارالعلم نجف اشرف توجه مخصوصی به ورودش نموده زیرا مباحثاتی میان ایشان و مدرسین و زعماء حوزه نجف شده که مشهور فضلاء می‌باشد

ولادتش در کربلاء معلی در سال ۱۳۱۱ واقع شده و در مهد تربیت پدر بزرگوارش نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از پدر خود و اساتید دیگر نجف فراگرفته و در سال ۱۳۳۱ به حوزه درس مرحوم علامه یزدی صاحب عروه و مرحوم شریعت اصفهانی و

مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللَّه نائینی حاضر شده و در اندک زمانی در میان شاگردان آقا ضیاء شاخص و مشار بالبنان گردید تا در سال ۱۳۳۹ که والد ماجدش او را به کاشان طلبید.

و مرحوم آقا ضیاء و فضلاء نجف او را با اشک دیده بدرقه و مشایعت نموده و حتی آقای آقا ضیاء می‌فرمایند در میان تلامذه و شاگردان استاد ما آخوند خراسانی یک میرزا سید علی یزدی لب خندقی بود که در موقع حرکتش استاد او را با اشک دیده مشایعت نمود و از جدائی او آه کشید و در میان رفقا و شاگردان من شما که می‌روی مرا به فراق و حسرت خود می گذاری خلاصه پس از ورود به کاشان و مسبوق شدن آیت‌اللَّه حایری که تازه حوزه علمیه را تأسیس نموده بودند از والد ماجد ایشان حاج سید محمدرضا یثربی تقاضا می‌کند که ایشان را به قم فرستد و در سال ۱۳۴۱ قمری اجابت نموده و به قم مشرف و حوزه درس رسمی از تقریر مباحث مرحوم حایری و نیز درس مستقله‌ای تشکیل و صدها نفر فاضل برجسته چون آیت‌اللَّه آقای نجفی مرعشی و آیت‌اللَّه موسوی و آیت‌اللَّه شریعتمداری و مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و دیگران را دو رخود جمع و تا هفت سال تمام حوزه گردان علمی فقه و اصول قم بودند تا سال ۱۳۴۷ که والدشان داعی حق را اجابت گفته حرکت به کاشان نموده و از روی ضرورت برای سرپرستی عائله پدر خود و مردم پشت مشهد کاشان توقف در آن شهر را اختیار و هر چند از فضلاء و علماء قم دعوت کردند اجابت ننمود تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مذکور شد به قصد زیارت آمده.

و بنابر اصرار آیت‌اللَّه بروجردی و علماء و فضلاء دیگر دو ماهی را توقف و حوزه تشکیل داد تا فوت مرحوم اصفهانی که مشرف به عتبات شده و بعد از چند ماه مراجعت به کاشان نموده تا در سال ۱۳۷۹ قمری یک سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی که دار فانی را وداع گفته و شهر کاشان و حوزه علمیه قم و نجف را غریق بحر ماتم نمود و با تشییعی که کاشان هرگز به خود ندیده بود در جوار قبر پدرش در صحن امامزاده حبیب موسی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی یثربی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا یثربی ابن سید اسماعیل بن سید عبدالرزواق (برادر سید محمدتقی پشت مشهدی) ابن سید عبدالحی الحسینی برادر بزرگوار استاد الاساتید مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا سید علی یثربی کاشانی (پشت مهدی) از علماء نامی و دانشمندان گرامی و امام جمعه انقلاب و جمهوری اسلامی معاصر در دارالمؤمنین کاشان می‌باشند.

وی در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و سرپرستی و تربیتی برادر بزرگوار پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر برادر نامبرده‌اش به قم هجرت نموده و چندین سال از فقه و اصول آیات عظام حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه اراکی و آیت‌اللَّه گلپایگانی و بالاخص رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللَّه خمینی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده نموده است.

در سال ۱۳۷۹ قمری پس از رحلت برادر عزیزش و اصرار مردم عالم دوست کاشان و امریه مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی به کاشان برگشته و به جای برادر گرامیش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اهل‌البیت و گفتن تفسیر و سایر خدمات از تأسیس حوزه علمیه یثربی و تربیت محصلین و طلاب و سایر خدمات پرداخته و در به ثمر رساندن انقلاب ایران و تبدیل حکومت ستمشاهی به جمهوری اسلامی نقش بسزائی در کاشان و حومه آن داشته و لذا ایشان را برای امام جمعه‌ای و نمایندگی ولایت فقیه کاشان انتخاب شده و خدمات بسیار ارزنده‌ای از تأسیس مساجد و مدارس علمی در کاشان و حومه آن نموده است.

در قمصر کاشان حوزه علمیه‌ای تأسیس که در آن حدود یکصد طلبه به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد گفتن درس اخلاق معظم‌له برای آنان بوده‌ام و نیز در نیاسر کاشان آثار چشمگیری از خود گذارده‌اند.

جناب آقای یثربی با بیت جلیل و رفیع وحید بهبهانی که معروف به آل آقا هستند وصلت نموده و صبیه محترمه مرحوم آیت‌اللَّه حاج‌آقا عبداللَّه آل آقای بهبهانی را در اختیار دارند که از آن مخدره فرزندان فاضل و برومندی دارند که در قم و کاشان به تحصیل علم و کمال اشتغال دارند.

سید مهدی یثربی (سومین فرزند) مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی کاشانی از ستارگان پرفروغ و دانشمندان پراثر و خدوم معاصر کاشانست.

وی در حدود ۱۳۴۷ قمری در کاشان متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و تربیت برادر علامه‌اش آیت‌اللَّه العظمی یثربی پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر معظم له به قم عزیمت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و در درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و دیگران شرکت و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال ۱۳۷۹ قمری که برادر علامه‌اش وفات نمود بنابر درخواست و اصرار مردم کاشان و امر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به کاشان برگشته و به جای مرحوم آیت‌اللَّه یثربی به اقامه جماعت و خدمات دینی و تربیت عده زیادی از محصلین کاشانی پرداخته است.

نگارنده گوید: مترجم عزیز ما که از بیوتات اصیله و ریشه‌دار روحانیت شهرستان کاشانست و آباء و نیاکانش همگی از مفاخر عالم تشیع و مراجع عالیقدر شیعه بودند.

دانشمندی فاضل و عالمی بارع و در خدمت به دین و روحانیت بسیار ساعی و جدی و در مبارزه با منکرات و اماکن فساد و فحشاء

از نوادر معاصرین است.

بیانی صریح و منبری ملیح و ارزنده و آموزنده دارد. در مسجد خویش بعد از اداء فریضه تفسیر قرآن و بیان احکام و معارف دینی نموده و مردم را کاملا مستفیض می‌فرمایند. در ایام عاشوراء که در صحن مطهر جناب (حبیب موسی) اقامه عزاداری و سوگواری برای سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین (ع) می‌شود در تاسوعا و عاشوراء خود منبر رفته و علت نهضت و قیام حسینی (ع) و فلسفه شهادت آن بزرگوار و آثار آن را ذکر نموده و شور عجیبی برپا می‌کند.

از سال ۱۳۸۰ قمری که رسماً به جای مرحوم برادر فقید سعیدش قرار گرفته تاکنون خدمات بسیاری در کاشان و حومه آن از بناء مساجد و مدارس علمی و تربیت محصلین نموده‌اند.

دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و سجایای کریمانه می‌باشد.

از آثار و باقیات الصالحات ایشانست مدرسه علمیه که در خیابان شاه عباس کبیر بنا نموده و از هرگونه مجهز و بالغ بر یکصد و هشتاد طلبه و محصل جدی دارد که در آن چندین نفر از فضلاء اخیار حوزه علمیه قم مانند جناب ثقهٔالاسلام و زبدهٔالفضلاء الاعلام آقایان آقا شیخ احمد اسلامی و حجهٔالاسلام آقای حاج سید اسداللّه خراسانی و حجهٔالاسلام آقای آقا سید رضا علم‌الهدی و بعضی دیگر به تدریس ادبیات و فقه و اصول اشتغال دارند.

و دیگر بانک قرض‌الحسنه بنام (بانک آقا) و دیگر تعمیر و بناء مساجد و حمامات و بیمارستان در شهرستان کاشان و حومه آن می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، میرمحمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الف:ولادت ونسب: حضرت آیت الله حاج میر سید محمد یثربی–ادام الله ظله العالی– از علمای ربانی وفقیهی بزرگوار از تبار فقهای نگاهبان حریم اعتقادات شیعی هستند.ایشان در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در شهر مقدس قم(مهد علم وفقاهت واجتهاد ،شهر خون قیام،شهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه–سلام الله علیها–) در بیت فقه وفقاهت چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله آقای حاج سید مهدی یثربی–قدس سره– ووالده گرامشان خانم حاجیه زهرا آل آقا(فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا عبدااله آل آقا ونواده مرحوم آیت الله آقای حاج آقا بزرگ ساوجی از اعلام مدرسین حوزه تهران در قرن گذشته و اوایل قرن معاصر،حفیده بیت علامه مجدد وحید بهبهانی–رضوان الله تعالی علیه–)می باشد. ایشان قبل از پایان ۵سالگی مشغول خواندن قرآن و حفظ سوره های کوچک بود. در پنج سالگی عموی بزرگوار خود که از فقهای بنام شیعه و از اساتید علمای بزرگ،از جمله مرحوم حضرت امام خمینی– قدس سره– بود را از دست داد وبه همراه پدر خود به کاشان هجرت نمود. ب)تحصیلات : ایشان در سال ۱۳۳۹مشغول به تحصیلات ابتدائی در دبستان ملی مدرس گردید وبعد وارد دبیرستان شد و همزمان،با شوق واشتیاق زایدالوصفی وارد حوزه علمیه جدید التأسیس کاشان که والد مکرمشان بنیان نهاده بودند،شد.ایشان تمامی دروس ادبیات وسطح متوسط و همچنین رسائل ومکاسب را در آن حوزه ،نزد اساتید محترمی همچون والد بزرگوارشان ومرحوم آیت الله شیخ محمود روحانی— رحمه الله علیه — که معظم له علاقه فوق العاده ای نسبت به ایشان داشته اند فرا گرفتند. در سال ۱۳۵۱در شهر دارالمومنین کاشان با خانواده محترم،مذهبی،صالح ومؤمن ازدواج نمودند وبرای ادامه تحصیلات در سطوح عالیه به قم مهاجرت ودرآن شهر رحل اقامت گزیدند. درس سطح کفایه را نزد آیت الله حاج سید محمد ابطحی – دام ظله– مرحوم آیت الله سلطانی طباطبائی(ره)به اتمام رسانده وهمزمان ،با هوش وذکاوتی که معظم له داشته دردرس خارج فقه حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری – ره— خلف مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس وبنیانگذار حوزه علمیه قم حاضر شدند ودر جلسه استفتائات وتمامی مباحث فقهی ایشان حضور فعال داشتند. معظم له در این باره می فرمایند:آنچه محضر ایشان رامنهای عمق فکر واندیشه جذابیت می بخشید،معنویت و صفای ایشان ویکرنگی وانس آن بزرگوار با طلاب بود وبرای حقیر که در عین کم سنی مورد عنایت ولطف آن استاد فرزانه ومربی بزرگوار بودم،فوق العاده اثر بخش بود وآثار تربیتی آن را پس از سالها هنوز احساس می کنم. درهمان سنوات وپس از پایان سطح کفایه،در درس عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی – مدظله العالی (— یک دوره اصول به مدت ۱۷سال و همچنین چندین سال درس خارج فقه ایشان)شرکت نمود ونیز به مدت هفت سال در درس خارج اصول و فقه مرحوم آیت الله العظمی روحانی — قدس سره — حاضر شدند. همچنین معظم له بیش ازدو سال دردرس خارج فقیه اهل بیت عصمت وطهارت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی — قدس سره — شرکت نمودند واز درس اسفار اساتید بزرگوار مرحوم آیت الله صدر وشهید بزرگوار آیت الله مطهری و آیت الله جوادی آملی بهره گرفتند. ج)تدریس وخدمات علمی: ایشان از سال ۱۳۴۸ تا۱۳۵۳در حوزه پربرکت علمیه کاشان مشغول به تدریس ادبیات ،منطق واصول بودند که حدود چهل نفر از طلاب در درس ایشان شرکت می نمودند.همچنین از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹تدریس اصول وشرح لمعه داشتند،که تا پنجاه نفر در درس ایشان در صحن مطهر بی بی دو عالم حضرت معصومه — سلام الله علیها — شرکت می کردند. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ به تدریس سه دوره اصول (رسائل شیخ انصاری رحمه الله) را از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴ به انجام رساندند وشاگردان زیادی را تربیت نمودند. تا این که بنا به درخواست شاگردان معظم له و به دلیل محدودیت مکان وکثرت شاگردان ،درس کفایه الاصول را در مدرسه مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) شروع کردند که بیش از ۷۰نفر دردرس ایشان شرکت می کردند.معظم لهاز سال ۱۳۷۸ مشغول به درس خارج فقه واصول در همان مدرسه شدند که نزدیک به دویست نفر در این دروس شرکت می نمایند.علاوه براینها در سالهای ۶۰تا

۶۳یک دوره منظومه حکمت را در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها)تدریس نمودند. ایشان در سال ۱۳۶۹یک مؤسسه علمی تحقیقاتی را به نام اصولی بزرگ«علامه مجدد وحید بهبهانی – رضوان الله علیه –»تأسیس نمودند که با هدایت ایشان ،در این مرکز محققین توانا وبررسی ،احیاء ونشر کتب علوم اهل بیت عصمت وطهارت – علیهم السلام – مشغول به کار می باشند. این مؤسسه با بیش از پنج هزار جلد کتاب ورسائل پایگاه تحقیقاتی فعالی در حوزه علمیه محسوب می شود. د)تألیفات وآثار: ۱– رساله فی تطور الاصول (عربی) ۲– رساله فی تطور علم الفقه(عربی) ۳– رساله فی الکلام (عربی) ۴– رساله در ولایت؛مقدمه کتاب راهبرد اهل سنت به مسأله ولایت (فارسی) ۵– شرح رساله حقوق امام سجاد – علیه السلام (– فارسی) در ۳جلد؛مجموعه سخنرانی معظم له در رادیو معارف ۶– تقریرات درس مکاسب محرمه (فقه)در ۲جلد ۷– مباحث رجالی در ۱جلد ۸– تقریرات خمس (فقه) در ۱جلد ۹– تقریرات صوم در ۲جلد ۱۰– تقریرات اصول در ۸جلد چهار مورد اخیر،هنوز به چاپ نرسیده است که آن انشاءالله دراینده نزدیک در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت. از جمله ویژگیهای معظم له که بارها درباره آن به شاگردان در یک جلسه درس غیبت داشته باشد،ایشان پیگیر علت غیبت وی می باشد.همچنین مکررا شاگردان را به مطالعه وپیگیری ومباحثه درس و درست فهمیدن درس توصیه وترغیب میکند. معظم له بعد از درس خارج فقه واصول شاگردان را به حضور می پذیرند واشکالات آنان مربوط به درس را پاسخ فرموده به دیگر پرسش ها واستفتائات شرعی و اعتقادی جواب می دهند. با این شیوه،شاگردان زیادی تربیت نموده وآنان از شمع وجود ایشان بهرمند می گردند وبعضی از شاگردان ،از اساتید برجسته حوزه می باشند.از خداوند متعال می خواهیم که وجود این مشعل داران هدایت بشریت و این علماءربانی و مراجع عظام را برای همه مسلمین بویژه شیعیان مولا علی ابن ابی طالب علیه السام نگهدار باشد وسایه آنها را بر سر مامستدام بدارد.

یزدانی شیرازی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ –۱۲۵۲ ق)، خطاط، موسیقیدان، ادیب و شاعر، متخلص به یزدانی. ششمین فرزند وصال است. وی در شیراز به دنیا آمد. او در ادبیات، ریاضیات، نجوم و نظم و نثر عربی توانا بود، شعر می‌گفت و از موسیقی نیز بهره‌ی تمام داشت و رباب را خوب می‌نواخت. یزدانی خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و از شیوه‌ی میرعماد پیروی می‌کرد و کتیبه‌های اطراف حرم شاهچراغ و برادرش سید میر محمد در شیراز و همچنین کتیبه‌های قسمتی از رواق مطهر امام رضا (ع) به قلم اوست. عبدالوهاب در کهنه کردن کاغذ و مرکب دست داشت و فن نقاشی را خوب می‌دانست. یزدانی به همراه برادر خود، وقار، سفری به عتبات کرده و از آنجا به تهران آمده و سپس به زادگاه خود بازگشته است. او در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی سید میر محمد، نزد برادرش، فرهنگ دفن شد. از آثار وی: کتابت و نقاشی «خسرو و شیرین» نظامی، که به امر ناصرالدین شاه انجام پذیرفته است؛ یک نسخه «دیوان» انوری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... حرره العبد الاقل، عبدالوهاب بن وصال، طاب ثراه فی سنهٔ ۱۲۷۵»؛ یک نسخه «مناجات» حضرت علی (ع)، به قل دو دانگ خوش، با رقم: «نمقه... عبدالوهاب المتخلص به یزدانی ابن مرحوم المغفور الوصال... فی شهر شعبان المعظم ۱۲۸۲»؛ یک قطعه به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «یزدانی»؛ قطعه‌ای دیگر، به قلم کتابت خوش، با رقم: «یزدانی».[۱]

میرزا عبدالوهاب متخلص به یزدانی ششمین پسر وصال شیرازی (و. ۱۲۵۲ ه.ق– ف. ۱۳۲۸ ه.ق) وی یکی از خوش‌نویسان و نقاشان و ادبای عصر خود به شمار می‌آمد، و آنچه از اشعار او در دست است ۷ قصیده و ۱۴ غزل می‌باشد و ضمناً کتیبه‌های دور حرم شاه‌چراغ و سید محمد به خط اوست و چند نسخه از کلیات سعدی و دیوان حافظ نوشته و از موسیقی نیز بهره‌ی کافی داشته و رباب خوب می‌نواخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۶۲ –۳۶۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۰ –۴۱۹/ ۲)، احوال و آثار نقاشان (۳۵۳ –۳۵۲/ ۱)، اطلس خط (۵۶۷)، حدیقهٔالشعراء (۲۱۱۶ –۲۱۱۳/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۹۲ –۸۸۸/ ۵)، الذریعه (۱۳۱۱/ ۹)، ریحانه (۳۸۹ –۳۸۷/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۳۸۴/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۹ –۱۰۱۶/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۳)، مرآت‌الفصاحه (۷۲۴ – ۷۲۰)، مکارم‌الآثار (۱۴۱۳ –۱۴۱۲/ ۴).

یزدگردی، امیر حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیر حسین یزدگردی درسال ۱۳۰۶ در تهران زاده شد.ایشان دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶ می باشد.وی از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ در آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال ۱۳۵۹، در دانشکد ?الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشت.دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال ۱۳۶۵ درگذشت. کتاب" حواصل و بوتیمار "تالیف امیر حسین یزدگردی ، در دوره یازدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین کتاب" دیوان ظهیر فاریابی " تصحیح وی ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : زنده‌یاد استاد دکتر امیرحسن یزدگردی در خانواده‌ای فرهیخته و اهل ادب در تهران متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : امیر حسین یزدگردی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان ادیب و دبیرستان مروی به سر آورد. در سال ۱۳۲۹ از دانشسرای عالی لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجهٔ دکترا در همان رشته از دانشگاه تهران نائل آمد

استادان و مربیان : اساتید دکتر یزدگردی در دوران دانشگاهی، بزرگ‌مردانی مانند استاد بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، ملک‌الشعرای بهار، بهمنیار، عبدالعظیم قریب، سیدهادی سینا و سید محمّد فرزان بودند.

زمان و علت فوت : دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال ۱۳۶۵ درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : امیر حسین یزدگردی در خلال گذراندن دورهٔ دکترا به مدت پنج سال (۱۳۳۴ ـ ۱۳۲۹) در آموزش و پرورش شهرستان قم در دبیرستان حکیم نظامی به تدریس پرداخت و پس از آن به دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران انتقال یافت و تا سال ۱۳۵۹ بیش از سی سال، بدون وقفه به تدریس اشتغال داشت .

شاگردان : استاد یزدگردی خود معلمی بود مسلّط، دلسوز، عاشق، متین و باوقار که نه تنها درس و بحثش بلکه گفتار و کردار و رفتارش نیز، سخت بر شاگردان تأثیر می‌گذاشت و محققی بود سخت‌کوش، پرحوصله و بردبار، دقیق و نکته‌یاب. شاگردان وی امروز در شمار موفق‌ترین معلمان به حساب می‌آیند؛ افرادی چون استاد دکتر فتح‌الله مجتبایی.

جوائز و نشانها : کتاب" حواصل و بوتیمار "تالیف امیر حسین یزدگردی ، در دوره یازدهم انتحاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین کتاب" دیوان ظهیر فاریابی " تصحیح وی ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است. -----------------------------
----

آثار :

۱ تصحیح دیوان کبیر (غزلیات شمس)

ویژگی اثر : با همکاری مرحوم دکتر کریمان

۲ تصحیح کلیله و دمنه

ویژگی اثر : با همکاری استاد فقید مجتبی مینوی

۳ تصحیح و تعلیق «نفثهٔ المصدور» شهاب الدین محمد خرندزی

ویژگی اثر : ۱۳۴۳، ادار ?کل نگارش وزارت آموزش و پرورش

۴ حواشی بر دیوان حافظ، مرزبان‌نامه، جهانگشای جوینی و راحهٔالصدور

۵ حواصل و بوتیمار

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنائی با کتاب: «حواصل و بوتیمار»: حواصل و بوتیمار؛ امیر حسین یزدگردی؛ به کوشش اصغر دادبه، تهران: مؤسس ?انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۱. تألیف کتاب «حواص و بوتیمار»، از شهریور ۱۳۴۹ آغاز شده و تا زمستان سال ۱۳۶۴ (۱۵ سال) ادامه یافته است. دکتر یزدگردی در باب اختیار نام «حواصل» بیشتر به منابع کهن و در خور اهمیت اقوال گروهی از حیوانشناسان، اوصاف جوارح و اطوار خاص این پرنده در کتب شعر و ادب، آراء جمعی از فرهنگ نویسان و دانشمندان قدیم و بالاخره تصاویر روشن و واضح استناد کرده است. در باب اختیار نام «بوتیمار» برای برخی از «گونه»ها و «زیرگونه»های «خانواد? بوتیمار»، نیز به تقریب به مآخذی از همان دست، اعتماد کرده است. موضوع کتاب بسیار بدیع است و پژوهش به طور مبسوط انجام یافته. امتیاز خاص این کتاب ما وسعت تتبع و پهنای گسترد ?کار پیرامون این دو واژه است. زبان پژوهش، استوار و عالمانه است. کتاب دارای مقدمه ای جامع و فصول و بخشهای آن پیوسته و هماهنگ است. شاید فراهم آوردن ۱۳ گونه از فهرست تقریباً در تاریخ و تحقیق پارسی، برای یک کتاب ــ با این تفصیل ــ بی سابقه بوده باشد. اما فقدان فهرستی از مندرجات در آغاز محسوس بوده و پرداخت فنی کتاب نیز ضعیف و نامطلوب است.

۶ دیوان ظهیر فاریابی

ویژگی اثر : تصحیح ،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دیوان ظهیرالدّین فاریابی تصحیح و تحقیق و توضیح]مرحوم[امیرحسن یزدگردی؛ به اهتمام اصغر دادبه.ـتهران: نشر قطره، ۱۳۸۱. «تتبع در دیوان ظهیر» موضوع رسالهٔ دکترای مرحوم استاد یزدگردی، به راهنمایی مرحوم استاد فروزانفر بوده که در تاریخ ۱/۸/۱۳۳۶ از آن دفاع شده است. حاصل این تتبّع و تحقیق، تصحیح انتقادی دیوان ظهیر است. برای نخستین بار و بر مبنای کهن‌ترین نسخه‌های موجود و نوشتن کتابی با مجلّدی مستقل در شش بخش در معرفی ظهیر و حل مشکلات اشعار او؛ حاصلی، بی‌گمان، بی‌مانند و چونان نفثهٔالمصدور و حواصل و بوتیمار ارجمند و سودمند و تحسین برانگیز.اما کمال طلبی استاد یزدگردی در کارهای علمی و دقّت وسواس‌آمیز او موجب شد تا نزدیک به سی‌سال، از زمان دفاع رساله (۱۳۳۶) تا گاه مرگ (۱۳۶۵)، همواره چنان احساس کند که کاری بدین تمامی ناتمام است و به از آنچه هست باید! و چنین بود که در کنار کارهای تحقیقی خود تا پایان عمر در تکمیل آن کوشید. حاصل کار استاد یزدگردی، بی‌گمان، بی‌مانند است، چرا که اولاًـ توضیحات و تعلیقات و تحقیقات او دربارهٔ ظهیر و شعر او کامل‌ترین و دقیق‌ترین و محققانه‌ترین تحقیقاتی است که تاکنون در زمینهٔ ظهیرشناسی صورت گرفته است، ثانیاً، متن مصحح استاد، یگانه متن مصححی است که تاکنون از دیوان استاد فاریاب به چاپ رسیده است

منابع زندگینامه :منابع :
۱www.ketabesal.ir

یزدی خراسانی، عبدالخالق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، عالم دینی، واعظ و مدرس. وی در ابتدا از شاگردان شیخ احمد احسائی بود. فقه و اصول را در محضر شریف‌العلماء مازندرانی فراگرفت. سپس به یزد بازگشت و از آنجا به مشهد مقدس رفت. او از بزرگان علما و از مدرسین مشهور مشهد بود، در توحید خانه‌ی حرم رضوی تدریس می‌کرد و علما و فضلاء در مجلس درسش شرکت می‌جستند. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» تألیفات او را دلیل بر وسعت اطلاعات و کثرت دانش وی می‌داند. ظاهراً صاحب عنوان متأثر از عقاید شیخ احمد احسائی بوده، چنان که در «مطلع الشمس» آمده است": ما بین او که بر مسلك شیخیه می‌رفت با علماء مشهد مجلس مناظرت مکرر منعقد شد ".او در مشهد درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار او: «مصائب الائمهٔ (ع)» معروف به «مصائب المعصومین (ع)»؛ «بیت‌الاحزان»؛ «معین الطالبین»؛ «معین المجتهدین»، در اصول فیه؛ رساله‌ی «صلاهٔ الجمعهٔ»؛ «مناقب المعصومین (ع)»؛ رساله‌ی «علم الماسهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (۵۱۸، ۴۹۱ / ۲)، الذریعه (۳۳۵ -۳۳۴ / ۲۲ ،۲۸۷، ۲۸۵، ۷۳ / ۲۱ ،۷۳ / ۱۵، ۱۸۵ / ۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۲۳/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۲۲۶)، مطلع الشمس (۳۹۹)، معجم‌المؤلفین (۱۱۰ / ۵)، هدیهٔ‌العارفین (۵۱۰/ ۱).

یزدی فیروزآبادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن سید محمدباقر حسینی یزدی فیروزآبادی که از مراجع بزرگ و آیات عظام گذشته بوده است.

معظم له در سال ۱۲۶۵ ق در فیروزآباد یزد متولد شده و پس از رشد و پرورش به یزد آمده و مقدمات را در آنجا فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آسید یحیی یزدی استفاده نموده.

پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست و مرجعیت آیت‌اللّه علی‌الاطلاق میرزا محمدحسن مجدد شیرازی به سامرا رفته و از آنجناب در حالی که سی سال از عمرش می‌گذشت بهره‌مند شده.

و قبل از فوت آن بزرگوار به کربلا آمده و از محضر علامه فاضل اردکانی کسب فیض نموده و بعد از فوت مرحوم علامه یزدی صاحب (عروهٔ‌الوثقی) بسیاری از مردم عراق و ایران در تقلید به وی رجوع نموده و نماز جماعتش در صحن مطهر علوی مورد توجه قرار گرفته و محبوبیت خاصی در بین عامه مردم پیدا نمود.

علامه خونساری در احسن الودیعه ج ۲ ص ۹۷ گوید: آقا سید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی از اجلاء علماء عاملین و افاخم فقهاء مجتهدین و یکی از مراجع امامیه بود. مرا به خدمتش مشرف و کرارا با ایشان ملاقات کردم و ندیدم از جنابشان الاسکون و وقار. آن بزرگوار حسن الاخلاق کریم الاعراق جامع بارع و زاهد عابد بود.

عمده تلمذش خدمت علامتین متعاصرتین آقا سید محمدکاظم یزدی و محقق خراسانی بود و اخیراً ملازم حضور سید مرحوم گردید.

آن بزرگوار صبح جمعه آخر ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۴۵ ق در سامره به رحمت حق پیوسته و فوراً حمل به نجف اشرف و با تشییع عظیمی در هه مشاهد مشرفه از عراق به نجف و اردو در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یزدی مشهدی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی و خطیب. او از ائمه‌ی جماعت و اهل منبر در مشهد رضوی بود. کتاب «بحارالانوار» رابه خط خود نوشت و آن را وقف کتابخانه آستان رضوی نمود. از طرف آیت‌اللّه سید محمود مرعشی تبریزی، پدر آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، هنگام تشرف به آستانه‌ی مقدسه‌ی حضرت رضا (ع)، به جهت صاحب عنوان، اجازه‌ای صادر شده است. او در مشهد درگذشت. از آثار او: «نوامیس العجب»، در شرح زیارت رجب؛ «نوامیس العرفان»، در شرح صلوات شعبان؛ «الباقیات الصالحات»؛ «بحر الدموع»، مقتل فارسی؛ «سماء الغزوات»؛ «الشموس المضیئهٔ»؛ «المعضلات»؛ «خزائن الانوار»؛ «الحجج»؛ «الحائق»؛ تفسیر «سوره‌ی الفجر»؛ «مغناطیس الابرار».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۵۰۵/ ۲)، الذریعه (۳۵۲/ ۲۴ ،۲۶۶/ ۲۱ ،۲۳۵/ ۱۴ ،۲۲۹/ ۱۲ ،۱۵۳/ ۷ ،۳۴۱/ ۴ ،۳۹ ،۱۱/ ۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۹۶ -۹۵/ ۱۴)، معجم‌المؤلفین (۱۹۸/ ۱).

یزدی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حیدرعلی یزدی از علماء محترم این شهرستانست.

وی از یزد مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و حکیم و شاهرودی و دیگران کسب علم و کمال نموده آنگاه به ایران برگشته و بنابر دعوت یزدیهای مقیم کرج رحل اقامت باین شهر انداخته و در مسجد یزدیها واقع در خیابان قزوین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یزدی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۷ ق)، عالم دینی، مفسر، ادیب و لغوی. اصل وی از یزد و از دانشمندان سده‌ی سیزدهم هجری می‌باشد. صاحب عنوان در زمینه ادبیات، لغت و تفسیر قرآن دارای تصانیفی بوده است. از آثار او: «نخبهٔ المیزان» یا «نخبهٔ اللغات»، در لغت که در ۱۲۸۷ ق آن را تألیف نمود و در ۱۲۸۸ ق در تهران به چاپ رسید؛ تفسیر قرآن تا آخر «سوره‌ی نساء»؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبهٔ الزهراء (ع)»؛ شرح «خطبهٔ الشقشقیهٔ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۷۱/ ۸)، الذریعه (۱۰۰ -۹۹ ،۹۸/ ۲۴)، معجم‌المؤلفین (۴۰/ ۷).

یزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد یزدی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله محمد یزدی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و ارادتمند به خاندان پیامبر، چشم به جهان گشود. جدش، مرحوم شیخ محمد علی، حدود صد سال پیش از یزد به اصفهان هجرت کرد و در مدت زمان کوتاهی، در حوزه علمیه اصفهان، به درجات علمی بالایی نائل آمد. مرحوم «آقا نجفی» که در آن دوره، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشت، شیخ محمد علی را مأمور بحث و مناظره با کشیش های ارامنهٔ جلفای اصفهان کرد که شیخ محمد علی توانست بر تمامی آنها فائق آید و از آن پس، «شیخ یزدی» شهرت یافت.

پدر آیهٔ الله یزدی، مرحوم «شیخ علی یزدی» نام داشت که از شاگردان «شیخ عبدالکریم حائری» و از روحانیون معروف اصفهان بود که امامت جماعت یکی از مساجد اصفهان را بر عهده داشت و به حل مشکلات مردم عالم پرور اصفهان می‌پرداخت. از ویژگیهای او آشنایی با علوم غریبه بود.

مادر آیهٔ الله یزدی نیز زنی مؤمن از خانواده متدین و دوستدار اهل بیت (ع) بود که پدرش از مریدان «شیخ یزدی» به شمار می‌آمد و ارادت او به «شیخ یزدی» در ازدواج پدر و مادر وی بی تأثیر نبوده است.

آیهٔ الله محمد یزدی تحصیلات خود را ابتداء در محضر پدر و با فراگیری زبان فارسی آغاز کرد و پس از آن، عازم مکتب خانه شد. مکتب خانه‌های آن روزگار اغلب در مسجد بود و فاقد میز و صندلی!. پس از گذراندن دورهٔ مکتب، برای گذراندن کلاس چهارم آن نظام آموزشی، به نخستین مدرسه‌ای که در اصفهان به سبک جدید تأسیس شده بود و یکی از روحانیون که با پدر او نیز سابقه دوستی داشت، آن را اداره می‌کرد، رفت. شش کلاس آن نظام را در آن مدرسه گذرانید.

تحصیلات حوزه را که در آغاز، نزد پدر آموخته بود، در مدرسهٔ «کاسه گران» اصفهان ادامه داد و سپس به مدرسه «ملا عبدالله»

رفت و به تحصیل شرح لمعه مشغول شد. پس از آن به مدرسه «صدر» آمد و به خواندن «قوانین» پرداخت و در این میان، از محضر عالمان بزرگ اصفهان نیز در زمینه‌های علمی و معنوی بهره می‌برد.

با تشریف فرمایی حضرت آیت الله بروجردی به قم، شور و بی قراری زائد الوصفی وجود این طلبه جوان را فرا گرفت و با اصرار فراوان به پدر، خواستار حضور و تحصیل در حوزهٔ علمیهٔ قم شد. پدر، در ابتداء با این سفر مخالف بود، ولی با واسطه قرار گرفتن یکی از علمای یزد، به سفر فرزند خود رضایت داد. در بدو ورود به قم، در مدرسه فیضیه مستقر شد. در آن زمان، آیهٔ الله بروجردی، از برخی طلاب به سبب آشنایی با میزان توانایی علمی آنان، امتحان به عمل می‌آورد. وی با شرکت در دروس سطح، کتاب های رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را به خوبی فرا گرفت و در درس خارج علمای بزرگ حوزه، از جمله آیهٔ الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) شرکت کرد. تلاش علمی ایشان در آن سال ها باعث شد تا بتواند از حضرت امام خمینی (ره) اجازه نامهٔ اجتهاد دریافت کند.

وی در طول آن سال ها و حتی تا هم اکنون، از طریق شهریه، معاش گذرانده است و وضعیت خانوادگی، به ویژه علاقه مندی پدر به تحصیلات حوزوی، استادان بزرگوار حوزه و صبر و بردباری همسر و فرزندان خود را از عوامل مهم رشد علمی و فرهنگی خود می‌داند.

دوران تحصیل آیهٔ الله یزدی، سرشار از تحصیل در محضر عالمان بزرگ بوده است. از استادان وی، هنگام تحصیل در اصفهان، می‌توان از آقایان: «شیخ حسن نجف آبادی»، «فقیه»، «سید محمد علی ابطحی» نام برد که بخشی از کتب دورهٔ سطح را در خدمتشان فرا گرفت. با ورود به قم به دروس مرحوم «آیهٔ الله لاکانی»، مرحوم «حاج آقا حسین بُدلا» و مرحوم «زاهدی» رفت و رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را در محضر «آیهٔ الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «آیهٔ الله مرعشی» و «آیهٔ الله سلطانی» فرا گرفت و در درس تفسیر «علامه طباطبایی» نیز حاضر شد. وی در درس خارج علمای بزرگی همچون: «آیهٔ الله بروجردی (ره)»، «آیهٔ الله اراکی»، «آیهٔ الله شیخ محمد تقی آملی»، «آیهٔ الله شاهرودی» و نیز یک دوره کامل در درس خارج «امام خمینی (ره)» شرکت کرد.

آیهٔ الله یزدی، ویژگی درس امام (ره) را چنین بر می‌شمرد:

«حضرت امام (ره) قبل و بعد از شروع سال تحصیلی به نصیحت طلاب می‌پرداختند و در اکثر مواقع هم به یاد دارم که شاگردان تحت تأثیر نفوذ کلام حضرت امام (ره) به گریه می‌افتادند. عجیب اینجا بود که مسائل مطروحه از سوی امام، گاه از اهمیت چندانی برخوردار نبود، ولی بحث و بیان امام به گونه‌ای بود که همه را به گریه می‌انداخت».

همچنین در باره همراه بودن درس امام (ره) با بینش سیاسی می‌گوید:

«ایشان در مسائل سیاسی و آموزش آن، در کنار دروس رسمی حوزه شیوه‌های عجیبی داشتند. برای مثال عرض می‌کنم که یک بار در کلاس درس اصول، از این شیوه استفاده کردند. در اصول فقه، بحثی وجود دارد تحت این عنوان که «امر و نهی در صورتی معنا دارد که مخاطب آن قابلیت تأثیر پذیری و انبعاث داشته باشد». اکثر اساتید وقتی به این مبحث می‌رسند، در مقام مثال زدن می‌گویند: به دیوار و سنگ نمی‌توان گفت چنین کن! اما حضرت امام می‌فرمودند: به «خروشچف» نمی‌شود امر کرد که نماز بخوان! خود به خود برای ما که شاگرد ایشان بودیم، این سؤال پیش می‌آمد که «خروشچف» دیگر چیست یا کیست؟ بعد می‌رفتیم دنبال پاسخ به این سؤال و همین امر بینش سیاسی ما را افزایش می‌داد و به گسترش افق دید ما کمک می‌کرد».

از دوستان و معاشران آیهٔ الله یزدی در ایام تحصیل در اصفهان می‌توان از آقایان: فقیه ایمانی، مدنی، اخوان «ابطحی»، سید محمد علی مجلسی و سید محمد باقر مجلسی را نام برد. همچنین وی در نخستین سال های طلبگی با آیهٔ الله «سید محمد حسین بهشتی» آشنا شد و نظم آن شهید سعید را شایان ستایش می‌داند. از دوستان ایشان در زمان تحصیل در قم نیز می‌توان از آقایان: «محمدی گیلانی»، «شیخ حسین مظاهری»، «شیخ محمد تقی مصباح یزدی»، «سید علی اکبر موسوی یزدی» و «حاج شیخ مرتضی تهرانی (انصاری)» نام برد.

زندگی آیهٔ الله یزدی، همواره با تلاش ها و دغدغه‌های علمی و فرهنگی همراه بوده است. بخشی از این تلاشها در قالب سخنرانیها و تدریسها تبلور یافته است که اغلب، اساسی‌ترین مباحث اسلام و تشیع در آن مورد مداقه قرار گرفته است و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. بخش دیگر آن نیز در قالب مقالات و کتب مفیدی است که جوانان و طالبان علم را از معارف والای مکتب تشیع بهره‌مند می‌سازد. ایشان نخستین مقاله‌های خود را در نشریه «حکمت» به چاپ رساند. از جمله کتب ایشان که در زمان طاغوت به چاپ رسید، کتاب «گمشدهٔ شما» بود که چاپ آن باعث شد فردی به نام «مردوخ» به بهانه آن، تهمت های ناروایی را به ساحت تشیع ابراز دارد. این مسأله باعث شد که آیهٔ الله یزدی تهمت های او را در کتابی با عنوان «پاسخ به تهمت های مردوخ» پاسخ دهد که هر دو کتاب «گمشدهٔ شما» و «پاسخ به تهمت های مردوخ» مورد عنایت زعیم عالیقدر شیعه، حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت. آیهٔ الله یزدی در طول دوران مبارزه بر ضد رژیم شاهنشاهی، حتی در زمان تبعید، دست از نگاشتن در جهت تبیین معارف اسلامی برنداشت و تا کنون، کتابها و مقالات بسیاری را به چاپ رسانده‌اند.

زندگی سیاسی حضرت آیهٔ الله یزدی، با توجه به مبارزهٔ بی امان ایشان با رژیم شاه و نیز افشاگری های فراوان که به تبعید و شکنجه معظم له منجر می‌شد و با نگاه به سابقه مدیریت ایشان در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از تاریخ انقلاب را تشکیل می‌دهد و مطالعهٔ آن، فضای مبارزه و مقاومت را در اذهان دوستداران انقلاب زنده می‌سازد. آیهٔ الله یزدی با ورود به حوزه علمیه قم، مبارزه و درس را توأمان آغاز می کند و با شرکت در درس امام خمینی (ره) و جلسات عمومی و خصوصی ایشان، توانایی و عزم خود را برای پی‌گیری جریان های سیاسی و پیروی از خط مشی امام (ره) اعلام می‌دارد. ارتباط وی با امام با حاضر شدن در درس خارج اصول ایشان در مسجد سلماسی و پرسش های علمی و سیاسی در پایان درس آغاز شد.

در آن ایام، در عصرهای جمعه، بیشتر جوانان به سینما می‌رفتند و جو سینماها آکنده از فیلم های زشت و مبتذل بود. حضرت امام (ره) با توجه به این معضل، از علماء و طلاب خواسته بودند که جلساتی را در عصرهای جمعه برقرار کنند. رساندن این پیام امام (ره) در برخی از شهرها، به عهده آیهٔ الله یزدی بود. یکی از آن جلسات، جلسه معروف مسجد امام حسن عسگری (ع) واقع در قم

بود که هر یک از علماء، ده شب در آنجا به سخنرانی می‌پرداخت. هنگامی که نوبت به آیهٔ الله یزدی رسید، به جای ده شب، بیست شب آن جلسه را اداره کرد. عنوان بحث های وی در آن بیست شب، «انقلاب های تاریک و روشن» بود که امام (ره) نیز یک شب به آن محفل آمد و تا پایان جلسه هم حضور داشت.

سخنرانی های ایشان در آن ایام، چنان مؤثر و شور آفرین بود که باعث شد امام خمینی (ره) ایشان را احضار فرماید و شیشهٔ عطری هدیه و برای ایشان دعا نماید. ویژگی سخنرانی های آیهٔ الله یزدی این بود که در سخنرانی خود ضمن بیان مکتب و روش اهل بیت و نیز خط مشی دشمنان آنها، واقعیات مبارزه و مصداق های کنونی دشمنی با اهل بیت را بیان می‌کرد؛ مثلاً در باره نهضت امام حسین (ع) سخن می‌گفت و بدی و پلیدی یزید و پیروانش را به مردم گوشزد می‌کرد. سپس حسینیان زمان و یزیدیان این دوره را با ویژگی های آنها و با انطباق با صدر اسلام بیان می‌فرمود. کتاب «حسین بن علی را بهتر بشناسیم» حاصل این سخنرانیها بود که چند بار، ساواک آن را از بازار جمع آوری کرد. ساواک که این گونه افشاگریها را برنمی‌تافت، آیهٔ الله یزدی را بارها دستگیر و ممنوع المنبر کرد؛ از جمله دستگیری بعد از ۲۱ رمضان در مسجد جامع قم و پس از سخنرانی در منزل آیهٔ الله گلپایگانی را می‌توان نام برد. ساواک بارها ایشان را تبعید کرد که طولانی‌ترین آنها پس از بندر لنگه و بوشهر، رودبار بود؛ اما آیهٔ الله یزدی در دوره تبعید نیز دست از مبارزه بر نمی‌داشت و بارها به طور مخفیانه به تهران و قم می‌آمد و در جریان امور قرار می‌گرفت و اعلامیه‌های امام را برای مردم و علمای شهرها می‌برد. ایشان در قم و تهران جلساتی را به صورت مخفی تشکیل می‌داد و با افراد و جریانهای گوناگون به تبادل نظر می‌پرداخت که به (جلسات زیرزمینی) شهرت یافته بود.

از دیگر فعالیتهایی که در کارنامهٔ سیاسی آیهٔ الله یزدی می‌درخشد؛ پناه دادن به آن دسته از سربازان فراری بود که پس از دستور امام (ره) و پیش از پیروزی انقلاب، از ارتش گریخته و به مردم پیوسته بودند. منزل او در آستانه پیروزی انقلاب، مرکز تلاش ها و نیز حل و فصل بسیاری از امور جریان های انقلاب بود. همان منزلی که امام (ره) پس از پیروزی انقلاب و مراجعت به قم، در آن ساکن شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اولین سخنرانی امام (ره) در فیضیه که شور و شوق فراوان و کثرت جمعیت مانع از انجام این سخنرانی بود؛ حضرت امام به ایشان دستور می‌فرمایند برای آرام کردن مردم ایراد سخن کنند و ایشان نیز امر امام را اطاعت نمودند که خاطرهٔ آن در اذهان حاضران در آن روز بزرگ، باقی مانده است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مراکز بسیار مهمی بود که در زمان رژیم طاغوت، خدمات شایانی را به مبارزات ملت ایران برای دست یابی به انقلاب اسلامی انجام داده است. آیهٔ الله محمد یزدی، از آغازین روزهای تأسیس این مرکز، با آن همکاری داشته است و این همکاری تا کنون نیز ادامه دارد. ایشان خود در باره جامعه مدرسین می گوید:

«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در شمار مراکزی بود که بی آنکه تبلیغات هنگفتی برای اثبات ارزش و اعتبار خود بنماید، توانست احترام تودهٔ مردم را نسبت به خود جلب کند. مردم اعضای جامعه را افرادی متدین و فاضل یافته بودند و عمیقاً به این باور رسیده بودند که اینان کسانی نیستند که برای قصد و غرض دنیوی کاری انجام داده و سخنی بگویند و جز برای خیر و انجام وظیفه دینی و الهی خود کاری نمی‌کنند.

آیهٔ الله محمد یزدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره در خدمت نظام و بازوی توانای امام و رهبری بود. ایشان در مسؤولیتهای بسیار مهمی ایفای نقش نموده‌اند

یزدی، محمد مقیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۵۷ ق)، حکاک فلزات. او نگارگری استاد و هنرمندی نازک قلم به شمار می‌آمد که در تصویر و ترسیم نقوش هندسی بر روی فلزات قوی دست و پر مهارت بود. وی پیچش و تزیینات دقیق دوایر و هلالی‌های صفحات اسطرلاب را به زیبایی می‌ساخت. از آثار وی: اسطرلاب نفیسی که جهت شاه عباس ثانی تهیه کرده، با رقم: «قد امر السلطان... ابوالمظفر شاه عباس الثانی... و قد صنعه محمد مقیم یزدی فی سنه غنز الهجریه ۱۰۵۷»؛ اسطرلاب کوچک و کم‌کاری که رقم محمد مقیم یزدی را دارد و سال اجرای آن ۱۰۵۲ ق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۰۸۶/ ۳).

یزگردی، امیرحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق، مدرس.

تولد: ۱۳۰۶، تهران.

درگذشت: ۴ فروردین ۱۳۵۶، تهران.

امیر حسین یزدگردی در سال ۱۳۲۹ از دانشسرای عالی درجه‌ی لیسانس و سال ۱۳۳۶ از دانشگاه تهران دکترای ادبیات فارسی دریافت داشت. از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ در وزارت آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال ۱۳۵۹، در دانشکده‌ی الهیات

و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. او در عین حال آثار چندی را برای چاپ آماده کرد که از آن جمله است: مقاله و تصحیح دیوان ظهیر فاریابی و حواشی بر دیوان حافظ و مرزبان‌نامه و جهانگشای جوینی و راحهٔ الصدور راوندی (که به چاپ نرسیده است)؛ تصحیح و تعلیق نفثهٔ المصدور (شهاب الدین محمد زیدری، ۱۳۴۳)؛ حواصیل و بوتیمار (این کتاب در یازدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برنده‌ی رشته‌ی تاریخ و نقد در بخش ادبیات شده است)؛ مساعدت در زمینه‌ی تحشیه به مجتبی مینوی برای تصحیح کلیله و دمنه، همچنین بدیع‌الزمان فروزانفر از همکاری او در تصحیح بعضی از مجلدات دیوان کبیر مولانا یاد کرده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یشیل کایا، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضا یشیل کایا

محل تولد : ترکیه- استانبول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

علیرضا یشل کایا ۱۷۲ در ترکیه به دنیا آمدم در منطقه توزلجا دوران دورسی ابتدائی را تمام کردم در تاریخ ۱۹۸۴ به استانبول رفتم در استانبول تحصیل را در رشته تخصوصی ماکینا و تکنولوژی ادامه تحصیل دادم مایثق وقالب گیری یعنی علوم مادر تکنولوژی را یاد گرفتم هم درس خوانده ام به مدرسه رفتم در کنار این درس به ورزش علاقه مند شدم به عنوان کاراته به قول مشهور دان ۲ رسیده ام در ترکیه ۶۴ کیلوگرم مسابقه داده و نفر دوم شدم ولی با توجه به این که خانواده ام استانبول نبودند بنده الحمدلله در کنار مسجد زینبیه زندگی می کردم به مسجد زینبیه رفت و آمدم می کردم که اهل نماز بودم و یک جوان مومن و خدا شناسی بودم حرکتهای انقلاب اسلامی را از نزدیک دنبال میکردم بعد از یک مدتی به سربازی رفتم سربازی در ترکیه ۱۸ ماه بوده ولی الحمدلله سربازی سه ماه کمتر شده بنده یک ماه را هم مرخصی استفاده نکرده بودم که روی هم رفته ۴ ماه کمتر شده و زودتر انجام وظیفه را تمام کردم بعد از ۴ ماه در سال ۱۳۷۳ به تاریخ ایران به ایران آمدم الان که تاریخ ۲۵/۱/۱۳۸۶ است در ایران هستم الان در مدرسه مبارکه شهابیه زبان فارسی را گذراندم بعد در مدرسه مبارکه مومنیه رفتم بعد از آن به مدرسه مبارکه امام خمینی ره بعد از آن به مدرسه نجفی مرعشی و بعد از آن به مدرسه مبارکه حجتیه رفتم در مدرسه مبارکه مومنیه از اساتید چون آقای قمی که الان در دفتر رهبری هستند و آقایان صدریان ، امینی ، تهرانی ، مظفری ، ذاری، ذاکری ، ایرام فر ، احمدی ، محامی که مدیر مدرسه مبارکه حجتیه هستند و آقای محسن قرائتی دو ماه از محضرشان استفاده کردم از محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله بروجردی و اساتید دیگر سه سال درس خارج استفاده نمودم و پایان نامه نوشتم به عنوان ترجمه وتحقیق بلاغت قبول شدم واز بیست ، ۱۸ گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کرده ام الان بعضی از نواقص برنامه مرکز را دارم به اتمام میرسانم و ۴ امتحان دیگر مانده که مشغول تمام کردن آنها هستم که بعد از آنها به دکترا راه می یابم و مشغول دکترا میشوم فلسفه و منطق و تفسیر و اصول و ادبیات را خوانده ام الان در اینترنت مشغول سخنرانی های به زبان ترکی استانبولی و زبان فارسی و عربی به حد توان صحبت کردیم و مشغول تبلیغ هستیم و عاشق فلسفه منطق و تفسیر اخلاق و تاریخ دوست دارم درباره بچه کتاب ترجمه کردم آماده چاپ هست . پایان نامه ام به عنوان کتاب شده مقاله هایم در مجله در آلمان به چاپ رسیده انشاء الله بیست روز دیگر آن مجله را به خدمتتان میاورم و در مورد اذان و اقامه مقاله هست ترجمه آماده چاپ هست.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد : بروجن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد : بروجن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۶، کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۶، دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد علوم کتابداری از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح فهرست گواه‌آوری در معارف اسلامی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

گرامر larive of fleury، گرامر Maurice Grevisse و راهنمای املاء فرانسه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فرانسه، طیف و طبیعت پایان‌نامه دانشگاهی، دیدگاه عرفانی ویکتور هوگو.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یغمای جندقی، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی به علت حادثه‌ای مورد توجه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت قرار می گیرد . وی در دستگاه خان به سرودن شعر می‌پردازد و به سمت منشی گری خان می‌رسد. پس از مدتی مورد توجه میرزا آقاسی قرار گرفته و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نام اولیه ای یغمای جندقی رحیم و نام پدرش حاج ابراهیم قلی است. رحیم در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری نام خود را به ابوالحسن تغییر می‌دهد و به مجنون تخلص می کرد و به نام ابوالحسن مجنون معروف شد. پس از پناهنده شدن او به شاه عبدالعظیم و انزجاری که از سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان پیدا می کند تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد: به من از مال دنیا یک تخلص مانده «مجنون » است به کار آید گر ای لیلی وش آن را نیز «یغما» کن

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت پرورش می یابد و به سرودن شعر می‌پردازد.

خاطرات و وقایع تحصیل : در دستگاه اسماعیل خان نام خود را از رحیم به ابوالحسن تغییر می دهد و تخلص مجنون را برای خود انتخاب می کند.

همسر و فرزندان : از فرزندان وی احمد صفایی است که نسخه‌ای از برهان قاطع را کتابت نموده به وی تقدیم کرده است.

وقایع میانسالی : ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی پس از آن که به حکومت کاشان می رسد،در آنجا با ملا احمد نراقی دوستی ای بسیار می‌یابد.

زمان و علت فوت : فوت ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در سن هشتاد سالگی در زادگاهش خور اتفاق افتاده است و در بقعه امامزاده داوود خور به خاک سپرده می‌شود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالحسن مجنون در دستگاه اسماعیل خان سمت منشی گری خان را پیدا می کند. و در سال ۱۲۳۳ هجری قمری در جنگ سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان و افاغنه به زور شرکت داده می شود. اما از آنجا که مردی هنرمند بود در دستگاه سردار به منشی گری می‌پردازد. بعدها تحت حوادثی مورد حسد اطافیان قرار می‌گیرد و دسیسه ای علیه او می پردازند که به دنبال آن سردار دستور می‌دهد چوب مفصلی به او بزنند. ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی به شاه عبدالعظیم پناه می‌برد و تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد. یغما بعداً مورد توجه میرزا آقاسی قرار می گیرد و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما مردی شوخ طبع و هزال بود . علاوه بر آن شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمد شاه به شمار می‌رود. یغما خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته را بسیار خوش می‌نوشته و کتابهای مختلفی را کتابت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : بسیاری از آثار یغمای جندقی جای مشخصی ندارند و در مقدمه دیوانش از آنها یاد کرده‌اند. ---

آثار :

۱ المعجم فی معاییر اشعار العجم

۲ دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

۳ دیوان ظهیر فاریابی به خط نستعلیق

ویژگی اثر : این اثر نزد خانواده یغماست.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]

۴ دیوان کمال الدین اسماعیل

۵ کتابت برهان قاطع

ویژگی اثر : برهان قاطع را در سال ۱۲۴۰ هجری قمری نوشته و در سال ۱۲۶۵ به فرزندش احمد صفایی بخشیده است. این نسخه که یغما خود تصحیح کرده و بر آن مقدمه نوشته در کتابخانه حبیب یغمایی بوده است.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]

۶ کلیات شیخ سعدی

ویژگی اثر : این اثر برای شاهزاده بهاالدوله کتابت شده است.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]

۷ مقامات حمیدی

منابع زندگینامه :۱سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰

یغمایی، اقبال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۶ -۱۲۹۵ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مترجم و مصحح. در روستای مسکین خور و بیابانک به دنیا آمد. وی برادر حبیب یغمایی، صاحب مجله‌ی «یغما» بود. اقبال پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدارس تهران و متوسطه را در مدرسه دارالفنون به پایان رساند. او سپس وارد دانشسرای مقدماتی شد و بعد از پایان تحصیلات دانشسرای عالی به شاهرود رفت و در ضمن تدریس ریاست دبیرستان ایرانشهر آنجا را نیز به عهده گرفت. یغمایی در ۱۳۲۴ ش به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول خدمت شد و از ۱۳۲۷ ش در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به مدت سه سال به تدریس پرداخت. وی مدتی سرپرستی مجله «آموزش و پرورش» را به عهده گرفت و بعد از چندی خود مستقلا اقدام به نشر مجله «دانش‌آموز» نمود. یغمایی مدت طولانی با بنیاد فرهنگ ایران به سرپرستی دکتر پرویز خانلری و اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ و هنر همکاری داشت. او در تهران درگذشت و در قطعه‌ی هنرندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «طرفه‌ها»، سه مجلد؛ «داستان پیامران»؛ «مدرسه‌ی دارالفنون»؛ «شهید راه آزادی»، سرگذشت سید جمال‌الدین اصفهانی، پدر محمدعلی جمال‌زاده؛ «جغرافیای تاریخی دامغان»؛ «داستانهای عاشقانه ادبیات فارسی»؛ «داستانهای عیاری و پهلوانی در ادبیات فارسی»؛ تصحیح «حماسه ابومسلم نامه»؛ تصحیح «هوسنامه خسرو و شیرین»؛ «سفرنامه شاردن»، ترجمه؛ «پتی شز»، ترجمه؛ «رابینسون کروزوئه»، ترجمه؛ «تشبیهات شاعرانه»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۰۹، ۱۷۴۳، ۱۶۷۷/ ۲ ،۱۰۳۴، ۸۹۷، ۵۸۸، ۵۰۴/ ۱)، کلک (س ۸، ش ۹۳ -۸۹، ص ۸۱۱ -۸۰۸)، مدرسه‌ی دارالفنون (پشت جلد)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۲/ ۱).

یکتا اصفهانی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۹۰ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به یکتا. در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در آموزشگاه‌های زادگاهش به اتمام رساند و در خدمت محمدکاظم غمگین قواعد شعر و فنون ادب را آموخت. او شعر را نیک می‌سرود و ابتدا فردی تخلص می‌کرد. وی به زبان فرانسه و انگلیسی آشنا بود و در علم حساب و دفترداری و موسیقی نیز اطلاعاتی داشت. او در انجمن‌های شیدا، فرهمند و کمال شرکت داشت. از آثارش: «رساله در موسیقی»؛ «تاریخ سلجوقی»، ترجمه؛ «تذکره‌ی شعرای ایران»، از اوایل قرن چهاردهم تا زمان حاضر؛ تدوین و تحشیه «دیوان» غمگین؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۴۹ -۵۴۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۹۸)، الذریعه (۱۳۱۵ - ۱۳۱۴/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۸۶ -۳۹۸۲/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۹۷/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۷/ ۵).

یمینی شریف، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان انتصاریه و شاهپور تجریش و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون و دانشسرای مقدماتی به پایان رساند. وی در ۱۳۱۹ ش وارد دانشسرای عالی و سپس وارد دانشکده‌ی ادبیات شد و موفق به اخذ لیسانس گردید و آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. رشته‌ی مورد علاقه‌ی یمینی شریف آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز (تربیت معلم) کالج کلمبیا علاوه بر رشته آموزش و پرورش به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت. شعرهایش در ۱۳۲۳ ش در اولین شماره‌ی مجله‌ی «بازی کودکان» که بعدها سردبیری آن مجله را به عهده گرفت، به چاپ رسید و در ۱۳۲۴ ش اشعاری از وی ابتدا در کتابهای ابتدایی اراک و سپس در کتابهای کلاسهای اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستان‌ها چاپ شد. او در ۱۳۲۸ ش مدیریت مجله‌ی «دانش‌آموز» و از ۱۳۳۵ ش تا ۱۳۵۸ ش مدیریت مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» را به عهده داشت. در ۱۳۳۴ ش امتیاز مدرسه‌ی روش نو را به کمک همسرش از وزارت

فرهنگ دریافت کرد و بیش از بیست و پنج سال اداره‌ی آن را عهده‌دار بود. در ۱۳۴۱ ش با همکاری عده‌ای از دوستان مؤسسه فرهنگی و غیرانتفاعی شورای کتاب کودک را تأسیس کرد، که هدف از آن راهنمایی و مشاورت با نویسندگان و شاعران و تصویرگران و مترجمان علاقه‌مند به آثار کودکان و نوجوانان بود. از دیگر آثار وی: «دنیاگردی جمشید و مهشید»؛ «فری به آسمان می‌رود»؛ «قصه‌های شیرین»؛ «دو کدخدا»؛ «داستان عروسک»؛ «بازی با الفبا»؛ «روی زمین و زیر زمین» گیاه‌شناسی برای کودکان، ترجمه؛ «بیژن و شیر»، ترجمه؛ «جزیره‌ی مرجان»، ترجمه؛ «آواز فرشتگان»، شعر؛ «قصه‌های شیرین»، شعر؛ «گربه‌های شیپور زن»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]

شاعر، داستان‌پرداز.

تولد: ۱۲۹۸ تهران.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۸، تهران.

عباس یمینی شریف متخلص به «یمینی» در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ در دانشسرای مقدماتی تهران تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۹ که به دانشسرای عالی راه یافت علاقه به شعر گفتن و داستان‌نویسی برای کودکان در او بیشتر شد. در سال ۱۳۲۲ دو شعر تحت عنوان «ستاره» و «ماده غاز» از وی در شماره‌های چهارم و نهم مجله «سخن» به طبع رسید. در سال ۱۳۲۳ در اولین شماره مجله‌ی «بازی کودکان» شعرهایش به چاپ رسید و پس از مدتی نیز یمینی شریف به سردبیری آن انتخاب شد. در سال ۱۳۲۴ برخی اشعارش وارد کتاب‌های ابتدایی اراک و پس از آن وارد کتاب‌های اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستان‌ها شد. عباس یمینی شریف در سال ۱۳۲۸ به مدیریت مجلات «دانش‌آموز» و «شیر وخورشید» که دو نشریه‌ی وزارت فرهنگ برای کودکان و نوجوانان بود، منصوب شد. در ششم دی ۱۳۳۵ اولین شماره‌ی مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» منشر شد. وی به عنوان مدیر این نشریه تا سال ۱۳۵۸ به انتشار آن ادامه داد. در «تهران مصور کوچولوها» تأسیس ۱۳۳۶ و ضمنا اشعار ایشان در چند مجله‌ی دیگر که برای کودکان منتشر می‌شد به چاپ می‌رسید.

عباس یمینی شریف چه در دانشسرای مقدماتی تهران و چه در دانشسرای عالی دانشکده‌ی ادبیات و چه تیچرز کلمبیا رشته‌ی تحصیلاتش همیشه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز کالج کلمبیا علاوه بر رشته‌ی آموزش و پرورش، به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت.

بعدها نیز به سردبیری و مدیریت چهار مجله برای کودکان و نوجوانان رسید. در سال ۱۳۳۴ امتیاز مدرسه‌ی «روش نو» را به کمک همسرش از وزارت اداره‌ی مدرسه را به عهده داشت. در سال ۱۳۳۶ باشگاه بچه‌ها را تأسیس کرد. در سال ۱۳۴۱ با همکاری عده‌ای از فرهنگیان باسابقه به تأسیس مؤسسه‌ی فرهنگی و غیر انتفاعی شورای کتاب کودک پرداخت و از سال تأسیس عضویت در هیئت مدیره و خزانه‌داری شورا را تقبل کرد، در سال ۱۳۵۰ به همت وی جایزه‌ی نقدی یمینی شریف تأسیس شد و از آن تاریخ به بعد هر ساله با بهترین اثر چاپ شده در حوزه‌ی ادبیات کودکان تعلق گرفت. در سال ۱۳۵۷ با عده‌ای دیگر به تأسیس انجمن پژوهش‌های آموزشی همت گماشت.

یمینی شریف در زمینه‌ی ادبیات کودکان صاحب آثار گوناگون است که از میان این می توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: آواز فرشتگان یا شعر کودکان (۱۳۲۵)؛ قصه‌های شیرین (مجموعه شعر، ۱۳۲۶)؛ گربه‌های شیپورزن (مجموعه شعر، ۱۳۴۴)؛ دو کدخدا (۱۳۲۹)؛ برق و حریق (ترجمه)، روی زمین و زیر زمین (گیاه‌شناسی برای کودکان، اثر اریاوبر. ا.، ۱۳۳۶)؛ دنیاگردی جمشید و مهشید (۱۳۲۲)؛ بازی با الفبا، جزیره‌ی مرجان (اثر پلنتین، ۱۳۳۷)؛ داستان عروسک (با همکاری اسماعیل والی‌زاده، ۱۳۳۷)؛ بیژن و شیرین (ترجمه با همکاری دیگران)، کتاب اول دبستان؛ فری به آسمان می‌رود؛ آوای نوگلان؛ پرویز و آیینه؛ در میان ابرها گل‌های گویا (۱۳۵۰)؛ پوری و لباس‌های او؛ همسایه‌ی عجیب، باغ نغمه‌ها (۱۳۵۲)؛ آه ایران عزیز؛ دستمال گلدار و گنج بی صاحب؛ داستان خر و خرکچی؛ کتاب توکا؛ خانه بابا علی؛ شعر با الفبا (۱۳۶۳)؛ سیاهک و سفیدک؛ نیم قرن در باغ شعر کودکان؛ فارسی زبان ایرانی؛ پلنگ یکه تاز (۱۳۷۳).

عباس یمینی شریف در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۴۵ موفق به دریافت جایزه‌ی سلطنتی بهترین کتاب کودکان و در سال ۱۳۴۶ نیز نایل به دریافت جایزه‌ی بین‌المللی یونسکو به مناسبت تألیف بهترین کتاب سال در ایران شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبستان (س ۱، ش ۱، ص ۵۷)، الذریعه (۱۳۱۶ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۹۲ -۳۹۸۷/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۱۴، ۲۷۱۴- ۲۷۱۳، ۲۵۴۷، ۲۴۴۵، ۱۷۹۶- ۱۷۹۵/ ۲، ۱۴۸۰، ۱۴۵۸، ۱۳۳۰، ۱۰۲۶، ۵۵۶، ۴۳۹، ۶۹، ۶۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۴۰۴ -۴۰۳)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۹، ص ۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۹ -۶۸۸/ ۳).

یوسف پور، محمد کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم یوسف پور ،رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان است . او مسئول پژوهشکده گیلان شناس نیز می باشد . وی در این پژوهشکده به امور تحقیقی ،پژوهشی و اجرایی می پردازد و با دعوت از گیلان شناسان کشور درراستای بارور کردن فرهنگ گیلان تلاشی می نماید .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد کاظم یوسف پور رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان و همچنین مسئول پژوهشکده گیلان شناسی را برعهده دارد .

فعالیتهای آموزشی : بخشی از فعالیت های آموزشی یوسف پور ، به گیلان شناسی مربوط می شود . وی براین نظر است که خرده فرهنگها ، چکیده قرنها زندگی ما هستند . یعنی هر ملتی در زندگی تاریخی خود ذخیره های فراوانی اندوخته و آنها را در صندوقچه های خرده فرهنگها به یادگار گذاشته است . بنابراین تاکار از کارنگذشته ودامنه گسترش صنعت ارتباطات ، حافظه تاریخی ما را به فراموشی دچار نساخته است باید درثبت و ضبط باقی مانده فرهنگ این منطقه بکوشیم .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پژوهشکده گیلان شناسی از جمله مرکزی است که دکتر یوسف پور درتشکیل آن نقش داشت . این نخستین پژوهشکده استان شناسی بود که براساس ضوابط دانشگاهی و منطبق با موازین وزارتخانه متبوع مورد تایید قرار گرفت .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فعالیت روزمره یوسف پور ، تحقیق ومطالعه درمورد گیلان و گیلان شناسی است . او درمورد تحققیق براین باور است که جزء اولین آموزه های هر پژوهش علمی این است که محقق باید خودرا از دایره موضوع پژوهش بیرون بکشد و از منظر اشراف وبی طرفانه به موضوع بنگرد . او معتقد است که گرایشهای تعصب آمیز نه تنها خود شان راهی به دهی نمی برد . بلکه حتی می توانند فضای تحقیق را آلوده کنند .

همفکران فرد : مهندس حمیدی ، مهندس دهقان ، دکتر ابوالفضل درویزه ، دکتر رضا فتوحی و فریدون نوزاد از جمله همفکران یوسف پور می باشند که در امور تحقیقی و پژوهشی با هم همکاری و همفکری دارند .

آرا و گرایشهای خاص : محمد کاظم یوسف پور معتقد است که درقبال سرعت شتابان علم امروزی ما باید تسلیم شویم و یا باید مقاومت کنیم . او در این موردبا مثال آوردن کسانی همچون فرانتس فانون ، امد سزر، اقبال، شریعتی و دیگران معتقد است که ما باید به خویشتن خود باز گردیم و در پی ایستادگی دربرابر استماله فرهنگی قرار گیریم .

منابع زندگینامه :مصاحبه با رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، فصلنامه فرهنگ گیلان ، شماره ۵و۶، بهار وتابستان ۱۳۷۹، ص۸

یوسف زاده، حسینعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسینعلی یوسف زاده

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۵/۸

زندگینامه علمی

بنده در یک خانواده متوسط روستائی در ۸/۵/۱۳۴۹ چشم به جهان گشودم. تا یازده سالگی در کنار خانواده و تا کلاس چهارم ابتدائی را گذراندم. پس از آن و بعد از اتمام پایه چهارم به خواسته پدرم و تمایل خودم برای ادامه تحصیل در حوزه علمیه «تربت حیدریه» وارد شدم. در سال ۱۳۶۲ در همان ابتداء به این نتیجه رسیدم که گذراندن دروس جدید و خواندن آن همراه با دروس حوزوی خالی از فایده نیست لذا علی رغم ممانعت ریاست محترم وقت حوزه به صورت متفرقه سعی کردم به آن نیز بپردازم.

ذکر این خاطره همیشه برایم شیرین بوده است که «ما دو نفر بودیم و امتحان کلاس پنجم که باید به صورت متفرقه امتحان می دادیم در ماه رمضان بود و یک دوره کتاب پنجم بیش نداشتیم. با دوستم قرار گذاشتیم کتابی که باید فردای آن روز امتحان می دادیم روز تا شب در دست ایشان باشد و مطالعه کند و شب تا سحر من آن را مطالعه می کردم در حالی که برای مطالعه هر یک از کتاب ها چند ساعتی بیش وقت نداشتم. به حول و قوه الهی بدون هیچ مشکلی نمره خوبی را گرفتم».

در همان ابتداء سئوالاتی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود از جمله اینکه: (شنیده بودم کسی وارد حوزه می شود درس او پایانی ندارد و یا لااقل ۳۰ سال باید بخواند. با خودم می گفتم من سی سال درس بخوانم که تنها قادر باشم بروم روی منبر و یک منبر و یک روضه برای مردم بخوانم و تمام؟). لذا دلسرد شده بودم تا اینکه یک روز در حال رفتن به مسجد برای نماز، این نکته به ذهنم رسید که امام خمینی نیز از همین رشته رفته اند جلو و درس حوزوی ایشان را قادر ساخته تا بتوانند ایران و به تبع آن جهان را متحول سازند. این نکته نقطه امیدی شد برای دلگرمی بیشتر، به همین جهت سعی کردم این افکار را دور ریخته و مشغول تحصیل جدی شدم. در این بین گرچه وسوسه های برخی از دوستان و اظهار دلسردی آنان زیاد بود اما بنده تسلیم نشدم و سعی کردم به کار خودم ادامه دهم به همین جهت در سن ۱۴ سالگی به تنهائی به مشهد مقدس سفر کردم و به دنبال پذیرش به یکی از مدارس علمیه مشهد وارد شدم اما توفیقی حاصل نشد. از طرفی حوزه «تربت» برای مدتی با مشکلاتی مواجه بود که برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه شدم.

در یکی از سفرهای سیاحتی و زیارتی به همراه دوستان به کاشمر رفتم و به مدرسهٔ علمیه، سری زدیم. از حوزه آنجا خوشم آمد. در همان سفر درخواست پذیرش به مدیر مدرسه دادیم و پذیرفته شدیم. به همراه عده ای از دوستان رفتیم و به عنوان طلبه حوزه علمیه کاشمر در مدرسه «دانش» مستقر شدیم. پس از یکسال و اندی با توجه به اینکه دروس آنجا کافی نبود و هر چه درخواست می کردیم لااقل دو یا سه درس برای ما در روز گذاشته شود مسئول مدرسه که وقت نداشت موافقت نمی فرمود؛ تصمیم به هجرت

گرفتیم. بـا مشورت یکی از دوسـتان مقصـد را «قم» انتخـاب کردیم. در سـال ۱۳۶۵ به قم جهت تشـکیل پرونـده رفتیم و در آنجـا با مشـکلات عدیـده مواجه شـدیم. خـدمت حضـرت آیهٔ الله فاضل لنکرانی (دام عزه) رفتیم و ایشان با درخواست از یکی از آقایان، به صورت موقت در خوابگاهی در آذر مسـتقر شدیم. پس از یک سال به دلیل نداشـتن پرونده (لمعه امتحان باید می دادیم) عذر ما را خواسـتند و به مشـهد رفتیم. در سال ۱۳۶۶ در حوزه مشـهد پـذیرفته شدیم در آنجا ضـمن خواندن درس های معمولی حوزه، سـعی کردیم از محضر استاد «حجت هاشمی» استفاده بیشتر ببریم و لذا (ادبیات) را بعضاً تکرار و (مطول) را نیز خواندم.

درسال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه رضوی و سال ۱۳۷۷ فارق التحصیل در دوره کارشناسی و در همان سال، همزمان برای کارشناسی ارشد (فلسـفه و کلام) در دانشـگاه رضوی و دانشگاه قم پـذیرفته شدم که قم را اختیار نمودم. در سال ۱۳۸۰ از پایـان نامه ام دفاع کردم. همزمـان دروس حوزه را ادامه دادم. از سـال ۱۳۷۶ تا کنون در دروس اساتیـد بزرگوار (فقه و اصول) شـرکت می کنیم. از اساتیـدی چون: آیهٔ الله «رضازاده»، «فلسفی»، «مرتضوی در مشهد»، «وحید» و «فاضل لنکرانی» در قم بهره برده ام.

یوسفی مقدم، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق یوسفی مقدم

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۴۷ وارد حوزه علمیه شهرستان «تربت حیدریه» شدم و پس از اتمام سطح ابتدائی در سال ۱۳۵۳ به قم هجرت کردم و بـا شـرکت در امتحـان عمـومی حـوزه علمیه و قبولی، در مـدرسه حجـتیه اسـکان یـافتم. به طور مختصـر تحصیلات خودم را در محورهای (فلسفه، فقه، اصول و تفسیر) به شرح ذیل ارائه می نمایم:

نهایـهٔ الحکمه را از محضـر آیت الله «مصـباح یزدی»، شـرح منظومه را از محضـر آیت الله «انصاری شـیرازی»، مجلدات اشارات را از محضـر آیت الله «حسن زاده آملی» و مجلدات اسـفار را از محضـر آیت الله «جوادی آملی» اسـتفاده کرده ام. مدتی از تفسیر آیت الله «مشـکینی» و پس از آن مدتی از درسـهای تفسـیر آیت الله «جوادی آملی» اسـتفاده کرده ام. (لازم به ذکر است که در سابق به مدت کوتاهی در مشهد مقدس از تفسیر آیت الله «خامنه‌ای» نیز بهره برده ام.)، لمعتین را از محضر مرحوم آیت الله «فاضل هرندی»، قوانین الاـصول را از محضـر مرحوم آیت الله «مـدرس افغـانی»، وسائل شـیخ انصاری را از محضـر آیت الله «موسوی تهرانی»، مکاسب را از محضـر حضـرات آیات: «ستوده، محقق داماد و صانعی»، کفایهٔ الاصول را از محضر حضرات آیات: «مظاهری، پایانی و محقق داماد» استفاده کرده ام.

از درس خارج اساتیـد زیادی بهره برده ام از جمله: یک دوره کامل خارج اصول به مـدت ۹ سال و چنـدین سال خارج فقه آیت الله «فاضل لنکرانی»، حـدود ۹ سـال خـارج فقه و اصول آیت الله «وحیـد خراسـانی»، مـدت قابل توجهی از درس رجال آیت الله «شبیری زنجـانی» و آیت الله «حسـین نوری» اسـتفاده کرده ام. تقریبـاً تمـام کتب سـطح متوسـط و سـطح عـالی را تـدریس کرده ام. همچنین مقدمات را نیز تدریس کرده ام.

لازم به ذکر است که برای بررسـی رشد فکری شـیعیان مناطق مرزی، نشریه ای تحت عنوان «نشانه» منتشر می کردم که ۹ شماره آن منتشـر شده است. و همچنین برای رشد سـطح علمی و توانمندی روحانیون مناطق مرزی، مجله ای تحت عنوان «بشـیر» منتشر کرده ام که ۵ شماره آن منتشر شده است.

یوسفی، احمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدعلی یوسفی

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ در رشـته (فیزیک و ریاضی) با معدل ۱۴/۱۹ قبول و برای ادامه تحصـیل راهی دانشگاه شدم. در سال ۱۳۵۹ مقارن با

انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها، راهی حوزه علمیه قم شـدم. در حوزه علمیه قم در کنار دروس حوزوی به تبلیغ و حضور در جبهه هـای جنگ حق علیه باطل مشـغول بودم. در سال ۱۳۶۷ دروس حوزوی را به پایـان رسانـدم و دروس خـارج فقه و اصول را با شرکت در دروس حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «سبحانی» و «تبریزی» ادامه دادم.

بعد از جنگ در کنار دروس حوزوی، به جهت ضـرورت نظام جمهوری اسـلامی ایران در رشـته «اقتصاد اسـلامی» تحصـیل را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۵ در کنار دروس حوزوی، موفق به اخذ مدرک در مقطع کارشناسـی ارشد در رشـته اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی شـدم. هم اکنون ضـمن بهره مندی از دروس خارج فقه و اصول، مشـغول تدریس دروس حوزه و اشـتغال به نگارش پایان نامه سطح چهار در موضوع (خرید و فروش پول های اعتباری) هستم. مسئول پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (واحد قم).

یوسفی، سجاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سجاد یوسفی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه شـدم. در سال ۱۳۸۱ سـطح را تمـام کردم و حـدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی آملی»، «تبریزی»، «خراسـانی»، «مکـارم»، «شبیری» و «سـبحانی» اسـتفاده نمـوده ام. مـدتی در حوزه تبریز و مقـداری در قم مشـغول تـدریس (اصول فقه) و (فلسـفه) بودم و کتابهای جواهر النضیـد، کشف المراد، بدایـهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده ام. در ضـمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته ام قلم فرسایی کنم و در سنگر های مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم.

یوسفی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق، ادیب.

تولد: ۱۳۰۶، مشهد.

درگذشت: ۱۴ آذر ۱۳۶۹، تهران.

غلامحسن یوسـفی دوره‌ی تحصیلات دبستان و دبیرستان را در مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۲۵ وارد دانشگاه شد و از سال ۱۳۲۸ در رشـته‌ی زبان و ادبیات فارسـی فارغ‌التحصـیل گردیـد. وی در سال ۱۳۳۰ همزمـان بـا دریافت درجه‌ی دکتری در رشـته‌ی زبان و ادبیات فارسی، به دریافت درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی حقوق قضایی و علوم سیاسی نایل آمد.

دکتر یوسـفی ابتدا به عنوان دبیر دبیرسـتان‌های مشـهد و سپس به عنوان دانشـیار و بعدها در سـمت اسـتاد زبان و ادبیات فارسـی در دانشـگاه مشهد به تدریس اشتغال داشته است. وی یک سال سرپرست تربیت معلم خراسان و مدت چندین سال نیز سرپرست گروه آموزشـی زبـان و ادبیـات فارسـی بـوده است. مطـالعه و تحقیـق در کشورهـای فرانسه و انگلسـتان و تحقیق و تـدریس در آمریکـا و کوشـش در ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه از دیگر فعالیت‌های فرهنگی نامبرده است. از جمله آثار تألیف، تصحیح و ترجمه وی می‌توان به عنوان‌هـای زیر اشـاره نمود: تـألیف: تمرین فارسـی برای کلاس اول دبسـتان (با همکاری عبدالحسـین پازوکی، اکبر قنـدهاریان، غلامرضا، قهرمان، ۱۳۳۳)؛ فرخی سیسـتانی، بحثی در شـرح احوال، روزگار و شعر او (۱۳۴۱، کتاب برگزیده‌ی سال ۱۳۴۱، انجمن کتاب)، ابومسلم، سردار خراسان (۱۳۴۵)؛ نامه اهل خراسان (مجموعه مقالات، ۱۳۴۷)؛ دیداری با اهل قلم (دو جلد، ۱۳۵۷، ۱۳۵۵)؛ برگ‌هـایی در آغوش باد (مجموعه مقالات، دو جلـد، ۱۳۵۶)؛ کاغـذ زر (یادداشت‌هـایی ادبی و تاریخی، ۱۳۶۳)؛ روان‌های روشن (۱۳۶۳)؛ چشمه‌ی روشن (۱۳۶۹)؛ تصحیح و ترجمه: قابوس‌نامه (۱۳۴۵)؛ قابوس‌نامه‌ی درسی (۱۳۴۵)؛ التصفیه فی احوال المتصوفه (۱۳۴۷)؛ ترجمه‌ی تقویم الصـحه ابن بطلان (۱۳۵۰)؛ لطـائف الحکمه ارموی (۱۳۵۱)؛ گزیده‌ی قابوس‌نامه (۱۳۵۳، این کتـاب با نام درس زنـدگی: گزیده قابوس‌نامه نیز منتشـر شده است)؛ بوسـتان سـعدی (۱۳۵۹)؛ ملخص اللغـات خطیب کرمـانی (بـا همکای دکتر محمد دبیرسیاقی، ۱۳۶۲)؛ گلسـتان سعدی (۱۳۶۸)؛ داسـتان من و شـعر (نزار قبـانی، بـا همکای دکتر یوسف آبکار، ۱۳۵۶)؛ هدف ادبیات، اسـلوب عالی و فضایل ادبی (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی)، اما من شـما را دوست می‌داشتم (ژیلبر سبرون، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۲)؛ انسان دوستی در اسلام (مارسل بوازار، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۲)؛ شـیوه‌های نقـد ادبی (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی، ۱۳۶۶، برگزیده‌ی ششـمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ برگزیده‌ای از شعر عربی معاصر (اثر دکتر مصطفی بدوی، ترجمه از عربی با همکاری دکتر یوسف آبکار،

تهران، ۱۳۶۹)؛ چشم اندازی از ادبیات و هنر (ره ولک و دیگران، ترجمه از زبان انگلیسی، با همکاری محمدتقی امیر صدقیانی، ۱۳۶۹).

دکتر یوسفی در چهاردهم آذر ۱۳۶۹ درگذشت، پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حرم حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یوسفی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا یوسفی در سال ۱۳۳۲ در همدان متولد شد.وی نوشتن را با شعر و نمایشنامه آغاز کرد و پس از آن با داستان و فیلمنامه ادامه داد و اولین کار خود را در سال ۱۳۵۷ با نام « سال تحویل» منتشر کرد. کتاب " افسان ?بلیناس جادوگر "تالیف محمد رضا یوسفی ، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا یوسفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد و در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات تهران راه یافت و در سال ۱۳۵۶ موق به اخذ لیسانس ادبیات شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رضا یوسفی نوشتن را با شعر و نمایشنامه آغاز کرد و پس از آن با داستان و فیلمنامه ادامه داد و اولین کار خود را در سال ۱۳۵۷ با نام « سال تحویل» منتشر کرد. در سال ۱۹۹۶ م. با کتاب «حسنی به مکتب نمی رفت» دیپلم افتخار کنگر ?جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت.

جوائز و نشانها : محمد رضا یوسفی در سال ۱۹۹۶ م. با کتاب «حسنی به مکتب نمی رفت» دیپلم افتخار کنگر ?جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت. در سال ۱۹۹۸م. نیز همان جایزه را برای رمان « ستاره ای بنام غول» اخذ نمود. دیگر تالیف ایشان کتاب"افسان ?بلیناس جادوگر "است که این کتاب،، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : از محمد رضا یوسفی بیش از ۸۵ کتاب برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است. ----------------
----

آثار :

۱ افسان ?بلیناس جادوگر

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :«افسان ?بلیناس جادوگر» افسان ?بلیناس جادوگر/ محمدرضا یوسفی — . تهران: نشر پیدایش، ۱۳۷۷. این کتاب روایتی است نو از افسانه کهن که به زبانی شیوا و امروزی به تحریر در آمده است. افسان ?بلیناس جادوگر ، هم به لحاظ مضمون و هم به اعتبار شیو ?پردازش و نگارش، اثری ارزشمند است. نوآوری نویسنده در انتخاب موضوع و عطف توجه به تاریخ کهن و پردازش گیرا وانتخاب زبان مناسب از مهمترین ویژگیهای این اثر به شمار می روند.

۲ حسنی به مکتب نمی رفت

ویژگی اثر : تالیف،در سال ۱۹۹۶ م. کتاب مذکور،دیپلم افتخار کنگر ?جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت

۳ سال تحویل

ویژگی اثر : تالیف،۱۳۵۷

۴ ستاره ای بنام غول

ویژگی اثر : تالیف، در سال ۱۹۹۸ م. کتاب فوق ،دیپلم افتخار کنگر ?جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت

منابع زندگینامه : www.ketabesal.ir۱

یوسفی، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی یوسفی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱ زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در (نجف اشرف) متولد و در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی شروع به تحصیل مقدمات ادبیات عرب نزد پدرم آیهٔ الله «حاج میرزا محمود یوسفی غروی» نمودم. پس از اتمام دروس سطوح مقدماتی، متوسط و عالی در سال ۱۳۵۰ به بحث خارج فقه (عبادات – صلاهٔ الجماعه) مرحوم آیهٔ الله خوئی، اصول (استصحاب) از ایشان، فقه (معاملات) و مکاسب (بیع و خیارات) از مرحوم امام خمینی حاضر شدم. در سال ۱۳۵۲ به قم منتقل شدم و مدتی بحث فقه و اصول (سید محمد صادق حسینی روحانی) و سپس بحث فقه و اصول (آیهٔ الله سید کاظم حسینی حائری) حاضر شدم تا بعد از سال ۶۶.

پس از ۷۰ هجری شمسی در نجف اشرف کتاب های ادبی «نحوی و صرفی»، منطق، اصول، فقه، تبصره، المختصر النافع و شرح لمعه، و در حوزه قم در (بخش عربی مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی و معهد الدراسات الاسلامیه) دروس نحو، عقائد، مفاهیم اسلامی و تاریخ اسلام و پس از انقلاب در مدرسه (حجتیه) و سپس مدرسه (امام خمینی) درس تاریخ اسلام، حدیث، نهج البلاغه، علوم قرآن، اصول فقه، حلقات شهید صدر و مکاسب تدریس داشته ام. در دانشکده تربیت مربی، عقیدتی سیاسی، دانشکده اصول الدین، قرآن، حدیث در قم و در دزفول نیز در تفسیر و علوم قرآن، اصول فقه و تاریخ اسلام تدریس داشته ام.

در نجف اشرف مقالاتی علمی، عقیدتی در مجله «أجوبهٔ المسائل الدینیه» و در قم تحقیق و تصحیح کتاب هایی که در آثار یاد خواهد شد، داشته ام. و همچنان اشتغال تحقیقی و تالیفی در (تاریخ اسلام سیره نبوی)، (تاریخ امامان شیعه و خلفاء) و تدریس فقه مکاسب و أصول حلقات ۳ در مدرسه امام خمینی قدس سره دارم.

یوسفیان، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله یوسفیان

محل تولد : خلخال

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۴/۱۵

]زندگینامه علمی

اینجانب نعمت الله یوسفیان در روستای گیلوان از توابع شهرستان خلخال در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشودم. پدر بزرگوارم کاسب بود و از درآمد آن زندگی ما را تامین می کرد و مادرم زنی پاکدامن و متدین و خانه دار بود. برخی از بستگان مادری ام از خاندان جلیل القدر سادات و تعدادی روحانی متشخص هستند. در کودکی وارد مکتب خانه مرحوم «امیر توکلی» که مردی با تقوا، متدین، باصفا و پرتلاش بود، شدم و قرآن کریم را نزد او آموختم. کلاس اول ابتدایی را در روستا خواندم و پس از آن به شهر «ماسال» از توابع استان گیلان مهاجرت کردیم و دروس دبستانی، راهنمایی و دبیرستان را در همان جا ادامه دادم و دیپلم خود را در رشته علوم تجربی گرفتم.

در ایام تحصیل، همواره از شوق هجرت به قم بی تاب بودم و لحظه شماری می کردم و سر انجام توفیق یار شد و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۹، مقدمات کار فراهم شد و به قم آمدم. دروس مقدماتی حوزه را در مدرسه «امام صادق (ع)» و «رسول اکرم (ص)» فرا گرفتم. پس از آن دروس سطح را شروع کردم. بخشی از دروس سطح را در مدرسه «رسول اکرم (ص)» و «مدرسه امام باقر (ع)» خواندم. در سال ۱۳۶۵ اولین سال برگزاری امتحانات حوزه به صورت کتبی در امتحانات عمومی حوزه در پایه پنجم شرکت کردم و با اخذ رتبه اول قبول شدم و مشمول عنایات و تشویقات حضرات آیات عظام مانند: امام خمینی (ره)، آیهٔ الله گلپایگانی و ... قرار گرفتم. از آن پس نیز همچنان با علاقه ای وافر به تحصیل علوم اسلامی ادامه می دادم.

در اواخر سالهایی که به دروس عالی سطح اشتغال داشتم، دروس خارج را نیز شروع کردم. در سال ۱۳۷۳ در امتحانات ویژه سطح چهار حوزه در قسمت مدارج علمی شرکت کردم و پس از قبولی در امتحانات، درباره (قاعده لاضرر) موضوع گرفته، به تدوین رساله علمی پرداختم. تدوین این رساله پایان یافت و در تاریخ ۲۹/۱/۱۳۷۵ به بخش مدارج علمی ارائه گردید. پس از بررسی هیأت داوران مورد تقدیر قرار گرفت و با لطف و عنایت خداوند متعال با کیفیت خوب پذیرفته شد.

دروس مقدمات را نزد اساتیدی همچون: حجج اسلام آقایان مقدادیان، رازینی، ظهیری، طالقانی، فتوحی و دیگران فرا گرفتم. در دروس سطح از محضر استاد: سید احمد خاتمی، صالحی افغانی، آیت الله اشتهاردی، مرحوم آیت الله وجدانی، استاد بنی فضل، استاد مصطفی اعتمادی، استاد پایانی، طاهر، شمس، صالحی مازندرانی و دیگران بهره مند شدم. در دروس خارج نیز از محضر آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «تبریزی» و ... خوشه چینی کردم. مدتی از درس تفسیر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. بخش نهایه را نزد استاد آیت الله «ممدوحی» و کشف المراد را نزد آیت الله «سبحانی» خوانده ام. در بعضی از دروس کلامی از محضر استاد «ربانی گلپایگانی» استفاده کرده ام. در طول تحصیل در درس اخلاق آیت الله «مشکینی (ره)» و آیت

الله «مظاهری» فراوان شرکت کرده و بهره مند شده ام.

هم بحثی های من عبارت بودند از: شهید علی اصغر حسینی، شهید یوسف محمدی، شهید قاسم رحیمی، آقای محمد عبیری، اصغر صدیقی، طبسی، حجتی، فروتن، شیخ جمال یاری و ....

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».